۲۳

علم مفاهیم شناسی در قرآن



نویسنده: رسول ملکیان اصفهانی

بسم الله الرحمن الرحیم

علم مفاهیم شناسی در قرآن

نویسنده:

رسول ملکیان اصفهانی

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

علم مفاهیم شناسی در قرآن جلد بیست و سوم- حرف ق

مشخصات کتاب

سرشناسه:رسول ملکیان اصفهانی،۱۳۴۴

عنوان و نام پدیدآور:علم مفاهیم شناسی در قرآن جلد بیست و سوم- حرف ق/ رسول ملکیان اصفهانی

مشخصات نشر دیجیتالی:اصفهان:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری:نرم افزار تلفن همراه و رایانه

تلفن همراه مولف : ۰۹۱۳۱۱۴۰۱۴۰

موضوع: علم – مفاهیم قرآنی

رده بندی کنگره : BP۶۵/۴آ۵

رده بندی دیویی : ۳۷۲/۲۱ د۵۷۷آ ۱۳۹۰

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحیم

علم مفاهیم شناسی قرآن

۱-قرآن کتاب خداست که برای هدایت ناس وبشروانسان و مسلمان و مومنین و متقین نازل شده است ؛ و ازمعجزات جاویدان محسوب می شود ؛ چه انسانهای مومن و خدا جوئی که با معرفت و عمل به این کتاب آسمانی به سعادت رسیدند و چه دانشمندان بزرگی که درطول بیش از چهارده قرآن برای فهم و نشر معارف این کتاب کریم عمرخود را گذاشته اند. هرزمانی که ازاین کتاب می گذرد تازه هائی ازمعارف این کتاب الهی کشف می گردد و این جریان همچنان ادامه دارد. درپرتو این تلاشهای شایسته علومی زیادی ازمعارف و علوم قرآنی برای ما به یادگارباقی مانده است . که ازمهمترین آن می توان از تفسیرقرآن نام برد. این علم براساس مقدماتی ازعلوم است مثل مفردات قرآن.

شاید بتوان گفت علم مفاهیم شناسی قرآن حد واسط بین معنی کلمه (علم مفردات) و (علم تفسیر قرآن) است. علم مفاهیم شناسی قرآن یک علم جدیدی است که نه می توان علم مفردات قرآن آن را دانست زیرا فراترازآن است و نه می توان آن را علم تفسیرنامید زیرا اساسا با آن متفاوت است.

تفسیر به معنای «دانش تفسیر»، یعنی علمی که دارای ارکان مشهور علم (موضوع، مسائل، مبادی تصوری و تصدیقی) است و

تفسیر دارای موضوع، تعریف،هدف،

فایـده، پیش انگـاره هـا (مبانی و مبادی) و ... است. ازاین رو، تفسـیر از علوم مرتبط با قرآن به شـمار می آیـد که بیش از هزار سال عمر دارد.

علم تفسـیر به دانشـی گفته می شود که انسـان را بـا معانی و مقاصـد آیات قرآن و منابع، مبانی، روش ها، معیارها و قواعـد آن آشنا می سازد.

به عبـارت دیگر، دانش تفسـیر از چنـد بخش اساسـی تشـکیل می شود: ۱) مبانی تفسـیر؛ ۲) قواعد تفسـیر؛ ۳) منابع تفسـیر؛ ۴) شرایط مفسر؛ ۵) سنجه های فهم تفسیر و معیارهای تفسیر معتبر؛ ۶) روش های تفسیری؛ ۷) گرایش ها (مکاتب) تفسیری.

موضوع علم تفسـیر: آیات قرآن (سـخنان الهی که در قالب وحی قرآنی بر پیامبر اسـلام صـلی الله علیه و آله و سـلم نازل شـده است).

هدف دانش تفسیر: کسب توان استنباط صحیح از آیات قرآن.

فایده علم تفسیر: فهم مراد استعمالی (معانی آیات) و مراد جدّی خدا (مقاصد آیات).

۲-اگرمفاهیم قرآن خوب تبیین و توصـیف شودمقـدمه تفسـیرخواهد شد و تفسـیر قرآن از غنای بیشتری برخوردار خواهد شد. این دانش که مربوط به مجموعه دانشـهای نوین زبانشناسـی است می باشـد . زبانشناسـی بیشتر نـاظر به کلام انسـانی است که دردورهـای مختلف شامـل کلام هـای مقـدس(کتابهـای آسـمانی) نیز شـده است . زبـان شناسـی شامـل: زبـان شناسـی نظری؛ آواشناسی ؛ واج شناسی ؛ واژه شناسی ؛ ساخت واژه ؛ نحو ؛ معناشناسی ؛ معناشناسی واژگانی ؛ معناشناسی آماری ؛ معناشناسی ساختـاری ؛ سبک شناسـی ؛ تجویز و توصـیف ؛ کاربردشناسـی ؛ زبانشناسـی کـاربردی ؛ اکتسـاب زبـان ؛ زبـان شناسـی روان شنـاختی ؛ زبان شناسـی جامعه شـناختی ؛ زبان شناسـی شـناختی ؛ جامعه شناسـی زبان ؛ زبان شناسـی محاسـباتی؛ زبان شناسـی توصـیفی ؛ زبان شناسـی تاریخی ؛ زبان شناسـی تطبیقی ؛ رده شناسی زبان ؛ دستور گشتاری ؛ریشه شناسی. و همچنین توجه به نظریات هرمنوتیک

ومتودولوژی می تواند تاثیرات خوبی درمباحث شناخت قرآن داشته باشد وفضاهای جدید تحقیقات قرآنی ایجاد نماید.

۳-اگر تفسیرما از پیشرفت مناسبی برخوردار نیست دلیل عمده آن این است که روی مقدمات تفسیر کارهای اصلی صورت نگرفته است . این مسئله برای هرکس که باتفسیرقرآن آشنا باشد بدیهی است. برای روشن شدن زوایای پنهان و آشکارقرآن بیش از ده هزارکتاب نوشته شده است ولی می توان به جرات گفت مسلمانان و بشرهنوزبه صورت کامل ازاین ذخیره الهی بهره لازم را نبرده است و استخراجات لازم راازاین گنج الهی نکرده است.

۴-بعضی آیات قرآن قرنها از نظر تفسیری هیچ پیشرفتی نداشته است .و مثل آن است که تفاسیر از روی هم بازنویسی کرده اند و اگر حرف تازه ای هم زده شده است بیشتر جنبه فرقه ای و گرایشی داشته که اکثرا به تاویل آیات و یا بهتر بگوئیم تفسیر به رای شده است.چگونه می توان یک آیه و یا یک سوره را خوب تفسیرکرد در صورتی که زوایای آشکار و پنهان کلمات خوب کالبد شکافی نشده باشد. برای آشکارشدن این مدعی تفاسیرقرآن را براساس قرون طبقه بندی کرده و سیرپیشرفت معانی و مفاهیم و تفاسیرآیات را درآن براساس استاندارهای علمی و روش های نوین بررسی کنید.

۵-متاسفانه در زمان معاصر که به این مسئله مهم یعنی مفاهیم آیات کمی توجه شده است بعضی آن را با شرح لغت اشتباه گرفته اند وکتابهائی به همین نام تالیف شده است واسم کتاب خود را مفا هیم قرآن گذاشته اند و حال آنکه اصلا به مفاهیم نپرداخته اند و یک مقداربیشتر از حد معمول از ترجمه لغت فرارفته اند و دراین زمینه

مراکز قرآنی وعلمی را نیز به اشتباه انداخته اند.

۶-علم مفردات یا واژه شناسی در قرآن دانشی است که در باره تک واژ ه های قرآنی از نظر ریشه اشتقاق لغوی و دلالت آن بر معنای مطلوب مناسب و نوع کاربرد آن در قران بحث می کند بدین منظور که هرگاه شخصی معنای واژه های قرآنی را نمی داند با مراجعه به کتابهای لغوی مانند مفردات راغب می تواند معنا و ریشه موارد اشتقاقی و نوع کاربرد آن را بشناسد . و حال آنکه علم مفاهیم شناسی قرآن درباره یک واژه و معنای آن درتمام حالات علمی و ادبی درقرآن بحث می کند با این توضیح تفاوت عمده و عمیق علم مفردات با علم مفاهیم تا حدودی روشن شد.

علم مفردات شاخه های فراوانی دارد که به بعضی از آنها اشاره می شود:

الف- دانش غریب القرآن

ب-معرب القرآن که در آن در مورد واژه هائی که از زبانهای دیگر به زبان قرآن وارد شده و به صورت عربی در آمده بحث می کند.

ج- اعراب القرآن در خصوص چگونکی اعراب الفاظ قرآن بحث می کند

د-مجازات قرآن انواع مجازهای به کار رفته در قرآن در این شاخه بحث می شود.

ه- وجوه و نظائر در قرآن

و بعضی دیگر از موضوعات علوم قرآن که بنوعی با مفردات قرآن سرو کار دارد.

دانشمندا ن بزرگی به تبیین واژه های قرآنی پرداخته اند و برخی از آنها کتابهائی را نیز تدوین نموده اند که تفصیل آنها در کتابهای رجال مانند : معجم الادباء ، تاریخ بغداد، فهرست ابن ندیم، اعلام زرکلی و .....آمده است.

برای آگاهی از این کتابها می توانید به مجله

بینات شماره هفت و نه مراجعه کنید که بیش از سیصد جلد کتاب معرفی شده است.

۷- مفاهیم قرآن به معنای تحقیق کامل و جامع در باره بنیان آشکارو نهان یک لغت است؛ وبررسی سابقه و شرح آن در کل مجموعه آیات قرآن است. و همچنین تمام کاربردهای علمی و ادبی آن را بررسی کردن است. واین تقریبا یک علم کاملا جدید درباره قرآن است. زیرا باید نقش یک مفهوم را در تمام قرآن درقالب یک کلمه و ارتباطات آن مشخص کرد.تحقیق درباره مفاهیم شناسی قرآن کارساده ای نیست وافراد باید صاحب تخصص های گوناگونی باشند. و بصورت گروهی کارکنند . مفهوم شناسی قرآن بعد ازآشنائی علوم ادبی و منطقی وفلسفی و عرفانی و تاریخی وفقهی و غیره برای محققین حاصل می شود. تازه این بررسی نقش یک کلمه و مفهوم درقرآن است ؛ حال آنکه اگرما خواستیم نقش مفهوم یک جمله و یا چند جمله و یا یک آیه و یا یک سوره را نسبت به یک جمله و یا چند جمله و یا یک آیه ویا یک سوره دیگربررسی کنیم ؛ ببینید چه نیروی انسانی دانشمند و چه سرمایه مالی هنگفت و چه تکنولوژی(ابرریانه) و امکانات نرم افزاری و علمی و سخت افزاری نیاز است. ولی به هرحال کاری است که باید درآینده نزدیک انشاء الله بشود.

۸-قران را می توان مثل قطعات متنوع هندسی (Magnets game) فرض کرد که به بی نهایت اشکال قابل تصوراست اگرشما به یک آجردریک ساختمان بسیاربزرگ و چند هکتاری توجه کنید و نقش این آجردرکل مجموعه را بررسی کنید یک تصورمفهومی بدست آورده اید که جایگاه ومعنای آن را

درمنظومه این ساختمان به شما نشان می دهد و تصور بود ونبود آن دراین منظومه به کل آن می تواند کمک کند و یا آسیب برساند. پس باید درنظرداشت هریک ازکلمات قرآن مفهومی دربردارد که باتمام کلمات و جملات قرآن ارتباط دارد ارتباطی که درطول تاریخ تفسیرقرآن کشف نشده است . و ازاین مبنا استنتاجات بسیاری می توان استخراج کرد که درلابلای بعضی از تفاسیرآمده است.

۹–البته شاید بتوان گفت مفاهیم قرآن یک رشته جدید در علوم و معارف قرآن است و مربوط به دوران معاصر است زیراکه بسیاری از علوم در حدود نیم قرن جدید تحولات جدی بخود گرفته اند. با استفاده ازابزارو امکانات جدید بویژه رایانه وبرنامه ریزی برای آن می توان به این علم دسترسی پیدا کرد. این علم بصورت رسمی هنوزوارد حوزه و دانشگاه نشده است و مطالب آن بصورت گسیخته درضمن مطالب دیگربیان می شود. هراستادی با توجه به شناخت نسبی خود از آن بحث می کند وبسیاری آن را بعنوان یک علم قرآنی نه می شناسند و نه قبول دارند. اینجانب بعد ازحدود سی سال آشنائی با علوم دینی و اسلامی وقرآنی و بعد تمرکزبرروی این موضوع (علم مفاهیم شناسی قرآن) وکشف آن در تفسیرشریف راهنما به این امرخطیرنائل شدم و خداوند رحیم افق نوردیدن آن را بمن نشان داد. و این چیزی بود که بصورت متفاوت در بعضی مکتوبات قرآنی با آن برخورد می کردم که خود داستانهای زیبا و دلنشینی دارد. خیلی دوست داشتم با قرآن مانوس باشم و روزانه چندین نوبت تلاوت داشته باشم ولی بعضی از مواقع یک کلمه و یا یک جمله قرآن و نقش

آن درکل قرآن فکرودل من را بخودش مشغول می کرد و ساعتها و روزها وقت مرا می گرفت و رهایم نمی کرد ؛ نمی توانستم از آن مفهوم کلمه و جمله و آیه دلم را جدا بکنم ؛ هرلحظه و زمانی که می گذشت رخ جدیدی از آن برایم کشف می شد ولی همیشه دوست داشتم یک راهی پیدا کنم که آن را به صورت علمی درمعرض دیگران قراردهم ؛ ولی عظمت کارونداشتن ابزار و امکانات لازم من را از آن باز می داشت تا اینکه این توفیق نسبی برایم حاصل شد. و برای همین همیشه درحیرتم که قلب مقدس اشرف و اکرم واعظم انبیاء یعنی حضرت محمد مصطفی (ص) چگونه این حجم با عظمت معنوی را درسینه مبارکشان داشتند و آن را حمل می کردنند. آری این کلمات و آیات الهی است که بی نهایت بارقابل استناد و استدلال و فیض جاری است و هنرنمائی می کند.کاری که ازعهده هیچ مجموعه و دستگاه علمی برنمی آید. کاریکه من انجام داده ام کاری است که اصل زحمت آن را دانشمندان اسلامی درتفسیرقیم راهنما انجام داد ه اند و من فقط آن را دیده و استخراج و تالیف کرد ه ام ؛ هرچند که قبل ازمن به این صورت کسی انجام نداده است.

۱۰–ازخوبیهای علم دردوران جدید این است که آنچه را درتصورذهن و یا کشف دل و یا توهم و یا خیال بود امروز می توان بصورت علم درآورد و به معرض نمایش و عموم گذاشت . شما نگاه کنید در زمان ما مسائلی حتی مثل طی الارض و روی آب راه رفتن ونامرئی شدن و

صـدها نمونه از این دست به صورت علمی دسته بنـدی و طبقه بندی شده است. چه برسد به علومی که ازقواعد و ضوابط مثل تفسیرقرآن برخورداراست.

۱۱- بسیاری ازتفاسیر که دردوران قدیم نوشته شده است درمحدوده علم آموزی ودانش یک فرد و بسته به نوع کتابهای تفسیری و امکاناتی که دراختیارداشته و گرایش و هدفی که داشته است.درصورتیکه درزمان معاصربابد ازنوشتن تکراری و بیهوده این تفاسیرخودداری کرد و زیرنظرمجموعه ای ازاساتید ، تفسیرهمه جانبه نوشت.وحوزهای پژوهشی عظیمی به این امرمهم اختصاص یابد. امید است درآینده حوزه های علمی بزرگ و دانشگاههای بزرگ قرآنی درراستای آموزش و پژوهش های قرآنی بیش ازآن چیزی که امروزوجود دارد تاسیس شود.

۱۲- داشتن روش هدفمند و اصولی و رعایت آن درطول نگارش تفاسیرازنکات مهمی است که مفسرین باید رعایت کنند. زیرا مفسرین بزرگ قرآن بعضی ازموارد یک مفهوم را دریک جای قرآن به یک معنا گرفته اند و درجاهای دیگرقرآن از آن عدول کرده اند مثل آن است که یک جا در قرآن ما کلمه(صلوة) را به این شکل و درجاهای دیگرقرآن بصورت (صلاة) بنویسیم. اگرما توانستیم به معنای واقعی و مفهوم (روح) یا (امر) یا (امام) و ....درقرآن برسیم باید بااین ملاک واحد درکل قرآن به تحقیق بپردازیم.

۱۳-اگرخواستیم عظمت قرآن را درنظربگیریم باید اینطورتصورکرد که تمام عالم هستی دو بارتکرار شده است یکباربصورت عینی درعالم خارج و یکباربصورت مکتوب به صورت قرآن و اگرگفته عرفاء را به آن اضافه کنیم به این صورت استکه وجود انسان قرآنی (کامل) دو چهره دارد یکی به صورت عینی یعنی جهان خارج و دیگری بصورت مکتوب یعنی قرآن.

۱۴-قرآن کریم در آیه ی بیست و

یکم سوره ی حجر به سرچشمه و منبع موجودات و نزول معیّن آنها اشاره کرده، می فرماید:

(وَ إِن مِّن شَیْ ءٍ إِلَّا عِندَنَا خَزَآئِنُهُ وَمَا نُنَزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ)

و هیچ چیزی نیست جز آن که منابعش نزد ماست؛ و [لی] جز به اندازه معیّن آن را فرو نمی فرستیم.

«خزائن» در اصل به معنای حفظ و نگه داری چیزی است و در اصطلاح به معنای محلی است که افراد، اموالشان را در آن گردآوری و حفظ می کنند.

این مفهوم در مورد انسان ها صادق است که قدرت محدود دارند و نمی توانند در هر عصری همه چیز را فراهم کنند، اما در مورد خدا تصور نمی شود.

پس خزاین الهی، یا به معنای «مقدورات الهی» است؛ یعنی همه چیز در منبع قدرت الهی جمع است و هر وقت بخواهد هر مقدار که لازم باشد ایجاد می کند و یا به معنای مجموعه ی اموری است که در عالم هستی و جهانِ ماده وجود دارند؛ مثل عناصر و اسباب، که در این مجموعه همه چیز فراوان است، اما هر موجود خاص آن به صورت محدود ایجاد می شود.

قرآن خداوند نیز ازهمین سنخ است که متصل به دریای بی کرانه وجود خداوند است و هروقت خداوند بخواهد مقداری از معنای آن را برای ما ایجاد می کند . و چهره کامل آن درزمان حکومت حضرت ولی عصر(عج) ظهور می کند. انشاء الله.

۱۵- قرآن کریم در آیه ی چهل و یکم سوره ی بقره با اشاره به رابطه ی قرآن با کتب آسمانی پیشین، چهار فرمان در مورد پاس داشت قرآن می دهد و می فرماید:

(وَآمِنُوْا بِمَا أَنْزَلْتُ مُصَدِّقاً لِمَا مَعَکُمْ وَلَا تَکُونُوا أَوَّلَ کَافِرٍ بِهِ وَلَا تَشْتَرُوا بِآیَاتِی ثَمَناً قَلِیلًا وَإِیَّایَ فَاتَّقُونِ)

و به آنچه

فرو فرستادم (/ قرآن) ایمان آورید، در حالی که مؤید چیزی است که با شماست. و نخستین انکار کننده آن نباشید؛ و بهای اندک را با آیات من مبادله نکنید؛ و تنها (از عذاب) من (خودتان) را حفظ کنید.

خداوند می فرماید قرآن را ارزان نفروشید قدروقیمت وعظمت آن را دریابید و برای رسیدن به آن بهای لازم را بپردازید. هرآیه قرآن مثل عروسی بلند مرتبه ای است که تا بهای آن پرداخته نشود رخ نمی نماید بعضی ازموارد این بهاء به قیمت جان و حقیقت انسان است . کسانیکه خادم قرآن هستند باید همیشه این را مد نظرداشته باشند.

عروس حضرت قرآن نقاب آن گه براندازدکه دارالملک ایمان را مجرد یابد از غوغا

(سنائی)

–

۱۶- دراین قسمت برای اینکه وظیفه ما نسبت به قرآن مشخص شود سخن رهبرعظیم الشان انقلاب اسلامی دردنیای معاصرحضرت امام خمینی(ره) را می آورم: (جلد بیستم صحیفه امام خمینی(ره)- صفحه ۹۱ تا ۹۳- پیام به مردم زائران بیت الله الحرام به مناسبت ایام حج "مهجوریت حج ابراهیمی "):

(از انس با قرآن کریم ، این صحیفه الهی و کتاب هدایت ، غفلت نورزند که مسلمانان هر چه دارند و خواهند داشت در طول تاریخ گذشته و آینده ازبرکات سرشار این کتاب مقدس است . و از همین فرصت از تمامی علمای اعلام و فرزندان قرآن و دانشمندان ارجمند تقاضا دارم که از کتاب مقدسی که تبیان کل شی ءاست و صادر از مقام جمع الهی به قلب نور اول و ظهور جمع الجمع تابیده است ، غفلت نفرمایند. این کتاب آسمانی – الهی که صورت عینی و کتبی جمیع اسما و صفات و آیات وبینات

است و از مقامات غیبی آن دست ما کوتاه است و جز وجود اقدس جامع من خوطب به از اسرار آن کسی آگاه نیست و به برکت آن ذات مقدس و به تعلیم او خلص اولیای عظام دریافت آن نموده اند و به برکت مجاهدات و ریاضتهای قلبیه ، خلص اهل معرفت به پرتوی از آن به قدر استعداد و مراتب سیر بهره مند شده اند و اکنون صورت کتبی آن ،که به لسان وحی بعد از نزول از مراحل و مراتب ، بی کم و کاست و بدون یک حرف کم وزیاد به دست ما افتاده است ، خدای نخواسته مباد که مهجور شود و گر چه ابعاد مختلفه آن و در هر بعد مراحل و مراتب آن از دسترس بشر عادی دور است لکن به اندازه علم ومعرفت و استعدادهای اهل معرفت و تحقیق در رشته های مختلف ، به بیانها و زبانهای متفاوت نزدیک به فهم از این خزینه لایتناهای عرفان الهی و بحر مواج کشف محمدی -صلی الله علیه و آله و سلم - بهره هایی بردارند و به دیگران بدهند و اهل فلسفه و برهان بابررسی رموزی که خاص این کتاب الهی است و با اشارات از آن مسائل عمیق گذشته ،براهین فلسفه الهی را کشف و حل کرده ، در دسترس اهلش قرار دهند. و وارستگان صاحب آداب قلبی و مراقبات باطنی رشحه و جرعه ای از آنچه قلب عوالم از "ادبنی ربی " دریافت فرموده ، برای تشنگان این کوثر به هدیه آورند و آنان را مودب به آداب الله تا حد میسور نمایند. و متقیان تشنه هدایت

بارقه ای از آنچه به نور تقوا از این سرچشمه جوشان هدی للمتقین هدایت یافته اند، برای عاشقان سوخته هدایت الله به ارمغان آورند. و بالاخره هر طایفه ای از علمای اعلام و دانشمندان معظم به بعدی از ابعاد الهی این کتاب مقدس دامن به کمر زده و قلم به دست گرفته و آرزوی عاشقان قرآن رابرآورند و در ابعاد سیاسی ، اجتماعی ، اقتصادی ، نظامی ، فرهنگی و جنگ و صلح قرآن وقت صرف فرمایند تا معلوم شود این کتاب سرچشمه همه چیز است ؛ از عرفان و فلسفه تاادب و سیاست ، تا بیخبران نگویند عرفان و فلسفه بافته ها و تخیلاتی بیش نیست وریاضت و سیر و سلوک کار درویشان قلندر است ، یا اسلام به سیاست و حکومت و اداره کشور چه کار دارد که این کار سلاطین و روسای جمهور و اهل دنیاست . یا اسلام دین صلح و سازش است و حتی از جنگ و جدال با ستمکاران بری است . و به سر قرآن آن آورند که کلیسای جاهل و سیاستمداران بازیگر به سر دین مسیح عظیم الشان آوردند.

هان ای حوزه های علمیه و دانشگاههای اهل تحقیق ! بپاخیزید و قرآن کریم را ازشرجاهلان متنسك و عالمان متهتك كه از روی علم و عمد به قرآن و اسلام تاخته ومی تازند، نجات دهید. و اینجانب از روی جد، نه تعارف معمولی ، می گویم از عمر به بادرفته خود در راه اشتباه و جهالت تاسف دارم . و شما ای فرزندان برومند اسلام ! حوزه ها ودانشگاهها را از توجه به شئونات قرآن و ابعاد بسیار مختلف

آن بیدار کنید. تدریس قرآن در هر رشته ای از آن را محط نظر و مقصد اعلای خود قرار دهید. مبادا خدای ناخواسته در آخر عمر که ضعف پیری بر شما هجوم کرد از کرده ها پشیمان و تاسف برایام جوانی بخورید همچون نویسنده .

باید بدانیم حکمت آنکه این کتاب جاوید ابدی که برای راهنمایی بشر به هر رنگ و ملیت و در هر قطب و قطر، تا قیام ساعت نازل گردیده است ، آن است که مسائل مهم حیاتی را چه در معنویات و چه در نظام ملکی زنده نگه دارد و بفهماند که مسائل این کتاب برای یک عصر و یک ناحیه نیست .)

۱۷- منطق شیوه ی تفکر صحیح را می آموزد حال اگر کسی بخواهد اندیشه ها و تفکرات خود را به دیگری منتقل کند. یعنی بخواهد از آنچه در ذهن خودش می گذرد دیگری را آگاه سازد ناچار از سخن استفاده می کند، یعنی الفاظ را برای افاده ی مقصود خود به کار می برد.

مردم عادی چنین می پندارند که انسان نخست می اندیشند سپس اندیشه های خود را در قالب الفاظ بر زبان می آورد. اما با کمی دقت نظر معلوم می شود که اساساً تفکر بدون استعمال الفاظ امکان پذیر نیست. حتی وقتی که آدمی لب را از سخن فروبسته و به اندیشه فرورفته باشد، باز در واقع با یک سلسله الفاظ مخیّل به تفکر می پردازد و به قول حکما، گویی با خود «حدیث نفس» یا نجوا می کند، به همین جهت است که تفکر و تعقل را نطق باطن می نامند (در مقابل نطق

ظاهر که با الفاظ مسموع انجام می یابد) پرورش ذهنی و فکری آدمی و از قوه به فعل درآوردن استعدادهای معرفتی او جز به کار بردن لفظ امکان پذیر نیست. پس زبان اولاً توأم و همراه با اندیشه های درونی آدمی است. ثانیاً موجب انتقال دانش و فرهنگ و تمدن به دیگران است و آموزش و پرورش بدون استعانت از آن امکانپذیر نیست. همین نیاز مبرم آدمی به زبان موجب شده است که به وضع الفاظ بپردازد و در برابر هر معنایی لفظی را که نمایانگر آن معنی باشد قرار دهد.

چنانکه معلوم است هر لفظ مسموع صوتی است که در هوا پخش می شود و به سرعت محو می گردد. یعنی علامتی است فرار و ناپایدار که عمرآن لحظه ای بیش نیست و فقط هنگام رویارویی با دیگران بکار می رود. اما آدمی مایل است افکار و اندیشه ها و خواسته های خود را به مکانهای دور دست و به آیندگان و کسانی که با او رویاروی نیستند نیز برساند. به همین جهت به وضع الفاظ بسنده نکرده و یک سلسله علایم دیگر نیز وضع کرده که همان خط یا علایم مکتوب یا الفباست. علایمی به مراتب پایدارتر و ثابت تر از الفاظ، این علائم مکتوب را نشان و دال بر الفاظ قرار داده است.

بنابراین علایم مکتوب یا خط یا وجود کتبی دلالت بر حفظ، یعنی اصوات معین ، دارد. به عبارت مختصرتر وجود کتبی دال بر وجود لفظی است ، همانطور که وجود لفظی دال بر معنای ذهنی است و معنای ذهنی دال بر شیء خارجی.

وجود کتبی (علایم کتبی یا خطی) — وجود

لفظی (علایم ملفوظ یعنی اصواتی که با اتکاء به مخارج حروف از دهان خارج می شود) – وجود ذهنی (معنی ذهنی یا صورت ذهنی) – وجود عینی (وجود خارجی یا شی خارجی)

به عبارت موجزتر شیء دارای چهار نحوه وجود است. وجود عینی و وجود ذهنی و وجود لفظی و وجود کتبی . از آنجا که نقش الفاظ در تفکرات آدمی تا این درجه است. منطق دانان در آغاز منطق مبحثی را نیز به الفاظ اختصاص می دهند و البته بحث آنها از الفاظ بحثی است بسیار کلی به نحوی که کم و بیش شامل همه زبانها می شود. بر خلاف بحث علمای دستورزبان که اختصاص بزبانی معین دارد.(علم منطق – رشته های نظری و علوم انسانی و معارف اسلامی)

براین اساس وجود لفظی و کتبی را اعتباری و وجود ذهنی و عینی را حقیقی می دانند.

اگربراین مبنا به قرآن رانگاه کنیم؛ فعالیتهای علمی و قرآنی ما ازچهارحالت خارج نیست:

الف-وجود لفظی قرآن که شامل روخوانی ؛ روان خوانی ؛ تندخوانی؛ صوت ولحن؛ علم تجوید ؛ انواع قرائات قرآنی؛ حفظ ظاهری قرآن؛و تمام فعالیتهائی که دراین حوزه لفظی قرآن می شود.

ب-وجود کتبی قرآن که شامل انواع رسم الخط ونوشتن قرآن ؛ چاپ قرآن؛ تمام کارهای هنری مربوط به قرآن.

ج-وجود ذهنی قرآن یعنی آنچه درذهن مردم مسلمان یا جامعه بشری یا مفسرومحقق قرآن وجود داردو بر روی آن تدبرو تفکرمی کند و آن را نشر وارائه می دهد.و شامل تمام تفاسیر و معارف و علوم قرآنی می شود.

د-وجود عینی قرآن که به دوصورت جلوه می کند یا بصورت فردی که دریک انسان قرآنی درخارج مصداق پیدا می کند

و حقیقی ترین آن امام معصوم است که واقعیت قرآن و مظهرعینی کامل قرآن درعالم خارج است و قرآن ناطق است و درزمان ما حضرت امام ولی عصر(عج) می باشد ویا بصورت جمعی تجلی و ظهورپیدا می کند که جامعه اسلامی و قرآنی و حکومت اسلامی مهدویت است که انشاء الله درآینده ما شاهد و عامل آن خواهیم بود.

به هرحال هرکس که عالم وخادم قرآن باشد بصورت حصرعقلی ازیکی ازاین چهارقسم خارج نیست ؛ و کسیکه درحوزه علم مفاهیم شناسی قرآن فعالیت و تحقیق و مطالعه می کند دربخش سوم (وجود ذهنی) جایگاه می یابد ووقتی درعرصه نشرمکتوب می پردازد درجایگاه دوم (وجود کتبی) فعال است.

اگربخواهیم توضیح مفصل دهیم که علم مفاهیم قرآن شناسی چیست ؟ باید کتابهای مستقلی تالیف گردد ؛ که امیدواریم این مهم درآینده نزدیک انجام گیرد.

۱۷-ما در اینجا براساس امکانات و ابزار و نرم افزارهای علمی بیش ازهزارتا از کلمات قرآن را مفهوم شناسی وبراساس حروف الفبا استخراج کرده ایم ؛ باشد که انشا ء الله در آینده این علم(مفهوم شناسی قرآنی) توسعه لازم را بنماید. از بین تفاسیرتفسیرراهنما را ملاک قرارداده ایم که نسبت به تمام تفسیرهای قرآن بعضی ازاستاندارهای لازم را دارد که می توانید ویژگیهای آن را درمقدمه آن تفسیرشایسته و مهم بخوانید. باید توجه داشت که بعضی ازکلمات مشترک لفظی و بعضی ازآنها مشترک معنوی می باشند ؛ وتعدادی ازکلمات نیز عربی وفارسی می باشد ؛ برای همین کسی که می خواهد مفهومی را بررسی کند لازم است یکدورفهرست کلمات را بررسی کند. . این مجموعه کتاب مفاهیم شناسی قرآن بیشتربرای محققین و پژوهشگران قرآنی و

کسانیکه می خواهند پایان نامه حوزوی و دانشگاهی تالیف کنند ویا علاقه به مباحث عمیق قرآنی هستند می باشد.

حوزه علمیه اصفهان

رسول ملکیان اصفهانی

قابیل از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

قابیل

اهداف قابیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۳۰ – ۲۱

۲۱ قابیل ، به تحریک ابلیس برای آنکه نسلی از هابیل نماند تا بخاطر قبولی قربانی پدرشان برنسل قابیل افتخار کنند ، برادرش را کشت .

فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله

از امام باقر(ع) روایت شده که پس از قرائت آیه فوق فرمود: . .. ثم ان ابلیس ... فقال له: یا قابیل قد تقبل قربان هابیل و لم یتقبل قربانک و انک ان ترکته یکون له عقب یفتخرون علی عقبک و یقولون نحن ابناء الذی تقبل قربانه فاقتله کیلا یکون له عقب یفتخرون علی عقبک فقتله ... .

کافی، ج ۸، ص ۱۱۳، ح ۹۲; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۵۸.

بی تقوایی قابیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۲۷ – ۱۹،۲۳

۱۹ هابیل پذیرفته نشدن قربانی برادرش قابیل را معلول بی تقوایی او دانست .

و لم یتقبل من الاخر قال لاقتلنک قال انما یتقبل اللّه من المتقین

۲۳ قابیل ، انسانی ناآشنا به معارف الهی ، بی تقوا و حسود

قال لاقتلنك . .. قال انما یتقبل اللّه من المتقین

پشیمانی قابیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۱ - ۲۳،۲۴

۲۳ پشیمانی قابیل از تقصیر خویش در مورد خاکسپاری برادرش هابیل

اعجزت ان اکون . .. فاصبح من الندمین

ظاهر این است که جمله <فاصبح

. ..> متفرع بر جمله <اعجزت> باشد. بنابراین پشیمانی قابیل برخاسته از دفن نکردن جثه برادر خواهد بود.

۲۴ قابیل ، پشیمان از قتل برادرش هابیل *

فاصبح من الندمین

بنابر اینکه <فاصبح . ..> متفرع باشد بر <فقتله> که در آیه قبل آمده است.

تجربه قابیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۱ - ۱۱

۱۱ قابیل ، از انسان های نخستین و با تجربیات ناچیز و بسیار محدود

لیریه کیف یوری سوءه اخیه

آگاه نبودن قابیل به کیفیت دفن جسد دلالت دارد که وی از انسانهای نخستین، و تجربیاتش ناچیز و بسیار محدوده بوده است.

تحریف قصه قابیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۷ - ۸

۸ آثار اهل کتاب مشتمل بر داستان قابیل و هابیل به گونه ای تحریف شده و آمیخته با باطل

بالحق

کلمه <بالحق> به قرینه آیات گذشته، که درباره اهل کتاب بود، می تواند اشاره به تحریفهایی باشد که در آثار اهل کتاب نسبت به فرزندان آدم وجود دارد.

تحیّر قابیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۱ - ۴

۴ قابیل ، سرگردان و متحیر در برابر جسد بی جان برادرش هابیل

فبعث اللّه غراباً . .. لیریه کیف یوری سوءه اخیه

برداشت فوق را فرمایش منقول از امام صادق(ع) تأییـد می کند که فرمود: قتل قابیل هابیل و ترکه بالعراء لایدری ما یصنع به . . ..

مجمع البیان، ج ۳، ص ۲۸۶; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۱۰، ح ۱۲۴.

ترس قابیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۸ - ۱۸

۱۸ قابیل ، فاقد ترس از خداوند و غافل از ربوبیت گسترده او

انی اخاف اللّه رب العلمین

چون خداترسی هابیل مانع از اقدام به قتل شده، معلوم می شود قابیل به دلیل تصمیمش بر برادرکشی، هیچ ترسی از خدا در دل نداشته است.

تعلیم قابیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۱ - ۵،۶

۵ کلاغ گسیل داده شده برای تعلیم قابیل ، آگاه به تحیر و سرگردانی وی برای دفن هابیل

فبعث اللّه غراباً یبحث فی الارض لیریه کیف یوری سوءه اخیه

در برداشت فوق ضمیر فاعلی در <لیریه> به <غراب> برگردانده شده است. یعنی کلاغ به انگیزه نشان دادن چگونگی دفن به قابیل در زمین کاوش می کرد و چیزی را در آن نهان می ساخت.

۶ فاصله زمانی اندک میان مرگ هابیل و گسیل کلاغی برای آموزش قابیل

فقتله . .. فبعث اللّه غراباً

عطف <بعث> بر <قتله> به وسیله <فاء>، بیانگر برداشت فوق است.

جهل قابیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۷ - ۲۳

۲۳ قابیل ، انسانی ناآشنا به معارف الهی ، بی تقوا و حسود

قال لاقتلنک . .. قال انما یتقبل اللّه من المتقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۱ - ۳،۲۰

۳ قابیل ، ناآگاه از کیفیت دفن و پنهان سازی جثه هابیل

لیریه کیف یوری سوءه اخیه

۲۰ تأسف قابیل بر نادانی خویش و ناتوانی از برابری با حیوانی همچون کلاغ

قال یویلتی اعجزت ان اکون مثل هذا الغراب

حسد قابیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۲۷ – ۱۵،۲۳

۱۵ رد قربانی قابیل و پذیرش قربانی برادرش هابیل ، برانگیزنده احساس حسادت در وی نسبت به هابیل *

قال لاقتلنک

به نظر می رسد که پس از پذیرفته شدن قربانی هابیل، انگیزه ای برای تصمیم قابیل جز حسادت در کار نبوده و گویا روشنی این مسأله، موجب آن شده که در کلام به آن پرداخته نشود. برداشت فوق را فرمایش منقول از امام صادق(ع) تأیید می کند که فرمود: ... فقبل اللّه قربان هابیل فحسده قابیل فقتله ... .

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۱۲، ح ۸۳; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۱۰، ح ۱۲۵.

۲۳ قابیل ، انسانی ناآشنا به معارف الهی ، بی تقوا و حسود

قال لاقتلنک . .. قال انما یتقبل اللّه من المتقین

خواسته قابیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۳۰ – ۱۶

۱۶ نفس قابیل ، دام خواسته وی و پذیرای تصمیم او بر قتل برادرش هابیل

فطوعت له نفسه قتل اخیه

<طوعت> می تواند به معنای <تابعت> باشد، یعنی نفس قابیل در قتل برادرش هابیل پیرو او گردید. بر اساس این احتمال، قابیل نفس خو را فریب داده و آن را رام خود ساخته بود، نه اینکه فریفته وسوسه های خویش شده باشد.

ردّ قربانی قابیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۲۷ – ۳۰،۲۱،۱۹،۱۵،۱۴

۱۴ پذیرش قربانی هابیل و رد شدن قربانی قابیل ، عامل انگیزش قابیل به قتل برادرش هابیل

فتقبل من احدهما و لم یتقبل من

الاخر قال لاقتلنک

۱۵ رد قربانی قابیل و پذیرش قربانی برادرش هابیل ، برانگیزنده احساس حسادت در وی نسبت به هابیل *

قال لاقتلنک

به نظر می رسد که پس از پذیرفته شدن قربانی هابیل، انگیزه ای برای تصمیم قابیل جز حسادت در کار نبوده و گویا روشنی این مسأله، موجب آن شده که در کلام به آن پرداخته نشود. برداشت فوق را فرمایش منقول از امام صادق(ع) تأیید می کند که فرمود: ... فقبل اللّه قربان هابیل فحسده قابیل فقتله ... .

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۱۲، ح ۸۳; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۱۰، ح ۱۲۵.

۱۹ هابیل پذیرفته نشدن قربانی برادرش قابیل را معلول بی تقوایی او دانست .

و لم یتقبل من الاخر قال لاقتلنک قال انما یتقبل اللّه من المتقین

۲۱ مشروط بودن پذیرش اعمال نیک به تقوا ، پاسخ هابیل به اعتراض قابیل بر پذیرفته نشدن قربانی او

قال انما یتقبل اللّه من المتقین

۳۰ فربه ترین گوسفند هابیل ، قربانی قبول شده وی به درگاه خدا و دسته ای از خوشه های گندم یا مانند آن ، قربانی قبول نشده قابیل

و اتل علیهم نبأ ابنی ءادم بالحق اذ قربا قرباناً

از امام سجاد(ع) درباره قربانی نمودن فرزندان آدم(ع) روایت شده: . .. قرب احدهما اسمن کبش کان فی صیانته و قرب الاخر ضغثا من سنبل فتقبل من صاحب الکبش و هو هابیل و لم یتقبل من الاخر ... .

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۶۵; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۵۹، ح ۴.

زیانکاری قابیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ – مائده – ۵ – ۳۰ – ۱۲،۱۳

۱۲ قابیل ،

از زمره زیانکاران

فاصبح من الخسرین

۱۳ زیانکاری قابیل ، پیامد کشتن برادرش هابیل

فقتله فاصبح من الخسرین

سرزنش قابیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۳۱ – ۲۱

۲۱ قابیل ، ملامتگر خویش ، به سبب ناتوانی از کیفیت پنهان ساختن جسد هابیل

قال یویلتی اعجزت ان اکون مثل هذا الغراب

ضعف قابیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۳۱ – ۲۰،۲۱،۲۵

۲۰ تأسف قابیل بر نادانی خویش و ناتوانی از برابری با حیوانی همچون کلاغ

قال یویلتی اعجزت ان اکون مثل هذا الغراب

۲۱ قابیل ، ملامتگر خویش ، به سبب ناتوانی از کیفیت پنهان ساختن جسد هابیل

قال یویلتی اعجزت ان اکون مثل هذا الغراب

۲۵ قابیل ، پس از آگاهی به شیوه خاکسپاری ، ناتوان از دسترسی به جسد برادرش هابیل *

قال یویلتی اعجزت ان اکون مثل هذا الغراب . ..

تفریع ندامت قابیل بر ناتوانیش بر دفن برادر، می رساند که وی پس از آگاهی بر کیفیت دفن، دیگر نمی توانسته است جثه او را به خاک بسپارد. بنابراین جثه برادر را پس از کشتن سر به نیست کرده بود. ماضی آوردن فعل <اعجزت> این معنا را تأیید می کند.

طغیان قابیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۸ - ۲

۲ هابیل ، در صدد آرام نمودن روح طغیانگر قابیل

قال لاقتلنک قال . .. لئن بسطت إلی یدک لتقتلنی ما إنّا بباسط یدی إلیک

طغیانگری قابیل از تأکید در <لاقتلنک> به دست می آید و سخنان نرم و آموزنده هابیل، نشانگر تلاش

وی برای نرم و آرام ساختن قابیل است.

ظلم قابیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۲ - ۵

۵ جنایت و برادرکشی قابیل ، موجب سختگیری خداوند در مجازات قتل بر بنی اسرائیل

فقتله . .. من اجل ذلک کتبنا علی بنی اسرءیل انه من قتل نفساً بغیر نفس

<ذلک> اشاره است به داستان هابیل و قابیل.

عصیان قابیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۷ - ۳۳

۳۳ هابیل و قابیل ، مأمور به قربانی کردن برای خدا در پی مخالفت قابیل در مورد فرمان خدا به انتصاب هابیل به وصایت حضرت آدم (ع) و دریافت اسم اعظم خداوند

اذ قربا قرباناً

از امام صادق(ع) روایت شده: . .. ان اللّه تبارک و تعالی اوحی الی آدم ان یدفع الوصیه و اسم اللّه الاعظم الی هابیل و کان قابیل اکبر منه فبلغ ذلک قابیل فغضب فقال: انا اولی بالکرامه و الوصیه فامرهما ان یقربا قرباناً بوحی من اللّه الیه ففعلا ... .

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۱۲، ح ۸۳; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۱۰، ح ۱۲۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۰ - ۱۰

۱۰ بی اعتنایی قابیل به هشدار ها و اندرز های برادرش هابیل

انی اخاف اللّه رب العلمین انی ارید . .. فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله

غفلت قابیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۸ - ۱۸

۱۸ قابیل ، فاقد ترس از خداوند و غافل از ربوبیت

گسترده او

انی اخاف اللّه رب العلمین

چون خداترسی هابیل مانع از اقدام به قتل شده، معلوم می شود قابیل به دلیل تصمیمش بر برادرکشی، هیچ ترسی از خدا در دل نداشته است.

قابیل و هابیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۱ - ۲۲

۲۲ پیکر بیجان هابیل ، ناخوشایند برای قابیل

کیف یوری سوءه اخیه . .. فاوری سوءه اخی

از آن جهت جسد هابیل <سوءه> (شیء ناخوشایند) نامیده شده که مشاهده آن برای قابیل ناخوشایند بوده است.

قربانی قابیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۷ - ۱،۳،۴،۶،۷،۹،۳۱

۱ داستان قربانی پسران حضرت آدم (ع) (هابیل و قابیل) ، داستانی پرفایده ، عبرت آموز و شایان ذکر

و اتل علیهم نبأ ابنی ءادم بالحق

آگاه نبودن قابیل از کیفیت دفن جسد هابیل، بیانگر این است که آنها از اولین انسانها بوده اند. بنابراین مراد از <آدم>، آدم ابوالبشر(ع) است و بنا به گفته مفسران، مقصود از فرزندان او، هابیل و قابیل هستند. گفتنی است که <نبأ> به خبری گفته می شود که دارای فایده بسیار باشد.

۳ دو قربانی تقدیم شده از سوی هابیل و قابیل از یک نوع و از یک جنس بود . *

اذ قربا قرباناً

مفرد آوردن کلمه <قرباناً> علی رغم اینکه هر کدام جداگانه هدیه ای را قربانی کردند می تواند اشاره به این باشد که آن

دو قربانی از یک جنس بوده است.

۴ پیامبر (ص) موظف به نقل صحیح داستان قربانی هابیل و قابیل برای اهل کتاب

و اتل علیهم

نبأ ابنی ءادم بالحق

با توجه به آیات پیشین که درباره اهل کتاب بود، معلوم می شود که مراد از ضمیر در <علیهم>، اهل کتاب هستند.

۶ ماجرای قربانی هابیل و قابیل ، ماجرایی واقعی ، نه افسانه و سمبلیک

و اتل علیهم نبأ ابنی ءادم بالحق

در برداشت فوق <بالحق> توصیف <نبأ> گرفته شده است. یعنی داستان فرزندان آدم، داستانی واقعی است.

۷ داستان قربانی فرزندان آدم ، به گونه ای که در قرآن بیان شده ، گزارشی واقعی و به دور از هرگونه باطل

و اتل علیهم نبأ ابنی ءادم بالحق

در برداشت فوق <بالحق> متعلق به <اتل> گرفته شده است.

۹ تنها قربانی یکی از دو فرزند آدم ، مقبول درگاه خداوند قرار گرفت .

فتقبل من احدهما و لم یتقبل من الاخر

۳۱ فرمان حضرت آدم (ع) به هابیل و قابیل برای قربانی کردن به درگاه خدا

اذ قربا قرباناً

از امام باقر(ع) روایت شده: . .. ان آدم امر هابیل و قابیل ان یقربا قرباناً ... و هو قول اللّه عزوجل: <و اتل علیهم نبأ ابنی ءادم...>.

کافی، ج ۸، ص ۱۱۳، ح ۹۲; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۵۸، ح ۱.

قصه قابیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۷ - ۲،۴،۶،۱۲،۱۳،۱۴،۱۵،۱۹،۲۱،۳۱

۲ هر یک از هابیل و قابیل هدیه ای را به رسم تقرب به پیشگاه خداوند تقدیم کردند .

اذ قربا قرباناً

<قربان> هر عمل نیکی است که با آن تقرب به خداوند قصد شود. (مجمع البیان)

۴ پیامبر (ص) موظف به نقل صحیح داستان قربانی هابیل و قابیل برای اهل کتاب

و اتل علیهم نبأ ابنی

ءادم بالحق

با توجه به آيات پيشين كه درباره اهل كتاب بود، معلوم مى شود كه مراد از ضمير در <عليهم>، اهل كتاب هستند.

۶ ماجراى قربانى هابيل و قابيل ، ماجرايى واقعى ، نه افسانه و سمبليك

و اتل عليهم نبأ ابنى ءادم بالحق

در برداشت فوق <بالحق> توصيف <نبأ> گرفته شده است. يعنى داستان فرزندان آدم، داستانى واقعى است.

۱۲ تصميم قطعى قابيل بر كشتن برادرش هابيل پس از جريان قربانى

قال لاقتلنك

لام و نون تأكيد نشانه تصميم قطعى قابيل بر قتل است.

۱۳ قابيل ، برادرش هابيل را به قتل تهديد كرد .

قال لاقتلنك

۱۴ پذيرش قربانى هابيل و رد شدن قربانى قابيل ، عامل انگيزش قابيل به قتل برادرش هابيل

فتقبل من احدهما و لم يتقبل من الاخر قال لاقتلنك

۱۵ رد قربانى قابيل و پذيرش قربانى برادرش هابيل ، برانگيزنده احساس حسادت در وى نسبت به هابيل *

قال لاقتلنك

به نظر مى رسد كه پس از پذيرفته شدن قربانى هابيل، انگيزه اى براى تصميم قابيل جز حسادت در كار نبوده و گويا روشنى اين مسأله، موجب آن شده كه در كلام به آن پرداخته نشود. برداشت فوق را فرمايش منقول از امام صادق(ع) تأييد مى كند كه فرمود: ... فقبل اللّه قربان هابيل فحسده قابيل فقتله ... .

تفسير عياشى، ج ۱، ص ۳۱۲، ح ۸۳; نورالثقلين، ج ۱، ص ۶۱۰، ح ۱۲۵.

۱۹ هابيل پذيرفته نشدن قربانى برادرش قابيل را معلول بى تقوايى او دانست .

و لم يتقبل من الاخر قال لاقتلنك قال انما يتقبل اللّه من المتقين

۲۱ مشروط بودن پذیرش اعمال نیک به تقوا ، پاسخ هابیل به اعتراض قابیل بر پذیرفته نشدن قربانی

او

قال انما يتقبل اللّه من المتقين

۳۱ فرمان حضرت آدم (ع) به هابيل و قابيل براى قربانى كردن به درگاه خدا

اذ قربا قرباناً

از امام باقر(ع) روايت شده: . .. ان آدم امر هابيل و قابيل ان يقربا قرباناً ... و هو قول اللّه عزوجل: <و اتل عليهم نبأ ابنى ءادم...>.

كافى، ج ۸، ص ۱۱۳، ح ۹۲; تفسير برهان، ج ۱، ص ۴۵۸، ح ۱.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۲۸ - ۱

۱ تأكيد هابيل بر دست نيازيدن به قتل برادر ، حتى در صورت اقدام قابيل براى كشتن او

لئن بسطت إلى يدک لتقتلنى ما إنّا بباسط يدى إليك لاقتلك

لام قسم در <لئن> و نيز <باء> زايده در <بباسط>، دلالت بر تأكيد دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۲۹ - ۳

۳ قابيل در ديدگاه و سخن هابيل ، در صورت اقدام به تهاجم ، مسؤول تمامى پيامد هاى سوء عملكرد هر كدام

انى اريد ان تبوا باثمى و اثمک

مراد از <اثمى>، به قرينه <اثمک>، گناهانى است كه بر اثر درگيرى آن دو به وجود مى آيد. زيرا به شهادت مقام، مراد از گناه قابيل، همان برادركشى و مقدمات آن است. بنابراين مقصود هابيل اين است كه من تهاجمى را عليه تو آغاز نمى كنم و هرگز قصد كشتن تو را نخواهم كرد تا در درگيرى احتمالى، تو مهاجم باشى و آغازگر و در نتيجه اگر تو تلف شدى و يامن كشته شدم در هر صورت گناه به گردن تو افتد.

- آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۰ - ۱،۲،۳،۴،۵،۱۰،۱۳،۱۶،۱۹،۲۱

۱ درگیری و کشمکش درونی قابیل با هوای نفس خویش در مورد قتل هابیل

فطوعت له نفسه قتل اخیه

۲ وسوسه های نفسانی قابیل ، کشتن برادر را بر او هموار ساخت .

فطوعت له نفسه

<طوعت> از مصدر <تطویع> به معنای <تسهیل> و نیز <متابعت> است. برداشت فوق بر اساس معنای اول است.

۳ وسوسه های نفسانی قابیل ، وادار کننده وی به کشتن هابیل

فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله

۴ قابیل ، فریفته وسوسه های نفس خویش

فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله

۵ قابیل ، برادرش هابیل را پس از جریان قربانی به قتل رسانید .

اذ قربا قرباناً . .. فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله

۱۰ بی اعتنایی قابیل به هشدار ها و اندرز های برادرش هابیل

انی اخاف اللّه رب العلمین انی ارید . .. فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله

۱۳ زیانکاری قابیل ، پیامد کشتن برادرش هابیل

فقتله فاصبح من الخسرین

۱۶ نفس قابیل ، دام خواسته وی و پذیرای تصمیم او بر قتل برادرش هابیل

فطوعت له نفسه قتل اخیه

<طوعت> می تواند به معنای <تابعت> باشد، یعنی نفس قابیل در قتل برادرش هابیل پیرو او گردید. بر اساس این احتمال،

قابیل نفس خو را فریب داده و آن را رام خود ساخته بود، نه اینکه فریفته وسوسه های خویش شده باشد.

۱۹ قابیل ، کیفیت قتل برادرش هابیل را از ابلیس آموخت

فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله

از امام سجاد(ع) روایت شده که بعد از خواندن آیه فوق فرمود: فلم یدر کیف یقتله حتی جاء ابلیس فعلمه . .. .

تفسیر قمی، ج ۱،

ص ۱۶۵; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۱۶، ح ۱۴۰.

۲۱ قابیل ، به تحریک ابلیس برای آنکه نسلی از هابیل نماند تا بخاطر قبولی قربانی پدرشان برنسل قابیل افتخار کنند ، برادرش را کشت .

فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله

از امام باقر(ع) روایت شده که پس از قرائت آیه فوق فرمود: . .. ثم ان ابلیس ... فقال له: یا قابیل قد تقبل قربان هابیل و لم یتقبل قربانک و انک ان ترکته یکون له عقب یفتخرون علی عقبک و یقولون نحن ابناء الذی تقبل قربانه فاقتله کیلا یکون له عقب یفتخرون علی عقبک فقتله ... .

کافی، ج ۸، ص ۱۱۳، ح ۹۲; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۵۸.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۱ - ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۱۶،۲۰،۲۱،۲۲،۲۳،۲۴،۲۵،۲۸

۱ خداوند کلاغی را برای آموزش دفن هابیل به سوی قابیل گسیل داشت .

فبعث اللّه غراباً . .. لیریه کیف یوری سوءه اخیه

۲ کلاغ با کاوش در زمین و پنهان سازی چیزی در آن ، قابیل را به کیفیت دفن جثه هابیل رهنمون ساخت .

فبعث اللّه غراباً یبحث فی الارض لیریه کیف یوری سوءه اخیه

۳ قابیل ، ناآگاه از کیفیت دفن و پنهان سازی جثه هابیل

لیریه کیف یوری سوءه اخیه

۴ قابیل ، سرگردان و متحیر در برابر جسد بی جان برادرش هابیل

فبعث اللّه غراباً . .. لیریه کیف یوری سوءه اخیه

برداشت فوق را فرمایش منقول از امام صادق(ع) تأیید می کند که فرمود: قتل قابیل هابیل و ترکه بالعراء لایدری ما یصنع به . . ..

مجمع البیان، ج ۳، ص ۲۸۶; نورالثقلین، ج ۱،

ص ۶۱۰، ح ۱۲۴.

۵ کلاغ گسیل داده شده برای تعلیم قابیل ، آگاه به تحیر و سرگردانی وی برای دفن هابیل

فبعث اللّه غراباً یبحث فی الارض لیریه کیف یوری سوءه اخیه

در برداشت فوق ضمیر فاعلی در <لیریه> به <غراب> برگردانده شده است. یعنی کلاغ به انگیزه نشان دادن چگونگی دفن به قابیل در زمین کاوش می کرد و چیزی را در آن نهان می ساخت.

۶ فاصله زمانی اندک میان مرگ هابیل و گسیل کلاغی برای آموزش قابیل

فقتله . .. فبعث اللّه غراباً

عطف <بعث> بر <قتله> به وسیله <فاء>، بیانگر برداشت فوق است.

۱۶ قابیل ، برخوردار از امداد خداوند برای دفن جسد برادرش هابیل

فبعث اللّه غراباً یبحث فی الارض لیریه

برداشت فوق بر این مبناست که روانه ساختن کلاغ و تعلیم قابیل برای رفع سرگردانی وی صورت گرفته باشد.

۲۰ تأسف قابیل بر نادانی خویش و ناتوانی از برابری با حیوانی همچون کلاغ

قال یویلتی اعجزت ان اکون مثل هذا الغراب

۲۱ قابیل ، ملامتگر خویش ، به سبب ناتوانی از کیفیت پنهان ساختن جسد هابیل

قال یویلتی اعجزت ان اکون مثل هذا الغراب

۲۲ پیکر بیجان هابیل ، ناخوشایند برای قابیل

کیف یوری سوءه اخیه . .. فاوری سوءه اخی

از آن جهت جسد هابیل <سوءه> (شیء ناخوشایند) نامیده شده که مشاهده آن برای قابیل ناخوشایند بوده است.

۲۳ پشیمانی قابیل از تقصیر خویش در مورد خاکسپاری برادرش هابیل

اعجزت ان اکون . .. فاصبح من الندمین

ظاهر این است که جمله <فاصبح . ..> متفرع بر جمله <اعجزت> باشد. بنابراین پشیمانی قابیل برخاسته از دفن نکردن جثه برادر خواهد بود.

۲۴ قابیل ، پشیمان از قتل برادرش هابیل

*

فاصبح من الندمین

بنابر اینکه <فاصبح . ..> متفرع باشد بر <فقتله> که در آیه قبل آمده است.

۲۵ قابیل ، پس از آگاهی به شیوه خاکسپاری ، ناتوان از دسترسی به جسد برادرش هابیل *

قال یویلتی اعجزت ان اکون مثل هذا الغراب . ..

تفریع ندامت قابیل بر ناتوانیش بر دفن برادر، می رساند که وی پس از آگاهی بر کیفیت دفن، دیگر نمی توانسته است جثه او را به خاک بسپارد. بنابراین جثه برادر را پس از کشتن سر به نیست کرده بود. ماضی آوردن فعل <اعجزت> این معنا را تأیید می کند.

۲۸ حفر زمین و دفن کلاغ کشته شده توسط کلاغ دیگر پس از زد و خورد میان آنها ، راهنمای قابیل در پنهان ساختن جسد برادرش به همان شیوه

فبعث اللّه غراباً یبحث فی الارض لیریه کیف یوری سوءه اخیه

از امام سجاد(ع) روایت شده: . .. فجاء غرابان فاقبلا یتضاربان حتی قتل احدهما صاحبه ثم حفر الذی بقی الارض بمخالبه و دفن فیها صاحبه ... .

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۶۶; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۵۹، ح ۴.

گمراهگری قابیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۹ - ۹

۹ - (فی المجمع) < و قال الذین کفروا فی النار أرنا الذین أضلّانا من الجن و الإنس > یعنون إبلیس الأبالسه و قابیل بن آدم أوّل من أبدع المعصیه . روی ذلک عن علی (ع) ;

در مجمع البیان راجع به قول خداوند که می فرماید: <و قال الذین کفروا فی النار أرنا الذین . ..> آمده است که: مقصود

آنـان رئیس أبلیس هـا و قابیـل فرزنـد آدم است که گنـاه و نافرمانی را پایه گـذاری نمود و این مطلب از علی(ع) روایت شـده است.>.

مسؤولیت قابیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۷ - ۳۳

۳۳ هابیـل و قابیـل ، مـأمور به قربـانی کردن برای خـدا در پی مخـالفت قابیـل در مورد فرمان خـدا به انتصاب هابیل به وصایت حضرت آدم (ع) و دریافت اسم اعظم خداوند

اذ قربا قرباناً

از امـام صـادق(ع) روایت شـده: . .. ان اللّه تبارک و تعالی اوحی الی آدم ان یـدفع الوصـیه و اسم اللّه الاعظم الی هابیل و کان قابیل اکبر منه فبلغ ذلک قابیل فغضب فقال: انا اولی بالکرامه و الوصیه فامرهما ان یقربا قرباناً بوحی من اللّه الیه ففعلا ... .

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۱۲، ح ۸۳; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۱۰، ح ۱۲۵.

هابیل و قابیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۷ - ۱۲،۱۳،۱۵

۱۲ تصمیم قطعی قابیل بر کشتن برادرش هابیل پس از جریان قربانی

قال لاقتلنک

لام و نون تأکید نشانه تصمیم قطعی قابیل بر قتل است.

۱۳ قابیل ، برادرش هابیل را به قتل تهدید کرد .

قال لاقتلنک

۱۵ رد قربانی قابیل و پذیرش قربانی برادرش هابیل ، برانگیزنده احساس حسادت در وی نسبت به هابیل *

قال لاقتلنک

به نظر می رسد که پس از پذیرفته شدن قربانی هابیل، انگیزه ای برای تصمیم قابیل جز حسادت در کار نبوده و گویا روشنی این مسأله، موجب آن شده که در کلام به آن پرداخته نشود. برداشت فوق

را فرمایش منقول از امام صادق(ع) تأیید می کند که فرمود: ... فقبل اللّه قربان هابیل فحسده قابیل فقتله ... .

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۱۲، ح ۸۳; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۱۰، ح ۱۲۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۸ - ۱،۴

۱ تأکید هابیل بر دست نیازیدن به قتل برادر ، حتی در صورت اقدام قابیل برای کشتن او

لئن بسطت إلی یدک لتقتلنی ما إنّا بباسط یدی إلیک لاقتلک

لام قسم در <لئن> و نیز <باء> زایده در <بباسط>، دلالت بر تأکید دارد.

۴ توانایی هابیل بر قتل برادرش قابیل

ما إنّا بباسط . .. لاقتلک انی اخاف اللّه

اگر هابیل از قتل برادرش ناتوان بود، اقدام نکردن به قتل را ناشی از خداترسی خویش نمی شمرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۹ - ۱،۲

۱ عزم هابیل بر آلوده نساختن دست خویش به خون برادر و گرفتار نیامدن به پیامد های آن

انی ارید . .. فتکون من اصحب النار

۲ تأکید هابیل بر پیشدستی نکردن در قتل برادر ، در عین حفظ حق دفاع از خویش در برابر تهاجم وی

انی ارید ان تبوا باثمی

چنانچه مراد از <اثمی>، گناهی باشد که از کشته شدن احتمالی قابیل به دست هابیل صورت گیرد، معلوم می شود هابیل خاطر نشان ساخته است که من اگرچه قصد کشتن تو را ندارم ولی از خود دفاع می کنم، هر چند به کشتن ناخواسته تو بینجامد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ – مائده – ۵ – ۳۱ – ۴،۲۸

۴

قابیل ، سرگردان و متحیر در برابر جسد بی جان برادرش هابیل

فبعث اللّه غراباً . .. لیریه کیف یوری سوءه اخیه

برداشت فوق را فرمایش منقول از امام صادق(ع) تأیید می کند که فرمود: قتل قابیل هابیل و ترکه بالعراء لایدری ما یصنع به . . ..

مجمع البیان، ج ۳، ص ۲۸۶; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۱۰، ح ۱۲۴.

۲۸ حفر زمین و دفن کلاغ کشته شده توسط کلاغ دیگر پس از زد و خورد میان آنها ، راهنمای قابیل در پنهان ساختن جسد برادرش به همان شیوه

فبعث اللّه غراباً یبحث فی الارض لیریه کیف یوری سوءه اخیه

از امام سجاد(ع) روایت شده: . .. فجاء غرابان فاقبلا یتضاربان حتی قتل احدهما صاحبه ثم حفر الذی بقی الارض بمخالبه و دفن فیها صاحبه ... .

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۶۶; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۵۹، ح ۴.

هدیه قابیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۷ - ۲

۲ هر یک از هابیل و قابیل هدیه ای را به رسم تقرب به پیشگاه خداوند تقدیم کردند .

اذ قربا قرباناً

<قربان> هر عمل نیکی است که با آن تقرب به خداوند قصد شود. (مجمع البیان)

هشدار به قابیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ – مائده – ۵ – ۲۹ – ۶

۶ هشدار هابیل به قابیل درباره بزرگی گناه آدمکشی و سنگینی عقوبت آن در قیامت

ان تبوا باثمی و اثمک فتکون من اصحب النار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۳۰ – ۱۰

۱۰ بی اعتنایی

قابیل به هشدار ها و اندرز های برادرش هابیل

انی اخاف اللّه رب العلمین انی ارید . .. فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله

هشدار قابیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۸ - ۸

۸ نهراسیدن هابیل از تهدید برادرش به قتل وی *

لئن بسطت إلی یدک لتقتلنی . .. انی اخاف اللّه رب العلمین

تأکید هابیل بر ترس خویش از خداوند (انی اخاف)، می تواند اشاره به این باشد که از تهدید برادر، ترسی به دل او راه نیافته است.

هوای نفس قابیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۰ - ۱،۳،۴،۱۶

۱ درگیری و کشمکش درونی قابیل با هوای نفس خویش در مورد قتل هابیل

فطوعت له نفسه قتل اخیه

۳ وسوسه های نفسانی قابیل ، وادار کننده وی به کشتن هابیل

فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله

۴ قابیل ، فریفته وسوسه های نفس خویش

فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله

۱۶ نفس قابیل ، دام خواسته وی و پذیرای تصمیم او بر قتل برادرش هابیل

فطوعت له نفسه قتل اخیه

<طوعت> می توانـد به معنای <تابعت> باشـد، یعنی نفس قابیل در قتل برادرش هابیل پیرو او گردید. بر اساس این احتمال، قابیل نفس خو را فریب داده و آن را رام خود ساخته بود، نه اینکه فریفته وسوسه های خویش شده باشد.

قاتل از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

قاتل

اجتناب از امداد به قاتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۶

۶ - معتقدان به ادیان الهی نباید در کشتن و آواره کردن همکیشان خود ، به قاتلان

و آواره کنندگان یاری رسانند .

تظهرون علیهم بالاثم و العدون

ارزش جان قاتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۲ - ۱۰

۱۰ خون و جان قاتلان نابحق و مفسدان در زمین ، فاقد ارزش و احترام

من قتل نفساً بغیر نفس او فساد فی الارض

<باء> در <بغیر نفس> برای مقابله است. بنابراین مفهوم جمله شرطیه <من قتل نفساً ...> این است که قتل نفس آنگاه که در مقابل کشتن کسی (قصاص) و یا در مقابل فسادانگیزی باشد، کیفر ندارد.

افشای هویت قاتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۲ - ۲،۳

۲ - خداوند ، قوم موسی رابه معرفی قاتل نوید داد و قاتلان را به افشای هویتشان تهدید کرد .

و اللّه مخرج ما کنتم تکتمون

مراد از <ما کنتم تکتمون> (آنچه را کتمان می کردید)، به قرینه جمله قبل، معرفی نکردن قاتل علی رغم آگاهی به آن است. مراد از <إخراج> (مصدر مخرج)، به قرینه تکتمون، آشکار ساختن است.

۳ - گروهی از قوم موسی قاتل را می شناختند و از افشای هویتش خودداری می کردند .

و اللّه مخرج ما کنتم تکتمون

هر چند کتمان کردن به همه قوم موسی نسبت داده شده است، ولی به قرینه <فادارءتم>، معلوم می شود برخی از آنها قاتل را می شناختند و از معرفی آن خودداری می کردند.

امداد به قاتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۷

۷ - یاری رساندن به قاتلان و آواره کنندگان اهل دین ، گناه و تجاوز است .

تظهرون علیهم

بالاثم و العدون

پشیمانی قاتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۱ - ۲۷

۲۷ قتل نفس محترم ، در پی دارنده ندامت قاتل

فاصبح من الندمین

از امام سجاد(ع) روایت شده: . .. و الذنوب التی تورث الندم قتل النفس التی حرم اللّه ... قال عزوجل فی قصه قابیل حین قتل اخاه هابیل ... <فاصبح من النادمین> ... .

معانی الاخبار، ص ۲۷۰، ح ۲; بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۳۷۵، ح ۱۲.

تسلیم قاتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۲ - ۷

۷ خونب های قتل از روی خطا ، باید به طور کامل تسلیم خانواده مقتول گردد .

و من قتل مؤمنا خطأً . .. و دیه مسلّمه الی اهله

در معنای کلمه <مسلّمه> گفته شده است: <المدفوعه الیهم موفّره غیر منقّصه>. یعنی باید به طور کامل و بدون هیچ کاستی تسلیم شود. <مجمع البیان>.

توبه قاتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۳ - ۷

۷ توبه کشتن مؤمن ، از روی خشم و غضب و یا به انگیزه های دنیایی ، قصاص است .

و من يقتل مؤمنا متعمّداً

امـام صـادق (ع) دربـاره توبه در قتـل عمـدی مؤمن از روی غضب یـا به انگیزه های دنیایی فرمود: . .. و ان كان قتله لغضب او لسبب شیء من امر الدنيا فانّ توبته ان يقاد منه ... .

كافی، ج ۷، ص ۲۷۶، ح ۲ ; نورالثقلين، ج ۱، ص ۵۳۳، ح ۴۹۰.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فيش

۱۲ - فرقان -

۲۵ - ۷۰ - ۱،۴،۵

۱ کسانی که مرتکب گناه شرک ، آدم کشی و زنا شده اند ، در صورتی که به توبه ، ایمان و عمل صالح روی آورند ، از عذاب و کیفر دوچندان و خوار کننده آن گناهان در امان خواهند بود .

و من یفعل ذلک . .. یضعف له العذاب ... إلاّ من تاب و ءامن و عمل عملاًصلحًا

جمله <إلاّ من تاب. ..> استثنا از عموم مستفاد از <من> در <من یفعل...> است.

۴ کسانی که مرتکب گناه شرک ، آدم کشی و زنا شده اند ، در صورتی که به توبه ، ایمان و عمل صالح روی آورند ، خداوند کردار بد آنان را از نامه عملشان محو کرده و به جای آنها کردار نیک قرار می دهد .

و من یفعل ذلک . .. یضعف له العذاب ... إلاّ من تاب ... فأُولئک یبدّل اللّه سیّئ

در این که مقصود از تبدیل <سیئات> به <حسنات> چیست؟ میان مفسران دو دیدگاه عمده وجود دارد: ۱ تبدیل خود اعمال بد به اعمال نیک; به گونه ای که در پرونده اعمال مؤمنان به جای <سیئه>، <حسنه> نوشته شود. ۲- تبدیل آثار و پیامدهای <سیئات> که عقاب است به آثار و پیامدهای <حسنات> که ثواب است . گفتنی است برداشت فوق مبتنی بر دیدگاه نخست است.

۵ کسانی که مرتکب گناه شرک ، آدم کشی و زنا شده اند ، در صورتی که به توبه ، ایمان و عمل صالح روی آورند ، خداوند آثار بدی های آنان (عقاب) را محو و به جای آنها ، آثار خوبی

ها (ثواب) قرار می دهد .

و من یفعل ذلک . .. یضعف له العذاب ... إلاّ من تاب ... فأُولئک یبدّل اللّه سیّئ

حسابرسی قاتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۸ - ۶

۶ - حسابرسی قاتل در قیامت ، بر دادخواهی مقتول توقف ندارد .

و إذا الموءوده سئلت

مجهول آوردن <سئلت>، حاکی از این است که فرد یا افرادی غیر از مقتول، پی گیر محاکمه قاتل خواهند شد.

ذلت اخروی قاتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۹ - ۷

۷ گناه شرک ، آدم کشی و زنا ، در پی دارنده عذاب طولانی و خوارکننده در قیامت

و یخلد فیه مهانًا

ذلت قاتل مشرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۹ - ۶

۶ کسانی که رو به سوی شرک آرند و دست به آدم کشی و زنا بیالایند ، در حال خواری و برای همیشه در عذاب الهی گرفتار خواهند شد .

و یخلد فیه مهانًا

فوق مبتنی بر همین نظریه است. و چنان چه <ذلک> اشاره به یکایک گناهان یاد شده به صورت مستقل باشد، در این صورت چون اتفاق همه علما و مفسران بر آن است که زناکار به عذاب ابدی در قیامت گرفتار نمی شود، از این رو مقصود از

<یخلد> طولانی بودن عذاب است نه جاودانگی آن.

رفتار اولیای مقتول با قاتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۱۸

۱۸ - اولیای مقتول در صورت گذشت از

حق قصاص و مطالبه دیه از قاتل ، باید با وی به گونه ای پسندیده رفتار کنند .

فمن عفی له من أخیه شیء فاتباع بالمعروف

فاعل <اتباع> محتمل است ولی مقتول، و محتمل است قاتل باشد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است. بر این مبنا <فاتباع بالمعروف>; یعنی، اولیای مقتول باید به گونه ای پسندیده با قاتل رفتار کنند; وی را آزار ندهند; در گرفتن دیه بر او سخت نگیرند; و بیش از حد متعارف از او مطالبه نکنند و ... .

رفتار قاتل با اولیای مقتول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۱۹

۱۹ - قاتل باید با نیکی و رفتاری پسندیده ، دیه را به اولیای مقتول بپردازد .

فاتباع بالمعروف و أداء إلیه بإحسن

فاعل <أداء> قاتل است و ضمیر در <إلیه> به <أخیه> - که مراد از آن ولی مقتول است - باز می گردد. بنابراین جمله <أداء إلیه ...>; یعنی، قاتل باید دیه را با رعایت احسان به ولی مقتول بپردازد; بدین صورت که در پرداخت دیه تأخیر نکند و کمتر از مقدار تعیین شده نپردازد و موجب ناراحتی اولیای مقتول نگردد.

عذاب اخروی قاتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۹ - ۸

۸ کسانی که به گناه شرک ، آدم کشی و زنا دست بیالایند ، در قیامت به دو عذاب جسمی و روحی گرفتار خواهند شد .

یضعف له العذاب یوم القیمه و یخلد فیه مهانًا

عذاب جسمانی قاتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ -

۸ - ۶۹

۸ کسانی که به گناه شرک ، آدم کشی و زنا دست بیالایند ، در قیامت به دو عذاب جسمی و روحی گرفتار خواهند شد .

یضعف له العذاب یوم القیمه و یخلد فیه مهانًا

عذاب روحی قاتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۹ - ۸

۸ کسانی که به گناه شرک ، آدم کشی و زنا دست بیالایند ، در قیامت به دو عذاب جسمی و روحی گرفتار خواهند شد .

یضعف له العذاب یوم القیمه و یخلد فیه مهانًا

عذاب قاتل مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۳ - ۵

۵ عذاب کسی که مؤمنی را از روی عمد بکشد ، آماده و مهیّاست .

و من یقتل مؤمنا متعمّداً . .. و اعدّ له عذاباً عظیماً

عفو قاتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۸،۱۳،۲۷

۸ - اولیای مقتول می توانند قاتل را از قصاص عفو کنند .

فمن عفی له من أخیه شیء

مراد از <من> قاتل و مقصود از <أخیه> ولی مقتول می باشد. ضمیرهای <له> و <أخیه> به <من>، یعنی قاتل باز می گردد و <شیء> عبارت است از حق قصاص. بنابراین جمله <فمن عفی ...> چنین معنا می شود: پس آن قاتلی که از طرف ولی مقتول چیزی از حق قصاص بر او بخشیده شود ... .

۱۳ – قاتل در صورتی که از قصاص عفو شود ، باید به اولیای مقتول خون بها بپردازد .

فمن عفی له من أخیه شیء . .. و

أداء إليه بإحسن

۲۷ – قاتل ، در صورتی که از قصاص عفو شود و پس از آن دیگری را به قتل برساند ، باید کشته شود و مورد عفو قرار نگیرد .

کتب علیکم القصاص . .. فمن اعتدی بعد ذلک فله عذاب ألیم

برداشت فوق بر این اساس است که: مقصود از <من> در جمله فوق، قاتل باشد نه ولیّ مقتول. بر این مبنا <ذلک> به <عفو> – که از جمله <فمن عفی له> به دست می آید – اشاره دارد.

فرجام قاتل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۳۲ – ۳۱

۳۱ جایگاه قاتل یک انسان در جهنم ، همان جایگاه قاتل همه انسانهاست ، اگر چه عذابشان متفاوت است .

من قتل نفساً بغیر نفس او فساد فی الارض فکانما قتل الناس جمیعاً

امام باقر(ع) در پاسخ سؤال از معنای آیه فوق فرمود: یوضع فی موضع من جهنم . .. لو قتل الناس جمیعا انما کان یدخل ذلک المکان قلت: فانه قتل آخر؟ قال: یضاعف علیه.

کافی، ج ۷، ص ۲۷۱، ح ۱; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۱۹، ح ۱۵۰.

قاتل در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۶۸ – ۱۰

۱۰ مشرکان ، آدم کشان و زناکاران ، به روز رستاخیز با کیفر اعمالشان روبه رو خواهند شد .

والذین لایدعون مع اللّه إلهًا . .. و لایزنون و من یفعل ذلک یلق أثامًا

<ذلک> اشاره است به سه گناهی که در جمله های قبل یاد شده است و <اثام> به معنای جزا و کیفر گناه می باشد (لسان

العرب).

قصاص

قاتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۴،۲۷

۴ - قاتل باید خود را برای قانون قصاص تسلیم کند .

یایها الذین ءامنوا کتب علیکم القصاص

مخاطبان واقعی جمله <کتب علیکم> قاتلان هستند. بنابراین بر خود قاتل است که برای اجرای قانون قصاص، خویشتن را آماده کند و این به معنای لزوم تسلیم برای اجرای قصاص می باشد.

۲۷ - قاتل ، در صورتی که از قصاص عفو شود و پس از آن دیگری را به قتل برساند ، باید کشته شود و مورد عفو قرار نگیرد .

کتب علیکم القصاص . .. فمن اعتدی بعد ذلک فله عذاب أليم

برداشت فوق بر این اساس است که: مقصود از <من> در جمله فوق، قاتل باشد نه ولیّ مقتول. بر این مبنا <ذلک> به <عفو> - که از جمله <فمن عفی له> به دست می آید - اشاره دارد.

کشتن قاتل پس از دیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۱۴،۱۶،۳۰

۱۴ - اخوت و برادری اهل ایمان با یکدیگر

یایها الذین ءامنوا . .. فمن عفی له من أخیه شیء

۱۶ - گذشت از قصاص ، مظهر عواطف ایمانی و اخوت اسلامی است .

فمن عفی له من أخیه شیء

۳۰ - حلبی می گوید : از امام صادق (ع) . . . درباره سخن خداوند که فرموده < فمن عفی له من أخیه شی فاتباع بالمعروف و أداء إليه بإحسان > سؤال کردم ، فرمود : < ینبغی للذی له الحق ان لایعسر أخاه إذا کان قد صالحه علی دیه و ینبغی للذی

علیه الحق ان لایمطل أخاه إذا قدر علی ما یعطیه و یؤدی إلیه بإحسان قال : و سألته عن قول اللّه عز و جل < فمن اعتدی بعد ذلک فله عذاب ألیم > فقال : هو الرجل یقبل الدیه أو یعفو أو یصالح ثم یعتدی فیقتل فله عذاب ألیم کما قال اللّه عز و جل ؛

سزاوار است کسی که صاحب حق خون است و توافق در دیه کرده اند، در گرفتن دیه سخت گیری نکند و سزاوار است برای کسی که باید دیه بدهد اگر توانایی پرداخت آن را دارد کوتاهی نکند و با نیکویی پرداخت نماید. حلبی گوید: از سخن خداوند که فرموده: <فمن اعتدی بعد ذلک فله عذاب ألیم> سؤال نمودم، امام فرمود: مراد کسی است که دیه را پذیرفته یا عفو نموده و یا مصالحه کرده، سپس تجاوز نماید و دست به قتل زند؛ پس همان طوری که خداوند فرموده برای او عذاب دردناکی است>.

کشتن قاتل پس از عفو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۲۴،۲۶

۲۴ - کسانی که پس از عفو قاتل از قصاص و یا گرفتن دیه در پی کشتن وی برآیند ، به عذابی دردناک گرفتار خواهند شد .

فمن اعتدی بعد ذلک فله عذاب ألیم

برداشت فوق بر این مبناست که <ذلک> اشاره به گرفتن دیه باشد. در این صورت جمله <فمن اعتدی ...> بیانگر این است که: اولیای مقتول اگر قاتل را عفو کنند و از او مطالبه دیه نمایند، پس از آن حق ندارند در صدد کشتن وی باشند و او را قصاص کنند.

۲۶ - ولیّ مقتول

اگر پس از عفو یا گرفتن دیه ، قاتل را بکشد ، باید کشته شود . *

فمن اعتدی بعد ذلک فله عذاب أليم

جمله <فله عـذاب أليم> را می توان بیان واقعیتی دانست که تجاوزگر در دنیا یا آخرت به آن گرفتار خواهـد شـد و می توان آن را حکمی کیفری و مجازاتی شمرد که جامعه اسلامی باید آن را اجرا کند. برداشت فوق بر اساس دومین احتمال است.

کیفر اخروی قاتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۹ - ۴

۴ گناه شرک ، آدم کشی و زنا در پی دارنده اشد مجازات در قیامت

یضعف له العذاب یوم القیمه

کیفر اخروی قاتل مشرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۹ - ۱،۲

۱ کسانی که رو به سوی شرک آرند و دست به آدم کشی و زنا بیالایند ، در قیامت دو چندان عذاب و کیفر خواهند شد .

یضعف له العذاب یوم القیمه

در این که چرا افراد یاد شـده، دو چنـدان مجازات خواهند شد، میان مفسـران دو دیدگاه وجود دارد: ۱ مقصود از <یضاعف. ..> دو چندان شدن مجازات کسانی است که هر سه گناه شـرک، آدم کشـی و زنا را با هم مرتکب شوند; زیرا شرک موجب دو چنـدان شـدن مجازات بزه کاری می شود. برداشت یاد شـده و برداشت بعدی مبتنی بر این نظریه است. ۲- مقصود، تشدید مجازات افراد یاد شده است نه دو چندان شدن آن.

۲ شرک ، موجب دو چندان شدن کیفر بزه کاری (آدمکشی ، زنا و . . .)

در قیامت

یضعف له العذاب یوم القیمه

کیفر قاتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۲ - ۳۱

۳۱ جایگاه قاتل یک انسان در جهنم ، همان جایگاه قاتل همه انسانهاست ، اگر چه عذابشان متفاوت است .

من قتل نفساً بغیر نفس او فساد فی الارض فکانما قتل الناس جمیعاً

امام باقر(ع) در پاسخ سؤال از معنای آیه فوق فرمود: یوضع فی موضع من جهنم . .. لو قتل الناس جمیعا انما کان یدخل ذلک المکان قلت: فانه قتل آخر؟ قال: یضاعف علیه.

کافی، ج ۷، ص ۲۷۱، ح ۱; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۱۹، ح ۱۵۰.

کیفیت کشف هویت قاتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۰ - ۲

۲ - قوم موسی ، بر این باور بودند که گاو مورد نظر برای ذبح و حل معمای قتل ، باید ویژگی های منحصر به فرد داشته باشد .

إن البقر تشبه علینا

<تشابه> به معنای همانند بودن است و چون با <علی> متعدی شده، متضمن معنای التباس و اشتباه نیز هست. بنابراین <إن البقر ...>; یعنی، آن گاو توصیف شده به میانسالی و زرد رنگی، مصادیق زیادی دارد که همگی مشابه یکدیگرند و این موجب می شود که ندانیم کدامین را انتخاب کنیم. این جمله از قوم موسی، حکایت از آن دارد که: آنان گمان داشتند گاو مورد نظر برای ذبح باید به گونه ای توصیف شود که تنها یک فرد داشته باشد تا همانندی از بین برود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۳ -

۱ - خداوند ، به قوم موسی فرمان داد تا قطعه ای از گاو ذبح شده را بر پیکر مقتول بزنند .

فقلنا اضربوه ببعضها

ضمیر مفعولی در <إضربوه> به <نفساً> بر می گردد و ضمیر در <ببعضها> به <بقره> ارجاع می شود.

۲ - مقتول قوم موسی در پی زده شدن پاره ای از گاو ذبح شده بر وی ، زنده شد .

فقلنا اضربوه ببعضها كذلك يحى اللّه الموتى

عبارت <كذلك يحى اللّه الموتى; خداوند بدين سان مردگان را زنده می كند> پس از جمله <فقلنا . ..> دلالت بر زنده شدن آن مقتول دارد.

گناه قاتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۹ - ۷

۷ خداوند ، گناهان مقتول به ناحق را به پای قاتل او ثبت خواهد كرد .

انی ارید ان تبوا باثمی و اثمک

برداشت فوق مبتنی بر این است كه مراد از <اثمی>، مطلق گناهان باشد. برداشت فوق را فرمایش منقول از امام باقر(ع) تأیید می كند كه فرمود: من قتل مؤمناً متعمداً اثبت اللّه علیه جمیع الذنوب و بری المقتول منها و ذلك قول اللّه تعالی <انی ارید ان تبوا باثمی و اثمك فتكون من اصحب النار>.

ثواب الاعمال و عقاب الاعمال (مترجم)، ص ۶۳۶، ح ۹، باب عقاب من قتل نفساً متعمداً; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۱۳، ح ۱۳۳.

مسؤولیت قاتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۴،۱۳

۴ – قاتل باید خود را برای قانون قصاص تسلیم کند .

یایها الذین ءامنوا کتب علیکم القصاص

مخاطبان واقعی جمله <کتب علیکم> قاتلان هستند. بنابراین بر خود قاتل است

که برای اجرای قانون قصاص، خویشتن را آماده کند و این به معنای لزوم تسلیم برای اجرای قصاص می باشد.

۱۳ – قاتل در صورتی که از قصاص عفو شود ، باید به اولیای مقتول خون بها بپردازد .

فمن عفی له من أخیه شیء . .. و أداء إلیه بإحسن

نهی از مُثله قاتل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۳۳ – ۱۹

۱۹– < عن إسحاق بن عمار قال : قلت لأبی الحسن (ع) إن الله عزّوجلّ یقول فی کتابه : < . . .فلایسرف فی القتل إنه کان منصوراً > فما هذا الإسراف الذی نهی الله عزّوجلّ عنه قال : نهی أن یقتل غیر قاتله أو یمثل بالقاتل قلت : فما معنی قوله : < إنه کان منصوراً > قال : و أیّ نصره أعظم من أن یدفع القاتل إلی أولیاء المقتول فیقتله و لاتبعه تلزمه من قتله فی دین و لا دنیا ;

اسخاق بن عمار گوید: به امام موسی بن جعفر(ع) گفتم: همانا خدای عزّوجلّ در کتابش می فرماید: <. .. فلایسرف فی القتل إنه کان منصوراً> این اسراف چه اسرافی است که خداوند عزّوجلّ از آن نهی کرده است[راوی گوید]گفتم: پس معنای سخن خدا <إنه کان منصوراً> چیست؟ فرمود: چه نصرتی بزرگ تر از اینکه قاتل به اولیای مقتول داده می شود و آنان قاتل را می کُشند و پیامدهایی که لازمه قتل است چه پیامدهای دینی و چه دنیایی دامنگیر آنان نمی شود>.

هشدار به قاتل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده –

۵ - ۲۹ - ۶

۶ هشدار هابیل به قابیل درباره بزرگی گناه آدمکشی و سنگینی عقوبت آن در قیامت

ان تبوا باثمی و اثمک فتکون من اصحب النار

قاذف از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

آثار اصلاح قاذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵ - ۲،۳

۲ - قذف کنندگان (کسانی که به زنان پاکدامن بدون دلیل نسبت زنا دهند) ، در صورت توبه و اصلاح رفتار خویش و جبران زیان وارده بر شخص متهم ، مشمول بخشش و آمرزش خدا خواهند شد .

والذین یرمون المحصنت . .. أُولئک هم الفسقون . إلاّ الذین تابوا من بعد ذلک و ا

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که اصلاح، پس از توبه و پشیمانی در هر موردی، متناسب با همان مورد است. بنابراین اصلاح گناه تهمت زدن، به این خواهد بود که ضرر و زیان مادی، معنوی، فردی و اجتماعی وارده بر متهم جبران شود.

۳ - توبه نسبت دهندگان بی دلیل زنا به زنان پاکدامن در صورت اصلاح رفتار خویش و جبران ضرر و زیان وارده بر متهمان موجب رفع مجازات فسق و عدم پذیرش شهادت از آنان می شود .

والذین یرمون المحصنت . .. أُولئک هم الفسقون . إلاّ الذین تابوا من بعد ذلک و أ

برداشت فوق، مبتنی براین نکته است که پذیرش توبه، شامل تمامی مجازات های مطرح شده در آیه قبل برای تهمت زنندگان شود; ولی حدّ قذف (صد تازیانه) را به خاطر وجود دلیل خاص قطعی شامل نخواهد شد.

آثار توبه قاذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴

۲ - قـذف کننـدگان (کسانی که به زنان پاکـدامن بـدون دلیل نسـبت زنا دهنـد) ، در صورت توبه و اصـلاح رفتار خویش و جبران زیان وارده بر شخص متهم ، مشمول بخشش و آمرزش خدا خواهند شد .

والذین یرمون المحصنت . .. أُولئک هم الفسقون . إلّا الذین تابوا من بعد ذلک و ا

برداشت یـاد شـده به خـاطر این نکته است که اصـلاح، پس از تـوبه و پشـیمانی در هر مـوردی، متنـاسب بـا همـان مورد است. بنـابراین اصـلاح گنـاه تهمت زدن، به این خواهـد بود که ضـرر و زیـان مـادی، معنوی، فردی و اجتماعی وارده بر متهم جبران شود.

آثار قبول توبه قاذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵ - ۳

۳ - توبه نسـبت دهندگان بی دلیل زنا به زنان پاکدامن در صورت اصـلاح رفتار خویش و جبران ضرر و زیان وارده بر متهمان موجب رفع مجازات فسق و عدم پذیرش شهادت از آنان می شود .

والذین یرمون المحصنت . .. أُولئک هم الفسقون . إلّا الذین تابوا من بعد ذلک و أ

برداشت فوق، مبتنی براین نکته است که پـذیرش توبه، شامل تمامی مجازات های مطرح شده در آیه قبل برای تهمت زنندگان شود؛ ولی حدّ قذف (صد تازیانه) را به خاطر وجود دلیل خاص قطعی شامل نخواهد شد.

ایمان قاذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴ - ۱۴

۱۴ - < عن أبی جعفر (ع) . . . و نزل بالمدینه < والذین یرمون المحصنات ثمّ لم یأتوا

بأربعه شهداء فاجلدوهم ثمانين جلده و لاتقبلوا لهم شهاده ابداً و أَولئک هم الفاسقون > . . . فبرأه اللّه ما کان مقيماً علی الفريه من أن يسمّی بالإيمان . . . ;

از امام باقر(ع) روايت شده که آيه <والذين يرمون المحصنات. .. أُولئک هم الفاسقون> در مدينه نازل شده است... پس خداوند کسی را که تهمت زنا می زند با زمانی که بر اين تهمت باقی باشد، او را از مؤمن ناميده شدن به دور داشته است...

بی ارزشی گواهی قاذف

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴ - ۷

۷ - اتهام بی دليل زنا (قذف) به زنان پاکدامن ، موجب از ميان رفتن هميشگی حق شهادت نسبت دهندگان ، در تمامی صحنه های گواهی

والذين يرمون المحصنت . .. و لاتقبلوا لهم شهده ابدًا

بی اعتنايی به قاذف

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۳ - ۴

۴ - منزوی ساختن و بی مهری کردن به قذف کنندگان و اتهام زنندگان به زنان پاکدامن ، وظيفه ای الهی بر عهده اهل ايمان

إنّ الذين يرمون المحصنت . .. لعنوا فی الدنيا

جمله <لعنوا فی الدنيا> می تواند بيانگر وظيفه اهل ايمان نسبت به قذف کنندگان باشد که در برداشت فوق، بدان اشاره شده است.

تکذيب قاذف

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۳ - ۳

۳ - در صورتی که قذف کنندگان از اقامه بينه ناتوان باشند ، تکذيب آنان و مبرا دانستن دامن متهم ، واجب است .

لولا جاءو عليه بأربعه

شهداء فإذ لم يأتوا بالشهداء فأولئک عند اللّه هم الکذبون

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که جمله <فأُولئک عند اللّه هم الکاذبون> انشا در قالب اخبار باشد; یعنی، این افراد محکوم به کذب و دروغ گویی اند.

توبه قاذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵ - ۹

۹ - < فی مجمع البیان [أحد القولین فی هذه الآیه] ان الإستثناء یرجع إلی الأمرین فإذا تاب قبلت شهادته حدّ أو لم یحد و قول أبی جعفر (ع) و أبی عبداللّه (ع) ;

در مجمع البیان آمد است که [یکی از دو قول در آیه یاد شده] این است که استثنا به هر دو امر بازمی گردد. پس هرگاه قذف کننده توبه کند، شهادت او قبول می شود; چه حد بر او جاری شده باشد و چه نشده باشد ... و ان قول امام باقر و امام صادق علیهماالسلام است>.

تهدید قاذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۴ - ۸

۸ - کسانی که با حیثیت زنان مؤمن ، بازی کرده و با قذف و نسبت دادن زنا به آنان ، به بد نام کردن ایشان در جامعه می پردازند ، به محاکمه و بازخواست الهی تهدید شدند .

إنّ الذین یرمون المحصنت . .. یوم تشهد علیهم ألسنتهم ... بما کانوا یعملون

دروغگویی قاذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۳ - ۴

۴ - در پیشگاه خداوند ، قذف کنندگان بی دلیل سرآمد دروغ

گویان اند .

فأُولئک عند اللّه هم الکذبون

ضمیر <هم> ضمیر فصل و <الکاذبون> مسند محلی به <ال> جنس و مفید حصر است.

رذالت قاذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴ - ۹

۹ - نسبت دهندگان بی دلیل زنا به زنان پاکدامن ، مردمی فرومایه و بی اعتبار در جامعه اسلامی

والذین یرمون المحصنت ثمّ لم یأتوا بأربعه شهداء . .. و لاتقبلوا لهم شهده أبدًا

پذیرفته نشدن گواهی نسبت دهندگان دروغین زنا به زنان پاکدامن و نیز توصیف آنان با کلمه <فاسقان>، حاکی از فرومایگی و بی اعتباری آنان در جامعه اسلامی است.

شرایط آمرزش قاذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵ - ۲

۲ - قذف کنندگان (کسانی که به زنان پاکدامن بدون دلیل نسبت زنا دهند) ، در صورت توبه و اصلاح رفتار خویش و جبران زیان وارده بر شخص متهم ، مشمول بخشش و آمرزش خدا خواهند شد .

والذین یرمون المحصنت . .. أُولئک هم الفسقون . إلاّ الذین تابوا من بعد ذلک و ا

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که اصلاح، پس از توبه و پشیمانی در هر موردی، متناسب با همان مورد است. بنابراین اصلاح گناه تهمت زدن، به این خواهد بود که ضرر و زیان مادی، معنوی، فردی و اجتماعی وارده بر متهم جبران شود.

شرایط قبول توبه قاذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵ - ۳

۳ - توبه نسبت دهندگان بی دلیل زنا به زنان پاکدامن در صورت اصلاح رفتار

خویش و جبران ضرر و زیان وارده بر متهمان موجب رفع مجازات فسق و عدم پذیرش شهادت از آنان می شود .

والذین یرمون المحصنت . .. أُولئک هم الفسقون . إلاّ الذین تابوا من بعد ذلک و أ

برداشت فوق، مبتنی براین نکته است که پـذیرش توبه، شامل تمامی مجازات های مطرح شده در آیه قبل برای تهمت زنندگان شود; ولی حدّ قذف (صد تازیانه) را به خاطر وجود دلیل خاص قطعی شامل نخواهد شد.

عذاب قاذف

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۲۳ – ۵

۵ – عذاب بزرگ خداوند ، پیامد و کیفر قذف کردن زنان عفیف و مؤمن است .

إنّ الذین یرمون المحصنت . .. لهم عذاب عظیم

عوامل رفع فسق قاذف

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۵ – ۳

۳ – توبه نسبت دهندگان بی دلیل زنا به زنان پاکدامن در صورت اصلاح رفتار خویش و جبران ضرر و زیان وارده بر متهمان موجب رفع مجازات فسق و عدم پذیرش شهادت از آنان می شود .

والذین یرمون المحصنت . .. أُولئک هم الفسقون . إلاّ الذین تابوا من بعد ذلک و أ

برداشت فوق، مبتنی براین نکته است که پـذیرش توبه، شامل تمامی مجازات های مطرح شده در آیه قبل برای تهمت زنندگان شود; ولی حدّ قذف (صد تازیانه) را به خاطر وجود دلیل خاص قطعی شامل نخواهد شد.

عوامل رفع کیفر قاذف

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۵ – ۳

۳ – توبه نسبت دهندگان بی

دلیـل زنا به زنان پاکـدامن در صورت اصـلاح رفتار خویش و جبران ضـرر و زیان وارده بر متهمان موجب رفع مجازات فسق و عدم پذیرش شهادت از آنان می شود .

والذین یرمون المحصنت . .. أُولئک هم الفسقون . إلاّ الذین تابوا من بعد ذلک و أ

برداشت فوق، مبتنی براین نکته است که پـذیرش توبه، شامل تمامی مجازات های مطرح شده در آیه قبل برای تهمت زنندگان شود; ولی حدّ قذف (صد تازیانه) را به خاطر وجود دلیل خاص قطعی شامل نخواهد شد.

فسق قاذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴ - ۸

۸ - اتهام بی دلیل زنا به زنان پاکدامن ، بدترین نوع فسق است و نسبت دهندگان آن ، سرآمد فاسقان اند .

والذین یرمون المحصنت ثمّ لم یأتوا بأربعه شهداء . .. و أُولئک هم الفسقون

ضمیر <هم> ضـمیر فصل و <الفاسـقون> مسند همراه با <ال> جنس و مفید حصر است. منحصر کردن اهل فسق به نسبت دهندگان زنای بی دلیل به زنان پاکدامن، بیانگر برداشت یاد شده است.

کیفر اخروی قاذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۵ - ۱

۱ - کسـانی که به زنان پاکـدامن و مؤمن تهمت زنا می زننـد ، در قیامت بی هیـچ تخفیف و ترحمی و به صورت کامل ، کیفر کارشان را دریافت خواهند کرد .

الذین یرمون المحصنت . .. یومئذ یوفّیهم اللّه دینهم

ضمیر <هـم> در <یـوفّیهم> و <دینهـم> به <قـذف کننـدگان> (الـذین یرمـون المحصـنات) بـازمی گردد و <تـوفیه> (مصدر <یوفّی>) به معنای پرداخت به صورت تام و

کامل است و مقصود از <دین> به قرینه این که آیه شریفه در باره قیامت است جزا می باشد.

کیفر قاذف

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۴ – ۱،۲

۱ – کیفر نسبت دهندگان زنا (قذف) به زنان پاکدامن ، بدون ارائه چهارگواه ناظر ، هشتاد ضربه شلاق با تازیانه چرمی است .

والذین یرمون المحصنت ثمّ لم یأتوا بأربعه شهداء فاجلدوهم ثمنین جلده

<جلد> (مصدر <اجلدوا>) گاهی به معنای <زدن با تازیانه چرمی> و گاهی به معنای <بر پوست بدن کسی با تازیانه زدن> می آید. برداشت فوق، بر مبنای کار برد اول است. گفتنی است که <رمی> (مصدر <یرمون>) به معنای تیر انداختن است و در این جا استعاره از نسبت دادن امری ناخوشایند به مردم است که در اصطلاح فقه از آن تعبیر به <قذف> می شود.

۲ – هشتاد ضربه تازیانه بر پوست بدن ، کیفر نسبت دهندگان زنا (قذف) به زنان پاکدامن ، بدون ارائه چهار گواه ناظر

والذین یرمون المحصنت ثمّ لم یأتوا بأربعه شهداء فاجلدوهم ثمنین جلده

کیفیت توبه قاذف

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۵ – ۸

۸ – < عن سماعه عنه فی قول اللّه عزّوجلّ < و لاتقبلوا لهم شهاده أبداً . . . إلاّ الذین تابوا > . . . قال یکذب نفسه علی رؤوس الناس حتّی یضرب و یستغفر ربّه و إذا فعل ذالک فقد ظهرت توبته ;

سماعه روایت می کند که امام(ع) در باره قول خدای عزّوجل <و لاتقبلوا لهم شهاده أبداً

. .. إلاّ الـذين تابوا> فرمود: قـذف كننـده بايـد خود را در اجتماع مردم تكـذيب كنـد تا حـد بر او جارى گردد و از خدا طلب آمرزش كند و اگر اين كار را كرد، توبه او آشكار شده است.

گواهى اخروى پاى قاذف

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۴ - ۳

۳ - شـهادت و گواهى زبـان ، دست و پـاى قـذف كننـدگان و تهمت زننـدگان به زنـان پاكـدامن ، نجيب و مؤمن ، بر اعمـال ناروايشان در قيامت

إنّ الذين يرمون المحصنت . .. يوم تشهد عليهم ألسنتهم ... بما كانوا يعملون

گواهى اخروى دست قاذف

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۴ - ۳

۳ - شـهادت و گواهى زبـان ، دست و پـاى قـذف كننـدگان و تهمت زننـدگان به زنـان پاكـدامن ، نجيب و مؤمن ، بر اعمـال ناروايشان در قيامت

إنّ الذين يرمون المحصنت . .. يوم تشهد عليهم ألسنتهم ... بما كانوا يعملون

گواهى اخروى زبان قاذف

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۴ - ۳

۳ - شـهادت و گواهى زبـان ، دست و پـاى قـذف كننـدگان و تهمت زننـدگان به زنـان پاكـدامن ، نجيب و مؤمن ، بر اعمـال ناروايشان در قيامت

إنّ الذين يرمون المحصنت . .. يوم تشهد عليهم ألسنتهم ... بما كانوا يعملون

گواهى قاذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴ - ۱۵

۱۵ - < عن الصادق (ع) عن أبيه عن جدّه (ع)

أنّ علياً (ع) قال ، ليس بين خمس من النساء و بين أزواجهنّ ملاعنه . . . والمجلود فی الفریه لأنّ اللّه عزّوجلّ يقول : و لاتقبلوا لهم شهاده أبداً . . . ;

امام صادق(ع) از پدرش و او از جدش روايت كرده است كه حضرت على(ع) فرمود: بين پنج دسته از زنان با شوهرانشان ملاعنه نيست (يعنى قانون لعان اجراء نمى شود). .. از جمله آنها، كسانى هستند كه به علت تهمت زنا زدن، تازيانه خورده اند; زيرا خداوند فرمود: <و لاتقبلوالهم شهاده أبداً>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵ - ۹

۹ - < فی مجمع البیان [أحد القولین فی هذه الآیه] ان الإستثناء یرجع إلی الأمرین فإذا تاب قبلت شهادته حدّ أو لم یحد و قول أبی جعفر (ع) و أبی عبداللّه (ع) ;

در مجمع البيان آمد است كه [يكى از دو قول در آيه ياد شده] اين است كه استثنا به هر دو امر بازمى گردد. پس هرگاه قذف كننده توبه كند، شهادت او قبول مى شود; چه حد بر او جارى شده باشد و چه نشده باشد ... و ان قول امام باقر و امام صادق عليهماالسلام است>.

لعان قاذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴ - ۱۵

۱۵ - < عن الصادق (ع) عن أبیه عن جدّه (ع) أنّ علیاً (ع) قال ، لیس بین خمس من النساء و بین أزواجهنّ ملاعنه . . . والمجلود فی

الفریه لأنّ اللّه عزّوجلّ یقول : و لاتقبلوا لهم شهاده أبداً . . . ;

امام صادق(ع) از پدرش و او از جدش روایت کرده است که حضرت علی(ع) فرمود: بین پنج دسته از زنان با شوهرانشان ملاعنه نیست (یعنی قانون لعان اجراء نمی شود). .. از جمله آنها، کسانی هستند که به علت تهمت زنا زدن، تازیانه خورده اند; زیرا خداوند فرمود: <و لاتقبلوالهم شهاده أبداً>.

لعن بر قاذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۷ - ۳

۳ - مردانی که با سوگند دروغین ، همسرانشان را متهم به زنا کنند ، مستحق لعنت خدایند .

والخمسه أنّ لعنت اللّه علیه إن کان من الکذبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۳ - ۱

۱ - قذف کنندگان و اتهام زنندگان به زنان پاکدامن ، نجیب و مؤمن ، مورد نفرین در دنیا و آخرت

إنّ الذین یرمون المحصنت الغفلت المؤمنت لعنوا فی الدنیا و الأخره

<محصنات> به معنای زنان عفیف و پاکدامن است (لسان العرب). مقصود از <غافلات> (زنان غافل) ممکن است زنانی باشند که آن قدر از آلودگی جنسی به دوراند که گویا به کلی از چنین مسائلی بی خبراند و ممکن است زنانی باشند که از آنچه به آنان نسبت ناروا داده اند (فحشا)، کاملاً بی خبراند و در هر دو صورت به چنین زنانی زنان نجیب گفته می شود.

محاکمه اخروی قاذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۴ - ۸

۸ - کسانی که با حیثیت زنان مؤمن ، بازی کرده

و با قذف و نسبت دادن زنا به آنان ، به بد نام کردن ایشان در جامعه می پردازند ، به محاکمه و بازخواست الهی تهدید شدند .

إنّ الذین یرمون المحصنت . .. یوم تشهد علیهم ألسنتهم ... بما کانوا یعملون

منشأ رفع فسق قاذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵ - ۶

۶ - پذیرش توبه قذف کنندگان و پاک شدن آنان از آثار فسق ، ناشی از غفران و رحمت خداوند است .

والذین یرمون المحصنت . .. أُولئک هم الفسقون ۰ إلّا الذین تابوا من بعد ذلک و أ

منشأ قبول توبه قاذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵ - ۶

۶ - پذیرش توبه قذف کنندگان و پاک شدن آنان از آثار فسق ، ناشی از غفران و رحمت خداوند است .

والذین یرمون المحصنت . .. أُولئک هم الفسقون ۰ إلّا الذین تابوا من بعد ذلک و أ

موقعیت اجتماعی قاذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴ - ۹

۹ - نسبت دهندگان بی دلیل زنا به زنان پاکدامن ، مردمی فرومایه و بی اعتبار در جامعه اسلامی

والذین یرمون المحصنت ثمّ لم یأتوا بأربعه شهداء . .. و لاتقبلوا لهم شهده أبدًا

پذیرفته نشدن گواهی نسبت دهندگان دروغین زنا به زنان پاکدامن و نیز توصیف آنان با کلمه <فاسقان>، حاکی از فرومایگی و بی اعتباری آنان در جامعه اسلامی است.

قارون از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

قارون

آثار تجمل گرایی قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ -

۷۸ - ۷۹

۷ - خودنمایی و تجمل گرایی قارون ، باعث برانگیخته شدن خوی دنیاخواهی عناصر غافل و دنیاطلب بود .

قال الذین یریدون الحیوه الدنیا . .. إنّه لذو حظّ عظیم

۸ - اظهار حسرت و دریغ از سوی دنیاطلبان غافل ، به هنگام مشاهده قارون در تجمل ویژه خود

قال الذین یریدون الحیوه الدنیا یلیت لنا مثل ما أُوتی قرون

آثار ترک انفاق قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۷ - ۲۲

۲۲ - زراندوزی قارون و خودداری وی از پرداختن حقوق مالی ، باعث پیدایش فساد و تباهی در میان بنی اسرائیل بود .

و لاتبغ الفساد فی الأرض

آثار تکبر قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۱ - ۱۱

۱۱ - < عن النبی (ص) : . . . إنّ قارون أوّل من اختال فخسف اللّه به و بداره الأرض ;

از نبی اکرم(ص) روایت شده است:. .. قارون اولین کسی بود که تکبر ورزید; پس خدا او و خانه اش را در زمین فرو برد>.

آثار ثروت اندوزی قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۷ - ۲۲

۲۲ - زراندوزی قارون و خودداری وی از پرداختن حقوق مالی ، باعث پیدایش فساد و تباهی در میان بنی اسرائیل بود .

و لاتبغ الفساد فی الأرض

آثار ثروت قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۶ - ۶،۹

۶ - ثروت افسانه ای قارون ، موجب طغیان وی علیه ملت خود گردید .

و ءاتینه

من الکنوز

بازگو کردن ثروت فراوان قارون، پس از معرفی وی به عنوان فردی متجاوز و طغیانگر، می تواند توضیح دهنده علیت این طغیان و تجاوز باشد.

۹ - شادمانی مغرورانه قارون به خاطر ثروت افسانه ای خویش

و ءاتینه من الکنوز . .. إذ قال له قومه لاتفرح

آثار خودنمایی قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۹ - ۷

۷ - خودنمایی و تجمل گرایی قارون ، باعث برانگیخته شدن خوی دنیاخواهی عناصر غافل و دنیاطلب بود .

قال الذین یریدون الحیوه الدنیا . .. إنّه لذو حظّ عظیم

آثار دنیاطلبی قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۷ - ۴

۴ - دلبستگی شدید قارون به اندوخته های خویش ، مانع از خرج کردن آنها در راه رضای خدا و تأمین سعادت اخروی خویش بود .

و ابتغ فیما ءاتیک اللّه الدار الأخره

آثار طغیانگری قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۱ - ۲

۲ - هلاکت قارون ، بازتاب طغیان و رفتار ظالمانه وی با مردم خویش بود .

إنّ قرون کان من قوم موسی فبغی علیهم . .. فخسفنا به و بداره الأرض

برداشت یاد شده با توجه به تفریع <فخسفنا> بر <فبغی علیهم> به دست می آید.

آثار ظلم قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۱ - ۲

۲ - هلاکت قارون ، بازتاب طغیان و رفتار ظالمانه وی با مردم خویش بود .

إنّ قرون کان من قوم موسی فبغی علیهم . .. فخسفنا به و

بداره الأرض

برداشت یاد شده با توجه به تفریع <فخسفنا> بر <فبغی علیهم> به دست می آید.

آثار علم قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۸ - ۳،۴

۳ - قارون ، مدعی بهره مندی از دانش و خلاقیت ویژه برای تحصیل ثروت بود .

قال إنّما أُوتیته علی علم عندی

۴ - مؤثر دانستن دانش و ابتکار فردی در فزونی ثروت ، توجیه قارون برای ترک انفاق و احسان نکردن خود

إذ قال له قومه . .. و أحسن ... قال إنّما أُوتیته علی علم عندی

از این که قارون در پاسخ به توصیه قومش به انفاق و احسان، گفت: این ثروت ها، ناشی از دانش و ابتکار من است; می توان استفاده کرد که او با این پاسخ، درصدد توجیه کار خود (ترک احسان) برآمده بود.

آثار کفران قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۲ - ۱۶

۱۶ - ناسپاسی در برابر نعمت های الهی ، عامل هلاکت قارون و فرورفتن با خانه اش در کام زمین

فخسفنا به و بداره الأرض . .. ویکأنّه لایفلح الکفرون

آثار هلاکت قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۲ - ۷،۱۲،۱۴

۷ - پیدایش روحیه تسلیم و رضا (تسلیم در برابر اراده خدا و رضا به داده او) در آرزومندان ثروت قارونی ، با مشاهده هلاکت غافلگیرانه وی

و أصبح الذين . .. ويكأنّ اللّه يبسط الرزق لمن يشاء من عباده و يقدر

تعبير <اللّه يبسط الرزق. ..> نشانگر اين حقيقت است كه روزىِ انسان ها در دست

خداوند است. بنابراین ما به هر چه او مصلحت بداند (هر چند فقر و تنگدستی) راضی و تسلیم هستیم.

۱۲ - آگاهی دل باختگان دنیا به عاقبت شوم دنیاطلبی ، پس از مشاهده نگون بختی قارون

لولا أن منّ اللّه علینا لخسف بنا

۱۴ - آگاهی یافتن آرزومندان مال و ثروت به پی آمد شوم ناسپاسی در برابرنعمت های الهی ، با مشاهده نگون بختی قارون

ویکأنّه لایفلح الکفرون

<کفر> (مصدر <کافرون>) در این جا مقابل <شکر> و به معنای ناسپاسی است. جمله <و یکأنّه لایفلح الکافرون> اعتراف دنیاطلبان به ناسپاسی خود در مقابل خدا است و اشاره به علت هلاکت قارون دارد.

آرزوی ثروت قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۹ - ۱۱

۱۱ - دستیابی به ثروتی هم چون ثروت قارون ، نهایت آرزوی دنیاطلبان غافل قوم وی بود .

قال الذین یریدون الحیوه الدنیا یلیت لنا مثل ما أُوتی قرون

احساس خطر قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۵ - ۶

۶ - وحشت و احساس خطر فرعون ، هامان و قارون از گسترش آیین موسی و قوت گرفتن پیروان آن حضرت

قالوا اقتلوا أبناء الذین ءامنوا معه

از فرمان فرعون و. .. به قتل ایمان آورندگان به موسی(ع)، برداشت یاد شده استفاده می شود.

ادعای قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۷۸ – ۳

۳ – قارون ، مدعی بهره مندی از دانش و خلاقیت ویژه برای تحصیل ثروت بود .

قال إنّما أُوتيته على علم عندی

استکبار قارون

جلد – نام سوره – سوره – آیه

– فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۳۹ – ۶،۷

۶ – قارون و فرعون و هامان ، با پیامبری موسی (ع) برخوردی مستکبرانه کردند .

و قرون و . .. و لقد جاءهم موسی ... فاستکبروا

۷ – قارون و فرعون و هامان ، روحیه مستکبرانه داشتند و در سرزمین مصر ، مستکبرانه رفتار می کردند .

و قرون و فرعون و همن . .. فاستکبروا فی الأرض

افساد قارون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۷۷ – ۲۰

۲۰ – قارون ، عنصری فسادگر و تباهی آفرین بود .

و لاتبغ الفساد فی الأرض

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۸۳ – ۳

۳ – برتری جویی و فسادانگیزی ، مهم ترین و اصلی ترین صفت ناپسند قارون

تلک الدار الأخره نجعلها للذین لایریدون علوًّا فی الأرض و لا فسادًا

برداشت بالا با توجه به این نکته است که آیه مورد بحث نوعی جمع بندی از مطالبی است که تا این جا درباره داستان قارون و اوصاف وی ذکر شده بود. در این جمع بندی از دو صفت قارون (که مهم ترین و محوری ترین اوصاف او بود) یاد شده است.

امکانات دنیوی قارون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۲۴ – ۳

۳ – فرعون ، هامان و قارون ، در اختیار دارنده همه امکانات اجتماعی (اقتصادی ، سیاسی و فرهنگی) و مانع اصلی بر سر راه هدایت مردم

کانوا هم أشدّ منهم قوّه و ءاثارًا . .. و لقد أرسلنا موسی ... إلی فرعون

و همن و

برداشت یاد شده از آن جاست که این آیه، در صدد بیان نمونه و مصداقی از مردمی است که قدرت سیاسی و اقتصادی فزون تر از کافران صدر اسلام داشتند و مانع تبلیغ و رسالت پیامبر الهی بودند.

اوامر قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۵ - ۵

۵ - فرمان فرعون ، هامان و قارون ، بر کشتن فرزندان ذکور مؤمنان همراه موسی (ع)

قالوا اقتلوا أبناء الذین ءامنوا معه

برتری طلبی قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۳ - ۳

۳ - برتری جویی و فسادانگیزی ، مهم ترین و اصلی ترین صفت ناپسند قارون

تلک الدار الأخره نجعلها للذین لایریدون علوًّا فی الأرض و لا فسادًا

برداشت بالا با توجه به این نکته است که آیه مورد بحث نوعی جمع بندی از مطالبی است که تا این جا درباره داستان قارون و اوصاف وی ذکر شده بود. در این جمع بندی از دو صفت قارون (که مهم ترین و محوری ترین اوصاف او بود) یاد شده است.

بنی اسرائیل و هلاکت قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۱ - ۵

۵ - حضور نداشتن مردم به هنگام واقعه فرورفتن خانه قارون در دل زمین

فما کان له من فئه ینصرونه

چنان که از آیه بعد استفاده می شود واقعه <فرو رفتن قارون> هنگام شب رخ داد; یعنی، زمانی که مردم در خانه هایشان

آرمیده بودند. بنابراین در آن لحظه کسانی نبودند که بتوانند به یاری قارون بشتابند و قارون

در اوج بی کسی در کام زمین فرو رفت. جمله <ما کان له من فئه...> بیانگر این معنا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۲ - ۱

۱ - اطلاع یافتن مردم از فرو رفتن قارون با خانه اش در کام زمین در بامداد آن شب

و أصبح الذین تمنّوا مکانه بالأمس

بی ارزشی ثروت قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۰ - ۷

۷ - ثروت افسانه ای قارون ، بسی کم ارزش تر از پاداش های الهی در دیدگاه فرزانگان بنی اسرائیل

و قال الذین أُوتوا العلم ویلکم ثواب اللّه خیر

بی تأثیری تلاش قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۱ - ۸

۸ - تلاش بی ثمر قارون ، برای نجات جان خویش از فرو رفتن در زمین

و ما کان من المنتصرین

مقصود این است که قارون در لحظه فرو رفتن نه کسی را داشت که به او کمک کند و نه خودش می توانست جان خویش را نجات دهد.

بی یاوری قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۱ - ۶

۶ – تنهایی قارون (نبودن خدمه وی) در لحظه فرو رفتن وی با خانه اش در کام زمین

فما کان له من فئه ینصرونه

تأثیرناپذیری قارون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۷۸ – ۱

۱ – تأثیرناپذیری قارون در برابر اندرز های قوم خویش

إذ قال له قومه لاتفرح . .. و ابتغ فیما

ءاتیک اللّه الدار الأخره ... قال إنّما أَ

تجاوزگری قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۶ - ۲

۲ - قارون ، عنصری متجاوز و طغیانگر بود .

إنّ قرون کان من قوم موسی فبغی علیهم

<بَغْی> (مصدر <بغی>) به معنای ظلم و تجاوز است.

تجمل گرایی قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۹ - ۳

۳ - نمایان شدن قارون بر قوم خویش ، در نهایت آرایش و تجمل

فخرج علی قومه فی زینته

تعبیر <فی زینته> نشانگر آن است که وی در حالی بر مردم ظاهر شد که غرق در تجمل بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۲ - ۳

۳ - اقدام خداوند به نابود ساختن قارون ، در شب همان روز که خود را با تجمل ویژه اش بر مردم نمایانده بود .

فخرج علی قومه فی زینته . .. فخسفنا به ... و أصبح الذین تمنّوا مکانه بالأمس

قید <بالأمس> (دیروز) در این آیه، بیانگر مطلب یاد شده است.

تحقیر قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۷۹ – ۵

۵ – رفتار تحقیرآمیز قاورن با مردم ، علی رغم پیوند نژادی وی با آنان

فخرج علی قومه فی زینته

تعبیر <علی قومه> به جای <علی الناس> بیانگر مطلب یاد شده است.

ترس قارون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۲۵ – ۶

۶ – وحشت و احساس خطر فرعون ، هامان و قارون از گسترش آیین موسی و قوت

گرفتن پیروان آن حضرت

قالوا اقتلوا أبناء الذین ءامنوا معه

از فرمان فرعون و. .. به قتل ایمان آورندگان به موسی(ع)، برداشت یاد شده استفاده می شود.

تشویق قارون به انفاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۷ - ۵

۵ - قوم قارون ، وی را بر حسن استفاده از ثروت خدادادی خویش و به کار گرفتن آن در راه آبادسازی سرای آخرت ترغیب کردند .

و ابتغ فیما ءاتیک اللّه الدار الأخره

تعجب از هلاکت قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۲ - ۴

۴ - آرزوکنندگان ثروت قارونی ، با مشاهده فرورفتن وی و خانه اش در زمین شگفت زده شدند .

و أصبح الذین تمنّوا مکانه بالأمس یقولون ویکأنّ

واژه <وَیْ> وقتی به کار می رود که شخص بخواهد شگفتی خود را از موضوعی بیان کند.

تفاخر قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۹ - ۱،۵

۱ - اقدام قارون به خودنمایی و فخرفروشی بر قوم خویش

فخرج علی قومه فی زینته

تعبیر <علی قومه> به جای <إلی قومه>، نشان می دهد که وی با انگیزه بزرگ نمایی و تحقیر مردم بر آنان ظاهر شده بود.

۵ - رفتار تحقیرآمیز قاورن با مردم ، علی رغم پیوند نژادی وی با آنان

فخرج علی قومه فی زینته

تعبیر <علی قومه> به جای <علی الناس> بیانگر مطلب یاد شده است.

توجیه قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۸ - ۴

۴ - مؤثر دانستن دانش و ابتکار فردی در فزونی ثروت ،

توجیه قارون برای ترک انفاق و احسان نکردن خود

إذ قال له قومه . .. و أحسن ... قال إنّما أُوتیته علی علم عندی

از این که قارون در پاسخ به توصیه قومش به انفاق و احسان، گفت: این ثروت ها، ناشی از دانش و ابتکار من است; می توان استفاده کرد که او با این پاسخ، درصدد توجیه کار خود (ترک احسان) برآمده بود.

توصیه به قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۷ - ۱۲

۱۲ - دستگیری از مردم و نیکی کردن به آنان ، توصیه دیگر قوم قارون به وی

و أحسن

تهمتهای قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۴ - ۶

۶ - تهمت سحر و دروغ گویی به موسی (ع) ، از سوی فرعون ، هامان و قارون

فقالوا سحر کذّاب

ثروت اندوزی قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۷ - ۱۰

۱۰ - قارون ، فردی افزون طلب و ناراضی به سهم خویش بود .

و لاتنس نصیبک من الدنیا

ثروت قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۶ - ۴،۵

۴ - قارون ، اندوخته های بسیاری داشت .

و ءاتینه من الکنوز ما إنّ مفاتحه لتنوأُ بالعصبه أُولی القوّه

۵ - حمل کلید صندوق های گنج قارون ، کاری دشوار بود حتی برای جماعتی نیرومند .

إنّ مفاتحه لتنوأُ بالعصبه أُولی القوّه

خودنمایی قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۹ - ۱

۱ -

اقدام قارون به خودنمایی و فخرفروشی بر قوم خویش

فخرج علی قومه فی زینته

تعبیر <علی قومه> به جای <إلی قومه>، نشان می دهد که وی با انگیزه بزرگ نمایی و تحقیر مردم بر آنان ظاهر شده بود.

خوشبختی قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۹ - ۹

۹ - از دید دنیاطلبان ، قارون در اوج لذت و خوشبختی قرار داشت .

فخرج علی قومه . .. قال الذین یریدون الحیوه الدنیا ... إنّه لذو حظّ عظیم

<حظّ> به معنای بهره و نصیب است; یعنی، او از سعادت و نیک بختی بهره بزرگی دارد.

خویشاوندی قارون و موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۶ - ۱۸

۱۸ - < إنّ قارون کان من قوم موسی > أی کان من بنی اسرائیل ثمّ من سبط موسی و هو ابن خالته . . . روی ذلک عن أبی عبداللّه (ع) ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خداوند: <إنّ قارون کان من قوم موسی> روایت شده که قارون از قوم بنی اسرائیل و از تیره موسی(ع) و پسرخاله آن حضرت بود>.

خیرخواهان قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۷ - ۱۱

۱۱ - قوم خیرخواه قارون ، خواهان بسنده کردن وی به سهم خویش و صرف کردن مازاد آن در راه خدا

و لاتنس نصیبک من الدنیا

دنیاطلبی قارون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۷۷ – ۱۰

۱۰ – قارون ، فردی افزون طلب و ناراضی به سهم خویش

بود .

و لاتنس نصیبک من الدنیا

ذلت قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۱ - ۹

۹ - خواری ، ذلت ، عجز و ناتوانی سخت قارون به هنگام فرورفتن در کام زمین

فما کان له من فئه ینصرونه من دون اللّه و ما کان من المنتصرین

روش برخورد قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۹ - ۵

۵ - رفتار تحقیرآمیز قاورن با مردم ، علی رغم پیوند نژادی وی با آنان

فخرج علی قومه فی زینته

تعبیر <علی قومه> به جای <علی الناس> بیانگر مطلب یاد شده است.

روش مبارزه قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۴ - ۷

۷ - موضع گیری واحد فرعون ، هامان و قارون در چگونگی و شیوه مبارزه با موسی (ع)

فقالوا سحر کذّاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۵ - ۱۲،۹،۷

۷ – کشتار فرزندان ذکور مؤمنان ، تنها راه پیشگیری از رواج آیین موسی ، در نگاه فرعون ، هامان و قارون

قالوا اقتلوا أبناء الذین ءامنوا معه

برداشت یـاد شـده به خاطر این نکته است که نخستین واکنش فرعون و.. .. در برابر ایمان آورنـدگان به موسـی(ع)، قتل پسـران آنان بود.

۹ – زنده گذاشتن دختران مؤمنان علی رغم کشتار پسران آنان اقدام بی رحمانه دیگر فرعون ، هامان و قارون علیه موسی (ع) و بنی اسرائیل بود .

و استحیوا نساءهم

۱۲ – موضع گیری واحد فرعون ، هامان و قارون در چگونگی و

شیوه مبارزه با موسی (ع) و پیروان او

قالوا اقتلوا أبناء الذین ءامنوا معه و استحیوا نساءهم

زمینه ترک انفاق قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۸ - ۴

۴ - مؤثر دانستن دانش و ابتکار فردی در فزونی ثروت ، توجیه قارون برای ترک انفاق و احسان نکردن خود

إذ قال له قومه . .. و أحسن ... قال إنّما أُوتیته علی علم عندی

از این که قارون در پاسخ به توصیه قومش به انفاق و احسان، گفت: این ثروت ها، ناشی از دانش و ابتکار من است; می توان استفاده کرد که او با این پاسخ، درصدد توجیه کار خود (ترک احسان) برآمده بود.

زمینه دنیاطلبی قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۹ - ۷

۷ - خودنمایی و تجمل گرایی قارون ، باعث برانگیخته شدن خوی دنیاخواهی عناصر غافل و دنیاطلب بود .

قال الذین یریدون الحیوه الدنیا . .. إنّه لذو حظّ عظیم

سختی حمل کلیدهای گنج قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۶ - ۵

۵ - حمل کلید صندوق های گنج قارون ، کاری دشوار بود حتی برای جماعتی نیرومند .

إنّ مفاتحه لتنوأُ بالعصبه أُولی القوّه

سرزنش قارون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۷۸ – ۱۳

۱۳ – نکوهش قارون از سوی خدا ، به خاطر درس نگرفتن از فرجام شوم زراندوزان پیش از خود

أوَلم یعلم أنّ اللّه قد أهلک من قبله من القرون من هو أشدّ منه قوّه

و أكثر جمعًا

سرشناسی قارون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۳۹ – ۵

۵ – قارون و فرعون و هامان ، چهره های سرشناس و پرنفوذ جامعه خود بودند .

و قرون و فرعون و همن و لقد جاءهم موسی بالبيّنت

بـا توجه به این که موسـی(ع) پیـامبری مبعوث شـده از جانب خداونـد برای توده های بنی اسـرائیل بود، ذکر نام سه تن از میان آنان و یادآوری این که موسـی(ع) با بینات، به سوی قارون و فرعون و هامان آمد، نشان می دهد که آنان چهره های سرشناس و صاحب نفوذی بوده اند.

شکست توطئه قارون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۲۵ – ۱۴

۱۴ – توطئه مشترک فرعون ، هامان و قارون برای کشتار فرزندان ذکور مؤمنان در عصر موسی (ع) نافرجام ماند .

قالوا اقتلوا أبناء الذين ءامنوا معه . .. و ما كيد الكفرين إلاّ فى ضلل

شهرت قارون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۲۴ – ۲

۲ – فرعون ، هامان و قارون ، سه عنصر سرشناس ، با نفوذ و نیرومند در عصر رسالت موسی (ع)

و لقد أرسلنا موسى . .. إلى فرعون و همن و قرون

طغیانگری قارون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۶ - ۲،۳

۲ - قارون ، عنصری متجاوز و طغیانگر بود .

إنّ قرون کان من قوم موسی فبغی علیهم

<بَغْی> (مصدر <بغی>) به معنای ظلم و تجاوز است.

۳ - رفتار ظالمانه و

تجاوزکارانه قارون علیه بنی اسرائیل ، علی رغم پیوند نژادی وی با آنان

إنّ قرون کان من قوم موسی فبغی علیهم

ظلم قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۶ - ۳

۳ - رفتار ظالمانه و تجاوزکارانه قارون علیه بنی اسرائیل ، علی رغم پیوند نژادی وی با آنان

إنّ قرون کان من قوم موسی فبغی علیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۸ - ۱۲

۱۲ - قارون ، فرد قدرتمند و زورمدار جامعه خویش بود .

من هو أشدّ منه قوّه و أکثر جمعًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۰ - ۱۴،۱۹

۱۴ - هلاکت قوم عاد و ثمود و قارون و هامان و فرعون با عذاب های الهی ، نتیجه ظلمی بود که خود ، در حق خود ، روا داشتند .

فکلاًّ أخذنا بذنبه . .. و ما کان اللّه لیظلمهم ولکن کانوا أنفسهم یظلمون

۱۹ - اقوام عاد و ثمود و نیز قارون و فرعون و هامان ، با آلودگی مداومِ به گناه ، همواره به خود ، ستم روا داشتند .

فکلاًّ أخذنا بذنبه . .. ولکن کانوا أنفسهم یظلمون

عبرت از فرجام شوم قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۸۱ – ۳

۳ – فرجام شوم قارون ، درس عبرتی است برای همه ثروتمندان مغرور و طغیانگر .

إنّ قارون . .. فبغی علیهم ... فخسفنا به و بداره الأرض

عبرت از قصه قارون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

– ۱۶

غافر - ۴۰ - ۲۴ - ۱۱

۱۱ - داستان فرعون ، هامان و قارون ، عبرت آموز و نمونه ای از سرگذشت انسان های بدفرجام و نابودشده

أَوَلم یسیروا فی الأرض فینظروا کیف کان عقبه الذین کانوا من قبلهم . .. فأخذهم ال

عبرت از هلاکت قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۲ - ۶

۶ - فرورفتن شبانه قارون با خانه اش در کام زمین ، رخدادی سخت تکان دهنده ، بیدارگر و درس آموز برای کسانی که روز پیش آرزوی ثروتی چونان ثروت وی را داشتند .

و أصبح الذین تمنّوا مکانه بالأمس یقولون ویکأنّ اللّه یبسط الرزق لمن یشاء من عباد

کلمه <مکانه>، منصوب به نزع خافض و صفت برای اسم محذوف <مکاناً> است; یعنی، <الذین تمنّوا مکاناً مثل مکانه; آنان که دیروز منزلتی هم چون منزلت قارون را آرزو کرده بودند. ..>.

عبرت ناپذیری قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۸ - ۱۳

۱۳ - نکوهش قارون از سوی خدا ، به خاطر درس نگرفتن از فرجام شوم زراندوزان پیش از خود

أوَلم یعلم أنّ اللّه قد أهلک من قبله من القرون من هو أشدّ منه قوّه و أکثر جمعًا

عجز قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۱ - ۹

۹ - خواری ، ذلت ، عجز و ناتوانی سخت قارون به هنگام فرورفتن در کام زمین

فما کان له من فئه ینصرونه من دون اللّه و ما کان من المنتصرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت

۸ - ۳۹ - ۲۹ -

۸ - قارون و فرعون و هامان ، هیچ گاه ، نتوانستند بر اراده و قضای خدا ، پیشی گیرند .

و قرون و فرعون و همن . .. و ما کانوا سبقین

به قرینه آیات پیش که درباره عذاب اقوام مکذِّب انبیا است و نیز آیه بعد که درباره عقوبت قارون و فرعون و هامان است سبقت نگرفتن آنان، سبقت نگرفتن بر امر و قضای الهی در عذاب مکذبان است.

عذاب قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۰ - ۳۸

۳ - درهم کوبیده شدن قارون و فرعون و هامان و اقوام عاد و ثمود ، به اراده و عذاب الهی بود .

فکلاًّ أخذنا بذنبه

۸ - برخی از مکذِّبان انبیا (قارون) ، در کام زمین فرو رفتند و نابود گردیدند .

و قرون . .. فکلاًّ أخذنا بذنبه ... و منهم من خسفنا به الأرض

عقیده قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۸ - ۲

۲ - اعتقاد قارون به نقش تعیین کننده دانش و ابتکار در دستیابی انسان به مال و ثروت و نه لطف و احسان خداوند

إذ قال له قومه . .. أحسن کما أحسن اللّه إلیک ... قال إنّما أُوتیته علی علم عندی

عوامل تکبر قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۶ - ۹

۹ – شادمانی مغرورانه قارون به خاطر ثروت افسانه ای خویش

و ءاتینه من الکنوز . .. إذ قال له قومه لاتفرح

عوامل سرور قارون

جلد –

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۷۶ – ۹

۹ – شادمانی مغرورانه قارون به خاطر ثروت افسانه ای خویش

و ءاتینه من الکنوز . .. إذ قال له قومه لاتفرح

عوامل طغیانگری قارون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۷۶ – ۶

۶ – ثروت افسانه ای قارون ، موجب طغیان وی علیه ملت خود گردید .

و ءاتینه من الکنوز

بازگو کردن ثروت فراوان قارون، پس از معرفی وی به عنوان فردی متجاوز و طغیانگر، می تواند توضیح دهنده علیت این طغیان و تجاوز باشد.

عوامل هلاکت قارون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۸۱ – ۲

۲ – هلاکت قارون ، بازتاب طغیان و رفتار ظالمانه وی با مردم خویش بود .

إنّ قرون کان من قوم موسی فبغی علیهم . .. فخسفنا به و بداره الأرض

برداشت یاد شده با توجه به تفریع <فخسفنا> بر <فبغی علیهم> به دست می آید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۸۲ – ۱۶

۱۶ – ناسپاسی در برابر نعمت های الهی ، عامل هلاکت قارون و فرورفتن با خانه اش در کام زمین

فخسفنا به و بداره الأرض . .. ويكأنّه لايفلح الكفرون

فرجام شوم قارون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۲ - ۵،۱۷

۵ - پشيمان شدن دنياطلبان غافل از سخنان نسنجيده روز پيش خويش با ديدن فرجام شوم قارون

و أصبح الذين تمنّوا مكانه بالأمس يقولون ويكأنّ اللّه يبسط الرزق لمن يشاء من عباد

برخى

از مفسران واژه <وَیْ> را کلمه <تندم> گرفته و گفته اند: این واژه در مقام اظهار پشیمانی به کار می رود.

۱۷ - ثروت اندوزان قارون صفت و ناسپاس ، در معرض گرفتار شدن به فرجام شوم قارون

فخسفنا به و بداره الأرض . .. ویکأنّه لایفلح الکفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۴ - ۱۱

۱۱ - داستان فرعون ، هامان و قارون ، عبرت آموز و نمونه ای از سرگذشت انسان های بدفرجام و نابودشده

أَوَلم یسیروا فی الأرض فینظروا کیف کان عقبه الذین کانوا من قبلهم . .. فأخذهم ال

فرجام قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۲ - ۱۳

۱۳ - اعتراف آرزوکنندگان ثروت قارونی به لطف و رحمت خداوند در حق ایشان ، به خاطر گرفتار نساختن آنان به سرنوشت قارون (فرو نبردن آنان در زمین)

لولا أن منّ اللّه علینا لخسف بنا

فروروی قارون در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۱ - ۱،۵،۶،۷،۸،۹،۱۱

۱ - اقدام خداوند به از میان برداشتن قارون و فرو بردن وی و خانه اش در درون زمین

فخسفنا به و بداره الأرض

۵ - حضور نداشتن مردم به هنگام واقعه فرورفتن خانه قارون در دل زمین

فما کان له من فئه ینصرونه

چنـان که از آیه بعـد اسـتفاده می شود واقعه <فرو رفتن قـارون> هنگـام شب رخ داد; یعنی، زمانی که مردم در خانه هایشان آرمیده بودند. بنابراین در آن لحظه کسانی نبودند که بتوانند به یاری قارون بشتابند و قارون در اوج بی کسی

در کام زمین فرو رفت. جمله <ما کان له من فئه...> بیانگر این معنا است.

۶ - تنهایی قارون (نبودن خدمه وی) در لحظه فرو رفتن وی با خانه اش در کام زمین

فما کان له من فئه ینصرونه

۷ - تنها خداوند ، شاهد فرورفتن قارون و خانه اش در کام زمین بود .

فما کان له من فئه . .. من دون اللّه

<من دون اللّه> استثنا از <من فئه> است; یعنی، در آن لحظه کسی جز خدا حضور نداشت.

۸ - تلاش بی ثمر قارون ، برای نجات جان خویش از فرو رفتن در زمین

و ما کان من المنتصرین

مقصود این است که قارون در لحظه فرو رفتن نه کسی را داشت که به او کمک کند و نه خودش می توانست جان خویش را نجات دهد.

۹ - خواری ، ذلت ، عجز و ناتوانی سخت قارون به هنگام فرورفتن در کام زمین

فما کان له من فئه ینصرونه من دون اللّه و ما کان من المنتصرین

۱۱ - < عن النبی (ص) : . . . إنّ قارون أوّل من اختال فخسف اللّه به و بداره الأرض ;

از نبی اکرم(ص) روایت شده است:. .. قارون اولین کسی بود که تکبر ورزید; پس خدا او و خانه اش را در زمین فرو برد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۲ - ۱۶

۱۶ - ناسپاسی در برابر نعمت های الهی ، عامل هلاکت قارون و فرورفتن با خانه اش در کام زمین

فخسفنا به و بداره الأرض . .. ویکأنّه لایفلح الکفرون

قارون از بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۶ - ۱

۱ - قارون ، از قوم موسی (از تبار بنی اسرائیل) بود .

إنّ قرون کان من قوم موسی

قارون در سرزمین مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۹ - ۷

۷ - قارون و فرعون و هامان ، روحیه مستکبرانه داشتند و در سرزمین مصر ، مستکبرانه رفتار می کردند .

و قرون و فرعون و همن . .. فاستکبروا فی الأرض

قتلهای قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۵ - ۵

۵ - فرمان فرعون ، هامان و قارون ، بر کشتن فرزندان ذکور مؤمنان همراه موسی (ع)

قالوا اقتلوا أبناء الذین ءامنوا معه

قدرت طلبی قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۸ - ۱۲

۱۲ - قارون ، فرد قدرتمند و زورمدار جامعه خویش بود .

من هو أشدّ منه قوّه و أکثر جمعًا

قدرت قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۴ - ۲

۲ - فرعون ، هامان و قارون ، سه عنصر سرشناس ، با نفوذ و نیرومند در عصر رسالت موسی (ع)

و لقد أرسلنا موسی . .. إلی فرعون و همن و قرون

قساوت قلب قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۶ - ۱۰

۱۰ - قارون ، فردی سنگ دل و بی رحم بود .

إذ قال له قومه لاتفرح

از این که قارون علیه ملت و

مردم هم نژاد خود دست به ظلم و تجاوز زد، می تواند به سنگ دلی و بی رحمی او پی برد.

قصه قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۶ - ۴

۴ - قارون ، اندوخته های بسیاری داشت .

و ءاتینه من الکنوز ما إنّ مفاتحه لتنوأُ بالعصبه أُولی القوّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۱ - ۱،۵،۶،۸،۹

۱ - اقدام خداوند به از میان برداشتن قارون و فرو بردن وی و خانه اش در درون زمین

فخسفنا به و بداره الأرض

۵ - حضور نداشتن مردم به هنگام واقعه فرورفتن خانه قارون در دل زمین

فما کان له من فئه ینصرونه

چنان که از آیه بعد استفاده می شود واقعه <فرو رفتن قارون> هنگام شب رخ داد; یعنی، زمانی که مردم در خانه هایشان آرمیده بودند. بنابراین در آن لحظه کسانی نبودند که بتوانند به یاری قارون بشتابند و قارون در اوج بی کسی در کام زمین فرو رفت. جمله <ما کان له من فئه...> بیانگر این معنا است.

۶ - تنهایی قارون (نبودن خدمه وی) در لحظه فرو رفتن وی با خانه اش در کام زمین

فما کان له من فئه ینصرونه

۸ - تلاش بی ثمر قارون ، برای نجات جان خویش از فرو رفتن در زمین

و ما کان من المنتصرین

مقصود این است که قارون در لحظه فرو رفتن نه کسی را داشت که به او کمک کند و نه خودش می توانست جان خویش را نجات دهد.

۹ – خواری ، ذلت ، عجز و ناتوانی سخت قارون به هنگام فرورفتن

در کام زمین

فما کان له من فئه ینصرونه من دون اللّه و ما کان من المنتصرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۲ - ۱،۳،۴،۶،۱۲،۱۶

۱ - اطلاع یافتن مردم از فرو رفتن قارون با خانه اش در کام زمین در بامداد آن شب

و أصبح الذین تمنّوا مکانه بالأمس

۳ - اقدام خداوند به نابود ساختن قارون ، در شب همان روز که خود را با تجمل ویژه اش بر مردم نمایانده بود .

فخرج علی قومه فی زینته . .. فخسفنا به ... و أصبح الذین تمنّوا مکانه بالأمس

قید <بالأمس> (دیروز) در این آیه، بیانگر مطلب یاد شده است.

۴ - آرزوکنندگان ثروت قارونی ، با مشاهده فرورفتن وی و خانه اش در زمین شگفت زده شدند .

و أصبح الذین تمنّوا مکانه بالأمس یقولون ویکأنّ

واژه <وَیْ> وقتی به کار می رود که شخص بخواهد شگفتی خود را از موضوعی بیان کند.

۶ - فرورفتن شبانه قارون با خانه اش در کام زمین ، رخدادی سخت تکان دهنده ، بیدارگر و درس آموز برای کسانی که روز پیش آرزوی ثروتی چونان ثروت وی را داشتند .

و أصبح الذین تمنّوا مکانه بالأمس یقولون ویکأنّ اللّه یبسط الرزق لمن یشاء من عباد

کلمه <مکانه>، منصوب به نزع خافض و صفت برای اسم محذوف <مکاناً> است; یعنی، <الذین تمنّوا مکاناً مثل مکانه; آنان که دیروز منزلتی هم چون منزلت قارون را آرزو کرده بودند. ..>.

۱۲ - آگاهی دل باختگان دنیا به عاقبت شوم دنیاطلبی ، پس از مشاهده نگون بختی قارون

لولا أن منّ اللّه علینا لخسف بنا

۱۶ - ناسپاسی در برابر نعمت های الهی ، عامل

هلاکت قارون و فرورفتن با خانه اش در کام زمین

فخسفنا به و بداره الأرض . .. ویکأنّه لایفلح الکفرون

کفر قارون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۲۵ – ۱۶

۱۶ – فرعون ، هامان و قارون ، از کافران بودند .

إلی فرعون و همن و قرون فقالوا سحر کذّاب . .. و ما کید الکفرین إلاّ فی ضلل

کیفر قارون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۴۰ – ۱

۱ – هر یک از فرعون و هامان و قارون مناسب گناهشان کیفر شدند .

فکلاًّ أخذنا بذنبه

گناه قارون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۴۰ – ۱،۱۸،۱۹

۱ – هر یک از فرعون و هامان و قارون مناسب گناهشان کیفر شدند .

فکلاًّ أخذنا بذنبه

۱۸ – اقوام عاد و ثمود و نیز قارون و فرعون و هامان ، مردمانی گناه پیشه بودند .

فکلاًّ أخذنا بذنبه . .. و ما کان اللّه لیظلمهم و لکن کانوا أنفسهم یظلمون

۱۹ – اقوام عاد و ثمود و نیز قارون و فرعون و هامان ، با آلودگی مداومِ به گناه ، همواره به خود ، ستم روا داشتند .

فکلاًّ أخذنا بذنبه . .. ولکن کانوا أنفسهم یظلمون

گواهان هلاکت قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۱ - ۷

۷ - تنها خداوند ، شاهد فرورفتن قارون و خانه اش در کام زمین بود .

فما کان له من فئه . .. من دون اللّه

<من دون اللّه> استثنا از <من فئه> است; یعنی،

در آن لحظه کسی جز خدا حضور نداشت.

لذایذ قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۹ - ۹

۹ - از دید دنیاطلبان ، قارون در اوج لذت و خوشبختی قرار داشت .

فخرج علی قومه . .. قال الذین یریدون الحیوه الدنیا ... إنّه لذو حظّ عظیم

<حظّ> به معنای بهره و نصیب است; یعنی، او از سعادت و نیک بختی بهره بزرگی دارد.

منشأ ثروت قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۸ - ۳،۴

۳ - قارون ، مدعی بهره مندی از دانش و خلاقیت ویژه برای تحصیل ثروت بود .

قال إنّما أُوتیته علی علم عندی

۴ - مؤثر دانستن دانش و ابتکار فردی در فزونی ثروت ، توجیه قارون برای ترک انفاق و احسان نکردن خود

إذ قال له قومه . .. و أحسن ... قال إنّما أُوتیته علی علم عندی

از این که قارون در پاسخ به توصیه قومش به انفاق و احسان، گفت: این ثروت ها، ناشی از دانش و ابتکار من است; می توان استفاده کرد که او با این پاسخ، درصدد توجیه کار خود (ترک احسان) برآمده بود.

موانع سعادت اخروی قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۷ - ۴

۴ - دلبستگی شدید قارون به اندوخته های خویش ، مانع از خرج کردن آنها در راه رضای خدا و تأمین سعادت اخروی خویش بود .

و ابتغ فیما ءاتیک اللّه الدار الأخره

موسی(ع) و قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ -

۱ - فرعون ، هامان و قارون ، در قلمرو رسالت موسی (ع)

و لقد أرسلنا موسی . .. إلی فرعون و همن و قرون

موعظه به قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۶ - ۱۲،۱۳

۱۲ - اقدام قوم قارون (بنی اسرائیل) به نصیحت کردن و برحذر داشتن وی از شادمانی و غرور بی جا

إذ قال له قومه لاتفرح

۱۳ - رفتار ناصحانه قوم قارون با وی ، امری شایان توجه و یادآوری است .

إذ قال له قومه لاتفرح

<إذ> در محل نصب و مفعول برای فعل محذوف است; یعنی، <اذکروا إذ قال له قومه. ..>.

نابودی خانه قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۱ - ۱

۱ - اقدام خداوند به از میان برداشتن قارون و فرو بردن وی و خانه اش در درون زمین

فخسفنا به و بداره الأرض

نژاد قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۶ - ۱،۳،۱۸

۱ - قارون ، از قوم موسی (از تبار بنی اسرائیل) بود .

إنّ قرون كان من قوم موسی

۳ - رفتار ظالمانه و تجاوزکارانه قارون علیه بنی اسرائیل ، علی رغم پیوند نژادی وی با آنان

إنّ قرون كان من قوم موسی فبغی علیهم

۱۸ - < إنّ قارون كان من قوم موسی > أی کان من بنی اسرائیل ثمّ من سبط موسی و هو ابن خالته . . . روی ذلک عن أبی عبداللّه (ع) ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خداوند: <إنّ قارون كان من

قوم موسی> روایت شده که قارون از قوم بنی اسرائیل و از تیره موسی(ع) و پسرخاله آن حضرت بود>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۹ - ۵

۵ - رفتار تحقیرآمیز قاورن با مردم ، علی رغم پیوند نژادی وی با آنان

فخرج علی قومه فی زینته

تعبیر <علی قومه> به جای <علی الناس> بیانگر مطلب یاد شده است.

نفوذ اجتماعی قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۹ - ۵

۵ - قارون و فرعون و هامان ، چهره های سرشناس و پرنفوذ جامعه خود بودند .

و قرون و فرعون و همن و لقد جاءهم موسی بالبیّنت

با توجه به این که موسی(ع) پیامبری مبعوث شده از جانب خداوند برای توده های بنی اسرائیل بود، ذکر نام سه تن از میان آنان و یادآوری این که موسی(ع) با بینات، به سوی قارون و فرعون و هامان آمد، نشان می دهد که آنان چهره های سرشناس و صاحب نفوذی بوده اند.

نقش قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۴ - ۳،۴

۳ - فرعون ، هامان و قارون ، در اختیار دارنده همه امکانات اجتماعی (اقتصادی ، سیاسی و فرهنگی) و مانع اصلی بر سر راه هدایت مردم

کانوا هم أشدّ منهم قوّه و ءاثارًا . .. و لقد أرسلنا موسی ... إلی فرعون و همن و

برداشت یاد شده از آن جاست که این آیه، در صدد بیان نمونه و مصداقی از مردمی است که قدرت سیاسی و اقتصادی فزون

تر از کافران صدر

اسلام داشتند و مانع تبلیغ و رسالت پیامبر الهی بودند.

۴ – نقش کلیدی و کارساز هامان و قارون ، در دستگاه حکومتی فرعون

إلی فرعون و همن و قرون

یاد شدن هامان و قارون در کنار فرعون (بدون ذکر دیگر اقشار جامعه)، حاکی از مطلب یاد شده است.

وقت هلاکت قارون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۸۲ – ۱،۳

۱ – اطلاع یافتن مردم از فرو رفتن قارون با خانه اش در کام زمین در بامداد آن شب

و أصبح الذین تمنّوا مکانه بالأمس

۳ – اقدام خداوند به نابود ساختن قارون ، در شب همان روز که خود را با تجمل ویژه اش بر مردم نمایانده بود .

فخرج علی قومه فی زینته . .. فخسفنا به ... و أصبح الذین تمنّوا مکانه بالأمس

قید <بالأمس> (دیروز) در این آیه، بیانگر مطلب یاد شده است.

هلاکت شبانه قارون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۸۲ – ۳

۳ – اقدام خداوند به نابود ساختن قارون ، در شب همان روز که خود را با تجمل ویژه اش بر مردم نمایانده بود .

فخرج علی قومه فی زینته . .. فخسفنا به ... و أصبح الذین تمنّوا مکانه بالأمس

قید <بالأمس> (دیروز) در این آیه، بیانگر مطلب یاد شده است.

هلاکت قارون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۸۱ – ۱

۱ – اقدام خداوند به از میان برداشتن قارون و فرو بردن وی و خانه اش در درون زمین

فخسفنا به و بداره الأرض

جلد – نام سوره – سوره – آیه

- فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۹ - ۱

۱ - قارون و فرعون و هامان ، سه شخصیت هلاک شده با عذاب الهی اند .

و قرون و فرعون و همن

<قارون> عطف بر <عاداً> است. <عاداً> مفعول فعل مقدر (أهلكنا) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۰ - ۱۱،۱۴،۱۵

۱۱ - نابود کردن قوم عاد و ثمود با طوفان و صدای مهیب و نیز هلاکت قارون و فرعون و هامان با فرورفتن در کام زمین و امواج دریا ، نشانه پیشی داشتن قضای الهی بر هر قدرتی است .

و قرون و فرعون و همن . .. و ما كانوا سبقين . فكلاًّ أخذنا بذنبه فمنهم

۱۴ - هلاکت قوم عاد و ثمود و قارون و هامان و فرعون با عذاب های الهی ، نتیجه ظلمی بود که خود ، در حق خود ، روا داشتند .

فكلاًّ أخذنا بذنبه . .. و ما كان اللّه ليظلمهم ولكن كانوا أنفسهم يظلمون

۱۵ - آنچه خداوند با اقوام عاد و ثمود و نیز با قارون و فرعون و هامان کرد ، ظلم خدا به آنان نبود .

فكلاًّ أخذنا بذنبه . .. و ما كان اللّه ليظلمهم

هماهنگی فرعون با قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۴ - ۷

۷ - موضع گیری واحد فرعون ، هامان و قارون در چگونگی و شیوه مبارزه با موسی (ع)

فقالوا سحر كذّاب

قاضی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

قاضی

آستغفار قاضی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۶ - ۳

۳ قاضی باید همواره

به درگاه خداوند استغفار کند .

لتحكم بين الناس . .. و استغفر اللّه

اختیارات قاضی تحکیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۳۵ – ۷،۱۹

۷ داوران تحکیم ، دارای اختیار در حکم به سازش یا جدایی بین زن و مرد و یا تعیین شروط بر هر یک از آن دو

و ان خفتم شقاق بينهما فابعثوا حكماً من اهله و حكماً من اهلها

کلمه <حَکَم> بیانگر این است که داور می تواند بر اساس آنچه به مصلحت زن و شوهر است، حکم کند.

۱۹ نفوذ حکم داوران برگزیده به سازش یا جدایی زن و شوهر ، در گرو تفویض اختیار داوری از سوی زن و شوهر به آنان

فابعثوا حكماً من اهله و حكماً من اهلها

امام صادق (ع) در پاسخ سؤال از آیه فوق فرمود: ليس للحكمين ان يفرّقا حتى . .. و يشترطا عليهما: ان شئنا جمعنا و ان شئنا فرّقنا.

کافی، ج ۶، ص ۱۴۶، ح ۲ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۷۸، ح ۲۳۳ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۶۷، ح ۱ ; تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۴۱، ح ۱۲۶.

اطمینان قاضی قصه یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۲۶ – ۱۲

۱۲ داور ماجرای یوسف و زلیخا ، به درستی داوری خویش و دلالت نحوه پارگی پیراهن بر کشف ماجرا ، اطمینان کامل داشت .

و شهد شاهد من أهلها إن كان قميصه قُدّ من قُبل

مراد از شهادت در >شهد شاهد< اظهار نظر کردن، قضاوت کردن و . .. است. تعبیر کردن از اینها به شهادت دادن

که دیـدن و مشاهـده کردن را می طلبد - برای رساندن این معناست که آن شـخص، آن چنان به صـحت داوری و نظر خویش اطمینان داشت که گویا شاهد ماجرا بوده است.

اهمیت تزکیه قاضی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۶ - ۱۲

۱۲ - لزوم مبارزه با هوای نفس ، برای رهبران و داوران جامعه الهی

یداود إنّا جعلنک خلیفه فی الأرض فاحکم بین الناس بالحقّ و لاتتّبع الهوی

اهمیت زیرکی قاضی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۹ - ۹

۹ ضرورت هشیاری حاکمان و قاضیان نسبت به تزویر دسیسه گران ، برای منحرف ساختن آنان از حکم و داوری بر پایه تعالیم قرآن

و احذرهم ان یفتنوک عن بعض ما أنزل اللّه إلیک

بهترین قاضی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۷ - ۵

۵ خداوند ، برترین حکم کننده و بهترین داور است .

و هو خیر الحکمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۹ - ۳۲

۳۲ خداوند برترین حاکم و فیصله دهنده درگیری ها و کشمکش های طرفداران حق و باطل

و أنت خير الفتحين

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۱۰۹ – ۱۰

۱۰ خداوند ، بهترین حاکم و داور است .

و هو خير الحكمين

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۸۰ – ۱۲

۱۲ خداوند ، بهترین داور و حکم کننده است .

و

هو خیر الحکمین

تزکیه قاضی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۰۶ – ۲

۲ ضرورت نیایش قاضیان به درگاه خداوند ، برای دوری نفس آنان از تمایل به خیانتکاران

و لاتکن للخائنین خصیماً. و استغفر اللّه

تعلیم قاضی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۰۵ – ۱۲،۱۳

۱۲ متصدیان امر قضا ، وظیفه دار فراگیری دانش قضا و علوم مربوط به آن

لتحکم بین الناس بما اریک اللّه

۱۳ فراگیری قران و سنت ، شرط تصدی سمت قضاوت

إنّا انزلنا إلیک الکتب بالحق لتحکم بین الناس بما اریک اللّه

ظاهراً مراد از <ما اریک>، احکامی است که در قرآن به آنها تصریح نشده و خداوند آنها را به پیامبر(ص) آموخته است. در برداشت فوق از آنها به سنت پیامبر(ص) تعبیر شده است.

حکم قاضی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۵۸ – ۱۶

۱۶ خداوند ، شنوای احکام صادره از سوی قاضیان و حاکمان

و اذا حکمتم بین النّاس ان تحکموا بالعدل . .. انّ اللّه کان سمیعاً بصیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۷ - ۴۸

۴ احکام صادره از سوی قاضیان مسیحی ، در صورتی که بر اساس انجیل باشد ، نافذ و دارای اعتبار است .

و لیحکم أهل الانجیل بما أنزل اللّه فیه

چون اهل انجیل از امر و نهی قرآن پیروی نمی کنند، می توان گفت مراد از (ولیحکم) تنفیذ احکامی است که عالمان مسیحی بر اساس انجیل صادر می کنند.

۸ قوانین

حکومتی و قضاوت ها ، تنها در صورتی نافذ است که بر اساس احکام الهی صادر شود .

و من لم یحکم بما أنزل اللّه فأولئک هم الفسقون

حکم قاضی تحکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۵ - ۱۹،۲۰

۱۹ نفوذ حکم داوران برگزیده به سازش یا جدایی زن و شوهر ، در گرو تفویض اختیار داوری از سوی زن و شوهر به آنان

فابعثوا حکماً من اهله و حکماً من اهلها

امام صادق (ع) در پاسخ سؤال از آیه فوق فرمود: لیس للحکمین ان یفرّقا حتی . .. و یشترطا علیهما: ان شئنا جمعنا و ان شئنا فرّقنا.

کافی، ج ۶، ص ۱۴۶، ح ۲ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۷۸، ح ۲۳۳ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۶۷، ح ۱ ; تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۴۱، ح ۱۲۶.

۲۰ نفوذ حکم دو داور برگزیده بر جدایی زن و شوهر ، در گرو توافق هر دو داور بر آن حکم است .

فابعثوا حکماً من اهله و حکماً من اهلها

امام صادق (ع) در پاسخ سؤال از نفوذ حکم یکی از حکمین به جدایی زن و شوهر فرمود: لا یکون تفریق حتی یجتمعا جمیعاً علی التفریق فاذا اجتمعا علی التفریق جاز تفریقهما.

کافی، ج ۶، ص ۱۴۷، ح ۴ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۷۸، ح ۲۳۵.

حکم قاضی مسیحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۷ - ۵

۵ احکام قاضیان مسیحی تنها در بین همکیشان آنان دارای اعتبار است . *

و لیحکم أهل الانجیل بما أنزل اللّه فیه

عنوان <اهل الانجیل>

می تواند بیانگر محدوده اعتبار و نفوذ داوریهای مستند به انجیل باشد.

خائنان و قاضی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۷ - ۵

۵ خطر بهره برداری خیانتکاران نیرنگ باز از دستگاه قضایی در جهت خواسته های خویش

لتحکم بین الناس . .. و لاتجدل عن الذین یختانون انفسهم

رشوه به قاضی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۸ - ۳،۴

۳ - پرداخت رشوه به قاضیان ، ناروا و حرام است .

و تدلوا بها إلی الحکام

<تدلوا> عطف بر <تأکلوا> است و لذا مجزوم به <لا>ی ناهیه می باشد; یعنی: و لاتدلوا . .; ادلاء (مصدر تدلوا) به معنای فرستادن دلو در چاه است و در آیه کنایه از وسیله قرار دادن می باشد. بنابراین <تدلوا بها ...>; یعنی، به قاضیان اموالی را نپردازید تا بدین وسیله به اموال مردم چنگ اندازی کنید. گفتنی است که به دست آوردن مال خصوصیتی ندارد و لذا می توان حرمت رشوه را در همه مواردی که حقی ضایع شود استفاده کرد. کلمه <بالأثم> مؤید این حقیقت است.

۴ - پرداخت رشوه به قضات ، به منظور دستیابی به اموال دیگران ، از جمله اسباب باطل برای تحصیل مال است .

و لاتأکلوا أمولکم بینکم بالبطل و تدلوا بها إلی الحکام لتأکلوا فریقاً من أمول الن

جمله <و تدلوا بها . ..> عطف خاص بر عام است و لذا بیانگر مصداق بارزی از تصرف اموال دیگران با اسباب باطل می باشد. نیاوردن <لا>ی ناهیه در <تدلوا> مؤید این معناست.

رشوه به قاضی جور

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۸ - ۱۸

۱۸ - حسن بن علی بن فضال می گوید : < قرأت فی کتاب ابی الأسد إلی ابی الحسن الثانی (ع) و قرأته بخطه سأله ما تفسیر قوله تعالی < و لاتأکلوا أمولکم بینکم بالبطل و تدلوا بها إلی الحکام > قال : فکتب إلیه بخطه الحکام القضاه قال : ثم کتب تحته : هو أن یعلم الرجل انه ظالم فیحکم له القاضی فهو غیر معذور فی أخذه ذلک الذی حکم له إذا کان قد علم انه ظالم ;

در نامه ای که ابی الأسد به امام رضا(ع) نوشته بود و من خط او را خواندم، از امام (ع) سؤال کرده بود: تفسیر سخن خداوند <و لاتأکلوا أمولکم بینکم بالبطل و تدلوا بها إلی الحکام> چیست؟ امام باخط خود نوشت: مراد از حکام، قضات هستند. امام در زیر نامه او نیز نوشته بود: مراد آن است که شخص بداند ظالم است و قاضی به نفع او حکم کند. او در گرفتن این مال معذور نیست اگر بداند ظالم است>.

رشوه خواری قاضی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۸ - ۱۱

۱۱ - حاکمان و قاضیان ، در خطر رشوه خواری و تضییع حقوق مردم

و تدلوا بها إلی الحکام لتأکلوا فریقاً من أمول الناس بالأثم

زمینه هواپرستی قاضی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۶ - ۱۳

۱۳ - حکومت و منصب قضاوت ، بستر بسیار لغزنده و رهبران و داوران در معرض مقهور شدن به دست هوای

نفس

یداود إنّا جعلنک خلیفه فی الأرض فاحکم بین الناس بالحقّ و لاتتّبع الهوی

زیرکی قاضی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۷ - ۶

۶ ضرورت هوشیاری قاضی در برابر نیرنگ ها و صحنه سازیها

لتحکم بین الناس . .. و لاتجدل عن الذین یختانون انفسهم

شرایط قاضی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۵ - ۱۳

۱۳ فراگیری قران و سنت ، شرط تصدی سمت قضاوت

إنّا انزلنا إلیک الکتب بالحق لتحکم بین الناس بما اریک اللّه

ظاهراً مراد از <ما اریک>، احکامی است که در قرآن به آنها تصریح نشده و خداوند آنها را به پیامبر(ص) آموخته است. در برداشت فوق از آنها به سنت پیامبر(ص) تعبیر شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۴۷

۴۷ آگاهی به احکام و مقررات الهی ، معیار صلاحیت داوران و حاکمان

و من لم یحکم بما أنزل اللّه فأولئک هم الکفرون

عدالت قاضی قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۷ - ۳

۳ داور ماجرای یوسف (ع) و زلیخا ، شخصی فرزانه ، کاردان و عادل بود .

و شهد شاهد . .. و هو من الصدقین

پی بردن به حقیقت ماجرا با نحوه پارگی پیراهن ، دلالت بر هوشیاری و کاردانی داور دارد ، و از آن جایی که حق را ، علی رغم خویشی با زلیخا کتمان نکرد ، عدالت و حق پویی او به خوبی روشن می شود.

علم قاضی

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۵ - ۱۲

۱۲ حاکم نمی تواند به استناد علم خویش زن زناکار و همجنس باز را کیفر دهد . *

و الّتی یأتین الفاحشه . .. فان شهدوا

مفهوم جمله <فان شهدوا> این است که در صورت نبودن چهار شاهد، کیفری (حبس ابد) نخواهد بود ; هر چند حاکم به آن علم پیدا کند ; زیرا غالباً حاکم با شهادت دو یا سه نفر شاهد عادل هم علم پیدا می کند.

عوامل لغزش قاضی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۹ - ۷

۷ هوا های نفسانی و تمایلات اشخاص و گروه ها ، لغزشگاهی خطرناك برای حاکم و قاضی

و إن احکم بینهم بما أنزل اللّه و لاتتبع اهواءهم

فضایل قاضی قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۷ - ۳

۳ داور ماجرای یوسف (ع) و زلیخا ، شخصی فرزانه ، کاردان و عادل بود .

و شهد شاهد . .. و هو من الصدقین

پی بردن به حقیقت ماجرا با نحوه پارگی پیراهن ، دلالت بر هوشیاری و کاردانی داور دارد ، و از آن جایی که حق را ، علی رغم خویشی با زلیخا کتمان نکرد ، عدالت و حق پویی او به خوبی روشن می شود.

قاضی قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۶ - ۹،۱۰،۱۱

۹ داور ماجرای یوسف (ع) و زلیخا ، علی رغم خویشی او با زلیخا ، بی

طرفی کامل را رعایت کرد ، و قضاوتی بر حق ارائه نمود .

و شهد شاهد من أهلها إن کان قمیصه قُدّ من قُبل

۱۰ داور ماجرای یوسف (ع) و زلیخا ، پیش از اظهار نظر خویش ، به پاره شدن پیراهن یوسف (ع) آگاه شد .

و شهد شاهد من أهلها إن کان قمیصه قُدّ

۱۱ داور ماجرای یوسف (ع) و زلیخا ، صداقت زلیخا و دروغ گویی یوسف (ع) را منوط به پاره شدن پیراهن یوسف (ع) از پیشِ رو دانست .

إن کان قمیصه قُدّ من قُبل فصدقت و هو من الکذبین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۲۷ – ۱

۱ داور ماجرای یوسف (ع) و زلیخا ، کذب ادعای زلیخا و صداقت یوسف (ع) را منوط به پاره شدن پیراهن از پشتِ سر دانست .

و إن کان . .. و هو من الصدقین

قاضی قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۱۳ – ۱۶

۱۶ – خداوند ، داور و حاکم در صحنه قیامت است .

فاللّه یحکم بینهم یوم القیمه

قضاوت قاضی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۰۹ – ۸

۸ صدور حکم قاضی ، موجب تغییر حق و واقع نخواهد شد .

هأنتم هؤلاء جدلتم عنهم فی الحیوه الدنیا فمن یجدل اللّه عنهم فی یوم القیمه

از اینکه خداوند می فرماید: بر فرض که در دنیا با دفاع نا حق ظالم را تبرئه کردید، در قیامت چه خواهید کرد،

معلوم می شود حکم قاضی ایجاد حق نمی کند و واقع را تغییر نمی دهد.

کاردانی قاضی قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۷ - ۳

۳ داور ماجرای یوسف (ع) و زلیخا ، شخصی فرزانه ، کاردان و عادل بود .

و شهد شاهد . .. و هو من الصدقین

پی بردن به حقیقت ماجرا با نحوه پارگی پیراهن ، دلالت بر هوشیاری و کاردانی داور دارد ، و از آن جایی که حق را ، علی رغم خویشی با زلیخا کتمان نکرد ، عدالت و حق پویی او به خوبی روشن می شود.

لغزش قاضی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۸ - ۲۰

۲۰ هوا های نفسانی و تمایلات اشخاص و گروه ها ، لغزشگاهی بس خطرناک برای حاکم و قاضی

فاحکم . .. و لاتتبع اهواءهم عما جاءک من الحق

لغزشگاه قاضی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۶ - ۱۱

۱۱ - پیروی از هوای نفس ، مهم ترین خطر تهدید کننده قاضیان و داوران

فاحکم بین الناس بالحقّ و لاتتّبع الهوی

مسؤولیت قاضی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۹ - ۲۰

۲۰ لزوم نظارت حاکم (قاضی) بر اجرای مقررات طلاق خُلع *

فان خفتم الا یقیما حدود اللّه فلا جناح علیهما

بنابراینکه <خفتم>، خطاب به حُکّام باشد; چنانچه آلوسی نظر داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۵ -

۱۲،۱۶

۱۲ متصدیان امر قضا ، وظیفه دار فراگیری دانش قضا و علوم مربوط به آن

لتحکم بین الناس بما اریک اللّه

۱۶ قاضی و دستگاه قضایی نباید در مسیر حمایت از خائنان قرار گیرد .

و لاتکن للخائنین خصیماً

<خصیم> به کسی گفته می شود که از ادعایی طرفداری می کند، و مراد از <خائنین>، به قرینه <لتحکم بین الناس>، کسانی هستند که در محضر قاضی مدعی امر باطل هستند و حق با طرف مقابل آنهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۶ - ۲،۳،۴

۲ ضرورت نیایش قاضیان به درگاه خداوند ، برای دوری نفس آنان از تمایل به خیانتکاران

و لاتکن للخائنین خصیماً. و استغفر اللّه

۳ قاضی باید همواره به درگاه خداوند استغفار کند .

لتحکم بین الناس . .. و استغفر اللّه

۴ لزوم توجه متصدیان قضاوت به نظارت الهی بر اعمال آنان

لتحکم بین الناس . .. و استغفر اللّه

فرمان خدا به <استغفار>، پس از بیان مبانی قضاوت، گویای این نکته است که در نظام قضایی اسلام توجه به خدا و ناظر دانستن وی از ضروریات و آمیخته با انجام وظیفه خطیر قضاوت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۷ - ۶

۶ ضرورت هوشیاری قاضی در برابر نیرنگ ها و صحنه سازیها

لتحکم بین الناس . .. و لاتجدل عن الذین یختانون انفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۳۶

۳۶ مسؤولان قضایی و عالمان دینی ، در خطر دین فروشی و سوداگری با آیات الهی

و لاتشتروا بایتی

ثمناً قليلا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۲۶ – ۱۲

۱۲ – لزوم مبارزه با هوای نفس ، برای رهبران و داوران جامعه الهی

یداود إنّا جعلنک خلیفه فی الأرض فاحکم بین الناس بالحقّ و لاتتّبع الهوی

نقش قاضی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۸۸ – ۱۲

۱۲ – نقش بسزای قاضیان در سلامت اقتصاد جامعه و حفظ حقوق مردم

و لاتأکلوا أمولکم بینکم بالبطل و تدلوا بها إلی الحکام . .. و أنتم تعلمون

نقش قاضی تحکیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۳۵ – ۲۱،۲۲

۲۱ حاکم ، وظیفه دار برگزیدن دو داور برای حل اختلاف میان زن و شوهر

فابعثوا حکماً

از ائمه معصومین (ع) در مورد تعیین مخاطب آیه فوق آمده است: هو السّلطان الذی یترافعان الیه.

تفسیر تبیان، ج ۳، ص ۱۹۲ ; مجمع البیان، ج ۳، ص ۷۰.

۲۲ جواز برگزیدن داور برای حل تمامی مسائل مورد اختلاف در جامعه

فابعثوا حکماً من اهله

امـام باقر (ع) در پاسـخ اعتراضـی که از خوارج در مورد پـذیرش حکمیّت توسط حضـرت علی (ع) مطرح بود و به عنوان اقامه دلیل بر جواز نصب حکم فرمود: حکم اللّه تعالی فی شـریعه نبیّه رجلین من خلقه فقال جلّ اسمه: فابعثوا حکماً من اهله و حکماً من اهلها . .. .

احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۵۸ **;** نورالثقلین، ج ۱، ص **۴۷۹**، ح **۲۳۹**.

هشدار به قاضی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۰۷ – ۵

۵ خطر بهره

برداری خیانتکاران نیرنگ باز از دستگاه قضایی در جهت خواسته های خویش

لتحکم بین الناس . .. و لاتجدل عن الذین یختانون انفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۳ - ۴

۴ دسیسه ها و صحنه سازی های خائنان ، خطری در جهت به انحراف کشیدن دستگاه قضایی

لتحکم بین الناس بما اریک اللّه . .. لهمت طائفه منهم ان یضلوک

آیه شریفه در حقیقت توصیه ای است به قاضیان که همواره مراقب توطئه گران و دسیسه بازان باشند تا مبادا آنان را به انحراف و خلاف حق بکشانند; چنانچه نسبت به پیامبر(ص) در قصه طعمه بن ابی ابیرق چنین پنداری را داشتند.

هواپرستی قاضی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۹ - ۷

۷ هوا های نفسانی و تمایلات اشخاص و گروه ها ، لغزشگاهی خطرناک برای حاکم و قاضی

و إن احکم بینهم بما أنزل اللّه و لاتتبع اهواءهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۶ - ۱۱

۱۱ - پیروی از هوای نفس ، مهم ترین خطر تهدید کننده قاضیان و داوران

فاحکم بین الناس بالحقّ و لاتتّبع الهوی

قاضی تحکیم

{قاضی تحکیم}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ – نساء – ۴ – ۳۵ – ۱۴،۱۰،۹،۸،۶،۴

۴ لزوم گزینش و فرستادن دو داور از خانواده زن و شوهر برای حلّ اختلاف بین آن دو

و ان خفتم شقاق بینهما فابعثوا حکماً من اهله و حکماً من اهلها

۶ ضرورت اطاعت زن و شوهر از نظر و پیشنهاد داوران تحکیم در

اختلافات میان آنان

و ان خفتم شقاق بینهما فابعثوا حکماً من اهله و حکماً من اهلها

اگر تبعیت از داوران لازم نبود، موکول کردن حل اختلاف به آنان لغو بود. علاوه بر اینکه انتخاب کلمه <حَکَم> به معنای حاکم، بیانگر لزوم تبعیت است.

۸ قصد قاضیان تحکیم بر اصلاح بین زن و شوهر ، موجب سازگار شدن آنان

ان یریدا اصلاحاً یوفّق اللّه بینهما

بنابر اینکه مراد از فاعل در <یریدا> حکمین باشد و ضمیر در <بینهما> به زن و شوهر برگردد.

۹ نقش اصلاح طلبی قاضیان تحکیم در اراده الهی به ایجاد سازش بین زن و شوهر

ان یریدا اصلاحاً یوفّق اللّه بینهما

۱۰ قصد اصلاح از سوی زن و شوهر ، موجب موفقیّت قاضیان تحکیم در حل اختلافات آنان است .

و ان خفتم شقاق بینهما . .. ان یریدا اصلاحاً یوفّق اللّه بینهما

بنابر اینکه ضمیر در <یریدا> به زن و شوهر برگردد و ضمیر در <بینهما> به حکمین.

۱۴ ترغیب قاضیان تحکیم به اراده اصلاح بین زن و شوهر

ان یریدا اصلاحاً یوفّق اللّه بینهما

اختیارات قاضی تحکیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۳۵ – ۷،۱۹

۷ داوران تحکیم ، دارای اختیار در حکم به سازش یا جدایی بین زن و مرد و یا تعیین شروط بر هر یک از آن دو

و ان خفتم شقاق بینهما فابعثوا حکماً من اهله و حکماً من اهلها

کلمه <حَکَم> بیانگر این است که داور می تواند بر اساس آنچه به مصلحت زن و شوهر است، حکم کند.

۱۹ نفوذ حکم داوران برگزیده به سازش یا جدایی زن و شوهر ، در گرو تفویض اختیار

داوری از سوی زن و شوهر به آنان

فابعثوا حکماً من اهله و حکماً من اهلها

امام صادق (ع) در پاسخ سؤال از آیه فوق فرمود: لیس للحکمین ان یفرّقا حتی . .. و یشترطا علیهما: ان شئنا جمعنا و ان شئنا فرّقنا.

کافی، ج ۶، ص ۱۴۶، ح ۲ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۷۸، ح ۲۳۳ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۶۷، ح ۱ ; تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۴۱، ح ۱۲۶.

حکم قاضی تحکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۵ - ۱۹،۲۰

۱۹ نفوذ حکم داوران برگزیده به سازش یا جدایی زن و شوهر ، در گرو تفویض اختیار داوری از سوی زن و شوهر به آنان

فابعثوا حکماً من اهله و حکماً من اهلها

امام صادق (ع) در پاسخ سؤال از آیه فوق فرمود: لیس للحکمین ان یفرّقا حتی . .. و یشترطا علیهما: ان شئنا جمعنا و ان شئنا فرّقنا.

کافی، ج ۶، ص ۱۴۶، ح ۲ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۷۸، ح ۲۳۳ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۶۷، ح ۱ ; تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۴۱، ح ۱۲۶.

۲۰ نفوذ حکم دو داور برگزیده بر جدایی زن و شوهر ، در گرو توافق هر دو داور بر آن حکم است .

فابعثوا حکماً من اهله و حکماً من اهلها

امام صادق (ع) در پاسخ سؤال از نفوذ حکم یکی از حکمین به جدایی زن و شوهر فرمود: لا یکون تفریق حتی یجتمعا جمیعاً علی التفریق فاذا اجتمعا علی التفریق جاز تفریقهما.

کافی، ج ۶، ص ۱۴۷، ح ۴ ; نورالثقلین، ج ۱، ص

۴۷۸، ح ۲۳۵.

نقش قاضی تحکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۵ - ۲۱،۲۲

۲۱ حاکم ، وظیفه دار برگزیدن دو داور برای حل اختلاف میان زن و شوهر

فابعثوا حکماً

از ائمه معصومین (ع) در مورد تعیین مخاطب آیه فوق آمده است: هو السّلطان الذی یترافعان الیه.

تفسیر تبیان، ج ۳، ص ۱۹۲ ; مجمع البیان، ج ۳، ص ۷۰.

۲۲ جواز برگزیدن داور برای حل تمامی مسائل مورد اختلاف در جامعه

فابعثوا حکماً من اهله

امام باقر (ع) در پاسخ اعتراضی که از خوارج در مورد پذیرش حکمیّت توسط حضرت علی (ع) مطرح بود و به عنوان اقامه دلیل بر جواز نصب حکم فرمود: حکم اللّه تعالی فی شریعه نبیّه رجلین من خلقه فقال جلّ اسمه: فابعثوا حکماً من اهله و حکماً من اهلها . .. .

احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۵۸ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۷۹، ح ۲۳۹.

قانون از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

قانون

آثار قانون الهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۱ - ۹

۹ احکام و قوانین الهی ، در جهت منافع و مصالح واقعی انسانهاست .

انفروا . .. و جهدوا ... ذلکم خیر لکم إن کنتم تعلمون

آثار قانون جاهلانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۰ - ۵

۵ قوانین و مقررات غیر متکی بر علم، زیان آور خواهد بود.

قد خسر الذین قتلوا أولدهم سفها بغیر علم

وصف <بغیر> بیان ریشه و سبب اصلی کارهای جاهلانه مشرکان است و به همین جهت که سبب بیان گردید، قابل تعمیم است. یعنی هر قانون

و رسمی که مبتنی بر علم نباشد، زیان در پی خواهد داشت.

اجرای قانون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۳۴ – ۱۲

۱۲ مسؤولیّت جامعه در نظارت بر اجرای قوانین

فلا جناح علیکم فیما فعلن فی انفسهنّ بالمعروف

اهمیت احترام به قانون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۷۶ – ۱۷

۱۷ لزوم احترام و مراعات قوانین حتی در نظام های غیر الهی

ما کان لیأخذ أخاه فی دین الملک إلّا أن یشاء الله

اهمیت رعایت قانون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۷۶ – ۱۷

۱۷ لزوم احترام و مراعات قوانین حتی در نظام های غیر الهی

ما کان لیأخذ أخاه فی دین الملک إلّا أن یشاء الله

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۳۲ – ۴

۴– جویا شدن از انگیزه و علل عصیان و قانون شکنی ، امری شایسته است .

قال یإبلیس ما لک ألّا تکون مع السجدین

از اینکه خداونـد، از ابلیس جویـای انگیزه وی برای تمردش شـد با اینکه بـدون آن هم می توانست او را کیفر بدهـد می تواند مشعر به نکته فوق باشد.

اهمیت قانون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۳ - ۲۳

۲۳ ضرورت قانون و حکومت ، برای جامعه انسانی

و انزل معهم الکتاب بالحق لیحکم بین الناس

بهترین قانون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۰ - ۱۲،۱۶،۱۷

۱۲ احکام و

قوانین آن ، بهترین قانون و نیکوترین حکم

و من احسن من اللّه حکماً

۱۶ خداوند ، فراخوان مردم به مقایسه قوانین الهی با سایر قوانین برای باور به برتری احکام الهی

و من احسن من اللّه حکماً لقوم یوقنون

۱۷ ناباوری به منزلت برتر احکام الهی بر سایر قوانین ، برخاسته از کوتاه فکری و ناتوانی اندیشه

و من احسن من اللّه حکماً لقوم یوقنون

ایقان، به معنای فهمیدن از روی تدبر و تحقیق است.

پرسش از انگیزه قانون شکنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۵ - ۳

۳ - جویا شدن از انگیزه و علل عصیان و قانون شکنی ، امری شایسته و بایسته

قال یإبلیس ما منعک أن تسجد

از این که خداوند، از ابلیس جویای انگیزه و علت تمردش شد با آن که بدون آن هم می توانست او را کیفر دهد می تواند مشعر به نکته یاد شده باشد.

پرسش از قانون شکنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳۲ - ۴

۴- جویا شدن از انگیزه و علل عصیان و قانون شکنی ، امری شایسته است .

قال یإبلیس ما لک ألّا تکون مع السجدین

از اینکه خداوند، از ابلیس جویای انگیزه وی برای تمردش شد با اینکه بدون آن هم می توانست او را کیفر بدهد می تواند مشعر به نکته فوق باشد.

تبصره قانون قصاص

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۷۹ – ۶

۶ – قانون قصاص اصل و عفو از آن ، تبصره آن است .

و لکم

فی القصاص حیوه یأولی الألبب

تبعیت از قوانین غیر دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۰ - ۱۸،۲۰

۱۸ - پیروی از آرا و قوانین مبتنی بر هوا های نفسانی ، با وجود قوانین الهی ، موجب محروم شدن از ولایت و یاری خداوند است .

لئن اتبعت أهواءهم بعد الذی جاءک من العلم مالک من اللّه من ولیّ و لانصیر

۲۰ - پیروی از آرا و قوانین برخاسته از هوا های نفسانی ، با وجود قوانین الهی ، موجب گرفتار شدن به عقوبتهایی از جانب خداست .

لئن اتبعت أهواءهم بعد الذی جاءک من العلم مالک من اللّه من ولیّ و لانصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۵ - ۱۷

۱۷ - پیروی از آرا و قوانین مبتنی بر هوا های نفسانی - با وجود قوانین الهی - ظلم است .

لئن اتبعت اهواءهم من بعد جاءک من العلم إنک إذاً لمن الظلمین

تبیین فلسفه قوانین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۳ - ۹

۹ - بیان فلسفه قوانین از سوی قانون گذاران امری شایسته و نیکوست . *

کتب علیکم الصیام . ... لعلکم تتقون

تعصب به قانون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۰ - ۱۵

۱۵ وابستگی و تعصّب یهود ، نسبت به قوانین اجتماعی و دینی خویش

و لاحلّ لکم . .. فاتقوا اللّه و اطیعون

امر به تقوا و اطاعت پس از عنوان کردن تغییر برخی احکام، بیانگر انتظار جبهه گیری و تعصب

یهود در قبال احکام جدید است.

حاکمیت اخروی قانون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۲ - ۳

۳ - قیامت ، روز حاکمیت قانون و جزای اعمال

أیّان یوم الدّین

<دین> به معنای جزا و <یوم الدّین> به معنای روز جزا است.

روش اجرای قانون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۳ - ۱۷

۱۷ لزوم توجه به عواطف و ارج نهادن به روحیات مردم ، در اعمال قوانین اجتماعی و دینی

خذ من أمولهم صدقه . .. و صل علیهم إن صلوتک سکن لهم

زمینه اجرای قانون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۷ - ۲۴

۲۴ اعتقاد انسان به علم الهی ، زمینه ساز رعایت حقوق زنان ، یتیمان و مستضعفان

و المستضعفین من الولدن . .. و ما تفعلوا من خیر فإنّ اللّه کان به علیماً

سرزنش قانون شکنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۲ - ۲۸

۲۸ اسراف و قانونشکنی ، با وجود تعالیم انبیا ، بسی ناروا و ناپسند

ثم ان کثیراً منهم بعد ذلک فی الارض لمسرفون

شرایط پیروی از قانون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۳۷ – ۸

۸ معارف و قوانینی ، شایسته و بایسته پذیرش و پیروی است که از هوا های نفسانی پیراسته و بر پایه علم بنا شده باشد .

و لئن اتبعت أهواءهم بعد ما جاءک من العلم

شرایط مجریان قانون

جلد – نام سوره – سوره – آیه

- فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۰ - ۵

۵ - آگاهی کامل و دقیق ، شرط لازم برای قانون گذاران و مجریان آن

لاتنفع الشفعه إلّامن أذن له . .. یعلم ما بین أیدیهم و ما خلفهم

عطف قانون به ما سبق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۳ - ۲۶

۲۶ - قوانین و مقررات ، شامل زمان های پیش از جعل و اعلام رسمیت آن نخواهد شد .

و ما کان اللّه لیضیع إیمنکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۲۸

۲۸ - قوانین و مقررات ، شامل زمان های پیش از وضع و اعلام رسمیت آن نخواهد شد .

فمن اعتدی بعد ذلك

برداشت فوق بر این اساس است که مشارالیه <ذلك> زمان نزول آیه قصاص و ابلاغ احکام مطرح شده در آن، باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۲ - ۹

۹ - قانون عطف به ماسبق نمی شود .

و إنّهم لیقولون منکرًا من القول و زورًا و إنّ اللّه لعفوّ غفور

فلسفه قوانین اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۰ - ۱۲

۱۲ بنای اسلام بر جذب هر چه بیشتر انسان ها و متمایل ساختن دل ها به دین حق است .

إنما الصدقت للفقراء . .. و المؤلفه قلوبهم

قانون شکنی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۲ - ۲۵

۲۵ بسیاری از بنی اسرائیل ، علی رغم دعوت پیامبرانشان

، مردمی اسرافکار و قانونشکن بودند .

و لقد جاءتهم رسلنا بالبینت ثم ان کثیراً منهم بعد ذلک فی الارض لمسرفون

اسراف به معنای خروج از حد اعتدال است و کلمه <فی الارض> می رساند که منظور از اسراف، خروج از حد اعتدال در مسائل اجتماعی است که از آن به قانونشکنی تعبیر شده است.

قوانین بین المللی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱ - ۲،۷

۲ لغو اعتبار پیمان عدم تعرض ، در صورت نقض آن از سوی طرف معاهده ، بلا مانع است .

براءه من اللّه و رسوله إلی الذین عهدتم

۷ بستن پیمان عدم تعرض با جوامع غیر مسلمان ، جایز است .

الذین عهدتم من المشرکین

قوانین عالمانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۵ - ۱۸

۱۸ - معارف و قوانینی شایسته و بایسته پذیرش و پیروی اند که از هوا های نفسانی پیراسته و بر پایه علم بنا شده باشند .

و لئن اتبعت اهواءهم من بعد جاءک من العلم إنک إذاً لمن الظلمین

محدوده تأثیر قانون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۳ - ۴

۴ جرم های سابق بر منع قانونی قابل مؤاخذه و مجازات ، در صورت دست نکشیدن مجرمان از آن جرم ، پس از منع قانونی

ليس على الذين ءامنوا و عملوا الصلحت جناح فيما طعموا إذا ما اتقوا

برداشت فوق بر این مبناست که متعلق <اذ ما اتقوا . ..> به قرینه آیه قبل شراب و قمار باشد بر این مبنا مفهوم جمله شرطیه <لاجناح

... اذا ما اتقوا> چنین می شود آنانکه از شراب و قمار پس از تحریم آن پرهیز نکنند بر شراب خواری و قماربازی سابقشان نیز مؤاخذه می شوند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۹۵ – ۱۸

۱۸ قانون عطف بر ماسبق نمی شود . *

عفا اللّه عما سلف

محدوده قانون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۲۲ – ۵،۶

۵ ازدواجهایی که با همسر پدر قبل از بیان حرمت آن انجام شده ، باطل نیست .

و لا تنکحوا ما نکح اباءُوکم من النّساء الّا ما قد سلف

۶ قانون ، عطف به ما سبق نمی شود .

و لا تنکحوا ما نکح اباءُوکم من النّساء الّا ما قد سلف

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۲۳ – ۱۱،۱۲،۱۳،۱۴،۱۶،۱۹،۲۵

۱۱ حرمت جمع بین دو خواهر در ازدواج ، شامل ازدواجهایی که قبل از نزول آیه انجام گرفته است ، نمی شود .

حرّمت . .. و ان تجمعوا بین الاختین الّا ما قد سلف

۱۲ بطلان ازدواج های انجام شده با دو خواهر با نزول آیه < حرمّت . . . الّا ما قد سلف > و صحت آنها تا قبل از نزول آن

و ان تجمعوا بین الاختین الّا ما قد سلف

چون حرمت ازدواج با دو خواهر و دیگر محارم ناظر به بطلان آنها نیز می باشد، می توان گفت مراد از استثناء <الّا ما قد سلف> این معناست که آنچه در گذشته (قبل از نزول آیه) انجام شده، محکوم به صحت است،

ولی از این به بعد حکم به بطلان آن می شود.

۱۳ جواز تـداوم زنـدگی زنـاشویی بـا دو خواهر ، در صورتی که ازدواج با آنان قبل از نزول آیه < ان تجمعوا . . . > صورت گرفته باشد . *

الّا ما قد سلف

تحریم در <حرّمت . .. ان تجمعوا> ناظر به حال و آینده است ; چون افعال گذشـته را نمی توان تحریم کرد. بنابراین اسـتثناء، یعنی <الّا ما قـد سـلف>، بیان حلیّت جمع بین دو خواهر در زمان حال و آینـده می باشد به شـرط اینکه ازدواج با آنها قبل از نزول آیه صورت گرفته باشد.

۱۴ حرمت ازدواج بـا محارم سـببی ، نسبی و رضاعی ، شامل ازدواجهایی که قبل از نزول آیه < حرّمت علیکم > انجام گرفته است ، نمی شود .

حرّمت . .. الّا ما قد سلف

بنابر اینکه جمله <الّا ما قد سلف> استثناء از تمامی محرّمات ذکر شده در آیه باشد.

۱۶ قانون ، عطف به ما سبق نمی شود .

حرّمت . .. الّا ما قد سلف

۱۹ خداونـد جبران کننـده منقصت های ناشـی از ازدواج با محارم در صورتی که آن ازدواج ها قبل از حکم به تحریم صورت گرفته باشد .

حرّمت . ... اِنّ اللّه کان غفوراً رحیماً

۲۵ مرد مسـلمانی که پیش از اسلام آوردن ، همسر دو خواهر بوده ، موظّف به طلاق یکی از آن دو ، بسته به انتخاب خویش ، می باشد .

و ان تجمعوا بین الاختین الّا ما قد سلف

رسول خدا (ص) به کسی که قبل از مسلمان شدن جمع بین دو خواهر در ازدواج کرده بود فرمود: طلّق

ایّتهما شئت.

الدّر المنثور، ج ۲، ص ۴۷۵.

مراقبت از قانون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۴ - ۱۶

۱۶ مسؤولیّت جامعه ایمانی در مراقبت از قانون عدّه وفات

فاذا بلغن اجلهنّ فلا جناح علیکم

مفهوم <فاذا بلغن . .. > با توجّه به خطاب در کلمه <علیکم> حاکی از مسؤولیّت جامعه ایمانی در مورد جلوگیری از ازدواج زنان شوهر مُرده در زمان عِدّه است.

ملاک بالندگی قانون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۸ - ۶

۶ برنامه ها و قوانینی رشید و بالنده اند که مایه سعادت اخروی آدمیان و باعث نجات آنان از آتش دوزخ باشند .

و ما أمر فرعون برشید. یقدم قومه یوم القیمه فأوردهم النار

ملاک عمل به قانون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۱ - ۷

۷ - صرفِ از جانب خداوند بودن دستوری ، برای عمل کردن ، کافی است .

و إذا قیل لهم اتّبعوا ما أنزل اللّه

دعوت از قومی برای تبعیت از حکم و فرمانی، بی آن که دلیلی برای آن اقامه شود و صرفاً یادآوری گردد که از جانب خداوند است، حکایت می کند که از جانب خداوند بودن یک حکم، کافی است که انسان به آن عمل کند.

ملاکهای قوانین لازم الاتباع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۵ - ۱۸

۱۸ - معارف و قوانینی شایسته و بایسته پذیرش و پیروی اند که از هوا های نفسانی پیراسته و بر پایه علم بنا شده باشند .

و

لئن اتبعت اهواءهم من بعد جاءک من العلم إنک إذاً لمن الظلمین

منابع قانون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۳ - ۷

۷ کتاب آسمانی ، کتاب قانون و حکم

یُدعون الی کتاب اللّه لیحکم بینهم

منشأ تشریع قانون الهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۵ - ۱۱

۱۱ احکام و قوانین خداوند ، نشأت یافته از علم گسترده او به مصالح و مفاسد و حقایق هستی

حتی یبین لهم ما یتقون إن اللّه بکل شیء علیم

جمله <إن اللّه بکل . ..> در مقام تعلیل و بیانگر علت تبیین احکام از سوی خداوند باشد.

منشأ نسخ قوانین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۱۰

۱۰ - تشریع احکام دین ونسخ آنها به دست خداوند و در اختیار اوست .

قد نری تقلب وجهک فی السماء فلنولینک قبله ترضیها

منشأ وضع قوانین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۱۰

۱۰ - تشریع احکام دین ونسخ آنها به دست خداوند و در اختیار اوست .

قد نری تقلب وجهک فی السماء فلنولینک قبله ترضیها

موانع قانون شکنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه -فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۶ - ۱۶

۱۶ تقوا ، زمینه ساز رعایت حرمت ماه های حرام و بازدارنده آدمی از گناه و قانون شکنی

منها أربعه حرم . .. فلا تظلموا فیهن أنفسکم ... و اعلموا ان اللّه مع المتقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۰ - ۱۲

۱۲ - توجه و اعتقاد به شنوایی و دانایی خداوند ، بازدارنده آدمی از گناه و قانون شکنی است .

و القوعد من النساء الّتی لایرجون نکاحًا فلیس علیهن جناح أن یضعن ثیابهنّ . .. و

جمله <و اللّه سمیع علیم> استینافیه تعلیلیه و در مقام تهدید زنانی است که احیاناً بخواهند از حکم حجاب و عفاف سرپیچی کنند و یا از موارد استثنا، سوء استفاده کنند. از این رو آمدن چنین جمله ای و یادآوری صفت شنوایی و دانایی خداوند، می تواند اشاره به نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۳ - ۴

۴ - ایمان به روز قیامت و ترس از عذاب بزرگ آن روز ، بازدارنده آدمی از هرگونه گناه و قانون شکنی است .

إنّی أخاف إن عصیت ربّی عذاب یوم عظیم

نقش قانون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲ - ۴

۴- وجود کتاب و رهنمود های مدون ، در هدایت و تعالی انسان ها دارای نقشی مهم و تعیین کننده است .

و ءاتینا موسی الکتب و جعلنه هدًی لبنی إسرءیل

<کتاب> در اصل به معنای صحیفه و حاوی نوشته هاست (مفردات راغب). یاد کرد از کتاب، برای هدایت، می تواند گویای نکته یاد شده باشد.

ویژگی قانون بشری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۲ - ۱۵

۱۵ تعالیم و معارف تدوین شده توسط بشر ، همواره قرین اختلافات و تضاد های بسیار است .

و لو کان

من عند غير اللّه لوجدوا فيه اختلافاً كثيراً

مراد، تعاليم و معارف انبوهى است كه در شرايطى همچون شرايط قرآن تدوين مى شود.

ويژگيهاى قانون قصاص

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۱،۲

۱ - قانون قصاص (كشتن قاتل) قانونى ثابت و لازم الاجرا در جامعه اسلامى است .

يايها الذين ءامنوا كتب عليكم القصاص فى القتلى

۲ - قانون قصاص اختصاص به فرد و يا گروه خاصى ندارد .

يايها الذين ءامنوا كتب عليكم القصاص فى القتلى

<قتلى> (جمع قتيل) به معناى كشته شدگان است و <ال> در <القتلى> جنس است و مفيد استغراق مى باشد.

ويژگيهاى قوانين بشرى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۷ - ۲

۲ - قوانين بشرى حق محض نبوده و همواره با امورى باطل ، آميخته است .

الحق من ربك

برداشت فوق بر اين مبناست كه: <ال> در <الحق> همانند، زيد الرجل براى استغراق خصايص افراد باشد; يعنى، آنچه تمام ويژگيهاى حق را داراست و به امرى باطل آميخته نيست، از ناحيه خداوند مى باشد.

ويژگيهاى قوانين دينى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۳ - ۱۴

۱۴ - انعطاف پذیری احکام و قوانین دین و ملاحظه ضرورت ها در تشریع آن قوانین

فمن اضطر غیر باغ و لاعاد فلا إثم علیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۲۲

۲۲ - انعطاف پذیری احکام الهی و تخفیف در تکالیف ، پرتوی از رحمت الهی است .

فمن عفی له من أخیه شیء

. .. ذلک تخفیف من ربکم و رحمه

قانون شکنان

{قانون شکنان}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۲ - ۲۵

۲۵ بسیاری از بنی اسرائیل ، علی رغم دعوت پیامبرانشان ، مردمی اسرافکار و قانونشکن بودند .

و لقد جاءتهم رسلنا بالبینت ثم ان کثیراً منهم بعد ذلک فی الارض لمسرفون

اسراف به معنای خروج از حد اعتدال است و کلمه <فی الارض> می رساند که منظور از اسراف، خروج از حد اعتدال در مسائل اجتماعی است که از آن به قانونشکنی تعبیر شده است.

قانون شکنی

پرسش از انگیزه قانون شکنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۵ - ۳

۳ - جویا شدن از انگیزه و علل عصیان و قانون شکنی ، امری شایسته و بایسته

قال یإبلیس ما منعک أن تسجد

از این که خداوند، از ابلیس جویای انگیزه و علت تمردش شد با آن که بدون آن که بدون آن هم می توانست او را کیفر دهد می تواند مشعر به نکته یاد شده باشد.

پرسش از قانون شکنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳۲ - ۴

۴- جویا شدن از انگیزه و علل عصیان و قانون شکنی ، امری شایسته است .

قال یإبلیس ما لک ألّا تکون مع السجدین

از اینکه خداونـد، از ابلیس جویـای انگیزه وی برای تمردش شـد با اینکه بـدون آن هم می توانست او را کیفر بدهـد می تواند مشعر به نکته فوق باشد.

سرزنش قانون شکنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ -

مائده - ۵ - ۳۲ - ۲۸

۲۸ اسراف و قانونشکنی ، با وجود تعالیم انبیا ، بسی ناروا و ناپسند

ثم ان کثیراً منهم بعد ذلک فی الارض لمسرفون

قانون شکنی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۲ - ۲۵

۲۵ بسیاری از بنی اسرائیل ، علی رغم دعوت پیامبرانشان ، مردمی اسرافکار و قانونشکن بودند .

و لقد جاءتهم رسلنا بالبینت ثم ان کثیراً منهم بعد ذلک فی الارض لمسرفون

اسراف به معنای خروج از حد اعتدال است و کلمه <فی الارض> می رساند که منظور از اسراف، خروج از حد اعتدال در مسائل اجتماعی است که از آن به قانونشکنی تعبیر شده است.

موانع قانون شکنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۳ - ۴

۴ - ایمان به روز قیامت و ترس از عذاب بزرگ آن روز ، بازدارنده آدمی از هرگونه گناه و قانون شکنی است .

إنّی أخاف إن عصیت ربّی عذاب یوم عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۶ - ۱۶

۱۶ تقوا ، زمینه ساز رعایت حرمت ماه های حرام و بازدارنده آدمی از گناه و قانون شکنی

منها أربعه حرم . .. فلا تظلموا فیهن أنفسکم ... و اعلموا ان اللّه مع المتقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۶۰ – ۱۲

۱۲ – توجه و اعتقاد به شنوایی و دانایی خداوند ، بازدارنده آدمی از گناه و قانون شکنی است .

و القوعد من النساء الّتی لایرجون نکاحًا

فلیس علیهن جناح أن یضعن ثیابهنّ . .. و

جمله <و اللّه سمیع علیم> استینافیه تعلیلیه و در مقام تهدید زنانی است که احیاناً بخواهند از حکم حجاب و عفاف سرپیچی کنند و یا از موارد استثنا، سوء استفاده کنند. از این رو آمدن چنین جمله ای و یادآوری صفت شنوایی و دانایی خداوند، می تواند اشاره به نکته یاد شده باشد.

قانونگذار

شرایط قانونگذار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۷ - ۲۰

۲۰ مشرکان ، کافران به خدا و ناباوران به قیامت ، فاقد صلاحیت برای ارائه برنامه و مقررات برای انسانها

إنی ترکت ملّه قوم لایؤمنون بالله و هم بالأخره هم کفرون

قانونگذاران

شرایط قانونگذاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۰ - ۵

۵ - آگاهی کامل و دقیق ، شرط لازم برای قانون گذاران و مجریان آن

لاتنفع الشفعه إلّامن أذن له . .. یعلم ما بین أیدیهم و ما خلفهم

علم قانونگذاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۰ - ۵

۵ - آگاهی کامل و دقیق ، شرط لازم برای قانون گذاران و مجریان آن

لاتنفع الشفعه إلّامن أذن له . .. یعلم ما بین أیدیهم و ما خلفهم

قانونگذاران مصرباستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۱۲

۱۲ وضع قوانین و مقررات حکومت مصر در زمان وزارت یوسف (ع) ، در اختیار پادشاه بود .

ما کان لیأخذ أخاه فی دین الملک

مسؤولیت قانونگذاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۳ - ۹

۹ - بیان فلسفه قوانین از سوی قانون گذاران امری شایسته و نیکوست . *

کتب علیکم الصیام . ... لعلکم تتقون

قانونگذاری

{قانونگذاری}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۳ - ۲۰

۲۰ خداوند ، نخستین قانونگذار برای مردم

فبعث اللّه . .. و انزل معهم الکتاب بالحق لیحکم بین الناس

فاء در <فبعث اللّه> می رساند که آنگاه که میان جوامع بشری اختلاف شد و در نتیجه نیاز به قانون پیدا کردند، خداوند کتاب (دربردارنده قانون) و پیامبر (اجراکننده قانون) را فرستاد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶ - ۱۳

۱۳ قوانین و معارف موجود در کتاب های آسمانی ، متناسب با ساختار حقیقی انسان

اللّه لا اله الاّ هو الحیّ القیّوم. نزّل ... هو الذی یصورکم

قیّومیت خدا و آفریدن انسان به گونه ای که او خواسته است و نیز علم مطلق او و نزول کتاب برای هدایت، بیانگر تناسب قوانین با ساختار انسانی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۴ - ۱۶

۱۶ پذیرش تحلیل و تحریم (قانونگذرای) دیگران ، پذیرش آنان به عنوان ربّ است .

و لا يتّخذ بعضنا بعضاً ارباباً من دون اللّه

پیامبر (ص) در پاسخ شخصی که می گفت: ما کنّا نعبدهم، فرمود: اما کانوا یحلّون لکم و یحرّمون فتأخذون بقولهم؟ فقال: نعم، فقال النّبی (ص): هو ذاک.

مجمع البیان، ج ۲، ص ۷۶۷.

اخلاص در قانونگذاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸

- رعد - ۱۳ - ۳۷ - ۸

۸ معارف و قوانینی ، شایسته و بایسته پذیرش و پیروی است که از هوا های نفسانی پیراسته و بر پایه علم بنا شده باشد .

و لئن اتبعت أهواءهم بعد ما جاءک من العلم

اهمیت قانونگذاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۵ - ۸

۸ ضرورت تدوین و تنظیم قوانینی در جهت سهیم کردن واسطه های کار های نیک و بد علاوه بر مباشران در نتایج و پیامد های آن اعمال

من یشفع شفاعه حسنه . .. و من یشفع شفاعه سیّئه یکن له کفل منها

تبعیض در قانونگذاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۹ - ۱۳

۱۳ ضرورت پرهیز از تبعیضهای ناروا و جاهلانه در قوانین مربوط به زن و مرد

و قالوا ما فی بطون هذه الأنعم خالصه لذکورنا و محرم علی أزوجنا . .. سیجزیهم وصفهم

حق قانونگذاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۰ - ۱۳

۱۳ تنها خداوند دارای حق قانون گذاری و تشریع احکام است .

إن الحکم إلاّ لله

برداشت فوق بر این مبناست که مقصود از <حکم> حکم تشریعی باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۵۲ – ۴

۴- تشریع دین و قانون گذاری ، حق اختصاصی خداوند است .

و له الدین واصبًا

حکمت در قانونگذاری

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۱۱ – ۳۶

۳۶ علم و حکمت ، دو

شرط ضروری در قانون گذاری

یوصیکم اللّه فی اولادکم . .. انّ اللّه کان علیماً حکیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۴ - ۲۱

۲۱ علم و حکمت ، دو عنصر ضروری برای قانونگذاران

و المحصنات . .. انّ اللّه کان علیماً حکیماً

بیان علم و حکمت الهی پس از جعل قوانین و مقررات، دلالت بر این دارد که قانونگذاران باید دارای علم و حکمت باشند و قوانین را بر این دو پایه وضع کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۶ - ۱۴

۱۴ علم و حکمت ، دو پایه اساسی برای قانونگذاران

حرّمت . .. و المحصنات ... و من لم یستطع ... و اللّه علیم حکیم

روش قانونگذاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۵ - ۸

۸ ضرورت تدوین و تنظیم قوانینی در جهت سهیم کردن واسطه های کار های نیک و بد علاوه بر مباشران در نتایج و پیامد های آن اعمال

من یشفع شفاعه حسنه . .. و من یشفع شفاعه سیّئه یکن له کفل منها

شرایط قانونگذاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۳ - ۱۴،۱۶

۱۴ - انعطاف پذیری احکام و قوانین دین و ملاحظه ضرورت ها در تشریع آن قوانین

فمن اضطر غیر باغ و لاعاد فلا إثم علیه

۱۶ - قانون گذاران باید به هنگام وضع قوانین ، حالت ضرورت را ملاحظه کرده و احکام ویژه ای برای آن وضع کنند .

فمن اضطر غیر باغ و لاعاد فلا

إثم علیه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۱۶ – ۱۸

۱۸ قانونگذار ، باید آگاه به مصالح و مفاسد واقعی انسان باشد .

کتب علیکم القتال . .. و اللّه یعلم و انتم لا تعلمون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۸۲ – ۱۷

۱۷ تدوین قانون باید به گونه ای باشد که راه اجحاف بر سفیهان و ناتوانان را مسدود نماید .

فان کان الّذی علیه الحقّ . .. فلیملل ولیّه بالعدل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۱۱ – ۳۶

۳۶ علم و حکمت ، دو شرط ضروری در قانون گذاری

یوصیکم اللّه فی اولادکم . .. انّ اللّه کان علیماً حکیماً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۲۴ – ۲۱

۲۱ علم و حکمت ، دو عنصر ضروری برای قانونگذاران

و المحصنات . .. انّ اللّه کان علیماً حکیماً

بیان علم و حکمت الهی پس از جعل قوانین و مقررات، دلالت بر این دارد که قانونگذاران باید دارای علم و حکمت باشند و قوانین را بر این دو پایه وضع کنند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۵ - ۲۹

۲۹ ضرورت توجه به نیاز های جنسی انسان ها در تنظیم قوانین و سیاست های مربوط به هدایت صحیح مناسبات جنسی آنها

ذلک لمن خشی الْعنت منکم

چون خداوند با توجّه به غریزه جنسی انسانها ازدواج با کنیزان را تجویز کرده است.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۲۶ – ۱۴

۱۴ علم و حکمت ، دو پایه اساسی برای قانونگذاران

حرّمت . .. و المحصنات ... و من لم یستطع ... و اللّه علیم حکیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۲۸ – ۱۳

۱۳ لزوم رعایت تناسب قوانین با توان مردم

یرید اللّه ان یخفّف عنکم و خلق الانسان ضعیفاً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۳۴ – ۱۲

۱۲ ضرورت توجه به قوانین تکوین و تشریع در جعل مقررات حاکم بر خانواده

الرّجال قوّامون علی النساء بما فضّل اللّه . .. و بما انفقوا

چون خداوند در توجیه جعل مدیریت برای مردان به دو جهت تصریح فرمود: یکی برتری مردان بر زنان، که یک مسأله تکوینی است و دیگری عهده دار بودن نفقه، که یک حکم تشریعی است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۳ – ۴۵

۴۵ لزوم ملاحظه و مراعات حالت اضطرار در قانونگذاری

فمن اضطر فی مخمصه غیر متجانف لاثم فإنّ اللّه غفور رحیم

ملاحظه حالت اضطرار و جعل احکامی ویژه از سوی خداوند بر اساس آن، می تواند درسی برای قانونگذاران باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۴۵

۴۵ نفوذ و اعتبار قوانین و داوری ها ، در گرو پی ریزی آنها بر پایه مقررات الهی

و من لم یحکم بما أنزل اللّه فأولئك هم الكفرون

لازمه وجوب داوری و قانونگذاری بر اساس احکام الهی، بی اعتبار دانستن احکامی است که

بر پایه احکامی غیر الهی بنا شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۷ - ۱۹

۱۹ تشریع احکام در صلاحیت کسی است که دانای به عالم هستی باشد .

جعل اللّه الکعبه البیت الحرام قیماً للناس . .. و إنّ اللّه بکل شیء علیم

خصوصیات تشریعی کعبه، ماههای حرام و قربانی و دیگر مناسک حج و حکمتهای بیان شده برای آنها، مایه آگاهی به علم گسترده خداوند دانسته شده است و این معنا در صورتی قابل تحقق است که تشریع چنین قوانین از غیر او بر نیاید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۲ - ۶

۶ ضرورت پرهیز قانونگذاران از جعل مقرراتی که جامعه بدان پایبند نخواهد بود .

لاتسئلوا عن اشیاء . .. قد سألها قوم من قبلکم ثم اصبحوا بها کفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۸ - ۸

۸ - لزوم توجه به طاقت و توان مردم ، در قانون گذاری و تعیین تکلیف

و ما جعل علیکم فی الدین من حرج

شرک در قانونگذاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۴ - ۱۶

۱۶ پذیرش تحلیل و تحریم (قانونگذرای) دیگران ، پذیرش آنان به عنوان ربّ است .

و لا یتّخذ بعضنا بعضاً ارباباً من دون اللّه

پیـامبر (ص) در پاسـخ شخصـی که می گفت: ما کنّا نعبـدهم، فرمود: اما کانوا یحلّون لکم و یحرّمون فتأخـذون بقولهم؟ فقال: نعم، فقال النّبی (ص): هو ذاک.

مجمع البیان، ج ۲، ص ۷۶۷.

علم در قانونگذاری

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۱۶ – ۱۷،۱۸

۱۷ نقش علم ، در کمال قانون

کتب علیکم . .. و اللّه یعلم و انتم لا تعلمون

۱۸ قانونگذار ، باید آگاه به مصالح و مفاسد واقعی انسان باشد .

کتب علیکم القتال . .. و اللّه یعلم و انتم لا تعلمون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۱۱ – ۳۶

۳۶ علم و حکمت ، دو شرط ضروری در قانون گذاری

یوصیکم اللّه فی اولادکم . .. انّ اللّه کان علیماً حکیماً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۲۴ – ۲۱

۲۱ علم و حکمت ، دو عنصر ضروری برای قانونگذاران

و المحصنات . .. انّ اللّه کان علیماً حکیماً

بیان علم و حکمت الهی پس از جعل قوانین و مقررات، دلالت بر این دارد که قانونگذاران باید دارای علم و حکمت باشند و قوانین را بر این دو پایه وضع کنند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۲۶ – ۱۴

۱۴ علم و حکمت ، دو پایه اساسی برای قانونگذاران

حرّمت . .. و المحصنات ... و من لم يستطع ... و اللّه عليم حكيم

قانونگذارى حرام

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۴۴

۴۴ قانونگذارى ، جز بر پايه مقررات و مفاهيم الهى ، حرام و كفر است .

و من لم يحكم بما أنزل اللّه فأولئك هم الكفرون

جمله <و من لم يحكم .

..> علاوه بر مسأله قضاوت می تواند شامل هر نوع دستور و قانونی بشود.

قانونگذاری خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۷ - ۳

۳ خداوند تنها مرجع شایسته جعل و تشریع قوانین و احکام

لاتحرموا طیبت ما احل اللّه لکم

قانونگذاری ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۸ - ۶

۶- ذوالقرنین ، تصمیم گرفت که قوانین و مقرّرات اجتماعی سهل و قابل تحمّلی را برای مؤمنان وضع کند .

و سنقول له من أمرنا یسرًا

<یسر> یعنی <آسانی> و <من أمرنا> یعنی:<از فرامینی که صادر می کنیم. >، لذا مفاد جمله <و سنقول...> آن است که برای مؤمنان صالح، فرامینی صادر می کنیم که اجرای آن دشوار نباشد و شنیدن آن برای مؤمنان سنگین نیاید.

قانونگذاری و اضطرار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳ - ۴۵

۴۵ لزوم ملاحظه و مراعات حالت اضطرار در قانونگذاری

فمن اضطر فی مخمصه غیر متجانف لاثم فإنّ اللّه غفور رحیم

ملاحظه حالت اضطرار و جعل احکامی ویژه از سوی خداوند بر اساس آن، می تواند درسی برای قانونگذاران باشد.

مبانی قانونگذاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۴۴،۴۵،۴۶،۵۰

۴۴ قانونگذاری ، جز بر پایه مقررات و مفاهیم الهی ، حرام و کفر است .

و من لم یحکم بما أنزل اللّه فأولئک هم الکفرون

جمله <و من لم یحکم . ..> علاوه بر مسأله قضاوت می تواند شامل هر نوع دستور و قانونی بشود.

۴۵ نفوذ و اعتبار

قوانین و داوری ها ، در گرو پی ریزی آنها بر پایه مقررات الهی

و من لم یحکم بما أنزل اللّه فأولئك هم الکفرون

لازمه وجوب داوری و قانونگذاری بر اساس احکام الهی، بی اعتبار دانستن احکامی است که بر پایه احکامی غیر الهی بنا شده باشد.

۴۶ ضرورت پذیرش قوانین و داوری های مستند به احکام الهی

و من لم یحکم بما أنزل اللّه فأولئك هم الکفرون

لازمه وجوب قضاوت بر اساس احکام الهی، ضرورت پذیرش آنها از سوی طرفین نزاع و مشاجره است.

۵۰ خودداری از قانونگذاری بر پایه مقررات الهی ، کفر است . *

و من لم یحکم بما أنزل اللّه فأولئك هم الکفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۵ - ۲۰

۲۰ خودداری از قانونگذاری بر پایه مقررات الهی ، ظلم است . *

و من لم یحکم بما أنزل اللّه فأولئك هم الظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۷ - ۷،۱۱

۷ قانونگذاری ، جز بر پایه تعالیم و مقررات الهی ، در پی دارنده فسق و تباهی

و من لم یحکم بما أنزل اللّه فأولئك هم الفسقون

جمله <من لم یحکم . ..> علاوه بر مسأله قضاوت، می تواند شامل هر نوع دستور و قانونی باشد.

۱۱ خودداری از قانونگذاری بر اساس تعالیم الهی ، فسق است . *

و من لم یحکم بما أنزل اللّه فأولئك هم الفسقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۸ - ۱۵

۱۵ تمامی قوانین و مقررات باید تنها بر پایه تعالیم قرآن تدوین و

تنظیم گردد .

و انزلنا الیک الکتب . .. فاحکم بینهم بما أنزل اللّه

ملاک قانونگذاری

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۹۲ – ۱۴

۱۴ تقویت نشدن بنیه مالی دشمنان اسلام ، از ملاک های به کار گرفته شده در وضع قوانین حقوقی اسلام *

فان کان من قوم عدوّلکم و هو مؤمن فتحریر رقبه مؤمنه

به نظر می رسد عدم لزوم پرداخت دیه به خانواده مقتول در فرض مذکور، برای این باشد که دشمنان اسلام از نظر مادی تقویت نشوند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۶۱ – ۱۶

۱۶ وجود ملاک در نوع اشخاص ، مصحح جعل قانون برای همه افراد است . *

فبظلم من الذین هادوا حرّمنا علیهم . .. و أعتدنا للکفرین منهم عذاباً ألیماً

ملاک تحریم طیبات بر یهود، ستمگری و دیگر عناوین یاد شده در آیه مورد بحث و آیه بعد می باشد ; و این ملاک در اکثریت جامعه یهود وجود داشته و به شهادت آیات بعد در همه آنان نبوده است ولی خداوند بر همه آنان طیبات را تحریم کرد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۲۹ – ۱

۱ خداوند به رعایت قسط (عدل و انصاف) فرمان داده، نه به ارتکاب فحشا و زشتی

إن الله لا یأمر بالفحشاء . .. قل أمر ربی بالقسط

ملاک قانونگذاری مشروع

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۴۸ – ۱۶

۱۶ نفوذ و اعتبار قوانین و داوری ها در گرو پی

ریزی آنها بر اساس تعالیم قرآن است .

و انزلنا الیک الکتب . .. فاحکم بینهم بما أنزل اللّه

ملاکهای قانونگذاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۹ - ۱۳

۱۳ ضرورت پرهیز از تبعیضهای ناروا و جاهلانه در قوانین مربوط به زن و مرد

و قالوا ما فی بطون هذه الأنعم خالصه لذکورنا و محرم علی أزوجنا . .. سیجزیهم وصفهم

منابع قانونگذاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۵ - ۱۱

۱۱ قرآن ، منبعی برای دستیابی به قوانین و مقررات دین .

فی کتب اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۷ - ۲

۲ قرآن حکم و قانون الهی و منبع شناخت حقایق و معارف دینی است .

و کذلک أنزلنه حکمًا

حکم کردن به چیزی آن است که داوری کنی و اعلام داری که آن چیز این گونه است و یا این گونه نیست (مفردات راغب). بر این اساس <قرآن حُکم است> ; یعنی، داوری می کند و بیان می کند که چه چیز چگونه است و یا چگونه نیست و این معنا شامل همه قوانین، حقایق و معارفی می شود که خداوند اثباتاً و یا نفیاً در قرآن بیان کرده است و درباره آن قضاوتی دارد ; مانند اینکه خداوند شریکی ندارد، قیامت حق است و یا روزه بر شما واجب شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶ - ۱۲

۱۲ - قرآن ، به عنوان کتاب الهی ، منبعی برای تشریع

قوانین مربوط به حقوق خویشاوندی است .

و أُولوا الأرحام بعضهم أولی ببعض فی کتب اللّه

منشأ قانونگذاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۳ - ۱۸

۱۸ - تشریع احکام و حلال شمردن یا حرام دانستن استفاده از امکانات ، به دست خداوند است .

کلوا من طیبت . .. إنما حرم علیکم المیته و الدم ... فمن اضطر غیر باغ و لاعاد فلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۸ - ۵

۵ - بشر ، فاقد صلاحیت گزینش پیامبر و تشریع قانون برای مردم

و ربّک . .. یختار ما کان لهم الخیره

<خیره> به معنای <تخیّر> (اختیار کردن) است; مانند <طیره> که به معنای <تطیّر> می باشد.

منشأ قانونگذاری مصرباستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۱۲

۱۲ وضع قوانین و مقررات حکومت مصر در زمان وزارت یوسف (ع) ، در اختیار پادشاه بود .

ما کان لیأخذ أخاه فی دین الملک

نقش علم در قانونگذاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۷ - ۸

۸ معارف و قوانینی ، شایسته و بایسته پذیرش و پیروی است که از هوا های نفسانی پیراسته و بر پایه علم بنا شده باشد .

و لئن اتبعت أهواءهم بعد ما جاءک من العلم

قبر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

قبر

آب داغ در قبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۹۳ - ۳

۳ - < عن أبی بصیر ، قال : سمعت أباعبدالله (ع)

يقول : . . . < فنزل من حميم > فى قبره . . . ;

ابى بصير مى گويد: از امام صادق(ع) شنيدم كه مى فرمود: . ..<فنزل من حميم> در قبر ميّت است.

آثار عذاب قبر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - تكاثر - ۱۰۲ - ۱ - ۵

۵ - < عن على بن أبى طالب (ع) قال : نزلت < ألهيكم التّكاثر > فى عذاب القبر ;

از على(ع) روايت شده كه فرمود: [سوره] <ألهيكم التكاثر>، در مورد عذاب قبر نازل شده است>. [;يعنى، تا زمان ديدار عذاب قبر به تفاخر سرگرم هستيد].

پرسش در قبر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - نساء - ۴ - ۹۷ - ۲

۲ چگونه سپرى كردن زندگانى دنيا ، پرسش فرشتگان از گناهكاران مستضعف پس از مرگ (سؤال قبر)

انّ الّذين توفّيهم الملئكه ظالمى انفسهم قالوا فيم كنتم

پرسش ملائكه قبر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - ابراهيم - ۱۴ - ۲۷ - ۱۶،۱۷

۱۶- < قال أميرالمؤمنين (ع) صلوات الله عليه : إن ابن آدم . . . فإذا أدخل قبره أتاه ملكا القبر . . . فيقولان : من ربك و ما دينك و من نبيك ؟ فيقول : الله ربّى و دينى الإسلام و نبيى محمد (ص) فيقولان له : ثبّتك الله فيما تحبّ و ترضى و هو قول الله عزّوجلّ : < يثبّت الله الذين آمنوا بالقول الثابت فى الحياه الدنيا و فى الأخره > . . . ;

از اميرالمؤمنين(ع) روايت شده است كه فرمود:

همانـا آدمی زاده را . .. آن گـاه که وارد قبرش می کننـد، دو فرشـته نزدش می آینـد ... و می گوینـد: پروردگارت کیست؟ و دینت چیست؟ و پیـامبرت کیست؟ پس پاسـخ می گویـد: <خداونـد> پروردگـارم و <اسـلام> دین من و پیـامبرم حضـرت محمد(ص) است. پس به او می گویند: خداوند تو را در آنچه دوست می داری و به آن راضی هستی ثابت قدم و استوار کرده است و این همان سخن خداوند است که می فرماید: <یثبّت الله الذین آمنوا بالقول الثابت ...>...>.

۱۷- < عن أبی عبـدالله (ع) قال : إن المؤمن إذا أُخرج من بیته شیّعته الملائکه إلی قبره . . . و إن کان کافراً خرجت الملائکه تشیّعه إلی قبره تلعنونه . . . ثمّ یـدخل علیه ملکـا القبر . . . فیقولان له : من ربّک ؟ فیتلجلـج و یقول : قـد سـمعت الناس یقولون فیقولان له : لادریت و یقولان له : ما دینک ؟ فیتلجلـج فیقولان له : لادریت و یقولان له : من نبّیک ؟ فیقول : قد سـمعت الناس یقولون فیقولاـن له لادریت و یسأل عن إمام زمانه . . . و هو قول الله عزّوجلّ : < . . . و یضلّ الله الظالمین و یفعل الله ما یشاء > ;

از امـام صـادق(ع) روایت شـده است که فرمود: آن گـاه که [جنـازه] مؤمن را از منزلش بیرون می برنـد، ملائکه او را تا قبرش تشییع می کنند . .. و اگر کافر باشد فرشتگان او را تا قبرش تشییع و لعنت می کنند ... سپس دو فرشته قبر، بر او وارد می شوند

... پس به او می گوینـد: پروردگـارت کیست؟ پس او [در پاسـخ] مردد می شـود و می گویـد: شـنیده ام مردم [این گـونه] می گوینـد. پس به او می گوینـد: [آیا] نـدانستی؟ به او می گوینـد دینت چیست؟ باز مردد می شود و آنان به او می گوینـد: [آیا] نـدانستی؟ پس به او می گوینـد: پیامبر تو کیست؟ پس پاسخ می دهد: شـنیده ام که [این گونه] مردم می گویند. پس به او می گویند [آیا]ندانستی؟ و از او درباره امام زمانش سؤال می کنند: ... و این سـخن خداوند عزّوحلّ است: ... یضلّ الله الظالمین و یفعل الله ما یشاء>.

تلاشی بدن در قبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳ - ۵

۵ متلاشی شدن اجزای بدن در خاک ، محور اشکال کافران در مسأله معاد

و کنّا ترابًا ذلک رجع بعید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴ - ۵

۵ اضمحلال بخشی از اجزای وجود انسان در خاک و نه همه آن *

قد علمنا ما تنقص الأرض منهم

برداشت بالاـ در صورتی است که <منهم> برای تبعیض باشـد که احتمـال می رود منظور از جمله <علمنا ما تنقص. ..> این باشـد که: <شـما گمان می کنیـد همه وجود آدمی در خاک مضـمحل می شود; در حالی که چنین نیست و ما مقداری را که اضمحلال پذیر است و جذب خاک می شود، می دانیم>.

خروج از قبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۷ - ۱،۵

۱ - آثار ذلت و

نگرانی ، نمایان در چشم کافران ، به هنگام خروج از قبر ها در رستاخیز

خشّعًا أبصرهم يخرجون من الأجداث

۵ - نگرانی و سردرگمی آدمیان ، در لحظه های آغازین رستاخیز و خروج از قبرها

يخرجون من الأجداث كأنّهم جراد منتشر

تشبیه به <جراد منتشر>، بیانگر سردرگمی و حرکت های نامنظم و حیرت زده آدمیان، پس از خروج از قبرها در روز رستاخیز است.

خروج انسان ها از قبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۵ - ۵،۶،۷

۵ - خروج انسان ها از قبر در قیامت ، به خواست و دعوت خداوند است .

ثمّ إذا دعاكم دعوه من الأرض إذا أنتم تخرجون

بنابر این که <من الأرض> متعلق به <تخرجون> باشد، نکته یاد شده، استفاده می شود.

۶ - همه مردمان در روز قیامت ، با یک ندای خداوند ، به طور ناگهانی از دل خاک بیرون می آیند .

ثمّ إذا دعاكم دعوه من الأرض إذا أنتم تخرجون

۷ - مردگان ، در قیامت ، در پاسخ به ندای خداوند برای زنده شدن ، خود ، از قبر ها خارج می شوند .

إذا دعاكم . .. إذا أنتم تخرجون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۱ - ۴

۴ - انسان ها پس از زنده شدن از قبر ها ، به سوی پروردگار خویش خواهند شتافت .

فإذا هم من الأجداث إلى ربّهم ينسلون

<نسلان> (مصدر <ينسلون>) به معنای گام برداشتن سریع است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۵۲ – ۴،۱۲

۴ – کافران در قیامت ، از زنده شدن

و بیرون آمدن شان از قبر ها ، بسیار شگفت زده خواهند شد .

قالوا یویلنا من بعثنا من مرقدنا

برداشت یاد شده از آن جا است که استفهام (من) در آیه شریفه، برای تعجب استعمال شده است.

۱۲ - < عن أبی جعفر (ع) فی قوله : < یا ویلنا من بعثنا من مرقدنا > فإن القوم کانوا فی القبور ، فلمّا قاموا حسبوا أنّهم کانوا نیامًا ، قالوا < یا ویلنا من بعثنا من مرقدنا > قالت الملائکه < هذا ما وعد الرحمان و صدق المرسلون > ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند که می فرماید: <یا ویلنا من بعثنا من مرقدنا. ..> روایت شده که فرمود: مردم که در قبراند; وقتی برمی خیزند می پندارند که در خواب بوده اند [ازاین رو] می گویند: <یا ویلنا من بعثنا من مرقدنا>. فرشتگان می گویند: <هذا ما وعد الرحمان و صدق المرسلون>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۴ - ۱

۱ - قبر ها هنگام برپایی قیامت ، زیر و رو شده و هر چه در آن است بیرون ریخته خواهد شد .

و إذا القبور بعثرت

معنای <بعثرت>، این است که خاک قبرها زیر و رو شود و هر آنچه در آن است، پراکنده گردد. از آن جا که فعل <بعثر> متضمن معنای <بُعِثَ> و <اُثیرَ> است، بعید نیست این فعل مرکب از آن دو فعل باشد. (مفردات راغب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۶ - ۴

۴ - تمام مردم در قیامت ، با بیرون آورده شدن از زمین

، در صحنه محشر حضور خواهند يافت .

و أخرجت الأرض أثقالها . .. يومئذ يصدر الناس أشتاتًا

جمله <يصدر الناس>، ممكن است ناظر به رجوع مردم به حيات دوباره (معاد) باشد.

ذكر قبر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۳ - ۹

۹ - توجّه به وابستگى آفرينش ، تدبير ، هدايت ، مرگ و قبر انسان به خداوند ، زمينه ساز انجام دادن تكاليف الهى

من نطفه خلقه . .. ثمّ أماته فأقبره ... كلاّ لمّا يقض ما أمره

سرزنش تفاخر به قبر نياكان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - تكاثر - ۱۰۲ - ۱ - ۸

۸ - < قال علىّ (ع) بعد تلاوه < ألهيكم التكاثر حتّى زرتم المقابر > يا له مراماً ما أبعدَه و زَوْراً ما أغفلَه و خطراً ما افظعَه . . . أفبمصارع أباءهم يفخرون أم بعديد الهلكى يتكاثرون . . . و لَان يكونوا عِبَراً أحقّ من أن يكونوا مفتخراً ;

على(ع) بعد از تلاوت آيه <ألهيكم التكاثر حتّى زرتم المقابر>، فرمود: شگفتا چه هدف بسيار دورى! و چه زيارت كنندگان غافلى و چه خراميدن بسيار زشتى! آيا به محل زمين خوردن پدران خويش مى نازند و يا به تعداد هلاك شدگان [اقوام خود]مباهات مى كنند؟ . .. به راستى اينها مايه عبرت قرار گيرند، سزاوارتر است تا مايه مباهات و افتخار باشند>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - تكاثر - ۱۰۲ - ۲ - ۶

عبرت از قبر نياكان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - تكاثر - ۱۰۲

۸ - < قال علیّ (ع) بعـد تلاوه < ألهیکم التکاثر حتّی زرتم المقابر > یا له مراماً ما أبعدَه و زَوْراً ما أغفلَه و خطراً ما افظعَه . . . أفبمصارع أباءهم یفخرون أم بعدید الهلکی یتکاثرون . . . و لَان یکونوا عِبَراً أحقّ من أن یکونوا مفتخراً ;

علی(ع) بعد از تلاوت آیه <ألهیکم التکاثر حتّی زرتم المقابر>، فرمود: شگفتا چه هدف بسیار دوری! و چه زیارت کنندگان غافلی و چه خرامیـدن بسیار زشتی! آیا به محل زمین خوردن پـدران خویش می نازند و یا به تعداد هلاک شدگان [اقوام خود]مباهات می کنند؟ . .. به راستی اینها مایه عبرت قرار گیرند، سزاوارتر است تا مایه مباهات و افتخار باشند>.

عجله در خروج از قبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۸ - ۱

۱ - شتاب آدمیان در خروج از قبر ها ، برای اجابت منادی رستاخیز

یخرجون من الأجداث . .. مهطعین إلی الداع

عذاب قبر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۴۱ - ۹

۹ عن رسول الله(ص): یکسی الکافر لوحین من نار و فی قبره فذلک قوله: <لهم من جهنم مهاد و من فوقهم غواش>.

از رسول خـدا(ص) روایت شـده است: دو لوح (زیر انـداز و روانـداز) از آتش بر کافر در قبرش پوشانده می شود و این اسـت سخن خداوند: <برای کافران بستری از آتش جهنم و روی آنان پوششهایی از آن است>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۴

۱۲ - < عن أميرالمؤمن ين (ع) : و إنّ المعشيه الضنک التی حذر اللّه منها عدوّه عذاب القبر انّه يسلّط علی الکافر فی قبره تسعه و تسعين تنّيناً فينهشن لحمه و يکسرن عظمه و يترددن عليه کذلک إلی يوم يبعث ;

از اميرالمؤمن ين(ع) روايت شده: همانا <معيشت ضنک> که خداوند دشمنان خود را از آن برحذر داشته عذاب قبر است. خدا بر کافر در قبرش ۹۹ مار بزرگ مسلط می کند که گوشت او را می گزند و استخوان وی را می شکنند و همين طور بر روی او رفت و آمد می کنند تا روزی که برانگيخته شود>.

غافلان از قبر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۳ - ۲

۲ - کافران ، بی اعتنا به مرگ ، قبر و قيامت خود و بی توجّه به نشانه های خدا در خلقت خويش

کلّا

<کلّا> می تواند برای ردع و باز داشتن از توهّمی باشد که آيات پيشين، زمينه ساز پيدايش آن بود و آن اين که با وجود زمينه های توجّه به خداوند در آفرينش انسان از نطفه تا زمان مرگ و دفن او، ممکن نيست کسی در کفر بماند. <کلّا> دلالت دارد که نبايد چنين پنداشت، زيرا افرادی با وجود تمام اين نشانه ها، بر کفر خود اصرار ورزيدند.

مقربان در قبر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۸۹ - ۷

۷ - < عن أبی بصير ، قال : سمعت أباعبداللّه (ع) يقول : < فأمّا إن کان من المقرّبين فروح

و ریحان > قال : فی قبره < و جنّه نعیم > قال : فی الأخره . . . ;

ابی بصیر گوید: از امام صادق(ع) شنیدم که می فرمود: اگر محتضر از مقربان باشد، <روح و ریحان> در قبر او و <جنّه نعیم> در آخرت او خواهد بود>.

قبض روح از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

تشبیه ملائکه قبض روح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳ - ۵

۵ - فرشتگان ، به هنگام قبض روح برخی از مردم ، بسان شناکنندگان ، وظیفه خود را به آرامی و با مدارا انجام می دهند .

و السبحت سبحًا

در نظر برخی از اهل لغت، حرکت در اعماق آب را، <عَوْم> و حرکت روی آب و بدون فرورفتن را <سباحه> می گویند(تاج العروس). تعبیر <السابحات> به قرینه <الناشطات> در آیه قبل ناظر به حرکت آرام ملائکه، در قبض روح مؤمن است که به حرکت در آب تشبیه شده است.

تعدد ملائکه قبض روح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۷ - ۸

۸- ملائکه متعدد ، دست اندرکار قبض روح انسان ها

إذا توفّتهم الملئکه

تقرب ملائکه قبض روح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱ - ۲

۲ - فرشتگان مأمور قبض روح ، دارای مقامی رفیع در پیشگاه خداوند

و النزعت غرقًا

قسم خوردن خداوند به فرشتگان مرگ، نشانه ارجمندی آنان در نزد او است.

تنوع در قبض روح

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نازعات – ۷۹ – ۲ – ۵

۵ – شیوه قبض روح انسان ها

، مختلف و دارای انواع آسان و دشوار است .

و النشطت نشطًا

از جمله معانی <ناشط>، شخصی است که سطل آب را از چاه بیرون می کشد (قاموس). اطلاق این کلمه بر فرشتگان پس از توصیف آنان به <نازعات> (بیرون کشندگان) ممکن است ناظر به انواع قبض روح باشد. در آیه قبل به قرینه <غرقاً> قبض روح سخت مورد نظر بود; ولی در آیه، قبض روحی مراد است که همچون کشیدن دلو از چاه آرام آرام صورت می پذیرد. گفتنی است که این تفاوت، ممکن است ناظر به تفاوت قبض روح مؤمن، با جان کندن کافر باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳ - ۵

۵ - فرشتگان ، به هنگام قبض روح برخی از مردم ، بسان شناکنندگان ، وظیفه خود را به آرامی و با مدارا انجام می دهند .

و السبحت سبحًا

در نظر برخی از اهل لغت، حرکت در اعماق آب را، <عَوْم> و حرکت روی آب و بدون فرورفتن را <سباحه> می گویند(تاج العروس). تعبیر <السابحات> به قرینه <الناشطات> در آیه قبل ناظر به حرکت آرام ملائکه، در قبض روح مؤمن است که به حرکت در آب تشبیه شده است.

سرعت در قبض روح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۹ - ۳

۳ - خداوند در تأکید بر وجود ترس و نگرانی در قیامت ، به فرشتگان سوگند یاد کرده است که سریع و بانشاط برای تدبیر امور و قبض ارواح از یکدیگر سبقت می گیرند .

و النازعات . .. قلوب

یومئذ واجفه . أبصرها خشعه

این آیه و آیه قبل، جواب قسم هایی است که در نخستین آیات سوره آمده بود.

سوگند به ملائکه قبض روح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱ - ۳

۳ - سوگند خداوند به فرشتگان قبض کننده ارواح

و النزعت غرقًا

سهولت در قبض روح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲ - ۵

۵ - شیوه قبض روح انسان ها ، مختلف و دارای انواع آسان و دشوار است .

و النشطت نشطًا

از جمله معانی <ناشط>، شخصی است که سطل آب را از چاه بیرون می کشد (قاموس). اطلاق این کلمه بر فرشتگان پس از توصیف آنان به <نازعات> (بیرون کشندگان) ممکن است ناظر به انواع قبض روح باشد. در آیه قبل به قرینه <غرقاً> قبض روح سخت مورد نظر بود؛ ولی در آیه، قبض روحی مراد است که همچون کشیدن دلو از چاه آرام آرام صورت می پذیرد. گفتنی است که این تفاوت، ممکن است ناظر به تفاوت قبض روح مؤمن، با جان کندن کافر باشد.

شدت در قبض روح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲ - ۵

۵ - شیوه قبض روح انسان ها ، مختلف و دارای انواع آسان و دشوار است .

و النشطت نشطًا

از جمله معانی <ناشط>، شخصی است که سطل آب را از چاه بیرون می کشد (قاموس). اطلاق این کلمه بر فرشتگان پس از توصیف آنان به <نازعات> (بیرون کشندگان) ممکن است ناظر به انواع قبض روح

باشد. در آیه قبل به قرینه <غرقاً> قبض روح سخت مورد نظر بود; ولی در آیه، قبض روحی مراد است که همچون کشیدن دلو از چاه آرام آرام صورت می پذیرد. گفتنی است که این تفاوت، ممکن است ناظر به تفاوت قبض روح مؤمن، با جان کندن کافر باشد.

شدت قبض روح کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱ - ۶

۶ - < فی المجمع بعد قوله تعالی < و النازعات غرقاً > قال : اختلف فی معناها علی وجوه أحدها : انه یعنی الملائکه الذین ینزعون أرواح الکفّار عن أبدانهم بالشدّه . . . روی ذلک عن علیّ (ع) و قیل هو الموت ینزع النفوس . . . و روی ذلک عن الصادق (ع) ;

در مجمع البیان بعد از نقل قول خدای تعالی <والنازعات غرفاً> گفته است: در معنای <النازعات غرقاً> اختلاف به وجود آمده و وجوهی بیان شده است; یکی از آنها این است که مقصود فرشتگانی اند که ارواح کافران را از بدن هاشان بیرون می کشند . .. این معنا از امام علی(ع) روایت شده است. [و نیز] گفته شده مقصود مرگ است که جان ها را بیرون می کشد و این معنا از امام صادق(ع) روایت شده است>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲ - ۶

۶ - [فی المجمع] فی قوله تعالی < و الناشطات نشطاً > إنّ ها الملائکه تنشط أرواح الکفّار بین الجلد و الأظفار حتّی تخرج ها من أجوافهم بالکرب و

الغمّ عن علی (علیه السلام) ;

در مجمع البیان درباره قول خدای تعالی <الناشطات نشطاً> از امام علی(ع) نقل شده است: <ناشطات> فرشتگانی اند که جان های کافران را (از سایر اعضا) در میان پوست و ناخن هایشان جمع می کنند تا همراه با سختی و غصّه از درون شان بیرون آوردند>.

فضایل ملائکه قبض روح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱ - ۲

۲ - فرشتگان مأمور قبض روح ، دارای مقامی رفیع در پیشگاه خداوند

و النزعت غرقًا

قسم خوردن خداوند به فرشتگان مرگ، نشانه ارجمندی آنان در نزد او است.

قبض روح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۰ - ۱

۱ میراندن انسان ها و گرفتن جان ایشان ، از مأموریت های فرشتگان

و لو تری إذ یتوفی الذین کفروا الملئکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۱ - ۴

۴ اعمال انسان ، اندوخته ها و پیش فرستاده هایی است که دارای آثاری مثبت یا منفی در لحظه مرگ و پس از آن است .

ذوقوا عذاب الحریق. ذلک بما قدمت أیدیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۷ - ۶

۶- مرگ ، دریافت کامل روح انسان بهوسیله فرشتگان است ; نه فنا و نابودی آن .

فکیف إذا توفّتهم الملئکه

واژه <توفّتهم>، به معنای دریافت کامل است و این نشان می دهد که روح، مانند جسم، متلاشی و مضمحل نخواهد شد.

قبض روح انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۳ - ۱۹

۱۹ روح، تمام حقیقت انسان است و مرگ با خروج آن از بدن حاصل می شود. *

أخرجوا أنفسکم

ممکن است <أخرجوا انفسکم> فرمان ملائکه به ظالمان برای بیرون ساختن جانهای آنان باشد. در این صورت چون <نفس> بر <روح> اطلاق شده، اصالت روح و نقش اساسی آن در وجود انسانی را بیان می نماید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲ - ۵

۵ - شیوه قبض روح انسان ها ، مختلف و دارای انواع آسان و دشوار است .

و النشطت نشطًا

از جمله معانی <ناشط>، شخصی است که سطل آب را از چاه بیرون می کشد (قاموس). اطلاق این کلمه بر فرشتگان پس از توصیف آنان به <نازعات> (بیرون کشندگان) ممکن است ناظر به انواع قبض روح باشد. در آیه قبل به قرینه <غرقاً> قبض روح سخت مورد نظر بود; ولی در آیه، قبض روحی مراد است که همچون کشیدن دلو از چاه آرام آرام صورت می پذیرد. گفتنی است که این تفاوت، ممکن است ناظر به تفاوت قبض روح مؤمن، با جان کندن کافر باشد.

قبض روح اولیاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۲ - ۲۱

۲۱- < عن أمیرالمؤمنین (ع) : . . . إنه لیس أحد من الناس تفارق روحه جسده حتی یعلم إلی أیّ المنزلین یصیر إلی الجنّه أم النار . . . فإن کان ولیّاً لله فتحت له أبواب الجنّه و شرع له طرقها و نظر إلی ما أعدّ الله

له فیها . . . قال الله تعالی < الذین تتوفّاهم الملائکه طیّبین سلام علیکم ادخلوا الجنّه . . . > . . . ;

از امیرالمؤمنین(ع) روایت شـده است:. .. روح از بـدن هیـچ یک از مردم جدا نمی شود تا اینکه بداندبه سوی کدام یک از دو جایگاه می رود: به سوی بهشت یا آتش ... پس اگر دوست خدا باشد، درهای بهشت برای او باز می شود و راههای آن نمایان می گردد و به آنچه خدا برای او در آن جا آماده کرده نگاه می کند ... خدای تعالی فرمود: الذین تتوفّاهم الملائکه طیّبین... ".

قبض روح جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۸ - ۲۲

۲۲- < عن أمیرالمؤمنین (ع) : . . . انه لیس أحـد من الناس تفارق روحه جسـده حتی یعلم إلی أیّ المنزلین یصـیر ، إلی الجنه أم النـار . . . إن کان عـدواً لله فتحت له أبواب النار . . . و نظر إلی ما أعـدّ الله له فیها . . . کلّ هـذایکون عنـد الموت . . . قال الله تعالی . . . < الذین تتوفّاهم الملائکه ظالمی أنفسهم . . .فادخلوا أبواب جهنّم . . . > . . . ;

از امیرالمؤمنین(ع) روایت شـده است:. .. روح از بدن هیچ یک از مردم جدا نمی شود تا اینکه بدانند به سوی کدام یک از دو جایگـاه می رود: بهشت یـا آتش ...؟ اگر دشـمن خـدا باشـد، درهـای آتش برای او بـاز می شود ... و به آنچه خـدا در آن جا برایش آماده

کرده است، نگاه می کند ... این همه هنگام مرگ خواهد بود ... خدای تعالی فرمود: الذین تتوفّاهم الملائکه ظالمی أنفسهم ... فادخلوا أبواب جهنّم ...>.

قبض روح ظالمان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۹۳ – ۱۳،۱۵،۱۶

۱۳ صحنه جان کندن ظالمان بزرگ، عبرت آموز و تماشایی است.

و لو تری إذ الظلمون فی غمرت الموت

۱۵ ملائکه، جان ستمکاران را با قدرت و شدتی تمام می گیرند.

و لو تری إذ الظلمون فی غمرت الموت و الملئکه باسطوا أیدیهم

جمله <باسطوا أیدیهم> ممکن است کنایه از قدرت و شدتی باشد که ملائکه به هنگام قبض روح ستمکاران به کار می گیرند.

۱۶ ملائکه قابض ارواح دارای دستانی هستند که به هنگام گرفتن جان ظالمان آنها را می گشایند.

إذ الظلمون فی غمرت الموت و الملئکه باسطوا أیدیهم

قبض روح کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۵۰ – ۲،۳،۵

۲ فرشتگان به هنگام فرارسیدن مرگ کافران ، با کوبیدن بر صورت و پشت آنان ، جانشان را خواهند گرفت .

و لو تری إذ یتوفی الذین کفروا الملئکه یضربون وجوههم و أدبرهم

۳ تسلی و دلجویی خداوند از پیامبر (ص) و مؤمنان با بیان چگونگی جان کندن کفرپیشگان

و لو تری إذ یتوفی الذین کفروا الملئکه

با توجه به اینکه خطاب در آیه متوجه پیامبر(ص) و یا هر انسان مؤمنی است، می توان گفت از اهداف بیان جان کندن

کفرپیشگان تسلی خاطر اهل ایمان است. چنانچه <لو> در <لوتری ... > به معنای تمنی باشد، این معنا وضوح بیشتری خواهد داشت.

۵

مرگ کافران کشته شده در جنگ بدر با شکنجه و عذابی سخت از سوی فرشتگان مرگ

إذ یتوفی الذین کفروا الملئکه یضربون وجوههم و أدبرهم

از مصادیق مورد نظر برای <الذین کفروا>، به دلیل وقوع آیه مورد بحث در پی آیات مربوط به جنگ بدر، کافرانی هستند که در آن نبرد به قتل رسیدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۱ - ۱

۱ شکنجه و عذاب کافران به هنگام مرگ و پس از آن نتیجه اعمال خود آنان است ، نه ظلمی از جانب خداوند بر ایشان .

ذوقوا عذاب الحریق. ذلک بما قدمت أیدیکم و أن اللّه لیس بظلّم

<ذلک> می تواند اشاره به خصوص <عذاب الحریق> باشد و می تواند اشاره به مجموع عذابی باشد که در آیه قبل بیان شد. قابل ذکر است که در برداشت فوق <أن اللّه ... > ناظر به این حقیقت گرفته شده که عذاب کافران بیش از استحقاق آنان نیست، نه تعلیلی برای ضرورت گرفتارسازی ایشان به عذابهای الهی.

قبض روح متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۲ - ۸

۸- ملائکه به هنگام قبض روح تقواپیشگان ، بر آنان درود و سلام می فرستند .

المتّقین . الذین تتوفّهم الملئکه طیّبین یقولون سلم علیکم

قبض روح مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۷ - ۵

۵ گفتگوی فرشتگان مرگ با مشرکان به هنگام گرفتن جان آنان

قالوا أین ما کنتم . .. قالوا ضلوا عنا

قبض روح منافقان

جلد – نام سوره – سوره – آيه –

فیش

۷ – توبه – ۹ – ۵۵ – ۱۲

۱۲ جان کندن سخت منافقان ، به هنگام مرگ

و تزهق أنفسهم

<زهوق> (مصدر تزهق) به معنای خارج شدن همراه با دشواری است. (مجمع البیان، ذیل آیه)

قبض روح مؤمنان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نازعات – ۷۹ – ۳ – ۶

۶ – [فی المجمع] فی قوله تعالی < و السابحات سبحاً > انّ ها الملائکه یقبضون أرواح المؤمنین یسلّون ها سلاًّ رفیقاً . . . عن علی (ع) ;

در مجمع البیان از امام علی(ع) روایت شده که درباره قول خدای تعالی <و السابحات سبحاً> فرمود: آنان فرشتگانی اند که روح مؤمنان را قبض می کنند و آن را به آرامی و مدارا از بدن هایشان بیرون می آورند>.

کیفیت قبض روح

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نازعات – ۷۹ – ۱ – ۴

۴ – روح انسان به هنگام مرگ ، به طور کامل و از اعماق بدن او ، بیرون کشیده خواهد شد .

و النزعت غرقًا

<غرق> (اسم مصدر <اغراق>) به معنای <مبالغه و افراط در کار> است (لسان العرب). در این آیه چون <غرقاً> وصف برای مصدر است به معنای <مُغرَق> می باشد; یعنی، <نزعاً مغرقاً>.

مدارا در قبض روح مؤمنان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نازعات – ۷۹ – ۳ – ۵،۶

۵ – فرشتگان ، به هنگام قبض روح برخی از مردم ، بسان شناکنندگان ، وظیفه خود را به آرامی و با مدارا انجام می دهند .

و السبحت سبحًا

در نظر برخی از اهل لغت،

حرکت در اعماق آب را، <عَوْم> و حرکت روی آب و بدون فرورفتن را <سباحه> می گویند(تاج العروس). تعبیر <السابحات> به قرینه <الناشطات> در آیه قبل ناظر به حرکت آرام ملائکه، در قبض روح مؤمن است که به حرکت در آب تشبیه شده است.

۶ - [فی المجمع] فی قوله تعالی < و السابحات سبحاً > انّ ها الملائکه یقبضون أرواح المؤمنین یسلّون ها سلاًّ رفیقاً . . . عن علی (ع) ;

در مجمع البیان از امام علی(ع) روایت شده که درباره قول خدای تعالی <و السابحات سبحاً> فرمود: آنان فرشتگانی اند که روح مؤمنان را قبض می کنند و آن را به آرامی و مدارا از بدن هایشان بیرون می آورند>.

مدارای ملائکه قبض روح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳ - ۵،۶

۵ - فرشتگان ، به هنگام قبض روح برخی از مردم ، بسان شناکنندگان ، وظیفه خود را به آرامی و با مدارا انجام می دهند .

و السبحت سبحًا

در نظر برخی از اهل لغت، حرکت در اعماق آب را، <عَوْم> و حرکت روی آب و بدون فرورفتن را <سباحه> می گویند(تاج العروس). تعبیر <السابحات> به قرینه <الناشطات> در آیه قبل ناظر به حرکت آرام ملائکه، در قبض روح مؤمن است که به حرکت در آب تشبیه شده است.

۶ - [فی المجمع] فی قوله تعالی < و السابحات سبحاً > انّ ها الملائکه یقبضون أرواح المؤمنین یسلّون ها سلاًّ رفیقاً . . . عن علی (ع) ;

در مجمع البیان از امام علی(ع) روایت

شده که درباره قول خدای تعالی <و السابحات سبحاً> فرمود: آنان فرشتگانی اند که روح مؤمنان را قبض می کنند و آن را به آرامی و مدارا از بدن هایشان بیرون می آورند>.

ملائکه قبض روح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱ - ۱،۶

۱ - گروهی از فرشتگان ، عهده دار قبض روح انسان هایند .

و النزعت غرقًا

<نزع> به معنای کندن و نیز بیرون کشیدن است. مصداق مورد نظر از <النازعات> به قرینه <فالمدبّرات أمراً> در آیات بعد فرشتگانی هستند که مأمور نزع و قبض روح زندگان اند. آیاتی که میراندن انسان ها را به ملائکه نسبت داده است، این ذهنیت را ایجاد می کند که مراد از <نزع> در این آیه، <نزع روح انسان ها> است.

۶ - < فی المجمع بعد قوله تعالی < و النازعات غرقاً > قال : اختلف فی معناها علی وجوه أحدها : انه یعنی الملائکه الذین ینزعون أرواح الکفّار عن أبدانهم بالشدّه . . . روی ذلک عن علیّ (ع) و قیل هو الموت ینزع النفوس . . . و روی ذلک عن الصادق (ع) ;

در مجمع البیان بعد از نقل قول خدای تعالی <والنازعات غرفاً> گفته است: در معنای <النازعات غرقاً> اختلاف به وجود آمده و وجوهی بیان شده است; یکی از آنها این است که مقصود فرشتگانی اند که ارواح کافران را از بدن هاشان بیرون می کشند . .. این معنا از امام علی(ع) روایت شده است. [و نیز] گفته شده مقصود مرگ است که جان ها را بیرون می کشد

و این معنا از امام صادق(ع) روایت شده است>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نازعات – ۷۹ – ۲ – ۶

۶ – [فی المجمع] فی قوله تعالی < و الناشطات نشطاً > إنّ ها الملائکه تنشط أرواح الکفّار بین الجلد و الأظفار حتّی تخرج ها من أجوافهم بالکرب و الغمّ عن علی (علیه السلام) ;

در مجمع البیان درباره قول خدای تعالی <الناشطات نشطاً> از امام علی(ع) نقل شده است: <ناشطات> فرشتگانی اند که جان های کافران را (از سایر اعضا) در میان پوست و ناخن هایشان جمع می کنند تا همراه با سختی و غصّه از درون شان بیرون آوردند>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نازعات – ۷۹ – ۹ – ۳

۳ – خداوند در تأکید بر وجود ترس و نگرانی در قیامت ، به فرشتگان سوگند یاد کرده است که سریع و بانشاط برای تدبیر امور و قبض ارواح از یکدیگر سبقت می گیرند .

و النازعات . .. قلوب یومئذ واجفه . أبصرها خشعه

این آیه و آیه قبل، جواب قسم هایی است که در نخستین آیات سوره آمده بود.

ویژگیهای قبض روح کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نازعات – ۷۹ – ۲ – ۶

۶ – [فی المجمع] فی قوله تعالی < و الناشطات نشطاً > إنّ ها الملائکه تنشط أرواح الکفّار بین الجلد و الأظفار حتّی تخرج ها من أجوافهم بالکرب و الغمّ عن علی (علیه السلام) ;

در مجمع البیان درباره قول خدای تعالی <الناشطات نشطاً> از امام علی(ع) نقل

شده است: <ناشطات> فرشتگانی اند که جان های کافران را (از سایر اعضا) در میان پوست و ناخن هایشان جمع می کنند تا همراه با سختی و غصّه از درون شان بیرون آوردند>.

قابضان روح

{قابضان روح}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۷ - ۱

۱ فرشتگان الهی ، مأمور گرفتن جان انسانها

انّ الّذین توفّیهم الملئکه

قابضان روح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۱ - ۶،۷،۸،۹

۶ با فرارسیدن زمان مرگ هر کس، سفیران خداوند جان آدمیان را می گیرند.

حتی إذا جاء أحدکم الموت توفته رسلنا

۷ فرشتگانی غیر از مأموران حفاظت آدمی، وظیفه قبض روح وی را بر عهده دارند. *

حتی إذا جاء أحدکم الموت توفته رسلنا

در صورتی که فرشتگان محافظ همان قابضان روح باشند، مناسبتر آن بود که با ضمیر به آنان اشاره می شد. گزینش <رسلنا> به جای ضمیر قرینه تفاوت ملائکه حافظ با ملائکه قابض است.

۸ فرشتگانی متعدد وظیفه قبض روح هر یک از آدمیان را به عهده دارند. *

حتی إذا جاء أحدکم الموت توفته رسلنا

<رسل>، جمع رسول، و بر بیشتر از دو نفر دلالت دارد. از سوی دیگر مضمون آیه این است که برای هر شخصی که مرگش فرامی رسد، <رسل> حضور پیدا می کنند. بنابراین قابضان روح آدمی بیش از دو نفرند.

۹ هیچ کوتاهی و تأخیری از جانب فرشتگان مأمور قبض روح صورت نمی گیرد.

توفته رسلنا و هم لا یفرطون

قبله از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

قبله

آثار تداوم قبله بودن بیت المقدس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره -

۲ - ۱۵۰ - ۴

۴ - ادامه داشتن بیت المقدس به عنوان قبله ، موجب برخورداری مخالفان اسلام از دلیل و حجت بر علیه پیامبر و مسلمانان

فول وجهک . .. فولوا وجوهکم شطره لئلا یکون للناس علیکم حجه

آثار تغییر قبله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۳ - ۳

۳ - نقش تغییر قبله از بیت المقدس به کعبه ، در نیل امت اسلامی به امتی معتدل و برتر

ما ولیهم عن قبلتهم التی کانوا علیها . .. و کذلک جعلنکم أمه وسطاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۰ - ۵،۸،۱۵

۵ - تغییر قبله از بیت المقدس به مسجدالحرام ، موجب از میان رفتن سوژه تبلیغاتی مخالفان بر ضد اسلام و مسلمانان شد .

فول وجهک شطر المسجدالحرام . .. لئلا یکون للناس علیکم حجه

۸ - تعیین کعبه به عنوان قبله مسلمانان ، موجب روشن شدن حقانیت پیامبر اسلام برای گروهی از مخالفان

لئلا یکون للناس علیکم حجه إلا الذین ظلموا منهم

وجود حجت برای ستمگران - که مفاد جمله استثنائیه است - بدان معنا نیست که ستم پیشگان علیه مسلمانان دلیل دارند; بلکه مراد تقسیم مخالفان است به دو جناح: جناحی که از سر ظلم و ستم با پیامبر(ص) مخالفت می کردند و جناحی که بر اساس شبهه دست به مخالفت زده اند. دسته اول در هر حال - چه تغییر قبله حاصل می شد، یا نمی شد - به مخالفت و دشمنی ادامه می دادند و دسته دوم به حقانیت پیامبر(ص) پی برده و از تبلیغات سوء دست می کشیدند.

- تغییر قبله از بیت المقدس به مسجدالحرام ، زمینه ساز کامل شدن نعمت خدا بر مسلمانان

فولوا وجوهکم شطره . .. لأتم نعمتی علیکم

برداشت فوق بر این اساس است که <لأتم نعمتی . ..> عطف بر <لئلا یکون ...> باشد; در نتیجه <لأتم ...> بیان غایت و هدف برای جمله <فولوا وجوهکم شطره> خواهد شد.

آثار قبله شدن کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۲ - ۱۲

۱۲ - قبله شدن کعبه ، زمینه ساز هدایت انسان ها به صراط مستقیم است .

ما ولیهم عن قبلتهم . .. یهدی من یشاء إلی صرط مستقیم

جمله <للّه المشرق . ..> بیانگر این است که: کعبه و بیت المقدس هر دو ملک خداست و از این جهت تفاوتی ندارند و جمله <یهدی ...> اشاره به این دارد که انتخاب کعبه به عنوان قبله، زمینه ساز هدایت انسانهاست و لذا آن را قبله همگان قرار داد.

آثار قبله شدن مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۰ - ۸،۹،۱۵

۸ - تعیین کعبه به عنوان قبله مسلمانان ، موجب روشن شدن حقانیت پیامبر اسلام برای گروهی از مخالفان

لئلا یکون للناس علیکم حجه إلا الذین ظلموا منهم

وجود حجت برای ستمگران - که مفاد جمله استثنائیه است - بدان معنا نیست که ستم پیشگان علیه مسلمانان دلیل دارند; بلکه مراد تقسیم مخالفان است به دو جناح: جناحی که از سر ظلم و ستم با پیامبر(ص) مخالفت می کردند و جناحی که بر اساس شبهه دست به مخالفت زده اند. دسته اول در هر حال -

چه تغییر قبله حاصل می شـد، یا نمی شد - به مخالفت و دشـمنی ادامه می دادند و دسـته دوم به حقانیت پیامبر(ص) پی برده و از تبلیغات سوء دست می کشیدند.

۹ - تنهـا سـتم پیشـگان پس از تعیین مسـجدالحرام بـه عنـوان قبله ، دست از بهـانه جـویی برنداشـته و به دشـمنی خـویش علیه مسلمانان ادامه می دادند .

لئلا یکون للناس علیکم حجه إلا الذین ظلموا منهم

۱۵ - تغییر قبله از بیت المقدس به مسجدالحرام ، زمینه ساز کامل شدن نعمت خدا بر مسلمانان

فولوا وجوهکم شطره . .. لأتم نعمتی علیکم

برداشت فوق بر این اسـاس است که <لأتم نعمتی . ..> عطف بر <لئلا یکون ...> باشـد; در نتیجه <لأتم ...> بیان غایت و هدف برای جمله <فولوا وجوهکم شطره> خواهد شد.

ابزار تشخیص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۶ - ۳

۳- < قـال رسول الله (ص) : < و بالنجم هم یهتـدون > قال : هو الجـدی لأنه نجم لاتزول و علیه بناء القبله و به یهتـدی أهل البر و البحر ;

از رسول خـدا(ص) در باره سـخن خدا <و بالنجم هم یهتدون> فرمود: آن سـتاره جُدی است; زیرا آن سـتاره ای است که از بین نمی رود و قبله [شناسی]بر آن بنا شده و به وسیله آن اهل خشکی و دریا راهنمایی می شوند. ..>.

احکام قبله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۱۳،۱۵،۲۴

۱۳ - مسلمانان در هر سرزمینی که باشند ، باید مسجد الحرام را قبله خویش قرار دهند .

و حیث ما

کنتم فولوا وجوهکم شطره

۱۵ - رو کردن به جهت و سمت مسجدالحرام ، در اعمالی که مشروط به قبله اند ، کافی است .

فول وجهک شطر المسجدالحرام و حیث ما کنتم فولوا وجوهکم شطره

بدیهی است که خود مسجدالحرام و یا کعبه، قبله می باشد. بنابراین آوردن کلمه <شطر> - که به معنای سمت و جهت است - این معنا را القا می کند که: در کارهای مشروط به قبله همانند نماز، لازم نیست به خط مستقیم رو به مسجد و یا کعبه قرار گرفت; بلکه کافی است به سمت و جهتی ایستاد که مسجد و یا کعبه در آن جهت قرار دارد.

۲۴ - < ان الفرایض لاتصلیها إلا إلی القبله و هو المروی عن أئمتنا (ع) ;

از ائمه اهل بیت (ع) روایت شده که نمازهای واجب را نمی شود به جا آورد، مگر اینکه به سوی قبله باشد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۹ - ۲،۴

۲ - پیامبر (ص) موظّف شد در هر مکان ، اعمال مشروط به قبله را به سوی مسجدالحرام انجام دهد .

و من حیث خرجت فول وجهک شطر المسجدالحرام

۴ - رو کردن به سمت و جهت مسجدالحرام ، در اعمال مشروط به قبله کافی است .

فول وجهک شطر المسجدالحرام

بدیهی است که خود مسجدالحرام یا کعبه قبله می باشد. بنابراین آوردن کلمه <شطر> - که به معنای سمت و جهت است - این معنا را القا می کند که: در کارهای مشروط به قبله همانند نماز لازم نیست به خط مستقیم رو به مسجد، یا کعبه قرار گرفت; بلکه

کافی است به سمت و جهتی ایستاد که مسجد، یا کعبه در آن جهت، قرار دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۰ - ۱،۳،۱۹

۱ - مسجدالحرام قبله پیامبر (ص) و همه مسلمانان جهان

و من حیث . .. و حیث ما کنتم فولوا وجوهکم شطره

۳ - روکردن به سمت و جهت مسجدالحرام ، کافی در اعمال مشروط به قبله

فول وجهک شطر المسجدالحرام و حیث ما کنتم فولوا وجوهکم شطره

برداشت فوق از کلمه <شطر> که به معنای سمت و جهت است، استفاده می شود.

۱۹ - از ابن عباس روایت شده که رسول خدا (ص) فرمود : < البیت قبله لأهل المسجد و المسجد قبله لأهل الحرم و الحرم قبله لأهل الأرض فی مشارق ها و مغارب ها من أمتی ;

کعبه، قبله اهل مسجد الحرام و مسجدالحرام قبله اهل حرم (مکه و حوالی آن) و حرم قبله تمامی اهل زمین از امت من در مشرقها و مغربهای آن است>.

اعتراض به تغییر قبله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۲ - ۳،۷

۳ - سفیهان و بی خردان ، تغییر قبله را امری ناروا می شمرند و مورد اعتراض قرار می دهند .

سیقول السفهاء من الناس ما ولیهم عن قبلتهم التی کانوا علیها

۷ - خداوند ، پاسخ معترضان تغییر قبله را - پیش از عنوان کردن آن - به پیامبر (ص) تعلیم داد .

سیقول . .. قل للّه المشرق و المغرب

امّتها قبله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲

- ۱۴۸ - ۱،۲

۱ - هر امتی از امت های دینی دارای قبله ای خاص است .

و لکل وجهه

<وجهه> به چیزی گفته می شود که آدمی رو به سوی آن می کند و مقصود از آن - به قرینه آیات قبل و بعد - قبله است. مضاف الیه <کل> کلمه ای همانند <أمه> می باشد و مراد از آن به قرینه <هو مولیها> امتهای دینی هستند.

۲ - خداوند تعیین کننده قبله برای امتهاست .

و لکل وجهه هو مولّیها

ضمیر <هو> به <ربک> در آیه قبل بر می گردد. <مولّی> به معنای برگرداننده است و مفعول اول آن <کل أمه> می باشد که به خاطر وضوحش در کلام آورده نشده است. بنابراین <هو مولّیها>; یعنی، خداوند امتها را به سوی قبله ای خاص بر می گرداند (فرمان می دهد که چه سمتی را قبله خویش سازند).

اهل کتاب و تغییر قبله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۲۲

۲۲ - اهل کتاب مورد تهدید خداوند به خاطر موضعگیری و مخالفتشان با تغییر قبله

و ما اللّه بغفل عما یعملون

<و ما اللّه . ..> کنایه از تهدید اهل کتاب به کیفرهای الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۶ - ۷

۷ - اهل کتاب ، هیچ تردیدی در حقانیت تغییر قبله نداشتند . *

الذین ءاتینهم الکتب یعرفونه کما یعرفون أبناءهم

اهل کتاب و قبله مسلمانان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۴۵ – ۲،۳

۲ – اهل کتاب (یهود و نصارا) علی

رغم اطمینانشان به حقانیت قبله مسلمانان (مسجدالحرام) ، آن را نخواهند پذیرفت .

لیعلمون أنه الحق . .. و لئن أتیت الذین ... ما تبعوا قبلتک

۳ - هیچ برهان و معجزه ای نمی تواند اهل کتاب را به پذیرش مسجدالحرام به عنوان قبله حق ، وادارد .

و لئن أتیت الذین أوتوا الکتب بکل ءایه ما تبعوا قبلتک

کلمه <ءایه> به معنای علامت و نشانه است و مقصود از آن معجزه و برهان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۶ - ۸

۸ - گروهی از عالمان اهل کتاب علی رغم اطمینانشان به حقانیت قبله مسلمانان ، آن را کتمان می کردند .

و إن فریقاً منهم لیکتمون الحق و هم یعلمون

جمله <و هم یعلمون> اشاره به این معنا دارد که کتمان کنندگان از عالمان دینی اهل کتاب بودند.

اهمیت تغییر قبله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۰ - ۱۷

۱۷ - تغییر قبله از بیت المقدس به مسجدالحرام ، حادثه ای مهم و سرنوشت ساز در تاریخ اسلام

و من حیث خرجت فول وجهک شطر المسجد الحرام . .. و لعلکم تهتدون

نزول آیات متعدد درباره تغییر و تعیین قبله؛ مخاطب قرار دادن پیامبر(ص) و تکرار فرمان <فولّ . ..> (در آیات ۱۴۴، ۱۴۹ و ۱۵۰) و نیز مخاطب قرار دادن مسلمانان و تکرار جمله <فولوا وجوهکم شطره> (در دو آیه ۱۴۴ و ۱۵۰) بیانگر اهمیت خاص و با ارزش بودن تغییر و تعیین قبله است و اهداف اساسی بیان شده برای آن، حکایت از سرنوشت ساز بودن آن دارد.

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۵۲ – ۶

۶ – رسالت پیامبر (ص) و تغییر قبله ، دو نعمتی شایسته و بایسته شکرگزاری به درگاه خدا

فولوا وجوهکم شطره . .. کما أرسلنا فیکم رسولا ... واشکروا لی

شکر، در برابر نعمت است و مصداق مورد نظر برای نعمت – به قرینه آیات قبل – نعمت رسالت و تغییر قبله می باشد.

اهمیت قبله

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۷۷ – ۳

۳ – داشتن قبله ای خاص و روکردن به آن ، هدف اصلی دین و عبادت نیست .

لیس البر أن تولوا وجوهکم قبل المشرق و المغرب و لکن البر من ءامن

بدیهی است که روی آوردن به قبله (در عبادتها) خود از فرمانهای الهی است. بنابراین نفی نیکی از آن با توجه به فرازهای بعد (و لکن البر ...) اشاره به این دارد که: دستور روی آوردن به قبله یک دستور فرعی است و آنچه هدف و اساس دین است، ایمان و ... می باشد.

بشارت تغییر قبله

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۴۴ – ۶

۶ – خداوند ، پیامبر (ص) را به تغییر قبله و جایگزینی آن با قبله ای که فراهم کننده خشنودی او بود ، نوید داد .

فلنولینک قبله ترضیها

<نولیه> (مصدر نولی) به معنای گردانیدن است. بنابراین <فلنولینک ...>; یعنی، تو را به قبله ای که مایه خشنودیت است، می گردانیم.

تغییر قبله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره -

۲ - ۱۴۲ - ۲

۲ - قبله نخستین مسلمانان (بیت المقدس) ، به فرمان خداوند به جانب کعبه تغییر یافت .

ما ولیهم عن قبلتهم التی کانوا علیها . .. یهدی من یشاء

جمله <یهدی من یشاء> قرینه بر این است که: تغییر قبله به فرمان خداوند بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۳ - ۱۹

۱۹ - تغییر قبله مسلمانان از بیت المقدس به سوی مسجد الحرام *

و ما جعلنا القبله التی کنت علیها

برداشت فوق مبتنی بر این است که <کان> در <التی کنت علیها> دلالت بر زمان ماضی داشته باشد، در این صورت <التی کنت علیها> دلالت بر تغییر قبله دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۱۲

۱۲ - خداوند - در پی نوید تغییر قبله - به پیامبر (ص) و مسلمانان فرمان داد تا رو به سوی مسجد الحرام کنند .

فلنولینک . .. فول وجهک شطر المسجدالحرام و حیث ما کنتم فولوا وجوهکم شطره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۵ - ۶

۶ - خداوند ، پس از تغییر قبله از پیامبر (ص) خواست که هرگز روی به قبله اهل کتاب نیاورد و آن را قبله خویش نسازد .

و ما أنت بتابع قبلتهم

جمله <و ما أنت . ..> (تو از قبله آنان پیروی نخواهی کرد) جمله خبری است و منظور از آن انشا و دستور می باشد; یعنی، نباید از قبله ایشان تبعیت کنی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۲ - ۵

۵ - بعثت پیامبر (ص) و تغییر قبله ، نمونه ای از توجه و یاد خدا از بندگان خویش *

و حیث ما کنتم فولوا وجوهکم شطره . .. کما أرسلنا فیکم رسولا ... فاذکرونی أذکرکم

برداشت فوق احتمال دیگری است که می توان از تفریع جمله <فاذکرونی . ..> بر بعثت پیامبر و تغییر قبله، استفاده کرد; یعنی: فاذکرونی أذکرکم کما ذکرتکم بارسال الرسول و تحویل القبله.

تغییر قبله در ادیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۰ - ۷۴

تغییر قبله در انجیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۱۸

۱۸ - تغییر قبله از بیت المقدس به کعبه ، حقیقتی عنوان شده در کتاب های آسمانی پیشین (تورات و انجیل و . . .)

إن الذین أوتوا الکتب لیعلمون أنه الحق

بیان آگاهی یهود و نصارا به حقانیت تغییر قبله از بیت المقدس به کعبه، با عنوان <اهل کتاب> می رساند که منشأ و منبع آگاهی آنان، کتاب آسمانی شان (تورات و انجیل) بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۶ - ۶

۶ - تغییر قبله از بیت المقدس به کعبه و حقانیت آن ، موضوعی مطرح شده در تورات و انجیل *

الذین ءاتینهم الکتب یعرفونه کما یعرفون أبناءهم

برداشت فوق بر این اساس است که ضمیر <یعرفونه> به تغییر قبله بازگردد.

تغییر قبله در تورات

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲

۱۸ - ۱۴۴ -

۱۸ - تغییر قبله از بیت المقدس به کعبه ، حقیقتی عنوان شده در کتاب های آسمانی پیشین (تورات و انجیل و . . .)

إن الذین أوتوا الکتب لیعلمون أنه الحق

بیـان آگـاهی یهود و نصـارا به حقـانیت تغییر قبله از بیت المقـدس به کعبه، با عنوان <اهل کتاب> می رسانـد که منشأ و منبع آگاهی آنان، کتاب آسمانی شان (تورات و انجیل) بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۶ - ۶

۶ - تغییر قبله از بیت المقدس به کعبه و حقانیت آن ، موضوعی مطرح شده در تورات و انجیل *

الذین ءاتینهم الکتب یعرفونه کما یعرفون أبناءهم

برداشت فوق بر این اساس است که ضمیر <یعرفونه> به تغییر قبله بازگردد.

تغییر قبله در کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۱۸

۱۸ - تغییر قبله از بیت المقدس به کعبه ، حقیقتی عنوان شده در کتاب های آسمانی پیشین (تورات و انجیل و . . .)

إن الذین أوتوا الکتب لیعلمون أنه الحق

بیـان آگـاهی یهود و نصـارا به حقـانیت تغییر قبله از بیت المقـدس به کعبه، با عنوان <اهل کتاب> می رسانـد که منشأ و منبع آگاهی آنان، کتاب آسمانی شان (تورات و انجیل) بود.

توجه به قبله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۰ - ۲۲

۲۲ - < عن أبی بصیر عن أبی عبداللّه (ع) قال : سألته عن قول اللّه عزّوجلّ : < فأقم وجهک للدین حنیفاً > قال

: أمره أن يقيم وجهه للقبله ليس فيه شيء من عباده الأوثان خالصاً مخلصاً ;

أبوبصير گويد: از امام صادق(ع) درباره اين سخن خداوند عزّوجلّ <فأقم وجهک للدين حنيفاً> سؤال كردم. فرمود: رسول اكرم(ص) را امر كرده است كه روى خود را به طور خالص و بدون شرك و بت پرستى به سوى قبله كند>.

جهت قبله

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۱۵

۱۵ - رو كردن به جهت و سمت مسجدالحرام ، در اعمالى كه مشروط به قبله اند ، كافى است .

فول وجهک شطر المسجدالحرام و حيث ما كنتم فولوا وجوهكم شطره

بديهى است كه خود مسجدالحرام و يا كعبه، قبله مى باشد. بنابراين آوردن كلمه <شطر> - كه به معناى سمت و جهت است - اين معنا را القا مى كند كه: در كارهاى مشروط به قبله همانند نماز، لازم نيست به خط مستقيم رو به مسجد و يا كعبه قرار گرفت; بلكه كافى است به سمت و جهتى ايستاد كه مسجد و يا كعبه در آن جهت قرار دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۹ - ۴

۴ - رو كردن به سمت و جهت مسجدالحرام ، در اعمال مشروط به قبله كافى است .

فول وجهک شطر المسجدالحرام

بديهى است كه خود مسجدالحرام يا كعبه قبله مى باشد. بنابراين آوردن كلمه <شطر> - كه به معناى سمت و جهت است - اين معنا را القا مى كند كه: در كارهاى مشروط به قبله همانند نماز لازم نيست به خط مستقيم رو به مسجد، يا كعبه قرار

گرفت; بلکه کافی است به سمت و جهتی ایستاد که مسجد، یا کعبه در آن جهت، قرار دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۰ - ۳

۳ - روکردن به سمت و جهت مسجدالحرام ، کافی در اعمال مشروط به قبله

فول وجهک شطر المسجدالحرام و حیث ما کنتم فولوا وجوهکم شطره

برداشت فوق از کلمه <شطر> که به معنای سمت و جهت است، استفاده می شود.

حقانیت تغییر قبله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۱۶،۱۹،۲۰

۱۶ - عالمان اهل کتاب (یهود و نصارا) به حقانیت تغییر قبله (از بیت المقدس به مسجدالحرام) واقف بودند .

إن الذین أوتوا الکتب لیعلمون أنه الحق

مراد از ضمیر <أنه> نسخ قبله سابق (بیت المقدس) و تعیین قبله فعلی (مسجدالحرام) است.

۱۹ - عالمان اهل کتاب ، حقانیت تغییر قبله را کتمان می کردند .

إن الذین أوتوا الکتب لیعلمون أنه الحق من ربهم و ما اللّه بغفل عما یعملون

۲۰ - موضعگیری یهود و نصارا درباره تغییر قبله ، علی رغم آگاهی آنها به حقانیت آن

إن الذین أوتوا الکتب لیعلمون أنه الحق من ربهم و ما اللّه بغفل عما یعملون

جمله <و ما اللّه . ..> - که به تهدید اهل کتاب اشاره دارد - بیانگر موضعگیری اهل کتاب در برابر تغییر به حق قبله و مخالفت ایشان با حکم الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۶ - ۶،۷

۶ - تغییر قبله از بیت المقدس به کعبه و حقانیت آن ، موضوعی مطرح

شده در تورات و انجیل *

الذین ءاتینهم الکتب یعرفونه کما یعرفون أبناءهم

برداشت فوق بر این اساس است که ضمیر <یعرفونه> به تغییر قبله بازگردد.

۷ - اهل کتاب ، هیچ تردیدی در حقانیت تغییر قبله نداشتند . *

الذین ءاتینهم الکتب یعرفونه کما یعرفون أبناءهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۷ - ۳

۳ - تغییر قبله از بیت المقدس به کعبه ، حق و پیراسته و از هرگونه بطلان و ناروایی

الحق من ربک

به دلیل آیات قبل مصداق مورد نظر برای <الحق>، تغییر قبله می باشد.

حقانیت قبله بودن مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۵ - ۲،۳

۲ - اهل کتاب (یهود و نصارا) علی رغم اطمینانشان به حقانیت قبله مسلمانان (مسجدالحرام) ، آن را نخواهند پذیرفت .

لیعلمون أنه الحق . .. و لئن أتیت الذین ... ما تبعوا قبلتک

۳ - هیچ برهان و معجزه ای نمی تواند اهل کتاب را به پذیرش مسجدالحرام به عنوان قبله حق ، وادارد .

و لئن أتیت الذین أوتوا الکتب بکل ءایه ما تبعوا قبلتک

کلمه <ءایه> به معنای علامت و نشانه است و مقصود از آن معجزه و برهان می باشد.

حقانیت قبله شدن مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۹ - ۳

۳ - تعیین مسجدالحرام به عنوان قبله ، حکمی حق (حکمت آمیز و به جا) و از ناحیه خداوند

و إنه للحق من ربک

حقانیت قبله مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱

- بقره - ۲ - ۱۴۶ - ۸

۸ - گروهی از عالمان اهل کتاب علی رغم اطمینانشان به حقانیت قبله مسلمانان ، آن را کتمان می کردند .

و إن فریقاً منهم لیکتمون الحق و هم یعلمون

جمله <و هم یعلمون> اشاره به این معنا دارد که کتمان کنندگان از عالمان دینی اهل کتاب بودند.

دشمنان و تغییر قبله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۲ - ۶

۶ - پیشگویی قرآن از موضعگیری مخالفان اسلام درباره تغییر قبله

سیقول السفهاء من الناس ما ولیهم عن قبلتهم التی کانوا علیها

سخن درباره قبله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۸ - ۳

۳ - گفتگو درباره تغییر قبله و تعیین آن ، امری نابجاست .

و لکل وجهه هو مولّیها

هدف از تذکر این حقیقت که خداوند تعیین کننده قبله است - پس از بیان مخالفت اهل کتاب و تبلیغات آنان علیه تغییر قبله که طبعاً مشاجراتی را با مسلمانان در پی داشت - رساندن این معناست که: برای معتقدان به خدا شایسته نیست درباره تغییر و تعیین قبله به مشاجره بپردازند; زیرا خداوند تعیین کننده قبله است.

سفیهان و تغییر قبله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۲ - ۳

۳ - سفیهان و بی خردان ، تغییر قبله را امری ناروا می شمرند و مورد اعتراض قرار می دهند .

سیقول السفهاء من الناس ما ولیهم عن قبلتهم التی کانوا علیها

عالمانه بودن تغییر قبله

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲

۱۴ - ۱۴۵ -

۱۴ - تغییر قبله از بیت المقدس به کعبه ، حکمی عالمانه و برخاسته از وحی و دستور خداوند است .

و ما أنت بتابع قبلتهم . .. من بعد ما جاءک من العلم

از مصادیق مورد نظر برای <العلم>، وحی و دستور الهی مبنی بر تغییر قبله است.

علمای اهل کتاب و تغییر قبله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۱۶،۱۹

۱۶ - عالمان اهل کتاب (یهود و نصارا) به حقانیت تغییر قبله (از بیت المقدس به مسجدالحرام) واقف بودند .

إن الذین أوتوا الکتب لیعلمون أنه الحق

مراد از ضمیر <أنه> نسخ قبله سابق (بیت المقدس) و تعیین قبله فعلی (مسجدالحرام) است.

۱۹ - عالمان اهل کتاب ، حقانیت تغییر قبله را کتمان می کردند .

إن الذین أوتوا الکتب لیعلمون أنه الحق من ربهم و ما اللّه بغفل عما یعملون

علمای مسیحیت و قبله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۱۷

۱۷ - عالمان یهود و نصارا ، به خوبی می دانستند که قبله شدن مسجدالحرام ، فرمانی از ناحیه خداوند است .

إن الذین أوتوا الکتب لیعلمون أنه الحق

<لام> تأکید در <لیعلمون> بیانگر این است که: اهل کتاب هیچ تردیدی نداشتند و به روشنی می دانستند که تغییر قبله حق و از ناحیه خداوند است.

علمای یهود و قبله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۱۷

۱۷ - عالمان یهود و نصارا ، به خوبی می دانستند که قبله شدن مسجدالحرام ، فرمانی از

ناحیه خداوند است .

إن الذین أوتوا الکتب لیعلمون أنه الحق

<لام> تأکید در <لیعلمون> بیانگر این است که: اهل کتاب هیچ تردیدی نداشتند و به روشنی می دانستند که تغییر قبله حق و از ناحیه خداوند است.

عوامل تغییر قبله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۷

۷ - انتظار و اشتیاق پیامبر (ص) برای نسخ قبله سابق (بیت المقدس) دارای نقشی بسزا در نسخ آن بود .

قد نری تقلب وجهک فی السماء فلنولینک قبله ترضیها

تفریع جمله <فلنولینک . ..> بر <قد نری ...> به وسیله حرف <فاء> می رساند که انتظار و اشتیاق پیامبر(ص) به تغییر قبله در آن امر مؤثر بوده است.

فلسفه تغییر قبله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۳ - ۲۰،۲۱

۲۰ - هدف از تغییر قبله و تعیین مسجدالحرام به عنوان قبله مسلمانان ، مشخص شدن پیروان واقعی پیامبر (ص) از غیر ایشان *

ما جعلنا القبله التی کنت علیها إلا لنعلم من یتبع الرسول ممن ینقلب

برخی برآنند که <إلا لنعلم . ..> بیان هدف تغییر قبله از بیت المقدس به مسجد الحرام است; یعنی، <لنعلم> در حقیقت متعلق به فعلی محذوف است که قرینه های کلامی دلالت بر آن دارد و جمله با تقدیر آن چنین است: ما جعلنا القبله التی کنت علیها فصرفناک عنها إلا لنعلم...

۲۱ - تبدیل قبله ، آزمونی برای تصفیه مسلمانان واقعی از غیر آنان

و ما جعلنا القبله التی کنت علیها إلا لنعلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره

- ۲ - ۱۴۴ - ۲۵

۲۵ - از امام صادق (ع) روایت شده که : < و صلّی رسول اللّه (ص) إلی بیت المقدس . . . ثم عیّرته الیهود ، فقالوا انک تابع لقبلتنا فاغتمّ لذلک غمّاً شدیداً و لما کان فی بعض اللیل خرج (ص) یقلب وجهه فی آفاق السماء . . . فلما صلّی من الظهر رکعتین جاءه جبرئیل (ع) فقال له : قد نری تقلب وجهک فی السماء فلنولینک قبله ترضی ها فول وجهک شطر المسجدالحرام - الآیه - ثم أخذ بید النبی (ص) فحوّل وجهه إلی الکعبه . . . ;

رسول خدا(ص) به سوی بیت المقدس نماز می خواند . .. سپس یهود او را سرزنش کرده گفتند: تو پیرو قبله ما هستی، و آن حضرت در پی این سرزنش بشدت اندوهگین شد و در موقعی از شب که از]خانه[بیرون آمده بود، در اطراف آسمان ها می نگریست ... و چون دو رکعت نماز ظهر را خوانده بود جبرئیل نازل گشت و به آن حضرت گفت: ما نگاههای انتظارآمیز تو را]برای تغییر قبله[مشاهده می کردیم، پس روی تو را به سوی قبله ای - که تو به آن راضی هستی - بر می گردانیم; پس روی خود را به سوی مسجدالحرام برگردان. آن گاه دست او را گرفت و رویش را به سوی کعبه برگرداند>.

فلسفه قبله شدن بیت المقدس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۳ - ۹،۱۰،۱۷

۹ - هدف از تعیین بیت المقدس به عنوان قبله

مسلمانان ، مشخص شدن پیروان واقعی پیامبر (ص) از غیر آنان بود

و ما جعلنا القبله التی کنت علیها إلا لنعلم من یتبع الرسول ممن ینقلب علی عقبیه

۱۰ - تعیین بیت المقدس به عنوان قبله ، آزمونی برای مسلمانان و تصفیه ایشان

و ما جعلنا القبله التی کنت علیها إلا لنعلم

۱۷ - مشخص شدن روحیه تعبد و تسلیم در برابر خدا ، فلسفه تعیین بیت المقدس به عنوان قبله مسلمانان

إلا لنعلم من یتبع الرسول . .. و إن کانت لکبیره إلا علی الذین هدی اللّه

فلسفه قبله شدن مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۹ - ۳

۳ - تعیین مسجدالحرام به عنوان قبله ، حکمی حق (حکمت آمیز و به جا) و از ناحیه خداوند

و إنه للحق من ربک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۰ - ۱۶

۱۶ - فراهم آمدن زمینه دستیابی مسلمانان به هدایت های ویژه ، از هدف های تعیین مسجدالحرام به عنوان قبله آنان

فولوا وجوهکم شطره . .. لعلکم تهتدون

چون مخاطبان آیه مسلمانان هستند و آنان به دلیل ایمانشان به اسلام هدایت یافته اند; معلوم می شود مراد از هدایت مطرح شده در <تهتدون>، هدایتی ویژه و کاملتر از هدایت نخست است.

قبله اوّل مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۲ - ۱،۲

۱ - بیت المقدس در برهه ای از عصر بعثت ، قبله مسلمانان بود .

ما ولیهم عن قبلتهم التی کانوا علیها

اکثر مفسران برآنند که مراد از <قبلتهم . ..> بیت

المقدس است.

۲ – قبله نخستین مسلمانان (بیت المقدس) ، به فرمان خداوند به جانب کعبه تغییر یافت .

ما ولیهم عن قبلتهم التی کانوا علیها . .. یهدی من یشاء

جمله <یهدی من یشاء> قرینه بر این است که: تغییر قبله به فرمان خداوند بوده است.

قبله اهل حرم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۵۰ – ۱۹

۱۹ – از ابن عباس روایت شده که رسول خدا (ص) فرمود : < البیت قبله لأهل المسجد و المسجد قبله لأهل الحرم و الحرم قبله لأهل الأرض فی مشارق ها و مغارب ها من أمتی ;

کعبه، قبله اهل مسجد الحرام و مسجدالحرام قبله اهل حرم (مکه و حوالی آن) و حرم قبله تمامی اهل زمین از امت من در مشرقها و مغربهای آن است>.

قبله اهل کتاب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۴۵ – ۱

۱ – اهل کتاب وظیفه دار پذیرش مسجدالحرام به عنوان قبله خویش

ما تبعوا قبلتک

قبله اهل مکه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۵۰ – ۱۹

۱۹ – از ابن عباس روایت شده که رسول خدا (ص) فرمود : < البیت قبله لأهل المسجد و المسجد قبله لأهل الحرم و الحرم قبله لأهل الأرض فی مشارق ها و مغارب ها من أمتی ;

کعبه، قبله اهل مسجد الحرام و مسجدالحرام قبله اهل حرم (مکه و حوالی آن) و حرم قبله تمامی اهل زمین از امت من در مشرقها و مغربهای آن است>.

قبله بنی اسرائیل

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۸۷ – ۱۳

۱۳ از امـام کـاظم (ع) روایت شـده است : < لما خافت بنو اسـرائیل جبابرت ها أوحی اللّه إلی موسـی و هارون (ع) : < أن تبوّءا لقومکما بمصر بیوتاً و اجعلوا بیوتکم قبله > قال : امروا أن یصلوا فی بیوتهم ;

هنگامی که بنی اسـرائیل از حکام سـتمگر زمان خود بیمناک شدند، خداوند به موسـی و هارون (ع) وحی فرستاد که برای قوم خود در مصر خـانه هـایی مهیّا سازیـد و خانه هایتان را قبله قرار دهیـد. امام فرمود: آنان مأمور شدنـد که در خانه هایشان نماز بخوانند>.

قبله بودن بیت المقدس

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۴۲ – ۱،۲

۱ – بیت المقدس در برهه ای از عصر بعثت ، قبله مسلمانان بود .

ما ولیهم عن قبلتهم التی کانوا علیها

اکثر مفسران برآنند که مراد از <قبلتهم . ..> بیت المقدس است.

۲ – قبله نخستین مسلمانان (بیت المقدس) ، به فرمان خداوند به جانب کعبه تغییر یافت .

ما ولیهم عن قبلتهم التی کانوا علیها . .. یهدی من یشاء

جمله <یهدی من یشاء> قرینه بر این است که: تغییر قبله به فرمان خداوند بوده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۴۳ – ۸،۱۹

۸ – بیت المقدس ، قبله مسلمانان در برهه ای از عصر بعثت

و ما جعلنا القبله التی کنت علیها

مراد از <القبله> بیت المقدس است. قابل ذکر است که <کان> در <التی کنت علیها> می

تواند به معنای حال باشد; یعنی، قبله ای که بر آن هستی. بر این مبنا نزول آیه مورد بحث قبل از تغییر قبله خواهد بود و می تواند <کان> در جمله فوق به معنای گذشته باشد. در این صورت، زمان نزول آیه مورد بحث پس از تغییر قبله خواهد بود. از آن جا که فرمان تغییر قبله در آیه بعد مطرح شده، به نظر می رسد احتمال نخست پسندیده تر باشد.

۱۹ - تغییر قبله مسلمانان از بیت المقدس به سوی مسجد الحرام *

و ما جعلنا القبله التی کنت علیها

برداشت فوق مبتنی بر این است که <کان> در <التی کنت علیها> دلالت بر زمان ماضی داشته باشد، در این صورت <التی کنت علیها> دلالت بر تغییر قبله دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۷ - ۳

۳ - تغییر قبله از بیت المقدس به کعبه ، حق و پیراسته و از هر گونه بطلان و ناروایی

الحق من ربک

به دلیل آیات قبل مصداق مورد نظر برای <الحق>، تغییر قبله می باشد.

قبله بودن کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۵ - ۵

۵ - یهود و نصارا از سر عناد و لجاجت ، قبله بودن کعبه را پذیرا نیستند .

و لئن أتیت الذین أوتوا الکتب بکل ءایه ما تبعوا قبلتک

قبله بودن مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۱۳،۱۵

۱۳ - مسلمانان در هر سرزمینی که باشند ، باید مسجد الحرام را قبله خویش قرار دهند .

و حيث ما كنتم فولوا

وجوهکم شطره

۱۵ - رو کردن به جهت و سمت مسجدالحرام ، در اعمالی که مشروط به قبله اند ، کافی است .

فول وجهک شطر المسجدالحرام و حیث ما کنتم فولوا وجوهکم شطره

بدیهی است که خود مسجدالحرام و یا کعبه، قبله می باشد. بنابراین آوردن کلمه <شطر> - که به معنای سمت و جهت است - این معنا را القا می کند که: در کارهای مشروط به قبله همانند نماز، لازم نیست به خط مستقیم رو به مسجد و یا کعبه قرار گرفت; بلکه کافی است به سمت و جهتی ایستاد که مسجد و یا کعبه در آن جهت قرار دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۵ - ۱

۱ - اهل کتاب وظیفه دار پذیرش مسجدالحرام به عنوان قبله خویش

ما تبعوا قبلتک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۹ - ۲،۴

۲ - پیامبر (ص) موظّف شد در هر مکان ، اعمال مشروط به قبله را به سوی مسجدالحرام انجام دهد .

و من حیث خرجت فول وجهک شطر المسجدالحرام

۴ - رو کردن به سمت و جهت مسجدالحرام ، در اعمال مشروط به قبله کافی است .

فول وجهک شطر المسجدالحرام

بدیهی است که خود مسجدالحرام یا کعبه قبله می باشد. بنابراین آوردن کلمه <شطر> - که به معنای سمت و جهت است - این معنا را القا می کند که: در کارهای مشروط به قبله همانند نماز لازم نیست به خط مستقیم رو به مسجد، یا کعبه قرار گرفت; بلکه کافی است به سمت و جهتی ایستاد که مسجد، یا

کعبه در آن جهت، قرار دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۰ - ۱،۲،۳

۱ - مسجدالحرام قبله پیامبر (ص) و همه مسلمانان جهان

و من حیث . .. و حیث ما کنتم فولوا وجوهکم شطره

۲ - مسجدالحرام قبله منطقه ای یا قبله گروهی خاص نیست .

و حیث ما کنتم فولوا وجوهکم شطره

۳ - روکردن به سمت و جهت مسجدالحرام ، کافی در اعمال مشروط به قبله

فول وجهک شطر المسجدالحرام و حیث ما کنتم فولوا وجوهکم شطره

برداشت فوق از کلمه <شطر> که به معنای سمت و جهت است، استفاده می شود.

قبله در ذبح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۳ - ۴

۴ - وجوب ذبح یا نحر قربانی ، به طرف کعبه

ثمّ محلّها إلى البیت العتیق

<محل> اسم مکان و مشتق از مصدر <حلول> است. <حلول> نیز به معنای نزول و فرود آمدن است و <حلّ بالمکان>; یعنی، در آن جا فرود آمد. بنابراین معنای جمله فوق چنین می شود: <جایی که دام های قربانی فرود می آیند، به طرف کعبه است>. مقصود این است که دام های قربانی، وقتی به قربانگاه رسیدند و در آن جا برای ذبح و نحر آماده شدند، باید به سوی کعبه باشند. گفتنی است است که ذکر کیفیت قربانی کردن و این که دام ها باید به طرف کعبه ذبح و نحر بشوند، می تواند بدان جهت باشد که مشرکان عصر بعثت، دام ها را به طرف بت هایی که در منا نصب شده بود قربانی می کردند.

قبله در نماز

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۴۴ – ۲۴

۲۴ – < ان الفرایض لاتصلیها إلا إلی القبله و هو المروی عن أئمتنا (ع) ;

از ائمه اهل بیت (ع) روایت شده که نمازهای واجب را نمی شود به جا آورد، مگر اینکه به سوی قبله باشد>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۲۹ – ۱۷

۱۷ عن أبی عبدالله(ع) فی قوله تعالی: < و أقیموا وجوهکم عند کل مسجد> قال: مساجد محدثه فامروا أن یقیموا وجوهکم شطر المسجد الحرام.

از امام صادق(ع) روایت شده است: مراد از آیه <و أقیموا وجوهکم . ..>، مساجد نوبنیاد است که مردم مأمورند (هنگام عبادت) در آنها رو به مسجدالحرام بایستند.

قبله در نماز های مستحبی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۱۵ – ۱۰

۱۰ – از امام باقر (ع) روایت شده که فرمود : < انزل اللّه هذه الآیه فی التطوع خاصه < فاینما تولوا فثم وجه اللّه . . . > و صلّی رسول اللّه ایماءًا علی راحلته اینماتو جهت به حیث خرج الی خیبر و حین رجع من مکه و جعل الکعبه خلف ظهره ;

خداوند این آیه (فاینما تولوا فثم وجه اللّه) را در خصوص نماز مستحبی نازل کرده است و رسول خدا(ص) در حالی که سوار مرکب خود بود و به این سو آن سو می رفت، نمازهای]مستحبی[رابا اشاره به جا می آورد آن زمانی که به سوی خیبر رفت و آن زمانی که از مکه مراجعت نمود

و کعبه را پشت سرش قرار داد>.

قبله شدن کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۲ - ۲

۲ - قبله نخستین مسلمانان (بیت المقدس) ، به فرمان خداوند به جانب کعبه تغییر یافت .

ما ولیهم عن قبلتهم التی کانوا علیها . .. یهدی من یشاء

جمله <یهدی من یشاء> قرینه بر این است که: تغییر قبله به فرمان خداوند بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۱۸

۱۸ - تغییر قبله از بیت المقدس به کعبه ، حقیقتی عنوان شده در کتاب های آسمانی پیشین (تورات و انجیل و . . .)

إن الذین أوتوا الکتب لیعلمون أنه الحق

بیان آگاهی یهود و نصارا به حقانیت تغییر قبله از بیت المقدس به کعبه، با عنوان <اهل کتاب> می رساند که منشأ و منبع آگاهی آنان، کتاب آسمانی شان (تورات و انجیل) بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۶ - ۶

۶ - تغییر قبله از بیت المقدس به کعبه و حقانیت آن ، موضوعی مطرح شده در تورات و انجیل *

الذین ءاتینهم الکتب یعرفونه کما یعرفون أبناءهم

برداشت فوق بر این اساس است که ضمیر <یعرفونه> به تغییر قبله بازگردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۷ - ۳

۳ - تغییر قبله از بیت المقدس به کعبه ، حق و پیراسته و از هر گونه بطلان و ناروایی

الحق من ربک

به دلیل آیات قبل مصداق مورد نظر برای <الحق>، تغییر قبله می

باشد.

قبله شدن مسجد الحرام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۴۳ – ۱۹

۱۹ – تغییر قبله مسلمانان از بیت المقدس به سوی مسجد الحرام *

و ما جعلنا القبله التی کنت علیها

برداشت فوق مبتنی بر این است که <کان> در <التی کنت علیها> دلالت بر زمان ماضی داشته باشد، در این صورت <التی کنت علیها> دلالت بر تغییر قبله دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۴۴ – ۱۲،۱۴،۱۷

۱۲ – خداوند – در پی نوید تغییر قبله – به پیامبر (ص) و مسلمانان فرمان داد تا رو به سوی مسجد الحرام کنند .

فلنولینک . .. فول وجهک شطر المسجدالحرام و حیث ما کنتم فولوا وجوهکم شطره

۱۴ – تعیین مسجدالحرام به عنوان قبله مسلمانان ، خشنودی و رضایت پیامبر (ص) را در پی داشت .

فلنولینک قبله ترضیها فول وجهک شطر المسجدالحرام

۱۷ – عالمان یهود و نصارا ، به خوبی می دانستند که قبله شدن مسجدالحرام ، فرمانی از ناحیه خداوند است .

إن الذین أوتوا الکتب لیعلمون أنه الحق

<لام> تأکید در <لیعلمون> بیانگر این است که: اهل کتاب هیچ تردیدی نداشتند و به روشنی می دانستند که تغییر قبله حق و از ناحیه خداوند است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۴۹ – ۱،۵

۱ – مسجد الحرام قبله تعیین شده برای پیامبر (ص) از ناحیه خداوند

و من حيث خرجت فول وجهک شطر المسجدالحرام و إنه للحق من ربک

۵ - تعیین مسجدالحرام به عنوان قبله ، پرتوی از

ربوبیت خدا بر پیامبر (ص) و در جهت پیشبرد اهداف وی بود .

و إنه للحق من ربک

اضافه <رب> (تربیت کننده و مدبر) به ضمیر <ک> که خطاب به پیامبر است، می تواند اشاره به این معنا باشد که: تغییر قبله در جهت تدبیر امور پیامبر; یعنی، اهداف رسالت، است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۰ - ۱۷

۱۷ - تغییر قبله از بیت المقدس به مسجدالحرام ، حادثه ای مهم و سرنوشت ساز در تاریخ اسلام

و من حیث خرجت فول وجهک شطر المسجد الحرام . .. و لعلکم تهتدون

نزول آیات متعدد درباره تغییر و تعیین قبله; مخاطب قرار دادن پیامبر(ص) و تکرار فرمان <فولّ . ..> (در آیات ۱۴۴، ۱۴۹ و ۱۵۰) و نیز مخاطب قرار دادن مسلمانان و تکرار جمله <فولوا وجوهکم شطره> (در دو آیه ۱۴۴ و ۱۵۰) بیانگر اهمیت خاص و با ارزش بودن تغییر و تعیین قبله است و اهداف اساسی بیان شده برای آن، حکایت از سرنوشت ساز بودن آن دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۱ - ۳

۳ - تغییر قبله از بیت المقدس به مسجدالحرام ، نعمتی بزرگ در ردیف نعمت رسالت

فولوا وجوهکم شطره . .. لعلکم تهتدون. کما أرسلنا فیکم رسولا

برداشت فوق مبتنی بر این است که کاف در <کما> برای تشبیه باشد. بر این مبنا تغییر قبله - که از آیه قبل به دست می آید - <مشبّه> و ارسال پیامبر <مشبّه به> می باشد و تشبیه مسأله قبله به نعمت رسالت، نشانگر عظمت آن مسأله و

بزرگی آن نعمت است.

قبله محمد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۰ - ۱

۱ - مسجدالحرام قبله پیامبر (ص) و همه مسلمانان جهان

و من حیث . .. و حیث ما کنتم فولوا وجوهکم شطره

قبله مردم دور از مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۰ - ۱۹

۱۹ - از ابن عباس روایت شده که رسول خدا (ص) فرمود : < البیت قبله لأهل المسجد و المسجد قبله لأهل الحرم و الحرم قبله لأهل الأرض فی مشارق ها و مغارب ها من أمتی ;

کعبه، قبله اهل مسجد الحرام و مسجدالحرام قبله اهل حرم (مکه و حوالی آن) و حرم قبله تمامی اهل زمین از امت من در مشرقها و مغربهای آن است>.

قبله مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۱۳،۱۴

۱۳ - مسلمانان در هر سرزمینی که باشند ، باید مسجد الحرام را قبله خویش قرار دهند .

و حیث ما کنتم فولوا وجوهکم شطره

۱۴ - تعیین مسجدالحرام به عنوان قبله مسلمانان ، خشنودی و رضایت پیامبر (ص) را در پی داشت .

فلنولینک قبله ترضیها فول وجهک شطر المسجدالحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۰ - ۱

۱ - مسجدالحرام قبله پیامبر (ص) و همه مسلمانان جهان

و من حیث . .. و حیث ما کنتم فولوا وجوهکم شطره

قبله مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲

- ۱۴۵ - ۷

۷ - یهود و نصارا هر یک دارای قبله ای ویژه خویش

و ما بعضهم بتابع قبله بعض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۷ - ۷

۷ - یهود و نصارای عصر بعثت ، در تلاشی پی گیر ، برای اثبات حقانیت قبله خویش و ناحق جلوه دادن تغییر آن به کعبه

الحق من ربک فلاتکونن من الممترین

قبله یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۵ - ۷

۷ - یهود و نصارا هر یک دارای قبله ای ویژه خویش

و ما بعضهم بتابع قبله بعض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۷ - ۷

۷ - یهود و نصارای عصر بعثت ، در تلاشی پی گیر ، برای اثبات حقانیت قبله خویش و ناحق جلوه دادن تغییر آن به کعبه

الحق من ربک فلاتکونن من الممترین

مجادله در قبله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۸ - ۸

۸ - مشاجره و مجادله بر سر قبله و احکام فرعی دین ، از مصداق های خیر نیست .

و لکل وجهه هو مولّیها فاستبقوا الخیرت

محمد(ص) و تغییر قبله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۱

۱ - پیامبر (ص) در برهه ای از زمان ، در انتظار و اشتیاق فرمانی از جانب خدا برای تغییر قبله بود .

قد نری تقلب وجهک فی السماء فلنولینک قبله

تفریع جمله <فلنولینک . ..> بر جمله <قد نری> می رساند

که: چشم دوختن پیامبر به اطراف و اکناف آسمان به خاطر انتظار فرمان تغییر قبله بوده است.

محمد(ص) و قبله اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۵ - ۶

۶ - خداوند ، پس از تغییر قبله از پیامبر (ص) خواست که هرگز روی به قبله اهل کتاب نیاورد و آن را قبله خویش نسازد .

و ما أنت بتابع قبلتهم

جمله <و ما أنت . ..> (تو از قبله آنان پیروی نخواهی کرد) جمله خبری است و منظور از آن انشا و دستور می باشد; یعنی، نباید از قبله ایشان تبعیت کنی.

مخالفت با قبله شدن مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۹ - ۷

۷ - کیفر خدا در انتظار کسانی است که با احکام او (نظیر قبله قرار دادن مسجدالحرام) مخالفت کنند .

و ما اللّه بغفل عما تعملون

از هدفهای بیان نظارت خدا بر اعمال بندگان، تهدید کسانی است که با احکام او مخالفت می کنند.

مسلمانان و تغییر قبله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۳ - ۲۲

۲۲ - تغییر قبله امری دشوار و ناپذیرفتنی برای گروهی از مسلمانان

و إن کانت لکبیره إلا علی الذین هدی اللّه

مسلمانان و قبله شدن بیت المقدس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۳ - ۱۱

۱۱ - قبله بودن بیت المقدس برای اهل اسلام ، امری دشوار و ناپذیرفتنی برای گروهی از مسلمانان

و إن کانت لکبیره إلا علی الذین هدی

اللّه

مسیحیان و تغییر قبله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۲۰

۲۰ - موضعگیری یهود و نصارا درباره تغییر قبله ، علی رغم آگاهی آنها به حقانیت آن

إن الذین أوتوا الکتب لیعلمون أنه الحق من ربهم و ما اللّه بغفل عما یعملون

جمله <و ما اللّه . ..> - که به تهدید اهل کتاب اشاره دارد - بیانگر موضعگیری اهل کتاب در برابر تغییر به حق قبله و مخالفت ایشان با حکم الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۷ - ۷

۷ - یهود و نصارای عصر بعثت ، در تلاشی پی گیر ، برای اثبات حقانیت قبله خویش و ناحق جلوه دادن تغییر آن به کعبه

الحق من ربک فلاتکونن من الممترین

مسیحیان و قبله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۷ - ۲

۲ - یهود و نصارا محتوای اساسی دین را (ایمان به خدا ، سرای آخرت و . . .) به فراموشی سپرده و با مسلمانان بر سر قبله ، به بحث و مشاجره می پرداختند .

لیس البر أن تولوا وجوهکم قبل المشرق و المغرب

برداشت فوق با توجه به شأن نزولی که درباره آیه مورد بحث آمده، استفاده می شود. در مجمع البیان نقل شده است: <آن گاه که قبله تغییر کرد، بحث و گفتگو پیرامون آن بسیار می شد و یهود و نصارا در این باره بسیار سخن می گفتند. >

مسیحیان و قبله مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١

- بقره - ۲ - ۱۴۵ - ۲،۵،۹

۲ - اهل کتاب (یهود و نصارا) علی رغم اطمینانشان به حقانیت قبله مسلمانان (مسجدالحرام) ، آن را نخواهند پذیرفت .

لیعلمون أنه الحق . .. و لئن أتیت الذین ... ما تبعوا قبلتک

۵ - یهود و نصارا از سر عناد و لجاجت ، قبله بودن کعبه را پذیرا نیستند .

و لئن أتیت الذین أوتوا الکتب بکل ءایه ما تبعوا قبلتک

۹ - تلاش یهود و نصارا در باز گرداندن پیامبر (ص) و مؤمنان از کعبه به قبله خویش

و ما أنت بتابع قبلتهم . .. و لئن اتبعت اهواءهم

تأکید جمله <و لئن اتبعت . .. إنک لمن الظالمین> با لام قسم (لئن) حرف تأکید (إن) و لام تأکید در (لمن) بیانگر آن است که: اهل کتاب برای گرایش دادن پیامبر(ص) و مؤمنان به قبله خویش، تلاشی پی گیر داشته و زمینه های آن را ایجاد کرده بودند. از مصداقهای <أهواءهم> به قرینه جمله های پیشین، تبعیت از قبله اهل کتاب است.

مسیحیان و قبله یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۵ - ۸

۸ - هیچ یک از یهود و نصارا ، قبله یکدیگر را نخواهند پذیرفت .

و ما بعضهم بتابع قبله بعض

ملاک قبله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۲ - ۱۱،۱۳

۱۱ - همه جهت ها و مکان ها از آن رو که ملک خداوند هستند ، صلاحیت قبله شدن را داشته و مزیتی بر یکدیگر ندارند .

قل للّه المشرق و المغرب

۱۳ - تأثیر جهتی از

جهات یا مکانی از مکان ها در هدایت انسان ها ، ملاکی جهت قبله قرار دادن آن

ما ولیهم عن قبلتهم . .. قل للّه المشرق و المغرب یهدی من یشاء

منشأ تعیین قبله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۹،۱۱

۹ - تعیین قبله از شؤون خداوند است .

قد نری . .. فلنولینک قبله ترضیها

۱۱ - نسخ قبله و تعیین آن ، در اختیار پیامبر (ص) نبود .

قد نری تقلب وجهک فی السماء فلنولینک قبله ترضیها

چنانچه پیامبر(ص) از ناحیه خداونـد مأذون بود که قبله را تغییر دهـد، یا حکمی را نسـخ و یا تشـریع کند; ضـرورتی نداشت به انتظار وحی، برای نسخ قبله و تعیین قبله ای دیگر، چشم به آسمان دوزد و به انتظار وحی بماند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۸ - ۲،۴

۲ - خداوند تعیین کننده قبله برای امتهاست .

و لکل وجهه هو مولّیها

ضمیر <هو> به <ربـک> در آیه قبـل بر می گردد. <مولّی> به معنای برگرداننـده است و مفعول اول آن <کل أمه> می باشـد که به خاطر وضوحش در کلام آورده نشـده است. بنابراین <هو مولّیها>; یعنی، خداوند امتها را به سوی قبله ای خاص بر می گرداند (فرمان می دهد که چه سمتی را قبله خویش سازند).

۴ - توجه به الهی بودن تغییر قبله و تعیین آن ، موجب رفع مشاجره درباره آن است .

و لکل وجهه هو مولّیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۹ - ۱،۳،۸

۱ - مسجد الحرام

قبله تعیین شده برای پیامبر (ص) از ناحیه خداوند

و من حیث خرجت فول وجهک شطر المسجدالحرام و إنه للحق من ربک

۳ - تعیین مسجدالحرام به عنوان قبله ، حکمی حق (حکمت آمیز و به جا) و از ناحیه خداوند

و إنه للحق من ربک

۸ - وجود زمینه های تخلف از فرمان خدا (تغییر و تعیین قبله) ، در میان مسلمانان

و ما اللّه بغفل عما تعملون

ظاهر این است که خطاب در <تعملون> متوجه مسلمانان باشد. بنابراین آنان مورد تهدید واقع شده اند و این نشان می دهد که در میان مسلمانان کسانی بوده اند که در پذیرش قبله جدید تردید داشته و یا در صدد مخالفت با آن بوده اند.

منشأ تغییر قبله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۵ - ۱۴

۱۴ - تغییر قبله از بیت المقدس به کعبه ، حکمی عالمانه و برخاسته از وحی و دستور خداوند است .

و ما أنت بتابع قبلتهم . .. من بعد ما جاءک من العلم

از مصادیق مورد نظر برای <العلم>، وحی و دستور الهی مبنی بر تغییر قبله است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۸ - ۴

۴ - توجه به الهی بودن تغییر قبله و تعیین آن ، موجب رفع مشاجره درباره آن است .

و لکل وجهه هو مولّیها

مهتدین و تغییر قبله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۳ - ۲۳

۲۳ - تنها هدایت یافتگان و پیروان واقعی پیامبر ، تغییر قبله را پذیرفته و آن

را امری دشوار نمی شمردند .

و إن كانت لكبيره إلا على الذين هدى اللّه

مهتدين و قبله شدن بيت المقدس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۳ - ۱۲

۱۲ - تنها هدایت یافتگان ، بیت المقدس را به عنوان قبله پذیرفته و آن را تکلیفی سنگین نمی شمردند .

و إن كانت لكبيره إلا على الذين هدى اللّه

نسخ قبله بودن بيت المقدس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۷

۷ - انتظار و اشتیاق پیامبر (ص) برای نسخ قبله سابق (بیت المقدس) دارای نقشی بسزا در نسخ آن بود .

قد نرى تقلب وجهك فى السماء فلنولينك قبله ترضيها

تفریع جمله <فلنولینك . ..> بر <قد نرى ...> به وسیله حرف <فاء> می رساند که انتظار و اشتیاق پیامبر(ص) به تغییر قبله در آن امر مؤثر بوده است.

نعمت تغییر قبله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۱ - ۳

۳ - تغییر قبله از بیت المقدس به مسجدالحرام ، نعمتی بزرگ در ردیف نعمت رسالت

فولوا وجوهكم شطره . .. لعلكم تهتدون. كما أرسلنا فيكم رسولا

برداشت فوق مبتنی بر این است که کاف در <کما> برای تشبیه باشد. بر این مبنا تغییر قبله - که از آیه قبل به دست می آید - <مشبّه> و ارسال پیامبر <مشبّه به> می باشد و تشبیه مسأله قبله به نعمت رسالت، نشانگر عظمت آن مسأله و بزرگی آن

نعمت است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره –

۲ - ۱۵۲ - ۴،۶

۴ - رسالت پیامبر (ص) و تغییر قبله از بیت المقدس به مسجدالحرام ، از نعمتهایی که مسلمانان باید به پاس آنها ، همواره به یاد خدا باشند .

فولوا وجوهکم شطره . .. کما أرسلنا فیکم رسولا ... فاذکرونی

برداشت فوق از حرف <فاء> که <اذکرونی> را بر نعمتهای یاد شده (تغییر قبله و رسالت پیامبر(ص)) تفریع کرده است، به دست می آید.

۶ - رسالت پیامبر (ص) و تغییر قبله ، دو نعمتی شایسته و بایسته شکرگزاری به درگاه خدا

فولوا وجوهکم شطره . .. کما أرسلنا فیکم رسولا ... واشکروا لی

شکر، در برابر نعمت است و مصداق مورد نظر برای نعمت - به قرینه آیات قبل - نعمت رسالت و تغییر قبله می باشد.

وحیانیت تغییر قبله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۵ - ۱۴

۱۴ - تغییر قبله از بیت المقدس به کعبه ، حکمی عالمانه و برخاسته از وحی و دستور خداوند است .

و ما أنت بتابع قبلتهم . .. من بعد ما جاءک من العلم

از مصادیق مورد نظر برای <العلم>، وحی و دستور الهی مبنی بر تغییر قبله است.

یهود و تغییر قبله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۲۰

۲۰ - موضعگیری یهود و نصارا درباره تغییر قبله ، علی رغم آگاهی آنها به حقانیت آن

إن الذین أوتوا الکتب لیعلمون أنه الحق من ربهم و ما اللّه بغفل عما یعملون

جمله <و ما اللّه . ..> - که به تهدید اهل کتاب اشاره دارد - بیانگر موضعگیری اهل

کتاب در برابر تغییر به حق قبله و مخالفت ایشان با حکم الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۷ - ۷

۷ - یهود و نصارای عصر بعثت ، در تلاشی پی گیر ، برای اثبات حقانیت قبله خویش و ناحق جلوه دادن تغییر آن به کعبه

الحق من ربک فلاتکونن من الممترین

یهود و قبله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۲۵

۲۵ - از امام صادق (ع) روایت شده که : < و صلّی رسول اللّه (ص) إلی بیت المقدس . . . ثم عیّرته الیهود ، فقالوا انک تابع لقبلتنا فاغتمّ لذلک غمّاً شدیداً و لما کان فی بعض اللیل خرج (ص) یقلب وجهه فی آفاق السماء . . . فلما صلّی من الظهر رکعتین جاءه جبرئیل (ع) فقال له : قد نری تقلب وجهک فی السماء فلنولینک قبله ترضی ها فول وجهک شطر المسجدالحرام - الآیه - ثم أخذ بید النبی (ص) فحوّل وجهه إلی الکعبه . . . ;

رسول خدا(ص) به سوی بیت المقدس نماز می خواند . .. سپس یهود او را سرزنش کرده گفتند: تو پیرو قبله ما هستی، و آن حضرت در پی این سرزنش بشدت اندوهگین شد و در موقعی از شب که از]خانه[بیرون آمده بود، در اطراف آسمان ها می نگریست ... و چون دو رکعت نماز ظهر را خوانده بود جبرئیل نازل گشت و به آن حضرت گفت: ما نگاههای انتظارآمیز تو را]برای تغییر

قبله] مشاهده می کردیم، پس روی تو را به سوی قبله ای - که تو به آن راضی هستی - بر می گردانیم; پس روی خود را به سوی مسجدالحرام برگردان. آن گاه دست او را گرفت و رویش را به سوی کعبه برگرداند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۷ - ۲

۲ - یهود و نصارا محتوای اساسی دین را (ایمان به خدا ، سرای آخرت و . . .) به فراموشی سپرده و با مسلمانان بر سر قبله ، به بحث و مشاجره می پرداختند .

لیس البر أن تولوا وجوهکم قبل المشرق و المغرب

برداشت فوق با توجه به شأن نزولی که درباره آیه مورد بحث آمده، استفاده می شود. در مجمع البیان نقل شده است: <آن گاه که قبله تغییر کرد، بحث و گفتگو پیرامون آن بسیار می شد و یهود و نصارا در این باره بسیار سخن می گفتند. >

یهود و قبله مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۵ - ۲،۵،۹

۲ - اهل کتاب (یهود و نصارا) علی رغم اطمینانشان به حقانیت قبله مسلمانان (مسجدالحرام) ، آن را نخواهند پذیرفت .

لیعلمون أنه الحق . .. و لئن أتیت الذین ... ما تبعوا قبلتک

۵ - یهود و نصارا از سر عناد و لجاجت ، قبله بودن کعبه را پذیرا نیستند .

و لئن أتیت الذین أوتوا الکتب بکل ءایه ما تبعوا قبلتک

۹ - تلاش یهود و نصارا در باز گرداندن پیامبر (ص) و مؤمنان از کعبه به قبله

خویش

و ما أنت بتابع قبلتهم . .. و لئن اتبعت اهواءهم

تأکید جمله <و لئن اتبعت . .. إنک لمن الظالمین> با لام قسم (لئن) حرف تأکید (إن) و لام تأکید در (لمن) بیانگر آن است که: اهل کتاب برای گرایش دادن پیامبر(ص) و مؤمنان به قبله خویش، تلاشی پی گیر داشته و زمینه های آن را ایجاد کرده بودند. از مصداقهای <أهواءهم> به قرینه جمله های پیشین، تبعیت از قبله اهل کتاب است.

یهود و قبله مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۵ - ۸

۸ - هیچ یک از یهود و نصارا ، قبله یکدیگر را نخواهند پذیرفت .

و ما بعضهم بتابع قبله بعض

قتل از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

قتل

{قتل}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۱ - ۱۲،۱۳،۱۶،۱۷

۱۲ کشتار نابحق (با علم و عمد) انبیای الهی ، به دست یهود

سنکتب ما قالوا و قتلهم الانبیآء بغیر حقّ

نفی هر گونه حق در کشتن انبیا دلالت می کند که یهود، با علم به نبوّت آنان و بدون خطا و فراموشی، پیامبران را می کشتند. چون اگر آنان را پیامبر نمی دانستند و یا به خطا و نسیان آنان را می کشتند، <بغیر حقّ> صدق نمی کرد.

۱۳ کثرت پیامبران شهید ، در بین انبیای الهی

و قتلهم الانبیآء بغیر حقّ

۱۶ نسبت ناروا به خداوند و کشتن پیامبران ، گناهی بزرگ و موجب عذاب سوزان دوزخ

سنکتب ما قالوا و قتلهم الانبیآء بغیر حقّ و نقول ذوقوا عذاب الحریق

<حریق>، به معنای محرِق (سوزاننده) است. گفتنی است عذاب سوزان برای کشتن

پیامبران و نسبت ناروا به خدا دادن، حاکی از بزرگی چنین گناهانی است.

۱۷ عذاب سوزان نسبت دهندگان فقر به خدا و قاتلان انبیا ، با فرمان مستقیم خداوند

نقول ذوقوا عذاب الحریق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۳ - ۱۲،۱۳،۱۹،۲۲،۲۳،۲۷،۲۹

۱۲ شهادت بسیاری از انبیای الهی به دست یهود ، علی رغم مشاهده معجزات و علم به حقّانیّت آنان

قل قد جآءکم رسل من قبلی بالبیّنات و بالّذی قلتم فلم قتلتموهم ان کنتم صادقین

هنگامی به یک دلیل، <بیّنه> گفته می شود که حقّ را برای طرف مقابل روشن کند و او را به حقانیّت آن آگاه کند. بنابراین یهودیان می دانستند و برای آنان روشن بود که پیامبران واقعی را می کشند.

۱۳ یهود ، حتّی با مشاهده معجزه مورد درخواست خود (سوختن قربانی در آتشی از غیب) از پیامبران ، نه تنها به آنان ایمان نیاوردند ، بلکه آنان را کشتند .

قل قد جآءکم رسل من قبلی . .. و بالّذی قلتم فلم قتلتموهم

۱۹ یهود عصر پیامبر (ص) با رضایت به کشتار انبیا توسط پیشینیان خود ، در حکم قاتلان انبیا

فلم قتلتموهم ان کنتم صادقین

۲۲ دروغ بودن ادعای یهود در مورد ایمان به پیامبر (ص) ، در صورت مشاهده معجزه درخواستی خود (سوختن قربانی در آتشی از غیب)

قل قد جاءکم . .. فلم قتلتموهم ان کنتم صادقین

۲۳ تکذیب عهد خداوند با یهود در مورد ایمان نیاوردن به پیامبر (ص) ، جز با ارائه قربانی که آتشی از غیب آن را بسوزاند .

انّ

اللّه عهد الينا الّا نؤمن . .. فلم قتلتموهم ان كنتم صادقين

اگر ادعای یهود صحیح بود، باید پیامبر (ص) خواسته آنان را عملی می کرد، و نیز نباید از عهد، به <الّذی قلتم> (آنچه را گفتید) تعبیر می کرد ; بلکه می فرمود: بالعهد الّذی عهد اللّه علیکم. چون اگر ادعای آنان حقیقت داشت، عهدی بود الهی ; نه گفتار آنان.

۲۷ رضایت یهود معاصر پیامبر (ص) از قتل انبیا به دست نیاکانشان در پانصد سال قبل از بعثت ، موجب نسبت دادن قتل انبیا به آنان از سوی خداوند

قل قد جاءکم رسل من قبلی بالبیّنات و بالّذی قلتم فلم قتلتموهم

امام صادق (ع) پس از تلاوت آیه فوق فرمود: کان بین القاتلین و القائلین خمس ماه عام، فالزمهم اللّه القتل برضاهم ما فعلوا.

کافی، ج ۲، ص ۴۰۹، ح ۱ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۲۸، ح ۲، ۴، ۶.

۲۹ رضایت به قتل نامشروع کسی به منزله کشتن اوست .

فلم قتلتموهم ان کنتم صادقین

امام صادق (ع) با تنقیح مناط از آیه فوق فرمود: . .. لعن اللّه المرجئه ... انّ هؤلاء یقولون: ان قتلتنا مؤمنون فدمائنا متلطّخه بثیابهم الی یوم القیمه انّ اللّه حکی عن قوم فی کتابه: <الّا بین القاتلین و القائلین خمسمائه فألزمهم اللّه القتل برضاهم ما فعلو.

کافی، ج ۲، ص ۴۰۹، ح ۱ ; تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۰۸، ح ۱۶۳.

آثار اجتناب از قتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۵ - ۴

۴ صبر و شکیبایی بندگان خالص خدا در ترک محرمات الهی چون اسراف و یا تنگ

گیری ، شرک ، زنا ، آدم کشی و سخن باطل ، عامل برخوردار شدن آنان از نعمت ها و درجات عالی بهشت

و الذین إذا أنفقوا لم یسرفوا . .. و لایزنون ... و الذین لایشهدون الزور ... أُول

آثار تکرار قتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۲۷

۲۷ - قاتل ، در صورتی که از قصاص عفو شود و پس از آن دیگری را به قتل برساند ، باید کشته شود و مورد عفو قرار نگیرد .

کتب علیکم القصاص . .. فمن اعتدی بعد ذلک فله عذاب أليم

برداشت فوق بر این اساس است که: مقصود از <من> در جمله فوق، قاتل باشد نه ولیّ مقتول. بر این مبنا <ذلک> به <عفو> - که از جمله <فمن عفی له> به دست می آید - اشاره دارد.

آثار قتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۱۵

۱۵ - قتل موجب خروج قاتل از زمره مسلمانان نمی شود و مایه قطع رابطه اخوت ایمانی او ، حتی با بازماندگان مقتول نخواهد شد .

یایها الذین ءامنوا . .. فمن عفی له من أخیه شیء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۸ - ۱۷

۱۷ جنایت و آدمکشی ، حاکی از جرأت و جسارت نسبت به خداوند جهانیان است .

ما إنّا بباسط یدی إلیک لاقتلک انی اخاف اللّه رب العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ – مائده – ۵ – ۲۹ – ۱

۱ عزم هابیل بر آلوده

نساختن دست خویش به خون برادر و گرفتار نیامدن به پیامد های آن

انی ارید . .. فتکون من اصحب النار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۳۰ – ۱۴

۱۴ آدمکشی ، در پی دارنده زیان و تباهی

فقتله فاصبح من الخسرین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۳۱ – ۲۷

۲۷ قتل نفس محترم ، در پی دارنده ندامت قاتل

فاصبح من الندمین

از امام سجاد(ع) روایت شده: . .. و الذنوب التی تورث الندم قتل النفس التی حرم اللّه ... قال عزوجل فی قصه قابیل حین قتل اخاه هابیل ... <فاصبح من النادمین> ... .

معانی الاخبار، ص ۲۷۰، ح ۲; بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۳۷۵، ح ۱۲.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۳۲ – ۹

۹ کشتن نابحق یک فرد ، هتک حرمت انسانیت و سلب امنیت از همگان *

من قتل . .. فکانما قتل الناس جمیعاً

برابری قتل یک انسان با قتل همگان، می تواند به این معنا باشد که قاتل، حرمت انسانی را هتک کرده و در حقیقت امنیت جانی را از همگان سلب کرده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۴۵ – ۳

۳ کشتن و مصدوم کردن دیگران ، موجب سلب حق حیات و سلامتی از مجرم

و کتبنا علیهم فیها ان النفس بالنفس و العین بالعین . .. و الجروح قصاص

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۴۵ – ۲

– ۲

گذراندن زندگی دنیا همراه با بی پروایی ، سرمست شدن به ثروت و مکنت و بی رحمی و آدم کشی ، درپی دارنده قطعی عذاب هولناک دوزخ

فی سموم و حمیم . .. إنّهم کانوا قبل ذلک مترفین

آثار قتل انبیا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۶۱ – ۲۹،۳۰

۲۹ – انکار آیات الهی و کشتن انبیا ، موجب خوار گشتن و درمانده شدن همیشگی بنی اسرائیل شد .

ذلک بأنهم کانوا یکفرون بأیت اللّه و یقتلون النبیین

<ذلک> اشاره به <ذله>، <مسکنه> و <غضب الهی> است و باء در <بأنهم> سببیه می باشد.

۳۰ – بنی اسرائیل ، به خاطر کفرشان به آیات الهی و کشتن پیامبران ، مورد غضب خداوند قرار گرفتند .

ذلک بأنهم کانوا یکفرون بأیت اللّه و یقتلون النبیین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۵۵ – ۹

۹ یهود ، مورد نفرین و غضب خداوند به سبب پیمان شکنی ، انکار آیات الهی و کشتن پیامبران

فبما نقضهم میثقهم . .. و قتلهم الأنبیاء

برداشت فوق بر این اساس است که <بما نقضهم . ..> به قرینه آیات مشابه، متعلق به فعلی محذوف همانند <لعناهم> باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۷۱ – ۹

۹ تکذیب و قتل انبیا از سوی بنی اسرائیل مایه محرومیت آنان از حق شناسی و بینش دینی

فریقاً کذبوا و فریقاً یقتلون . .. فعموا و صموا

جمله <عموا و صموا> علاوه بر اینکه متفرع بر جمله <حسبوا . ..> است می تواند متفرع بر جمله <فریقاً کذبوا

...> نیز باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۳۳ – ۸

۸ – قتل پیامبران ، جرمی نابخشودنی و موجب عذاب الهی و محرومیت ابدی از هدایت الهی است .

أتقتلون رجلًا . .. و من یضلل اللّه فما له من هاد

آثار قتل جایز

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۳۳ – ۷

۷– ولی مقتول بحق (کسی که مطابق قانون الهی کشته شده) فاقد هرگونه سلطه بر قاتل است .

و لاتقتلوا . .. إلّا بالحقّ و من قتل مظلومًا فقد جعلنا لولیّه سلطنًا

آثار قتل خطا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۹۲ – ۲۴

۲۴ قتل خطائی ، موجب دوری قاتل از رحمت خدا خواهد شد .

و ما کان لمؤمن ان یقتل مؤمناً الّا خطا . .. توبه من اللّه

توبه به معنای بازگشت است و توبه خدا بر بنده به معنای بازگشت رحمت و لطف خداوند به بنده خویش است. بنابراین معلوم می شود در قتل خطائی نیز خداوند آدمی را از رحمت و لطف خویش دور می سازد تا اینکه کفّاره آن را بپردازد.

آثار قتل دشمنان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۱۶ – ۸

۸ – مسلمانان موظّف به پیکار بی امان با دشمنان نیرومند ، تا مرز کشتن و یا به تسلیم کشاندن آنان

ستدعون إلی قوم أولی بأس شدید تقتلونهم أو یسلمون

آثار قتل رهبران دینی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره

- ۲ - ۶۱ - ۳۵

۳۵ - کشتن رهبران الهی ، موجب ذلت و فقر و در پی دارنده غضب خداوند است .

ضربت علیهم الذله . .. ذلک بأنهم ... یقتلون النبیین

آثار قتل شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۵ - ۲،۳

۲ قوم ثمود ، با پی کردن ناقه صالح و از میان بردن آیت رسالت او ، عذاب الهی را برای خویش قطعی ساختند .

فعقروها فقال تمتعوا فی دارکم ثلثه أیام

۳ قوم ثمود ، پس از کشتن ناقه صالح ، بیش از سه روز مهلت ماندن در دنیا و بهره بردن از متاع آن را نداشتند .

فقال تمتعوا فی دارکم ثلثه أیام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۷ - ۲

۲ - ندامت و پشیمانی ثمودیان ، به دنبال پی کردن ناقه صالح و مشاهده نشانه های عذاب

فعقروها فأصبحوا ندمین

<فاء> در <فأصبحوا> فصیحه و بیانگر حذف جمله ای است که به خاطر معلوم بودنش حذف شده و تقدیر آن چنین است: <فعقروها فرأوا اشراط العذاب فأصبحوا نادمین; ناقه را پی کردند پس نشانه های عذاب را دیدند، پس پشیمان شدند>.

آثار قتل فرعونی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۶ - ۱

۱ - قتل مرد قبطی ، ظلم موسی (ع) به خود و باعث به خطر افتادن جان او از سوی فرعونیان

فوكزه موسى فقضى عليه . .. قال ربّ إنّي ظلمت نفسى

موسى(ع) در پيشگاه پروردگار اعتراف كرد كه مرتكب خطاى بزرگى شده و با كشتن

مرد قبطی، در معرض خطری جدی قرار گرفته است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۱۸ – ۱،۲

۱ – به هم ریختن آرامش موسی در پی کشته شدن مرد قبطی به دست وی

فوکزه موسی فقضی علیه . .. فأصبح فی المدینه خائفًا یترقّب

۲ – موسی (ع) ، پس از حادثه قتل مرد قبطی به کاخ فرعون بازنگشت .

فأصبح فی المدینه

آثار قتل مبلغان دین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۲۹ – ۶

۶ – کشتن مؤمنان مجاهد و مبلغان دینی ، گناهی بزرگ و زمینه ساز نزول عذاب و نابودی است .

قیل ادخل الجنّه . .. إن کانت إلاّ صیحه وحده فإذا هم خمدون

آثار قتل مجاهدان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۲۹ – ۶

۶ – کشتن مؤمنان مجاهد و مبلغان دینی ، گناهی بزرگ و زمینه ساز نزول عذاب و نابودی است .

قیل ادخل الجنّه . .. إن کانت إلاّ صیحه وحده فإذا هم خمدون

آثار قتل موسی(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۳۳ – ۴

۴ - موسی (ع) ، از نافرجام ماندن رسالت الهی خویش در صورت کشته شدن به دست فرعونیان نگران بود .

إلی فرعون و ملإیْه . .. قال ربّ إنّی قتلت منهم نفسًا

طرح موضوع قتـل مرد قبطی، نه از آن بـاب است که موسـی(ع) بر جـان خویش می ترسـید; بلکه بـدان جهت بود که مبـادا با دستگیری و کشته شدن او، رسالت

الهی که بر دوش او نهاده شده است نافرجام بماند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۲۸ – ۱۸

۱۸ – هشدار مؤمن آل فرعون به فرعونیان ، از آسیب دیدن شدید آنان بر اثر کشتن موسی (ع)

و إن یک صادقًا یصبکم بعض الذی یعدکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۲۹ – ۴

۴ – هشدار مؤمن آل فرعون به فرعونیان و قبطیان ، درباره خطر عذاب الهی در صورت مخالفت با موسی (ع) و قتل او

فمن ینصرنا من بأس اللّه إن جاءنا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۳۳ – ۷

۷ – هشدار مؤمن آل فرعون به فرعونیان ، درباره این که قتل موسی (ع) موجب گمراهی ابدی و علاج ناپذیر آنان خواهد شد .

أتقتلون رجلاً . .. و من یضلل اللّه فما له من هاد

برداشت یادشده به خاطر این نکته است که هشدار مؤمن آل فرعون نسبت به گمراه شدن آنان در مورد قتل موسی(ع) انجام پذیرفت.

آثار قتل مؤمنان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۸۶ – ۸

۸ – کشتن و آواره کردن اهل ایمان و تبعیض در دین ، موجب از دست دادن سرای آخرت و گرفتار شدن به عذاب شدید قیامت است .

أولئک الذین اشتروا . .. فلا یخفف عنهم العذاب

<ال> در <العذاب> عهد ذکری و اشاره به <أشد العذاب> در آیه قبل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲۹ - ۶

۶ - کشتن مؤمنان مجاهد و مبلغان دینی ، گناهی بزرگ و زمینه ساز نزول عذاب و نابودی است .

قیل ادخل الجنّه . .. إن کانت إلاّ صیحه وحده فإذا هم خمدون

آثار قتل هابیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۰ - ۱۳

۱۳ زیانکاری قابیل ، پیامد کشتن برادرش هابیل

فقتله فاصبح من الخسرین

اجتناب از قتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۴ - ۲

۲ - پرهیز از کشتن و ریختن خون یکدیگر ، از عهد ها و پیمان های خداوند با بنی اسرائیل

و إذ أخذنا میثقکم لاتسفکون دماءکم

جمله <لاتسفکون دماءکم> (خون]همکیشان[خود را نریزید) جمله ای خبری است و مراد از آن انشا می باشد; یعنی، خونریزی نکنید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۱،۲۶

۱ - بنی اسرائیل عصر بعثت ، علی رغم اعترافشان به پیمان الهی (پرهیز از خونریزی) ، همدیگر را می کشتند .

ثم اقررتم . .. ثم أنتم هؤلاء تقتلون أنفسکم

کلمه <هؤلاء> در جمله <ثم أنتم هؤلاء> (شما همانانی هستید) اشاره به این معنا دارد که: آنچه را آیه مورد بحث می خواهد بیان کند مربوط به بنی اسرائیل عصر بعثت است و خطابهای آیه نظیر خطابهای گذشته نیست که صفت گذشتگان را با عنایتی به موجودین نسبت می داد.

۲۶ - پایبندی گروهی از یهودیان عصر بعثت به تورات با عمل کردن به پیمان های الهی و پرهیز از کشتن و

بیرون راندن همکیشان خود

فما جزاء من یفعل ذلک منکم

سیاق خطابهای گذشته اقتضا می کرد که جمله <فما جزاء . ..> بدین گونه ایراد شود: <فما جزاءکم بما تفعلون إلا خزی>. این تغییر سیاق اشاره به این دارد که همه یهودیان مرتکب اعمال ناروای مذکور نشدند. من تبعیضیه در <منکم> مؤید این معناست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۴ - ۱

۱ مؤمنان ، وظیفه دار پرهیز از کشتن افراد مشکوک در مسیر سفر برای جهاد قبل از احراز کفر آنان

یا ایّها الّذین امنوا اذا ضربتم فی سبیل اللّه فتبیّنوا

از سیاق آیه و شأن نزول وارد شده چنین استفاده می شود که مسلمانان به هنگام حرکت به سوی نبرد در بین راه اگر به افرادی مشکوک مواجه می شدند، به گمان اینکه آن افراد از قوای دشمن هستند، ممکن بود آنان را به قتل برسانند ; خداوند اهل ایمان را امر می کند که بدون تحقیق، شخص مشکوک را نکشید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۹ - ۲

۲ تأکید هابیل بر پیشدستی نکردن در قتل برادر ، در عین حفظ حق دفاع از خویش در برابر تهاجم وی

انی ارید ان تبوا باثمی

چنانچه مراد از <اثمی>، گناهی باشد که از کشته شدن احتمالی قابیل به دست هابیل صورت گیرد، معلوم می شود هابیل خاطر نشان ساخته است که من اگرچه قصد کشتن تو را ندارم ولی از خود دفاع می کنم، هر چند به کشتن ناخواسته تو بینجامد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ -

انعام - ۶ - ۱۵۳ - ۱

۱ پرهیز از شرک، فرزندکشی، کردارهای شنیع، کشتن بیگناهان، تجاوز به دارایی یتیمان، راهی است راست برای حرکت به سوی خدا.

ألا تشرکوا به شیئاً . .. و أن هذا صرطی مستقیماً

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از ضمیر متکلم در <صراطی> خداوند باشد. صراط خداوند یعنی راهی که به سوی اوست.

اجتناب از قتل دینداران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۵

۵ - معتقدان به ادیان الهی نباید یکدیگر را بکشند یا گروهی از آنان ، گروهی دیگر را از خانه و دیارشان بیرون رانند .

ثم أنتم هؤلاء تقتلون أنفسکم و تخرجون فریقاً منکم من دیرهم

اجتناب از قتل ناحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۱ - ۲۶

۲۶ دوری از کارهای زشت و پرهیز از کشتن بی گناهان، از توصیه های خدا به انسانها

و لاتقربوا الفوحش . .. ذلکم وصیکم به

احکام قتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۲ - ۵،۱۳،۱۵،۱۶،۱۸،۳۱

۵ ضرورت پرداخت خونب ها علاوه بر کفّاره در صورت کشتن مؤمن از روی خطا

و من قتل مؤمنا خطاً . .. و دیه مسلّمه الی اهله

۱۳ اگر خانواده مقتول از دشمنان اهل ایمان باشند ، پرداخت دیه به آنان لازم نیست .

فان كان من قوم عدوّلكم و هو مؤمن فتحرير رقبه مؤمنه

چون در فرض قبل و نیز فرض بعدی تصریح به خونبها شده است، ولی در فرض مذکور سخنی از خونبها نرفته، معلوم

می شود که در این فرض، خونبها لازم نیست.

۱۵ در قتل خطائی ، اگر مقتول ، مؤمن و خانواده اش از کافران همپیمان با مسلمانان باشند ، کفّاره آن آزادسازی یک برده با ایمان است .

و ان کان من قوم بینکم و بینهم میثاق فدیه مسلّمه الی اهله و تحریر رقبه مؤمنه

ظاهراً مراد از ضمیر در <کان>، مقتول است، شرط ایمان در برده ای که باید آزاد شود، این معنا را تقویت می کند.

۱۶ اگر خانواده مؤمن مقتول ، کافر و همپیمان با مسلمانان باشند ، پرداخت دیه به آنان لازم است .

و ان کان من قوم بینکم و بینهم میثاق فدیه مسلّمه الی اهله

۱۸ لزوم پرداخت خونب ها و نیز آزادسازی یک برده مؤمن در صورت کشتن کافری از کافران همپیمان *

و ان کان من قوم بینکم و بینهم میثاق فدیه مسلّمه الی اهله و تحریر رقبه مؤمنه

بنابر اینکه مراد از ضمیر در <کان>، مقتول باشد ; بدون وصف ایمان. به قرینه فرض سابق که در آنجا به قید ایمان تصریح کرد و فرمود: <فان کان ... و هو مؤمن>، ولی در این فرض <و هو مؤمن> را نیاورد.

۳۱ قتل خطائی آن است که چیزی غیر از مقتول ، هدف باشد ، لیکن به اشتباه ، مقتول هدف قرار گیرد .

و ما کان لمؤمن ان یقتل مؤمناً الّا خطا . .. و من قتل مؤمناً خطاً

امام صادق (ع) فرمود: . .. و الخطأ من اعتمد شیئا فاصاب غیره.

کافی، ج ۷، ص ۲۷۸، ح ۲ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۳۰، ح ۴۷۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۴ - ۶،۱۰

۶ حرمت قتل و هر گونه تعرض به دشمن ، در صورت اظهار اسلام

و لا تقولوا لمن القی الیکم السّلام لست مؤمنا

مراد از القای اسلام، به قرینه <لست مؤمناً>، اظهار اسلام با گفتن شهادتین و یا سخنی که حاکی از مسلمان شدن است، می باشد.

۱۰ ضرورت پرهیز از کشتن افراد و یا گروه های از دشمنان محارب که تسلیم شده و خواهان ترک نبرد هستند .

و لا تقولوا لمن القی الیکم السّلام لست مؤمنا

با توجه به معنای لغوی <سلام> (صلح)، مراد از القای سلام، صلح خواهی است. یعنی اگر دشمن خواهان صلح است، نبرد با او جایز نیست و جمله <لست مؤمنا>، اشاره به این معنی دارد که در ترک تعرض، تنها ایمان شرط نیست ; بلکه تسلیم و یا صلح خواهی نیز کافی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵ - ۱۱

۱۱ بهره گیری از تمام شیوه های ممکن (کشتن ، اسیر کردن ، محاصره نمودن و کمین زدن) به منظور وادار کردن جوامع غیر مسلمان به پذیرش آیین اسلام ، در پی اتمام حجت و دادن فرصت کافی به آنان ، بلامانع است .

فإذا انسلخ الأشهر الحرم فاقتلوا المشرکین . .. فإن تابوا ... فخلّوا سبیلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۱ - ۱،۴،۵

۱- کشتن فرزند ، از بیم تنگدستی و فقر ، ممنوع و حرام است .

و لاتقتلوا أولدکم خشیه إملق

۴- کشتن فرزند ، به گمان ر ها ساختن وی از

مبتلا شدن به فقر و سرنوشتی سخت و فلاکت بار ، ممنوع و حرام است .

و لاتقتلوا أولدکم خشیه إملق

برداشت فوق، بنابراین است که مراد از <إملاق> بیم پدر و مادر، از تهی دست شدن خود و فرزندانشان باشد.

۵- ترس از فقر و تهی دستی ، مجوز ارتکاب قتل فرزند نمی شود .

و لاتقتلوا أولدکم خشیه إملق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۳ - ۱،۲،۳،۷

۱- کشتن انسان های بی گناه و بی تقصیر ، ممنوع و حرام است .

و لاتقتلوا النفس التی حرّم الله

۲- جان برخی از انسان ها ، فاقد حرمت و ارج بوده و می توان آنها را به قتل رساند .

و لاتقتلوا النفس التی حرّم الله إلاّ بالحقّ

۳- حاکمیت اصل حرمت قتل ، جز در مورد های تصریح شده در حقوق و قوانین الهی

و لاتقتلوا النفس التی حرّم الله إلاّ بالحقّ

۷- ولی مقتول بحق (کسی که مطابق قانون الهی کشته شده) فاقد هرگونه سلطه بر قاتل است .

و لاتقتلوا . .. إلاّ بالحقّ و من قتل مظلومًا فقد جعلنا لولیّه سلطنًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۸ - ۴،۵،۶

۴ کشتن به ناحق انسان ، حرام است .

و لایقتلون النفس التی حرّم اللّه إلاّ بالحقّ

۵ کشتن انسان مستحق قتل ، جایز است .

و لایقتلون النفس التی حرّم اللّه إلاّ بالحقّ

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که <بالحقّ> متعلق به <لایقتلون> و استثنای <إلاّ بالحقّ> از نوع استثنای مفرغ باشد؛ یعنی، <لایقتلونها بسبب من الأسباب إلاّ بسبب الحقّ؛ نمی کشند

هیچ کس را به هر دلیلی که باشد مگر به سبب حق>.

۶ برخی از انسان ها ، فاقد حرمت و ارزش انسانی و مستحق نابودی اند .

و لایقتلون النفس التی حرّم اللّه إلاّ بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۱ - ۴،۵،۶،۷،۹

۴ - منافقان آزاردهنده زنان مسلمان ، در صورت تداوم کردار زشت خود ، مهدورالدم بوده و در هر کجا که یافته شوند ، باید به قتل برسند .

لئن لم ینته المنفقون . .. لنغرینّک بهم ... أینما ثقفوا أُخذوا و قتّلوا تقتیلاً

<ثقف> (مصدر <ثقفوا>) به معنای <مهارت در درک و انجام دادن کار> است (مفردات راغب). در آیه، این واژه به معنای <به دست آوردن و دستیازی> استعمال شده است.

۵ - شایعه پراکنان در مدینه ، در صورت ادامه شایعه پراکنی ، محکوم به قتل بودند .

لئن لم ینته . .. و المرجفون فی المدینه ... أینما ثقفوا أُخذوا و قتّلوا تقتیلاً

۶ - بیماردلانی که اقدام به فساد و آزار زنان می کنند ، در صورت ادامه کار خود ، محکوم به قتل اند .

لئن لم ینته . .. و الذین فی قلوبهم مرض ... ملعونین أینما ثقفوا أُخذوا و قتّلوا ت

۷ - ادامه دهندگان به فساد در جامعه ، با آزار و اذیت زنان مؤمن ، هیچ محل امنی ندارند و باید به قتل برسند .

لئن لم ینته المنفقون و . .. لنغرینّک بهم ... ملعونین أینما ثقفوا أُخذوا و قتّلو

<أیْنَ> مفید عموم است و شامل همه جا می شود و از آن، جایی استثنا نشده است.

۹ - بر آحاد

جامعه اسلامی ، روا و جایز است که ادامه دهندگان به فساد را پس از فرمان حاکم اسلامی ، با رعایت مراحل و شرایط ، به قتل برسانند .

لئن لم ینته المنفقون . .. أینما ثقفوا أُخذوا و قتّلوا تقتیلاً

در آیه پیش وقتی سخن از تهدید منافقان و بیماردلان و. .. به میان آمد، خداوند فرمود: <اگر آنان، ادامه بدهند پیامبر(ص) را بر آنها چنان مسلط خواهد کرد که ادامه زندگی برای شان ممکن نباشد> و در این آیه، فعل های <أُخذوا> و <قتّلوا> را مجهول آورده و برای انجام دادن وظیفه یاد شده، کسی را معرفی نکرده است. به نظر می رسد، با توجه به مهدورالدم اعلام شدن گروه های یاد شده، در آیه، به مسلمانان اجازه می دهد که آن افراد را به قتل برسانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۹ - ۵

۵ - شرک پدر و مادر و انحراف آنها از ادیان الهی ، مجوّز کشتن فرزندان آنان نیست .

و إذا الموءوده سئلت . بأیّ ذنب قتلت

آیه شریفه ناظر به رفتاری است که برخی از مشرکان عصر بعثت با دختران خود داشتند. محکومیت این رفتار، حاکی از مصونیت جان فرزندان آنان است.

اسراف در قتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۳ - ۱۸

۱۸- < عن أبی عبدالله (ع) قال : إذا اجتمعت العده علی قتل رجل واحد حکم الوالی أن یقتل أیّهم شاؤوا و لیس لهم أن یقتلوا أکثر من واحد إن الله عزّوجلّ یقول : < و من قتل مظلوماً فقد

جعلنا لولیه سلطاناً فلایسرف فی القتل > ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: هر گاه گروهی یک مرد را به قتل برسانند والی حکم می کند که هر کدام از قاتلین را که اولیای دم بخواهند بکُشند و آنان حق ندارند بیش از یک نفر را بکُشند. همانا خداوند عزّوجلّ می فرماید: و من قتل مظلوماً فقد جعلنا لولیّه سلطاناً فلایسرف فی القتل>.

اصرار توطئه قتل موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۹ - ۱۳

۱۳ - فرعون ، سخن مؤمن آل فرعون را قطع کرده ، به دفاع از تصمیم خود مبنی بر کشتن موسی (ع) پرداخت .

أتقتلون رجلًا . .. فمن ینصرنا من بأس اللّه إن جاءنا قال فرعون ما أریکم إلاّ ما أ

اظهار بی اطلاعی از قتل صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۹ - ۷

۷ - چاره اندیشی توطئه گران علیه صالح ، برای انکار جنایت خویش و گریز از قصاص یا پرداخت خونبها

ثمّ لنقولنّ لولیّه ما شهدنا مهلک أهله و إنّا لصدقون

طرح اظهار بی خبری از قتل صالح(ع) و خانواده وی، نشان می دهد که گروه های مزبور می اندیشیده اند تا راهی پیدا کنند و در نتیجه آن از خونخواهی ولیّ دم یا پرداخت خونبها شانه خالی کنند.

اعتراض به قتل موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۸ - ۱

۱ - اعتراض و اظهار مخالفت مؤمن آل فرعون نسبت به تصمیم قتل موسی (ع)

از سوی فرعون

وقال رجل مؤمن من ءال فرعون يكتم إيمنه أتقتلون رجلًا أن يقول ربّى

افشای بانی قتل در بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۷۲ – ۲

۲ – خداوند ، قوم موسی رابه معرفی قاتل نوید داد و قاتلان را به افشای هویتشان تهدید کرد .

و اللّه مخرج ما كنتم تكتمون

مراد از <ما كنتم تكتمون> (آنچه را كتمان می كردید)، به قرینه جمله قبل، معرفی نكردن قاتل علی رغم آگاهی به آن است. مراد از <إخراج> (مصدر مخرج)، به قرینه تكتمون، آشكار ساختن است.

افشای توطئه قتل موسی(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۲۰ – ۴

۴ – شنود گفت و گو های سران حکومت فرعون به وسیله مرد ناشناس و رساندن سریع آن به موسی (ع)

و جاء رجل . .. قال يموسى إنّ الملأ يأتمرون بك ليقتلوك

افشای قتل فرعونی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۱۹ – ۵

۵ – افشا شدن راز قتل مرد قبطی به وسیله مرد اسرائیلی

قال يموسى . .. كما قتلت نفسًا بالأمس

امتحان با قتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۶ - ۱۷

۱۷- نجات بنی اسرائیل از شکنجه و کشتار فرعونیان ، آزمایش بزرگ الهی از آنان بود .

إذ أنجکم من ءال فرعون . .. و فی ذلکم بلاء من ربّکم عظیم

برداشت فوق مبتنی بر این است که مشارالیه <ذلکم> نجات بنی اسرائیل به وسیله خداوند از اعمال ظالمانه فرعونیان باشد.

انگیزه قتل هابیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۰ - ۲۱

۲۱ قابیل ، به تحریک ابلیس برای آنکه نسلی از هابیل نماند تا بخاطر قبولی قربانی پدرشان برنسل قابیل افتخار کنند ، برادرش را کشت .

فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله

از امام باقر(ع) روایت شده که پس از قرائت آیه فوق فرمود: . .. ثم ان ابلیس ... فقال له: یا قابیل قد تقبل قربان هابیل و لم یتقبل قربانک و انک ان ترکته یکون له عقب یفتخرون علی عقبک و یقولون نحن ابناء الذی تقبل قربانه فاقتله کیلا یکون له عقب یفتخرون علی عقبک فقتله ... .

کافی، ج ۸، ص ۱۱۳، ح ۹۲; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۵۸.

اهمیت قتل دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۴ - ۱۶

۱۶- لزوم حفظ حالت جنگی و تهاجم بر دشمن ، برای کشتن و اسیر گرفتن تا زمان فرو نشستن شعله های نبرد

حتّی تضع الحرب أوزارها

می توان گفت: <حتّی تضع. ..> غایت برای مجموع پیام آیه است که عبارت بود از یورش بر دشمن، برای نابود ساختن و اسیر گرفتن آنان.

اهمیت قتل کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۴ - ۴

۴- لزوم کشتن کافران و امان ندادن به آنان ، در میدان جنگ تا مرحله زمین گیرشدن دشمن

فضرب الرقاب حتّی إذا أثخنتموهم

آیه شریفه در مجموع بیانگر یکی از قوانین کارآمد و حیاتی در میدان جنگ است. خداوند، به رزمندگان مسلمان رهنمود داده است تا قبل

از غلبه یافتن بر دشمن و زمین گیر ساختن او، اقدام به گرفتن اسیر نکنند; بلکه بی درنگ هر دشمنی که در مقابلشان قرار گرفت، بکشند.

برادران یوسف و قتل یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹ - ۱۰

۱۰ برادران یوسف ، کشتن یا تبعید او را گناه می شمردند و به ناروا بودن آن معترف بودند .

اقتلوا یوسف أو اطرحوه أرضًا . .. و تکونوا من بعده قومًا صلحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۵ - ۵

۵ برادران یوسف در توطئه علیه او ، از کشتنش احتراز می کردند و سعی در زنده ماندن وی داشتند .

و ألقوه فی غیبت الجب . .. و أجمعوا أن یجعلوه فی غیبت الجب

از اینکه برادران یوسف بر آن شدند که وی را در چاه قرار دهند نه اینکه او را در چاه بیفکنند ، معلوم می شود سعی در زنده ماندن او داشتند.

بندگان خدا و قتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۸ - ۳

۳ بندگان خالص خدا ، هیچ انسانی را به ناحق نمی کشند .

و لایقتلون النفس التی حرّم اللّه إلاّ بالحقّ

بنی اسرائیل و قتل انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۲۷،۲۸،۳۲،۳۷،۳۹

۲۷ – بنی اسرائیل ، پیامبران بسیاری را به قتل رساندند .

و یقتلون النبیین بغیر الحق

۲۸ – بنی اسرائیل هیچ عذر و بهانه ای برای کشتن پیامبران الهی نداشتند .

و یقتلون النبیین بغیر الحق

با

توجه به این حقیقت که کشتن پیامبران هرگز حق نیست، قید توضیحی (بغیر الحق) آورده شده تا به این معنا اشاره کند که: بنی اسرائیل هیچ بهانه ای از قبیل جهل به پیامبری پیامبران و یا خطایی از سوی ایشان، سراغ نداشتند تا بتوانند کشتن آنان را حق جلوه دهند.

۳۲ – عصیان و تجاوز گری بنی اسرائیل ، ریشه گرایش آنان به کفر و جرئتشان بر کشتن پیامبران بود .

یکفرون بأیت اللّه . .. ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون

مشارالیه <ذلک> در <ذلک بما عصوا> کفر به آیات خدا و کشتن پیامبران است. قابل ذکر است که برخی از مفسران، ذلک در <ذلک بما عصوا> را اشاره به <ذلت و ...> دانسته اند و در نتیجه عصیان و تجاوز را نیز علت <ذلت و ...> شمرده اند.

۳۷ – شهرنشینی بنی اسرائیل و رسیدن به رفاه و آسایش ، زمینه ساز عصیانگری ، تجاوز ، کشتن پیامبران و کفرشان بود .

لن نصبر علی طعام وحد . .. اهبطوا مصراً ... و ضربت علیهم الذله

برداشت فوق، مقتضای ارتباط بخش دوم آیه; یعنی، <و ضربت علیهم الذله . ..> با بخش اول آیه است.

۳۹ – < عن أبی عبداللّه (ع) – و تلا هذه الآیه – < ذلک بأنهم کانوا یکفرون بایات اللّه و یقتلون النبین بغیر الحق ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون > قال : و اللّه ما قتلوهم بأیدیهم و لاضربوهم باسیافهم و لکنهم سمعوا أحادیثهم فاذاعوها فاخذوا علیها فقتلوا فصار قتلا و اعتداء و معصیه ;

از امام صادق (ع) روایت شده است که در پی تلاوت آیه فوق، فرمودند: به خدا سوگند!

بنی اسرائیل، پیامبران خود را با دستان خود نکشتند و آنان را با شمشیرهای خود به قتل نرساندند و لکن احادیث آنان را شنیدند و اسرارشان را فاش کردند و در نتیجه پیامبران، دستگیر و کشته می شدند. از این جهت افشای سرّ، قتل و تجاوز و معصیت محسوب شده است>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۱ - ۲۲،۲۰

۲۰ بنی اسرائیل ، قاتل پیامبران الهی و قاتل حامیان پیامبران

و یقتلون النّبیّن بغیر حق و یقتلون الّذین یأمرون بالقسط

رسول اللّه (ص): . .. قتلت بنو اسرائیل ثلاثه و اربعین نبیّاً ... فقام مأه رجل و اثنا عشر رجلا من عُبّاد بنی اسرائیل فَاَمَرُوا من قتلهم بالمعروف و نهوهم عن المنکر فقتلوا جمیعاً ... .

تفسیر طبری، ج ۳، ص ۱۴۴ ; مجمع البیان، ج ۲، ص ۷۲۰ ; تفسیر تبیان، ج ۲، ص ۴۲۲.

۲۲ وعده عذاب دردناك به بنی اسرائیل ، به جهت قتل چهل و سه پیامبر و صد و دوازده آمر به معروف و ناهی از منکر

و یقتلون النّبیّن بغیر حقّ و یقتلون الّذین یأمرون بالقسط من النّاس فبشّرهم بعذاب

رسول اللّه (ص) به عنوان بیان مصداق برای آیه فوق فرمود: قتلت بنو اسرائیل ثلاثه و اربعین نبیّاً اول النّهار فی ساعه واحده فقام مائه رجل و اثنی عشر رجلا من عبّاد بنی اسرائیل فامروا من قتلهم بالمعروف و نهوهم عن المنکر فقتلوا جمیعاً من آخر النّهار فی ذلك الیوم.

تفسیر طبری، ج ۳، ص ۱۴۴ ; مجمع البیان، ج ۲، ص ۷۲۰ ; تفسیر تبیان، ج ۲، ص ۴۲۲.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۴ - ۲

۲ مکر و تلاش کافران بنی اسرائیل ، برای کشتن عیسی (ع)

و مکروا . .. اذ قال اللّه یا عیسی انی متوفیک

با توجه به آیه بعد که سخن از عروج عیسی (ع) به میان آمده، معلوم می شود که مکرشان در جهت کشتن عیسی (ع) بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۰ - ۹،۱۰،۱۱،۱۶

۹ تکذیب پیامبران الهی و کشتن آنان ، شیوه بنی اسرائیل در برخورد با انبیا

کلما جاءهم رسول . .. فریقاً کذبوا و فریقاً یقتلون

۱۰ بی اعتنایی بنی اسرائیل به پیمان خداوند ، با تکذیب رسولان الهی و کشتن آنان

لقد اخذنا میثق بنی اسرءیل . .. فریقاً کذبوا و فریقاً یقتلون

۱۱ هواپرستی بنی اسرائیل ، زمینه ساز تکذیب انبیا و قتل آنان

رسول بما لاتهوی انفسهم فریقاً کذبوا و فریقاً یقتلون

۱۶ هشدار خداوند به مسلمانان در مورد خطر گرفتاری آنان به لغزشهایی همانند لغزش های بنی اسرائیل : (نقض پیمان های الهی ، هواپرستی ، تکذیب و قتل انبیا)

إنّ الذین ءامنوا . .. لاتهوی انفسهم فریقاً کذبوا و فریقاً یقتلون

از اهداف این بخش از آیات با توجه به ذکر مسلمانان در ابتداء کلام (ان الذین ءامنوا) و آنگاه بیان سرگذشت شوم بنی اسرائیل، این است که مسلمانان را از گرفتار شدن به چنین سرنوشتی پرهیز دهد و به آنان گوشزد کند که آنان نیز در خطر آلودگی به چنین اعمال ناروایی هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ – مائده

- ۵ - ۷۱ - ۶،۷،۹،۲۴

۶ بی پروایی بنی اسرائیل در شکستن پیمان الهی ، تکذیب انبیا و کشتن آنان ، برخاسته از باور آنان به مصونیت از عذاب

فریقاً کذبوا و فریقاً یقتلون. و حسبوا الا تکون فتنه

۷ پندار رهایی از مجازات نقض میثاق و تکذیب و کشتن انبیا ، از باور های بی اساس بنی اسرائیل

لقد اخذنا میثق بنی اسرءیل . .. و حسبوا الا تکون فتنه

دربرداشت فوق <فتنه> به معنای عذاب گرفته شده است.

۹ تکذیب و قتل انبیا از سوی بنی اسرائیل مایه محرومیت آنان از حق شناسی و بینش دینی

فریقاً کذبوا و فریقاً یقتلون . .. فعموا و صموا

جمله <عموا و صموا> علاوه بر اینکه متفرع بر جمله <حسبوا . ..> است می تواند متفرع بر جمله <فریقاً کذبوا ...> نیز باشد.

۲۴ هشدار خداوند به بنی اسرائیلِ زمان پیامبر (ص) ، نسبت به تکرار رفتار پیشینیان خویش (نقض میثاق تکذیب و قتل انبیا)

لقد اخذنا میثق بنی اسرءیل . .. و اللّه بصیر بماتعملون

فعل مضارع <یعملون> علی رغم ماضی آوردن فعل های گذشته <حسبوا>، <عموا و صموا> ، می رساند که جمله <و اللّه بصیر . ..> ناظر بر بنی اسرائیل زمان پیامبر(ص) نیز می باشد.

بنی اسرائیل و قتل محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۰ - ۱۴

۱۴ تلاش مستمر بنی اسرائیل برای کشتن پیامبر اسلام (ص)

فریقاً کذبوا و فریقاً یقتلون

فعل مضارع <یقتلون> می تواند اشاره به برداشت فوق باشد.

بنی اسرائیل و قتل یکدیگر

- آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۴ - ۷،۹،۱۴،۱۹،۲۱

۷ - کشتن یکدیگر ، توبه تعیین شده ای برای گوساله پرستان بنی اسرائیل

فتوبوا إلی بارئکم فاقتلوا أنفسکم

حرف <فاء> در <فاقتلوا> تفسیریه است; یعنی، بیانگر این است که جمله <أقتلوا أنفسکم> تفسیر و توضیح جمله قبل (توبوا . ..) می باشد. در معنای جمله <فاقتلوا أنفسکم> دو نظر ایراد شده است. ۱ فاقتلوا بعضکم بعضاً (یکدیگر را بکشید); ۲ هر کسی خود را بکشد.

۹ - حضرت موسی (ع) با زمینه سازی فکری و روانی برای مرتدان بنی اسرائیل ، آنان را برای پذیرش و اجرای امر خدا (کشتن یکدیگر) آماده کرد .

یقوم إنکم ظلمتم أنفسکم

موسی(ع) از انتساب بنی اسرائیل به خویش با گفتن <یا قوم> (ای مردم من) در صدد تفهیم این حقیقت است که: او از روی دلسوزی آنان را به توبه دعوت می کند و از آنان می خواهد که به حکم خدا گردن نهند. تصریح به اینکه بنی اسرائیل با گوساله پرستی به خود ستم کردند نیز در راستای این معناست.

۱۴ - موسی (ع) خیر و سعادت مرتدان قومش را در توبه و کشتن یکدیگر دانست .

فاقتلوا أنفسکم ذلکم خیر لکم عند بارئکم

۱۹ - مرتد شدگان بنی اسرائیل (گوساله پرستان) پس از فرمان موسی (ع) به کشتن یکدیگر پرداختند .

فاقتلوا أنفسکم . .. فتاب علیکم

جمله <تاب علیکم> عطف بر جمله ای مقدر است; یعنی: <ففعلتم ما أمرتم به فتاب علیکم> پس آنچه را بدان موظف شدید انجام دادید و خداوند توبه شما را پذیرفت>. قابل ذکر است که ضمیر در <تاب>

به قرینه جمله بعد به <بارئکم> (خالق شما) بر می گردد.

۲۱ - داستان توبه مرتدان بنی اسرائیل و اجرای فرمان خدا مبنی بر کشتن یکدیگر ، داستانی آموزنده و درخور به خاطر داشتن

و إذ قال موسی . .. فتاب علیکم

<إذ قال . ..> عطف بر <نعمتی> در آیه ۴۷ است; یعنی: <اذکروا إذ قال ...>.

پاداش اجتناب از قتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۶ - ۲

۲ فروتنی ، شب زنده داری ، حلم ، ترس از قیامت ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق ، دعا ، دوری از اسراف ، تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم کشی و سخن باطل ، موجب ورود به بهشت جاودان و برخورداری از قرارگاه و اقامت نیکوی آن

الذین یمشون علی الأرض هونًا. .. و الذین لایشهدون الزور ... أُولئک یجزون الغرفه

پرداخت دیه قتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۱۹

۱۹ - قاتل باید با نیکی و رفتاری پسندیده ، دیه را به اولیای مقتول بپردازد .

فاتباع بالمعروف و أداء إلیه بإحسن

فاعل <أداء> قاتل است و ضمیر در <إلیه> به <أخیه> - که مراد از آن ولی مقتول است - باز می گردد. بنابراین جمله <أداء إلیه ...>; یعنی، قاتل باید دیه را با رعایت احسان به ولی مقتول بپردازد; بدین صورت که در پرداخت دیه تأخیر نکند و کمتر از مقدار تعیین شده نپردازد و موجب ناراحتی اولیای مقتول نگردد.

ترس از قتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ -

شعراء – ۲۶ – ۱۴ – ۴

۴ – بیم موسی (ع) از اقدام فرعونیان مبنی بر قتل او به خاطر رفتار گذشته اش (قتل مرد قبطی)

فأخاف أن یقتلون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۱۶ – ۶

۶ – منافقان حاضر در غزوه احزاب ، برای نجات از مرگ و یا کشته شدن ، تصمیم به فرار از جهاد گرفتند .

إن یریدون إلاّ فرارًا . .. إن فررتم من الموت أو القتل

تغییر کیفیت قتل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۱۶ – ۴

۴ – فرار از جبهه جهاد ، ممکن است که نحوه مرگ و یا قتل را تغییر دهد ، اما برای همیشه آنها را منتفی نمی سازد .

قل لن ینفعکم الفرار إن فررتم من الموت أو القتل و إذًا لاتمتّعون إلاّ قلیلاً

توطئه قتل ابراهیم(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۹۸ – ۱،۲

۱ – نیرنگ و توطئه گسترده مشرکان برای نابودی ابراهیم (ع)

فأرادوا به کیدًا

۲ – سوزاندن ابراهیم (ع) با انبوهی از آتش پرشعله ، مکر و توطئه مشرکان در راستای نابودی آن حضرت

فألقوه فی الجحیم . فأرادوا به کیدًا فجعلنهم الأسفلین

توطئه قتل صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۹ - ۱،۴،۷

۱ - توطئه و هم قسمی گروه های نُه گانه فسادگر ، برای قتل شبانه صالح (ع) و خانواده اش

و کان فی المدینه تسعه رهط یفسدون .

.. قالوا تقاسموا باللّه لنبيّتنّه و أهله

<تقاسم> (مصدر <تقاسموا>) به مشاركت كردن در قسم و <تبييت> (مصدر <نبيّتنّ>) به سوء قصد شبانه گفته مى شود.

۴ - مبارزه با صالح پيامبر و از ميان بردن وى ، محور اتحاد و همكارى گروه هاى فسادگر على رغم داشتن اختلاف

و كان فى المدينه تسعه رهط . .. تقاسموا باللّه لنبيّتنّه و أهله

نُه گانه بودن گروه هاى مزبور، خود دليل تمايزات و وجود نقطه هاى افتراق ميان آنان است; با اين حال براى از ميان بردن صالح باهم متّحد شدند.

۷ - چاره انديشى توطئه گران عليه صالح ، براى انكار جنايت خويش و گريز از قصاص يا پرداخت خونبها

ثمّ لنقولنّ لوليّه ما شهدنا مهلك أهله و إنّا لصدقون

طرح اظهار بى خبرى از قتل صالح(ع) و خانواده وى، نشان مى دهد كه گروه هاى مزبور مى انديشيده اند تا راهى پيدا كنند و در نتيجه آن از خونخواهى ولىّ دم يا پرداخت خونبها شانه خالى كنند.

توطئه قتل عيسى(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۸ - ۱،۳

۱ عدم حضور حضرت مسيح (ع) در بين مردم ، پس از توطئه قتل وى توسط يهود

و ما قتلوه. بل رفعه اللّه إليه

چنانچه عيسى(ع) پس از توطئه قتل در بين مردمان حضور مى داشت، همگان به اشتباه خويش پى مى بردند و واهى بودن قصه صليب بر مدعيان آن روشن مى گشت و جمله <رفعه اللّه اليه> در حقيقت جواب اين سؤال است كه اگر وى كشته نشد چرا پس از واقعه قتل در بين مردمان ديده نشد.

۳ نجات حضرت مسيح

(ع) از توطئه قتل ، با معراج وی به سوی خدا

و ما قتلوه و ما صلبوه . .. بل رفعه اللّه إليه

توطئه قتل محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۱ - ۱۴

۱۴ یهود ، در صدد قتل پیامبر اسلام (ص) *

و قتلهم الانبيآء بغير حقّ

برداشت فوق، توجیهی است برای نسبت دادن قتل انبیا به یهود زمان پیامبر (ص). یعنی از اینکه کشتن پیامبران به آنان نسبت داده شده، معلوم می گردد که آنان در صدد قتل پیامبرند ; چرا که وی به منزله همه پیامبران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۰ - ۳

۳ محبوس ساختن یا کشتن و یا تبعید پیامبر (ص) ، از جمله توطئه های کافران مکه علیه آن حضرت

ليثبتوك او يقتلوك او يخرجوك و يمكرون

جمله <و یمکرون> بیانگر این است که کافران علاوه بر تصمیم داشتن به قتل پیامبر(ص) و . .. برنامه های دیگری نیز علیه پیامبر(ص) در نظر داشته اند. لذا در برداشت فوق از آن به <از جمله> تعبیر شده است.

توطئه قتل موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۰ - ۳

۳ - مشاوره سران حکومت فرعون درباره کشتن موسی (ع)

إنّ الملأيأتمرون بك ليقتلوك

<إئتمار> (مصدر <يأتمرون>) به معنای مشورت و رایزنی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۶ - ۱۱،۶،۲،۱

۱ - تصمیم فرعون بر قتل موسی (ع)

و قال

فرعون ذرونی أقتل موسی

۲ - فرعون درباره تصمیم خود مبنی بر کشتن موسی (ع) ، با مشاوران و درباریانش به رایزنی پرداخت .

و قال فرعون ذرونی أقتل موسی

۶ - کشتن موسی (ع) ، راه اصلی مبارزه با رسالت وی و گسترش آیین او ، در نگاه فرعون

و قال فرعون ذرونی أقتل موسی

۱۱ - تصمیم فرعون بر قتل موسی (ع) ، به اتهام فسادانگیزی و اخلالگری او در نظم عمومی کشور

أقتل موسی . .. إنّی أخاف ... أن یظهر فی الأرض الفساد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۷ - ۱

۱ - اطلاع یافتن موسی (ع) از توطئه برای قتل خود به دست فرعون

ذرونی أقتل موسی . .. و قال موسی إنّی عذت بربّی و ربّکم من کلّ متکبّر

توطئه قتل هارون(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۰ - ۱۹

۱۹ گوساله پرستان بنی اسرائیل مهیای کشتن هارون به خاطر مبارزه پی گیر وی با شرکورزی آنان

إن القوم استضعفونی و کادوا یقتلوننی

توطئه قتل هود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۵ - ۳

۳ هود (ع) ، به مشرکان قومش اعلام کرد که در پی توطئه ها و مکرهایشان ، به او مهلت نداده و او را از میان بردارند .

فکیدونی جمیعًا ثم لاتنظرون

<انظار> به معنای مهلت دادن است و <لاتنظرون> (مرا مهلت ندهید) کنایه از <نابودم سازید> ، می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ -

هود - ۱۱ - ۵۶ - ۱

۱ قوم عاد ، درصدد آزار و اذیت هود (ع) و از میان برداشتن او بودند .

فکیدونی جمیعًا ثم لاتنظرون. إنی توکلت علی الله ربی و ربکم

توطئه قتل یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹ - ۱،۲

۱ کشتن یا تبعید یوسف (ع) به سرزمینی دوردست ، رأی اکثریت برادران وی در جلسه توطئه علیه او

اقتلوا یوسف أو اطرحوه أرضًا

جمله <اقتلوا یوسف. ..> را دو گونه می توان تفسیر کرد: ۱ برخی از برادران یوسف به کشتن وی نظر داشتند و برخی دیگر به تبعید او رأی می دادند. ۲اکثریت به توطئه علیه او نظر داشتند، ولی در اینکه او را بکشند و یا تبعید کنند مردد بودند. قابل ذکر است که جمله <إن کنتم فاعلین> در آیه بعد، می رساند که یکی از آنان با هر دو نظر مخالف بود ولذا در برداشت کلمه <اکثریت> آورده شد.

۲ حسادت برادران یوسف به وی ، منشأ تصمیم آنان بر کشتن و یا تبعید او

إذ قالوا لیوسف و أخوه أحب . .. اقتلوا یوسف

تهدید به قتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۴ - ۱

۱ - تنها واکنش قوم ابراهیم در برابر دعوت آن حضرت به توحید عبادی ، تصمیم به قتل و یا سوزاندن وی بود !

و إبرهیم إذ قال لقومه . .. اعبدوه ... فما کان جواب قومه إلّا أن قالوا اقتلوه أو

جرم قتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١ - بقره -

۲ - ۱۷۸ - ۸،۱۱

۸ - اولیای مقتول می توانند قاتل را از قصاص عفو کنند .

فمن عفی له من أخیه شیء

مراد از <من> قاتل و مقصود از <أخیه> ولی مقتول می باشد. ضمیرهای <له> و <أخیه> به <من>، یعنی قاتل باز می گردد و <شیء> عبارت است از حق قصاص. بنابراین جمله <فمن عفی ...> چنین معنا می شود: پس آن قاتلی که از طرف ولی مقتول چیزی از حق قصاص بر او بخشیده شود ... .

۱۱ - ولیّ مقتول ، بهتر است قاتل را عفو کرده و از حق خویش (قصاص) درگذرد .

فمن عفی له من أخیه شیء

ترغیب ولیّ مقتول به گذشت از حق قصاص، از جمله اهدافی است که می توان از کاربرد کلمه <أخیه> به جای ولیّ مقتول استفاده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۱ - ۷

۷ - فتنه انگیزی بدتر از جنگ و خونریزی است .

و الفتنه أشد من القتل

جرم قتل بعد از عفو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۲۶

۲۶ - ولیّ مقتول اگر پس از عفو یا گرفتن دیه ، قاتل را بکشد ، باید کشته شود . *

فمن اعتدی بعد ذلک فله عذاب ألیم

جمله <فله عذاب ألیم> را می توان بیان واقعیتی دانست که تجاوزگر در دنیا یا آخرت به آن گرفتار خواهد شد و می توان آن را حکمی کیفری و مجازاتی شمرد که جامعه اسلامی باید آن را اجرا کند. برداشت فوق بر اساس دومین احتمال است.

حتمیت قتل

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۶ - ۴

۴ - فرار از جبهه جهاد ، ممکن است که نحوه مرگ و یا قتل را تغییر دهد ، اما برای همیشه آنها را منتفی نمی سازد .

قل لن ینفعکم الفرار إن فررتم من الموت أو القتل و إذًا لاتمتّعون إلّا قلیلًا

حرمت قتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۹ - ۷

۷ کُشتن مسلمان ، حرام است .

و لا تقتلوا انفسکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۱ - ۲۴

۲۴ حرمت کشتن انسان، از مشخصه های او در پیشگاه خداوند

و لاتقتلوا النفس التی حرم الله إلا بالحق

<التی حرم الله> به دلیل استثنا (إلا بالحق)، صفت توضیحی برای <النفس> است. و این بدان معناست که حرمت کشتن انسان از تعاریف انسان شمرده و از مشخصه های او دانسته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۳ - ۱،۳،۴

۱- کشتن انسان های بی گناه و بی تقصیر ، ممنوع و حرام است .

و لاتقتلوا النفس التی حرّم الله

۳- حاکمیت اصل حرمت قتل ، جز در مورد های تصریح شده در حقوق و قوانین الهی

و لاتقتلوا النفس التی حرّم الله إلّا بالحقّ

۴- ممنوعیت قتل انسان ، از ویژگی ها و مشخصه های اوست .

و لاتقتلوا النفس التی حرّم الله إلّا بالحقّ

عبارت <التی حرّم الله> به دلیل استثنای <إلّا بالحقّ> صفت توضیحی برای <النفس> است. بنابراین، حرمت قتل انسان، از جمله صفات وی به حساب می آید.

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۶۸ – ۴

۴ کشتن به ناحق انسان ، حرام است .

و لایقتلون النفس التی حرّم اللّه إلاّ بالحقّ

حرمت قتل مؤمنان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۸۴ – ۶

۶ – کشتن مؤمنان به آیین الهی ، از محرمات مؤکّد است .

لاتسفکون دماءکم

هر چند آیه بیانگر میثاقهای خدا با بنی اسرائیل است، ولی بیان آن در قرآن، نشانه آن است که رعایت آنها وظیفه همه مخاطبان قرآن می باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۹۲ – ۳

۳ حرمت و ناروایی کشتن مومن از روی عمد

و ما کان لمؤمن ان یقتل مؤمناً الّا خَطَاً

حرمت قتل ناحق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۳۲ – ۳

۳ حرمت کشتن نابحق بر بنی اسرائیل

کتبنا علی بنی اسرءیل انه من قتل نفساً بغیر نفس . .. فکانما قتل الناس جمیعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۱ - ۲۳

۲۳ کشتن انسانها به ناحق از محرمات الهی است.

و لاتقتلوا النفس التی حرم الله إلا بالحق

<بالحق> صفت برای مفعول مطلق محذوف، یعنی <قتلا>، و <با> در آن به معنای ملابست است; یعنی: < لاتقتلوا النفس إلا قتلا متلبسا بالحق>.

حقیقت قتل خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۲ - ۳۱

۳۱ قتل خطائی آن است که چیزی غیر از مقتول ، هدف

باشد ، لیکن به اشتباه ، مقتول هدف قرار گیرد .

و ما کان لمؤمن ان یقتل مؤمناً الّا خطا . .. و من قتل مؤمناً خطاً

امام صادق (ع) فرمود: . .. و الخطأ من اعتمد شیئا فاصاب غیره.

کافی، ج ۷، ص ۲۷۸، ح ۲ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۳۰، ح ۴۷۵.

خطر قتل موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۶ - ۳

۳ - اقدام بر قتل موسی (ع) ، کاری دشوار ، خطرآفرین و دارای بازتاب ناگوار در میان افکار عمومی درنظر فرعون

و قال فرعون ذرونی أقتل موسی

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که فرعون، در کشتن فرزندان ایمان آورندگان به موسی(ع) با کسی به مشاوره نپرداخت (اقتلوا أبناء الذین آمنوا معه); ولی در کشتن موسی(ع) با مشاوران و درباریان خود به رایزنی پرداخت.

دیه قتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۱۳،۱۸

۱۳ - قاتل در صورتی که از قصاص عفو شود ، باید به اولیای مقتول خون بها بپردازد .

فمن عفی له من أخیه شیء . .. و أداء إلیه بإحسن

۱۸ - اولیای مقتول در صورت گذشت از حق قصاص و مطالبه دیه از قاتل ، باید با وی به گونه ای پسندیده رفتار کنند .

فمن عفی له من أخیه شیء فاتباع بالمعروف

فاعل <اتباع> محتمل است ولی مقتول، و محتمل است قاتل باشد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است. بر این مبنا <فاتباع بالمعروف>; یعنی، اولیای مقتول باید به گونه ای پسندیده با قاتل رفتار کنند; وی را آزار

ندهند; در گرفتن دیه بر او سخت نگیرند; و بیش از حد متعارف از او مطالبه نکنند و ... .

دیه قتل خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۲ - ۷،۲۳،۲۵،۳۲،۳۳،۳۵

۷ خونب های قتل از روی خطا ، باید به طور کامل تسلیم خانواده مقتول گردد .

و من قتل مؤمنا خطأً . .. و دیه مسلّمه الی اهله

در معنای کلمه <مسلّمه> گفته شده است: <المدفوعه الیهم موفّره غیر منقّصه>. یعنی باید به طور کامل و بدون هیچ کاستی تسلیم شود. <مجمع البیان>.

۲۳ قاتل در قتل خطائی ، در صورت ناتوانی از آزادسازی برده با ایمان ، باید دو ماه پیاپی روزه بگیرد .

فمن لم یجد فصیام شهرین متتابعین

۲۵ پرداخت خونب ها ، آزاد کردن برده مؤمن و یا گرفتن روزه ، در قتل خطائی ، زمینه پذیرش توبه قاتل از جانب خداوند

و من قتل مؤمناً خطا . .. توبه من اللّه

<توبه>، مفعول له است و بیانگر فلسفه احکام بیان شده در قتل خطائی. یعنی بنده ای را آزاد کنید یا روزه بگیرید و خونبها هم بدهید، تا خداوند رحمتش را شامل حال شما کند و توبه شما را بپذیرد.

۳۲ آزاد کردن بنده مؤمن در قتل خطائی ، ادای حق خداوند و پرداخت دیه آن ، ادای حقّ اولیای مقتول است .

و من قتل مؤمناً خطأً فتحریر رقبه مؤمنه و دیه مسلّمه الی اهله

امام صادق (ع) در پاسخ سؤال از آیه فوق فرمود: اما تحریر رقبهً مؤمنه ففیما بینه و بین اللّه و امّا الدّیه المسلّمه الی اولیاء المقتول. ..

تفسیر عیاشی، ج ۱،

ص ۲۶۲، ح ۲۱۷ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۳۰، ح ۴۷۳.

۳۳ کافی نبودن آزادسازی کودک برده به عنوان کفاره کشتن مؤمن از روی خطا

و من قتل مؤمناً خطأً فتحریر رقبه مؤمنه

امـام صـادق (ع) در پاسـخ سؤال از جواز آزاد نمودن کودک برده در کفّـاره فرمود: کـلّ العتق یجوز فیه المولود الّـا فی کفّاره القتل فانّ اللّه عزّ و جلّ یقول: <فتحریر رقبه مؤمنه> یعنی بذالک مقرّهً قد بلغت الحنث.

کافی، ج ۷، ص ۶۴۳، ح ۱۵ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۳۱، ح ۴۸۳.

۳۵ قاتل ، معاف از پرداخت دیه مؤمن مقتول به قتل خطائی ، در صورت مشرک بودن اولیای وی

فان کان من قوم عدوّلکم و هو مؤمن فتحریر رقبه مؤمنه

امام صادق (ع) درباره آیه فوق فرمود: اذا کان من اهل الشرک فتحریر رقبه مؤمنه فیما بینه و بین اللّه و لیس علیه دیه . .. .

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۶۳، ح ۲۱۸ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۳۰، ح ۴۷۴.

دیه قتل کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۲ - ۱۸

۱۸ لزوم پرداخت خونب ها و نیز آزادسازی یک برده مؤمن در صورت کشتن کافری از کافران همپیمان *

و ان کان من قوم بینکم و بینهم میثاق فدیه مسلّمه الی اهله و تحریر رقبه مؤمنه

بنابر اینکه مراد از ضـمیر در <کان>، مقتول باشـد ; بدون وصف ایمان. به قرینه فرض سابق که در آنجا به قید ایمان تصـریح کرد و فرمود: <فان کان ... و هو مؤمن>، ولی در این فرض <و هو مؤمن> را نیاورد.

دیه قتل مؤمنان

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۹۲ – ۵،۱۶

۵ ضرورت پرداخت خونب ها علاوه بر کفّاره در صورت کشتن مؤمن از روی خطا

و من قتل مؤمنا خطأً . .. و دیه مسلّمه الی اهله

۱۶ اگر خانواده مؤمن مقتول ، کافر و همپیمان با مسلمانان باشند ، پرداخت دیه به آنان لازم است .

و ان کان من قوم بینکم و بینهم میثاق فدیه مسلّمه الی اهله

زمینه قتل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۲۹ – ۱۲

۱۲ روابط نامشروع اقتصادی ، زمینه بروز خونریزی و جنگ های داخلی

لا تاکلوا اموالکم بینکم بالباطل . .. و لا تقتلوا انفسکم

عطف جمله <لا تقتلوا> بر جمله <لا تاکلوا>، می تواند بیانگر ترتب قتل و خونریزی بر تصرفات نامشروع باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۲۷ – ۱۸

۱۸ حسد ، زمینه ساز قتل و جنایت

قال لاقتلنك

برداشت فوق را فرمایش منقول از امام صادق(ع) تأیید می کند که فرمود: . .. فقبل اللّه قربان هابیل فحسده قابیل فقتله ... .

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۱۲، ح ۸۳; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۱۰، ح ۱۲۵.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۵ - ۵

۵ گروه گروه شدن، زمینه درگیری و خونریزی و نشانه عذاب الهی است.

أو یلبسکم شیعا و یذیق بعضکم بأس بعض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹ - ۶

۶ علاقه آدمی به

محبوب شدن ، می تواند وی را برای رسیدن به این مقصود ، به قتل و جنایت وادار کند .

اقتلوا یوسف . .. یخل لکم وجه أبیکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۶۸ – ۹

۹ شرک ، زمینه ساز آدم کشی ، زنا و روابط ناسالم جنسی در جامعه

و الذین لایدعون مع اللّه إلهًا . .. و لایزنون

عطف جمله <لایقتلون . .. و لایزنون> بر جمله قبل بـدون تکرار اسم موصول (الذین) نشانگر وجود وحدت و ارتباط نزدیک میان گناه آدم کشی و زنا با شرک است و طرح مسأله شرک در آغاز آیه شریفه، حاکی از آن است که شرک مبدأ پیدایش و زمینه ساز آدم کشی و زنا در جامعه است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۲۷ – ۱۰

۱۰ – تکبر در برابر سخن حق و باور نداشتن به روز حساب ، از زمینه های فسادگری و کشتار افراد بی گناه در جامعه

کلّ متکبر لایؤمن بیوم الحساب

توصیف فرعون فاسد و سفاک به متکبر و منکر روز حساب، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

زمینه قتل خویشاوندان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۲۲ – ۷

۷- اخبار خداوند از فسادگری و خویشاوندکشیِ عناصر سست ایمان منافق ، درصورت رسیدن به حکومت

فهل عسیتم إن تولّیتم أن تفسدوا فی الأرض و تقطّعوا أرحامکم

برداشت بالاـ بنابر این نکته است که <تولّیتم> از ماده <ولایت> و به معنای بر عهده گرفتن حاکمیت باشد و مخاطب آن بیماردلانی باشند

که به دلیل سست ایمانی به هنگام فرمان جهاد، به وحشت افتاده و از آن طفره می روند.

زمینه قتل رهبران دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۳۶

۳۶ - تجاوزگری و ارتکاب گناهان ، آدمی رابه سوی کفر گرایش داده و بر کشتن رهبران الهی بی پروا می سازد .

یکفرون بأیت اللّه . .. ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون

زمینه ممانعت از قتل موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۴ - ۱

۱ - مؤمن آل فرعون برای بیدار کردن مردم و انصراف آنان از قتل موسی (ع) ، سرگذشت یوسف پیامبر رایادآور شد .

أتقتلون رجلًا . .. إنّی أخاف علیکم ... و لقد جاءکم یوسف

سختی اجتناب از قتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۵ - ۸

۸ فروتنی ، شب زنده داری ، حلم ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق ، دوری از اسراف ، تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم کشی و سخن باطل ، امری دشوار و مقتضی صبر و شکیبایی

و عباد الرحمن الذین یمشون علی الأرض هونًا . .. و الذین لایشهدون الزور ... أُول

سختی قتل موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۶ - ۳

۳ - اقدام بر قتل موسی (ع) ، کاری دشوار ، خطرآفرین و دارای بازتاب ناگوار در میان افکار عمومی درنظر فرعون

و قال فرعون ذرونی أقتل موسی

برداشت یاد شده

به خاطر این نکته است که فرعون، در کشتن فرزندان ایمان آورندگان به موسی(ع) با کسی به مشاوره نپرداخت (اقتلوا أبناء الذین آمنوا معه)؛ ولی در کشتن موسی(ع) با مشاوران و درباریان خود به رایزنی پرداخت.

سرزنش قتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۸ - ۳

۳ بندگان خالص خدا ، هیچ انسانی را به ناحق نمی کشند .

و لایقتلون النفس التی حرّم اللّه إلاّ بالحقّ

سرزنش قتل موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۸ - ۹،۱۵

۹ - کشتن موسی (ع) به صرف اعتقاد او به ربوبیت خداوند ، کاری نکوهیده و نابه جا در نظر مؤمن آل فرعون

أتقتلون رجلًا أن یقول ربّی اللّه

از استفهام انکاری در جمله <أتقتلون رجلًا. ..> که در مقام تقبیح عمل فرعون می باشد برداشت یاد شده استفاده می شود.

۱۵ - ناروا بودن قتل موسی (ع) ، در نظر مؤمن آل فرعون حتی در صورت دروغ گو بودن او

و إن یک کذبًا فعلیه کذبه

شرایط قتل دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۴ - ۱۰

۱۰- عدم جواز کشتن دشمن ، پس از زمین گیر شدن و قدرت نداشتن او بر دفاع *

فضرب الرقاب حتّی إذا أثختنموهم

مفهوم <حتّى إذا أثخنتموهم>، ممكن است این باشد که پس از زمین گیر شدن دشمن و ناتوانی وی بر دفاع از خویش، کشتن او (ضرب الرقاب) لازم نیست; بلکه موقع اسیر گرفتن او <شدّوا الوثاق> است.

شومی قتل

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۱ - ۲۶

۲۶ سرانجام شوم حسادت و برادرکشی قابیل ، درسی برای اهل کتاب

و اتل علیهم نبأ ابنی ءادم . .. فاصبح من الندمین

با توجه به اینکه ضمیر در <علیهم> به اهل کتاب باز می گردد، هدف اصلی از بر شمردن پیامدهای قتل هابیل، پند گرفتن آنان خواهد بود.

ظلم قتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۰ - ۴

۴ آدمکشی ، تجاوز و ظلم است .

و لا تقتلوا انفسکم . .. و من یفعل ذلک عدواناً و ظلماً

برخی برآنند که <عدواناً> و <ظلماً>، قید توضیحی است و اشاره به علت عقوبت دارد. یعنی چون آدمکشی و انتحار، تجاوز و ظلم است، موجب عقوبت می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۹ - ۱۲

۱۲ قتل و برادر کشی ، ظلم و موجب ورود به آتش دوزخ

قال لاقتلنک قال . .. و ذلک جزؤا الظلمین

ظلم قتل بی گناهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۹ - ۲

۲ - تهاجم بی دلیل به انسان ها و کشتار آنها ، ظلم است .

أَذن للذين يقتلون بأنّهم ظلموا

عوامل قتل

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۳۰ - ۲،۹

۲ وسوسه هاى نفسانى قابيل ، كشتن برادر را بر او هموار ساخت .

فطوعت له نفسه

<طوعت> از مصدر <تطويع> به معناى <تسهيل> و نيز <متابعت> است. برداشت فوق بر اساس معناى اول است.

۹

گستاخی نفس آدمی ، تا حد وادار سازی وی به قتل و جنایت

فطوعت له نفسه قتل اخیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹ - ۳

۳ حسد ، آدمی را به گناهانی همانند قتل و آواره ساختن برادر وادار می سازد .

إذ قالوا لیوسف و أخوه أحب . .. اقتلوا یوسف أو اطرحوه أرضًا

عوامل قتل انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۷ - ۱۷

۱۷ هواپرستی و خودبرتربینی یهود ، وادار کننده ایشان به تکذیب پیامبران و یا قتل ایشان

بما لاتهوی أنفسکم استکبرتم ففریقاً کذبتم و فریقاً تقتلون

تفریع جمله <فریقاً کذبتم و . ..> به وسیله حرف <فاء> بر جمله <بما لا تهوی أنفسکم استکبرتم> گویای برداشت فوق است.

فجیع ترین قتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۹ - ۴

۴ - زنده به گور کردن ، فجیع ترین نوع قتل کودکان

و إذا الموءوده سئلت . بأیّ ذنب قتلت

فعل <قتلت>، بیانگر این است که مؤاخذه به جهت قتل است. بنابراین کلمه <موءوده> که نوع خاصی از قتل را مطرح کرده حاکی از منفورتر بودن آن است.

فلسفه قتل پسران بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۶ - ۴

۴ - کشتار فرزندان ذکور مؤمنان از سوی فرعونیان ، برای جلوگیری از گسترش دعوت موسی (ع) کافی و کارساز نبود .

قالوا اقتلوا أبناء الذین ءامنوا معه . .. و قال فرعون ذرونی أقتل موسی

تصمیم شخص فرعون

مبنی بر کشتن موسی(ع)، پس از اقدام او و درباریانش به کشتن مؤمنان طرفدار موسی(ع)، گویای حقیقت یاد شده است.

فلسفه قتل کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۸ – ۴

۴ جلوگیری از تسلط مشرکان و کافران حق ستیز بر مسلمانان ، فلسفه فرمان الهی مبنی بر کشتن ، اسارت ، محاصره و کمین زدن به آنان

فإذا انسلخ . .. فاقتلوا المشرکین ... کیف و إن یظهروا علیکم لایرقبوا فیکم إلّاً

فلسفه قتل مشرکان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۸ – ۴

۴ جلوگیری از تسلط مشرکان و کافران حق ستیز بر مسلمانان ، فلسفه فرمان الهی مبنی بر کشتن ، اسارت ، محاصره و کمین زدن به آنان

فإذا انسلخ . .. فاقتلوا المشرکین ... کیف و إن یظهروا علیکم لایرقبوا فیکم إلّاً

فلسفه قتل موسی(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۲۶ – ۹

۹ – حفظ آیین مردم (قبطیان) ، بهانه فرعون برای کشتن موسی (ع)

أقتل موسی . .. إنّی أخاف أن یبدّل دینکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۲۸ – ۸

۸ – تصمیم فرعونیان به قتل موسی (ع) ، به خاطر اعتقاد آن حضرت به ربوبیت مطلق خداوند بود .

أتقتلون رجلًا أن يقول ربّی اللّه

فلسفه قتل مؤمنان به موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۶ - ۴

۴ - کشتار فرزندان ذکور

مؤمنان از سوی فرعونیان ، برای جلوگیری از گسترش دعوت موسی (ع) کافی و کارساز نبود .

قالوا اقتلوا أبناء الذين ءامنوا معه . .. و قال فرعون ذرونی أقتل موسی

تصمیم شخص فرعون مبنی بر کشتن موسی(ع)، پس از اقدام او و درباریانش به کشتن مؤمنان طرفدار موسی(ع)، گویای حقیقت یاد شده است.

فلسفه قتل نوجوان قصه خضر(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۷۴ – ۱۱

۱۱– < عن أبی عبداللّه : . . . بینما العالم یمشی مع موسی إذا هم بغلام یلعب قال : < فوکزه العالم ، فقتله . فقال له موسی : < أقتلت نفساً زکیه بغیر نفس لقد جئت شیئاً نکراً ؟ > . قال : < فأدخل العالم یده فاقتلع کتفه فإذا علیه مکتوب : کافر مطبوع ;

از امام صادق(ع) روایت شده: . .. آن گاه که عالم (خضر) با موسی(ع) می رفت، ناگاه، به پسری برخوردند که بازی می کرد. امام فرمود: <پس آن عالم، مشتی بر وی زد و او را کشت. موسی(ع) به او گفت: <أقتلت نفساً زکیه بغیر نفس...؟>. امام فرمود: <پس آن عالم، دست برد و کتف پسر را بیرون آورد که بر آن نوشته شده بود <کافر مطبوع>.(کافری که مهر کفر بر او زده شده است)>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۸۰ – ۱

۱– هدف خضر (ع) از قتل نوجوان ، مصون داشتن پدر و مادر وی از کفر و طغیان بود .

و أمّا الغلم . .. فخشینا أن یرهقهما طغیَنًا و کفرًا

<إرهاق>

یعنی: <وادار ساختن کسی بر کاری که انجام آن برای او دشوار و طاقت فرسا است>. (قاموس).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۱ - ۱

۱- هـدف خضـر (ع) از قتـل نوجوان ، فراهم سـاختن زمینه ای منـاسب برای دستیـابی پـدر و مـادر وی به فرزنـدی پاک تر و مهربان تر بود .

فأردنا أن یبدلهما ربّهما خیرًا منه زکوه و أقرب رحمًا

مراد از <زکـاه> در آیه، طهـارت و پاکی از گناه است و <رُحم> و <رحمت> به یک معنا است. گرچه خضـر(ع) در این سخـن، پـاکی و مهربـانی را برای نوجـوان مقتـول انکـار نکرده است، ولی ممکن است به تنـاسب گفته موسـی(ع) که نوجـوان مقتـول را <نفس زکیه> خوانـد، سـخن خود را در قـالب اسم تفضـیل آورده است، لکن در حقیقت، نوجوان مقتول، یـا فـاقد رحمت و پاکی بوده و یا آینده او به گناه و بی رحمی می انجامید.

فلسفه کیفر قتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۲ - ۶

۶ جلوگیری از پیامد سنگدلی های افسار گسیخته ، فلسفه وضع مجازات سنگین برای قتل و آدمکشی

من اجل ذلک کتبنا علی بنی اسرءیل انه من قتل . .. فکانما قتل الناس جمیعاً

قتل ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶۸ - ۴

۴- بـت پرسـتان در جهـت یـاری بـه بـت پرسـتی و جلـوگیری از نفـوذ منطـق ابراهیـم (ع) ، از طرف گروهی برای کشـتن آن حضرت تحریک شده بودند .

قالوا حرّقوه و انصروا ءالهتکم

آهنگ جمله

<إن کنتم فاعلین> (اگر بناست کاری بکنید) نوعی تحریک است و ظاهر آیه این است که گویندگان (قالوا) و دستور دهندگان (حرّقوه و انصروا)، با شنوندگان و دستور گیرندگان دو گروه بودند و گروه اول دسته دوم را تحریک می کردند. از این رو برخی از مفسران، گروه اول را نمرود و عمال او دانسته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۴ - ۱،۶

۱ - تنها واکنش قوم ابراهیم در برابر دعوت آن حضرت به توحید عبادی ، تصمیم به قتل و یا سوزاندن وی بود !

و إبرهیم إذ قال لقومه . .. اعبدوه ... فما کان جواب قومه إلّا أن قالوا اقتلوه أو

۶ - در بین قوم ابراهیم ، برای برخورد با ابراهیم (ع) دو دید (کشتن و سوزاندن) وجود داشت .

فما کان جواب قومه إلّا أن قالوا اقتلوه أو حرّقوه

<أو> در <أو حرّقوه> می تواند برای تنویع و می تواند برای اباحه باشد. بنابر احتمال نخست، می توان استفاده کرد که قوم ابراهیم، برای از بین بردن او، دو دیدگاه داشته اند: عده ای، حکم به اعدام و گروهی، دستور به سوزاندن او می دادند.

قتل اسیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۴ - ۱۵

۱۵- ممنوعیت کشتن نیرو های دشمن ، پس از به اسارت درآوردن آنان *

فشدّوا الوثاق فإمّا منّا بعد و إمّا فداء

از مقابله <منّا> و <فداءً> با <ضرب الرقاب>، استفاده می شود که پس از اسارت، مسأله قتل مطرح نیست.

قتل اصلاح طلبان

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۱ - ۲۲

۲۲ وعده عذاب دردناک به بنی اسرائیل ، به جهت قتل چهل و سه پیامبر و صد و دوازده آمر به معروف و ناهی از منکر

و یقتلون النّبیّن بغیر حقّ و یقتلون الّذین یأمرون بالقسط من النّاس فبشّرهم بعذاب

رسول اللّه (ص) به عنوان بیان مصداق برای آیه فوق فرمود: قتلت بنو اسرائیل ثلاثه و اربعین نبیّاً اول النّهار فی ساعه واحده فقام مائه رجل و اثنی عشر رجلا من عبّاد بنی اسرائیل فامروا من قتلهم بالمعروف و نهوهم عن المنکر فقتلوا جمیعاً من آخر النّهار فی ذلک الیوم.

تفسیر طبری، ج ۳، ص ۱۴۴ ; مجمع البیان، ج ۲، ص ۷۲۰ ; تفسیر تبیان، ج ۲، ص ۴۲۲.

قتل انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۷ - ۱۵

۱۵ - یهودیان ، گروهی از پیامبران را تکذیب و گروهی از آنان را به قتل رساندند .

ففریقاً کذبتم و فریقاً تقتلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۱۹،۲۳

۱۹ - یهود ، پیامبران بسیاری از نژاد اسرائیل را به قتل رساندند .

فلم تقتلون أنبیاء اللّه من قبل

چون جمله <فلم تقتلون . ..> (پس چرا پیامبران خدا را می کشتید؟) در جواب ادعای یهود، مبنی بر ایمان آنان به پیامبران بنی اسرائیل، آمده است، معلوم می شود: مراد از <أنبیاء اللّه> پیامبران بنی اسرائیل است.

۲۳ - ناسازگاری ایمان به کتاب های آسمانی و قتل پیامبران

قالوا نؤمن بما أنزل علينا . .. قل فلم تقتلون أنبياء اللّه

جلد - نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۹۹ – ۹

۹ – دنیا پرستی ، دشمنی با فرشتگان ، ارتکاب گناهانی همچون کشتن انبیا و رهبران دینی و شکستن پیمان های الهی ، از مصداق های فسق است .

و ما یکفر بها إلا الفسقون

آیات گذشته (از آیه ۷۴ – ۹۸) موانعی را برای ایمان آوردن یهود به قرآن و پیامبر ذکر کرده و در آیه مورد بحث ریشه انکار قرآن و پیامبر(ص) را فسق پیشگی دانسته است. بنابراین آنچه در آن آیات از موانع ایمان آوردن شمرده شده، از نظر قرآن مصداق فسق و بیانگر معنای آن می باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۲۱ – ۳،۴،۵،۶،۷،۹،۱۰،۱۱،۱۳،۱۸

۳ کفر به آیات الهی ، منشأ قتل انبیا و عدالتخواهان

انّ الذین یکفرون . .. و یقتلون النّبیّن ... و یقتلون الذین یأمرون بالقسط

۴ تهدید کافران از سوی خداوند ، نسبت به قتل پیامبران و مردمان عدالتخواه

انّ الذین یکفرون . .. و یقتلون النّبیّن ... فبشّرهم بعذاب الیم

۵ وجود منکران آیات الهی ، قاتلان پیامبران و عدالتخواهان ، در میان اهل کتاب و مشرکان

قل للّذین اوتوا الکتاب و الامّیّن . .. انّ الذین یکفرون بایات اللّه و یقتلون الن

۶ همسانی گناه کفر به آیات الهی ، با قتل انبیا و مردمان عدالتخواه

انّ الذین یکفرون . .. و یقتلون النّبیّن ... و یقتلون

همسانی گناه، از همگون بودن کیفر، استفاده شده است.

۷ همسانی سرنوشت شوم کافران ، با قاتلان پیامبران و عدالتخواهان

انّ الذین یکفرون . .. فبشّرهم بعذاب الیم

الهی ، عملی ناحق و غیر قابل توجیه

و یقتلون النّبیّن بغیر حق

۱۰ کافران با توجیه و تظاهر به حقّ ، انبیای الهی و عدالتخواهان را به قتل می رساندند .

انّ الذین یکفرون . .. و یقتلون النّبیّن بغیر حق و یقتلون الذین یأمرون بالقسط

تأکید و تصریح به <بغیر حق>، بیانگر توجیه و حق نمایی کافران است.

۱۱ بسیاری از پیامبران و عدالتخواهان ، به دست کافران به قتل رسیدند .

انّ الذین یکفرون . .. و یقتلون النّبیّن بغیر حق و یقتلون الذین یأمرون بالقسط

۱۳ شدت غضب خداوند ، از کشتن انبیا و عدالتخواهان *

و یقتلون النّبیّن بغیر حق و یقتلون الذین یأمرون بالقسط

بنظر می رسد تکرار کلمه <یقتلون> برای بیان مبغوضیّت قتل باشد.

۱۸ رضایت کفار عصر پیامبر (ص) به کشتار انبیا توسط گذشتگان ، علّت تهدید آنان به عذاب الهی *

و یقتلون النّبیّن . .. فبشّرهم بعذاب الیم

تهدید بازماندگان قاتلان انبیا به عذاب در صورتی صحیح است که آنان به اعمال گذشتگان خویش راضی باشند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۲۲ – ۲،۴،۱۰

۲ کفر و کشتن پیامبران و عدالتخواهان ، گناه بزرگی است که همه اعمال نیک را می زداید و تباه می کند .

انّ الذین یکفرون . .. اولئک الّذین حبطت اعمالهم

۴ اعمال کافران ، قاتلان انبیا و قاتلان عدالتخواهان ، فاقد اعتبار و ارزش اجتماعی *

انّ الذین یکفرون . .. حبطت اعمالهم

به نظر می رسد حبط عمل در دنیا، به معنای عدم اعتبار آن اعمال و نتایجش باشد.

۱۰ کفر ، و نیز قتل انبیا و

عدالتخواهان ، عامل محرومیّت از یاری شفاعت کنندگان

انّ الذین یکفرون . .. و ما لهم من ناصرین

به نظر می رسد جمله <و ما لهم من ناصرین>، وجود یاری دهندگانی (شافعین) را برای جبران برخی اعمال فرض کرده است; و لیکن شامل اشخاص مذکور در آیه نمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۳ - ۹

۹ پیامبران و عدالتخواهانی که به دست کافران کشته شدند ، خواهان حاکمیت کتب آسمانی بودند . *

یُدعون الی کتاب اللّه لیحکم بینهم

بنابراینکه فاعل محذوف <یدعون>، همان کشته شدگان مذکور در آیه قبل باشند; یعنی: یدعوهم المقتولون الی کتاب اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۵ - ۱

۱ تهدید اهل کتاب از سوی خداوند ، به لحاظ کفرشان به آیات الهی ، قتل پیامبران و عدالتخواهان و افترایشان در دین

قالوا لن تمسّنا النار . .. فکیف اذا جمعناهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۲ - ۱۴

۱۴ اهل کتاب (یهود) ، با علم به ناحق بودن قتل انبیاء ، آنان را می کشتند . *

و یقتلون الانبیاء بغیر حقّ

چون تصوّر حق بودن قتل انبیا نمی رود، لذا می توان گفت که قید <بغیر حق>، اشاره باشد به اینکه قاتلین می دانستند که قتل انبیا، حق نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۳ - ۲

۲ برخی از اهل کتاب ، منکر آیات الهی ، قاتل انبیا و

اهل عصیان و تعدی و برخی دیگر پذیرای طاعت خدا ، اهل تلاوت آیات الهی و سجده کننده در پیشگاه او هستند .

ذلك بانّهم كانوا يكفرون . .. ليسوا سوآءً من اهل الكتب ... و هم يسجدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۱ - ۱۲،۱۳،۱۵،۱۶،۱۷

۱۲ کشتار نابحق (با علم و عمد) انبیای الهی ، به دست یهود

سنكتب ما قالوا و قتلهم الانبيآء بغير حقّ

نفی هر گونه حق در کشتن انبیا دلالت می کند که یهود، با علم به نبوّت آنان و بدون خطا و فراموشی، پیامبران را می کشتند. چون اگر آنان را پیامبر نمی دانستند و یا به خطا و نسیان آنان را می کشتند، <بغیر حقّ> صدق نمی کرد.

۱۳ کثرت پیامبران شهید ، در بین انبیای الهی

و قتلهم الانبيآء بغير حقّ

۱۵ همسنگی گناه و زشتی فقیر پنداشتن خدا و نسبت های ناروا به او ، با گناه کشتار انبیا

سنكتب ما قالوا و قتلهم الانبيآء بغير حقّ

۱۶ نسبت ناروا به خداوند و کشتن پیامبران ، گناهی بزرگ و موجب عذاب سوزان دوزخ

سنكتب ما قالوا و قتلهم الانبيآء بغير حقّ و نقول ذوقوا عذاب الحريق

<حریق>، به معنای محرِق (سوزاننده) است. گفتنی است عذاب سوزان برای کشتن پیامبران و نسبت ناروا به خدا دادن، حاکی از بزرگی چنین گناهانی است.

۱۷ عذاب سوزان نسبت دهندگان فقر به خدا و قاتلان انبیا ، با فرمان مستقیم خداوند

نقول ذوقوا عذاب الحريق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۲ - ۴

۴ رضایت یهود

زمان پیامبر (ص) از کشتار انبیای گذشته به دست نیاکان و همکیشان خویش

و قتلهم الانبیآء . .. ذلک بما قدّمت ایدیکم

به نظر می رسد نسبت قتل پیامبران به یهود عصر پیامبر (ص) که از خطاب در <ایدیکم> به دست می آید، به جهت رضایت آنان به عملکرد گذشتگان خویش باشد، چون آنان مرتکب قتل انبیا نشدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۳ - ۱۲،۱۳،۱۹،۲۷

۱۲ شهادت بسیاری از انبیای الهی به دست یهود ، علی رغم مشاهده معجزات و علم به حقّانیّت آنان

قل قد جآءکم رسل من قبلی بالبیّنات و بالّذی قلتم فلم قتلتموهم ان کنتم صادقین

هنگامی به یک دلیل، <بیّنه> گفته می شود که حقّ را برای طرف مقابل روشن کند و او را به حقانیّت آن آگاه کند. بنابراین یهودیان می دانستند و برای آنان روشن بود که پیامبران واقعی را می کشند.

۱۳ یهود ، حتّی با مشاهـده معجزه مورد درخواست خود (سوختن قربانی در آتشی از غیب) از پیامبران ، نه تنها به آنان ایمان نیاوردند ، بلکه آنان را کشتند .

قل قد جآءکم رسل من قبلی . .. و بالّذی قلتم فلم قتلتموهم

۱۹ یهود عصر پیامبر (ص) با رضایت به کشتار انبیا توسط پیشینیان خود ، در حکم قاتلان انبیا

فلم قتلتموهم ان کنتم صادقین

۲۷ رضایت یهود معاصر پیامبر (ص) از قتل انبیا به دست نیاکانشان در پانصد سال قبل از بعثت ، موجب نسبت دادن قتل انبیا به آنان از سوی خداوند

قل قد جاءکم رسل من قبلی بالبیّنات و بالّذی

قلتم فلم قتلتموهم

امام صادق (ع) پس از تلاوت آیه فوق فرمود: كان بين القاتلين و القائلين خمس ماه عام، فالزمهم اللّه القتل برضاهم ما فعلوا.

كافى، ج ۲، ص ۴۰۹، ح ۱ ; تفسير برهان، ج ۱، ص ۳۲۸، ح ۲، ۴، ۶.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۵ - ۵

۵ پایداری پیامبران در ابلاغ رسالت خويش ، تا شهادت و كشته شدن در راه خدا

و قتلهم الأنبياء بغير حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۹ - ۱۰

۱۰ - تلاش در جهت كشتن انبيا و محو پيام آنان ، بارزترين نمود فسادگرى در زمين

يفسدون فى الأرض . .. قالوا تقاسموا باللّه لنبيّتنّه

از اين كه خداوند از ميان همه فسادگرى هاى گروه هاى مورد بحث، تصميم ايشان به قتل پيامبر را مطرح ساخته است، معلوم مى شود كه اين تصميم، خطرناك ترين و خائنانه ترين برنامه اى است كه مى تواند از سوى مفسدان عملى شود.

قتل انبيا در يهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۳ - ۱۲،۱۳،۱۹،۲۷

۱۲ شهادت بسيارى از انبياى الهى به دست يهود ، على رغم مشاهده معجزات و علم به حقّانيّت آنان

قل قد جآءكم رسل من قبلى بالبيّنات و بالّذى قلتم فلم قتلتموهم ان كنتم صادقين

هنگامى به يك دليل، <بيّنه> گفته مى شود كه حقّ را براى طرف مقابل روشن كند و او را به حقانيّت آن آگاه كند. بنابراين يهوديان مى دانستند و براى آنان روشن بود كه پيامبران واقعى را مى

کشند.

۱۳ یهود ، حتّی با مشاهـده معجزه مورد درخواست خود (سوختن قربانی در آتشـی از غیب) از پیامبران ، نه تنها به آنان ایمان نیاوردند ، بلکه آنان را کشتند .

قل قد جآءکم رسل من قبلی . .. و بالّذی قلتم فلم قتلتموهم

۱۹ یهود عصر پیامبر (ص) با رضایت به کشتار انبیا توسط پیشینیان خود ، در حکم قاتلان انبیا

فلم قتلتموهم ان کنتم صادقین

۲۷ رضایت یهود معاصـر پیامبر (ص) از قتل انبیا به دست نیاکانشان در پانصد سال قبل از بعثت ، موجب نسـبت دادن قتل انبیا به آنان از سوی خداوند

قل قد جاءکم رسل من قبلی بالبیّنات و بالّذی قلتم فلم قتلتموهم

امام صادق (ع) پس از تلاوت آیه فوق فرمود: کان بین القاتلین و القائلین خمس ماه عام، فالزمهم اللّه القتل برضاهم ما فعلوا.

کافی، ج ۲، ص ۴۰۹، ح ۱ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۲۸، ح ۲، ۴، ۶.

قتل انبیای بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۹۱ – ۲۱

۲۱ – کشته شدن پیامبرانی از نژاد اسرائیل به دست یهودیان ، دلیل ایمان نداشتن آنان حتی به پیامبران بنی اسرائیل

نؤمن بما أنزل علینا . .. قل فلم تقتلون أنبیاء اللّه من قبل

قتل انسان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۳۲ – ۳۲

۳۲ گمراه نبودن انسان هدایت یافته ، به منزله کشتن وی و هدایت انسان گمراه ، به منزله زنده کردنش می باشد .

من قتل نفساً . .. فكانما قتل الناس جميعاً و

من احیاها فکانما احیا الناس جمیعاً

امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق فرمود: من اخرجها من ضلال الی هدی فکانما احیاها و من اخرجها من هدی الی ضلال فقد قتلها.

کافی، ج ۲، ص ۲۱۰، ح ۱; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۱۹، ح ۱۵۳.

قتل برادر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۹ - ۱۲

۱۲ قتل و برادر کشی ، ظلم و موجب ورود به آتش دوزخ

قال لاقتلنک قال . .. و ذلک جزؤا الظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹ - ۳

۳ حسد ، آدمی را به گناهانی همانند قتل و آواره ساختن برادر وادار می سازد .

إذ قالوا لیوسف و أخوه أحب . .. اقتلوا یوسف أو اطرحوه أرضًا

قتل بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۳ - ۱

۱- تصمیم فرعون به محو موسی (ع) و بنی اسرائیل از صحنه زمین ، به دنبال احساس ناتوانی از مقابله با معجزات او

و لقد ءاتینا موسی تسع ءایت . .. فأراد أن یستفزّهم من الأرض

برداشت فوق بنابراین نکته است که مراد از <الأرض> کره زمین باشد. در این صورت لازمه <استفزاز> (برکندن)، قتل و نابود کردن است.

قتل بیماردلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۱ - ۶

۶ - بیماردلانی که اقدام به فساد و آزار زنان می کنند ، در صورت ادامه کار خود ، محکوم به قتل اند .

لئن لم ینته . .. و الذین فی قلوبهم

مرض ... ملعونین أینما ثقفوا أَخذوا و قتّلوا ت

قتل بیماردلان مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۲ - ۴

۴ - فرمان مهدورالدم بودن منافقان و بیماردلان و شایعه پراکنان در مدینه ، ادامه اجرای سنّت تغییر ناپذیر الهی بوده است .

أینما ثقفوا أُخذوا و قتّلوا . .. سنّه اللّه ... ولن تجد لسنّه اللّه تبدیلاً

قتل پسران بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۹ - ۴،۵،۷،۹،۱۶

۴ - فرعونیان ، پسران بنی اسرائیل را سر می بریدند و زنانشان را زنده باقی می گذاشتند .

یذبحون ابناءکم و یستحیون نساءکم

<ذبح> به معنای سربریدن است و <تذبیح> (مصدر یذبحون از باب تفعیل) از کثرت سربریدن حکایت دارد. <إستحیاء> (مصدر یستحیون) به معنای باقی گذاردن بر حیات و زندگانی است.

۵ - کشتار گسترده پسران و زنده نگه داشتن زنان ، سخت ترین شکنجه فرعونیان بر بنی اسرائیل

یسومونکم سوءالعذاب یذبحون ابناءکم و یستحیون نساءکم

جمله <یذبحون . .. > می تواند تفسیر جمله قبل باشد; یعنی، منظور از <سوء العذاب> همان سربریدن پسران و باقی گذاشتن زنان است و نیز می تواند بیان مصداق بارزی از آن باشد; یعنی، فرعونیان عذابهایی بر بنی اسرائیل تحمیل می کردند که از آن جمله سربریدن فرزندان و ... می باشد. بر این مبنا ذکر به خصوص عذاب یاد شده، به خاطر شدت آن بوده است.

۷ - زنان بنی اسرائیل به خاطر کشتار وسیع فرزندانشان به دست فرعونیان ، لذت حیات از آنان سلب شده بود و از زنده ماندن خود در عذاب بودند .

یسومونکم

سوءالعذاب یذبحون ابناءکم و یستحیون نساءکم

زنـده گذاشـتن زنان، به عنوان یک عـذاب برای بنی اسـرائیل مطرح شـده است; در حالی که مجرد نکشـتن، عذاب و شـکنجه تلقی نمی شود. بنابراین با توجه به اینکه جمله <یستحیون نساءکم> پس از <یذبحون ابناءکم> آمده، می توان گفت: همان کشـتن فرزندان موجب می شده که زنان از زنده ماندن خویش و دیدن قتل فجیع فرزندانشان، در رنج و عذاب باشـند. آوردن زنان و نه دختران در مقابل پسران این معنا را تأیید می کند.

۹ - در صورتی که خداوند بنی اسـرائیل را از سـیطره فرعونیان نجات نمی داد ، آنان همچنان به شـکنجه و کشـتار فرزندانشان ادامه می دادند .

یسومونکم سوءالعذاب یذبحون ابناءکم و یستحیون نساءکم

برداشت فوق از فعلهای مضارع <یسومون> و <یذبحون> و <یستحیون> استفاده شده است.

۱۶ - از امام صادق (ع) روایت شـده : < . . . اما مولد موسـی (ع) فان فرعون لما وقف علی ان زوال ملکه علی یده . . . فلم یزل یأمر أصحابه به بشق بطون من الحوامل نساء بنی اسرائیل حتی قتل فی طلبه نیف و عشرون ألف مولود . . .

امـا قصه تولـد حضـرت موسـی (ع) پس چون فرعون فهمیـد که انقراض پادشـاهی او به دست موسـی (ع) است; پس مـدام به اطرافیانش دسـتور می داد که شـکم زنان حامله بنی اسـرائیل رابشـکافند تا اینکه بیش از بیست هزار کودک را - در جستجوی موسی (ع) - به قتل رساندند . ..>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۷ - ۱۱

۱۱ فرعون با پذیرش پیشنهاد

اشرافیان (سرکوبی موسی (ع) و قوم او) بر کشتار وسیع پسران بنی اسرائیل و زنده نگاه داشتن زنانشان مصمم شد .

قال سنقتّل أبناءهم و نستحی نساءهم

تقتیل (مصدر تقتّل) به معنای کشتار وسیع است. <استحیاء> از ماده <حیات> به معنای زنده نگاه داشتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۱ - ۶،۷،۸

۶ فرعونیان ، پسران بنی اسرائیل را می کشتند و زنانشان را زنده باقی می گذاشتند .

یقتلون أبناءکم و یستحیون نساءکم

<تقتیل> (مصدر یقتلون) به معنای کثرت کشتار است و <استحیاء> به معنای باقی گذاردن بر زندگانی است.

۷ کشتار گسترده پسران و زنده نگه داشتن زنان ، سخت ترین شکنجه فرعونیان بر بنی اسرائیل

یسومونکم سوء العذاب یقتلون أبناءکم و یستحیون نساءکم

جمله <یقتلون أبناءکم و یستحیون نساءکم> می تواند تفسیر جمله قبل باشد ; یعنی منظور از <سوء العذاب> همان کشتار فرزندان و باقی گذاشتن زنان است. همچنین می تواند بیان مصداقی از آن باشد ; یعنی فرعونیان عذابهایی بر شما تحمیل کردند ; از جمله کشتار فرزندان و زنده گذاشتن زنان. بر این مبنا ذکر ویژه دو عذاب یاد شده، به سبب شدت بیشتر آن بوده است.

۸ زنان بنی اسرائیل به سبب کشتار وسیع فرزندانشان به دست فرعونیان ، لذت حیات و زنده ماندن از آنان سلب شده بود .

یسومونکم سوء العذاب یقتلون أبناءکم و یستحیون نساءکم

<زنده گذاشتن زنان> به عنوان یک عذاب برای قوم بنی اسرائیل است که از جمله آن قوم، خود زنان هستند. و چون مجرد زنده گذاشتن عذاب تلقی نمی شود، با توجه به اینکه <یستحیون>

پس از <یقتلون> آمده، می توان گفت کشتن فرزندان به گونه ای بوده که زنان، یعنی مادران جامعه، از زنده ماندن خودشان و دیدن قتل فجیع فرزندانشان در رنج و عذاب بودند. آوردن <نساء> در مقابل <أبناء> می تواند این احتمال را تأیید کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۶ - ۱۳،۱۴،۱۷

۱۳- سر بریدن پسران و زنده نگه داشتن زنان بنی اسرائیل ، بدترین نوع تحمیل شکنجه و آزار از سوی فرعونیان به آنان

یسومونکم سوء العذاب و یذبّحون أبناءکم و یستحیون نساءکم

آوردن <یذبّحون أبناءکم و یستحیون نساءکم> پس از <یسومونکم> می تواند جمله تفسیری برای آن باشد. در این صورت، این دو مورد، شرح شکنجه ها و رفتارهای ظالمانه آل فرعون است.

۱۴- فزونی چشمگیر زنان بر مردان در جامعه و بر هم خوردن اعتدال جمعیتی ، مایه پدید آمدن مشکلات اجتماعی آزار دهنده برای زنان

یستحیون نساءکم

اینکه خداوند برای شکنجه های آل فرعون، کشتن پسران و زنده نگه داشتن زنان را برشمرده است، امکان دارد بدین علت باشد که چنین عملی، تعادل جمعیت را بر هم می زند و در نتیجه جمعیت زنان افزونی پیدا می کند و این خود شکنجه ای آزار دهنده برای مردم است.

۱۷- نجات بنی اسرائیل از شکنجه و کشتار فرعونیان ، آزمایش بزرگ الهی از آنان بود .

إذ أنجکم من ءال فرعون . .. و فی ذلکم بلاء من ربّکم عظیم

برداشت فوق مبتنی بر این است که مشارالیه <ذلکم> نجات بنی اسرائیل به وسیله خداوند از اعمال ظالمانه فرعونیان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص -

۲۸ - ۴ - ۹،۱۱

۹ - اقدام فرعون به کشتار وسیع و بی رحمانه پسران بنی اسرائیل

یستضعف طائفه منهم یذبّح أبناءهم

به کارگیری فعل مضارع باب تفعیل (یذبّح)، بیانگر وسعت و گستردگی کشتار است.

۱۱ - زنده نگه داشتن دختران بنی اسرائیل علی رغم کشتن پسران آنان ، اقدام بی رحمانه دیگر فرعون علیه آن قوم

یذبّح أبناءهم و یستحیی نساءهم

<نساء> مقابل <رجال> و به معنای زنان است و قرار گرفتن آن در مقابل <أبناء> (پسران)، نشان می دهد که مقصود از آن در این جا <بنات> (دختران) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸ - ۷

۷ - کشتن پسران بنی اسرائیل از سویی و برگرفتن موسی (ع) از آب از سوی دیگر ، نمود خطاپیشگی و نابخردی فرعونیان

یذبّح أبناءهم . .. فالتقطه ءال فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۵ - ۵،۷،۹،۱۴

۵ - فرمان فرعون ، هامان و قارون ، بر کشتن فرزندان ذکور مؤمنان همراه موسی (ع)

قالوا اقتلوا أبناء الذین ءامنوا معه

۷ - کشتار فرزندان ذکور مؤمنان ، تنها راه پیشگیری از رواج آیین موسی ، در نگاه فرعون ، هامان و قارون

قالوا اقتلوا أبناء الذین ءامنوا معه

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که نخستین واکنش فرعون و. .. در برابر ایمان آورندگان به موسی(ع)، قتل پسران آنان بود.

۹ - زنده گذاشتن دختران مؤمنان علی رغم کشتار پسران آنان اقدام بی رحمانه دیگر فرعون ، هامان و قارون علیه موسی (ع)

و بنی اسرائیل بود .

و استحیوا نساءهم

۱۴

- توطئه مشترک فرعون ، هامان و قارون برای کشتار فرزندان ذکور مؤمنان در عصر موسی (ع) نافرجام ماند .

قالوا اقتلوا أبناء الذین ءامنوا معه . .. و ما کید الکفرین إلاّ فی ضلل

قتل جادوگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۹ - ۱۱

۱۱ - < عن رسول اللّه (ص) قال : إذا أخذتم الساحر فاقتلوه ثمّ قرأ < و لایفلح الساحر حیث أتی > قال : لایأمن حیث وجد ;

از رسول خدا(ص) روایت شده که فرمود: هرگاه بر ساحری دست یافتید او را بکشید; سپس این آیه را قرائت فرمود: <و لایفلح الساحر حیث أتی> [آن گاه]فرمود: ساحر هرجا یافت شود در امان نیست>.

قتل جایز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۲۶

۲۶ - ولیّ مقتول اگر پس از عفو یا گرفتن دیه ، قاتل را بکشد ، باید کشته شود . *

فمن اعتدی بعد ذلک فله عذاب ألیم

جمله <فله عذاب ألیم> را می توان بیان واقعیتی دانست که تجاوزگر در دنیا یا آخرت به آن گرفتار خواهد شد و می توان آن را حکمی کیفری و مجازاتی شمرد که جامعه اسلامی باید آن را اجرا کند. برداشت فوق بر اساس دومین احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۱ - ۱،۲،۱۳،۱۷

۱ - مسلمانان باید کافران محارب را هر کجا یافتند ، بکشند .

و اقتلوهم حیث ثقفتموهم

ضمیر <هم> در جمله فوق به <الذین یقاتلوکم> بر می گردد و لذا از آنان به

کافران محارب تعبیر شده است. <ثقف> (مصدر ثقفتم> به معنای یافتن و دسترسی پیدا کردن است.

۲ - ضرورت کشتن کافران محارب ، محدود به میدان جنگ نیست .

و اقتلوهم حیث ثقفتموهم

عبارت <حیث ثقفتموهم> (هر کجا آنان را یافتید و بر آنان دسترسی داشتید) گویای برداشت فوق است.

۱۳ - در صورتی که دشمنان دین در مسجدالحرام و نواحی آن علیه مسلمانان وارد جنگ شوند ، نبرد با آنان و کشتن شان واجب است .

و لاتقتلوهم عند المسجدالحرام حتی یقتلوکم فیه فإن قتلوکم فاقتلوهم

۱۷ - سزای کفرپیشگان محارب و فتنه انگیز ، کشتن آنان است .

فاقتلوهم کذلک جزاء الکفرین

<ال> در <الکافرین> عهدیه است و اشاره به کافرانی دارد که سر جنگ با مسلمانان دارند و یا علیه ایشان فتنه انگیزی می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵ - ۱۱

۱۱ بهره گیری از تمام شیوه های ممکن (کشتن ، اسیر کردن ، محاصره نمودن و کمین زدن) به منظور وادار کردن جوامع غیر مسلمان به پذیرش آیین اسلام ، در پی اتمام حجت و دادن فرصت کافی به آنان ، بلامانع است .

فإذا انسلخ الأشهر الحرم فاقتلوا المشرکین . .. فإن تابوا ... فخلّوا سبیلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۳ - ۲،۹

۲- جان برخی از انسان ها ، فاقد حرمت و ارج بوده و می توان آنها را به قتل رساند .

و لاتقتلوا النفس التی حرّم الله إلاّ بالحقّ

۹- کشتن انسان ها بر اساس حق ، ظلم و کاری ناروا به شمار نمی آید .

و

لاتقتلوا . .. إلّا بالحقّ و من قتل مظلومًا فقد جعلنا لوليّه سلطنًا

عنوان <کشته بحق> و <کشته به ظلم> دو عنوان متضاد است که هر یک دیگری را نفی می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۸ - ۵،۶

۵ کشتن انسان مستحق قتل ، جایز است .

و لایقتلون النفس التی حرّم اللّه إلّا بالحقّ

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که <بالحقّ> متعلق به <لایقتلون> و استثنای <إلّا بالحقّ> از نوع استثنای مفرغ باشد; یعنی، <لایقتلونها بسبب من الأسباب إلّا بسبب الحقّ; نمی کشند هیچ کس را به هر دلیلی که باشد مگر به سبب حق>.

۶ برخی از انسان ها ، فاقد حرمت و ارزش انسانی و مستحق نابودی اند .

و لایقتلون النفس التی حرّم اللّه إلّا بالحقّ

قتل جایز منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۱ - ۴

۴ - منافقان آزاردهنده زنان مسلمان ، در صورت تداوم کردار زشت خود ، مهدورالدم بوده و در هر کجا که یافته شوند ، باید به قتل برسند .

لئن لم ینته المنفقون . .. لنغرینّک بهم ... أینما ثقفوا أُخذوا و قتّلوا تقتیلاً

<ثقف> (مصدر <ثقفوا>) به معنای <مهارت در درک و انجام دادن کار> است (مفردات راغب). در آیه، این واژه به معنای <به دست آوردن و دستیازی> استعمال شده است.

قتل حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۰ - ۱،۲،۶

۱ ممنوعیّت تعقیب و کشتن منافقان و کافرانی که با همپیمانان مسلمین رابطه ای

ویژه (همانند پیمان نظامی) دارند .

فان تولوا فخذوهم و اقتلوهم . .. الّا الّذین یصلون الی قوم بینکم و بینهم میثاق

مراد از رابطه ویژه ای که از <یصلون الی . .. > استفاده می شود، رابطه ای است که اگر هر یک از آن دو طایفه مورد تعرض قرار گیرند، طایفه دیگر موظّف به حمایت از آنان شوند ; همانند پیمان نظامی.

۲ ممنوعیّت تعقیب و کشتن منافقان پناهنده ، به همپیمانان مسلمین

الّا الّذین یصلون الی قوم بینکم و بینهم میثاق

مراد از <یصلون>، می تواند پناهنده شدن منافقان به همپیمانان مسلمین باشد. چون <یصلون> را به منافقان اسناد داده، نه به همپیمانان.

۶ ممنوعیّت تعقیب و کشتن منافقان و کافرانی که از نبرد با مسلمانان و اقوام کافر خویش بیزارند و بیطرفی خویش را ابراز می دارند .

الّا الّذین . .. او جاءوکم حصرت صدورهم ان یقتلوکم او یقاتلوا قومهم

<حصر صدور>، به معنای دلتنگی است که از آن به بیزاری تعبیر شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۴ - ۱۱،۱۰،۶،۱

۱ مؤمنان ، وظیفه دار پرهیز از کشتن افراد مشکوک در مسیر سفر برای جهاد قبل از احراز کفر آنان

یا ایّها الّذین امنوا اذا ضربتم فی سبیل اللّه فتبیّنوا

از سیاق آیه و شأن نزول وارد شده چنین استفاده می شود که مسلمانان به هنگام حرکت به سوی نبرد در بین راه اگر به افرادی مشکوک مواجه می شدند، به گمان اینکه آن افراد از قوای دشمن هستند، ممکن بود آنان را به قتل برسانند ; خداوند اهل ایمان را امر می کند که

بدون تحقیق، شخص مشکوک را نکشید.

۶ حرمت قتل و هر گونه تعرض به دشمن ، در صورت اظهار اسلام

و لا تقولوا لمن القی الیکم السّلام لست مؤمنا

مراد از القای اسلام، به قرینه <لست مؤمناً>، اظهار اسلام با گفتن شهادتین و یا سخنی که حاکی از مسلمان شدن است، می باشد.

۱۰ ضرورت پرهیز از کشتن افراد و یا گروه های از دشمنان محارب که تسلیم شده و خواهان ترک نبرد هستند .

و لا تقولوا لمن القی الیکم السّلام لست مؤمنا

با توجه به معنای لغوی <سلام> (صلح)، مراد از القای سلام، صلح خواهی است. یعنی اگر دشمن خواهان صلح است، نبرد با او جایز نیست و جمله <لست مؤمنا>، اشاره به این معنی دارد که در ترک تعرض، تنها ایمان شرط نیست ; بلکه تسلیم و یا صلح خواهی نیز کافی است.

۱۱ حرمت تعرض و قتل دشمنان در گرو اظهار تسلیم است ، نه ایمان آوردن آنان .

و لا تقولوا لمن القی الیکم السّلام لست مؤمنا

بنابراین احتمال که مراد از القای سلام، تسلیم شدن باشد، نه اظهار اسلام و ایمان.

قتل خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۲ - ۲۷

۲۷ لزوم احتیاط برای حفظ نفوس و سعی در پیشگیری از وقوع قتل خطائی

و من قتل مؤمناً خطا . .. توبه من اللّه

اگر چنین احتیاطی لازم و ضروری نبود، نباید خداوند به خاطر کاری که از اختیار انسان خارج است، وی را از رحمت خویش دور سازد.

قتل در بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ -

۳۲ - ۴،۵،۲۶،۳۵

۴ وجود زمینه های فراوان قتل و خونریزی نابحق در بنی اسرائیل

و من اجل ذلک کتبنا علی بنی اسرءیل

نـام بردن بنی اسـرائیل با اینکه حکم یاد شـده اختصاص به آنان نـدارد، حاکی از این است که بنی اسـرائیل بیش از دیگران در خطر ارتکاب قتل و جنایت بوده اند.

۵ جنایت و برادرکشی قابیل ، موجب سختگیری خداوند در مجازات قتل بر بنی اسرائیل

فقتله . .. من اجل ذلک کتبنا علی بنی اسرءیل انه من قتل نفساً بغیر نفس

<ذلک> اشاره است به داستان هابیل و قابیل.

۲۶ بسیاری از بنی اسرائیل ، مردمی خونریز و آدمکش

ثم ان کثیراً منهم بعد ذلک فی الارض لمسرفون

مراد از اسـراف، به قرینه فرازهای قبلی، می توانـد خروج بنی اسـرائیل از حـد اعتـدال در قتل نفس، یعنی آدمکشـیهای نابحق و خونریزیهای مکرر، باشد.

۳۵ بسیاری از بنی اسرائیل مرتکب خونریزی شده و حرام های خدا را حلال می شمردند .

ثم ان کثیراً منهم بعد ذلک فی الارض لمسرفون

از امام باقر(ع) روایت شده: المسرفون هم الذین یستحلون المحارم و یسفکون الدماء.

تفسیر تبیان، ج ۳، ص ۵۰۴; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۲۰، ح ۱۵۸.

قتل در تاریخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۷ - ۱۶

۱۶ حسد و خودخواهی ، ریشه و آغاز برادرکشی در تاریخ

قال لاقتلنک

قتل در قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۴ - ۴

۴ - کشتن و آتش زدن ، از شیوه های قوم ابراهیم ، برای رویارویی با دعوت توحیدی او بود .

إبرهیم إذ قال

. .. ذلكم خير لكم ... فما كان جواب قومه إلاّ أن قالوا اقتلوه أو حر

قتل در مسجد الحرام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۹۱ – ۱۳

۱۳ – در صورتی که دشمنان دین در مسجدالحرام و نواحی آن علیه مسلمانان وارد جنگ شوند ، نبرد با آنان و کشتن شان واجب است .

و لاتقتلوهم عند المسجدالحرام حتی یقتلوکم فیه فإن قتلوکم فاقتلوهم

قتل دشمنان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۹۱ – ۷،۱۱،۱۵

۷ لزوم تعقیب و کشتن دشمنان ، بدون مهلت و تحت هر شرایط ، در صورت توطئه گری و عدم پیشنهاد صلح و دست بر نداشتن از اذیّت مسلمانان

فان لم یعتزلوکم و یلقوا الیکم السّلم و یکفّوا ایدیهم فخذوهم و اقتلوهم حیث ثقفتمو

۱۱ ایجاد امنیّت و آرامش از اهداف فرمان الهی به تعقیب و کشتن دشمنان توطئه گر و جنگ طلب

فان لم یعتزلوکم و یلقوا الیکم السّلم و یکفّوا ایدیهم فخذوهم و اقتلوهم حیث ثقفتمو

۱۵ – مسلمانان ، برخوردار از دلیلی روشن برای جواز تعقیب و کشتن دشمنان توطئه گر و جنگ طلب

و اولئکم جعلنا لکم علیهم سلطاناً مبیناً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۲۵ – ۱۷

۱۷ – وارد گشتن خسارت سنگین (مانند قتل ، جرح و . . .) به دشمن از ره آورد های جهاد

فیه بأس شدید

<بأس> عبارت از عذاب و آسیب های جدی است که در میدان نبرد، برطرف وارد می شود.

قتل رهبران دینی

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۹ - ۹

۹ - دنیا پرستی ، دشمنی با فرشتگان ، ارتکاب گناهانی همچون کشتن انبیا و رهبران دینی و شکستن پیمان های الهی ، از مصداق های فسق است .

و ما یکفر بها إلا الفسقون

آیات گذشته (از آیه ۷۴ - ۹۸) موانعی را برای ایمان آوردن یهود به قرآن و پیامبر ذکر کرده و در آیه مورد بحث ریشه انکار قرآن و پیامبر(ص) را فسق پیشگی دانسته است. بنابراین آنچه در آن آیات از موانع ایمان آوردن شمرده شده، از نظر قرآن مصداق فسق و بیانگر معنای آن می باشد.

قتل شایعه پراکنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۱ - ۵

۵ - شایعه پراکنان در مدینه ، در صورت ادامه شایعه پراکنی ، محکوم به قتل بودند .

لئن لم ینته . .. و المرجفون فی المدینه ... أینما ثقفوا أُخذوا و قتّلوا تقتیلاً

قتل شایعه پراکنان مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۲ - ۴

۴ - فرمان مهدورالدم بودن منافقان و بیماردلان و شایعه پراکنان در مدینه ، ادامه اجرای سنّت تغییر ناپذیر الهی بوده است .

أینما ثقفوا أُخذوا و قتّلوا . .. سنّه اللّه ... ولن تجد لسنّه اللّه تبدیلاً

قتل شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۵ - ۱،۷

۱ کافران قوم ثمود ، با نادیده گرفتن هشدار های صالح (ع) ، ناقه او را پی کردند و آن را هلاک ساختند .

فعقروها

<عقر>

(مصدر عقروا) در اصل به معنای پی کردن شتر و قطع پاهای آن با شمشیر است; به نحر کردن و کشتن شتر نیز <عقر> گفته می شود.

۷ < عن أبی عبدالله (ع) (فی حدیث قوم صالح) . . . قالوا : اعقروا هذه الناقه . . . ثم قالوا : من الذی یلی قتلها و نجعل له جعلاً ـ ما أحب ، فجائهم رجل . . . شقی من الأشقیاء . . . فجعلوا له جعلاً . . . فقعد لها فی طریقها فضربها بالسیف ضربه فلم تعمل شیئاً فضربها ضربه اُخری فقتلها . . . و أقبل قوم صالح فلم یبق أحد منهم إلاّ شرکه فی ضربته . . . فأوحی الله تبارک و تعالی إلی صالح (ع) . . . قل لهم : إنی مرسل علیکم عذابی إلی ثلاثه أیام فإنهم تابوا و رجعوا قبلت توبتهم و صددت عنهم . . . فأتاهم صالح (ع) فقال لهم : . . . یا قوم إنکم تصبحون غداً و وجوهکم مصفرّه والیوم الثانی وجوهکم محمرّه والیوم الثالث وجوهکم مسودّه . . . ;

از امام صادق(ع) [در داستان قوم صالح] روایت شده که [قوم او]گفتند: این شتر را از پای درآورید . .. سپس گفتند: چه کسی داوطلب کشتن آن می شود ما برای او دستمزدی که دلخواهش باشد قرار می دهیم. پس مردی که از اشقیا بود، نزد آنان آمد ... و دستمزدی برای او قرار دادند. پس آن مرد در راه شتر کمین کرد و ضربتی بر آن وارد کرد که کارساز نبود و با ضربتی دیگر

او را کشت ... و قوم صالح آمدند و تمامی آنها [با پرداخت اجرت] در ضربه ای که آن مرد زده بود، خود را سهیم کردند ... پس خدا به صالح وحی کرد که به آنان بگو من تا سه روز عذاب خود را بر شما خواهم فرستاد. پس اگر [در این سه روز] آنان توبه کردند و برگشتند، توبه آنها را می پذیرم و از [عذاب]آنان منصرف می شوم ... پس صالح نزد قومش آمد و گفت...ای قوم! فردا صبح صورتهای شما زرد می شود و روز دوم سرخ و روز سوم سیاه می گردد...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۶ - ۱

۱ قوم ثمود ، بدون بهره گرفتن از مهلت سه روزه ، از کشتن ناقه اظهار ندامت نکردند و بر شرکورزی و انکار رسالت صالح (ع) اصرار ورزیدند .

فلما جاء أمرنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۷ - ۴

۴ کشتن ناقه صالح ، از ستمگری های قوم ثمود بود .

و أخذ الذین ظلموا الصیحه

از آن جا که کشتن ناقه صالح نیز در نزول عذاب دخیل بود ، معلوم می شود ظلم در <الذین ظلموا> اشاره به کشتن ناقه نیز دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۷ - ۱،۳،۸

۱ - اقدام ثمودیان به پی کردن ناقه صالح ، علی رغم هشدار وی

و لاتمسّوها بسوء . .. فعقروها

<عَقْر> (مصدر <عقروا>) به معنای پی کردن و <اصبحوا> معادل <صاروا> است.

۳ - هم دلی و هم

گامی ثمودیان در کشتن ناقه صالح

فعقروها فأصبحوا ندمین

با توجه به این که ناقه صالح، تنها به وسیله یک تن از ثمودیان پی شد، جمع آمدن <عقروا> و نیز <أصبحوا نادمین>، می رساند که همه قوم ثمود در کشتن ناقه دست داشتند و یا بدان راضی بودند.

۸ - < عن علی (ع) : . . . إنّما عقر ناقه ثمود رجل واحد فعمّهم اللّه بالعذاب لماعموه بالرضی فقال سبحانه < فعقروها فأصحبوا نادمین > . . . ;

از حضرت علی(ع) روایت شده است:. .. پی کننده ناقه قوم ثمود یک نفر بود; در حالی که خداوند عذاب را بر همه آنان فرستاد; چون آنان به عمل آن یک نفر راضی بودند. خداوند سبحان می فرماید: <فعقروها فأصبحوا نادمین>...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۸ - ۲

۲ - نتیجه بخش نبودن پشیمانی ثمودیان ، پس از کشتن ناقه صالح

فعقروها فأصبحوا ندمین . فأخذهم العذاب

قتل عدالتخواهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۱ - ۳،۴،۵،۶،۷،۱۰،۱۱،۱۳،۱۶

۳ کفر به آیات الهی ، منشأ قتل انبیا و عدالتخواهان

انّ الذین یکفرون . .. و یقتلون النّبیّن ... و یقتلون الذین یأمرون بالقسط

۴ تهدید کافران از سوی خداوند ، نسبت به قتل پیامبران و مردمان عدالتخواه

انّ الذین یکفرون . .. و یقتلون النّبیّن ... فبشّرهم بعذاب الیم

۵ وجود منکران آیات الهی ، قاتلان پیامبران و عدالتخواهان ، در میان اهل کتاب و مشرکان

قل للّذین اوتوا الکتاب و الامّیّن . .. انّ الذین یکفرون بایات اللّه و یقتلون الن

همسانی گناه کفر به آیات الهی ، با قتل انبیا و مردمان عدالتخواه

انّ الذین یکفرون . .. و یقتلون النّبیّن ... و یقتلون

همسانی گناه، از همگون بودن کیفر، استفاده شده است.

۷ همسانی سرنوشت شوم کافران ، با قاتلان پیامبران و عدالتخواهان

انّ الذین یکفرون . .. فبشّرهم بعذاب الیم

۱۰ کافران با توجیه و تظاهر به حقّ ، انبیای الهی و عدالتخواهان را به قتل می رساندند .

انّ الذین یکفرون . .. و یقتلون النّبیّن بغیر حق و یقتلون الذین یأمرون بالقسط

تأکید و تصریح به <بغیر حق>، بیانگر توجیه و حق نمایی کافران است.

۱۱ بسیاری از پیامبران و عدالتخواهان ، به دست کافران به قتل رسیدند .

انّ الذین یکفرون . .. و یقتلون النّبیّن بغیر حق و یقتلون الذین یأمرون بالقسط

۱۳ شدت غضب خداوند ، از کشتن انبیا و عدالتخواهان *

و یقتلون النّبیّن بغیر حق و یقتلون الذین یأمرون بالقسط

بنظر می رسد تکرار کلمه <یقتلون> برای بیان مبغوضیّت قتل باشد.

۱۶ کشتن انبیای الهی و عدالتخواهان ، موجب گرفتاری جامعه به مشکلات توانفرساست .

و یقتلون النّبیّن بغیر حق . .. فبشّرهم بعذاب الیم

بنابراینکه <فبشّرهم بعذاب الیم>، نظر به مشکلات دنیوی و اخروی داشته باشد; به قرینه آیه بعد که می فرماید: <حبطت اعمالهم فی الدنیا و الاخره>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۲ - ۱،۲،۴،۱۰

۱ حَبط و تباهی اعمال کافران و قاتلان پیامبران و عدالتخواهان ، در دنیا و آخرت

انّ الذین یکفرون . .. اولئک الّذین حبطت اعمالهم فی الدنیا و الاخره

۲ کفر و کشتن پیامبران و عدالتخواهان ، گناه بزرگی

است که همه اعمال نیک را می زداید و تباه می کند .

انّ الذین یکفرون . .. اولئک الّذین حبطت اعمالهم

۴ اعمال کافران ، قاتلان انبیا و قاتلان عدالتخواهان ، فاقد اعتبار و ارزش اجتماعی *

انّ الذین یکفرون . .. حبطت اعمالهم

به نظر می رسد حبط عمل در دنیا، به معنای عدم اعتبار آن اعمال و نتایجش باشد.

۱۰ کفر ، و نیز قتل انبیا و عدالتخواهان ، عامل محرومیّت از یاری شفاعت کنندگان

انّ الذین یکفرون . .. و ما لهم من ناصرین

به نظر می رسد جمله <و ما لهم من ناصرین>، وجود یاری دهندگانی (شافعین) را برای جبران برخی اعمال فرض کرده است; و لیکن شامل اشخاص مذکور در آیه نمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۳ - ۹

۹ پیامبران و عدالتخواهانی که به دست کافران کشته شدند ، خواهان حاکمیت کتب آسمانی بودند . *

یُدعون الی کتاب اللّه لیحکم بینهم

بنابراینکه فاعل محذوف <یدعون>، همان کشته شدگان مذکور در آیه قبل باشند; یعنی: یدعوهم المقتولون الی کتاب اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۵ - ۱

۱ تهدید اهل کتاب از سوی خداوند ، به لحاظ کفرشان به آیات الهی ، قتل پیامبران و عدالتخواهان و افترایشان در دین

قالوا لن تمسّنا النار . .. فکیف اذا جمعناهم

قتل عمد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۲ - ۳

۳ حرمت و ناروایی کشتن مومن از روی عمد

و ما کان لمؤمن ان یقتل مؤمناً

الّا خَطَاً

قتل عهدشکنان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۹۱ – ۱۰

۱۰ ضرورت تعقیب و کشتن کسانی که علی رغم امضای پیمان ترک تعرض ، بدان وفا نکنند .

فان لم یعتزلوکم . .. فخذوهم و اقتلوهم

قتل عیسی(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۵۷ – ۱۱

۱۱ صلیب و به دار آویخته شدن حضرت مسیح ، پایه و اساسی جز گمان ندارد .

و قولهم إنّا قتلنا المسیح . .. و ما قتلوه و ما صلبوه و لکن شبه لهم

قتل غیر جایز

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۹۲ – ۱

۱ – نباید با کفرپیشگانی که از جنگ و فتنه انگیزی دست کشیده اند ، نبرد کرد و آنان را به قتل رساند .

فإن انتهوا فإن اللّه غفور رحیم

متعلق <إنتهوا> به قرینه آیات قبل، جنگیدن و فتنه انگیزی است. جمله <فإن اللّه ...> جانشین جواب شرط می باشد و تقدیر کلام چنین است: فإن انتهوا عن القتال و الفتنه فلا تقاتلوهم و لاتقتلوهم إن اللّه غفور رحیم>.

قتل فرعونی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۱۵ – ۱۰،۱۲

۱۰ – جان باختن فرد قبطی با ضربه مشت موسی

فوکزه موسی فقضی علیه

عبارت <قضی علیه> مرادف با <قتله> است.

۱۲ – در دیدگاه موسی (ع) قتل ناخواسته مرد قبطی ، عملکرد شیطان بود .

قال هذا من عمل الشیطن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ –

۱۷ - ۱

۱ - آگاهی یافتن موسی (ع) به قدرت بدنی فوق العاده خویش پس از قتل مرد قبطی

فوکزه موسی فقضی علیه . .. قال ربّ بما أنعمت علیّ

موسی(ع) وقتی دید، مرد قبطی تنها با یک ضربه مشت او از پای در آمد و جان باخت، دریافت که دارای نیروی فوق العاده ای است و خداوند او را علاوه بر دانش و حکمت، از توان جسمی دشمن شکن نیز برخوردار ساخته است. از این رو به سپاس این نعمت، با خدا پیمان بست که آن نیرو را هرگز در جهت تقویت مجرمان به کار نگیرد.

قتل کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۰ - ۱،۶

۱ ممنوعیّت تعقیب و کشتن منافقان و کافرانی که با همپیمانان مسلمین رابطه ای ویژه (همانند پیمان نظامی) دارند .

فان تولوا فخذوهم و اقتلوهم . .. الّا الّذین یصلون الی قوم بینکم و بینهم میثاق

مراد از رابطه ویژه ای که از <یصلون الی . .. > استفاده می شود، رابطه ای است که اگر هر یک از آن دو طایفه مورد تعرض قرار گیرند، طایفه دیگر موظّف به حمایت از آنان شوند ; همانند پیمان نظامی.

۶ ممنوعیّت تعقیب و کشتن منافقان و کافرانی که از نبرد با مسلمانان و اقوام کافر خویش بیزارند و بیطرفی خویش را ابراز می دارند .

الّا الّذین . .. او جاءوکم حصرت صدورهم ان یقتلوکم او یقاتلوا قومهم

<حصر صدور>، به معنای دلتنگی است که از آن به بیزاری تعبیر شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ -

عبس - ۸۰ - ۱۷ - ۲

۲ - کشته شدن و مرگ ، سزاوارترین فرجام برای کفرپیشگان

قتل الإنسن ما أکفره

کفر در <ما أکفره> مطلق است و هر کفری، حتی ترک عبادت را نیز شامل است. البته به قرینه آیات بعد که به بیان تدبیر خداوند پرداخته و در مقابل منکران این حقیقت موضع گیری کرده است بارزترین مصداق مورد نظر از آن، انکار ربوبیت خداوند است.

قتل کافران محارب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۱ - ۱،۲،۱۷

۱ - مسلمانان باید کافران محارب را هر کجا یافتند ، بکشند .

و اقتلوهم حیث ثقفتموهم

ضمیر <هم> در جمله فوق به <الذین یقاتلوکم> بر می گردد و لذا از آنان به کافران محارب تعبیر شده است. <ثقف> (مصدر ثقفتم> به معنای یافتن و دسترسی پیدا کردن است.

۲ - ضرورت کشتن کافران محارب ، محدود به میدان جنگ نیست .

و اقتلوهم حیث ثقفتموهم

عبارت <حیث ثقفتموهم> (هر کجا آنان را یافتید و بر آنان دسترسی داشتید) گویای برداشت فوق است.

۱۷ - سزای کفرپیشگان محارب و فتنه انگیز ، کشتن آنان است .

فاقتلوهم کذلک جزاء الکفرین

<ال> در <الکافرین> عهدیه است و اشاره به کافرانی دارد که سر جنگ با مسلمانان دارند و یا علیه ایشان فتنه انگیزی می کنند.

قتل مانعان مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۴ - ۳

۳ کافران مکه به دلیل بازداشتن اهل ایمان از ورود به مسجدالحرام ، مستوجب عذاب (کشته شدن ، اسیر گشتن و . . .) بودند .

و ما لهم ألا

یعذبهم اللّه و هم یصدون عن المسجدالحرام

با توجه به آیه قبل که عـذاب استیصال را برای مردم مکه با شـرایط ذکر شـده منتفی دانست، معلوم می شود مراد از عـذاب در این آیه به دلیل وقوع آن در بین آیات نبرد، شکست کافران و کشته و اسیر شدن آنان است.

قتل مجاز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۱ - ۷،۱۵

۷ لزوم تعقیب و کشـتن دشـمنان ، بـدون مهلت و تحت هر شـرایط ، در صـورت توطئه گری و عـدم پیشـنهاد صـلح و دست بر نداشتن از اذیّت مسلمانان

فان لم یعتزلوکم و یلقوا الیکم السّلم و یکفّوا ایدیهم فخذوهم و اقتلوهم حیث ثقفتمو

۱۵ - مسلمانان ، برخوردار از دلیلی روشن برای جواز تعقیب و کشتن دشمنان توطئه گر و جنگ طلب

و اولئکم جعلنا لکم علیهم سلطاناً مبیناً

قتل مجرم در قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۴ - ۷

۷ - قتل یا سوزاندن مخالفان و یا مجرمان ، از مجازات های دوران حضرت ابراهیم (ع)

فما کان جواب قومه إلاّ أن قالوا اقتلوه أو حرّقوه

قتل مرتد در ادیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۴ - ۱۳

۱۳ - کشتن مرتدان ، از قوانین کیفری در آیین حضرت موسی (ع) *

فتوبوا إلی بارئکم فاقتلوا أنفسکم

قتل مشرکان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۵ – ۱

۱ هلال ماه صفر سال دهم هجرت ، آغاز اجرای فرمان

کشتن و منع عبور و مرور مشرکان و سلب آزادی سیر و سیاحت از آنان

فإذا انسلخ الأشهر الحرم فاقتلوا المشرکین

توصیف <الأشهر> به <الحرم> حاکی از این است که: منظور از <أربعه أشهر> در آیه دوّم (فسیحوا فی الأرض أربعه أشهر) ماههای حرام سال ; یعنی، رجب، ذیقعده، ذیحجه و محرّم است. بر این مبنا <ال> در <الأشهر> برای عهد حضوری می باشد ; یعنی هنگامی که این سه ماه حرام که اکنون با اعلام پیام برائت در روز حج اکبر مصادف شده است پایان یافت، مشرکان را بکشید. گفتنی است که پایان آن سه ماه، مساوی با آغاز ماه صفر سال دهم هجرت بود.

قتل مشرکان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵ - ۴

۴ دستور به کارگیری تمام شیوه های ممکن (به ترتیب : کشتن ، اسیر گرفتن ، محاصره و کمین زدن) برای ایجاد فشار بر مشرکان صدر اسلام

فإذا انسلخ الأشهر الحرم فاقتلوا المشرکین حیث وجدتموهم و خذوهم و احصروهم و اقعدوا

قتل مشرکان قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۷ - ۱

۱ امداد های الهی عامل اصلی و اساسی کشته شدن کافران در جنگ بدر و پیروزی اهل ایمان

فلم تقتلوهم و لکن اللّه قتلهم

جمله <فلم تقتلوهم . .. > متفرع بر آیاتی است که امدادهای الهی را در جنگ بدر برمی شمرد ; یعنی توجه به قضایای جنگ بدر و امدادهای الهی بیانگر این است که در حقیقت خداوند مشرکان را کشت و آنان را شکست داد.

قتل مفسدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۱ - ۷،۹

۷ - ادامه دهندگان به فساد در جامعه ، با آزار و اذیت زنان مؤمن ، هیچ محل امنی ندارند و باید به قتل برسند .

لئن لم ینته المنفقون و . .. لنغرینّک بهم ... ملعونین أینما ثقفوا أُخذوا و قتّلو

<أیْنَ> مفید عموم است و شامل همه جا می شود و از آن، جایی استثنا نشده است.

۹ - بر آحاد جامعه اسلامی ، روا و جایز است که ادامه دهندگان به فساد را پس از فرمان حاکم اسلامی ، با رعایت مراحل و شرایط ، به قتل برسانند .

لئن لم ینته المنفقون . .. أینما ثقفوا أُخذوا و قتّلوا تقتیلاً

در آیه پیش وقتی سخن از تهدید منافقان و بیماردلان و. .. به میان آمد، خداوند فرمود: <اگر آنان، ادامه بدهند پیامبر(ص) را بر آنها چنان مسلط خواهد کرد که ادامه زندگی برای شان ممکن نباشد> و در این آیه، فعل های <أُخذوا> و <قتّلوا> را مجهول آورده و برای انجام دادن وظیفه یاد شده، کسی را معرفی نکرده است. به نظر می رسد، با توجه به مهدورالدم اعلام شدن گروه های یاد شده، در آیه، به مسلمانان اجازه می دهد که آن افراد را به قتل برسانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۲ - ۱

۱ - کشتن فسادگران در جامعه ، سنّت جاری خداوندی در میان امت های پیشین بود .

و قتّلوا تقتیلاً . سنّه اللّه فی الذین خلوا من قبل

قتل منافقان

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۹ - ۱۰

۱۰ لزوم تعقیب و کشتن منافقان ، در صورت سر باز زدن آنان از هجرت در راه خدا و پیوستن به جامعه ایمانی

فان تولّوا فخذوهم و اقتلوهم حیث وجدتموهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۰ - ۱،۶

۱ ممنوعیّت تعقیب و کشتن منافقان و کافرانی که با همپیمانان مسلمین رابطه ای ویژه (همانند پیمان نظامی) دارند .

فان تولوا فخذوهم و اقتلوهم . .. الّا الّذین یصلون الی قوم بینکم و بینهم میثاق

مراد از رابطه ویژه ای که از <یصلون الی . .. > استفاده می شود، رابطه ای است که اگر هر یک از آن دو طایفه مورد تعرض قرار گیرند، طایفه دیگر موظّف به حمایت از آنان شوند ; همانند پیمان نظامی.

۶ ممنوعیّت تعقیب و کشتن منافقان و کافرانی که از نبرد با مسلمانان و اقوام کافر خویش بیزارند و بیطرفی خویش را ابراز می دارند .

الّا الّذین . .. او جاءوکم حصرت صدورهم ان یقتلوکم او یقاتلوا قومهم

<حصر صدور>، به معنای دلتنگی است که از آن به بیزاری تعبیر شده است.

قتل منافقان مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۲ - ۴

۴ - فرمان مهدورالدم بودن منافقان و بیماردلان و شایعه پراکنان در مدینه ، ادامه اجرای سنّت تغییر ناپذیر الهی بوده است .

أینما ثقفوا أُخذوا و قتّلوا . .. سنّه اللّه ... ولن تجد لسنّه اللّه تبدیلاً

قتل موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

اسراء - ۱۷ - ۱۰۳ - ۱

۱- تصمیم فرعون به محو موسی (ع) و بنی اسرائیل از صحنه زمین ، به دنبال احساس ناتوانی از مقابله با معجزات او

و لقد ءاتینا موسی تسع ءایت . .. فأراد أن یستفزّهم من الأرض

برداشت فوق بنابراین نکته است که مراد از <الأرض> کره زمین باشـد. در این صورت لازمه <اسـتفزاز> (برکنـدن)، قتل و نابود کردن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴ - ۴

۴ - بیم موسی (ع) از اقدام فرعونیان مبنی بر قتل او به خاطر رفتار گذشته اش (قتل مرد قبطی)

فأخاف أن یقتلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۳ - ۳

۳ - غلبه اراده الهی بر خواست و تصمیم فرعون در نابود کردن موسی (ع)

یذبّح أبناءهم . .. فرددنه إلی أُمّه

موسی(ع) زمـانی به دنیـا آمـد که فرعون به بهـانه از بین بردن او، هر کودک پسـر بنی اسـرائیلی را سـر می بریـد; اما خـداوند حوادث را طوری ترتیب داد که شخص فرعون به حمایت از موسی(ع) برخیزد و او را تحت سرپرستی خود قرار دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۹ - ۱۷

۱۷ - فرعون کشتن موسی (ع) را ، سیاستی درست در حکومت و به صلاح جامعه دانست .

و ما أهدیکم إلاّ سبیل الرشاد

قتل مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ – نساء – ۴ – ۹۲ – ۲،۴،۳۴

۲ ناسازگاری ایمان با کشتن

مؤمن از روی عمد

و ما کان لمؤمن ان یقتل مؤمناً الّا خَطَاً

چون جمله <ما کان . .. >، جمله ای خبری است، دلالت می کند که مؤمن هرگز مؤمنی را از روی عمد نخواهد کشت. یعنی اگر مؤمنی کشته شد، معلوم می شود قاتل او ایمان نداشته است ; هر چند اظهار ایمان کند.

۴ کسی که از روی عمد دستش به خون مؤمنی آلوده گردد ، در حقیقت مؤمن نیست .

و ما کان لمؤمن ان یقتل مؤمناً الّا خَطَاً

۳۴ امام ، عهده دار آزادسازی برده ای مؤمن به عنوان کفاره قتل خطائی مسلمانی که در سرزمین شرک به دست مسلمین کشته شود .

فان کان من قوم عدوّلکم و هو مؤمن فتحریر رقبه مؤمنه

امام صادق (ع) در مورد وظیفه امام نسبت به مسلمانی که در سرزمین شرک به دست مسلمین کشته شده، فرمود: یُعتق مکانه رقبه مؤمنه و ذلک قول اللّه عزّ و جل: <فان کان من قوم عدوّلکم . .. >.

من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۱۰، ح ۱، ب ۳۶ مسلسل ۳۷۳ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۳۲، ح ۴۸۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۲ - ۳۴

۳۴ خودداری از اطعام مؤمن گرسنه ، به منزله کشتن وی و غذا دادن به او به منزله احیای اوست .

و من احیاها فکانما احیا الناس جمیعاً

از امام صادق(ع) روایت شده که درباره اطعام مؤمن فرمود: . .. من احیی مؤمن فکانما احیا الناس جمیعاً، فان لم تطعموه فقد امتموه و ان اطعمتموه فقد احییتموه.

کافی، ج ۲، ص ۲۰، ح ۲۰; نورالثقلین، ج ۱،

ص ۶۱۹، ح ۱۵۲.

قتل ناحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۹ - ۷

۷ خداوند ، گناهان مقتول به ناحق را به پای قاتل او ثبت خواهد کرد .

انی ارید ان تبوا باثمی و اثمک

برداشت فوق مبتنی بر این است که مراد از <اثمی>، مطلق گناهان باشد. برداشت فوق را فرمایش منقول از امام باقر(ع) تأیید می کند که فرمود: من قتل مؤمناً متعمداً اثبت اللّه علیه جمیع الذنوب و بری المقتول منها و ذلک قول اللّه تعالی <انی ارید ان تبوا باثمی و اثمک فتکون من اصحب النار>.

ثواب الاعمال و عقاب الاعمال (مترجم)، ص ۶۳۶، ح ۹، باب عقاب من قتل نفساً متعمداً; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۱۳، ح ۱۳۳.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۲ - ۲،۲۷

۲ کشتن نابحق یک انسان در نزد خداوند به منزله کشتن همه مردم است .

من قتل نفساً بغیر نفس . .. فکانما قتل الناس جمیعاً

۲۷ قتل و خونریزی نابحق ، از مصادیق بارز اسراف

من قتل نفساً . .. ثم ان کثیراً منهم بعد ذلک فی الارض لمسرفون

قتل نوجوان قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۴ - ۴،۱۱

۴- خضر (ع) بی درنگ ، پس از مشاهده نوجوان ، او را به قتل رسانید .

حتّی إذا لقیا غلمًا فقتله

ظاهر عطف به <فاء> در <فقتله> آن است که خضر(ع) بدون هیچ مقدمه ای، در پی برخورد با نوجوان، به کشتن او اقدام کرده است.

۱۱- < عن

أبی عبدالله : . . . بینما العالم یمشی مع موسی إذا هم بغلام یلعب قال : < فوکزه العالم ، فقتله . فقال له موسی : < أقتلت نفساً زکیه بغیر نفس لقد جئت شیئاً نکراً ؟ > . قال : < فأدخل العالم یده فاقتلع کتفه فإذا علیه مکتوب : کافر مطبوع ;

از امام صادق(ع) روایت شده: . .. آن گاه که عالم (خضر) با موسی(ع) می رفت، ناگاه، به پسری برخوردند که بازی می کرد. امام فرمود: <پس آن عالم، مشتی بر وی زد و او را کشت. موسی(ع) به او گفت: <أقتلت نفساً زکیه بغیر نفس...؟>. امام فرمود: <پس آن عالم، دست برد و کتف پسر را بیرون آورد که بر آن نوشته شده بود <کافر مطبوع>.(کافری که مهر کفر بر او زده شده است)>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۵ - ۴

۴- خضر (ع) با اشاره به ناآگاهی موسی (ع) از انگیزه قتل نوجوان ، اعتراض وی را ناموجه دانست و آن را نشانه درستی شناخت خویش از کم طاقتی و بی صبری موسی (ع) خواند .

لقد جئت شیئًا نکرًا . قال ألم أقل لک إنّک لن تستطیع معی صبرًا

قتل هابیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۷ - ۱۲،۱۴

۱۲ تصمیم قطعی قابیل بر کشتن برادرش هابیل پس از جریان قربانی

قال لاقتلنک

لام و نون تأکید نشانه تصمیم قطعی قابیل بر قتل است.

۱۴ پذیرش قربانی هابیل و رد شدن قربانی قابیل ، عامل انگیزش قابیل

به قتل برادرش هابیل

فتقبل من احدهما و لم یتقبل من الاخر قال لاقتلنک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۳۰ – ۱،۲،۳،۵،۱۶،۱۹

۱ درگیری و کشمکش درونی قابیل با هوای نفس خویش در مورد قتل هابیل

فطوعت له نفسه قتل اخیه

۲ وسوسه های نفسانی قابیل ، کشتن برادر را بر او هموار ساخت .

فطوعت له نفسه

<طوعت> از مصدر <تطویع> به معنای <تسهیل> و نیز <متابعت> است. برداشت فوق بر اساس معنای اول است.

۳ وسوسه های نفسانی قابیل ، وادار کننده وی به کشتن هابیل

فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله

۵ قابیل ، برادرش هابیل را پس از جریان قربانی به قتل رسانید .

اذ قربا قرباناً . .. فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله

۱۶ نفس قابیل ، دام خواسته وی و پذیرای تصمیم او بر قتل برادرش هابیل

فطوعت له نفسه قتل اخیه

<طوعت> می تواند به معنای <تابعت> باشد، یعنی نفس قابیل در قتل برادرش هابیل پیرو او گردید. بر اساس این احتمال، قابیل نفس خو را فریب داده و آن را رام خود ساخته بود، نه اینکه فریفته وسوسه های خویش شده باشد.

۱۹ قابیل ، کیفیت قتل برادرش هابیل را از ابلیس آموخت

فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله

از امام سجاد(ع) روایت شده که بعد از خواندن آیه فوق فرمود: فلم یدر کیف یقتله حتی جاء ابلیس فعلمه . .. .

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۶۵; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۱۶، ح ۱۴۰.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۱ - ۲۲،۲۴

۲۲ پیکر بیجان هابیل ، ناخوشایند

برای قابیل

کیف یوری سوءه اخیه . .. فاوری سوءه اخی

از آن جهت جسد هابیل <سوءه> (شیء ناخوشایند) نامیده شده که مشاهده آن برای قابیل ناخوشایند بوده است.

۲۴ قابیل ، پشیمان از قتل برادرش هابیل *

فاصبح من الندمین

بنابر اینکه <فاصبح . ..> متفرع باشد بر <فقتله> که در آیه قبل آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۲ - ۵

۵ جنایت و برادرکشی قابیل ، موجب سختگیری خداوند در مجازات قتل بر بنی اسرائیل

فقتله . .. من اجل ذلک کتبنا علی بنی اسرءیل انه من قتل نفساً بغیر نفس

<ذلک> اشاره است به داستان هابیل و قابیل.

قتل یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹ - ۸،۹

۸ برادران یوسف ، صلاح امور خویش و بهبود وضعیت خود را در کشتن و یا تبعید او می پنداشتند .

اقتلوا یوسف أو اطرحوه أرضًا . .. و تکونوا من بعده قومًا صلحین

مراد از صلاح در <قوماً صالحین> صلاح امور دنیوی است ; زیرا ظاهر آن است که فعل مضارع <تکونوا> عطف بر <یخل> و جواب امر <اقتلوا> و <اطرحوه> می باشد. بر این اساس جمله <تکونوا ...> چنین معنا می شود: اگر یوسف را بکشید و یا تبعیدش کنید، امور شما اصلاح می شود و بدبختی از شما برطرف می گردد.

۹ برادران یوسف ، بر آن بودند که پس از کشتن یا تبعید او ، توبه کرده و درستکار شوند . *

اقتلوا یوسف . .. و تکونوا من بعده قومًا صلحین

در برداشت فوق، صلاح در <قوماً صالحين> صلاح دينی و

اخلاقی گرفته شده است. این احتمال مبتنی بر این است که <واو> در <و تکونوا> به معنای مع و <تکونوا> منصوب به <أن> مقدر باشد. بر این اساس <اقتلوا یوسف ... و تکونوا من بعده قوماً صالحین> چنین معنا می شود: یوسف را بکشید، ولی با این قید و شرط که پس از آن با توبه به درگاه خدا، مردمی صالح و درستکار باشید.

قتل یهود بنی قریظه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۶ - ۱۰

۱۰ - گروهی از یهود بنی قریظه ، به دست مسلمانان ، به قتل رسیدند .

فریقًا تقتلو ن

قصاص قتل عمد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۳ - ۷

۷ توبه کشتن مؤمن ، از روی خشم و غضب و یا به انگیزه های دنیایی ، قصاص است .

و من یقتل مؤمنا متعمّداً

امام صادق (ع) درباره توبه در قتل عمدی مؤمن از روی غضب یا به انگیزه های دنیایی فرمود: . .. و ان کان قتله لغضب او لسبب شیء من امر الدنیا فانّ توبته ان یقاد منه ... .

کافی، ج ۷، ص ۲۷۶، ح ۲ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۳۳، ح ۴۹۰.

قصه قتل در بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۲۷،۳۰،۳۲

۲۷ - بنی اسرائیل ، پیامبران بسیاری را به قتل رساندند .

و يقتلون النبيين بغير الحق

۳۰ – بنی اسرائیل ، به خاطر کفرشان به آیات الهی و کشتن پیامبران ، مورد غضب خداوند قرار گرفتند .

ذلك بأنهم كانوا

يكفرون بأيت اللّه و يقتلون النبيين

۳۲ - عصيان و تجاوز گرى بنى اسرائيل ، ريشه گرايش آنان به كفر و جرئتشان بر كشتن پيامبران بود .

يكفرون بأيت اللّه . .. ذلك بما عصوا و كانوا يعتدون

مشاراليه <ذلك> در <ذلك بما عصوا> كفر به آيات خدا و كشتن پيامبران است. قابل ذكر است كه برخى از مفسران، ذلك در <ذلك بما عصوا> را اشاره به <ذلت و ...> دانسته اند و در نتيجه عصيان و تجاوز را نيز علت <ذلت و ...> شمرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۷۲ - ۱

۱ - شخصى از قوم موسى به قتل رسيد و هر طايفه ، ديگرى را متهم به كشتن او كرده بر سر آن به نزاع پرداختند .

و إذ قتلتم نفساً فادرءتم فيها

<ادارءتم> به معناى اختلاف و نزاع كرديد، مى باشد. اين كلمه از باب تفاعل و در اصل <تدارءتم> بوده است. نزاع و اختلاف در مقتول (ادارءتم فيها) به معناى متهم كردن يكديگر به قتل، و بر سر آن نزاع كردن است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۷۳ - ۱۱

۱۱ - داستان كشته شدن فردى از قوم موسى و احياى دوباره او ، معجزه و رخدادى سزاوار به خاطر سپردن و به يادداشتن

و إذ قتلتم نفساً . .. فقلنا اضربوه ببعضها كذلك يحى اللّه الموتى

<إذ> مفعول براى فعل مقدر <اذكروا> مى باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۱،۳

۱ - بنى اسرائيل عصر بعثت ، على رغم

اعترافشان به پیمان الهی (پرهیز از خونریزی) ، همدیگر را می کشتند .

ثم اقررتم . .. ثم أنتم هؤلاء تقتلون أنفسکم

کلمه <هؤلاء> در جمله <ثم أنتم هؤلاء> (شما همانانی هستید) اشاره به این معنا دارد که: آنچه را آیه مورد بحث می خواهد بیان کند مربوط به بنی اسرائیل عصر بعثت است و خطابهای آیه نظیر خطابهای گذشته نیست که صفت گذشتگان را با عنایتی به موجودین نسبت می داد.

۳ - بنی اسرائیل در کشتن و آواره کردن گروهی از همکیشان خود ، یکدیگر را یاری و پشتیبانی کردند .

تظهرون علیهم

<تظاهر> (مصدر تظاهرون) به معنای یاری و پشتیبانی کردن یکدیگر است. <تظاهرون علیکم>; یعنی، طایفه ای از شما طایفه دیگر را علیه گروهی از خودتان یاری می داد.

کتمان بانی قتل در بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۲ - ۳

۳ - گروهی از قوم موسی قاتل را می شناختند و از افشای هویتش خودداری می کردند .

و اللّه مخرج ما کنتم تکتمون

هر چند کتمان کردن به همه قوم موسی نسبت داده شده است، ولی به قرینه <فادارءتم>، معلوم می شود برخی از آنها قاتل را می شناختند و از معرفی آن خودداری می کردند.

کشف قتل با گاو مذبوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۸ - ۲

۲ - قوم موسی ، ناباور به کفایت ذبح هر گاوی برای حل معمای قتل

قالوا ادع لنا ربک یبین لنا ما هی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۹

۱ -

۱ - قوم موسی ، میانسال بودن گاو را شرطی کافی برای مشخص شدن تکلیف و رسیدن به مقصود (حل معمای قتل) نمی دانستند .

فافعلوا ما تؤمرون. قالوا ادع لنا ربّک یبین لنا ما لونها

علی رغم اینکه موسی(ع) با جمله <فافعلوا ما تؤمرون> به قوم خویش تفهیم کرد که تکلیف آنان بیش از این نیست که گاوی میانسال را ذبح کنند; ایشان با پرسش از رنگ و دیگر ویژگیها در صدد ابقای این معنا بودند که: ذبح چنین گاوی (تنها میانسال بودن) نمی تواند وسیله حل معمای قتل باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۰ - ۲

۲ - قوم موسی ، بر این باور بودند که گاو مورد نظر برای ذبح و حل معمای قتل ، باید ویژ گی های منحصر به فرد داشته باشد .

إن البقر تشبه علینا

<تشابه> به معنای همانند بودن است و چون با <علی> متعدی شده، متضمن معنای التباس و اشتباه نیز هست. بنابراین <إن البقر ...>; یعنی، آن گاو توصیف شده به میانسالی و زرد رنگی، مصادیق زیادی دارد که همگی مشابه یکدیگرند و این موجب می شود که ندانیم کدامین را انتخاب کنیم. این جمله از قوم موسی، حکایت از آن دارد که: آنان گمان داشتند گاو مورد نظر برای ذبح باید به گونه ای توصیف شود که تنها یک فرد داشته باشد تا همانندی از بین برود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۳ - ۱

۱ - خداوند ، به قوم موسی فرمان داد تا قطعه ای از گاو

ذبح شده را بر پیکر مقتول بزنند .

فقلنا اضربوه ببعضها

ضمیر مفعولی در <إضربوه> به <نفساً> بر می گردد و ضمیر در <ببعضها> به <بقره> ارجاع می شود.

کفاره قتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۲ - ۳۳

۳۳ کافی نبودن آزادسازی کودک برده به عنوان کفاره کشتن مؤمن از روی خطا

و من قتل مؤمناً خطأً فتحریر رقبه مؤمنه

امام صادق (ع) در پاسخ سؤال از جواز آزاد نمودن کودک برده در کفّاره فرمود: کلّ العتق یجوز فیه المولود الّا فی کفّاره القتل فانّ اللّه عزّ و جلّ یقول: <فتحریر رقبه مؤمنه> یعنی بذالک مقرّهً قد بلغت الحنث.

کافی، ج ۷، ص ۶۴۳، ح ۱۵ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۳۱، ح ۴۸۳.

کفاره قتل خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۲ - ۵،۶،۱۲،۳۴

۵ ضرورت پرداخت خونب ها علاوه بر کفّاره در صورت کشتن مؤمن از روی خطا

و من قتل مؤمنا خطأً . .. و دیه مسلّمه الی اهله

۶ کفّاره کشتن مؤمن از روی خطا ، آزاد کردن یک برده با ایمان است .

و من قتل مؤمنا خطأً فتحریر رقبه مؤمنه

۱۲ در قتل خطائی ، اگر مقتول ، مؤمن باشد ، ولی خانواده اش از دشمنان مسلمانان ، کفّاره اش تنها آزادسازی برده ای با ایمان است .

فان کان من قوم عدوّلکم و هو مؤمن فتحریر رقبه مؤمنه

۳۴ امام ، عهده دار آزادسازی برده ای مؤمن به عنوان کفاره قتل خطائی مسلمانی که در سرزمین شرک به دست مسلمین کشته شود .

فان کان من

قوم عدوّلکم و هو مؤمن فتحریر رقبه مؤمنه

امام صادق (ع) در مورد وظیفه امام نسبت به مسلمانی که در سرزمین شرک به دست مسلمین کشته شده، فرمود: یُعتق مکانه رقبه مؤمنه و ذلک قول اللّه عزّ و جل: <فان کان من قوم عدوّلکم . .. >.

من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۱۰، ح ۱، ب ۳۶ مسلسل ۳۷۳ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۳۲، ح ۴۸۵.

کیفر اخروی قتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۹ - ۶

۶ هشدار هابیل به قابیل درباره بزرگی گناه آدمکشی و سنگینی عقوبت آن در قیامت

ان تبوا باثمی و اثمک فتکون من اصحب النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۸ - ۱۰

۱۰ مشرکان ، آدم کشان و زناکاران ، به روز رستاخیز با کیفر اعمالشان روبه رو خواهند شد .

والذین لایدعون مع اللّه إلهًا . .. و لایزنون و من یفعل ذلک یلق أثامًا

<ذلک> اشاره است به سه گناهی که در جمله های قبل یاد شده است و <اثام> به معنای جزا و کیفر گناه می باشد (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۹ - ۷

۷ گناه شرک ، آدم کشی و زنا ، در پی دارنده عذاب طولانی و خوارکننده در قیامت

و یخلد فیه مهانًا

کیفر قتل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۸۵ – ۲۸

۲۸ – معتقدان به مکتب الهی ، در صورت کشتن یا آواره ساختن همکیشان

خود ، به خواری در دنیا و شدیدترین عذاب در آخرت گرفتار خواهند شد .

فما جزاء من یفعل . .. و یوم القیمه یردون إلی أشد العذاب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۳۰ – ۱

۱ قتل و آدمکشی از سر ظلم و تجاوز ، موجب گرفتاری به عذاب دوزخ

و لا تقتلوا انفسکم . .. و من یفعل ذلک عدواناً و ظلماً فسوف نُصلیه ناراً

در برداشت فوق <ذلک> اشاره به <قتل نفس> گرفته شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۳۲ – ۵،۷،۳۰

۵ جنایت و برادرکشی قابیل ، موجب سختگیری خداوند در مجازات قتل بر بنی اسرائیل

فقتله . .. من اجل ذلک کتبنا علی بنی اسرءیل انه من قتل نفساً بغیر نفس

<ذلک> اشاره است به داستان هابیل و قابیل.

۷ کیفر سنگین برای قتل و آدمکشی ، زمینه پرهیز انسان ها از ارتکاب آن

و من اجل ذلک کتبنا علی بنی اسرءیل انه من قتل . .. فکانما قتل الناس جمیعاً

<من اجل ذلک . ..> به این معناست که خداوندبا توجه به آدمکشی قابیل و پیامدهای شوم آن، بنی اسرائیل را به مجازاتی سنگین تهدید کرد تا از تکرار چنین جنایتهایی باز دارد.

۳۰ شدیدترین عذاب جهنم ، کیفر قتل به ناحق انسان

انه من قتل نفساً بغیر نفس . .. فکانما قتل الناس جمیعاً

امام باقر(ع) در پاسخ سؤال از آیه فوق فرمود: یوضع فی موضع من جهنم الیه ینتهی شده عذاب اهلها . .. .

كافى، ج ۷، ص ۲۷۱، ح ۱; نورالثقلين، ج ۱، ص ۶۱۹، ح

.۱۵۰

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۳۳ – ۲۲،۲۳

۲۲ اعدام ، مجازات محارب فسادگر در زمین در صورت ارتکاب قتل

انما جزؤا الذین یحاربون اللّه . .. ان یقتلوا

از امام رضا(ع) درباره آیه فوق روایت شده: اذا حارب اللّه و رسوله و سعی فی الارض فساداً فقتل قتل به . .. .

کافی، ج ۷، ص ۲۴۷، ح ۸; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۲۳، ح ۱۶۵.

۲۳ اعدام و بدار آویختن ، مجازات محارب فسادگر در زمین در صورت ارتکاب قتل و غارت

انما جزؤا الذین یحاربون اللّه . .. او یصلبوا

از امام رضا(ع) درباره آیه فوق روایت شده: اذا حارب اللّه و رسوله و سعی فی الارض فساداً . .. و ان قتل و اخذ المال قتل و صلب ... .

کافی، ج ۷، ص ۲۴۷، ح ۸; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۲۳، ح ۱۶۵.

کیفر قتل انبیا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۲۱ – ۷،۱۶،۲۱،۲۲،۲۳

۷ همسانی سرنوشت شوم کافران ، با قاتلان پیامبران و عدالتخواهان

انّ الذین یکفرون . .. فبشّرهم بعذاب الیم

۱۶ کشتن انبیای الهی و عدالتخواهان ، موجب گرفتاری جامعه به مشکلات توانفرساست .

و يقتلون النّبيّن بغير حق . .. فبشّرهم بعذاب اليم

بنابراينكه <فبشّرهم بعذاب اليم>، نظر به مشكلات دنيوى و اخروى داشته باشد; به قرينه آيه بعد كه مى فرمايد: <حبطت اعمالهم فى الدنيا و الاخره>.

۲۱ قاتلان پيامبران و قاتلان امر كنندگان به معروف ، گرفتار سخت ترين عذاب هاى الهى

و يقتلون النّبيّن بغير حق و يقتلون الذين يأمرون بالقسط.

از رسول اللّه

(ص) سؤال شد: ایّ الناس اشد عذاباً یوم القیامه؟ آن حضرت فرمود: رجل قتل نبیّاً او رجلًا امر بمعروف او نهی عن منکر، سپس آن حضرت، این آیه را تلاوت کرد: <انّ الّذین یکفرون . .. >.

تفسیر طبری، ج ۳، ص ۱۴۴ ; مجمع البیان، ج ۲، ص ۷۲۰ ; تفسیر تبیان، ج ۲، ص ۴۲۲.

۲۲ وعده عذاب دردناک به بنی اسرائیل ، به جهت قتل چهل و سه پیامبر و صد و دوازده آمر به معروف و ناهی از منکر

و یقتلون النّبیّن بغیر حقّ و یقتلون الّذین یأمرون بالقسط من النّاس فبشّرهم بعذاب

رسول اللّه (ص) به عنوان بیان مصداق برای آیه فوق فرمود: قتلت بنو اسرائیل ثلاثه و اربعین نبیّاً اول النّهار فی ساعه واحده فقام مائه رجل و اثنی عشر رجلا من عبّاد بنی اسرائیل فامروا من قتلهم بالمعروف و نهوهم عن المنکر فقتلوا جمیعاً من آخر النّهار فی ذلک الیوم.

تفسیر طبری، ج ۳، ص ۱۴۴ ; مجمع البیان، ج ۲، ص ۷۲۰ ; تفسیر تبیان، ج ۲، ص ۴۲۲.

۲۳ وعده عذاب دردناک به قاتلان زکریّا و یحیای پیامبر (ع)

و یقتلون النّبیّن بغیر حق . .. فبشّرهم بعذاب الیم

امیرالمؤمنین (ع) درباره آیه فوق فرمود: . .. انّ نبی اللّه زکریّا قد نشر بالمناشیر و یحیی ابن زکریا قتله قومه و هو یدعوهم الی اللّه.

تفسیر برهان، ج ۱، ص ۲۷۴، ح ۱.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۲ - ۱،۸،۹

۱ حَبط و تباهی اعمال کافران و قاتلان پیامبران و عدالتخواهان ، در دنیا و آخرت

انّ الذین یکفرون . ..

اولئک الّذین حبطت اعمالهم فی الدنیا و الاخره

۸ کافران و قاتلان پیامبران و عدالتخواهان ، هیچگونه یاور و شفیعی در برابر اراده خداوند نسبت به حبط اعمال خود ندارند .

انّ الذین یکفرون . .. حبطت اعمالهم ... و ما لهم من ناصرین

۹ کافران و قاتلان انبیا و عدالتخواهان ، راه نجاتی ندارند .

انّ الذین یکفرون . .. و ما لهم من ناصرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۲ - ۱،۳،۷

۱ عذاب سخت یهود در آخرت ، دستاورد اعمال ناروای آنان (نسبت دادن فقر به خدا و کشتن انبیا)

ذوقوا عذاب الحریق. ذلک بما قدّمت ایدیکم

۳ سهیم بودن یهود زمان پیامبر (ص) در گناه پدران خویش (کشتار انبیا)

و قتلهم الانبیآء بغیر حقّ . .. ذلک بما قدّمت ایدیکم

بنابر اینکه خطاب در <ایدیکم> به یهود عصر پیامبر (ص) باشد، جمله <ذلک بما قدّمت . .. > می رساند که آنان در گناه کشتن انبیا، که به دست پدرانشان صورت گرفته، شریک هستند.

۷ عدالت خداوند و دوری ساحت وی از ظلم ، مقتضی مجازات بخیلان و قاتلان انبیا

و لا یحسبنّ الّذین یبخلون . .. ذوقوا عذاب الحریق ... و انّ اللّه لیس بظلّام للعب

جمله <و اَنّ اللّه . .. > عطف بر <ما قدّمت> می باشد. بنابراین دلیل دیگری برای گرفتار شدن بخیلان و قاتلان انبیا به دوزخ است. یعنی عدالت خداوند اقتضا می کند که ستمگران را عذاب کند، ورنه به ستمدیده ظلم شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده -

۷ - ۷۱ - ۵

۷ پندار رهایی از مجازات نقض میثاق و تکذیب و کشتن انبیا ، از باور های بی اساس بنی اسرائیل

لقد اخذنا میثق بنی اسرءیل . .. و حسبوا الا تکون فتنه

دربرداشت فوق <فتنه> به معنای عذاب گرفته شده است.

کیفر قتل زکریا(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۱ - ۲۳

۲۳ وعده عذاب دردناک به قاتلان زکرّیا و یحیای پیامبر (ع)

و یقتلون النّبیّن بغیر حق . .. فبشّرهم بعذاب الیم

امیرالمؤمنین (ع) درباره آیه فوق فرمود: . .. انّ نبی اللّه زکریّا قد نشر بالمناشیر و یحیی ابن زکریا قتله قومه و هو یدعوهم الی اللّه.

تفسیر برهان، ج ۱، ص ۲۷۴، ح ۱.

کیفر قتل شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۸ - ۱

۱ - نزول عذاب فراگیر الهی بر ثمودیان ، در پی کشتن ناقه صالح

فعقروها . .. فأخذهم العذاب

کیفر قتل عدالتخواهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۲۲ – ۸،۹

۸ کافران و قاتلان پیامبران و عدالتخواهان ، هیچگونه یاور و شفیعی در برابر اراده خداوند نسبت به حبط اعمال خود ندارند .

انّ الذین یکفرون . .. حبطت اعمالهم ... و ما لهم من ناصرین

۹ کافران و قاتلان انبیا و عدالتخواهان ، راه نجاتی ندارند .

انّ الذین یکفرون . .. و ما لهم من ناصرین

کیفر قتل موسی(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۳۱ – ۱

– ۱

هشدار مؤمن آل فرعون به قوم خود ، از دچار شدن به کیفر کردار قوم نوح ، عاد ، ثمود و اقوام پس از آنان (لوط و اصحاب ایکه) در صورت اقدام به قتل موسی (ع)

مثل دأب قوم نوح . .. و الذین من بعدهم

<دأب> به معنای عادت است و مقصود از <الذین من بعدهم> قوم لوط و اصحاب ایکه است; چنان که در سوره <ص> آیه ۱۳، به آن تصریح شده است. گفتنی است برابر نظر مفسران <اصحاب أیکه> همان مردم مدین است که از قوم حضرت شعیب بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۲ - ۱

۱ - هشدار مؤمن آل فرعون به قوم خویش ، از دچار شدن به عذاب الهی در روز قیامت در صورت اقدام به قتل موسی (ع)

و یقوم إنّی أخاف علیکم یوم التناد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۳ - ۴

۴ - هشدار مؤمن آل فرعون به فرعونیان ، از دچار شدن آنان به عذاب گریزناپذیر الهی در قیامت در صورت کشتن موسی (ع)

یقوم إنّی أخاف علیکم . .. یوم تولّون مدبرین ما لکم من اللّه من عاصم

کیفر قتل مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۳ - ۱،۲،۷

۱ خلود در جهنّم ، غضب و لعنت الهی ، کیفر کشتن مؤمن از روی عمد

و من یقتل مؤمنا متعمّداً فجزاؤه جهنّم خالداً فیها و غضب اللّه علیه و لعنه

۲ عذاب بزرگ الهی در

انتظار کسی که مؤمنی را از روی عمد به قتل برساند .

و من یقتل مؤمنا . .. و اعدّ له عذاباً عظیما

۷ توبه کشتن مؤمن ، از روی خشم و غضب و یا به انگیزه های دنیایی ، قصاص است .

و من یقتل مؤمنا متعمّداً

امام صادق (ع) درباره توبه در قتل عمدی مؤمن از روی غضب یا به انگیزه های دنیایی فرمود: . .. و ان کان قتله لغضب او لسبب شیء من امر الدنیا فانّ توبته ان یقاد منه ... .

کافی، ج ۷، ص ۲۷۶، ح ۲ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۳۳، ح ۴۹۰.

کیفر قتل ناحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۲ - ۱

۱ کشتن نابحق یک انسان ، گناهی بزرگ و دارای کیفر و مجازاتی بسیار سنگین

انه من قتل نفساً . .. فکانما قتل الناس جمیعاً

همسنگی کشتن یک انسان با کشتن تمامی مردم، می تواند کنایه از شدت مجازات باشد.

کیفر قتل نفس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۱ - ۲۱

۲۱ قاتلان پیامبران و قاتلان امر کنندگان به معروف ، گرفتار سخت ترین عذاب های الهی

و یقتلون النّبیّن بغیر حق و یقتلون الذین یأمرون بالقسط.

از رسول اللّه (ص) سؤال شد: ایّ الناس اشد عذاباً یوم القیامه؟ آن حضرت فرمود: رجل قتل نبیّاً او رجلاً امر بمعروف او نهی عن منکر، سپس آن حضرت، این آیه را تلاوت کرد: <انّ الّذین یکفرون . .. >.

تفسیر طبری، ج ۳، ص ۱۴۴ ; مجمع البیان، ج ۲، ص ۷۲۰ ; تفسیر تبیان،

ج ۲، ص ۴۲۲.

کیفر قتل یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۱ - ۲۳

۲۳ وعده عذاب دردناك به قاتلان زكریّا و یحیای پیامبر (ع)

و یقتلون النّبیّن بغیر حق . .. فبشّرهم بعذاب الیم

امیرالمؤمنین (ع) درباره آیه فوق فرمود: . .. انّ نبی اللّه زكریّا قد نشر بالمناشیر و یحیی ابن زكریا قتله قومه و هو یدعوهم الی اللّه.

تفسیر برهان، ج ۱، ص ۲۷۴، ح ۱.

گریه بر قتل برادر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۶ - ۴

۴ جواز گریستن بر فقدان برادر و كشته شدن او

جاءو أباهم عشاءً یبكون

هر چند گفتار و افعال برادران یوسف نمی تواند دلیلی بر احكام شرعی باشد ، ولی از آن جا كه این عمل (گریه بر فقد برادر) در نزد یعقوب پیامبر انجام گرفته ، معلوم می شود او آن عمل را نكوهیده و حرام نمی دانست.

گناه قتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۰ - ۹

۹ كشتار و خونریزی ، گناهی بزرگ و مصداق بارز فسادگری است .

أتجعل فيها من يفسد فيها و يسفک الدماء

فسادگری شامل خونریزی نیز می شود. بنابراين عطف <يسفک الدماء> بر <يفسد فيها> عطف خاص بر عام است و حکايت از آن دارد که گناه خونريزی و آدمکشی از ديگر فسادگريها، بزرگتر و تباهی آن بيشتر است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۷ - ۱۹،۲۲

۱۹ گناه فتنه انگيزی ، بزرگتر از

آدم کشی در ماه های حرام است .

قل قتال فیه کبیر . .. و الفتنه اکبر من القتل

الف و لام در <القتل>، عهد است ; یعنی قتل در ماههای حرام.

۲۲ سَلب امنیّت مردم ، بزرگتر از آدم کشی است .

و الفتنه اکبر من القتل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۸۱ – ۱۵

۱۵ همسنگی گناه و زشتی فقیر پنداشتن خدا و نسبت های ناروا به او ، با گناه کشتار انبیا

سنکتب ما قالوا و قتلهم الانبیآء بغیر حقّ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۲۹ – ۱۰

۱۰ تصرف نابجا در اموال دیگران ، گناهی بزرگ ، همچون گناه قتل و آدمکشی است .

لا تاکلوا اموالکم بینکم بالباطل . .. و لا تقتلوا انفسکم

بیان حرمت آدمکشی در کنار تصرفات ناروا در اموال دیگران، نشانه همسانی آن دو گناه است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۳۱ – ۸

۸ آدمکشی ، از گناهان کبیره

لا تقتلوا انفسکم . .. ان تجتنبوا کبائر ما تنهون عنه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۲۹ – ۶

۶ هشدار هابیل به قابیل درباره بزرگی گناه آدمکشی و سنگینی عقوبت آن در قیامت

ان تبوا باثمی و اثمک فتکون من اصحب النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۲ - ۱،۲

۱ کشتن نابحق یک انسان ، گناهی بزرگ و دارای کیفر و مجازاتی بسیار سنگین

انه من قتل

نفساً . .. فكانما قتل الناس جميعاً

همسنگی کشتن یک انسان با کشتن تمامی مردم، می تواند کنایه از شدت مجازات باشد.

۲ کشتن نابحق یک انسان در نزد خداوند به منزله کشتن همه مردم است .

من قتل نفساً بغير نفس . .. فكانما قتل الناس جميعاً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۶۸ – ۸

۸ گناه شرک ، بزرگ تر از گناه آدم کشی و آدم کشی بزرگ تر از گناه زنا است .

و الذين لايدعون مع اللّه إلهًا . .. و لايزنون

ترتیب ذکری جمله های <و الذین لایدعون. ..> <لا-یقتلون...> و <لا-یزنون> می تواند بیانگر ترتیب رتبی و حاکی از مطلب یاد شده باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۶۹ – ۹

۹ شرک ، آدم کشی و زنا ، از گناهان بزرگ و خطیر

يضعف له العذاب يوم القيمه و يخلد فيه مهانًا

برداشت فوق، از وعده عذاب دو چندان، دائمی و ذلت بار برای گناهان یاد شده، استفاده می شود.

گناه قتل انبیا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۵۳ – ۵

۵ خداوند حتی گناه کسانی را که تصمیم بر کشتن انبیا داشته باشند ، به شرط توبه و ایمان ، خواهد بخشید .

و الذين عملوا السيئات . .. إن ربك من بعدها لغفور رحيم

از مصادیق مورد نظر برای <السیئات> به دلیل جمله <و کادوا یقتلوننی>، تصمیم بر کشتن هارون که از پیامبران است می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶

- غافر - ۴۰ - ۳۳ - ۸

۸ - قتل پیامبران ، جرمی نابخشودنی و موجب عذاب الهی و محرومیت ابدی از هدایت الهی است .

أتقتلون رجلًا . .. و من یضلل اللّه فما له من هاد

گناه قتل مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۳ - ۳

۳ کشتن عمدی مؤمن ، از گناهان بسیار بزرگ

و من یقتل مؤمنا متعمّداً فجزاؤه جهنّم خالداً فیها و غضب اللّه علیه و لعنه و اعدّ

برداشت فوق را فرمایش امام صادق (ع) تأیید می کند که فرمود: قتل النفس من الکبائر لانّ اللّه عز و جل یقول: <و من یقتل مؤمناً متعمّداً . .. و اعدّ له عذاباً عظیماً>.

علل الشرایع، ص ۴۷۸، ح ۲، ب ۲۲۸ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۳۴، ح ۴۹۴.

لاوی و قتل یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰ - ۱،۴

۱ یکی از برادران یوسف (لاوی) در جلسه توطئه ، سایر برادران را از کشتن او برحذر داشت .

قال قائل منهم لاتقتلوا یوسف

مفرد بودن کلمه <قائل> گویای این است که تنها یکی از برادران یوسف با کشتن وی مخالفت کرد و او بر اساس روایتی که در پایان آیه خواهد آمد، <لاوی> بوده است.

۴ لاوی با پیشنهاد خود (انداختن یوسف به چاه) درصدد حفظ جان یوسف (ع) و پیشگیری از کشته شدن او بود .

لاتقتلوا یوسف . .. و ألقوه فی غیبت الجب یلتقطه بعض السیّاره

پیشنهاد لاوی مبنی بر اینکه یوسف را در چاهی بر سر راه کاروانها بیفکنید،

در مقابـل این نظر که او را در بیابـانی رهـا سازیـد (أو اطرحوه أرضاً) و نیز، تصـریح به اینکه کاروانی او را بیابـد (یلتقطه بعض السیّاره) دلالت می کند که وی درصدد پیشگیری از تلف شدن یوسف(ع) و از میان رفتن او بوده است.

مجازات قتل بعد از عفو

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۷۸ – ۲۶

۲۶ – ولیّ مقتول اگر پس از عفو یا گرفتن دیه ، قاتل را بکشد ، باید کشته شود . *

فمن اعتدی بعد ذلک فله عذاب ألیم

جمله <فله عـذاب ألیم> را می توان بیان واقعیتی دانست که تجاوزگر در دنیا یا آخرت به آن گرفتار خواهـد شـد و می توان آن را حکمی کیفری و مجازاتی شمرد که جامعه اسلامی باید آن را اجرا کند. برداشت فوق بر اساس دومین احتمال است.

مجوز قتل فرزندان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکویر – ۸۱ – ۹ – ۵

۵ – شرک پدر و مادر و انحراف آنها از ادیان الهی ، مجوّز کشتن فرزندان آنان نیست .

و إذا الموءوده سئلت . بأیّ ذنب قتلت

آیه شـریفه نـاظر به رفتـاری است که برخی از مشـرکان عصـر بعثت بـا دختـران خود داشـتند. محکومیت این رفتـار، حـاکی از مصونیت جان فرزندان آنان است.

مراد از اسراف در قتل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۳۳ – ۱۹،۲۰

۱۹– < عن إسحاق بن عمار قال : قلت لأبی الحسن (ع) إن الله عزّوجلّ یقول فی کتابه : < . . .فلایسرف فی القتل

إنه كـان منصوراً > فمـا هـذا الإسـراف الـذى نهى الله عزّوجـلّ عنه قال : نهى أن يقتل غير قاتله أو يمثل بالقاتل قلت : فما معنى قوله : < إنه كان منصوراً > قال : و أىّ نصـره أعظم من أن يدفع القاتل إلى أولياء المقتول فيقتله و لاتبعه تلزمه من قتله فى دين و لا دنيا ;

اسـخاق بن عمار گويد: به امام موسى بن جعفر(ع) گفتم: همانا خداى عزّوجلّ در كتابش مى فرمايد: <. .. فلايسرف فى القتل إنه كان منصوراً> اين اسراف چه اسرافى است كه خداوند عزّوجلّ از آن نهى كرده است[راوى گويد]گفتم: پس معناى سخن خدا <إنه كان منصوراً> چيست؟ فرمود: چه نصـرتى بزرگ تر از اينكه قاتل به اولياى مقتول داده مى شود و آنان قاتل را مى كُشند و پيامدهايى كه لازمه قتل است چه پيامدهاى دينى و چه دنيايى دامنگير آنان نمى شود>.

٢٠- < عن أبى العباس قال : سألت أباعبـدالله (ع) عن رجلين قتلا رجلاً فقال : يخيّر وليّه أن يقتل أيّهما شاء . . . و كـذلك إن قتـل رجـل إمرأه إن قبلوا ديه المرأه فـذاك ، و إن أبى أوليائهـا إلاّ ـ قتل قاتلها غرموا نصف ديه الرجل و قتلوه و هو قول الله : < فقد جعلنا لوليّه سلطاناً فلايسرف فى القتل > ;

ابى العباس گفت: از امام صادق(ع) در باره دو مردى كه يک مرد را كشـته اند پرسـيدم، حضرت در جواب فرمود: ولىّ مقتول مخيّر است هر كدام از قاتلان را كه بخواهد بكُشد . .. و همچنين اگر مردى زنى را بكُشد، چنان چه[اولياى دم]ديه

زن را قبول کنند، پس حکم همان است و اگر اولیای زن دیه را نپذیرفتند [و راضی نشدند]مگر به کشتن قاتل، باید نصف دیه مرد را بدهند و سپس او را بکُشند و این سخن خداست: فقد جعلنا لولیّه سلطاناً فلایسرف فی القتل>.

مستحقان قتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۳ - ۲

۲- جان برخی از انسان ها ، فاقد حرمت و ارج بوده و می توان آنها را به قتل رساند .

و لاتقتلوا النفس التی حرّم الله إلاّ بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۸ - ۵،۶

۵ کشتن انسان مستحق قتل ، جایز است .

و لایقتلون النفس التی حرّم اللّه إلاّ بالحقّ

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که <بالحقّ> متعلق به <لایقتلون> و استثنای <إلاّ بالحقّ> از نوع استثنای مفرغ باشد; یعنی، <لایقتلونها بسبب من الأسباب إلاّ بسبب الحقّ; نمی کشند هیچ کس را به هر دلیلی که باشد مگر به سبب حق>.

۶ برخی از انسان ها ، فاقد حرمت و ارزش انسانی و مستحق نابودی اند .

و لایقتلون النفس التی حرّم اللّه إلاّ بالحقّ

معاونت در قتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۶،۷

۶ - معتقدان به ادیان الهی نباید در کشتن و آواره کردن همکیشان خود ، به قاتلان و آواره کنندگان یاری رسانند .

تظهرون علیهم بالاثم و العدون

۷ - یاری رساندن به قاتلان و آواره کنندگان اهل دین ، گناه و تجاوز است .

تظهرون عليهم بالاثم و

العدون

مکان قتل هابیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۳۰ – ۲۰

۲۰ کوه قاسیون در دمشق ، مکان کشته شدن هابیل توسط برادرش

فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله

از رسول خدا(ص) روایت شده: بدمشق. حبل یقال له قاسیون فیه قتل ابن آدم اخاه.

الدرالمنثور، ج ۳، ص ۶۱.

ممانعت از قتل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۳۲ – ۱۶،۲۴

۱۶ جلوگیری از تکرار رخدادی همچون کشته شدن هابیل ، فلسفه تعلق پاداش های عظیم خداوند بر پاسداری از جان انسانها

من اجل ذلک کتبنا . .. و من احیاها فکانما احیا الناس جمیعاً

۲۴ ایجاد صلح و امنیت و جلوگیری از فساد و ریختن خون بی گناهان ، از اهداف رسالت انبیا

من قتل نفساً بغیر نفس او فساد فی الارض . .. و لقد جاءتهم رسلنا بالبینت

اشاره به رسالت انبیا با دلایل روشن پس از بیان عقوبت قتل و پاداش حفظ حیات انسانها، بیانگر جایگاه این تعالیم در رسالت انبیای الهی است.

ممانعت از قتل موسی(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۸ - ۲۱

۲۱ - تلاش منطقی و عالمانه مؤمن آل فرعون ، برای منصرف ساختن فرعونیان از کشتن موسی (ع)

و قال رجل من ءال فرعون یکتم إیمنه . .. و إن یک صادقًا یصبکم بعض الذی یعدکم

برداشت یاد شده از مجموع گفته ها، برخوردها، چگونگی استدلال و منطق مؤمن آل فرعون در مقابل فرعونیان استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ -

غافر - ۴۰ - ۳۵ - ۱۵

۱۵ - تلاش گسترده مؤمن آل فرعون در جهت انصراف فرعون از قتل موسی (ع) ، مؤثر واقع شد .

و قال رجل مؤمن من ءال فرعون . .. أتقتلون رجلًا ... كذلك يطبع اللّه على كلّ قلب م

برداشت بالاـ به خاطر این نکته است که فرعون، در آغاز برخورد با موسی(ع) برکشتن او مصمم گشته، این مطلب را به همه اطرافیانش اعلام کرده بود (قال فرعون ما أریکم إلّا ما أری)؛ ولی پس از سخنان مؤمن آل فرعون، به جای کشتن وی دستور داد برجی بسازند تا او نسبت به درستی ادعای آن حضرت به تحقیق بپردازد.

منشأ قتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۷ - ۱۶

۱۶ حسد و خودخواهی ، ریشه و آغاز برادرکشی در تاریخ

قال لاقتلنک

موانع قتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۹ - ۲

۲ - قصاص ، عاملی مهم و اساسی در بازداری مردم از ارتکاب قتل

و لکم فی القصاص حیوه . .. لعلکم تتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۸ - ۷،۱۰،۱۶

۷ ترس هابیل از خداوند ، مانع اقدام وی به قتل برادر

ما إنّا بباسط یدی إلیک لاقتلک انی اخاف اللّه رب العلمین

۱۰ خداترسی ، جلوگیر آدمی از جنایت و آدمکشی

ما إنّا بباسط يدى إليك لاقتلك انى اخاف اللّه رب العلمين

۱۶ ناسازگاری قتل با اعتقاد به ربوبیت خداوند بر جهان هستی

ما إنّا . .. انى اخاف اللّه رب العلمين

تعلیل اقدام نکردن

به قتل به ترس از خدای رب العالمین، می رساند که ربوبیت خداوند بر جهان هستی چنین اقتضا می کند که انسانها باید در امنیت جانی بسر برند. بنابراین کسانی که مرتکب قتل می شوند، خود را به نوعی رودرروی ربوبیت خداوند قرار داده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۲ - ۷

۷ کیفر سنگین برای قتل و آدمکشی ، زمینه پرهیز انسان ها از ارتکاب آن

و من اجل ذلک کتبنا علی بنی اسرءیل انه من قتل . .. فکانما قتل الناس جمیعاً

<من اجل ذلک . ..> به این معناست که خداوندبا توجه به آدمکشی قابیل و پیامدهای شوم آن، بنی اسرائیل را به مجازاتی سنگین تهدید کرد تا از تکرار چنین جنایتهایی باز دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۹ - ۱۲

۱۲ - ایمان به خدا و مجازات او ، تأثیرگذار در دوری انسان از گناه و بزه کاری (چون قتل به ناحق)

یقوم . .. فمن ینصرنا من بأس اللّه إن جاءنا

یادآوری خداوند و عذاب او، از سوی مؤمن آل فرعون در راستای نجات جان موسی(ع)، می تواند بیانگر برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۳ - ۹

۹ - اعتقاد به روز قیامت ، بازدارنده انسان از گناه و بزه کاری (چون آدم کشی)

إنّی أخاف علیکم یوم التناد . یوم تولّون مدبرین ما لکم من اللّه من عاصم

از این که مؤمن آل فرعون برای بازداشتن فرعونیان از کشتن موسی(ع)،

مسأله معاد و حسابرسی اعمال بندگان را مطرح ساخت، مطلب یاد شده به دست می آید.

موجبات قتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۱ - ۴،۵،۶،۷

۴ - منافقان آزاردهنده زنان مسلمان ، در صورت تداوم کردار زشت خود ، مهدورالدم بوده و در هر کجا که یافته شوند ، باید به قتل برسند .

لئن لم ینته المنفقون . .. لنغرینّک بهم ... أینما ثقفوا أُخذوا و قتّلوا تقتیلاً

<ثقف> (مصدر <ثقفوا>) به معنای <مهارت در درك و انجام دادن كار> است (مفردات راغب). در آیه، این واژه به معنای <به دست آوردن و دستیازی> استعمال شده است.

۵ - شایعه پراکنان در مدینه ، در صورت ادامه شایعه پراکنی ، محکوم به قتل بودند .

لئن لم ینته . .. و المرجفون فی المدینه ... أینما ثقفوا أُخذوا و قتّلوا تقتیلاً

۶ - بیماردلانی که اقدام به فساد و آزار زنان می کنند ، در صورت ادامه کار خود ، محکوم به قتل اند .

لئن لم ینته . .. و الذین فی قلوبهم مرض ... ملعونین أینما ثقفوا أُخذوا و قتّلوا ت

۷ - ادامه دهندگان به فساد در جامعه ، با آزار و اذیت زنان مؤمن ، هیچ محل امنی ندارند و باید به قتل برسند .

لئن لم ینته المنفقون و . .. لنغرینّک بهم ... ملعونین أینما ثقفوا أُخذوا و قتّلو

<أیْنَ> مفید عموم است و شامل همه جا می شود و از آن، جایی استثنا نشده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۹ - ۲

۲ - دختر بودن فرزند

در دیدگاه برخی از اعراب جاهلی موجب استحقاق قتل بود .

بأیّ ذنب قتلت

موسی(ع) و قتل فرعونی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۱۵ – ۱۵

۱۵ – قتل ناخواسته فرد قبطی به وسیله موسی (ع) ، نمود دشمنی و گمراه گری شیطان

هذا من عمل الشیطن إنّه عدوٌّ مضلّ مبین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۳۳ – ۱

۱ – بر جای ماندن حادثه کشته شدن مرد قبطی در خاطره موسی ، با گذشت چندین سال

قال ربّ إنّی قتلت منهم نفسًا

ناپسندی قتل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۱۶ – ۲

۲ جنگ و خونریزی ، امری ناخوشایند برای انسان

کتب علیکم القتال و هو کُره لکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۹۴ – ۲۰

۲۰ کشتار و تعرض نابجا به افراد به خاطر دستیابی به غنیمت ، از روش های ناپسند دوران جاهلیت

و لا تقولوا . .. لست مؤمناً تبتغون عرض الحیوه الدّنیا ... کذلک کنتم من قبل

ظاهراً <کذلک> اشاره است به جمله <تبتغون عرض . .. > بر این اساس، مقصود از <من قبل>، قبل از اسلام، یعنی دوران جاهلیت است که به خاطر مال دنیا، بدون هیچ دلیلی دیگران را می کشتند.

ناپسندی قتل بی گناهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۴ - ۱۰

۱۰- کشتن فرد بی گناه ، کاری زشت و ناروا است .

لقد جئت شیئًا نکرًا

<نکر>

صفت مشبه و به معنای <منکَر> است <یعنی کار قبیح و ناپسند و خلاف معروف>.

ناپسندی قتل ناحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۸ - ۲

۲- شرک به خدا ، پرخاش به والدین ، تبذیر ، فرزندکشی ، زنا ، قتل ناحق ، خوردن مال یتیم ، پیروی از راهی که پشتوانه علمی ندارد و مغرورانه راه رفتن ، اعمال ناپسند و منفور خداوند

کلّ ذلک کان سیّئه عند ربّک مکروهًا

نبوت و قتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹ - ۵

۵ - قتل نفس و ناسپاسی نعمت ، دو رفتار نامناسب با شأن و ادعای پیامبری در نظر فرعون

و فعلت فعلتک التی فعلت و أنت من الکفرین

به رخ کشیدن قتل نفس و ناسپاسی موسی(ع) از جانب فرعون، می تواند به منظور خدشه دار کردن پیامبری آن حضرت و منافی دانستن مقام نبوت با قتل نفس و ناسپاسی ادا شده باشد. گفتنی است آیه بعد که در آن حضرت موسی(ع) قتل نفس را عملی غیر عمدی و ناخواسته می شمرد مؤید برداشت یاد شده است.

نهی از قتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۳ - ۲۲

۲۲- < عن أبی جعفر (ع) قال : . . . بعث الله محمداً و . . . أنزل علیه فی سوره بنی اسرائیل بمکه . . . و أنزل نهیاً عن أشیاء حذّر علیها و لم یغلّظ فیها ولم یتواعد علیها و قال : < . . . و

لاتقتلوا النفس التی حرّم الله إلاّ بالحقّ و من قتل مظلوماً فقد جعلنا لولیّه سلطاناً فلایسرف فی القتل إنه کان منصوراً . . . > . . .
> ;

از امام باقر(ع) روایت شده است:. .. خداوند حضرت محمد(ص) را برانگیخت و ... بر او آیاتی چند از سوره بنی اسرائیل را در مکه نازل فرمود ...[که در آن آیات]از چیزهایی نهی کرده که پرهیز از آنها لازم است; ولی در آن نهیها غلظت و شدت نشان نداده و بر ارتکاب موارد نهی وعید عذاب نداده و فرموده است: ... و لاتقتلوا النفس التی حرّم الله إلاّ بالحقّ...>.

یهود و قتل انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۱۹،۲۱،۲۷

۱۹ - یهود ، پیامبران بسیاری از نژاد اسرائیل را به قتل رساندند .

فلم تقتلون أنبیاء اللّه من قبل

چون جمله <فلم تقتلون . ..> (پس چرا پیامبران خدا را می کشتید؟) در جواب ادعای یهود، مبنی بر ایمان آنان به پیامبران بنی اسرائیل، آمده است، معلوم می شود: مراد از <أنبیاء اللّه> پیامبران بنی اسرائیل است.

۲۱ - کشته شدن پیامبرانی از نژاد اسرائیل به دست یهودیان ، دلیل ایمان نداشتن آنان حتی به پیامبران بنی اسرائیل

نؤمن بما أنزل علینا . .. قل فلم تقتلون أنبیاء اللّه من قبل

۲۷ - ابو عمرو زبیری از امام صادق (ع) درباره سخن خداوند که می فرماید < . . . فلم تقتلون انبیاء اللّه من قبل ان کنتم مؤمنین > روایت کرده که : < انما نزل هذا فی قوم الیهود و کانوا علی عهد محمد (ص)

لم يقتلوا الأنبياء بأيديهم و لاكانوا فى زمانهم و انما قتل أوايلهم . . . فجعلهم اللّه منهم و أضاف إليهم فعل أوايلهم بما تبعوهم و تولّوهم ;

این آیه درباره یهود نازل گشته است در حالی که یهودیان زمان پیامبر(ص) پیامبرانی را نکشته بودند و در زمان آنان نیز زندگی نمی کردند و همانا گذشتگان آنان پیامبران را کشتند . .. پس خداوند این یهودیان (یهودیان زمان حضرت محمد(ص)) را جزء آنان دانسته و قتل انبیا را به خاطر پیروی آنان و محبتشان به پیشینیان به آنان نسبت داده است>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۳ - ۱۸

۱۸ - اعمال ناروای یهود در طول تاریخ (کشتن پیامبران ، گوساله پرستی و . . .) نشانه ایمان نداشتن آنان حتی به پیامبران بنی اسرائیل و کتاب های آسمانی خویش است .

قالوا نؤمن بما أنزل علینا . .. قل بئسما یأمرکم به إیمنکم إن کنتم مؤمنین

چون جمله <قل بئسما . ..> (اگر ایمان دارید، ایمانتان شما را به کارهای ناروایی واداشته است) در جواب <نؤمن بما أنزل علینا> قرار گرفته، بیانگر آن است که: شما یهودیان به کتابهای آسمانی ایمان ندارید که چنین اعمال ناپسندی را مرتکب می شوید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۲ - ۱۷،۲۲

۱۷ عصیان اهل کتاب (یهود) و تجاوز مداومشان ، باعث کفرشان به آیات الهی و کشتن پیامبران

ذلک بانّهم کانوا یکفرون بئایت اللّه . .. ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون

بنابر اینکه مشارالیه <ذلک بما عصوا>، کفر به

آیات الهی و کشتن پیامبران باشد.

۲۲ یهود با افشای اسرار پیامبران ، شریک جُرم قاتلان آنان

و یقتلون الانبیاء بغیر حقّ

امام صادق (ع) در تفسیر آیه <و یقتلون الانبیاء بغیر حق>، فرمود: . .. و لکن اذاعوا سرّهم و افشوا علیهم فقتلوا.

اصول کافی، ج ۲، ص ۳۷۱ ; تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۹۶، ح ۱۳۲.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۵ - ۱،۴،۹

۱ یهود ، مردمی پیمان شکن و قاتل پیامبران

فبما نقضهم میثقهم و کفرهم بایت اللّه و قتلهم الأنبیاء بغیر حق

۴ یهودیان ، هیچگونه توجیهی برای کشتن انبیا ، نداشتند .

و قتلهم الأنبیاء بغیر حق

با اینکه همواره کشتن انبیا نا به حق است، خداوند قید توضیحی <بغیر حق> را ذکر کرده است تا به این معنا اشاره کند که قاتلان پیامبران خود نیز به ناروا بودن کشتن انبیا آگاه بودند.

۹ یهود ، مورد نفرین و غضب خداوند به سبب پیمان شکنی ، انکار آیات الهی و کشتن پیامبران

فبما نقضهم میثقهم . .. و قتلهم الأنبیاء

برداشت فوق بر این اساس است که <بما نقضهم . ..> به قرینه آیات مشابه، متعلق به فعلی محذوف همانند <لعناهم> باشد.

یهود و قتل عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۷ - ۱،۴،۷،۸،۱۰،۱۵،۱۶

۱ یهود ، مدعی کشتن حضرت مسیح (ع)

و قولهم إنّا قتلنا المسیح عیسی ابن مریم رسول اللّه

۴ ادعای کشتن حضرت مسیح (ع) علی رغم اعتراف به پیامبری وی مایه گرفتاری یهود به لعنت و غضب خداوند

و قولهم

إنّا قتلنا المسيح عيسى ابن مريم رسول اللّه

بدان احتمال که <قولهم> عطف بر <نقضهم> در آیه ۱۵۵ باشد.

۷ یهودیان ، به اشتباه شخص دیگری را به جای حضرت عیسی (ع) به دار آویخته و کشتند .

و ما قتلوه و ما صلبوه و لکن شبه لهم

استدارک در جمله <و لکن شبه لهم> رسای به این است که یهودیان شخصی را به گمان اینکه حضرت عیسی(ع) است به دار آویخته و او را به قتل رساندند.

۸ اختلاف یهود ، در اصل رخداد قتل و به دار آویخته شدن عیسی (ع)

إنّ الذین اختلفوا فیه

۱۰ ادعای یهود در مورد کشته شدن حضرت عیسی (ع) ، بر پایه گمان بود ، نه علم و یقین .

إنّ الذین اختلفوا فیه لفی شک منه ما لهم به من علم الا اتباع الظن

۱۵ یهودیان ، قطعاً حضرت عیسی (ع) را نکشتند .

و ما قتلوه یقیناً

۱۶ یهود به جای حضرت عیسی (ع) جوانی را که به شکل آن حضرت در آمده بود کشتند وبه صلیب کشیدند .

و قولهم إنّا قتلنا المسیح عیسى ابن مریم رسول اللّه و ما قتلوه

امام باقر(ع): . .. و اخذوا الشاب الذی القی علیه شبح عیسی فقتل و صلب ... .

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۰۳; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۶۹، ح ۶۵۳.

قتل نفس

کیفر قتل نفس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۲۱ – ۲۱

۲۱ قاتلان پیامبران و قاتلان امر کنندگان به معروف ، گرفتار سخت ترین عذاب های الهی

و یقتلون النّبیّن بغیر حق

و يقتلون الذين يأمرون بالقسط.

از رسول اللّه (ص) سؤال شد: ایّ الناس اشد عذاباً یوم القیامه؟ آن حضرت فرمود: رجل قتل نبیّاً او رجلاً امر بمعروف او نهی عن منکر، سپس آن حضرت، این آیه را تلاوت کرد: <انّ الّذين يكفرون . .. >.

تفسیر طبری، ج ۳، ص ۱۴۴ ; مجمع البیان، ج ۲، ص ۷۲۰ ; تفسیر تبیان، ج ۲، ص ۴۲۲.

قحطی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

قحطی

آل یعقوب در دوران قحطی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۸ - ۲

۲ خاندان یعقوب در دوران قحطی به تنگدستی و رنج بسیار گرفتار شدند .

قالوا . .. مسّنا و أهلنا الضر

<مسّ> به معنای لمس کردن و تماس گرفتن است. <ضرّ> به معنای فقر سختی و کمبود می باشد.

ابتلای فرعونیان به قحطی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۰ - ۱

۱ خداوند ، فرعونیان زمان موسی را برای پذیرش رسالت های او ، به قحطی های متعدد و کم محصولی فاحشی مبتلا ساخت .

و لقد أخذنا ءال فرعون بالسنين و نقص من الثمرت لعلهم يذّكّرون

<سنه> به معنای قحطی و خشکسالی است و جمع آوردن آن (السنین) حکایت از تعدد قحطی و خشکسالی دارد. این تعدد یا به اعتبار شهرهای زیادی است که قحطی در آنجاها به وجود آمده و یا به لحاظ سالهای متعدد است. نکرده آوردن <نقص> اشاره به کمبود فاحش دارد.

اهمیت پیشگیری از قحطی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۴۷ – ۱۶

۱۶ ارائه برنامه های اقتصادی به دولت ها و

مردم کافر برای دور ماندنشان از گرسنگی و مصونیت در برابر قحطی ها و دشواریها ، امری جایز و پسندیده است .

قال تزرعون سبع سنین . .. إلاّ قلیلاً مما تأکلون

اهمیت تأمین قحطی زدگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۴ - ۳

۳ - تأمین خوراک قحطی زدگان ، برای کسانی که خود نیز گرفتار خشک سالی انـد ، وظیفه ای سـنگین و نیازمنـد همتی والا است .

و ما أدریک ما العقبه . .. أو إطعم فی یوم ذی مسغبه

قید <فی یوم>، ناظر به این معنا است که اطعام کنندگان، خود نیز در همان وضعیت به سر می برند.

برادران یوسف در دوران قحطی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۳ - ۱۷

پیشگیری از قحطی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۷ - ۸

۸ هفت سال تلاش برای تولید غله ، ذخیره سازی غله ها با خوشه های آن ، صرفه جویی در مصرف ، توصیه های یوسف (ع) به مردم مصر برای مصون ماندن از مشکلات دوران هفت ساله قحطی و خشکسالی

قال تزرعون سبع سنین دأبًا

برخی برآننـد که رؤیـای پادشـاه اشـاره ای به دسـتورالعملها و چـاره اندیشـیها نـدارد و تـدبیرهایی که یوسف(ع) بیان داشـته و دستوراتی که صادر کرده از دانشی خدادادی او بوده و ارتباطی به رؤیای پادشاه ندارد. برداشت فوق بر اساس این نظر است.

پیمانه دوران قحطی مصرباستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۲

۳ جام شاهی ، وسیله پیمانه کردن غلات برای تعیین سهمیه افراد در دوران قحطی هفت ساله مصر

جعل السقایه فی رحل أخیه . .. نفقد صواع الملك

تعبیر کردن از جام گمشده به <سقایه> (جام) و <صواع> (پیمانه) گویای این است که پیمانه مورد استفاده برای تعیین سهمیه افراد، همان ظرفی بود که پیش از سپردن آن به یوسف(ع) برای نوشیدن آب و مانند آن مورد استفاده پادشاه قرار می گرفته بود.

تأمین فقرا هنگام قحطی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بلد – ۹۰ – ۱۶ – ۳

۳ – سیر کردن گرسنگان که در سال های قحطی ، دستشان از هر آذوقه ای کوتاه است وظیفه ای سنگین ، پرارزش و نیازمند همتی والا است .

و ما أدریک ما العقبه . .. أو مسکینًا ذا متربه

ثروتمندان هنگام قحطی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بلد – ۹۰ – ۱۴ – ۴

۴ – سرمایه داران ، در کمک های اقتصادی به مردم قحطی زده ، باید تغذیه آنان را در اولویت قرار دهند .

أو إطعم فی یوم ذی مسغبه

ذخیره طعام در قحطی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۶۵ – ۱۹

۱۹ جواز اندوخته ساختن آذوقه برای مصارف شخصی حتی در دوران قحطی و کمبود مواد غذایی

نمیر أهلنا . .. ذلک کیل یسیر

زمینه قحطی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۳۰ – ۳

۳ – تأثیر گناه ، در گرفتار آمدن انسان ها به قحطی و خشکسالی

و هو

الذی ینزّل الغیث من بعد ما قنطوا . .. و ما أصبکم من مصیبه فبما کسبت أیدیکم

سیاق آیات ،می تواند بیانگراین نکته باشد که رحمت و قدرت الهی گسترده و فراگیر است و قحطی ها و خشکسالی ها بازتاب عملکرد خود انسان هااست.

عزیز مصر در دوران قحطی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۸ - ۵

۵ یوسف (ع) ، عزیز مصر در سال های قحطی آن دیار

قالوا یأیها العزیز

قحطی در بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۰ - ۶

۶ قوم موسی پس از عبور از دریا به کمبود آب و غذا مبتلا شدند .

إذ استسقه قومه . .. و أنزلنا علیهم المن و السلوی

قحطی در دوران عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۳ - ۵

۵ اصحاب عیسی (ع) ، در برهه ای از زمان دچار کمبود مواد غذایی *

قالوا نرید ان نأکل منها

درخواست نزول مائده به انگیزه تغذیه در صورتی می تواند توجیهی برای آن درخواست به حساب آید که دستیابی به خوراکیها از راههای معمول برای آنان بسیار مشکل باشد.

قحطی در سرزمین کنعان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۸ - ۱

۱ پیشگویی یوسف (ع) بر مبنای رؤیای پادشاه ، به حقیقت پیوست و قحطی و خشکسالی ، مصر و اطراف آن (کنعانو . . .) را فرا گرفت .

و جاء إخوه یوسف فدخلوا علیه

آمدن

برادران یوسف از کنعان به مصر برای دریافت آذوقه و نبود آذوقه در غیر آن دیار که <منع منا الکیل> در آیه ۶۳ حاکی از آن است دلالت می کند که قحطی علاوه بر مصر ، اطراف و نواحی آن را نیز فرا گرفته بود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۶۳ – ۶

۶ نایاب بودن آذوقه و غلّه در کنعان طی هفت سال قحطی و خشکسالی عصر یوسف

قالوا یأبانا منع منا الکیل فأرسل معنا أخانا نکتل

قحطی در فرعونیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۳۰ – ۲

۲ کم محصولی فاحش ، بارزترین اثر خشکسالی ها و قحطی های تحمیل شده به فرعونیان

و لقد أخذنا ءال فرعون بالسنین و نقص من الثمرت

خشکسالی و قحطی در پی دارنده مشکلات فراوانی است که از جمله آنها کم محصولی است. بنابراین ذکر بخصوص آن می تواند اشاره به برداشت فوق داشته باشد.

قحطی در مصرباستان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۴۸ – ۱،۲

۱ وقوع هفت سال قحطی و سختی پس از هفت سال آبادانی ، تعبیر یوسف (ع) از هفت گاو لاغر در رؤیای پادشاه مصر

ثم یأتی من بعد ذلک سبع شداد

<شداد> (جمع شدید) از مصدر <شده> (سختی و دشواری) گرفته شده است و مراد از <سبع شداد> هفت سال قحطی و خشکسالی است و مشارالیه <ذلک> هفت سال آبادانی می باشد.

۲ رؤیای پادشاه ، گویای تأخّر سال های قحطی از هفت سال آبادانی بود .

ثم يأتى من

بعد ذلک سبع شداد

به نظر می رسد یوسف(ع) از اینکه در رؤیای پادشاه گاوهای لاغر به خوردن گاوهای چاق پرداخته اند، دریافت که سالهای قحطی پس از سالهای آبادانی رخ خواهد داد. تقدم ذکری گاوهای چاق بر گاوهای لاغر در بیان رؤیا نیز می تواند دلیل دیگری برای یوسف(ع) در این تعبیر باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۸ - ۱،۴

۱ پیشگویی یوسف (ع) بر مبنای رؤیای پادشاه ، به حقیقت پیوست و قحطی و خشکسالی ، مصر و اطراف آن (کنعانو . . .) را فرا گرفت .

و جاء إخوه یوسف فدخلوا علیه

آمدن برادران یوسف از کنعان به مصر برای دریافت آذوقه و نبود آذوقه در غیر آن دیار که <منع منا الکیل> در آیه ۶۳ حاکی از آن است دلالت می کند که قحطی علاوه بر مصر ، اطراف و نواحی آن را نیز فرا گرفته بود.

۴ طرح کاشت مداوم غلات و ذخیره سازی آنها برای سال های قحطی ، تنها در قلمرو حکومتی مصر انجام گرفت .

و جاء إخوه یوسف

قحطی در مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۶ - ۶

۶ - عدم تنبه کافران مکه ، از بلا های هشدار دهنده الهی (مثل قحطی و خشکسالی)

و لقد أخذنهم بالعذاب فما استکانوا لربّهم و ما یتضرّعون

مدعیان انفاق هنگام قحطی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۴ - ۲

۲ – مدعیان دروغین انفاق ، با پیدایش گرسنگی های فراگیر

، از اطعامْ بخل ورزیده ، مواد غذایی را احتکار می کنند .

یقول أهلکت مالاً لبدًا . .. فلااقتحم العقبه ... أو إطعم فی یوم ذی مسغبه

مصریان باستان پس از قحطی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۴۹ – ۳

۳ روی آوری مصریان به افشره گرفتن از محصولات خویش بر اثر فراوانی آنها ، در نخستین سال پس از سال های قحطی

ثم یأتی . .. و فیه یعصرون

<عصر> به معنای آب گرفتن از چیزی مانند: میوه ، لباس تر و . .. است. مفعول <یعصرون> به قرینه سیاق – محصولات کشاورزی همانند میوه جات می باشد.

موارد قحطی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۳۰ – ۲

۲ کم محصولی فاحش ، بارزترین اثر خشکسالی ها و قحطی های تحمیل شده به فرعونیان

و لقد أخذنا ءال فرعون بالسنین و نقص من الثمرت

خشکسالی و قحطی در پی دارنده مشکلات فراوانی است که از جمله آنها کم محصولی است. بنابراین ذکر بخصوص آن می تواند اشاره به برداشت فوق داشته باشد.

نجات مصرباستان از قحطی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۵۸ – ۵

۵ سرزمین مصر بر اثر پیش بینی یوسف (ع) و تدبیر عالمانه او ، از عواقب فاجعه آمیز قحطی مصون ماند .

و جاء إخوه یوسف

یتیم هنگام قحطی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بلد – ۹۰ – ۱۵ – ۱،۳

۱ – یتیمانِ نیازمند ، سزاوارترین قشر جامعه به دریافت کمک های

غذایی در سال های قحطی اند .

أو إطعم . .. يتيمًا

۳ – رساندن غذا به یتیمان در سال های قحطی ، تکلیفی سنگین و نیازمند همتی والا است .

ما العقبه . .. أو إطعم فی یوم ذی مسغبه . یتیمًا

یوسف(ع) در دوران قحطی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۸۸ – ۴

۴ یوسف (ع) در دوران قحطی مصر ، سمت عزیزی آن دیار را بر عهده داشت .

قالوا یأیها العزیز

یوسف(ع) و پیشگیری از قحطی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۵۵ – ۲

۲ پیشگیری از بروز فاجعه برای مردم مصر به سبب قحطی و خشکسالی ، از هدف های یوسف (ع) در تقاضای منصب حکومتی

اجعلنی علی خزائن الأرض

یوسف(ع) هنگام قحطی مصر باستان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۷۶ – ۱۳

۱۳ یوسف (ع) در زمان قحطی مصر ، پادشاه آن دیار نبود .

ما کان لیأخذ أخاه فی دین الملك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۸ - ۵

۵ یوسف (ع) ، عزیز مصر در سال های قحطی آن دیار

قالوا یأیها العزیز

قحطی زدگان

اهمیت تأمین قحطی زدگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۴ - ۳

۳ - تأمین خوراک قحطی زدگان ، برای کسانی که خود نیز گرفتار خشک سالی اند ، وظیفه ای سنگین و نیازمند همتی والا است .

و ما أدریک ما العقبه

. .. أو إطعم فی یوم ذی مسغبه

قید <فی یوم>، ناظر به این معنا است که اطعام کنندگان، خود نیز در همان وضعیت به سر می برند.

قدرت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

قدرت

آثار ایمان به قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۵ - ۲۱

۲۱ - باور به قدرت خدا ، ایجاد کننده محبت او در دلهاست .

والذین ءامنوا أشد حباً للّه . .. أن القوه للّه جمیعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۶ - ۱۰

۱۰ - باور به نزدیک بودن خدا به بندگان و توان او بر اجابت درخواست ها ، گرایش دهنده آدمی به ایمان و اطاعت از اوست .

فإنی قرب أجیب دعوه الداع . .. فلیستجیبوا لی و لیؤمنوا بی

برداشت فوق از <فا>ی تفریع در <فلیستجیبوا> استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۴ - ۴

۴ - ایمان به توانایی و عزّت مطلق خدا ، ره یابی به توحید و ربوبیت یگانهءاو است .

إنّ اللّه لقویّ عزیز

آثار تعقل در قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۹ - ۲

۲ - مطالعه در مظاهر قدرت و تدبیر الهی ، ازمیان برنده هرگونه استبعاد و اعجاب انسان ، نسبت به حقایق وحی

أفمن هذا الحدیث تعجبون

<فاء> تفریع می رساند که اگر توجه کامل به مفاد آیات پیشین که بیانگر قدرت و تدبیر الهی بود مبذول شود، زمینه ای برای استبعاد و ناباوری باقی نخواهد ماند.

آثار جهل به قدرت

خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۹ - ۱۱

۱۱ - بی خبری از قدرت خداوند ، مایه انکار معاد است .

أَوَلم یروا کیف یبدئ اللّه الخلق . .. إنّ ذلک علی اللّه یسیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۱ - ۷

۷ - تردید در رخداد قیامت ، نشانگر عدم شناخت قدرت کامل خداوند است .

و إنّه لعلم للساعه فلاتمترنّ بها

آفرینش شگرف عیسی(ع)، نشانه ای بر قدرت خداوند است و از آن جا که این آفرینش دلیل بر امکان معاد شمرده شده، می توان استفاده کرد که تردید در مورد قیامت، ناشی از غفلت نسبت به قدرت بی همتای خداوند است.

آثار ذکر قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۹ - ۹

۹- توجه به مشیّت نافذ و نیروی قاهرِ خداوند ، بازدارنده آدمی از مغرور شدن به اموال دنیا و ابدی پنداشتن آن است .

و لولا إذ دخلت جنّتک قلت ما شاء اللّه لاقوّه إلاّ باللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۵ - ۱۴

۱۴ - باور و توجه به قدرت بی نهایت خداوند ، از بین برنده روحیه غرور و استکبار در انسان

فاستکبروا . .. أَوَلم یروا أنّ اللّه الذی خلقهم هو أشدّ منهم قوّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۴ - ۲۰

۲۰ - توجّه به قدرت ، علم و حکمت گسترده خداوند ، مایه اطمینان قلب مؤمنان در طریق

ایمان .

أنزل السکینه . .. و للّه جنود السموت و الأرض و کان اللّه علیمًا حکیمًا

<للّه جنود. ..> دال بر حاکمیت و قدرت خداوند است و این که خداوند در پایان آیه به قدرت مطلقه و علم و حکمت گسترده خود اشاره کرده است; می تواند از آن جهت باشد که نفس توجّه مؤمنان به این حقیقت، خود وسیله ازدیاد ایمان و آرامش قلب آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۱ - ۸

۸ - توجّه به علم و قدرت الهی ، زمینه امیدواری مؤمنان به پیروزی راه ایمان

قد أحاط اللّه بها و کان اللّه علی کلّ شیء قدیرًا

از این که خداوند، پس از نوید دادن به قدرت و پیروزی مؤمنان در آینده، علم و قدرت خویش را به ایشان یادآور شده است; مطلب بالا را می توان نتیجه گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۱ - ۱۱

۱۱ توجّه به علم و قدرت الهی و نمود های رستاخیز در طبیعت ، زداینده هر شک در امکان معاد

قد علمنا ما تنقص الأرض منهم . .. أفلم ینظروا إلی السماء فوقهم کیف بنینها ... و

خداوند در پاسخ به شبهات منکران معاد، در این آیات به سه نکته اشاره کرده است: ۱ علم، ۲ قدرت، ۳نمودهای رستاخیز در طبیعت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۶۲ - ۴

۴ - توجه به تدبیر و قدرت الهی در نظام هستی ، مقتضی خضوع و سجود انسان در برابر آفریدگار آن

و أنّ إلی ربّک المنتهی

. .. فاسجدوا للّه و اعبدوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۴ - ۵

۵ - توجه به قدرت برتر خداوند و عجز و ناتوانی خلق ، بازدارنده آنان از کفر و تکذیب

لاتنفذون إلّا بسلطن . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

ارتباط دو آیه، نشانگر آن است که غفلت جن و آدمیان از قدرت خداوند، زمینه ساز تکذیب گری آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۸ - ۳

۳ - توجه به فرجام هستی و قدرت قاهر خداوند ، زمینه ساز اجتناب انسان از کفر و تکذیب حق

فإذا انشقّت السّماء . .. فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

آثار عقیده به قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۹ - ۲

۲ - اعتقاد به ربوبیت خدای یگانه و قدرت قاهر و علم گسترده او ، مقتضی توکل کردن انسان به او

إنّ ربّک یقضی بینهم بحکمه و هو العزیز العلیم . فتوکّل علی اللّه

تفریع <توکّل علی اللّه> بر <إنّ ربّک یقضی . .. و هو العزیز العلیم> بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۶ - ۴

۴ - توجه به ناتوانی معبود های ادعایی و عقیده به قدرت مطلق خداوند ، موجب تسلی خاطر و دل گرمی مبلغان اسلام و مدافعان عقیده توحیدی

و اتّخذوا من دون اللّه ءالهه لعلّهم ينصرون . لايستطيعون نصرهم... فلايحزنک قولهم

جمله <فلايحزنک قولهم> جواب براى شرط مقدر است; يعنى، <إذا كان هذا حالهم مع ربّهم حيث اتّخذوا رجاء

النصر ءالهه من دون اللّه لايقدرون نصرهم فلاتحزن بسبب قولهم. ..; وقتی وضعیت آنان چنین است که به امید یاری، معبودهای دیگری جز خدا را که توانای بر یاری رسانی ندارند برگزیدند، پس تو از سخنان شان محزون مباش...>.

آثار علم به قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۰ - ۱۰

۱۰ - پی بردن به قدرت و توانایی خداوند ، برطرف کننده استبعاد در وقوع معاد است .

سیروا . .. فانظروا ... ثمّ اللّه ینشئ النشأه الأخره إنّ اللّه علی کلّ شیء قدیر

آثار غفلت از قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۱ - ۳

۳- استبعاد معاد پس از متلاشی شدن جسد انسان ، معلول غفلت از قدرت نامحدود خداست .

قل کونوا حجاره أو حدیدًا . أو خلقًا ممّا یکبر فی صدورکم

تذکر جمله <کونوا حجاره . .. أو خلقاً ممّا یکبر ...> که اشاره به نامحدود بودن قدرت خدا دارد برای بیرون آوردن مشرکان از غفلتی است که سبب تردید آنان درباره زنده شدن استخوانهای خرد شده گردیده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵ - ۲

۲- غفلت از قدرت نامحدود خدا ، منشأ شک و تردید مشرکان عصر بعثت در امکان معاد و حیات دوباره انسان

یأیّها الناس إن کنتم فی ریب من البعث فإنّا خلقنکم

جواب شرط در جمله <إن کنتم فی ریب من البعث> حذف شده است و تقدیر آن چنین می باشد: <إن کنتم فی ریب من البعث فانظروا إلی

بـدء خلقکم؛ اگر در امکان برپایی رسـتاخیز تردیـد دارید، به آغاز پیدایش خود بنگرید>. مقصود از جمله یاد شده این اسـت که: همان طور که خداوند توانست انسان ها را در این نشأه بیافریند مسلّماً قدرت آن را دارد که دوباره و در نشأه دیگر آنان را زنده کند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۸۲ – ۴

۴ – سطحی نگری و غفلت از قدرت بی انت های خداوند ، منشأ تردید و استبعاد کافران نسبت به مسأله رستاخیز

و هو الذی ذرأکم فی الأرض و إلیه تحشرون. و هو الذی یحی و یمیت... أفلاتعقلون ...قا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۱۵ – ۱۰،۱۷

۱۰ – کفر و استکبار قوم عاد ، نتیجه غفلت آنان از قدرت برتر الهی

أَوَلم یروا أنّ اللّه الذی خلقهم هو أشدّ منهم قوّه

۱۷ – خودبرتربینی ، غرور و غفلت از قدرت برتر خداوند ، از عوامل لجاجت ، حق ناپذیری و انکار رسولان الهی *

فأمّا عاد فاستکبروا فی الأرض . .. و کانوا بأیتنا یجحدون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۶۰ – ۷

۷ – بعید شمردن شیوه آفرینش عیسی (ع) ، نشأت یافته از بی توجهی به قدرت بی نهایت خداوند است .

و لمّا ضرب ابن مریم مثلاً . .. إن هو إلاّ عبد أنعمنا ... و لو نشاء لجعلنا منکم م

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته است: الف) <لمّا ضرب ابن مریم> نظر به جنبه خلقت عیسی(ع) دارد. ب) این آیه

در مقام رفع استبعاد و انکار مشرکان مکه است که برای خداوندی که قادر به آفرینش تمامی انسان ها به صورت ملك است، خلقت عیسی(ع) بدون پدر امری ساده می باشد.

آثار قدرت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۶۵ – ۱۹،۲۰

۱۹ – پنداشتن قدرت در معبودان دروغین ، عالم محبت مشرکان به آنهاست .

یحبونهم کحب اللّه . .. و لو یری الذین ظلموا ... أن القوه للّه جمیعاً

۲۰ – تأثیر جاذبه قدرت در جلب محبت

یحبونهم کحب اللّه . .. و لو یری الذین ظلموا ... أن القوه للّه جمیعاً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۰۵ – ۸

۸ قدرت و حکومت ، خصلت های درونی انسان را نمایان می سازد .

و اذا تولی سعی فی الأرض لیفسد فیها و یهلك

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۷۶ – ۷

۷ پندار قدرت مسیح (ع) و مریم بر سود و زیان رسانی به مردم ، از عوامل پرستش آن دو ، از سوی مسیحیان *

قل اتعبدون من دون اللّه ما لایملك لکم ضراً و لانفعاً

استدلال بر ناروایی پرستش مسیح(ع) و مادرش مریم به ناتوانی آنان از ضرر رسانی و نفع بخشی، می تواند اشاره به ریشه و عامل پرستش مسیح(ع) و مریم، از سوی نصارا داشته باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۶ – ۱۳

۱۳ اقتدار و تمکن مادی تأمین کننده سعادت نیست.

و مکنهم فی الأرض ما لم

نمکن لکم

از اینکه می فرماید ما به آنها مکنت دادیم بیش از شما و هلاکشان کردیم، پس مکنت مادی دلیل قرب نزد خدا نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۴ - ۶

۶- دستیابی به آرامش و قدرت اجتماعی ، زمینه غفلت انسان از جهان آخرت

اسکنوا الأرض فإذا جاء وعد الأخره جئنا بکم لفیفًا

برداشت فوق بر این اساس است که خداوند پس از <اسکنوا الأرض> که کنایه حاکمیت و قدرت است مسأله قیامت و احضار انسانها را مطرح کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۲ - ۴

۴- حفظ معارف و شریعت الهی و اجرای احکام آن ، نیازمند صلابت و توان مندی است .

خذ الکتب بقوّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۰ - ۳

۳- دارایی ها و توان مندی ها ، از عمده ترین زمینه های غفلت و کفرورزی است .

و هم فی غفله و هم لایؤمنون . إنّا نحن نرث الأرض

از جمله وجوه ارتباطی این آیه با آیه قبل، بیان اسباب غفلت و سعی در ریشه کن کردن آن است. دراین آیه خداوند برای متنبّه ساختن آدمیان و از بین بردن عوامل غفلت آنان، بر فناپذیری ثروت های دنیا و ساکنان زمین تأکید کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۴ - ۱۲

۱۲- پیشرفت های اقتصادی و قدرت های چشم گیر حتی در عالی ترین شکل آن تضمین کننده نجات جامعه از نابودی نیست

.

و کم أهلکنا قبلهم من قرن هم أحسن أثثًا ورءيًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۲ - ۲

۲ - خداوند ، خواهان تلاش انسان ها برای کسب ارزش ها به قدر توان خود و نه بیشتر از آن

أُولئک یسرعون فی الخیرت . .. و لانکلّف نفسًا إلاّ وسعها

ذکر جمله <و لانکلّف نفساً إلاّ وسعها> پس از تمجید و ستایش از کسانی که در انجام کارهای خیر شتاب میورزند و در میدان کسب ارزش ها از دیگران سبقت می گیرند، می تواند تذکری از جانب خداوند باشد تا آنان خود را در این راستا به مشقت نیندازند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۰ - ۱۴،۱۵

۱۴ - قدرت ها و امکانات خدادادی در جهت رشد و تکامل انسان

قال هذا من فضل ربّی

استفاده از صفت <ربّ> به جای هر وصف و یا نام دیگر خداوند، اشاره به این نکته دارد که تفضلات الهی در جهت رشد و تکامل انسان ها است.

۱۵ - برخورداری از علم و قدرت ، زمینه توجه مردان الهی به مسؤولیت و وظایف برتر خود

فلمّا رءاه مستقرًّا عنده قال هذا من فضل ربّی لیبلونی

برداشت یاد شده از آن جا است که سلیمان(ع) با مشاهده قدرت دربار خویش، متذکر گشت که هدف از این تفضلات و امکانات، امتحان و آزمون او است و باید به هوش باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۹ - ۲

۲ – قدرت و ثروت ، از موجبات فخرفروشی ، خودنمایی و تجمل گرایی

فخرج علی

قومه فی زینته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۹ - ۱۱

۱۱ - مخالفت مشرکان مکه با پیامبر ، برخاسته از فریفتگی آنان به اقتدار نسبی خویش بود .

أَوَلم یسیروا فی الأرض . .. کانوا أشدّ منهم قوّه

نکوهش مخالفان پیامبر(ص) بر عبرت نگرفتن از زوال قدرت ها و تمدن های گذشته، اشعار دارد که سرپیچی آنان از پذیرش اسلام، برخاسته از دل خوشی آنها به امکانات رزمی و رفاهی خویش بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۴ - ۸

۸ - برخورداری از قدرت و توانایی سیاسی و اقتصادی ، از زمینه های طغیان ، حق گریزی و دین ستیزی

کانوا هم أشدّ منهم قوّه و ءاثارًا . .. إلی فرعون و همن و قرون فقالوا سحر کذّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۲ - ۱۵

۱۵ - قدرت و آگاهی ، پشتوانه مدیریت و تدبیر شایسته

خلق الأرض . .. ذلک تقدیر العزیز العلیم

آمدن صفت <عزیز> و <علیم> پس از بیان آسمان، زمین و. .. اشاره به این واقعیت دارد که آفرینش زیبا و مستحکم، تکیه بر قدرت و علم دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۵ - ۶

۶ - قدرت و توانمندی ، زمینه غرور و سرکشی در برابر حق

فاستکبروا فی الأرض بغیر الحقّ و قالوا من أشدّ منّا قوّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۲ - ۹

۹- قدرت و امکانات در

دست انسان های ناصالح ، ابزار فسادانگیزی و گسستن عواطف انسانی

فهل عسیتم إن تولّیتم أن تفسدوا فی الأرض و تقطّعوا أرحامکم

بنابراین که <تولّیتم> به معنای عهده داری امور باشد; در حقیقت آیه شریفه هشداری به بیماردلان سست ایمان است که اگر روزی، قدرت و حکومت در دستشان قرار گیرد، فسادگری آنان گسترش یافته و پهنه زمین را آلوده می سازند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۹ - ۲،۵

۲ - کارساز نبودن قدرت من های ایمان ، در سعادت اخروی بشر

هلک عنّی سلطنیه

۵ - قدرت و توانمندی بدون ایمان و مصرف آن در مسیر سعادت اخروی ، مایه حسرت و تأسف در قیامت

هلک عنّی سلطنیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۱ - ۱۰

۱۰ - ثروت و قدرت بدون ایمان ، سعادت بخش و سودمند به حال بشر نیست ; بلکه موجب خسارت و بدبختی است .

و اتّبعوا من لم یزده ماله و ولده إلاّ خسارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۱ - ۳

۳ - برخورداری از امکانات مادی و قدرت ، زمینه ساز طغیان و تعرض به حقوق دیگران

الذین طغوا فی البلد

آثار قدرت اقتصادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۰ - ۱۰

۱۰ - نقش اساسی قدرت اقتصادی ، در امنیت و اقتدار سیاسی ملت ها *

فعجّل لكم هذه و كفّ أيدی الناس عنكم

در صورتی که <كفّ. ..> مترتّب بر فتح خیبر و غنایم آن (عجّل لكم هذه) باشد و

نتیجه آن شمرده شود؛ از آیه شریفه استفاده می شود که خداوند، برای امنیت بخشیدن به امت اسلامی در شرایط بحرانی، این مهم را از طریق تقویت بنیه اقتصادی ایشان، تأمین کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۱ - ۶،۹،۱۴

۶ - قدرت سیاسی و اقتصادی گروهی ، موجب پیروی و تأثیرپذیری قوم نوح از آنان شد .

و اتّبعوا من لم یزده ماله و ولده إلاّ خسارًا

۹ - قدرت سیاسی و اقتصادی ، زمینه ساز کفر و حق ناپذیری

و اتّبعوا من لم یزده ماله و ولده إلاّ خسارًا

۱۴ - قدرت اقتصادی ، دارای نقشی فزون تر از قدرت سیاسی در لغزیدن انسان به ورطه سقوط و بی دینی *

من لم یزده ماله و ولده إلاّ خسارًا

تقدیم ذکری <ماله> بر <ولده>، ممکن است اشاره به برداشت یاد شده باشد.

آثار قدرت اقتصادی قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۱ - ۱۳

۱۳ - قدرت اقتصادی و سیاسی صاحبان زر و زور در عصر نوح (ع) ، نتیجه ای جز خسارت و بدبختی برای آنان در برنداشت .

من لم یزده ماله و ولده إلاّ خسارًا

آثار قدرت بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷ - ۸

۸- فسادانگیزی مجدد بنی اسرائیل ، پس از رسیدن به قدرت و رفاه

لتفسدنّ فی الأرض مرّتین . .. ثمّ رددنا لکم الکرّه علیهم ... فإذا جاء وعد الأخره

آثار قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره

- ۲ - ۱۰۶ - ۱۵

۱۵ – تشریع دینی به جای دین نسخ شده و نازل کردن حکمی به جای حکم منسوخ ، درخورِ دارنده قدرت مطلق است .

نأت بخیر منها أو مثلها ألم تعلم أن اللّه کل شیء قدیر

در برداشت فوق جمله تعلیلیه <ألم تعلم . ..> در ارتباط با <نأت بخیر ...> معنا شده است; یعنی، چون خداوند دارای قدرت مطلق است، بر جای گزینی شریعتی بهتر و یا همانند شریعت منسوخ، تواناست.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۴ – ۵

۵ قدرت مطلق خدا ، پشتوانه تحقق معاد و برپایی روز قیامت است .

فإنی أخاف علیکم عذاب یوم کبیر. إلی الله مرجعکم و هو علی کل شیء قدیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۶۶ – ۱۴

۱۴ قدرت شکست ناپذیر خداوند ، پشتوانه پیشبرد هدف های رسالت و تدبیر امور نبوّت رسول خداست .

إن ربک هو القویُّ العزیز

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۲ – ۲۰

۲۰ توان خداوند بر آفرینش هستی و تدبیر امور آن ، دلیل توانایی او بر ایجاد قیامت است .

الله الذی رفع السموت . .. یفصل الأیت لعلکم بلقاء ربکم توقنون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۴۷ – ۹

۹– قدرت شکست ناپذیر خدا و صاحب انتقام بودن او ، دلیل تخلف ناپذیری وعده هایش در یاری رسولان و عذاب کردن ستمگران

فلاتحسبنّ الله مخلف وعده رسله إن الله عزيز ذو انتقام

جمله <إن الله عزيز ذو

انتقام> به منزله تعلیل برای بخش اول آیه (فلاتحسبنّ . ..) می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۴ - ۳

۳- امکان فرزنددار شدن انسان کهن سال و مأیوس از فرزنددار شدن ، با لطف و قدرت خداوند

إنا نبشّرک بغلم علیم . قال أبشّرتمونی علی أن مسّنی الکبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۰ - ۹

۹- قدرت مطلق خداوند ، ضامن تحقق وعده او در زنده کردن دوباره انسان ها و برپایی قیامت

و أقسموا بالله . .. لایبعث الله من یموت بلی وعدًا علیه ... إنما قولنا لشیء إذا أ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۴ - ۱

۱- مالکیت و قدرت مطلقه خداوند ، مقتضی گرایش انسان به توحید و پرهیز از شرک به اوست .

فلاتضربوا لله الأمثال

برداشت فوق مبتنی بر دو نکته است: الف) <فاء> مضمون این آیه را متفرع بر آیه قبل کرده است و در آیه قبل سخن از مالکیت و قدرت مطلقه الهی به میان آمده بود. ب) بنابر اینکه مراد از <ضرب مَثَل> جعل شریک برای خداوند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۷ - ۱۱

۱۱- قدرت مطلق و بی پایان خداوند ، دلیل سهولت برپایی قیامت برای اوست .

و ما أمر الساعه إلاّ کلمح البصر أو هو أقرب إن الله علی کلّ شیء قدیر

جمله <إن الله . ..> در مقام تعلیل برای جمله <و ما أمر الساعه ...> است؛ یعنی، امر قیامت بر

خدا آسان است; چون او بر انجام هر کاری تواناست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۹ - ۶

۶- حرکت پرندگان ، همواره متکی به قدرت و حفاظت خداوند است .

ألم یروا إلی الطیر . .. ما یمسکهنّ إلاّ الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۰ - ۵

۵- آفرینش دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) ، به گونه ای که از پوست آنها خانه و سرپناه سبک و قابل انتقال (برای عشایر و صحرانشین) ساخته شود ، به قدرت خداست .

و الله . .. جعل لکم من جلود الأنعم بیوتًا تستخفّونها یوم ظعنکم و یوم إقامتکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۱ - ۱

۱- آفرینش موجوداتی که خاصیت سایبانی برای انسان داشته باشد ، به قدرت خداست .

و الله جعل لکم ممّا خلق ظللاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۹ - ۵،۶،۷

۵- پیدایش و کارایی مظاهر طبیعت ، متّکی به مشیّت و نیروی الهی است .

و لولا إذ دخلت جنّتک قلت ما شاء اللّه لاقوّه إلاّ باللّه

۶- هستی ، تحت مشیّت و مدیریت و نیروی خداوند یگانه است .

ما شاء اللّه لاقوّه إلاّ باللّه

۷- قدرت و نیروی مطلق خدا ، پشتوانه حاکمیّت خواست او بر هستی است .

ما شاء اللّه لاقوّه إلاّ باللّه

بیان <لاقوّه. ..> به منزله تعلیل است; یعنی، چون نیرویی در هستی وجود ندارد جز وابسته به خدا، پس جز مشیّت اش اراده

ای حاکم بر هستی نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۵ - ۱۳

۱۳- توانایی خداوند بر ایجاد هرچه بخواهد ، دلیل منزه بودن او از اختیار کردن فرزند .

ما کان للّه أن یتّخذ من ولد سبحنه إذا قضی أمرًا . .. فیکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۰ - ۲۶

۲۶ - قدرت و عزت الهی ، ضامن نصرت قطعی دفاع کنندگان از حق و یاوران دین است .

و لینصرنّ اللّه من ینصره إنّ اللّه لقویّ عزیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۵ - ۱۲

۱۲ - توانایی مطلق خداوند بر انجام هر کاری ، دلیل تحقق و تخلف ناپذیری مشیت او در عالم هستی است .

یخلق اللّه ما یشاء إنّ اللّه علی کلّ شیء قدیر

برداشت یاد شده از آن جا است که جمله <إنّ اللّه. ..> تعلیل برای جمله <یخلق اللّه مایشاء> است؛ یعنی، چون خداوند بر هر امری توانا است، می تواند مشیت خویش را در آفرینش هر چیزی تحقق بخشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۶ - ۱،۲

۱ جریان مستمر کوتاه و بلند شدن سایه ها در طول روز ، برخاسته از قدرت و مشیت خداوند

مدّ الظلّ . .. ثمّ قبضنه إلینا قبضًا یسیرًا

۲ کاهش اندک اندک امتداد سایه ها ، با مشیت و قدرت خدا است .

مدّ الظلّ . .. ثمّ قبضنه إلينا قبضًا يسيرًا

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

– ۱۲

فرقان - ۲۵ - ۴۷ - ۱

۱ آفرینش شب ، همچون لباس و پوشش ، تنها به قدرت خدا است .

و هو الذی جعل لکم الّیل لباسًا

جمله <و هو الذی جعل لکم اللیل لباساً> برای حصر است و از نوع حصر إفرادی است; یعنی، تنها خدا شب را همچون پوشش برای انسان قرار داد; نه قدرتی دیگر. گفتنی است در این جمله، شب به لباس و پوشش تشبیه شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۳ - ۱

۱ آفرینش دو دریا با آب گوارا و شیرین و شور و تلخ و قرار دادن حایل و مانعی بازدارنده از اختلاط و در هم آمیختن آن دو ، تنها به قدرت خدا است .

و هو الذی مرج البحرین هذا عذب فرات . .. و حجرًا محجورًا

<مَرْج> ماده <مَرَجَ> به معنای مخلوط کردن و یا ارسال و رها کردن است. بر این اساس جمله <مرج البحرین...> به معنای روان کردن دو دریا است به گونه ای که در کنار هم قرار گیرند; چنان که در آیه ۱۹ سوره <رحمن> آمده است: <مرج البحرین یلتقیان; دو دریا را روان ساخت تا به هم برسند و برخورد کنند>. <عَذْب> به معنای گوارا و <فرات> به معنای بسیار گوارا و متمایل به شیرینی است. <مِلح> نیز به معنای شور و <اجاج> به معنای بسیار شور و متمایل به تلخی است. <برزخ> به معنای حایل و مرز میان دو شیء است و <حجراً> (مصدر و مفعولٌ به برای <جعل>) به معنای مانع می باشد.<محجوراً> نیز صفت تأکیدی برای <حجراً> است. گفتنی

است جمله <و هوالذی مرج البحرین...> برای حصر و از نوع قصر افرادی است; یعنی، تنها خدا دو دریا... را آفرید نه قدرتی دیگر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۹ - ۳

۳ - قدرت خدا بر حاکمیت بخشیدن به مستضعفان زمین و به اضمحلال کشاندن مستکبران

فأخرجنهم من . .. و أورثنها بنی إسرءیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۳ - ۲

۲ - جریان امور طبیعت ، در حیطه قدرت خدا و قابل تغییر و تحوّل به اراده او

ثمّ دمّرنا الأخرین . و أمطرنا علیهم مطرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱۷ - ۴

۴ - قدرت شکست ناپذیر و رحمت گسترده الهی ، مقتضی توکل و اعتماد مؤمنان بر او

و توکّل علی العزیز الرحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۶ - ۵

۵ - علم و قدرت بی کران خدا ، اساس ربوبیت و تدبیر او بر نظام هستی

الذی یخرج الخبء . .. و یعلم ماتخفون و ما تعلنون... ربّ العرش العظیم

<یخرج الخبء> در آیه پیش بیانگر قدرت بی کران و <یعلم ما تخفون. ..> بیانگر علم همه جانبه خداوند است. ارتباط این آیه با آیه قبل می رساند که ربوبیت و تدبیر خدا، بر پایه قدرت و علم همه جانبه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۱۳ – ۶

۶ – قدرت خداوند ، بر جهت دادن حوادث به سمت تحقق

اراده خود

أوحينا إلى أُمّ موسى . .. و حرّمنا عليه المراضع... فرددنه إلى أُمّه

چنان كه گفته شد فرعون به بهانه نابود كردن موسى(ع)، فرزندان بنى اسرائيل را سر مى بريد; ولى خداوند حوادث را به گونه اى تنظيم كرد كه موسى(ع) تحت حمايت خود فرعون قرار گيرد و در كاخ او رشد كند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۰ - ۱۹

۱۹ - بازآفرينى انسان ها در قيامت ، برخاسته از قدرت مطلق خداوند است .

إنّ ذلك لمحى الموتى و هو على كلّ شىء قدير

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲ - ۵

۵ - توانايى مطلق خداوند بر اعطاى رحمت به بندگان و يا منع آن از ايشان ، دليل عزّتمندى او است .

ما يفتح اللّه للناس من رحمه فلاممسك لها . .. و هو العزيز

از توصيف خداوند به عزّتمندى در پايان آيه، برداشت ياد شده به دست مى آيد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳ - ۱۰

۱۰ - توانايى خداوند بر آفرينش هرچيزى و انجام هر كارى و انحصار خالقيت و رازقيت به او ، نشانه يكتايى خدا و انحصار الوهيت به او است .

يزيد فى الخلق ما يشاء إنّ اللّه على كلّ شىء قدير. .. لا إله إلّا هو

جمله <لا إله إلّا هو> به منزله نتيجه براى مطالبى است كه در اين آيه و آيه قبل آمده است. گفتنى است كه محور آن، مسأله خالقيت و قدرت مطلق خداوند مى باشد.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۲۲ – ۵

۵ – قدرت مطلق خداوند ، بر فراهم ساختن زمینه های هدایت و حق پذیری افراد

إنّ اللّه یسمع من یشاء

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۴۴ – ۱۳

۱۳ – علم و توانایی خداوند ، دلیل بر ناتوانی قدرت ها از بازداشتن تحقق اراده الهی است .

و ما کان اللّه لیعجزه من شیء . .. إنّه کان علیمًا قدیرًا

جمله <إنّه کان علیماً قدیراً> در مقام تعلیل برای جمله پیشین است; یعنی، از آن جایی که خداوند دانا و توانا است، هیچ نیرویی توانایی بازداشتن تحقق اراده الهی را ندارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۱۲ – ۱

۱ – احیای مردگان به قدرت خدا است .

إنّا نحن نحی الموتی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۲۳ – ۱۲

۱۲ – توانایی خداوند رحمان ، دلیل شایستگی او برای پرستش

إن یردن الرحمن بضرّ لاتغن عنّی شفعتهم شیئًا و لاینقذون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۸۳ – ۳،۶

۳ - اراده قاهر و قدرت مطلق خداوند بر پدید آوردن هر چیزی ، مقتضی تسبیح و تنزیه او از جانب انسان است .

و هو الخلّق العلیم . إنّما أمره إذا أراد شیئًا أن یقول له کن فیکون. فسبحن الذی

<فاء> در <فسبحان> فصیحه است و جمله <فسبحان الذی> جواب شرط مقدر می باشد که تقدیر آن چنین است. <إن کان أمره کذلک فسبحه>; یعنی، حال که خداوند چنان

توان منـد است که با صـرف اراده خویش بـدون ابزار و وسایل و بی درنگ هر چیزی را می توانـد بیافرینـد، پس چنین خدایی سزاوار تسبیح و تنزیه است.

۶ – حاکمیت و مالکیت خداونـد بر همه چیز و بازگشت همه انسان ها به سوی او ، دلیل و نشانه توانایی او بر برپا کردن قیامت و احیای مجدد انسان ها

فسبحن الذی بیده ملکوت کلّ شیء و إلیه ترجعون

برداشت یـاد شـده از آن جـا است که آیه شـریفه در ردیف سلسـله آیـاتی قرار دارد که دربـاره اثبات قیامت و ارائه جلوه های قدرت خداوند است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۶۷ – ۵

۵ – آسمان ها ، در روز قیامت پیچیده در دست قدرت خداوند است .

و السموت مطویّت بیمینه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۸ – ۱۳

۱۳ – آمرزش مؤمنان تائب و پیرو دین و وارد شدن آنان به بهشت از سوی خداوند ، حکیمانه و از موضع اقتدار است .

فاغفر للذین تابوا . .. إنّک أنت العزیز الحکیم

یاد شدن دو صفت عزت و حکمت در پایان آیه شریفه، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۱۱ – ۷

۷ – اعتراف کافران حق ناپذیر در قیامت ، به گناهان خود پس از مشاهده قدرت الهی در آخرت

فاعترفنا بذنوبنا فهل إلی خروج من سبیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

١۶ - غافر - ۴٠ - ۶٢ - ۶

- ۶

توانایی بر آفرینش همه چیز ، نشانه یکتایی و بی همتایی خداوند است .

ذلکم اللّه ربّکم خلق کلّ شیء لا إله إلاّ هو

جمله <لاـ إله إلاّـ هو> به منزله نتیجه برای مطالبی است که در این آیه و آیه قبل آمده است; که محور آن مسأله خالقیت مطلق خداوند و ارائه جلوه های آن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۴ - ۸

۸ - لطف ، رحمت ، قدرت و عزت خداوند ، مقتضی مصون داشتن حریم وحی از نفوذ و تصرف دروغ پردازان

اللّه لطیف بعباده . .. و هو القویّ العزیز ... و یمح اللّه البطل

ارتباط مجموعه آیات و سیاق واحد آنها، می تواند بیانگر معنای یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۲ - ۷

۷ - پیشرفت صنعت و تمدن بشری ، در عین انتساب به بشر ، ناشی از اراده و قدرت الهی است .

و من ءایته الجوار فی البحر کالأعلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۰ - ۴

۴ - قدرت و دانایی آفریدگار هستی ، پشتوانه پیدایش شرایط زیست در کره زمین

العزیز العلیم . الذی جعل لکم الأرض مهدًا و جعل لکم فیها سبلًا لعلّکم تهتدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳ - ۳

۳- کتاب تشریع و نظام تکوین ، هر دو بحق ، حکیمانه و متکی به عزت و توانمندی خداوند

تنزيل الكتب من اللّه العزيز الحكيم . ما خلقنا السموت و الأرض

طرح

مسأله حقانیت آفرینش آسمان و زمین و نظام تکوین در پی بیان نزول کتاب از سوی خداوند عزیز و حکیم می تواند اشاره به همگونی و هماهنگی کتابِ تشریع با نظام تکوین، در حقانیت و استواری و استحکام داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۸ - ۱۷

۱۷ قدرت خداوند بر از میان بردن یک قوم و جایگزین ساختن قومی دیگر ، به جای ایشان دلیل بی نیازی مطلق او از خلق

و اللّه الغنیّ . .. و إن تتولّوا یستبدل قومًا غیرکم

از این که جمله <و إن تتولّوا . ..> به دنبال <واللّه الغنیّ و أنتم الفقراء> آمده است; محتوای آن <و إن تتولّوا> را دلیل و مؤید بی نیازی خداوند دانست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۱ - ۷

۷ - علم و قدرت گسترده ، دو پشتوانه مهم تحقّق وعده های الهی

وعدکم اللّه . .. و أخری لم تقدروا علیها و قد أحاط اللّه بها و کان اللّه علی کلّ

از این که خداوند، پس از بشارت های مختلف به مؤمنان، به دو صفت مهم خویش (علم و قدرت فراگیر) اشاره کرده است، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۸ - ۶

۶ - قدرت و نیروی پایان ناپذیر الهی ، پشتوانه روزی دهی او به خلق

إنّ اللّه هو الرزّاق ذوالقوّه المتین

از ارتباط میان دو بخش آیه، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات

- ۵۱ - ۵۹ - ۵

۵ - قوت کاستی ناپذیر خداوند ، نویدی به مؤمنان و تهدیدی برای کافران است .

ذوالقوّه المتین . فإنّ للذین ظلموا ذنوبًا مثل ذنوب

تأکید بر قدرت الهی (ذوالقوّه المتین) از یک سو نوید به عبادت گران و از سوی دیگر تهدید برای ظالمانی است که در کیفر الهی استعجال دارند و مهلت الهی را به معنای ضعف او می پندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۱ - ۳

۳ - علم گسترده و قدرت مطلقه خداوند ، پشتوانه حتمی بودن نظام جزا و پاداش او

هو أعلم . .. و للّه ما فی السموت و ... لیجزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۴ - ۴

۴ - تأثیر غیر خدا در روند مرگ و حیات ، در طول اراده و قدرت خداوند است ; نه مستقل از او .

و أنّه هو أمات و أحیا

با توجه به این که اسباب و عوامل طبیعی و حتی خود انسان ها در شکل گیری مرگ و حیات به نوعی مؤثراند، انحصار یافتن میراندن و زنده کردن به خداوند، از آن جهت است که اراده الهی، حاکم بر نظام مرگ و حیات است و دیگران هر نقشی که دارند در پرتو اراده الهی و به افاضه و تدبیر او دارای آن نقش هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۷ - ۲

۲ - عدل ، تدبیر و قدرت الهی ، مقتضی برپا ساختن قیامت

ثمّ یجزیه الجزاء الأوفی .

.. و أنّ علیه النشأه الأخری

عبارت <و أنّ علیه. ..> عطف است بر آنچه در آیات گذشته از عدل و تدبیر و قدرت خداوند بیان شده بود و در حکم نتیجه گیری از آن می باشد; یعنی، بایسته است خداوند با چنین صفاتی، قیامت را برای تحقق کامل عدل و اکمال آفرینش خویش برپا سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۲۱ - ۶

۶ - نیرومندی و شکست ناپذیری خداوند ، تضمین کننده پیروزی پیامبران بر دشمنانشان

کتب اللّه لأغلبنّ أنا و رسلی إنّ اللّه قویّ عزیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۵ - ۱۰

۱۰ - اقتدار الهی ، پشتوانه استجابت دعای مؤمنان در مصون ماندن از سلطه کافران

ربّنا لاتجعلنا فتنه . .. إنّک أنت العزیز الحکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱ - ۷

۷ - افاضه خیر ها و برکت ها از سوی خداوند ، برخاسته از قدرت مطلق و بی پایان او است .

تبرک الذی . .. هو علی کلّ شیء قدیر

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که جمله <و هو علی کلّ شیء قدیر> می تواند در مقام توضیح و تبیین <تبارک> قرار داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۲ - ۲

۲ - اموال و دارایی های بشر ، به قدرت و مشیت خداوند و از نعمت های او است .

و جعلت له مالاً ممدودًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹

- مدثر - ۷۴ - ۱۳ - ۳

۳ - فرزنددار شدن ، به قدرت و مشیّت الهی است .

و جعلت له . .. و بنین شهودًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۴ - ۳

۳ - امکانات زندگی و وسایل معیشت انسان ها ، به قدرت و مشیت خداوند است .

و مهّدت له تمهیدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۲ - ۵

۵ - قدرت خداوند بر آفرینش آسمان و برج های آن ، نشانه صداقت او در وعده آمدن قیامت است . *

و السماء ذات البروج . و الیوم الموعود

یاد کردن قیامت پس از ذکر آسمان و برج های آن ممکن است به این لحاظ باشد که توجّه به آسمان، باور به قیامت را تقویت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۶ - ۸

۸ - سوگند خداوند به سپیده دم ، شب های ده گانه ، جفت ، تاق و گذشت شب ، برای تأکید بر دارا بودن توان اجرای تهدیدات خویش و نابود ساختن کافران

و الفجر . .. ألم تر کیف فعل ربّک بعاد

ممکن است مراد از سوگندها، تأکید بر قدرت خداوند بر نابود ساختن مخالفان پیامبر(ص) باشد; در این صورت جواب قسم محذوف خواهد بود. گفتنی است که جواب قسم در احتمال دیگر، آیه چهاردهم این سوره است که مراقبت شدید خداوند را مطرح کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فیل - ۱۰۵ - ۵ - ۵

- ۵

دشمنان خداوند ، هر چند مجهّز و نیرومند باشند ، از رویارویی با او ناتوان اند .

ألم تر کیف فعل ربّک . .. فجعلهم کعصف مأکول

آثار قدرت در خالقیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۹ - ۳

۳ - توانایی بر آفرینش هر چیزی ، دلیل و شاهد امکانِ آفرینش مجدد آن است .

قل یحییها الذی أنشأها أوّل مرّه

برداشت یاد شده از آن جا است که خداوند در پاسخ به کسانی که احیای مجدد انسان ها را غیر ممکن می دانستند، مسأله آفرینش آغازین را مطرح کرده است. بنابراین از این پاسخ می توان قانون کلی یاد شده را به دست آورد.

آثار قدرت دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴ - ۸

۸ - مؤمنان مجاهد ، در معرض قرار گرفتن در موضع انفعالی و متأثر شدن در برابر قدرت و مکنت بسیار دشمنان و کافران مخالف

فلایغررک تقلّبهم فی البلد

برداشت یاد شده از هشدار خداوند، به دست می آید.

آثار قدرت سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۴ - ۹

۹ - پی بردن و اعتراف بلقیس به گذشته نادرست و کفرآمیز خویش پس از مشاهده یکی دیگر از جلوه های قدرت خارق العاده سلیمان (ع)

فلمّا رأته . .. قالت ربّ إنّی ظلمت نفسی

مطلب یاد شده از آن جا است که ملکه سبا بی آنکه توضیحی اضافی برای او داده شود صرفاً با مشاهده امور شگفتی چون تخت و صحن شیشه ای، بی تأمل اظهار ایمان کرد.

آثار قدرت سیاسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۱ - ۶،۹،۱۴

۶ - قدرت سیاسی و اقتصادی گروهی ، موجب پیروی و تأثیرپذیری قوم نوح از آنان شد .

و اتّبعوا من لم یزده ماله و ولده إلاّ خسارًا

۹ - قدرت سیاسی و اقتصادی ، زمینه ساز کفر و حق ناپذیری

و اتّبعوا من لم یزده ماله و ولده إلاّ خسارًا

۱۴ - قدرت اقتصادی ، دارای نقشی فزون تر از قدرت سیاسی در لغزیدن انسان به ورطه سقوط و بی دینی *

من لم یزده ماله و ولده إلاّ خسارًا

تقدیم ذکری <ماله> بر <ولده>، ممکن است اشاره به برداشت یاد شده باشد.

آثار قدرت سیاسی قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۱ - ۱۳

۱۳ - قدرت اقتصادی و سیاسی صاحبان زر و زور در عصر نوح (ع) ، نتیجه ای جز خسارت و بدبختی برای آنان در برنداشت .

من لم یزده ماله و ولده إلاّ خسارًا

آثار قدرت طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۸ - ۶،۷

۶ قدرتمداری نمرود ، زمینه ساز غرور ، کفر و طغیانگری وی

الم تر الی . .. ان اتیه اللّه الملک

بنابراینکه جمله <ان اتیه . .. >، بیان علّت محاجّه باشد; یعنی چون ملک و سلطنت یافت، چنین و چنان کرد.

۷ قدرتمداری ، زمینه ساز غرور و کفر در برابر ربوبیّت الهی

الم تر الی الّذی . .. ان اتیه اللّه الملک

چنانچه جمله <ان اتیه . .. >، بیانِ علّتِ کفر و غرور

نمرود باشد، می توان از آن یک نتیجه کلّی به دست آورد که قدرت و سلطنت، زمینه ساز غرور، کفر و ... است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۷ - ۵

۵- رفاه طلبی و قدرت خواهی ، از عوامل ارتداد

کفر بأیتنا و قال لأُتینّ مالاً و ولدًا

ظاهر عبارت <کفر بأیاتنا> به قرینه <لأُوتینّ> که برای استقبال است حدوث کفر است نه استمرار آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۸ - ۹

۹ - قدرت طلبی و زراندوزی ، از موجبات هلاکت و بدفرجامی

أوَلم یعلم أنّ اللّه قد أهلک . .. من هو أشدّ منه قوّه و أکثر جمعًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۹ - ۴

۴- روحیه اقتدار و اشرافی گری ، زمینه ساز غوطهوری انسان در گناه

طعام الأثیم . .. ذق إنّک أنت العزیز الکریم

در این آیات، دوزخیانِ مبتلا به عـذاب شدید و گدازنده، در ابتدا با وصف <الأثیم> (به معنای غوطهور در گناه) و سپس با وصف <العزیز الکریم> یاد شده اند. ارتباط این اوصاف، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۵ - ۸

۸ - فریفته شدن به ثروت و قدرت ، زمینه ساز انکار معاد

أیحسب أن لن یقدر علیه أحد

مفاد آیه شریفه، ممکن است این باشد که فرد قدرتمند، نباید گمان کند که کسی قادر بر زنده ساختن و محاسبه و عذاب او نیست. هم چنین به قرینه آیه بعد، فرد

ثروتمند را از فریفته شدن به ثروت خویش و پندار رهایی از حساب و نظارت خداوند، برحذر داشته شده است.

آثار قدرت طلبی کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۱ - ۱۱

۱۱ - مخالفت کافران و مشرکان صدر اسلام با پیامبر (ص) ، برخاسته از فریفتگی آنان به اقتدار خویش بود .

کانوا هم أشدّ منهم قوّه و ءاثارًا فی الأرض فأخذهم اللّه بذنوبهم

نکوهش شدن مخالفان پیامبر اسلام(ص) بر عبرت نگرفتن آنان از زوال قدرت ها و تمدن های گذشته، بیانگر این نکته است که سرپیچی آنان از پذیرش اسلام، برخاسته از دلخوشی آنها به امکانات و اقتدار نسبی خود بوده است.

آثار قدرت طلبی مشرکان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۱ - ۱۱

۱۱ - مخالفت کافران و مشرکان صدر اسلام با پیامبر (ص) ، برخاسته از فریفتگی آنان به اقتدار خویش بود .

کانوا هم أشدّ منهم قوّه و ءاثارًا فی الأرض فأخذهم اللّه بذنوبهم

نکوهش شدن مخالفان پیامبر اسلام(ص) بر عبرت نگرفتن آنان از زوال قدرت ها و تمدن های گذشته، بیانگر این نکته است که سرپیچی آنان از پذیرش اسلام، برخاسته از دلخوشی آنها به امکانات و اقتدار نسبی خود بوده است.

آثار قدرت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۸ - ۵

۵ - تمرکز اقتدار در شخص فرعون ، مانع تلاش و تبلیغ موسی (ع) در میان توده ها *

و فی موسی إذ أرسلنه إلی فرعون

با این که پیامبران

به سوی توده های مردم، مبعوث شده اند، موسی(ع)، در نخستین مأموریت، به سوی فرعون فرستاده شد. از این نکته می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۹ - ۵

۵ - اقتدار حکومت فرعون ، اغواگر او و بازدارنده وی از پذیرش پیام روشن موسی (ع)

فتولّی برکنه

در صورتی که <باء> برای بیان سببیت یا استعانت و <رکن> کنایه از ارکان اقتدار حکومت فرعونی باشد، استفاده می شود که فرعون به اتکای همین نیروها، به مبارزه با موسی(ع) پرداخت و از پذیرش دعوت او سر بر تافت.

آثار قدرت قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۶ - ۳

۳ - توان مندی نسبی مشرکان قریش در محیط خویش ، زمینه ساز سرکشی و کفر آنان

أهلکنا قبلهم من قرن هم أشدّ منهم بطشًا

از این که خداوند به آنان یادآوری کرده که امت های نیرومندتر از ایشان هلاک شدند; استفاده می شود که مشرکان مکه بر ثروت و قدرت محلی خویش، تکیه داشته و ایمان نمی آوردند.

آثار قدرت قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۶ - ۳

۳ - رفاه و توانمندی قوم عاد ، زمینه ساز کفر و لجاجت آنان در برابر هود (ع)

و اتّقوا الذی أمدّکم . .. أمدّکم بأنعم و بنین ... قالوا سواء علینا أَوَعظت أم ل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۱۵ – ۵

۵ – قدرت

و نیرومندی قوم عاد ، عامل غرور و استکبار آنان در مقابل حق

فاستکبروا فی الأرض بغیر الحقّ و قالوا من أشدّ منّا قوّه

آثار قدرت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴ - ۸

۸ - مؤمنـان مجاهـد ، در معرض قرار گرفتن در موضع انفعالی و متأثر شـدن در برابر قـدرت و مکنت بسـیار دشـمنان و کافران مخالف

فلایغررک تقلّبهم فی البلد

برداشت یاد شده از هشدار خداوند، به دست می آید.

آثار قدرت مادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۲ - ۴

۴ - توانمندی مادی انسان ها ، دلیل شرافت و لیاقت معنوی آنان نزد خداوند نیست .

و قالوا لولا نزّل هذا القرءان . .. نحن قسمنا بینهم معیشتهم ...لیتّخذ بعضهم بعضً

قرآن در مقـام نفی تفکر خرافی عرب (لزوم اعطـای نبـوت بـه ثروتمنـدان و اشـراف)، این نکته را متـذکر می شـود که تفـاوت آدمیـان در بهره های مادی، نشانگر تفاوت آنها در مقامات معنوی نیست; بلکه اختلافات معیشتی در راسـتای سامان بخشـی به نظام اجتماع است.

آثار قدرت مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۵ - ۵

۵- نهی خداوند از فرو هشتن جهاد و مصالحه با دشمن ، منوط به برخورداری سپاه اسلام ، از توان و برتری رزمی است .

فلاتهنوا و تدعوا إلی السلم و أنتم الأعلون

<و أنتم الأعلون> حال است و بیان می دارد که مؤمنان در صورتی موظف به ادامه جنگ و تن ندادن به سازش و تسلیم هستند که در جبهه نبرد، قدرت برتر را

دارا بوده و قادر به ادامه جنگ می باشند.

آثار قدرت مطلق خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۱ – ۱۵

۱۵ – توانایی مطلق خداوند بر انجام هر کاری ، دلیلِ امکان آفرینش پدیده های نو و توسعه جهان طبیعت

یزید فی الخلق ما یشاء إنّ اللّه علی کلّ شیء قدیر

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که جمله <إنّ اللّه علی کلّ شیء قدیر>، تعلیل برای جمله <یزید فی الخلق ما یشاء> می باشد.

آثار وسعت قدرت خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۲۳ – ۵

۵ – اتکای سنن الهی ، بر علم و قدرت ازلی و گسترده او ، راز جاودانگی و تبدیل ناپذیری آن *

قد أحاط اللّه بها و کان اللّه علی کلّ شیء قدیرًا . .. و لن تجد لسنّه اللّه تبدیل

در آیات پیشین، خداوند دو وصف از اوصاف خویش را یادآور شده است: ۱ علم ازلی و محیط; ۲ قدرت ازلی و نامحدود و در این آیه، سخن از جاودانگی قوانین خویش به میان آورده است. از ارتباط این دو بیان، مطلب بالا به دست می آید.

آرزوی قدرت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۸۰ – ۲،۶

۲ آرزوی لوط (ع) به داشتن نیرویی برای مقابله با تبه کاران و دفاع از مهمانان خویش در برابر آنان

قال لو أن لی بکم قوّه

<لو> در جمله فوق ، حرف تمنّا و به معنای لیت (ای کاش) است.

۶ آرزوی برخوردار بودن از نیرو و

امکانات برای مبارزه با تباهی ها و تبه کاران ، آرزویی روا و پسندیده است .

لو أن لی بکم قوّه أو ءاوی إلی رکن شدید

اتکا به قدرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۸ - ۱۲

۱۲ - احساس اقتدار و ایمنی از آسیب دشمن ، زمینه ساز غفلت و کم تقوایی است . *

یأیّها الذین ءامنوا اتّقوا اللّه و لتنظر . .. و اتّقوا اللّه

در آیات پیشین خداوند به مؤمنان اطمینان داد که کافران یهود از این پس، تاب رویارویی مستقیم نخواهند داشت و منافقان هم کاری از پیش نخواهند برد; ولی پس از آن اطمینان بخشی، اکنون توصیه به تقوا کرده است. گویی که احساس ایمنی، زمینه غفلت را فراهم می آورد.

اتکای به قدرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۹ - ۴

۴ اعتماد و اتکای منافقان و کافران به قدرت ، ثروت و فرزندان بسیار خویش

کانوا أشد منکم قوه و أکثر أمولا و أولداً

احاطه قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۷ - ۱۴

۱۴- حقْ گریزیِ کافران و منکرانِ الهی ، در حیطه قدرت خدا و وابسته به اراده او است .

إنّا جعلنا علی قلوبهم أکنّه

تأکید خداوند به وسیله <إنّا جعلنا. ..> بر حاکمیّت و نقش خود، از آن جهت است که گمان نرود کفرِ کافران و منکرانِ

آیات الهی، از قلمروِ قدرتِ الهی بیرون است و آنان تبدیل به قدرتی در برابر خدا شده اند.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۶۷ – ۴

۴ – زمین ، در قیامت ، یکسره در قبضه قدرت خداوند است .

و الأرض جمیعًا قبضته یوم القیمه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۳۹ – ۱۲

۱۲ – تمامی امور ، در حیطه قدرت مطلق و گسترده خداوند است .

إنّه علی کلّ شیء قدیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – نجم – ۵۳ – ۵۸ – ۵

۵ – تحقق قیامت و علم به لحظه وقوع آن ، تنها در حیطه قدرت و علم الهی است .

لیس لها من دون اللّه کاشفه

برخی از مفسران بر آنند که مراد از <کاشفه>، پرده برداشتن از لحظه وقوع قیامت و تحقق ساختن و آشکار نمودن صحنه های آن است. برداشت بالا بر پایه این احتمال می باشد.

ارزش قدرت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۵۷ – ۵

۵ دستیابی به اقتدار و سلطنت در زمین ، در قیاس با پاداش های اخروی ناچیز است .

کذلک مکّنّا لیوسف فی الأرض . .. و لأجر الأخره خیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۷۹ – ۱۲،۱۳

۱۲ – قدرت و ثروت ، ملاک ارزش و معیار اصلی بهره مندی و خوشبختی در نگاه دنیاطلبان قوم قارون

قال الذین یریدون الحیوه الدنیا یلیت لنا مثل ما أُوتی قرون إنّه لذو حظّ عظیم

۱۳ – قدرت و ثروت در نگاه مؤمنان آخرت جو ، ملاک ارزش و معیار اصلی بهره مندی و خوشبختی نیست .

قال الذین یریدون

الحیوه الدنیا یلیت لنا مثل ما أَوتی قرون إنّه لذو حظّ عظیم

تعبیر <قال الذین یریدون الحیاه الدنیا> می رساند که این گفته، تنها مربوط به دنیاطلبان سست ایمان است; نه مؤمنان آخرت جو.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۰ - ۶

۶ - قدرت و ثروت (هر چند بسیار و افسانه ای باشد) در نگاه اهل معرفت و مؤمنان دین شناس ، بسی کم ارزش تر از پاداش های الهی است .

و قال الذین أُوتوا العلم ویلکم ثواب اللّه خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۵ - ۶

۶ - < قدرت و توانایی > و < بصیرت و روشن بینی > ، از ارزش ها و نعمت های الهی برای انسان

إبرهیم و إسحق و یعقوب أُولی الأیدی و الأبصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۲ - ۶

۶ - قدرت و ثروت ، تنها ملاک ارزش در دیدگاه فرعون و فرعونیان

قال یقوم ألیس لی ملک مصر . .. أم أنا خیر من هذا الذی

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته زیر است: الف) فرعون پس از یادآوری فرمانروایی و ثروت خویش، موسی(ع) را غیر قابل قیاس با خود می داند و این نشان دهنده بینش فرعون در زمینه ملاک ارزش است. ب) سخنرانی فرعون و تکیه وی بر قدرت و ثروت، نشان می دهد که در جامعه قبطی چنین دیدگاهی وجود داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ -

۵ - ۵۳

۵ - مال و قدرت ، تنها ملاک ارزش انسان ، از نگاه مخالفان پیامبران در طول تاریخ

و قالوا لولا نزّل هذا القرءان علی رجل من القریتین عظیم . .. فلولا أُلقی علیه أس

ازدیاد قدرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۲ - ۳

۳ - فراوانی قدرت و امکانات مادی ، زمینه افزایش فساد در جوامع انسانی است .

إرم ذات العماد . .. ذی الأوتاد ... فأکثروا فیها الفساد

ازلیت قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۱ - ۶

۶ - خداوند ، دارای قدرت ازلی و نامحدود

و کان اللّه علی کلّ شیء قدیرًا

تعبیر <کان اللّه> بر ازلی بودن قدرت و تعبیر <علی کلّ شیء> برنامحدود بودن آن، دلالت دارد.

استفاده از قدرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۸ - ۲

۲- برخورداری انسان از قدرت و دانش و به کارگیری آن در جهت مصالح انسانی ، نمودی از رحمت پروردگار است .

. .. قال هذا رحمه من ربّی

ذوالقرنین، سد و به عبارت دیگر، تمام امکانات و دانشی که برای ساخته شدن آن به کار رفته بود را رحمت پروردگار دانست

این منطق، منطقی عام است و اختصاصی به سد و یا شخص ذوالقرنین ندارد.

استفاده از قدرت جسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۸ - ۹

۹ - لزوم بهره گیری از استعداد ها و قوای جسمی و عقلی ، به هنگام شکوفایی آن و در

دوران پیری

و من نعمّره ننکّسه فی الخلق أفلایعقلون

اقرار به قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۲ - ۵

۵ انسان ها ، به هنگام گرفتاری و رنج فراگیر ، به ناتوانی خود و قدرت و یاری خداوند اذعان می کنند .

و إذا مسّ الإنسن الضرّ دعانا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۸ - ۵

۵ - انسان ها ، به هنگام گرفتاری و رنج ، به ناتوانی خود و قدرت یاری رسانی خداوند پی برده و اعتراف می کنند .

و إذا مسّ الإنسن ضرّ دعا ربّه منیبًا إلیه

انکار قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۱

۱ یهودیان ، منکر قدرت و نفوذ اراده خداوند در تدبیر جهان

و قالت الیهود یداللّه مغلوله

اطلاق جمله <یداللّه مغلوله> می رساند که یهود بر این باور بودند که خداوند هیچ دخل و تصرفی در جهان هستی ندارد. بنابراین جمله <ینفق کیف یشاء> پس از <یداهُ مبسوطتان> تنها اشاره به نمونه و مصداقی از نفوذ و قدرت الهی در جهان هستی دارد.

اهمیت استفاده بهینه از قدرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۱۷ – ۸

۸ – ضرورت پاس داشتن نعمت قدرت و پرهیز از به کارگیری آن در جهت تقویت مجرمان

قال ربّ بما أنعمت علىّ فلن أكون ظهيرًا للمجرمين

اهميت حفظ قدرت

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۱۷ – ۸

۸ –

ضرورت پاس داشتن نعمت قدرت و پرهیز از به کارگیری آن در جهت تقویت مجرمان

قال ربّ بما أنعمت علیّ فلن أکون ظهیرًا للمجرمین

اهمیت ذکر قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۸ - ۱۰

۱۰- لزوم توجه دایمی به قدرت و حاکمیت الهی در همه حال (موقعیت خطر و امنیت)

نجّکم إلی البرّ . .. أفأمنتم أن یخسف بکم ... أو یرسل علیکم حاصبًا ثمّ لاتجدوا ل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۴ - ۴

۴ - خداوند ، خواهان توجه خلق به قدرت مطلق او و عجز و ناتوانی خویش

إن استطعتم أن تنفذوا . .. فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

اهمیت قدرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۵ - ۶

۶ برخی از اهل کتاب ، تنها با اعمال زور و قدرت تن به بازگردانی امانت خواهند داد .

الّا مادُمت علیه قائماً

جمله <مادمت . .. >، کنایه از مطلب فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۹ - ۱۰

۱۰ دعوت خداوند از مردم ، برای دستیابی به عزت و قدرتی شکست ناپذیر در پرتو عزت او

أیبتغون عندهم العزّه فإن العزّه للّه جمیعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۶ - ۸

۸ قدرت و علم شرط لازم برای برنامه ریزی و موفقیت در اجرای آن است.

ذلک تقدیر العزیز العلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۱۰

اسراء - ۱۷ - ۵ - ۶

۶- فراهم آوردن قدرت و توان لازم برای سرکوب دشمنان ، امری ضروری و بایسته

بعثنا . .. أُولی بأس شدید

اهمیت قدرت جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۶ - ۵

۵ سستی اهل ایمان در پیکار با دشمنان دین ، موجب از میان رفتن ابهت و قوّت جامعه اسلامی

و لاتنزعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم

اهمیت قدرت حکیمانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲ - ۹

۹ - اهمیت همراه ساختن قدرت با حکمت

اللّه العزیز الحکیم

اهمیت قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۳ - ۹

۹- انسان ، در برابر اراده و قدرت الهی ، فاقد کمترین یاور و یاری دهنده

أهلكنهم فلاناصر لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۴ - ۶

۶ – توجّه به آموزگار بودن خداوند و وابستگی قرائت و کتابت به قدرت او ، برانگیزاننده انسان به تلاوت کلام او است .

اقرأ . .. الذی علّم بالقلم

اهمیت قدرت دفاعی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۲۶ – ۱۲

۱۲ برخورداری جامعه از امنیت اجتماعی و توان دفاعی و امکانات اقتصادی ، از نعمت های مهم الهی

فاویکم و أیدکم بنصره و رزقکم من الطیبت

اهمیت قدرت عالمانه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۲ – ۹

۹ – اهمیت همراه ساختن قدرت با حکمت

اللّه العزیز

الحکیم

ایمان به قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۹ - ۱۳

۱۳ باور به علم مطلق خدا و قدرت گسترده و همه جانبه او ، زایل کننده هر گونه شبهه در راستی و درستی تحقق معاد و زنده شدن مردگان

ثم یحییکم ثم إلیه ترجعون. هو الذی خلق ... و هو بکل شیء علیم

جمله <هو الذی . .. سبع سماوات> اشاره به قدرت بی انتهای خداوند دارد و جمله <و هو بکل شیء علیم> حاکی از علم مطلق الهی است. از هدفهای بیان قدرت و علم همه جانبه خداوند - پس از بیان معاد و زنده کردن مردگان (ثم یحییکم ثم إلیه ترجعون) - بر طرف کردن هرگونه شبهه در راستی و درستی آن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۷ - ۸

۸ - توجه به قدرت مطلق خداوند و حاکمیتش بر جهان آفرینش ، موجب باور به توان خداوند بر جایگزینی دینی بهتر یا همانند دین منسوخ

نأت بخیر منها أو مثلها ألم تعلم أن اللّه علی کل شیء قدیر. ألم تعلم أن اللّه له م

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۶ - ۹

۹ - ضرورت ایمان به نزدیک بودن خداوند به بندگان و توان او بر اعطای درخواست های ایشان

و لیؤمنوا بی

از آن جا که <و لیؤمنوا بی> پس از بیان قرب الهی به بندگان و اجابت درخواستهای ایشان مطرح شده، می توان گفت: مراد از ایمان در این جا ایمان به نزدیکی خدا و

اجابت درخواستهای بندگان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۳ - ۱

۱ تناول از غذای آسمانی و اطمینان به توانایی خداوند از انگیزه های حواریون برای درخواست مائده آسمانی

قالوا نرید ان نأکل منها و تطمئن قلوبنا و نعلم ان قد صدقتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۲ - ۹

۹ باور به توانمندی خدا و شدت کیفر های وی زمینه ساز پرهیز آدمی از کفرورزی و ارتکاب گناه

فأخذهم اللّه بذنوبهم إن اللّه قوی شدید العقاب

هدف از توصیف خداوند با جمله <إن اللّه . .. > پس از بیان مؤاخذه کفرپیشگان گنهکار این است که انسانها با باور به نیرومندی خدا و شدید العقاب بودن وی، از مخالفت با وی بپرهیزند و رو به کفر و گناه نیاورند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴ - ۶

۶ توجه و باور به قدرت مطلق خدا ، زداینده هرگونه شبهه درباره معاد و برپایی قیامت

إلی الله مرجعکم و هو علی کل شیء قدیر

هدف از بیان قدرت خداوند ، پس از طرح مسأله معاد و روز قیامت ، این است که انسانها را متوجه قدرت همه جانبه خدا کند تا مبادا در تحقق یافتن قیامت که پذیرش آن برای نوع انسانها مشکل است تردید کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۷ - ۱۲

۱۲ باور و توجه به قدرت و حاکمیت مطلق خداوند ، موجب پذیرش ربوبیت او بر انسان و سایر

هستی است .

إلاّ ما شاء ربک إن ربک فعال لما یرید

برداشت فوق ، با توجه به کلمه <رب> استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۷ - ۳

۳- انسان ها در گرداب های خطرآفرین ، نه تنها متوجه خداوند می شوند ; بلکه او را یگانه قدرتی می دانند که توان نجات آنان را از مرگ حتمی دارد .

و إذا مسّکم الضرّ فی البحر ضلّ من تدعون إلاّ إیّاه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۶ - ۸

۸ - موسی و هارون (ع) ، به قدرت برتر خداوند آگاه بودند و دیگران را از مقابله با خواست و اراده خدا ناتوان می دانستند .

إنّنی معکما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۷ - ۸

۸ - گستره قدرت الهی در جهان واپسین ، مورد باور تمامی انسان ها حتی دوزخیان

و نادوا یملک لیقض علینا ربّک

از این که جهنمیان نجات خود را به دست خداوند می دیدند و فرشتگان را به شفاعت می طلبیدند، استفاده می شود که حتی دوزخیان نیز در قیامت به قدرت الهی باور دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۶ - ۴

۴ - توجّه به آفرینش زمین و ویژگی های آن ، مایه پی بردن به قدرت خداوند و زمینه ساز پذیرش معاد است .

عن النبأ العظيم . .. ألم نجعل الأرض مهدًا

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۲۰ – نبأ – ۷۸

۴ - اندیشیدن درباره ماهیت شب و ویژگی های آن ، زمینه ساز پی بردن به قدرت خداوند و پذیرش معاد است .

عمّ یتساءلون . .. و جعلنا الّیل لباسًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۱ - ۵

۵ - توجّه به آسان سازی امور زندگانی انسان با آفرینش روز و ویژگی های آن ، زمینه ساز پی بردن به قدرت خداوند و پذیرش معاد است .

عمّ یتساءلون . .. ألم نجعل ... و جعلنا النهار معاشًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۳ - ۳

۳ - مطالعه در ویژگی های خورشید و فواید آن برای انسان ، زمینه ساز پی بردن به قدرت خداوند و پذیرش معاد است .

عمّ یتساءلون . .. ألم نجعل ... و جعلنا سراجًا وهّاجًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۴ - ۶

۶ - توجّه به نزول باران و هدفدار بودن باران زمینه ساز پی بردن به قدرت خداوند و پذیرش معاد است .

عمّ یتساءلون . .. ألم نجعل ... و أنزلنا من المعصرت ماء ثجّاجًا

توجّه به نعمت باران، می تواند انسان را به این نکته رهنمون سازد که این نعمت ها، به گزاف در اختیار انسان قرار داده نشده و هدف از آن، جز با معاد تحقق نیافتنی است. هم چنین می تواند بیانگر این باشد که حیات زمین مرده به وسیله باران، نمونه بارزی برای زنده شدن مردگان است و استبعاد معاد وجهی ندارد.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۰ - ۳

۳ - توجّه به مراحل پیدایش زمین و تحوّل آن به جایگاهی قابل استفاده جانداران ، مایه پی بردن انسان به قدرت خداوند و زمینه باور داشتن معاد

ءأنتم أشدّ . .. و الأرض بعد ذلک دحیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۳ - ۳

۳ - توجّه به انحصار الوهیت در خداوند ، زمینه ساز باور به قدرت او بر پناه دادن انسان در مشکلات

قل أعوذ . .. إله الناس

برتری قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۳ - ۱۳

۱۳ قدرت خداوند ، برتر از همه قدرتهاست .

فمن ینصرنی من الله

بشارت ازدیاد قدرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۲ - ۱۳

۱۳ هود (ع) مردم خویش را در صورت استغفار از گناهان ، گرایش به توحید و پرستش خدا ، به افزایش نیرو و توانشان بشارت داد .

و یقوم استغفروا ربکم ثم توبوا إلیه . .. یزدکم قوّه إلی قوّتکم

<یزدکم> عطف بر <یرسل> و جواب برای شرط مقدر می باشد; یعنی: <إن تستغفروا . .. یزدکم; اگر استغفار کنید و ...

خداوند نیروی شما را افزایش می دهد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۱ - ۳

۳ - نوید الهی ، به فزونی مداوم قدرت مسلمانان و دستیابی ایشان به فتوحاتی برتر از تصور آنان

و أخری لم تقدروا علیها قد أحاط اللّه بها

برداشت یاد شده در صورتی است

که مراد از <لم تقدروا. ..> این باشد که شما الان قادر به پیش بینی آن نیستید; چون نه توان آن را در خود سراغ دارید و نه زمینه آن را فراهم می بینید; ولی خداوند براساس احاطه علمی خود، این هر دو را می داند و به شما نوید می دهد.

بی ارزشی قدرت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۵ - ۱۱

۱۱ - اقتدار و شوکت کافران ، ناچیز در برابر اقتدار شکست ناپذیر الهی

ربّنا إنّک أنت العزیز الحکیم

جمله <إنّک أنت العزیز> که بیانگر حصر عزت و اقتدار در خداوند است تعریض به قدرت های کفر دارد که درصدد مفتون و معذّب ساختن مؤمنان اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۴ - ۱

۱ - هشدار خداوند به پیامبر (ص) ، نسبت به اجابت خواسته های کافران تکذیب گر و سازش و مسامحه با آنان ، به صرف ثروت و نیروی انسانی بسیار آنان

و لاتطع کلّ حلّاف . .. أن کان ذا مال و بنین

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که جمله <أن کان ذا مال . ..> متعلق به <لا ـتطع> باشد. گفتنی است در آغاز <أن> لام تعلیل در تقدیر است.

بی تأثیری قدرت اصحاب شمال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۹ - ۱

۱ - کارساز نبودن قدرت کافران دوزخی (اصحاب الشمال) ، در رهایی آنان از عذاب قیامت

هلک عنّی سلطنیه

بی تأثیری قدرت اقوام پیشین

جلد - نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۴۳ – ۵

۵ – اقتدار و شکوه تمدن های گذشته تاریخ ، بی تأثیر در پیشگیری از عذاب الهی از آنان

أکفّارکم خیر من أُولئکم

تعبیر <أکفّارکم خیر. ..> تعریض بدان دارد که اقوام پیشین، به رغم اقتدار مادی شان، نابود شدند و شکوه و قدرت آنان نتوانست از عذاب الهی در حق آنان، جلوگیری کند; شما (کافران) که جای خود دارید.

بی تأثیری قدرت غیرخدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۶۷ – ۴

۴– در لحظه های دشوار ، کارآمد نبودن قدرت های غیر الهی برملا می شود و از اسباب ظاهری قطع امید می گردد .

و إذا مسّکم . .. ضلّ من تدعون

بی تأثیری قدرت کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۱۳ – ۵

۵– جوامع کفرپیشه ، با تمامی امکانات و قوا ، بی دفاع در برابر کیفر الهی

و کأیّن من قریه هی أشدّ قوّه من قریتک الّتی أخرجتک أهلکنهم فلاناصر لهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – حاقه – ۶۹ – ۲۹ – ۱

۱ – کارساز نبودن قدرت کافران دوزخی (اصحاب الشمال) ، در رهایی آنان از عذاب قیامت

هلک عنّی سلطنیه

بی تأثیری قدرت مادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۹ - ۳

۳ - بالاترین اقتدار مادی ، در برابر اراده خداوند ، هیچ توانایی و کاربردی ندارد .

الذین من قبلهم کانوا أشدّ منهم قوّه و أثاروا الأرض .

..فما كان اللّه ليظلمهم و ل

جمله <فما كان اللّه ليظلمهم> دلالت می کند که نابودی اقوام گذشته، به دست خداوند بوده است. توصیف آن جوامع، به برتری نظامی و اقتصادی بر قریش، برای بیان این حقیقت است که تجهیزات مادی انسان ها، هر چند پیشرفته باشد، در برابر خواست خداوند، کارایی ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۵ - ۵

۵ - ضعف و ناکارآمدی قدرت های مادی ، در برابر انتقام و عذاب الهی

قال مترفوها . .. فانتقمنا منهم

بی تأثیری قدرت های مادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸ - ۲

۲ - قدرت های مادی ، با تمامیِ اقتدار و شکوه ، ناتوان از مقابله با قوانین و مشیت های خداوند

فأهلكنا أشدّ منهم بطشًا و مضى مثل الأوّلين

یادآوری نابودی جوامع مقتدر شرک پیشه، می تواند نشانگر این نکته باشد که قدرت ظاهری و مادی، مانع عذاب الهی نیست.

بی ثمری قدرت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۸ - ۴

۴ اصحاب اعراف با به رخ کشیدن بی ثمری امکانات مادی و قدرت های دنیوی کافران ، آنان را ناکام خوانده و شماتت می کنند .

قالوا ما أغنى عنكم جمعكم و ما كنتم تستكبرون

بی ثمری قدرت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۰ - ۸

۸ - قدرت شگفت فرعون ، بی اثر در برابر عذاب الهی

ألم تر . .. و فرعون ذی الأوتاد

بی نظیری قدرت

خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۹ - ۳

۳ - آفرینش انسان از منی در رحم ، جلوه ای از عظمت و قدرت بی مانند خداوند

أم نحن الخلقون

به کـارگیری ضـمیر متکلم مع الغیر (نحن) در مسأله آفرینش انسان از منی در رحم، بیانگر عظمت آفرینش انسان و جلوه ای از قدرت برتر آفریننده آن است.

پشتوانه قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶ - ۵

۵ علم همه جانبه خداوند ، پشتوانه توانایی او بر روزی رسانی به موجودات و تدبیر امور آنهاست .

و ما من دابّه فی الأرض إلاّ علی الله رزقها و یعلم مستقرها و مستودعها

هـدف از بیـان آگـاهی خداونـد به احـوال موجـودات ، پس از <علی الله رزقهـا> القـای این نکته است که: روزی رسـانی به موجودات و تدبیر امور آنها ، نیازمند علمی گسترده است که خداوند آن را داراست.

پیروزی بر قدرت برتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۵ - ۳،۴،۵،۶

۳ یـک گروه بیست نفری اهل ایمان بایـد بر یک گروه دویست نفری اهل کفر و لشـکر صـد نفری مؤمنان بایـد بر لشـکر هزار نفری اهل کفر پیروز شود .

إن یکن منکم عشرون صبرون یغلبوا مائتین و إن یکن منکم مائه یغلبوا ألفا

جمله هـای <یغلبـوا مـائتین> و <یغلبوا ألفـا> خـبری هسـتند. ولی مراد از آن به دلیـل <الئن خفف اللّه عنکم> در آیه بعد

معنایی دستوری است. زیرا تخفیف در محدوده تکالیف و دستورات مطرح است. بنابراین <یغلبوا ... > یعنی باید

مقاومت کنید و پیروز شوید.

۴ اهل ایمان موظف به پایداری در برابر لشکریان کفر تا پیروزی بر آنان ; حتی در صورت ده برابر بودن نیروی انسانی کافران

حرض المؤمنین علی القتال إن یکن منکم عشرون صبرون یغلبوا مائتین

تغییر نکردن نسبت در دو فراز یاد شده، یعنی بیست در مقابل دویست و صد در مقابل هزار، بیانگر این است که ضرورت مقاومت مخصوص بیست و دویست نفر نیست، بلکه تحقق نسبت (یک بر ده) ملاک حکم است.

۵ پیروزی بیست مؤمن مقاوم بر دویست دشمن و صد مؤمن مقاوم بر هزار دشمن نویدی تضمین شده از جانب خداوند

إن یکن منکم عشرون صبرون یغلبوا مائتین و إن یکن منکم مائه یغلبوا ألفا

بیان دستور به پایداری و پیروزی بر دشمن در قالب جمله خبری می تواند نومیدی به تحقق آن دستور در خارج باشد. بنابراین جمله <یغلبوا>، یعنی باید پیروز شوید که خواهید شد.

۶ مؤمنان صدر اسلام در برهه ای از عصر پیامبر (ص) دارای استعداد و توان پیروز شدن بر لشکری تا ده برابر نفرات ایشان

إن یکن . .. یغلبوا ألفا

چون در آیه بعد تخفیف در حکم جهاد و مقاومت را به تحقق ضعف تعلیل کرده است، معلوم می شود خداوند با توجه به توان و استعداد اهل ایمان بر آنان واجب کرده بود که در مقابل لشکری تا ده برابر خود مقاومت کنند.

تاریخ قدرت طلبی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۷۸ – ۵

۵ – قدرت طلبی و زراندوزی ، دارای دیرینه ای بسیار طولانی در تاریخ بشر

أوَلم یعلم أنّ اللّه قد أهلک

من قبله من القرون من هو أشدّ منه قوّه و أكثر جمعًا

تبعیت از قدرت باطل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۶۶ – ۶

۶ – پیروی از قدرت های باطل در مقابل فرمان های خدا شرك است . *

و من الناس من یتخذ من دون اللّه أنداداً یحبونهم . .. إذ تبرأ الذین اتبعوا

تجلی اخروی قدرت خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۳۱ – ۳

۳ قدرت و حاكمیت خداوند در قیامت تجلی می یابد.

قد خسر الذین كذبوا بلقاء اللّه حتی إذا جاءتهم الساعه بغته

مراد از <لقاء اللّه> نمی تواند ملاقات و برخورد، به معنی متعارف، باشد. لذا مراد از لقاء خداوند، ملموس شدن حاكمیت و رضایت و غضب اوست، به گونه ای كه گویا آدمیان با خود خداوند ملاقات كرده اند.

تذكر قدرت خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۲ – ۷

۷ اعلام قدرتِ بی انت های خداوند به مشركان صدر اسلام و تذكر به بیهوده بودن مقاومت در برابر او

و اعلموا أنكم غیر معجزی اللّه

<عجز> مقابل <قدرت> و <اعجاز> (مصدر معجزین) به معنای ناتوان كردن و به زانو درآوردن است. هشدار به مشركان نسبت به ناتوانیشان در به زانو درآوردن خدا، اعلام قدرت بی انتهای خداوند و بی نتیجه بودن مقاومت در برابر اوست.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – غاشیه – ۸۸ – ۲۱ – ۱،۳

۱ – پیامبر (ص) ، مأمور موعظه و زنده نگه داشتن یاد

قیامت در خاطره ها و توجّه دادن انسان ها ، به قدرت خداوند

فذكّر

<ذِكْر>، حالتی است در نفس انسان که او را بر محافظت از معارفی که فرا گرفته، توانا می سازد. این کلمه با <حفظ> به یک معنا است; جز این که اصل فراگیری <حفظ> و در خاطر حاضر داشتن، <ذکر> خوانده می شود (مفردات راغب); بنابراین <ذکّر>; یعنی، متوجّه ساز و به ذهن آنان بیفکن. این واژه چنانچه در قاموس آمده است در معنای موعظه کردن نیز به کار می رود.

۳ - توجّه دادن مردم به نشانه های قدرت خداوند در پدیده های جهان ، از وظایف پیامبر (ص)

أفلاینظرون . .. فذكّر

آیات پیشین که درباره قیامت و نیز نشانه های قدرت خداوند در جهان است می رساند که مراد از <فذکّر>، لزوم تذکر دادن به همان امور است.

ترس از قدرت موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۵ - ۶

۶ - وحشت و احساس خطر فرعون ، هامان و قارون از گسترش آیین موسی و قوت گرفتن پیروان آن حضرت

قالوا اقتلوا أبناء الذین ءامنوا معه

از فرمان فرعون و. .. به قتل ایمان آورندگان به موسی(ع)، برداشت یاد شده استفاده می شود.

تعقل در قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۲۱ - ۲

۲ - تأمّل در نشانه های قدرت خداوندی در پهنه هستی ، زمینه ساز پذیرش پند و اندرز های دینی است .

أفلاینظرون إلی . .. فذكّر

حرف <فاء>، فرمان به تذکّر را بر آیات پیشین که از نشانه

های قدرت خداوند سخن گفته بود تفریع کرده است; یعنی، <حال که چنین است به تذکّر اقدام کن>.

تقدیر قدرت انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۲ - ۷

۷ - قـدرت خداونـد بر آفرینش انسان ها ، تنظیم توانمنـدی های آنان ، هـدایت تکوینی و نیز میرانـدن و به گور افکندن آنها ، دلیل قدرت او بر زنده ساختن آنان در قیامت است .

خلقه فقدّره . ثمّ السبیل یسّره . ثمّ أماته فأقبره . ثمّ إذا شاء أنشره

تقویت قدرت نظامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۰ - ۱،۲،۳،۴،۵،۱۵

۱ تقویت قوای نظامی و تهیه ادوات جنگی برای نبرد با دشمنان خدا ، وظیفه ای بر عهده تمامی مسلمانان

و أعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخیل

۲ مسلمانان باید برای تقویت بنیه نظامی تمام تلاش خویش را تا حد ترساندن دشمن ، به کار بندند و از هر چه در اختیار دارند دریغ نورزند .

و أعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخیل

۳ اسب های سواری در عصر بعثت ، کارآمدترین و مهمترین وسیله برای تقویت بنیه نظامی

و أعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخیل

عطف <ربـاط الخیـل> بر <قوه> عطف خـاص بر عـام است و کاربرد چنین عطفی معمولا برای رسانـدن اهمیت معطوف و نقش اساسیتر آن نسبت به دیگر مصادیق معطوف علیه است.

۴ جامعه اسلامی باید به پیشرفته ترین ادوات رزمی زمان مجهز باشد .

و أعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط

الخیل

۵ قوای نظامی جامعه اسلامی باید به گونه ای باشد که دشمنان دین را همواره به هراس افکند .

ترهبون به عدو اللّه و عدوکم

۱۵ انفاق امکانات برای تقویت بنیه نظامی جامعه اسلامی ، از مصادیق انفاق < فی سبیل اللّه > است .

و أعدوا لهم ما استطعتم . .. و ما تنفقوا من شیء فی سبیل اللّه

توکل بر قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۹ - ۱۳

۱۳- مؤمنان ، متّکی به مشیّت و نیروی الهی اند ، نه مال و فرزند .

لولا . .. قلت ما شاء اللّه لاقوّه إلّا باللّه إن ترن أنا أقلّ منک مالاً و ولدًا

تهمت قدرت طلبی به صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۵ - ۴

۴ - تأکید قوم ثمود بر دروغ گویی ، قدرت طلبی و خودخواهی صالح (ع) ، در ادعای پیامبری

بل هو کذّاب أشر

<أشر> به معنای متکبر و خودخواه است.

تهمت قدرت طلبی به موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۸ - ۱،۲،۳

۱ فرعون و اطرافیانش ، پس از شنیدن سخنان موسی (ع) ، او و هارون (ع) را به تلاش برای براندازی حکومت متهم کردند

.

قال موسى . .. قالوا أجئتنا لتلفتنا عما وجدنا عليه ءاباءنا و تكون لكما الكبرياء

۲ فرعون و اطرافیانش ، حضرت موسی (ع) را متهم کردند که تلاش او نه به خاطر هدایت ; بلکه برای برگرداندن آنان از سنّت

و روش پدرانشان و تصاحب قدرت و حکومت بر سرزمین مصر است .

قالوا أجئتنا لتلفتنا عما وجدنا علیه ءاباءنا و تکون لکما الکبریاء فی الأرض

۳ فرعون و اطرافیانش ، حضرت موسی و هارون (ع) را به انحصارطلبی در قدرت متهم کردند .

و تکون لکما الکبریاء فی الأرض

برداشت فوق از تقدیم خبر <تکون> بر اسمش که می تواند مفید حصر باشد استفاده شده است.

تهمت قدرت طلبی به هارون(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۸ - ۱،۳

۱ فرعون و اطرافیانش ، پس از شنیدن سخنان موسی (ع) ، او و هارون (ع) را به تلاش برای براندازی حکومت متهم کردند .

قال موسی . .. قالوا أجئتنا لتلفتنا عما وجدنا علیه ءاباءنا و تکون لکما الکبریاء

۳ فرعون و اطرافیانش ، حضرت موسی و هارون (ع) را به انحصارطلبی در قدرت متهم کردند .

و تکون لکما الکبریاء فی الأرض

برداشت فوق از تقدیم خبر <تکون> بر اسمش که می تواند مفید حصر باشد استفاده شده است.

جاودانگی قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۰ - ۱۲

۱۲- علم و قدرت انسان ، ناپایدار و علم و قدرت خداوند ، همیشگی است .

و منکم من یردّ إلی أرذل العمر لکی لایعلم بعد علم شیئًا إن الله علیم قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۵ - ۱۳،۱۴

۱۳- خداوند ، دارای اقتدار و سلطه کامل و زوال ناپذیر ، بر

هر کار و هر چیز است .

و کان اللّه علی کلّ شیء مقتدرًا

<مقتدر> و <قدیر> در باره خدای تعالی به یک معنا است (مفردات راغب).

۱۴- پدیدار شدن حیات بر روی زمین ، جلوه ای از قدرت لایزال خداوند است .

واضرب لهم مثل الحیوه الدنیا . .. و کان اللّه علی کلّ شیء مقتدرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۲ - ۴

۴ - قدرت خداوند ، گسترده و بی پایان است .

اللّه خلق کلّ شیء و هو علی کلّ شیء وکیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱ - ۶

۶ - قدرت خداوند ، مطلق و بی پایان است .

و هو علی کلّ شیء قدیر

جهاد با قدرت برتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۶ - ۹

۹ لزوم پایداری صد مؤمن در برابر دویست کافر و هزار مؤمن در برابر دو هزار کافر تا تحقق پیروزی بر آنان

فإن یکن منکم مائه صابره یغلبوا مائتین و إن یکن منکم ألف یغلبوا الفین

جهل به قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۵ - ۲۲

۲۲ - نشناختن قدرت خدا و پندار قدرت برای غیر او ، از عوامل شرک است .

و من الناس من يتخذ من دون اللّه أنداداً . .. أن القوه للّه جميعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۸ - ۹،۱۰

۹- اکثریت انسان ها ، از قدرت خداوند در احیای مجدد

انسان ها ناآگاهند .

بلی وعدًا علیه حقًّا و لکنّ أکثر الناس لایعلمون

ممکن است به قرینهء تناسب موضوع که انکار و اثبات معاد است متعلق <لایعلمون> قدرت خداوند بر احیای مجدد انسانها باشد.

۱۰- اکثر مشرکان مکه ، از قدرت خداوند بر احیای مجدد انسان ها بی خبر بودند .

بلی وعدًا علیه حقًّا و لکنّ أکثر الناس لایعلمون

برداشت فوق، بر اساس این نکته است که <ال> در <الناس> عهد ذکری بوده و مراد از آن مشرکانی باشند که در آیات قبل از آنها سخن به میان آمده است.

حاکمان و قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۹ - ۱۵

۱۵ قدرتمندان و حاکمان نباید از مشیّت قاهره خداوند غافل شده و جریان امور را به قدرت و مکنت خویش بدانند .

ادخلوا مصر إن شاء الله ءامنین

حاکمیت قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۷ - ۲،۳

۲ هیچ موجودی توانایی انجام کاری در جهت خنثی کردن کار خداوند را ندارد .

إن یمسسک اللّه بضرّ فلا کاشف له إلا هو و إن یردک بخیر فلا راد لفضله

۳ تمام قدرت ها در جهان هستی ، مقهور و مغلوب قدرت خداوند است .

إن یمسسک اللّه بضرّ فلا کاشف له إلا هو .. یصیب به من یشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۹۸ – ۱۳

۱۳– محکم ترین دژ های ساخته بشر ، در برابر اراده و قدرت الهی ، ناپایدارند .

فإذا جاء وعد ربّی جعله دكّاء

جلد – نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۱ - ۵

۵- علل و اسباب عادی و مجاری طبیعی امور ، محدودکننده اراده و قدرت خداوند نیست .

قال ربّک هو علیَّ هیّن

مشکلی که برای تولد فرزندی بدون پدر متصور است، از ناحیه فقدان برخی اسباب طبیعی است، ولی خداوند حرکت بر خلاف این مسیر مأنوس را امری ساده و آسان می شمارد. پیام این قضیه همان حاکمیت خداوند بر علل و اسباب طبیعی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶۹ - ۲

۲- خاصیت و لوازم طبیعی اشیا و فعل و انفعالات آنها ، در قلمرو اراده خداوند و قابل تغییر به قدرت او است .

قلنا ینار کونی بردًا و سلمًا علی إبرهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۲ - ۲

۲ - جهان هستی ، تنها تحت قدرت و تدبیر خداوند است .

و للّه ملک السموت و الأرض

لازمه فرمان روایی انحصاری خداوند بر جهان، این است که جهان، تنها تحت قدرت و تدبیر او باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۶ - ۲

۲ - انسان ها در چنبر قدرت مطلق خداونداند و مرگ و حیاتشان تحت مشیت او است .

إن یشاء یذهبکم و یأت بخلق جدید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۱ - ۱۰

۱۰ - انسان ها ، مقهور اراده و قدرت خدا هستند .

و ما هم بمعجزین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ -

احقاف - ۴۶ - ۸ - ۶

۶- قدرت و اراده الهی ، مطلق و بدون معارض

فلا تملکون لی من اللّه شیئًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۲ - ۵

۵- اراده ، قدرت و ولایت الهی ، یگانه و بدون معارض

و من لایجب داعی اللّه . .. و لیس له من دونه أولیاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۰ - ۵،۶

۵ - قدرت خداوند ، حاکم بر بیعت کنندگان با پیامبر (ص)

إنّ الذین یبایعونک . .. ید اللّه فوق أیدیهم

بنابراین که <ید> کنایه از قدرت باشد، جمله <یداللّه فوق أیدیهم> پیام هشداری است به این که: ای بیعت کنندگان! از شکستن بیعت ها بپرهیزید که با قدرت خداوند، مواجه خواهید بود.

۶ - قدرت و اراده خداوند ، برتر از همه قدرت ها است .

ید اللّه فوق أیدیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۰ - ۸

۸ - اراده و اقتدار خداوند ، حاکم بر اراده و اقتدار انسان ها

و کفّ أیدی الناس عنکم

تعبیر <کفّ. ..>، می رساند که اراده الهی، فائق بر قدرت و اراده مردم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۳ - ۳

۳ - قدرت و مشیت خداوند ، حاکم بر تمام عوامل و وسایط مؤثّر در مرگ و حیات موجودات

إنّا نحن نحیی و نمیت

خداوند از یک سو مرگ موجودات را تنها به خود نسبت می دهد و از سوی دیگر انسان شاهد دخالت عوامل متعدد طبیعی

در مرگ و حیات است. جمع میان این دو مستلزم نکته یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴۰ - ۵

۵ - شکوه و اقتدار حکومت فرعونی ، امری ناچیز و مقهور قدرت خداوند بود .

فنبذنهم فی الیمّ

حقیقت قدرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۱ - ۱۱

۱۱ - ثروت و قدرت ، خود به خود ، ناپسند نیست ; بلکه می توان آن را در جهت سعادت و بهروزی انسان به کار برد .

و اتّبعوا من لم یزده ماله و ولده إلاّ خسارًا

برداشت یاد شده با توجه به آمدن تعبیر <خسارت> درباره مال و فرزندان بسیار است; زیرا خسارت در جایی به کار می رود که توقع سودهی از آنجا می رود (مانند خسارت تاجر و کاسب).

درخواست قدرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۰ - ۱۳

۱۳- پیامبر (ص) ، مأمور به دعا و نیایش به درگاه خدا ، برای کسب قدرت و توان در انجام پیروزمندانه رسالت خویش

و قل ربّ . .. و اجعل لی من لدنک سلطنًا نصیرًا

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مراد از <سلطان> آن گونه که برخی از مفسران گفته اند به معنای نیروی قوی و برتر باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۵ - ۱۰

۱۰ – دعا برای امور دنیوی (مانند داشتن قدرت سیاسی و رهبری) در صورت داشتن هدف الهی از آن

، امری پسندیده برای مردان الهی است .

و هب لی ملکًا لاینبغی لأحد من بعدی

درخواست قدرت پسندیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۰ - ۱۷،۱۸

۱۷- رهنمود الهی به طلب قدرت و توانی سازنده و اصلاحگر نه مخرب و فسادانگیز

و اجعل لی من لدنک سلطنًا نصیرًا

لام در <لی> لام انتفاع است و اشاره به این جهت دارد که هر قدرتی، در جهت منافع انسان نیست; بنابراین، باید خواهان قدرتی بود که تأمین کننده مصالح انسان باشد.

۱۸- دستیازی به توانایی و طلب قدرت برای تحقق هدف های الهی ، مطلوب و خداپسندانه است .

و اجعل لی من لدنک سلطنًا نصیرًا

درک قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳ - ۵

۵ - اهل ایمان و حق جویان ، قادر به درک نمود های اقتدار و حکمت خداوند در هستی

العزیز الحکیم . إنّ فی السموت و الأرض لأیت للمؤمنین

آیات الهی در هستی، برای همه انسان ها است تا از آن نشانه ها، رو به ایمان آورده و یا در طریق ایمان استوار بمانند. با توجه به این نکته گفتنی است وصف <المؤمنین> نظر به کسانی دارد که اهل ایمان به حق و در جستوجوی آنند.

دلایل قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۲ - ۶

۶ نابودی کفرپیشگان توطئه گر ، دلیل اقتدار خدا بر طرح نقشه ها و برنامه های پنهانی

أولم یروا . .. و قد مکر الذین من قبلهم فلله المکر جمیعًا

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۱۹ – ۱۳

۱۳– آفرینش آسمان ها و زمین (عالم آفرینش) ، دلیل قدرتمندی خداوند بر تحقق وعده عذاب کافران و حبط عمل نیکشان

من ورائه جهنّم . .. مثل الذین کفروا بربّهم أعملهم کرماد اشتدّت به الریح ... ألم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۳ – ۷

۷– آفرینش آسمان ها و زمین (جهان هستی) دلیلی بر قدرت خداوند بر محقق ساختن وعده هایش

أتی أمر الله . .. خلق السموت و الأرض بالحق تعلی عمّا یشرکون

جمله <خلق السماوات . ..> می تواند به منزله تعلیلی برای روشن نمودن قدرت خداوند بر محقق ساختن وعده هایش باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۶۶ – ۲

۲– تأمین نیاز های مادی انسان در زمین ، دلیل قدرت و کفایت خدا در حمایت همه جانبه از انسان است .

و کفی بربّک وکیلاً. ربّکم الذی یزجی لکم الفلک فی البحر لتبتغوا من فضله

از اینکه خداوند، پس از تذکر کفایت و وکالت خود، این نکته را که کشتیها را به منظور برآوردن منافع انسانها به حرکت درمی آورد، یادآوری کرده است می تواند برای بیان نکته یاد شده باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۹۹ – ۱

۱– توجه به خلقت آسمان ها و زمین ، عاملی برای پی بردن به قدرت خداوند در آفرینش دوباره انسانها

أو لم یروا أن الله . .. قادر علی أن یخلق مثلهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه

- فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۷ - ۹

۹- آفرینش انسان از خاک و نطفه و معتدل ساختن او ، دلایلی روشن بر امکان برپایی معاد و کافی در رفع استبعاد قیامت است .

و ما أظنّ الساعه قائمه . .. أکفرت بالذی خلقک من تراب

پاسخ مرد مؤمن به ثروت مند مغرور، با جمله <أکفرت بالذی. ..> حکایت از آن دارد که انکار معاد از جانب او که با جمله <و ما أظنّ...> بیان شده بود، به جهت استبعاد تجدید حیات آدمی پس از مرگ بوده است، لذا مرد مؤمن، با یادآوری قدرت خداوند و بیان سابقه خاک و نطفه بودن آدمی، به رفع این استبعاد و بیان قدرت خداوند پرداخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۸ - ۸

۸- آفرینش نخستین انسان ها به دست خداوند ، دلیل قدرت الهی بر آفرینش دوباره آنان پس از مرگ است .

لقد جئتمونا کما خلقنکم أوّل مرّه

تشبیه حضور آدمیان در قیامت به تولدشان در دنیا، ممکن است در جهت رفع استبعاد معاد و نیز توبیخ مشرکان به جهت انکار معاد باشد; یعنی، آن خلقت نخست، آیا دلیل وافی و کافی برای پذیرش معاد و قدرت خداوند بر محقّق ساختن آن نبود؟

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۷ - ۴

۴- پدیدارساختن انسان در صحنه هستی و آوردن او از عدم به وجود ، دلیل قدرت خداوند بر احیای مجدد او و معاد

أوَلا یذکر الإنسن . .. و لم یک شیئًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ -

انبیاء - ۲۱ - ۴۴ - ۱۷

۱۷- میراندن انسان ها و نابود کردن جوامع و تمدن ها ، دلیل قدرت بی مانند و شکست ناپذیر خداوند است .

أنّا نأتی الأرض ننقصها من أطرافها أفهم الغلبون

زیر سؤال بردن و نفی کردن پیروزی و چیرگی کافران در برابر قدرت الهی (أفهم الغالبون)، پس از طرح مسأله مرگ و میر انسان ها به وسیله خداوند، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷ - ۸

۸ - خلقت انسان و رویش انواع گیاهان از خاک بی جان ، نشانگر توانمندی خدا بر احیای مردگان در روز رستاخیز

فإنّا خلقناکم . .. و تری الأرض هامده ... و أنّ اللّه یبعث من فی القبور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۱ - ۳

۳ - نوسانات مستمر ساعات شب و روز (کوتاهی و بلندی آنها) در طول سال ، نشان از قدرت بی نهایت خداوند دارد .

ذلک بأنّ اللّه یولج الّیل فی النهار و یولج النهار فی الّیل

برداشت فوق، بر این اساس است که مراد از وارد کردن شب در روز، کاستن از مقدار شب و افزودن بر مقدار روز باشد. و نیز مراد از ایلاج روز در شب، کاستن از ساعات روز و افزودن بر ساعات شب باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۷ - ۲

۲ - گوناگونی نباتات ، از زمینه های مطالعه برای پی بردن به امکان معاد و قدرت خدا بر احیای مردگان

فسیأتیهم أنبؤا .

.. یستهزءون . أَوَلم یروا إلی الأرض کم أنبتنا فیها

در این جا روی سخن با کسانی است که منکر معاد بوده و پذیرفتن آن برای آنان دشوار می نمود. آیه یاد شده برای برطرف کردن استبعاد کافران و ارائه نشانه های امکان معاد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۹ - ۱۰

۱۰ - نظم حاکم بر پدیده های طبیعت ، چون حرکت باد ها ، تشکیل ابر ها و نزول باران حیات آفرین ، دلیل بر قدرت خداوند و یکتایی او

و اللّه الذی أرسل الریح فتثیر سحابًا . .. فأحیینا به الأرض بعد موتها کذلک النشو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۲ - ۲

۲ - وجود دو نوع دریا با آب های متفاوت < شیرین و گوارا > و < شور و تلخ > ، از نشانه های قدرت خداوند و یکتایی او

و ما یستوی البحران هذا عذب فرات سائغ شرابه و هذا ملح أُجاج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۳ - ۳

۳ - پدیده حیات و احیای زمین مرده ، نشانه راستی قیامت و دلیل توانایی خداوند بر احیای مردگان است .

و ءایه لهم الأرض المیته أحیینها و أخرجنا منها حبًّا

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که آیه شریفه پس از طرح مسأله برانگیختن انسان ها که کافران آن را انکار می کردند آمده است. و در حقیقت، این آیه درصدد اثبات قیامت و نشان دادن جلوه ای از قدرت خداوند است.

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۷۹ – ۱

۱ – آفرینش نخستین انسان ها ، دلیل و شاهدِ امکانِ برپایی قیامت و توانایی خدا بر احیای مجدد انسان ها

قل یحییها الذی أنشأها أوّل مرّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۱۹ – ۶

۶ – علم همه جانبه خداوند به احوال ظاهر و باطن انسان ها ، دلیل توانایی او بر حسابرسی سریع بندگان

إنّ اللّه سریع الحساب . .. یعلم خائنه الأعین و ما تخفی الصدور

برداشت یاد شده بر این اساس است که جمله <یعلم خائنه الأعین. ..> تعلیل برای جمله <إنّ اللّه سریع الحساب> باشد; یعنی، چون خداوند از تمامی حالات انسان ها آگاهی کامل دارد، اعمال بندگانش را با سرعت رسیدگی خواهد کرد و نیازی به ارائه دلیل و شهود ندارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۶۱ – ۷

۷ – آفرینش شب و روز برای تأمین نیاز های بشر ، جلوه ای از ربوبیت خداوند و نشانه توانایی او بر برپا کردن قیامت

إنّ الساعه لأتیه . .. اللّه الذی جعل لکم الّیل لتسکنوا فیه و النهار مبصرًا

آیه شریفه، درصدد اثبات و ارائه نشانه های درستی و راستی برپایی قیامت است که در دو آیه قبل، با صراحت به آن تأکید شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۸۱ – ۲،۳

۲ – آفرینش دام ها و کشتی ها ، از نشانه ها و دلایل قدرت و ربوبیت بی همتای خداوند

اللّه الذی جعل

لکم الأنعم . .. و علیها و علی الفلک تحملون . و یریکم ءایته

از مصادیق مورد نظر آیه شریفه برای آیات الهی، دام ها و کشتی ها (موضوع بحث آیه قبل) می باشد.

۳ - وجود دلایل و نشانه های متعدد و گوناگون ، بر اثبات قدرت و یکتایی خداوند در هستی

و یریکم ءایته فأیّ ءایت اللّه

برداشت یاد شده از جمع آمدن <آیات> استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۱ - ۱۰

۱۰ - آفرینش انسان به وسیله خداوند ، دلیل قدرت او بر اعطای نطق به اعضا و جوارح آدمی

قالوا أنطقنا اللّه . .. و هو خلقکم أوّل مرّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۹ - ۱۰

۱۰ - قدرت نامحدود و بی کران خداوند ، دلیل توان مندی او بر احیای مردگان و برپایی قیامت

و هو یحی الموتی و هو علی کلّ شیء قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۳ - ۱،۴

۱- نمود های آفرینش ، گواهی آشکار بر قدرت خداوند

أوَلم یروا أنّ اللّه الذی خلق السموت و الأرض . .. بقدر

۴- آفرینش توانمندانه آسمان ها و زمین از سوی خداوند ، دلیل قدرت او بر تجدید حیات مردگان

اللّه الذی خلق . .. و لم یعی بخلقهنّ بقدر علی أن یحیی الموتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۴۷ – ۴

۴ – مطالعه بنای شگفت آسمان ، راهنمای انسان به عظمت قدرت و بی نیازی آفریدگار آن

و السّماء بنینها

بأيئد

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۶۲ – ۲

۲ – آفرينش نشأه نخستين (جهان فعلى) ، نشانى روشن از توانايى خداوند بر آفرينش نشأه ديگر (جهان آخرت)

و لقد علمتم النشأه الأُولى فلولا تذكّرون

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۶۸ – ۲،۳

۲ – دعوت از منكران معاد ، به مطالعه در آب نوشيدنى و كيفيت قرار گرفتن آن در دسترس آنان براى پى بردن به قدرت الهى

أفرءيتم الماء الذى تشربون

خطاب در اين بخش از آيات، متوجه كافران و منكران معاد است. دعوت از آنان براى مطالعه در نقش آب شرب در زندگى بشر، بدان منظور است كه آنان پى به قدرت الهى ببرند و بدين وسيله از انكار رستاخيز كه از غفلت كردن از قدرت الهى نشأت مى گيرد دست بردارند.

۳ – مطالعه در نقش آب شرب در حيات بشر ، راه را براى پذيرش قدرت الهى بر احياى مردگان در رستاخيز آسان مى سازد .

أفرءيتم الماء الذى تشربون

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۸ – حشر – ۵۹ – ۱ – ۴،۵

۴ – نمود هاى هستى و نماد هاى جهان طبيعت ، خود بيانگر قدرت و حكمت آفريدگار خويش اند .

سبّح للّه ما فى السموت و ما فى الأرض و هو العزيز الحكيم

ارتباط عبارت <سبّح للّه. ..> با <و هو العزيز الحكيم> مى تواند بيانگر اين معنا باشد كه تسبيح و تنزيه پروردگار، نشانه اتقان و بى عيب و نقص بودن ذات و افعال او است. آفرينش نيز،

با این عظمت و استحکام خود نمایانگر قدرت و عزت او است.

۵ – مطالعه طبیعت و نظام هستی ، زمینه خداشناسی و پی بردن به اقتدار و کاردانی آفریدگار جهان

سبّح للّه ما فی السموت و ما فی الأرض و هو العزیز الحکیم

خبر دادن خداوند از تسبیح موجودات، در حقیقت توجه دادن انسان ها به حقایق نهفته در متن طبیعت است که هر یک با زبان حال، وجود خدا و صفات کمالی او را نجوا می کنند. گوش فرادادن به این نجوا، زمینه ساز ادراک عزت و حکمت خداوندی است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – نوح – ۷۱ – ۱۸ – ۶

۶ – رویش نباتات در زمین و سپس خشک شدن و تبدیل شدن آنها به خاک ، نشانه قدرت خداوند بر احیای مردگان در قیامت

و اللّه أنبتکم من الأرض نباتًا . .. و یخرجکم إخراجًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قیامه – ۷۵ – ۴۰ – ۲

۲ – آفرینش آغازین انسان ، از نطفه و علقه به همراه ساختاری معتدل و هماهنگ ، دلیل قدرت خداوند بر برپایی قیامت و احیای مردگان

ألم یک نطفه من منیّ یمنی . .. فخلق فسوّی ... ألیس ذلک بقدر علی أن یحیی الموتی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نبأ – ۷۸ – ۱۲ – ۴

۴ – بهره مند ساختن ساکنان زمین از آسمان های محکم و استوار ، دلیل قدرت خداوند و ضرورت معاد است .

عمّ یتساءلون . .. ألم نجعل ... و بنینا فوقکم سبعًا شدادًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه

- فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲۷ - ۲

۲ - آفرینش آسمان با وجود صلابت بیشتر آن نسبت به پیکر انسان ، برهانی آشکار بر امکان معاد و قدرت خداوند بر زنده کردن دوباره انسان ها

ءأنتم أشدّ خلقًا أم السماء بنیها

<أنتم> خطاب به منکران معاد است که آیات قبل سخنان آنان را نقل کرده بود. جمله <بناها> مستأنفه و مفاد آن این است که آسمان با آن که محکم تر است، خداوند آن را ساخت; چگونه آفرینش دوباره خود را محال می پندارید؟

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲۸ - ۴

۴ - برافراشتن آسمان و تعدیل آن ، دلیل قدرت خداوند بر احیای دوباره انسان ها است .

ءأنتم أشدّ . .. رفع سمکها فسوّیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۸ - ۲

۲ - آفرینش انسان از منی ، برهان قدرت خداوند بر معاد و تجدید حیات انسان است .

خلق من ماء . .. یخرج ... إنّه علی رجعه لقادر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۵ - ۴،۹

۴ - اعتقاد به آفریننده بودن خداوند ، ناسازگار با پندار عجز برای او در برابر انسان

خلقنا الإنسن . .. أیحسب أن لن یقدر علیه أحد

۹ - آفرینش نخست انسان ، دلیل قدرت خداوند بر اعاده حیات او است .

لقد خلقنا الإنسن . .. أیحسب أن لن یقدر علیه أحد

چنانچه در این آیه، سخن از قدرت خداوند بر معاد باشد، تعبیر <لقد خلقنا> در آیه قبل، برای رفع استبعاد معاد خواهد

بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فلق - ۱۱۳ - ۱ - ۱۰

۱۰ - برطرف شدن تاریکی شب و شکافتن آن با طلوع صبحدم به تدبیر خداوند ، دلیل توانمندی او بر نجات انسان ها از حوادث خطرناك

قل أعوذ بربّ الفلق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فلق - ۱۱۳ - ۲ - ۷

۷ - آفریننده بودن خداوند ، دلیل توانمندی او بر دفع خطر مخلوقات خویش

من شرّ ما خلق

توصیف موجودات خطرآفرین، به این که خداوند خالق آنها است; استدلال بر امکان پذیر بودن رفع خطر آنها از سوی خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فلق - ۱۱۳ - ۳ - ۳

۳ - قدرت خداوند بر شکافتن تاریکی شب به وسیله سپیده صبح ، دلیل توانمندی او بر خنثی ساختن تهدید های پوشیده و توطئه های سرّی و شبانه دشمن

قل أعوذ بربّ الفلق . .. و من شرّ غاسق إذا وقب

آیات بعد، قرینه بر این است که مراد از خطرهای شبانه، برنامه ریزی های کاملاً محرمانه دشمن در شب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فلق - ۱۱۳ - ۵ - ۵

۵ - توانایی خداوند بر شکافتن تاریکی ها با سپیده صبح ، دلیل قدرت او بر نجات انسان از خطر حسودان

قل أعوذ بربّ الفلق . .. و من شرّ حاسد إذا حسد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۴ - ۵

۵ - ربوبیت و فرمان روایی خداوند بر مردم و شایستگی او برای الوهیت ، دلیل

توانایی او بر ناکام گذاشتن وسوسه گران

بربّ الناس . ملك الناس . إله الناس . من شرّ الوسواس الخنّاس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۶ - ۸

۸ - دارا بودن مقام ربوبیت ، فرمان روایی و الوهیت ، دلیل توانایی خداوند بر حفاظت مردم از خطر وسوسه های جنیان و انسان ها است .

بربّ الناس . ملك الناس . إله الناس ... من الجنّه و الناس

ذکر قدرت جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۱ - ۷

۷ - توجّه به شرافت جبرئیل و نیرومندی ، منزلت الهی ، فرمان روایی بی چون و چرا و امانت داری او ، زمینه ساز باور به سلامت قرآن در مرحله نزول و ابلاغ به پیامبر (ص)

إنّه لقول رسول کریم . ذی قوّه عند ذی العرش مکین . مطاع ثَمّ أمین

ذکر قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۷ - ۷،۸

۷ - توجه به قدرت همه جانبه خداوند و انحصار حاکمیت او بر هستی زایل کننده هر شبهه ای درباره نسخ ادیان و احکام دین است .

ما ننسخ من ءایه أو ننسها . .. ألم تعلم أن اللّه علی کل شیء قدیر. ألم تعلم أن الل

استفهام تقریری در دو جمله <ألم تعلم أن اللّه علی . ..> و <ألم تعلم أن اللّه له ...> بیانگر این است که: مخاطبان (انسانها) در ارتباط با نسخ دین و جایگزینی آن شبهه هایی داشته یا برای آنان رخ خواهد داد. خداوند، برای

یافتن پاسخ شبهات، آنان رابه توجه در قدرت همه جانبه و حاکمیت مطلق خویش، سفارش کرده است.

۸ – توجه به قدرت مطلق خداوند و حاکمیتش بر جهان آفرینش ، موجب باور به توان خداوند بر جایگزینی دینی بهتر یا همانند دین منسوخ

نأت بخیر منها أو مثلها ألم تعلم أن اللّه علی کل شیء قدیر. ألم تعلم أن اللّه له م

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۶۵ – ۲

۲ یادآور شدن قدرت اختصاصی خداوند بر فرستادن انواع عذاب بر مشرکان و کافران، از وظایف تبلیغی پیامبر(ص)

قل هو القادر علی أن یبعث علیکم عذابا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۴ – ۶

۶ توجه و باور به قدرت مطلق خدا ، زداینده هرگونه شبهه درباره معاد و برپایی قیامت

إلی الله مرجعکم و هو علی کل شیء قدیر

هدف از بیان قدرت خداوند ، پس از طرح مسأله معاد و روز قیامت ، این است که انسانها را متوجه قدرت همه جانبه خدا کند تا مبادا در تحقق یافتن قیامت که پذیرش آن برای نوع انسانها مشکل است تردید کنند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۷۴ – ۳

۳– توجه به مالکیت و قدرت مطلقه خدا و ناتوانی موجودات در برابر او ، مستلزم تشبیه نکردن او به غیر است .

و یعبدون من دون الله ما لایملک . .. فلاتضربوا لله الأمثال

عمده ترین موضوعی که از آیات قبل استفاده شد، مالکیت و قدرت مطلق الهی و نفی هرگونه مالکیت و قدرت

از خدایان دروغین مشرکان است و در این آیه خداوند، نتیجه و لازمه مطلب فوق را، تمثیل نکردن خدا به غیر او دانسته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۸ - ۲،۳

۲ - اقتدار و کرامت زوال ناپذیر خداوند ، نعمتی شایان توجه برای خلق

و یبقی وجه ربّک ذو الجلل و الإکرام . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

با توجه به این که فنای زمینیان، فنای مطلق و ابدی نیست و آنان پس از مرگ همچنان نیازمند و وابسته به فیض خداوند می باشند، اقتدار و کرامت جاودان خدا نوید و نعمتی برای آنان است.

۳ - خداوند ، خواهان توجه انسان به ناپایداری زندگی دنیایی و اقتدار و کرامت جاودان پروردگار هستی

کلّ من علیها فان . و یبقی وجه ربّک ... فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

پرسش سرزنش آمیز آیه شریفه، در مورد نعمت های انکارناپذیر، درصدد توجه دادن انسان به نعمت هایی است که در آیات پیشین مطرح شده است (از جمله ناپایداری دنیا و بقای اقتدار خداوند).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۸ - ۴

۴ - توجّه به قدرت خداوند ، در صورت نگاری و ترکیب اجزای بدن انسان مانع تأثیر جاذبه های گناه در او و زمینه ساز پذیرش ربوبیت خداوند است .

ما غرّک . .. فی أیّ صوره ما شاء رکّبک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۴ - ۲

۲ - توجّه به قدرت خداوند بر رویاندن گیاهان و به وجود آوردن چراگاه ها ، مایه منزّه دانستن او

از هر عیب و نقص و پیراستن نام او ، از هر وصف ناروا است .

سبّح اسم . .. و الذی أخرج المرعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۵ - ۷

۷ - توجه به عجز انسان در برابر قدرت خداوند ، مانع انکار معاد

أیحسب أن لن یقدر علیه أحد

جمله <أهلکت مالاً لبداً> (در آیه بعد)، می تواند حاکی از آن باشد که گوینده آن، به این دلیل انفاق ها را اتلاف مال می داند که منکر پاداش پس از مرگ است. در این صورت آیه شریفه، ریشه آن پندار را می زند و می گوید: مگر انسان گمان می کند که کسی قادر نیست او را حیات بخشیده و به او پاداش دهد که می گوید: انفاق هایم مایه اتلاف اموالم شد؟ آری خداوند بر اعاده او قدرتمند است؛ گرچه انفاق های چنین شخصی در آن روز پاداشی نخواهد داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۲ - ۴

۴ - آگاهی از قدرت خداوند بر آفرینش انسان از خون لخته ، زمینه ساز توجه به او در آغاز هر کار است .

اقرأ باسم ربّک . .. خلق الإنسن من علق

زمینه ایمان به قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۸ - ۲

۲ - توجه به کیفیت پیدایش انسان از منی در رحم ، آسان کننده مسأله پذیرش معاد و توانایی خداوند بر احیای مجدد مردگان

أفرءیتم ما تمنون

روی سخن در آیه شریفه با منکران معاد است و مفاد آن

چنین می باشد: اگر شما به کیفیت پیدایش انسان از نطفه که در رحم می ریزید توجه می کردید، در قدرت و توانایی خداوند بر آفرینش مجدد انسان تردید نمی کردید و به انکار معاد نمی پرداختید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۱۸ - ۲

۲ - بررسی قوانین حاکم بر آسمان و فضای بالا ، زمینه ساز باور به قدرت خداوند بر ایجاد معاد

و إلی السماء کیف رفعت

زمینه ذکر قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۳ - ۳

۳ - حکمت ایجاد درخت آتش زنه از سوی خداوند ، یاد آوری قدرت الهی ، تداعی کردن روز رستاخیز و بیرون آمدن انسان ها از قبر ها است .

نحن جعلنها تذکره

ضمیر <جعلناها> می تواند به <نار> و یا به <شجره> برگردد. برداشت یاد شده بر پایه احتمال دوم است; یعنی، ما آن درخت را مایه تذکار قرار دادیم تا انسان ها با دیدن آن، به یاد قدرت خداوند بیفتند و پی ببرند کسی که از چوب آتش را بیرون می آورد، قادر است که مردگان را نیز بار دیگر از گورها بیرون آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۱۹ - ۲

۲ - تحقیق و تدبر در علل برقرار ماندن کوه ها ، مایه توجه به قدرت خداوند بر ایجاد معاد

و إلی الجبال کیف نصبت

زمینه شناخت قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ – طارق – ۸۶ – ۵ – ۲

– ۲

شناخت مراحل آغازین خلقت انسان ، زمینه ساز پی بردن به تحت مراقبت بودن وی و مایه شناخت قدرت خداوند بر ثبت کردار او است .

علیها حافظ . فلینظر الإنسن ممّ خلق

ارتباط دو آیه، با توجّه به حرف <فاء> در <فلینظر>، بیانگر برداشت یاد شده است.

زمینه عقیده به قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۴ - ۳

۳ - معرفت درست در باره خدا ، زمینه ساز اعتقاد به قدرت و عزّت مطلق و نامحدود او

ما قدروا اللّه حقّ قدره إنّ اللّه لقویّ عزیز

زمینه علم به قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۰ - ۴

۴ - فراخوانی به مطالعه طبیعت ، برای پی بردن به قدرت خداوند ، و در نتیجه ، رفع تردید در امکان معاد ، روش هدایتی قرآن است .

قل سیروا فی الأرض فانظروا کیف بدأ الخلق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲۷ - ۴

۴ - ضرورت دقت در آفرینش پدیده های هستی ، برای پی بردن به قدرت مطلق خداوند

ءأنتم أشدّ خلقًا أم السماء بنیها

زمینه قدرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۲ - ۶

۶ - رفع ناخوشایندی ها از انسان در پرتو دعا ، زمینه ساز اقتدار و توانمندی انسان در گستره حیات

و یکشف السوء و یجعلکم خلفاء الأرض

ذکر <یجعلکم خلفاء> بعد از <یکشف السوء> بیانگر این نکته است که اگر مشکلات همواره بر انسان هجوم آورد و خداوند آنها را

از وی دور سازد، بشر زمینگیر شده و قادر به ادامه حیات نخواهد بود. پس این گره گشایی های خدا است که زمینه آسایش و رفاه انسان را در پهنه زمین فراهم می آورد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۱۷ – ۹،۱۳

۹ – عبودیت و بندگی خالصانه خدا ، زمینه ساز قدرت و توانمندی انسان است .

و اذکر عبدنا داود ذاالأید

از تقدم وصف عبودیت (عبدنا) بر نیرومندی (ذاالأید) برداشت یاد شده استفاده می شود.

۱۳ – توجه بسیار به خدا و مراجعه همیشگی به او در زندگی ، موجب قدرت و توانمندی انسان

داود ذاالأید إنّه أوّاب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۴۶ – ۸

۸ – آخرت اندیشی و دنیاگریزی ، موجب قدرت و توانایی و کمال بصیرت و روشن بینی است .

أُولی الأیدی و الأبصر . إنّا أخلصنهم بخالصه ذکری الدار

برداشت یاد شده بر این اساس مبتنی است که جمله <إنّا أخلصـناهم. ..> تعلیل برای اوصافی باشد که برای پیامبران ذکر شده است (أُولی الأیدی و الأبصار).

زمینه قدرت بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۷ – ۲

۲– روی آوردن بنی اسرائیل به نیکوکاری و احسان ، زمینه ساز بازگشت قدرت و رفاه به آنان

ثمّ رددنا لکم الکرّه . .. إن أحسنتم أحسنتم لأنفسکم و إن أسأتم فلها

جمله <إن أحسـنتم. ..> می تواند اشاره به این باشد که اگر شما راه صلاح و خیر در پیش گیرید، نتیجه آن که همان قدرت،

رفاه و آسایش است

نصیب شما خواهد شد.

زمینه قدرت جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۲ - ۱۶

۱۶ آبادانی و رونق اقتصادی ، زمینه ساز قدرت و نیرومندی جوامع است .

یرسل السماء علیکم مدرارًا و یزدکم قوّه إلی قوّتکم

زمینه قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۲ - ۸

۸ آگاهی خداوند به عملکرد و دستاورد انسانها ، زمینه ساز اقتدار او بر خنثی کردن مکر ها و توطئه های ایشان علیه پیامبران و برنامه های الهی

فلله المکر جمیعًا یعلم ما تکسب کل نفس

جمله <یعلم . ..> به منزله تعلیلی است برای <فلله المکر جمیعاً> و اشاره به ریشه و خاستگاه این حقیقت دارد که مکرها و توطئه های کافران علیه برنامه های الهی بی اثر است و همه برنامه ها در اختیار خداوند است ; یعنی، چون خداوند از اعمال و رفتار انسانها آگاه است، مکر و نقشه های ایشان بر او مخفی نمی ماند و لذا به خوبی می تواند آنها را خنثی سازد.

زمینه قدرت داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۷ - ۱۲

۱۲ - رجوع و توجه همواره داوود (ع) به خداوند در زندگی ، موجب قدرت و توانمندی او شد .

داود ذاالأید إنّه أوّاب

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که جمله <إنّه أوّاب> در مقام تعلیل برای <ذاالأید> است; یعنی، چون داوود(ع)

بسیار متوجه خدا و پرمراجعه به او بود، صاحب قدرت و توانمند بود.

زمینه قدرت ذوالقرنین

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۴ - ۵

۵- در دست داشتن اسباب و راه کار های علمی و عملی ، زمینه ساز قدرت و اقتدار ذوالقرنین در زمین بود .

إنّا مکّنّا له فی الأرض و ءاتینه من کلّ شیء سببًا

عطف <آتیناه> بر جمله قبل، عطف سبب بر مسبب است; یعنی، اگر <ذوالقرنین> در زمین اقتدار داشت، به جهت اسبابی بود که برای هر کار در اختیار او بود.

زمینه قدرت سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۷ - ۶

۶ - علم و دانش سلیمان ، زمینه ساز دستیابی او به قدرت و به خدمت گرفتن آن در مسیر اهداف الهی

و لقد ءاتینا داود و سلیمن علمًا. .. و أوتینا من کلّ شیء... جنوده من الجنّ و الإ

طرح علم گسترده سلیمان، پیش از بیان عظمت سپاه و قدرت برتر نظامی وی، می تواند اشاره به مطلب فوق داشته باشد.

زوال قدرت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۸ - ۲

۲ - قوای انسان هرچند نیرومند باشد زوال پذیر و در معرض سستی است .

و من نعمّره ننکّسه فی الخلق

زوال قدرت مفسدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۴ - ۶

۶ - اضمحلال شکوه و شوکتِ مفسدان جاه طلب تاریخ ، شایان عبرت و درس آموزی

کیف کان عقبه المفسدین

سرزنش غفلت از قدرت بیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۹ - ۲

۲ - بی

توجّهی به قدرت بیان و ابزار آن و غفلت از وابستگی آنها به خداوند ، شگفت آور و سرزنش بار است .

ألم نجعل له . .. و لسانًا و شفتین

سوگند به قدرت فرعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۴۴ – ۶

۶ – سوگند ساحران به عزت و قدرت فرعون

و قالوا بعزّه فرعون

شک به قدرت خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۵۱ – ۶

۶– مشرکان ، به وجود نیرویی که قادر به احیای دوباره جسد انسان باشد ، در ناباوری و تردید بودند .

قل کونوا حجاره . .. فسیقولون من یعیدنا

شک در قدرت خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۱۲ – ۱۱،۱۰،۸

۸ حواریون عیسیی نامطمئن به توانایی خداوند بر فرستادن مائده ای از آسمان

هل یستطیع ربک ان ینزل علینا مائده من السماء

۱۰ حواریون عیسی مورد توبیخ وی به خاطر تردیدشان در توانمندی خداوند

هل یستطیع ربک . .. قال اتقوا اللّه ان کنتم مؤمنین

جمله <اتقوا اللّه . ..> حاکی از انتقاد و اعتراض عیسی(ع) به حواریون است ناظر به مطالبی است که از <هل یستطیع ربک

...> به دست می آید که از جمله آنها تردید در توانمندی خداوند است.

۱۱ تردید در قدرت الهی ناسازگار با تقوا و ایمان

هل یستطیع ربک . .. اتقوا اللّه ان کنتم مؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۵ - ۶

۶ شک در امکان معاد ، شک در قدرت خداوند

است .

أفعيينا بالخلق الأوّل بل هم فى لبس من خلق جديد

شگفتی غفلت از قدرت بیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۹ - ۲

۲ - بی توجّهی به قدرت بیان و ابزار آن و غفلت از وابستگی آنها به خداوند ، شگفت آور و سرزنش بار است .

ألم نجعل له . .. و لسانًا و شفتین

ضعف قدرت غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۶ - ۱۰

۱۰ ناتوانی همه قدرت ها ، در برابر قدرت و اراده خداوند

و ما لکم من دون اللّه من ولیّ و لانصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۸ - ۸

۸ ناتوانی همه قدرت ها و نیرو ها در ایمن ساختن انسان از کیفر الهی

لا ملجأ من اللّه إلا إلیه

ظالمان و قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۵ - ۱۴

۱۴ - ظالمان از قدرت خداوند غافلند .

و لو یری الذین ظلموا . .. أن القوه للّه جمیعاً

ظلم تکذیب قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۹ - ۱۰

۱۰- انکار معاد و نادیده گرفتن قدرت عظیم الهی در آفرینش جهان ، عملی ظالمانه است .

أو لم یروا . .. فأبی الظلمون إلاّ کفورًا

ظهور قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۰ - ۱۶

۱۶ - ظهور قدرت و شکست ناپذیری خداوند برای

کافران ، در جهان آخرت

و هو القویّ العزیز . .. و ما له فی الأخره من نصیب

عظمت قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹ - ۷

۷- خداوند ، در برابر توطئه های کافران علیه قرآن ، قدرت خویش را در پاسداری از آن به نمایش گذاشت و عظمت خویش را به رخ آنان کشید .

إنا نحن نزّلنا الذّکر و إنا له لحفظون

از اینکه خداوند، برای بیان نزول قرآن از سوی خود، چند ضمیر جمع و اسم فاعل جمع می آورد، می تواند به منظور نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹ - ۳

۳- ماجرای اصحاب کهف ، با توجه به قدرت و اراده خداوند ، رخدادی شگفت نیست .

أم حسبت أنّ أصحب الکهف . .. کانوا من ءایتنا عجبًا

<أم> در ابتدای آیه،<أم منقطعه> است و معنای اضراب همراه با استفهام و انکار دارد، بنابراین، معنای عبارت چنین است: <آیا چنین گمان کردی که اصحاب کهف . ..>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۰ - ۲

۲ - ناچیز بودن حکومت های بسیار مقتدر ، در برابر عظمت قدرت خداوند

فأخذنه و جنوده فنبذنهم فی الیمّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۱۲ – ۲

۲ – برپا ساختن رستاخیز و زنده کردن مردگان ، کاری بزرگ و باعظمت است ; اما در برابر عظمت قدرت خداوند ناچیز می باشد .

إنّا نحن نحی الموتی

برداشت یاد شده، از آمدن دو

ضمیرِ جمعِ (إنّا و نحن) استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲ - ۲

۲ - انکار توحید ربوبی و احیای مجدد انسان ها به رغم مشاهده عظمت آفرینش و قدرت خدا در جهان امری شگفت آور است .

إنّ إلهکم لوحد . .. فاستفتهم أهم أشدّ خلقًا... بل عجبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۴ - ۲

۲ - خداوند ، نه تنها توانا بر گردآوری استخوان های مردگان است ; بلکه می تواند انگشتان هر کس را به همان صورتی که در دنیا بود ، تنظیم کند .

بلی قدرین علی أن نسوّی بنانه

<بنانه> (مفرد <بنان>) در دو معنا استعمال می شود: ۱ انگشتان، ۲ سرانگشتان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۵ - ۱،۲

۱ - برچیدن ثمودیان از زمین ، حادثه ای ناچیز در برابر قدرت خداوند و خالی از هرگونه پیامد نامطلوب

و لایخاف عقبیها

ضمیر <عقباها>، به <دَمْدَمه> و یا به <ثمود> برمی گردد. در صورت دوم مراد <عقبی هلاکتهم> خواهد بود.

۲ - خداوند ، از آثار هلاکت ثمودیان پروایی نداشته و ترسی از پیامد های آن ندارد .

و لایخاف عقبیها

عظمت قدرت ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۱ - ۳

۳- امکانات و نیروی ذوالقرنین ، بسیار زیاد و با عظمت بوده است .

قد أحطنا بما لدیه خبرًا

تعبیر موجود در آیه (احاطه خداوند بر همه آنچه در نزد ذوالقرنین وجود داشت) حاکی از عظمت امکاناتی است

که در اختیار ذوالقرنین بود.

عفو با قدرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۱۲

۱۲ - ارزش عفو در حال قدرت بر انتقام

فمن عفی له من أخیه شیء

عفو هنگام قدرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۹ - ۹

۹ گذشت ، بزرگواری و منزه بودن از کینه توزی و حسّ انتقام جویی به هنگام قدرت ، از خصلت های نیکوی حضرت یوسف (ع)

فلاتبتئس بما کانوا یعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۲ - ۵

۵ گذشت در عین قدرت بر انتقام از ویژگی های محسنان است .

فإن الله لایضیع أجر المحسنین . .. قال لاتثریب علیکم الیوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵ - ۱۲

۱۲ - غفران و بخشش لغزش ها در عین عزت و قدرتمندی ، رفتاری پسندیده و شایسته

ألا هو العزیز الغفّر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۲ - ۱۶

۱۶ - گذشت از خطا ها در عین توانمندی بر انتقام و کیفر ، کاری است شایسته و خداپسندانه .

أنا أدعوکم إلی العزیز الغفّر

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که خداوند در عین این که عزیز و شکست ناپذیر است، با گذشت و آمرزنده نیز می باشد و همه بندگان گناه کارش را به توبه فرامی خواند; در حالی که توانایی هرگونه انتقام گرفتن از آنان را دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۳ - ۶

۶ - عفو ، گذشت و خویشتن داری در حال توانمندی بر انتقام ، نشانگر اراده و تصمیم قوی انسان است .

و لمن صبر و غفر إنّ ذلک لمن عزم الأُمور

قدرت بر انتقام از واژه <غفر> استفاده می شود; چه این که ظهور مغفرت آن است که انسان توان انتقام را داشته باشد.

عقیده به قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۲ - ۵

۵ - ابلیس ، معتقد و معترف به عزت و قدرت پروردگار

فبعزّتک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۸ - ۱

۱ - اعتقاد و اعتراف مشرکان ، به خالقیت یگانه خداوند و پدید آمدن جهان آفرینش (آسمان ها ، زمین و . . .) تنها به قدرت او

و لئن سألتهم من خلق السموت و الأرض لیقولنّ اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۱۷ - ۵

۵ - کشف و شناسایی ویژگی های شتر ، راهنمای فکری انسان برای اعتقاد به قدرت خداوند

أفلاینظرون إلی الإبل کیف خلقت

عقیده به قدرت غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۰ - ۶

۶ - اعتقاد به وجود نيرويى توانمند و پيروز در برابر اراده و قدرت خداوند در عالم ، نشانه غرور و فريب خوردگى است .

أمّن هذا الذى هو جند لكم ينصركم من دون الرحمن إن الكفرون إلاّ فى غرور

علم به قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱۲ - ۱۲

۱۲ - آگاه شدن بشر به قدرت و علم همه جانبه خداوند ، از حکمت های آفرینش آسمان ها و زمین

اللّه الذی خلق سبع سموت . .. لتعلموا أنّ اللّه علی کلّ شیء قدیر و أنّ اللّه قد

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که <لام> در جمله <لتعلموا. ..> تعلیل برای عبارت <خلق سبع سماوات> است و این جمله بیانگر علت و فلسفه آفرینش آسمان ها و زمین است.

عوامل ایمان به قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵ - ۴،۳۰

۴- توجه به پیدایش انسان و آفریده شدن وی از عناصری بی جان (خاک ، نطفه ، علقه و مضغه) ، زداینده هر گونه تردید در امکان برپایی رستاخیز و قدرت خدا بر بخشیدن حیات دو باره به مردگان

یأیّها الناس إن کنتم فی ریب من البعث فإنّا خلقنکم . ..ثمّ من مضغه

۳۰ - مطالعه در چگونگی رویش و رشد گیاهان گوناگون بر زمین های مرده ، زایل کننده هر گونه شک و تردید در امکان برپایی رستاخیز و قدرت خدا بر احیای دوباره مردگان

یأیّها الناس إن کنتم فی ریب من البعث . .. و تری الأرض هامده ... من کلّ زوج بهیج

عوامل تضعیف قدرت نظامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۶ - ۱۲

۱۲ - چیره شدن ترس بر سپاه یهود بنی قریظه ، باعث از بین رفتن توان رزمی آنان شد و به راحتی ، به دست مسلمانان مدینه

، شکست خوردند .

و قذف فی قلوبهم الرعب فریقًا تقتلون و تأسرون فریقًا

عوامل تقویت قدرت نظامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۵ - ۱۰

۱۰ درک معارف الهی (توحید ، معاد و . . .) و ایمان به آنها ، عاملی اساسی در ایجاد توان فوق العاده در رزمندگان مؤمن

بأنهم قوم لایفقهون

عوامل رفع تعجب از قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۰ - ۴

۴ - توجه به ربوبیت الهی بر وجود انسان ، زداینده هر شگفتی درباره قدرت او

قالوا کذلک قال ربّک

آوردن وصف <ربّک>، دربردارنده نوعی استدلال بر قدرت خدا می باشد; یعنی، آن که وجود تو را پروریده، قادر است که پیرزنی نازا را نیز بارور کند.

عوامل شناخت قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۲ - ۱۴

۱۴ - توجه به آفرینش زمین و آسمان و مراحل آن ، عامل پی بردن انسان به قدرت و علم نامحدود خداوند

أئنّکم لتکفرون بالّذی خلق . .. ذلک تقدیر العزیز العلیم

عوامل غفلت از قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۵ - ۱۶

۱۶ - لجاجت و عناد ، عامل استکبار و غفلت از قدرت نامحدود الهی *

فاستکبروا فی الأرض . .. و کانوا بأیتنا یجحدون

چنانچه جمله <و کانوا بآیاتنا یجحدون> به منزله تعلیل برای استکبار و عدم توجه قوم عاد، نسبت به قدرت نامحدود خداوند باشد، مطلب یاد شده قابل استفاده است.

عوامل قدرت

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶ - ۱۲

۱۲ آب فراوان و رونق کشاورزی از شاخصه های توانمندی و قدرت اقوام و تمدنها

و أرسلنا السماء علیهم مدرارا و جعلنا الأنهر تجری من تحتهم

عوامل قدرت سیاسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۰ - ۱۰

۱۰ - نقش اساسی قدرت اقتصادی ، در امنیت و اقتدار سیاسی ملت ها *

فعجّل لکم هذه و کفّ أیدی الناس عنکم

در صورتی که <کفّ. ..> مترتّب بر فتح خیبر و غنایم آن (عجّل لکم هذه) باشد و نتیجه آن شمرده شود; از آیه شریفه استفاده می شود که خداوند، برای امنیت بخشیدن به امت اسلامی در شرایط بحرانی، این مهم را از طریق تقویت بنیه اقتصادی ایشان، تأمین کرده است.

عوامل قدرت قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۱ - ۱

۱ - خداوند ، با نابود کردن اصحاب فیل ، قریش را بر ادامه زندگانی طبق عادت دیرینه آنان ، توانمند ساخت .

لإیلف قریش

این سوره با سوره قبل، ارتباطی تنگاتنگ دارد تا حدی که برخی آن دو را یک سوره شمرده و برخی دیگر جداساختن آن را از سوره فیل در نماز جایز نمی دانند. بنابراین <لایلاف> علت <جعلهم کعصف مأکول> را بیان می کند; یعنی، خداوند سپاه ابرهه را نابود ساخت تا قریش بتوانند به ایلاف خود ادامه دهند.

عوامل قدرت مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۰ - ۱۲

۱۲ - نقش بارز صلح

حدیبیه ، در کوتاه شدن دست دشمنان از ضربه زدن به مسلمانان

فعجّل لکم هذه و کفّ أیدی الناس عنکم

ممکن است <هذه> اشاره به صلح حدیبیه داشته باشد و <کفّ. ..> مترتب بر آن بوده و نتیجه آن به شمار آید.

غفلت از قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۵ - ۱۴

۱۴ - ظالمان از قدرت خداوند غافلند .

و لو یری الذین ظلموا . .. أن القوه للّه جمیعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۷ - ۳

۳ - سطحی نگری کافران در مظاهر شگفت انگیز طبیعت و نادیده گرفتن قدرت الهی در آن ، مورد سرزنش خداوند

فقد کذّبوا . .. أَوَلم یرواإلی الأرض کم أنبتنا فیها

استفهام در <أَوَلم یروا. ..> برای توبیخ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۰ - ۱

۱ - توبیخ کافران و تکذیب گران جن و انس ، به خاطر نادیده گرفتن قدرت و لطف الهی در تأمین نیاز های خلق

یسله . .. کلّ یوم هو فی شأن . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

خداوند در آیه قبل، فقر ذاتی و نیازمندی موجودات و فیاضیت و نیاز برآوری خویش را به آدمیان یادآور شده و در این آیه غافلان و کافران را مورد سرزنش قرار داده که چرا این حقیقت را در هستی نادیده می گیرند. تثنیه آمدن <کما> و <تکذّبان>، ظاهراً به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۳۴ –

۱ – سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، بر بی توجهی آنان نسبت به قدرت مطلق الهی و عجز و ناتوانی خویش

إن استطعتم . .. لاتنفذون إلّا بسلطن . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

بـا توجه به ارتبـاط این آیه بـا آیه قبـل، از اسـتفهام توبیخی در <فبـأیّ. ..> مطلب بالا اسـتفاده می شود. گفتنی است که تثنیه آمدن <کما> و <تکذّبان> به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۳۸ – ۲

۲ – توبیـخ شدن کافران و تکذیب گران جن و انس ، به خاطر بی اعتنایی به نعمت های الهی و غفلت از قدرت قاهر او بر نظام جهان

فإذا انشقّت السّماء . .. فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

عبارت <انشـقّت السّـماء. ..> نشانگر قدرت قاهر خداوند بر جهان است و از این که پس از تذکر قدرت، تکذیب گران را به محاکمه نشانده، مطلب بالا اسـتفاده می شود. گفتنی است که تثنیه آمدن <کما> و <تکذّبان> به خاطر توجه خطاب به جن و انس می باشد.

فلسفه قدرت نمایی سلیمان(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۴۴ – ۱۰

۱۰ – توجه بلقیس به هدف الهی و توحیدی سلیمان (ع) ، از نمایاندن امور شگفت به وی

قیل لها ادخلی الصرح . .. قال إنّه صرح... قالت ربّ إنّی ظلمت نفسی

فناپذیری قدرت دنیوی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۷۴ – ۰

قدرت ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۷ - ۵

۵- کیفیت مبارزه و چگونگی مواضع ابراهیم (ع) علیه بت پرستان ، متناسب با شرایط موجود و توانایی های خود آن حضرت بود .

تاللّه لأکیدنّ أصنمکم بعد أن تولّوا مدبرین

تصمیم ابراهیم(ع) به از بین بردن بت ها به طور مخفی و هنگامی که مردم حضور ندارند، حکایت از این دارد که او توانایی انجام چنین کاری در حضور مردم به صورت آشکار نداشت. بنابراین مبارزه آن حضرت متناسب و همسو با شرایط و مقدورات او بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۵ - ۴

۴ - ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (علیهم السلام) ، انسان های برخوردار از < قدرت و توانایی > و < بصیرت و روشن بینی >

إبرهیم و إسحق و یعقوب أُولی الأیدی و الأبصر

<أُولی الأیدی> (صاحبان دست ها) کنایه از قدرت و توانایی است.

قدرت اخروی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۵ - ۲۴

۲۴ - قیامت ، روز ظهور و بروز قدرت مطلق خدا و آگاهی همگان به نبود قدرت برای غیر اوست .

إذ یرون العذاب أن القوه للّه جمیعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۷ - ۶

۶ - ظهور و بروز قدرت مطلقه خداوند بر جهان در قیامت

و الأرض جميعًا قبضته يوم القيمه و السموت مطويّت بيمينه

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۷۷ – ۸

۸ – گستره

قدرت الهی در جهان واپسین ، مورد باور تمامی انسان ها حتی دوزخیان

و نادوا یملک لیقض علینا ربّک

از این که جهنمیان نجات خود را به دست خداوند می دیدند و فرشتگان را به شفاعت می طلبیدند، استفاده می شود که حتی دوزخیان نیز در قیامت به قدرت الهی باور دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۸ - ۳

۳ - ظهور حاکمیت و قدرت یگانه خداوند برای آدمیان در قیامت

و للّه ملک السموت و الأرض . .. و تری کلّ أمّه جاثیه ... الیوم تجزون

با توجه به آیه قبل که سخن از مالکیت و حاکمیت مطلق خدا به میان آورد به زانو نشستن امت ها در قیامت که در این آیه مطرح شده می تواند نشانگر ظهورِ قدرت و حاکمیت خداوند در آن روز باشد.

قدرت اراده اولیاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۳ - ۶

۶ - طبیعت و مظاهر آن ، با اذن خدا مقهور اراده بندگان خاص او است .

أن اضرب بعصاک البحر فانفلق

قدرت اسحاق(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۵ - ۴

۴ - ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (علیهم السلام) ، انسان های برخوردار از < قدرت و توانایی > و < بصیرت و روشن بینی >

إبرهیم و إسحق و یعقوب أُولی الأیدی و الأبصر

<أُولی الأیدی> (صاحبان دست ها) کنایه از قدرت و توانایی است.

قدرت اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۷

یونس - ۱۰ - ۷۸ - ۸

۸ فرعون و اطرافیانش ، قدرت و مکنت خود را ، در دفاع از آیین نیاکانشان می دانستند .

قالوا أجئتنا لتلفتنا عما وجدنا علیه ءاباءنا و تکون لکما الکبریاء فی الأرض

قدرت اصحاب الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۲۵ - ۲

۲ - باغداران یمنی ، خود را در بر چیدن تمامی محصولات باغ برای خود و محروم ساختن بینوایان از آن ، توانا می پنداشتند .

و غدوا علی حرد قدرین

قدرت اصحاب ایکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۳ - ۳

۳ - قوم نوح ، عاد ، فرعون ، ثمود ، لوط و اصحاب ایکه (قوم شعیب) ، اقوامی قدرتمند و بی مانند در مخالفت با رسالت فرستادگان الهی

کذّبت قبلهم قوم نوح . .. ثمود ...أصحب لئیکه أُولئک الأحزاب

برداشت یاد شده از تعریف مسند (أُولئک) و مسندالیه (أحزاب) که بر حصر دلالت می کند استفاده می شود; یعنی، این اقوام حقیقتاً گروه های متشکلی بودند که اقوام دیگر در قوت و شدت مخالفت با پیامبران، مانند آنان نبودند.

قدرت اقتصادی اصحاب الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۲۵ - ۳

۳ - غفلت و غرور باغداران یمنی ، بر اثر قدرت اقتصادی و توانایی خود

و غدوا علی حرد قدرین

قدرت اقتصادی بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۶ – ۵،۶

۵- تجدید توان اقتصادی و انسانی بنی اسرائیل با امداد

الهی پس از اولین شکست

ثمّ رددنا لکم الکرّه علیهم و أمددنکم بأمول و بنین

۶- سلطه مجدد بنی اسرائیل بر دشمنانشان پس از اولین شکست ، متکی بر توان اقتصادی و نیروی انسانی خدادادی است .

و أمددنکم بأمول و بنین

قدرت اقتصادی فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۸ - ۴

۴ - سرزمین مصر در عصر فرعون ، برخوردار از تمدن و اقتصادی نیرومند

فأخرجنهم من جنّت و عیون . و کنوز و مقام کریم

قدرت اقتصادی قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۱ - ۱۲

۱۲ - قدرت اقتصادی و سیاسی صاحبان زر و زور در عصر نوح (ع) ، در خدمت کفر و شرک و علیه دعوت توحیدی آن حضرت بود .

قال نوح ربّ إنّهم عصونی و اتّبعوا من لم یزده ماله وولده إلّا خسارًا

قدرت اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۴ - ۲

۲- جوامع و تمدن های بسیاری در طول تاریخ ، با وجود قدرت و امکانات بسیار و موقعیت برتر نسبت به کافران عصر بعثت ، به هلاکت رسیده و نابود شدند .

و کم أهلکنا قبلهم من قرن هم أحسن أثًثا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۴ - ۴

۴ - ظهور و سقوط تمدن ها و اقوام نیرومندتر از مشرکان جزیره العرب در تاریخ

و کانوا أشدّ منهم قوّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸۲

۸ - وجود آثار تمدن های بزرگ و نشانه هایی از توانایی اقوام نیرومند و پرجمعیت گذشته ، در عصر نزول قرآن

كانوا أكثر منهم و أشدّ قوّه و ءاثارًا فی الأرض

از ظاهر توصیه خداوند به سیر در زمین و نظر افکندن بر آثار به جای مانده از پیشینیان، استفاده می شود که آن آثار تا عصر نزول قرآن باقی مانده بود.

قدرت الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۶ - ۷

۷ انحصار پیروزی آفرینی به خداوند ، برخاسته از عزّت و اقتدار مطلق اوست .

و ما النّصر الّا من عند اللّه العزیز الحکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۸ - ۶

۶ توانایی های اهل ایمان در سرکوبی دشمنان دین ، پرتویی از قدرت الهی

لیقطع طرفاً . .. لیس لک من الامر شیء

با وجود اینکه مسلمانان، دشمن را ذلیل و اسیر کردند و سرانجام آنها را از دستیابی به اهدافشان ناامید ساختند، ولی خداوند تمامی موارد را به خویش نسبت می دهد تا بفهماند که کار آنان و تواناییهایشان، در واقع از آن خداست.

قدرت الوهیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۶ - ۸

۸ توانمندی بر آفرینش و اعطای قوای ادراکی و اقتدار بر سلب آن، نشانه الوهیت است.

قل أرءیتم . .. من إله غیر اللّه یأتیکم به

قدرت امت های منقرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۶ - ۴

۴- امت های نیرومند هلاک

شده تاریخ ، دارای سلطه بر جوامع متعدد

و کم أهلکنا . .. فنقّبوا فی البلد

<التنقیب> (مصدر <نقّبوا>) به معنای سیر و حرکت است و در این جا کنایه از فتح بلاد و تحت سلطه درآوردن آنها می باشد.

قدرت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۸ - ۱۲

۱۲ - آدمی ، می تواند حتی در زمان گرفتاریش به لعنت خدا ، خود رابه سوی ایمان گرایش داده و اهل ایمان گردد .

لعنهم اللّه بکفر هم فقلیلا ما یؤمنون

تفریع جمله <فقلیلا ما یؤمنون> بر <لعنهم اللّه بکفرهم> می رساند که: کفر ورزی و دور شدن از رحمت خدا، بسیاری از زمینه های ایمان را از بین می برد نه همه آنها را; یعنی، با وجود لعنت الهی انسان می تواند خود را به سوی ایمان گرایش دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۴ - ۵

۵ توان مردم بر کنتر نیروی خشم و غضب خویش

و الکاظمین الغیظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۰ - ۱۷

۱۷ توانایی آدمی در توجیه نفس خویش برای ارتکاب گناه

فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۰ - ۱،۲

۱ خداوند انسانها را برای بهره گیری از زمین و امکانات آن توانا ساخت.

و لقد مکنکم فی الأرض

۲ توانایی انسانها بر بهره گیری از امکانات زمین نعمتی بایسته شکرگزاری است.

و لقد مکنکم فی الأرض . .. قلیلا ما تشکرون

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۸۸ – ۲

۲ انسان ها در صورت مشیت الهی ، توانا بر جلب منفعت و یا دفع ضرر از خویش خواهند شد .

قل لاأملک لنفسی نفعا و لا ضرا إلا ما شاء اللّه

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از <ما> موصوله در <إلا ما شاء اللّه> تمکن بر نفع و ضـرر باشد. بر این مبنا استثنا، استثنای متصل است و معنای آیه چنین می شود: من توانایی بر نفع و ضرر خویش ندارم، مگر خداوند به من توانایی بخشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۴۲ – ۳

۳– انسان ، در برابر اغواگری و سلطه طلبی ابلیس ، آزاد و مختار و توانا بر مخالفت است .

إن عبادی لیس لک علیهم سلطن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۹۹ – ۶

۶– انسان در برابر وسوسه ها و توطئه های شیطان ، مختار و بر مخالفت با او تواناست .

إنه لیس له سلطن علی الذین ءامنوا و علی ربّهم یتوکّلون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۰۰ – ۲

۲– انسان در برابر وسوسه ها و توطئه های شیطان ، مختار و بر مخالفت با او تواناست .

إنما سلطنه علی الذین یتولّونه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۳ – ۹

۹ – انسان ها ، این ویژگی را دارند که بتوانند عقیده ای برخلاف اعتقاد درونی شان ، ابراز

کنند .

فلیعلمنّ اللّه الذین صدقوا و لیعلمنّ الکذبین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۵۴ – ۳

۳ – انسان ها ، توانایی دارند برخی از مقاصد خود را پنهان دارند .

إن تبدوا شیًا أو تخفوه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۷۲ – ۱۰

۱۰ – انسان ها ، دارای توانایی و استعدادی به مراتب فراتر از عظیم ترین موجودات طبیعی عالم اند .

إنّا عرضنا الأمانه علی السموت و . .. فأبین أن یحملنها و ... و حملها الإنسن

ترس آسمان ها و. .. از پذیرش امانت الهی و قبول آن از سوی انسان حکایت از توانایی و استعداد برتر انسان ها از موجودات یاد شده می کند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۱۵ – ۸

۸ – خالق انسان ، همواره برتر و توانمندتر از انسان

أَوَلم یروا أنّ اللّه الذی خلقهم هو أشدّ منهم قوّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نازعات – ۷۹ – ۴۰ – ۱۵

۱۵ – انسان ، بر مهار نفس خویش از هوس های ناروا ، توانا است .

و نهی النفس عن الهوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۹ - ۷

۷ - خداوند ، در پی آفرینش انسان از نطفه ، او را توانمند و مهیّا برای رسیدن به مصلحت های خویش قرار داد .

من نطفه خلقه فقدّره

برخی از اهل لغت، ضمن بر شمردن معانی متعددی برای <تقدیر>، دقّت و تفکر در متعادل ساختن امور

و مهیّا ساختن آنها را، از جمله معانی آن قرار داده انـد (لسان العرب). <فاء> در <فقـدّره> گویای این است که مهیّا شـدن انسان برای مصالح خویش، از آثار و پیامدهای سیستم خلقت او است.

قدرت انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۵۵ - ۱

۱ - توانایی همه انسان ها ، در بهره بردن از درس ها و پند های قرآن

إنّه تذکره . فمن شاء ذکره

خداونـد، به طـور کلی و عـام فرمود: هر کس خواست از قرآن پنـد گیرد و متـذکر شود. از این می توان اسـتفاده کرد که همه انسان ها، توانایی چنین کاری را دارند و می توانند از قرآن پند گیرند و درس بیاموزند.

قدرت بدنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۳ - ۱۵

۱۵ - < اسـحاق بن عمـار و یونس قالاـ: سألنا اباعبـداللّه (ع) عن قول اللّه تعالی < خـذوا ما اتیناکم بقوه > أقوه فی الأبـدان أوقوه فی القلب ؟ قال فیهما جمیعاً ؛

اسـحاق بن عمار و یونس از امام صادق(ع) درباره آیه <خـذوا ما اتیناکم بقوه> سؤال کردند که: آیا مراد از <قوت> نیروی بدنی است یا قلبی؟ امام(ع فرمودند: هر دو است>.

قدرت بر احیای مردگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۸ - ۱

۱ - خداوند ، بر اعاده مجدد انسان پس از مرگ او ، توانمند است .

إنّه علی رجعه لقادر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۳

۳ - گفتار خداوند درباره معاد و توان او بر احیای دوباره انسان ، گفتار نهایی و فیصله دهنده تمام گفتوگو ها است .

إنّه لقول فصل

ضمیر <إنّه> چه به قرآن برگردد و چه به محتوای آیات پیشین که درباره قدرت خداوند بر معاد بود برداشت یاد شده استفاده می شود. <قول فصل>، به کلامی گفته می شود که <فصل الخطاب> باشد و به گفتوگوها خاتمه دهد.

قدرت بر انشقاق تاریکی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فلق - ۱۱۳ - ۵ - ۵

۵ - توانایی خداوند بر شکافتن تاریکی ها با سپیده صبح ، دلیل قدرت او بر نجات انسان از خطر حسودان

قل أعوذ بربّ الفلق . .. و من شرّ حاسد إذا حسد

قدرت بر تهدید کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۶ - ۸

۸ - سوگند خداوند به سپیده دم ، شب های ده گانه ، جفت ، تاق و گذشت شب ، برای تأکید بر دارا بودن توان اجرای تهدیدات خویش و نابود ساختن کافران

و الفجر . .. ألم تر کیف فعل ربّک بعاد

ممکن است مراد از سوگندها، تأکید بر قدرت خداوند بر نابود ساختن مخالفان پیامبر(ص) باشد; در این صورت جواب قسم محذوف خواهد بود. گفتنی است که جواب قسم در احتمال دیگر، آیه چهاردهم این سوره است که مراقبت شدید خداوند را مطرح کرده است.

قدرت بر ثبت عمل انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ – طارق – ۸۶ – ۵ – ۲

۲ – شناخت مراحل آغازین خلقت

انسان ، زمینه ساز پی بردن به تحت مراقبت بودن وی و مایه شناخت قدرت خداوند بر ثبت کردار او است .

علیها حافظ . فلینظر الإنسن ممّ خلق

ارتباط دو آیه، با توجّه به حرف <فاء> در <فلینظر>، بیانگر برداشت یاد شده است.

قدرت بر طلوع فجر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فلق - ۱۱۳ - ۵ - ۵

۵ - توانایی خداوند بر شکافتن تاریکی ها با سپیده صبح ، دلیل قدرت او بر نجات انسان از خطر حسودان

قل أعوذ بربّ الفلق . .. و من شرّ حاسد إذا حسد

قدرت بر معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۴ - ۴

۴ دو چیز ، معیار استحقاق معبودیت و سزاوار پرستش بودن است : < توانایی بر پدید آوردن جهان > و < قدرت بر برپا کردن دوباره آن > .

قل هل من شرکائکم من یبدؤا الخلق ثم یعیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۱ - ۱۲

۱۲- امکان وقوع رستاخیز و نیز وجود نیرویی قادر به انجام آن ، دو موضوع زیربنایی در اثبات معاد است .

قل کونوا حجاره . .. فسیقولون من یعیدنا قل الذی فطرکم

در آیه پیش، سؤال از امکان تبدیل شدن استخوانهای خرد شده به انسان مطرح شد و با فرض امکان آن، در این آیه، قدرتی که قادر به تحقق آن باشد مطرح گردیده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ – غاشیه – ۸۸ – ۱۹ – ۲

۲ – تحقیق و تدبر در علل برقرار

ماندن کوه ها ، مایه توجه به قدرت خداوند بر ایجاد معاد

و إلی الجبال کیف نصبت

قدرت بر هلاکت کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – فجر – ۸۹ – ۶ – ۸

۸ – سوگند خداوند به سپیده دم ، شب های ده گانه ، جفت ، تاق و گذشت شب ، برای تأکید بر دارا بودن توان اجرای تهدیدات خویش و نابود ساختن کافران

و الفجر . .. ألم تر کیف فعل ربّک بعاد

ممکن است مراد از سوگندها، تأکید بر قدرت خداوند بر نابود ساختن مخالفان پیامبر(ص) باشد; در این صورت جواب قسم محذوف خواهد بود. گفتنی است که جواب قسم در احتمال دیگر، آیه چهاردهم این سوره است که مراقبت شدید خداوند را مطرح کرده است.

قدرت برادران یوسف

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۸ – ۱۲،۱۱،۱۰

۱۰ برادران یوسف ، گروهی نیرومند ، کارآمد و عهده دار رتق و فتق امور پدرشان یعقوب بودند .

و نحن عصبه إن أبانا لفی ضلل مبین

<عصبه> به جماعتی گفته می شود که تعداد آنان از ده نفر افزون تر باشد و با یکدیگر پیوند داشته و هم دیگر را پشتیبانی کنند. لازمه این معنا نیرومند و کارآمد بودن آن گروه است. رابطه جمله <و نحن عصبه> با خطا پنداشتن محبت افزون تر یعقوب به یوسف و بنیامین، گویای این است که: برادران یوسف، نیرو و توان خویش را در جهت منافع یعقوب(ع) به کار می بردند و امور او را سامان می دادند.

۱۱ برادران یوسف ، به کثرت نیرو و نفرات خویش مغرور بودند .

و

نحن عصبه

۱۲ برادران یوسف به دلیل نیرومندی و کارآمد بودنشان ، خویش را به محبت پدرشان یعقوب سزاوارتر می دیدند .

إذ قالوا لیوسف و أخوه أحب إلی أبینا منا و نحن عصبه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۱۴ – ۱،۳

۱ برادران یوسف جماعتی متحد و نیرومند بودند .

و نحن عصبه

۳ فرزندان یعقوب با یادآور شدن کثرت نیرو و توان خویش ، نگرانی او (احساس خطر حمله گرگ ها به یوسف) را نابه جا شمردند .

أخاف . .. قالوا لئن أکله الذئب و نحن عصبه

قدرت برتر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بلد – ۹۰ – ۵ – ۲

۲ – وجود قدرتی برتر و غالب در برابر تمام انسان ها ، حتی در اوج قدرت مندی آنان

أیحسب أن لن یقدر علیه أحد

قدرت بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۶۴ – ۱۲

۱۲ – بنی اسرائیل پس از دریافت تورات و عمل به محتوای آن ، به قدرت و حکومت رسیدند . *

ثم تولیتم من بعد ذلک

از معـانی <تولی> ولا‌یت پیـدا کردن و حکومت یافتن است. برداشت فوق ناظر به این احتمال می باشـد. گفتنی است بر این مبنا مراد از فضل خـدا و رحمت او، همان اعطای تورات و توفیق عمل به احکام آن می باشـد و مقصود از خسـران در <لکنتم من الخاسرین> قرار گرفتن در تحت سیطره حکومتهای کفر و جور خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۰

۳فرعونیان ، هراسان از قدرت یابی موسی (ع) و بنی اسرائیل و از دست دادن حکومت و سرزمین خویش

یرید أن یخرجکم من أرضکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵ - ۴

۴- جنگاوری و توانمندی بنی اسرائیل ، در نخستین مرحله از فسادانگیزیشان

بعثنا علیکم عبادًا لنا أُولی بأس شدید

گسیل نیروهای بسیار پرتوان برای سرکوبی بنی اسرائیل، نشانگر توانمندی آنان در جنگ و مبارزه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶ - ۹

۹- فزونی داشتن نیروی انسانی و نفرات رزمی بنی اسرائیل بر نفرات دشمن ، پس از نخستین شکست

و جعلنکم أکثر نفیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۳ - ۳

۳ - بنی اسرائیل ، مجموعه ای نیرومند بودند و فرعون برای مقابله با آنان نیازمند قوایی گسترده بود .

فأرسل فرعون فی المدائن حشرین

قدرت بیان انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴ - ۸

۸- انسان موجودی توانمند برای بیان مقاصد و نظرات خویش

فإذا هو خصيم مبين

قدرت بینایی شیطان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۲۷ – ۱۳

۱۳ انسان در معرض دید شیاطین است و آنان از چشم آدمیان نهانند.

إنه يريكم هو و قبيله من حيث لا ترونهم

قدرت تفکر اصحاب کهف

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۱۹ – ۲۱

۲۱– حافظه و قدرت تفكّر و تصميم گيرى

اصحاب کهف و جهاز هاضمه آنان پس از خواب طولانی ایشان باز ، باقی و سالم مانده بود .

فابعثوا أحدكم بورقكم

قدرت توحید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۶۲ - ۲

۲ - ناتوانی آیین شرک و بت پرستی ، در مبارزه با آیین توحید و یکتاپرستی

ما أنتم علیه بفتنین

برداشت یاد شده از آن جا است که ناتوانی مشرکان از اغوای مردم از راه خدا، بیانگر ناتوانی آیین آنان در مبارزه با آیین توحیدی است.

قدرت جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵ - ۲،۵

۲ - جبرئیل ، فرشته ای بس مقتدر و نیرومند

علّمه شدید القوی

۵ - جبرئیل ، دارای توانایی های بی شمار و در حد اعلا

علّمه شدیدالقوی

<القوی> جمع همراه با <ال> است و افاده عموم می کند. بنابراین <شدیدالقوی>; یعنی، کسی که در او همه توانایی ها، در حدی شدید وجود دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۰ - ۱،۶

۱ - جبرئیل ، فرشته ای نیرومند و پرقدرت

ذی قوّه

نکره بودن <قوّه>، بر عظمت آن دلالت دارد.

۶ - < عن أبی عبداللّه (ع) فی قوله : < ذی قوّه عند ذی العرش مکین > قال : یعنی : جبرئیل . . . ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خداوند <ذی قوّه عند ذی العرش مکین> روایت شده که مراد جبرئیل است. ..>.

قدرت جسمانی قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۹ - ۱۳،۱۴،۱۶

۱۳ قوم

عاد برخوردار از اندامی بزرگتر و نیرومندتر نسبت به دیگر اقوام

و زادکم فی الخلق بصطه

۱۴ برخورداری قوم عاد از اندامی درشت و نیرومند ، از نعمت های بزرگ خداوند برای آنان

و اذکروا إذ . .. و زادکم فی الخلق بصطه

۱۶ هود (ع) به منظور ایجاد زمینه رستگاری در قوم خویش آنان را به یادآوری دو نعمت بزرگ الهی (جانشینی قوم نوح ، برخورداری از نیرویی چشمگیر) فراخواند .

و اذکروا إذ جعلکم خلفاء من بعد قوم نوح . .. لعلکم تفلحون

قدرت جسمانی موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۴ - ۳

۳ - موسی (ع) برخوردار از اعتدال جسمی همراه با قوت فکری در عنفوان جوانی

و لمّا بلغ أشدّه و استوی

ظاهر این است که جمله <بلغ أشدّه> اشاره به توان فکری موسی(ع) و عبارت <و استوی> اشاره به توان جسمی او باشد. گفتنی است که <أشدّه> معادل <قوّته> و <استوی> به معنای <إعتدل> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۵ - ۱۱

۱۱ - موسی (ع) برخوردار از توان جسمی فوق العاده و دشمن شکن

فوکزه موسی فقضی علیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۷ - ۱،۲،۴

۱ - آگاهی یافتن موسی (ع) به قدرت بدنی فوق العاده خویش پس از قتل مرد قبطی

فوكزه موسى فقضى عليه . .. قال ربّ بما أنعمت عليّ

موسی(ع) وقتی دید، مرد قبطی تنها با یک ضربه مشت او از پای در آمد و

جـان بـاخت، دریـافت که دارای نیروی فوق العاده ای است و خداونـد او را علاوه بر دانش و حکمت، از توان جسـمی دشـمن شکـن نیز برخـوردار سـاخته اسـت. از این رو به سـپاس این نعمت، بـا خـدا پیمـان بست که آن نیرو را هرگز در جهت تقـویت مجرمان به کار نگیرد.

۲ - توان جسمی موسی ، نعمتی عطا شده از سوی خداوند به وی

قال ربّ بما أنعمت علیّ

۴ - سوگند موسی به قدرت دشمن شکن و خدادادی خویش

قال ربّ بما أنعمت علیّ

درباره <با> در <بما أنعمت> دو دیـدگاه از سوی مفسـران ارائه شده است برخی آن را سـببیه و برخی هم قسم دانسـته اند. برداشت یاد شده بر پایه احتمال دوم است.

قدرت جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۹ - ۲،۶

۲ - قدرت جنیان در خدمت حکومت سلیمان و قوای سرکش آنان تحت تسلّت وی

قال عفریت من الجنّ أنا ءاتیك به

واژه <عفریت> به معنای بد ذات و شرور است که مستلزم طغیان و سرکشی است. گاهی نیز به معنای قهرمان به کار می رود. برداشت یاد شده بر پایه معنای اول است.

۶ - تفاوت جنیان در قوت و ضعف

قال عفریت من الجنّ . .. و إنّی علیه لقویّ أمین

از این که تنها یکی از جنیان اعلام آمادگی کرده است، استفاده می شود که همه آنان قادر به انجام چنان کاری نبوده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۲ - ۱۹

۱۹ – جنّیان ، موجوداتی با شعور و فهم و توانمند بر انجام کارها

و من الجنّ من

یعمل بین یدیه بإذن ربّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۳ - ۹

۹ - جنّیان ، موجوداتی با شعور و توانمند بر انجام کار های بزرگ

و من الجنّ من یعمل بین یدیه . .. یعملون له ما یشاء من محریب و تمثیل و جفان کال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۶ - ۲

۲ - در نگاه برخی از انسان ها ، گروهی از جن توانا بر حل مشکلات بشر و پناهگاهی امن در مواقع ترس و اضطراب

و أنّه کان رجال من الإنس یعوذون برجال من الجنّ

پناه بردن به کسی و جایی، در وقتی است که انسان با مشکلی سخت و مسائلی وحشتناک و اضطراب آور روبه رو شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۸ - ۲

۲ - توانایی جن ، بر تماس با آسمان

و أنّا لمسنا السماء

قدرت جنسی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۴ - ۳

۳ توانایی جسمی و جنسی یوسف (ع) ، برای کام جویی از زلیخا

و لقد همّت به و همّ بها لولا أن رءا برهن ربه

قرآن، پس از بیان این که زلیخا تمام شرایط کام جویی را برای یوسف فراهم ساخته بود و موانع را برطرف کرده بود، با جمله

<همّ بهـا لولاـ. ..> تنهـا مـانع یوسف(ع) را، مشاهـده برهـان الهی معرفی کرد تـا گمان نشود که او گرایشـی به امور جنسـی نداشت و از آمیزش با زنان ناتوان بود.

قدرت جنیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۶

۶ جنیان دارای قدرت نفوذ و سلطه بر آدمیان هستند.

یمعشر الجن قد استکثرتم من الإنس

قدرت جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۰ - ۷

۷ - نوعی اراده و توان محدود ، برای دوزخیان وجود دارد .

کلّما أرادوا أن یخرجوا منها أُعیدوا فیها

قدرت حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۶ - ۷

۷ - نابودی حق ستیزان با همه نیرو و توان ، گواه قدرت قاهر خداوند است .

و کم أهلکنا . .. أشدّ ... منهم بطشًا ... هل من محیص

از ارتباط <هل من محیص> با صدر آیه، استفاده می شود که توجه به نابودی ملت های توان مند در گذشته تاریخ، خود می تواند بهترین گواه باشد بر این که ملت ها سرانجام مقهور اراده خدا و ناگزیر از آن هستند.

قدرت حق طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۷ - ۱،۲

۱ - کافران ، از شکست دادن و به سستی کشاندن نیروی الهی و جبهه حق در هر جای دنیا ناتوانند .

لاتحسبنّ الذین کفروا معجزین فی الأرض

در آیه شریفه، متعلق <معجزین> (این که کافران چه چیز را به ناتوانی می کشانند ذکر نشده است; ولی با توجه به این که کافران، همواره درصدد تضعیف جبهه حق و دین الهی اند، مقصود از آن نیروی الهی و جیهه حق است. گفتنی است ظرف <فی الأرض>

می رساند که این ناتوانی در همه جای دنیا وجود دارد.

۲ - ناتوانی کافران در به شکست کشاندن جبهه حق و نیروی الهی ، جای هیچ گونه شک و تردیدی ندارد .

لاتحسبنّ الذین کفروا معجزین فی الأرض

تعبیر <لاتحسبنّ> (گمان مبر) با آن که گمان امری غیر اختیاری است و چیزی نیست که به پرهیز از آن توصیه شود می رساند که جای چنین گمانی نیست و نباید کسی به خود تردید راه دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۶۱ - ۲

۲ - وانهاده شدن مشرکان و معبودهایشان به خود و ناتوانی آنان در برابر خداپرستان و حق جویان

فإنّکم و ما تعبدون

قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۵ - ۱۹

۱۹ - خداوند ، توانا بر انجام تمامی خواسته های بندگان است .

و إیاک نستعین

برداشت فوق لازمه این معناست که مراد از استعانت، استعانت در همه امور باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۰ - ۶

۶ - خداوند بر انجام هر کاری تواناست .

إنّ اللّه علی کل شیء قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۳ - ۱۲

۱۲ - تنها خداوند ، توانا بر آوردن همانند برای قرآن است .

وادعوا شهداءکم من دون اللّه

گفته شده: من دون اللّه (غیر از خدا) به منظور تأکید بر اطلاق و عموم <شهداءکم> ایراد شده است; یعنی، هر کسی را با هر هنر و دانشی به کمک بگیرید (باز هم نمی توانید

همانند قرآن بیاورید). آوردن همسان برای قرآن تنها از ناحیه خداوند امکان پذیر است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۷۲ – ۴

۴ – خداوند ، آگاه به اسرار انسان ها و توانا بر افشای آنهاست .

و اللّه مخرج ما کنتم تکتمون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۰۶ – ۱۳،۱۴

۱۳ – اتصاف خداوند به قدرتی فراگیر و مطلق ، امری روشن برای انسانها

ألم تعلم أن اللّه کل شیء قدیر

استفهام در جمله فوق استفهام تقریری است و این نوع استفهام در موردی به کار می رود که مخاطب مضمون جمله را پذیرفته و آن را باور دارد. از آنجا که مخاطب جمله فوق همه انسانها هستند; یعنی، <ألم تعلم أیها الأنسان>، معلوم می شود: همگان به قدرت مطلق خدا آگاه هستند.

۱۴ – نسخ ادیان و احکامی از دین ، درخورِ دارنده قدرت مطلق است .

ما ننسخ من ءایه أو ننسها . .. ألم تعلم أن اللّه کل شیء قدیر

جمله <ألم تعلم . ..> (البته دانستی که خدا بر هر چیز تواناست) دلیل برای حقایقی است که در آیه مطرح شده است و از آنهاست نسخ کردن احکام و یا به فراموشی انداختن آنها; یعنی، چون خداوند دارای قدرت مطلق است، می تواند دینی را نسخ کند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۰۹ – ۲۲،۲۳

۲۲ – قدرت و توانایی خداوند ، قدرتی فراگیر و همه جانبه است .

إن اللّه علی کل شیء قدیر

۲۳ – خداوند بر اثبات حکمی و برداشتن آن

در زمانی مناسب ، و نیز جایگزین کردن آن با دستوری دیگر ، تواناست .

فاعفوا و اصفحوا حتی یأتی اللّه بأمره إن اللّه علی کل شیء قدیر

جمله <إن اللّه . ...> را می توان با هر یک از حقایق مطرح شده در آیه ملاحظه کرد و به مناسبت آن، هدف از توجه دادن مخاطبان را به قدرت فراگیر خداوند، دریافت. دربرداشت فوق جمله <إن اللّه ...> در ارتباط با فرمان به عفو و گذشت و نسخ آن در آینده لحاظ شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۷ - ۶،۱۰

۶ - خداوند ، بر پدیدآوردن هر آنچه که بخواهد و هر آنچه تقدیر کرده ، تواناست .

إذا قضی أمراً فإنما یقول له کن فیکون

۱۰ - اقتدار خداوند بر ایجاد < هر آنچه که اراده کند > ، دلیل بر منزه بودنش از اختیار کردن فرزند و نیاز داشتن به آن است .

قالوا اتخذ اللّه ولداً سبحنه بل . .. و إذا قضی أمراً فإنما یقول له کن

برداشت فوق بر این اساس است که: جمله <و إذا قضی أمراً . ..> نیز، همانند فرازهای قبل، دلیل و برهان برای تنزیه خدا از داشتن فرزند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۷ - ۶

۶ - خداوند ، برای دفع شر و خنثی کردن توطئه ستیزه گران با انبیا ، کافی است .

فسیکفیکهم اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۸ - ۱۲

۱۲ - خداوند دارای قدرت مطلق است .

إن اللّه على

کل شیء قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۵ - ۱۱،۱۶

۱۱ - تمام قدرت ها از آن خداوند است و هیچ کس و هیچ چیز غیر از او قدرتی ندارد .

أن القوه للّه جمیعاً

۱۶ - مشرکان به هنگام مواجه شدن با عذاب الهی ، به انحصار قدرت به خدا ، پی خواهند برد .

و لو یری الذین ظلموا إذ یرون العذاب أن القوه للّه جمیعاً

<إذ یرون> مفعول برای <یری> است و <أن القوه . ..> با فعل مقدری جواب شرط می باشد; یعنی: <لو یری ... لعلموا أن القوه للّه جمیعاً; اگر مشرکان امروز می دیدند آن روزی را که با عذاب قیامت مواجه خواهند شد، همانا می فهمیدند که تمام قدرتها از آن خداوند است.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۶ - ۱۶

۱۶ - < عن ابی عبداللّه (ع) فی قوله < فلیستجیبوا لی و لیؤمنوا بی > یعلمون أنی أقدر علی أن اعطیهم ما یسئلون ;

فلیستجیبوا لی و لیؤمنوا بی لعلهم یرشدون

از امام صادق(ع) درباره سخن خداوند که فرموده: <فلیستجیبوا لی و لیؤمنوا بی> روایت شده است:]بندگان[بدانند من توانایی دارم که آنچه می خواهند به آنها بدهم>.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۸۳، ح ۱۹۶; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۱۸۵، ح ۴.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۸ - ۲۵

۲۵ عزّت و قدرت شکست ناپذیر الهی ، پشتوانه مجازات متخلّفانِ از احکام و قوانین الهی

و المطلّقات يتربّصن . .. و لا

يحل لهن ... و اللّه عزيز حكيم

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۲ – بقره – ۲ – ۲۴۰ – ۱۱

۱۱ خداوند ، قادر بر كيفر تخلف كنندگان از احكام الهى

و اللّه عزيز حكيم

آوردن صفت <عزيز> (به معناى قادرى پيروز و شكست ناپذير) پس از بيان احكام، تهديدى است نسبت به متخلّفان از احكام الهى.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۲ – بقره – ۲ – ۲۴۳ – ۵

۵ مرگ و حيات ، در قدرت خداوند

فقال لهم اللّه موتوا ثمّ احياهم

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۲ – بقره – ۲ – ۲۵۵ – ۱۶،۲۶،۲۷

۱۶ شفاعت ، منافاتى با قدرت و مالكيّت مطلق الهى ندارد .

له ما فى السّموات و ما فى الارض من ذاالّذى يشفع عنده الاّ باذنه

۲۶ عدم غفلت در تدبير عالم ، مالكيت ، علم و قدرت مطلق و اذن به تأثير اسباب و علل ، نشانه و دليل قيّوميّت خداوند

الحىّ القيّوم . .. وسع كرسيّه السّموات و الارض

تمام مطالبى كه پس از صفت <القيّوم> آمده است، مى تواند توضيح دهنده آن صفت و نيز برهانى براى اثبات آن باشد.

۲۷ نگاهدارى آسمان ها و زمين (نظام هستى) براى خداوند ، گران و دشوار نيست .

و لا يؤدُه حفظهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۹ - ۵،۲۰،۲۱،۲۲،۲۳،۲۵

۵ خداوند ، عزیر را میراند و پس از صد سال وی را زنده کرد تا پاسخی باشد به پرسش وی از چگونگی زنده شدن مردگان

قال انّی . .. فاماته اللّه

مائه عام ثمّ بعثه

۲۰ درک عزیر از چگونگی معاد و توانایی خدا بر احیای مردگان ، پس از مشاهده زنده شدن خویش و عدم فساد طعام و نوشیدنی ها و زنده شدن الاغ

قال انّی یحیی . .. قال اعلم انّ اللّه علی کلّ شیء قدیر

۲۱ مشاهده زنده شدنِ مردگان ، موجب شناخت قدرت مطلقِ خداوند

فلمّا تبیّن له قال اعلم انّ اللّه علی کلّ شیء قدیر

۲۲ میرانده شدن عزیر و زنده شدن وی پس از صد سال و سالم ماندن خوردنی و آشامیدنی او از فساد و حیات مجدد الاغش ، پرتویی از قدرت مطلق الهی

فلمّا تبیّن له قال اعلم انّ اللّه علی کلّ شیء قدیر

۲۳ میراندن و زنده کردن موجودات ، تنها در قلمرو قدرت مطلق الهی

فاماته اللّه مائه عام ثم بعثه . .. قال اعلم انّ اللّه علی کلّ شیء قدیر

۲۵ قدرت مطلق الهی

انّ اللّه علی کلّ شیء قدیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۶۰ – ۲

۲ یادآوری ماجرای ابراهیم (ع) و زنده شدن مرغان ، باعث اطمینان به قدرت الهی ، بر احیای مردگان

و اذ قال ابرهیم ربّ ارنی کیف تحیی الموتی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۸۴ – ۱۵،۱۶

۱۵ قدرت مطلقه الهی

و اللّه علی کلّ شیء قدیر

۱۶ خداوند ، قدیر است .

و اللّه علی کلّ شیء قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶ - ۴

۴ شکل گیری انسان در رَحِم ، نشانه اقتدار

و حکمت خداوند است .

هو الّذی یصورکم . .. لا اله الاّ هو العزیز الحکیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۱۸ – ۱۳،۱۴

۱۳ اقتدار و حکمت الهی ، اساس قسط و عدل اوست .

قائماً بالقسط لا اله الاّ هو العزیز الحکیم

۱۴ نظام عادلانه آفرینش ، نشان وحدانیّت ، اقتدار و حکمت الهی است .

قائماً بالقسط لا اله الاّ هو العزیز الحکیم

گویا جمله <لاـ اله الاّـ هو . .. >، بیان نتیجه ای است برای <قائماً بالقسط>. یعنی نظام عادلانه دلالت می کند بر توحید، عزّت، اقتدار و حکمت خداوند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۱۹ – ۲

۲ عدالت ، یکتایی ، اقتدار و حکمت خداوند مقتضی تسلیم شدن انسان ، تنها در برابر او

قائماً بالقسط لا اله الاّ هو العزیز الحکیم. انّ الدّین عند اللّه الاسلام

مستفاد از ارتباط آیه مورد بحث با آیه پیشین.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۲۶ – ۲۱،۲۰،۱۹،۱۷،۶،۵،۳

۳ لزوم اقرار به مالکیّت و قدرت مطلقه خدا ، و اینکه همه نیکی ها به دست اوست .

قل اللّهم مالک الملک تؤتی الملک من تشاء . .. بیدک الخیر

۵ قدرت و سیطره مطلق بر هستی ، از آن خداست .

قل اللّهم مالک الملک

۶ خداوند ، تنها عطاکننده قدرت ، به هر کس که اراده فرماید .

تؤتی الملک من تشاء

۱۷ قدرت مطلق خداوند ، مقتضی نشأت یافتن هر خیری از جانب اوست .

بیدک الخیر انّک علی کلّ

شیء قدیر

۱۹ قدرت مطلق خداوند ، مقتضی نفی هر گونه شرّ از او

بیدک الخیر انّک علی کلّ شیء قدیر

۲۰ قدرت مطلق خداوند ، منشأ اعطای حاکمیّت و عزّت

تؤتی الملک من تشاء . .. تعزّ من تشاء ... انّک علی کل شیء قدیر

۲۱ اعطای حاکمیّت و پیروزی به انسان ها از جانب خداوند ، از قدرت مطلق او نمی کاهد .

مالک الملک . .. انّک علی کل شیء قدیر

از اینکه قبل از یادآوری عزّتها و قدرتهای خدادادی، مالکیّت خدا ذکر شده; و پس از آن، بر قدرت مطلق خداوند تأکید شده، برداشت فوق استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۷ - ۱،۳،۴،۵،۶

۱ نوسان در مدّت شب و روز (تنظیم گردش ایّام) ، از مظاهر قدرت الهی

انّک علی کل شیء قدیر. تولج الّیل فی النهار و تولج النهار فی الّیل

<تولج النهار . .. >، به معنای داخل کردن شب در روز و به عکس می باشد که بیانگر کاسته شدن از یکی و افزوده شدن به دیگری است. <تولج>، فعل مضارع است و دلالت بر استمرار این معنا دارد.

۳ تبدیل تدریجی شب و روز ، به یکدیگر (فاصله بین الطلوعین و غروب) به قدرت و حکمت الهی

انّک علی کل شیء قدیر. تولج الّیل فی النهار

بنابراینکه <ولوج> به معنای تبدیل تدریجی باشد.

۴ پدید آمدن زنده از مرده و مرده از زنده ، به دست خداوند

و تخرج الحیّ من المیّت و تخرج المیّت من الحیّ

۵ پیدایش مستمر حیات و مرگ به دست خدا ، نشانه قدرت

اوست .

تخرج الحىّ من الميّت

۶ پیدایش جریان حیات در میان موجودات مرده و بی جان

و تخرج الحىّ من الميّت

از تقدیم <تخرج الحىّ . .. > بر <تخرج الميّت ... > استفاده می شود که ابتداءً موجودات بی جان آفریده شدند و از بستر آنها زنده ها به وجود آمدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۸ - ۱

۱ با اعتقاد به قدرت مطلقه الهی ، مجالی برای پذیرش ولایت کافران از سوی مؤمنان نمی باشد .

قل اللّهم مالك الملك . .. لا يتّخذ المؤمنون الكافرين اولياء

گویا آیه مورد بحث، نتیجه اعتقاد به مضمون آیه <قل اللّهم . .. > است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۹ - ۳،۴،۵،۱۱،۱۲،۱۴

۳ بازگشت انسان به سوی خدایی است که از علم و قدرت مطلق برخوردار است .

و الى اللّه المصير. قل ان تخفوا ... و اللّه على كل شىء قدير

از ارتباط این آیه با جمله <و الى اللّه المصير>.

۴ توجه به علم و قدرت مطلق الهی ، مقتضی پرهیز از قهر او *

و يحذركم اللّه نفسه . .. قل ان تخفوا ما فى صدوركم ... يعلمه اللّه

۵ توجه به علم الهی نسبت به آشکار و نهان و قدرت مطلق او ، مانع سوء استفاده از تقیه

الّا ان تتقوا منهم تقيه . .. قل ... و اللّه على كل شىء قدير

۱۱ خداوند بر هر چیز تواناست . (قدرت مطلق الهی)

و اللّه علی کل شیء قدیر

۱۲ ایمان به علم و قدرت الهی ،

عامل احیای وجدان مذهبی

قل ان تخفوا . .. و یعلم ما فی السموات ... و اللّه علی کل شیء قدیر

۱۴ قدرت مطلق الهی ، پشتوانه اجرای تهدید او نسبت به مخالفان

قل ان تخفوا ما فی صدورکم . .. و اللّه علی کل شیء قدیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۳۰ – ۱

۱ تجلی علم و قدرت حق ، در روزی که هر کس کردار خویش را حاضر می یابد .

قل ان تخفوا . .. یعلمه اللّه ... و اللّه علی کل شیء قدیر. یوم تجد کل نفس ما عملت

بنابراینکه <یوم تجد>، ظرف برای <یعلمه اللّه> و <قدیر> باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۴۱ – ۳

۳ ناتوانی زکریا بر تکلّم تا سه روز ، نمودی از قدرت خداوند بر تحقق مشیّت خویش

کذلک اللّه یفعل ما یشاء. قال ربّ اجعل لی ایه قال ایتک الاّ تکلّم الناس ثلثه ایام

ظهور <الاّ تکلم>، در نفی قدرت از متکلّم است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۴۷ – ۹،۱۴

۹ خداوند بدون اتکای به اسباب مادی و نیاز به آنها ، آنچه را بخواهد ، خلق می کند .

کذلک اللّه یخلق ما یشاء

۱۴ اراده خداوند به هر چه تعلق گیرد ، چون بگوید باش ، خواهد بود .

اذا قضی امراً فانّما یقول له کن فیکون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۵۴ – ۴

۴ توانایی و

چیرگی خداوند در مکر با کافران

و مکروا و مکر اللّه و اللّه خیر الماکرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۰ - ۳،۴،۵،۱۳

۳ خداوند ، تنها قدرت غالب بر جهان هستی و همه عوامل و نیرو ها در حیطه قدرت اوست .

ان ینصرکم اللّه . .. و ان یخذلکم فمن ذا الّذی ینصرکم من بعده

در آیه شریفه، یاری و نصرت را تنها از آن خدا می داند و چون به طور قطع، دیگر عوامل طبیعی و غیرطبیعی نیز در پیروزیها دخیل هستند، به این نتیجه می رسیم که قدرت و یاری دیگر عوامل، در احاطه خدا و به خواست اوست.

۴ پیروزی و شکست ، تنها منوط به خواست و قدرت خداوند است .

ان ینصرکم اللّه . .. و ان یخذلکم فمن ذا الّذی ینصرکم من بعده

۵ پوچی و ناتوانی تمام خواسته ها و قدرت ها در مقابل خواست و قدرت الهی

ان ینصرکم اللّه . .. و ان یخذلکم فمن ذا الّذی ینصرکم من بعده

۱۳ توکّل بر خدا ، لازمه ایمان به قدرت مطلق خداوند است .

ان ینصرکم اللّه . .. و علی اللّه فلیتوکّل المؤمنون

با توجّه به صدر آیه، که سخن از تنها قدرت غالب و نقش تعیین کننده الهی دارد، مراد از ایمان، ایمان به این قدرت است و تفریع جمله <و علی اللّه فلیتوکّل . .. > با <فاء> بر ما قبل، ضرورت توکل را متعاقب این باور ایجاب می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۵ - ۱۰

توانایی مطلق خداوند بر انجام هر امری

انّ اللّه علی کلّ شیء قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۷ - ۵

۵ قدرت مطلق خداوند و آسیب ناپذیری وی از عملکرد کافران

انّ الّذین اشتروا الکفر بالایمان لن یضرّوا اللّه شیئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۸ - ۶

۶ کوتاه بودن مدّت حیات آدمی در دنیا و یا به درازا کشیدن آن ، در اختیار خداست .

انّما نملی لهم خیر . .. انّما نملی لهم

از اینکه <املاء> در آیه شریفه به خداوند اسناد داده شده است، برداشت فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۹ - ۴،۵

۴ خداوند ، توانمند و قادر بر هر چیز است .

و اللّه علی کلّ شیء قدیر

۵ مالکیّت انحصاری و قدرت مطلق خداوند ، دلیل نبود گریزگاه برای مستحقان عذاب

فلا تحسبنّهم بمفازه من العذاب . .. و للّه ملک السّموات و الارض و اللّه علی کلّ ش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۰ - ۱،۱۱

۱ خلقت آسمان ها و زمین و گردش شب و روز ، دربردارنده نشانه های فراوان بر قدرت مطلق خداوند

و اللّه علی کلّ شیء قدیر. انّ فی خلق السّموات و الارض و اختلاف الّیل و النّهار ل

جمله <انّ فی . .. > می تواند بیانگر دلیلی برای قدرت مطلق الهی (و اللّه علی کل شیء قدیر) باشد که در آیه قبل

مطرح شد. بنابراین مراد از <لایات>، نشانه های قدرت مطلق الهی خواهد بود.

۱۱ پی بردن از آفرینش به قدرت مطلق خداوند و یکتایی او در فرمانروایی بر هستی ، دلیل بهره مند بودن آدمی از خرد ناب

انّ فی خلق السّموات . .. لایات لاولی الالباب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۶ - ۱۱

۱۱ اِعمال قدرت خداوند ، حکیمانه است .

انّ اللّه کان عزیزاً حکیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۴ - ۱۱

۱۱ تمامی امور به دست خداوند و در اختیار اوست .

عسی اللّه ان یکفّ بأس الّذین کفروا

بدون تردید بازماندن کافران از آسیب رسانی به مؤمنان دارای عللی است، ولی خداوند آن را به خویش نسبت می دهد تا برساند که امور به دست و اختیار اوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۶ - ۷

۷ قدرت و تسلط خداوند بر حسابرسی و سنجش هر چیز

انّ اللّه کان علی کل شیء حسیبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۱ - ۴

۴ مالکیت خداوند بر هستی ، دلیل توانمندی او بر رفع نیاز های انسان

يغن اللّه كلا من سعته . .. و للّه ما فى السموت و ما فى الأرض

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۴ – نساء – ۴ – ۱۳۳ – ۱،۲،۷

۱ خداوند ، توانا بر هلاكت تمامى انسان ها و آفرينش انسانهايى ديگر

ان يشأ يذهبكم ايها الناس و يأت باخرين

و کان اللّه علی ذلک قدیراً

۲ قدرت خداوند بر نابودی کافران و گنهکاران و جایگزینی مؤمنانی تقواپیشه به جای ایشان

ان اتقوا اللّه . .. ان یشأ یذهبکم ایها الناس و یأت باخرین

۷ مالکیت مطلق خداوند ، دلیل نفوذ مشیت و قدرت وی بر هرگونه دخل و تصرف در جهان آفرینش

و للّه ما فی السموت و ما فی الأرض . .. ان یشأ یذهبکم

جمله <و لله . ..>، تعلیل برای <ان یشأ...> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۹ - ۱۱

۱۱ اعتقاد به عزت و قدرت مطلقه الهی ، مانع گرایش به عزت و اقتدار موهوم کافران

أیبتغون عندهم العزّه فإن العزّه للّه جمیعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۹ - ۶،۷

۶ خداوند ، بسیار بخشنده و تواناست .

فإنّ اللّه کان عفواً قدیراً

۷ عفو خداوند ، در عین قدرت او بر انتقام و کیفردهی

فإنّ اللّه کان عفواً قدیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۳ - ۱۴

۱۴ عوامل طبیعی ، تحت سیطره خداوند و رام فرمان اوست .

فأخذتهم الصعقه بظلمهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۵ - ۱۴

۱۴ ناتوانی و توانمندی دل ها ، برای درک تعالیم انبیا ، در اختیار خداست .

بل طبع اللّه علیها بکفرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۵ - ۱۱،۱۲

۱۱ خداوند ، قاهر و غالب در احتجاج و استدلال

لئلا یکون

للناس علی اللّه حجه . .. و کان اللّه عزیزاً حکیماً

از نمونه های مورد نظر برای عزت و شکست ناپذیری خداوند، همان است که در جمله <لئلا یکون . ..> بیان شد.

۱۲ غلبه خداوند در احتجاج و استدلال ، برخاسته از حکمت بی پایان اوست . *

لئلا یکون للناس علی اللّه حجه . .. و کان اللّه عزیزاً حکیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۱ - ۴۰

۴۰ توجه به قدرت و مالکیت مطلق خداوند ، زمینه ساز باور آدمی به کفایت خداوند در تدبیر هستی

له ما فی السموت و ما فی الارض و کفی باللّه وکیلا

جمله <له ما فی السموت . ..> می تواند اشاره به علت کفایت خداوند در وکالت و تدبیر هستی داشته باشد ; یعنی چون مالک و فرمانروایی مطلق است، برای وکالت و تدبیر هستی کافی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۳ - ۱۲

۱۲ تنها خداوند ، توانا بر نصرت مستکبران در قیامت

و لایجدون لهم من دون اللّه ولیاً و لانصیراً

به قرینه فراز قبل <فیعذبهم عذاباً الیماً> مراد از اینکه مستکبران تنها خداوند را یاور خویش می یابند، این است که تنها وی توانا بر یاوری آنهاست، نه اینکه خداوند ایشان را یاری خواهد کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳ - ۱۹

۱۹ نفی هرگونه قدرت در مقابل قدرت خدا

فلاتخشوهم و اخشون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۳ – ۷

۷

تحولات و دگرگونی های دل آدمی ، به دست خداست .

و جعلنا قلوبهم قسیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۷ - ۹،۱۰،۲۰،۲۴،۲۷،۲۹،۳۰

۹ حیات و مرگ مسیح (ع) و مادرش مریم و تمامی اهل زمین ، در قبضه قدرت خداوند

قل فمن یملک من اللّه شیئاً ان اراد ان یهلک . .. و من فی الأرض جمیعاً

۱۰ نفی هرگونه قدرت ، در برابر قدرت و اراده خداوند

فمن یملک من اللّه شیئاً ان اراد ان یهلک

استفهام <فمن یملک>، استفهام انکاری است. یعنی هیچکس قادر بر ایستادگی در برابر خواست خداوند نیست.

۲۰ ادعای الوهیت برای مسیح (ع) ، نشانه ضعف شناخت مسیحیان از خدا و قدرت مطلق اوست .

الذین قالوا . .. و للّه ملک السموت

۲۴ خداوند ، آنچه را بخواهد می آفریند .

یخلق ما یشاء

۲۷ مالکیت و سلطنت مطلق خداوند بر هستی ، دلیل توانایی او بر هر نوع آفرینش (مانند آفرینش انسان بدون واسطه پدر)

للّه ملک السموت و الارض و ما بینهما یخلق ما یشاء

بنابر اینکه <یخلق ما یشاء>، نتیجه ای باشد برای <للّه ملک السموت والارض>

۲۹ خداوند ، بر هر چیزی تواناست .

و اللّه علی کل شیء قدیر

۳۰ قدرت مطلق خداوند ، دلیل نفوذ مشیت او بر تمام هستی

یخلق ما یشاء و اللّه علی کل شیء قدیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۹ – ۱۳،۱۴،۱۵

۱۳ خداوند ، قادر مطلق و توانا بر انجام هر کار

و اللّه علی کل شیء قدیر

۱۴ بعثت پیامبران

الهی ، پرتویی از قدرت مطلقه خداوند

قد جاءکم . .. و اللّه علی کل شیء قدیر

۱۵ قدرت خداوند بر انجام وعده ها و وعید های خویش

فقد جاءکم بشیر و نذیر و اللّه علی کل شیء قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۸ - ۱۱،۱۲

۱۱ خداوند ، مقتدر و کاردان است .

و اللّه عزیز حکیم

۱۲ خداوند ، مقتدری کاردان است .

و اللّه عزیز حکیم

بنابر اینکه <حکیم> صفت برای <عزیز> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۰ - ۱۲،۱۳،۱۴،۱۵،۱۶،۱۷

۱۲ خداوند ، دارای قدرتی مطلق و گسترده

و اللّه علی کل شیء قدیر

۱۳ خداوند ، توانایی حکیم است . *

و اللّه علی کل شیء قدیر

<قدیر> به کسی گفته می شود که بر هر کاری توانا باشد و آن را بر اساس حکمت انجام دهد. (مفردات راغب.)

۱۴ عذاب و آمرزش انسان ها پرتویی از قدرت مطلق خداوند

یعذب من یشاء و یغفر لمن یشاء و اللّه علی کل شیء قدیر

۱۵ مشیت مطلق خداوند ، برخاسته از قدرت بیکران اوست .

یعذب من یشاء و یغفر لمن یشاء و اللّه علی کل شیء قدیر

۱۶ قدرت خداوند ، پشتوانه اعمال حاکمیت و جریان مشیت وی

الم تعلم إنّ اللّه له . .. و اللّه علی کل شیء قدیر

جمله <واللّه> تعلیل است برای سلطنت و نفوذ مشیت خداوند در جهان هستی. یعنی چون خداوند قدرت مطلق دارد، می تواند حاکمیت و مشیت خویش را بر جهان اعمال کند.

۱۷ توجه به مالکیت مطلق خداوند و قدرت بیکران او ، بازدارنده

آدمی از هرگونه اعتراض به قوانین الهی

الم تعلم إنّ اللّه له ملک السموت و الارض . .. و اللّه علی کل شیء قدیر

جمله <الم تعلم . ..> می تواند به منظور توجیه حد سرقت و برطرف ساختن هر گونه اعتراض درباره آن باشد. به این بیان که مالک تمامی هستی، به هرگونه تصرف در ملک خویش مجاز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۳۱

۳۱ اراده همه موجودات ، حتی رسول خدا (ص) ، مقهور حاکمیت اراده الهی

و من یرد اللّه فتنته فلن تملک له من اللّه شیئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۸ - ۲۷

۲۷ قدرت خداوند بر قرار دادن انسان ها در یک شریعت و به صورت یک امت

و لو شاء اللّه لجعلکم امه وحده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۴ - ۳۹

۳۹ توان و غنای نامحدود و علم گسترده خداوند ، تضمین کننده جریان خواست ها و مشیت های او

ذلک فضل اللّه یؤتیه من یشاء و اللّه واسع علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۲،۱۰

۲ ناتوانی خداوند در انفاق و بخشش روزی به موجودات ، از باور های باطل یهود

و قالت الیهود یداللّه مغلوله

جمله <ینفق کیف یشاء> می توانـد قرینه باشـد بر اینکه مراد از بسـته بودن دست خدا و نافذ نبودن قدرت وی در پندار یهود تنها ناتوانی از اعطای روزی و انفاق به

انسانهاست.

۱۰ قدرت خداوند ، فراگیر و نافذ در تمامی امور هستی

بل يداه مبسوطتان

باز بودن دست، کنایه از نفوذ قدرت می باشد و تثنیه آوردن کلمه <ید> برای رساندن کمال اقتدار خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۶ - ۴

۴ کسی جز خداوند قادر بر نفع و زیان رسانی نیست .

اتعبدون من دون اللّه ما لايملك لكم ضراً و لانفعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۲ - ۲

۲ حواریون ، در صدد پی بردن به قدرت الهی ، با درخواست مائده آسمانی

هل يستطيع ربک ان ينزل علينا مائده من السماء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۸ - ۱۱

۱۱ عزت و اقتدار خداوند ، دلیل امکان آمرزش مشرکان

و إن تغفر لهم فانک انت العزيز الحكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۲۰ - ۴،۵،۶،۷

۴ قدرت خداوند ، محیط بر همه هستی

و هو علی کل شیء قدير

۵ قدرت مطلق و حاکمیت بر هستی ، ملاک الوهیت

للّه ملک السموت و الارض و ما فیهن و هو علی کل شیء قدیر

۶ توجه به قدرت مطلق خداوند ، عامل آگاهی به بی همتایی او در الوهیت

و هو علی کل شیء قدیر

جمله <و هو علی کل . ..> می تواند همانند جمله <و للّه ملک ...> تعلیلی باشد بر حقایق بیان شده در آیات گذشته.

۷ مالکیت خداوند بر آسمان ها و زمین و توانایی مطلق وی ، ضامن

اعطای بهشت جاودانه به صادقان

ینفع الصدقین صدقهم لهم جنت . .. و ما فیهن و هو علی کل شیء قدیر

بیان مالکیت خداوند بر هستی و توانایی مطلق او پس از وعده بهشتی جاویدان به صدق پیشگان، می تواند اشاره به این باشد که تحقق بخشیدن به این وعده هرگز از توان خداوند خارج نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳ - ۱۲

۱۲ عن أبی جعفر (اظنه محمّد بن نعمان) قال: سألت ابا عبداللّه(ع) عن قول اللّه عز و جل <و هو اللّه فی السموات و فی الأرض> قال: کذلک هو فی کل مکان . .. محیط بما خلق عملا و قدره و احاطه و سلطاناً و ملکاً ... .

ابوجعفر (احتمالا همان محمّد بن نعمان است) گوید: از امام صادق(ع) درباره این جمله از آیه <و هو اللّه . .. > سؤال کردم، امام فرمود: یعنی او به تمامی مخلوقات خویش از نظر علم، قدرت، سلطه و حاکمیت احاطه دارد ... .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴ - ۱۰

۱۰ ایجاد و استمرار بقای موجودات به دست خداوند است.

فاطر السموت و الأرض و هو یطعم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۷ - ۱۱،۱۰،۷،۶،۳،۲،۱

۱ اگر خداوند آسیبی به پیامبر(ص) برساند، هیچ موجودی توان برطرف ساختن آن را ندارد.

و إن یمسسک اللّه بضر . .. فهو علی کل شیء قدیر

۲ هیچ موجودی توان جلوگیری از خیری را که خداوند به پیامبر(ص) برساند، ندارد.

و إن یمسسک اللّه بخیر

هیچ موجودی توان دفع آسیب و یا خیری را که از ناحیه خدا باشد، ندارد.

و إن یمسسک اللّه بضر فلا کاشف له إلا هو و إن یمسسک بخیر

۶ اقتدار بر رساندن هر گونه خیر و شر، از شؤون ولایت الهی است.

أغیر اللّه أتخذ ولیا . .. و إن یمسسک اللّه بضر ... فهو علی کل شیء قدیر

۷ توجه به اقتدار بی مانع خداوند بر رساندن نفع و ضرر، زمینه ساز اعتقاد به توحید و پرهیز از شرک

و لا تکونن من المشرکین . .. و إن یمسسک اللّه بضر ... فهو علی کل شیء قدیر

۱۰ خداوند، قادر مطلق و توانمند بر هر کار است.

فهو علی کل شیء قدیر

۱۱ هیچ مانعی در برابر جریان قدرت مطلقه الهی وجود ندارد.

و إن یمسسک اللّه بضر فلا کاشف له إلا هو . .. فهو علی کل شیء قدیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۸ – ۱،۲

۱ آدمیان، مقهور در برابر اقتدار یگانه خداوند هستند.

و هو القاهر فوق عباده

۲ قدرت بدون رقیب خداوند در رساندن خیر و شر به آدمی، نشانه اقتدار و غلبه او بر تمامی بندگان

و إن یمسسک اللّه بضر . .. و هو القاهر فوق عباده

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۳۵ – ۹

۹ خداوند قادر به هدایت همه مردم به اسلام و ایمان است.

و لو شاء اللّه لجمعهم علی الهدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۷ - ۵،۶،۷،۱۱

۵ تقاضای معجزات ویژه

و دلخواه، برخاسته از نادانی است.

و لکن أکثرهم لایعلمون

نفی علم از درخواست کنندگان معجزات ویژه بیانگر این است که نادانی زمینه پیدایش این نوع تقاضاهاست.

۶ ناآگاهی اغلب مشرکان از قدرت خداوند بر فرستادن هرگونه معجزه و نشانه

إن اللّه قادر علی أن ینزل ءایه و لکن أکثرهم لایعلمون

مفعول <لایعلمون>، به قرینه فراز قبل آن، قدرت الهی است، یعنی: <لایعلمون أن اللّه قادر . ..>

۷ معدودی از مشرکان می دانستند که خداوند توان آوردن معجزه درخواستی آنان را دارد.

و لکن أکثرهم لایعلمون

۱۱ برخی از مشرکان، علی رغم آگاهی به قدرت خداوند بر نزول هر معجزه و فلسفه نازل نشدن آن، خواهان نزول معجزات ویژه خود بودند.

و قالوا لولا نزل . .. إن اللّه قادر ... و لکن أکثرهم لایعلمون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۴۶ – ۳،۵

۳ توانایی خداوند بر گرفتن قوه شنوایی و بینایی و از کار انداختن قوه درک انسان

إن أخذ اللّه سمعکم و أبصرکم و ختم علی قلوبکم

۵ اگر خداوند نعمت بینایی، شنوایی و ادراکی انسان را سلب کند، معبودهای باطل قدرت بازگرداندن آنها را ندارند.

إن أخذ اللّه سمعکم . .. من إله غیر اللّه یأتیکم به

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۶۵ – ۱،۳،۶،۷

۱ فقط خداوند توانا بر فرستادن و مسلط کردن عذابهای گوناگون بر مشرکان است.

قل هو القادر على أن يبعث عليكم عذابا

۳ خداوند توانمند بر فرستادن عذاب از بالا (آسمان) و از زیر پاها (زمین) بر مشرکان است.

قل هو القادر على أن يبعث عليكم عذابا من

فوقكم أو من تحت أرجلكم

۶ خداوند در عين قدرت بر فرستادن انواع عذاب بر مشركان و كافران، به آنان مهلت مى دهد.

قل هو القادر على أن يبعث عليكم

چون در آيات گذشته سخن از نزول عذاب و درخواست مشركان در اين زمينه بود، اين آيه با بيان قدرت خداوند بر عذاب به طور ضمنى دلالت بر مهلت دادن به مشركان دارد.

۷ خداوند در عين قدرت بر عذاب و نابودى مشركان، آنان را از مهلكه ها نجات مى دهد.

قل الله ينجيكم ممنها و من كل كرب . .. قل هو القادر على أن يبعث عليكم عذابا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۷۱ - ۵

۵ خداوند يگانه، توانا بر رساندن نفع و ضرر به آدميان، شايسته پرستش است.

قل أندعوا من دون الله ما لا ينفعنا و لا يضرنا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۹۵ - ۶

۶ قدرت خداوند بر رویاندن گياه زنده از دل دانه و هسته مرده، نمودى از قدرت او بر زنده ساختن آدمى پس از مرگ است.

لقد جئتمونا فردى كما خلقنكم أول مره . .. إن الله فالق ... مخرج الميت من الحى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۹۹ - ۱۸

۱۸ جريان امور طبيعت و اداره آن در حيطه قدرت و قلمرو اراده خداوند است.

و هو الذى . .. فأخرجنا ... نخرج

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۳ - ۸،۹،۱۶

۸اگر خداوند بخواهد

مردم ستمگر و کافر را نابود می کند و نسلهای دیگری را جانشین آنان می سازد.

إن یشأ یذهبکم و یستخلف من بعدکم ما یشاء

۱۹اگر خداوند بخواهد نسلی از آدمیان را قبل از موعد طبیعی خود نابود می سازد و نسلهای دیگری را جایگزین آن می کند.

إن یشأ یذهبکم و یستخلف من بعدکم ما یشاء

چون آمد و شد نسلها امری عادی و طبیعی است، جمله <إن یشأ . ..> باید بیان امری خلاف عادت و سیر طبیعی باشد. از موارد محتمل آن است که نسلی قبل از درنگ عادی خود از صحنه تاریخ حذف و نابود گردد.

۱۶اگر خداوند بخواهد با هلاک کردن آدمیان موجوداتی دیگر را جایگزین آنان خواهد کرد.

إن یشأ یذهبکم و یستخلف من بعدکم ما یشاء

فعل <یذهبکم> خطاب به همه آدمیان است و جمله <ما یشاء> (آنچه بخواهد)، عمومیت دارد و منحصر به انسان نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۹ - ۶

۶اگر مشیت خداوند اجبار انسان بر هدایت بود، همگان را، بی استثنا، هدایت می کرد.

فلو شاء لهدیکم أجمعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱ - ۱

۱ عن الصادق(ع): . .. و <المص> فمعناه: أنا الله المقتدر الصادق ... .

از امام صادق(ع) روایت شده است: . .. <المص> یعنی، من خدای توانمند راستگو هستم ... .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۷ - ۱۹

۱۹ تنها خداوند، توانا به یاری انسان به هنگام مرگ است.

أين ما كنتم تدعون من

دون الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۷ - ۱۳،۱۲

۱۲ مطالعه عوامل طبیعی در حیاتبخشی به گیاهان ، موجب پذیرش معاد و پی بردن به قدرت خداوند است .

هو الذی یرسل الریح . .. فاخرجنا به من کل الثمرت کذلک نخرج الموتی

۱۳ پی بردن انسان ها به قدرت خداوند و توجه همواره به آن ، از اهداف آفرینش نیرو های طبیعی در هستی است .

هو الذی یرسل الریح . .. لعلکم تذکرون

در برداشت فوق <لعلکم . .. > غایت برای <یرسل الریح> و جمله های پس از آن گرفته شده است. یعنی از اهداف آفرینش این اسباب و مسببات تذکر یافتن انسانهاست. قابل ذکر است که <تذکر> به معنای دریافتن و پیوسته در ذهن داشتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۰ - ۲

۲ ابتلای کفرپیشگان تاریخ به کیفر های الهی ، بیانگر توانایی خداوند به گرفتارسازی گنهکاران موجود به عقوبت گناهانشان است .

أو لم یهد للذین یرثون . .. أن لو نشاء أصبنهم بذنوبهم

فاعل <یهد> ضمیری است که به داستان و سرنوشت اقوام پیشین برمی گردد و <أن لو نشاء . .. > مفعول آن می باشد. قابل ذکر است که <الذین یرثون> نیز مفعول به واسطه <یهد> است. و چون <یهد> به حرف لام متعدی شده، معنای تبیین در آن تضمین شده است. بنابراین جمله <او لم یهد ... > یعنی آیا سرگذشت پیشینیان برای وارثانشان این حقیقت را روشن نکرده است که اگر مشیت ما اقتضا کند آنان را به سبب

گناهانشان عقوبت می کنیم.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۳۵ – ۳

۳ برطرف کردن عذاب های نازل شده از سوی خدا ، تنها در حیطه قدرت وی در اختیار اوست .

فلما کشفنا عنهم الرجز

چون اسناد برطرف ساختن عذاب به خداوند (فلما کشفنا)، در مقابل سخن فرعونیان است که برطرف ساختن عذاب را از موسی خواستند (لئن کشفت) به این حقیقت اشاره دارد که برطرف ساختن عذابهای نازل شده تنها در اختیار خداست.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۵۸ – ۱۳،۱۴

۱۳ حیات و مرگ همگان به دست خدا و در اختیار اوست .

یحی و یمیت

۱۴ حاکمیت مطلق خداوند بر هستی ، دلیل اقتدار او بر زنده کردن موجودات و میراندن آنهاست .

الذی له ملک السموت و الأرض . .. یحی و یمیت

بیان حاکمیت انحصاری خدا بر هستی و سپس توصیف او به حیات بخشی و مرگ آفرینی می تواند اشاره به این معنا داشته باشد که چون امور هستی در اختیار اوست، مرگ و حیات موجودات نیز به دست او خواهد بود. بنابراین <له ملک ... > می تواند استدلال برای <یحی و یمیت> باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۶۰ – ۲۵

۲۵ طبیعت و جهان هستی در اختیار خدا و تحولات آن به دست اوست .

فانبجست منه . .. ظلّلنا علیهم الغمم و أنزلنا علیهم المن و السلوی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

٦ - اعراف - ٧ - ١٩١ -

۵ تنها خداوند شایسته پرستش و توانا بر تدبیر امور انسانهاست .

هو الذی خلقکم . .. أیشرکون ما لایخلق شیئا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹۷ - ۷

۷ تنها خداوند توانا بر یاری بندگان و دفاع از خویشتن است .

و الذین تدعون من دونه لایستطیعون نصرکم و لا أنفسهم ینصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۹ - ۹

۹ توان نیرو های شرک و کفر هر چند فراوان باشند ، در برابر خدا پوچ و بی اثرند .

و لن تغنی عنکم فئتکم شیئا و لو کثرت و أن اللّه مع المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۱ - ۱۶،۱۹

۱۶ تمایز حق از باطل با امداد های ویژه خداوند در جنگ بدر نمودی از قدرت مطلقه او

یوم الفرقان یوم التقی الجمعان و اللّه علی کل شیء قدیر

برداشت فوق بر این مبناست که جمله <و اللّه . .. > ناظر به <یوم الفرقان> بودنِ جنگ بدر باشد.

۱۹ رفع نیاز های جامعه ایمانی از سوی خود مسلمانان ، منشأ تشریع خمس ، نه ناتوانی خداوند بر تأمین آن نیازها

و اعلموا أنما غنمتم من شیء . .. و اللّه علی کل شیء قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۹ - ۱۲

۱۲ قدرت و غلبه خداوند با حکمت و کاردانی است .

فإن اللّه عزیز حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ -

۸ خداوند ، نیرومند و دارای عقاب شدید است .

إن اللّه قوی شدید العقاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۹ - ۲،۴،۷

۲ کافران هرگز قادر نخواهند بود خداوند را ناتوان ساخته و مانع تحقق اراده وی شوند .

إنهم لایعجزون

برداشت فوق بر این اساس است که مفعول محذوف از <لا-یعجزون>، اللّه باشد. اعجاز (مصدر یعجزون) به معنای ناتوان ساختن است.

۴ کافران همواره مقهور خداوند هستند .

و لایحسبن الذین کفروا سبقوا إنهم لایعجزون

۷ خداوند ، مقتدری شکست ناپذیر

کفروا سبقوا إنهم لایعجزون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۳ - ۱۱

۱۱ انسان ها و قلب های ایشان در اختیار خداوند است .

و ألف بین قلوبهم . .. و لکن اللّه ألف بینهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳ - ۱۰،۱۲

۱۰ اعلام قدرت بی انت های خداوند به عموم مشرکان صدر اسلام و هشدار به بی نتیجه بودن مقاومت در برابر او

و إن توليتم فاعلموا أنكم غير معجزى اللّه

۱۲ قدرت خدا ، بى رقيب و غالب بر همه قدرتهاست .

فاعلموا أنكم غير معجزى اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۳۹ - ۹،۸،۶

۶ قدرت نامحدود خداوند ، دليل توانايى او بر عذاب مردم و جايگزين كردن امتى به جاى امتى ديگر

يعذبكم عذاباً أليماً و يستبدل قوماً غيركم . .. و اللّه على كل شىء قدير

۸ قدرت نامحدود خداوند ، نشان بى نيازى او از

جهاد مؤمنان و آسیب ناپذیری او ، از تخلف آنان

إلا تنفروا . .. و لا تضروه شیئاً و اللّه علی کل شیء قدیر

۹ سنت خداوند بر تعیین سرنوشت انسان ها در پرتو عملکرد خودشان ، با وجود قدرت او بر تعیین قطعی همه امور

إلا تنفروا یعذبکم . .. و لا تضروه شیئاً و اللّه علی کل شیء قدیر

خداوند، از یک سو مؤمنان را به جهاد بر می انگیزد و از سوی دیگر بی نیازی خود را از عملکرد آنان اظهار می کند و این نشان دهنده سنت او بر نقش دادن به انسان در تعیین سرنوشت خویش است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۱۶ – ۱۰

۱۰ ناتوانی همه قدرت ها ، در برابر قدرت و اراده خداوند

و ما لکم من دون اللّه من ولیّ و لانصیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۱۸ – ۸

۸ ناتوانی همه قدرت ها و نیرو ها در ایمن ساختن انسان از کیفر الهی

لا ملجأ من اللّه إلا إلیه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۲۹ – ۱۱

۱۱ خداوند ، دارای قدرتی بی چون و چرا و حاکمیتی بی بدیل ، بر مجموعه هستی

هو رب العرش العظیم

لزوم اتکا داشتن بر خدا به دلیل ربوبیت او نشانگر این است که حکم و اراده اش، همواره بر کل هستی نافذ است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴ - ۹

۹ توانایی خدا

بر پدید آوردن جهان و انسان ، نشانه توانمندی او بر ایجاد رستاخیز است .

إنه یبدؤا الخلق ثم یعیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۴ - ۸

۸ قدرت پدید آوردن جهان و توانایىِ برپا کردن جهان آخرت ، در انحصار خداوند است .

قل هل من شرکائکم . .. قل اللّه یبدؤا الخلق ثم یعیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۵ - ۴

۴ قدرت بر هدایت و رهبری به سوی حق ، در انحصار خداوند است .

قل هل من شرکائکم . .. قل اللّه یهدی للحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۷ - ۴،۵

۴ خداوند ، هرگاه کسی را به رنج و مصیبتی گرفتار فرماید ، هیچ موجودی توانایی دفع آن را ندارد .

إن یمسسک اللّه بضرّ فلا کاشف له إلا هو

۵ خداوند ، هرگاه خیر کسی را بخواهد ، هیچ موجودی توانایی سلب آن خیر را از وی نخواهد داشت .

و إن یردک بخیر فلا راد لفضله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴ - ۴،۷

۴ خداوند ، بر تحقق دادن هر امری تواناست .

و هو علی کل شیء قدیر

۷ خداوند ، بر اعطای معیشت نیکو به موحدان و عذاب کردن مشرکان و پرستشگران غیر او تواناست .

یمتعکم متعًا حسنًا . .. و إن تولّوا فإنی أخاف علیکم عذاب یوم کبیر ... و هو علی

در بر داشت فوق، جمله <و هو علی . ..> در ارتباط

با <یمتعکم> و <أخاف علیکم عذاب یوم کبیر> معنا شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۷ - ۹

۹ خداوند هر آنچه را بخواهد ، انجام می دهد .

إن ربک فعال لما یرید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۱ - ۲۱،۲۴

۲۱ خداوند ، بر انجام مشیّت ها و خواستهایش تواناست .

والله غالب علی أمره

ضمیر در <أمره> به <الله> باز می گردد و مراد از امر خدا ، کارهایی است که اراده و مشیت خداوند به تحقق آنها ، تعلق گرفته است.

۲۴ اکثریت مردم به جریان امور به تدبیر خدا و توان او بر انجام مشیّتهایش و ناتوانی همگان در برابر او ، ناآگاهند .

و الله غالب علی أمره و لکنّ أکثر الناس لایعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۹ - ۱۱

۱۱ اعتقاد به وجود خدای یگانه و غالب و باور به شایستگی او برای پرستش ، اعتقاد و باوری خردمندانه است .

ءأرباب متفرقون خیر أم الله الوحد القهار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۷ - ۱۱

۱۱ هیچ کس و هیچ تدبیر و برنامه ای نمی تواند از اجرای تقدیرها ، مشیت ها و فرمان های تکوینی خدا جلوگیری کند .

ما أَغنی عنکم من الله من شیء إن الحکم إلاّ لله

<اغناء> (مصـدر اُغنی) از غَنـا و به معنـای کفـایت کردن و منـع نمودن است (برگرفته شـده از لسـان العرب). <من شـیء> مفعول برای <ما اُغنی> و <من الله> حال برای

<شیء> می باشد. بنابراین جمله <ما أُغنی عنکم ...> چنین معنا می شود: من [با تدبیر خویش]کفایت نمی کنم و باز نمی دارم چیزی (بلا و مصیبتی) را که از ناحیه خداوند [مقدّر] باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۲ – ۲۰

۲۰ توان خداوند بر آفرینش هستی و تدبیر امور آن ، دلیل توانایی او بر ایجاد قیامت است .

الله الذی رفع السموت . .. یفصل الأیت لعلکم بلقاء ربکم توقنون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۱۱ – ۱۷

۱۷ تنها خداوند بر بازگرداندن گزند های تقدیر شده ، تواناست .

فلامردّ له و ما لهم من دونه من وال

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۱۳ – ۱۹

۱۹ خداوند ، بسیار مقتدر و تواناست .

و هو شدید المحال

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۳۳ – ۲

۲ هیچ کس و هیچ چیز (معبود های اهل شرک و . . .) هم پایه خداوند نبوده و به تدبیر امور انسان ها و قوام بخشیدن به آنان توانا نیست .

أفمن هو قائم علی کل نفس بما کسبت

<من> در <أفمن هو . ..> مبتداست و خبر آن شبه جمله ای همانند <کمن لیس کذلک> است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۹ - ۱۰

۱۰- خداوند دارای قدرت لازم برای ایجاد پدیده ها و از بین بردن برخی و آوردن برخی دیگر به جای آنان

ألم

تر أن الله خلق السموت و الأرض بالحقّ إن یشأ یذهبکم و یأت بخلق جدید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۴ - ۳

۳- خداوند ، آگاه به نیاز ها و خواسته های انسان و توانا بر تأمین آنهاست .

و ءاتیکم من کلّ ما سألتموه

چون خداوند تمامی نیازهای نوع بشر را برآورده است، معلوم می شود از آن نیازها آگاه و بر اعطای آنها قادر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۶ - ۳

۳- انسان ها ، هر چند از همه امکانات و استعداد های خویش بهره جویند ، باز در برابر قدرت نامحدود خداوند ناتوانند .

و قد مکروا مکرهم و عند الله مکرهم و إن کان مکرهم لتزول منه الجبال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۱ - ۳

۳- تمامی تلاش و توان ابلیس برای اغوای اکثریت مردمان ، تحت حاکمیت و قدرت خداوند است .

هذا صرط علیّ مستقیم

جمله <هذا صراط علیّ مستقیم> احتمال دارد در پاسخ ابلیس باشد که با انانیت، اغواگری مردمان را با تأکید به خود نسبت داد و خداوند، جواب می دهد: چنین نیست; بلکه این امر تحت قدرت اوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۴ - ۵

۵- هیچ نیرویی توانایی دفع عذاب الهی را ندارد .

فما أغنی عنهم ما کانوا یکسبون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۲ – ۵،۷

۵- مسخر شدن ستارگان به فرمان و تدبیر

خداوند ، نمونه ای از قدرت عظیم او بر تحقق بخشیدن به فرمان های خود است .

أتی أمر الله فلاتستعجلوه . .. و النجوم مسخّرت بأمره

در آیه <أتی أمر الله> خبر از آمدن امر الهی و تحقق وعده های او داده شده و در این جا تسخیر ستارگان به عنوان نمونه ای از آن امر یادآوری گردیده است تا نشان دهد خداوندی که ستارگان را رام خویش قرار داده است، قدرت بر تحقق وعده های خود را دارد.

۷- رام و مسخر بودن شب ، روز ، خورشید ، ماه و ستارگان نشانه هایی از خدا و نمونه هایی از قدرت اوست .

و سخّر لکم الّیل و النهار و الشمس و القمر . .. إن فی ذلک لأیت لقوم یعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۰ - ۳،۱۰

۳- خداوند ، دارای قدرت مطلق است .

إنما قولنا لشیء إذا أردنه أن نقول له کن فیکون

۱۰- مشرکان ، خداوند را قادر به احیای مجدد انسان ها پس از مرگ نمی دانستند .

و أقسموا بالله . .. لایبعث الله من یموت بلی وعدًا علیه ... إنما قولنا لشیء إذا أ

ذکر <إنما قولنا لشیء. ..> که برای اثبات قدرت مطلق خداوند است پس از بیان دیدگاه مشرکان درباره عدم احیای دوباره انسانها می تواند تعریض به مشرکان باشد; چون آنان دارای چنین دیدگاهی بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۵ - ۸

۸- قدرت خداوند ، فوق مکر و توطئه طراحان و توطئه گران علیه پیامبر (ص)

أفأمن الذین مکروا

السيّئات أن يخسف الله بهم الأرض

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۷۰ – ۱۰

۱۰- خداوند ، دارای علم و قدرت گسترده

إن الله عليم قدير

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۷۷ – ۴

۴- برپایی قیامت با همه گستردگی و عظمت ، امری آسان برای خداوند

و ما أمر الساعه إلّا كلمح البصر أو هو أقرب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۸۱ – ۴

۴- آفرینش کوه ها به گونه ای که قابل پناه گرفتن برای انسان باشد ، به قدرت خداست .

و الله . .. جعل لكم من الجبال أكننًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۴۲ – ۵

۵- خداوند ، تنها قدرت حاکم بر جهان آفرینش است .

قل . .. لَابتغوا إلى ذى العرش سبيلاً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۵۰ – ۴

۴- خداوند ، قادر بر زنده ساختن مجدد انسان ها ، حتی اگر به سنگ و آهن مبدل شوند .

قل کونوا حجاره أو حدیدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۱ - ۲

۲- برای خداوند ، احیای مجدد انسان از خاک ، سنگ ، آهن و یا ماده سخت تر از این ها ، یکسان است .

قل کونوا حجاره أو حدیدًا . أو خلقًا ممّا یکبر فی صدورکم

از حرف <أو> که برای تخییر است و حکایت از تساوی معطوف و معطوف علیه در

نزد متکلم دارد، استفاده می شود که: سنگ شدن یا آهن شدن انسان، باعث نمی شود که خداوند در برخی موارد، نیاز به اعمال قدرت افزون تری داشته باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۶۹ – ۱۲

۱۲– غیر خدا ، ناتوان از مقابله با قدرت و اراده او

ثمّ لاتجدوا لکم علینا به تبیعًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۸۶ – ۱،۹

۱– خداوند ، قادر بر محو و زایل کردن تمامی معارف و حقایقی است که بر پیامبر (ص) وحی کرده است .

و لئن شئنا لنذهبنّ بالذی أوحینا إلیک

۹– < حسن بن محمدالنوفلی یقول : . . . قال سلیمان : . . . إرادته علمه ، قال الرضا (ع) : . . . ما الدلیل علی أن إرادته علمه ؟ و قد یعلم ما لایریده أبداً ، و ذلک قوله عزّوجلّ : < و لئن شئنا لنذهبنّ بالذی أوحینا إلیک . . . قال سلیمان : فإن الإراده القدره قال الرضا (ع) : و هو عزّوجلّ یقدر علی ما لایریده أبداً و لابدّ من ذلک لأنه قال تبارک و تعالی : < و لئن شئنا لنذهبنّ بالذی أوحینا إلیک > فلو کانت الإراده هی القدره کان قد أراد أن یذهب به لقدرته . . . ;

حسن بن محمدنوفلی می گوید:. .. سلیمان گفت:... اراده خدا عین علم خداست. امام رضا(ع) فرمود:... چه دلیلی بر این هست که اراده او علم اوست؟ در حالی که خداوند تحقیقاً چیزی را می داند که

آن را هرگز اراده نمی کند و آن سخن خداوند عزّوجلّ است که می فرماید: <و لئن شئنا لنذهبنّ بالذی أوحینا إلیك> ... سلیمان گفت: پس اراده همان قدرت است. امام رضا(ع) فرمود: این خداوند عزّوجلّ است که هر چیزی که هرگز اراده نمی کند قادر است و ناچار باید این مطلب را پذیرفت; چون خداوند تبارك و تعالی فرمود: <و لئن شئنا لنذهبنّ بالذی أوحینا إلیك> پس اگر اراده همان قدرت بود اراده کرده بود که [آنچه بر پیامبر(ص) وحی شده] از یاد او ببرد چون قادر بود ...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۳ - ۳

۳- به هنگام نزول کیفر الهی ، تنها ، خداوند ، قادر به جلوگیری و متوقّف ساختن آن است .

و لم تکن له فئه ینصرونه من دون اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۲ - ۷

۷- روی گردانی از ولایت الهی و تمسک به ولایت غیر خدایی ، نمودی از کوردلی کافران است .

کانت أعینهم فی غطاء . .. أفحسب الذین کفروا أن یتّخذوا

ارتباط محتوایی این آیه با آیات قبل، خصوصاً با توجه به <فاء> در <أفحسب> چنین می نماید که برگزیدن اولیا از سوی کافران، از نتایج کوری و کری و فقدان شناخت آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹ - ۲

۲- پیدایش فرزند از پدری فرتوت و مادری عقیم ، کاری آسان برای پروردگار

قال ربّک هو علیَّ هیّن

جلد - نام سوره -

سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۳۵ – ۷،۹

۷– خداوند دارای قدرت مطلق است و بر پدیدآوردن هر آنچه تقدیر کرده توانا است .

إذا قضی أمرًا فإنّما یقول له کن فیکون

۹– خداوند برای ایجاد چیزی ، نیازمند به کارگیری اسباب و وسایط نیست .

إذا قضی أمرًا فإنّما یقول له کن فیکون

معنای نیازمند نبودن خداوند به اسباب و وسایط این نیست که خداوند اسباب را به کار نمی گیرد، بلکه بدان معنا است که اسباب در رتبه متأخر از اراده و فرمان او قرار دارند، بنابراین اراده او محدود به هیچ وسیله ای نیست و وسایل نیز با فرمان او و به شکلی که او بخواهد عمل می کنند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۶۴ – ۷

۷– وجود ملائکه و مراحل مقدماتی پیدایش آنها و کارهایی که از آنان صادر می شود ، همه مملوک خداوند و در احاطه قدرت او است . *

له ما بین أیدینا و ما خلفنا و ما بین ذلک

گفته شده است: <ما بین أیدینا> (آنچه پیش روی ما است) اشاره به آثار وجودی ملائکه و <ما خلفنا> (آنچه پشت سر نهاده و از آن گذشتیم) اشاره به عناصر اولیه و مقدمات پیدایش آنها و <ما بین ذلک> (آنچه هم اکنون وجود دارد) اشاره به هستی آنان دارد. این توجیه و تفسیر با نوع ملائکه که زمان و مکان درباره آنان بی معنا است تناسب دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۲۷ – ۵

۵ – خداوند ، قادر

به دفع امراض و رفع هرگونه نقص و عیب از موجودات است .

واحلل عقده من لسانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۵ - ۱۰

۱۰ - عوامل گمراهی ، وسیله های آزمون مردم از سوی خداوند بوده و مقهور قدرت او هستند .

فتنّا . .. و أضلّهم السامریّ

گمراه گری سامری با آن که به شخص او استناد داده شده است; مصداق آزمون الهی قرار گرفته، حاکی از این است که خداوند بر کار او تسلط دارد و وی را به خواست خویش، آزاد گذاشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۷ - ۳

۳- توانایی بر آفریدن جهان کنونی برای بازیچه و سرگرمی خویش ، تنها در قلمرو قدرت خدا است و هیچ موجودی قادر بر انجام این کار نیست .

لو أردنا أن نتّخذ لهوًا لاَتّخذنه من لدنّا

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که <من لدنّا>، معنای <من جهه قدرتنا> را افاده کند (چنان که برخی از مفسران بزرگ بر این نظرند). و یا این که <من لدنّا> ظرف مختص در قبال <من لدن غیرنا> باشد. براین اساس پیام آیه چنین می شود: <اگر بنا بود جهان را سرگرمی خود قرار دهیم، باز این کار تنها در توان ما است نه خدایان ادعایی مشرکان و یا دیگر قدرت ها; پس قدرت و ربوبیت مطلقه در انحصار خدا است>. گفتنی است آمدن <لدنّا> که برای ابتدای غایت است به جای <عندنا> که برای صرف حضور است مؤید برداشت یاد شده است.

جلد - نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۴۴ – ۱۶

۱۶– خداوند ، قادر بی مانند و حاکم مطلق در پهنه هستی است .

بل متّعنا هؤلاء . .. أنّا نأتی الأرض ننقصها من أطرافها أفهم الغلبون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۶۹ – ۶

۶– قدرت خداوند ، مطلق است و همه قدرت ها در برابر او ناتوان و بی اثراند .

قالوا حرّقوه . .. قلنا ینار کونی بردًا و سلمًا علی إبرهیم

جمله <قلنا یانار. ..> پاسخ به قدرت نمایی بت پرستان است (قالوا حرّقوه). بنابراین جمله یاد شده گویای این حقیقت است که انسان ها با همه توانایی هایشان در برابر اراده و قدرت خداوند ناتوان و مغلوب اند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۶ – ۳

۳ – توانایی خدا بر احیای همه مردگان

و أنّه یحی الموتی

<موتی> جمع <میّت> است و جمع محلاّ به <ال> مفید عموم می باشد. بنابراین <الموتی>؛یعنی، همه مردگان.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۳۹ – ۷

۷ – خدا ، توانا بر نصرت و یاری رساندن به مؤمنان مورد تهاجم و مظلوم

و إنّ اللّه علی نصرهم لقدیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۶۱ – ۱

۱ – توانایی خداوند بر جا به جا کردن شب و روز ، دلیلی است گویا برای توانایی او بر یاری رساندن به ستمدیدگان در انتقام گرفتن آنان از ستمگران .

ذلک بأنّ اللّه یولج الّیل فی النهار

. .. و أنّ اللّه سميع بصير

در آيه پيش، خداونـد به آن مسـلمانى كه مورد سـتم و تجاوز مشـركان قرار گرفته بود، وعـده قطعى داد كه او را يارى خواهد كرد تا انتقامش را از متجاوزان بازسـتاند در اين آيه، براى اين كه كسـى در توانايى خدا بر تحقق بخشـيدن به وعدهايش و در حمايت و پشتيبانى از ستم ديدگان ترديدى نكند، گوشه اى از قدرت نهايت خود را بيان كرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۶ - ۵

۵ - توجه به چگونگى خلقت نخستين انسان ، زداينده هر گونه ترديد در امكان معاد و توانايى خدا بر احياى مجدد مردگان

و لقد خلقنا الإنسن . .. ثمّ إنّكم يوم القيمه تبعثون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۸ - ۷

۷ - خداوند ، قادر به از ميان بردن همه آب هاى زمين

و إنّا على ذهاب به لقدرون

<ذهاب> (مصدر فعل لازم) به معناى رفتن است و با <باء> تعديه به معناى بردن مى باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۵ - ۱

۱ - خداوند ، توانا بر تحقق بخشيدن به وعده هاى خود

و إنّا على أن نريك ما نعدهم لقدرون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۵ - ۱۰،۱۱

۱۰ - خداوند تحقيقاًبر هر كارى توانا است .

إنّ اللّه على كلّ شىء قدير

۱۱ - بی تردید خداوند ، قادر مطلق و بر آفرینش هر چیزی توانا است .

و اللّه خلق کلّ دابّه

. .. إنّ اللّه على كلّ شیء قدیر

از پیام های این سخن که <خداوند بر هر شیئی قادر است> به قرینه جملات پیشین که از آفرینش جاندارن و هر آنچه خدا بخواهد سخن گفته است توانایی خداوند بر آفرینش هر چیزی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۰ - ۳،۵

۳ خداوند ، تونا بر مهیّا ساختن باغ هایی با نهر های روان برای پیامبر (ص) به مراتب بهتر از آنچه که مشرکان توقع آن را برای پیامبر (ص) داشتند .

أو تکون له جنّه یأکل منها . .. تبارک الذی إن شاء جعل لک خیرًا من ذلک جنّت تجری

۵ خداوند ، توانا بر مهیّا ساختن قصرهایی با عظمت برای پیامبر (ص) به مراتب بهتر از آنچه که مشرکان توقع آن را برای پیامبر (ص) داشتند .

تبارک الذی إن شاء . .. یجعل لک قصورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۵ - ۴

۴ خداوند ، توانا بر متوقف کردن حرکت سایه ها و بازایستاندن آنها از کم و زیاد شدن

الظلّ و لو شاء لجعله ساکنًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۲ - ۲

۲ آفرینش شب و روز و پدید آمدن روشنایی و تاریکی ، بر اثر جانشین شدن آن دو به جای یکدیگر ، تنها به قدرت خدا است .

و هو الذی جعل الّیل و النهار خلفه

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته است: ۱

معرفه بودن مبتدا و خبر (هو الذی جعل) بیانگر قصر می باشد. ۲- آیه شریفه در مقام بیان قدرت خدا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴ - ۱،۴

۱ - قدرت خداوند ، بر نزول نشانه ای انکارناپذیر از آسمان برای ناگزیرساختن کافران به ایمان

إن نشأ ننزّل علیهم من السماء ءایه فظلّت . .. خضعین

۴ - قدرت خداوند بر به خضوع کشاندن سردمداران کفر در برابر خویش

إن نشأ . .. فظلّت أعنقهم لها خضعین

برخی بر آننـد همان گونه که به بزرگ قوم <رأس القوم> و <صدرالقوم> گفته می شود، <عنق القوم> نیز گفته می شود بنابراین <أعناقهم>; یعنی، <سادتهم>. برداشت یاد شده بر پایه این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹ - ۱،۳

۱ - خداوند ، تنها قدرت قاهر شکست ناپذیر

و إنّ ربّک لهو العزیز

<العزیز> مسـند محلی به <ال> جنس و مفید حصر است. گفتنی است که اهل لغت در معنای <عزیز> گفته اند: <الغالب الذی لایغلب; پیروزمندی که شکست نمی خورد>.

۳ - اعتقاد به عزت و شکست ناپذیری خدا ، هموار کننده راه ایمان به رستاخیز و توانایی خدا بر احیای مردگان

و ما کان أکثرهم مؤمنین . و إنّ ربّک لهو العزیز

با توجه به مفاد آیات پیش (انکار معاد از سوی کافران و ارائه نشانه های قـدرت خدا بر برپا ساختن رسـتاخیز و پایان بخشـیدن موضوع یاد شده با ذکر عزت خدا) برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۸

۲ - خدا ، تنها قدرت قاهر و شکست ناپذیر

و إنّ ربّک لهو العزیز

<عزیز> مسند همراه با <ال> جنس و مفید حصر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۴ - ۲

۲ - خدا ، تنها قدرت قاهر و شکست ناپذیر

و إنّ ربّک لهو العزیز الرحیم

<العزیز> مسند همراه با <ال> جنس و مفید حصر می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۲ - ۲

۲ - خداوند ، تنها قدرت قاهر و شکست ناپذیر

و إنّ ربّک لهو العزیز الرحیم

واژه <العزیز> مسند همراه با <ال> جنس و مفید حصر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۰ - ۲

۲ - خدا ، تنها قدرت قاهر و شکست ناپذیر

و إنّ ربّک لهو العزیز

کلمه <العزیز> مسند همراه با <ال> جنس و مفید حصر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۵۹ – ۲

۲ – خداوند ، تنها قدرت قاهر و شکست ناپذیر

و إنّ ربّک لهو العزیز

کلمه <العزیز> مسند همراه با <ال> جنس و مفید حصر است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۷۵ – ۱

۱ – خداوند ، تنها قدرت قاهر و شکست ناپذیر

و إنّ ربّک لهو العزیز

واژه <العزیز> مسند همراه با <ال> جنس و مفید حصر است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۹۱ – ۲

۲ – خدا ، تنها قدرت قاهر و شکست ناپذیر

و إنّ ربّک لهو

العزيز

<العزيز> مسند همراه با <ال> جنس و مفيد حصر است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۳ - ۶

۶ - خداوند ، توانا بر جدا ساختن سرنوشت مؤمنان واقعى از فرجام كافران محكوم به هلاكت

أنّا دمّرنهم و قومهم أجمعين . .. و أنجينا الذين ءامنوا و كانوا يتّقون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۸ - ۱۲،۱۰

۱۰ - حق ستيزان ، سرانجام مقهور قدرت شكست ناپذير خداوند

إنّ ربّک يقضى بينهم بحكمه و هو العزيز العليم

۱۲ - ربوبيت الهى ، آميخته با قدرت و آگاهى عميق

إنّ ربّک . .. و هو العزيز العليم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۸ - ۱

۱ - خداوند ، توانا بر آفرينش هر چه بخواهد .

و ربّک يخلق ما يشاء

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۱ - ۳،۵

۳ - خدا ، قدرت مطلق و بلامنازع جهان آفرينش است .

قل أرءيتم إن جعل اللّه عليكم الّيل سرمدًا إلى يوم القيمه من إله غير اللّه

مفاد آیه بالا، این است که اگر خـدا چیزی را بخواهـد، در تمام هستی کسـی نیست که بتواند اراده او را نقض کند و برخلاف خواست او کاری انجام دهد.

۵ – توانایی خدا بر تاریک قرار دادن زمین و محروم ساختن مردم از روشنایی روز تا برپایی قیامت

أرءیتم إن جعل اللّه علیکم الّیل سرمدًا إلی یوم القیمه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۷۲ – ۳

۳ –

خدا ، قدرت مطلق و بلامنازع جهان آفرینش است .

قل أرءیتم إن جعل اللّه علیکم النهار سرمدًا . .. من إله غیر اللّه ... أفلاتبصرون

مفاد آیه بالا این است که هرگاه خداوند کاری را اراده کند، هیچ کس نمی تواند اراده او را نقض کند و برخلاف خواسته او کاری انجام دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴ - ۱۲

۱۲ - هرگز ، هیچ قدرتی ، توان پیشی گرفتن بر خدا را ندارد .

أم حسب الذین یعملون السیّئات أن یسبقونا ساء ما یحکمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۹ - ۱

۱ - کافران مکه ، از سوی خداوند ، به خاطر ژرف نگری نکردن درباره توانایی خدا بر خلق موجودات ، سرزنش شده اند .

أَوَلم یروا کیف یبدئ اللّه الخلق

همزه <أَوَلم یروا> استفهام توبیخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۲ - ۲

۲ - آسمان و زمین ، تحت قدرت قاهر خداوندی است .

و ما أنتم بمعجزین فی الأرض و لا فی السماء

<ما أنتم بمعجزین> کنایه از این است که او، توان بیشتری دارد و شما، نمی توانید از قدرت او، فرار کنید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۵ - ۴

۴ – ثبات و استقرار آسمان و زمین ، به فرمان و قدرت خداوند و بدون اسباب و علل ظاهری است .

و من ءایته أن تقوم السماء و الأرض بأمره

این که خداوند، برپایی و استقرار و ثبات آسمان و

زمین را بـدون اسـناد به علتی ظاهری، به امر و فرمان خود معرفی می کند، حاکی است که آسـمان و زمین، بدون علت ظاهری برپا هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۰ - ۶،۱۶

۶ - خداوند ، زمین را حیات می بخشد و بر احیای مردگان ، توانا است .

کیف یحی الأرض بعد موتها إنّ ذلک لمحی الموتی

۱۶ - قدرت مطلق خداوند ، منشأ ریزش باران ، و احیای زمین به وسیله آن است .

فتری الودق یخرج من خلله . .. یحی الأرض بعد موتها ... و هو علی کل شیء قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۴ - ۶،۱۶

۶ - خداوند ، بر آفرینش هر آنچه که بخواهد ، توان دارد .

یخلق ما یشاء و هو . .. القدیر

۱۶ - علم و قدرت مطلق خداوند ، منشأ نفوذ مشیّت او بر آفرینش هر چیزی است .

یخلق ما یشاء و هو العلیم القدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۶ - ۶،۹

۶ - خداوند ، بر همه امور قدرت مطلق دارد .

إنّها إن تک مثقال حبّه من خردل . .. یأت بها اللّه

<یأت بها اللّه> می تواند قرینه باشد بر این که آیه، درصدد اثبات قدرت مطلق خداوند است.

۹ - متوجّه کردن فرزند به علم و قدرت مطلق خداوند ، با استفاده از شیوه آموزشیِ قابل فهم ، نمودی از حکمت لقمان است .

لقد ءاتينا لقمن الحكمه . .. إذ قال ... يبنىّ إنّها إن تك مثقال حبّه ...

يأت به

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۴ - ۸

۸ - كافران ، هيچ گريزى از حيطه قهر و قدرت خداوند ، ندارند .

نضطرّهم إلى عذاب غليظ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۸ - ۱،۲

۱ - آفرينش نخستين انسان ها و زنده كردن مجدد آنان پس از مرگ ، براى خداوند همانند آفريدن يك تَن است .

ما خلقكم و لابعثكم إلاّ كنفس وحده

۲ - براى خدا ، آفريدن افراد زياد ، با آفريدن يك تن ، تفاوتى ندارد .

ما خلقكم و لابعثكم إلاّ كنفس وحده

<إلاّـ كنفس واحـده> مى توانـد قرينه باشـد بر اين كه مراد از خلق و بعث در <مـا خلقكم و لاـبعثكم> خلق و بعث جمعى است و در اين صورت آيه، نكته ياد شده را مى رساند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۹ - ۳

۳ - تبديل شدن تدريجى قسمتى از روز و شب به هم ، به قدرت خدا است .

يولج الّيل فى النهار و يولج النهار فى الّيل

<يولج. ..> به معناى افزوده شدن بخشى از شب به روز و برعكس آمده است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۰ - ۴

۴ – خالقیت ، مالکیت ، قدرت و علم مطلق خدا ، برخاسته از حقانیت محض و ثبوت ازلی خداوند است .

و لئن سألتهم من خلق السموت و الأرض لیقولنّ اللّه . ..للّه ما فی ... إنّ اللّه عز

مشارالیه <ذلک> می تواند صفات

کمالی ذکر شده در آیات پیشین برای خداوند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۰ - ۴

۴ - تردیـد در امکان معاد ، به رغم مشاهـده قـدرت خدا در آفرینش هستی ، برخاسـته از بهره نگرفتن از ابزار شـناخت و تعقل است .

جعل لکم السمع و . .. و قالوا أءذا ضللنا فی الأرض أءنّا لفی خلق جدید

ذکر <و قـالوا أءذا. ..> پس از بیـان ناسپاسـی انسان ها و یا کم سپاسـی آنان در برابر نعمت قوای ادراکی اعطا شـده از جانب خداوند، می تواند بیان کننده این نکته باشد که انسان ها از نعمت قوای ادراکی، بهره نگرفتند. (ناسپاسی) و در نتیجه در مسأله معـاد تردیـد روا داشـتند. لازم به ذکر است که شـکر نعمت قوای ادراکی به تناسب موضوع، به کاربردن آنها در راه شایسـته و تعیین شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۷ - ۳،۵،۹

۳ - هیچ قدرتی توان ندارد از تصمیم خداوند درباره گرفتار کردن کسی به بدی و رنج ، جلوگیری کند .

من یعصمکم من اللّه إن أراد بکم سوءًا

۵ - خداوند ، آن چنان توانایی دارد که می تواند در سخت ترین شرایط جهاد و جنگ ، انسان را از مرگ حفظ کند .

إن فررتم من الموت . .. من ذا الذی یعصمکم من اللّه إن أراد بکم سوءًا أو أراد بکم

۹ - خداوند ، تنها کسی است که می تواند شر و بدی خود آفریده را ، رفع کند .

من ذا الذی یعصمکم من اللّه إن أراد بکم سوءًا.

.. و لايجدون لهم من دون اللّه وليّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۵ - ۱۱،۱۲

۱۱ - توان مندی خداوند ، با عزّت و شکست ناپذیری او همراه است .

و كان اللّه قويًّا عزيزًا

<عزيزاً> می تواند خبر دوم برای <كان> باشد و می تواند صفت برای <قويّاً> باشد. بنابر احتمال دوم، نکته یاد شده به دست می آید.

۱۲ - توان مندی خداوند ، منشأ فراهم آمدن زمینه پراکنده شدن احزاب متّحد از اطراف مدینه

و ردّ اللّه الذين كفروا . .. و كان اللّه قويًّا

<و كان اللّه. ..> به منزله تعلیل برای جمله <و ردّ اللّه الذين كفروا> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۶ - ۲

۲ - توان مندی و شکست ناپذیری خداوند ، یهودیان را از قلعه های مستحکم خویش ، فرود آورد .

و كان اللّه قويًّا عزيزًا . و أنزل الذين ظهروا من أهل الكتب من صياصيهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۷ - ۸،۹

۸ - قدرت مطلق خداوند ، عامل شکست یهود بنی قریظه و پیروزی مسلمانان مدینه بود .

أنزل الذين ظهروهم . .. فريقًا تقتلون ... وكان اللّه على كلّ شيء قديرًا

۹ - قدرت مطلق خداوند ، عامل فروپاشی یهود بنی قریظه و به ارث رسیدن اموال و خانه ها و سرزمین شان به مسلمانان مدینه بود .

و أنزل الذين ظهروهم من أهل الكتب . .. و أورثكم أرضهم ... و كان اللّه على كلّ ش

فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۹ – ۶

۶ – تشویق خداوند به دقت نظر در افق های آسمان و زمین ، جهت آگاهی یافتن از قدرت خدا بر تجدید حیات مردگان

رجل ینبّئکم إذا مزّقتم کلّ ممزّق إنّکم لفی خلق جدید . ..أفلم یروا إلی ما بین أید

<أفلم یروا> تشویق و تحریک بر اندیشیدن در آسمان ها و زمین است و این که انسان ها در احاطه آنها هستند و هیچ راه گریزی از آن نیست.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۱ – ۱۱

۱۱ – خداوند ، توانا بر آفرینش پدیده های دیگری طبق مشیت خویش

یزید فی الخلق ما یشاء

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۱۶ – ۱،۳

۱ – توانایی خداوند بر نابودی انسان ها و آفرینش موجودات جدید به جای آنان

إن یشاء یذهبکم و یأت بخلق جدید

۳ – توانایی خداوند بر نابودی کامل ملّتی و جایگزین کردن مردمی جدید به جای آنان نشانه غنا و بی نیازی مطلق او و از بندگان و عبادت آنان است .

و اللّه هو الغنّی الحمید . إن یشاء یذهبکم و یأت بخلق جدید

برداشت بالا با توجه به این نکته است که آیه شریفه، در جهت تبیین مطلب یاد شده در آیه قبل (قدرت مطلق خداوند و غنا و بی نیازی مطلق و ستودنی او) است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۱۷ – ۱

۱ – نابودی کامل ملت ها و جایگزین کردن موجودات جدید به جای آنان ، کاری آسان برای خداوند

و یأت

بخلق جدید . و ما ذلک علی اللّه بعزیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۴ - ۱۰

۱۰ - خداوند ، قدرت مطلق و بلامنازع عالم هستی است .

و ما کان اللّه لیعجزه من شیء فی السموت و لا فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲۸ - ۳

۳ - نابود کردن جوامع محکوم به فنا ، امری آسان برای خدا و او بی نیاز از لشکر آسمانی است .

جند من السماء و ما کنّا منزلین

تأکید خداوند بر نفرستادن هیچ لشکر آسمانی و نیز عذاب و نابود کردن انسان های محکوم به فنا تنها با یک صیحه که در آیه بعد آمده است می تواند بیانگر برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۳ - ۱

۱ - خداوند بر غرق ساختن تمامی سرنشینان کشتی ها در اعماق دریا ها توانا است .

و إن نشأ نغرقهم فلاصریخ لهم و لا هم ینقذون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۵ - ۵

۵ - اعضای بدن انسان (پا ، دست و . . .) در قیامت به قدرت خدا ، به سخن در خواهند آمد .

تکلّمنا أیدیهم و تشهد أرجلهم بما کانوا یکسبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۶ - ۱

۱ - توانایی خداوند بر عذاب کافران ، به گونه ای که آنان با از بین رفتن چشم ها

و نوردیدگانشان ، راه معمول خود را پیدا نکرده و از پیمودن راه درست محروم خواهند شد .

و لو نشاء لطمسنا علی أعینهم فاستبقوا الصرط فأنّی یبصرون

<طمس> (مصدر <طمسنا>) به معنای از بین بردن آثار و شواهد چیزی است و مقصود از <لطمسنا علی أعینهم> از بین بردن کامل عضو چشم و یا نور و بینایی آن می باشد. مراد از <الصراط> نیز راه معمول و متداولی است که افراد آن را طی می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۷ - ۱

۱ - توانایی خداوند بر مسخ کردن کافران ، به گونه ای که آنان آن چنان زمین گیر شوند که از برخاستن از جای خود و حرکت به پیش و عقب ناتوان شوند .

و لو نشاء لمسخنهم علی مکانتهم فما استطعوا مضیًّا و لایرجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۵ - ۴

۴ - تنها خداوند ، توانا بر یاری رسانی به انسان ها در روز رستاخیز

و اتّخذوا من دون اللّه ءالهه لعلّهم ینصرون . .. و هم لهم جند محضرون

از تأکید خداوند بر ناتوانی مطلق همه معبودها از یاری رسانی (به جز اللّه)، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۹ - ۶،۷

۶ - خداوند ، بر آفرینش و پدید آوردن هر چیزی آگاه و توانا است .

و هو بکلّ خلق علیم

۷ - آگاهی خداوند بر آفرینش و پدید آوردن هر چیزی ، دلیل و نشانه امکان برپایی قیامت و توانایی

خداوند بر احیای مجدد انسان ها

و هو بکلّ خلق علیم

جمله <و هو بکلّ خلق علیم> ادامه استدلال برای امکان معاد و رد شبهه منکران قیامت است; یعنی، بعید شمردن برپایی قیامت، ممکن است ناشی از این شبهه باشد که چگونه اجزای پوسیده و پراکنده بشر، شناسایی و جمع خواهد شد. خداوند در پاسخ آن، مسأله علم مطلق خویش بر آفرینش جهان هستی را یادآور شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۸۱ - ۵۸

۵ - شگفت آور بودن انکار معاد و احیای مجدد انسان ها ، به قدرت خدای خالق آسمان ها و زمین

أوَلیس الذی خلق السموت و الأرض بقدر علی أن یخلق مثلهم

برداشت یاد شده از آن جا است که استفهام در <أوَلیس . ..> استفهام انکاری و تعجبی است.

۸ - خداوندِ خالق آسمان ها و زمین ، بر آفرینش مجدد انسان ها و نوسازی آدمی از ذرات پوسیده و پراکنده دنیایی او در قیامت ، توانا است .

قال من یحیِ العظم و هی رمیم . .. أوَلیس الذی خلق السموت و الأرض بقدر علی أن ی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۸۲ - ۸

۸ - خداوند ، دارای قدرت مطلق است .

إنّما أمره إذا أراد شیئًا أن یقول له کن فیکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۸۰ - ۶

۶ - ناآگاهی مشرکان از منزلت و قدرت پروردگار جهان

سبحن ربّک ربّ العزّه عمّا یصفون

تنزیه و مبرا دانستن خداوند از توصیف های مشرکان، گویای این حقیقت است که

آنان، معرفتی نسبت به خداوند جهان نداشتند و از قدر و منزلت او بی اطلاع بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۸ - ۵،۶،۷

۵ - معبود های مورد پرستش مشرکان ، خود مقهور اراده خدا و ناتوان در برابر قدرت او هستند .

قل أفرءیتم ما تدعون من دون اللّه إن أرادنی اللّه . .. برحمه هل هنّ ممسکت رحمته

۶ - ناتوانی معبود های ادعایی مشرکان ، از رساندن سود به انسان ها و یا دفع گزند از آنان و نیز مقهور بودنشان در برابر اراده و قدرت خداوند ، با اندک تأمل و دقت نظر روشن می شود .

قل أفرءیتم ما تدعون من دون اللّه إن أرادنی اللّه . .. برحمه هل هنّ ممسکت رحمته

طرح مسأله ناتوانی معبودها در قالب استفهام و سؤال، می تواند گویای حقیقت یاد شده باشد.

۷ - قدرت گسترده و اراده مطلق خداوند ، در رساندن سود و زیان و رحمت و نعمت به انسان ها

قل أفرءیتم . .. إن أرادنی اللّه بضرّ هل هنّ کشفت ضرّه أو أرادنی برحمه هل هنّ م

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۶ - ۱۰،۱۴

۱۰ - مقتضای الوهیت حق (اللّه) ، توانایی او بر خلق و آگاهی کامل او از غیب و شهود است .

قل اللّهمّ فاطر السموت و الأرض علم الغیب و الشهده

یادآوری وصف توانایی و آگاهی خداوند، پس از آمدن نام مقدس او (اللّه)، بیانگر مطلب بالا است.

۱۴ - قدرت و علم همه جانبه خداوند ، پشتوانه داوری عادلانه او در میان بندگان

قل

اللّهمّ فاطر السموت . .. علم الغيب و الشهده أنت تحكم

ذکر داوری خداوند، پس از یاد کردن از خالقیت و علم همه جانبه او، می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۹ - ۵

۵ - انسان ها ، هنگام گرفتاری و رنج ، به ناتوانی خود و قدرت یاری رسانی خداوند پی برده و اعتراف می کنند .

فإذا مسّ الإنسن ضرّ دعانا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۷ - ۷،۱۲

۷ - ناچیز بودن جهان هستی (آسمان ها و زمین) ، در برابر عظمت و قدرت خداوند .

و الأرض جمیعًا قبضته . .. و السموت مطویّت بیمینه

<قبضه> بر وزن فعله دلالت بر <مرّه> می کند; یعنی، یک مشت. این تعبیر و نیز تعبیر پیچیده بودن آسمان ها در دست خدا، کنایه از ناچیز بودن آنها و نیز اشاره به عظمت خداوند است; زیرا به چیزی که کاملاً در اختیار کسی باشد، می گویند: در مشت او است.

۱۲ - < عن سلیمان بن مهران ، قال سألت أباعبداللّه (ع) عن قول اللّه عزّوجلّ < و الأرض جمیعاً قبضته یوم القیامه > فقال یعنی ملکه لایملکها معه أحد . . . < و السماوات مطویّات بیمینه > قال : الیمین الید ، و الید القدره و القوّه یقول عزّوجلّ و السماوات مطویّات بقدرته و قوته سبحانه و تعالی عمّا یشرکون ;

سلیمان بن مهران گوید: از امام صادق(ع) از سخن خداوند عزّوجلّ که می فرماید: <و الأرض جمیعاً قبضته یوم القیامه>

سؤال نمودم، حضرت فرمود: يعنى زمين ملك او است [در قيامت] و هيچ كس غير از او مالك زمين نيست. .. و درباره <و السماوات مطويّات بيمينه> فرمود: يمين همان يد است و مراد از آن قدرت و قوت است و خداوند عزّوجلّ فرمود: آسمان ها به قدرت و قوت خداوند به هم پيچيده مى شوند و او منزّه و برتر است از هرگونه شركى كه به او نسبت مى دهند>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳ - ۶

۶ - خداوند ، صاحب قدرت است .

ذى الطول

يكى از موارد كاربرد واژه <طول> قدرت است و در اين آيه چون خداوند، دو صفت اميدآفرين و ترغيب كننده را در آغاز بيان فرموده (غافر الذنب و قابل التوب)، ممكن است درصدد بيان دو صفت هشداردهنده باشد و آن شديدالعقاب بودن و ذى الطول است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۸ - ۳،۴،۹

۳ - خداوند ، بر پديد آوردن هر آنچه تقدير كرده ، توانا است .

فإذا قضى أمرًا فإنّما يقول له كن فيكون

۴ - خداوند ، هر چيزى را تقدير كند با گفتن < باش و به هستى درآ > آن را پديد مى آورد .

فإذا قضى أمرًا فإنّما يقول له كن فيكون

۹ - خداوند ، داراى قدرت مطلق است .

فإذا قضى أمرًا فإنّما يقول له كن فيكون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۵ - ۸

۸ - خالق انسان ، همواره برتر و توانمندتر از انسان

أَوَلم يروا أنّ اللّه الذى

خلقهم هو أشدّ منهم قوّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۱ - ۸،۱۳

۸ - اعضا و جوارح آدمی ، آگاه به وجود خداوند و قدرت و اقتدار او

قالوا أنطقنا اللّه الذی أنطق کلّ شیء

۱۳ - آفریدگار جهان و برپادارنده قیامت ، قادر به ایجاد نطق و شعور در اعضا و جوارح انسان

قالوا أنطقنا اللّه . .. و هو خلقکم أوّل مرّه و إلیه ترجعون

جمله <و هو خلقکم> به منزله دلیلی بر قدرت خداوند در ایجاد نطق و سخن در اعضا و جوارح است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۹ - ۸

۸ - قدرت خداوند در حیات بخشیدن به زمین ، نشانگر قدرت او در حیات بخشیدن به مردگان است .

إنّ الذی أحیاها لمحی الموتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۸ - ۱

۱ - خداوند ، قادر به همسان ساختن مجموعه بشر ، در صورت تعلق مشیت او به همگونگی اجباری آنان

و لو شاء اللّه لجعلهم أُمّه وحده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۹ - ۹،۱۰

۹ - خداوند ، قادر به مجازات گمراهان و منکران رستاخیز و لطف او به خلق مانع از سلب روزی آنان در دنیا است .

لفی ضلل بعید . اللّه لطیف بعباده یرزق من یشاء و هو القویّ العزیز

با توجه به معنای <لطیف> که حکایت از رحمت و لطف دارد برداشت یاد شده به دست می آید.

۱۰ - خداوند ، قادر به مجازات گمراهان

و سلب بهرهوری های دنیوی ایشان است ; ولی ریزنگری ها و مشیت او در تدبیر جهان مانع از این اقدام است .

لفی ضلل بعید . .. لطیف ... یرزق من یشاء و هو القویّ

ارتباط این آیه با آیه قبل، نشان می دهد که آیه شریفه درصدد پاسخ گویی به یک پرسش نهفته است و آن این که: اگرمنکران معاد و گمراهان، برباطل اند پس چرا خداوند روزی خود رااز آنان دریغ نمی دارد؟! خداوند در پاسخ سه موضوع مهم را مطرح فرموده است: <لطیف بودن>، <مشیت> و <قدرت شکست ناپذیر او>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۹ - ۸،۱۳

۸ - خداوند ، توانا بر گردآوری موجودات زنده جهان ، هر زمان که مشیتش بدان تعلق گیرد .

و هو علی جمعهم إذا یشاء قدیر

۱۳ - برپایی قیامت برای آفریننده هستی ، امری سهل و آسان است .

و من ءایته . .. و هو علی جمعهم إذا یشاء قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۱ - ۱

۱ - انسان ها ، هیچ گونه راه فرار و گریزی در برابر قدرت الهی ندارند .

و ما أنتم بمعجزین فی الأرض

کلمه <معجزین> (از ماده <عجز>) به معنای به عجز در آوردن است; اما این کلمه در بسیاری از آیات قرآن به معنای فرار کردن از حیطه قدرت الهی و از چنگال عذاب او آمده است (که لازمه معنای لغوی آن می باشد).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۳ - ۸

۸ - مطالعه

قوانین طبیعت ، زمینه ساز ره بردن انسان به قدرت الهی است .

و من ءایته الجوار . .. إنّ فی ذلک لأیت لکلّ صبّار شکور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۹ - ۴

۴ - خداوند ، قادر و توانمند بر آفرینش هر آنچه بخواهد .

یخلق ما یشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸ - ۲

۲ - قدرت های مادی ، با تمامیِ اقتدار و شکوه ، ناتوان از مقابله با قوانین و مشیت های خداوند

فأهلکنا أشدّ منهم بطشًا و مضی مثل الأوّلین

یادآوری نابودی جوامع مقتدر شرک پیشه، می تواند نشانگر این نکته باشد که قدرت ظاهری و مادی، مانع عذاب الهی نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۵ - ۵

۵ - ضعف و ناکارآمدی قدرت های مادی ، در برابر انتقام و عذاب الهی

قال مترفوها . .. فانتقمنا منهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۳ - ۳

۳ - خداوند ، توانا بر مرفه ساختن زندگی کافران ، تا جایی که سقف خانه های خود را از نقره بسازند و دارای پلکان هایی باشند که بر آن بالا بروند .

لجعلنا. .. لبیوتهم سقفًا من فضّه و معارج علیها یظهرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۰ - ۱،۴،۵،۶

۱ - خداوند ، توانا بر جایگزین ساختن فرشتگان وحی پذیر ، به جای انسان های وحی ستیز

و لو نشاء لجعلنا منکم ملئکه فی الأرض

یخلفون

بـا توجه به آیـات پیشـین که در مورد مخالفت مشـرکان مکه با پیام وحی بود، اسـتفاده می شود که آیه شـریفه درصـدد اثبات مطلب بالا است.

۴ - تبدیل ماهیت انسانی به فرشته (مجرد) ، امری ممکن برای خداوند

و لو نشاء لجعلنا منکم ملئکه

گروهی از مفسـران آیه شریفه را ناظر بدین معنا دانسته اند که اگر خداوند بخواهد، می تواند فرزندان انسان را فرشته قرار دهد که جانشین او در زمین گردند.

۵ - خداوند ، می تواند انسان ها را خوی فرشتگی بخشد و آنان را مطیع و فرمانبر خویش قرار دهد .

و لو نشاء لجعلنا منکم ملئکه فی الأرض یخلفون

برداشت یـاد شـده بنابراین نکته است که مراد از <لجعلنا منکم ملائکه> این باشـد که، می توانیم خوی عصـیان و طغیان را از شما باز گیریم و شما را همانند ملائکه مطیع و فرمانبردار خود قرار دهیم. علامه در <المیزان> این احتمال را پذیرفته اند.

۶ - خداوند ، قادر به آفرینش انسان هایی فرشته صفت هم چون عیسی (ع) *

و لو نشاء لجعلنا منکم ملئکه

گروهی از مفسـران منظور از این آیه را، ایجاد انسان هایی فرشـته صـفت دانسـته اند که در صدد رفع استبعاد مشرکان نسبت به قدرت ویژه انسان هایی هم چون عیسی(ع) که می توانست مردگان را زنده کند و بیماران را شفا بخشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳ - ۴

۴ - کتاب تشریع (قرآن) و کتاب تکوین (نظام طبیعت) ، هر دو متکی به مبدئی یگانه ، مقتدر و حکیم

تنزیل الکتب من اللّه العزیز الحکیم

. إنّ فی السموت و الأرض لأیت

از ارتباط دو آیه و این که در آیه قبل سخن از <کتاب تشریع> و در این آیه سخن از <نظام تکوین> به میان آمده است; همگونی و منشأ یگانه هر دو استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۷ - ۶

۶ - ربوبیت یگانه خداوند بر هستی ، همراه با اقتدار و دانایی

ربّ العلمین . و له الکبریاء ... و هو العزیز الحکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۵ - ۶

۶- خداوند ، قادر به شنیدن و اجابت همه دعا ها و نیاز های عبادت گران خود

من أضلّ ممّن یدعوا من دون اللّه من لایستجیب له إلی یوم القیمه

از مفهوم آیه شریفه، استفاده می شود که اگر غیر خدا نمی تواند نیازهای گسترده خلق را برآورده کند; اما خداوند قادر به اجابت هر دعا در هر زمینه و در هر زمان می باشد، چرا که او نه از دعایی غافل است و نه از اجابت آن عاجز.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۸ - ۷

۷- تنها خدای یگانه هستی ، حاضر در همه صحنه ها و قادر به یاری انسان

فلولا . .. اتّخذوا من دون اللّه ... بل ضلّوا عنهم

برداشت بالا با استفاده از مفهوم آیه به دست می آید; زیرا این آیه به مشرکان تعریض دارد که چرا خدایانی را پرستیدند که به هنگام نیاز، بدان ها دسترسی نداشته و آنها را گم کنند و چرا رو به خدایی

نیاورده اند که همه جا هست و هیچ مکانی از او خالی نیست؟

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۴ – ۲۰

۲۰- خداوند ، قادر بر انتقام از کافران ، بدون دخالت نیرو های بشری

و لو یشاء اللّه لانتصر منهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۱۰ – ۸

۸- کافران ، با تمامی امکانات خویش ، در نهایت مغلوب قدرت قاهر خداوند

دمّر اللّه علیهم

واژه <دمّر> در صورت تعدّی با <علی>، بیانگر شدت ویرانی و تخریب و نمایانگر نهایت قدرت و غلبه خداوند است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۲۹ – ۲

۲ ناتوانی بیماردلان منافق از غلبه بر اراده خداوند و پنهان داشتن چهره واقعی خود برای همیشه

یخرج اللّه أضغنهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۳۰ – ۱،۲

۱- خداوند ، قادر به معرفی دقیق منافقان به پیامبر (ص)

و لو نشاء لأرینکهم فلعرفتهم بسیمهم

۲- خداوند ، قادر به ظاهر ساختن علایمی در وجود منافقان ، برای رسوا کردن آنان

و لو نشاء لأرینکهم فلعرفتهم بسیمهم

<سیما> به معنای علامت و نشانه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵ - ۴

۴ - خداوند جهان آفرینِ حکیم و قادر ، بی نیاز از گزافه گویی و صادق در وعده های خویش

والذریت ذروًا . فالحملت وقرًا . فالجریت یسرًا . فالمقسّمت أمرًا . إنّما تو

با توجه به این که <إنّما. ..> جواب سوگندهای آیات پیشین است، از

ارتباط نزدیک میان جواب قسم و مقسم به، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴۷ - ۳،۵،۸

۳ - خداوند ، آفریدگاری بی نیاز و توانا

و السّماء بنینها. .. و إنّا لموسعون

<موسع> (مفرد <موسعون>) به معنای غنیِ قدرتمند است; یعنی، <إنّا لذو واسعه فی القدره و الغنی>.

۵ - نابودی اقوام کفرپیشه تاریخ ، امری آسان برای بنیانگذار بنای شگفت و عظیم آسمان

فأخذتهم الصعقه . .. و السّماء بنینها بأییْد و إنّا لموسعون

در آیات پیشین سخن از هلاکت اقوام کفرپیشه تاریخ بود و در این آیه، سخن از قدرت مطلق و بی بدیل او است. از ارتباط این آیات، مطلب بالا استفاده می شود.

۸ - عن أبی جعفر (ع) : الید فی کلام العرب القوّه و النعمه قال : . . . < و السّماء بنینا ها بأییْد > أی بقوّه . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده است: ید در کلام عرب به معنای قوت و نعمت است. خدای عزّوجلّ فرموده: <و السماء بنیناها بأییْد> یعنی بقوه...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴۸ - ۲

۲ - هماهنگی نظام طبیعت با نیاز های بشر ، برنامه ریزی شده از سوی خدای توانمند و نه پدیده ای اتفاقی

و الأرض فرشنها فنعم المهدون

گستردگی صفحه زمین و <مهد> بودن آن برای بشر، بیانگر هماهنگی نظام طبیعت بانیاز بشر به آسایش است. از این که خداوند، <فرشناها> را با ضمیر متکلم آورده، برای جلب توجه انسان به دخالت تدبیر الهی در پیدایش این هماهنگی است.

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – نجم – ۵۳ – ۴۴ – ۳

۳ – یگانه قدرت حاکم بر نظام مرگ و حیات ، قادر به برپایی صحنه معاد

و أنّ إلی ربّک المنتهی . .. و أنّه هو أمات و أحیا

در صورتی که آیه <إلی ربّك المنتهی> نظر به فرجام زندگی و پایان حیات داشته باشد، ارتباط میان آن و آیه <و أنّه هو أمات و أحیا>، بیانگر مطلب بالا است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – نجم – ۵۳ – ۵۸ – ۱

۱ – تنها خداوند ، قادر به رفع دشواری ها و مشقت های صحنه قیامت است .

لیس لها من دون اللّه کاشفه

<کشف> (مصدر <کاشفه>) به معنای ازاله و برطرف کردن است. برداشت یاد شده بدان احتمال است که مراد برطرف کردن سختی ها و مشقت های عرصه محشر باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۴۲ – ۷

۷ – اقتدار و توان مادی فرعونیان ، مقهور در برابر اقتدار و شکست ناپذیری خداوند

فأخذنهم أخذ عزیز مقتدر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۵۰ – ۶

۶ – نابود ساختن امت های کفرپیشه و مجرم ، امری آسان و بی مؤونه برای خداوند

و ما أمرنا إلاّ وحده کلمح بالبصر

با توجه به این که در آیات پیشین، سخن از هلاکت جوامع مجرم بود و در آیه بعد نیز همین امر، دنبال شده است; احتمال می

رود که مراد از <أمرنا>، مجازات و هلاکت کفرپیشگان و یا از مصادیق بارز آن باشد.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۷ - ۲

۲ - فنای زمینیان ، بی تأثیر در ساحت اقتدار ، شکوه ، کرامت و بزرگواری جاودان پروردگار

كلّ من عليها فان . و يبقى وجه ربّك ذو الجلل و الإكرام

گفتنی است که قدرت، اقتدار و شکوه فرمانروایان، به وجود رعیت و فرمانبران ایشان وابسته است; اما این آیه چنین وابستگی را از ذات پروردگار نفی می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۴ - ۳

۳ - امکان نداشتن فرار جن و انس از قلمرو حاکمیت و قدرت خداوند ، نعمتی الهی و غیر قابل تکذیب و انکار

إن استطعتم أن تنفذوا . .. لاتنفذون ... فبأيّ ءالآء ربّكما تكذّبان

اطلاق <ءالآء> بر محتوای آیه پیشین و نیز ذکر <ربّ>،بیانگر مطلب بالا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۲ - ۴

۴ - انکار جهان آخرت به رغم مشاهده قدرت خداوند در آفرینش نشأه نخستین (جهان فعلی) نشانه غفلت و بی توجهی است .

و لقد علمتم النشأه الأُولى فلولا تذكّرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۴ - ۳

۳ - نقش الهی در فرایند رشد دانه ها در زمین ، منحصر به فرد بوده و هیچ نیرویی توان چنین عملی را ندارد .

أم نحن الزرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۶۵ – ۲

۲ – خداوند ، در صورتی که بخواهد ، می تواند زراعت ها را

به خس و خاشاک تبدیل کند .

لو نشاء لجعلنه حطمًا

<حطام> به چیز خشک و شکسته شده گفته می شود (قاموس المحیط).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۹ - ۴

۴ - تنها خداوند ، توانا بر نازل کردن باران از ابر

أم نحن المنزلون

<المنزلون>، مسند محلی به <ال> و مفید حصر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۰ - ۲

۲ - خداوند ، در صورتی که بخواهد ، قادر بر شور و تلخ گردانیدن آب های شیرین زمین است .

لو نشاء جعلنه أُجاجًا

<اُجاج>، به معنای شور همراه با تلخی است (قاموس المحیط).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲ - ۵

۵ - خداوند ، بر انجام دادن هر چیزی قادر و توانا است .

و هو علی کلّ شیء قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۳ - ۵

۵ < عن أبی الحسن الرضا (ع) . . . و أمّا الظاهر فلیس من أجل أنّه علا الأشیاء برکوب فوقها و قعود علیها و تسنم لذرأها و

لكن لقهره و لغلبته الأشـياء و قـدرته عليهـا . . . و أمّـا الباطن فليس على معنى الإسـتبطان للأشـياء بأن يغور فيها و لكن ذلك منه على استبطانه للأشياء علماً و حفظاً و تدبيراً . . . ;

از امام رضا(ع) روایت شده است : . ..و اما ظاهر بودن خداوند نه از آن جهت است که بر اشیا بالا رفته به این که بر آنها

سوار گشته و بر فراز آنها نشسته است; بلکه این ظهور از جهت قهر و غلبه و قدرت او بر اشیا است... اما خداوند باطن است، به این معنا نیست که او در درون اشیا قرار گرفته و در بطن آنها پنهان است; بلکه به این معنا است که از لحاظ آگاهی به اشیا و حفظ و تدبیر [و تنظیم امور] آنها در درون آنها است...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۴ - ۷

۷ - تدبیر و اداره امور عالم از سوی خداوند ، همراه با اقتدار کامل و همه جانبه و به دور از هرگونه سستی و کاستی است .

ثمّ استوی علی العرش

ماده <إستواء> هرگاه با <علی> استعمال شود، به معنای <استیلاء> خواهد بود. بنابراین <استوی علی العرش>; یعنی، <استولی علی العرش> (بر عرش تدبیر جهان استیلا دارد) و این کنایه از اقتدار تام و فراگیر خداوند، بر تدبیر امور جهان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۲ - ۷

۷ - دخالت در شؤون زندگی همه انسان ها ، به رغم وسعت و گستردگی آن ، برای خداوند بسی سهل و آسان است .

ما أصاب من مصیبه . .. إنّ ذلک علی اللّه یسیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲ - ۱۳

۱۳ - انسان های مادی ، ناتوان از درک گستره قدرت خداوند ، در محاسبات خویش

ما ظننتم أن یخرجوا و ظنّوا . .. فأتیهم اللّه من حیث لم یحتسبوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۸ – ممتحنه – ۶۰ – ۵ – ۱۱

۱۱ – اقتدار و شوکت کافران ، ناچیز در برابر اقتدار شکست ناپذیر الهی

ربّنا إنّک أنت العزیز الحکیم

جمله <إنّک أنت العزیز> که بیانگر حصر عزت و اقتدار در خداوند است تعریض به قدرت های کفر دارد که درصدد مفتون و معذّب ساختن مؤمنان اند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ممتحنه – ۶۰ – ۷ – ۶،۹

۶ – خداوند ، قادر به ایجاد تحوّل در روابط ملت ها و تبدیل خصومت ها به مودّت

عسی اللّه . .. و اللّه قدیر

۹ – بخشایش و رحمت الهی نسبت به خلق ، در اوج قدرت و توانمندی او بر مجازات گنه کاران و عنادورزان

و اللّه قدیر و اللّه غفور رحیم

تقدم <قدیر> بر صفت <غفور رحیم>، می تواند اشاره به مطلب بالا داشته باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – تحریم – ۶۶ – ۸ – ۱۷

۱۷ – خداوند ، بر هر چیزی توانا است .

إنّک علی کلّ شیء قدیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – ملک – ۶۷ – ۱ – ۵

۵ – خداوند ، بر انجام هر کاری توانا است .

و هو علی کلّ شیء قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۰ - ۲

۲ - اراده و قدرت خداوند ، مطلق و شکست ناپذیر است .

أمّن هذا الذی هو جند لکم ینصرکم من دون الرحمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۲ - ۳

۳ - در برابر

عذاب الهی ، هیچ فردی و هیچ نیروی بازدارنده ای وجود ندارد .

لیس له دافع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۱ - ۱،۳،۵،۶

۱ - توانایی خداوند بر نابودی امت ها (همچون کافران) و جایگزین کردن امت های برتر و بهتر از آنها (همچون مؤمنان)

فلاأُقسم . .. إنّا لقدرون . علی أن نبدّل خیرًا منهم

درباره زمان تبدیل و مقصود از آن در این آیه، دو احتمال وجود دارد: ۱ نابودی کافران و جایگزین کردن مردم خوب و مؤمن به جای آنان در دنیا; ۲ تبدیل کافران و دیگر انسان ها به انسان های برتر و مناسب حیات اخروی در قیامت. برداشت یاد شده، مبتنی بر احتمال نخست است.

۳ - توانایی قطعی خداوند ، بر احیای مردگان

علی أن نبدّل خیرًا منهم . و ما نحن بمسبوقین

۵ - ربوبیت خداوند نسبت به مشرق و مغرب عالم ، دلیل توانایی او بر احیای مجدد انسان ها است .

بربّ المشرق و المغرب إنّا لقدرون . علی أن نبدّل خیرًا منهم و ما نحن بمسبوقین

۶ - خداوند ، قادر مطلق و شکست ناپذیر است .

إنّا لقدرون . .. و ما نحن بمسبوقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۴۰ - ۱،۴

۱ - توانایی خداوند بر احیای مردگان

ألیس ذلک بقدر علی أن یحیی الموتی

۴ - استبعاد و تردید در توانایی خداوند ، مشکل و بهانه کافران در پذیرش مسأله معاد و احیای مردگان

ألیس ذلک بقدر علی أن یحیی الموتی

طرح مسأله توانایی خداوند بر احیای مردگان به صورت سؤال، نشان دهنده حقیقت

یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲ - ۱۱

۱۱ - آفرینش انسان از نطفه ، دلیل قدرت خداوند بر آفرینش مجدد او در روز رستاخیز

هل أتی علی الإنسن حین من الدهر لم یکن شیئًا مذکورًا . إنّا خلقنا الإنسن من نطف

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است، موضوع آیه ۵ این سوره تا پایان آن، درباره مسائل قیامت (مانند بهشت و جهنم و جایگاه کافران و خوبان و. ..) است. ضمن آن که آیه پایانی سوره پیش که درباره اثبات توانایی خداوند بر احیای مردگان بود تأییدکننده همین مطلب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۸ - ۴

۴ - توانایی خداوند بر آفرینش انسان ، نشانه توانایی او بر نابود کردن امت های گنه پیشه و کافر و جایگزین کردن دیگران

نحن خلقنهم . .. وإذا شئنا بدّلنا أمثلهم تبدیلاً

برداشت یاد شده، از یاد آوری آفرینش انسان از سوی خداوند پیش از تذکر به هلاکت امت های کافر و جایگزین کردن دیگران استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۹ - ۵

۵ - قدرت خداوند بر ایجاد حالت خواب در انسان ، دلیل امکان معاد است .

عمّ یتساءلون . .. و جعلنا نومکم سباتًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۶ - ۳

۳ - باغ ها و جنگل های پوشیده از درخت ، نشان دهنده قدرت خداوند و امکان پذیر بودن معاد

عمّ

يتساءلون . .. ألم نجعل ... جنّت ألفافًا

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۲۰ – نازعات – ۷۹ – ۱۳ – ۲

۲ – معاد و زنده ساختن دوباره انسان ها براى خداوند آسان است .

فإنّما هى زجره وحده

جمله <فإنّما. ..> پاسخى به استبعاد منكران معاد است; يعنى، تمام آنچه كه آن را سخت و دشوار مى پنداريد، براى خداوند، تنها ايجاد يك خروش و بانگ حيات بخش است و بس.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۲۰ – نازعات – ۷۹ – ۲۹ – ۳

۳ – توانمندى خداوند بر ايجاد شب و روز ، نشانه قدرت او بر احياى دوباره انسان است .

ءأنتم أشدّ . .. و أغطش ليلها و أخرج ضحيها

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۲۰ – عبس – ۸۰ – ۲۲ – ۷

۷ – قدرت خداوند بر آفرينش انسان ها ، تنظيم توانمندى هاى آنان ، هدايت تكوينى و نيز ميراندن و به گور افكندن آنها ، دليل قدرت او بر زنده ساختن آنان در قيامت است .

خلقه فقدّره . ثمّ السبيل يسّره . ثمّ أماته فأقبره . ثمّ إذا شاء أنشره

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۲۰ – بروج – ۸۵ – ۱۳ – ۳،۵

۳ – توانمندى خداوند بر ايجاد جهان هستى و اعاده آن ، دليل قدرت او بر مجازات سخت كافران

إنّه هو يبدىء و يعيد

حرف <إنّ> براى تعليل است و مبناى آيه قبل را بيان مى كند.

۵ – توانایی خداوند بر عذاب پیشینیان ، دلیل توانمندی او بر اعاده آن برای نسل های آینده بشر *

قتل أصحب الأُخدود

. .. إنّه هو يبدىء و يعيد

مفـاد آيه شـريفه به قرينه تهديـد بودن آن براى كافران ممكن است اين باشـد كه بايـد آينـدگان، از سـرنوشت پيشـينيان عبرت بگيرند; زيرا كسى كه عذاب ها را براى اولين بار به وجود آورد، بر اعاده آن نيز توانمند است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۲۰ - ۱

۱ - خداوند ، بر كافران قدرت كامل و سيطره همه جانبه دارد .

و اللّه من ورائهم محيط

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۸ - ۱

۱ - خداوند ، بر اعاده مجدد انسان پس از مرگ او ، توانمند است .

إنّه على رجعه لقادر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۳ - ۳

۳ - گفتار خداوند درباره معاد و توان او بر احياى دوباره انسان ، گفتار نهايى و فيصله دهنده تمام گفتوگو ها است .

إنّه لقول فصل

ضمير <إنّه> چه به قرآن برگردد و چه به محتـواى آيـات پيشـين كه دربـاره قـدرت خداونـد بر معـاد بـود برداشت يـاد شـده استفاده مى شود. <قول فصل>، به كلامى گفته مى شود كه <فصل الخطاب> باشد و به گفتوگوها خاتمه دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - اعلى - ۸۷ - ۳ - ۳

۳ - خداوند ، آفريده هاى با شعور خويش را بر شيوه به كار بردن توانمندى هاى خود ، آگاه ساخته است .

فهدى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۴

۱۰ - < روی عن علی (ع) انّه قال : معناه [أی قوله تعالی : إنّ ربّک لبالمرصاد] إنّ ربّک قادر علی أن یجزی أهل المعاصی جزاءهم ؛

از علی(ع) روایت شده که فرمود: معنای آیه این است که پروردگارت، توانایی دارد که گنه کاران را کیفر بدهد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۵ - ۵

۵ - توجه به همراه بودن زندگانی با سختی ها ، مایه پی بردن انسان به ضعف خویش در برابر خداوند

فی کبد . أیحسب أن لن یقدر علیه أحد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۵ - ۳،۴

۳ - خداوند ، بر همه حوادث هستی ، مسلّط است و از هیچ پیشامدی نمی هراسد .

و لایخاف عقبیها

۴ - خداوند ، از نابود ساختن جامعه های بزرگ آلوده به گناه ، نمی هراسد و بر آثار و پیامد های آن سلطه کامل دارد .

و لایخاف عقبیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱ - ۶

۶ - خداوند ، توانا سازنده پیامبر (ص) بر قرائت مکتوباتی خاص

اقرأ

فرمان <اقرء> به قرینه امّی و بی سواد بودن پیامبر(ص) تا زمان بعثت فرمانی بود که در کنار تشریع حکم قرائت، تأثیر تکوینی در وجود آن حضرت داشت. تکرار این فرمان در آیات بعد و حذف مفعول آن دو، می تواند تأییدی بر تأثیر تکوینی آن باشد. واژه <قرائت> که در مورد نوشته ها به کار می رود بیانگر وجود مکتوباتی

در برابر دیدگان آن حضرت است که گرچه خطّ و نوع کتابت آن برای ما مجهول می باشد; ولی قابل قرائت بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فلق - ۱۱۳ - ۱ - ۸

۸ - خداوند ، بر حفاظت انسان ها از خطر ها و آسیب ها توانا است .

قل أعوذ بربّ الفلق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فلق - ۱۱۳ - ۲ - ۳

۳ - خداوند ، توانا بر دفع ضرر و جلوگیری از آسیب دیدن انسان از دیگر موجودات

قل أعوذ . .. من شرّ ما خلق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فلق - ۱۱۳ - ۳ - ۲

۲ - خداوند ، بر حفاظت انسان از مخفی ترین خطر ها ، توانا است .

و من شرّ غاسق إذا وقب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فلق - ۱۱۳ - ۴ - ۶

۶ - خداوند ، توانا بر ابطال سحر و بی اثر کردن نَفَس جادوگران

و من شرّ النفّثت فی العقد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فلق - ۱۱۳ - ۵ - ۳

۳ - خداوند ، بر بی اثر کردن حسد دیگران و مصون ساختن انسان در برابر تلاش های عملی حسودان ، توانا است .

أعوذ بربّ الفلق . .. و من شرّ حاسد إذا حسد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – ناس – ۱۱۴ – ۱ – ۷

۷ – خداوند ، بر حفاظت انسان ها از خطر ها و آسیب ها توانا است .

قل أعوذ

بربّ الناس

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – ناس – ۱۱۴ – ۲ – ۲

۲ – خداوند ، به دلیل حاکمیت و تسلّط بر مردم ، بر محافظت آنان از خطر ها و مهارکردن حوادث زیان بار ، توانا است .

قل أعوذ بربّ الناس . ملك الناس

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – ناس – ۱۱۴ – ۴ – ۴

۴ – خداوند ، بر بی اثر ساختن وسوسه های شدید و مرموز دشمنان ، توانا است .

قل أعوذ بربّ الناس . .. من شرّ الوسواس الخنّاس

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – ناس – ۱۱۴ – ۶ – ۶

۶ – خداوند ، توانا بر خنثی ساختن وسوسه های جن و انس

قل أعوذ بربّ الناس . .. من الجنّه و الناس

قدرت خدا در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۳۵ – ۶

۶ – ظهور و تجلی اقتدار الهی بر خلق ، در صحنه قیامت

یرسل علیکما . .. فلاتنتصران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – فجر – ۸۹ – ۲۵ – ۳

۳ – ظهور قدرت مطلق خداوند در قیامت و سیطره فرشتگان بر صحنه های آن ، دلیل بی نظیر بودن عذاب های او است .

فیومئذ لایعذّب عذابه أحد

حرف <فاء> در <فیومئذ>، آیه شریفه را بر مطالبی که در آیات پیشین بیان شد (از جمله آیه <و جاء ربّک و الملک صفّاً صفّاً>) تفریع کرده است.

قدرت داود(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸

۸،۱۴ - ۱۷ -

۸ - داوود (ع) ، شخصیتی نیرومند و پرتوان

و اذکر عبدنا داود ذاالأید

<أید> به معنای قوت و شدت است و <ذاالأید>; یعنی، صاحب قدرت و نیرومند.

۱۴ - < عن أبی جعفر (ع) قال : الیـد فی کلام العرب القوّه و النعمه قال (اللّه عزّوجلّ) : < واذکر عبدنا داود ذاالأید > . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شـده که فرمود: <یـد> در کلام عرب همان قوت و نعمت است. .. . [خداوند عزّوجلّ] فرمود: <واذکر عبدنا داود ذاالأید>...>.

قدرت دایه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۲ - ۹

۹ - خیرخواهی و توانمندی بر دایگی و پرستاری ، از معیار های بایسته برای گزینش دایه و سرپرست برای فرزندان شیرخوار

قالت هل أدلّکم علی أهل بیت یکفلونه لکم و هم له نصحون

قدرت در الوهیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۴ - ۵

۵ توانایی بر رفع نیاز بندگان و اجابت درخواست ها و دعا های آنان ، نشانه خدایی است .

له دعوه الحق والذین یدعون من دونه لایستجیبون لهم بشیء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۹ - ۲

۲- قدرت و توانایی دفع هرگونه ضرر از خویش ، لازمه الوهیت است .

لو كان هؤلاء ءالهه ما وردوها

برداشت یاد شده به خاطر این است که خداوند برای عدم الوهیت معبودهای مشرکان، ناتوانی آنان از دفع آتش دوزخ از خویش را دلیل قرار داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳

- نمل - ۲۷ - ۲۶ - ۶

۶ - تنها قدرت حاکم بر نظام تدبیر جهان ، شایسته الوهیت

اللّه لا إله إلّا هو ربّ العرش العظیم

در این آیه، به دو حقیقت <الوهیت> و <ربوبیت خدا بر نظام هستی> اشاره شده است. از ارتباط این دو بخش مطلب یاد شده استفاده می شود.

قدرت در انفاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۷ - ۵

۵ - میزان پرداخت هزینه زندگی همسران و انفاق به دیگران ، بسته به توانایی و دارایی شوهران و انفاق گران است .

لینفق ذو سعه من سعته و من قدر علیه رزقه فلینفق ممّا ءاتیه اللّه

برداشت یاد شده، براساس دیدگاه برخی از مفسران است که گفته اند: آیه شریفه، علاوه بر مورد زنان مطلّقه، شامل همه زنان و همه انفاق های واجب و مستحب می شود.

قدرت در برنامه ریزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۶ - ۸

۸ قدرت و علم شرط لازم برای برنامه ریزی و موفقیت در اجرای آن است.

ذلک تقدیر العزیز العلیم

قدرت در تبلیغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۹ - ۳

۳ - آگاهی و توانایی ، دو شرط لازم در ارشاد مردم

سنقرئك . .. نيسّرك ... فذكّر

قدرت در تكليف

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱ – بقره – ۲ – ۱۸۴ – ۹

۹ – تكاليف شرعى در صورتى كه براى انسان طاقت فرسا باشد ، لازم الاجرا نيست .

و على الذين يطيقونه فديه

جلد –

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۱۹۶ – ۳۱

۳۱ حد وجوب قربانی در حج ، سهل و میسور بودن آن است .

فمن تمتع . .. فما استیسر من الهدی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۳۳ – ۱۱،۱۲،۱۳

۱۱ هیچکس به بیش از مقدار قدرت و توانایی خود تکلیف نمی شود .

لا تُکلَّفُ نفس الا وسعها

۱۲ میزان متعارف نفقه و مخارج واجب بر شوهران ، باید به اندازه توانایی مالی آنان باشد .

و علی المولود له زرقهنّ و کسوتهنّ بالمعروف لا تُکلف نفس الا وسعها

به نظر می رسـد جمله <لا تُکلّف . .. > تبیین کلمه <معروف> باشـد; یعنی نبایـد حدّ متعارف، بدون در نظر گرفتن توانایی مالی شوهر تعیین شود.

۱۳ وظیفه شوهر در تأمین مخارج زن ، بیش از توان او نیست .

و علی المولود له . .. لا تُکلّف نفس الا وسعها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۳۶ – ۸،۹

۸ مقدار متاع و کالای مناسب و پسندیده برای پرداخت به زن مُطلّقه ، باید متناسب با توان مالی شوهر باشد .

و متّعوهنّ علی الموسع قدرُهُ و علی المقتر قدرهُ متاعاً بالمعروف

۹ تکالیف الهی بر بندگان ، در محدوده امکانات و توانایی های آنان *

علی الموسع قدره و علی المقتر قدره

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۴۱ – ۸

۸ لزوم پرداخت کالای شایسته به زنان مطلّقه در حدّ توانایی مرد ، پس از انقضای مدّت

عدّه

و للمطلّقات متاع بالمعروف

امام صادق (ع) درباره آیه <و للمطلقات . .. > فرمود: متاعها بعد ما تنقضی عدّتها <علی الموسع قدره و علی المقتر قدره>

کافی، ج ۶، ص ۱۰۵، ح ۳ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۴۰، ح ۹۵۶ و ۹۵۷.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۶ - ۱،۲

۱ خداوند ، بیشتر از توانایی و ظرفیّت عادی هر انسان ، تکلیفی به او روا نمی دارد .

لا یکلّف اللّه نفساً إلاّ وُسعها

قید <عادی> در برداشت فوق، از کلمه <وسع> که به معنای <ما یسهل علیه من المقدور> است، استفاده می شود.

۲ قدرتِ عادی ، شرط تکلیف

لا یکلّف اللّه نفساً إلاّ وُسعها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۸ - ۱۳

۱۳ لزوم رعایت تناسب قوانین با توان مردم

یرید اللّه ان یخفّف عنکم و خلق الانسان ضعیفاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۳ - ۳۸

۳۸ لزوم خرید آب برای وضو ، در حد توان مالی

فلم تجدوا ماءً

امام کاظم (ع) درباره میزان مبلغ ضروری برای تهیّه آب وضو و غسل در صورت نبودن آب فرمود: ذلک علی قدر جدته.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۴۴، ح ۱۴۶ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۷۲، ح ۱۷.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۷ - ۱۶

۱۶ جبر محیط با توان خروج از آن ، عذری غیر قابل قبول برای ترک تکالیف الهی

قالوا کنّا مستضعفین فی الارض قالوا الم

تکن ارض اللّه واسعه فتهاجروا فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۸ - ۳،۴،۵،۷،۹،۱۳

۳ توانایی ، شرط وجوب هجرت برای مسلمانان تحت ستم (مستضعف)

قالوا الم تکن ارض اللّه واسعه فتهاجروا فیها . .. الّا المستضعفین ... لا یستطیعون

۴ قدرت ، از شرایط تکلیف

الّا المستضعفین . .. لا یستطیعون حیله و لا یهتدون سبیلا

۵ هجرت بر مردان و زنان و کودکان درمانده و ناتوان ، واجب نیست .

قالوا الم تکن ارض اللّه واسعه فتهاجروا فیها . .. الّا المستضعفین من الرّجال و ال

۷ ناتوانان از شناخت دین و احکام الهی ، در زمره مستضعفان حقیقی هستند .

الّا المستضعفین . .. لا یستطیعون حیله و لا یهتدون سبیلا

برداشت فوق را فرمایش امام باقر (ع) تأیید می کند که در معنای <مستضعفین> در آیه فوق فرمود: هو الذی لا یستطیع الکفر فیکفر و لا یهتدی سبیل الایمان فیؤمن . .. .

معانی الاخبار، ص ۲۰۱، ح ۴ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۳۶، ح ۵۰۶.

۹ کسانی که توان انجام تکالیف الهی را ندارند ، در پیشگاه خداوند معذورند .

الّا المستضعفین . .. لا یستطیعون حیله و لا یهتدون سبیلا

۱۳ کودکان و مردان و زنانی که عقل کودکانه دارند ، مستضعف فکری بوده و مشمول تکالیف الهی نیستند .

الّا المستضعفین . .. و لا یهتدون سبیلا

امام باقر (ع) در مورد مستضعف در آیه فوق فرمود: . .. و الصبیان و من کان من الرجال و النساء علی مثل عقل الصبیان مرفوع عنهم القلم.

معانی الاخبار، ص ۲۰۱، ح ۴ ; نورالثقلین، ج ۱، ص

۵۳۷، ح ۵۰۶.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۲۹ – ۶

۶ قدرت ، از شرایط تکلیف

و لن تستطیعوا ان تعدلوا بین النساء و لو حرصتم فلاتمیلوا کل المیل

رعایت عـدالت کامل، ملاک مطلوبیت را دارد، ولی به جهت عـدم استطاعت، واجب نشـده است، و این می نماید که تکلیف مشروط به استطاعت و قدرت است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۶ – ۴۳

۴۳ لزوم خرید آب برای وضو و غسل ، در حد توان مالی به وقت دسترسی نداشتن به آن

فلم تجدوا الماء

از امام کاظم(ع) روایت شده که درباره میزان مبلغ ضروری برای تهیه آب وضو و غسل در صورت نبود آب فرمود: ذلک علی قدر جدته.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۴۴، ح ۱۴۶; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۷۲، ح ۱۷.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۸۹ – ۱۵،۱۶،۱۷

۱۵ انجام تکالیف دین منوط به توان و قدرت مکلف است .

فمن لم یجد فصیام ثلثه ایام

۱۶ آدمی در محدوده توانایی های خویش موظف به جبران کوتاهی ها و گناهان خود است .

فکفّرته اطعام . .. فمن لم یجد فصیام ثلثه ایام

۱۷ لزوم کسب و بدست آوردن امکانات مادی جهت پرداخت کفاره قسم *

فمن لم یجد فصیام ثلثه ایام

جمله <فمن لم یجد> حکایت از آن دارد که شکننده سوگند باید برای بدست آوردن امکاناتی جهت پرداخت کفاره تلاش کند زیرا فعل <لم یجد> (نیافت) در مواردی استعمال می شود که شخص پس از تلاش و

پی گیری امری به آن دست نیابد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۹ - ۱۱

۱۱ تکلیفهای الهی متناسب با توان انسان است.

إلا ما اضطررتم إلیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۲ - ۹،۱۰،۱۱،۱۲

۹ خداوند انسانها را بیش از توانشان تکلیف نمی کند.

لانکلف نفسا إلا وسعها

<وسع> (توان و قدرت) مصدر و در اینجا به معنای اسم مفعول است. یعنی: <لایکلف الله نفسا إلا تکلیفا مقدورا لها>.

۱۰ قدرت انسان بر انجام تکالیف الهی از شرایط مکلف بودن به آن تکالیف است.

لانکلف نفسا إلا وسعها

۱۱ مراعات کردن عدالت در مبادلات و انتخاب سودمندترین روش برای تصرف در اموال آنها بیش از توان متعارف واجب نیست.

إلا بالتی هی أحسن . .. و أوفوا الکیل ... لانکلف نفسا إلا وسعها

بیان این حقیقت که <خداوند انسان را بیش از توانش تکلیف نمی کند> پس از فرمانهای یاد شده، اشاره به این دارد که مکلفان برای رعایت آن فرمانها لازم نیست خود را به مشقت اندازند. چرا که انجام تکلیف تا حد قدرت متعارف فرض است و نه بیش از آن.

۱۲ تجاوز نکردن به اموال یتیمان و رعایت عدالت در مبادلات از تکالیفی است که انسانها بر انجام آن توانا هستند. *

و لاتقربوا مال الیتیم . .. و أوفوا الکیل و المیزان بالقسط لانکلف نفسا إلا وسعها

برخی بر آنند که هدف از جمله <لاتکلف . ..> تذکر این معناست که فرمانهای یاد شده در حد توان انسانهاست تا مبادا به

گمان اینکه این اوامر مشقتبار و طاقت شکن است،

از پذیرش آنها سرباز زنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۲ - ۳،۴

۳ تکلیف و مسؤولیت هر انسان در باور به معارف الهی و انجام تکالیف دین ، به میزان قدرت و استطاعت اوست .

لانکلف نفساً إلا وسعها

۴ انسان ها در باورشان به معارف دین و انجام تکالیف الهی ، برخوردار از توانایی های متفاوت هستند .

و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لانکلف نفساً إلا وسعها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۶ - ۸

۸ تکالیف الهی متناسب با توان مکلفان است .

و علم أن فیکم ضعفا فإن یکن منکم مائه صابره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۱ - ۲،۲۱

۲ قدرت ، شرط تکلیف است .

لیس علی الضعفاء . .. حرج

۲۱ از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود : < . . . إن اللّه یحتج علی العباد بما آتاهم و عرّفهم . . . و ما امروا إلا بدون سعتهم . . . و کل شیئی لا یسعون له فهو موضوع عنهم . . . ثم تلا < لیس علی الضعفاء و لا علی المرضی و لا علی الذین لا یجدون ما ینفقون حرج > . . . ;

. .. به تحقیق خداوند بر بندگان احتجاج می کند به چیزی که به آنها عطا فرموده و شناختی که به آنها داده است ... و آنان مأمور نشده اند مگر به تکلیفی که پایین تر از سعه و توانشان باشد ...

و هر تکلیفی که در وسع بندگان نباشد، از آنها برداشته شده ... سپس امام آیه شریفه را تلاوت فرمود: <بر ضعیفان و بیماران و آنان که چیزی نمی یابند که (در راه جهاد) هزینه کنند، باکی نیست> ... .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۶ - ۹

۹ استطاعت شرط لزوم وفا به عهد ، قسم و تکالیف الهی است .

إلاّ أن یحاط بکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۵ - ۱۲

۱۲- در نظر گرفته شدن نیاز و توان بشر ، در احکام و تکالیف الهی

إنما حرّم علیکم . .. فمن اضطرّ غیر باغ و لاعاد فإن الله غفور رحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۸ - ۸

۸ - لزوم توجه به طاقت و توان مردم ، در قانون گذاری و تعیین تکلیف

و ما جعل علیکم فی الدین من حرج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۲ - ۱

۱ - تکالیف الهی برای انسان ها ، به میزان طاقت و توان آنها است .

و لانکلّف نفسًا إلاّ وسعها

<تکلیف> (مصدر <نکلّف>) وادار کردن به انجام یا ترک چیزی را گویند. <وسع> مرادف با طاقت و توان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۰ - ۷

۷ - احکام و قوانین اسلام ، مطابق با ضرورت ها و واقعیت های موجود در زندگی و متناسب با توانایی ها و مقدورات بشری است .

و القوعد

من النساء الّتی لایرجون نکاحًا فلیس علیهن جناح أن یضعن ثیابهنّ غیر متب

سخت گیری اسلام نسبت به مسأله حجاب و پوشش زنان و استثنا کردن زنان سالخورده و آسان گرفتن بر آنان در این مسأله نشانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۷ - ۳

۳- قوانین و فرمان های الهی ، متناسب با استعداد و توان ذاتی انسان ها

إن یسئلکموها فیحفکم تبخلوا

از ارتباط این آیه با آیه قبل، استفاده می شود که خداوند انفاق تمامی اموال را بر انسان ها واجب نساخته است; زیرا اگر چنین دستوری صادر می شد و حتی مورد تأکید هم قرار می گرفت، انسان ها بخل میورزیدند. بنابراین با توجه به این خصلت عینی و فراگیر، خداوند چنین قانونی را جعل نکرده و توان آنان را در نظر گرفته است. البته این برداشت، مبتنی بر این است که مراد از <أموالکم>، تمام اموال باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۷ - ۱،۲

۱ - افراد نابینا ، لنگ و مریض ، معاف از شرکت در جنگ

لیس علی الأعمی حرج و لا علی الأعرج حرج و لا علی المریض حرج

۲ - تکالیف و مسؤولیت های الهی ، برای انسان ها متناسب با امکانات و توان آنان

لیس علی الأعمی حرج . .. و لا علی المریض حرج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۴ - ۲،۵،۱۴

۲ - توجه و اهتمام اسلام به مقدورات و توانایی های مکلّفان ، در تشریع احکام و وضع قوانین

فمن

لم يجد . .. فمن لم يستطع ... تلك حدود اللّه

۵ - در صورتی که گرفتن روزه برای ظهارکننده مقدور نباشد ، باید شصت مسکین را اطعام کند .

فمن لم يستطع فإطعام ستّين مسكينًا

۱۴ - < عن أبی جعفر (ع) فی قوله عزّوجلّ . . . < و من لم يستطع فإطعام ستّين مسكيناً > قال : من مرض أو عطاش ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند عزّوجلّ . ..<و من لم يستطع فإطعام ستّين مسكيناً> روايت شده كه فرمود: [مراد، عدم استطاعت بر صوم]، ناشی از مرض يا بيماری تشنگی است>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۲ - ۱۰،۱۳

۱۰ - صدقه نجوا ، تنها بر كسانی واجب بود كه توانايی مالی داشتند .

فإن لم تجدوا فإنّ اللّه غفور رحيم

۱۳ - توجه و اهتمام اسلام به مقدورات و توانايی های مكلفان ، در وضع و تشريع احكام و تكاليف

فإن لم تجدوا فإنّ اللّه غفور رحيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۶ - ۱،۲

۱ - توصيه خداوند به مؤمنان ، مبنی بر رعايت تقوای الهی به ميزان توان خويش

فاتّقوا اللّه ما استطعتم

۲ - تكاليف الهی ، به ميزان توانايی و امكانات افراد است .

فاتّقوا اللّه ما استطعتم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۶ - ۳

۳ – مسکن زنان مطلّقه از نظر کمیت و کیفیت ، باید به مقدار دارایی و توانایی همسرانشان باشد ; نه کمتر از آن .

أسکنوهنّ من حیث سکنتم من وجدکم

<وجد>، به معنای وسع

و طاقت (توانایی) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۷ - ۵،۶،۷

۵ - میزان پرداخت هزینه زندگی همسران و انفاق به دیگران ، بسته به توانایی و دارایی شوهران و انفاق گران است .

لینفق ذو سعه من سعته و من قدر علیه رزقه فلینفق ممّا ءاتیه اللّه

برداشت یاد شده، براساس دیدگاه برخی از مفسران است که گفته اند: آیه شریفه، علاوه بر مورد زنان مطلّقه، شامل همه زنان و همه انفاق های واجب و مستحب می شود.

۶ - خداوند ، به میزان توانایی ها و امکانات هر شخصی ، به او تکلیف کرده و از وی مسؤولیت خواسته است .

لایکلّف اللّه نفسًا إلّا ما ءاتیها

۷ - مقدار توانایی و امکانات افراد ، از شاخصه هایی است که باید در تکلیف کردن و مسؤولیت خواستن لحاظ شود .

لایکلّف اللّه نفسًا إلّا ما ءاتیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۳ - ۷

۷ - سلامت و توانایی ، از شرایط مکلف

یدعون إلی السجود و هم سلمون

مطلب یاد شده، از قید <و هم سالمون> استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۸،۱۰،۱۱،۱۵،۱۸

۸ - رخصت یافتن مؤمنان و یاران پیامبر (ص) ، به کاستن از مدّت شب زنده داری خویش و انجام آن به میزان میسور و ممکن

علم أن لن تحصوه فتاب علیکم

در گذشتن خداوند از مؤمنان شب زنده دار پس از یادآوری به کم و زیاد شدن میزان شب زنده داری آنان حاکی از رخصت

دادن او، به این کمی و زیادی است.

۱۰ - تلاوت قرآن ، باید به میزان میسور باشد ; نه مقداری که برای قاری خسته کننده و مشقت آور است .

فاقرءوا ما تیسّر من القرءان

۱۱ - مؤمنان و یاران پیامبر (ص) ، موظّف به نماز در پاسی از شب به میزان میسور و ممکن

تقوم أدنی من ثلثی الّیل . .. فاقرءوا ما تیسّر من القرءان

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که مقصود از قرائت قرآن، نماز باشد; زیرا خواندن قرآن از اجزای مهم نماز است. گفتنی است چون جمله های پیش درباره نماز شب بود، می تواند قرینه بر مطلب یاد شده باشد.

۱۵ - رعایت حال مریضان ، مسافران تاجر و سوداگر و جنگ جویان خداجو ، فلسفه تخفیف دادن تکلیف شب زنده داری و کاستن از آن ، به میزان میسور و ممکن

فاقرءوا ما تیسّر من القرءان علم أن سیکون منکم مرضی و. .. و ءاخرون یقتلون فی سبی

عبارت <ضرب فی الأرض> در معانی سفر برای تجارت و خارج شدن برای جنگ آمده است; ولی با آمدن <و آخرون یقاتلون فی سبیل اللّه> معنای اول مراد است.

۱۸ - تکالیف عبادی اسلام ، آسان و در توان بشر و به دور از مشقّت و مشکل طاقت فرسا

فاقرءوا ما تیسّر منه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۴ - ۵

۵ - مصرف طعام ، باید به منظور از بین بردن گرسنگی و به دست آوردن توان عبادت باشد .

فلیعبدوا . .. الذی أطعمهم من جوع

<من جوع>، بیانگر آن است که هدف از طعام، زوال گرسنگی

است; نه آن که خوردن، همواره مطلوب باشد. <فلیعبدوا> بیانگر هدف بودن عبادت برای طعامی است که از خداوند به انسان می رسد.

قدرت در جوانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶ - ۲

۲ آفرینش انسان از خاک ، رشد مرحله به مرحله او در رحم ، صعود تدریجی از طفولیت (مرحله ضعف جسمی و عقلی) به اوج جوانی و نزول تدریجی از اوج بتوانایی (جوانی) به حضیض ناتوانی (کهولت و پیری) ، جلوه های ربوبیت خدا و یگانگی او

فإنّا خلقناکم من تراب . ..لکیلا یعلم من بعد علم شیئًا ... ذلک بأنّ اللّه هو الحق

قدرت در ربوبیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹۲ - ۳،۴

۳ توانا بودن بر یاری رسانی به بندگان و دفاع کردن از خویش ، از ملاک های ربوبیت و معبود راستین است .

لایستطیعون لهم نصرا و لا أنفسهم ینصرون

۴ عاجز بودن معبودان اهل شرک بر دفاع از خود و پرستشگران خویش ، دلیل عدم لیاقت آنها برای ربوبیت و پرستش

أیشرکون ما . .. لایستطیعون لهم نصرا و لا أنفسهم ینصرون

قدرت در رسولان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳۱ - ۵

۵ - نیرومندی و صلابت ، شرطی ضروری برای رسولان الهی و رهبران مبارزه با طغیانگران است .

أشدّد به أزری

قدرت در روزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۴ - ۸

۸ - کسانی

که روزه ماه رمضان برای آنان مشقت بار و طاقت فرساست ، نباید روزه بگیرند .

و علی الذین یطیقونه فدیه

<اطاقه> به معنای قدرت داشتن بر انجام کار و یا صرف کردن تمام قدرت برای انجام آن است. لازمه معنای دوم، انجام دادن فعل با رنج و مشقت است. به نظر می رسد مراد از <یطیقونه> معنای دوم باشد. بنابراین <و علی الذین یطیقونه فدیه>; یعنی، کسانی که]اگر بخواهند روزه بگیرند[باید تمام قدرت خویش را برای این کار صرف کنند و در نتیجه به رنج و زحمت می افتند، روزه نگیرند; بلکه فدیه بپردازند.

قدرت در رهبران دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳۱ - ۵

۵ - نیرومندی و صلابت ، شرطی ضروری برای رسولان الهی و رهبران مبارزه با طغیانگران است .

أشدّد به أزری

قدرت در رهبری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۰ - ۸

۸ - ارتباط همیشگی با خداوند ، نیرومندی ، حکمت ، توانایی بر فیصله دادن به امور و داشتن منطق قوی در جداسازی حق از باطل ، از شرایط لازم رهبران و مدیران جامعه در نگاه وحی

واذکر عبدنا داود ذاالأید إنّه أوّاب . .. و شددنا ملکه و ءاتینه الحکمه و فصل الخ

برداشت یاد شده از مجموع اوصافی که خداوند برای داوود(ع) به عنوان حاکم و فرمانروا ذکر کرده است، به دست می آید.

قدرت در شفاعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۳ - ۴

۴ - خردورزی و توانایی بر شفاعت ،

دو شرط اصلی شایستگی شفاعت به پیشگاه الهی است .

قل أَوَلو کانوا لایملکون شیئًا و لایعقلون

قدرت در قضاوت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۷۸ – ۹

۹ – قدرت اجرایی و آگاهی عمیق به جوانب امر ، دو پایه اصلی در کار قضاوت و داوری

إنّ ربّک یقضی . .. و هو العزیز العلیم

از این که خداوند پس از بیان قضاوت گری خویش، دو وصف <عزیز> و <علیم> را برای خود بیان کرده است، می توان مطلب فوق را استفاده کرد.

قدرت در مبارزه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۷۵ – ۱۴

۱۴ نیروی انسانی و فرماندهی ، دو شرط اساسی برای مبارزه با ستمگران

اخرجنا من هذه القریه الظّالم اهلها و اجعل لنا من لدنک ولیّاً و اجعل لنا من لدنک

قدرت در مدیریت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۵۵ – ۱۲

۱۲ دانش و توان ، دو شرط اساسی برای مدیریت و تصدی وزارت

اجعلنی . .. إنی حفیظ علیم

قدرت در معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹۲ - ۴

۴ عاجز بودن معبودان اهل شرک بر دفاع از خود و پرستشگران خویش ، دلیل عدم لیاقت آنها برای ربوبیت و پرستش

أیشرکون ما . .. لایستطیعون لهم نصرا و لا أنفسهم ینصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹۳ - ۳

۳ هدایتگری و پاسخ به هدایتجویی بندگان ، از ملاک

های معبود راستین

و إن تدعوهم إلی الهدی لایتبعوکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹۴ - ۷

۷ اجابت درخواست بندگان ، از نشانه های معبود راستین

فادعوهم فلیستجیبوا لکم إن کنتم صدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۰ - ۳

۳- توانمندی بر آفریدن و نیز مخلوق نبودن ، از نشانه های خدا و معبود حقیقی است .

و الذین یدعون من دون الله لایخلقون شیئًا و هم یخلقون

از اینکه خداوند در مقام بیان رد الوهیت معبودهای مشرکان، دو صفت مهم را برشمرده است، استفاده می شود که <الله> باید خالق بوده و مخلوق نباشد.

قدرت در نفقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۷ - ۵

۵ - میزان پرداخت هزینه زندگی همسران و انفاق به دیگران ، بسته به توانایی و دارایی شوهران و انفاق گران است .

لینفق ذو سعه من سعته و من قدر علیه رزقه فلینفق ممّا ءاتیه اللّه

برداشت یاد شده، براساس دیدگاه برخی از مفسران است که گفته اند: آیه شریفه، علاوه بر مورد زنان مطلّقه، شامل همه زنان و همه انفاق های واجب و مستحب می شود.

قدرت در ولایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۹ – ۱۱

۱۱ – قدرت و توانایی ، شرط شایستگی برای ولایت و سرپرستی است .

فاللّه هو الولیّ . .. و هو علی کلّ شیء قدیر

قدرت درک اولوا الالباب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲

۳ - ۱۷۹ -

۳ - بهره مندان از خرد ناب ، توانا بر درک فلسفه قانون قصاص (حیات جامعه)

و لکم فی القصاص حیوه یأولی الألبب

زنـدگی در پرتو قانون قصاص و اجرای آن، برای همه جامعه اسـلامی است نه خصوص خردمندان. بنابراین مخاطب قرار دادن اولی الألبـاب (دارنـدگان خرد نـاب) در بیـان حقیقت مـذکور، اشـاره به این دارد که: درک آن حقیقت در خـور خردی نـاب است.

قدرت دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۳ - ۱۳

۱۳ لزوم مبارزه با دشمنان ، علی رغم ترس از نیرو و قدرت آنان

قال رجلان من الذین یخافون . .. ادخلوا علیهم الباب

قدرت دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۷ - ۱،۲

۱ قدرت و توشه های مادی ، هر اندازه باشد ، ناچیز و اندک است .

لا یغرّنک . .. متاع قلیل

علی رغم اینکه امکانات مادی کافران به اندازه ای بوده که خطر فریبندگی داشته، خداوند آنها را اندک می شمارد.

۲ بهره مندی کافران از قدرت و امکانات مادی ، محدود و کوتاه است .

متاع قلیل ثمّ ماویهم جهنّم

قدرت دنیوی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۹۷ – ۲

۲ بهره مندی کافران از قدرت و امکانات مادی ، محدود و کوتاه است .

متاع قلیل ثمّ ماویهم جهنّم

قدرت دید شیطان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۴۸ – ۱۵

۱۵ شیطان قادر به مشاهده اموری

پنهان از دید آدمیان

إنی أری ما لاترون

قدرت ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۴ - ۱،۳،۴

۱- < ذوالقرنین > شخصیتی نیرومند و برخوردار از امکاناتی گسترده در پهنه زمین بود .

إنّا مکّنّا له فی الأرض

<مکّنّا> یعنی: <به او قدرت دادیم. >. در باره <ذوالقرنین> و شخصیت تاریخی او و این که او کیست نظر واحدی در میان مورّخان و مفسران وجود ندارد; بعضی، او را از فرمانروایان ما قبل تاریخ دانسته اند و قرآن را تنها مرجع شناخت او می دانند و برخی، او را همان <اسکندر> دانسته و برخی دیگر، <فریدون> و برخی، او را از ملوک یمن دانسته و بالاخره، برخی، مانند علامه طباطبایی(ره) تطبیق وی را با <کورش> (پادشاه هخامنشی) با آیات سازگارتر دیده اند. بعضی نیز، او را از پادشاهان چین دانسته و دیوار چین را شاهدی بر مدعای خود گرفته اند.

۳- < ذوالقرنین > ، شخصیتی الهی بود . *

إنّا مکّنّا له فی الأرض

احتمال می رود که انتساب قدرت ذی القرنین به خدا، از آن جهت باشد که خدا، به خاطر شخصیت الهی وی، امکاناتی را به او عطا کرده باشد.

۴- < ذوالقرنین > از اسباب و عواملی کارساز برای محقّق ساختن هر مقصودی برخوردار بود .

و ءاتینه من کلّ شیء سببًا

عموم در <کلّ شیء> عموم عرفی است. <سبباً> مفعول دوم <آتیناه> است. با توجه به مضافی که در کلام مقدر است، تقدیر جمله چنین می شود: <و آتیناه سبباً من أسباب کل شیء> یعنی، از اسباب و وسایلی که برای نیل به تمامی مقاصد علمی و عملی او وجود

داشت، سبب و راهی را در اختیار او قرار دادیم.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۸۶ – ۹

۹- ساحل نشینان مناطق غربی سرزمین ذی القرنین ، از رویارویی با نیرو های او ناتوان بودند و در برابر تصمیمات او ، قدرت مقاومت نداشتند .

وجد عندها قومًا قلنا یذا القرنین إمّا أن تعذّب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۸۷ – ۳

۳- ذوالقرنین ، بر قوم ساحل دریا ، سلطه کامل یافته بود .

قال أمّا من ظلم فسوف نعذّبه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۹۴ – ۴

۴- قوم درگیر با یأجوج و مأجوج ، به ذوالقرنین و به توان مندی و خیرخواهی وی اذعان کردند .

قالوا یذا القرنین إنّ یأجوج و مأجوج مفسدون فی الأرض

با این که <ذوالقرنین> بومی منطقه مورد بحث نبود، ولی با قرائن و شواهد و دیدن قدرت علمی و اجرایی او، مردم، به این نکته واقف شدند که او، کسی است که می تواند سدّی غیر قابل نفوذ در برابر حملات دشمنان برای آنان برپا کند و نیز به خیر خواهی او و این که او غرضی مادّی و قصدی سلطگرانه ندارد، پی بردند، لذا پیشنهاد خود را با او مطرح کردند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۹۸ – ۳

۳- در وجود ذی القرنین بینش توحیدی و الهی همراه ، با قدرت علمی و فنی ، تبلور داشت .

ما مکّنّی فیه ربّی خیر . .. هذا رحمه

من ربّی

قدرت سپاه احزاب صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۲ - ۹

۹ - مسلمانان مدینه ، در غزوه احزاب ، به رغم قدرت و شوکت دشمن و کارشکنی های منافقان ، تسلیم امر پیامبر (ص) برای جهاد بودند .

و لمّا رءا المؤمنون الأحزاب . .. و ما زادهم إلاّ إیمنًا و تسلیمًا

ممکن است <تسلیماً> به قرینه مقام (بحث جهاد و هجوم دشمن و نیز الگو بودن پیامبر(ص)) تسلیم بودن به امر پیامبر(ص) برای جهاد باشد.

قدرت سپاه سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۷ - ۴

۴ - ارتش سلیمان (ع) ، بسیار توانمند و شکست ناپذیر

فلنأتینّهم بجنود لاقبل لهم بها

قدرت سپاه فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۱ - ۴

۴ - ناتوانی مشهود بنی اسرائیل از مقابله با سپاه فرعون

قال أصحب موسی إنّا لمدرکون

قدرت سرکوب کنندگان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۵ – ۳

۳- سرکوب کنندگان اولین فساد بنی اسرائیل ، مردانی بس توانمند و جنگاور

بعثنا علیکم عبادًا لنا أولی بأس شدید

قدرت سلطه طلبان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۳۶ – ۱۱

۱۱ – قدرت و امکانات مادی کافران و سلطه طلبان ، مایه نجات آنان از هلاکت و قهر الهی نخواهد بود .

و کم أهلکنا قبلهم من قرن هم أشدّ منهم بطشًا . .. هل من محیص

قدرت سلیمان(ع)

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۱ - ۲،۳

۲ - برخورد سلیمان (ع) با ملکه و درباریان سبا ، قاطع ، آمرانه و از موضع قدرت بود .

ألاّ تعلوا علىّ و أتونى مسلمين

۳ - نامه سلیمان ، پیامدار رحمت و مهر و نشانگر قدرت و قهر

بسم اللّه الرحمن الرحيم . ألاّ تعلوا علىّ و أتونى مسلمين

آوردن اوصاف <رحمان> و <رحیم> در سرآغاز نامه، پیامدار رحمت و لحن قاطع و آمرانه متن آن، بیانگر قدرت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۴ - ۶

۶ - نگرانی بلقیس از قدرت و غلبه سلیمان (ع) ، علی رغم اظهار آمادگی فرماندهان وی برای هر نبرد

قالوا نحن أُولوا قوّه . .. قالت إنّ الملوك إذا دخلوا قريه أفسدوها

طرح مسأله تباهی جامعه در صورت بروز جنگ، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۸ - ۵

۵ - سلیمان (ع) ، مصمم بر نمایاندن قدرت فوق العاده خود به ملکه سبا ، با احضار تخت او

قال يأيّها الملؤا أيّكم يأتينى بعرشها قبل أن يأتونى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۲ - ۵

۵ - اطلاع بلقیس از مقام معنوی و قدرت سلیمان (ع) و تسلیم شدنش در برابر او ، قبل از رسیدن به دربار وی

و أُوتينا العلم من قبلها و كنّا مسلمين

ضمیر <من قبلها> به آیه و بینه برمی گردد که از عمل خارق العاده

دربار سلیمان به دست می آید.

قدرت سیاسی فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۰ - ۵

۵ - فرعون ، دارای قدرت و ثبات در عرصه های سیاست و حکومت

و فرعون ذی الأوتاد

<أوتاد> (جمع <وتد>) به معنای میخ ها است. توصیف فرعون به این عبارت (دارای میخ های فراوان)، کنایه از استحکام قدرت او است؛ همان گونه که میخ های اطراف خیمه مایه استحکام آن است. این تعبیر ممکن است کنایه از فراوانی سپاه او باشد که برای نصب خیمه هایشان، زمین وسیعی میخ کاری می شد.

قدرت سیاسی قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۱ - ۱۲

۱۲ - قدرت اقتصادی و سیاسی صاحبان زر و زور در عصر نوح (ع) ، در خدمت کفر و شرک و علیه دعوت توحیدی آن حضرت بود .

قال نوح ربّ إنّهم عصونی و اتّبعوا من لم یزده ماله وولده إلاّ خسارًا

قدرت شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷ - ۳

۳- قدرت فوق العاده شتر در پیمودن راه های طولانی و دشوار و حمل بار های سنگین

و تحمل أثقالکم إلی بلد لم تکونوا بلغیه إلاّ بشقّ الأنفس

قدرت شنوایی شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۸ - ۳

۳- در آسمان ها ، خبر ها و اطلاعاتی مبادله می شود که قابل شنود برای موجوداتی چون شیاطین است .

من کلّ شیطن رجیم . إلاّ من استرق السمع

لازمه استراق سمع، وجود

و تبادل اخباری است که قابل شنیدن است.

قدرت شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱۲ - ۲

۲ - قدرت شیاطین بر استماع و استراق سمع گفتار فرشتگان ، در برهه ای از زمان (قبل از ممنوع شدن و عزل گشتن)

إنّهم عن السمع لمعزولون

<معزولون> می توانـد به معنای حال باشـد; یعنی، گر چه شـیاطین در گذشـته گفتار فرشـتگان را می شـنیدند; اما اکنون (از زمان نزول قرآن) از آن عزل گشته و ممنوع شدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸ - ۴

۴ - قدرت شیاطین بر صعود به نزدیک ترین آسمان

إنّا زیّنّا السماء الدنیا . .. لایسّمّعون إلی الملإالأعلی

قدرت شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۷ - ۱۴

۱۴ ضـرورت هشـیاری کامل در برابر اغواگریهای شیطان به دلیل توان وی بر نفوذ مخفیانه بر آدمیان و سیطره و حاکمیت او بر اغواشدگان

لا یفتننکم الشیطن . .. إنا جعلنا الشیطین أولیاء للذین لایؤمنون

دو جمله <إنه یراکم . .. > و <إنا جعلنا ... > به منزله تعلیلی است برای تأکیـد خداوند به پرهیز از اغواگریهای شـیطان. یعنی توصیه و تأکید ما بدان جهت است که وی راه نفوذ مخفیانه را دارد و پس از گمراه کردنتان بر شما ولایت پیدا خواهد کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۷۵ – ۹

۹ شیطان عنصری توانا بر آگاهی یافتن از درون آدمی و اندیشه های او

فانسلخ منها فأتبعه الشیطن

ایمان

به آیات و معارف الهی و نیز کفر به آنها از امور قلبی است، و از آنجا که شیطان پس از منسلخ شدن بلعم باعورا از آیات و معارف الهی به تعقیب او پرداخت، معلوم می شود وی به اندیشه ها و باورهای آدمی می تواند آگاهی یابد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۷ - ۴

۴- شیطان ، موجودی قدرتمند و توانا بر صعود و نفوذ بر آسمانها

و حفظنها من كلّ شيطن رجيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۳ - ۸

۸- شیطان ، بر زدودن مهم ترین خاطره ها از ذهن انسان ، توان دارد .

و ما أنسنيه إلّا الشيطن أن أذكره

خاطره زنده شدن ماهی، با آن که به اعتراف همسفر موسی امری شگفت بود، با دخالت شیطان، به فراموشی کشانده شد. این، نشان دهنده امکانِ نفوذ عمیق شیطان در انسان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۶ - ۷

۷ - شیطان در وسوسه و به انحراف کشاندن آدمیان ، از توانی گسترده برخوردار است .

و إمّا ينزغنّك من الشيطن نزغ فاستعذ باللّه

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که پیامبر(ص) نیز در برابر وسوسه های شیطان، نیازمند به استعاذه و پناه بردن به خداوند است.

قدرت طالوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۷ - ۹

۹ طالوت ، نسبت به دیگران ، از توانایی جسمی و علمی (کاردانیِ) بیشتری برخوردار بود .

و زاده بسطه فی

العلم و الجسم

چون جمله <و زاده . .. > بیان حکمت انتخاب طالوت از میان بنی اسرائیل و علّت تقدّم وی بر دیگران است، پس او در این دو صفت برتر از دیگران بوده است; بنابراین <زاده ...> بیانگر توانایی جسمی و علمی بیشتر او در مقایسه با دیگران است.

قدرت طلبی اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۳ - ۴

۴- اقوام کافر پیشین در برابر انبیا احساس قدرت می کردند و مدعی بودند که سرزمین مسکونی آنان و انبیا از آنِ آنهاست .

لنخرجنّکم من أرضنا

از اینکه آنان، پیامبران را تهدید به اخراج کردند، احساس قدرت استفاده می شود و از اینکه <أرض> (سرزمین) را به خود اضافه کردند; به دست می آید که آنان مدعی حاکمیت و مالکیت بر آن بودند.

قدرت طلبی فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۲ - ۶

۶ - قدرت و ثروت ، تنها ملاک ارزش در دیدگاه فرعون و فرعونیان

قال یقوم ألیس لی ملک مصر . .. أم أنا خیر من هذا الذی

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته زیر است: الف) فرعون پس از یادآوری فرمانروایی و ثروت خویش، موسی(ع) را غیر قابل قیاس با خود می داند و این نشان دهنده بینش فرعون در زمینه ملاک ارزش است. ب) سخنرانی فرعون و تکیه وی بر قدرت و ثروت، نشان می دهد که در جامعه قبطی چنین دیدگاهی وجود داشته است.

قدرت طلبی فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ -

۶ – ۵۲

۶ – قدرت و ثروت ، تنها ملاک ارزش در دیدگاه فرعون و فرعونیان

قال یقوم ألیس لی ملک مصر . .. أم أنا خیر من هذا الذی

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته زیر است: الف) فرعون پس از یادآوری فرمانروایی و ثروت خویش، موسی(ع) را غیر قابل قیاس با خود می داند و این نشان دهنده بینش فرعون در زمینه ملاک ارزش است. ب) سخنرانی فرعون و تکیه وی بر قدرت و ثروت، نشان می دهد که در جامعه قبطی چنین دیدگاهی وجود داشته است.

قدرت طلبی قارون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۷۸ – ۱۲

۱۲ – قارون ، فرد قدرتمند و زورمدار جامعه خویش بود .

من هو أشدّ منه قوّه و أکثر جمعًا

قدرت طلبی مخالفان محمد(ص)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مدثر – ۷۴ – ۱۶ – ۳

۳ – دلداری خداوند به پیامبر (ص) ، در برابر مخالفت های کافران عنود ، قدرت طلب و افزون خواه (همچون ولیدبن مغیره)

ثمّ یطمع أن أزید . کلاّ

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که مخالفان پیامبر(ص) از جمله ولیدبن مغیره از ثروت اندوزان و قدرت مندان بودند. نفی ازدیاد قدرت و ثروت آنان با تعبیر (کلاّ) از سوی خداوند، می تواند به منظور دلداری به پیامبر(ص) باشد.

قدرت طلبی مشرکان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۱۰ – ۳

۳ – توانمندی ها و امکانات مادی ، بت ها و خدایان ساختگی

، تکیه گاه مشرکان در دنیا

و لایغنی عنهم ما کسبوا شیًا و لا ما اتّخذوا

تعبیر <ما کسبوا> که اشاره به امکانات مادی دارد و نیز <ما اتّخذوا. ..> که ناظربه عقاید شرک آلود آنان است نشان می دهد که آنان تمامی اتکا و امید خویش را به آن دو معطوف داشته اند.

قدرت طلبی منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۵ - ۷

۷ نفاق ، پُل به قدرت رسیدن سیاست بازانِ ناصالح

و اذا تولی سعی فی الأرض

در برداشت فوق، <تولی>، رسیدن به حکومت معنا شده است.

قدرت طلبی ولید بن مغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۶ - ۳

۳ - دلداری خداوند به پیامبر (ص) ، در برابر مخالفت های کافران عنود ، قدرت طلب و افزون خواه (همچون ولیدبن مغیره)

ثمّ یطمع أن أزید . کلّا

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که مخالفان پیامبر(ص) از جمله ولیدبن مغیره از ثروت اندوزان و قدرت مندان بودند. نفی ازدیاد قدرت و ثروت آنان با تعبیر (کلّا) از سوی خداوند، می تواند به منظور دلداری به پیامبر(ص) باشد.

قدرت ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۴ - ۹

۹- سوگند ستمگران در دنیا بر پایداری و زوال ناپذیری قدرت خویش

الذین ظلموا . .. أو لم تکونوا أقسمتم من قبل ما لکم من زوال

قدرت عاقلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳

- ۴ - ۹

۹ تنها صاحبان عقل و فهم بر دریافت ربوبیت خدا و یکتایی او در تدبیر هستی توانایند .

إن فی ذلک لأیت لقوم یعقلون

قدرت عفریت جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۹ - ۴

۴ - تأکید عفریت بر قدرت و امانت خود در آوردن تخت بلقیس

و إنّی علیه لقویّ أمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۰ - ۱۳

۱۳ - قدرت و توان عفریت دربار سلیمان ، مقهور دانش و علم آصف بن برخیا

قال عفریت من الجنّ . .. قال الذی عنده علم من الکتب

در پاسخ پرسش سلیمان(ع)، نخست عفریت بود که قدرت خویش را مطرح ساخت; ولی دانش برتر دانشمند دربار سلیمان مجالی برای اعمال قدرت به وی نداد.

قدرت علمای محسن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۶ - ۱۳

۱۳ قدرت و مکنت دانشمندان نیکوکار ، نعمت و رحمت الهی بر آنان است .

إنی حفیظ علیم. و کذلک مکّنّا لیوسف ... نصیب برحمتنا من نشاء

از مصداقهای رحمت الهی (رحمتنا) به قرینه <مکّنّا لیوسف فی الأرض> دستیابی انسانهایی چون یوسف(ع) به قدرت و مکنت است.

قدرت علمی موسی(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۲۷ – ۲

۲ – فرعون ، عاجز از مقابله با منطق موسی (ع)

قال إنّ رسولکم . .. لمجنون

اقدام فرعون به متهم کردن موسی به جنون در مقابل منطق قوی او، نشانگر عجز و ناتوانی وی می باشد.

جلد – نام سوره – سوره

- آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۲۹ – ۱

۱ – روی آوری فرعون به تهدید موسی (ع) با احساس ناتوانی از مقابله با منطق او

قال لئن اتّخذت إلهًا غیری لأجعلنّک من المسجونین

قدرت عیسی(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۷۶ – ۵،۷

۵ مسیح (ع) و مادرش مریم ، مالک هیچ سود و زیانی برای مردم نیستند .

اتعبدون من دون اللّه ما لایملک لکم ضراً و لانفعاً

۷ پندار قدرت مسیح (ع) و مریم بر سود و زیان رسانی به مردم ، از عوامل پرستش آن دو ، از سوی مسیحیان *

قل اتعبدون من دون اللّه ما لایملک لکم ضراً و لانفعاً

استدلال بر ناروایی پرستش مسیح(ع) و مادرش مریم به ناتوانی آنان از ضرر رسانی و نفع بخشی، می تواند اشاره به ریشه و عامل پرستش مسیح(ع) و مریم، از سوی نصارا داشته باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۱۰ – ۲۰،۲۴،۲۵،۲۶،۳۱

۲۰ مسیح (ع) توانمند بر آفرینش مجسمه ای از گل به شکل پرندگان که با دمیدنش در آن به پرواز در می آمد

و اذ تخلق من الطین کهیئه الطیر باذنی فتنفخ فیها فتکون طیراً باذنی

۲۴ حضرت مسیح توانا بر بیناسازی کور های مادرزاد و شفابخشی مبتلایان به پیسی

و تبری الاکمه و الابرص باذنی

۲۵ توانایی حضرت مسیح بر زنده کردن مردگان مدفون شده در خاک

و اذ تخرج الموتی باذنی

مراد از اخراج مردگان (تخرج الموتی) زنده کردن آنهاست و به کارگیری کلمه اخراج برای

رساندن این معناست که عیسی(ع) قادر بود حتی مردگان مدفون در خاک را نیز زنده کند و از خاکها بیرون کشد.

۲۶ عیسی (ع) ، برخوردار از ولایت تکوینی

و اذ تخلق من الطین . .. و تبری الاکمه و الابرص باذنی و اذ تخرج الموتی باذنی

۳۱ توانایی عیسی (ع) بر ارائه معجزاتی همانند روح بخشی به مجسمه ها ، درمان کوری و پیسی و احیای مردگان ، از نعمت های ویژه خداوند به آن حضرت

اذکر نعمتی . .. و تبری الاکمه و الابرص باذنی و اذ تخرج الموتی باذنی

قدرت غریزه جنسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۷ - ۸

۸ - غریزه جنسی ، غریزه ای نیرومند و کنترل آن برای عموم مردم امری دشوار است .

علم اللّه أنکم کنتم تختانون أنفسکم فتاب علیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۳ - ۱۳

۱۳ رهایی از دام تمایلات جنسی و مکر زنان ، بدون امداد الهی حتی برای پیامبران و بندگان خالص خدا نیز میسور نیست .

و إلّا تصرف عنی کیدهنّ أصب إلیهنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۰ - ۶

۶ - غریزه و جاذبه های جنسی ، از نیرومندترین غریزه ها و جاذبه ها است .

و القوعد من النساء الّتی لایرجون نکاحًا . .. غیر متبرّجت بزینه

پیشگیری از طغیان غریزه جنسی و روابط ناسالم جنسی فلسفه مهم حجاب و پوشش زنان است. بنابراین ممنوعیت زنان سالخورده از خودآرایی در برابر نامحرمان، می رساند که

غریزه جنسی و جاذبه های آن، آنقدر نیرومند است که ممکن است خودآرایی سالخوردگان نیز غریزه جنسی انسان را تحریک کرده و به طغیان وادارد.

قدرت غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۵ - ۲۴

۲۴ - قیامت ، روز ظهور و بروز قدرت مطلق خدا و آگاهی همگان به نبود قدرت برای غیر اوست .

إذ یرون العذاب أن القوه للّه جمیعاً

قدرت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۲ - ۱

۱ فرعون ، برخوردار از اقتدار و سلطنتی با نفوذ در سرزمین مصر بود .

یأتوک بکل سحر علیم

فعل <یأتوک> جواب فعل امر قرار گرفته و به حرف شرطِ مقدر مجزوم شده است. تقدیر کلام چنین است: ان ترسل الحاشرین یأتوک بکل ساحر علیم. انتخاب این ترکیب برای کلام حاوی این نکته است که فرستادن نیروها مستلزم آوردن ساحران است و این حکایت از نفوذ فراوان فرعون و مأموران وی بر سرزمین مصر دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۸ - ۸

۸ فرعون و اطرافیانش ، قدرت و مکنت خود را ، در دفاع از آیین نیاکانشان می دانستند .

قالوا أجئتنا لتلفتنا عما وجدنا علیه ءاباءنا و تکون لکما الکبریاء فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۷ - ۴

۴ – فرعون ، برخوردار از اقتدار و سلطنتی بانفوذ در سرزمین مصر

یأتوك بكلّ سحّار علیم

فعل<یأتوك> جزای شرط مقدر (إن تبعثهم یأتوك بكلّ سحّار علیم) است. این ترکیب

حاوی این نکته است که فرستادن نیروها برای جذب ساحران، مساوی با آمدن آنان بدون تعلل است و این مطلب، می تواند بیانگر حقیقت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۴ - ۲

۲ - فرعون ، هامان و قارون ، سه عنصر سرشناس ، با نفوذ و نیرومند در عصر رسالت موسی (ع)

و لقد أرسلنا موسی . .. إلی فرعون و همن و قرون

قدرت فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۶ - ۳

۳ - فرعون ، طرفداران و کارگزاران حکومت خود را ، گروهی متحد ، نیرومند و آماده نبرد معرفی کرد .

و إنّا لجمیع حذرون

یکی از معانی <جمیع> ضدّ <متفرق>; یعنی، متحد است (لسان العرب). برداشت یاد شده بر اساس همین معنا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۳ - ۳

۳ - قوم نوح ، عاد ، فرعون ، ثمود ، لوط و اصحاب ایکه (قوم شعیب) ، اقوامی قدرتمند و بی مانند در مخالفت با رسالت فرستادگان الهی

کذّبت قبلهم قوم نوح . .. ثمود ...أصحب لئیکه أُولئک الأحزاب

برداشت یاد شده از تعریف مسند (أُولئک) و مسندالیه (أحزاب) که بر حصر دلالت می کند استفاده می شود; یعنی، این اقوام حقیقتاً گروه های متشکلی بودند که اقوام دیگر در قوت و شدت مخالفت با پیامبران، مانند آنان نبودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۲ - ۶

۶ – فرعونیان ، دارای اقتدار

و توان بالا

فأخذنهم أخذ عزيز مقتدر

آورده شدن اوصاف <عزيز> و <مقتدر> براى خداوند در اين آيه، تعريض به قدرت ظاهرى فرعونيان دارد.

قدرت قابل اتكا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۶ - ۹

۹ يگانه فرمانرواى آسمان ها و زمين ، تنها قدرت قابل اتكا براى انسانها

إن اللّه له ملك السموت و الأرض . .. و ما لكم من دون اللّه من ولىّ و لانصير

قدرت قارون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۴ - ۲

۲ - فرعون ، هامان و قارون ، سه عنصر سرشناس ، با نفوذ و نيرومند در عصر رسالت موسى (ع)

و لقد أرسلنا موسى . .. إلى فرعون و همن و قرون

قدرت قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۲ - ۴

۴- اصحاب حجر (قوم ثمود) مردمى نيرومند و سخت كوش بودند و در مناطق كوهستانى زندگى مى كردند .

و كانوا ينحتون من الجبال بيوتًا ءامنين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۳ - ۳

۳ – قوم نوح ، عـاد ، فرعون ، ثمود ، لوط و اصـحاب ایکه (قوم شـعیب) ، اقوامی قدرتمنـد و بیماننـد در مخالفت با رسالت فرستادگان الهی

کذّبت قبلهم قوم نوح . .. ثمود ...أصحب لئیکه أُولئک الأحزاب

برداشت یاد شده از تعریف مسـند (أُولئک) و مسـندالیه (أحزاب) که بر حصر دلالت می کند استفاده می شود; یعنی، این اقوام حقیقتاً گروه های متشکلی بودند

که اقوام دیگر در قوت و شدت مخالفت با پیامبران، مانند آنان نبودند.

قدرت قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۲ - ۱۲

۱۲ قوم عاد ، مردمی قوی و نیرومند بودند .

و یزدکم قوّه إلی قوّتکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۳ - ۳

۳ - قوم نوح ، عاد ، فرعون ، ثمود ، لوط و اصحاب ایکه (قوم شعیب) ، اقوامی قدرتمند و بی مانند در مخالفت با رسالت فرستادگان الهی

کذّبت قبلهم قوم نوح . .. ثمود ...أصحب لئیکه أُولئک الأحزاب

برداشت یاد شده از تعریف مسند (أُولئک) و مسندالیه (أحزاب) که بر حصر دلالت می کند استفاده می شود; یعنی، این اقوام حقیقتاً گروه های متشکلی بودند که اقوام دیگر در قوت و شدت مخالفت با پیامبران، مانند آنان نبودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۵ - ۴

۴ - قوم عاد ، دارای قدرت و توانمندی بی نظیر در عصر خویش

و قالوا من أشدّ منّا قوّه

قوم عاد، ادعای نیرومندی داشتند و خداوند این ادعا را رد نکرد; بلکه به گونه ای دیگر پاسخ آنان را داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۶ - ۱،۲

۱- قوم عاد ، برخوردار از قدرت و امکانات بس فزون تر از مشرکان مکه

و لقد مكّنّهم فيما إن مكّنّكم فيه

حرف <إن> نافيه است.

۲- هلاکت قوم عاد ، به رغم داشتن توان و نیرویی قوی و گسترده ، هشداری است به تمامی

مشرکان .

و لقد مکّنّهم فیما إن مکّنّکم فیه

گرچه مورد آیه، مشرکان مکه است; ولی در هشدار الهی، دیگر مشرکان نیز با آنها تفاوتی ندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۷ - ۶

۶ - قوم عاد ، مردمی بلندقامت و پرقدرت *

إرم ذات العماد

چنانچه <ارم> نامِ قوم عاد باشد، توصیف آنان به <ستون دار>، کنایه از نیرومندی و قامت رشید آنان خواهد بود. گفتنی است که در این برداشت، <عماد> به معنای عمود و ستونی گرفته شده است که خانه را بر آن استوار می کنند. (لسان العرب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۸ - ۵

۵ - قوم عاد ، مردمی بی نظیر در قدرت و قامت *

ذات العماد . الّتی لم یخلق مثلها فی البلد

در برداشت یاد شده، <ارم> نام قوم عاد گرفته شده است; در نتیجه <الّتی. ..> توصیف گر آن قبیله، به نبود امثالِ آنها در شهرها خواهد بود.

قدرت قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۳ - ۳

۳ - قوم نوح ، عاد ، فرعون ، ثمود ، لوط و اصحاب ایکه (قوم شعیب) ، اقوامی قدرتمند و بی مانند در مخالفت با رسالت فرستادگان الهی

كذّبت قبلهم قوم نوح . .. ثمود ...أصحب لئيكه أَولئك الأحزاب

برداشت ياد شده از تعريف مسند (أُولئك) و مسـندالیه (أحزاب) که بر حصر دلالت می کند استفاده می شود; يعنی، اين اقوام حقيقتاً گروه های متشکلی بودند که اقوام دیگر در قوت و شدت مخالفت با پیامبران،

مانند آنان نبودند.

قدرت قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۳ - ۳

۳ - قوم نوح ، عـاد ، فرعون ، ثمود ، لوط و اصـحاب ایکه (قوم شـعیب) ، اقوامی قدرتمنـد و بیماننـد در مخالفت با رسالت فرستادگان الهی

کذّبت قبلهم قوم نوح . .. ثمود ...أصحب لئیکه أُولئک الأحزاب

برداشت یاد شده از تعریف مسـند (أُولئک) و مسـندالیه (أحزاب) که بر حصر دلالت می کند استفاده می شود; یعنی، این اقوام حقیقتاً گروه های متشکلی بودند که اقوام دیگر در قوت و شدت مخالفت با پیامبران، مانند آنان نبودند.

قدرت کارگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۶ - ۸

۸ - لزوم معیار قرار دادن توانایی و امانت در گزینش و استخدام کارگران ، مدیران و کارگزاران

إنّ خیر من استئجرت القویّ الأمین

جمله <إنّ خیر من استئجرت. ..> تعلیـل برای <اسـتأجره> می باشـد و با توجه به این که تعلیل مفیـد تعمیم است، مطلب یاد شده از آن استفاده می شود.

قدرت کارگزاران حکومت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۱۱

۱۱ واگذار کننده منصب ، باید توانمندی و امانت داریِ منصب پذیر را احراز کند .

قال الملک ائتونی به أستخلصه لنفسی . .. مکین أمین

قدرت کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۹۶ – ۳،۴،۵،۶

۳ قدرت و شکوه ظاهری کافران و برخورداری آنان از بهره های مادی ، امری فریبنده برای مسلمانان

لا یغرّنک تقلّب

الّذين كفروا فى البلاد

۴ رهبران الهی ، حتّی پیامبران ، در معرض خطر تأثیر منفی شکوه ظاهری و قدرت اقتصادی کافران

لا یغرّنک تقلّب الّذین کفروا فی البلاد

۵ خطر تأثیر منفی قدرت اقتصادی و شکوه ظاهری کافران ، در روحیه مسلمانان صدر اسلام

لا یغرّنک تقلّب الّذین کفروا

۶ شوکت ظاهری و تلاش و جولان کافران در سرزمین ها ، نباید موجب فریب و خام شدن مسلمانان گردد .

لا یغرّنک تقلّب الّذین کفروا فی البلاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۸ - ۵

۵ فریفته نشدن در برابر شوکت ظاهری و قدرت اقتصادی کافران ، از مصادیق تقواپیشگی است . *

لا یغرّنک تقلّب الّذین کفروا . .. لکن الّذین اتّقوا ربّهم

نهی از فریفته شدن و آنگاه بشارت بهشت به تقواپیشگان، می تواند اشاره به برداشت فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۹ - ۱۱

۱۱ اعتقاد به عزت و قدرت مطلقه الهی ، مانع گرایش به عزت و اقتدار موهوم کافران

أیبتغون عندهم العزّه فإن العزّه للّه جمیعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۸ - ۶

۶ امکانات مادی و داشتن نیرو های انسانی و هوادار ، هرگز موجب نجات کفرپیشگان از گرفتار شدن به عذاب دوزخ نخواهد شد .

ما أغنى عنكم جمعكم و ما كنتم تستكبرون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - انفال - ۸ - ۱۹ - ۹

۹ توان نيرو هاى شرك و كفر هر چند فراوان باشند ، در

برابر خدا پوچ و بی اثرند .

و لن تغنی عنکم فئتکم شیئا و لو کثرت و أن اللّه مع المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۹ - ۴

۴ اعتماد و اتکای منافقان و کافران به قدرت ، ثروت و فرزندان بسیار خویش

کانوا أشد منکم قوه و أکثر أمولا و أولداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴ - ۶

۶ - هشدار خداوند به پیامبر (ص) و مسلمانان ، درباره تأثیرپذیری از قدرت و مکنت کافران و تجدید نظرکردن در برنامه های تبلیغی و الهی خویش

فلایغررک تقلّبهم فی البلد

پیامبر(ص) و مسلمانان، در حالی به تبلیغ دین اسلام می پرداختند که کافران در اوج قدرت اقتصادی و سیاسی قرار داشتند. بنابر این هشدار خداوند در آیه شریفه می تواند گویای مطلب یادشده باشد.

قدرت کافران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶ - ۱۰

۱۰ غرور و اعتماد نابجای کافران عصر پیامبر(ص) به اقتدار و تمکن خویش

ألم یروا کم أهلکنا . .. مکنهم فی الأرض ما لم نمکن لکم

از اینکه می فرماید اقوام قدرتمندتر از شما را هلاک کردیم، معلوم می شود که اینان به قدرت و مکنت خویش مغرور بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۴ - ۲

۲- جوامع و تمدن های بسـیاری در طول تاریخ ، با وجود قدرت و امکانات بسیار و موقعیت برتر نسبت به کافران عصر بعثت ، به هلاکت رسیده و نابود

شدند .

و کم أهلکنا قبلهم من قرن هم أحسن أثًثا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۴ - ۸

۸ - مخالفت مشرکان و کافران با پیامبر (ص) ، برخاسته از فریفتگی آنان به اقتدار نسبی خویش بود .

أوَلم یسیروا فی الأرض فینظروا . .. و کانوا أشدّ منهم قوّه

یادآوری این نکته که اقوام نابود شده پیشین، نیرومندتر از قوم عرب بودند، می تواند حاکی از حقیقت یاد شده باشد.

قدرت کافران مدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۸ - ۵

۵ کافران قوم مدین برخوردار از نیرویی افزون بر مؤمنان آن سامان

لنجرجنک یشعیب و الذین ءامنوا معک من قریتنا

تصمیم کافران قوم مدین به اخراج شعیب و همگامانش و ابراز آن با سوگند و تأکید بسیار، حکایت از برداشت فوق دارد.

قدرت کلاغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۱ - ۲۰

۲۰ تأسف قابیل بر نادانی خویش و ناتوانی از برابری با حیوانی همچون کلاغ

قال یویلتی اعجزت ان اکون مثل هذا الغراب

قدرت مادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۹ – ۲۹

۲۹ – سعادت جوامع ، در گرو ایمان به انبیا و پیروی از آنها است و نه داشتن قدرت مادی

أَوَلم یسیروا فی الأرض فینظروا کیف کان عقبه الذین . .. و جاءتهم رسلهم بالبیّنت

قدرت محمد(ص)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۴۱ – ۳۱

۳۱ اراده همه موجودات ،

حتی رسول خدا (ص) ، مقهور حاکمیت اراده الهی

و من یرد اللّه فتنته فلن تملک له من اللّه شیئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۸ - ۱۰

۱۰ پیامبر (ص) از جانب خدا مأمور بود تا وابسته بودن توانش را به مشیت خدا و آگاه نبودنش را به امور غیبی به مردم اعلام کند .

قل لاأملک . .. و لو کنت أعلم الغیب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۲ - ۱۲

۱۲ - پیامبر (ص) نیز ، توانِ بیرون آوردن افراد حق گریز را از گمراهی ، ندارد .

فإنّک لاتسمع الموتی و لاتسمع الصمّ الدعاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۳ - ۵

۵ - بیرون آوردن کافران حق گریز به هر نحو ممکن از گمراهی ، نه کار پیامبر است و نه در توان او است .

و ما أنت بهد العمی عن ضللتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۰ - ۴

۴- تأکید خداوند ، بر توانایی پیامبر (ص) به شناخت منافقان از آهنگ سخنشان

و لتعرفنّهم فی لحن القول

از جمله معانی <لحن القول>، آهنگ سخن است.

قدرت مخالفان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸ - ۳

۳ - مشرکان و مخالفان پیامبر (ص) ، معتقد به اقتدار و متکی به نیرومندی خود

أن کنتم قومًا مسرفین . .. فأهلکنا أشدّ منهم

بطشًا

از یادآوری هلاکت اقوامی نیرومندتر از مردم مکه، استفاده می شود که مکیان، به قدرت خویش مغرور بوده و آن را غیر قابل زوال می پنداشتند.

قدرت مخالفان نوح(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۱۶ – ۲

۲ – مخالفان نوح ، دارای قدرت برتر در جامعه

قالوا لئن لم تنته ینوح لتکوننّ من المرجومین

لحن تهدیدآمیز مخالفان از یکسو و مطرح ساختن رجم که معمولاًـ کاری علنی و گروهی است نشانگر موضع قوی اجتماعی مخالفان نوح است.

قدرت مدیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۲۶ – ۸

۸ – لزوم معیار قرار دادن توانایی و امانت در گزینش و استخدام کارگران ، مدیران و کارگزاران

إنّ خیر من استئجرت القویّ الأمین

جمله <إنّ خیر من استئجرت. ..> تعلیل برای <استأجره> می باشد و با توجه به این که تعلیل مفید تعمیم است، مطلب یاد شده از آن استفاده می شود.

قدرت مرد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۱۸ – ۶

۶ – بی رغبتی به زیورآلات ، توان مندی و فرادستی در میدان بحث و درگیری ، خصلت های دیرینه مردان

أو من ينشّؤا فی الحلیه

با توجه به قرینه مقابله، استفاده می شود که مردان نوعاً دارای ویژگی های ذکر شده در آیه نسیتند.

قدرت مریم(س)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۷۶ – ۵،۷

۵ مسیح (ع) و مادرش مریم ، مالك هیچ سود و زیانی برای مردم نیستند .

اتعبدون من دون

اللّه ما لايملك لكم ضراً و لانفعاً

۷ پندار قدرت مسيح (ع) و مريم بر سود و زيان رسانى به مردم ، از عوامل پرستش آن دو ، از سوى مسيحيان *

قل اتعبدون من دون اللّه ما لايملك لكم ضراً و لانفعاً

استدلال بر ناروايى پرستش مسيح(ع) و مادرش مريم به ناتوانى آنان از ضرر رسانى و نفع بخشى، مى تواند اشاره به ريشه و عامل پرستش مسيح(ع) و مريم، از سوى نصارا داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - مريم - ۱۹ - ۲۵ - ۷

۷ - به بار نشستن فورى درخت خرما و نيرومندى مريم (س) براى تكان دادن آن ، از كرامات او بود .

و هزّى إليك . .. تسقط

قدرت مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - انفال - ۸ - ۶۶ - ۱۰

۱۰ توان رزمى و نيروى مقاومت هر مسلمان ، حتى پس از گراييدن جامعه ايمانى به ضعف ، بيش از دو چندان هر كافر است .

و علم أن فيكم ضعفا فإن يكن منكم مائه صابره يغلبوا مائتين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۲۸ - ۵

۵ سال نهم هجرى ، سال قدرت مسلمانان و استيلاى آنان بر اداره مسجدالحرام

فلا يقربوا المسجدالحرام بعد عامهم هذا

اينكه مسلمانان در سال نهم هجرى مكلف به اين تكليف الهى شدند با اينكه اصل پليدى مشركان در گذشته نيز بوده است نشان مى دهد كه در گذشته، اجراى آن ميسر نبوده است.

قدرت مسلمانان صدر اسلام

سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۶ - ۶

۶ خداوند ، مسلمانان صدر اسلام را در مدینه با امداد های خویش توانا و قدرتمند ساخت .

تخافون أن یتخطفکم الناس فأویکم و أیدکم بنصره

<تأیید> به معنای تقویت کردن و قدرتمند ساختن است.

قدرت مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۹ - ۹

۹ توان نیرو های شرک و کفر هر چند فراوان باشند ، در برابر خدا پوچ و بی اثرند .

و لن تغنی عنکم فئتکم شیئا و لو کثرت و أن اللّه مع المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸ - ۳

۳ - مشرکان و مخالفان پیامبر (ص) ، معتقد به اقتدار و متکی به نیرومندی خود

أن کنتم قومًا مسرفین . .. فأهلکنا أشدّ منهم بطشًا

از یادآوری هلاکت اقوامی نیرومندتر از مردم مکه، استفاده می شود که مکیان، به قدرت خویش مغرور بوده و آن را غیر قابل زوال می پنداشتند.

قدرت مشرکان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۴ - ۴۸

۴ - ظهور و سقوط تمدن ها و اقوام نیرومندتر از مشرکان جزیره العرب در تاریخ

و کانوا أشدّ منهم قوّه

۸ – مخالفت مشرکان و کافران با پیامبر (ص) ، برخاسته از فریفتگی آنان به اقتدار نسبی خویش بود .

أوَلم یسیروا فی الأرض فینظروا . .. و کانوا أشدّ منهم قوّه

یادآوری این نکته که اقوام نابود شده پیشین، نیرومندتر از قوم عرب بودند، می تواند حاکی از حقیقت یاد

شده باشد.

قدرت مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۶ - ۱

۱- قوم عاد ، برخوردار از قدرت و امکانات بس فزون تر از مشرکان مکه

و لقد مکّنّهم فیما إن مکّنّکم فیه

حرف <إن> نافیه است.

قدرت مطلق خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۷ - ۱۳

۱۳- توانایی مطلق خداوند بر همه چیز و انجام هر کاری

یفعل الله ما یشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹ - ۳

۳- قوانین طبیعی و علل عادی ، محدود کننده قدرت و اراده خداوند نیست .

قال کذلک قال ربّک هو علیَّ هیّن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱ - ۱۴

۱۴ - قدرت خداوند ، مطلق بوده و بر انجام هر کاری توانا است .

إنّ اللّه علی کلّ شیء قدیر

قدرت معبود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۵۶ – ۵

۵- موجود فاقد قدرتِ مستقل و مطلق ، شایسته پرستش نیست .

الذین زعمتم من دونه فلایملکون کشف الضرّ عنکم و لاتحویلاً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۳۶ – ۳

۳ – توانمندی معبود بر جزای بندگان ، نمایانگر شایستگی وی برای حمد و سپاس

و ما لکم من نصرین . .. فللّه الحمد ربّ السموت و ربّ الأرض

حرف <فاء> در <فللّه الحمد> مفاد آن را بر مطالب قبل که در باره معاد بود، تفریع کرده است.

قدرت معبود راستین

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹۷ - ۴

۴ توان بر یاری بندگان از ملاک های معبود راستین

و الذین تدعون من دونه لایستطیعون نصرکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۲ - ۲

۲- علم ، قدرت ، خالقیت و حیات ، از ویژگی های معبود و خدای حقیقی

أفمن یخلق کمن لایخلق . .. و الله یعلم ... و الذین یدعون من دون الله لایخلقون شیئ

آوردن عبارت <إلهکم إله واحد> پس از بیان صفات برجسته خداوند و پس از یادآوری ضعف و فتور معبودهای باطل، به منزله ذکر نتیجه آن سخنان و مشعر به نکته یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۱ - ۴

۴ تنها معبودی سزاوار پرستیدن است که زمام نفع و ضرر آدمی در اختیار او باشد.

قل أندعوا من دون الله ما لا ینفعنا و لا یضرنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۲ - ۷

۷- شنوایی ، بینایی (ادراک) و قدرت بر رفع نیاز ، از شروط بدیهی معبود حقیقی است .

لِمَ تعبد ما لایسمع و لایبصر و لایغنی عنک شیئًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳ - ۶

۶ مخلوق نبودن ، قدرت بر آفرینندگی ، جلب منفعت ، دفع ضـرر ، میراندن ، حیات بخشـیدن و احیای مردگان ، از نشانه های معبود واقعی و شایسته پرستش (اللّه)

و اتّخذوا من دونه

ءالهه لايخلقون شيئًا و هم يخلقون . .. و لانشورًا

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۵۵ – ۶

۶ توانايى بر رساندن سود و دور ساختن زيان ، از نشانه هاى معبود حقيقى و راستين

و يعبدون من دون اللّه ما لاينفعهم و لايضرّهم

برداشت فوق، به خاطر دو نكته است: ۱ آيه شريفه در مقام بيان ناتوانى معبودهايى جز خدا است. ۲ اين آيه به دنبال سلسله آياتى آمده كه بيانگر قدرت بى انتهاى خدا است.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۷۲ – ۳

۳ – موجود ناتوان و ناشنوا ، فاقد شايستگى براى خدا بودن و پرستيده شدن

قال هل يسمعونكم إذ تدعون

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۲۵ – ۸

۸ – قدرت و علم فراگير و نامحدود ، دو ملاك اصلى در شناخت معبود حقيقى

الذى يخرج الخبء . .. و يعلم ما تخفون

<يخرج الخبء> بيانگر قدرت نامحدود و <يعلم> بيانگر علم گسترده الهى است. خداوند با طرح اين دو اصل، به انسان يادآورى مى كند كه معبود راستين بايد از اين دو صفت برخوردار باشد. در غير اين صورت شايسته پرستش نيست.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۸ – حشر – ۵۹ – ۲۳ – ۱۶

۱۶ – موجود ضعيف و ناتوان از اعمال اراده خويش ، نالايق براى الوهيت و پرستش

لا إله إلّا هو . .. الجبّار المتكبّر

با توجه به این که آیه شریفه، در مقام بیان اوصاف ضروری خداوند است; از مفهوم آیه استفاده می

شود که موجود فاقد این اوصاف، شایسته الوهیت نیست.

قدرت معبودان باطل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۶۵ – ۱۸

۱۸ – مشرکان ، خدایان دروغین را دارای قدرت می پندارند .

و لو یری الذین ظلموا إذ یرون العذاب أن القوه للّه جمیعاً

طرح مسأله قدرت خداوند و انحصار آن به او برای کسانی که غیر خدا را همتای خدا می پندارند، بیانگر این است که: مشرکان به توهّم برخورداری معبودانشان از قدرت، آنها را همانند خداوند پنداشته و بر اساس آن به ایشان محبت میورزند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۲۳ – ۸

۸ – معبود ها ، برخوردار از توانایی برای نجات دادن از گرفتاری و رنج در نظر مردم انطاکیه

ءالهه إن یردن الرحمن بضرّ لاتغن عنّی . .. و لاینقذون

قدرت معبودان مشرکان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۳۷ – ۱۱

۱۱ مشرکان، معتقد به کارایی و توانمندی معبودان خویش در رهاسازی آنان از مشکلات

أین ما کنتم تدعون من دون الله

قدرت مکر ظالمان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۴۶ – ۱،۴،۶

۱- هلاکت و عذاب دنیوی ستم پیشگان تاریخ از سوی خداوند ، علی رغم مکر و چاره اندیشی های فراوان و قدرتمندانه آنان

و سکنتم فی مسکن الذین ظلموا . .. و قد مکروا مکرهم ... و إن کان مکرهم لتزول منه

۴- تسلی و دلداری خداوند به پیامبر (ص) در برابر ترفند ها و مکر های گوناگون

و کوه شکن ستم پیشگان جامعه

و قد مکروا مکرهم و عند الله مکرهم و إن کان مکرهم لتزول منه الجبال

۶- مکر ها و چاره اندیشی های ستمگران ، هر چند گسترده و کوه شکن باشد ، در برابر نیروی حق بی ثمر و ناموفق خواهد بود .

و قد مکروا مکرهم و عند الله مکرهم و إن کان مکرهم لتزول منه الجبال

قدرت ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۳ - ۱۳

۱۳ - فرشتگان ، توانا بر اخفای امور خویش بر دیگران فرشتگان

أعلم ما تبدون و ما کنتم تکتمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۲ - ۴

۴ خداوند ، به دست فرشتگان مهمان لوط ، دیار قوم لوط را تخریب کرد و آنان را هلاک ساخت .

إنا أُرسلنا إلی قوم لوط . .. إنا رسل ربک ... فلما جاء أمرنا جعلنا علیها سافلها

از اینکه خداوند، فرشتگان را برای تخریب دیار قوم لوط می فرستد (إنا أُرسلنا إلی قوم لوط) و در عین حال تخریب آن دیار و نزول عذاب را به خودش نسبت می دهد (جعلنا عالیها سافلها) چنین استفاده می شود که: فرشتگان به منزله وسیله ای برای نزول عذاب بوده و کار آنها جلوه ای از فعل خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱ - ۱۰

۱۰ - توانایی و نقش آفرینی ملائکه در جهان متفاوت است .

أُولی أجنحه مثنی و ثلث و ربع

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که پروبال فرشتگان، کنایه از توانایی

و قـدرت جولاـن آنـان در جهـان باشـد. در مَثَل می گوینـد: فلانی پروبالش سوخته و یا شکسـته شـده; کنایه از این که نیروی حرکت و توانایی از او سلب گردیده است.

قدرت منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۹ - ۴

۴ اعتماد و اتکای منافقان و کافران به قدرت ، ثروت و فرزندان بسیار خویش

کانوا أشد منکم قوه و أکثر أمولا و أولداً

قدرت موحدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۶۱ - ۲

۲ - وانهاده شدن مشرکان و معبودهایشان به خود و ناتوانی آنان در برابر خداپرستان و حق جویان

فإنّکم و ما تعبدون

قدرت موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۳ - ۲۰

۲۰ حضرت موسی (ع) ، دارای قدرت و توانی بالا در ایفای رسالت و اتمام حجت بر مردم

و ءاتینا موسی سلطناً مبیناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۰ - ۲،۳

۲ فرعون و درباریان او آگاه به توان و اقتدار موسی (ع) برای برچیدن نظام حکومتی آنان

يريد أن يخرجكم من أرضكم

تشكيل جلسه مشورتی از سوی سران حکومت مصر برای ارزیابی روشهای مبارزه با موسی بدین سبب که وی در صدد برچیدن حکومت است، نشانگر این نکته است که فرعونیان به توانایی و اقتدار موسی پی برده و سخت بیمناك بودند.

۳ فرعونیان ، هراسان از قدرت یابی موسی (ع) و بنی اسرائیل و از دست دادن حکومت و سرزمین

خویش

یرید أن یخرجکم من أرضکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۸ - ۹

۹ - فرعون به قدرت یک تنه موسی (ع) در برابر تشکیلات عریض و طویل خویش اعتراف کرد .

فاجعل بیننا . .. لانخلفه نحن و لاأنت

برداشت یاد شده از آنجا است که فرعون ضمیر مربوط به خود را جمع (نحن) و ضمیر مربوط به موسی(ع) را مفرد (أنت) ذکر کرده است. البته محتمل است انتخاب این نحوه سخن برای تعظیم خود باشد; ولی این نکته را نمی توان از نظر دور داشت که در هر صورت، فرعون با مجموع امکانات و قدرت خود، در برابر موسی(ع) موضع گیری کرده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۵ - ۴

۴ - موسی (ع) ، فردی نترس و دارای اراده ای قوی و همتی والا

قال یقوم . .. قال یهرون ... قال فما خطبک یسمریّ

موسی(ع)، پس از بازگشت از میقات، یک تنه و با استیضاح رئیس، مرئوس، فرد و گروه، با جوّ حاکم و غالب بر بنی اسرائیل درافتاد و با همه آنان از موضع قدرت سخن گفت. این برخورد، برخاسته از نیرویی وابسته به قدرت لایزال الهی بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۰ - ۲

۲ - ناتوانی فرعونیان در مبارزه با موسی (ع) و منحصر شدن تمام قدرت و تدبیر نظام فرعونی در وجود ساحران

لعلّنا نتّبع السحره إن کانوا هم الغلبین

با این که در نظام فرعونی تلاش بر حذف همه نیروها

و منحصر دانستن فرعون در جایگاه رهبری بوده است; اما ناتوانی او از مقابله با موسی(ع) و نیاز وی به کارآیی ساحران، سبب گشت تا به جای فرعون، ساحران پیشوای مردم قلمداد شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۲ - ۲

۲ - ناتوانی فرعون از نابود ساختن موسی (ع) ، علی رغم خشم و دشمنی عمیق وی نسبت به او و آیینش

و أوحینا إلی موسی أن أسر بعبادی

مأموریت جدید موسی(ع)، نشانگر آن است که فرعون علی رغم تلاش برای نابودی آیین موسی(ع) نتوانست به خود وی آسیبی برساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۶ - ۶

۶ - موسی (ع) ، مردی نیرومند و شخصیتی امین در دیدگاه دختر شعیب

إنّ خیر من استئجرت القویّ الأمین

قدرت مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۸ - ۶

۶ توانایی های اهل ایمان در سرکوبی دشمنان دین ، پرتویی از قدرت الهی

لیقطع طرفاً . .. لیس لک من الامر شیء

با وجود اینکه مسلمانان، دشمن را ذلیل و اسیر کردند و سرانجام آنها را از دستیابی به اهدافشان ناامید ساختند، ولی خداوند تمامی موارد را به خویش نسبت می دهد تا بفهماند که کار آنان و تواناییهایشان، در واقع از آن خداست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۲ - ۵

۵ نیرو و قدرت مؤمنان ، وسیله تحقق اراده الهی در نابودی و عذاب منافقان

أن یصیبکم اللّه بعذاب من

عنده أو بأیدینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۷ - ۱

۱ - کافران ، از شکست دادن و به سستی کشاندن نیروی الهی و جبهه حق در هر جای دنیا ناتوانند .

لاتحسبنّ الذین کفروا معجزین فی الأرض

در آیه شریفه، متعلق <معجزین> (این که کافران چه چیز را به ناتوانی می کشانند ذکر نشده است; ولی با توجه به این که کافران، همواره درصدد تضعیف جبهه حق و دین الهی اند، مقصود از آن نیروی الهی و جیهه حق است. گفتنی است ظرف <فی الأرض> می رساند که این ناتوانی در همه جای دنیا وجود دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۲ - ۲

۲ - مسلمانان ، قادر به دفع هجوم کافران ، در صورت عدم انعقاد صلح حدیبیه و ناگزیری از جنگ *

و لو قتلکم الذین کفروا لولّوا الأدبر

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <لوقاتلکم> نظر به گذشته داشته باشد; یعنی، خداوند گرچه فتح مبین (صلح حدیبیه) را برای شما رقم زد و در پرتو آن ثمرات زیادی را برای شما به بار آورد; اما اگر این صلح هم صورت نمی گرفت و کافران به نبرد با شما برمی خاستند، شما با قدرت ایمانی و رهبری پیامبر(ص) آنان را منهزم می ساختید.

قدرت مؤمنان در مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۶ - ۹

۹ مؤمنان در مدینه ، برخوردار از قدرت و شوکت بسیار در مقایسه با منافقان

و یحلفون باللّه إنهم لمنکم . ..

و لکنهم قوم یفرقون

بیم منافقان و تلاش آنان برای مؤمن جلوه دادن خود، نشانه ای از قدرت و شوکت مؤمنان است.

قدرت مؤمنان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۵ - ۶

۶ مؤمنان صدر اسلام در برهه ای از عصر پیامبر (ص) دارای استعداد و توان پیروز شدن بر لشکری تا ده برابر نفرات ایشان

إن یکن . .. یغلبوا ألفا

چون در آیه بعد تخفیف در حکم جهاد و مقاومت را به تحقق ضعف تعلیل کرده است، معلوم می شود خداوند با توجه به توان و استعداد اهل ایمان بر آنان واجب کرده بود که در مقابل لشکری تا ده برابر خود مقاومت کنند.

قدرت نظامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۹ - ۶

۶ - برخورداری از توان رزمیِ فراوان و توسعه کشاورزی و آبادانی سرزمین ها ، برترین جلوه های تمدن در جوامع پیشین بوده است .

کانوا أشدّ منهم قوّه و أثاروا الأرض و عمروها أکثر ممّا عمروها

<إثاره> (مصدر <أثاروا>) به معنای <زیر و رو کردن> است و در این جا، منظور، زیر و رو کردن خاک برای زراعت یا ساختمان سازی و غیر آن است.

قدرت نظامی جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۰ - ۱۵

۱۵ انفاق امکانات برای تقویت بنیه نظامی جامعه اسلامی ، از مصادیق انفاق < فی سبیل اللّه > است .

و أعدوا لهم ما استطعتم . .. و ما تنفقوا من شیء فی سبیل اللّه

قدرت نظامی

سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۷ - ۷

۷ - قدرت و قوای نظامی گسترده سلیمان ، از ویژگی های بارز حکومت الهی وی

و حشر لسلیمن جنوده من الجنّ و الإنس و الطیر

قدرت نظامی قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷ - ۳

۳ سپاه مشرکان مکه مجهز به سلاح های جنگی و دارای برتری نظامی نسبت به مسلمانان

و تودون أن غیر ذات الشوکه تکون لکم

عدم تمایل مسلمانان به رویارویی با سپاه شرک و نیز جمله <کانما یساقون إلی الموت> در آیه قبل دلالت بر این دارد که مشرکان در جنگ بدر از نیروی نظامی برتری برخوردار بودند.

قدرت نظامی مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۰ - ۶

۶ وحشت دشمن از توان رزمی مسلمانان ، تعیین کننده مرز قدرت نظامی ضروری در جامعه ایمانی

و أعدوا لهم ما استطعتم . .. ترهبون به عدو اللّه

جمله <ترهبون . .. > به منزله تفسیر و توضیحی است برای <ما استطعتم>. یعنی توان نظامی باید به حدی رسد که دشمن را به وحشت اندازد، نه کمتر از آن ; هر چند جامعه اسلامی بر بیشتر از این مقدار توانمند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۶ - ۱۰

۱۰ توان رزمی و نیروی مقاومت هر مسلمان ، حتی پس از گراییدن جامعه ایمانی به ضعف ، بیش از دو چندان هر کافر است .

و علم أن فیکم ضعفا فإن یکن

منکم مائه صابره یغلبوا مائتین

قدرت نظامی مشرکان صدر اسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۳ – ۱۰

۱۰ مشرکان صدر اسلام ، از توان رزمی بالایی برخوردار بودند .

أتخشونهم

قدرت نفس انسان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۸۳ – ۷

۷ نفس آدمی بر آراستن کار های زشت و ناروا و واداشتن او به ارتکاب آنها تواناست .

قال بل سوّلت لکم أنفسکم أمرًا

قدرت نمازگزاران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – علق – ۹۶ – ۱۹ – ۱

۱ – تکذیب گران دین ، گرچه گروهی منسجم باشند ، از مانع شدن نمازگزاران ناتوان اند .

کلاّ

حرف <کلاّ> برای ردع و منع است و در آیه شریفه تکذیب گران دین را، از پندار موفقیت در باز داشتن مردم از نماز منع می کند.

قدرت نمایی فرعونیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۶۴ – ۴

۴ – حضور با تمام قوا و با آرایش منظم و با هیبت ، طرح پیشنهادی فرعونیان برای قدرت نمایی در صحنه مقابله با موسی (ع)

فأجمعوا کیدکم ثمّ ائتوا صفًّا

قدرت نمایی مستکبران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۵۶ – ۴

۴ – قدرت نمایی و بزرگ جلوه دادن توانایی های خود در برابر جبهه مخالف ، از ترفند های قدرت های استکباری و نظام های فرعونی است .

و إنّا لجمیع حذرون

قدرت نمرود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲

- بقره - ۲ - ۲۵۸ - ۶،۷

۶ قدرتمداری نمرود ، زمینه ساز غرور ، کفر و طغیانگری وی

الم تر الی . .. ان اتیه اللّه الملک

بنابراینکه جمله <ان اتیه . .. >، بیان علّت محاجّه باشد; یعنی چون ملک و سلطنت یافت، چنین و چنان کرد.

۷ قدرتمداری ، زمینه ساز غرور و کفر در برابر ربوبیّت الهی

الم تر الی الّذی . .. ان اتیه اللّه الملک

چنانچه جمله <ان اتیه . .. >، بیانِ علّتِ کفر و غرور نمرود باشد، می توان از آن یک نتیجه کلّی به دست آورد که قدرت و سلطنت، زمینه ساز غرور، کفر و ... است.

قدرت هابیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۸ - ۴

۴ توانایی هابیل بر قتل برادرش قابیل

ما إنّا بباسط . .. لاقتلک انی اخاف اللّه

اگر هابیل از قتل برادرش ناتوان بود، اقدام نکردن به قتل را ناشی از خداترسی خویش نمی شمرد.

قدرت هامان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۴ - ۲

۲ - فرعون ، هامان و قارون ، سه عنصر سرشناس ، با نفوذ و نیرومند در عصر رسالت موسی (ع)

و لقد أرسلنا موسی . .. إلی فرعون و همن و قرون

قدرت هوای نفس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۰ - ۸

۸ توانایی هوای نفس در سرکوبی عواطف برادری و انسانی

فطوعت له نفسه قتل اخیه

تصریح به کلمه <اخیه> برای رساندن این است که حتی عواطف برادری نیز نتوانست نفس قابیل

را از خواسته خویش (کشتن هابیل) باز دارد.

قدرت یحیی(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۱۲ – ۹

۹- خداوند ، یحیی (ع) را در کودکی به اجرای احکام الهی توان مند ساخت .

و ءاتینه الحکم صبیًّا

در برداشت یاد شده <حکم> به معنای حاکمیت و اجرای قضاوت گرفته شده است. در (قاموس) آمده است: حاکم به کسی گفته می شود که حکم را به مرحله اجرا درآورد.

قدرت یعقوب(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۴۵ – ۴

۴ – ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (علیهم السلام) ، انسان های برخوردار از < قدرت و توانایی > و < بصیرت و روشن بینی >

إبرهیم و إسحق و یعقوب أُولی الأیدی و الأبصر

<أُولی الأیدی> (صاحبان دست ها) کنایه از قدرت و توانایی است.

قدرت یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۹۰ – ۱۰

۱۰ اقتدار و عزت یوسف (ع) نشانه ای روشن بر ضایع نشدن پاداش تقواپیشگان صبور و نیکوکار است .

قد منّ الله علینا إنه من یتّق و یصبر فإن الله لایضیع أجر المحسنین

قلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۳ - ۱۵

۱۵ - < اسحاق بن عمار و یونس قالا: سألنا اباعبدالله (ع) عن قول الله تعالی < خذوا ما اتیناکم بقوه > أقوه فی الأبدان أوقوه فی القلب ؟ قال فیهما جمیعاً ;

اسحاق بن عمار و یونس از امام صادق(ع) درباره آیه

<خذوا ما اتیناکم بقوه> سؤال کردند که: آیا مراد از <قوت> نیروی بدنی است یا قلبی؟ امام(ع فرمودند: هر دو است>.

کافران و قدرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۹ - ۴

۴ - تأسف و حسرت شدید کافران دوزخی ، از بهره مناسب نبردن از قدرت و توانمندی خویش و ذخیره نکردن آن برای سعادت اخروی

هلك عنّی سلطنیه

کفر به قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۵ - ۴

۴ عذاب سهمگین و بی نظیر الهی سزای آنانکه پس از مشاهده مائده آسمانی به قدرت خداوند ، رسالت عیسی (ع) و معجزه بودن آن مائده کافر شوند .

فمن یکفر بعد منکم فانی اعذبه عذاباً لا اعذبه احداً من العلمین

متعلق <یکفر> می تواند، رسالت عیسی(ع)، قدرت خداوند و معجزه بودن مائده آسمانی باشد. ضمیر در <لااعذبه> مفعول مطلق نوعی است و مرجع آن کلمه <عذاباً> می باشد یعنی لااعذب قبل هذا العذاب احداً

کمال قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۱ - ۵

۵ - علم و قدرت خدا ، کامل و بی نقص است .

ذلک بأنّ اللّه یولج الّیل . .. و أنّ اللّه سمیع بصیر

کیفیت استفاده از قدرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۹ - ۱۴

۱۴ - لزوم به کارگیری علم و قدرت ، در مسیر صلاح و سازندگی و جلب رضایت خداوند

و لقد ءاتینا داود٠ و سلیمن علمًا . .. و أوتینا من

كلّ شیء... و أن أعمل صلحًا ت

گرایش به قدرت برتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۶ - ۸

۸ گرایش طبیعی انسان ها به قدرتی فراتر و نیرومند ، برای اتکا به او

و ما لکم من دون اللّه من ولیّ و لانصیر

اینکه خداوند فرموده است: <برای شما جز او یار و سرپرستی نیست>، مبتنی بر وجود خصلت یارطلبی و استمداد و اتکا به مبدأ قدرت در انسانها می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۲ - ۸

۸ - انسان ها ، دارای گرایشی درونی به قدرتی برتر جهت انتخاب ولیّ و یاورند .

و ما لکم من دون اللّه من ولیّ و لانصیر

نفی مطلق غیرخدا برای ولایت و یاوری، مبتنی بر وجود خصلت یارطلبی و اتکا به ولیّ برتر است.

گسترش قدرت ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱ - ۱۳

۱۳ - قدرت و نقش آفرینی ملائکه در جهان ، با مشیت الهی در حال گسترش و توسعه است .

جاعل الملئکه رسلًا أُولی أجنحه . .. یزید فی الخلق ما یشاء

برداشت یاد شده مبتنی بر این احتمال است که مقصود از <الخلق> فرشتگان و مراد از <ازدیاد> زیاد کردن بال های آنان باشد (بال ها کنایه از قدرت است).

گواه قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۶ - ۱۰

۱۰ - وابستگی رویش گیاهان و خشکیدن آنها به خواست خداوند ، گواه توانمندی او بر آموزش قرائت قرآن به

پیامبر (ص) و حاکمیت مشیت او بر حفظ یا فراموش کردن آن

و الذی أخرج المرعی . فجعله غثاء أحوی . سنقرئک فلاتنسی

برشمردن صفات خداوند پیش از وعده به قرائت و حفظ نشانگر ارتباط آن صفات با این وعده است; به این بیان که چون زوال گیاهان سر سبز، وابسته به خواست خداوند است، زوال قرآن از حافظه انسان نیز مقهور اراده او می باشد.

مالک قدرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۸ - ۷

۷ - تمام قدرت ها و واسطه های فیض در نظام هستی ، در مالکیت و سیطره یگانه خداوند

إنّ اللّه هو . .. ذوالقوّه المتین

تعبیر <ذوالقوّه> به جای <القوی> می تواند اشاره به این حقیقت داشته باشد که خداوند، نه تنها قوی است; بلکه هر نوع توان و قدرتی که در نظام وجود یافت شود، مملوک و مقهور او است.

مجاری قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۹ - ۵

۵- عوامل طبیعی ، مجرای اراده و قدرت خداست .

ألم یروا إلی الطیر . .. ما یمسکهنّ إلاّ الله

با آنکه پرواز پرندگان به خاطر توانایی خاصی است که در وجود آنها نهفته است، اما خداوند این توانایی را به خود نسبت می دهد; پس معلوم می شود که همه عوامل طبیعی به اراده خدا در کارند.

محدوده قدرت انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۰ - ۱۴

۱۴ نابرابری ناآگاهان و آگاهان به محدوده قدرت و وظایف پیامبران، مانند

نابرابری کوران و بینایان

قل لا أقول لکم . .. إنی ملک ... قل هل یستوی الأعمی و البصیر أفلاتتفکرون

در اینکه مراد از <أعمی> و <بصیر> در آیه چیست، احتمالاتی وجود دارد; از آن جمله اینکه کسانی که پس از بیان محدوده قدرت و وظایف پیامبران این حقایق را دریافته و پذیرا می شوند، <بصیر> و آن کسانی که جاهلانه سخنهای واهی گفته و درخواستهای نابجا دارند <أعمی> (کور) هستند.

محدوده قدرت انسان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۳۹ – ۳

۳ – برخی از جنیان ، قادر به انجام امور فوق طبیعی و خارج از محدوده قدرت بشر

قال عفریت من الجنّ أنا ءاتیک به قبل أن تقوم من مقامک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۶۰ – ۸

۸ – فرایند رویش درختان در دامان طبیعت ، خارج از قلمرو توان بشر

ما کان لکم أن تنبتوا شجرها

محدوده قدرت جن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۳۹ – ۳

۳ – برخی از جنیان ، قادر به انجام امور فوق طبیعی و خارج از محدوده قدرت بشر

قال عفریت من الجنّ أنا ءاتیک به قبل أن تقوم من مقامک

محدوده قدرت خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۰ - ۷

۷ - از امام صادق (ع) روایت شده که : قیل لأمیرالمؤمنین (ع) هل یقدر ربک أن یدخل الدنیا فی بیضه من غیر أن تصغر الدنیا و تکبر البیضه ؟ قال :

إن اللّه تبارك و تعالى لاينسب إلى العجز و الذى سألتنى لايكون ;

از امير المؤمنين (ع) سؤال شد: آيا خداوند مى تواند دنيا را در تخم مرغى جاى دهد بدون اينكه دنيا كوچك يا تخم مرغ بزرگ شود؟ فرمود: خداى تبارك و تعالى موصوف به ناتوانى نمى شود ولى آنچه مورد سؤال توست شدنى نيست (محال است).

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱ – بقره – ۲ – ۲۹ – ۱۵

۱۵ كفر ورزيدن به خداوند دارنده قدرت بى انت ها و برخوردار از علم مطلق ، امر شگفت انگيز و نامعقول است .

كيف تكفرون باللّه . .. هو الذى خلق لكم ... و هو بكل شىء عليم

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۵ – انعام – ۶ – ۶ – ۱۴

۱۴ عوامل طبيعى، مسخر اراده الهى و در قلمرو قدرت اوست.

كم أهلكنا . .. مكنهم ... و أرسلنا السماء ... و جعلنا الأنهر

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۶ – انفال – ۸ – ۴۱ – ۱۷

۱۷ خداوند توانا بر انجام هر كار و داراى قدرتى مطلق

و اللّه على كل شىء قدير

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۶ – شورى – ۴۲ – ۲۰ – ۶

۶ – برخوردارى دنياطلبان از بخشى از موهبت هاى دنيايى ، به اراده و تدبير خداوند است و نه خارج از قدرت و خواست او .

يرزق من يشاء و هو القوىّ . .. من كان يريد حرث الدنيا نؤته منها

محدوده قدرت شعيب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء -

۳ - ۱۸۷ - ۲۶

۳ - فرو ریختن قطعات آسمانی ، امری خارج از قلمرو قدرت شعیب (ع) در پندار مردم اَیکه

فأسقط علینا کسفًا من السماء إن کنت من الصدقین

محدوده قدرت شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱۱ - ۴

۴ - محدودیت توان و دامنه نفوذ شیاطین

و ما یستطیعون

محدوده قدرت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۱ - ۲

۲ - مباهات فرعون ، به قلمرو قدرت و میزان مکنت و دارایی خویش

و نادی فرعون فی قومه قال یقوم ألیس لی ملک مصر. .. أفلاتبصرون

محدوده قدرت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۲۹

۲۹ پیامبر (ص) از نجات کسانی که خداوند عذاب را برای آنان حتمی ساخته ، ناتوان است .

و من یرد اللّه فتنته فلن تملک له من اللّه شیئاً

<من اللّه> متعلق به <تملک> و بیانگر این است که اگر پیامبر(ص) برای نجات مردمان از ضلالت و عذاب قدرتی دارد، از جانب خداست و این قدرت در مورد یادشدگان از وی سلب شده است. کلمه <فتنه> در اصل به معنای <اختبار> و <بر ملا ساختن باطل> است و چون عذاب الهی هویت شخص را آشکار می سازد به آن <فتنه> اطلاق می گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۵ - ۵

۵ پیامبر(ص) نخواهد توانست با نقب زدن به زمین و گذاشتن نردبان به آسمان خودسرانه معجزه ای ارائه کند.

فإن

استطعت أن تبتغى نفقا فى الأرض أو سلما فى السماء فتأتيهم بأيه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۵۰ – ۲۰،۲۱

۲۰ تفکر درباره محدوده قدرت و وظایف پیامبر(ص) و معجزات وی، مورد ترغیب و توصیه خداوند

قل لا أقول لكم . .. أفلاتتفكرون

از مصادیق مهم و بارز مـذکور در آیه، محدوده قدرت و وظایف پیامبر(ص) است که جمله <أفلا تتفکرون> همه مردم را به تفکر درباره آن فرا می خواند.

۲۱ نیندیشیدن درباره محدوده قدرت و وظایف پیامبران و خرافه گویی درباره آنان، مورد نکوهش خداوند

قل لا أقول لكم عندى خزائن اللّه . .. أفلاتتفكرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۵۰ – ۲۰،۲۱

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۲۰ – ۶

۶ معجزه ، فعل خدا و خارج از قلمرو توانایی پیامبر (ص) است .

لو لا أنزل عليه ءايه من ربه فقل إنما الغيب للّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۴۹ – ۱،۲،۴

۱ هیچ کس حتی پیامبر اکرم (ص) ، جدا از مشیت خداوند ، توانایی جلب منفعت و دفع ضرر از خویشتن را ندارد .

قل لاأملك لنفسى ضرّاً و لانفعاً إلا ما شاء اللّه

۲ پیامبر اکرم (ص) ، تنها پیام رسان خداونـد است و بیرون از خواست و اراده او به تحقق بخشیـدن وعـده یا وعیدی ، توانایی ندارد .

و يقولون متى هذا الوعد . .. قل لاأملك لنفسى ضرّاً و

لانفعاً إلا ما شاء اللّه

۴ پیامبر اکرم (ص) ، بی مشیت خداوند توانایی تعیین زمان و تحقق بخشیدن عذاب استیصال را ندارد .

و یقولون متی هذا الوعد . .. قل لاأملك لنفسی ضرّاً و لانفعاً إلا ما شاء اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۶ - ۱

۱ - هدایت بخشی و ایجاد ایمان در دل مردم ، خارج از قلمرو توانایی پیامبر (ص) است .

إنّک لاتهدی من أحببت

<هدایه> هم به معنای نشان دادن راه به کار می رود و هم به معنای رساندن به مقصد. مراد از هدایت در این آیه، معنای دوم است; زیرا هدایت (به معنای نشان دادن راه) وظیفه هر پیامبر و از جمله رسول اکرم(ص) است و معنا ندارد که خداوند آن را از پیامبر(ص) نفی کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۹ - ۱

۱ - نجات محکومان به عذاب قطعی الهی ، در توان هیچ کس حتی پیامبر (ص) نیست .

أفمن حقّ علیه کلمه العذاب أفأنت تنقذ من فی النار

و <حقّ>; یعنی، <ثَبَتَ> و <وَجَبَ> (ثابت و واجب شد) و <کلمه> در آیه شریفه به معنای وعده و یا فرمان است و همزه در <أفأنت. ..> استفهام انکاری می باشد. بر این اساس پیام آیه چنین می شود: آیا کسی که وعده و فرمان عذاب بر آنان قطعی شده است، تو می توانی نجاتش بخشی؟ هرگز!

محدوده قدرت ملائکه محافظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳

۱۵ - ۱۱ -

۱۵ هیچ کس و هیچ چیز حتی فرشتگان محافظ نمی تواند گمراهان و گنه کاران را در برابر گزندی که خداوند برای آنان تقدیر کرده ، یاری رساند و آنان را مصون دارد .

و ما لهم من دونه من وال

جمله <فلامردّ له> می رساند که تقدیر الهی بر گزندرسانی بازگشتنی نیست و جمله <و ما لهم . ..> بیانگر آن است که پس از آمدن ، هیچ کس نمی تواند مشمولان آن را یاری دهد و ایشان را نجات بخشد.

محدودیت قدرت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۳ - ۵

۵- حوادث آینده ، از علم و قدرت قطعی انسان خارج است .

و لاتقولنّ لشاْیء إنّی فاعل ذلک غدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۸ - ۲

۲ - قوای انسان هرچند نیرومند باشد زوال پذیر و در معرض سستی است .

و من نعمّره ننکّسه فی الخلق

محدودیت قدرت دشمنان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۲ - ۱۵

۱۵ - قدرت و حاکمیت دشمنان پیامبران و مؤمنان ، موقت و محدود به زندگی دنیایی است .

إنّما تقضی هذه الحیوه الدنیا

محدودیت قدرت دشمنان مؤمنان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۷۲ – ۱۵

۱۵ – قدرت و حاکمیت دشمنان پیامبران و مؤمنان ، موقت و محدود به زندگی دنیایی است .

إنّما تقضی هذه الحیوه الدنیا

محرومان از درک قدرت خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه

– فیش

۱۹ – منافقون – ۶۳ – ۷ – ۱۵

۱۵ – محرومیت منافقان ، از درک روابط و مناسبات جهان آفرینش و قدرت خداوند

و لکنّ المنفقین لایفقهون

مشرکان و قدرت خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۶۵ – ۱۶

۱۶ – مشرکان به هنگام مواجه شدن با عذاب الهی ، به انحصار قدرت به خدا ، پی خواهند برد .

و لو یری الذین ظلموا إذ یرون العذاب أن القوه للّه جمیعاً

<إذ یرون> مفعول برای <یری> است و <أن القوه . ..> با فعل مقدری جواب شرط می باشد; یعنی: <لو یری ... لعلموا أن القوه للّه جمیعاً; اگر مشرکان امروز می دیدند آن روزی را که با عذاب قیامت مواجه خواهند شد، همانا می فهمیدند که تمام قدرتها از آن خداوند است.>

مظاهر قدرت خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۴۸ – ۱۳،۱۴

۱۳ – برپا کردن قیامت و آوردن همه انسان ها در آن ، مظهر قدرت همه جانبه خداوند است .

یأت بکم اللّه جمیعاً إن اللّه علی کل شیء قدیر

۱۴ – برپا کردن صحنه قیامت و آوردن انسان ها به آن صحنه ، درخور قادری مطلق است .

یأت بکم اللّه جمیعاً إن اللّه علی کل شیء قدیر

مکذبان قدرت خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۷۸ – ۵

۵ – کافران ، خدا را از احیای مجدد انسان ها پس از مرگ ، ناتوان می دانستند .

و ضرب لنا مثلًا. .. قال من یحیِ العظم و هی رمیم

مقصود از

<ضرب لنا مثلاً> (برای ما مثل آورد) می تواند این معنا باشد که: کافران، قدرت خدا را با قدرت دیگران یکی می دانستند; یعنی، همان گونه که همه از احیای استخوان کهنه ناتوان اند، او نیز مانند همه ناتوان است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۱۱ – ۵

۵ – انکار قدرت خداوند بر حیات مجدد انسان ها و برپایی قیامت از سوی کافران

قالوا ربّنا أمتّنا اثنتین و أحییتنا اثنتین فاعترفنا بذنوبنا

اعتراف کافران در روز قیامت به دو بار مردن و زنده شدن و نیز گنه کار بودن شان، نشانگر آن است که آنان در دنیا منکر توانایی خداوند بر احیای مجدد انسان ها بودند. از این رو به خطاکار بودن شان اعتراف می کنند.

ملاک قدرت نظامی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۶۰ – ۶

۶ وحشت دشمن از توان رزمی مسلمانان ، تعیین کننده مرز قدرت نظامی ضروری در جامعه ایمانی

و أعدوا لهم ما استطعتم . .. ترهبون به عدو اللّه

جمله <ترهبون . .. > به منزله تفسیر و توضیحی است برای <ما استطعتم>. یعنی توان نظامی باید به حدی رسد که دشمن را به وحشت اندازد، نه کمتر از آن ; هر چند جامعه اسلامی بر بیشتر از این مقدار توانمند باشد.

منابع قدرت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۲۶ – ۶،۹

۶ خداوند ، تنها عطاکننده قدرت ، به هر کس که اراده فرماید .

تؤتی الملک من تشاء

۹ خداوند به هر کس که

بخواهد مُلک (قدرت و حاکمیّت) می دهد و از هر کس بخواهد ، بازمی ستاند .

تؤتی الملک من تشاء و تنزع الملک ممّن تشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۷ - ۷

۷ - دریا ، یکی از منابع ثروت و قدرت

و الشیطین کلّ بنّاء و غوّاص

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که خداوند، در پاسخ به درخواست سلیمان(ع) مبنی بر داشتن حکومت مقتدر، مسأله به خدمت درآوردن شیاطین برای غواصی و استخراج منابع و ذخایر آن را مطرح ساخت.

منشأ قدرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۵ - ۱۱

۱۱ - تمام قدرت ها از آن خداوند است و هیچ کس و هیچ چیز غیر از او قدرتی ندارد .

أن القوه للّه جمیعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۶ - ۸

۸ شرک و پرستش غیر خدا ، برخاسته از ناآگاهی به مالک حقیقی سود و زیان و سرچشمه قدرت در هستی

اتعبدون من دون اللّه ما لایملک لکم ضراً و لانفعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۹ - ۱۷

۱۷ امت ها و جوامع نیرومند باید توان و نیروی خویش را نعمتی خدادادی بدانند و همواره آن را به یاد داشته باشند .

اذکروا إذ جعلکم . .. و زادکم فی الخلق بصطه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۰ - ۱۹

۱۹ برخورداران از نعمت و عزت و مکنت

، باید به خدادادی بودن آنها توجه داشته و بدان اقرار کنند .

قد منّ الله علینا إنه من یتّق و یصبر فإن الله لایضیع أجر المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۰ - ۱۶

۱۶- دلیل و حجت نیرومند و توان پیروزمند در صحنه رویارویی با منکران حق و حقیقت ، در گرو امداد الهی است .

و اجعل لی من لدنک سلطنًا نصیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۹ - ۴

۴- تمام نیرو ها ، وابسته به خداوند است .

لاقوّه إلاّ باللّه

جمله <لاقوّه إلاّ باللّه> به دلیل <لا> ی نفی جنس و حرف <إلاّ> افاده حصر می کند; یعنی، هیچ توان و قدرتی، جز به نیروی خداوند، نمی تواند عرضه وجود کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۴ - ۲

۲- قدرت و امکانات عناصر نیرومند تاریخ ، در قلمرو اراده و حاکمیت خداوند و نه مستقل از آن .

إنّا مکّنّا له فی الأرض

نسبت دادن قدرت و امکانات ذوالقرنین به خداوند، این پیام را دارد که نباید پنداشت که قدرت مندان، آنچه دارند، خود، به دست آورده اند، بلکه همه چیز از او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۸ - ۲

۲- برخورداری انسان از قدرت و دانش و به کار گیری آن در جهت مصالح انسانی ، نمودی از رحمت پروردگار است .

. .. قال هذا رحمه من ربّی

ذوالقرنین، سد و به عبارت دیگر، تمام امکانات و دانشی که برای

ساخته شدن آن به کار رفته بود را رحمت پروردگار دانست این منطق، منطقی عام است و اختصاصی به سد و یا شخص ذوالقرنین ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۰ - ۴

۴ - علم ، منشأ قدرت

قال الذی عنده علم من الکتب أنا ءاتیک به قبل أن یرتدّ إلیک طرفک

وصف <عنده علم. ..> اشعار به علیت دارد; یعنی، چون به دانش آن کتاب آگاهی داشت، توانست به خواسته سلیمان جامه عمل بپوشاند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۷ - ۸

۸ - اموال ، توانایی ها و امکانات بشر ، همگی داده خداوند و جلوه لطف او است .

فلینفق ممّا ءاتیه اللّه لایکلّف اللّه نفسًا إلاّ ما ءاتیها

منشأ قدرت اقتصادی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶ - ۵

۵- تجدید توان اقتصادی و انسانی بنی اسرائیل با امداد الهی پس از اولین شکست

ثمّ رددنا لکم الکرّه علیهم و أمددنکم بأمول و بنین

منشأ قدرت اقوام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲۸ - ۶

۶- سنت الهی در تاریخ ، انتقال قدرت و اقتدار اقوام حق ستیز به دیگر ملت ها

كذلك و أورثنها قومًا ءاخرين

بنابراين كه <كـذلك> اشاره به اسـتمرار داشـته باشـد؛ تعبير <و أورثناها> مى رسانـد كه باقى نمانـدن قدرت و اقتدار براى هميشه در اختيار يك قوم و انتقال آن به ساير اقوام، از سنت هاى الهى است.

منشأ قدرت انسان

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۳ - ۴

۴ - انسان ، توانا به تسخیر تمامی قوا و امکانات طبیعت در پرتو اراده الهی *

و سخّر لکم ما فی السموت و ما فی الأرض

تعبیر <سخّر لکم> ممکن است به این معنا باشد که خداوند، موجودات را مسخّر انسان قرار داده است; یعنی، انسان بالقوه قادر است که در همه مظاهر طبیعت به نفع خویش تصرف کند.

منشأ قدرت انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۰ - ۸

۸ - اراده و اقتدار خداوند ، حاکم بر اراده و اقتدار انسان ها

و کفّ أیدی الناس عنکم

تعبیر <کفّ. ..>، می رساند که اراده الهی، فائق بر قدرت و اراده مردم است.

منشأ قدرت بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶ - ۱

۱- بازگشت قدرت و توان بنی اسرائیل با اراده خداوند پس از نخستین شکست آنان

ثمّ رددنا لکم الکرّه علیهم

<کرّه> در لغت به معنای بازگشت و دولت و نیز به معنای تجدید خلق پس از نابودی است. در هر حال، بازگشت قدرت و توان، از آن قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶ - ۲

۲ – بیرون آوردن بنی اسرائیل از محرومیت و فقر و قرار دادن امکانات دنیوی (سرزمین مستقل ، قدرت و مکنت) در اختیار آنان ، نمودی دیگر از امتنان الهی بر آنها

و نرید أن نمنّ . .. و نمکّن لهم فی الأرض

منشأ قدرت تلاوت قرآن محمد(ص)

جلد –

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – علق – ۹۶ – ۳ – ۵

۵ – القای وحی بر پیامبر (ص) و توانمند ساختن او بر قرائت قرآن ، احسان و کرم خداوند به آن حضرت است .

اقرأ و ربّک الأکرم

منشأ قدرت جامعه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۷۶ – ۱۲

۱۲– دعوت به عدالت و بر صراط مستقیم بودن ، منشأ قدرت ، استقلال و خیرات برای جامعه است .

أحدهما أبکم لایقدر علی شیء . .. هل یستوی هو و من یأمر بالعدل و هو علی صرط مستقیم

برداشت فوق، از تقابل <من یأمر بالعدل. ..> و <أحدهما أبکم ... لایأت بخیر> به دست آمد.

منشأ قدرت جبرئیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکویر – ۸۱ – ۲۰ – ۵

۵ – سلطه خداوند بر عرش ، پشتوانه اقتدار جبرئیل

ذی قوّه عند ذی العرش مکین

وصف <ذی العرش>، می تواند این نکته را برجسته سازد که منزلت والای جبرئیل، نزد کسی که عرش مقهور او است، اتصاف او را به <ذی قوّه> تضمین می کند.

منشأ قدرت حکومت سلیمان(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۴۰ – ۱۰

۱۰ – وجود قدرت های فوق العاده در دربار سلیمان ، فضلی از جانب پروردگار برای او

فلمّا رءاه. .. قال هذا من فضل ربّی

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <هذا> اشاره به توان موجود در دستگاه حکومتی سلیمان باشد; یعنی، وجود چنین نیرویی در دستگاه من که توانست تخت عظیم بلقیس را

در کمتر از یک نگاه حاضر سازد تفضل پروردگار به من است.

منشأ قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۶ - ۲

۲ توانمندی خداوند بر زنده کردن و میراندن ، برخاسته از مالکیت انحصاری او بر هستی است .

ألا إن للّه ما فی السموت و الأرض . .. هو یحی و یمیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۰ - ۲

۲- خداوندی خداوند ، منشأ قدرتمندی او بر انجام کار های شگفت آور و بزرگ

و ما ذلک علی الله بعزیز

ذکر اسم ظاهر <الله> به جای ضمیر با اینکه به دلیل ذکر <الله> در آیه جای کاربرد ضمیر است می تواند مشعر به معنای یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۲ - ۶

۶- قدرت مطلقه و رحمت گسترده ، در انحصار خداوند است .

إنّه هو العزیز الرحیم

منشأ قدرت ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۴ - ۷

۷- امکانات و نیروی < ذوالقرنین > و برخورداری او از وسایل و ابزار لازم در مقاصد خویش ، اعطای خداوند به وی بود .

إنّا مكّنّا له . .. و ءاتينه من كلّ شیء سببًا

منشأ قدرت سليمان(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۴۰ – ۱۲

۱۲ – علم و قدرت ، دو نمود بارز فضل الهی برای سليمان (ع) و در خدمت او

قال الذی عنده علم

من الکتب. .. فلمّا رءاه مستقرًّا عنده قال هذا من فضل ربّی

گرچه علم و قـدرت مطرح شده در آیه مربوط به آصف بن برخیا است; ولی وی از اعضای دربار سـلیمان بود و دانش ویژه و توان فوق العاده او در خدمت حکومت آن حضـرت قرار داشت. بر این اساس است که سـلیمان(ع) خدا را بر این علم و قدرت سپاس می گزارد. بعلاوه برخی از مفسران مراد از <الذی عنده...> را خود سلیمان(ع) دانسته اند.

منشأ قدرت فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۰ - ۴

۴- پایه های اقتدار و شکوفایی نظام فرعونی ، متکی بر شانه های رنج کشیده بنی اسرائیل *

کم ترکوا من جنّت و عیون . .. من العذاب المهین

از ارتبـاط میـان این آیه با آیاتی که سـخن از امکانات گسترده اقتصادی فرعونیان به میان آورده، به دست می آیـد که احتمالاً بنی اسرائیل در استخدام باغداری و کشاورزی نظام فرعونی بوده و از این بابت مشقت ها و بردگی ها را تحمل می کردند.

منشأ قدرت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شرح - ۹۴ - ۱ - ۱

۱ - خداوند به پیامبر (ص) ، شـرح صدر عنایت کرده و قوای باطنی آن حضـرت را پذیرای حقیقت قرار داد و توانمندی های او را ، برای تحمّل سختی ها و تکالیف ، فزونی بخشید .

ألم نشرح لک صدرک

شرح صدر، گنجایش دادن آن برای قبول حق است (لسان العرب). <صدر> و <قلب>، کنایه از نفس انسان است که دارای فهم و درک است. گفته شده

<صدر> اعم از <قلب> است; زیرا شامل تمام قوای انسان می شود. (برگرفته شده از مفردات راغب)

منشأ قدرت موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۰ - ۸

۸ توان و قدرت موجودات ، عطایی از خداوند به آنهاست .

ما أنزل الله بها من سلطن

منشأ قدرت موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۵ - ۶

۶ - قرار داشتن موسی و هارون (ع) در موضع اقتدار و تسلّط ، در پرتو آیات و معجزات الهی

و نجعل لکما سلطنًا . .. بئایتنا

منشأ قدرت هارون(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۵ - ۶

۶ - قرار داشتن موسی و هارون (ع) در موضع اقتدار و تسلّط ، در پرتو آیات و معجزات الهی

و نجعل لکما سلطنًا . .. بئایتنا

منشأ قدرت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۶ - ۱۸،۱۷،۱۱،۵

۵ سرگذشت یوسف (ع) (نجات از چاه کنعان تا رسیدن به وزارت و نیل به قدرت) به اراده خداوند و بر اساس تدبیر او بود

.

و كذلك مكّنّا ليوسف فى الأرض

۱۱ به قدرت رسيدن يوسف (ع) پس از بردگى و اسارت در زندان ، دليلى متقن بر حاكميت مشيّت الهى بر تمامى اسباب و علّتهاست .

كذلك مكّنّا ليوسف فى الأرض يتبوّأ منها حيث يشاء نصيب برحمتنا من نشاء

جمله <رحمت خويش را بر هر كس كه خواهيم شامل مى گردانيم و به او قدرت

می بخشیم> که مفاد <نصیب برحمتنا. ..> است به منزله ادعایی است که با <کذلک مکّنا ...> بر آن استدلال شده است ; یعنی، خداوند برده ای را که اختیاردار خودش نیز نبود به جایی رسانید که اختیار همگان را دارا شد، و این دلیلی روشن بر حاکمیت مطلق الهی است.

۱۷ دستیابی یوسف (ع) به قدرت در سرزمین مصر و بهره مندی او از رحمت خاص الهی ، پاداش کار های نیک او بود .

کذلک مکّنا . .. نصیب برحمتنا ... و لانضیع أجر المحسنین

۱۸ به قدرت رسیدن یوسف (ع) در سرزمین مصر ، دلیلی روشن بر ضایع نشدن اجر نیکوکاران از ناحیه خداوند است .

و کذلک مکّنا لیوسف فی الأرض . .. و لانضیع أجر المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۱۷

۱۷ برخورداری یوسف (ع) از قدرت و مکنت و بهره مندی او از دانش تعبیر رؤیا ها و تحلیل حوادث ، پرتوی از ولایت خداوند بر او بود .

قد ءاتیتنی من الملک و علمتنی . .. أنت ولیّ فی الدنیا و الأخره

موانع شک در قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۵ - ۴

۴ مشاهده خلقت نخستین موجودات و شک در قدرت خداوند برای آفرینش مجدد آنها ، ناسازگار با یکدیگر

أفعیینا بالخلق الأوّل بل هم فی لبس من خلق جدید

از آیه شریفه، استفاده می شود که میان خلقت نخستین موجودات و اعاده آنها از نظر امکان، حکمی یکسان جاری است; اگر اولی ممکن شد

دومی نیز ممکن است. حال ممکن شمردن یکی و محال شمردن دیگری، تناقض می باشد.

موجبات ضعف قدرت نظامی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۶۶ – ۵

۵ ضعف ایمان در مسلمانان صدر اسلام موجب ضعف قدرت ایشان در میدان های نبرد

علم أن فیکم ضعفا فإن یکن منکم مائه صابره

از علل توان بسیار برتر مسلمانان در برابر کافران مفهومی است که از <بأنهم قوم لایفقهون> به دست می آید ; یعنی ایمان راسخ به معارف دین. بنابراین می توان گفت منشأ بروز ضعف نسبی مسلمانان پس از گذشت برهه ای از صدر اسلام، افت درجه ایمانی آنان بوده است.

موجبات قدرت اقتصادی مسلمانان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۲۰ – ۹

۹ – فتح خیبر ، نقطه عطفی در اقتدار اقتصادی ، سیاسی مسلمانان و بازماندن دشمنان از توطئه علیه ایشان

فعجّل لکم هذه و کفّ أیدی الناس عنکم

<هذه> اشاره به فتح و غنایم خیبر دارد و <کفّ. ..> مترتب بر آن می باشد; به تعبیر دیگر تقدم و تأخر در لفظ، دال بر تقدم و تأخر در معنا باشد.

موجبات قدرت سیاسی مسلمانان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۲۰ – ۹

۹ – فتح خیبر ، نقطه عطفی در اقتدار اقتصادی ، سیاسی مسلمانان و بازماندن دشمنان از توطئه علیه ایشان

فعجّل لکم هذه و کفّ أیدی الناس عنکم

<هذه> اشاره به فتح و غنایم خیبر دارد و <کفّ. ..> مترتب بر آن می باشد; به تعبیر دیگر تقدم و تأخر در

لفظ، دال بر تقدم و تأخر در معنا باشد.

ناپایداری قدرت انسان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۷۰ – ۱۲

۱۲– علم و قدرت انسان ، ناپایدار و علم و قدرت خداوند ، همیشگی است .

و منکم من یردّ إلی أرذل العمر لکی لایعلم بعد علم شیئًا إن الله علیم قدیر

ناپسندی قدرت طلبی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مدثر – ۷۴ – ۱۵ – ۳

۳ – طمعورزی و افزون خواهی در به چنگ آوردن ثروت و قدرت بیشتر ، خصلتی ناپسند و محکوم است .

ثمّ یطمع أن أزید

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که این دسته از آیات که درباره افراد کافر و دین ستیزی همچون ولیدبن مغیره است درصدد بیان خصلت های زشت آنان و محکوم کردن آنها است.

نبوت و قدرت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۴۴ – ۱۶

۱۶ – عدم تنافی شکوه و قدرت و امکانات مادی با مقام نبوت و مراتب عالی معنوی

قال إنّه صرح ممرّد من قواریر

تعبیر <صرح ممرّد من قواریر> بیان گوشه ای از برخورداری ها و حشمت و شوکت سلیمان(ع) است. این در حالی است که او پیامبری بزرگ و دارای جایگاهی ارجمند در مقامات معنوی بود.

نشانه های قدرت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۶ – ۱۲

۱۲ آب فراوان و رونق کشاورزی از شاخصه های توانمندی و قدرت اقوام و تمدنها

و أرسلنا السماء علیهم مدرارا و جعلنا الأنهر تجری

من تحتهم

نشانه های قدرت جنگی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – فیل – ۱۰۵ – ۱ – ۶

۶ – استفاده از فیل در جنگ های عرب ، کم سابقه و نشانه برخورداری سپاه مهاجم ، از تجهیزات پیشرفته جنگی بود .

ألم تر کیف فعل ربّک بأصحب الفیل

شهرت سپاه ابرهه با عنوان <اصحاب الفیل>، نشانگر تازگی داشتن این ابزار جنگی و هراس افکن بودن آن است.

نشانه های قدرت خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۲۹ – ۱۲

۱۲ آفرینش موجودات زمین و آسمان های هفتگانه ، دلیل توانایی خدا بر زنده کردن مردگان است .

ثم یحییکم ثم إلیه ترجعون. هو الذی خلق لکم ... فسویهن سبع سموت

جمله <هو الذی . ..> می تواند مرتبط با ذیل آیه قبل باشد و نیز می تواند با صدر آن آیه در ارتباط باشد. برداشت فوق مبتنی بر احتمال نخست است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۷۳ – ۱۲،۱۳،۱۵

۱۲ خداوند ، آیات و نشانه های قدرت خویش را همواره و به گونه ای روشن برای مردم نمایان می سازد .

و یریکم ءایته

آیات به معنای نشانه هاست، به نظر می رسد در آیه فوق – به مناسبت بیان احیای مردگان – مراد از آیات، نشانه ها و دلایل قیامت یا قدرت خداوند است.

۱۳ از اهداف ارائه آیات به مردم ، ایجاد زمینه های فهم اقتدار و توانمندی خداوند در آنان است .

و يريكم ءايته لعلكم تعقلون

۱۵ - زنده شدن مقتول بنی اسرائيل و معرفی قاتل

خویش ، از آیات خدا و از نشانه های اقتدار اوست .

فقلنا اضربوه ببعضها كذلك . .. يريكم ءايته لعلكم تعقلون

از مصداقهای <آیاته> - که آیه ناظر به آن است - زنده شدن مقتول بنی اسرائیل می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۷ - ۲۲

۲۲ مالکیت خداوند بر هستی ، دلیل توانایی وی بر نابود ساختن مسیح (ع) ، مریم (ع) و تمامی اهل زمین و نفی هرگونه قدرت در برابر قدرت اوست .

فمن يملك من اللّه شيئاً ان اراد ان يهلك . .. و للّه ملك السموت و الارض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۸ - ۱۳

۱۳ تمامی جنبندگان زمین و چگونگی زندگی آنها، آیات قدرت خداوند است.

إن اللّه قادر على أن ينزل . .. و ما من دابه فى الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۹ - ۵

۵ کسانی که نتوانند از جنبندگان و شکل زندگی آنها به توانمندی خداوند پی ببرند، مانند کر و لالهایی فرو رفته در تاریکی هستند.

و ما من دابه فى الأرض . .. إلى ربهم يحشرون. و الذين كذبوا بأيتنا صم و بكم فى الظ

مقتضای ارتباط بین آیه مورد بحث با آیه قبل می تواند این مضمون باشد که همین آیات موجود در طبیعت برای هدایت کافی است و کسانی که نتوانند از همین آیات توانمندی خداوند را (إن اللّه قادر على ان ينزل) دریابند، کر و لالهایی ظلمت زده هستند.

جلد - نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۹۶ – ۷

۷ برنامه های جاری جهان هستی، نمودی از قدرت مطلقه و دانش گسترده خداوند است.

فالق الإصباح . .. ذلک تقدیر العزیز العلیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۳۳ – ۱۴

۱۴ پدید آوردن نسلها و جوامع موجود به جای اقوام پیشین، نشان قدرت الهی بر نابود ساختن جوامع ستم پیشه

إن یشأ یذهبکم . .. کما أنشأکم من ذریه قوم ءاخرین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۴۱ – ۳،۵،۸

۳ مظاهر گوناگون طبیعت جلوه قدرت خداوند است.

و هو الذی أنشأ جنت

۵ گوناگونی میوه ها و محصولات کشاورزی از آثار قدرت الهی

و الزرع مختلفا أکله

<اکل> به معنای میوه و ثمرهای خوراکی است.

۸ همگونی میوه ها در شکل و گوناگونی آنها در طعم و کیفیت، نشانی از قدرت خداوند است.

و هو الذی . .. الزیتون و الرمان متشبها و غیر متشبه

محتمل است مراد از زیتون و انار در آیه، میوه های آن باشد. در این صورت <متشابه> یعنی تشابه میوه های زیتون با یکدیگر و همچنین انار، <و غیر متشابه> یعنی تفاوت آنها از نظر رنگ و طعم و ... در عین تشابه با یکدیگر.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۱ - ۱۸

۱۸ یاری رسیدن به مسلمانان در جنگ بدر و به پیروزی رساندن آنان نمودی از قدرت مطلقه خداوند

و ما أنزلنا علی عبدنا . .. و اللّه علی کل شیء قدیر

جمله <و

اللّه . .. > می توانـد ناظر به تمام حقایقی باشـد که در آیه مورد بحث مطرح شده است که از جمله آنها امدادهای خداوند در جنگ بدر است که <و ما أنزلنا ... > دلالت بر آن دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۲ - ۱۰

۱۰ گرفتاری فرعونیان و کافران پیش از آنها به کیفر های شدید الهی ، نمودی از توانمندی خداوند است .

فأخذهم اللّه بذنوبهم إن اللّه قوی شدید العقاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۰ - ۱،۱۶

۱ نصـرت خداوند به پیامبر (ص) در سـخت ترین شرایط هجرت ، نشان قدرت و بی نیازی خدا از نصرت دیگران برای تحقق اراده خویش است .

و اللّه علی کل شیء قدیر. إلا تنصروه فقد نصره اللّه إذ أخرجه الذین کفروا

۱۶ پیروزی پیاپی اسلام بر کفر ، نمودی از قدرت الهی بر تحقق اراده خویش و نصرت پیامبر (ص)

و اللّه علی کل شیء قدیر . .. فقد نصره اللّه ... و جعل کلمه الذین کفروا السفلی و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۰ - ۷

۷ هلاکت امت های کفرپیشه گذشته تاریخ ، نمودی از قدرت خدا بر کیفر دنیوی منافقان و کافران هر عصر

ألم یأتهم نبأ الذین من قبلهم قوم نوح . .. و المؤتفکت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۵ - ۴

۴ مالکیت مطلق و همه جانبه خداوند بر

جهان هستی ، نشان توانمندی او بر تحقق بخشیدن به تمامی وعده های خویش است .

ألا إن للّه ما فی السموت و الأرض ألا إن وعد اللّه حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۶ - ۶

۶ توانمندی خداوند بر زنده کردن و میراندن ، نشانه قدرت او بر برپا ساختن رستاخیز است .

هو یحی و یمیت و إلیه ترجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲ - ۱۸،۱۳،۱۱

۱۱ آفرینش آسمان های متعدد و رفیع ، تسخیر خورشید و ماه ، از نشانه های توان و اقتدار خدا و یکتایی او در تدبیر هستی است .

یفصّل الأیت

جمله های <الله الذی رفع السموت . ..> حاکی است که متعلق <آیات> اقتدار خداوند ، سلطه او بر هستی و تدبیر آفرینش است ; یعنی: <یفصل الأیات الداله علی قدرته و ...>.

۱۳ قرآن ، بیانگر نشانه ها و دلایل اقتدار خداوند و روشن گر تدبیر او بر امور جهان است .

یدبر الأمر یفصّل الأیت

در برداشت فوق <الأیات> به آیات قرآنی تفسیر شده است. گفتنی است که بر این مبنا مقصود از تفصیل (جداسازی) تبیین کردن و به روشنی بیان نمودن است.

۱۸ اعتقاد و باور جزمی انسان ها به معاد و لقای خداوند ، از هدف های قرآن در بیان نشانه های قدرت و تدبیر خدا و سلطه او بر هستی است .

یفصّل الأیت لعلکم بلقاء ربکم توقنون

برداشت فوق ، ناظر به این معناست که مراد از <الأیات> آیات قرآنی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم

- ۱۴ - ۱۹ - ۱۲

۱۲- آفرینش آسمان ها و زمین ، نمودی از قدرت خداوند بر احیای مردگان در قیامت (معاد) است . *

ألم تر أن الله خلق السموت و الأرض بالحقّ إن يشأ يذهبكم و يأت بخلق جديد

این برداشت مبتنی بر این احتمال است که آیه در صدد طرح مسأله معاد و اثبات قدرت خداوند بر آن است و آیات قبل، که کیفر اخروی کافران و حبط عمل آنها را مطرح کرد، می تواند قرینه ای بر ادّعای فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۳ - ۴

۴- آفرینش موجودات زمینی با رنگ های گوناگون ، نشانه ای از خداوند و نمونه ای از قدرت اوست .

و ما ذرأ لكم فى الأرض مختلفًا ألونه إن فى ذلک لأيه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۷ - ۸

۸- در فرآورده های خرما و انگور برای خردورزان ، آیت و نشانه ای از قدرت و ربوبیت خداوند است .

و من ثمرت النخيل و الأعنب تتّخذون منه سكرًا و رزقًا حسنًا إن فى ذلك لأيه لقوم ى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۰ - ۱۱

۱۱- آفرینش و مرگ و اعطای دانش و سلب آن از انسان ، جلوه ای از علم و قدرت الهی است .

و الله خلقكم ثمّ يتوفّكم . .. إن الله عليم قدير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۷ - ۱۰

۱۰- برپایی قیامت ، جلوه ای

از قدرت مطلقه الهی

و ما أمر الساعه إلاّ کلمح البصر . .. إن الله علی کلّ شیء قدیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۷۸ – ۱

۱– تولد انسان ها از مادرانشان ، جلوه ای از قدرت مطلق خداوند است .

إن الله علی کلّ شیء قدیر . و الله أخرجکم من بطون أمّهتکم

برداشت فوق، با استفاده از ارتباط این آیه با آیه قبل است که در پایان آن، سخن از قدرت بی پایان الهی به میان آمده بود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۷۹ – ۴،۷

۴– پرواز پرندگان در جوّ آسمان بدون سقوط بر زمین ، از نشانه های قدرت خداوند است .

ألم یروا إلی الطیر مسّخرت فی جوّ السّماء ما یمسکهنّ إلاّ الله

۷– در پرواز پرندگان و حرکت اجرام آسمانی ، آیات بسیاری بر عظمت و قدرت خداوند وجود دارد .

ألم یروا إلی الطیر . .. ما یمسکهنّ إلاّ الله إن فی ذلک لأیت لقوم یؤمنون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۱ – ۳،۴

۳– سیر دادن پیامبر (ص) در یک شب از مسجدالحرام به مسجدالاقصی ، نشانه قدرتمندی خداوند و مبرّا بودنش از هر ضعف و کاستی است .

سبحن الذی أسری بعبده لیلاً من المسجدالحرام إلی المسجدالأقصا

۴– معراج پیامبر (ص) ، نشانی از قدرت خداوند و مبرّا بودنش از هر ضعف و کاستی

سبحن الذی أسری بعبده لیلاً من المسجدالحرام إلی المسجدالأقصا

نوع مفسّران برآنند که مقصود از سیر شبانه پیامبر(ص) همان معراج آن حضرت است

و روایات بسیاری هم مؤید این نظریه می باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۴۵ – ۱۴

۱۴– پدیدار شدن حیات بر روی زمین ، جلوه ای از قدرت لایزال خداوند است .

واضرب لهم مثل الحیوه الدنیا . .. و کان اللّه علی کلّ شیء مقتدرًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۷ – ۱۰

۱۰– تبلور قدرت خداوند ، در اعطای فرزند به پدری فرتوت و مادری عقیم

و کانت امرأتی عاقرًا . .. یزکریا إنّا نبشّرک بغلم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۹ – ۱۱

۱۱– آفرینش انسان ، نمودی از قدرت خداوند است .

و قد خلقتک من قبل و لم تک شیئًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۲۱ – ۱۱

۱۱– حضرت عیسی (ع) و آفرینش او بدون پدر ، نشانه ای بزرگ برای پی بردن مردم به قدرت خداوند

و لنجعله ءایه للناس

ضمیر مفعولی <لنجعله> به عیسی(ع) بازمی گردد. تنوین <آیهً>، مفید تفخیم است; یعنی بدان جهت عیسی(ع) را به تو عطا کردیم که او را برای مردم آیتی بزرگ قرار دهیم.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۴ – ۴

۴- توان منـدی خداوند بر آفرینش زمین و آسـمان های مرتفع ، نشان اقتدار او برفرسـتادن کتابی شایسـته ، برای تذکر و اندرز انسان ها است .

تذکره. .. ممّن خلق الأرض والسموت العلی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱

- انبیاء - ۲۱ - ۷۹ - ۱۰

۱۰- هم آوایی موجودات طبیعت با پیامبران برای تسبیح خداوند ، جلوه ای از قدرت الهی است .

و سخّرنا مع داود الجبال یسبّحن والطیر و کنّا فعلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۱ - ۱۱

۱۱- تجلّی عظمت و قدرت الهی در بارداری مریم (س) و تولد اعجاز آمیز عیسی (ع)

و جعلنها و ابنها ءایه للعلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۴ - ۱۰

۱۰- قدرت خداوند بر خلقت آغازین نظام آفرینش ، نشانگر قدرت او بر آفرینش دوباره آن است .

یوم نطوی . .. إنّا کنّا فعلین

تشبیه <کما> می تواند برای اصل خلقت جهان و آفرینش مجدد آن باشد; یعنی، همان گونه که ما توانستیم جهان را در آغاز پدید آوریم، دوباره نیز می توانیم به وجود آوریم. گفتنی است جمله تأکیدی <إنّا کنّا فاعلین>، بیانگر این است که اصل آفریدن دوباره جهان، مورد انکار بوده و آیه شریفه در صدد بیان امکان آفرینش مجدد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵ - ۱۰،۲۹

۱۰- آفرینش انسان از عناصر بی جانی چون : خاک ، نطفه ، علقه و مضغه ، جلوه روشنی از توانایی خدا بر احیای مجدد انسان در روز رستاخیز است .

فإنّا خلقنکم من تراب . .. لنبیّن لکم

<لنبیّن لکم> مفعولٌ له برای <خلقناکم> و به تقدیر <لنبیّن لکم ان اللّه قادر علی أن یحیی الموتی> است; یعنی، ما شما را از خاک و سپس از

نطفه و سپس . .. آفریدیم تا روشن سازیم که خدا، بر احیای دوباره شما توانا است.

۲۹ - رویش و رشد گیاهان گوناگون بر زمین های مرده ، جلوه ای از قدرت خداوند

یأیّها الناس إن کنتم فی ریب من البعث. .. و تری الأرض هامده... من کلّ زوج بهیج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶ - ۴،۶

۴ - آفرینش انسان و انواع گیاهان از بستر خاک مرده و بی جان ، نمایشی است از قدرتمندی و توانایی خداوند بر احیای همه مردگان در روز رستاخیز .

فإنا خلقناکم من تراب. .. و تری الأرض هامده... و أنّه یحی الموتی

جمله <و أنّه یحیی. ..> عطف بر <أنّ الله هو الحقّ> و به تقدیر <و ذلک بأنّ اللّه یحیی الموتی > می باشد; یعنی، آن قدرت نمایی ها بدان سبب است که خداوند می تواند مردگان را زنده کند.

۶ - آفرینش انسان و رویاندن انواع گیاهان از بستر خاک مرده و بی جان ، نمودی از قدرت بی کران و نامحدود خداوند

و أنّه علی کلّ شیء قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۱ - ۲

۲ - درپی هم آوردن شب و روز و جای گزینی مستمر یکی به جای دیگری ، جلوه ای از توانایی مطلق خدا

بأنّ اللّه یولج الّیل فی النهار و یولج النهار فی الّیل

<إیلاج> (مصدر <یولج>) به معنای وارد کردن است. وارد کردن شب در روز و روز در شب، می تواند کنایه از جابه جا کردن شب و روز باشد; یعنی، خدا شب را به تدریجاً

جای روز و روز را تدریجاً به جای شب قرار می دهد. هم چنین می تواند به معنای کم کردن از روز و افزودن بر شب و بالعکس باشد. برداشت یاد شده بر پایه احتمال اول است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۶۵ – ۱۱

۱۱ – برپایی نظام آفرینش ، جلوه ای از قدرت بی نهایت خداوند

و یمسک السماء أن تقع علی الأرض

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۷۶ – ۳

۳ – شنوایی ، بینایی ، دانایی و نیز در دست داشتن زمام همه امور ، نشانه هایی از نیرومندی ، عزّت و شکست ناپذیری خداوند است .

إنّ اللّه لقویّ عزیز . .. سمیع بصیر . یعلم ... و إلی اللّه ترجع الأُمور

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۱۲ – ۳

۳ – آفرینش انسان از گِلی ناچیز و بی جان ، نمود عظمت و قدرت خیره کننده آفریدگار

و لقد خلقنا الإنسن من سلله من طین

نکره آوردن <سلاله> و <طین> ظاهراً برای تحقیر است; یعنی: به یقین ما انسان را از عصاره ای ناچیز از گِلِی بی مقدار آفریدیم.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۱۳ – ۱

۱ – ورود و قرار گرفتن نطفه در داخل رحم ، جلوه ای از قدرت و توانایی عظیم خداوند .

ثمّ جعلنه نطفه فی قرار مکین

<قرار> کنایه از رحم و به معنای مستقر می باشد. <مکین> نیز به معنای محکم و استوار است.

جلد - نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۱۴ – ۶

۶ – رشد جنین و مراحل تکوین انسان در رحم ، جلوه ای از قدرت و توانایی عظیم خداوند

ثمّ خلقنا النطفه علقه . .. ثمّ أنشأنه خلقًا ءاخر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۳۰ – ۴

۴ – سرگذشت قوم نوح ، دارای نشانه هایی روشن بر قدرت الهی در کیفر کافران و نصرت مؤمنان

قال ربّ انصرنی . .. إنّ فی ذلک لأیت

با توجه به ظهور قدرت خدا در طوفان نوح و غرق شدن کافران و مشرکان و نیز ظهور نصرت الهی نسبت به حضرت نوح(ع) و همراهان او، عبارت <إنّ فی ذلک لآیات>، می تواند بیانگر برداشت فوق باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۴۵ – ۸

۸ – معجزات ، تجلی قدرت خدا به دست پیامبران

ثمّ أرسلنا موسی . .. بأیتنا

برداشت یاد شده با توجه به اضافه شدن <آیات>، به ضمیر <نا>، استفاده می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۴۳ – ۸

۸ – تشکیل و تراکم ابر ها و نزول باران و تگرگ ، جلوه فرمان روایی و قدرت بی مانند خداوند بر جهان (آسمان ها و زمین)

و للّه ملک السموت . .. أنّ اللّه یزجی سحابًا ... و ینزّل من السماء من جبال فیها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۵ - ۱۳

۱۳ - آفرینش انواع جانداران از جسمی مایع ، جلوه

ای از قدرت مطلق خداوند است .

و اللّه خلق کلّ دابّه من ماء . .. یخلق اللّه ما یشاء إنّ اللّه علی کلّ شیء قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۷ - ۴،۵

۴ خداوند ، غرق کردن قوم نوح را در آب ، از نشانه های قدرت مندی خویش و درس عبرتی برای همه مردم قرار داد .

أغرقنهم و جعلنهم للناس ءایه

مقصود از <آیه> در این جا، ممکن است معنای لغوی آن (علامت و نشانه) و یا به معنای موعظه و عبرت باشد.

۵ گرفتاری تکذیب کنندگان پیامبران الهی و آیات او به قهر و هلاکت خداوند ، از نشانه های قدرت خدا و درس عبرتی برای همه مردمان

الذین کذّبوا بأیتنا فدمّرنهم تدمیرًا . و قوم نوح ... أغرقنهم و جعلنهم للناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۳ - ۲

۲ وجود دو دریا با آب گوارا و شیرین و شور و تلخ در کنار هم بدون مخلوط شدن و درهم آمیختن آن دو آب ، از نشانه های ربوبیت و قدرت خداوند

و هو الذی مرج البحرین هذا عذب فرات . .. و حجرًا محجورًا

ممکن است مراد از دو دریا، دو دریای معینی باشد (مثل اقیانوس هند و بحر احمر) و یا از آن رو که عرب رودخانه بزرگ را <بحر> می نامد، مراد ریزش آب رودخانه که شیرین و گوارا است به دریای شور و تلخ باشد و میان این دو مانعی است که نه دریا، آب های شیرین رودخانه ها را تلخ

می کند و نه آب های شیرین رودخانه، آب شور و تلخ دریا را شیرین و گوارا می سازد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۵۴ – ۶

۶ آفرینش انسان ها از عنصری مایع (نطفه یا آب) و ایجاد دو نوع پیوند خویشاوندی نسبی و سببی میان آنان ، از نشانه های ربوبیت و قدرت بی انت های خداوند است .

و هو الذی خلق من الماء بشرًا . .. فجعله نسبًا و صهرًا و کان ربّک قدیرًا

یادآوری ربوبیت خداوند در پایان آیه شریفه و نیز در آغاز نخستین آیات مربوط به بحث از آفرینش پدیده های جهان (ألم تر إلی ربّک. ..) می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۶۱ – ۱۰

۱۰ آفرینش ستارگان ، خورشید و ماه تابان ، از نشانه های قدرت خدا و یکتایی او

تبارک الذی جعل فی السماء بروجًا . .. و قمرًا منیرًا

برداشت فوق، از آن جا است که آیه شریفه در ردیف سلسله آیاتی قرار دارد که در مقام محکومیت شرک و اثبات توحید و یگانگی خداوند است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۶۲ – ۳

۳ آفرینش شب و روز و پدید آمدن روشنایی و تاریکی بر اثر جانشین شدن آن دو به جای یکدیگر ، از نشانه های قدرت خدا است .

و هو الذی جعل الّیل و النهار خلفه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶

۶ - زیبایی موجود در انواع گیاهان جلوه هنرنمایی خداوند

من کلّ زوج کریم

قید <کریم> بیانگر برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸ - ۱

۱ - رویش گیاهان و تنوع و زیبایی آنها ، نشانی از قدرت خدا برای ایجاد رستاخیز و احیای مجدد مردگان .

أَوَلم یروا إلی الأرض کم أنبتنا . .. إن فی ذلک لآَیه

واژه <ذلک> اشاره به رویش گیاهان و انواع متنوع آن دارد. چنان که در آیه پیش گفته شد، این آیات درصدد ارائه نشانه های امکان معاد و برطرف کردن استبعاد کافران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۸ - ۴

۴ - هلاکت فرعونیان ، نمود عزّت و قدرت پیروزمند خداوند

ثمّ أغرقنا الأخرین . .. و إنّ ربّک لهو العزیز الرحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۷۷ - ۴

۴ - ربوبیت خدا ، نشانگر قدرت او در رساندن فیض به خلق

فإنّهم عدوٌّ لی إلاّ ربّ العلمین

آمدن <ربّ العالمین> در برابر ضمیر <هم> که به بت ها بازمی گردد می تواند اشاره به عجز و بی خاصیتی بت ها داشته باشد; در حالی که پروردگار جهانیان، به دلیل پروردگاری اش، در یاری رساندن به انسان ها، توانا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۲ - ۴

۴ - هلاکت قوم نوح ، نمود عزت و قدرت قاهر خداوند

ثمّ أغرقنا بعد الباقین . .. و إنّ ربّک لهو العزیز الرحیم

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۰ - ۴

۴ - هلاکت قوم عاد ، نمود عزت و قدرت قاهر خداوند .

فکذّبوه فأهلکنهم . .. و إنّ ربّک لهو العزیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۹ - ۴

۴ - هلاکت ثمودیان ، نمود عزت و قدرت قاهر خداوند

فأخذهم العذاب . .. إنّ ربّک لهو العزیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۵ - ۵

۵ - هلاکت قوم لوط ، نمود عزت و قدرت پیروزمند خداوند

ثمّ دمّرنا الأخرین . .. و إنّ ربّک لهو العزیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۹ - ۵،۶

۵ - عرصه طبیعت ، مظهر قدرت نمایی خداوند در ایجاد حیات و مرگ پدیده هااست .

کیف یبدئ اللّه الخلق ثمّ یعیده

۶ - فرایند پیدایش مستمر موجودات و بازگشت آنان به حالت قبلی ، نمودی از قدرت خداوند است .

کیف یبدئ اللّه الخلق ثمّ یعیده

عطف <یعید> بر فعل <یبدئ> نشان می دهد که تمام موجودات، پس از خلق شدن، باز به حالت سابق شان برمی گردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۰ - ۳

۳ - عرصه طبیعت ، مظهر قدرت نمایی خداوند در ایجاد پدیده ها است .

سیروا فی الأرض فانظروا کیف بدأ الخلق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۱ - ۳

۳ - آفرینش نخستین انسان ، نشانه قدرت مندی خداوند بر باز

آفرینی وی در عالم آخرت است .

اللّه یبدؤا الخلق ثمّ یعیده ثمّ إلیه ترجعون

این آیه، به قرینه آیه بعد که درباره برپایی قیامت است درصدد اثبات معاد از طریق توجه دادن به خلقتِ نخستینِ انسان ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۹ - ۱۰

۱۰ - پدید آوردن موجود جان دار از موجود بی جان و موجود بی جان از جان دار ، نشانه قدرت مندی خداوند بر احیای مجدّد انسان ها است .

یخرج الحیّ من المیّت . .. و کذلک تخرجون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۰ - ۶

۶ - پدید آوردن موجودی زنده مانند انسان از دل خاک مرده ، از نشانه های توان مندی خداوند بر احیای مجدد انسان ها است .

و کذلک تخرجون . و من ءایته أن خلقکم من تراب

از این آیه به بعد، چندین آیه، در صدد شمارش آیات الهی است. از میان آن آیات، ذکر مناسب ترین آیه با <و کذالک تخرجون> پس از آن، می تواند در ضمن بیان آیات الهی، اشاره به نکته فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۴ - ۶

۶ - برق هایی ترس آفرین و طمع زا ، بارش باران و رویش گیاهان با آن ، نشانه های قدرت خداوند

یریکم البرق . .. إنّ فی ذلک لأیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۲۵ – ۹

۹ – احیای زمین موات با نزول باران ، دلیل

قدرت خداوند بر احیای مجددانسان ها در قیامت است .

و من ءایته . .. و ینزّل من السماء ماء فیحیی به الأرض بعد موتها ... ثمّ إذا دعاک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۲۶ – ۷

۷ – مالکیت مطلقِ خداوند بر تمامی هستی ، دلیل توانایی وی بر حشر انسان ها درقیامت است .

ثمّ إذا دعاکم دعوه . .. إذا أنتم تخرجون . و له من فی السموت و الأرض

<و له من فی السماوات و. ..> می تواند به منزله دلیلی برای <ثمّ إذا دعاکم ... تخرجون> در آیه قبلی باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۲۷ – ۴،۱۴

۴ – آفرینش نخست انسان ، نشانه قدرت مندی خداوند بر باز آفرینی او در عالم آخرت است .

و هو الذی یبدؤا الخلق ثمّ یعیده

۱۴ – عالی ترین صفات را داشتن ، دلیل توانایی خداوند بر بازآفرینی آسان انسان هادر قیامت است .

ثمّ یعیده و هو أهون علیه و له المثل الأعلی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۵۰ – ۸

۸ – احیای مجدد زمین مرده با باران ، نشانه ای گویا بر توان مندی خداوند در بازآفرینی انسان ها ، در قیامت است .

یحی الأرض بعد موتها إنّ ذلک لمحی الموتی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۵۴ – ۹،۱۱،۱۲

۹ – رسیدن انسان از مرحله ضعف و ناتوانی به توان مندی ، نشانه علم و قدرت خداوند است .

اللّه الذى خلقكم من

ضعف . .. و هو العلیم القدیر

۱۱ - تحولات مراحل عمر آدمی (از کودکی تا پیری) ، تجلی توان مندی و علم الهی است .

اللّه الذی خلقکم . .. ثمّ جعل ... شیبه ... و هو العلیم القدیر

۱۲ - رساندن انسان ها از دوران ناتوانی جنینی و نوزادی به توان مندی دوران جوانی و سپس فرتوت ساختن آنان ، نشانه توان مندی خداوند بر باز آفرینی انسان ها درقیامت است . *

اللّه الذی خلقکم . .. یخلق ما یشاء

عبارت <یخلق ما یشاء> به قرینه آیه پنجاه که در آن، بر توان منـدی خداونـد بر معاد انسان ها، برهان اقامه شده بود و نیز آیه پنجاه و پنج که درباره برپایی قیامت است می تواند درباره معاد و بازآفرینی انسان ها، در قیامت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۹ - ۱،۴

۱ - نوسان مدام شب و روز در طول سال ، نشانه ای از قدرت خداوند است .

ألم تر أنّ اللّه یولج الّیل فی النهار

<ولـج> ریشه <یولـج> به معنـای <دخول> است (مفردات راغب) و داخـل شـدن شب در روز، به معنای کاسـته شـدن از مـدت روز است و داخـل شـدن روز در شب نیز، کم شـدن از مـدت شب است. لازم به ذکر است که فعل مضارع <یولـج> دلالت بر استمرار دارد.

۴ - گردش شب و روز به قدرت خداوند ، دلیل توان مندی او بر آسان زنده کردن مجدد انسان ها پس از مرگ است .

ما خلقکم و لابعثکم إلّا کنفس وحده . .. ألم تر أنّ اللّه یولج

الّيل فى النهار

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۲۶ – ۴

۴ – تاريخ و سرگذشت ناگوار پيشينيان كافر ، حامل آيه هاى فراوانى از قدرت نمايى خداوند است .

أوَلم يهد لهم كم أهلكنا من قبلهم من القرون . .. إنّ فى ذلك لأيت

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۲۷ – ۷

۷ – ويرانى و آبادانى سرزمين ها ، به اراده خدا و نشان قدرت او است .

كم أهلكنا من قبلهم . .. أنّا نسوق ... فنخرج به زرعًا

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۹ – ۲

۲ – وجود آسمان و زمين در مقابل ديدگان انسان ها ، نشانه قدرت الهى است .

أفلم يروا إلى ما بين أيديهم و ما خلفهم من السماء و الأرض

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۱۱ – ۸،۱۵

۸ – آفرينش آدم (ع) از خاك و انسان از نطفه و در قالب زن و مرد ، از نشانه هاى قدرت خدا و يكتايى او است .

و اللّه خلقكم من تراب ثمّ من نطفه ثمّ جعلكم أزوجًا

۱۵ – آفرينش انسان در قالب زن و مرد و آگاهى از باردارى و زايمان زنان و مقدار عمر آدمى ، نشانه توانايى خداوند بر برپايى قيامت و احياى مجدد انسان ها

و اللّه خلقكم من تراب ثمّ من نطفه . .. إنّ ذلك على اللّه يسير

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که این آیه، در سلسله

آیاتی قرار دارد که در صدد اثبات قدرت مطلق خدا و نیز توانایی او بر احیای مردگان می باشد; مانند آیه <و اللّه الذی أرسل الریاح. .. فأحیینا به الأرض بعد موتها کذلک النشور>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۲ - ۱۵

۱۵ - آثار متفاوت و مشترک آب های دریا ها و استفاده چند منظوره انسان ها از آن ، نشانه قدرت و یکتایی خداوند است .

و ما یستوی البحران هذا عذب فرات . .. و من کلٍّ تأکلون لحمًا طریًّا ... لتبتغوا

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه، در سلسله آیاتی قرار دارد که درباره قدرت مطلق و یکتایی خداوند متعال سخن می گوید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۳ - ۱،۲

۱ - در پی هم آمدن شب و روز و جایگزینی مستمر یکی جای دیگری ، جلوه ای از توانایی مطلق خدا و یکتایی او

یولج الّیل فی النهار و یولج النهار فی الّیل

<إیلاج> (مصدر <یولج>) به معنای وارد کردن است. وارد کردن شب در روز و روز در شب، می تواند کنایه از جابه جا کردن شب و روز باشد; یعنی، خدا شب را تدریجاً به جای روز و روز را به تدریج در جای شب قرار می دهد.

۲ - نوسانات مستمر ساعات شب و روز (کوتاهی و بلندی آنها) در طول سال ، نشانه قدرت بی نهایت خداوند و یکتایی او است .

یولج الّیل فی النهار و یولج النهار فی الّیل

برداشت یاد شده بر این اساس استوار

است که مراد از وارد کردن شب در روز، کاستن از مقدار شب و افزودن بر مقدار روز و مقصود از ایلاج روز در شب، کاستن از ساعات روز و افزودن بر ساعات شب باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۵ - ۵

۵ - نیاز همه جانبه انسان به خدا و بی نیازی مطلق خداوند ، نشانه قدرت و یکتایی او

أنتم الفقراء إلی اللّه و اللّه هو الغنیّ

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که این آیه در سلسله آیاتی قرار دارد که در صدد اثبات قدرت و یکتایی خداوند می باشد. گفتنی است برخی از مفسران از این آیه، برای یکی از براهین اثبات وجود خدا (برهان امکان و وجوب و فقر و غنا) استفاده کرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۷ - ۵

۵ - باران حیات بخش ، نشانه قدرت و یکتایی خداوند

ألم تر أن اللّه أنزل من السماء ماء فأخرجنا به ثمرت مختلفًا ألونها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۴ - ۱۴

۱۴ - هلاکت کافران نیرومند در گذشته از سوی خداوند بدون هیچ مانع و رادعی جلوه ای از علم و قدرت مطلق او است .

فینظروا کیف کان عقبه الذین من قبلهم . .. و ما کان اللّه لیعجزه من شیء ... إنّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۳ - ۲

۲ - رویش انواع دانه ها (چون گندم ، جو

، برنج و . . .) از زمین ، نشانه ای بزرگ از قدرت خدا است .

و ءایه لهم الأرض المیته أحیینها و أخرجنا منها حبًّا

مقصود از <حَبّ> در آیه شریفه، جنسِ <حَبّ> و به معنای انواع دانه ها (چون گندم، جو، برنج و. ..) است و نکره آمدن آن با توجه به این که آیه شریفه در مقام برشمردن نعمت های الهی و امتنان است گویای همین نکته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۴ - ۲،۵

۲ - نخلستان ها و تاکستان ها ، از نشانه های قدرت خداوند است .

و ءایه لهم . .. و جعلنا فیها جنّت من نخیل و أعنب

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه درصدد ارائه نمونه هایی از قدرت خدا و نیز برشمردن نعمت های الهی برای بشر است.

۵ - روان شدن چشمه ها ، از نشانه های قدرت خداوند است .

و فجّرنا فیها من العیون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۵ - ۹

۹ - تدبیر روزی و تغذیه انسان ها از زمین ، از نشانه های قدرت خدا است .

و ءایه لهم الأرض المیته أحیینها. .. و فجّرنا فیها من العیون . لیأکلوا من ثمره و

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیات بالا، با طرح مسأله احیای زمین و تغذیه انسان ها از آن، درصدد نشان دادن جلوه هایی از قدرت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۶ -

۸ - نوع حیات و حاکمیت قانون زوجیت (نر و ماده بودن) ، از آیات خداوند و از نشانه های قدرت او است .

و ءایه لهم الأرض . .. سبحن الذی خلق الأزوج کلّها... و ممّا لایعلمون

برداشت یاد شده، از آن جا است که آیه شریفه، در ضمن سلسله آیاتی قرار دارد که درصدد بیان نشانه های قدرت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۷ - ۱

۱ - شب ، آن گاه که روشنایی روز از آن رفته باشد ، از آیات بزرگ خداوند و از نشانه های قدرت او است .

و ءایه لهم الّیل نسلخ منه النهار

<سلخ> (مصدر <نسلخ>) در اصل به معنای ازاله پوست حیوان است و در آیه شریفه، کنایه از اخراج و ازاله روشنایی روز از شب است. جمله <نسلخ منه...> یا استئناف بیانی است و یا حال برای <اللیل> می باشد. گفتنی است تنکیر <آیه> بر تعظیم دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۸ - ۴

۴ - خورشید ، به هنگام روان شدن به سوی قرارگاه ویژه اش ، از آیات و نشانه های بزرگ قدرت خداوند است .

و الشمس تجری لمستقر لها

برداشت یاد شده از آن جا است که <والشمس> عطف بر <اللیل> است و همان گونه که شب از آیات الهی شناسانده شده (و آیه لهم اللیل) خورشید نیز چنین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۰ - ۶

۶ - توالی شب و روز و نور و

تاریکی در زندگی انسان ، جلوه قدرت و تدبیر خداوند است .

و ءایه لهم الّیل . .. لا الشمس ینبغی لها أن تدرک القمر و لا الّیل سابق النهار ..

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه در سلسله آیاتی قرار دارد که درصدد بیان نشانه های قدرت و تدبیر خداوند است; چنان که در آیه ۳۷ نیز به آن تصریح شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۱ - ۱،۲

۱ - سوار شدن انسان ها بر کشتی های پربار و مجهز ، از آیات و نشانه های قدرت و تدبیر خداوند است .

و ءایه لهم أنّا حملنا ذرّیّتهم فی الفلک المشحون

<مشحون> به معنای <مملو> است و <فلک مشحون>; یعنی، کشتی پربار و مجهز به تجهیزات لازم.

۲ - سوار شدن فرزندان نوح (ع) و همراهان مؤمن او بر کشتی و نجات آنان از غرق شدن ، از آیات و نشانه های قدرت و تدبیر خداوند است .

و ءایه لهم أنّا حملنا ذرّیّتهم فی الفلک المشحون

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که ضمیر <لهم> و <ذرّیّتهم> به <عباد> بازگردد (البته به اعتبار این که عباد از بشر می باشند). و نیز مقصود از <فلک مشحون> کشتی حضرت نوح(ع) باشد که در آیه ۱۱۹ سوره <شعراء> به همین تعبیر آمده است (فأنجیناه و من معه فی الفلک المشحون). بر این اساس معنای آیه چنین می شود: <آیه لهم أنّا حملنا ذرّیات البشر فی سفینه نوح>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۲ - ۲

۲

- آفرینش مرکب هایی مانند کشتی (چهارپایان و . . .) در سیر و سفر و حمل و نقل برای بشر ، از آیات و نشانه های قدرت و تدبیر خداوند

و ءایه لهم أنّا حملنا ذرّیّتهم فی الفلک المشحون . و خلقنا لهم من مثله ما یرکبون

برداشت یاد شده از آن جا است که جمله <و خلقنا لهم. ..> عطف بر جمله <حملنا ذرّیّتهم> می باشد و درصدد بیان نشانه های تدبیر و قدرت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۸ - ۶

۶ - بازگشت انسان به حالت طفولیت پس از دوران پیری از نظر قوای جسمی و عقلی ، نشانگر توانایی خداوند بر عذاب کافران و بازگرداندن آنان به روز رستاخیز است .

و لو نشاء لطمسنا علی أعینهم . .. و من نعمّره ننکّسه فی الخلق

برداشت یاد شده براین اساس استوار است که عبارت <من نعمّره . ..> عطف بر <و لو نشاء لطمسنا...> از باب عطف علت بر معلول باشد; یعنی، آیه شریفه درصدد ارئه شاهدی بر توانایی خداوند بر مسخ و زمین گیر کردن انسان و بازگرداندن وی به روز رستاخیز برای محاکمه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۱ - ۱،۳

۱ - شتر ، گاو و گوسفند ، مخلوق خدا و جلوه هایی از قدرت او

أوَلم یروا أنّا خلقنا لهم ممّا عملت أیدینا أنعمًا

<أنعام> به معنای شتر، گاو و گوسفند است و جمله <ممّا علمت أیدینا> کنایه از قدرت خدا می باشد. گفتنی است که آیه

شریفه در مقام بیان جلوه های آن در طبیعت است.

۳ - خداوند ، کافران را به جهت اندیشه نکردن در جلوه های قدرت الهی در طبیعت سرزنش کرده است .

أوَلم یروا أنّا خلقنا لهم ممّا عملت أیدینا أنعمًا

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه درباره کافران و درصدد سرزنش آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۲ - ۲

۲ - رام و مسخرّ کردن دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) برای بشر ، جلوه قدرت خدا و لطف او بر بندگان است .

و ذلّلنها لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۷ - ۵

۵ - آفرینش انسان از نطفه ، دلیل و نشانه توانایی خداوند بر برپایی قیامت و زنده کردن انسان

أوَلم یر الإنسن أنّا خلقنه من نطفه

با توجه به آیات بعدی و نیز شأن نزول ها که این آیه و آیات بعدی را درباره فردی به نام <عاصب بنوائل> (از منکران معاد) دانسته است (مجمع البیان و دیگر تفاسیر)، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۸۰ - ۲،۳

۲ - آتشزا بودن درخت سبز و مرطوب ، جلوه ای روشن از قدرت خدا

الذی جعل لکم من الشجر الأخضر نارًا

<أخضر> (سبز) صفت برای درخت است و توصیف درخت به سبز بودن در آیه شریفه برابر نظر بیشتر مفسران کنایه از مرطوب بودن آن است; زیرا آیه شریفه در مقام بیان قدرت خدا است و پدید آوردن

آتش از درخت مرطوب بیش از درخت خشک، بیانگر قدرت خدا است; چرا که آب و آتش ضد هم هستند.

۳ - آتشزا بودن درخت سبز و مرطوب ، دلیل و نشانه توانایی خداوند بر احیای مجدد انسان ها در روز قیامت

الذی جعل لکم من الشجر الأخضر نارًا

برداشت یاد شده با توجه به آیات پیشین است که درصدد بیان جلوه های قدرت خداوند برای اثبات معاد و رستاخیز انسان ها است; یعنی، خداوندی که قادر است از درخت سبز آتش را پدید آورد و از آب، آتش را بیافریند; همو قادر است مرده را نیز زنده کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۸۱ - ۱،۳،۱۰

۱ - آسمان ها و زمین ، مخلوق خدا و جلوه ای از قدرت او است .

أوَلیس الذی خلق السموت و الأرض بقدر

۳ - آفرینش آسمان ها و زمین ، دلیل و نشانه توانایی خداوند بر برپایی قیامت و آفرینش مجدد انسان ها

أوَلیس الذی خلق السموت و الأرض بقدر علی أن یخلق مثلهم

۱۰ - آفرینش انبوه پدیده های جهان و آگاهی همه جانبه از احوال آنها ، دلیل و شاهد توانایی خداوند بر احیای مجدد انسان ها در روز قیامت

أوَلیس الذی خلق السموت و الأرض بقدر علی أن یخلق مثلهم بلی و هو الخلّق العلیم

یادآوری آفرینش و علم گسترده خداوند، در پایان آیه و در شرایطی که آیه شریفه در مقام بیان توانایی خداوند بر احیای مجدد انسان ها است; می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱ -

۷ - آفرینش انسان از گِل چسبنده ، گواه برتری آفرینش جهان طبیعت بر آفرینش انسان و شاهد توانایی خدا بر احیای مجدد انسان ها از خاک است .

إنّا خلقنهم من طين لازب

برداشت فوق از آن جا است که جمله <إنّا خلقناهم من طين لازب> تعليل است برای آنچه مورد استفتا و استفهام در جملات قبل بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۵ - ۶

۶ - انسان ، جلوه ای از قدرت و عظمت خداوند

ما منعک أن تسجد لما خلقت بيدیّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵ - ۵،۱۰

۵ - پیدایش مستمر روز و شب و نور و ظلمت ، از نشانه های قدرت مطلق و ربوبیت یگانه خداوند است .

يكوّر الّيل على النهار و يكوّر النهار على الّيل

۱۰ - آفرینش و تدبیر آسمان ها و زمین و پیدایش شب و روز و تسخیر خورشید و ماه ، جلوه های عزت و قدرتمندی خداوند است .

خلق السموت و الأرض . .. كلّ يجری لأجل مسمًّى ألا هو العزيز

یادآوری عزت و قدرتمندی خداوند در پایان آیه شریفه و پس از یادآوری آفرینش آسمان، زمین و. ..، گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶ - ۶،۷،۱۲

۶ – قرار دادن همسرانی از جنس خودِ انسان ها ، جلوه قدرت خدا و از نعمت های الهی

خلقکم من نفس وحده ثمّ جعل منها زوجها

۷ – آفرینش انعام (شتر ، گاو ، گوسفند و بز) به صورت نر

و ماده ، جلوه قدرت خدا و از نعمت های الهی

و أنزل لکم من الأنعم ثمنیه أزوج

<أنعام> در اصل به شتر، گاو و گوسفند گفته می شود و گاهی شامل بز هم می شود; چنان که در این آیه چنین است. <أزواج> به معنای انواع و صنف ها است و اطلاق هشت صنف بر چهار نوع از حیوان، به اعتبار نر و ماده بودن هر یک از آنها است.

۱۲ - بقای نسل انسان از طریق زوجیت و همسرداری ، نشانه قدرت خدا و از نعمت های الهی

خلقکم من نفس وحده ثمّ جعل منها زوجها . .. یخلقکم فی بطون أُمّهتکم خلقًا من بعد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۱ - ۸،۱۳،۱۵

۸ - متنوع و رنگارنگ بودن کشت ها ، از جلوه های قدرت خدا و توحید ربوبی او است .

ثمّ یخرج به زرعًا مختلفًا ألونه

آیه شریفه، درصدد بیان جلوه هایی از قدرت و توحید ربوبی خداوند (چون نزول باران، پیدایش چشمه ها و روییدن کشت ها) است. بنابراین اختصاص به ذکر یافتن قید تنوع و رنگارنگی کشت ها، می تواند به منظور به نمایش گذاشتن جلوه دیگری از قدرت خدا باشد.

۱۳ - طبیعت (جریان نزول باران ، پیدایش چشمه سار ها ، رویش کشت های رنگارنگ و خشک و خرد شدن آنها) ، از جلوه های قدرت و ربوبیت خداوند است .

ألم تر أنّ اللّه أنزل من السماء ماء . .. ثمّ یجعله حطمًا إنّ فی ذلک لذکری

۱۵ - مرگ و نزول باران حیات آفرین (رویش کشت ها و خشک و خرد شدن

آنها) ، نشانه قدرت خداوند بر حیات بخشیدن دوباره انسان ها در قیامت

ألم تر أنّ اللّه أنزل من السماء ماء . .. ثمّ یخرج به زرعًا ... ثمّ یجعله حطمًا

طبق نظر برخی از مفسران از آن جایی که آیه شریفه پس از آیات مربوط به معاد و بهشت و جهنم آمده است، می تواند درصدد اثبات قدرت خداوند بر آفرینش مجدد انسان ها در قیامت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۸ - ۲

۲ - جهان (آسمان ها ، زمین و . . .) ، مخلوق خدا و جلوه قدرت او است .

و لئن سألتهم من خلق السموت و الأرض لیقولنّ اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۲ - ۱۵

۱۵ - < حیات و مرگ > و < خواب و بیداری > ، در بردارنده آیات متعدد خداوند و جلوه های گوناگون قدرت او

اللّه یتوفّی الأنفس حین موتها . .. فیمسک ... و یرسل الأُخری ... إنّ فی ذلک لأیت

جمع آمدن <آیات> می رساند که آیه و نشانه بودن <حیات و مرگ> و <خواب و بیداری>، از جهات مختلف و گوناگون است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۲ - ۸

۸ - وجود آیات و نشانه های فراوان و گوناگون قدرت خداوند و ربوبیت او ، در چگونگی رسیدن روزی انسان ها و فراخی و تنگی آن

أنّ اللّه یبسط الرزق لمن یشاء و یقدر إنّ فی ذلک لأیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۶۳ – ۲

۲ – جهان هستی ، جلوه ای از قدرت و توحید ربوبی خداوند است .

له مقالید السموت و الأرض

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۲۲ – ۸

۸ – نابودی و عقوبت امت های نیرومند و متمدن گذشته ، جلوه قدرتمندی و سخت کیفری خداوند

کانوا هم أشدّ منهم قوّه و ءاثارًا . .. فأخذهم اللّه إنّه قویّ شدید العقاب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۵۷ – ۳

۳ – آفرینش جهان پهناور (آسمان ها و زمین) ، دلیل توانایی خداوند بر آفرینش مجدد و رستاخیز انسان ها و جهان است .

لخلق السموت و الأرض أکبر من خلق الناس

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه در سلسله آیاتی قرار دارد که درباره اثبات معاد و رد دیدگاه مشرکان است; چنان که در دو آیه بعد از آن بحث به میان آمده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۶۴ – ۵،۸،۱۰

۵ – ثبات زمین و قابل سکونت بودن آن برای بشر و برافراشته ساختن آسمان ، جلوه هایی از قدرت و ربوبیت بی همتای خداوند

ذلکم اللّه ربّکم . .. اللّه الذی جعل لکم الأرض قرارًا

۸ – آفرینش انسان خوش اندام و سرشار از استعداد ها و کمالات ، جلوه ای از قدرت و ربوبیت بی همتای خداوند .

و صوّرکم فأحسن صورکم

۱۰ – فراهم ساختن تمامی نیاز های بشر از نوع پاکیزه و دلپذیر آن پس از

آفرینش او جلوه ای از قدرت و ربوبیت بی همتای خداوند

فأحسن صورکم و رزقکم من الطّیّبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۷ - ۱۶

۱۶ - آفرینشِ انسان و سیر تطور و تحوّل وی از خاک تا پیری و مرگ ، نشانه ای از قدرت و ربوبیت بی همتای خداوند است .

هو الذی خلقکم من تراب . .. و لتبلغوا أجلًا مسمّیً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸۱ - ۱

۱ - خداوند ، آیات و نشانه های قدرت و ربوبیت بی همتای خود را به انسان ها نشان داده و شناسانده است .

و یریکم ءایته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۲ - ۱۱

۱۱ - آفرینش و تدبیر آسمان ها و زمین ، جلوه ای از علم و قدرت الهی است .

ذلک تقدیر العزیز العلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۵ - ۱۳

۱۳ - آفرینش انسان و هستی ، روشن ترین نشانه قدرت برتر الهی

أنّ اللّه الذی خلقهم هو أشدّ منهم قوّه

تکیه بر خالقیت خداوند در مقام بیان قدرت برتر او، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۲۱ – ۱۵

۱۵ – خالقیت خداوند ، نمایانگر قدرت او بر معاد و آفرینش دوباره آدمیان در قیامت

و هو خلقکم أوّل مرّه و إلیه ترجعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۳۹

- ۱،۲،۱۷

۱ - حیات و خرمی زمین پژمرده با نزول باران ، از آیات و نشانه های قدرت خداوند است .

و من ءایته أنّک تری الأرض خشعه فإذا أنزلنا علیها الماء اهتزّت و ربت

<خشوع> (مصدر <خاشعه>) در اصل به معنای تضرع و تواضع است و در مورد زمین کنایه از خشکی و فسردگی می باشد. <اهتزاز> (مصدر <اهتزّت>) به معنای تحرک و جنبش است که نشانه شادابی و خرمی می باشد. <ربو> (مصدر <ربت>) به معنای افزایش و نموّ است و در این جا مقصود رویش گیاهان می باشد.

۲ - جهان ، سرشار از نشانه های قدرت و تدبیر خداوند است .

و من ءایته أنّک تری الأرض

کلمه <من> در <و من آیاته> برای تبعیض است و از این که حیات و سرسبزی زمین، تنها بخشی از آیات معرفی شده، مطلب بالا قابل استفاده است.

۱۷ - حیات زمین در دنیا و رستاخیز مردگان در قیامت ، نمادی از قدرت بی بدیل خداوند است .

إنّ الذی أحیاها لمحی الموتی إنّه علی کلّ شیء قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۹ - ۸

۸ - مشیت بی چون و چرای خداوند ، نشانی از قدرت شکست ناپذیر او است .

یرزق من یشاء و هو القویّ العزیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۹ - ۱

۱ - آفرینش آسمان ها و زمین و جانداران ، از نشانه های روشن خدا و قدرت او است .

و من ءایته خلق السموت و الأرض و ما بثّ فیهما من دابّه

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۲ - ۱،۲،۵،۶

۱ - حرکت کشتی های کوه پیکر در دریا ها ، آیه ای الهی و نشانی از تدبیر ، علم و قدرت خداوند است .

و من ءایته الجوار فی البحر

<جوار> (جمع <جاریه>) وصف <سفن> (جمع <سفینه>) است که به دلیل اختصار حذف گشته، و وصف جریان و حرکت کشتی ها جایگزین آن شده است.

۲ - حرکت کوه های یخ ، با تمامی عظمت و بزرگی در اقیانوس ها ، نشانی از قدرت خدای یگانه *

و من ءایته الجوار فی البحر کالأعلم

۵ - جهان هستی ، سرشار از آیات و قدرت بی مانند خداوند است .

و من ءایته الجوار فی البحر کالأعلم

از حرف <من> که برای تبعیض است استفاده می شود که حرکت کشتی در دریا، تنها گوشه ای از آیات فراوان خداوند در هستی است.

۶ - فرو نرفتن کشتی های کوه پیکر در اعماق دریا ها ، از شگفتی های جهان طبیعت و نشانه قدرت بی مانند خداوند است .

و من ءایته الجوار فی البحر کالأعلم

اشاره به کوه پیکر بودن کشتی ها، می تواند ناظر به این نکته باشد که فرونرفتن چنین اجسامی در دل دریاها، امری بس شگفت بوده و نشان از قدرتی بی مانند دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۳ - ۶

۶ - انسان های صبور و شاکر ، بهره مند از فهم و درک نشانه های قدرت الهی در حرکت و سکون کشتی ها

و من ءایته . .. إنّ فی ذلک لأیت لکلّ صبّار شکور

با توجه به این که لام

در <لکلّ صبّار شکور> لام انتفاع است، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۵۰ – ۵

۵ – فرزند دادن و یا عقیم ساختن انسان ها ، هر دو نمودی از علم و قدرت خداوند است .

یهب لمن یشاء . .. إنّه علیم قدیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۹ – ۸

۸ – جهان آفرینش ، جلوه ای از قدرت شکست ناپذیر و علم گسترده خداوند است .

خلقهنّ العزیز العلیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۴۲ – ۸

۸– داوری نافذ الهی در قیامت و ناتوانی همه نیرو ها در قبال آن ، نمود عزت و اقتدار یگانه او است .

إنّ یوم الفصل . .. یوم لایغنی ... إنّه هو العزیز الرحیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۳ – ۲

۲ – نمود های اقتدار و کاردانی خداوند ، نمایان در نظام آسمان ها و زمین

العزیز الحکیم . إنّ فی السموت و الأرض لأیت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۲ – ۵

۵– معارف والای قرآن ، نمود قدرت خداوند و نزول آن در سطح فهم و درک بشر ، نشانگر حکمت او است . *

تنزيل الكتب من اللّه العزيز الحكيم

>تنزيـل< مى توانـد اشـاره به تنزّل يـافتن معـارف بلنـد وحى، در مرتبه فهم بشـر باشـد و نه تنزّل فيزيكى و مكـانى. از ارتباط >تنزيل الكتاب< با >العزيز الحكيم< ممكن است

استفاده شود که اصل محتوای کتاب، دلیل عزت خداوند و تنزّل آن دلیل حکمت او است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۳۳ – ۹

۹- عظمت آفرینش آسمان ها و زمین ، نمایانگر قدرت مطلقه خداوند بر هر چیز ; علاوه بر قدرت او بر احیای مردگان

خلق السموت و الأرض . .. بلی إنّه علی کلّ شیء قدیر

از ارتباط بخش های این آیه، مطلب بالا استفاده می شود; زیرا در مرحله نخست از آفرینش آسمان ها و زمین، قدرت خداوند بر احیای مردگان استفاده شده است; ولی در مرحله بعد، نتیجه ای کلی تر (قدرت مطلقه الهی) مطرح گردیده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۷ – ۳

۳ – حاکمیت خداوند بر قوای هستی ، نشانگر قدرت او بر پاداش مؤمنان و کیفر منافقان و مشرکان

لیدخل المؤمنین و المؤمنت جنّت . .. و یعذّب المنفقین ... و المشرکین ... و للّه

از ارتباط این آیه با آیات پیشین که درباره پاداش مؤمنان و کیفر منافقان و مشرکان بود مطلب بالا استفاده می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۶ – ۳،۷

۳ آفرینش شگفت ، زیبا و متقن آسمان ، نشانی از قدرت خداوند بر احیای مجدد مردگان

ذلک رجع بعید . .. أفلم ینظروا إلی السماء فوقهم کیف بنینها

۷ نشانه های وجود ، قدرت و علم خداوند ، مشهود در پهنه هستی برای بشر

أفلم ینظروا إلی السماء فوقهم . .. و الأرض مددنها

واژه بالا، اشاره به آن دارد که

آسمان با این عظمت و شگفتی در منظر و چشم انداز انسان قرار دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۶ - ۷

۷ - نابودی حق ستیزان با همه نیرو و توان ، گواه قدرت قاهر خداوند است .

و کم أهلکنا . .. أشدّ ... منهم بطشًا ... هل من محیص

از ارتباط <هل من محیص> با صدر آیه، استفاده می شود که توجه به نابودی ملت های توان مند در گذشته تاریخ، خود می تواند بهترین گواه باشد بر این که ملت ها سرانجام مقهور اراده خدا و ناگزیر از آن هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۸ - ۳،۶

۳ - آفرینش آسمان ها و زمین ، نمودی از قدرت عظیم الهی

و لقد خلقنا السموت و الأرض

به قرینه آیات پیشین که بیان کننده قدرت قاهره الهی بود و نیز به قرینه ذیل آیه (و ما مسّنا من لغوب) طرح مسأله آفرینش آسمان و زمین برای نمایاندن قدرت الهی است.

۶ - خلقت آسمان ها و زمین بدون کم ترین زحمت و دشواری ، نشان قدرت خداوند بر معاد

و لقد خلقنا . .. و ما مسّنا من لغوب

با توجه به این که سیاق عمده آیات پیشین، در اثبات معاد بود; طرح خالقیت خدا و آسان بودن خلقت برای او، می تواند بیانگر امکان معاد و دشوار نبودن آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۲ - ۷

۷ - تدبیر ، تقدیر و قدرت الهی در تأمین روزی

زمینیان از آسمان ، نشانه قدرت او بر تحقق وعده های خویش *

و فی السّماء رزقکم و ما توعدون

با توجه به این که در آیات پیشین سخن از تحقق رستاخیز و وجود دوزخ و بهشت بود; ممکن است این آیه درصدد رفع شبهه انسان در قدرت خدا باشد. ازاین رو عبارت <و فی السّماء رزقکم> به عنوان نمودی از قدرت خداوند یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴۷ - ۲

۲ - بنای آسمان ، نمود قدرت و توانایی عظیم خداوند

و السّماء بنینها بأییْد

<أید> در اصل جمع <ید> است و در معانی قدرت و نعمت نیز به کار می رود. مراد از <أید> در آیه شریفه، معنای اول (قدرت) است; یعنی، <و السّماء بنیناها بقوه>. نکره آمدن <أید> نیز، بیانگر عظمت قدرت الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۶ - ۲

۲ - دریای خروشان جلوه ای از عظمت و قدرت الهی و شایان تأمل و اندیشه

و البحر المسجور

<سجر> (شعلهور کردن) گاهی استعاره از التهاب و خروشیدن است (مفردات راغب). بنابراین <بحر مسجور>; یعنی، دریای خروشان. گفتنی است که با توجه به این که سوگند، همواره به امور مهم و در خور تأمل تعلق می گیرد، خداوند با سوگند به دریای خروشان، بشر را به عظمت و قابل تأمل و تدبر بودن آن توجه داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۷ - ۲

۲ - مظاهر قدرت خداوند ، در نظام تشریع و تکوین ، گواه حتمی

بودن مجازات کافران تکذیب گر

و الطّور . و ... إنّ عذاب ربّک لوقع

در آیات پیشین، تعبیر <و کتاب. ..>، اشاره به نظام تشریع و تعبیر <والسقف...> اشاره به قدرت خداوند در نظام تکوین دارد. از ارتباط این دو با <إنّ عذاب ربّک لواقع> مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱ - ۲

۲ - غروب ستارگان ، نمودی از قدرت و تدبیر آفریدگار جهان

و النجم إذا هوی

از آن جا که سوگند، به چیزی یاد می شود که دارای اهمیت و پیامدار معنایی باشد می توان گفت که سوگند الهی به غروب ستارگان، برای توجه دادن بشر به تنظیم گر نظام آنها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۶ - ۳

۳ - پیدایش انسان از آبی اندک (نطفه) ، نمودی از قدرت و ربوبیت الهی

و أنّ إلی ربّک المنتهی . .. و أنّه خلق ... من نطفه

از ارتباط این آیه با آیه <و أنّ إلی ربّک المنتهی>، مطلب بالا قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۳ - ۳

۳ - نجات نوح (ع) از طوفان سهمگین عذاب ، به وسیله مشتی تخته و میخ ، نمودی از قدرت خداوند *

و حملنه علی ذات ألوح و دسر

<لوح> (مفرد <ألواح>) به معنای تخته و <دسار> (مفرد <دسر>) به معنای میخ است. از این که خداوند، از کشتی نوح با عنوان <ذات ألواح و دسر> یاد کرده است (به جای <سفینه>)، استفاده می شود

که مشتی تخته و میخ که به شکل ابتدایی کنار هم قرار گرفته اند در صورتی که خداوند بخواهد، وسیله نجات بندگان او از بحرانی ترین شرایط می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۷ - ۴

۴ - آسان سازی مفاهیم عالی قرآن در سطح فهم همگان ، جلوه ای از عظمت و قدرت خداوند *

و لقد یسّرنا القرءان

جمع آمدن ضمیر متکلم <یسّرنا>، در صورتی که برای تفخیم باشد، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۲ - ۴

۴ - آسان سازی مفاهیم عالی قرآن در سطح فهم همگان ، جلوه ای از عظمت قدرت خداوند *

و لقد یسّرنا القرءان

جمع آمدن ضمیر متکلم در <یسّرنا> در صورتی که برای تفخیم باشد; می تواند بیانگر مطلب بالا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۲ - ۴

۴ - آسان سازی مفاهیم عالی قرآن در سطح فهم همگان ، جلوه ای از عظمت و قدرت خداوند

و لقد یسّرنا القرءان

جمع آمدن ضمیر متکلم در <یسّرنا> در صورتی که برای تفخیم باشد می تواند مطلب بالا را افاده کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۰ - ۴

۴ - آسان سازی مفاهیم قرآنی ، در سطح فهم همگان ، جلوه ای از عظمت قدرت خداوند

و لقد یسّرنا القرءان للذّکر

جمع آمدن ضمیر متکلم <یسّرنا> در صورتی که برای تفخیم باشد می تواند مطلب یاد شده

را افاده کند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۱۵ – ۳

۳ – آفرینش انسان و جن ، دو موجود شعورمند ، از دو عنصر کاملاً متفاوت (خاک و آتش) ، نمود قدرت خداوند

خلق الإنسن من . .. و خلق الجانّ من مارج من نار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۲۷ – ۸

۸ – مرگ و فنای موجودات زنده ، نشانی از اقتدار یگانه پروردگار هستی

کلّ من علیها فان . و یبقی وجه ربّک

از این که خداوند پس از یادآوری فنای موجودات، خود را به وصف <ذوالجلال> توصیف کرده است؛ می توان مطلب بالا را استفاده کرد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۳۵ – ۲

۲ – حوران بهشتی ، جلوه قدرت و عظمت خداوند

إنّا أنشأنهنّ إنشاءً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۵۹ – ۳

۳ – آفرینش انسان از منی در رحم ، جلوه ای از عظمت و قدرت بی مانند خداوند

أم نحن الخلقون

به کارگیری ضمیر متکلم مع الغیر (نحن) در مسأله آفرینش انسان از منی در رحم، بیانگر عظمت آفرینش انسان و جلوه ای از قدرت برتر آفریننده آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۳ - ۳

۳ - رویش و رشد دانه ها در بستر خاک ، نمودی از قدرت الهی و نشانی روشن از امکان معاد

أفرءیتم ما تحرثون

روی سخن در این آیه، با منکران معاد است. تشویق

آنان به مطالعه در چگونگی رشد گیاهان، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۴ - ۲

۲ - رویش دانه های کاشته شده ، در زمین ، رشد و نموّ و بالاخره به ثمر رسیدن آن نمودی از قدرت خداوند است .

أم نحن الزرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۹ - ۳

۳ - نزول باران از ابر ، جلوه ای از قدرت الهی است .

أم نحن المنزلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۱ - ۲،۳

۲ - بیرون آمدن آتش از چوب آتش زنه ، نشانه ای از قدرت الهی است .

أفرءیتم النار التی تورون

روی سخن در این آیات، با منکران معاد است. دعوت شدن کافران به مطالعه در بهره گیری از چوب آتش زنه برای روشن کردن آتش، ارائه یکی از نمودهای قدرت الهی است تا آنان از این راه پی ببرند کسی که از چوب آتش را بیرون می آورد، می تواند مردگان را نیز زنده کرده و از قبرها بیرون آورد.

۳ - دعوت از کافران و منکران معاد به مطالعه در چوب آتش زنه ، برای پی بردن به قدرت خداوند و توانایی او بر احیای مردگان

أفرءیتم النار التی تورون

با توجه به این که روی سخن در این آیات با منکران معاد است، توجه دادن به مسأله کیفیت افروختن آتش و روشن کردن آن با عمل ساییدن، گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه

۳ - ۷۲ - ۵۶ -

۳ - آفرینش چوب آتش زنه ، نشانه ای از توانایی خداوند بر آفرینش مجدد انسان ها و برپایی قیامت

ءأنتم أنشأتم شجرتها أم نحن المنشون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۷ - ۴

۴ - تبدیل زمین های مرده به زمین های زنده ، سرسبز و خرّم ، نمود اراده و قدرت خداوند

أنّ اللّه یحیِ الأرض بعد موتها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲۴ - ۱۵

۱۵ - ارزش ها و کمالات موجودات جهان ، نمایانگر اقتدار و حکمت الهی

یسبّح له . .. العزیز الحکیم

در صورتی که تسبیح وجودی و به زبان حال باشد، نمایانگر کمال وجودی موجودات است که خود حکایت از عزت و حکمت آفریدگار آن دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۲ - ۲

۲ - انسان ، جلوه قدرت و فرمان روایی مطلق خداوند است .

له الملک . .. و هو علی کلّ شیء قدیر . هو الذی خلقکم

یادآوری آفرینش انسان با تعبیر <هو الذی خلقکم> (او است که شما را آفرید) پس از ذکر قدرت و فرمان روایی مطلق خداوند بر جهان می تواند برای بیان مصداق و جلوه این قدرت و فرمان روایی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱۲ - ۳

۳ - آسمان ها و زمین ، نشانه قدرت خداوند و آیت یکتایی او است .

اللّه الذی خلق سبع سموت و من الأرض

جلد - نام سوره - سوره

- آیه – فیش

۱۹ – ملک – ۶۷ – ۲ – ۲

۲ – تقدیر مرگ و حیات برای بشر ، جلوه فرمانروایی و قدرت مطلق و بی پایان خداوند است .

بیده الملک و هو علی کلّ شیء قدیر . الذی خلق الموت و الحیوه

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که جمله <الذی خلق الموت. ..>، درصدد توضیح و تبیین آثار و جلوه های ملک و قدرت خداوند است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – ملک – ۶۷ – ۳ – ۴

۴ – آفرینش آسمان هفتگانه ، جلوه و نشانه فرمان روایی و قدرت مطلق و بی چون خداوند

بیده الملک . .. الذی خلق سبع سموت طباقًا

جمله <الذی خلق سبع سماوات طباقاً> توضیح و تبیین دیگری برای آثار و جلوه های ملک و قدرت مطلق خداوند است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – ملک – ۶۷ – ۱۸ – ۵

۵ – عذاب شدن اقوام و ملّت های پیشین ، درس عبرت برای همگان و آیتی از نشانه های قدرت خداوند

ءأمنتم من فی السماء . .. و لقد کذّب الذین من قبلهم فکیف کان نکیر

جمله استفهامیه <فکیف کان نکیر>، برای برانگیختن مردم به تفکر و تأمّل و عبرت آموزی از تاریخ است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – ملک – ۶۷ – ۱۹ – ۲،۳،۵

۲ – پرواز طیور و پرندگان در فضا ، بدون سقوط بر زمین ، از آیات قدرت و جلوه های رحمانیت خداوند

أولم یروا إلی الطیر . .. ما یمسکهنّ إلاّ الرحمن

۳ – باز و بسته شدن بال های

پرندگان بر فراز زمین ، از برجسته ترین جلوه های قدرت و رحمانیت خداوند

أولم یروا إلی الطیر . .. ما یمسکهنّ إلاّ الرحمن

برداشت یاد شده، از اختصاص به ذکر یافتن <باز و بسته شدن بال های پرندگان در فضا> به دست می آید.

۵ - پرواز پرندگان بر فراز زمین ، دلیل و نشانه توانایی خداوند بر عذاب و هلاکت کافران

فکیف کان نکیر . أولم یروا إلی الطیر ... ما یمسکهنّ إلاّ الرحمن

ذکر پرواز پرندگان به عنوان نشانه قدرت خدای رحمان پس از یادآوری کیفر و عذاب کافران پیشین می تواند به منظور ارائه نمونه و جلوه ای از قدرت همه جانبه خداوند در جهان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۳ - ۳

۳ - پیدایش بشر و نعمت های نهفته در وجود او (قدرت شنوایی ، بینایی و تعقّل) ، نشانه و جلوه قدرت خدای رحمان

الرحمن . .. هو الذی أنشاکم و جعل لکم السمع و الأبصر و الأفئده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۴ - ۳،۶

۳ - پیدایش انسان و تکثیر نسل او در زمین ، نشانه و جلوه قدرت خداوند رحمان

الرحمن . .. قل هو الذی ذرأکم فی الأرض

۶ - آفرینش بشر و تکثیر نسل او در زمین ، نشانه توانایی خداوند بر رستاخیز و حیات دوباره انسان ها در قیامت

قل هو الذی ذرأکم . .. و إلیه تحشرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۳۰ - ۵

۵ - آب های روان و

جاری ، از نعمت های خداوند و جلوه رحمانیت و قدرت مطلق او است .

قل هو الرحمن . .. قل أرءیتم إن أصبح ماؤکم غورًا فمن یأتیکم بماء معین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – نوح – ۷۱ – ۱۵ – ۴

۴ – آسمان هفت گانه ، جلوه عظمت ربوبی خداوند و قدرت او

مالکم لاترجون للّه وقارًا . .. ألم تروا کیف خلق اللّه سبع سموت طباقًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – نوح – ۷۱ – ۱۶ – ۳

۳ – ماه تابان و خورشید فروزنده ، جلوه قدرت و عظمت خداوند

مالکم لاترجون للّه وقارًا . .. و جعل القمر فیهنّ نورًا و جعل الشمس سراجًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – نوح – ۷۱ – ۱۸ – ۳

۳ – بازگشت انسان ها پس از مرگ ، به عناصر نخستین آفرینش خود و زنده شدن مجدد آنان از همان عناصر ، جلوه قدرت و عظمت خداوند

ما لکم لاترجون للّه وقارًا . .. ثمّ یعیدکم فیها و یخرجکم إخراجًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – نوح – ۷۱ – ۱۹ – ۲

۲ – زمین گسترده و پهناور ، جلوه قدرت و عظمت خداوند

و اللّه جعل لکم الأرض بساطًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قیامه – ۷۵ – ۳۷ – ۳

۳ – تکوین انسان از مایه ای ناچیز (منی) ، از نشانه های قدرت خداوند بر برپایی قیامت

ألم یک نطفه من منیّ یمنی

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که این آیه

در سلسله آیاتی قرار دارد که درصدد بیان مسأله معاد و اثبات آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۹ - ۱

۱ - تقسیم شدن انسان ها به هنگام شکل گیری در رحم به دو صنف مرد و زن ، از نشانه های قدرت خداوند است .

فجعل منه الزوجین الذکر و الأُنثی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲ - ۲

۲ - آفرینش انسان از نطفه ، جلوه عظمت و قدرت خداوند

إنّا خلقنا الإنسن من نطفه أمشاج

انتساب آفرینش انسان از نطفه به خداوند، با به کارگیری ضمیر متکلم مع الغیر، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۰ - ۴

۴ - آفرینش انسان ها از مایعی پست و بی مقدار (نطفه) ، نشانه قدرت و عظمت خداوند

ألم نخلقکم من ماء مهین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۱ - ۱

۱ - ره یابی نطفه به داخل رحم و قرار گرفتنش در آن ، جلوه ای از قدرت عظیم خداوند

فجعلنه فی قرار مکین

<جعل> (مصدر <جعلنا>) به معنای قرار دادن است. <قرار>، کنایه از رحم و به معنای <مستقر> است. <مکین> نیز به معنای محکم و استوار و صفت برای <قرار> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۳ - ۶

۶ - آفرینش انسان از مایعی بی مقدار و سیر تکاملی آن در رحم ، جلوه قدرت خداوند

ألم نخلقکم .

.. فقدرنا فنعم القدرون

برداشت یاد شده، با توجه به این مطلب است که خداوند، وصف <فنعم القادرون> را پس از طرح مسأله آفرینش بشر و تقدیر آن، مطرح فرموده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۶ - ۳

۳ - آفرینش زمین ، برای حیات و مرگ انسان ها ، جلوه قدرت و عظمت الهی است .

ألم نجعل الأرض کفاتًا . أحیاءً و أموتًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۷ - ۷

۷ - وجود کوه های استوار و بلند و آب های گوارا برای شرب انسان ها ، از نشانه های قدرت خداوند بر برپایی قیامت و احیای مردگان

و جعلنا فیها روسی شمخت و أسقینکم ماء فراتًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۷ - ۴

۴ - میخکوب شدن کوه ها در زمین ، نشان قدرت خداوند و ضرورت معاد

عمّ یتساءلون . .. ألم نجعل ... و الجبال أوتادًا

بیان آفرینش کوه ها، در پاسخ آنان که درباره معاد پرسش هایی را مطرح کرده بودند; گویای آن است که اگر معاد نباشد، برای پدیده هایی همچون زمین و کوه های آن توجیهی نمی توان یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۸ - ۲

۲ - پیدایش دو جنس مرد و زن در نوع انسان ، کار خداوند و نشان قدرت او است .

أزوجًا

<أزواجاً> حال برای ضمیر <کم> در <خلقناکم> است. در این صورت مفاد آیه چنین می شود: خداوند شما را با حالت

زوجیت و دو جنس بودن آفرید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲۸ - ۱

۱ - سقف افراشته و مرتفع آسمان ساخته خداوند و جلوه قدرت او است .

رفع سمکها

<سَمْک>; یعنی، سقف و نیز قامت هر چیز را <سَمْک> می گویند (قاموس). جمله <رفع...> تفسیر جمله <بناها> در آیه قبل است; یعنی، ساختن آسمان به این گونه بوده است که خداوند، طاق آن را بالا برده و آن را همچون گنبدی برافراشته قرار داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲۹ - ۱،۲

۱ - تاریک ساختن شب در فضای آسمان ، کار خداوند و نشانه قدرت او است .

و أغطش لیلها

<أغطش>; یعنی، تاریک ساخت (مفردات راغب). ارجاع ضمیر <لیلها> به آسمان، به این جهت است که منشأ پیدایش شب، وضعیت اجرام آسمانی است.

۲ - پدیدار ساختن روز و روشنایی آن ، وابسته به خداوند و جلوه قدرت او است .

و أخرج ضحیها

<ضحی> به معنای گسترش نور خورشید و پهناور شدن روز است (مفردات راغب) و نیز هنگامی را که اندکی از بالا آمدن روز گذشته باشد، <ضحی> می نامند(قاموس). مراد از <ضحی> به قرینه <لیل> روز است و نام بردن این بخش روز به جهت فرح بخش تر بودن آن لحظات است، زیرا منظور برانگیختن اعجاب و شگفتی در انسان ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۱ - ۳

۳ - بیرون آوردن آب و گیاه از دل زمین ، نشانه قدرت خداوند بر احیای دوباره انسان

ها است .

ءأنتم أشدّ خلقًا . .. أخرج منها ماءها و مرعيها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نازعات – ۷۹ – ۳۲ – ۲

۲ – آفرینش کوه های پایدار و تزلزل ناپذیر ، نشان قدرت خداوند بر احیای دوباره انسان ها است .

ءأنتم . .. و الجبال أرسیها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عبس – ۸۰ – ۲۷ – ۱

۱ – رویاندن دانه های خوراکی در زمین ، برای تأمین غذای انسان ، کار خداوند و جلوه قدرت او است .

فأنبتنا فیها حبًّا

<حبّ> اسم جنس است و به گندم، جو و دیگر دانه هایی گفته می شود که از زمین می روید; گرچه برخی از اهل لغت استعمال آن را تنها در گندم و جو دانسته اند. (لسان العرب)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عبس – ۸۰ – ۳۰ – ۳

۳ – توجّه به جنگل های انبوه و درختان تناور ، مایه شناخت خداوند و قدرت او و بازدارنده انسان از ناسپاسی و کفرورزی به او است .

ما أکفره . .. فلینظر الإنسن ... حدائق غلبًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – طارق – ۸۶ – ۶ – ۳

۳ – آفرینش انسان از آب ، شگفت انگیز و نشانه قدرت خداوند بر معاد است .

علیها حافظ . .. خلق من ماء دافق

برداشت یاد شده، با توجه به ارتباط این آیه با جمله <إنّه علی رجعه لقادر> در آیات بعد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۱۷ -

۷ - آفرینش شتر ، با ویژگی های برجسته آن ، نشان قدرت خداوند بر اعاده انسان ها است .

أفلاينظرون إلى الإبل كيف خلقت

با توجّه به این که آغاز سوره با یاد قیامت شروع شده، این آیات نیز ناظر به معاد و امکان آن خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۲۰ - ۲

۲ - هموار بودن زمین ، نشانه ای آشکار بر قدرت خداوند و دلیل امکان معاد

و إلى الأرض كيف سطحت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فیل - ۱۰۵ - ۱ - ۸

۸ - سرکوب کردن اصحاب فیل ، نشانه قدرت خداوند

كيف فعل ربّك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فیل - ۱۰۵ - ۲ - ۳

۳ - ناکامی ابرهه در طرح انهدام کعبه و به هم خوردن توطئه او در تعطیل عبادت نزد آن ، کاری شگفت و نشانه قدرت خداوند

ألم تر كيف فعل ربّك . .. ألم يجعل كيدهم فى تضليل

ارتباط این آیه با جمله <کیف فعل ربّک> (در آیه قبل)، بیانگر برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فیل - ۱۰۵ - ۳ - ۴

۴ – شکست دشمنان قوی پنجه و آشفته ساختن نقشه های آنان ، به وسیله پرندگانی کوچک و ضعیف ، نشانه قدرت خداوند و سزاوار تأمل و اندیشه

ألم تر کیف فعل ربّك . .. ألم یجعل کیدهم فی تضلیل . و أرسل علیهم طیرًا أبابیل

جمله <و أرسل علیهم. ..>، هجوم پرندگان را مصداق مطالبی قرار داده که در آیات قبل آمده

بود.

نشانه های قدرت داود(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۱۸ – ۵

۵ – همراهی کوه ها در تسبیح الهی با داوود (ع) ، نمود قدرت و مقام معنوی آن حضرت

ذاالأید إنّه أوّاب . إنّا سخّرنا الجبال معه یسبّحن

جمله <إنّا سخّرنا الجبال. ..> می تواند تعلیل برای <ذاالأید...> باشد; یعنی، داوود(ع) شخصیتی نیرومند در عبادت بود، زیرا ما کوه ها را با او همراه کردیم تا در صبح و شام با وی به تسبیح بپردازند.

نشانه های قدرت مطلق خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۹ – ۱۳

۱۳– قدرت خداوند بر اعطای وجود به معدوم مطلق ، نشانگر محدود نبودن آن در دائره علل و اسباب طبیعی است .

هو علیَّ هیّن و قد خلقتک من قبل و لم تک شیئًا

مراد از <لم تک شیئاً>، نیستی مطلق است و تطبیق آن بر زکریا که پیدایش او به پیدایش حضرت آدم از خاک منتهی می شود، به اعتبار زمانی است که اولین مخلوق از کتم عدم به وجود آمد.

نشانه های قدرت یعقوب(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۸۴ – ۱۴

۱۴ بسنده کردن یعقوب (ع) به اعراض از فرزندان ، علی رغم مقصر شناختن آنان در فراق یوسف (ع) و بنیامین ، بیانگر توان بالای او بر نهان ساختن و پوشیده داشتن خشم و غضب خویش است .

و تولّی عنهم . .. فهو کظیم

برداشت فوق ، مقتضای تفریع <هو کظیم> به وسیله حرف <فاء>

بر <تولّی عنهم> است.

نشانه های وسعت قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۶ - ۱۳

۱۳ - فتح دژ های مستحکم و استوار یهود بنی نضیر بدون جنگ و درگیری ، نمودی عینی از قدرت نامحدود الهی است .

هو الذی أخرج الذین کفروا . .. و ظنّوا أنّهم مانعتهم حصونهم ... و اللّه علی کلّ ش

نعمت قدرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۷

۷ بهره مند شدن از قدرت و مکنت از نعمت های بزرگ الهی است .

رب قد ءاتیتنی من الملک

از آن جا که یوسف(ع) در مقام سپاسگزاری و بیان الطاف خداوند است ، معلوم می شود: آنچه نام برده از نعمتهای الهی است و از اینکه در میان نعمتهای بی شمار الهی چندین نعمت را یادآور شده است ، عظمت و بزرگی آنها را می توان استفاده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۹ - ۸

۸ - علم و قدرت ، دو نعمت بزرگ الهی و درخور شکر و سپاس

و لقد ءاتینا داود و سلیمن علمًا. .. و أوتینا من کلّ شیء... و قال ربّ أوزعنی أن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۷ - ۷

۷ - توانایی و قدرت ، نعمتی الهی است .

فوكزه موسى فقضى عليه . .. قال ربّ بما أنعمت عليّ

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۳۹ – ۷

۷ – قدرت ،

مکنت و ثروت در صورت بودن در مسیر الهی ، عطیه خداوندی است .

و هب لی ملکًا . .. هذا عطاؤنا فامنن أو أمسک بغیر حساب

از تعبیر <عطاؤنا> درباره قدرت سیاسی و مکنت و ثروت سلیمان(ع) که در مسیر رسالت الهی قرار داشت برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۵ - ۶

۶ - < قدرت و توانایی > و < بصیرت و روشن بینی > ، از ارزش ها و نعمت های الهی برای انسان

إبرهیم و إسحق و یعقوب أُولی الأیدی و الأبصر

نعمت قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۸ - ۲

۲ - اقتدار و کرامت زوال ناپذیر خداوند ، نعمتی شایان توجه برای خلق

و یبقی وجه ربّک ذو الجلل و الإکرام . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

با توجه به این که فنای زمینیان، فنای مطلق و ابدی نیست و آنان پس از مرگ همچنان نیازمند و وابسته به فیض خداوند می باشند، اقتدار و کرامت جاودان خدا نوید و نعمتی برای آنان است.

نفی قدرت غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۷ - ۱۰،۲۲

۱۰ نفی هرگونه قدرت ، در برابر قدرت و اراده خداوند

فمن یملک من اللّه شیئاً ان اراد ان یهلک

استفهام <فمن یملک>، استفهام انکاری است. یعنی هیچکس قادر بر ایستادگی در برابر خواست خداوند نیست.

۲۲ مالکیت خداوند بر هستی ، دلیل توانایی وی بر نابود ساختن مسیح (ع) ، مریم (

ع) و تمامی اهل زمین و نفی هر گونه قدرت در برابر قدرت اوست .

فمن یملک من اللّه شیئاً ان اراد ان یهلک . .. و للّه ملک السموت و الارض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۹ - ۱۲

۱۲- غیر خدا ، ناتوان از مقابله با قدرت و اراده او

ثمّ لاتجدوا لکم علینا به تبیعًا

نقش قدرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۸ - ۴

۴ قدرت ، از شرایط تکلیف

الّا المستضعفین . .. لا یستطیعون حیله و لا یهتدون سبیلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۸ - ۱۴

۱۴ قدرت و حکمت ، دو شرط لازم برای برخورد با مجرمان و متخلفان *

فاقطعوا . .. و اللّه عزیز حکیم

<عزیز> به معنای پیروزمندی است که هیچگاه مقهور نمی شود و جمله < و اللّه عزیز حکیم> پس از بیان حد سرقت، می تواند اشاره به این باشد که تنها کسانی که عزت و حکمت دارند می توانند با مجرمان برخورد لازم و متناسب داشته باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۱ - ۱۱

۱۱ - ثروت و قدرت ، خود به خود ، ناپسند نیست ; بلکه می توان آن را در جهت سعادت و بهروزی انسان به کار برد .

و اتّبعوا من لم یزده ماله و ولده إلّا خسارًا

برداشت یاد شده با توجه به آمدن تعبیر <خسارت> درباره مال و فرزندان بسیار است; زیرا خسارت در جایی به کار

می رود که توقع سودهی از آنجا می رود (مانند خسارت تاجر و کاسب).

نقش قدرت جسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۸ - ۶

۶ - عبرت گرفتن از قوم عاد و دل خوش نبودن به نیروی جسمی در برابر تهدید های الهی ، نشان خردورزی است .

لذی حجر . .. الّتی لم یخلق مثلها فی البلد

نقش قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۲ - ۷

۷- عمل عوامل طبیعی ، تحت اراده و قدرت خداوند است .

و أرسلنا الریح لوقح فأنزلنا من السّماء ماء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۵ - ۶

۶ - انسان ، در پیدایش و روان ساختن چشمه ها ، هیچ نقشی نداشته و این کار تنها با قدرت خدا انجام گرفته است .

و فجّرنا فیها من العیون . لیأكلوا من ثمره و ما عملته أیدیهم

برداشت یاد شده مبتنی بر این نكته است كه جمله <و ما عملته أیدیهم> در موضع حال باشد و <ما> در <ما عملته> نافیه و ضمیر آن به تفجیر باز گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۱ - ۱،۴

۱ - اعتراف كافران در قیامت ، به دو بار مردن و دو بار زنده شدن خود با قدرت الهی

قالوا ربّنا أمتّنا اثنتين و أحييتنا اثنتين

۴ - مرگ و حیات ، به قدرت خدا است .

ربّنا أمتّنا اثنتين و أحييتنا اثنتين

نقش قدرت سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۴۴ – ۱۷

۱۷ – امکانات مادی و قدرت خارق العاده سلیمان (ع) در خدمت تبلیغ دین و هدایت مردم

قال إنّه صرح ممرّد . .. قالت ... و أسلمت مع سلیمن للّه ربّ العلمین

ماجرای اتفاق افتاده میان سلیمان(ع) و بلقیس، بیانگر مطلب فوق است.

نگرانی از قدرت مسلمانان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۲۹ – ۳۹

۳۹–کافران ، آرزومند ضعف و وابستگی امت اسلامی و نگران از قدرت و استقلال آنان

کزرع أخرج . .. لیغیظ بهم الکفّار

نمایش قدرت نظامی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۶۰ – ۷

۷ اهل ایمان باید توان رزمی برتر خویش را به دشمنان دین بنمایانند .

ترهبون به عدو اللّه

وحشت دشمن از توان نظامی مستلزم این است که آنان بر توان نظامی اهل ایمان آگاه شوند. بنابراین مسلمانان باید توان خویش را به گونه ای به آنان بنمایانند.

وسعت قدرت خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۰۶ – ۱۲،۱۳

۱۲ – قدرت خداوند ، قدرتی فرا گیر و مطلق است .

أن اللّه کل شیء قدیر

۱۳ – اتصاف خداوند به قدرتی فرا گیر و مطلق ، امری روشن برای انسانها

ألم تعلم أن اللّه کل شیء قدیر

استفهام در جمله فوق استفهام تقریری است و این نوع استفهام در موردی به کار می رود که مخاطب مضمون جمله را پذیرفته و آن را باور دارد. از آنجا که مخاطب جمله فوق همه انسانها هستند; یعنی، <ألم تعلم أیها الأنسان>، معلوم می شود: همگان

به قدرت مطلق خدا آگاه هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۱ - ۶

۶- قلمرو قدرت و مالکیت خدا ، نامحدود است .

و إن من شیء إلّا عندنا خزائنه . .. معلوم

وجود گنجینه های همه امور عالم در نزد خـدا، می تواند کنایه از قدرت بی پایان الهی باشد; زیرا وقتی خزینه همه ممکنات به دست خدا باشد، تحقق آن ممکنات هم برای او مقدور خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۷ - ۹

۹- قدرت خداوند ، حد و مرزی ندارد و او قادر بر انجام هر کاری است .

إن الله علی کلّ شیء قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶ - ۵

۵ - خدا ، دارای قدرت بی کران و نامحدود و توانا بر انجام هر کاری

و أنّه علی کلّ شیء قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۴ - ۶،۹

۶ - خدا ، قادر مطلق است .

إنّ اللّه یفعل ما یرید

۹ - قدرت مطلق و نامحدود الهی ، پشتوانه و تضمین کننده پاداش مؤمنان نیک کردار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۱۸ – ۱۳

۱۳ – قدرت نامتناهی خداوند ، در اجرای مشیت و خواسته های خویش

إنّ اللّه یفعل ما یشاء

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۵۴ – ۵

۵ خداوند ، همواره بر هر چیز توانا است .

و کان

ربّک قديرًا

از ديدگاه برخی از مفسران، <کان> در آغاز چنين جمله ای، دلالت بر استمرار می کند; هر چند اين جمله خود به خاطر اسميه بودنش نيز دلالت بر استمرار دارد (آلوسی در روح المعانی، ذيل آيه شريفه). گفتنی است ذکر نشدن متعلق <قديراً>، حاکی از شمول و فراگيری قدرت خدا است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۰ - ۹

۹ - خداوند ، بر انجام هر چيزی ، قادر است .

إنّ اللّه علی کلّ شیء قدير

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۰ - ۱۸

۱۸ - خداوند ، دارای قدرتی نامحدود است .

و هو علی کلّ شیء قدير

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۷ - ۷

۷ - خداوند ، همواره بر هر چيزی ، توانايی دارد .

و کان اللّه علی کلّ شیء قديرًا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۹ - ۱

۱ - احاطه قدرتمندانه خداوند بر جهان هستی ، دليل توانايی او بر تحقق معاد

هل ندلّکم علی رجل ينبّئکم إذا مزّقتم کلّ ممزّق إنّکم لفی خلق جديد . .. أفلم يروا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۶۲ – ۴

۴ – قدرت خداوند ، گسترده و بی پایان است .

اللّه خلق کلّ شیء و هو علی کلّ شیء وکیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۱۵ – ۱۶

۱۶ – لجاجت و عناد

، عامل استکبار و غفلت از قدرت نامحدود الهی *

فاستکبروا فی الأرض . .. و کانوا بأیتنا یجحدون

چنانچه جمله <و کانوا بآیاتنا یجحدون> به منزله تعلیل برای استکبار و عدم توجه قوم عاد، نسبت به قدرت نامحدود خداوند باشد، مطلب یاد شده قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۹ - ۱۶

۱۶ - قدرت نامحدود الهی ، تضمین کننده تحقق قیامت است .

لمحی الموتی إنّه علی کلّ شیء قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۹ - ۹،۱۰

۹ - خداوند ، دارای قدرتی نامحدود و بی کران است .

و هو علی کلّ شیء قدیر

۱۰ - قدرت نامحدود و بی کران خداوند ، دلیل توان مندی او بر احیای مردگان و برپایی قیامت

و هو یحی الموتی و هو علی کلّ شیء قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۰ - ۸

۸ - ولایت منحصر و بی همتا ، قدرت نامحدود و مرجعیت نهایی در تشریع و داوری ، از ویژگی های پروردگار جهان

فاللّه هو الولیّ . .. ذلکم اللّه ربّی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۹ - ۷

۷ – قدرت نامحدود خدا ، تضمین کننده رزق پیوسته او به بندگان

یرزق من یشاء و هو القویّ العزیز

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۵۰ – ۷

۷ – مشیت الهی در آفرینش ، متکی به علم و قدرت گسترده او است .

یخلق ما یشاء .

.. إنّه عليم قدير

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۳۴ – ۱،۲

۱ – خداوند ، توانا بر مرفه ساختن كافران تا جايى كه خانه هاى خود را مجلل و داراى درب ها و ورودى هاى متعدد بسازند .

لجعلنا لمن يكفر بالرحمن . .. و لبيوتهم أبوبًا

۲ – شكوه بخشيدن به زندگى كافران تا جايى كه آنان در خانه هاى مجلل خويش بر تخت هاتكيه زنند در حيطه قدرت و توانايى خداوند

لجعلنا لمن يكفر بالرحمن . .. و لبيوتهم أبوبًا و سررًا عليها يتّكئون

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۴۲ – ۶،۷

۶ – انسان ها هر چند مقتدر و توانمند باشند ، مقهور قدرت مطلق خداوند هستند .

فإنّا عليهم مقتدرون

۷ – خداوند ، به انتقام گرفتن از حق ستيزان چه در دنيا و چه در آخرت توانا است .

فإنّا عليهم مقتدرون

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۷۷ – ۸

۸ – گستره قدرت الهى در جهان واپسين ، مورد باور تمامى انسان ها حتى دوزخيان

و نادوا يملك ليقض علينا ربّك

از اين كه جهنميان نجات خود را به دست خداوند مى ديدند و فرشتگان را به شفاعت مى طلبيدند، استفاده مى شود كه حتى دوزخيان نيز در قيامت به قدرت الهى باور دارند.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۳۳ – ۸

۸– خداوند ، دارای قدرت مطلق و نامحدود

بلی إنّه علی کلّ شیء قدیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه

- فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۱ - ۶

۶ - خداوند ، دارای قدرت ازلی و نامحدود

و کان اللّه علی کلّ شیء قدیرًا

تعبیر <کان اللّه> بر ازلی بودن قدرت و تعبیر <علی کلّ شیء> برنامحدود بودن آن، دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۸ - ۴

۴ - آفریدگار جهان ، قادر بر نابود ساختن کافران و منکران معاد *

و کم أهلکنا . .. و لقد خلقنا السموت و الأرض

بنابراین که تذکر به خالقیت خداوند، در ادامه آیات تهدیدی (کم أهلکنا قبلهم من قرن) باشد، برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۶ - ۱۲

۱۲ - قدرت مطلق و نامحدود خداوند ، در عینیت بخشیدن به تمامی خواسته های خویش

و اللّه علی کلّ شیء قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱ - ۱۱

۱۱ - خداوند دارای قدرت مطلق و توانا بر انجام هر کاری

و هو علی کلّ شیء قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱۲ - ۸،۹

۸ - قدرت خداوند ، مطلق است و شامل هر چیزی در عالم وجود می شود .

لتعلموا أنّ اللّه علی کلّ شیء قدیر

۹ - آفرینش آسمان ها و زمین و تدبیر امور آنها ، جلوه ای روشن و نشانه ای گویای از قدرت بی پایان خداوند

اللّه الذی خلق سبع سموت . .. لتعلموا أنّ اللّه علی کلّ شیء قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۱۹

تحریم - ۶۶ - ۸ - ۱۸،۱۹

۱۸ - قدرت خداوند ، مطلق و بی پایان است .

إنّک علی کلّ شیء قدیر

۱۹ - قدرت مطلق و بی پایان خداوند ، مقتضی امید و دلبستگی مؤمنان به استجابت دعایشان در درگاه الهی

یقولون ربّنا أتمم لنا نورنا و اغفرلنا إنّک علی کلّ شیء قدیر

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که جمله <إنّک علی کلّ شیء قدیر> در مقام تعلیل برای دعاها و درخواست های مؤمنان از خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱ - ۶،۷

۶ - قدرت خداوند ، مطلق و بی پایان است .

و هو علی کلّ شیء قدیر

۷ - افاضه خیر ها و برکت ها از سوی خداوند ، برخاسته از قدرت مطلق و بی پایان او است .

تبرک الذی . .. هو علی کلّ شیء قدیر

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که جمله <و هو علی کلّ شیء قدیر> می تواند در مقام توضیح و تبیین <تبارک> قرار داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲ - ۲

۲ - تقدیر مرگ و حیات برای بشر ، جلوه فرمانروایی و قدرت مطلق و بی پایان خداوند است .

بیده الملک و هو علی کلّ شیء قدیر . الذی خلق الموت و الحیوه

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که جمله <الذی خلق الموت. ..>، درصدد توضیح و تبیین آثار و جلوه های ملک و قدرت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰

۸ - قدرت گسترده خداوند ، امری غیر قابل انکار و تردید

فلاأُقسم بربّ المشرق و المغرب إنّا لقدرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۲ - ۴

۴ - خداوند ، دارای قدرت مطلق و شکست ناپذیر

و أنّا ظننّا أن لن نعجز اللّه فی الأرض و لن نعجزه هربًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۴ - ۳

۳ - توانایی خداوند ، مطلق و نامحدود است .

بلی قدرین علی أن نسوّی بنانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲۷ - ۴

۴ - ضرورت دقت در آفرینش پدیده های هستی ، برای پی بردن به قدرت مطلق خداوند

ءأنتم أشدّ خلقًا أم السماء بنیها

وسعت قدرت طلبی ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۶ - ۵

۵ - فزون خواهی قدرت ها ، نامحدود به قلمرو آنان و منتهی به سلطه گری بر سایر جوامع

هم أشدّ منهم بطشًا فنقّبوا فی البلد

<فاء> در <فنقّبوا> برای نتیجه است; یعنی، قدرت، منتهی به نفوذ و تجاوز به دیگران است.

وسعت قدرت معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۰ - ۹

۹ - خداوند ، بر انجام هر چیزی ، قادر است .

إنّ اللّه علی کلّ شیء قدیر

وضوح قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۵ - ۱۱

۱۱ - اقتدار خداوند و برتری قدرت او بر همگان ، امری

بس روشن و آشکار

أَوَلم یروا أنّ اللّه . .. هو أشدّ منهم قوّه

به کارگیری <رؤیت> (دیـدن) برای آگاهی و علم به قدرت خداوند، اشاره به این معنا دارد که قدرت و اقتدار برتر خداوند، به حدی روشن و آشکار است که گویا امری دیدنی و قابل مشاهده است.

ویژگیهای قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۶ - ۱۲

۱۲ - قدرت خداوند ، قدرتی فراگیر و مطلق است .

أن اللّه کل شیء قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۹ - ۷

۷ خداوند ، دارای قدرتی بی پایان و نامحدود

و اللّه علی کل شیء قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۳ - ۱۳

۱۳ قدرت خداوند ، برتر از همه قدرتهاست .

فمن ینصرنی من الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۷ - ۱۰

۱۰ حاکمیت خداوند بر هستی ، حاکمیتی مطلق و قدرت او بلامنازع است .

إن ربک فعال لما یرید

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۷۷ – ۹

۹– قدرت خداوند ، حد و مرزی ندارد و او قادر بر انجام هر کاری است .

إن الله علی کلّ شیء قدیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۶ – ۵

۵ – خدا ، دارای قدرت بی کران و نامحدود و توانا بر انجام هر کاری

و أنّه علی کلّ شیء قدیر

جلد – نام سوره – سوره

- آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۱ - ۵

۵ - علم و قدرت خدا ، کامل و بی نقص است .

ذلک بأنّ اللّه یولج الّیل . .. و أنّ اللّه سمیع بصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱ - ۱۴

۱۴ - قدرت خداوند ، مطلق بوده و بر انجام هر کاری توانا است .

إنّ اللّه علی کلّ شیء قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۹ - ۹

۹ - خداوند ، دارای قدرتی نامحدود و بی کران است .

و هو علی کلّ شیء قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۲ - ۱۰

۱۰- اقتدار و عزت خداوند ، آمیخته با رحمت گسترده و جاودان او است .

هو العزیز الرحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۹ - ۸

۸ - قدرت و شکست ناپذیری خداوند ، آمیخته با کاردانی و حکمت او است .

و کان اللّه عزیزًا حکیمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۸ - ۳،۵

۳ - خداوند ، دارای قدرت و نیرویی استوار و کاستی ناپذیر

ذوالقوّه المتین

<متین> (سخت و استوار)، می تواند وصف برای <ذوالقوّه> و یا خبر دیگر برای <إنّ> باشد. برداشت یاد شده بر پایه احتمال اول است.

۵ - کاستی نیافتن نیرو و توان الهی ، با روزی دهی گسترده او به خلق

إنّ اللّه هو الرزّاق ذوالقوّه المتین

از ارتباط میان دو بخش آیه و این که خداوند پس

از طرح رازقیت خود به نیروی کاستی ناپذیر خویش اشاره کرده است، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۸ - ۲

۲ - قدرت الهی در نظام هستی ، نافذ و بدون کمترین مزاحم

ما له من دافع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۲ - ۱۰

۱۰ - آگاهی کامل و قدرت نامحدود خداوند ، آمیخته با خطاپوشی و مغفرت گسترده او

إنّ ربّک هو أعلم بمن ضلّ . .. و للّه ما فی السموت و ما فی الأرض ... إنّ ربّک وس

از ارتباط آیات شریفه، می توان استفاده کرد که خداوند در عین آگاهی کامل به عملکرد انسان ها و قدرت نامحدود او بر مجازات آنان، از کاستی های ایشان درمی گذرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱ - ۷

۷ - عزّت و اقتدار الهی ، آمیخته با حکمت (کاردانی و مصلحت سنجی) است .

و هو العزیز الحکیم

قرار گرفتن صفت <حکیم> پس از صفت <عزیز>، بیانگر آمیختگی حکمت و عزت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲۴ - ۱۴

۱۴ - اقتدار و پیروزمندی خداوند ، آمیخته با حکمت و مصلحت دانی او

العزیز الحکیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ممتحنه – ۶۰ – ۷ – ۸

۸ – قدرت خداوند ، همراه با غفران و رحمت است .

و اللّه قدیر و اللّه غفور رحیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه –

فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۲۳ – ۵

۵ – خداوند ، بهترین توانا است .

فقدرنا فنعم القدرون

برداشت یاد شـده، بر این اساس مبتنی است که <قدرنا> از ریشه <قدرت> و جمله <فنعم القادرون> متفرع بر <جعلناه> باشد.

هلاکت قدرت طلبان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۷۸ – ۷

۷ – تعلق اراده الهی بر نابودسازی جوامع قدرت طلب و زراندوز پیش از قارون ، با خشم و قهر خود

أوَلم یعلم أنّ اللّه قد أهلک من قبله من القرون. ..و لایسئل عن ذنوبهم المجرمون

یعقوب(ع) و قدرت خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۸۶ – ۴

۴ یعقوب (ع) تنها خداوند را بر زایل ساختن غم و اندوهش توانا می دانست .

قال إنما أشکوا بثّی و حزنی إلی الله

هدف یعقوب(ع) از شکایت کردن از حزن و اندوهش به خدا ، درخواست زایل کردن آنها از او بود.

قدرت دفاعی

اهمیت قدرت دفاعی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۲۶ – ۱۲

۱۲ برخورداری جامعه از امنیت اجتماعی و توان دفاعی و امکانات اقتصادی ، از نعمت های مهم الهی

فاویکم و أیدکم بنصره و رزقکم من الطیبت

قدرت طلبان

هلاکت قدرت طلبان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۷۸ – ۷

۷ – تعلق اراده الهی بر نابودسازی جوامع قدرت طلب و زراندوز پیش از قارون ، با خشم و قهر خود

أوَلم یعلم أنّ اللّه قد أهلک من قبله من القرون. ..و لایسئل عن ذنوبهم

المجرمون

قدرت طلبى

آثار قدرت طلبى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۸ - ۶،۷

۶ قدرتمدارى نمرود ، زمينه ساز غرور ، كفر و طغيانگرى وى

الم تر الى . .. ان اتيه اللّه الملك

بنابراينكه جمله <ان اتيه . .. >، بيان علّت محاجّه باشد; يعنى چون ملك و سلطنت يافت، چنين و چنان كرد.

۷ قدرتمدارى ، زمينه ساز غرور و كفر در برابر ربوبيّت الهى

الم تر الى الّذى . .. ان اتيه اللّه الملك

چنانچه جمله <ان اتيه . .. >، بيانِ علّتِ كفر و غرور نمرود باشد، مى توان از آن يك نتيجه كلّى به دست آورد كه قدرت و سلطنت، زمينه ساز غرور، كفر و ... است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - مريم - ۱۹ - ۷۷ - ۵

۵- رفاه طلبى و قدرت خواهى ، از عوامل ارتداد

كفر بأيتنا و قال لأُتينّ مالاً و ولدًا

ظاهر عبارت <كفر بأياتنا> به قرينه <لأُوتينّ> كه براى استقبال است حدوث كفر است نه استمرار آن.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۸ - ۹

۹ - قدرت طلبى و زراندوزى ، از موجبات هلاكت و بدفرجامى

أوَلم یعلم أنّ اللّه قد أهلك . .. من هو أشدّ منه قوّه و أكثر جمعًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۴۹ – ۴

۴- روحیه اقتدار و اشرافی گری ، زمینه ساز غوطهوری انسان در گناه

طعام الأثیم . .. ذق إنّک أنت العزیز الکریم

در این آیات، دوزخیانِ مبتلا به عذاب شدید

و گدازنده، در ابتدا با وصف <الأثیم> (به معنای غوطهور در گناه) و سپس با وصف <العزیز الکریم> یاد شده اند. ارتباط این اوصاف، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۵ - ۸

۸ - فریفته شدن به ثروت و قدرت ، زمینه ساز انکار معاد

أیحسب أن لن یقدر علیه أحد

مفاد آیه شریفه، ممکن است این باشد که فرد قدرتمند، نباید گمان کند که کسی قادر بر زنده ساختن و محاسبه و عذاب او نیست. هم چنین به قرینه آیه بعد، فرد ثروتمند را از فریفته شدن به ثروت خویش و پندار رهایی از حساب و نظارت خداوند، برحذر داشته شده است.

آثار قدرت طلبی کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۱ - ۱۱

۱۱ - مخالفت کافران و مشرکان صدر اسلام با پیامبر (ص) ، برخاسته از فریفتگی آنان به اقتدار خویش بود .

کانوا هم أشدّ منهم قوّه و ءاثارًا فی الأرض فأخذهم اللّه بذنوبهم

نکوهش شدن مخالفان پیامبر اسلام(ص) بر عبرت نگرفتن آنان از زوال قدرت ها و تمدن های گذشته، بیانگر این نکته است که سرپیچی آنان از پذیرش اسلام، برخاسته از دلخوشی آنها به امکانات و اقتدار نسبی خود بوده است.

آثار قدرت طلبی مشرکان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۱ - ۱۱

۱۱ - مخالفت کافران و مشرکان صدر اسلام با پیامبر (ص) ، برخاسته از فریفتگی آنان به اقتدار خویش بود .

کانوا هم أشدّ منهم قوّه

و ءاثارًا فى الأرض فأخذهم اللّه بذنوبهم

نکوهش شدن مخالفان پیامبر اسلام(ص) بر عبرت نگرفتن آنان از زوال قدرت ها و تمدن های گذشته، بیانگر این نکته است که سرپیچی آنان از پذیرش اسلام، برخاسته از دلخوشی آنها به امکانات و اقتدار نسبی خود بوده است.

تاریخ قدرت طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۸ - ۵

۵ - قدرت طلبی و زراندوزی ، دارای دیرینه ای بسیار طولانی در تاریخ بشر

أوَلم یعلم أنّ اللّه قد أهلک من قبله من القرون من هو أشدّ منه قوّه و أکثر جمعًا

تهمت قدرت طلبی به صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۵ - ۴

۴ - تأکید قوم ثمود بر دروغ گویی ، قدرت طلبی و خودخواهی صالح (ع) ، در ادعای پیامبری

بل هو کذّاب أشر

<أشر> به معنای متکبر و خودخواه است.

تهمت قدرت طلبی به موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۸ - ۱،۲،۳

۱ فرعون و اطرافیانش ، پس از شنیدن سخنان موسی (ع) ، او و هارون (ع) را به تلاش برای براندازی حکومت متهم کردند .

قال موسی . .. قالوا أجئتنا لتلفتنا عما وجدنا علیه ءاباءنا و تکون لکما الکبریاء

۲ فرعون و اطرافیانش ، حضرت موسی (ع) را متهم کردند که تلاش او نه به خاطر هدایت ; بلکه برای برگرداندن آنان از

سنّت و روش پدرانشان و تصاحب قدرت و حکومت بر سرزمین مصر است .

قالوا أجئتنا لتلفتنا عما

وجدنا علیه ءاباءنا و تکون لکما الکبریاء فی الأرض

۳ فرعون و اطرافیانش ، حضرت موسی و هارون (ع) را به انحصارطلبی در قدرت متهم کردند .

و تکون لکما الکبریاء فی الأرض

برداشت فوق از تقدیم خبر <تکون> بر اسمش که می تواند مفید حصر باشد استفاده شده است.

تهمت قدرت طلبی به هارون(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۸ - ۱،۳

۱ فرعون و اطرافیانش ، پس از شنیدن سخنان موسی (ع) ، او و هارون (ع) را به تلاش برای براندازی حکومت متهم کردند .

قال موسی . .. قالوا أجئتنا لتلفتنا عما وجدنا علیه ءاباءنا و تکون لکما الکبریاء

۳ فرعون و اطرافیانش ، حضرت موسی و هارون (ع) را به انحصارطلبی در قدرت متهم کردند .

و تکون لکما الکبریاء فی الأرض

برداشت فوق از تقدیم خبر <تکون> بر اسمش که می تواند مفید حصر باشد استفاده شده است.

قدرت طلبی اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۳ - ۴

۴- اقوام کافر پیشین در برابر انبیا احساس قدرت می کردند و مدعی بودند که سرزمین مسکونی آنان و انبیا از آنِ آنهاست .

لنخرجنّکم من أرضنا

از اینکه آنان، پیامبران را تهدید به اخراج کردند، احساس قدرت استفاده می شود و از اینکه <أرض> (سرزمین) را به خود اضافه کردند; به دست می آید که آنان مدعی حاکمیت و مالکیت بر آن بودند.

قدرت طلبی فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ١٧

زخرف - ۴۳ - ۵۲ - ۶

۶ - قدرت و ثروت ، تنها ملاک ارزش در دیدگاه فرعون و فرعونیان

قال یقوم ألیس لی ملک مصر . .. أم أنا خیر من هذا الذی

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته زیر است: الف) فرعون پس از یادآوری فرمانروایی و ثروت خویش، موسی(ع) را غیر قابل قیاس با خود می داند و این نشان دهنده بینش فرعون در زمینه ملاک ارزش است. ب) سخنرانی فرعون و تکیه وی بر قدرت و ثروت، نشان می دهد که در جامعه قبطی چنین دیدگاهی وجود داشته است.

قدرت طلبی فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۲ - ۶

۶ - قدرت و ثروت ، تنها ملاک ارزش در دیدگاه فرعون و فرعونیان

قال یقوم ألیس لی ملک مصر . .. أم أنا خیر من هذا الذی

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته زیر است: الف) فرعون پس از یادآوری فرمانروایی و ثروت خویش، موسی(ع) را غیر قابل قیاس با خود می داند و این نشان دهنده بینش فرعون در زمینه ملاک ارزش است. ب) سخنرانی فرعون و تکیه وی بر قدرت و ثروت، نشان می دهد که در جامعه قبطی چنین دیدگاهی وجود داشته است.

قدرت طلبی قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۸ - ۱۲

۱۲ - قارون ، فرد قدرتمند و زورمدار جامعه خویش بود .

من هو أشدّ منه قوّه و أکثر جمعًا

قدرت طلبی مخالفان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ – مدثر – ۷۴ –

۱۶ – ۳

۳ – دلـداری خداونـد به پیامبر (ص) ، در برابر مخالفت های کافران عنود ، قدرت طلب و افزون خواه (همچون ولیدبن مغیره)

ثمّ یطمع أن أزید . کلاّ

برداشت یـاد شـده، با توجه به این نکته است که مخالفان پیامبر(ص) از جمله ولیـدبن مغیره از ثروت انـدوزان و قـدرت منـدان بودند. نفی ازدیاد قدرت و ثروت آنان با تعبیر (کلاّ) از سوی خداوند، می تواند به منظور دلداری به پیامبر(ص) باشد.

قدرت طلبی مشرکان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۱۰ – ۳

۳ – توانمندی ها و امکانات مادی ، بت ها و خدایان ساختگی ، تکیه گاه مشرکان در دنیا

و لایغنی عنهم ما کسبوا شیًا و لا ما اتّخذوا

تعبیر <ما کسـبوا> که اشاره به امکانات مادی دارد و نیز <ما اتّخـذوا. ..> که ناظربه عقاید شـرک آلود آنان است نشان می دهد که آنان تمامی اتکا و امید خویش را به آن دو معطوف داشته اند.

قدرت طلبی منافقان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۰۵ – ۷

۷ نفاق ، پُل به قدرت رسیدن سیاست بازانِ ناصالح

و اذا تولی سعی فی الأرض

در برداشت فوق، <تولی>، رسیدن به حکومت معنا شده است.

قدرت طلبی ولید بن مغیره

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مدثر – ۷۴ – ۱۶ – ۳

۳ – دلداری خداوند به پیامبر (ص) ، در برابر مخالفت های کافران عنود ، قدرت طلب و افزون خواه (همچون

ولیدبن مغیره)

ثمّ یطمع أن أزید . کلاّ

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که مخالفان پیامبر(ص) از جمله ولیدبن مغیره از ثروت اندوزان و قدرت مندان بودند. نفی ازدیاد قدرت و ثروت آنان با تعبیر (کلاّ) از سوی خداوند، می تواند به منظور دلداری به پیامبر(ص) باشد.

ناپسندی قدرت طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۵ - ۳

۳ - طمعورزی و افزون خواهی در به چنگ آوردن ثروت و قدرت بیشتر ، خصلتی ناپسند و محکوم است .

ثمّ یطمع أن أزید

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که این دسته از آیات که درباره افراد کافر و دین ستیزی همچون ولیدبن مغیره است درصدد بیان خصلت های زشت آنان و محکوم کردن آنها است.

وسعت قدرت طلبی ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۶ - ۵

۵ - فزون خواهی قدرت ها ، نامحدود به قلمرو آنان و منتهی به سلطه گری بر سایر جوامع

هم أشدّ منهم بطشًا فنقّبوا فی البلد

<فاء> در <فنقّبوا> برای نتیجه است; یعنی، قدرت، منتهی به نفوذ و تجاوز به دیگران است.

قدرت نظامی

تقویت قدرت نظامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۰ - ۱،۲،۳،۴،۵،۱۵

۱ تقویت قوای نظامی و تهیه ادوات جنگی برای نبرد با دشمنان خدا ، وظیفه ای بر عهده تمامی مسلمانان

و أعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخیل

۲ مسلمانان باید برای تقویت بنیه نظامی تمام تلاش خویش را تا

حد ترساندن دشمن ، به کار بندند و از هر چه در اختیار دارند دریغ نورزند .

و أعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخيل

۳ اسب های سواری در عصر بعثت ، کارآمدترین و مهمترین وسیله برای تقویت بنیه نظامی

و أعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخيل

عطف <رباط الخيل> بر <قوه> عطف خاص بر عام است و کاربرد چنین عطفی معمولا برای رساندن اهمیت معطوف و نقش اساسیتر آن نسبت به دیگر مصادیق معطوف علیه است.

۴ جامعه اسلامی باید به پیشرفته ترین ادوات رزمی زمان مجهز باشد .

و أعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخيل

۵ قوای نظامی جامعه اسلامی باید به گونه ای باشد که دشمنان دین را همواره به هراس افکند .

ترهبون به عدو اللّه و عدوكم

۱۵ انفاق امکانات برای تقویت بنیه نظامی جامعه اسلامی ، از مصادیق انفاق < فی سبیل اللّه > است .

و أعدوا لهم ما استطعتم . .. و ما تنفقوا من شیء فی سبیل اللّه

عوامل تضعیف قدرت نظامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۶ - ۱۲

۱۲ - چیره شدن ترس بر سپاه یهود بنی قریظه ، باعث از بین رفتن توان رزمی آنان شد و به راحتی ، به دست مسلمانان مدینه ، شکست خوردند .

و قذف فی قلوبهم الرعب فریقًا تقتلون و تأسرون فریقًا

عوامل تقویت قدرت نظامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۵ - ۱۰

۱۰ درک معارف الهی (توحید ، معاد و . .

.) و ایمان به آنها ، عاملی اساسی در ایجاد توان فوق العاده در رزمندگان مؤمن

بأنهم قوم لایفقهون

قدرت نظامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۹ - ۶

۶ - برخورداری از توان رزمیِ فراوان و توسعه کشاورزی و آبادانی سرزمین ها ، برترین جلوه های تمدن در جوامع پیشین بوده است .

کانوا أشدّ منهم قوّه و أثاروا الأرض و عمروها أکثر ممّا عمروها

<إثاره> (مصدر <أثاروا>) به معنای <زیر و رو کردن> است و در این جا، منظور، زیر و رو کردن خاک برای زراعت یا ساختمان سازی و غیر آن است.

قدرت نظامی جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۰ - ۱۵

۱۵ انفاق امکانات برای تقویت بنیه نظامی جامعه اسلامی ، از مصادیق انفاق < فی سبیل اللّه > است .

و أعدوا لهم ما استطعتم . .. و ما تنفقوا من شیء فی سبیل اللّه

قدرت نظامی سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۷ - ۷

۷ - قدرت و قوای نظامی گسترده سلیمان ، از ویژگی های بارز حکومت الهی وی

و حشر لسلیمن جنوده من الجنّ و الإنس و الطیر

قدرت نظامی قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷ - ۳

۳ سپاه مشرکان مکه مجهز به سلاح های جنگی و دارای برتری نظامی نسبت به مسلمانان

و تودون أن غیر ذات الشوکه تکون لکم

عدم تمایل مسلمانان به رویارویی با سپاه شرک و نیز جمله <کانما یساقون

إلى الموت> در آيه قبل دلالت بر اين دارد كه مشركان در جنگ بدر از نيروى نظامى برترى برخوردار بودند.

قدرت نظامى مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - انفال - ۸ - ۶۰ - ۶

۶ وحشت دشمن از توان رزمى مسلمانان ، تعيين كننده مرز قدرت نظامى ضرورى در جامعه ايمانى

و أعدوا لهم ما استطعتم . .. ترهبون به عدو اللّه

جمله <ترهبون . .. > به منزله تفسير و توضيحى است براى <ما استطعتم>. يعنى توان نظامى بايد به حدى رسد كه دشمن را به وحشت اندازد، نه كمتر از آن ; هر چند جامعه اسلامى بر بيشتر از اين مقدار توانمند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - انفال - ۸ - ۶۶ - ۱۰

۱۰ توان رزمى و نيروى مقاومت هر مسلمان ، حتى پس از گراييدن جامعه ايمانى به ضعف ، بيش از دو چندان هر كافر است .

و علم أن فيكم ضعفا فإن يكن منكم مائه صابره يغلبوا مائتين

قدرت نظامى مشركان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۱۳ - ۱۰

۱۰ مشركان صدر اسلام ، از توان رزمى بالايى برخوردار بودند .

أتخشونهم

ملاك قدرت نظامى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - انفال - ۸ - ۶۰ - ۶

۶ وحشت دشمن از توان رزمی مسلمانان ، تعیین کننده مرز قدرت نظامی ضروری در جامعه ایمانی

و أعدوا لهم ما استطعتم . .. ترهبون به عدو اللّه

جمله <ترهبون . .. > به منزله تفسیر و توضیحی است برای

<ما استطعتم>. یعنی توان نظامی باید به حدی رسد که دشمن را به وحشت اندازد، نه کمتر از آن ; هر چند جامعه اسلامی بر بیشتر از این مقدار توانمند باشد.

موجبات ضعف قدرت نظامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۶ - ۵

۵ ضعف ایمان در مسلمانان صدر اسلام موجب ضعف قدرت ایشان در میدان های نبرد

علم أن فیکم ضعفا فإن یکن منکم مائه صابره

از علل توان بسیار برتر مسلمانان در برابر کافران مفهومی است که از <بأنهم قوم لایفقهون> به دست می آید ; یعنی ایمان راسخ به معارف دین. بنابراین می توان گفت منشأ بروز ضعف نسبی مسلمانان پس از گذشت برهه ای از صدر اسلام، افت درجه ایمانی آنان بوده است.

نمایش قدرت نظامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۰ - ۷

۷ اهل ایمان باید توان رزمی برتر خویش را به دشمنان دین بنمایانند .

ترهبون به عدو اللّه

وحشت دشمن از توان نظامی مستلزم این است که آنان بر توان نظامی اهل ایمان آگاه شوند. بنابراین مسلمانان باید توان خویش را به گونه ای به آنان بنمایانند.

قدرتمند

ادیان و جامعه قدرتمند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۲ - ۱۴

۱۴ به وجود آوردن جامعه های نیرومند و توانا ، از هدف های پیامبران وادیان الهی است .

و یزدکم قوّه إلی قوّتکم

انبیا و جامعه قدرتمند

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۵۲ – ۱۴

۱۴ به وجود آوردن

جامعه های نیرومند و توانا ، از هدف های پیامبران وادیان الهی است .

و یزدکم قوّه إلی قوّتکم

بهترین قدرتمند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۳ - ۵

۵ - خداوند ، بهترین توانا است .

فقدرنا فنعم القدرون

برداشت یاد شده، بر این اساس مبتنی است که <قدرنا> از ریشه <قدرت> و جمله <فنعم القادرون> متفرع بر <جعلناه> باشد.

علاقه به رهبران قدرتمند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۵ - ۲۳

۲۳ - گروهی از انسان ها (مشرکان) سران و بزرگان خویش را در قدرت ، همتای خدا می پندارند و آنان را همطراز او دوست دارند .

و من الناس من یتخذ من دون اللّه أنداداً یحبونهم کحب اللّه

با توجه به آیه بعد - که مشرکان را به سران شرک و پیروان آنان تقسیم می کند - می توان گفت: مراد از <من الناس> مشرکان پیرو مقصود از <أنداد> سران آنهاست. ارجاع ضمیر <هم> به <أنداد> این احتمال را تأیید می کند; زیرا کاربرد این ضمیر برای انسانها و دارندگان عقل و شعور است.

قدرتمندان

{قدرتمندان}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۴۵ – ۸

۸ - < عن أبی جعفر (ع) فی قوله < أُولی الأیدی و الأبصار > یعنی أُولی القوّه فی العباده و البصر فیها ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند <أُولی الأیدی و الأبصار> روایت شده که مراد صاحبان قوت و بصیرت در عبادت هستند>.

آثار مکر قدرتمندان

جلد – نام سوره – سوره – آیه

- فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۴ - ۱

۱ - صاحبان زر و زور با نیرنگ های بزرگ خود ، تعداد بسیاری از مردم را گمراه کردند .

و قد أضلّوا کثیرًا

بینش قدرتمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۵ - ۹

۹- ثروت مندان و قدرت مندان ، در خطر پندار جاودانگی نعمت ها در دنیایند .

أنا أکثر منک مالاً . .. قال ما أظنّ أن تبید هذه أبدًا

داستان مذکور در آیه، چه واقعی باشد و چه سمبلیک، بیان خصلت های آدمی و واکنش های او در شرایط مختلف است. از جمله این خصلت ها آن است که وقتی در اوج رفاه قرار گیرد و اموال خود را در اطراف خود مشاهده کند، چنین می پندارد که نعمت های اطراف او جاودانه هستند.

پیروی از قدرتمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۱ - ۵

۵ - قوم نوح ، از نظر فرهنگی و دینی ، تحت تأثیر صاحبان زر و زور و پیرو آنان بودند .

و اتّبعوا من لم یزده ماله و ولده إلّا خسارًا

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که <مال> مظهر زر و قدرت اقتصادی و <ولد> نماد زور و قدرت سیاسی است که از کثرت نفرات نشأت می گیرد.

تأمین منافع قدرتمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۳ - ۵

۵ - آیین شرک ، حافظ منافع صاحبان زر و زور بوده و آیین توحیدی ناسازگار با آن است .

و قالوا لاتذرنّ ءالهتکم و

لاتذرنّ ودًّا . .. و نسرًا

دعوت قدرتمندان قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۳ - ۱

۱ - توصیه أکید صاحبان زر و زور به مردم در عصر نوح (ع) ، به دست بر نداشتن از عبادت معبود های خویش

و قالوا لاتذرنّ ءالهتکم

<إله> (مفرد <آلهه>) به معنای معبود است. گفتنی است تأکید در برداشت یاد شده از آمدن <ن> تأکید ثقیله <لاتذرنّ> استفاده می شود.

دین ستیزی قدرتمندان قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۲ - ۲

۲ - قدرت صاحبان زر و زور در عصر نوح (ع) ، در خدمت مکر و حیله گری علیه دین الهی و در جهت گمراه کردن مردم قرار داشت .

و مکروا مکرًا کبّارًا

رد منافع قدرتمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۳ - ۵

۵ - آیین شرک ، حافظ منافع صاحبان زر و زور بوده و آیین توحیدی ناسازگار با آن است .

و قالوا لاتذرنّ ءالهتکم و لاتذرنّ ودًّا . .. و نسرًا

زیانکاری قدرتمندان قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۱ - ۱۳

۱۳ - قـدرت اقتصـادی و سیاســی صاحبـان زر و زور در عصــر نـوح (ع) ، نـتیجه ای جز خسـارت و بـدبختی برای آنـان در برنداشت .

من لم یزده ماله و ولده إلّا خسارًا

سوء استفاده قدرتمندان قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱

۳ - سوء استفاده صاحبان زر و زور و تزویر ، از عقاید مذهبی مردم در عصر حضرت نوح (ع)

و قالوا لاتذرنّ ءالهتکم و لاتذرنّ ودًّا . .. و نسرًا

توصیه مؤکد صاحبان زر و زور به مردمِ عادی، درباره حفظ عقاید مذهبی خود با آن که خود آنان جز به مال و منال خویش نمی اندیشند بیانگر حقیقت یاد شده است.

عبرت از فرجام قدرتمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۸ - ۱۱

۱۱ - سرانجام شوم زورمداران و زراندوزان تاریخ ، درس عبرتی است برای دیگران .

أوَلم یعلم أنّ اللّه قد أهلک من قبله من القرون من هو أشدّ منه قوّه و أکثر جمعًا

فرجام شوم قدرتمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۸ - ۱۰،۱۱

۱۰ - زورمداران و زراندوزان ، دارای فرجامی شوم و ناخوشایند

أوَلم یعلم أنّ اللّه قد أهلک . .. من هو أشدّ منه قوّه و أکثر جمعًا

۱۱ - سرانجام شوم زورمداران و زراندوزان تاریخ ، درس عبرتی است برای دیگران .

أوَلم یعلم أنّ اللّه قد أهلک من قبله من القرون من هو أشدّ منه قوّه و أکثر جمعًا

فرجام قدرتمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۶ - ۶

۶ - هلاکت ، سرنوشت محتوم همه توان مندان حق ستیز تاریخ

و کم أهلکنا . .. هل من محیص

قدرتمندان قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۱ - ۷

۷ - وجود

قشری ثروتمند و قدرت مند (صاحبان مال و فرزند بسیار) ، در میان قوم نوح

و اتّبعوا من لم یزده ماله و ولده إلاّ خسارًا

قدرتمندان و انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۳ - ۸

۸ - قدرتمندان و ثروتمندانِ سرمست ، تشکیل دهنده جبهه اصلی مخالفان پیامبران

و کذلک ما أرسلنا من قبلک فی قریه من نذیر إلاّ قال مترفوها

<مُتْرَف> (از ماده <تُرفَه>) به معنای فزونی و بسیاری نعمت است. با توجه به این که بسیاری از دارندگان نعمت، غرق در شهوات و هواهای نفسانی می شوند، واژه <مترف> به معنای کسانی که به نعمت مغرور شده و سرمستی و طغیان کرده اند به کار می رود.

گمراهگری قدرتمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۴ - ۱

۱ - صاحبان زر و زور با نیرنگ های بزرگ خود ، تعداد بسیاری از مردم را گمراه کردند .

و قد أضلّوا کثیرًا

مخالفان قدرتمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۱ - ۱۵

۱۵ - پیامبران ، در قطب مخالف صاحبان زر و زور

قال نوح ربّ إنّهم عصونی و اتّبعوا من لم یزده ماله و ولده إلاّ خسارًا

مخالفت قدرتمندان قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۲ - ۳

۳ - ثروتمندان و زورمداران حیله گر ، مخالفان اصلی دعوت نوح (ع)

و مکروا مکرًا کبّارًا

مخالفت قدرتمندان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳

۶ - صاحبان قدرت و شوکت ، مخالفان اصلی پیامبر (ص) در مکه

فأهلكنا أشدّ منهم بطشًا

با توجه به واژه <أشد> که افعل التفضیل است استفاده می شود که مخالفان پیامبر(ص) در مکه، به نوعی از قدرت ظاهری برخوردار بودند.

مکر قدرتمندان قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۲ - ۱

۱ - استفاده صاحبان زر و زور از مکر و نیرنگی بس بزرگ ، علیه دعوت نوح (ع) و در جهت گمراه کردن مردم

من لم یزده ماله و ولده إلاّ خسارًا . و مکروا مکرًا کبّارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۳ - ۴

۴ - دفاع از عقاید مذهبی و شرک آمیز مردم ، از حیله ها و نیرنگ های صاحبان زر و زور ، برای مبارزه با دعوت توحیدی نوح (ع)

و قالوا لاتذرنّ ءالهتکم و لاتذرنّ ودًّا . .. و نسرًا

منشأ امکانات قدرتمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۴ - ۲

۲- قدرت و امکانات عناصر نیرومند تاریخ ، در قلمرو اراده و حاکمیت خداوند و نه مستقل از آن .

إنّا مکّنّا له فی الأرض

نسبت دادن قدرت و امکانات ذوالقرنین به خداوند، این پیام را دارد که نباید پنداشت که قدرت مندان، آنچه دارند، خود، به

دست آورده اند، بلکه همه چیز از او است.

نقش قدرتمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۴ - ۹

۹ - عناصر

قدرتمند و مرفّه ، سردمداران انحراف و کفر در جوامع کافر و شرک پیشه

قال مترفوها . .. قالوا إنّا بما أرسلتم به کفرون

از این که در جوامع شرک پیشه، تنها سخن مرفهان ذکر گردیده با آن که اندیشه شرک مختص آنان نبوده است می توان استفاده کرد که آنان، نقش اصلی را در تعیین گرایش های جامعه داشته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۷ - ۱۰

۱۰ - تأثیر عمیق و سرنوشت ساز گروه های پرنفوذ و قدرتمند اجتماعی ، همچون صاحبان زر و زور ، در فرهنگ و باور های دینی جامعه

و اتّبعوا من لم یزده ماله و ولده إلّا خسارًا . .. یضلّوا عبادک و لایلدوا إلّا فا

نقش قدرتمندان قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۱ - ۵،۸

۵ - قوم نوح ، از نظر فرهنگی و دینی ، تحت تأثیر صاحبان زر و زور و پیرو آنان بودند .

و اتّبعوا من لم یزده ماله و ولده إلّا خسارًا

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که <مال> مظهر زر و قدرت اقتصادی و <ولد> نماد زور و قدرت سیاسی است که از کثرت نفرات نشأت می گیرد.

۸ - صاحبان زر و زور ، عامل اصلی گمراهی و کفر قوم نوح بودند .

و اتّبعوا من لم یزده ماله و ولده إلّا خسارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۷ - ۹

۹ - تأثیرپذیری قوم نوح ، از سران کفر و شرک و صاحبان

زر و زور جامعه

و اتّبعوا من لم يزده ماله و ولده إلاّ خسارًا . .. يضلّوا عبادك و لايلدوا إلاّ فا

هشدار به قدرتمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۰ - ۸

۸ - تنهایی و بی پناهی در قیامت ، هشداری به مال اندوزان و قدرت مداران

و لايغنى عنهم ما كسبوا شيًا و لا ما اتّخذوا من دون اللّه أولياء

هلاکت قدرتمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۸ - ۶

۶ - تاریخ بشر ، شاهد عذاب و هلاکت جوامعی قدرتمندتر و زراندوزتر از قارون بوده است .

أوَلم يعلم أنّ اللّه قد أهلك من قبله من القرون من هو أشدّ منه قوّه و أكثر جمعًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۳ - ۶

۶- هلاکت برخی از جوامع نیرومند در گذشته تاریخ ، به خاطر کفرورزی

و كأيّن من قريه . .. أهلكنهم

هماهنگی ثروتمندان با قدرتمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۴ - ۹

۹ - امکان اتحاد و موضع گیری واحد صاحبان زر و زور ، در برابر تعالیم پیامبران الهی (چون پیامبر اسلام)

كانوا هم أشدّ منهم قوّه و ءاثارًا . .. إلى فرعون و همن و قرون فقالوا سحر كذّ

هماهنگی قدرتمندان با ثروتمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۵ - ۱۳

۱۳ - امکان اتحاد و موضع گیری واحد صاحبان زر و زور در برابر تعالیم پیامبران الهی (

چون پیامبر اسلام)

قالوا اقتلوا أبناء الذین ءامنوا معه و استحیوا نساءهم

قذف از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

قذف

آثار قذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴ - ۷

۷ - اتهام بی دلیل زنا (قذف) به زنان پاکدامن ، موجب از میان رفتن همیشگی حق شهادت نسبت دهندگان ، در تمامی صحنه های گواهی

والذین یرمون المحصنت . .. و لاتقبلوا لهم شهده ابدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۳ - ۱،۲

۱ - قذف کنندگان و اتهام زنندگان به زنان پاکدامن ، نجیب و مؤمن ، مورد نفرین در دنیا و آخرت

إنّ الذین یرمون المحصنت الغفلت المؤمنت لعنوا فی الدنیا و الأخره

<محصنات> به معنای زنان عفیف و پاکدامن است (لسان العرب). مقصود از <غافلات> (زنان غافل) ممکن است زنانی باشند که آن قدر از آلودگی جنسی به دوراند که گویا به کلی از چنین مسائلی بی خبراند و ممکن است زنانی باشند که از آنچه به آنان نسبت ناروا داده اند (فحشا)، کاملاً بی خبراند و در هر دو صورت به چنین زنانی زنان نجیب گفته می شود.

۲ - قذف زنان پاکدامن ، نجیب و مؤمن (نسبت دادن زنا به آنان) ، در پی دارنده خشم الهی و محرومیت از رحمت او

إنّ الذین یرمون المحصنت الغفلت المؤمنت لعنوا فی الدنیا و الأخره

<لعن> (مصدر <لعنوا>)، به معنای طرد کردن و دور ساختن فرد از خیر و نیکی است (لسان العرب). و هم چنین طرد برخاسته از خشم و غضب می باشد (مفردات راغب).

آثار قذف عفیفان

– آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۷ – ۶

۶ – نسبت دادن دروغین زنا به زنان پاکدامن ، در پی دارنده لعنت خدا (محروم شدن از رحمت خدا و گرفتار شدن به خشم و غضب او)

والخمسه أنّ لعنت اللّه علیه إن کان من الکذبین

آمرزش قذف

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۵ – ۱

۱ – گناه قذف (نسبت دادن زنا بدون دلیل به زنان پاکدامن) علی رغم بزرگی اش ، بخشودنی و قابل آمرزش از سوی خداوند است .

والذین یرمون المحصنت . ..أُولئک هم الفسقون. إلاّ الذین تابوا من بعد ذلک و أصل

احکام قذف

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۴ – ۱،۲،۳،۴،۶،۷،۱۳

۱ – کیفر نسبت دهندگان زنا (قذف) به زنان پاکدامن ، بدون ارائه چهارگواه ناظر ، هشتاد ضربه شلاق با تازیانه چرمی است .

والذین یرمون المحصنت ثمّ لم یأتوا بأربعه شهداء فاجلدوهم ثمنین جلده

<جلد> (مصدر <اجلدوا>) گاهی به معنای <زدن با تازیانه چرمی> و گاهی به معنای <بر پوست بدن کسی با تازیانه زدن> می آید. برداشت فوق، بر مبنای کار برد اول است. گفتنی است که <رمی> (مصدر <یرمون>) به معنای تیر انداختن است و در این جا استعاره از نسبت دادن امری ناخوشایند به مردم است که در اصطلاح فقه از آن تعبیر به <قذف> می شود.

۲ – هشتاد ضربه تازیانه بر پوست بدن ، کیفر نسبت دهندگان زنا (قذف) به زنان پاکدامن ، بدون ارائه چهار گواه ناظر

والذين يرمون المحصنت ثمّ

لم یأتوا بأربعه شهداء فاجلدوهم ثمنین جلده

۳ – وجوب برهنه بودن بدن نسبت دهندگان زنا به زنان ، به هنگام اجرای کیفر (قذف) بر آنان

والذین یرمون المحصنت ثمّ لم یأتوا بأربعه شهداء فاجلدوهم ثمنین جلده

۴ – پذیرش نسبت زنا به زنان پاکدامن در گرو ارائه چهار شاهد مرد از سوی شخص نسبت دهنده است .

و الذین یرمون المحصنت ثمّ لم یأتوا بأربعه شهداء فاجلدوهم

<شهداء> جمع <شاهد> است و <شاهد> مفرد مذکر می باشد. بنابراین <أربعه شهداء> به معنای چهار مرد ناظر می باشد. گفتنی است ذکر <أربعه> با تای تأنیث نیز شاهد بر مطلب فوق است; زیرا اعداد از سه تا ده در زبان عرب، در مذکر با تای تأنیث و در مؤنث بدون <تاء> به کار می رود.

۶ – کیفر < قذف > (هشتاد تازیانه) ، غیر قابل عفو و لازم الاجرا است .

والذین یرمون المحصنت . .. فاجلدوهم ثمنین جلده

۷ – اتهام بی دلیل زنا (قذف) به زنان پاکدامن ، موجب از میان رفتن همیشگی حق شهادت نسبت دهندگان ، در تمامی صحنه های گواهی

والذین یرمون المحصنت . .. و لاتقبلوا لهم شهده ابدًا

۱۳ – نسبت بی دلیل زنا به زنان پاکدامن ، حرام و از گناهان بزرگ است .

والذین یرمون المحصنت . .. و لاتقبلوا لهم شهده أبدًا و أُولئک هم الفسقون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۵ – ۸،۹

۸ – < عن سماعه عنه فی قول اللّه عزّوجلّ < و لاتقبلوا لهم شهاده أبداً . . . إلاّ الذین تابوا > . . . قال یکذب

نفسه علی رؤوس الناس حتّی یضرب و یستغفر ربّه و إذا فعل ذالک فقد ظهرت توبته ;

سماعه روایت می کند که امام(ع) در باره قول خدای عزّوجل <و لاتقبلوا لهم شهاده أبداً . .. إلاّ الذین تابوا> فرمود: قذف کننده باید خود را در اجتماع مردم تکذیب کند تا حد بر او جاری گردد و از خدا طلب آمرزش کند و اگر این کار را کرد، توبه او آشکار شده است.

۹ - < فی مجمع البیان [أحد القولین فی هذه الآیه] ان الإستثناء یرجع إلی الأمرین فإذا تاب قبلت شهادته حدّ أو لم یحد و قول أبی جعفر (ع) و أبی عبداللّه (ع) ;

در مجمع البیان آمد است که [یکی از دو قول در آیه یاد شده] این است که استثنا به هر دو امر بازمی گردد. پس هرگاه قذف کننده توبه کند، شهادت او قبول می شود; چه حد بر او جاری شده باشد و چه نشده باشد ... و ان قول امام باقر و امام صادق علیهماالسلام است>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶ - ۱،۲،۳،۴،۶

۱ - مردی که همسرش را قذف کند (نسبت زنا بدهد) ، برای اثبات ادعای خود ، نخست باید چهار شاهد مرد ارائه کند .

والذین یرمون أزوجهم و لم یکن لهم شهداء

<شهداء> جمع <شاهد> است و شاهد مفرد مذکر است. بنابراین <شهداء> به معنای <چند مرد ناظر> می باشد. گفتنی است که عدد چهار، با توجه به آیه قبل که مربوط به قدف است و

نیز به قرینه ذیل آیه که در صورت عجز از ارائه شهود باید چهار سوگند یاد شود استفاده می گردد.

۲ - شوهر اگر برای اثبات قذف علیه همسرش ، از ارائه شاهدان ناتوان باشد ، باید چهار بار سوگند یاد کند .

والذین یرمون أزوجهم و لم یکن لهم شهداء إلاّ أنفسهم فشهده أحدهم أربع شهدت باللّ

۳ - با عجز شوهر از آوردن شاهدان برای اثبات قذف علیه همسرش ، در صورتی نوبت به سوگند و لعان می رسد که شوهر ، مدعی مشاهده زنا باشد .

والذین یرمون أزوجهم و لم یکن لهم شهداء إلاّ أنفسهم

استثنا در جمله <و لم یکن لهم شهداء إلاّ أنفسهم> استثنای متصل است و معنای آیه چنین می باشد: <مردانی که همسران شان را قذف کنند، اگر فقط خودشان ناظر و شاهد زنا بودند و به جز خودشان کسی نبود، باید سوگند یاد کنند>. مفهوم آن این می شود که: اگر خودشان هم شاهد نبودند، نوبت به لعان نمی رسد.

۴ - شوهری که همسرش را قذف کند و از ارائه شاهدان ناتوان باشد و یا مدعی مشاهده زنا نباشد ، نوبت به سوگند او نمی رسد ; بلکه باید حد قذف بر وی جاری شود .

والذین یرمون أزوجهم و لم یکن لهم شهداء إلاّ أنفسهم فشهده أحدهم أربع شهدت باللّ

۶ - شوهر اگر در ادعای زنای همسرش ، مدعی مشاهده نباشد ; ولی چهار شاهد مرد ارائه کند ، زنای همسرش ثابت می شود .

والذین یرمون أزوجهم و لم یکن لهم شهداء إلاّ أنفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۷

۸ - مردی که مدعی مشاهده زنای همسرش است ; ولی برای صدق ادعایش چهار بار سوگند نخورد و درخواست لعنت خدا به عنوان پنجمین سوگند نکند ، محکوم به حد قذف (هشتاد تازیانه) و دیگر مجازات آن مدعا می شود .

والخمسه أنّ لعنت اللّه علیه إن کان من الکذبین

آیه چهارم (والذین یرمون المحصنات. .. فاجلدوهم ...)، قرینه است بر این که اگر مردان مدعی زنای همسران شان، شاهد نیاورند و پنج بار سوگند یاد نکنند، محکوم به حد قذف خواهند شد.

تشریع حد قذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۰ - ۱

۱ تحریم أکید بی عفتی و زنا ، ممانعت سخت از قذف های بی دلیل نسبت به زنان پاکدامن ، وضع کیفر های سنگین برای متخلفان (صد ضربه شلاق در زنا و هشتاد ضربه برای قذف) وتشریع < لعان > ، جلوه هایی از فضل و رحمت خدا نسبت به جامعه ایمانی است .

الزانیه و الزانی فاجلدوا. .. والذین یرمون المحصنت ...فاجلدوهم ... و لولا فضل ال

یادآوری فضل و رحمت خدا در آیه شریفه که در مقام امتنان است پس از ذکر احکام مربوط به زناکاری و لعان، می تواند برای بیان جلوه های فضل و رحمت الهی باشد.

حتمیت حد قذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴ - ۶

۶ - کیفر < قذف > (هشتاد تازیانه) ، غیر قابل عفو و لازم الاجرا است .

والذین یرمون المحصنت . .. فاجلدوهم ثمنین جلده

حد قذف

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴ - ۱

۱ - کیفر نسبت دهندگان زنا (قذف) به زنان پاکدامن ، بدون ارائه چهارگواه ناظر ، هشتاد ضربه شلاق با تازیانه چرمی است .

والذین یرمون المحصنت ثمّ لم یأتوا بأربعه شهداء فاجلدوهم ثمنین جلده

<جلد> (مصدر <اجلدوا>) گاهی به معنای <زدن با تازیانه چرمی> و گاهی به معنای <بر پوست بدن کسی با تازیانه زدن> می آید. برداشت فوق، بر مبنای کار برد اول است. گفتنی است که <رمی> (مصدر <یرمون>) به معنای تیر انداختن است و در این جا استعاره از نسبت دادن امری ناخوشایند به مردم است که در اصطلاح فقه از آن تعبیر به <قذف> می شود.

حرمت قذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۶ - ۹

۹ نسبت دادن فحشا و بی عفتی به پاکدامنان (قذف) ، حرام و موجب دوری از رحمت خداوند

و بکفرهم و قولهم علی مریم بهتناً عظیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴ - ۱۳

۱۳ - نسبت بی دلیل زنا به زنان پاکدامن ، حرام و از گناهان بزرگ است .

والذین یرمون المحصنت . .. و لاتقبلوا لهم شهده أبدًا و أُولئک هم الفسقون

سوگند در قذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶ - ۲

۲ – شوهر اگر برای اثبات قذف علیه همسرش ، از ارائه شاهدان ناتوان باشد ، باید چهار بار سوگند یاد کند .

والذین یرمون أزوجهم و لم یکن

لهم شهداء إلّا أنفسهم فشهده أحدهم أربع شهدت باللّ

عوامل سقوط حد قذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۷ - ۵

۵ - با اعلام پـذیرش لعنت خدا در پنجمین سوگند از سوی شوهر مدعی زنای همسـرش ، حد قذف و دیگر کیفر های آن ، از وی ساقط می شود .

والخمسه أنّ لعنت اللّه علیه إن کان من الکذبین

قذف عفیفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۳ - ۱،۲،۵،۶،۹

۱ - قذف کنندگان و اتهام زنندگان به زنان پاکدامن ، نجیب و مؤمن ، مورد نفرین در دنیا و آخرت

إنّ الذین یرمون المحصنت الغفلت المؤمنت لعنوا فی الدنیا و الأخره

<محصـنات> به معنـای زنـان عفیف و پاکـدامن است (لسان العرب). مقصود از <غافلات> (زنان غافل) ممکن است زنانی باشـند که آن قـدر از آلودگی جنسـی به دوراند که گویا به کلی از چنین مسائلی بی خبراند و ممکن است زنانی باشـند که از آنچه به آنان نسبت ناروا داده اند (فحشا)، کاملاً بی خبراند و در هر دو صورت به چنین زنانی زنان نجیب گفته می شود.

۲ - قذف زنان پاکدامن ، نجیب و مؤمن (نسبت دادن زنا به آنان) ، در پی دارنده خشم الهی و محرومیت از رحمت او

إنّ الذین یرمون المحصنت الغفلت المؤمنت لعنوا فی الدنیا و الأخره

<لعـن> (مصـدر <لعنـوا>)، بـه معنـای طرد کردن و دور سـاختن فرد از خیر و نیکی اسـت (لسـان العرب). و هـم چنین طرد برخاسته از خشم و غضب می باشد (مفردات راغب).

۵ - عذاب بزرگ خداوند ، پیامد

و کیفر قذف کردن زنان عفیف و مؤمن است .

إنّ الذین یرمون المحصنت . .. لهم عذاب عظیم

۶ – قذف و اتهام به زنان پاکدامن ، نجیب و مؤمن ، از گناهان کبیره است .

إنّ الذین یرمون المحصنت . .. لعنوا فی الدنیا و الأخره و لهم عذاب عظیم

برداشت یاد شده، از آن جا است که در آیه شریفه، قذف کنندگان و تهمت به زنان مورد طرد و لعن در دو عرصه دنیا و آخرت قرار گرفته اند و به عذاب بزرگ الهی تهدید شده اند.

۹ – < عن أبی عبدالله (ع) قال : قذف المحصنات من الکبائر لأنّ اللّه عزّوجلّ یقول : لعنوا فی الدنیا و الآخره و لهم عذاب عظیم ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود قذف زنان پاکدامن (یعنی، نسبت زنا دادن به آنان) گناه کبیره است; زیرا خدای عزّوجل [در باره قذف کنندگان]می فرماید: لعنوا فی الدنیا و الآخره ولهم عذاب عظیم>.

قذف مؤمنان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۲۳ – ۱،۲،۵،۶

۱ – قذف کنندگان و اتهام زنندگان به زنان پاکدامن ، نجیب و مؤمن ، مورد نفرین در دنیا و آخرت

إنّ الذین یرمون المحصنت الغفلت المؤمنت لعنوا فی الدنیا و الأخره

<محصنات> به معنای زنان عفیف و پاکدامن است (لسان العرب). مقصود از <غافلات> (زنان غافل) ممکن است زنانی باشند که آن قدر از آلودگی جنسی به دوراند که گویا به کلی از چنین مسائلی بی خبراند و ممکن است زنانی باشند که از آنچه به آنان نسبت ناروا داده اند (فحشا)، کاملاً بی خبراند

و در هر دو صورت به چنین زنانی زنان نجیب گفته می شود.

۲ - قذف زنان پاکدامن ، نجیب و مؤمن (نسبت دادن زنا به آنان) ، در پی دارنده خشم الهی و محرومیت از رحمت او

إنّ الذین یرمون المحصنت الغفلت المؤمنت لعنوا فی الدنیا و الأخره

<لعن> (مصدر <لعنوا>)، به معنای طرد کردن و دور ساختن فرد از خیر و نیکی است (لسان العرب). و هم چنین طرد برخاسته از خشم و غضب می باشد (مفردات راغب).

۵ - عذاب بزرگ خداوند ، پیامد و کیفر قذف کردن زنان عفیف و مؤمن است .

إنّ الذین یرمون المحصنت . .. لهم عذاب عظیم

۶ - قذف و اتهام به زنان پاکدامن ، نجیب و مؤمن ، از گناهان کبیره است .

إنّ الذین یرمون المحصنت . .. لعنوا فی الدنیا و الأخره و لهم عذاب عظیم

برداشت یاد شده، از آن جا است که در آیه شریفه، قذف کنندگان و تهمت به زنان مورد طرد و لعن در دو عرصه دنیا و آخرت قرار گرفته اند و به عذاب بزرگ الهی تهدید شده اند.

قذف همسر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶ - ۱،۲،۳،۴

۱ - مردی که همسرش را قذف کند (نسبت زنا بدهد) ، برای اثبات ادعای خود ، نخست باید چهار شاهد مرد ارائه کند .

والذین یرمون أزوجهم و لم یکن لهم شهداء

<شهداء> جمع <شاهد> است و شاهد مفرد مذکر است. بنابراین <شهداء> به معنای <چند مرد ناظر> می باشد. گفتنی است که عدد چهار، با توجه به آیه قبل که مربوط به قدف

است و نیز به قرینه ذیل آیه که در صورت عجز از ارائه شهود باید چهار سوگند یاد شود استفاده می گردد.

۲ - شوهر اگر برای اثبات قذف علیه همسرش ، از ارائه شاهدان ناتوان باشد ، باید چهار بار سوگند یاد کند .

والذین یرمون أزوجهم و لم یکن لهم شهداء إلاّ أنفسهم فشهده أحدهم أربع شهدت باللّ

۳ - با عجز شوهر از آوردن شاهدان برای اثبات قذف علیه همسرش ، در صورتی نوبت به سوگند و لعان می رسد که شوهر ، مدعی مشاهده زنا باشد .

والذین یرمون أزوجهم و لم یکن لهم شهداء إلاّ أنفسهم

استثنا در جمله <و لم یکن لهم شهداء إلاّ أنفسهم> استثنای متصل است و معنای آیه چنین می باشد: <مردانی که همسران شان را قذف کنند، اگر فقط خودشان ناظر و شاهد زنا بودند و به جز خودشان کسی نبود، باید سوگند یاد کنند>. مفهوم آن این می شود که: اگر خودشان هم شاهد نبودند، نوبت به لعان نمی رسد.

۴ - شوهری که همسرش را قذف کند و از ارائه شاهدان ناتوان باشد و یا مدعی مشاهده زنا نباشد ، نوبت به سوگند او نمی رسد ; بلکه باید حد قذف بر وی جاری شود .

والذین یرمون أزوجهم و لم یکن لهم شهداء إلاّ أنفسهم فشهده أحدهم أربع شهدت باللّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۷ - ۳

۳ - مردانی که با سوگند دروغین ، همسرانشان را متهم به زنا کنند ، مستحق لعنت خدایند .

والخمسه أنّ لعنت اللّه علیه إن کان من الکذبین

قذف همسر محمد(ص)

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۲ - ۱۰

۱۰ - قذف یکی از همسران پیامبر (ص) ، < افک > و بهتانی آشکار بود .

إنّ الذین جاءو بالإفک . .. لولا إذ سمعتموه ... و قالوا هذا إفک مبین

کیفر قذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۳ - ۵

۵ - عذاب بزرگ خداوند ، پیامد و کیفر قذف کردن زنان عفیف و مؤمن است .

إنّ الذین یرمون المحصنت . .. لهم عذاب عظیم

کیفر قذف عفیفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۵ - ۱

۱ - کسانی که به زنان پاکدامن و مؤمن تهمت زنا می زنند ، در قیامت بی هیچ تخفیف و ترحمی و به صورت کامل ، کیفر کارشان را دریافت خواهند کرد .

الذین یرمون المحصنت . .. یومئذ یوفّیهم اللّه دینهم

ضمیر <هم> در <یوفّیهم> و <دینهم> به <قذف کنندگان> (الذین یرمون المحصنات) بازمی گردد و <توفیه> (مصدر <یوفّی>) به معنای پرداخت به صورت تام و کامل است و مقصود از <دین> به قرینه این که آیه شریفه در باره قیامت است جزا می باشد.

کیفر قذف مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۵ - ۱

۱ - کسانی که به زنان پاکدامن و مؤمن تهمت زنا می زنند ، در قیامت بی هیچ تخفیف و ترحمی و به صورت کامل ، کیفر کارشان را دریافت خواهند کرد .

الذین یرمون المحصنت . .. یومئذ یوفّیهم

اللّه دينهم

ضمير <هـم> در <يـوفّيهم> و <دينهـم> به <قـذف كننـدگان> (الـذين يرمـون المحصـنات) بـازمى گردد و <تـوفيه> (مصـدر <يوفّى>) به معنـاى پرداخت به صورت تـام و كامـل است و مقصود از <دين> به قرينه اين كه آيه شـريفه در بـاره قيامت است جزا مى باشد.

كيفيت حد قذف

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴ - ۲،۳

۲ - هشتاد ضربه تازيانه بر پوست بدن ، كيفر نسبت دهندگان زنا (قذف) به زنان پاكدامن ، بدون ارائه چهار گواه ناظر

والذين يرمون المحصنت ثمّ لم يأتوا بأربعه شهداء فاجلدوهم ثمنين جلده

۳ - وجوب برهنه بودن بدن نسبت دهندگان زنا به زنان ، به هنگام اجراى كيفر (قذف) بر آنان

والذين يرمون المحصنت ثمّ لم يأتوا بأربعه شهداء فاجلدوهم ثمنين جلده

گناه قذف

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴ - ۱۳

۱۳ - نسبت بى دليل زنا به زنان پاكدامن ، حرام و از گناهان بزرگ است .

والذين يرمون المحصنت . .. و لاتقبلوا لهم شهده أبدًا و أُولئك هم الفسقون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۳ - ۶،۹

۶ - قذف و اتهام به زنان پاكدامن ، نجيب و مؤمن ، از گناهان كبيره است .

إنّ الذين يرمون المحصنت . .. لعنوا فى الدنيا و الأخره و لهم عذاب عظيم

برداشت يـاد شـده، از آن جـا است كه در آيه شـريفه، قـذف كننـدگان و تهمت به زنـان مورد طرد و لعن در دو عرصه دنيـا و

آخرت قرار گرفته

اند و به عذاب بزرگ الهی تهدید شده اند.

۹ - < عن أبی عبدالله (ع) قال : قذف المحصنات من الکبائر لأنّ الله عزّوجلّ یقول : لعنوا فی الدنیا و الآخره و لهم عذاب عظیم ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود قذف زنان پاکدامن (یعنی، نسبت زنا دادن به آنان) گناه کبیره است; زیرا خدای عزّوجل [در باره قذف کنندگان]می فرماید: لعنوا فی الدنیا و الآخره ولهم عذاب عظیم>.

گواهی در قذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶ - ۱،۲،۳،۴،۶

۱ - مردی که همسرش را قذف کند (نسبت زنا بدهد) ، برای اثبات ادعای خود ، نخست باید چهار شاهد مرد ارائه کند .

والذین یرمون أزوجهم و لم یکن لهم شهداء

<شهداء> جمع <شاهد> است و شاهد مفرد مذکر است. بنابراین <شهداء> به معنای <چند مرد ناظر> می باشد. گفتنی است که عدد چهار، با توجه به آیه قبل که مربوط به قدف است و نیز به قرینه ذیل آیه که در صورت عجز از ارائه شهود باید چهار سوگند یاد شود استفاده می گردد.

۲ - شوهر اگر برای اثبات قذف علیه همسرش ، از ارائه شاهدان ناتوان باشد ، باید چهار بار سوگند یاد کند .

والذین یرمون أزوجهم و لم یکن لهم شهداء إلاّ أنفسهم فشهده أحدهم أربع شهدت باللّ

۳ - با عجز شوهر از آوردن شاهدان برای اثبات قذف علیه همسرش ، در صورتی نوبت به سوگند و لعان می رسد که شوهر ، مدعی مشاهده زنا باشد .

والذین یرمون أزوجهم و

لم یکن لهم شهداء إلّا أنفسهم

استثنا در جمله <و لم یکن لهم شهداء إلّا أنفسهم> استثنای متصل است و معنای آیه چنین می باشد: <مردانی که همسران شان را قذف کنند، اگر فقط خودشان ناظر و شاهد زنا بودند و به جز خودشان کسی نبود، باید سوگند یاد کنند>. مفهوم آن این می شود که: اگر خودشان هم شاهد نبودند، نوبت به لعان نمی رسد.

۴ – شوهری که همسرش را قذف کند و از ارائه شاهدان ناتوان باشد و یا مدعی مشاهده زنا نباشد ، نوبت به سوگند او نمی رسد ; بلکه باید حد قذف بر وی جاری شود .

والذین یرمون أزوجهم و لم یکن لهم شهداء إلّا أنفسهم فشهده أحدهم أربع شهدت باللّ

۶ – شوهر اگر در ادعای زنای همسرش ، مدعی مشاهده نباشد ; ولی چهار شاهد مرد ارائه کند ، زنای همسرش ثابت می شود .

والذین یرمون أزوجهم و لم یکن لهم شهداء إلّا أنفسهم

موجبات حد قذف

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۶ – ۴

۴ – شوهری که همسرش را قذف کند و از ارائه شاهدان ناتوان باشد و یا مدعی مشاهده زنا نباشد ، نوبت به سوگند او نمی رسد ; بلکه باید حد قذف بر وی جاری شود .

والذین یرمون أزوجهم و لم یکن لهم شهداء إلّا أنفسهم فشهده أحدهم أربع شهدت باللّ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۷ – ۸

۸ – مردی که مدعی مشاهده زنای همسرش است ; ولی برای صدق ادعایش چهار بار سوگند نخورد و درخواست

لعنت خدا به عنوان پنجمین سوگند نکند ، محکوم به حد قذف (هشتاد تازیانه) و دیگر مجازات آن مدعا می شود .

والخمسه أنّ لعنت اللّه علیه إن کان من الکذبین

آیه چهارم (والذین یرمون المحصنات. .. فاجلدوهم ...)، قرینه است بر این که اگر مردان مدعی زنای همسران شان، شاهد نیاورند و پنج بار سوگند یاد نکنند، محکوم به حد قذف خواهند شد.

نقش گواهان در قذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴ - ۱

۱ - کیفر نسبت دهندگان زنا (قذف) به زنان پاکدامن ، بدون ارائه چهارگواه ناظر ، هشتاد ضربه شلاق با تازیانه چرمی است .

والذین یرمون المحصنت ثمّ لم یأتوا بأربعه شهداء فاجلدوهم ثمنین جلده

<جلد> (مصدر <اجلدوا>) گاهی به معنای <زدن با تازیانه چرمی> و گاهی به معنای <بر پوست بدن کسی با تازیانه زدن> می آید. برداشت فوق، بر مبنای کار برد اول است. گفتنی است که <رمی> (مصدر <یرمون>) به معنای تیر انداختن است و در این جا استعاره از نسبت دادن امری ناخوشایند به مردم است که در اصطلاح فقه از آن تعبیر به <قذف> می شود.

مقذوف

اعاده آبروی مقذوف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵ - ۲،۳

۲ - قذف کنندگان (کسانی که به زنان پاکدامن بدون دلیل نسبت زنا دهند) ، در صورت توبه و اصلاح رفتار خویش و جبران زیان وارده بر شخص متهم ، مشمول بخشش و آمرزش خدا خواهند شد .

والذین یرمون المحصنت . .. أُولئک هم الفسقون . إلاّ الذین تابوا

من بعد ذلک و ا

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که اصلاح، پس از توبه و پشیمانی در هر موردی، متناسب با همان مورد است. بنابراین اصلاح گناه تهمت زدن، به این خواهد بود که ضرر و زیان مادی، معنوی، فردی و اجتماعی وارده بر متهم جبران شود.

۳ - توبه نسبت دهندگان بی دلیل زنا به زنان پاکدامن در صورت اصلاح رفتار خویش و جبران ضرر و زیان وارده بر متهمان موجب رفع مجازات فسق و عدم پذیرش شهادت از آنان می شود .

والذین یرمون المحصنت . .. أُولئک هم الفسقون . إلاّ الذین تابوا من بعد ذلک و أ

برداشت فوق، مبتنی براین نکته است که پذیرش توبه، شامل تمامی مجازات های مطرح شده در آیه قبل برای تهمت زنندگان شود; ولی حدّ قذف (صد تازیانه) را به خاطر وجود دلیل خاص قطعی شامل نخواهد شد.

شرایط تبرئه مقذوف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۳ - ۳

۳ - در صورتی که قذف کنندگان از اقامه بینه ناتوان باشند ، تکذیب آنان و مبرا دانستن دامن متهم ، واجب است .

لولا جاءو علیه بأربعه شهداء فإذ لم یأتوا بالشهداء فأُولئک عند اللّه هم الکذبون

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که جمله <فأُولئک عند اللّه هم الکاذبون> انشا در قالب اخبار باشد; یعنی، این افراد محکوم به کذب و دروغ گویی اند.

قرآن از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{قرآن}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴ - ۱۱،۱۷

۱۱ کتب آسمانی (قرآن ، تورات و انجیل

) ، از آيات الهى

انزل التوريه و الانجيل . .. و انزل الفرقان اِنّ الّذين كفروا بايات اللّه

۱۷ فرقان ، آيات محكم (غير متشابه) و كتاب ، جملگى قرآن است .

و انزل الفرقان

امام صادق (ع): الفرقان هو كل امر محكم و الكتاب هو جمله القرآن . ..

تفسير قمى، ج ۱، ص ۹۶ ; تفسير برهان، ج ۱، ص ۲۶۹، ح ۲.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷ - ۵،۶

۵ قرآن ، مشتمل بر آيات محكم و متشابه

منه ايات محكمات . .. و اخر متشابهات

۶ آيات محكم ، اصل و اساس قرآن است .

منه ايات محكمات هنّ ام الكتاب

به اصل و اساس هر چيز <ام>، گفته مى شود. (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸ - ۵

۵ ايمان به تمامى قرآن (محكمات و متشابهات) ، هدايتى از جانب خداوند است .

و الرّاسخون فى العلم يقولون امنّا به كل من عند ربّنا . .. ربّنا لا تزغ قلوبنا بع

جمله <هديتنا> پس از <امنّا به كل مِن عند ربّنا>، مى تواند تفسيرى براى ايمانشان به تمامى قرآن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۲ - ۳

۳ پیامبر (ص) ، دارای دستورات و اوامری غیر از آنچه در وحی و قرآن آمده است .

قل اطیعوا اللّه و الرسول

اگر پیامبر (ص) دستور و امری غیر از آنچه در قرآن آمده، نداشت; الزام به اطاعت از رسول بی معنا

بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۱ - ۳

۳ علم و آگاهی علمای یهود و نصارا به حقّانیّت قرآن و رسالت پیامبر (ص)

یا اهل الکتاب . .. و انتم تعلمون

با توجه به اینکه محور اختلاف اهل کتاب با مسلمانان در حقانیت قرآن و پیامبر (ص) بوده، معلوم می شود منظور از کلمه <الحق>، قرآن و رسالت پیامبر (ص) بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۲ - ۱،۲

۱ تظاهر به پذیرش اسلام و قرآن و سپس کفر به آن دو ، از راه های آمیختن حق به باطل توسط اهل کتاب

یا اهل الکتاب لم تلبسون الحقّ بالباطل . .. و طائفه من اهل الکتاب

به نظر می رسد جمله <و قالت طائفه . .. >، پس از <لم تلبسون>، ذکر مصداقی برای تلبیس حق به باطل باشد.

۲ توصیه گروهی از اهل کتاب به دیگران مبنی بر ایمان به قرآن در اوّل روز و کفر به آن در آخر روز ، به منظور بازگشت مؤمنان از اسلام

و قالت طائفه من اهل الکتاب . .. لعلهم یرجعون

بنابراینکه <وجه النهار>، متعلّق به <امنوا> و <اخره>، متعلق به <اکفروا> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۹ - ۸

۸ برخورد منافقانه برخی از اهل کتاب با مسلمانان ، در اظهار ایمان به تمامی کتب آسمانی (قرآن و . . .)

و اذا لقوکم قالوا امنا و اذا خلوا عضّوا علیکم الأنامل

به قرینه <و تؤمنون

بالكتاب كلّه>، متعلّق <امنا>، تمامی کتب آسمانی خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۹ - ۲۸،۲۱،۲۰،۱۷،۱۶،۱۲،۱۰،۴،۱

۱ ایمان واقعی گروهی از عالمان اهل کتاب به خداوند ، قرآن و کتب آسمانی خویش

وَ اِنّ من اهل الكتب لمن يؤمن باللّه و ما انزل اليكم . .. خاشعين للّه

سوداگری بـا آیات الهی از اموری است که اغلب با عالمان و دانشـمندان دینی سـنخیّت دارد ; جمله <لتبيّننّه للناس>، در آیه ۱۸۷ این معنا را تأیید می کند.

۴ تکبّر و گردن فرازی گروهی از اهل کتاب در برابر خداوند ، موجب کفر و انکار قرآن از سوی آنان

انّ من اهل الكتب لمن يؤمن . .. خاشعين للّه

۱۰ سوداگری نکردن با آیات الهی ، ویژگی اهل کتابِ مؤمنِ به خدا و قرآن و دیگر کتب آسمانی

لا يشترون بايات اللّه ثمناً قليلاً

۱۲ پرهیز برخی اهل کتاب از دین فروشی و سوداگری با آیات الهی (تورات و انجیل) ، مایه ایمان آنان به قرآن

انّ من اهل الكتب لمن يؤمن . .. خاشعين للّه لا يشترون بايات اللّه ثمناً قليلا

جمله <لاـ يشترون . .. >، حـال برای فاعل <يؤمن> است (یعنی مؤمنان اهل کتاب) و توصـیف آنان به جمله ذکر شـده، می تواند اشاره به علّت و زمینه ایمان آنان به قرآن باشد.

۱۶ تمجید خداوند از عالمان مؤمن اهل کتاب ، به خاطر ایمان به قرآن و سوداگری نکردن بر سر آیاتِ الهی

انّ من اهل الكتب لمن يؤمن . .. لا يشترون بايات اللّه ثمناً قليلا اولئك لهم اجرهم

۱۷ ایمان اهل کتاب به قرآن

، نشانه ارزشگذاری صحیح آنان نسبت به آیات الهی (تورات و انجیل)

انّ من اهل الکتب لمن یؤمن باللّه و . .. لا یشترون بایات اللّه ثمناً قلیلا

۲۰ آن گروه از اهل کتاب که به خدا ، قرآن و کتب آسمانی خویش ایمان آورند ; از پاداشی ویژه و والا بهره مند خواهند شد .

اولئک لهم اجرهم عند ربّهم

کلمه <عند ربّهم>، توصیف <اجرهم> است و می رساند که آن پاداش، پاداشی ویژه و ارزشمند است.

۲۱ ایمان به خدا ، قرآن ، تورات ، انجیل ، فروتنی در برابر خدا و ارج نهادن به آیات الهی ، ملاک ارزش انسان نزد خداوند

لهم اجرهم عند ربّهم

اضافه تشریفیّه در <ربّهم> بیانگر آن است که دارندگان صفات یاد شده، در پیشگاه خداوند دارای ارزشی والا هستند.

۲۸ نجاشی (پادشاه حبشه) ، مؤمن به خدا ، قرآن و کتب آسمانی و خاضع در برابر خداوند

انّ من اهل الکتب لمن یؤمن باللّه

رسول خدا (ص) پس از مرگ نجاشی، به یاران خود فرمود: انّ اخاکم النّجاشی قد مات، قوموا فصلّوا علیه; فقال رجل یا رسول اللّه کیف نصلی علیه و قد مات فی کفره؟ قال (ص) الا تسمعون قول اللّه <و انّ من اهل الکتاب . .. >

الدّرالمنثور، ج ۲، ص ۴۱۶.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۸ - ۳

۳- قرآن ، از نام های کتاب آسمانی اسلام و شناخته شده در مراحل آغازین نزول وحی بر پیامبر (ص)

فإذا قرأت القرءان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۹

۹ - ذکر و قرآن ، از نام های کتاب آسمانی پیامبراسلام (ص)

إن هو إلاّ ذکر و قرءان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۸ - ۱

۱ - قرآن ، نام کتاب نازل شده بر پیامبر اسلام (ص)

قرءانًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۷ - ۱

۱ - < قرآن > ، نام کتاب آسمانی پیامبراسلام

إنّه لقرءان کریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۱۴

۱۴ - قرآن ، نام کتاب آسمانی نازل شده بر پیامبراسلام

فاقرءوا ما تیسّر من القرءان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۳ - ۴

۴ - قرآن ، نام کتاب آسمانی پیامبراسلام (ص)

إنّا نحن نزّلنا علیك القرءان تنزیلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ – انشقاق – ۸۴ – ۲۱ – ۱۰

۱۰ – قرآن ، نامی برگزیده از جانب خداوند پیش از تکمیل آیات آن در عصر رسول اکرم (ص)

و إذا قریء علیهم القرءان

آثار استماع قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۸۳ – ۲،۳،۷،۱۰

۲ جوشیدن اشک شوق از دیدگان گروهی از مسیحیان عصر پیامبر (ص) با شنیدن آیات قرآن

و إذا سمعوا ما أنزل إلی الرسول تری اعینهم تفیض من الدمع

کلمه <دمع> می تواند به معنای اشک، باشد در این صورت تفیض یعنی لبریز می شود. بنابراین جمله <تفیض من الدمع> به این معناست

که چشمانشان از اشک لبریز شد.

۳ گریه گروهی از کشیشان و راهبان عصر پیامبر بر اثر شنیدن قرآن

منهم قسیسین و رهباناً . .. ما أنزل إلی الرسول تری اعینهم تفیض من الدمع

بنابر اینکه ضمیر در <سمعوا> به <قسیسین> و <رهبان> برگردانده شود.

۷ ایمان مسیحیان به پیامبر (ص) و تأثر شدید آنان به هنگام شنیدن قرآن ، نشانه تواضع آنان در برابر حق

و انهم لایستکبرون. و إذا سمعوا ما أنزل إلی الرسول ... مما عرفوا من الحق

جمله <و اذا سمعوا . ..> که حکایت از اعتراف آنان به حقانیت قرآن و پیامبر(ص) دارد می تواند به عنوان دلیل و شاهدی بر جمله <انهم لایستکبرون> باشد.

۱۰ گروهی از مسیحیان ، کشیشان و راهبان عصر بعثت ، پذیرای اسلام در پی شنیدن قرآن .

و إذا سمعوا ما أنزل إلی الرسول . .. یقولون ربنا ءامنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۷ - ۵

۵- وجود عالمانی در میان مردم عصر نزول و اذعان آنان به حقانیت قرآن پس از شنیدن آن

إن الذین أُوتوا العلم من قبله إذا یتلی علیهم یخرّون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۹ - ۶،۱۴

۶- پی بردن جنیان به حقانیت قرآن و رسالت پیامبر (ص) ، با استماع کلام وحی

فلمّا حضروه قالوا أنصتوا فلمّا قضی ولّوا إلی قومهم منذرین

تعبیر <ولّوا إلی. ..> نشان می دهد خود جنیان، انذارها را پذیرفتند و به آن ایمان آوردند.

۱۴- ایمان گروهی از جنیان ، به مجرد شنیدن قرآن ، تعریضی به مشرکان لجوج و حق

ستیز است . *

و إذ صرفنا إلیک نفرًا من الجنّ

با توجه به این که آیات پیشین، تماماً هشدار به مشرکان بود; این آیه نیز در بردارنده تعریض و سرزنش برای آنان است; زیرا جنیان پیغام قرآن را شنیده و پذیرفتند; ولی آنان چنین نکردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۱ - ۱

۱ - شنیدن آیات قرآن ، باید مایه خضوع و فروتنی انسان گردد .

و إذا قریء علیهم القرءان لایسجدون

<سجود> به معنای خضوع است. (قاموس)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۲ - ۱

۱ - کافران ، به مجرد شنیدن آیات قرآن ، آن را تکذیب کرده و معارف آن را دروغ می پنداشتند .

بل الذین کفروا یکذّبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۵ - ۴

۴ - مؤمنانِ نیکوکار ، با شنیدن آیات قرآن ، در برابر آن سر تسلیم فرود آورده ، خضوع می کنند .

فما لهم . .. و إذا قریء علیهم القرءان لایسجدون ... إلاّ الذین ءامنوا و عملوا الص

آثار استماعی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۴ - ۲،۵

۲ گوش فرادادن به قرآن و سکوت کردن به هنگام شنیدن آن ، زمینه ساز دستیابی به رحمت خداوند است .

فاستمعوا له و أنصتوا لعلکم ترحمون

۵ گوش سپاری کافران به آوای قرآن ، زمینه ساز دستیابی آنان به هدایت و رحمت الهی خواهد شد .

و إذا قری القرءان فاستمعوا له و أنصتوا لعلکم ترحمون

چنانچه خطاب

در آیه شامل کافران باشد، مصداق مورد نظر از رحمت در <ترحمون> هدایت خواهد بود.

آثار استهزای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶ - ۶

۶ - واقعیت های مهمّ قرآنی مورد استهزای کافران ، دامنگیر آنان در آینده ای نزدیک

فسیأتیهم أنبؤا ما کانوا به یستهزءون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۶ - ۶

۶ - تمسخر تعالیم الهی (قرآن) ، کوتاهی در حق خدا و موجب حسرت و پشیمانی انسان در دنیا و آخرت است .

أن تقول نفس یحسرتی . .. و إن کنت لمن السخرین

آثار اطاعت از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۵ - ۶،۷

۶ منحرفان ، ناتوان از گمراه سازی مسلمانانی که به تعالیم قرآن پایبند بوده و از دستورات پیامبر (ص) پیروی کنند .

لایضرکم من ضل إذا اهتدیتم

برداشت فوق بر این اساس است که حرف <لا> در <لایضرکم> نافیه باشد.

۷ پایبندی به تعالیم قرآن و پیروی از دستورات پیامبر (ص) ، مایه هدایت آدمی است .

علیکم انفسکم . .. إذا اهتدیتم

مراد از هدایت یافتن در جمله <اذا اهتدیتم> به قرینه آیه قبل، پذیرش تعالیم قرآن و دستورات پیامبر(ص) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۵۷ – ۲۷

۲۷ رستگاری انسان ها در گرو پیروی از قرآن است .

فالذین . .. اتبعوا النور الذی أنزل معه أولئک هم المفلحون

آثار اعتصام به قرآن

جلد – نام سوره –

سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۶ - ۶

۶ تمسک به قرآن و پیامبر(ص)، موجب سعادت انسان می شود.

و هم ینهون عنه و ینئون عنه و إن یهلکون إلا أنفسهم و ما یشعرون

چون در آیه شریفه هلاکت آدمی را حاصل دوری از وحی و قرآن دانسته، در نتیجه سعادت آدمی در اتصال به وحی و قرآن خواهد بود.

آثار اعراض از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۱ - ۱۲

۱۲ - ترک دستورات قرآن و پیامبر (ص) ، موجب تباهی و خسران است .

و من یکفر به فأولئک هم الخسرون

چنانچه مراد از تلاوت در جمله <یتلونه> پیروی کردن باشد، می توان گفت: مراد از کفر در <و من یکفر>، به قرینه مقابله، ترک دستورات قرآن - که از آن به <کفر عملی> تعبیر می کنیم - باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۶ - ۴،۵

۴ کافران با پرهیز از گوش فرا دادن به قرآن و جلوگیری مردم از آن، ناخودآگاه خود را به هلاکت می افکنند.

و إن یهلکون إلا أنفسهم و ما یشعرون

۵ فاصله گرفتن از قرآن و پیامبر(ص) و بازداشتن مردم از گرایش به آنها، سقوط و هلاکت است.

و هم ینهون عنه و ینئون عنه و إن یهلکون إلا أنفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۳ - ۹

۹ منکران قرآن با بی اعتنایی به معارف آن ، تباه کننده سرمایه عر خویش هستند .

قد خسروا أنفسهم

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۵۵ – ۲

۲– خودداری مردم از ایمان به قرآن و استغفار به درگاه الهی ، به منزله نشستن آنان در انتظار عذاب الهی است .

و ما منع الناس أن یؤمنوا . .. إلاّ أن تأتیهم سنّه الأوّلین

<أن یؤمنوا>در اصل <من أن یؤمنوا> بوده است و <أن تأتیهم>فاعل برای <منع> است، ولی از آن جا که نظم معنابه کلمه ای بستگی دارد که بعد از <إلاّ>در تقدیر باشد،گفته می شود که <أن تأتیهم> در تقدیر، <انتظار أن تأتیهم> است؛ یعنی: <ما منع الناس من أن یؤمنوا. ..إلاّ انتظار أن تأتیهم> و مراد این است که حال این مردم، بسان حال کسی است که در انتظار عذاب نشسته باشد و گرنه مانعی دیگر برای ایمان آنان وجود ندارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۰۰ – ۳

۳ – اعراض کنندگان از قرآن و تذکار های آن ، در دنیا گرفتار انحراف و گناه می شوند .

ءاتینک من لدنّا ذکرًا . من أعرض عنه فإنّه یحمل ... وزرًا

جمله <فإنّه یحمل. ..> ممکن است حاکی از گرفتاری اعراض کنندگان از قرآن به گناهانی دیگر باشد؛ یعنی، آنان بر اثر این روی گردانی، در دنیا به دام گناه گرفتار می شوند و در قیامت زیربار آن بوده و آن را حمل خواهند کرد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۲۹ – ۹

۹ جدایی از راه پیامبران ، دوستی با افراد ناباب و بیگانه شدن با تعالیم قرآن ، موجب درافتادن

به ورطه خوارى و نهايت ذلت

يويلتى ليتنى لم أتّخذ فلانًا خليلًا . لقد أضلّنى عن الذكر ... و كان الشيطن للإ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۰ - ۱،۲

۱ شكوه پيامبر (ص) به پيشگاه خداوند از مردم عصر خويش (كافران شهر مكّه) ، به خاطر متروك و مهجور ساختن قرآن كريم

و قال الرسول يربّ إنّ قومى اتّخذوا هذا القرءان مهجورًا

در اين كه شكوائيه پيامبر(ص) در اين دنيا است و يا در آخرت؟ دو نظريه ميان مفسران وجود دارد. برداشت ياد شده مبتنى بر ديدگاه اول است كه مطابق نظر بيشتر مفسران مى باشد. گفتنى است واژه <مهجور> به معناى متروك ورها شده است.

۲ شكوه پيامبر (ص) به پيشگاه خداوند در قيامت ، از مردم عصر خويش به خاطر متروك و مهجور ساختن قرآن

و قال الرسول يربّ إنّ قومى اتّخذوا هذا القرءان مهجورًا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶ - ۱

۱ - اقدام كافران به تكذيب آيات قرآن در پى روى گردانى از آن

إلّا كانوا عنه معرضين . فقد كذّبوا

تقدير عبارت <فقد كذّبوا> به قرينه آيه پيش، <فقد كذّبوا بالذكر> مى باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۷ - ۷

۷ - ر ها ساختن تعاليم قرآن و كناره گيرى از فراخواندن مردم به سوى آنها ، زمينه ساز قرار گرفتن در صف كافران است .

لايصدّنّك عن ءايت اللّه . .. و ادع إلى ربّك و لاتكوننّ من المشركين

گفتنى است كه از

صـدر و ذیـل آیه شـریفه; یعنی، ارتبـاط میـان موضوع جـدا شـدن از صف مشـرکان و موضوع ابلاـغ رسالت الهی و دعوت به توحید، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۷ - ۱۰

۱۰ - قبول نکردن تعالیم قرآن از سوی برخی انسان ها ، ناشی از بی اعتنایی آنان است و نه از ناحیه قرآن .

و إذا تتلی علیه ءایتنا ولّی مستکبرًا کأن لم یسمعها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۲ - ۸،۱۰

۸ - نزدیکی و دوری از قرآن ، معیاری برای تعیین ارزش انسان ها و سعادت مندی آنان

ثمّ أورثنا الکتب . .. فمنهم ظالم لنفسه و منهم مقتصد و منهم سابق بالخیرت

۱۰ - تمسّک به قرآن و پیروی از رهنمود های آن ، به خیر و صلاح جامعه و ترک آن ظلم به خویشتن است .

ثمّ أورثنا الکتب . .. فمنهم ظالم لنفسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۶ - ۲،۳

۲ - عمل نکردن به تعالیم قرآن ، کوتاهی کردن در حق خداوند است .

و اتّبعوا أحسن ما أُنزل إلیکم . .. أن تقول نفس یحسرتی علی ما فرّطت فی جنب اللّه

برداشت یاد شـده با توجه به این نکته است که جمله <أن تقول. ..> یا مفعول له برای جمله <اتّبعوا> است و یا با تقـدیر لام تعلیل و لای نافیه تعلیل برای جمله های پیشـین (<أنیبوا>، <أسـلموا> و <اتّبعوا أحسن ما أُنزل>) می باشـد. در هر صورت پیام این آیه

چنین می شود: توبه کنید، تسلیم شوید و از تعالیم قرآن پیروی کنید، تا دچار حسرت نشوید و احساس نکنید که حق خدا را ضایع کردید.

۳ - عمل نکردن به تعالیم قرآن ، مایه حسرت و پشیمانی انسان در عرصه زندگی دنیایی و حیات اخروی

و اتّبعوا أحسن ما أنزل إلیکم . .. أن تقول نفس یحسرتی علی ما فرّطت فی جنب اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴ - ۷،۸

۷ - روی گردانی از قرآن ، مایه محرومیت از پذیرش مفاهیم آن

فأعرض أکثرهم فهم لایسمعون

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که <لایسمعون> به معنای <لایقبلون> باشد (المیزان، روح المعانی).

۸ - اعراض از قرآن ، عامل محرومیت از فهم آیات و معارف آن

فأعرض أکثرهم فهم لایسمعون

برداشت بالاـ بر این اساس است که <لایسمعون> به معنای <لا یفهمون> باشد; چنانکه <مفردات> در مفهوم <سمع> این معنا را آورده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۲ - ۸

۸ - نزول قرآن از جانب خداوند ، احتمالی شایان توجه و بی اعتنایی به آن کج روی از فطرت و منش انسانی است .

قل أرءیتم إن کان من عند اللّه ثمّ کفرتم به من أضلّ ممّن هو فی شقاق بعید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۶ - ۱۶،۱۷

۱۶ - بی تفاوتی در برابر تذکار ها و رهنمود های قرآن در دراز مدت ، باعث قساوت قلب خواهد شد .

و لایکونوا کالذین . .. فطال علیهم الأمد فقست قلوبهم

خداوند، مسلمانان را از پیش گرفتن

شیوه یهود و نصارا در مورد کتاب های آسمانی خود بر حذر داشته و تذکر می دهد که آنان با این کار به مرور زمان گرفتار قساوت قلب شدند; بنابراین مسلمانان نیز در خطر گرفتار شدن به آن خواهند شد.

۱۷ - مسلمانان بی تفاوت ، در خطر خارج شدن از جاده حق و عدالت در صورت استمرار یافتن بی تفاوتی آنان نسبت به تذکّرات و رهنمود های قرآن

و لایکونوا کالذین . .. فطال علیهم الأمد ... و کثیر منهم فسقون

در آیه شریفه، قساوت قلب و خروج از عدل و انصاف (حقّ)، از پیامدهای بی تفاوتی مستمر و دائمی یهود و نصارا نسبت به رهنمودهای کتاب های آسمانیشان برشمرده است. برحذر داشتن مسلمانان از پیش گرفتن شیوه اهل کتاب، بیانگر مطلب یاد شده است.

آثار افترا به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۵ - ۸،۱۵

۸- اسطوره قلمداد کردن قرآن ، بازدارنده مردم از ایمان به آن است .

قالوا أسطر الأولین . لیحملوا ... و من أوزار الذین یضلّونهم

۱۵- اسطوره تلقی کنندگان قرآن ، به پیامد کلام گمراه گر خود توجه ندارند .

قالوا أسطر الأولین . .. و من أوزار الذین یضلّونهم بغیر علم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۶ - ۲

۲ - استکبار در برابر حقایق الهی و افترا بر دین ، موجب گرفتاری به آتش دوزخ است .

و استکبر . فقال إن هذا إلّا سحر ... سأُصلیه سقر

آثار انذارهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۰

۴ - تأثیر انذار ها و اخطار های قرآن و پیامبر (ص) تنها در دل های مستعد ، زنده و هوشمند

لینذر من کان حیًّا

از این که خداوند فرمود: قرآن و پیامبر(ص) انسان های زنده را انذار خواهد کرد، می توان استفاده کرد که قرآن و کلام پیامبر(ص) تنها در انسان های آماده و مستعد برای فهم و دریافت حقایق، مؤثر خواهد بود.

آثار انس با قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۶ - ۱۲

۱۲ - انس با قرآن و تعلیمات آسمانی آن ، مایه بیداری و دور ماندن از غفلت و بی خبری

لتنذر قومًا . .. لعلّهم یتذکّرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۲ - ۸

۸ - نزدیکی و دوری از قرآن ، معیاری برای تعیین ارزش انسان ها و سعادت مندی آنان

ثمّ أورثنا الکتب . .. فمنهم ظالم لنفسه و منهم مقتصد و منهم سابق بالخیرت

آثار انکار قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۸ - ۲۵

۲۵ انکار تعالیم نازل شده بر پیامبر (ص) (قرآن) ، کفر است .

لیزیدن کثیراً منهم ما أنزل إلیک من ربک . .. فلاتأس علی القوم الکفرین

آثار ایمان به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۴ - ۷

۷ - رهایی از آتش دوزخ ، در گرو ایمان به قرآن و تصدیق رسالت پیامبر (ص) است .

فإن لم تفعلوا و لن تفعلوا فاتقوا

النار

برداشت فوق با توجه به توضیح برداشت قبل، به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۱ - ۱۳،۱۵

۱۳ ایمان به قرآن و التزام به حقایق دیگر کتاب های آسمانی ، مایه مصون ماندن از عذاب های الهی است .

و إیّی فاتّقون

<اتقاء> (مصدر اتقوا); یعنی: در اختیار گرفتن وسیله ای برای مصون ماندن از حادثه ها و مشکلاتی که آدمی از پیشامدن آنها در هراس است. بنابراین <فاتقون>; یعنی، برای مصون ماندن از عذابهای الهی باید وسیله ای در اختیار داشته باشید. فرازهای پیشین بیان می دارد که آن وسیله: ایمان به قرآن و التزام به حقایق کتابهای آسمانی است.

۱۵ - نهراسیدن از پیامد های التزام به حقایق تورات و انجیل و ایمان به قرآن ، از توصیه های خداوند به بنی اسرائیل

و لاتشتروا بأیتی . .. و إیّی فاتقون

حصر در جمله <ایای فاتقون> - پس از بیان لزوم ایمان و پرهیز از دین فروشی - به این اشاره دارد که: ایمان به قرآن و التزام به حقایق تورات و انجیل، ممکن است برای شما یهودیان و نصرانیان مشکلاتی را به همراه داشته باشد - که نباید از آنها در هراس باشید - و فقط از عذابهای الهی بترسید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۵ - ۲

۲ - بنی اسرائیل ، در صورت ایمان به قرآن و قبول شریعت جدید ، با تنگنا ها و مشکلاتی شدید مواجه می شدند .

یبنی إسرائیل اذکروا . .. و ءامنوا ... و استعینوا بالصبر و الصلوه

سفارش خداوند به

بنی اسرائیل (پیشه کردن صبر و برپایی نماز) پس از دعوت آنان به ایمان، بیانگر این است که: آنان به خاطر پـذیرش اسـلام و ترک شریعت پیشین، با مشکلات فراوانی مواجه می شدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۸ - ۳

۳ - ایمان به قرآن ، پیروی از دستورات خدا و پرهیز از محرمات ، وسیله محافظت آدمی در برابر مخاطرات و عذاب های روز قیامت است .

ءامنوا بما أنزلت . .. واتقوا یوماً

فرمان به گرفتن وقایه (وسیله محافظت) - پس از دعوت به ایمان (آمنوا بما أنزلت) و دیگر تکلیفهای یاد شده در آیه - می رساند که: وقایه آدمی در روز قیامت، همان ایمان به قرآن و . .. خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۱ - ۱۱

۱۱ - منفعت و سود واقعی انسان ها ، در گرو ایمان به قرآن و پیامبر (ص) است .

و من یکفر به فأولئک هم الخسرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۳ - ۳

۳ - ایمان به قرآن و پیامبر (ص) و پرهیز از کفر ورزی به آنها ، وسیله محافظت در برابر مخاطرات و عذاب های روز قیامت است .

أولئک یؤمنون به و من یکفر به . .. و اتقوا یوماً

فرمان به گرفتن وقایه (وسیله محافظت)، پس از ترغیب به ایمان (أولئک یؤمنون به) و هشدار از کفرورزی (و من یکفر . ..) می رساند که: وقایه انسان در روز قیامت، ایمان به قرآن

و پیامبر(ص) و پرهیز از کفرورزی به آن دو است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۷ - ۱

۱- ایمان یا بی ایمانی مردم به قرآن ، تأثیری در حقانیت مفاهیم و معارف آن نخواهد داشت .

و بالحقّ أنزلنه . .. قل ءامنوا به أو لاتؤمنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۱ - ۲

۲ - آمادگی برای ایمان به قرآن و برخورداری از روح خشیت ، از زمینه های لازم برای تأثیرپذیری از انذار ها و اخطار های الهی

إنّما تنذر من اتّبع الذکر و خشی الرحمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۱ - ۱۴

۱۴ - پذیرش قرآن و عمل به راهنمایی های آن هدایت است و رد و انکار آن گمراهی و ضلالت .

فمن اهتدی فلنفسه و من ضلّ فإنّما یضلّ علیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲ - ۵

۵- ایمان به پیامبر اسلام و قرآن ، شرط ثمربخشی عقیده به خداوند و عمل صالح

و الذین ءامنوا . .. و ءامنوا بما نزّل علی محمّد

از تکرار <آمنوا. ..> استفاده می شود که <آمنوا> در <الذین آمنوا> به معنای اعتقاد به خدای یگانه است; چه این که در <آمنوا بما...> به معنای ایمان به قرآن و رسالت پیامبر(ص) است. از قرین آمدن ایمان و عمل صالح، اعتقاد به پیامبر(ص) و قرآن، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲

- ۱۳ - ۶

۶ - ایمان به قرآن ، ایمان به خدا و انکار آن ، کفر به او است .

و أنّا لمّا سمعنا الهدی ءامنّا به فمن یؤمن بربّه

برداشت یاد شده، از تبدیل و تغییر ایمان به قرآن (آمنّا به)، به ایمان به خداوند (یؤمن بربّه) استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۵ - ۳

۳ - باور داشتن معاد و معارف قرآن و انجام دادن کار های صالح ، نجات بخش انسان از عذاب دردناك است .

فبشّرهم بعذاب ألیم . إلاّ الذین ءامنوا و عملوا الصلحت

متعلق <آمنوا> به قرینه آیات پیشین معاد و قرآن است و <الصالحات> که جمع با حرف <ال> است دلالت بر عموم می کند. در این موارد، مراد عموم عرفی است; یعنی، تمام صالحاتی که امکان پذیر است.

آثار بی نظیری قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۴ - ۹،۶

۶ قرآن ، به دلیل ناتوانی همگان از آوردن کتابی همسان آن ، نشانه یکتایی خدا و نبود هیچ معبودی شایسته پرستش جز او

فإلّم یستجیبوا لکم فاعلموا . .. أن لا إله إلاّ هو

<أن لا إله إلاّ هو> که حاکی از یکتایی خدا و ضرورت توحید عبادی است عطف بر <أنما أُنزل . ..> می باشد لذا جزای شرط (فإلّم یستجیبوا) خواهد بود و حکایت از آن دارد که قرآن، به دلیل ناتوانی بشر از آوردن همانند برای آن، خود نشانه ای بر توحید است.

۹ ناتوانی همگان ، از آوردن همانند برای قرآن ، دلیل

لزوم پذیرش اسلام و تسلیم شدن در برابر خداست .

فإلّم یستجیبوا لکم . .. فهل أنتم مسلمون

برداشت فوق ، با توجه به حرف <فاء> که جمله <هل أنتم . ..> را بر <فإلّم یستجیبوا ...> تفریع کرده است ، استفاده می شود.

آثار پیروی از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۵ - ۵

۵ پیروی از قرآن و پرهیز از مخالفت با آن، زمینه ساز جلب رحمت الهی است.

فاتبعوه و اتقوا لعلکم ترحمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۱ - ۱۲

۱۲ - سپردن گوش جان به رهنمود های قرآن ، مایه بیدار شدن انسان ها است .

من إله غیر اللّه یأتیکم بضیاء أفلاتسمعون

مفاد <أفلاتسمعون> این است که اگر خوب به رهنمودهای قرآن گوش فرا دهید، از خواب غفلت بیدار شده و به راه توحید رهنمون خواهید شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۲ - ۱۰

۱۰ - تمسّک به قرآن و پیروی از رهنمود های آن ، به خیر و صلاح جامعه و ترک آن ظلم به خویشتن است .

ثمّ أورثنا الکتب . .. فمنهم ظالم لنفسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۵ - ۲

۲ – پیروی از تعالیم قرآن ، از شرایط بهره مند شدن از غفران و آمرزش الهی

إنّ اللّه یغفر الذنوب جمیعًا . .. و اتّبعوا أحسن ما أُنزل إلیکم من ربّکم

آثار تأثیرناپذیری از قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ –

حشر - ۵۹ - ۲۱ - ۳

۳ - قلب های تأثیرناپذیر از آیات قرآن ، سخت تر و بی اساس از سنگ های کوه

لو أنزلنا هذا القرءان . .. متصدّعًا من خشیه اللّه

آثار تحدی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۸ - ۷

۷- پیروزمندی قرآن در صحنه تحدی و مبارزطلبی ، تبلور حقانیت بی چون آن است .

قل جاء الحقّ . .. قل لئن اجتمعت الإنس و الجنّ ... لایأتون بمثله

آثار تدبر در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۲ - ۶

۶ تدبّر در قرآن ، زمینه برطرف شدن نفاق و ضعف ایمان

و یقولون طاعه . .. افلا یتدبّرون القران

ترغیب منافقان و مسلمانان ضعیف الایمان به تدبر در قرآن می تواند به منظور ارائه رهنمودی برای برطرف شدن نفاق و ضعف ایمان آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۸ - ۳

۳ - تأمل در آیات قرآن ، زداینده هر گونه تردید در الهی و آسمانی بودن آن

أفلم یدّبّروا القول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۲۴ – ۴

۴- اندیشه و تدبّر انسان ، در قرآن ، مانع کفر است .

فأصمّهم و أعمی أبصرهم . أفلایتدبّرون القرءان

از لحن <أفلایتدبّرون>، استفاده می شود که اگر آنان به راستی در قرآن تدبّر می کردند، در برابر دستورات حق کر و کور نبوده و موضع نمی گرفتند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸

- ۲۹ - ۶،۱۱

۶ - فهم و درک صحیح قرآن ، نیازمند به تدبر و اندیشیدن است .

کتب . .. لیدّبّروا ءایته

۱۱ - تدبر و اندیشه کردن در قرآن ، زمینه بیداری و پندگیری از آن کتاب الهی است .

کتب . .. لیدّبّروا ... و لیتذکّر

با توجّه به تقدم ذکر تدبر در قرآن بر بیداری و پندپذیری از آن، برداشت یاد شده استفاده می شود.

آثار ترتیل در تلاوت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۴ - ۷

۷ - تأثیر معنوی و سازنده قرائت آیات قرآن با تأنّی و شمرده شمرده در انسان

و رتّل القرءان ترتیلاً

برداشت یاد شده با توجه به این احتمال است که توصیه به ترتیل قرآن، می تواند به لحاظ تأثیر این نوع قرائت در انسان ها باشد.

آثار ترک تعقل در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۲ - ۱۰

۱۰- مشرکان عرب ، مورد توبیخ و سرزنش الهی به خاطر نیندیشیدن در کتاب آسمانی نازل شده به لغت ایشان

و إذ لم یهتدوا به . .. هذا کتب مصدّق لسانًا عربیًّا

لحن آیه شریفه، توبیخی است; زیرا مخاطب این استدلال کسانی اند که می گفتند: <لو کان خیراً ما سبقونا إلیه>.

آثار تصدیق قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۴ - ۱۴

۱۴ ارجاع داوری به غیر خداوند از سوی کسی که حقانیت و اعجاز قرآن را دریافته، کاری بس نکوهیده و نارواست.

أفغیر الله أبتغی حکما . .. فلا تکونن من الممترین

آثار تعالیم قرآن

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – اعلی – ۸۷ – ۱۱ – ۲

۲ – مخالفان قرآن ، با زحمت خود را از تأثیر تذکّرات آن ، دور نگه می دارند .

و یتجنّبها

باب تفعّل که فعل <یتجنّب> از آن باب است بر تکلّف دلالت دارد. این فعل بیان گر آن است که تـذکرات قرآنی، با فطرت انسـان هـا ملایمت و مناسبت کامـل دارد; به گونه ای که مخالفـان، بایـد برای دور مانـدن از تـأثیرات آن، خود را به زحمت اندازند.

آثار تفکر در قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۴۴ – ۱۷

۱۷– تفکر در آیات قرآن ، عامل کشف حقانیت و روا بودن نزول وحی بر بشر

و ما أرسلنا من قبلک إلاّ رجالاً نوحی إلیهم . .. و أنزلنا إلیک الذکر لتبیّن للناس

احتمال دارد متعلق <یتفکّرون> شبهه ای باشد که از سوی مشرکان درباره عدم امکان نزول وحی بر بشر، القا و مطرح می شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حشر – ۵۹ – ۲۱ – ۹

۹ – تفکر در آیات وحی ، زمینه ساز خشیت و خشوع انسان در برابر خداوند

لو أنزلنا هذا القرءان علی جبل لرأیته خشعًا متصدّعًا من خشیه اللّه . .. لعلّهم

آثار تکذیب قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۷ – ۱،۲

۱ - خداوند قلب منکران قرآن را از فهمیدن معارف دین و گوش آنان را از شنیدن حقایق دینی ، بازداشته است .

ختم اللّه علی قلوبهم و علی سمعهم

<ختم> به معنای

بستن درب چیزی با گل و مانند آن و به اصطلاح لاک و مهر کردن، است. بسته شدن قلب، کنایه از درک نکردن و نفهمیدن است. و <علی سمعهم> می تواند عطف بر <علی قلوبهم> باشد و نیز می تواند خبر برای <غشاوه> باشد. در برداشت فوق، احتمال اول لحاظ شده است.

۲ - بر گوش و چشم منکران آن ، حجابی است که آنان را از شنیدن و دیدن حقایق دین ، ناتوان ساخته است .

و علی سمعهم و علی ابصرهم غشوه

<غشاوه> به معنای پرده و مانند آن است. در برداشت فوق <علی سمعهم> خبر برای <غشاوه> گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۷ - ۱۱

۱۱ خواری و ذلت و از دست دادن منزلت اجتماعی ، پیامد انکار قرآن از سوی اهل کتاب

امنوا . .. من قبل ان نطمس وجوهاً فنردّها علی ادبارها

بدان احتمال که مراد از <وجوه>، وجاهت باشد. بر این مبنا <فنردها> به این معناست که آن وجاهتها مبدّل به ذلت و خواری می گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۶ - ۶

۶ خداوند منکران قرآن را در انکار و طغیانشان به حال خود ر ها می سازد .

و یذرهم فی طغینهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۴ - ۵

۵ پافشاری بر شرک ، تکذیب پیامبر (ص) و انکار قرآن ، ظلم بوده و در پی دارنده عذاب است .

و إن کذبوک . .. أثم إذا ما وقع ءامنتم

به ... و لو أن لكل نفس ظلمت ما فى الأرض لا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - يونس - ۱۰ - ۹۵ - ۶

۶ تكذيب قرآن ، مايه خسران و از دست دادن سرمايه سعادت است .

و لاتكونن من الذين كذبوا بأيت اللّه فتكون من الخسرين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۴ - ۳

۳ گرايش هاى شرك آلود و انكار حقانيت قرآن ، نشانه ناشنوايى ضمير و كورى دل است .

مَثل الفريقين كالأعمى والأصمّ والبصير والسميع

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶ - ۶

۶ - واقعيت هاى مهمّ قرآنى مورد استهزاى كافران ، دامنگير آنان در آينده اى نزديك

فسيأتيهم أنبؤا ما كانوا به يستهزءون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۱ - ۱۴

۱۴ - پذيرش قرآن و عمل به راهنمايى هاى آن هدايت است و رد و انكار آن گمراهى و ضلالت .

فمن اهتدى فلنفسه و من ضلّ فإنّما يضلّ عليها

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۵ - ۹

۹ - انكار و يا ترديد در حقانيت قرآن ، موجب استحقاق عذاب دنيايى است .

و لولا کلمه سبقت من ربّک لقضی بینهم

از این که سنت الهی بر امهال است، استفاده می شود که کافران مستحق عذاب اند (هرچند که عذاب نشوند).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۴ - ۷

۷ - تکذیب قرآن و معاد ، از

عوامل و زمینه های سقوط تدریجی جوامع بشری

سنستدرجهم من حیث لایعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۵۰ - ۱

۱ - کافران در روز قیامت ، پشیمان از مواضع انکارآمیز گذشته خویش در برابر قرآن

و إنّه لحسره علی الکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۳ - ۶

۶ - ایمان به قرآن ، ایمان به خدا و انکار آن ، کفر به او است .

و أنّا لمّا سمعنا الهدی ءامنّا به فمن یؤمن بربّه

برداشت یاد شده، از تبدیل و تغییر ایمان به قرآن (آمنّا به)، به ایمان به خداوند (یؤمن بربّه) استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۵ - ۷

۷ - گناه ، طغیان گری و تکذیب قرآن و قیامت ، مانع ملاقات و قرب خداوند در قیامت است .

ما یکذّب به إلاّکلّ معتد أثیم . .. إنّهم عن ربّهم یومئذ لمحجوبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۴ - ۱

۱ - انکار معاد و تکذیب قرآن ، درپی دارنده عذابی دردناک است .

فبشّرهم بعذاب أليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۲۲ - ۳

۳ - تکـذیب قرآن از سوی کافران ، هر چند بر آن اصـرار ورزند ، به حقیقت قرآن آسـیبی نمی رساند و از مجد و عظمت آن نمی کاهد .

بل الذین کفروا فی تکذیب . .. بل هو قرءان مجید . فی لوح محفوظ

آثار تلاوت تدریجی قرآن

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۶ - ۷

۷- برخوانی تدریجی قرآن بر مخاطبان ، موجب برانگیخته شدن انتظار در آنان برای قراءت بخشی دیگر می شود .

لتقرأه علی الناس علی مکث

مکث در لغت، آرامش همراه با انتظار است (مفردات راغب).

آثار تلاوت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴ - ۱

۱ خشیت قلب از یاد خدا ، افزایش ایمان با تلاوت قرآن و تنها بر خدا توکل داشتن ، نشان ایمان حقیقی

أولئک هم المؤمنون حقا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۱ - ۲،۳

۲ آنان که با تلاوت قرآن هدایت نشوند و به سرای آخرت ایمان نیاورند ، حتی اگر مردگانی زنده شوند و حقایق آخرت را برای آنان بیان کنند ، هدایت نخواهند یافت .

و لو أن قرءانًا . .. کلّم به الموتی

هر یک از جمله های <سیّرت به الجبال> و <قطّعت به الأرض> و <کلّم به الموتی> حکایت از معجزات درخواستی کفرپیشگان دارد که به مناسبت می توان گفت: جمله <کلّم به الموتی> حاکی است که آنان برای باور به آخرت، از پیامبر(ص) می خواستند تا مردگانی را زنده کند تا از آخرت و دنیای پس از مرگ برای آنان سخن بگویند.

۳ آنان که با مشاهده و تلاوت قرآن نازل شده بر پیامبر (ص) هدایت نشوند ، با مشاهده هیچ آیت و معجزه ای هدایت نخواهند شد .

و لو أن قرءانًا سیّرت به الجبال . .. بل لله الأمر جمیعًا

سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۴۵ – ۱۱

۱۱– < دخل . . . هشام بن السائب . . . علی أبی عبدالله (ع) فقال : . . . أخبرنی عن قول الله < و إذا قرأت القرآن جعلنا بینک و بین الـذین لا ـیؤمنون بالأ ـخره حجاباً مسـتوراً > . . . قال : آیه فی الکهف و آیه فی النحل و آیه فی الجاثیه و هی : < أفرأیت من اتّخـذ إلهه هواه و أضـلّه الله علی علم و ختم علی سـمعه و قلبه . . . > و فی النحل : < أُولئک الـذین طبع الله علی قلوبهم و سمعهم و أبصارهم و أُولئک هم الغافلون > و فی الکهف : < و من أظلم ممّن ذکّر بآیات ربّه فأعرض عن ها و نسی ما قدّمت یداه . . . > ;

هشام بن سائب بر امام صادق(ع) وارد شـد، پس به امام گفت: مرا از سـخن خدا <و أذا قرأت القرآن جعلنا بینک و بین الذین لایؤمنون بالأخره حجاباً مسـتوراً> خبر ده؟ حضـرت فرمود: مقصود از قرآنی که پیامبر با خواندن آن از چشم کافران مسـتور و ناپدیـد می شود، آیه ای در سوره جاثیه <أفرأیت . ..> و در سوره نحل <أُولئک الذین ...> و در سوره کهف <و من أظلم ممّن...> است>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۱۰۹ – ۶

۶– تلاوت آیات قرآن ، فزاینده خشوع عالمان

إن الذین أُوتوا العلم من قبله إذا یتلی علیهم . .. و یزیدهم خشوعًا

جلد – نام سوره – سوره –

آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۳ - ۱۲

۱۲- تلاوت آیات قرآن ، در افرادی که به امکانات مادی و موقعیت های اجتماعی خود فخر و مباهات می کنند ، بی تأثیر است .

و إذا تتلی علیهم ءایتنا بیّنت قال الذین کفروا . .. أیّ الفریقین خیر مقامًا و أح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹۲ - ۵

۵ - لزوم تلاوت قرآن ، به گونه ای ثمربخش و در جهت هدایت و بیدارگری

و أن أتلوا القرءان فمن اهتدی فإنّما یهتدی لنفسه

از جمله <فمن اهتدی. ..> در پی <أن أتلوا القرآن> استفاده می شود که تلاوت پیامبر(ص)، تلاوتی راستین، دارای هدف و در جهت هدایت و بیدارگری بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۳ - ۱

۱ - اقدام ایمان آوردگان از اهل کتاب ، به اقرار مجدد ایمان خویش به هنگام تلاوت آیات قرآن بر ایشان

الذین ءاتینهم الکتب . .. و إذا یتلی علیهم قالوا ءامنّا به

مقصود از <إذا یتلی علیهم. ..> این است که هر بار که آیاتی از قرآن نازل می شود و بر آنان تلاوت می گردد، اظهار می دارند که <آمنّا به>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۹ - ۱۴

۱۴ - خداترسی ، تلاوت قرآن کریم ، برپاداشتن نماز و انفاق در نهان و آشکار ، از عوامل امیدواری به لطف و پاداش الهی

إنّما یخشی اللّه من عباده العلمؤا . .. إنّ الذین یتلون کتب اللّه و أقاموا الصل

- سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۰ - ۱۱

۱۱ - خداترسی ، تلاوت قرآن ، برپاداشتن نماز و انفاق در نهان و آشکار ، از اسباب آمرزش گناهان و دریافت افتخار سپاس گزاری خداوند

إنّما يخشى اللّه من عباده العلمؤا . .. إنّ الذين يتلون كتب اللّه ... و يزيدهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۹ - ۹

۹ - انس با قرآن ، انسان را به تدریج از تاریکی های ضلالت به روشنایی هدایت وارد می کند .

ليخرجكم من الظلمت إلى النور

به کارگیری فعل مضارع <یخرج>، دلالت بر این حقیقت دارد که خارج شدن از تاریکی ها به تدریج انجام می گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۶ - ۲،۳

۲ - تلاوت قرآن و شنیدن آیات آن ، اثربخش دل های نرم و خاشع

ألم يأن للذين ءامنوا أن تخشع قلوبهم . .. و ما نزل من الحقّ

مقصود از <ما نزل من الحقّ> قرآن کریم است.

۳ - دل مؤمن ، باید چنان نرم باشد که با یاد خدا و تلاوت قرآن کریم ، تأثیرپذیر و خاشع گردد .

ألم يأن للذين ءامنوا أن تخشع قلوبهم لذكر اللّه و ما نزل من الحقّ

خداوند، در آیه شریفه، مؤمنان بی تفاوت را نکوهش کرده و به آنان هشدار می دهد تا فرصت باقی است و گرفتار قساوت قلب نشده اند؛ دل های خود را با یاد او و تلاوت آیاتش خاشع و نرم گردانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ -

۱ - یاد خدا و تلاوت کلام او (قرآن) ، حیات و روشنی بخش دل ها است .

أن تخشع قلوبهم لذکر اللّه . .. و اعلموا أنّ اللّه یحیِ الأرض

جمله <اعلموا أن اللّه. ..> تعلیل برای جمله <ألم یأن... لذکر اللّه> است. در این تعلیل، دل های غافل از یاد خدا و بیگانه با کلام او (قرآن)، به زمین مرده و یاد خدا و کلام او (قرآن)، به باران تشبیه شده است. همان طور که خداوند به وسیله باران، زمین مرده را زنده می کند; یاد خدا و تلاوت کلام او (قرآن) نیز، دل های غافل و مرده را حیات می بخشد و نورانی می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۵ - ۴

۴ - تأثیر شب زنده داری و تلاوت قرآن ، در بالا بردن توان انسان ها برای به دوش گرفتن مسؤولیتی سنگین (همچون تبلیغ دین و هدایت گمراهان)

قم الّیل . .. و رتّل القرءان ترتیلاً . إنّا سنلقی علیک قولاً ثقیلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۱ - ۹

۹ - عظمت قرآن ، به مجرد قرائت آن بر شنوندگان ، نمایان شده و در دل هر انسان جا می گیرد .

و إذا قریء علیهم القرءان لایسجدون

توبیخ کسانی که با شنیدن قرآن اظهار خضوع نکرده و به خاک نمی افتند، بیانگر تأثیر آن در اعماق دل هر شنونده منصف است.

آثار تلاوت قرآن محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۵۱

۲ - تلاوت آیات قرآن از سوی پیامبر (ص) ، خشم و کینه کافران را به شدت برمی انگیخت .

و إن یکاد الذین کفروا لیزلقونک بأبصرهم لمّا سمعوا الذکر

آثار تنزیه قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۶ - ۴

۴ - ارجمندی ، عظمت و پیراستگی صفحات قرآن و مقام والای نویسندگان آن ، تضمین کننده شایستگی آن برای غفلت زدایی و بیان حقایق

إنّها تذکره . .. فی صحف مکرّمه . مرفوعه مطهّره . بأیدی سفره . کرام برره

آثار تنوع مثالهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۷ - ۶

۶ - بیان انواع مثل ها ، از روش های تربیتی و هدایتی قرآن

و لقد ضربنا للناس فی هذا القرءان من کلّ مثل لعلّهم یتذکّرون

آثار توطئه علیه قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۸ - ۳

۳ - اندیشه و طراحی علیه قرآن و پیامبر (ص) ، از موجبات عذاب سخت و طاقت فرسا

سأُرهقه صعودًا . إنّه فکّر و قدّر

آثار جهان شمولی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۴ - ۷

۷ اختصاص نداشتن قرآن به مردم عصر بعثت ، از دلایل شایسته نبودن درخواست مزد از ایشان در قبال ابلاغ آن

و ما تسئلهم علیه من أجر إن هو إلّا ذکر للعلمین

برداشت فوق ، مقتضای ارتباط میان <دریافت نکردن مزد رسالت> و <جهانی بودن قرآن> است ; یعنی ، چون قرآن برای همه مردم

و برای همه عصرهاست ، شایسته نیست مزد آن از گروه و طایفه ای خاص گرفته شود.

آثار حقانیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۱۹

۱۹ الهی بودن قرآن و پیراستگی آن از هرگونه باطل ، دلیل ناروا بودن شک و شبهه در راستی و درستی آن

فلاتک فی مریه منه إنه الحق من ربک

جمله <إنه الحق من ربک> به منزله دلیل برای <فلاتک . ..> می باشد.

آثار دشمنی با قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۱ - ۱۲،۱۴

۱۲ کفرورزی مردم عصر بعثت و مخالفتشان با پیامبر (ص) و قرآن ، عامل روی آوردن مصیبت های سخت و کوبنده بر آنان

و لایزال الذین کفروا تصیبهم بما صنعوا قارعه أو تحلّ قریبًا من دارهم

برداشت فوق با توجه به حرف <باء> در <بما صنعوا> که به معنای سببیت است استفاده می شود. مراد از <ما صنعوا> به قرینه آیات گذشته ، انکار قرآن، مخالفت با رسالت پیامبر(ص) و مانند آن می باشد.

۱۴ آنان که با قرآن و رسالت پیامبر (ص) به مبارزه می پردازند ، در خطر گرفتار شدن به عذاب های دنیوی اند .

و لایزال الذین کفروا تصیبهم بما صنعوا قارعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۹ - ۴

۴ گمراهیِ گریز ناپذیر سران کفر و شرک ، پیامد برخورد های عناد آلود و بهانه جویانه آنان با قرآن و پیامبر (ص)

إن هذا إلاّ إفک. .. و قالوا مالِ

هذا الرسول ... إن تتّبعون إلاّ رجلًا مسحورًا

<فاء> در <فضلّوا> برای سببیت و در <فلایستطیعون> تفسیریه است; یعنی، برخوردهای عناد آلود کافران با پیامبر(ص) سبب گمراهی آنان بود و این گمراهی، موجب نیافتن راهی برای گریز از آن گردید.

آثار ذکر قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۱۷

۱۷ درخواست بصیرت از خداوند ، توجه به قرآن و حقایق مطرح شده در آن و مطالعه تورات ، راه های زدودن شک و شبهه درباره حقانیت قرآن است .

أفمن کان علی بیّنه . .. فلاتک فی مریه منه

روشن است که شک و شبهه، همانند علم و یقین که از امور قلبی است، با امر و نهی قابل ایجاد و رفع نیست. بنابراین جمله <فلاتک فی مریه منه> (در حقانیت قرآن شک نداشته باش) ارشاد به فراهم آوردن زمینه هایی است که مایه برطرف شدن شک می شود و آنها همان حقایقی است که در صدر آیه، بیان شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۰ - ۵

۵ - توجه به قرآن و تذکار های آن ، موجب سبک باری و نجات در روز قیامت است .

من أعرض عنه فإنّه یحمل یوم القیمه وزرًا

همان گونه که روی گردانی از قرآن موجب گران باری و گرفتاری در قیامت است، روی آوردن به قرآن و التزام به آن، نیز زمینه ساز سبک باری و نجات انسان در قیامت می باشد.

آثار ذکر وحیانیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶ -

۹ - توجه به نزول قرآن از سوی خالق ، مدیر و مالک تمام هستی ، مایه تقویت روحیه پندپذیری انسان از قرآن است .

تذکره . .. ممّن خلق الأرض ... استوی . له ما فی السموت ... و ما تحت الثری

آثار روانی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۹ - ۵

۵- تأثیر قرآن بر روح و روان عالمان آشنا به معارف آسمانی ، در حدی است که از دیدگان آنها اشک جاری می شود .

إذا یتلی علیهم . .. یبکون

آثار روانی نزول قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۲ - ۲

۲- نزول آیات قرآن از سوی خداوند ، برای شفابخشی بیماری های روحی و فکری انسان است .

و ننزّل من القرءان ما هو شفاء و رحمه

از آنجایی که قرآن، کتاب هدایت و وجه غالب آن، کتاب معنویت است؛ شفا بودن آن می تواند رفع مشکلات فکری و روحی باشد.

آثار روشنگری قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۰ - ۴،۵،۶

۴ - روشنگری های قرآن ، بی نیاز کننده مؤمنان از طرح ها و ایده های جاهلانه و هواپرستانه ظالمان

و لاتتّبع أهواء الذین لایعلمون . .. هذا بصائر للناس

۵ - پیام های قرآن ، بصیرت آفرین برای تمامی انسان ها و نه صرفاً برای گروهی خاص

هذا بصائر للناس

۶ - روشنگری های قرآن ، مایه هدایت و رحمت برای جویندگان یقین

بصائر . .. و هدًی و رحمه لقوم یوقنون

آثار شفابخشی قرآن

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۴ - ۱۴

۱۴ - هدایت و شفای قرآن ، مایه فزونی کوردلی کافران لجوج

و هو علیهم عمیً أُولئک ینادون من مکان بعید

آثار شک به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۴ - ۱۲

۱۲ تردید در الهی بودن قرآن ، همانند تردید اقوام پیشین در آیات نازل شده بر آنان می باشد و در پی دارنده فرجامی شوم است .

لقد جاءک الحق من ربک فلاتکونن من الممترین

با توجه به ارتباط این آیه با آیات قبل، می توان گفت که: مراد از <الممترین> اقوام پیامبران گذشته است که با نپذیرفتن آیات الهی و تردید در آنها، گرفتار فرجام شومی شدند.

آثار شک در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۵ - ۹،۱۱

۹ - انکار و یا تردید در حقانیت قرآن ، موجب استحقاق عذاب دنیایی است .

و لولا کلمه سبقت من ربّک لقضی بینهم

از این که سنت الهی بر امهال است، استفاده می شود که کافران مستحق عذاب اند (هرچند که عذاب نشوند).

۱۱ - انکار و مخالفت منکران حقانیت قرآن ، مبتنی بر شک و تردید است ; نه یقین و برهان .

و إنّهم لفی شک منه مریب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۱۴ – ۸

۸ – تردید و ناباوری نسبت به مبانی اسلام (توحید ، معاد ، نبوت ، قرآن و . . .) ، عامل شقاوت و بدبختی اهل نفاق

قالوا بلی و لکنّکم . ..

ارتبتم

آثار شک در وحیانیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸ - ۵

۵ - مخالفت سران کفر و شرک با پیامبراسلام ، به خاطر شک و تردید آنان در اصل نزول وحی و الهی بودن قرآن بود ; نه در شایستگی پیامبر (ص) برای رسالت .

أءنزل علیه الذکر من بیننا بل هم فی شکّ من ذکری

<بل> در جمله <بل هم فی شکّ من ذکری> برای اضراب می باشد. بر این اساس مقصود از آیه شریفه این است که مخالفت سران کفر و شرک با رسول خدا، ناشی از شک و تردید آنان در درستی قرآن است و بحث از شایستگی آن حضرت برای رسالت، معلول چنین تردیدی می باشد.

آثار شناخت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۷ - ۱۲

۱۲- با تمام وجود سر بر آستان خداوند ساییدن و حریصانه به سجده افتادن جمعی از علمای اهل کتاب به هنگام آشنایی با قرآن

إن الذین أُوتوا العلم من قبله . .. یخرّون للأذقان سجّدًا

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مراد از <أُوتوا العلم من قبله> اهل کتاب باشد و تعبیر از سجده به <خرّ> که به معنای سقوط و به رو افتادن است می تواند اشاره به حقیقت یاد شده داشته باشد.

آثار عجز از فهم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۴ - ۳

۳ - روی گردانی کافران از قرآن ، به دلیل ناتوانی آنان از درک مفاهیم آن است و

افسانه دانستن آن ، بهانه ای بیش نیست .

قال أسطیر الأوّلین . کلاّ بل ران علی قلوبهم

آثار عدم تعقل در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۶ - ۸

۸- گریزان بودن مشرکان از توحید ، نمونه ای است از عدم تأمل و تعمق آنان در آیات قرآن

و جعلنا علی قلوبهم أکنّه أن یفقهوه . .. و إذا ذکرت ربّک فی القرءان وحده ولّوا عل

آثار عدم تفکر در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲۱ - ۸

۸ - نیندیشیدن در آیات وحی ، عامل بی باکی در برابر خدا و تأثیرناپذیری از قرآن

لو أنزلنا هذا القرءان علی جبل لرأیته خشعًا . .. و تلک الأمثل ...لعلّهم یتفکّر

آثار عربیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۷ - ۱۳

۱۳ - نقش اساسی عربی بودن زبان قرآن در انجام رسالت پیامبر (ص) ، در میان مردم جزیره العرب

أوحینا إلیک قرءانًا عربیًّا لتنذر أُمّ القری

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که <لتنذر> تعلیل برای نزول قرآن با وصف عربی باشد; یعنی، ما به این خاطر قرآن را به زبان عربی نازل کردیم تا انذار امکان پذیر شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۵۸ – ۴

۴- نزول قرآن به زبان عربی روشن ، زمینه ای برای بیداری خلق و پندآموزی آنان

فإنّما یسّرنه بلسانک لعلّهم یتذکّرون

آثار عظمت قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف –

۱۸ – ۱ – ۱۰

۱۰– کمال و عظمت قرآن و نبود کمترین کجی و انحراف در آن ، مقتضی حمد و ستایش در برابر پدیدآورنده آن است .

الحمد للّه الذی . .. لم یجعل له عوجًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عبس – ۸۰ – ۱۶ – ۴

۴ – ارجمندی ، عظمت و پیراستگی صفحات قرآن و مقام والای نویسندگان آن ، تضمین کننده شایستگی آن برای غفلت زدایی و بیان حقایق

إنّها تذکره . .. فی صحف مکرّمه . مرفوعه مطهّره . بأیدی سفره . کرام برره

آثار عقیده به خیریت قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۳۲ – ۱۸

۱۸– عقیده به نزول قرآن از جانب خداوند و خیر محض بودن آن ، عامل تعالی انسان به مقامی والا

و قیل للذین اتّقوا ماذا أنزل ربّکم قالوا خیرًا . .. و لنعم دار المتّقین ... الذی

آثار عقیده به وحیانیت قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۳۲ – ۱۸

۱۸– عقیده به نزول قرآن از جانب خداوند و خیر محض بودن آن ، عامل تعالی انسان به مقامی والا

و قیل للذین اتّقوا ماذا أنزل ربّکم قالوا خیرًا . .. و لنعم دار المتّقین ... الذی

آثار علاقه به قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۲ - ۱

۱ - تنها کسانی توان فراگیری معارف قرآن و به خاطر سپردن آن را دارنـد که طالب آن بوده و یادگیری آن را بر خود تحریم نکرده باشند .

فمن

شاء ذكره

<ذكر> يعنى شناختى كه در ذهن حاضر باشد(بر گرفته از مفردات راغب). و ضمير مفعولى در <ذكره> به <تذكره> بازمى گردد. مذكر بودن آن كه آخر آيات را هماهنگ ساخته به اين اعتبار است كه <تذكره> و <ذكر> به يك معناست.

آثار علم به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۳ - ۱۰

۱۰ آگاه شدن از قرآن و محتواى آن ، آدمى را به حقانيّت رسالت پيامبر (ص) راهنمايى مى كند .

كفى بالله شهيدًا . .. و من عنده علم الكتب

آثار فصاحت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - شورى - ۴۲ - ۷ - ۱۴

۱۴ - فصاحت قرآن ، عاملى مؤثر در اسلام مردم مكه و نواحى آن

أوحينا إليك قرءانًا عربيًّا لتنذر أُمّ القرى

برداشت ياد شده بر اين پايه است كه <عربيّاً> به معناى فصاحت و روشنى قرآن بوده و <لتنذر> تعليل براى نزول قرآن با وصف فصاحت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳ - ۶

۶ - فصاحت قرآن ، موجب جلب توجه اعراب عصر پيامبر (ص) و واداشتن آنان به انديشه و تعقل

إنّا جعلنه قرءانًا عربيّا لعلّكم تعقلون

آثار قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۱۰۹ – ۲

۲– قرآن ، حاوی آن چنان معارف عظیم که خضوع و خشوع تمامی عالمان اندیشمند را برمی انگیزاند .

إن الذین أُوتوا العلم من قبله إذا یتلی علیهم . .. یخرّون للأذقان یبکون

جلد – نام سوره – سوره –

آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۷ - ۴

۴- تأثیر دوگانه قرآن و سخنان پیامبر (ص) ، بر هدایت پذیران و هواپرستان

یستمع إلیک . .. طبع اللّه علی قلوبهم واتّبعوا أهواءهم . و الذین اهتدوا زادهم هدًی

با توجه به پیوستگی این آیه با آیه قبل چنین استفاده می شود که سخنان پیامبر(ص) و پیام وحی در درون هواپرستان مرده دل جای نمی گیرد و می گویند: <ماذا قال. ..> ولی در دل حق پذیران تأثیر کرده و بر هدایت و تقوای آنان می افزاید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۲ - ۱

۱ - آموزه های قرآن ، بی تأثیر در بیماردلان و کافران

و لیقول الذین فی قلوبهم مرض و الکفرون . .. و ما هی إلاّ ذکری للبشر . کلاّ

<کلاّ> در این آیه برای انکار است; انکار تذکار بودن قرآن برای بیماردلان و کافران حق ناپذیر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۳ - ۸

۸ - آیات قرآن ، بازدارنده انسان از طغیان گری و گناه و راهنمای او برای ایمان به قیامت است .

و ما یکذّب به إلاّ. .. إذا تتلی علیه ءایتنا قال أسطیر الأوّلین

آثار قصص قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴ - ۴

۴ - اخبار و سرگذشت های هشداردهنده و بازدارنده از گناه و سیه روزی ، بخشی از قلمرو موضوعات قرآن

و لقد جاءهم من الأنباء ما فیه مزدجر

آثار کفر به قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه

- فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۱ - ۸

۸ - بنی اسرائیل در صورت کفر به قرآن ، نکوهیده ترین و ناشایسته ترین کافران در پیشگاه خداوند خواهند بود .

و لاتکونوا أول کافر به

برداشت فوق مبتنی بر دو مقدمه روشن است: ۱ <أول> بودن در جمله <و لاـتکونوا . ..> به اعتبار رتبه و منزلت است، نه به لحاظ زمان; ۲ <أول> بودن قید توضیحی است، نه احترازی. بر این اساس جمله <و لاـتکونوا ...>; یعنی، و به قرآن کافر نشوید که در این صورت اولین رتبه کفر از آن شما خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۵ - ۵

۵ - بنی اسرائیل در خطر گرفتار آمدن به عذاب های دنیوی (ذلیل گشتن ، مطرود شدن و . . .) در صورت ایمان نیاوردن به قرآن و انجام ندادن اعمال صالح

و لقد علمتم الذین اعتدوا منکم فی السبت فقلنا لهم کونوا قرده خسئین

در آیات گذشته (از ۴۱ تا ۴۵ و نیز آیه ۶۲) خداوند بنی اسرائیل را به ایمان و تصدیق قرآن و انجام اعمال صالح دعوت کرد و در آیه مورد بحث سرگذشت شوم اسحاب سبت را یادآور شد تا هشداری باشد به آنها که مبادا با سرپیچی از دعوت خدا و فرمانهای او، به سرنوشتی همانند اصحاب سبت گرفتار آیند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۹ - ۱۲،۱۴

۱۲ - خداوند ، یهودیان کافر به پیامبر (ص) و قرآن را از رحمت خویش به دور و آنان را

مورد لعنت قرار داده است .

فلعنه اللّه على الكفرين

۱۴ - جواز لعنت و نفرین بر آنانی که از سر عناد و لجاجت ، به پیامبر (ص) و قرآن کافر می شوند .

فلعنه اللّه على الكفرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۰ - ۱۶،۱۸

۱۶ - یهودیان ، بر اثر انکار رسالت پیامبر و کفر به قرآن ، خشم خداوند را بر خویش هموار ساختند .

أن يكفروا بما أنزل اللّه بغياً أن ينزل اللّه . .. فباء و بغضب على غضب

<باءوا> به معنای <بازگشتند> است. حرف <باء> در <بغضب> بای مصاحبت یا ملابست می باشد; یعنی، یهودیان از آن مبادله (فروختن خویش به کفر) باز آمدند، در حالی که غضب الهی را به همراه داشتند.

۱۸ - آنان که علی رغم اطمینان به حقانیت قرآن بدان کافر شوند ، به خشم و غضب خدا گرفتار خواهند شد .

أن يكفروا بما أنزل اللّه . .. فباء و بغضب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۱ - ۱۰

۱۰ - کافران به قرآن و پیامبر (ص) خسارت دیدگان واقعی و تباه کنندگان خویش هستند .

و من يكفر به فأولئك هم الخسرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۷ - ۴

۴ - یهود و نصارا ، در صورت نپذیرفتن معارف ابلاغ شده به آنان (ایمان به قرآن ، ایمان به همه پیامبران و . . .) از دشمنان و ستیزه جویان با اسلام و مسلمانان ، تلقی خواهند شد .

فإن ءامنوا

. .. فقد اهتدوا و إن تولوا فإنما هم فی شقاق

<شقاق> به معنای دشمنی و مخالفت کردن است. حرف <فی> می رساند که دشمنی و مخالفت یهود و نصارا با اسلام، سراسر وجود آنان را فرا گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۵ - ۱۰

۱۰ آنان که به قرآن و پیام های آن ایمان نیاورند ، به هیچ سخن هدایت بخش دیگری ایمان نخواهند آورد .

فبأی حدیث بعده یؤمنون

برداشت فوق مبتنی بر دو امر است: ضمیر در <بعده> به قرآن برگردد. حرف <با> در <بأیّ> برای الصاق باشد. یعنی اگر به قرآن ایمان نیاورند، به کدام سخن ایمان خواهند آورد؟

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۷ - ۱

۱- ایمان یا بی ایمانی مردم به قرآن ، تأثیری در حقانیت مفاهیم و معارف آن نخواهد داشت .

و بالحقّ أنزلنه . .. قل ءامنوا به أو لاتؤمنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶ - ۱

۱- ایمان نیاوردن و موضع گیری های نابخردانه کافران در برابر قرآن ، موجب رنجی کشنده و تأسفی عمیق برای پیامبر (ص) بود .

فلعلّک بخع نفسک علی ءاثرهم إن لم یؤمنوابهذا الحدیث أسفًا

<باخع نفسه> به کسی گفته می شود که از شدت هیجان و ناراحتی، خود را به هلاکت بیندازد در <مقاییس اللغه> آمده: آنگاه گفته می شود: که <بخع الرجل نفسه> که او، خویشتن را، به خاطر خشم شدید و شدت هیجان، هلاک سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

– فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۴۱ – ۳

۳ – کفر به قرآن و وحی ، پس از مواجهه با آن [و درک حقانیت آن] مستلزم دوزخی شدن انسان است .

إنّ الذین کفروا بالذّکر لمّا جاءهم

تعبیر <لمّا جائهم> بیانگر این است که که اساساً کفر و انکار زمانی تحقق می یابد که انسان با کلام وحی روبه رو شده و آن را فهم کرده باشد. سپس به انکار آن پرداخته باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – حاقه – ۶۹ – ۵۰ – ۲

۲ – کفرورزی به قرآن ، در پی دارنده پشیمانی و حسرت شدید در قیامت

و إنّه لحسره علی الکفرین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۵۰ – ۱

۱ – آنان که به قرآن ایمان نمی آورند ، به هیچ گفتار هدایت بخش دیگری ، ایمان نخواهند آورد .

فبأیّ حدیث بعده یؤمنون

استفهام <فبأیّ> انکاری و تعجبی است. بر این اساس مفاد آیه چنین است: <وقتی آنان قرآن را که با دلایل روشن همراه است تصدیق نمی کنند، پس مسلم به هیچ سخن حقی ایمان نخواهند آورد>.

آثار کمال قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۱ – ۱۰

۱۰– کمال و عظمت قرآن و نبود کمترین کجی و انحراف در آن ، مقتضی حمد و ستایش در برابر پدیدآورنده آن است .

الحمد للّه الذی . .. لم یجعل له عوجًا

آثار لجاجت با قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۹۷

۱۰- سرسختی و لجاجت در برابر دعوت قرآن ، موجب گرفتاری به عقوبت و عذاب الهی

و تنذر به قومًا لدًّا

آثار مخالفت با قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۸ - ۲

۲ - مخالفت با قرآن و پیام وحی ، دشمنی با خدا است .

قال الذین کفروا لاتسمعوا لهذا القرءان . .. ذلک جزاء أعداء اللّه النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۸ - ۱۱

۱۱ - مخالفت با اسلام و قرآن ، کفر است .

یریدون . .. و اللّه متمّ نوره و لو کره الکفرون

آثار مصونیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۷ - ۱۰

۱۰- ناتوانی همگان از دگرگون ساختن قرآن و سخنان خداوند ، دلیل شایستگی آن برای پذیرش و اطاعت است .

واتل ما أُحی إلیک . .. لامبدّل لکلمته

آثار نزول تدریجی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۲ - ۸

۸- قرآن و نزول تدریجی آیات آن ، مایه تثبیت و تحکیم ایمان مؤمنان است .

نزّله . .. لیثبّت الذین ءامنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۲ - ۳

۳- نقش نزول تدریجی آیه های قرآن ، در زدایش بیماری انسانها

و ننزّل من القرءان ما هو شفاء و رحمه

برخی اهل لغت برآنند که ماده <نزل> در باب تفعیل، به معنای نزول تدریجی است. بنابراین، ذکر نزول قرآن به صورت تدریجی و یادآوری هدف آن که شفاست، گویای

حقیقت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۲ - ۱

۱ تدریجی نازل شدن قرآن ، بهانه و دستاویز کافران برای مخالفت با آن

و قال الذین کفروا لولا نزّل علیه القرءان جمله وحده

مجموعه اشیای به هم پیوسته و بدون فاصله از هم را <جمله> گویند. بنابراین <جمله> در آیه شریفه، به معنای <مجتمعاً> (باهم و دسته جمعی) می باشد (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۱ - ۴

۴ - نقش نزول تدریجی قرآن در بیدارسازی مردم

و لقد وصّلنا لهم القول لعلّهم یتذکّرون

برداشت یاد شده بدان احتمال است که آیه بالا، بیانگر حکمت نزول تدریجی قرآن و پاسخی به بهانه جویی کافران باشد که می گفتند: چرا قرآن مانند تورات یکباره نازل نشده است؟

آثار نزول قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۴ - ۱۰

۱۰ افزایش ایمان مؤمنان و بروز شادمانی در چهره آنان ، با نزول و شنیدن آیه های قرآن

فأما الذین ءامنوا فزادتهم إیمناً و هم یستبشرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۵ - ۱

۱ افزایش پلیدی منافقان بیماردل ، پس از نزول آیه های قرآن و شنیدن آن

و إذا ما أنزلت سوره . .. و أما الذين فی قلوبهم مرض فزادتهم رجساً إلی رجسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۶ - ۴

۴ نزول قرآن بر پیامبر (ص) مایه سرور و شادمانی گروهی

از یهود و نصارا بود .

والذین ءاتینهم الکتب یفرحون بما أُنزل إلیک

جمله <و من الأحزاب . ..> (برخی از یهود و نصارا بخشی از قرآن را نمی پذیرند) حکایت از آن دارد که مراد از <الذین ... یفرحون> همه یهود و نصارا نیستند. از این رو در برداشت سرور و شادمانی به گروهی از آنان نسبت داده شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۲ - ۱

۱- نزول آیات قرآن از جانب خداوند ، جلوه حق و مایه نابودی باطل

و قل جاء الحقّ و زهق البطل . .. و ننزل من القرءان

ذکرِ <و ننزّل من القرآن> پس از اعلام پیروزی حق و شکست باطل می تواند به منظور نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۸ - ۵

۵- اذعان عالمان اهل کتاب به تخلف ناپذیری وعده های خداوند ، با مشاهده تحقق بشارت خدا در پرتو نزول قرآن

أُوتوا العلم من قبله . .. یقولون ... إن کان وعد ربّنا لمفعولاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۲ - ۲

۲- نزول قرآن بر پیامبر (ص) ، احساس مسؤولیت ی سنگین را برای آن حضرت به همراه داشت .

ما أنزّلنا علیک القران لتشقی

از زبان مشفقانه آیه برمی آید که با نزول قرآن پیامبر(ص) مسؤولیت سنگینی را احساس نموده و در جهت انجام آن رنج بسیاری را برخود هموار کرده بود تا به هر طریق ممکن مردم را هدایت کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- طه - ۲۰ - ۵ - ۵

۵ - نزول قرآن ، جلوه ای از رحمانیت خداوند و اقتدار او بر عرش و تدبیرامور است .

تنزیلًا . .. الرحمن علی العرش استوی

گرچه جمله <الرحمان علی. ..> به صورت جمله ای مستقل از آیه قبل است، ولی بیان فرمان روایی خداوند بر هستی و توصیف او به <رحمان> پس از بیان اوصاف قرآن، گویای این است که نزول قرآن، جلوه آن صفات الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱۳ - ۱

۱ - نزول قرآن ، از مبدأ یگانه وحی ، مقتضی پرهیز از هرگونه شرک

و ما تنزّلت به الشیطین . .. فلاتدع مع اللّه إلهًا ءاخر

از این که خداوند پس از نفی هر گونه دخالت شیاطین در امر وحی، نتیجه گیری کرده (با <فاء> تفریع) و خطاب را متوجه دعوت به توحید نموده است، مطلب یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۸ - ۷۸

۷- بعثت پیامبر خاتم (ص) و نزول قرآن ، از نشانه های تحقق حتمی قیامت *

فقد جاء أشراطها

به قرینه آیات پیشین و به میان آمدن نام پیامبر(ص) و استماع کلمات وحی از آن حضرت (من یستمع إلیک. ..)، احتمال دارد مراد از شرایط قیامت، آمدن پیامبرخاتم(ص) و قرآن باشد.

۸- برپایی قیامت و نظام کیفر و پاداش منوط به آمدن پیامبر و قوانین روشنگر *

فقد جاء أشراطها

اگر این احتمال را بپذیریم که مراد از <أشراط>، بعثت پیامبر(ص) و نزول قرآن است و در صورتی که <أشراط> را شرط

بدانیم و نه صرفاً نشانه از آیه شریفه استفاده می شود که آمدن پیامبر و قرآن، شرط کیفر و پاداش است; زیرا تا اتمام حجت نشود، مجازات معنا ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲۱ - ۱،۲،۷

۱ - صخره های ستبر کوه ، خاشع و فروتن از بیم خدا ، در صورت نزول وحی و آیات قرآن بر آن

لو أنزلنا هذا القرءان علی جبل لرأیته خشعًا متصدّعًا من خشیه اللّه

۲ - از هم پاشیده شدن صخره های کوه از بیم خداوند ، در صورت نازل شدن وحی و آیات قرآن بر آن

لو أنزلنا هذا القرءان . .. و تلک الأمثل نضربها

<تصدّع> (مصدر <متصدّعاً>) به معنای شکافته و از هم پاشیده شدن است.

۷ - فروتنی و < فروپاشی کوه ها در صورت نزول قرآن بر آنها > ، تمثیلی به منظور گرایش یافتن انسان ها به اندیشه درباره آیات وحی

لو أنزلنا هذا القرءان علی جبل . .. و تلک الأمثل نضربها للناس لعلّهم یتفکّرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۸ - ۴

۴ - نگهبانان و شهاب ها ، از هنگام نزول آیات قرآن ، مانع استراق سمع جن از آسمان شدند .

و أنّا لمسنا السماء فوجدنها ملئت حرسًا شدیدًا و شهبًا

آیه بعد (فمن یستمع الآن یجد له شهاباً رصداً)، قرینه است بر این که جنیان از استراق سمع از آسمان، از وقت نزول قرآن و استماع آن، منع شده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۹ -

۳ - جن ، از هنگام نزول قرآن ، برای همیشه از استراق سمع از آسمان ، با مانع شهاب ها روبه رو شده و با آن مورد هدف قرار می گرفتند .

فمن یستمع الأن یجد له شهابًا رصدًا

<رصد> اسم جمع <راصد> (مراقب و نگهبان) و در این آیه استعاره است؛ یعنی، <شهاب> به نگهبانی که از چیزی حفاظت و دفاع می کند، تشبیه شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۲ - ۳

۳ - نزول قرآن ، موجب معرفت جن نسبت به جایگاه خداوند در جهان هستی و شناخت موقعیت ضعیف و پوچ خود

و أنّا ظننّا أن لن نعجز اللّه فی الأرض و لن نعجزه هربًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۴ - ۲

۲ - نزول قرآن بر پیامبر (ص) ، مستلزم صبر و شکیبایی آن حضرت در جهت تبلیغ و اجرای تعالیم آن

إنّا نحن نزّلنا علیک القرءان تنزیلاً . فاصبر لحکم ربّک

از تفریع فرمان به صبر (فاصبر)، بر نزول قرآن بر پیامبر(ص) (نزّلنا علیک القرآن) مطلب یاد شده به دست می آید.

آثار نزول قرآن در شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۵ - ۷

۷ - نزول قرآن در شب قدر ، نشان سلامتی معارف آن از هر عیب و نقص است .

إنّا أنزلنه فی لیله القدر . .. سلم هی

آثار نسخ آیات قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۸ - ۳

- ۳

نسخ ادیان و نیز نسخ برخی از آیات و احکام قرآن ، برانگیزنده مسلمانان به طرح پرسشهایی نا به جا از پیامبر (ص)

أم تریدون أن تسئلوا رسولکم

برداشت فوق بر این مبناست که <أن تسئلوا> به معنای پرسش کردن باشد. از آن جا که لحن آیه گویای مذمت است، از آن پرسشها به پرسشهای نا به جا تعبیر شده است.

آثار نسخ در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۱ - ۲

۲- نسخ و تغییر برخی از پیام های الهی ، دستاویزی برای مشرکان در مبارزه با پیامبر (ص) و متهم کردن او به دروغ گویی

و إذا بدّلنا ءایه مکان ءایه . .. قالوا إنما أنت مفتر

آثار وحیانیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۴ - ۱۰

۱۰ خداوند ، با توجه دادن مشرکان به الهی بودن قرآن ، آنان را به پذیرش اسلام و قرآن دعوت کرد .

فإلّم یستجیبوا لکم فاعلموا . .. فهل أنتم مسلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۱۹

۱۹ الهی بودن قرآن و پیراستگی آن از هرگونه باطل ، دلیل ناروا بودن شک و شبهه در راستی و درستی آن

فلاتک فی مریه منه إنه الحق من ربک

جمله <إنه الحق من ربک> به منزله دلیل برای <فلاتک . ..> می باشد.

آثار هدایتگری قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۶ – ۹

۹ – هدایت قرآن ، منجر به عزت و ستودگی

می شود .

یهدی إلی صرط العزیز الحمید

ذکر دو صفت <عزیز> و <حمید> به جای سایر صفات خداوند (به عنوان مضاف الیه <صراط>) اشعار دارد به این که راهی که قرآن انسان ها را به آن رهنمون می کند، راه خدایی است که عزت و ستودگی دارد و طی کنندگان آن راه هم آن دو صفت را به دست خواهند آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲ - ۵،۶،۹

۵ - راهنما بودن قرآن به درستی و حق ، فلسفه و دلیل ایمان آوردن گروهی از جن به این کتاب

یهدی إلی الرشد فامنّا به

<فا> در <فآمنّا> عاطفه و برای ربط مسبب به سبب است; یعنی، چون قرآن به رشد هدایت می کند، پس ما به این سبب به آن ایمان آوردیم.

۶ - راهنما بودن قرآن به راه حق و درستی ، مقتضی ایمان به آن است .

یهدی إلی الرشد فامنّا به

۹ - راهنما بودن قرآن از سوی خداوند ، مقتضی شرک نورزیدن و شریک ندانستن هیچ کس برای او است .

یهدی إلی الرشد فامنّا به و لن نشرک بربّنا أحدًا

آثار هدایتهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۴ - ۱۴

۱۴ - هدایت و شفای قرآن ، مایه فزونی کوردلی کافران لجوج

و هو علیهم عمیً أُولئک ینادون من مکان بعید

آداب استماع قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۱۷

۱۷- سجده و گریه ، به هنگام استماع آیات الهی ، سزاوار و از آداب مواجه شدن با قرآن و

آیات الهی است .

إذا تتلی علیهم ءایت الرحمن خرّوا سجّدًا و بکیًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۳ - ۱

۱ بندگان خالص خدا به هنگام شنیدن و یادآور شدن آیات الهی ، مانند کران و کوران ، با بی اعتنایی و ناخرسندی از آنها نمی گذرند .

و الذین إذا ذکّروا بأیت ربّهم لم یخرّوا علیها صمًّا و عمیانًا

فعل <خرّ> در معنای <سقط> به کار می رود که به معنای فرود از بالا- به پایین است (لسان العرب) و <صمّاً> و <عمیاناً> حال برای فاعل <یخرّوا> است. گفتنی است فعل <لم یخرّوا> در معنای کنایی به کار رفته است و مقصود از آن آن ناخرسندی و امتناع کردن است; زیرا انسان با فرود آوردن سر به طرف پایین، ناخرسندی خود را ابراز می دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۳ - ۲

۲ - اظهار و اقرار کردن ایمان خویش به قرآن به هنگام شنیدن آیات آن ، امری پسندیده و بایسته در پیشگاه خداوند

و إذا یتلی علیهم قالوا ءامنّا به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۱ - ۷

۷ - سجود و به خاک افتادن هنگام شنیدن آیات قرآن ، رفتاری شایسته و مطلوب است . *

و إذا قریء علیهم القرءان لایسجدون

کلمه <سجود> در برداشت یاد شده، به معنای اصطلاحی آن گرفته شده است. این آیه هر چند از آیاتی نیست که سجده واجب دارند; ولی مفاد آن مندوب بودن سجده به هنگام شنیدن هر یک از آیات قرآن

و یا خصوص آیاتی است که در آن فرمان سجود آمده است.

آداب تلاوت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۴ - ۳

۳ تلاوت کننده قرآن ، هر که باشد ، باید به هنگام قرائت او خاموش ماند و به قرآن گوش داد .

و إذا قری القرءان فاستمعوا له و أنصتوا لعلکم ترحمون

برداشت فوق از مجهول بودن فعل <قری> استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۸ - ۱

۱- لزوم پناه بردن به خدا از شرّ شیطان ، به هنگام قراءت قرآن

فإذا قرأت القرءان فاستعذ بالله من الشیطن الرجیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۴ - ۶

۶ - لزوم توجه به معانی و مفاهیم آیات قرآن به هنگام قرائت

و رتّل القرءان ترتیلاً

برداشت یاد شده با توجه به این حقیقت است که قرائت قرآن با تأنّی و شمرده شمرده، در پی دارنده تفکّر و تأمّل در معانی و مفاهیم آیات آن است و شاید مقصود آیه شریفه، بیان این حقیقت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱ - ۳،۴،۹

۳ - پیامبر (ص) ، مأمور آغاز قرائت قرآن ، با نام خداوند

اقرأ باسم ربّک

حرف <باء> در <باسم>، به حال محذوفی نظیر <مبتدءاً> یا <مفتتحاً> تعلق دارد.

۴ - ذکر نام خداوند ، از آداب شروع تلاوت قرآن

اقرأ باسم ربّک

۹ - لزوم توجه به صفات و نشانه های خداوند ، هنگام قرائت قرآن

اقرأ باسم ربّک

حرف <باء> در <باسم ربّک>،

برای الصاق یا استعانت و یا مصاحبت است. و در صورت اخیر مفاد آیه شریفه لزوم همراه ساختن تمام لحظات قرائت با ذکر اسم خداوند است. در حقیقت مراد توجّه به صفات و نشانه هایی است که این اسم، بیانگر آن است.

آرزوی مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۳ - ۷

۷ منکران قرآن پس از برپایی قیامت در آرزوی یافتن شفیعان نجات دهنده از عذاب و یا بازگشت به دنیا برای انجام اعمالی سعادت آفرین

یقول الذین نسوه . .. فیشفعوا لنا او نرد فنعمل غیر الذین کنا نعمل

آمرزش پیروان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۱ - ۱۲

۱۲ - آمرزش و اجر ارزشمند و پرب ها ، پاداش پیروان قرآن و خداترسان

من اتّبع الذکر و خشی الرحمن بالغیب فبشّره بمغفره و أجر کریم

آمرزش تلاوت کنندگان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۰ - ۸

۸ - عالمان خداترس ، تلاوت گران قرآن ، برپادارندگان نماز و انفاق کنندگان ، برخوردار از آمرزش و دارنده نشان سپاس گزاری خداوند

إنّما یخشی اللّه من عباده العلمؤا . .. إنّ الذین یتلون کتب اللّه ... إنّه غفور

آهداف نزول قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۰۵ – ۸،۹

۸ برقراری نظام قضایی عادلانه و برحق در جامعه بشری ، از اهداف نزول قرآن

إنّا انزلنا إليك الكتب بالحق لتحكم بين الناس

توصيف قرآن به حق بودن، بيانگر اين است كه قضاوت

نیز، که از اهداف نزول قرآن است، همواره قرین حق و عادلانه خواهد بود.

۹ برقراری حاکمیت حق در جامعه ، از اهداف نزول قرآن *

إنّا انزلنا إلیک الکتب بالحق لتحکم بین الناس

لازمه قضاوت عادلانه و تشکیلات قضایی، وجود حکومت و حاکمیت نظام حق است.

آیات خدا در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۷ - ۱۱

۱۱ - قرآن ، حاوی آیات الهی است .

و کذلک أنزلنا إلیک الکتب . .. و ما یجحد بأیتنا إلاّ الکفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۹ - ۱

۱ - قرآن ، حاوی آیات روشن الهی است .

و کذلک أنزلنا إلیک الکتب . .. بل هو ءایت بیّنت

مرجع ضمیر <هو>، <الکتاب> در آیه چهل و هفت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۷ - ۱۰

۱۰ - قرآن ، مجموعه ای است از نشانه های خداوند .

کذّبوا بَایتنا

آیات قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷ - ۱۰

۱۰ پیوستگی و انسجام آیات محکم قرآن *

منه ایات محکمات هنّ ام الکتاب

از تعبیر به <ام> که مفرد است، می توان استفاده کرد که کلیّه آیات محکم قرآن، پیوسته و دارای انسجام است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۵ - ۶

۶ دلایل و نشانه های ارائه شده از سوی خداوند ، قابل فهم برای مردم

من بعد ما جاءهم البیّنات

اوّلا از واژه <بیّنه>، روشن و

قابل فهم بودن استفاده می شود; ثانیاً آنگاه احتجاج تمام است و مذمّت بجا، که بیّنات، قابل فهم باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱ - ۲

۲ قرآن ، دارای ساختاری آیه آیه

تلک ءایت الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۵ - ۲

۲ قرآن ، دارای ساختاری آیه آیه است .

و إذا تتلی علیهم ءایاتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱ - ۱

۱ قرآن ، کتابی با عظمت و دارای ساختاری بندبند به نام ((آیه)) .

کتب أُحکمت ءایته

((کتاب)) خبر برای مبتدای محذوف (ذلک) است و نکره آوردن آن برای تعظیم می باشد; یعنی : ذلک الکتاب ، کتابٌ عظیم الشأن .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱ - ۴۸

۴ آیات سوره یوسف ، بخشی از قرآن مبین است .

تلک ءایت الکتب المبین

مشارالیه <تلک> آیات سوره یوسف است. بنابراین <تلک آیات ...> ; یعنی ، آیاتی که پیش روی شماست ، آیات آن کتاب مبین (قرآن) است.

۸ حروف مقطعه قرآن (الر) بخشی از آیات با عظمت قرآن

الر تلک ءایت الکتب المبین

برداشت فوق ، براساس این احتمال است که <تلک> اشاره به <الر> باشد ; یعنی: تلک الحروف آیات . ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱ - ۲،۵

۲ آیات سوره رعد بخشی از قرآن است .

تلک ءایت الکتب

مشارالیه <تلک> آیات سوره

رعد است. بنابراین <تلك آيات ...> ; یعنی ، آیاتی که پیش روی شماست، آیات این کتاب (قرآن) است.

۵ قرآن و آیات آن ، از نشانه های خداوند است .

تلك ءايت الكتب

کلمه <آیات> به معنای نشانه هاست و آیات قرآن به این دلیل آیات نامیده شدند که ویژگیهای نازل کننده خود را نشان می دهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱ - ۲

۲- < الف ، لام ، را > از زمره آیات قرآن کریم بوده و دارای عظمت است .

الر تلك ءايت الكتب

برداشت فوق، بر اساس این احتمال است که <الر> مبتدا و جمله <تلك آيات الكتاب> خبر آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۸ - ۶

۶- آیه های قرآن ، تبلور ربوبیت کامل و بی نقص خداوند نسبت به انسان ها ، در نظر آگاهان

إن الذين أُوتوا العلم . .. إذا يتلى عليهم ... يقولون سبحن ربّنا إن كان وعد ربّن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۳ - ۶

۶ آیات قرآن ، جلوه ربوبیت خداوند

ذكّروا بأيت ربّهم

برداشت فوق از اضافه شدن <آیات> به <ربّهم> استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۶ - ۳

۳ - آیات قرآن ، از نشانه ها و جلوه های ربوبیت پروردگار است .

و ما تأتیهم من ءایه من ءایت ربّهم

برداشت یاد شده بر این پایه استوار است که مقصود از <آیات>، آیه های قرآن می باشد و اضافه آن

به صفت <ربّ>، بیانگر مطلب بالا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳ - ۱،۶

۱ - آیات قرآن ، دارای مفاهیمی روشن و بی ابهام

کتب فصّلت ءایته

برداشت یاد شده بر این مبنا است که <فصّلت>، به معنای <به روشنی بیان شده> باشد.

۶ - آیات قرآن ، برخوردار از فصاحت و شیوایی *

قرءانًا عربیًّا

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <عربیّاً> به معنای سخن فصیح و شیوا باشد. در برابر اعجمی که به معنای غیر فصیح می باشد (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴ - ۱،۲

۱ - آیات روشن قرآن ، بشارت دهنده و انذارکننده مردمان

کتب فصّلت ءایته . .. بشیرًا و نذیرًا

۲ - بشارت و انذار ، دو پیام مهم و روشن آیات قرآن

کتب فصّلت . .. بشیرًا و نذیرًا

با توجه به این که قرآن در بردارنده مفاهیم مختلف معرفتی است، تخصیص به ذکر یافتن بشارت و انذار، نشان گر اهمیت و برجستگی آن دو است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۴ - ۶

۶ - مجموعه آیات قرآنی ، به دور از هرگونه ابهام و برخوردار از فصاحت

و لو جعلنه قرءانًا أعجميًّا لقالوا لولا فصّلت ءايته

<أعجمی> منسوب به <أعجم> است و <أعجم> به کسی گفته می شود که کلام او دارای ابهام بوده و گویا نباشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – طلاق – ۶۵ – ۵ – ۲

۲ – آیات قرآن ، حامل فرمان های الهی به انسان ها

ذلک أمر اللّه

أنزله إليكم

آيات محكم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۵ - ۳۵

۳۵ - راوى مى گويد : < سألت أبا عبداللّه (ع) عن القرآن و الفرقان . . . فقال : القرآن جمله الكتاب و الفرقان المحكم الواجب العمل به ;

از امام صادق(ع) از معناى قرآن و فرقان پرسيدم، فرمود: <قرآن> همه كتاب است و فرقان،]آيات [محكمى است كه عمل به آن واجب مى باشد>.

آيه بندى قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱ - ۵

۵- نام گذارى آخرين كتاب آسمانى به < قرآن > و تقسيم بندى آن به < آيات > ، از جانب خداوند بود .

الر تلك ءايت الكتب و قرءان مبين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۶ - ۲

۲ - قرآن ، كتابى است با ساختارى آيه آيه .

أنزلنه ءايت

<آيات> جمع <آيه> و حال براى ضمير مفعول در <أنزلناه> است; يعنى، قرآن را در حالى كه مجموعه اى از آيه هاى واضح و روشنگر است، نازل كرديم.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۱ - ۴

۴ – ساختار قرآن ، ساختاری است بندبند که هر بند آن آیه نام دارد .

فی ءایتنا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۵۷ – ۹

۹ – قرآن ، دارای ساختاری است آیه آیه .

کذّبوا بَایتنا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲

- ۷۲ - ۱

۱ - قرآن ، دارای ساختاری بندبند که هر بند آن < آیه > نامیده می شود .

و إذا تتلی علیهم ءایتنا بیّنت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۶ - ۳

۳ - آیه ، نامی نهاده شده از سوی خدا بر بندبند نثر قرآن

قد کانت ءایتی تتلی علیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱ - ۸

۸ قرآن ، کتابی است که به تدریج و جدا جدا (آیه آیه و سوره سوره) بر پیامبراسلام (ص) فرود آمد .

تبارک الذی نزّل الفرقان علی عبده

از دیدگاه برخی از مفسران چون زمخشری، قرآن به این دلیل به فرقان (جدا کننده) نام گذاری شده است که آیات و سوره های آن جدا جدا و با فاصله و به تدریج گردیده بود. ; مثلا در آیه ۱۰۶ <سوره اسراء> آمده است: <و قرآناً فرقناه لتقرأه علی الناس علی مکث و نزّلناه تنزیلاً>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲ - ۲

۲ - عبارات قرآن ، ساختاری بندبند دارد و هر بند آن آیه نامیده می شود .

تلک ءایت الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱ - ۲

۲ - سوره های قرآن ، دارای ساختاری بندبند به نام آیه

تلک ءایت القرءان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲ - ۲

۲ - سوره های قرآن ، دارای ساختاری بندبند به نام <

آیه >

تلک ءایت الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲ - ۶

۶ - ساختار قرآن ، به صورت آیه ، آیه است .

تلک ءایت الکتب الحکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۶ - ۴

۴ - نام گذاری بند بند قرآن ، به < آیه > از سوی خداوند

و ما تأتیهم من ءایه من ءایت ربّهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۹ - ۹

۹ - قرآن ، دارای ساختاری بند بند به نام < آیه >

کتب . .. لیدّبّروا ءایته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴ - ۴

۴ - قرآن ، دارای ساختاری بندبند به نام < آیه >

ءایت اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳ - ۲

۲ – ساختار قرآن ، ساختاری آیه آیه است .

فصّلت ءایته

برداشت یاد شده، مبتنی بر کاربرد ماده <فصل> در معنای تفصیل و تجزیه است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۹ – ۵

۵ – قرآن ، دارای ساختاری بند بند است و هر بند آن آیه نامیده می شود .

هو الذی ینزّل علی عبده ءایت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – مجادله – ۵۸ – ۵ – ۷

۷ – قرآن ، دارای ساختاری بندبند است و هر یک از بند های آن < آیه > نامیده می شود .

و قد أنزلنا ءایت

بیّنت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قلم – ۶۸ – ۱۵ – ۵

۵ – قرآن ، دارای ساختاری بند بند به نام < آیه >

ءایتنا

ابزار تبیین قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۹۷ – ۴

۴– نقش اساسی زبان عربی ، در تسهیل بیان معارف و محتوای بلند قرآن

فإنّما یسّرنه بلسانک

ابزار نزول قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – قدر – ۹۷ – ۱ – ۲

۲ – وجود وسایط در نزول قرآن ، از جانب خداوند

إنّا أنزلنه

ضمیر جمع در <أنزلناه>، می تواند ناظر به نقش وسایط در نزول قرآن باشد.

ابعاد اعجاز قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۸۸ – ۱۱

۱۱– اعجاز قرآن در همه زمینه ها و ابعاد (لفظی ، معنوی ، معرفتی و . . .) بوده و تحدی آن در همه این ابعاد است .

قل لئن اجتمعت الإنس و الجنّ . .. لايأتون بمثله

مخاطب قرار گرفتن همه جن و انس در طول تاریخ، نشانگر آن است که تنها عرب مخاطب این تحدی نیست تا زمینه تحدّی فقط بعد لفظی و ادبی قرآن باشد.

ابعاد تحدی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۸ - ۱۱

۱۱- اعجاز قرآن در همه زمینه ها و ابعاد (لفظی ، معنوی ، معرفتی و . . .) بوده و تحدی آن در همه این ابعاد است .

قل لئن اجتمعت الإنس و الجنّ . .. لايأتون بمثله

مخاطب قرار

گرفتن همه جن و انس در طول تاریخ، نشانگر آن است که تنها عرب مخاطب این تحدی نیست تا زمینه تحدّی فقط بعد لفظی و ادبی قرآن باشد.

ابلاغ قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۵ - ۳،۴

۳ - محدود بودن ثبت و ابلاغ قرآن به سفیران خداوند ، تضمین کننده پاکی و پیراستگی آن از هرگونه خطا و باطل

مطهّره . بأیدی سفره

عبارت <بأیدی سفره>، ممکن است متعلق به <مطهّره> باشد; بر این اساس عامل تطهیر قرآن از خطا و باطل، آن است که تنها دستان سفیران الهی آن را ثبت و ابلاغ می کند و دیگران از دسترسی به آن ناتوان اند.

۴ - فرشتگان وحی نویسندگان قرآن از لوح محفوظ و ابلاغ کنندگان آن به پیامبر (ص)

بأیدی سفره

در این که مراد از <سفره> چه کسانی اند; نظرهایی چند ارائه شده است. از جمله این که به قرینه توصیف آنان به <کرام> در آیه بعد، مراد ملائکه وحی می باشند; زیرا در سوره ای دیگر (انفطار، ۱۱) نیز برای ملائکه، وصف <کرام> ذکر شده است. استنساخ قرآن از لوح محفوظ، برای نازل ساختن آن بر پیامبر(ص)، احتمالی است که با این آیات و مراحل نزول قرآن سازگار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۴ - ۴،۵

۴ - قرآن در مرحله ابلاغ به مردم ، همانند مرحله نزول و دریافت ، مصون از تحریف و کتمان است .

و ما هو علی الغیب بضنین

۵ - بخیل نبودن و امتناع نورزیدن پیامبر (ص) از ابلاغ تمام

آیات قرآن به مردم ، ضامن مخفی نماندن هیچ آیه ای از آن است .

و ما هو علی الغیب بضنین

ابلاغ قرآن به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۹ - ۲،۳،۴،۵

۲ - خداوند برای ابلاغ قرآن ، فرستاده ای را به سوی پیامبر (ص) گسیل داشت .

إنّه لقول رسول

ضمیر <إنّه> به قرینه سیاق آیات به قرآن برمی گردد. مراد از <رسول> به قرینه مقابله این آیه با جمله <و ما هو بقول شیطان> در آیات بعد مأمور ابلاغ قرآن به پیامبر(ص) است که در بعضی از سوره ها، جبرئیل عهده دار این وظیفه معرفی شده است.

۳ - فرستاده خداوند برای ابلاغ قرآن به پیامبر (ص) ، واجد تمام کمالاتی است که برای پیام رسان ضروری است .

رسول کریم

هر چیز که در زمینه مربوط به خود، والا مرتبه باشد با وصف <کَرَم> توصیف می شود. (مفردات راغب)

۴ - جبرئیل ، دارای ویژگی ها و رفتاری پسندیده و فرستاده ای بزرگوار برای ابلاغ قرآن

رسول کریم

<کرم> واژه ای است که در مورد زیبایی های والا و کارهای پسندیده کاربرد دارد. (مفردات راغب)

۵ - خداوند ، در تأکید بر مأموریت جبرئیل در ابلاغ قرآن به پیامبر (ص) ، به ستارگان و شب و سپیده دم سوگند یاد کرده است .

فلاأُقسم بالخنّس . .. و الّیل ... و الصبح ... إنّه لقول رسول کریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۰ - ۲

۲ - جبرئیل ، به دور از هرگونه نقص و

ناتوانی در ابلاغ پیام خداوند به پیامبر (ص)

ذی قوّه

مراد از <قوّه> ممکن است نیروی لازم برای انجام رسالت باشد. در این صورت به معنای فراموش کار نبودن و توانمندی جبرئیل بر دریافت کامل قرآن و حفاظت از آن، تا مرحله رساندن به پیامبر(ص) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۱ - ۲،۵،۷

۲ - جبرئیل در ابلاغ قرآن به پیامبر (ص) ، تنها نبود و مأمورانی فرمان پذیر در اختیار داشت .

لقول رسول . .. مطاع

۵ - جبرئیل در ابلاغ قرآن به پیامبر (ص) ، امانت داری قابل اعتماد و به دور از هرگونه دخل و تصرف در آن بود .

إنّه لقول رسول . .. أمین

۷ - توجّه به شرافت جبرئیل و نیرومندی ، منزلت الهی ، فرمان روایی بی چون و چرا و امانت داری او ، زمینه ساز باور به سلامت قرآن در مرحله نزول و ابلاغ به پیامبر (ص)

إنّه لقول رسول کریم . ذی قوّه عند ذی العرش مکین . مطاع ثَمّ أمین

اتقاق قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۲ - ۶

۶ - زدوده شدن شبهات شیطانی از آیات تلاوت شده توسط پیامبران و استوار گشتن آن به اراده خداوند

فینسخ اللّه ما یلقی الشیطن ثمّ یحکم اللّه ءایته

<نسخ> (مصدر <ینسخ>) به معنای ازاله، ابطال و زدودن است. <ما> (مفعول <ینسخ>) کنایه از شبهاتی است که شیطان به هنگام تلاوت آیات الهی توسط پیامبران، در آنها می نهاد. <احکام> نیز به معنای استوار کردن است. بنابراین معنای

جمله فوق چنین می شود: آن گاه خداوند شبهات شیطانی را می زدود و آیات خود را پس از سست و لرزان شده با آن شبهات، محکم و استوار می ساخت.

اتقان آیات قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱ - ۲،۹

۲ همهء آیات قرآن و تعالیم آن ، متقن و از هرگونه خلل و بطلان پذیری مبرّاست .

کتب أُحکمت ءایته

اِحکام (مصدر اُحکمت) به معنای اتقان است . بنابراین ((اُحکمت آیاته)) گویای این است که : آیه های قرآن ، متقن است و هیچ خللی نداشته و بطلان در آنها راه ندارد.

۹ اتقان قرآن و روشنی آیه های آن ، جلوه ای از حکیم و خبیر بودن خداوند است .

کتب أُحکمت ءایته ثم فصلت من لدن حکیم خبیر

اتقان تعالیم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۵ - ۵

۵ - بنیان های متقن مفاهیم و معارف قرآن ، گواه مبرّا بودن آن از تخیّلات شاعرانه

و الشعراء یتّبعهم الغاون . ألم تر أنّهم فی کلّ واد یهیمون

اتقان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲ - ۳

۳ - قرآن کتابی متقن و منزه از هر گونه زمینه تردید افکن و شبهه ساز در حقانیت آن

لاریب فیه

<ریب> به معنای شک و نیز چیزی که مایه شک باشد، آمده است. برداشت فوق با توجه به معنای دوم استفاده شده است. بر این مبنا <لاریب فیه> یعنی در قرآن مسأله ای که موجب شک در حقانیت آن بشود، هرگز وجود

ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱ - ۴

۴ قرآن ، کتابی است پاینده و خلل ناپذیر .

الکتب الحکیم

برداشت فوق بر این اساس است که <حکیم> به معنای <محکَم> باشد ; زیرا <إحکام> (مصدر محکم) به معنای بازداشتن و مصون ساختن چیزی از فساد و تباهی است. توصیف <کتاب> به <حکیم> بیانگر اتقان، پایندگی و خلل ناپذیری آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲ - ۵

۵ - ربوبیت خداوند ، مقتضی فرستادن قرآنی خلل ناپذیر و متقن است .

تنزیل الکتب لاریب فیه من ربّ العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲ - ۴

۴ - قرآن ، کتابی است پاینده ، استوار و خلل ناپذیر .

و القرءان الحکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۱ - ۸

۸ - آیات قرآن و معارف آن ، حقایقی استوار و تردید ناپذیر

و إنّه لکتب عزیز

<عزیز> به معنای شکست ناپذیر است که مراد از آن در آیه شریفه، استحکام و خلل ناپذیری قرآن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵ - ۱،۲

۱- قرآن حقيقتى مستحكم ، خلل ناپذير و نازل شده از سوى خداوند

إنّا أنزلنه . .. أمر حكيم ... أمرًا من عندنا

كلمه <أمراً> مى تواند حال براى ضـمير مفعولى <أنزلناه> باشد. در اين صورت از ارتباط آن با <أمر حكيم> در آيه قبل، مطلب بالا استفاده مى شود.

۲- حقايق نازل شده از

جانب خداوند ، برخوردار از استحکام و نمود کاردانی و حکمت

یفرق کلّ أمر حکیم . أمرًا من عندنا

<أمراً> می توانـد به فعل مقـدر (مانند <أعنی>) منصوب شده باشد و یا حال برای <أمر> و یا ضـمیر <أنزلناه> در آیات قبل به شمار آید. در هر صورت از ارتباط دو آیه، مطلب یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲ - ۶

۶- محتوای قرآن ، حقایقی استوار و ابطال ناپذیر

تنزیل الکتب من اللّه العزیز الحکیم

نسبت دادن تنزیل قرآن به خداوند عزیز و حکیم، می تواند اشاره به این نکته داشته باشد که قرآن نیز، همچون نازل کننده آن عزیز و شکست ناپذیر است.

اتمام حجت با قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۴ - ۵

۵ - آیات قرآن ، اتمام حجت خداوند بر منکران رسالت

أوَلم تأتهم بیّنه . .. و لو أنّا أهلکنهم بعذاب من قبله ... فنتّبع ءایتک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۰ - ۱۰

۱۰ - قرآن ، وسیله اتمام حجت بر کافران و تحقق بخش وعده الهی درباره آنان است .

و قرءان مبین . لینذر ... و یحقّ القول علی الکفرین

از عطف جمله <و یحقّ الحقّ . ..> بر جمله <لینـذر> که لام در این جمله برای تعلیـل است برداشت یـاد شـده به دست می آید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۳۵ – ۱۵

۱۵– قرآن و انذار های بیدارگرانه آن ، اتمام

حجت الهی بر خلق

بلغ

<بلاغ> خبر برای <هذا>ی مقدر است. و آن اشاره به آیات هشدارگر قرآن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵ - ۳

۳ - پیام های حکیمانه و رسای قرآن ، اتمام حجت الهی بر خلق

و لقد جاءهم . .. حکمه بلغه

برداشت فوق با توجه به این است که آیه قبل از <و لقد جاءهم. ..> در مقام بیان علت مجازات کافران و اتمام حجت بر ایشان بود بر این اساس می توان از <حکمه بالغه...> که بدل از <ما فیه...> است مطلب بالا را استفاده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۹ - ۷

۷ - با ارائه قرآن به انسان ها ، حجّت الهی بر آنان تمام است .

إنّ هذه تذکره فمن شاء اتّخذ إلی ربّه سبیلاً

خداوند، با ارائه آیات قرآن که مایه بیداری و تذکار است (هذه تذکره) حجتش را بر آدمیان تمام کرده و این انسان است که باید راه دین را، طریق زندگی خویش قرار دهد (اتّخذ إلی ربّه سبیلاً).

اتمام حجت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۲ - ۷

۷ انسان ها با نزول قرآن و دریافت آن هیچ عذر و توجیهی برای گرایش به کفر ، به فراموشی سپردن قیامت ، فریب خوردن به حیات دنیا و انکار آیات الهی ندارند .

الذین اتخذوا دینهم لهواً و لعباً . .. و لقد جئنهم بکتب

آیه مورد بحث در پی بیان گرفتاری کافران به آتش دوزخ و

بیان عامل دوزخی شدن آنان، اشاره به اتمام حجت الهی برای همگان دارد. یعنی با نزول قرآن و معارف آن بهانه ای برای روی آوری به عقاید و اعمالی که در آیه قبل علل گرفتاری به دوزخ معرفی شده، وجود ندارد.

اجتناب از استماع قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۶ - ۲

۲ پرهیز کافران مکه در صدر اسلام از گوش فرادادن به قرآن و سخنان آسمانی پیامبر(ص)

و ینئون عنه

<نَأَیَ> به معنی دور شدن است و <ینئون عنه> یعنی مشرکان از قرآن و وحی دوری می گزینند.

اجتناب از استهزای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۹ - ۷،۸

۷ مسلمانان در همنشینی با کافران و مشرکان بی طرف باید با تذکر آنان را از مغلطه و استهزای در اسلام و قرآن بر حذر دارند. *

و ما علی الذین یتقون من حسابهم من شیء و لکن ذکری لعلهم یتقون

۸ حفظ قداست قرآن و اسلام و بازداشتن دیگران از یاوه سرایی و تخطئه و استهزای آن، وظیفه مسلمانان است.

و ما علی الذین یتقون . .. و لکن ذکری لعلهم یتقون

اجتناب از تجزیه قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۱ - ۴

۴- لزوم ایمان به مجموعه معارف و آموزه های قرآن و اسلام و پرهیز از هرگونه تجزیه و التقاط در آن

المقتسمین. الذین جعلوا القرءان عضین

اجتناب از تعجیل در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۴ -

۲۳ - ترک تعجیـل در نزول تمامی قرآن و سـکوت کامل تا پایان نزول هر آیه ، زمینه ساز افزایش علوم پیامبر (ص) از جانب خداوند

و لاتعجل بالقرءان . .. و قل ربّ زدنی علمًا

اجتناب از تواضع برای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۱ - ۶

۶ - امتناع برخی از مردم ، از فروتنی و تواضع هنگام شنیدن و دریافت آیات قرآن ، شگفت آور و توجیه ناپذیر است .

فما لهم . .. و إذا قریء علیهم القرءان لایسجدون

اجتناب از تهمت افسانه به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۵ - ۲

۲ - افسانه پنداشتن قرآن ، پنداری واهی و سزاوار پرهیز است .

قال أسطیر الأوّلین . کلاّ ... کلاّ

حرف <کلاّ> در این آیه، می تواند تأکید <کلاّ> در آیه قبل باشد.

اجتناب از دعوت به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۷ - ۷

۷ - ر ها ساختن تعالیم قرآن و کناره گیری از فراخواندن مردم به سوی آنها ، زمینه ساز قرار گرفتن در صف کافران است .

لایصدّنّک عن ءایت اللّه . .. و ادع إلی ربّک و لاتکوننّ من المشرکین

گفتنی است که از صدر و ذیل آیه شریفه؛ یعنی، ارتباط میان موضوع جدا شدن از صف مشرکان و موضوع ابلاغ رسالت الهی و دعوت به توحید، برداشت یاد شده به دست می آید.

اجتناب از کفر به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره -

۲ - ۴۱ - ۷

۷ - خداوند ، بنی اسرائیل (یهودیان و نصرانیان) را از انکار قرآن و کافر شدن به آن ، بر حذر داشت .

و لاتکونوا أول کافر به

ضمیر در <به> می تواند به <ما أنزلت> و یا به <ما معکم> برگردد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

اجتناب از مخالفت با قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۵ - ۳،۵

۳ همگان باید از قرآن پیروی کنند و از مخالفت با آن پرهیز کنند.

فاتبعوه و اتقوا

متعلق <اتقوا> هم می تواند <مخالفت با قرآن> باشد و هم می تواند <پیروی از قوانین غیر قرآنی> باشد.

۵ پیروی از قرآن و پرهیز از مخالفت با آن، زمینه ساز جلب رحمت الهی است.

فاتبعوه و اتقوا لعلکم ترحمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۲ - ۱

۱ - لزوم تأمل و تدبر انسان ، درباره حقانیت قرآن و پرهیز از مخالفت عجولانه با آن

قل أرءیتم إن کان من عند اللّه ثمّ کفرتم به من أضلّ

اجمال قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳ - ۳

۳ - قرآن ، قبل از نزول تدریجی و تفصیلی ، دارای وجودی اجمالی و تفصیل نایافته *

تنزيل من . .. فصّلت ءايته

جمله <فصّلت آياته> اشعار به آن دارد كه قرآن، قبل از نزول به صورت فعلى، در عالمى ديگر وجودى اجمالى و كلى داشته است.

احاطه محمد(ص) بر قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶

۴ احاطه کامل پیامبر اکرم(ص) به محتوای قرآن *

إنی علی بینه من ربی

<علی> حرف استعلاست و به کارگیری آن در <علی بینه> اشاره به این است که پیامبر بر بینه خویش (قرآن) احاطه و اشراف کامل دارد.

احتجاج قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۵ - ۱۸،۱۹،۲۰

۱۸ استدلال های قرآن بر وحدانیت خداوند و بطلان تثلیث بسیار روشن و سزاوار تأمل

ما المسیح . .. انظر کیف نبین لهم الایت

الف و لام در <الایت> برای عهد و اشاره به استدلالهایی است که در آیه آمده است.

۱۹ لزوم تأمل و اندیشه در چگونگی استدلال های قرآن

انظر کیف نبین لهم الایت

کلمه <نظر> به معنای دقت کردن است.

۲۰ اصرار مسیحیان بر تثلیث و الوهیت مسیح (ع) علی رغم استدلال های روشن قرآن بر بطلان عقیده آنان

انظر کیف نبین لهم الایت ثم انظر انی یؤفکون

<یوفکون> از مصدر <افک> به معنای بازگرداندن است. و <انی> به معنای کجا و چگونه است، بنابراین جمله <انظر انی یوفکون> یعنی بنگر آنان علی رغم بیان دلایلی روشن بر واهی بودن تثلیث و الوهیت مسیح(ع) چگونه از حق منحرف می شوند و به کجا نگون می گردند.

احترام به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۰ - ۶

۶ قرآن ، کتابی است با عظمت و مؤمنان وظیفه دار حراست از حرمت و منزلت آن

و قال الرسول یربّ إنّ قومی اتّخذوا هذا القرءان مهجورًا

برداشت فوق، از اسم اشاره <هذا> در <هذا القرآن> که بر تعظیم

و تفخیم دلالت دارد استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۳ - ۱

۱ بندگان خالص خدا به هنگام شنیدن و یادآور شدن آیات الهی ، مانند کران و کوران ، با بی اعتنایی و ناخرسندی از آنها نمی گذرند .

و الذین إذا ذکّروا بأیت ربّهم لم یخرّوا علیها صمًّا و عمیانًا

فعل <خرّ> در معنای <سقط> به کار می رود که به معنای فرود از بالا ـ به پایین است (لسان العرب) و <صمّاً> و <عمیاناً> حال برای فاعل <یخرّوا> است. گفتنی است فعل <لم یخرّوا> در معنای کنایی به کار رفته است و مقصود از آن آن ناخرسندی و امتناع کردن است; زیرا انسان با فرود آوردن سر به طرف پایین، ناخرسندی خود را ابراز می دارد.

احترام قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۳ - ۲،۳

۲ - اوراق قرآن ، دارای عظمت و احترام در پیشگاه خداوند

مکرّمه

آنچه در نوع خود شریف باشد، به <کرم> توصیف می شود(مفردات راغب). باب تفعیل این کلمه (تکریم)، به معنای <عظمت دادن> و <پاک و منزّه ساختن> است (لسان العرب). بنابراین توصیف صفحات قرآن به <مکرّمه>، حاکی از این است که خداوند آنها را عظمت داده و محترم داشته است.

۳ - لزوم گرامی داشتن و ارج نهادن به ورق قرآن و آیات مکتوب آن

فی صحف مکرّمه

توصیف صفحات قرآن به <مکرّمه>، گرچه خبر از حقیقتی خارجی می دهد; ولی متضمن توصیه شدن مسلمانان به حفظ احترام قرآن نیز هست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

عبس - ۸۰ - ۱۴ - ۵،۶

۵ - لزوم جای دادن قرآن ، در مکانی برجسته و شریف

مرفوعه

خبر از رفعت مقام قرآن علاوه بر بیان حقیقت آن توصیه به مسلمانان نیز می باشد که باید قرآن را در مقامی رفیع، قرار دهند و جای عالی رتبه ای برای آن در نظر گیرند.

۶ - لزوم پاک نگه داشتن قرآن از هر آلودگی و خباثت

مطهّره

احترام کاتبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۶ - ۱

۱ - نویسندگان قرآن در صفحه های پاکیزه و با عظمت ، شخصیت هایی بزرگوار و دارای ارزش و احترام در پیشگاه خداوند

بأیدی سفره . کرام

احکام تلاوت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۴ - ۱

۱ وجوب گوش فرادادن به قرآن و رعایت سکوت به هنگام شنیدن آن

و إذا قری القرءان فاستمعوا له و أنصتوا

<استماع> (مصدر استمعوا) به معنای گوش سپردن و <انصات> (مصدر <أنصتوا>) به معنای سکوت کردن است.

احکام قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۵ - ۹

۹ خبرهای قرآن صادق و معارف، احکام و قوانین آن بر میزان عدل است.

و تمت کلمت ربک صدقا و عدلا

احیاگری قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۱

۱ - ارائه نمونه های عینی از نیکان و بدان ، از روش های قرآن در راستای بیدارکردن و هدایت خلق

ضرب اللّه مثلاً للذین کفروا امرأت نوح

گفتنی است آنچه خداوند در این آیه،

به عنوان ضرب المثل ذکر فرموده، دارای حقیقت و وجود خارجی است.

اخبار قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۵ - ۹

۹ خبرهای قرآن صادق و معارف، احکام و قوانین آن بر میزان عدل است.

و تمت کلمت ربک صدقا و عدلا

ادب قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۳ - ۲۶

۲۶ رعایت ادب در قرآن نسبت به بیان مسائل جنسی و مانند آن

او جاء احد منکم من الغائط او لمستم النساء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶ - ۲۲

۲۲ رعایت ادب در قرآن نسبت به بیان مسائل جنسی و مانند آن

او جاء أحد منکم من الغائط او لمستم النساء

<غائط> به معنای گودال است و آمدن از گودال، کنایه از خروج بول و مدفوع است و <المس> به معنای تماس، کنایه از جماع و نزدیکی است. برداشت فوق را فرمایش امام صادق(ع) تأیید می کند که درباره <او لامستم النساء> فرمود: هو الجماع و لکن اللّه ستیر یحب الستر فلم یسم کما تسمون.

کافی، ج ۵، ص ۵۵۵، ح ۵; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۵۲، ح ۹.

ادعای پیشینه برای قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۱۱ – ۱۲

۱۲– کافران ، مدعی دروغ بودن قرآن و پیشینه داشتن آن

فسیقولون هذا إفک قدیم

ادعای دریافت قرآن از شیطان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکویر – ۸۱ – ۲۵ – ۵

۵ – ادعای ارتباط

پیامبر (ص) با شیطان و دریافت قرآن از او ، از ترفند های تبلیغاتی دشمنان اسلام در عصر بعثت

و ما هو بقول شیطن رجیم

ادعای همانندسازی برای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۳ - ۹،۱۱،۲۴

۹ ادعـای عـدم نزول وحی، به دروغ مـدعی نبوت شـدن و ادعای آوردن ماننـد برای قرآن، از روشـهای مخالفان برای مبارزه با اسلام و پیامبر(ص) بود.

ما أنزل الله علی بشر . .. افتری علی الله کذبا أو قال أوحی إلیّ ... سأنزل مثل ما

۱۱ مدعیان دروغین وحی و کسانی که مدعی آوردن مانندی برای قرآن هستند به هنگام احتضار حالتی بس دشوار دارند.

أوحی إلیّ و لم یوح إلیه شیء و من قال . .. و لو تری إذ الظلمون فی غمرت الموت

۲۴ دروغ بستن به خداوند و به دروغ مدعی دریافت وحی شدن و ادعای آوردن مانند برای قرآن، سخنانی باطل و ناحق است.

ممن افتری علی الله کذبا أو قال . .. بما کنتم تقولون علی الله غیر الحق

ادیان در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۲ - ۸

۸ - دین یهود ، نصارا و صابئان از آیین های به رسمیت شناخته شده در قرآن

إن الذین ءامنوا و الذین هادوا و النصری و الصبئین

از نکته هایی که می تواند توجیه کننده آوردن عناوین مذکور باشد، اعلام رسمیت آیینهای یاد شده است.

ارزش اطاعت از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۳ – ۴

۴- ملاک اصلی ارزش اعمال

، پیروی از قرآن و تعالیم الهی است .

و ءامنوا بما نزّل علی محمّد و هو الحقّ من ربّهم کفّر عنهم سیّئاتهم و أصلح بالهم

تعبیر <الحقّ من ربّهم> هر چند مطلق است; ولی با توجه به آیه قبل که تعبیر <الحقّ> در مورد قرآن و <و ما نزّل علی محمّد> به کار رفته می رساند که مصداق بارز حق <قرآن> است.

ارزش تعالیم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۰ - ۱۲،۱۴

۱۲ احکام و قوانین آن ، بهترین قانون و نیکوترین حکم

و من احسن من اللّه حکماً

۱۴ تنها اهل یقین ، قادر بر تشخیص برتری احکام قرآن بر دیگر قوانین هستند .

و من احسن من اللّه حکماً لقوم یوقنون

حکم خدا، برترین حکم است، چه اهل یقینی وجود داشته باشند و یا وجود نداشته باشند ; بنابراین قید <لقوم یوقنون> به سؤال در <و من احسن> باز می گردد ; یعنی جواب این سؤال، تنها از اهل یقین بر می آید ; چون تنها آنان به این حقیقت واقفند.

ارزش تعقل در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲ - ۱۰

ارزش تعلم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۱ - ۱۰

۱۰ - زدودن آلودگی ها و ناپاکی ها از خویشتن ، فراگیری قرآن و آموختن حکمت ، احکام و معارف دین ، دارای جایگاهی

رفیع و ارزشمند

کما أرسلنا فیکم رسولا . .. و یعلمکم الکتب و الحکمه

ارزش تعلیم قرآن

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲ - ۳

۳ - تعلیم قرآن ، نعمت و ارزشی فراتر از اصل خلقت انسان و نعمت های دیگر

علّم القرءان . خلق الإنسن

سوره <الرحمان>، حاوی بیان انواع نعمت هایی است که خداوند به انسان عطا کرده است. از این که مسأله تعلیم قرآن، سرآغاز همه نعمت ها و حتی آفرینش انسان قرار گرفته، مطلب بالا استفاده می شود.

ارزش تلاوت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۹ - ۳

۳ - ارزش و اهمیت تلاوت قرآن کریم

إنّ الذین یتلون کتب اللّه

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که تلاوت قرآن کریم، در ردیف برپایی نماز و انفاق، از اوصاف عالمان راستین و خداترسان قرار گرفته است.

ارزش قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۹ - ۱

۱ - قرآن ، کتابی است ارجمند و با عظمت و نازل شده از پیشگاه خداوند

و لما جاءهم کتب من عند اللّه

نکره آوردن <کتاب> و تصریح به اینکه از نزد خدا آمده است، دلالت بر عظمت و ارجمندی قرآن دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹ - ۳

۳ متاع دنیا در مقایسه با دین خدا و کتاب او (قرآن) ، متاعی اندک است .

اشتروا بأيت اللّه ثمناً قليلا

خداونـد سوداگری بر سـر دین را ثمن قلیل و بهای ناچیز شـمرد (ثمناً قلیلا) این حقیقت بیانگر این است که متاعهای دنیوی در مقایسه با ارزش دین بسیار اندک است.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۸ - ۳

۳- تمامی ثروت ها ، امکانات و جلوه های زندگی دنیا ، در مقایسه با دین داری و شناخت حقایق نورانی قرآن ، ناچیز و بی فروغ است .

و لقد ءاتینک سبعًا من المثانی و القرءان العظیم . لاتمدّنّ عینیک إلی ما متّعنا به

نهی از چشم دوختن به متاعها و امکانات مادی دنیا، پس از یادآوری اعطای نعمت بزرگ قرآن به پیامبر(ص)، می تواند بیانگر برداشت فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲ - ۳

۳ قرآن ، کتابی ارجمند و والا ، نزد خداوند

و الکتب المبین

<واو> در <والکتاب> واو قسم است. سوگند خوردن خداوند به قرآن، نشان از ارجمندی و قداست آن در پیشگاه او دارد.

ارزش نزول قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۷ - ۲

۲ - نزول قرآن ، دارای هدفی ارجمند و هماهنگ با واقعیت هستی و نیاز های انسان

أنزل الکتب بالحقّ

حق، گاهی به معنای شیء مطابق با حکمت می آید و گاهی به معنای امر ضروری و مورد نیاز. برداشت یاد شده براساس هر دو احتمال است. هم چنین بر این پایه استوار است که <بالحقّ> متعلق به <أنزل> باشد.

استحکام قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲ - ۴

۴ - قرآن ، کتابی استوار و خلل ناپذیر است .

تلک ءایت الکتب الحکیم

<الحکیم> صفت مشبهه ای است که می تواند معنای مفعولی داشته باشد; یعنی، به معنای <محکم و خدشه

ناپذیر> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۳ - ۱،۳

۱ - صفحات قرآن ، گنجینه نوشته هایی استوار و به دور از اعوجاج و انحراف

فیها کتب قیّمه

<کتاب> (مفرد <کتب>) مصدری است که در معنای اسم مفعول آن (مکتوب) به کار رفته است. بنابراین <فیها کتب>; یعنی، در صحیفه های مطهر، نوشته هایی متعدد وجود دارد. <قیّمه>، دارای دو معنا است: ۱. به صورت متعدی و با مفعولی محذوف; یعنی، قوام بخش و برپادارنده جامعه; ۲. به صورت لازم; یعنی، با استقامت و اعتدال و خالی از کجی و اعوجاج. برخی این کلمه را جمع دانسته اند (مجمع البیان); ولی بیشتر اهل لغت و تفسیر مفرد بودن آن را پذیرفته اند.

۳ - وجود معارف استوار و قوام بخش در قرآن ، نشانِ تمام بودن حجت بر کافران با ابلاغ آن از سوی پیامبر (ص) است .

حتّی تأتیهم البیّنه . رسول من اللّه ... فیها کتب قیّمه

استعاذه در تلاوت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۸ - ۱،۱۳

۱- لزوم پناه بردن به خدا از شرّ شیطان ، به هنگام قراءت قرآن

فإذا قرأت القرءان فاستعذ بالله من الشیطن الرجیم

۱۳- < عن سماعه عن أبی عبدالله (ع) فی قول الله : < و إذا قرأت القرآن فاستعذ بالله من الشیطان الرجیم > قلت : کیف أقول قال : تقول : أستعیذبالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم و قال : ان الرجیم أخبث الشیاطین ;

سماعه گوید: از امام صادق(ع) در باره سخن خدا< و إذا قرأت القرآن

فاستعذ بالله من الشيطان الرجیم> سؤال کردم که چگونه بگویم؟ حضرت فرمود: می گویی: <أستعیذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم> و حضرت فرمود: همانا رجیم خبیث ترین شیاطین است>.

استفاده از بشارتهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۲ - ۱۱

۱۱- برخورداری از روحیه تسلیم در برابر حق ، شرط بهرهوری از هدایت و بشارت قرآن

و هدًی و بشری للمسلمین

استفاده از تعالیم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۰ - ۸

۸ - پیام قرآن برای همگان است ; ولی بهرهوری از آن ، مخصوص حق باوران و حق جویان می باشد .

هذا بصائر للناس و هدًی و رحمه لقوم یوقنون

استفاده از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱ - ۹

۹ خداوند ، تشویق کننده و فراخوان عالمان و دانشمندان به تحقیق و تدبر در قرآن و بهره گیری از معارف آن

و نفصل الأیت لقوم یعلمون

ذکر <لقوم یعلمون> در پی بیان تفصیل و تبیین معارف قرآن، تشویقی است الهی برای اهل علم و دانش، جهت بهره گیری از کتاب خداوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۴ - ۱۸

۱۸ تنها متفکران و اندیشمندان ، از توان لازم برای بهره مندی از معارف قرآن برخوردارند .

کذلک نفصل الأیت لقوم یتفکرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۵۴ – ۵

۵– قرآن ، کتاب مردم و قابل فهم و استفاده برای

همگان است .

و لقد صرّفنا فی هذا القرءان للناس من کلّ مثل

<ل> در <للناس> برای انتفاع است; یعنی: <ما، مثال های فراوانی را در قرآن برای منفعت مردم بیان کردیم. >.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۳ - ۶

۶ - قرآن ، به رغم این که کتابی برای همه است ، اما درک عمیق و درست آن ، در حیطه گروه خاصی است .

للناس و ما یعقلها إلاّ العلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۱ - ۱۱

۱۱ - مؤمنان ، از رحمت و پندآموز بودن قرآن ، بهره می برند .

إنّ فی ذلک لرحمه و ذکری لقوم یؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۴ - ۹

۹ - برپایی کامل نماز و پرداخت مدام زکات و یقین به عالَم آخرت ، زمینه دستیابی به هدایت ویژه قرآن است .

هدًی . .. للمحسنین . الذین یقیمون الصلوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۲ - ۱۶

۱۶ - تنها متفکران و اندیشمندان ، از توان لازم برای بهره مندی از معارف بلند قرآن برخوردارند .

اللّه یتوفّی الأنفس حین موتها . .. إنّ فی ذلک لأیت لقوم یتفکّرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۸۲ - ۱

۱ - موضع گیری تکذیب گرانه در برابر قرآن ، تنها بهره مشرکان حق ستیز صدراسلام

و تجعلون رزقکم أنّکم تکذّبون

<رزق> در معانی عطا، نصیب و طعام به کار می رود

(مفردات راغب). مفسران <رزق> را در این آیه به معنای نصیب گرفته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۷ - ۷،۹

۷ - هدف الهی از بیان روشن و بدون ابهام رهنمود ها و مواعظ در قرآن ، بهره گیری و استفاده اهل ایمان از آنها است .

قد بیّنا لکم الأیت

<لام> در <لکم>، برای انتفاع و خطاب در آن متوجه مؤمنان است.

۹ - وجود همیشگی مؤمنانی که با تدبر در قرآن ، از رهنمود های آن بهره می گیرند .

قد بیّنا لکم الأیت لعلّکم تعقلون

به کارگیری <لعلّ> که برای بیان امید است نشان می دهد که زمین هرگز از وجود مؤمنانی که از قرآن استفاده کنند، خالی نمی شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴۸ - ۲

۲ - تقواپیشگان ، بهره مند از قرآن و بیدار و هشیار با تعالیم آن

و إنّه لتذکره للمتّقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۵۵ - ۱،۳

۱ - توانایی همه انسان ها ، در بهره بردن از درس ها و پند های قرآن

إنّه تذکره . فمن شاء ذکره

خداوند، به طور کلی و عام فرمود: هر کس خواست از قرآن پند گیرد و متذکر شود. از این می توان استفاده کرد که همه انسان ها، توانایی چنین کاری را دارند و می توانند از قرآن پند گیرند و درس بیاموزند.

۳ - قرآن ، مقتضی پندآموزی و بیدارگری و اراده انسان ، شرط تأثیرگذاری آن کتاب است .

إنّه تذکره . فمن شاء ذکره

برداشت یاد

شـده، با توجّه به این نکته است که خداونـد قرآن را مایه پنـدگیری و بیدارگری معرفی کرده و سـپس اراده انسان ها نسـبت به پـذیرش آن را مطرح ساخته است. این نکته می رسانـد که اراده و تصـمیم انسان ها، در تأثیرگذاری قرآن مؤثر است و چنانچه انسان ها آن را نپذیرند، این خاصیت قرآن در حد اقتضا باقی می ماند و نمی تواند خود به خود تأثیر داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۸ - ۱

۱ - مخاطبان قرآن ، عموم مردم و بهره مندان از آن ، گروهی خاص اند .

لمن شاء منکم أن یستقیم

بـدل آوردن <لمـن شـاء منکـم> برای <للعـالمین>، به منظـور بیـان این نکته است که قرآن برای همه مردم است; ولی تنها گروهی خاص از آن بهره می برند و سایر مردم خود را از هدایت آن محروم می کنند.

استفاده از مثالهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۳ - ۳

۳ - استفاده از مثل های به کاربرده شده در قرآن ، تنها ، برای دانشوران اهل تحقیق ممکن است .

و تلک الأمثل نضربها للناس و ما یعقلها إلاّ العلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۸ - ۲۱

۲۱ - خردورزان ، تنها گروه بهره مند از تمثیلات و تشبیهات قرآنی اند .

ضرب لکم مثلاً . .. کذلک نفصّل الأیت لقوم یعقلون

استفاده محسنان از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳ -

۶ - بهره مندی محسنان از هدایت و رحمت قرآن ، افزون از دیگران است .

هدًی . .. للمحسنین

<محسنین> به قرینه آیه بعد که در آن برپایی نماز و پرداخت صدقه و ایمان به آخرت، به عنوان اوصاف محسنان ذکر شده است کسانی اند که ایمان دارند. بنابراین، هدایت قرآن نسبت به آنان، می تواند ابتدایی نبوده و بلکه افزایشی باشد.

استکبار با قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۰ - ۹،۱۰

۹- توبیخ مشرکان و کافران از سوی خدا ، به خاطر استکبارشان در برابر قرآن

قل أرءیتم إن کان من عند اللّه و کفرتم به . .. و استکبرتم

۱۰- موضع تکبرآمیز و مستکبرانه مشرکان مکه در برابر قرآن

و استکبرتم

استکبار مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۷ - ۷

۷ - کفرپیشگان و تکذیب گران صدراسلام ، مردمانی بودند خودبزرگ بین و استکبار پیشه .

و الذین کفروا و کذّبوا بَایتنا . .. عذاب مهین

استماع قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۴ - ۱،۳،۴

۱ وجوب گوش فرادادن به قرآن و رعایت سکوت به هنگام شنیدن آن

و إذا قری القرءان فاستمعوا له و أنصتوا

<استماع> (مصدر استمعوا) به معنای گوش سپردن و <انصات> (مصدر <أنصتوا>) به معنای سکوت کردن است.

۳ تلاوت کننده قرآن ، هر که باشد ، باید به هنگام قرائت او خاموش ماند و به قرآن گوش داد .

و إذا قری القرءان فاستمعوا له و أنصتوا لعلکم ترحمون

برداشت فوق از مجهول بودن فعل <قری>

استفاده شده است.

۴ خداوند کافران را به گوش فرادادن به آوای قرآن فراخواند .

هذا بصائر من ربکم . .. إذا قری القرءان فاستمعوا له

برداشت فوق مبتنی بر این است که خطاب در <فاستمعوا . .. > شامل کافران نیز باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۲۶ – ۱

۱ – تحریم گوش فرادادن به قرآن ، از سوی کافران عصر پیامبر (ص)

و قال الذین کفروا لاتسمعوا لهذا القرءان

استماع قرآن جن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۲۹ – ۱

۱– روی آوری گروهی از جنیان به تدبیر الهی ، برای استماع قرآن از پیامبر (ص)

و إذ صرفنا إلیك نفرًا من الجنّ یستمعون القرءان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – جن – ۷۲ – ۱ – ۱،۲

۱ – گروهی از جن (سه تا هفت نفر یا سه تا ده نفر) ، به قرائت قرآن پیامبر (ص) گوش فرامی دادند .

قل أُوحی إلیّ أنّه استمع نفر من الجنّ

واژه <نفر> به گروهی متشکل از سه تا ده نفر و بنابر نقلی سه تا هفت نفر از مردان اطلاق می شود. (مصباح المنیر)

۲ – پیامبر (ص) ، از راه وحی به استماع جن نسبت به قرآن آگاه شد .

قل أُوحی إلیّ أنّه استمع نفر من الجنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲ - ۷

۷ - اعتقاد جنیان استماع کننده قرآن ، به ربوبیت یگانه خدا و دوری آنان از

شرکورزی به او

و لن نشرک بربّنا أحدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۳ - ۵

۵ - ایمان و اعتراف گروهی از جن ، به ربوبیت و یکتایی خداوند پس از شنیدن آیات قرآن

و أنّه تعلی جدّ ربّنا ما اتّخذ صحبه و لا ولدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۳ - ۱

۱ - برخی از افراد جن ، به مجرد شنیدن آیات هدایت بخش قرآن ، به آن ایمان آوردند .

و أنّا لمّا سمعنا الهدی ءامنّا به

مقصود از <الهدی> به قرینه آیه <قالوا إنّا سمعنا قرءاناً عجباً . یهدی إلی الرشد...> قرآن کریم است.

استماع قرآن کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳۶ - ۲

۲ - سرزنش خداوند از کافران ، به سبب تجمّع شتاب آلودشان برای استماع قرآن ; به رغم کفرورزی آنان نسبت به آن

فمالِ الذین کفروا قبلک مهطعین

<ما> در <فمالِ>، اسم استفهام و برای توبیخ است.

استماع قرآن مؤمنان اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۳ - ۳

۳ – اعتراف ایمان آوردگان اهل کتاب ، به حقانیت و آسمانی بودن قرآن به هنگام شنیدن آیات آن

و إذا یتلی علیهم قالوا . .. إنّه الحقّ من ربّنا

استماع مثالهای قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۷۳ – ۲

۲ – فراخوانی مشرکان برای استماع ضرب المثل خداوند ، در تبیین سستی بنیان اندیشه شرک

یأیّها الناس ضرب مثل

فاستمعوا له

استمهال مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۵ - ۱

۱ - مهلت دادن به کافران تکذیب گر و شتاب نکردن در کیفر آنان ، سنت الهی

سنستدرجهم . .. و أُملی لهم

استهزاکنندگان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۱ - ۲،۵

۲- کفار قریش ، پس از نزول قرآن و ظهور اسلام ، آیات قرآن را به چند دسته تقسیم کرده و هر دسته را با تهمت و افترا و ترفند های گوناگون ، به استهزا گرفته و منکر شدند .

المقتسمین. الذین جعلوا القرءان عضین

برداشت فوق مبتنی بر این است که مقصود از این آیه و آیه قبل چنان که در شأن نزولها آمده است کفار قریش باشد که همگی (حدود ۱۶ نفر) به شکلهای گوناگون به هلاکت رسیدند.

۵- < عن إبن عباس قال : سأل رجل رسول الله (ص) < . . .الذین جعلوا القرآن عضین > قال : آمنوا ببعض و کفروا ببعض ;

از ابن عباس روایت شده است که مردی از رسول خدا(ص) درباره سخن خداوند <الذین جعلوا القرآن عضین> سؤال کرد، حضرت فرمود: به بعضی از[قرآن]ایمان می آورند و نسبت به بعض دیگر آن کافر می شوند>.

استهزای آیات قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۴ - ۱

۱ برخورد استهزاآمیز منافقان در برابر آیات الهی قرآن ، به هنگام نزول سوره ای از آن

و إذا ما أنزلت سوره فمنهم من يقول أيّكم زادته هذه إيماناً

ضمیر <منهم>

به منافقـان برمی گردد و اسـتفهام در <أیکم زادته . .. > اسـتفهام انکاری است، انکار تأثیرگـذاری قرآن، بیانگر تحقیر آیات الهی و به استهزا گرفتن آن می باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – طارق – ۸۶ – ۱۷ – ۸

۸ – جدّی نگرفتن آیات قرآن و شوخی پنداشتن آن ، از نشانه های کفر است .

و ما هو بالهزل . .. فمهّل الکفرین

استهزای قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۵ – ۸،۹

۸ تمسخر حق (قرآن) و آیات الهی، شیوه کافران مکه بوده است.

فسوف تأتیهم أنبؤا ما کانوا به یستهزءون

مفاد جمله <کانوا به یستهزءون> ماضی استمراری است و بیانگر تداوم استهزا از سوی کافران عصر نزول این سوره است.

۹ رویگردانی، تکذیب و تمسخر، مراحل مبارزه و رویارویی کافران با آیات الهی و قرآن*

ما تأتیهم من ءایه . .. إلا کانوا عنها معرضین. فقد کذّبوا بالحق ... ما کانوا به ی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۷۰ – ۵

۵ مغالطه گرایان و خوض کنندگان در اسلام و قرآن و استهزاکنندگان آن، دین خدا را بازیچه و سرگرمی خود قرار داده اند.

الذین یخوضون فی ءایتنا . .. یخوضوا فی حدیث غیره ... و ذر الذین اتخذوا دینهم لعبا

مراد از <الذین . ... >، به قرینه آیات پیشین، همان خوض کنندگان در آیات هستند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۲ – ۴

۴ – تمسخر و استهزا ، از شیوه های برخورد مشرکان

با تعالیم قرآن و پیامبراسلام (ص)

بل عجبت و یسخرون

از مضارع آمدن فعل <یسخرون> که دلالت بر استمرار کار تمسخر دارد ، می توان برداشت یاد شده را استفاده کرد. گفتنی است که تکرار این فعل در دو آیه بعد (و إذا رأوا ءایه ... یستسخرون) مؤید همین برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۶ - ۸

۸ - تمسخر ، از شیوه های مبارزاتی کافران و مشرکان با تعالیم آسمانی (قرآن)

یحسرتی علی ما فرّطت . .. و إن کنت لمن السخرین

آمدن کلمه <الساخرین> به صورت صفت (در قالب اسم فاعل) گویای این نکته است که به تمسخر گرفتن تعالیم قرآن، به صورت مقطعی و موردی نبود; بلکه دائمی و مکرر بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۷ - ۳

۳ - موضع گیری استهزاآمیز مشرکان مکه ، نسبت به بیان قرآن درباره تولد و زندگی عیسی بن مریم (ع)

و لمّا ضرب ابن مریم مثلًا إذا قومک منه یصدّون

<صدید> (مصدر <یصدّون>) به معنای خندیدن و فریاد کشیدن و سر و صدا راه انداختن است. این امور معمولاً به هنگام استهزا، تحقق پیدا می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۸۱ - ۲،۶

۲ - شرک پیشگان صدراسلام ، پیام وحی (قرآن) را جدی نگرفته و با آن برخوردی استهزاآمیز داشتند .

أفبهذا الحدیث أنتم مدهنون

۶ - نکوهش مشرکان صدراسلام از سوی خداوند ، به خاطر بی اعتنایی آنان نسبت به قرآن

، جدی نگرفتن رهنمود های آن و برخورد استهزاآمیز با آن

أفبهذا الحدیث أنتم مدهنون

استفهام در <أفبهذا الحدیث> توبیخی است.

اشراف صدر اسلام و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۱ - ۹

۹ رویارویی قشر های مرفه و اشراف عصر بعثت با پیامبر (ص) و توطئه و نیرنگ آنان در برابر معجزه آن حضرت (قرآن کریم)

و إذا أذقنا الناس رحمه من بعد ضراء مسّتهم إذا لهم مکر فی ءایاتنا

اضلال قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۷ - ۹

۹ - قرآن کسانی را به گمراهی می کشاند که : عهد های الهی را نقض کنند ، پیوندهایی که خداوند به برقراری آنها فرمان داده بگسلند و در زمین به فسادگری بپردازند .

و ما یضل به إلا الفسقین. الذین ... یفسدون فی الأرض

اضلال مثالهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۶ - ۱۰،۱۱

۱۰ - خداوند با مثال های قرآن ، بسیاری را گمراه و بسیاری را هدایت می کند .

یضل به کثیراً و یهدی به کثیراً

ضمیر در <یضل و یهدی> به <اللّه> و در <به> به <مثلا> بر می گردد.

۱۱ – تنها فاسقان به سبب وجود مثلهایی در قرآن ، به گمراهی کشانده می شوند .

و ما یضل به إلا الفسقین

اضلال مفتریان به قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۲۵ – ۱۰

۱۰- کسانی که قرآن را اسطوره می خواندند ، با استفاده از جهل

مردم ، آنان را به قرآن بدبين كرده و گمراهشان مى ساختند .

قالوا أسطر الأولين . ليحملوا ... و من أوزار الذين يضلّونهم بغير علم

اين برداشت بر اين اساس است كه <بغير علم> حال براى ضمير مفعولى <يضلّونهم> باشد.

اطاعت از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۴ - ۱۴

۱۴ خير ، پيروى نمودن از قرآن و سنّت پيامبر (ص) است .

و لتكن منكم امه يدعون الى الخير

رسول خدا (ص) پس از تلاوت آيه فوق فرمود: الخير اتباع القرآن و سنّتى.

الدر المنثور، ج ۲، ص ۲۸۹.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - نساء - ۴ - ۵۹ - ۲۷

۲۷ اطاعت از خدا و رسول و اولواالامر (تبعيّت از قرآن و سنّت) ، امرى پسنديده و داراى بهترين فرجام

اطيعوا اللّه و اطيعوا الرّسول و اولى الامر . .. ذلك خير و احسن تاويلا

بنابر اينكه <ذلك> اشاره به <اطيعوا اللّه . .. > نيز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۴ - ۱،۲،۴

۱ فراخوانى خداوند كفرپيشگان را به پيروى از قرآن و رسول خدا (ص)

و إذا قيل لهم تعالوا إلى ما أنزل اللّه و إلى الرسول

۲ ارزش و تعالی انسان در سایه پیروی از قرآن و رسول خدا (ص) است .

و إذا قیل لهم تعالوا

به کـار گیری کلمه <تعـالوا> که از ریشه <علو> به معنـای بالا ـ است می توانـد اشـاره به این باشـد که تعالی واقعی انسان با گرایش به دستورات خدا و

رسول او امكان پذير است.

۴ پيروى از قرآن و رسول خدا عامل رهايى از افكار و انديشه هاى خرافى

ما جعل اللّه من بحيره . .. تعالوا إلى ما أنزل اللّه و إلى الرسول

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۵ - ۲

۲ پاسدارى از ايمان با پيروى از تعاليم قرآن و دستورات پيامبر (ص) ، توصيه و فرمان خداوند به مسلمانان

تعالوا إلى ما أنزل اللّه و إلى الرسول . .. ياٌيها الذين ءامنوا عليكم انفسكم

مراد از فرمان به مراقبت از ايمان به قرينه آيه قبل همان روى آوردن به قرآن و تعاليم پيامبر(ص) است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - اعراف - ۷ - ۳ - ۱،۱۰

۱ لزوم تبعيت از قرآن و ترك پيروى از غير خدا

اتبعوا ما أنزل إليكم من ربكم و لاتتبعوا من دونه أولياء

برداشت فوق بر اين اساس است كه ضمير در <من دونه> به <ربكم> برگردانده شود.

۱۰ پيروى از قرآن، پذيرش ولايت خداوند و فرمانبردارى از اوست.

اتبعوا ما أنزل إليكم من ربكم و لاتتبعوا من دونه أولياء

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - ابراهيم - ۱۴ - ۱ - ۲۰

۲۰- عزّت ، غلبه و كمال ، پيامد پيمودن راه خدا و پيروى از آموزه هاى قرآن است .

كتب . .. إلى صرط العزيز الحميد

اضافه شدن <صراط> به <العزيز الحميد> اشاره به اين نكته دارد كه سالك اين راه، راه عزّت و كمال را مى پيمايد; زيرا

حمد و ستایش در برابر کمال است.

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۷ - ۷

۷- رهنمود های قرآن ، تنها تعالیم شایسته برای پذیرش و اطاعت است .

واتل ما أُحی إلیک من کتاب ربّک

فعل <اتل> می تواند از مصدر <تلاوه> به معنای قرائت باشد و ممکن است مصدر آن <تلو> به معنای تبعیت در نظر گرفته شود. برداشت بالاـ براساس معنای دوم است. مقابله <اتل> در این آیه با <لاتطع> در آیه بعد این احتمال را تقویت کرده و بر حصر نیز دلالت دارد.

اظهار ایمان به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۳ - ۲

۲ - اظهار و اقرار کردن ایمان خویش به قرآن به هنگام شنیدن آیات آن ، امری پسندیده و بایسته در پیشگاه خداوند

و إذا یتلی علیهم قالوا ءامنّا به

اعتدال قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۵ - ۱

۱ قرآن کلمه تام و صدق و عدل پروردگار است.

و هو الذی أنزل إلیکم الکتب . .. و تمت کلمت ربک صدقا و عدلا

مراد از <کلمت>، به قرینه آیه قبل که سخن از نزول کتاب است، قرآن می تواند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲ - ۲

۲- قرآن ، کتابی است عاری از هرگونه عدم اعتدال و انحراف از حق .

الحمد للّه الذی أنزل علی عبده الکتب . .. قیّمًا

<قیّم>، چنان چه در لسان العرب آمده است، می تواند به معنای <مستقیم>، یعنی <راست و پیراسته از انحراف> باشد.

اعتراض مکذبان

قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۳ - ۱

۱- منکران اعجاز قرآن ، پیامبر (ص) را به خاطر ارائه نکردن معجزات اقتراحی و پیشنهادی آنان ، مورد انتقاد قرار می دادند .

و قالوا لولا یأتینا بَایه من ربّه

اعتصام به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۵ - ۲،۵،۱۱

۲ ایمان به خداوند و تمسک به قرآن و پیامبر (ص) موجب برخورداری از رحمت و فضل الهی

فاما الذین ءامنوا باللّه و اعتصموا به فسیدخلهم فی رحمه منه و فضل

بدان احتمال که ضمیر در <به> به <برهن> (پیامبر(ص)) و <نور> (قرآن)در آیه قبل برگردد.

۵ تمسک به قرآن و پیامبر (ص) شرط باروری ایمان به خدا

فاما الذین ءامنوا باللّه و اعتصموا به فسیدخلهم فی رحمه منه و فضل

۱۱ هدایت به راه راست و رسیدن به خداوند ، در گرو ایمان به وی و تمسک به قرآن و پیامبر (ص)

فاما الذین ءامنوا باللّه و اعتصموا به . .. یهدیهم إلیه صرطاً مستقیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۳ - ۸

۸ - تمسک جویندگان به قرآن و وحی ، در صراط مستقیم الهی اند .

فاستمسک بالذی . .. إنّک علی صرط مستقیم

اعتماد به غیر قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۶ - ۲

۲ - بی اعتمادی به قرآن ، با وجود مصونیت آن در مراحل نزول ، دریافت و ابلاغ و اعتماد

به غیر آن ، انتخاب بیراهه است .

فأین تذهبون

مفاد استفهام (کجا می روید؟) در آیه شریفه این است که جز این راه، راه دیگری وجود ندارد. گفتنی است که در این گونه پرسش ها نوعی <تعجیز> نهفته است. حرف <فاء> این مفاد را بر اوصاف قرآن که آیات پیشین بیانگر آن بود تفریع کرده است.

اعجاز قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۴ - ۱،۲،۳

۱ - انسان ها در همه ادوار و اعصار از آوردن همانند حتی برای سوره ای از سوره های قرآن ناتوانند .

فأتوا بسوره . .. فإن لم تفعلوا و لن تفعلوا

حرف <لن> برای نفی همیشگی و ابدی است، لذا <لن تفعلوا> (هرگز همانند برای قرآن نمی آورید) دلالت براین دارد که: بشر در هیچ عصری نمی تواند همانند برای قرآن بیاورد.

۲ - ناتوانی انسان ها از آوردن همانند برای قرآن ، از پیشگویی های قرآن است .

و لن تفعلوا

۳ - ناتوانی انسان ها از آوردن سخنی همانند سوره ای از قرآن ، دلیل آسمانی بودن قرآن و حقانیت رسالت پیامبر (ص) است .

فإن لم تفعلوا و لن تفعلوا فاتقوا النار

چنانچه ناتوانی از آوردن همانند برای قرآن، دلالت بر آسمانی بودن آن نمی کرد; حجت بر مخالفان تمام نمی شد و تفریع <اتقوا النار> بر آن صحیح نمی بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۴ - ۳

۳ بازگویی گزارشات غیبی ، جلوه ای از اعجاز قرآن

ذلک من انباء الغیب نوحیه الیک

جلد - نام سوره - سوره - آیه

– فیش

۵ – انعام – ۶ – ۵ – ۱

۱ کافران مکه در پی نزول قرآن به عنوان معجزه، بدون درنگ به تکذیب آن پرداختند.

فقد کذّبوا بالحق لمّا جاءهم

جمله ظرفیه <لمّا جاءهم> به این نکته اشاره دارد که تکذیب کافران به مجرد آمدن حق صورت گرفته است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۳۷ – ۱

۱ مشرکان، مدعی نارسایی معجزات پیامبر (قرآن) برای اثبات رسالت آن حضرت.

و قالوا لو لا نزل علیه ءایه من ربه

درخواست معجزه از سوی مشرکان، علی رغم معجزاتی مانند قرآن، حکایت از آن دارد که آنان معجزات آن حضرت را برای اثبات رسالت کافی نمی دانستند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۳۸ – ۵

۵ قرآن، معجزه ای کافی برای هدایت و برآورنده تمامی نیازهای هدایتی انسان است.

و قالوا لولا نزل علیه ءایه . .. ما فرطنا فی الکتب من شیء

با توجه به آیه قبل، که سخن از نزول معجزات بوده می توان گفت مراد از <الکتاب> قرآن است و چون قرآن کتاب هدایت و <من شیء> بیانگر جامعیت آن است، لذا بر مبرا بودن قرآن از هرگونه کاستی در جهت هدایت آدمیان دلالت دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۵۷ – ۳

۳ قرآن، بینه و دلیل روشن پیامبر(ص) و گواه حقانیت او

قل إنی علی بینه من ربی و کذبتم به

بسیاری از مفسران گفته اند که مراد از بینه و مرجع ضمیر <کذبتم به> قرآن است. مفرد آمدن کلمه <بینه> و مذکر

آمدن ضمیر <به> این احتمال را تقویت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۴ - ۵،۷،۱۴

۵ نزول قرآن معجزه ای کافی برای اثبات حقانیت پیامبر(ص)

أفغیر الله أبتغی حکما و هو الذی أنزل إلیکم الکتب مفصلا

۷ نزول معجزه ای روشن چون قرآن از سوی خدا، بهترین نشانه شایستگی او برای داوری است.

أفغیر الله أبتغی حکما و هو الذی أنزل إلیکم الکتب مفصلا

۱۴ ارجاع داوری به غیر خداوند از سوی کسی که حقانیت و اعجاز قرآن را دریافته، کاری بس نکوهیده و نارواست.

أفغیر الله أبتغی حکما . .. فلا تکونن من الممترین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۳ - ۱

۱ آیات قرآن نشانه و معجزه ای برای حقانیت رسالت پیامبر (ص)

و إذا لم تأتهم بایه

کلمه <آیه> به معنای نشانه و دلیل است و مراد از آن آیات قرآن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۴ - ۱

۱ انسان ها و معبود های دروغینشان ، ناتوان از آوردن ده سوره هم طراز قرآن

قل فأتوا بعشر سور مثله . .. فإلّم یستجیبوا لکم

ظاهر این است که خطاب در <لکم> و <اعملوا> به قرینه <فهل أنتم مسلمون> متوجه مشرکان باشد. براین اساس، ضمیر فاعلی در <یستجیبوا> به <من استطعتم> باز می گردد; یعنی، [ای پیامبر ! به مشرکان بگو:] اگر کسی و از جمله معبودهایتان، برای آوردن همانند قرآن - به خاطر عجزشان دعوت شما را اجابت نکردند ... .

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۴ - ۱۱،۱۲

۱۱- قرآن ، کتابی است که نقش بینات و معجزات انبیای پیشین را به تنهایی ایفا می کند .

و ما أرسلنا . .. بالبيّنت و الزبر و أنزلنا إليك الذكر لتبيّن للناس ما نزّل إليه

از اینکه خداوند در کنار ذکر اعطای بینات و کتاب به انبیای پیشین، برای پیامبر(ص) جداگانه کتابی خاص را ذکر می کند، می تواند به خاطر نکته فوق باشد.

۱۲- خداوند ، به انبیای پیشین معجزات حسی عطا فرمود و در قبال آن به پیامبر (ص) ، کتاب آسمانی جهان شمول عطا کرد . *

و ما أرسلنا . .. بالبيّنت و الزبر و أنزلنا إليك الذكر

<بیّنه> به معنای دلیل واضح و روشن اعم از عقلی و حسی است. طبق شواهد تاریخی مراد از <بینات> در آیه، ممکن است معجزات حسی باشد. جدا ذکر کردن پیامبر(ص) برای اعطای قرآن، مشعر به برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۸ - ۲

۲- فراخوانی همه مخاطبان قرآن (جن و انس) به آزمودن اعجاز قرآن

قل لئن اجتمعت الإنس و الجنّ على أن يأتوا بمثل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۰ - ۵

۵- مشرکان مکه ، قرآن را علی رغم بی مانندی اش ، معجزه نمی دانستند .

قل لئن اجتمعت الإنس و الجنّ . .. و قالوا لن نؤمن لك

از اینکه خداوند، پس از توصیف قرآن به معجزه و بی مانند بودن، درخواست معجزه حسی آنان را

نقل می کند، می تواند به نکته فوق اِشعار داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۳ - ۱۰

۱۰ - قرآن ، معجزه پیامبر (ص) و دلیل روشن بر اثبات نبوت آن حضرت

أوَلم تأتهم بيّنه ما فى الصحف الأُولى

بیان; یعنی، وضوح و انکشاف (مصباح). بنابراین <بیّنه> به چیزی گفته می شود که واضح باشد. ضمیر مذکر که از کلمه <من قبله> (در آیه بعد) به این کلمه بازمی گردد دلالت می کند که از آن برهان و دلیل اراده شده است (کشاف).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰ - ۱۲

۱۲- قرآن ، بهترین و نیرومندترین دلیل و معجزه بر اثبات حقانیت خود وپیامبراسلام (ص)

لقد أنزلنا إليكم كتبًا فيه ذكركم أفلاتعقلون

آیه شریفه، می تواند پاسخی باشد به درخواست بهانه جویانه مشرکان از پیامبر(ص) مبنی برآوردن معجزه بر اثبات حقانیت خویش; یعنی، اگر آنان تعقل کنند، خواهند فهمید که قرآن معجزه پیامبراسلام است. گفتنی است تأکید شدن این حقیقت با لام قسم و حرف تحقیق (لقد) مؤید همین برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۱ - ۱،۵،۶،۷

۱ - قرآن ، معجزه ای کفایت کننده برای خواستاران معجزه است .

قالوا لولا أنزل عليه ءايت . .. أَوَلم يكفهم أنّا أنزلنا عليك الكتب

استفهام در <أَوَلم> انکاری است.

۵ - قرآن ، برای اثبات حقّانیت نبوّت پیامبر (ص) از هر معجزه دیگری برتر است .

قالوا لولا أنزل عليه ءايت . .. أَوَلم يكفهم أنّا أنزلنا

علیک الکتب

<کفایه> رسیدن به حدّی است که نیاز بر طرف شود و با توجه به این که معجزه، برای اثبات حقانیت است، نزول قرآن، به جای هر معجزه دیگری و اعلام کافی بودن آن، حکایت از حقیقت بالا می کند.

۶ - خداوند ، با وجود اعجاز قرآن ، معجزه های حسّی درخواستی مشرکان را برآورده نکرد .

و قالوا لولا أنزل علیه ءایت من ربّه قل إنّما الأیت عند اللّه . .. أَوَلم یکفهم

۷ - برتری اعجاز قرآن بر معجزات حسّی ، در این است که قرآن ، دارای معارفی است و مردم با خواندن آن ، بر آن معارف ، آگاه می شوند .

أَوَلم یکفهم أنّا أنزلنا علیک الکتب یتلی علیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۷ - ۶

۶- اعجاز قرآن ، در پیشگویی ورود حتمی مسلمانان به مسجدالحرام همراه با آرامش و امنیت

لتدخلنّ المسجدالحرام . .. ءامنین

با توجه به این که رؤیای پیامبر(ص) و وعده خداوند، دو سال پس از حدیبیه به کامل ترین صورت تحقق یافت; مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۴ - ۶

۶ - قرآن ، برهان صدق پیامبر (ص) و معجزه او

فلیأتوا بحدیث مثله إن کانوا صدقین

اعراض از استماع قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۵۱ - ۱

۱ - روی گردانی کافران ، از شـنودن کلام بیداربخش و پندآموز قرآن ، همچون فرار گورخران از شیر ژیان ، بسیار شدید بود .

فرّت من قسوره

<قسوره> اسم جامد

و به معنای شیر است و گاهی اسم جمع و در معنای شکارچیان تیرانداز استعمال می شود. (الصحاح)

اعراض از تعالیم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۴ - ۷

۷ تصور رشد رسانی و بهروزی در پیروی از سنت اجدادی عامل رویگردانی از احکام قرآن و تعالیم پیامبر (ص)

إذا قیل لهم تعالوا . .. قالوا حسبنا ما وجدناعلیه ءاباءنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۵۱ - ۲

۲ - روی گردانی کافران مخالف پیامبر (ص) ، از سخن بیداربخش و پندآموز قرآن ، همراه با ترس و نگرانی از آینده خویش بود .

فرّت من قسوره

از تشبیه اعراض کافران از قرآن، به فرار گورخران از شیر ژیان که همراه با ترس و اضطراب شدید است برداشت یاد شده استفاده می شود.

اعراض از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵ - ۹

۹ رویگردانی، تکذیب و تمسخر، مراحل مبارزه و رویارویی کافران با آیات الهی و قرآن*

ما تأتیهم من ءایه . .. إلا کانوا عنها معرضین. فقد کذّبوا بالحق ... ما کانوا به ی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۶ - ۲

۲ پرهیز کافران مکه در صدر اسلام از گوش فرادادن به قرآن و سخنان آسمانی پیامبر(ص)

و ينئون عنه

<نَأَیَ> به معنی دور شدن است و <ینئون عنه> یعنی مشرکان از قرآن و وحی دوری می گزینند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۰ - ۳

۳ قرآن کریم ، آن چنان که شایسته آن بود در میان مسلمانان صدراسلام (نیمه اول بعثت) ، مورد بهره برداری قرار نگرفت و حق آن ادا نشد .

و قال الرسول یربّ إنّ قومی اتّخذوا هذا القرءان مهجورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۸۱ - ۶

۶ - نکوهش مشرکان صدراسلام از سوی خداوند ، به خاطر بی اعتنایی آنان نسبت به قرآن ، جدی نگرفتن رهنمود های آن و برخورد استهزاآمیز با آن

أفبهذا الحدیث أنتم مدهنون

استفهام در <أفبهذا الحدیث> توبیخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۶ - ۴،۵

۴ - وجود مؤمنان بی تفاوت و بی رغبت به خداوند و قرآن ، در میان مسلمانان صدراسلام

ألم یأن للذین ءامنوا أن تخشع قلوبهم لذکر اللّه و ما نزل من الحقّ

۵ - مؤمنان بی تفاوت ، که دل هایشان با یاد خدا و تلاوت آیات او نرم و خاشع نمی شود ، مورد نکوهش خدا هستند .

ألم یأن للذین ءامنوا أن تخشع قلوبهم لذکر اللّه و ما نزل من الحقّ

استفهام در <ألم یأن. ..> برای توبیخ و نکوهش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۴ - ۳

۳ - روی گردانی کافران از قرآن ، به دلیل ناتوانی آنان از درک مفاهیم آن است و افسانه دانستن آن ، بهانه ای بیش نیست .

قال أسطير الأوّلين . كلّا بل ران على قلوبهم

اعراض از مغالطه گران در قرآن

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۸ - ۲،۱۹

۲ پیامبر(ص) موظف به اجتناب از بحث و جدال و درگیر شدن با مغالطه گران و شبهه افکنان در آیات قرآن و دیگر آیات الهی

و إذا رأیت الذین یخوضون فی ءایتنا فأعرض عنهم

۱۹ عن أبی جعفر(ع) فی قول الله: <و إذا رأیت الذین یخوضون فی آیاتنا> قال: الکلام فی الله و الجدال فی القرآن <فأعرض عنهم حتی یخوضوا فی حدیث غیره> . .. .

امام باقر(ع) فرمود: مراد از <یخوضون فی آیاتنا>، سخن گفتن در مورد ذات خداوند و مجادله کردن درباره قرآن است. <پس از آنان رویگردان شو تا به سخن دیگری بپردازند> ... .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۹ - ۴

۴ بر مؤمنانی که از همنشینی با مغالطه گران و یاوه گویان در مورد قرآن و اسلام پرهیز کنند، گناهی نیست، هر چند مغالطه و استهزای آنان ادامه یابد.

و ما علی الذین یتقون من حسابهم من شیء

ممکن است این آیه در صدد پاسخ به سؤال برخی مؤمنان باشد. بدین گونه که آنان فکر کنند که اگر ما مجالس کافران را تحریم کنیم، آنان زمینه مساعد بیشتری برای مغلطه و استهزا دارند. این آیه می فرماید شما پرهیز کنید، گناه کار آنان به شما تسرّی نمی کند.

اعراض اکثریت از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۹ - ۶

۶- روی گردانی بیشتر مردم از قرآن ، جز به خاطر حق گریزی نیست .

و لقد صرّفنا . .. فأبی

أكثر الناس إلّا كفورًا

اعراض مكذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۸ - ۶

۶ مشرکان و منکران روز قیامت و کافران به پیامبر (ص) و قرآن ، روی گردانان از دعوت الهی اند .

والذین لم یستجیبوا له

آیات گذشته شاهد بر این است که مقصود از <الذین لم یستجیبوا له> مشرکان و منکران رسالت پیامبر(ص) و ناباوران به قیامت می باشد.

اعطاء قرآن به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۷ - ۳

۳- خداوند ، اعطا کننده قرآن به پیامبر (ص)

و لقد ءاتینک . .. القرءان العظیم

افترا به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۵ - ۸

۸ شرک پیشگان عصر بعثت ، قرآن را ساخته و پرداخته ذهن حضرت محمد (ص) می پنداشتند .

قال الذین لا یرجون لقاءنا ائت بقرءان غیر هذا أو بدّله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۷ - ۷

۷ شرک پیشگان عصر بعثت ، قرآن را ساخته ذهن پیامبر (ص) دانسته و آن حضرت را فردی مفتری (کسی که بر خدا دروغ می بندد) می خواندند .

قال الذین لا یرجون لقاءنا ائت بقرءان غیر هذا أو بدّله . .. قل ... فمن أظلم ممن ا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۷ - ۷

۷ شباهت و همگونی قرآن با کتاب های آسمانی پیشین (

تورات ، انجیل و . . .) دستاویز مشرکان صدر اسلام برای زدن برچسب < ساختگی بودن > به آن

و ما کان هذا القرءان أن یفتری من دون اللّه و لکن تصدیق الذی بین یدیه و تفصیل الک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۸ - ۱

۱ < ساختگی بودن > از برچسب های شرک پیشگان عصر بعثت به قرآن و در راستای مبارزه آنان با پیامبر اکرم (ص) بود .

و ما کان هذا القرءان أن یفتری . .. أم یقولون افتریه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۶ - ۲

۲- اسطوره خواندن و ساختگی دانستن قرآن ، مکر و توطئه دشمنان این کتاب آسمانی است .

و إذا قیل لهم ماذا أنزل ربّکم قالوا أسطر الأولین . .. قد مکر الذین من قبلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۳ - ۱۰

۱۰- نسبت دادن قرآن به بشر ، نسبتی ناروا و دور از حق است .

لسان الذی یلحدون إلیه أعجمیّ

در مفهوم <الحاد> انحراف از حق نهفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۸ - ۱۲

۱۲- اعتقاد برخی از مردم عصر پیامبر (ص) به عدم وحیانیت قرآن و ساختگی بودن آن

قل لئن اجتمعت الإنس و الجنّ . .. لایأتون بمثله

از اینکه قرآن با قاطعیت تمام اعلام تحدی می کند، می توان آن را پاسخ این شبهه که <قرآن وحی نیست> تلقی کرد.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۲۲۴ – ۴

۴ – اتهام مشرکان به پیامبر (ص) مبنی بر ابداع قرآن با وهم و خیال خویش

و الشعراء يتّبعهم الغاون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۳ – ۲

۲ – مشرکان ، قرآن را ساخته و پرداخته پیامبر (ص) می دانستند .

أم يقولون افتريه

<فری> ریشه <افترا> به آن دروغی گفته می شود که خود شخص آن را بسازد (لسان العرب).

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۳۳ – ۱

۱ – اتهام کافران به پیامبر (ص) ، در ابداع قرآن از نزد خود و نسبت دادن آن به خداوند

أم يقولون تقوّله

<تقوّل>; یعنی، به دروغ چیزی را به کسی نسبت دادن (المصباح المنير). مقصود کافران این است که قرآن، کلام خداوند نیست و پیامبر(ص) به دروغ آن را به او نسبت می دهد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مدثر – ۷۴ – ۲۵ – ۱

۱ – قرآن ، در نظر غرض آلود ولیدبن مغیره ، ساخته و پرداخته انسان است .

إن هذا إلاّ قول البشر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۵ - ۱

۱ مشرکان عصر بعثت ، قرآن را ساخته و پرداخته پیامبر (ص) می پنداشتند .

أم یقولون افتریه

در اینکه مقصود از ضمیر در <یقولون> چه کسانی هستند، دو نظر ابراز شده است: برخی برآنند که مقصود، مشرکان عصر پیامبر(ص) هستند و گروهی دیگر از مفسران، مراد از آن

را کفرپیشگان قوم نوح می دانند. برداشت فوق براساس نظر اول است. گفتنی است که براین اساس، مخاطب کلمه <قل> پیامبر(ص) و ضمیر مفعولی در <إفتراه> به قرآن و یا خصوص داستان نوح(ع) باز می گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵ - ۳

۳- ساخته و پرداخته بودن قرآن از جانب پیامبر (ص) ، از تهمت های مشرکانِ ستم پیشه به آن حضرت

بل افتریه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۸ - ۱

۱- کافران ، مدعی منتسب نبودن قرآن به مبدأ وحی و انتساب دروغین آن از سوی پیامبر (ص) به خداوند

أم یقولون افتریه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۲ - ۱

۱ - برخی از مردم عصر بعثت ، پیامبر (ص) را دیوانه شمرده و او را به تدوین قرآن براساس اختلالات عقلی ، متهم می کردند .

و ما صاحبکم بمجنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۵ - ۱

۱ - برخی از مردم عصر بعثت ، قرآن را کلامی القا شده از سوی شیطان می پنداشتند .

و ما هو بقول شیطن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۶ - ۳

۳ - تصور وحی نبودن قرآن و تراوش آن از مغزی مجنون و یا شیطانی مطرود و پندار بخلورزی پیامبر (ص) در بیان حقایق ، کژاندیشی و گم کردن راه حقیقت است .

فأین تذهبون

ممکن است

استفهام در آیه شریفه، ناظر به توهّماتی باشد که مخالفان درباره قرآن و شخص پیامبر(ص) داشتند. در این صورت پرسش آیه این است که: فکر شما به کجا می رود و چه می پندارید؟! قرآن غیر آنچه گفته شد، نیست.

افراط در مخالفت با قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵ - ۲

۲ - مخالفت سرسختانه و افراط گرانه مشرکان عصر بعثت ، با قرآن

أن کنتم قومًا مسرفین

افساد مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۰ - ۶۸

۶ کسانی که به آسمانی بودن قرآن باور دارند و در عین حال آن را تکذیب می کنند ، مفسد هستند .

و منهم من یؤمن به . .. و ربک أعلم بالمفسدین

برداشت بالا مبتنی بر این است که ضمیر <هم> به تکذیب کنندگان برگردد و مراد از <المفسدین> دسته اول (من یؤمن به) باشد.

۸ کسانی که قرآن را تکذیب می کنند ، مردمی مفسد هستند .

و منهم من یؤمن به و منهم من لا یؤمن به و ربک أعلم بالمفسدین

افشای توطئه علیه قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۳ - ۱

۱- إخبار و پرده برداری خداوند از توطئه های مخفیانه کافران و مشرکان علیه حقانیت پیامبر (ص) و قرآن

و لقد نعلم أنهم یقولون إنما یعلّمه بشر

اقرار به اعجاز قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۵ - ۳

۳ - پی بردن مشرکان صدر اسلام به اعجاز

و خارق العاده بودن قرآن کریم

و قالوا إن هذا إلاّ سحر مبین

سحر دانستن قرآن، اعتراف به اعجاز و خارق العاده بودن آن است; زیرا سحر، خود نوعی از کارهای خارق العاده است و مشرکان به ناچار و از سر لجاج و عناد، قرآن را به آن متهم کرده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۷ - ۵

۵- اعتراف ضمنی کافران ، نسبت به اعجاز قرآن و نفوذ عمیق آن در دل ها و اندیشه ها

قال الذین کفروا للحقّ لمّا جاءهم هذا سحر مبین

از این که کافران، قرآن را سحر می خواندند، استفاده می شود که آنان آثار خارق العاده آن را دیده و چون درصدد ایمان نبوده اند، نام آن را سحر گذاشته اند.

اقرار به تأثیر قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۰ - ۴

۴ - اعتراف ناخودآگاه مشرکان مکه ، به تأثیر خارق العاده قرآن در مخاطبان خود

قالوا هذا سحر

اگر مشرکان مکه شاهد چنین تأثیری نبودند، دلیلی نداشت که آن را سحر معرفی کنند.

اقرار به حقانیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۷ - ۵

۵- وجود عالمانی در میان مردم عصر نزول و اذعان آنان به حقانیت قرآن پس از شنیدن آن

إن الذین أُوتوا العلم من قبله إذا یتلی علیهم یخرّون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۷۰ – ۱۰

۱۰ – اذعان درونی کافران صدراسلام ، به حقانیت رسالت پیامبر (ص) و قرآن

بل جاءهم بالحقّ

و أكثرهم للحقّ كرهون

عبارت <أكثرهم للحقّ كارهون>; يعنى، بيشتر آنان حقيقت را خوش ندارند. بنابراين انكار رسالت پيامبر(ص) و آسمانى بودن قرآن، نه از آن رو است كه آنان به حقانيت آن دو يقين ندارند; بلكه بدان جهت بود كه آن دو حق است و آنها از حق خوششان نمى آيد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۳ - ۳

۳ - اعتراف ايمان آوردگان اهل كتاب ، به حقانيت و آسمانى بودن قرآن به هنگام شنيدن آيات آن

و إذا يتلى عليهم قالوا . .. إنّه الحقّ من ربّنا

اقرار به وحيانيت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۳ - ۳

۳ - اعتراف ايمان آوردگان اهل كتاب ، به حقانيت و آسمانى بودن قرآن به هنگام شنيدن آيات آن

و إذا يتلى عليهم قالوا . .. إنّه الحقّ من ربّنا

اقرار مكذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۳ - ۵

۵ منكران حقانيت قرآن ، در روز قيامت و بروز حقايق قرآن ، به حقانيت رسالت پيامبران اعتراف خواهند كرد .

يوم يأتى تأويله يقول الذين نسوه من قبل قد جاءت رسل ربنا بالحق

برداشت فوق مبتنى بر اين است كه ضمير مفعولى در <نسوه> به<كتب> در آيه قبل برگردانده شود.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵ - ۲

۲ - تصریح منکران قرآن ، به نفوذناپذیری قلب و گوش آنان در برابر وحی

و قالوا قلوبنا فی أکنّه . .. و فی ءاذاننا وقر

اقسام نزول قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۴ - ۳

۳ نزول دفعی بعضی از سوره های قرآن در مدینه

و إذا ما أنزلت سوره

برداشت فوق بر این اساس است که <انزال> در <أنزلت سوره> برای نزول دفعی به کار رفته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۷ - ۲

۲ نزول دفعی بعضی از سوره های قرآن در مدینه

و إذا ما أنزلت سوره

برداشت فوق بر این اساس است که مقصود از <انزال> در جمله <و إذا ما أنزلت . .. > نزول دفعی باشد. قابل ذکر است که <انزال> مانند <تنزیل> هم در نزول دفعی و هم در نزول تدریجی به کار می رود.

الفاظ قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳ - ۵

۵ - الفاظ قرآن هم چون محتوای آن آسمانی و الهی است .

تنزیل من الرحمن . .. قرءانًا عربیًّا

قید <قرآناً عربیاً> می تواند بیانگر این معنا باشد که آیات قرآن، نه تنها از حیث محتوا الهی است; بلکه الفاظ آن هم کلام خداوند است.

القای شبهه در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۸ - ۱

۱ برخی مشرکان و مخالفان پیامبر(ص) با یاوه گویی در صدد مغالطه و ایجاد شبهه در مورد آیات قرآن و دیگر آیات الهی بودند.

و إذا رأیت الذین یخوضون فی ءایتنا

طبرسی (ره) درباره معنی خوض می گوید: <الخوض التخلیط فی المفاوضه علی سبیل اللعب و العبث و ترک التفهم و

التبيين>. یعنی خوض خلط کردن در گفتگو برای بازی و بیهوده گویی است، نه برای فهم و روشن شدن حقیقت.

القای قرآن بر قلب گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۲ - ۲

۲- خداوند ، قرآن کریم را در دل مجرمانِ هدایت ناپذیر القا می کند و آنان را با قرآن آشنا می سازد .

کذلک نسلکه فی قلوب المجرمین

القای قرآن در قلب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۳ - ۲

۲- خداوند آیات قرآن را ، علی رغم تصمیم کافران مکه بر ایمان نیاوردن ، در قلب آنان رسوخ داد .

کذلک نسلکه فی قلوب المجرمین . لایؤمنون به

برداشت فوق، مبتنی بر این است که جمله <لایؤمنون به> جمله حالیه برای <المجرمین> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۲ - ۱

۱- خداوند ، قرآن کریم را در قلب کافران هدایت ناپذیر مکه راه داد و به آنان شناساند .

کذلک نسلکه فی قلوب المجرمین

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مرجع ضمیر <نسلکه>، <الذکر> و الف و لام <المجرمین> عهد ذکری باشد که اشاره به <الذین کفروا> در آیات قبل می کند.

امیدواری تلاوت کنندگان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۲۹ – ۱۳

۱۳ – امید داشتن به رحمت و پاداش الهی نه خود را مستحق آن شمردن از ویژگی های عالمان خداترس ، تلاوتگر قرآن ، برپادارنده نماز و انفاق کننده در نهان و آشکار

إنّما يخشى اللّه

من عباده العلمؤا . .. إنّ الذين يتلون كتب اللّه و أقاموا الصل

انتظار نزول قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۰ - ۱،۲

۱- مؤمنان عصر پیامبر (ص) ، در اشتیاق نزول سوره ای که تعیین کننده تکلیف آنان در قبال دشمنان باشد .

و یقول الذین ءامنوا لولا نزّلت سوره

محتوای <فإذا أنزلت سوره محکمه و ذکر فیها القتال> قرینه ای است بر این که سوره مورد انتظار مؤمنان، در زمینه تعیین تکلیف آنان با کافران بوده است.

۲- مؤمنان عصر نزول ، همواره چشم انتظار رسیدن پیامی جدید ، از جانب خداوند

و یقول الذین ءامنوا لولا نزّلت سوره

برداشت بالاـ بنابراین نکته است که <سوره>، نظر به سوره ای خاص با محتوایی ویژه نداشته باشد; بلکه در مجموع اشتیاق مؤمنان به نزول وحی را افاده کند.

انجیل و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۴ - ۸

۸ - پذیرش اسلام و ایمان به قرآن ، از فرمان های تورات و انجیل به پیروان خویش

أتأمرون الناس بالبر و تنسون أنفسکم و أنتم تتلون الکتب

جمله <تُنسون أنفسکم> را می توان به قرینه آیات پیشین - که سخن از دعوت به ایمان بود - در ارتباط با ایمان به قرآن دانست. بر این اساس آیه اشاره به این معنا دارد که: شما عالمان اهل کتاب مردم را به نیکیها دعوت می کنید; ولی وظیفه خویش را که ایمان به قرآن است، فراموش می کنید; سپس با جمله <و أنتم تتلون الکتب> بیان می دارد که: آنان از این وظیفه مطلع

بودند; یعنی، در کتابهای آسمانی، این حقیقت وجود داشت.

انحطاط تدریجی مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۴ - ۵

۵ - خداوند ، تکذیب کنندگان قرآن و معاد را به تدریج به ورطه سقوط می کشاند .

سنستدرجهم

<إستدراج> (مصدر <سنستدرج>) در اصل به معنای نزدیک کردن کسی به سوی چیزی است و مقصود از آن در این آیه، بردن ونزدیک کردن کافران به ورطه سقوط و هلاکت است; به گونه ای که خود متوجه آن نشوند (برگرفته از لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۵ - ۲

۲ - مهلت دادن به تکذیب گران ، در راستای سقوط تدریجی آنان است ; نه در جهت منافع آنان

سنستدرجهم. .. و أُملی لهم

عبارت <أُملی لهم> تأکید و بیان دیگری برای مسأله سقوط تدریجی کافران است; یعنی، ما به آنان مهلت دادیم تا سقوط تدریجی آنان تحقق یابد.

انذار با قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۱ - ۶

۶ وحی و قرآن، ابزارهایی کافی برای تبلیغ و انذار مردم

و أنذر به

مرجع ضمیر به <قرآن> است ; یعنی با قرآن انذار کن. و چون ابزار انذار مشخص شده است، بالطبع باید قرآن در فعلیت بخشی به انذار کافی و کارآمد باشد.

انذار مفتریان به قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۲۵ – ۱۶

۱۶- اسطوره تلقی کنندگان قرآن ، نیازمند به هشدار الهی ، به خاطر بی خبری از پیامد گناه و کیفر

عمل زشت خویش

قالوا أسطر الأولین . لیحملوا أوزارهم ... ألا ساء ما یزرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۶ - ۶

۶- هشدار خداوند به افترا زنندگان به قرآن کریم مبنی بر نابودی و هلاکت آنان

و إذا قیل لهم ماذا أنزل ربّکم قالوا أسطر الأولین . .. قد مکر الذین من قبلهم فأت

انذار مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶ - ۱

۱ - انذار های پیامبر (ص) در منکرانِ قرآن و کافران به آن ، بی تأثیر بود .

إن الذین کفروا سواء علیهم ءأنذرتهم أم لم تنذرهم

<انذار> (مصدر انذرت) به معنای خبر دادن و مطلع ساختن از چیزی است که باید از آن ترسید و دوری کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۴ - ۱۰

۱۰- کافران منکر حقانیت قرآن ، به عذاب استیصال تهدید شدند .

هل ینظرون إلّا أن تأتیهم الملئکه أو یأتی أمر ربّک کذلک فعل الذین من قبلهم . ..

انذارهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۹ - ۱۱،۱۲

۱۱ قرآن، کتاب جهانی و برای همه عصرها و انذار دهنده کسی که به معارف آن دست یابی یابد.

و أوحى إلىّ هذا القرءان لأنذركم به و من بلغ

<من بلغ> بیانگر عموم و محدود نبودن مرز دعوت قرآن در عرصه زمان و مکان است.

۱۲ انذار مردم در طول تاریخ، هدف از فرستادن قرآن بر پیامبر(ص)

و أوحى إلىّ هذا القرءان لأنذركم به و من بلغ

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲ - ۷

۷قرآن ، کتاب مژده و بشارت برای ره یافتگان مؤمن و هشدار و انذار برای گم گشتگان غافل است .

تلک ءایت الکتب . .. أن أنذر الناس و بشّر الذین ءامنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵۲ - ۳

۳- قرآن ، وسیله انذار و اخطار به تمامی انسانها

هذا بلغ للناس و لینذروا به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۰ - ۹

۹- نهی از ارتکاب فحشا و زشتی و ستم ، از مهم ترین تحذیر های قرآن و نواهی خداوند است .

و نزّلنا علیک الکتب . .. إن الله ... ینهی عن الفحشاء و المنکر و البغی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲ - ۴

۴- بیم دادن آدمیان از عذاب شدید خداوندی ، از رسالت های قرآن است .

لینذر بأسًا شدیدًا من لدنه

مرجع ضمیر در <ینذر> و <یبشّر> ممکن است <الکتاب> و یا <عبده> باشد. برداشت بالا، بنابر احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴ - ۳

۳- بیم دادن کسانی که خدا را دارای فرزند می پندارند ، از رسالت های قرآن و پیامبر (ص) است .

و ینذر الذین قالوا اتخذ اللّه ولدًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۹۷ – ۶،۷

۶- بشارت به پرهیزگاران و انذار دشمنان متعصب و

سرسخت دین ، از اهداف قرآن و رسالت پیامبر (ص)

لتبشّر به المتّقين و تنذر به قومًا لدًّا

<لدّ> جمع <ألدّ> است و <قوماً لدّاً>; یعنی، مردمی در اوج سرسختی و لجاجت.

۷- محتوای قرآن ، وسیله بشارت و انذار است .

فإنّما يسّرنه بلسانك لتبشّر . .. و تنذر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱ - ۱۱

۱۱ انذار و اخطار به همه انسان ها در تمام گیتی ، از اهداف قرآن و پیامبراسلام (ص)

نزّل الفرقان على عبده ليكون للعلمين نذيرًا

ضمیر در <لیکون> ممکن است به دو چیز بازگردد: ۱ <فرقان> ۲ <عبده> (پیامبر اسلام).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۴ - ۵

۵ - هشدار دهی به خلق ، از پیام های بارز قرآن

نزل به الروح الأمين . .. لتكون من المنذرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۵ - ۴

۴ - قرآن ، برخوردار از بیانی روشن در جهت انذار مردمان

لتكون من المنذرين بلسان عربىّ مبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۶ - ۱۱

۱۱ – قرآن ، کتابی انذارگر و بیم دهنده

لتنذر قومًا

روشن است که پیامبر(ص) با تلاوت وحی الهی (قرآن) به انذار مردم می پرداخت. بنابراین <لتنذر قوماً> به تقدیر <بالقرآن> می باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۳ – ۱۱

۱۱ – قرآن ، کتاب هشدار و هدایت است .

تنزیل الکتب . .. بل هو الحقّ من ربّک

لتنذر قومًا... لعلّهم يهتدون

لام در <لتنذر> برای تعلیل است و چون در آیه پیش، سخن از رسالت پیامبر نیست تا تعلیل برای آن باشد، بلکه سخن از نزول قرآن است، بنابراین، تعلیل مربوط به تنزیل قرآن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۷ - ۱۰

۱۰ - < انذار و تبشیر > ، < بیم دادن و امیدبخشیدن > و < تشویق و تهدید > ، از روش های تربیتی قرآن

لهم من فوقهم ظلل من النار . .. ذلک یخوّف اللّه به عباده ... لهم البشری فبشّر عبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴ - ۱،۲

۱ - آیات روشن قرآن ، بشارت دهنده و انذارکننده مردمان

کتب فصّلت ءایته . .. بشیرًا و نذیرًا

۲ - بشارت و انذار ، دو پیام مهم و روشن آیات قرآن

کتب فصّلت . .. بشیرًا و نذیرًا

با توجه به این که قرآن در بردارنده مفاهیم مختلف معرفتی است، تخصیص به ذکر یافتن بشارت و انذار، نشان گر اهمیت و برجستگی آن دو است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳ - ۱۵

۱۵- قرآن ، پیام دار انذار و هشدار به کافران

تنزیل الکتب . .. و الذین کفروا عمّا أُنذروا معرضون

از ارتباط این آیه با آیه قبل که در آن مسأله نزول کتاب مطرح شده استفاده می شود که روی گردانی کافران، از انذارهایی است که در متن <کتاب> صورت گرفته است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶

- ۱۲ - ۱۳،۱۴

۱۳- قرآن ، بیم دهنده به ستمکاران و بشارت دهنده به نیک کرداران

لینذر الذین ظلموا و بشری للمحسنین

۱۴- انذار و تبشیر ، دو محور اصلی پیام های هدایتی قرآن

و هذا کتب . .. لینذر الذین ظلموا و بشری للمحسنین

اصلی بودن دو محور بالا، از اختصاص به ذکر یافتن استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۵ - ۱۵

۱۵- قرآن و انذار های بیدارگرانه آن ، اتمام حجت الهی بر خلق

بلغ

<بلاغ> خبر برای <هذا>ی مقدر است. و آن اشاره به آیات هشدارگر قرآن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۶ - ۱

۱ - قرآن و پیامبر (ص) ، بیم دهنده ای از زمره بیم دهندگان گذشته تاریخ

هذا نذیر من النذر الأُولی

<هذا> هم می تواند به پیامبر(ص) و هم به قرآن اشاره داشته باشد. در برداشت بالا، هر دو احتمال رعایت شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴ - ۴

۴ - اخبار و سرگذشت های هشداردهنده و بازدارنده از گناه و سیه روزی ، بخشی از قلمرو موضوعات قرآن

و لقد جاءهم من الأنباء ما فیه مزدجر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۶ - ۲

۲ - قرآن ، دربردارنده حقایقی انذارگر و هشداردهنده به بشر

نذيرًا للبشر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۵۶ - ۱۰

۱۰ - هشدار و ترغیب ، از روش های تربیتی و هدایتی

قرآن

هو . .. أهل المغفره

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که این سوره، با فرمان انذار و اخطار آغاز گردیده (قم فأنذر. ..) و با مغفرت و آمرزش الهی، خاتمه یافته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۴۰ - ۶

۶ - بشارت و انذار در کنار یکدیگر ، از شیوه های قرآن در دعوت به تقوا و مبارزه با کفر

إنّ للمتّقین مفازًا . .. إنّا أنذرنکم عذابًا قریبًا

انس با قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۹ - ۲

۲ - انس با قرآن و تلاوت پیوسته آن ، برپایی نماز و انفاق در نهان و آشکار ، از نشانه های خداترسی است .

إنّما یخشی اللّه من عباده العلمؤا . .. إنّ الذین یتلون کتب اللّه و أقاموا الصل

انسان و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۸ - ۸

۸ مردم در پذیرش و عدم پذیرش قرآن ، آزاد و مختارند .

قد جاءکم الحق من ربکم فمن اهتدی فإنما یهتدی لنفسه و من ضل فإنما یضل علیها و ما أ

انکار قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ – مائده – ۵ – ۸۴ – ۲

۲ انکار قرآن و رسالت پیامبر (ص) با وجود آگاهی به حقانیت آن ، کفر به خداوند است .

و ما لنا لانؤمن باللّه وما جاءنا من الحق

چنانچه ایمان واقعی به خداوند در گرو ایمان به قرآن و رسالت پیامبر(ص) نباشد معنا ندارد که مسیحیان

و دانشمندان آنان با آنانکه به ایمان خداوند داشتند پس از اختیار اسلام بگویند: <ما لنا لانؤمن باللّه>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۳۳ – ۷

۷ پیشگویی قرآن از گرایش کافران مکه به اسلام و پذیرش توحید

و ما کان اللّه معذبهم و هم یستغفرون

انگیزه مکذبان قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۷۰ – ۸

۸ – حق ستیزی ، انگیزه اصلی بیشتر کافران منکر قرآن و پیامبر (ص) بود ، نه ناشناخته بودن حقانیت آن دو برای آنها .

أم یقولون به جنّه . .. و أکثرهم للحقّ کرهون

اوراق قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عبس – ۸۰ – ۱۳ – ۱،۲،۳

۱ – معارف قرآن ، نوشته هایی ثبت شده در ورقه هایی متعدد

فی صحف

عبارت <فی صحف> با <إنّها تذکره> ارتباط دارد; یعنی، آن تذکره در صحیفه هایی متعدد است. <صحیفه> (مفرد <صحف>); یعنی، هر چه در آن چیزی نوشته شود.(مفردات راغب)

۲ – اوراق قرآن ، دارای عظمت و احترام در پیشگاه خداوند

مکرّمه

آنچه در نوع خود شریف باشد، به <کرم> توصیف می شود(مفردات راغب). باب تفعیل این کلمه (تکریم)، به معنای <عظمت دادن> و <پاک و منزّه ساختن> است (لسان العرب). بنابراین توصیف صفحات قرآن به <مکرّمه>، حاکی از این

است که خداوند آنها را عظمت داده و محترم داشته است.

۳ - لزوم گرامی داشتن و ارج نهادن به ورق قرآن و آیات مکتوب آن

فی صحف مکرّمه

توصیف صفحات قرآن به <مکرّمه>، گرچه خبر از حقیقتی خارجی می دهد; ولی

متضمن توصیه شدن مسلمانان به حفظ احترام قرآن نیز هست.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بینه – ۹۸ – ۲ – ۹،۱۰

۹ – ثبت آیات قرآن ، در صحیفه ها و ورق ها ، برنامه ای پیش بینی شده از جانب خداوند و القا شده به رسول اکرم (ص)

یتلوا صحفًا مطهّره

تعبیر <صحف> (جمع <صحیفه>; یعنی، چیزی که در آن می نویسند)، اشاره به آینده قرآن و مکتوب شدن آن دارد. اسناد <یتلوا> به <صحفاً> با آن که پیامبر(ص) آیات الهی را از روی صحیفه های موجود تلاوت نمی کرد به اعتبار مکتوب شدن پیام ها، پس از تلاوت آن است.

۱۰ – پیامبر (ص) ، قرآن را از صحیفه هایی مکتوب و پیراسته از هر باطل ، دریافت و بر مردم تلاوت می کرد .

رسول من اللّه یتلوا صحفًا مطهّره

در برداشت یاد شده، مراد از <صحفاً مطهّره>، قرآنِ مکتوب پیش از مرحله نزول بر پیامبر(ص) دانسته شده است. قرآن در آن مرحله براساس بعضی از آیات در اختیار فرشتگانی بزرگوار بوده است.

اولوا الالباب و قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۱۹ – ۸

۸ تنها خردمندان حقانیّت قرآن و الهی بودن آن را درمی یابند و آن را باور می کنند .

إنما یتذکّر أُولُوا الألبب

اولین مؤمنان به قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۱۱ – ۶

۶– محرومان ، نخستین گروندگان به قرآن و پیامبر (ص)

و قال الذين كفروا . .. لو كان

خیرًا ما سبقونا إلیه

از لحن تحقیرآمیز <ماسبقونا> استفاده می شود که کافران، از طبقه اشراف و توده مؤمنان، از طبقات محروم و پایین جامعه بودند.

اهتمام به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۶ - ۱۵

۱۵ - خداوند ، مسلمانان را از بی تفاوتی نسبت به تذکار ها و رهنمود های قرآن و در پیش گرفتن شیوه یهود و نصارا در مورد کتاب های آسمانی خود (بی اعتنایی آنان به رهنمود ها و مواعظ تورات و انجیل) ، برحذر می دارد .

ألم یأن للذین ءامنوا . .. و لایکونوا کالذین أُوتوا الکتب من قبل

اهتمام محمد(ص) به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۶۱ - ۳

۳ تلاوت آیات قرآن ، از کار های مهم و همیشگی پیامبر اکرم (ص) بوده است .

و ما تتلوا منه من قرءان

از ذکر تلاوت قرآن در حالی که جمله <ما تکون فی شأن> آن را شامل می شود برداشت فوق استفاده می گردد.

اهداف قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳ - ۱۵

۱۵ تربیت انسان های مؤمن به غیب ، پایبند به نماز و انفاق گر ، از اهداف قرآن

ذلک الکتب . .. هدًی للمتقین. الذین یؤمنون ... و مما رزقنهم ینفقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۷ - ۱۹

۱۹ - هدف قرآن انسان سازی است نه مجرد تبیین مفاهیم نیکو و بیان رفتار های ناپسند

و

لکن البر من ءامن

توضیح برداشت پیشین، بیانگر استفاده برداشت فوق از جمله <و لکن البر من ءامن> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۶ - ۳

۳ قرآن و پیامبر (ص) ، دارای حقیقتی واحد و هدفی یکسان (هدایت بشر)

یهدی به اللّه من اتبع رضونه سبل السلم

ارجاع ضمیر مفرد <به> به قرآن و پیامبر(ص) بیانگر این معناست که آنها دارای یک حقیقت هستند و در هدایتگری یک چیز به شمار می آیند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳ - ۸

۸ رساندن انسان ها به معیشتی نیکو در دنیا ، از هدف های قرآن و ادیان الهی است .

ألّا تعبدوا إلّا الله . .. و أن استغفروا ربکم ثم توبوا إلیه یمتعکم متعًا حسنًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲ - ۱۸

۱۸ اعتقاد و باور جزمی انسان ها به معاد و لقای خداوند ، از هدف های قرآن در بیان نشانه های قدرت و تدبیر خدا و سلطه او بر هستی است .

یفصّل الأیت لعلکم بلقاء ربکم توقنون

برداشت فوق ، ناظر به این معناست که مراد از <الأیات> آیات قرآنی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴ - ۴

۴- تصحیح عقیده انسان در باره خداوند ، از هدف های مهم قرآن است .

أنزل على عبده الكتب . .. و ينذر الذين قالوا اتخذ اللّه ولدًا

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۰ – مريم

- ۱۹ - ۹۷ - ۶

۶- بشارت به پرهیزگاران و انذار دشمنان متعصب و سرسخت دین ، از اهداف قرآن و رسالت پیامبر (ص)

لتبشّر به المتّقین و تنذر به قومًا لدًّا

<لدّ> جمع <ألدّ> است و <قوماً لدّاً>; یعنی، مردمی در اوج سرسختی و لجاجت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۲ - ۸

۸ مبارزه و جهاد فرهنگی با کفر و شرک ، هدف کلی قرآن و محور اصلی دعوت پیامبراسلام (ص)

و جهدهم به جهادًا کبیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۱ - ۵

۵ - تنبه و بیداری مردمان ، از هدف های تعالیم قرآن

و لقد وصّلنا لهم القول لعلّهم یتذکّرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۷ - ۴

۴ - قرار گرفتن میزان و ترازوی تفکر و سنجش در اختیار انسان ها ، از جمله اهداف و فلسفه های مهم نزول قرآن

اللّه الذی أنزل . .. المیزان

کتابی که به حق نازل شده است، می تواند آثار و نتایج متعددی داشته باشد و این که تنها عنوان <المیزان> تخصیص به ذکر یافته، دلیل اهمیت این ویژگی قرآن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۲ - ۱۵

۱۵- هدف اساسی قرآن ، دور داشتن انسان ها از ظلم و تباهی و ترغیب آنان به نیکی و احسان

لینذر الذین ظلموا و بشری للمحسنین

<لام> در <لینذر> غایت و هدف را می رساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸

- قمر - ۵۴ - ۳۲ - ۲

۲ - بیدارگری و غفلت زدایی ، رسالت اصلی قرآن

و لقد یسّرنا القرءان للذّکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۰ - ۲

۲ - بیدارگری و غفلت زدایی ، رسالت اصلی قرآن

و لقد یسّرنا القرءان للذّکر

اهل بصیرت و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۱،۳،۱۲

۱ گروهی از انسانها ، برخوردار از بصیرت الهی و دلیلی روشن بر حقانیت قرآن و الهی بودن آن

أفمن کان علی بیّنه من ربه

<بینه> به معنای دلیل روشن است و متعلق آن به دلیل آیات قبل و نیز جمله های بعد نظیر <إنه الحق من ربک> حقانیت و الهی بودن قرآن است. <مَن> در <أفمن کان> مبتدا و خبر آن شبه جمله ای همانند <کمن لیس کذلک> است. بنابراین <أفمن کان ...>; یعنی، پس آیا کسی که از بصیرتی الهی برخوردار است و دلیل روشنی بر حقانیت قرآن دارد، مانند کسی است که چنین نیست؟

۳ بهره مندان از بصیرت الهی ، دلالت و گواهی قرآن را بر حقانیت قرآن ، درمی یابند و بدان واقف می شوند .

أفمن کان علی بیّنه من ربه و یتلوه شاهد منه

روشن است که مساوی نبودن زمینه داران ایمان با فاقدان آن ، در ارتباط با شهادت قرآن (أفمن . .. یتلوه شاهد منه [کمن لیس کذلک]) مجرد وجود قرآن به عنوان شاهد نیست; بلکه درک و عدم درک آنان از گواهی قرآن ، موجب تمایز آن دو گروه است.

۱۲ آنان که از بصیرت الهی برخوردارند ،

به قرآن ایمان می آورند .

أفمن كان على بيّنه . .. أُولئك يؤمنون به

مراد از ضمیر در <به> به دلیل آیات گذشته (أم یقولون افتراه . ..) و نیز بخشهای بعدی آیه ، قرآن است.

اهل کتاب و حقانیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۴ - ۹

۹ اهل کتاب (عالمان یهود و نصارا) آگاه به حقانیت قرآن و نزول آن از جانب خدا

و الذين ءاتينهم الكتب يعلمون أنه منزل من ربك بالحق

اهل کتاب و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۹ - ۸

۸ برخورد منافقانه برخی از اهل کتاب با مسلمانان ، در اظهار ایمان به تمامی کتب آسمانی (قرآن و . . .)

و اذا لقوكم قالوا امنا و اذا خلوا عضّوا عليكم الأنامل

به قرینه <و تؤمنون بالکتاب کلّه>، متعلّق <امنا>، تمامی کتب آسمانی خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۷ - ۹،۱۱،۱۹،۲۳

۹ تأیید قرآن بر درستی و راستی تورات و انجیل ، نشانه حقانیّت آن و راهبر اهل کتاب بر ایمان بدان

امنوا بما نزّلنا مصدقاً لما معكم

<مصدقاً لما معکم> پس از دعوت اهل کتاب به ایمان به منزله دلیلی است فراروی آنان برای باور به حقانیّت قرآن و لزوم ایمان بدان.

۱۱ خواری و ذلت و از دست دادن منزلت اجتماعی ، پیامد انکار قرآن از سوی اهل کتاب

امنوا . .. من قبل ان نطمس وجوهاً فنردّها علی ادبارها

بدان احتمال که مراد از <وجوه>، وجاهت باشد. بر این

مبنا <فنردها> به این معناست که آن وجاهتها مبدّل به ذلت و خواری می گردد.

۱۹ سرگذشت اصحاب سَبت (مسخ شدن به میمون) عبرت و اندرزی برای کافران به قرآن از اهل کتاب

او نلعنهم کما لعنّا اصحاب السَّبت

۲۳ ایمان نیاوردن اهل کتاب به قرآن ، زمینه گمراهی و عدم رستگاری ابدی آنان

من قبل ان نطمس وجوهاً فنردّها علی ادبارها

امام باقر (ع) در معنی آیه فوق فرمود: نطمسها عن الهدی فنردّها علی ادبارها فی ضلالتها ذمّاً لها بانّها لا تفلح ابداً.

مجمع البیان، ج ۳، ص ۸۶ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۸۷، ح ۲۸۰.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۸ - ۱۴،۱۶

۱۴ اهل کتاب ، موظف به پذیرش و اقامه قرآن و تعالیم نازل شده بر پیامبر (ص)

و لیزیدن کثیراً منهم ما أنزل إلیک من ربک طغیناً و کفراً

ظاهراً ازدیاد کفر و طغیان اهل کتاب بر اثر نپذیرفتن قرآن است. بنابراین آنان موظف به پذیرش قرآن و تعالیم آن هستند.

۱۶ گروهی از اهل کتاب ، مردمانی وارسته از موضعگیری کفرآمیز و خصمانه در برابر قرآن

و لیزیدن کثیراً منهم ما أنزل إلیک من ربک طغیناً و کفراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۰ - ۸

۸ اهل کتاب، قرآن و حقانیت آن را، همانند فرزندان خود، می شناختند.

و أوحی إلیّ هذا القرءان . .. الذین ءاتینهم الکتب یعرفونه کما یعرفون أبناءهم

از احتمالات مطرح در مورد مرجع ضمیر <یعرفونه> قرآن است که در آیه قبل به صراحت به عنوان شاهد بر نبوت و

توحید ذکر گردیده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۳۶ – ۵

۵ گروههایی از اهل کتاب ، قسمتهایی از قرآن را نمی پذیرفتند و حقانیّت آن را انکار می کردند .

و من الأحزاب من ینکر بعضه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بینه – ۹۸ – ۴ – ۸

۸ – پیامبر (ص) و قرآن ، در ادعای واهی و نادرست اهل کتاب و مشرکان ، مصداق < بیّنه > نبوده و برهان درخواستی آنان را تأمین نمی کردند .

لم یکن . .. منفکّین حتّی تأتیهم البیّنه ... و ما تفرّق الذین أُوتوا الکتب إلاّ

این آیه، تسلاّی خاطری است برای پیامبر(ص) در برابر کافرانی که حتی پس از مشاهده آن حضرت و قرآن، هنوز خود را منتظر <بیّنه> قلمداد می کردند و بیان می کند که در گذشته نیز کافران همین رویه را داشتند و آمدن بینه برای آنان اثری نداشت.

اهل کتاب و نزول قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۱۴ – ۹

۹ اهل کتاب (عالمان یهود و نصارا) آگاه به حقانیت قرآن و نزول آن از جانب خدا

و الذین ءاتینهم الکتب یعلمون أنه منزل من ربک بالحق

اهمیت انذارهای قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۲۹ – ۹

۹- انذار ، مهم ترین و بارزترین پیام قرآن برای جنیان

فلمّا حضروه قالوا أنصتوا . .. ولّوا إلی قومهم منذرین

تنها صفتی که خداوند برای جنیان، یاد کرده، این است که آنان پس از

شنیدن آیات قرآن، با روحیه انذارگری و به انگیزه انذار به سوی قومشان بازگشتند.

اهمیت ایمان به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۲

۲ - یهودیان ، در گستره دعوت پیامبر (ص) قرار دارند و موظف به پذیرش اسلام و ایمان به قرآن هستند .

و إذا قیل لهم ءامنوا بما أنزل اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۶ - ۱

۱ - ضرورت ایمان داشتن به خدا ، قرآن و احکام و معارف نازل شده بر ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق و یعقوب (ع)

قولوا ءامنا باللّه و ما أنزل إلینا و ما أنزل إلی إبرهیم . .. و یعقوب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶ - ۲

۲- پیامبر (ص) بر هدایت مردم و ایمان آنان به قرآن ، بسیار شایق و حریص بود .

فلعلّک بخع نفسک علی ءاثرهم إن لم یؤمنوابهذا الحدیث أسفًا

اهمیت بسمله در تلاوت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱ - ۸

۸ - قرائت قرآن ، بدون کمک گرفتن از نام خداوند ، کامل نیست و تنها با ذکر نام او ، قرائتی مطلوب خواهد بود .

اقرأ باسم ربّک

چنانچه حرف <باء> در <باسم ربّک> برای استعانت باشد; اسم خداوند، وسیله کامل بودن قرائت خواهد بود و با اکتفا به

ابزار قرائت (زبان، ذهن و. ..) و کمک نگرفتن از نام خداوند، گرچه قرائت انجام می پذیرد؛ ولی از

کمال برخوردار نیست.

اهمیت پیروی از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۵ - ۲

۲ - دفاع از حریم قرآن و پیروی از تعالیم آن ، عامل هجرت پیامبر (ص) از مکه

إنّ الذی فرض علیک القرءان لرادّک إلی معاد

این که خداوند پیش از وعده به بازگشت پیامبر(ص) به مکه، مسأله وجوب عمل به تعالیم قرآن را مطرح ساخته است; می تواند به علّتِ هجرت پیامبر(ص) از مکه به مدینه اشاره داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۱ - ۸

۸ - پیروی از قرآن و تعالیم نازل شده از جانب خداوند ، ضروری است .

اتّبعوا ما أنزل اللّه

اهمیت تبعیت از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۰ - ۱

۱ - ضرورت پیروی از قرآن و احکام و مقررات نازل شده از جانب خدا

اتبعوا ما أنزل اللّه

اهمیت تبلیغ قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳ - ۲

۲- پیامبر (ص) مسؤول ابلاغ قرآن و تذکردادن به مردم است و در مورد به ثمرنشستن آن مسؤولیت ی ندارد .

ما أنزّلنا علیک . .. إلاّ تذکره لمن یخشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۱ - ۳

۳ - لزوم قرائت آیات قرآن ، برای مردم و ابلاغ آن حتی به غیر مؤمنان

و إذا قریء علیهم القرءان

اهمیت تبیین قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ -

نحل - ۱۶ - ۶۴ - ۶

۶- قرآن ، برای حضور در عینیت جامعه ، نیاز به تفسیر و تبیین از سوی عالم به آن دارد .

و ما أنزلنا علیك الكتب إلّا لتبیّن لهم الذی اختلفوا فیه

اهمیت تدبر در آیات قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۹ - ۷

۷ - لزوم تدبر و اندیشیدن در آیات قرآن

كتب . .. لیدّبّروا ءایته

اهمیت تدبر در حقانیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۲ - ۱

۱ - لزوم تأمل و تدبر انسان ، درباره حقانیت قرآن و پرهیز از مخالفت عجولانه با آن

قل أرءیتم إن كان من عند اللّه ثمّ كفرتم به من أضلّ

اهمیت تدبر در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱ - ۹

۹ خداوند ، تشویق كننده و فراخوان عالمان و دانشمندان به تحقیق و تدبر در قرآن و بهره گیری از معارف آن

و نفصل الأیت لقوم یعلمون

ذكر <لقوم یعلمون> در پی بیـان تفصـیل و تبیین معارف قرآن، تشویقی است الهی برای اهل علم و دانش، جهت بهره گیری از كتاب خداوند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۲۷ – ۱۱

۱۱ لزوم ژرف نگری در آیات قرآن و پرهیز از برخورد سطحی با پیام های الهی (وحی)

بأنهم قوم لا يفقهون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۶۸ – ۴

۴ – لزوم تدبر در آیات و معارف

قرآن

أفلم يدّبّروا القول

اهمیت تذکرات قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۶ - ۱۶،۱۷

۱۶ - بی تفاوتی در برابر تذکار ها و رهنمود های قرآن در دراز مدت ، باعث قساوت قلب خواهد شد .

و لایکونوا کالذین . .. فطال علیهم الأمد فقست قلوبهم

خداوند، مسلمانان را از پیش گرفتن شیوه یهود و نصارا در مورد کتاب های آسمانی خود بر حذر داشته و تذکر می دهد که آنان با این کار به مرور زمان گرفتار قساوت قلب شدند; بنابراین مسلمانان نیز در خطر گرفتار شدن به آن خواهند شد.

۱۷ - مسلمانان بی تفاوت ، در خطر خارج شدن از جاده حق و عدالت در صورت استمرار یافتن بی تفاوتی آنان نسبت به تذکّرات و رهنمود های قرآن

و لایکونوا کالذین . .. فطال علیهم الأمد ... و کثیر منهم فسقون

در آیه شریفه، قساوت قلب و خروج از عدل و انصاف (حقّ)، از پیامدهای بی تفاوتی مستمر و دائمی یهود و نصارا نسبت به رهنمودهای کتاب های آسمانیشان برشمرده است. برحذر داشتن مسلمانان از پیش گرفتن شیوه اهل کتاب، بیانگر مطلب یاد شده است.

اهمیت تسلیم به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۴ - ۳

۳ - لزوم تسلیم در برابر تعالیم قرآن

و أنّا منّا المسلمون

اهمیت تعالیم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۱ - ۲

۲ کافران مکه مدعی توان خویش در آوردن آیات و معارفی چون قرآن

قالوا قد سمعنا لو نشاء لقلنا مثل هذا

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۸ - ۴

۴ - نوید خداوند به امت اسلامی در برخورداری از حکومت ، اقتصاد شکوفا و شرافت ، در پرتو تعالیم قرآن و رسالت پیامبر (ص) *

و لقد ءاتینا بنی إسرءیل . .. ثمّ جعلنک علی شریعه من الأمر

واژه <الأمر> در این آیه همانند واژه <الأمر> در آیه قبل می تواند نظر به کتاب، حکومت، نبوت، رزق پاکیزه و فضیلت اجتماعی داشته باشد. در این صورت تعبیر <جعلناک علی شریعه من الأمر>، نوید به بهره مندی پیامبر(ص) و امتش از آن مواهب خواهد بود.

اهمیت تعقل در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۷ - ۸

۸ - خداوند ، خواهان اندیشه و تدبر کردن مؤمنان در آیات قرآن ، رهنمود ها و مواعظ آن

قد بیّنا لکم الأیت لعلّکم تعقلون

<عقل> (مصدر <تعقلون>) به معنای تدبر کردن است (مصباح المنیر).

اهمیت تعلّم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۴ - ۵

۵ معارف قرآن و احکام آن ، حقایقی است که باید آنها را فرا گرفت و همواره به خاطر داشت .

إن هو إلاّ ذکر للعلمین

<ذکر> به علم و معرفتی گفته می شود که در ذهن حاضر باشد و از آن غفلت نشود. توصیف قرآن به این که ذکر است ، اشاره به این دارد که حقایق آن باید آموخته شود و از یاد نرود و از آن غفلت نشود.

اهمیت تعلیم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲

۶ - تلاوت آیات الهی ، تزکیه نفوس و تعلیم کتاب و حکمت ، اصول و محور های برنامه رسالت پیامبر (ص) در هدایت خلق

یتلوا علیهم ءایته و یزکّیهم و یعلّمهم الکتب و الحکمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۲ - ۲

۲ - آشنایی با معارف قرآن ، امری ضروری و مورد ترغیب از سوی خداوند

فمن شاء ذکره

اهمیت تلاوت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۰ - ۴

۴ تلاوت قرآن بر مردم ، از وظایف پیامبر (ص) و از هدف های ارسال او به پیامبری

أرسلنک . .. لتتلوا علیهم الذی أوحینا إلیک

<تلاوت> (مصدر تتلوا) به معنای خواندن است و <لتتلوا> متعلق به <أرسلناک> می باشد و بیانگر وظیفه پیامبر و هدف ارسال او به پیامبری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۸ - ۸

۸- قراءت قرآن ، عملی صالح و دارای اهمیتی ویژه *

من عمل صلحًا . .. فإذا قرأت القرءان فاستعذ

برداشت فوق، از ارتباط میان آیه قبل، که درباره عمل صالح به صورت عموم بود و آیه فوق که در رابطه با یکی از اعمال با ارزش (قراءت قرآن) است، به دست آمد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۸ - ۵

۵- قراءت قرآن و بازخوانی پیام وحی ، عمده ترین رکن و مهمترین بُعد نماز

أقم الصلوه . .. و قرءان الفجر

مراد از <قرآن الفجر> نماز صبح است و آوردن <قرآن>

(تلاوت آیات الهی) به جای <صلاه> می تواند مشعر به مطلب فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۹ - ۳،۴

۳- تلاوت قرآن کریم با بیدار شدن از خواب در شب ، دارای اهمیتی ویژه است .

و قرءان الفجر کان مشهودًا . و من الّیل فتهجّد به نافله لک

۴- اهمیت قراءت قرآن ، در نماز شب

و قرءان الفجر . .. و من الّیل فتهجّد به نافله لک

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مراد از <قرآن>، نماز مشتمل بر قراءت قرآن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۹ - ۳

۳ - ارزش و اهمیت تلاوت قرآن کریم

إنّ الذین یتلون کتب اللّه

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که تلاوت قرآن کریم، در ردیف برپایی نماز و انفاق، از اوصاف عالمان راستین و خداترسان قرار گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۱ - ۳

۳ - لزوم قرائت آیات قرآن ، برای مردم و ابلاغ آن حتی به غیر مؤمنان

و إذا قریء علیهم القرءان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۳ - ۱

۱ – خداوند ، با تأکید بر فرمان خویش ، پیامبر (ص) را به دریافت و قرائت قرآن در آغاز رسالتش فرا خواند .

اقرأ . .. اقرأ

فرمان <اقرأ>، تکرار و تأکیـد فرمانی است که در آغاز سوره آمده بود و مفعول محذوف آن نیز به قرینه سـیاق کلام مطالبی است که بعد از

آن فرمان، وحی خواهد شد.

اهمیت تلاوت قرآن در شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۱۲،۱۳

۱۲ - نماز و خواندن قرآن ، از بهترین اعمال مراسم در شب زنده داری و عبادت شبانه

تقوم أدنی من ثلثی الّیل . .. فاقرءوا ما تیسّر من القرءان

۱۳ - شب هنگام ، زمان مناسب برای نماز و قرائت قرآن

تقوم أدنی من ثلثی الّیل . .. فاقرءوا ما تیسّر من القرءان

اهمیت تلاوت قرآن رهبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۵ - ۵

۵ - لزوم خلوت با خدا و راز و نیاز به درگاه او و انس بیشتر با قرآن ، برای رهبران و مبلغان دینی

قم الّیل . .. و رتّل القرءان ترتیلاً . إنّا سنلقی علیک قولاً ثقیلاً

اهمیت تلاوت قرآن مبلغان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۵ - ۵

۵ - لزوم خلوت با خدا و راز و نیاز به درگاه او و انس بیشتر با قرآن ، برای رهبران و مبلغان دینی

قم الّیل . .. و رتّل القرءان ترتیلاً . إنّا سنلقی علیک قولاً ثقیلاً

اهمیت حفظ قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۱۴ – ۱۱

۱۱ – پیامبر (ص) ، دارای اشتیاق شدید به حفظ آیات قرآن و به خاطر سپردن آن

و لاتعجل بالقرءان من قبل أن یقضی إلیك وحیه

گفته شده است که انگیزه پیامبر(ص) در قرائت آیات، همراه با قرائت جبرئیل، اطمینان یافتن به دریافت کامل

وحی بوده است.

اهمیت خضوع برای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۱ - ۴

۴ - لزوم کرنش و سر فرود آوردن ، در برابر عظمت قرآن

و إذا قرئ‌ء علیهم القرءان لایسجدون

اهمیت دفاع از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۵ - ۲

۲ - دفاع از حریم قرآن و پیروی از تعالیم آن ، عامل هجرت پیامبر (ص) از مکه

إنّ الذی فرض علیک القرءان لرادّک إلی معاد

این که خداوند پیش از وعده به بازگشت پیامبر(ص) به مکه، مسأله وجوب عمل به تعالیم قرآن را مطرح ساخته است; می تواند به علّتِ هجرت پیامبر(ص) از مکه به مدینه اشاره داشته باشد.

اهمیت ذکر قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۱۷

۱۷ درخواست بصیرت از خداوند ، توجه به قرآن و حقایق مطرح شده در آن و مطالعه تورات ، راه های زدودن شک و شبهه درباره حقانیت قرآن است .

أفمن کان علی بیّنه . .. فلاتک فی مریه منه

روشن است که شک و شبهه، همانند علم و یقین که از امور قلبی است، با امر و نهی قابل ایجاد و رفع نیست. بنابراین جمله <فلاتک فی مریه منه> (در حقانیت قرآن شک نداشته باش) ارشاد به فراهم آوردن زمینه هایی است که مایه برطرف شدن

شک می شود و آنها همان حقایقی است که در صدر آیه، بیان شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۴

۵ معارف قرآن و احکام آن ، حقایقی است که باید آنها را فرا گرفت و همواره به خاطر داشت .

إن هو إلّا ذکر للعلمین

<ذکر> به علم و معرفتی گفته می شود که در ذهن حاضر باشد و از آن غفلت نشود. توصیف قرآن به این که ذکر است ، اشاره به این دارد که حقایق آن باید آموخته شود و از یاد نرود و از آن غفلت نشود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱ - ۱۰

۱۰- معارف قرآن ، معارفی فطری و تنها نیازمند تذکر و توجه است .

سوره أنزلنها . .. فیها ءایت بیّنت لعلّکم تذکّرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۷ - ۱

۱ - قرآن در بردارنده معارفی که باید آنها را فراگرفت و همواره به خاطر داشت .

إن هو إلّا ذکر

<ذکر> و <حفظ> به یک معنا است; جز این که <حفظ> فراگرفتن و <ذکر> حاضر داشتن فراگرفته ها است; بنابراین به ادامه حفظ نیز <ذکر> گفته می شود; گرچه مسبوق به فراموشی نباشد (مفردات راغب). این تعبیر برای قرآن که گرچه وسیله ذکر است ولی از روی مبالغه <ذکر> خوانده شده است نشانه آن است که قرآن، مایه توجّه انسان به حقایقی است که باید همواره آن را به خاطر داشته باشد.

اهمیت عبرت از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۰ - ۲

۲ - لزوم خداترسی و تأثیرپذیری از پند های قرآن و هراس از فرجام ناهماهنگی با تعالیم آن

سنقرئك

. .. فذكّر ... سيذّكّر من يخشى

اهميت فهم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۰ - ۵

۵ مسلمانان ، وظيفه دار به صحنه آوردن و فهم صحيح قرآن و عمل به تعاليم آن .

يربّ إنّ قومى اتّخذوا هذا القرءان مهجورًا

ترديدى نيست كه مهجور و متروك ساختن قرآن، مربوط به ظاهر آن نيست; بلكه مقصود، تأمل نكردن در معارف آن و نشناختن و عمل نكردن به تعاليم آن است. از اين رو آيات بسيارى از قرآن، انسان ها را به تفكر در قرآن و عمل به آموزه هاى آن، فرا خوانده است.

اهميت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۸ - ۵

۵ قرآن ، مايه يادآورى

و الذكر الحكيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۸ - ۱

۱ قرآن ، روشنگر مردم و هدايت كننده تقواپيشگان و پندى براى ايشان

هذا بيان للنّاس و هدىً و موعظه للمتّقين

بنابر اينكه <هذا> اشاره به قرآن باشد ; يعنى اين قرآن روشنگر و . .. .

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۵ - ۴

۴ تکذیب قرآن، نکوهیده تر از تکذیب دیگر آیات الهی است.

ما تأتیهم من ءایه . .. فقد کذّبوا بالحق

مراد از <الحق> می تواند قرآن باشد. در این آیه نسبت به آیه قبل <ترقی> صورت گرفته است. یعنی اینکه کافران آیات را تکذیب کردند و عجیبتر آنکه قبل از آن قرآن را تکذیب کردند.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹۶ - ۳

۳ خداوند به خاطر نازل کردن قرآن بر پیامبر (ص) ، مصونیت او را از خطر مکر و توطئه مشرکان تضمین کرد .

إن ولی اللّه الذی نزل الکتب

توصیف <اللّه> با <الذی نزل الکتب> بیانگر علت ولایت و یاری ویژه پیامبر(ص) از جانب خداست. یعنی چون قرآن را بر من نازل کرد، مرا در برابر شما مشرکان یاری خواهد داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۱ - ۳

۳ اظهار آگاهی کافران از محتوای قرآن و غیر مهم جلوه دادن آن ، از حیله های آنان علیه پیامبر (ص)

و یمکرون . .. قالوا قد سمعنا لو نشاء لقلنا مثل هذا إن هذا إلا أسطیر

جمله <ان هذا . .. > دلالت می کند بر اینکه مقصود از <مثل هذا> همانندی در محتوای قرآن بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۸ - ۲

۲ تنها نعمتی که برخورداری از آن ، باید مایه خوشحالی و شادمانی مؤمنان باشد ، قرآن است .

قد جاءتکم موعظه من ربکم . .. قل بفضل اللّه و برحمته فبذلک فلیفرحوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۱۴،۱۶

۱۴ همه انسان ها از هر گروه و طایفه (مشرکان ، یهود ، نصارا و . . .) وظیفه دار ایمان به قرآن

و من یکفر به من الأحزاب فالنار موعده

۱۶ شک و شبهه در راستی و درستی قرآن

، مایه گرفتار شدن به آتش دوزخ است .

فالنار موعده فلاتک فی مریه منه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۴ - ۶

۶ تبلیغ قرآن نباید وسیله درآمد های مادی قرار گیرد .

و ما تسئلهم علیه من أجر إن هو إلّا ذکر للعلمین

حصر در جمله <إن هو . ..> حصر اضافی و نسبی است که به قرینه جمله <و ما تسئلهم ...> می توان گفت: مقصود این است که قرآن را خداوند بر پیامبر(ص) نازل کرد تا حقایق آن را به مردم بیاموزد و ابلاغ کند نه اینکه آن را وسیله کسب معاش قرار دهد و پیامبر(ص) نیز همین گونه عمل کرد (ما تسئلهم ...).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۷ - ۷

۷ معارف ، احکام و قوانین قرآن ، حقایقی عالمانه ، سزاوار و بایسته پذیرش و پیروی است .

و کذلک أنزلنه حکمًا عربیًّا . .. بعد ما جاءک من العلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵۲ - ۵

۵- قرآن ، مایه نجات آدمی از خطر ها ، آسیب ها و دشواری های موجود بر سر راه انسان *

هذا بلغ للناس و لینذروا به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۷ - ۵

۵- قرآن ، جلوه ای از خلّاقیت و علم خداوند

إن ربّک هو الخلّق العلیم . و لقد ءاتینک سبعًا من المثانی و القرءان العظیم

ذکر <اعطای قرآن به پیامبر(ص)> پس از بیان دو صفت خالقیت و دانایی خداوند، می

تواند بیانگر مصداقی از خلاّقیت و علم خداوند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۶ - ۶

۶- هشدار خداوند به افترا زنندگان به قرآن کریم مبنی بر نابودی و هلاکت آنان

و إذا قیل لهم ماذا أنزل ربّکم قالوا أسطر الأولین . .. قد مکر الذین من قبلهم فأت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۹ - ۱۵

۱۵- لزوم مراجعه به قرآن ، برای شناخت عوامل واقعی رشد و هدایت انسان

و نزّلنا علیک الکتب تبینًا لکلّ شیء و هدًی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۸ - ۶

۶- اعطای کتابی بی مانند چون قرآن به پیامبر (ص) نشان فضل عظیم الهی به آن حضرت است .

إن فضله کان علیک کبیرًا . قل لئن اجتمعت ... لایأتون بمثله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶ - ۴

۴ قرآن ، از سنخ اسرار نهفته در عالم آفرینش است که نزول آن ، تنها از سوی خداوند دانای به اسرار امکان پذیر است . *

قل أنزله الذی یعلم السرّ فی السموت و الأرض

ربط بین نزول قرآن و علم به اسرار، می توانـد گویای این نکته باشد که این کتاب از ساخته های دست بشـر نیست; بلکه جزء اسرار عالم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۳۰ – ۴،۵

۴ مهجور ساختن و خارج کردن قرآن از صحنه زندگی ، عملی است که مورد شکوه

پیامبر (ص) در پیشگاه خداوند قرار خواهد گرفت .

و قال الرسول یربِّ إنّ قومی اتّخذوا هذا القرءان مهجورًا

۵ مسلمانان ، وظیفه دار به صحنه آوردن و فهم صحیح قرآن و عمل به تعالیم آن .

یربّ إنّ قومی اتّخذوا هذا القرءان مهجورًا

تردیدی نیست که مهجور و متروک ساختن قرآن، مربوط به ظاهر آن نیست; بلکه مقصود، تأمل نکردن در معارف آن و نشناختن و عمل نکردن به تعالیم آن است. از این رو آیات بسیاری از قرآن، انسان ها را به تفکر در قرآن و عمل به آموزه های آن، فرا خوانده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۱ - ۷

۷ - قرآن ، کتابی سودمند برای بشر و در جهت منافع و مصالح او است .

إنّا أنزلنا علیک الکتب للناس

برداشت یاد شده با توجه به لام در <للناس> است که متضمن معنای انتفاع می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳ - ۴

۴- نزول قرآن در شبی مبارک ، بیانگر اهمیت قرآن نزد خداوند

إنّا أنزلنه فی لیله مبرکه

این که شبی برکت زا برای نزول قرآن برگزیده شده است، خود نشانی از عظمت قرآن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲ - ۴

۴- ناتوانی بشر از ارائه کتاب ، برنامه و معارفی فراتر از قرآن

تنزیل الکتب من اللّه العزیز

از ارتباط میان <تنزیل الکتاب> با وصف <العزیز> نوعی تحدی استفاده می شود طرح عزت و شکست ناپذیری خداوند در زمینه نزول قرآن در ابعاد مختلفی تصویر می

شود و از جمله در بعد محتوایی و لفظی آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۰ - ۷

۷- قرآن و محتوای آسمانی آن ، کافی برای اثبات حقانیت رسالت پیامبر (ص)

صرفنا إلیک . .. یستمعون القرءان ... إنّا سمعنا کتبًا أُنزل من بعد موسی ... یهدی

برداشت بالا با توجه به دو نکته است زیر استفاده شده است: ۱ مؤمنان پیشتاز جن، فقط با استماع قرآن به آسمانی بودن آن و حقانیت رسالت پیامبر(ص) پی بردند ۲ در مقام دعوت قوم، باز بر محتوای پیام قرآن تکیه نمودند; نه بر معجزه و نظائر آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۵ - ۹

۹ - لزوم محور قرار دادن قرآن ، در تبلیغ دین و هدایت خلق

فذکّر بالقرءان

هر چند آیه شریفه خطاب به پیامبر(ص) است; اما تکلیف استفاده از قرآن و محور قرار دادن آن در امر تبلیغ، دارای ملاک عام است و اختصاصی به شخص پیامبر(ص) ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۸ - ۲

۲ - نزدیک و نزدیک تر شدن پیامبر (ص) ، به مبدأ وحی در افق اعلی برای دریافت قرآن

و هو بالأُفق الأعلی . ثمّ دنا فتدلّی

برداشت یاد شده بر این اساس است که ضمیر فاعلی به پیامبر(ص) بازمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۸۱ - ۵

۵ - قرآن ، کتابی است که باید آن را جدی گرفت و در متن زندگی قرار

داد .

أفبهذا الحديث أنتم مدهنون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - حديد - ۵۷ - ۱۷ - ۳

۳ - تشويق مؤمنان از سوى خداوند ، به اهميت دادن ياد او و نقش كلام او (قرآن) در دل ها

ألم يأن للذين ءامنوا . .. اعلموا أنّ اللّه يحىِ الأرض بعد موتها

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۵ - ۲

۲ - دريافت وحى (قرآن) و تبليغ آن ، امرى بس سنگين و گران بار براى پيامبر (ص)

إنّا سنلقى عليك قولاً ثقيلاً

اهميت نزول قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۴ - ۷

۷ - نزول قرآن ، جلوه اى از بلند مرتبگى و فرمان روايى مطلق خداوند وحقانيت او

و كذلك أنزلنه . .. فتعلى اللّه الملك الحقّ

<فا> در <فتعالى> براى تفريع است و مى رساند دارد كه پى بردن به مطالب بعد از آن، نتيجه توجه به ما قبل است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱۱ - ۱،۲

۱ - شياطين ، فاقد كمترين شايستگى براى نزول قرآن

و ما ينبغى لهم

ضمیر فاعل در <ینبغی> به <تنزّل> (مصدر <تنزّلت>) بازمی گردد <استطاعه> (مصدر <یستطیعون>) به معنای توانایی است; یعنی، <و ما ینبغی لهم أن یتنزّلوا به و لایقدرون علی التنزّل به; نه می سزد که شیاطین قران را نازل کنند و نه می توانند>.

۲ - نازل کردن قرآن ، خارج از توانایی شیاطین

و ما یستطیعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲ - ۳،۷

۳ - نزول کتاب (قرآن) از سوی خداوند ، عملی هدفدار و امری لازم و شایسته برای بشر

إنّا أنزلنا إلیک الکتب بالحقّ

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که <بالحقّ> متعلق به <أنزلنا> باشد. کلمه <حق> در برابر باطل (پوچ و بیهوده) به معنای کار به جا، شایسته و هدفمند است. بنابراین نزول قرآن، هدفمند و کاری شایسته و لازم برای بشر می باشد.

۷ - نزول کتاب آسمانی (قرآن) ، نعمتی است درخور شکر و شایسته عبادت خالصانه خدا و اطاعت محض از او .

إنّا أنزلنا إلیک الکتب بالحقّ فاعبد اللّه مخلصًا له الدین

برداشت یاد شده از تفریع جمله <فاعبد اللّه مخلصاً له الدین>، بر جمله <إنّا أنزلنا إلیک الکتاب> به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۱ - ۳

۳ - نزول کتاب (قرآن) از سوی خداوند ، عملی هدفدار و امری لازم و شایسته برای بشر

إنّا أنزلنا علیک الکتب للناس بالحقّ

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که <بالحقّ> متعلق به <أنزلنا> باشد. کلمه <حقّ> در برابر باطل (پوچ و بیهوده) به معنای کار به جا، شایسته و هدفمند است. بنابراین نزول قرآن، امری هدفمند و شایسته و بایسته برای بشر بوده است.

اهمیت نعمت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۸ - ۳،۴

۳ نعمت بهره مندی مؤمنان از قرآن ، نعمتی است بهتر و با ارزشتر از تمام دارایی ها و مال

و منال دیگران .

قد جاءتکم موعظه من ربکم . .. قل بفضل اللّه و برحمته فبذلک فلیفرحوا هو خیر مما یج

در عود ضمیرهای فاعلی در <یفرحوا> و <یجمعون> سه احتمال است: الف) هر دو ضمیر به <الناس> برگردد. ب) هر دو ضمیر، عاید به <المؤمنین> باشد. ج) ضمیر اول راجع به <المؤمنین> و ضمیر دوم به <الناس> باشد. برداشت فوق مبتنی بر احتمال سوم است.

۴ قرآن ، نعمتی است که مؤمنان با بهره مندی از آن ، نباید از تنگدستی خود و دارایی و اندوخته های مادی دیگران ، اندوهناک باشند .

قد جاءتکم موعظه من ربکم . .. فبذلک فلیفرحوا هو خیر مما یجمعون

اهمیت هشدارهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۰ - ۱

۱ - توجه به هشدار های قرآن درباره بررسی نامه های عمل و پیامد های آن ، برای ایمان آوردن کافی است .

فما لهم لایؤمنون

حرف <فاء>، این آیه را بر مفاد آیه های قبل تفریع کرده است; یعنی، پس از گوشزد شدن خطرها ایمان نیاوردن توجیه ناپذیر است.

ایمان به بخشی از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۱ - ۱،۵

۱- یهود و نصارا ، پس از نزول قرآن و ظهور اسلام ، به التقاط گراییده و به برخی از آیات قرآن ایمان آوردند و به برخی دیگر کفر ورزیدند .

الذین جعلوا القرءان عضین

<عضین> جمع <عضه> است و <عضه> به معنای جزء می باشد و تجزیه در پذیرش معارف دین در شأن اهل کتاب

است; چون کافران و مشرکان اصل دیانت الهی

را قبـول نداشـتند; چنـان کـه خداونـد اهـل کتـاب را بـه همیـن وصـف توصـیف فرمـود: <. ..و یقولـون نـؤمن ببعض و نکفر ببعض...> (سوره نساء، آیه ۱۵۰).

۵- < عن إبن عباس قال : سأل رجل رسول الله (ص) < . . .الـذین جعلوا القرآن عضـین > قال : آمنوا ببعض و کفروا ببعض ;

از ابن عباس روایت شده است که مردی از رسول خدا(ص) درباره سـخن خداوند <الذین جعلوا القرآن عضـین> سؤال کرد، حضرت فرمود: به بعضی از[قرآن]ایمان می آورند و نسبت به بعض دیگر آن کافر می شوند>.

ایمان به حقانیت قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۷ – ۱۵

۱۵ لزوم زدودن شك و شبهه از خویشتن در باره راستی و درستی قرآن

فلاتک فی مریه منه

مراد از ضمیر در <منه> قرآن است و مخاطب جمله <فلاتك . ..> تك تك انسانهاست.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۱ – ۱۱

۱۱ لزوم ایمان به قرآن ، الهی بودن و پیراستگی آن از هر گونه باطل

و الذی أُنزل إلیک من ربک الحق و لکنّ أکثر الناس لایؤمنون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۵۴ – ۱

۱ – زدوده شدن شبهات شیطانی از چهره آیات وحی به اراده خداوند ، به این دلیل بود تا کسانی که از نعمت معرفت و دانش برخوردار بودند ، به حقانیت آن پی ببرند و با آرامش خاطر ، به آن ایمان بیاورند .

فینسخ اللّه ما یلقی الشیطن . .. و لیعلم الذین أُوتوا

العلم ... فتخبت له قلوبهم

ضمير در <أنّه الحق> بـه قرآن بـاز می گردد کـه در آیـه ۵۲ از آن ذکر ضـمنی به میـان آمـده است. <إخبـات> (مصـدر <تخبـت>) مشـتق از <خَبْت> است. <خَبْت> به زمین وسـیع و همـواری گفته می شـود که بی فراز و نشـیب است. <قلب مخبـت>; یعنی، قلـبی کـه مطمئـن آرام و بی اضـطراب و تردیـد است. آیه یـاد شـده تعلیـل برای جمله <فینسـخ اللّه مـا یلقی الشـیطان...> است; یعنی، خداونـد شـبهه های شـیطان را از آیات وحی می زداید، تا کسانی که از نعمت دانش برخورداراند، بدانند که قرآن حق بوده و از جانب پروردگار نازل شده است و دل هایشان به آن مطمئن شود و آرام گیرد.

ایمان به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴ - ۱

۱ - ایمان به قرآن و معارف و احکام نازل شده بر پیامبر (ص) ، از صفات متقین است .

هدًى للمتقين . .. الذين يؤمنون بما انزل إليك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۴ - ۵

۵ - خداونـد ، از منکران قرآن خواسـته است تا در صورت عجز از آوردن هماننـد برای قرآن ، به قرآن و رسالت پیامبر (ص) ایمان آورند .

فإن لم تفعلوا و لن تفعلوا فاتقوا النار

مراد از لزوم دوری از آتش دوزخ پرهیز از موجبـات آن اسـت و موجبـات آتش - بـه قرینـه موضـوع بحث در ایـن دو آیه (حقانیت قرآن و پیامبر (ص)) - انکار قرآن و رسالت پیامبر (ص) می باشد. بنابراین <فاتقوا النار>; یعنی:

فاتقوا الكفر بالقرآن و الرسول لتتقوا النار.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۴۱ - ۱،۳،۵

۱ - خداوند ، فراخوان بنى اسرائيل به تصديق قرآن و ايمان به آن

يبنى إسرائيل . .. و ءامنوا بما أنزلت

۳ - ايمان به قرآن و كافر نشدن به آن ، از عهد هاى خدا با بنى اسرائيل

أوفوا بعهدى . .. و ءامنوا بما أنزلت

۵ - نزول قرآن از جانب خدا ، دليل ضرورت ايمان همگان به آن

ءامنوا بما أنزلت

هدف از آوردن <ما>ى موصوله و تبيين آن با جمله <أنزلت> به جاى قرآن و مانند آن، بيان علت حكم (لزوم ايمان) است; يعنى، چون قرآن را خداوند نازل كرده، بايد بدان ايمان آوريد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۴۴ - ۸

۸ - پذيرش اسلام و ايمان به قرآن ، از فرمان هاى تورات و انجيل به پيروان خويش

أتأمرون الناس بالبر و تنسون أنفسكم و أنتم تتلون الكتب

جمله <تُنسون أنفسكم> را مى توان به قرينه آيات پيشين - كه سخن از دعوت به ايمان بود - در ارتباط با ايمان به قرآن دانست. بر اين اساس آيه اشاره به اين معنا دارد كه: شما عالمان اهل كتاب مردم را به نيكيها دعوت مى كنيد; ولى وظيفه خويش را كه ايمان به قرآن است، فراموش مى كنيد; سپس با جمله <و أنتم تتلون الكتب> بيان مى دارد كه: آنان از اين وظيفه مطلع بودند; يعنى، در كتابهاى آسمانى، اين حقيقت وجود داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲

۴ - ۱۰۳ -

۴ - یهودیان در صورت ایمان به پیامبر (ص) و قرآن و پرهیز از گناهان (سحر ، بی اعتنایی به کتاب های آسمانی و . . .) از پاداش های الهی بهره مند می شدند .

و لو أنهم ءامنوا و اتقوا لمثوبه من عنداللّه خیر

مراد از ضمیر در <أنهم> به قرینه آیه ۹۹ و ۱۰۱ یهودیان کافر به پیامبر و قرآن است. قابل ذکر است که جمله <لمثوبه ...> جانشین جواب شرط است و آن جواب جمله ای همانند <لأثیبوا> (همانا پاداش داده می شدند) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۱ - ۴

۴ - تورات و انجیل ، حاوی بشارت به آمدن قرآن و پیامبر (ص) و بیانگر ضرورت ایمان به آن دو است .

الذین ءاتینهم الکتب یتلونه حق تلاوته أولئک یؤمنون به

چون خواندن تورات و انجیل و پیروی از آن دو، مایه ایمان آوردن به قرآن و پیامبر(ص) می شود، به دست می آید که: آن دو کتاب، بشارت به آمدن قرآن و پیامبر(ص) و لزوم ایمان آوردن به آنها مطرح شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۶ - ۱۰

۱۰ - مسلمانان ، باید به یهود و نصارا ابلاغ کنند که به قرآن و همه پیامبران و احکام و معارف نازل شده بر آنان و به تمامی کتاب های آسمانی ، ایمان دارند .

قولوا ءامنا باللّه و ما أنزل إلینا و ما أنزل إلی إبرهیم . .. و ما أوتی النبیّون

برداشت فوق از کلمه <قولوا>

(بگویید) استفاده می شود. آیه قبل گویای این است که <مقول له> (کسی که باید به او ابلاغ شود) یهود و نصاراست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۸ - ۱

۱ - ایمان داشتن به قرآن و پیامبران و معارف نازل شده بر آنان ، صبغه ای است که خداوند اهل ایمان را با آن تطهیر و تزیین کرده است .

قولوا ءامنا باللّه . .. صبغه اللّه

<صبغه> مصدر نوعی و به معنای رنگ آمیزی کردن است و در آیه شریفه مفعول مطلق برای فعل محذوف (صبغنا) می باشد. آوردن مصدر نوعی، اشاره به رسم یهود و نصارا دارد که به منظور تطهیر فرزندانشان آنان رابا آبی مخصوص به نام <معمودیه> شستشو می دادند. مراد از <صبغه اللّه> - به قرینه آیات قبل - ایمان به خدا و ... است. بنابراین جمله <صبغه اللّه> چنین معنا می شود: خداوند، ما را با ایمان به خود و ... رنگ آمیزی (تطهیر) کرده است نه مانند رنگ آمیزی یهود و نصارا.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۹ - ۲۸،۲۱،۲۰،۱۷،۱۶،۱۲،۱۰،۱

۱ ایمان واقعی گروهی از عالمان اهل کتاب به خداوند ، قرآن و کتب آسمانی خویش

وَ اِنّ من اهل الکتب لمن یؤمن باللّه و ما انزل الیکم . .. خاشعین للّه

سوداگری با آیات الهی از اموری است که اغلب با عالمان و دانشمندان دینی سنخیّت دارد ; جمله <لتبیّنّه للناس>، در آیه ۱۸۷ این معنا را تأیید می کند.

۱۰ سوداگری نکردن با آیات الهی ، ویژگی اهل کتابِ مؤمنِ به

خدا و قرآن و دیگر کتب آسمانی

لا یشترون بایات اللّه ثمناً قلیلاً

۱۲ پرهیز برخی اهل کتاب از دین فروشی و سوداگری با آیات الهی (تورات و انجیل) ، مایه ایمان آنان به قرآن

انّ من اهل الکتب لمن یؤمن . .. خاشعین للّه لا یشترون بایات اللّه ثمناً قلیلا

جمله <لا- یشترون . .. >، حال برای فاعل <یؤمن> است (یعنی مؤمنان اهل کتاب) و توصیف آنان به جمله ذکر شده، می تواند اشاره به علّت و زمینه ایمان آنان به قرآن باشد.

۱۶ تمجید خداوند از عالمان مؤمن اهل کتاب ، به خاطر ایمان به قرآن و سوداگری نکردن بر سر آیاتِ الهی

انّ من اهل الکتب لمن یؤمن . .. لا یشترون بایات اللّه ثمناً قلیلا اولئک لهم اجرهم

۱۷ ایمان اهل کتاب به قرآن ، نشانه ارزشگذاری صحیح آنان نسبت به آیات الهی (تورات و انجیل)

انّ من اهل الکتب لمن یؤمن باللّه و . .. لا یشترون بایات اللّه ثمناً قلیلا

۲۰ آن گروه از اهل کتاب که به خدا ، قرآن و کتب آسمانی خویش ایمان آورند ; از پاداشی ویژه و والا بهره مند خواهند شد .

اولئک لهم اجرهم عند ربّهم

کلمه <عند ربّهم>، توصیف <اجرهم> است و می رساند که آن پاداش، پاداشی ویژه و ارزشمند است.

۲۱ ایمان به خدا ، قرآن ، تورات ، انجیل ، فروتنی در برابر خدا و ارج نهادن به آیات الهی ، ملاک ارزش انسان نزد خداوند

لهم اجرهم عند ربّهم

اضافه تشریفیّه در <ربّهم> بیانگر آن است که دارندگان صفات یاد شده، در پیشگاه خداوند دارای ارزشی والا هستند.

۲۸ نجاشی (

پادشاه حبشه) ، مؤمن به خدا ، قرآن و كتب آسمانی و خاضع در برابر خداوند

انّ من اهل الكتب لمن يؤمن باللّه

رسول خدا (ص) پس از مرگ نجاشی، به ياران خود فرمود: انّ اخاكم النّجاشی قد مات، قوموا فصلّوا عليه; فقال رجل يا رسول اللّه كيف نصلی عليه و قد مات فی كفره؟ قال (ص) الا تسمعون قول اللّه <و انّ من اهل الكتاب . .. >

الدّرالمنثور، ج ۲، ص ۴۱۶.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - نساء - ۴ - ۴۷ - ۱،۳،۴،۹

۱ دعوت خداوند از اهل كتاب برای ايمان به قرآن

يا ايها الذين اوتوا الكتب امنوا بما نزّلنا

۳ آشنايی اهل كتاب با وحی و كتب آسمانی ، مقتضی ايمان آنان به قرآن

يا ايها الذين اوتوا الكتب امنوا بما نزّلنا

مخاطب قراردادن يهود و نصارا با عنوان اهل كتاب و تصريح به اينكه قرآن از جانب خداوند است، استدلالی بر لزوم ايمان آوردن اهل كتاب به قرآن است.

۴ ايمان به قرآن ، از وظايف اهل كتاب

امنوا بما نزّلنا

۹ تأييد قرآن بر درستی و راستی تورات و انجيل ، نشانه حقانيّت آن و راهبر اهل كتاب بر ايمان بدان

امنوا بما نزّلنا مصدقاً لما معكم

<مصدقاً لما معكم> پس از دعوت اهل كتاب به ايمان به منزله دليلی است فراروی آنان برای باور به حقانيّت قرآن و لزوم ايمان بدان.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - نساء - ۴ - ۶۰ - ۱،۲

۱ تصمیم بر ارجاع داوری به طاغوت ، ناسازگار با ایمان به قرآن و دیگر کتب آسمانی است .

الم تر الی الذین

يزعمون . .. يريدون ان يتحاكموا الى الطّاغوت

۱ جمله <يريدون . .. > دلالت می كند كه حتّی تصميم بر چنين كاری نيز خطاست ; چه رسد به انجام آن. ۲ كلمه <طاغوت>، مصدر و به معنای اسم فاعل است ; يعنی: هر انسان متجاوز، ظالم و جبّار.

۲ ناسازگاری ايمان به قرآن و كتب آسمانی ، با ارجاع داوری به طاغوتها

الم تر الى الذين يزعمون . .. يريدون ان يتحاكموا الى الطّاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۶ - ۱

۱ ضرورت ايمان به خدا ، پيامبر (ص) ، قرآن و ديگر كتب آسمانی

يأيها الذين ءامنوا امنوا باللّه و رسوله . .. و الكتب الذى أنزل من قبل

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۲ - ۲،۳،۴،۵،۱۰،۱۱،۱۲،۱۶

۲ عالمان ژرفنگر يهود و مؤمنان واقعی آنها ، به قرآن و ديگر كتب آسمانی ايمان می آورند .

لكن الرسخون فى العلم منهم و المؤمنون يؤمنون بما أنزل إليك و ما أنزل من قبلك

۳ لزوم ايمان به كتب آسمانی پيشين در كنار ايمان به قرآن

لكن الرسخون . .. و المؤمنون يؤمنون بما أنزل إليك و ما أنزل من قبلك

۴ نقش ايمان واقعی به اديان گذشته در پذيرش قرآن و ديگر كتب آسمانی

و المؤمنون يؤمنون بما أنزل إليك و ما أنزل من قبلك

۵ نقش مثبت و سازنده علم در ايمان به قرآن و ديگر كتب آسمانی

لكن الرسخون فى العلم . .. يؤمنون بما أنزل إليك و ما أنزل من قبلك

۱۰ يهوديان بپادارنده نماز

و پرداخت کننده زکات ، به قرآن و دیگر کتب آسمانی ایمان می آورند .

و لکن الرسخون . .. و المقیمین الصلوه و المؤتون الزکوه

گفتنی است کـه <المقیمیـن> به وسـیله فعلی هماننـد <امـدح> و یـا <اخص> منصـوب شـده و در اصـل چنین بـوده <و المقیمـون الصـلوه اخصـهم و امـدحهم> که بنـابر قواعـد ادبی المقیمون و فعـل اخص و امـدح حـذف شـده است و ضـمیر در <امدحهم> به صورت اسم ظاهر در آمده است.

۱۱ یهودیان مؤمن به خدا و قیامت ، به قرآن و دیگر کتب آسمانی ایمان می آورند .

و لکن الرسخون فی العلم منهم . .. و المؤمنون باللّه و الیوم الاخر

بنابر اینکه <المؤمنون باللّه . ..> عطف باشد بر <الرسخون>.

۱۲ مؤمنـان به خـدا ، قیـامت و قرآن ، بر پـا دارنـدگان نمـاز و پرداخت کننـدگان زکـات ، از پـاداش بزرگ الهی ، برخـوردار خواهند شد .

أولئک سنؤتیهم أجراً عظیماً

۱۶ ایمان به خدا و قیامت ، مستلزم ایمان به پیامبر (ص) ، قرآن و دیگر کتب آسمانی

یؤمنون بما أنزل إلیک و ما أنزل من قبلک . .. و المؤمنون باللّه و الیوم الاخر

کلمه <المؤمنون بـاللّه> عطف بر <الراسـخون> است و در نـتیجه <یؤمنون بمـا انزل . ..> خبر برای <المؤمنون بـاللّه> نیز می باشـد. گفتنی است که لازمه ایمان به قرآن، ایمان به پیامبر(ص) است و لذا در برداشت فوق ایمان به پیامبر(ص) نیز آورده شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۷ - ۶

۶ ایمان به پیامبر (ص) و قرآن ، راه خداست .

إنّ الذین کفروا و

صدوا عن سبیل اللّه

با توجه به اینکه متعلق <کفروا> قرآن و پیامبر(ص) است، می توان گفت مراد از <سبیل اللّه> ایمان به پیامبر(ص) و قرآن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۰ - ۷

۷ ایمان به پیامبر اکرم (ص) و قرآن موجب خیر و سعادت بشریت

یأیها الناس قد جاءکم الرسول بالحق . .. فامنوا خیراً لکم

برداشت فوق بر این اساس است که <خیراً> خبر برای فعل محذوف <یکن> باشد و تقدیر کلام چنین است <فامنوا ان تؤمنوا یکن خیراً لکم>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۵ - ۱۳

۱۳ ایمان به قرآن ، دعوت از اهل کتاب

یاهل الکتب . .. قد جاءکم من اللّه نور و کتب مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۶ - ۱۹

۱۹ دستیابی اهل کتاب به راه های سلامت و رهایی آنان از گمراهی ها و قرار گرفتن آنان در صراط مستقیم ، در گرو ایمان به قرآن و پیامبر (ص)

یاهل الکتب قد جاءکم رسولنا . .. یهدیهم إلی صرط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۹ - ۲،۳،۶

۲ نکوهش خداوند از اهل کتاب به خاطر انتقاد آنان از ایمان مؤمنان به خدا ، قرآن و کتب آسمانی

قل يأهل الكتب هل تنقمون منا الا ان ءامنا باللّه . .. و ما أنزل من قبل

۳ ایمان مسلمانان به خدا ، قرآن و تمامی کتب آسمانی ، برانگیزنده

اهل کتاب بر تمسخر نماز و دیگر شعایر اسلام

قل یأهل الکتب هل تنقمون منا الا ان ءامنا باللّه . .. و ما أنزل من قبل

برداشت فوق بر این مبناست که <ان ءامنا> به تقدیر <لام>، بیانگر کراهت و ناخرسندی اهل کتاب نسبت به مسلمانان باشد، یعنی <ما تنقمون منا دیننا و صلاتنا لشیء الا ایماننا باللّه . .. >.

۶ مؤمنان به خدا و قرآن ، وظیفه دار ایمان به تمامی کتب آسمانی

هل تنقمون منا الا ان ءامنا باللّه و ما أنزل الینا و ما أنزل من قبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۱ - ۱

۱ گروهی از اهل کتاب در حضور پیامبر (ص) و مؤمنان ، به دروغ مدعی ایمان به خدا ، قرآن و دیگر کتب آسمانی

و إذا جاءوکم قالوا ءامنا . .. و اللّه اعلم بما کانوا یکتمون

با توجه به آیه ۵۷، ۵۸ که اهل کتاب را استهزا کننده اسلام و نماز معرفی کرده بود، معلوم می شود تنها گروهی از آنان نزد مسلمانان، خود را اهل ایمان قلمداد می کردند. گفتنی است که مراد از <ءامنا> به قرینه آیه ۵۹ ایمان به خدا، قرآن و دیگر کتب آسمانی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۵ - ۲

۲ دعوت خداوند از اهل کتاب به رعایت تقوا و ایمان به خدا ، قرآن و دیگر کتب آسمانی

و لو ان أهل الکتب ءامنوا و اتقوا لکفرنا عنهم سیئاتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ -

۱۴ اهل کتاب وظیفه دار ایمان به قرآن و اقامه آن د تمام شؤون زندگی *

و لو انهم اقاموا . .. ما أنزل الیهم من ربهم

می توان گفت مراد از <ما انزل الیهم>، قرآن است و کلمه <الیهم> بیانگر این معناست که اهل کتاب باید خود را از مخاطبان قرآن بدانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۸ - ۱۴

۱۴ اهل کتاب ، موظف به پذیرش و اقامه قرآن و تعالیم نازل شده بر پیامبر (ص)

و لیزیدن کثیراً منهم ما أنزل إلیک من ربک طغیناً و کفراً

ظاهراً ازدیاد کفر و طغیان اهل کتاب بر اثر نپذیرفتن قرآن است. بنابراین آنان موظف به پذیرش قرآن و تعالیم آن هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۱ - ۳،۴

۳ بنی اسرائیل در صورت ایمان به خدا ، پیامبر (ص) و قرآن خود را به ولایت و دوستی کافران آلوده نمی ساختند .

و لو کانوا یؤمنون باللّه و النبی و ما أنزل إلیه ما اتخذوهم أولیاء

۴ ایمان به خدا ، پیامبر (ص) و قرآن ناسازگار با گزینش کافران برای دوستی و ولایت

و لو کانوا یؤمنون باللّه و النبی و ما أنزل إلیه ما اتخذوهم أولیاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۴ - ۱،۷

۱ ایمان به خداوند یکتا و حقانیت قرآن تنها راه منطقی و درست در دیدگاه مسیحیان عصر بعثت پس از آشنایی با قرآن

یقولون . .. لانؤمن باللّه وما

جاءنا من الحق

۷ ایمان به خدا ، قرآن و پیامبر (ص) زمینه عروج به درجه صالحان

و ما لنا لانؤمن باللّه وما جاءنا من الحق . .. یدخلنا ربنا مع القوم الصلحین

جمله <و نطمع . ..> می رساند که حتی پس از اعتراف به خدای یگانه نمی توان به همنشینی باصالحان یقین داشت بلکه ایمان مذکور تنها می تواند زمینه ساز نیل به درجه صالحان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۵ - ۲،۴،۱۰،۱۱

۲ ایمان به خدا ، پیامبر (ص) و قرآن عامل ورود به بهشت جاویدان

فاثبهم اللّه بما قالوا جنت

۴ ضرورت اقرار زبانی به توحید ، رسالت پیامبر (ص) و حقانیت قرآن پس از باور به آن

فاثبهم اللّه بما قالوا

۱۰ مسیحیان فروتن و مؤمن به خدا ، قرآن و پیامبر (ص) در زمره محسنان اند .

و انهم لایستکبرون . .. و ذلک جزاء المحسنین

۱۱ ایمان به خدا ، قرآن و پیامبر (ص) و پرهیز از استکبار و نیکوکاری مایه رسیدن به مقام محسنین است .

و انهم لایستکبرون . .. و ذلک جزاء المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۲ - ۱۴

۱۴ تحکیم بنیانهای عقیدتی مردم به قرآن و اسلام در پرتو تقویت ایمان آنان به آخرت میسر است.

و الذین یؤمنون بالأخره یؤمنون به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲ - ۳

۳ باور به آسمانی بودن قرآن، از میان برنده هرگونه نگرانی

از نارسائی آن برای هدایت مردم

فلا یکن فی صدرک حرج منه

توصیف قرآن به <أنزل> و سپس نهی از نگرانی درباره آن (منه)، ممکن است ناظر به این باشد که قرآن برای انذار و تذکر کافی است و از این ناحیه جایی برای نگرانی وجود ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۲ - ۱۱

۱۱ تنها مؤمنان به قرآن بهره مند از هدایت ها و رحمت های بیکران آن هستند .

هدی و رحمه لقوم یؤمنون

با توجه به اینکه هدف از نزول قرآن هدایت مردم و دستیابی همگان به رحمت ویژه الهی است، به نظر می رسد <لقوم یؤمنون> اشاره به این حقیقت داشته باشد که تنها مؤمنان از هدایتها و رحمتهای ویژه بهره مند خواهند شد. گفتنی است مراد از <لقوم یؤمنون> به دلیل فراز قبل، مؤمنان به قرآن می باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۳ - ۱،۱۰

۱ تنها راه ایمان به قرآن برای منکران قرآن ، تحقق تهدید ها و بروز حقایق آن است .

و لقد جئنهم بکتب . .. هل ینظرون إلا تأویله

ضمیر در <تأویله> به <کتب> در آیه قبل برمی گردد. و مراد از تأویل کتاب الهی، به قرینه فرازهای بعد، بروز و ظهور حقایق قرآن و تحقق تهدیدها و وعده های آن است. و جمله <هل ینظرون ... > با توجه به اینکه ناظر به آیه قبل است، چنین معنا می شود: برای منکران قرآن جهت تصدیق آن راهی جز ظهور حقایق قرآنی، که در قیامت تحقق می یابد، نیست.

۱۰ باور

به تعالیم قرآن و انجام دستورات آن ، راه جلوگیری از تباه گشتن سرمایه عمر

قد خسروا أنفسهم

جمله <قد خسروا أنفسهم> در توصیف کسانی است که در دنیا قرآن را باور نکردند و به دستورات آن گردن ننهادند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۸ - ۱۱

۱۱ پذیرش قرآن و عمل به راهنمایی های آن هدایت ، و ردّ و انکار آن گمراهی و ضلالت است .

قد جاءکم الحق من ربکم فمن اهتدی فإنما یهتدی لنفسه و من ضل فإنما یضل علیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۴ - ۱۰

۱۰ خداوند ، با توجه دادن مشرکان به الهی بودن قرآن ، آنان را به پذیرش اسلام و قرآن دعوت کرد .

فإلّم یستجیبوا لکم فاعلموا . .. فهل أنتم مسلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۱۴

۱۴ همه انسان ها از هر گروه و طایفه (مشرکان ، یهود ، نصارا و . . .) وظیفه دار ایمان به قرآن

و من یکفر به من الأحزاب فالنار موعده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۸ - ۳

۳ توحید خالص و پیراسته از هر گونه شرک ، ایمان به قرآن و وحی ، راه رسیدن به خداست .

و ما أکثر الناس و لو حرصت بمؤمنین . .. و ما یؤمن أکثرهم بالله إلاّ و هم مشرکون .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٨ - رعد - ١٣ - ٢٠

۵ اعتقاد به یگانگی خدا و پذیرش آنچه از ناحیه خداوند به پیامبر (ص) نازل شده ، عهد ها و پیمان های خداوند با آدمیان است .

الذین یوفون بعهد الله و لاینقضون المیثق

آیه قبل که سخن از حقانیّت قرآن و تعالیم آن داشت و آیات پیش از آن که درباره توحید و نفی شرک بود بیانگر مصادیقی بارز از عهد و پیمان خداوند با بندگان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۷ - ۱۳

۱۳- خضوع و سجود آگاهان در برابر قرآن ، گواه بی نیازی آن از ایمان دیگران و بی تأثیری بی ایمانی آنان *

ءامنوا به أو لاتؤمنوا إن الذین أُوتوا العلم من قبله إذا یتلی علیهم یخرّون

برداشت فوق بر این اساس است که <إن> تعلیل باشد برای جمله <آمنوا به أو. ..>; یعنی، چون اهل دانش به قرآن ایمان می آورند، ایمان و عدم ایمان دیگران مساوی بوده و نیازی به ایمان آنان نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۷ - ۷

۷- رهنمود های قرآن ، تنها تعالیم شایسته برای پذیرش و اطاعت است .

واتل ما أُحی إلیک من کتاب ربّک

فعل <اتل> می تواند از مصدر <تلاوه> به معنای قرائت باشد و ممکن است مصدر آن <تلو> به معنای تبعیت در نظر گرفته شود. برداشت بالاـ براساس معنای دوم است. مقابله <اتل> در این آیه با <لاتطع> در آیه بعد این احتمال را تقویت کرده و بر حصر نیز دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۳ - ۱

۱ - اقدام ایمان آوردگان از اهل کتاب ، به اقرار مجدد ایمان خویش به هنگام تلاوت آیات قرآن بر ایشان

الذین ءاتینهم الکتب . .. و إذا یتلی علیهم قالوا ءامنّا به

مقصود از <إذا یتلی علیهم. ..> این است که هر بـار که آیـاتی از قرآن نـازل می شود و بر آنـان تلاوت می گردد، اظهار می دارند که <آمنّا به>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۶ - ۹

۹ - مسلمان ، باید به قرآن و کتاب های آسمانی ، ایمان داشته باشد .

ءامنّا بالذی أُنزل إلینا و أُنزل إلیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۷ - ۷،۸

۷ - قرآن ، جزء متعلق ایمان است و مؤمنان ، باید به آن ایمان داشته باشند .

و کذلک أنزلنا إلیک الکتب فالذین ءاتینهم الکتب یؤمنون به

۸ - تعداد کمی از مشرکان مکه ، به قرآن ، ایمان آوردند .

و من هؤلاء من یؤمن به

<من> در <من هؤُلاء> تبعیض است و <هؤُلاء> اشـاره به مشـرکان مکه دارد. گفتنی است که تعبیر <من هؤُلاء> همان گونه که برخی گفته اند دلالت بر قلّت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۱ - ۱،۵

۱ - کافران مکه اعلام کردند که به هیچ رو به قرآن و کتاب های پیشینِ آسمانی ایمان نمی آورند .

و قال الذين كفروا لن نؤمن بهذا القرءان و لا بالذى بين يديه

۵ - مؤمنان ، بايد

به کتاب های آسمانی پیشین ، همچون قرآن ، ایمان بیاورند .

لن نؤمن بهذا القرءان و لا بالذی بین یدیه

از این که کافران به صراحت و قاطعیت اعلام کرده اند که به قرآن، تورات و انجیل ایمان نمی آورند، استفاده می شود که ایمان به کتاب های پیشین نیز لازم است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۵۲ – ۳

۳ – مشرکان ، در قیامت و یا با مشاهده نزول عذاب ، اظهار می کنند که به قرآن ایمان دارند .

و لو تری إذ فزعوا . .. و قالوا ءامنّا به

مرجع ضمیر <به>، به قرینه آیات پیشین که درباره قرآن بود می تواند قرآن باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۱۰ – ۳،۴

۳- گواهی و ایمان بنی اسرائیل و یهود به حقانیت قرآن ، حجتی علیه کافران و مشرکان

إن کان من عند اللّه و کفرتم به و شهد شهد من بنی إسرءیل علی مثله

خداوند، ایمان فردی از یهود را که آگاه به تورات و مفاد آن بود گواهی بر حقانیت قرآن شمرده است و به کافران تذکر داد و به آن احتجاج کرده است.

۴- ایمان و اعتقاد برخی از پیروان ادیان آسمانی به قرآن ، تأییدی بر حقانیت آن

إن کان من عند اللّه و کفرتم به و شهد شهد من بنی إسرءیل علی مثله

ارزش ایمانِ اهل کتاب به قرآن و پیام آن برای دیگران، از آن جهت است که آنان با پیام وحی آشنا هستند و ایمانشان به قرآن، بر اساس آگاهی به پیام

و محتوای کتاب های آسمانی است. از این جهت می تواند برای دیگران دلیل و حجت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۱ - ۳،۶

۳- گرایش محرومان به قرآن ، بهانه مستکبران برای تردید در حقانیت آن

و قال الذین کفروا . .. لو کان خیرًا ما سبقونا إلیه

تعبیر <لو کان خیراً. ..>، بیان دلیل است و از محتوای آیه استفاده می شود که کافران، از طایفه اشراف مستکبر و مؤمنان از طبقه محروم بودند. بدین جهت مستکبران، ابراز می داشتند اگر قرآن خیری در برداشت، تهی دستان بی هویت بدان روی نمی آوردند.

۶- محرومان ، نخستین گروندگان به قرآن و پیامبر (ص)

و قال الذین کفروا . .. لو کان خیرًا ما سبقونا إلیه

از لحن تحقیرآمیز <ماسبقونا> استفاده می شود که کافران، از طبقه اشراف و توده مؤمنان، از طبقات محروم و پایین جامعه بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۹ - ۱۰

۱۰- ترویج دین و مبارزه با گمراهی ، از لوازم ایمان و پذیرش قرآن

یستمعون القرءان . .. فلمّا قضی ولّوا إلی قومهم منذرین

عبارت <فلمّا قضی ولّوا. .. منذرین> می رساند که پس از فهم پیام وحی و قبول آن، نوبت اقدام برای هدایت خلق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۸ - ۲،۳،۷،۸

۲ - توصیه خداوند به کافران و منکران قیامت به ایمان به خدا ، پیامبر اسلام و قرآن

فامنوا باللّه و رسوله و النور الذی أنزلنا

بیشتر مفسّران مقصود از <نور> در این آیه را

قرآن کریم می دانند.

۳ - ایمان به خدا ، پیامبر (ص) و قرآن ، سه رکن اصلی عقاید اسلامی

فامنوا باللّه و رسوله و النور الذی أنزلنا

۷ - ایمان به خدا ، پیامبر (ص) و قرآن ، مستلزم عمل و رفتار متناسب با آن است .

فامنوا باللّه . .. و اللّه بما تعملون خبیر

یادآوری آگاهی خداوند از رفتار انسان ها پس از توصیه به ایمان می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

۸ - ایمان به خدا ، پیامبر (ص) و قرآن ، تأثیرگذار در رفتار و کردار آدمی

فامنوا باللّه . .. واللّه بما تعملون خبیر

از ارتباط میان توصیه به ایمان و یادآوری موضوع آگاهی خداوند از رفتارهای انسان ها، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲ - ۴

۴ - ایمان گروهی از جن به قرآن ، در مرحله آغازین نزول

إنّا سمعنا قرءانًا عجبًا . یهدی إلی الرشد فامنّا به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۳ - ۱

۱ - برخی از افراد جن ، به مجرد شنیدن آیات هدایت بخش قرآن ، به آن ایمان آوردند .

و أنّا لمّا سمعنا الهدی ءامنّا به

مقصود از <الهدی> به قرینه آیه <قالوا إنّا سمعنا قرءاناً عجباً . یهدی إلی الرشد...> قرآن کریم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۴ - ۲

۲ – جن ، وظیفه دار ایمان به قرآن و تسلیم در برابر تعالیم آن

و أنّا منّا

المسلمون

ايمان به وحيانيت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱ - ۱۱

۱۱ لزوم ايمان به قرآن ، الهى بودن و پيراستگى آن از هر گونه باطل

و الذى أُنزل إليک من ربک الحق و لکنّ أکثر الناس لايؤمنون

بازى با قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۲ - ۱

۱- مشرکان ، نزول وحى و پيام جديد پروردگار (قرآن) را ، سرسرى گرفته و بازى گرانه به آن گوش مى سپارند .

ما يأتيهم من ذکر من ربّهم . .. و هم يلعبون

بيشتر مفسران برآنند که مقصود از <ذکر> هر نوع وحى و يا خصوص قرآن کريم است و جمله <و هم يلعبون> حال براى فاعل <استمعوه> مى باشد; يعنى، آنان در حالى که به لعب و بازى مشغول اند به آيات الهى گوش مى دهند و به طور جدى و شايسته آن را استماع نمى کنند.

باطن قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۳ - ۲۰

۲۰ عن محمّد بن منصور قال: سألت عبدا صالحا عن قول الله عز و جل: <قل إنما حرم ربى الفواحش ما ظهر منها و ما بطن> قال: ان القرآن له ظهر و بطن فجميع ما حرم الله فى القرآن هو الظاهر و الباطن من ذلک ائمه الجور . .. .

محمّد بن منصور گويد: از امام کاظم(ع) درباره آيه <قل انما حرم . .. > سؤال کردم فرمود: قرآن، داراى ظاهر و باطن است ; آنچه را خداوند در قرآن تحريم کرده

فاحشه آشکار و باطن آن، اطاعت از پیشوایان ستمگر است ... .

برتری قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۶ - ۱۱

۱۱ - قرآن از نظر بینش و منطق ، محیط و مسلط بر ادیان پیشین

إنّ هذا القرءان یقصّ . .. أکثر الذی هم فیه یختلفون

پرداختن قرآن به تبیین حق در مشاجرات فکری بنی اسرائیل، می تواند برای نمایاندن منطق برتر خود باشد.

برخورد با مغالطه گران در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۸ - ۶

۶ لزوم سوق دادن یاوه گویان و مغالطه گران درباره قرآن و آیات الهی به بحثهای دیگر

الذین یخوضون . .. فأعرض عنهم حتی یخوضوا فی حدیث غیره

برکت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۲ - ۳

۳ قرآن کتابی گرانقدر و مبارک (فزاینده و رشد دهنده و دارای خیر فراوان) است.

و هذا کتب أنزل نه مبارک

<برکه> یعنی رشد و فزونی (لسان العرب) و <مبارک> چیزی است که در آن فزونی باشد. (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۵ - ۲،۶

۲ قرآن کتابی فرخنده و دارای خیر و برکت فراوان

هذا کتب . .. مبارک

<مبارک> به چیزی و یا کسی که خیر بسیار از آن تراوش کند، گفته می شود.

۶ الهی بودن قرآن و پر برکت بودن آن دلیل لزوم پیروی از آن است.

هذا کتب أنزل نه مبارک فاتبعوه

حرف <فا> در <فاتبعوه> سببیه است. بنابراین دلالت می کند که حقایق

بیان شده در جمله قبل علت لزوم پیروی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱ - ۴

۴ قرآن ، جلوه ای از برکات و خیرات خداوند

تبارك الذی نزّل الفرقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۹ - ۳

۳ - قرآن ، منبع خیر و برکت و موجب رشد و تعالی بشر

کتب أنزلنه إلیک مبرك

<برکه> به معنای رشـد و فزونی است و <مبارك> به چیزی گفته می شود که در آن رشد و فزونی باشد (مفردات راغب). مقصود از مبارك بودن قرآن این است که این کتاب، منبع خیر و برکت و مایه رشد و تعالی برای کسانی است که در آن تدبر کنند و درس بیاموزند.

برگزیدگی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۸ - ۱۲

۱۲ انتخاب قرآن از میان کتب آسمانی ، برای داوری بین اهل کتاب ، وظیفه پیامبر (ص)

و انزلنا الیك الكتب . .. مهیمناً علیه فاحكم بینهم بما أنزل اللّه

<فاء> در <فاحکم> پس از ذکر مهیمن بودن قرآن، بیانگر این است که مراد از <ما انزل اللّه> قرآن است.

برهان در تعالیم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۶ - ۳

۳ - آیات الهی و معارف قرآنی ، مبتنی بر دلیل و برهان است .

الذین یجدلون فی ءایت اللّه بغیر سلطن أتیهم

بسمله در تلاوت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱ -

۳،۴

۳ – پیامبر (ص) ، مأمور آغاز قرائت قرآن ، با نام خداوند

اقرأ باسم ربّک

حرف <باء> در <باسم>، به حال محذوفی نظیر <مبتدءاً> یا <مفتتحاً> تعلق دارد.

۴ – ذکر نام خداوند ، از آداب شروع تلاوت قرآن

اقرأ باسم ربّک

بشارت به پیروان قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۱۱ – ۱۱

۱۱ – پیامبر (ص) مأمور بشارت دادن پیروان قرآن و خداترسان به مغفرت و اجر ارزشمند و پرب های الهی

من اتّبع الذکر و خشی الرحمن بالغیب فبشّره بمغفره و أجر کریم

بشارت به تلاوت کنندگان قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۲۹ – ۱۲

۱۲ – بشارت به عالمان خداترس ، تلاوتگر قرآن ، برپادارنده نماز و انفاق کننده در نهان و آشکار ، مبنی بر تجارتی از بین نرفتنی (بهشت برین) از ناحیه خداوند

إنّما یخشی اللّه من عباده العلمؤا . .. إنّ الذین یتلون کتب اللّه و أقاموا الصل

<بوار> (ریشه <لن تبور>) به معنای شدت کسادی است و از آن جا که کسادی شدید موجب فساد و نابودی می شود، این واژه در معنای <هلاک> به کار می رود (برگرفته از مفردات راغب).

بشارت حفظ قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – اعلی – ۸۷ – ۶ – ۵

۵ – خداونـد ، پیامبر (ص) را به حافظ قرآن شدن بشارت داده و به آن حضـرت اطمینان داد که هرگز آن را فراموش نخواهد کرد .

فلاتنسی

بشارت قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه –

فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۷ - ۱۰،۱۵

۱۰ - قرآن ، بشارت دهنده اهل ایمان به سعادتمندی آنان در دنیا و آخرت

و بشری للمؤمنین

<بشری> به خبری گفته می شود که در آن سرور و فرح باشد و در آیه شریفه به معنای بشیر (بشارت دهنده)، است.

۱۵ - هدایتگری و بشارت دهندگی قرآن ، دلیلی بر نابه جابودن عداوت یهود با نازل کننده آن (جبرئیل) است .

فإنه نزله علی قلبک . .. هدیً و بشری للمؤمنین

عبارت <هدیً و بشری> نیز همانند <مصدقاً> حاوی این نکته است که جبرئیل معارفی را به پیامبر(ص) القا کرد که بشارت دهنده و هدایتگر است و لذا دشمنی کردن با او، نمی تواند توجیه معقولی داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۶ - ۱

۱ - کتاب های آسمانی پیشین ، دربردارنده بشارت نزول قرآن

و إنّه لفی زبر الأوّلین

<زبور> (مفرد <زُبُر>) به معنای کتاب است; یعنی، <و إنّ خبرالقرآن، أو خبر نزول القرآن علیک مذکور فی کتب الماضین من الأنبیاء; بشارت قرآن یا بشارت نزول آن بر تو، در کتاب های پیامبران پیشین مذکور بوده است>.

بشارت نزول قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۶

۶ تورات ، حاوی بشارت به نزول قرآن

و من قبله کتب موسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۵۳ – ۸

۸ – وجود وعده و بشارت آمدن کتاب آسمانی به نام < قرآن > ، پیش از نزول آن در مدارک دینی اهل کتاب

إنّا کنّا من

قبله مسلمین

برداشت یاد شده به خاطر این نکته روشن است که اهل کتاب آگاهی خود از آمدن قرآن را، تنها از راه مدارک دینی خود به دست آورده بودند.

بشارتهای قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۲ – ۷

۷ قرآن ، کتاب مژده و بشارت برای ره یافتگان مؤمن و هشدار و انذار برای گم گشتگان غافل است .

تلک ءایت الکتب . .. أن أنذر الناس و بشّر الذین ءامنوا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۸۹ – ۱۷

۱۷– قرآن ، مایه هدایت ، رحمت و بشارت برای تسلیم شوندگان در برابر حق است .

و نزّلنا علیک الکتب . .. و هدًی و رحمه و بشری للمسلمین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۰۲ – ۹

۹– قرآن و آیات آن ، دربردارنده هدایت و بشارت برای مسلمانان

و هدًی و بشری للمسلمین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۹ – ۴

۴– قرآن ، بشارت دهنده به مؤمنان نیک کردار است .

و یبشّر المؤمنین الذین یعملون الصلحت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲ - ۵

۵- قرآن ، بشارت دهنده مؤمنانِ نیک کردار ، به پاداشی شایسته و عظیم

و یبشّر المؤمنین الذین یعملون الصلحت أنّ لهم أجرًا حسنًا

نکره آوردن <أجراً> برای بیان عظمت آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۷ - ۶،۷،۸

۶- بشارت به پرهیزگاران

و انذار دشمنان متعصب و سرسخت دین ، از اهداف قرآن و رسالت پیامبر (ص)

لتبشّر به المتّقین و تنذر به قومًا لدًّا

<لدّ> جمع <ألدّ> است و <قوماً لدّاً>; یعنی، مردمی در اوج سرسختی و لجاجت.

۷- محتوای قرآن ، وسیله بشارت و انذار است .

فإنّما یسّرنه بلسانک لتبشّر . .. و تنذر

۸- تقوا ، زمینه ساز برخورداری انسان از بشارت های قرآن و دستیابی به پاداش های الهی

لتبشّر به المتّقین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۲ – ۱،۲،۳

۱ – آیات قرآن ، آیاتی هدایتگر و بشارت دهنده

تلك ءایت القرءان . .. هدًى و بشرى للمؤمنین

کلمه های <هدًی> و <بشری> مصدر به معنای اسم فاعل (هادیه و مبشره) و حال برای <آیات> است.

۲ – تنها مؤمنان ، از هدایت ها و بشارت های قرآن بهره مندند .

هدًى و بشرى للمؤمنین

۳ – رهنمود ها و بشارت های قرآن ، خالی از ابهام و پیچید گی و به دور از هر نقص و کاستی است .

و کتاب مبین . هدًى و بشرى

به کارگیری مصدر (هدًی و بشری) به جای اسم فاعل (هادیه و مبشره) بیانگر پیراسته بودن برنامه های هدایتی و بشارت های قرآن از هرگونه نقص و کاستی است. قید <کتاب مبین> در آیه پیش نیز نشانگر خالی بودن آن از ابهام و پیچید گی است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۱۷ – ۱۰

۱۰ – < انذار و تبشیر > ، < بیم دادن و امیدبخشیدن > و < تشویق و تهدید > ، از روش های تربیتی قرآن

لهم من

فوقهم ظلل من النار . .. ذلک یخوّف اللّه به عباده ... لهم البشری فبشّر عبا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۴ – ۱،۲

۱ – آیات روشن قرآن ، بشارت دهنده و انذارکننده مردمان

کتب فصّلت ءایته . .. بشیرًا و نذیرًا

۲ – بشارت و انذار ، دو پیام مهم و روشن آیات قرآن

کتب فصّلت . .. بشیرًا و نذیرًا

با توجه به این که قرآن در بردارنـده مفاهیم مختلف معرفتی است، تخصیص به ذکر یافتن بشارت و انـذار، نشان گر اهمیت و برجستگی آن دو است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۱۲ – ۱۳،۱۴

۱۳– قرآن ، بیم دهنده به ستمکاران و بشارت دهنده به نیک کرداران

لینذر الذین ظلموا و بشری للمحسنین

۱۴– انذار و تبشیر ، دو محور اصلی پیام های هدایتی قرآن

و هذا کتب . .. لینذر الذین ظلموا و بشری للمحسنین

اصلی بودن دو محور بالا، از اختصاص به ذکر یافتن استفاده می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۱۳ – ۶

۶– یکتاپرستان استوار بر طریق حق ، همان محسنان مورد بشارت قرآن اند .

و بشری للمحسنین . إنّ الذین قالوا ربّنا اللّه ثمّ استقموا

از ارتباط این آیه با ذیل آیه قبل، مطلب یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۵۶ - ۱۰

۱۰ - هشدار و ترغیب ، از روش های تربیتی و هدایتی قرآن

هو . .. أهل المغفره

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است

که این سوره، با فرمان انذار و اخطار آغاز گردیده (قم فأنذر. ..) و با مغفرت و آمرزش الهی، خاتمه یافته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۴۰ - ۶

۶ - بشارت و انذار در کنار یکدیگر ، از شیوه های قرآن در دعوت به تقوا و مبارزه با کفر

إنّ للمتّقین مفازًا . .. إنّا أنذرنکم عذابًا قریبًا

بصیرت مؤمنان به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۹ - ۶

۶ آنان که الهی بودن قرآن و حقانیّت آن را پذیرفته اند ، عالم و بصیرند .

أفمن یعلم أنما أُنزل إلیک من ربک الحق کمن هو أعمی

بلاغت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۶ - ۵،۶

۵- قرآن ، حجتِ رسا و پیام بلیغ خدا برای بندگان است .

إنّ فی هذا لبلغًا لقوم عبدین

۶- قرآن ، در بیان مقاصد و اهداف خویش بلیغ و رسا است .

إنّ فی هذا لبلغًا لقوم عبدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۸ - ۴

۴ - قرآن ، بهترین ، گویاترین و شفاف ترین سخن برای پنددهی و درس آموزی

اللّه نزّل أحسن الحديث . .. لعلّهم يتذكّرون . قرءانًا عربيًّا

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۲ – ۴

۴ رسايى و بلاغت بيان ، از ابعاد عظمت قرآن

و الكتب المبين

از اين كه قرآن با وصف <كتاب مبين> مورد سوگند الهى قرار گرفته است، مطلب ياد شده استفاده

می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳ - ۳

۳ - نزول قرآن ، با بیانی بلیغ و روشنگر برای همگان ، جلوه ای از عظمت الهی

و الکتب المبین . إنّا أنزلنه فی لیله مبرکه

از ارتباط دو آیه و نیز تکرار ضمیرهای متکلم مع الغیر که اشاره به عظمت الهی دارد می توان به مطلب بالا ره برد.

بندگان خدا و استماع قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۳ - ۱

۱ بندگان خالص خدا به هنگام شنیدن و یادآور شدن آیات الهی ، مانند کران و کوران ، با بی اعتنایی و ناخرسندی از آنها نمی گذرند .

و الذین إذا ذکّروا بأیت ربّهم لم یخرّوا علیها صمًّا و عمیانًا

فعل <خرّ> در معنای <سقط> به کار می رود که به معنای فرود از بالا ـ به پایین است (لسان العرب) و <صمّاً> و <عمیاناً> حال برای فاعل <یخرّوا> است. گفتنی است فعل <لم یخرّوا> در معنای کنایی به کار رفته است و مقصود از آن آن ناخرسندی و امتناع کردن است؛ زیرا انسان با فرود آوردن سر به طرف پایین، ناخرسندی خود را ابراز می دارد.

بنی اسرائیل و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۱ - ۱،۳،۷،۹

۱ - خداوند ، فراخوان بنی اسرائیل به تصدیق قرآن و ایمان به آن

یبنی إسرائیل . .. و ءامنوا بما أنزلت

۳ - ایمان به قرآن و کافر نشدن به آن ، از عهد های خدا با بنی اسرائیل

أوفوا بعهدى .

.. و ءامنوا بما أنزلت

۷ - خداوند ، بنی اسرائیل (یهودیان و نصرانیان) را از انکار قرآن و کافر شدن به آن ، بر حذر داشت .

و لاتكونوا أول كافر به

ضمیر در <به> می تواند به <ما أنزلت> و یا به <ما معكم> برگردد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

۹ - بنی اسرائیل با انکار قرآن ، خود پیشتاز کفر به کتاب های آسمانی خویش خواهند بود .

و لاتكونوا أول كافر به

برداشت فوق بر این اساس است که ضمیر در <به> به <ما معكم> برگردد. بنابراین جمله <و لاتكونوا ...> در ارتباط با جمله <ءامنوا بما أنزلت> چنین معنا می شود: ای بنی اسرائیل! به قرآن ایمان آورید و از نخستین کسانی نباشید که به کتب آسمانی خود کافر می شوند؛ یعنی، در صورت انکار قرآن کتابهای آسمانی خود را انکار کرده اید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۲ - ۶

۶ - بنی اسرائیل عصر بعثت ، حقانیت قرآن را به خوبی شناخته و به حرمت کتمان آن آگاه بودند .

و لاتلبسوا الحق بالبطل و تكتموا الحق و أنتم تعلمون

فعل <تعلمون> می تواند فعلی متعدی لحاظ شود. بر این مبنا مفعول آن مطالبی است که در آیه مطرح شده است، از جمله حرمت کتمان حق و اینکه چه چیز حق است و چه چیز باطل. گفتنی است که از مصداقهای مورد نظر برای <الحق> - به قرینه آیه قبل - <حقانیت قرآن> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۱ - ۱

۱ بسیاری از

بنی اسرائیل به پیامبر (ص) و قرآن ایمان نیاوردند و اعتقاد راسخی به خداوند نداشتند .

و لو کانوا یؤمنون باللّه و النبی و ما أنزل إلیه

برداشت فوق بنابر این احتمال است که مراد از <النبی> پیامبر اسلام(ص) باشد، در این صورت <ما انزل الیه> قرآن خواهد بود قابل ذکر است که بر این مبنا عدم ایمان نسبت به خداوند ایمان واقعی و نسبت به پیامبر و قرآن ایمان واقعی و ظاهری است. زیرا بنی اسرائیل ایمان به خداوند را اظهار می داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۷ - ۱۱

۱۱ - ارائه نشانه های روشن درباره قرآن و اسلام و پیامبراکرم (ص) ، از سوی خداوند به بنی اسرائیل

و ءاتینهم بیّنت من الأمر

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که <الأمر> اشاره به مسأله حقانیت دین اسلام و رسالت پیامبراکرم(ص) باشد; که آیات پیشین اساساً درباره آن بود و در آیات بعد نیز مورد توجه قرار گرفته است.

بهانه جویی دشمنان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۲ - ۱

۱ تدریجی نازل شدن قرآن ، بهانه و دستاویز کافران برای مخالفت با آن

و قال الذین کفروا لولا نزّل علیه القرءان جمله وحده

مجموعه اشیای به هم پیوسته و بدون فاصله از هم را <جمله> گویند. بنابراین <جمله> در آیه شریفه، به معنای <مجتمعاً> (باهم و دسته جمعی) می باشد (مفردات راغب).

بهانه جویی مخالفان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۵ - ۱۶

کلمه تامه پروردگار (قرآن) با در نظر گرفتن همه شبهات و بهانه های مخالفان انجام پذیرفته است.

و تمت کلمت ربک صدقا و عدلا . .. و هو السمیع العلیم

از وجوه محتمل در بیان تناسب <السمیع> با مضمون آیه آن است که ذکر این وصف برای اشاره به شبهات و القائاتی است که درباره قرآن مطرح می شود. یعنی کلام خداوند تمام است و او شبهات را نیز در نظر داشته و با عنایت به آنها قرآن را نازل فرموده است.

بهره مندان از قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۲۴ – ۱۸

۱۸ تنها متفکران و اندیشمندان ، از توان لازم برای بهره مندی از معارف قرآن برخوردارند .

کذلک نفصل الأیت لقوم یتفکرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۳ – ۸

۸ – اهل دانش و آگاهی ، بهره مند از آیات و معارف قرآن اند .

تنزیل من الرحمن الرحیم . کتب فصّلت ءایته ... لقوم یعلمون

گرچه قرآن برای همگان نازل شده; اما از لام <لقوم> که برای انتفاع است استفاده می شود که تنها اهل دانش، شایستگی بهره گیری از قرآن را دارند.

بی اعتمادی به قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکویر – ۸۱ – ۲۶ – ۲

۲ – بی اعتمادی به قرآن ، با وجود مصونیت آن در مراحل نزول ، دریافت و ابلاغ و اعتماد به غیر آن ، انتخاب بیراهه است .

فأین تذهبون

مفاد استفهام (کجا می روید؟) در آیه شریفه این است که جز این راه،

راه دیگری وجود نـدارد. گفتنی است که در این گونه پرسـش هـا نوعی <تعجیز> نهفته است. حرف <فـاء> این مفاد را بر اوصاف قرآن که آیات پیشین بیانگر آن بود تفریع کرده است.

بی اعتنایی به حقانیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۷ - ۳

۳ - توبیخ مشرکان از سوی خداوند ، به خاطر نادیده گرفتن دلایل حقانیت قرآن و پیامبر (ص)

أوَلم یکن لهم ءایه أن یعلمه علمؤا بنی إسرءیل

بی اعتنایی به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲ - ۱

۱- مشرکان ، نزول وحی و پیام جدید پروردگار (قرآن) را ، سرسری گرفته و بازی گرانه به آن گوش می سپارند .

ما یأتیهم من ذکر من ربّهم . .. و هم یلعبون

بیشتر مفسـران برآننـد که مقصود از <ذکر> هر نوع وحی و یا خصوص قرآن کریم است و جمله <و هم یلعبون> حال برای فاعل <استمعوه> می باشد; یعنی، آنان در حالی که به لعب و بازی مشغول اند به آیات الهی گوش می دهند و به طور جدی و شایسته آن را استماع نمی کنند.

بی اعتنایی به هشدارهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۱ - ۲

۲ - گروهی از مردم ، هشدار های قرآن را نشنیده انگاشته و در برابر آن سر تعظیم فرود نمی آورند .

و إذا قریء علیهم القرءان لایسجدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٢٠ - طارق - ٨٦ -

۴ - جدی نگرفتن هشدار های قرآن به معاد و شوخی قلمداد کردن آن ، دسیسه کافران در مقابله با آیین الهی

و ما هو بالهزل . إنّهم یکیدون کیدًا

بی ایمانی به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۳ - ۱،۵

۱ اکثر مردم به قرآن و وحی الهی ، ایمان نمی آورند .

و ما أکثر الناس . .. بمؤمنین

متعلق <مؤمنین> به قرینه آیه قبل (نوحیه إلیک) و نیز آیه بعد (إن هو . ..) قرآن و وحی الهی است.

۵ غرور و خودپسندی مردمان ، از ریشه های ایمان نیاوردن آنان به پیامبر (ص) و قرآن *

و ما أکثر الناس و لو حرصت بمؤمنین

آیه مورد بحث می تواند به عنوان یکی از نتایج نقل داستان یوسف و برادرانش مطرح باشد و در آن داستان بیان شد که یکی از علل برخورد برادران یوسف با وی غرور و خودبرتربینی آنان بود (و نحن عصبه) بنابراین <ما أکثر الناس> پس از نقل آن داستان اشاره به این معنا دارد که از علل ایمان نیاوردن مردم مکه به پیامبر(ص) غرور و خودبرتربینی ایشان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۴ - ۲

۲ کافران هیچ عذر و بهانه ای برای ایمان نیاوردن به قرآن و پیامبر (ص) نداشتند .

و ما أکثر الناس و لو حرصت بمؤمنین. و ما تسئلهم علیه من أجر

آیه ۱۰۲ عهده دار اثبات حقانیّت قرآن در رسالت پیامبر(ص) بود و آیه ۱۰۳ اشاره به این معنا داشت که قرآن و تعالیم وحی

به واسطه پیامبر(ص) به مردم ابلاغ شد. آیه مورد بحث بیانگر این است که هیچ هزینه ای از آنان مطالبه نشد ; یعنی، راه هر عذر و بهانه ای برای ایمان نیاوردن کافران مسدود بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱ - ۱۲،۱۳،۱۴

۱۲ بیشتر مردم به قرآن ایمان نمی آورند و حقانیت کامل آن را باور نمی کنند .

و الذی أُنزل إلیک من ربک الحق و لکنّ أکثر الناس لایؤمنون

متعلق <لایؤمنون> مطالبی است که از جمله <والذی أنزل . ..> معلوم می شود ، از جمله آنهاست قرآن و کمال آن در حق بودن.

۱۳ بیشتر مردم به الهی بودن قرآن و نزولش از ناحیه خداوند ایمان نمی آورند .

الذی . .. من ربک الحق و لکنّ أکثر الناس لایؤمنون

از حقایقی که جمله <الذی أنزل . ..> گویای آن است الهی بودن قرآن می باشد (من ربک). از این رو این حقیقت نیز متعلق <لایؤمنون> می باشد ; یعنی: <لایؤمنون بأن القرآن من ربک>.

۱۴ ایمان نیاوردن همه و یا اکثر مردم به قرآن خلاف انتظار است .

و الذی أُنزل إلیک من ربک الحق و لکنّ أکثر الناس لایؤمنون

برداشت فوق با توجه به کلمه <لکن> که برای استدراک است استفاده می شود. گویا مخاطب پس از شنیدن این حقیقت که قرآن تنها کتاب سراسر حق است چنین می اندیشد و انتظار دارد که عموم مردم به آن ایمان آورند. کلمه <لکن> برای برطرف کردن این اندیشه بیان می کند که: چنین نشد، بلکه اکثر ایمان نیاوردند.

بی ایمانی مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۵۰ – ۳

۳ – ایمان نیاوردن تکذیب گران به قرآن ، امری شگفت آور است .

فبأیّ حدیث بعده یؤمنون

بی تأثیری توطئه علیه قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۲۱ – ۱۴

۱۴ توطئه و نیرنگ علیه قرآن ، تلاشی مذبوحانه بوده و نیرنگ بازان پیش از به ثمر رساندن توطئه های خود ، در دام مکر (عذاب) خدا گرفتار خواهند شد .

إذا لهم مکر فی ءایاتنا قل اللّه أسرع مکراً

بی توجهی مفتریان به قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۲۵ – ۱۵

۱۵– اسطوره تلقی کنندگان قرآن ، به پیامد کلام گمراه گر خود توجه ندارند .

قالوا أسطر الأولین . .. و من أوزار الذین یضلّونهم بغیر علم

بی عقلی مکذبان قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۱۹ – ۹

۹ ناباوران به حقانیّت قرآن و الهی بودن آن ، از خردمندی بی بهره اند .

أفمن یعلم . .. کمن هو أعمی إنما یتذکّر أُولُوا الألبب

بی منطقی تکذیب قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۸ - ۹

۹ - موضع گیری علیه قرآن ، به بهانه بی سابقه بودن نزول کتاب از سوی خدا یا بی سابقه بودن پیام های آن امری بی اساس و غیر قابل پذیرش

أم جاءهم ما لم یأت ءاباءهم الأوّلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶

۲- موضع گیری کافران در قبال قرآن ، بی کمترین تأمل و توجه به امکان حقانیت آن

قل أرءیتم إن کان من عند اللّه و کفرتم به

خداونـد با تعبیر <أرأیتم . ..>، به منکران قرآن تـذکر داده است که به هنگام موضع گیری علیه قرآن، به احتمال حقانیت آن بیندیشند و به این که اگر قرآن از ناحیه خداوند باشد، کفر آنان چه عواقبی برای آنان در پی خواهد داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۲۱ - ۱

۱ - پندار دروغ بودن قرآن ، پنداری موهوم و از اندیشه های باطل کافران است .

فی تکذیب . .. بل هو قرءان مجید

حرف <بل>، اضراب از قبل است و اندیشه تکذیب گرانه کافران را تخطئه می کند.

بی منطقی مخالفت با قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۲ - ۶

۶ - مخالفت با قرآن ، با احتمال نزول آن از سوی خداوند ، امری به دور از عقل و خرد

قل أرءیتم إن کان من عند اللّه

بنا بر این که مراد از <أرأیتم> تفکر و تعقل باشد، مطلب بالا استفاده می شود.

بی منطقی مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲ - ۵

۵ - سستی عقاید مشرکان و ناتوانی آنان از برخورد منطقی با تعالیم قرآن

بل عجبت و یسخرون

توسّل مشرکان به تمسخر در برابر تعالیم قرآن و رسالت پیامبر اسلام(ص)، گویای حقیقت یاد شده است.

بی نظیری قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۷

یونس - ۱۰ - ۳۷ - ۴

۴ هیچ مخلوقی ، توانایی آوردن کتابی همانند قرآن را ندارد .

و ما کان هذا القرءان أن یفتری من دون اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۸ - ۵،۶،۷

۵ تحدی و دعوت مشرکان از سوی پیامبر (ص) به آوردن سوره ای همانند سوره قرآن

أم یقولون افتریه قل فأتوا بسوره مثله

۶ ناتوانی بشر از آوردن سوره ای همانند یکی از سوره های قرآن ، نشانه بارز آسمانی بودن قرآن است .

قل فأتوا بسوره مثله و ادعوا من استطعتم من دون اللّه إن کنتم صدقین

۷ غیر خدا ، توانایی ساختن سوره ای همانند کوچکترین سوره قرآن را ندارد .

قل فأتوا بسوره مثله و ادعوا من استطعتم من دون اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۴ - ۱،۳

۱ انسان ها و معبود های دروغینشان ، ناتوان از آوردن ده سوره هم طراز قرآن

قل فأتوا بعشر سور مثله . .. فإلّم یستجیبوا لکم

ظاهر این است که خطاب در <لکم> و <اعملوا> به قرینه <فهل أنتم مسلمون> متوجه مشرکان باشد. براین اساس، ضمیر فاعلی در <یستجیبوا> به <من استطعتم> باز می گردد; یعنی، [ای پیامبر ! به مشرکان بگو:] اگر کسی و از جمله معبودهایتان، برای آوردن همانند قرآن - به خاطر عجزشان دعوت شما را اجابت نکردند ... .

۳ خودداری عاجزانه مخالفان دین از آوردن همانند برای قرآن ، نشانه و برهانی روشن بر الهی بودن قرآن و ابتنای آن بر علم خداست .

فإلّم یستجیبوا لکم

فاعلموا أنما أَنزل بعلم الله

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۰۳ – ۵

۵- اعتراف ضمنی مخالفان پیامبر (ص) به اینکه هیچ یک از عرب ها قدرت ارائه مطالبی مانند قرآن را ندارند .

و لقد نعلم أنهم يقولون إنما يعلّمه بشر لسان الذى يلحدون إليه أعجمىّ

با توجه به اینکه آنان قرآن را آموزه افراد عجمی دانسته و می گفتند: پیامبر(ص) نزد آنان این مطالب را فرا گرفته است، روشن می شود که آنان مطالب قرآن را بسی فراتر از آنچه در توان خودشان هست، می دانستند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۸۸ – ۳،۵،۱۳

۳- قرآن ، حاوی حقایق ، آموزه ها و معارفی است که انس و جن هرگز توان دست یافتن به آن حقایق را ، بدون وحی پیدا نخواهند کرد .

قل لئن اجتمعت الإنس و الجنّ على أن يأتوا بمثل هذا القرءان لايأتون . .. ظهيرًا

ناتوانی انسانها و جنیان از آوردن همانندی برای قرآن، مطلق است و شامل معارف و آموزه های آن نیز می شود.

۵- قرآن ، معجزه جاودان الهی که همواره کتابی بی مانند بوده و تا ابد نیز بی همانند خواهد ماند .

قل لئن اجتمعت الإنس و الجنّ . .. لايأتون بمثله و لو كان بعضهم لبعض ظهيرًا

از اینکه آیه تصریح می کند هیچ انس و جنی توان آوردن مانند قرآن را ندارد، به دست می آید که قرآن، همواره کتابی بی مانند خواهد ماند.

۱۳- عدم امکان آوردن کتابی همانند قرآن ، خود دلیلی قاطع بر الهی بودن و بشری نبودن

آن است .

قل لئن اجتمعت الإنس و الجنّ . .. لايأتون بمثله

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۹۰ – ۵

۵- مشرکان مکه ، قرآن را علی رغم بی مانندی اش ، معجزه نمی دانستند .

قل لئن اجتمعت الإنس و الجنّ . .. و قالوا لن نؤمن لك

از اینکه خداوند، پس از توصیف قرآن به معجزه و بی مانند بودن، درخواست معجزه حسی آنان را نقل می کند، می تواند به نکته فوق اِشعار داشته باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۴۹ – ۱۲

۱۲ – بشر ، ناتوان از ارائه کتابی برتر و هدایت کننده تر از قرآن و تورات

قل فأتوا بکتب . .. هو أهدی ... إن کنتم صدقین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۲ – ۴

۴- ناتوانی بشر از ارائه کتاب ، برنامه و معارفی فراتر از قرآن

تنزیل الکتب من اللّه العزیز

از ارتباط میان <تنزیل الکتاب> با وصف <العزیز> نوعی تحدی استفاده می شود طرح عزت و شکست ناپذیری خداوند در زمینه نزول قرآن در ابعاد مختلفی تصویر می شود و از جمله در بعد محتوایی و لفظی آن.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۳۴ – ۲،۳،۴

۲ – پیام قرآن ، پیامی نو و بی نظیر برای همیشه تاریخ

فلیأتوا بحدیث

در واژه <حدیث>، نوین بودن پیام قرآن نهفته است. <تحدی> قرآن، برای همیشه تاریخ است و بی نظیر ماندن آن نیز همیشگی خواهد بود.

۳ - بشر ، ناتوان از

آوردن سخنی نو و پرطراوت چون قرآن

فلیأتوا بحدیث مثله

امر در <فلیأتوا> برای تعجیز و بیان ناتوانی بشر از آوردن سخنی مانند قرآن است.

۴ - عجز آدمیان از آوردن سخنی همچون قرآن ، برترین گواه بر الهی بودن آن

فلیأتوا بحدیث مثله إن کانوا صدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۸۱ - ۳

۳ - قرآن ، کتابی بی نظیر ، جدید و بی سابقه در فرهنگ بشری

أفبهذا الحدیث أنتم مدهنون

<حدیث>، به خبر تازه و نو گفته می شود و <هذا الحدیث> یا اشاره به قرآن دارد و یا مراد از آن خبر قیامت است. برداشت یاد شده بر پایه احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۴ - ۳

۳ - قرآن ، کتابی بی نظیر و دارای مطالبی نو و بی سابقه

الحدیث

<حدیث> به معنای شیء جدید و نوپیدا است. به کار رفتن این تعبیر درباره قرآن، می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

بیماری محرومان از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۳ - ۸

۸- اعراض از خدا در حال رفاه ، و به پوچی و یأس رسیدن در ناگواری ها ، بیماری محرومان از هدایت قرآن است .

و ننزّل . .. شفاء و رحمه للمؤمنين و لایزید الظلمین إلّا خسارًا . و إذا أنعمنا ع

بینات قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۹ - ۴،۵

۴ - قرآن ، متضمن آیات و دلایلی روشن بر حقانیت خود و رسالت پیامبر

(ص)

و لقد أنزلنا إليك ءايت بينت

مقصود از <ءايات> مى تواند آيات قرآنى باشد و مى تواند معجزات و دلايلى باشد كه بر صداقت پيامبر(ص) و آسمانى بودن قرآن دلالت دارد. برداشت فوق ناظر به احتمال اول است.

۵ - تنها فاسقان (منحرفان) ، قرآن و دلايل روشن آن را نپذيرفته و بدان كافر مى شوند .

و ما يكفر بها إلا الفسقون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۵ - ۱۰،۱۱

۱۰ - قرآن ، حاوى دلايلى روشن و فراوان براى رهنمون ساختن انسان ها به هدايت هاى ويژه و مراحل والاى هدايت

الذى أنزل فيه القرءان هدًى للناس و بينت من الهدى

<بينه> به معناى دليل و روشن و آشكار است و جمع آوردن آن دلالت بر كثرت دارد. از معرفه بودن <الهدى> در <بينات من الهدى> چنين بر مى آيد كه مراد، هدايتهايى خاص است.

۱۱ - قرآن ، حاوى رهنمود ها و دلايلى روشن جهت دستيابى به ميزانى براى تمييز حق از باطل

الذى أنزل فيه القرءان . .. بينت من الهدى و الفرقان

<فرقان> به چيزى گفته مى شود كه به وسيله آن مى توان حق را از باطل و درست را از نادرست تمييز داد.

پاداش انس با قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۰ - ۲

۲ - تلاوت قرآن و انس با آن ، برپايى نماز و انفاق در نهان و آشكار ، داراى اجر و پاداش الهى

يتلون كتب اللّه . .. ليوفّيهم أجورهم

پاداش ايمان به قرآن

فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۵ - ۳

۳ - بهشت و نعمت های آن ، پاداش کسانی است که به قرآن و پیامبر (ص) ایمان آورده و اعمال صالح انجام دهند .

و بشر الذین ءامنوا . .. أن لهم جنت تجری من تحت الأنهر

متعلق <آمنوا> به دلیل آیات قبل، قرآن و پیامبر(ص) است.

پاداش پیروان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۱ - ۱۲

۱۲ - آمرزش و اجر ارزشمند و پرب ها ، پاداش پیروان قرآن و خداترسان

من اتّبع الذکر و خشی الرحمن بالغیب فبشّره بمغفره و أجر کریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۵ - ۸

۸ ورود به بهشت و برخورداری از فضل خدا و رسیدن به مقام قرب الهی ، پاداش مؤمنان به خدا و پیروان پیامبر (ص) و قرآن

فاما الذین ءامنوا باللّه و اعتصموا . .. یهدیهم إلیه صرطاً مستقیماً

پاداش تلاوت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۰ - ۲

۲ - تلاوت قرآن و انس با آن ، برپایی نماز و انفاق در نهان و آشکار ، دارای اجر و پاداش الهی

یتلون کتب اللّه . .. لیوفّیهم أجورهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۳ - ۶

۶ - قرائت قرآن ، دارای منافعی بسیار و تضمین شده از سوی خداوند

اقرأ و ربّك الأكرم

توصیف خداوند به <کریم ترین> پس از امر به قرائت بیانگر تأثیر آن در فراهم آمدن

زمینه کرامت و احسان خداوند است.

پاداش وارثان قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۳۳ – ۳

۳ – پیشگامان در انجام کار های خیر و وارثان قرآن کریم ، بهره مند از بهشت پاینده

جنّت عدن یدخلونها

پاسخ مکذبان قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۰۲ – ۱

۱– پیامبر (ص) ، وظیفه دار پاسخ گویی به اتهامات مشرکان مبنی بر ساختگی بودن قرآن با روشن کردن حقیقت وحی

إنما أنت مفتر . .. قل نزّله روح القدس من ربّک

پاسداران قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۲۱ – ۱۷

۱۷ قرآن کریم در حصار حفاظت و مراقبت فرشتگان الهی

إذا لهم مکر فی ءایاتنا قل اللّه أسرع مکراً إن رسلنا یکتبون ما تمکرون

به قرینه مقام می توان گفت که: خداوند برای جاودان ماندن قرآن و مصونیت آن از هر گونه اقدامهای شیطانیِ انسانهای کفرپیشه و ضد دین، فرشتگانی را مأمور حفاظت و مراقبت از آن کرده است و مراد از <رسل> در <إن رسلنا یکتبون ما تمکرون> همین دسته از فرشتگان می باشد.

پاکی قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۴ - ۳

۳ - قرآن ، گفتاری است پاک و پسندیده .

الطّیّب من القول

پشیمانی مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۷ - ۴

۴ تکذیب کنندگان پیامبر(ص) و قرآن در قیامت بر کفرورزیهای خویش در دنیا تأسف می خورند.

یلیتنا

نرد و لا نكذب بأيت ربنا و نكون من المؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۳ - ۱۲

۱۲ منكران قرآن ، در قيامت ، با پى بردن به زيانكارى خويش و واهى بودن افكار و عقايد خود ، از اعمال و رفتار گذشته خويش پشيمان خواهند شد .

نرد فنعمل غير الذى كنا نعمل قد خسروا أنفسهم و ضل عنهم ما كانوا يفترون

جمله <قد خسروا . .. > و <ضل عنهم ... > به منزله تعليلى است براى <نرد فنعمل ... > يعنى آرزوى بازگشت به دنيا و تدارك گذشته ها بدان علت است كه كفرپيشگان خود را زيانكار مى بينند و باورهاى خويش را بر باد رفته مى يابند.

پوچى افترا به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۵ - ۱۲

۱۲- ادعاى اسطوره اى بودن قرآن ، جاهلانه و به دور از مبانى علمى است .

قالوا أسطر الأولين . .. يضلّونهم بغير علم

برداشت فوق مبتنى بر اين احتمال است كه <بغير> حال براى ضمير فاعلى <يضلّون> باشد و از آن جايى كه مايه اضلال، اسطوره خواندن قرآن بوده است، معلوم مى شود كه آن ادعا عالمانه نبوده است.

پوچى تهمت افسانه به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - مطففين - ۸۳ - ۱۵ - ۲

۲ - افسانه پنداشتن قرآن ، پندارى واهى و سزاوار پرهيز است .

قال أسطير الأوّلين . كلاّ ... كلاّ

حرف <كلاّ> در اين آيه، مى تواند تأكيد <كلاّ> در آيه قبل باشد.

پیروزی بر قرآن

جلد – نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۶ - ۶

۶ - کافران مکه ، در تلاش برای غلبه بر قرآن و پیام وحی

و قال الذین کفروا لاتسمعوا . .. لعلّکم تغلبون

پیروزی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۱ - ۹

۹ - پیروزمندی تفکر قرآنی ، در صحنه رویارویی با اندیشه های بشری

و إنّه لکتب عزیز

پیروی از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۵ - ۳

۳ همگان باید از قرآن پیروی کنند و از مخالفت با آن پرهیز کنند.

فاتبعوه و اتقوا

متعلق <اتقوا> هم می تواند <مخالفت با قرآن> باشد و هم می تواند <پیروی از قوانین غیر قرآنی> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۷ - ۷

۷ معارف ، احکام و قوانین قرآن ، حقایقی عالمانه ، سزاوار و بایسته پذیرش و پیروی است .

و کذلک أنزلنه حکمًا عربیًّا . .. بعد ما جاءک من العلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹۲ - ۳

۳ - پیامبر (ص) موظف به پیروی دقیق از قرآن *

إنّما أُمرت أن أعبد ربّ هذه البلده . .. و أن أتلوا القرءان

واژه <أتلوا> می تواند از مصدر <تُلُوّ> (تبعیت و پیروی) مشتق شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۵ - ۱

۱ - پیامبر (ص) پیش از هر کس ، موظف به پیروی از قرآن و

عمل کردن به دستورات آن بود .

إنّ الذی فرض علیک القرءان

<فَرْض> (مصدر <فَرَضَ>) به معنای واجب کردن است. بنابراین <فرض علیک القرآن>; یعنی، <قرآن را بر تو واجب فرمود>. واجب شدن قرآن بر پیامبر(ص) می تواند به این معنا باشد که عمل کردن به دستورات آن نخست بر خود آن حضرت واجب می باشد و سپس بر دیگران. هم چنین می تواند به این معنا باشد که پیامبر(ص) وظیفه دارد قرآن را بر مردم تلاوت کند و پیام آن را به مردم ابلاغ نماید. برداشت فوق بر پایه احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۱ - ۶

۶ - لزوم پیروی از تعالیم قرآن

إنّما تنذر من اتّبع الذکر

برداشت یاد شده، از آمدن قید <اتّباع> به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۵ - ۹

۹ - روی آودن به قرآن و عمل به تعالیم آن ، پس از آمدن عذاب بی فایده است .

و اتّبعوا أحسن ما أُنزل . .. من قبل أن یأتیکم العذاب بغته

از این که خداوند فرمود: پیش از آمدن عذاب به تعالیم قرآن عمل کنید، روشن می شود که با آمدن عذاب، این کار بی فایده خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۸ - ۳

۳ - برخی از کافران لجوج و گنه کاران سرمست ، تنها به وقت مشاهده عذاب الهی و یقین به نزول آن ، بیدار گشته و در برابر سخن حق (قرآن) تسلیم شده و از

آن پیروی می کنند .

أو تقول حین تری العذاب لو أنّ لی کرّه فأکون من المحسنین

پیشگویی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۴ - ۲

۲ - ناتوانی انسان ها از آوردن همانند برای قرآن ، از پیشگویی های قرآن است .

و لن تفعلوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۳

۳ - یهود به قرآن ایمان نمی آورند و اسلام را نخواهند پذیرفت . *

و إذا قیل لهم ءامنوا بما أنزل اللّه قالوا نؤمن بما أنزل علینا

حذف فاعل و آوردن فعل به صورت مجهول (قیل) حاوی این نکته است که: پاسخ منفی یهود به دعوت قرآن، مخصوص یهود عصر بعثت نیست; بلکه آیندگان اینان نیز همین رویه را خواهند داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۶ - ۶

۶ - دنیاپرستی یهود از پیشگویی های قرآن

لتجدنهم أحرص الناس علی حیوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۰ - ۱۱

۱۱ - بسیاری از یهودیان به قرآن و پیامبر (ص) ، ایمان نخواهند آورد .

بل اكثرهم لايؤمنون

برداشت فوق مبتنى بر اين است كه: متعلق <لا يؤمنون>، به دليل آيه قبل، قرآن و پيامبر اسلام باشد. مضارع بودن فعل <لايؤمنون> اين احتمال را تأييد مى كند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۴ - ۱۹

۱۹ - سركوبى كفرپيشگان مسلط بر مساجد عصر بعثت و گرفتار شدنشان به خوارى و ذلت ، از اخبار غيبى

قرآن و از نوید های خدا به مسلمانان

لهم فی الدنیا خزی

چنانچه گذشت، آیه شریفه اشاره به قضایای صدر اسلام و بازداری مسلمانان از ورود به مسجد الحرام و مانند آن دارد . با توجه به این حقیقت، جمله <لهم فی الدنیا خزی> نویدی است به مسلمانان که کفرپیشگان مانع از ورود به مساجد، به خواری و ذلت گرفتار خواهند شد، که به مناسبت مورد، مقصود از خواری و ذلت، کوتاه شدن دست آنان از مساجد اسلامی و سیطره مسلمانان بر آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۲ - ۶

۶ - پیشگویی قرآن از موضعگیری مخالفان اسلام درباره تغییر قبله

سیقول السفهاء من الناس ما ولیهم عن قبلتهم التی کانوا علیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۵ - ۸

۸ - هیچ یک از یهود و نصارا ، قبله یکدیگر را نخواهند پذیرفت .

و ما بعضهم بتابع قبله بعض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۲ - ۷

۷ خبر غیبی قرآن از شکست قریب الوقوع یهود عصر پیامبر (ص)

قل للّذین کفروا ستغلبون

بنابراینکه منظور از <للّذین کفروا>، یهودیان باشند; چنانچه در شأن نزول آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۵ - ۱۱

۱۱ وعده خداوند به عیسی (ع) در مورد غلبه پیروان راستین آن حضرت بر کافران (یهودیان) تا قیامت

و جاعل الذین اتبعوک فوق الذین کفروا الی یوم القیمه

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۳ - ۱

۱ پیشگویی خداوند به اینکه نصارای نجران ، دعوت به مباهله را نمی پذیرند . *

فقل تعالوا ندع . .. فان تولّوا فانّ اللّه علیم بالمفسدین

ظاهراً جمله <فان تولّوا . .. >، اشاره به این است که مسیحیان، دعوت به مباهله را نمی پذیرند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۱ - ۵

۵ پیشگویی قرآن در عجز اهل کتاب ، از ضرر رسانیدن به مسلمانان و شکست و فرار آنان در پیکار با مسلمانان

لن یضرّوکم إلّا اذًی و إن یقتلوکم یولّوکم الادبار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷ - ۱

۱ در صورت نزول کتابی ملموس از سوی خداوند بر پیامبر(ص)، کفرورزان آن را سحر خواهند دانست.

و لو نزلنا علیک کتبا فی قرطاس فلمسوه بأیدیهم لقال الذین کفروا إن هذا إلا سحر مبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۶ - ۳

۳ پیشگویی قرآن در مورد عملی شدن وعده های عذاب بر مشرکان مکه و قبیله پیامبر*

و کذّب به قومک و هو الحق

از معانی حق، <ثابت> و <واجب> است و در مورد آیه به دلیل اینکه خبر از وقوع حادثه ای در آینده است، یعنی چیزی که تثبیت شده و واقع خواهد شد. لذا اگر مرجع ضمیر <به>، <عذاب> در آیه قبل باشد، جمله <و هو الحق> تأکید بر وقوع حتمی آن در آینده خواهد بود. همان گونه که تاریخ نیز این نکته

را به وضوح تأیید کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۸ - ۴

۴ پیشگویی قرآن از تمسک مشرکان در آینده به جبر برای توجیه عقاید و عملکرد خویش

سیقول الذین أشرکوا لو شاء الله ما أشرکنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۳ - ۶،۷

۶ گرایش کافران مکه به قرآن در آینده دوران بعثت ، دلیل گرفتار نشدن آنان به عذاب استیصال ، نه حقانیت ایشان در انکار قرآن

و ما کان اللّه معذبهم و هم یستغفرون

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله <و هم یستغفرون> حال مقدر باشد. یعنی خداوند اکنون (زمان انکار قرآن) کافران مکه را عذاب نمی کند، در حالی که در آینده توبه خواهند کرد. گفتنی است که استغفار و توبه کافر به ایمان آوردن اوست.

۷ پیشگویی قرآن از گرایش کافران مکه به اسلام و پذیرش توحید

و ما کان اللّه معذبهم و هم یستغفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۹ - ۸

۸ پر کردن جهنم از انسان ها و جنیان ، حقیقتی که خداوند از پیش بیان داشته بود .

تمت کلمه ربک لأملأنّ جهنم من الجنه والناس

<تمت>; یعنی، به طور کامل و بدون هیچ نقصی تحقق یافت. مفسران برآنند که مقصود از <کلمه ربک> که با جمله <لأملأنّ ...> تفسیر شده است همان سخنی است که خداوند در داستان آدم و ابلیس فرمود: <فالحق والحق أقول. لأملأنّ جهنم منک و ممن تبعک منهم أجمعین>; حق این است و من جز

حق نمی گویم که جهنم را از تو و از همه کسانی که از تو پیروی می کنند پر خواهم کرد. سوره ص، آیه ۸۴ و ۸۵>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۳۱ – ۱۶

۱۶ شکست و نابودی کفرپیشگان مکه و حوالی آن ، از پیشگویی های قرآن

لایزال الذین کفروا تصیبهم بما صنعوا قارعه . .. حتی یأتی وعد الله

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۱۴ – ۱،۲

۱– اگر دری از آسمان به قدرت خداوند گشوده شود که کافران مکه برای دریافت حقایق به آنجا بروند ، ایمان نخواهند آورد .

کذلک نسلکه فی قلوب المجرمین . لایؤمنون به ... و لو فتحنا علیهم بابًا من السّماء

۲– مجرمان هدایت ناپذیر ، در صورت گشوده شدن دری از آسمان و راه یافتن آنان به آنجا جهت مشاهده حقایق ، باز ایمان نخواهند آورد .

کذلک نسلکه فی قلوب المجرمین . لایؤمنون به ... و لو فتحنا علیهم بابًا من السّماء

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۱۵ – ۱

۱– کافران هدایت ناپذیر مکه ، در صورت مشاهده گشایش دری از آسمان برای بالا رفتن خود و درک حقایق ، آن را نوعی چشم بندی و سحر وانمود خواهند کرد .

و لو فتحنا علیهم بابًا من السّماء فظلّوا فیه یعرجون . لقالوا إنما سکّرت أبصرنا

<سکر> در لغت حالتی را گفته اند که عارض بر عقل می شود. بنابراین مراد از ادعای آنان این می شود که: آنان خود را گرفتار نوعی چشم

بندی می دانستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۱ - ۵

۵- خداوند ، پیشاپیش به پیامبر (ص) اعلام کرد که منکران معاد ، پس از دریافت جواب شبهه استبعاد معاد ، از پدیدآورنده آن سؤال خواهند کرد .

فسیقولون من یعیدنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۳ - ۱۳

۱۳- هیچ گاه میان کافران و مسلمانان ، با حفظ مواضع اصولی تسالم کامل و دوستی حقیقی برقرار نخواهد شد .

و إن کادوا لیفتنونک عن الذی أوحینا إلیک . .. و إذًا لاَتّخذوک خلیلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۹ - ۳

۳- از پیدایش درگیری های داخل میان یأجوج و مأجوج ، پس از ویرانی سد ذوالقرنین خبر داده است . *

فإذا جاء وعد ربّی جعله دکّاء . .. و ترکنا بعضهم یومئذ یموج فی بعض

بدان احتمال که ضمیر در <بعضهم> به یأجوج و مأجوج بازگردد; یعنی، پس از ویرانی سد، آن ها، به کشمکش ها و تهاجمات گسترده به هم دست خواهند زد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۲ - ۹

۹- قرآن پیشاپیش از سرخوردگی سریع مشرکان و ناکامی آنان در رسیدن به آرزوی عزّت و ثروت ، و ضدیّت آنان با معبود های موهوم خویش ، خبر داده است .

سیکفرون بعبادتهم و یکونون علیهم ضدًّا

قرینه ای وجود نـدارد که موجب انصـراف آیه به وضـعیت قیامت مشـرکان باشـد; بنابراین بعید نیست مراد آیه، اخبار از آینده نزدیک مشرکان مکه

و روگردانی آنان از شرک و بت پرستی باشد. در این برداشت، ضمیر فاعلی <سیکفرون> و <یکونون> به مشرکان بازگشت داده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶ - ۵

۵- پیشگویی قرآن ، مبنی بر ایمان نیاوردن برخی از مشرکان صدراسلام ، حتی پس از نزول معجزات درخواستی آنان

ماءامنت قبلهم . .. أفهم یؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۴ - ۵

۵- پیشگویی قرآن از پیروزی اسلام و مرگ سران شرک و کفر ، قبل از وفات پیامبر (ص)

أفإیْن متّ فهم الخلدون

همزه در <أفإن> استفهام انکاری و متضمن معنای نفی است. بنابراین پیام اصلی آیه چنین می شود: نه چنین است که او (پیامبر(ص)) <بمیرد و شما زنده باشید و به مدت طولانی بمانید; بلکه حقیقت عکس این است، او می ماند و شما ای سران کفر پیش از او خواهید مرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۶ - ۴

۴- پیش گویی قرآن به هجوم سریع و فتوحات فراگیر یأجوج و مأجوج در سراسر زمین در آینده

حتّی إذا فتحت یأجوج و مأجوج و هم من کلّ حدب ینسلون

اضافه شدن لفظ عموم <کلّ> بر اسم نکره <حدب> بیانگر این است که ماجرای یأجوج و مأجوج مربوط به سرزمین خاصی نیست; بلکه شامل تمامی سرزمین ها و جهانی خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۱۱

۱۱ - پیشگویی قرآن به شکست جبهه کفر و شرک و

پیروزی فراگیر و گسترده جبهه توحید و اسلام در عصر بعثت

وعد اللّه الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت لیستخلفنّهم فی الأرض و لیمکّننّ لهم

پیشگوییهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۴ - ۳

۳ بازگویی گزارشات غیبی ، جلوه ای از اعجاز قرآن

ذلک من انباء الغیب نوحیه الیک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۲ - ۸،۹

۸ إخبار خداوند از اقدام متخلفان جنگ تبوک به سوگند های دروغین برای استطاعت نداشتن خود و موجه بودن تخلفشان

و سیحلفون باللّه لو استطعنا لخرجنا معکم

۹ إخبار خداوند به بازگشت موفقیت آمیز مسلمانان از جنگ تبوک

و سیحلفون باللّه لو استطعنا لخرجنا معکم

برداشت فوق بر این اساس است که آیه شریفه، قبل از رسیدن مسلمانان به سرزمین تبوک نازل شده باشد که در این صورت، إخبار خداوند به عذرخواهی متخلفان، گویای بازگشت موفقیت آمیز مسلمانان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۳ - ۵

۵ إخبار خداوند به عزم قطعی برخی افراد (منافقان) بر تخلف از جنگ تبوک (حتی در صورت عدم دریافت اذن از پیامبر (ص))

و سیحلفون باللّه لو استطعنا لخرجنا . .. لم أذنت لهم حتی یتبین لک الذین صدقوا و ت

از اظهار ناتوانی منافقان برای جهاد و تذکر خداوند به دروغ بودن این اظهار، استفاده می شود که آنان تصمیم بر تخلف از

جنگ داشته اند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۶۵

۴ خداوند از توجیه گری های آینده منافقان نسبت به عملکرد خائنانه شان پرده برداشت .

و لئن سألتهم لیقولن إنما کنا نخوض و نلعب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۴ - ۳۰

۳۰ إخبار خداوند ، از رسوایی و فضاحت نهایی منافقان صدر اسلام در جامعه و منزوی شدن آنان

و ما لهم فی الأرض من ولیّ و لانصیر

با توجه به اینکه آیه، إخبار از آینده است و نیز واژه <فی الأرض> می تواند به همین زندگی دنیوی اشاره داشته باشد، این برداشت به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۳ - ۱

۱ خبر دادن خداوند از امکان اجازه خواستن منافقان متخلف از جنگ ، برای شرکت جستن در جنگ های آینده

فإن رجعک اللّه إلی طائفه منهم فاستئذنوک للخروج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۴ - ۱،۹

۱ إخبار خداوند از اقدام توانمندان متخلف از جهاد ، به عذرتراشی پس از بازگشت مؤمنان از جنگ تبوک

یعتذرون إلیکم إذا رجعتم إلیهم

۹ إخبار خداوند به بی اساس بودن عذرتراشی متخلفان از جنگ تبوک به دلیل ادامه داشتن کجروی ها و تخلفات آنان در آینده

قل لا تعتذروا لن نؤمن لکم . .. و سیری اللّه عملکم

جمله <سیری اللّه . .. > می تواند بیانگر علت عدم پذیرش عذر متخلفان باشد ; یعنی، عملکرد خلاف اینان در آینده، خود

بهترین گواه بر نادرستی معذرت جویی آنان خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷

- توبه - ۹ - ۹۸ - ۱۱

۱۱ إخبار خداوند به تحقق بدخواهی های بادیه نشینان در مورد خودشان و نه پیامبر (ص) و مؤمنان

یتخذ ما ینفق مغرماً و یتربّص بکم الدوائر علیهم داثره السوء

برداشت فوق بدان احتمال است که جمله <علیهم دائره السوء> در مقام إخبار باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۱ - ۲

۲ کفرپیشگان و حق ستیزان ، به هنگام وقوع عذاب استیصال ، دست از کفر کشیده ، ایمان خواهند آورد .

أثم إذا ما وقع ءامنتم به ءالئن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳ - ۱۱

۱۱- اِخبار خداوند به آشکار شدن حقانیت اسلام ، برای کافران صدراسلام در آینده

ربما یودّ الذین کفروا . .. فسوف یعلمون

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مفعول و متعلق علم در <یعلمون> حقانیت اسلام باشد که مورد انکار آنان بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸ - ۶

۶- پیشگویی قرآن درباره اختراع وسایل پیشرفته و جدید برای حمل و نقل ، مسافرت و سایر وسایل آسایشی و رفاهی انسان

و الأنعم خلقها لکم فیها دفءٌ و منفع . .. و لکم فیها جمال ... لترکبوها و زینه و

متعلق <یخلق> نامعلوم و فواید آن محذوف است، ولی با توجه به فوایدی که برای اشیای خلق شده ذکر کرده، می توان حدس زد که فواید مخلوقهای جدید نیز در راستای بهرهوری انسان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١٣ - شعراء - ٢٦ -

۱ – ایمان نیاوردن عرب به قرآن و پیامبر (ص) در صورت نزول آن بر فردی غیر عرب و با زبان غیرعربی

و لو نزّلنه . .. ما کانوا به مؤمنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۸۲ – ۳،۵

۳ – تردید و ناباوری نسبت به آیات الهی ، مشکل مجموعه های آینده بشری

أنّ الناس کانوا بایتنا لایوقنون

۵ – آینده بشر ، شاهد نزول عذاب قهر الهی بر کافران

و إذا وقع القول علیهم

مفسران، کلمه <القول> را کنایه از عذاب گرفته اند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۵۱ – ۸

۸ – خداوند ، از ماندگاری قرآن در میان مردم و خوانده شدن اش بر آنان ، خبر داده است .

أنّا أنزلنا علیک الکتب یتلی علیهم

فعل مضارع <یتلی> دلالت بر استمرار می کند و تعیین نشدن فاعل آن نیز، نکته یاد شده را تأیید می کند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۳ – ۲

۲ – پیشگویی قرآن ، درباره پیروزی قریب الوقوع رومیان شکست خورده بر ایرانیان پیروز

و هم من بعد غلبهم سیغلبون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴ - ۱،۵

۱ - پیشگویی قرآن در مورد پیروزی رومیان بر ایرانیان فاتح ، در خلال زمانی اندک (سه تا ده سال)

فی بضع سنین

کلمه <بضع> بر عددی اطلاق می شود که از سه بالاتر و از ده کمتر باشد (لسان العرب).

۵ - قرآن از برانگیخته شدن احساسات شادمانه مؤمنان

صدر اسلام در روز پیروزی رومیان بر ایرانیان ، خبر داده است .

و هم من بعد غلبهم سیغلبون . .. و یومئذ یفرح المؤمنون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۷۵ – ۴

۴ – اخبار خداوند به شکست و عذاب قریب الوقوع کافران و مشرکان معاند و مشاهده شدن آن برای آنان

فتولّ عنهم حتّی حین . و أبصرهم فسوف یبصرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۷۹ – ۴

۴ – اخبار خداوند به شکست و عذاب قریب الوقوع کافران و مشرکان معاند و مشاهده شدن آن برای آنان

و تولّ عنهم حتّی حین . و أبصر فسوف یبصرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۱۱ – ۱

۱ – پیشگویی خداوند از شکست سران کفر و شرک در برابر سپاه اسلام

جند ما هنالك مهزوم من الأحزاب

بیشتر مفسران بر این عقیده اند که آیه شریفه، در مقام پیشگویی از آینده سران کفر و شرک است، آنانی که در مکه در اکثریت بودند و قدرت را در دست داشتند و در حالی که مسلمانان در اقلیت و ضعف قرار داشتند. ازاین رو خداوند از شکست کافران در جنگ های بدر، احزاب، حنین و یا فتح مکه خبر می دهد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۸۸ – ۲

۲ – اخبار خداوند از شناخته شدن حقانیت وعده ها و وعید های قرآن

و لتعلمنّ نبأه بعد حین

برخی از مفسران بر این باوراند که مقصود از <نبأه> (خبر قرآن) مجموعه

وعده ها و وعیدهای قرآن است; اعم از عذاب ها و شکست های کافران و پیروزی های مؤمنان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۲ - ۲،۱۲

۲ - پیشگویی قرآن نسبت به مصونیت آن از تحریف در طول تاریخ

لایأتیه البطل من بین یدیه و لا من خلفه

مراد از <من بین یدیه> زمان نزول قرآن و از <من خلفه> زمان آینده است.

۱۲ - < فی المجمع : فی قوله تعالی < لایأتیه الباطل من بین یدیه و لا من خلفه > ، قیل فیه أقوال : . . .ثالثها : معناه انّه لیس فی أخباره عمّا مضی باطل و لا فی إخباره عما یکون فی المستقبل باطل بل إخباره کلّها موافقه لمخبراتها . و هو المروی عن أبی جعفر و عن أبی عبداللّه (ع) . . . ;

در مجمع البیان در مورد قول خدا <لایأتیه الباطل من بین یدیه و لا من خلفه> آمده است: اقوالی در تفسیر این آیه گفته شده که سوم آن این است: در خبر دادن قرآن از آنچه گذشته و از آنچه در آینده خواهد آمد، هیچ باطلی نیست; بلکه خبرهای قرآن همه مطابق با واقع است و این معنا از امام باقر و امام صادق(ع) روایت شده است>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۲ - ۸

۸ - پیش بینی قرآن ، از ساخت و حرکت کشتی های کوه پیکر در اقیانوس ها *

و من ءایته الجوار فی البحر کالأعلم

بنابراین که در عصر نزول، کشتی های کوه پیکر هنوز ساخته نشده بود،

آیه شریفه می تواند نظر به آینده کشتی سازی بشر داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۱ - ۱

۱- تهدید شدن کافران سست اندیش و بیهوده گرا ، به فرجامی سخت و جانکاه

فارتقب یوم تأتی السماء بدخان مبین

تعبیر <بدخان مبین>، می تواند حکایت از عذاب دنیوی و نیز سختی های صحنه قیامت داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۱ - ۱

۱- پیشگویی خداوند ، از درد و رنج فراگیر مردم مکه هنگام گرفتاری آنان به عذاب الهی در دنیا

یغشی الناس هذا عذاب ألیم

چنانچه این آیات در مورد عذاب دنیوی باشد، برداشت بالا قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۵ - ۲

۲- اخبار خداوند از رفع محدود عذاب دنیوی مشرکان مکه و بازگشت دوباره آنان به کفر و شرک

إنّا کاشفوا العذاب قلیلاً إنّکم عائدون

برداشت یادشده بر این اساس است که عذابی که در آیات پیشین از آن یاد شده، عذاب دنیوی باشد. در این صورت معنای آیه چنین می شود: ما عذاب دنیوی را برای زمانی اندک برخواهیم داشت; یعنی، در دنیا که اصولاً مجالی اندک است عذاب را از شما برمی داریم; اما انتقام به قیامت موکول خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۰ - ۲

۲ - پیشگویی خداوند ، از حقارت و ذلّت سران مشرک مکه در دنیا *

لهم عذاب مهين . من ورائهم جهنّم

برداشت بالا بدان احتمال است که تعبیر <لهم عذاب

مهین> ناظر به دنیا و <من ورائهم. ..> ناظر به آخرت باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۲۲ – ۷

۷- اخبار خداوند از فسادگری و خویشاوندکشیِ عناصر سست ایمان منافق ، درصورت رسیدن به حکومت

فهل عسیتم إن تولّیتم أن تفسدوا فی الأرض و تقطّعوا أرحامکم

برداشت بالاـ بنابر این نکته است که <تولّیتم> از ماده <ولایت> و به معنای بر عهده گرفتن حاکمیت باشد و مخاطب آن بیماردلانی باشند که به دلیل سست ایمانی به هنگام فرمان جهاد، به وحشت افتاده و از آن طفره می روند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۳۲ – ۴

۴-اِخبار خداوند از ستیز برخی کافران با دین و پیامبر (ص) ، به رغم وضوح حق برای آنان

إنّ الذین کفروا و صدّوا . .. و شاقّوا ... من بعد ما تبیّن لهم الهدی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۱۱ – ۲

۲ – پیش بینی آیات وحی ، از عذرخواهی و اظهار پشیمانی بادیه نشینانی که از همراهی پیامبر (ص) تخلف کرده بودند .

سیقول لک المخلّفون من الأعراب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۱۵ – ۱،۱۱

۱ – اخبار خداوند ، از مواضع بعدی متخلّفان از سفر حدیبیه ، در قبال مسؤولیت های جهادی

سیقول المخلّفون

۱۱ – اخبار خداوند ، از محرومیت حتمی غایبان در حدیبیه از شرکت در جنگ خیبر

ذرونا نتّبعكم . .. قل لن تتّبعونا كذلكم قال اللّه من قبل

<لن تتّبعونا> ممكن

است در مقام انشا نباشد; بلکه اخبار باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۶ - ۲،۷

۲ - اخبار الهی از نبرد قریب الوقوع مسلمانان با دشمنی نیرومند ، پس از جنگ خیبر

قل للمخلّفین من الأعراب ستدعون إلی قوم أولی بأس شدید

۷ - اخبار از حوادث و رخداد های آینده ، جلوه ای از اعجاز قرآن

إذا انطلقتم إلی مغانم لتأخذوها . .. کذلکم قال اللّه من قبل ... قل للمخلّفین من ا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۰ - ۱،۱۶

۱ - بشارت خدا به مسلمانان حاضر در حدیبیه ، مبنی بر برخورداری آنان از غنایم فراوان در آینده

وعدکم اللّه مغانم کثیره تأخذونها

۱۶ - تحقق پیشگویی اعجازآمیز خداوند ، از پیروزی های آینده مؤمنان ، زمینه ساز هدایت ایشان به صراط مستقیم

وعدکم . .. و لتکون ءایه للمؤمنین و یهدیکم صرطًا مستقیمًا

<آیه> به معنای معجزه است; زیرا در پیشگویی قطعی از آینده، اعجاز نهفته است. مقدمه قرار گرفتن این معجزه برای هدایت مؤمنان را، می توان از تقدم <آیه> بر <یهدیکم> استفاده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۱ - ۲

۲ - اخبار خداوند ، از دستیابی مسلمانان به پیروزی های بزرگ و فراتر از توان به کار گرفته شده از سوی آنان در فتح خیبر

و أخری لم تقدروا علیها

با توجه به این که آیات شریفه، در محدوده صلح حدیبیه و جنگ خیبر نازل شده است; تعبیر <لم تقدروا> می رساند که مؤمنان غنایمی در پیش دارند که اکنون توان

دستیابی به آن را ندارند؛ یعنی، به دست آوردن آن غنایم، نیازمند توانی بیش از این است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۷ - ۶

۶-اعجاز قرآن ، در پیشگویی ورود حتمی مسلمانان به مسجدالحرام همراه با آرامش و امنیت

لتدخلنّ المسجدالحرام . .. ءامنین

بـا توجه به این که رؤیـای پیامبر(ص) و وعـده خداونـد، دو سال پس از حـدیبیه به کامل ترین صورت تحقق یافت؛ مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۵ - ۳

۳ - اخبار خداوند ، از شکست قریب الوقوع جماعت شرک پیشه در جنگ بدر

سیهزم الجمع و یولّون الدّبر

با توجه به تطبیق این آیه بر جنگ بـدر در آرای مفسـران و با توجه به این که آیات یاد شـده مکّی است و جنگ بـدر نخستین مرحله انهزام مشرکان بوده است؛ برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲ - ۴

۴ - خبر دادن خداوند ، از وجود رویارویی مجدّد مسلمانان و یهود (پس از غزوه بنی نضیر)

أخرج الذین کفروا . .. لأوّل الحشر

قید <لأوّل. ..> این پیام را در بر دارد که برای این تجمع و برخورد، موارد دیگری نیز هست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۲ - ۱،۶

۱ - خبر دادن خداوند ، به همگام نشدن منافقان با یهود بنی نضیر در مسیر تبعید آنان

لئن أَخرجوا لايخرجون معهم

۶ - خبردادن خداوند ، از

شکست حتمی یهود و برخوردار نشدن آنان از هیچ امداد

ثمّ لاینصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۴ - ۴

۴ - خبردادن خداوند از درگیری های آینده کافران (یهود) با مؤمنان ، از درون دژ ها و از پس دیوار های بلند

لایقتلونکم جمیعًا إلاّ فی قرًی محصّنه أو من وراء جدر

با توجه به معنای مضارع (یقاتلون)، مطلب بالا قابل برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲۲ - ۹

۹ - اخبار خداوند از سر و سِرّ منافقان با یهود بنی نضیر ، نمودی از علم وی به غیب و شهود

علم الغیب و الشهده

با توجه به این که بخش قابل توجهی از سوره درباره غزوه بنی نضیر می باشد، آیات پایانی می تواند نظر به مطالب یاد شده، از جمله رابطه منافقان و یهود داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۷ - ۴

۴ - اخبار ضمنی خداوند ، از فتح مکه به دست مسلمانان *

عسی اللّه . .. مودّه

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که این مودّت، عملاً با فتح مکه تحقق یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۹ - ۱۴

۱۴ - تاریخ آینده بشر ، شاهد شکست تمامی ادیان و پیروزی و حاکمیت دین اسلام خواهد بود .

هو الذی أرسل رسوله . .. لیظهره علی الدین کلّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۳ - ۲

۲

- تاریخ آینده بشریت ، شاهد برانگیخته شدن مردانی بزرگ برای هدایت خلق و زنده نگه داشتن اسلام و قرآن

یتلوا علیهم ءایته . .. و ءاخرین منهم لمّا یلحقوا بهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۶ - ۲

۲ - پیشگویی قرآن و بشارت خداوند به شکست خفّت بار کافران تکذیب گر

سنسمه علی الخرطوم

برخی از مفسران، بر این عقیده اند که آیه شریفه درصدد پیشگویی و بشارت به شکست ذلّت بار کافران در جنگ های آتی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۱ - ۱۲

۱۲ - هشدار خداوند ، به ظهور جمعیتی منافق در آینده نزدیک ، در میان جامعه اسلامی

و لیقول الذین فی قلوبهم مرض

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که مقصود از بیماردلان، منافقان اند; چنان که در آیه ۱۰ از سوره <بقره> بدان تصریح شده است. از آن جایی که این سوره مکی است و در مکّه گروه منافقان به وجود نیامده بودند، از این رو آیه شریفه هشدار به پیدایش چنین جمعیتی، در آینده ای نزدیک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۶ - ۱۱

۱۱ - وجود خبر های غیبی و پیشگویی از آینده ، در قرآن

فلاتنسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۴ - ۵

۵ – قرآنْ پیشاپیش ، رهایی پیامبر (ص) را از روی گردانی و خشم خداوند تا پایان عمر آن حضرت ، خبر داده است .

و للأخره خیر لک

من الأولی

مراد از <آخرت> و <اُولی> چه دنیا و آخرت باشد و چه آغاز و فرجام زندگانی دنیوی پیامبر(ص) چنانچه برخی از مفسران احتمال داده اند آیه شریفه سلامت کامل پیامبر(ص) را، از هرگونه انحراف که به خشم خداوند بینجامد، پیشگویی کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۱ - ۱

۱ - لرزشی شدید در آینده ، تمام زمین را فراخواهد گرفت .

إذا زلزلت الأرض زلزالها

اضافه <زلزال> به ضمیر <الأرض>، بیانگر شدت آن است; زیرا از طرفی آن را به تمام زمین ارتباط می دهد و از طرفی دیگر، به این نکته اشاره دارد که ابعاد آن حادثه، به قدری بزرگ است که ویژگی های آن را نمی توان بر شمرد; بلکه در بیان آن تنها باید گفت: <زلزله زمین>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مسد - ۱۱۱ - ۱ - ۸

۸ - شکست خوردن ابولهب و بی ثمر بودن تلاش های او در برابر اسلام ، از پیشگویی های قرآن

تبّت یدا أبی لهب و تبّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مسد - ۱۱۱ - ۳ - ۵

۵ - گرایش نیافتن ابولهب به اسلام تا آخر عمر ، از پیشگویی های قرآن

سیصلی نارًا ذات لهب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مسد - ۱۱۱ - ۴ - ۱۲

۱۲ – کافر ماندن همسر ابولهب تا آخر عمر ، از پیشگویی های قرآن

سیصلی نارًا . .. و امرأته حمّاله الحطب

پیوستگی قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ –

حجر - ۱۵ - ۹۱ - ۳

۳- اسلام و معارف و آموزه های قرآن ، مجموعه ای به هم پیوسته ، مرتبط و غیر قابل تفکیک و التقاط

المقتسمين. الذين جعلوا القرءان عضين

تأثیر قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۶ - ۳

۳ - وحشت کافران مکه ، از تأثیر شگفت قرآن و پیام وحی در شنوندگان

لاتسمعوا لهذا القرءان و الغوا فيه

تأثیر قرآن در اهل خشیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۳ - ۸،۱۱

۸ - تأثیر عمیق و لرزه انداز قرآن ، بر اهل خشیت و خداترسان

كتبًا . .. تقشعرّ منه جلود الذين يخشون ربّهم

۱۱ - تأثیر آرامش بخش و سرورآفرین قرآن ، در اهل خشیت و خداترسان

ثمّ تلين جلودهم و قلوبهم إلى ذكر اللّه

نرم شدن پوست ها و قلب ها (تلین جلودهم و قلوبهم)، کنایه از آرامش یافتن و سرور است. این مطلب در مقابل ترس و ناراحتی است که موجب لرزش پوست ها (اندام) و اضطراب دل ها می باشد.

تأثیر قرآن در مردم مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۰ - ۳

۳ - قرآن ، دارای تأثیری شگرف در میان مردم عصر نزول

قالوا هذا سحر

این که مشرکان قرآن را سحر می خواندند، نشانگر تأثیر عمیق آن است.

تأثیرپذیری از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۳ - ۹

۹ - اثرپذیری عمیق و لرزه انداز قرآن ، نشانه وجود روح خشیت و خداترسی در انسان

کتبًا .

.. تقشعرّ منه جلود الذين يخشون ربّهم

وقتی تأثیرگذاری عمیق قرآن اختصاص به اهل خشیت داشته باشد (الذین یخشون ربّهم)، استفاده می شود که هر کس از قرآن تأثیرپذیرفت و به لرزه درآمده، اهل خشیت خواهد بود.

تأنّی در تلاوت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۶ - ۲

۲- امکان بازخوانی همراه با تأنی و آرامی قرآن بر مردم ، فلسفه نزول تدریجی آن بر پیامبر (ص)

و قرءانًا فرقنه لتقرأه علی الناس علی مکث

<مکث> در لغت به معنای درنگ و تأمل است (لسان العرب).

تأویل قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷ - ۱۵،۱۶،۱۸،۱۹،۲۱،۲۲،۲۳،۳۲،۳۸،۴۲،۴۳،۴۴،۴۵

۱۵ عدم جواز فتنه جویی و تأویل نادرست از قرآن

فامّا الّذین فی قلوبهم زیغ . .. ابتغاء الفتنه و ابتغاء تأویله

۱۶ منحرفین ، به منظور تأویل محکمات ، متشابهات را دنبال می کنند .

فامّا الّذین فی قلوبهم زیغ فیتَّبعون ما تشابه منه ابتغاء الفتنه و ابتغاء تأویله

بنابراینکه ضمیر در <تأویله> ارجاع به <ام الکتاب> شود که عبارت است از آیات محکم.

۱۸ آیات قرآن ، دارای تأویل است .

و ما یعلم تأویله الاّ اللّه

در معنای فوق، ضمیر <تأویله> ارجاع به قرآن شده است.

۱۹ منحرفان و کج اندیشان توان تأویل آیات قرآن را ندارند .

فامّا الّذین فی قلوبهم زیغ فیتّبعون ما تشابه منه ابتغاء الفتنه و ابتغاء تأویله

در معنای فوق، ضمیر <تأویله> ارجاع به قرآن شده است.

۲۱ تأویل قرآن ، مختص به خدا و راسخین در علم (عالمان ژرفنگر) است .

و ما یعلم تأویله الاّ اللّه و

الراسخون فی العلم

بنابراینکه <الراسخون> عطف بر <اللّه> باشد. برداشت فوق را فرمایش امام باقر (ع) تأیید می کند که در تفسیر آیه فرمود: <و ما یعلم تأویله ... > یعنی تأویل القرآن کله الاّ اللّه والراسخون فی العلم.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۶۴، ح ۶ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۲۷۱، ح ۱۳.

۲۲ قرآن ، مشتمل بر تأویلهایی (معارفی) کشف نشده که علم آن تنها در نزد خداوند است .

و ما یعلم تأویله الاّ اللّه

۲۳ تنها خداوند ، تأویل آیات قرآن را می داند .

و ما یعلم تأویله الاّ اللّه

بنابراینکه <واو> در <و الراسخون>، مستأنفه باشد; نه عطف بر <اللّه>. برداشت فوق را فرمایش امیرالمؤمنین(ع) تأیید می کند که فرمود: ... انّ الراسخین فی العلم هم الذین اغناهم اللّه عن الأقتحام فی السدد المضروبه دون الغیوب فلزموا الاقرار بجمله ما جهلوا تفسیره من الغیب المحجوب فقالوا: <امنا به کل من عند ربنا> فمدح اللّه عز و جلّ اعترافهم بالعجز عن تناول ما لم یحیطوا به علماً و سمّی ترکهم التعمّق فیما لم یکلّفهم البحث عنه منهم رسوخاً.

توحید صدوق، ص ۵۵، ح ۱۳ ; ب ۲ ; تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۶۳، ح ۵ ; نهج البلاغه، صبحی صالح، خ ۹۱.

۳۲ وجود معارفی در قرآن که فهم آن تنها در اختیار گروه خاصی است .

و ما یعلم تأویله الاّ اللّه و الراسخون فی العلم

۳۸ ائمه معصومین (ع) مصادیق بارز راسخین در علم و عالمان به تأویل قرآن هستند .

و ما یعلم تأویله الاّ اللّه و الراسخون فی العلم

امام صادق (ع): نحن الراسخون فی العلم و نحن

نعلم تأويله.

کافی، ج ۱، ص ۲۱۳، ح ۱ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۱۶، ح ۳۴.

۴۲ علم به باطن قرآن ، علم به تأویل آن است .

و ما یعلم تأویله الاّ اللّه

از امام باقر (ع) در پاسخ سؤال از معنای روایت <ما من القرآن آیه الاولها ظهر و بطن> فرمود: ظهره تنزیله و بطنه تأویله . .. .

بصائر الدرجات صفار، ص ۱۹۶، ح ۷، ب ۷ ; بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۹۷، ح ۶۴.

۴۳ آیاتی که موهم صدور گناه از پیامبران است از متشابهات قرآن و علم به تأویل آن تنها نزد خدا و راسخان در علم می باشد .

و اخر متشابهات . .. و ما یعلم تأویله

امام رضا (ع): . .. اتّق اللّه و لا تنسب الی انبیاء اللّه الفواحش و لا تتأوّل کتاب اللّه برأیک، فان اللّه عزّ و جل قد قال: <و ما یعلم تأویله الاّ اللّه و الراسخون فی العلم ... >.

عیون اخبارالرضا، ج ۱، ص ۱۹۲، ح ۱، ب ۱۴ ; بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۷۲، ح ۱.

۴۴ تأویل متشابهات قرآن توسط غیر راسخان در علم ، تأویل به رأی است .

و ما یعلم تأویله الاّ اللّه و الراسخون فی العلم

امام رضا (ع): . .. و لا تتأول کتاب اللّه برأیک فان اللّه عز و جل قد قال: <و ما یعلم تأویله الاّ اللّه و الراسخون فی العلم>.

عیون اخبارالرضا، ج ۱، ص ۱۹۲، ح ۱، ب ۱۴ ; بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۷۲، ح ۱.

۴۵ اعتراف راسخان در علم ناآگاه از تأویل متشابهات ، به اینکه همه قرآن (محکم و متشابه آن) از نزد

خداست .

يقولون امنّا به كلّ من عند ربّنا

امام باقر (ع): . .. فقال الّذين لا يعلمون: ما نقول اذا لم نعلم تأويله فاجابهم اللّه: <يقولون امنا به كلّ من عند ربّنا> ... .

تفسير عياشى، ج ۱، ص ۱۶۴، ح ۶ ; تفسير برهان، ج ۱، ص ۲۷۱، ح ۱۳.

تاريخ در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۱۳ - ۶

۶- بهره گيرى از حقايق تاريخ و قصّه هاى واقعى ، از روش هاى به كار گرفته شده در قرآن

نحن نقصّ عليك نبأهم بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۹ - ۱،۲

۱ - لزوم توجه به روش قرآن در نقل سرگذشت پيشينيان

كذلك نقصّ عليك من أنباء ما قد سبق

<كذلك> براى تشبيه نقل سرگذشت ديگران، به شيوه نقل داستان موسى(ع) است و ذيل آيه (آتيناك. .. ذكراً) بيانگر اين نكته است كه خداوند در آن ماجراها نيز نكته هاى پندآموز را برمى گزينند و در قرآن بازگو مى كند; همان گونه كه در داستان موسى(ع) و بنى اسرائيل چنين كرد.

۲ - تداوم نقل اخبار پيامبران و امت هاى گذشته ، از وعده هاى خداوند به پيامبر (ص)

كذلك نقصّ عليك من أنباء ما قد سبق

<نقصّ عليك. ..> وعده خداوند به نقل گوشه هايى از تاريخ پيشنيان است.

تاريخ قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲ - ۲

۲ - کتابت آیات قرآن و تدوین آن ، پس از نزول آن بر پیامبر (ص)

ذلک الکتب

اطلاق کتاب (نوشته و نگارش

یافته) بر قرآن یا بدان جهت بوده که آیه های آن پس از نزول نوشته می شده است و یا توصیه ای است از جانب خداوند که باید به صورت نوشته درآید و یا به صورت مکتوب بر پیامبر (ص) نازل می شده است. احتمال اول و دوم گویای برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۳ - ۹

۹ - قرآن در همان عصر پیامبر (ص) بخشهایی به نام سوره تقسیم شده بود .

فأتوا بسوره من مثله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳ - ۷

۷ کتابت قرآن در عصر نزول توسّط کُتّاب وحی *

نزّل علیک الکتاب

اطلاق <الکتاب> بر قرآن، یا باید به این اعتبار باشد که نزولش به صورت نوشته بوده و یا در آن عصر به صورت کتاب و نوشته درمی آمده است، برداشت فوق بر اساس احتمال دوم استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷ - ۴

۴ کتابت قرآن در عصر نزول *

هو الّذی انزل علیک الکتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۷ - ۷

۷ قرآن پس از نزول و در عصر پیامبر (ص) ، به نگارش یافته بر اوراق و تدوین شده به شکل کتاب

و ما یتلی علیکم فی الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۶ - ۵

۵ قرآن در عصر پیامبر (ص

(نوشته شده بر سطوح و تدوین یافته به صورت کتاب

یأیها الذین ءامنوا ءامنوا باللّه و رسوله و الکتب الذی نزل علی رسوله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۰ - ۵

۵ قرآن در عصر پیامبر (ص) به صورت کتاب بوده است .

و قد نزل علیکم فی الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۵ - ۱۴

۱۴ قرآن ، به صورت کتاب و نوشته در عهد پیامبر (ص)

کتب مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۸ - ۴

۴ قرآن ، به صورت مکتوب و جمع آوری شده در عهد پیامبر (ص)

و انزلنا إلیک الکتب

اطلاق <کتاب> (نوشته) بر قرآن حاکی از آن است که در زمان رسول خدا(ص) به صورت مکتوب بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۲ - ۱

۱ قرآن در عصر نزول، حتی در مکه، به عنوان <کتاب> شناخته شده بود.

و هذا کتب أنزل نه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۴ - ۳

۳ نزول دفعی بعضی از سوره های قرآن در مدینه

و إذا ما أنزلت سوره

برداشت فوق بر این اساس است که <انزال> در <أنزلت سوره> برای نزول دفعی به کار رفته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۳ - ۸

۸ قرآن در عصر پیامبر (ص) ، به بخشهایی

به نام < سوره > تقسیم بندی شده بود .

فأتوا بعشر سور مثله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱ - ۶

۶ کتابت قرآن در عصر پیامبر (ص)

تلک ءایت الکتب المبین

اطلاق <الکتاب> (نوشته و نگارش یافته) بر قرآن ، یابدان جهت است که آیه های آن پس از نزول نوشته می شده و یا توصیه ای است از جانب خدا که باید به صورت کتاب درآید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱ - ۴

۴ کتابت قرآن در عصر پیامبر (ص)

تلک ءایت الکتب

اطلاق <کتاب> (نوشته و نگارش یافته) بر قرآن یا بدان جهت است که آیات آن پس از نزول نوشته می شد و یا توصیه ای است از جانب خدا که باید به صورت کتاب و نوشته درآید. به هر تقدیر ، برداشت فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱ - ۴

۴- قرآن ، قبل از به پایان رسیدن نزول مجموعه آیات آن ، به عنوان کتاب معرفی شده است .

الر تلک ءایت الکتب و قرءان مبین

با اینکه این سوره مکی است و هنوز همه آیات قرآن در آن هنگام نازل نشده بود، از قرآن، به عنوان <کتاب> یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۴ - ۲

۲- قرآن ، از همان دوران اولیه نزول ، به عنوان کتاب معرفی و شناخته شده است .

و ما أنزلنا علیك الکتب

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۶ - ۲

۲- قرآن ، در عصر رسول خدا (ص) مجموعه ای مدوّن بود .

واذکر فی الکتب

حرف <ال> در <الکتاب> عهد حضوری است و به کتاب موجود اشاره دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰ - ۳

۳- قرآن در عهد پیامبر (ص) (در نیمه نخست بعثت) به عنوان کتاب شناخته شده بود .

لقد أنزلنا إلیکم کتبًا

با توجه به این که سوره <انبیا> در مکه نازل گردید، استفاده می شود که قرآن در نیمه اول بعثت به عنوان کتاب شناخته شده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۰ - ۳

۳ قرآن کریم ، آن چنان که شایسته آن بود در میان مسلمانان صدراسلام (نیمه اول بعثت) ، مورد بهره برداری قرار نگرفت و حق آن ادا نشد .

و قال الرسول یربّ إنّ قومی اتّخذوا هذا القرءان مهجورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۲ - ۳

۳ قرآن ، نامی شناخته شده در عصر نزول برای مجموعه آیات نازل شده

لولا نزّل علیه القرءان جمله وحده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱ - ۵

۵ - نوشته شدن قرآن توسط کاتبان وحی در پی نزول هر آیه یا هر سوره آن

تلک ءایت القرءان و کتاب مبین

<کتاب>، مصدر به معنای مفعول (مکتوب) است. <کتاب مبین>; یعنی، نوشته ای روشن. بنابراین اطلاق <کتاب> بر قرآن

می تواند از آن جهت باشد که پس از نزول، نوشته می شد و یا توصیه ای است بر این که باید نوشته شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۲ – ۵

۵ – تدوین قرآن ، پس از نزول هر آیه یا هر سوره آن

الکتب المبین

اطلاق <کتاب> (نوشته) می تواند از آن جهت باشد که پس از نزول آیات قرآن، مکتوب می شده و یا توصیه ای است بر این که باید مکتوب شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۸۶ – ۴

۴ – کتابت و تدوین آیات قرآن ، پس از نزول آن بر پیامبر (ص)

و ما کنت ترجوا أن یلقی إلیک الکتب

اطلاق کتاب (نوشته و نگارش یافته) بر قرآن، یا بدان جهت بوده که آیه های آن پس از نزول نوشته می شده است و یا توصیه ای است از جانب خداوند که باید به صورت نوشته درآید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۴۵ – ۳

۳ – قرآن ، پیش از اتمام نزول تمام آیات اش ، کتاب نامیده شده است .

اتل ما أوحی إلیک من الکتب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۴۷ – ۳

۳ – قرآن ، پیش از نزول آخرین آیات اش ، کتاب نامیده شده است .

و کذلک أنزلنا إلیک الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۱ - ۳

۳ - قرآن ، پیش از

نزول آخرین آیات اش ، کتاب نامیده شده است .

أنّا أنزلنا علیک الکتب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۲ – ۵

۵ – پیش از هجرت ، عنوان < کتاب > ، عنوانی شناخته شده برای قرآن بوده است .

تلک ءایت الکتب الحکیم

سوره لقمان، سوره ای مکی است. از این که در این سوره، از قرآن به عنوان <کتاب> یاد شده است، نکته بالا استفاده می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۲ – ۳

۳ – قرآن ، در همان عصر نزول ، به < کتاب > مشهور بود .

تنزیل الکتب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۶ – ۲۲

۲۲ – قرآن کریم ، حتی قبل از نزول همه آیات آن ، کتاب نامیده می شده است .

کان ذلک فی الکتب مسطورًا

در صورتی که مراد از <الکتاب> قرآن باشد، اطلاق کتاب بر آن، در این سوره که بی شک آخرین سوره نازل شده بر پیامبر(ص) نیست نکته یاد شده را می رساند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۳۱ – ۳

۳ – کتابت و تدوین آیات قرآن ، پس از نزول آن بر پیامبر (ص)

و الذی أوحينا إليک من الکتب

اطلاق کتابت (نوشته و نگارش) بر قرآن، یا بدان جهت بوده که آیه های آن پس از نزول نوشته می شده است. و یا توصیه ای است از جانب خداوند که باید به صورت نوشته درآید.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۵ - ۵

۵ - تأثیر شگرف قرآن و معجزات الهی بر مردم عصر بعثت

و قالوا إن هذا إلاّ سحر مبین

از سحر دانستن قرآن و معجزه الهی، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱ - ۲

۲ - کتابت و تدوین قرآن ، پس از نزول آن در حیات پیامبر اسلام (ص)

تنزیل الکتب من اللّه

اطلاق کتاب (نوشته و نگارش یافته) بر قرآن، یا بدان جهت است که آیه های آن پس از نزول نوشته می شده و یا توصیه ای است از جانب خداوند که باید به صورت نوشته درآید. هردو فرض، می تواند گویای برداشت یادشده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۳ - ۴

۴ - کتابت آیات قرآن و تدوین آن ، پس از نزول آن بر پیامبر (ص)

اللّه نزّل أحسن الحدیث کتبًا

اطلاق کتاب (نوشته و نگارش یافته) بر قرآن یا بدان جهت بوده که آیه های آن پس از نزول نوشته می شد و یا توصیه ای است از جانب خداوند که باید به صورت نوشته در آید. هر دو احتمال گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۱ - ۲

۲ - کتابت و تدوین قرآن ، پس از نزول آن در حیات پیامبراسلام (ص)

إنّا أنزلنا علیک الکتب

اطلاق کتاب (نوشته و نگارش یافته) بر قرآن، یا بدان جهت بوده که آیه

های آن پس نزول نوشته می شده است و یا توصیه ای است از جانب خداوند که باید به صورت نوشته درآید. هر دو فرض می تواند گویای برداشت بالا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲ - ۲

۲ -کتابت و تدوین قرآن ، پس از نزول آن در حیات پیامبراسلام (ص) انجام گرفت .

تنزیل الکتب من اللّه

اطلاق کتاب (نوشته و نگارش یافته) به قرآن، یا بدان جهت بوده که آیه های آن پس از نزول نوشته می شده است و یا توصیه ای است از جانب خداوند که باید به صورت نوشته در آید. هر دو فرض، می تواند گویای برداشت یادشده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳ - ۳

۳ - قرآن ، قبل از نزول تدریجی و تفصیلی ، دارای وجودی اجمالی و تفصیل نایافته *

تنزیل من . .. فصّلت ءایته

جمله <فصّلت آیاته> اشعار به آن دارد که قرآن، قبل از نزول به صورت فعلی، در عالمی دیگر وجودی اجمالی و کلی داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲ - ۸

۸ انجام کتابت و جمع آوری قرآن ، در عهد پیامبراکرم (ص) *

و الکتب المبین

آن باشد که قرآن در زمان رسول خدا(ص)، به صورت مکتوب و مدوّن بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲ - ۳

۳ - قرآن ، به صورت مکتوب و جمع آوری شده در عهد پیامبر (

ص)

تنزیل الکتب

اطلاق کتاب (نوشته) بر قرآن، می تواند حاکی از آن باشد که قرآن در زمان رسول خدا(ص) به صورت مکتوب بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۶ - ۳

۳ - نزول قرآن ، در ادامه نزول کتاب های آسمانی بر امت های پیشین

و لقد ءاتینا بنی إسرءیل

این آیه از نظر سیاق و محتوا، با نخستین آیات سوره که درباره نزول قرآن بود ارتباط دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲ - ۳

۳- قرآن ، دارای عنوان < کتاب > و به صورت تدوین شده در عصر بعثت

تنزیل الکتب من اللّه

قرآن، خود عنوان کتاب را بر آیات نازل شده منطبق ساخته است. از این نکته و با توجه به مکّی بودن آیات، استفاده می شود که آیات قرآن، از آغاز نزول دارای عنوان کتاب بوده و مدوّن و مکتوب می شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۳ - ۴

۴ - قرآن ، پیش از نزول در صفحه هایی متعدد مکتوب بوده است .

فی صحف مکرّمه

توصیف قرآن به <فی صحف> با توجه به نزول سوره <عبس> در مکه یا پیشگویی از نوشته شدن آن در آینده است و یا از نوشته بودن آن پیش از نزول کامل خبر می دهد. در صورت دوّم، مراد این است که ملائکه قرآن را از لوح محفوظ برگرفته و به صورت نوشته هایی در صفحات متعدد، آن را به مراحل بعدی نازل می کردند.

تاریخ کتابت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۵ - ۵

۵ قرآن به صورت کتاب در عصر پیامبر (ص)

إنّا انزلنا إلیکَ الکتب

اطلاق <کتاب> (نوشته) بر قرآن، حاکی از این است که قرآن به صورت کتاب و نوشته بر پیامبر(ص) نازل می شد و یا در آن عصر آن را می نوشتند و به صورت کتاب در می آوردند; و گرنه اطلاق کتاب بر آن صحیح نبود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۹ - ۲

۲ - کتابت و تدوین قرآن ، پس از نزول آن در حیات پیامبراسلام (ص)

کتب أنزلنه إلیکَ

اطلاق کتاب (نوشته و نگارش یافته) بر قرآن، یا بدان جهت بوده که آیه های آن پس از نزول نوشته می شده است و یا توصیه ای است از جانب خداوند که باید به صورت نوشته درآید. در هر دو فرض، می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

تاریخ نزول قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۲ - ۴

۴ - نزول تورات و انجیل از سوی خدا پیش از قرآن

الذین ءاتینهم الکتب من قبله

ضمیر در <من قبله> به قرآن بازمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۶ - ۱۳

۱۳ - تورات و انجیل ، دو کتاب نازل شده قبل از قرآن

کالذین أُوتوا الکتب من قبل

تازگی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۶ -

۵ قرآن پدیده بدیعی است که مردم عصر پیامبر (ص) نسبت به آن کاملاً بیگانه بوده اند .

و لا أدریکم به

برداشت فوق، لازمه جمله <لو شاء اللّه . .. و لا أدراکم به> (اگر خدا خواسته بود شما را به آن آشنا نمی کرد) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶ - ۶

۶- قرآن ، پیامی جدید و بی سابقه برای بشر

لم یؤمنوا بهذا الحدیث

<حدیث> به معنای <نو و جدید> است. محتمل است که به معنای <حادث> مقابل قدیم نیز باشد. برداشت بالا، ناظر به معنای نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۴ - ۲

۲ - پیام قرآن ، پیامی نو و بی نظیر برای همیشه تاریخ

فلیأتوا بحدیث

در واژه <حدیث>، نوین بودن پیام قرآن نهفته است. <تحدی> قرآن، برای همیشه تاریخ است و بی نظیر ماندن آن نیز همیشگی خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۸۱ - ۳

۳ - قرآن ، کتابی بی نظیر ، جدید و بی سابقه در فرهنگ بشری

أفبهذا الحدیث أنتم مدهنون

<حدیث>، به خبر تازه و نو گفته می شود و <هذا الحدیث> یا اشاره به قرآن دارد و یا مراد از آن خبر قیامت است.

برداشت یاد شده بر پایه احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۴ - ۳

۳ - قرآن ، کتابی بی نظیر و دارای مطالبی نو و بی سابقه

الحدیث

<حدیث> به معنای شیء جدید

و نوپیدا است. به کار رفتن این تعبیر درباره قرآن، می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۵۰ – ۵،۶

۵ – قرآن ، همواره سخنی نو و جدید است .

فبأیّ حدیث بعده یؤمنون

<حدیث> به معنای جدید است. نام گذاری قرآن به حدیث، بیانگر مطلب یاد شده است.

۶ – قرآن ، نوترین سخن در باب هدایت و شایسته ترین پیام برای ایمان آوردن به آن

فبأیّ حدیث بعده یؤمنون

تبعیت از قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۴۰ – ۳

۳ – بنی اسرائیل از مخاطبان قرآن و موظف به پیروی از آن

یبنی إسرائیل اذکروا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۴۷ – ۵

۵ – بنی اسرائیل از مخاطبان قرآن و موظف به پیروی از آن

یبنی إسرائیل اذکروا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۲۲ – ۵

۵ – بنی اسرائیل ، از مخاطبان قرآن و موظف به پیروی از آن

يبنى إسرءيل اذكروا

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱ – بقره – ۲ – ۱۷۰ – ۲،۱۱

۲ – پيامبر (ص) ، فراخوان همه انسان ها به پيروى از قرآن و احكام الهى

و اذا قيل لهم اتبعوا ما أنزل اللّه

۱۱ – تبعيت از قرآن و احكام الهى ، امرى عاقلانه است .

اتبعوا ما أنزل اللّه . .. أو لو كان ءاباؤهم لايعقلون شيئاً و لايهتدون

بيان ضرورت پيروى از قرآن و احكام الهى و سپس انتقاد از

مشرکان و غیر منطقی خواندن روش آنان در پیروی کردن از نیاکانی بی خرد و گمراه، گویای این است که: تبعیت از قرآن و احکام الهی امری عاقلانه است.

تبلیغ با قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۱ - ۶

۶ وحی و قرآن، ابزارهایی کافی برای تبلیغ و انذار مردم

و أنذر به

مرجع ضمیر به <قرآن> است ; یعنی با قرآن انذار کن. و چون ابزار انذار مشخص شده است، بالطبع باید قرآن در فعلیت بخشی به انذار کافی و کارآمد باشد.

تبلیغ علیه قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۹ - ۹

۹ - تلاش تبلیغاتی یهود و نصارا علیه اسلام و قرآن

ودّ کثیر من أهل الکتب لو یردونکم من بعد إیمنکم کفاراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۲ - ۱

۱ تلاش بی امان یهود و نصارا ، با هدف خاموش کردن نور الهی (قرآن) ، با سخنان و تبلیغات خود

یریدون أن یطفئوا نور اللّه بأفوههم

ضمیرهای جمع در <یریدون>، <یطفئوا> و <بأفواههم> به یهود و نصارا (الذین أوتوا الکتاب) بازمی گردد. قید <بأفواههم> (با سخنان خویش) می رساند که: اهل کتاب برای انحراف افکار عمومی علیه قرآن و اسلام، دست به تبلیغات نادرست می زدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵ - ۲

۲- معرفی قرآن به صورت مجموعه ای غیرمنظم و کتابی بدون انسجام ، از تبلیغات سوء مشرکانِ ستم پیشه

بل قالوا أضغث أحلم

برداشت یاد شده

باتوجه به معنای لغوی <أضغاث> (اشیای آشفته و دسته های پراکنده و بی انسجام) است.

تبلیغ قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۸ - ۱

۱ ابلاغ توحید ، تبلیغ قرآن و مبارزه با شرک ، وظیفه پیامبر (ص) و راه و رسم او بود .

قل هذه سبیلی

<هذه> اشاره به مطالبی است که آیات قبل به آنها اشاره داشت. از جمله آنهاست: ابلاغ توحید ، نفی شرک ، تبلیغ قرآن و تعالیم وحی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۰ - ۱،۲

۱- جنیان مؤمن ، در تلاش برای هدایت جامعه خود به سوی قرآن

قالوا یقومنا إنّا سمعنا کتبًا . .. یهدی إلی الحقّ

۲- جنیان انذارگر ، پیام آور نزول کتابی آسمانی پس از تورات ، برای قوم خویش

ولّوا . .. منذرین . قالوا یقومنا إنّا سمعنا کتبًا أُنزل من بعد موسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۱ - ۷

۷ - پیامبر (ص) ، تا زمانی موظف به ابلاغ قرآن به مخالفان است که آنان ، راه های آگاهی به آن را بر خود نبسته اند .

فذکّر . .. سیذّکّر من یخشی و یتجنّبها الأشقی

منافع تذکر که در این دو آیه بیان شده است یکی پندپذیری اهل خشیت و دیگری بروز عکس العمل اهل شقاوت است. از آن جا که واکنش شقاوتمندان، اعراض بوده و تذکر مجدد به آنان سودی ندارد، تکلیف <فذکّر> نیز ساقط می گردد.

تبیین آیات قرآن

- آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۵ - ۱،۲

۱ تبیین آیات قرآن و کیفیت آن از جانب خداوند است.

و کذلک نفصل الأیت

۲ آیات با عظمت سوره انعام نمونه ای از تفصیل و تبیین خداوند

و کذلک نفصل الأیت

<ذلک> ظاهراً اشاره به آیات سوره انعام است. یعنی ما مانند این آیات با عظمت، آیات خود را بیان می کنیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۵ - ۶

۶ تبیین آیات برای آگاهان، هدف از تنوّع بیانی قرآن است.

و کذلک نصرف الأیت . .. و لنبینه لقوم یعلمون

تبیین تعالیم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۲ - ۲

۲ خداوند قرآن را بر اساس علم خویش تبیین کرده و معارف آن را به روشنی بیان داشته است .

و لقد جئنهم بکتب فصلنه علی علم

<علی علم> می تواند متعلق به <فصلنه> باشد و نیز می تواند متعلق به <جئنهم> گرفته شود. برداشت فوق مبتنی بر احتمال اول است.

تبیین حقانیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۸ - ۱

۱ پیامبر اکرم (ص) از سوی خداوند دستور یافت تا مردم را به الهی و حق بودن قرآن توجه داده و آنان را به پذیرش معارف آن دعوت کند .

قل یأیها الناس قد جاءکم الحق من ربکم فمن اهتدی فإنما یهتدی لنفسه

تبیین فواید قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۴ - ۱۰

۱۰ - پیامبر (

ص) ، موظف به بیان فواید و آثار قرآن ، در پاسخ به بهانه جویی های کافران

و لو جعلنه . .. ءاْعجمیّ و عربیّ قل هو للذین ءامنوا هدًی و شفاء

تبیین قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱ - ۸

۸ معارف قرآن ، تبیین شده ، ممتاز و بی ابهام است .

و نفصل الأیت لقوم یعلمون

<تفصیل> (مصدر نفصل) از ریشه <فصل> است. <فصل> به معنای دور کردن یکی از دو چیز از دیگری است، به گونه ای که کاملاـ جدا و مشخص شوند ; منظور این است که معارف گوناگون قرآن، هر یک جداگانه و به صورت مشخص و ممتاز، بیان شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۴ - ۶

۶- پیامبر (ص) ، وظیفه دار تبیین قرآن کریم برای مردم

و أنزلنا إلیک الذکر لتبیّن للناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۴ - ۵

۵- تبیین قرآن برای حل اختلاف های عقیدتی مردم ، از جمله وظایف پیامبر (ص)

و ما أنزلنا علیک الکتب إلاّ لتبیّن لهم الذی اختلفوا فیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۱۹ - ۲

۲ - بعضی از آیات قرآن ، برخی دیگر را تبیین و تفسیر می کند .

ثمّ إنّ علينا بيانه

برداشت ياد شده، مبتنى بر اين نكته است كه مقصود از <بيانه> تبيين در قالب الفاظ و آيات ديگر قرآن باشد.

تثبيت قرآن

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۸۷ – ۳

۳- تثبیت وحی و بقای مفاهیم قرآنی ، جلوه رحمت الهی بر بندگان

لئن شئنا لنذهبنّ . .. إلاّ رحمه من ربّک

تجزیه کنندگان قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۹۰ – ۵

۵- < عن إبن عباس سأل رجل رسول الله (ص) قال : أرأیت قول الله : < کما أنزلنا علی المقتسمین > قال : الیهود و النصاری . . . ;

از ابن عباس روایت شده است که مردی از رسول خدا(ص) سؤال کرد و گفت: نظر شما درباره سخن خداوند <کما أنزلنا علی المقتسمین> چیست؟ حضرت فرمود: [مقصود از مقتسمین] یهود و نصاراست>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۹۱ – ۱،۶

۱- یهود و نصارا ، پس از نزول قرآن و ظهور اسلام ، به التقاط گراییده و به برخی از آیات قرآن ایمان آوردند و به برخی دیگر کفر ورزیدند .

الذین جعلوا القرءان عضین

<عضین> جمع <عضه> است و <عضه> به معنای جزء می باشد و تجزیه در پذیرش معارف دین در شأن اهل کتاب است; چون کافران و مشرکان اصل دیانت الهی را قبول نداشتند; چنان که خداوند اهل کتاب را به همین وصف توصیف فرمود: <. ..و یقولون نؤمن ببعض و نکفر ببعض...> (سوره نساء، آیه ۱۵۰).

۶- < عن أبی جعفر (ع) و أبی عبدالله (ع) عن قوله : < الذین جعلوا القرآن عضین > قال : هم قریش ;

از امام باقر(ع) و امام صادق(ع) درباره سخن خداوند <الذین

جعلوا القرآن عضين> روایت شده است که فرمودند: آنان قریش بودند>.

تجزیه کنندگان قرآن در صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۰ - ۲

۲- پیدایش گروهی التقاطی و تجزیه کننده قرآن ، پس از نزول قرآن و ظهور اسلام

کما أنزلنا علی المقتسمین

تحدی با مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۹ - ۱۱

۱۱ - تحدّی با منکران قرآن ، روشی ارائه شده از سوی خدا به پیامبر (ص) برای اثبات دروغ گویی و انگیزه های حق ستیزانه آنان

قل فأتوا بکتب من عند اللّه هو أهدی منهما

امر در <فأتوا> به اصطلاح برای تعجیز (نشان دادن عجز ناتوانی کافران) و تحدی است.

تحدی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۳ - ۸،۱۱

۸ - خداوند در تحدی با منکران قرآن آنان رابه آوردن یک سوره همانند قرآن به مبارزه فرا خواند .

فأتوا بسوره من مثله

ضمیر در <مثله> به <ما> در <مما نزلنا> بر می گردد.

۱۱ - خداونـد از منکران قرآن خواسـته است تـا برای آوردن سـخنی هماننـد سوره ای از قرآن ، تمـامی خبرگان خویش را فرا خوانند .

وادعوا شهداءکم من دون اللّه

<شهداء> جمع شهید و به معنای گواهان است و به مطلعان نیز اطلاق می گردد. مصدر <ادعوا> دعاست به معنای خواندن و دعوت کردن است. جمله <وادعوا شهداءکم> می تواند به این معنا باشد که: شاهدان را دعوت کنید تا بر آن چه می آورید و همانند قرآن می نامید، گواهی و نظر دهند; بر این

مبنا <شهداء> به معنای گواهان است و نیز می تواند به این معنا باشد که: شاهدهایتان را فراخوانید تا شما را بر آوردن سخنی همانند قرآن یاری دهند; در این صورت <شهداء> به معنای مطلعان و خبرگان خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۳ - ۲

۲ قرآن در تحدی با مشرکان ، آنان را به آوردن ده سوره همانند سوره های قرآن فراخواند و آنان را به مبارزه طلبید .

أم یقولون افتریه قل فأتوا بعشر سور مثله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۸ - ۲

۲- فراخوانی همه مخاطبان قرآن (جن و انس) به آزمودن اعجاز قرآن

قل لئن اجتمعت الإنس و الجنّ علی أن یأتوا بمثل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۴ - ۱

۱ - دعوت خداوند ، از منکران قرآن برای هماوردی با مضامین بلند آن

فلیأتوا بحدیث مثله

تحدی مطلق قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۳ - ۳،۴،۵

۳ خداوند ، برای آوردن سوره هایی همانند قرآن ، هیچ شرط و محدودیتی را پیش روی انسان ها قرار نداده است .

فأتوا بعشر سور مثله مفتریت وادعوا من استطعتم

<من> در <من استطعتم> شامل جن و انس ، عرب و عجم و . .. می شود و این بدان معناست که در آوردن همانند برای قرآن ، هیچ محدودیتی فرض نشده است.

۴ خداوند ، انسان ها را در ارائه همانند برای قرآن ، به آوردن مطالب حقیقی و

واقعی ملزم نکرده است .

فأتوا بعشر سور مثله مفتریت

توصیف <عشر سور> به <مفتریات = بافته های دروغین> گویای این معناست که: خداوند انسانها را درآوردن هم طراز برای قرآن، به ارائه مطالب و محتوایی حقیقی و واقعی همانند قرآن ملزم نمی کند; بلکه همانندی در فصاحت و بلاغت و شیوایی سخن را کافی می داند.

۵ مشرکان برای ساختن سوره هایی همانند قرآن ، به کمک خواهی از هرکس مجاز بودند .

وادعوا من استطعتم

تحریف قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۵ - ۱۳

۱۳ تغییر و تبدیل و کم و زیاد کردن کلام خدا (قرآن) خارج از قلمرو اختیارات پیامبر (ص) است .

قل ما یکون لی أن أبدّله من تلقاءِی نفسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۷ - ۹

۹- قرآن و سخن های خداوند ، ایمن از دستبرد دیگران و مصون از هرگونه تحریف است .

واتل ما أُحی إلیک . .. لامبدّل لکلمته

ضمیر در <کلماته> به <ربّ> برمی گردد و مصداق مورد نظر برای <کلمات> به قرینه صدر آیه آیات قرآن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۲ - ۱،۲

۱ - مصونیت قرآن ، در برابر هرگونه تحریف

لایأتیه البطل من بین یدیه و لا من خلفه

منظور از عـدم امکـان راه یـافتن باطـل به سـاحت قرآن <لاـ یأتیه الباطل> می توانـد این باشـد که هیـچ کس توانایی تحریف کردن قرآن را ندارد.

۲ – پیشگویی قرآن نسبت به مصونیت آن از تحریف در طول

تاریخ

لایأتیه البطل من بین یدیه و لا من خلفه

مراد از <من بین یدیه> زمان نزول قرآن و از <من خلفه> زمان آینده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۶

۶ - متخلفان از سفر حدیبیه ، در صدد تغییر کلام خدا با شرکت در جنگ خیبر

ذرونا نتّبعکم یریدون أن یبدّلوا کلم اللّه

در برداشت های آتی، چگونگی و شیوه تصمیم متخلفان و احتمال هایی که در آیه وجود دارد، بیان شده است.

تحریف معنوی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۵ - ۱۲

۱۲ - گروهی از یهودیان ، قرآن (کلام خدا) را می شنیدند ، آن را به خوبی می فهمیدند و به تحریف معانی و مفاهیم آن اقدام می کردند .

و قد کان فریق منهم یسمعون کلم اللّه ثم یحرفونه من بعد ما عقلوه

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که مراد از <کلام اللّه> در آیه مورد بحث، قرآن باشد.

تحریفگران قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۵ - ۱۲

۱۲ - گروهی از یهودیان ، قرآن (کلام خدا) را می شنیدند ، آن را به خوبی می فهمیدند و به تحریف معانی و مفاهیم آن اقدام می کردند .

و قد کان فریق منهم یسمعون کلم اللّه ثم یحرفونه من بعد ما عقلوه

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که مراد از <کلام اللّه> در آیه مورد بحث، قرآن باشد.

تحیر مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ -

اعراف - ۷ - ۱۸۶ - ۶،۷،۸

۶ خداوند منکران قرآن را در انکار و طغیانشان به حال خود ر ها می سازد .

و یذرهم فی طغینهم

۷ کفرپیشگان منکر قرآن ، مردمی متحیر و سرگردان در وادی گمراهی و طغیانگری

و یذرهم فی طغینهم یعمهون

در برداشت فوق <فی طغیانهم> متعلق به <یعمهون> گرفته شده است، <عَمَهْ> (مصدر <یعمهون>) به معنای تحیر و سرگردانی است.

۸ کفرپیشگان منکر قرآن راهی برای نجات از تحیر و سرگردانی ندارند .

و یذرهم فی طغینهم یعمهون

معنای جمله <یذرهم . .. > بنابراینکه <فی طغیانهم> متعلق به <یعمهون>باشد، چنین می شود: خداوند منکران قرآن را رها نمی سازد تا همچنان در وادی طغیان، سرگردان بمانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۵ - ۴

۴ تکذیب کنندگان حق قرآن ، پیامبر و معاد گرفتار سردرگمی و پریشان گویی

بل کذّبوا بالحقّ لمّا جاءهم و هم فی أمر مریج

یکی از نمودهای پریشان گویی تکذیب گران معاد این است که می گویند چون بدن انسان در خاک متلاشی می شود پس چگونه می تواند از خاک دوباره برآید; این در حالی است که خود می دانند انسان برای نخستین بار نیز از همین خاک برآمده است.

تداوم تلاوت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۹ - ۲

۲ – انس با قرآن و تلاوت پیوسته آن ، برپایی نماز و انفاق در نهان و آشکار ، از نشانه های خداترسی است .

إنّما يخشى اللّه من عباده العلمؤا . .. إنّ الذين يتلون كتب اللّه و أقاموا الصل

تداوم مبارزه با قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۱ - ۲

۲ - مبارزه کافران با قرآن و رسالت پیامبر (ص) ، با اندیشه ای مستمر و حساب شده بود .

إنّه فکّر و قدّر . .. ثمّ نظر

تدبر در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۲ - ۱،۱۴

۱ ضرورت و لزوم تدبّر و اندیشه عمیق در قرآن

افلا یتدبّرون القران

اندیشه و تأمل مداوم در یک چیز را تدبّر می گویند که از آن به <اندیشه عمیق> تعبیر شده است.

۱۴ پندار وجود اختلاف در قرآن ، نتیجه نگرش سطحی و عدم تدبّر در آن

افلا یتدبّرون القران و لو کان من عند غیر اللّه لوجدوا فیه اختلافاً کثیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۵ - ۱۹

۱۹ لزوم تأمل و اندیشه در چگونگی استدلال های قرآن

انظر کیف نبین لهم الایت

کلمه <نظر> به معنای دقت کردن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۴ - ۵

۵- مفاهیم عالی قرآن ، قابل درک و تدبّر برای انسان

أفلايتدبّرون القرءان

تعبیر <أفلايتـدبّرون>، همگان را به تـدبّر در قرآن برمی انگیزانـد. این انگیزش از سوی خداوند، مبتنی بر این است که حقایق قرآن برای بشر، قابل درک و استفاده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۹ - ۴

۴ - قرآن ، برای تدبر و اندیشه است .

كتب أنزلنه إليك مبرك ليدّبّروا ءايته

تدبر درقصص قرآن

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۹ - ۶

۶ - لزوم تدبّر و اندیشه کردن در داستان های قرآن ، برای متذکّر شدن و درس آموختن

نقصّ علیک من أنباء . .. ذکرًا

تدوین قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲ - ۲

۲ - کتابت آیات قرآن و تدوین آن ، پس از نزول آن بر پیامبر (ص)

ذلک الکتب

اطلاق کتاب (نوشته و نگارش یافته) بر قرآن یا بدان جهت بوده که آیه های آن پس از نزول نوشته می شده است و یا توصیه ای است از جانب خداوند که باید به صورت نوشته درآید و یا به صورت مکتوب بر پیامبر (ص) نازل می شده است. احتمال اول و دوم گویای برداشت فوق است.

تذکر قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۴ - ۱

۱ - قرآن ، مایه تذکر و یادآوری برای پیامبر (ص) و قوم آن حضرت است .

و إنّه لذکر لک و لقومک

تذکرات قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۴ - ۱۰

۱۰- قرآن و کتاب های آسمانی (تورات ، زبور و انجیل) ، مایه احیای فطرت خفته و یادآور دانستنی های فراموش شده

انسان ها

هذا ذکر من معی و ذکر من قبلی

<ذکر> از نظر معنا، مانند <حفظ> است; با این تفاوت که حفظ شـیء به اعتبار احراز و به دست آوردن آن و ذکر شیء به اعتبار استحضار و یادآوردن آن

است (مفردات راغب). بنابراین توصیف قرآن و دیگر کتاب های آسمانی به <ذکر>، ممکن است به این اعتبار باشد. که یادآور دانستنی های فراموش شده آدمی و بیدارگر فطرت انسان غافل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۱ - ۱۰

۱۰ - قرآن ، کتابی یادآور و بیدارگر

بل أتینهم بذکرهم فهم عن ذکرهم معرضون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۱ - ۴

۴ - قرآن ، یادآور فطریات فراموش شده انسان به او

إنّ الذین کفروا بالذکر

انتخاب واژه <ذکر> (یادآوری) در نام گذاری قرآن، مفید برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۲ - ۲

۲ - بیدارگری و غفلت زدایی ، رسالت اصلی قرآن

و لقد یسّرنا القرءان للذّکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۰ - ۲

۲ - بیدارگری و غفلت زدایی ، رسالت اصلی قرآن

و لقد یسّرنا القرءان للذّکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۶ - ۸

۸ - قرآن ، کتاب تذکار ، یاد آور خدا و بیانگر اوصاف و آیات عظمت و کبریایی او

أن تخشع قلوبهم لذکر اللّه و ما نزل من الحقّ

مراد از <ما نزل من الحقّ> در آیه شریفه، قرآن کریم است. برخی از مفسران برآنند <ذکراللّه> نیز در توصیف قرآن آورده شده است. برداشت بالا براساس این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۷ - ۳

- ۳

تنها وصف شایسته برای قرآن ، وصف < تذکردهنده > است ; نه کلام شیطان یا ساخته مجنون

و ما صاحبکم بمجنون . .. و ما هو بقول شیطن ... إن هو إلاّ ذکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۰ - ۶

۶ - عاقبت اندیشان و اهل خشیت ، تأثیرپذیر از تذکرات و پند های قرآن

فذکّر . .. سیذّکّر من یخشی

ترتیل در تلاوت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۴ - ۳،۴،۵،۸،۹

۳ - فرمان خداوند به پیامبر (ص) ، مبنی بر قرائت قرآن با تأنّی و به صورت شمرده شمرده در عبادت و شب زنده داری

قم الّیل . .. و رتّل القرءان ترتیلاً

<ترتیل> در قرائت و سخن، به معنای آهسته آهسته و درست و بدون شتاب خواندن است (برگرفته از صحاح، مفردات راغب و مصباح المنیر).

۴ - قرائت قرآن با تأنّی و شمرده شمرده ، از مهم ترین و مناسب ترین اعمال عبادی شبانه و مراسم شب زنده داری

قم الّیل . .. و رتّل القرءان ترتیلاً

۵ - فرمان خداوند به پیامبر (ص) ، مبنی بر قرائت قرآن با تأنّی و شمرده شمرده در نماز های نیمه شب

قم الّیل . .. و رتّل القرءان ترتیلاً

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که چون آیه به دنبال توصیه به نماز شب آمده است، اشاره دارد به قرائت قرآن در حین نماز; زیرا قرائت قرآن از ارکان نماز است.

۸ - < عن عبداللّه بن سلیمان قال : سألت أباعبداللّه (ع) عن قول اللّه

عزّوجلّ : < و رتّل القرآن ترتيلًا > قال : قال أميرالمؤمنين (ع) بَيِّنْه تِبياناً و لاتَهُذّه هَذَّ الشِّعر و لاتنثره نَثْرَ الرَّمْل و لكن أفزعوا قلوبكم القاسيه و لايكن هَمُّ أحدِكم آخرَ السُّوره ;

عبدالّله بن سليمان گويد: از امام صادق(ع) درباره سخن خداوند عزّوجلّ: <و رتّل القرآن ترتيلاً> سؤال كردم; گفت: على(ع) در [معناى ترتيل] فرمود: آن (كلمات قرآن) را به طور كامل آشكار كن و آن را چون شعر به سرعت نخوان، و چون رمل (ريگ) پراكنده مساز ولى دل هاى سخت خود را در سايه تلاوت قرآن بترسانيد و قصد شما به پايان رساندن سوره نباشد>.

۹ - < عن أبى عبدالّله (ع) فى هذا قال : هو أن تتمكّثَ فيه و تُحسِّنَ به صوتَك ;

از امام صادق(ع) در اين باره (ترتيل) روايت شده كه فرمود: ترتيل آن است كه قرآن را با مكث و صداى زيبا تلاوت كنى>.

ترديد ناپذيرى قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۲ - ۳

۳ - قرآن كتابى متقن و منزه از هر گونه زمينه ترديد افكن و شبهه ساز در حقانيت آن

لاريب فيه

<ريب> به معناى شك و نيز چيزى كه مايه شك باشد، آمده است. برداشت فوق با توجه به معناى دوم استفاده شده است. بر اين مبنا <لاريب فيه> يعنى در قرآن مسأله اى كه موجب شك در حقانيت آن بشود، هرگز وجود ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۲۳ - ۷

۷ - قرآن منزّه از آن است كه در آسمانى بودنش ، شك

و تردید روا باشد .

و إن کنتم فی ریب مما نزلنا علی عبدنا

با وجود اینکه کفر پیشگان در آسمانی بودن قرآن اظهار تردید می کردند و بلکه منکر آن بودند خداوند در بیان تردید آنان جمله شرطیه به کاربرد تا به این حقیقت اشاره کند که: تردید در حقانیت قرآن تنها قابل فرض است و نمی تواند واقعیت داشته باشد.

ترسناکی بی اعتنایی به تعالیم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۰ - ۵

۵ - فرجام بی اعتنایی به پیام های قرآن ، هراس انگیز و هولناك است .

سنقرئک . .. فذکّر ... سیذّکّر من یخشی

خشیت و ترس از خداوند، به معنای هراس از مجازات های او در صورت روی گردانی از تذکرات قرآنی است.

ترک استفاده از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۵۰ - ۳

۳ - احساس خسارت و زیانباری کافران در قیامت ، به سبب بهره نگرفتن از تعالیم قرآن در زندگی

و إنّه لحسره علی الکفرین

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که <حسرت> به معنای اندوه برای آنچه از دست رفته است، می باشد (لسان العرب). این در جایی است که انسان از آن چیز، بهره لازم نبرده و نسبت به آن احساس خسارت کرده باشد.

ترک تعالیم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۹ - ۱۰،۱۱

۱۰ دست شستن از تعالیم قرآن حتی اندکی از آن ، حرام و نشانه پیروی از اندیشه های هواپرستان

و لاتتبع اهواءهم و احذرهم

ان یفتنوک عن بعض ما أنزل اللّه إلیک

۱۱ دست شستن از تعالیم و احکام قرآن بر اثر تزویر دسیسه گران ، در پی دارنده سختی ها و ناگواریها

و احذرهم ان یفتنوک عن بعض ما أنزل اللّه إلیک

<یفتنوک> ای: یوقعوک فی بلیه و شده . .. (مفردات راغب) یعنی مبادا تو را با منصرف کردن از احکام الهی در عذاب و ناراحتی قرار دهند.

ترک شک به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۴ - ۱۰

۱۰ تردید و شک در الهی و حق بودن قرآن ، امری ناروا و خلاصی نفس از آن ، ضروری و لازم است .

لقد جاءک الحق من ربک فلاتکونن من الممترین

تشبیه قلب معرضان از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۷ - ۲

۲ - دل های غافل از یاد خداوند و بیگانه با کلام او (قرآن) ، چونان زمین مرده است .

أن تخشع قلوبهم لذکر اللّه . .. اعلموا أنّ اللّه یحیِ الأرض بعد موتها

تشبیهات قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸ - ۱

۱ - منافق ر ها شده در ظلمت و گمراهی بسان شخص کر و لال و نابیناست .

ترکهم فی ظلمت لایبصرون. صم بکم عمی

صم، بكم و عمى به ترتيب: جمع أصم (كر)، أبكم (لال) و أعمى (كور) است. كلمات ياد شده خبر براى مبتداى محذوف، يعنى ضمير <هم> است كه به توصيف شدگان در آيه قبل (منافقان رها شده در ظلمت) بر مى گردد.

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۹ – ۲

۲ – قرآن برای منافقان بسان بارانی است همراه با رعد و برق در شبی تاریک و مخوف

أو کصیب من السماء فیه ظلمت و رعد و برق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۷۴ – ۲

۲ – قلب ها و دل های بنی اسرائیل در سختی و نفوذناپذیری همانند سنگ و از آن سخت تر شد .

فهی کالحجاره أو أشد قسوه

<حجاره> جمع حجر و به معنای سنگها و صخره هاست.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۴۶ – ۱

۱ – اطمینان اهل کتاب به نبوت پیامبر (ص) همانند اطمینان آنان به فرزندی پسرانشان بود .

الذین ءاتینهم الکتب یعرفونه کما یعرفون أبناءهم

ظاهر این است که مراد از ضمیر مفعولی در <یعرفونه> پیامبر(ص) می باشد; گرچه این احتمال نیز وجود دارد که آن ضمیر به تغییر قبله باز گردد. از آن جا که <مشبه به> فرزندان می باشد، این احتمال قوی به نظر نمی رسد; زیرا تشبیه شناخت قبله به شناخت فرزندان، تناسب چندانی ندارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۱۹۷ – ۱۲

۱۲ انسان در دنیا ، همچون مسافر است .

و تزوّدوا فان خیر الزاد التقوی

از به کار بردن <تزوّدوا> استفاده می شود که انسان تشبیه به مسافری شده است که نیاز به توشه دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۱ - ۱

۱ مالی

که در راه خدا انفاق می شود ، همچون بذری است که هفت خوشه برویاند و در هر خوشه صد دانه باشد .

مثل الّذین ینفقون . .. مائه حبّه

از مُشبّه به (دانه) به دست می آید که مُشبّه، مالی است که شخص در راه خدا انفاق می کند; نه اینکه مشبّه، خودِ انفاق کننده باشد; چنانچه ظاهر تشبیه افاده می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۴ - ۵،۹

۵ همانندی انفاقِ توأم با منّت و آزار مؤمنان ، با انفاق همراه با ریایِ کافران

یا ایّها الّذین امنوا . .. کالّذی ینفق ماله رئاء النّاس و لا یؤمن باللّه

انفاق مؤمنان آنگاه که با منّتِ و آزار توأم شود، همانند انفاق کافرانی است که با ریا باشد.

۹ مَثَل انفاق کننـدگانِ از روی منّت و آزار و ریا ، همچون صَخره صافی است که بر روی آن قشرِ خاکی باشد و بذرهایی در آن افشانده شود و ناگهان ، رگباری تند بر آن رسد و همه خاک ها را بشوید و آن سنگ را کِشت ناپذیر کند .

فمثله کمثل صفوان علیه تراب فاصابه وابل فترکه صلداً لا یقدرون علی شیءمما کسبوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۶ - ۱

۱ تشبیه انفاق کننده از روی منّت و آزار و ریا ، به صاحب بوستانی از خرما و انگور که جوی ها در پای درختانش جاری و هر گونه میوه ای دهد و خود پیر شده و فرزندانی ناتوان داشته باشد و ناگهان ، گِردبادی آتشزا به آن بوستان

افتد و آنرا بسوزاند .

ایودّ احدکم ان تکون له جنّه . .. و اصابه الکبر ... نار فاحترقت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۵ - ۱،۴

۱ رباخواران ، همچون شیطان زدگان آشفته ، دیوانه و پریشان

الّذین یأکلون الرّبوا لا یَقُومونَ الاّ کما یقوم الّذی یتخبّطه الشّیطان من المسّ

با توجّه به معنای لغوی <تخبّط> که دیوانگی و پریشانی است. (التّخبط المس بالجنون و التخیل).

۴ به کارگیری تمثیل در قرآن ، روشی برای بیان حقایق و احکام دین

الّذین یأکلون الرّبوا لا یَقُومونَ الاّ کما یقوم الّذی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۹ - ۱،۳

۱ شباهت خلقت حضرت عیسی (ع) به خلقت آدم (ع)

انّ مثل عیسی عنداللّه کمثل ادم

۳ عیسی ، همانند آدم (ع) مخلوق خداوند نه فرزند او .

انّ مثل عیسی عنداللّه کمثل ادم خلقه من تراب

چون این آیه پس از سرگذشت حضرت عیسی (ع) آمده است، اشاره به پندار مسیحیان و ردّ آن است که عیسی (ع) را به دلیل نداشتن پدر، فرزند خداوند می شمردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۵ - ۱۲

۱۲ پشیمان نشدن و توبه نکردن از گناهان گذشته خود ، به منزله اصرار بر آن گناهان است .

الّذین اذا فعلوا فاحشه . .. فاستغفروا لذنوبهم ... و لم یصرّوا علی ما فعلوا

بنابر اینکه جمله <و لم یصرّوا . .. >، عطف تفسیری برای جمله <فاستغفروا> باشد یعنی اگر بعد از گناه، یاد

خدا نکنند و استغفار ننمایند، در واقع اصرارکنندگان بر گناه هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۰ - ۲

۲ خوردن ظالمانه مال یتیم در واقع ، خوردن آتش است .

انّ الّذین یاکلون اموال الیتامی ظلماً انّما یاکلون فی بطونهم ناراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۷ - ۱۴،۱۵،۱۶

۱۴ گروهی از مسلمانان صدر اسلام به گونه ای از نبرد با دشمن هراسناک بودند که خداترسان از خدا می ترسند .

اذا فریق منهم یخشون النّاس کخشیه اللّه

برداشت فوق بر این مبناست که <کخشیه اللّه> حال برای فاعل <یخشون> باشد که در این صورت مضافی مقدر است و تقدیر کلام چنین خواهد بود: یخشون النّاس مثل اهل خشیه اللّه.

۱۵ گروهی از مسلمانان صدر اسلام ، فزونتر از ترسِ خداترسان ، از رویارویی با دشمن هراسناک بودند .

اذا فریق منهم یخشون النّاس . .. او اشدّ خشیةً

اَوْ در <او اشدّ خشیه> برای تنویع است و اشاره دارد به اینکه مسلمانان هراسناک از نبرد با دشمن، دو گروه بودند.

۱۶ گروهی از مسلمانان صدر اسلام به گونه ای که از خدا ، ترسان بودند ، از رویارویی با دشمن می ترسیدند .

اذا فریق منهم یخشون النّاس کخشیه اللّه

در برداشت فوق <کخشیه اللّه> صفت مفعول مطلق محذوف گرفته شده است و فاعل <خشیه> ضمیری است که به <فریق> بازمی گردد ; یعنی یخشون النّاس مثل خشیتهم من اللّه.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۵ - ۲۷

۲۷ خودداری از ادای شهادت

، همانند شهادت دروغ ، گناه و موجب کیفر الهی است .

و إن تلوا او تعرضوا فإنّ اللّه کان بما تعملون خبیراً

بیان آگاهی خداوند به عملکرد ناشایست آدمی، کنایه از کیفردهی اوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۲ - ۲،۳۲،۳۳،۳۴

۲ کشتن نابحق یک انسان در نزد خداوند به منزله کشتن همه مردم است .

من قتل نفساً بغیر نفس . .. فکانما قتل الناس جمیعاً

۳۲ گمراه نبودن انسان هدایت یافته ، به منزله کشتن وی و هدایت انسان گمراه ، به منزله زنده کردنش می باشد .

من قتل نفساً . .. فکانما قتل الناس جمیعاً و من احیاها فکانما احیا الناس جمیعاً

امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق فرمود: من اخرجها من ضلال الی هدی فکانما احیاها و من اخرجها من هدی الی ضلال فقد قتلها.

کافی، ج ۲، ص ۲۱۰، ح ۱; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۱۹، ح ۱۵۳.

۳۳ سیراب نمودن تشنه ای که به آب دسترسی ندارد ، به منزله احیای اوست .

و من احیاها فکانما احیا الناس جمیعاً

امام صادق(ع): . .. و من سقی الماء فی موضع لایوجد فیه الماء کان کمن احیا نفساً و <من احیاها فکانما احیا الناس جمیعاً>.

کافی، ج ۴، ص ۵۷، ح ۳; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۶۴، ح ۹.

۳۴ خودداری از اطعام مؤمن گرسنه ، به منزله کشتن وی و غذا دادن به او به منزله احیای اوست .

و من احیاها فکانما احیا الناس جمیعاً

از امام صادق(ع) روایت شده که درباره اطعام مؤمن فرمود: . .. من احیی مؤمن فکانما احیا الناس جمیعاً، فان لم تطعموه

فقد امتموه و ان اطعمتموه فقد احییتموه.

کافی، ج ۲، ص ۲۰، ح ۲۰; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۱۹، ح ۱۵۲.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۶ - ۳

۳ کسانی که آیات الهی و دعوت پیامبر(ص) را ناشنیده می انگارند، مردگانی متحرکند.

إنما یستجیب الذین یسمعون و الموتی یبعثهم اللّه

به کار رفتن کلمه <الموتی> در برابر <الذین یسمعون> حاکی از آن است که آن دسته که در برابر دعوت پیامبر(ص) به گونه ای رفتار می کنند که گویا اصلاً چیزی نشنیده اند، مرده دلانی هستند که کلمه <الموتی> در خور آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۹ - ۵

۵ کسانی که نتوانند از جنبندگان و شکل زندگی آنها به توانمندی خداوند پی ببرند، مانند کر و لالهایی فرو رفته در تاریکی هستند.

و ما من دابه فی الأرض . .. إلی ربهم یحشرون. و الذین کذبوا بأیتنا صم و بکم فی الظ

مقتضای ارتباط بین آیه مورد بحث با آیه قبل می تواند این مضمون باشد که همین آیات موجود در طبیعت برای هدایت کافی است و کسانی که نتوانند از همین آیات توانمندی خداوند را (إن اللّه قادر علی ان ینزل) دریابند، کر و لالهایی ظلمت زده هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۰ - ۱۴

۱۴ نابرابری ناآگاهان و آگاهان به محدوده قدرت و وظایف پیامبران، مانند نابرابری کوران و بینایان

قل لا أقول لکم . .. إنی ملک ... قل هل یستوی الأعمی و البصیر أفلاتتفکرون

در اینکه

مراد از <أعمى> و <بصير> در آيه چيست، احتمالاتى وجود دارد; از آن جمله اينكه كسانى كه پس از بيان محدوده قدرت و وظايف پيامبران اين حقايق را دريافته و پذيرا مى شوند، <بصير> و آن كسانى كه جاهلانه سخنهاى واهى گفته و درخواستهاى نابجا دارند <أعمى> (كور) هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۷۱ - ۱۳،۱۴،۱۹

۱۳ بازگشت كننده به شرك (مرتد) مانند ديوانه اى سرگردان است كه شيطانها (جنيان) عقل او را زايل كرده اند.

أندعوا من دون الله . .. و نرد ... كالذى استهوته الشيطين

<استهوته الشياطين> يعنى شيطانها عقل و فكر او را برده اند. همچنين جمله <استهوته الشياطين> را در موردى كه شخصى جن زده شده باشد، به كار مى برند. (لسان العرب).

۱۴ مرتد مانند جن زده است كه روى زمين بى هدف و سرگردان راه مى پيمايد.

و نرد على اعقابنا . .. كالذى استهوته الشيطين فى الأرض حيران

۱۹ مرتد به سرگردانى در بيابان مى ماند كه شيطانها او را به بى راهه مى خوانند و گروهى نيز او را به راه هدايت دعوت مى كنند.

كالذى استهوته الشيطين فى الأرض حيران له أصحب يدعونه إلى الهدى ائتنا

<فى الأرض> متعلق به <استهوى> است، و <استهوى فى الأرض> به معنى عقل او را در بيابان ربوده اند، مى تواند باشد و مراد از <اصحاب> در <له اصحاب يدعونه> ممكن است مشركان و يا موحدان باشند كه در برداشت فوق احتمال دوم برگزيده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۹۴ - ۱

انسان در پی مرگ، مانند آفرینش نخستین خویش، تنها نزد خداوند حضور می یابد.

و لقد جئتمونا فردی کما خلقنکم أول مره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۴ - ۱۰

۱۰ ایمان به آیات الهی بینایی و کفر به آن کوری است.

قد جاءکم بصائر من ربکم فمن أبصر فلنفسه و من عمی فعلیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۵ - ۱۰

۱۰ راه یافتن حق (اسلام) به قلب حق ناپذیر، مانند صعود در آسمان دشوار و یا غیرممکن است.

و من یرد أن یضله یجعل صدره ضیقا حرجا کأنما یصعد فی السماء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۹ - ۱۳

۱۳ شباهت و همگونی معاد انسانها با آغاز آفرینش آنان

کما بدأکم تعودون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۴۰ - ۶

۶ ورود تکذیب کنندگان آیات الهی و مستکبران به بهشت، امری ناممکن، همچون عبور شتر از روزنه سوزن

و لایدخلون الجنه حتی یلج الجمل فی سم الخیاط

<جمل> به معنای شتر است و <سم> به معنای روزنه ای است که در انتهای سوزن برای عبور نخ تعبیه شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۷ - ۱۰

۱۰ حیاتبخشی دوباره به مردگان به هنگام برپایی قیامت ، همانند رویش گیاهان مرده و به ثمر نشاندن آنهاست .

فاخرجنا به من کل الثمرت کذلک نخرج الموتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ -

اعراف - ۷ - ۵۸ - ۸

۸ نیکوکاران ، مانند سرزمین طیب ، سودمند و برخوردار از فیض فراوان خداوند

إن رحمت اللّه قریب من المحسنین. و هو الذی یرسل الریح ... و البلد الطیب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۶ - ۱۴،۱۵

۱۴ حالت بلعم باعورا به سبب دنیاگرایی مانند حالت سگی شد که در هر حال ، چه بر او هجوم کنی و یا رهایش سازی ، زبان از کام بیرون آورَد و له له زند .

فمثله کمثل الکلب إن تحمل علیه یلهث او تترکه یلهث

<تحمل> از <حَمْلَه> گرفته شده و <حَمْلَه> به معنای هجوم کردن است. <مَثَل> در آیه شریفه به معنای حالت و صفت است.

۱۵ حالت درونی تکذیب کنندگان آیات الهی مانند حالت سگ تشنه ای است که همواره له له می زند .

ذلک مثل القوم الذین کذبوا بایتنا

<ذلک> اشاره به حالتی است که جمله <فمثله . .. > آن را درباره سگ بیان داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۷ - ۱

۱ حالت جوامع تکذیب کننده آیات الهی ، حالتی شوم است .

ساء مثلاً القوم الذین کذبوا بایتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۹ - ۱۲

۱۲ تکذیب کنندگان آیات الهی ، در محروم بودن از درک معارف الهی مانند چارپایانند .

أولئک کالأنعم

همسانی گمراهان تکذیب کننده آیات با چهارپایان و به اصطلاح <وجه شبه>، به دلیل جمله <لایفقهون بها و . .. > (محرومیت از درک معارف الهی) است.

جلد - نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۲۷ – ۸

۸ چهره مردمان زشت کار در قیامت ، مانند پاره ای از شب دیجور ، سیاه خواهد بود .

و الذین کسبوا السیئات . .. کأنما أغشیت وجوههم قطعاً من الّیل مظلماً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۱۴ – ۶

۶ مَثَل درخواست کننده از خدایان دروغین مثل تشنه ای است که از راه دور دستان خود را به طرف آب دراز می کند تا آب ، خود به کام او برسد که هرگز چنین نمی شود .

إلاّ کبسط کفیه إلی الماء لیبلغ فاه و ما هو ببلغه

برخی عبارت <إلاّـ کبسط> را استثنا از استجابت گرفته اند و گفته اند تقدیر کلام چنین است: <لایستجیبون بشیء من الأستجابه إلاّ استجابه کإستجابه الماء لباسط کفیه إلی الماء>. و برخی آن را استثنا از <الذین یدعون> دانسته اند و گفته اند تقدیر کلام چنین می شود: <الذین یدعون من دونه لیسوا إلاّ کباسط کفیه إلی الماء>. قابل ذکر است که ضمیر در <لیبلغ> به <الماء> و ضمیر در <فاه> (دهانش) به <باسط> برمی گردد. و ضمیر <هو> به <الماء> و ضمیر در <ببالغه> به <فاه> ارجاع می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۱۶ – ۱۵

۱۵ نابرابری مشرکان با موحدان بسان نابرابری انبوه تاریکی ها با روشنایی است .

أم هل تستوی الظلمت والنور

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۱۷ – ۴،۷،۸،۲۱

۴ فلزات گداخته شده در کوره های

آتش ، کفهایی همانند کف های سیلاب از خود ایجاد می کنند .

و مما یوقدون علیه فی النار . .. زبد مثله

<من> در <مما یوقدون> نشویه است. <ایقاد> (مصدر یوقدون) به معنای شعلهور ساختن آتش می باشد. مراد از <ما> به قرینه <حلیه> و <متاع> فلزاتی نظیر طلا، نقره، مس و ... است. <فی النار> حال مؤکّده می باشد. بنابراین <یوقدون ...> ; یعنی، و حاصل می شود از فلزاتی که آتش بر آن برافروزند (آن را ذوب کنند) کفی مانند کف سیلاب.

۷ حق در تشبیه مانند باران و سیلاب است و باطل همسان کف های پف کرده بر روی آن

أنزل من السماء ماء فسالت أودیه بقدرها فاحتمل السیل زبدًا رابیًا . .. کذلک یضرب ا

۸ حق در تشبیه همانند فلزات گداخته شده و ذوب گشته است و باطل بسان کف های ایجاد شده بر روی آن

و مما یوقدون علیه فی النار . .. زبد مثله کذلک یضرب الله الحق و البطل

۲۱ تشبیه حقایق به امور محسوس و آوردن مثل برای آنها از شیوه های قرآن

کذلک یضرب الله الأمثال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۰ - ۲

۲ پیامبر (ص) در رسالت و تلقّی وحی همانند پیامبران امت های پیشین و برخورد امتش با وی همسان برخورد امت های پیشین با پیامبران خویش

کذلک أرسلنک فی أُمّه قد خلت من قبلها أمم لتتلوا علیهم الذی أوحینا إلیک

تشبیه در جمله <کذلک أرسلناک . ..> مقتضی مشبه، مشبه به و وجه شبه می باشد. گفته شده مشبّه <ارسال پیامبر در امت خویش>، مشبه به <ارسال پیامبران در امتهای

گذشته> و وجه شبه <حقایقی است که از آیات قبل و نیز آیه مورد بحث می توان استفاده کرد>. از آن حقایق است نفس رسالت، تلقی وحی، وظیفه پیامبری، هدف ارسال (لتتلوا علیهم ...)، برخورد امتها، سرنوشت ایشان، سنت خداوند در امر هدایت و اضلال مردم پس از ارسال پیامبران (قل إن الله یضل من یشاء و یهدی إلیه من أناب) و ... .

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۲۴ – ۵

۵– استفاده از تشبیه به محسوس برای عینی و قابل فهم کردن تعالیم ، از روش های تعلیمی قرآن کریم

ضرب الله مثلاً کلمه طیّبه کشجره طیّبه أصلها ثابت و فرعها فی السّماء

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۲۶ – ۴

۴– استفاده از تشبیه به محسوس برای عینی و قابل فهم کردن تعالیم ، از روش های تعلیمی قرآن کریم است .

مثل کلمه خبیثه کشجره خبیثه اجتثّت من فوق الأرض ما لها من قرار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۹۲ – ۱،۱۸

۱– شکستن عهد و پیمان قطعی ، همانند گسستن رشته ای است ، پس از بافتن محکم آن

أوفوا بعهد الله . .. و لاتنقضوا ... و لاتکونوا کالتی نقضت غزلها من بعد قوّه أنکث

۱۸– < عن أبی جعفر (ع) قال : التی نقضت غزل ها إمرأه . . . یقال لها : رابطه (ریطه) . . . کانت حمقاء تغزل الشعر فإذا غزلت نقضته ثمّ عادت فغزلته فقال الله : < کالتی نقضت

غزلها . . . > . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: آن زن که رشته هی تافته خود را باز می کرد زنی بود . .. به نام رابطه (یا ریطه) ... و او زن احمقی بود که مو [ی بز و غیره]را می تافت و پس از تافتن، آنها را باز می کرد و سپس دوباره می تافت. پس خداوند فرمود: کالتی نقضت غزلها...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۹ - ۳

۳- انسان بخیل ، همانند انسانی دست بسته به گردن است .

و لاتجعل یدک مغلوله إلی عنقک

<و لاتجعل یدک مغلوله إلی عنقک> کنایه از امساک و پرهیز از انفاق (بُخل) است. اینکه از بُخل و امساک به <دستت را به گردنت مبند> تعبیر شده، نشان می دهد که انسان بخیل، همانند شخص دست بسته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۱ - ۱۱

۱۱ مرگ و رستاخیز ، پدیده ای مانند خواب و بیداری است .

لیعلموا. .. أنّ الساعه لاریب فیها

به خواب رفتن اصحاب کهف و بیداری آنان پس از چند قرن و استشهاد قرآن به این واقعه برای بیان حقانیّت معاد، گواه این مدعا است که مرگ، مانند خواب، و رستاخیز قیامت، بسانِ بیداری از خواب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۹ - ۱۷

۱۷- آب های غلیظ و گداخته ، بسان گدازه مس ، پاسخی برای استغاثه و آب طلبی کافران در دوزخ است .

و إن یستغیثوا یغاثوا بماء کالمهل

<مهل>

به معنـای <درده روغن> و نیز <مس گـداخته> است (مقـاییس اللغه) و نیز به <خونـابه ای که از لاشه مردار بیرون آیـد> گفته می شود. (قاموس) وصف آنان با عبارت <یشوی الوجوه> با معنای <مس گداخته> سازگارتر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۸ - ۷

۷- انسان ها ، مانند زمان تولد ، فاقد هرگونه مال و فرزند و عنوان و اعتبار ، در صحنه قیامت حضور خواهند یافت .

لقد جئتمونا کما خلقنکم أوّل مرّه

تشبیه حضور انسـان هـا در قیـامت به زمـان تولـد آنـان، ممکن است از جهت همراه نداشـتن امکانـات مـادّی و خـالی بودن از هرگونه عنوان و اعتبار باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۶ - ۳

۳- غروب خورشید در نقطه پایانی سفر ذوالقرنین به جانب مغرب ، چونان فرو رفتن آن در چشمه ای تیره فام بود .

وجدها تغرب فی عین حمئه

از جمله معانی <عین> چشـمه است و به قرینه <وجدها> (آن را چنان یافت که) مراد آیه آن نیست که خورشید، در چشمه ای دارای گل سیاه فرو می رفت، بلکه منظره غروب خورشید را ذوالقرنین آنگونه مشاهده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۳ - ۱

۱ - قرار دادن زمین ، همانند گاهواره ای برای آرامش و آسایش انسان ، پرتویی از ربوبیت خداوند است .

الذی جعل لکم الأرض مهدًا

<مهـد> جایگـاهی است که برای طفـل آمـاده می کننـد (گهـواره)، در آیه شـریفه، زمین به گهـواره ای که طفـل در آن می آرمد، تشبیه

شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۵ - ۵

۵ - خروج مجدد انسان از زمین و حیات تازه او ، همانند آفرینش نخستین او از زمین خواهد بود .

و منها نخرجکم تاره أُخری

<تاره أخری>; یعنی، بار دیگر گفتنی است که مرتبه اول بیرون آمدن انسان از خاک، همان خلقت اولیه او از نطفه است و بار دوم زمانی است که پس از مرگ مجدداً از زمین برانگیخته خواهد شد. <تاره أخری> اشاره به همین تشابه دارد تا استعبادها را نیز تلویحاً رد کرده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۱۰۴ - ۱

۱- قیامت روزی است که خداوند ، آسمان را هم چون پیچیدن طومارنامه ها ، در هم می پیچد .

یوم نطوی السماء کطیّ السجلّ للکتب

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته است: ۱ <طیّ> به معنای پیچیدن است. ۲ <سجلّ> یا به معنای <کاتب> می باشد که در این صورت اضافه <طیّ> به <سجلّ> اضافه مصدر به فاعل است و <لام> در <للکتب> برای اختصاص و یا برای تقویت عامل <طیّ> است و یا به معنای هر چیزی است که در آن نوشته باشند. در این صورت اضافه <طیّ> اضافه به مفعول است و <لام> در <للکتب> به معنای <من أجل> است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲ - ۱۲

۱۲- بیم و هراس مردم در عرصه محشر ، به اندازه ای است که آنان هچون مردم می خورده و مست ، عقل و هوش خود

را از کف خواهند داد .

و تری الناس سکری و ما هم بسکری

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۳۱ – ۴،۵

۴ – مثل کسی که به خدا شرك میورزد ، مثل کسی است که از آسمان فرو افتد و طعمه مرغان شکاری گردد .

و من یشرك باللّه فکأنّما خرّ من السماء فتخطفه الطیر

<خرّ و خُرور> (مصدر <خرّ>) به معنا سقوط و فرو افتادن است. <خرّ من السماء>; یعنی، از آسمان فرو افتاد. <خَطف> (مصـدر <تخطف>) نیز به معنای ربودن است. <خطفته الطیر>; یعنی، پرنـده او را ربود. بنابراین معنای جمله یاد شده چنین است: هر کس به خدا شـرك بورزد، چنان است که گویا از آسـمان فرو افتاده و پرنده شـکاری او را ربوده است. گفتنی است که تشبیه در آیه فوق، از باب تشبیه معقول به محسوس است;یعنی، مشـرك که با روگردانـدن از خدای متعال و فرو افتادن در پای بت ها، در واقع از اوج کمالات انسانی سـقوط می کنـد و در دام شـیطان گرفتار می شود به کسـی تشبیه شـده است که از آسمان فرو افتد و طعمه پرندگان شکاری شود.

۵ – کسی که به خدا شرك میورزد ، مانند کسی است که از آسمان فرو افتد و باد او را به جایی دور بیفکند .

و من یشرك باللّه . .. أو تهوی به الریح فی مکان سحیق

جمله <أو تهوی به الریـح. ..> عطف است بر <تخطفه الطیر>. <هُوی> (مصدر <تهوی>)، به معنای سـقوط و فرو افتادن است و هرگاه با <بای> تعدیه بیاید، به معنای اسقاط و فرو افکندن می

شود. <هوت به الريح>; يعنى، باد او را فروافكند. <سُحق> (مصدر <سحيق>) به معناى بُعد و دور بودن است و <مكان سحيق>; يعنى، جايى دور. بنابراين تقدير جمله فوق چنين مى شود: <من يشرك باللّه فكأنّما تهوى به الريح فى مكان سحيق; هر كس به خدا شرك بورزد، چنان است كه گويا از آسمان فرو افتاده و باد او را به جايى دور افكنده است>. گفتنى است كه در جمله ياد شده مشرك كه با روى برتافتن از عبادت خداى يگانه و فرو افتادن در زير پاى بت ها و پرستش آنها، در واقع از اوج هدايت و روشنايى به نهايت ضلالت و تاريكى سقوط مى كند به كسى تشبيه شده است كه از آسمان فرو مى افتد و باد او را به جايى دور كه راهى براى نجات نباشد فرو مى افكند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۱ - ۱

۱ - موضع گيرى كافران رفاه زده عصر بعثت ، در برابر رهنمود هاى پيامبر (ص) ، همانند موضع گيرى كافران پيشين در برابر رهنمود هاى پيامبرانشان

بل قالوا مثل ما قال الأوّلون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۹ - ۱،۳

۱ - اعمال و رفتار كفرپيشگان ، همانند سرابى است در كوير كه تشنه به پندار آب به سراغ آن مى رود و چيزى به دست نمى آورد .

و الذين كفروا أعملهم كسراب بقيعه يحسبه الظمأن ماء حتّى إذا جاءه لم يجده شيئًا

۳ - اعمال و رفتار كفرپيشگان ، چون سراب فريبنده است .

و

الذین کفروا أعملهم کسراب بقیعه یحسبه الظمأن ماء حتّی إذا جاءه لم یجده شیئًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۰ - ۱

۱ - اعمال کافران ، به مثابه تاریکی شدید در دریای ژرفناک با امواجی متلاطم و پوشیده از ابر است که کمترین روزنه ای در آن نیست .

و الذین کفروا أعملهم . .. کظلمت فی بحر لجّیّ یغشیه موج من فوقه موج من فوقه سحا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۳ - ۶،۷

۶ - خداوند ، از بالا و از ابر یخ زده که به کوه می ماند تگرگ فرو می ریزد .

و ینزّل من السماء من جبال فیها من برد

<من جبال> بدل از <من السماء> و برای تشبیه کردن ابرها، به کوه ها است; همان گونه که تشبیه اشیای بزرگ و با عظمت به کوه، بسیار معمول است; مانند کوه علم و. ... <بَرَد> نیز به معنای تگرگ است.

۷ - در فضا ، انبوهی از ابر های یخ زده همچون کوه ، وجود دارد .

و ینزّل من السماء من جبال فیها من برد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۹ - ۸

۸ دوست ناباب ، چونان شیطان است .

یویلتی لیتنی لم أتّخذ فلانًا خلیلاً . لقد أضلّنی عن الذکر... و کان الشیطن للإن

برداشت فوق، مبتنی بر این است که جمله <و کان الشیطان. ..> دنباله سخن ظالمان باشد و مقصود از <شیطان> ابلیس نباشد; بلکه نامی باشد که ظالمان برای دوستان ناباب و گمراه

گر خود انتخاب کرده باشند; زیرا عمل گمراهی، کار شیطان است و هر کس چنین کاری را انجام دهد، همچون شیطان خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۴ - ۶

۶ مردمان هواپرست را ، در حق نشنوی و بی خردی ، جز به چهارپایان (شتر ، گاو و گوسفند) نمی توان تشبیه کرد .

إن هم إلّا کالأنعم

<أنعام> نامی است که شامل سه نوع حیوان می شود: شتر و گاو و گوسفند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۷ - ۱

۱ آفرینش شب ، همچون لباس و پوشش ، تنها به قدرت خدا است .

و هو الذی جعل لکم الّیل لباسًا

جمله <و هو الذی جعل لکم اللیل لباساً> برای حصر است و از نوع حصر إفرادی است; یعنی، تنها خدا شب را همچون پوشش برای انسان قرار داد; نه قدرتی دیگر. گفتنی است در این جمله، شب به لباس و پوشش تشبیه شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۳ - ۷

۷ - شکافته شدن دریا با عصای موسی و تقسیم شدن آب های آن به دو دیوار ; چون دو کوه بزرگ

فانفلق فکان کلّ فرق کالطود العظیم

فعل <کان> در این جا به معنای <صار> است. <فرق> نیز معادل قطعه (پاره) و <طود> مرادف <جبل> (کوه) است. بنابراین <کان کلّ فرق...>; یعنی، هر پاره ای از آب دریا، مانند کوهی بزرگ شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷

۷،۸ - ۸۰ -

۷ - کافران حق ناپذیر ، چونان مردگانی ناشنوا و غیرقابل تفهیم

إنّک لاتسمع الموتی

۸ - کفرپیشگان روی گردان از دلایل آشکار ، همچون ناشنوایان روی برتافته از راهنمای خویش

و لاتسمع الصمّ الدعا إذا ولّوا مدبرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۱ - ۱،۲

۱ - دوست گیرندگان غیرخدا ، همانند عنکبوت اند که خانه ای بس سست و بی بنیاد ، برای خود ساخته است .

مثل الذین اتّخذوا من دون اللّه أولیاء کمثل العنکبوت اتّخذت بیتًا

۲ - انتخاب کنندگان ولیّ و کارسازی غیر از خدا ، همانند عنکبوت اند که برای خود خانه ای بی بنیاد ، بنا کرده است .

مثل الذین اتّخذوا من دون اللّه أولیاء کمثل العنکبوت اتّخذت بیتًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۸ - ۱

۱ - معبودان باطل و جعلی ، در مقایسه با خداوند ، همانند بردگان زرخرید در برابر مالک خویش اند .

هل لکم من ما ملکت أیمنکم من شرکاء فی ما رزقنکم فأنتم فیه سواء

مثلی که در آیه آورده شده است، به قرینه آیات سابق که درباره اثبات خداوند و وحدانیت بود برای نفی معبودانی است که مشرکان، آنان را در برابر خداوند، انتخاب کرده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۷ - ۳

۳ - زبان قرآن ، استفاده از کلمات و تشبیهات رایج و شناخته شده در میان مردم است .

و البحر یمدّه من بعده سبعه أبحر

کلمه <سبعه> در آیه برای بیان کثرت است و مراد

از آن، واقعاً، هفت دریای دیگر نیست. استفاده از چنین کلمه ای برای بیان مقصود، عین همان چیزی است که در محاوره های عامیانه گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۸ - ۱

۱ - آفرینش نخستین انسان ها و زنده کردن مجدد آنان پس از مرگ ، برای خداوند همانند آفریدن یک تَن است .

ما خلقکم و لابعثکم إلّا کنفس وحده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴۶ - ۳

۳ - پیامبر (ص) ، به منزله چراغی فروزان (برای هدایت) است .

و سراجًا منیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۹ - ۷،۹

۷ - تشبیه تجدید حیات انسان ها در قیامت ، به احیای زمین و پدید آمدن حیات در آن

أرسل الریح فتثیر سحابًا فسقنه إلی بلد میّت فأحیینا به الأرض بعد موتها کذلک الن

۹ - احیای انسان ها در قیامت همچون احیای زمین از راه یک سلسله عوامل و زمینه های حیات آفرین خواهد بود .

فأحیینا به الأرض بعد موتها کذلک النشور

برداشت یاد شده از تشبیه به کار رفته در آیه شریفه به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۰ - ۲

۲ - ایمان چون نور ، مایه هدایت و روشنایی و کفر ، همچون ظلمت ، مایه گمراهی و تاریک بینی

و لا الظلمت و لا النور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۱

۱ -

۱ - ایمان چون سایه ، آرام بخش و فرح زا است و کفر چون بادِ داغ ، آزاردهنده و ناراحت کنند .

و لا الظلّ و لا الحرور

<ظلّ> به معنای سایه و <حرور> به معنای باد داغ است. گفتنی است در این آیه، ایمان به سایه تشبیه شده است و کفر به باد داغ.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۲ - ۷

۷ - کافران لجوج ، مانند مردگان در قبر ها ، از شنیدن سخن حق ناتوان بوده و هیچ راهی برای هدایتشان نیست .

و ما أنت بمسمع من فی القبور

در این آیه کافران لجوج و حق ناپذیر صدراسلام درمکه، به مردگان در قبرها تشبیه شده اند که هیچ راهی برای هدایتشان نیست و آنان نیز هیچ زمینه ای برای پذیرش ندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۸ - ۱

۱ - مردمی که ایمان نیاورند و محکوم به عذاب الهی گردند ، مانند کسانی اند که در گردنشان تا چانه ها ، غل و زنجیر قرار داشته و سرهایشان به طرف بالا مانده باشد .

إنّا جعلنا فی أعنقهم أغللاً فهی إلی الأذقان فهم مقمحون

<ذقن> (مفرد <أذقان>) به معنای چانه و <قمح> (ریشه <مقمحون>) به معنای بلند کردن سر است. گفتنی است آیه شریفه در مقام تمثیل و تشبیهِ حالِ کافران و مشرکانِ لجوجی است که نمی خواستند هرگز ایمان بیاورند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۹ - ۱

۱ - مردمی که ایمان نیاورند و محکوم به عذاب

الهی گردنـد ،ماننـد کسانی اند که سدّی بلند در پیش رو و پشت سـرشان نهاده شده و بر دیدگانشان پرده ای افکنده شده که هیچ چیز نبینند .

و جعلنا من بین أیدیهم سدًّا

تنکیر <سدّاً> برای تعظیم است و به قرینه <فأغشیناهم>، مقصود از آن، سدّی بلند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۳ - ۳

۳ - وضعیت فرهنگی و دینی مردم عصر پیامبراسلام ، شبیه و مانند وضعیت مردم انطاکیه هنگام آمدن رسولان به سوی آنان

و اضرب لهم مثلاً أصحب القریه إذ جاءها المرسلون

بیشـتر مفسـران برآننـد که مقصود از <أصـحاب القریه> مردم شـهر <انطـاکیه> است (که هم اکنون جزء خـاک ترکیه و از شهرهای تجاری آن می باشد). گفتنی است <إذ> ظرف زمان و بدل اشتمال، برای <أصحاب القریه> است؛ یعنی، مثل بزن از مردم انطاکیه، آن گاه که رسولان الهی به سوی شان آمدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۹ - ۳

۳ - ماه ، پس از طی منزل های خود در ۲۸ روز ، مانند شاخه خشکیده خرما می شود .

و القمر قدّرنه منازل حتّی عاد کالعرجون القدیم

<عرجون> (از ماده <عرجن>) به معنای شاخه خوشه خرما است که از درخت جدا شده باشد و پس از چندی زرد گشـته و به شکل هلال درآمده باشد. گفتنی است صفت <قدیم> اشاره به پژمردگی و کهنگی آن شاخه دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۰ - ۷

۷ - مؤمنان ، انسان های زنده دل و برخوردار از

حیات واقعی و معقول ، و کافران (چونان مردگان) محروم از آن

لینذر من کان حیًّا و یحقّ القول علی الکفرین

برداشت یاد شده از ارتباط میان صدر و ذیل آیه شریفه; یعنی، به قرینه مقابله میان انسان های زنده و کافران، به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۵ - ۲،۳

۲ - مشرکان چونان سپاهی آماده به خدمت ، پشتیبانِ معبود های خویشند .

و هم لهم جند محضرون

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که ضمیر <هم> به مشرکان و ضمیر <لهم> به معبودها باز گردد.

۳ - معبود های ادعایی به روز رستاخیز ، در حالی که همچون سپاهِ آماده به خدمت برای مشرکان اند ، از هرگونه یاری رسانی به آنان ناتوان خواهند بود .

لایستطیعون نصرهم و هم لهم جند محضرون

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که ضمیر <هم> به معبودها و ضمیر <لهم> به مشرکان بازگردد و این جمله حال برای ضمیر غایبی در<لایستطیعون> باشد. بر این اساس، این ترکیب از باب مبالغه آمده است; زیرا متمرکز کردن تمامی نیروها در قالب یک سپاهِ آماده به خدمت و در عین حال ناتوان بودن از یاری رسانی، نشان دهنده اوج ناتوانی معبودها می باشد. گفتنی است بر اساس این نظر، آیه شریفه ناظر به روز قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۴۹ - ۱

۱ - زنان و حوران بهشتی ، از شدت سفیدی و درخشندگی همچون تخم شترمرغ زیر پر هستند .

کأنّهنّ بیض

<بیض> اسم جنس و مفرد آن <بیضه>

و به معنای تخم شترمرغ است که رنگ آن سفید و درخشنده و کمی متمایل به زردی است و این حیوان آن را زیر پر خود می پوشاند تا از غبار و آلودگی و دستبرد محفوظ ماند. عرب ها، زنان زیبا را به <بیض> تشبیه می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۵ - ۱

۱ - میوه و ثمره درخت < زقّوم > ، در زشتی همانند سر های شیطان ها است .

طلعها کأنّه رءوس الشیطین

<طلع>، به معنای <ثمره> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۹ - ۵

۵ - شباهت خدایان ادعایی شرک پیشگان ، به شریکان ناسازگار و سخت گیر

ضرب اللّه مثلًا رجلًا فیه شرکاء متشکسون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۲ - ۷

۷ - خواب ، پدیده ای شبیه به مرگ

اللّه یتوفّی الأنفس حین موتها و الّتی لم تمت فی منامها

کاربرد <توفّی> در مورد خواب انسان، به مانند کاربرد آن در مورد مرگ او، ناظر به شباهت مرگ و خواب می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۹ - ۱۰

۱۰ - شباهت رستاخیز انسان ها در قیامت ، به رویش گیاهان پس از ریزش باران

و من ءایته أنّک تری الأرض خشعه . .. إنّ الذی أحیاها لمحی الموتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۷ - ۶

۶ - مشرکان عصر بعثت ، فرشتگان را موجوداتی شبیه خداوند در رحمت

می دانستند .

بما ضرب للرحمن مثلاً

با توجه به کلمه <رحمان> و <مثلاً>، مطلب بالا قابل برداشت است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۴۵ – ۱

۱- ثمره درخت زقوم ، چونان موادی آلوده و مذاب و جوشان در درون دوزخیان

إنّ شجرت الزقّوم . طعام الأثیم . کالمهل یغلی فی البطون

در معنای <مُهل>، برخی به آلودگی و عده ای به مذاب بودن آن اشاره کرده اند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۴۶ – ۱

۱- جوشش زقّوم ، در درون دوزخیان ، چونان جوشش آب های داغ

کغلی الحمیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۱۲ – ۷،۱۳

۷- لذّت جویی و شکمبارگی حیوان گونه کافران ، تنها بهره آنان از زندگی دنیایی

الذین کفروا یتمتّعون و یأکلون کما تأکل الأنعم و النار مثوًی لهم

از مقابله دو بخش آیه که برای مؤمنان پایان خوش بهشت را یادآور شده استفاده می شود که کافران، هرگز از آن نعمت های اخروی بهره نخواهند برد; بلکه تنها شهوت رانی و استفاده حیوان گونه از امکانات دنیا، نصیب آنان است.

۱۳- بهره گیری از نعمت های دنیوی و نیندیشیدن به آفریننده آن ، شیوه ای حیوانی است . *

و الذین کفروا یتمتّعون و یأکلون کما تأکل الأنعم

برداشت بالا بدان احتمال است که تشبیه کافر به حیوان، از آن جهت باشد که حیوان هنگام بهره گیری از موهبت های طبیعی، به پدیدآورنده آن نمی اندیشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ -

۲۰ - ۸

۸- نگاه بیماردلان به پیامبر (ص) ، پس از نزول آیات جهاد ، نگاهی وحشت زده و محتضرگونه

ینظرون إلیک نظر المغشیّ علیه من الموت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۴ - ۳

۳ - خدمت کاران بهشتی ، چونان مروارید های نهفته در صدف

غلمان لهم کأنّهم لؤلؤ مکنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۷ - ۴

۴ - منظره رستاخیز آدمیان ، همچون منظره ملخ های پراکنده بر پهنه زمین

یخرجون من الأجداث کأنّهم جراد منتشر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۰ - ۲

۲ - اجساد قوم عاد ، پس از عذاب ، همانند نخل های ریشه کن شده از اعماق خاک

تنزع الناس کأنّهم أعجاز نخل منقعر

<عجز> (مفرد <أعجاز>)به معنای تنه و <منقعر> به معنای کنده شده از ریشه است (مختارالصحاح).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۱ - ۴

۴ - خشک شدن قوم ثمود ، همانند علف های خشک دامداران ، با یک صدای مهیب آسمانی

إنّا أرسلنا علیهم صیحه وحده فکانوا کهشیم المحتظر

<هشیم> به گیاه خشك و <محتظر> به کسی گفته می شود که برای دام آغل درست کند. بنابراین <هشیم المحتظر>; یعنی، علف خشکی که دامدار برای دامش تهیه می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۴ - ۱

۱ - حرکت کشتی های کوه پیکر در دریا ها ، به تدبیر و اراده الهی

و له الجوار المنشات فی

البحر كالأعلم

<جواری> (جمع <جاريه>)به معنای کشتی ها و <أعلام> (جمع <علم>) به معنای کوه ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۷ - ۲،۳

۲ - سرخ شدن آسمان و شباهت پیدا کردن آن به چرمی گلگون ، به هنگام فروپاشی در آستانه قیامت

فإذا انشقّت السّماء فكانت ورده كالدهان

<ورده> به معنای گل سرخ و <دهان> به معنای چرم قرمز است. بنابراین <كانت ورده كالدهان>; یعنی، همانند چرم گلگون سرخ خواهد شد.

۳ - ذوب شدن اجرام آسمانی چون روغن گداخته ، به هنگام فروپاشی در آستانه قیامت

فإذا انشقّت السّماء فكانت ورده كالدهان

برداشت یاد شده در صورتی است که <دهان> به معنای روغنی باشد که در نتیجه گداختن به رنگ گل سرخ در آمده است (چنان که عده ای از مفسران برآنند) برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۸ - ۱

۱ - حوریان بهشتی ، موجوداتی زیبا و جذاب همچون یاقوت و مرجان

كأنّهنّ الياقوت و المرجان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۳ - ۱

۱ - حوران بهشتی ، در نهایت صفا و طراوت همچون مروارید نهفته در صدف

و حور عين . كأمثل اللؤلؤ المكنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۵ - ۱

۱ - دوزخیان (اصحاب شمال) ، آب داغ و جوشان دوزخ را همچون شتری تشنه ، با حرص و ولع خواهند نوشید .

فشربون شرب الهیم

<هیم> جمع <هیماء> است و <هیماء> به شتر تشنه گفته می

شود. تشبیه حالت دوزخیان به هنگام نوشیدن از آب داغ جهنم به شترِ تشنه، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۱۷ – ۲

۲ – دل های غافل از یاد خداوند و بیگانه با کلام او (قرآن) ، چونان زمین مرده است .

أن تخشع قلوبهم لذکر اللّه . .. اعلموا أنّ اللّه یحیِ الأرض بعد موتها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۲۰ – ۱۱

۱۱ – حیات دنیا ، همچون رستنی های کشتزار ، فریبا و ناپایدار است .

اعلموا أنّما الحیوه الدنیا . .. کمثل غیث أعجب الکفّار نباته ... ثمّ یکون حطمًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – صف – ۶۱ – ۸ – ۵

۵ – تلاش های گسترده کافران علیه اسلام ، به مثابه پفی ناچیز در مقابل نوری عظیم و درخشان

یریدون لیطفؤا نور اللّه بأفوههم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – صف – ۶۱ – ۱۴ – ۴

۴ – خداوند ، از مؤمنان می خواهد در یاری او مانند حواریون عیسی (ع) باشند .

یأیّها الذین ءامنوا کونوا أنصار اللّه کما قال عیسی ابن مریم . .. قال الحواریّون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – منافقون – ۶۳ – ۴ – ۶

۶ – منافقان ، به رغم ظاهر فریبنده و سخنان زیبایشان ، چونان چوب های تکیه شده بر دیوار ، خشک و بی روح اند .

كأنّهم خشب مسنّده

جلد - نام سوره - سوره - آيه -

فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱۲ - ۴

۴ - شباهت و همانندی کره زمین با آسمان ها ، در ترکیبات ، خصوصیات و قوانین حاکم بر آنها

اللّه الذی خلق سبع سموت و من الأرض مثلهنّ

مفسران درباره وجه شبه در این آیه (تشبیه زمین به آسمان)، دو احتمال داده اند: ۱ شباهت و همانندی از نظر ترکیبات، خصوصیات و قوانین حاکم بر آنها (احتمال برگزیده در برداشت بالا)؛ ۲ شباهت از نظر عدد؛ یعنی، کره زمین مانند آسمان هفت تا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۷ - ۱

۱ - اعلام خداوند به کافرانِ برخوردار از ثروت و مکنت ، به آزمودنشان همچون آزمودن باغداران یمنی

إنّا بلونهم کما بلونا أصحب الجنّه

مفسران درباره <اصحاب الجنّه> (صاحبان باغ) چنین نوشته اند: این باغ در حومه <یمن> در اختیار پیرمرد مؤمنی قرار داشت. او به قدر نیاز از آن برمی گرفت و بقیه را به مستمندان می داد. اما هنگامی که چشم از دنیا پوشید، فرزندانش گفتند: ما خود به محصول این باغ سزاوارتریم؛ چون عیال و فرزندان ما بسیار است و نمی توانیم مانند پدرمان عمل کنیم. آنان سوگند یاد کردند تمام مستمندان را از آن محروم سازند. سرنوشت آنان همان شد که در این آیات از آن یاد شده است. (مجمع البیان و نیز برگرفته از الکشاف زمخشری)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۷ - ۲

۲ - قوم عاد بر اثر باد ، مانند تنه های پوک و افتاده درختان خرما از پای درآمدند .

فتری القوم فیها صرعی

كأنّهم أعجاز نخل خاويه

<صریع> (مفرد <صرعی>) به معنای چیز افکنده شده بر زمین و <أعجاز> به معنای ساقه های ریشه دار در زمین (تنه ها) است. <خاویه>; یعنی، شیء خالی و نیز به معنای شیء افتاده بر زمین آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۸ - ۱

۱ - گداخته شدن آسمان ، همچون ذوب فلزات در آستانه برپایی قیامت

یوم تكون السماء كالمهل

<مهل> به هر فلز گداخته شده (همچون طلا، نقره، مس و. ..) گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۹ - ۱

۱ - متلاشی و ذره ذره شدن کوه ها ، همچون پشم رنگین و پراکنده شده ، در آستانه برپایی قیامت

و تكون الجبال كالعهن

<عهن> به معنای پشم رنگ شده است. در آیه پنجم از سوره <قارعه> چنین آمده است: <و تكون الجبال كالعهن المنفوش>; (و کوه ها مانند پشم رنگین زده شده خواهند شد).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۶ - ۱

۱ - خداوند ، ماه را نورانی و خورشید را همچون چراغ فروزنده آفرید .

و جعل القمر فيهنّ نورًا و جعل الشمس سراجًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۷ - ۱

۱ - خداوند ، انسان را همچون نباتات از زمین آفریده است .

و اللّه أنبتکم من الأرض نباتًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۸ - ۵

۵ - چگونگی زنده شدن انسان ها در قیامت ،

همچون روییدن نباتات است .

و اللّه أنبتكم من الأرض نباتًا . .. و يخرجكم إخراجًا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۵ - ۳

۳ - خداوند ، همانند رسول گرامى اسلام ، پيامبرى به سوى فرعون گسيل داشت .

كما أرسلنا إلى فرعون رسولاً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۶ - ۵

۵ - تهديد شدن سران كفر و شرک در صدراسلام ، به مؤاخده شدن همچون مؤاخذه فرعون

إنّا أرسلنا إليكم رسولاً شهدًا عليكم . .. فعصى فرعون الرسول فأخذنه أخذًا وبيلا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۲۶

۲۶ - انفاق و صدقه ، به منزله قرض و وام دادن به خداوند است .

و أقرضوا اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۵۰ - ۱

۱ - كافران لجوج و پندناپذير ، همچون گورخران رميده اند .

كأنّهم حمر مستنفره

<حمار> (مفرد <حمر>) به معناى خر اهلى يا وحشى است (الصحاح)؛ ولى مفسران آن را در آيه شريفه، از نوع وحشى دانسته اند كه در فارسى از آن به گورخر تعبير مى شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۵۱ - ۱

۱ - روی گردانی کافران ، از شـنودن کلام بیداربخش و پندآموز قرآن ، همچون فرار گورخران از شیر ژیان ، بسیار شدید بود
.

فرّت من قسوره

<قسوره> اسم جامد و به معنای شیر است و گاهی اسم جمع و در معنای شکارچیان تیرانداز استعمال می شود.

(الصحاح)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۳ – ۱۲

۱۲ – انسان در این جهان ، همچون رونده ای گم کرده راه و دین راهی است درست ، و دینداران مردمی راه یافته اند .

إنّا هدینه السبیل إمّا شاکرًا و إمّا کفورًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۱۶ – ۲

۲ – قدح ها و کوزه های بهشتیان (ابرار و . . .) ، در صفا و شفافیت ، مانند شیشه و بلور و در سفیدی و زیبایی ، همچون نقره است .

کانت قواریرَا . قواریرَا من فضّه

برخی از مفسران، این آیه را از باب تشبیه بلیغ دانسته اند; نه این که ظرف های مورد استفاده بهشتیان، حقیقتاً از جنس شیشه و در عین حال نقره است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۱۹ – ۶

۶ – جوانکان خدمت گزار ابرار در بهشت ، چون مروارید پراکنده اند .

و یطوف علیهم ولدن مخلّدون$ إذا رأیتهم حسبتهم لؤلؤًا منثورًا

إذا رأیتهم حسبتهم لؤلؤًا منثورًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۲ – ۴

۴ – فرشتگان وحی ، همچون طوفان با سرعت بسیار مأموریت خود را دنبال می کردند .

فالعصفت عصفًا

<عاصـفات> از نظر لغوی، به معنـای تنـدبادها و طوفـان هـا است و اگر مقصود از آن، فرشـتگان باشـد، در این کلام تشبیه و استعاره به کار رفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۳ -

۱ – شراره های برخاسته از آتش دوزخ ، همانند شتران زرد رنگ است .

کأنّه جملت صفر

<جملات> جمع <جِماله> است. <جماله> یا جمع <جمل> (شتر) و یا اسم جمع است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نبأ – ۷۸ – ۹ – ۴،۶

۴ – خواب برای انسان ، نوعی مرگ است .

و جعلنا نومکم سباتًا

فعل <سُبِتَ> علاوه بر معنای <بی هوش شد>، به معنای <مُرد> نیز استعمال می شود (مصباح). بنابراین، احتمال می رود که <سبات> به معنای مرگ باشد.

۶ – مرگ و معاد انسان ، شبیه خواب و بیداری است .

و جعلنا نومکم سباتًا

یاد کردن از خواب در میان آیاتی که به منظور رفع استبعاد از معاد مطرح شده; ممکن است به جهت تشابهی باشد که بین خواب و مرگ و نیز بیداری و معاد وجود دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نبأ – ۷۸ – ۱۰ – ۱

۱ – تاریکی شب بسان لباسی پوشیده بر موجودات با مستور ساختن آنها از دید انسان ، مانع تلاش و فعالیت بیش از حد او است .

و جعلنا الّیل لباسًا

تقابل این آیه و آیه بعد که روز را زمان تلاش برای زندگی دانسته است بیانگر برداشت یاد شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نبأ – ۷۸ – ۱۵ – ۶

۶ – معاد انسان ، شبیه رویش گیاهان از زمین است .

لنخرج به حبًّا و نباتًا

یاد آوری اخراج دانه و گیاه از زمین در آیاتی که به منظور رفع استبعاد از معاد مطرح شده گویای تشابه

معاد با رویش گیاهان است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نبأ – ۷۸ – ۲۰ – ۲

۲ – حرکت کوه ها در قیامت ، آنها را به توده غباری شبیه کوه ، تبدیل خواهد کرد .

و سيّرت الجبال فكانت سرابًا

تشبیه کوه به سراب، بیانگر آن است که پس از حرکت کوه ها در قیامت، آنچه دیده می شود کوه نیست; ولی بیننده آن را کوه خواهد دید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نازعات – ۷۹ – ۳۰ – ۲

۲ – زمین ، همچون گوی پرتاب شده در فضا است . *

دحیها

یکی از معانی <دحو>، بازی با پرتاب سنگ، گردو و . .. به سوی حفره ای است که از پیش به همین منظور حفر شده است. آن حفره را <اُدحیّه> و سنگ را <مِدحاه> می نامند (لسان العرب). بر این اساس جمله <دحاها>، حاکی از پرتاب شدن زمین در فضا است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نازعات – ۷۹ – ۴۶ – ۱،۲

۱ – فاصله ولادت تا قیامت در دیدگاه اهل محشر فاصله ای ناچیز و همسان با عصر یک روز و یا وقت چاشت آن

كأنّهم . .. لم يلبثوا إلاّ عشيّه أو ضحها

مراد از <لَبْث> در <لم يلبثوا>، درنگی است که در دنیا و برزخ رخ می دهد. این زمان گرچه زیاد باشد، در مقایسه با آنچه انسان پس از حشر با آن مواجه خواهد شد، اندک است. برای <عشیّه> معانی متفاوتی ذکر شده است; از قبیل: <ظهر تا غروب>، <آخر روز> و <ظهر تا صبح فردا>

(مصباح). <ضحی>; یعنی، گسترش نور خورشید و پهناور شدن روز (مفردات راغب). اضافه <ضحی> به <عشیّه>، برای بیان این نکته است که مقدار صبح یا عصر از یک روز مراد است.

۲ - فاصله قیامت و دنیا هرچند طولانی باشد در برابر عظمت حوادث قیامت ناچیز و بسان گذشت نیمروز از عمر دنیا است .

کأنّهم . .. لم یلبثوا إلاّ عشیّه أو ضحیها

مفاد <یرونها> ممکن است در ناچیز دیدن دوران گذشته، دخیل باشد; یعنی، دیدن قیامت و رخدادهای آن، این ذهنیت را در انسان ایجاد می کند که فاصله طولانی دنیا و برزخ، در نظر او اندک آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۱ - ۲

۲ - آسمان ، همچون سقفی فراگیر و پوسته ای پوشاننده و قابل ازاله است .

و إذا السماء کشطت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۶ - ۲،۳

۲ - سوگند خداوند ، به ستارگان متحرک که مسیر خود را طی کرده و مانند رفتن حیوانات غیر اهلی به مخفیگاه خود ، از نظر ها محو می گردند .

الجوار الکنّس

<کُنّس> جمع <کانِس> است و آن چیزی است که پنهان می شود. این کلمه از ریشه <کَنَسَ الظبی> گرفته شده است; یعنی، آهو خود را در <کِناس> (پناهگاه) خود پنهان ساخت و استتار کرد. (نهایه ابن اثیر)

۳ - بعضی از اختران در طلوع ، حرکت و غروب خود ، شبیه آهوان پنهانی هستند که ظاهر شده و با حرکت به سمت مخفیگاه خود ، ناپدید شوند .

بالخنّس . الجوار الکنّس

توصیف ستارگان با وصف <کُنّس>

که از اوصاف آهوان است تشبیه بدیع و استعاره است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۱ - ۱

۱ - انجام دادن بعضی از کار های نیک ، دشوار و بسان افکندن خویش در یک راه کوهستانی و گردنه های صعب العبور است .

فلااقتحم العقبه

<اقتحام>; یعنی، بین کاری سخت و هولناك قرار گرفتن (مفردات). زمانی که شخص بدون فحص و بررسی خود را در ماجرایی بزرگ بیفکند، گفته می شود: <إقْتَحَمَ> (نهایه ابن اثیر). راه دشواری که در کوه قرار دارد، <عقبه> نامیده می شود (مفردات) و نیز <عقبه> به مسیر صعب العبوری گفته می شود که از آن بر کوه بالا روند (قاموس). این راه از آن جهت <عقبه> نامیده می شود که راه پیمایان، باید در آن پشت سر هم و به یک ستون حرکت کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۷ - ۲

۲ - کار های خیر ، هر چند به وزن مورچه ای ریز و یا ذرّات معلق در هوا باشد ، باقی مانده ، در قیامت بر انسان عرضه خواهد شد .

فمن یعمل مثقال ذرّه خیرًا یره

<مثقال>; یعنی، وسیله ای که با آن، وزن چیزی سنجیده شود (مفردات). <ذرّه> (مفرد <ذرّ>) به معنای کوچک ترین نوع مورچه است (صحاح اللغه). برخی آن را یک صدم وزن <جو> دانسته و برخی گفته اند: مراد ذرّاتی است که در شعاع خورشید، مشاهده می شود. (لسان العرب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۸ - ۲

- کار های ناروا ، هر چند به وزن مورچه ریز و یا ذرّات معلق در هوا باشد ، باقی مانده ، در قیامت بر انسان عرضه خواهد شد .

و من یعمل مثقال ذرّه شرًّا یره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۴ - ۱،۳

۱ - مردم در قیامت ، مانند پروانه های ریز و پراکنده در هوا ، هراسان و بی سامان به هر طرف روی خواهند آورد .

یوم یکون الناس کالفراش المبثوث

<فَراشَه> (مفرد <فَراش>)؛ یعنی، آنچه بال زده و در حرارت چراغ سقوط کرده و خود را می سوزاند (تاج العروس) <فرّاء> آنها را ملخ هایی می داند که روی زمین گسترده و در هم می لولند (مجمع البیان). تشبیه مردم در قیامت به آن حشرات، نشانگر سردرگمی، ترس و اضطرابی است که انسان ها را به هر سو خواهد کشاند.

۳ - تشبیه وضع انسان ها در قیامت ، به انبوه ملخ های پراکنده *

یوم یکون الناس کالفراش المبثوث

برداشت یاد شده، ناظر به این احتمال است که فَراش چنان که فرّاء گفته است به معنای ملخ هایی باشد که بر زمین گسترده شده، درهم می لولند. گفتنی است که این معنا، تنها از فرّاء نقل شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۵ - ۱

۱ - کوه ها در قیامت ، مانند پشم های رنگارنگی خواهند شد که حلاجی شده و از هم باز شده باشد .

و تکون الجبال کالعهن المنفوش

<عهن>، به معنای پشمی است که با رنگ های گوناگون رنگ آمیزی شده باشد.

برخی گفته اند: به هر پشمی <عِهْن> گفته می شود. <نَفْش>; یعنی، بازکردن و کشیدن پشم تا آن جا که اجزای آن از هم بگسلد. (لسان العرب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۹ - ۴

۴ - تشبیه خطاپیشگان در قیامت ، به جان باختگانی که تحمّل مرگ آنان برای مادرشان هلاکت آفرین است . *

فأُمّه هاویه

فعل <هوی> در معانی مختلفی از جمله <سَقَطَ> و <مات> به کار رفته است (قاموس). بنابر معنای دوم، کلمه <هاویه>، به معنای <هالکه> خواهد بود نسبت دادن هلاکت به مادر کسی که میزان اعمال او سبک است، کنایه از عظمت سختی های وارد بر وی است; به گونه ای که در آن موارد، مادران تاب تحمّل چنین وضعی را برای فرزند خود نداشته و هلاک خواهند شد. در این صورت مرجع ضمیر <هی> در آیه بعد، عنوان <داهیه> (مصیبت بزرگ) خواهد بود که مفاد جمله <فأُمّه هاویه> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فیل - ۱۰۵ - ۵ - ۳،۴

۳ - بارش سنگ$ های پرندگان بر اصحاب فیل ، آنان را مانند کاه و خاشاک مرغزاری ساخت که حیوانات در آن چرانده شده و ساقه های نرم شده گیاهان آن ، بر زمین مانده باشد .

فجعلهم کعصف مأکول

<عصف>; یعنی، خاشاک گیاهی که خرد شده است (مفردات). توصیف آن به مأکول، به اعتبار خورده شدن مقداری از آن، در چرای حیوانات است.

۴ - تشبیه < جنازه های اصحاب فیل > ، به برگ هایی که حیوانات ، آن را خورده و تفاله آن را بیرون

داده باشند .

فجعلهم كعصف مأكول

در <قاموس> آمده است: <عصف مأكول>، ممكن است به معناى برگى باشد كه چارپايان آن را خورده باشند. بر اين اساس، مراد تشبيه اجساد فيل داران به سرگين خواهد بود كه از آن، با تعبيرى لطيف تر ياد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - فلق - ۱۱۳ - ۲ - ۶

۶ - تشبيه رهايى از شرور ، به شكافتن تاريكى

قل أعوذ بربّ الفلق . من شرّ ما خلق

تشكر از تلاوت كنندگان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۰ - ۸،۱۲

۸ - عالمان خداترس ، تلاوت گران قرآن ، برپادارندگان نماز و انفاق كنندگان ، برخوردار از آمرزش و دارنده نشان سپاس گزارى خداوند

إنّما يخشى اللّه من عباده العلمؤا . .. إنّ الذين يتلون كتب اللّه ... إنّه غفور

۱۲ - سپاس گزارى از عالمان خداترس ، تلاوت گران قرآن ، برپادارندگان نماز و انفاق كنندگان مخلص و گذشت از لغزش هاى آنان ، رفتارى ارزشمند و خدايى است .

إنّما يخشى اللّه من عباده العلمؤا . .. إنّ الذين يتلون كتب اللّه ... إنّه غفور

برداشت ياد شده، با توجه به اين نكته است كه چگونگى رفتار خداوند با اين دسته از انسان ها، مى تواند براى همگان آموزنده باشد.

تشويق به تعليم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ – عبس – ۸۰ – ۱۲ – ۲

۲ – آشنایی با معارف قرآن ، امری ضروری و مورد ترغیب از سوی خداوند

فمن شاء ذکره

تشویقهای قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸

- هود - ۱۱ - ۴۹ - ۹

۹ از هدف های بیان سرگذشت نوح (ع) در قرآن ، ترغیب پیامبر (ص) و اهل ایمان به صبر و مقاومت است .

تلک من أنباء الغیب نوحیها إلیک . .. فاصبر إن العقبه للمتقین

خداوند، با تفریع جمله <إصبر. ..> به وسیله حرف <فاء> بر نقل داستان نوح(ع) ، به این نکته اشاره می کند که: مقصود از شرح ماجرای حضرت نوح (ع) ، قصه سرایی نیست; بلکه هدف از آن ، هدایت و تربیت مخاطبان قرآن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۱ - ۸

۸ - تهدید و ترغیب ، از روش های قرآن برای هدایت انسان ها است .

فلهم عذاب جهنّم . .. لهم جنّت تجری من تحتها الأنهر

تصدیق قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۰ - ۵

۵ - توحید ربوبی و افعالی و تسلیم بودن در برابر خدا و تصدیق رسالت پیامبر اکرم (ص) و کتاب آن حضرت (قرآن) ، از اصول آیین ابراهیم است .

وابعث فیهم رسولا . .. و من یرغب عن مله إبرهیم

آیه مورد بحث انسانها را به گزینش آیین ابراهیم دعوت می کند و آیه های گذشته، اشاره به اصول این آیین دارد. جمله <ربنا تقبل ...> بیانگر این است که: ابراهیم(ع) به توحید ربوبی و افعالی و ... معتقد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۳ - ۱

۱ - پیامبراسلام (ص) ،

آورنده کتاب آسمانی قرآن و دین الهی و تصدیق کننده و مؤمن به آن بود .

و الذی جاء بالصدق و صدّق به

در این که <الذی> در دو جمله < جاء بالصدق و صدّق به> چیست، چند احتمال وجود دارد: ۱ مقصود در هر دو جمله یک شخص و آن پیامبراسلام(ص) است. ۲ مراد پیامبران الهی می باشد و <الذی> هرچند به صیغه مفرد است ولی به قرینه این که با صیغه جمع (أُولئك هم المتّقون) بدان اشاره گشته، از آن جنس اراده شده است. ۳ مقصود از <الذی> در جمله دوم (و صدّق به) بر مبنای احتمال نخست، پیروان پیامبراسلام(ص) و بر مبنای احتمال دوم، پیروان پیامبران الهی است. گفتنی است برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال اول است.

تضمین جمع قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۱۷ - ۱،۲،۳

۱ - تألیف و تنظیم کلمات قرآن و خواندن آن بر پیامبر (ص) ، تضمین شده از سوی خداوند

إنّ علینا جمعه و قرءانه

<جمع> در لغت به معنای تألیف است و مقصود از آن در این آیه تألیف و تنظیم کلمات قرآن می باشد. واژه <قرآن> نیز معنای مصدری دارد; یعنی، خواندن. بنابراین <إنّ علینا جمعه و قرآنه>; یعنی، <بی تردید تألیف و تنظیم کلمات قرآن و خواندن آن بر تو [ای پیامبر] بر عهده ما است>.

۲ - گردآوری قرآن در سینه پیامبر (ص) و توانایی آن حضرت بر قرائت آن ، تضمین شده از سوی خداوند

إنّ علینا جمعه و قرءانه

یکی از احتمالات یاد شده در تفسیر آیه شریفه، این است که

مقصود از<جمعه>، گردآوری قرآن در سینه پیامبر(ص) است; به گونه ای که آن حضرت به خاطر سپارد و فراموش نکند و مقصود از <قرآنه> تثبیت قرائت قرآن بر زبان ایشان است; به گونه ای که هرگاه خواسته باشد بتواند آن را قرائت کند (مانند آیه ۶ از سوره <اعلی> <سنقرئک فلاتنسی>).

۳ - تضمین گردآوری شدن اجزای قرآن از سوی خداوند در یک مجموعه و حفظ و قرائت آنها در تمامی اعصار و برای همیشه تاریخ *

إنّ علینا جمعه و قرءانه

جمله <إنّ علینا جمعه و قرءانه> تعلیل برای <لاتحرّک به لسانک. ..> است. بر این اساس برخی از مفسران گفته اند: چون پیامبر(ص) درباره حفظ قرآن نگران بود، این آیه برای رفع نگرانی آن حضرت و تضمین دائمی درباره آن است.

تعالیم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۹ - ۴

۴ - قرآن ، متضمن آیات و دلایلی روشن بر حقانیت خود و رسالت پیامبر (ص)

و لقد أنزلنا إلیک ءایت بینت

مقصود از <ءایات> می تواند آیات قرآنی باشد و می تواند معجزات و دلایلی باشد که بر صداقت پیامبر(ص) و آسمانی بودن قرآن دلالت دارد. برداشت فوق ناظر به احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۵ - ۱۰

۱۰ - قرآن ، حاوی دلایلی روشن و فراوان برای رهنمون ساختن انسان ها به هدایت های ویژه و مراحل والای هدایت

الذی أنزل فیه القرءان هدًی للناس و بینت من الهدی

<بینه> به معنای دلیل و روشن و آشکار است و جمع آوردن آن دلالت بر کثرت دارد.

از معرفه بودن <الهدی> در <بینات من الهدی> چنین بر می آید که مراد، هدایتهایی خاص است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۳۸ – ۲

۲ همه مردم در پهنه گیتی و در همه ادوار ، مخاطب تعالیم روشنگر قرآن

هذا بیان للنّاس

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۰۵ – ۳،۱۱

۳ حقانیت همه جانبه قرآن و مطابقت معارف و تعالیم آن با واقع

إنّا انزلنا إلیک الکتب بالحق

کلمه <حق> به معنای مطابقت و موافقت با واقع است و در برداشت فوق، کلمه <بالحق>، توصیف <الکتب> گرفته شده و به تعبیر ادبی، حال برای آن است. یعنی: متلبساً بالحق.

۱۱ پیامبر (ص) ، موظف به قضاوت در میان مردم بر پایه تعالیم قرآن و شیوه های ارائه شده به او ، از سوی خداوند

إنّا انزلنا إلیک الکتب بالحق لتحکم بین الناس بما اریک اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۷۶ – ۱۸،۱۹

۱۸ اهتمام قرآن به مسایل حقوقی و اقتصادی

قل اللّه یفتیکم فی الکلله . .. یبین اللّه لکم ان تضلوا

۱۹ نادیده گرفتن مسایل اقتصادی و حقوقی دین (ارث و . . .) مایه گمراهی و ضلالت

یستفتونک قل اللّه یفتیکم . .. یبین اللّه لکم ان تضلوا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۴۸ – ۱۵،۱۶

۱۵ تمامی قوانین و مقررات باید تنها بر پایه تعالیم قرآن تدوین و تنظیم گردد .

و انزلنا الیک الکتب .

.. فاحکم بینهم بما أنزل اللّه

۱۶ نفوذ و اعتبار قوانین و داوری ها در گرو پی ریزی آنها بر اساس تعالیم قرآن است .

و انزلنا الیک الکتب . .. فاحکم بینهم بما أنزل اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۵۰ – ۸

۸ احکام و قوانین قرآن ، مبتنی بر علم و عقل

و إن احکم بینهم بما أنزل اللّه . .. افحکم الجهلیه یبغون

جهل در لغت مقابل عقل و نیز علم، کاربرد دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۹ – ۱۱

۱۱ قرآن، کتاب جهانی و برای همه عصرها و انذار دهنده کسی که به معارف آن دست یابی یابد.

و أوحی إلیّ هذا القرءان لأنذرکم به و من بلغ

<من بلغ> بیانگر عموم و محدود نبودن مرز دعوت قرآن در عرصه زمان و مکان است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۵۲ – ۵

۵ قرآن ، ارائه کننده دینی به دور از هر گونه باطل و مبرا از امور واهی و بازدارنده از سعادت انسان

الذین اتخذوا دینهم لهواً و لعباً . .. و لقد جئنهم بکتب فصلنه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۵۷ – ۷

۷ موضوعات مطرح شده در قرآن ، در راستای پندآموزی ، شفابخشی ، هدایتگری و رحمت بخشی است .

يأيها الناس قد جاءتكم موعظه من ربكم . .. و رحمه للمؤمنين

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

٨ – يوسف –

۸ - ۷ - ۱۲

۸ طرح پرسش و آن گاه مراجعه به قرآن برای پاسخ یابی ، توصیه خداوند به انسانها

لقد کان فی یوسف و إخوته ءایت للسائلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱۱ - ۱۱

۱۱ قرآن هر آنچه را مردم برای رسیدن به سعادت دنیا و آخرت بدان نیازمندند ، به روشنی بیان کرده است .

و لکن . .. تفصیل کل شیء

توصیف قرآن به <هدًی> و <رحمه> پس از <و لکن . .. تفصیل کل شیء> می رساند که مراد از <هر چیز> مسائل هدایتی و هر آنچه رحمت آفرین و مایه سعادت بشر می باشد ، در آن بیان شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱ - ۹

۹ آیات قرآن ، آیاتی عظیم الشأن و دارای محتوا و تعالیمی والا و بلند مرتبه است .

تلک ءایت الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲ - ۱۳

۱۳ قرآن ، بیانگر نشانه ها و دلایل اقتدار خداوند و روشن گر تدبیر او بر امور جهان است .

یدبر الأمر یفصّل الأیت

در برداشت فوق <الأیات> به آیات قرآنی تفسیر شده است. گفتنی است که بر این مبنا مقصود از تفصیل (جداسازی) تبیین کردن و به روشنی بیان نمودن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۷ - ۲

۲ قرآن حکم و قانون الهی و منبع شناخت حقایق و معارف دینی است .

و كذلك أنزلنه حكمًا

حکم کردن به چیزی آن است که داوری

کنی و اعلام داری کـه آن چیز این گـونه است و یـا این گـونه نیست (مفردات راغب). بر این اسـاس <قرآن حُکم است> ; یعنی، داوری می کند و بیان می کند که چه چیز چگونه است و یا چگونه نیست و این معنا شامل همه قوانین، حقایق و معارفی می شود که خداونـد اثباتاً و یا نفیاً در قرآن بیان کرده است و درباره آن قضاوتی دارد ;ماننـد اینکه خداونـد شـریکی نـدارد، قیامت حق است و یا روزه بر شما واجب شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۸ - ۸

۸ قرآن بـا توجه دادن مردم به زنـدگانی بشـری و عـادی پیـامبران پیشـین ، طعن و ایراد مخالفـان پیـامبر (ص) را امری نابجا و ناموجه دانست .

و لقد أرسلنا رسلاً من قبلك و جعلنا لهم أزوجًا و ذريّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۹ - ۱۳،۱۴،۱۵،۱۶

۱۳- قرآن ، حاوی تمامی حقایق هستی که آگاهی از همه آنها در اختیار پیامبر (ص) است . *

و نزّلنا عليك الكتب تبينًا لكلّ شىء و هدًى

برداشت فوق، مبتنی بر این احتمال است که مقصود از <تبیاناً لکلّ شـیء> تمامی حقایق هستی باشد، ولی از آن جا که قرآن بر شـخص پیامبر(ص) نازل شد (نزّلنا علیک) و آن حضرت نقش تبیین حقایق قرآن را برعهده دارد (و أنزلنا إلیک الذکر لتبین للناس . .. <سوره نحل / ۴۴>) از این رو می توان استفاده کرد که تمامی حقایق قرآن که حاوی حقایق عالم است

نزد پیامبر(ص) موجود است و ایشان بر حسب مصلحت برخی از آن حقایق را برای مردم تبیین می کنند.

۱۴- پیامبر (ص) ، شایسته ترین انسان و قرآن کامل ترین برنامه برای رشد و هدایت آدمیان است .

و جئنابک شهیدًا علی هؤلاء و نزّلنا علیک الکتب تبینًا لکلّ شیء و هدًی

بـا توجه به ارتبـاط دو بخش آیه; یعنی، <و جئنـا بـک شـهیدا . ..> بـا <و نزّلنا علیک ...> و نیز بنابر اینکه <شـهیداً> را به معنای الگو بدانیم و شهادت را شهادت عملی به شمار آوریم، برداشت فوق را می توان به دست آورد.

۱۵- لزوم مراجعه به قرآن ، برای شناخت عوامل واقعی رشد و هدایت انسان

و نزّلنا علیک الکتب تبینًا لکلّ شیء و هدًی

۱۶- ارائه بهترین برنامه به انسان (قرآن) ، اتمام حجت خداوند بر آدمیان

و یوم نبعث فی کلّ أُمّه شهیدًا . .. و نزّلنا علیک الکتب تبینًا لکلّ شیء و هدًی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹ - ۱

۱- قرآن دربردارنده برترین هدایت ها و استوارترین شریعت برای بشر است .

إن هذا القرءان یهدی للّتی هی أقوم

عبارت <التی هی أقوم> صفت برای موصوف محذوف مثل کلمه <شریعت> و <ملت> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۲ - ۱۲

۱۲- قرآن ، دربردارنده همه بیان های هدایتی مورد نیاز انسان در فصل ها و بخش های متعدد

إن هذا القرءان یهدی . .. و کلّ شیء فصّلنه تفصیلاً

برداشت فوق مبتنی بر این است که <فصّلناه> به معنای لغوی خود (جدا کردن) استعمال شده

باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۵ - ۶

۶- حقایق قرآنی ، اساس رسالت پیامبر (ص) و بشارت ها و انذار های آن حضرت

و بالحقّ أنزلنه و بالحقّ نزل و ما أرسلنک إلاّ مبشّرًا و نذیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۶ - ۸

۸- قرآن ، حقایقی عالی و تنزل یافته در حد فهم و درک بشر *

نزّلنه تنزیلًا

در معنای <نزول> فرود از مرتبه عالی نهفته است (مفردات راغب) و چون نزول فیزیکی قرآن قابل تصور نیست، ممکن است مقصود نزول معنوی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۴ - ۱،۵

۱- قرآن ترسیم کننده سیما و سرگذشت واقعی عیسی (ع)

ذلک عیسی ابن مریم قول الحقّ

<ذلک> اشاره به دارنده اوصافی است که در آیات گذشته تشریح شد. و <قول الحقّ> مفعول برای فعل محذوف (أقول) است، یعنی سخن درستی می گویم.

۵- قرآن ، بیان کننده حقایق تاریخ و واقعیت های آن است .

ذلک عیسی ابن مریم قول الحقّ الذی فیه یمترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۷ - ۷

۷- محتوای قرآن ، وسیله بشارت و انذار است .

فإنّما یسّرنه بلسانک لتبشّر . .. و تنذر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۳ - ۵

۵ - قرآن ، حاوی هشدار ها و وعیدهایی گوناگون و متنوع

و صرّفنا فیه من الوعید

<صرف> و <تصریف> بازگرداندن چیزی از حالتی به حالت دیگر

و یـا تعـویض آن است. گفتنی است که در <تصـریف> مبـالغه افزون تری وجـود دارد (مفردات راغب). بنـابراین مقصـود از <صرّفنا...> این است که وعیدها را به شکل های گوناگون عرضه کردیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۵ - ۱

۱ - قرآن حاوی عهد ها و توصیه های خداوند

و کذلک أنزلنه . .. لعلّهم ... و لقد عهدنا إلی ءادم من قبل

<عهـد>; یعنی، وصـیت و سـفارش (قاموس)، <واو> در <و لقد عهـدنا> داسـتان آدم را به مطالب قبل (و کذلک أنزلناه)، عطف کرده است، ارتباط عهـد خداونـد با آدم به نازل کردن قرآن، گویای آن است که قرآن در پی آموختن عهدها و توصـه های خداوند، به مردم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۳ - ۷

۷ - قرآن ، حاوی معارف کتاب های آسمانی پیشین

أوَلم تأتهم بیّنه ما فی الصحف الأُولی

توصـیف قرآن به این که <بیّنه دیگر کتاب های آسـمانی است>، دو نکته را روشن می سازد: اول این که مطالب قرآن و آن کتاب ها شبیه یکدیگر است; دوم این که این کتاب، شاهد صدقی بر آن کتاب ها می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰ - ۴

۴- قرآن ، یاد آورنده انسان و حاوی مسائل مربوط به آدمیان است .

کتبًا فیه ذکرکم

برداشت یاد شـده مبتنی براین است که <ذکر> به معنای چیزی را به زبان آوردن و یاد کردن باشـد. گفتنی است که این معنا از معانی مشهور و غالب آن است.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۸ - ۸

۸ - پیام های قرآن ، هماهنگ با پیام های آسمانی پیشین

أم جاءهم ما لم يأت ءاباءهم الأوّلين

برداشت فوق، بر این اساس است که مراد از <ما> در <ما لم یأت> محتوا و پیام های قرآن باشد، یعنی <أم جاءهم من الوحی ما لم یأت. ..>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۲ - ۵

۵ - بیان دقیق سرگذشت امت های کفرپیشه تاریخ در قرآن ، نازل شده از سوی خداوند .

و إنّه لتنزيل ربّ العلمين

برداشت یاد شده با توجه به نکته این است که ضمیر <إنّه> ناظر به محتوای آیات پیشین باشد که مربوط به سرنوشت امت های گذشته تاریخ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۴ - ۵

۵ - هشدار دهی به خلق ، از پیام های بارز قرآن

نزل به الروح الأمين . .. لتكون من المنذرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱۳ - ۲

۲ - دعوت به توحید و پرستش خدای یگانه ، عصاره پیام قرآن

فلاتدع مع اللّه إِلهًا ءاخر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷ - ۲

۲ - بیان دقیق سرگذشت موسی و خانواده اش در وادی طور (ماجرایی که به جز خدا کسی از آن خبر نداشت) دلیلی روشن بر آسمانی بودن قرآن

و إنّک لتلقّی القرءان . .. إذ قال موسی لأهله

بیان ماجرای موسی در وادی طور، که می

تواند دلیلی برای <إنّک لتلقّی القرآن. ..> باشد; زیرا آن واقعه ای است که جز خدا احدی از آن اطلاع نداشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۶ - ۵،۹

۵ - جداسازی حق از باطل ، سره از ناسره و ارائه بینش صحیح مکتبی از رسالت های قرآن

إنّ هذا القرءان یقصّ علی بنی إسرءیل أکثر الذی هم فیه یختلفون

مراد از <یقصُّ> صرف قصه گویی و گزارش نیست; بلکه گزارش همراه با نقد و تبیین و تفکیک سره از ناسره است.

۹ - برخی اختلافات دینی بنی اسرائیل ، فاقد ارزش تبیین و نقادی از نظر قرآن

إنّ هذا القرءان یقصّ علی بنی إسرءیل أکثر الذی هم فیه یختلفون

این که قرآن به همه مسائل مورد اختلاف بنی اسرائیل نپرداخته است، می تواند از آن جهت باشد که قرآن به مسائل ضروری و مورد نیاز توجه داشته و اختلافات فاقد ارزش را مسکوت گذاشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۹ - ۷

۷ - پایبند ساختن بشر به نیکی ها و ارزش ها ، عصاره پیام وحی و دعوت قرآن

من جاء بالحسنه فله خیر منها

از این که خداوند به جای هر عمل خاصی، عنوان <الحسنه> را برگزیده و آن را ملاک اصلی رستگاری انسان معرفی کرده است، استفاده می شود که همه تکالیف و رهنمودهای دین، در حقیقتی به نام <حسنه> خلاصه می شود و وحی الهی با تشویق و رهنمود به نیکی ها، درصدد پایبند ساختن انسان به آنها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ -

عنکبوت - ۲۹ - ۴۷ - ۱۱

۱۱ - قرآن ، حاوی آیات الهی است .

و کذلک أنزلنا إلیک الکتب . .. و ما یجحد بأیتنا إلاّ الکفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۱ - ۷

۷ - برتری اعجاز قرآن بر معجزات حسّی ، در این است که قرآن ، دارای معارفی است و مردم با خواندن آن ، بر آن معارف ، آگاه می شوند .

أَوَلم یکفهم أنّا أنزلنا علیک الکتب یتلی علیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲ - ۴

۴ - قرآن ، از مقام ربوبیت خدا ، نشأت گرفته و دربردارنده معارفی در جهت رشد و کمال انسان است .

تنزیل الکتب . .. من ربّ العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۴ - ۴

۴ - قرآن ، دربردارنده آیه های خدا و حکمت است .

و اذکرن ما یتلی فی بیوتکنّ من ءایت اللّه و الحکمه

مراد از <ما> به قرینه <یُتلی> می تواند قرآن باشد و <من> برای بیان <ما>، در این صورت، آیات و حکمت، تشکیل دهنده محتوای قرآن خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۳ - ۱۲

۱۲ - تعالیم قرآن کریم ، با آیین و سنت های ماندگار از گذشتگان مشرکان ، در تعارض آشکار است .

و إذا تتلى عليهم ءايتنا . .. قالوا ما هذا إلّا رجل يريد أن يصدّكم عمّا كان يعب

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

١۵ – ص

- ۳۸ - ۸ - ۷

۷ - قرآن ، یادآور دانستنی های فراموش شده و بیدارگر فطرت خفته انسان ها

أءنزل علیه الذکر من بیننا بل هم فی شک من ذکری

برداشت یاد شده از نام گذاری قرآن به <ذکر> استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۹ - ۸

۸ - قرآن ، برخوردار از معارف و آموزه های عمیق و ژرف

کتب . .. لیدّبّروا ءایته

از این که خداوند فرمود: قرآن برای تدبر و اندیشه کردن است، استفاده می شود که محتوای این کتاب، عمیق و ژرف است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴ - ۲

۲ - بشارت و انذار ، دو پیام مهم و روشن آیات قرآن

کتب فصّلت . .. بشیرًا و نذیرًا

بـا توجه به این که قرآن در بردارنـده مفاهیم مختلف معرفتی است، تخصـیص به ذکر یافتن بشارت و انـذار، نشان گر اهمیت و برجستگی آن دو است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۱ - ۴

۴ - قرآن ، یادآور فطریات فراموش شده انسان به او

إنّ الذین کفروا بالذکر

انتخاب واژه <ذکر> (یادآوری) در نام گذاری قرآن، مفید برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴ - ۴

۴ - اخبار و سرگذشت های هشداردهنده و بازدارنده از گناه و سیه روزی ، بخشی از قلمرو موضوعات قرآن

و لقد جاءهم من الأنباء ما فیه مزدجر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵

۵ - توصیه به دور نشدن از قوانین و موازین عادلانه در زندگی ، برخوردار از جایگاهی ویژه در بین توصیه ها و آموزه های الهی و قرآنی

ألّاتطغوا فی المیزان

مطلب یاد شده با توجه به این نکته است که سفارش به دور نشدن از قوانین و موازین عادلانه، نخستین توصیه الهی در این سوره قرار گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۳ - ۳

۳ - قرآن ، بازگوکننده شأن و منزلت برتر خداوند ، در عالم هستی و بیانگر یکتایی او و بطلان شرک

یهدی إلی الرشد . .. و أنّه تعلی جدّ ربّنا ما اتّخذ صحبه و لا ولدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۴۰ - ۸

۸ - انسان و احیای مجدد او در روز رستاخیز ، از مباحث اساسی و محوری قرآن در دوره نخستین رسالت پیامبر (ص)

لا أقسم بیوم القیمه . .. أیحسب الإنسن ألّن نجمع عظامه ... أیحسب الإنسن أن یتر

برداشت یاد شده، به این سبب است که این سوره که از سوره های مکی و نازل شده در مرحله نخستین رسالت است از آغاز تا پایان، درباره دو موضوع انسان و قیامت بحث کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۹ - ۲

۲ - قرآن ، یادآور نیاز های بشر و تأمین کننده آن است .

إنّ هذه تذکره

واژه <تذکره> در بیشتر لغت نامه ها چنین معنا و تعریف شده است: <ما یُستَذکَرُ به الحاجه> (چیزی که

بهوسیله آن نیازها خاطر نشان می شود و انسان همواره آن را به یاد دارد و فراموشش نمی کند) (ر. ك: قاموس، صحاح، تاج العروس و لسان العرب). بر این اساس می توان استفاده کرد که قرآن، نیازهای انسان ها را بدان ها یادآور شده است; بگونه ای که آن را همواره در خاطر دارد و در واقع آنها را تأمین خواهد کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۰ - ۴

۴ - آگاه ساختن اهل خشیت به معارف قرآن ، آسان و بی نیاز از تحمل رنج و ناراحتی است .

سنقرئک . .. و نیسّرک للیسری . فذکّر ... سیذّکّر من یخشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۵ - ۴

۴ - قرآن در رهنمود های خود ، خردمندان را مخاطب قرار داده است .

لذی حجر

<حجر> به معنای <منع> است (قاموس). از آن جهت به عقل <حجر> گفته می شود که انسان را از خواسته های نفس باز می دارد. (مفردات راغب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۱ - ۷

۷ - قرآن ، کتابی با عظمت و گنجینه معارفی هماهنگ با مقدّرات جهان

إنّا أنزلنه فی لیله القدر

نزول قرآن در شب قدر، اسناد نازل کردن آن به خداوند و آوردن ضمیر بدون مرجع آن که خود حاکی از شهرت مرجع ضمیر است نشانه های عظمت قرآن است. تناسب ظرف و مظروف نیز، بیانگر هماهنگی نزول قرآن با ویژگی های شب قدر است.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۲۰ – بینه – ۹۸ – ۳ – ۲

۲ – قرآن ، در برگیرنده قوانینی نظام بخش و حافظ مصالح مردم

فیها کتب قیّمه

<قیّم> هر چیز، برپادارنـده و قوام بخش آن است (لسـان العرب). فعـل <کَتَبَ>; یعنی، حکم و قضاوت کرد و ملزم ساخت (مصباح). بنابراین مراد از <کُتُب> در آیه شریفه، ممکن است مجموعه حکم ها و الزام های الهی باشد.

تعالیم قصص قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۲۰ – ۴

۴ داسـتان پیامبران در قرآن ، حاوی حقایقی که مصلحان و هـدایتگران جوامع بشـری را بر پیشبرد هدف های خویش ، قوی و استوار می سازد .

و کلاًّ نقصّ علیک من أنباء الرسل ما نثبت به فؤادک

تعجیل در نزول قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۱۴ – ۹

۹ – نزول سریع تر تمامی قرآن و تکمیل زودرس مجموعه آیات آن ، خواسته قلبی پیامبر (ص) بود .

و لاتعجل بالقرءان من قبل أن یقضی إلیک وحیه

در وجـه نزول این آیه، دیـدگاههایی وجـود دارد: ۱ پیـامبر(ص)، همراه قرائت جبرئیـل، آیـات را قرائت می کرد تـا به دریافت کامل آن اطمینان یابد. ۲ پیامبر(ص) پیش از روشن شدن معنای آیات، آن را بر اصحاب املا می فرمود. ۳پیامبر(ص) خواستار نزول تمـامی قرآن درزمـانی کوتـاه تر بـود. و چون تعـبیر <القرآن> بـا اراده مجموعه قرآن سازگـارتر است، می توان سومین احتمال را ترجیح داد.

تعدد کاتبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۵ - ۱،۲

۱ -

قرآن ، به دست نویسندگانی متعدد ، نگاشته شده است .

بأیدی سفره

<بأیدی> مانند <فی صحف> در آیات پیشین به محذوفی نظیر <مکتوبه> یا <مثبته> تعلق دارد.

۲ - نوشتن قرآن در صفحه های پاکیزه و با عظمت ، رسالت الهی بر عهده سفیران متعدد

بأیدی سفره

<سفره> یا به معنای نویسندگان است و یا رسولان. در کتب لغت درباره این کلمه چنین آمده است: <سفر> [در تمام مشتقاتش] بر مکشوف و آشکار شدن دلالت دارد و <سَفْر>; یعنی، کتابت و <سفره>; یعنی، نویسندگان; آنها را از آن جهت به این نام نامیدند که کتابت، آشکار سازنده چیزی است که مورد نیاز از نوشته است (مقاییس اللغه). کلمه <سفیر> بر رسول نیز اطلاق می شود; زیرا او مأموریت خود را آشکار می سازد (تاج العروس). جمع <سفیر>، گرچه <سفراء> است; ولی از آنجا که در لسان العرب، کلمه <سفره> بر فرشتگانی که بین خدا و پیامبران او سفارت (رسالت) دارند، اطلاق شده است، می توان گفت: <سفره>، به معنای <سفراء> نیز استعمال شده است.

تعدد نزول قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۴ - ۱۶

۱۶ - نزول مکرر قرآن *

و لاتعجل بالقرءان

برداشت یاد شده بر اساس احتمال نزول قرآن در شب قدر است که در نتیجه پیامبر(ص) قبل از نزول تدریجی آیات، به آن آگاه بوده است.

تعقل در آیات قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۶ - ۱۰

۱۰ ضرورت تأمل و اندیشه در کیفیت بیان توحید و ارائه حقایق به شکلهای گوناگون در آیات قرآن

انظر كيف نصرف

الأیت

تصریف به معنی دگرگون ساختن و گرداندن است و در آیه شریفه به معنی ارائه صورتها و طرحهای گوناگون کلام برای ارائه حقایق است.

تعقل در تعالیم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۵ - ۱

۱ انسان ، وظیفه دار سنجش میان فرجام تقواپیشگان و تکذیب کنندگان قیامت و دو زندگی بهشت و جهنم ، با تفکر در رهنمود های قرآن

قل أذلک خیر أم جنّه الخلد التی وعد المتّقون

تعقل در روش مبارزه دشمنان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۹ - ۱،۲

۱ خداوند ، پیامبر (ص) را به اندیشه و تحلیل در چگونگی و شیوه های مخالفت و مبارزه سران کفر و شرک با قرآن و رسالت آن حضرت ، فراخواند

انظر کیف ضربوا لک الأمثل

۲ ضرورت اندیشه در چگونگی و شیوه های مخالفت و مبارزه سران کفر و شرک با قرآن و پیامبراسلام (ص) و تحلیل عمیق آن برای رهبران جامعه اسلامی

انظر کیف ضربوا لک الأمثل

تعقل در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۲ - ۱

۱ ضرورت و لزوم تدبّر و اندیشه عمیق در قرآن

افلا یتدبّرون القران

اندیشه و تأمل مداوم در یک چیز را تدبّر می گویند که از آن به <اندیشه عمیق> تعبیر شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۱۰ – ۸

۸- خداوند ، انسان را به تعقل و اندیشه در معارف قرآن ، فراخوانده و ترغیب

می کند .

أفلاتعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۷ - ۷

۷ - ترغیب مردم از سوی خداوند ، برای اندیشه در قرآن

و لقد یسّرنا القرءان للذّکر فهل من مدّکر

تعقل در مثالهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۳ - ۴

۴ مثال های به کاربرده شده در قرآن ، دارای ظرافت و دقایق قابل تأمل است .

و ما یعقلها إلاّ العلمون

تعلّم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۵ - ۱۳

۱۳ فراگیری قران و سنت ، شرط تصدی سمت قضاوت

إنّا انزلنا إلیک الکتب بالحق لتحکم بین الناس بما اریک اللّه

ظاهراً مراد از <ما اریک>، احکامی است که در قرآن به آنها تصریح نشده و خداوند آنها را به پیامبر(ص) آموخته است. در برداشت فوق از آنها به سنت پیامبر(ص) تعبیر شده است.

تعلیم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۱ - ۸،۱۱

۸ - تعلیم حقایق و معارف قرآن و آموزش حکمت به مردم ، از وظایف پیامبر (ص) و از هدف های رسالت اوست .

و یعلمکم الکتب و الحکمه

۱۱ - پیراستن مردم از آلودگی ها و تعلیم قرآن ، احکام و معارف دین ، از وظایف اساسی مبلغان دین و از رؤوس برنامه های آنان است .

یتلوا علیکم ءایتنا و یزکیکم و یعلمکم الکتب و الحکمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۴ - ۹

۹

طهارت و پاکی نفس ، زمینه فراگیری دانشِ کتاب الهی و حکمت

یتلوا علیهم ءایته و یزکّیهم و یعلّمهم الکتب و الحکمه

تقـدّم ذکری <تزکیه> بر <تعلیم کتاب>، بیانگر این نکته است که بدون تزکیه، فراگیری دانش کتاب الهی، به گونه ای که مقصود انبیاست، ممکن نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۲ - ۳

۳ - ابن ام مکتوم ، خواهان فراگیری معارف قرآن بود .

فمن شاء ذکره

آیه شریفه تلویحاً حاضـران مجلس پیامبر(ص) را به دو دسته تقسیم می کند و به قرینه آیات پیشین عبارت <من شاء> به ابن ام مکتوم نظر دارد.

تعلیم قرآن به انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲ - ۱،۲

۱ - خداوند ، معلم انسان و تعلیم دهنده قرآن

الرحمن . علّم القرءان

۲ - نزول قرآن و تعلیم آن به انسان ، تبلور رحمت گسترده خداوند به خلق

الرحمن . علّم القرءان

اسناد تعلیم به اسم <رحمان>، بیانگر مطلب بالا است.

تعلیم قرآن به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۶ - ۲

۲ - روی آوردن جبرئیل به سوی پیامبر (ص) ، جهت تعلیم قرآن به آن حضرت

علّمه شدید القوی . .. فاستوی

برداشت یاد شده بر این اساس است که متعلق <استوی> حذف شده و تقدیر آن <فاستوی إلیه> می باشد (آهنگ پیامبر کرد).

تعلیم قرآن محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۹ - ۲

۲ - فراگرفتن قرآن و حفظ آن و دارا

بودن تسهیلات خدا دادی ، پیامبر (ص) را از شرایط لازم برای ارشاد مردم برخوردار ساخته بود .

سنقرئک فلاتنسی . .. و نیسّرک للیسری . فذکّر

حرف <فاء>، فرمان ارشاد و تذکر را بر آیات پیشین تفریع کرده است. در آن آیات، از توانمندی پیامبر(ص) بر قرائت، حفظ و پی گیری آسان تعالیم قرآن سخن به میان آمده بود. بنابراین وجود آن ویژگی ها، مقدمه لازم برای اقدام به تذکر است.

تغییرناپذیری قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۵ - ۴

۴- قرآن ، کتابی است جاودانه و تعالیم آن تأثیرناپذیر از گذشت زمان .

و بالحقّ أنزلنه و بالحقّ نزل

برداشت فوق، مبتنی بر یکی از معانی و موارد استعمال <حق> است که عبارت است از: امر ثابت و زوال ناپذیر.

تفسیر به رأی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷ - ۴۴

۴۴ تأویل متشابهات قرآن توسط غیر راسخان در علم ، تأویل به رأی است .

و ما یعلم تأویله الاّ اللّه و الراسخون فی العلم

امام رضا (ع): . .. و لا تتأول کتاب اللّه برأیک فان اللّه عز و جل قد قال: <و ما یعلم تأویله الاّ اللّه و الراسخون فی العلم>.

عیون اخبارالرضا، ج ۱، ص ۱۹۲، ح ۱، ب ۱۴ ; بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۷۲، ح ۱.

تفسیر قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷ - ۴۲،۳۵،۳۴،۳۲،۲۰،۱۵،۸،۷

۷ آیات محکم قرآن ، مرجع فهم و تفسیر آیات متشابه

منه ایات محکمات هنّ ام الکتاب

و اخر متشابهات

<ام> در لغت عرب به هر چه مرجع چيز ديگرى باشد گفته مى شود. (روح المعانى، ج ۳، ص ۷۰).

۸ عدم جواز برداشت از آيات متشابه ، بدون ارجاع آنها به آيات محكم

فامّا الّذين فى قلوبهم زيغ فيتّبعون ما تشابه منه

۱۵ عدم جواز فتنه جويى و تأويل نادرست از قرآن

فامّا الّذين فى قلوبهم زيغ . .. ابتغاء الفتنه و ابتغاء تأويله

۲۰ فهم و برداشت صحيح از قرآن ، بدون شناخت محكم و متشابه آن ، امرى ناممكن است .

هنّ ام الكتاب . .. فامّا الّذين فى قلوبهم زيغ

فهم متشابه در گرو ارجاعش به محكم است ; چون محكم، <امّ> و مرجع است. بنابراين اول بايد آيات محكم از متشابه تشخيص داده شود، تا بتوان قرآن را فهميد.

۳۲ وجود معارفى در قرآن كه فهم آن تنها در اختيار گروه خاصى است .

و ما يعلم تأويله الاّ اللّه و الراسخون فى العلم

۳۴ جز خردمندان ، كسى قدرت درك ويژگى هاى آيات محكم و متشابه را ندارد .

و ما يذّكّر الاّ اولوا الالباب

ظاهراً مراد از متعلّق <ما يذّكّر>، مطالب عنوان شده در همين آيه باشد.

۳۵ خردمندى ، شرط دريافت حقايق قرآن و ويژگى هاى آن

و ما يذّكّر الاّ اولوا الالباب

۴۲ علم به باطن قرآن ، علم به تأويل آن است .

و ما يعلم تأويله الاّ اللّه

از امام باقر (ع) در پاسخ سؤال از معناى روايت <ما من القرآن آيه الاولها ظهر و بطن> فرمود: ظهره تنزيله و بطنه تأويله . .. .

بصائر الدرجات صفار، ص ۱۹۶، ح ۷، ب ۷ ; بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۹۷، ح ۶۴.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۳ - ۵

۵ - تشویق خداوند ، به کسب دانش و خردورزی جهت دریافت دقایق قرآن کریم

و ما یعقلها إلّا العلمون

تفسیر قرآن به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۱۹ - ۲

۲ - بعضی از آیات قرآن ، برخی دیگر را تبیین و تفسیر می کند .

ثمّ إنّ علینا بیانه

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که مقصود از <بیانه> تبیین در قالب الفاظ و آیات دیگر قرآن باشد.

تفضل به تلاوت کنندگان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۰ - ۴،۹

۴ - عالمان خداترس ، تلاوت گران قرآن ، برپادارندگان نماز و انفاق گران ، از فضل خداوند و مزد بیش از استحقاق خود برخورداراند .

إنّما یخشی اللّه من عباده العلمؤا . .. إنّ الذین یتلون کتب اللّه ... و یزیدهم

۹ - اعطای اجر کامل و بیش از استحقاق به عالمان خداترس ، تلاوت گران قرآن ، برپادارندگان نماز و انفاق کنندگان ، برخاسته از صفت آمرزندگی و سپاس گزاری خداوند است .

لیوفّیهم أجورهم و یزیدهم من فضله إنّه غفور شکور

جمله <إنّه غفور شکور> در مقام تعلیل برای <لیوفّیهم. ..> است; یعنی، چون خداوند نسبت به بندگانش غفور و شکور است، به آنان پاداش کامل و بیش از استحقاق می هد.

تفقّه در قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۶۵ – ۱۰،۱۱

۱۰ مبلغان دین وظیفه دار تأمل و تحقیق در شیوه

های بیان حقایق در قرآن و به کارگیری آن در تبلیغ هستند.

انظر کیف نصرف الأیت لعلهم یفقهون

۱۱ روشهای گوناگون و متنوع قرآن در بیان مفاهیم و مقاصد، جولانگاهی است برای تأمل و اندیشه.

انظر کیف نصرف الأیت لعلهم یفقهون

تفکر در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۲ - ۷

۷ - ترغیب مردم از سوی خداوند ، برای اندیشه در قرآن

و لقد یسّرنا القرءان للذّکر فهل من مدّکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۲ - ۷

۷ - ترغیب مردم از سوی خداوند ، برای اندیشه در قرآن

و لقد یسّرنا القرءان . .. فهل من مدّکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۰ - ۷

۷ - ترغیب مردم از سوی خداوند برای اندیشه در قرآن

و لقد یسّرنا القرءان للذّکر فهل من مدّکر

تفکیک ناپذیری قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۱ - ۳

۳- اسلام و معارف و آموزه های قرآن ، مجموعه ای به هم پیوسته ، مرتبط و غیر قابل تفکیک و التقاط

المقتسمین. الذین جعلوا القرءان عضین

تقدس قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲ - ۳

۳ - قرآن ، کتابی مقدس و ارجمند نزد خداوند

و الکتب المبین

واو در <و الکتاب> واو قسم است. سوگند خوردن خداوند به قرآن، نشان از ارجمندی و قداست قرآن در پیشگاه او دارد.

تکبر بر قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰

- انشقاق - ۸۴ - ۲۲ - ۴

۴ - گردن فرازی در برابر تعالیم قرآن ، نشانه کفر است .

لایسجدون . بل الذین کفروا

تکذیب آیات قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۵ - ۱۰

۱۰ - رد و انکار آیات قرآن ، کفر است .

و قد أنزلنا ءایت بیّنت و للکفرین عذاب مهین

تکذیب اعجاز قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۳ - ۲

۲ - تلاش کافران ، برای بشری جلوه دادن قرآن و نفی اعجاز از آن

أم یقولون تقوّله

تکذیب بخشی از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۶ - ۵

۵ گروههایی از اهل کتاب ، قسمتهایی از قرآن را نمی پذیرفتند و حقانیّت آن را انکار می کردند .

و من الأحزاب من ینکر بعضه

تکذیب حقانیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۳ - ۳

۳ کافران مورد سرزنش خداوند به خاطر باور نکردن حقانیت قرآن جز با آمدن قیامت

هل ینظرون إلا تأویله یوم یأتی تأویله

تکذیب قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۹ - ۸

۸ - انکار قرآن و دلایل رسالت پیامبر (ص) ، نشانه فسق و انحراف انکار کننده است .

و ما یکفر بها إلا الفسقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵ - ۱،۹

۱ کافران مکه در پی نزول قرآن به عنوان معجزه، بدون

درنگ به تکذیب آن پرداختند.

فقد کذّبوا بالحق لمّا جاءهم

جمله ظرفیه <لمّا جاءهم> به این نکته اشاره دارد که تکذیب کافران به مجرد آمدن حق صورت گرفته است.

۹ رویگردانی، تکذیب و تمسخر، مراحل مبارزه و رویارویی کافران با آیات الهی و قرآن*

ما تأتیهم من ءایه . .. إلا کانوا عنها معرضین. فقد کذّبوا بالحق ... ما کانوا به ی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۵ - ۸

۸ مشرکان به هنگام حضور در نزد پیامبر(ص)، از سر لجاج و انکار به مجادله درباره قرآن و رسالت آن حضرت می پرداختند.

حتی إذا جاءوک یجدلونک یقول الذین کفروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۸ - ۵

۵ تکذیب قرآن و آیات الهی از سوی برخی کفار، با وجود علم و آگاهی بر حقانیت آن

إن هذا إلا أسطیر الأولین . .. بل بدالهم ما کانوا یخفون

چون در آیات قبل سخن از تکذیب قرآن و آیات الهی بود، مراد از <ما کانوا یخفون> می تواند موارد مذکور باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۷ - ۶

۶ مشرکان صدر اسلام دلیل روشن حقانیت پیامبر(ص) (قرآن) را تکذیب می کردند.

قل إنی علی بینه من ربی و کذبتم به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۶ - ۱

۱ قبیله و قوم پیامبر (قریش) با وجود حقانیت قرآن و معارف و وعده های آن به تکذیب آن پرداختند.

و كذّب به قومك و هو الحق

در آیه ۵۷

<قل إنی علی بینه> موضوع بحث <قرآن> بود و آیات بعـد از آن نیز وعده های قرآن را مطرح ساخته است. بنابراین مرجع ضمیر <به> می تواند <قرآن> باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۸۶ – ۳،۵

۳ انکار قرآن و پیام های آن نشانه گمراه گشتن انسان به دست خداوند است .

فبأی حدیث بعده یؤمنون. من یضلل اللّه فلا هادی له

۵ کفر به قرآن و انکار معارف آن طغیانگری است .

و یذرهم فی طغینهم یعمهون

ضمیر <هم> در <یـذرهم> و <طغیـانهم> به منکران قرآن، که از جمله <فبأیّ حـدیث> اسـتفاده می شود، برمی گردد. بنابراین مراد از <طغیان> انکار قرآن است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۱۶ – ۹

۹ انکار آسـمانی بودن قرآن و رسالت حضـرت محمد (ص) علی رغم آگاهی به زندگی و شخصیت پیش از بعثت او ، نشانه بی خردی است .

قل لو شاء اللّه ما تلوته علیکم . .. فقد لبثت فیکم عمراً من قبله أفلا تعقلون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۱۷ – ۹

۹ تکذیب قرآن ، نشانه وجود روحیه جرم پیشگی و بزهکاری در تکذیبگر

أو کذب بأیته إنه لا یفلح المجرمون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۱۰۸ – ۱۱

۱۱ پذیرش قرآن و عمل به راهنمایی های آن هدایت ، و ردّ و انکار آن گمراهی و ضلالت است .

قد جاءکم الحق من ربکم فمن اهتدی فإنما یهتدی

لنفسه و من ضل فإنما يضل عليها

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۸ – رعد – ۱۳ – ۳۰ – ۷

۷ نپذيرفتن قرآن و وحى نازل شده بر پيامبر (ص) كفر به خدا و رحمانيّت اوست .

لتتلوا عليهم الذى أوحينا إليك و هم يكفرون بالرحمن

چون مردم عصر بعثت به ويژه اهل مكّه و اطراف آن، به خداوند معتقد بودند، معلوم مى شود مراد از <يكفرون بالرحمن> به قرينه عبارت <لتتلوا عليهم . ..> انكار قرآن است. تعبير كردن از انكار قرآن به كافر شدن به خدا، گوياى اين نكته است كه نپذيرفتن قرآن و كافر شدن به آن به منزله كفر ورزيدن به خداوند است.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۸۹ – ۸

۸- انكار قرآن با وجود دلايل حقانيت و بى مانندى آن ، ناسپاسيى بس بزرگ و غير قابل توجيه است .

و لقد صرّفنا للناس فى هذا القرءان من كلّ مثل

برداشت فوق، مبتنى بر اين است كه <كفور> به معناى كفران نعمت باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۶۸ – ۱

۱ – مشركان ، منكر وجود كتاب آسمانى جديد از سنخ كتاب هاى رسولان پيشين

لو أنّ عندنا ذكرًا من الأوّلين

<لو> شرطيه بوده و جواب آن، جمله <لكنّا عباد اللّه. ..> (در آيه بعد) است. مقصود از <ذكر>، كتاب هاى آسمانى و مراد از <الأوّلين> رسولان پيشين است. بر اين اساس پيام آيه چنين مى شود: اگر پيش ما كتابى مانند كتاب هاى آسمانى رسولان پيشين بود، ما از بندگان

خالص بودیم; ولی چون چنین کتابی در دست ما نیست، پس به آیین توحیدی جدید ایمان نخواهیم آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۲ - ۲

۲ - دروغ بستن به خدا و تکذیب قرآن و دین حق ، از خصوصیات کافران است .

فمن أظلم ممّن کذب علی اللّه و کذّب بالصدق

مخاطبان آیه شریفه به قرینه ذیل آیه (مثوًی للکافرین) کافران می باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۸ - ۹،۷

۷ - انکار قرآن ، با وجود درک حقانیت آن دشمنی با خدا است .

ذلک جزاء أعداء اللّه . .. جزاء بما کانوا بأیتنا یجحدون

۹ - انکار و برخورد عنادآمیز با قرآن و پیامبر (ص) ، شیوه مستمر کافران مکه

کانوا بأیتنا یجحدون

فعل <کان> هرگاه بر مضارع داخل شود افاده استمرار می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۷ - ۱

۱ - مجادله مشرکان مکه درباره عیسی (ع) ، اقدامی در جهت تخطئه آیات قرآن

و لمّا ضرب ابن مریم مثلاً

تأمل در آیات بعد، نشان می دهد که مَثَل مذکور در این آیه، از ناحیه مشرکان و برای توجیه روی آوری آنان به پرستش بت ها و انکار مورد عذاب واقع شدن معبودهای شرک بوده است; چنان که در آیه بعد می فرماید: <ما ضربوه إلاّ جدلاً. ..>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۸ - ۱

۱ - کافران ، در انکار پیامبر و قرآن ، گرفتار

آشفته گویی و تناقض بودند .

إنّکم لفی قول مختلف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۸۲ - ۲

۲ - شرک پیشگان صدراسلام ، به جای سپاس گزاری خداوند به خاطر فرستادن قرآن ، بر تکذیب آن پافشاری کردند .

و تجعلون رزقکم أنّکم تکذّبون

برخی از مفسران بر آنند که <رزق>، به معنای عطا است و آیه شریفه نیز به تقدیر <و تجعلون شکر رزقکم. ..> می باشد.

تکذیب وحیانیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۶۸ - ۲

۲ - مشرکان ، منکر آسمانی بودن قرآن بودند .

لو أنّ عندنا ذکرًا

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که مشرکان، در حالی ایمان خود را مشروط به نزول کتابی آسمانی (همانند کتاب های آسمانی پیامبران گذشته) می دانستند که قرآن برای هدایت آنان نازل شده بود و از آن آگاه بودند.

تکرار تلاوت قرآن بر محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۶ - ۱۴

۱۴ - تکرار قرائت قرآن بر پیامبر (ص) از سوی خداوند ، مایه فراموش نشدن آن بود . *

سنقرئک فلاتنسی

حرف <سین> که برای استقبال است اگر بر فعلی درآید که در زمان تکلم نیز در حال انجام گرفتن است، دلالت بر تداوم فعل خواهد کرد و چون آیه <سنقرئک . ..>، خود نیز مصداق قرائت قرآن است; بنابراین حرف <سین> بر استمرار قرائت

در آینده دلالت می کند و حرف <فاء> در <فلاتنسی>، فراموش نکردن قرآن را بر استمرار قرائت آن تفریع کرده است.

تکرار در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۱ - ۳

۳ - تکرار و گوشزد کردن پی درپی رهنمود ها ، روش تعلیم و تربیت قرآن

و لقد وصّلنا لهم القول لعلّهم یتذکّرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۳ - ۶

۶ - تکرار مطالب و مسائل ، از اوصاف قرآن

کتبًا متشبهًا مثانی

<مثنی> (جمع <مثانی>) به معنای مکرر است و مقصود از آن تکرار شدن بسیاری از مسائل و مطالب قرآن (همچون داستان ها و. ..) به مناسبت های مختلف و به اقتضای نیازهایی بود که پیش می آمد.

تلاوت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳ - ۱۷

۱۷ < عن ابی عبدالله (ع)] فی قوله [. . . < و مما رزقناهم ینفقون > قال : مما علمناهم ینبؤن و مما علمناهم من القرآن یتلون ;

از امام صادق (ع)]درباره سخن خداوند که می فرماید: [<و مما رزقناهم ینفقون> روایت شده که فرمود: یعنی، از آن چه مابه آنان تعلیم داده ایم خبر می دهند (آن را نشر می نمایند) و از آن چه ما از قرآن به آنها آموخته ایم تلاوت می کنند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۸ - ۲

۲ تلاوت آیات قرآن بر پیامبر (ص) ، از سوی خداوند

ذلک نتلوه علیک من الایات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ -

۱ گمراهی و کفر (ارتـداد) مؤمنـان ، علی رغم تلاوت آیـات الهی بر آنان و حضور پیامبر (ص) در میانشان ، مایه شگفتی است .

و کیف تکفرون و انتم تتلی علیکم ایات اللّه و فیکم رسوله

مراد از استفهام، تعجّب است.

۸ هدف و انگیزه از تلاوت آیات الهی (انزال قرآن) و ارسال پیامبران ، هدایت انسان ها به صراط مستقیم است .

و انتم تتلی علیکم ایات اللّه و فیکم رسوله و من یعتصم باللّه فقد هُدی الی صراط مس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۳ - ۷۸

۷ ارزش والای اطاعت و بندگی خدا ، تلاوت آیات الهی (قرآن و . . .) به هنگام شب و در حال سجده به درگاه وی

یتلون ءایت اللّه ءاناء الّیل و هم یسجدون

بنابر اینکه جمله <و هم یسجدون>، حال باشد.

۸ ترغیب به عبادت و تلاوت آیات الهی ، (قرآن و . . .) در هنگام شب به همراه سجده

امّه قائمه یتلون ءایت اللّه ءاناء الّیل و هم یسجدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۴ - ۸

۸ تلاوت آیات قرآن (ارائه نشانه های خدا و حقانیّت اسلام) زمینه ساز تربیت و تزکیه انسانها

یتلوا علیهم ءایته و یزکّیهم

تقدّم ذکری تلاوت قرآن بر تزکیه، دلالت بر تقدّم رتبه ای آن دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲ - ۸

۸قرآن ، کتابی برای خواندن و

فهمیدن

إنا أنزلنه قرء نًا عربیًّا لعلکم تعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۷ - ۱

۱- تلاوت آیات قرآن ، رسالتی الهی برعهده پیامبر (ص) بود .

واتل ما أُحی إلیک من کتاب ربّک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳ - ۱،۳

۱ - تلاوت ، نحوه نزول قرآن بر پیامبر (ص)

نتلوا علیک من نبإِ موسی

۳ - داستان موسی و فرعون ، تلاوت شده از سوی خدا بر پیامبر (ص)

نتلوا علیک من نبإِ موسی و فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۵ - ۳

۳ - تلاوت آیات قرآن برای مردم و ابلاغ پیام آن به ایشان ، وظیفه ای الهی برعهده پیامبر (ص)

إنّ الذی فرض علیک القرءان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۷ - ۲

۲ - پیامبر (ص) ، موظف به ابلاغ بی درنگ آیات الهی بر مردم به محض دریافت آن

و لایصدّنّک عن ءایت اللّه بعد إذ أُنزلت إلیک

قید <بعد إذ أَنزلت إلیک> به معنای <بعد وقت الإنزال> است; یعنی، همین که نزول آیات بر تو پایان یافت، بی هیچ تأخیر باید آن را به مردم ابلاغ کنی و مبادا کافران تو را از این کار بازدارند و باعث تأخیر در تلاوت آن شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۵ - ۱

۱ - تلاوت کتاب آسمانی قرآن ، از جمله مسؤولیت های

پیامبراکرم (ص) است .

اتل ما أوحی إلیك من الكتب

تلاوت قرآن با ترتیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۱ - ۱۴

۱۴ - از امام صادق (ع) درباره سخن خداوند که می فرماید : < الذین ءاتینهم الكتب یتلونه حق تلاوته > روایت شده که فرمود : < یرتلون آیاته و یتفقهون به و یعملون باحكامه و یرجون وعده و یخافون وعیده و یعتبرون بقصصه و یأتمرون بأوامره و ینتهون بنواهیه . . . ;

آنان قرآن را با ترتیل می خوانند و تلاش می کنند تا آیات آن را بفهمند و به احکام آن عمل می کنند و امیدوار به وعده ها و از وعید آن ترسان می باشند، و از قصه های آن پند و عبرت می گیرند و به اوامر آن تن می دهند و از نواهی آن دوری می گزینند . .. >.

تلاوت قرآن بر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۵ - ۱

۱- خداوند ، به هنگام قراءت قرآن توسط پیامبر (ص) ، میان آن حضرت و کافران ، حجابی نامرئی قرار داد .

و إذا قرأت القرءان . .. حجابًا مستورًا

برداشت فوق، مبتنی بر معنای مستور به همان صیغه مفعولی یعنی پوشیده شده است و در آیه به تناسب موضوع، مراد پوشیده شدن از حواس بینندگان (کافران) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۵ - ۴

۴ - تلاوت آیات قرآن بر کافران تکذیب گر و انکار

عمدی آن از سوی آنان

إذا تتلی علیه ءایتنا قال أسطیر الأوّلین

تلاوت قرآن بر کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۱ - ۱۱

۱۱ - تلاوت کنندگان قرآن در عصر بعثت ، غیر مؤمنان را نیز با آیات آن آشنا ساخته ، برای آنها قرآن می خواندند .

و إذا قریء علیهم القرءان لایسجدون

تلاوت قرآن بر محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۹ - ۸

۸ - قرآن ، کتاب قرائت شده بر پیامبر (ص)

و قرءان

<قرآن> مصدر <قرأ> است که مانند <رجحان> و <کفران> بر اسم مفعول اطلاق شده است; یعنی، <الکلام المقروء>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۷ - ۲

۲ - قرآن ، کتابی خوانده شده بر پیامبر (ص)

إنّه لقرءان کریم

<قرآن>، مصدر به معنای مفعول است; یعنی، <إنّه لمقروء>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ – قیامه – ۷۵ – ۱۷ – ۱

۱ – تألیف و تنظیم کلمات قرآن و خواندن آن بر پیامبر (ص) ، تضمین شده از سوی خداوند

إنّ علینا جمعه و قرءانه

<جمع> در لغت به معنـای تألیف است و مقصود از آن در این آیه تألیف و تنظیم کلمات قرآن می باشـد. واژه <قرآن> نیز معنـای مصـدری دارد; یعنی، خوانـدن. بنـابراین <إنّ علینا جمعه و قرآنه>; یعنی، <بی تردیـد تألیف و تنظیم کلمات قرآن و خواندن آن بر تو [ای پیامبر] بر عهده ما است>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بروج

- ۸۵ - ۲۱ - ۲

۲ - آیات قرآن ، بر پیامبر (ص) خوانده شده است و ساخته و پرداخته آن حضرت نیست .

بل هو قرءان

کلمه <قرآن>، هرگاه با حرف <ال> ذکر شود، عَلَم است و آن گاه که نکره باشد، مصدر و به معنای مفعول (مقروء) می باشد. مراد از وصف <مقروء> (قرائت شده)، این است که پیامبر(ص)، آن آیات را دریافت کرده است; نه این که به دروغ آن را ساخته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۶ - ۴

۴ - وحی و نزول قرآن ، به صورت قرائت آن بر پیامبر (ص) و جاری ساختن آن بر زبان او بوده است .

سنقرئک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۷ - ۸

۸ - قرائت کامل قرآن بر پیامبر (ص) و بقای آن در حافظه آن حضرت ، نویدی متکی بر علم خداوند

سنقرئک فلاتنسی . .. إنّه یعلم الجهر و ما یخفی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۲ - ۹

۹ - ثبت آیات قرآن ، در صحیفه ها و ورق ها ، برنامه ای پیش بینی شده از جانب خداوند و القا شده به رسول اکرم (ص)

یتلوا صحفًا مطهّره

تعبیر <صحف> (جمع <صحیفه>; یعنی، چیزی که در آن می نویسند)، اشاره به آینده قرآن و مکتوب شدن آن دارد. اسناد <یتلوا> به <صحفاً> با آن که پیامبر(ص) آیات الهی را از روی صحیفه های موجود تلاوت نمی کرد به

اعتبار مکتوب شدن پیام ها، پس از تلاوت آن است.

تلاوت قرآن بر مردم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۴۵ – ۲،۳

۲- قراءت قرآن و تلاوت وحی بر مردم ، از وظایف پیامبر (ص)

و إذا قرأت القرءان

از اینکه خداوند برای پاسداری از پیامبر(ص)، بین وی و کافران به هنگام تلاوت قرآن حجابی نامریی قرار داده است؛ می تواند به خاطر این باشد که آن حضرت موظف بوده است که قرآن را برای مردم تلاوت کند اما چون با تلاوت قرآن، مورد آزار و اذیت قرار می گرفت خداوند با جعل حجاب، او را از آزار آنان محافظت کرد.

۳- تلاوت قرآن کریم توسط پیامبر (ص) در میان مردم

و إذا قرأت القرءان جعلنا بینک . .. حجابًا مستورًا

تلاوت قرآن بر مردم صدر اسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۷۲ – ۴

۴ – فراخوانده شدن مردم صدراسلام به توحید و تلاوت شدن آیات قرآن بر آنان از سوی مؤمنان

و إذا تتلی علیهم ءایتنا . .. بالذین یتلون علیهم ءایتنا

تلاوت قرآن برای گناهکاران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – مطففین – ۸۳ – ۱۳ – ۲

۲ – متجاوزان و گنه پیشگان ، نباید از شنیدن آیات قرآن محروم بمانند .

کلّ معتد أثیم . إذا تتلی علیه ءایتنا

تلاوت قرآن برای متجاوزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۳ - ۲

۲ - متجاوزان و گنه پیشگان ، نباید از شنیدن آیات قرآن محروم بمانند

.

كلّ معتد أثيم . إذا تتلى عليه ءايتنا

تلاوت قرآن در تهجد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۴ - ۳،۴

۳ - فرمان خداوند به پيامبر (ص) ، مبنى بر قرائت قرآن با تأنّى و به صورت شمرده شمرده در عبادت و شب زنده دارى

قم الّيل . .. و رتّل القرءان ترتيلاً

<ترتيل> در قرائت و سخن، به معناى آهسته آهسته و درست و بدون شتاب خواندن است (برگرفته از صحاح، مفردات راغب و مصباح المنير).

۴ - قرائت قرآن با تأنّى و شمرده شمرده ، از مهم ترين و مناسب ترين اعمال عبادى شبانه و مراسم شب زنده دارى

قم الّيل . .. و رتّل القرءان ترتيلاً

تلاوت قرآن در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۸ - ۵

۵- قراءت قرآن و بازخوانى پيام وحى ، عمده ترين ركن و مهمترين بُعد نماز

أقم الصلوه . .. و قرءان الفجر

مراد از <قرآن الفجر> نماز صبح است و آوردن <قرآن> (تلاوت آيات الهى) به جاى <صلاه> مى تواند مشعر به مطلب فوق باشد.

تلاوت قرآن در نماز شب

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۴ - ۵

۵ – فرمان خداوند به پیامبر (ص) ، مبنی بر قرائت قرآن با تأنّی و شمرده شمرده در نماز های نیمه شب

قم الّیل . .. و رتّل القرءان ترتیلاً

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که چون آیه به دنبال توصیه به نماز شب آمده است، اشاره دارد به قرائت قرآن در حین

نماز; زیرا قرائت قرآن از ارکان نماز است.

تلاوت قرآن صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۱،۹

۱ - تمجید خداوند از پیامبر (ص) و یاران آن حضرت به خاطر شب زنده داری و قرائت قرآن

إنّ ربّک یعلم أنّک تقوم . .. و طائفه من الذین معک

مطلب یاد شده از تذکر به علم خداوند، استفاده می شود.

۹ - مؤمنان و یاران پیامبر (ص) ، موظف به تلاوت قرآن در شب هنگام به میزان میسور و ممکن

فاقرءوا ما تیسّر من القرءان

تلاوت قرآن علما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۹ - ۱

۱ - انس با قرآن و تلاوت مستمر آن ، برپایی نماز و انفاق در نهان و آشکار ، از اوصاف عالمان راستین و اهل معرفت

إنّما یخشی اللّه من عباده العلمؤا . .. إنّ الذین یتلون کتب اللّه و أقاموا الصل

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه <إنّ الذین. ..> در مقام بیان جمله <إنّما یخشی اللّه من عباده العلماء> است; یعنی، در توصیف عالمان خداترس می باشد.

تلاوت قرآن محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۶۱ - ۳

۳ تلاوت آیات قرآن ، از کار های مهم و همیشگی پیامبر اکرم (ص) بوده است .

و ما تتلوا منه من قرءان

از ذکر تلاوت قرآن در حالی که جمله <ما تکون فی شأن> آن را شامل می شود برداشت فوق استفاده می گردد.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۵ - ۱،۲،۳،۴

۱- خداوند ، به هنگام قراءت قرآن توسط پیامبر (ص) ، میان آن حضرت و کافران ، حجابی نامرئی قرار داد .

و إذا قرأت القرءان . .. حجابًا مستورًا

برداشت فوق، مبتنی بر معنای مستور به همان صیغه مفعولی یعنی پوشیده شده است و در آیه به تناسب موضوع، مراد پوشیده شدن از حواس بینندگان (کافران) است.

۲- قراءت قرآن و تلاوت وحی بر مردم ، از وظایف پیامبر (ص)

و إذا قرأت القرءان

از اینکه خداوند برای پاسداری از پیامبر(ص)، بین وی و کافران به هنگام تلاوت قرآن حجابی نامریی قرار داده است; می تواند به خاطر این باشد که آن حضرت موظف بوده است که قرآن را برای مردم تلاوت کند اما چون با تلاوت قرآن، مورد آزار و اذیت قرار می گرفت خداوند با جعل حجاب، او را از آزار آنان محافظت کرد.

۳- تلاوت قرآن کریم توسط پیامبر (ص) در میان مردم

و إذا قرأت القرءان جعلنا بینک . .. حجابًا مستورًا

۴- کافران ، پیامبر (ص) را به هنگام تلاوت آیات قرآن بر مردم ، مورد آزار و اذیت قرار می دادند و برای آن حضرت ایجاد مزاحمت می کردند .

و إذا قرأت القرءان

طبق شأن نزولهایی که وارد شده است (مجمع البیان، ذیل آیه) و نیز ظاهر آیه <جعلنا بینک و بین الذین> جعل حجاب به خاطر این بود که کافران نشنوند تا پیامبر(ص) را اذیت نمایند و برای آن حضرت، مزاحمت ایجاد کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰

- اسراء - ۱۷ - ۱۰۶ - ۳

۳- مأموريت پيامبر (ص) به قراءت بخش های قرآن بر مردم به آرامی و با تأنّی

و قرءانًا فرقنه لتقرأه على الناس على مكث

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۴ - ۱۰،۱۲

۱۰ - پيامبر (ص) ، آيات قرآن را پيش از پايان يافتن وحی آن ، به زبان جاری می ساخت و در تلاوت آن تعجيل داشت . *

و لاتعجل بالقرءان من قبل أن يقضى إليك وحيه

۱۲ - خداوند ، پيامبر (ص) را به شتاب نكردن در تلاوت آيات قرآن ، پيش از پايان يافتن وحی آن ، توصيه كرد .

و لاتعجل بالقرءان من قبل أن يقضى إليك وحيه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹۲ - ۱

۱ - تلاوت قرآن ، رسالت و وظيفه تغييرناپذير پيامبر (ص) برای هدايت خلق

إنّما أُمرت أن . .. و أن أتلوا القرءان فمن اهتدى

در اين آيه تلاوت آيات قرآن به مردم، به عنوان يگانه مسؤوليت پيامبر(ص) مورد تأكيد قرار گرفته است. از جمله <فمن اهتدى...> نيز استفاده می شود كه هدف از تلاوت آيات آن، هدايت خلق بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۹ - ۱،۳

۱- روی آوری گروهی از جنيان به تدبير الهی ، برای استماع قرآن از پيامبر (ص)

و إذ صرفنا إليك نفرًا من الجنّ يستمعون القرءان

۳- گروه جنيان ، مجذوب پيام وحی با استماع آن از زبان پيامبر (ص)

و إذ

صرفنا إليك . .. فلمّا حضروه قالوا أنصتوا

تعبير <أنصتوا> و فراخواندن به سکوت، نشانگر اشتیاق آنان به استفاده هرچه بیشتر از قرآن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱۱ - ۲

۲ - پیامبر (ص) ، تلاوت گر آیات الهی (قرآن) برای مردم

رسولاً یتلوا علیکم ءایت اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۵۱ - ۵

۵ - اتهام جنون به پیامبر (ص) ، به هنگام شنیدن قرآن از سوی کافران

لمّا سمعوا الذکر و یقولون إنّه لمجنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳۶ - ۱

۱ - تجمّع سریع و شتابزده کافران در اطراف پیامبر (ص) ، به هنگام تلاوت وحی برای مردم

فمالِ الذین کفروا قبلک مهطعین

<اهطاع> (مصدر <مهطعین>) به معنای گردن کشیدن و به سرعت راه رفتن و نیز به معنای گردن کشیدن برای خبر گرفتن آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱ - ۱

۱ - گروهی از جن (سه تا هفت نفر یا سه تا ده نفر) ، به قرائت قرآن پیامبر (ص) گوش فرامی دادند .

قل أُوحی إلیّ أنّه استمع نفر من الجنّ

واژه <نفر> به گروهی متشکل از سه تا ده نفر و بنابر نقلی سه تا هفت نفر از مردان اطلاق می شود. (مصباح المنیر)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۴ - ۳

۳ - فرمان خداوند به

پیامبر (ص) ، مبنی بر قرائت قرآن با تأنّی و به صورت شمرده شمرده در عبادت و شب زنده داری

قم الّیل . .. و رتّل القرءان ترتیلاً

<ترتیل> در قرائت و سخن، به معنای آهسته آهسته و درست و بدون شتاب خواندن است (برگرفته از صحاح، مفردات راغب و مصباح المنیر).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۱

۱ - تمجید خداوند از پیامبر (ص) و یاران آن حضرت به خاطر شب زنده داری و قرائت قرآن

إنّ ربّک یعلم أنّک تقوم . .. و طائفه من الذین معک

مطلب یاد شده از تذکر به علم خداوند، استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۱۶ - ۲

۲ - منع شدن پیامبر (ص) ، از شتابورزی در خواندن آیات وحی ، پیش از پایان یافتن وحی آن

لاتحرّک به لسانک لتعجل به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۱۷ - ۲

۲ - گردآوری قرآن در سینه پیامبر (ص) و توانایی آن حضرت بر قرائت آن ، تضمین شده از سوی خداوند

إنّ علینا جمعه و قرءانه

یکی از احتمالات یاد شده در تفسیر آیه شریفه، این است که مقصود از<جمعه>، گردآوری قرآن در سینه پیامبر(ص) است؛ به گونه ای که آن حضرت به خاطر سپارد و فراموش نکند و مقصود از <قرآنه> تثبیت قرائت قرآن بر زبان ایشان است؛ به گونه ای که هرگاه خواسته باشد بتواند آن را قرائت کند (مانند آیه ۶ از سوره <اعلی>

<سنقرئک فلاتنسی>).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۱۸ - ۲

۲ - سفارش خداوند به پیامبر (ص) ، مبنی بر قرائت آیات نازل شده قرآن ، پس از پایان دریافت کامل آنها

فإذا قرأنه فاتّبع قرءانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۶ - ۱۲،۹،۷،۳،۲،۱

۱ - آگاهی پیامبر (ص) بر وحی و زبان گشودن آن حضرت به قرائت قرآن ، وابسته به خواست خداوند و در گرو عنایت ویژه او بود .

سنقرئک

۲ - خداوند ، پیامبر (ص) را به آموختن قرآن و جاری ساختن آن بر زبان او وعده داد .

سنقرئک

<إقراء>; یعنی، دیگری را قاری ساختن و حرف <سین> در <سنقرئک> برای تأکید وعده است. بنابراین مفاد آیه شریفه، این است که وحی همچنان ادامه یافته، زبان تو در حال و آینده به قرائت آن توانمند خواهد بود.

۳ - توانمند ساختن پیامبر (ص) بر قرائت قرآن و فراموش نکردن آن ، از جلوه های ربوبیت خداوند بر آن حضرت است .

سنقرئک فلاتنسی

۷ - دریافت قرائت قرآن از جانب خداوند ، مصون سازنده پیامبر (ص) از فراموش کردن آن

سنقرئک فلاتنسی

حرف <فاء>، جمله <فلاتنسی> را بر <سنقرئک> تفریع کرده است.

۹ - تسبیح خداوند ، زمینه ساز شایستگی پیامبر (ص) برای دریافت قرآن و حفظ آن

سبّح اسم ربّك . .. سنقرئک فلاتنسی

۱۲ - خداوند پیامبر (ص) را به داشتن حافظه ای نیرومند و فراموش نکردن آنچه خوانده است ، وعده داد .

سنقرئک فلاتنسی

حذف مفعول از فعل های <نقرء> و

<لاتنسی>، ممکن است برای افاده عموم باشد; یعنی، تو را بر قرائت توانا می سازیم و تو خوانده های خویش را، از یاد نخواهی برد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱ - ۱،۳،۱۱

۱ - پیامبر (ص) ، مأمور دریافت قرآن و قرائت آن

اقرأ

<قرائت>، ممکن است به تلفّظ یا مرور در ذهن انجام گیرد و در آیه شریفه به این دلیل که پیش از آن چیزی نازل نشده بود تا پیامبر(ص) مأمور به قرائت آن شود مراد دریافت و قرائت آیاتی است که بعد از فرمان <اقرء> نازل می شود. این فرمان، شامل قرائت کلمه <اقرء> نیز می باشد; نظیر آن که گفته شود: <آنچه را می گویم، گوش کن> که شامل همین جمله نیز می گردد.

۳ - پیامبر (ص) ، مأمور آغاز قرائت قرآن ، با نام خداوند

اقرأ باسم ربّک

حرف <باء> در <باسم>، به حال محذوفی نظیر <مبتدءاً> یا <مفتتحاً> تعلق دارد.

۱۱ - الزام پیامبر (ص) به قرائت قرآن در آغاز رسالت ، مایه رشد و تعالی آن حضرت و از جلوه های ربوبیت خداوند بود .

اقرأ باسم ربّک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۳ - ۱

۱ - خداوند ، با تأکید بر فرمان خویش ، پیامبر (ص) را به دریافت و قرائت قرآن در آغاز رسالتش فرا خواند .

اقرأ . .. اقرأ

فرمان <اقرأ>، تکرار و تأکید فرمانی است که در آغاز سوره آمده بود و مفعول محذوف آن نیز به قرینه سیاق کلام مطالبی

است که بعد از آن فرمان، وحی خواهد شد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – علق – ۹۶ – ۴ – ۵

۵ – توجه به وابستگی تمام آموخته ها به خداوند ، مایه اطمینان پیامبر (ص) به توانایی بر عمل به وظیفه دریافت و قرائت قرآن

اقرأ . .. الذی علّم بالقلم

با توجّه به <امّی> و بی سواد بودن پیامبر(ص) تا زمان بعثت، خداوند پس از فرمان دادن آن حضرت به قراءت، خود را معلم تمام اهل قلم معرفی کرده است تا آن حضرت را به امدادهای خویش امیدوار سازد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – علق – ۹۶ – ۵ – ۶

۶ – توجه به وابستگی تمام معلومات انسان به خداوند ، مایه اطمینان پیامبر (ص) به امداد الهی در توانا ساختن او بر دریافت و قرائت قرآن

اقرأ . .. علّم الإنسن ما لم یعلم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بینه – ۹۸ – ۲ – ۱۰،۱۳،۱۶

۱۰ – پیامبر (ص) ، قرآن را از صحیفه هایی مکتوب و پیراسته از هر باطل ، دریافت و بر مردم تلاوت می کرد .

رسول من اللّه یتلوا صحفًا مطهّره

در برداشت یاد شده، مراد از <صحفاً مطهّره>، قرآنِ مکتوب پیش از مرحله نزول بر پیامبر(ص) دانسته شده است. قرآن در آن مرحله براساس بعضی از آیات در اختیار فرشتگانی بزرگوار بوده است.

۱۳ – پیامبر (ص) ، دارای رسالتی بزرگ از جانب خداوند و حامل پیامی مکتوب و خالی از انحراف و عهده دار بازخوانی آن بر

مردم

رسول من اللّه يتلوا صحفًا مطهّره

نكره آمدن <رسول>، بر عظمت پيامبر(ص) و رسالت آن حضرت دلالت دارد.

۱۶ - تلاوتِ قرآن بر مردم ، رسالتى الهى بر عهده پيامبر (ص)

رسول من اللّه يتلوا صحفًا مطهّره

توصيف پيامبر(ص) به تلاوت كننده قرآن پس از تطبيق عنوان <رسول> بر آن حضرت بيانگر آن است كه تلاوت قرآن، بخشى از رسالت او است.

تلاوت قرآن مسلمانان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۹

۹ - مؤمنان و ياران پيامبر (ص) ، موظف به تلاوت قرآن در شب هنگام به ميزان ميسور و ممكن

فاقرءوا ما تيسّر من القرءان

تلاوت كنندگان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۱ - ۱۴

۱۴ - از امام صادق (ع) درباره سخن خداوند كه مى فرمايد : < الذين ءاتينهم الكتب يتلونه حق تلاوته > روايت شده كه فرمود : < يرتلون آياته و يتفقهون به و يعملون باحكامه و يرجون وعده و يخافون وعيده و يعتبرون بقصصه و يأتمرون بأوامره و ينتهون بنواهيه . . . ;

آنان قرآن را با ترتيل مى خوانند و تلاش مى كنند تا آيات آن را بفهمند و به احكام آن عمل مى كنند و اميدوار به وعده ها و از وعيد آن ترسان مى باشند، و از قصه هاى آن پند و عبرت مى گيرند و به اوامر آن تن مى دهند و از نواهى آن دورى مى گزينند . .. >.

تمسك به قرآن

فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۳ - ۳۱

۳۱ لزوم تمسّک به قرآن کریم ، که ریسمان الهی است .

و اعتصموا بحبل اللّه جمیعاً و لا تفرّقوا

رسول خدا (ص) درباره <حبل اللّه> در آیه فوق فرمود: انّه کتاب اللّه.

تفسیر تبیان، ج ۲، ص ۵۴۵ ; تفسیر قرطبی، ج ۴، ص ۱۵۹.

تناقض گویی مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۵ - ۴

۴ تکذیب کنندگان حق قرآن ، پیامبر و معاد گرفتار سردرگمی و پریشان گویی

بل کذّبوا بالحقّ لمّا جاءهم و هم فی أمر مریج

یکی از نمودهای پریشان گویی تکذیب گران معاد این است که می گویند چون بدن انسان در خاک متلاشی می شود پس چگونه می تواند از خاک دوباره برآید; این در حالی است که خود می دانند انسان برای نخستین بار نیز از همین خاک برآمده است.

تنزیه آیات قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۶ - ۱

۱ - آیات قرآن ، منطبق با حقیقت و واقعیت هستی و به دور از هرگونه کذب و افترا

تلک ءایت اللّه نتلوها علیک بالحقّ

برداشت بالا بنابراین نکته است که <تلک>، اشاره به آیات قرآن باشد و <بالحقّ> حال برای مفعول <نتلو> و نیز <حقّ>

به معنای مطابق با واقع باشد.

تنزیه قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲ - ۳

۳ - قرآن کتابی متقن و منزه از هر گونه زمینه تردید افکن و شبهه ساز در حقانیت آن

لاریب فیه

<ریب> به معنای شک و

نیز چیزی که مایه شک باشد، آمده است. برداشت فوق با توجه به معنای دوم استفاده شده است. بر این مبنا <لاریب فیه> یعنی در قرآن مسأله ای که موجب شک در حقانیت آن بشود، هرگز وجود ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۳ - ۷

۷ - قرآن منزّه از آن است که در آسمانی بودنش ، شک و تردید روا باشد .

و إن کنتم فی ریب مما نزلنا علی عبدنا

با وجود اینکه کفر پیشگان در آسمانی بودن قرآن اظهار تردید می کردند و بلکه منکر آن بودند خداوند در بیان تردید آنان جمله شرطیه به کاربرد تا به این حقیقت اشاره کند که: تردید در حقانیت قرآن تنها قابل فرض است و نمی تواند واقعیت داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۱۵

۱۵ - قرآن ، کتابی سراسر حق و پیراسته از هر باطل

و هو الحق

<ال> در <الحق> نظیر ال در <زید الرجل> برای استغراق صفات افراد است; یعنی، قرآن در حق بودن کامل است و کاستی ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۲ - ۵

۵ قرآن ، ارائه کننده دینی به دور از هر گونه باطل و مبرا از امور واهی و بازدارنده از سعادت انسان

الذین اتخذوا دینهم لهواً و لعباً . .. و لقد جئنهم بکتب فصلنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۴ - ۸

۸ قرآن ، کتابی حق ، مبرا از

پندار ها ، تخیلات و نازل شده از جانب خداوند

لقد جاءک الحق من ربک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۱۰۸ – ۲

۲ قرآن کتابی حق و مبرّا از هرگونه پندار ها و تخیلات باطل است .

قد جاءکم الحق من ربکم

حق، مقابل باطل و به معنای دارای واقعیت است; به این معنا که معارفی که در قرآن آمده، حقایقی است منطبق با واقعیت و از هرگونه پندار و تخیلات واهی خالی است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱ – ۲

۲ همهء آیات قرآن و تعالیم آن ، متقن و از هرگونه خلل و بطلان پذیری مبرّاست .

کتب أُحکمت ءایته

اِحکام (مصدر اُحکمت) به معنای اتقان است . بنابراین ((اُحکمت آیاته)) گویای این است که : آیه های قرآن ، متقن است و هیچ خللی نداشته و بطلان در آنها راه ندارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۷ – ۱۸

۱۸ قرآن ، کتابی سراسر حق و پیراسته از هرگونه باطل

إنه الحق

<ال> در <الحق> به اصطلاح برای استغراق صفات است و دلالت بر کمال دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۱۱۱ – ۵،۱۳

۵ قرآن ، گفتاری دروغ و بافته شده نبوده ; بلکه سخنی راست و درست است .

ما کان حدیثًا یفتری

مراد از ضمیر <کان> قرآن است. وصفهای بیان شده در آیه (و لکن تصدیق ...) بیانگر این معناست.

۱۳ هدایت های قرآن ، پیراسته از هر گمراهی و منزّه از

کمترین پیامدی ناهنجار

و لکن . .. هدًى

<هـدًى> مصدر است و در این جا به معنای اسم فاعل (هدایت کننده) می باشد. به کارگیری مصدر به جای اسم فاعل اشاره به این حقیقت دارد که: موصوفش (قرآن) محض هدایت است ; یعنی ، رهنمودهای آن مستلزم هیچ گمراهی و آمیخته به هیچ ضلالتی نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱ - ۶

۶ قرآن کتابی سراسر حق ، بدون نقص و پیراسته از هر گونه باطل و ناروایی

و الذی أُنزل إلیک من ربک الحق

<ال> در <الحق> برای استغراق خصـایص افراد است. بنـابراین <الحق> ; یعنی ، حق کامـل که کمترین باطلی در آن راه ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۹ - ۱

۱ قرآن ، کتابی سراسر حق و پیراسته از هرگونه باطل و ناروا

أنما أُنزل إلیک من ربک الحق

<ما> در <أنما> موصول اسمی و به معنای <الذی> است و مراد از آن قرآن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۲ - ۶

۶- قرآن ، کتابی است سراسر حق و به دور از سخنان باطل و بیهوده

قل نزّله روح القدس من ربّک بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱ - ۹،۱۰

۹- ساحت قرآن ، از هر گونه کجی و انحراف مبرّا است .

أنزل علی عبده الکتب و لم یجعل له عوجًا

<عوج> به معنای کجی و انحراف است.

۱۰- کمال و عظمت قرآن و نبود کمترین کجی و انحراف در آن ، مقتضی

حمد و ستایش در برابر پدیدآورنده آن است .

الحمد للّه الذی . .. لم یجعل له عوجًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۲ – ۲

۲– قرآن ، کتابی است عاری از هرگونه عدم اعتدال و انحراف از حق .

الحمد للّه الذی أنزل علی عبده الکتب . .. قیّمًا

<قیّم>، چنان چه در لسان العرب آمده است، می تواند به معنای <مستقیم>، یعنی <راست و پیراسته از انحراف> باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۵۴ – ۷

۷ – قرآن ، کتابی است آمیخته به حق و مبرا از هر گونه باطل .

أنّه الحقّ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۷۰ – ۶

۶ – قرآن ، کتابی آمیخته با حق و مبرا از هر گونه سخن باطل

بل جاءهم بالحقّ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۹۰ – ۲

۲ – قرآن ، سخنی راست و به دور از هر دروغ

بل أتینهم بالحقّ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۴ - ۳

۳ - حقیقت قرآن مبرّا از شعر ، و ساحت پیامبر (ص) منزه از شاعری و خیال پردازی

و الشعراء یتّبعهم الغاون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶ - ۴

۴ - قرآن ، مبرّا از هرگونه سخنان نسنجیده و بی اساس

و إنّک لتلقّی القرءان من لدن حکیم علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳

- قصص - ۲۸ - ۴۸ - ۲

۲ - قرآن ، کتابی آمیخته به حق و مبرا از هرگونه آموزه های باطل

فلمّا جاءهم الحقّ من عندنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۳ - ۴

۴ - قرآن ، کتابی آمیخته به حق و مبرا از هرگونه باطل

إنّه الحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۱ - ۴

۴ - قرآن ، کتابی سراسر حق و پیراسته از هر باطل

من الکتب هو الحقّ

<ال> در <الحقّ> نظیر ال در <زیدالرجل> برای استغراق صفات است؛ یعنی، قرآن در حق بودن کامل است و کاستی ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۹ - ۲،۳،۱۱

۲ - قرآن ، سخنی از سنخ شعر نیست .

و ما علّمنه الشعر

مقصود از آموخته ای که از سنخ شعر نیست، قرآن کریم است که کافران آن را شعر می پنداشتند و بر این اساس، پیامبراسلام(ص) را به شاعر بودن متهم می کردند.

۳ - قرآن ، سخنی است سراسر حق و هدف مند و پیراسته از کلامِ برخواسته از تخیلات و سخنان مبالغه آمیز و خلاف واقع .

و ما علّمنه الشعر

برداشت یاد شده از شعر نبودن قرآن استفاده می شود; زیرا شعر برخاسته از تخیلات شاعر و معمولاً توأم با سخنان مبالغه آمیز و خلاف واقع است که شاعران گاهی به منظور حفظ وزن، سجع و قافیه شعر به آن متوسل می شوند.

۱۱ - محتوا ، شیوه و نظم موجود در قرآن ، روشنگر خدایی بودن آن و پیراستگی آن

از تخیلات شاعرانه .

و ما علّمنه الشعر و ما ینبغی له إن هو إلاّ ذکر و قرءان مبین

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که مقصود از روشنگر بودن قرآن به قرینه صدر آیه (و ما علّمناه الشعر و ما ینبغی له) این حقیقت باشد که قرآن، خود شاهد و گواهِ الهی بودن و نیز پیراسته بودنش از تخیلات شاعرانه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۷ - ۱

۱ - قرآن ، کتابی سراسر حق و پیراسته از هرگونه باطل

بل جاء بالحقّ

مقصود از <حق> قرآن است و <ال> در آن، می تواند برای استغراق صفات افراد باشد (مانند <ال> در <زید الرجل>); یعنی، قرآن در حق بودن کامل است و کاستی ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲ - ۴

۴ - قرآن ، کتابی است سراسر حق و به دور از مطالب نادرست و خیال پردازی های باطل .

إنّا أنزلنا إلیک الکتب بالحقّ

برداشت یاد شده بر این دیدگاه استوار است که <بالحقّ> متعلق به ظرف مستقر و حال برای <الکتاب> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۸ - ۵

۵ - مبرّا بودن قرآن از هرگونه انحراف ، کجی ، اختلاف و تضاد

قرءانًا عربیًّا غیر ذی عوج

<عوج> به معنای کجی و انحراف است، این واژه در مواردی به کار می رود که با فکر و بصیرت شناخته می شود، نه با حواس ظاهری. ازاین رو مفسران گفته اند: مقصود از آن در آیه شریفه با

توجه به تنکیر آن و بودنش در سیاق نفی هرگونه کجی و انحراف در معانی و پیام های قرآن و یا اختلاف و تضاد در آنها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۱ - ۴

۴ - قرآن ، کتابی است سراسر حق و به دور از مطالب نادرست و تخیلات باطل

إنّا أنزلنا علیك الکتب للناس بالحقّ

برداشت یاد شده بر این دیدگاه استوار است که <بالحقّ> متعلق به ظرف مستقر و حال برای <الکتاب> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۶ - ۱۰

۱۰ - قرآن ، کتابی آمیخته به حق و مبرّا از هرگونه باطل

و ما نزل من الحقّ

در صورتی که <حقّ> در آیه شریفه، مقابل باطل به کار رفته باشد، برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۹ - ۶

۶ - هدایت و راهنمایی های قرآن ، به دور از هر کاستی و پیراسته از کمترین پیامد ناهنجار

أرسل رسوله بالهدی

در صورتی که مراد از <هدی> قرآن باشد; تعبیر مصدر به جای اسم فاعل (هادی) اشاره به این حقیقت دارد که قرآن، محض هدایت است; یعنی، رهنمودهای قرآن مستلزم هیچ ضلالت و همراه با هیچ گمراهی و سر درگمی نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۴ - ۳

۳ - صفحات قرآن ، پاك و منزّه از ثبت هرگونه ناروا و دروغ و به دور از مطالب باطل

مطهّره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰

- تکویر - ۸۱ - ۲۵ - ۶

۶ - دور بودن ساحت قرآن از دخالت شیطان ، ضامن حقانیت و درستی تعالیم آن

إنّه لقول رسول . .. و ما هو بقول شیطن رجیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۴ - ۱

۱ - ساحت قرآن و آیات معاد ، از بذله گویی و سخنان سست و بی پایه ، مبرّا است .

و ما هو بالهزل

<هَزْل> و <هُزال> از یک ریشه اند و بر ضعف و سستی دلالت دارند. <هَزل> نقطه مقابل <جِدّ> و <هُزال> نقطه مقابل <فربهی> است. (مقاییس اللغه)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۵ - ۷

۷ - نزول قرآن در شب قدر ، نشان سلامتی معارف آن از هر عیب و نقص است .

إنّا أنزلنه فی لیله القدر . .. سلم هی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۲ - ۱۰،۱۱،۱۳

۱۰ - پیامبر (ص) ، قرآن را از صحیفه هایی مکتوب و پیراسته از هر باطل ، دریافت و بر مردم تلاوت می کرد .

رسول من اللّه یتلوا صحفًا مطهّره

در برداشت یاد شده، مراد از <صحفاً مطهّره>، قرآنِ مکتوب پیش از مرحله نزول بر پیامبر(ص) دانسته شده است. قرآن در آن مرحله براساس بعضی از آیات در اختیار فرشتگانی بزرگوار بوده است.

۱۱ - قرآن از خطا و انحراف ، منزّه و پیراسته است .

صحفًا مطهّره

۱۳ - پیامبر (ص) ، دارای رسالتی بزرگ از جانب خداوند و حامل پیامی مکتوب و خالی از

انحراف و عهده دار بازخوانی آن بر مردم

رسول من اللّه یتلوا صحفًا مطهّره

نکره آمدن <رسول>، بر عظمت پیامبر(ص) و رسالت آن حضرت دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۳ - ۱

۱ - صفحات قرآن ، گنجینه نوشته هایی استوار و به دور از اعوجاج و انحراف

فیها کتب قیّمه

<کتاب> (مفرد <کتب>) مصدری است که در معنای اسم مفعول آن (مکتوب) به کار رفته است. بنابراین <فیها کتب>; یعنی، در صحیفه های مطهر، نوشته هایی متعدد وجود دارد. <قیّمه>، دارای دو معنا است: ۱. به صورت متعدی و با مفعولی محذوف; یعنی، قوام بخش و برپادارنده جامعه; ۲. به صورت لازم; یعنی، با استقامت و اعتدال و خالی از کجی و اعوجاج. برخی این کلمه را جمع دانسته اند (مجمع البیان); ولی بیشتر اهل لغت و تفسیر مفرد بودن آن را پذیرفته اند.

تنظیم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۳ - ۹،۱۰

۹ - قرآن در همان عصر پیامبر (ص) بخشهایی به نام سوره تقسیم شده بود .

فأتوا بسوره من مثله

۱۰ - تقسیم بندی قرآن و نامیدن هر بخش به < سوره > از ناحیه خداوند بوده است . *

فأتوا بسوره من مثله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۶ - ۱

۱- تنظیم ، تفصیل و بخش بخش شدن قرآن ، از جانب خداوند بود نه در اختیار پیامبر (ص)

قرءانًا فرقنه

تنوع آيات قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام -

۶ - ۶۵ - ۹

۹ تنوع و گوناگونی بیان، از شیوه های به کار رفته در آیات قرآن

انظر کیف نصرف الأیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۵ - ۵،۱۰

۵ آیات گوناگون قرآن مایه تقویت بینش آگاهان و منجر به بهانه جویی کافران خواهد شد.

و لیقولوا درست و لنبینه لقوم یعلمون

۱۰ عالمان از گوناگونی آیات قرآن و رمز و رازهای ارزشمند آن بهره می برند.

و کذلک نصرف الأیت . .. و لنبینه لقوم یعلمون

تنوع بیانی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۵ - ۹،۱۰،۱۱

۹ تنوع و گوناگونی بیان، از شیوه های به کار رفته در آیات قرآن

انظر کیف نصرف الأیت

۱۰ مبلغان دین وظیفه دار تأمل و تحقیق در شیوه های بیان حقایق در قرآن و به کارگیری آن در تبلیغ هستند.

انظر کیف نصرف الأیت لعلهم یفقهون

۱۱ روشهای گوناگون و متنوع قرآن در بیان مفاهیم و مقاصد، جولانگاهی است برای تأمل و اندیشه.

انظر کیف نصرف الأیت لعلهم یفقهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۵ - ۶

۶ تبیین آیات برای آگاهان، هدف از تنوّع بیانی قرآن است.

و کذلک نصرف الأیت . .. و لنبینه لقوم یعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۱ - ۱

۱- خداوند ، آیات خویش را در قرآن به گونه های متنوع و فراوان تبیین کرد تا مشرکان تنبه یابند .

و لقد صرّفنا فی هذا القرءان لیذّکّروا

<صرف> در لغت به معنای

تحول و دگرگونی است و باب تفعیل آن، دلالت بر کثرت می کند. بنابراین مراد از آن، تبیین با بیانات گوناگون است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۹ - ۲،۳

۲- بیان های مختلف و شیوه های متنوع قرآن در تبیین حقایق و مفاهیم ، جلوه ای از ابعاد اعجاز آن

لایأتون بمثله . .. و لقد صرّفنا للناس فی هذا القرءان من کلّ مثل

۳- گوناگونی بیان ها و مثال های قرآن ، متناسب با فهم توده های بشری و در جهت هدایت آنان

و لقد صرّفنا للناس فی هذا القرءان من کلّ مثل

<تصریف> در لغت به معنای گرداندن چیزی به جهات گوناگون است و <تصریف کلام> آوردن آن به معانی مختلف می باشد. از اینکه قرآن کتاب هدایت است و می فرماید: <ما در قرآن جهات گوناگون معانی را لحاظ کردیم> استفاده می شود که رعایت چنین جهاتی می تواند به خاطر نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۴ - ۱

۱- خداوند ، در قرآن ، به بیان های گوناگون ، مثال ها و نمونه های فراوانی را برای هدایت بشر ، طرح کرده است .

و لقد صرّفنا فی هذا القرءان للناس من کلّ مثل

<صرّفنا> به معنای <بیّنا> است; یعنی <بیان کردیم> (لسان العرب)، ولی از آن جهت که باب تفعیل، برای تکثیر است، مراد، بیان های متعدد است. ریشهء کلمه <صرّفنا> که تصریف و تغییر از حالتی به حالتی است، گویای آن است که این بیانات، گوناگون و متنوع هستند.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۰ - ۱۱

۱۱- داستان موسی و خضر (ع) ، نمونه ای از مثال های متنوع قرآنی ، در جهت هدایت مردم است .

و لقد صرّفنا فی هذا القرءان للناس من کلّ مثل . .. و إذ قال موسی لفتیه لاأبرح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۳ - ۵،۱۱

۵ - قرآن ، حاوی هشدار ها و وعیدهایی گوناگون و متنوع

و صرّفنا فیه من الوعید

<صرف> و <تصریف> بازگرداندن چیزی از حالتی به حالت دیگر و یا تعویض آن است. گفتنی است که در <تصریف> مبالغه افزون تری وجود دارد (مفردات راغب). بنابراین مقصود از <صرّفنا...> این است که وعیدها را به شکل های گوناگون عرضه کردیم.

۱۱ - خداوند ، سامان دهنده الفاظ و کلمات قرآن و هشدار دهنده انسان هادر قالب آیاتی گوناگون

أنزلنه قرءانًا عربیًّا و صرّفنا فیه من الوعید

توصیف قرآن به عربی بودن (در حال نزول)، حاکی از این است که علاوه بر محتوای قرآن، الفاظ آن نیز مستند به خداوند است.

تنوع تأثیر قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۴ - ۱

۱- پیامبر (ص) ، مأمور ابهام زدایی در زمینه تأثیر دوگانه قرآن نسبت به انسان های مختلف

و ننزّل من القرءان . .. قل کلّ یعمل علی شاکلته

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که این آیه، پاسخ سؤالی مقدر درباره آیه قبل باشد و آن این است که چگونه افراد

مختلف، بهره های متفاوت از قرآن می برند؟ و این آیه جواب می

دهد که بهره متضاد و متفاوت، بازتاب روحیات و عادات خود آنهاست.

تنوع عذاب مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۵ - ۱۷

۱۷- عذاب کافران به قرآن ، ممکن است انواعی مغایر با عذاب پیشینیان باشد .

أن تأتیهم سنّه الأوّلین أو یأتیهم العذاب قبلًا

چنان چه <قُبُلًا> جمع <قبیل> باشد، به معنای انواع و اقسام گوناگون است و مراد آیه این می شود که عذاب این کافران، لزوماً، از همان انواع عذاب پیشینیان نیست، بلکه ممکن است آنان به انواع گوناگون دیگری از عذاب مبتلا شوند.

تنوع مثالهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۷ - ۱،۴

۱ - قرآن ، حاوی انواع مثل ها است .

و لقد ضربنا للناس فی هذا القرءان من کلّ مثل

۴ - گوناگونی مثل های قرآن ، متناسب با فهم توده های بشری و قابل استفاده و سودمند برای طبقات مختلف فکری و اجتماعی است .

و لقد ضربنا للناس فی هذا القرءان من کلّ مثل

برداشت یاد شده با توجه به آمدن سه واژه در آیه شریفه است: ۱ لام در <للناس> که برای انتفاع است; ۲ <الناس> که بر عموم مردم دلالت دارد; ۳ آمدن واژه <کل> با <مَثَل> که بر تنوع مثل ها اشاره دارد.

تواضع برای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۱ - ۷

۷ – سجود و به خاک افتادن هنگام شنیدن آیات قرآن ، رفتاری شایسته و مطلوب است . *

و إذا قرىء عليهم القرءان لايسجدون

کلمه <سجود> در برداشت یاد

شده، به معنای اصطلاحی آن گرفته شده است. این آیه هر چند از آیاتی نیست که سجده واجب دارند; ولی مفاد آن مندوب بودن سجده به هنگام شنیدن هر یک از آیات قرآن و یا خصوص آیاتی است که در آن فرمان سجود آمده است.

توجیه ناپذیری تهمت افسانه به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۸ - ۳

۳ - افسانه پنداشتن قرآن و تکذیب قیامت ، توجیه ناپذیر است .

قال أسطیر الأوّلین . .. هذا الذی کنتم به تکذّبون . کلاّ

حرف <کلاّ> ممکن است برای ردع و منع از توهّماتی باشد که در آیات پیشین، کافران گرفتار آن دانسته شده بودند.

تورات و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۴ - ۸

۸ - پذیرش اسلام و ایمان به قرآن ، از فرمان های تورات و انجیل به پیروان خویش

أتأمرون الناس بالبر و تنسون أنفسکم و أنتم تتلون الکتب

جمله <تُنسون أنفسکم> را می توان به قرینه آیات پیشین - که سخن از دعوت به ایمان بود - در ارتباط با ایمان به قرآن دانست. بر این اساس آیه اشاره به این معنا دارد که: شما عالمان اهل کتاب مردم را به نیکیها دعوت می کنید; ولی وظیفه خویش را که ایمان به قرآن است، فراموش می کنید; سپس با جمله <و أنتم تتلون الکتب> بیان می دارد که: آنان از این وظیفه مطلع بودند; یعنی، در کتابهای آسمانی، این حقیقت وجود داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷

- ۵،۶

۵ تورات ، دلیلی بر حقانیت قرآن

و یتلوه . .. من قبله کتب موسی

<کتاب> عطف بر <شاهد> است و ضمیر در <قبله> به شاهد برمی گردد.

۶ تورات ، حاوی بشارت به نزول قرآن

و من قبله کتب موسی

توصیه به استماع آیات قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۶ - ۵

۵ - توصیه خداوند به مؤمنان ، مبنی بر گوش جان سپردن به رهنمود های قرآن

و اسمعوا

توصیه به پاکیزگی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۲ - ۱۲

۱۲ - پاکیزه نگه داشتن صفحات قرآن ، توصیه خداوند

صحفًا مطهّره

توصیف ورق های قرآن به <مطهّره> علاوه بر بیان طهارت معنوی آنها از انحراف آنها را سزاوار تطهیر دانسته و به لزوم دور داشتن آنها از آلودگی های ظاهری نیز اشاره دارد.

توصیه های قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۱ - ۷

۷ توصیه و سفارش قرآن به استفاده از تجربه های گذشته

و اذ غدوت من اهلك

تـذکر قرآن به پیـامبر (ص) و مخـاطبین دربـاره به خـاطر سپردن مسائل جنگ احـد، در واقع سـفارش به اسـتفاده از تجربه های گذشته است.

توطئه دشمنان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۶ - ۲

۲- اسطوره خواندن و ساختگی دانستن قرآن ، مکر و توطئه دشمنان این کتاب آسمانی است .

و إذا قیل لهم ماذا أنزل ربّکم قالوا أسطر الأولین . .. قد مکر الذین من قبلهم

توطئه علیه قرآن

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۱ - ۶

۶ بی تأثیری آیات الهی در قلب توطئه گران علیه پیامبر (ص) و قرآن

و إذا تتلی علیهم ءایتنا قالوا . .. إن هذا إلا أسطیر الأولین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۱ - ۹

۹ رویارویی قشر های مرفه و اشراف عصر بعثت با پیامبر (ص) و توطئه و نیرنگ آنان در برابر معجزه آن حضرت (قرآن کریم)

و إذا أذقنا الناس رحمه من بعد ضراء مسّتهم إذا لهم مکر فی ءایاتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳ - ۹

۹- بشر بودن پیامبر (ص) محتوای نجوای توطئه آمیز مشرکان و دستاویز آنان علیه اسلام و قرآن

و أسرّوا النجوی الذین ظلموا هل هذا إلّابشر مثلکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۱ - ۱

۱ - تلاش پی گیر مشرکان عصر بعثت ، علیه آیات الهی (قرآن) و ناکام ساختن پیامبر (ص) در دعوت خویش

و الذین سعوا فی ءایتنا معجزین أولئک أصحب الجحیم

<سعی> (مصدر <سعوا>) به معنای تلاش کردن است و <فی آیاتنا> به تقدیر <فی ابطال آیاتنا> می باشد. <معاجزه> (مصدر <معاجزین>) اگر از <عَجُز> (دنباله) مشتق شده باشد به معنای سبقت گرفتن از چیزی و پشت سرگذاشتن آن است و اگر از <عَجْز> (ناتوانی) مشتق شده باشد، به معنای ناتوان کردن می باشد. در هر صورت <معاجزین> حال برای فاعل <سعوا> است

و مفعول آن محذوف می باشد و تقدیر آن می تواند <معاجزینا> و یا <معاجزین رسولنا> باشد. <جحیم> نیز به معنای آتش بر افروخته و شعلهور است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۱ - ۱

۱ - اندیشه عمیق و مستمر ولیدبن مغیره ، علیه قرآن و رسالت پیامبر (ص)

ثمّ نظر

<ثمّ> در <ثمّ نظر> یا برای تراخی زمانی است و یا رتبی. در هر دو صورت بیانگر نظر و اندیشه عمیق و مستمر کافرانی است که پیش از این، به فکر و حسابگری علیه دین مشغول بودند (إنّه فکّر و قدّر و...).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۲ - ۲

۲ - چاره اندیشی عجولانه و شتاب آلودِ ولیدبن مغیره ، علیه قرآن و پیامبر (ص)

إنّه فکّر و قدّر . .. ثمّ نظر . ثمّ عبس و بسر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۴ - ۲

۲ - اتهام سحر و جادوگری به قرآن ، طرحی حساب شده از سوی ولیدبن مغیره

إنّه فکّر و قدّر . .. فقال إن هذا إلاّ سحر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۶ - ۶

۶ - کافرانی که در برابر حاکمیت قرآن و تأثیر هشدار های آن ، خدعه کنند ، به کیفری غافلگیرانه و غیر قابل پیش بینی گرفتار خواهند شد .

إنّه لقول فصل . .. یکیدون ... و أکید کیدًا

<حیله>; یعنی، آنچه به صورت مخفیانه، مایه رسیدن به حالت مورد نظر

گردد. و <کید> نوعی احتیال است. (مفردات راغب)

توطئه علیه هشدارهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۵ - ۳

۳ - بی تأثیر ساختن هشدار های قرآن درباره معاد ، محور نیرنگ های کافران

إنّه لقول فصل . .. إنّهم یکیدون کیدًا

به قرینه آیات پیشین، مصداق بارز کید و مکر کافران، توطئه برای جدی نگرفتن هشدارهای قرآن به معاد است.

توطئه های مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۴ - ۲

۲ - دلداری خداوند به پیامبر (ص) ، در برابر مخالفت ها و کارشکنی های تکذیب گران

فذرنی و من یکذّب بهذا الحدیث

تهدید مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۰ - ۳

۳ - مشرکانِ مخالف قرآن در صدراسلام ، به کیفر و عذاب الهی تهدید شدند .

فکفروا به فسوف یعلمون

جمله <فسوف یعلمون> جمله ای است تهدید آمیز علیه مشرکانِ مخالف قرآن. در این که این تهدید مربوط به چه مسأله ای است و متعلق علم در (یعلمون) چیست، دو دیدگاه وجود دارد: ۱ عذاب استیصال، ۲ پی آمدهای ناگوار اجتماعی و فردی کفر و شکست خوردن جبهه کفر در آینده نزدیک. برداشت یاد شده مبتنی بردیدگاه نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۵۹ – ۱

۱ تهدید منکرانِ پیام های روشن و قابل درک قرآن ، به فرجامی سخت از سوی خداوند

فإنّما یسّرنه . .. فارتقب إنّهم مرتقبون

عبارت <إنّهم مرتقبون>، کنایه از این است که کافران

به بیان های روشن وحی ایمان نمی آورند تا سرانجام وعیدهای ما تحقق یابد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۴ - ۱

۱ - تکذیب کنندگان قرآن و معاد ، از سوی خداوند به عذاب تهدید شدند .

فذرنی و من یکذّب بهذا الحدیث

مقصود از <حدیث> یا قرآن است و یا مسأله معاد که در آیه پیش مطرح شده است. گفتنی است که تعبیر <فذرنی و من یکذّب> و مانند آن، در مورد تهدید به کار می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۳ - ۷

۷ - خداوند ، منکران معاد و تکذیب کنندگان قرآن را ، به مؤاخذه افکار و کردارشان تهدید کرده است .

و اللّه أعلم بما یوعون

مقصود از بیان آگاهی خداوند، به افکار انباشته در ظرف ذهن و کردار موجود در نامه عمل، تهدید به مؤاخذه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۹ - ۳

۳ - خداوند ، تهدید کننده کافران و تکذیب کنندگان قرآن به سرنوشتی همچون فرجام فرعونیان و قوم ثمود

هل أتیک . .. فرعون و ثمود . بل الذین کفروا فی تکذیب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۲۰ - ۷

۷ - خداوند ، تهدیدکننده کافران و تکذیب کنندگان قرآن ، به سرنوشتی همچون فرجام فرعونیان و قوم ثمود

هل أتیک حدیث الجنود . .. و اللّه من ورائهم محیط

تهدیدهای قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بروج – ۸۵ – ۱۱

۸ - تهدید و ترغیب ، از روش های قرآن برای هدایت انسان ها است .

فلهم عذاب جهنّم . .. لهم جنّت تجری من تحتها الأنهر

تهمت آشفتگی به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵ - ۲

۲- معرفی قرآن به صورت مجموعه ای غیرمنظم و کتابی بدون انسجام ، از تبلیغات سوء مشرکانِ ستم پیشه

بل قالوا أضغث أحلم

برداشت یاد شده باتوجه به معنای لغوی <أضغاث> (اشیای آشفته و دسته های پراکنده و بی انسجام) است.

تهمت افسانه بودن قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۵ - ۱۵،۱۰

۱۰ افسانه خواندن قرآن، از شیوه های مبارزه کافران و مشرکان با اسلام

حتی إذا جاءوک یجدلونک یقول الذین کفروا إن هذا إلا أسطیر الأولین

۱۵ اسطوره خواندن قرآن و جدال و سرسختی در برابر آن، کفرورزی است.

یقول الذین کفروا إن هذا إلا أسطیر الأولین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۶ - ۳

۳ افسانه خواندن قرآن و کهنه دانستن مطالب آن، از ترفندهای کافران برای جلوگیری از گوش فرادادن مردم به آن

إن هذا إلا أسطیر الأولین. و هم ینهون عنه

<اول> به معنای آغاز است، و مراد کافران از این اتهام کهنه بودن مطالب قرآن می تواند باشد.

تهمت افسانه به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۴ - ۱

۱- منکران آخرت ، آیات قرآن را سخنانی ساختگی و قصه های نوشته شده پیشینیان قلمداد می کردند .

فالذین لایؤمنون بالأخره قلوبهم

منکره . .. و إذا قيل لهم ماذا أنزل ربّکم قالوا أس

<أساطير> (جمع اُسطوره) به معناى داستانهاى ساختگى و سخنان موهومى است که به صورت مکتوب مى باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۵ - ۲،۳،۵،۷،۸،۱۲،۱۴،۱۵،۱۶

۲- کيفر کسانى که قرآن را اسطوره مى خوانند ، در قيامت بدون هيچ کاستى داده خواهد شد .

قالوا أسطر الأولين . ليحملوا أوزارهم کامله يوم القيمه

۳- ساختگى دانستن قرآن ، گناهى بس بزرگ و سنگين

قالوا أسطر الأولين . ليحملوا أوزارهم کامله يوم القيمه

۵- کسانى که با ساختگى دانستن قرآن ، ديگران را به گمراهى کشيدند ، بخشى از گناهان آنان را به عهده خواهند داشت .

و إذا قيل لهم ماذا أنزل ربّکم قالوا أسطر الأولين . ليحملوا أوزارهم کامله يوم ال

برداشت فوق، بر اساس اين احتمال است که <من> براى تبعيض باشد.

۷- کسانى که قرآن را اسطوره مى خوانند ، علاوه بر گناه افترا زدن به قرآن ، برخى از گناه ديگران (گناه گمراهى آنان) را نيز بر دوش مى کشند .

قالوا أسطر الأولين . ليحملوا أوزارهم کامله يوم القيمه و من أوزار الذين يضلّونه

اين برداشت، مبتنى بر تبعيض بودن <من> در <من أوزارهم> است.

۸- اسطوره قلمداد کردن قرآن ، بازدارنده مردم از ايمان به آن است .

قالوا أسطر الأولين . ليحملوا ... و من أوزار الذين يضلّونهم

۱۲- ادعاى اسطوره اى بودن قرآن ، جاهلانه و به دور از مبانى علمى است .

قالوا أسطر الأولين . .. يضلّونهم بغير علم

برداشت فوق مبتنى بر اين احتمال است که <بغير> حال براى ضمير فاعلى <يضلّون> باشد و از آن جايى

که مایه اضلال، اسطوره خواندن قرآن بوده است، معلوم می شود که آن ادعا عالمانه نبوده است.

۱۴- بار گناه اسطوره خواندن قرآن ، باری بس ناشایست و زشت

قالوا أسطر الأولین . .. ألا ساء ما یزرون

۱۵- اسطوره تلقی کنندگان قرآن ، به پیامد کلام گمراه گر خود توجه ندارند .

قالوا أسطر الأولین . .. و من أوزار الذین یضلّونهم بغیر علم

۱۶- اسطوره تلقی کنندگان قرآن ، نیازمند به هشدار الهی ، به خاطر بی خبری از پیامد گناه و کیفر عمل زشت خویش

قالوا أسطر الأولین . لیحملوا أوزارهم ... ألا ساء ما یزرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۶ - ۲

۲- اسطوره خواندن و ساختگی دانستن قرآن ، مکر و توطئه دشمنان این کتاب آسمانی است .

و إذا قیل لهم ماذا أنزل ربّکم قالوا أسطر الأولین . .. قد مکر الذین من قبلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۸ - ۱۵

۱۵- اسطوره خواندن قرآن ، توطئه علیه دین الهی و انتخاب کفر ، اعمالی زشت و ناپسند

و إذا قیل لهم ماذا أنزل ربّکم قالوا أسطر الأولین . .. قد مکر الذین من قبلهم ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۰ - ۶

۶ - افسانه خواندن قرآن از سوی کافران ، دروغی ناروا به ساحت آن

إن هذا إلّا أسطیر الأوّلین . .. و إنّهم لکذبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۵ – ۵،۴،۲،۱

۱ کافران ، مدعی بودند که قرآن

، افسانه های مکتوب پیشینیان است که پیامبر (ص) از روی آنها نسخه برداری کرده و به آنها سامان بخشیده است .

و قالوا أسطيرالأوّلين اكتتبها

۲ کفرپیشگان بر این داعیه بودند که پیامبر (ص) برای ساختن قرآن ، از برخی از اشخاص درخواست استنساخ از اسطوره های پیشینیان را کرده است .

و قالوا أسطيرالأوّلين اكتتبها

برداشت فوق، مبتنی بر این است که فعل <اکتتبها> در معنای حقیقی خود (نوشتن و نسخه برداری پیامبراسلام) استعمال نشده باشد; زیرا به گواه تاریخ پیامبر(ص) آشنا به نوشتن نبوده است. بنابراین مقصود از آن، درخواست نوشتن از دیگران است; چنان که نوشته های بزرگان را دیگران می نویسند، ولی به آنان نسبت می دهند.

۴ کافران ، مدعی بودند که قرآن همان افسانه های پیشینیان است که گروهی در هر صبح و شام و به صورت مخفیانه ، بر پیامبر (ص) دیکته کرده و می خوانند .

و قالوا أسطيرالأوّلين اكتتبها فهى تملى عليه بكره و أصيلاً

مراد از صبح و شام، می تواند وقت هایی باشد که مردم در منظر و مرای نیستند و به طور معمول، کسی که می خواهد متن مقدسی را بسارد، آن را به صورت پنهانی انجام می دهد تا کسی خبردار نشود.

۵ کافران مدعی بودند که گروهی با استنتاخ از افسانه های پیشینیان و املای آن بر پیامبر (ص) ، آن حضرت را در ساختن قرآن کمک می کنند .

و أعانه عليه قوم ءاخرون . .. و قالوا أسطيرالأوّلين اكتتبها فهى تملى عليه بكره و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم -

۶۸ - ۱۵ - ۱،۲

۱ - کافران تکذیب گر ، آیات قرآن و مطالب آن را بی اساس و از افسانه های کهن می پنداشتند .

إذا تتلی علیه ءایتنا قال أسطیر الأوّلین

۲ - معرفی قرآن به عنوان افسانه کهن ، از ترفند های همیشگی کافران تکذیب گر

إذا تتلی علیه ءایتنا قال أسطیر الأوّلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۳ - ۳،۵

۳ - تکذیب کنندگان قیامت ، معارف قرآن را نوشته هایی بی اساس و ساخته و پرداخته پیشینیان می دانند .

قال أسطیر الأوّلین

(<أساطیر> جمع <اُسطوره>) به سخن های زیبا و نوشته شده ای گفته می شود که در محتوا، شبیه یاوه سرایی باشد (لسان العرب). مراد از استناد <أساطیر> به <أوّلین> یا این است که این اساطیر، تراوش افکار آنان است و یا این که زندگانی آنان، در این افسانه ها ترسیم شده است. برداشت یاد شده، ناظر به احتمال نخست است.

۵ - منکران قیامت ، قرآن را مجموعه ای افسانه ای ، درباره نسل های انقراض یافته بشر می دانند .

إذا تتلی علیه ءایتنا قال أسطیر الأوّلین

ر. ک. توضیح ۳

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۴ - ۳

۳ - روی گردانی کافران از قرآن ، به دلیل ناتوانی آنان از درک مفاهیم آن است و افسانه دانستن آن ، بهانه ای بیش نیست .

قال أسطیر الأوّلین . کلّا بل ران علی قلوبهم

تهمت املای قرآن به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۵ – ۴

۴ کافران

، مدعی بودند که قرآن همان افسانه های پیشینیان است که گروهی در هر صبح و شام و به صورت مخفیانه ، بر پیامبر (ص) دیکته کرده و می خوانند .

و قالوا أسطیرالأوّلین اکتتبها فهی تملی علیه بکره و أصیلاً

مراد از صبح و شام، می تواند وقت هایی باشد که مردم در منظر و مرای نیستند و به طور معمول، کسی که می خواهد متن مقدسی را بسارد، آن را به صورت پنهانی انجام می دهد تا کسی خبردار نشود.

تهمت به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۱ - ۴،۵

۴ کافران مکه معارف قرآن را نوشتار ها و سخنان بی اساس مردمان نخستین قلمداد می کردند .

إن هذا إلا أسطیر الأولین

<اساطیر> به معنای نوشتارهای بی اساس است و <الأولین> به معنای انسانهای نخستین. گفتنی است که <اساطیر الأولین> می تواند به این معنا باشد که این اسطوره ها در باره انسانهای اولیه است و می تواند به این معنا باشد که اینها اسطوره هایی است ساخته و پرداخته انسانهای نخستین.

۵ معرفی قرآن به عنوان افسانه های کهن و دروغین از ترفند های کافران برای مقابله با قرآن

قالوا . .. إن هذا إلا أسطیر الأولین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴ - ۳،۸

۳ تهمت و افترا ، ابزار و شیوه های مبارزه کافران علیه پیامبر (ص) و قرآن

و قال الذین کفروا إن هذا إلّا إفک افتریه و أعانه علیه قوم ءاخرون

۸ < عن أبی جعفر (ع) فی

قوله < إفك افتراه > قال : الإفک الكذب ;

از امام باقر(ع) روایت شده است که درباره قول خدا: <إفك افتراه> فرمود: افک به معنای دروغ است>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۹ – ۷

۷ استفاده از شیوه های بهانه جویانه و دروغ علیه قرآن و پیامبر (ص) ، شیوه ای ناموفق و ناکام

و قال الذين كفروا إن هذا إلاّ إفك . .. أسطيرالأوّلين ... رجلًا مسحورًا... فضلّ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۳ – ۴

۴ – خداوند ، در مقابل تهمت مشرکان (ساختگی بودن قرآن) ایستاده و از حقانیت قرآن ، دفاع کرده است .

أم يقولون افتريه بل هو الحقّ

تهمت جادو به قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۲ – ۱۶

۱۶ اتهام سحر و افسونگری ، از حربه های تبلیغاتی کفرپیشگان مکه علیه قرآن و پیامبر (ص)

قال الكفرون إن هذا لسحر مبين

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۳ – ۱۲،۱۳،۱۵

۱۲– نسبت ناروای سحر به قرآن و جادوگری به پیامبر (ص) از سوی مشرکان ستم پیشه

أفتأتون السحر و أنتم تبصرون

۱۳– مشرکان ستم پیشه ، ضمن ایراد اتهام سحر به قرآن ، آن را هرگز شایسته پیروی نمی دانستند .

أفتأتون السحر و أنتم تبصرون

استفهام در جمله <أفتأتون السحر> انکاری است و جمله <و أنتم تبصرون> حال برای فاعل <تأتون> می باشد. بنابراین معنای آیه چنین می شود: آیا شما

با چشم باز و آگاهی به دنبال قرآن که سحر است می روید؟ یعنی این که شایسته نبودن قرآن برای پیروی، امری است روشن و بدیهی.

۱۵- سحر بودن قرآن و ساحر بودن پیامبر (ص) ، دلیل واهی و بهانه دیگر مشرکان ستم پیشه برای ایمان نیاوردنشان

أفتأتون السحر و أنتم تبصرون

مشرکان برای ردّ ادعای نبوت پیامبر(ص)، دو دلیل واهی و بهانه جویانه می آوردند: ۱ بشر بودن آن حضرت (هل هذا إلاّ بشر مثلکم)، ۲ ساحر بودن ایشان (أفتأتون السحر).

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۴۸ – ۱۱

۱۱ – قرآن و تورات ، دو جادوی پشتیبان یکدیگر ، در ادعای کافران صدراسلام

قالوا سحران تظهرا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۴۳ – ۱۵

۱۵ – اتهام بی پرده کافران ، مبنی بر جادوی آشکار بودن قرآن کریم

و قال الذین کفروا للحقّ لمّا جاءهم إن هذا إلاّ سحر مبین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۵ – ۲،۴

۲ – قرآن ، سحری آشکار در دیدگاه مشرکان

و قالوا إن هذا إلاّ سحر مبین

۴ – اصرار و پافشاری مشرکان بر متهم کردن قرآن و معجزه الهی به سحر و جادوگری

و قالوا إن هذا إلاّ سحر مبین

برداشت فوق از به کار رفتن نفی و استثنا در آیه شریفه که دلالت بر حصر و قطعی بودن مفاد آن است، استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۴ - ۱،۲،۳

۱ - اتهام سحر و

جادوگری به قرآن ، از سوی ولیدبن مغیره

فقال إن هذا إلّا سحر

۲ - اتهام سحر و جادوگری به قرآن ، طرحی حساب شده از سوی ولیدبن مغیره

إنّه فکّر و قدّر . .. فقال إن هذا إلّا سحر

۳ - قرآن ، در دیدگاه غرض آلود ولیدبن مغیره ، سحری برگرفته شده از ساحران پیشین بود .

فقال إن هذا إلّا سحر یؤثر

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که <یؤثر> از ماده <أثر> (روایت و مطلب نقل شده از پیشینیان) باشد.

تهمت رؤیای آشفته به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵ - ۱

۱- خواب آشفته دانستن قرآن ، از تبلیغات سوء مشرکان ستم پیشه علیه پیامبر (ص)

بل قالوا أضغث أحلم

<أضغاث> (جمع <ضغث>) به معنای دسته ها و مختلط ها و <أحلام> (جمع <حلم>) به معنای خواب ها است. این تعبیر (أضغاث أحلام) به خواب های آشفته و پراکنده اطلاق می شود.

تهمت ساختگی به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶ - ۳

۳ - ردّ اتهام کافران از سوی خداوند نسبت به ساختگی بودن قرآن

و إنّک لتلقّی القرءان من لدن حکیم علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۳ - ۱۳

۱۳ - مشرکان ، معتقد بودند قرآن ساخته و پرداخته است ; نه وحی .

و قالوا ما هذا إلاّ إفک مفترًی

مشاراليه <هذا> به قرینه <تتلی علیهم آیاتنا> می تواند قرآن باشد. هم چنین می تواند حاصل تلاوت (قول به توحید) باشد. برداشت یاد شده بنابر احتمال اول

است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۴۴ – ۱

۱ – مشرکان ، در حالی قرآن را ساخته و پرداخته [دست] بشر می دانستند که هیچ دلیل آسمانی نداشتند .

و قال الذین کفروا للحقّ لمّا جاءهم إن هذا إلاّ سحر مبین . و ما ءاتینهم من کتب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۵۳ – ۶

۶ – نسبت دادن ساختگی بودن قرآن از سوی مشرکان ، ناآگاهانه و به دور از علم بوده است .

قالوا ما هذا إلاّ سحر مبین . .. و قد کفروا به من قبل و یقذفون بالغیب

تهمت شعر به قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۵ – ۴

۴– نسبت ناروای شعر و شاعری به قرآن و پیامبر (ص) ، از سوی مشرکانِ ستم پیشه

بل هو شاعر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۲۲۴ – ۳

۳ – حقیقت قرآن مبرّا از شعر ، و ساحت پیامبر (ص) منزه از شاعری و خیال پردازی

و الشعراء یتّبعهم الغاون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – حاقه – ۶۹ – ۴۱ – ۴

۴ - اتهام شعر به قرآن و شاعری به پیامبر (ص) ، از سوی کافران و مشرکان در آغاز رسالت

و ما هو بقول شاعر

تهمت کهانت به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴۲ - ۴

۴ - اتهام کهانت

به قرآن و کاهنی به پیامبراسلام (ص) ، از سوی کافران و مشرکان

و لا بقول کاهن

ثبات قدم مؤمنان به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۷ - ۳

۳- خداوند ، کسانی را که به سخنان استوار و جاودانه (قرآن) ایمان آورند ، در دنیا و آخرت ثابت قدم و خلل ناپذیر می کند .

یثبت الله الذین ءامنوا بالقول الثابت فی الحیوه الدنیا و فی الأخره

برداشت فوق بر این اساس است که <باء> در <بالقول> متعلق به <آمنوا> باشد; یعنی، کسانی که به سخنان استوار، که به قرینه آیه قبل می تواند همان <کلمه طیبه> باشد، ایمان آورند از ناحیه خداوند مورد تأیید هستند.

جادوانگاری قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۰ - ۱

۱ - مشرکان ، قرآن را سحر قلمداد کردند .

و لمّا جاءهم الحقّ قالوا هذا سحر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۷ - ۶

۶- سحر خواندن قرآن ، نتیجه تضاد و بحران درونی کافران ، در انکار حق و مشاهده نفوذ آیات وحی *

قال الذین کفروا للحقّ لمّا جاءهم هذا سحر مبین

جاذبه قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۶۲ – ۶

۶ جاذبه خاص قرآن برای علمای راستین و ژرفنگر

لکن الرسخون . .. یؤمنون بما أنزل إلیک و ما أنزل من قبلک

جامعیت قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۳۸ – ۵،۶،۱۴

۵

قرآن، معجزه ای کافی برای هدایت و برآورنده تمامی نیازهای هدایتی انسان است.

و قالوا لولا نزل علیه ءایه . .. ما فرطنا فی الکتب من شیء

با توجه به آیه قبل، که سخن از نزول معجزات بوده می توان گفت مراد از <الکتاب> قرآن است و چون قرآن کتاب هدایت و <من شیء> بیانگر جامعیت آن است، لذا بر مبرا بودن قرآن از هرگونه کاستی در جهت هدایت آدمیان دلالت دارد.

۶ قرآن خالی از هرگونه نقص و کاستی برای اثبات رسالت پیامبر(ص)

لولا نزل علیه ءایه . .. ما فرطنا فی الکتب من شیء

۱۴ عن الرضا(ع): . .. إن اللّه عز و جل ... أنزل علیه القرآن فیه تبیان کل شیء بیّن فیه الحلال و الحرام و الحدود و الأحکام و جمیع مایحتاج إلیه الناس کملا فقال عز و جل: <ما فرطنا فی الکتاب من شیء> ... .

از امام رضا(ع) روایت شده است: . .. خداوند عز و جل ... قرآن را بر رسولش(ص) نازل کرد، در قرآن روشنگری برای هر چیزی وجود دارد، در آن حلال و حرام، حدود و احکام و تمامی آنچه را که مورد نیاز مردم است بطور کامل بیان فرمود و خداوند عز و جل فرمود: <ما در این کتاب، هیچ چیز را فرو گذار نکردیم> ... .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۶ - ۱۱

۱۱ بیان قرآن و تنوع و گوناگونی آن برای هدایت انسان کافی است.

انظر کیف نصرف الآیت ثم هم یصدفون

دعوت به نگرش در چگونگی بیان آیات و همچنین اظهار شگفتی از رویگردانی برخی مردم از

هدایتهای قرآن، بیانگر کارسازی و نقش مؤثّر آن در هدایت انسان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۵ - ۱،۵

۱ قرآن کلمه تام و صدق و عدل پروردگار است.

و هو الذی أنزل إلیکم الکتب . .. و تمت کلمت ربک صدقا و عدلا

مراد از <کلمت>، به قرینه آیه قبل که سخن از نزول کتاب است، قرآن می تواند باشد.

۵ قرآن و اسلام پاسخگوی همه نیازهای هدایتی بشر و حجت تامه پروردگار است.

و تمت کلمت ربک

لازمه تمام بودن قرآن و در نتیجه اسلام، توان پاسخگویی به همه نیازهاست ; به گونه ای که به بیرون از خود نیازی نداشته باشد ; همان گونه که راغب می گوید: <تمام . .. انتهائه إلی حد لا یحتاج إلی شیء خارج عنه>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳ - ۵

۵ قرآن، برنامه کامل حیات مادی و معنوی انسان است.

اتبعوا ما أنزل إلیکم من ربکم و لاتتبعوا من دونه أولیاء

لازمه وجوب پیروی از خداوند با اجرای قرآن و ضرورت پرهیز از پیروی از غیر آن این است که آنچه را انسانها در حیات مادی و معنوی خویش بدان نیاز واقعی دارند، به صورت اجمال و یا تفصیل در قرآن بیان شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۴ - ۴

۴- هدایت قرآنی ، هدایتی جامع و فراگیر است .

فی هذا القرءان للناس من کلّ مثل

کلمه <الناس> نشان دهنده اختصاص نداشتن معارف قرآنی به قشری خاص است و <من کلّ مثل>

گویای بهرگیری از تمامی انواع مثل ها در زمینه های هدایت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۵ - ۵

۵ - قرآن ، کامل ترین کتاب آسمانی و اسلام جامع ترین دین الهی

و اتّبعوا أحسن ما أُنزل إلیکم من ربّکم

در برداشت یاد شده، برتر بودن قرآن در مقایسه با دیگر کتاب های آسمانی و به لحاظ کمال و جامعیت سنجیده شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴ - ۷

۷- قرآن ، بیانگر و در بر دارنده همه مسائل مهم *

و الکتب المبین . إنّا أنزلنه فی لیله مبرکه ... فیها یفرق کلّ أمر حکیم

خداوند، از سویی قرآن را کتابی روشن و روشنگر و از سویی دیگر نزول آن را در شبی مبارك که تقدیر امور هستی در آن صورت می پذیرد معرفی می نماید. تقارن دو امر یاد شده، این احتمال را تقویت می کند که مقدرات کلی الهی در هستی، در قرآن موجود و بیان شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۵۴ - ۳

۳ - قرآن ، در بیدارگری و پندآموزی ، بهترین و جامع ترین کتاب است .

إنّه تذکره

تنکیر <تذکره> برای تعظیم است. بر این اساس می توان گفت: عظیم بودن تذکار قرآن، بیانگر عظمت و برتری این کتاب، از نظر پندآموزی و بیدارگری، نسبت به دیگر کتاب ها و نیز جامعیت آن در این عرصه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۳ -

۴ - قرآن ، حاوی معارف کتاب های آسمانی گذشته است . *

یتلوا صحفًا مطهّره . فیها کتب قیّمه

جاودانگی عذاب معرضان از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۲ - ۱

۱ - کسانی که از تذکرات قرآن ، فاصله گرفته ، آن را نپذیرند ، به بزرگ ترین و سوزان ترین آتش ها ، گرفتار شده و در آن باقی خواهند ماند .

و یتجنّبها الأشقی . الذی یصلی النار الکبری

زجاج گفته است: <صلی>; یعنی، ملازم و همراه شد (لسان العرب) و <صلی النار>; یعنی، حرارت آتش را به سختی چشید. (قاموس). <کبری>; یعنی، بزرگ تر و بزرگی آتش به گستردگی و افروخته تر بودن آن است.

جاودانگی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۲ - ۹

۹ قرآن و اسلام ، کتاب و آیینی جاودان و ماندگار

و یأبی اللّه إلا أن یتم نوره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱ - ۴

۴ قرآن ، کتابی است پاینده و خلل ناپذیر .

الکتب الحکیم

برداشت فوق بر این اساس است که <حکیم> به معنای <محکَم> باشد ; زیرا <إحکام> (مصدر محکم) به معنای

بازداشتن و مصون ساختن چیزی از فساد و تباهی است. توصیف <کتاب> به <حکیم> بیانگر اتقان، پایندگی و خلل ناپذیری آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۸ - ۵

۵- قرآن ، معجزه جاودان الهی که همواره کتابی بی مانند بوده و تا ابد نیز بی همانند خواهد

ماند .

قل لئن اجتمعت الإنس و الجنّ . .. لايأتون بمثله و لو كان بعضهم لبعض ظهيرًا

از اینکه آیه تصریح می کند هیچ انس و جنی توان آوردن مانند قرآن را ندارد، به دست می آید که قرآن، همواره کتابی بی مانند خواهد ماند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۵ - ۴

۴- قرآن ، کتابی است جاودانه و تعالیم آن تأثیرناپذیر از گذشت زمان .

و بالحقّ أنزلنه و بالحقّ نزل

برداشت فوق، مبتنی بر یکی از معانی و موارد استعمال <حق> است که عبارت است از: امر ثابت و زوال ناپذیر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۱ - ۸

۸ - خداوند ، از ماندگاری قرآن در میان مردم و خوانده شدن اش بر آنان ، خبر داده است .

أنّا أنزلنا علیک الکتب یتلی علیهم

فعل مضارع <یتلی> دلالت بر استمرار می کند و تعیین نشدن فاعل آن نیز، نکته یاد شده را تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲ - ۴

۴ - قرآن ، کتابی است پاینده ، استوار و خلل ناپذیر .

و القرءان الحکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۲ - ۴

۴ – تأثير نداشتن گذشت زمان ، در حقانيت معارف قرآن

لايأتيه البطل من بين يديه و لا من خلفه

بنابراين كه مراد از <باطل> زوال حقانيت باشد، مطلب بالا استفاده مى شود.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۸ – حديد – ۵۷ – ۱۶ –

۱۱ – قرآن ، کتابی جاودان و کهنه نشدنی

و ما نزل من الحقّ

یکی از معانی واژه <حقّ> ثابت و استوار است. در این صورت توصیف قرآن به <حقّ>، می تواند بیانگر مطلب بالا باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – صف – ۶۱ – ۸ – ۸

۸ – قرآن و اسلام ، کتاب و آیینی جاودان

و اللّه متمّ نوره

جایگزینی آیات منسوخ قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۰۶ – ۷

۷ – خداوند ، هرگاه آیه ای از قرآن یا حکمی از اسلام را نسخ کند و یا به متارکه آن فرمان دهد ، آیه و حکمی بهتر یا همسان با آن را نازل می کند .

ما ننسخ من ءایه أو ننسها نأت بخیر منها أو مثلها

جذابیت قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۲۵ – ۱۳

۱۳ قرآن برای مشرکان زیبا و جذاب بوده است.

یقول الذین کفروا إن هذا إلا أسطیر الأولین

<أساطیر> به معنی سخن زینت شده و زیبا آمده است. <سطر فلان علی فلان إذا زخرف له الأقاویل و نمقها>. (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵ - ۵

۵- زیبایی و گیرایی قرآن ، پذیرفته شده و مسلّم در نظر مشرکان مکه

بل هو شاعر

از آن جایی که شعر از زیبایی و گیرایی خاصی برخودار است; بدین سبب مشرکان، پیامبر(ص) را شاعر می دانستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۸ - ۱۴

قرآن ، کتابی پرجاذبه و شگفت آور در نظر سران کفر وشرک

و قالوا أسطيرالأوّلين . .. إن تتّبعون إلاّ رجلاً مسحورًا

اسطوره خواندن قرآن و سحر دانستن آن از سوی سران کفر و شرك، گويای اين نکته است که اين کتاب الهی، همانند اسطوره، سحر و جادو، برای آنان جاذبه داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - يس - ۳۶ - ۶۹ - ۴

۴ - قرآن ، کتابی است دارای نظم ، شيوه و ترکيبی جذاب و مخصوص به خود .

و ما علّمنه الشعر

برداشت ياد شده مبتنی بر اين نکته است که آنچه کافران را به شعر پنداشتن قرآن واداشت، نظم و اسلوب پر جاذبه و ويژه ای بود که در اين کتاب الهی مشاهده کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۹ - ۳

۳- گروه جنيان ، مجذوب پيام وحی با استماع آن از زبان پيامبر (ص)

و إذ صرفنا إليک . .. فلمّا حضروه قالوا أنصتوا

تعبير <أنصتوا> و فراخواندن به سکوت، نشانگر اشتياق آنان به استفاده هرچه بيشتر از قرآن است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳۶ - ۳

۳ - قرآن و کلام الهی ، دارای جاذبه بسيار ; حتی برای کافران لجوج و حق ناپذير

فمالِ الذين کفروا قبلک مهطعين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۴ - ۴

۴ – قرآن ، کلامی پرجاذبه و اثرگذار ، حتی در نظر کافران حق ناپذیر عصر نزول

فقال إن هذا إلاّ سحر یؤثر

اطلاق <سحر> به قرآن، می

تواند به این جهت باشد که همان گونه که سحر بسیار تأثیرگذار است، قرآن نیز چنین است.

جمع قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۷ - ۷

۷ قرآن پس از نزول و در عصر پیامبر (ص) ، به نگارش یافته بر اوراق و تدوین شده به شکل کتاب

و ما یتلی علیکم فی الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۶ - ۵

۵ قرآن در عصر پیامبر (ص) نوشته شده بر سطوح و تدوین یافته به صورت کتاب

یأیها الذین ءامنوا باللّه و رسوله و الکتب الذی نزل علی رسوله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۰ - ۵

۵ قرآن در عصر پیامبر (ص) به صورت کتاب بوده است .

و قد نزل علیکم فی الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۸ - ۴

۴ قرآن ، به صورت مکتوب و جمع آوری شده در عهد پیامبر (ص)

و انزلنا إلیک الکتب

اطلاق <کتاب> (نوشته) بر قرآن حاکی از آن است که در زمان رسول خدا(ص) به صورت مکتوب بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱ - ۴

۴ کتابت قرآن در عصر پیامبر (ص)

تلک ءایت الکتب

اطلاق <کتاب> (نوشته و نگارش یافته) بر قرآن یا بدان جهت است که آیات آن پس از نزول نوشته می شد و یا توصیه ای است از

جانب خدا که باید به صورت کتاب و نوشته درآید. به هر تقدیر ، برداشت فوق استفاده می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۱۶ – ۲

۲– قرآن ، در عصر رسول خدا (ص) مجموعه ای مدوّن بود .

واذکر فی الکتب

حرف <ال> در <الکتاب> عهد حضوری است و به کتاب موجود اشاره دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۱۰ – ۳

۳– قرآن در عهد پیامبر (ص) (در نیمه نخست بعثت) به عنوان کتاب شناخته شده بود .

لقد أنزلنا إلیکم کتبًا

با توجه به این که سوره <انبیا> در مکه نازل گردید، استفاده می شود که قرآن در نیمه اول بعثت به عنوان کتاب شناخته شده بود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۲ – ۵

۵ – تدوین قرآن ، پس از نزول هر آیه یا هر سوره آن

الکتب المبین

اطلاق <کتاب> (نوشته) می تواند از آن جهت باشد که پس از نزول آیات قرآن، مکتوب می شده و یا توصیه ای است بر این که باید مکتوب شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۸۶ – ۴

۴ – کتابت و تدوین آیات قرآن ، پس از نزول آن بر پیامبر (ص)

و ما كنت ترجوا أن يلقى إليك الكتب

اطلاق كتاب (نوشته و نگارش یافته) بر قرآن، یا بدان جهت بوده که آیه های آن پس از نزول نوشته می شده است و یا توصیه ای است

از جانب خداوند که باید به صورت نوشته درآید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۲ – ۳

۳ – قرآن ، در همان عصر نزول ، به < کتاب > مشهور بود .

تنزیل الکتب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۳۱ – ۳

۳ – کتابت و تدوین آیات قرآن ، پس از نزول آن بر پیامبر (ص)

و الذی أوحینا إلیک من الکتب

اطلاق کتابت (نوشته و نگارش) بر قرآن، یا بدان جهت بوده که آیه های آن پس از نزول نوشته می شده است. و یا توصیه ای است از جانب خداوند که باید به صورت نوشته درآید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۱ – ۲

۲ – کتابت و تدوین قرآن ، پس از نزول آن در حیات پیامبر اسلام (ص)

تنزیل الکتب من اللّه

اطلاق کتاب (نوشته و نگارش یافته) بر قرآن، یا بدان جهت است که آیه های آن پس از نزول نوشته می شده و یا توصیه ای است از جانب خداوند که باید به صورت نوشته درآید. هردو فرض، می تواند گویای برداشت یادشده باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۲۳ – ۴

۴ – کتابت آیات قرآن و تدوین آن ، پس از نزول آن بر پیامبر (ص)

اللّه نزّل أحسن الحدیث کتبًا

اطلاق کتاب (نوشته و نگارش یافته) بر قرآن یا بدان جهت بوده که آیه های آن پس از نزول نوشته می شد و

یا توصیه ای است از جانب خداوند که باید به صورت نوشته در آید. هر دو احتمال گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۱ - ۲

۲ - کتابت و تدوین قرآن ، پس از نزول آن در حیات پیامبراسلام (ص)

إنّا أنزلنا علیک الکتب

اطلاق کتاب (نوشته و نگارش یافته) بر قرآن، یا بدان جهت بوده که آیه های آن پس نزول نوشته می شده است و یا توصیه ای است از جانب خداوند که باید به صورت نوشته درآید. هر دو فرض می تواند گویای برداشت بالا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲ - ۲

۲ -کتابت و تدوین قرآن ، پس از نزول آن در حیات پیامبراسلام (ص) انجام گرفت .

تنزیل الکتب من اللّه

اطلاق کتاب (نوشته و نگارش یافته) به قرآن، یا بدان جهت بوده که آیه های آن پس از نزول نوشته می شده است و یا توصیه ای است از جانب خداوند که باید به صورت نوشته در آید. هر دو فرض، می تواند گویای برداشت یادشده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲ - ۸

۸ انجام کتابت و جمع آوری قرآن ، در عهد پیامبراکرم (ص) *

و الکتب المبین

آن باشد که قرآن در زمان رسول خدا(ص)، به صورت مکتوب و مدوّن بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲ - ۳

۳ - قرآن ، به صورت

مکتوب و جمع آوری شده در عهد پیامبر (ص)

تنزیل الکتب

اطلاق کتاب (نوشته) بر قرآن، می تواند حاکی از آن باشد که قرآن در زمان رسول خدا(ص) به صورت مکتوب بوده است.

جن بعد از نزول قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – جن – ۷۲ – ۱۱ – ۲،۶

۲ – دو دسته شدن جن ، پس از نزول قرآن : برخی صالح و نیک کردار و برخی غیر آنان

و أنّا منّا الصلحون و منّا دون ذلک

۶ – مؤمنان جن ، پس از نزول قرآن و ایمان آوردن به آن ، به چند فرقه مذهبی تقسیم شده و به مسلک های گوناگون روی آوردند .

کنّا طرائق قددًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – جن – ۷۲ – ۱۴ – ۱

۱ – دو دسته شدن جن ، پس از نزول قرآن : مسلمان هدایت یافته و کافران ظالم و منحرف از مسیر حق

و أنّا لمّا سمعنا الهدی ءامنّا به . .. و أنّا منّا المسلمون و منّا القسطون

<قَسْط> (مصدر <قاسطون>)، به معنای جور است. (مقاییس اللغه)

جن قبل از نزول قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – جن – ۷۲ – ۳ – ۶

۶ – جنیان ، پیش از نزول قرآن و بعثت پیامبراسلام ، معتقد به شرک و وجود همسر و فرزند برای خداوند

و أنّه تعلی جدّ ربّنا ما اتّخذ صحبه و لا ولدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۵ - ۳

۳ - جن ، پیش از نزول قرآن ، از دروغ و

ساختگی بودن شرک ، همسرگزینی و فرزندداری خداوند آگاه نبودند .

إنّا سمعنا قرءانًا عجبًا . .. و أنّا ظننّا أن لن تقول الإنس و الجنّ علی اللّه کذ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۹ - ۱،۲

۱ - در کمین نشستن جن در آسمان برای استراق سمع ، پیش از نزول قرآن

و أنّا کنّا نقعد منها مقعد للسمع

۲ - آگاهی و دسترسی جن از اطلاعات و اخبار موجود در آسمان ، پیش از نزول قرآن

و أنّا کنّا نقعد منها مقعد للسمع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۱ - ۱،۵

۱ - دو دسته بودن جنیان ، پیش از نزول قرآن : ۱ افراد خوش طینت و متمایل به خیر و صلاح ; ۲ افراد بدسرشت و متمایل به شرّ و فساد .

و أنّا منّا الصلحون و منّا دون ذلک

درباره این که آیه شریفه، بازگو کننده وضعیت جن پیش از نزول قرآن و استماع آنان است و یا پس از آن، میان مفسران اختلاف هست. برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال نخست است. بنابراین احتمال، مقصود از صلاح، صلاح در ایمان و تقوا نیست; بلکه مراد صلاح از لحاظ طینت و تمایل به خیر و صلاح است.

۵ - جن پیش از نزول قرآن ، دارای مسلک ها و عقاید گوناگون

کنّا طرائق قددًا

<طرائق> (جمع <طریقه>) به معنای راه و <قِدَد> (جمع <قِد>) به معنای بریده شده است.

جوسازی علیه قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۶ - ۸

۸ - کافران مکه ،

شاهد تأثیر ژرف قرآن بر قلب ها و نامطمئن از کارآیی جنجال آفرینی و تدابیر خود ، در جلوگیری از این تأثیرگذاری

قال الذین کفروا . .. لعلّکم تغلبون

واژه <لعلّ> در موردی به کار می رود که نتیجه آن قطعی نیست.

جوسازی هنگام تلاوت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۶ - ۲

۲ - تلاش مشرکان برای مقابله با قرآن ، از طریق جنجال آفرینی و ایجاد سر و صدا ، هنگام قرائت آیات آن به وسیله پیامبر و مؤمنان

و الغوا فیه

<لغو> (مصدر <ألغوا>) در مورد کلام و سخن بی معنی اطلاق می شود و در این جا مراد، گفتن سخنان یاوه و ایجاد سر و صدا می باشد.

جهان شمولی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۵ - ۷

۷ - همه انسان ها مخاطبان قرآن هستند .

هدًی للناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۷ - ۳۳

۳۳ - همه انسان ها مخاطبان قرآن هستند .

یبین اللّه ءایته للناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۷۴ – ۸

۸ تمامی انسان ها ، مخاطبان قرآن

یأیها الناس . .. و انزلنا الیکم نوراً مبیناً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۹ – ۱۱

۱۱ قرآن، کتاب جهانی و برای همه عصرها و انذار دهنده کسی که به معارف آن دست یابی یابد.

و أوحی إلیّ هذا القرءان لأنذرکم به و من بلغ

<من بلغ> بیانگر عموم و

محدود نبودن مرز دعوت قرآن در عرصه زمان و مکان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۰ - ۱۵

۱۵ قرآن، یادآوری برای جهانیان است.

إن هو إلا ذکری للعلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۲ - ۱۰

۱۰ نزول قرآن برای انذار همه مردم جهان بوده و محدود به مکانی خاص نیست.

و لتنذر أم القری و من حولها

کاربرد کلمه <ام القری> به صورت توصیفی برای مکه، که در عین حال عنایت به دیگر شهرها و نقاط نیز هست، مضافاً بر الحاق <من حولها> که شامل تمامی نقاط دیگر می شود، بیانگر دعوت اسلام و قرآن برای همه مردم زمین و در تمام نقاط است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۷ - ۲

۲ دعوت قرآن ، دعوتی عام ، فراگیر و جهان شمول است .

یأیها الناس قد جاءتکم موعظه من ربکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۴ - ۴

۴ اسلام و تعالیم قرآن جهانی است و محدود به زمان ، مکان و طایفه ای نیست .

إن هو إلّا ذکر للعلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۱ – ۷

۷– قرآن ، کتابی است جهانی و پیامبر (ص) برای همه انسان ها مبعوث شده است .

لتخرج الناس من الظلمت إلی النور

کلمه <الناس> دلالت بر عموم مردم می کند و هیچ قیدی در کلام نیست تا <الناس> را مقیّد به گروه

خاصّی نماید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۵۲ – ۲

۲– قرآن ، کتاب جهانی و قابل فهم برای همه مردم

هذا بلغ للناس

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۴۴ – ۷،۱۲

۷– همه مردم ، مخاطبان قرآنند و پیام آن جهانی است .

و أنزلنا إلیک الذکر لتبیّن للناس ما نزّل إلیهم

۱۲– خداوند ، به انبیای پیشین معجزات حسی عطا فرمود و در قبال آن به پیامبر (ص) ، کتاب آسمانی جهان شمول عطا کرد *.

و ما أرسلنا . .. بالبیّنت و الزبر و أنزلنا إلیک الذکر

<بیّنه> به معنای دلیل واضح و روشن اعم از عقلی و حسی است. طبق شواهد تاریخی مراد از <بینات> در آیه، ممکن است معجزات حسی باشد. جدا ذکر کردن پیامبر(ص) برای اعطای قرآن، مشعر به برداشت یاد شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۸۹ – ۵

۵– مخاطبان قرآن همه توده های بشری هستند و نه گروهی خاص

و لقد صرّفنا للناس فی هذا القرءان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۱۰۶ – ۶

۶– تعالیم قرآن ، جهانی است و همه انسان ها توان فهم آن را دارند .

و قرءانًا فرقنه لتقرأه علی الناس علی مکث و نزّلنه تنزیلًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۴ - ۵

۵- قرآن ، کتاب مردم و قابل فهم و استفاده برای همگان است .

و لقد صرّفنا فی هذا

القرءان للناس من كلّ مثل

<ل> در <للناس> برای انتفاع است; یعنی: <ما، مثال های فراوانی را در قرآن برای منفعت مردم بیان کردیم. >.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۵ - ۲۱

۲۱ - همه انسان ها ، مخاطب پیام قرآن و دین اند .

یضرب اللّه الأمثل للناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱ - ۱۲

۱۲ قرآن ، کتابی جهانی و اسلام ، آیینی همگانی

لیکون للعلمین نذیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۸ - ۷

۷ - همه مردم ، مخاطب قرآن کریم اند .

و لقد ضربنا للناس فی هذا القرءان من کلّ مثل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۳ - ۴

۴ - قرآن ، کتابی جهانی ، و پیام آن برای همه مردم است .

یأیّها الناس اتّقوا ربّکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۷ - ۲

۲ - قرآن ، کتاب جهانی و فراملیتی

إن هو إلّا ذکر للعلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۱ - ۶

۶ - قرآن ، کتابی برای عموم مردم است ; نه ویژه گروهی خاص .

إنّا أنزلنا علیک الکتب للناس بالحقّ

برداشت یاد شده از تعبیر <للناس> (برای مردم) استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۵۲ - ۱،۳

۱ - قرآن ، مایه تذکّر و بیداری جهانیان است .

و

ما هو إلاّ ذكر للعلمين

۳ - قرآن ، کتابی است جهانی و برای همه ملت ها با فرهنگ های گوناگون .

ذکر للعلمین

عـالم (مفرد <عـالمین>) به مجموعه و دسـته ای از موجودات گفته می شود. بنـابراین <عـالمین>; یعنی، همه انسـان ها و با توجه به همه مجموعه های بشری.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۷ - ۲

۲ - تعالیم قرآن ، برای همه مردم است و به زمان ، مکان و طایفه ای خاص ، محدود نیست .

للعلمین

<عالمین> به معنای اصناف مخلوقات است (لسان العرب). سیاق آیه شریفه، آن را در مخلوقات عاقل محدود می سازد.

جهل مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۹ - ۵

۵ آنان که الهی بودن قرآن و حقانیّت آن را باور ندارند ، کوردل و جاهلند .

أفمن یعلم أنما أُنزل إلیک من ربک الحق کمن هو أعمی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۱ - ۷

۷- بیشتر منکران و تکذیب کنندگان قرآن و رسالت پیامبر (ص) ، به حقیقت نسخ و حکمت آن جاهل بودند .

و إذا بدّلنا ءایه . .. أکثرهم لایعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ – قلم – ۶۸ – ۴۴ – ۶

۶ – عوامل و زمینه های سقوط و هلاکت تکذیب گران ، ناشناخته برای خود آنان

سنستدرجهم من حیث لایعلمون

حامی قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – طارق – ۸۶ – ۱۶ – ۴

۴ – خداوند خود ، مدافع

قرآن در برابر تبلیغات مکّارانه کافران است .

إنّه لقول فصل . .. یکیدون کیدًا . و أکید کیدًا

حتمیت عذاب توطئه گران علیه قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۸ - ۵

۵ - تلاش گران بر ضد آیات قرآن ، عذابی قطعی خواهند داشت .

و قال الذین کفروا لن نؤمن بهذا القرءان . .. و الذین یسعون فی ءایتنا ... أُولئ

در این که مراد از <آیات> در این آیه، مطلق آیات خدا است و یا آیه های قرآن (به قرینه این که در آیات پیشین از قرآن سخن به میان آمده است)، دو احتمال وجود دارد. برداشت یاد شده بنابر احتمال دوم است.

حتمیت کیفر مبارزه با قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۷ - ۳

۳ - کفر و مبارزه با قرآن ، دارای کیفری حتمی و غیر قابل چشم پوشی

فلنذیقنّ الذین کفروا عذابًا شدیدًا و لنجزینّهم

تأکید فعل های <نذیق> و <نجزی> به لام و نون ثقیله، مفید برداشت یاد شده است.

حج قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۶ - ۱۵،۳۰،۳۳

۱۵ حج تمتّع ، مخصوص غیر اهل مکّه است .

ذلک لمن لم یکن اهله حاضری المسجد الحرام

۳۰ ملاک مکّی بودن ، سکونت در شعاع هجده میلی ، از هر سوی مسجد الحرام

لمن لم یکن اهله حاضری المسجد الحرام

امام صادق (ع) درباره آیه مزبور، فرمود: من کان منزله علی ثمانیه عشر میلا من بین یدیها و ثمانیه عشر میلا من خلفها و ثمانیه عشر میلا عن

يمينها و ثمانيه عشر ميلا عن يسارها فلا متعه له . ..

كافى، ج ۴، ص ۳۰۰، ح ۳ ; نورالثقلين، ج ۱، ص ۱۹۲، ح ۶۹۲.

۳۳ عدم جواز حج قِران و اِفراد ، مگر براى اهل مكّه و حاضران در آن

و اتمّوا الحجّ و العمره للّه

امام رضا (ع): لا يجوز القران و الافراد الّذى يستعمله العامه الاّ لاهل مكّه و حاضريها . .. قال اللّه تعالى <و اتمّوا الحج و العمره للّه ...>

عيون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۲۴، ح ۱، ب ۳۵ ; نورالثقلين، ج ۱، ص ۱۸۱، ح ۶۴۱.

حجاب قلب دشمنان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۵۷ - ۱۰

۱۰- خداوند ، به جهت محروم ساختن مخالفان قرآن از فهميدن نكته هاى آن و گوش سپارى به آيات الهى ، بر دل هايشان ، حجاب هايى متعدد و در گوش هايشان ، سنگينى ، مى افكند .

إنّا جعلنا على قلوبهم أكنّه أن يفقهوه و فى ءاذانّهم وقرًا

<أكنّه> جمع <كِنان> به معناى <پرده و پوشش> است. <وَقر> به معناى <سنگينى> است. سنگينى در گوش، كنايه از دل ندادن به آيات الهى، و نشان دادن رفتارى شبيه كران، در آن است. ضمير <يفقهوه> به <آيات> بازمى گردد كه چون مراد از <آيات>، واژه <قرآن> است، ضمير مذكر آمده است. و مراد از <أن يفقهوه>، <لئلايفقهوه> و يا <كراهه أن يفقهوه> است.

حدوث قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۶ - ۷

۷- قرآن ، کلامی حادث و ایجاد شده از سوی خداوند

إن لم يؤمنوا بهذا الحديث

<حدیث>

چه به معنای جدید باشد و چه به معنای حادث مقابل قدیم، بر حدوث قرآن دلالت دارد.

حرمت کتمان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۲ - ۶

۶ - بنی اسرائیل عصر بعثت ، حقانیت قرآن را به خوبی شناخته و به حرمت کتمان آن آگاه بودند .

و لاتلبسوا الحق بالبطل و تکتموا الحق و أنتم تعلمون

فعل <تعلمون> می تواند فعلی متعدی لحاظ شود. بر این مبنا مفعول آن مطالبی است که در آیه مطرح شده است، از جمله حرمت کتمان حق و اینکه چه چیز حق است و چه چیز باطل. گفتنی است که از مصداقهای مورد نظر برای <الحق> - به قرینه آیه قبل - <حقانیت قرآن> است.

حسابرسی اخروی تجزیه کنندگان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۲ - ۵

۵- قیامت ، روز بازخواست از مجرمان و تجزیه کنندگان آیات قرآن

لنسئلنّهم أجمعین

آورده شدن فعل مضارع <نسئل> برای بازخواست، می تواند اشاره به آینده و روز قیامت داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۳ - ۲

۲- تمامی رفتار و اعمال کافران و تجزیه کنندگان قرآن ، مورد بازپرسی خداوند در قیامت قرار خواهد گرفت .

المقتسمین . الذین جعلوا القرءان عضین . فوربّک لنسئلنّهم أجمعین . عمّا کانوا یعمل

حفظ قداست قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۹ - ۸

۸ حفظ قداست قرآن و اسلام و بازداشتن دیگران از یاوه سرایی و تخطئه و استهزای آن،

وظیفه مسلمانان است.

و ما علی الذین یتقون . .. و لکن ذکری لعلهم یتقون

حق طلبان و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳ - ۸

۸ - تنها حق جویان و اهل ایمان ، زمینه دار بهره مندی از روشنگری های قرآن

تلک ءایت الکتب المبین . نتلوا علیک... لقوم یؤمنون

قید <لقوم یؤمنون> می رساند که دیگران شایستگی بهرهوری از قرآن را ندارند.

حق ناپذیران و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳۶ - ۳

۳ - قرآن و کلام الهی ، دارای جاذبه بسیار ; حتی برای کافران لجوج و حق ناپذیر

فمالِ الذین کفروا قبلک مهطعین

حق ناپذیری مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۶ - ۸

۸ - مشکل منکران قرآن ، نهفته در خودشان و نه ناشی از نارسایی مفاهیم وحی

نتلوها علیک بالحقّ فبأیّ حدیث بعد اللّه و ءایته یؤمنون

خداوند با تعبیر <فبأیّ حدیث. ..>، تأثیر و کارایی والا و بی نظیر قرآن را یادآور شده است. این تعبیر تعریضی به کافران نیز دارد که کفر و بی ایمانی آنان، برخاسته از نارسایی مفاهیم وحی نیست; بلکه ریشه در لجاج، عناد و سست اندیشی نهفته در درون آنها دارد.

حق ناشنوایی مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۲ - ۶

۶ مردمی که به آیات قرآن گوش سپارند و به آن ایمان نیاورند ، دلهایشان از شنوایی محروم و از فهمیدن حق ناتوان است .

و منهم من

يستمعون إليك أفأنت تسمع الصمّ و لو كانوا لا يعقلون

حقانيت آيات قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - هود - ۱۱ - ۱ - ۲

۲ همهء آيات قرآن و تعاليم آن ، متقن و از هرگونه خلل و بطلان پذيرى مبرّاست .

كتب أُحكمت ءايته

اِحكام (مصدر اُحكمت) به معناى اتقان است . بنابراين ((اُحكمت آياته)) گوياى اين است كه : آيه هاى قرآن ، متقن است و هيچ خللى نداشته و بطلان در آنها راه ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - جاثيه - ۴۵ - ۶ - ۱

۱ - آيات قرآن ، منطبق با حقيقت و واقعيت هستى و به دور از هرگونه كذب و افترا

تلك ءايت اللّه نتلوها عليك بالحقّ

برداشت بالا بنابراين نكته است كه <تلك>، اشاره به آيات قرآن باشد و <بالحقّ> حال براى مفعول <نتلو> و نيز <حقّ> به معناى مطابق با واقع باشد.

حقانيت آيات منسوخ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۲ - ۷

۷- نزول تدريجى قرآن و ناسخ و منسوخ آن ، امرى به حق و بايسته

و إذا بدّلنا ءايه مكان ءايه . .. قل نزّله روح القدس من ربّك بالحقّ

حقانيت آيات ناسخ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۰۲ – ۷

۷- نزول تدریجی قرآن و ناسخ و منسوخ آن ، امری به حق و بایسته

و إذا بدّلنا ءایه مکان ءایه . .. قل نزّله روح القدس من ربّک بالحقّ

حقانیت انذارهای قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه –

فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۹۸ – ۴

۴- هلاکت اقوام و تمدن های بسیاری در طول تاریخ در اثر خیره سری در مقابل حق ، نشانگر واقعیت داشتن انذار های قرآن است .

و تنذر به . .. و کم أهلکنا قبلهم من قرن

طرح مسأله نابودی جوامع در طول تاریخ (در پی بیان وظیفه پیامبر(ص) در انذار مردم لجوج به وسیله قرآن) هشداری به مردم عصر بعثت و دیگر عصرها است که ایستادگی و سرسختی در برابر حق، عواقب زیانبار و تباه کننده ای برای جوامع در پی دارد.

حقانیت تعالیم قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱ – ۲

۲ همهء آیات قرآن و تعالیم آن ، متقن و از هرگونه خلل و بطلان پذیری مبرّاست .

کتب أُحکمت ءایته

اِحکام (مصدر اُحکمت) به معنای اتقان است . بنابراین ((اُحکمت آیاته)) گویای این است که : آیه های قرآن ، متقن است و هیچ خللی نداشته و بطلان در آنها راه ندارد.

حقانیت قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۲ – ۳

۳ – قرآن کتابی متقن و منزه از هر گونه زمینه تردید افکن و شبهه ساز در حقانیت آن

لاریب فیه

<ریب> به معنای شک و نیز چیزی که مایه شک باشد، آمده است. برداشت فوق با توجه به معنای دوم استفاده شده است. بر این مبنا <لاریب فیه> یعنی در قرآن مسأله ای که موجب شک در حقانیت آن بشود، هرگز وجود ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ -

۷،۱۳ - ۲۳

۷ - قرآن منزّه از آن است که در آسمانی بودنش ، شک و تردید روا باشد .

و إن کنتم فی ریب مما نزلنا علی عبدنا

با وجود اینکه کفر پیشگان در آسمانی بودن قرآن اظهار تردید می کردند و بلکه منکر آن بودند خداوند در بیان تردید آنان جمله شرطیه به کاربرد تا به این حقیقت اشاره کند که: تردید در حقانیت قرآن تنها قابل فرض است و نمی تواند واقعیت داشته باشد.

۱۳ - منکران قرآن به دروغ در حقانیت قرآن و آسمانی بودن آن ، اظهار تردید می کردند .

و إن کنتم فی ریب . .. فأتوا بسوره ... إن کنتم صدقین

متعلق <صادقین> به قرینه <إن کنتم فی ریب> شک و تردید مشرکان در آسمانی بودن قرآن است; یعنی: إن کنتم صادقین فی انکم مرتابون . ..; اگر در اظهار تردید راستگو هستید چنین کنید. این معنا کنایه از دروغگویی آنان در اظهار شک و تردید است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۲ - ۶،۷

۶ - بنی اسرائیل عصر بعثت ، حقانیت قرآن را به خوبی شناخته و به حرمت کتمان آن آگاه بودند .

و لاتلبسوا الحق بالبطل و تکتموا الحق و أنتم تعلمون

فعل <تعلمون> می تواند فعلی متعدی لحاظ شود. بر این مبنا مفعول آن مطالبی است که در آیه مطرح شده است، از جمله حرمت کتمان حق و اینکه چه چیز حق است و چه چیز باطل. گفتنی است که از مصداقهای مورد نظر برای <الحق> - به قرینه آیه قبل - <حقانیت قرآن> است.

۷ - کتاب های آسمانی بنی اسرائیل

، حاوی بشارت به نزول قرآن و نشانه های حقانیت آن است .

و لاتلبسوا الحق بالبطل و تکتموا الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۱۵

۱۵ - قرآن ، کتابی سراسر حق و پیراسته از هر باطل

و هو الحق

<ال> در <الحق> نظیر ال در <زید الرجل> برای استغراق صفات افراد است; یعنی، قرآن در حق بودن کامل است و کاستی ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۸ - ۴

۴ حقّانیّت آیات الهی (قرآن)

تلک ایات اللّه نتلوها علیک بالحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۹ - ۱۴

۱۴ تورات و انجیل ، حاوی آیات و نشانه هایی دالّ بر حقّانیّت قرآن و پیامبر (ص) *

انّ من اهل الکتب . .. لا یشترون بایات اللّه ثمناً قلیلا

از رابطه بین ایمان به قرآن و نادیده نگرفتن آیات الهی (تورات و انجیل)، به دست می آید که در آنها بروشنی حقّانیّت قرآن و پیامبر (ص) مطرح بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۷ - ۹

۹ تأیید قرآن بر درستی و راستی تورات و انجیل ، نشانه حقانیّت آن و راهبر اهل کتاب بر ایمان بدان

امنوا بما نزّلنا مصدقاً لما معکم

<مصدقاً لما معکم> پس از دعوت اهل کتاب به ایمان به منزله دلیلی است فراروی آنان برای باور به حقانیّت قرآن و لزوم ایمان بدان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳

- نساء - ۴ - ۵۸ - ۶

۶ حقانیّت قرآن و پیامبر اسلام ، امانتی الهی که اهل کتاب وظیفه دار بیان آن بودند .

ام یحسدون النّاس علی ما اتیهم اللّه من فضله . .. انّ اللّه یأمرکم ان تؤدّوا الام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۲ - ۸،۱۱

۸ محتوای قرآن ، شاهد حقانیت آن

افلا یتدبّرون القران و لو کان من عند غیر اللّه لوجدوا فیه اختلافاً کثیراً

۱۱ پیراستگی قرآن از هر گونه اختلاف ، دلیل صدور آن از جانب خداست .

و لو کان من عند غیر اللّه لوجدوا فیه اختلافاً کثیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۵ - ۳

۳ حقانیت همه جانبه قرآن و مطابقت معارف و تعالیم آن با واقع

إنّا انزلنا إلیک الکتب بالحق

کلمه <حق> به معنای مطابقت و موافقت با واقع است و در برداشت فوق، کلمه <بالحق>، توصیف <الکتب> گرفته شده و به تعبیر ادبی، حال برای آن است. یعنی: متلبساً بالحق.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۶ - ۱،۵،۷،۱۳

۱ خداوند و فرشتگان او گواه بر حقانیت قرآن و رسالت پیامبر (ص)

لکن اللّه یشهد بما أنزل إلیک . .. و الملئکه یشهدون

در برداشت فوق جمله <و الملئکه یشهدون> عطف بر <اللّه یشهد> گرفته شده است و در نتیجه متعلق <یشهدون> نیز <بما انزل الیک> خواهد بود.

۵ تجلی علم الهی در قرآن ، گواهی خداوند بر حقانیت قرآن و پیامبر (ص) است .

لکن اللّه یشهد

بما أنزل إليك أنزله بعلمه

جمله <انزله بعلمه> می تواند تفسیری برای <یشهد> باشد یعنی نزول قرآن که مظهری از علم خداوند است، همان شهادت الهی بر حقانیت قرآن و متعاقباً حقانیت پیامبر(ص) است.

۷ گواهی خداوند به حقانیت قرآن برخاسته از علم و آگاهی او نسبت به آن

لکن اللّه یشهد بما أنزل إلیک أنزله بعلمه

۱۳ شهادت خداوند برای اثبات حقانیت قرآن کافی است .

لکن اللّه یشهد بما أنزل . .. و کفی باللّه شهیداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۰ - ۴

۴ قرآن ، کتابی از جانب خدا و سراسر حق

قد جاءکم الرسول بالحق من ربکم

در برداشت فوق کلمه <الحق> به قرآن تفسیر شده است و <من ربکم> حال برای آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۸ - ۲

۲ قرآن ، کتابی سراسر حق و پیراسته از هرگونه باطل

و انزلنا إلیک الکتب بالحق

در برداشت فوق <بالحق> حال برای <الکتب> گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۳ - ۶

۶ گرایش مسیحیان عصر بعثت به اسلام ، برخاسته از آگاهی آنان بر حقانیت قرآن

ترى اعينهم تفيض من الدمع مما عرفوا من الحق

برداشت فوق بر اين اساس است كه مراد از <الحق> قرآن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۸۴ - ۱

۱ ايمان به خداوند يكتا و حقانيت قرآن تنها راه منطقى و درست در ديدگاه مسيحيان عصر بعثت پس از آشنايى با قرآن

يقولون .

.. لانؤمن باللّه وما جاءنا من الحق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۸۵ – ۴

۴ ضرورت اقرار زبانی به توحید ، رسالت پیامبر (ص) و حقانیت قرآن پس از باور به آن

فاثبهم اللّه بما قالوا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۲۰ – ۸

۸ اهل کتاب، قرآن و حقانیت آن را، همانند فرزندان خود، می شناختند.

و أوحی إلیّ هذا القرءان . .. الذین ءاتینهم الکتب یعرفونه کما یعرفون أبناءهم

از احتمالات مطرح در مورد مرجع ضمیر <یعرفونه> قرآن است که در آیه قبل به صراحت به عنوان شاهد بر نبوت و توحید ذکر گردیده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۶۶ – ۱

۱ قبیله و قوم پیامبر (قریش) با وجود حقانیت قرآن و معارف و وعده های آن به تکذیب آن پرداختند.

و کذّب به قومک و هو الحق

در آیه ۵۷ <قل إنی علی بینه> موضوع بحث <قرآن> بود و آیات بعد از آن نیز وعده های قرآن را مطرح ساخته است. بنابراین مرجع ضمیر <به> می تواند <قرآن> باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۱۴ – ۹،۱۰

۹ اهل کتاب (عالمان یهود و نصارا) آگاه به حقانیت قرآن و نزول آن از جانب خدا

و الذین ءاتینهم الکتب یعلمون أنه منزل من ربک بالحق

۱۰ نزول قرآن بر اساس حق، جلوه ربوبیت الهی نسبت به پیامبر(ص) است.

أنه منزل من ربک بالحق

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۵۷ – ۷

۷ قرآن خود روشنگر حقانیت خویش و بی نیاز از دلیلی دیگر است.

فقد جاءکم بینه من ربکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۳۲ – ۱،۲،۳،۴

۱ کافران مکه از خداوند خواستند چنانچه قرآن حقیقتی از جانب اوست ، آنان را سنگباران کند و یا عذاب دردناک دیگری بر آنان فروفرستد .

و إذ قالوا . .. فأمطر علینا حجاره

۲ نابحق جلوه دادن قرآن با درخواست عذاب از درگاه خدا ، از حیله های کافران مکه در مبارزه با قرآن و رسالت پیامبر (ص)

و یمکرون . .. و إذ قالوا اللّهم ... فأمطر علینا حجاره من السماء

برخی در توجیه عذاب خواهی کافران (فامطر علینا . ..) چنین گفته اند که آنان برای فریب دیگران و یا اقناع خویش این نفرین را در حق خود روا داشتند تا با اجابت نشدن آن، خویشتن را در انکار قرآن و حقانیت رسالت پیامبر(ص) محق بشمارند. آیه قبل که سخن از مکر کافران داشت، می تواند تأییدی برای این نظریه باشد.

۳ قرآن ، کتابی سراسر حق و نازل شده از جانب خداوند

إ کان هذا هو الحق من عندک

۴ کافران مکه مردمانی لجوج و دارای عنادی خاص در برابر رسالت پیامبر (ص) و حقانیت قرآن

فأمطر علینا حجاره من السماء أو ائتنا بعذاب ألیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۳۳ – ۲

۲ وجود پیامبر (ص) در میان منکران قرآن ، علت مصونیت آنان

از عذاب های الهی ، نه حقانیت آنان در انکار قرآن

إن کان هذا هو الحق من عندک فأمطر . .. و ما کان اللّه لیعذبهم و أنت فیهم

جمله <و ما کـان . .. > پاسخی است به عـذاب خـواهی منکران قرآن. یعنی وجود پیـامبر(ص) در میـان جـامعه مـانع عـذاب استیصال است. بنابراین کسـی مپنـدارد که عـذاب نشـدن منکران قرآن هر چنـد به تقاضای خود آنان باشد، دلیل حقانیت آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۴ - ۸

۸ قرآن ، کتابی حق ، مبرا از پندار ها ، تخیلات و نازل شده از جانب خداوند

لقد جاءک الحق من ربک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۸ - ۲

۲ قرآن کتابی حق و مبرّا از هرگونه پندار ها و تخیلات باطل است .

قد جاءکم الحق من ربکم

حق، مقابل باطل و به معنای دارای واقعیت است; به این معنا که معارفی که در قرآن آمده، حقایقی است منطبق با واقعیت و از هرگونه پندار و تخیلات واهی خالی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۱۸

۱۸ قرآن ، کتابی سراسر حق و پیراسته از هرگونه باطل

إنه الحق

<ال> در <الحق> به اصطلاح برای استغراق صفات است و دلالت بر کمال دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۳ - ۳

۳ ایمان نیاوردن اکثر مردم ، ریشه در حق ناپذیری آنان دارد ، نه قصوری از جانب پیامبر (ص) در

تبلیغ و نه ناتمام بودن برهان بر حقانیّت قرآن

ذلک من أنباء الغیب . .. و ما أکثر الناس و لو حرصت بمؤمنین

آیه قبل بیان داشت که حقانیّت قرآن و الهی بودن آن امری روشن است و جمله <و لو حرصت> می رساند که پیامبر(ص) در ابلاغ دین تلاشی پی گیر داشت. این دو حقیقت بیانگر آن است که حجت بر مردم تمام است و ایمان نیاوردن آنان، نشانه حق ناپذیری ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱ - ۶

۶ قرآن کتابی سراسر حق ، بدون نقص و پیراسته از هر گونه باطل و ناروایی

و الذی أُنزل إلیک من ربک الحق

<ال> در <الحق> برای استغراق خصایص افراد است. بنابراین <الحق> ; یعنی ، حق کامل که کمترین باطلی در آن راه ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۹ - ۱

۱ قرآن ، کتابی سراسر حق و پیراسته از هرگونه باطل و ناروا

أنما أُنزل إلیک من ربک الحق

<ما> در <أنما> موصول اسمی و به معنای <الذی> است و مراد از آن قرآن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۲ - ۶

۶- قرآن ، کتابی است سراسر حق و به دور از سخنان باطل و بیهوده

قل نزّله روح القدس من ربّک بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۷ - ۱

۱- ایمان یا بی ایمانی مردم به قرآن ، تأثیری در حقانیت مفاهیم و معارف آن نخواهد داشت .

و بالحقّ أنزلنه

. .. قل ءامنوا به أو لاتؤمنوا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۱۰ – ۱۰

۱۰– نقش مؤثر و سازنده اندیشه و خردمندی در ره یابی به حقانیت قرآن و پیامبر (ص)

لقد أنزلنا. .. أفلاتعقلون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۵۴ – ۷

۷ – قرآن ، کتابی است آمیخته به حق و مبرا از هر گونه باطل .

أنّه الحقّ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۷۰ – ۶

۶ – قرآن ، کتابی آمیخته با حق و مبرا از هر گونه سخن باطل

بل جاءهم بالحقّ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۴۸ – ۲

۲ – قرآن ، کتابی آمیخته به حق و مبرا از هرگونه آموزه های باطل

فلمّا جاءهم الحقّ من عندنا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۵۳ – ۴

۴ – قرآن ، کتابی آمیخته به حق و مبرا از هرگونه باطل

إنّه الحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۶۸ - ۷

۷ - قرآن ، كتابى سراسر حق است .

أو كذّب بالحقّ لمّا جاءه

برداشت بالا براساس اين احتمال است كه <ال> در <الحقّ> عهد بوده و به قرينه <لمّا جاءه> اشاره به قرآن داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۳ - ۴،۶

۴ - خداوند ، در مقابل تهمت مشركان (ساختگى بودن قرآن)

ایستاده و از حقانیت قرآن ، دفاع کرده است .

أم یقولون افتریه بل هو الحقّ

۶ - قرآن ، حقِّ محض و نازل شده از جانب خداوند است .

بل هو الحقّ من ربّک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۶ - ۲

۲ - قرآن ، کتابی نازل شده از جانب خدا و سراسر حق و حقیقت در دیدگاه عالمان

و یری الذین أُوتوا العلم الذی أُنزل إلیک من ربّک هو الحقّ

مراد از <الذی أُنزل إلیک> قرآن کریم است و مصداق کامل و تمام عیار آن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۳ - ۱۹

۱۹ - قرآن ، کتابی حق است و ساخته و پرداخته [دست] بشر نیست .

و قالوا ما هذا إلاّ إفک . .. و قال الذین کفروا للحقّ لمّا جاءهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۸ - ۷

۷ - قرآن ، کتاب حقی است و ساخته دست بشر نیست .

قالوا ما هذا إلاّإفک مفترًی . .. قل إنّ ربّی یقذف بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۹ - ۲

۲ - قرآن ، کتاب حقی است .

قل جاء الحقّ

به قرینه این که آیه در سیاق آیاتی است که درباره قرآن کریم و برخورد با مشرکان با آن است، <ال> در <الحقّ> می تواند عهد بوده و به قرآن بازگردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۱ - ۴

۴ - قرآن

، کتابی سراسر حق و پیراسته از هر باطل

من الکتب هو الحقّ

<ال> در <الحقّ> نظیر ال در <زیدالرجل> برای استغراق صفات است; یعنی، قرآن در حق بودن کامل است و کاستی ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۹ - ۳،۱۱

۳ - قرآن ، سخنی است سراسر حق و هدف مند و پیراسته از کلامِ برخواسته از تخیلات و سخنان مبالغه آمیز و خلاف واقع .

و ما علّمنه الشعر

برداشت یاد شده از شعر نبودن قرآن استفاده می شود; زیرا شعر برخاسته از تخیلات شاعر و معمولاً توأم با سخنان مبالغه آمیز و خلاف واقع است که شاعران گاهی به منظور حفظ وزن، سجع و قافیه شعر به آن متوسل می شوند.

۱۱ - محتوا ، شیوه و نظم موجود در قرآن ، روشنگر خدایی بودن آن و پیراستگی آن از تخیلات شاعرانه .

و ما علّمنه الشعر و ما ینبغی له إن هو إلاّ ذکر و قرءان مبین

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که مقصود از روشنگر بودن قرآن به قرینه صدر آیه (و ما علّمناه الشعر و ما ینبغی له) این حقیقت باشد که قرآن، خود شاهد و گواهِ الهی بودن و نیز پیراسته بودنش از تخیلات شاعرانه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۷ - ۱

۱ - قرآن ، کتابی سراسر حق و پیراسته از هرگونه باطل

بل جاء بالحقّ

مقصود از <حق> قرآن است و <ال> در آن، می تواند برای استغراق صفات افراد باشد (مانند <ال> در <زید الرجل>); یعنی، قرآن در

حق بودن کامل است و کاستی ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲ - ۴

۴ - قرآن ، کتابی است سراسر حق و به دور از مطالب نادرست و خیال پردازی های باطل .

إنّا أنزلنا إليك الكتب بالحقّ

برداشت یاد شده بر این دیدگاه استوار است که <بالحقّ> متعلق به ظرف مستقر و حال برای <الکتاب> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۲ - ۵

۵ - قرآن ، سخنی سراسر راست و مطابق با واقع و حق و حقیقت

و كذّب بالصدق

<صدق> به معنای امر مطابق با واقع و حق است و آمدن آن به صورت مصدر، برای افاده مبالغه می باشد; یعنی، قرآن و دینی که عین حق و نفس صدق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۳ - ۷

۷ - قرآن و ادیان الهی ، سراسر راست و مطابق با واقع و حق و حقیقت

و الذی جاء بالصدق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۱ - ۴

۴ - قرآن ، کتابی است سراسر حق و به دور از مطالب نادرست و تخیلات باطل

إنّا أنزلنا عليك الكتب للناس بالحقّ

برداشت یاد شده بر این دیدگاه استوار است که <بالحقّ> متعلق به ظرف مستقر و حال برای <الکتاب> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۸ - ۷

۷ - انکار قرآن ، با وجود درک حقانیت آن دشمنی با خدا است .

ذلك جزاء أعداء اللّه

. .. جزاء بما كانوا بأيتنا يجحدون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۱ - ۸

۸ - آيات قرآن و معارف آن ، حقايقى استوار و ترديد ناپذير

و إنّه لكتب عزيز

<عزيز> به معناى شكست ناپذير است كه مراد از آن در آيه شريفه، استحكام و خلل ناپذيرى قرآن مى باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۲ - ۳،۴،۱۲

۳ - معارف و آموزه هاى قرآن ، سراسر حق و به دور از هر گونه سخن باطل است .

لايأتيه البطل من بين يديه و لا من خلفه

۴ - تأثير نداشتن گذشت زمان ، در حقانيت معارف قرآن

لايأتيه البطل من بين يديه و لا من خلفه

بنابراين كه مراد از <باطل> زوال حقانيت باشد، مطلب بالا استفاده مى شود.

۱۲ - < فى المجمع : فى قوله تعالى < لايأتيه الباطل من بين يديه و لا من خلفه > ، قيل فيه أقوال : . . .ثالثها : معناه انّه ليس فى أخباره عمّا مضى باطل و لا فى إخباره عما يكون فى المستقبل باطل بل إخباره كلّها موافقه لمخبراتها . و هو المروى عن أبى جعفر و عن أبى عبداللّه (ع) . . . ;

در مجمع البيان در مورد قول خدا <لايأتيه الباطل من بين يديه و لا من خلفه> آمده است: اقوالى در تفسير اين آيه گفته شده كه سوم آن اين است: در خبر دادن قرآن از آنچه گذشته و از آنچه در آينده خواهد آمد، هيچ باطلى نيست; بلكه خبرهاى قرآن همه مطابق با واقع است و

این معنا از امام باقر و امام صادق(ع) روایت شده است>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۷ - ۱،۶

۱ - خداوند ، قرآن و سایر کتاب های آسمانی را به حق و پیراسته از هر گونه باطل فرو فرستاد .

اللّه الذی أنزل الکتب بالحقّ

الف و لام در <الکتاب> می تواند برای عهد باشد و نیز می تواند برای جنس باشد که در این صورت شامل همه کتاب های آسمانی خواهد بود.

۶ - حقانیت محتوای قرآن ، نشانگر نزول آن از سوی خداوند (اللّه)

اللّه الذی أنزل الکتب بالحقّ

آیه شریفه بدین معنا است که آن کس که این کتاب را به حق نازل کرده خدااست و جز او نمی تواند باشد; نظیر این که گفته شود: هنرمند است آن کس که چنین خط زیبا نوشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۴ - ۱۴

۱۴ - استمرار و گسترش دعوت پیامبر (ص) و آموزه های قرآن ، با توجه به سنت خداوند بر محو باطل ، نشان دهنده حقانیت اسلام و قرآن است .

أم یقولون افتری علی اللّه . .. و یمح اللّه البطل و یحقّ الحقّ بکلمته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۹ - ۷

۷ - قرآن ، سخنی سراسر حق و حقیقت

حتّی جاءهم الحقّ

برداشت یاد شده، بر این اساس است که مراد از <حقّ> قرآن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲ - ۵

۵ - محتوای

قرآن ، حقایقی استوار و ابطال ناپذیر

تنزیل الکتب من اللّه العزیز الحکیم

آیه شریفه از یک سو نزول قرآن را به خداوند نسبت می دهد و از سویی دیگر او را به وصف عزت توصیف می کند. تناسب بین نزول قرآن و صفت عزت، می تواند اشاره به این نکته داشته باشد که قرآن نیز همچون نازل کننده آن، عزیز و شکست ناپذیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۰ - ۱۱

۱۱- سرزنش مشرکان عرب از سوی خداوند ، به سبب کفرورزی به قرآن ، علی رغم ایمان برخی غیر عرب به حقانیت آن *

و شهد شهد من بنی إسرءیل علی مثله فامن و استکبرتم

این احتمال در آیه وجود دارد که تذکر قرآن به ایمان فردی از بنی اسرائیل; از آن جهت برای مشرکان عرب سرزنش بار باشد که بنی اسرائیل در اصل عرب نبودند و عوامل نژادی و زبانی، مقتضی آن بوده تا در برابر قرآن خاضع نشوند. با این وصف برخی از آنان به قرآن ایمان آوردند; در حالی که مشرکان عرب که قرآن به لغت آنان نازل شده از پذیرش آن امتناع ورزیدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲ - ۷،۹،۱۰

۷- قرآن ، حقایقی نازل شده از سوی خداوند ، بر پیامبر (ص)

نزّل علی محمّد و هو الحقّ من ربّهم

تصریح به <نزّل>، بیانگر این حقیقت است که شخص پیامبر(ص) مفاهیم و حقایق قرآن راابداع نکرده; بلکه قرآن به همین صورت از جانب خداوند بر آن حضرت نازل شده است.

۹- قرآن ،

حقایق و قوانینی در جهت رشد و تکامل بشر

و هو الحقّ من ربّهم

با توجه به این که ضمیر <هو> به <ما نزّل. ..> (قرآن) بازمی گردد; از تعبیر <من ربّهم> استفاده می شود که قرآن نشأت یافته از مقام ربوبیت خدا و در جهت رشد و تکامل انسان ها است.

۱۰- مفاهیم و معارف قرآن ، حق ، و به دور از پوچی و تضاد با ارزش ها و واقعیت های هستی

و ءامنوا بما نزّل علی محمّد و هو الحقّ

از اطلاق واژه <حقّ> بر قرآن (مانزّل علی محمّد)، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳ - ۶

۶- پیام های پروردگار (آیات قرآن) ، سراسر حق و به دور از بطلان و پوچی

الذین کفروا اتّبعوا البطل و أنّ الذین ءامنوا اتّبعوا الحقّ من ربّهم

از مقابله حق و باطل و این که <حقّ> مقید به <من ربّهم> شده; استفاده می شود که <ما نزّل علی محمّد> جز حق چیزی نیست و باطل به خداوند انتساب ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۵ - ۲

۲ قرآن و رسالت پیامبر (ص) ، از نمود های بارز حق

و القرءان المجید . بل عجبوا أن جاءهم منذر ... بل کذّبوا بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۶ - ۱۰

۱۰ - قرآن ، کتابی آمیخته به حق و مبرّا از هرگونه باطل

و ما نزل من الحقّ

در صورتی که <حقّ> در آیه شریفه، مقابل باطل به کار رفته باشد،

برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۵۱ - ۱،۲،۳

۱ - قرآن ، کتابی است سراسر حق .

و إنّه لحقّ الیقین

۲ - حقانیت قرآن و درستی تعالیم آن ، امری است یقینی و تردیدناپذیر .

و إنّه لحقّ الیقین

۳ - وجود مسائل و معارف یقینی و تردیدناپذیر در قرآن

و إنّه لحقّ الیقین

حقانیت قصص قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۳ - ۹

۹ - نقل های تاریخی قرآن ، سراسر حقیقت است و افسانه سرایی در آن راه ندارد .

إذا تتلی علیه ءایتنا قال أسطیر الأوّلین

حقانیت مثالهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۶ - ۵،۷

۵ - مثل های قرآن ، حق (بیانگر واقعیت ها) و همه از جانب خداوند است .

فیعلمون أنه الحق من ربهم

۷ - اهل ایمان حقانیت مثل های قرآن و آسمانی بودن آنها را در می یابند و به خوبی می فهمند .

فأما الذين ءامنوا فيعلمون أنه الحق من ربهم

حقانيت نزول تدريجی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۲ - ۷

۷- نزول تدریجی قرآن و ناسخ و منسوخ آن ، امری به حق و بایسته

و إذا بدّلنا ءایه مكان ءایه . .. قل نزّله روح القدس من ربّك بالحقّ

حقانیت نزول قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۵ - ۱

۱- فرو فرستادن قرآن از سوی خدا و رسیدن آن به

دست پیامبر (ص) و آدمیان ، بر اساس حق و به دور از کمترین خلل و باطلی

و بالحقّ أنزلنه و بالحقّ نزل

حقانیت وعده های قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۸۸ – ۲

۲ – اخبار خداوند از شناخته شدن حقانیت وعده ها و وعید های قرآن

و لتعلمنّ نبأه بعد حین

برخی از مفسران بر این باورانـد که مقصود از <نبأه> (خبر قرآن) مجموعه وعده ها و وعیدهای قرآن است; اعم از عذاب ها و شکست های کافران و پیروزی های مؤمنان.

حقانیت وعیدهای قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۸۸ – ۲

۲ – اخبار خداوند از شناخته شدن حقانیت وعده ها و وعید های قرآن

و لتعلمنّ نبأه بعد حین

برخی از مفسران بر این باورانـد که مقصود از <نبأه> (خبر قرآن) مجموعه وعده ها و وعیدهای قرآن است; اعم از عذاب ها و شکست های کافران و پیروزی های مؤمنان.

حقیقت قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۰۲ – ۵

۵– قرآن ، دارای حقیقتی والا و متعالی است .

قالوا إنما أنت مفتر . .. قل نزّله روح القدس من ربّک

تعبیر <نزّل> که به معنای فرود آمدن از بالا به پایین است درباره القای قرآن به پیامبر(ص) توسط جبرئیل، می تواند حاکی از نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳ - ۳

۳ - قرآن ، قبل از نزول تدریجی و تفصیلی ، دارای وجودی

اجمالی و تفصیل نایافته *

تنزیل من . .. فصّلت ءایته

جمله <فصّلت آیاته> اشعار به آن دارد که قرآن، قبل از نزول به صورت فعلی، در عالمی دیگر وجودی اجمالی و کلی داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴ - ۱،۴،۶

۱ - قرآن ، دارای حقیقتی متعالی و مکتوب در < لوح محفوظ > ، قبل از نزول به زبان عربی

إنّا جعلنه قرءانًا عربیًّا . .. و إنّه فی أُمّ الکتب لدینا

مراد از <اُمّ الکتاب > لوح محفوظ است.

۴ - حقیقت ملکوتی قرآن ، فراتر از حد درک و دریافت عادی بشر

و إنّه فی أُمّ الکتب لدینا لعلیّ

جمله <إنّه فی اُمّ الکتاب لدینا لعلیّ> تأکیدی برای عبارت پیشین است; یعنی، قرآن دارای چنان مرتبه بلندی است که اگر ما آن را از <اُم الکتاب > به زبان عربی بر نمی گرداندیم و برای زمینیان نازل نمی کردیم، دستیابی به معارف آن برای هیچ انسانی مقدور نبود.

۶ - حقیقت قرآن ، نزد خداوند است و بشر تنها بهره مند از جلوه های آن حقیقت ملکوتی است .

و إنّه فی أُمّ الکتب لدینا لعلیّ حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳ - ۶

۶- قرآن ، حقیقتی نازل شده از مرتبتی والا و رفیع

إنّا أنزلنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۵ – ۴

۴- قرآن حقیقتی الهی و نازل شده از سوی او

إنّا أنزلنه . .. أمرًا من عندنا إنّا کنّا مرسلین

از انتساب مکرر نزول قرآن به خداوند، مطلب بالا استفاده می

شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۱۷ – ۵

۵ – حقیقت ملکوتی قرآن ، دور از درک و اندیشه توده ها *

و لقد یسّرنا القرءان للذّکر

مفهوم <لقد یسّرنا. ..> این است که حقایق قرآنی در مرحله نخست و قبل از آسان شدن آن، سنگین بوده است؛ به گونه ای که چه بسا بیشتر انسان ها از درک آن ناتوان بوده اند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۲۲ – ۵

۵ – حقیقت ملکوتی قرآن ، دور از درک و اندیشه توده ها *

و لقد یسّرنا القرءان

مفهوم <و لقد یسّرنا القرآن. ..> این است که حقایق قرآنی، در مرحله نخست و قبل از آسان شدن آن، سنگین بوده است؛ به گونه ای که چه بسا بیشتر انسان ها از درک آن ناتوان بوده اند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۳۲ – ۵

۵ – حقیقت ملکوتی قرآن ، دور از درک و اندیشه توده ها *

و لقد یسّرنا القرءان

مفهوم <و لقد یسّرنا القرآن . ..> این است که حقایق قرآنی، در مرحله نخست و قبل از آسان شدن، سنگین بوده است؛ به گونه ای که چه بسا بیشتر انسان ها در درک آن ناتوان می شدند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۴۰ – ۵

۵ – حقیقت ملکوتی قرآن ، دور از درک و اندیشه توده ها *

و لقد یسّرنا القرءان

مفهوم <و لقد یسّرنا> این است که حقایق قرآنی، در مرحله اول و

قبل از آسان شدن، سنگین بوده است; به گونه ای که چه بسا بیشتر انسان ها از درک آن ناتوان بوده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴۱ - ۲

۲ - قرآن ، تحقیقاً از سنخ شعر و کلامی شاعرانه نیست .

و ما هو بقول شاعر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴۲ - ۲

۲ - قرآن ، به تحقیق از سنخ کهانت و کلامی کاهنانه نیست .

و لا بقول کاهن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۲۲ - ۱

۱ - قرآن ، بر صفحه لوحی نوشته شده که حقیقت آن ناشناخته است .

فی لوح

<لوح>، به تخته یا چیز دیگری گفته می شود که بر روی آن بنویسند (مفردات راغب). نکره آمدن <لوح>، ممکن است به منظور بیان ناشناخته ماندن آن باشد.

حقیقت نسخ در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۱ - ۷

۷- بیشتر منکران و تکذیب کنندگان قرآن و رسالت پیامبر (ص) ، به حقیقت نسخ و حکمت آن جاهل بودند .

و إذا بدّلنا ءایه . .. أکثرهم لایعلمون

حکمت در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱ - ۳

۳ قرآن ، کتابی است آمیخته به حکمت .

ءایت الکتب الحکیم

برداشت فوق بر این اساس است که <حکیم> به معنای <ذوالحکمه> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۴ -

۴ - قرآن ، دربردارنده آیه های خدا و حکمت است .

و اذکرن ما یتلی فی بیوتکنّ من ءایت اللّه و الحکمه

مراد از <ما> به قرینه <یُتلی> می تواند قرآن باشد و <من> برای بیان <ما>، در این صورت، آیات و حکمت، تشکیل دهنده محتوای قرآن خواهد بود.

حکمت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲ - ۲

۲ - قرآن ، کتابی حکیمانه است .

تلک ءایت الکتب الحکیم

وصف <حکیم>، برای قرآن، می تواند به معنای <دارای حکمت> باشد و می تواند به معنای مفعول، یعنی محکَم باشد. برداشت بالا، براساس احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲ - ۳

۳ - قرآن ، کتابی است آمیخته با حکمت .

و القرءان الحکیم

<حکیم> می تواند به معنای <ذوالحکمه> باشد و نیز می تواند مرادف <مُحْکَم> (فعیل به معنای <مُفْعَل>) باشد; چنان که در قرآن هم به همین معنا به کار رفته است: <کتاب اُحکمت آیاته. ..> (هود (۱۱) آیه ۱). برداشت فوق برپایه احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱ - ۵

۵ – قرآن ، در عرصه فکر ، اندیشه و . . . پیروزِ شکست ناپذیر و کتابی حکیمانه است .

تنزیل الکتب من اللّه العزیز الحکیم

برداشت بالا ـ به خاطر این نکته است که چون خداوند، عزیز (پیروز شکست ناپذیر) و حکیم است؛ بنابراین سخن او نیز در عرصه خاصِ خود (فکر، اندیشه و. ..) چنین خواهد بود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷

- جاثیه - ۴۵ - ۲ - ۶

۶ - برنامه ها و پیام های قرآن ، حکیمانه و منطبق با واقعیت های هستی

تنزیل الکتب من اللّه . .. الحکیم

توصیف خداوند به حکمت در پی سخن گفتن از نزول قرآن می تواند ناظر به مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲ - ۸

۸- برنامه ها و پیام های قرآن ، حکیمانه و منطبق با واقعیت های هستی است .

تنزیل الکتب من اللّه العزیز الحکیم

توصیف خداوند به حکمت در پی سخن گفتن از نزول قرآن می تواند ناظر به مطلب بالا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵ - ۱

۱ - قرآن و اخبار هشداردهنده آن ، پیامی حکیمانه و در اوج کمال

حکمه بلغه

<بلوغ> (مصدر <بالغه>) در اصل به معنای رسیدن شیء به نهایت و پایان مسافت به کار می رود و در این جا کنایه از تمامیت و کمال شیء است. بنابراین <حکمه بالغه>; یعنی، حکمت تام و کاملی که از هر نقص و کاستی مبرا است. گفتنی است که <حکمه بالغه> در آیه شریفه، بدل برای <ما> در <مافیه مزدجر> است; یعنی، <جائهم حکمه بالغه>.

حمایت از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۱ - ۱۳

۱۳ اعلام حمایت و پشتیبانی خدا از پیامبر (ص) و قرآن ، علیه توطئه گران و نیرنگ بازان عصر بعثت و تهدید آنان به عذاب

و إذا أذقنا الناس رحمه . .. إذا لهم

مکر فی ءایاتنا قل اللّه أسرع مکراً

مکر خدا، می تواند کنایه از عذاب او باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۸ - ۱۱

۱۱ - قرآن و تورات ، دو جادوی پشتیبان یکدیگر ، در ادعای کافران صدراسلام

قالوا سحران تظهرا

حیات بخشی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵۲ - ۴

۴ - قرآن ، حیات بخش جان انسان ها است .

کذلک أوحینا إلیک روحًا

به کارگیری واژه <روح> به جای <قرآن> یا <کتاب>، اشاره به جنبه حیات بخشی قرآن دارد.

خاتمیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۵ - ۲

۲ اسلام آخرین دین آسمانی و پیامبر(ص) خاتم انبیا و قرآن آخرین کتاب آسمانی است.

و تمت کلمت ربک صدقا و عدلا

لازمه تمام بودن قرآن در طول زمان این است که قرآن آخرین کتاب آسمانی و محتوای آن اسلام نیز آخرین دین باشد.

خبرهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۶۷ – ۵

۵ – بیان اخبار و اطلاعات بزرگ و پرفایده ، بخشی از قلمرو موضوعات قرآن

قل هو نبؤا عظیم

ختم قلب مکذبان قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۷ – ۱،۲،۴

۱ – خداوند قلب منکران قرآن را از فهمیدن معارف دین و گوش آنان را از شنیدن حقایق دینی ، بازداشته است .

ختم اللّه علی قلوبهم و علی سمعهم

<ختم> به معنای بستن درب چیزی با گل و مانند آن و به اصطلاح

لاـك و مهر كردن، است. بسته شدن قلب، كنايه از درك نكردن و نفهميدن است. و <على سمعهم> مى تواند عطف بر <على قلوبهم> باشد و نيز مى تواند خبر براى <غشاوه> باشد. در برداشت فوق، احتمال اول لحاظ شده است.

۲ - بر گوش و چشم منكران آن ، حجابى است كه آنان را از شنيدن و ديدن حقايق دين ، ناتوان ساخته است .

و على سمعهم و على ابصرهم غشوه

<غشاوه> به معناى پرده و مانند آن است. در برداشت فوق <على سمعهم> خبر براى <غشاوه> گرفته شده است.

۴ - مؤثر نبودن انذار هاى پيامبر (ص) در كافرانِ منكرِ قرآن ، ناشى از مسدود بودن ابزار درك و فهم ايشان است .

سواء عليهم ءأنذرتهم أم لم تنذرهم لايؤمنون. ختم اللّه على قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵ - ۲

۲ - تصريح منكران قرآن ، به نفوذناپذيرى قلب و گوش آنان در برابر وحى

و قالوا قلوبنا فى أكنّه . .. و فى ءاذاننا وقر

خدا ترسان و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳ - ۴

۴- آموزش قرآن به اهل خشيت ، آسان و بى نياز از تحمل رنجو ناراحتى است .

ما أنزّلنا . .. لتشقى إلاّ تذكره لمن يخشى

خشوع در برابر قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۹ - ۱،۲،۳

۱- خضوع و خشوع هميشگى عالمان حق پذير در برابر قرآن

إن الذين أَوتوا العلم من قبله إذا يتلى عليهم . .. يخرّون للأذقان يبكون

٢- قرآن

، حاوی آن چنان معارف عظیم که خضوع و خشوع تمامی عالمان اندیشمند را برمی انگیزاند .

إن الذین أُوتوا العلم من قبله إذا یتلی علیهم . .. یخرّون للأذقان یبکون

۳- خضوع عالمان و آگاهان به معارف آسمانی در برابر قرآن ، همراه با سرشک دیدگان

إن الذین أُوتوا العلم من قبله إذا یتلی علیهم . .. و یخرّون للأذقان یبکون و یزیده

خضوع برای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۵ - ۴

۴ - مؤمنانِ نیکوکار ، با شنیدن آیات قرآن ، در برابر آن سر تسلیم فرود آورده ، خضوع می کنند .

فما لهم . .. و إذا قریء علیهم القرءان لایسجدون ... إلاّ الذین ءامنوا و عملوا الص

خضوع در برابر قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۷ - ۴،۱۳

۴- برخورداران از علم و آگاهی به معارف آسمانی ، دارای روحیه حق پذیری و خضوع در برابر آیات قرآن

إن الذین أُوتوا العلم من قبله إذا یتلی علیهم یخرّون

۱۳- خضوع و سجود آگاهان در برابر قرآن ، گواه بی نیازی آن از ایمان دیگران و بی تأثیری بی ایمانی آنان *

ءامنوا به أو لاتؤمنوا إن الذین أُوتوا العلم من قبله إذا یتلی علیهم یخرّون

برداشت فوق بر این اساس است که <إن> تعلیل باشد برای جمله <آمنوا به أو. ..>; یعنی، چون اهل دانش به قرآن ایمان می آورند، ایمان و عدم ایمان دیگران مساوی بوده و نیازی به ایمان آنان نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۹ -

۱- خضوع و خشوع همیشگی عالمان حق پذیر در برابر قرآن

إن الذين أُوتوا العلم من قبله إذا يتلى عليهم . .. يخرّون للأذقان يبكون

۲- قرآن ، حاوی آن چنان معارف عظیم که خضوع و خشوع تمامی عالمان اندیشمند را برمی انگیزاند .

إن الذين أُوتوا العلم من قبله إذا يتلى عليهم . .. يخرّون للأذقان يبكون

خطای اعراض از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۶ - ۱

۱ - اعراض از قرآن و روی آوردن به غیر آن ، شگفت آور و خطایی آشکار است .

فأین تذهبون

استفهام توبیخی در آیه شریفه، علاوه بر سرزنش خطاکاران، بر تعجب از آن خطا نیز دلالت دارد.

خطر عذاب دنیوی معرضان از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۴ - ۴

۴- کافران و روی گردانان از پذیرش آیات قرآن ، در خطر گرفتاری به سرنوشت هلاکت بار پیشینیان و ابتلا به عذاب های دنیوی

و إذا تتلى عليهم ءايتنا . .. و كم أهلكنا قبلهم من قرن

خطر هلاکت معرضان از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۴ - ۴

۴- کافران و روی گردانان از پـذیرش آیات قرآن ، در خطر گرفتاری به سـرنوشت هلاکت بار پیشـینیان و ابتلا به عـذاب های دنیوی

و إذا تتلی علیهم ءایتنا . .. و کم أهلکنا قبلهم من قرن

خواسته های مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۸ - ۱،۲

۱ آمدن فرشتگان و یا آشکار شدن خداوند،

از شرایط مشرکان تکذیب کننده قرآن برای ایمان به آن

هل ینظرون إلا أن تأتیهم الملئکه أو یأتی ربک

<نظر>، مصدر <ینظرون>، در اینجا به معنای انتظار و توقع است. استفهام به دلیل <إلا> استفهام انکاری می باشد و بنابراین <هل ینظرون> یعنی <ما ینتظرون>. انتظارهایی که در آیه شریفه مطرح شده هم می تواند توقعاتی باشد که از سوی مشرکان مطرح شده و هم می تواند بیان حالت آنان باشد. یعنی اگر کسی قرآن را، که دلیلی روشن است، نپذیرد، تنها در صورتی که فرشتگان بر او حاضر شوند و یا ... ایمان می آورد. برداشت فوق ناظر به احتمال اول است.

۲ تحقق برخی از آیات الهی (برخی از حقایق مطرح شده در قرآن، مانند قیامت) از شرایط مشرکان تکذیب کننده قرآن برای ایمان به آن

هل ینظرون إلا أن . .. یأتی بعض ءایت ربک

مراد از <بعض آیات ربک>، به دلیل <لا ینفع نفساً إیمانها>، آیتی است که مشاهده آن، حتی منکران قرآن را به ایمان وامی دارد. بنابراین می توان گفت مقصود، قیامت و مانند آن است. گفتنی است تکرار فعل <إتیان> (تأتیهم، یأتی ربک و یأتی بعض آیات) در آیه شریفه حکایت از تفاوت معنای اراده شده از هر یک دارد. <إتیان> در <یأتی بعض آیات> به معنای تحقق یافتن است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۳۳ – ۱

۱– منکران اعجاز قرآن ، پیامبر (ص) را به خاطر ارائه نکردن معجزات اقتراحی و پیشنهادی آنان ، مورد انتقاد قرار می دادند .

و قالوا لولا یأتینا بَایه من ربّه

خیریت تلاوت قرآن

جلد –

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مزمل – ۷۳ – ۲۰ – ۳۷

۳۷ – شب زنـده داری ، تلاوت قرآن ، اقامه نماز ، پرداخت زکات و انفاق ، از مظاهر نیکوکاری و مصداق های بارز کار های خیر

تقوم أدنی من ثلثی الّیل . .. فاقرءوا ما تیسّر من القرءان ... و ما تقدّموا لأنفسک

خیریت قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۵۵ – ۲

۲ قرآن کتابی فرخنده و دارای خیر و برکت فراوان

هذا کتب . .. مبارک

<مبارک> به چیزی و یا کسی که خیر بسیار از آن تراوش کند، گفته می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۳۰ – ۱

۱– تقواپیشگان ، معتقد به خیر محض بودن وحی الهی (قرآن)

و قیل للذین اتّقوا ماذا أنزل ربّکم قالوا خیرًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۱ – ۴

۴ قرآن ، جلوه ای از برکات و خیرات خداوند

تبارک الذی نزّل الفرقان

درخواست تبدیل قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۵ - ۷،۹

۷ مشرکان ، در راستای مخالفت با قرآن ، به پیامبر (ص) پیشنهاد می کردند : برای آنان به جای قرآن ، کتاب دیگری را که موافق خواسته ها و تمایلاتشان باشد بخواند .

و إذا تتلی علیهم ءایاتنا . .. قال الذین لا یرجون لقاءنا ائت بقرءان غیر هذا

۹ تبدیل و برگرداندن محتوای قرآن به موضوعاتی باب

طبع با حفظ نظام و ساختار ظاهری آن یکی دیگر از پیشنهاد های مشرکان به پیامبر (ص) در راستای مخالفت با قرآن

و إذا تتلی علیهم ءایاتنا بینت قال الذین لا یرجون لقاءنا . .. أو بدّله

درخواست دلایل حقانیت قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۳۳ – ۲

۲– کافران حق ناپذیر مکه ، در انتظار معجزه آمدن فرشتگان و یا امر ویژه ای از جانب خداوند برای تأیید حقانیت قرآن بودند

و إذا قیل لهم ماذا أنزل ربّکم قالوا أسطر الأولین . .. هل ینظرون إلّا أن تأتیهم

برداشت فوق، مبتنی بر این احتمال است که عبارت <تأتیهم الملائکه أو یأتی أمر ربک> (ملائکه برای آنان بیاید و یا امر پروردگارت بیاید) به قرینه آیات سابق که درباره قرآن کریم بود بر آمدن ملائکه یا امر خداوند جهت تأیید قرآن دلالت داشته باشد.

درخواست نزول دفعی قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۴۸ – ۵،۹

۵ – نزول دفعی قرآن همانند تورات ، شرط پیشنهادی کافران برای قبول رسالت پیامبر (ص)

فلمّا جاءهم الحقّ من عندنا

۹ – رد پیشنهاد کافران (نزول دفعی قرآن) از سوی خداوند ، به خاطر عدم صداقت آنان در خواسته خویش

أوَلم یکفروا بما أُوتی موسی من قبل

مقصود از آیه این است که اقتراح کافران، بهانه ای بیش نیست; زیرا اگر راست می گویند پس چرا به تورات با این که به صورت دفعی نازل شده بود پیش از این کفر ورزیدند.

درک کنندگان قرآن

جلد –

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵ - ۱۲

۱۲ تنها دانشوران ، شایسته فهم و درک آیات قرآنند (آیات مربوط به پدیده های جهان آفرینش) .

یفصل الأیت لقوم یعلمون

دروغگویی مفتریان بر قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۵ - ۷

۷- افترا زنندگان به پیامبر (ص) و قرآن ، خود دروغگوی واقعی اند .

و أُولئک هم الکذبون

دروغگویی مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۳ - ۱۳

۱۳ - منکران قرآن به دروغ در حقانیت قرآن و آسمانی بودن آن ، اظهار تردید می کردند .

و إن کنتم فی ریب . .. فأتوا بسوره ... إن کنتم صدقین

متعلق <صادقین> به قرینه <إن کنتم فی ریب> شک و تردید مشرکان در آسمانی بودن قرآن است; یعنی: إن کنتم صادقین فی انکم مرتابون . ..; اگر در اظهار تردید راستگو هستید چنین کنید. این معنا کنایه از دروغگویی آنان در اظهار شک و تردید است.

دریافت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۲ - ۵

۵ - مرحله دریافت قرآن ، همانند مرحله نزول آن ، مصون از خطا و تحریف است .

إنّه لقول رسول . .. و ما صاحبكم بمجنون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکویر – ۸۱ – ۲۳ – ۳

۳ – عقل سالم پیامبر (ص) و مشهود بودن جبرئیل برای آن حضرت در فضایی روشن ، تضمین کننده دریافت

صحیح قرآن از فرشته وحی

و ما صاحبکم بمجنون . و لقد رءاه بالأُفق المبین

دشمنان دین و معارف قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۲۴ – ۶

۶ انکار نفوذ آموزه های قرآن در میان دل و جان مردم ، از ترفند های منافقان و دشمنان دین

و إذا ما أنزلت سوره فمنهم من یقول أیّکم زادته هذه إیمناً

استفهام در جمله <أیّکم زادته . .. > استفهام انکاری و بیانگر نفی تأثیرگذاری آیات قرآن در دل و جان اهل ایمان است. قابل ذکر است که ضمیر <منهم> به منافقان برمی گردد.

دشمنان قاریان قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۹۸ – ۴،۵

۴– انسان به هنگام قراءت قرآن ، در معرض هجوم و خشم شیطان است .

فإذا قرأت القرءان فاستعذ بالله من الشیطن الرجیم

۵– شیطان ، مخالف قراءت قرآن و آشنایی انسان با آموزه های آن است .

فإذا قرأت القرءان فاستعذ بالله من الشیطن الرجیم

پناه بردن انسان از شرّ شیطان به خداوند، بیانگر این است که شیطان قراءت قرآن و آشنایی با آن را خوش ندارد. گفتنی است آیه بعدی که سخن از سلطه شیطان و مصونیت مؤمنان از این سلطه است مؤید همین برداشت است.

دشمنان قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۳۲ – ۴

۴ کافران مکه مردمانی لجوج و دارای عنادی خاص در برابر رسالت پیامبر (ص) و حقانیت قرآن

فأمطر علینا حجاره من السماء أو ائتنا بعذاب ألیم

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۲ - ۱،۳،۴

۱ تلاش بی امان یهود و نصارا ، با هدف خاموش کردن نور الهی (قرآن) ، با سخنان و تبلیغات خود

یریدون أن یطفئوا نور اللّه بأفوههم

ضمیرهای جمع در <یریدون>، <یطفئوا> و <بأفواههم> به یهود و نصارا (الذین أوتوا الکتاب) بازمی گردد. قید <بأفواههم> (با سخنان خویش) می رساند که: اهل کتاب برای انحراف افکار عمومی علیه قرآن و اسلام، دست به تبلیغات نادرست می زدند.

۳ احبار (عالمان یهود) و راهبان (عالمان نصارا) سردمداران مبارزه با قرآن و اسلام

اتخذوا أحبارهم و رهبنهم أرباباً . .. یریدون أن یطفئوا نور اللّه بأفوههم

برداشت فوق بر این اساس است که ضمیر <هم> در <یریدون>، <یطفئوا> و <بأفواههم> به احبار و راهبان بازگردد، که در این صورت آیه شریفه بیانگر یکی از مصداقهای <اتخذوا أحبارهم و رهبانهم أرباباً> خواهد بود ; بدین معنا که احبار و راهبان علیه قرآن و اسلام سخنان نادرست می گفتند و یهود و نصارا از آنان تبعیت کورکورانه و اطاعت محض داشتند.

۴ اطاعت محض و تبعیت کورکورانه یهود و نصارا از احبار و راهبانشان ، در راستای مبارزه با قرآن و اسلام

اتخذوا أحبارهم و رهبنهم أرباباً . .. یریدون أن یطفئوا نور اللّه بأفوههم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۸ - ۵

۵- شیطان ، مخالف قراءت قرآن و آشنایی انسان با آموزه های آن است .

فإذا قرأت القرءان فاستعذ بالله من الشیطن الرجیم

پناه بردن انسان از شرّ شیطان به خداوند، بیانگر این است که شیطان قراءت

قرآن و آشنایی با آن را خوش ندارد. گفتنی است آیه بعدی که سخن از سلطه شیطان و مصونیت مؤمنان از این سلطه است مؤید همین برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۲ - ۳،۵،۶

۳ - تعصب کورکورانه و جاهلانه مشرکان صدراسلام نسبت به مرام شرک ، و خشم و کینه آنان نسبت به معارف الهی قرآن

و إذا تتلی علیهم ءایتنا بیّنت تعرف فی وجوه الذین کفروا المنکر

<منکر> (مرادف <انکار>) مصدر میمی و به معنای ناخرسندی و کراهت است; یعنی، هر گاه آیات روشن ما بر آنان تلاوت شود، آثار کراهت و ناخشنودی را در چهره کافران تشخیص می دهی.

۵ - خشمگین شدن کافران صدراسلام و ظهور آثار کینه و نفرت در چهره آنان ، به هنگام شنیدن آیات قرآن و معارف توحیدی آن

و إذا تتلی علیهم ءایتنا بیّنت تعرف فی وجوه الذین کفروا المنکر

۶ - بر افروختگی مشرکان با شنیدن آیات قرآن و خشم حاصل از آن ، به حدی بود که آنان را در آستانه حمله و تهاجم به کسانی قرار می داد که آیات قرآن را بر آنها تلاوت می کردند .

یکادون یسطون بالذین یتلون علیهم ءایتنا

<سَطْو> (مصدر <یسطون>) به معنای تهاجم و حمله است; یعنی، چیزی نمانده که مشرکان با کسانی که آیات ما را بر آنان می خوانند گلاویز شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴ - ۴

۴ واکنش کافران در برابر قرآن و رسالت پیامبر (ص) ، رفتاری بس ظالمانه و مزورانه بود .

فقد جاءو

ظلمًا و زورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۱ - ۲

۲ - استمرار دشمنی مجرمان با قرآن و وحی ، تا لحظه مرگ

لایؤمنون به حتّی یروا العذاب الألیم

مراد از مشاهده عذاب دردناک، می تواند لحظه مرگ کافران و حق ستیزان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۶ - ۱

۱ - تحریم گوش فرادادن به قرآن ، از سوی کافران عصر پیامبر (ص)

و قال الذین کفروا لاتسمعوا لهذا القرءان

دشمنی با قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۱ - ۴

۴- مخالفت و مبارزه با قرآن و پیامبراسلام (ص) ، مصداق آشکار ظلم و ستم است .

لقد أنزلنا إلیکم. .. و کم قصمنا من قریه کانت ظالمه

خداوند، پس از بیان نزول قرآن و فراخواندن مردم به تعقل در آن و نیز طرح نابودی بسیاری از اقوام گذشته به خاطر ظلمشان، مخالفان اسلام و قرآن را به عذاب و نابودی تهدید کرد و این می رساند که مخالفت با اسلام و قرآن، مصداق روشن ظلم و موجب نابودی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۸ - ۹

۹ - انکار و برخورد عنادآمیز با قرآن و پیامبر (ص) ، شیوه مستمر کافران مکه

کانوا بأیتنا یجحدون

فعل <کان> هرگاه بر مضارع داخل شود افاده استمرار می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۸ - ۲

۲ - مبارزه کافران با قرآن

و رسالت پیامبر (ص) ، با اندیشه شیطانی و سنجیده کاری همراه بود .

إنّه کان لأیتنا عنیدًا . .. إنّه فكّر و قدّر

دشنام دهندگان به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۷ - ۳

۳ - بدگویی و یاوه سرایی کافران مرفه ، علیه قرآن و پیامبر (ص) در محفل های شبانه شان

سمرًا تهجرون

سمر> (مصدر <سامر>)؛ یعنی، گفت وگو و تشکیل محفل شبانه. <سامر> اسم جمع است مانند: <حاج>، <حاضر> و <حامل>. <سامراً> حال دیگر برای ضمیر فاعل <تنکصون> است. <تهجرون> به تقدیر تهجرون به مشتق از <هُجر> (بدگویی) و یا <هَجر> (هزیان و یاوه گویی) است. جمله <تهجرون> (فعل و فاعل) در محل نصب و نعت برای <سامراً> می باشد؛ یعنی، <در حالی که در محافل شبانه، درباره آن بدگویی می کردید>.

دعوت از مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۴ - ۱

۱ - دعوت خداوند ، از منکران قرآن برای هماوردی با مضامین بلند آن

فلیأتوا بحدیث مثله

دعوت به تدبر در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۸ - ۲

۲ - فراخوانده شدن کافران به تدبر و اندیشه در آیات قرآن و پرهیز از داوری های نسنجیده درباره آن

أفلم یدّبّروا القول

دعوت به تعلم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۸ - ۵

۵ - آموختن تعالیم قرآن و پایداری بر عمل به آن ، دعوت خداوند از همه انسان ها

است .

إن هو إلاّ ذكر للعلمين . لمن شاء منكم أن يستقيم

مخاطبان در <منكم> گرچه همان كسانى اند كه <أين تذهبون> خطاب به آنان بود; ولى به قرينه <للعالمين> اين رهنمود براى عموم مردم است.

دعوت به عمل به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - تكوير - ۸۱ - ۲۸ - ۵

۵ - آموختن تعاليم قرآن و پايدارى بر عمل به آن ، دعوت خداوند از همه انسان ها است .

إن هو إلاّ ذكر للعلمين . لمن شاء منكم أن يستقيم

مخاطبان در <منكم> گرچه همان كسانى اند كه <أين تذهبون> خطاب به آنان بود; ولى به قرينه <للعالمين> اين رهنمود براى عموم مردم است.

دعوت به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۱

۱ - پيامبر (ص) ، يهوديان را به پذيرش اسلام و ايمان آوردن به قرآن فرا مى خواند .

و إذا قيل لهم ءامنوا بما أنزل اللّه

فاعل <قيل> به قرينه <قل فلم تقتلون> (در ذيل آيه) پيامبر است; يعنى: و إذا قلت لهم . . .

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - يونس - ۱۰ - ۱۰۸ - ۱۲

۱۲ پيامبر اكرم (ص) در دعوت مردم به پذيرش كتاب الهى ، در پى جلب منفعت براى خود يا دفع ضرر از خويش نبود .

فمن اهتدى فإنما يهتدى لنفسه و من ضل فإنما يضل عليها

دعوت قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۷۱ – ۲

۲ قرآن ، فراخوان اهل کتاب به خودداری

از گفتار باطل درباره خداوند

یاهل الکتب . .. لاتقولوا علی اللّه الا الحق

دعوتهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۵ - ۶

۶- قرآن ، فراخوان مردم به هوشمندی و ژرف نگری در آیات الهی و حوادث و تحولات تاریخی

و نبّئهم عن ضیف إبرهیم . .. و أمطرنا علیهم حجاره من سجّیل . إن فی ذلک لأیت للمت

دفع شرّ استهزاگران قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۵ - ۲

۲- نوید خداوند به پیامبر (ص) مبنی بر دفع شرّ استهزا کنندگان آن حضرت و قرآن

إنا کفینک المستهزءین

دلایل اتقان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲ - ۴

۴ - توان قرآن بر هدایت و تربیت انسان های پرهیزگار ، دلیل و گواهی کافی بر اتقان و حقانیت آن است .

لاریب فیه هدًی للمتقین

<هدًی للمتقین> به منزله استدلال برای جمله <لاریب فیه> است.

دلایل اجتناب از کفر به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۰ - ۶

۶ - الهی بودن قرآن ، دلیل ضرورت پرهیز از کفر ورزی به قرآن و پست بودن هر چیزی در مقابل از دست دادن آن ، است .

أن يكفروا بما أنزل اللّه

تعبیر کردن از قرآن به <ما> و توصیف آن به <أنزل اللّه> بیانگر علت و دلیل حکمی است که در فراز قبل بیان شد; یعنی، چون قرآن کتابی است نازل شده از جانب خدا، کفر به آن موجب می شود هر

چیزی که در مقابل از دست دادن آن دریافت شود، پست باشد.

دلایل ایمان به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۵

۵ - الهی بودن قرآن ، دلیل ضرورت ایمان آوردن به آن

ءامنوا بما أنزل اللّه

توصیف قرآن به اینکه خدا آن را فرستاده است، اشاره به علت لزوم ایمان (ءامنوا) دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۷ - ۱۰

۱۰- ناتوانی همگان از دگرگون ساختن قرآن و سخنان خداوند ، دلیل شایستگی آن برای پذیرش و اطاعت است .

واتل ما أُحی إلیك . .. لامبدّل لکلمته

دلایل بطلان شک در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۱۹

۱۹ الهی بودن قرآن و پیراستگی آن از هرگونه باطل ، دلیل ناروا بودن شک و شبهه در راستی و درستی آن

فلاتک فی مریه منه إنه الحق من ربک

جمله <إنه الحق من ربک> به منزله دلیل برای <فلاتک . ..> می باشد.

دلایل بی نظیری قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۴ - ۴

۴ پدید آمدن و نشأت گرفتن قرآن از علم الهی ، دلیل ناتوانی غیر خدا از آوردن همانند برای آن است .

فإلّم یستجیبوا لکم فاعلموا أنما أُنزل بعلم الله

جمله <فإلّم یستجیبوا لکم فاعلموا . ..> ناظر به علت اثباتی (اقامه برهان بر الهی بودن قرآن است) و در عین حال از علت ثبوتی (سرّ و ریشه ناتوانی بشر از آوردن همانند برای قرآن) نیز حکایت می کند.

دلایل بی نیازی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۷ - ۱۳

۱۳- خضوع و سجود آگاهان در برابر قرآن ، گواه بی نیازی آن از ایمان دیگران و بی تأثیری بی ایمانی آنان *

ءامنوا به أو لاتؤمنوا إن الذین أُوتوا العلم من قبله إذا یتلی علیهم یخرّون

برداشت فوق بر این اساس است که <إن> تعلیل باشد برای جمله <آمنوا به أو. ..>; یعنی، چون اهل دانش به قرآن ایمان می آورند، ایمان و عدم ایمان دیگران مساوی بوده و نیازی به ایمان آنان نیست.

دلایل پوچی افترا به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۵ - ۴

۴ - مطرود بودن شیطان از درگاه خداوند ، شاهد واهی بودن پندار کسانی است که معارف الهی قرآن را القای شیطان می پنداشتند .

و ما هو بقول شیطن رجیم

دلایل پیروی از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۵ - ۶

۶ الهی بودن قرآن و پر برکت بودن آن دلیل لزوم پیروی از آن است.

هذا کتب أنزل نه مبارک فاتبعوه

حرف <فا> در <فاتبعوه> سببیه است. بنابراین دلالت می کند که حقایق بیان شده در جمله قبل علت لزوم پیروی است.

دلایل تبعیت از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۰ - ۳

۳ - الهی بودن قرآن و احکام اسلام ، دلیل لزوم پیروی از آن است .

اتبعوا ما أنزل اللّه

مراد از <ما> در <ما أنزل اللّه> قرآن و احکام دین است.

توصیف آنها به اینکه از ناحیه خداست - پس از فرمان به پیروی از آنها (اتبعوا) - به علت و دلیل لزوم پیروی اشاره دارد.

دلایل تنزیه قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۵ - ۵

۵ - بنیان های متقن مفاهیم و معارف قرآن ، گواه مبرّا بودن آن از تخیّلات شاعرانه

و الشعراء یتّبعهم الغاون . ألم تر أنّهم فی کلّ واد یهیمون

دلایل حقانیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲ - ۴

۴ - توان قرآن بر هدایت و تربیت انسان های پرهیزگار ، دلیل و گواهی کافی بر اتقان و حقانیت آن است .

لاریب فیه هدًی للمتقین

<هدًی للمتقین> به منزله استدلال برای جمله <لاریب فیه> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۱۷

۱۷ - گواهی قرآن بر راستی و درستی تورات ، از نشانه های حقانیت قرآن

و هو الحق مصدقاً لما معهم

توصیف قرآن به تصدیق کننده تورات، پس از ادعای حقانیت قرآن (و هو الحق) استدلالی است برای یهودیان بر لزوم ایمان آوردن به آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۹ - ۴

۴ - قرآن ، متضمن آيات و دلايلى روشن بر حقانيت خود و رسالت پيامبر (ص)

و لقد أنزلنا إليك ءايت بينت

مقصود از <ءايات> مى توانـد آيات قرآنى باشـد و مى توانـد معجزات و دلايلى باشـد كه بر صـداقت پيامبر(ص) و آسـمانى بودن قرآن دلالت دارد. برداشت فوق ناظر به احتمال اول است.

جلد

- نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۱۴ – ۱۲

۱۲ وجود دلایل حقانیت قرآن و پیامبر(ص) در تورات و انجیل

و الذین ءاتینهم الکتب یعلمون أنه منزل من ربک بالحق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۹۴ – ۳

۳ کتاب های آسمانی پیشین ، سند زنده ای برای اثبات حقانیت و الهی بودن آیات قرآن کریم

فإن کنت فی شک مما أنزلنا إلیک فسئل الذین یقرءون الکتب من قبلک

تذکر این نکته لازم است که مراد از کتابهای آسمانی پیشین، کتابهایی است که دست تحریف، آنها را دگرگون نکرده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱ – ۱۰

۱۰ آیات قرآن ، دلیلی است متقن و روشن بر الهی بودن قرآن و درستی حقایق مطرح شده در آن .

کتب أُحکمت ءایته ثم فصلت من لدن حکیم خبیر

کلمهء ((آیات)) به معنای نشانه هاست . نامیده شدن بندهای قرآن به این نام سپس توصیف آنها به اینکه از ناحیهء خدای حکیم داناست ، اشاره به این دارد که : جملات قرآن ، آیت و نشانی بر الهی ، حکیمانه و عالمانه بودن آنهاست . بنابراین آیهء فوق را می توان چنین معنا کرد: این قرآن ، کتابی از ناحیهء خدای حکیم و خبیر است و تک تک آیات آن ، دلالت بر این مدعا دارد و این دلالت هم متقن است و هم واضح و روشن .

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۶۴ – ۱۰

راه نداشتن نسیان در ذات اقدس خداوند ، پشتوانه حقانیت گزارش های قرآن از تاریخ پیامبران پیشین

و ما نتنزّل إلاّ بأمر ربّک . .. و ما کان ربّک نسیًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۸ - ۶

۶- بررسی تاریخ و پیدایش و زوال تمدن ها ، منبعی برای شناخت و عبرت آموزی و درک حقایق قرآن

فإنّما یسّرنه. .. لتنذر به ... و کم أهلکنا قبلهم من قرن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰ - ۱۲

۱۲- قرآن ، بهترین و نیرومندترین دلیل و معجزه بر اثبات حقانیت خود وپیامبراسلام (ص)

لقد أنزلنا إلیکم کتبًا فیه ذکرکم أفلاتعقلون

آیه شریفه، می تواند پاسخی باشد به درخواست بهانه جویانه مشرکان از پیامبر(ص) مبنی برآوردن معجزه بر اثبات حقانیت خویش; یعنی، اگر آنان تعقل کنند، خواهند فهمید که قرآن معجزه پیامبراسلام است. گفتنی است تأکید شدن این حقیقت با لام قسم و حرف تحقیق (لقد) مؤید همین برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۰ - ۶

۶- قرآن ، به عنوان کتاب بیدارگر و منشأ خیر و برکت ، قابل انکار و تردید نیست .

هذا ذکر مبارک أنزلنه أفأنتم له منکرون

خداوند، قرآن را به عنوان کتاب بیدارگر (ذکر) و مایه خیر و برکت (مبارک) معرفی کرده و سپس انکار این حقیقت از سوی مشرکان را مورد سرزنش قرار داده است. این سرزنش می تواند بیانگر برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶

۱ - ۱۹۷ -

۱ - آگاهی و اطلاع عالمان بنی اسرائیل از آمدن قرآن ، خود دلیل حقانیت آن و صدق پیامبر (ص) است .

أوَلم یکن لهم ءایه أن یعلمه علمؤا بنی إسرءیل

استفهام در این آیه توبیخی است. ضمیر <هم> در <لهم> به مشرکان مکه بازمی گردد و <آیه> خبر <لم یکن> و به معنای دلیل روشن می باشد. <أن یعلمه...> نیز اسم <لم یکن> و ضمیر در آن به خبر <قرآن> یا <خبر نزول آن بر پیامبر> بازمی گردد; یعنی، <أوَلم یکن علم علماء بنی اسرائیل بخبر القرآن أو خبر نزوله علیک علی سبیل البشاره فی کتب الأنبیاء الماضین آیه للمشرکین علی صحّه نبوّتک>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۶ - ۲

۲ - تشریح سخن حق در قرآن در زمینه موضوعات مورد اختلاف بنی اسرائیل ، نمود حقانیت آن و رسالت پیامبر (ص)

إنّ هذا القرءان یقصّ علی بنی إسرءیل أکثر الذی هم فیه یختلفون

از مضمون آیه استفاده می شود که بیان حق، نشانگر حقانیت قرآن و رسالت پیامبر(ص) است. علاوه بر این که سیر آیات گذشته به این صورت است که از مسأله توحید آغاز شده و سپس به حقانیت معاد و اکنون به حقانیت قرآن پرداخته شده است. گفتنی است که حقانیت قرآن مستلزم حقانیت رسالت پیامبر(ص) نیز هست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۷ - ۴

۴ - تصدیق و تأیید رسولان پیشین از سوی پیامبراکرم (ص) ، نشانه درستی رسالت آن حضرت و حقانیت قرآن

بل جاء بالحقّ و

صدّق المرسلين

خداونـد در ایـن آیه به دو مطلب اشـاره فرمـوده است: ۱ تأییـد حقـانیت آنچه پیـامبر(ص) آورده است (قرآن)؛ ۲ توصیف آن حضرت به تصدیق کننده رسولان پیشین. بیان هم زمان این دو مطلب، می تواند دلیلی بر راستی رسالت پیامبراکرم(ص) و لزوم تصدیق آن حضرت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۸ - ۱

۱ - گذشت زمان و آینده بشریت ، بستر کشف حقانیت قرآن

و لتعلمنّ نبأه بعد حین

طبـق نظر مفسـران، ضـمیر در <نبـأه> به قرآن بـازمی گردد و مقصـود از <نبـأ> خـبر حـق بودن قرآن است؛ یعنی، به زودی خواهید فهمید که قرآن و گفته های آن، حق و مطابق با واقعیت ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۳ - ۳

۳ - نشانه ها و دلایل حقانیت قرآن ، نهفته در متن طبیعت و اسرار وجود آدمی

سنریهم ءایتنا فی الأفاق . .. أنّه الحقّ

بنـابراین که ضـمیر <أنّه> به قرآن بـاز گردد، انطبـاق آیـات مربوط به پدیـده هـای طـبیعی بـا واقعیت جهـان طبیعت، نشـانگر حقانیت قرآن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۷ - ۱۱

۱۱ - ارائه نشانه های روشن درباره قرآن و اسلام و پیامبراکرم (ص) ، از سوی خداوند به بنی اسرائیل

و ءاتینهم بیّنت من الأمر

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که <الأمر> اشاره به مسأله حقانیت دین اسلام و رسالت پیامبراکرم(ص) باشد؛ که آیات پیشین اساساً درباره آن بود و در آیات بعد نیز مورد توجه قرار گرفته است.

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۰ - ۴،۷

۴- ایمان و اعتقاد برخی از پیروان ادیان آسمانی به قرآن ، تأییدی بر حقانیت آن

إن کان من عند اللّه و کفرتم به و شهد شهد من بنی إسرءیل علی مثله

ارزش ایمانِ اهل کتاب به قرآن و پیام آن برای دیگران، از آن جهت است که آنان با پیام وحی آشنا هستند و ایمانشان به قرآن، بر اساس آگاهی به پیام و محتوای کتاب های آسمانی است. از این جهت می تواند برای دیگران دلیل و حجت باشد.

۷- وجود قرینه هایی در متن تورات ، بر حقانیت قرآن *

و شهد شهد من بنی إسرءیل علی مثله فامن

مترتب شدن ایمان به قرآن، بر ایمان به تورات و آیین موسی، ممکن است از آن جهت باشد که در تورات، قرینه هایی بر حقانیت قرآن وجود داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۳ - ۴

۴ - دلایل حقانیت قرآن ، متجلی در متن آن برای حق جویان

أم یقولون تقوّله بل لایؤمنون

<بل لایؤمنون>; یعنی، اینان نمی خواهند ایمان بیاورند; و گرنه حقانیت قرآن و الهی بودن آن، بدان اندازه پنهان نیست که آنها درک نکنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۱ - ۱۰

۱۰ - ذکر تعداد نگهبانان دوزخ در قرآن ، زداینده هرگونه شک و تردید ، از دل اهل کتاب و مؤمنان نسبت به حقانیت و درستی قرآن

و لایرتاب الذین أُوتوا الکتب و المؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر

۱ - ۵۴ - ۷۴ -

۱ - درخواست نزول نـامه سـر گشاده از سوی خداونـد ، در تأییـد رسـالت پیامبر (ص) و بر درستی قرآن ، درخواستی نابجا و نشانه بهانه جویی کافران

بل یرید کلّ امریء منهم أن یوتی صحفًا منشّره . .. کلاّ إنّه تذکره

کلمه <کلاّ>، تأکید مطلبی است که در آیه پیش (کلاّ بل لایخافون. ..) بیان شده است؛ یعنی، قرآن کریم تذکره است و اگر بنـا بود که کـافران به سـبب آن متـذکر شونـد، نزول قرآن به همین صورت برای پنـدآموزی آنـان کـافی بود. پس درخواسـت کافران مبنی بر نامه اختصاصی از جانبِ خداوند، بهانه ای بیش از سوی آنان نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۵۰ - ۴

۴ - قرآن ، دارای مضامینی روشن و دلایلی گویا ، بر صدق و درستی خویش

فبأیّ حدیث بعده یؤمنون

از این که ایمـان نیـاوردن به قرآن، امری شـگفت آور تلقی شـده است؛ می توان پی برد که راسـتی و درستی قرآن، آن چنـان روشن است که به اثبات از بیرون نیاز ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۵ - ۶

۶ - دور بودن ساحت قرآن از دخالت شیطان ، ضامن حقانیت و درستی تعالیم آن

إنّه لقول رسول . .. و ما هو بقول شیطن رجیم

دلایل عدم قبول قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۷ - ۱۰

۱۰ - قبول نکردن تعالیم قرآن از سوی برخی انسان ها ، ناشی از بی اعتنایی آنان است و نه از

ناحیه قرآن .

و إذا تتلی علیه ءایتنا ولّی مستکبرًا کأن لم یسمعها

دلایل قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۴ - ۴

۴ - قرآن ، دلیل حقانیت خود و سند راستی و درستی نبوت پیامبر (ص) است .

فإن لم تفعلوا و لن تفعلوا فاتقوا النار

دلایل کفر یهود به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۷

۷ - نازل نشدن قرآن بر بنی اسرائیل ، تنها دلیل و بهانه یهود برای ایمان نیاوردن به آن

إذا قیل لهم ءامنوا بما أنزل اللّه قالوا نؤمن بما أنزل علینا

دلایل وحیانیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۴ - ۳

۳ - ناتوانی انسان ها از آوردن سخنی همانند سوره ای از قرآن ، دلیل آسمانی بودن قرآن و حقانیت رسالت پیامبر (ص) است .

فإن لم تفعلوا و لن تفعلوا فاتقوا النار

چنانچه ناتوانی از آوردن همانند برای قرآن، دلالت بر آسمانی بودن آن نمی کرد; حجت بر مخالفان تمام نمی شد و تفریع <اتقوا النار> بر آن صحیح نمی بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۶ - ۸

۸ زندگی پیش از بعثت حضرت محمد (ص) ، گواه روشن بر الهی و آسمانی بودن قرآن

قل لو شاء اللّه ما تلوته علیکم . .. فقد لبثت فیکم عمراً من قبله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱ - ۱۰

۱۰

آیات قرآن ، دلیلی است متقن و روشن بر الهی بودن قرآن و درستی حقایق مطرح شده در آن .

کتب أُحکمت ءایته ثم فصلت من لدن حکیم خبیر

کلمهء ((آیات)) به معنای نشانه هاست . نامیده شدن بندهای قرآن به این نام سپس توصیف آنها به اینکه از ناحیهء خدای حکیم داناست ، اشاره به این دارد که : جملات قرآن ، آیت و نشانی بر الهی ، حکیمانه و عالمانه بودن آنهاست . بنابراین آیهء فوق را می توان چنین معنا کرد: این قرآن ، کتابی از ناحیهء خدای حکیم و خبیر است و تک تک آیات آن ، دلالت بر این مدعا دارد و این دلالت هم متقن است و هم واضح و روشن .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۴ - ۳،۴

۳ خودداری عاجزانه مخالفان دین از آوردن همانند برای قرآن ، نشانه و برهانی روشن بر الهی بودن قرآن و ابتنای آن بر علم خداست .

فإلّم یستجیبوا لکم فاعلموا أنما أُنزل بعلم الله

۴ پدید آمدن و نشأت گرفتن قرآن از علم الهی ، دلیل ناتوانی غیر خدا از آوردن همانند برای آن است .

فإلّم یستجیبوا لکم فاعلموا أنما أُنزل بعلم الله

جمله <فإلّم یستجیبوا لکم فاعلموا . ..> ناظر به علت اثباتی (اقامه برهان بر الهی بودن قرآن است) و در عین حال از علت ثبوتی (سرّ و ریشه ناتوانی بشر از آوردن همانند برای قرآن) نیز حکایت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۲ - ۶،۹

۶ آگاه نبودن پیامبر (ص)

به حقایق داستان یوسف پیش از نزول قرآن ، دلیلی روشن بر الهی بودن قرآن

ذلک من أنباء الغیب نوحیه إلیک و ما کنت لدیهم

جمله حـالیه <و ما کنت لـدیهم> به منزله تعلیل برای <نوحیه إلیک> است ; یعنی، از نشانه های این حقیقت که قرآن وحی الهی است آن است که تـو از داسـتان یوسـف(ع) بی خـبر بـودی ; ولی آن را به بهـترین وجه آوردی و این جز از طریق وحی امکان پذیر نبود.

۹ بیان قرآن درباره مکر ها و توطئه های برادران یوسف ، زلیخا و هیأت حاکمه مصـر علیه او ، دلیلی بس روشن بر وحی بودن و الهی بودن آن

ما کنت لدیهم إذ أجمعوا أمرهم و هم یمکرون

جمله <و ما کنت لدیهم. ..> به منزله تعلیل برای <ذلک من أنباء الغیب...> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۳ - ۸

۸- بیان فصیح و روشن قرآن در قالب زبان عربی ، گویاترین دلیل بر القا نشـدن آن توسط فردی عجمی (غیر عرب) بر پیامبر (ص) است .

لسان الذی یلحدون إلیه أعجمیّ و هذا لسان عربیّ مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۸ - ۱۳

۱۳- عدم امکان آوردن کتابی همانند قرآن ، خود دلیلی قاطع بر الهی بودن و بشری نبودن آن است .

قل لئن اجتمعت الإنس و الجنّ . .. لایأتون بمثله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۸ - ۶

۶ - قرآن ، خود دلیل آسمانی بودن خویش است .

أفلم يدّبّروا

القول

مفهوم دعوت یاد شده، این است که هر کس در قرآن تدبر کند، به آسمانی بودن آن یقین پیدا می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱۱ - ۵

۵ - محتوای بلند قرآن ، سند آسمانی بودن آن

و ما ینبغی لهم و ما یستطیعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷ - ۲

۲ - بیان دقیق سرگذشت موسی و خانواده اش در وادی طور (ماجرایی که به جز خدا کسی از آن خبر نداشت) دلیلی روشن بر آسمانی بودن قرآن

و إنّک لتلقّی القرءان . .. إذ قال موسی لأهله

بیان ماجرای موسی در وادی طور، که می تواند دلیلی برای <إنّک لتلقّی القرآن. ..> باشد; زیرا آن واقعه ای است که جز خدا احدی از آن اطلاع نداشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۸ - ۵

۵ - امی بودن پیامبر (ص) ، دلیلی غیر قابل انکار ، بر آسمانی بودن قرآن کریم است .

و ما کنت تتلوا من قبله . .. إذًا لَارتاب المبطلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۹ - ۲

۲ - قرآن ، خود نشانه آسمانی بودن و بدیع بودن و عدم دخالت بشر در تنظیم آن است .

و ما کنت تتلوا من قبله . .. بل هو ءایت بیّنت

<بل> برای اِضراب است و از این حقیقت حکایت می کند که حتی اگر پیامبر(ص) امی نبود، تنظیم چنین کتابی، میسّر نبود.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۷ - ۶

۶ - حقانیت محتوای قرآن ، نشانگر نزول آن از سوی خداوند (اللّه)

اللّه الذی أنزل الکتب بالحقّ

آیه شریفه بدین معنا است که آن کس که این کتاب را به حق نازل کرده خدااست و جز او نمی تواند باشد; نظیر این که گفته شود: هنرمند است آن کس که چنین خط زیبا نوشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۷ - ۸

۸- تأثیر شگرف آیات قرآن بر قلب ها و اندیشه ها ، نشانگر استناد آن به نیرویی فوق طبیعی

و إذا تتلی علیهم ءایتنا بیّنت قال الذین کفروا . .. هذا سحر مبین

از مجموع آیه شریفه، تأثیر شگرف و اعجازگونه آیات قرآن استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۹ - ۴

۴- هماهنگی محتوای قرآن با تعالیم پیامبران پیشین ، گواه آسمانی بودن آن و حقانیت رسالت پیامبر (ص)

أم یقولون افتریه . .. قل ما کنت بدعًا من الرسل

واژه <بدعاً> می تواند ناظر به شخص پیامبر(ص) باشد; یعنی، او اولین رسولی نیست که مبعوث شده است; بلکه قبل از او نیز رسولان دیگری بوده اند. هم چنین می تواند ناظر به اقوال و افعال پیامبر(ص) باشد; یعنی، آن حضرت ابداع کننده اقوال و سخنان تازه ای نیست; بلکه سخنان او پیشینه در اقوال و سخنان پیامبران گذشته دارد. برداشت یاد شده براساس احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ -

۲ - ۱۲

۲- همسویی و هماهنگی محتوای قرآن و تورات و تصدیق آن نسبت به تورات ، دلیلی بر وحیانی بودن قرآن

و من قبله کتب موسی إمامًا و رحمه و هذا کتب مصدّق

طرح هماهنگی پیام تورات و قرآن و نیز تصدیق مطالب تورات از سوی قرآن، زمینه ای است برای تفکر اهل کتاب و غیر آنان، و یافتن آثار وحی بودن و دلایل حقانیت قرآن در آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۰ - ۱۰

۱۰- هماهنگی قرآن با کتاب های آسمانی پیشین ، دلیل آسمانی بودن آن

یقومنا إنّا سمعنا کتبًا أُنزل . .. مصدّقًا لما بین یدیه

جنیان با استناد به هماهنگی قرآن با کتاب آسمانی دیگر (تورات) درصدد بودند تا آسمانی بودن قرآن را به همنوعانشان اثبات کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۴ - ۴

۴ - عجز آدمیان از آوردن سخنی همچون قرآن ، برترین گواه بر الهی بودن آن

فلیأتوا بحدیث مثله إن کانوا صدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۵ - ۵

۵ - طرح جزئیات حوادث قیامت در قرآن ، نشانه وحی بودن آن

فلاأُقسم

جمله <إنّه لقول رسول> در آیات بعد که سوگندهای مکرر در این آیات، مربوط به آن است از انتساب قرآن به فرستاده الهی حکایت دارد. حرف <فاء> در آیه شریفه، مجموعه را بر آیات پیشین تفریع کرده است که درباره حوادث قیامت بود؛

یعنی، حال که رخدادهای قیامت و آینده جهان را بیان کردیم، جای آن دارد که قرآن را به

مبدأ وحی مربوط بدانید.

ذکر آیات خدا هنگام تلاوت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱ - ۹

۹ - لزوم توجه به صفات و نشانه های خداوند ، هنگام قرائت قرآن

اقرأ باسم ربّک

حرف <باء> در <باسم ربّک>، برای الصاق یا استعانت و یا مصاحبت است. و در صورت اخیر مفاد آیه شریفه لزوم همراه ساختن تمام لحظات قرائت با ذکر اسم خداوند است. در حقیقت مراد توجّه به صفات و نشانه هایی است که این اسم، بیانگر آن است.

ذکر بودن قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۱ - ۱۰

۱۰ - قرآن ، کتاب یادآوری و پندآموزی است .

أنّا أنزلنا علیک الکتب . .. إنّ فی ذلک لرحمه و ذکری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸ - ۷

۷ - قرآن ، یادآور دانستنی های فراموش شده و بیدارگر فطرت خفته انسان ها

أءنزل علیه الذکر من بیننا بل هم فی شک من ذکری

برداشت یاد شده از نام گذاری قرآن به <ذکر> استفاده می شود.

ذکر صفات خدا هنگام تلاوت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱ - ۹

۹ - لزوم توجه به صفات و نشانه های خداوند ، هنگام قرائت قرآن

اقرأ باسم ربّک

حرف <باء> در <باسم ربّک>، برای الصاق یا استعانت و یا مصاحبت است. و در صورت اخیر مفاد آیه شریفه لزوم همراه ساختن تمام لحظات قرائت با ذکر اسم خداوند است. در حقیقت مراد توجّه به صفات و

نشانه هایی است که این اسم، بیانگر آن است.

ذکر قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۴ - ۳

۳ - قرآن ، بیدارگر فطرت و یادآور باور ها و شناخت های فطری انسان ها است .

و إنّه لذکر

ذکر منشأ نزول قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴ - ۳

۳- توجه به مبدأ نزول قرآن زمینه تذکرپذیری و پندگرفتن از آن است .

تذکره لمن یخشی . تنزیلاً ممّن خلق الأرض والسموت العلی

گاهی برای بیان علت، از حال استفاده می شود. <تنزیلاً> که حال برای قرآن است بیانگر علت <تذکره بودن> آن است; یعنی، قرآن به دلیل صدور از ناحیه خداوند، برای تذکردادن کاملاً شایسته است.

ذکر وحیانیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۲ - ۸

۸ - نزول قرآن از جانب خداوند ، احتمالی شایان توجه و بی اعتنایی به آن کج روی از فطرت و منش انسانی است .

قل أرءیتم إن کان من عند اللّه ثمّ کفرتم به من أضلّ ممّن هو فی شقاق بعید

ذکر وعیدهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۱۳ – ۱۳

۱۳ – هشدار های مکرر و متنوع قرآن را باید جدی گرفت و معارف و تعالیم آن را به خاطر سپرد .

أنزلنه . .. لعلّهم یتّقون أو یحدث لهم ذکرًا

<لعلّ> برای اظهار امیدواری است، و در کلام خداوند، امید مخاطبان است; یعنی، مخاطبان را به بهره گیری از شرایط فراهم شده دعوت می

کند و بیان می دارد که جا دارد به نتیجه آن امیدوار باشند.

ذلت اخروی دشمنان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۴ - ۲

۲ کافران مخالف قرآن و پیامبر (ص) در قیامت ، در اوج ذلت و خواری محشور خواهند شد .

الذین یحشرون علی وجوههم إلی جهنّم

محشور شدن کافران، در حالی که به رو افتاده و به سوی جهنم سوق داده می شوند، حاکی از برخورد تحقیرآمیز با آنان است.

ذلت اخروی مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۱ - ۱۴

۱۴ - وضعیت کافران به قرآن در قیامت ، رقّت بار و شگفت آور است .

و قال الذین کفروا لن نؤمن بهذا القرءان . .. و لو تری إذ الظلمون موقوفون عند ربّ

جواب <لو> محذوف است و عبارت می تواند چیزی همانند و لو تری . .. لرأیت أمراً عجباً باشد.

ذلت مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۰ - ۱۹

۱۹ - منکران حقانیت قرآن و کافران به پیامبر (ص) ، به عذابی خوار کننده گرفتار خواهند شد .

و للکفرین عذاب مهین

رازهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶ - ۵

۵ قرآن ، کتابی حاوی تعالیمی اسرار آمیز *

قل أنزله الذی یعلم السرّ فی السموت و الأرض

همان گونه که برخی از مفسران (مانند علامه طباطبایی و آلوسی در المیزان و روح المعانی) گفته اند، رابطه <یعلم السرّ> با انزال

قرآن، احتمالاً به جهت نکته یاد شده باشد.

رجوع به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷ - ۸

۸ طرح پرسش و آن گاه مراجعه به قرآن برای پاسخ یابی ، توصیه خداوند به انسانها

لقد کان فی یوسف و إخوته ءایت للسائلین

رحمت بودن قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۱ - ۲

۲ - قرآن ، کتابی است آغاز شده با نام خدا و همراه با اعلام رحمت بر بندگان .

بسم اللّه الرحمن الرحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱۱ - ۱۴

۱۴ قرآن ، برای مردم رحمت آفرین است .

و لکن . .. هدًی و رحمه

رحمت در شفابخشی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۲ - ۸

۸- شفابخشی قرآن نسبت به بیماری های روحی ، فکری و اخلاقی توأم با رحمت ، شفقت و مهربانی است .

و ننزّل من القرءان ما هو شفاء و رحمه للمؤمنین

ذکر دو صفت <شفاء> و <رحمت> برای قرآن، در کنار یکدیگر، می تواند مشعر به معنای یاد شده باشد.

رحمت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۲ - ۱۱

۱۱ تنها مؤمنان به قرآن بهره مند از هدایت ها و رحمت های بیکران آن هستند .

هدی و رحمه لقوم یؤمنون

با توجه به اینکه هدف از نزول قرآن هدایت مردم و دستیابی همگان به رحمت ویژه الهی است، به نظر می رسد <لقوم یؤمنون> اشاره

به این حقیقت داشته باشد که تنها مؤمنان از هدایتها و رحمتهای ویژه بهره مند خواهند شد. گفتنی است مراد از <لقوم یؤمنون> به دلیل فراز قبل، مؤمنان به قرآن می باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۳ - ۱۲،۱۳

۱۲ قرآن کتاب هدایت و مایه رحمت است .

هذا . .. هدی و رحمه

۱۳ تنها اهل ایمان از هدایتگری و رحمت آفرینی قرآن بهره مند می شوند .

هذا . .. هدی و رحمه لقوم یؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۷ - ۴،۶،۷

۴ ربوبیت خداوند ، مقتضی نزول کتابی پندآموز ، شفابخش ، هدایتگر و رحمت بخش است .

یأیها الناس قد جاءتکم موعظه من ربکم و شفاء لما فی الصدور و هدًی و رحمه

۶ قرآن برای مؤمنان ، هدایت و رحمت است .

و هدًی و رحمه للمؤمنین

۷ موضوعات مطرح شده در قرآن ، در راستای پندآموزی ، شفابخشی ، هدایتگری و رحمت بخشی است .

یأیها الناس قد جاءتکم موعظه من ربکم . .. و رحمه للمؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۴ - ۹

۹- قرآن ، کتاب هدایت و رحمت برای مؤمنان است .

و ما أنزلنا علیک الکتب . .. هدًی و رحمه لقوم یؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۹ - ۱۷

۱۷- قرآن ، مایه هدایت ، رحمت و بشارت برای تسلیم شوندگان در برابر حق است .

و نزّلنا علیک الکتب . .. و

هدًی و رحمه و بشری للمسلمین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۸۲ – ۶

۶- آیات قرآن ، رحمتی بزرگ از جانب خدا برای اهل ایمان است .

و ننزّل . .. رحمه للمؤمنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۵۸ – ۱

۱- زکریا ، یحیی ، مریم ، عیسی ، ابراهیم ، اسحاق ، یعقوب ، موسی ، هارون ، اسماعیل و ادریس (ع) برخوردار از نعمت ویژه خداوند

أُولئک الذین أنعم اللّه علیهم

<ؤُولئک> اشاره به تمامی موارد ذکر شده در سوره مریم از آغاز تا این آیه است و روشن است که مراد از نعمت در جمله <أنعم اللّه . ..> نعمت های معمولی و متعارف نیست، چرا که افراد دیگر نیز از این گونه نعمت ها برخوردارند. پس نعمتی که با لسان امتنان بر این گروه بیان گردیده، نعمتی ویژه است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۷۷ – ۱،۴،۵

۱ – قرآن ، کتاب هدایت و رحمت

و إنّه لهدًی و رحمه

۴ – تنها مؤمنان و حق جویان ، زمینه دار بهره مندی از هدایتگری ها و رحمت آفرینی های قرآن

و إنّه لهدًی و رحمه للمؤمنین

قید <للمؤمنین> می رساند که دیگران شایستگی بهرهوری از قرآن را ندارند.

۵ – روحیه لجاج و عناد ، مانع بهرهوری از هدایت و رحمت قرآن

و إنّه لهدًی و رحمه للمؤمنین

قرآن برای هدایت کافران و سایر اهل کتاب است و بی تردید هدایتگری های آن در بسیاری از آنان تأثیر دارد. با توجه به این

نکته گفتنی است که مراد از <مؤمنین> کسانی انـد که در صدد شـناخت حق بوده و در مقابل آن تسـلیم اند و در یک کلمه روح حق پذیری در آنان نمرده است و در مقابل آنان کسانی هستند که در موضع لجاج و عناد قرار دارند و از حق می گریزند و چه بسا با آن می ستیزند. آیات بعد مؤید همین مطلب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۶ - ۳

۳ - بعثت پیامبر (ص) و نزول قرآن بر آن حضرت ، جلوه رحمت و مقتضای ربوبیت خداوند بر خلق

و لکن رحمه من ربّک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۱ - ۱۱

۱۱ - مؤمنان ، از رحمت و پندآموز بودن قرآن ، بهره می برند .

إنّ فی ذلک لرحمه و ذکری لقوم یؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳ - ۱،۲،۶

۱ - قرآن کریم ، کتابی دربردارنده هدایت و رحمت است .

هدًی و رحمه للمحسنین

<هدًی> و<رحمه> حال برای <الکتاب> در آیه قبل است.

۲ - قرآن ، کتاب هدایت و رحمت برای محسنان (کسانی که اعمال شایسته انجام می دهند) است .

هدًی و رحمه للمحسنین

از این که مراد از <محسـنین> چه کسانی انـد، چنـدین احتمال داده شـده است: یکی از آن احتمال ها که با لفظ هم سازگار است این است: <کسانی که اعمال شایسته انجام می دهند>.

۶ - بهره مندی محسنان از هدایت و رحمت قرآن ، افزون از دیگران است

.

هدًی . .. للمحسنین

<محسنین> به قرینه آیه بعد که در آن برپایی نماز و پرداخت صدقه و ایمان به آخرت، به عنوان اوصاف محسنان ذکر شده است کسانی اند که ایمان دارند. بنابراین، هدایت قرآن نسبت به آنان، می تواند ابتدایی نبوده و بلکه افزایشی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵ - ۴

۴ - قرآن ، کتابی پیروزمند ، شکست ناپذیر و رحمت آفرین برای بشر

و القرءان . .. تنزیل العزیز الرحیم

نسبت دادن نزول قرآن به مقام عزت و رحمت خداوند، می تواند بیانگر این نکته باشد که این کتاب نیز عزّتمند و رحمت آفرین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۰ - ۷

۷ - سست باوران در حقانیت وحی و معارف دینی ، محروم از هدایت و رحمت قرآن

و هدًی و رحمه لقوم یوقنون

در صورتی که <قوم یوقنون> نظر به کسانی داشته باشد که دارای یقین بالفعل هستند; از مفهوم آیه شریفه مطلب یاد شده استفاده می شود.

رد تهمت افسانه به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۴ - ۱

۱ - افسانه پنداشتن قرآن ، دیدگاهی مطرود است و صاحب نظران نباید از قرآن چنین تصوری داشته باشند .

کلاّ

حرف <کلّا>، برای منع مخاطب از پذیرفتن سخنی است که پیش از آن، مطرح بوده است.

رد تهمت به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۱ - ۱

۱ - پاسخ کوبنده و موضع گیری سخت خداوند

، در برابر مدعیان دخالت شیاطین در نزول قرآن

هل أُنبّئکم علی من تنزّل الشیطین

اصرار و تأکید خداوند بر ردّ گفتار و اتهام های مشرکان به قرآن و پیامبر(ص)، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶ - ۳

۳ - ردّ اتهام کافران از سوی خداوند نسبت به ساختگی بودن قرآن

و إنّک لتلقّی القرءان من لدن حکیم علیم

رد عجمیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۳ - ۸

۸- بیان فصیح و روشن قرآن در قالب زبان عربی ، گویاترین دلیل بر القا نشدن آن توسط فردی عجمی (غیر عرب) بر پیامبر (ص) است .

لسان الذی یلحدون إلیه أعجمیّ و هذا لسان عربیّ مبین

رذایل اخلاقی مخالفان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۵ - ۴

۴ - مخالفان قرآن و رسالت پیامبر (ص) ، از قشر مرفّه ، قدرتمند و افزون خواه بودند .

و جعلت له مالاً ممدودًا . و بنین شهودًا . و مهّدت له تمهیدًا . ثمّ یطمع أن أزید

رسالت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۶ - ۵

۵ - جداسازی حق از باطل ، سره از ناسره و ارائه بینش صحیح مکتبی از رسالت های قرآن

إنّ هذا القرءان یقصّ علی بنی إسرءیل أکثر الذی هم فیه یختلفون

مراد از <یقصُّ> صرف قصه گویی و گزارش نیست; بلکه گزارش همراه با نقد و تبیین و تفکیک سره از ناسره

است.

رعایت طهارت قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عبس – ۸۰ – ۱۴ – ۶

۶ – لزوم پاک نگه داشتن قرآن از هر آلودگی و خباثت

مطهّره

رفاه مخالفان قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مدثر – ۷۴ – ۱۵ – ۴

۴ – مخالفان قرآن و رسالت پیامبر (ص) ، از قشر مرفّه ، قدرتمند و افزون خواه بودند .

و جعلت له مالاً ممدودًا . و بنین شهودًا . و مهّدت له تمهیدًا . ثمّ یطمع أن أزید

رفع ابهامات قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۸۴ – ۱

۱– پیامبر (ص) ، مأمور ابهام زدایی در زمینه تأثیر دوگانه قرآن نسبت به انسان های مختلف

و ننزّل من القرءان . .. قل کلّ یعمل علی شاکلته

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که این آیه، پاسخ سؤالی مقدر درباره آیه قبل باشد و آن این است که چگونه افراد مختلف، بهره های متفاوت از قرآن می برند؟ و این آیه جواب می دهد که بهره متضاد و متفاوت، بازتاب روحیات و عادات خود آنهاست.

رفع شبهه از حقانیت قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۱۵،۱۷

۱۵ لزوم زدودن شک و شبهه از خویشتن در باره راستی و درستی قرآن

فلاتک فی مریه منه

مراد از ضمیر در <منه> قرآن است و مخاطب جمله <فلاتک . ..> تک تک انسانهاست.

۱۷ درخواست بصیرت از خداوند ، توجه به قرآن و حقایق مطرح شده در آن و مطالعه

تورات ، راه های زدودن شک و شبهه درباره حقانیت قرآن است .

أفمن کان علی بیّنه . .. فلاتک فی مریه منه

روشن است که شک و شبهه، همانند علم و یقین که از امور قلبی است، با امر و نهی قابل ایجاد و رفع نیست. بنابراین جمله <فلاتک فی مریه منه> (در حقانیت قرآن شک نداشته باش) ارشاد به فراهم آوردن زمینه هایی است که مایه برطرف شدن شک می شود و آنها همان حقایقی است که در صدر آیه، بیان شده است.

رفع شبهه از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۲ - ۶۸

۶ - زدوده شدن شبهات شیطانی از آیات تلاوت شده توسط پیامبران و استوار گشتن آن به اراده خداوند

فینسخ اللّه ما یلقی الشیطن ثمّ یحکم اللّه ءایته

<نسخ> (مصدر <ینسخ>) به معنای ازاله، ابطال و زدودن است. <ما> (مفعول <ینسخ>) کنایه از شبهاتی است که شیطان به هنگام تلاوت آیات الهی توسط پیامبران، در آنها می نهاد. <احکام> نیز به معنای استوار کردن است. بنابراین معنای جمله فوق چنین می شود: آن گاه خداوند شبهات شیطانی را می زدود و آیات خود را پس از سست و لرزان شده با آن شبهات، محکم و استوار می ساخت.

۸ - آزاد گذاشتن شیطان برای ایجاد شبهه پیرامون آیات وحی از یک سو و زدودن شبهه و تثبیت آیات از سوی دیگر ، جلوه ای از علم و حکمت خداوند

ألقی الشیطن . .. و اللّه علیم حکیم

رموز قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱ - ۱

ا . ل . ر . از رمز های قرآن

الر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۱ – ۱

ا ا . ل . م . ر ، از رمز های قرآن

المر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۱ – ۱

۱- < کهیعص > از رمز های قرآن است .

کهیعص

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۲ – ۷

۷- < کهیعص > ، رمزهایی از سرگذشت لطف الهی در حق زکریا است .

کهیعص . ذکر رحمت ربّک عبده زکریّا

گفته اند: <کهیعص> می تواند مبتدا باشد و <ذکر>، خبر آن. در این صورت خود <کهیعص>، یادی رمزگونه از رحمت خداوند به زکریا است.

روحیه مکذبان قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۱۷ – ۹

۹ تکذیب قرآن ، نشانه وجود روحیه جرم پیشگی و بزهکاری در تکذیبگر

أو كذب بأيته إنه لا يفلح المجرمون

روزه و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۵ - ۴

۴ - روزه و قرآن ، دارای ارتباطی عمیق و تنگاتنگ با یکدیگر

شهر رمضان الذی أنزل فیه القرءان

روش اثبات حق ستیزی مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۹ - ۱۱

۱۱ - تحدّی با منکران قرآن ، روشی ارائه شده از سوی خدا به پیامبر (ص) برای اثبات دروغ گویی و انگیزه های حق ستیزانه آنان

قل فأتوا بکتب من عند

اللّه هو أهدی منهما

امر در <فأتوا> به اصطلاح برای تعجیز (نشان دادن عجز ناتوانی کافران) و تحدی است.

روش اثبات دروغگویی مکذبان قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۴۹ – ۱۱

۱۱ – تحدّی با منکران قرآن ، روشی ارائه شده از سوی خدا به پیامبر (ص) برای اثبات دروغ گویی و انگیزه های حق ستیزانه آنان

قل فأتوا بکتب من عند اللّه هو أهدی منهما

امر در <فأتوا> به اصطلاح برای تعجیز (نشان دادن عجز ناتوانی کافران) و تحدی است.

روش برخورد با قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۲۷ – ۱۱

۱۱ لزوم ژرف نگری در آیات قرآن و پرهیز از برخورد سطحی با پیام های الهی (وحی)

بأنهم قوم لا یفقهون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۵۴ – ۹

۹– ترغیب مشرکان از سوی خدا ، به ر ها کردن شیوه های خصمانه و انتخاب بهترین سخنان در برخورد با پیامبر (ص) و قرآن

قل لعبادی یقولوا التی هی أحسن . .. إن یشأ یرحمکم أو إن یشأ یعذّبکم

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مراد از <عبادی> در آیه قبل و مخاطب در این آیه، مشرکان باشند و خداوند از آنان خواسته است که در برخورد با پیامبر(ص) و مؤمنان، بهترین سخنان را برگزینند و از خصومت با آنان دست بردارند.

روش برخورد با مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۹ - ۱۱

- تحدّی بـا منکران قرآن ، روشـی ارائه شـده از سوی خـدا به پیامبر (ص) برای اثبات دروغ گویی و انگیزه های حق ستیزانه آنان

قل فأتوا بکتب من عند اللّه هو أهدی منهما

امر در <فأتوا> به اصطلاح برای تعجیز (نشان دادن عجز ناتوانی کافران) و تحدی است.

روش برخورد مفتریان به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۷ - ۱۵

۱۵- مشرکانی که قرآن را اسطوره می خوانند و کسانی که علیه دین الهی توطئه می کنند ، با علمای دین برخورد تحقیرآمیز و خوار کننده دارند .

و إذا قیل لهم ماذا أنزل ربّکم قالوا أسطر الأولین . .. قد مکر الذین من قبلهم ...

حضور عالمـان در قیامت هنگام مؤاخـذه مشـرکان و اعلام این نکته از آنان که: خواری و بـدی روز قیامت برای کافران است، می توانـد حکایت کننـده این نکته باشـد که: آنان در دنیا، مورد برخورد اهانت آمیز افراد یاد شده قرار گرفته بوده اند. لازم به ذکر است که مراد از <أُوتوا العلم> به تناسب موضوع (قرآن و تعالیم ادیان آسمانی)، می تواند علمای دین باشد.

روش بیانی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۴ - ۱۰

۱۰ - ترغیب اهل ایمان به انجام تکالیف الهی با بیان پشتوانه فکری آن تکالیف ، از روش های قرآن است .

و لاتقولوا لمن یقتل فی سبیل اللّه أموت بل أحیاء

خداوند پس از فراخوانی مردم به صبر در راه ایمان و تحمل مشکلات آن - که جلوه بارز آن، پیکار و کشته شدن است - با

بیان این واقعیت که کشته شدگان راه خدا از حیاتی ویژه برخوردارند، اندیشه نیست شدن شهیدان را نفی کرده تا اهل ایمان دستوراتش را (پیشه کردن صبر در راه دین و . ..) به شایستگی انجام دهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱ - ۳

۳ بیان قرآن در ارائه مطالب خویش ، روشن و بدون اجمال و ابهام است .

الکتب المبین

برداشت فوق ، براساس لازم بودن کلمه <مبین> (روشن و واضح) به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳ - ۳،۵

۳ قرآن ، بازگو کننده داستان ها با بهترین و زیباترین بیان

نحن نقصّ علیک أحسن القصص

چنان چه <قصص> مصدر باشد ، <أحسن القصص> مفعول مطلق می شود و در حقیقت توصیفی برای کیفیت بیان کردن و بازگو کردن خواهد بود.

۵ خداوند ، داستان یوسف را با بهترین و زیباترین بیان نقل کرده و گزارش داده است .

نحن نقصّ علیک أحسن القصص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۱ - ۱

۱- خداوند ، آیات خویش را در قرآن به گونه های متنوع و فراوان تبیین کرد تا مشرکان تنبه یابند .

و لقد صرّفنا فی هذا القرءان لیذّکّروا

<صرف> در لغت به معنای تحول و دگرگونی است و باب تفعیل آن، دلالت بر کثرت می کند. بنابراین مراد از آن، تبیین با بیانات گوناگون است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۹ - ۱،۲

۱- تبیین حقایق الهی در قرآن ، با بیان

ها و مثال های گوناگون

و لقد صرّفنا للناس فی هذا القرءان من کلّ مثل

۲- بیان های مختلف و شیوه های متنوع قرآن در تبیین حقایق و مفاهیم ، جلوه ای از ابعاد اعجاز آن

لایأتون بمثله . .. و لقد صرّفنا للناس فی هذا القرءان من کلّ مثل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۲ - ۴

۴- بهره بردن از تمثیل در تبیین حقایق معنوی ، از روش های مورد استفاده قرآن است .

و اضرب لهم مثلاً رجلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۴ - ۲

۲- آوردن مثال و نمونه ، از شیوه های بیانی قرآن و از روش های مناسب در تبلیغ و بیان حقایق است .

و لقد صرّفنا فی هذا القرءان للناس من کلّ مثل

برای <مَثَل> معانی متعددی از جمله: <شبیه و نظیر> و <حدیث (کلام تازه)> و <ضرب المثل> و <صفت> ذکر شده است. در آیه مورد بحث، به مناسبت <و اضرب لهم مثلاً رجلین> در آیات قبل ظاهراً، مقصود، ذکرِ شبیه و نظیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۷ - ۱۱

۱۱- بهره گیری قرآن از شیوایی سخن و رسایی آن در بشارت و بیم دهی

فإنّما یسّرنه . .. لتبشّر ... و تنذر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۳ - ۱

۱- تبیین بی اساس بودن اندیشه شرک و بت پرستی در اسلوبی زیبا ، مختصر ، بدیع و روشن همچون مَثَل ، از سوی خداوند

یأیّها

الناس ضرب مثل

خطاب در <یا أیّها الناس> متوجه مشرکان است. <إستماع> (مصدر <استمعوا>) به معنای گوش فرا دادن و <دعا> (مصدر <یدعون>) به معنای ندا کردن و فریاد استغاثه برداشتن است. گفتنی است: <مَثَل> جمله ای است مختصر و مشتمل بر تشبیه یا مضمون حکیمانه که بسبب روانی لفظ، روشنی معنا و لطف ترکیب، شهرت عام یافته و همگان آن را بدون تغییر در محاوره به کار برند. در آیه یاد شده، سستی بنیان شرک و بت پرستی، با اسلوبی چنان زیبا، مختصر، بدیع و روشن بیان شده که سزاوار است همچون مَثَلی، شهرت عام یافته و دهان به دهان گردد. و بدین جهت خدا از آن به مَثَل تعبیر کرده است. بدان جهت است که خدا از آن به مثل تعبیر کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۵ - ۲۰

۲۰ - استفاده از تمثیل و تشبیه معقول به محسوس و ارائه نمونه عینی ، از روش های هدایتی قرآن برای تفهیم معارف بلند الهی

مثل نوره کمشکوه فیها مصباح . .. و یضرب اللّه الأمثل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۹ - ۶

۶ - استفاده از تشبیه ، برای بیان کردن حقایق ، از روش های بیانی قرآن است .

و الذین کفروا أعملهم کسراب بقیعه . .. إذا جاءه لم یجده شیًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۱ - ۱۴

۱۴ - انتخاب ملموس ترین مثال ، برای تبیین حقایق پیچیده و بلند آسمانی ، شیوه بیانی قرآن

کریم است .

ألم تر أنّ اللّه یسبّح له . .. و الطیر صفّت

برداشت یاد شـده، با توجه به این نکته است که در آیه شـریفه، پرنـدگان از حیث قابل دسترس بودن و نوع پرواز و انـدامشان، مورد تمثیل قرار گرفته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۹ - ۲

۲ ارائه مثل ها (الگو ها و نمونه های عینی) ، روش کاربردی قرآن در تبیین حقایق و هدایت مردمان

و کلاًّ ضربنا له الأمثل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۰ - ۴

۴ قرآن ، حاوی دلایل گوناگون و همراه با اسلوب ها و شیوه های مختلف بیانی در ارائه حقایق به مردم

و لقد صرّفنه بینهم

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مرجع ضـمیر مفرد غایب در <صـرّفناه> به قرینه آیات متعددی که در این سوره، از جمله آیه نخست و دو آیه بعـد (و جاهـدهم به جهاداً کبیراً) آمـده است قرآن باشـد. بر این اساس مقصود از <صـرّفناه> یا تغییرات موجود در اسلوب بیانی و شیوه ارائه مطالب قرآن است یا مراد دلایل گوناگونی است، که قرآن بر اثبات ادعاهای خود آورده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۴ - ۸

۸ - یادآوری سرگذشت امت های پیشین ، از شیوه های قرآن در انذار خلق

لتکون من المنذرین

بـا توجه به ارتبـاط این آیه بـا آیـات قبل که به گونه منظم سـرنوشت امت های هلاک شـده را یکی پس از دیگری بیان کرده است

می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۵۱ – ۳

۳ – تکرار و گوشزد کردن پی درپی رهنمود ها ، روش تعلیم و تربیت قرآن

و لقد وصّلنا لهم القول لعلّهم یتذکّرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۲۷ – ۳

۳ – زبان قرآن ، استفاده از کلمات و تشبیهات رایج و شناخته شده در میان مردم است .

و البحر یمدّه من بعده سبعه أبحر

کلمه <سبعه> در آیه برای بیان کثرت است و مراد از آن، واقعاً، هفت دریای دیگر نیست. استفاده از چنین کلمه ای برای بیان مقصود، عین همان چیزی است که در محاوره های عامیانه گفته می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۹ – ۳

۳ – استفاده از امور محسوس و قابل مشاهده ، برای اثبات امور غیبی و دور از دسترس ، از شیوه های تبلیغی قرآن کریم

رجل ینبّئکم إذا مزّقتم کلّ ممزّق إنّکم لفی خلق جدید . ..أفلم یروا إلی ما بین أید

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۵۸ – ۱۰

۱۰– ترسیم های قرآن از بهشت و دوزخ ، نمودی از حقایق سهولت یافته وحی برای بیداری خلق

فإنّما یسّرنه بلسانک لعلّهم یتذکّرون

تعبیر <فإنّما یسّرناه. ..> پس از مجموعه آیاتی آمده است که ترسیم کننده تفصیلی بهشت و دوزخ و فرجام بهشتیان و دوزخیان است، بنابراین آن آیات نمونه ای بارز برای اثبات آسان بودن قرآن است.

جلد - نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۴ – ۳

۳- پرسش از حقایق مورد غفلت و واداشتن اندیشه ها به تأمل درباره آن ، روشی قرآنی برای هدایت آدمیان

قل أرءیتم ما تدعون . .. أرونی ماذا خلقوا

طرح پرسش از سوی قرآن، برای وادار کردن مشرکان به تأمل، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۳ – ۹

۹- بیان های تمثیلی و توصیفی قرآن ، برای توده های بشر و در جهت منافع آنان

کذلک یضرب اللّه للناس أمثلهم

لام در <للناس> بیانگر منفعت است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۱ – ۴

۴ – بهره گیری قرآن ، از باور های ارزشی و راستین اهل کتاب ، در گرایش دادن آنان به اسلام *

و الطّور

با توجه به این که کوه طور، در باور اهل کتاب (یهود و نصارا) محل نزول وحی و سرزمین مقدس بوده است و این باور از نظر قرآن به جا بوده است؛ با سوگند خوردن به آن، قلب اهل کتاب را مجذوب پیام قرآن می ساخته است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – نجم – ۵۳ – ۲۲ – ۳

۳ – استفاده از جدل و به کارگیری مبانی باطل گرایان علیه خود آنان ، از روش های قرآن در احتجاج با اهل شرک

ألکم الذّکر و له الأُنثی . تلک إذًا قسمه ضیزی

با توجه به این که خداوند مبنای ارزشی مشرکان را در تبعیض بین پسران و دختران علیه خود آنان به کار گرفته است،

مطلب بالا استفاده می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حشر – ۵۹ – ۲۱ – ۶

۶ – استفاده قرآن از مثال ها ، برای به فکر واداشتن توده مردم

و تلک الأمثل نضربها للناس لعلّهم یتفکّرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – صف – ۶۱ – ۱۰ – ۲

۲ – ایجاد انگیزه در مخاطب ، با طرح پرسش و آن گاه بیان پاسخ آن ، از روش های هدایتی قرآن

هل أدلّکم علی تجره

جمله <هل أدلّکم . ..> طرح پرسش و <تؤمنون باللّه> در آیه بعد بیان پاسخ آن است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۵۰ – ۶

۶ – قرآن ، نوترین سخن در باب هدایت و شایسته ترین پیام برای ایمان آوردن به آن

فبأیّ حدیث بعده یؤمنون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نبأ – ۷۸ – ۴۰ – ۶

۶ – بشارت و انذار در کنار یکدیگر ، از شیوه های قرآن در دعوت به تقوا و مبارزه با کفر

إنّ للمتّقین مفازًا . .. إنّا أنذرنکم عذابًا قریبًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نازعات – ۷۹ – ۲۷ – ۳

۳ – استفاده از محسوسات در تبیین معقولات ، از شیوه های قرآن

ءأنتم أشدّ خلقًا أم السماء بنيها

روش تبیین قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۱۰۶ – ۵

۵- لزوم به کارگیری روشی متناسب با استعداد فکری و روحی انسان برای تفهیم دقیق معارف دین و آموزه های قرآن

و قرءانًا

فرقنه لتقرأه علی الناس علی مکث

از اینکه خداوند در بیان معارف دینی در قرآن، از روش تدریج و گام به گام استفاده کرده است; نکته فوق به دست می آید.

روش تعالیم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۶ - ۵

۵ بیان حقایق و معارف در قالب پرسش و پاسخ از روش های قرآن برای توجه دادن مردم به آن حقایق

قل من رب السموت و الأرض قل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۷ - ۲۱

۲۱ تشبیه حقایق به امور محسوس و آوردن مثل برای آنها از شیوه های قرآن

کذلک یضرب الله الأمثال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۸ - ۴

۴- استفاده از تشبیه به محسوس برای عینی و قابل فهم کردن تعالیم از روش های تعلیمی قرآن کریم

مثل الذین کفروا بربّهم أعملهم کرماد اشتدّت به الریح فی یوم عاصف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۴ - ۵

۵- استفاده از تشبیه به محسوس برای عینی و قابل فهم کردن تعالیم ، از روش های تعلیمی قرآن کریم

ضرب الله مثلاً کلمه طیّبه کشجره طیّبه أصلها ثابت و فرعها فی السّماء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۶ - ۴

۴- استفاده از تشبیه به محسوس برای عینی و قابل فهم کردن تعالیم ، از روش های تعلیمی قرآن کریم است .

مثل کلمه خبیثه کشجره خبیثه اجتّث من فوق الأرض ما لها من قرار

جلد

- نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۴۵ – ۵

۵- ذکر فرجام شوم گمراهان در کنار فرجام سعادتمندانه تقواپیشگان ، از روش های هدایتی قرآن *

الغاوین . و إن جهنّم لموعدهم أجمعین ...إن المتقین فی جنّت و عیون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۵۰ – ۲

۲- ایجاد حالت خوف و رجا و بیم و امید در انسان ، از روش های هدایتی و تربیتی قرآن

نبّیء عبادی أنی أنا الغفور الرحیم . و أن عذابی هو العذاب الألیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۵۱ – ۳

۳- آگاه ساختن مردم از حقایق تاریخی مهم و بسیار سودمند ، از روش های هدایتی و تربیتی قرآن

و نبّئهم عن ضیف إبرهیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۷۵ – ۲

۲- استفاده خداوند از مَثَل و مانند آوردن برای تقریب مفاهیم وحی به ذهن توده مردم

ضرب الله مثلاً عبدًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۷۶ – ۲

۲- استفاده خداوند از مَثَل و مانند ، برای تقریب مفاهیم وحی به ذهن توده مردم

و ضرب الله مثلاً رجلین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۴۰ – ۸

۸- مجادله قرآن با مشرکان ، با بهره گیری از باور های ایشان در رد عقاید شرک آلودشان

أفأصفکم ربّکم بالبنین و اتّخذ من الملئکه إنثًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف

- ۱۸ - ۱۳ - ۶

۶- بهره گیری از حقایق تاریخ و قصّه های واقعی ، از روش های به کار گرفته شده در قرآن

نحن نقصّ علیک نبأهم بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۵ - ۲

۲- بهره بردن از تمثیل در تبلیغ و محسوس ساختن مفاهیم ارزشی برای توده ها ، از روش های مورد استفاده قرآن است .

واضرب لهم مثل الحیوه الدنیا کماء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۹ - ۱

۱ - لزوم توجه به روش قرآن در نقل سرگذشت پیشینیان

کذلک نقصّ علیک من أنباء ما قد سبق

<کذلک> برای تشبیه نقل سرگذشت دیگران، به شیوه نقل داستان موسی(ع) است و ذیل آیه (آتیناک. .. ذکراً) بیانگر این نکته است که خداوند در آن ماجراها نیز نکته های پندآموز را برمی گزیند و در قرآن بازگو می کند; همان گونه که در داستان موسی(ع) و بنی اسرائیل چنین کرد.

روش مبارزه با قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵ - ۶

۶- مشرکان ، در مقابله با قرآن و اعلان موضع روشن در برابر آن ، سرگردان و ناتوان بودند .

بل قالوا أضغث أحلم بل . .. بل هو شاعر

<بل> در آیه شریفه، برای اضراب انتقالی است. این حرف در مواردی به کار می رود که گوینده در صدد بیان نکته ای دیگر بوده و از نکته اول صرف نظر کرده باشد. تکرار این حرف در یک کلام نشان دهنده اضطراب، تردید و دو دلی گوینده

و يا

ناتوانی وی در تصمیم گیری است.

روش مبارزه قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۵۷ - ۶،۷

۶ - برخورد و مبارزه پیامبر (ص) و قرآن با مخالفان دعوت الهی (کافران و مشرکان) ، متکی بر منطق و استدلال بود .

فأتوا بکتبکم إن کنتم صدقین

۷ - زیر سؤال بردن عقاید باطل و ضد منطق ، روش قرآن و پیامبر (ص) در مبارزه با آنها

فاستفتهم ألربّك البنات و لهم البنون . .. أم لکم سلطن مبین . فأتوا بکتبکم إن کن

روش هدایتگری قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۴ - ۲۰

۲۰- استفاده از تهدید و تشویق ، روش قرآن در تربیت و هدایت انسان

إنه کان حلیمًا غفورًا

<حلیماً> دربردارنده تهدید و <غفوراً> نویدی است امیدبخش و مشعر به تشویق

روش هدایتی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۵ - ۷

۷- به کارگیری مَثَل ، از روش های هدایتی تبلیغی قرآن کریم

و یضرب الله الأمثال للناس لعلّهم یتذکّرون

روشنگری قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۴ - ۷،۱۱

۷ قرآن ، کتابی روشن و روشنگر راه هدایت

و انزلنا الیکم نوراً مبیناً

۱۱ قرآن ، چراغی روشن و برهانی آشکار بر توحید و یگانگی خداوند

قد جاءکم برهن من ربکم و انزلنا الیکم نوراً مبیناً

در برداشت فوق <برهان> به قرآن تفسیر شده و متعلق آن به قرینه آیات پیشین، توحید و یگانگی خداوند دانسته شده است ; آیه

بعد <فاما الذین ءامنوا باللّه> نیز دلالت بر این معنا دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۷ - ۵،۷،۸

۵ قرآن کتابی روشن و روشنگر و نازل شده از جانب خدا

فقد جاءکم بینه من ربکم

۷ قرآن خود روشنگر حقانیت خویش و بی نیاز از دلیلی دیگر است.

فقد جاءکم بینه من ربکم

۸ قرآن دلیلی روشن بر اثبات ربوبیت خدا بر انسانهاست.

فقد جاءکم بینه من ربکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۷ - ۲۵

۲۵ قرآن سراسر نور و روشنگر راه رستگاری است .

فالذین . .. اتبعوا النور الذی أنزل معه أولئك هم المفلحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۳ - ۹،۱۰

۹ قرآن کتابی روشنگر و بینش آفرین است .

هذا بصائر من ربکم

<بصیره> (مفرد بصائر) به معنای حجت، برهان و چیزی که مایه بینش باشد، است.

۱۰ قرآن و روشنگری های آن پرتویی از ربوبیت خدا و در جهت تدبیر امور انسانهاست .

هذا بصائر من ربکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲ - ۳

۳ - قرآن ، کتابی است روشنگر .

الکتب المبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱ - ۴

۴ - قرآن ، کتابی است روشنگر راه سعادت .

و کتاب مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲ - ۴

۴ - قرآن ، کتابی روشنگر

الکتب المبین

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳ - ۲،۸،۹

۲ - بیان درست و به حق سرگذشت موسی (ع) و فرعون ، نمودی از روشنگری های قرآن

تلک ءایت الکتب المبین . نتلوا علیک من نبإِ موسی و فرعون بالحقّ

با توجه به ارتباط این آیه با آیه قبل، مطلب یاد شده به دست می آید.

۸ - تنها حق جویان و اهل ایمان ، زمینه دار بهره مندی از روشنگری های قرآن

تلک ءایت الکتب المبین . نتلوا علیک... لقوم یؤمنون

قید <لقوم یؤمنون> می رساند که دیگران شایستگی بهرهوری از قرآن را ندارند.

۹ - روحیه خیره سری و عناد ، مانع بهرهوری از روشنگری های قرآن

تلک ءایت الکتب المبین . نتلوا علیک... لقوم یؤمنون

با توجه به این که قرآن، آمده است تا با روشنگری هایش گمراهان را هدایت کند و بی تردید این روشنگری ها در بسیاری از آنان اثر کرده است; مراد از عبارت <لقوم یؤمنون> همه کسانی است که در صدد شناخت حق بوده و در مقابل آن تسلیم می شوند و در مقابل آنان کسانی هستند که در موضع لجاجت و دشمنی قرار دارند و از حق می گریزند و چه بسا با آن به ستیز می پردازند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲ - ۶

۶ - قرآن ، روشنگر راه هدایت

و الکتب المبین

برداشت یاد شده بر این اساس است که <مبین> از <إبانه> (متعدی) مشتق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲ - ۲

۲ قرآن ، روشنگر راه هدایت است .

و الکتب

المبين

برداشت یاد شده بر این اساس است که <مبین> از إبانه متعدی مشتق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳ - ۳

۳ - نزول قرآن ، با بیانی بلیغ و روشنگر برای همگان ، جلوه ای از عظمت الهی

و الکتب المبین . إنّا أنزلنه فی لیله مبرکه

از ارتباط دو آیه و نیز تکرار ضمیرهای متکلم مع الغیر که اشاره به عظمت الهی دارد می توان به مطلب بالا ره برد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۸ - ۴

۴ - رهنمود ها و معارف قرآن ، همچون نور خود روشن و روشنایی بخش حیات بشر و روشنگر حقایق است .

والنور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱۱ - ۳

۳ - آیات قرآن ، روشنگر حقایق است .

ءایت اللّه مبیّنت

رهبران شرک و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۸ - ۱۴

۱۴ قرآن ، کتابی پرجاذبه و شگفت آور در نظر سران کفر وشرک

و قالوا أسطیرالأوّلین . .. إن تتّبعون إلاّ رجلاً مسحورًا

اسطوره خواندن قرآن و سحر دانستن آن از سوی سران کفر و شرک، گویای این نکته است که این کتاب الهی، همانند اسطوره، سحر و جادو، برای آنان جاذبه داشت.

رهبران کفر و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۸ - ۱۴

۱۴ قرآن ، کتابی پرجاذبه و شگفت آور در نظر سران کفر وشرك

و قالوا أسطيرالأوّلين .

.. إن تتّبعون إلاّ رجلاً مسحورًا

اسطوره خواندن قرآن و سحر دانستن آن از سوی سران کفر و شرک، گویای این نکته است که این کتاب الهی، همانند اسطوره، سحر و جادو، برای آنان جاذبه داشت.

رهبری قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳ - ۱۲

۱۲ قرآن، ولی و پیشوایی شایسته برای انسانهاست.

و لاتتبعوا من دونه أولیاء

برداشت فوق بر این مبناست که ضمیر در <من دونه> به <ما أنزل . ..> برگردانده شود.

زبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۹ - ۱

۱ - ایمان نیاوردن عرب به قرآن و پیامبر (ص) در صورت نزول آن بر فردی غیر عرب و با زبان غیرعربی

و لو نزّلنه . .. ما کانوا به مؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۸ - ۲

۲ - قرآن ، در قالب زبان عربی نازل شد .

قرءانًا عربیًّا

زمینه استفاده از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۳ - ۱۳

۱۳ تنها اهل ایمان از هدایتگری و رحمت آفرینی قرآن بهره مند می شوند .

هذا . .. هدی و رحمه لقوم یؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۵ - ۴

۴ سلامت دل و پاکی باطن ، از زمینه های لازم در تأثیرپذیری از تعالیم قرآن

فأما الذین ءامنوا فزادتهم إیمناً . .. و أما الذین فی قلوبهم مرض فزادتهم رجساً

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹۲ - ۷

۷ - بهره مندی از هدایت قرآنی ، در گرو اراده و روحیه هدایت پذیری خود انسان

فمن اهتدی فإنّما یهتدی لنفسه

از نسبت داده شدن فعل <اهتدی> به <من>، معلوم می شود که شرط استفاده از آیات الهی، روحیه هدایت پذیری و اراده و خواست انسان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳ - ۸

۸ - تنها حق جویان و اهل ایمان ، زمینه دار بهره مندی از روشنگری های قرآن

تلک ءایت الکتب المبین . نتلوا علیک... لقوم یؤمنون

قید <لقوم یؤمنون> می رساند که دیگران شایستگی بهرهوری از قرآن را ندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۲ - ۸

۸ - بهره گیری از معارف و رهنمود های قرآن ، در گرو بیداری و به دور بودن از غفلت

و لقد یسّرنا القرءان . .. فهل من مدّکر

این که خداوند انسان های متذکر و بیدار را به تأمل در قرآن فراخوانده است; معلوم می شود که غافلان، شایستگی درک معارف و حقایق آن را ندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴۸ - ۳

۳ - تقواپیشگی ، زمینه ساز بهره مندی و تأثیرپذیری از قرآن

و إنّه لتذکره للمتّقین

<قرآن> بی تردیـد برای انسان ها مایه بیـداری و پنـدآموزی است. اختصاص به ذکر یافتن اهل تقوا، می تواند بیانگر حقیقت یاد شده باشد.

زمینه استماع قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۶ - ۷

-۷

برخوانی تدریجی قرآن بر مخاطبان ، موجب برانگیخته شدن انتظار در آنان برای قراءت بخشی دیگر می شود .

لتقرأه علی الناس علی مکث

مکث در لغت، آرامش همراه با انتظار است (مفردات راغب).

زمینه ایمان به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۳ - ۱۱

۱۱ - توجه به قیامت و رخداد های مخاطرآمیز آن ، زمینه ساز ایمان به پیامبر (ص) و قرآن

من یکفر به فأولئک هم الخسرون . .. و اتقوا یوماً لاتجزی نفس عن نفس شیئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۵ - ۱

۱- خداوند ، برای ایمان مردم به قرآن و مغفرت خواهی آنان از گذشته خویش ، تمامی موانع هدایت را برطرف ساخته است .

و ما منع الناس أن یؤمنوا إذ جاءهم الهدی و یستغفروا ربّهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۷ - ۶

۶ - برخورداران از علم و آگاهی به معارف آسمانی ، برای پذیرش قرآن ، از دیگران آماده ترند .

أنزلنا إلیک الکتب فالذین ءاتینهم الکتب یؤمنون به

<آتیناهم الکتاب> مشعر به این حقیقت است که اهل کتاب، از آن جهت که با داشتن کتاب، آگاهی هایی در زمینه معارف آسمانی به دست آورده اند، زمینه مناسب تری برای پذیرش حقانیّت قرآن دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۰ - ۶

۶- ایمان به محتوای تورات اصلی ، مستلزم ایمان به حقانیت قرآن

و شهد شهد من بنی إسرءیل علی مثله فامن

مراد از <مثله> تورات

است و <فاء> در <فآمن> می رساند که ایمان به قرآن، نتیجه روحیه حق پذیری و ایمان به تورات است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۸ - ۱

۱ - آگاهی از دلایل روشن الهی بر اثبات حقانیت تعالیم دین (همچون معاد و جزای انسان ها در آن روز) ، مقتضی ایمان به خدا ، رسول او و قرآن است .

فامنوا باللّه و رسوله و النور الذی أنزلنا

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که آیه شریفه به منزله نتیجه برای مطالب یاد شده در آیات پیشین است. آن مطالب عبارت است از ارائه دلایل روشن بر حقانیت تعالیم الهی و نیز اثبات معاد و... .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲ - ۵،۶

۵ - راهنما بودن قرآن به درستی و حق ، فلسفه و دلیل ایمان آوردن گروهی از جن به این کتاب

یهدی إلی الرشد فامنّا به

<فا> در <فآمنّا> عاطفه و برای ربط مسبب به سبب است; یعنی، چون قرآن به رشد هدایت می کند، پس ما به این سبب به آن ایمان آوردیم.

۶ - راهنما بودن قرآن به راه حق و درستی ، مقتضی ایمان به آن است .

یهدی إلی الرشد فامنّا به

زمینه ایمان به مصونیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۱ - ۷

۷ - توجّه به شرافت جبرئیل و نیرومندی ، منزلت الهی ، فرمان روایی بی چون و چرا و امانت داری او ، زمینه ساز باور به سلامت

قرآن در مرحله نزول و ابلاغ به پیامبر (ص)

إنّه لقول رسول کریم . ذی قوّه عند ذی العرش مکین . مطاع ثَمّ أمین

زمینه تأثیر قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳ - ۳

۳- تعالیم قرآن ، تنها در کسانی مؤثر است که توجه به عظمت خداوند در دل آنان هراس افکنده است .

إلاّ تذکره لمن یخشی

<خشیت> ترسی است آمیخته با احساس عظمت (مفردات راغب). متعلق <یخشی> به قرینه آیه بعد که عظمت نازل کننده قرآن را بیان کرده است خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۳ - ۱۲

۱۲ - تأثیرگذاری قرآن ، در گرو وجود زمینه های لازم و دل آماده است .

تقشعرّ منه جلود الذین یخشون ربّهم ثمّ تلین جلودهم و قلوبهم إلی ذکر اللّه

این که خداوند فرمود: قرآن، لرزه به اندام اهل خشیت می اندازد و در خداترسان اثر عمیق می گذارد، می تواند بیانگر این حقیقت باشد که قرآن در کسانی اثر می گذارد که زمینه آن را داشته باشند و دلشان آماده پذیرش سخن حق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۱ - ۳

۳ - قرآن ، دارای تأثیری قطعی بر هر کس که خود را از تذکّرات آن محروم نسازد .

و یتجنّبها الأشقی

گزینش فعل <یتجنّب> (کناره گیری می کند)، نشانگر این نکته است که آنچه مانع تأثیر قرآن در مخالفان است، کناره گیری آنان است; نه ناتوانی قرآن از تأثیر در مردم.

زمینه تأثیرپذیری از قرآن

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۲۵ – ۴

۴ سلامت دل و پاکی باطن ، از زمینه های لازم در تأثیرپذیری از تعالیم قرآن

فأما الذین ءامنوا فزادتهم إیمناً . .. و أما الذین فی قلوبهم مرض فزادتهم رجساً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۲۷ – ۸

۸ – تأثیرپذیری از قرآن و متذکر شدن و بیدار گشتن در سایه تعالیم آن ، در گرو وجود زمینه های لازم و شایستگی های بایسته است .

لقد ضربنا للناس فی هذا القرءان من کلّ مثل لعلّهم یتذکّرون

برداشت یاد شده از به کار رفتن واژه <لعلّ> (شاید و به امید آن که. ..) در آیه شریفه به دست می آید. این واژه در مواردی به کار می رود که هدف و نتیجه مورد نظر در حد احتمال حاصل می شود و حصول کامل آن به شرایط و زمینه های دیگری بستگی دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – حاقه – ۶۹ – ۴۸ – ۳

۳ – تقواپیشگی ، زمینه ساز بهره مندی و تأثیرپذیری از قرآن

و إنّه لتذکره للمتّقین

<قرآن> بی تردید برای انسان ها مایه بیداری و پندآموزی است. اختصاص به ذکر یافتن اهل تقوا، می تواند بیانگر حقیقت یاد شده باشد.

زمینه تعلیم قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – جمعه – ۶۲ – ۲ – ۷

۷ - خداشناسی ، زمینه لازم برای تزکیه و تعلیم کتاب و حکمت

یتلوا علیهم ءایته و یزکّیهم و یعلّمهم الکتب و الحکمه

تقدم ذکری <یتلوا علیهم آیاته> بر <یزکّیهم

و يعلّمهم الكتاب و الحكمه> احتمالاً اشاره به مطلبی دارد که در این برداشت آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۲ - ۱

۱ - تنها کسانی توان فراگیری معارف قرآن و به خاطر سپردن آن را دارند که طالب آن بوده و یادگیری آن را بر خود تحریم نکرده باشند .

فمن شاء ذکره

<ذکر> یعنی شناختی که در ذهن حاضر باشد(بر گرفته از مفردات راغب). و ضمیر مفعولی در <ذکره> به <تذکره> بازمی گردد. مذکر بودن آن که آخر آیات را هماهنگ ساخته به این اعتبار است که <تذکره> و <ذکر> به یک معناست.

زمینه تکذیب قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰ - ۹

۹- تکذیب قرآن از سوی مشرکان ، نتیجه عدم خردورزی آنان است .

هم فی غفله معرضون. .. لاهیه قلوبهم... لقد أنزلنا... أفلاتعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶ - ۱

۱ - اقدام کافران به تکذیب آیات قرآن در پی روی گردانی از آن

إلّا کانوا عنه معرضین . فقد کذّبوا

تقدیر عبارت <فقد کذّبوا> به قرینه آیه پیش، <فقد کذّبوا بالذکر> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۳ - ۶

۶ - تجاوزگری و آلودگی به گناه ، زمینه ساز انکار معارف قرآن و ارتجاعی خواندن آیات آن است .

كلّ معتد أثيم . إذا تتلى عليه ءايتنا قال أسطير الأوّلين

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۲۰ – انشقاق – ۸۴ – ۲۲ – ۶

- اظهار کفر ، فراهم سازنده زمینه پافشاری بر تکذیب قرآن

بل الذین کفروا یکذّبون

مراد از <الذین کفروا>، همان کسانی اند که در <فما لهم لایؤمنون> به نداشتن ایمان توصیف شدند. ایجاد تفاوت در تعبیر، نشانگر آن است که آنان علاوه بر این که بی ایمان بودند، کفر را نیز از خود بروز می دادند. فعل مضارع <یکذّبون> بر استمرار و اصرار دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۳ - ۱

۱ - منکران معاد ، بر اثر پندارهایی انباشته در ذهن خود ، قرآن را تکذیب می کنند .

بل الذین کفروا یکذّبون . و اللّه أعلم بما یوعون

<وِعاء>; یعنی، ظرف و <أوعیت الزاد و المتاع> زمانی گفته می شود که آن را در <وعاء> قرار دهی (لسان العرب). ظرف مورد نظر، ممکن است ذهن و قلب منکران معاد باشد که جایگاه باورهای آنان است.

زمینه تلاوت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۷ - ۱۵

۱۵- توجیه ناپذیری و نادرستی اعتماد بر غیر خدا برای شناخت حقایق ، مقتضی روی آوردن به تلاوت وحی الهی و پیروی از آن است .

واتل ما أُحی إلیک . .. و لن تجد من دونه ملتحدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۳ - ۳

۳ - توجّه به بزرگواری و شرافت برتر خداوند ، برانگیزاننده انسان به تلاوت کلام او است .

اقرأ و ربّک الأکرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۴ - ۶

۶ - توجّه

به آموزگار بودن خداوند و وابستگی قرائت و کتابت به قدرت او ، برانگیزاننده انسان به تلاوت کلام او است .

اقرأ . .. الذی علّم بالقلم

زمینه تهمت افسانه به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۳ - ۶

۶ - تجاوزگری و آلودگی به گناه ، زمینه ساز انکار معارف قرآن و ارتجاعی خواندن آیات آن است .

کلّ معتد أثیم . إذا تتلی علیه ءایتنا قال أسطیر الأوّلین

زمینه حفظ قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۲ - ۱

۱ - تنها کسانی توان فراگیری معارف قرآن و به خاطر سپردن آن را دارند که طالب آن بوده و یادگیری آن را بر خود تحریم نکرده باشند .

فمن شاء ذکره

<ذکر> یعنی شناختی که در ذهن حاضر باشد(بر گرفته از مفردات راغب). و ضمیر مفعولی در <ذکره> به <تذکره> بازمی گردد. مذکر بودن آن که آخر آیات را هماهنگ ساخته به این اعتبار است که <تذکره> و <ذکر> به یک معناست.

زمینه ذکر انذارهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۸ - ۴

۴- هلاکت اقوام و تمدن های بسیاری در طول تاریخ در اثر خیره سری در مقابل حق ، نشانگر واقعیت داشتن انذار های قرآن است .

و تنذر به . .. و کم أهلکنا قبلهم من قرن

طرح مسأله نابودی جوامع در طول تاریخ (در پی بیان وظیفه پیامبر(ص) در انذار مردم لجوج به وسیله قرآن) هشداری به مردم عصر بعثت و دیگر عصرها است که ایستادگی و سرسختی در

برابر حق، عواقب زيانبار و تباه كننده اى براى جوامع در پى دارد.

زمينه عبرت از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - اعراف - ۷ - ۲ - ۹

۹ ايمان، زمينه بهرهورى و پندپذيرى از قرآن

و ذكرى للمؤمنين

<ذكرى> اسم مصدر براى تذكير است و از معانى تذكير، موعظه كردن و انذار دادن است. (قاموس المحيط).

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۹ - ۱۱

۱۱ - تدبر و انديشه كردن در قرآن ، زمينه بيدارى و پندگيرى از آن كتاب الهى است .

كتب . .. ليدّبّروا ... و ليتذكّر

با توجّه به تقدم ذكر تدبر در قرآن بر بيدارى و پندپذيرى از آن، برداشت ياد شده استفاده مى شود.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۵۶ - ۹

۹ - اهليت خداوند به تقواپيشگى و آمرزش گناهان ، مقتضى پذيرش بيدارباش ها و پند هاى او در قرآن

فمن شاء ذكره . .. هو أهل التقوى و أهل المغفره

برداشت ياد شده، با توجه به اين نكته است كه جمله <هو أهل التقوى. ..>، در مقام تعليل براى <فمن شاء ذكره> است.

زمينه عبرت از مثالهاى قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۹ - ۱۸

۱۸ – تنها در سایه علم و آگاهی ، می توان به عمق مثل های قرآن پی برد و از آن درس آموخت .

ضرب اللّه مثلاً رجلاً . .. بل أکثرهم لایعلمون

زمینه علاقه به قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰

- اسراء - ۱۷ - ۱۰۶ - ۷

۷- برخوانی تدریجی قرآن بر مخاطبان ، موجب برانگیخته شدن انتظار در آنان برای قراءت بخشی دیگر می شود .

لتقرأه علی الناس علی مکث

مکث در لغت، آرامش همراه با انتظار است (مفردات راغب).

زمینه غفلت از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۸ - ۸

۸ رفاه بسیار ، زمینه ساز از یاد بردن خدا و غفلت از تعالیم قرآن

و لکن متّعتهم و ءاباءهم حتّی نسوا الذکر

مقصود از <الذکر> در آیه شریفه، هم می تواند یاد خدا باشد و هم قرآن؛ زیرا <ذکر> یکی از نام های قرآن است.

زمینه فهم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۷ - ۱۴

۱۴- تأثیر سطح دانش مردم ، در مقدار بهرهوری آنان از معارف قرآنی

إن الذین أُوتوا العلم . .. یخرّون للأذقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۶ - ۷

۷ - دستیابی به رهنمود های قرآن ، منوط به اراده و خواست خداوند است .

و کذلک أنزلنه ءایت بیّنت و أنّ اللّه یهدی من یرید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۹ - ۶

۶ - فهم و درک صحیح قرآن ، نیازمند به تدبر و اندیشیدن است .

کتب . .. لیدّبّروا ءایته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۸ - ۸

۸ - تأثیرپذیری از قرآن و پدید آوردن روح تقواپیشگی در سایه تعلیم آن ، در گرو وجود

زمینه های لازم و شایستگی های بایسته است .

قرءانًا . .. لعلّهم يتّقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳ - ۱۰

۱۰ - فهم تفصیلی و روشن آیات قرآن ، نیازمند آشنایی با زبان عربی و ظرافت های آن

كتب . .. عربيًا لقوم يعلمون

برخی از مفسران فعل <یعلمون> را در آیه شریفه را، به منزله فعل لازم می دانند و لذا مفعولی برای آن نمی گیرند. بر این اساس <لقوم یعلمون>; یعنی، برای مردمی که دانا هستند. برخی دیگر بر آنند که <یعلمون> متعدی است و مفعول آن به قرینه <عربیّاً> زبان و لغت عربی است; یعنی، <یعلمون هذه اللغه و اللسان>. برداشت بالا با توجه به مبنای دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳ - ۲

۲ - نزول قرآن به زبان عربی ، زمینه سهولت فهم آن برای مردم عصر پیامبر (ص) و جامعه های عرب زبان

إنّا جعلنه قرءانًا عربيًّا لعلّكم تعقلون

<عربیّاً> اگر به معنای زبان عربی باشد، خطاب در <لعلّکم تعقلون> خاص بوده و تنها شامل مردم عرب زبان می شود; یعنی، ما قرآن را به زبان عربی قرار دادیم به آن امید که شما مردم عرب در آن بیندیشید. و اگر <عربیّاً> به معنای فصیح و شیوا باشد، خطاب در <لعلّکم تعقلون> عام بوده و فراگیرنده همه انسان ها می شود; یعنی، ما قرآن را شیوا و گیرا قرار دادیم، بدان امید که شما انسان ها بدان جذب شده و در آن تعقل و اندیشه نمایید. برداشت یاد شده بر پایه احتمال

اول است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۱۷ – ۸

۸ – بهره گیری از رهنمود های قرآن ، در گرو هشیاری و به دور بودن از غفلت

و لقد یسّرنا القرءان . .. فهل من مدّکر

این که خداوند اهل ذکر و هشیاران را به تأمل در قرآن فرامی خواند، روشن می شود که اهل غفلت، شایستگی درک معارف آن را ندارند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۲۲ – ۸

۸ – بهره گیری از رهنمود های قرآن ، در گرو هشیاری و به دور بودن از غفلت

و لقد یسّرنا القرءان للذّکر فهل من مدّکر

از این که خداوند متذکران و هشیاران را به تأمل در قرآن فراخوانده است; روشن می شود که اهل غفلت، شایستگی درک معارف آن را ندارند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۷۹ – ۸

۸ – پاکی و منزه بودن از گناه و آلودگی ، از زمینه های لازم برای درک حقایق قرآنی

لایمسّه إلّا المطهّرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عبس – ۸۰ – ۱۴ – ۲

۲ – درک مفاهیم قرآنی ، در گرو رشد ، تعالی و ارتقای انسان است .

مرفوعه

رفعت صفحات قرآن، بیانگر والا مرتبه بودن محتوای آن است و به قرینه مقام، کنایه از این است که پندگیری از تذکرات آن، تنها برای افرادی برجسته میسّر است.

زمینه فهم مثالهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۹ - ۱۸

۱۸ - تنها

در سایه علم و آگاهی ، می توان به عمق مثل های قرآن پی برد و از آن درس آموخت .

ضرب اللّه مثلاً رجلاً . .. بل أکثرهم لایعلمون

زمینه کفر به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۲ - ۵

۵ - قرآن ، نعمتی از جانب خداوند و کفر به آن نتیجه کبر و ناسپاسی است .

و إذا أنعمنا علی الإنسن . .. ثمّ کفرتم به

با توجه به ارتباط این آیه با آیه قبل مطلب یاد شده به دست می آید.

زمینه گرایش به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۷ - ۱۷

۱۷ - توجه به قیامت ، زمینه ساز گرایش انسان به حقانیت قرآن و موازین الهی

اللّه الذی أنزل الکتب بالحقّ . .. و ما یدریک لعلّ الساعه قریب

زمینه محرومیت از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۲ - ۱۲

۱۲- انسان ها خود ، در بهره بردن یا محرومیت از هدایت قرآن نقش اصلی را دارند .

من القرءان ما هو شفاء و رحمه للمؤمنین و لایزید الظلمین إلاّ خسارًا

وصف <مؤمنین> و <ظالمین> مشعر به علیت است; یعنی، روحیه حق پذیری مؤمن، زمینه بهرهوری وی از شفا و روحیهء حق ناپذیری ظالم، عامل محرومیت وی از قرآن است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۷۳ – ۱۱

۱۱– موقعیت برتر اقتصادی و اجتماعی و بهره مندی های مادی ، زمینه ساز غفلت از حق و بهره نبردن از آیات

قرآن

و إذا تتلى عليهم ءايتنا . .. أىّ الفريقين خير مقامًا و أحسن نديًّا

زمينه نزول آيات قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۵ - ۶

۶ - پرسش هاى مردم از پيامبر (ص) ، زمينه ساز نزول برخى آيات و تبيين مطالبى براى آنان

و يسَلونك عن الجبال فقل

زمينه نزول قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۰ - ۵

۵- ربوبيت خداوند ، مقتضى فرو فرستادن قرآن (تعاليم دين) بر بندگان خويش

و قيل للذين اتّقوا ماذا أنزل ربّكم قالوا خيرًا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۱ - ۷

۷- نقش عبادت و عبوديت پيامبر (ص) ، در نايل شدن آن حضرت به مقام رسالت و نزول قرآن برايشان

أنزل على عبده الكتب

وصف و ياد كردن از پيامبر(ص) به عنوان <بندى خداوند> در بيان نازل كردن قرآن بر او، مى تواند اين معنا را برساند كه: <بنده خدا> بودن و او را بندگى و عبادت كردن، از زمينه هاى مهم براى تحمّل رسالت و دريافت وحى است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۸۳ - ۴

۴- پرسشش های مردم از پیامبر (ص) ، زمینه نزول برخی آیات و تبیین مطالبی برای مردم بود .

و یسئلونک عن ذی القرنین

زمینه هدایتگری قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۸۲ – ۱۲

۱۲- انسان ها خود ، در بهره بردن یا

محرومیت از هدایت قرآن نقش اصلی را دارند .

من القرءان ما هو شفاء و رحمه للمؤمنین و لایزید الظلمین إلّا خسارًا

وصف <مؤمنین> و <ظالمین> مشعر به علیت است; یعنی، روحیه حق پذیری مؤمن، زمینه بهرهوری وی از شفا و روحیهء حق ناپذیری ظالم، عامل محرومیت وی از قرآن است.

زمینه هدایتهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۱ - ۸

۸- بهرهوری از نور و هدایت قرآن ، نیازمند داشتن زمینه سالم و پرهیز از پیشداوری

صرّفنا . .. و ما یزیدهم إلّا نفورًا

زمینه هلاکت مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۴ - ۶

۶ - عوامل و زمینه های سقوط و هلاکت تکذیب گران ، ناشناخته برای خود آنان

سنستدرجهم من حیث لایعلمون

زنگار قلب مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۴ - ۴

۴ - قلب منکران قرآن ، زنگارگرفته و چرکین است و از درک مفاهیم آن ناتوان می باشد .

کلّا بل ران علی قلوبهم

<رَیْن> (مصدر <ران>) به معنای زنگار و چرک است (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۵ - ۴

۴ - قلب تکذیب کنندگان قرآن و قیامت ، هرگز از آلودگی های گناه پاک نخواهد شد .

ران علی قلوبهم ما کانوا یکسبون . کلّا إنّهم ... محجوبون

جمله بعد از <کلّا>، قرینه است بر این که آیه شریفه درصدد بیان تداوم یافتن نکته ای است که آیه قبل درباره قلب تکذیب گران مطرح کرده بود.

زیاده

طلبی مخالفان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۵ - ۴

۴ - مخالفان قرآن و رسالت پیامبر (ص) ، از قشر مرفّه ، قدرتمند و افزون خواه بودند .

و جعلت له مالاً ممدودًا . و بنین شهودًا . و مهّدت له تمهیدًا . ثمّ یطمع أن أزید

زیانکاری مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۳ - ۱۲

۱۲ منکران قرآن ، در قیامت ، با پی بردن به زیانکاری خویش و واهی بودن افکار و عقاید خود ، از اعمال و رفتار گذشته خویش پشیمان خواهند شد .

نرد فنعمل غیر الذی کنا نعمل قد خسروا أنفسهم و ضل عنهم ما کانوا یفترون

جمله <قد خسروا . .. > و <ضل عنهم ... > به منزله تعلیلی است برای <نرد فنعمل ... > یعنی آرزوی بازگشت به دنیا و تدارک گذشته ها بدان علت است که کفرپیشگان خود را زیانکار می بینند و باورهای خویش را بر باد رفته می یابند.

زیبایی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱ - ۵

۵- قرآن ، کتابی با عظمت و در اوج زیبایی و کمال است .

الحمد للّه الذی أنزل علی عبده الکتب

<ال> در <الکتاب> برای استغراق صفات است; یعنی، تمام اوصافی که یک کتاب، در حد کامل می تواند داشته باشد، در این کتاب متبلور است و این، حاکی از عظمت قرآن است. و چون حمد در برابر زیبایی و کمال است و در آیه بالا خداوند، به سبب

نزول قرآن، تمام حمدها و ستایش ها را از آن خویش دانسته، استفاده می شود که قرآن، در نهایت کمال و زیبایی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵ - ۵

۵- زیبایی و گیرایی قرآن ، پذیرفته شده و مسلّم در نظر مشرکان مکه

بل هو شاعر

از آن جایی که شعر از زیبایی و گیرایی خاصی برخودار است؛ بدین سبب مشرکان، پیامبر(ص) را شاعر می دانستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۳ - ۴

۴ - قرآن ، حتی در دیدگاه کافران ، ظاهری زیبا و آراسته دارد .

أسطیر الأوّلین

در صورتی نوشته افسانه ای را <اسطوره> می گویند که زیبا باشد.

ساختار قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱ - ۲

۲ قرآن ، دارای ساختاری آیه آیه

تلك ءایت الكتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۵ - ۲

۲ قرآن ، دارای ساختاری آیه آیه است .

و إذا تتلی علیهم ءایاتنا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۱۷ – ۶

۶ قرآن ، دارای ساختاری است آیه آیه .

أو كذّب بأيته

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۲۱ – ۱۰

۱۰ قرآن ، دارای ساختاری آیه آیه

إذا لهم مكر فى ءاياتنا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۲۴ – ۱۲،۱۳

۱۲ قرآن ، مجموعه ای است از

آیه های روشن و به دور از هر گونه ابهام

کذلک نفصل الأیت

<تفصیل> به معنای تبیین و برداشتن هر گونه ابهام است.

۱۳ قرآن ، دارای ساختاری است آیه آیه

کذلک نفصل الأیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۸ - ۳

۳ ساختار قرآن ، ساختاری سوره سوره

قل فأتوا بسوره مثله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱ - ۱

۱ قرآن ، کتابی با عظمت و دارای ساختاری بندبند به نام ((آیه)) .

کتب أُحکمت ءایته

((کتاب)) خبر برای مبتدای محذوف (ذلک) است و نکره آوردن آن برای تعظیم می باشد; یعنی : ذلک الکتاب ، کتابٌ عظیم الشأن .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۶ - ۲

۲ - قرآن ، کتابی است با ساختاری آیه آیه .

أنزلنه ءایت

<آیات> جمع <آیه> و حال برای ضمیر مفعول در <أنزلناه> است; یعنی، قرآن را در حالی که مجموعه ای از آیه های واضح و روشنگر است، نازل کردیم.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۵۱ – ۴

۴ – ساختار قرآن ، ساختاری است بندبند که هر بند آن آیه نام دارد .

فی ءایتنا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۵۷ – ۹

۹ – قرآن ، دارای ساختاری است آیه آیه .

کذّبوا بَایتنا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۷۲ – ۱

۱ – قرآن ، دارای

ساختاری بندبند که هر بند آن < آیه > نامیده می شود .

و إذا تتلی علیهم ءایتنا بیّنت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲ - ۲

۲ - عبارات قرآن ، ساختاری بندبند دارد و هر بند آن آیه نامیده می شود .

تلک ءایت الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱ - ۲

۲ - سوره های قرآن ، دارای ساختاری بندبند به نام آیه

تلک ءایت القرءان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲ - ۲

۲ - سوره های قرآن ، دارای ساختاری بندبند به نام < آیه >

تلک ءایت الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲ - ۶

۶ - ساختار قرآن ، به صورت آیه ، آیه است .

تلک ءایت الکتب الحکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۹ - ۹

۹ - قرآن ، دارای ساختاری بند بند به نام < آیه >

کتب . .. لیدّبّروا ءایته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴ - ۴

۴ - قرآن ، دارای ساختاری بندبند به نام < آیه >

ءایت اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳ - ۲

۲ - ساختار قرآن ، ساختاری آیه آیه است .

فصّلت ءایته

برداشت یاد شده، مبتنی بر کاربرد ماده <فصل> در معنای تفصیل و تجزیه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۹ - ۵

۵ - قرآن ، دارای ساختاری بند بند است و هر بند آن آیه نامیده می شود .

هو الذی ینزّل علی عبده ءایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۵ - ۷

۷ - قرآن ، دارای ساختاری بندبند است و هر یک از بند های آن < آیه > نامیده می شود .

و قد أنزلنا ءایت بیّنت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۵ - ۵

۵ - قرآن ، دارای ساختاری بند بند به نام < آیه >

ءایتنا

سجده در برابر قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۷ - ۱۳

۱۳- خضوع و سجود آگاهان در برابر قرآن ، گواه بی نیازی آن از ایمان دیگران و بی تأثیری بی ایمانی آنان *

ءامنوا به أو لاتؤمنوا إن الذین أُوتوا العلم من قبله إذا یتلی علیهم یخرّون

برداشت فوق بر این اساس است که <إن> تعلیل باشد برای جمله <آمنوا به أو. ..>; یعنی، چون اهل دانش به قرآن ایمان می آورند، ایمان و عدم ایمان دیگران مساوی بوده و نیازی به ایمان آنان نیست.

سجده هنگام استماع قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۱ - ۷

۷ - سجود و به خاك افتادن هنگام شنیدن آیات قرآن ، رفتاری شایسته و مطلوب است . *

و إذا قرىء علیهم القرءان لایسجدون

کلمه <سجود> در برداشت یاد شده، به معنای اصطلاحی آن گرفته شده است. این آیه هر

چند از آیاتی نیست که سجده واجب دارند; ولی مفاد آن مندوب بودن سجده به هنگام شنیدن هر یک از آیات قرآن و یا خصوص آیاتی است که در آن فرمان سجود آمده است.

سختی تبلیغ قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲ - ۴

۴ تبلیغ قرآن، مسؤولیتی سنگین و نیازمند تحمل فراوان و سعه صدر

کتب أنزل إلیک فلا یکن فی صدرک حرج منه

جمله <فلا یکن . ..>، که در صدد پیشگیری از ملالت خاطر پیامبر(ص) است، بیانگر آن است که تبلیغ قرآن مشکلات فراوانی به همراه خواهد داشت که جز با تحمل و سعه صدر نمی توان به آن پرداخت.

سختی کیفر اخروی معرضان از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۱ - ۳

۳ - وزر و عقوبت روی گردانی از قرآن در روز قیامت ، باری ناگوار و مشقت بار بر دوش اعراض کنندگان ، خواهد بود .

وزرًا . .. و ساء لهم یوم القیمه حملاً

سختی معرضان از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۱ - ۲

۲ - مخالفان قرآن ، با زحمت خود را از تأثیر تذکّرات آن ، دور نگه می دارند .

و یتجنّبها

باب تفعّل که فعل <یتجنّب> از آن باب است بر تکلّف دلالت دارد. این فعل بیان گر آن است که تذکرات قرآنی، با فطرت انسان ها ملایمت و مناسبت کامل دارد; به گونه ای که مخالفان، باید برای دور ماندن از تأثیرات آن، خود را به زحمت

اندازند.

سرزنش اعراض از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۰ - ۴

۴ مهجور ساختن و خارج کردن قرآن از صحنه زندگی ، عملی است که مورد شکوه پیامبر (ص) در پیشگاه خداوند قرار خواهد گرفت .

و قال الرسول یربّ إنّ قومی اتّخذوا هذا القرءان مهجورًا

سرزنش تکذیب قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵ - ۲،۴

۲ تکذیب حق (قرآن)، بدون تأمل در آن، مورد سرزنش خداوند است.

فقد کذّبوا بالحق لمّا جاءهم فسوف

۴ تکذیب قرآن، نکوهیده تر از تکذیب دیگر آیات الهی است.

ما تأتیهم من ءایه . .. فقد کذّبوا بالحق

مراد از <الحق> می تواند قرآن باشد. در این آیه نسبت به آیه قبل <ترقی> صورت گرفته است. یعنی اینکه کافران آیات را تکذیب کردند و عجیبتر آنکه قبل از آن قرآن را تکذیب کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۸۲ - ۴

۴ - نکوهش مشرکان از سوی خداوند ، به خاطر موضع گیری تکذیب گرانه آنان در برابر قرآن

و تجعلون رزقکم أنّکم تکذّبون

سرزنش دشنام به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۸ - ۱

۱ - سرزنش رفاه زدگان از سوی خدا ، به خاطر یاوه سرایی های آنان علیه قرآن

مستکبرین به سمرًا تهجرون . أفلم یدّبّروا القول ... ءاباءهم الأوّلین

استفهام در آیه فوق، استفهام توبیخی است و ضمیر جمع در آن به <مترفین> باز می گردد. خداوند در این بخش از آیات،

آنهـا را به خاطر اتهاماتی که به پیامبر(ص) و قرآن می زدنـد، مورد سـرزنش قرار داده و با ارائه دلایل گوناگون، همه راه های عذرتراشی شان را سد کرده است. آیه فوق، در ردّ اتهامات آنان به قرآن است.

سرزنش عدم تعقل در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۴ - ۱،۶

۱- توبیخ بیماردلان حق گریز ، از سوی خداوند به خاطر نیندیشیدن در ژرفای مفاهیم قرآن

أفلایتدبّرون القرءان

۶- توبیخ الهی نسبت به حق گریزان ، به خاطر بسته بودن قلب و روح آنان بر آیات ژرف قرآن

أفلایتدبّرون القرءان أم علی قلوب أقفالها

برداشت بالا، بر این اساس است که <أم> به معنای <بل> و برای اضراب انتقالی باشد.

سرزنش معرضان از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۱ - ۱۳

۱۳ - سرزنش کافران ، به خاطر روی گردانی آنان از قرآن

بل أتینهم بذکرهم فهم عن ذکرهم معرضون

سرزنش مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۶ - ۱۰

۱۰ سـرزنش مشـرکان از سوی خداوند ، به خاطر انکار الهی بودن قرآن و رسالت پیامبر (ص) ، علی رغم آشنایی کامل آنان با شخصیت پیش از بعثت آن حضرت

قل لو شاء اللّه ما تلوته علیکم . .. فقد لبثت فیکم عمراً من قبله أفلا تعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۰ - ۵

۵- کافران به خاطر انکار قرآن و حق ناشناسی آنان نسبت به آن ، مورد سرزنش خداوند

قرار دارند .

أفأنتم له منكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۸۱ - ۴

۴ - کسانی که به قرآن ایمان نمی آورند ، شایسته سرزنش و نکوهش اند .

أفبهذا الحدیث أنتم مدهنون

سرور از استماع قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۴ - ۹

۹ احساس شادمانی و نشاط روحی پس از شنیدن آیات قرآن ، نشانه تکامل و ازدیاد ایمان

فزادتهم إیمناً و هم یستبشرون

سکوت در تلاوت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۴ - ۱،۲،۳

۱ وجوب گوش فرادادن به قرآن و رعایت سکوت به هنگام شنیدن آن

و إذا قری القرءان فاستمعوا له و أنصتوا

<استماع> (مصدر استمعوا) به معنای گوش سپردن و <انصات> (مصدر <أنصتوا>) به معنای سکوت کردن است.

۲ گوش فرادادن به قرآن و سکوت کردن به هنگام شنیدن آن ، زمینه ساز دستیابی به رحمت خداوند است .

فاستمعوا له و أنصتوا لعلکم ترحمون

۳ تلاوت کننده قرآن ، هر که باشد ، باید به هنگام قرائت او خاموش ماند و به قرآن گوش داد .

و إذا قری القرءان فاستمعوا له و أنصتوا لعلکم ترحمون

برداشت فوق از مجهول بودن فعل <قری> استفاده شده است.

سنگینی تعالیم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۵ - ۲

۲ - دریافت وحی (قرآن) و تبلیغ آن ، امری بس سنگین و گران بار برای پیامبر (ص)

إنّا سنلقی علیک قولاً ثقیلاً

سنگینی گناه معرضان از قرآن

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۰۰ – ۱

۱ – روی گردانندگان از قرآن و تذکار های آن ، در قیامت باری سنگین از گناه را به دوش خواهند کشید .

من أعرض عنه فإنّه یحمل یوم القیمه وزرًا

نکره بودن <وزراً> بر گران باری و سنگینی آن دلالت دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۰۱ – ۱

۱ – کیفر روی گردانی از قرآن ، در قیامت همانند باری سنگین بر دوش اعراض کنندگان خواهد بود .

من أعرض عنه . .. وزرًا . خلدین فیه ... حملاً

<حمل> به محمولی گفته می شود که نظیر باری که بر سر یا پشت نهند، آشکار باشد (لسان العرب). نکره بودن آن، گویای گران باری آن است.

سنگینی گوش دشمنان قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۵۷ – ۱۰

۱۰– خداوند ، به جهت محروم ساختن مخالفان قرآن از فهمیدن نکته های آن و گوش سپاری به آیات الهی ، بر دل هایشان ، حجاب هایی متعدد و در گوش هایشان ، سنگینی ، می افکند .

إنّا جعلنا علی قلوبهم أکنّه أن یفقهوه و فی ءاذانّهم وقرًا

<أکنّه> جمع <کِنان> به معنای <پرده و پوشش> است. <وَقر> به معنای <سنگینی> است. سنگینی در گوش، کنایه از دل ندادن به آیات الهی، و نشان دادن رفتاری شبیه کران، در آن است. ضـمیر <یفقهوه> به <آیات> بازمی گردد که چون مراد از <آیات>، واژه <قرآن> است، ضمیر مذکر آمده است. و مراد از <أن یفقهوه>، <لئلایفقهوه> و یا <کراهه أن

یفقهوه> است.

سنگینی گوش مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۷ - ۱۱

۱۱- برخی از مردم ، در برابر آیات قرآن ، مانند کسانی اند که گوش شان ، سنگین ، و فهم آنها از کار افتاده است .

إنّا جعلنا علی قلوبهم أکنّه أن یفقهوه و فی ءاذانهم وقرًا

تعبیرهای <علی قلوبهم أکنّه> و <فی ءاذانهم وقراً> تعبیراتی کنایی هستند، نه این که واقعاً، گوش و قلب آن ها، خللی ظاهری پیدا کرده باشد.

سوء استفاده از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷ - ۱۳

۱۳ سوء استفاده منحرفین از قرآن ، در جهت ایجاد فتنه

فامّا الّذین فی قلوبهم زیغ فیتّبعون ما تشابه منه ابتغاء الفتنه

سودمندی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۷ - ۳

۳ - قرآن ، کتابی است سودمند برای همه مردم .

و إذا تتلی علیهم ءایتنا بیّنت . .. و قالوا ما هذا إلاّ إفکٌ مفترًی ... قل ما س

<هو> احتمال دارد به قرآن برگردد که مستفاد از آیه ۴۳ می باشد. لام در <لکم> برای انتفاع است.

سوره بندی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۳ - ۹،۱۰

۹ - قرآن در همان عصر پیامبر (ص) بخشهایی به نام سوره تقسیم شده بود .

فأتوا بسوره من مثله

۱۰ - تقسیم بندی قرآن و نامیدن هر بخش به < سوره > از ناحیه خداوند بوده است . *

فأتوا بسوره من مثله

جلد - نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۳ – ۸

۸ قرآن در عصر پیامبر (ص) ، به بخشهایی به نام < سوره > تقسیم بندی شده بود .

فأتوا بعشر سور مثله

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۱۰۶ – ۱

۱– تنظیم ، تفصیل و بخش بخش شدن قرآن ، از جانب خداوند بود نه در اختیار پیامبر (ص)

قرءانًا فرقنه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۱ – ۸

۸ قرآن ، کتابی است که به تدریج و جدا جدا (آیه آیه و سوره سوره) بر پیامبراسلام (ص) فرود آمد .

تبارك الذی نزّل الفرقان علی عبده

از دیدگاه برخی از مفسران چون زمخشری، قرآن به این دلیل به فرقان (جدا کننده) نام گذاری شده است که آیات و سوره های آن جدا جدا و با فاصله و به تدریج گردیده بود. ; مثلا در آیه ۱۰۶ <سوره اسراء> آمده است: <و قرآناً فرقناه لتقرأه علی الناس علی مکث و نزّلناه تنزیلاً>.

سوره های قرآن در صدر اسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۶۴ – ۷

۷ واژه < سوره > و استعمال آن در بخشی از آیات قرآن ، اصطلاحی آشنا و شناخته شده در عصر وحی

یحذر المنفقون أن تنزل علیهم سوره

سوره های متشابه قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۲۰ – ۵

۵- برخی از سوره های قرآن ،

روشن و توجیه ناپذیر (محکم) و برخی دیگر متشابه

فإذا أنزلت سوره محکمه

از احترازی بودن قید <محکمه>، مطلب بالا استفاده می شود.

سوره های محکم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۰ - ۴،۵

۴- سوره های دربردارنده فرمان جهاد ، سوره هایی محکم ، قاطع و خالی از تشابه

فإذا أنزلت سوره محکمه و ذکر فیها القتال

برداشت بالاـ بنابراین نکته است که <ذکر فیها القتال> تفسیرکننده <محکمه> باشد; یعنی، سوره از آن جهت <محکم> نامیده می شود که در آن، حکم قاطع و روشن جهاد آمده باشد.

۵- برخی از سوره های قرآن ، روشن و توجیه ناپذیر (محکم) و برخی دیگر متشابه

فإذا أنزلت سوره محکمه

از احترازی بودن قید <محکمه>، مطلب بالا استفاده می شود.

سوگند به صحت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴۰ - ۱

۱ - سوگند خداوند ، بر درستی و الهی بودن قرآن

إنّه لقول رسول کریم

سوگند به قاریان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۳ – ۱،۳

۱ – سوگند خداوند ، به فرشتگان تلاوت گر وحیِ الهی و قرآن کریم بر انسان ها و پیامبران

فالتّلیت ذکرًا

مراد از <ذکر> وحی الهی و یـا خصـوص قرآن کریم است. طبـق این دیـدگاه مقصود از تلاوت، تلاوت بر پیـامبران و یـا بر انسان هایی است که خداوند به آنان با زبان وحی سخن گفته است و فرشتگان واسطه ابلاغ این وحی بوده اند.

۳ – سوگند خداوند به مجاهدان تلاوت گر آیات الهی و قرآن کریم

فالتّلیت ذکرًا

سوگند به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲ - ۱

۱ - سوگند خداوند به قرآن

و القرءان

<واو> در <والقرآن> برای قسم است; یعنی، <أقسم بالقرآن الحکیم>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱ - ۱،۳

۱ - سوگند خداوند به قرآن

و القرءان

<واو> در <و القرآن> برای قسم است; یعنی، <اُقسم بالقرآن. ..>.

۳ - سوگند خداوند به قرآن ، مبنی بر حقانیت و درستی رسالت پیامبراسلام (ص)

و القرءان

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که جواب قسم (و القرءان) به قرینه آیات مشابه مانند <و القرآن الحکیم * إنّک لمن المرسلین> در سوره <یس> و. .. مربوط به رسالت پیامبراسلام(ص) است و تقدیر آن چنین می باشد: <و القرءان ذی الذکر إنّک لمن المرسلین یا إنّک صادق>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲ - ۴

۴ - سوگند خداوند به قرآن

و الکتب المبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱ - ۱

۱- سوگند خداوند ، به قرآن مجید

ق و القرءان المجید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱ - ۵

۵ - سوگند خداوند به قرآن ، به هنگام نزول آیات آن *

و النجم إذا هوی

برداشت یاد شده، بدان احتمال است که مراد از <نجم> چنان که برخی از مفسران گفته اند قرآن باشد; زیرا آیات قرآن <نجوماً> (جداجدا و به تدریج) نازل شده است.

سوگند به وحیانیت قرآن

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴۰ - ۱

۱ - سوگند خداوند ، بر درستی و الهی بودن قرآن

إنّه لقول رسول کریم

سوگندهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۲ - ۱

۱- سوگند مؤکد خداوند به ربوبیت خویش بر بازپرسی تمامی کافران و تجزیه گران دین

فوربّک لنسئلنّهم أجمعین

ضمیر جمع غایب <لنسئلنّهم> هم می تواند به کافرانی برگردد که در چند آیه قبل از آن سخن به میان آمد (. ..أزواجاً منهم) و هم می تواند به <المقتسمین> اشاره داشته باشد. برداشت فوق بنابر هر دو احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۶ - ۹

۹- سوگند خداوند به ذات خود ، برای تهدید و مورد مؤاخذه قرار دادن مشرکان

تالله لتسئلنّ عمّا کنتم تفترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۳ - ۱

۱- سوگند خداوند به خویش ، مبنی بر ارسال پیامبرانی به سوی امت های مختلف ، پیش از ظهور اسلام

تالله لقد أرسلنا إلی أُمم من قبلک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۸ - ۱

۱- خداونـد بـا سوگنـد به ربوبیت خویش ، بر ختمی بودن احضـار منکران معـاد و شـیاطین به گردآوری آنان در قیامت تأکید کرده است .

فوربّک لنحشرنّهم والشیطین

ضمیر مفعولی در <لنحشـرنّهم> به <انسان> در آیه قبل بازمی گردد و مراد منکران معاد است که زنده شدن دوباره را بعید شمرده بودند. <حشر>; یعنی، جمع کردن و برخی آن را جمع

کردنی که افراد را به محل اجتماع سوق دهند، معنا نموده اند (مصباح).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۹ - ۸

۸- خداوند با سوگند به ربوبیت خود ، بر تحقق حتمی طبقه بندی عاصیان در قیامت ، تأکید کرده است .

فوربّک . .. ثمّ لننزعنّ من کلّ شیعه ... عتیّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۰ - ۱۰

۱۰- خداوند با سوگند به ربوبیت خویش ، بر آگاهی دقیق خود از میزان عذاب مجرمان تأکید کرده است .

فوربّک . .. ثمّ لنحن أعلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۳ - ۶

۶ - سوگند خداوند به انباشتن جهنم از مجرمان جنّی و انسی

و لکن حقّ القول منّی لأملأنّ جهنّم من الجِنّه و الناس

لام در <لأملأنّ> برای قسم است و حکایت ازآن دارد که <القول> در فراز قبلی، سوگند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲ - ۱

۱ - سوگند خداوند به قرآن

و القرءان

<واو> در <والقرآن> برای قسم است; یعنی، <أقسم بالقرآن الحکیم>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳ - ۱

۱ - سوگند خداوند بر حقانیت و درستی رسالت پیامبراسلام

إنّک لمن المرسلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱ - ۱،۳

۱ - سوگند خداوند به قرآن

و القرءان

<واو> در <و القرآن> برای قسم است; یعنی، <اُقسم بالقرآن. ..>.

۳ - سوگند خداوند به قرآن ، مبنی بر

حقانیت و درستی رسالت پیامبراسلام (ص)

و القرءان

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که جواب قسم (و القرءان) به قرینه آیات مشابه مانند <و القرآن الحکیم * إنّک لمن المرسلین> در سوره <یس> و. .. مربوط به رسالت پیامبراسلام(ص) است و تقدیر آن چنین می باشد: <و القرءان ذی الذکر إنّک لمن المرسلین یا إنّک صادق>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۴ - ۱

۱ - سوگند خداوند به حق

قال فالحقّ

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که <فالحقّ> مبتدا و خبر آن (قسمی) در تقدیر باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲ - ۴

۴ - سوگند خداوند به قرآن

و الکتب المبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱ - ۱

۱- سوگند خداوند ، به قرآن مجید

ق و القرءان المجید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱ - ۱

۱ - سوگند الهی ، به باد های پراکننده خاک و مژده آور باران

و الذریت ذروًا

<ذَرْو> به معنای پاشیدن و پراکندن و <ذاریات> (جمع <ذاریه>) به معنای <پراکننده ها> است. مراد از <پراکننده ها> بادها است که به هنگام وزیدن، خاک و دیگر ذرّات را در هوا پراکنده و جا به جا می کنند. گفتنی است که وزیدن این بادها مژده آور باران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲ - ۱،۳

۱ - سوگند الهی به ابر های گرانبار

فالحملت

وقرًا

<وِقْر> بر بار سنگین اطلاق می شود. مقصود از حمل کننده های بار سنگین، ابرها است که در پی بادها می آیند و با خود توده های عظیم ذرات آب را حمل می کنند.

۳ - سوگند الهی ، به باد های حامل ابر های سنگین و آبستن باران

فالحملت وقرًا

کلمه <حاملات>، می تواند وصفی دیگر برای بادها باشد. در این صورت مراد از <وِقْر> (بار سنگین)، ابر سنگین و باران زا خواهد بود که به وسیله بادها حمل می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳ - ۱،۴

۱ - سوگند خداوند ، به کشتی های روان بر آب های دریا به آسانی و نرمی

فالجریت یسرًا

<یسر> نقطه مقابل <عسر> و به معنای سهولت و آسانی است. مراد از <جاریات> کشتی هایی است که در دریا، به آرامی و نرمی حرکت می کنند.

۴ - سوگند الهی ، به باد ها که آرام در آسمان روان اند .

و الذریت ذروًا . .. فالجریت یسرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴ - ۱

۱ - سوگند الهی ، به فرشتگان تقسیم کننده امور

فالمقسّمت أمرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۷ - ۱

۱ - سوگند خداوند ، به آسمان تزیین یافته با ستارگان

و السّماء ذات الحبك

‹حبیکه› و ‹حباك› (مفردهای ‹حُبُك›) در معانی استحکام، راه و زیبایی به کار می رود. برداشت یاد شده براساس معنای اخیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۳ - ۱

۱ -

سوگند خداوند ، بر حقانیت و تخلف ناپذیری وعده های خویش

و ما توعدن . فَوَربّ السّماء و الأرض إنّه لحقّ

در این که مرجع ضـمیر در <إنّه> چیست، چنـد احتمال داده شـده است. از جمله آنها این است که ضـمیر به <ما توعدون> (در آیه قبل) بازمی گردد. برداشت بالا براساس این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱ - ۱،۵

۱ - سوگندِ خداوند ، به کوه طور

و الطّور

<طور> در لغت به مطلق کوه گفته می شود و در آیه شـریفه ممکن است همین معنا مراد باشد. و نیز می تواند خصوص طور واقع در شبه جزیره سینا اراده شده باشد. برداشت بالا بر پایه احتمال دوم است.

۵ - سوگند خداوند ، به کوه ها

و الطّور

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که مراد از <طور> مطلق کوه باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲ - ۱،۵

۱ - سوگند خداوند ، به کتاب نگاشته شده (تورات)

و کتب مسطور

مراد از <طور> در آیه قبـل می توانـد کوه طور باشـد. این نکته قرینه است بر این که مراد از <کتـاب مسـطور>، تورات می باشد که به صورت الواح نوشته شده بر موسی در طور سینا نازل شده است.

۵ - سوگند خداوند ، به نامه اعمال آدمیان

و کتب مسطور

برخی از مفسران مراد از <کتاب مسطور> را نامه اعمال دانسته اند. برداشت بالا بر پایه این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴ - ۱

۱ - سوگند

خداوند ، به کعبه

و البیت المعمور

<واو> در <و البیت. ..> برای قسم و مقصود از <بیت معمور> (خانه آباد) کعبه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۵ - ۱

۱ - سوگند خداوند ، به سقف برافراشته (آسمان)

و السقف المرفوع

<مرفوع>؛ یعنی، بلند و برافراشته شده. مراد از <سقف مرفوع> ظاهراً آسمان است که همچون سقفی بلند، بر فراز آدمیان بر افراشته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۶ - ۱

۱ - سوگند خداوند ، به دریای سرشار از آب

و البحر المسجور

<سجر> در معانی پرکردن و شعلهور کردن به کار می رود. بنابراین <مسجور> یا به معنای <مملو> (پر شده) و یا به معنای شعلهور شده است، برداشت یاد شده براساس معنای اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱ - ۱،۴،۵،۷

۱ - سوگند الهی ، به هر ستاره آن گاه که غروب می کند .

و النجم إذا هوی

<نجم> به معنای ستاره است و <الف و لام> آن جنس و مفید عموم است؛ یعنی، <اقسم بکلّ نجم إذا هوی>. <هُوِیّ> (مصدر <هوی>) به معنای فرو افتادن است و در آیه شریفه بر غروب کردن اطلاق شده است.

۴ – سوگند خداوند به شهاب سنگ ها ، هنگامی که سقوط می کنند . *

و النجم إذا هوی

برخی از مفسران <نجم> را به قرینه <إذا هوی> (آن گاه که سقوط کند) به معنای شهاب گرفته اند.

۵ – سوگند خداوند به قرآن ، به هنگام نزول آیات آن *

و

النجم إذا هوی

برداشت یاد شده، بدان احتمال است که مراد از <نجم> چنان که برخی از مفسران گفته اند قرآن باشد; زیرا آیات قرآن <نجوماً> (جداجدا و به تدریج) نازل شده است.

۷ - سوگند الهی به ستاره ثریا هنگامی که غروب کند .

و النجم إذا هوی

<نجم> بر ستاره ثریا نیز اطلاق می شود (قاموس المحیط). گفتنی است <ال> در <النجم> بنابراین اطلاق، برای عهد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۵ - ۳

۳ - سوگند الهی ، به نظام ستارگان آسمان

فلاأُقسم بموقع النجوم

برداشت یاد شده بر این اساس است که <مواقع> به معنای مکان های استقرار ستارگان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱ - ۱،۲

۱ - سوگند خداوند ، به قلم و ابزار نوشتن

و القلم

۲ - سوگند خداوند ، به قلم زدن و نویسندگی

و ما یسطرون

<ما> در <ما یسطرون> یا مصدریه (یعنی <و سطرهم>) و یا موصوله (یعنی <الذی یسطرونه>) است. برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ – حاقه – ۶۹ – ۴۰ – ۱،۲

۱ – سوگند خداوند ، بر درستی و الهی بودن قرآن

إنّه لقول رسول کریم

۲ – سوگند خداوند ، بر درست گویی و راست گویی پیامبراسلام (ص)

إنّه لقول رسول کریم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – معارج – ۷۰ – ۴۰ – ۱

۱ – سوگند أکید خداوند ، به ربوبیت خویش نسبت به مشرق ها (خاور ها) و مغرب ها (باختر

ها)

فلاأُقسم بربّ المشرق و المغرب

درباره <لا> در <لا اُقسم> و امثال آن، مفسران توجیهات چندی ذکر کرده اند; از جمله این که <لا> زاید و برای تأکید <اُقسم> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۲ - ۲

۲ - سوگند خداوند به ماه

و القمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۳ - ۱

۱ - سوگند خداوند به سحرگاهان

و الّیل إذ أدبر

<إدبار> (مصدر <أدبر>) به معنای پشت کردن است و مقصود در این آیه، پایان یافتن شب و آغازِ سحر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۴ - ۱

۱ - سوگند خداوند به سپیده صبح

و الصبح إذا أسفر

عبارت <سفر الصبح> و یا <أسفر الصبح>، به معنای <أضاء> (روشن شد) و <أشرق> (درخشید) است. (قاموس المحیط)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۱ - ۱

۱ - سوگند أکید خداوند ، به روز قیامت

لاأُقسم بیوم القیمه

مفسّران درباره <لا> در <لاأُقسم> و امثال آن، توجیهات چندی ذکر کرده اند; از جمله این که <لا> زاید و برای تأکید <اُقسم> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲ - ۱

۱ - سوگند أکید خداوند ، به نفس ملامت گر

و لاأُقسم بالنفس اللوّامه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱ - ۱،۵

۱ - سوگند خداوند ، به فرشتگان وحی

و المرسلت عرفًا

درباره سوگندهای پنجگانه در آغاز این سوره، سه تفسیر عمده

وجود دارد: ۱ تمام این سوگندهای پنجگانه، اشاره به <بادها و طوفان ها> است; ۲ همه سوگندها، اشاره به <فرشتگان وحی> است; ۳ سوگند اول و دوم ناظر به مسأله <بادها و طوفان ها> و سوگند سوم، چهارم و پنجم ناظر به القا و نشر وحی و آیات حق بهوسیله فرشتگان است. شاهد و دلیل بر تفسیر سوم، جداسازی این دو دسته از سوگندها در آیات به وسیله <واو> است; در حالی که بقیه به وسیله <فاء> به هم عطف شده اند که نشانه ارتباط و پیوند آنها است. گفتنی است تفسیر دوم و سوم، با سیاق آیات سازگارتر است; از این رو، مبنای برداشت ها قرار گرفته است.

۵ - سوگند خداوند ، به باد های پیاپی

و المرسلت عرفًا

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که مراد از <مرسلات> بادها باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲ - ۱،۳

۱ - سوگند خداوند ، به تندباد ها و طوفان ها

فالعصفت عصفًا

<عاصفه> (مفرد <عاصفات>) به معنای باد شدید و طوفان است.

۳ - سوگند خداوند ، به فرشتگان وحی

فالعصفت عصفًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳ - ۱

۱ - سوگند خداوند ، به فرشتگان وحی

و النشرت نشرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴ - ۱

۱ - سوگند خداوند ، به فرشتگان وحی

فالفرقت فرقًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۵ - ۱

۱ - سوگند خداوند ، به فرشتگان وحی

فالملقیت ذکرًا

جلد - نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نازعات – ۷۹ – ۱ – ۳

۳ – سوگند خداوند به فرشتگان قبض کننده ارواح

و النزعت غرقًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نازعات – ۷۹ – ۲ – ۲

۲ – سوگند خداوند به فرشتگان پر نشاط و شاداب

و النشطت نشطًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نازعات – ۷۹ – ۳ – ۲

۲ – سوگند خداوند ، به فرشتگانی که در اجرای وظایف خویش شتابان اند .

و السبحت سبحًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نازعات – ۷۹ – ۴ – ۴

۴ – سوگند خداوند ، به فرشتگان پیشتاز

فالسبقت سبقًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نازعات – ۷۹ – ۵ – ۵

۵ – سوگند خداوند به فرشتگان مدیر و مدبّر

فالمدبّرت أمرًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نازعات – ۷۹ – ۹ – ۳

۳ – خداونـد در تأکیـد بر وجود ترس و نگرانی در قیامت ، به فرشـتگان سوگنـد یاد کرده است که سـریع و بانشاط برای تدبیر امور و قبض ارواح از یکدیگر سبقت می گیرند .

و النازعات . .. قلوب یومئذ واجفه . أبصرها خشعه

این آیه و آیه قبل، جواب قسم هایی است که در نخستین آیات سوره آمده بود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکویر – ۸۱ – ۱۵ – ۱،۲،۳

۱ – سوگند مؤکّد خداوند به ستارگانی که در مسیر حرکت خود ، بر اثر نور خورشید از نظر ها ناپدید می گردند .

فلاأُقسم بالخنّس

حرف <لا> در

<لاأُقسم> زاید است و سوگند را تأکید می کند. برخی گفته اند: <لاأُقسم> با همین ترکیب، کلمه قسم است و برای سوگند مؤکد به کار می رود. <خنّس> جمع <خانس> است و مصدر آن <خنوس>; یعنی، منقبض شدن و پنهان گشتن و فعل <خَنَس>; یعنی، متواری و غائب شد (لسان العرب). به قرینه ذکر شب و صبح در آیات بعد، مراد از آن ستارگان است و توصیف آنها به این وصف، به اعتبار نامرئی بودن آنها در روز است.

۲ - سوگند خداوند به ستارگانی که در طی مسیر ، به نقطه هایی که از آن گذشته اند ، بازمی گردند .

فلاأُقسم بالخنّس

برخی از اهل لغت و تفسیر <خُنّس> را به معنای رجوع کنندگان می دانند (لسان العرب و کشاف). بر این اساس مراد از آن، بازگشت ستارگان در حرکت انتقالی به مدار حرکت قبلی خود است.

۳ - سوگند خداوند به سیاره های زحل ، مشتری ، مرّیخ ، زهره و عطارد

فلاأُقسم بالخنّس

بسیاری از اهل لغت و تفسیر، <خنّس> را عنوان ستارگان یاد شده می دانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۶ - ۱،۲

۱ - سوگند خداوند ، به ستارگانی که به مسیر قبلی خود بازگشته و در آن جریان می یابند .

بالخنّس . الجوار

<جواری> (جمع <جاریه>) به معنای چیزهایی است که سیلان داشته و روان باشند. توصیف سیّارات به این وصف، ممکن است از آن جهت باشد که آنها را نوری روان می بینیم. و یا مراد، اخترانی است که جرم سیال دارند.

۲ - سوگند خداوند ، به ستارگان متحرک که مسیر خود را طی کرده

و مانند رفتن حیوانات غیر اهلی به مخفیگاه خود ، از نظر ها محو می گردند .

الجوار الکنّس

<کُنّس> جمع <کـانِس> است و آن چیزی است که پنهان می شود. این کلمه از ریشه <کَنَسَ الظبی> گرفته شـده است; یعنی، آهو خود را در <کِناس> (پناهگاه) خود پنهان ساخت و استتار کرد. (نهایه ابن اثیر)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۷ - ۱

۱ - سوگند خداوند به شب ، زمان فرارسیدن و برچیده شدن تاریکی آن

و الّیل إذا عسعس

<الّیل> عطف بر <الخُنّس> است و قسم مؤکد در <لا اُقسم> به آن نیز تعلق دارد. فعل <عسعس> گاه بر آمدن تاریکی و گاه بر زوال آن دلالت دارد. تقابل این آیه با آیه بعـد (و الصـبح إذا تنفّس) معنای زوال را در این آیه مناسب تر می نمایاند; ولی هر دو معنا نیز می تواند مراد باشد. راغب گوید: <عسـعسه>; یعنی، تاریکی خفیفی که در آغاز و پایان شب حاصل می شود. بر این اساس فعل <عسعس> هر دو زمان را شامل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۸ - ۱،۲

۱ - سوگند خداوند به بامداد ; زمانی که سپیده صبح در آسمان گسترده می شود .

و الصبح إذا تنفّس

<تنفّس روز> به معنای توسّع و گسترده شدن آن است. (مفردات راغب)

۲ - سوگند خداوند به سپیده دم ; زمانی که نفس تازه کند .

و الصبح إذا تنفّس

از معانی <تنفّس> وارد ساختن نفس به درون و خارج ساختن آن است (مصـباح). نفس تازه کردن صبح، کنایه از رفع موانع نور

خورشید است; به گونه ای که گویا روز از حبس شب رها شده و در هوای آزاد نفس می کشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکویر – ۸۱ – ۱۹ – ۵

۵ – خداوند ، در تأکید بر مأموریت جبرئیل در ابلاغ قرآن به پیامبر (ص) ، به ستارگان و شب و سپیده دم سوگند یاد کرده است .

فلاأُقسم بالخنّس . .. و الّیل ... و الصبح ... إنّه لقول رسول کریم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – انشقاق – ۸۴ – ۱۶ – ۱

۱ – سوگند مؤکد خداوند ، به سرخی افق هنگام غروب خورشید

فلا أُقسم بالشفق

مشهور بین اهل لغت، این است که <شفق> همان سرخی است که بعد از غروب خورشید، در طرف مغرب دیده می شود (مصباح). در سخن و شعر عرب، به طور فراوان اتفاق می افتد که برای تأکید قسم، فعل آن را با حرف <لا> می آورند. برخی آن را زاید و دسته ای آن را، برای نفیِ پندار قبل می دانند(کشاف).

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – انشقاق – ۸۴ – ۱۷ – ۱،۲

۱ – سوگند خداوند به شب و تمامی موجودات پراکنده ای که تاریکی شب آنها را گرد هم جمع می کند .

و الّیل و ما وسق

واژه <وَسْق> به معنای جمع کردن چیزهایی است که متفرق باشند(مفردات). گویا مراد جمع شدن جاندارانی است که با فرارسیدن تاریکی شب، از همه طرف به محل استراحت خود می روند.

۲ – سوگند خداوند ، به هر چه تاریکی شب آن را فراگیرد . *

و

ما وسق

<ما> در <ما وسق>، موصول است و ضمیری که به آن برمی گردد، در کلام نیامده است. مصداق <ما وسق>، ممکن است تمام موجودات جاندار و بی جان باشد که تاریکی شب، آنها را زیر پرده سیاه خود جمع می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۸ - ۱

۱ - سوگند خداوند به ماه ، هنگام روشنایی کامل آن

و القمر إذا اتّسق

<اتساق قمر>، به معنای تکمیل شدن و به نقطه اعتدال رسیدن آن است. (لسان العرب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۹ - ۳

۳ - خداوند ، در تأکید بر تعدد و تنوّع مراحل آینده انسان ، به شفق ، شب ، موجودات زمینی و ماه ، سوگند یاد کرده است .

فلا أُقسم بالشفق . .. لترکبنّ طبقًا عن طبق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱ - ۲،۳

۲ - سوگند خداوند ، به آسمان و برج های آن

و السماء ذات البروج

قسم به آسمان، با وصف خاص آن، قسم به موصوف و وصف، هر دو است.

۳ - سوگند خداوند ، به ستارگان که مرتفع و نمایان اند .

و السماء ذات البروج

تطبیق <برج> بر ستاره، به لحاظ ارتفاع و ظهور آنها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۲ - ۳

۳ - سوگند خداوند ، به روز قیامت

و الیوم الموعود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۳ - ۱،۲،۴،۶،۷،۸،۹،۱۰

۱ - سوگند خداوند ،

به ناظران و امور مشهود در قیامت

و شاهد و مشهود

شهاده; یعنی، حاضر بودن همراه با مشاهده بصری یا بصیرتی و گاه به حضور بدون آن نیز گفته می شود (مفردات راغب). لفظ <شاهد و مشهود> به قرینه سوگند بر آنها نکره هایی اند که از آنها عموم اراده شده است تا سوگند به آن بیهوده نباشد و بعید نیست که عظمت آن دو نیز استفاده شود. در این صورت مراد عظمت شهادت مربوط به آنها است تا بر احتمالات گوناگونی که درباره مصداق آن دو گفته شده است، قابل تطبیق باشد.

۲ - ناظران صحنه قیامت و حوادث آن روز ، دارای عظمتی در خور سوگند خداوند

و شاهد و مشهود

۴ - سوگند خداوند ، به گواهان اعمال انسان ها در قیامت

و شاهد

۶ - سوگند خداوند ، به مضمون گواهی شاهدان در قیامت

و مشهود

چنانچه شهادت به معنای گواهی دادن باشد; نه مشاهده و نظارت، کلمه <مشهود> نیاز به متعلق محذوفی خواهد داشت که می توان گفت: مراد <مشهود به> است.

۷ - سوگند خداوند به مؤمنانی که در ملأ عام شکنجه شده و در برابر چشمان دشمن ، سوزانده می شوند .

و مشهود

داستان اصحاب <اخدود> که پس از این آیه مطرح شده است به ویژه آیه <و هم علی ما یفعلون بالمؤمنین شهود> قرینه بر احتمالی است که درباره مصداق <مشهود> گفته شده است. در این نظر تقدیر آن <مشهود علیهم> است.

۸ - < عن محمّد بن هاشم عمن روی عن أبی جعفر (ع) قال : سأله الأبرش الکلبی عن قول اللّه عزّوجلّ < و شاهد و مشهود > فقال أبوجعفر (ع

) : ما قيل لك ؟ فقال : قالوا : الشاهد يوم الجمعه و المشهود يوم عرفه ، فقال أبوجعفر (ع) : ليس كما قيل ، الشاهد يوم عرفه و المشهود يوم القيامه أما تقرأ القرآن ؟ قال اللّه عزّوجلّ : < ذلك يوم مجموع له الناس و ذلك يوم مشهود ;

محمد بن هاشم از كسى كه از امام باقر(ع) روايت كرده، نقل مى كند: ابرش كلبى از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند عزّوجلّ <و شاهد و مشهود> سؤال كرد، حضرت فرمود: [در اين باره] براى تو چه گفته شده؟ عرض كرد: گفته اند: <شاهد> روز جمعه و <مشهود> روز عرفه است. حضرت فرمود: اين چنين كه براى تو گفته شده است نيست; بلكه <شاهد> روز عرفه و مشهود روز قيامت است. مگر قرآن نخوانده اى كه خداى عزّوجلّ فرموده است: ذلك يوم مجموع له الناس و ذلك يوم مشهود>.

۹ - < عن علىّ (ع) قال : . . . و الشاهد يوم الجمعه و المشهود يوم النحر ;

از امام على(ع) روايت شده كه فرمود: شاهد روز جمعه و مشهود روز قربانى (دهم ذى الحجه) است>.

۱۰ - < روى عن الحسن بن على (ع) و هو يُحِدِّثُ عن رسول اللّه (ص) فقيل له أخبرنى عن < شاهد و مشهود > فقال : أمّا الشاهد فمحمّد و أما المشهود فيوم القيامه . أما سمعته سبحانه يقول : < يا أيّها النبى إنّا أرسلناك شاهدًا و مبشّرًا و نذيرًا > و قال : < ذلك يوم مجموع له الناس ذلك يوم مشهود ;

از امام حسن(ع) روايت شده كه از

رسول خدا نقل حدیث می کرد، به او عرض شد: مرا از [تفسیر] شاهد و مشهود خبر ده، حضرت فرمود: امّا شاهد محمّد(ص) است و امّا مشهود روز قیامت است. آیا کلام خدای سبحان را نشنیده ای که می فرماید: <یا أیّها النبی إنّا أرسلناك شاهداً و مبشّراً و نذیراً> و فرموده: ذلك یوم مجموع له الناس و ذلك یوم مشهود>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱ - ۱،۲

۱ - سوگند خداوند به آسمان

و السماء

۲ - سوگند خداوند به ستاره پدیدار شده در شب (زهره یا زحل یا ثریا و یا . . .)

و الطارق

<طارق>; یعنی، کسی که شب هنگام وارد شود. برخی ریشه اصلی آن را <طَرْق> (کوبیدن در) دانسته و گفته اند: کسی که شب وارد می شود، چون به کوبیدن در نیاز پیدا می کند، <طارق> نامیده می شود (نهایه ابن اثیر). آیات بعد صراحت دارد که مراد از آن ستاره است. صاحب <قاموس> آن را بر <ستاره صبح> (زهره) تطبیق داده است; گرچه به نقل <لسان العرب>، برخی از اهل لغت این نام را نامعروف خوانده و برخی دیگر آن را بر زحل (کیوان) و ثریا (پروین) منطبق دانسته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۳ - ۲

۲ - سوگند خداوند ، به مرتفع ترین ستاره ها *

و الطارق . .. النجم الثاقب

<نجم ثاقب>; یعنی، ستاره ای که جایگاه آن رفیع تر از دیگر ستارگان است (قاموس).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ -

۳ - خداوند ، با سوگند به آسمان و ستارگان ، بر مراقبت از انسان و افکار و کردار او ، تأکید ورزیده است .

و السماء و الطارق . .. إن کلّ نفس لمّا علیها حافظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۱ - ۳

۳ - سوگند خداوند به آسمان و به ارجاع های مکرری که پدید می آورد .

و السماء ذات الرجع

سوگند به چیزی که دارای وصف خاصی است، در حقیقت سوگند به وصف نیز می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۲ - ۳

۳ - سوگند خداوند به زمین و شکاف پذیر بودن آن

و الأرض ذات الصدع

سوگند به موصوف، سوگند به وصف آن نیز می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۳ - ۲

۲ - خداوند ، با سوگند به آسمان و زمین ، بر فارق بودن قرآن بین حق و باطل ، تأکید ورزیده است .

و السماء . .. و الأرض ... إنّه لقول فصل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱ - ۱

۱ - سوگند خداوند به سپیده دم

و الفجر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – فجر – ۸۹ – ۲ – ۱

۱ – سوگند خداوند ، به شب های ده گانه

و لیال عشر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – فجر – ۸۹ – ۳ – ۱

۱ – سوگند خداوند ، به جفت و تاق

و الشفع و

الوتر

حرف <ال> در <الشفع> و <الوتر>، برای جنس است. درباره مصداق شفع و وتر، نظرهای گوناگونی ابراز شده است; برخی گفته اند: <شفع> روز هشتم ذی الحجه (یوم الترویه) و <وتر> روز عرفه است و برخی آن دو را بر نماز شفع و وتر تطبیق داده اند. در نظری دیگر، شفع روز قربان و وتر روز عرفه است. این احتمال نیز وجود دارد که <شفع>، به تمام مخلوقات نظر داشته و مراد از <وتر>، ذات باری تعالی باشد; زیرا تنها او است که مرکب نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۴ - ۱،۲

۱ - سوگند خداوند ، به شب هنگام گذر کردن و پایان یافتن آن

و الّیل إذا یسر

حرف <ال> در <الّیل>، برای جنس است. برخی آن را برای عهد گرفته و مراد از <الّیل> را شب عید قربان دانسته اند. در برداشت یاد شده، احتمال اول ترجیح داده شده است. <یسر>; یعنی، می گذرد. اصل این کلمه <یسری> بوده و چون در آخر آیه قرار گرفته، برای تناسب با آخر آیات قبل و بعد، حرف آخر آن حذف شده است. اسناد حرکت و گذر کردن به شب، مجاز و از باب تشبیه به اجسام است. (مصباح)

۲ - سوگند خداوند ، به پاس هایی از شب که شبروان در آن سیر می کنند .

و الّیل إذا یسر

می توان گفت، <حرکت شب> تعبیری است مانند <شب خوابیده> که مراد از آن، حرکت دیگران در شب و خواب آنها در آن است. (لسان العرب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ -

۸ – خداوند ، برای تأکید مراقبت خویش بر کردار بندگان ، به فجر ، شب های ده گانه ، شفع ، وتر و گذشت شب ، سوگند یاد کرده است .

و الفجر . .. إنّ ربّک لبالمرصاد

در برداشت یاد شده جمله <إنّ ربّک> می تواند جواب سوگندهایی باشد که در آغاز سوره آمده بود. بر این اساس بیان سرنوشت عاد، ثمود و فرعون، جمله هایی معترضه و نوعی استدلال بر مقصود است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بلد – ۹۰ – ۱ – ۱

۱ – سوگند مؤکّد خداوند به شهر مکه

لا أُقسم بهذا البلد

حرف <لا> در <لا أُقسم>، زاید و تأکیدی بر سوگند است. برخی گفته اند: <لا أُقسم> با همین ترکیب، کلمه قسم است و در سوگند مؤکّد، به کار می رود، و برخی دیگر آن را برای نفی قسم دانسته و گفته اند: مراد این است که مدّعا بقدری واضح است که سوگند نمی خواهد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بلد – ۹۰ – ۳ – ۱،۶

۱ – سوگند خداوند به ابراهیم و اسماعیل (ع)

و والد و ما ولد

سخن گفتن از مکه در آغاز سوره، قرینه است بر این که <والد و ما ولد>، پدر و فرزندی اند که با مکه ارتباط تنگاتنگی داشتند. آشکارترین مصداق آن دو، حضرت ابراهیم(ع) و فرزندش اسماعیل است.

۶ – سوگند خداوند به انسان تولیدمثل کننده و فرزندانش

و والد و ما ولد

واژه <والد> ممکن است به شخص خاصی نظر نداشته باشد; بلکه اسم جنس بوده و بر هر انسان مذکر و یا حتی

مؤنثی که در تولید مثل نقش داشته باشند، اطلاق گردد (ر. ك: لسان العرب). در این صورت شگفتی تکثیر نسل و نقش اعجاب برانگیز پدر و مادر در آن و نیز عظمت فرزند به وجود آمده از آنها، راز سوگند خداوند به آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۴ - ۳

۳ - خداوند ، با سوگند به شهر مکه و حضرت ابراهیم و اسماعیل (ع) ، برآمیخته بودن زندگانی انسان با رنج و سختی ، تأکید کرده است .

لا أُقسم . .. لقد خلقنا الإنسن فی کبد

این آیه، جواب قسم هایی است که در آیات پیشین آمده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱ - ۱،۲

۱ - سوگند خداوند به خورشید

و الشّمس

۲ - سوگند خداوند ، به نور گسترده خورشید به هنگام چاشت

و ضحیها

<ضحی> در معانی گسترش نور خورشید و <پهناور شدن روز> (مفردات راغب) و اندکی پس از بالا آمدن روز (قاموس) به کار می رود. اضافه شدن <ضحی> به ضمیری که به خورشید برمی گردد، بیانگر آن است که مراد از آن، گسترش نور خورشید است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۲ - ۱،۲،۴

۱ - سوگند خداوند ، به ماه هنگام طلوع آن پس از غروب خورشید

و القمر إذا تلیها

<إذا> در <إذا تلیها>، سوگند به ماه را به حالت خاصی از آن اختصاص می دهد. در این موارد <إذا> را ظرف برای <کائنًا> به شمار می آورند که محذوف است و حال مقدره

برای <القمر> به حساب می آید; اختصاص قسم به این زمان خاصّ، نشان برجسته تر بودن ارزش آن است. این زمان، شامل شب هایی می شود که پس از غروب خورشید، ماه تابان در آسمان مشاهده می شود.

۲ - سوگند خداوند ، به کره ماه در شب های وسط هر ماه

و القمر إذا تليها

<تلوّ> (مصدر <تلی>)، به معنای از پی در آمدن است. در شب های چهاردهم و قبل و بعد آن، طلوع ماه در پی غروب خورشید است. بنابراین می توان گفت: مراد از <إذا تلاها>، فقط همان شب ها است.

۴ - ماه و ظهورِ آن پس از غروب خورشید ، دارای عظمتی درخور سوگند خداوند

و القمر إذا تليها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۳ - ۱،۲

۱ - سوگند خداوند ، به روز در لحظه فروغ افکندن آن بر زمین

و النهار إذا جلّيها

مفاد آیه شریفه، گواه آن است که ضمیر مفعولی <جلّاها> به <الشمس> برنمی گردد; زیرا جلا یافتن خورشید را، نمی توان ناشی از روز دانست. بنابراین باید گفت: از آن جا که جلوه گر شدن زمین به وسیله روز، بسیار واضح است، نیازی به ذکر <الأرض>، برای ارجاع ضمیر به آن نبود.

۲ - پیدایش روز و درخشان شدن زمین به وسیله آن ، دارای عظمتی درخور سوگند خداوند

و النهار إذا جلّيها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۴ - ۱،۲،۳

۱ - سوگند خداوند به شب در لحظه ای که تاریکی آن ، سطح زمین را بپوشاند .

و الّیل إذا يغشيها

طَبَق و[سرپوش هایی]مانند آن که

بر چیزی نهاده می شود، <غطاء> نام دارد; همان طور که به پوشاک و [روانـدازهایی]مانند آن که روی چیزی قرار داده می شـود، <غشـاء> می گوینـد (مفردات راغب). بنـابراین <یغشاهـا> که مرجع ضـمیر مفعـولی آن در این برداشت <أرض> گرفته شده به این معنا است که تاریکی شب، سطح زمین را می پوشاند.

۲ - سوگند خداوند ، به هنگامی که شب ، خورشید را می پوشاند .

و الّیل إذا یغشیها

در برداشت یاد شده، مرجع ضمیر مفعولی در <یغشاها>، <الشمس> دانسته شده است.

۳ - پیدایش شب و تاریک شدن زمین به وسیله آن ، دارای عظمتی درخور سوگند خداوند است .

و الّیل إذا یغشیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۵ - ۱،۳،۵،۶

۱ - سوگند خداوند به آسمان

و السماء

۳ - سوگند خداوند ، به بنیان نهادن آسمان و آفرینش آن

و ما بنیها

حرف <ما> مصدری بوده و مفاد آیه شریفه، سوگند به <بناکردن آسمان> است. برخی <ما> را موصول دانسته اند; ولی یک نواختی سوگندها که تمامی آنها سوگند به مخلوقات است مؤید مصدری بودن آن است.

۵ - سوگند خداوند به سازنده آسمان

و ما بنیها

چنـانچه <ما> در <مابناها> موصول باشـد، مراد از آن خداونـد خواهـد بود. آوردن <ما> در این موارد با توجّه به این که این کلمه بیش از <من> موصول، ابهام دارد بیانگر این است که حقیقت موضوع و عظمت آن، قابل تعریف نیست.

۶ - سوگند خداوند به خود

و ما بنيها

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۶ - ۱،۳،۵،۶

۱ - سوگند خداوند

به زمین

و الأرض

۳ - سوگند خداوند ، به گستراندن زمین

و ما طحیها

<ما> در <ماطحاها> مصدری بوده و مفاد آیه شریفه، سوگند به گسترش دادن زمین است. برخی <ما> را موصول و کنایه از گستراننده زمین (خداوند) دانسته اند; ولی مصدری بودن آن، با سیاق آیات که سوگند به مخلوقات است سازگارتر است.

۵ - سوگند خداوند ، به گستراننده زمین

و ما طحیها

چنانچه <ما> در <و ماطحاها> موصول باشد، مراد از آن خداوند خواهد بود. <طحو> (مصدر <طحاها>) مانند <دحو> است; یعنی، گستراندن هر چیز. (مفردات)

۶ - سوگند خداوند به خود

و ما طحیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۷ - ۱،۲،۳،۶،۷

۱ - سوگند خداوند به جان انسان ها

و نفس

<نفس>، به معنای روح و نیز جسد آمده است (صحاح اللغه). آیات بعد که ویژگی های روح انسان را مطرح می کند قرینه بر اراده معنای اول است. کلمه <نفس> گرچه نکره است; ولی بر ابهام دلالت ندارد. بلکه مراد جنس نفس است; زیرا آنچه بعد از آن، درباره نفس ذکر شده مربوط به تمام نفس ها است. نکره در این موارد، مفید تفخیم است.

۲ - روح ، موجودی با عظمت و شایسته سوگند خداوند

و نفس

۳ – سوگند خداوند ، به آفرینش متعادل و به دور از افراط و تفریط نفس انسان

و ما سوّیها

حرف <ما> در <ماسوّاها> مصـدری بوده و مفاد آیه شـریفه، سوگند به تسویه نفس است. برخی آن را موصول و تعبیر <و ما سوّاها> را سوگند به خداوند دانسته اند. سیاق آیات که نمودار سوگند به مخلوقات است با احتمال اول

مناسب تر است.

۶ – سوگند خداوند ، به تعدیل کننده و سامان دهنده قوای روحی انسان

و ما سوّیها

چنانچه مراد از <ما> در <ما سوّاها> خداوند باشد، جایگزین ساختن آن به جای <من>، به جهت ابهام عظمت آمیزی است که در <ما> وجود دارد.

۷ – سوگند خداوند به خود

و ما سوّیها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – شمس – ۹۱ – ۹ – ۳

۳ – خداوند ، در تأکید بر رستگاری اهل تزکیه ، به < خورشید و نور آن > ، < ماه > ، < روز و شب > ، < آسمان و زمین > ، < روح > و < ذات خویش > ، سوگند یاد کرده است .

و الشمس . .. قد أفلح من زکّیها

جمله <قد أفلح . ..> جواب قسم هایی است که از آغاز سوره مطرح شده بود. برخی آن را جمله معترضه دانسته، جواب قسم را جمله <کذّبت ثمود...> و یا محذوف دانسته اند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – لیل – ۹۲ – ۱ – ۱،۲،۴

۱ – سوگند خداوند ، به شب ، هنگام فراگیر شدن آن

و الّیل إذا یغشی

۲ – پدیده شب و گسترش تاریکی آن بر موجودات ، دارای عظمتی درخور

و الّیل إذا یغشی

۴ – < عن محمّد بن مسلم قال : قلت لأبی جعفر (ع) قول اللّه عزّوجلّ < و الّیل إذا یغشی . . . > و ما أشبه ذلک فقال : إنّ

للّه عزّوجلّ ان يُقْسِمَ من خلقه بما شاء و ليس لخلقه أن يُقْسِمُوا إلاّ به ;

از محمدبن مسلم روایت شده که

گفت: به امام باقر(ع) عرض کردم: قول خدای عزّوجلّ <و الّیل إذا یغشی. ..> [که در آن به <شب> سوگند یاد شده]و مشابه این [سوگندها چه حکمی دارد؟]فرمود: برای خدای عزّوجلّ است که به مخلوقات خود، به هر چه که خواست سوگند یاد کند; ولی مخلوقاتش نمی توانند سوگند یاد کنند، مگر به او>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۲ - ۱،۲

۱ - سوگند خداوند ، به روز ، هنگام درخشان شدن آن

و النهار إذا تجلّی

۲ - پدیده روز و تابناکی آن ، دارای عظمتی درخور سوگند خداوند

و النهار إذا تجلّی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۳ - ۱،۲،۳

۱ - سوگند خداوند ، به آفرینش جنس نر و ماده در مخلوقات

و ما خلق الذکر و الأُنثی

حرف <ما> مصدریه بوده و مفاد آیه شریفه، سوگند به خلقت <مذکر> و <مؤنث> است. این احتمال نیز وجود دارد که <ما> موصول باشد; ولی مصدریه بودن آن که در نتیجه سوگند به مخلوقات خواهد بود; نه خالق با سوگند به <لیل> و <نهار> تناسب بیشتری دارد.

۲ - سوگند خداوند ، به آفریننده جنس نر و ماده

و ما خلق الذکر و الأُنثی

کلمه <ما> در <ما خلق>، می تواند موصول و به معنای <من> باشد. در این صورت مراد از آن، ذات باری تعالی خواهد بود. این کلمه به دلیل ابهام بیشتری که در مفاد آن هست، عظمت مصداق خود را بیشتر مجسم می کند; زیرا دلالت دارد که آن مصداق، غیر قابل تعریف است.

۳ - سوگند خداوند به خویش

و ما

خلق الذكر و الأنثى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - ليل - ۹۲ - ۴ - ۲

۲ - خداوند ، در تأكيد بر گوناگون بودن تلاش هاى انسان ها و شيوه ها و آثار آن ، به شب و روز و به ذات خويش ، سوگند ياد كرده است .

و الّيل . .. إنّ سعيكم لشتّى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - ليل - ۹۲ - ۱۰ - ۸

۸ - خداوند ، در تأكيد بر تفاوت فرجام انفاق گران با تقوا و بخيلان زراندوز ، به سيطره شب و جلوه روز و به ذات خويش ، سوگند ياد كرده است .

و الّيل . .. إنّ سعيكم لشتّى . فأمّا من أعطى ... لليسرى . و أمّا من بخل ... فسنى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - ليل - ۹۲ - ۲۱ - ۴

۴ - خداوند ، بر وعده خود درباره رساندن انفاق گرانِ باتقوا به فرجامى رضايت بخش ، سوگند ياد كرده است . *

و لسوف يرضى

<لام> در <لسوف>، لام قسم و يا لام ابتدا است; برداشت ياد شده، براساس احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - ضحى - ۹۳ - ۱ - ۱،۲

۱ - سوگند خداوند ، به چاشت گاه و به گسترش نور خورشيد در آن زمان

و الضحى

<ضحى> در معانى گسترش نور خورشيد و <پهناور شدن روز> (مفردات راغب) و <اندكى پس از بالا آمدن روز>

(قاموس) به کار می رود.

۲ - وقت چاشت و زمان پرتو افشانی خورشید ، دارای عظمتی درخور سوگند خداوند

و

الضحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۲ - ۱،۲،۳

۱ - سوگند خداوند ، به شب ، هنگام سیطره کامل تاریکی آن بر موجودات

و الّیل إذا سجی

<سجی الّیل>؛ یعنی، شب با تاریکی خود ساتر شد و پوشاند(مصباح). اصل این کلمه، بر آرامش یافتن و انطباق کامل دلالت دارد. (مقاییس اللغه)

۲ - شب و سیطره افکندن تاریکی آن بر موجودات ، از نعمت های بزرگ الهی و دارای عظمتی درخور سوگند خداوند

و الّیل إذا سجی

۳ - آرامش موجودات در شب ، نعمتی بزرگ و دارای عظمتی درخور سوگند خداوند

و الّیل إذا سجی

<آرامش یافتن> (یکی از معانی ذکر شده برای <سَجْو>) در آیه شریفه به شب اسناد یافته است. این اسناد یا حقیقی است؛ یعنی، با سیطره کامل تاریکی، گویا شب از پیشروی باز ایستاده است و یا اسناد مجازی است و شب آرام به معنای بی تحرّک بودن موجودات در شب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۳ - ۷

۷ - خداوند ، در تأکید بر قطع نشدن ارتباط او با پیامبر (ص) و ناخرسند نبودن از آن حضرت ، به نور خورشید و تاریکی شب سوگند یاد کرده است .

و الضحی . و الّیل إذا سجی . ما ودّعک ربّک و ما قلی

این آیه، جواب قسم هایی است که در آغاز سوره آمده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ – تین – ۹۵ – ۱ – ۱،۲،۳،۵

۱ – سوگند خداوند ، به انجیر و زیتون

و التین و الزیتون

۲ – انجیر و زیتون

، دو نعمت شایسته برای انسان و دارای ارزشی درخور سوگند خداوند

و التین و الزیتون

۳ - سوگند خداوند ، به سرزمین انجیر و زیتون *

و التین و الزیتون

از احتمالاـتی که درباره مفاد آیه گفته شـده، این است که مراد از <انجیر> و <زیتون> به قرینه دو آیه بعـد دو منطقه اسـت کـه یکیماننـد <کـوفه> سـرزمین انجیرخیز و دیگری ماننـد <بیت المقـدس> سـرزمین زیتـون بـوده است. در این صـورت سوگندهای چهارگانه این سوره، سـرزمین های نزول وحی را دربرگرفته است; زیرا <نوح>(ع) در کوفه، ابراهیم و عیسی(ع) در بیت المقدس، موسی(ع) در طور سینا و پیامبر اسلام(ص) در مکه به نشر آیین خویش پرداختند.

۵ - < عن أبی الحسن الاوّل قال : قال رسول اللّه (ص) : إنّ اللّه تبارک و تعالی . . . اختار من البلدان أربعه فقال عزّوجلّ : < و التین و الزیتون . و طور سـینین . و هـذا البلـد الأمین > فالتین المـدینه ، و الزیتون بیت المقـدّس ، و طور سـینین الکوفه و هذا البلد الأمین مکّه ;

از امـام موسـی بن جعفر(ع) روایت شـده است که فرمود: رسول خـدا(ص) فرمود: خداونـد تبـارک و تعالی . .. از بین شـهرها، چهـار شـهر را انتخـاب کرد. او که عزیز و جلیـل است فرمود: < والتین و الزیتون . و طور سـینین . و هـذا البلـد الأـمین>. پس <تین> مدینه و <زیتون> بیت المقدس و <طور سینین> کوفه و <هذا البلد الأمین> مکه است.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۲ - ۱،۲

۱ - سوگند خداوند ،

به کوه طور در سرزمین سینا

و طور سینین

<سینین>، در اصل نام نوعی درخت است که به آن <سَیْناء> نیز گفته می شود (صحاح). رویش فراوان آن درخت، در منطقه ای که بین مصر و فلسطین است، سبب شده که به آن منطقه، <سَیْناء> یا <سینین> گفته شود و کوه طور که در آن سرزمین است به <طور سینین> یا <طور سَیْناء> مشهور گردد.

۲ - < طور > ، کوهی با عظمت و دارای ارزشی درخور سوگند خداوند

و طور سینین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۳ - ۱،۲،۴

۱ - سوگند خداوند ، به شهر مکه

و هذا البلد الأمین

۲ - < مکه > ، شهری با عظمت و دارای ارزشی درخور سوگند خداوند

و هذا البلد الأمین

عظمت مکه، از سوگند خداوند به آن و از اشاره با کلمه <هذا> دانسته می شود; زیرا آوردن اشاره به جای ذکر نام یا برای تحقیر است و یا تعظیم. سیاق آیه شریفه، حاکی از تعظیم است.

۴ - امنیت مکه ، مایه عظمت و شایستگی آن برای سوگند خداوند است .

و هذا البلد الأمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۴ - ۴

۴ - برخورداری انسان از خلقت برتر ، حقیقتی است که خداوند آن را با سوگند به انجیر ، زیتون ، طور سینا و شهر مکه ، بیان داشته و بر آن تأکید کرده است .

و التين . .. لقد خلقنا الإنسن فی أحسن تقويم

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۲۰ – علق – ۹۶ –

۱۵ - ۶

۶ - سوگند خداوند در تأکید بر مؤاخذه حتمی تکذیب گران دین و مخالفان نماز ، هدایت و تقوا

لئن لم ینته لنسفعًا بالناصیه

<لام> در <لئن. ..> لام قسم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۱ - ۱

۱ - سوگند خداوند ، به اسبانی که در راه جهاد تاخته و نفس نفس زده اند .

و العدیت ضبحًا

<عادیات>، از ریشه <عَدْو> (دویدن) است و به قرینه آیات بعد که از جرقه های سُم و برپا کردن غبار سخن گفته است مراد، اسبان دونده است. <ضبح>; یعنی، صدای نفس های اسب که به <ضُباح> (صدای روباه) تشبیه شده است (مفردات). جمله <فأثرن...> در آیات بعد که خبر از گذشته می دهد بیانگر آن است که مراد، اسبانی است که در نبردی خاص حضور داشتند. در شأن نزول آیه شریفه آمده است که آن نبرد، غزوه <ذات السلاسل> بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۲ - ۱

۱ - سوگند خداوند ، به اسبانی که هنگام جهاد با دویدن و کوباندن سم بر سنگ ها ، جرقه برمی افروختند .

فالموریت قدحًا

<قدح>، به معنای استخراج آتش از سنگ چخماق است. این کلمه مصدر و با <ایراء> (مصدر <موریات>) به یک معنا است (تاج العروس). عطف <موریات> بر <عادیات> با حرف <فاء>، بیانگر ارتباط <پیدایش جرقه> با <دویدن اسب ها> است و قسم را نیز به این وصف سرایت داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۳ -

۱ - سوگند خداوند ، به اسبان مجاهدان که هنگام صبحدم بر دشمنان تاخته و آنان را غافلگیر کرده اند .

فالمغیرت صبحًا

<اغاره> (مصدر <مغیرات>)، به معنای تاختن سریع اسب برای غارت کردن یا غیر آن است (قاموس). <صبحاً> ظرف و تاختن در صبحگاه، کنایه از غافلگیر کردن دشمن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۴ - ۱،۲

۱ - سوگند خداوند ، به اسبان جنگی که با حرکت سریع خود ، در هجوم غافلگیرانه بر دشمنان دین ، غبار شدیدی به فضا پراکنده ساختند .

فأثرن به نقعًا

فعل <أثرن>، عطف بر <مغیرات> و بیانگر آثار <اغاره> است; بنابراین قسم در آیه قبل به این وصف نیز مربوط است. ضمیر <به> به <عَدْو> (دویدن) که از <عادیات> انتزاع شده است برمی گردد. <اثاره> (مصدر <أثرن>) به معنای منتشر ساختن است. <نقع>; یعنی، غبار منتشر و نکره بودن آن، بر شدّت غبار دلالت دارد.

۲ - حرکت مَرکب رزمندگان در راه جهاد ، حتی غبار برخاسته از آن ، ارزشمند و دارای عظمتی درخور سوگند خداوند است .

فأثرن به نقعًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۵ - ۱،۲

۱ - سوگند خداوند ، به اسبانی که هنگام جهاد ، خود را به قلب سپاه دشمن زده ، رزمندگان را برای نبرد همه جانبه یاری می دادند .

فوسطن به جمعًا

<جمع>، به معنای جماعت و گروه است. این کلمه مصدری است که به صورت اسم به کار می رود (مصباح). ضمیر <به> به <عَدْو> (دویدن) که از <عادیات> انتزاع شده است

بازمی گردد.

۲ - آسیب زدن به قلب سپاه دشمن و از کار انداختن مرکزیت آن ، رزمی در خور تمجید و سوگند خداوند

فوسطن به جمعًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۷ - ۳

۳ - خداوند ، در تأکید بر آگاهی دشمنان اسلام از خوی ناسپاسی خویش ، به اسبان تیزپای مجاهدان ، سوگند یاد کرده است .

و العدیت . .. و إنّه علی ذلک لشهید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۸ - ۷

۷ - خداوند ، در تأکید بر شدّت مال دوستی دشمنان دین ، به مَرکب مجاهدان سوگند یاد کرده است .

و العدیت . .. و إنّه لحبّ الخیر لشدید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۶ - ۲

۲ - سوگند خداوند برای تأکید بر حتمی بودن مشاهده جهنم در قیامت

لترونّ الجحیم

جمله <لترونّ. ..> یا جواب <لو> است و یا جواب قسم محذوف. برداشت یاد شده ناظر به احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۷ - ۲

۲ - سوگند مکرّر خداوند ، بر حتمی بودن مشاهده جهنم در قیامت و پیدایش یقین برای ناظران آن

ثمّ لترونّها عين اليقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عصر - ۱۰۳ - ۱ - ۱،۲،۳،۴

۱ - سوگند خداوند ، به عصر پیامبر (ص)

و العصر

حرف <ال> در <العصر>، برای عهد حضوری است؛ یعنی، سوگند به این عصر!

۲ - عصر پیامبر (ص) ، دارای عظمتی

درخور سوگند خداوند

و العصر

۳ - سوگند خداوند به روزگار

و العصر

یکی از معانی <عصر> دهر است; یعنی، زمانی طولانی و غیر محدود که انقضای آن، به انقراض اهل آن زمان بستگی دارد. (تاج العروس)

۴ - سوگند خداوند ، به عصر هر روز و نماز فریضه آن *

و العصر

چنانچه <عصر> به معنای <عشیّ> (بعد از ظهر تا غروب) باشد، سوگند به آن یا ناظر به همان زمان خواهد بود و یا به قرینه ظرف و مظروف، مراد نماز عصر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عصر - ۱۰۳ - ۲ - ۲

۲ - خداوند ، در تأکید بر خسارت بار بودن وضع انسان ها ، به عصر پیامبر (ص) سوگند یاد کرده است .

و العصر . إنّ الإنسن لفی خسر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۴ - ۴

۴ - سوگند خداوند ، در تأکید برافکنده شدن دوزخیان در آتشِ جهنم

لینبذنّ

حرف <لام> در <لینبذنّ>، نشانگر قسم محذوف است.

سهولت تعلیم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۳ – ۴

۴- آموزش قرآن به اهل خشیت ، آسان و بی نیاز از تحمل رنجو ناراحتی است .

ما أنزّلنا . .. لتشقی إلاّ تذکره لمن یخشی

سهولت فهم قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۱۵ – ۳

۳ قرآن ، کتابی روشن و به دور از هر گونه ابهام و قابل درک برای همگان

و إذا تتلی علیهم ءایاتنا بیّنت

جلد – نام سوره – سوره – آیه –

فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲ - ۹

۹ قرآن ، کتابی است قابل فهم برای تمامی انسان ها .

إنا أنزلنه . .. لعلکم تعقلون

مخاطب در جمله <لعلکم تعقلون> (باشد که اندیشه کنید و بفهمید) گروه و طایفه خاصی نیست ; بنابراین همگان بر درک آن توانا هستند. آری کلمه <عربیّاً> دلالت می کند که عربی دانستن از شرایط آن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۷ - ۴

۴ احکام و قوانین قرآن ، گویا ، رسا و قابل فهم برای مردم

و کذلک أنزلنه حکمًا عربیًّا

<عربی> به معنای فصیح و روشن است و لغت عرب را به همین لحاظ عربی می گویند. بنابراین <أنزلناه ... عربیّاً> ; یعنی ، قرآن را به لغت عرب، همان لغتی که گویا و رساست نازل کردیم. و لازمه گویا بودن ، قابل فهم بودن آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱ - ۸

۸- آیات قرآن کریم ، آیاتی روشن و قابل فهم

و قرءان مبین

برداشت فوق، مبتنی بر لازم بودن <مبین> است که به معنای آشکار و روشن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۹ - ۳

۳- گوناگونی بیان ها و مثال های قرآن ، متناسب با فهم توده های بشری و در جهت هدایت آنان

و لقد صرّفنا للناس فی هذا القرءان من کلّ مثل

<تصـریف> در لغت به معنـای گردانـدن چیزی به جهـات گوناگون است و <تصـریف کلام> آوردن آن به معانی مختلف می باشد. از اینکه قرآن کتاب

هـدایت است و می فرمایـد: <ما در قرآن جهات گوناگون معانی را لحاظ کردیم> اسـتفاده می شود که رعایت چنین جهاتی می تواند به خاطر نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۶ - ۶،۸

۶- تعالیم قرآن ، جهانی است و همه انسان ها توان فهم آن را دارند .

و قرءانًا فرقنه لتقرأه علی الناس علی مکث و نزّلنه تنزیلاً

۸- قرآن ، حقایقی عالی و تنزل یافته در حد فهم و درک بشر *

نزّلنه تنزیلاً

در معنای <نزول> فرود از مرتبه عالی نهفته است (مفردات راغب) و چون نزول فیزیکی قرآن قابل تصور نیست، ممکن است مقصود نزول معنوی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۷ - ۱،۲،۳،۵

۱- معارف و حقایق مطرح شده در قرآن ، مطالبی سنگین و بسیار عالی ; که در سطح فهم بشر تنزل یافته و آسان شده است .

فإنّما یسّرنه بلسانک

<تیسـیر> (مصـدر <یسّرنا>) به معنـای آسـان سـاختن است. آسـان سـازی در موردی متصور است که قبل، از آن به نحوی دشواری و سنگینی وجود داشته باشد. دشواری محتوای قرآن قبل از تسهیل (یسّرناه)، ظاهراً به اعتبار مفاهیم بلند و متعالی آن و به دور از دسترس بودن آنها برای افراد بشر است.

۲- تسهیل آسان سازی فهم مطالب متعالی قرآن برای بشر ، موهبتی از جانب خداوند است .

فإنّما یسّرنه بلسانک

۳- قرآن و معارف آن قابل درک برای بشر

فإنّما یسّرنه بلسانک لتبشّر به

۵- پیامبر (ص) و زبان گویای آن حضرت ، واسطه آسان شدن محتوای بسیار عالی قرآن برای درک

همگان

فإنّما يسّرنه بلسانک

مراد از <لسانک> علاوه بر عربی بودن قرآن، جاری شدن آن بر زبان مبارک پیامبر(ص) نیز می باشد; که در تأثیر گذاردی بر شنوندگان، نقش بسزایی داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۳ - ۱۲

۱۲ - معارف قرآن ، قابل درک برای مردم

و صرّفنا فیه من الوعید لعلّهم یتّقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۶ - ۳

۳ - قرآن ، کتابی است روشن و قابل فهم برای همگان .

أنزلنه ءایت بیّنت

توصیف آیه های قرآن به <بیّن>، بیانگر قابل فهم بودن آن است. حذف متعلق <بیّن> حاکی از آن است که: فهم قرآن اختصاص به قشر خاصی ندارد; بلکه همگان توانایی بهره مند شدن از آن را دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۲ - ۲

۲ - آیات قرآن ، روشن ، قابل فهم و به دور از هرگونه ابهام

و إذا تتلی علیهم ءایتنا بیّنت

<بینات> (جمع <بینه>) حال برای <آیاتنا> و <بینه> (مؤنث <بیّن>) به معنای روشن و واضح الدلاله است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱ - ۶

۶- قرآن ، دارای معارف و رهنمودهایی روشن و قابل فهم برای همگان

سوره . .. فيها ءايت بيّنت

<بيّنه> (مفرد <بيّنات>) به معنای دلالت واضح و برهان روشن است. توصیف آیات قرآن به <بيّنات> به اعتبار این است که دلالت آنها بر معانی واضح و روشن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴

- ۳۴ - ۲

۲ - قرآن ، قابل فهم برای همه مردم

و لقد أنزلنا إليكم ءايت مبيّنت

<مبيّنات> (جمع <مبينه> و مؤنث <مبيّن>) است و <مبيّن> به معنای بیانگر و روشن کننده است. بنابراین توصیف آیات الهی (قرآن) به <مبيّنات>، حکایت از روشن بودن و قابل فهم بودن خود آیات برای مردم است؛ زیرا سخنی که خود روشن نباشد، نمی تواند روشنگر چیز دیگری باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۶ - ۲

۲ - آیات الهی (قرآن) ، روشن و قابل شناخت برای انسان است .

لقد أنزلنا ءايت مبيّنت

برداشت یاد شده، از توصیف آیات الهی به <مبيّنات> (روشنگر) به دست می آید؛ زیرا چیزی که صفت روشنگری داشته باشد، بی گمان خود روشن و قابل درک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲ - ۴

۴ - قرآن ، کتابی روشن و قابل فهم برای همگان

الكتب المبين

<إبانه> به معنای وضوح و روشنی نیز می آید. بنابراین <کتاب مبین>؛ یعنی، کتاب روشن و واضح الدلاله. گفتنی است که در این صورت، حذف متعلق <مبین> بیانگر این حقیقت است که فهم معانی قرآن اختصاص به قشر و طبقه ای خاص ندارد؛ بلکه این کتاب، برای همه مردم واضح الدلاله است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۵ - ۵

۵ - قرآن ، قابل فهم و استفاده برای عموم مردمان

بلسان عربیّ مبین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۱ – ۳

۳ – قرآن ،

کتابی روشن و قابل فهم برای همگان

تلک ءایت القرءان و کتاب مبین

<إبانه> (مصدر <مبین>)، گاهی لازم و به معنای وضوح و روشنی به کار می رود و گاهی متعدی و به معنای ایضاح و روشنگری. بنابراین، <مبین> هم می تواند به معنای واضح و روشن باشد و هم به معنای ایضاح کننده و روشنگر. برداشت یاد شده بر پایه معنای اول است. گفتنی است که حذف متعلق <مبین> برپایه معنای اول بیانگر آن است که فهم قرآن، اختصاص به قشر خاصی ندارد; بلکه همگان می توانند از این سفره الهی بهره مند شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲ - ۳

۳ - قرآن ، کتابی روشن و قابل فهم برای همگان

الکتب المبین

<مبین> به معنای <روشن> و نیز <روشنگر> است برداشت یاد شده براساس معنای اول است. گفتنی است که در آیه بالا بیان نشده است که این کتاب برای چه کسانی روشن است و این نشان می دهد که فهم قرآن، اختصاص به دسته ای خاص ندارد; بلکه همگان می توانند آن را بفهمند و از آن بهره گیرند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۸ - ۳

۳ - قرآن کریم ، برای توده های مردم ، قابل فهم است .

و لقد ضربنا للناس فی هذا القرءان من کلّ مثل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۳ - ۳

۳ - قرآن ، حاوی آیه های روشن و قابل فهم برای مردم

تتلی علیهم ءایتنا بیّنت

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۹ - ۱۰

۱۰ - قرآن ، کتابی روشن و قابل فهم برای همگان

و قرءان مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۷ - ۴

۴ - گوناگونی مثل های قرآن ، متناسب با فهم توده های بشری و قابل استفاده و سودمند برای طبقات مختلف فکری و اجتماعی است .

و لقد ضربنا للناس فی هذا القرءان من کلّ مثل

برداشت یاد شده با توجه به آمدن سه واژه در آیه شریفه است: ۱ لام در <للناس> که برای انتفاع است; ۲ <الناس> که بر عموم مردم دلالت دارد; ۳ آمدن واژه <کل> با <مَثَل> که بر تنوع مثل ها اشاره دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۸ - ۳

۳ - آموزه های قرآن ، گویا ، رسا و قابل فهم برای همه انسان ها است .

قرءانًا عربیًّا

<عربیّ> به معنای سخن فصیح و روشن است. بنابراین لازمه عربی بودن قرآن،گویایی و رسا و قابل فهم بودن آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲ - ۲

۲ - قرآن ، کتابی قابل فهم و مفاهیم آن قابل دستیابی برای بشر

و الکتب المبین

از توصیف قرآن به <مبین> (روشن)، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲ - ۵

۵ آسانی فهم و معارف قرآن برای انسان

و الکتب المبین

وصف <مبین> برای قرآن، نشانگر آن است که درک ظاهر معارف قرآن، چندان دشوار نیست.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۸ - ۲

۲- قرآن ، کتابی آسان و در دسترس فهم و درک بشر

فإنّما یسّرنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۹ - ۱

۱ تهدید منکرانِ پیام های روشن و قابل درک قرآن ، به فرجامی سخت از سوی خداوند

فإنّما یسّرنه . .. فارتقب إنّهم مرتقبون

عبارت <إنّهم مرتقبون>، کنایه از این است که کافران به بیان های روشن وحی ایمان نمی آورند تا سرانجام وعیدهای ما تحقق یابد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲ - ۵

۵- معارف والای قرآن ، نمود قدرت خداوند و نزول آن در سطح فهم و درک بشر ، نشانگر حکمت او است . *

تنزیل الکتب من اللّه العزیز الحکیم

<تنزیل> می تواند اشاره به تنزّل یافتن معارف بلند وحی، در مرتبه فهم بشر باشد و نه تنزّل فیزیکی و مکانی. از ارتباط <تنزیل الکتاب> با <العزیز الحکیم> ممکن است استفاده شود که اصل محتوای کتاب، دلیل عزت خداوند و تنزّل آن دلیل حکمت او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۹ - ۵

۵- کلمات و مفاهیم قرآن ، قابل فهم برای جنیان

یستمعون القرءان فلمّا حضروه قالوا أنصتوا

کلمات <یستمعون>، <أنصتوا> و <ولّوا . .. منذرین> نشانگر فهم و درک جنیان نسبت به مفاهیم قرآن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۴ - ۵

۵- مفاهیم عالی قرآن ، قابل درک و تدبّر برای انسان

أفلایتدبّرون القرءان

تعبیر

<أفلايتـدبّرون>، همگان را به تـدبّر در قرآن برمی انگیزاند. این انگیزش از سوی خداوند، مبتنی بر این است که حقایق قرآن برای بشر، قابل درک و استفاده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۷ - ۱،۴

۱ - قرآن ، کتابی آسان و قابل فهم برای همگان

و لقد یسّرنا القرءان

۴ - آسان سازی مفاهیم عالی قرآن در سطح فهم همگان ، جلوه ای از عظمت و قدرت خداوند *

و لقد یسّرنا القرءان

جمع آمدن ضمیر متکلم <یسّرنا>، در صورتی که برای تفخیم باشد، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۲ - ۱،۴

۱ - قرآن ، کتابی آسان و قابل فهم برای همگان

و لقد یسّرنا القرءان

۴ - آسان سازی مفاهیم عالی قرآن در سطح فهم همگان ، جلوه ای از عظمت قدرت خداوند *

و لقد یسّرنا القرءان

جمع آمدن ضمیر متکلم در <یسّرنا> در صورتی که برای تفخیم باشد; می تواند بیانگر مطلب بالا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۲ - ۱،۴

۱ - قرآن ، کتابی آسان و قابل فهم برای همگان

و لقد یسّرنا القرءان

۴ – آسان سازی مفاهیم عالی قرآن در سطح فهم همگان ، جلوه ای از عظمت و قدرت خداوند

و لقد یسّرنا القرءان

جمع آمدن ضمیر متکلم در <یسّرنا> در صورتی که برای تفخیم باشد می تواند مطلب بالا را افاده کند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۴۰ – ۱،۴

۱ – قرآن

، کتابی آسان و قابل فهم برای همگان

و لقد یسّرنا القرءان

۴ - آسان سازی مفاهیم قرآنی ، در سطح فهم همگان ، جلوه ای از عظمت قدرت خداوند

و لقد یسّرنا القرءان للذّکر

جمع آمدن ضمیر متکلم <یسّرنا> در صورتی که برای تفخیم باشد می تواند مطلب یاد شده را افاده کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۷ - ۴

۴ - قرآن ، قابل درک و بهره بردن برای تمام مردم

إن هو إلّا ذکر للعلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۱ - ۱۲

۱۲ - مفاد آیات قرآن ، قابل فهم حتی برای غیر مؤمنان

و إذا قریء علیهم القرءان لایسجدون

توبیخ در موردی صحیح است که مخاطب در برابر آنچه درک کرده است، خضوع نکند.

سهولت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳ - ۷

۷- نزول قرآن از جایگاه رفیع ، به منظور آسانی دستیابی خلق به معارف قرآن *

و الکتب المبین . إنّا أنزلنه

از ارتباط دو آیه، می توان استفاده کرد که نزول قرآن از مقام اصلی آن، برای این بوده است که بتواند قالبی رسا و روشن پیدا

کند و در دسترس فهم همگان قرار گیرد.

شبهه افکنی در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۲ - ۸

۸ - آزاد گذاشتن شیطان برای ایجاد شبهه پیرامون آیات وحی از یک سو و زدودن شبهه و تثبیت آیات از سوی دیگر ، جلوه ای از علم و حکمت خداوند

ألقی الشیطن

. .. و اللّه علیم حکیم

شرایط استفاده از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵۲ - ۱۱

۱۱- خردمندی ، از زمینه های لازم و از شرایط بهره مند شدن از معارف و آموزه های قرآن

هذا بلغ للناس . .. و لیذّکر أولواالألبب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۶ - ۲

۲- عبودیت و بندگی خداوند ، شرط بهره مندی از معارف قرآن

إنّ فی هذا لبلغًا لقوم عبدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲ - ۵

۵ - برخورداری از روحیه حق جویی ، شرط بهرهوری از پیام های روشن و هدایتگر قرآن

تلک ءایت القرءان و کتاب مبین . هدًی و بشری للمؤمنین

از آن جا که <ایمان> وصفی مقابل <کفر> است و کافران به خاطر داشتن روحیه استکباری و حق ستیزی (به جای بهره مند شدن از هدایت های آن) با آن به ستیز بر می خاستند، می توان گفت که قید <للمؤمنین> اشاره به این حقیقت دارد که روحیه ایمان و تسلیم در برابر حق، شرطی است لازم برای بهرهوری از هدایت های قرآن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳ - ۲

۲ - پایبندی به نماز و زکات و باور به آخرت ، شرط بهرهوری از هدایت و بشارت قرآن

هدًی و بشری للمؤمنین . الذین یقیمون الصلوه... و هم بالأخره هم یوقنون

فعل های <یقیمون> و <یؤتون> مضارع و مفید استمرار است; یعنی، <هدًی و بشری للذین یستمرون علی اقامه الصلاه

و إيتاء الزكاه>.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۴ – عنكبوت – ۲۹ – ۵۱ – ۱۲

۱۲ – قرآن ، اگرچه براى همه مردم است ، اما بهره گيرى از آن ، شرايط و شايستگى خاص مى طلبد .

أنّا أنزلنا عليك الكتب يتلى عليهم إنّ فى ذلك لرحمه. ..لقوم يؤمنون

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۳ – ۴

۴ – آمادگى براى پذيرش حق ، شرط بهره گرفتن از قرآن است .

هدًى و رحمه للمحسنين

بى شك قرآن كريم، كتاب هدايت براى همه است. اختصاص يافتن هدايت آن به گروهى خاص، در اين آيه، به معناى محدوديت هدايت قرآن نيست، بلكه به معناى بهره بردن كسانى است كه آمادگى لازم را داشته باشند.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۹ – ۱۸

۱۸ – داشتن روح پندپذيرى و حق جويى ، شرط بهره جستن و تأثير پذيرفتن از سخنان به حق قرآن

إنّما يتذكّر أُولوا الألبب

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۲۱ – ۱۸

۱۸ – داشتن روح پندپذيرى و حق جويى ، شرط بهره جستن و تأثير پذيرفتن از سخنان به حق قرآن

ألم تر أنّ اللّه أنزل من السماء ماء . .. إنّ فى ذلك لذكرى لأُولى الألبب

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۸ - ۲

۲ - تنها آن کسانی از تعالیم قرآن بهره می برند که خواهان حرکت در راه راست باشند .

لمن شاء منکم أن یستقیم

شرایط ایمان مکذّبان

قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۸ - ۲

۲ تحقق برخی از آيات الهی (برخی از حقايق مطرح شده در قرآن، مانند قيامت) از شرايط مشركان تكذيب كننده قرآن برای ايمان به آن

هل ينظرون إلا أن . .. يأتی بعض ءايت ربك

مراد از <بعض آيات ربك>، به دليل <لاـ ينفع نفساً إيمانها>، آيتی است كه مشاهده آن، حتی منكران قرآن را به ايمان وامی دارد. بنابراين می توان گفت مقصود، قيامت و مانند آن است. گفتنی است تكرار فعل <إتيان> (تأتيهم، يأتی ربك و يأتی بعض آيات) در آيه شريفه حكايت از تفاوت معنای اراده شده از هر يک دارد. <إتيان> در <يأتی بعض آيات> به معنای تحقق يافتن است.

شرايط تأثير بشارتهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۹ - ۱۸

۱۸- روحيه حق پذيری ، شرط بهرهوری از هدايت ، رحمت و بشارت قرآنی

و نزلنا عليك الكتب . .. و هدی و رحمه و بشری للمسلمين

شرايط تأثير قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۵۵ - ۳

۳ - قرآن ، مقتضی پندآموزی و بيدارگری و اراده انسان ، شرط تأثيرگذاری آن كتاب است .

إنّه تذكره . فمن شاء ذكره

برداشت ياد شده، با توجّه به اين نكته است كه خداوند قرآن را مايه پندگيری و بيدارگری معرفی كرده و سپس اراده انسان ها نسبت به پذيرش آن را مطرح ساخته است. اين نكته می رساند كه اراده و تصميم انسان ها، در تأثيرگذاری قرآن مؤثر است و

چنانچه انسان ها آن را نپذیرند، این خاصیت قرآن در حد اقتضا باقی می ماند و نمی تواند خود به خود تأثیر داشته باشد.

شرایط تأثیر هدایتهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۹ - ۱۸

۱۸- روحیه حق پذیری ، شرط بهرهوری از هدایت ، رحمت و بشارت قرآنی

و نزلنا علیک الکتب . .. و هدی و رحمه و بشری للمسلمین

شرایط تفسیر قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۳ - ۷

۷ - خردورزی ، از راه های دستیابی به حقایق معارف و مثال های قرآن است .

و تلک الأمثل . .. و ما یعقلها إلاّ العلمون

شرایط شفابخشی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۴ - ۹

۹ - ایمان ، شرط بهرهوری انسان از نور هدایت و شفابخشی قرآن

قل هو للذین ءامنوا هدًی و شفاء

شرایط مس قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۹ - ۱،۹

۱ - حرمت دست زدن به نوشته های قرآن بدون طهارت

لایمسّه إلّا المطهّرون

ضمیر در <لا‌یمسّه>، می تواند به قرآن بازگردد و نیز می تواند راجع به <کتاب مکنون> باشد. در صورت اول جمله <لا‌یمسّه...> انشا در قالب اخبار بوده و مفاد آن نهی از لمس قرآن بدون طهارت می باشد. برداشت یاد شده بر پایه همین احتمال است.

۹ - < عن ابراهیم بن عبدالحمید عن أبی الحسن (ع) قال المصحف لاتمسّه علی غیر طهر و لاجنباً إنّ اللّه یقول : <

لایمسّه إلاّ المطهّرون > ;

ابراهیم بن عبدالحمیـد از امام کاظم(ع) روایت نموده که فرمود: قرآن را بدون طهارت و در حال جنابت مس نکن. .. زیرا خدا فرموده: لایمسّه إلاّ المطهّرون>.

شرائط فهم قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۲ – ۷

۷ دانستن زبان عرب ، شرط درک و فهم معارف و حقایق قرآن

إنا أنزلنه قرء نًا عربیًّا لعلکم تعقلون

شرک ستیزی قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۴۰ – ۸

۸- مجادله قرآن با مشرکان ، با بهره گیری از باور های ایشان در رد عقاید شرک آلودشان

أفأصفکم ربّکم بالبنین و اتّخذ من الملئکه إنثًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۵۲ – ۵

۵ قرآن ، در هر عصر و زمان و در سطح جهانی ، توانا و شایسته برای مبارزه با جریان کفر و شرک

فلاتطع الکفرین و جهدهم به جهادًا کبیرًا

فرمان خداوند به جهاد بزرگ با کافران به وسیله قرآن پس از یادآوری جاودانگی و جهانی بودن رسالت پیامبر(ص) حاکی از آن است که قرآن، کتابی توانا و شایسته برای مبارزه جهانی و همیشگی با جریان کفر و شرک است.

شروع قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – حمد – ۱ – ۱ – ۲

۲ – قرآن ، کتابی است آغاز شده با نام خدا و همراه با اعلام رحمت بر بندگان .

بسم اللّه الرحمن الرحيم

شفابخشی قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰

- ۵۷ - ۱،۴،۷،۸،۹

۱ قرآن ، برای همه مردم موعظه و برای بیماری های نهفته در دل بیماردلان ، دارویی شفابخش است .

یأیها الناس قد جاءتکم موعظه من ربکم و شفاء لما فی الصدور

۴ ربوبیت خداوند ، مقتضی نزول کتابی پندآموز ، شفابخش ، هدایتگر و رحمت بخش است .

یأیها الناس قد جاءتکم موعظه من ربکم و شفاء لما فی الصدور و هدًی و رحمه

۷ موضوعات مطرح شده در قرآن ، در راستای پندآموزی ، شفابخشی ، هدایتگری و رحمت بخشی است .

یأیها الناس قد جاءتکم موعظه من ربکم . .. و رحمه للمؤمنین

۸ امام صادق (ع) از پدرانش روایت کرده است : < شکا رجل إلی النبی (ص) وجعاً فی صدره فقال (ص) : استشف بالقرآن فان اللّه عزوجل یقول : < و شفاء لما فی الصدور > ;

مردی خدمت رسول خدا (ص) از درد سینه شکایت کرد، حضرت فرمود: از قرآن شفا بگیر; زیرا خدای عزوجل می فرماید: [قرآن] شفاست برای آنچه در سینه هاست>.

۹ از امام صادق (ع) روایت شده است : < و انزل علیکم کتاباً فیه شفاء لما فی الصدور من امراض الخواطر و مشتبهات الأمور ;

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۲ - ۲،۳،۴،۷،۹،۱۱،۱۳،۱۴

۲- نزول آیات قرآن از سوی خداوند ، برای شفابخشی بیماری های روحی و فکری انسان است .

و ننزّل من القرءان ما هو شفاء و رحمه

از آنجایی که قرآن، کتاب هدایت و وجه غالب آن، کتاب معنویت است; شفا بودن آن می تواند رفع

مشکلات فکری و روحی باشد.

۳- نقش نزول تدریجی آیه های قرآن ، در زدایش بیماری انسانها

و ننزّل من القرءان ما هو شفاء و رحمه

برخی اهل لغت برآنند که ماده <نزل> در باب تفعیل، به معنای نزول تدریجی است. بنابراین، ذکر نزول قرآن به صورت تدریجی و یادآوری هدف آن که شفاست، گویای حقیقت فوق است.

۴- قرآن ، شفابخش هرگونه بیماری در انسانهاست .

و ننزّل من القرءان ما هو شفاء

۷- تنها اهل ایمان و حق پذیران ، برخوردار از شفا و رحمت قرآنند .

و ننزّل من القرءان ما هو شفاء و رحمه للمؤمنین

۹- راه یابی برخی بیماری های فکری ، روحی و اخلاقی در مؤمنان و نیاز آنان به درمان خویش با قرآن

و ننزّل من القرءان ما هو شفاء و رحمه للمؤمنین

۱۱- کافران حق ناپذیر ، ظالمند و از موهبت رحمت و شفابخشی قرآن ، تنها خسارت و زیان به ارمغان می برند .

شفاء و رحمه للمؤمنین و لایزید الظلمین إلاّ خسارًا

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مراد از <ظالمین> به قرینه مقابله با <مؤمنین> کافران باشند.

۱۳- < عن أبی عبدالله (ع) : . . . إنما الشفاء فی علم القرآن لقوله : < و ننزّل من القرآن ما هو شفاء و رحمه للمؤمنین > . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده است: . .. همانا شفا در علم قرآن است; زیرا خداوند می فرماید: و ننزّل من القرآن ما هو شفاء و رحمه للمؤمنین ...>.

۱۴- < قال أبوعبدالله (ع) : ما اشتکی أحد من المؤمنین شکایه قطّ و قال بإخلاص نیه و مسح موضع العله و

يقول < و ننزّل من القرآن . . . > إلّا عوفى من تلك العله أيّه علّه كانت . . . ;

از امام صادق(ع) روايت شده است كه فرمود: مؤمنى بيمار نشده كه در حال بيمارى با نيت خالص جاى بيمارى را مسح كند و بگويد: <و ننزّل من القرآن. ..> مگر اينكه از آن بيمارى شفا يافته است...>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۴ - ۸

۸ - قرآن ، شفابخش امراض روحى و زداينده بيمارى هاى نفسانى اهل ايمان

قل هو للذين ءامنوا . .. شفاء

شقاوت معرضان از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - اعلى - ۸۷ - ۱۱ - ۱

۱ - تنها كسانى خود را از تذكرات قرآن ، دور نگه مى دارند كه تيره بخت تر از ديگران و گرفتار دشوارترين فرجام اند .

و يتجنّبها الأشقى

<أشقى> اسم تفضيل از ماده <شقاوت> است. ريشه اصلى اين كلمه بر سختى كشيدن دلالت دارد و نقطه مقابل سهولت و سعادت است (مقاييس اللغه). ذكر اين كلمه خالى از قيد زمان و مكان و متعلق سبب شده است كه بر هر نوع تيره بختى در دنيا و آخرت، قابل تطبيق باشد. آيه بعد، نوع اخروى آن را بيان داشته است.

شقاوتمندان و تعاليم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - اعلى - ۸۷ - ۱۱ - ۸

۸ - تيره بختان در روى گردانى از تعاليم قرآن ، درنگى نكرده و شتابزده خود را از آن دور مى سازند .

سيذّكر . .. و يتجنّبها الأشقى

فعل <سيذكّر> در

آیه قبل، تصمیم اهل خشیت بر پذیرش تذکرات قرآن را، به دور از شتاب زدگی و همراه با درنگ و تأمل، معرفی کرد و در این آیه فعل <یتجنّب> بدون حرف <سین> درباره شقاواتمندان آمد تا بر عجولانه بودن واکنش آنان دلالت کند.

شقاوتمندان و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۱ - ۶

۶ - شقاوتمندان ، در برابر خداوند و پیام های قرآن ، گستاخ و بی پروایند .

سیذّکّر من یخشی . و یتجنّبها الأشقی

شک به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۳ - ۶،۱۳

۶ - مخالفان رسالت درباره آسمانی بودن قرآن و نزولش از جانب خدا ، اظهار تردید می کردند .

و إن کنتم فی ریب مما نزلنا علی عبدنا

۱۳ - منکران قرآن به دروغ در حقانیت قرآن و آسمانی بودن آن ، اظهار تردید می کردند .

و إن کنتم فی ریب . .. فأتوا بسوره ... إن کنتم صدقین

متعلق <صادقین> به قرینه <إن کنتم فی ریب> شک و تردید مشرکان در آسمانی بودن قرآن است; یعنی: إن کنتم صادقین فی انکم مرتابون . ..; اگر در اظهار تردید راستگو هستید چنین کنید. این معنا کنایه از دروغگویی آنان در اظهار شک و تردید است.

شک به وحیانیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۵ - ۱

۱ - شک و تردد مشرکان صدراسلام نسبت به قرآن والهی بودن آن ، عمیق و غیر قابل زوال بود .

و لایزال الذین کفروا فی مریه منه

حتّی تأتیهم الساعه

متعلق <کفروا> حذف شده و تقدیر آن به قرینه <أنّه الحقّ من ربّک> (در آیه پیش)، <کفروا بالقرآن> می باشد. <مریه> اسم مصدر از فعل <امتری یمتری> و به معنای شک و تردید است. <ال> در <الساعه> برای عهد ذهنی و <ساعه> به معنای لحظه و هنگام است. بنابراین <الساعه>; یعنی، آن هنگام که اشاره دارد به زمان برپایی قیامت و حضور مردم در عرصه محشر. <بغت و بغته> یعنی ناگهان.

شک در حقانیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۱ - ۳

۳- گرایش محرومان به قرآن ، بهانه مستکبران برای تردید در حقانیت آن

و قال الذین کفروا . .. لو کان خیرًا ما سبقونا إلیه

تعبیر <لو کان خیراً. ..>، بیان دلیل است و از محتوای آیه استفاده می شود که کافران، از طایفه اشراف مستکبر و مؤمنان از طبقه محروم بودند. بدین جهت مستکبران، ابراز می داشتند اگر قرآن خیری در برداشت، تهی دستان بی هویت بدان روی نمی آوردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۱ - ۱۶

۱۶ - ازدیاد شک و تردید نسبت به حقانیت قرآن ، بر اثر یادآوری بعضی از حقایق الهی ، جلوه ای از گمراه شدن کافران و بیماردلان از سوی خداوند

کذلک یضلّ اللّه من یشاء و یهدی من یشاء

شک در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۴ - ۷

۷ - منافقان ، گرفتار شک و تردید نسبت به مبانی اسلام (توحید ، نبوت ، معاد ، قرآن

و . . .)

قالوا بلی و لکنّکم . .. ارتبتم

شکست توطئه دشمنان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۹ - ۶

۶ سران کفر و شرک علی رغم به کار بردن شگرد های گوناگون تبلیغی علیه قرآن و پیامبر (ص) ، از دستیابی به اهداف خود ناتوان و ناکام بودند .

إن هذا إلّا إفک . .. قالوا مالِ هذا الرسول ... لولا أُنزل إلیه ملک ... إلّا رج

مقصود از ناتوانی در یافتن راه، می تواند ناتوانی از دستیابی به راه موفق و مؤثر برای پیگیری اهدافشان باشد; یعنی، <فلایستطیعون سبیلًا إلی إبطال أمرک. ..>.

شکست توطئه علیه قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۹ - ۷

۷ استفاده از شیوه های بهانه جویانه و دروغ علیه قرآن و پیامبر (ص) ، شیوه ای ناموفق و ناکام

و قال الذین کفروا إن هذا إلّا إفک . .. أسطیرالأوّلین ... رجلًا مسحورًا... فضلّ

شکست دشمنان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۶ - ۷

۷ - کسانی که بدون منطق و برهان ، به ستیزه جویی و مبارزه با تعالیم قرآن می پردازند ، به مقصود خود نخواهند رسید .

إنّ الذین یجدلون فی ءایت اللّه . .. إن فی صدورهم إلّا کبر ما هم ببلغیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۱۲ – ۳

۳ – تلاش کافران ، برای خدشه دار ساختن قرآن ، کاری بازیگرانه و بی

فرجام

الذین هم فی خوض یلعبون

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که مراد از <خوض>، نقد و انتقادهایی باشد که کافران از سر تکذیب نسبت به قرآن انجام می دهند و اطلاق لعب بر این عمل از آن جهت باشد که نتیجه ای، عاید آنان نمی شود.

شکست مبارزه با قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۸ - ۷

۷ - هر گونه تدبیر و تلاش در راستای مبارزه با اسلام و قرآن ، مغلوب اراده خداوند و محکوم به شکست است .

یریدون لیطفؤا . .. و اللّه متمّ نوره

شکست مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۰ - ۴

۴ - اعلام خداوند مبنی بر شکست خوردن مشرکان مخالف قرآن و گرفتار شدن آنان به پی آمد های سوء کفرشان در آینده نزدیک

فکفروا به فسوف یعلمون

شکست ناپذیری قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵ - ۴

۴ - قرآن ، کتابی پیروزمند ، شکست ناپذیر و رحمت آفرین برای بشر

و القرءان . .. تنزیل العزیز الرحیم

نسبت دادن نزول قرآن به مقام عزت و رحمت خداوند، می تواند بیانگر این نکته باشد که این کتاب نیز عزّتمند و رحمت

آفرین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱ - ۵

۵ - قرآن ، در عرصه فکر ، اندیشه و . . . پیروزِ شکست ناپذیر و کتابی حکیمانه است .

تنزیل الکتب من اللّه العزیز الحکیم

برداشت بالا به خاطر این نکته است که

چون خداوند، عزیز (پیروز شکست ناپذیر) و حکیم است; بنابراین سخن او نیز در عرصه خاصِ خود (فکر، اندیشه و. ..) چنین خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲ - ۵

۵ - قرآن ، در عرصه فکر و اندیشه ، پیروز شکست ناپذیر و کتابی عالمانه است .

تنزیل الکتب من اللّه العزیز العلیم

از آن جایی که خداوند عزیز و علیم است، سخن او هم در عرصه خود (فکر، اندیشه و . ..) چنین خواهدبود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۱ - ۱۰

۱۰ - شکست ناپذیری قرآن ، در برابر معارضه ها و موضع گیری های خصمانه کافران

إنّ الذین یلحدون . .. إنّ الذین کفروا ... و إنّه لکتب عزیز

شگفتی اعراض از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۶ - ۱

۱ - اعراض از قرآن و روی آوردن به غیر آن ، شگفت آور و خطایی آشکار است .

فأین تذهبون

استفهام توبیخی در آیه شریفه، علاوه بر سرزنش خطاکاران، بر تعجب از آن خطا نیز دلالت دارد.

شگفتی تأثیرناپذیری از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۹ - ۵

۵ - تأثیرناپذیری از قرآن ، امری شگفت آور است .

فما لهم عن التذکره معرضین

شگفتی تعالیم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱ - ۴

۴ - قرآن ، دارای مطالب و موضوعاتی اعجاب برانگیز و شگفت آور

قرءانًا عجبًا

شگفتی تکذیب قرآن

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲ - ۶

۶ - < عن ابن جریح رضـی اللّه عنه فی قوله < بل عجبت > قال النبی (ص) : عجبت بالقرآن حین أنزل و یسـخر منه ضـلال بنی آدم ;

از ابن جریـح درباره قول خـدا <بل عجبت> روایت شـده که رسول خـدا(ص) فرمود: هنگام نزول قرآن تعجب می کردم که گمراهان بنی آدم آن را مسخره می کنند>.

شناخت حقانیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۲۲

۲۲ بیشتر مردم از بصیرتی که آنان را به حقانیت قرآن رهنمون شود ، محرومند .

أفمن کان علی بیّنه من ربه . .. و لکنّ أکثر الناس لایؤمنون

شیاطین و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱۱ - ۳

۳ - شرارت و پلیدی نهفته در نهاد شیاطین ، دلیل بیگانگی عمیق آنان بامفاهیم هدایتگر قرآن

و ما ینبغی لهم

مقصود از برداشت یـاد شـده این است که بـا توجه به محتوای هـدایتگر و تکامل بخش قرآن عرصه ای بر این اتهام که عناصـر پلیدی چون شیاطین در آن دخالت داشته باشند باقی نمی ماند.

شیطان هنگام تلاوت قرآن محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۲ - ۷

۷ – شبهه آفرینی شیطان به هنگام تلاوت آیات قرآن توسط پیامبر اسلام (ص) برای مردم

و ما أرسلنا . .. ألقى الشيطن فى أُمنيّته

صالحان و قرآن

جلد – نام سوره – سوره

- آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۴ - ۱۰

۱۰ صالحان ، گواهان عینی بر حقانیت قرآن و رسالت پیامبر (ص) *

فاکتبنا مع الشهدین . .. ان یدخلنا ربنا مع القوم الصلحین

جمله <نطمع ان یدخلنا . ..> می تواند اشاره به آرزو و درخواستی باشد که مسیحیان آن را با جمله <فاکتبنا مع الشهدین> از خداوند تقاضا کردند. بنابراین درخواست همراهی با شاهدان همان آرزوی همنشینی با صالحان خواهد بود. و لذا می توان گفت شاهدان همان صالحان هستند.

صبر در تبلیغ قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۴ - ۵

۵ - تبلیغ و اجرای تعالیم قرآن ، مستلزم صبر و شکیبایی است .

فاصبر لحکم ربّک

صداقت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۵ - ۱،۹،۱۰

۱ قرآن کلمه تام و صدق و عدل پروردگار است.

و هو الذی أنزل إلیکم الکتب . .. و تمت کلمت ربک صدقا و عدلا

مراد از <کلمت>، به قرینه آیه قبل که سخن از نزول کتاب است، قرآن می تواند باشد.

۹ خبرهای قرآن صادق و معارف، احکام و قوانین آن بر میزان عدل است.

و تمت کلمت ربک صدقا و عدلا

۱۰ قرآن و کلام الهی در برترین مرتبه از نظر صدق و عدل قرار دارند.

و تمت کلمت ربک صدقا و عدلا

اگر <صدقا و عدلا> تمیز نسبت باشند، بیانگر جهت تمامیت بوده که مضمون آن در برداشت فوق آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱۱ - ۵

قرآن ، گفتاری دروغ و بافته شده نبوده ; بلکه سخنی راست و درست است .

ما کان حدیثًا یفتری

مراد از ضمیر <کان> قرآن است. وصفهای بیان شده در آیه (و لکن تصدیق ...) بیانگر این معناست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۰ - ۲

۲ - قرآن ، سخنی راست و به دور از هر دروغ

بل أتینهم بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۲ - ۵

۵ - قرآن ، سخنی سراسر راست و مطابق با واقع و حق و حقیقت

و کذّب بالصدق

<صدق> به معنای امر مطابق با واقع و حق است و آمدن آن به صورت مصدر، برای افاده مبالغه می باشد; یعنی، قرآن و دینی که عین حق و نفس صدق است.

صفات قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۷ - ۳

۳ - تنها وصف شایسته برای قرآن ، وصف < تذکردهنده > است ; نه کلام شیطان یا ساخته مجنون

و ما صاحبکم بمجنون . .. و ما هو بقول شیطن ... إن هو إلاّ ذکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۲۱ - ۳

۳ - قرآن ، کتابی شریف و پرفایده است .

قرءان مجید

<مجید>، به معنای رفیع (قاموس) و مجد به معنای عزّت و شرف است. (مصباح). اصل این کلمه از <مَجَدَتِ الابل> گرفته شده است; یعنی، شتران به چراگاهی وسیع و پر علف دست یافتند. (مفردات راغب)

صفات مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۵۷ – ۷

۷ – کفرپیشگان و تکذیب گران صدراسلام ، مردمانی بودند خودبزرگ بین و استکبار پیشه .

و الذین کفروا و کذّبوا بَایتنا . .. عذاب مهین

صیانت قرآن از تغییر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۱۵ – ۱۲

۱۲ قرآن و کلام الهی تبدیل ناپذیر و مصون از هر گونه نقض و تغییر است.

و تمت کلمت ربک . .. لا مبدل لکلمته

<تبـدیل> یعنی چیزی را به جـای چیز دیگر قرار دادن، و همچنین به معنی ابطـال و نقض هم مجـازاً به کار می رود. لـذا نفی تبدیل در آیه به این معنا نیز گرفته شده است.

طغیان مکذبان قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۸۶ – ۶،۷

۶ خداوند منکران قرآن را در انکار و طغیانشان به حال خود ر ها می سازد .

و یذرهم فی طغینهم

۷ کفرپیشگان منکر قرآن ، مردمی متحیر و سرگردان در وادی گمراهی و طغیانگری

و یذرهم فی طغینهم یعمهون

در برداشت فـوق <فی طغیـانهم> متعلـق به <یعمهون> گرفته شـده است، <عَمَهْ> (مصـدر <یعمهون>) به معنـای تحیر و سرگردانی است.

ظاهر قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۳ - ۲۰

۲۰ عن محمّد بن منصور قال: سألت عبدا صالحا عن قول الله عز و جل: <قل إنما حرم ربی الفواحش ما ظهر منها و ما بطن> قال: ان القرآن له ظهر و بطن فجمیع ما حرم الله فی القرآن هو الظاهر و الباطن من ذلک ائمه الجور

. ... .

محمّد بن منصور گوید: از امام کاظم(ع) درباره آیه <قل انما حرم . .. > سؤال کردم فرمود: قرآن، دارای ظاهر و باطن است ; آنچه را خداوند در قرآن تحریم کرده فاحشه آشکار و باطن آن، اطاعت از پیشوایان ستمگر است ... .

ظرافت مثالهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۳ - ۴

۴ مثال های به کاربرده شده در قرآن ، دارای ظرافت و دقایق قابل تأمل است .

و ما یعقلها إلّا العلمون

ظلم استکبار با قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۰ - ۱۴

۱۴- استکبار در برابر قرآن ، ظلم و مایه محرومیت از هدایت الهی

و استکبرتم إنّ اللّه لایهدی القوم الظلمین

از منطبق شدن عنوان ظالم بر <مستکبر>، مطلب یاد شده استفاده می شود.

ظلم اعراض از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۱ - ۹

۹ - اعراض از قرآن ، ظلم است .

و قد خاب من حمل ظلمًا

مراد از ظلم به قرینه آیات پیشین، روی گردانی از قرآن است که از آن به <وزر> تعبیر شده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۹ - ۶

۶ - کفر به قرآن و روی گردانی از آن ، ظلم و گناهی غیرقابل بخشش است .

و من یعش عن ذکر الرحمن . .. و لن ینفعکم الیوم إذ ظلمتم أنّکم فی العذاب مشترکون

برداشت یاد شده بر این مبنا است که مراد از <ذکر الرحمان> قرآن باشد.

ظلم افترا به قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۱۷ – ۲

۲ تکذیب قرآن و ساختگی خواندن آن علی رغم اعتقاد به الهی بودنش اوج بیدادگری است .

فمن أظلم ممن . .. أو كذّب بأيته

ظلم تکذیب قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۱۷ – ۲

۲ تکذیب قرآن و ساختگی خواندن آن علی رغم اعتقاد به الهی بودنش اوج بیدادگری است .

فمن أظلم ممن . .. أو كذّب بأيته

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۵۲ – ۴

۴ تکذیب و انکار قرآن ، ظلم و موجب مخلد شدن مکذبان و منکران در عذاب اخروی است .

أثم إذا ما وقع ءامنتم به . .. ثم قيل للذين ظلموا ذوقوا عذاب الخلد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۶۸ – ۶

۶ – تکذیب قرآن ، بزرگ ترین ظلم است .

و من أظلم ممّن . .. أو كذّب بالحقّ لمّا جاءه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۳۲ – ۱

۱ – دروغ بستن به خدا و تکذیب قرآن و دین حق ، بزرگ ترین نوع ظلم است .

فمن أظلم ممّن کذب علی اللّه و کذّب بالصدق

مقصود از <صدق> قرآن و دین حق می باشد.

ظلم ستیزی قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۳ – ۸

۸- اسلام ، آیین ظلم ستیز

و تعالیم قرآن در جهت زدودن ظلم و سیه کاری از چهره جامعه است .

ما یأتیهم من ذکر من ربّهم محدث إلّااستمعوه و هم یلعبون. .. و أسرّوا النجوی الذین

توطئه و مخالفت گروه ستم پیشه با پیامبر(ص) و قرآن، بیانگر این نکته است که اسلام در جهت زدودن ظلم از جامعه و قطع منافع ظالمانه طبقه استثمارگر است; وگرنه چه دلیلی داشت که تنها این قشر به مخالفت با اسلام برخیزند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۱ - ۱۰

۱۰ - قرآن ، کتابی یادآور و بیدارگر

بل أتینهم بذکرهم فهم عن ذکرهم معرضون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۲ - ۱۵

۱۵- هدف اساسی قرآن ، دور داشتن انسان ها از ظلم و تباهی و ترغیب آنان به نیکی و احسان

لینذر الذین ظلموا و بشری للمحسنین

<لام> در <لینذر> غایت و هدف را می رساند.

ظلم کفر به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۹ - ۶

۶ - کفر به قرآن و روی گردانی از آن ، ظلم و گناهی غیرقابل بخشش است .

و من یعش عن ذکر الرحمن . .. و لن ینفعکم الیوم إذ ظلمتم أنّکم فی العذاب مشترکون

برداشت یاد شده بر این مبنا است که مراد از <ذکر الرحمان> قرآن باشد.

ظلم معرضان از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۷ - ۱۱

۱۱ کسانی که از قرآن رویگردان باشند، ستمکارترین مردمند.

فمن أظلم ممن . .. صدف عنها

<صدف> (مصدر

صدف) به معنای اعراض کردن و منصرف ساختن آمده است. (برگرفته از قاموس المحیط). برداشت فوق بر اساس معنای اول است.

ظلم مغالطه در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۸ - ۱۷

۱۷ مغالطه گران و یاوه گویان و جدل کنندگان در مورد قرآن و آیات الهی ستمکارند.

الذین یخوضون فی ءایتنا . .. مع القوم الظلمین

ظلم مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۷ - ۱۰

۱۰ تکذیب کنندگان قرآن ستمکارترین مردمند.

فمن أظلم ممن کذب بأیت الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۲ - ۳

۳ مشرکان تکذیب کننده پیامبر (ص) و قرآن ، مردمی ظالم و ستم پیشه اند .

أثم إذا ما وقع ءامنتم به . .. ثم قیل للذین ظلموا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۱ - ۱۲

۱۲ - کافران به قرآن ، مردمانی ظالم اند .

و قال الذین کفروا لن نؤمن بهذا القرءان . .. و لو تری إذ الظلمون

ظلمت مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۹ - ۱

۱ تکذیب کنندگان آیات الهی (قرآن)، کرها و لالهایی فرو رفته در ظلمتها هستند.

و الذین کذبوا بأیتنا صم و بکم فی الظلمت

ظهور حقایق قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۳ - ۱،۲،۵

۱ تنها راه ایمان به قرآن برای منکران قرآن ،

تحقق تهدید ها و بروز حقایق آن است .

و لقد جئنهم بکتب . .. هل ینظرون إلا تأویله

ضمیر در <تـأویله> به <کتب> در آیه قبـل برمی گردد. و مراد از تأویـل کتـاب الهی، به قرینه فرازهـای بعـد، بروز و ظهـور حقایق قرآن و تحقق تهدیـدها و وعده های آن است. و جمله <هل ینظرون ... > با توجه به اینکه ناظر به آیه قبل است، چنین معنا می شود: برای منکران قرآن جهت تصدیق آن راهی جز ظهور حقایق قرآنی، که در قیامت تحقق می یابد، نیست.

۲ قیامت ، روز تأویل و بروز حقایق مطرح شده در قرآن

هل ینظرون إلا تأویله یوم یأتی تأویله

مراد از <یوم> به دلیل فرازهای بعد روز قیامت است.

۵ منکران حقانیت قرآن ، در روز قیامت و بروز حقایق قرآن ، به حقانیت رسالت پیامبران اعتراف خواهند کرد .

یوم یأتی تأویله یقول الذین نسوه من قبل قد جاءت رسل ربنا بالحق

برداشت فوق مبتنی بر این است که ضمیر مفعولی در <نسوه> به<کتب> در آیه قبل برگردانده شود.

عاقلان و سوگندهای قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – فجر – ۸۹ – ۵ – ۱،۲

۱ – عاقلان با سوگنـد های خداوند به فجر ، شب های ده گانه ، شـفع ، وتر و گذشت شب ، به صـحت گفته او اطمینان یافته و آن را تصدیق می کنند .

هل فی ذلک قسم لذی حجر

۲ – سوگند به سپیده دم ، شب های ده گانه ، هر جفت و تاق و گذشت شب ، سوگندی شایسـته و بجا در دیدگاه هر شـخص عاقل

هل فی ذلک قسم لذی

حجر

استفهام در <هل فی ذلک. ..>، تقریری است و مراد تثبیت این نکته است که قسم های یاد شـده، فرد عاقل را اقناع می کند; به گونه ای که او نیز در تأکید کلام خود، چنین سوگندهایی به کار می برد.

عاقلان و مثالهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۸ - ۲۱

۲۱ - خردورزان ، تنها گروه بهره مند از تمثیلات و تشبیهات قرآنی اند .

ضرب لکم مثلاً . .. کذلک نفصّل الأیت لقوم یعقلون

عالمان به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۳ - ۸

۸ وجود فرد و یا افرادی در میان مسلمانان که به تمامی قرآن آگاه بود .

و من عنده علم الکتب

در اینکه مراد از <الکتاب> چیست؟ چند نظر ابراز شده است: ۱ مقصود قرآن است ; ۲ منظور تورات و انجیل است ; ۳ مراد لوح محفوظ است.

عبرت آموزی از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۵۵ - ۳

۳ - قرآن ، مقتضی پندآموزی و بیدارگری و اراده انسان ، شرط تأثیرگذاری آن کتاب است .

إنّه تذکره . فمن شاء ذکره

برداشت یاد شده، با توجّه به این نکته است که خداوند قرآن را مایه پندگیری و بیدارگری معرفی کرده و سپس اراده انسان ها

نسبت به پذیرش آن را مطرح ساخته است. این نکته می رساند که اراده و تصمیم انسان ها، در تأثیرگذاری قرآن مؤثر است و چنانچه انسان ها آن را نپذیرند، این خاصیت قرآن در حد اقتضا باقی می

ماند و نمی تواند خود به خود تأثیر داشته باشد.

عبرت آموزی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۵۴ - ۳

۳ - قرآن ، در بیدارگری و پندآموزی ، بهترین و جامع ترین کتاب است .

إنّه تذکره

تنکیر <تـذکره> برای تعظیم است. بر این اساس می توان گفت: عظیم بودن تـذکار قرآن، بیانگر عظمت و برتری این کتاب، از نظر پندآموزی و بیدارگری، نسبت به دیگر کتاب ها و نیز جامعیت آن در این عرصه است.

عبرت از آیات قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۳ - ۵

۵ آیات قرآن ، مایه پند و درس آموزی است .

و الذین إذا ذکّروا بأیت ربّهم

عبرت از تذکرات قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۲ - ۴

۴ - پذیرش تذکرات قرآن و خشیت و هراس در برابر خداوند ، مایه رهایی از آتش دوزخ

سیذّکّر من یخشی . و یتجنّبها الأشقی . الذی یصلی النار الکبری

عبرت از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۳ - ۲۱

۲۱ عبرت گیری و پندآموزی ، هدفی برای نقل و تحلیل تاریخ در قرآن

قد کان لکم . .. انّ فی ذلک لعبره لاولی الابصار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳ - ۱۱

۱۱ پندپذیری انسانها از قرآن، بسیار اندک و ناچیز است.

قلیلا ما تذکرون

<قلیلا> صفت برای مفعول مطلق محذوف است. یعنی <تذکرا قلیلا>. و کلمه

<ما> زایده و تأکید برای قلت تذکر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶ - ۹

۹ - توجه به نزول قرآن از سوی خالق ، مدیر و مالک تمام هستی ، مایه تقویت روحیه پندپذیری انسان از قرآن است .

تذکره . .. ممّن خلق الأرض ... استوی . له ما فی السموت ... و ما تحت الثری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰ - ۵

۵- قرآن ، درس آموز و مایه تذکر و پند برای انسان

کتبًا فیه ذکرکم

برداشت یاد شده مبتنی براین است که <ذکر> به معنای <تذکره> و <تذکر> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۰ - ۵

۵ پندگیری و درس آموزی ، فلسفه نزول قرآن بر مردم با دلایل گوناگون و اسلوب مختلف

و لقد صرّفنه بینهم لیذّکّروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۱ - ۱۱

۱۱ - مؤمنان ، از رحمت و پندآموز بودن قرآن ، بهره می برند .

إنّ فی ذلک لرحمه و ذکری لقوم یؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۹ - ۱۰

۱۰ – قرآن ، برای بیداری و پند گیری صاحبان خرد ناب است .

کتب أنزلنه . .. لیتذکّر أُولوا الألبب

<لبّ> به معنای عقل خالص و خرد ناب است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۲۸ – ۴

۴ – قرآن ، بهترین ، گُویاترین و شفاف ترین سخن

برای پنددهی و درس آموزی

اللّه نزّل أحسن الحدیث . .. لعلّهم یتذکّرون . قرءانًا عربیًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴۸ - ۱،۴

۱ - قرآن ، کتابی است بیداربخش و پندآموز .

و إنّه لتذکره للمتّقین

۴ - بیداربخشی و پندآموزی ، فلسفه نزول قرآن و قلمرو موضوعات آن

و إنّه لتذکره للمتّقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۹ - ۴

۴ - قرآن ، کتابی است بیدارگر و پندآموز .

عن التذکره معرضین

به گفته مفسران، مقصود از <تذکره> در این آیه، قرآن کریم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۱ - ۲

۲ - آیات قرآن ، راهنما و مایه غفلت زدایی و زمینه پندگیری و عبرت

کلاّ إنّها تذکره

مراد از ضمیر در <إنّها>، آیات قرآن است که با توجّه به بیان اوصاف آنها در آیات بعد، تصریح به مرجع ضمیر لزومی نداشته است. <تذکره> اعم از <دلالت> (راهنمایی) و <اماره> (نشانه) است و به هر چیزی که با آن تذکّر حاصل شود، اطلاق می گردد (مفردات راغب). <تذکیر> (مرادف تذکره) به معنای موعظه کردن و <ذکری> (اسم مصدر آن) به معنای عبرت است (قاموس)؛ بنابراین مراد از <تذکره> بودن قرآن، راهنمایی، موعظه کردن و مایه عبرت بودن آن است.

عبرت از قصص قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۱ - ۱۴

۱۴ - از امام صادق (ع) درباره سخن خداوند که می فرماید : < الذین ءاتینهم الکتب یتلونه حق تلاوته > روایت

شده که فرمود : < یرتلون آیاته و یتفقهون به و یعملون باحکامه و یرجون وعده و یخافون وعیده و یعتبرون بقصصه و یأتمرون بأوامره و ینتهون بنواهیه . . . ;

آنان قرآن را با ترتیل می خوانند و تلاش می کنند تا آیات آن را بفهمند و به احکام آن عمل می کنند و امیدوار به وعده ها و از وعید آن ترسان می باشند، و از قصه های آن پند و عبرت می گیرند و به اوامر آن تن می دهند و از نواهی آن دوری می گزینند . .. >.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۵ - ۵

۵ - بالا بردن معرفت و عبرت آموختن بشر ، فلسفه و قلمرو داستان سرایی های قرآن

کذّبت قبلهم قوم نوح . .. و لقد ترکنها ءایه فهل من مدّکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲۶ - ۳

۳ - پندآموزی ، از اهداف نقل داستان گذشتگان در قرآن

إنّ فی ذلک لعبره لمن یخشی

عبرت پذیران و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۰ - ۷

۷ - تعالیم قرآن ، برای انسان های پندپذیر سودمند است .

إن نفعت الذکری . سیذّکر من یخشی

مراد از جمله <سیذکّر. ..> به قرینه <إن نفعت الذکری> (در آیه قبل) <سیذکّر و ینتفع> است; یعنی، پذیرش پند قرآن، ملازم با سود بردن از آن است.

عجز از مبارزه با قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸

- ۵۱ - ۶

۶ - کافران ، ناتوان از رویارویی با قرآن و مبارزه با تعالیم آن

لمّا سمعوا الذکر و یقولون إنّه لمجنون

کافران، به هنگام شنیدن آیات قرآن به جای مبارزه با آن و یا نقد و رد تعالیم آن، به متهم ساختن آورنده آن (پیامبراسلام) روی آوردند. از این نکته می توان به مطلب یاد شده پی برد.

عجز مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۰ - ۱

۱ - منکران قرآن و تورات ، ناتوان از پاسخ دادن به پیشنهاد پیامبر (ص) (ارائه کتابی هدایتگرتر از قرآن و تورات)

قالوا سحران تظهرا . .. فإن لم یستجیبوا لک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۴ - ۸

۸ - کافران تکذیب گر ، ناتوان از رهانیدن خود از سقوط و مبارزه با عوامل آن

سنستدرجهم من حیث لایعلمون

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که چون عوامل و زمینه های سقوط، برای کافران ناشناخته و غافل گیرانه است; قهراً رهایی از آن نیز برای آنان ناممکن خواهد بود.

عدم تعقل در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۷ - ۲

۲- نیندیشیدن در آیات الهی (قرآن) و گذر کردن از آن بدون تأمل و اندیشه ، ستم کاری است .

و من أظلم ممّن ذکّر بأیت ربّه فأعرض عنها

عطف <أعرض> به وسیله حرف <فاء> گویای آن است که برخی، بدون تأمل و درنگ، پس از گوشزدشدن آیات الهی به آنان، از آن رومی گردانند

و همین، موجب ورود آنان به زمره ستم کاران می شود.

عذاب اخروی دشنام دهندگان به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۷ - ۵

۵ - ناسزا گویان به قرآن و پیامبر (ص) محروم از امداد های الهی در برابر عذاب قیامت

لاتجئروا الیوم . .. سمرًا تهجرون

عذاب اخروی مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۷ - ۱

۱ انکار کنندگان قرآن و رسالت پیامبر (ص) در خطر گرفتار شدن به عذاب های دنیوی (عذاب استیصال) و اخروی اند .

أفأمنوا أن تأتیهم غشیه من عذاب الله أو تأتیهم الساعه

ضمیر در <أفأمنوا> می تواند به <أكثر الناس> در آیه ۱۰۳ باز گردد. در این صورت مقصود از آن ضمیر کسانی اند که به قرآن و وحی الهی و رسالت پیامبر(ص) کافر شدند و آنها را انکار کردند.

عذاب تجزیه کنندگان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۰ - ۱

۱- التقاطیون و تجزیه کنندگان قرآن در صدر اسلام ، دچار عذاب الهی شدند .

کما أنزلنا علی المقتسمین

برداشت فوق مبتنی بر این نکته است که لفظ عذاب در جمله <أنا النذیر. ..> در آیه قبل، در تقدیر باشد و مفعول فعل <أنزلنا> ضمیر محذوفی باشد که به عذاب بر می گردد. بنابراین معنای آیه چنین می شود: همان گونه که عذاب را بر <مقتسمین> نازل کردیم. گفتنی است <المقتسم> به معنای کسی است که چیزی را به چند جزء تقسیم کند و مراد از آن

به قرینه آیه بعد (الذین جعلوا القرءان عضـین) تجزیه کنندگان قرآن هستند که برخی از معارف آن را پذیرفته و برخی را انکار کردند.

عذاب توطئه گران علیه قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۵ - ۵

۵ - تلاش گران بر ضد آیات قرآن ، عذابی دردناک و بد خواهند داشت .

و الذین سَعَوْ فی ءایتنا . .. لهم عذاب من رجز ألیم

به قرینه آیه بعد، می توان گفت که مراد از <آیات> در این آیه، آیات قرآن است.

عذاب دنیوی مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۷ - ۱

۱ انکار کنندگان قرآن و رسالت پیامبر (ص) در خطر گرفتار شدن به عذاب های دنیوی (عذاب استیصال) و اخروی اند .

أفأمنوا أن تأتیهم غشیه من عذاب الله أو تأتیهم الساعه

ضمیر در <أفأمنوا> می تواند به <أکثر الناس> در آیه ۱۰۳ باز گردد. در این صورت مقصود از آن ضمیر کسانی اند که به قرآن و وحی الهی و رسالت پیامبر(ص) کافر شدند و آنها را انکار کردند.

عذاب کافران به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲ - ۷

۷- کـافرانِ به قرآن و کـافرانی که تصـمیم به مانـدن در ظلمت ها گرفته انـد ، فرجامی بس ناگوار دارنـد و در عـذابی سـخت گرفتار خواهند شد .

و ویل للکفرین من عذاب شدید

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که مراد از کافران در این آیه، به قرینهء آیه قبل، کسانی هستند که

کتاب خدا را نپذیرفتند و از ظلمتها خارج نشدند.

عذاب مانعان از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۷ - ۲

۲ - ممانعت از دسترسی انسان ها به پیام قرآن ، در پی دارنده عذاب سخت الهی

و قال الذین کفروا لاتسمعوا . .. فلنذیقنّ الذین کفروا عذابًا شدیدًا

عذاب معرضان از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۷ - ۱۳

۱۳ خداوند، اعراض کنندگان از آیات خویش (قرآن) را به عذابی سخت گرفتار خواهد ساخت.

سنجزی الذین یصدفون عن ءایتنا سوء العذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۱ - ۱

۱ - تنها کسانی خود را از تذکرات قرآن ، دور نگه می دارند که تیره بخت تر از دیگران و گرفتار دشوارترین فرجام اند .

و یتجنّبها الأشقی

<أشقی> اسم تفضیل از ماده <شقاوت> است. ریشه اصلی این کلمه بر سختی کشیدن دلالت دارد و نقطه مقابل سهولت و سعادت است (مقاییس اللغه). ذکر این کلمه خالی از قید زمان و مکان و متعلق سبب شده است که بر هر نوع تیره بختی در دنیا و آخرت، قابل تطبیق باشد. آیه بعد، نوع اخروی آن را بیان داشته است.

عذاب مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۰ - ۱۹

۱۹ - منکران حقانیت قرآن و کافران به پیامبر (ص) ، به عذابی خوار کننده گرفتار خواهند شد .

و للکفرین عذاب مهین

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۳ - ۸

۸ - در قيامت ، هيچ راه نجاتی برای كافرانِ به قرآن و پيامبر (ص) وجود نخواهد داشت .

أولئك يؤمنون به و من يكفر به . .. و اتقوا يوماً لاتجزی نفس عن نفس شيئاً

هدف از توصيف قيامت، به اينكه فديه ای گرفته نمی شود و . ..; مأيوس كردن مستحقان عذاب است از اينكه راه نجاتی - جز ايمان به قرآن و پيامبر(ص) - برای خويش توهم كرده و به اعتبار آن دل خوش كنند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - يونس - ۱۰ - ۵۰ - ۳

۳ تكذيب كنندگان قرآن و رسالت پيامبر اكرم (ص) ، همواره در معرض عذاب ناگهانی استيصال ، قرار دارند .

قل أرءيتم إن أتيكم عذابه بيتاً أو نهاراً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۵۵ - ۱۸

۱۸- كافران به قرآن ، در خطر عذابی غافل گيرانه و يا عذابی رو در رو و آشكارند .

أن تأتيهم سنّه الأوّلين أو يأتيهم العذاب قبلاً

چنان چه <قُبُلاً> مفرد باشد، به معنای <رؤيت شده> و <روبه رو> است و مراد آيه اين می شود كه كافران، چه بسا، به عذابی از نوع عذاب پيشينيان كه به قرينه مقابله با <قُبُلاً> غافل گيرانه بود كيفر شوند و ممكن است به عذابی آشكار و رویاروی، گرفتار آيند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - مطففين - ۸۳ - ۱۶ - ۱

۱ - تكذيب كنندگان قرآن و قيامت و گناه كارانِ متجاوز ، به

حرارت شدید جهنّم گرفتار شده و در آن خواهند سوخت .

ثمّ إنّهم لصالوا الجحیم

<صالوا> که قبل از اضافه به <جهیم>، <صالون> (جمع <صال) بوده است ; یعنی، کسانی که با رنج و مشقت حرارت آتش را می چشند و در آن می سوزند. در لسان العرب آمده است: صَلِی بالنار و صَلِیَها صَلْیاً قاسی حرّها (حرارت آتش را با رنج و مشقت چشید) و صَلِیَ فلانٌ بالنار یَصْلی صُلِیّاً احترق (سوخت).

عرب ها و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳ - ۲

۲ - نزول قرآن به زبان عربی ، زمینه سهولت فهم آن برای مردم عصر پیامبر (ص) و جامعه های عرب زبان

إنّا جعلنه قرءانًا عربیًّا لعلّکم تعقلون

<عربیّاً> اگر به معنای زبان عربی باشد، خطاب در <لعلّکم تعقلون> خاص بوده و تنها شامل مردم عرب زبان می شود; یعنی، ما قرآن را به زبان عربی قرار دادیم به آن امید که شما مردم عرب در آن بیندیشید. و اگر <عربیّاً> به معنای فصیح و شیوا باشد، خطاب در <لعلّکم تعقلون> عام بوده و فراگیرنده همه انسان ها می شود; یعنی، ما قرآن را شیوا و گیرا قرار دادیم، بدان امید که شما انسان ها بدان جذب شده و در آن تعقل و اندیشه نمایید. برداشت یاد شده بر پایه احتمال اول است.

عربیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲ - ۴

۴ خداوند ، قرآن را در قالب لغت و زبان عرب نازل کرد .

إنا أنزلنه قرء نًا عربیًّا

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۷ - ۳

۳ خداوند قرآن را در قالب لغت و زبان عرب نازل کرد .

و کذلک أنزلنه حکمًا عربیًّا

کلمه <عربیّاً> می تواند صفت برای <حکماً> باشد و می تواند حال برای ضمیر <ه> در <أنزلناه> باشد. برداشت فوق ناظر به احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۳ - ۷

۷- قرآن ، در قالب زبان عربی فصیح و روشن نازل شده است .

لسان الذی یلحدون إلیه أعجمیّ و هذا لسان عربیّ مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۳ - ۳

۳ - قرآن ، نازل شده به زبان عربی ، و منطبق با اصول و قواعد آن

و کذلک أنزلنه قرءانًا عربیًّا

برداشت یاد شده ناظر به این احتمال است که <عربیّاً> به معنای زبان مخصوص عرب باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۵ - ۱،۳

۱ - نزول مفاهیم وحی در قالب الفاظ عربی بر قلب پیامبر (ص)

نزل . .. علی قلبک ... بلسان عربیّ

۳ - انتخاب گویاترین و روشن ترین واژه ها و شیوه های گویش عرب برای بیان وحی

بلسان عربیّ مبین

در برداشت یاد شده <مبین> به عنوان صفت احترازی اخذ شده است. براین اساس زبان عربی به دو دسته (مبین و غیرمبین) تقسیم می شود و خداوند قسم اول را برای بیان مفاهیم وحی برگزیده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۰ - ۱

۱ - مجرمان متعصب

عرب ، منکر آسمانی بودن قرآن ، علی رغم جریان آن درقلب هایشان به زبان عربی روشن

کذلک سلکنه فی قلوب المجرمین

<کذلک> بـه فرض نزول قرآن به زبـان غیر عربی (و لـو نزّلنـاه علی بعض الأـعجمین. ..) اشـاره دارد. <سـلوک> (مصـدر <سـلکنا>) بـه معنـای وارد کردن و راه دادن است. ضـمیر مفعـول در <سـلکناه> به قرآن بـازمی گردد؛یعنی، <مثـل ذلک السـلوک سـلکنا القرآن فی قلوب المجرمین>. مقصود این است که همان طور که اگر قرآن به زبان عجمی نازل می گردید و بر این مجرمان تلاوت می شـد، از آن چیزی نمی فهمیدنـد، اکنون هم که به زبان عربی شـیوا و روشن نازل شـده است، از آن چیزی نمی فهمند و به آن ایمان نمی آورند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۸ - ۲

۲ - قرآن ، در قالب زبان عربی نازل شد .

قرءانًا عربیًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲ - ۵

۵ - قرآن ، در قالب الفاظ عربی ، دارای نزول تدریجی از جانب خداوند

حم . تنزیل من

بنابراین احتمال که <حم> نظر به جنبه لفظی قرآن داشـته باشـد، با توجه به آیاتی که نزول دفعی قرآن را می فهماند می توان نـتیجه گرفـت که نزول دفعی قرآن، نزولی مفهـومی و معرفـتی بـوده و نزول لفظی آن در قـالب حروف و کلمـات عربی، نزول تدریجی بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳ - ۴،۷

۴ - نزول و قرائت قرآن بر پیامبر (ص) در قالب زبان

عربی

تنزیل من الرحمن . .. قرءانًا عربیًّا

۷ – قابلیت و گنجایش زبان عربی ، برای ارائه مفاهیم وحی و بیان معارف الهی

کتب فصّلت ءایته قرءانًا عربیًّا

خداوند پس از بیان این حقیقت که قرآن به روشنی بیان گشته (فصّلت آیاته) آن را به عربی بودن توصیف کرده تا به این معنا اشاره کند که لغت عرب آن قابلیت را داشت که بتواند زبان وحی باشد و معارف الهی را در خود جای دهد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۷ – ۱

۱ – قرآن از سوی خداوند ، در قالب زبان عربی بر پیامبر (ص) وحی شده است .

و کذلک أوحینا إلیک قرءانًا عربیًّا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۳ – ۱

۱ – قرآن ، کتابی نازل شده به زبان عربی از سوی خداوند

إنّا جعلنه قرءانًا عربیًّا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۴ – ۱۸

۱ – قرآن ، دارای حقیقتی متعالی و مکتوب در < لوح محفوظ > ، قبل از نزول به زبان عربی

إنّا جعلنه قرءانًا عربیًّا . .. و إنّه فی أُمّ الکتب لدینا

مراد از <اُمّ الکتاب > لوح محفوظ است.

۸ – پایین آمدن مفاهیم عالی وحی از مرتبه < اُمّ الکتاب > تا < زبان عرب > ، نمودی از حکمت الهی است .

إنّا جعلنه قرءانًا عربيًّا . .. و إنّه فى أَمّ الكتب لدينا لعلىّ حكيم

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۱۲ – ۱۱

۱۱– عربى

بودن ، از امتیازات قرآن

و هذا کتب مصدّق لسانًا عربیًّا

عصیان از قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۴۷ – ۶

۶ شرک و تسلیم نشدن در برابر آیات روشن قرآن، ظلم است.

انظر کیف نصرف الأیت ثم هم یصدفون . .. هل یهلك إلا القوم الظلمون

مخاطب فعل <أرءیتم> همان کسانی هستند که از آیات الهی اعراض کردند که از آنان به عنوان ظالم یاد شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – جن – ۷۲ – ۱۴ – ۴

۴ – تسلیم نشدن در برابر تعالیم قرآن ، ظلم و انحراف از مسیر حق است .

و أنّا منّا المسلمون و منّا القسطون

با توجه به مقابله <قاسطون> با <مسلمون> مطلب یاد شده استفاده می شود.

عظمت آیات قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۰۵ – ۴

۴ مشرکان و کافران عصر بعثت، به والایی آیات قرآنی و محتوای بلند آن اعتراف داشتند.

و لیقولوا درست

زیرا اگر آیات در نظر مشرکان کم اهمیت بود، برای رد آیات به کم اهمیتی آن اشاره می کردند و نه به فراگیری آن از دیگران.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱ - ۳،۹

۳ آیات سوره رعد آیاتی ارجمند و رفیع است .

تلک ءایت الکتب

<تلک> لفظی است برای اشاره به دور. به کارگیری آن برای مشارالیه نزدیک ، حاکی از عظمت آن در نزد متکلم است.

۹ آیات قرآن ، آیاتی عظیم الشأن و دارای محتوا و تعالیمی والا و بلند مرتبه است .

تلک

ءايت الكتب

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱ - ۱

۱ - آيات قرآن ، داراى عظمت و منزلتى والا در نزد خداوند

تلك ءايت القرءان

<تلك> براى مشاراليه بعيد وضع شده است به كارگيرى آن براى اشاره به آياتى كه پيش رو داريم بيانگر مطلب ياد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲ - ۱

۱ - آيات قرآن ، برخوردار از عظمت و مرتبتى والا در پيشگاه خداوند

تلك ءايت الكتب المبين

به كارگيرى <تلك> (وضع شده براى بعيد) براى اشاره به آياتى كه پيش رو داريم، بيانگر مطلب ياد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲ - ۱

۱ - آيات قرآن كريم ، از عظمت و شكوهى خاص برخوردار است .

تلك ءايت الكتب الحكيم

اسم اشاره <تلك> مبتدا و براى اشاره به دور است. استعمال آن درباره آياتى كه در پيش رو است، براى اشاره به عظمت آنها است. لازم به ذكر است كه احتمال دارد مراد از آيات، همه آيه هاى قرآن و يا آيه هاى سوره لقمان باشد. برداشت بالا، براساس احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۷ - ۸

۸- تأثیر شگرف آیات قرآن بر قلب ها و اندیشه ها ، نشانگر استناد آن به نیرویی فوق طبیعی

و إذا تتلی علیهم ءایتنا بیّنت قال الذین کفروا . .. هذا سحر مبین

از مجموع آیه شریفه، تأثیر شگرف و اعجازگونه آیات قرآن استفاده می شود.

عظمت تعالیم قرآن

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۵ - ۱

۱ - قرآن ، حاوی مطالب و مضامینی گران سنگ و ارائه دهنده تکالیفی گران بار برای بشر

إنّا سنلقی علیک قولاً ثقیلاً

در این که مقصود از <قول> و ثقیل بودن آن چیست; مفسران چند احتمال بیان کرده اند. مهم ترین آنها، دو احتمال زیر است: ۱ قرآن کریم (نظر بیشتر مفسّران); سنگین بودن آن یا به لحاظ محتوا و مضامین و یا به لحاظ عمل و اجرا و یا هر دو است. ۲ مطلق سخن سنگین; ولی ممکن است مقصود، فرمان به تبلیغ علنی دین باشد; چون این آیات در مرحله آغازین بعثت (در مکه) نازل شده و در این مرحله، تبلیغ دین کاری بس دشوار و سنگین بوده است.

عظمت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲ - ۱

۱ - قرآن کتابی کامل و با عظمت

ذلک الکتب

<ذلک> مبتدا و <الکتاب> خبر آن است. بر این مبنا <ال> در الکتاب برای استغراق صفات است و دلالت بر کمال دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۹ - ۱

۱ - قرآن ، کتابی است ارجمند و با عظمت و نازل شده از پیشگاه خداوند

و لما جاءهم کتب من عند اللّه

نکره آوردن <کتاب> و تصریح به اینکه از نزد خدا آمده است، دلالت بر عظمت و ارجمندی قرآن دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۵ - ۱۵

۱۵ عظمت پیامبر (ص) و قرآن

قد جاءکم

من اللّه نور و كتب

نكره آوردن <نور> و <كتاب> براى رساندن اين معناست كه عظمت پيامبر(ص) و قرآن، فراتر از آن است كه بشر به تمامى آن دست يابد و حقيقت آن را به طور كامل بشناسد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۴۸ - ۹

۹ عظمت و ارزش برتر قرآن نسبت به ديگر كتاب هاى آسمانى

و انزلنا إليك الكتب بالحق مصدقاً . .. و مهيمناً عليه

حفاظت و نگهبانى از كتابهاى آسمانى كه به عهده قرآن گذارده شده است، نشانه برترى آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۲۵ - ۱۳

۱۳ قرآن براى مشركان زيبا و جذاب بوده است.

يقول الذين كفروا إن هذا إلا أسطير الأولين

<أساطير> به معنى سخن زينت شده و زيبا آمده است. <سطر فلان على فلان إذا زخرف له الأقاويل و نمقها>. (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۹۲ - ۲،۳

۲ قرآن كتابى گرانسنگ و نازل شده از جانب خداوند است.

و هذا كتب أنزل نه

۳ قرآن كتابى گرانقدر و مبارك (فزاينده و رشد دهنده و داراى خير فراوان) است.

و هذا كتب أنزل نه مبارك

<بركه> يعنى رشد و فزونى (لسان العرب) و <مبارك> چيزى است كه در آن فزونى باشد. (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲ - ۱

۱ قرآن، کتابی است آسمانی، باعظمت و نازل شده بر پیامبر(ص)

کتب أنزل إلیک

کلمه <کتاب> نکره است و اشاره به عظمت قرآن دارد و

توصیف آن به <أنزل> بیانگر آسمانی بودن آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۶۱ - ۴

۴ قرآن ، کتابی است باعظمت و تلاوت آن بسیار ارزشمند می باشد .

و ما تکون فی شأن و ما تتلوا منه من قرءان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱ - ۱

۱ قرآن ، کتابی با عظمت و دارای ساختاری بندبند به نام ((آیه)) .

کتب أُحکمت ءایته

((کتاب)) خبر برای مبتدای محذوف (ذلک) است و نکره آوردن آن برای تعظیم می باشد; یعنی : ذلک الکتاب ، کتابٌ عظیم الشأن .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱ - ۴

۴- قرآن ، کتابی نازل شده از رتبه و جایگاهی بس رفیع و با عظمت

کتب أنزلنه إلیک

نزول در لغت به معنای فرود آمدن از جای بلند است که به تناسب موضوع، نزول از جایگاه رفیع است و نه مکان بلند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱ - ۷

۷- قرآن ، کتابی ارجمند و والا در پیشگاه خداوند

و قرءان مبین

تنوین تنکیر <قرآن> برای تفخیم و تعظیم است و بر نکته یاد شده دلالت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹ - ۲

۲- قرآن ، کتابی نازل شده از رتبه و جایگاهی بس بلند و رفیع

إنا نحن نزّلنا الذّکر

ذکر ضمیرهای جمع برای بیان فرو فرستادن قرآن و لغت <نزول>، که فرود

آمدن از جایگاه عالی به پایین است، دلالت بر نکته فوق می کند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۸۷ – ۴

۴- قرآن ، کتابی است با عظمت و نعمتی بزرگ

و لقد ءاتینک . .. و القرءان العظیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۱ – ۵

۵- قرآن ، کتابی با عظمت و در اوج زیبایی و کمال است .

الحمد للّه الذی أنزل علی عبده الکتب

<ال> در <الکتاب> برای استغراق صفات است; یعنی، تمام اوصافی که یک کتاب، در حد کامل می تواند داشته باشد، در این کتاب متبلور است و این، حاکی از عظمت قرآن است. و چون حمد در برابر زیبایی و کمال است و در آیه بالا خداوند، به سبب نزول قرآن، تمام حمدها و ستایش ها را از آن خویش دانسته، استفاده می شود که قرآن، در نهایت کمال و زیبایی است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۱۰ – ۲

۲- قرآن ، کتابی با عظمت و بلند مرتبه

لقد أنزلنا إلیکم کتبًا

تنوین <کتاباً> دال بر تفخیم و تعظیم است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۳۰ – ۶

۶ قرآن ، کتابی است با عظمت و مؤمنان وظیفه دار حراست از حرمت و منزلت آن

و قال الرسول یربّ إنّ قومی اتّخذوا هذا القرءان مهجورًا

برداشت فوق، از اسم اشاره <هذا> در <هذا القرآن> كه بر تعظيم و تفخيم دلالت دارد استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲ - ۱

۱ - قرآن ، کتابی ارجمند و دارای جایگاهی والا نزد خداوند

تلک ءایت الکتب

اشاره به آیات پیش رو با لفظ <تلک> که برای مشارالیه بعید است بیانگر بُعد منزلت و بلندی جایگاه قرآن در پیشگاه خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱۱ - ۵

۵ - محتوای بلند قرآن ، سند آسمانی بودن آن

و ما ینبغی لهم و ما یستطیعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲ - ۲

۲ - قرآن ، کتابی با عظمت و بلند مرتبه در پیشگاه خداوند

و القرءان

سوگند خداوند به قرآن، حاکی از عظمت و بلند مرتبه بودن آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵ - ۳

۳ - قرآن ، جلوه عزت و رحمت خداوند

و القرءان . .. تنزیل العزیز الرحیم

یادکرد دو صفت <عزت> و <رحمت> خداوند به هنگام نسبت دادن نزول قرآن به او، می تواند حاکی از برداشت یاد شده باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۱ – ۲

۲ – قرآن ، کتابی با عظمت و بلند مرتبه در پیشگاه خداوند

و القرءان

سوگند خداوند به قرآن، حاکی از عظمت و بلند مرتبه بودن آن است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۲۹ – ۱

۱ – قرآن ، کتابی گران سنگ و نازل شده از جانب خداوند بر پیامبر (ص)

کتب أنزلنه إلیک

تنکیر

<کتاب> مفید تعظیم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۷ - ۵

۵ - قرآن ، دارای حقیقتی ملکوتی و متعالی

اللّه الذی أنزل الکتب

به کارگیری ماده <نزول> (فرود آمدن از فراز) می تواند اشاره به برداشت بالا داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲ - ۳

۳ - قرآن ، کتابی مقدس و ارجمند نزد خداوند

و الکتب المبین

واو در <و الکتاب> واو قسم است. سوگند خوردن خداوند به قرآن، نشان از ارجمندی و قداست قرآن در پیشگاه او دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴ - ۴

۴ - حقیقت ملکوتی قرآن ، فراتر از حد درک و دریافت عادی بشر

و إنّه فی أُمّ الکتب لدینا لعلیّ

جمله <إنّه فی اُمّ الکتاب لدینا لعلیّ> تأکیدی برای عبارت پیشین است; یعنی، قرآن دارای چنان مرتبه بلندی است که اگر ما آن را از <اُم الکتاب > به زبان عربی بر نمی گرداندیم و برای زمینیان نازل نمی کردیم، دستیابی به معارف آن برای هیچ انسانی مقدور نبود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲ - ۴

۴ رسایی و بلاغت بیان ، از ابعاد عظمت قرآن

و الکتب المبین

از این که قرآن با وصف <کتاب مبین> مورد سوگند الهی قرار گرفته است، مطلب یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳ - ۶

۶- قرآن ، حقیقتی نازل شده از مرتبتی والا و رفیع

إنّا أنزلنه

جلد

- نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۲ – ۴

۴ – ناتوانی بشر از ارائه کتاب ، برنامه و معارفی فراتر از قرآن و یا همانند آن

تنزیل الکتب من اللّه العزیز

برداشت بالاـ با توجه به دو نکته زیر به دست می آید: الف) از ارتباط میان <تنزیل الکتاب> با وصف <العزیز> نوعی تحدی استفاده می شود. ب) مطرح ساختن عزت و شکست ناپذیری خداوند در مورد قرآن، در ابعاد مختلفی تصویر می شود; از جمله در بُعد محتوایی و لفظی آن.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۲ – ۵،۷

۵- معارف والای قرآن ، نمود قدرت خداوند و نزول آن در سطح فهم و درک بشر ، نشانگر حکمت او است . *

تنزیل الکتب من اللّه العزیز الحکیم

<تنزیل> می تواند اشاره به تنزّل یافتن معارف بلند وحی، در مرتبه فهم بشر باشد و نه تنزّل فیزیکی و مکانی. از ارتباط <تنزیل الکتاب> با <العزیز الحکیم> ممکن است استفاده شود که اصل محتوای کتاب، دلیل عزت خداوند و تنزّل آن دلیل حکمت او است.

۷- عزّت و حکمت الهی ، متجلی در قرآن و مضامین عالی آن

تنزیل الکتب من اللّه العزیز الحکیم

ارتباط <تنزیل الکتاب> با وصف <العزیز الحکیم>، گویای برداشت یاد شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۱ – ۴

۴ قرآن ، دارای ارج و عظمتی والا

و القرءان المجید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲ - ۵

۵- چشم پوشی کافران ، از عظمت

خدشه ناپذیر قرآن و تمسک آنان به بشر بودن پیامبر (ص) ، برای انکار رسالت آن حضرت

و القرءان المجید . بل عجبوا أن جاءهم منذر منهم فقال الکفرون هذا شیء عجیب

از ارتباط این آیه با آیه قبل که سوگند به ارجمندی قرآن بود می توان استفاده کرد که خداوند قبل از هر چیز، عظمت خدشه ناپذیر آیات قرآن را به کافران یادآور شده و ایشان را به سبب تمسک به مسائل بی ارزش، ملامت کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۷ - ۵

۵ - حقیقت ملکوتی قرآن ، دور از درک و اندیشه توده ها *

و لقد یسّرنا القرءان للذّکر

مفهوم <لقد یسّرنا. ..> این است که حقایق قرآنی در مرحله نخست و قبل از آسان شدن آن، سنگین بوده است; به گونه ای که چه بسا بیشتر انسان ها از درک آن ناتوان بوده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۲ - ۵

۵ - حقیقت ملکوتی قرآن ، دور از درک و اندیشه توده ها *

و لقد یسّرنا القرءان

مفهوم <و لقد یسّرنا القرآن. ..> این است که حقایق قرآنی، در مرحله نخست و قبل از آسان شدن آن، سنگین بوده است; به گونه ای که چه بسا بیشتر انسان ها از درک آن ناتوان بوده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۲ - ۵

۵ - حقیقت ملکوتی قرآن ، دور از درک و اندیشه توده ها *

و لقد یسّرنا القرءان

مفهوم <و لقد یسّرنا

القرآن . ..> این است که حقایق قرآنی، در مرحله نخست و قبل از آسان شدن، سنگین بوده است; به گونه ای که چه بسا بیشتر انسان ها در درک آن ناتوان می شدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۷ - ۳

۳ - قرآن ، کتابی بس ارجمند و نفیس

إنّه لقرءان کریم

<کریم> معادل نفیس و گران بها است (مصباح المنیر).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۳ - ۲

۲ - اوراق قرآن ، دارای عظمت و احترام در پیشگاه خداوند

مکرّمه

آنچه در نوع خود شریف باشد، به <کرم> توصیف می شود(مفردات راغب). باب تفعیل این کلمه (تکریم)، به معنای <عظمت دادن> و <پاک و منزّه ساختن> است (لسان العرب). بنابراین توصیف صفحات قرآن به <مکرّمه>، حاکی از این است که خداوند آنها را عظمت داده و محترم داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۲۲ - ۳

۳ - تکذیب قرآن از سوی کافران ، هر چند بر آن اصرار ورزند ، به حقیقت قرآن آسیبی نمی رساند و از مجد و عظمت آن نمی کاهد .

بل الذین کفروا فی تکذیب . .. بل هو قرءان مجید . فی لوح محفوظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۱ - ۷

۷ – قرآن ، کتابی با عظمت و گنجینه معارفی هماهنگ با مقدّرات جهان

إنّا أنزلنه فی لیله القدر

نزول قرآن در شب قدر، اسناد نازل کردن آن به خداوند و آوردن ضمیر بدون مرجع آن

که خود حاکی از شهرت مرجع ضمیر است نشانه های عظمت قرآن است. تناسب ظرف و مظروف نیز، بیانگر هماهنگی نزول قرآن با ویژگی های شب قدر است.

عفو تلاوت کنندگان قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۳۰ – ۱۲

۱۲ – سپاس گزاری از عالمان خداترس ، تلاوت گران قرآن ، برپادارندگان نماز و انفاق کنندگان مخلص و گذشت از لغزش های آنان ، رفتاری ارزشمند و خدایی است .

إنّما یخشی اللّه من عباده العلمؤا . .. إنّ الذین یتلون کتب اللّه ... إنّه غفور

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که چگونگی رفتار خداوند با این دسته از انسان ها، می تواند برای همگان آموزنده باشد.

عقلانیت تعالیم قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۱۰ – ۱۱

۱۱– معارف و تعالیم قرآن ، مطابق و سازگار با عقل و خرد است .

لقد أنزلنا إلیکم کتبًا . .. أفلاتعقلون

تشویق و برانگیختن به تعقل در قرآن، بیانگر آن است که این کتاب آسمانی، از نظر محتوا با عقل و خرد سازگار است.

عقلانیت قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۵۲ – ۱۲

۱۲– معارف و آموزه های قرآن مطابق و هماهنگ با خرد ناب است .

هذا بلغ للناس . .. و لیذّکر أولواالألبب

از اینکه خداوند هدف از نزول قرآن را پندپذیری صاحبان خرد قرار داد، معلوم می شود که قرآن با موازین عقلی مطابق و هماهنگ است و اگر غیر از این بود، خردورزان از آن پند

نمی گرفتند; بلکه نتیجه معکوس در برمی داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۹ - ۱۳

۱۳ - معارف و آموزه های قرآن ، مطابق با عقل و خرد ناب است .

کتب . .. لیدّبّروا ءایته و لیتذکّر أُولوا الألبب

از این که خداونـد، عاقلان و صاحبان خرد جامعه بشـری را مخاطب خود ساخته و آنان را به تـدبر در آیات قرآن تشویق کرده است، می توان حقیقت یاد شده را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۹ - ۳

۳ - قرآن ، سخنی نو و در عین حال به دور از مطالب نامعقول و غیرقابل قبول

أفمن هذا الحدیث تعجبون

مشارالیه <هذا>، می تواند قرآن باشد. در این صورت واژه <الحدیث> اشاره به نو بودن آن دارد. نفی اعجاب و استبعاد که از استفهام توبیخی استفاده می شود می رساند که قرآن در اوج نو بودن، منطقی و قابل درک و فهم است.

عقیده به خیریت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۰ - ۱۸

۱۸- عقیده مندان به نزول قرآن از جانب خداوند و خیر بودن آن ، دارای جایگاهی خوب در عالم آخرت

و قیل للذین اتّقوا ماذا أنزل ربّکم قالوا خیرًا . .. و لنعم دار المتّقین

عقیده به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۰ - ۴

۴- ایمان و اعتقاد برخی از پیروان ادیان آسمانی به قرآن ، تأییدی بر حقانیت آن

إن کان من عند اللّه

و كفرتم به و شهد شهد من بنى إسرءيل على مثله

ارزش ايمانِ اهل كتاب به قرآن و پيام آن براى ديگران، از آن جهت است كه آنان با پيام وحى آشنا هستند و ايمانشان به قرآن، بر اساس آگاهى به پيام و محتواى كتاب هاى آسمانى است. از اين جهت مى تواند براى ديگران دليل و حجت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱ - ۳

۳ - پيامبر (ص) ، مأمور اعلام مواضع گروه هاى جنى در برابر قرآن و رهنمود هاى آن

قل

عقيده به وحيانيت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۰ - ۱۸

۱۸- عقيده مندان به نزول قرآن از جانب خداوند و خير بودن آن ، داراى جايگاهى خوب در عالم آخرت

و قيل للذين اتّقوا ماذا أنزل ربّكم قالوا خيرًا . .. و لنعم دار المتّقين

عقيده يهود به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۸،۹

۸ - يهوديان عصر بعثت ، مطمئن به آسمانى بودن قرآن و معترف به الهى بودن آن

إذا قيل لهم ءامنوا بما أنزل اللّه قالوا نؤمن بما أنزل علينا

چنانچه يهوديان آسمانى بودن قرآن را باور نداشتند در پاسخ به دعوت پيامبر(ص) (ءامنوا بما أنزل اللّه; به آنچه خدا فرو فرستاده ايمان آوريد)، اظهار مى داشتند كه: قرآن از جانب خدا نيست. اعراض از چنين پاسخى، گوياى اطمينان ايشان به آسمانى بودن قرآن و اعتراف ضمنى آنان به الهى بودن آن است.

۹ - يهوديان ، على رغم اطمينانشان به

الهی بودن قرآن ، به آن ایمان نیاوردند .

إذا قیل لهم ءامنوا بما أنزل اللّه قالوا نؤمن بما أنزل علینا

علاقه به حفظ قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۱۴ – ۱۱

۱۱ – پیامبر (ص) ، دارای اشتیاق شدید به حفظ آیات قرآن و به خاطر سپردن آن

و لاتعجل بالقرءان من قبل أن یقضی إلیک وحیه

گفته شده است که انگیزه پیامبر(ص) در قرائت آیات، همراه با قرائت جبرئیل، اطمینان یافتن به دریافت کامل وحی بوده است.

علم انحصاری قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۸۷ – ۲

۲ آگاهی به زمان برپایی قیامت ، دانشی در انحصار خداوند

قل إنما علمها عند ربی . .. قل إنما علمها عند اللّه

علم بودن قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۱۴ – ۲۰

۲۰ – قرآن ، افزایش دهنده علم است .

و لاتعجل بالقرءان . .. و قل ربّ زدنی علمًا

علم به قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۵۳ – ۷

۷ – آگاهی یهود و نصارا ، از کتاب آسمانی بعد از تورات و انجیل (قرآن) پیش از نزول آن

إنّا کنّا من قبله مسلمین

علم حافظان قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۴۹ – ۴

۴ – حافظان قرآن ، برخوردار از موهبت علم اند .

بل هو . .. فی صدور الذین أوتوا العلم

علما و آیات قرآن

جلد – نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵ - ۱۲

۱۲ تنها دانشوران ، شایسته فهم و درک آیات قرآنند (آیات مربوط به پدیده های جهان آفرینش) .

یفصل الأیت لقوم یعلمون

علما و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۲ - ۶

۶ جاذبه خاص قرآن برای علمای راستین و ژرفنگر

لکن الرسخون . .. یؤمنون بما أنزل إلیک و ما أنزل من قبلک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۵ - ۵،۱۰

۵ آیات گوناگون قرآن مایه تقویت بینش آگاهان و منجر به بهانه جویی کافران خواهد شد.

و لیقولوا درست و لنبینه لقوم یعلمون

۱۰ عالمان از گوناگونی آیات قرآن و رمز و رازهای ارزشمند آن بهره می برند.

و کذلک نصرف الأیت . .. و لنبینه لقوم یعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۹ - ۱،۲،۳

۱- خضوع و خشوع همیشگی عالمان حق پذیر در برابر قرآن

إن الذین أُوتوا العلم من قبله إذا یتلی علیهم . .. یخرّون للأذقان یبکون

۲- قرآن ، حاوی آن چنان معارف عظیم که خضوع و خشوع تمامی عالمان اندیشمند را برمی انگیزاند .

إن الذين أَوتوا العلم من قبله إذا يتلى عليهم . .. يخرّون للأذقان يبكون

۳- خضوع عالمان و آگاهان به معارف آسمانی در برابر قرآن ، همراه با سرشک دیدگان

إن الذين أُوتوا العلم من قبله إذا يتلى عليهم . .. و يخرّون للأذقان يبكون و يزيده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر

- ۳۹ - ۴۲ - ۱۶

۱۶ - تنها متفکران و اندیشمندان ، از توان لازم برای بهره مندی از معارف بلند قرآن برخوردارند .

اللّه یتوفّی الأنفس حین موتها . .. إنّ فی ذلک لأیت لقوم یتفکّرون

علما و مثالهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۳ - ۳

۳ - استفاده از مثل های به کاربرده شده در قرآن ، تنها ، برای دانشوران اهل تحقیق ممکن است .

و تلک الأمثل نضربها للناس و ما یعقلها إلّا العلمون

علمای اهل کتاب و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۷ - ۱۲

۱۲- با تمام وجود سر بر آستان خداوند ساییدن و حریصانه به سجده افتادن جمعی از علمای اهل کتاب به هنگام آشنایی با قرآن

إن الذین أُوتوا العلم من قبله . .. یخرّون للأذقان سجّدًا

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مراد از <أُوتوا العلم من قبله> اهل کتاب باشد و تعبیر از سجده به <خرّ> که به معنای سقوط و به رو افتادن است می تواند اشاره به حقیقت یاد شده داشته باشد.

علمای بنی اسرائیل و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۷ - ۱

۱ - آگاهی و اطلاع عالمان بنی اسرائیل از آمدن قرآن ، خود دلیل حقانیت آن و صدق پیامبر (ص) است .

أَوَلم یکن لهم ءایه أن یعلمه علمؤا بنی إسرءیل

استفهام در این آیه توبیخی است. ضمیر <هم> در <لهم> به مشرکان مکه بازمی گردد و <آیه> خبر <لم یکن>

و به معنای دلیل روشن می باشد. <أن یعلمه...> نیز اسم <لم یکن> و ضمیر در آن به خبر <قرآن> یا <خبر نزول آن بر پیامبر> بازمی گردد; یعنی، <أوَلم یکن علم علماء بنی اسرائیل بخبر القرآن أو خبر نزوله علیك علی سبیل البشاره فی کتب الأنبیاء الماضین آیه للمشرکین علی صحّه نبوّتک>.

علمای مسیحیت و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۴ - ۹

۹ اهل کتاب (عالمان یهود و نصارا) آگاه به حقانیت قرآن و نزول آن از جانب خدا

و الذین ءاتینهم الکتب یعلمون أنه منزل من ربک بالحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۷ - ۲

۲ - پیشگویی علمای یهود و نصارا ، در باره آمدن قرآن و ظهور پیامبر اسلام (ص)

أوَلم یکن لهم ءایه أن یعلمه علمؤا بنی إسرءیل

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که صرف آگاهی و اطلاع علمای بنی اسرائیل تا زمانی که اطلاعات خود را در اختیار دیگران قرار نداده اند، نمی تواند آیه و نشانه باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۳ - ۳،۱۰

۳ گریه گروهی از کشیشان و راهبان عصر پیامبر بر اثر شنیدن قرآن

منهم قسیسین و رهباناً . .. ما أنزل إلی الرسول تری اعینهم تفیض من الدمع

بنابر اینکه ضمیر در <سمعوا> به <قسیسین> و <رهبان> برگردانده شود.

۱۰ گروهی از مسیحیان ، کشیشان و راهبان عصر بعثت ، پذیرای اسلام در پی شنیدن قرآن .

و إذا سمعوا ما أنزل إلی الرسول

. .. يقولون ربنا ءامنا

علمای یهود و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۵ - ۱۳

۱۳ - عالمان یهود در عصر پیامبر (ص) ، به الهی بودن قرآن آگاهی کامل داشتند .

و هم یعلمون

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مفعول <یعلمون> به قرینه <یسمعون کلام اللّه> الهی بودن کلامی باشد که برای آنان قراءت می شده است؛ یعنی: <و هم یعلمون ان الذی یسمعونه کلام اللّه>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۴ - ۹

۹ اهل کتاب (عالمان یهود و نصارا) آگاه به حقانیت قرآن و نزول آن از جانب خدا

و الذین ءاتینهم الکتب یعلمون أنه منزل من ربک بالحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۷ - ۲

۲ - پیشگویی علمای یهود و نصارا ، در باره آمدن قرآن و ظهور پیامبر اسلام (ص)

أوَلم یکن لهم ءایه أن یعلمه علمؤا بنی إسرءیل

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که صرف آگاهی و اطلاع علمای بنی اسرائیل تا زمانی که اطلاعات خود را در اختیار دیگران قرار نداده اند، نمی تواند آیه و نشانه باشد.

علوم قبل از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۷ - ۶

۶- وجود برخی علوم و معارف صحیح الهی در میان مردم قبل از نزول قرآن

إن الذین أُوتوا العلم من قبله

عمل به تعالیم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده -

۵ - ۱۰۵ - ۶

۶ منحرفان ، ناتوان از گمراه سازی مسلمانانی که به تعالیم قرآن پایبند بوده و از دستورات پیامبر (ص) پیروی کنند .

لایضرکم من ضل إذا اهتدیتم

برداشت فوق بر این اساس است که حرف <لا> در <لایضرکم> نافیه باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۳ - ۱۰

۱۰ باور به تعالیم قرآن و انجام دستورات آن ، راه جلوگیری از تباه گشتن سرمایه عمر

قد خسروا أنفسهم

جمله <قد خسروا أنفسهم> در توصیف کسانی است که در دنیا قرآن را باور نکردند و به دستورات آن گردن ننهادند.

عمل به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۱ - ۱۴

۱۴ - از امام صادق (ع) درباره سخن خداوند که می فرماید : < الذین ءاتینهم الکتب یتلونه حق تلاوته > روایت شده که فرمود : < یرتلون آیاته و یتفقهون به و یعملون باحکامه و یرجون وعده و یخافون وعیده و یعتبرون بقصصه و یأتمرون بأوامره و ینتهون بنواهیه . . . ;

آنان قرآن را با ترتیل می خوانند و تلاش می کنند تا آیات آن را بفهمند و به احکام آن عمل می کنند و امیدوار به وعده ها و از وعید آن ترسان می باشند، و از قصه های آن پند و عبرت می گیرند و به اوامر آن تن می دهند و از نواهی آن دوری می گزینند . .. >.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۶ - ۱۴

اهل کتاب وظیفه دار ایمان به قرآن و اقامه آن د تمام شؤون زندگی *

و لو انهم اقاموا . .. ما أنزل الیهم من ربهم

می توان گفت مراد از <ما انزل الیهم>، قرآن است و کلمه <الیهم> بیانگر این معناست که اهل کتاب باید خود را از مخاطبان قرآن بدانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۸ - ۱۱

۱۱ پذیرش قرآن و عمل به راهنمایی های آن هدایت ، و ردّ و انکار آن گمراهی و ضلالت است .

قد جاءکم الحق من ربکم فمن اهتدی فإنما یهتدی لنفسه و من ضل فإنما یضل علیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۰ - ۵

۵ مسلمانان ، وظیفه دار به صحنه آوردن و فهم صحیح قرآن و عمل به تعالیم آن .

یربّ إنّ قومی اتّخذوا هذا القرءان مهجورًا

تردیدی نیست که مهجور و متروک ساختن قرآن، مربوط به ظاهر آن نیست; بلکه مقصود، تأمل نکردن در معارف آن و نشناختن و عمل نکردن به تعالیم آن است. از این رو آیات بسیاری از قرآن، انسان ها را به تفکر در قرآن و عمل به آموزه های آن، فرا خوانده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۵ - ۱

۱ - پیامبر (ص) پیش از هر کس ، موظف به پیروی از قرآن و عمل کردن به دستورات آن بود .

إنّ الذی فرض علیك القرءان

<فَرْض> (مصدر <فَرَضَ>) به معنای واجب کردن است. بنابراین <فرض علیك القرآن>; یعنی، <قرآن را بر تو

واجب فرمود>. واجب شدن قرآن بر پیامبر(ص) می تواند به این معنا باشد که عمل کردن به دستورات آن نخست بر خود آن حضرت واجب می باشد و سپس بر دیگران. هم چنین می تواند به این معنا باشد که پیامبر(ص) وظیفه دارد قرآن را بر مردم تلاوت کند و پیام آن را به مردم ابلاغ نماید. برداشت فوق بر پایه احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۵ - ۱،۷،۹

۱ - لزوم التزام عملی به قرآن و عینیت بخشیدن به محتوای آن در عرصه زندگی

و اتّبعوا أحسن ما أُنزل إلیکم من ربّکم

مقصود از <أحسن ما اُنزل. ..> قرآن کریم است.

۷ - توصیه خداوند به عمل کردن به قرآن ، پیش از دچار شدن به پیامد های هلاکت بار ر ها کردن قرآن (عذاب)

و اتّبعوا أحسن ما أُنزل . .. من قبل أن یأتیکم العذاب

۹ - روی آودن به قرآن و عمل به تعالیم آن ، پس از آمدن عذاب بی فایده است .

و اتّبعوا أحسن ما أُنزل . .. من قبل أن یأتیکم العذاب بغته

از این که خداوند فرمود: پیش از آمدن عذاب به تعالیم قرآن عمل کنید، روشن می شود که با آمدن عذاب، این کار بی فایده خواهد بود.

عمل مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۳ - ۶

۶ - خداوند ، به افکار و کردار منکران معاد و تکذیب کنندگان قرآن ، داناتر از هر کس دیگر است .

و اللّه أعلم بما یوعون

عمل ناپسند مفتریان به قرآن

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۵ - ۱۶

۱۶- اسطوره تلقی کنندگان قرآن ، نیازمند به هشدار الهی ، به خاطر بی خبری از پیامد گناه و کیفر عمل زشت خویش

قالوا أسطر الأولین . لیحملوا أوزارهم ... ألا ساء ما یزرون

عمومیت تعالیم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۰ - ۵،۸

۵ - پیام های قرآن ، بصیرت آفرین برای تمامی انسان ها و نه صرفاً برای گروهی خاص

هذا بصائر للناس

۸ - پیام قرآن برای همگان است ; ولی بهرهوری از آن ، مخصوص حق باوران و حق جویان می باشد .

هذا بصائر للناس و هدًی و رحمه لقوم یوقنون

عمومیت تعلیم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۱ - ۳

۳ - شایستگی قرآن برای تذکّر و ارشاد همه مردم ، دلیل لزوم پرهیز از منحصر ساختن مجالس آموزش آن به قشری خاص

فأنت له تصدّی . .. فأنت عنه تلهّی . کلاّ إنّها تذکره

عمومیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۳ - ۶

۶ - قرآن ، به رغم این که کتابی برای همه است ، اما درک عمیق و درست آن ، در حیطه گروه خاصی است .

للناس و ما يعقلها إلاّ العلمون

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۴ – عنكبوت – ۲۹ – ۵۱ – ۱۲

۱۲ – قرآن ، اگرچه براى همه مردم است ، اما بهره گيرى از آن ، شرايط و شايستگى خاص مى

طلبد .

أنّا أنزلنا عليك الكتب يتلى عليهم إنّ فى ذلك لرحمه. ..لقوم يؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۵ - ۱

۱ - همه مردم از هر قشرى ، مخاطبان قرآن اند .

يأيّها الناس اذكروا نعمت اللّه . .. يأيّها الناس

برداشت ياد شده از معناى لغوى <ناس> (مردم) و نيز تكرار آن در قسمت آغازين سوره، به دست مى آيد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۷ - ۳

۳ - قرآن ، كتابى است براى عموم مردم ; نه ويژه گروهى خاص .

و لقد ضربنا للناس فى هذا القرءان من كلّ مثل

برداشت ياد شده از آمدن واژه <للناس> استفاده مى شود.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - تكوير - ۸۱ - ۲۸ - ۱

۱ - مخاطبان قرآن ، عموم مردم و بهره مندان از آن ، گروهى خاص اند .

لمن شاء منكم أن يستقيم

بدل آوردن <لمن شاء منكم> براى <للعالمين>، به منظور بيان اين نكته است كه قرآن براى همه مردم است; ولى تنها گروهى خاص از آن بهره مى برند و ساير مردم خود را از هدايت آن محروم مى كنند.

عموميت هدايتگرى قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۴۱ – ۱۰

۱۰ – هدایت یافتن و سود بردن از قرآن ، برای تمامی طیف های اجتماعی جامعه بشری ، ممکن و میسر است .

إنّا أنزلنا علیک الکتب للناس بالحقّ فمن اهتدی فلنفسه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عبس – ۸۰

۳ - ۱۱ -

۳ - شایستگی قرآن برای تذکّر و ارشاد همه مردم ، دلیل لزوم پرهیز از منحصر ساختن مجالس آموزش آن به قشری خاص

فأنت له تصدّی . .. فأنت عنه تلهّی . کلاّ إنّها تذکره

عمومیت هدایتهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲ - ۴

۴ - پیام هدایت قرآن ، عام و برای همگان است و بشارت های آن ، خاص و ویژه مؤمنان .

هدًی و بشری للمؤمنین

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <للمؤمنین> قید برای <بشری> باشد. بنابراین <هدًی> از آن جهت که فاقد قید است، افاده عموم می کند.

عوامل اعراض از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۰ - ۵

۵ - تکیه بر آداب و رسوم گذشتگان و اصرار بر رعایت آنها ، از عوامل نپذیرفتن دعوت پیامبر (ص) و پیروی نکردن از قرآن و احکام دین

قالوا بل نتبع ما ألفینا علیه ءاباءنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۶ - ۸

۸ فاصله گرفتن از قرآن و پیامبر(ص) و مبارزه با آنها برخاسته از جهل است. *

و هم ینهون عنه و ینئون عنه و إن یهلکون إلا أنفسهم و ما یشعرون

<واو> در جمله <و ما یشعرون> می تواند حالیه و یا عاطفه باشد. در صورت عطف، جمله <ما یشعرون> بیان خصلتی

دیگر از صفات کافرانی است که در صدد رویارویی با قرآن هستند. که همان نداشتن درک است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه

- ۹ - ۱۲۷ - ۱۰

۱۰ محرومیت منافقان از درک و فهم صحیح ، عامل اعراض آنان از قرآن

و إذا ما أنزلت سوره . .. ثم انصرفوا ... بأنهم قوم لا یفقهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷ - ۱۱

۱۱- روی گردانی کافران از ارزش های نو قرآن ، معلولِ دنیاطلبی آنان است .

لم یؤمنوا بهذا الحدیث . .. ما علی الأرض زینه لها لنبلوهم

جمله <إنّا جعلنا ما علی الأرض زینه لها> می تواند به عنوان تعلیلی برای اِعراض کافران مطرح باشد; یعنی، زیبایی دنیا، باعث شده که ایشان به آن، دلْ خوش کنند و به قرآن ایمان نیاورند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۶ - ۳

۳ - برتر دیدن زندگانی دنیا از آخرت ، دیدگاهی ناروا و مایه شقاوت و روی گردانی از تذکّرات قرآن و گرفتاری به آتش دوزخ است .

و یتجنّبها الأشقی . الذی یصلی النار ... بل تؤثرون الحیوه الدنیا

عوامل ایمان به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۱ - ۱۷

۱۷ - پروا داشتن از خدا و نهراسیدن از غیر او ، مستلزم ایمان به قرآن و پرهیز از دین فروشی است .

ءامنوا بما أنزلت . .. و لاتشتروا بأیتی ثمناً قلیلا و إیّی فاتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۱ - ۳

۳ - تلاوت تورات و انجیل و پیروی از آن دو ، موجب ایمان آوردن به قرآن و پیامبر (ص

) است .

الذین ءاتینهم الکتب یتلونه حق تلاوته أولئک یؤمنون به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۵ - ۱۲

۱۲ قرآن برترین سخن برای هدایت و شایسته ترین پیام برای ایمان آوردن به آن است .

فبأی حدیث بعده یؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۱۷

۱۷ درخواست بصیرت از خداوند ، توجه به قرآن و حقایق مطرح شده در آن و مطالعه تورات ، راه های زدودن شک و شبهه درباره حقانیت قرآن است .

أفمن کان علی بیّنه . .. فلاتک فی مریه منه

روشن است که شک و شبهه، همانند علم و یقین که از امور قلبی است، با امر و نهی قابل ایجاد و رفع نیست. بنابراین جمله <فلاتک فی مریه منه> (در حقانیت قرآن شک نداشته باش) ارشاد به فراهم آوردن زمینه هایی است که مایه برطرف شدن شک می شود و آنها همان حقایقی است که در صدر آیه، بیان شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۴ - ۴

۴ بینایی و شنوایی باطنی انسان (توانایی درک و فهم حقایق) گرایش دهنده او به توحید ، ایمان به قرآن و انجام اعمال صالح

مَثل الفریقین کالأعمی والأصمّ والبصیر والسمیع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۴ - ۲

۲ - گرویدن اهل ایمان به قرآن و بهره گیری از معارف آن ، مرهون هدایت و راهنمایی خداوند

و هدوا إلى الطّيّب من القول

مقصود از سخن پاك (الطيب

من القول) می تواند قرآن یا کلمه توحید (لا إله إلاّ اللّه) باشد. برداشت فوق، بر پایه احتمال اول است.

عوامل تکذیب قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۹ - ۱

۱ مشرکان ، آیاتی از قرآن را که حامل معارفی بلند بوده و در ظرف کوچک ذهن آنان جای نمی گرفت ، انکار می کردند .

أم یقولون افتریه . .. بل کذبوا بما لم یحیطوا بعلمه

برداشت فوق مبتنی بر این است که <ما> در <بما لم یحیطوا . .. > اشاره به دسته ای از آیات قرآن باشد و مای محذوف در <لما یأتهم تأویله> که عطف بر <لم یحیطوا> و به تقدیر <و کذبوا بما لما یأتهم تأویله> است اشاره به دسته ای دیگر از آیات باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۵ - ۸

۸ مشرکان عصر بعثت به خاطر دنیا طلبی و تجمل گرایی ، قرآن را نپذیرفته و آن را ساخته دست پیامبر (ص) قلمداد می کردند .

أم یقولون افتریه . .. من کان یرید الحیوه الدنیا و زینتها

بیان پیامدهای دنیاخواهی و تجمل گرایی، پس از دعوت به توحید و اقامه برهانی روشن برای آن، اشاره به ریشه های اصرار مشرکان به کفرورزی دارد; یعنی، اینکه مشرکان با وجود دلیلی روشن بر حقانیت قرآن، حقایق مطرح شده در آن را نمی پذیرند به دلیل دنیاخواهی آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۴ - ۳

۳- نپذیرفتن حق و داشتن روحیه

استکباری ، عامل انکار نزول قرآن از جانب خداوند

فالذین لایؤمنون بالأخره قلوبهم منکره و هم مستکبرون . .. و إذا قیل لهم ماذا أنزل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۱۱ – ۱

۱ تکذیب قیامت ، عامل اصلی انکار رسالت پیامبر (ص) و قرآن کریم از سوی کافران و مشرکان

و قال الذین کفروا إن هذا إلاّ إفک . .. و قالوا مالِ هذا الرسول ... بل کذّبوا ب

<بل> در <بل کـذّبوا> برای اضـراب انتقالی است و به قرینه مقام، انتقال از یک امر مهم و بزرگ به امری بزرگ تر و مهم تر است؛ یعنی، انکار رسالت پیامبراسـلام(ص) به خاطر غـذا خوردن و داد و سـتد آن حضـرت در بازار نیست (اینها همه بهانه بود)؛ بلکه به خاطر قبول نداشتن اصل اعتقادی معاد است؛ اصلی که پس از توحید، محور دعوت هر پیامبری بوده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مدثر – ۷۴ – ۵۳ – ۳

۳ – بی ایمانی و بی پروایی نسبت به روز جزا ، عامل مخالفت کافران با رسالت پیامبر (ص) و نپذیرفتن تعالیم قرآن

بل لایخافون الأخره

عوامل حُسن استفاده از قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۸۴ – ۳

۳– حسن استفاده برخی انسان ها از قرآن و سوء استفاده گروهی دیگر ، معلول خصلت ها و روحیات نفسانی خود آنان است .

و ننزّل من القرءان ما هو شفاء و رحمه للمؤمنین و لایزید الظلمین إلاّ خسارًا . ..

عوامل رفع شبهه از قرآن

جلد

- نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۶۸ – ۳

۳ – تأمل در آیات قرآن ، زداینده هر گونه تردید در الهی و آسمانی بودن آن

أفلم یدّبّروا القول

عوامل سوءاستفاده از قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۸۴ – ۳

۳– حسن استفاده برخی انسان ها از قرآن و سوء استفاده گروهی دیگر ، معلول خصلت ها و روحیات نفسانی خود آنان است .

و ننزّل من القرءان ما هو شفاء و رحمه للمؤمنین و لایزید الظلمین إلاّ خسارًا . ..

عوامل سهولت فهم قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۵۸ – ۱،۳

۱– تسهیل معارف والای قرآن از سوی خداوند برای خلق ، در پرتو ویژگی های خاص زبان عربی

فإنّما یسّرنه بلسانک

مراد از <لسانک>، می تواند زبان عربی باشد که زبان پیامبر(ص) بوده است.

۳– نقش مهم توضیحات و تفسیر های پیامبر (ص) ، در فهم آسان حقایق عالی قرآن

فإنّما یسّرنه بلسانک

برداشت بالا بنابراین نکته است که <لسانک>، کنایه از تفسیرها و توضیحاتی باشد که پیامبر(ص) درباره آیات قرآن، برای فهماندن آنها به مردم ارائه داده است.

عوامل غفلت از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۹ - ۲

۲ دوستی و نزدیکی با افراد ناباب ، عامل غفلت و دوری از تعالیم بیدارگر قرآن

لقد أضلّنی عن الذکر بعد إذ جاءنی

مقصود از <الذکر> به قرینه آیه بعد که از مهجور شدن قرآن و فراموش شدن آن در میان جامعه سخن می

گوید و نیز به این دلیل که یکی از نام های قرآن، <ذکر> است، قرآن می باشد.

عوامل فهم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱ - ۷

۷ علم و دانش ، زمینه و ابزار فهم معارف قرآن

و نفصل الأیت لقوم یعلمون

عوامل کفر به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۹ - ۷

۷ - فسق و انحراف یهودیان ، موجب کفرشان به قرآن و آیات الهی است .

و ما یکفر بها إلا الفسقون

مصداق روشن برای <الفاسقون> - به قرینه آیات قبل و بعد - یهودیان هستند. آیات پیشین برخی از بهانه های یهود را برای اعراض از ایمان یادآور شده و آیه مورد بحث بیان می دارد که ریشه اصلی اعراض یهود از ایمان انحراف و فسق پیشگی آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۰ - ۲

۲ - کفرورزی به قرآن و تورات ، علی رغم عدم وجود کتابی هدایت بخش تر از آنها ، نشان از حق ستیزی و پیروی از هوای نفس دارد .

قل فأتوا بکتب . .. أهدی منهما... فاعلم أنّما یتّبعون أهواءهم

عوامل مبارزه با قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۶ - ۸

۸ فاصله گرفتن از قرآن و پیامبر(ص) و مبارزه با آنها برخاسته از جهل است. *

و هم ینهون عنه و ینئون عنه و إن یهلکون إلا أنفسهم و ما یشعرون

<واو> در جمله <و ما یشعرون> می تواند

حالیه و یا عاطفه باشد. در صورت عطف، جمله <ما یشعرون> بیان خصلتی دیگر از صفات کافرانی است که در صدد رویارویی با قرآن هستند. که همان نداشتن درک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹ - ۵

۵ دنیاطلبی مشرکان صدر اسلام ، عامل مبارزه آنان با اسلام و قرآن

اشتروا بأیت اللّه ثمناً قلیلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۳ - ۱۶

۱۶ - دل بستگی به کفر ، عامل ایستادن در مقابل تعالیم قرآن کریم

و قال الذین کفروا للحقّ لمّا جاءهم إن هذا إلّا سحر مبین

آوردن فاعل ظاهر (الذین کفروا) برای <قال> به جای <قالوا> می تواند به خاطر اشاره به نکته یاد شده باشد.

عوامل محرومیت از شفابخشی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۴ - ۱۲

۱۲ - محرومیت انسان از هدایت و شفای قرآن ، معلول شرایط و قابلیت های روحی خود او است .

و الذین لایؤمنون فی ءاذانهم وقر

بنابراین که جمله <فی آذانهم وقر> به منزله علت برای عدم ایمان کافران باشد، از آیه استفاده می شود که ایمان نیاوردن کافران و بی بهره ماندن آنان از قرآن، ناشی از وضعیت فکری و روحی خود آنان است.

عوامل محرومیت از فهم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۵ - ۸

۸- افتـادن حجاب نامرئی بر دیـدگان کافران و محروم شـدن آنان از شـنیدن و درک وحی ، معلول تصـمیم آنها مبنی بر عـدم ایمان

به آخرت است .

بین الذین لایؤمنون بالأخره حجابًا مستورًا

تعبیر <الذین لایؤمنون بالأخره> - به صورت جمله وصفیه - و فعل مضارع به جای <الکافرین> می تواند به این معنا باشد که جعل حجاب از سوی خدا، به خاطر این خصلت و گزینش از سوی کافران بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۶ - ۳

۳- محرومیت از درک صحیح حقایق قرآن ، پیامد حق ناپذیری و کفرپیشگی کافران

الذین لایؤمنون بالأخره . .. و جعلنا علی قلوبهم أکنّه أن یفقهوه و فی ءاذانهم وقرً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۷ - ۱۲

۱۲- محروم شدن از درک پیام های قرآن ، کیفر بی اعتنایی به آیات خدا و فرو رفتن در غفلت از گناهان است .

ذکّر بأیت ربّه فأعرض عنها . .. إنّا جعلنا علی قلوبهم أکنّه أن یفقهوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴ - ۸

۸ - اعراض از قرآن ، عامل محرومیت از فهم آیات و معارف آن

فأعرض أکثرهم فهم لایسمعون

برداشت بالاـ بر این اساس است که <لایسمعون> به معنای <لا یفهمون> باشد; چنانکه <مفردات> در مفهوم <سمع> این معنا را آورده است.

عوامل مخالفت با قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۰ - ۱۲

۱۲- روحیه استکباری ، عامل اصلی مخالفت کافران با قرآن و نه شبهات اصولی و تردید در ارزش آن

و شهد شهد . .. فامن و استکبرتم

تصریح خداوند بر استکبار کافران، علی رغم ایمان حق گرایان

به قرآن، اشاره به مطلب بالا دارد.

عوامل مصونیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۵ - ۳

۳ - محدود بودن ثبت و ابلاغ قرآن به سفیران خداوند ، تضمین کننده پاکی و پیراستگی آن از هرگونه خطا و باطل

مطهّره . بأیدی سفره

عبارت <بأیدی سفره>، ممکن است متعلق به <مطهّره> باشد; بر این اساس عامل تطهیر قرآن از خطا و باطل، آن است که تنها دستان سفیران الهی آن را ثبت و ابلاغ می کند و دیگران از دسترسی به آن ناتوان اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۲ - ۶

۶ - سلامت عقلانی پیامبر (ص) ، ضامن دریافت صحیح قرآن از فرشته وحی و مصونیت مرحله دریافت از خطا و تحریف

و ما صاحبکم بمجنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۳ - ۳

۳ - عقل سالم پیامبر (ص) و مشهود بودن جبرئیل برای آن حضرت در فضایی روشن ، تضمین کننده دریافت صحیح قرآن از فرشته وحی

و ما صاحبکم بمجنون . و لقد رءاه بالأُفق المبین

عوامل مؤثر در فهم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۶ - ۴

۴- عزم و اراده آدمی ، در درک و عدم درک حقایق قرآنی و پذیرش آنها نقشی تعیین کننده دارد .

الذین لایؤمنون بالأخره . .. و جعلنا علی قلوبهم أکنّه أن یفقهوه

ذکر جمله <الذین لایؤمنون> (آنان که ایمان نمی آورند) برای معرفی اندیشه های کافران به جای

<الکافرین> می تواند حاکی از نقش تصمیم و قصد آنان باشد.

عوامل نزول قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۷ - ۱۳

۱۳ ربوبیت و پروردگاری خدا ، مقتضی نزول قرآن

من رب العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۷ - ۴

۴ ربوبیت خداوند ، مقتضی نزول کتابی پندآموز ، شفابخش ، هدایتگر و رحمت بخش است .

یأیها الناس قد جاءتکم موعظه من ربکم و شفاء لما فی الصدور و هدًی و رحمه

غفلت زدایی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲ - ۳

۳- وحی الهی (قرآن و . . .) ، در راستای غفلت زدایی و احیای فطرت خفته انسان و یادآوری دانستنی های فراموش شده او است .

و هم فی غفله معرضون . ما یأتیهم من ذکر من ربّهم

<ذکر> از نظر معنا مانند <حفظ> است، با این تفاوت که <حفظ شیء> به اعتبار احراز و به دست آوردن آن و <ذکر شیء> به اعتبار استحضار و یادآوردن آن است (مفردات راغب). بنابراین توصیف قرآن و وحی الهی به <ذکر> به این اعتبار است که قرآن، یادآور دانستنی های فراموش شده آدمی و بیدارگر فطرتِ انسانِ غافل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱ - ۹

۹- قرآن ، کتابی است بیدارگر و غفلت زدا .

سوره أنزلنها . .. فیها ءایت بیّنت لعلّکم تذکّرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳

۴ - قرآن ، بیدارکننده آدمیان از غفلت و بی توجهی

أفنضرب عنکم الذکر

به کارگیری <ذکر> به جای <قرآن>، حاکی از این است که قرآن، بیدارگر خفتگان و یادآور غافلان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۷ - ۲

۲ - بیدارگری و غفلت زدایی ، رسالت اصلی قرآن

و لقد یسّرنا القرءان للذّکر فهل من مدّکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۲ - ۲

۲ - بیدارگری و غفلت زدایی ، رسالت اصلی قرآن

و لقد یسّرنا القرءان للذّکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۱ - ۲

۲ - آیات قرآن ، راهنما و مایه غفلت زدایی و زمینه پندگیری و عبرت

کلّا إنّها تذکره

مراد از ضمیر در <إنّها>، آیات قرآن است که با توجّه به بیان اوصاف آنها در آیات بعد، تصریح به مرجع ضمیر لزومی نداشته است. <تذکره> اعم از <دلالت> (راهنمایی) و <اماره> (نشانه) است و به هر چیزی که با آن تذکّر حاصل شود، اطلاق می گردد (مفردات راغب). <تذکیر> (مرادف تذکره) به معنای موعظه کردن و <ذکری> (اسم مصدر آن) به معنای عبرت است (قاموس)؛ بنابراین مراد از <تذکره> بودن قرآن، راهنمایی، موعظه کردن و مایه عبرت بودن آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۶ - ۴

۴ - ارجمنـدی ، عظمت و پیراستگی صـفحات قرآن و مقام والای نویسـندگان آن ، تضـمین کننده شایسـتگی آن برای غفلت زدایی و بیان حقایق

إنّها تذکره . .. فی صحف

مکرّمه . مرفوعه مطهّره . بأیدی سفره . کرام بره

غیبگوییهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کوثر - ۱۰۸ - ۱ - ۳

۳ - گسترش نسل پیامبر (ص) ، از خبر های غیبی قرآن

إنّا أعطینک الکوثر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کوثر - ۱۰۸ - ۳ - ۵

۵ - گسترش آوازه پیامبر (ص) و بقای نام نیک برای او و مهجور مانـدن نام دشـمنان دین در تاریـخ ، بشارت خداونـد به آن حضرت و از خبر های غیبی قرآن

إنّ شانئک هو الأبتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۳ - ۴

۴ - بیان سرسختی سازش خواهان کافر و وفا نکردن آنان به وعده ایمانِ مشروط خویش ، از اخبار غیبی قرآن

و لا أنتم عبدون ما أعبد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۵ - ۲،۴

۲ - سـازش خواهان کافر ، به رغم اظهار آمادگی برای پـذیرش مشـروط توحیـد ، هرگز اهل عبادت خداونـد نبودنـد و حال و آینده آنان ، فرقی نمی کرد .

و لا أنتم عبدون ما أعبد

این آیه گرچه بـا آیه سوم، عبـارتی یکسـان دارد؛ ولی در زمـان بـا آن متفـاوت است. در آیه سوم به قرینه آیه قبل از آن مراد

زمان آینده است; ولی در این آیه به قرینه آیه قبل از این مراد زمان حال است.

۴ - بیان سرسختی سازش خواهان کافر و باقی ماندن آنان بر مرام خویش تا پایان عمر ، از خبر

های غیبی قرآن

و لا أنتم عبدون ما أعبد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نصر - ۱۱۰ - ۱ - ۴

۴ - خداوند ، مسلمانان صدر اسلام را از پیش به فتح مکه و امداد های خود بشارت داد .

إذا جاء نصر اللّه و الفتح

فاسقان و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۹ - ۵

۵ - تنها فاسقان (منحرفان) ، قرآن و دلایل روشن آن را نپذیرفته و بدان کافر می شوند .

و ما یکفر بها إلا الفسقون

فاسقان و مثالهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۶ - ۱۱

۱۱ - تنها فاسقان به سبب وجود مثلهایی در قرآن ، به گمراهی کشانده می شوند .

و ما یضل به إلا الفسقین

فرجام استهزاگران قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۵ - ۶

۶ مردن بر حال کفر ، فرجام شوم منافقان استهزاکننده آیات قرآن

و أما الذين فی قلوبهم مرض . .. و ماتوا و هم کفرون

فرجام اعراض از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳ - ۶

۶- لزوم خداترسی و هراس از فرجام مخالفت با تعالیم قرآن

إلّا تذکره لمن یخشی

فرجام بی اعتنایی به تعالیم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۰ - ۵

۵ - فرجام بی اعتنایی به پیام های قرآن ، هراس انگیز و هولناک است .

سنقرئک . .. فذکّر

... سیذّکر من یخشی

خشیت و ترس از خداوند، به معنای هراس از مجازات های او در صورت روی گردانی از تذکرات قرآنی است.

فرجام بی نیازی از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۴۱ - ۲

۲ - روسیاهی در قیامت ، فرجام بی نیاز دیدن خود از پند و اندرز قرآن

أمّا من استغنی . .. کلاّ إنّها تذکره ... ترهقها قتره

ارتباط این آیه با آیات آغاز سوره، گویای برداشت یاد شده است.

فرجام شوم اعراض از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳ - ۵

۵- فرجام بی اعتنایی به پیام های قرآن ، هراس انگیز و هولناک است .

إلاّ تذکره لمن یخشی

خشیت و ترس از خداوند، به معنای هراس از مجازات های او در صورت مخالفت با تذکرات قرآنی است.

فرجام شوم معرضان از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۲ - ۹

۹ - اعراض کنندگان از قرآن ، مجرمانی بد فرجامند .

ءاتینک . .. من أعرض ... و نحشر المجرمین یومئذ زرقًا

فرجام کافران به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲ - ۷

۷- کـافرانِ به قرآن و کـافرانی که تصـمیم به مانـدن در ظلمت ها گرفته انـد ، فرجامی بس ناگوار دارنـد و در عـذابی سـخت گرفتار خواهند شد .

و ویل للکفرین من عذاب شدید

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که مراد از کافران در این آیه، به قرینهء آیه قبل، کسانی هستند که کتاب خدا

را نپذیرفتند و از ظلمتها خارج نشدند.

فرجام مبارزه با قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۱ - ۲

۲ - مبارزه با پیام غیب ، با اتکا بر منابع ظنی و بشری ، مبارزه ای بی فرجام

أم عندهم الغیب فهم یکتبون

آیه شریفه تعریضی دارد به مشرکان که با مشتی حدس و گمان، به مبارزه با غیب مکتوب (قرآن) برخاسته اند و به بی فرجامی چنین مبارزه ای نیندیشیده اند.

فرجام معرضان از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۱ - ۱

۱ - تنها کسانی خود را از تذکرات قرآن ، دور نگه می دارند که تیره بخت تر از دیگران و گرفتار دشوارترین فرجام اند .

و یتجنّبها الأشقی

<أشقی> اسم تفضیل از ماده <شقاوت> است. ریشه اصلی این کلمه بر سختی کشیدن دلالت دارد و نقطه مقابل سهولت و سعادت است (مقاییس اللغه). ذکر این کلمه خالی از قید زمان و مکان و متعلق سبب شده است که بر هر نوع تیره بختی در دنیا و آخرت، قابل تطبیق باشد. آیه بعد، نوع اخروی آن را بیان داشته است.

فرجام مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۷ - ۱۲

۱۲ تکذیب گران آیات الهی (قرآن) مردمانی بدفرجام

أو کذب بأیته إنه لا یفلح المجرمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۵ - ۱

۱- تکذیب کنندگان حقانیت قرآن ، سرانجام تمامی گناهان عمل خویش را در قیامت بر

دوش خواهند کشید .

و إذا قیل لهم ماذا أنزل ربّکم قالوا أسطر الأولین . لیحملوا أوزارهم کامله یوم ال

لام <لیحملوا> لام عاقبت است و <أوزار> (جمع وزر) به معنای ثقل و سنگینی و کنایه از گناه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۹ - ۱

۱ تهدید منکرانِ پیام های روشن و قابل درک قرآن ، به فرجامی سخت از سوی خداوند

فإنّما یسّرنه . .. فارتقب إنّهم مرتقبون

عبارت <إنّهم مرتقبون>، کنایه از این است که کافران به بیان های روشن وحی ایمان نمی آورند تا سرانجام وعیدهای ما تحقق یابد.

فسق مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۹ - ۸

۸ - انکار قرآن و دلایل رسالت پیامبر (ص) ، نشانه فسق و انحراف انکار کننده است .

و ما یکفر بها إلا الفسقون

فصاحت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۳ - ۷۸

۷- قرآن ، در قالب زبان عربی فصیح و روشن نازل شده است .

لسان الذی یلحدون إلیه أعجمیّ و هذا لسان عربیّ مبین

۸- بیان فصیح و روشن قرآن در قالب زبان عربی ، گویاترین دلیل بر القا نشدن آن توسط فردی عجمی (غیر عرب) بر پیامبر (ص) است .

لسان الذی یلحدون إلیه أعجمیّ و هذا لسان عربیّ مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۳ - ۱

۱ - قرآن ، کتابی نازل شده از جانب خداوند ، با بیانی فصیح و روشن

و کذلک

أنزلنه قرءانًا عربيًّا

<عربيّاً> يا به معنای فصیح و روشن می باشد (مفردات راغب) و یا گویای انتساب به عرب زبانان است (لسان العرب). برداشت یاد شده، ناظر به معنای اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۸ - ۴

۴ - قرآن ، بهترین ، گویاترین و شفاف ترین سخن برای پنددهی و درس آموزی

اللّه نزّل أحسن الحديث . .. لعلّهم يتذكّرون . قرءانًا عربيًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳ - ۶

۶ - آیات قرآن ، برخوردار از فصاحت و شیوایی *

قرءانًا عربيًّا

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <عربیّاً> به معنای سخن فصیح و شیوا باشد. در برابر اعجمی که به معنای غیر فصیح می باشد (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۴ - ۵،۶

۵ - زبان قرآن ، زبانی گویا ، روشن و به دور از ابهام

و لو جعلنه قرءانًا أعجميًّا لقالوا لولا فصّلت ءايته

۶ - مجموعه آیات قرآنی ، به دور از هرگونه ابهام و برخوردار از فصاحت

و لو جعلنه قرءانًا أعجميًّا لقالوا لولا فصّلت ءايته

<أعجمی> منسوب به <أعجم> است و <أعجم> به کسی گفته می شود که کلام او دارای ابهام بوده و گویا نباشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۷ – ۲

۲ – فصاحت و شیوایی والا و بی مانند قرآن

أوحينا إليک قرءانًا عربيًّا

<عربی> به سخنی گفته می شود که فصیح و شیوا باشد. (مفردات راغب).

جلد – نام سوره – سوره – آیه

- فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳ - ۴

۴ - قرآن ، کتابی فصیح و دارای پیامی روشن و بدون ابهام

إنّا جعلنه قرءانًا عربيًّا

برداشت یاد شده با توجه به معنای دیگر <عربیّاً> که فصاحت است به دست می آید. در مفردات راغب آمده: <العربی: الفصیح البین من الکلام>; یعنی، عربی به سخنی گفته می شود که شیوا، روشن و بدون ابهام باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲ - ۴

۴ رسایی و بلاغت بیان ، از ابعاد عظمت قرآن

و الکتب المبین

از این که قرآن با وصف <کتاب مبین> مورد سوگند الهی قرار گرفته است، مطلب یاد شده استفاده می شود.

فضایل تلاوت کنندگان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۰ - ۴

۴ - عالمان خداترس ، تلاوت گران قرآن ، برپادارندگان نماز و انفاق گران ، از فضل خداوند و مزد بیش از استحقاق خود برخوردارانند .

إنّما يخشى اللّه من عباده العلمؤا . .. إنّ الذين يتلون كتب اللّه ... و يزيدهم

فضایل قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۳ - ۲

۲ خردمندان ، معتقد به عظمت قرآن و مقام والای رسول اکرم (ص)

سمعنا منادیاً ینادی

مراد از <منادیاً> رسول اکرم (ص) و یا قرآن مجید است. و نکره آوردن آن اشاره به تفخیم و عظمت آن دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۶ - ۷

۷ - قرآن ، مظهر و نمود کامل

رحمت الهی برای انسان ها است .

و من یعش عن ذکر الرحمن

تعبیر <ذکر رحمان> برای قرآن اشاره به آن دارد که آن، از سرچشـمه نامتناهی رحمت الهی، نازل شده و در اختیار بشر قرار گرفته است.

فضایل مؤمنان به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۶ - ۶

۶ - ایمان آورندگان به قرآن و پیام وحی ، ایمن از سلطه شیاطین

و من یعش عن ذکر الرحمن نقیّض له شیطنًا

برداشت یاد شده بنابر این نکته است که مراد از <ذکر>، قرآن باشد. شاهد آن، آیات پیشین است که در مورد قرآن بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۴ - ۶

۶ - مؤمنان به قرآن ، به راه حق و درستی دست یافته اند .

فمن أسلم فأُولئک تحرّوا رشدًا

فضیلت اوراق قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۴ - ۱

۱ - صفحه های قرآن در پیشگاه خداوند ، دارای جایگاهی بلند و ارزشی والا است .

مرفوعه

فضیلت تعلیم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - مطففين - ۸۳ - ۱۳ - ۱

۱ - تلاوت آيات قرآن و آموختن معارف آن به مردم ، حركتى مطلوب و شايسته پى گيرى است .

إذا تتلى عليه ءايتنا

تداوم، از فعل مضارع <تتلى> استفاده مى شود; زيرا در مواردى كه سخن درباره كارهاى گذشته افراد و يا بيان حالت آنان است، فعل مضارع بر استمرار دلالت دارد.

فضيلت تلاوت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - يونس

- ۱۰ - ۶۱ - ۴

۴ قرآن ، کتابی است باعظمت و تلاوت آن بسیار ارزشمند می باشد .

و ما تکون فی شأن و ما تتلوا منه من قرءان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳ - ۵

۵ - تلاوت وحی و قرآن کریم ، کاری ارزشمند است و قرائت کنندگان از جایگاهی بلند در پیشگاه خداوند برخوردارند .

فالتّلیت ذکرًا

از سوگند خداوند به تلاوت کنندگان وحی و قرآن کریم، می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۳ - ۱

۱ - تلاوت آیات قرآن و آموختن معارف آن به مردم ، حرکتی مطلوب و شایسته پی گیری است .

إذا تتلی علیه ءایتنا

تداوم، از فعل مضارع <تتلی> استفاده می شود; زیرا در مواردی که سخن درباره کارهای گذشته افراد و یا بیان حالت آنان است، فعل مضارع بر استمرار دلالت دارد.

فضیلت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۶ - ۱۵

۱۵ - < عن رسول اللّه (ص) و عن علی (ع) فی معنی < صراط المستقیم > انه کتاب اللّه ;

از رسول خدا (ص) و علی (ع) روایت شده که مراد از <صراط المستقیم> کتاب خداست>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۶ - ۴

۴ قرآن پرتوى از علم و دانش خداوند

أنزله بعلمه

در برداشت فوق <بعلمه> حال براى ضمير مفعولى و <باء> در آن به معناى مصاحبت و ملابست گرفته

شده است ; یعنی قرآن نازل شده بر پیامبر(ص) علم الهی را به همراه دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۹ - ۷

۷ شرافت و برتری قرآن ، بر دیگر کتب آسمانی *

ءامنا باللّه و ما أنزل الینا و ما أنزل من قبل

تقدیم <ما انزل الینا> بر <ما انزل من قبل> علی رغم تقدم زمانی کتب آسمانی گذشته می تواند اشاره به برداشت فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۲ - ۱،۲،۹،۱۰

۱ قرآن ، کتابی از جانب خداوند و ارجمند و گرانقدر

و لقد جئنهم بکتب

مراد از <کتاب> قرآن کریم است که به صورت نکرده آورده شده تا اشاره به عظمت و والایی آن باشد.

۲ خداوند قرآن را بر اساس علم خویش تبیین کرده و معارف آن را به روشنی بیان داشته است .

و لقد جئنهم بکتب فصلنه علی علم

<علی علم> می تواند متعلق به <فصلنه> باشد و نیز می تواند متعلق به <جئنهم> گرفته شود. برداشت فوق مبتنی بر احتمال اول است.

۹ قرآن ، گنجینه ای از رحمت های ویژه الهی برای مؤمنان به آن

هدی و رحمه لقوم یؤمنون

۱۰ قرآن ، جلوه ای از علم و هدایت و رحمت بیکران خداوند

فصلنه علی علم هدی و رحمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۲ - ۵

۵ قرآن ، نور خداست .

يريدون أن يطفئوا نور اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - يونس - ۱۰ - ۱ -

۱ قرآن ، دارای مرتبتی والا و جایگاهی بلند در نزد خداوند

تلک ءایت الکتب

<تلک> کلمه ای است که برای اشاره به مشارالیه دور وضع شده است. به کارگیری آن، جهت اشاره به مشارالیه نزدیک (آیاتی که پیش روی ماست) نشان دهنده عظمت شأن و جایگاه رفیع قرآن در پیشگاه خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۸ - ۲،۳

۲ تنها نعمتی که برخورداری از آن ، باید مایه خوشحالی و شادمانی مؤمنان باشد ، قرآن است .

قد جاءتکم موعظه من ربکم . .. قل بفضل اللّه و برحمته فبذلک فلیفرحوا

۳ نعمت بهره مندی مؤمنان از قرآن ، نعمتی است بهتر و با ارزشتر از تمام دارایی ها و مال و منال دیگران .

قد جاءتکم موعظه من ربکم . .. قل بفضل اللّه و برحمته فبذلک فلیفرحوا هو خیر مما یج

در عود ضمیرهای فاعلی در <یفرحوا> و <یجمعون> سه احتمال است: الف) هر دو ضمیر به <الناس> برگردد. ب) هر دو ضمیر، عاید به <المؤمنین> باشد. ج) ضمیر اول راجع به <المؤمنین> و ضمیر دوم به <الناس> باشد. برداشت فوق مبتنی بر احتمال سوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۴ - ۱

۱ قرآن ، کتابی است که از جانب خداوند نازل شده است .

مما أنزلنا إلیک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱۱ - ۶

۶ قرآن ، بسی فراتر از آن است که بافته شده و ساخته بشر باشد .

ما كان حديثًا يفترى

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۹ - ۳

۳ قرآن جلوه ای از ربوبیت خداوند است .

أنما أُنزل إلیک من ربک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۴ - ۱۱،۱۲

۱۱- قرآن ، کتابی است که نقش بینات و معجزات انبیای پیشین را به تنهایی ایفا می کند .

و ما أرسلنا . .. بالبیّنت و الزبر و أنزلنا إلیک الذکر لتبیّن للناس ما نزّل إلیه

از اینکه خداوند در کنار ذکر اعطای بینات و کتاب به انبیای پیشین، برای پیامبر(ص) جداگانه کتابی خاص را ذکر می کند، می تواند به خاطر نکته فوق باشد.

۱۲- خداوند ، به انبیای پیشین معجزات حسی عطا فرمود و در قبال آن به پیامبر (ص) ، کتاب آسمانی جهان شمول عطا کرد * .

و ما أرسلنا . .. بالبیّنت و الزبر و أنزلنا إلیک الذکر

<بیّنه> به معنای دلیل واضح و روشن اعم از عقلی و حسی است. طبق شواهد تاریخی مراد از <بینات> در آیه، ممکن است معجزات حسی باشد. جدا ذکر کردن پیامبر(ص) برای اعطای قرآن، مشعر به برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۹ - ۱۴

۱۴- پیامبر (ص) ، شایسته ترین انسان و قرآن کامل ترین برنامه برای رشد و هدایت آدمیان است .

و جئنابک شهیدًا علی هؤلاء و نزّلنا علیک الکتب تبینًا لکلّ شیء و هدًی

با توجه به ارتباط دو بخش آیه; یعنی، <و جئنا بک شهیدا . ..> با <و نزّلنا علیک ...> و نیز بنابر

اینکه <شهیداً> را به معنای الگو بدانیم و شهادت را شهادت عملی به شمار آوریم، برداشت فوق را می توان به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۲ - ۵

۵- قرآن ، دارای حقیقتی والا و متعالی است .

قالوا إنما أنت مفتر . .. قل نزّله روح القدس من ربّک

تعبیر <نزّل> که به معنای فرود آمدن از بالا به پایین است درباره القای قرآن به پیامبر(ص) توسط جبرئیل، می تواند حاکی از نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۹ - ۴

۴ - قرآن ، عطیه بزرگ الهی به پیامبر (ص) و مایه تذکر و بیدارباش است .

و قد ءاتینک من لدنّا ذکرًا

نکره بودن <ذکراً> دلالت بر عظمت آن دارد و مراد از <ذکر> به قرینه <من أعرض عنه> (درآیه بعد) قرآن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰ - ۲

۲- قرآن ، کتابی با عظمت و بلند مرتبه

لقد أنزلنا إلیکم کتبًا

تنوین <کتاباً> دال بر تفخیم و تعظیم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۰ - ۱،۴،۶

۱- قرآن ، منشأ برکات و خیرات فراوان و منافع بسیار و دائمی برای بشر

و هذا ذكر مبارك أنزلنه

مشاراليه <هذا> قرآن است كه در اذهان حضور دارد و <البركه> به معناى خير بسيار و ثابت و سود فراوان است. توصيف قرآن به <مبارك> گوياى اين معنا است كه قرآن منشأ خيرات و منافع بسيار براى بشر

است.

۴- برتری و برجستگی قرآن نسبت به تورات

ءاتینا موسی . .. ذکرًا ... و هذا ذکر مبارک

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که خداوند در مورد <تورات> فقط <ذکر> به کار برده است; در صورتی که برای قرآن صفت <مبارک> را اضافه کرده است.

۶- قرآن ، به عنوان کتاب بیدارگر و منشأ خیر و برکت ، قابل انکار و تردید نیست .

هذا ذکر مبارک أنزلنه أفأنتم له منکرون

خداوند، قرآن را به عنوان کتاب بیدارگر (ذکر) و مایه خیر و برکت (مبارک) معرفی کرده و سپس انکار این حقیقت از سوی مشرکان را مورد سرزنش قرار داده است. این سرزنش می تواند بیانگر برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۸ - ۵

۵ - قرآن ، کتابی روشن و به دور از هرگونه ابهام و جلوه ای از علم و حکمت خداوند

و یبیّن اللّه لکم الأیت و اللّه علیم حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱ - ۴،۶

۴ قرآن ، جلوه ای از برکات و خیرات خداوند

تبارک الذی نزّل الفرقان

۶ قرآن ، تبیین گر حق و باطل و جدا کننده سره از ناسره است .

تبارک الذی نزّل الفرقان علی عبده

<فرقان> اسم است برای آنچه فارق و جدا کننده حق از باطل باشد (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۶ – ۲

۲ قرآن ، جلوه ای از علم مطلق و گسترده خداوند است .

قل أنزله الذی یعلم السرّ فی السموت و الأرض

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲ - ۱

۱ - قرآن ، کتابی ارجمند و دارای جایگاهی والا نزد خداوند

تلک ءایت الکتب

اشاره به آیات پیش رو با لفظ <تلک> که برای مشارالیه بعید است بیانگر بُعد منزلت و بلندی جایگاه قرآن در پیشگاه خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۲ - ۱

۱ - قرآن ، کتابی نازل شده از جانب خداوند

و إنّه لتنزیل ربّ العلمین

مراد از ضمیر در <إنّه>، می تواند قرآن باشد و یا بیان سرگذشت امت های کفرپیشه تاریخ باشد. برداشت یاد شده بر پایه احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۹ - ۵

۵ - عدم وجود کتابی هدایت بخش تر از قرآن و تورات

قل فأتوا بکتب من عند اللّه هو أهدی منهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۲ - ۱۵

۱۵ - < عن أبی جعفر (ع) . . .یقول اللّه عزّوجلّ < ذلک هو الفضل الکبیر > یعنی القرآن . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده: . ..[این که] خداوند عزّوجلّ می فرماید: <ذلک هو الفضل الکبیر> مقصود قرآن است...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۱ – ۲

۲ – قرآن ، کتابی با عظمت و بلند مرتبه در پیشگاه خداوند

و القرءان

سوگند خداوند به قرآن، حاکی از عظمت و بلند مرتبه بودن آن است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه

- فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲ - ۷

۷ - نزول کتاب آسمانی (قرآن) ، نعمتی است درخور شکر و شایسته عبادت خالصانه خدا و اطاعت محض از او .

إنّا أنزلنا إلیک الکتب بالحقّ فاعبد اللّه مخلصًا له الدین

برداشت یاد شده از تفریع جمله <فاعبد اللّه مخلصاً له الدین>، بر جمله <إنّا أنزلنا إلیک الکتاب> به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۳ - ۳

۳ - قرآن ، بهترین کتاب آسمانی در مقایسه با دیگر کتاب های آسمانی

اللّه نزّل أحسن الحدیث

بهترین بودن قرآن، ممکن است در مقایسه با دیگر کتاب های آسمانی سنجیده شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۸ - ۴

۴ - قرآن ، بهترین ، گویاترین و شفاف ترین سخن برای پنددهی و درس آموزی

اللّه نزّل أحسن الحدیث . .. لعلّهم یتذکّرون . قرءانًا عربیًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۳ - ۷

۷ - قرآن و ادیان الهی ، سراسر راست و مطابق با واقع و حق و حقیقت

و الذی جاء بالصدق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۵ - ۴

۴ – قرآن ، نیکوترین نازله های خداوند برای بشر

و اتّبعوا أحسن ما أُنزل إلیکم من ربّکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۲ – ۴،۵

۴ – قرآن ، جلوه عزت و علم خداوند

تنزیل الکتب من اللّه العزیز العلیم

آمدن دو صفت عزیز و علیم

برای خداوند، پس از یادآوری الهی بودن قرآن، می تواند گویای حقیقت یاد شده باشد.

۵ - قرآن ، در عرصه فکر و اندیشه ، پیروز شکست ناپذیر و کتابی عالمانه است .

تنزیل الکتب من اللّه العزیز العلیم

از آن جایی که خداوند عزیز و علیم است، سخن او هم در عرصه خود (فکر، اندیشه و . ..) چنین خواهدبود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲ - ۶

۶ - قرآن ، جلوه ای از رحمانیت و رحیم بودن خداوند

تنزیل من الرحمن الرحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۲ - ۸،۹

۸ - قرآن ، مظهر حکمت و کاردانی خداوند است .

تنزیل من حکیم حمید

۹ - قرآن ، نعمتی بزرگ و فرو فرستنده آن شایسته ستایش و قدردانی است .

تنزیل من حکیم حمید

به کارگیری وصف <حمید> برای خداوند پس از بیان نزول قرآن می تواند از یکسو عظمت قرآن و نعمت بودن آن را بفهماند و از سوی دیگر کرنش و فروتنی انسان در برابر خدا را افاده کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۷ - ۵

۵ - قرآن ، دارای حقیقتی ملکوتی و متعالی

اللّه الذی أنزل الکتب

به کارگیری ماده <نزول> (فرود آمدن از فراز) می تواند اشاره به برداشت بالا داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۴ - ۱۳

۱۳ - قرآن ، کلمه الهی است .

و یحقّ الحقّ بکلمته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ -

شوری - ۴۲ - ۵۲ - ۴

۴ - قرآن ، حیات بخش جان انسان ها است .

کذلک أوحینا إلیک روحًا

به کارگیری واژه <روح> به جای <قرآن> یا <کتاب>، اشاره به جنبه حیات بخشی قرآن دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲ - ۳

۳ - قرآن ، کتابی مقدس و ارجمند نزد خداوند

و الکتب المبین

واو در <و الکتاب> واو قسم است. سوگند خوردن خداوند به قرآن، نشان از ارجمندی و قداست قرآن در پیشگاه او دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳ - ۶

۶- قرآن ، حقیقتی نازل شده از مرتبتی والا و رفیع

إنّا أنزلنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲ - ۸

۸- برنامه ها و پیام های قرآن ، حکیمانه و منطبق با واقعیت های هستی است .

تنزیل الکتب من اللّه العزیز الحکیم

توصیف خداوند به حکمت در پی سخن گفتن از نزول قرآن می تواند ناظر به مطلب بالا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۴ - ۳

۳- < قرآن > کتاب معرفت و شناخت ، و < اسلام > دین عقل و اندیشه

أفلایتدبّرون القرءان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۸۰ – ۳

۳ – قرآن ، جلوه ای از ربوبیت خداوند

تنزیل من ربّ العلمین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۸۲ – ۳

۳ – قرآن ، رزق معنوی و عطای

الهی به انسان ها

و تجعلون رزقکم أنّکم تکذّبون

تعبیر <رزق> درباره قرآن، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۲۱ - ۳

۳ - قرآن ، کتابی شریف و پرفایده است .

قرءان مجید

<مجید>، به معنای رفیع (قاموس) و مجد به معنای عزّت و شرف است. (مصباح). اصل این کلمه از <مَجَدَتِ الابل> گرفته شده است; یعنی، شتران به چراگاهی وسیع و پر علف دست یافتند. (مفردات راغب)

فطرت تعالیم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱ - ۱۰

۱۰- معارف قرآن ، معارفی فطری و تنها نیازمند تذکر و توجه است .

سوره أنزلنها . .. فیها ءایت بیّنت لعلّکم تذکّرون

فطریت تعالیم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳ - ۷

۷- پیام قرآن ، هماهنگ با فطرت آدمی و بیدارگر آن است .

إلاّ تذکره لمن یخشی

<تذکره> آن گونه که از <لسان العرب> برمی آید به معنای به یادانداختن فراموش شده ها است. یادآوربودن قرآن به این است که انسان را به آنچه در فطرت او نهفته است و از آن غفلت دارد متوجه سازد.

فطریت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۱ - ۵

۵ - معارف قرآنی ، هماهنگ با فطرت انسانی است .

إنّ الذین کفروا بالذّکر

واژه <ذکر> از آن رو بر قرآن نام نهاده شده که معارفش در نهاد انسان و ساختار وجود او پیشینه دارد و هماهنگ با آن است.

فلسفه آیات آفاقی قرآن

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۷ - ۴

۴ هدف خداوند از بیان آیات طبیعت در قرآن استفاده دانشمندان است.

إن الله فالق . .. فالق الإصباح ... النجوم لتهتدوا ... قد فصلنا الأيت لقوم يعلمون

فلسفه اعراض از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۹ - ۷

۷- روی گردانی از قرآن ، به خاطر قابل فهم نبودن قرآن و یا محتوای آن نیست ; بلکه به دلیل حق گریزی است .

و لقد صرّفنا للناس فی هذا القرءان من کلّ مثل فأبی أکثر الناس إلاّ کفورًا

فلسفه پیشگوییهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۰ - ۱۴

۱۴ - نمایاندن معجزه به مؤمنان ، از جمله اهداف الهی در پیشگویی و اخبار از حقایق آینده

وعدکم اللّه . .. و لتکون ءایه للمؤمنین

اسم <لتکون. ..> وعده های الهی و پیشگویی او است که از <وعدکم اللّه> استفاده می شود; یعنی، خداوند از گفتن این اخبار غیبی و این وعده ها، اهداف گوناگونی را دنبال می کند که یکی از آنها معجزه نمایی است.

فلسفه تبیین آیات قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۵ - ۳،۴

۳ روشن ساختن راه و روش مجرمان، از اهداف تفصیل و تبیین آیات قرآن

و کذلک نفصل الأیت و لتستبین سبیل المجرمین

۴ ترسیم راه و روش صالحان، از اهداف تبیین آیات قرآن

و کذلک نفصل الأیت و لتستبین سبیل المجرمین

بیان راه و روش مجرمان، با بیان راه و روش

مجرمـان، بـا بيـان راه و روش صالحان، كه نقطه مقابل مجرمان است، ملازمه دارد و بيان يكى از دو ضـد، مآلا بيان ديگرى نيز خواهد بود. لذا برخى گفته اند جمله <و لتستبين> عطف بر جمله محذوف <لتستبين سبيل المؤمنين> است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۶ - ۱۲

۱۲ توجه انسان به خدادادى بودن نعمتهاى مادى و معنوى، از اهداف تبيين آيات قرآن و معارف دين

ذلك من ءايت الله لعلهم يذكرون

فلسفه تبيين قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۴ - ۱۴

۱۴- هدف از نزول قرآن و تبيين و تفسير آن ، رشد فكرى مردم است .

و أنزلنا إليك الذكر لتبيّن للناس . .. و لعلّهم يتفكّرون

فلسفه تذكرات قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۹ - ۳

۳ - تذكار هاى قرآن ، به منظور معرفت خدا و راه يابى آگاهانه و آزادانه انسان ها به او است .

فمن شاء اتّخذ إلى ربّه سبيلاً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۹ - ۵

۵ - تذكار هاى قرآن ، به منظور معرفت و راه يابى آگاهانه و آزادانه انسان ها به خدا است .

إنّ هذه تذكره فمن شاء اتّخذ إلى ربّه سبيلاً

فلسفه تشبیهات قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۵۸ – ۱۴

۱۴ به کارگیری تمثیل و تشبیه در تفهیم معارف دین ، شیوه ای از شیوه های گوناگون بیان

آيات الهى در قرآن

و البلد الطيب . .. كذلك نصرف الأيت

فلسفه تكذيب قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۳ - ۲

۲ - كافران ، تكذيب قرآن را ابزار رسيدن به اهدافى ساخته بودند كه آن را اظهار نمى كردند .

بل الذين كفروا يكذّبون . و اللّه أعلم بما يوعون

از مصاديق <مايوعون>، نيت ها و مقاصدى است كه كافران، تكذيب قرآن را وسيله رسيدن به آن مقاصد كرده بودند.

فلسفه تلاوت قرآن علما

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۰ - ۱

۱ - عالمان خداترس ، به منظور دريافت اجر الهى ، به تلاوت قرآن ، اقامه نماز و انفاق مى پردازند .

إنّما يخشى اللّه من عباده العلمؤا . .. إنّ الذين يتلون كتب اللّه ... ليوفّيهم

برداشت ياد شده، مبتنى بر اين است كه لام در <ليوفّيهم> براى تعليل بوده و اين جمله متعلق به <يتلون> باشد; يعنى، قرآن را تلاوت مى كنند و . .. به خاطر آن كه خداوند به آنان پاداش كامل عنايت كند.

فلسفه تلاوت قرآن محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۵ - ۳

۳ - بالا بردن توان پيامبر (ص) براى به دوش گرفتن مسؤوليت سنگين و گران بار رسالت ، فلسفه توصيه خداوند به آن حضرت مبنى بر شب زنده دارى و تلاوت قرآن

قم الّيل . .. و رتّل القرءان ترتيلاً . إنّا سنلقى عليك قولاً ثقيلاً

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که جمله <إنّا سنلقی. ..> در

مقام تعلیل برای <قم اللیل...> است; یعنی، به شب زنده داری بپرداز; زیرا به زودی سخنی گران بار بر تو القا خواهیم کرد.

فلسفه تنوّع آیات قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۵ - ۶

۶ تبیین آیات برای آگاهان، هدف از تنوّع بیانی قرآن است.

و کذلک نصرف الأیت . .. و لنبینه لقوم یعلمون

فلسفه تنوّع بیانی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۵ - ۱۲

۱۲ دریافت و فهم مقاصد قرآن، هدف از بیان آیات به شکلهای متنوع و گوناگون است.

انظر کیف نصرف الأیت لعلهم یفقهون

فلسفه رفع شبهه از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۴ - ۱

۱ - زدوده شدن شبهات شیطانی از چهره آیات وحی به اراده خداوند ، به این دلیل بود تا کسانی که از نعمت معرفت و دانش برخوردار بودند ، به حقانیت آن پی ببرند و با آرامش خاطر ، به آن ایمان بیاورند .

فینسخ اللّه ما یلقی الشیطن . .. و لیعلم الذین أُوتوا العلم ... فتخبت له قلوبهم

ضمیر در <أنّه الحق> به قرآن باز می گردد که در آیه ۵۲ از آن ذکر ضمنی به میان آمده است. <إخبات> (مصدر <تخبت>) مشتق از <خَبْت> است. <خَبْت> به زمین وسیع و همواری گفته می شود که بی فراز و نشیب است. <قلب مخبت>; یعنی، قلبی که مطمئن آرام و بی اضطراب و تردید است. آیه یاد شده تعلیل برای جمله <فینسخ اللّه ما یلقی الشیطان...> است; یعنی، خداوند

شبهه های شیطان را از آیات وحی می زدایـد، تا کسانی که از نعمت دانش برخورداراند، بدانند که قرآن حق بوده و از جانب پروردگار نازل شده است و دل هایشان به آن مطمئن شود و آرام گیرد.

فلسفه سوگندهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۶ - ۸

۸ - سوگنـد خداونـد به سپیـده دم ، شب هـای ده گـانه ، جفت ، تـاق و گـذشت شب ، برای تأکیـد بر دارا بـودن توان اجرای تهدیدات خویش و نابود ساختن کافران

و الفجر . .. ألم تر کیف فعل ربّک بعاد

ممکن است مراد از سوگنـدها، تأکید بر قدرت خداوند بر نابود ساختن مخالفان پیامبر(ص) باشد; در این صورت جواب قسم محـذوف خواهد بود. گفتنی است که جواب قسم در احتمال دیگر، آیه چهاردهم این سوره است که مراقبت شدید خداوند را مطرح کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۰ - ۴

۴ - خداونـد ، در تأکیـد بر زیـان کـاری و تبـاهی گناه کاران ، به < خورشـید و نور آن > ، < ماه > < روز و شب > ، < آسمان و زمین > ، < نفس انسان > و < ذات خویش > سوگند یاد کرده است .

و الشّمس . .. و قد خاب من دسّیها

تکرار <قد>، نشانگر آن است که جمله <قد خاب. ..>، جوابی مستقل برای قسم های پیشین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۶ - ۷

۷ - خداوند ، در تأکید

بر ناسپاس بودن نوع انسان ها ، به اسبان تیزپای مجاهدان سوگند یاد کرده است .

و العدیت . .. إنّ الإنسن لربّه لکنود

این آیه و دو آیه بعد که عطف بر آن است، جواب سوگندهایی است که در آغاز سوره آمده بود.

فلسفه عربیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲ - ۶

۶ گویایی و رسا$ بودن زبان عرب ، فلسفه نزول قرآن به آن لغت

إنا أنزلنه قرء نًا عربیًّا لعلکم تعقلون

<عربی> به معنای فصیح و روشن است و لغت عرب را به این سبب عربی می گویند. بنابراین <قرآناً عربیّاً> ; یعنی ، قرآن به لغت عرب است ، همان لغتی که گویا و رساست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۴ - ۱

۱ - عربی بودن قرآن ، اتمام حجت خداوند بر مردم عرب است .

و لو جعلنه قرءانًا أعجمیًّا لقالوا لولا فصّلت ءایته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳ - ۲

۲ - نزول قرآن به زبان عربی ، زمینه سهولت فهم آن برای مردم عصر پیامبر (ص) و جامعه های عرب زبان

إنّا جعلنه قرءانًا عربیًّا لعلّکم تعقلون

<عربیّاً> اگر به معنای زبان عربی باشد، خطاب در <لعلّکم تعقلون> خاص بوده و تنها شامل مردم عرب زبان می شود; یعنی، ما قرآن را به زبان عربی قرار دادیم به آن امید که شما مردم عرب در آن بیندیشید. و اگر <عربیّاً> به معنای فصیح و شیوا باشد، خطاب در <لعلّکم تعقلون> عام بوده و فراگیرنده همه

انسـان ها می شود; یعنی، ما قرآن را شـیوا و گیرا قرار دادیم، بـدان امیـد که شـما انسان ها بـدان جـذب شـده و در آن تعقل و اندیشه نمایید. برداشت یاد شده بر پایه احتمال اول است.

فلسفه علوم طبیعی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴۹ - ۷

۷ - طرح مسائل طبیعی در قرآن ، به منظور خداشناسی و پندآموزی است .

و السّماء بنینها بأییْد و إنّا لموسعون . .. و من کلّ شیء خلقنا زوجین لعلّکم تذکّ

طرح مسائـل مربوط به طبیعت و قوانین حـاکم بر آن (ماننـد توسـعه نظـام آسـمان هـا و حـاکمیت قانون زوجیت بر جهان)، در سلسـله آیاتی که درصـدد بیان قدرت و تدبیر خداوند بر جهان و در مقام پندآموزی به انسان ها است، می تواند بیانگرحقیقت یاد شده باشد.

فلسفه قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷ - ۹

۹- انتخاب راه ، براساس اختیار و آگاهی ، از هدف های ارائه قرآن به انسان و ایجاد شرایط مناسب برای زندگی وی در زمین است .

لم یؤمنوا بهذا الحدیث . .. جعلنا ما علی الأرض زینه لها لنبلوهم

در آیه قبل، خداونـد، پیامبر(ص) را از پافشاری بی حـد برای ایمان آوری مردم به قرآن، بازداشـته است و در این آیه، بیان می دارد که دنیا و جلوه های آن، برای آزمایش انسان ها برپا شـده است، بنابراین، خداوند، گرچه قرآن را مایه آگاهی انسان قرار داده، ولی نمی خواهد او را بر پذیرش آن اجبار کند، بلکه می خواهد که او با آگاهی

کامل و با اختیار خود، در این آزمون شرکت کند.

فلسفه قصص قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۳ - ۱۶

۱۶ - هدف از نقل داستان ها در قرآن ، ایجاد زمینه های درک و اندیشه در انسانهاست .

و یریکم ءایته لعلکم تعقلون

مراد از <آیات> گاهی حقایق و وقایع خارجی است و گاهی مقصود از آن بیان و نقل حقایق می باشد. برداشت فوق ناظر به احتمال دوم است. بر اساس این احتمال از مصادیق <آیاته>، داستان گاو بنی اسرائیل و داستان زنده شدن مقتول آنان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۹ - ۹

۹ از هدف های بیان سرگذشت نوح (ع) در قرآن ، ترغیب پیامبر (ص) و اهل ایمان به صبر و مقاومت است .

تلک من أنباء الغیب نوحیها إلیک . .. فاصبر إن العقبه للمتقین

خداوند، با تفریع جمله <إصبر. ..> به وسیله حرف <فاء> بر نقل داستان نوح(ع) ، به این نکته اشاره می کند که: مقصود از شرح ماجرای حضرت نوح (ع) ، قصه سرایی نیست; بلکه هدف از آن ، هدایت و تربیت مخاطبان قرآن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۳ - ۴

۴ خداوند با بیان مکر برادران یوسف علیه وی ، تسلّی دهنده پیامبر (ص) بر مخالفت مردمان با وی

إذ أجمعوا أمرهم و هم یمکرون. و ما أکثر الناس و لو حرصت بمؤمنین

برداشت فوق، مقتضای ارتباط میان <ما أکثر الناس . ..> با

خصوص مکر برادران یوسف علیه وی (و هم یمکرون) است و به این نکته اشاره دارد که: ای پیامبر! آنان که فرزندان یعقوب پیامبر بودند با پدر و برادرشان آن گونه رفتار کردند، پس مبادا از ایمان نیاوردن مردم اندوهگین باشی و خود را مقصر پنداری چرا که عموم مردم حق ناپذیرند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۷۵ – ۳

۳- شناخت صحیح خداوند (توحید) و پندآموزی و درس گیری ، هدف و فلسفه نقل داستان ها و حوادث تاریخی در قرآن است .

و نبّئهم عن ضیف إبرهیم . .. و أمطرنا علیهم حجاره من سجّیل. إن فی ذلک لأیت للمتو

جمله <إن فی ذلک . ..> و نیز جمله <إن فی ذلک لأیه للمؤمنین> در آیه ۷۷ به منزله نتیجه گیری از نقل داستان ابراهیم(ع) و قوم لوط است و این نتیجه گیری می تواند بیانگر هدف و فلسفه بیان داستانها باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۷۷ – ۵

۵- شناخت خداوند (توحید) و پندآموزی و درس گیری ، هدف و فلسفه نقل داستان ها و حوادث تاریخی در قرآن است .

و نبّئهم عن ضیف إبرهیم . .. إن فی ذلک لأیت للمتوسّمین ... إن فی ذلک لأیه للمؤمن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۹ – ۶

۶- تسلّی دادن به پیامبر (ص) و تسکین اندوه آن حضرت ، از اهداف بیان سرگذشت اصحاب کهف

أم حسبت أنّ أصحب الکهف و الرقیم کانوا من ءایتنا

عجبًا

<حسبت> خطاب به پیامبر(ص) است. سیاق آیات، اقتضا می کند که این آیه با آیات پیشین، به خصوص <لعلّك باخع نفسك> مرتبط باشد. از وجوه محتمل این است که یادآوری داستان اصحاب کهف و بیان ویژگی های آنان، ممکن است دارای این پیام باشد که مؤمنان حقیقی، گرچه اندك اند، ولی ارزشمند بوده و حضور آنان در برابر اکثریت کفرپیشه، مایه تسلّی خاطر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۹ - ۵

۵ - نقل داستان های پیشینیان در قرآن ، برای یادآوری و بیدارباش است .

نقصّ علیک من أنباء ما قد سبق . .. ذکرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۴ - ۶

۶ - دلداری خداوند به پیامبر (ص) درباره رویارویی مشرکان با آن حضرت ، با ذکر برخورد های اقوام گذشته با پیامبرانشان

و ما أرسلنا فی قریه من نذیر إلاّ قال مترفوها إنّا بما أُرسلتم به کفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۹ - ۵،۶

۵ - یاد و یادآوری ، هدف قرآن از نقل سرگذشت انسان های شایسته چون پیامبران الهی

و اذکر داود . .. إسمعیل و الیسع و ذاالکفل و کلّ من الأخیار . هذا ذکر

۶ - یادآوری سرگذشت انسان های شایسته همچون پیامبران ، از روش های تربیتی قرآن

و اذکر داود . .. إسمعیل و الیسع و ذاالکفل و کلّ من الأخیار . هذا ذکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۳ - ۷

۷- بیان

هلاکت فرعونیان و نجات بنی اسرائیل از سوی خداوند ، پیامدار تهدید برای مشرکان و نویدی برای پیامبر (ص) و مؤمنان

و لقد نجّینا بنی إسرءیل . .. بلؤا مبین

با توجه به این که آیات گذشته، در زمینه رویارویی مشرکان و مؤمنان بود; طرح سرگذشت فرعونیان و بنی اسرائیل، پیامدار مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۵ - ۵

۵ - بالا بردن معرفت و عبرت آموختن بشر ، فلسفه و قلمرو داستان سرایی های قرآن

کذّبت قبلهم قوم نوح . .. و لقد ترکنها ءایه فهل من مدّکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۲ - ۳

۳ - نقل داستان و سرگذشت پیشینیان در قرآن ، در چارچوب درس آموزی و پنددهی است .

لنجعلها لکم تذکره و تعیها أُذن وعیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲۶ - ۳

۳ - پندآموزی ، از اهداف نقل داستان گذشتگان در قرآن

إنّ فی ذلک لعبره لمن یخشی

فلسفه قصه های قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۴ - ۱۹

۱۹ ذکر داستانهای انبیای پیشین در قرآن برای تسلی پیامبر(ص) و همچنین تأسی وی به آنان است.

و لقد كذبت . .. و لقد جاءك من نبإى المرسلين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۶ - ۱۹

۱۹ واداشتن آدمى به تفكر در فرجام و سرنوشت خويش ، از اهداف داستان هاى قرآن است .

فاقصص

القصص لعلهم يتفكرون

فلسفه كفر به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۴۱ - ۱۱

۱۱ - رسيدن به منافع دنيوى ، از عوامل گرايش به كفر و انكار قرآن

و لاتشتروا بأيتى ثمناً قليلا

فلسفه مثالهاى قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۲۶ - ۵،۶

۵ - مثل هاى قرآن ، حق (بيانگر واقعيت ها) و همه از جانب خداوند است .

فيعلمون أنه الحق من ربهم

۶ - مثال هاى قرآن مايه تربيت و رشد مؤمنان است .

فيعلمون أنه الحق من ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۷ - ۲۰

۲۰ خداوند براى تبيين حقايق مثل هاى فراوان مى آورد .

كذلك يضرب الله الأمثال

ادات عموم مانند <كل>، <ال> جنس كه بر جمع داخل شود و . .. گاهى براى استغراق حقيقى است و گاهى حاكى از كثرت و فراوانى است كه از آن به عموم عرفى تعبير مى شود. به نظر مى رسد معناى دوم از <الأمثال> اراده شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۵ - ۲

۲- استفاده خداوند از مَثَل و مانند آوردن برای تقریب مفاهیم وحی به ذهن توده مردم

ضرب الله مثلاً عبدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۲ - ۱

۱- مَثَل و مانند آوردن خداوند ، برای ترسیم فرجام شوم کفران نعمت های خویش

ضرب الله مثلاً قریه . .. فکفرت بأنعم الله فأذقها ... بما کانوا یصنعون

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۸۹ – ۱،۳

۱- تبیین حقایق الهی در قرآن ، با بیان ها و مثال های گوناگون

و لقد صرّفنا للناس فی هذا القرءان من کلّ مثل

۳- گوناگونی بیان ها و مثال های قرآن ، متناسب با فهم توده های بشری و در جهت هدایت آنان

و لقد صرّفنا للناس فی هذا القرءان من کلّ مثل

<تصریف> در لغت به معنای گرداندن چیزی به جهات گوناگون است و <تصریف کلام> آوردن آن به معانی مختلف می باشد. از اینکه قرآن کتاب هدایت است و می فرماید: <ما در قرآن جهات گوناگون معانی را لحاظ کردیم> استفاده می شود که رعایت چنین جهاتی می تواند به خاطر نکته یاد شده باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۵۴ – ۸

۸- اقناع روح مجادلگر آدمی و رام ساختن او در مسیر حق ، فلسفه ارائه مثال ها و نمونه های متعدّد در قرآن است .

و لقد صرّفنا . .. و کان الإنسن أکثر شیء جدلاً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۴۳ – ۲

۲ – استفاده از مثال های فراوان و تبیین کننده ، در قرآن به منظور آگاهی مردم

و تلک الأمثل نضربها للناس

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۲۷ – ۵

۵ – متذکر شدن و بیدار گشتن مردم ، هدف و فلسفه آمدن مثل ها در قرآن است .

و لقد ضربنا للناس فی هذا القرءان من کلّ مثل لعلّهم یتذکّرون

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲۱ - ۷

۷ - فروتنی و < فروپاشی کوه ها در صورت نزول قرآن بر آنها > ، تمثیلی به منظور گرایش یافتن انسان ها به اندیشه درباره آیات وحی

لو أنزلنا هذا القرءان علی جبل . .. و تلک الأمثل نضربها للناس لعلّهم یتفکّرون

فلسفه مهلت به مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۵ - ۲

۲ - مهلت دادن به تکذیب گران ، در راستای سقوط تدریجی آنان است ; نه در جهت منافع آنان

سنستدرجهم. .. و أُملی لهم

عبارت <أُملی لهم> تأکید و بیان دیگری برای مسأله سقوط تدریجی کافران است; یعنی، ما به آنان مهلت دادیم تا سقوط تدریجی آنان تحقق یابد.

فلسفه نامگذاری قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱ - ۱۳

۱۳ < عن ابن عباس . . . قال عبداللّه بن سلام : . . . یا محمّد (ص) فاخبرنی هل أنزل علیک کتاباً ؟ قال : نعم قال : و أیّ کتاب هو ؟ قال : الفرقان ، قال : ولِمَ سمّاه ربّک فرقاناً ؟ قال : لأنّه متفرق الأیات و السور . . . ;

ابن عباس گوید: عبدالله بن سلام [به رسول خدا(ص). ..]گفت: یا محمد(ص)! به من خبر ده که آیا خدا کتابی بر تو نازل کرده است؟ فرمود: آری. گفت: آن کتاب کدام است؟ فرمود: فرقان است. گفت: چرا پروردگارت آن را فرقان نامیده است؟ فرمود: برای این که، آیه ها و سوره

های آن متفرق نازل شده است ...>.

فلسفه نزول تدریجی قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۶۴ – ۵

۵ نزول تدریجی قرآن ، متناسب با نیاز ها و رخداد های اجتماعی

یحذر المنفقون أن تنزل علیهم سوره تنبئهم بما فی قلوبهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۰۲ – ۱۰

۱۰– تثبیت ایمان مؤمنان و هدایت و بشارت به مسلمانان ، از اهداف نسخ و تغییر پیام های الهی و نزول تدریجی آیات قرآن

و إذا بدّلنا ءایه مکان ءایه . .. قل نزّله ... لیثبّت الذین ءامنوا و هدًی و بشری

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۱۰۶ – ۲

۲– امکان بازخوانی همراه با تأنی و آرامی قرآن بر مردم ، فلسفه نزول تدریجی آن بر پیامبر (ص)

و قرءانًا فرقنه لتقرأه علی الناس علی مکث

<مکث> در لغت به معنای درنگ و تأمل است (لسان العرب).

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۳۲ – ۴

۴ اطمینان قلب و آرامش خاطر یافتن پیامبر (ص) ، فلسفه تدریجی نازل شدن قرآن کریم

و قال الذین کفروا لولا نزّل علیه القرءان جمله وحده کذلک لنثبت به فؤادک

فلسفه نزول قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۹ - ۱۲،۱۰

۱۰ پیامبر(ص)، موظف به اعلام وحی شدن قرآن به خویش و بیان اهداف نزول آن

و أوحی إلیّ هذا القرءان لأنذرکم به و من بلغ

۱۲ انذار

مردم در طول تاریخ، هدف از فرستادن قرآن بر پیامبر(ص)

و أوحی إلیّ هذا القرءان لأنذرکم به و من بلغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۲ - ۸،۱۰

۸ انذار مردم مکه (ام القری) و اطراف آن، از اهداف نزول قرآن است.

و هذا کتب . .. و لتنذر أم القری و من حولها

۱۰ نزول قرآن برای انذار همه مردم جهان بوده و محدود به مکانی خاص نیست.

و لتنذر أم القری و من حولها

کاربرد کلمه <ام القری> به صورت توصیفی برای مکه، که در عین حال عنایت به دیگر شهرها و نقاط نیز هست، مضافاً بر الحاق <من حولها> که شامل تمامی نقاط دیگر می شود، بیانگر دعوت اسلام و قرآن برای همه مردم زمین و در تمام نقاط است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲ - ۵،۶

۵ هشدار به مردم درباره پیامدهای شوم اعراض از تعالیم دین و احکام خداوند، از اهداف نزول قرآن

کتب أنزل . .. لتنذر به

با توجه به آیات بعد معلوم می شود متعلق <لتنذر> عذابهای دنیوی و اخروی خداوند است که دامنگیر مخالفان احکام الهی می شود.

۶ یادآوری همواره تعالیم دین به مؤمنان، از اهداف نزول قرآن

کتب أنزل إلیک . .. ذکری للمؤمنین

کلمه <ذکری> به معنای تذکر دادن و عطف بر <تنذر> است. یعنی: کتاب أنزل لانذار الناس و تذکیر المؤمنین.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳ - ۴

۴ تربیت انسانها و تدبیر امور آنان در تمامی مراحل حیات، از اهداف

نزول قرآن است.

اتبعوا ما أنزل إليكم من ربكم

کلمه <ربکم> اشاره به این دارد که نزول قرآن برای تربیت و تدبیر امور مردم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۲ - ۳۸

۳ نزول قرآن ناشی از علم کامل خداوند به نیاز های هدایتی مردم

و لقد جئنهم بکتب فصلنه علی علم هدی

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که <علی علم> متعلق به <جئنهم> باشد. نکرده بودن کلمه <علم> اشاره به عظمت آن علم دارد که در برداشت فوق به <علم کامل> تعبیر شده است.

۸ هدف از نزول قرآن هدایت مردم و دستیابی به رحمت بیکران خداوند است .

و لقد جئنهم بکتب فصلنه علی علم هدی و رحمه

با توجه به اینکه همگان دعوت به ایمان شده اند و نیز اینکه آیه در مقام احتجاج علیه کافران است، معلوم می شود متعلّق <هدی> و <رحمه> کلمه ای همانند <للناس> می باشد. یعنی: جئنهم بکتب هدی للناس و رحمه لهم. قابل ذکر است که <هدی> و <رحمه> معفولٌ له برای <جئنهم> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۸ - ۳

۳ ارائه حق و شناساندن آن به مردم ، فلسفه نزول قرآن

قد جاءکم الحق من ربکم

برداشت فوق از وجه تسمیه قرآن به <حق> استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱ - ۵

۵- هدف از نزول قرآن ، خارج ساختن مردم از ظلمت ها و رهنمونی آنان به نور است .

کتب أنزلنه إلیک لتخرج الناس من الظلمت إلی النور

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲ - ۱

۱- هدف از نزول قرآن ، هدایت مردم به سوی خداوند مالک جهان هستی است .

کتب أنزلنه إلیک لتخرج . .. إلی صرط العزیز الحمید. الله الذی له ما فی السموت و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵۲ - ۱۰

۱۰- قرآن برای بیداری و پندپذیری صاحبان خرد ناب نازل گردید .

هذا بلغ للناس . .. و لیذّکر أولواالألبب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۴ - ۱۴

۱۴- هدف از نزول قرآن و تبیین و تفسیر آن ، رشد فکری مردم است .

و أنزلنا إلیک الذکر لتبیّن للناس . .. و لعلّهم یتفکّرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۴ - ۳

۳- هدف از نزول قرآن کریم ، تبیین اختلافات عقیدتی مردم است .

و ما أنزلنا علیک الکتب إلّا لتبیّن لهم الذی اختلفوا فیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۹ - ۱۲

۱۲- نزول قرآن بر پیامبر (ص) ، در جهت تبیین همه حقایق مربوط به رشد و سعادت آدمی و نیاز های هدایتی او

و نزّلنا علیک الکتب تبینًا لکلّ شیء

هر چند <کلّ شیء> افاده عموم می کند و به ظاهر همه حقایق عالم هستی را می تواند شامل شود، ولی در این جا قرینه های عرفی وجود دارد که دایره آن را محدود می سازد; از جمله اینکه چون قرآن کتاب هدایت، سعادت و

رشد است، حقایقی که بیان می کند در قلمرو همین سه موضوع خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳ - ۱

۱- هدف از نزول قرآن بر پیامبر (ص) ، هشدار و توجه دادن به مردم ونصیحت کردن آنان است .

ما أنزّلنا . .. إلاّ تذکره لمن یخشی

استثنا در <إلاّ تذکره> منقطع است و <تذکره> مفعولٌ له می باشد; یعنی، <لکن أنزلنا للتذکره>. <تذکره> معنایی گسترده تر از <راهنمایی> و <نشانه دادن> دارد و هرچه را مایه توجه به چیزی گردد شامل می شود (مفردات راغب و به معنای <وعظ> نیز می آید (مصباح و قاموس).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۹ - ۴

۴ - قرآن ، عطیه بزرگ الهی به پیامبر (ص) و مایه تذکر و بیدارباش است .

و قد ءاتینک من لدنّا ذکرًا

نکره بودن <ذکراً> دلالت بر عظمت آن دارد و مراد از <ذکر> به قرینه <من أعرض عنه> (درآیه بعد) قرآن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۳ - ۷،۱۰

۷ - پیدایش روحیه تقوا در انسان ، از اهداف نزول قرآن

أنزلنه . .. لعلّهم یتّقون

۱۰ - متذکر و متنّبه ساختن آدمیان ، از اهداف قرآن و بیانات روشن آن

و صرّفنا فیه من الوعید لعلّهم . .. أو یحدث لهم ذکرًا

<ذکر> نقطه مقابل نسیان است (مقاییس اللغه) بنابراین <ذکر>; یعنی، فراموش نکردن و در خاطر زنده نگه داشتن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - ۲

۳- وحی الهی (قرآن و . . .) ، در راستای غفلت زدایی و احیای فطرت خفته انسان و یادآوری دانستنی های فراموش شده او است .

و هم فی غفله معرضون . ما یأتیهم من ذکر من ربّهم

<ذکر> از نظر معنا مانند <حفظ> است، با این تفاوت که <حفظ شیء> به اعتبار احراز و به دست آوردن آن و <ذکر شیء> به اعتبار استحضار و یادآوردن آن است (مفردات راغب). بنابراین توصیف قرآن و وحی الهی به <ذکر> به این اعتبار است که قرآن، یادآور دانستنی های فراموش شده آدمی و بیدارگر فطرتِ انسانِ غافل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱ - ۱۱

۱۱ انذار و اخطار به همه انسان ها در تمام گیتی ، از اهداف قرآن و پیامبراسلام (ص)

نزّل الفرقان علی عبده لیکون للعلمین نذیرًا

ضمیر در <لیکون> ممکن است به دو چیز بازگردد: ۱ <فرقان> ۲ <عبده> (پیامبر اسلام).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۰ - ۵

۵ پندگیری و درس آموزی ، فلسفه نزول قرآن بر مردم با دلایل گوناگون و اسلوب مختلف

و لقد صرّفنه بینهم لیذّکروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۲ - ۴

۴ - رشد و تکامل آدمیان ، هدف الهی در نازل کردن قرآن

و إنّه لتنزیل ربّ العلمین

<ربّ> به معنای تربیت کننده است و <تربیت> ایجاد حالتی در شیء پس از حالت قبل است تا آن گاه که به حد تمام و

كمال برسد (مفردات

راغب). بنابراین تعبیر <ربّ العالمین> و انتخاب آن به جای هر نام و صفت دیگر، می تواند بیانگر این معنا باشد که قرآن از مقام ربوبیت و برای تکامل خلق نازل شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۰ - ۱

۱ - انذار و اخطار به انسان ها ، فلسفه نزول قرآن

و قرءان مبین . لینذر

لام در فعل <لینذر> برای تعلیل است و ضمیر فاعلی آن فعل، یا به قرآن بازمی گردد; که در این صورت مصدر مؤول به فعلِ <انذر> متعلق می شود. و یا به پیامبر(ص) بازمی گردد; که در این صورت، به فعلِ <أرسل> متعلق خواهد بود. گفتنی است که براشت یاد شده، مبتنی بر فرض اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲ - ۵

۵ - ارائه حق و شناساندن آن به مردم ، فلسفه نزول قرآن

إنّا أنزلنا إلیک الکتب بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۸ - ۷

۷ - پدید آمدن روح تقواپیشگی در انسان ها ، از اهداف نزول قرآن

قرءانًا . .. لعلّهم یتّقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۱ - ۳،۵،۸

۳ - نزول کتاب (قرآن) از سوی خداوند ، عملی هدفدار و امری لازم و شایسته برای بشر

إنّا أنزلنا علیک الکتب للناس بالحقّ

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که <بالحقّ> متعلق به <أنزلنا> باشد. کلمه <حقّ> در برابر باطل (پوچ و بیهوده) به معنای کار به

جا، شایسته و هدفمند است. بنابراین نزول قرآن، امری هدفمند و شایسته و بایسته برای بشر بوده است.

۵ - ارائه حق و شناساندن آن به مردم ، فلسفه نزول قرآن

إنّا أنزلنا علیک الکتب للناس بالحقّ

۸ - قرآن ، کتابی نازل شده برای هدایت و راهنمایی مردم .

فمن اهتدی فلنفسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۷ - ۴

۴ - ساختن انسان با تقوا ، از اهداف نزول وحی (قرآن)

لو أنّ اللّه هدینی لکنت من المتّقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲ - ۸

۸ - هدف از نزول قرآن ، دستیابی همگان به رحمت الهی است .

تنزیل من الرحمن الرحیم

از آن جاکه نزول قرآن از رحمت الهی سرچشمه گرفته، به دست می آید که هدف از نزول، ایجاد زمینه برای دستیابی همگان به رحمت الهی می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۷ - ۱۵

۱۵ - انذار مردم مکه (اُمّ القری) و اطراف آن ، از اهداف نزول قرآن است .

أوحینا إلیک . .. لتنذر اُمّ القری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۱۷ – ۲

۲ – نزول قرآن ، دارای هدفی ارجمند و هماهنگ با واقعیت هستی و نیاز های انسان

أنزل الكتب بالحقّ

حق، گاهی به معنای شیء مطابق با حکمت می آید و گاهی به معنای امر ضروری و مورد نیاز. برداشت یاد شده براساس هر دو احتمال است. هم چنین بر این پایه استوار است که

<بالحقّ> متعلق به <أنزل> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳ - ۷،۹

۷- نزول قرآن از جایگاه رفیع ، به منظور آسانی دستیابی خلق به معارف قرآن *

و الکتب المبین . إنّا أنزلنه

از ارتباط دو آیه، می توان استفاده کرد که نزول قرآن از مقام اصلی آن، برای این بوده است که بتواند قالبی رسا و روشن پیدا کند و در دسترس فهم همگان قرار گیرد.

۹- هشدار و انذار خلق ، از اهداف اصلی نزول قرآن

إنّا أنزلنه . .. إنّا کنّا منذرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۸۰ - ۷

۷ - هدف از نزول قرآن ، تربیت انسان و حرکت دادن او به سوی کمال است .

تنزیل من ربّ العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱۱ - ۴

۴ - هدف از نزول قرآن ، بیرون آوردن مردم از ظلمت ها و رهنمونی آنان به نور و روشنایی ها است .

لیخرج الذین ءامنوا و عملوا الصلحت من الظلمت إلی النور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴۸ - ۴

۴ - بیداربخشی و پندآموزی ، فلسفه نزول قرآن و قلمرو موضوعات آن

و إنّه لتذکره للمتّقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۹ - ۴

۴ - هدف از نزول قرآن بر پیامبر (ص) ، توجّه دادن به مردم و نصیحت کردن آنان است .

سنقرئک . .. فذکّر

فلسفه نسخ در قرآن

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۱ - ۶،۷

۶- نسخ و تبدیل آیات و پیام های قرآن ، دارای حکمت و دلیلی عالمانه است .

و إذا بدّلنا ءایه مکان ءایه و الله أعلم بما ینزّل

۷- بیشتر منکران و تکذیب کنندگان قرآن و رسالت پیامبر (ص) ، به حقیقت نسخ و حکمت آن جاهل بودند .

و إذا بدّلنا ءایه . .. أکثرهم لایعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۲ - ۱۰

۱۰- تثبیت ایمان مؤمنان و هدایت و بشارت به مسلمانان ، از اهداف نسخ و تغییر پیام های الهی و نزول تدریجی آیات قرآن

و إذا بدّلنا ءایه مکان ءایه . .. قل نزّله ... لیثبّت الذین ءامنوا و هدًی و بشری

فلسفه وضوح قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۷ - ۷

۷ - هدف الهی از بیان روشن و بدون ابهام رهنمود ها و مواعظ در قرآن ، بهره گیری و استفاده اهل ایمان از آنها است .

قد بیّنا لکم الأیت

<لام> در <لکم>، برای انتفاع و خطاب در آن متوجه مؤمنان است.

فلسفه وعیدهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۳ - ۸

۸ - بازداشتن مردم از مخالفت با بیان های روشن قرآن ، فلسفه وعید ها وهشدار های قرآن

و صرّفنا فيه من الوعيد لعلّهم يتّقون

تهدیـد شـدن اعراض کننـدگان از قرآن در آیات گذشـته و نیز جمله <أنزلناه قرآناً عربیّاً> قرینه براین است که متعلق <یتّقون> روی گردانی از قرآن می

باشد.

فواید تشبیهات قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۹ - ۶

۶ - استفاده از تشبیه ، برای بیان کردن حقایق ، از روش های بیانی قرآن است .

و الذین کفروا أعملهم کسراب بقیعه . .. إذا جاءه لم یجده شیئًا

فواید تعالیم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۰ - ۷

۷ - تعالیم قرآن ، برای انسان های پندپذیر سودمند است .

إن نفعت الذکری . سیذّکّر من یخشی

مراد از جمله <سیذکّر. ..> به قرینه <إن نفعت الذکری> (در آیه قبل) <سیذکّر و ینتفع> است; یعنی، پذیرش پند قرآن، ملازم با سود بردن از آن است.

فواید تلاوت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲ - ۳،۴

۳ تلاوت قرآن بر مؤمنان راستین ، فزاینده ایمان در نهاد آنان

و إذا تلیت علیهم ءایته زادتهم إیمنا

<تلیت> به قرینه کلمه <علی> از تلاوت، که به معنای قرائت است، گرفته شده است. بنابراین مراد از <ءایته>، آیات قرآن است.

۴ دل های بیمناک و لرزان از یاد خدا ، دارای زمینه ای مناسب برای تأثیرپذیری از تلاوت آیات قرآن

إذا ذكر اللّه وجلت قلوبهم و إذا تليت عليهم ءايته زادتهم إيمنا

فواید قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۵ - ۲

۲- بهره بردن از تمثیل در تبلیغ و محسوس ساختن مفاهیم ارزشی برای توده ها ، از روش های مورد استفاده قرآن است .

واضرب لهم مثل الحیوه الدنیا کماء

جلد - نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۴۱ – ۷

۷ – قرآن ، کتابی سودمند برای بشر و در جهت منافع و مصالح او است .

إنّا أنزلنا علیک الکتب للناس

برداشت یاد شده با توجه به لام در <للناس> است که متضمن معنای انتفاع می باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بروج – ۸۵ – ۲۱ – ۳

۳ – قرآن ، کتابی شریف و پرفایده است .

قرءان مجید

<مجید>، به معنای رفیع (قاموس) و مجد به معنای عزّت و شرف است. (مصباح). اصل این کلمه از <مَجَدَتِ الابل> گرفته شده است؛ یعنی، شتران به چراگاهی وسیع و پر علف دست یافتند. (مفردات راغب)

فواید مثالهای قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۲۶ – ۱

۱ – به کارگیری مَثَل از روش های قرآن برای هدایت مردم

إن اللّه لایستحی أن یضرب مثلا . .. یهدی به کثیراً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۲۵ – ۶

۶– همه مثالهایی که خداوند برای مردم به کار می برد ، جهت تنبه و تذکر به آنان است .

و یضرب الله الأمثال للناس لعلّهم یتذکّرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۲ - ۴

۴- بهره بردن از تمثیل در تبیین حقایق معنوی ، از روش های مورد استفاده قرآن است .

و اضرب لهم مثلاً رجلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۴ - ۱،۲

۱- خداوند ، در قرآن ، به

بیان های گوناگون ، مثال ها و نمونه های فراوانی را برای هدایت بشر ، طرح کرده است .

و لقد صرّفنا فی هذا القرءان للناس من کلّ مثل

<صرّفنا> به معنای <بیّنا> است; یعنی <بیان کردیم> (لسان العرب)، ولی از آن جهت که باب تفعیل، برای تکثیر است، مراد، بیان های متعدد است. ریشهء کلمه <صرّفنا> که تصریف و تغییر از حالتی به حالتی است، گویای آن است که این بیانات، گوناگون و متنوع هستند.

۲- آوردن مثال و نمونه ، از شیوه های بیانی قرآن و از روش های مناسب در تبلیغ و بیان حقایق است .

و لقد صرّفنا فی هذا القرءان للناس من کلّ مثل

برای <مَثَل> معانی متعددی از جمله: <شبیه و نظیر> و <حدیث (کلام تازه)> و <ضرب المثل> و <صفت> ذکر شده است. در آیه مورد بحث، به مناسبت <و اضرب لهم مثلاً رجلین> در آیات قبل ظاهراً، مقصود، ذکرِ شبیه و نظیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۳ - ۱۱

۱۱ - برملا شدن ضعف و ناتوانی معبود ها (اصنام) و جهل و نادانی پرستندگان آنها با ضرب المثل خداوند ، برای همگان

ضعف الطالب و المطلوب

<ضَعافه> (مصدر <ضعف>) به معنای ناتوان شدن است; یعنی، طالب و مطلوب هر دو ناتوان شدند. ظاهراً مقصود این است که با دلایل قاطع و غیرقابل انکاری که ارائه شد، نه تنها ضعف و ناتوانی بت ها; بلکه جهل و نادانی پرستندگان آنها نیز بر همگان آشکار شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۵ -

۲۰ – استفاده از تمثیل و تشبیه معقول به محسوس و ارائه نمونه عینی ، از روش های هدایتی قرآن برای تفهیم معارف بلند الهی

مثل نوره کمشکوه فیها مصباح . .. و یضرب اللّه الأمثل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۴۱ – ۱۴

۱۴ – انتخاب ملموس ترین مثال ، برای تبیین حقایق پیچیده و بلند آسمانی ، شیوه بیانی قرآن کریم است .

ألم تر أنّ اللّه یسبّح له . .. و الطیر صفّت

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که در آیه شریفه، پرندگان از حیث قابل دسترس بودن و نوع پرواز و اندامشان، مورد تمثیل قرار گرفته اند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۳۹ – ۲

۲ ارائه مثل ها (الگو ها و نمونه های عینی) ، روش کاربردی قرآن در تبیین حقایق و هدایت مردمان

و کلاًّ ضربنا له الأمثل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۵۸ – ۶

۶ – استفاده از مثال های متنوع ، از روش های قرآن کریم ، برای تبیین معارف و حقایق است .

و لقد ضربنا للناس فی هذا القرءان من کلّ مثل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۲۷ – ۲

۲ – مثل های قرآن ، بهترین و سودمندترین مثل ها است .

و لقد ضربنا للناس فى هذا القرءان من كلّ مثل

تنکیر <مثل> دلالت بر تعظیم و شرافت دارد; یعنی، یعنی مثل های قرآن بهترین وسودمندترین مثل ها است.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳ - ۹

۹- بیان های تمثیلی و توصیفی قرآن ، برای توده های بشر و در جهت منافع آنان

کذلک یضرب اللّه للناس أمثلهم

لام در <للناس> بیانگر منفعت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲۱ - ۶

۶ - استفاده قرآن از مثال ها ، برای به فکر واداشتن توده مردم

و تلک الأمثل نضربها للناس لعلّهم یتفکّرون

فهم انذارهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵ - ۲

۲ - پیام های انذارگر قرآن ، پیام هایی معقول و شناختنی است ; نه دور از حیطه درک بشر .

حکمه بلغه

در معنای <حکمت>، اتقان فهم و مطابقت با عقل نهفته است و وصف <بالغه> این معنا را تأکید می کند.

فهم تعالیم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳ - ۳

۳ انسانها قادر به فراگیری قرآن و شایسته برای فهم معارف آن هستند.

اتبعوا ما أنزل إلیکم من ربکم

با توجه به اینکه پیروی از قرآن بـدون فهم محتوای آن امکان پـذیر نیست و تصـریح شده که قرآن به سوی انسانها آمده است، معلوم می شود که آنان قادر به درک مفاهیم قرآن هستند.

فهم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۱ - ۱۴

۱۴ - از امام صادق (ع) درباره سـخن خداونـد که می فرمایـد : < الـذین ءاتینهم الکتب یتلونه حق تلاوته > روایت شده که فرمود :

< یرتلون آیاته و یتفقهون به و یعملون باحکامه و یرجون وعده و یخافون وعیده و یعتبرون بقصصه و یأتمرون بأوامره و ینتهون بنواهیه . . . ;

آنان قرآن را با ترتیل می خوانند و تلاش می کنند تا آیات آن را بفهمند و به احکام آن عمل می کنند و امیدوار به وعده ها و از وعیـد آن ترسان می باشـند، و از قصه های آن پنـد و عبرت می گیرنـد و به اوامر آن تن می دهند و از نواهی آن دوری می گزینند . .. >.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۹ - ۲۵

۲۵ آیات قرآن (آیات الاحکام) قابل فهم و بهره برداری مردم

یسئلونک . .. کذلک یبین اللّه لکم الایات لعلّکم تتفکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۱ - ۲۷

۲۷ آیات قرآن ، قابل فهم و بهره برداری برای همه مردم

و یبیّن ایاته للناس لعلّهم یتذکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷ - ۱۷،۲۰،۳۴

۱۷ اعتدال و سلامت قلب و اندیشه ، زمینه فهم صحیح قرآن

فامّا الّذین فی قلوبهم زیغ . .. و ابتغاء تأویله

انحراف قلب، منتهی به تأویل نادرست قرآن می شود; بنابراین سلامت قلب، فهم صحیح آیات قرآن را در پی دارد.

۲۰ فهم و برداشت صحیح از قرآن ، بدون شناخت محکم و متشابه آن ، امری ناممکن است .

هنّ ام الکتاب . .. فامّا الّذین فی قلوبهم زیغ

فهم متشابه در گرو ارجاعش به محکم است

; چون محکم، <امّ> و مرجع است. بنابراین اول باید آیات محکم از متشابه تشخیص داده شود، تا بتوان قرآن را فهمید.

۳۴ جز خردمندان ، کسی قدرت درک ویژگی های آیات محکم و متشابه را ندارد .

و ما یذّکّر الاّ اولوا الالباب

ظاهراً مراد از متعلّق <ما یذّکّر>، مطالب عنوان شده در همین آیه باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۸ - ۴

۴ قرآن ، قابل فهم برای همه مردم در هر عصر و دوره ای

هذا بیان للنّاس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۲ - ۳

۳ قرآن ، کتابی قابل فهم برای همه

افلا یتدبّرون القران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۴ - ۹

۹ تمامی مردمان ، توانمند بر درک مفاهیم قرآن

یأیها الناس . .. و انزلنا الیکم نوراً مبیناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۵ - ۱۲

۱۲ دریافت و فهم مقاصد قرآن، هدف از بیان آیات به شکلهای متنوع و گوناگون است.

انظر کیف نصرف الأیت لعلهم یفقهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۲ - ۴

۴ قرآن ، کتابی قابل درک برای مردم و همگان توانا بر بهره گیری از هدایت های آن

و لقد جئنهم بکتب فصلنه علی علم هدی و رحمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲ - ۸

۸ قرآن ، کتابی برای خواندن و

فهمیدن

إنا أنزلنه قرء نًا عربیًّا لعلکم تعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵۲ - ۲

۲- قرآن ، کتاب جهانی و قابل فهم برای همه مردم

هذا بلغ للناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۴ - ۱۰

۱۰- قرآن ، حاوی تعالیم و حقایقی است که کلید فهم آنها در دست پیامبر (ص) بود .

و أنزلنا إلیك الذکر لتبیّن للناس ما نزّل إلیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۴ - ۵

۵- قرآن ، کتاب مردم و قابل فهم و استفاده برای همگان است .

و لقد صرّفنا فی هذا القرءان للناس من کلّ مثل

<ل> در <للناس> برای انتفاع است؛ یعنی: <ما، مثال های فراوانی را در قرآن برای منفعت مردم بیان کردیم. >.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۸ - ۵

۵ - قرآن ، کتابی است روشن و قابل فهم .

أفلم یدّبّروا القول

با توجه به توصیه خداوند به تدبر در قرآن، این برداشت به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۹ - ۵

۵ - قرآن ، قابل فهم و شناخت است .

کتب . .. لیدّبّروا ءایته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۴ - ۱۱،۱۵

۱۱ - عجز کافران ، از درک معارف و مفاهیم بلند قرآن

و الذین لایؤمنون فی ءاذانهم وقر و هو علیهم عمیً

جمله <فی آذانهم وقر> (در گوش های کافران

سنگینی است) و نیز جمله <هو علیهم عمیً> (کوری کـافران نسـبت به قرآن است) کنـایه از نـاتوانی کافران نسـبت به درک مفاهیم قرآن می باشد.

۱۵ - پیام روشن قرآن ، دور از شنود و فهم کافران لجوج

أُولئک ینادون من مکان بعید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۸ - ۳

۳ - عن أبی إبراهیم (ع) . . . قال : . . . إنّ هـذه لغه فی قریش إذا أراد الرجل منهم أن یقول قد سـمعت یقول قد تدلّیت و إنّما التدلّی الفهم ;

از امام کاظم(ع) روایت شـده. .. که فرمود: ...تـدلّی واژه ای است در قریش هرگاه مردی از آنان خواست بگویـد: شـنیدم، می گوید <تدلّیت> و تدلّی به معنای فهمیدن است>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۷ - ۵

۵ - حقیقت ملکوتی قرآن ، دور از درک و اندیشه توده ها *

و لقد یسّرنا القرءان للذّکر

مفهوم <لقد یسّـِرنا. ..> این است که حقایق قرآنی در مرحله نخست و قبل از آسان شدن آن، سنگین بوده است; به گونه ای که چه بسا بیشتر انسان ها از درک آن ناتوان بوده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۰ - ۵

۵ - حقیقت ملکوتی قرآن ، دور از درک و اندیشه توده ها *

و لقد یسّرنا القرءان

مفهوم <و لقد یسّـِرنا> این است که حقایق قرآنی، در مرحله اول و قبل از آسان شدن، سنگین بوده است; به گونه ای که چه بسا بیشتر انسان ها از درک

آن ناتوان بوده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲ - ۵

۵ - معارف و آموزه های قرآن ، قابل شناخت و درک برای بشر

علّم القرءان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۹ - ۷

۷ - هیچ کس جز افراد پاک حقایق قرآن را به خوبی درک نخواهند کرد .

لایمسّه إلّا المطهّرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲۱ - ۱۰

۱۰ - قرآن ، کتابی قابل فهم برای اهل فکر و اندیشه

لو أنزلنا هذا القرءان . .. لعلّهم یتفکّرون

در دسترس بودن قرآن که از اسم اشاره قریب (هذا) فهمیده می شود و نیز ترغیب به اندیشیدن و تفکر در آن، بیانگر برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱ - ۵

۵ - قرآن ، قابل درک و فهم برای جن

إنّا سمعنا قرءانًا عجبًا

فهم مثالهای قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۲۶ – ۷

۷ – اهل ایمان حقانیت مثل های قرآن و آسمانی بودن آنها را در می یابند و به خوبی می فهمند .

فأما الذین ءامنوا فیعلمون أنه الحق من ربهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۲۴ – ۱

۱– خداوند ، فراخوان مردم به مطالعه و تیزبینی در چگونگی مثالهایش برای دریافت حقایق

ألم تر کیف ضرب الله مثلاً

قانونمندی قرآن

جلد – نام سوره – سوره –

آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۳ - ۲

۲ - قرآن ، در برگیرنده قوانینی نظام بخش و حافظ مصالح مردم

فیها کتب قیّمه

<قیّم> هر چیز، برپادارنـده و قوام بخش آن است (لسـان العرب). فعـل <کَتَبَ>; یعنی، حکم و قضاوت کرد و ملزم ساخت (مصباح). بنابراین مراد از <کُتُب> در آیه شریفه، ممکن است مجموعه حکم ها و الزام های الهی باشد.

قبول تعالیم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۱۶

۱۶ پذیرش قرآن و معارف آن در گرو رحمتی خاص از جانب خداوند

و لعنوا بما قالوا . .. ما أنزل إلیک من ربک طغیناً و کفراً

قداست قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۴ - ۶

۶ تبلیغ قرآن نباید وسیله درآمد های مادی قرار گیرد .

و ما تسئلهم علیه من أجر إن هو إلاّ ذکر للعلمین

حصـر در جمله <إن هو . ..> حصـر اضـافی و نسـبی است که به قرینه جمله <و مـا تسـئلهم ...> می توان گفت: مقصود این است که قرآن را خداونـد بر پیـامبر(ص) نـازل کرد تـا حقایق آن را به مردم بیاموزد و ابلاغ کنـد نه اینکه آن را وسـیله کسب معاش قرار دهد و پیامبر(ص) نیز همین گونه عمل کرد (ما تسئلهم ...).

قدرتمندی مخالفان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ – مدثر – ۷۴ – ۱۵ – ۴

۴ – مخالفان قرآن و رسالت پیامبر (ص) ، از قشر مرفّه ، قدرتمند و افزون خواه بودند .

و جعلت له مالاً ممدودًا .

و بنين شهودًا . و مهّدت له تمهيدًا . ثمّ يطمع أن أزيد

قرآن از آيات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۷ - ۹

۹ قرآن از آيات الهی است.

فقد جاءكم بينه من ربكم . .. فمن أظلم ممن كذب بأيت الله

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱ - ۱۰

۱۰ معارف قرآن ، آيات و نشانه های خدايند .

و نفصل الأيت

مقصود از <الأيات> می تواند همه معارف مطرح شده در قرآن باشد. بنابر اين تعبير از آن معارف به <آيات> مفيد برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - يونس - ۱۰ - ۱۷ - ۵

۵ قرآن ، مجموعه ای از آيات و نشانه های خداوند

أو كذّب بأيته

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - يونس - ۱۰ - ۹۵ - ۲

۲ قرآن ، آيت و نشانه الهی است .

فإن كنت فی شك مما أنزلنا إليك . .. و لاتكونن من الذين كذبوا بأيت اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱ - ۷

۷ قرآن ، از آیات خدا و نشانه های اوست .

تلک ءایت الکتب المبین

<آیات> به معنای نشانه هاست و آیه های قرآن به این دلیل آیات نامیده شده است که ویژگیهای نازل کننده خود را نشان می دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱ - ۵

۵ قرآن و آیات آن ، از نشانه های خداوند

است .

تلک ءایت الکتب

کلمه <آیات> به معنای نشانه هاست و آیات قرآن به این دلیل آیات نامیده شدند که ویژگیهای نازل کننده خود را نشان می دهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۳ - ۱۳

۱۳ - قرآن ، از آیات الهی است .

بَایه من ربّه أوَلم تأتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۱ - ۳

۳ - قرآن ، مجموعه ای از نشانه های خداوند

فی ءایتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۸ - ۳

۳ - قرآن ، مجموعه ای از آیات و نشانه های خداوند

و الذین هم بأیت ربّهم یؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۹ - ۵

۵ - احکام و قوانین قرآن ، از آیات و نشانه های خداوندی است .

و إذا بلغ الأطفل منکم الحلم فلیستئذنوا . .. کذلک یبیّن اللّه لکم ءایته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۶ - ۳

۳ - آیات قرآن ، از نشانه ها و جلوه های ربوبیت پروردگار است .

و ما تأتیهم من ءایه من ءایت ربّهم

برداشت یاد شده بر این پایه استوار است که مقصود از <آیات>، آیه های قرآن می باشد و اضافه آن به صفت <ربّ>، بیانگر مطلب بالا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۸ - ۸

۸ - قرآن ، از آیات الهی است .

کانوا بأیتنا یجحدون

مصداق مورد نظر برای <آیاتنا>

به قرینه آیه ۲۶ قرآن است.

قرآن از کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۳ - ۱۴

۱۴ - آسمانی بودن قرآن حتی در نظر مخالفان رسالت ، امری روشن بود .

إن کنتم صدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۸ - ۱

۱ قرآن ، کتابی فرو فرستاده شده از جانب خداوند بر پیامبر (ص)

و انزلنا إلیک الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲ - ۱

۱ قرآن، کتابی است آسمانی، باعظمت و نازل شده بر پیامبر(ص)

کتب أنزل إلیک

کلمه <کتاب> نکره است و اشاره به عظمت قرآن دارد و توصیف آن به <أنزل> بیانگر آسمانی بودن آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۷ - ۳،۱۱

۳ قرآن ، نام کتاب آسمانی پیامبر اسلام (ص) است .

و ما کان هذا القرءان أن یفتری من دون اللّه

۱۱ قرآن ، کتابی است الهی .

من رب العلمين

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۳ – ۷

۷ قرآن ، نام کتاب آسمانی پیامبر (ص)

بما أوحينا إليك هذا القرءان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۶۶ – ۴

۴ – قرآن ، کتابی آسمانی و نازل شده از جانب خداوند

قد كانت ءايتى تتلى عليكم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۹۰ –

۳ - قرآن ، کتابی آسمانی و نازل شده از سوی خداوند

بل أتینهم بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۱ - ۲

۲ - قرآن ، کتاب آسمانی و وحی الهی به پیامبر (ص)

و الذی أوحینا إلیک من الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱ - ۱

۱ - قرآن ، کتابی الهی و آسمانی است ; نه بشری .

تنزیل الکتب من اللّه

تصریح و تأکید خداوند بر الهی بودن قرآن با آن که ادعای آورنده آن (پیامبراسلام) نیز همین بوده است می تواند به این خاطر باشد که تمامی مخالفان اسلام، این کتاب را بشری و ساخته و پرداخته پیامبر(ص) می دانستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲ - ۱

۱ - قرآن ، کتابی الهی و آسمانی است ; نه بشری .

إنّا أنزلنا إلیک الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۱ - ۱

۱ - قرآن ، کتابی الهی و آسمانی است ; نه بشری

إنّا أنزلنا عليك الكتب

تصريح و تأكيد خداوند بر الهى بودن قرآن با آن كه ادعاى آورنده اش (پيامبراسلام) نيز همين بود مى تواند به اين خاطر باشد كه تمامى مخالفان اسلام، اين كتاب را بشرى و ساخته و پرداخته پيامبر(ص) مى دانستند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲ - ۱

۱ -قرآن ، كتابى نازل شده از جانب خداوند است ; نه دستاورد بشر

.

تنزیل الکتب من اللّه

تصریح و تأکید خداوند بر الهی بودن قرآن با آن که ادعای آورنده اش (پیامبراسلام) نیز همین بوده است می تواند به این خاطر باشد که مخالفان اسلام، این کتاب را بشری و ساخته و پرداخته پیامبر(ص) می دانستند.

قرآن در انجیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۴ - ۸

۸ - پذیرش اسلام و ایمان به قرآن ، از فرمان های تورات و انجیل به پیروان خویش

أتأمرون الناس بالبر و تنسون أنفسکم و أنتم تتلون الکتب

جمله <تُنسون أنفسکم> را می توان به قرینه آیات پیشین - که سخن از دعوت به ایمان بود - در ارتباط با ایمان به قرآن دانست. بر این اساس آیه اشاره به این معنا دارد که: شما عالمان اهل کتاب مردم را به نیکیها دعوت می کنید; ولی وظیفه خویش را که ایمان به قرآن است، فراموش می کنید; سپس با جمله <و أنتم تتلون الکتب> بیان می دارد که: آنان از این وظیفه مطلع بودند; یعنی، در کتابهای آسمانی، این حقیقت وجود داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۱ - ۴

۴ - تورات و انجیل ، حاوی بشارت به آمدن قرآن و پیامبر (ص) و بیانگر ضرورت ایمان به آن دو است .

الذین ءاتینهم الکتب یتلونه حق تلاوته أولئک یؤمنون به

چون خواندن تورات و انجیل و پیروی از آن دو، مایه ایمان آوردن به قرآن و پیامبر(ص) می شود، به دست می آید که: آن دو کتاب، بشارت به آمدن قرآن و پیامبر(ص) و

لزوم ایمان آوردن به آنها مطرح شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۷ - ۸

۸ تورات و انجیل ، حاوی بشارت به آمدن پیامبر (ص) و قرآن

نزّلنا مصدقاً لما معکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۴ - ۱۲

۱۲ وجود دلایل حقانیت قرآن و پیامبر(ص) در تورات و انجیل

و الذین ءاتینهم الکتب یعلمون أنه منزل من ربک بالحق

قرآن در تورات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۴ - ۸

۸ - پذیرش اسلام و ایمان به قرآن ، از فرمان های تورات و انجیل به پیروان خویش

أتأمرون الناس بالبر و تنسون أنفسکم و أنتم تتلون الکتب

جمله <تُنسون أنفسکم> را می توان به قرینه آیات پیشین - که سخن از دعوت به ایمان بود - در ارتباط با ایمان به قرآن دانست. بر این اساس آیه اشاره به این معنا دارد که: شما عالمان اهل کتاب مردم را به نیکیها دعوت می کنید; ولی وظیفه خویش را که ایمان به قرآن است، فراموش می کنید; سپس با جمله <و أنتم تتلون الکتب> بیان می دارد که: آنان از این وظیفه مطلع بودند; یعنی، در کتابهای آسمانی، این حقیقت وجود داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۹ - ۹

۹ - تورات ، متضمن بشارت به نزول قرآن و بعثت پیامبر (ص) است . *

مصدق لما معهم و كانوا من قبل يستفتحون على الذين كفروا

عبارت <مصدق لما

معهم> قرینه آن است که منشأ آگـاهی یهود پیش از بعثت بر اینکه <قرآن نـازل می شود و پیامبر(ص) مبعوث می گردد>، تورات بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۱ - ۴

۴ - تورات و انجیل ، حاوی بشارت به آمدن قرآن و پیامبر (ص) و بیانگر ضرورت ایمان به آن دو است .

الذین ءاتینهم الکتب یتلونه حق تلاوته أولئک یؤمنون به

چون خوانـدن تورات و انجیـل و پیروی از آن دو، مایه ایمان آوردن به قرآن و پیامبر(ص) می شود، به دست می آیـد که: آن دو کتاب، بشارت به آمدن قرآن و پیامبر(ص) و لزوم ایمان آوردن به آنها مطرح شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۹ - ۱۵

۱۵ نادیده گرفتن آیات بیانگر حقّانیّت قرآن و پیامبر (ص) در تورات از سوی علمای یهود ، به خاطر متاع اندک دنیا

انّ من اهل الکتب لمن . .. لا یشترون بایات اللّه ثمناً قلیلا

تمجید خداوند از عالمان مؤمن اهل کتاب، به خاطر ایمان به قرآن و سوداگری نکردن بر سر آیات الهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۷ - ۸

۸ تورات و انجیل ، حاوی بشارت به آمدن پیامبر (ص) و قرآن

نزّلنا مصدقاً لما معکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۴ - ۱۲

۱۲ وجود دلایل حقانیت قرآن و پیامبر(ص) در تورات و انجیل

و الذین ءاتینهم الکتب یعلمون أنه

منزل من ربک بالحق

قرآن در دوران محمد(ص)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۴۱ – ۲

۲ – کتابت و تدوین قرآن ، پس از نزول آن در حیات پیامبراسلام (ص)

إنّا أنزلنا علیك الکتب

اطلاق کتاب (نوشته و نگارش یافته) بر قرآن، یا بـدان جهت بوده که آیه های آن پس نزول نوشته می شده است و یا توصیه ای است از جانب خداوند که باید به صورت نوشته درآید. هر دو فرض می تواند گویای برداشت بالا باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۲ – ۲

۲ –کتابت و تدوین قرآن ، پس از نزول آن در حیات پیامبراسلام (ص) انجام گرفت .

تنزیل الکتب من اللّه

اطلاق کتاب (نوشته و نگارش یافته) به قرآن، یا بدان جهت بوده که آیه های آن پس از نزول نوشته می شده است و یا توصیه ای است از جانب خداوند که باید به صورت نوشته در آید. هر دو فرض، می تواند گویای برداشت یادشده باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۱۶ – ۲

۲– قرآن ، در عصر رسول خدا (ص) مجموعه ای مدوّن بود .

واذکر فی الکتب

حرف <ال> در <الکتاب> عهد حضوری است و به کتاب موجود اشاره دارد.

قرآن در صدر اسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۰۵ – ۵

۵ قرآن به صورت کتاب در عصر پیامبر (ص)

إنّا انزلنا إلیك الکتب

اطلاق <کتاب> (نوشته) بر

قرآن، حاکی از این است که قرآن به صورت کتاب و نوشته بر پیامبر(ص) نازل می شد و یا در آن عصر آن را می نوشتند و به صورت کتاب در می آوردند; و گرنه اطلاق کتاب بر آن صحیح نبود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۷ - ۷

۷ قرآن پس از نزول و در عصر پیامبر (ص) ، به نگارش یافته بر اوراق و تدوین شده به شکل کتاب

و ما یتلی علیکم فی الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۶ - ۵

۵ قرآن در عصر پیامبر (ص) نوشته شده بر سطوح و تدوین یافته به صورت کتاب

یأیها الذین ءامنوا باللّه و رسوله و الکتب الذی نزل علی رسوله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۰ - ۵

۵ قرآن در عصر پیامبر (ص) به صورت کتاب بوده است .

و قد نزل علیکم فی الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۵ - ۱۴

۱۴ قرآن ، به صورت کتاب و نوشته در عهد پیامبر (ص)

کتب مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۸ - ۴

۴ قرآن ، به صورت مکتوب و جمع آوری شده در عهد پیامبر (ص)

و انزلنا إلیک الکتب

اطلاق <کتاب> (نوشته) بر قرآن حاکی از آن است که در زمان رسول خدا(ص) به صورت مکتوب بوده

است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۲ - ۱

۱ قرآن در عصر نزول، حتی در مکه، به عنوان <کتاب> شناخته شده بود.

و هذا کتب أنزل نه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۳ - ۸

۸ قرآن در عصر پیامبر (ص) ، به بخشهایی به نام < سوره > تقسیم بندی شده بود .

فأتوا بعشر سور مثله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۲ - ۳

۳ قرآن ، نامی شناخته شده در عصر نزول برای مجموعه آیات نازل شده

لولا نزّل علیه القرءان جمله وحده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲ - ۳

۳ - قرآن ، در همان عصر نزول ، به < کتاب > مشهور بود .

تنزیل الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶ - ۲۲

۲۲ - قرآن کریم ، حتی قبل از نزول همه آیات آن ، کتاب نامیده می شده است .

کان ذلک فی الکتب مسطورًا

در صورتی که مراد از <الکتاب> قرآن باشد، اطلاق کتاب بر آن، در این سوره که بی شک آخرین سوره نازل شده بر پیامبر(ص) نیست نکته یاد شده را می رساند.

قرآن در کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۲ - ۷۸

۷ - کتاب های آسمانی بنی اسرائیل ، حاوی بشارت به نزول قرآن و نشانه های حقانیت آن است

.

و لاتلبسوا الحق بالبطل و تكتموا الحق

۸ - بنی اسرائیل عصر بعثت ، با تحریف در کتاب های آسمانی خویش ، در صدد کتمان بشارت ها و نشانه های حقانیت قرآن بودند .

و لاتلبسوا الحق بالبطل و تکتموا الحق

برخی برآنند که مراد از <الباطل> تحریفهای لفظی و معنوی است که عالمان بنی اسرائیل در کتابهای آسمانی خویش ایجاد می کردند تا نشانه های حقانیت قرآن و اسلام از آن آشکار نشود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۲ - ۷

۷ نزول قرآن و بعثت پیامبر(ص)، به عنوان خبری غیبی، در کتب آسمانی گذشته مطرح بوده است.

و هذا کتب أنزل نه مبارک مصدق الذی بین یدیه

از معانی محتمل برای <مصدق> تصدیق خبرهای کتب گذشته مبنی بر آمدن پیامبر(ص) و قرآن است، یعنی بدان جهت که این اخبار در آن کتب معهود بوده، نزول قرآن و بعثت پیامبر(ص) صدق آن خبرها را معلوم ساخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۸ - ۴

۴- عالمان اهل کتاب ، مطلع از وعده های خداوند در کتاب های آسمانی پیشین به نزول کتاب آسمانی قرآن

الذین أُوتوا العلم من قبله إذا یتلی علیهم یخرّون . .. یقولون سبحن ربّنا إن كان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۶ - ۲

۲ - نزول قرآن بر شخص پیامبراکرم (ص) یاد شده در کتاب های آسمانی پیشین

و إنّه لفی زبر الأوّلین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۵۳

۸ - وجود وعده و بشارت آمدن کتاب آسمانی به نام < قرآن > ، پیش از نزول آن در مدارک دینی اهل کتاب

إنّا کنّا من قبله مسلمین

برداشت یاد شده به خاطر این نکته روشن است که اهل کتاب آگاهی خود از آمدن قرآن را، تنها از راه مدارک دینی خود به دست آورده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۰ - ۷

۷- وجود قرینه هایی در متن تورات ، بر حقانیت قرآن *

و شهد شهد من بنی إسرءیل علی مثله فامن

مترتب شدن ایمان به قرآن، بر ایمان به تورات و آیین موسی، ممکن است از آن جهت باشد که در تورات، قرینه هایی بر حقانیت قرآن وجود داشته است.

قرآن در لوح محفوظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴ - ۱،۵

۱ - قرآن ، دارای حقیقتی متعالی و مکتوب در < لوح محفوظ > ، قبل از نزول به زبان عربی

إنّا جعلنه قرءانًا عربیًّا . .. و إنّه فی أُمّ الکتب لدینا

مراد از <اُمّ الکتاب > لوح محفوظ است.

۵ - قرآن ، در اُم الکتاب (لوح محفوظ) ، دارای حقیقتی واحد و بسیط

و إنّه فی أُمّ الکتب . .. حکیم

<حکیم> به معنای محکم است و <محکم> به مصنوعی گفته می شود که عناصر و اجزای تشکیل دهنده آن، باهم پیوندی ناگسستنی داشته باشند. توصیف قرآن موجود در اُمّ الکتاب به <محکم> با توجه به این که قرآن نازل شده دارای کلمات،

آیات و سوره های مفصل و مجزا از یکدیگر است

اشاره به این نکته دارد که قرآن موجود در اُمّ الکتاب، حقیقتی واحد، بدون تجزیه و تفصیل و دارای هویتی بسیط است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۵ - ۴

۴ - فرشتگان وحی نویسندگان قرآن از لوح محفوظ و ابلاغ کنندگان آن به پیامبر (ص)

بأیدی سفره

در این که مراد از <سفره> چه کسانی اند; نظرهایی چند ارائه شده است. از جمله این که به قرینه توصیف آنان به <کرام> در آیه بعد، مراد ملائکه وحی می باشند; زیرا در سوره ای دیگر (انفطار، ۱۱) نیز برای ملائکه، وصف <کرام> ذکر شده است. استنساخ قرآن از لوح محفوظ، برای نازل ساختن آن بر پیامبر(ص)، احتمالی است که با این آیات و مراحل نزول قرآن سازگار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۲۲ - ۱،۲

۱ - قرآن ، بر صفحه لوحی نوشته شده که حقیقت آن ناشناخته است .

فی لوح

<لوح>، به تخته یا چیز دیگری گفته می شود که بر روی آن بنویسند (مفردات راغب). نکره آمدن <لوح>، ممکن است به منظور بیان ناشناخته ماندن آن باشد.

۲ - لوحی که قرآن بر آن نوشته شده است ، از نابودی و تغییر مصون است .

فی لوح محفوظ

کلمه <محفوظ>، بدون متعلق آمده است تا محفوظ بودن از هر خطر احتمالی را بفهماند. بنابراین خطر نابودی، تغییر و تحریف یا حذف، اضافه، سرقت و نظایر آن، نمی تواند آن را تهدید کند.

قرآن در نماز شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ -

۴- اهمیت قراءت قرآن ، در نماز شب

و قرءان الفجر . .. و من الّیل فتهجّد به نافله لک

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مراد از <قرآن>، نماز مشتمل بر قراءت قرآن باشد.

قرآن قبل از نزول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲ - ۳

۳ قرآن پیش از نزولش ، دارای حقیقتی که نه خواندنی بود و نه عربی .

إنا أنزلنه قرء نًا عربیًّا

قرآن و آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵ - ۹

۹ قرآن ، تبیین گر آیات و جلوه های ربوبیت الهی در پدیده های جهان آفرینش

ما خلق اللّه ذلک إلا بالحق یفصل الأیت

قرآن و ابهام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۵ - ۳

۳ قرآن ، کتابی روشن و به دور از هر گونه ابهام و قابل درک برای همگان

و إذا تتلی علیهم ءایاتنا بیّنت

قرآن و ازدیاد طغیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۸ - ۱۱

۱۱ تعالیم نازل شده بر پیامبر (ص) (آیات قرآن) موجب افزایش کفر و طغیان بسیاری از اهل کتاب

و لیزیدن کثیراً منهم ما أنزل إلیک من ربک طغیناً و کفراً

قرآن و ازدیاد کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۸ - ۱۱

۱۱ تعالیم نازل شده بر پیامبر (ص) (آیات قرآن) موجب افزایش کفر و

طغیان بسیاری از اهل کتاب

و لیزیدن کثیراً منهم ما أنزل إلیک من ربک طغیناً و کفراً

قرآن و افترا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۷ - ۱

۱ قرآن کتابی است که نسبت ساختگی و غیر الهی بودن را ، نه در شکل و نه در محتوا ، نمی پذیرد .

و ما کان هذا القرءان أن یفتری من دون اللّه

نفی صفت افترا و ساختگی بودن از قرآن با به کارگیری <ما کان> که برای نفی شأن و استعداد است بیانگر این حقیقت می باشد که: در قرآن چه در شکل و چه در محتوای آن هیچ نشانه ای که حاکی از غیر الهی بودن آن باشد، وجود ندارد.

قرآن و افسانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۱ - ۴،۵

۴ کافران مکه معارف قرآن را نوشتار ها و سخنان بی اساس مردمان نخستین قلمداد می کردند .

إن هذا إلا أسطیر الأولین

<اساطیر> به معنای نوشتارهای بی اساس است و <الأولین> به معنای انسانهای نخستین. گفتنی است که <اساطیر الأولین> می تواند به این معنا باشد که این اسطوره ها در باره انسانهای اولیه است و می تواند به این معنا باشد که اینها اسطوره هایی است ساخته و پرداخته انسانهای نخستین.

۵ معرفی قرآن به عنوان افسانه های کهن و دروغین از ترفند های کافران برای مقابله با قرآن

قالوا . .. إن هذا إلا أسطیر الأولین

قرآن و انجیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۱

۴،۶ -

۴ - قرآن تصدیق کننده حقانیت کتاب های آسمانی بنی اسرائیل (تورات ، انجیل و . . .)

ءامنوا بما أنزلت مصدقاً لما معکم

مراد از <ما>ی موصوله در <لما معکم>: کتابهای آسمانی بنی اسرائیل است که تورات و انجیل از مصداقهای بارز و مورد نظر آن می باشد. تصدیق (مصدر مصدّقاً) نسبت دادن صدق و درستی به کسی یا چیزی است. بنابراین <مصدقاً لما معکم>; یعنی: قرآن کتابهای آسمانی شما را، راست و درست می داند و حقانیت آنها را تصدیق می کند.

۶ - قرآن دلیلی بر حقانیت تورات و انجیل *

مصدقاً لما معکم

تصدیق کتابهای آسمانی از سوی قرآن، می تواند به این معنا باشد که: نزول قرآن موجب شد اخبار و پیشگوییهای آن کتابها مبنی بر آمدن قرآن، تحقق یابد. بنابراین نزول قرآن، مایه اثبات راستی و درستی آن کتابها شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۷ - ۵

۵ گواهی قرآن بر حقانیّت تورات و انجیل

امنوا بما نزّلنا مصدقاً لما معکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۸ - ۵

۵ گواهی قرآن بر راستی و درستی کتب آسمانی پیشین (تورات و انجیل)

و انزلنا إلیک الکتب بالحق مصدقاً لما بین یدیه من الکتب

به دلیل آیات گذشته مراد از <ما بین یدیه من الکتب>، تورات و انجیل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۷ - ۶۸

۶قرآن ، تصدیق و تأیید کننده کتاب های آسمانی پیشین (تورات ، انجیل و . .

(.

و لكن تصديق الذى بين يديه

۸ قرآن ، شرح و تفصيل کتاب های آسمانی پیشین (تورات ، انجیل و . . .) است .

و تفصیل الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۱ - ۵

۵ - قرآن ، تصدیق و تأیید کننده کتاب های آسمانی پیشین (تورات ، انجیل و . . .)

مصدّقًا لما بین یدیه

قرآن و انحراف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱ - ۹

۹- ساحت قرآن ، از هرگونه کجی و انحراف مبرّا است .

أنزل على عبده الکتب و لم یجعل له عوجًا

<عوج> به معنای کجی و انحراف است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲ - ۲

۲- قرآن ، کتابی است عاری از هرگونه عدم اعتدال و انحراف از حق .

الحمد للّه الذی أنزل على عبده الکتب . .. قیّمًا

<قیّم>، چنان چه در لسان العرب آمده است، می تواند به معنای <مستقیم>، یعنی <راست و پیراسته از انحراف> باشد.

قرآن و اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۸ - ۱۱

۱۱ تعالیم نازل شده بر پیامبر (ص) (آیات قرآن) موجب افزایش کفر و طغیان بسیاری از اهل کتاب

و لیزیدن کثیراً منهم ما أنزل إلیک من ربک طغیناً و کفراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۰ - ۳

۳- اهل کتاب نیز چون مسلمانان ، مخاطب قرآن هستند .

و

لقد ءاتینک . .. و القرءان العظیم ... کما أنزلنا علی المقتسمین

برداشت فوق بر این احتمال است که مفعول <أنزلنا> ضـمیری باشـد که به قرآن باز می گردد و مراد از <المقتسـمین> طبق مفاد برخی شأن نزولها، یهود و نصارا باشد (روح المعانی).

قرآن و باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۴ - ۳

۳ - صفحات قرآن ، پاک و منزّه از ثبت هرگونه ناروا و دروغ و به دور از مطالب باطل

مطهّره

قرآن و بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۰ - ۳

۳ - بنی اسرائیل از مخاطبان قرآن و موظف به پیروی از آن

یبنی إسرائیل اذکروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۷ - ۵

۵ - بنی اسرائیل از مخاطبان قرآن و موظف به پیروی از آن

یبنی إسرائیل اذکروا

قرآن و بیماردلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۲ - ۱

۱ - آموزه های قرآن ، بی تأثیر در بیماردلان و کافران

و لیقول الذین فی قلوبهم مرض و الکفرون . .. و ما هی إلّا ذکری للبشر . کلّا

<کلّا> در این آیه برای انکار است; انکار تذکار بودن قرآن برای بیماردلان و کافران حق ناپذیر.

قرآن و تبیین حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۶ - ۱۰،۱۱،۱۲

۱۰ ضرورت تأمل و اندیشه در کیفیت بیان توحید و ارائه حقایق به شکلهای گوناگون در آیات قرآن

انظر کیف نصرف الأیت

تصریف به

معنی دگرگون ساختن و گرداندن است و در آیه شریفه به معنی ارائه صورتها و طرحهای گوناگون کلام برای ارائه حقایق است.

۱۱ بیان قرآن و تنوع و گوناگونی آن برای هدایت انسان کافی است.

انظر کیف نصرف الآیت ثم هم یصدفون

دعوت به نگرش در چگونگی بیان آیات و همچنین اظهار شگفتی از رویگردانی برخی مردم از هدایتهای قرآن، بیانگر کارسازی و نقش مؤثّر آن در هدایت انسان است.

۱۲ اعراض مشرکان از توحید و حقایق آسمانی، با وجود بیان روشن و مستدل قرآن، امری شگفت انگیز

انظر کیف نصرف الآیت ثم هم یصدفون

قرآن و تخیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴۱ - ۳

۳ - قرآن ، کتابی به دور از تخیلات و احساس های بی منطق و غیر علمی

و ما هو بقول شاعر

شعر، سخنی است موزون و متکی بر احساس و تخیّل و نفی شعر بودن قرآن، می تواند حاکی از مطلب یاد شده باشد.

قرآن و تورات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۱ - ۴،۶

۴ - قرآن تصدیق کننده حقانیت کتاب های آسمانی بنی اسرائیل (تورات ، انجیل و . . .)

ءامنوا بما أنزلت مصدقاً لما معکم

مراد از <ما>ی موصوله در <لما معکم>: کتابهای آسمانی بنی اسرائیل است که تورات و انجیل از مصداقهای بارز و مورد نظر آن می باشد. تصدیق (مصدر مصدّقاً) نسبت دادن صدق و درستی به کسی یا چیزی است. بنابراین <مصدقاً لما معکم>;

یعنی: قرآن کتابهای آسمانی شما را، راست و درست می داند و حقانیت آنها را تصدیق

می کند.

۶ - قرآن دلیلی بر حقانیت تورات و انجیل *

مصدقاً لما معکم

تصدیق کتابهای آسمانی از سوی قرآن، می تواند به این معنا باشد که: نزول قرآن موجب شد اخبار و پیشگوییهای آن کتابها مبنی بر آمدن قرآن، تحقق یابد. بنابراین نزول قرآن، مایه اثبات راستی و درستی آن کتابها شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۹ - ۲،۳

۲ - قرآن ، صحت محتوای تورات و آسمانی بودن آن را تأیید و تصدیق می کند .

کتب . .. مصدق لما معهم

۳ - قرآن ، دلیلی بر حقانیت و آسمانی بودن تورات است . *

مصدق لما معهم

تصدیق تورات از ناحیه قرآن، محتمل است به این معنا باشد که: نزول قرآن موجب آن شد که نوید آن کتاب مبنی بر آمدن قرآن تحقق یابد. بنابراین، نزول قرآن مایه اثبات حقانیت تورات شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۱۶،۱۸

۱۶ - قرآن ، تأیید کننده محتوای تورات و تصدیق کننده آسمانی بودن آن

و هو الحق مصدقاً لما معهم

۱۸ - قرآن ، گواه و دلیلی بر راستی و درستی تورات است . *

و هو الحق مصدقاً لما معهم

تصدیق کتابهای آسمانی اهل کتاب از سوی قرآن، محتمل است به این معنا باشد که: نزول قرآن موجب شد اخبار و پیشگوئیهای آن کتاب ها، مبنی بر آوردن قرآن تحقق یابد. بنابراین نزول قرآن مایه اثبات راستین و درستی آن کتاب هاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۷ - ۷،۸،۱۴

۷ - قرآن ، محتوای

تورات را تأیید و راستی و درستی آن را تصدیق می کند .

مصدقاً لما بین یدیه

برداشت فوق مبتنی بر این است که <مصدقاً> حال برای ضـمیر مفعولی <نزله> - که مراد از آن قرآن است - باشد. مقصود از <ما بین یدیه> (کتابی که پیش از قرآن بوده است)، در آیه مورد بحث، تورات است.

۸ - وجود قرآن ، گواه و شاهدی بر حقانیت تورات است . *

مصدقاً لما بین یدیه

تصـدیق تورات از سوی قرآن (مصـدقاً لمـا بین یـدیه) محتمـل است به این معنـا باشـد که: قرآن گواه صـدق و درستی تورات است; یعنی، نزول قرآن موجب آن شـد که اخبـار و پیشـگوییهای تورات مبنی بر آمـدن قرآن تحقق یابـد. بنـابراین قرآن مـایه اثبات راستی و درستی تورات و گواه حقانیت آن است.

۱۴ - تأیید تورات از سوی قرآن ، دلیلی بر بیجا بودن دشمنی یهود با پیام آور وحی (جبرئیل) است .

فإنه نزله علی قلبک بإذن اللّه مصدقاً لما بین یدیه

<مصدقاً لما بین یدیه> (قرآن درستی تورات را تأیید می کند) در پاسخ به یهودیان دشـمن جبرئیل، این نکته را بیان می کند که جبرئیل حقیقتی را آورد که دین و کتاب شما را تصدیق می کند و شاهد راستی و درستی آن است و لذا نا به جاست که با نازل کننده آن (جبرئیل) دشمنی کنید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۷ - ۵

۵ گواهی قرآن بر حقانیّت تورات و انجیل

امنوا بما نزّلنا مصدقاً لما معکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۳

۵ تورات ، حاوی احکامی نسخ نشده به وسیله قرآن

و عندهم التوریه فیها حکم اللّه

اگر آن حکم و یا احکامی که یهودیان از آن اعراض می کردنـد به وسـیله قرآن نسـخ شده بود، یهودیان نباید به خطر اعراض آن، مورد مذمت قرار می گرفتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۸ - ۵

۵ گواهی قرآن بر راستی و درستی کتب آسمانی پیشین (تورات و انجیل)

و انزلنا إلیک الکتب بالحق مصدقاً لما بین یدیه من الکتب

به دلیل آیات گذشته مراد از <ما بین یدیه من الکتب>، تورات و انجیل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۷ - ۶۸

۶ قرآن ، تصدیق و تأیید کننده کتاب های آسمانی پیشین (تورات ، انجیل و . . .)

و لکن تصدیق الذی بین یدیه

۸ قرآن ، شرح و تفصیل کتاب های آسمانی پیشین (تورات ، انجیل و . . .) است .

و تفصیل الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۱ - ۵

۵ - قرآن ، تصدیق و تأیید کننده کتاب های آسمانی پیشین (تورات ، انجیل و . . .)

مصدّقًا لما بین یدیه

قرآن و خرافات

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۵۲ – ۵

۵ قرآن ، ارائه کننده دینی به دور از هر گونه باطل و مبرا از امور واهی و بازدارنده از سعادت انسان

الذین اتخذوا دینهم لهواً و لعباً .

.. و لقد جئنهم بكتب فصلنه

قرآن و خطا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بینه – ۹۸ – ۲ – ۱۱

۱۱ – قرآن از خطا و انحراف ، منزّه و پیراسته است .

صحفًا مطهّره

قرآن و دانشمندان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۹۷ – ۴

۴ هدف خداوند از بیان آیات طبیعت در قرآن استفاده دانشمندان است.

إن الله فالق . .. فالق الإصباح ... النجوم لتهتدوا ... قد فصلنا الأيت لقوم يعلمون

قرآن و دروغ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عبس – ۸۰ – ۱۴ – ۳

۳ – صفحات قرآن ، پاک و منزّه از ثبت هرگونه ناروا و دروغ و به دور از مطالب باطل

مطهّره

قرآن و سنّت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۰۴ – ۳

۳ هدایت انسان ها ، در گرو حضور قرآن با سنت پیامبر (ص) در میان آنها

تعالوا إلی ما أنزل اللّه و إلی الرسول

چنانچه مراد از <تعالوا . .. الی الرسول> پذیرش معارفی باشد که به آن حضرت وحی می شد ضمیمه ساختن <الی الرسول> لزومی نداشت بنابراین آیه اشاره به این دارد که رسول خدا(ص) علاوه بر مسائل وحی شده به وی، دارای دستورات و معارفی است که از آنها به سنت پیامبر(ص) تعبیر می شود.

قرآن و شعر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۹ - ۲

۲ - قرآن ، سخنی از سنخ شعر نیست .

و ما علّمنه الشعر

مقصود

از آموخته ای که از سنخ شعر نیست، قرآن کریم است که کافران آن را شعر می پنداشتند و بر این اساس، پیامبراسلام(ص) را به شاعر بودن متهم می کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴۱ - ۲

۲ - قرآن ، تحقیقاً از سنخ شعر و کلامی شاعرانه نیست .

و ما هو بقول شاعر

قرآن و عقل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۰ - ۸

۸ احکام و قوانین قرآن ، مبتنی بر علم و عقل

و إن احکم بینهم بما أنزل اللّه . .. افحکم الجهلیه یبغون

جهل در لغت مقابل عقل و نیز علم، کاربرد دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵۲ - ۱۲

۱۲- معارف و آموزه های قرآن مطابق و هماهنگ با خرد ناب است .

هذا بلغ للناس . .. و لیذّکّر أولواالألبب

از اینکه خداوند هدف از نزول قرآن را پندپذیری صاحبان خرد قرار داد، معلوم می شود که قرآن با موازین عقلی مطابق و هماهنگ است و اگر غیر از این بود، خردورزان از آن پند نمی گرفتند; بلکه نتیجه معکوس در برمی داشت.

قرآن و علم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۰ - ۸

۸ احکام و قوانین قرآن ، مبتنی بر علم و عقل

و إن احکم بینهم بما أنزل اللّه . .. افحکم الجهلیه یبغون

جهل در لغت مقابل عقل و نیز علم، کاربرد دارد.

قرآن و علما

جلد - نام سوره -

سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۹۷ – ۴

۴ هدف خداوند از بیان آیات طبیعت در قرآن استفاده دانشمندان است.

إن الله فالق . .. فالق الإصباح ... النجوم لتهتدوا ... قد فصلنا الأيت لقوم يعلمون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۱۰۷ – ۱۰

۱۰– تأثیر عمیق آیات قرآن در وجود آگاهان و اندیشمندان

إن الذين أُوتوا العلم من قبله . .. يخرّون للأذقان سجّدًا

قرآن و عهد شکنان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۲۷ – ۹

۹ – قرآن کسانی را به گمراهی می کشاند که : عهد های الهی را نقض کنند ، پیوندهایی که خداوند به برقراری آنها فرمان داده بگسلند و در زمین به فسادگری بپردازند .

و ما يضل به إلا الفسقين. الذين ... يفسدون فى الأرض

قرآن و قصه یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۱۰۲ – ۸،۹

۸ جلسه توطئه و مکر برادران یوسف علیه او ، مخفی مانده ترین قسمت داستان یوسف (ع) تا پیش از نزول قرآن

إذ أجمعوا أمرهم و هم يمكرون

یاد کردن از این قسمت داستان یوسف (جلسه توطئه و مکر برادران علیه وی) پس از بیان اینکه داستان یوسف از اخبار غیبی است ، می تواند اشاره به این معنا باشد که این قسمت داستان از مخفی مانده ترین قسمتهای آن می باشد.

۹ بیان قرآن درباره مکر ها و توطئه های برادران یوسف ، زلیخا و هیأت حاکمه مصر علیه او ، دلیلی بس روشن بر

وحی بودن و الهی بودن آن

ما کنت لدیهم إذ أجمعوا أمرهم و هم یمکرون

جمله <و ما کنت لدیهم. ..> به منزله تعلیل برای <ذلک من أنباء الغیب...> است.

قرآن و قلبهای بیمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۵ - ۸

۸ زراره بن اعین روایت کرد که امام باقر (ع) فرمود : < و اما الذین فی قلوبهم مرض فزادتهم رجساً إلی رجسهم یقول : شکّاً إلی شکّهم ;

اینکه خداوند می فرماید: <اما کسانی که در قلبهای آنان مرض است [سوره نازل شده]رجسی را بر رجس آنان می افزاید> مراد این است که شکی رابر شک آنان می افزاید>.

قرآن و کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۱ - ۶

۶ بی تأثیری آیات الهی در قلب توطئه گران علیه پیامبر (ص) و قرآن

و إذا تتلی علیهم ءایتنا قالوا . .. إن هذا إلا أسطیر الأولین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۱ - ۱۰

۱۰ - شکست ناپذیری قرآن ، در برابر معارضه ها و موضع گیری های خصمانه کافران

إنّ الذین یلحدون . .. إنّ الذین کفروا ... و إنّه لکتب عزیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۲ - ۱

۱ - آموزه های قرآن ، بی تأثیر در بیماردلان و کافران

و لیقول الذین فی قلوبهم مرض و الکفرون . .. و ما هی إلّا ذکری للبشر . کلّا

<کلّا> در این آیه برای انکار است; انکار

تذکار بودن قرآن برای بیماردلان و کافران حق ناپذیر.

قرآن و کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۱ - ۴

۴ - قرآن تصدیق کننده حقانیت کتاب های آسمانی بنی اسرائیل (تورات ، انجیل و . . .)

ءامنوا بما أنزلت مصدقاً لما معکم

مراد از <ما>ی موصوله در <لما معکم>: کتابهای آسمانی بنی اسرائیل است که تورات و انجیل از مصداقهای بارز و مورد نظر آن می باشد. تصدیق (مصدر مصدّقاً) نسبت دادن صدق و درستی به کسی یا چیزی است. بنابراین <مصدقاً لما معکم>; یعنی: قرآن کتابهای آسمانی شما را، راست و درست می داند و حقانیت آنها را تصدیق می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳ - ۱۰،۱۵

۱۰ قرآن ، تأییدکننده سایر کتاب های آسمانی (همانند تورات و انجیل)

مصدقاً لما بین یدیه و انزل التوریه و الانجیل

۱۵ قرآن ، دلیلی برای حقانیّت کتب آسمانی گذشته (همانند تورات و انجیل) است . *

مصدقاً لما بین یدیه و انزل التّوریه و الانجیل

چون در تورات و انجیل، بشارت به نزول قرآن داده شده، طبعاً نزول آن، گواه راستی و صحت آن کتب خواهد بود ; و این احتمالی است برای مصدّق بودن قرآن نسبت به دیگر کتب آسمانی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۸ - ۶،۹

۶ وجود قرآن ، گواه راستی و درستی کتب آسمانی پیشین

و انزلنا إلیک الکتب بالحق مصدقاً لما بین یدیه من الکتب

با در نظر گرفتن

اینکه کتابهای آسمانی به آمدن قرآن نوید داده بودند، لذا نزول قرآن دلیل حقانیت آنها خواهد بود.

۹ عظمت و ارزش برتر قرآن نسبت به دیگر کتاب های آسمانی

و انزلنا إلیک الکتب بالحق مصدقاً . .. و مهیمناً علیه

حفاظت و نگهبانی از کتابهای آسمانی که به عهده قرآن گذارده شده است، نشانه برتری آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۹ - ۷

۷ شرافت و برتری قرآن ، بر دیگر کتب آسمانی *

ءامنا باللّه و ما أنزل الینا و ما أنزل من قبل

تقدیم <ما انزل الینا> بر <ما انزل من قبل> علی رغم تقدم زمانی کتب آسمانی گذشته می تواند اشاره به برداشت فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۷ - ۶۸

۶ قرآن ، تصدیق و تأیید کننده کتاب های آسمانی پیشین (تورات ، انجیل و . . .)

و لکن تصدیق الذی بین یدیه

۸ قرآن ، شرح و تفصیل کتاب های آسمانی پیشین (تورات ، انجیل و . . .) است .

و تفصیل الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱۱ - ۸،۱۰

۸ قرآن تصدیق کننده و تأیید کننده کتاب های آسمانی پیشین است .

و لکن تصدیق الذی بین یدیه

<تصدیق> مصدر است و به معنای اسم فاعل تصدیق کننده می باشد. این کلمه به وسیله <لکن> بر <حدیثاً> عطف شده است.

۱۰ قرآن ، دلیل راستی و درستی کتاب های آسمانی پیشین است .

و لکن تصدیق الذی بین یدیه

تصدیق کتابهای

آسـمانی پیشـین از سوی قرآن می توانـد به این معنا باشـد که: نزول قرآن موجب شد ، اخبار و پیشـگوییهای آن کتابها مبنی بر آمدن قرآن تحقق یابد. از این رو نزول قرآن خود دلیلی برای اثبات راستی و درستی آن کتابهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۱ - ۵

۵ - قرآن ، تصدیق و تأیید کننده کتاب های آسمانی پیشین (تورات ، انجیل و . . .)

مصدّقًا لما بین یدیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳ - ۳

۳ - هماهنگی معارف قرآنی ، با کتاب های آسمانی پیشین

کذلک یوحی إلیک و إلی الذین من قبلک

برداشت یاد شده، بر این اساس است که <کذلک> اشاره به محتوای وحی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۳ - ۴

۴ - قرآن ، حاوی معارف کتاب های آسمانی گذشته است . *

یتلوا صحفًا مطهّره . فیها کتب قیّمه

قرآن و کهانت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴۲ - ۲

۲ - قرآن ، به تحقیق از سنخ کهانت و کلامی کاهنانه نیست .

و لا بقول کاهن

قرآن و گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲ - ۷

۷ قرآن ، کتاب مژده و بشارت برای ره یافتگان مؤمن و هشدار و انذار برای گم گشتگان غافل است .

تلك ءایت الکتب . .. أن أنذر الناس و بشّر الذین ءامنوا

قرآن و گمراهی

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۸ - ۱۲

۱۲ تأثیر منفی قرآن در برخی مردمان ، برخاسته از کفرورزی و طغیانگری آنان

و لیزیدن کثیراً منهم ما أنزل إلیک من ربک طغیناً و کفراً

قرآن و لغو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۴ - ۱

۱ - ساحت قرآن و آیات معاد ، از بذله گویی و سخنان سست و بی پایه ، مبرّا است .

و ما هو بالهزل

<هَزْل> و <هُزال> از یک ریشه اند و بر ضعف و سستی دلالت دارند. <هَزل> نقطه مقابل <جِدّ> و <هُزال> نقطه مقابل <فربهی> است. (مقاییس اللغه)

قرآن و لوح محفوظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱ - ۶

۶- آیات قرآن ، آیاتی فرود آمده از لوح محفوظ

الر تلک ءایت الکتب و قرءان مبین

با توجه به اینکه لفظ <قرآن> پس از <الکتاب> ذکر شده و نیز اصل درآوردن لفظ مترادف، تأسیس است نه تأکید و تکرار، احتمال دارد که مراد از <الکتاب> لوح محفوظ باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۸ - ۱

۱ - محتوای قرآن ، مطابق با لوح محفوظ

إنّه لقرءان کريم . فی کتب مکنون

مراد از <کتاب مکنون> طبق آنچه که در سوره <بروج> آمده (بل هو قرآن مجيد فی لوح محفوظ) لوح محفوظ است.

قرآن و متقين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۲ - ۴،۵

۴ - توان قرآن بر هدايت

و تربیت انسان های پرهیزگار ، دلیل و گواهی کافی بر اتقان و حقانیت آن است .

لاریب فیه هدًی للمتقین

<هدًی للمتقین> به منزله استدلال برای جمله <لاریب فیه> است.

۵ - قرآن کتاب هدایت و راهنمای اهل تقوا به مراحل والای آن

هدًی للمتقین

قرآن و محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷ - ۱،۲

۱ خداوند ، نازل کننده کتاب (قرآن) بر پیامبر (ص)

هو الذی انزل علیک الکتاب

۲ نزول قرآن به صورت مکتوب بر پیامبر (ص) *

هو الذی انزل علیک الکتاب

اطلاق <الکتاب> بر قرآن، یا باید به این اعتبار باشد که نزولش به صورت نوشته بوده و یا در آن عصر به صورت کتاب و نوشته درمی آمده است، برداشت فوق بر اساس احتمال اوّل استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۱ - ۴،۵

۴ قرآن و پیامبر (کتاب و سنت) هماهنگ و تفکیک ناپذیر

و اذا قیل لهم تعالوا الی ما انزل اللّه و الی الرّسول

اگر قرآن و سنت ناهماهنگ و تفکیک پذیر بود، فرمان مراجعه به هر دو، در واقع امر به دو چیز متخالف بود که از حکمت خداوند به دور است.

۵ تفکیک میان قرآن و پیامبر (کتاب و سنت) ، از شیوه های منافقان

و اذا قیل لهم تعالوا الی ما انزل اللّه و الی الرّسول رایت المنافقین یصدّون عنک ص

منافقان در برابر دعوت به قرآن و پیامبر (ص)، تنها اعراض از پیامبر (ص) را عنوان کردند (یصدّون عنك)، نه اعراض

از قرآن را. زیرا در آیه نیامده است: یصدّون عمّا انزل الیک.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۴۴ – ۱

۱ – قرآن ، مایه تذکر و یادآوری برای پیامبر (ص) و قوم آن حضرت است .

و إنّه لذکر لک و لقومک

قرآن و مخالفان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۷۰ – ۱۳

۱۳ – برخورد منطقی و استدلالی قرآن با مخالفان

أو لو کان ءاباؤهم لایعقلون شیئاً و لایهتدون

قرآن و مردم صدراسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۵ – ۵

۵ – تأثیر شگرف قرآن و معجزات الهی بر مردم عصر بعثت

و قالوا إن هذا إلّا سحر مبین

از سحر دانستن قرآن و معجزه الهی، برداشت یاد شده به دست می آید.

قرآن و مسلمانان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۴۴ – ۱

۱ – قرآن ، مایه تذکر و یادآوری برای پیامبر (ص) و قوم آن حضرت است .

و إنّه لذكر لك و لقومك

قرآن و مسيحيان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۱۷ - ۳۱

۳۱ برخورد منطقى و استدلالى قرآن با مسيحيان ، در مورد پندار الوهيت براى مسيح (ع)

الذين قالوا إنّ اللّه هو المسيح . .. و اللّه على كل شىء قدير

قرآن و مشركان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۲۵ - ۱۳

۱۳ قرآن براى

مشرکان زیبا و جذاب بوده است.

یقول الذین کفروا إن هذا إلا أسطیر الأولین

<أساطیر> به معنی سخن زینت شده و زیبا آمده است. <سطر فلان علی فلان إذا زخرف له الأقاویل و نمقها>. (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۳ - ۲

۲ قرآن در تحدی با مشرکان ، آنان را به آوردن ده سوره همانند سوره های قرآن فراخواند و آنان را به مبارزه طلبید .

أم یقولون افتریه قل فأتوا بعشر سور مثله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۴ - ۲

۲- قرآن ، درصدد تحریک مشرکان ، برای اندیشیدن به پوچی و ناتوانی معبود های دروغینشان

قل أرءیتم ما تدعون من دون اللّه أرونی ماذا خلقوا

تعبیر <أرأیتم> چه به معنای <أخبرونی> باشد و چه به معنای سؤال از نگریستن; دعوت برای اندیشیدن در ماهیت پوچ بت ها است.

قرآن و معاش نیکو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳ - ۸

۸ رساندن انسان ها به معیشتی نیکو در دنیا ، از هدف های قرآن و ادیان الهی است .

ألّا تعبدوا إلّا الله . .. و أن استغفروا ربکم ثم توبوا إلیه یمتعکم متعًا حسنًا

قرآن و مفسدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۷ - ۹

۹ - قرآن کسانی را به گمراهی می کشاند که : عهد های الهی را نقض کنند ، پیوندهایی که خداوند به برقراری آنها فرمان داده بگسلند و در زمین به فسادگری بپردازند .

و ما یضل به

إلا الفسقين. الذين ... يفسدون فی الأرض

قرآن و مقتضيات زمان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۲ - ۵

۵ قرآن ، در هر عصر و زمان و در سطح جهانی ، توانا و شايسته برای مبارزه با جريان کفر و شرک

فلاتطع الکفرين و جهدهم به جهادًا کبيرًا

فرمان خداوند به جهاد بزرگ با کافران به وسيله قرآن پس از يادآوری جاودانگی و جهانی بودن رسالت پيامبر(ص) حاکی از آن است که قرآن، کتابی توانا و شايسته برای مبارزه جهانی و هميشگی با جريان کفر و شرک است.

قرآن و منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹ - ۲،۳

۲ - قرآن برای منافقان بسان بارانی است همراه با رعد و برق در شبی تاريک و مخوف

أو کصيب من السماء فيه ظلمت و رعد و برق

۳ - قرآن ، برای اهل نفاق ظلمت زا ، وحشت آفرين و احياناً روشنی بخش (در بردارنده منافعی گذرا) است .

فيه ظلمت و رعد و برق

قرآن و مؤمنان راستين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - انفال - ۸ - ۲ - ۳

۳ تلاوت قرآن بر مؤمنان راستين ، فزاينده ايمان در نهاد آنان

و إذا تليت عليهم ءايته زادتهم إيمنا

<تلیت> به قرینه کلمه <علی> از تلاوت، که به معنای قرائت است، گرفته شده است. بنابراین مراد از <ءایته>، آیات قرآن است.

قرآن و مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲ - ۷

۷ قرآن ،

کتاب مژده و بشارت برای ره یافتگان مؤمن و هشدار و انذار برای گم گشتگان غافل است .

تلک ءایت الکتب . .. أن أنذر الناس و بشّر الذین ءامنوا

قرآن و ناهماهنگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۲ - ۷

۱۷اگر قرآن از جانب خدا نبود ، اختلافات بسیاری در آن یافت می شد .

و لو کان من عند غیر اللّه لوجدوا فیه اختلافاً کثیراً

با توجّه به اینکه قرآن در مدت بیست و سه سال و در شرایط بسیار مختلف نازل گردید، بنابراین اگر از جانب غیر خداوند بود، طبعاً اختلافهای فراوانی در آن پدیدار می گشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۸ - ۵

۵ - مبرّا بودن قرآن از هرگونه انحراف ، کجی ، اختلاف و تضاد

قرءانًا عربیًّا غیر ذی عوج

<عوج> به معنای کجی و انحراف است، این واژه در مواردی به کار می رود که با فکر و بصیرت شناخته می شود، نه با حواس ظاهری. ازاین رو مفسران گفته اند: مقصود از آن در آیه شریفه با توجه به تنکیر آن و بودنش در سیاق نفی هرگونه کجی و انحراف در معانی و پیام های قرآن و یا اختلاف و تضاد در آنها است.

قرآن و نقص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۶ - ۸

۸ - آیات قرآن ، در طول زندگانی پیامبر (ص) از خطا و کاستی مصون ماند .

سنقرئک فلاتنسی

درباره مفاد <إلاّ ما شاء اللّه> در آيه بعد،

دو دیدگاه وجود دارد: ۱. بیان حاکمیت مشیت خداوند که در نتیجه مراد، استثنای حقیقی نخواهد بود; بلکه تنها نشانگر آن است که <لاتنسی> هر چند مطلق است و هیچ استثنایی ندارد; ولی مشیت خداوند بر همه چیز حاکم است و نسیان و عدم نسیان پیامبر(ص)، بیرون از مشیت او نیست. ۲. حرف <إلاّ> در استثنای حقیقی به کار رفته است و بیانگر آن است که خداوند، بخشی از آیات را براساس مشیت خویش از یاد پیامبر(ص) خواهد برد. برداشت یاد شده براساس نظر اول است.

قرآن و نیازهای انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۷ - ۲

۲ - نزول قرآن ، دارای هدفی ارجمند و هماهنگ با واقعیت هستی و نیاز های انسان

أنزل الکتب بالحقّ

حق، گاهی به معنای شیء مطابق با حکمت می آید و گاهی به معنای امر ضروری و مورد نیاز. برداشت یاد شده براساس هر دو احتمال است. هم چنین بر این پایه استوار است که <بالحقّ> متعلق به <أنزل> باشد.

قرآن و یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۱۴

۱۴ تأثیر منفی قرآن در یهودیان افزون بر کفر و طغیان آنان ، برخاسته از گرفتاری ایشان به لعنت الهی

و لعنوا بما قالوا . .. ما أنزل إلیک من ربک طغیناً و کفراً

واقع شدن جمله <و لیزیدن . ..> پس از بیان پندار باطل یهود و گرفتار شدن آنان به لعنت الهی بر اثر آن، می رساند که ازدیاد کفر و طغیان آنان ریشه در ملعون شدن آنان و

پندارهای ناروا درباره خدا، دارد.

قریش و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۶ - ۱

۱ قبیله و قوم پیامبر (قریش) با وجود حقانیت قرآن و معارف و وعده های آن به تکذیب آن پرداختند.

و کذّب به قومک و هو الحق

در آیه ۵۷ <قل إنی علی بینه> موضوع بحث <قرآن> بود و آیات بعد از آن نیز وعده های قرآن را مطرح ساخته است. بنابراین مرجع ضمیر <به> می تواند <قرآن> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۱ - ۶

۶- < عن أبی جعفر (ع) و أبی عبدالله (ع) عن قوله : < الذین جعلوا القرآن عضین > قال : هم قریش ;

از امام باقر(ع) و امام صادق(ع) درباره سخن خداوند <الذین جعلوا القرآن عضین> روایت شده است که فرمودند: آنان قریش بودند>.

قصص قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۲ - ۴،۶،۹

۴ داستان های بازگوشده در قرآن ، از آیات الهی

تلک ایات اللّه

۶ حقانیّت داستان های بازگوشده در قرآن

تلک ایات اللّه نتلوها علیک بالحق

۹ بیان بحقّ تاریخ گذشتگان توسط پیامبر (ص) ، نشانه ای بر حقانیّت رسالت وی

تلک ایات اللّه . .. و انّک لمن المرسلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۵ - ۱،۱۰

۱ همسر عمران ، فرزندی را که در شکم داشت ، برای خداوند نذر کرد و از هر خدمتی به خود آزاد ساخت

.

اذ قالت امرات عمران ربّ انّی نذرت لک ما فی بطنی محرّراً

۱۰ زنده نبودن عمران ، آن زمان که همسرش ، فرزند خویش را نذر پروردگار کرد . *

اذ قالت امرات عمران ربّ انّی نذرت لک ما فی بطنی محرّراً

زیرا مادر با وجود پدر، معمولا چنین تصمیمی را نسبت به فرزند اتخاذ نمی کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۴ - ۱،۷،۸

۱ حقایقی از سرگذشت مریم و زکریا ، برای اوّلین بار به پیامبر اکرم (ص) گفته شد .

ذلک من انباء الغیب نوحیه الیک

بیان حقایق مذکور اگر در دیگر کتب آسمانی آمده باشد، ظاهراً اطلاق غیب بر آن نمی شده است.

۷ نزاع میان سران کنیسه در سرپرستی مریم ، و روی آوردن آنان به قرعه برای تعیین سرپرست

اذ یلقون اقلامهم ایّهم یکفل مریم . .. اذ یختصمون

۸ شگفتی سرگذشت نزاع میان سران کنیسه ، در مورد سرپرستی مریم و توسل آنان به قرعه *

و ما کنت لدیهم اذ یلقون اقلامهم ایّهم یکفل مریم و ما کنت لدیهم اذ یختصمون

به نظر می رسد تکرار <ما کنت لدیهم>، اشاره به شگفتی جریان نزاع باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۰ - ۱

۱ سرگذشت زکریا ، عیسی ، مریم ، یحیی و بیان خلقت آدم در قرآن ، حق و از جانب پروردگار است .

الحق من ربّک

کلمه <الحق>، خبر است برای مبتدای محذوف که <هو> است و مراد از آن، سرگذشت مریم و پیامبرانی است که در

آیات سابق بیان شد.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۲ - ۱

۱ تنها آنچه در قرآن درباره حضرت عیسی (ع) بیان شد ، حق است ; نه آنچه مسیحیان می پندارند .

انّ هذا لهو القصص الحق

حَصر، از ضمیر فصل استفاده شده و قصر در این جمله، قصر قلب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳ - ۱،۳

۱ قرآن ، حاوی بهترین و زیباترین داستانها

نحن نقصّ علیک أحسن القصص بما أوحینا إلیک هذا القرءان

۳ قرآن ، بازگو کننده داستان ها با بهترین و زیباترین بیان

نحن نقصّ علیک أحسن القصص

چنان چه <قصص> مصدر باشد ، <أحسن القصص> مفعول مطلق می شود و در حقیقت توصیفی برای کیفیت بیان کردن و بازگو کردن خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۵ - ۱۵

۱۵- بیان سرگذشت ستم پیشگان کیفر شده و نیز داستان های مثال زدنی و درس آموز ، در قلمرو موضوعات قرآن

و سکنتم فی مسکن الذین . .. و تبیّن لکم کیف فعلنا بهم و ضربنا لکم الأمثال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۱ - ۱

۱- پیامبراکرم (ص) وظیفه دار یاد کردن سرگذشت ابراهیم (ع) در قرآن

واذکر فی الکتب إبرهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۱ - ۱

۱- پیامبراکرم (ص) وظیفه دار یادکرد سرگذشت حضرت موسی در قرآن

واذکر فی الکتب موسی

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۶ - ۱

۱- خداوند ، پیامبر (ص) را به یادکردن سرگذشت ادریس (ع) در قرآن فرمان داد .

واذکر فی الکتب إدریس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۸ - ۳،۴،۱۴،۱۵

۳ - خداوند ، تنها سرگذشت برخی از رسولان را برای پیامبر اسلام (ص) بازگو کرده و برخی دیگر را نقل نکرده است .

رسلاً من قبلک منهم من قصصنا علیک و منهم من لم نقصص علیک

۴ - در قرآن ، تنها سرگذشت برخی از فرستادگان الهی بازگو شده است .

رسلاً من قبلک منهم من قصصنا علیک و منهم من لم نقصص علیک

برداشت یاد شده مبتنی بر این احتمال است که مقصود از آیه شریفه، نقل داستان های پیامبران در قرآن باشد.

۱۴ - < عن علی (ع) [فی قوله < و منهم من لم نقصص علیک >] انّه قال : بعث اللّه نبیّاً أسود لم یقص علینا قصته ;

از امام علی(ع) درباره سخن خداوند <و منهم من لم نقصص علیک> روایت شده که فرمود: خدا پیامبری سیاه چهره را مبعوث کرده بود که قصه او را برای ما نقل نکرده است>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۹ - ۵

۵ - < فی المجمع : یعنی بالحدیث ما تقدم من الأخبار ، عن الصادق (ع) ;

از امام صادق(ع) درباره <أفمن هذا الحدیث تعجبون> روایت شده که مراد از <حدیث> همان اخباری است که در آیات پیشین گذشته است (اخبار قوم

عاد، ثمود، قوم نوح و المؤتفکه)>.

قصه های قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۴ - ۴

۴ خداوند ، سرگذشت گروهی از پیامبران را در قرآن بیان نکرده است .

و رسلا لم نقصصهم علیک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۱ - ۳

۳ قرآن حاوی فرازهایی از سرگذشت امت های نوح ، هود ، صالح ، لوط و شعیب (ع)

تلک القری نقص علیک من أنبائها

حرف <من> در <من أنبائها> برای تبعیض است و می رساند که خداوند بخشی از داستانهای امتهای پیشین را برای پیامبر گزارش کرده است. قابل ذکر است که از مصادیق مورد نظر برای مشارالیه <تلک القری>، به قرینه آیات گذشته، امت نوح و ... است.

قلمرو تعالیم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۵۲ - ۲

۲ - بیداری و آگاهی انسان ها ، در قلمرو رسالت پیامبر (ص) و قرآن

و ما هو إلّا ذکر للعلمین

کاتبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۵ - ۴

۴ – فرشتگان وحی نویسندگان قرآن از لوح محفوظ و ابلاغ کنندگان آن به پیامبر (ص)

بأیدی سفره

در این که مراد از <سفره> چه کسانی اند; نظرهایی چند ارائه شده است. از جمله این که به قرینه توصیف آنان به <کرام> در آیه بعد، مراد ملائکه وحی می باشند; زیرا در سوره ای دیگر (انفطار، ۱۱) نیز برای ملائکه، وصف <کرام> ذکر شده است. استنساخ

قرآن از لوح محفوظ، برای نازل ساختن آن بر پیامبر(ص)، احتمالی است که با این آیات و مراحل نزول قرآن سازگار است.

کافران به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۸ - ۹

۹ - در قیامت ، راه نجاتی برای کافران به قرآن وجود نخواهد داشت .

ءامنوا بما أنزلت . .. واتقوا یوماً لاتجزی نفس عن نفس

هدف از توصیف قیامت به اینکه: فدیه و عوضی گرفته نمی شود و . ..، مأیوس کردن مستحقان عذاب است از اینکه مبادا راه نجاتی برای خود - جز ایمان و ... - توهم کرده و به اعتبار آن دلخوش باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۵ - ۱۰

۱۰ آنان که به قرآن و پیام های آن ایمان نیاورند ، به هیچ سخن هدایت بخش دیگری ایمان نخواهند آورد .

فبأی حدیث بعده یؤمنون

برداشت فوق مبتنی بر دو امر است: ضمیر در <بعده> به قرآن برگردد. حرف <با> در <بأیّ> برای الصاق باشد. یعنی اگر به قرآن ایمان نیاورند، به کدام سخن ایمان خواهند آورد؟

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۰ - ۵،۱۰

۵ مردم روزی زمین همواره نسبت به قرآن دو دسته هستند : مؤمن و کافر .

و منهم من یؤمن به و منهم من لا یؤمن به

۱۰ < عن ابی جعفر (ع) فی قوله < و منهم من لا یؤمن به > فهم اعداء محمد (ص) و آل محمد (ع) من بعده ;

از

امام باقر (ع) روایت شده [از جمله]کسانی که به قرآن ایمان نمی آورند> دشمنان محمد و آل محمد هستند که پس از او می آیند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸ - ۱

۱ کافران به قرآن و پیامبر (ص) و قیامت ، مستحق عذاب دنیوی اندو به آن تهدید شده اند .

و لئن أخّرنا عنهم العذاب

جمله <ما یحبسه> (چه چیز مانع نزول آن عـذاب است؟) می رساند که مراد از <العذاب> عذاب دنیوی است و نیز حکایت از این دارد که کفرپیشگان ، به آن عذاب تهدید شده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۱۳،۲۳

۱۳ کافران به قرآن از هرگروه و طایفه (مشرکان ، یهودیان ، نصارا و . . .) به آتش دوزخ گرفتار خواهند شد .

و من یکفر به من الأحزاب فالنار موعده

<ال> در <الأحزاب> می تواند عهدیه باشد که در این صورت اشاره به مشرکان ، یهود و نصاراست و می تواند <ال> در آن برای استغراق باشد که در این صورت ، مصداقهای بارز و موردنظر آن ، گروههای نامبرده اند.

۲۳ اکثر مردم عصر بعثت ، از ایمان آوردن به قرآن امتناع میورزیدند .

و لکنّ أکثر الناس لایؤمنون

برداشت فوق ، براین اساس است که <ال> در <النـاس> عهـد حضوری و اشـاره به مردمی باشـد که در زمـان نزول آیـات سوره هود ، زندگی می کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۳ - ۱

۱- کافران مجرم مکه ،

علی رغم دریافت آیات قرآن ، به آن ایمان نیاوردند .

کذلک نسلکه فی قلوب المجرمین . لایؤمنون به

برداشت فوق، بنابراین است که جمله <لایؤمنون به> جمله تفسیریه برای <المجرمین> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مسد - ۱۱۱ - ۴ - ۱۲

۱۲ - کافر ماندن همسر ابولهب تا آخر عمر ، از پیشگویی های قرآن

سیصلی نارًا . .. و امرأته حمّاله الحطب

کافران صدر اسلام و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۶ - ۱،۲

۱ کافران صدر اسلام، مردم را از گوش فرادادن به قرآن نهی می کردند.

و هم ینهون عنه

۲ پرهیز کافران مکه در صدر اسلام از گوش فرادادن به قرآن و سخنان آسمانی پیامبر(ص)

و ینئون عنه

<نَأَیَ> به معنی دور شدن است و <ینئون عنه> یعنی مشرکان از قرآن و وحی دوری می گزینند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۵ - ۴

۴ مشرکان و کافران عصر بعثت، به والایی آیات قرآنی و محتوای بلند آن اعتراف داشتند.

و لیقولوا درست

زیرا اگر آیات در نظر مشرکان کم اهمیت بود، برای رد آیات به کم اهمیتی آن اشاره می کردند و نه به فراگیری آن از

دیگران.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵ - ۶

۶ کافران ، در عصر بعثت منکر هر گونه نوآوری در قرآن بودند .

و قالوا أسطیرالأوّلین اکتتبها فهی تملی علیه بکره و أصیلاً

این که کافران، قرآن را افسانه های پیشینیان می شمردند، حاکی از آن است که

آنان نه تنها منکر اصالت قرآن بودند; بلکه آن را فاقد هر گونه نوآوری نیز می دانستند.

کافران صدر اسلام هنگام تلاوت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۲ - ۵،۶

۵ - خشمگین شدن کافران صدراسلام و ظهور آثار کینه و نفرت در چهره آنان ، به هنگام شنیدن آیات قرآن و معارف توحیدی آن

و إذا تتلی علیهم ءایتنا بیّنت تعرف فی وجوه الذین کفروا المنکر

۶ - بر افروختگی مشرکان با شنیدن آیات قرآن و خشم حاصل از آن ، به حدی بود که آنان را در آستانه حمله و تهاجم به کسانی قرار می داد که آیات قرآن را بر آنها تلاوت می کردند .

یکادون یسطون بالذین یتلون علیهم ءایتنا

<سَطْو> (مصدر <یسطون>) به معنای تهاجم و حمله است; یعنی، چیزی نمانده که مشرکان با کسانی که آیات ما را بر آنان می خوانند گلاویز شوند.

کافران مکه و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵ - ۱،۸

۱ کافران مکه در پی نزول قرآن به عنوان معجزه، بدون درنگ به تکذیب آن پرداختند.

فقد کذّبوا بالحق لمّا جاءهم

جمله ظرفیه <لمّا جاءهم> به این نکته اشاره دارد که تکذیب کافران به مجرد آمدن حق صورت گرفته است.

۸ تمسخر حق (قرآن) و آیات الهی، شیوه کافران مکه بوده است.

فسوف تأتیهم أنبؤا ما کانوا به یستهزءون

مفاد جمله <کانوا به یستهزءون> ماضی استمراری است و بیانگر تداوم استهزا از سوی کافران عصر نزول این سوره است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ –

۳۱ - ۱،۲،۴

۱ تمسک کافران مکه به حیله برای مقابله با آنان

و یمکرون . .. و إذا تتلی علیهم ءایتنا قالوا قد سمعنا لو نشاء لقلنا

جمله <إذا تتلی . .. > می تواند بیان مصداقی از <یمکرون> در آیه قبل باشد.

۲ کافران مکه مدعی توان خویش در آوردن آیات و معارفی چون قرآن

قالوا قد سمعنا لو نشاء لقلنا مثل هذا

۴ کافران مکه معارف قرآن را نوشتار ها و سخنان بی اساس مردمان نخستین قلمداد می کردند .

إن هذا إلا أسطیر الأولین

<اساطیر> به معنای نوشتارهای بی اساس است و <الأولین> به معنای انسانهای نخستین. گفتنی است که <اساطیر الأولین> می تواند به این معنا باشد که این اسطوره ها در باره انسانهای اولیه است و می تواند به این معنا باشد که اینها اسطوره هایی است ساخته و پرداخته انسانهای نخستین.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۲ - ۱،۲،۴

۱ کافران مکه از خداوند خواستند چنانچه قرآن حقیقتی از جانب اوست ، آنان را سنگباران کند و یا عذاب دردناک دیگری بر آنان فروفرستد .

و إذ قالوا . .. فأمطر علینا حجاره

۲ ناحق جلوه دادن قرآن با درخواست عذاب از درگاه خدا ، از حیله های کافران مکه در مبارزه با قرآن و رسالت پیامبر (ص)

و یمکرون . .. و إذ قالوا اللّهم ... فأمطر علینا حجاره من السماء

برخی در توجیه عذاب خواهی کافران (فامطر علینا . ..) چنین گفته اند که آنان برای فریب دیگران و یا اقناع خویش این نفرین را در حق خود روا داشتند تا با

اجابت نشدن آن، خویشتن را در انکار قرآن و حقانیت رسالت پیامبر(ص) محق بشمارند. آیه قبل که سخن از مکر کافران داشت، می تواند تأییدی برای این نظریه باشد.

۴ کافران مکه مردمانی لجوج و دارای عنادی خاص در برابر رسالت پیامبر (ص) و حقانیت قرآن

فأمطر علینا حجاره من السماء أو ائتنا بعذاب ألیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۳۳ – ۶،۷

۶ گرایش کافران مکه به قرآن در آینده دوران بعثت ، دلیل گرفتار نشدن آنان به عذاب استیصال ، نه حقانیت ایشان در انکار قرآن

و ما کان اللّه معذبهم و هم یستغفرون

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله <و هم یستغفرون> حال مقدر باشد. یعنی خداوند اکنون (زمان انکار قرآن) کافران مکه را عذاب نمی کند، در حالی که در آینده توبه خواهند کرد. گفتنی است که استغفار و توبه کافر به ایمان آوردن اوست.

۷ پیشگویی قرآن از گرایش کافران مکه به اسلام و پذیرش توحید

و ما کان اللّه معذبهم و هم یستغفرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۶ – ۲

۲– < ذکر بودن قرآن > ، وصفی که کافران مکه با آن آشنا بودند .

و قالوا یأیها الذی نزّل علیه الذّکر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۱۳ – ۲

۲– خداوند آیات قرآن را ، علی رغم تصمیم کافران مکه بر ایمان نیاوردن ، در قلب آنان رسوخ داد .

کذلک نسلکه فی قلوب المجرمین . لایؤمنون به

برداشت فوق، مبتنی بر این است

که جمله <لایؤمنون به> جمله حالیه برای <المجرمین> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۱ - ۹،۵

۵- بهره کفرپیشگان مکه از آیه های بیدارگر قرآن ، تنها تنفر و فرار از آنها بود .

و لقد صرّفنا فی هذا القرءان لیذّکّروا و ما یزیدهم إلاّ نفورًا

۹- برخورد کافران و مشرکان مکه با قرآن ، اساس علمی و عقلانی نداشت ; بلکه برخاسته از انگیزه های نفسانی روانی آنان بود .

و لقد صرّفنا فی هذا القرءان لیذّکّروا و ما یزیدهم إلاّ نفورًا

خداوند، حاصل تبیین تنوع و گوناگونی آیات خویش را برای مشرکان، نفرت آنان معرفی می کند و این، نشان می دهد که آنان، به جای برخورد منطقی با آیات الهی، برخورد روانی نفسانی داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۶ - ۸

۸ - کافران مکه ، شاهد تأثیر ژرف قرآن بر قلب ها و نامطمئن از کارآیی جنجال آفرینی و تدابیر خود ، در جلوگیری از این تأثیرگذاری

قال الذین کفروا . .. لعلّکم تغلبون

واژه <لعلّ> در موردی به کار می رود که نتیجه آن قطعی نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۸ - ۶

۶ - آشکار بودن حقانیت قرآن ، برای کافران مکه

کانوا بأیتنا یجحدون

واژه <جحد> در مواردی به کار می رود که حقانیت چیزی معلوم باشد و در عین حال مورد انکار قرار گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۱ - ۷

۷ - مخالفت مستمر کافران مکه

، نسبت به آیات قرآن

إنّ الذین کفروا بالذّکر لمّا جاءهم

برداشت یاد شده با توجه به معنای <لمّا> است که در مورد استمرار زمان به کار می رود.

کافران و استماع قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۷ - ۵

۵- کافران ، مخفیانه اقدام به استماع آیه های قرآن نموده و یکدیگر را بر این کار ملامت می کردند .

نحن أعلم بما یستمعون به . .. و إذ هم نحوی

احتمال دارد مراد از <إذ هم نجوی> - همان گونه که در برخی شأن نزولها آمده است کافرانی باشد که مخفیانه، اقدام به استماع سخنان پیامبر(ص) می کردند و با مشاهده یکدیگر به صورت نجوا، به ملامت یکدیگر می پرداختند.

کافران و فصاحت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۳ - ۹

۹- فصاحت عالی قرآن و بیان روشن آن ، مورد قبول همگان حتی کافران و مشرکان

و هذا لسان عربیّ مبین

استدلال خداوند در ردّ ادعای کافران، مبتنی است بر آنکه فصاحت قرآن مورد قبول آنها باشد.

کافران و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۴ - ۶

۶ پایبندی کفرپیشگان به افکار و آراء گذشتگان خویش مانع پذیرش تعالیم قرآن و رسول خدا (ص)

و إذا قيل لهم تعالوا . .. قالوا حسبنا ما وجدناعليه ءاباءنا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۵ - ۹

۹ رويگرداني، تكذيب و تمسخر، مراحل مبارزه و رويارويي كافران با آيات الهي و قرآن*

ما

تأتيهم من ءايه . .. إلا كانوا عنها معرضين. فقد كذّبوا بالحق ... ما كانوا به ى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۲۵ - ۱۲،۱۰

۱۰ افسانه خواندن قرآن، از شيوه هاى مبارزه كافران و مشركان با اسلام

حتى إذا جاءوك يجدلونك يقول الذين كفروا إن هذا إلا أسطير الأولين

۱۲ ناتوانى كافران از مقابله با قرآن و پيامبر اكرم(ص)

حتى إذا جاءوك يجدلونك يقول الذين كفروا إن هذا إلا أسطير الأولين

پناه بردن مشركان به جدل و اتهام، گوياى اين است كه هيچ راه منطقى و صحيحى براى مقابله با قرآن و پيامبر(ص) وجود نداشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۲۶ - ۳،۴،۷

۳ افسانه خواندن قرآن و كهنه دانستن مطالب آن، از ترفندهاى كافران براى جلوگيرى از گوش فرادادن مردم به آن

إن هذا إلا أسطير الأولين. و هم ينهون عنه

<اول> به معناى آغاز است، و مراد كافران از اين اتهام كهنه بودن مطالب قرآن مى تواند باشد.

۴ كافران با پرهيز از گوش فرا دادن به قرآن و جلوگيرى مردم از آن، ناخودآگاه خود را به هلاكت مى افكنند.

و إن يهلكون إلا أنفسهم و ما يشعرون

۷ ترفندهاى كافران براى مبارزه با قرآن و پيامبر(ص)، بى ثمر و موجب هلاكت خود آن ها مى شود.

و هم ينهون عنه و ينئون عنه و إن يهلكون إلا أنفسهم

صدر آيه بيان مبارزه كافران با اسلام و قرآن است. لذا جمله <إن يهلكون> مى تواند ناظر به اين نكته باشد كه سرانجام اين مبارزه شكست و هلاكت خود آنان است، نه

قرآن و اسلام.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۵ – انعام – ۶ – ۲۸ – ۵

۵ تكذيب قرآن و آيات الهى از سوى برخى كفار، با وجود علم و آگاهى بر حقانيت آن

إن هذا إلا أسطير الأولين . .. بل بدالهم ما كانوا يخفون

چون در آيات قبل سخن از تكذيب قرآن و آيات الهى بود، مراد از <ما كانوا يخفون> مى تواند موارد مذكور باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۵ – انعام – ۶ – ۱۰۵ – ۵

۵ آيات گوناگون قرآن مايه تقويت بينش آگاهان و منجر به بهانه جويى كافران خواهد شد.

و ليقولوا درست و لنبينه لقوم يعلمون

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۶ – اعراف – ۷ – ۲۰۴ – ۴،۵

۴ خداوند كافران را به گوش فرادادن به آواى قرآن فراخواند .

هذا بصائر من ربكم . .. إذا قرى القرءان فاستمعوا له

برداشت فوق مبتنى بر اين است كه خطاب در <فاستمعوا . .. > شامل كافران نيز باشد.

۵ گوش سپارى كافران به آواى قرآن ، زمينه ساز دستيابى آنان به هدايت و رحمت الهى خواهد شد .

و إذا قرى القرءان فاستمعوا له و أنصتوا لعلكم ترحمون

چنانچه خطاب در آيه شامل كافران باشد، مصداق مورد نظر از رحمت در <ترحمون> هدايت خواهد بود.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۶ – انفال – ۸ – ۳۱ – ۳،۵

۳ اظهار آگاهی کافران از محتوای قرآن و غیر مهم جلوه دادن آن ، از حیله های آنان علیه پیامبر (ص)

و یمکرون . .. قالوا قد سمعنا

لو نشاء لقلنا مثل هذا إن هذا إلا أسطير

جمله <ان هذا . .. > دلالت می کند بر اینکه مقصود از <مثل هذا> همانندی در محتوای قرآن بوده است.

۵ معرفی قرآن به عنوان افسانه های کهن و دروغین از ترفند های کافران برای مقابله با قرآن

قالوا . .. إن هذا إلا أسطير الأولين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۱ - ۸

۸ مؤمنان عصر بعثت ، خواهان ظهور معجزه ای برای گرایش پیدا کردن کافران به اسلام و قرآن بودند .

أفلم يأيئس الذين ءامنوا أن لو يشاء الله لهدى الناس جميعًا

اعتراض خداوند به مؤمنان با جمله <أفلم يأيئس الذين ءامنوا> و بیان این حقیقت که امر هدایت و ضلالت به دست خداوند است نه وابسته به ارائه معجزه، می رساند که مؤمنان خواهان آن بودند که معجزات درخواستی کافران تحقق یابد، شاید که آنان هدایت شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲ - ۲

۲- آرزوی عمیق کافران به تسلیم شدن در برابر قرآن ، به هنگام مواجهه با عذاب الهی یا مرگ

تلك ءايت الكتب و قرءان مبين . ربما يودّ الذين كفروا لو كانوا مسلمين

محتمل است که متعلق <کفروا> قرآن باشد که در آیه قبل آمده است و آرزوی کفار به تسلیم بودن، بنابر قاعده، باید پس از مواجهه با حادثه ای باشد که رهایی از آن ممکن نیست و آن همانا عذاب می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴ - ۱

۱ کافران ، منکر نزول

وحی بر پیامبر (ص) بودند و قرآن را دروغ و ساخته و پرداخته او می دانستند .

و قال الذین کفروا إن هذا إلّا إفکٌ افتریه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۴۳ – ۱۸

۱۸ – قرآن کریم در نگاه کافران ، فراتر از کلام عادی است و تأثیری در حد سحر دارد .

و قال الذین کفروا للحقّ لمّا جاءهم إن هذا إلّا سحر مبین

از سحر دانستن قرآن، استفاده می شود که مشرکان، قرآن را کلامی فراتر از کلام معمولی و دارای تأثیری فوق العاده می دانستند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۲۶ – ۴

۴ – کفرپیشگان حق ستیز ، ناتوان از برخورد منطقی با پیامبر (ص) و قرآن

و قال الذین کفروا لاتسمعوا لهذا القرءان و الغوا فیه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۱۰ – ۱۲

۱۲– روحیه استکباری ، عامل اصلی مخالفت کافران با قرآن و نه شبهات اصولی و تردید در ارزش آن

و شهد شهد . .. فامن و استکبرتم

تصریح خداوند بر استکبار کافران، علی رغم ایمان حق گرایان به قرآن، اشاره به مطلب بالا دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۲ – ۶

۶ – اعتراف ضمنی کافران ، به تأثیر شگرف و خارق العاده قرآن و معجزات پیامبر (ص)

و إن يروا ءايه . .. و يقولوا سحر مستمرّ

وصف <سحر مستمرّ> گرچه در مقام تنقيص بيان شده; اما به طور غير مستقيم به تأثير

خارق العاده کارها و گفته های اعجازی پیامبر(ص) اشاره دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳۶ - ۳

۳ - قرآن و کلام الهی ، دارای جاذبه بسیار ; حتی برای کافران لجوج و حق ناپذیر

فمالِ الذین کفروا قبلک مهطعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۴ - ۳

۳ - روی گردانی کافران از قرآن ، به دلیل ناتوانی آنان از درک مفاهیم آن است و افسانه دانستن آن ، بهانه ای بیش نیست .

قال أسطیر الأوّلین . کلاّ بل ران علی قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۳ - ۵

۵ - تکذیب قرآن از سوی کافران ، ظاهری بوده و به دروغ بودن آن باور نداشتند .

و اللّه أعلم بما یوعون

تقابل این آیه با آیه قبل، بیانگر آن است که گرچه کافران به زبان قرآن را تکـذیب می کردند; ولی خداوند بهتر می داند که در درون آنان از تکذیب قرآن خبری نبود.

کافران و مثالهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۶ - ۸

۸ - کافران ، تمثیل به پشه و مانند آن را امری ناروا ، نامعقول و به دور از شأن خداوند می پنداشتند .

و أما الذین کفروا فیقولون ماذا أراد اللّه بهذا مثلا

بـا توجه به اینکه کفرپیشـگان قرآن را نپـذیرفته بودنـد معلوم می شود: جمله <مـاذا أراد اللّه . ..; خداونـد چه هـدفی را از این مثلها تعقیب می کند> بدین معنا نیست که آنان باور

داشتند که این مثلها از جانب خداوند است و در توجیه آنها درمانده بودند; بلکه مقصود آنان این بود که چون آن گونه مثلها ناپسند، بی هدف و نامعقول است، نمی تواند نازل شده از جانب خداوند باشد.

کافران هنگام استماع قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۵۱ - ۵

۵ - اتهام جنون به پیامبر (ص) ، به هنگام شنیدن قرآن از سوی کافران

لمّا سمعوا الذکر و یقولون إنّه لمجنون

کتاب بودن قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۵ - ۳

۳ - قرآن ، پیش از اتمام نزول تمام آیات اش ، کتاب نامیده شده است .

اتل ما أوحی إلیک من الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۷ - ۳

۳ - قرآن ، پیش از نزول آخرین آیات اش ، کتاب نامیده شده است .

و کذلک أنزلنا إلیک الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۱ - ۳

۳ - قرآن ، پیش از نزول آخرین آیات اش ، کتاب نامیده شده است .

أنّا أنزلنا علیک الکتب

کتابت قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۲ – ۲

۲ – کتابت آیات قرآن و تدوین آن ، پس از نزول آن بر پیامبر (ص)

ذلک الکتب

اطلاق کتاب (نوشته و نگارش یافته) بر قرآن یا بدان جهت بوده که آیه های آن پس از نزول نوشته می شده است و یا توصیه

ای است از جانب خداوند که باید به صورت نوشته درآید و یا به صورت مکتوب بر پیامبر (ص) نازل می شده است. احتمال اول و دوم گویای برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳ - ۴،۷

۴ نزول قرآن به صورت مکتوب بر پیامبر (ص) *

نزّل علیک الکتاب

اطلاق <الکتاب> بر قرآن، یا باید به این اعتبار باشد که نزولش به صورت نوشته بوده و یا در آن عصر به صورت کتاب و نوشته درمی آمده است، برداشت فوق بر اساس احتمال اوّل استفاده شده است.

۷ کتابت قرآن در عصر نزول توسّط کُتّاب وحی *

نزّل علیک الکتاب

اطلاق <الکتاب> بر قرآن، یا باید به این اعتبار باشد که نزولش به صورت نوشته بوده و یا در آن عصر به صورت کتاب و نوشته درمی آمده است، برداشت فوق بر اساس احتمال دوم استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷ - ۴

۴ کتابت قرآن در عصر نزول *

هو الّذی انزل علیک الکتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۷ - ۷

۷ قرآن پس از نزول و در عصر پیامبر (ص) ، به نگارش یافته بر اوراق و تدوین شده به شکل کتاب

و ما یتلی علیکم فی الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۳۶ – ۵

۵ قرآن در عصر پیامبر (ص) نوشته شده بر سطوح و تدوین

یافته به صورت کتاب

یأیها الذین ءامنوا ءامنوا باللّه و رسوله و الکتب الذی نزل علی رسوله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۸ - ۴

۴ قرآن ، به صورت مکتوب و جمع آوری شده در عهد پیامبر (ص)

و انزلنا إلیک الکتب

اطلاق <کتاب> (نوشته) بر قرآن حاکی از آن است که در زمان رسول خدا(ص) به صورت مکتوب بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱ - ۶

۶ کتابت قرآن ، پس از نزول آن بر پیامبر (ص)

کتب أُحکمت ءایته

اطلاق کتاب (نوشته و نگارش یافته) بر قرآن ، یا بدان جهت است که آیه های آن ، پس از نزول نوشته می شده و یا توصیه ای است از جانب خدا که باید ، به صورت کتاب درآید. در هر دو صورت ، برداشت فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱ - ۴

۴ کتابت قرآن در عصر پیامبر (ص)

تلک ءایت الکتب

اطلاق <کتاب> (نوشته و نگارش یافته) بر قرآن یا بدان جهت است که آیات آن پس از نزول نوشته می شد و یا توصیه ای است از جانب خدا که باید به صورت کتاب و نوشته درآید. به هر تقدیر ، برداشت فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱ - ۵

۵ – نوشته شدن قرآن توسط کاتبان وحی در پی نزول هر آیه یا هر سوره آن

تلک

ءايت القرءان و كتاب مبين

<کتاب>، مصدر به معنای مفعول (مکتوب) است. <کتاب مبین>; یعنی، نوشته ای روشن. بنابراین اطلاق <کتاب> بر قرآن می تواند از آن جهت باشد که پس از نزول، نوشته می شد و یا توصیه ای است بر این که باید نوشته شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۶ - ۴

۴ - کتابت و تدوین آیات قرآن ، پس از نزول آن بر پیامبر (ص)

و ما كنت ترجوا أن يلقى إليك الكتب

اطلاق کتاب (نوشته و نگارش یافته) بر قرآن، یا بدان جهت بوده که آیه های آن پس از نزول نوشته می شده است و یا توصیه ای است از جانب خداوند که باید به صورت نوشته درآید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۱ - ۳

۳ - کتابت و تدوین آیات قرآن ، پس از نزول آن بر پیامبر (ص)

و الذى أوحينا إليك من الكتب

اطلاق کتابت (نوشته و نگارش) بر قرآن، یا بدان جهت بوده که آیه های آن پس از نزول نوشته می شده است. و یا توصیه ای است از جانب خداوند که باید به صورت نوشته درآید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱ - ۲

۲ - کتابت و تدوین قرآن ، پس از نزول آن در حیات پیامبر اسلام (ص)

تنزيل الكتب من اللّه

اطلاق کتاب (نوشته و نگارش یافته) بر قرآن، یا بدان جهت است که آیه های آن پس از نزول نوشته می شده و یا

توصیه ای است از جانب خداوند که باید به صورت نوشته درآید. هردو فرض، می تواند گویای برداشت یادشده باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۲۳ – ۴

۴ – کتابت آیات قرآن و تدوین آن ، پس از نزول آن بر پیامبر (ص)

اللّه نزّل أحسن الحدیث کتبًا

اطلاق کتاب (نوشته و نگارش یافته) بر قرآن یا بدان جهت بوده که آیه های آن پس از نزول نوشته می شد و یا توصیه ای است از جانب خداوند که باید به صورت نوشته در آید. هر دو احتمال گویای برداشت یاد شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۴۱ – ۲

۲ – کتابت و تدوین قرآن ، پس از نزول آن در حیات پیامبراسلام (ص)

إنّا أنزلنا علیک الکتب

اطلاق کتاب (نوشته و نگارش یافته) بر قرآن، یا بدان جهت بوده که آیه های آن پس نزول نوشته می شده است و یا توصیه ای است از جانب خداوند که باید به صورت نوشته درآید. هر دو فرض می تواند گویای برداشت بالا باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۲ – ۲

۲ –کتابت و تدوین قرآن ، پس از نزول آن در حیات پیامبراسلام (ص) انجام گرفت .

تنزیل الکتب من اللّه

اطلاق کتاب (نوشته و نگارش یافته) به قرآن، یا بدان جهت بوده که آیه های آن پس از نزول نوشته می شده است و یا توصیه ای است از جانب خداوند که باید به صورت نوشته

در آید. هر دو فرض، می تواند گویای برداشت یادشده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲ - ۸

۸ انجام کتابت و جمع آوری قرآن ، در عهد پیامبراکرم (ص) *

و الکتب المبین

آن باشد که قرآن در زمان رسول خدا(ص)، به صورت مکتوب و مدوّن بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲ - ۳

۳ - قرآن ، به صورت مکتوب و جمع آوری شده در عهد پیامبر (ص)

تنزیل الکتب

اطلاق کتاب (نوشته) بر قرآن، می تواند حاکی از آن باشد که قرآن در زمان رسول خدا(ص) به صورت مکتوب بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲ - ۳

۳- قرآن ، دارای عنوان < کتاب > و به صورت تدوین شده در عصر بعثت

تنزیل الکتب من اللّه

قرآن، خود عنوان کتاب را بر آیات نازل شده منطبق ساخته است. از این نکته و با توجه به مکّی بودن آیات، استفاده می شود که آیات قرآن، از آغاز نزول دارای عنوان کتاب بوده و مدوّن و مکتوب می شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۳ - ۱،۳،۴

۱ - معارف قرآن ، نوشته هایی ثبت شده در ورقه هایی متعدد

فی صحف

عبارت <فی صحف> با <إنّها تذکره> ارتباط دارد; یعنی، آن تذکره در صحیفه هایی متعدد است. <صحیفه> (مفرد <صحف>); یعنی، هر چه در آن چیزی نوشته شود.(مفردات راغب)

۳ - لزوم گرامی داشتن و ارج نهادن به ورق

قرآن و آیات مکتوب آن

فی صحف مکرّمه

توصیف صفحات قرآن به <مکرّمه>، گرچه خبر از حقیقتی خارجی می دهد; ولی متضمن توصیه شدن مسلمانان به حفظ احترام قرآن نیز هست.

۴ - قرآن ، پیش از نزول در صفحه هایی متعدد مکتوب بوده است .

فی صحف مکرّمه

توصیف قرآن به <فی صحف> با توجه به نزول سوره <عبس> در مکه یا پیشگویی از نوشته شدن آن در آینده است و یا از نوشته بودن آن پیش از نزول کامل خبر می دهد. در صورت دوّم، مراد این است که ملائکه قرآن را از لوح محفوظ برگرفته و به صورت نوشته هایی در صفحات متعدد، آن را به مراحل بعدی نازل می کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۵ - ۲

۲ - نوشتن قرآن در صفحه های پاکیزه و با عظمت ، رسالت الهی بر عهده سفیران متعدد

بأیدی سفره

<سفره> یا به معنای نویسندگان است و یا رسولان. در کتب لغت درباره این کلمه چنین آمده است: <سفر> [در تمام مشتقاتش] بر مکشوف و آشکار شدن دلالت دارد و <سَفْر>; یعنی، کتابت و <سفره>; یعنی، نویسندگان; آنها را از آن جهت به این نام نامیدند که کتابت، آشکار سازنده چیزی است که مورد نیاز از نوشته است (مقاییس اللغه). کلمه <سفیر> بر رسول نیز اطلاق می شود; زیرا او مأموریت خود را آشکار می سازد (تاج العروس). جمع <سفیر>، گرچه <سفراء> است; ولی از آنجا که در لسان العرب، کلمه <سفره> بر فرشتگانی که بین خدا و پیامبران او سفارت (رسالت) دارند، اطلاق شده است، می توان

گفت: <سفره>، به معنای <سفراء> نیز استعمال شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۲۲ - ۱

۱ - قرآن ، بر صفحه لوحی نوشته شده که حقیقت آن ناشناخته است .

فی لوح

<لوح>، به تخته یا چیز دیگری گفته می شود که بر روی آن بنویسند (مفردات راغب). نکره آمدن <لوح>، ممکن است به منظور بیان ناشناخته ماندن آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۴ - ۱۱

۱۱ - نزول قرآن به صورت قابل نوشتن ، وعده خداوند به پیامبر (ص) در لحظات آغازین بعثت

اقرأ . .. الذی علّم بالقلم

طرح اموری که مربوط به قلم است، به دنبال فرمان قرائت قرآن در نخستین لحظات آغاز وحی، بیانگر نکته یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۲ - ۹

۹ - ثبت آیات قرآن ، در صحیفه ها و ورق ها ، برنامه ای پیش بینی شده از جانب خداوند و القا شده به رسول اکرم (ص)

یتلوا صحفًا مطهّره

تعبیر <صحف> (جمع <صحیفه>; یعنی، چیزی که در آن می نویسند)، اشاره به آینده قرآن و مکتوب شدن آن دارد. اسناد <یتلوا> به <صحفاً> با آن که پیامبر(ص) آیات الهی را از روی صحیفه های موجود تلاوت نمی کرد به اعتبار مکتوب شدن پیام ها، پس از تلاوت آن است.

کتابت قرآن در صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱ - ۶

۶ کتابت قرآن در عصر پیامبر

(ص)

تلک ءایت الکتب المبین

اطلاق <الکتاب> (نوشته و نگارش یافته) بر قرآن ، یابدان جهت است که آیه های آن پس از نزول نوشته می شده و یا توصیه ای است از جانب خدا که باید به صورت کتاب درآید.

کتب آسمانی قبل از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۶ - ۴

۴ نزول کتاب آسمانی بر دو طایفه غیر عرب (یهود و نصارا) قبل از نزول قرآن

إنما أنزل الکتب علی طائفتین من قبلنا

کتب آسمانی و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۴ - ۳

۳ کتاب های آسمانی پیشین ، سند زنده ای برای اثبات حقانیت و الهی بودن آیات قرآن کریم

فإن کنت فی شک مما أنزلنا إلیک فسئل الذین یقرءون الکتب من قبلک

تذکر این نکته لازم است که مراد از کتابهای آسمانی پیشین، کتابهایی است که دست تحریف، آنها را دگرگون نکرده است.

کتمان حقیقت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۲ - ۸

۸ - بنی اسرائیل عصر بعثت ، با تحریف در کتاب های آسمانی خویش ، در صدد کتمان بشارت ها و نشانه های حقانیت قرآن بودند .

و لاتلبسوا الحق بالبطل و تکتموا الحق

برخی برآنند که مراد از <الباطل> تحریفهای لفظی و معنوی است که عالمان بنی اسرائیل در کتابهای آسمانی خویش ایجاد می کردند تا نشانه های حقانیت قرآن و اسلام از آن آشکار نشود.

کتمان وحیانیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل -

۱۶ - ۱۰۳ - ۶

۶- کوشش مخالفان پیامبر (ص) بر غیر الهی جلوه دادن قرآن کریم

یقولون إنما یعلّمه بشر

کرامت کاتبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۶ - ۱

۱ - نویسندگان قرآن در صفحه های پاکیزه و با عظمت ، شخصیت هایی بزرگوار و دارای ارزش و احترام در پیشگاه خداوند

بأیدی سفره . کرام

کری مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷ - ۱،۲

۱ - خداوند قلب منکران قرآن را از فهمیدن معارف دین و گوش آنان را از شنیدن حقایق دینی ، بازداشته است .

ختم اللّه علی قلوبهم و علی سمعهم

<ختم> به معنای بستن درب چیزی با گل و مانند آن و به اصطلاح لاک و مهر کردن، است. بسته شدن قلب، کنایه از درک نکردن و نفهمیدن است. و <علی سمعهم> می تواند عطف بر <علی قلوبهم> باشد و نیز می تواند خبر برای <غشاوه> باشد. در برداشت فوق، احتمال اول لحاظ شده است.

۲ - بر گوش و چشم منکران آن ، حجابی است که آنان را از شنیدن و دیدن حقایق دین ، ناتوان ساخته است .

و علی سمعهم و علی ابصرهم غشوه

<غشاوه> به معنای پرده و مانند آن است. در برداشت فوق <علی سمعهم> خبر برای <غشاوه> گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۹ - ۱

۱ تکذیب کنندگان آیات الهی (قرآن)، کرها و لالهایی فرو رفته در ظلمتها هستند.

و الذین کذبوا بأیتنا صم و بکم فی الظلمت

جلد

- نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۵ – ۲

۲ – تصریح منکران قرآن ، به نفوذناپذیری قلب و گوش آنان در برابر وحی

و قالوا قلوبنا فی أكنّه . .. و فی ءاذاننا وقر

کشیشان و قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۸۳ – ۳،۱۰

۳ گریه گروهی از کشیشان و راهبان عصر پیامبر بر اثر شنیدن قرآن

منهم قسیسین و رهباناً . .. ما أنزل إلى الرسول ترى اعینهم تفیض من الدمع

بنابر اینکه ضمیر در <سمعوا> به <قسیسین> و <رهبان> برگردانده شود.

۱۰ گروهی از مسیحیان ، کشیشان و راهبان عصر بعثت ، پذیرای اسلام در پی شنیدن قرآن .

و إذا سمعوا ما أنزل إلى الرسول . .. یقولون ربنا ءامنا

کفایت قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۱۰۶ – ۱

۱– معارف قرآن ، برای هدایت و سعادت قوم عبادتگر خدا ، کافی و بسنده است .

إنّ فی هذا لبلغًا لقوم عبدین

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <هذا> اشاره به قرآن و مجموعه مطالب این سوره باشد. و <بلاغ> به معنای کفایت باشد (لسان العرب).

کفایت گواهی عالمان به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۳ - ۱۱

۱۱ شهادت و گواهی عالمان به قرآن ، بر حقانیّت رسالت پیامبر (ص) در اثبات آن کافی و تمام است .

کفی بالله . .. و من عنده علم الکتب

<من عنده . ..> عطف بر <الله> است و در حقیقت فاعل

برای <کفی> می باشد ; یعنی: <کفی بمن عنده علم الکتاب شهیدًا>.

کفر به بخشی از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۳۳

۳۳ - از امام صادق (ع) روایت شده که فرموده اند : < . . . الکفر فی کتاب اللّه علی خمسه اوجه . . . و الوجه الرابع من الکفر ترک ما أمر اللّه عز و جل به و هو قول اللّه عز و جل < . . . أفتؤمنون ببعض الکتاب و تکفرون ببعض فما جزاء من یفعل ذلک منکم > فکفّر هم بترک ما أمراللّه عز و جل به و نسبهم إلی الایمان و لم یقبله منهم و لم ینفعهم عنده . . . ;

کفر در کتاب خدا بر پنج قسم است . .. و قسم چهارم از کفر، ترک اوامر خداست و این سخن خدای عز و جل است که می فرماید: <أفتؤمنون ببعض الکتاب و تکفرون ببعض فما جزاء من یفعل ذلک منکم> پس خداوند آنان را به خاطر ترک نمودن اوامر الهی کافر دانسته و به آنان نسبت ایمان داده است، اگر چه ایمان مورد قبول نیست و برای آنان نزد خداوند سودی ندارد ...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۱ - ۱،۵

۱- یهود و نصارا ، پس از نزول قرآن و ظهور اسلام ، به التقاط گراییده و به برخی از آیات قرآن ایمان آوردند و به برخی دیگر کفر ورزیدند .

الذین جعلوا القرءان عضین

<عضین> جمع <عضه> است و <عضه> به معنای جزء می

باشد و تجزیه در پذیرش معارف دین در شأن اهل کتاب است; چون کافران و مشرکان اصل دیانت الهی را قبول نداشتند; چنان که خداوند اهل کتاب را به همین وصف توصیف فرمود: <. ..و یقولون نؤمن ببعض و نکفر ببعض...> (سوره نساء، آیه ۱۵۰).

۵- < عن إبن عباس قال : سأل رجل رسول الله (ص) < . . .الذین جعلوا القرآن عضین > قال : آمنوا ببعض و کفروا ببعض ;

از ابن عباس روایت شده است که مردی از رسول خدا(ص) درباره سخن خداوند <الذین جعلوا القرآن عضین> سؤال کرد، حضرت فرمود: به بعضی از[قرآن]ایمان می آورند و نسبت به بعض دیگر آن کافر می شوند>.

کفر به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۱ - ۹

۹ - بنی اسرائیل با انکار قرآن ، خود پیشتاز کفر به کتاب های آسمانی خویش خواهند بود .

و لاتکونوا أول کافر به

برداشت فوق بر این اساس است که ضمیر در <به> به <ما معکم> برگردد. بنابراین جمله <و لاتکونوا ...> در ارتباط با جمله <ءامنوا بما أنزلت> چنین معنا می شود: ای بنی اسرائیل! به قرآن ایمان آورید و از نخستین کسانی نباشید که به کتب آسمانی خود کافر می شوند; یعنی، در صورت انکار قرآن کتابهای آسمانی خود را انکار کرده اید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۵ - ۵

۵ - صبر و نماز عوامل کارآمد برای موفق شدن در پرهیز از محرمات الهی (کفر به قرآن ، دین فروشی ، کتمان حق و

(. . .

و لاتكونوا أول كافر به . .. و استعينوا بالصبر و الصلوه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۸۹ - ۱۱

۱۱ - يهوديان على رغم مطابق يافتن ويژگى هاى كتاب و پيامبر موعود ، بر قرآن و رسول اكرم (ص) ، به آن كافر شدند .

فلما جاءهم ما عرفوا كفروا به

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۹۰ - ۱،۲،۴،۱۲

۱ - يهوديان ، به قرآن و كتاب آسمانى خويش (تورات) كفر ورزيدند .

أن يكفروا بما أنزل اللّه

مراد از <ما أنزل اللّه> قرآن است و بعيد نيست كه علاوه بر آن، تورات نيز منظور باشد. قابل ذكر است كه مراد از كافر شدن يهود به تورات، انكار يا تحريف آن بخش از تورات است كه ويژگيهاى پيامبر اكرم(ص) را بيان كرده است.

۲ - يهوديان ، با كفرشان به قرآن و تورات ، خود را به بد بهايى فروختند .

بئسما اشتروا به أنفسهم أن يكفروا بما أنزل اللّه

<اشتراء> به معناى خريدن است و گاهى به معناى فروختن نيز به كار مى رود. در آيه شريفه معناى دوم اراده شده است (اقتباس از مجمع البيان). <ما>ى موصوله در <بئسما> فاعل <بئس> و <أن يكفروا ...> مخصوص به ذم است. بنابراين جمله <بئسما ...>; يعنى، كفرورزى يهوديان به قرآن بهاى بدى بود كه خود را بدان فروختند.

۴ - هر آنچه آدمى در برابر كفر به قرآن و از دست دادن دين الهى به چنگ آورد ، پست و ناچيز است .

بئسما اشتروا به أنفسهم أن يكفروا

بما أنزل اللّه

برداشت فوق مبتنی بر این است که مخصوص به ذم، مال و منال، ریاستهای دنیوی و مانند آن باشد که در کلام ذکر نشده تا شامل هر چیزی بشود. بر این مبنا <أن یکفروا ...> بیان معامله و داد و ستد است و معنای جمله <بئسما اشتروا ...> چنین می شود: یهودیان آنچه از مال و منال دنیا در برابر فروختن خویش به دست آوردند، بهای پستی بود و این معامله با کفر به قرآن صورت گرفت.

۱۲ - حسادت یهود به پیامبر (ص) از ریشه های کفرورزی آنان به قرآن و تورات

أن یکفروا بما أنزل اللّه بغیاً أن ینزل اللّه من فضله علی من یشاء من عباده

<بغی> به معنای حسادت و نیز به معنای ظلم و سرکشی است; برداشت فوق ناظر به احتمال اول است. کلمه <بغیاً> مفعولٌ به برای <أن یکفروا> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۷،۹

۷ - نازل نشدن قرآن بر بنی اسرائیل ، تنها دلیل و بهانه یهود برای ایمان نیاوردن به آن

إذا قیل لهم ءامنوا بما أنزل اللّه قالوا نؤمن بما أنزل علینا

۹ - یهودیان ، علی رغم اطمینانشان به الهی بودن قرآن ، به آن ایمان نیاوردند .

إذا قیل لهم ءامنوا بما أنزل اللّه قالوا نؤمن بما أنزل علینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۹ - ۵،۱۱

۵ - تنها فاسقان (منحرفان) ، قرآن و دلایل روشن آن را نپذیرفته و بدان کافر می شوند .

و ما یکفر بها إلا الفسقون

۱۱ - انکار

قرآن ، نشانه خروج از بینش صحیح در شناخت وحی و رسالت است .

و ما یکفر بها إلا الفسقون

برداشت فوق با توجه به معنای فسق (خروج از حد اعتدال) استفاده شده است. خروج از اعتدال در مقوله ایمان - که یک مقوله معرفتی و شناختی است - به نداشتن اندیشه و بینش صحیح باز می گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۰ - ۱۱

۱۱ - بسیاری از یهودیان به قرآن و پیامبر (ص) ، ایمان نخواهند آورد .

بل اکثرهم لایؤمنون

برداشت فوق مبتنی بر این است که: متعلق <لایؤمنون>، به دلیل آیه قبل، قرآن و پیامبر اسلام باشد. مضارع بودن فعل <لایؤمنون> این احتمال را تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۷ - ۷

۷ - ایمان نیاوردن یهود و نصارا به قرآن و معارف اسلام ، از سر ستیزه جویی و دشمنی است .

و إن تولوا فإنما هم فی شقاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۱ - ۰

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۰ - ۱

۱ کفر آگاهانه عالمان اهل کتاب به آیات خداوند (قرآن و پیامبر (ص)) و توبیخ آنان از سوی خداوند

یا اهل الکتاب لم تکفرون بایات اللّه و انتم تشهدون

با توجّه به آیات قبل و بعد که درباره محاجّه، کتمان و درآمیختن حق به باطل است، استفاده می شود که مقصود از اهل

کتاب، عالمان آنان هستند.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۹ - ۴

۴ تکبّر و گردن فرازی گروهی از اهل کتاب در برابر خداوند ، موجب کفر و انکار قرآن از سوی آنان

انّ من اهل الکتب لمن یؤمن . .. خاشعین للّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۷ - ۱۰،۱۲،۱۵،۱۷،۱۹،۲۱،۲۲،۲۳

۱۰ هشدار خداوند به اهل کتاب ، در مورد مسخ انسانیّت آنان در صورت ایمان نیاوردن به قرآن

امنوا . .. من قبل ان نطمس وجوهاً فنردّها علی ادبارها او نلعنهم

<طمس> به معنای نابود کردن اثر چیزی است، و <وجه> به معنای صورت می باشد. مراد از <وجوه> نیز به دلیل برگشت ضمیر <هم> به آن، افراد انسان است ; البته به لحاظ شخصیّت انسانی آنان و نه به لحاظ جسم ایشان.

۱۲ انحراف فکر و اندیشه و مسخ شخصیّت ، پیامد کفر به قرآن

امنوا . .. من قبل ان نطمس وجوهاً فنردّها علی ادبارها

<وجوه> به اعتبار اینکه مجمع تمامی حواس آدمی است، می تواند کنایه از درک و فهم باشد.

۱۵ هشدار خداوند به اهل کتاب در مورد گرفتاری آنان به لعن الهی در صورت کفر به قرآن

یا ایها الذین اوتوا الکتب . .. او نلعنهم کما لعنّا اصحاب السَّبت

۱۷ کافران به قرآن در خطر گرفتاری به لعنتی ، همسان لعنی که اصحاب سبت بدان گرفتار شدند .

امنوا . .. او نلعنهم کما لعنّا اصحاب السَّبت

۱۹ سرگذشت اصحاب سَبت (مسخ شدن به میمون) عبرت و اندرزی برای کافران به قرآن از اهل کتاب

او نلعنهم کما لعنّا

اصحاب السَّبت

۲۱ مسخ کافرانِ به قرآن و یا گرفتاری آنان به لعنت ، سنت الهی

من قبل ان نطمس وجوهاً . .. او نلعنهم ... و کان امر اللّه مفعولا

۲۲ مسخ و یا لعنت کافرانِ به قرآن از اهل کتاب ، امری حتمی و قضایی تخلف ناپذیر

یا ایها الذین اوتوا الکتب امنوا . .. من قبل ان نطمس وجوهاً ... و کان امر اللّه م

۲۳ ایمان نیاوردن اهل کتاب به قرآن ، زمینه گمراهی و عدم رستگاری ابدی آنان

من قبل ان نطمس وجوهاً فنردّها علی ادبارها

امام باقر (ع) در معنی آیه فوق فرمود: نطمسها عن الهدی فنردّها علی ادبارها فی ضلالتها ذمّاً لها بانّها لا تفلح ابداً.

مجمع البیان، ج ۳، ص ۸۶ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۸۷، ح ۲۸۰.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۴۸ – ۲،۳

۲ کفر به قرآن به مثابه شرک به خداوند است .

امنوا بما نزّلنا . .. انّ اللّه لا یغفر ان یشرک به

جمله <ان اللّه . .. > تهدیدی برای کافران به قرآن است. بنابراین کفر به قرآن باید مصداقی از شرک به خدا باشد و یا به منزله شرک به او.

۳ اهل کتاب ، مردمی مشرک ، به خاطر کفر به قرآن

فلا یؤمنون الّا قلیلا . .. یا ایها الذین اوتوا الکتب امنوا بما نزّلنا ... انّ ال

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۶۲ – ۹

۹ جهل ، سطحی نگری و روحیه ناباوری در اکثریت یهود ، مایه کفر آنان به قرآن و دیگر کتب

آسمانی

لکن الرسخون فی العلم منهم و المؤمنون یؤمنون بما أنزل إلیک و ما أنزل من قبلک

در برداشت فوق کلمه <لکن> استدراک از جمله <فلایؤمنون الا قلیلا> (۱۵۵) گرفته شده است، یعنی اکثر یهودیان ایمان نمی آورند و لکن عالمان ژرفنگر ایشان و آنانکه اهل باور به حقیقت هستند به قرآن ایمان خواهند آورد. بنابراین جمله <لکن ...> می رساند که جهل و روحیه ناباوری در اکثریت یهود مانع ایمان آوردن آنان به قرآن شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۷ - ۲،۳

۲ اهل کتاب به دلیل کفرشان به قرآن و انکار رسالت پیامبر (ص) و بازداری مردمان از پیوستن به اسلام ، منحرفانی سخت گمراه

إنّ الذین کفروا و صدوا عن سبیل اللّه قد ضلوا ضللا بعیداً

از مصادیق مورد نظر برای <الذین کفروا . ..> به قرینه آیات پیشین (۱۵۳ به بعد) آن گروه از اهل کتاب هستند که رسالت پیامبر(ص) را نپذیرفتند و قرآن را وحی الهی ندانستند ; و مراد از <سبیل اللّه> به دلیل آیات گذشته دین اسلام است.

۳ انکار رسالت پیامبر (ص) و کفر به قرآن و بازداشتن دیگران از راه خدا ، گمراهی عمیق است .

إنّ الذین کفروا و صدوا عن سبیل اللّه قد ضلوا ضللا بعیداً

متعلق <کفروا> به قرینه آیات قبل قرآن و پیامبر(ص) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۸ - ۲

۲ انکار رسالت پیامبر (ص) و کفر به قرآن و بازداشتن دیگران از راه خدا ، موجب محرومیت

از هدایت و آمرزش الهی

إنّ الذین کفروا و ظلموا لم یکن اللّه لیغفر لهم و لالیهدیهم طریقاً

با توجه به آیات قبل مراد از <کفر>، کفر به پیامبر(ص) و قرآن است و مراد از ظلم، بازداشتن دیگران از راه خداست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۹ - ۶

۶ کفر به قرآن و انکار رسالت پیامبر (ص) و بازداری مردمان از پیوستن به اسلام ، مایه خلود در جهنم

إنّ الذین کفروا و ظلموا . .. خلدین فیها ابداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۵ - ۱۳

۱۳ کافران به خدا ، قرآن و پیامبر (ص) محروم از رحمت و فضل و هدایت خاص خداوند

فاما الذین ءامنوا باللّه و اعتصموا به . .. صرطاً مستقیماً

معادل <اما>ی تفصیلیه حذف شده و جمله موجود <فاما الذین ءامنوا . ..> بیانگر آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۸ - ۱۵

۱۵ بی اعتنایی و عدم تعهد اهل کتاب به تورات و انجیل ، موجب کفر آنان به قرآن

قل یاهل الکتب لستم علی شیء حتّی تقیموا التوریه و الانجیل . .. طغیناً

بیان کفرورزی اهل کتاب به قرآن پس از بیان بی اعتنایی آنان به تورات و انجیل، نمایانگر این است که بی اعتنایی آنان به تورات و انجیل، زمینه ساز کفر و انکار قرآن شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۴ - ۳

۳ کفر به خداوند ، قرآن

و رسالت پیامبر (ص) فاقد هرگونه دلیل

و ما لنا لانؤمن باللّه وما جاءنا من الحق

استفهام در جمله <ما لنا . ..> استفهام انکاری است یعنی برای ما هیچگونه عذر و دلیلی وجود ندارد که از ایمان به خداوند یکتا و پذیرش اسلام رویگردان باشیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۳ - ۱۱

۱۱ کافران به قرآن ، در قیامت ، اندیشه ها و باور های خودبافته و مخالف تعالیم دین را سرابی بر باد رفته خواهند دید .

ضل عنهم ما کانوا یفترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۶ - ۵،۷

۵ کفر به قرآن و انکار معارف آن طغیانگری است .

و یذرهم فی طغینهم یعمهون

ضمیر <هم> در <یذرهم> و <طغیانهم> به منکران قرآن، که از جمله <فبأیّ حدیث> استفاده می شود، برمی گردد. بنابراین مراد از <طغیان> انکار قرآن است.

۷ کفرپیشگان منکر قرآن ، مردمی متحیر و سرگردان در وادی گمراهی و طغیانگری

و یذرهم فی طغینهم یعمهون

در برداشت فوق <فی طغیانهم> متعلق به <یعمهون> گرفته شده است، <عَمَهْ> (مصدر <یعمهون>) به معنای تحیر و سرگردانی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۲۱

۲۱ بیشتر مردم به قرآن ایمان نمی آورند .

و لكنّ أكثر الناس لايؤمنون

برداشت فوق ، مبنی بر این است که <ال> در <الناس> برای استغراق باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۳۱ – ۱۲

۱۲ کفرورزی مردم عصر بعثت و مخالفتشان با پیامبر (

ص) و قرآن ، عامل روی آوردن مصیبت های سخت و کوبنده بر آنان

و لایزال الذین کفروا تصیبهم بما صنعوا قارعه أو تحلّ قریبًا من دارهم

برداشت فوق با توجه به حرف <باء> در <بما صنعوا> که به معنای سببیت است استفاده می شود. مراد از <ما صنعوا> به قرینه آیات گذشته ، انکار قرآن، مخالفت با رسالت پیامبر(ص) و مانند آن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۱ - ۷

۷- دلداری خداوند به پیامبر (ص) در قبال کفر مشرکان مکه به معجزه آن حضرت (قرآن)

و قالوا لن نؤمن لک . .. و لقد ءاتینا موسی تسع ءایت بیّنت ... فقال له فرعون إنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۷ - ۱۳

۱۳- خضوع و سجود آگاهان در برابر قرآن ، گواه بی نیازی آن از ایمان دیگران و بی تأثیری بی ایمانی آنان *

ءامنوا به أو لاتؤمنوا إن الذین أُوتوا العلم من قبله إذا یتلی علیهم یخرّون

برداشت فوق بر این اساس است که <إن> تعلیل باشد برای جمله <آمنوا به أو. ..>; یعنی، چون اهل دانش به قرآن ایمان می آورند، ایمان و عدم ایمان دیگران مساوی بوده و نیازی به ایمان آنان نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۱ - ۱

۱ - کفر و انکار قرآن از دید خداوند ، پنهان نمی ماند .

لایخفون علینا . .. إنّ الذین کفروا بالذّکر

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که خبر

<إنّ> در <إنّ الذين كفروا> به قرينه آيه قبل جمله <لايخفون> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۲ - ۴

۴ - كفر به قرآن ، بدترين درجه ضلالت و گمراهى است .

قل أرءيتم إن كان من عند اللّه ثمّ كفرتم به من أضلّ ممّن هو فى شقاق بعيد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۰ - ۱۱

۱۱- سرزنش مشركان عرب از سوى خداوند ، به سبب كفرورزى به قرآن ، على رغم ايمان برخى غير عرب به حقانيت آن *

و شهد شهد من بنى إسرءيل على مثله فامن و استكبرتم

اين احتمال در آيه وجود دارد كه تذكر قرآن به ايمان فردى از بنى اسرائيل; از آن جهت براى مشركان عرب سرزنش بار باشد كه بنى اسرائيل در اصل عرب نبودند و عوامل نژادى و زبانى، مقتضى آن بوده تا در برابر قرآن خاضع نشوند. با اين وصف برخى از آنان به قرآن ايمان آوردند; در حالى كه مشركان عرب كه قرآن به لغت آنان نازل شده از پذيرش آن امتناع ورزيدند.

كفر تحريفگران قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۱ - ۶

۶ - تحريف گران آيات الهى ، كافراند .

إنّ الذين يلحدون فى ءايتنا . .. إنّ الذين كفروا بالذّكر

كفر مفتريان به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۷ - ۱۶

۱۶- مشرکانی که آیات قرآن را اسطوره می خوانند ، و نیز کسانی که علیه

دین خدا توطئه می کنند ، در زمره کافرانند .

و إذا قیل لهم ماذا أنزل ربّکم قالوا أسطر الأولین . .. قد مکر الذین من قبلهم ...

کفر مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶ - ۲

۲ - منکران قرآن ، به خدا و قیامت ایمان نخواهند آورد .

إن الذین کفروا . .. لایؤمنون

متعلَّق <لایؤمنون> به دلیل آیه هشت و نیز آیات قبل، خدا و قیامت است; یعنی: لایؤمنون باللّه و لاالیوم الآخر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۶ - ۷،۸

۷ کفرپیشگان منکر قرآن ، مردمی متحیر و سرگردان در وادی گمراهی و طغیانگری

و یذرهم فی طغینهم یعمهون

در برداشت فوق <فی طغیانهم> متعلق به <یعمهون> گرفته شده است، <عَمَهْ> (مصدر <یعمهون>) به معنای تحیر و سرگردانی است.

۸ کفرپیشگان منکر قرآن راهی برای نجات از تحیر و سرگردانی ندارند .

و یذرهم فی طغینهم یعمهون

معنای جمله <یذرهم . .. > بنابراینکه <فی طغیانهم> متعلق به <یعمهون>باشد، چنین می شود: خداوند منکران قرآن را رها نمی سازد تا همچنان در وادی طغیان، سرگردان بمانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۶ - ۱

۱ - منکران قرآن ، کافراند .

ثمّ أورثنا الکتب . .. و الذین کفروا

مقصود از کفر در این آیه به قرینه آیات پیشین که درباره قرآن کریم بود انکار قرآن است.

کفرستیزی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۲ - ۵

۵ قرآن ، در هر

عصر و زمان و در سطح جهانی ، توانا و شایسته برای مبارزه با جریان کفر و شرک

فلاتطع الکفرین و جهدهم به جهادًا کبیرًا

فرمان خداوند به جهاد بزرگ با کافران به وسیله قرآن پس از یادآوری جاودانگی و جهانی بودن رسالت پیامبر(ص) حاکی از آن است که قرآن، کتابی توانا و شایسته برای مبارزه جهانی و همیشگی با جریان کفر و شرک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۴۰ - ۵

۵ - توجّه دادن کافران به کمبود فرصت ، از راه کار های مبارزه قرآن با کفر

إنّا أنذرنکم عذابًا قریبًا

جمله <یقول الکافر. ..> در ذیل آیه - گویای آن است که روی خطاب در <أنذرناکم>، با کافران است.

کمال قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲ - ۱

۱ - قرآن کتابی کامل و با عظمت

ذلک الکتب

<ذلک> مبتدا و <الکتاب> خبر آن است. بر این مبنا <ال> در الکتاب برای استغراق صفات است و دلالت بر کمال دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۸ - ۶

۶ قرآن خالی از هرگونه نقص و کاستی برای اثبات رسالت پیامبر(ص)

لولا نزل علیه ءایه . .. ما فرطنا فی الکتب من شیء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۵ - ۱

۱ قرآن کلمه تام و صدق و عدل پروردگار است.

و هو الذی أنزل إلیکم الکتب . .. و تمت کلمت ربک صدقا و عدلا

مراد از <کلمت>، به قرینه آیه قبل

که سخن از نزول کتاب است، قرآن می تواند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۹ - ۱۴

۱۴- پیامبر (ص) ، شایسته ترین انسان و قرآن کامل ترین برنامه برای رشد و هدایت آدمیان است .

و جئنابک شهیدًا علی هؤلاء و نزّلنا علیک الکتب تبینًا لکلّ شیء و هدًی

با توجه به ارتباط دو بخش آیه; یعنی، <و جئنا بک شهیدا . ..> با <و نزّلنا علیک ...> و نیز بنابر اینکه <شهیداً> را به معنای الگو بدانیم و شهادت را شهادت عملی به شمار آوریم، برداشت فوق را می توان به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹ - ۲

۲- قرآن ، کامل ترین کتاب هدایت

إن هذا القرءان یهدی للّتی هی أقوم

برداشت فوق بنابراین است که مفضل علیه <أقوم> صرفاً هدایت تورات نباشد; بلکه مفضل علیه محذوف، عام بوده و شامل همه کتابهای هدایتی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱ - ۵

۵- قرآن ، کتابی با عظمت و در اوج زیبایی و کمال است .

الحمد للّه الذی أنزل علی عبده الکتب

<ال> در <الکتاب> برای استغراق صفات است; یعنی، تمام اوصافی که یک کتاب، در حد کامل می تواند داشته باشد، در این کتاب متبلور است و این، حاکی از عظمت قرآن است. و چون حمد در برابر زیبایی و کمال است و در آیه بالا خداوند، به سبب نزول قرآن، تمام حمدها و ستایش ها را از آن خویش دانسته، استفاده می شود که

قرآن، در نهایت کمال و زیبایی است.

کمی عبرت از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴۲ - ۵

۵ - پندگیری و درس آموزی مردم از تعالیم قرآن ، در نیمه نخست رسالت بسیار ناچیز و اندک بود .

قليلاً ما تذكّرون

کمی مؤمنان به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴۱ - ۵

۵ - ایمان به قرآن در میان مردم ، در نیمه نخست رسالت (مکّه) بسیار اندک بود .

قليلاً ما تؤمنون

کوردلی مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۹ - ۵

۵ آنان که الهی بودن قرآن و حقانیّت آن را باور ندارند ، کوردل و جاهلند .

أفمن يعلم أنما أُنزل إليك من ربك الحق كمن هو أعمى

کوری مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷ - ۲

۲ - بر گوش و چشم منکران آن ، حجابی است که آنان را از شنیدن و دیدن حقایق دین ، ناتوان ساخته است .

و علی سمعهم و علی ابصرهم غشوه

<غشاوه> به معنای پرده و مانند آن است. در برداشت فوق <علی سمعهم> خبر برای <غشاوه> گرفته شده است.

کیفر اخروی معرضان از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۱ - ۱،۲

۱ - کیفر روی گردانی از قرآن ، در قیامت همانند باری سنگین بر دوش اعراض کنندگان خواهد بود .

من أعرض عنه . .. وزرًا . خلدین فیه

... حملًا

<حمل> به محمولی گفته می شود که نظیر باری که بر سر یا پشت نهند، آشکار باشد (لسان العرب). نکره بودن آن، گویای گران باری آن است.

۲ - عقوبت و پی آمد های اخروی روی گردانان از قرآن ، ابدی و جدایی ناپذیر است .

وزرًا . خلدین فیه و ساء لهم

مرجع ضمیر <فیه>، <وزراً> در آیه قبل است. خلودِ در <وزر>، به معنای جاودانگی در آثار و تبعات آن است.

کیفر اخروی مفتریان به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۵ - ۲

۲- کیفر کسانی که قرآن را اسطوره می خوانند ، در قیامت بدون هیچ کاستی داده خواهد شد .

قالوا أسطر الأولین . لیحملوا أوزارهم کامله یوم القیمه

کیفر استهزاگران قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵ - ۱۰

۱۰ عذاب خداوند و سرانجامی شوم در انتظار تکذیب کنندگان و استهزاگران حق (قرآن و دیگر آیات خداوند)

فقد کذّبوا بالحق لمّا جاءهم فسوف یأتیهم أنبؤا ما کانوا به یستهزءون

کیفر استهزای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۶ - ۷

۷ - تمسخر تعالیم آسمانی قرآن ، درپی دارنده عذاب الهی

و اتّبعوا أحسن ما أَنزل . .. من قبل أن يأتيكم العذاب... أن تقول ... و إن كنت لمن

کیفر اعراض از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۵ - ۷۸،۱۰

۷ - توصیه خداوند به عمل کردن به قرآن ، پیش از دچار شدن به پیامد های هلاکت بار

ر ها کردن قرآن (عذاب)

و اتّبعوا أحسن ما أُنزل . .. من قبل أن يأتيكم العذاب

۸ - عمل نکردن به تعالیم قرآن ، درپی دارنده عذاب ناگهانی در دنیا

و اتّبعوا أحسن ما أُنزل . .. من قبل أن يأتيكم العذاب بغته

<بغته> به معنای ناگهانی است.

۱۰ - عذاب عمل نکردن به تعالیم قرآن ، ناگهانی و غیرقابل پیش بینی است .

و أنتم لاتشعرون

کیفر افترا به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۵ - ۸

۸- افترا بستن بر پیامبر (ص) و قرآن ، موجب عذاب دردناک اخروی است .

لهم عذاب أليم . إنما يفترى الكذب الذين لايؤمنون

کیفر تکذیب قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۲ - ۴

۴ تکذیب و انکار قرآن ، ظلم و موجب مخلد شدن مکذبان و منکران در عذاب اخروی است .

أثم إذا ما وقع ءامنتم به . .. ثم قيل للذين ظلموا ذوقوا عذاب الخلد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۷ - ۲

۲ - عذاب دوزخ ، عقوبت کفر به خدا و تکذیب آیات او (قرآن)

و الذين کفروا و کذّبوا بَایتنا فأولئک لهم عذاب مهین

کیفر شک در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۱۶

۱۶ شک و شبهه در راستی و درستی قرآن ، مایه گرفتار شدن به آتش دوزخ است .

فالنار موعده فلاتک فی مریه منه

کیفر کفر به قرآن

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۱۳

۱۳ کافران به قرآن از هرگروه و طایفه (مشرکان ، یهودیان ، نصارا و . . .) به آتش دوزخ گرفتار خواهند شد .

و من یکفر به من الأحزاب فالنار موعده

<ال> در <الأحزاب> می تواند عهدیه باشد که در این صورت اشاره به مشرکان ، یهود و نصاراست و می تواند <ال> در آن برای استغراق باشد که در این صورت ، مصداقهای بارز و موردنظر آن ، گروههای نامبرده اند.

کیفر مبارزه با قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۱ - ۵

۵ - خلود در جهنم ، کیفر مقابله کنندگان با آیات الهی (قرآن)

و الذین سعوا فی ءایتنا معجزین أولئك أصحب الجحیم

کیفر معرضان از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۷ - ۷

۷ - کسانی که خود را از رهنمود های خداوند و تذکرات قرآن بی نیاز می پندارند ، کافر و سزاوار سخت ترین کیفرهایند .

قتل الإنسن ما أكفره

این آیه و آیات بعد را می توان با آیات پیشین، مرتبط دانست; در این صورت حرف <ال> در <الإنسان> عهد ذکری بوده و اشاره به <من استغنی> در آیات قبل خواهد بود.

کیفر مفتریان به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۵ - ۱۶

۱۶- اسطوره تلقی کنندگان قرآن ، نیازمند به هشدار الهی ، به خاطر بی خبری از پیامد گناه و کیفر عمل زشت خویش

قالوا أسطر الأولین . لیحملوا أوزارهم

... ألا ساء ما يزرون

كيفر مكذّبان قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۵ – انعام – ۶ – ۵ – ۱۰

۱۰ عذاب خداوند و سرانجامی شوم در انتظار تکذيب کنندگان و استهزاگران حق (قرآن و ديگر آيات خداوند)

فقد كذّبوا بالحق لمّا جاءهم فسوف يأتيهم أنبؤا ما كانوا به يستهزءون

كيفر ممانعت از قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۲۷ – ۲

۲ – ممانعت از دسترسی انسان ها به پيام قرآن ، در پی دارنده عذاب سخت الهی

و قال الذين كفروا لاتسمعوا . .. فلنذيقنّ الذين كفروا عذابًا شديدًا

كيفيت تلاوت قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۳ – ۴

۴ – نزول و قرائت قرآن بر پيامبر (ص) در قالب زبان عربی

تنزيل من الرحمن . .. قرءانًا عربيًّا

كيفيت نزول قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱ – بقره – ۲ – ۹۷ – ۲،۳،۵

۲ – جبرئيل ، نازل کننده قرآن بر قلب پيامبر (ص)

فإنه نزله على قلبک

۳ - جبرئیل ، نه از سر خود بلکه به اذن خدا و فرمان او ، قرآن را بر پیامبر (ص) فرود آورد .

فإنه نزله على قلبک بإذن اللّه

۵ - نزول قرآن بر پیامبر (ص) توسط جبرئیل ، موجب دشمنی و کینه توزی یهود با او گردید .

من کان عدواً لجبریل فإنه نزله على قلبک بإذن اللّه

جمله <فانه . ..> (جبرئیل به اذن خدا قرآن را بر قلب تو فرود آورد) بیانگر منشأ کینه توزی

یهود با جبرئیل است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۷ – ۳

۳ نزول آیات قرآن بر پیامبر(ص) به شکل نوشتارهایی ملموس نبوده است.

و لو نزلنا علیک کتبا فی قرطاس فلمسوه بأیدیهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۲۰۳ – ۴

۴ قرآن به صورت مجزا و بخش بخش بر پیامبر (ص) نازل می شد .

و إذا لم تأتهم بایه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۳ – ۱

۱ – تلاوت ، نحوه نزول قرآن بر پیامبر (ص)

نتلوا علیک من نبإِ موسی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۲ – ۴

۴ – قرآن ، نازل شده به شکل نزول تدریجی

تنزیل من الرحمن الرحیم

مطلب یاد شده از واژه <تنزیل> که برای نزول تدریجی به کار می رود استفاده شده است (مفردات راغب).

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۳ – ۴

۴ – نزول و قرائت قرآن بر پیامبر (ص) در قالب زبان عربی

تنزیل من الرحمن . .. قرءانًا عربیًّا

گریه هنگام استماع قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۱۰۹ – ۴،۵

۴- گریستن به هنگام شنیدن آیات قرآن ، امری ارزشمند است .

إذا یتلی علیهم . .. و یخرّون للأذقان یبکون

۵- تأثیر قرآن بر روح و روان عالمان آشنا به معارف آسمانی ، در حدی است که از دیدگان

آنها اشک جاری می شود .

إذا یتلی علیهم . .. یبکون

گسترش تعالیم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۲ - ۸

۸ اراده خدا بر گسترش اسلام و تعالیم قرآن در سراسر گیتی

و یأبی اللّه إلا أن یتم نوره

گمراهان مکه و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۶ - ۵

۵ مشرکان و گمراهان مکه، در صورت نازل نشدن قرآن، خویشتن را در قیامت معذور می دانستند و دوری از رحمت خدا را بی عدالتی می شمردند.

أن تقولوا إنما أنزل الکتب علی طائفتین

گمراهان و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۸ - ۴

۴ - کج اندیشانِ از حق بازداشته شده ، از هیچ مثل و بیان روشنِ قرآن ، بهره ای نمی برند .

کذلک کانوا یؤفکون . .. و لقد ضربنا للناس فی هذا القرءان من کلّ مثل

گمراهی مبارزه با قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۳۴ – ۵

۵ راه کفر و ستیزه جویی با پیامبر (ص) و تعالیم قرآن ، بی راهه ترین راه ها است .

الذین کفروا . .. أُولئک شرّ مکانًا و أضلّ سبیلًا

گمراهی معرضان ازقرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۰۰ – ۳

۳ – اعراض کنندگان از قرآن و تذکار های آن ، در دنیا گرفتار انحراف و گناه می شوند .

ءاتینک من لدنّا ذکرًا . من أعرض

عنه فإنّه یحمل ... وزرًا

جمله <فإنّه یحمل. ..> ممکن است حاکی از گرفتاری اعراض کنندگان از قرآن به گناهانی دیگر باشد; یعنی، آنان بر اثر این روی گردانی، در دنیا به دام گناه گرفتار می شوند و در قیامت زیربار آن بوده و آن را حمل خواهند کرد.

گمراهی مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۶ - ۷

۷ کفرپیشگان منکر قرآن ، مردمی متحیر و سرگردان در وادی گمراهی و طغیانگری

و یذرهم فی طغینهم یعمهون

در برداشت فوق <فی طغیانهم> متعلق به <یعمهون> گرفته شده است، <عَمَهْ> (مصدر <یعمهون>) به معنای تحیر و سرگردانی است.

گناه استهزای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۹ - ۲

۲ بیهوده سخن راندن و مغالطه گری و استهزا در مورد قرآن و اسلام گناهی بزرگ است.

فلاتقعد بعد الذکری مع القوم الظلمین. و ما علی الذین یتقون من حسابهم من شیء

ظالم خواندن خوض کنندگان در آیات و تأکید بر تحریم همنشینی مسلمانان با آنان و همچنین جمله <من حسابهم>، مجموعاً بیانگر بزرگی گناه خوض در آیات است.

گناه اعراض از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۰ - ۲

۲ - اعراض از قرآن ، گناهی است و در قیامت دامنگیر انسان خواهد شد .

من أعرض عنه فإنّه يحمل يوم القيمه وزرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۹ - ۶

۶ - کفر به قرآن و روی گردانی از آن ، ظلم و گناهی

غیرقابل بخشش است .

و من يعش عن ذكر الرحمن . .. و لن ينفعكم اليوم إذ ظلمتم أنّكم فى العذاب مشتركون

برداشت یاد شده بر این مبنا است که مراد از <ذکر الرحمان> قرآن باشد.

گناه افترا به قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۲۵ – ۳،۱۴

۳- ساختگی دانستن قرآن ، گناهی بس بزرگ و سنگین

قالوا أسطر الأولين . ليحملوا أوزارهم كامله يوم القيمه

۱۴- بار گناه اسطوره خواندن قرآن ، باری بس ناشایست و زشت

قالوا أسطر الأولين . .. ألا ساء ما يزرون

گناه کفر به قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۳۹ – ۶

۶ – کفر به قرآن و روی گردانی از آن ، ظلم و گناهی غیرقابل بخشش است .

و من يعش عن ذكر الرحمن . .. و لن ينفعكم اليوم إذ ظلمتم أنّكم فى العذاب مشتركون

برداشت یاد شده بر این مبنا است که مراد از <ذکر الرحمان> قرآن باشد.

گناه مغالطه گران در قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۶۹ – ۲

۲ بیهوده سخن راندن و مغالطه گری و استهزا در مورد قرآن و اسلام گناهی بزرگ است.

فلاتقعد بعد الذکری مع القوم الظلمین. و ما علی الذین یتقون من حسابهم من شیء

ظالم خواندن خوض کنندگان در آیات و تأکید بر تحریم همنشینی مسلمانان با آنان و همچنین جمله <من حسابهم>، مجموعاً بیانگر بزرگی گناه خوض در آیات است.

گناه مفتریان به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶

- ۲۵ - ۵،۶،۷

۵- کسانی که با ساختگی دانستن قرآن ، دیگران را به گمراهی کشیدند ، بخشی از گناهان آنان را به عهده خواهند داشت .

و إذا قیل لهم ماذا أنزل ربّکم قالوا أسطر الأولین . لیحملوا أوزارهم کامله یوم ال

برداشت فوق، بر اساس این احتمال است که <من> برای تبعیض باشد.

۶- افترا زنندگان به قرآن ، علاوه بر گناه خویش ، عهده دار گناه گمراه شدگان به دست خود نیز خواهند بود .

قالوا أسطر الأولین . لیحملوا أوزارهم کامله یوم القیمه و من أوزار الذین یضلّونه

برداشت فوق بر این احتمال است که <من> یا زاید و یا برای جنس باشد چنان که مفسّران احتمال داده اند.

۷- کسانی که قرآن را اسطوره می خوانند ، علاوه بر گناه افترا زدن به قرآن ، برخی از گناه دیگران (گناه گمراهی آنان) را نیز بر دوش می کشند .

قالوا أسطر الأولین . لیحملوا أوزارهم کامله یوم القیمه و من أوزار الذین یضلّونه

این برداشت، مبتنی بر تبعیض بودن <من> در <من أوزارهم> است.

گناه مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۵ - ۱

۱- تکذیب کنندگان حقانیت قرآن ، سرانجام تمامی گناهان عمل خویش را در قیامت بر دوش خواهند کشید .

و إذا قیل لهم ماذا أنزل ربّکم قالوا أسطر الأولین . لیحملوا أوزارهم کامله یوم ال

لام <لیحملوا> لام عاقبت است و <أوزار> (جمع وزر) به معنای ثقل و سنگینی و کنایه از گناه است.

گناهکاری مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۵ - ۴

قلب تکذیب کنندگان قرآن و قیامت ، هرگز از آلودگی های گناه پاک نخواهد شد .

ران علی قلوبهم ما کانوا یکسبون . کلّا إنّهم ... محجوبون

جمله بعد از <کلّا>، قرینه است بر این که آیه شریفه درصدد بیان تداوم یافتن نکته ای است که آیه قبل درباره قلب تکذیب گران مطرح کرده بود.

گواهان بر معارف قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۹ - ۹

۹ خداوند ، گواهی کافی برای حقّانیّت معارف ارائه شده در قرآن

ما اصابک من حسنه فمن اللّه و ما اصابک من سیّئه فمن نفسک . .. و کفی باللّه شهیداً

برداشت فوق بر این مبناست که متعلق <شهیداً>، معارفی باشد که در این بخش از آیات تبیین گردید.

گواهان حقانیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۲،۵،۱۱

۲ قرآن ، خود دلیل و شاهدی بر راستی و درستی خویش است .

و یتلوه شاهد منه

در اینکه مقصود از <شاهد> چیست، چند نظر ابراز شده است. عبارت <و من قبله کتاب موسی> می تواند این نظر را تأیید کند که: مراد از آن خود قرآن می باشد. مورد شهادت به دلیل <إنه الحق من ربک> حقانیت و الهی بودن قرآن است و <تُلُوّ> (مصدر یتلو) به معنای در پی آمدن است و در پی آمدن شاهد، کنایه از تأیید کردن و پشتیبانی نمودن می باشد. ضمیر در <یتلوه> به <مَن> و ضمیر <منه> به <رب> برمی گردد. بنابراین جمله <أفمن ... یتلوه شاهد منه>; یعنی، آیا کسی که علاوه بر <بیّنه> از پشتیبانی شهادت

قرآن برخوردار است، مانند کسی است که اینگونه نیست؟

۵ تورات ، دلیلی بر حقانیت قرآن

و یتلوه . .. من قبله کتب موسی

<کتاب> عطف بر <شاهد> است و ضمیر در <قبله> به شاهد برمی گردد.

۱۱ پیامبر (ص) دارای بصیرتی الهی بر حقانیت قرآن و برخوردار از شاهدی ربانی بر الهی بودن آن و آگاه به حقایق تورات

أفمن کان علی بیّنه من ربه . .. و من قبله کتب موسی

برخی از مفسران برآنند که مصداق بارز و مورد نظر برای <من کان علی بیّنه> پیامبر(ص) است. این گروه جمله <فلاتك ...> را مؤید این نظر شمرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۰ - ۸

۸- گواهی دهنده بر حقانیت قرآن از میان بنی اسرائیل ، فردی دانا و متشخص بود .

و شهد شهد من بنی إسرءیل علی مثله فامن

تکیه قرآن بر شهادت فردی از بنی اسرائیل و استفاده از گواهی وی در گرایش دادن مردم به ایمان، نشانگر این معنا است که وی، فردی متشخص و صاحب نظر و معتبر بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱ - ۳

۳ قرآن ، خود گواه حقانیت خویش *

و القرءان المجید

وجود سوگند به <قرآن> در متن آن، در صورتی منطقی خواهدبود که از متن قرآن، بتوان اهمیت و حقانیت آن را استفاده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ – مائده – ۵ – ۸۳ – ۱۱

۱۱ مسیحیان عصر بعثت پس از پذیرش اسلام با نیایش به درگاه خداوند ، خواهان پیوستن به صف شاهدان

و گواهان حقانیت قرآن بودند .

ربنا ءامنا فاکتبنا مع الشهدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۴ - ۱۰

۱۰ صالحان ، گواهان عینی بر حقانیت قرآن و رسالت پیامبر (ص) *

فاکتبنا مع الشهدین . .. ان یدخلنا ربنا مع القوم الصلحین

جمله <نطمع ان یدخلنا . ..> می تواند اشاره به آرزو و درخواستی باشد که مسیحیان آن را با جمله <فاکتبنا مع الشهدین> از خداوند تقاضا کردند. بنابراین درخواست همراهی با شاهدان همان آرزوی همنشینی با صالحان خواهد بود. و لذا می توان گفت شاهدان همان صالحان هستند.

گواهی بر حقانیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۸ - ۳،۴

۳ آمدن فرشتگان به عنوان پیامبر و یا تصدیق کننده قرآن امری ناشدنی

هل ینظرون إلا أن تأتیهم الملئکه

با توجه به اینکه آیه مورد بحث ناظر به آیه قبل است و در آن آیه سخن از قرآن و منکران آن بود، معلوم می شود انتظارات مطرح شده در این آیه شرایطی است که برای ایمان به قرآن مطرح شده است. بیان نکردن پیامد نزول ملائکه، در مقابل تحلیل سومین پیشنهاد و بیان نتایج آن، اشاره به ناممکن بودن نزول ملائکه بر عموم مردم دارد.

۴ ظهور خداوند برای تصدیق قرآن و بیان پیامهای خویش به طور مستقیم، ناممکن است.

هل ینظرون إلا أن . .. یأتی ربک

<إتیان> در جمله <یأتی ربک> به معنای ظاهر شدن و آشکار گشتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۷ – ۷

۷ برخورداران

از بصیرت الهی ، دلالت تورات بر حقانیت قرآن را ، به خوبی درمی یابند .

أفمن کان علی بیّنه من ربه. ..ومن قبله کتب موسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۳ - ۱۲

۱۲ مقام علم شهودی و گواهی بر حقانیت قرآن و رسالت پیامبر (ص) جایگاهی والاتر از ایمان

ربنا ءامنا فاکتبنا مع الشهدین

گواهی عالمان به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۳ - ۹

۹ عالمان و آگاهان به قرآن ، به حقانیّت رسالت پیامبر (ص) گواهی می دهند .

کفی بالله . .. و من عنده علم الکتب

گواهی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۱۷،۱۸

۱۷ - گواهی قرآن بر راستی و درستی تورات ، از نشانه های حقانیت قرآن

و هو الحق مصدقاً لما معهم

توصیف قرآن به تصدیق کننده تورات، پس از ادعای حقانیت قرآن (و هو الحق) استدلالی است برای یهودیان بر لزوم ایمان آوردن به آن.

۱۸ - قرآن ، گواه و دلیلی بر راستی و درستی تورات است . *

و هو الحق مصدقاً لما معهم

تصـدیق کتابهـای آسـمانی اهـل کتـاب از سـوی قرآن، محتمـل اسـت بـه این معنـا باشـد که: نزول قرآن مـوجب شـد اخبـار و پیشگوئیهای آن کتاب ها، مبنی بر آوردن قرآن تحقق یابد. بنابراین نزول قرآن مایه اثبات راستین و درستی آن کتاب هاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۷ - ۷۸

۷ - قرآن ، محتوای تورات را

تأیید و راستی و درستی آن را تصدیق می کند .

مصدقاً لما بین یدیه

برداشت فوق مبتنی بر این است که <مصدقاً> حال برای ضمیر مفعولی <نزله> - که مراد از آن قرآن است - باشد. مقصود از <ما بین یدیه> (کتابی که پیش از قرآن بوده است)، در آیه مورد بحث، تورات است.

۸ - وجود قرآن ، گواه و شاهدی بر حقانیت تورات است . *

مصدقاً لما بین یدیه

تصدیق تورات از سوی قرآن (مصدقاً لما بین یدیه) محتمل است به این معنا باشد که: قرآن گواه صدق و درستی تورات است؛ یعنی، نزول قرآن موجب آن شد که اخبار و پیشگوییهای تورات مبنی بر آمدن قرآن تحقق یابد. بنابراین قرآن مایه اثبات راستی و درستی تورات و گواه حقانیت آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۷ - ۵

۵ گواهی قرآن بر حقانیّت تورات و انجیل

امنوا بما نزّلنا مصدقاً لما معکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۸ - ۵

۵ گواهی قرآن بر راستی و درستی کتب آسمانی پیشین (تورات و انجیل)

و انزلنا إلیک الکتب بالحق مصدقاً لما بین یدیه من الکتب

به دلیل آیات گذشته مراد از <ما بین یدیه من الکتب>، تورات و انجیل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۹ - ۱۶،۱۷،۲۰

۱۶ قرآن، گواه خداوند بر حقانیت رسالت پیامبر(ص)

قل اللّه شهيد بينى و بينكم و أوحى إلىّ هذا القرءان

۱۷ قرآن، گواه يگانگى خداوند و بطلان شرك

قل أغير اللّه اتّخذ وليا .

.. قل اللّه ... و أوحی إلیّ هذا القرءان

از ارتباط این آیه با آیات قبل چنین برمی آید که قرآن تحقق عینی شهادت خداوند است.

۲۰ شگفت آور بودن اعتقاد به تعدد خدایان، با توجه به بدیهی بودن توحید و شهادت خدا و قرآن بر بطلان شرک

أئنکم لتشهدون أن مع اللّه ءالهه أخری

همزه استفهام در <أئنکم> دال بر شگفتی است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۵۷ – ۳

۳ قرآن، بینه و دلیل روشن پیامبر(ص) و گواه حقانیت او

قل إنی علی بینه من ربی و کذبتم به

بسیاری از مفسران گفته اند که مراد از بینه و مرجع ضمیر <کذبتم به> قرآن است. مفرد آمدن کلمه <بینه> و مذکر آمدن ضمیر <به> این احتمال را تقویت می کند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۹۲ – ۵

۵ قرآن، گواه صدق کتب آسمانی گذشته است.

مصدق الذی بین یدیه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۷ – ۲،۳

۲ قرآن ، خود دلیل و شاهدی بر راستی و درستی خویش است .

و یتلوه شاهد منه

در اینکه مقصود از <شاهد> چیست، چند نظر ابراز شده است. عبارت <و من قبله کتاب موسی> می تواند این نظر را تأیید کند که: مراد از آن خود قرآن می باشد. مورد شهادت به دلیل <إنه الحق من ربک> حقانیت و الهی بودن قرآن است و

<تُلُوّ> (مصدر یتلو) به معنای در پی آمدن است و در پی آمدن شاهد، کنایه از تأیید کردن و پشتیبانی نمودن می

باشد. ضمیر در <یتلوه> به <مَن> و ضمیر <منه> به <رب> برمی گردد. بنابراین جمله <أفمن ... یتلوه شاهد منه>; یعنی، آیا کسی که علاوه بر <بیّنه> از پشتیبانی شهادت قرآن برخوردار است، مانند کسی است که اینگونه نیست؟

۳ بهره مندان از بصیرت الهی ، دلالت و گواهی قرآن را بر حقانیت قرآن ، درمی یابند و بدان واقف می شوند .

أفمن کان علی بیّنه من ربه و یتلوه شاهد منه

روشن است که مساوی نبودن زمینه داران ایمان با فاقدان آن ، در ارتباط با شهادت قرآن (أفمن . .. یتلوه شاهد منه [کمن لیس کذلك]) مجرد وجود قرآن به عنوان شاهد نیست; بلکه درك و عدم درك آنان از گواهی قرآن ، موجب تمایز آن دو گروه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱ - ۳

۳ قرآن ، خود گواه حقانیت خویش *

و القرءان المجید

وجود سوگند به <قرآن> در متن آن، در صورتی منطقی خواهدبود که از متن قرآن، بتوان اهمیت و حقانیت آن را استفاده کرد.

لالی مکذّبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۹ - ۱

۱ تکذیب کنندگان آیات الهی (قرآن)، کرها و لالهایی فرو رفته در ظلمتها هستند.

و الذین کذبوا بأیتنا صم و بکم فی الظلمت

لجاجت مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۵۰ - ۲

۲ - سرسختی و لجاجت تکذیب گران صدراسلام ، در پذیرش قرآن و اسلام

فبأیّ حدیث بعده یؤمنون

مبارزه با قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه

– فیش

۵ – انعام – ۶ – ۵ – ۹

۹ رویگردانی، تکذیب و تمسخر، مراحل مبارزه و رویارویی کافران با آیات الهی و قرآن*

ما تأتیهم من ءایه . .. إلا کانوا عنها معرضین. فقد کذّبوا بالحق ... ما کانوا به ی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۲۵ – ۱۰،۱۲،۱۵

۱۰ افسانه خواندن قرآن، از شیوه های مبارزه کافران و مشرکان با اسلام

حتی إذا جاءوک یجدلونک یقول الذین کفروا إن هذا إلا أسطیر الأولین

۱۲ ناتوانی کافران از مقابله با قرآن و پیامبر اکرم(ص)

حتی إذا جاءوک یجدلونک یقول الذین کفروا إن هذا إلا أسطیر الأولین

پناه بردن مشرکان به جدل و اتهام، گویای این است که هیچ راه منطقی و صحیحی برای مقابله با قرآن و پیامبر(ص) وجود نداشته است.

۱۵ اسطوره خواندن قرآن و جدال و سرسختی در برابر آن، کفرورزی است.

یقول الذین کفروا إن هذا إلا أسطیر الأولین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۲۶ – ۳،۷

۳ افسانه خواندن قرآن و کهنه دانستن مطالب آن، از ترفندهای کافران برای جلوگیری از گوش فرادادن مردم به آن

إن هذا إلا أسطیر الأولین. و هم ینهون عنه

<اول> به معنای آغاز است، و مراد کافران از این اتهام کهنه بودن مطالب قرآن می تواند باشد.

۷ ترفندهای کافران برای مبارزه با قرآن و پیامبر(ص)، بی ثمر و موجب هلاکت خود آن ها می شود.

و هم ينهون عنه و ينئون عنه و إن يهلكون إلا أنفسهم

صدر آيه بيان مبارزه كافران با اسلام و قرآن است. لذا جمله <إن يهلكون> مى تواند

ناظر به این نکته باشد که سرانجام این مبارزه شکست و هلاکت خود آنان است، نه قرآن و اسلام.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۱ - ۱،۴،۵

۱ تمسک کافران مکه به حیله برای مقابله با آنان

و یمکرون . .. و إذا تتلی علیهم ءایتنا قالوا قد سمعنا لو نشاء لقلنا

جمله <إذا تتلی . .. > می تواند بیان مصداقی از <یمکرون> در آیه قبل باشد.

۴ کافران مکه معارف قرآن را نوشتار ها و سخنان بی اساس مردمان نخستین قلمداد می کردند .

إن هذا إلا أسطیر الأولین

<اساطیر> به معنای نوشتارهای بی اساس است و <الأولین> به معنای انسانهای نخستین. گفتنی است که <اساطیر الأولین> می تواند به این معنا باشد که این اسطوره ها در باره انسانهای اولیه است و می تواند به این معنا باشد که اینها اسطوره هایی است ساخته و پرداخته انسانهای نخستین.

۵ معرفی قرآن به عنوان افسانه های کهن و دروغین از ترفند های کافران برای مقابله با قرآن

قالوا . .. إن هذا إلا أسطیر الأولین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۲ - ۲

۲ نابحق جلوه دادن قرآن با درخواست عذاب از درگاه خدا ، از حیله های کافران مکه در مبارزه با قرآن و رسالت پیامبر (ص)

و یمکرون . .. و إذ قالوا اللّهم ... فأمطر علینا حجاره من السماء

برخی در توجیه عذاب خواهی کافران (فامطر علینا . ..) چنین گفته اند که آنان برای فریب دیگران و یا اقناع خویش این نفرین را در حق

خود روا داشتند تا با اجابت نشدن آن، خویشتن را در انکار قرآن و حقانیت رسالت پیامبر(ص) محق بشمارند. آیه قبل که سخن از مکر کافران داشت، می تواند تأییدی برای این نظریه باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۲ - ۴

۴ اطاعت محض و تبعیت کورکورانه یهود و نصارا از احبار و راهبانشان ، در راستای مبارزه با قرآن و اسلام

اتخذوا أحبارهم و رهبنهم أرباباً . .. یریدون أن یطفئوا نور اللّه بأفوههم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۱ - ۴

۴- مخالفت و مبارزه با قرآن و پیامبراسلام (ص) ، مصداق آشکار ظلم و ستم است .

لقد أنزلنا إلیکم. .. و کم قصمنا من قریه کانت ظالمه

خداوند، پس از بیان نزول قرآن و فراخواندن مردم به تعقل در آن و نیز طرح نابودی بسیاری از اقوام گذشته به خاطر ظلمشان، مخالفان اسلام و قرآن را به عذاب و نابودی تهدید کرد و این می رساند که مخالفت با اسلام و قرآن، مصداق روشن ظلم و موجب نابودی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴ - ۳

۳ تهمت و افترا ، ابزار و شیوه های مبارزه کافران علیه پیامبر (ص) و قرآن

و قال الذین کفروا إن هذا إلّا إفک افتریه و أعانه علیه قوم ءاخرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۵۱ - ۷

۷ - ترور شخصیت (همچون پیامبر (ص))

، از ترفند های کافران برای مبارزه با تعالیم اسلام و قرآن

لمّا سمعوا الذکر و یقولون إنّه لمجنون

این که کافران، به جای مبارزه با تعالیم قرآن، پیامبر(ص) را متهم به جنون کردند; بیانگر این نکته است که آنان درصدد بودند با این کار، به هدف خود (نابودی دین) نائل شوند.

مبین قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱ - ۴

۴ آیات سوره یوسف ، بخشی از قرآن مبین است .

تلک ءایت الکتب المبین

مشارالیه <تلک> آیات سوره یوسف است. بنابراین <تلک آیات ...> ; یعنی ، آیاتی که پیش روی شماست ، آیات آن کتاب مبین (قرآن) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۴ - ۱۰

۱۰- قرآن ، حاوی تعالیم و حقایقی است که کلید فهم آنها در دست پیامبر (ص) بود .

و أنزلنا إلیک الذکر لتبیّن للناس ما نزّل إلیهم

متشابهات قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱ - ۵

۵ - از ائمه علیهم السلام روایت شده : < ان الحروف المفتحه بها السور من المتشابهات التی إستأثر اللّه تعالی بعلم ها و لایعلم تأویل ها إلا هو ;

حروف]مقطعه[که سوره ها با آنها آغاز می شود از متشابهاتی است که خدا علم آنها را به خود اختصاص داده و تأویل آنها

را غیر از او کسی نمی داند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷ - ۴۱،۳۹،۳۷،۳۴ ،۳۰،۲۹،۲۵،۲۰،۱۶،۱۰،۸،۷،۶،۵،

۵ قرآن ، مشتمل

بر آیات محکم و متشابه

منه ایات محکمات . .. و اخر متشابهات

۶ آیات محکم ، اصل و اساس قرآن است .

منه ایات محکمات هنّ ام الکتاب

به اصل و اساس هر چیز <ام>، گفته می شود. (مفردات راغب).

۷ آیات محکم قرآن ، مرجع فهم و تفسیر آیات متشابه

منه ایات محکمات هنّ ام الکتاب و اخر متشابهات

<ام> در لغت عرب به هر چه مرجع چیز دیگری باشد گفته می شود. (روح المعانی، ج ۳، ص ۷۰).

۸ عدم جواز برداشت از آیات متشابه ، بدون ارجاع آنها به آیات محکم

فامّا الّذین فی قلوبهم زیغ فیتَّبعون ما تشابه منه

۱۰ پیوستگی و انسجام آیات محکم قرآن *

منه ایات محکمات هنّ ام الکتاب

از تعبیر به <ام> که مفرد است، می توان استفاده کرد که کلیّه آیات محکم قرآن، پیوسته و دارای انسجام است.

۱۶ منحرفین ، به منظور تأویل محکمات ، متشابهات را دنبال می کنند .

فامّا الّذین فی قلوبهم زیغ فیتَّبعون ما تشابه منه ابتغاء الفتنه و ابتغاء تأویله

بنابراینکه ضمیر در <تأویله> ارجاع به <ام الکتاب> شود که عبارت است از آیات محکم.

۲۰ فهم و برداشت صحیح از قرآن ، بدون شناخت محکم و متشابه آن ، امری ناممکن است .

هنّ ام الکتاب . .. فامّا الّذین فی قلوبهم زیغ

فهم متشابه در گرو ارجاعش به محکم است ; چون محکم، <امّ> و مرجع است. بنابراین اول باید آیات محکم از متشابه تشخیص داده شود، تا بتوان قرآن را فهمید.

۲۵ راسخین در علم (عالمان ژرفنگر) ، آیات محکم و متشابه را از جانب خدا دانسته و به آنها ایمان دارند .

و الراسخون فی

العلم يقولون امنّا به كل من عند ربّنا

۲۹ اظهار ایمان به آیاتِ متشابه و محکم قرآن ، شیوه راسخین در علم

و الراسخون فی العلم یقولون امنّا به کلّ من عند ربّنا

جمله <یقولون . .. >، بیانگر آن است که راسخین در علم، ایمان خویش را اظهار می کنند.

۳۰ کارایی هر یک از آیات محکم و متشابه ، در تربیت انسان

کُلٌّ من عند رّبنا

هر کدام از آیات محکم و متشابه، ناشی از مقام ربوبیّت خدا (من عند ربّنا) است; بنابراین هر دو دسته، برای تربیت می باشد.

۳۴ جز خردمندان ، کسی قدرت درک ویژگی های آیات محکم و متشابه را ندارد .

و ما یذّکّر الاّ اولوا الالباب

ظاهراً مراد از متعلّق <ما یذّکّر>، مطالب عنوان شده در همین آیه باشد.

۳۷ آیات منسوخ ، از مصادیق متشابه و ناسخ آنها از محکمات است .

منه ایات محکمات . .. و اخر متشابهات

امام باقر (ع): . .. فالمنسوخات من المتشابهات و المحکمات من الناسخات.

کافی، ج ۲، ص ۲۸، ح ۱ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۱۳، ح ۱۹.

۳۹ گسترش کفر ، هدف کج اندیشان از تمسک به آیات متشابه و دنبال کردن آن

فامّا الّذین فی قلوبهم زیغ فیتّبعون ما تشابه منه ابتغاء الفتنه

امام صادق(ع): المراد بالفتنه هاهنا الکفر.

مجمع البیان، ج ۲، ص ۷۰۰ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۱۳، ح ۱۷.

۴۱ لزوم ایمان توأم با عمل به آیات محکم و ایمان به آیات متشابه بدون مبنا قرار دادن آن برای عمل

منه ایات محکمات و اُخر متشابهات

امام صادق (ع): ان القرآن فیه محکم و متشابه فاما المحکم فنؤمن به و نعمل به و ندین و

اما المتشابه فنؤمن به و لا نعمل به و هو قول اللّه تبارك و تعالی: <فامّا الّذين فی قلوبهم . .. >.

بصائر الدرجات صفار، ص ۲۰۳، ح ۳، ب ۱۰ ; تفسير عياشی، ج ۱، ص ۱۶۲، ح ۴.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸ - ۵

۵ ايمان به تمامی قرآن (محكمات و متشابهات) ، هدايتی از جانب خداوند است .

و الرّاسخون فی العلم يقولون امنّا به كل من عند ربّنا . .. ربّنا لا تزغ قلوبنا بع

جمله <هديتنا> پس از <امنّا به كل مِن عند ربّنا>، می تواند تفسيری برای ايمانشان به تمامی قرآن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - يونس - ۱۰ - ۱ - ۷

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - هود - ۱۱ - ۱ - ۱۲

۱۲ ((عن أبی جعفر (ع) قال : إن حُيی بن أخطب و أخاه أباياسر بن أخطب و نفراً من اليهود من أهل نجران أتوا رسول الله (ص) فقالوا له : أليس فيما

از امام باقر(ع) روايت شده است كه حُيی بن اخطب و برادرش ابوياسر و چند تن از يهود نجران نزد رسول خدا(ص) آمدند و گفتند: آيا در ميان آنچه می گويی بر تو نازل شده ((الم)) نيست ؟ فرمود: چرا . . . آن گاه حُيی به آن حضرت گفت : آيا غير از ((الم)) نيز هست ؟ فرمود: آری گفت : بياور، فرمود: ((الر))، گفت : . . . الف يك

، لام سی و راء دویست . . . ، امام باقر(ع) فرمود: آیات قرآن نازل شده درحالی که بخشی از آنها محکماتند که آنها اساس کتابند و بخشی دیگر متشابهات و این متشابهات راههای تأویلی دارند غیر از آنچه حُیی و ابویاسر و یاران او تأویل کرده اند)).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱ - ۶

۶ - از ائمه علیهم السلام روایت شده : < إنّ الحروف المفتحه بها السور من المتشابهات التی إستأثر اللّه تعالی بعلم ها و لایعلم تأویل ها إلاّ هو ;

حروف [مقطعه] که سوره ها با آنها آغاز می شود از متشابهاتی است که خدا علم آنها را به خود اختصاص داده و تأویل آنها را غیر از او کسی نمی داند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱ - ۱

۱ از ائمّه علیهم السلام روایت شده : < انّ الحروف المفتّحه بها السور من المتشابهات التی إستأثر اللّه تعالی بعلم ها و لایعلم تأویل ها إلاّ هو ;

حروف [مقطعه] که سوره ها با آنها آغاز می شود از متشابهاتی است که خدا علم آنها را به خود اختصاص داده و تأویل آنها را غیر از او کسی نمی داند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱ - ۱

۱ از ائمّه علیهم السلام روایت شده : < انّ الحروف المفتحه بها السور من المتشابهات التی إستأثر اللّه تعالی بعلم ها و لایعلم

تأویل ها إلاّ هو ;

حروف [مقطعه] که سوره ها با آنها آغاز می شود از متشابهاتی است که خدا علم آنها را به خود اختصاص داده و تأویل آنها را غیر از او کسی نمی داند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲ - ۱

۱ از ائمّه علیهم السلام روایت شده : < انّ الحروف المفتحه بها السور من المتشابهات التی إستاثر اللّه تعالی بعلم ها و لایعلم تأویل ها إلاّ هو ;

حروف [مقطعه] که سوره ها با آنها آغاز می شود از متشابهاتی است که خدا علم آنها را به خود اختصاص داده و تأویل آنها را غیر از او کسی نمی داند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱ - ۱

۱ - < المروی عن أئمتنا علیهم السلام انّها من المتشابهات الّتی إستأثر اللّه تعالی بعلمها و لایعلم تأویلها إلاّ هو ;

از امامان ما(ع) روایت شده است: این ها (حروف مقطعه که سوره ها با آنها آغاز می شود) از متشابهاتی است که خدا علم آنها را به خود اختصاص داده و تأویل آنها را غیر از او کسی نمی داند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱ - ۱

۱- < المروی عن أئمتنا علیهم السلام انّها من المتشابهات التی إستأثر اللّه تعالی بعلمها و لایعلم تأویلها إلاّ هو ;

از امامان ما(ع) روایت شده است: این ها (حروف مقطعه که سوره ها با آنها آغاز می شود) از

متشابهاتی است که خداوند علم آنها را به خود اختصاص داده و تأویل آنها را غیر از او کسی نمی داند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱ - ۱

۱ - < المروی عن أئمتنا علیهم السلام انّها من المتشابهات التی إستأثر اللّه تعالی بعلمها و لایعلم تأویلها إلاّ هو ;

از امامان ما(ع) روایت شده است: این ها (حروف مقطعه که سوره ها با آنها آغاز می شود) از متشابهاتی است که خداوند علم آنها را به خود اختصاص داده و تأویل آنها را غیر از او کسی نمی داند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱ - ۱

۱- < المروی عن أئمتنا علیهم السلام انّها من المتشابهات التی إستأثر اللّه تعالی بعلمها و لایعلم تأویلها إلاّ هو ;

از امامان ما(ع) روایت شده است: این ها (حروف مقطعه که سوره ها با آنها آغاز می شود) از متشابهاتی است که خداوند علم آنها را به خود اختصاص داده و تأویل آنها را غیر از او کسی نمی داند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱ - ۶

۶ < المرویّ عن أئمّتنا علیهم السلام انّها من المتشابهات الّتی استأثر اللّه تعالی بعلمها و لایعلم تأویلها إلاّ هو ;

از امامان ما(ع) روایت شده است: این ها (حروف مقطعه که سوره ها با آنها آغاز می شود) از متشابهاتی است که خداوند علم آنها را به خود اختصاص داده و تأویل آنها را غیر از او کسی نمی

داند>.

متفکران و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۴ - ۱۸

۱۸ تنها متفکران و اندیشمندان ، از توان لازم برای بهره مندی از معارف قرآن برخوردارند .

کذلک نفصل الأیت لقوم یتفکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۲ - ۱۶

۱۶ - تنها متفکران و اندیشمندان ، از توان لازم برای بهره مندی از معارف بلند قرآن برخوردارند .

اللّه یتوفّی الأنفس حین موتها . .. إنّ فی ذلک لأیت لقوم یتفکّرون

مثالهای باطل دشمنان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۳ - ۴

۴ سخنان کافران علیه پیامبر (ص) و تعالیم قرآن ، متکی بر تمثیل و تشبیه بود و نه برهان و دلیل .

و لایأتونک بمثل إلّا جئنک بالحقّ و أحسن تفسیرًا

مثالهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷ - ۱

۱ - حالت منافقان در اظهار ایمان ، به کسی می ماند که برای رهایی از ظلمت ، آتشی ناپایدار و گذرا برافروزد .

مثلهم کمثل الذی استوقد ناراً فلمّا أضاءت ما حوله ذهب اللّه بنورهم

<استیقاد> (مصدر استوقد) به معنای آتش افروختن است. <لما> حرف شرط است و جواب آن محذوف می باشد و جمله <ذهب اللّه ...> بیانگر آن جواب است؛ یعنی: آن گاه که آتش اطراف او را روشن کرد، خاموش شود و او در تاریکی بماند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۶ - ۲،۱۶

۲

- خداوند ، در تبیین برخی حقایق ، حشره ای چون پشه و بزرگتر از آن را در مثل های قرآنی به کار برده است .

إن اللّه لایستحی أن یضرب مثلا ما بعوضه فما فوقها

گفتنی است که در لسان العرب آمده است: بعوض از خانواده مگسهاست و بعوضه مفرد آن است.

۱۶ - از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود : < إنما ضرب اللّه المثل بالبعوضه لأن البعوضه علی صغر حجم ها خلق اللّه فی ها جمیع ما خلق فی الفیل مع کبره و زیاده عضوین آخرین ;

خداوند مثل به پشه زده; چون پشه با کوچکی جسمش تمام آنچه را خداوند در فیل با آن تنومندی جمع کرده است، دارد و حتی دو عضو زیادتر از فیل دارد . ..>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۱ - ۱

۱ - مَثَل کفرپیشگان ، مَثَل حیوانی است که از درک شنیده ها ناتوان است .

و مثل الذین کفروا کمثل الذی ینعق بما لایسمع

<نعق> (مصدر ینعق) به معنای: نهیب چوپان بر گوسفندان و امر و نهی اوست و مراد از <ما لایسمع> گوسفند و مانند آن می باشد. به گفته مفسران در آیه شریفه، کافران لجوج به گوسفندان و دعوت کنندگان به معارف دین به چوپان تشبیه شده اند. بر این مبنا بخشی از مشبه ذکر نشده و تقدیر کلام چنین است: مثل الذین کفروا و الذی یدعوهم الی الأیمان کمثل الذی . ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۱ - ۷

۷ تمثیل ، از روش

های قرآن برای بیان حقایق ، ارزش ها و پاداشها

مثل الّذین ینفقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۴ - ۹

۹ مَثَل انفاق کننـدگانِ از روی منّت و آزار و ریا ، همچون صَخره صافی است که بر روی آن قشرِ خاکی باشد و بذرهایی در آن افشانده شود و ناگهان ، رگباری تند بر آن رسد و همه خاک ها را بشوید و آن سنگ را کِشت ناپذیر کند .

فمثله کمثل صفوان علیه تراب فاصابه وابل فترکه صلداً لا یقدرون علی شیءمما کسبوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۵ - ۱،۷

۱ مثل انفاق کنندگان اموال برای خشنودی خدا و ثبات نفس خویش ، همچون بوستانی است بر تپّه ای بلند که یا رگباری تُند بر آن بارد و دو چندان میوه دهد و یا باران ملایمی بر آن بارد و آن را به ثمر بنشاند .

و مثل الّذین ینفقون اموالهم ابتغاء مرضات اللّه . .. کمثل جنّه ... اُکُلَها ضِعفِ

۷ به کارگیری تمثیل از سوی خداوند برای بیان حقایق

و مثل الّذین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۶ - ۲

۲ به کارگیری تمثیل برای بیان حقایق ، از سوی خداوند

ایودّ احدکم ان تکون له جنّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۷ - ۱

۱ آنچه اهل کفر در این دنیا انفاق می کنند ، همچون باد سرد سُوزانی است که بر زراعت قوم ستمکارِ بر

خویش بوزد و آن را نابود سازد .

مثل ما ینفقون فی هذه الحیوه الدنیا . .. فاهلکته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۴ - ۱،۲

۱ زندگی دنیوی مانند کشتزار سرسبزی است که در معرض انواع رخداد ها و آفت های بنیان کن می باشد .

إنما مثل الحیوه الدنیا کماء . .. حتی إذا أخذت الأرض زخرفها و ازینت ... أتیها أمر

۲ دنیامـداران ، به دهقـانی می ماننـد که مزرعه خرم و به خوشه نشسـته اش وی را مست و بی خود سازد و با خاطری آسوده و غافل از تمامی حوادث و آفت های در کمین نشسته به خوابی خوش فرو رود .

إنما مثل الحیوه الدنیا . .. و ظن أهلها أنهم قدرون علیها أتیها أمرنا لیلا أو نهار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۴ - ۱،۲

۱ حالت مشرکان و کافران به قرآن ، همانند انسان کور و کر است .

مَثل الفریقین کالأعمی والأصمّ

۲ حالت موحدان و مؤمنان به قرآن ، همانند انسان های بینا و شنواست .

مَثل الفریقین کالأعمی والأصمّ والبصیر والسمیع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۷ - ۴،۸،۲۱،۲۲

۴ فلزات گداخته شده در کوره های آتش ، کفهایی همانند کف های سیلاب از خود ایجاد می کنند .

و مما یوقدون علیه فی النار . .. زبد مثله

<من> در <مما یوقـدون> نشویه است. <ایقاد> (مصدر یوقدون) به معنای شـعلهور ساختن آتش می باشد. مراد از <ما> به قرینه <حلیه> و <متاع> فلزاتی نظیر

طلا، نقره، مس و ... است. <فی النار> حال مؤکّده می باشد. بنابراین <یوقدون ...> ; یعنی، و حاصل می شود از فلزاتی که آتش بر آن برافروزند (آن را ذوب کنند) کفی مانند کف سیلاب.

۸ حق در تشبیه همانند فلزات گداخته شده و ذوب گشته است و باطل بسان کف های ایجاد شده بر روی آن

و مما یوقدون علیه فی النار . .. زبد مثله کذلک یضرب الله الحق و البطل

۲۱ تشبیه حقایق به امور محسوس و آوردن مثل برای آنها از شیوه های قرآن

کذلک یضرب الله الأمثال

۲۲ همانندی حق با آب فرود آمده از آسمان و نیز با فلزات ذوب شده و همسانی باطل با کف سیلاب ها و کف فلزات ذوب شده ، از ضرب المثل های قرآن است .

کذلک یضرب الله الحق و البطل . .. کذلک یضرب الله الأمثال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۸ - ۱

۱- عمل نیک کافرانِ به ربوبیت خداوند ، چونان خاکستری است در معرض تندباد در روز طوفانی

مثل الذین کفروا بربّهم أعملهم کرماد اشتدّت به الریح فی یوم عاصف

مراد از <أعمالهم> می تواند اعمال خیر و صالحی باشد که کافران انجام می دهند. چه اینکه روشن است عمل زشت و گناه هیچ کس، کافر و مسلمان، ثمری ندارد تا اینکه حبط گردد و یا به خاکسترِ در معرض باد تشبیه شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۴ - ۳،۴

۳- < کلمه طیبه > چونان درخت پاکی و طیبی است که ریشه ای ثابت داشته و شاخ و

برگش در بلندای فضا باشد .

کلمه طیّبه کشجره طیّبه أصلها ثابت و فرعها فی السّماء

۴-اعتقادات حق چنان درختی ریشه دار ، ثابت و استوار است .

کلمه طیّبه کشجره طیّبه أصلها ثابت و فرعها فی السّماء

از معناهایی که مفسران، از صحابه و تابعان تاکنون، برای <شجره طیبه> ذکر کرده اند، عقیده به توحید و کلمه <لا إله إلّا الله> است که عقیده حق می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۵ - ۱،۷

۱- کلمه طیبه ، چنان درخت پاکی است که ریشه ثابت و شاخه برافراشته داشته و در وقت ثمردهی ، بی کم و کاست ثمر بدهد .

مثلاً کلمه طیّبه کشجره طیّبه أصلها ثابت و فرعها فی السّماء . تؤتی أکلها کلّ حین

احتمال دارد که <تؤتی أکلها کلّ حین > ادامه مشبه به باشد و مراد از آن به تناسب موضوع، آن زمانی است که درخت در آن هنگام به بار می نشیند و ثمر می دهد.

۷- به کارگیری مَثَل ، از روش های هدایتی تبلیغی قرآن کریم

و یضرب الله الأمثال للناس لعلّهم یتذکّرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۶ - ۱

۱- کلمه خبیثه ، چنان درخت پلیدی است که ریشه هایش از روی زمین کنده شده و ثبات و قراری ندارد .

و مثل کلمه خبیثه کشجره خبیثه اجتّثت من فوق الأرض ما لها من قرار

<جثّ> در لغت به معنای قلع و کنده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۵ - ۱۵

۱۵- بیان سرگذشت ستم پیشگان

کیفر شده و نیز داستان های مثال زدنی و درس آموز ، در قلمرو موضوعات قرآن

و سکنتم فی مسکن الذین . .. و تبیّن لکم کیف فعلنا بهم و ضربنا لکم الأمثال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۵ - ۱

۱- مخلوق در مقایسه با خدا ، همانند برده ای مملوک که فاقد کمترین اراده و اختیار است .

ضرب الله مثلاً عبدًا مملوکًا لایقدر علی شیء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۶ - ۱،۲

۱- خلق در مقایسه با خدا ، به مثابه لالهایی ناتوان و نیازمند سرپرستند .

و ضرب الله مثلاً رجلین أحدهما أبکم لایقدر علی شیء و هو کَلّ علی موله

۲- استفاده خداوند از مَثَل و مانند ، برای تقریب مفاهیم وحی به ذهن توده مردم

و ضرب الله مثلاً رجلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۲ - ۲

۲- سمبل اشراف ، در بیان الهی ، مردی مرفّه و برخوردار از دو تاکستان و نخل هایی در اطراف و کشت زاری در میان ، اما گرفتار غرور است .

جعلنا لأحدهما جنّتین من أعنب و حففنهما بنخل و جعلنا بینهما زرعًا

<غرور> از آیات بعد استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۵ - ۶،۹

۶- زنـدگانی دنیا ، مانند بارانی است که موجب رویش انبوه گیاهان زمین شده ، ولی به زودی خُرد و خاشاک گشـته و با هر نسیم ، پراکنده می گردد .

واضرب لهم مثل الحیوه الدنیا کماء أنزلنه

من السماء . .. هشیمًا تذوره الریح

<هشیم> یعنی، گیاه خشکی که خرد شده است و <ذروه> مصدر <تذروه> یعنی، پراکنده و متفرق ساختن، همراه با برانگیختن. <تذروه> یعنی، بادها، آن را پراکنده و متفرق می سازند. جمله <فاختلط به نبات الأرض> در صورتی که <باء> برای استعانت باشد یعنی، به سبب باران، گیاهان، درهم فرو رفته و انبوهی از ریشه ها و ساقه ها و شاخه های تودر تو را تشکیل می دهند.

۹- حیات دنیا و مادیات زندگی ، مانند خاشاکی در مسیر باد است .

مثل الحیوه الدنیا . .. فأصبح هشیمًا تذروه الریح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۴ - ۳

۳- سرگذشت رفاه مند مغرور ، عصیان ابلیس و بی پاسخ ماندن استمداد مشرکان از معبودان خویش در قیامت ، نمونه هایی از مثال های هدایت گر قرآن است .

واضرب لهم مثلًا رجلین . .. و لقد صرّفنا فی هذا القرءان للناس من کلّ مثل

این آیه، به منزله نگاهی است کلّی به آیات گذشته از سی ودوم با پنجاه و سوم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۰ - ۱۱

۱۱- داستان موسی و خضر (ع) ، نمونه ای از مثال های متنوع قرآنی ، در جهت هدایت مردم است .

و لقد صرّفنا فی هذا القرءان للناس من کلّ مثل . .. و إذ قال موسی لفتیه لاأبرح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۳ - ۱

۱- تبیین بی اساس بودن اندیشه شرک و بت پرستی

در اسلوبی زیبا ، مختصر ، بدیع و روشن همچون مَثَل ، از سوی خداوند

یأیّها الناس ضرب مثل

خطاب در <یا أیّها الناس> متوجه مشرکان است. <إستماع> (مصدر <استمعوا>) به معنای گوش فرا دادن و <دعا> (مصدر <یدعون>) به معنای ندا کردن و فریاد استغاثه برداشتن است. گفتنی است: <مَثَل> جمله ای است مختصر و مشتمل بر تشبیه یا مضمون حکیمانه که بسبب روانی لفظ، روشنی معنا و لطف ترکیب، شهرت عام یافته و همگان آن را بدون تغییر در محاوره به کار برند. در آیه یاد شده، سستی بنیان شرک و بت پرستی، با اسلوبی چنان زیبا، مختصر، بدیع و روشن بیان شده که سزاوار است همچون مَثَلی، شهرت عام یافته و دهان به دهان گردد. و بدین جهت خدا از آن به مَثَل تعبیر کرده است. بدان جهت است که خدا از آن به مثل تعبیر کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۴ - ۸

۸ - خداوند ، بیانگر مثال ها و نمونه هایی از امت های منقرض شده پیشین برای تقواپیشگان

و مثلاً من الذین خلوا من قبلکم و موعظه للمتّقین

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که لام در <للمتّقین> بیانگر غایت و نتیجه برای <و مثلاً من الذین خلوا من قبلکم> نیز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۵ - ۷

۷ - مثل نور خداوند ، همانند چراغدانی است دربرگیرنده چراغی در میان آبگینه بلورین و چونان ستاره درخشان ; چراغی که از روغن زیتون با برکت و آماده اشتعال فروزان می

شود .

مثل نوره كمشكوه فيها مصباح المصباح فى زجاجه الزجاجه كأنّها كوكب درىّ يوقد من شجر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۶ - ۱،۴

۱ - مثل نور خدا ، همانند چراغ دانى است دربرگيرنده چراغى پر فروغ و نورافشان كه در خانه هايى است كه به اذن خداوند ، رتبه رفيع يافته اند و هماره مركز ياد خدا هستند .

مثل نوره كمشكوه فيها مصباح المصباح فى زجاجه . .. فى بيوت أذن اللّه أن ترفع و يذك

برداشت ياد شده، مبتنى بر اين نكته است كه <فى بيوت> متعلق به <مشكوه> و صفت براى آن باشد.

۴ - مثل نور خداوند ، همانند چراغى است پرفروغ و درخشان در چراغ دانى كه در خانه ها و معابدى مرتفع واقع است كه همواره نام خداوند در آنها زنده مى باشد .

مثل نوره كمشكوه فيها مصباح . .. فى بيوت أذن اللّه أن ترفع و يذكر فيها اسمه

برداشت فوق بر دو چيز استوار است: ۱ مراد از <ترفع> رفعت مادى باشد; چنان كه خداوند درباره حضرت ابراهيم (ع) فرمود: <و إذا يرفع إبراهيم القواعد من البيت; و آن گاه ابراهيم پايه هاى خانه (خانه خدا) را بالا برد> بقره، آيه ۱۲۷. ۲- جمله <فى بيوت> ادامه تمثيل خداوند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۹ - ۱

۱ خداوند ، پيش از هلاكت تكذيب كنندگان موسى (ع) و اقوام نوح ، عاد ، ثمود و اصحاب رسّ براى اتمام حجت و عبرت آموزى آنان ، مثل هاى روشنگرانه اى

زده بود .

فقلنا اذهبا إلى القوم الذين كذّبوا بأيتنا . .. و قوم نوح ... و عادًا و ثمودا و

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۸ - ۱،۵

۱ - قرآن ، حاوى مثل هاى گوناگون براى مردم است .

و لقد ضربنا للناس فى هذا القرءان من كلّ مثل

<ضرب> در آيه، به معناى <بيان> است و <مثل>، مى تواند به همان معناى مشهور و يا صفت و يا دليل باشد.

۵ - اظهارات مجرمان ، در قيامت درباره كم بودن مدّت حضورشان در برزخ و پاسخ صاحبان علم و ايمان به آنان ، بيانى تمثيلى از رخداد هاى قيامت است .

يوم تقوم الساعه يقسم المجرمون . .. و قال الذين أوتوا العلم و الإيمن ... و لقد ض

ذكر اين آيه، پس از بيان حادثه اى از حوادث قيامت كه مربوط به مجرمان و برخورد صاحبان علم و ايمان با آنان بود مى تواند اشاره به اين حقيقت داشته باشد كه چنين گفت و گوهايى، نمونه و بيان تمثيلى از آن حوادث است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۹ - ۱،۲،۳

۱ - مثل زدن خداوند به فردى كه تحت بردگى چند مالك ناسازگار و سخت گير باشد و فردى كه تنها مملوك يك مالك باشد و تنها از او دستور گيرد .

ضرب اللّه مثلاً رجلاً فيه شركاء متشكسون و رجلاً سلمًا لرجل

<متشاكسون> به معناى <مختلفون عسرون> (اختلاف كنندگان سخت گير) است (قاموس المحيط). و <سلم> (مصدر <سلم له>) نيز به معناى خالص شدن است و از آن جايى

که صفت قرار گرفته بر مبالغه دلالت می کند.

۲ – مشرکان ، چونان بردگانی اند که چند مالک ناسازگار و سخت گیر بر سر آنان به نزاع برخاسته و به آنها فرمان های متعدد می دهند .

ضرب اللّه مثلاً رجلاً فیه شرکاء متشکسون

مفسران بر این عقیده اند که آیه شریفه چون در ردیف آیات مربوط به شرک پیشگان و یکتاپرستان قرار دارد، درصدد تشریح وضعیت آنان می باشد.

۳ – مؤمنان و موحدان ، همچون بردگانی اند که تنها یک مالک داشته و فقط از او فرمان می برند .

ضرب اللّه مثلاً .. و رجلاً سلمًا لرجل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۲۳ – ۷

۷ – حقانیت وعده های الهی مانند قدرت آدمیان بر نطق ، روشن و انکارناپذیر است .

و ما توعدون . .. إنّه لحقّ مثل ما أنّکم تنطقون

بنابراین که ضمیر <إنّه> به <ما توعدون> بازگردد، تمثیل آیه شریفه در جهت بیان این معنا است که تحقق وعده های الهی، همان قدر روشن است که سخن گفتن آدمیان و قدرت ایشان بر نطق واضح می باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – جمعه – ۶۲ – ۵ – ۳

۳ – مَثَل عالمان بی عمل یهود در پیشگاه خداوند ، مَثَل الاغی است که بار کتاب حمل می کند ; ولی از آن بهره ای ندارد .

مثل الذین حمّلوا التوریه . .. کمثل الحمار یحمل أسفارًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قلم – ۶۸ – ۴۸ – ۳

۳ – هشدار خداوند به پیامبر (ص) ،

مبنی بر شتاب نکردن در غضب و نفرین بر مردم و جدا شدن از آنان ، مانند شتاب کردن یونس (ع) در این باره

و لاتکن کصاحب الحوت إذ نادی و هو مکظوم

مفسران بر آنند که این آیه، به داستانی از یونس(ع) اشاره دارد که در سوره <انبیا> (آیه ۸۷) بیان شده است: <و ذاالنون إذ ذهب مغاضباً فظنّ أن لن نقدر علیه فنادی فی الظلمات. ..>.

مجادله با قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۵ - ۱۹

۱۹- < عن أبی عبدالله (ع) قال : و الله نحن السبیل الذی أمرکم الله باتّباعه ، قوله < و جادلهم بالتی هی أحسن > یعنی بالقرآن ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: به خدا سوگند! آن راهی که خدا شما را به پیروی از آن امر فرموده ما هستیم و مقصود از سخن خدا <و جادلهم بالتی هی أحسن> قرآن است>.

مجادله در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۴ - ۹

۹- جدل و اشکال تراشی ، در برابر آیات روشن قرآنی ، کاری است نکوهیده .

و لقد صرّفنا فی هذا القرءان . .. و کان الإنسن أکثر شیء جدلاً

موارد استعمال کلمه <جدل> گواه تمسک فراوان اهل جدل به باطل است تا به هر نحو ممکن، با حق، مقابله کنند. بنابراین، ممکن است که آیه، به نوعِ مذمومِ جدل، نظر داشته باشد; یعنی، شیوه برخورد کافران با آیات قرآن را محکوم می کند.

مجادله قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰

- اسراء - ۱۷ - ۴۰ - ۸

۸- مجادله قرآن با مشرکان ، با بهره گیری از باور های ایشان در رد عقاید شرک آلودشان

أفأصفکم ربّکم بالبنین و اتّخذ من الملئکه إنثًا

مجید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱ - ۵

۵ < قرآن مجید > ، عنوانی انتخاب شده از سوی خداوند

ق و القرءان المجید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱ - ۱

۱ < الم > در سوره آل عمران ، یعنی منم خداوند مجید .

الم

امام صادق(ع): <الم> فی اول آل عمران، فمعناه انا اللّه المجید.

معانی الاخبار، ص ۲۲، ح ۱ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۲۶۹، ح ۱ ; نور الثقلین، ج ۱، ص ۳۰۹، ح ۲ .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۳ - ۹

۹ خداوند ، حمید (پسندیده کار) و مجید (والا مقام) است .

إنه حمید مجید

<حمید> به معنای محمود (ستایش شونده) است و برخی گفته اند به معنای حامد (ستایش کننده) نیز می تواند باشد. مجید

از مجد به معنای عظمت و بزرگی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۵ - ۶

۶ - < ذوالعرش > و < مجید > ، از نام های خداوند است .

ذو العرش المجید

محافظت از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹ - ۵،۶،۷

۵- قرآن ، تحت حفاظتِ همیشگی خداوند و مصون از

هرگونه تحریف و زوال

إنا نحن نزّلنا الذّکر و إنا له لحفظون

۶- خداونـد ، در برابر مخالفت ها و توطئه های کافران علیه قرآن ، به پیامبر (ص) اطمینان داد که خود حفاظت و پاسداری از آن را عهده دار است .

و قالوا یأیها الذی نزّل علیه الذّکر . .. لو ما تأتینا بالملئکه ... إنا نحن نزّلن

۷- خداونـد ، در برابر توطئه های کافران علیه قرآن ، قدرت خویش را در پاسداری از آن به نمایش گذاشت و عظمت خویش را به رخ آنان کشید .

إنا نحن نزّلنا الذّکر و إنا له لحفظون

از اینکه خداوند، برای بیان نزول قرآن از سوی خود، چند ضـمیر جمع و اسم فاعل جمع می آورد، می تواند به منظور نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۰ - ۶

۶ قرآن ، کتابی است با عظمت و مؤمنان وظیفه دار حراست از حرمت و منزلت آن

و قال الرسول یربّ إنّ قومی اتّخذوا هذا القرءان مهجورًا

برداشت فوق، از اسم اشاره <هذا> در <هذا القرآن> که بر تعظیم و تفخیم دلالت دارد استفاده شده است.

محدوده تعالیم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۸ - ۱۴

۱۴ عن الرضـا(ع): . .. إن اللّه عز و جل ... أنزل علیه القرآن فیه تبیان کل شـیء بیّن فیه الحلال و الحرام و الحـدود و الأحکام و جمیع مایحتاج إلیه الناس کملا فقال عز و جل: <ما فرطنا فی الکتاب من شیء> ... .

از امام رضا(ع) روایت شده است: .

.. خداوند عز و جل ... قرآن را بر رسولش(ص) نازل کرد، در قرآن روشنگری برای هر چیزی وجود دارد، در آن حلال و حرام، حدود و احکام و تمامی آنچه را که مورد نیاز مردم است بطور کامل بیان فرمود و خداوند عز و جل فرمود: <ما در این کتاب، هیچ چیز را فرو گذار نکردیم> ... .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳ - ۵

۵ قرآن، برنامه کامل حیات مادی و معنوی انسان است.

اتبعوا ما أنزل إلیکم من ربکم و لاتتبعوا من دونه أولیاء

لازمه وجوب پیروی از خداوند با اجرای قرآن و ضرورت پرهیز از پیروی از غیر آن این است که آنچه را انسانها در حیات مادی و معنوی خویش بدان نیاز واقعی دارند، به صورت اجمال و یا تفصیل در قرآن بیان شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۷ - ۵

۵ - بیان اخبار و اطلاعات بزرگ و پرفایده ، بخشی از قلمرو موضوعات قرآن

قل هو نبؤا عظیم

محرومان از رحمت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۲ - ۱۱،۱۰

۱۰- ظالمان نه تنها از رحمت و شفای قرآن بهره ای نمی گیرند ; بلکه تنها ، مایه خسران و زیان آنان می شود .

و لایزید الظلمین إلّا خسارًا

۱۱- کافران حق ناپذیر ، ظالمند و از موهبت رحمت و شفابخشی قرآن ، تنها خسارت و زیان به ارمغان می برند .

شفاء و رحمه للمؤمنین و لایزید الظلمین إلّا خسارًا

برداشت فوق، مبتنی بر این

نکته است که مراد از <ظالمین> به قرینه مقابله با <مؤمنین> کافران باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۰ - ۷

۷ - سست باوران در حقانیت وحی و معارف دینی ، محروم از هدایت و رحمت قرآن

و هدًی و رحمه لقوم یوقنون

در صورتی که <قوم یوقنون> نظر به کسانی داشته باشد که دارای یقین بالفعل هستند; از مفهوم آیه شریفه مطلب یاد شده استفاده می شود.

محرومان از فهم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۷ - ۱۰

۱۰ محرومیت منافقان از درک و فهم صحیح ، عامل اعراض آنان از قرآن

و إذا ما أنزلت سوره . .. ثم انصرفوا ... بأنهم قوم لا یفقهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۵ - ۵

۵- کافران به آخرت ، از درک پیام های وحی محرومند .

و إذا قرأت القرءان جعلنا بینک و بین الذین لایؤمنون بالأخره حجابًا مستورًا

احتمال دارد مراد از جعل حجاب بین پیامبر(ص) و کافران، این باشد که آنان در نتیجه ایمان نیاوردن به آخرت از درک و فهم آیات قرآن محروم شدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۶ - ۱

۱- کسانی که از موضع حق ناپذیری ، به آخرت ایمان نمی آورند ، خداوند بر قلبهایشان پوششی قرار می دهد که قادر به فهم

قرآن نباشند .

الذین لایؤمنون بالأخره . .. و جعلنا علی قلوبهم أکنّه أن یفقهوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۰ - ۳

۳ - قلب مجرمان ، محروم از درک حقایق قرآن

کذلک سلکنه فی قلوب المجرمین

محرومان از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۸ - ۴

۴ - کج اندیشانِ از حق بازداشته شده ، از هیچ مثل و بیان روشنِ قرآن ، بهره ای نمی برند .

کذلک کانوا یؤفکون . .. و لقد ضربنا للناس فی هذا القرءان من کلّ مثل

محرومان از هدایتهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۱ - ۱۱

۱۱ - حق ناپذیری کافران ، تنها مایه محرومیت آنان از رهنمود های بیدار کننده قرآن

بل أتینهم بذکرهم . .. معرضون

محرومیت از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۱۵

۱۵ لعنت الهی ، زمینه ساز محرومیت از معارف قرآن و ازدیاد کفر و طغیان

و لعنوا بما قالوا . .. ما أنزل إلیک من ربک طغیناً و کفراً

محرومیت از هدایتهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۳ - ۸

۸- اعراض از خدا در حال رفاه ، و به پوچی و یأس رسیدن در ناگواری ها ، بیماری محرومان از هدایت قرآن است .

و ننزّل . .. شفاء و رحمه للمؤمنین و لایزید الظلمین إلاّ خسارًا . و إذا أنعمنا ع

محرومیت دشنام دهندگان به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۷ - ۵

۵ - ناسزا گویان به قرآن

و پیامبر (ص) محروم از امداد های الهی در برابر عذاب قیامت

لاتجئروا الیوم . .. سمرًا تهجرون

محرومیت مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۲ - ۲،۳،۵،۶

۲ مشرکانی که قرآن را از زبان پیامبر (ص) می شنیدند و به آن ایمان نمی آوردند مانند کسانی هستند که از حس شنوایی محروم و از نیروی عقل و اندیشه بی بهره اند .

و منهم من یستمعون إلیک أفأنت تسمع الصمّ و لو کانوا لا یعقلون

۳ مشرکانی که قرآن را از زبان پیامبر (ص) می شنیدند و به آن ایمان نمی آوردند ، دلهایشان از شنوایی محروم و از فهمیدن حقیقت ، ناتوان بود .

و منهم من یستمعون إلیک أفأنت تسمع الصمّ و لو کانوا لا یعقلون

۵ مردمی که به آیات قرآن گوش فرادهند و به آن ایمان نیاورند ، مانند کسانی هستند که از حس شنوایی محروم و از قوه عاقله بی نصیبند .

و منهم من یستمعون إلیک أفأنت تسمع الصمّ و لو کانوا لا یعقلون

۶ مردمی که به آیات قرآن گوش سپارند و به آن ایمان نیاورند ، دلهایشان از شنوایی محروم و از فهمیدن حق ناتوان است .

و منهم من یستمعون إلیک أفأنت تسمع الصمّ و لو کانوا لا یعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۵ - ۵

۵ - تکذیب کنندگان قیامت و منکران قرآن ، از ملاقات خداوند و دیدار رحمت او در قیامت محروم اند .

إنّهم عن ربّهم یومئذ لمحجوبون

محجوب بودن از خداوند، نمی

تواند به معنای ندیدن با چشم باشد; زیرا این امر به کافران اختصاص ندارد. بنابراین مراد، رانده شدن از درگاه الهی و محرومیت از دیدار جلوه های خداوند (از قبیل رحمت و ثواب الهی و یا نظایر آن) است.

محکمات قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴ - ۱۷

۱۷ فرقان ، آیات محکم (غیر متشابه) و کتاب ، جملگی قرآن است .

و انزل الفرقان

امام صادق (ع): الفرقان هو کل امر محکم و الکتاب هو جمله القرآن . ..

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۹۶ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۲۶۹، ح ۲.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۹ - ۳۳

۳۳ محکمات آیات قرآن و سنّت رسول خدا (ص) ، مرجع اصلی حلّ اختلافات

فان تنازعتم فی شیء فردّوه الی اللّه و الرّسول

علی (ع) در عهدنامه مالک اشتر، در توضیح آیه فوق فرمود: فالردّ الی اللّه الاخذ بمحکم کتابه و الردّ الی الرّسول الاخذ بسنّته الجامعه غیر المفرّقه.

نهج البلاغه، نامه ۵۳ (عهدنامه مالک اشتر) ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۰۶، ح ۳۵۵ ; بحارالانوار، ج ۲، ص ۲۴۴، ح ۴۸ ; نهج البلاغه، خطبه ۱۲۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱ - ۱۲

۱۲ ((عن أبی جعفر (ع) قال : إن حُیی بن أخطب و أخاه أبایاسر بن أخطب و نفراً من الیهود من أهل نجران أتوا رسول الله (ص) فقالوا له : ألیس فیما

از امام باقر(ع)

روایت شده است که حُیی بن اخطب و برادرش ابویاسر و چند تن از یهود نجران نزد رسول خدا(ص) آمدند و گفتند: آیا در میان آنچه می گویی بر تو نازل شده ((الم)) نیست ؟ فرمود: چرا . . . آن گاه حُیی به آن حضرت گفت : آیا غیر از ((الم)) نیز هست ؟ فرمود: آری گفت : بیاور، فرمود: ((الر))، گفت : . . . الف یك ، لام سی و راء دویست . . . ، امام باقر(ع) فرمود: آیات قرآن نازل شده درحالی که بخشی از آنها محکماتند که آنها اساس کتابند و بخشی دیگر متشابهات و این متشابهات راههای تأویلی دارند غیر از آنچه حُیی و ابویاسر و یاران او تأویل کرده اند)).

محل نزول قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۴ - ۱

۱ - قلب پیامبر (ص) ، محل نزول قرآن و پیام وحی

نزل به الروح الأمین . علی قلبك

محمد(ص) در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲ - ۸

۸ رسالت پیامبر (ص) ، از پیام های متقن ، روشن و اساسیِ قرآن

کتب أُحکمت ءایته ثم فصلت . .. إننی لکم منه نذیر و بشیر

جمله <إننی لکم منه . ..> نیز همانند <لاتعبدوا ...> تفسیر <کتاب أُحکمت ...> می باشد; یعنی ، از پیامهای این کتاب ، رسالت و نبوت پیامبر(ص) است.

محمد(ص) و آیات قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۶ -

۶ - پیامبر (ص) ، نگران فراموش کردن آیات قرآن و در تلاش برای حفظ آن

سنقرئک فلاتنسی

اطمینان بخشیدن به پیامبر(ص) که قرآن را فراموش نخواهد کرد نشانگر نگرانی آن حضرت از خطر فراموشی است.

محمد(ص) و تبلیغ قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۴ - ۱

۱ پیامبر (ص) کمترین مزدی برای ابلاغ قرآن و تعالیم وحی درخواست نمی کرد .

و ما تسئلهم علیه من أجر

<سؤال> و مشتقات آن هرگاه بدون حرف <عن> متعدی شوند چنان چه در آیه شریفه این گونه است به معنای مطالبه و درخواست خواهند بود. کلمه <أجر> نکره و پس از نفی واقع شده و لذا دلالت بر عموم دارد و کمترین مزد را نیز شامل می شود. <من> زایده نیز این معنا را تأکید می کند.

محمد(ص) و تلاوت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۰ - ۴

۴ تلاوت قرآن بر مردم ، از وظایف پیامبر (ص) و از هدف های ارسال او به پیامبری

أرسلنک . .. لتتلوا علیهم الذی أوحینا إلیک

<تلاوت> (مصدر تتلوا) به معنای خواندن است و <لتتلوا> متعلق به <أرسلناک> می باشد و بیانگر وظیفه پیامبر و هدف ارسال او به پیامبری است.

محمد(ص) و حقانیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۷ – ۱۱

۱۱ پیامبر (ص) دارای بصیرتی الهی بر حقانیت قرآن و برخوردار از شاهدی ربانی بر الهی بودن آن و آگاه به حقایق تورات

أفمن کان علی بیّنه

من ربه . .. و من قبله کتب موسی

برخی از مفسران برآنند که مصداق بارز و مورد نظر برای <من کان علی بیّنه> پیامبر(ص) است. این گروه جمله <فلاتک ...> را مؤید این نظر شمرده اند.

محمد(ص) و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۵ - ۱۴

۱۴ وقوف و احاطه کامل پیامبر (ص) بر محتوای قرآن

إنّا انزلنا إلیک الکتب بالحق لتحکم بین الناس بما اریک اللّه

ارتباط بین جمله <انا انزلنا الیک>، و جمله <لتحکم بین الناس> اقتضا می کند که مراد از <بما اریک اللّه>، همان محتوای قرآن باشد، نه آنهایی که از صریح و یا ظاهر قرآن به دست می آید، بلکه مطالبی است از بطن قرآن، که جز با تعلیم الهی راهی به آن نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۶ - ۳

۳ قرآن و پیامبر (ص) ، دارای حقیقتی واحد و هدفی یکسان (هدایت بشر)

یهدی به اللّه من اتبع رضونه سبل السلم

ارجاع ضمیر مفرد <به> به قرآن و پیامبر(ص) بیانگر این معناست که آنها دارای یک حقیقت هستند و در هدایتگری یک چیز به شمار می آیند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۷ - ۲۶

۲۶ قرآن در دوران رسالت پیامبر (ص) همواره قرین او بود .

اتبعوا النور الذی أنزل معه

<معه> حـال برای نـائب فاعـل <أنزل> اسـت. بنـابراين <الـذی أنزل معـه> يعنی قرآنی کـه نـازل شـده و همـواره قرين پيامبر(ص) است.

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۶ - ۶

۶ ناآشنایی حضرت محمد (ص) به معارف قرآن پیش از نزول آن بر ایشان

قل لو شاء اللّه ما تلوته علیکم و لا أدریکم به

کلمه <أدری> می تواند افعل تفضیل و به معنای <أعلم> (داناتر) و به تقدیر <و لا أدری منکم به> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۸ - ۱

۱ پیامبر اکرم (ص) از سوی خداوند دستور یافت تا مردم را به الهی و حق بودن قرآن توجه داده و آنان را به پذیرش معارف آن دعوت کند .

قل یأیها الناس قد جاءکم الحق من ربکم فمن اهتدی فإنما یهتدی لنفسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۴ - ۶

۶- پیامبر (ص) ، وظیفه دار تبیین قرآن کریم برای مردم

و أنزلنا إلیک الذکر لتبیّن للناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۴ - ۸

۸- پیامبر (ص) آگاه به حقایق قرآن کریم

و ما أنزلنا علیک الکتب إلاّ لتبیّن لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۴ - ۱۵

۱۵ - پیامبر (ص) ، قبل از نزول تدریجی آیات قرآن ، به آن آگاه بود . *

و لاتعجل بالقرءان من قبل أن یقضی إلیک وحیه

یکی از احتمالات ذکر شـده در آیه، این است که هرگاه جبرئیل آیه جدیدی را بر پیامبر(ص) می خواند، آن حضـرت به دلیل آشنایی قبلی با

تمـام قرآن كـه در شـب قـدر آن را دريـافت كرده بـود دنبـاله آيـه را پيشـاپيش تلاـوت مى كرد و در اين آيه، آن حضـرت به سكوت كامل تا پايان وحى هر آيه امر شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۴ - ۱۰

۱۰ - پيامبر (ص) ، موظف به بيان فوايد و آثار قرآن ، در پاسخ به بهانه جويى هاى كافران

و لو جعلنه . .. ءاْعجمىّ و عربىّ قل هو للذين ءامنوا هدًى و شفاء

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - شورى - ۴۲ - ۵۲ - ۷

۷ - پيامبراكرم (ص) ، پيش از نزول وحى با كتاب هاى آسمانى و مفاهيم قرآن هيچ آشنا نبود .

ما كنت تدرى ما الكتب و لا الإيمن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۴ - ۶

۶ - مسؤوليت پيامبر (ص) و امت آن حضرت در برابر نعمت نزول قرآن *

و سوف تسئلون

برداشت بالا بدين احتمال است كه مراد از <قوم> امت پيامبر(ص) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱۱ - ۱

۱ - شخصيت پيامبر (ص) ، تبلور فرهنگ قرآن و نمايانگر وجود عينى آن است .

قد أنزل اللّه إليكم ذكرًا . رسولاً

برداشت يـاد شـده، بـا تـوجه به اين نكته است كه <رسولاًـ> مى توانـد بـدل براى <ذكراً> باشـد. بر اين اسـاس، نزول قرآن مساوى با فرستادن پيامبر(ص) تلقى شده است و اين همان حقيقت ياد شده در

برداشت بالا است.

محمد(ص) و منکران قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۳ - ۲

۲ وجود پیامبر (ص) در میان منکران قرآن ، علت مصونیت آنان از عذاب های الهی ، نه حقانیت آنان در انکار قرآن

إن کان هذا هو الحق من عندک فأمطر . .. و ما کان اللّه لیعذبهم و أنت فیهم

جمله <و ما کان . .. > پاسخی است به عذاب خواهی منکران قرآن. یعنی وجود پیامبر(ص) در میان جامعه مانع عذاب استیصال است. بنابراین کسی مپندارد که عذاب نشدن منکران قرآن هر چند به تقاضای خود آنان باشد، دلیل حقانیت آنان است.

مخاطبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۰ - ۳

۳ - بنی اسرائیل از مخاطبان قرآن و موظف به پیروی از آن

یبنی إسرائیل اذکروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۷ - ۵

۵ - بنی اسرائیل از مخاطبان قرآن و موظف به پیروی از آن

یبنی إسرائیل اذکروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۲ - ۵

۵ - بنی اسرائیل ، از مخاطبان قرآن و موظف به پیروی از آن

یبنی إسرءیل اذکروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۸ - ۲

۲ - همه انسان ها مخاطب قرآن بوده و به رعایت احکام آن دعوت شده اند .

یأیها الناس کلوا مما فی الأرض حللا طیباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره

- ۲ - ۱۸۵ - ۷

۷ - همه انسان ها مخاطبان قرآن هستند .

هدًى للناس

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۷ - ۳۳

۳۳ - همه انسان ها مخاطبان قرآن هستند .

يبين اللّه ءايته للناس

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - اعراف - ۷ - ۳ - ۲

۲ قرآن كتابى است نازل شده براى انسانها

اتبعوا ما أنزل إليكم من ربكم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۰ - ۳

۳- اهل كتاب نيز چون مسلمانان ، مخاطب قرآن هستند .

و لقد ءاتينك . .. و القرءان العظيم ... كما أنزلنا على المقتسمين

برداشت فوق بر اين احتمال است كه مفعول <أنزلنا> ضميرى باشد كه به قرآن باز مى گردد و مراد از <المقتسمين> طبق مفاد برخى شأن نزولها، يهود و نصارا باشد (روح المعانى).

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۴ - ۷

۷- همه مردم ، مخاطبان قرآنند و پيام آن جهانى است .

و أنزلنا إليک الذکر لتبيّن للناس ما نزّل إليهم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۴ - ۱۰

۱۰- < قال الرضا (ع) : ممّا نزل بإياک أعنى و اسمعى يا جاره خاطب الله عزّوجلّ بذلک نبيه و أراد به أُمّته قوله : . . . < و لولا أن ثبتناک لقد کدتّ ترکن إليهم شيئاً قليلاً > . . . ;

امام رضا(ع) فرمود: از جمله آياتى که بر سبک و روش [مثال معروف عرب]<إيّاک أعنى

و اسمعی یا جاره> نازل گردید و آن هم بدین معنا که خداوند عزّوجلّ به پیامبر(ص) خطاب می کند ولی مقصود و مراد امت اوست; این آیه شریفه است: <و لولا أن ثبّتناك لقد كدتّ تركن إليهم شيئاًقليلاً>. ..>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۹ - ۵

۵- مخاطبان قرآن همه توده های بشری هستند و نه گروهی خاص

و لقد صرّفنا للناس فی هذا القرءان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۵ - ۲۱

۲۱ - همه انسان ها ، مخاطب پیام قرآن و دین اند .

یضرب اللّه الأمثل للناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۸ - ۷

۷ - همه مردم ، مخاطب قرآن کریم اند .

و لقد ضربنا للناس فی هذا القرءان من کلّ مثل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۳ - ۴

۴ - قرآن ، کتابی جهانی ، و پیام آن برای همه مردم است .

یأیّها الناس اتّقوا ربّکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۵ - ۱

۱ – همه مردم از هر قشری ، مخاطبان قرآن اند .

یأیّها الناس اذکروا نعمت اللّه . .. یأیّها الناس

برداشت یاد شده از معنای لغوی <ناس> (مردم) و نیز تکرار آن در قسمت آغازین سوره، به دست می آید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۲۹ – ۱۲

۱۲ – عاقلان و صاحبان خرد ناب ،

مخاطبان اصلی قرآن

کتب . .. لیتذکّر أُولوا الألبب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱۰ - ۷

۷ - خردورزان و اندیشمندان ، مخاطبان اصلی دین و قرآن اند .

فاتّقوا اللّه یأُولی الألبب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۸ - ۱

۱ - مخاطبان قرآن ، عموم مردم و بهره مندان از آن ، گروهی خاص اند .

لمن شاء منکم أن یستقیم

بدل آوردن <لمن شاء منکم> برای <للعالمین>، به منظور بیان این نکته است که قرآن برای همه مردم است; ولی تنها گروهی خاص از آن بهره می برند و سایر مردم خود را از هدایت آن محروم می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۵ - ۴

۴ - قرآن در رهنمود های خود ، خردمندان را مخاطب قرار داده است .

لذی حجر

<حجر> به معنای <منع> است (قاموس). از آن جهت به عقل <حجر> گفته می شود که انسان را از خواسته های نفس باز می دارد. (مفردات راغب)

مخالفان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۵ - ۹

۹ تبـدیل و برگردانـدن محتوای قرآن به موضوعـاتی بـاب طبع بـا حفـظ نظـام و ساختار ظاهری آن یکی دیگر از پیشـنهاد های مشرکان به پیامبر (ص) در راستای مخالفت با قرآن

و إذا تتلی علیهم ءایاتنا بینت قال الذین لا یرجون لقاءنا . .. أو بدّله

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ –

۱۰ - ۳۶

۱۰ حقایق توحیدی قرآن و دعوت آن به یکتاپرستی و نفی شرک ، عامل مخالفت برخی از یهود و نصارا با آن

و من الأحزاب من ینکر بعضه قل إنما أُمرت أن أعبد الله

طرح مسأله توحید و یکتاپرستی پس از <من ینکر بعضه> گویای این است که از دلایل انکار قرآن از ناحیه برخی احزاب ، اصرار قرآن بر توحید و نفی شرک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲ - ۱

۱ - رو به رو شدن قرآن و پیامبراسلام ، با مخالفت کافران سرکش ، متکبر ، ستیزه جو و حق ناپذیر

و القرءان ذی الذکر . بل الذین کفروا فی عزّه و شقاق

<عزت> در اصل به معنای رفعت و سرافرازی است; ولی هرگاه احساس عزت برخاسته از عوامل ناصواب (مانند غرور و خودپسندی) باشد، این واژه در معنای غرور و تکبّر به کار می رود. در آیه شریفه نیز در همین معنا به کار رفته است. <شقاق> به معنای مخالفت است و مقصود از آن در این آیه، مخالفت با پیامبراسلام و قرآن است. گفتنی است تنکیر <عزت> و <شقاق> دلالت بر شدت آن دو دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۱ - ۷

۷ - مخالفت مستمر کافران مکه ، نسبت به آیات قرآن

إنّ الذین کفروا بالذّکر لمّا جاءهم

برداشت یاد شده با توجه به معنای <لمّا> است که در مورد استمرار زمان به کار می رود.

مخالفت با قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۲ -

۱۱ مخالفت با قرآن و اسلام ، کفر است .

یریدون أن یطفئوا نور اللّه . .. و یأبی اللّه إلا أن یتم نوره و لو کره الکفرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مدثر – ۷۴ – ۵۲ – ۴

۴ – غرور و خودخواهی کافران ، عامل مخالفت آنان با قرآن و پیامبر (ص)

بل یرید کلّ امریء منهم أن یوتی صحفًا منشّره

مخالفت مشرکان با قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۱۵ – ۱۱،۱۰،۷

۷ مشرکان ، در راستای مخالفت با قرآن ، به پیامبر (ص) پیشنهاد می کردند : برای آنان به جای قرآن ، کتاب دیگری را که موافق خواسته ها و تمایلاتشان باشد بخواند .

و إذا تتلی علیهم ءایاتنا . .. قال الذین لا یرجون لقاءنا ائت بقرءان غیر هذا

۱۰ طرح مسأله قیامت در قرآن و مطرح شدن موضوع دیدار انسان ها با خدا در آن روز ، از عمده ترین علل و اسباب مخالفت مشرکان با قرآن و پیامبر (ص)

قال الذین لا یرجون لقاءنا ائت بقرءان غیر هذا أو بدّله

۱۱ مخالفت مشرکان با رسالت پیامبر (ص) و قرآن کریم ، برخاسته از روح لجاجت و گردنکشی آنان

و إذا تتلی علیهم ءایاتنا بینت قال الذین لا یرجون لقاءنا ائت بقرءان غیر هذا أو بد

با توجه به اینکه آیات الهی، آشکار و واضح بود و در عین حال مشرکان از پذیرش آن امتناع ورزیدند، برداشت فوق استفاده می گردد.

مراتب استفاده از قرآن

سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۲ - ۱۳

۱۳- بهره مندی افراد از قرآن ، متفاوت و دارای مراتب است .

قل نزّله روح القدس من ربّک بالحقّ لیثبّت الذین ءامنوا و هدًی و بشری للمسلمین

از اینکه قرآن هدف خود را ایجاد ثبات قدم برای مؤمنان و رهنمود و بشارت برای مسلمانان می داند و این دو گروه باهم متفاوتند، استفاده می شود که بهره مندی از قرآن برای افراد مختلف یکسان نیست.

مراتب عبرت از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴۸ - ۵

۵ - بیداری در پرتو تعالیم قرآن و پندآموزی از آن ، دارای مراتب و مراحل است .

و إنّه لتذکره للمتّقین

تردیدی نیست که تقواپیشگان، از رهنمودهای قرآن بهره مندانند; چون بدون این بهره مندی <تقوا> حاصل نخواهد شد. بنابراین مراد از <لتذکره للمتقین>، تذکره ای است والاتر از آنچه که تقواپیشگان حایز آن هستند.

مراد از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۵ - ۳۵

۳۵ - راوی می گوید : < سألت أبا عبدالله (ع) عن القرآن و الفرقان . . . فقال : القرآن جمله الکتاب و الفرقان المحکم الواجب العمل به ;

از امام صادق(ع) از معنای قرآن و فرقان پرسیدم، فرمود: <قرآن> همه کتاب است و فرقان،]آیات [محکمی است که عمل به آن واجب می باشد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۱ – ۱۴

۱۴ < عن ابن سنان أو غيره عمّن ذكره قال : سألت

أباعبـدالله (ع) عن القرآن و الفرقان أهما شيئان أو شـيء واحد ؟ فقال (ع) : القرآن جمله الكتاب و الفرقان المحكم الواجب العمل به ;

راوی گویـد: از امـام صـادق(ع) پرسـیدم: قرآن و فرقـان دو چیزنـد یا یک چیز؟ فرمود: قرآن تمامی کتاب است و فرقان آیات محکمی است که عمل به آن واجب است>.

مراد از کفر به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۲۶

۲۶ < عن أمیرالمؤمنین (ع) فی قوله تعالی : < و من یکفر به من الأحزاب فالنار موعده > یعنی الجحود به والعصیان له ;

از امیرالمؤمنین(ع) روایت شده است که مقصود از کفر در آیه شریفه ، انکار و نافرمانی است>.

مردم صدر اسلام و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۶ - ۵

۵ قرآن پدیده بدیعی است که مردم عصر پیامبر (ص) نسبت به آن کاملاً بیگانه بوده اند .

و لا أدریکم به

برداشت فوق، لازمه جمله <لو شاء الله . .. و لا أدراکم به> (اگر خدا خواسته بود شما را به آن آشنا نمی کرد) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳ - ۱۴

۱۴- تأثیر شگرف و فوق العاده قرآن ، در مردم روزگار پیامبر (ص)

أفتأتون السحر

از این که اتهام سحر را به قرآن روا می داشتند، برمی آید که قرآن تأثیری فوق العاده داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱

۵ - ۴ -

۵ - بیشتر مردم عصر بعثت ، از آیات قرآن ، علی رغم وضوح و روشنی مفاهیم آن روی گردان بودند .

کتب فصّلت . .. فأعرض أکثرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵ - ۴

۴ - بیشتر مردم عصر بعثت ، مصمم به تأثیرناپذیری از کلام وحی و پیام قرآن

فأعرض أکثرهم . .. و قالوا ... فاعمل إنّنا عملون

تعبیرهای سه گانه در آیه (<أکنّه>، <وقر> و <حجاب>) تأکید و تصمیم آنان را به نفوذناپذیری در برابر قرآن می رساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳ - ۲

۲ - نزول قرآن به زبان عربی ، زمینه سهولت فهم آن برای مردم عصر پیامبر (ص) و جامعه های عرب زبان

إنّا جعلنه قرءانًا عربيًّا لعلّكم تعقلون

<عربیّاً> اگر به معنای زبان عربی باشد، خطاب در <لعلّکم تعقلون> خاص بوده و تنها شامل مردم عرب زبان می شود; یعنی، ما قرآن را به زبان عربی قرار دادیم به آن امید که شما مردم عرب در آن بیندیشید. و اگر <عربیّاً> به معنای فصیح و شیوا باشد، خطاب در <لعلّکم تعقلون> عام بوده و فراگیرنده همه انسان ها می شود; یعنی، ما قرآن را شیوا و گیرا قرار دادیم، بدان امید که شما انسان ها بدان جذب شده و در آن تعقل و اندیشه نمایید. برداشت یاد شده بر پایه احتمال اول است.

مردم و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۰ - ۳،۴،۵

۳ هرگز همه مردم روی

زمین ، قرآن را انکار و تکذیب نخواهند کرد .

و منهم من یؤمن به و منهم من لا یؤمن به

برداشت فوق مبتنی بر این است که مراد از ضـمیر <منهم> عموم مردم باشد ; که در این صورت، آیه در مقام بیان حال آنان به هنگام روبرو شدنشان با قرآن است.

۴ هرگز تمامی مردم روی زمین ، به قرآن ایمان نخواهند آورد .

و منهم من یؤمن به و منهم من لا یؤمن به

۵ مردم روزی زمین همواره نسبت به قرآن دو دسته هستند : مؤمن و کافر .

و منهم من یؤمن به و منهم من لا یؤمن به

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۷ – ۲۱،۲۲

۲۱ بیشتر مردم به قرآن ایمان نمی آورند .

و لکنّ أکثر الناس لایؤمنون

برداشت فوق ، مبنی بر این است که <ال> در <الناس> برای استغراق باشد.

۲۲ بیشتر مردم از بصیرتی که آنان را به حقانیت قرآن رهنمون شود ، محرومند .

أفمن کان علی بیّنه من ربه . .. و لکنّ أکثر الناس لایؤمنون

مرفهان صدر اسلام و قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۲۱ – ۹

۹ رویـارویی قشـر هـای مرفه و اشـراف عصـر بعثت بـا پیامبر (ص) و توطئه و نیرنگ آنان در برابر معجزه آن حضـرت (قرآن کریم)

و إذا أذقنا الناس رحمه من بعد ضراء مسّتهم إذا لهم مکر فی ءایاتنا

مزد تبلیغ قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۴ - ۳،۶،۷

۳ مبلغان دینی باید

از دریافت مزد برای ابلاغ دین و تعالیم قرآن پرهیز کنند .

و ما تسئلهم علیه من أجر

۶ تبلیغ قرآن نباید وسیله درآمد های مادی قرار گیرد .

و ما تسئلهم علیه من أجر إن هو إلّا ذکر للعلمین

حصر در جمله <إن هو . ..> حصر اضافی و نسبی است که به قرینه جمله <و ما تسئلهم ...> می توان گفت: مقصود این است که قرآن را خداوند بر پیامبر(ص) نازل کرد تا حقایق آن را به مردم بیاموزد و ابلاغ کند نه اینکه آن را وسیله کسب معاش قرار دهد و پیامبر(ص) نیز همین گونه عمل کرد (ما تسئلهم ...).

۷ اختصاص نداشتن قرآن به مردم عصر بعثت ، از دلایل شایسته نبودن درخواست مزد از ایشان در قبال ابلاغ آن

و ما تسئلهم علیه من أجر إن هو إلّا ذکر للعلمین

برداشت فوق ، مقتضای ارتباط میان <دریافت نکردن مزد رسالت> و <جهانی بودن قرآن> است ; یعنی ، چون قرآن برای همه مردم و برای همه عصرهاست ، شایسته نیست مزد آن از گروه و طایفه ای خاص گرفته شود.

مسلمان در قرآن مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۸ - ۱۶

۱۶ - < مسلمان > ، نام امت پیامبر در کتاب های آسمانی پیشین و قرآن

هو سمّیکم المسلمین من قبل و فی هذا

مسلمانان صدر اسلام و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۰ - ۳

۳ قرآن کریم ، آن چنان که شایسته آن بود در میان مسلمانان صدراسلام (نیمه اول بعثت) ، مورد بهره

برداری قرار نگرفت و حق آن ادا نشد .

و قال الرسول یربّ إنّ قومی اتّخذوا هذا القرءان مهجورًا

مسلمانان و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۲ - ۳

۳ - مسلمانان در حفظ و عمل کردن به قرآن ، به سه دسته ستمکار (ضایع کننده عمر) ، میانه رو و پیشتاز تقسیم می شوند .

فمنهم ظالم لنفسه و منهم مقتصد و منهم سابق بالخیرت

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که ضمیر جمع <منهم> به <الذین اصطفینا> بازگردد و این تقسیم بندی مربوط به مسلمانان باشد; نه <عبادنا> و عموم بندگان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۴ - ۶

۶ - مسؤولیت پیامبر (ص) و امت آن حضرت در برابر نعمت نزول قرآن *

و سوف تسئلون

برداشت بالا بدین احتمال است که مراد از <قوم> امت پیامبر(ص) باشد.

مسیحیان مؤمن به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۱ - ۲

۲ - از میان یهود و نصارا ، پیروان حقیقی تورات و انجیل به قرآن و محمد (ص) ایمان می آورند .

الذین ءاتینهم الکتب یتلونه حق تلاوته أولئک یؤمنون به

<تلاوت به معنای خواندن و قرائت کردن است. برخی از اهل لغت آن را به معنای پیروی کردن نیز گفته اند. مراد از ضمیر <به> محتمل است قرآن یا پیامبر(ص) باشد و نیز می تواند به الکتاب (تورات و انجیل) برگردد. برداشت فوق ناظر به این

است که مراد از ضمیر <به> قرآن یا پیامبر

(ص) بوده و تلاوت به معنای پیروی کردن باشد.

مسیحیان و حقانیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۵ - ۱

۱ ایمان مسیحیان به خدا و اعترافشان به حقانیت قرآن و رسالت پیامبر (ص) موجب برخورداری آنان از بهشت جاودان

فاثبهم اللّه بما قالوا جنت

مسیحیان و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۱ - ۷،۱۰

۷ - خداوند ، بنی اسرائیل (یهودیان و نصرانیان) را از انکار قرآن و کافر شدن به آن ، بر حذر داشت .

و لاتکونوا أول کافر به

ضمیر در <به> می تواند به <ما أنزلت> و یا به <ما معکم> برگردد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

۱۰ - دستیابی به متاع دنیا ، از هدف های یهود و نصارا در کفر به قرآن و انکار حقایق تورات و انجیل

و لاتشتروا بأیتی ثمناً قلیلا

کلمه <آیاتی> علاوه بر قرآن، شامل حقایق بیان شده در تورات و انجیل نیز هست. گویا آوردن اسم ظاهر (آیاتی) به جای ضمیر <به>، برای تأمین این هدف باشد. قابل ذکر است که چون سخن درباره ایمان به قرآن بود، مصداق مورد نظر برای <آیاتی> حقایقی از تورات و انجیل است که دلیل بر حقانیت قرآن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۹ - ۹

۹ - تلاش تبلیغاتی یهود و نصارا علیه اسلام و قرآن

ودّ کثیر من أهل الکتب لو یردونکم من بعد إیمنکم کفاراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده

- ۵ - ۸۳ - ۱،۲،۵،۶،۷

۱ تأثر شدید و آشکار مسیحیان زمان پیامبر از شنیدن آیات قرآن

و إذا سمعوا ما أنزل إلى الرسول ترى اعینهم تفیض من الدمع

فیض به معنای جاری شدن است، <من> در <من الدمع> نشویه. و <دمع> مصدر و به معنای اشک ریختن است. و نسبت فیضان به چشم برای مبالغه در گریستن و متأثر شدن است یعنی آنقدر متأثر شدند که گویا چشمهای آنان بر اثر گریستن، جاری شد.

۲ جوشیدن اشک شوق از دیدگان گروهی از مسیحیان عصر پیامبر (ص) با شنیدن آیات قرآن

و إذا سمعوا ما أنزل إلى الرسول ترى اعینهم تفیض من الدمع

کلمه <دمع> می تواند به معنای اشک، باشد در این صورت تفیض یعنی لبریز می شود. بنابراین جمله <تفیض من الدمع> به این معناست که چشمانشان از اشک لبریز شد.

۵ سابقه آشنایی مسیحیان عصر پیامبر (ص) به حقائق ، زمینه تأثیرپذیری آنان از قرآن

ترى اعینهم تفیض من الدمع مما عرفوا من الحق

بدان احتمال که مراد از <الحق> حقایقی غیر از قرآن و رسالت پیامبر(ص) باشد بر این مبنا: ما در <مما> مصدریه و <من> در <من الحق> تبعیضیه است نه بیانیه یعنی چون مسیحیان مؤمن، حقایقی از دین را می شناختند، اعتراف به رسالت پیامبر(ص) کردند. ماضی بودن فعل <عرفوا> این احتمال را تأیید می کند.

۶ گرایش مسیحیان عصر بعثت به اسلام ، برخاسته از آگاهی آنان بر حقانیت قرآن

ترى اعینهم تفیض من الدمع مما عرفوا من الحق

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از <الحق> قرآن باشد.

۷ ایمان مسیحیان به پیامبر (ص) و تأثر

شدید آنان به هنگام شنیدن قرآن ، نشانه تواضع آنان در برابر حق

و انهم لایستکبرون. و إذا سمعوا ما أنزل إلى الرسول ... مما عرفوا من الحق

جمله <و اذا سمعوا . ..> که حکایت از اعتراف آنان به حقانیت قرآن و پیامبر(ص) دارد می تواند به عنوان دلیل و شاهدی بر جمله <انهم لایستکبرون> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۴ - ۱،۴

۱ ایمان به خداوند یکتا و حقانیت قرآن تنها راه منطقی و درست در دیدگاه مسیحیان عصر بعثت پس از آشنایی با قرآن

یقولون . .. لانؤمن باللّه وما جاءنا من الحق

۴ مسیحیان مؤمن به قرآن و پیامبر (ص) آرزومند همراهی با صالحان در بهشت

و نطمع ان یدخلنا ربنا مع القوم الصلحین

برداشت فوق بر این اساس است که مفعول حذف شده از <یدخلنا> به قرینه مقام و نیز آیه بعد <الجنه> باشد یعنی <نطمع ان یدخلنا الجنه مع القوم الصالحین>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۶ - ۱۰

۱۰ حقایق توحیدی قرآن و دعوت آن به یکتاپرستی و نفی شرک ، عامل مخالفت برخی از یهود و نصارا با آن

و من الأحزاب من ینکر بعضه قل إنما أُمرت أن أعبد الله

طرح مسأله توحید و یکتاپرستی پس از <من ینکر بعضه> گویای این است که از دلایل انکار قرآن از ناحیه برخی احزاب ، اصرار قرآن بر توحید و نفی شرک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۱ - ۱

۱- یهود و نصارا ، پس

از نزول قرآن و ظهور اسلام ، به التقاط گراییده و به برخی از آیات قرآن ایمان آوردند و به برخی دیگر کفر ورزیدند .

الذین جعلوا القرءان عضین

<عضین> جمع <عضه> است و <عضه> به معنای جزء می باشد و تجزیه در پذیرش معارف دین در شأن اهل کتاب است; چون کافران و مشرکان اصل دیانت الهی را قبول نداشتند; چنان که خداوند اهل کتاب را به همین وصف توصیف فرمود: <. ..و یقولون نؤمن ببعض و نکفر ببعض...> (سوره نساء، آیه ۱۵۰).

مشرکان صدر اسلام و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۵ - ۴

۴ مشرکان و کافران عصر بعثت، به والایی آیات قرآنی و محتوای بلند آن اعتراف داشتند.

و لیقولوا درست

زیرا اگر آیات در نظر مشرکان کم اهمیت بود، برای رد آیات به کم اهمیتی آن اشاره می کردند و نه به فراگیری آن از دیگران.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۵ - ۶

۶ انکار رسالت حضرت محمد (ص) و آسمانی بودن قرآن ، از ناحیه شرک پیشگان عصر بعثت

قال الذین لا یرجون لقاءنا ائت بقرءان غیر هذا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۶ - ۱۰

۱۰ سرزنش مشرکان از سوی خداوند ، به خاطر انکار الهی بودن قرآن و رسالت پیامبر (ص) ، علی رغم آشنایی کامل آنان با شخصیت پیش از بعثت آن حضرت

قل لو شاء اللّه ما تلوته علیکم . .. فقد لبثت فیکم عمراً من قبله أفلا

تعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۷ - ۷

۷ شرک پیشگان عصر بعثت ، قرآن را ساخته ذهن پیامبر (ص) دانسته و آن حضرت را فردی مفتری (کسی که بر خدا دروغ می بندد) می خواندند .

قال الذین لا یرجون لقاءنا ائت بقرءان غیر هذا أو بدّله . .. قل ... فمن أظلم ممن ا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۰ - ۱

۱ واکنش مشرکان صدر اسلام نسبت به قرآن کریم ، واکنشی تحقیرآمیز بود .

و یقولون لو لا أنزل علیه ءایه من ربه

کلمه <آیه>، به قرینه مقام، به معنای معجزه است ; یعنی، مشرکان می گویند: چرا بر محمد(ص) از سوی خدایش معجزه نازل نشده. مفهوم این سخن آن است که: ما قرآن را به عنوان آیت و نشانه ای الهی برای صدق ادعای پیامبر(ص) قبول نداریم و این در واقع تحقیر شأن قرآن و استخفاف به امر کتاب خداست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۷ - ۷

۷ شباهت و همگونی قرآن با کتاب های آسمانی پیشین (تورات ، انجیل و . . .) دستاویز مشرکان صدر اسلام برای زدن برچسب < ساختگی بودن > به آن

و ما کان هذا القرءان أن یفتری من دون اللّه و لکن تصدیق الذی بین یدیه و تفصیل الک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۸ - ۱

۱ < ساختگی بودن > از

برچسب های شرک پیشگان عصر بعثت به قرآن و در راستای مبارزه آنان با پیامبر اکرم (ص) بود .

و ما کان هذا القرءان أن یفتری . .. أم یقولون افتریه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۳ - ۱

۱ مشرکان عصر بعثت ، قرآن را دروغهایی ساخته و پرداخته دست پیامبر (ص) قلمداد می کردند .

أم یقولون افتریه

<إفتراه> به معنای دروغ بافتن است. ضمیر فاعلی در <إفتراه> به پیامبر(ص) برمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۵ - ۸

۸ مشرکان عصر بعثت به خاطر دنیا طلبی و تجمل گرایی ، قرآن را نپذیرفته و آن را ساخته دست پیامبر (ص) قلمداد می کردند .

أم یقولون افتریه . .. من کان یرید الحیوه الدنیا و زینتها

بیان پیامدهای دنیاخواهی و تجمل گرایی، پس از دعوت به توحید و اقامه برهانی روشن برای آن، اشاره به ریشه های اصرار مشرکان به کفرورزی دارد; یعنی، اینکه مشرکان با وجود دلیلی روشن بر حقانیت قرآن، حقایق مطرح شده در آن را نمی پذیرند به دلیل دنیاخواهی آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۵ - ۱

۱ مشرکان عصر بعثت ، قرآن را ساخته و پرداخته پیامبر (ص) می پنداشتند .

أم یقولون افتریه

در اینکه مقصود از ضمیر در <یقولون> چه کسانی هستند، دو نظر ابراز شده است: برخی برآنند که مقصود، مشرکان عصر پیامبر(ص) هستند و گروهی دیگر از مفسران، مراد از آن را کفرپیشگان قوم نوح

می دانند. برداشت فوق براساس نظر اول است. گفتنی است که براین اساس، مخاطب کلمه <قل> پیامبر(ص) و ضمیر مفعولی در <إفتراه> به قرآن و یا خصوص داستان نوح(ع) باز می گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۵ - ۱

۱ - شک و تردد مشرکان صدراسلام نسبت به قرآن والهی بودن آن ، عمیق و غیر قابل زوال بود .

و لایزال الذین کفروا فی مریه منه حتّی تأتیهم الساعه

متعلق <کفروا> حذف شده و تقدیر آن به قرینه <أنّه الحقّ من ربّک> (در آیه پیش)، <کفروا بالقرآن> می باشد. <مریه> اسم مصدر از فعل <امتری یمتری> و به معنای شک و تردید است. <ال> در <الساعه> برای عهد ذهنی و <ساعه> به معنای لحظه و هنگام است. بنابراین <الساعه>; یعنی، آن هنگام که اشاره دارد به زمان برپایی قیامت و حضور مردم در عرصه محشر. <بغت و بغته> یعنی ناگهان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵ - ۶

۶ - سرسختی و لجاجت مشرکان عصر بعثت ، در برابر قرآن و دعوت پیامبر (ص)

و قالوا قلوبنا فی أکنّه ممّا تدعونا إلیه و . .. فاعمل إنّنا عملون

مشرکان مکه و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۶ - ۵

۵ مشرکان و گمراهان مکه، در صورت نازل نشدن قرآن، خویشتن را در قیامت معذور می دانستند و دوری از رحمت خدا را بی عدالتی می شمردند.

أن تقولوا إنما أنزل الکتب علی طائفتین

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۴۱ – ۵،۹

۵- بهره کفرپیشگان مکه از آیه های بیدارگر قرآن ، تنها تنفر و فرار از آنها بود .

و لقد صرّفنا فی هذا القرءان لیذّکّروا و ما یزیدهم إلاّ نفورًا

۹- برخورد کافران و مشرکان مکه با قرآن ، اساس علمی و عقلانی نداشت ; بلکه برخاسته از انگیزه های نفسانی روانی آنان بود .

و لقد صرّفنا فی هذا القرءان لیذّکّروا و ما یزیدهم إلاّ نفورًا

خداوند، حاصل تبیین تنوع و گوناگونی آیات خویش را برای مشرکان، نفرت آنان معرفی می کند و این، نشان می دهد که آنان، به جای برخورد منطقی با آیات الهی، برخورد روانی نفسانی داشتند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۹۰ – ۵

۵- مشرکان مکه ، قرآن را علی رغم بی مانندی اش ، معجزه نمی دانستند .

قل لئن اجتمعت الإنس و الجنّ . .. و قالوا لن نؤمن لک

از اینکه خداوند، پس از توصیف قرآن به معجزه و بی مانند بودن، درخواست معجزه حسی آنان را نقل می کند، می تواند به نکته فوق اِشعار داشته باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۹۳ – ۳

۳- مشرکان مکه ، از مفاهیم عالی قرآن غافل بوده و به زخارف دنیا چشم دوخته بودند .

و لقد صرّفنا فی هذا القرءان من کلّ مثل فأبی . .. و قالوا لن نؤمن لک حتی ... أو

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۴۷ – ۱۲

۱۲ – مشرکان مکه ،

از سر لجاجت ، قرآن را نپذیرفتند و به آن ایمان نیاوردند .

و کذلک أنزلنا إلیک الکتب . .. و ما یجحد بأیتنا إلاّ الکفرون

<جحود> نفی کردن چیزی است که دل، اثبات می کنـد و اثبـاتِ چیزی است که دل، نفی کرده است (مفردات راغب) بنابر معنای لغوی، <جحود>، منطبق بر لجاجت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۱ - ۵

۵ - بهانه جویی های پیاپی و گوناگون مشرکان مکه ، در برابر پیامبر (ص) و قرآن

قالوا هذا سحر . .. و قالوا لولا نزّل هذا القرءان

از این که مشرکان مکه گاهی قرآن را به سحر متهم می کردنـد و گاهی فقر و تنگـدستی پیامبر(ص) را بهانه قرار می دادنـد، مطلب بالا استفاده می شود.

مشرکان و آیات قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۸ - ۱

۱ برخی مشرکان و مخالفـان پیامبر(ص) با یاوه گویی در صـدد مغالطه و ایجاد شـبهه در مورد آیات قرآن و دیگر آیات الهی بودند.

و إذا رأیت الذین یخوضون فی ءایتنا

طبرسی (ره) دربـاره معنی خـوض می گویـد: <الخوض التخلیط فی المفـاوضه علی سبیـل اللعـب و العبـث و ترک التفهـم و التبیین>. یعنی خوض خلط کردن در گفتگو برای بازی و بیهوده گویی است، نه برای فهم و روشن شدن حقیقت.

مشرکان و تعالیم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵ - ۱

۱ - مشرکان ، مدعی قابل درک نبودن قرآن و پیام وحی برای آنان

و قالوا قلوبنا فی أکنّه ممّا

تدعونا إليه

مشركان و فصاحت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۳ - ۹

۹- فصاحت عالی قرآن و بیان روشن آن ، مورد قبول همگان حتی کافران و مشرکان

و هذا لسان عربیّ مبین

استدلال خداوند در ردّ ادعای کافران، مبتنی است بر آنکه فصاحت قرآن مورد قبول آنها باشد.

مشرکان و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۳ - ۸

۸ استکبار و سخت دلی یهودیان و مشرکان موجب تأثرناپذیری آنان از قرآن

و إذا سمعوا ما أنزل إلی الرسول تری اعینهم تفیض من الدمع

بیان واکنش خاضعانه مسیحیان در برابر قرآن پس از توصیف آنان به فروتنی در آیه پیش گویای این است که دو گروه دیگر (یهودیان و مشرکان) به دلیل گردنفرازی و استکبار در برابر حق، از پذیرش قرآن سرباز زدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۵ - ۸

۸ مشرکان به هنگام حضور در نزد پیامبر(ص)، از سر لجاج و انکار به مجادله درباره قرآن و رسالت آن حضرت می پرداختند.

حتی إذا جاءوک یجدلونک یقول الذین کفروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۷ - ۱

۱ مشرکان، مدعی نارسایی معجزات پیامبر (قرآن) برای اثبات رسالت آن حضرت.

و قالوا لو لا نزل علیه ءایه من ربه

درخواست معجزه از سوی مشرکان، علی رغم معجزاتی مانند قرآن، حکایت از آن دارد که آنان معجزات آن حضرت را برای اثبات رسالت کافی نمی دانستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۳ - ۵

۵ مشرکان آیات قرآن را مجموعه ای ساخته شده و گزینش شده به دست پیامبر (ص) قلمداد می کردند .

لو لا اجتبیتها

<اجتباء> (مصدر اجتبیت) به معنای جمع آوری کردن با گزینش و انتخاب است. (مفردات راغب). مشرکان با نسبت دادن <اجتباء> به پیامبر(ص) (اجتبیت) این معنا را القا می کردند که او مطالب قرآن را از این سو و آن سو جمع آوری و گزینش می کند و به مردم ارائه می دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۹ - ۱

۱ مشرکان ، آیاتی از قرآن را که حامل معارفی بلند بوده و در ظرف کوچک ذهن آنان جای نمی گرفت ، انکار می کردند .

أم یقولون افتریه . .. بل کذبوا بما لم یحیطوا بعلمه

برداشت فوق مبتنی بر این است که <ما> در <بما لم یحیطوا . .. > اشاره به دسته ای از آیات قرآن باشد و مای محذوف در <لما یأتهم تأویله> که عطف بر <لم یحیطوا> و به تقدیر <و کذبوا بما لما یأتهم تأویله> است اشاره به دسته ای دیگر از آیات باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۰ - ۱،۲

۱ برخی مشرکان ، با اینکه آسمانی بودن قرآن را باور داشتند ، به تکذیب آن برمی خاستند .

بل کذبوا . .. و منهم من یؤمن به

این برداشت مبتنی بر این است که: ضمیر <هم> با توجه به ارتباط این آیه با آیات پیش به

تکذیب کنندگان قرآن برگردد و از <یؤمن> زمان حال اراده شده باشد.

۲ برخی مشرکان ، آسمانی بودن قرآن را باور نداشته ، آن را تکذیب می کردند .

و منهم من لا یؤمن به

این برداشت نیز مبتنی بر این است که ضمیر <هم> به تکذیب کنندگان قرآن برگردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۲ - ۱

۱ برخی از مشرکان با اینکه مکرراً به سخنان پیامبر (ص) گوش می سپردند و آیات الهی را از زبان او می شنیدند ، به تکذیب آن برخاسته ، انکارش می کردند .

و منهم من یستمعون إلیك . .. و لو کانوا لا یعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۳ - ۵

۵ مشرکان برای ساختن سوره هایی همانند قرآن ، به کمک خواهی از هرکس مجاز بودند .

وادعوا من استطعتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۴ - ۱۰

۱۰ خداوند ، با توجه دادن مشرکان به الهی بودن قرآن ، آنان را به پذیرش اسلام و قرآن دعوت کرد .

فإلّم یستجیبوا لکم فاعلموا . .. فهل أنتم مسلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲ - ۱

۱- مشرکان ، نزول وحی و پیام جدید پروردگار (قرآن) را ، سرسری گرفته و بازی گرانه به آن گوش می سپارند .

ما يأتيهم من ذكر من ربّهم . .. و هم يلعبون

بيشتر مفسران برآنند كه مقصود از <ذكر> هر نوع وحی و يا خصوص

قرآن کریم است و جمله <و هم یلعبون> حال برای فاعل <استمعوه> می باشد; یعنی، آنان در حالی که به لعب و بازی مشغول اند به آیات الهی گوش می دهند و به طور جدی و شایسته آن را استماع نمی کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۷ - ۳

۳ - توبیخ مشرکان از سوی خداوند ، به خاطر نادیده گرفتن دلایل حقانیت قرآن و پیامبر (ص)

أوَلم یکن لهم ءایه أن یعلمه علمؤا بنی إسرءیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۳ - ۱،۲،۴

۱ - مشرکان ، منکر نزول قرآن کریم از جانب خداوند بودند .

تنزیل الکتب . .. من ربّ العلمین . أم یقولون افتریه

<أم>، منقطعه و به معنای <بل> است و معنای دو فراز دو آیه چنین می شود: <قرآن، از جانب خداوند است و آنان، مدعی اند که ساختگی است>.

۲ - مشرکان ، قرآن را ساخته و پرداخته پیامبر (ص) می دانستند .

أم یقولون افتریه

<فری> ریشه <افترا> به آن دروغی گفته می شود که خود شخص آن را بسازد (لسان العرب).

۴ - خداوند ، در مقابل تهمت مشرکان (ساختگی بودن قرآن) ایستاده و از حقانیت قرآن ، دفاع کرده است .

أم یقولون افتریه بل هو الحقّ

مشرکان هنگام تلاوت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۶ - ۲

۲ - تلاش مشرکان برای مقابله با قرآن ، از طریق جنجال آفرینی و ایجاد سر و صدا ، هنگام قرائت آیات آن

به وسیله پیامبر و مؤمنان

و الغوا فیه

<لغو> (مصدر <ألغوا>) در مورد کلام و سخن بی معنی اطلاق می شود و در این جا مراد، گفتن سخنان یاوه و ایجاد سر و صدا می باشد.

مشکلات تبلیغ قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۴ - ۴

۴ - تبلیغ و اجرای تعالیم قرآن ، پیامددار سختی ها و مشکلات

فاصبر لحکم ربّک

مشمولان رحمت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱۱ - ۱۵

۱۵ تنها مؤمنان به قرآن ، از هدایت ها و رحمت آفرینی های آن بهره مند می شوند .

و لکن . .. هدًی و رحمه لقوم یؤمنون

دلیل این برداشت نظیر سخنی است که در توضیح برداشت شماره ۲ از همین آیه آورده شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۲ - ۷

۷- تنها اهل ایمان و حق پذیران ، برخوردار از شفا و رحمت قرآنند .

و ننزّل من القرءان ما هو شفاء و رحمه للمؤمنین

مشمولان هدایتهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲ - ۲

۲ - تنها مؤمنان ، از هدایت ها و بشارت های قرآن بهره مندند .

هدًى و بشرى للمؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۷ - ۴

۴ - تنها مؤمنان و حق جویان ، زمینه دار بهره مندی از هدایتگری ها و رحمت آفرینی های قرآن

و إنّه لهدًى و رحمه للمؤمنين

قید <للمؤمنین> می رساند که دیگران شایستگی بهرهوری

از قرآن را ندارند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۵۲ – ۱۱

۱۱ – پیامبر (ص) ، بنده برگزیده خدا و بهره مند از هدایت ویژه قرآن

و لکن جعلنه نورًا نهدی به من نشاء من عبادنا

با توجه به لفظ <لکن> که برای استدراک جمله قبل (ما کنت تدری ما الکتاب و لا الإیمان) است می توان گفت که عبارت <من نشاء من عبادنا> گر چه عام است; ولی پیامبراکرم(ص) از مصادیق بارز آن می باشد. به ویژه که در قسمت پایانی آیه شریفه آن حضرت را هدایتگر دیگر مردمان به راه حقیقت معرفی می کند.

مصونیت قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۰۵ – ۲

۲ قرآن ، مصون از هرگونه باطل ، در سیر نزولی آن بر پیامبر (ص)

إنّا انزلنا إلیک الکتب بالحق

<باء> در <بالحق> به معنای مصاحبت است و در برداشت فوق، متعلق به جمله <انزلنا> گرفته شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۶۶ – ۶

۶ نزول قرآن به اِشراف الهی و مصون از تعرض شیاطین

لکن اللّه یشهد بما أنزل إلیک أنزله بعلمه

برخی از مفسران جمله <انزله بعلمه> را با این بیان که علم خداوند در این جا کنایه از حفظ و نگهداری است چنین معنا کرده اند که خداوند قرآن را نازل کرد در حالی که خود آن را از تصرف و دستبرد شیاطین مراقبت می کرد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

- مائده - ۵ - ۴۸ - ۳

۳ قرآن در سیر نزولش بر پیامبر (ص) ، مصون از هرگونه باطل

و انزلنا إلیک الکتب بالحق

برداشت فوق بر این مبناست که <بالحق> متعلق به <انزلنا> باشد. یعنی نزول قرآن همراه حق بوده و به هنگام نزول هیچ باطلی بدان راه نیافته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹ - ۵

۵- قرآن ، تحت حفاظتِ همیشگی خداوند و مصون از هرگونه تحریف و زوال

إنا نحن نزّلنا الذّکر و إنا له لحفظون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۵ - ۲،۳

۲- قرآن ، مجموعه ای الهی و غیر قابل تصرف و چشم پوشی ، حتی از کمترین بخش آن

و بالحقّ أنزلنه و بالحقّ نزل

با توجه به مضامین آیات ۸۸ و ۹۳، که در آنها درخواست مشرکان درباره نزول قرآن به صورت مکتوب مطرح شده بود، ممکن است این آیه پاسخی باشد به آنان که حقایق قرآنی با اقتراحات تغییر نمی یابد.

۳- قرآن از آمیختگی به غیر کلام وحی مبرا بوده و سلامت آن از سوی خداوند ، تضمین شده است .

و بالحقّ أنزلنه و بالحقّ نزل

جمله <و بالحقّ نزل> می تواند بیانگر کیفیت نزول قرآن باشد; یعنی، نزول قرآن بر پایه حق بود و هرگز با باطل و ناصواب آمیخته نشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۷ - ۹

۹- قرآن و سخن های خداوند ، ایمن از دستبرد دیگران و مصون از هرگونه تحریف است .

واتل ما أُحی إلیک .

.. لامبدّل لکلمته

ضمیر در <کلماته> به <ربّ> برمی گردد و مصداق مورد نظر برای <کلمات> به قرینه صدر آیه آیات قرآن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۳ - ۲

۲ - قرآن ، مصون از هر گونه تبدیل و تحریف در مرحله نزول آن بر پیامبر (ص)

نزل به الروح الأمین

توصیف <الروح> به امانت داری اشاره به مطلب یاد شده دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۱ - ۱۱

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۲ - ۱،۲،۱۱

۱ - مصونیت قرآن ، در برابر هرگونه تحریف

لایأتیه البطل من بین یدیه و لا من خلفه

منظور از عدم امکان راه یافتن باطل به ساحت قرآن <لا یأتیه الباطل> می تواند این باشد که هیچ کس توانایی تحریف کردن قرآن را ندارد.

۲ - پیشگویی قرآن نسبت به مصونیت آن از تحریف در طول تاریخ

لایأتیه البطل من بین یدیه و لا من خلفه

مراد از <من بین یدیه> زمان نزول قرآن و از <من خلفه> زمان آینده است.

۱۱ - < عن أبی الجارود عن أبی جعفر (ع) فی قوله < إنّ الذین کفروا بالذکر لمّا جائهم > یعنی القرآن الذی < لایأتیه الباطل من بین یدیه > قال لایأتیه الباطل من قبل التوراه و لا من قبل الإنجیل و الزبور و اما من خلفه لایأتیه من بعده کتاب یبطله ...;

امام باقر(ع) درباره <ذکر> در آیه <إنّ الذین کفروا بالذکر لما جائهم> فرمود: مراد قرآن است و

فرمود: <و لایأتیه الباطل من بین یدیه>; یعنی، باطل از سوی تورات، انجیل و زبور در قرآن نمی آید و امّا (لایأتیه) <من خلفه>; یعنی، بعد از آن هم کتابی نمی آید که قرآن را باطل کند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۹ - ۴

۴ - در مسیر نزول قرآن بر پیامبر (ص) ، هیچ دست ناپاکی بدان نرسیده و کاملاً مصون از تحریف و دستبرد بوده است .

لایمسّه إلّا المطهّرون

برداشت یاد شده بر این مبنا است که ضمیر در <لایمسّه> به قرآن بازگردد و آیه شریفه ناظر به وضعیت نزول قرآن به وسیله فرشتگان بر پیامبر(ص) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴۱ - ۳

۳ - قرآن ، کتابی به دور از تخیلات و احساس های بی منطق و غیر علمی

و ما هو بقول شاعر

شعر، سخنی است موزون و متکی بر احساس و تخیّل و نفی شعر بودن قرآن، می تواند حاکی از مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴۲ - ۳

۳ - قرآن ، کتابی است به دور از پیشگویی ها و آینده نگری های نادرست .

و لا بقول کاهن

<کهانت> به معنای پیشگویی است. نفی کهانت از قرآن، بیانگر این است که این کتاب، از هرگونه پیشگویی های نادرست مبّرا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۱۷ - ۱،۲،۳

۱ - تألیف و تنظیم کلمات قرآن و خواندن آن بر پیامبر (ص

) ، تضمین شده از سوی خداوند

إنّ علینا جمعه و قرءانه

<جمع> در لغت به معنای تألیف است و مقصود از آن در این آیه تألیف و تنظیم کلمات قرآن می باشد. واژه <قرآن> نیز معنای مصدری دارد; یعنی، خواندن. بنابراین <إنّ علینا جمعه و قرآنه>; یعنی، <بی تردید تألیف و تنظیم کلمات قرآن و خواندن آن بر تو [ای پیامبر] بر عهده ما است>.

۲ - گردآوری قرآن در سینه پیامبر (ص) و توانایی آن حضرت بر قرائت آن ، تضمین شده از سوی خداوند

إنّ علینا جمعه و قرءانه

یکی از احتمالات یاد شده در تفسیر آیه شریفه، این است که مقصود از<جمعه>، گردآوری قرآن در سینه پیامبر(ص) است; به گونه ای که آن حضرت به خاطر سپارد و فراموش نکند و مقصود از <قرآنه> تثبیت قرائت قرآن بر زبان ایشان است; به گونه ای که هرگاه خواسته باشد بتواند آن را قرائت کند (مانند آیه ۶ از سوره <اعلی> <سنقرئک فلاتنسی>).

۳ - تضمین گردآوری شدن اجزای قرآن از سوی خداوند در یک مجموعه و حفظ و قرائت آنها در تمامی اعصار و برای همیشه تاریخ *

إنّ علینا جمعه و قرءانه

جمله <إنّ علینا جمعه و قرءانه> تعلیل برای <لاتحرّک به لسانک. ..> است. بر این اساس برخی از مفسران گفته اند: چون پیامبر(ص) درباره حفظ قرآن نگران بود، این آیه برای رفع نگرانی آن حضرت و تضمین دائمی درباره آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۴ - ۴

۴ - آیات قرآن ، فراتر از دسترس نااهلان و منزّه از هرگونه تغییر و تحریف

مرفوعه مطهّره

ارتباط دو

وصف <رفعت> و <طهارت>، گویای راز پاک مانـدن قرآن از انحراف است; زیرا کـج اندیشان به آن دسترسـی ندارند تا آن را با افکار پلید خود آلوده سازند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۱ - ۶

۶ - قرآن در مرحله نزول بر پیامبر (ص) ، از هرگونه تحریف ، افزودن و کاستن مصون بوده است .

إنّه لقول رسول . .. ثَمّ أمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۲ - ۵

۵ - مرحله دریافت قرآن ، همانند مرحله نزول آن ، مصون از خطا و تحریف است .

إنّه لقول رسول . .. و ما صاحبکم بمجنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۴ - ۴،۵

۴ - قرآن در مرحله ابلاغ به مردم ، همانند مرحله نزول و دریافت ، مصون از تحریف و کتمان است .

و ما هو علی الغیب بضنین

۵ - بخیـل نبودن و امتنـاع نورزیـدن پیـامبر (ص) از ابلاغ تمام آیات قرآن به مردم ، ضامن مخفی نمانـدن هیـچ آیه ای از آن است .

و ما هو علی الغیب بضنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۵ - ۳

۳ - مرحله نزول قرآن بر پیامبر (ص) ، منزّه از القاءات شیطان و همراه با رانده شدن او از محدوده آن

و ما هو بقول شیطن رجیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکویر – ۸۱ – ۲۶ – ۲

۲ – بی

اعتمادی به قرآن ، با وجود مصونیت آن در مراحل نزول ، دریافت و ابلاغ و اعتماد به غیر آن ، انتخاب بیراهه است .

فأین تذهبون

مفاد استفهام (کجا می روید؟) در آیه شریفه این است که جز این راه، راه دیگری وجود ندارد. گفتنی است که در این گونه پرسش ها نوعی <تعجیز> نهفته است. حرف <فاء> این مفاد را بر اوصاف قرآن که آیات پیشین بیانگر آن بود تفریع کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۲۲ - ۲،۳

۲ - لوحی که قرآن بر آن نوشته شده است ، از نابودی و تغییر مصون است .

فی لوح محفوظ

کلمه <محفوظ>، بدون متعلق آمده است تا محفوظ بودن از هر خطر احتمالی را بفهماند. بنابراین خطر نابودی، تغییر و تحریف یا حذف، اضافه، سرقت و نظایر آن، نمی تواند آن را تهدید کند.

۳ - تکذیب قرآن از سوی کافران ، هر چند بر آن اصرار ورزند ، به حقیقت قرآن آسیبی نمی رساند و از مجد و عظمت آن نمی کاهد .

بل الذین کفروا فی تکذیب . .. بل هو قرءان مجید . فی لوح محفوظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۶ - ۸

۸ - آیات قرآن ، در طول زندگانی پیامبر (ص) از خطا و کاستی مصون ماند .

سنقرئک فلاتنسی

درباره مفاد <إلاّ ما شاء اللّه> در آیه بعد، دو دیدگاه وجود دارد: ۱. بیان حاکمیت مشیت خداوند که در نتیجه مراد، استثنای حقیقی نخواهد بود; بلکه تنها نشانگر آن است که <لاتنسی> هر

چند مطلق است و هیچ استثنایی ندارد; ولی مشیت خداوند بر همه چیز حاکم است و نسیان و عدم نسیان پیامبر(ص)، بیرون از مشیت او نیست. ۲. حرف <إلاّ> در استثنای حقیقی به کار رفته است و بیانگر آن است که خداوند، بخشی از آیات را براساس مشیت خویش از یاد پیامبر(ص) خواهد برد. برداشت یاد شده براساس نظر اول است.

مطالعه قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۹ - ۳۰

۳۰ - < سئل الصادق (ع) عن قول اللّه عزّوجلّ < أَوَلم یسیروا فی الأرض > قال : معناه أَوَلم ینظروا فی القرآن ;

از امام صادق(ع) درباره این سخن خداوند <أوَلم یسیروا فی الأرض> سؤال شد. فرمود: مقصود <أوَلم ینظروا فی القرآن> است. توضیح: از روایت این گونه استفاده می شود که مراد از سیر در زمین، سیر علمی و تاریخی است و قرآن از منابع آن است.>.

معجزه سور قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۳ - ۴

۴ - قرآن و یکایک سوره های آن ، معجزه است .

فأتوا بسوره من مثله

معجزه قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۳ - ۴

۴ - قرآن و یکایک سوره های آن ، معجزه است .

فأتوا بسوره من مثله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۴ - ۷

۷ قرآن ، معجزه و سند حقانیت پیامبر (ص) است .

أم يقولون افتريه . .. فإلّم يستجيبوا لكم فاعلموا أنما أُنزل

بعلم الله

معرضان از قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۴۱ – ۵،۹

۵– بهره کفرپیشگان مکه از آیه های بیدارگر قرآن ، تنها تنفر و فرار از آنها بود .

و لقد صرّفنا فی هذا القرءان لیذّکّروا و ما یزیدهم إلاّ نفورًا

۹– برخورد کافران و مشرکان مکه با قرآن ، اساس علمی و عقلانی نداشت ; بلکه برخاسته از انگیزه های نفسانی روانی آنان بود .

و لقد صرّفنا فی هذا القرءان لیذّکّروا و ما یزیدهم إلاّ نفورًا

خداوند، حاصل تبیین تنوع و گوناگونی آیات خویش را برای مشرکان، نفرت آنان معرفی می کند و این، نشان می دهد که آنان، به جای برخورد منطقی با آیات الهی، برخورد روانی نفسانی داشتند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۷ – ۱۱

۱۱– روی گردانی کافران از ارزش های نو قرآن ، معلولِ دنیاطلبی آنان است .

لم یؤمنوا بهذا الحدیث . .. ما علی الأرض زینه لها لنبلوهم

جمله <إنّا جعلنا ما علی الأرض زینه لها> می تواند به عنوان تعلیلی برای اِعراض کافران مطرح باشد; یعنی، زیبایی دنیا، باعث شده که ایشان به آن، دلْ خوش کنند و به قرآن ایمان نیاورند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۳۳ – ۲

۲– منکران رسالت پیامبر (ص) ، با نادیده گرفتن معجزه قرآن ، آن حضرت را فاقد هرگونه معجزه معرفی می کردند .

و قالوا لولا یأتینا بَایه من ربّه أوَلم تأتهم بیّنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۱۱

انبیاء - ۲۱ - ۳ - ۱۳

۱۳- مشرکان ستم پیشه ، ضمن ایراد اتهام سحر به قرآن ، آن را هرگز شایسته پیروی نمی دانستند .

أفتأتون السحر و أنتم تبصرون

استفهام در جمله <أفتأتون السحر> انکاری است و جمله <و أنتم تبصرون> حال برای فاعل <تأتون> می باشد. بنابراین معنای آیه چنین می شود: آیا شما با چشم باز و آگاهی به دنبال قرآن که سحر است می روید؟ یعنی این که شایسته نبودن قرآن برای پیروی، امری است روشن و بدیهی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۲ - ۵

۵- اعراض کافران از شنیدن کلام الهی و درک مفاهیم و معارف قرآنی ، دلیل بی توجهی آنان به رحمت گسترده الهی و متأثر نشدن از مواعظ پیامبر (ص)

قل من یکلؤکم . .. من الرحمن بل هم عن ذکر ربّهم معرضون

برداشت یاد شده مبتنی براین است که مقصود از <ذکر> قرآن باشد; زیرا یکی از نام ها و اوصاف قرآن کریم ذکر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۶ - ۱۰

۱۰ - گروهی از مردم ، در برخورد با آیات قرآن کریم ، آن را می پذیرند و گروهی دیگر ، از آن روی گردانده و به سخنان بیهوده روی می آورند .

تلک ءایت الکتب . .. هدًی ... للمحسنین ... و من الناس من یشتری لهو الحدیث

آیه، عطف معنوی به آیات پیش و یا عطف قصه به قصه است و گویا، در صدد بیان این نکته است که مردم، در برخورد با قرآن، دو

دسته اند: گروهی از آنان محسنان اند که هدایت پذیرند و گروهی دیگر، از آن گریزانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴ - ۵

۵ - بیشتر مردم عصر بعثت ، از آیات قرآن ، علی رغم وضوح و روشنی مفاهیم آن روی گردان بودند .

کتب فصّلت . .. فأعرض أکثرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۹ - ۲

۲ - کافران پندناپذیر و مخالف پیامبر (ص) ، هیچ دلیل و عذر قابل قبولی ، برای روی گردانی از دین و پند های قرآن نداشتند .

فما لهم عن التذکره معرضین

از مفاد <فمالهم> (چیست آنان را)، استفاده می شود که مقصود، نبودن هیچ دلیل و عذری برای کفر و انکار کافران نسبت به قرآن پندآفرین است.

معرضان از قرآن در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۰ - ۱

۱ - روی گردانندگان از قرآن و تذکار های آن ، در قیامت باری سنگین از گناه را به دوش خواهند کشید .

من أعرض عنه فإنّه یحمل یوم القیمه وزرًا

نکره بودن <وزراً> بر گران باری و سنگینی آن دلالت دارد.

معرضان از قرآن و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۱ - ۲

۲ - مخالفان قرآن ، با زحمت خود را از تأثیر تذکّرات آن ، دور نگه می دارند .

و یتجنّبها

باب تفعّل که فعل <یتجنّب> از آن باب است بر تکلّف دلالت دارد. این فعل بیان گر آن است

که تذکرات قرآنی، با فطرت انسان ها ملایمت و مناسبت کامل دارد; به گونه ای که مخالفان، باید برای دور ماندن از تأثیرات آن، خود را به زحمت اندازند.

معلم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲ - ۱،۴

۱ - خداوند ، معلم انسان و تعلیم دهنده قرآن

الرحمن . علّم القرءان

۴ - خداوند ، معلم واقعی قرآن ، بدون کمترین تصرف پیامبر (ص) در آن

الرحمن . علّم القرءان

مغالطه گران در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۰ - ۵

۵ مغالطه گرایان و خوض کنندگان در اسلام و قرآن و استهزاکنندگان آن، دین خدا را بازیچه و سرگرمی خود قرار داده اند.

الذین یخوضون فی ءایتنا . .. یخوضوا فی حدیث غیره ... و ذر الذین اتخذوا دینهم لعبا

مراد از <الذین . ... >، به قرینه آیات پیشین، همان خوض کنندگان در آیات هستند.

مفتریان بر قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۵ - ۲

۲- تنها کسانی که به آیات الهی ایمان ندارند ، به قرآن کریم دروغ و افترا می بندند .

إنما یفتری الکذب الذین لایؤمنون بأیت الله

مفتریان به قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۹۱ – ۲

۲- کفار قریش ، پس از نزول قرآن و ظهور اسلام ، آیات قرآن را به چند دسته تقسیم کرده و هر دسته را با تهمت و افترا و ترفند های گوناگون ، به استهزا گرفته و منکر

شدند .

المقتسمین. الذین جعلوا القرءان عضین

برداشت فوق مبتنی بر این است که مقصود از این آیه و آیه قبل چنان که در شأن نزولها آمده است کفار قریش باشد که همگی (حدود ۱۶ نفر) به شکلهای گوناگون به هلاکت رسیدند.

مقامات اخروی مؤمنان به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۰ - ۱۸

۱۸- عقیده مندان به نزول قرآن از جانب خداوند و خیر بودن آن ، دارای جایگاهی خوب در عالم آخرت

و قیل للذین اتّقوا ماذا أنزل ربّکم قالوا خیرًا . .. و لنعم دار المتّقین

مقامات قاریان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳ - ۵

۵ - تلاوت وحی و قرآن کریم ، کاری ارزشمند است و قرائت کنندگان از جایگاهی بلند در پیشگاه خداوند برخوردارند .

فالتّلیت ذکرًا

از سوگند خداوند به تلاوت کنندگان وحی و قرآن کریم، می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

مقامات کاتبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۶ - ۴

۴ - ارجمندی ، عظمت و پیراستگی صفحات قرآن و مقام والای نویسندگان آن ، تضمین کننده شایستگی آن برای غفلت زدایی و بیان حقایق

إنّها تذکره . .. فی صحف مکرّمه . مرفوعه مطهّره . بأیدی سفره . کرام برره

مقدار تلاوت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۱۰،۴۹

۱۰ - تلاوت قرآن ، باید به میزان میسور باشد ; نه مقداری که برای قاری خسته کننده و مشقت

آور است .

فاقرءوا ما تيسّر من القرءان

۴۹ - < عن النبيّ (ص) < فاقرءوا ما تيسّر منه > قال : مائه آيه ;

از پيامبر(ص) [درباره] <فاقرءوا ما تيسّر منه> روايت شده كه مراد قرائت صد آيه است>.

مكذبان اعجاز قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۳ - ۳

۳- كافران عصر بعثت ، على رغم روشن بودن اعجاز قرآن و هماهنگى آن با ديگر كتاب هاى آسمانى ، آن را ناديده گرفتند و معجزه بودن آن را انكار مى كردند .

لولا يأتينا بَايه من ربّه أوَلم تأتهم

مكذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۲۳ - ۱۵

۱۵ مخالفان هيچ شاهدى را كه بر وجود همانندى سخنى با قرآن شهادت بدهد نخواهند يافت .

وادعوا شهداءكم من دون اللّه

چنانچه <شهداء> به معناى گواهان باشد، استثناء <من دون اللّه> از جمله قبل، ناظر به سخن متعارفى است كه انسانها هنگام نداشتن شاهد بر مدعاى خويش آن را بر زبان جارى مى كنند; يعنى، گواهانى را فرا خوانيد تا نظر دهند و اگر نيافتيد نگوييد: خدا شاهد است كه اين سخن همانند قرآن مى باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۵۷ - ۶

۶ مشركان صدر اسلام دليل روشن حقانيت پيامبر(ص) (قرآن) را تكذيب مى كردند.

قل إنی علی بینه من ربی و کذبتم به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۶ - ۱

۱ قبیله و قوم پیامبر (قریش) با وجود حقانیت

قرآن و معارف و وعده های آن به تکذیب آن پرداختند.

و کذّب به قومک و هو الحق

در آیه ۵۷ <قل إنی علی بینه> موضوع بحث <قرآن> بود و آیات بعد از آن نیز وعده های قرآن را مطرح ساخته است. بنابراین مرجع ضمیر <به> می تواند <قرآن> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۳ - ۱،۹

۱ تنها راه ایمان به قرآن برای منکران قرآن ، تحقق تهدید ها و بروز حقایق آن است .

و لقد جئنهم بکتب . .. هل ینظرون إلا تأویله

ضمیر در <تأویله> به <کتب> در آیه قبل برمی گردد. و مراد از تأویل کتاب الهی، به قرینه فرازهای بعد، بروز و ظهور حقایق قرآن و تحقق تهدیدها و وعده های آن است. و جمله <هل ینظرون ... > با توجه به اینکه ناظر به آیه قبل است، چنین معنا می شود: برای منکران قرآن جهت تصدیق آن راهی جز ظهور حقایق قرآنی، که در قیامت تحقق می یابد، نیست.

۹ منکران قرآن با بی اعتنایی به معارف آن ، تباه کننده سرمایه عر خویش هستند .

قد خسروا أنفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۵ - ۶

۶ انکار رسالت حضرت محمد (ص) و آسمانی بودن قرآن ، از ناحیه شرک پیشگان عصر بعثت

قال الذین لا یرجون لقاءنا ائت بقرءان غیر هذا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۹ - ۱

۱ مشرکان ، آیاتی از قرآن را که حامل معارفی بلند بوده و

در ظرف کوچک ذهن آنان جای نمی گرفت ، انکار می کردند .

أم یقولون افتریه . .. بل کذبوا بما لم یحیطوا بعلمه

برداشت فوق مبتنی بر این است که <ما> در <بما لم یحیطوا . .. > اشاره به دسته ای از آیات قرآن باشد و مای محذوف در <لما یأتهم تأویله> که عطف بر <لم یحیطوا> و به تقدیر <و کذبوا بما لما یأتهم تأویله> است اشاره به دسته ای دیگر از آیات باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۰ - ۱،۲،۳

۱ برخی مشرکان ، با اینکه آسمانی بودن قرآن را باور داشتند ، به تکذیب آن برمی خاستند .

بل کذبوا . .. و منهم من یؤمن به

این برداشت مبتنی بر این است که: ضمیر <هم> با توجه به ارتباط این آیه با آیات پیش به تکذیب کنندگان قرآن برگردد و از <یؤمن> زمان حال اراده شده باشد.

۲ برخی مشرکان ، آسمانی بودن قرآن را باور نداشته ، آن را تکذیب می کردند .

و منهم من لا یؤمن به

این برداشت نیز مبتنی بر این است که ضمیر <هم> به تکذیب کنندگان قرآن برگردد.

۳ هرگز همه مردم روی زمین ، قرآن را انکار و تکذیب نخواهند کرد .

و منهم من یؤمن به و منهم من لا یؤمن به

برداشت فوق مبتنی بر این است که مراد از ضمیر <منهم> عموم مردم باشد ; که در این صورت، آیه در مقام بیان حال آنان به هنگام روبرو شدنشان با قرآن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ -

یونس - ۱۰ - ۴۲ - ۱

۱ برخی از مشرکان با اینکه مکرراً به سخنان پیامبر (ص) گوش می سپردند و آیات الهی را از زبان او می شنیدند ، به تکذیب آن برخاسته ، انکارش می کردند .

و منهم من يستمعون إليك . .. و لو كانوا لا يعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۶ - ۵

۵ گروههایی از اهل کتاب ، قسمتهایی از قرآن را نمی پذیرفتند و حقانیّت آن را انکار می کردند .

و من الأحزاب من ينكر بعضه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۱ - ۲

۲- کفار قریش ، پس از نزول قرآن و ظهور اسلام ، آیات قرآن را به چند دسته تقسیم کرده و هر دسته را با تهمت و افترا و ترفند های گوناگون ، به استهزا گرفته و منکر شدند .

المقتسمين. الذين جعلوا القرءان عضين

برداشت فوق مبتنی بر این است که مقصود از این آیه و آیه قبل چنان که در شأن نزولها آمده است کفار قریش باشد که همگی (حدود ۱۶ نفر) به شکلهای گوناگون به هلاکت رسیدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۴ - ۲

۲- منکران عالم آخرت ، منکر نزول قرآن از جانب خداوند بودند .

فالذين لايؤمنون بالأخره . .. إذا قيل لهم ماذا أنزل ربّكم قالوا أسطر الأولين

رفع <أساطیر> به خاطر خبر برای مبتدای محذوف بودن (<المنزل> یا <الذی یسئل عنه>) است که مراد از آن قرآن می باشد.

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۶ - ۱۰

۱۰- برخورد منکرانه کافران و مشرکان مکه با قرآن ، برخاسته از منطق و عقل نبود ; بلکه انگیزه نفسانی روانی داشت .

و إذا ذکرت ربّک فی القرءان وحده ولّوا علی أدبرهم نفورًا

<نفرت> از مقولات نفسانی - روانی است. بنابراین موضع نفرت آلود مشرکان با قرآن، برخاسته از انگیزه های نفسانی - روانی آنان بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۳ - ۹

۹- مشرکان مکه ، نسبت به آسمانی بودن قرآن و رسالت الهی پیامبر (ص) بی اعتقاد بودند .

أو ترقی فی السّماء و لن نؤمن لرقیّک حتی تنزّل علینا کتبًا نقرؤه

از اینکه آنان، نامه و کتابی را از پیامبر(ص) خواستند که خود از آسمان آورده باشد، حکایت از آن دارد که: قرآن را که به صورت وحی بر آن حضرت نازل می شده است قبول نداشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴ - ۱

۱ کافران ، منکر نزول وحی بر پیامبر (ص) بودند و قرآن را دروغ و ساخته و پرداخته او می دانستند .

و قال الذین کفروا إن هذا إلاّ إفک افتریه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۰ - ۱

۱ - مجرمان متعصب عرب ، منکر آسمانی بودن قرآن ، علی رغم جریان آن درقلب هایشان به زبان عربی روشن

کذلک سلکنه فی قلوب المجرمین

<کذلک> به فرض نزول قرآن به زبان غیر عربی (و لو نزّلناه

علی بعض الأعجمین. ..) اشاره دارد. <سلوک> (مصدر <سلکنا>) به معنای وارد کردن و راه دادن است. ضمیر مفعول در <سلکناه> به قرآن بازمی گردد؛یعنی، <مثل ذلک السلوک سلکنا القرآن فی قلوب المجرمین>. مقصود این است که همان طور که اگر قرآن به زبان عجمی نازل می گردید و بر این مجرمان تلاوت می شد، از آن چیزی نمی فهمیدند، اکنون هم که به زبان عربی شیوا و روشن نازل شده است، از آن چیزی نمی فهمند و به آن ایمان نمی آورند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۸ - ۱۲

۱۲ - اقدام حق ستیزان صدراسلام به انکار صریح قرآن و تورات و تأکید بر کفر خویش نسبت به آن دو

و قالوا إنّا بکلٍّ کفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۷ - ۱۲

۱۲ - مشرکان مکه ، از سر لجاجت ، قرآن را نپذیرفتند و به آن ایمان نیاوردند .

و کذلک أنزلنا إلیک الکتب . .. و ما یجحد بأیتنا إلاّ الکفرون

<جحود> نفی کردن چیزی است که دل، اثبات می کند و اثباتِ چیزی است که دل، نفی کرده است (مفردات راغب) بنابر معنای لغوی، <جحود>، منطبق بر لجاجت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۹ - ۱۰

۱۰ - انکار قرآن از سوی مشرکان مکه ، از سر لجاجت و حق ناپذیری بود .

ما یجحد بأیتنا إلاّ الکفرون . .. و ما یجحد بأیتنا إلاّ الظلمون

<جحود> در لغت نفی چیزی است که دل آن را اثبات می کند

و اثبات چیزی است که دل نفی می کند. (مفردات راغب). <جحود> طبق معنای لغوی منطبق بر لجاجت است. گفتنی است: <ال> در <الظالمون> عهد بوده و اشاره به <الکافرون> در آیه چهل و هفت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۰ - ۲

۲ - مشرکان مکه ، نزول وحی را ، به عنوان آیه ای از جانب خدا قبول نکرده و خواستار معجزه حسّی شدند .

و کذلک أنزلنا إلیک الکتب . .. و ما یجحد بأیتنا ... و قالوا لولا أنزل علیه ءای

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۰ - ۱

۱ - مشرکان ، به رغم ادعای آمادگی برای ایمان آوردن به کتاب آسمانی ، به قرآن کفر ورزیدند .

لو أنّ عندنا ذکرًا من الأوّلین . لکنّا عباد اللّه المخلصین . فکفروا به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۲ - ۲

۲ - دروغ بستن به خدا و تکذیب قرآن و دین حق ، از خصوصیات کافران است .

فمن أظلم ممّن کذب علی اللّه و کذّب بالصدق

مخاطبان آیه شریفه به قرینه ذیل آیه (مثوًی للکافرین) کافران می باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۰ - ۲

۲ - انکار لجاجت آمیز وحی و قرآن ، از سوی مشرکان مکه

و رسول مبین . و لمّا جاءهم الحقّ قالوا هذا سحر و إنّا به کفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نکوهش مشرکان از سوی خداوند ، به خاطر موضع گیری تکذیب گرانه آنان در برابر قرآن

و تجعلون رزقکم أنّکم تکذّبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۵ - ۶

۶ - قوم یهود ، تکذیب کنندگان آیات الهی (قرآن)

بئس مثل القوم الذین کذّبوا بایت اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۵ - ۴

۴ - تلاوت آیات قرآن بر کافران تکذیب گر و انکار عمدی آن از سوی آنان

إذا تتلی علیه ءایتنا قال أسطیر الأوّلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴۹ - ۳

۳ - تکذیب قرآن ، از سوی گروهی از مردم در عصر نزول وحی

و إنّا لنعلم أنّ منکم مکذّبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۲ - ۳

۳ - منکران معاد ، نه تنها به هشدار های قرآن ایمان نیاورده و در برابر آن فروتنی نمی کننـد ; بلکه پا را فراتر نهاده و قرآن را تکذیب می کنند .

بل . .. یکذّبون

مکذبان قرآن در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۴ - ۱۰

۱۰ - منکران قرآن و سنگ های دوزخ ، هیزم و آتشگیره های آتش جهنمند .

فاتقوا النار وقودها الناس و الحجاره

<وقود> به هیزم و نیز به چیزی که با آن آتش روشن می کنند، گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۲ -

۱۱ – جهنم ، جایگاه همیشگی و مجازات افترازنندگان بر خدا و تکذیب کنندگان قرآن و دین حق

فمن أظلم ممّن کذب علی اللّه و کذّب بالصدق . .. ألیس فی جهنّم مثوًی للکفرین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۴۱ – ۲

۲ – منکران حقانیت قرآن ، گرفتار آتش دوزخ در قیامت

إنّ الذین کفروا بالذّکر

برداشت یاد شده بر این اساس است که خبر <إنّ> در <إنّ الذین کفروا> به قرینه آیه قبل جمله <یلقی فی النار> باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – مطففین – ۸۳ – ۱۶ – ۱

۱ – تکذیب کنندگان قرآن و قیامت و گناه کارانِ متجاوز ، به حرارت شدید جهنّم گرفتار شده و در آن خواهند سوخت .

ثمّ إنّهم لصالوا الجحیم

<صالوا> که قبل از اضافه به <جهیم>، <صالون> (جمع <صال) بوده است ; یعنی، کسانی که با رنج و مشقت حرارت آتش را می چشند و در آن می سوزند. در لسان العرب آمده است: صَلِی بالنار و صَلِیَها صَلْیاً قاسی حرّها (حرارت آتش را با رنج و مشقت چشید) و صَلِیَ فلانٌ بالنار یَصْلی صُلِیّاً احترق (سوخت).

مکذبان قرآن در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۲۷ – ۴

۴ تکذیب کنندگان پیامبر(ص) و قرآن در قیامت بر کفرورزیهای خویش در دنیا تأسف می خورند.

یلیتنا نرد و لا نکذب بأیت ربنا و نکون من المؤمنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۵۳ – ۵،۷،۱۲

۵ منکران حقانیت

قرآن ، در روز قیامت و بروز حقایق قرآن ، به حقانیت رسالت پیامبران اعتراف خواهند کرد .

یوم یأتی تأویله یقول الذین نسوه من قبل قد جاءت رسل ربنا بالحق

برداشت فوق مبتنی بر این است که ضمیر مفعولی در <نسوه> به<کتب> در آیه قبل برگردانده شود.

۷ منکران قرآن پس از برپایی قیامت در آرزوی یافتن شفیعان نجات دهنده از عذاب و یا بازگشت به دنیا برای انجام اعمالی سعادت آفرین

یقول الذین نسوه . .. فیشفعوا لنا او نرد فنعمل غیر الذین کنا نعمل

۱۲ منکران قرآن ، در قیامت ، با پی بردن به زیانکاری خویش و واهی بودن افکار و عقاید خود ، از اعمال و رفتار گذشته خویش پشیمان خواهند شد .

نرد فنعمل غیر الذی کنا نعمل قد خسروا أنفسهم و ضل عنهم ما کانوا یفترون

جمله <قد خسروا . .. > و <ضل عنهم ... > به منزله تعلیلی است برای <نرد فنعمل ... > یعنی آرزوی بازگشت به دنیا و تدارک گذشته ها بدان علت است که کفرپیشگان خود را زیانکار می بینند و باورهای خویش را بر باد رفته می یابند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۵ - ۱

۱- تکذیب کنندگان حقانیت قرآن ، سرانجام تمامی گناهان عمل خویش را در قیامت بر دوش خواهند کشید .

و إذا قیل لهم ماذا أنزل ربّکم قالوا أسطر الأولین . لیحملوا أوزارهم کامله یوم ال

لام <لیحملوا> لام عاقبت است و <أوزار> (جمع وزر) به معنای ثقل و سنگینی و کنایه از گناه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ

- ۳۴ - ۳۱ - ۱۳

۱۳ - کافران به قرآن ، در قیامت مورد مؤاخذه قرار خواهند گرفت .

و قال الذین کفروا لن نؤمن بهذا القرءان . .. و لو تری إذ الظلمون موقوفون عند ربّ

مکذبان نوآوری قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵ - ۶

۶ کافران ، در عصر بعثت منکر هر گونه نوآوری در قرآن بودند .

و قالوا أسطیرالأوّلین اکتتبها فهی تملی علیه بکره و أصیلاً

این که کافران، قرآن را افسانه های پیشینیان می شمردند، حاکی از آن است که آنان نه تنها منکر اصالت قرآن بودند; بلکه آن را فاقد هر گونه نوآوری نیز می دانستند.

مکذبان وحیانیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۳ - ۶

۶ - مخالفان رسالت درباره آسمانی بودن قرآن و نزولش از جانب خدا ، اظهار تردید می کردند .

و إن کنتم فی ریب مما نزلنا علی عبدنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۶ - ۹

۹- آسمانی بودن قرآن ، مورد انکار کافران و مشرکان مکه بود .

و هم بذکر الرحمن هم کفرون

برداشت یاد شده مبتنی براین است که مقصود از <ذکر> قرآن کریم باشد، چنان که در موارد متعدد در قرآن از جمله آیه دوم همین سوره از قرآن به <ذکر> یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۲ - ۲

۲ دسته جمعی و به یکباره نازل نشدن آیات قرآن بر پیامبر (ص

) ، دلیل وحی نبودن آن در دیدگاه کافران صدراسلام

و قال الذین کفروا لولا نزّل علیه القرءان جمله وحده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۸ - ۳

۳ - کفرپیشگان حق ستیز ، منکر آسمانی بودن قرآن به بهانه عدم نزول دفعی آن

قالوا لولا أُوتی مثل ما أُوتی موسی

مقصود از <ما أُوتی موسی> تورات است که یکباره نازل شده بود; یعنی، چرا قرآن مانند تورات، یکباره نازل نشده است؟

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۳ - ۱

۱ - مشرکان ، منکر نزول قرآن کریم از جانب خداوند بودند .

تنزیل الکتب . .. من ربّ العلمین . أم یقولون افتریه

<أم>، منقطعه و به معنای <بل> است و معنای دو فراز دو آیه چنین می شود: <قرآن، از جانب خداوند است و آنان، مدعی اند که ساختگی است>.

مکر دشمنان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۶ - ۲

۲- اسطوره خواندن و ساختگی دانستن قرآن ، مکر و توطئه دشمنان این کتاب آسمانی است .

و إذا قیل لهم ماذا أنزل ربّکم قالوا أسطر الأولین . .. قد مکر الذین من قبلهم

ملائکه و پاسداری از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۱ - ۱۷

۱۷ قرآن کریم در حصار حفاظت و مراقبت فرشتگان الهی

إذا لهم مکر فی ءایاتنا قل اللّه أسرع مکراً إن رسلنا یکتبون ما تمکرون

به قرینه مقام می توان گفت که: خداوند برای جاودان ماندن قرآن و مصونیت آن از

هر گونه اقدامهای شیطانیِ انسانهای کفرپیشه و ضد دین، فرشتگانی را مأمور حفاظت و مراقبت از آن کرده است و مراد از <رسل> در <إن رسلنا یکتبون ما تمکرون> همین دسته از فرشتگان می باشد.

ممانعت از استماع قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۶ - ۱،۳،۴،۵

۱ کافران صدر اسلام، مردم را از گوش فرادادن به قرآن نهی می کردند.

و هم ینهون عنه

۳ افسانه خواندن قرآن و کهنه دانستن مطالب آن، از ترفندهای کافران برای جلوگیری از گوش فرادادن مردم به آن

إن هذا إلا أسطیر الأولین. و هم ینهون عنه

<اول> به معنای آغاز است، و مراد کافران از این اتهام کهنه بودن مطالب قرآن می تواند باشد.

۴ کافران با پرهیز از گوش فرا دادن به قرآن و جلوگیری مردم از آن، ناخودآگاه خود را به هلاکت می افکنند.

و إن یهلکون إلا أنفسهم و ما یشعرون

۵ فاصله گرفتن از قرآن و پیامبر(ص) و بازداشتن مردم از گرایش به آنها، سقوط و هلاکت است.

و هم ینهون عنه و ینئون عنه و إن یهلکون إلا أنفسهم

ممانعت از تعالیم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۷ - ۵،۶

۵ - بدترین عمل کافران ، مبارزه با قرآن و تلاش در جهت محروم ساختن مردم از دستیابی به معارف آن است .

و قال الذین کفروا لاتسمعوا . .. و لنجزینّهم أسوأ الذی کانوا یعملون

۶ - سدکردن راه ایمان و معرفت دیگران به قرآن ، گناهی بزرگ تر و بدتر از کفر و گناهان شخصی کافران

و قال الذين كفروا

لاتسمعوا . .. و لنجزينّهم أسوأ الذى كانوا يعملون

برداشت بالا بدان احتمال است که <أسوء> در مقام مقایسه میان کفر و حق ناباوری کافران، با تلاش های آنان در جلوگیری از گرایش دیگران به ایمان باشد.

ممانعت از تعجیل در تلاوت قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قیامه – ۷۵ – ۱۶ – ۲

۲ – منع شدن پیامبر (ص) ، از شتابورزی در خواندن آیات وحی ، پیش از پایان یافتن وحی آن

لاتحرّک به لسانک لتعجل به

ممانعت از مخالفت با قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۱۳ – ۸

۸ – بازداشتن مردم از مخالفت با بیان های روشن قرآن ، فلسفه وعید ها وهشدار های قرآن

و صرّفنا فیه من الوعید لعلّهم یتّقون

تهدید شدن اعراض کنندگان از قرآن در آیات گذشته و نیز جمله <أنزلناه قرآناً عربیّاً> قرینه براین است که متعلق <یتّقون> روی گردانی از قرآن می باشد.

منافع تلاوت قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – علق – ۹۶ – ۳ – ۶

۶ – قرائت قرآن ، دارای منافعی بسیار و تضمین شده از سوی خداوند

اقرأ و ربّک الأکرم

توصیف خداوند به <کریم ترین> پس از امر به قرائت بیانگر تأثیر آن در فراهم آمدن زمینه کرامت و احسان خداوند است.

منافقان صدر اسلام و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۴ - ۵

۵ منافقان صدر اسلام ، مردمانی تأثیرناپذیر در برابر آیات الهی قرآن

و إذا ما أنزلت سوره فمنهم من یقول

أيّكم زادته هذه إيمناً

منافقان نزول قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۵ - ۱

۱ افزایش پلیدی منافقان بیماردل ، پس از نزول آیه های قرآن و شنیدن آن

و إذا ما أنزلت سوره . .. و أما الذین فی قلوبهم مرض فزادتهم رجساً إلی رجسهم

منافقان و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹ - ۸

۸ - منافقان در برابر آوازه قرآن و گسترش اسلام ، چاره ای جز ناشنیده انگاشتن آن ندارند .

یجعلون أصبعهم فی ءاذانهم من الصوعق حذرالموت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۴ - ۶،۸

۶ انکار نفوذ آموزه های قرآن در میان دل و جان مردم ، از ترفند های منافقان و دشمنان دین

و إذا ما أنزلت سوره فمنهم من یقول أیّکم زادته هذه إیمناً

استفهام در جمله <أیّکم زادته . .. > استفهام انکاری و بیانگر نفی تأثیرگذاری آیات قرآن در دل و جان اهل ایمان است. قابل ذکر است که ضمیر <منهم> به منافقان برمی گردد.

۸ تلاش منافقان برای سرایت دادن روحیه منفی خویش (تأثیرناپذیری از آیات الهی قرآن) به دیگران

فمنهم من یقول أیّکم زادته هذه إیمناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۷ - ۳،۶،۷،۸

۳ اشاره مرموزانه منافقان به یکدیگر ، برای خروج مخفیانه از جمع شنوندگان آیات الهی

و إذا ما أنزلت سوره نظر بعضهم إلی بعض هل یریکم من أحد

۶ سعی منافقان در گریختن از محیط ابلاغ

آیات الهی و مراکز شناخت و تبلیغ دین

و إذا ما أنزلت سوره . .. ثم انصرفوا

۷ روی گردانی منافقان صدر اسلام از آیات الهی پس از شنیدن وحی

و إذا ما أنزلت سوره . .. ثم انصرفوا

۸ منافقان روی گردان از آیات الهی قرآن ، مورد نفرین خداوند

ثم انصرفوا صرف اللّه قلوبهم

برداشت فوق بر این اساس است که جمله <صرف اللّه قلوبهم> خبر در مقام انشا بوده و برای نفرین باشد.

منافقان و نزول قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۷ - ۱

۱ نگاه مرموز منافقان به یکدیگر پس از نزول هر سوره ای از قرآن

و إذا ما أنزلت سوره نظر بعضهم إلی بعض

منحرفان و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۹ - ۵

۵ - تنها فاسقان (منحرفان) ، قرآن و دلایل روشن آن را نپذیرفته و بدان کافر می شوند .

و ما یکفر بها إلا الفسقون

منشأ ابلاغ قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۹ - ۲

۲ – خداوند برای ابلاغ قرآن ، فرستاده ای را به سوی پیامبر (ص) گسیل داشت .

إنّه لقول رسول

ضمیر <إنّه> به قرینه سیاق آیات به قرآن برمی گردد. مراد از <رسول> به قرینه مقابله این آیه با جمله <و ما هو بقول شیطان> در آیات بعد مأمور ابلاغ قرآن به پیامبر(ص) است که در بعضی از سوره ها، جبرئیل عهده دار این وظیفه معرفی شده است.

منشأ اعتراض به قرآن

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۶ - ۹

۹ - ناتوانی کافران از آوردن همانند برای قرآن ، منشأ اعتراض ها و ایراد های آنان به مثل های قرآن

فان لم تفعلوا و لن تفعلوا . .. إن اللّه لایستحی أن یضرب مثلا ما ... و أما الذین

بیان اشکال تراشی کافران به برخی تمثیلهای قرآن - پس از دعوت آنان به تحدی (فأتوا بسوره) و بیان ناتوانی آنان از آوردن همانند برای قرآن (و لن تفعلوا) - اشاره به ریشه بهانه جوییهای کافران دارد; یعنی، چون نتوانستند برای قرآن همانند بیاورند به بهانه گیری و اشکال تراشی پرداختند (ماذا أراد اللّه بهذا مثلا)

منشأ اعراض از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴ - ۶

۶ - جهل و جاهلیت ، ریشه روی گردانی بیشتر مردم از آیات روشن وحی

لقوم یعلمون . .. فأعرض أکثرهم

از تفریع <أعرض أکثرهم> بر آیه قبلی، استفاده می شود که علت اعراض بیشتر مردم از قرآن، نادانی ایشان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۵۰ - ۴

۴ - روی گردانی کافران از کلام بیداربخش و پندآموز قرآن ، ناشی از نابخردی و کوته فکری آنان بود .

فما لهم عن التذکره معرضین . کأنّهم حمر مستنفره

منشأ انحطاط مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۴ - ۵

۵ - خداوند ، تکذیب کنندگان قرآن و معاد را به تدریج به ورطه سقوط می کشاند .

سنستدرجهم

<إستدراج> (مصدر <سنستدرج>)

در اصل به معنای نزدیک کردن کسی به سوی چیزی است و مقصود از آن در این آیه، بردن ونزدیک کردن کافران به ورطه سقوط و هلاکت است; به گونه ای که خود متوجه آن نشوند (برگرفته از لسان العرب).

منشأ انذارهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴ - ۳

۳ - پیام های بشارت دهنده و انذار کننده قرآن ، نشأت یافته از رحمانیت و رحیم بودن خداوند

تنزیل من الرحمن الرحیم . .. بشیرًا و نذیرًا

منشأ ایمان به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۳۰ - ۳

۳ - تصمیم انسان بر پیمودن راه دین و پذیرش تعالیم قرآن ، وابسته به مشیّت و خواست خداوند است .

فمن شاء اتّخذ إلی ربّه سبیلاً . و ما تشاءون إلاّ أن یشاء اللّه

یکی از مصادیق <ما تشاءون>، مشیّت انسان در انتخاب راه خدا است که در آیه پیش بیان شده است (فمن شاء اتّخذ إلی ربّه سبیلاً).

منشأ بشارتهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴ - ۳

۳ - پیام های بشارت دهنده و انذار کننده قرآن ، نشأت یافته از رحمانیت و رحیم بودن خداوند

تنزیل من الرحمن الرحیم . .. بشیرًا و نذیرًا

منشأ پیشگوییهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۱ - ۵

۵ - خبر های خداوند از آینده پیروزمند مؤمنان ، متکی به علم گسترده و همه جانبه او

وعدکم اللّه . .. و أخری لم تقدروا علیها

قد أحاط اللّه بها

از ارتباط <قد أحاط. ..> با مطالب قبل، برداشت بالا استفاده می شود.

منشأ تأثیر قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۷ - ۸

۸- تأثیر شگرف آیات قرآن بر قلب ها و اندیشه ها ، نشانگر استناد آن به نیرویی فوق طبیعی

و إذا تتلی علیهم ءایتنا بیّنت قال الذین کفروا . .. هذا سحر مبین

از مجموع آیه شریفه، تأثیر شگرف و اعجازگونه آیات قرآن استفاده می شود.

منشأ تأثیرپذیری از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۹ - ۲

۲ - تأثیرپذیری از تعالیم و تذکّرات قرآن ، وابسته به مشیّت خداوند است .

إن هو الاّ ذکر . .. لمن شاء ... و ما تشاءون إلاّ أن یشاء اللّه

منشأ تبیین قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۱۹ - ۱

۱ - خداوند ، عهده دار تبیین و توضیح مطالب قرآن

ثمّ إنّ علینا بیانه

منشأ تدوین قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۱۳ – ۱۱

۱۱ – خداوند ، سامان دهنده الفاظ و کلمات قرآن و هشدار دهنده انسان هادر قالب آیاتی گوناگون

أنزلنه قرءانًا عربیًّا و صرّفنا فیه من الوعید

توصیف قرآن به عربی بودن (در حال نزول)، حاکی از این است که علاوه بر محتوای قرآن، الفاظ آن نیز مستند به خداوند است.

منشأ تعلیم قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۲ – ۲

۲ – نزول قرآن و تعلیم آن

به انسان ، تبلور رحمت گسترده خداوند به خلق

الرحمن . علّم القرءان

اسناد تعليم به اسم <رحمان>، بيانگر مطلب بالا است.

منشأ تعليم قرآن محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - ضحى - ۹۳ - ۷ - ۱

۱ - پيامبر (ص) ، پيش از دريافت هدايت هاى الهى ، از شريعت اسلام و احكام قرآن بى خبر بود .

و وجدك ضالاًّ فهدى

ضلالت دو گونه است: ۱. تحيّر در علوم نظرى مانند توحيد; ۲. سرگردانى در علوم عملى نظير احكام شرعى (مفردات راغب). درباره پيامبر(ص) به قرينه آيه <ما ضلّ صاحبكم...> (النجم/۲) كه ضلالت را از آن حضرت منتفى مى داند مراد دومين نوع است; يعنى، پيامبر(ص) آنچه را بعد از بعثت با نزول قرآن پى برد، پيش از بعثت نمى دانست.

منشأ تكذيب قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۷ - ۵

۵ - كفر به خدا و تكذيب آيات او (قرآن) ، برخاسته از خوى استكبار و خود بزرگ بينى

و الذين كفروا و كذّبوا بَايتنا . .. عذاب مهين

توصيف <عذاب> به <مهين> (ذليل كننده)، گوياى اين حقيقت است كه كفر به خدا و تكذيب آيات او، كردارى برخاسته از روح استكبارى و خودبزرگ بينى است و خداوند، متناسب با آن، كيفرى را تعيين فرموده است تا آن روح را درهم بشكند و به خوارى و ذلتشان بكشاند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۵ - ۱۱

۱۱ - انکار و مخالفت منکران حقانیت قرآن ، مبتنی بر شک و تردید

است ; نه یقین و برهان .

و إنّهم لفی شک منه مریب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۶ - ۸

۸ - مشکل منکران قرآن ، نهفته در خودشان و نه ناشی از نارسایی مفاهیم وحی

نتلوها علیک بالحقّ فبأیّ حدیث بعد اللّه و ءایته یؤمنون

خداوند با تعبیر <فبأیّ حدیث. ..>، تأثیر و کارایی والا و بی نظیر قرآن را یادآور شده است. این تعبیر تعریضی به کافران نیز دارد که کفر و بی ایمانی آنان، برخاسته از نارسایی مفاهیم وحی نیست; بلکه ریشه در لجاج، عناد و سست اندیشی نهفته در درون آنها دارد.

منشأ تلاوت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۴ - ۶

۶ - توجّه به آموزگار بودن خداوند و وابستگی قرائت و کتابت به قدرت او ، برانگیزاننده انسان به تلاوت کلام او است .

اقرأ . .. الذی علّم بالقلم

منشأ تهمت جادو به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۰ - ۳

۳ - اتهام بی دلیل سحر به قرآن و تورات از سوی کافران صدراسلام ، برخاسته از هواپرستی آنان بود .

قالوا سحران تظهرا . .. فاعلم أنّما یتّبعون أهواءهم

منشأ دشمنی با قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۳۳ – ۳

۳ – لجاجت و پافشاری بر کفر ، ریشه مبارزه کافران علیه قرآن

أم يقولون تقوّله بل لايؤمنون

منشأ عبرت از قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مدثر – ۷۴ –

۴ - ۵۶

۴ - بیداری و پندگیری از قرآن به توفیق الهی است .

و ما یذکرون إلاّ أن یشاء اللّه

آیه شریفه می رساند که خواست انسان وابسته به خواست خداوند است. در ضمن می فهماند که پندگرفتن و متذکر شدن از قرآن نیز، به توفیق الهی است.

منشأ عربیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۴ - ۳

۳ - عربی بودن زبان قرآن ، امری الهی است و پیامبر در آن نقشی نداشت . *

و لو جعلنه قرءانًا أعجمیًّا

از این که خداوند عجمی بودن قرآن و طبعاً عربی بودن آن را به خود نسبت داده (جعلناه)، مطلب یاد شده قابل برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴ - ۷

۷ - نزول قرآن در قالب واژگان عرب ، متکی به حکمت خداوند است .

إنّا جعلنه قرءانًا عربیًّا . .. لعلیّ حکیم

منشأ قدرت تلاوت قرآن محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۳ - ۵

۵ - القای وحی بر پیامبر (ص) و توانمند ساختن او بر قرائت قرآن ، احسان و کرم خداوند به آن حضرت است .

اقرأ و ربّک الأکرم

منشأ قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۱ - ۱

۱ - قرآن ، کتابی تحقق یافته و نشأت گرفته از اسم < اللّه > است .

بسم اللّه

<بسم اللّه> در آغاز قرآن را به دو گونه می توان لحاظ کرد: ۱ سخنی باشد که خداوند آن را

برای تعلیم به مردم بیان کرده است. در این لحاظ <بسم اللّه> دستوری به مردم است که چگونه کارهای خویش را آغاز کنند. ۲ خداوند خود گوینده این سخن باشد. در این صورت <بسم اللّه> در آغاز قرآن اشاره به آن است که خداوند قرآن را با اسم <اللّه> تحقق بخشیده و به ظهور رسانده است; یعنی، قرآن مظهر اسم <اللّه> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۴ - ۳،۴

۳ خودداری عاجزانه مخالفان دین از آوردن همانند برای قرآن ، نشانه و برهانی روشن بر الهی بودن قرآن و ابتنای آن بر علم خداست .

فإلّم یستجیبوا لکم فاعلموا أنما أُنزل بعلم الله

۴ پدید آمدن و نشأت گرفتن قرآن از علم الهی ، دلیل ناتوانی غیر خدا از آوردن همانند برای آن است .

فإلّم یستجیبوا لکم فاعلموا أنما أُنزل بعلم الله

جمله <فإلّم یستجیبوا لکم فاعلموا . ..> ناظر به علت اثباتی (اقامه برهان بر الهی بودن قرآن است) و در عین حال از علت ثبوتی (سرّ و ریشه ناتوانی بشر از آوردن همانند برای قرآن) نیز حکایت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۲۰

۲۰ قرآن ، کتابی از ناحیه خداوند و پرتوی از ربوبیت اوست .

إنه الحق من ربک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲ - ۱

۱ خداوند ، نازل کننده قرآن

إنا أنزلنه قرء نًا عربیًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱ - ۴

۴- قرآن ،

کتابی نازل شده از رتبه و جایگاهی بس رفیع و با عظمت

کتب أنزلنه إلیک

نزول در لغت به معنای فرود آمدن از جای بلند است که به تناسب موضوع، نزول از جایگاه رفیع است و نه مکان بلند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶ - ۷

۷- قرآن ، کلامی حادث و ایجاد شده از سوی خداوند

إن لم یؤمنوا بهذا الحدیث

<حدیث> چه به معنای جدید باشد و چه به معنای حادث مقابل قدیم، بر حدوث قرآن دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۷ - ۶

۶- آیات قرآن ، برگرفته از گنجینه ای مکتوب و مدون نزد پروردگار است .

واتل ما أُحی إلیک من کتاب ربّک

چنان چه <من> در <من کتاب ربّک> نَشْویه باشد، مراد از <کتاب> منبعی خواهد بود که آیات قرآن از آن سرچشمه گرفته است. جمله <لامبدل لکلماته> که بر تغییرناپذیر بودن کلمات کتاب دلالت دارد، این احتمال را تقویت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۲ - ۱

۱- خداوند ، قرآن را بر پیامبر (ص) نازل کرده است .

ما أنزّلنا علیک القران لتشقی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷ - ۶

۶ – قرآن و پند های آن ، نشأت یافته از علم مطلق خداوند است .

تذکره . .. فإنّه یعلم السرّ و أخفی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۵۴ – ۸

۸ – قرآن ، کتابی

است نازل شده از جانب خداوند .

أنّه الحقّ من ربّک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵ - ۱

۱ - قرآن ، نشأت یافته از رحمت و لطف الهی به انسان ها است .

و ما یأتیهم من ذکر من الرحمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱۳ - ۱

۱ - نزول قرآن ، از مبدأ یگانه وحی ، مقتضی پرهیز از هرگونه شرک

و ما تنزّلت به الشیطین . .. فلاتدع مع اللّه إلهًا ءاخر

از این که خداوند پس از نفی هر گونه دخالت شیاطین در امر وحی، نتیجه گیری کرده (با <فاء> تفریع) و خطاب را متوجه دعوت به توحید نموده است، مطلب یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۸ - ۱

۱ - قرآن ، کتابی نازل شده از جانب خداوند

فلمّا جاءهم الحقّ من عندنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۵ - ۲

۲ - قرآن ، کتابی است که از جانب خداوند ، بر پیامبر (ص) وحی شده است .

اتل ما أوحی إلیک من الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۷ - ۱

۱ - قرآن ، کتابی است که از سوی خداوند ، بر پیامبر (ص) نازل شده است .

و كذلك أنزلنا إليك الكتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۱ - ۲

۲ - قرآن

، از سوی خداوند ، بر پیامبر (ص) نازل شده است .

أَوَلم یکفهم أنّا أنزلنا علیک الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۲ - ۳،۵

۳ - قرآن ، کتابی نازل شده از سوی خداوند

إن کان من عند اللّه

با توجه به این که اسم کان قرآن است، مطلب بالا استفاده می شود.

۵ - قرآن ، نعمتی از جانب خداوند و کفر به آن نتیجه کبر و ناسپاسی است .

و إذا أنعمنا علی الإنسن . .. ثمّ کفرتم به

با توجه به ارتباط این آیه با آیه قبل مطلب یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵ - ۱،۴

۱- قرآن حقیقتی مستحکم ، خلل ناپذیر و نازل شده از سوی خداوند

إنّا أنزلنه . .. أمر حکیم ... أمرًا من عندنا

کلمه <أمراً> می تواند حال برای ضمیر مفعولی <أنزلناه> باشد. در این صورت از ارتباط آن با <أمر حکیم> در آیه قبل، مطلب بالا استفاده می شود.

۴- قرآن حقیقتی الهی و نازل شده از سوی او

إنّا أنزلنه . .. أمرًا من عندنا إنّا کنّا مرسلین

از انتساب مکرر نزول قرآن به خداوند، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۶ - ۱

۱- نزول قرآن ، جلوه ای از رحمت الهی و در جهت رشد ، تعالی و تکامل خلق

إنّا أنزلنه . .. رحمه من ربّک

<رحمه> مفعول لأجله و علت برای <إنّا أنزلناه> است. وصف <ربّ> می رساند که آن نزول و این رحمت، در

جهت ربوبیت خلق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۷ - ۱

۱- فرستنده قرآن و رسولان ، همان پروردگار یگانه آسمان ها و زمین و موجودات است .

إنّا أنزلنه . .. إنّا كنّا مرسلين ... ربّ السموت و الأرض و ما بينهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲ - ۱

۱ - قرآن ، نازل شده از جانب خداوند مقتدر و حکیم

تنزيل الكتب من اللّه العزيز الحكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳ - ۴

۴ - کتاب تشریع (قرآن) و کتاب تکوین (نظام طبیعت) ، هر دو متکی به مبدئی یگانه ، مقتدر و حکیم

تنزيل الكتب من اللّه العزيز الحكيم . إنّ فى السموت و الأرض لأيت

از ارتباط دو آیه و این که در آیه قبل سخن از <کتاب تشریع> و در این آیه سخن از <نظام تکوین> به میان آمده است; همگونی و منشأ یگانه هر دو استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵ - ۳

۳ - مفاهیم وحی و قرآن ، متکی به مبدأی مقتدر و بس نیرومند

علّمه شديد القوى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۸ - ۳،۴

۳ - قرآن ، نازل شده از لوح محفوظ است ; و نه ساخته و پرداخته ذهن بشر .

إنّه لقرءان کریم . فی کتب مکنون

۴ - < عن النبی (ص) < إنّه لقرآن کریم

. فی کتاب مکنون > قال : عنداللّه فی صحف مطهّره . . . ;

از رسول خدا(ص) روایت شده که فرمود: <إنّه لقرآن کریم . فی کتاب مکنون>; یعنی، قرآن نزد خداوند در صحیفه های پاک و بی آلایش است>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۹ - ۱

۱ - قرآن ، کتابی نازل شده از جانب خداوند

هو الذی ینزّل علی عبده ءایت بیّنت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۸ - ۵

۵ - قرآن ، کتاب نازل شده از سوی خداوند است .

و النور الذی أنزلنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱۰ - ۸

۸ - قرآن ، کتابی است نازل شده از سوی خداوند برای بشر .

قد أنزل اللّه إلیکم ذکرًا

طبق گفته مفسران، مقصود از نزول ذکر، نزول قرآن کریم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴۳ - ۱،۲

۱ - قرآن ، کتابی است الهی .

تنزیل من ربّ العلمین

۲ – قرآن ، جلوه ربوبیت خداوند است .

تنزیل من ربّ العلمین

مطلب یاد شده، از نسبت تنزیل به <ربّ العالمین> استفاده می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مدثر – ۷۴ – ۲۵ – ۲

۲ – اصرار و تأکید فراوان کافران حق ناپذیر و مستکبر صدراسلام ، بر الهی نبودن قرآن و منشأ بشری داشتن آن

و استکبر . فقال إن هذا إلاّ سحر یؤثر . إن هذا إلاّ قول البشر

جلد – نام سوره – سوره – آیه

- فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۹ - ۱

۱ - قرآن ، کلام خداوند است .

إنّه لقول رسول

عنوان <رسول> گویای آن است که او ابلاغ کننده قول است; نه گوینده آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۶ - ۳

۳ - تصور وحی نبودن قرآن و تراوش آن از مغزی مجنون و یا شیطانی مطرود و پندار بخلورزی پیامبر (ص) در بیان حقایق ، کژاندیشی و گم کردن راه حقیقت است .

فأین تذهبون

ممکن است استفهام در آیه شریفه، ناظر به توهّماتی باشد که مخالفان درباره قرآن و شخص پیامبر(ص) داشتند. در این صورت پرسش آیه این است که: فکر شما به کجا می رود و چه می پندارید؟! قرآن غیر آنچه گفته شد، نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۳ - ۷

۷ - قرآن ، کتابی الهی و آیات آن ، وابسته به خداوند است .

ءایتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۱ - ۱،۲

۱ - خداوند ، نازل کننده قرآن

إنّا أنزلنه

جمع آمدن ضمیر متکلم، بیانگر عظمت است و مراد از ضمیر مفعولی <أنزلناه> قرآن است. اشتهار نزول قرآن از جانب

خداوند، کلام را از تصریح به نام آن بی نیاز ساخته است.

۲ - وجود وسایط در نزول قرآن ، از جانب خداوند

إنّا أنزلنه

ضمیر جمع در <أنزلناه>، می تواند ناظر به نقش وسایط در نزول قرآن باشد.

منشأ قصص قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۹ - ۸

۸

- داستان های قرآن ، نازل شده از منبع علم الهی است ; نه بر گرفته شده از گفته های دیگران .

من لدنّا

منشأ مثالهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۶ - ۵

۵ - مثل های قرآن ، حق (بیانگر واقعیت ها) و همه از جانب خداوند است .

فیعلمون أنه الحق من ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۵ - ۲۵

۲۵ - تمثیل های خداوند برای فهم معارف بلند الهی ، به امری محسوس و قابل درک همگان ، برخاسته از علم فراگیر او به ویژگی ها و استعداد های انسان ها است .

و یضرب اللّه الأمثل للناس و اللّه بکلّ شیء علیم

برداشت یاد شده مبتنی بر دو نکته است: ۱ جمله <و اللّه بکلّ شیء علیم> عطف بر جمله <و یضرب اللّه الأمثال للناس> باشد. ۲- تذکر به آگاهی همه جانبه خداوند، پس از بیان تمثیل برای مردم، می رساند که این آگاهی مرتبط باانسان ها و ویژگی ها و استعدادهای او برای بهره گیری از چنین تمثیل هایی است.

منشأ مخالفت با قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۵ - ۱۱

۱۱ - انکار و مخالفت منکران حقانیت قرآن ، مبتنی بر شک و تردید است ; نه یقین و برهان .

و إنّهم لفی شک منه مریب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ – مدثر – ۷۴ – ۳۱ – ۱۳

۱۳ – مخالفت برخی از کافران با قرآن و رسالت پیامبر (

ص) ، ناشی از بیماردلی و غرضورزی آنان بود .

و لیقول الذین فی قلوبهم مرض . .. ماذا أراد اللّه بهذا مثلاً

منشأ مصونیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۲ - ۱۰

۱۰ - حکمت الهی ، تضمین کننده مصونیت قرآن از تحریف و دستبرد مخالفان

لایأتیه البطل . .. تنزیل من حکیم حمید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۱۷ - ۴

۴ - صیانت قرآن از تحریف به وسیله خداوند

إنّ علینا جمعه و قرءانه

منشأ نامگذاری آیات قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۶ - ۳

۳ - آیه ، نامی نهاده شده از سوی خدا بر بندبند نثر قرآن

قد کانت ءایتی تتلی علیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۴ - ۳

۳ - نام گذاری هر یک از عبارت های مشخص قرآن به < آیه > از سوی خداوند

و لقد أنزلنا إلیکم ءایت مبیّنت

منشأ نزول قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۱ - ۲،۵

۲ - نازل کننده قرآن ، خداوند است .

و ءامنوا بما أنزلت

مراد از <ما>ی موصوله در <بما انزلت> قرآن است.

۵ - نزول قرآن از جانب خدا ، دلیل ضرورت ایمان همگان به آن

ءامنوا بما أنزلت

هدف از آوردن <ما>ی موصوله و تبیین آن با جمله <أنزلت> به جای قرآن و مانند آن، بیان علت حکم (لزوم ایمان) است; یعنی، چون قرآن را خداوند نازل کرده، باید بدان ایمان

آورید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۴ - ۲

۲ خداوندی که قرآن را به تفصیل نازل کرده، شایسته داوری است.

أفغیر الله أبتغی حکما و هو الذی أنزل إلیکم الکتب مفصلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳ - ۶

۶ قرآن، نشأت گرفته از مقام ربوبی خداوند است.

من ربکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۳ - ۶،۸

۶ قرآن ، به تمامی ، وحی و نازل شده از جانب خداست ، نه ساخته دست بشر

قل إنما أتبع ما یوحی إلیّ من ربی

حصر در جمله <انما أتبع . .. > ناظر به اتهام مشرکان و رد پندار آنان است. یعنی من در ارائه آیات قرآن تابع وحی هستم، نه اینکه از پیش خود آنها را بسازم و یا از این سو و آن سو جمع آوری کنم.

۸ قرآن کتابی نشأت گرفته از مقام ربوبی خداوند

إنما أتبع ما یوحی إلیّ من ربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۴ - ۹

۹ ربوبیت الهی ، مقتضی نزول قرآن بر پیامبر اکرم (ص) بوده است .

لقد جاءك الحق من ربك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۷ - ۱

۱ خداوند نازل کننده قرآن است .

و کذلک أنزلنه

ضمیر در <أنزلناه> به <ما اُنزل إلیک> در آیه قبل که مراد از آن قرآن است باز می گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹ - ۱

۱- قرآن ، بی هیچ تردیدی تنها از جانب خداوند نازل شده است .

إنا نحن نزّلنا الذّکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱ - ۳

۳- خداوند ، نازل کننده قرآن بر پیامبر (ص) است .

أنزل علی عبده الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۶ - ۱

۱ - قرآن ، کتابی است نازل شده از جانب خداوند .

أنزلنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲ - ۱،۲،۴،۵

۱ - بی تردید ، قرآن ، از سوی خداوند نازل شده است .

تنزیل الکتب لاریب فیه من ربّ العلمین

<تنزیل> مصدر به معنای مفعول است و اضافه آن به <الکتاب> از باب اضافه صفت به موصوف است. بنابراین، معنای آیه، چنین می شود: <این، آن کتاب نازل شده ای است که شبهه ای در آن نیست>.

۲ - قرآن ، کتابی است که از سوی پروردگار جهان ، نازل شده است .

تنزیل الکتب . .. من ربّ العلمین

برداشت بالا، بنابراین احتمال است که <تنزیل> مبتدا و <لاریب> خبر باشد. لازم به گفتن است که <ال> در <الکتاب> برای عهد است و به قرآن کریم، اشاره دارد.

۴ - قرآن ، از مقام ربوبیت خدا ، نشأت گرفته و دربردارنده معارفی در جهت رشد و کمال انسان است .

تنزیل الکتب . .. من ربّ العلمین

۵ - ربوبیت خداوند ، مقتضی فرستادن قرآنی خلل ناپذیر و متقن است .

تنزیل الکتب لاریب فیه من ربّ العلمین

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۳ - ۱،۵،۶

۱ - مشرکان ، منکر نزول قرآن کریم از جانب خداوند بودند .

تنزیل الکتب . .. من ربّ العلمین . أم یقولون افتریه

<أم>، منقطعه و به معنای <بل> است و معنای دو فراز دو آیه چنین می شود: <قرآن، از جانب خداوند است و آنان، مدعی اند که ساختگی است>.

۵ - ربوبیت خداوند ، منشأ نزول کتاب آسمانی (قرآن و . . .) است .

تنزیل الکتب . .. بل هو الحقّ من ربّک

۶ - قرآن ، حقِّ محض و نازل شده از جانب خداوند است .

بل هو الحقّ من ربّک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۶ - ۳

۳ - نزول کتاب آسمانی قرآن بر پیامبر (ص) ، پرتوی از ربوبیت خدا است .

الذی أُنزل إلیک من ربّک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۸ - ۹

۹ - ربوبیت خداوند ، مقتضی فرو فرستادن قرآن کریم

قل إنّ ربّی یقذف بالحقّ

<ال> در <الحقّ> می تواند عهد بوده و به قرآن کریم (ذکر شده در آیات سابق) بازگردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۲۹ – ۱

۱ – قرآن ، کتابی گران سنگ و نازل شده از جانب خداوند بر پیامبر (ص)

کتب أنزلنه إلیک

تنکیر <کتاب> مفید تعظیم است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۱ – ۱

۱ – قرآن ، کتابی الهی و آسمانی است

; نه بشری .

تنزیل الکتب من اللّه

تصریح و تأکید خداوند بر الهی بودن قرآن با آن که ادعای آورنده آن (پیامبراسلام) نیز همین بوده است می تواند به این خاطر باشد که تمامی مخالفان اسلام، این کتاب را بشری و ساخته و پرداخته پیامبر(ص) می دانستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲ - ۱

۱ - قرآن ، کتابی الهی و آسمانی است ; نه بشری .

إنّا أنزلنا إلیک الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۱ - ۱

۱ - قرآن ، کتابی الهی و آسمانی است ; نه بشری

إنّا أنزلنا علیک الکتب

تصریح و تأکید خداوند بر الهی بودن قرآن با آن که ادعای آورنده اش (پیامبراسلام) نیز همین بود می تواند به این خاطر باشد که تمامی مخالفان اسلام، این کتاب را بشری و ساخته و پرداخته پیامبر(ص) می دانستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲ - ۱

۱ -قرآن ، کتابی نازل شده از جانب خداوند است ; نه دستاورد بشر .

تنزیل الکتب من اللّه

تصریح و تأکید خداوند بر الهی بودن قرآن با آن که ادعای آورنده اش (پیامبراسلام) نیز همین بوده است می تواند به این خاطر باشد که مخالفان اسلام، این کتاب را بشری و ساخته و پرداخته پیامبر(ص) می دانستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲ - ۱،۲،۵

۱ - قرآن ، کتابی نازل شده از ناحیه خداوند

تنزیل من الرحمن الرحیم

<تنزیل> مصدر

و به معنای اسم مفعول <منزَّل> است. این کلمه خبر برای مبتدای محذوف <هذا> است که اشاره به قرآن دارد.

۲ - تمامی قرآن ، حتی حروف آن ، نازل شده از ناحیه خداوند *

حم . تنزیل من

برداشت یاد شده بنابر این احتمال است که <حم> اشاره به حروف داشته باشد; یعنی، تنها مفاهیم و معارف کلی از ناحیه خداوند بر پیامبر نازل نشده است تا او آنها را به لفظ درآورده باشد; بلکه آیات قرآن که تشکیل یافته از <حاء و میم> و امثال آن است با همین شکل از ناحیه خداوند نازل شده است.

۵ - قرآن ، در قالب الفاظ عربی ، دارای نزول تدریجی از جانب خداوند

حم . تنزیل من

بنابراین احتمال که <حم> نظر به جنبه لفظی قرآن داشته باشد، با توجه به آیاتی که نزول دفعی قرآن را می فهماند می توان نتیجه گرفت که نزول دفعی قرآن، نزولی مفهومی و معرفتی بوده و نزول لفظی آن در قالب حروف و کلمات عربی، نزول تدریجی بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۲ - ۶

۶ - قرآن ، نازل شده از سوی پروردگار کاردان و ستوده

تنزیل من حکیم حمید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵۲ - ۳

۳ - قرآن ، وحی خدا و نازل شده از عالم امر *

أوحینا إلیك روحًا من أمرنا

برداشت یاد شده بر این اساس است که مراد از <روحاً> قرآن باشد. در این صورت <من أمرنا> اشاره دارد به این که قرآن مخلوقی از جهان بالا و نازل

شده از عالم امر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳ - ۱

۱ - قرآن ، کتابی نازل شده به زبان عربی از سوی خداوند

إنّا جعلنه قرءانًا عربيًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲ - ۱

۱- قرآن ، فرستاده شده از جانب خداوند عزیز و حکیم

تنزيل الكتب من اللّه العزيز الحكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲ - ۲

۲ - نزول قرآن و تعلیم آن به انسان ، تبلور رحمت گسترده خداوند به خلق

الرحمن . علّم القرءان

اسناد تعلیم به اسم <رحمان>، بیانگر مطلب بالا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۸۰ - ۱

۱ - قرآن ، کتابی نازل شده از جانب خداوند

تنزيل من ربّ العلمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۶ - ۹

۹ - قرآن ، كتابى نازل شده از جانب خداوند

و ما نزل من الحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۵ - ۸

۸ - آيه هاى قرآن ، نازل شده از جانب خداوند

و قد أنزلنا ءايت بيّنت

منشأ هدايتگرى قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲ - ۹

۹ - راهنما بودن قرآن از سوى خداوند ، مقتضى شرك نورزيدن و شريك ندانستن هيچ كس براى او است .

يهدى إلى الرشد فامنّا به و لن نشرك بربّنا أحدًا

منطق قرآن

جلد - نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۲۳ – ۸

۸ برخورد منطقی قرآن با مخالفان

یُدعون الی کتاب اللّه لیحکم بینهم

زیرا کتاب خودشان را حَکَم قرار داده است.

منکران قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۳۳ – ۲،۶

۲ وجود پیامبر (ص) در میان منکران قرآن ، علت مصونیت آنان از عذاب های الهی ، نه حقانیت آنان در انکار قرآن

إن کان هذا هو الحق من عندک فأمطر . .. و ما کان اللّه لیعذبهم و أنت فیهم

جمله <و ما کان . .. > پاسخی است به عذاب خواهی منکران قرآن. یعنی وجود پیامبر(ص) در میان جامعه مانع عذاب استیصال است. بنابراین کسی مپندارد که عذاب نشدن منکران قرآن هر چند به تقاضای خود آنان باشد، دلیل حقانیت آنان است.

۶ گرایش کافران مکه به قرآن در آینده دوران بعثت ، دلیل گرفتار نشدن آنان به عذاب استیصال ، نه حقانیت ایشان در انکار قرآن

و ما کان اللّه معذبهم و هم یستغفرون

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله <و هم یستغفرون> حال مقدر باشد. یعنی خداوند اکنون (زمان انکار قرآن) کافران مکه را عذاب نمی کند، در حالی که در آینده توبه خواهند کرد. گفتنی است که استغفار و توبه کافر به ایمان آوردن اوست.

مواعظ قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۳۸ – ۹

۹ بیان احکام الهی (لزوم پرهیز از رباخواری ، پیروی از خدا و رسول و . . .) ، روشنگر

مردم و پندی برای تقواپیشگان و هدایت کننده آنان

یا ايّها الّذين امنوا . .. هذا بيان للنّاس و هدىً و موعظه للمتّقين

برخی برآنند که <هذا>، اشاره به کلیه مسائل و معارفی است که در آیات ۱۳۰ تا ۱۳۷ تبیین شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۳ - ۴

۴ - قرآن ، مایه پند انسان ها و بیداری از غفلت ها

و إذا ذكّروا لا يذكرون

موانع استفاده از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳ - ۹

۹ - روحیه خیره سری و عناد ، مانع بهرهوری از روشنگری های قرآن

تلك ءايت الكتب المبين . نتلوا عليك... لقوم يؤمنون

با توجه به این که قرآن، آمده است تا با روشنگری هایش گمراهان را هدایت کند و بی تردید این روشنگری ها در بسیاری از آنان اثر کرده است؛ مراد از عبارت <لقوم يؤمنون> همه کسانی است که در صدد شناخت حق بوده و در مقابل آن تسلیم می شوند و در مقابل آنان کسانی هستند که در موضع لجاجت و دشمنی قرار دارند و از حق می گریزند و چه بسا با آن به ستیز می پردازند.

موانع ایمان به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۵ - ۹

۹ دنیاطلبیو تجمل گرایی ، از موانع پذیرش توحید و ایمان به پیامبر (ص) و قرآن است .

فاعلموا أنما أُنزل بعلم الله و أن لا إله إلاّ هو فهل أنتم مسلمون. من كان يريد ا

- آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۲۵ – ۸

۸– اسطوره قلمداد کردن قرآن ، بازدارنده مردم از ایمان به آن است .

قالوا أسطر الأولين . ليحملوا ... و من أوزار الذين يضلّونهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۲۱ – ۲

۲ – تعصّب و تقلید کور از نیاکان ، مانع گرایش کافران به پیروی از قرآن و تعالیم آسمانی است .

و إذا قيل لهم اتّبعوا ما أنزل اللّه قالوا بل نتّبع ما وجدنا عليه ءاباءنا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۲ – ۵

۵ – خوی سرکشی ، تکبر ، ستیزه جویی و حق ناپذیر ، از موانع پذیرش قرآن و وحی الهی

و القرءان ذى الذكر . بل الذين كفروا فى عزّه و شقاق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۴ – ۷

۷ – روی گردانی از قرآن ، مایه محرومیت از پذیرش مفاهیم آن

فأعرض أكثرهم فهم لايسمعون

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که <لایسمعون> به معنای <لایقبلون> باشد (المیزان، روح المعانی).

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – جن – ۷۲ – ۲ – ۸

۸ – عقیده به شریک داشتن خدا ، در تضاد با ایمان به قرآن

فامنّا به و لن نشرک بربّنا أحدًا

برداشت یـاد شـده، بـا توجه به این نکته است که جنیان پس از درک هـدایت گری قرآن، دو نکته را با هم بر این درک تفریع کردند: ۱ ایمان به قرآن، ۲ شریک نگرفتن برای خدا.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه – فیش

۲۰ – انشقاق – ۸۴ – ۲۱ – ۵

۵ – روحیه ناباوری ، مانع پذیرش قرآن و خضوع در برابر آن

لایؤمنون . و إذا قریء علیهم القرءان لایسجدون

موانع تبعیت از قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۷۰ – ۸

۸ – تقلید های کورکورانه ، از دسیسه های شیطان برای بازداری انسان ها از پیروی قرآن و احکام دین

لاتتبعوا خطوت الشیطن . .. و إذا قیل لهم اتبعوا ما أنزل اللّه قالوا بل نتبع ما أل

جمله <بل نتبع . ..> که گویای تقلید کورکورانه است – به قرینه آیات قبل – بیانگر مصداقی است برای <خطوات الشیطان>. قابل ذکر است که قید <کورکورانه> از جمله <أو لو کان آباؤهم ...> استفاده شده است.

موانع خضوع برای قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – انشقاق – ۸۴ – ۲۱ – ۵

۵ – روحیه ناباوری ، مانع پذیرش قرآن و خضوع در برابر آن

لایؤمنون . و إذا قریء علیهم القرءان لایسجدون

موانع دشمنی با قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۲ – ۱۰

۱۰– توجه به عزّت و شکست ناپذیری خداوند ، مقتضی خصومت نورزیدن در برابر قرآن و قوانین آن *

تنزیل الکتب من اللّه العزیز الحکیم

تـذکر خداونـد به مردم، درباره عزت و پیروزمنـدی خود، می توانـد از آن جهت باشـد که آنان را هشدار دهد تا مبادا در برابر کتاب و قوانین او، به ستیز برخیزند; زیرا کاری از پیش نخواهند برد.

موضعگیری علیه قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه

– فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۴ – ۴

۴ واکنش کافران در برابر قرآن و رسالت پیامبر (ص) ، رفتاری بس ظالمانه و مزورانه بود .

فقد جاءو ظلمًا و زورًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۳۶ – ۵

۵ – موضع گیری های کافران در قبال قرآن و پیامبر (ص) ، متکی به پندار و نه دلیل یقینی

أم خلقوا السموت و الأرض بل لایوقنون

موضعگیری منفی علیه قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۲۴ – ۲

۲ موضع گیری منفی و تمسخرآمیز در برابر آیات الهی قرآن و ارزش های دینی ، نشانه نفاق است .

و إذا ما أنزلت سوره فمنهم من یقول أیّکم زادته هذه إیمناً

موعظه قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۵۸ – ۶

۶ – هوشیاری و پندآموزی مردم ستیزه جو و کافر ، از مواعظ و آیات الهی ، بسیار اندک است .

إنّ الذین یجدلون فی ءایت اللّه . .. و ما یستوی الأعمی والبصیر ... قلیلًا ما تت

موعظه گری قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۷ - ۱،۷

۱ قرآن ، برای همه مردم موعظه و برای بیماری های نهفته در دل بیماردلان ، دارویی شفابخش است .

یأیها الناس قد جاءتکم موعظه من ربکم و شفاء لما فی الصدور

۷ موضوعات مطرح شده در قرآن ، در راستای پندآموزی ، شفابخشی ، هدایتگری و رحمت بخشی

است .

يأيها الناس قد جاءتكم موعظه من ربكم . .. و رحمه للمؤمنين

مؤاخذه اخروی مكذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۱ - ۱۳،۱۵

۱۳ - كافران به قرآن ، در قيامت مورد مؤاخذه قرار خواهند گرفت .

و قال الذين كفروا لن نؤمن بهذا القرءان . .. و لو ترى إذ الظلمون موقوفون عند ربّ

۱۵ - ربوبيت الهى ، مقتضى مؤاخذه كافرانِ به قرآن

و قال الذين كفروا لن نؤمن بهذا القرءان . .. و لو ترى إذ الظلمون موقوفون عند رب

مؤمنان به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۱ - ۲

۲ - از ميان يهود و نصارا ، پيروان حقيقى تورات و انجيل به قرآن و محمد (ص) ايمان مى آورند .

الذين ءاتينهم الكتب يتلونه حق تلاوته أولئك يؤمنون به

<تلاوت به معناى خواندن و قرائت كردن است. برخى از اهل لغت آن را به معناى پيروى كردن نيز گفته اند. مراد از ضمير <به> محتمل است قرآن يا پيامبر(ص) باشد و نيز مى تواند به الكتاب (تورات و انجيل) برگردد. برداشت فوق ناظر به اين است كه مراد از ضمير <به> قرآن يا پيامبر (ص) بوده و تلاوت به معناى پيروى كردن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - يونس - ۱۰ - ۴۰ - ۴،۵،۷

۴ هرگز تمامى مردم روى زمين ، به قرآن ايمان نخواهند آورد .

و منهم من يؤمن به و منهم من لا يؤمن به

۵ مردم روزی زمین همواره نسبت به قرآن دو دسته هستند

: مؤمن و كافر .

و منهم من يؤمن به و منهم من لا يؤمن به

۷ كسانى كه قرآن را مى پذيرند و به آن ايمان مى آورند ، از رذيله فسادانگيزى منزه هستند .

و منهم من يؤمن به . .. و ربك أعلم بالمفسدين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۱۲

۱۲ آنان كه از بصيرت الهى برخوردارند ، به قرآن ايمان مى آورند .

أفمن كان على بيّنه . .. أُولئك يؤمنون به

مراد از ضمير در <به> به دليل آيات گذشته (أم يقولون افتراه . ..) و نيز بخشهاى بعدى آيه ، قرآن است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۹ - ۸

۸ تنها خردمندان حقانيّت قرآن و الهى بودن آن را درمى يابند و آن را باور مى كنند .

إنما يتذكّر أُولُوا الألبب

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۲ - ۱

۱ - ايمان آوردن برخى از اهل كتاب صدراسلام به قرآن

الذين ءاتينهم الكتب . .. به يؤمنون

عبارت <الـذين آتيناهم الكتاب> اشاره به گروهى از اهل كتاب دارد; نه همه آنان، زيرا بـديهى است كه همه اهل كتاب در صدراسلام به قرآن ايمان نياوردند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۷ - ۸

۸ - تعداد کمی از مشرکان مکه ، به قرآن ، ایمان آوردند .

و من هؤلاء من یؤمن به

<من> در <من هؤُلاء> تبعیض است و <هؤُلاء> اشاره به مشرکان مکه دارد. گفتنی است که تعبیر <من هؤُلاء>

همان گونه که برخی گفته اند دلالت بر قلّت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۶ - ۱۰

۱۰ - گروهی از مردم ، در برخورد با آیات قرآن کریم ، آن را می پذیرند و گروهی دیگر ، از آن روی گردانده و به سخنان بیهوده روی می آورند .

تلك ءایت الکتب . .. هدًی ... للمحسنین ... و من الناس من یشتری لهو الحدیث

آیه، عطف معنوی به آیات پیش و یا عطف قصه به قصه است و گویا، در صدد بیان این نکته است که مردم، در برخورد با قرآن، دو دسته اند: گروهی از آنان محسنان اند که هدایت پذیرند و گروهی دیگر، از آن گریزانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۳ - ۱

۱ - پیامبراسلام (ص) ، آورنده کتاب آسمانی قرآن و دین الهی و تصدیق کننده و مؤمن به آن بود .

و الذی جاء بالصدق و صدّق به

در این که <الذی> در دو جمله < جاء بالصدق و صدّق به> چیست، چند احتمال وجود دارد: ۱ مقصود در هر دو جمله یك شخص و آن پیامبراسلام(ص) است. ۲ مراد پیامبران الهی می باشد و <الذی> هرچند به صیغه مفرد است ولی به قرینه این که با صیغه جمع (أُولئك هم المتّقون) بدان اشاره گشته، از آن جنس اراده شده است. ۳ مقصود از <الذی> در جمله دوم (و صدّق به) بر مبنای احتمال نخست، پیروان پیامبراسلام(ص) و بر مبنای احتمال دوم، پیروان پیامبران الهی است. گفتنی است

برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۰ - ۱۱

۱۱- سرزنش مشرکان عرب از سوی خداوند ، به سبب کفرورزی به قرآن ، علی رغم ایمان برخی غیر عرب به حقانیت آن *

و شهد شهد من بنی إسرءیل علی مثله فامن و استکبرتم

این احتمال در آیه وجود دارد که تذکر قرآن به ایمان فردی از بنی اسرائیل; از آن جهت برای مشرکان عرب سرزنش بار باشد که بنی اسرائیل در اصل عرب نبودند و عوامل نژادی و زبانی، مقتضی آن بوده تا در برابر قرآن خاضع نشوند. با این وصف برخی از آنان به قرآن ایمان آوردند; در حالی که مشرکان عرب که قرآن به لغت آنان نازل شده از پذیرش آن امتناع ورزیدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۹ - ۶

۶- پی بردن جنیان به حقانیت قرآن و رسالت پیامبر (ص) ، با استماع کلام وحی

فلمّا حضروه قالوا أنصتوا فلمّا قضی ولّوا إلی قومهم منذرین

تعبیر <ولّوا إلی. ..> نشان می دهد خود جنیان، انذارها را پذیرفتند و به آن ایمان آوردند.

مؤمنان و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۳ - ۱۳

۱۳ تنها اهل ایمان از هدایتگری و رحمت آفرینی قرآن بهره مند می شوند .

هذا . .. هدی و رحمه لقوم یؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۷ - ۶

۶ قرآن برای مؤمنان ، هدایت

و رحمت است .

و هدًى و رحمه للمؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - يونس - ۱۰ - ۵۸ - ۲،۴

۲ تنها نعمتى كه برخوردارى از آن ، بايد مايه خوشحالى و شادمانى مؤمنان باشد ، قرآن است .

قد جاءتكم موعظه من ربكم . .. قل بفضل اللّه و برحمته فبذلك فليفرحوا

۴ قرآن ، نعمتى است كه مؤمنان با بهره مندى از آن ، نبايد از تنگدستى خود و دارايى و اندوخته هاى مادى ديگران ، اندوهناك باشند .

قد جاءتكم موعظه من ربكم . .. فبذلك فليفرحوا هو خير مما يجمعون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳ - ۸

۸ - تنها حق جويان و اهل ايمان ، زمينه دار بهره مندى از روشنگرى هاى قرآن

تلك ءايت الكتب المبين . نتلوا عليك... لقوم يؤمنون

قيد <لقوم يؤمنون> مى رساند كه ديگران شايستگى بهرهورى از قرآن را ندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - حديد - ۵۷ - ۱۷ - ۹

۹ - وجود هميشگى مؤمنانى كه با تدبر در قرآن ، از رهنمود هاى آن بهره مى گيرند .

قد بيّنا لكم الأيت لعلّكم تعقلون

به كارگيرى <لعلّ> كه براى بيان اميد است نشان مى دهد كه زمين هرگز از وجود مؤمنانى كه از قرآن استفاده كنند، خالى نمى شود.

مؤمنان و مثالهاى قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۶ - ۷

۷ - اهل ایمان حقانیت مثل های قرآن و آسمانی بودن آنها را در می یابند و به خوبی

می فهمند .

فأما الذین ءامنوا فیعلمون أنه الحق من ربهم

مؤمنان و نزول قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۴ - ۱۰

۱۰ افزایش ایمان مؤمنان و بروز شادمانی در چهره آنان ، با نزول و شنیدن آیه های قرآن

فأما الذین ءامنوا فزادتهم إیمناً و هم یستبشرون

مهربانی درشفابخشی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۲ - ۸

۸- شفابخشی قرآن نسبت به بیماری های روحی ، فکری و اخلاقی توأم با رحمت ، شفقت و مهربانی است .

و ننزّل من القرءان ما هو شفاء و رحمه للمؤمنین

ذکر دو صفت <شفاء> و <رحمت> برای قرآن، در کنار یکدیگر، می تواند مشعر به معنای یاد شده باشد.

مهلت به مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۵ - ۵

۵ - مهلت دادن به تکذیب گران ، جلوه کید و تدبیر خداوند علیه آنان است .

إنّ کیدی متین

جمله <إنّ کیدی متین> در مقام تعلیل برای <أُملی لهم> است; یعنی، مهلت دادن ما به کافران، چنین است که ما کید و تدبیری متین و استوار درباره آنان اندیشیده ایم و این مهلت، جلوه همین تدبیر است.

مهمترین تعالیم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲ - ۲۸

۲ توحید و لزوم یکتاپرستی از تعالیم اساسی ، متقن و روشنِ قرآن است .

کتب أُحکمت ءایته ثم فصلت . .. ألاّ تعبدوا إلاّ الله

<ألاّ> مرکب از <أن> تفسیریه و <لا> ی ناهیه است و جمله <لاتعبدوا

. ..> تفسیر <کتاب اُحکمت آیاته ثم فصلت> می باشد; یعنی ، نهی از پرستش غیر خدا ، سخن متقن و روشن قرآن است.

۸ رسالت پیامبر (ص) ، از پیام های متقن ، روشن و اساسیِ قرآن

کتب أُحکمت ءایته ثم فصلت . .. إننی لکم منه نذیر و بشیر

جمله <إننی لکم منه . ..> نیز همانند <لاتعبدوا ...> تفسیر <کتاب اُحکمت ...> می باشد; یعنی ، از پیامهای این کتاب ، رسالت و نبوت پیامبر(ص) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳ - ۲

۲ ضرورت استغفار از گناهان (پرستش غیر خدا و . . .) از پیام های اساسی ، متقن و روشنِ قرآن است .

و أن استغفروا ربکم

<أن> در جمله فوق تفسیریه است و لذا <استغفروا ربکم> نیز همانند <لاتعبدوا. ..> تفسیر <کتاب اُحکمت...> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵۲ - ۸،۱۳

۸- اثبات یگانگی خدا و آگاه کردن مردم به این حقیقت ، اساسی ترین موضوع قرآن و محور آموزه های آن است .

هذا بلغ للناس . .. و لیعلموا أنما هو إله وحد

۱۳- پنددهی به صاحبان خرد ناب ، از محور های مهم آموزه های قرآن و از موضوعات اساسی آن است .

هذا بلغ للناس . .. و لیذّکّر أولواالألبب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۰ - ۲،۱۳

۲- عدل ، احسان و صله رحم ، از مهم ترین دستورات هدایتی قرآن است .

و نزّلنا علیک الکتب . .. إن الله

يأمر بالعدل و الإحسن و إيتاىءِ ذى القربى

خداونـد، پس از معرفی قرآن به مسأله عدل، احسان و بخشـش به خویشاوندان پرداخته است. ارتباط این دو موضوع، می تواند گویای برداشت فوق باشد.

۱۳- قرآن ، عهده دار بیان همه ارزش ها و ضد ارزشهاست .

تبينًا لكلّ شىء . .. إن الله يأمر بالعدل ... و ينهى عن الفحشاء و المنكر و البغى

فرمان به رعایت عـدالت و . .. تحـذیر از فحشا و ... پس از توصـیف قرآن به <تبیاناً لکل شـیء> می توانـد بیانگر مطلب فوق باشد؛ یعنی، قرآن بیانگر تمامی حقایق مربوط به ارزشها و ضد ارزشهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۶ - ۹

۹- توحید ربوبی ، از مهم ترین تعالیم قرآن کریم و مشرکان دارای حساسیتی شدید نسبت به آن

و إذا ذكرت ربّك فى القرءان وحده ولّوا على أدبرهم نفورًا

ذکر صـفت <ربّ> از میان دیگر اسـما و صـفات خداونـد، به ضـمیمه قیـد <وحـده> (توحیـد ربوبی) بیانگر اهمیت آن در تعالیم دینی است و روی گردانی نفرت آلود مشرکان از طرح آن، نشانگر حساسیت شدید آنان به آن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۹ - ۴

۴- ایمان به رستاخیز و معاد ، از تعالیم مهم دین و آموزه های قرآن است .

و قالوا أءذا . .. لمبعوثون خلقًا جديدًا

ذکر مسأله معاد پس از بیان موضوع قرآن و رسالت پیامبر(ص) از میان سایر تعالیم دین، حکایت از جایگاه ویژه آن دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ -

۹ - ۲۹

۹- انذار ، مهم ترين و بارزترين پيام قرآن براى جنيان

فلمّا حضروه قالوا أنصتوا . .. ولّوا إلى قومهم منذرين

تنها صفتى كه خداوند براى جنيان، ياد كرده، اين است كه آنان پس از شنيدن آيات قرآن، با روحيه انذارگرى و به انگيزه انذار به سوى قومشان بازگشتند.

ناپسندى افترا به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۵ - ۱۴

۱۴- بار گناه اسطوره خواندن قرآن ، بارى بس ناشايست و زشت

قالوا أسطر الأولين . .. ألا ساء ما يزرون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۸ - ۱۵

۱۵- اسطوره خواندن قرآن ، توطئه عليه دين الهى و انتخاب كفر ، اعمالى زشت و ناپسند

و إذا قيل لهم ماذا أنزل ربّكم قالوا أسطر الأولين . .. قد مكر الذين من قبلهم ...

ناپسندى شك به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - يونس - ۱۰ - ۹۴ - ۱۰

۱۰ ترديد و شك در الهى و حق بودن قرآن ، امرى ناروا و خلاصى نفس از آن ، ضرورى و لازم است .

لقد جاءك الحق من ربك فلاتكونن من الممترين

ناخشنودى از استماع قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۷ - ۴،۵

۴ ناخشنودی از شنیدن آیات الهی ، نشانه نفاق است .

و إذا ما أنزلت سوره . .. هل یریکم من أحد ثم انصرفوا

۵ نگرانی شدید منافقان از افشای ماهیت پلید و برملا شدن ناخشنودی آنان از آیات الهی ، نزد دیگران

هل یریکم

من أحد ثم انصرفوا

نامگذاری قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱ - ۵

۵- نام گذاری آخرین کتاب آسمانی به < قرآن > و تقسیم بندی آن به < آیات > ، از جانب خداوند بود .

الر تلك ءايت الكتب و قرءان مبين

نامه عمل مكذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۳ - ۴

۴ - تکذیب کننـدگان قرآن و منکران معاد ، خود رقم زننـده نامه عمل خویش انـد و کردار ناپسـند خود را در آن ذخیره می سازند .

بمایوعون

به قرینه آیات پیشین که درباره نامه های اعمال بود می توان گفت: مراد از <وعاء> در <یوعون>، همان نامه عمل است که منکران معاد آن را ظرف کردار خود ساخته اند.

نامهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳ - ۵

۵ < الکتاب > ، از نام های قرآن *

نزّل علیك الكتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴ - ۵

۵ فرقان ، از اسامی قرآن

و انزل الفرقان

بنابر قول بسیاری از مفسّرین، منظور از <فرقان>، قرآن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷ - ۲،۳

۲ نزول قرآن به صورت مکتوب بر پیامبر (ص) *

هو الذی انزل علیک الکتاب

اطلاق <الکتاب> بر قرآن، یا باید به این اعتبار باشد که نزولش به صورت نوشته بوده و یا در آن عصر به صورت

کتاب و نوشته درمی آمده است، برداشت فوق بر اساس احتمال اوّل استفاده شده است.

۳ < الکتاب > ، از اسامی قرآن *

هو الّذی انزل علیك الكتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۸ - ۴

۴ < الذکر الحکیم > ، از نام های قرآن

ذلك نتلوه علیك من الایات و الذّکر الحکیم

برداشت فوق را روایت رسول اللّه (ص) تأیید می کند که فرمود: . .. کتاب اللّه، هو الذکر الحکیم.

الدر المنثور، ج ۲، ص ۲۲۷.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۸ - ۴

۴ حق ، از نام های قرآن است .

قد جاءکم الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱ - ۴

۴ آیات سوره یوسف ، بخشی از قرآن مبین است .

تلك ءایت الکتب المبین

مشارالیه <تلك> آیات سوره یوسف است. بنابراین <تلك آیات ...> ; یعنی ، آیاتی که پیش روی شماست ، آیات آن کتاب مبین (قرآن) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱ - ۳

۳- قرآن کریم ، از همان آغاز نزول ، از جانب خداوند < کتاب > نامیده شده است .

کتب أنزلنه إلیک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱ - ۴

۴- قرآن ، قبل از به پایان رسیدن نزول مجموعه آیات آن ، به عنوان کتاب معرفی شده است .

الر تلک ءایت الکتب و قرءان مبین

با اینکه این سوره مکی است و هنوز همه

آیات قرآن در آن هنگام نازل نشده بود، از قرآن، به عنوان <کتاب> یاد شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۶ – ۲

۲– < ذکر بودن قرآن > ، وصفی که کافران مکه با آن آشنا بودند .

و قالوا یأیها الذی نزّل علیه الذّکر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۹ – ۳

۳– < ذکر > از نام های قرآن است .

إنا نحن نزّلنا الذّکر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۴۴ – ۵،۱۹

۵– ذکر ، از نام های قرآن کریم است .

و أنزلنا إلیک الذکر

۱۹– < عن أبی عبدالله (ع) : . . . و سمّی الله عزّوجلّ القرآن ذکراً فقال تبارک و تعالی : < و أنزلنا إلیک الذکر . . . > ;

از امام صادق(ع) روایت شده است: . .. خدای عزّوجلّ قرآن را <ذکر> نامیده و فرموده است: و أنزلناإلیک الذکر>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۶۴ – ۲

۲– قرآن ، از همان دوران اولیه نزول ، به عنوان کتاب معرفی و شناخته شده است .

و ما أنزلنا علیک الکتب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۸ - ۳

۳- قرآن ، از نام های کتاب آسمانی اسلام و شناخته شده در مراحل آغازین نزول وحی بر پیامبر (ص)

فإذا قرأت القرءان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ -

۵ – ۲۷

۵- < کتاب پروردگار > ، عنوانی برای قرآن در عصر پیامبر (ص) بود .

کتاب ربّک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۹۹ – ۷

۷ – < ذکر > ، از اسامی و اوصاف قرآن

و قد ءاتینک من لدنّا ذکرًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۱ – ۷

۷ فرقان ، نامی از نام های قرآن کریم

نزّل الفرقان علی عبده

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۲۹ – ۳

۳ ذکر ، از نام های قرآن کریم

لقد أضلّنی عن الذکر

مراد از <ذکر> در آیه یاد شده قرآن کریم است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۲ – ۵

۵ – پیش از هجرت ، عنوان < کتاب > ، عنوانی شناخته شده برای قرآن بوده است .

تلک ءایت الکتب الحکیم

سوره لقمـان، سوره ای مکی است. از این که در این سوره، از قرآن به عنوان <کتـاب> یاد شـده است، نکته بالا اسـتفاده می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۱۱ – ۴

۴ – < ذکر > از نام های قرآن است .

من اتّبع الذکر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۶۹ – ۹

۹ – ذکر و قرآن ، از نام های کتاب آسمانی پیامبراسلام (ص)

إن هو إلاّ ذکر و قرءان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ –

صافات – ۳۷ – ۱۶۸ – ۳

۳ – ذکر ، از نام های کتاب های آسمانی

ذكرًا من الأوّلين

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۸ – ۶

۶ – ذکر ، از نام های قرآن

أءنزل عليه الذكر من بيننا بل هم فى شكّ من ذكرى

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۴۹ – ۳

۳ – ذکر ، از نام های قرآن

هذا ذكر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۵ – ۵

۵ – < ذکر > ، از نام های قرآن است .

أفنضرب عنكم الذكر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۲ – ۷

۷ < الکتاب > از نام های قرآن

و الكتب المبين

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲ - ۲

۲ - < الکتاب > ، از نام های قرآن است .

تنزیل الکتب من اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲ - ۲،۳

۲- < الکتاب > ، از نام های قرآن

تنزیل الکتب من اللّه

۳- قرآن ، دارای عنوان < کتاب > و به صورت تدوین شده در عصر بعثت

تنزیل الکتب من اللّه

قرآن، خود عنوان کتاب را بر آیات نازل شده منطبق ساخته است. از این نکته و با توجه به مکّی بودن آیات، استفاده می شود که آیات قرآن، از آغاز نزول دارای عنوان کتاب بوده و مدوّن و مکتوب می شده است.

جلد - نام سوره -

سوره – آیه – فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۱ – ۵

۵ < قرآن مجید > ، عنوانی انتخاب شده از سوی خداوند

ق و القرءان المجید

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مزمل – ۷۳ – ۲۰ – ۱۴

۱۴ – قرآن ، نام کتاب آسمانی نازل شده بر پیامبراسلام

فاقرءوا ما تیسّر من القرءان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۵ – ۴

۴ – ذکر ، از نام های قرآن و دیگر کتاب های آسمانی

فالملقیت ذکرًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – انشقاق – ۸۴ – ۲۱ – ۱۰

۱۰ – قرآن ، نامی برگزیده از جانب خداوند پیش از تکمیل آیات آن در عصر رسول اکرم (ص)

و إذا قریء علیهم القرءان

نجات بخشی قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۵۲ – ۵

۵– قرآن ، مایه نجات آدمی از خطر ها ، آسیب ها و دشواری های موجود بر سر راه انسان *

هذا بلغ للناس و لينذروا به

نجاشی و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۸۵ - ۱۲

۱۲ نجاشی و ياران او در زمره محسنان و مؤمنان به خدا ، پيامبر (ص) و قرآن بودند .

قالوا إنّا نصرى ذلک بان منهم قسيسين و رهباناً . .. ذلک جزاء المحسنين

اين بخش از آيات (۸۵ ۸۲) بنابرآنچه بسيارى از مفسران گفته اند، درباره نجاشى پادشاه حبشه و ياران او نازل شده است.

نجواى اخروى معرضان از قرآن

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۳ - ۱،۲،۳

۱ - گنه کاران و اعراض کنندگان از قرآن ، در صحنه قیامت ، آهسته و بی صدا با یکدیگر سخن می گویند .

یتخفتون بینهم

<خفت> به معنای پوشاندن گفتار است (لسان العرب). <یتخافتون> از باب تفاعل، دال براین است که هنگام گفت و گوی با یکدیگر، از آنان صدایی شنیده نمی شود. گفتنی است که به قرینه <خشعت الأصوات للرحمان> (در آیات بعد)، آنچه مجرمان را وادار به پایین آوردن صدا کرده است، احساس عظمت خداوند و انتظار رحمت او است.

۲ - برآورد مدت زمان درنگ در برزخ ، از جمله گفتوگو های پنهانی سرپیچی کنندگان از قرآن با یکدیگر ، در صحنه قیامت

یتخفتون بینهم إن لبثتم

سؤال مجرمان در باره مدت درنگ خود به قرینه اختلاف فاحش عمر آنان در دنیا سؤال از مدت سپری شده پس از مرگ است.

۳ - گروهی از مجرمان و روی گردانان از قرآن در قیامت ، مدت زمان درنگ خود را در برزخ ، ده روز تخمین می زنند .

إن لبثتم إلّاعشرًا

<لبث> به معنای توقف و درنگ است و مراد از <عشراً> به قرینه <یوماً> در آیه بعد ده روز می باشد. این کلمه گرچه فقط برای مؤنث (مثل لیالی) به کار می رود; ولی هنگام حذف تمیز برای مذکر (مانند أیّام) نیز استعمال دارد.

نزول آیات قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱ - ۶

۶- آیات قرآن ، آیاتی فرود آمده از لوح محفوظ

الر تلک ءایت الکتب و قرءان مبین

با

توجه به اینکه لفظ <قرآن> پس از <الکتاب> ذکر شده و نیز اصل درآوردن لفظ مترادف، تأسیس است نه تأکید و تکرار، احتمال دارد که مراد از <الکتاب> لوح محفوظ باشد.

نزول آیه برائت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱ - ۱۰

۱۰ از امام صادق (ع) روایت شده است که فرمود : < نزلت هذه الآیه بعد ما رجع رسول اللّه (ص) من غزوه تبوک فی سنه تسع من الهجره . . . ;

آیه <برائه من اللّه . .. > بعد از مراجعت رسول خدا (ص) از جنگ تبوک در سال نهم هجری نازل شده است ... >.

نزول تدریجی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۶ - ۶

۶ نزول قرآن ، تدریجی و نزول دیگر کتب آسمانی ، دفعی و یکباره بوده است .

و الکتب الذی نزل علی رسوله و الکتب الذی أنزل من قبل

برخی از مفسران همانند زمخشری برآنند که <نزل> در مورد نزول تدریجی و <انزل> در مورد نزول دفعی به کار گرفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۱ - ۹

۹ قرآن به صورت تدریجی بر پیامبر (ص) نازل شده است .

ان تسئلوا عنها حین ینزل القرءان تبدلکم

چنانچه نزول قرآن دفعی باشد، پرسش و پاسخ در هنگام نزول آن، امکان پذیر نبود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۳ - ۲،۳

۲ آیات قرآن گاهی با

تأخیر و فاصله زمانی نازل می شد .

و إذا لم تأتهم بایه

۳ مخالفان پیامبر (ص) تأخیر نزول آیات را دستاویز و بهانه تکذیب رسالت وی قرار می دادند و وی را شماتت می کردند .

و إذا لم تأتهم بایه قالوا لو لا اجتبیتها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۹ - ۳

۳ نزول وحی (قرآن) بر پیامبر (ص) ، تدریجی بود .

و اتبع ما یوحی إلیك

فعل مضارع <یوحی> دلالت بر تجدد و استمرار دارد و لازمه تجدد و استمرار، تدریجی بودن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۴ - ۱۶

۱۶- قرآن ، دارای دو نزول (دفعی و تدریجی) است .

و أنزلنا إلیك الذكر لتبیّن للناس ما نزّل إلیهم

آوردن دو فعل <أنزل> و <نزّل> برای بیان نزول قرآن چنان چه راغب گفته است احتمال دارد از این جهت باشد که <نزّل> به معنای نزول پراکنده و تدریجی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۱ - ۴،۵

۴- آیات قرآن ، به تدریج و به مرور زمان نازل شده است .

و إذا بدّلنا ءایه مكان ءایه

لازمه تبدیل یا نسخ آیات و پیامهای قرآن، نزول تدریجی آنهاست.

۵- نزول تدریجی آیات قرآن و تغییر برخی از آنها از نظر مفاد به مرور زمان ، ناشی از علم الهی است .

و إذا بدّلنا ءایه مکان ءایه و الله أعلم بما ینزّل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- طه - ۱۱

۲۰ - ۱۱۴ - ۱۴

۱۴ - نزول آیات قرآن و کلمات آن بر پیامبر (ص) ، تدریجی بود .

و لاتعجل بالقرءان من قبل أن یقضی إلیک وحیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱ - ۸

۸ قرآن ، کتابی است که به تدریج و جدا جدا (آیه آیه و سوره سوره) بر پیامبراسلام (ص) فرود آمد .

تبارک الذی نزّل الفرقان علی عبده

از دیدگاه برخی از مفسران چون زمخشری، قرآن به این دلیل به فرقان (جدا کننده) نام گذاری شده است که آیات و سوره های آن جدا جدا و با فاصله و به تدریج گردیده بود. ; مثلا در آیه ۱۰۶ <سوره اسراء> آمده است: <و قرآناً فرقناه لتقرأه علی الناس علی مکث و نزّلناه تنزیلاً>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۲ - ۲،۶،۷

۲ دسته جمعی و به یکباره نازل نشدن آیات قرآن بر پیامبر (ص) ، دلیل وحی نبودن آن در دیدگاه کافران صدراسلام

و قال الذین کفروا لولا نزّل علیه القرءان جمله وحده

۶ آیات قرآن ، در عین تدریجی و با فاصله نازل شدن آنها ، دارای بهترین نظم و انسجام

کذلک لنثبت به فؤادک و رتّلنه ترتیلاً

<ترتیل> مصدر <رتّلنا> و از ریشه <رتل> (به معنای نظم و ترتیب زیبا و منسجم) است.

۷ آیات قرآن ، شمرده شمرده و آهسته آهسته بر پیامبر (ص) نازل شد .

و رتّلنه ترتیلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۲

۲ - تعلق اراده الهی بر نازل کردن تدریجی قرآن

و إنّه لتنزیل ربّ العلمین

به کارگیری واژه <تنزیل> به جای <إنزال>، می تواند اشاره به مطلب یاد شده داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۸ - ۴

۴ - قرآن ، به صورت تدریجی و نه دفعی بر مردم نازل گردید .

قالوا لولا أُوتی مثل ما أُوتی موسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۱ - ۲

۲ - نزول پیاپی رهنمود های الهی در قرآن

و لقد وصّلنا لهم القول

<توصیل> (مصدر <وصّلنا>) به معنای پی در پی آوردن است و <ال> در <القول> برای جنس و مفید استغراق می باشد. بنابراین <وصّلنا لهم القول>; یعنی، هر سخنی را برای آنان پیاپی آوردیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲ - ۴،۵،۷

۴ - قرآن ، نازل شده به شکل نزول تدریجی

تنزیل من الرحمن الرحیم

مطلب یاد شده از واژه <تنزیل> که برای نزول تدریجی به کار می رود استفاده شده است (مفردات راغب).

۵ - قرآن ، در قالب الفاظ عربی ، دارای نزول تدریجی از جانب خداوند

حم . تنزيل من

بنابراين احتمال كه <حم> نظر به جنبه لفظى قرآن داشته باشد، با توجه به آياتى كه نزول دفعى قرآن را مى فهماند مى توان نتيجه گرفت كه نزول دفعى قرآن، نزولى مفهومى و معرفتى بوده و نزول لفظى آن در قالب حروف و كلمات عربى، نزول تدريجى بوده است.

۷ - نزول تدريجى قرآن ، جلوه اى از رحمت خداوندى

تنزيل من الرحمن الرحيم

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳ - ۳

۳ - قرآن ، قبل از نزول تدریجی و تفصیلی ، دارای وجودی اجمالی و تفصیل نایافته *

تنزیل من . .. فصّلت ءایته

جمله <فصّلت آیاته> اشعار به آن دارد که قرآن، قبل از نزول به صورت فعلی، در عالمی دیگر وجودی اجمالی و کلی داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۲ - ۷

۷ - نزول قرآن ، نزولی تدریجی ، حکیمانه و شایان ستایش

تنزیل من حکیم حمید

به کارگیری لفظ <تنزیل> که برای نزول تدریجی است مفید برداشت یاد شده است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۸۰ - ۲

۲ - نزول قرآن بر پیامبر (ص) ، نزول تدریجی بود .

تنزیل من ربّ العلمین

مفسران، <تنزیل> را به نزول تدریجی و <إنزال> را به نزول دفعی معنا کرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۹ - ۲

۲ - نزول قرآن بر پیامبر (ص) تدریجی بود .

هو الذی ینزّل علی عبده ءایت بیّنت

به کارگیری فعل مضارع <ینزّل> که مفید استمرار یافتن نزول قرآن است بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۱۶ - ۴

۴ - نزول آیات قرآن بر پیامبر (ص) ، به تدریج و جمله جمله بود .

لاتحرّک به لسانک لتعجل به

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۲۳ – ۳

۳ – نزول قرآن بر پیامبر (ص) ، تدریجی و مرحله ای بود .

إنّا نحن نزّلنا علیک القرءان تنزیلًا

<تنزیلًا>، مفعول مطلق نوعی است و در این آیه بر نزول تدریجی قرآن بر پیامبر(ص) دلالت دارد. ضمن آن که پیش از این آیه و پس از آن، سوره ها و آیات فراوانی که بافاصله زمانی بسیاری از هم قرار دارند نازل شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – قدر – ۹۷ – ۱ – ۸

۸ – < قال الصادق (ع) نزل القرآن فی لیله القدر إلی البیت المعمور جمله ثمّ نزل من البیت المعمور علی رسول اللّه (ص) فی طول عشرین سنه ;

امام صادق(ع) فرمود: قرآن در شب قدر به صورت کامل و یک جا، به بیت المعمور نازل گشت و سپس از بیت المعمور به رسول خدا(ص) در طول بیست سال [به صورت تدریجی] نازل شد>.

نزول تفصیلی قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۱۴ – ۲

۲ خداوندی که قرآن را به تفصیل نازل کرده، شایسته داوری است.

أفغیر الله أبتغی حکما و هو الذی أنزل إلیکم الکتب مفصلا

نزول دفعی قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۲۴ – ۳

۳ نزول دفعی بعضی از سوره های قرآن در مدینه

و إذا ما أنزلت سوره

برداشت فوق بر این اساس است که <انزال> در <أنزلت سوره> برای نزول دفعی به کار رفته باشد.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۷ - ۲

۲ نزول دفعی بعضی از سوره های قرآن در مدینه

و إذا ما أنزلت سوره

برداشت فوق بر این اساس است که مقصود از <انزال> در جمله <و إذا ما أنزلت . .. > نزول دفعی باشد. قابل ذکر است که <انزال> مانند <تنزیل> هم در نزول دفعی و هم در نزول تدریجی به کار می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۴ - ۱۶

۱۶- قرآن ، دارای دو نزول (دفعی و تدریجی) است .

و أنزلنا إلیک الذکر لتبیّن للناس ما نزّل إلیهم

آوردن دو فعل <أنزل> و <نزّل> برای بیان نزول قرآن چنان چه راغب گفته است احتمال دارد از این جهت باشد که <نزّل> به معنای نزول پراکنده و تدریجی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۸ - ۳

۳ - کفرپیشگان حق ستیز ، منکر آسمانی بودن قرآن به بهانه عدم نزول دفعی آن

قالوا لولا أُوتی مثل ما أُوتی موسی

مقصود از <ما أُوتی موسی> تورات است که یکباره نازل شده بود; یعنی، چرا قرآن مانند تورات، یکباره نازل نشده است؟

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۱ - ۴۸

۴ - نزول قرآن در شب قدر ، به صورت کامل بوده است . *

إنّا أنزلنه فی لیله القدر

نزول بسیاری از آیات قرآن، به مناسبت های گوناگونی بوده است که در طول زندگانی رسول اکرم(ص)، پیش آمده بود. در نتیجه آیه شریفه، ناظر به نزول آن

در مرحله ای دیگر خواهـد بود که معارف و رهنمودهای قرآن، به صورت کامل از جانب خداونـد در شب قدر نازل شده بود. گفتنی اسـت کـه تفـاوت تعـبیر <إنزال> و <تنزیـل>، می توانـد بیـانگر ایـن دو مرحله از نزول قرآن باشـد. در این احتمـال، <إنزال> ناظر به نزول دفعی در شب قدر و <تنزیل> ناظر به نزول تدریجی آن در طول زندگانی پیامبر(ص) خواهد بود.

۸ - < قـال الصـادق (ع) نزل القرآن فی لیله القـدر إلی البیت المعمور جمله ثمّ نزل من البیت المعمور علی رسول اللّه (ص) فی طول عشرین سنه ;

امـام صـادق(ع) فرمود: قرآن در شب قـدر به صورت کامل و یک جا، به بیت المعمور نازل گشت و سپس از بیت المعمور به رسول خدا(ص) در طول بیست سال [به صورت تدریجی] نازل شد>.

نزول قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۳ - ۱

۱ - قرآن کتابی است که خداوند ، آن را بر پیامبر خویش نازل کرده است .

مما نزلنا علی عبدنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۷ - ۱۳،۱۵

۱۳ - نازل شدن قرآن به فرمان خدا ، دلیلی بر ناروایی عداوت یهود با جبرئیل است .

من کان عدواً لجبریل فإنه نزله علی قلبک بإذن اللّه

برداشت فوق بر این اسـاس است که قیـد <بـإذن اللّه> پاسـخی حلّی در ارتبـاط با عـداوت یهود با جبرئیل باشـد; یعنی، او به فرمان خدا قرآن را بر قلب پیامبر(ص) نازل کرد و کسی که فرمان خدا را اطاعت کند، نباید در نزد معتقدان

به خدا مبغوض باشد.

۱۵ – هدایتگری و بشارت دهندگی قرآن ، دلیلی بر نابه جابودن عداوت یهود با نازل کننده آن (جبرئیل) است .

فإنه نزله علی قلبك . .. هدیً و بشری للمؤمنین

عبارت <هدیً و بشری> نیز همانند <مصدقاً> حاوی این نکته است که جبرئیل معارفی را به پیامبر(ص) القا کرد که بشارت دهنده و هدایتگر است و لذا دشمنی کردن با او، نمی تواند توجیه معقولی داشته باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۳۱ – ۱۴،۱۵،۱۸

۱۴ لزوم یادآوری نزول کتاب و حکمت (قرآن) از سوی خداوند بر مردم

و اذکروا نعمت اللّه علیکم و ما انزل علیکم من الکتاب و الحکمه

مراد از <کتاب>، قوانین و احکام ظاهری قرآن است و مراد از <حکمت>، باطن و حکمتهای قوانین و شریعت است. (المیزان)

۱۵ قرآن و حکمت های نازل شده ، از نعمت های الهی

و اذکروا نعمت اللّه علیکم و ما انزل علیکم من الکتاب الحکمه

بنابراینکه جمله دوّم (و ما انزل . ..)، عطف تفسیری برای <نعمت اللّه> باشد، و یا اینکه از موارد عطف خاص بر عام باشد.

۱۸ قرآنِ فرستاده شده برای بشر ، مرتبه ای تنزّل یافته از آنچه در پیشگاه خداوند است . *

و ما انزل علیکم من الکتاب و الحکمه

ظاهراً مراد از <انزل>، نزول مرتبه ای است نه مکانی.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۸۵ – ۳

۳ نزول وحی و قرآن ، ناشی از مقام ربوبیّت الهی

امن الرّسول بما انزل الیه من ربّه

سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳ - ۱،۲،۴،۶،۹،۱۴

۱ نزول تدریجی قرآن بر پیامبر (ص)

نزّل علیک الکتاب بالحقّ

تنزیل، معمولاً در مورد نزول تدریجی به کار می رود.

۲ مصونیّت قرآن در هنگام نزولش به پیامبر (ص) از هر گونه باطلی که بدان آمیخته شود .

نزّل علیک الکتاب بالحقّ

بنابراینکه <بالحق>، متعلّق به <نزّل> باشد.

۴ نزول قرآن به صورت مکتوب بر پیامبر (ص) *

نزّل علیک الکتاب

اطلاق <الکتاب> بر قرآن، یا باید به این اعتبار باشد که نزولش به صورت نوشته بوده و یا در آن عصر به صورت کتاب و نوشته درمی آمده است، برداشت فوق بر اساس احتمال اوّل استفاده شده است.

۶ نزول قرآن بر پیامبر (ص) ، تکریم الهی نسبت به وی

نزّل علیک الکتاب

از تقدّم ظرف <علیک> بر مفعول صریح، و همچنین خطاب به پیغمبر (ص)، تکریم خداوند به آن حضرت استفاده شده است.

۹ نزول قرآن بر پیامبر (ص) ، بر اساس شایستگی آن حضرت *

بنابراینکه <بالحق> متعلق باشد به <نزّل> با قید <علیک>.

۱۴ نزول قرآن و تورات و انجیل ، تجلّی یکتایی ، حیات و قیّومیّت (قائم به ذات و قوام دهنده هستی بودن) خداوند است .

اللّه لا اله الاّ هو الحیّ القیوم. نزل علیک الکتاب

از اسناد <نزل> به <اللّه> با صفات یکتایی، حیات و قیومیت برداشت فوق استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷ - ۱،۲

۱ خداوند ، نازل کننده کتاب (قرآن) بر پیامبر

(ص)

هو الذى انزل عليك الكتاب

۲ نزول قرآن به صورت مكتوب بر پيامبر (ص) *

هو الذى انزل عليك الكتاب

اطلاق <الكتاب> بر قرآن، يا بايـد به اين اعتبار باشـد كه نزولش به صورت نوشـته بوده و يا در آن عصـر به صورت كتاب و نوشته درمى آمده است، برداشت فوق بر اساس احتمال اوّل استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۵ - ۱،۲،۴

۱ خداوند ، فرو فرستنده قرآن به سوى پيامبر (ص)

إنّا انزلنا إليك الكتب

۲ قرآن ، مصون از هرگونه باطل ، در سير نزولى آن بر پيامبر (ص)

إنّا انزلنا إليك الكتب بالحق

<باء> در <بالحق> به معناى مصاحبت است و در برداشت فوق، متعلق به جمله <انزلنا> گرفته شده است.

۴ شايستگى پيامبر (ص) براى نزول قرآن بر او

إنّا انزلنا إليك الكتب بالحق

بنابر اينكه <بالحق> توصيف براى <اليك> نيز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۳ - ۱۰

۱۰ قرآن و حكمت فرو فرستاده شده بر رسول خدا (ص) و الهامات مستقيم به او ، رحمت و فضل عظيم الهى بر آن حضرت

و لولا فضل اللّه عليك و رحمته . .. و كان فضل اللّه عليك عظيماً

ظـاهراً کتـاب و حکمت و علوم پیـامبر(ص) که در جمله <و انزل اللّه علیـک . ..> آمـده، مصـداقی از فضـل و رحمت خاص خداوند است که در جمله <لولا فضل اللّه ...> بیان شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء

- ۴ - ۱۶۶ - ۲،۶،۸،۱۱

۲ خداوند نازل کننده قرآن بر پیامبر (ص)

یشهد بما أنزل إلیک أنزله

۶ نزول قرآن به اِشراف الهی و مصون از تعرض شیاطین

لکن اللّه یشهد بما أنزل إلیک أنزله بعلمه

برخی از مفسران جمله <انزله بعلمه> را با این بیان که علم خداوند در این جا کنایه از حفظ و نگهداری است چنین معنا کرده اند که خداوند قرآن را نازل کرد در حالی که خود آن را از تصرف و دستبرد شیاطین مراقبت می کرد.

۸ خداوند با علم به شایستگی پیامبر (ص) قرآن را بر ایشان نازل نمود . *

لکن اللّه یشهد بما أنزل إلیک أنزله بعلمه

در برداشت فوق <بعلمه> حال برای فاعل <انزله> گرفته شده است و متعلق <علم>، لیاقت پیامبر(ص) برای نزول قرآن بر وی ; یعنی <انزله عالماً بانک اهل لذلک>.

۱۱ فرشتگان الهی ، شاهد و ناظر نزول قرآن بر پیامبر (ص)

و الملئکه یشهدون

کلمه <واو> در جمله <و الملئکه یشهدون> حالیه و <یشهدون> به معنای نظارت می کنند، گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۰ - ۵،۱۶

۵ بعثت پیامبر (ص) و نزول قرآن پرتویی از ربوبیت الهی

قد جاءکم الرسول بالحق من ربکم

۱۶ بعثت پیامبر (ص) و نزول قرآن برخاسته از علم و حکمت خداوند

یأیها الناس قد جاءکم الرسول بالحق من ربکم . .. و کان اللّه علیماً حکیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۷۴ – ۱۰

۱۰ خداوند ، نازل

کننده قرآن به سوی مردمان

انزلنا الیکم نوراً مبیناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۸ - ۱،۳

۱ قرآن ، کتابی فرو فرستاده شده از جانب خداوند بر پیامبر (ص)

و انزلنا إلیک الکتب

۳ قرآن در سیر نزولش بر پیامبر (ص) ، مصون از هرگونه باطل

و انزلنا إلیک الکتب بالحق

برداشت فوق بر این مبناست که <بالحق> متعلق به <انزلنا> باشد. یعنی نزول قرآن همراه حق بوده و به هنگام نزول هیچ باطلی بدان راه نیافته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۱۷

۱۷ نزول قرآن بر پیامبر (ص) ، جلوه ای از ربوبیت خداوند

ما أنزل إلیک من ربک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۱ - ۷

۷ خداوند پاسخ گوی پرسش های مردم ، به هنگام نزول قرآن ، گرچه موجب ناخشنودی آنان گردد .

لاتسئلوا عن اشیاء . .. و إن تسئلوا عنها حین ینزل القرءان تبدلکم

به مقتضای اینکه ضمیر در <عنها>به اشیاء توصیف شده به <ان تبدلکم تسؤکم> بر می گردد می توان گفت آن اشیاء و احکام هر چند به خاطر دشواری آنها بر مکلفان بیان نشده است لکن اگر به هنگام نزول قرآن مورد سؤال قرار گیرد، بیان خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۲ - ۲،۴

۲ قرآن کتابی گرانسنگ و نازل شده از جانب خداوند است.

و هذا کتب أنزل نه

۴ نزول قرآن گواه دیگری بر

بطلان ادعای عدم نزول وحی بر بشر است.

ما أنزل الله علی بشر . .. من أنزل الکتب الذی جاء به موسی ... و هذا کتب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۱۵ – ۱۶

۱۶ ارائه کلمه تامه پروردگار (قرآن) با در نظر گرفتن همه شبهات و بهانه های مخالفان انجام پذیرفته است.

و تمت کلمت ربک صدقا و عدلا . .. و هو السمیع العلیم

از وجوه محتمل در بیان تناسب <السمیع> با مضمون آیه آن است که ذکر این وصف برای اشاره به شبهات و القائاتی است که درباره قرآن مطرح می شود. یعنی کلام خداوند تمام است و او شبهات را نیز در نظر داشته و با عنایت به آنها قرآن را نازل فرموده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۵۵ – ۱

۱ قرآن کتابی نازل شده از جانب خداوند

هذا کتب أنزل نه

مشارالیه <هذا>، به دلیل آیات بعد، <قرآن> است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۲ – ۱

۱ قرآن، کتابی است آسمانی، باعظمت و نازل شده بر پیامبر(ص)

کتب أنزل إلیک

کلمه <کتاب> نکره است و اشاره به عظمت قرآن دارد و توصیف آن به <أنزل> بیانگر آسمانی بودن آن است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۳ – ۲

۲ قرآن کتابی است نازل شده برای انسانها

اتبعوا ما أنزل إلیکم من ربکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹۶ - ۲،۳

۲

خداوند نازل كننده قرآن بر پيامبر (ص)

الذى نزل الكتب

۳ خداوند به خاطر نازل كردن قرآن بر پيامبر (ص) ، مصونيت او را از خطر مكر و توطئه مشركان تضمين كرد .

إن ولى اللّه الذى نزل الكتب

توصيف <اللّه> با <الذى نزل الكتب> بيانگر علت ولايت و يارى ويژه پيامبر(ص) از جانب خداست. يعنى چون قرآن را بر من نازل كرد، مرا در برابر شما مشركان يارى خواهد داد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - انفال - ۸ - ۳۲ - ۳

۳ قرآن ، كتابى سراسر حق و نازل شده از جانب خداوند

إ كان هذا هو الحق من عندك

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - يونس - ۱۰ - ۳ - ۳

۳ بعثت پيامبر اكرم (ص) و نزول قرآن ، از مقتضيات ربوبيت خدا بر انسان ها و در راستاى تربيت و رشد آنان است .

أكان للناس عجباً أن أوحينا إلى رجل منهم . .. إن ربكم اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - هود - ۱۱ - ۱ - ۶

۶ كتابت قرآن ، پس از نزول آن بر پيامبر (ص)

كتب أُحكمت ءايته

اطلاق كتاب (نوشته و نگارش يافته) بر قرآن ، يا بدان جهت است كه آيه هاى آن ، پس از نزول نوشته مى شده و يا توصيه اى است از جانب خدا كه بايد ، به صورت كتاب درآيد. در هر دو صورت ، برداشت فوق استفاده مى شود.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٨ - يوسف

- ۱۲ - ۲ - ۱،۲،۴

۱ خداوند ، نازل کننده قرآن

إنا أنزلنه قرء نًا عربیًّا

۲ قرآن ، نام کتاب نازل شده بر پیامبر (ص)

إنا أنزلنه قرء نًا عربیًّا

۴ خداوند ، قرآن را در قالب لغت و زبان عرب نازل کرد .

إنا أنزلنه قرء نًا عربیًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱ - ۷

۷ قرآن ، کتابی از ناحیه خدا و نازل شده بر پیامبر (ص)

و الذی أُنزل إلیک من ربک الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۶ - ۲

۲ قرآن کتاب نازل شده بر پیامبر (ص)

بما أُنزل إلیک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹ - ۲

۲- قرآن ، کتابی نازل شده از رتبه و جایگاهی بس بلند و رفیع

إنا نحن نزّلنا الذّکر

ذکر ضمیرهای جمع برای بیان فرو فرستادن قرآن و لغت <نزول>، که فرود آمدن از جایگاه عالی به پایین است، دلالت بر

نکته فوق می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۴ - ۱

۱- قرآن ، کتابی نازل شده از سوی خداوند بر پیامبر (ص)

و ما أنزلنا علیك الكتب

<ال> در <الکتاب> عهد ذهنی بوده و مراد از آن قرآن کریم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۲ - ۳

۳- روح القدس (جبرئیل) ، واسطه ابلاغ وحی و نازل کننده قرآن از جانب پروردگار

قل نزّله روح القدس من ربّک

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۶ - ۸

۸- قرآن ، حقایقی عالی و تنزل یافته در حد فهم و درک بشر *

نزّلنه تنزیلًا

در معنای <نزول> فرود از مرتبه عالی نهفته است (مفردات راغب) و چون نزول فیزیکی قرآن قابل تصور نیست، ممکن است مقصود نزول معنوی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱ - ۴

۴- خداوند ، به جهت نازل کردن قرآن بر پیامبر (ص) سزاوار همه ستایش ها است .

الحمد للّه الذی أنزل . .. الکتب

توصیف خداوند به <الذی أنزل. ..>، گویای علّت و دلیلِ اختصاص حمدها و ستایش ها به او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۷ - ۱

۱- معارف و حقایق مطرح شده در قرآن ، مطالبی سنگین و بسیار عالی ; که در سطح فهم بشر تنزل یافته و آسان شده است .

فإنّما یسّرنه بلسانک

<تیسیر> (مصدر <یسّرِنا>) به معنای آسان ساختن است. آسان سازی در موردی متصور است که قبل، از آن به نحوی دشواری و سنگینی وجود داشته باشد. دشواری محتوای قرآن قبل از تسهیل (یسّرناه)، ظاهراً به اعتبار مفاهیم بلند و متعالی آن و به دور از دسترس بودن آنها برای افراد بشر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴ - ۱،۴

۱- قرآن ، پیامی فرود آمده از سوی آفریدگار زمین و آسمان ها است .

تنزيلًا ممّن خلق الأرض والسموت

<تنزيلًا> مصدر به معنای اسم مفعول و حال برای <القرآن> در

آیات قبل است.

۴- توان منـدی خداوند بر آفرینش زمین و آسـمان های مرتفع ، نشان اقتدار او برفرسـتادن کتابی شایسـته ، برای تذکر و اندرز انسان ها است .

تذکره. .. ممّن خلق الأرض والسموت العلی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰ - ۱

۱- قرآن ، کتاب آسمانی فرستاده شده از سوی خداوند

لقد أنزلنا إلیکم کتبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۰ - ۳

۳- قرآن ، حقیقتی نازل شده از جانب خداوند

هذا ذکر مبارک أنزلنه

مشارالیه <هذا> قرآن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱ - ۳

۳ قرآن ، کتابی نازل شده از جانب خداوند بر پیامبراسلام (ص)

تبارک الذی نزّل الفرقان علی عبده

از دیدگاه بیشتر مفسران مقصود از <فرقان> در آیه شریفه قرآن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۳ - ۲

۲ - قرآن ، مصون از هر گونه تبدیل و تحریف در مرحله نزول آن بر پیامبر (ص)

نزل به الروح الأمین

توصیف <الروح> به امانت داری اشاره به مطلب یاد شده دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱۰ - ۱

۱ - شیاطین ، فاقد کمترین نقش و دخالت در نزول آیات قرآن

و ما تنزّلت به الشیطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۸ - ۱

۱ - قرآن ، کتابی نازل شده از جانب خداوند

فلمّا جاءهم الحقّ من عندنا

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۱ - ۱

۱ - قرآن ، سخن آسمانی و نازل شده از جانب خداوند

و لقد وصّلنا لهم القول

برداشت یاد شده، با توجه به اسناد فعل <وصل> به ضمیر <نا> (خداوند) استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۱ - ۴،۹

۴ - تأکید خداوند ، بر استمرار نزول قرآن تا آخرین آیات اش بر پیامبر (ص)

أنّا أنزلنا علیک الکتب

با توجه به نزول تدریجی قرآن در طول بیستوسه سال; تعبیر <أنّا أنزلنا علیک الکتاب> در مکه، با آوردن فعل ماضی (أنزلنا) در واقع، وعده ای است که خداوند، درباره نزول قرآن بر پیامبر(ص) تا آخرین آیات اش داده است.

۹ - نزول قرآن بر پیامبر (ص) ، مظهر رحمت ویژه خداوند است .

أنا أنزلنا علیک الکتب . .. إنّ فی ذلک لرحمه

<ذالک> اشاره به نزول قرآن دارد و نکره بودن واژه <رحمت> (لرحمه) بر عظمت و خصوصیت آن دلالت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۶ - ۲

۲ - قرآن ، کتابی نازل شده از جانب خدا و سراسر حق و حقیقت در دیدگاه عالمان

و یری الذین أُوتوا العلم الذی أُنزل إلیک من ربّک هو الحقّ

مراد از <الذی أُنزل إلیک> قرآن کریم است و مصداق کامل و تمام عیار آن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۱ - ۳۸

۳ - کتابت و تدوین آیات قرآن ، پس از نزول آن

بر پیامبر (ص)

و الذی أوحینا إلیک من الکتب

اطلاق کتابت (نوشته و نگارش) بر قرآن، یا بدان جهت بوده که آیه های آن پس از نزول نوشته می شده است. و یا توصیه ای است از جانب خداوند که باید به صورت نوشته درآید.

۸ - انتخاب پیامبر (ص) برای دریافت وحی و قرآن کریم ، بر اساس آگاهی خداوند ، از شایستگی ها و ارزش های نهفته در وجود آن حضرت بود .

و الذی أوحینا إلیک من الکتب . .. إنّ اللّه بعباده لخبیر بصیر

جمله <إنّ اللّه بعباده . ..> در مقام تعلیل برای <و الـذی أوحینا إلیک...> بوده و در واقع پاسخ به این پرسش است که چرا به پیامبراسلام(ص) وحی می شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵ - ۱

۱ - قرآن ، کتابی نازل شده از جانب خداوند

و القرءان . .. تنزیل العزیز الرحیم

<تنزیل> مفعول مطلق برای فعل محذوف و به تقدیر <نزل تنزیلاً من العزیز الرحیم> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۹ - ۲

۲ - کتابت و تدوین قرآن ، پس از نزول آن در حیات پیامبراسلام (ص)

کتب أنزلنه إلیک

اطلاق کتاب (نوشته و نگارش یافته) بر قرآن، یا بدان جهت بوده که آیه های آن پس از نزول نوشته می شده است و یا توصیه ای است از جانب خداوند که باید به صورت نوشته درآید. در هر دو فرض، می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳ - ۳

۳ - نزول قرآن ، با بیانی بلیغ و روشنگر برای همگان ، جلوه ای از عظمت الهی

و الکتب المبین . إنّا أنزلنه فی لیله مبرکه

از ارتباط دو آیه و نیز تکرار ضمیرهای متکلم مع الغیر که اشاره به عظمت الهی دارد می توان به مطلب بالا ره برد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵ - ۱،۴

۱- قرآن حقیقتی مستحکم ، خلل ناپذیر و نازل شده از سوی خداوند

إنّا أنزلنه . .. أمر حکیم ... أمرًا من عندنا

کلمه <أمراً> می تواند حال برای ضمیر مفعولی <أنزلناه> باشد. در این صورت از ارتباط آن با <أمر حکیم> در آیه قبل، مطلب بالا استفاده می شود.

۴- قرآن حقیقتی الهی و نازل شده از سوی او

إنّا أنزلنه . .. أمرًا من عندنا إنّا کنّا مرسلین

از انتساب مکرر نزول قرآن به خداوند، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۶ - ۱،۹

۱- نزول قرآن ، جلوه ای از رحمت الهی و در جهت رشد ، تعالی و تکامل خلق

إنّا أنزلنه . .. رحمه من ربّک

<رحمه> مفعول لأجله و علت برای <إنّا أنزلناه> است. وصف <ربّ> می رساند که آن نزول و این رحمت، در جهت ربوبیت خلق است.

۹- نزول قرآن و تقدیر و تدبیر امور خلق ، متکی بر آگاهی عمیق خداوند از نیاز آنان است .

إنّا أنزلنه . .. فيها يفرق كلّ أمر ... إنّه هو السميع العليم

جمله <إنّه هو السميع العليم> مى تواند تعليل براى

<إنّا أنزلناه. ..> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۷ - ۱

۱- فرستنده قرآن و رسولان ، همان پروردگار یگانه آسمان ها و زمین و موجودات است .

إنّا أنزلنه . .. إنّا كنّا مرسلين ... ربّ السموت و الأرض و ما بينهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲ - ۱

۱ - قرآن ، نازل شده از جانب خداوند مقتدر و حکیم

تنزيل الكتب من اللّه العزيز الحكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱ - ۵

۵ - سوگند خداوند به قرآن ، به هنگام نزول آیات آن *

و النجم إذا هوى

برداشت یاد شده، بدان احتمال است که مراد از <نجم> چنان که برخی از مفسران گفته اند قرآن باشد; زیرا آیات قرآن <نجوماً> (جداجدا و به تدریج) نازل شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۷ - ۱

۱ - عزیمت جبرئیل از بالاترین افق هستی ، به سوی پیامبر (ص) جهت ابلاغ قرآن به آن حضرت

فاستوى . و هو بالأُفق الأعلى

ضمایر در این آیات، به <شدیدالقوی> (جبرئیل) بازمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۹ - ۱۶

۱۶ - بعثت پیامبر (ص) و نزول قرآن ، جلوه ای از رأفت و رحمت خداوند بر خلق

هو الذی ینزّل . .. و إنّ اللّه بکم لرءوف رحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق -

۶۵ - ۱۰ - ۸

۸ - قرآن ، کتابی است نازل شده از سوی خداوند برای بشر .

قد أنزل اللّه إلیکم ذکرًا

طبق گفته مفسران، مقصود از نزول ذکر، نزول قرآن کریم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۲ - ۵

۵ - مرحله دریافت قرآن ، همانند مرحله نزول آن ، مصون از خطا و تحریف است .

إنّه لقول رسول . .. و ما صاحبکم بمجنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۵ - ۳

۳ - مرحله نزول قرآن بر پیامبر (ص) ، منزّه از القاءات شیطان و همراه با رانده شدن او از محدوده آن

و ما هو بقول شیطن رجیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۱ - ۱

۱ - خداوند ، نازل کننده قرآن

إنّا أنزلنه

جمع آمدن ضمیر متکلم، بیانگر عظمت است و مراد از ضمیر مفعولی <أنزلناه> قرآن است. اشتهار نزول قرآن از جانب خداوند، کلام را از تصریح به نام آن بی نیاز ساخته است.

نزول قرآن بر محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۴۴ – ۳

۳- خداوند ، در راستای دادن بینات و کتاب به انبیا ، قرآن کریم را به پیامبراکرم (ص) اعطا فرمود .

بالبیّنت و الزبر و أنزلنا إلیک الذکر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۸۹ – ۱۲

۱۲- نزول قرآن بر پیامبر (ص) ، در جهت تبیین همه حقایق مربوط به

رشد و سعادت آدمی و نیاز های هدایتی او

و نزّلنا علیک الکتب تبینًا لکلّ شیء

هر چند <کلّ شیء> افاده عموم می کند و به ظاهر همه حقایق عالم هستی را می تواند شامل شود، ولی در این جا قرینه های عرفی وجود دارد که دایره آن را محدود می سازد; از جمله اینکه چون قرآن کتاب هدایت، سعادت و رشد است، حقایقی که بیان می کند در قلمرو همین سه موضوع خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۸ - ۶

۶- اعطای کتابی بی مانند چون قرآن به پیامبر (ص) نشان فضل عظیم الهی به آن حضرت است .

إن فضله کان علیک کبیرًا . قل لئن اجتمعت ... لایأتون بمثله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۳ - ۱

۱ - نزول قرآن ، توسط روح الامین (جبرئیل) بر پیامبر (ص)

نزل به الروح الأمین

مراد از <الروح الأمین> با توجه به آیه ۹۷ سوره <بقره> (من کان عدوّاً لجبریل فإنّه نزّله علی قلبک بإذن اللّه) جبرئیل(ع) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، دریافت کننده قرآن از جانب خداوند

و إنّک لتلقّی القرءان من لدن حکیم علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۶ - ۱،۳

۱ - دریافت کتاب آسمانی و برعهده گرفتن رسالت الهی ، خارج از گمان پیامبر (ص) بود .

و ما کنت ترجوا أن یلقی

إليک الکتب

۳ – قرآن ، کتابی القا شده از سوی خداوند به پیامبر (ص)

و ما کنت ترجوا أن یلقی إلیک الکتب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۸۷ – ۳

۳ – قرآن ، کتابی نازل شده از جانب خداوند بر پیامبر (ص)

عن ءایت اللّه بعد إذ أُنزلت إلیک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۲ – ۲

۲ – پیامبراسلام (ص) ، دریافت کننده وحی (قرآن) از سوی خداوند

إنّا أنزلنا إلیک الکتب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۳ – ۴

۴ – نزول و قرائت قرآن بر پیامبر (ص) در قالب زبان عربی

تنزیل من الرحمن . .. قرءانًا عربیًّا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۷ – ۱

۱ – قرآن از سوی خداوند ، در قالب زبان عربی بر پیامبر (ص) وحی شده است .

و کذلک أوحینا إلیک قرءانًا عربیًّا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲ - ۷

۷- قرآن ، حقایقی نازل شده از سوی خداوند ، بر پیامبر (ص)

نزّل علی محمّد و هو الحقّ من ربّهم

تصریح به <نزّل>، بیانگر این حقیقت است که شخص پیامبر(ص) مفاهیم و حقایق قرآن راابداع نکرده; بلکه قرآن به همین صورت از جانب خداوند بر آن حضرت نازل شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۳

۱ - قرآن ، کتابی نازل شده از سوی خداوند بر پیامبر (ص)

إنّا نحن نزّلنا علیک القرءان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۴ - ۲

۲ - نزول قرآن بر پیامبر (ص) ، مستلزم صبر و شکیبایی آن حضرت در جهت تبلیغ و اجرای تعالیم آن

إنّا نحن نزّلنا علیک القرءان تنزیلاً . فاصبر لحکم ربّک

از تفریع فرمان به صبر (فاصبر)، بر نزول قرآن بر پیامبر(ص) (نزّلنا علیک القرآن) مطلب یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۱ - ۶

۶ - قرآن در مرحله نزول بر پیامبر (ص) ، از هرگونه تحریف ، افزودن و کاستن مصون بوده است .

إنّه لقول رسول . .. ثَمّ أمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۱ - ۸

۸ - < قال الصادق (ع) نزل القرآن فی لیله القدر إلی البیت المعمور جمله ثمّ نزل من البیت المعمور علی رسول اللّه (ص) فی طول عشرین سنه ;

امام صادق(ع) فرمود: قرآن در شب قدر به صورت کامل و یک جا، به بیت المعمور نازل گشت و سپس از بیت المعمور به رسول خدا(ص) در طول بیست سال [به صورت تدریجی] نازل شد>.

نزول قرآن به بیت المعمور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۱ - ۸

٨ - < قال الصادق (ع) نزل القرآن فی لیله القدر إلی البیت المعمور جمله ثمّ

نزل من البيت المعمور على رسول اللّه (ص) فى طول عشرين سنه ;

امـام صـادق(ع) فرمود: قرآن در شب قـدر به صورت كامل و يك جا، به بيت المعمور نازل گشت و سـپس از بيت المعمور به رسول خدا(ص) در طول بيست سال [به صورت تدريجى] نازل شد>.

نزول قرآن به عجم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۹ - ۱

۱ - ايمان نياوردن عرب به قرآن و پيامبر (ص) در صورت نزول آن بر فردى غير عرب و با زبان غيرعربى

و لو نزّلنه . .. ما كانوا به مؤمنين

نزول قرآن به عجمى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۹ - ۱

۱ - ايمان نياوردن عرب به قرآن و پيامبر (ص) در صورت نزول آن بر فردى غير عرب و با زبان غيرعربى

و لو نزّلنه . .. ما كانوا به مؤمنين

نزول قرآن در شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳ - ۱،۴

۱- نزول قرآن از سوى خداوند ، در شبى مبارك و ارجمند (شب قدر)

إنّا أنزلنه فى ليله مبركه

۴- نزول قرآن در شبى مبارك ، بيانگر اهميت قرآن نزد خداوند

إنّا أنزلنه فى ليله مبركه

این که شبی برکت زا برای نزول قرآن برگزیده شده است، خود نشانی از عظمت قرآن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴ - ۸

۸- نزول قرآن در شب قدر ، خود نمودی از تقدیر امور مهم در

آن شب

إنّا أنزلنه فی لیله مبرکه . .. فیها یفرق کلّ أمر حکیم

تطبیق کلی <فیها یفرق کلّ أمر حکیم> بر <إنّا أنزلناه فی لیله مبارکه>، بیانگر مطلب یاد شده است.

نزول قرآن در ماه رمضان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۵ - ۲،۳،۳۷

۲ - قرآن ، در ماه رمضان نازل شده است .

شهر رمضان الذی أنزل فیه القرءان

۳ - نزول قرآن در ماه رمضان ، دلیلی برای انتخاب این ماه برای روزه گرفتن

شهر رمضان الذی أنزل فیه القرءان

توصیف ماه رمضان به اینکه قرآن در آن نازل شده، پس از بیان احکام روزه و تعیین این ماه برای روزه داری، می تواند اشاره به آن باشد که: علت تعیین ماه رمضان برای روزه گرفتن، نزول قرآن در این ماه است.

۳۷ - فضل بن شاذان از امام رضا (ع) روایت کرده : < فان قال : فلم جعل الصوم فی شهر رمضان خاصه دون سایر الشهور ؟ قیل لأن شهر رمضان هو الشهر الذی أنزل اللّه فیه القرآن و فیه فرّق بین الحق و الباطل کما قال اللّه عز و جل < شهر رمضان الذی أنزل فیه القرآن هدًی للناس و بینات من الهدی و الفرقان > و فیه نبّیء محمد (ص) و فیه لیله القدر التی هی خیر من ألف شهر . . . ;

اگر سؤال شود چرا روزه تنها در ماه رمضان واجب شده و در ماههای دیگر واجب نشده است؟ در جواب گفته می شود: چون ماه رمضان ماهی است که خداوند قرآن را در آن نازل کرده و در این

ماه، حق و باطل را جدا کرده است. همان طور که خداوند فرموده <شهر رمضان الذی أنزل فیه القرآن هدًی للناس و بینات من الهدی و الفرقان>. در این ماه حضرت محمد(ص) پیامبر شد و شب قدر در این ماه است، شبی که از هزار ماه بهتر است ... >.

نزول قرآن در مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۷ - ۲

۲ نزول دفعی بعضی از سوره های قرآن در مدینه

و إذا ما أنزلت سوره

برداشت فوق بر این اساس است که مقصود از <انزال> در جمله <و إذا ما أنزلت . .. > نزول دفعی باشد. قابل ذکر است که <انزال> مانند <تنزیل> هم در نزول دفعی و هم در نزول تدریجی به کار می رود.

نسخ آیات قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۶ - ۷

۷ - خداوند ، هرگاه آیه ای از قرآن یا حکمی از اسلام را نسخ کند و یا به متارکه آن فرمان دهد ، آیه و حکمی بهتر یا همسان با آن را نازل می کند .

ما ننسخ من ءایه أو ننسها نأت بخیر منها أو مثلها

نسخ در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۶ - ۳،۴

۳ - امکان نسخ در آیات قرآن و احکام اسلام

ما ننسخ من ءایه أو ننسها

از مصادیق <ءایه> می تواند آیه ای از قرآن و یا حکمی از اسلام باشد.

۴ – نسخ ادیان و نسخ آیاتی از قرآن و احکامی از دین اسلام ، تنها

به دست خدا و در اختیار اوست .

ما ننسخ من ءایه . .. ألم تعلم أن اللّه علی کل شیء قدیر

از اینکه نسخ به خداوند نسبت داده شده و نیز از تعلیل آن به اقتدار خداوند با جمله <ألم تعلم . ..>، برداشت فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۹ - ۱۲

۱۲ - یهود و نصارا با بهانه قرار دادن نسخ ادیان و نسخ برخی از آیات قرآن ، در صدد ایجاد شبهه در اذهان مسلمانان بودند .

ما ننسخ من ءایه . .. أم تریدون أن تسئلوا رسولکم ... ودّ کثیر من أهل الکتب

بیان تلاش اهل کتاب برای مرتد ساختن مسلمانان پس از مطرح ساختن پرسشها و درخواستهای نابه جا درباره نسخ و بیان اثر سوء آن در خواستها (تبدیل شدن ایمان به کفر)، گویای این است که: اهل کتاب در صدد بودند مسلمانان را درباره نسخ به شبهه اندازند و آنان رادر ایمانشان به پیامبر(ص) دچار تردید کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۱ - ۱،۳،۵

۱- متهم شدن پیامبر (ص) به دروغ گویی از سوی مشرکان ، با رخ دادن نسخ و تبدیل پیامی به پیام دیگر در برخی از آیات قرآن

و إذا بدّلنا ءایه مکان ءایه . .. قالوا إنما أنت مفتر

۳- وجود نسخ و تغییر برخی از پیام های الهی در قرآن به وسیله خود قرآن

و إذا بدّلنا ءایه مکان ءایه

۵- نزول تدریجی آیات قرآن و تغییر برخی از آنها از نظر مفاد به مرور زمان ، ناشی

از علم الهی است .

و إذا بدّلنا ءایه مکان ءایه و الله أعلم بما ینزّل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۰۲ – ۲

۲– آیات ناسخ و منسوخ ، همه از جانب پروردگار نازل شده است .

قل نزّله روح القدس من ربّک

نشانه عبرت از قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – اعلی – ۸۷ – ۱۵ – ۸

۸ – ذکر نام خدا و روی آوردن به نماز ، نشانه پندپذیری از قرآن ، ترس از خداوند و مایه دوری از آتش دوزخ است .

سیذّکر من یخشی . و یتجنّبها الأشقی . الذی یصلی النار ... قد أفلح من ... فصلّی

نشانه های اعجاز قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۸۹ – ۲

۲– بیان های مختلف و شیوه های متنوع قرآن در تبیین حقایق و مفاهیم ، جلوه ای از ابعاد اعجاز آن

لایأتون بمثله . .. و لقد صرّفنا للناس فی هذا القرءان من کلّ مثل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۵۳ – ۲

۲ – غلبه و نصرت قریب الوقوع پیامبر (ص) و مؤمنان بر کافران ، از نشانه های برجسته حقانیت و اعجاز قرآن

سنریهم ءایتنا . .. حتّی یتبیّن لهم أنّه الحقّ

بنابراین که مراد از آیات آفاقی، پیروزی مسلمانان باشد و ضمیر <أنّه> به قرآن بازگردد، مطلب بالا به دست می آید.

نشانه های حقانیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۸ -

۷- پیروزمندی قرآن در صحنه تحدی و مبارزطلبی ، تبلور حقانیت بی چون آن است .

قل جاء الحقّ . .. قل لئن اجتمعت الإنس و الجنّ ... لایأتون بمثله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۳ - ۲

۲ - غلبه و نصرت قریب الوقوع پیامبر (ص) و مؤمنان بر کافران ، از نشانه های برجسته حقانیت و اعجاز قرآن

سنریهم ءایتنا . .. حتّی یتبیّن لهم أنّه الحقّ

بنابراین که مراد از آیات آفاقی، پیروزی مسلمانان باشد و ضمیر <أنّه> به قرآن بازگردد، مطلب بالا به دست می آید.

نشانه های حکمت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲ - ۵

۵- معارف والای قرآن ، نمود قدرت خداوند و نزول آن در سطح فهم و درک بشر ، نشانگر حکمت او است . *

تنزیل الکتب من اللّه العزیز الحکیم

<تنزیل> می تواند اشاره به تنزّل یافتن معارف بلند وحی، در مرتبه فهم بشر باشد و نه تنزّل فیزیکی و مکانی. از ارتباط <تنزیل الکتاب> با <العزیز الحکیم> ممکن است استفاده شود که اصل محتوای کتاب، دلیل عزت خداوند و تنزّل آن دلیل حکمت او است.

نشانه های رحمت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۶ - ۷

۷ - قرآن ، مظهر و نمود کامل رحمت الهی برای انسان ها است .

و من یعش عن ذکر الرحمن

تعبیر <ذکر رحمان> برای قرآن اشاره به آن دارد که آن، از سرچشـمه نامتناهی رحمت الهی، نازل شده و در اختیار بشر قرار گرفته است.

نشانه های وحیانیت قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۳۸ – ۶

۶ ناتوانی بشر از آوردن سوره ای همانند یکی از سوره های قرآن ، نشانه بارز آسمانی بودن قرآن است .

قل فأتوا بسوره مثله و ادعوا من استطعتم من دون اللّه إن کنتم صدقین

نظام تعالیم قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۱۵ – ۹

۹ خبرهای قرآن صادق و معارف، احکام و قوانین آن بر میزان عدل است.

و تمت کلمت ربک صدقا و عدلا

نظم قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۳۲ – ۶

۶ آیات قرآن ، در عین تدریجی و با فاصله نازل شدن آنها ، دارای بهترین نظم و انسجام

کذلک لنثبت به فؤادک و رتّلنه ترتیلاً

<ترتیل> مصدر <رتّلنا> و از ریشه <رتل> (به معنای نظم و ترتیب زیبا و منسجم) است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۶۹ – ۴،۱۱

۴ – قرآن ، کتابی است دارای نظم ، شیوه و ترکیبی جذاب و مخصوص به خود .

و ما علّمنه الشعر

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که آنچه کافران را به شعر پنداشتن قرآن واداشت، نظم و اسلوب پر جاذبه و ویژه ای بود که در این کتاب الهی مشاهده کردند.

۱۱ - محتوا ، شیوه و نظم موجود در قرآن ، روشنگر خدایی بودن آن و پیراستگی آن از تخیلات شاعرانه .

و ما علّمنه الشعر و ما ینبغی له إن هو إلّا ذکر

و قرءان مبین

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که مقصود از روشنگر بودن قرآن به قرینه صدر آیه (و ما علّمناه الشعر و ما ینبغی له) این حقیقت باشد که قرآن، خود شاهد و گواهِ الهی بودن و نیز پیراسته بودنش از تخیلات شاعرانه است.

نعمت تعلیم قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۲ – ۳

۳ – تعلیم قرآن ، نعمت و ارزشی فراتر از اصل خلقت انسان و نعمت های دیگر

علّم القرءان . خلق الإنسن

سوره <الرحمان>، حاوی بیان انواع نعمت هایی است که خداوند به انسان عطا کرده است. از این که مسأله تعلیم قرآن، سرآغاز همه نعمت ها و حتی آفرینش انسان قرار گرفته، مطلب بالا استفاده می شود.

نعمت قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۳۱ – ۱۵

۱۵ قرآن و حکمت های نازل شده ، از نعمت های الهی

و اذکروا نعمت اللّه علیکم و ما انزل علیکم من الکتاب الحکمه

بنابراینکه جمله دوّم (و ما انزل . ..)، عطف تفسیری برای <نعمت اللّه> باشد، و یا اینکه از موارد عطف خاص بر عام باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۸۷ – ۴

۴– قرآن ، کتابی است با عظمت و نعمتی بزرگ

و لقد ءاتینک . .. و القرءان العظیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۸ - ۲

۲ تنها نعمتی که برخورداری از آن ، باید مایه خوشحالی و شادمانی مؤمنان باشد

، قرآن است .

قد جاءتكم موعظه من ربكم . .. قل بفضل اللّه و برحمته فبذلك فليفرحوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۳ - ۴

۴- قرآن ، از نعمت های بارز خداوند برای انسان است .

و ننزّل من القرءان . .. و إذا أنعمنا على الإنسن أعرض

از مصداقهای مورد نظر نعمت به قرینه آیه قبل (و ننزّل من القرآن)، قرآن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۶ - ۷

۷- نزول وحی و معارف الهی (قرآن) برای انسان ها ، نعمت خداوند و شایسته شکر و سپاس است .

لنذهبنّ بالذى أوحينا إليك

آیه، در مقام تحذیر درباره وحی و معارف آسمانی است و از تحذیر به دست می آید که موارد یاد شده عطایایی الهی است و باید آنها را پاس داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۹ - ۴

۴ - قرآن ، عطیه بزرگ الهی به پیامبر (ص) و مایه تذکر و بیدارباش است .

و قد ءاتینک من لدنّا ذکرًا

نکره بودن <ذکراً> دلالت بر عظمت آن دارد و مراد از <ذکر> به قرینه <من أعرض عنه> (درآیه بعد) قرآن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۰ - ۸،۹

۸ قرآن ، نعمتی بزرگ و مقتضی شکر و سپاس گذاری

و لقد صرّفنه بینهم لیذّکّروا فأبی أکثر الناس إلّا کفورًا

۹ اکثر مردم در نیمه نخست بعثت ، نعمت قرآن را قدر نشناخته و بدان بی اعتنایی کردند

.

و لقد صرّفنه بينهم ليذّكّروا فأبى أكثر الناس إلاّ كفورًا

برداشت فوق، با توجه به نزول آيه شريفه در مكه است كه نيمه نخست دوران بعثت در همين شهر سپرى شد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٥ - فاطر - ٣٥ - ٣٢ - ٢

٢ - قرآن ، ارث و موهبت الهى براى جامعه اسلامى

ثمّ أورثنا الكتب الذين اصطفينا من عبادنا

برداشت ياد شده، از تعبير ارث درباره اعطاى قرآن به دست مى آيد; زيرا ارث چيزى است كه براى آن تلاشى صورت نگرفته و در نتيجه حقى هم براى دريافت آن به وجود نيامده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٦ - زمر - ٣٩ - ٢ - ٧

٧ - نزول كتاب آسمانى (قرآن) ، نعمتى است درخور شكر و شايسته عبادت خالصانه خدا و اطاعت محض از او .

إنّا أنزلنا إليك الكتب بالحقّ فاعبد اللّه مخلصًا له الدين

برداشت ياد شده از تفريع جمله <فاعبد اللّه مخلصاً له الدين>، بر جمله <إنّا أنزلنا إليك الكتاب> به دست مى آيد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٦ - فصلت - ٤١ - ٤٢ - ٩

٩ - قرآن ، نعمتى بزرگ و فرو فرستنده آن شايسته ستايش و قدردانى است .

تنزيل من حكيم حميد

به كارگيرى وصف <حميد> براى خداوند پس از بيان نزول قرآن مى تواند از يكسو عظمت قرآن و نعمت بودن آن را بفهماند و از سوى ديگر كرنش و فروتنى انسان در برابر خدا را افاده كند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۵۲ –

۵ – قرآن ، نعمتی از جانب خداوند و کفر به آن نتیجه کبر و ناسپاسی است .

و إذا أنعمنا علی الإنسن . .. ثمّ کفرتم به

با توجه به ارتباط این آیه با آیه قبل مطلب یاد شده به دست می آید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۸۲ – ۲

۲ – شرک پیشگان صدراسلام ، به جای سپاس گزاری خداوند به خاطر فرستادن قرآن ، بر تکذیب آن پافشاری کردند .

و تجعلون رزقکم أنّکم تکذّبون

برخی از مفسران بر آنند که <رزق>، به معنای عطا است و آیه شریفه نیز به تقدیر <و تجعلون شکر رزقکم. ..> می باشد.

نفرت از استماع قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مدثر – ۷۴ – ۵۰ – ۳

۳ – کافران مخالف پیامبر (ص) ، از شنودن کلام بیداربخش و پندآموز قرآن به شدت نفرت داشتند .

عن التذکره معرضین . کأنّهم حمر مستنفره

نقش آیات قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱ – ۱۰

۱۰ آیات قرآن ، دلیلی است متقن و روشن بر الهی بودن قرآن و درستی حقایق مطرح شده در آن .

کتب أُحکمت ءایته ثم فصلت من لدن حکیم خبیر

کلمهء ((آیات)) به معنای نشانه هاست . نامیده شدن بندهای قرآن به این نام سپس توصیف آنها به اینکه از ناحیهء خدای

حکیم دانـاست ، اشـاره به این دارد که : جملات قرآن ، آیت و نشـانی بر الهی ، حکیمـانه و عالمـانه بودن آنهـاست . بنابراین آیهء فوق را می توان چنین

معنا کرد: این قرآن ، کتابی از ناحیهء خـدای حکیم و خبیر است و تک تک آیات آن ، دلالت بر این مـدعا دارد و این دلالت هم متقن است و هم واضح و روشن .

نقش اخروی قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۰۰ – ۶

۶ – قرآن ، محور و میزان سنجش اعمال در قیامت است .

من أعرض عنه فإنّه یحمل یوم القیمه وزرًا

منطوق آیه دلالت می کنـد که اعراض از قرآن وزرآور است و مفهوم آیه می رسانـد که روی آوردن به قرآن، مایه نجات می باشد. بنابراین ارزش اعمال و عقاید آدمیان در روز قیامت، به دوری و نزدیکی آنان به قرآن، وابسـته است و بدین وسـیله برای آنها تعیین درجات و یا درکات می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۱۷ – ۱۵

۱۵ – قرآن و قانون الهی ، ابزار سنجش و داوری در قیامت

اللّه الذی . .. و ما یدریک لعلّ الساعه قریب

نقش قاریان قرآن صدر اسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – انشقاق – ۸۴ – ۲۱ – ۱۱

۱۱ – تلاوت کنندگان قرآن در عصر بعثت ، غیر مؤمنان را نیز با آیات آن آشنا ساخته ، برای آنها قرآن می خواندند .

و إذا قریء علیهم القرءان لایسجدون

نقش قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۲ – ۴،۵

۴ – توان قرآن بر هدایت و تربیت انسان های پرهیزگار ، دلیل و گواهی کافی بر اتقان و

حقانیت آن است .

لاریب فیه هدًی للمتقین

<هدًی للمتقین> به منزله استدلال برای جمله <لاریب فیه> است.

۵ - قرآن کتاب هدایت و راهنمای اهل تقوا به مراحل والای آن

هدًی للمتقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳ - ۱۵

۱۵ تربیت انسان های مؤمن به غیب ، پایبند به نماز و انفاق گر ، از اهداف قرآن

ذلک الکتب . .. هدًی للمتقین. الذین یؤمنون ... و مما رزقنهم ینفقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹ - ۱

۱ - قرآن و اسلام ، مایه حیات و رشد انسانهایند .

أو کصیب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۳ - ۵

۵ - قرآن ، سندی اساسی برای اثبات رسالت پیامبر (ص) است .

و إن کنتم فی ریب . .. إن کنتم صدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۴ - ۴

۴ - قرآن ، دلیل حقانیت خود و سند راستی و درستی نبوت پیامبر (ص) است .

فإن لم تفعلوا و لن تفعلوا فاتقوا النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۱ - ۶

۶ - قرآن دلیلی بر حقانیت تورات و انجیل *

مصدقاً لما معکم

تصدیق کتابهای آسمانی از سوی قرآن، می تواند به این معنا باشد که: نزول قرآن موجب شد اخبار و پیشگوییهای آن کتابها مبنی بر آمدن قرآن، تحقق یابد. بنابراین نزول قرآن، مایه اثبات راستی و درستی آن کتابها شد.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۷ - ۱۵،۱۰،۹،۸

۸ - وجود قرآن ، گواه و شاهدی بر حقانیت تورات است . *

مصدقاً لما بین یدیه

تصدیق تورات از سوی قرآن (مصدقاً لما بین یدیه) محتمل است به این معنا باشد که: قرآن گواه صدق و درستی تورات است؛ یعنی، نزول قرآن موجب آن شد که اخبار و پیشگوییهای تورات مبنی بر آمدن قرآن تحقق یابد. بنابراین قرآن مایه اثبات راستی و درستی تورات و گواه حقانیت آن است.

۹ - قرآن ، هدایتگر اهل ایمان است .

هدیً و بشری للمؤمنین

<هدیً> مصدر است و در اینجا به معنای اسم فاعل (هادی) می باشد.

۱۰ - قرآن ، بشارت دهنده اهل ایمان به سعادتمندی آنان در دنیا و آخرت

و بشری للمؤمنین

<بشری> به خبری گفته می شود که در آن سرور و فرح باشد و در آیه شریفه به معنای بشیر (بشارت دهنده)، است.

۱۵ - هدایتگری و بشارت دهندگی قرآن ، دلیلی بر نابه جابودن عداوت یهود با نازل کننده آن (جبرئیل) است .

فإنه نزله علی قلبك . .. هدیً و بشری للمؤمنین

عبارت <هدیً و بشری> نیز همانند <مصدقاً> حاوی این نکته است که جبرئیل معارفی را به پیامبر(ص) القا کرد که بشارت دهنده و هدایتگر است و لذا دشمنی کردن با او، نمی تواند توجیه معقولی داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۸ - ۱۸

۱۸ - آیات قرآن ، نشانه هایی روشن بر حقانیت پیامبر (ص) است .

قد بیّنّا الأیت

مراد از <الأيات> می تواند همه نشانه هایی باشد که گواه

بر راستی و درستی نبوت پیامبر(ص) است که بارزترین آنها، آیات قرآن می باشد و نیز منظور از آن می تواند خصوص آیات قرآن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۰ - ۹

۹ - اسلام و قرآن ، برنامه هدایتی خداوند برای انسانهاست .

إن هدی اللّه هو الهدی

مصداق مورد نظر برای <هدی اللّه> چنانچه مفسران گفته اند، قرآن و اسلام است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۵ - ۶،۱۱

۶ - قرآن کتابی هدایتگر و راهنمای همه انسانهاست .

الذی أنزل فیه القرءان هدًی للناس

۱۱ - قرآن ، حاوی رهنمود ها و دلایلی روشن جهت دستیابی به میزانی برای تمییز حق از باطل

الذی أنزل فیه القرءان . .. بینت من الهدی و الفرقان

<فرقان> به چیزی گفته می شود که به وسیله آن می توان حق را از باطل و درست را از نادرست تمییز داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۷ - ۴

۴ قرآن ، بیانگر حقایق ; حتی در مواردی که نتیجه آن به ضرر برخی از مسلمانان باشد .

یسئلونک عن الشهر الحرام قتال فیه قل قتال فیه کبیر

برخی از مسلمانان در ماه رجب به عده ای از کافران حمله بردند و آنان را کشته یا اسیر کردند. پس از این واقعه، آیه مزبور نازل شد و حکم به تحریم قتال در ماههای حرام کرد; هر چند بیان این حقیقت، به ضرر آن گروه از مسلمانان تمام شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

بقره - ۲ - ۲۳۱ - ۱۷

۱۷ قرآن ، کتاب موعظه

من الکتاب و الحکمه یعظکم به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۱ - ۲،۳

۲ قرآن و پیامبر (ص) (سنّت) ، زمینه ای کامل برای پاسداری از ایمان و عقیده

و کیف تکفرون و انتم تتلی علیکم ایات اللّه و فیکم رسوله

۳ قرآن و سنّت ، وسیله هدایت انسانها

و کیف تکفرون و انتم تتلی علیکم ایات اللّه و فیکم رسوله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۳ - ۳،۵

۳ تمسک به ریسمان الهی (کتاب و سنّت) ، وسیله و عامل وحدت صفوف اهل ایمان

و من یعتصم باللّه . .. و اعتصموا بحبل اللّه جمیعاً و لا تفرّقوا

<حبل اللّه> به قرینه آیه صد و یکم، کتاب و سنّت است.

۵ وحدت بر مبنای دین الهی (کتاب و سنّت) و اعتقاد به آن ، نجات دهنده انسان ها از آتش اختلاف

و اعتصموا بحبل اللّه جمیعاً و لا تفرّقوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۵ - ۷

۷ پیام های الهی ، بیانگر راه ایجاد وحدت

من بعد ما جاءهم البیّنات

به مناسبتِ بحث اختلاف و تفرقه، مراد از <بیّنات>، پیامهای وحدت آفرین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۷ - ۲،۷

۲ فرمان خداوند به وحدت و یکپارچه شدن پیروان ادیان الهی بر محور قرآن

یا ایها الذین اوتوا الکتب امنوا بما

نزّلنا

۷ نزول قرآن ، دلیل و گواه حقانیّت تورات و انجیل

نزّلنا مصدقاً لما معکم

مصـدق بودن قرآن می توانـد به این معنـا باشـد که آمـدن قرآن از جمله دلایـل حقـانیّت تورات و انجیل است. زیرا در آن دو کتاب، وعده آمدن قرآن داده شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۵۹ – ۱۰،۱۲،۱۶،۱۷،۱۸،۱۹،۳۳

۱۰ لزوم مراجعه به خدا و رسول (کتاب و سنت) ، برای حلّ اختلافات

فان تنازعتم فی شیء فردّوه الی اللّه و الرّسول

۱۲ لزوم مراجعه به خدا و رسول (کتاب و سنّت) ، در تعیین اولواالامر و اختلافات مربوط به آن *

فان تنازعتم فی شیء فردّوه الی اللّه و الرّسول

بـا توجّه به اینکه <اولی الامر> در آیه، مرجع حل اختلافات قرار نگرفته است به نظر می رسـد از مصادیق مهم و مورد نظر از <تنازع>، اختلافات مربوط به مسأله اولواالامر باشد.

۱۶ قرآن و سنت ، حاوی قانون برای حلّ و فصل کلیّه اختلافات و کشمکشها

فان تنازعتم فی شیء فردّوه الی اللّه و الرّسول

لازمه مرجعیّت قرآن و سنّت در تمام امور مورد نزاع، که از کلمه <فی شیء> به دست می آید، این است که نسبت به همه چیز، راه حل و فصل و قانون مناسب داشته باشد.

۱۷ ارجاع اختلافات و کشمکش ها به خدا و پیامبر (ص) (قرآن و سنت) ، از نشانه های@ایمان به خدا و قیامت

فان تنازعتم . .. ان کنتم تؤمنون باللّه و الیوم الاخر

۱۸ ارجاع ننمودن داوری اختلافات به خدا و رسول (قرآن و سنت) ،

حاکی از بی ایمانی به خدا و قیامت است .

فان تنازعتم فی شیء فردّوه الی اللّه و الرّسول ان کنتم تؤمنون باللّه و الیوم الاخ

۱۹ عدم صلاحیت دادگاههایی که در آن بر اساس قانونی غیر از قوانین اسلام (قرآن و سنت) حکم می شود .

فان تنازعتم فی شیء فردّوه الی اللّه و الرّسول ان کنتم تؤمنون باللّه و الیوم الاخ

۳۳ محکمات آیات قرآن و سنّت رسول خدا (ص) ، مرجع اصلی حلّ اختلافات

فان تنازعتم فی شیء فردّوه الی اللّه و الرّسول

علی (ع) در عهدنامه مالک اشتر، در توضیح آیه فوق فرمود: فالردّ الی اللّه الاخذ بمحکم کتابه و الردّ الی الرّسول الاخذ بسنّته الجامعه غیر المفرّقه.

نهج البلاغه، نامه ۵۳ (عهدنامه مالک اشتر) ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۰۶، ح ۳۵۵ ; بحارالانوار، ج ۲، ص ۲۴۴، ح ۴۸ ; نهج البلاغه، خطبه ۱۲۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۱ - ۲

۲ وجوب مراجعه به قرآن و رسول ، برای حل و فصل اختلافات

و اذا قیل لهم تعالوا الی ما انزل اللّه و الی الرّسول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۲ - ۲

۲ قرآن ، دلیل حقانیت رسالت پیامبر (ص)

و ارسلناک للنّاس رسولا و کفی باللّه شهیداً . .. افلا یتدبّرون القران

در آیه ۷۹ بیان شد که خدا، شاهد حقانیت رسالت پیامبر (ص) است و در این آیه چگونگی شهادت را این چنین توضیح می دهد که خداوند قرآن را به صورت معجزه بر پیامبر (ص) فرستاد تا

شاهد حقانیّت او باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۵ - ۶،۱۱،۱۳،۱۹،۲۰

۶ قرآن ، پایه و اساس برای قضاوت میان مردم

إنّا انزلنا إلیک الکتب بالحق لتحکم بین الناس بما اریک اللّه

مراد از <تحکم>، قضاوت است و اگر مراد حکومت بود، می فرمود: <لتحکم علی الناس>.

۱۱ پیامبر (ص) ، موظف به قضاوت در میان مردم بر پایه تعالیم قرآن و شیوه های ارائه شده به او ، از سوی خداوند

إنّا انزلنا إلیک الکتب بالحق لتحکم بین الناس بما اریک اللّه

۱۳ فراگیری قران و سنت ، شرط تصدی سمت قضاوت

إنّا انزلنا إلیک الکتب بالحق لتحکم بین الناس بما اریک اللّه

ظاهراً مراد از <ما اریک>، احکامی است که در قرآن به آنها تصریح نشده و خداوند آنها را به پیامبر(ص) آموخته است. در برداشت فوق از آنها به سنت پیامبر(ص) تعبیر شده است.

۱۹ قضاوت و داوری های به دور از معیار های تبیین شده در قرآن و سنت ، تحکیم بخش اغراض و منافع خیانتکاران

إنّا انزلنا إلیک الکتب بالحق . .. بما اریک اللّه و لاتکن للخائنین خصیماً

۲۰ جانشینان پیامبر (ص) ، همانند خود آن حضرت ، موظف به قضاوت در میان مردم بر پایه تعالیم قرآن

إنّا انزلنا إلیک الکتب بالحق لتحکم بین الناس بما اریک اللّه

امام صادق(ع) پس از تلاوت آیه فوق فرمود: و هی جاریه فی الاوصیاء.

کافی، ج ۱، ص ۲۶۸، ح ۸; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۴۷، ح ۵۴۷.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۲۷ – ۶

۶

وعده خداوند به بیان و تلاوت آیاتی از قرآن ، درباره احکام زنان یتیم

قل اللّه یفتیکم فیهنّ و ما یتلی علیکم فی الکتب فی یتمی النساء

در برداشت فوق، <مایتلی>، بر ضمیر <فیهن> عطف شده است و اضافه <یتمی> به <النساء>، اضافه صفت به موصوف است، یعنی زنانی که یتیم هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۶ - ۱۰،۱۴

۱۰ قرآن دلیلی کافی برای باور به حقانیت رسالت پیامبر (ص)

لکن اللّه یشهد بما أنزل إلیک أنزله بعلمه

<باء> در <بما انزل الیک> می تواند سببیه باشد ; در این صورت متعلق شهادت به قرینه آیات گذشته رسالت پیامبر(ص) خواهد بود ; بنابراین مبنا مفاد جمله <یشهد بما انزل . ..> این است که علت شهادت خداوند بر رسالت پیامبر(ص)، نزول قرآن بر وی است، یعنی هر کس قرآن را ملاحظه کند به حقانیت رسالت پیامبر(ص) شهادت می دهد.

۱۴ قرآن ، اتمام حجت خداوند بر مردم

لئلا یکون للناس علی اللّه حجه بعد الرسل . .. لکن اللّه یشهد بما أنزل إلیک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۴ - ۱۱

۱۱ قرآن ، چراغی روشن و برهانی آشکار بر توحید و یگانگی خداوند

قد جاءکم برهن من ربکم و انزلنا الیکم نوراً مبیناً

در برداشت فوق <برهان> به قرآن تفسیر شده و متعلق آن به قرینه آیات پیشین، توحید و یگانگی خداوند دانسته شده است ; آیه بعد <فاما الذین ءامنوا باللّه> نیز دلالت بر این معنا دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ -

مائده - ۵ - ۱۵ - ۹،۱۲

۹ قرآن ، روشن و روشنگر و بیان کننده حقایق است .

قد جاءکم من اللّه نور و کتب مبین

بنابر اینکه مراد از نور و کتاب، قرآن باشد. ارجاع ضمیر مفرد <به> در آیه بعد، این احتمال را تقویت می کند.

۱۲ قرآن ، کتابی روشنگر از جانب خداوند

قد جاءکم من اللّه نور و کتب مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۶ - ۲،۹،۱۵

۲ خداوند ، هدایتگر انسان ها به راه های سلامت ، امنیت و صلح ، به وسیله پیامبر (ص) و قرآن

یهدی به اللّه من اتبع رضونه سبل السلم

مقصود از ضمیر <به>، پیامبر(ص) نیز می تواند باشد. زیرا پیامبر (نور) و قرآن (کتاب مبین) پیگیر هدفی واحد هستند و به منزله یک چیز به شمار می آیند.

۹ قرآن و پیامبر (ص) ، خارج کننده انسان ها از تاریکی و گمراهی به نور و هدایت با اذن خداوند

و یخرجهم من الظلمت إلی النور باذنه

در برداشت فوق <باذنه> متعلق به <یخرجهم> گرفته شده است. بر این مبنا ضمیر در <یخرجهم> باید به <نور> و <کتاب> برگردانده شود، نه به <اللّه>، چون معنا ندارد که خدا با اذن خودش کاری انجام دهد.

۱۵ قرآن و پیامبر (ص) ، هدایتگر انسان ها به راه مستقیم

و یهدیهم إلی صرط مستقیم

بنابر اینکه فاعل <یهدیهم>، قرآن و پیامبر(ص) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۸ - ۶،۸،۱۲،۱۷

۶ وجود قرآن ، گواه راستی و درستی کتب آسمانی پیشین

و

انزلنا إلیک الکتب بالحق مصدقاً لما بین یدیه من الکتب

با در نظر گرفتن اینکه کتابهای آسمانی به آمدن قرآن نوید داده بودند، لذا نزول قرآن دلیل حقانیت آنها خواهد بود.

۸ قرآن ، نگهبان حقایق و معارف تورات و انجیل

و انزلنا إلیک الکتب بالحق مصدقاً . .. و مهیمناً علیه

<مهیمن> به معنای مراقب و محافظ است.

۱۲ انتخاب قرآن از میان کتب آسمانی ، برای داوری بین اهل کتاب ، وظیفه پیامبر (ص)

و انزلنا الیک الکتب . .. مهیمناً علیه فاحکم بینهم بما أنزل اللّه

<فاء> در <فاحکم> پس از ذکر مهیمن بودن قرآن، بیانگر این است که مراد از <ما انزل اللّه> قرآن است.

۱۷ خداوند بر حذر دارنده پیامبر (ص) از پیروی تمایلات اهل کتاب و عدول از حق (احکام قرآن) در قضاوت

فاحکم . .. و لاتتبع اهواءهم عما جاءک من الحق

کلمه <عن> در <عما جاءک> می رساند که معنای عدول در <لاتتبع> تضمین شده است. یعنی لاتعدل عن الحق متبعاً اهواءهم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۹ - ۱۳

۱۳ تلاش موذیانه و فریبکارانه اهل کتاب (یهود) ، برای بازداشتن پیامبر (ص) از حکم و داوری بر اساس قرآن

و احذرهم ان یفتنوک عن بعض ما أنزل اللّه إلیک

چون <یفتنوک> به <عن> متعدی شده است علاوه بر بازداشتن و گمراه ساختن، معنای خدعه و نیرنگ نیز در آن اشراب شده است ; یعنی مبادا تو را با نیرنگ از احکام الهی بازدارند و گمراه سازند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ -

مائده - ۵ - ۸۳ - ۴

۴ قرآن دارای اثری شگرف در دل های آشنا با حقیقت

و إذا سمعوا ما أنزل إلی الرسول تری اعینهم تفیض من الدمع مما عرفوا من الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۶ - ۴

۴ قرآن و پیامبر (ص) دو مصداق بزرگ از آیات الهی

کفروا و کذبوا بایتنا

به قرینه آیات قبل مصداق مورد نظر برای <آیاتنا> قرآن و پیامبر(ص) می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۱ - ۱۰

۱۰ اهل ایمان نسبت به احکامی که پاسخ آنها در قرآن و سنت نیامده ، تکلیفی ندارند

لاتسئلوا عن اشیاء . .. عفا اللّه عنها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۴ - ۳

۳ هدایت انسان ها ، در گرو حضور قرآن با سنت پیامبر (ص) در میان آنها

تعالوا إلی ما أنزل اللّه و إلی الرسول

چنانچه مراد از <تعالوا . .. الی الرسول> پذیرش معارفی باشد که به آن حضرت وحی می شد ضمیمه ساختن <الی الرسول> لزومی نداشت بنابراین آیه اشاره به این دارد که رسول خدا(ص) علاوه بر مسائل وحی شده به وی، دارای دستورات و معارفی است که از آنها به سنت پیامبر(ص) تعبیر می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۹ - ۱۱،۱۶،۱۷،۱۹،۲۹

۱۱ قرآن، کتاب جهانی و برای همه عصرها و انذار دهنده کسی که به معارف آن دست یابی یابد.

و أوحی إلیّ هذا القرءان

لأنذرکم به و من بلغ

<من بلغ> بیانگر عموم و محدود نبودن مرز دعوت قرآن در عرصه زمان و مکان است.

۱۶ قرآن، گواه خداوند بر حقانیت رسالت پیامبر(ص)

قل اللّه شهید بینی و بینکم و أوحی إلیّ هذا القرءان

۱۷ قرآن، گواه یگانگی خداوند و بطلان شرک

قل أغیر اللّه اتّخذ ولیا . .. قل اللّه ... و أوحی إلیّ هذا القرءان

از ارتباط این آیه با آیات قبل چنین برمی آید که قرآن تحقق عینی شهادت خداوند است.

۱۹ ضرورت حضور مبلغانی انذارگر در جامعه همراه قرآن

و أوحی إلیّ هذا القرءان لأنذرکم به

تأکید بر حضور پیامبر(ص) در کنار قرآن برای انذار، گویای این نکته است که قرآن به تنهایی برای انذار کافی نیست، بلکه باید کسانی نیز همواره با قرآن به تبلیغ دین و انذار مردم بپردازند.

۲۹ عن مالک الجهنی قال: قلت لأبی عبداللّه(ع): قوله عز و جل <و أوحی إلیّ هذا القرآن لأنذرکم به و من بلغ> قال: من بلغ أن یکون إماما من آل محمّد(ص) فهو ینذر بالقرآن کما أنذر به رسول اللّه(ص).

مالک جهنی گوید از امام صادق(ع) درباره آیه <لأنذرکم به و من بلغ> سؤال کردم، فرمود: هر کس از آل محمّد(ع) به مقام امامت برسد، به وسیله قرآن مردم را بیم می دهد (از مخالفت با خدا می ترساند.) همان گونه که رسول خدا(ص)، با قرآن به مردم هشدار می داد. از روایت استفاده می شود که <من> در <من بلغ>، عطف به ضمیر فاعل در <أنذرکم> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۱ - ۱،۶

۱ انذار مردم با وحی

و قرآن، از وظایف پیامبر(ص)

و أنذر به الذین یخافون

ضمیر <به الـذین> به <ما یوحی> برمی گردد و مراد از <ما یوحی> مطلق وحی و قرآن بزرگترین و کاملترین مصداق آن است.

۶ وحی و قرآن، ابزارهایی کافی برای تبلیغ و انذار مردم

و أنذر به

مرجع ضـمیر به <قرآن> است ; یعنی با قرآن انـذار کن. و چون ابزار انـذار مشـخص شـده است، بالطبع بایـد قرآن در فعلیت بخشی به انذار کافی و کارآمد باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۷ - ۳،۶

۳ قرآن، بینه و دلیل روشن پیامبر(ص) و گواه حقانیت او

قل إنی علی بینه من ربی و کذبتم به

بسیاری از مفسران گفته اند که مراد از بینه و مرجع ضمیر <کذبتم به> قرآن است. مفرد آمدن کلمه <بینه> و مذکر آمدن ضمیر <به> این احتمال را تقویت می کند.

۶ مشرکان صدر اسلام دلیل روشن حقانیت پیامبر(ص) (قرآن) را تکذیب می کردند.

قل إنی علی بینه من ربی و کذبتم به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۰ - ۱۱،۱۲،۱۵

۱۱ تذکر دادن به مردم با قرآن، از وظایف پیامبر(ص) و مبلغان دین است.

و ذکر به أن تبسل نفس

مرجع ضمیر <به> قرآن می تواند باشد که از سیاق آیات مورد بحث به دست می آید و به اصطلاح مرجع حکمی است.

۱۲ قرآن کتابی برای تذکر به مردم است.

و ذکر به أن تبسل نفس

۱۵ مصونیت از تباهی و هلاکت، نتیجه متذکر شدن با تذکارهای قرآن است.

و ذکر به أن تبسل نفس بما کسبت

جمله <أن تبسل>، با تقدیر

لام تعلیل و حرف نفی، مفعول له برای <ذکر> می توانـد باشد. بنابراین جمله چنین معنی می شود: به مردم با قرآن تذکر بده تا آنان گرفتار عواقب سوء اعمال خود نگردند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۹۰ – ۱۵

۱۵ قرآن، یادآوری برای جهانیان است.

إن هو إلا ذکری للعلمین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۹۲ – ۳،۴،۵،۸

۳ قرآن کتابی گرانقدر و مبارک (فزاینده و رشد دهنده و دارای خیر فراوان) است.

و هذا کتب أنزل نه مبارک

<برکه> یعنی رشد و فزونی (لسان العرب) و <مبارك> چیزی است که در آن فزونی باشد. (مفردات راغب).

۴ نزول قرآن گواه دیگری بر بطلان ادعای عدم نزول وحی بر بشر است.

ما أنزل الله علی بشر . .. من أنزل الکتب الذی جاء به موسی ... و هذا کتب

۵ قرآن، گواه صدق کتب آسمانی گذشته است.

مصدق الذی بین یدیه

۸ انذار مردم مکه (ام القری) و اطراف آن، از اهداف نزول قرآن است.

و هذا کتب . .. و لتنذر أم القری و من حولها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۰۴ – ۱،۵

۱ آیات قرآن آگاهیهایی ارائه شده از پروردگار به انسانهاست.

قد جاءکم بصائر من ربکم

۵ قرآن و پیامبر(ص) و برهانهای ارائه شده از جانب خداوند، پیام آور بینش و آگاهی برای انسان است.

قد جاءکم بصائر من ربکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۴ - ۳،۴،۵،۷

۳ قرآن، بیانگر داوری

خداوند درباره حق و باطل است.

و هو الذی أنزل إلیکم الکتب مفصلا

<مفصَّل> بـه معنـای <مـبیَّن> است و به قرینه <حکماً> در صـدر آیه موضـوع مـورد نظر آیه داوری بین حـق و باطـل در عرصه های مورد نیاز است، یعنی اینکه قرآن بیانی شافی و کافی برای تشخیص حق از باطل در اینگونه موارد است.

۴ با نزول قرآن جایی برای نزول معجزات درخواستی مشرکان متصور نیست.

و لو أننا نزّلنا إلیهم . .. أفغیر الله أبتغی حکما و هو الذی أنزل إلیکم الکتب

به نظر می رسـد جمله اسـتفهامی توبیخی <أفغیر الله أبتغی . ..> به قرینه آیات قبل، تعریض به کسانی باشـد که دلیل و معجزه ای غیر از قرآن طلب می کردنـد و جمله <و هو الـذی أنزل ...> تتمیمی بر این تعریض است. یعنی بـا وجود قرآن جایی برای درخواستهای دیگر نمی ماند.

۵ نزول قرآن معجزه ای کافی برای اثبات حقانیت پیامبر(ص)

أفغیر الله أبتغی حکما و هو الذی أنزل إلیکم الکتب مفصلا

۷ نزول معجزه ای روشن چون قرآن از سوی خدا، بهترین نشانه شایستگی او برای داوری است.

أفغیر الله أبتغی حکما و هو الذی أنزل إلیکم الکتب مفصلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۵ - ۴

۴ قرآن کتابی تمام و کافی برای اثبات نبوت و رسالت پیامبر(ص) است.

و تمت کلمت ربک صدقا و عدلا

اگر مراد از <کلمت>، قرآن باشـد، تمام بودن آن بـدین معنی می توانـد باشد که قرآن از جهت مقاصدی که برای آن آمده وافی و کافی است. و از جمله مقاصد، به قرینه آیات قبل، اثبات حقانیت رسالت پیامبر(ص)

است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۶ - ۱،۲،۵

۱ نزول قرآن اتمام حجتی است برای مشرکان مکه و سایر انسانها

هذا کتب أنزل نه . .. أن تقولوا إنما أنزل الکتب علی طائفتین

<أن تقولوا> به تقدیر <لام> و <لا> نافیه متعلق به <أنزلناه> در آیه قبل است ; یعنی: <أنزلنا القرآن لئلا تقولوا . .. > مخاطبان آیه همه انسانها، بجز یهود و نصارا، هستند و مشرکان مکه نیز به دلیل آیات گذشته و نیز مکی بودن سوره، مصداق مورد نظر هستند.

۲ هدایت نایافتگان در صورت آگاهی از وجود قرآن، هیچ عذری در پیشگاه خدا نخواهند داشت.

هذا کتب أنزل نه . .. أن تقولوا إنما أنزل الکتب علی طائفتین

۵ مشرکان و گمراهان مکه، در صورت نازل نشدن قرآن، خویشتن را در قیامت معذور می دانستند و دوری از رحمت خدا را بی عدالتی می شمردند.

أن تقولوا إنما أنزل الکتب علی طائفتین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۷ - ۲،۴،۶،۸

۲ نزول قرآن موجب اتمام حجت خدا بر مشرکان مکه و سایر انسانها

أنزل نه . .. أو تقولوا لو أنا أنزل علینا الکتب لکنا أهدی منهم

۴ نازل نشدن قرآن موجب اعتراض گمراهان و مشرکان در قیامت به سبب نداشتن کتاب آسمانی و دور ماندن از هدایتهای الهی

أو تقولوا لو أنا أنزل علینا الکتب لکنا أهدی منهم

۶ قرآن پرتوی از ربوبیت خداوند بر انسانهاست.

فقد جاءکم بینه من ربکم

۸ قرآن دلیلی روشن بر اثبات ربوبیت خدا بر انسانهاست.

فقد جاءکم بینه من ربکم

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳ - ۴

۴ تربیت انسانها و تدبیر امور آنان در تمامی مراحل حیات، از اهداف نزول قرآن است.

اتبعوا ما أنزل إلیکم من ربکم

کلمه <ربکم> اشاره به این دارد که نزول قرآن برای تربیت و تدبیر امور مردم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۲ - ۶،۷

۶ معارف و احکام قرآن موجب هشیاری انسان از فریفتگی به حیات دنیاست .

غرتهم الحیوه الدنیا . .. و لقد جئنهم بکتب

۷ انسان ها با نزول قرآن و دریافت آن هیچ عذر و توجیهی برای گرایش به کفر ، به فراموشی سپردن قیامت ، فریب خوردن به حیات دنیا و انکار آیات الهی ندارند .

الذین اتخذوا دینهم لهواً و لعباً . .. و لقد جئنهم بکتب

آیه مورد بحث در پی بیان گرفتاری کافران به آتش دوزخ و بیان عامل دوزخی شدن آنان، اشاره به اتمام حجت الهی برای همگان دارد. یعنی با نزول قرآن و معارف آن بهانه ای برای روی آوری به عقاید و اعمالی که در آیه قبل علل گرفتاری به دوزخ معرفی شده، وجود ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۵ - ۱۱،۱۲

۱۱ قرآن و پیام های آن بهترین وسیله برای ایمان به معارف الهی (توحید ، قیامت و . . . .) است .

فبأی حدیث بعده یؤمنون

در برداشت فوق ضمیر <بعده> به قرآن و <باء> در فبأیّ> سببیه گرفته شده است. قابل ذکر است که در این صورت متعلق <یؤمنون> معارف

الهی خواهد بود. یعنی اگر به وسیله قرآن به توحید و مانند آن ایمان نیاورند، پس به سبب چه چیز دیگری ایمان خواهند آورد؟

۱۲ قرآن برترین سخن برای هدایت و شایسته ترین پیام برای ایمان آوردن به آن است .

فبأی حدیث بعده یؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۳ - ۹،۱۰،۱۲،۱۳

۹ قرآن کتابی روشنگر و بینش آفرین است .

هذا بصائر من ربکم

<بصیره> (مفرد بصائر) به معنای حجت، برهان و چیزی که مایه بینش باشد، است.

۱۰ قرآن و روشنگری های آن پرتویی از ربوبیت خدا و در جهت تدبیر امور انسانهاست .

هذا بصائر من ربکم

۱۲ قرآن کتاب هدایت و مایه رحمت است .

هذا . .. هدی و رحمه

۱۳ تنها اهل ایمان از هدایتگری و رحمت آفرینی قرآن بهره مند می شوند .

هذا . .. هدی و رحمه لقوم یؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۵ - ۱۱

۱۱ قرآن ، منبعی برای دستیابی به قوانین و مقررات دین .

فی کتب اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۳ - ۳،۵

۳ قرآن ، کتاب هدایت است .

هو الذی أرسل رسوله بالهدی

نوع مفسران برآنند که مقصود از <الهدی> قرآن کریم است چرا که قرآن کتاب هدایت است و هدایت فلسفه نزول قرآن است.

۵ آمدن پیامبر (ص) ، همراه با هدایت (قرآن) و دین حق (اسلام) در راستای تکمیل نور الهی و تحقق اراده خداست .

و یأبی اللّه إلا أن

يتم نوره . .. هو الذى أرسل رسوله بالهدى و دين الحق

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۷ – توبه – ۹ – ۶۴ – ۴

۴ فاش شدن نيات قلبى منافقان ، توسط وحى و قرآن *

يحذر المنفقون أن تنزل عليهم سوره تنبئهم بما فى قلوبهم

بيم منافقان، مى تواند نشانگر افشاگريهاى پيشين قرآن درباره آنان باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۷ – توبه – ۹ – ۱۱۱ – ۲۱

۲۱ تورات ، انجيل و قرآن ، سند وعده هاى خدا به مجاهدان و شهيدان و مايه اطمينان آنان

وعداً عليه حقاً فى التوريه و الإنجيل و القرءان

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۷ – يونس – ۱۰ – ۲ – ۷

۷ قرآن ، كتاب مژده و بشارت براى ره يافتگان مؤمن و هشدار و انذار براى گم گشتگان غافل است .

تلك ءايت الكتب . .. أن أنذر الناس و بشّر الذين ءامنوا

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۷ – يونس – ۱۰ – ۳۷ – ۲۸

۲ قرآن ، معجزه حضرت محمد (ص) و دليل رسالت و نبوت وى

و ما كان هذا القرءان أن يفترى من دون اللّه

۸ قرآن ، شرح و تفصيل كتاب هاى آسمانى پيشين (تورات ، انجيل و . . .) است .

و تفصيل الكتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۸ - ۴

۴ قرآن ، معجزه جاودان حضرت محمد (ص) و گواه صدق نبوت آن حضرت

أم يقولون افتريه قل فأتوا بسوره

مثله

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۵۷ – ۸،۹

۸ امام صادق (ع) از پدرانش روایت کرده است : < شکا رجل إلى النبی (ص) وجعاً فی صدره فقال (ص) : استشف بالقرآن فان اللّه عزوجل یقول : < و شفاء لما فی الصدور > ;

مردی خدمت رسول خدا (ص) از درد سینه شکایت کرد، حضرت فرمود: از قرآن شفا بگیر; زیرا خدای عزوجل می فرماید: [قرآن] شفاست برای آنچه در سینه هاست>.

۹ از امام صادق (ع) روایت شده است : < و انزل علیکم کتاباً فیه شفاء لما فی الصدور من امراض الخواطر و مشتبهات الأمور ;

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۷ – ۲،۳

۲ قرآن ، خود دلیل و شاهدی بر راستی و درستی خویش است .

و یتلوه شاهد منه

در اینکه مقصود از <شاهد> چیست، چند نظر ابراز شده است. عبارت <و من قبله کتاب موسی> می تواند این نظر را تأیید کند که: مراد از آن خود قرآن می باشد. مورد شهادت به دلیل <إنه الحق من ربک> حقانیت و الهی بودن قرآن است و <تُلُوّ> (مصدر یتلو) به معنای در پی آمدن است و در پی آمدن شاهد، کنایه از تأیید کردن و پشتیبانی نمودن می باشد. ضمیر در <یتلوه> به <مَن> و ضمیر <منه> به <رب> برمی گردد. بنابراین جمله <أفمن ... یتلوه شاهد منه>; یعنی، آیا کسی که علاوه بر <بیّنه> از پشتیبانی شهادت قرآن برخوردار است، مانند کسی است که اینگونه

نیست؟

۳ بهره مندان از بصیرت الهی ، دلالت و گواهی قرآن را بر حقانیت قرآن ، درمی یابند و بدان واقف می شوند .

أفمن كان على بيّنه من ربه و يتلوه شاهد منه

روشن است که مساوی نبودن زمینه داران ایمان با فاقدان آن ، در ارتباط با شهادت قرآن (أفمن . .. يتلوه شاهد منه [كمن ليس كـذلك]) مجرد وجود قرآن به عنوان شاهد نیست; بلکه درک و عدم درک آنان از گواهی قرآن ، موجب تمایز آن دو گروه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۹ - ۵،۷

۵ پیامبر (ص) و مردم عصر بعثت ، پیش از نزول قرآن ، به سرگذشت نوح (ع) آگاهی نداشتند .

ما كنت تعلمها أنت و لاقومک من قبل هذا

مشاراليه <هذا> قرآن است که از جمله <نوحيها إليك> معلوم می شود.

۷ قرآن ، منبعی برای آشنایی به تاریخ بشر و شناخت رویداد های مهم تاریخی

نوحيها إليك ما كنت تعلمها أنت و لاقومک من قبل هذا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۰ - ۶

۶ قرآن ، منبعی برای آشنایی به تاریخ بشر و فرجام پیشینیان

ذلک من أنباء القرى نقصه عليك منها قائم و حصيد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳ - ۹،۱۰،۱۱،۱۴

۹ پیامبر (ص) ، پیش از نزول قرآن و سوره یوسف ، از داستان حضرت یوسف اطلاعی نداشت .

نقصّ . .. بما أوحينا ... و إن كنت من قبله لمن الغفلين

به سرگذشت یوسف (ع) پیش از نزول قرآن

و إن کنت من قبله لمن الغفلین

<إن> در جمله فوق مخففه است و مراد از <الغافلین> مردم عصر بعثت می باشد. بنابراین مفاد جمله <إن کنت ...> چنین می شود: تو نیز ای پیامبر! پیش از نزول قرآن همانند سایر مردم ، از داستان یوسف بی خبر بودی.

۱۱ قرآن ، منبعی برای آگاهی به تاریخ و سرگذشت پیشینیان

و إن کنت من قبله لمن الغفلین

۱۴ علم و آگاهی پیامبر (ص) ، نشأت گرفته از قرآن و وحی الهی است .

بما أوحینا إلیک . .. و إن کنت من قبله لمن الغفلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۲ - ۴،۵،۸

۴ قرآن منبعی برای آشنایی به تاریخ بشر و شناخت رویداد های مهم تاریخی و حوادث مخفی مانده برای بشر

ذلک من أنباء الغیب نوحیه إلیک

۵ پیامبر (ص) پیش از نزول قرآن ، از خصوصیات و حقایق داستان یوسف (ع) اطلاعی نداشت .

و ما کنت لدیهم إذ أجمعوا أمرهم

جمله <ما کنت لدیهم> (نزد آنان نبودی) کنایه از بی خبر بودن پیامبر(ص) از داستان یوسف(ع) است.

۸ جلسه توطئه و مکر برادران یوسف علیه او ، مخفی مانده ترین قسمت داستان یوسف (ع) تا پیش از نزول قرآن

إذ أجمعوا أمرهم و هم یمکرون

یاد کردن از این قسمت داستان یوسف (جلسه توطئه و مکر برادران علیه وی) پس از بیان اینکه داستان یوسف از اخبار غیبی است ، می تواند اشاره به این معنا باشد که این قسمت داستان از مخفی مانده ترین قسمتهای آن می

باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱۱ - ۸،۱۰

۸ قرآن تصدیق کننده و تأیید کننده کتاب های آسمانی پیشین است .

و لکن تصدیق الذی بین یدیه

<تصدیق> مصدر است و به معنای اسم فاعل تصدیق کننده می باشد. این کلمه به وسیله <لکن> بر <حدیثاً> عطف شده است.

۱۰ قرآن ، دلیل راستی و درستی کتاب های آسمانی پیشین است .

و لکن تصدیق الذی بین یدیه

تصدیق کتابهای آسمانی پیشین از سوی قرآن می تواند به این معنا باشد که: نزول قرآن موجب شد ، اخبار و پیشگوییهای آن کتابها مبنی بر آمدن قرآن تحقق یابد. از این رو نزول قرآن خود دلیلی برای اثبات راستی و درستی آن کتابهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۱ - ۳

۳ آنان که با مشاهده و تلاوت قرآن نازل شده بر پیامبر (ص) هدایت نشوند ، با مشاهده هیچ آیت و معجزه ای هدایت نخواهند شد .

و لو أن قرءانًا سیّرت به الجبال . .. بل لله الأمر جمیعًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۷ - ۲

۲ قرآن حکم و قانون الهی و منبع شناخت حقایق و معارف دینی است .

و کذلک أنزلنه حکمًا

حکم کردن به چیزی آن است که داوری کنی و اعلام داری که آن چیز این گونه است و یا این گونه نیست (مفردات راغب).

بر این اساس <قرآن حُکم است> ; یعنی، داوری می کند و بیان می کند که چه چیز چگونه است و یا چگونه نیست

و این معنا شامل همه قوانین، حقایق و معارفی می شود که خداوند اثباتاً و یا نفیاً در قرآن بیان کرده است و درباره آن قضاوتی دارد ; مانند اینکه خداوند شریکی ندارد، قیامت حق است و یا روزه بر شما واجب شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱ - ۶،۸،۱۷

۶- پیامبر (ص) ، وظیفه دار هدایت مردم به سوی نور و خارج کردن آنان از ظلمت ها (گمراهی ها) ، با تعالیم قرآن کریم

أنزلنه إلیک لتخرج الناس من الظلمت إلی النور

۸- انسان ها ، بدون تعالیم دین و آموزه های قرآن ، گرفتار انواع ظلمت ها گمراهیهایند .

لتخرج الناس من الظلمت إلی النور

خداوند، هدف از نزول کتاب خویش را بیرون آوردن مردم از ظلمتها معرفی می کند و برای ظلمتها نیز هیچ گونه قیدی نیاورده است که مشخص کند مراد از آنها چیست و این، حکایت از آن دارد که بدون تعالیم دین، زندگی انسانها در ظلمت است.

۱۷- پیامبر (ص) ، وظیفه دار هدایت مردم به راه خدای عزتمند ستودنی ، با تعالیم قرآن کریم

کتب أنزلنه إلیک لتخرج الناس من الظلمت إلی النور . ..إلی صرط العزیز الحمید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵۲ - ۳،۵،۶،۷،۱۰

۳- قرآن ، وسیله انذار و اخطار به تمامی انسانها

هذا بلغ للناس و لینذروا به

۵- قرآن ، مایه نجات آدمی از خطر ها ، آسیب ها و دشواری های موجود بر سر راه انسان *

هذا بلغ للناس و لینذروا به

۶- قرآن برای آگاهی انسان

ها به خدای یکتا و پی بردن به وحدانیت اوست .

هذا بلغ للناس . .. و لیعلموا أنما هو إله وحد

۷- قرآن سندی گویا بر وحدانیت خداوند

هذا بلغ . .. و لیعلموا أنما هو إله وحد

برداشت فوق مبتنی بر این است که خود قرآن، با کیفیت و خصوصیات ویژه گیهایش، دلیل بر یگانگی خدا باشد، نه اینکه تنها محتوای آن آموزنده توحید باشد.

۱۰- قرآن برای بیداری و پندپذیری صاحبان خرد ناب نازل گردید .

هذا بلغ للناس . .. و لیذّکر أولواالألبب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱ - ۹

۹- آیات قرآن ، جدا کننده حق از باطل و ملاک تمیز بین آن دو

و قرءان مبین

برداشت فوق، مبتنی بر متعدی بودن <مبین> است که در لغت به معنای جدا کننده بین دو شیء آمده است و به قرینه مقام، مراد از آن ایجاد تمایز حق از باطل می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹ - ۴

۴- قرآن ، کتاب یاد و یادآوری و مایه بیداری و هشیاری انسان از غفلت ها و فراموشیهاست .

إنا نحن نزّلنا الذّکر

نام گذاری قرآن به <الذّکر>، احتمالاً به این جهت باشد که قرآن، برای تنبه و مایه بیداری انسانهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۴ - ۴

۴- قرآن ، کتاب یاد و یادآوری است .

و أنزلنا إلیک الذکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۴ - ۶

۶- قرآن ، برای حضور در عینیت جامعه ،

نیاز به تفسیر و تبیین از سوی عالم به آن دارد .

و ما أنزلنا علیک الکتب إلاّ لتبیّن لهم الذی اختلفوا فیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۹ - ۱۲

۱۲- نزول قرآن بر پیامبر (ص) ، در جهت تبیین همه حقایق مربوط به رشد و سعادت آدمی و نیاز های هدایتی او

و نزّلنا علیک الکتب تبینًا لکلّ شیء

هر چند <کلّ شیء> افاده عموم می کند و به ظاهر همه حقایق عالم هستی را می تواند شامل شود، ولی در این جا قرینه های عرفی وجود دارد که دایره آن را محدود می سازد; از جمله اینکه چون قرآن کتاب هدایت، سعادت و رشد است، حقایقی که بیان می کند در قلمرو همین سه موضوع خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۰ - ۱۳

۱۳- قرآن ، عهده دار بیان همه ارزش ها و ضد ارزشهاست .

تبینًا لکلّ شیء . .. إن الله یأمر بالعدل ... و ینهی عن الفحشاء و المنکر و البغی

فرمان به رعایت عدالت و . .. تحذیر از فحشا و ... پس از توصیف قرآن به <تبیاناً لکل شیء> می تواند بیانگر مطلب فوق باشد; یعنی، قرآن بیانگر تمامی حقایق مربوط به ارزشها و ضد ارزشهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۲ - ۸

۸- قرآن و نزول تدریجی آیات آن ، مایه تثبیت و تحکیم ایمان مؤمنان است .

نزّله . .. لیثبت الذین ءامنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- اسراء - ۱۷ - ۹ - ۳

۳- قرآن ، هدایتگر مردمان به خلل ناپذیرترین و استوارترین راهها

إن هذا القرءان یهدی للّتی هی أقوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۱ - ۳

۳- آیه های قرآن ، عامل بیداری ، تنبه و پندگیری انسانهاست .

و لقد صرّفنا فی هذا القرءان لیذّکّروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۲ - ۴،۱۰

۴- قرآن ، شفابخش هرگونه بیماری در انسانهاست .

و ننزّل من القرءان ما هو شفاء

۱۰- ظالمان نه تنها از رحمت و شفای قرآن بهره ای نمی گیرند ; بلکه تنها ، مایه خسران و زیان آنان می شود .

و لایزید الظلمین إلاّ خسارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۷ - ۱۰

۱۰- تأثیر عمیق آیات قرآن در وجود آگاهان و اندیشمندان

إن الذین أُوتوا العلم من قبله . .. یخرّون للأذقان سجّدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲ - ۱

۱- قرآن و تعالیم آن ، قوامْ بخش و رهبری کننده جامعه بشری است .

أنزل على عبده الكتب و لم يجعل له عوجًا قيّمًا

<قیّم> به معنای <مقیم> یعنی <برپادارنده و سامان بخش> است. <قیّم القوم> به معنای <مدیر و مدبّر امور قوم> است. (اقتباس از لسان العرب). لازم به ذکر است که قیّماً یا مفعول برای فعل مقدر <جعل> است یعنی: <جعله قیّماً> و یا حال برای <الکتاب>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۳

۵ -

۵- اهتمامِ قرآن ، به ارائه ترسیمی صحیح از چهره مردان الهی و جریان های بر حق تاریخ و زدایش ابهام از داستان آنان

نحن نقصّ علیک نبأهم بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۷ - ۴

۴- قرآن ، جلوه ربوبیّت خداوند و برای پیشبرد رسالت پیامبر (ص) است .

کتاب ربّک

کلمه <ربّ> در <ربّک>، گویای این است که قرآن، مایه تربیت و رشد آن حضرت در مسیر ابلاغ پیام الهی است و چون خداوند، مربی پیامبر(ص) است، آن را به وی عطا کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۳ - ۶،۱۰،۱۱،۱۲

۶ - قرآن ، دلیلی روشن بر راستی و درستی دیگر کتاب های آسمانی است .

أوَلم تأتهم بیّنه ما فی الصحف لأُولی

عنوان <ما فی الصحف الأُولی> قرینه است براین که مراد از <بیّنه>، کتاب آسمانی پیامبر(ص) (قرآن) است که معارفی نظیر معارف دیگر کتاب های آسمانی دارد و به دلیل نزول مستقیم آن از جانب خداوند، برهان صحتِ معارف آن کتاب ها نیز می باشد.

۱۰ - قرآن ، معجزه پیامبر (ص) و دلیل روشن بر اثبات نبوت آن حضرت

أوَلم تأتهم بیّنه ما فی الصحف الأُولی

بیان; یعنی، وضوح و انکشاف (مصباح). بنابراین <بیّنه> به چیزی گفته می شود که واضح باشد. ضمیر مذکر که از کلمه <من قبله> (در آیه بعد) به این کلمه بازمی گردد دلالت می کند که از آن برهان و دلیل اراده شده است (کشاف).

۱۱ - نزول قرآن ، پرتو ربوبیت خداوند و وسیله پیشرفت اهداف رسالت

است .

لولا یأتینا بَایه من ربّه أوَلم تأتهم

جمله <أوَلم تـأتهم. ..> قرآن را مصـداق معجزه ای قرار داده که خداونـد بایـد بر پیـامبر(ص) نـازل می کرد. شـمول ربوبیت خداوند بر پیامبر(ص) (ربّه)، به معنای تربیت و رشد پایه ها و ساختار رسالت آن حضرت است.

۱۲ – قرآن ، نشانه و دلیلی روشن بر ربوبیت خداوند بر انسان ها است .

بَایه من ربّه أوَلم تأتهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۳۴ – ۵

۵ – آیات قرآن ، اتمام حجت خداوند بر منکران رسالت

أوَلم تأتهم بیّنه . .. و لو أنّا أهلکنهم بعذاب من قبله ... فنتّبع ءایتک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۳ – ۱۴

۱۴– تأثیر شگرف و فوق العاده قرآن ، در مردم روزگار پیامبر (ص)

أفتأتون السحر

از این که اتهام سحر را به قرآن روا می داشتند، برمی آید که قرآن تأثیری فوق العاده داشته است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۱۰ – ۵،۶،۱۲

۵– قرآن ، درس آموز و مایه تذکر و پند برای انسان

کتبًا فیه ذکرکم

برداشت یاد شده مبتنی براین است که <ذکر> به معنای <تذکره> و <تذکر> باشد.

۶- قرآن ، مایه شرافت و آوازه انسان و امت اسلام است .

کتبًا فیه ذکرکم

از جمله معانیی که اهل لغت برای واژه <ذکر> بیان کرده اند، <شرافت> و <صیت> (آوازه) است (قاموس المحیط). بنابراین مقصود از <فیه ذکرکم> این است که شرافت و آوازه، در پرتو قرآن و عمل به آن است. گفتنی است مقصود از ضمیر

مخاطب <کم> هم می تواند تمامی انسان ها باشد و هم می شود خصوص امت اسلام باشد که در برداشت، هر دو لحاظ شده است.

۱۲- قرآن ، بهترین و نیرومندترین دلیل و معجزه بر اثبات حقانیت خود وپیامبراسلام (ص)

لقد أنزلنا إليكم كتبًا فيه ذكركم أفلاتعقلون

آیه شریفه، می تواند پاسخی باشد به درخواست بهانه جویانه مشرکان از پیامبر(ص) مبنی برآوردن معجزه بر اثبات حقانیت خویش; یعنی، اگر آنان تعقل کنند، خواهند فهمید که قرآن معجزه پیامبراسلام است. گفتنی است تأکید شدن این حقیقت با لام قسم و حرف تحقیق (لقد) مؤید همین برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۴ - ۱۰

۱۰- قرآن و کتاب های آسمانی (تورات ، زبور و انجیل) ، مایه احیای فطرت خفته و یادآور دانستنی های فراموش شده انسان ها

هذا ذكر من معى و ذكر من قبلى

<ذکر> از نظر معنا، مانند <حفظ> است; با این تفاوت که حفظ شیء به اعتبار احراز و به دست آوردن آن و ذکر شیء به اعتبار استحضار و یادآوردن آن است (مفردات راغب). بنابراین توصیف قرآن و دیگر کتاب های آسمانی به <ذکر>، ممکن است به این اعتبار باشد. که یادآور دانستنی های فراموش شده آدمی و بیدارگر فطرت انسان غافل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۰ - ۲

۲- قرآن ، عامل بیداری و یادآوری دانستنی های فراموش شده انسان ها و احیاگر فطرت خفته آنان

و هذا ذكر

<ذکر> از نظر معنا مانند <حفظ> است، با این تفاوت که حفظ شیء به اعتبار

احراز و به دست آوردن آن است و ذکر شیء به اعتبار استحضار و یادآوردن آن (مفردات راغب). بنابراین توصیف قرآن به <ذکر> به این اعتبار است که قرآن یادآور دانستنی های فراموش شده آدمی و بیدارگر فطرت انسان غافلی است که از امور فطری و دانستنی های خدادادی خویش، غافل شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۱۰۶ – ۵

۵- قرآن ، حجتِ رسا و پیام بلیغ خدا برای بندگان است .

إنّ فی هذا لبلغًا لقوم عبدین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۶۸ – ۶

۶ – قرآن ، خود دلیل آسمانی بودن خویش است .

أفلم یدّبّروا القول

مفهوم دعوت یاد شده، این است که هر کس در قرآن تدبر کند، به آسمانی بودن آن یقین پیدا می کند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۱ – ۵

۵ قرآن ، مایه خیر و برکت بسیار برای انسان های مؤمن

تبارک الذی نزّل الفرقان

برداشت فوق به خاطر این نکته است که قرآن، برای انسان ها نازل شده است. پس برکات و خیرات این کتاب مبارک هم به انسان ها باز خواهد گشت.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۲۹ – ۴

۴ قرآن کریم مایه بیداری و هشیاری انسان

لقد أضلّنی عن الذکر

تعبیر از قرآن به <ذکر> که به معنای یاد و یادآوری است مشعر به نکته یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان -

۴ - ۵۲ - ۲۵

۴ پیامبر (ص) ، وظیفه دار مبارزه گسترده فرهنگی و تبلیغی با جریان کفر و شرک ، با محور قرار دادن قرآن

فلاتطع الکفرین و جهدهم به جهادًا کبیرًا

مرجع ضمیر <به> به قرینه مقام (یعنی، آیه قبل که از انذار رسول به مردمان سخن گفته است) قرآن کریم است و آمدن مفعول مطق (جهاداً) و توصیف آن به <کبیراً>، بیانگر گستردگی و بزرگی این جهاد می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵ - ۳

۳ - آیات قرآن ، مایه تذکر آدمیان و بازدارنده آنان از غفلت

و ما یأتیهم من ذکر

برداشت یاد شده با توجه به بکارگیری واژه <ذکر> (مایه تذکر) درباره کتاب های آسمانی استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۲ - ۳

۳ - قرآن ، مظهر ربوبیت خداوند

و إنّه لتنزیل ربّ العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶ - ۲

۲ - قرآن ، جلوه علم و حکمت خداوند

و إنّک لتلقّی القرءان من لدن حکیم علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۶ - ۱،۲

۱ - قرآن ، بیانگر حقیقیت بسیاری از مسائل مورد اختلاف بنی اسرائیل ، برای آنان

إنّ هذا القرءان يقصّ على بنى إسرءيل أكثر الذى هم فيه يختلفون

۲ - تشریح سخن حق در قرآن در زمینه موضوعات مورد اختلاف بنی اسرائیل ، نمود حقانیت آن و رسالت پیامبر (ص)

إنّ هذا القرءان يقصّ على بنى إسرءيل أكثر

الذی هم فیه یختلفون

از مضمون آیه استفاده می شود که بیان حق، نشانگر حقانیت قرآن و رسالت پیامبر(ص) است. علاوه بر این که سیر آیات گذشته به این صورت است که از مسأله توحید آغاز شده و سپس به حقانیت معاد و اکنون به حقانیت قرآن پرداخته شده است. گفتنی است که حقانیت قرآن مستلزم حقانیت رسالت پیامبر(ص) نیز هست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۴ - ۴

۴ - عدم اطلاع پیامبر (ص) از محل و چگونگی داستان نزول تورات بر موسی (ع) پیش از نزول قرآن

و ما کنت بجانب الغربیّ . .. و ما کنت من الشهدین

از آیه یاد شده استفاده می شود که پیامبر(ص) پیش از نزول قرآن، از کیفیت نزول تورات و محل نزول آن اطلاع نداشته است. این آگاهی تنها از طریق وحی و با نزول قرآن برای او پیدا شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۸ - ۶

۶ - قرآن ، معیار شناخت حق و باطل در معارف الهی

فلمّا جاءهم الحقّ

توصیف قرآن به <حق> می تواند به این خاطر باشد که بشر در شناخت حقایق و معارف الهی (هم چون مبدأ و معاد) دچار خطا نشود و معیاری صحیح در شناخت آنها داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۱ - ۱۰

۱۰ - قرآن ، کتاب یادآوری و پندآموزی است .

أنّا أنزلنا علیک الکتب . .. إنّ فی ذلک لرحمه و ذکری

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲ - ۴

۴ - قرآن ، از مقام ربوبیت خدا ، نشأت گرفته و دربردارنده معارفی در جهت رشد و کمال انسان است .

تنزیل الکتب . .. من ربّ العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۳ - ۱۱،۱۵

۱۱ - قرآن ، کتاب هشدار و هدایت است .

تنزیل الکتب . .. بل هو الحقّ من ربّك لتنذر قومًا... لعلّهم یهتدون

لام در <لتنذر> برای تعلیل است و چون در آیه پیش، سخن از رسالت پیامبر نیست تا تعلیل برای آن باشد، بلکه سخن از نزول قرآن است، بنابراین، تعلیل مربوط به تنزیل قرآن است.

۱۵ - قرآن ، مبنای پیامبری و رسالت پیامبراکرم (ص) است .

تنزیل الکتب . .. هو الحقّ ... لتنذر قومًا ... لعلّهم یهتدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶ - ۱۲

۱۲ - قرآن ، به عنوان کتاب الهی ، منبعی برای تشریع قوانین مربوط به حقوق خویشاوندی است .

و أُولوا الأرحام بعضهم أولی ببعض فی کتب اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۹ - ۴

۴ - با آمدن قرآن ، باطل مطلق جایی برای جولان ندارد و نمی تواند بروز و ظهور پیدا بکند .

قل جاء الحقّ و ما یبدئ البطل و ما یعید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۱ - ۵،۶

۵ - قرآن ، تصدیق و تأیید کننده کتاب های آسمانی پیشین (تورات ، انجیل و .

(. .

مصدّقًا لما بين يديه

۶ - وحدت و هم سویی تعالیم قرآن ، با تعالیم کتاب های آسمانی پیشین

مصدّقًا لما بين يديه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۲ - ۸

۸ - نزدیکی و دوری از قرآن ، معیاری برای تعیین ارزش انسان ها و سعادت مندی آنان

ثمّ أورثنا الكتب . .. فمنهم ظالم لنفسه و منهم مقتصد و منهم سابق بالخيرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳ - ۲

۲ - قرآن ، دلیل صدق و گواه راستی رسالت پیامبراسلام است .

و القرءان الحكيم . إنّك لمن المرسلين

برخی از مفسران برآنند که میان آیه شریفه و آیه قبل، ارتباط نزدیکی وجود دارد; بدین صورت که هر دو آیه درصدد اثبات راستی رسالت پیامبراسلام(ص) از راه قرآن می باشند; منتها این حقیقت در قالب سوگند بیان شده است و انتخاب این قالب، صرفاً برای جلب توجه بیشتر مخاطبان به این امر مهم می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵ - ۴

۴ - قرآن ، کتابی پیروزمند ، شکست ناپذیر و رحمت آفرین برای بشر

و القرءان . .. تنزيل العزيز الرحيم

نسبت دادن نزول قرآن به مقام عزت و رحمت خداوند، می تواند بیانگر این نکته باشد که این کتاب نیز عزّتمند و رحمت آفرین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶ - ۱،۲

۱ - پیامبراسلام ، وظیفه دار انذار و اخطار به مردم برپایه تعالیم قرآن

تنزیل العزیز الرحیم . لتنذر

قومًا

۲ - تعالیم قرآن ، مبنا و پایه تبلیغ و انذار پیامبراسلام (ص)

تنزیل العزیز الرحیم . لتنذر قومًا

<لام> در <لتنذر> برای تعلیل و متعلق به <تنزیل. ..> است. بر این اساس نزول قرآن، برای اخطار به مردم از سوی پیامبر(ص) بوده است و این کتاب، پایه و اساس دعوت آن حضرت بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۱ - ۵

۵ - قرآن ، عامل یادآوری دانستنی های فراموش شده و بیدارگر فطرت خفته انسان ها است .

إنّما تنذر من اتّبع الذکر

<ذکر> به معنای استحضار و یادآوری اندوخته ها و دانستنی ها است. توصیف قرآن به <ذکر> می تواند بدین جهت باشد که این کتاب، یادآور دانستنی های فراموش شده است و یا بیدارگر فطرت خفته انسان هایی است که از دانسته های فطری خود غافل اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۹ - ۷

۷ - قرآن ، کتابی سراسر یاد و یادآوری برای انسان است .

إن هو إلاّ ذکر

<ذکر> مصدری است که برای بیان مبالغه، وصف برای قرآن قرار گرفته و به معنای تذکر و یادآوری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۰ - ۳،۶،۱۰

۳ - زندگی انسان ها بدون تعالیم قرآن و رهنمود های پیامبراسلام ، با خطر ها و آفت های گریزناپذیر رو به رو خواهد بود .

و ما علّمنه الشعر . .. إن هو إلاّ ذکر و قرءان مبین . لینذر

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که انذار و اخطارِ

مردم به وسیله قرآن و پیامبراسلام، حاکی از این حقیقت است که بر سر راه انسان ها خطرها و آسیب های بسیار وجود دارد که به وسیله قرآن و پیامبر(ص) شناخته می شود و اگر انسان ها به این امور توجه نکنند، با آنها روبه رو خواهند شد. گفتنی است معنای لغوی <انذار> (اعلام به امری خطرناک و شایسته بر حذر بودن) مؤید همین برداشت است.

۶ - تعالیم قرآن و رهنمود های پیامبر اسلام (ص) ، مایه حیات واقعی انسان ها است .

لینذر من کان حیًّا

۱۰ - قرآن ، وسیله اتمام حجت بر کافران و تحقق بخش وعده الهی درباره آنان است .

و قرءان مبین . لینذر ... و یحقّ القول علی الکفرین

از عطف جمله <و یحقّ الحقّ . ..> بر جمله <لینذر> که لام در این جمله برای تعلیل است برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳ - ۶

۶ - وحی الهی و قرآن کریم ، مایه یاد و یادآوری انسان ها

فالتّلیت ذکرًا

نام گذاری وحی الهی و قرآن مجید به <ذکر>، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۳ - ۴

۴ - قرآن ، مایه پند انسان ها و بیداری از غفلت ها

و إذا ذکّروا لا یذکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱ - ۴

۴ - قرآن ، یادآور دانستنی های فراموش شده و بیدارگر فطرت خفته انسان ها

و القرءان ذی الذکر

<ذکر> به معنای

استحضار و یادآوری اندوخته ها و دانستنی ها است. توصیف قرآن به <ذکر> می تواند به این خاطر باشد که این کتاب، یادآور دانستنی هایی است که فراموش شده و یا بیدارگر فطرت خفته انسانی است که از دانستنی های فطری خود غفلت ورزیده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸ - ۷

۷ - قرآن ، یادآور دانستنی های فراموش شده و بیدارگر فطرت خفته انسان ها

أءنزل علیه الذکر من بیننا بل هم فی شک من ذکری

برداشت یاد شده از نام گذاری قرآن به <ذکر> استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۹ - ۳،۱۰

۳ - قرآن ، منبع خیر و برکت و موجب رشد و تعالی بشر

کتب أنزلنه إلیک مبرک

<برکه> به معنای رشد و فزونی است و <مبارک> به چیزی گفته می شود که در آن رشد و فزونی باشد (مفردات راغب). مقصود از مبارک بودن قرآن این است که این کتاب، منبع خیر و برکت و مایه رشد و تعالی برای کسانی است که در آن تدبر کنند و درس بیاموزند.

۱۰ - قرآن ، برای بیداری و پندگیری صاحبان خرد ناب است .

کتب أنزلنه . .. لیتذکّر أُولوا الألبب

<لبّ> به معنای عقل خالص و خرد ناب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۹ - ۱،۲

۱ - قرآن ، وسیله یاد و یادآوری انسان ها است .

هذا ذکر

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <هذا> اشاره به آیات قرآن باشد.

۲ - قرآن ، عامل یادآوری

دانستنی های فراموش شده و بیدارگر فطرت خفته انسان ها

هذا ذکر

<ذکر> به معنای استحضار و یادآوری اندوخته ها و دانستنی ها است. توصیف قرآن به <ذکر>، می تواند به این خاطر باشد که این کتاب یادآور دانستنی هایی است که فراموش شده است. و یا بیدارگر فطرت خفته انسان هایی است که از دانستنی های فطری خود، غفلت ورزیده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۷ - ۱،۶

۱ - قرآن ، عامل یادآوری دانستنی های فراموش شده و بیدارگر فطرت خفته انسان ها است .

إن هو إلّا ذکر

ضمیر <هو> به قرآن بازمی گردد و <ذکر> به معنای استحضار و یادآوری اندوخته ها و دانستنی ها است. توصیف قرآن به <ذکر> می تواند به این خاطر باشد که این کتاب، یادآور دانستنی هایی است که فراموش شده است و یا بیدارگر فطرت خفته انسانی می باشد که از دانستنی های فطری خود غفلت ورزیده است.

۶ - انسان ، بدون بهره مند شدن از تعالیم قرآن ، در معرض انواع غفلت ها و نسیان ها است .

إن هو إلّا ذکر للعلمین

با توجه به ذکر بودن و مایه یاد و بیداری بودن قرآن برای انسان ها، برداشت یاد شده قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱ - ۴،۶

۴ - قرآن ، جلوه عزت و حکمت خداوند

تنزیل الکتب من اللّه العزیز الحکیم

آمدن دو صفت عزت و حکمت خداوند، پس از یادآوری الهی بودن قرآن، می تواند گویای حقیقت یاد شده باشد.

۶ - قرآن ، مایه عزت انسان ها و

آموزنده حکمت به آنان است .

تنزیل الکتب من اللّه العزیز الحکیم

تذکر این نکته که قرآن از منشأیی (خدایی) نازل گشته که دارای عزت و حکمت است، می تواند گویای این حقیقت باشد که قرآن کتابی عزت آفرین و حکمت آموز برای بشر است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۲۳ – ۸،۱۰،۱۴

۸ – تأثیر عمیق و لرزه انداز قرآن ، بر اهل خشیت و خداترسان

کتبًا . .. تقشعرّ منه جلود الذین یخشون ربّهم

۱۰ – تأثیرگذاری عمیق و لرزه انداز دل های آماده ، از اوصاف کتاب آسمانی قرآن

کتبًا . .. تقشعرّ منه جلود الذین یخشون ربّهم

جمله <تقشعرّ منه جلود. ..> صفت برای <کتاب> است.

۱۴ – پدید آوردن حالت < خوف و رجا > ، < ترس و آرامش > و < بیم و امید > در انسان ، از آثار قرآن است .

کتبًا . .. تقشعرّ منه جلود الذین یخشون ربّهم ثمّ تلین جلودهم و قلوبهم إلی ذکر ا

لرزش یا آرامش اندام و قلب، از آثار توجه به قرآن کریم است و این دو نشانه وجود دو حالت خوف و رجا در انسان است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۴۱ – ۱۵

۱۵ – تنها در سایه کتاب آسمانی قرآن ، هدایت حقیقی و کامل میسر است .

فمن اهتدی فلنفسه و من ضلّ فإنّما یضلّ علیها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۲ – ۶

۶ – قرآن ، مایه عزت انسان ها و آموزنده دانش به آنان

تنزیل الکتب من اللّه العزیز

العلیم

تـذکر این نکته که قرآن از منشأیی نازل شده که دارای عزت و علم است، (خدا)، می تواند گویای این حقیقت باشد که قرآن کتابی عزت آفرین و دانش آموز برای بشر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۴ - ۷

۷ - قرآن ، راهنما و هدایتگر اهل ایمان

قل هو للذین ءامنوا هدًی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۷ - ۳،۷،۸

۳ - قرآن ، معیار و میزان حق (در میدان باور ها ، روش ها و عملکرد ها)

اللّه الذی أنزل الکتب بالحقّ و المیزان

برداشت یاد شده بر این پایه است که <المیزان> عطف تفسیری بر <الکتاب> و تعبیر دیگری از قرآن باشد.

۷ - دستیابی انسان به حق و عدل ، در پرتو بهره گیری از قرآن و به کارگیری آن

أنزل الکتب بالحقّ و المیزان

بنابراین که <المیزان> عبارت دیگری از <الکتاب> باشد و با توجه به این که <میزان> ابزار اجرای عدالت است، برداشت یاد شده به دست می آید.

۸ - قرآن ، مرجع حل اختلافات اجتماعی و اعتقادی

و الذین یحاجّون . .. أنزل الکتب بالحقّ و المیزان

طرح حقانیت و میزان بودن قرآن، پس از ذکر اختلافات و مباحثات بی اساس مخالفان، می تواند ناظر به مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۴ - ۱۲

۱۲ - وحی الهی (قرآن) ، موجب تحکیم حق و نابودی باطل

یمح اللّه البطل و یحقّ الحقّ بکلمته

<کلمات> می تواند اشاره به وحی و آیات الهی داشته باشد.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵۲ - ۴،۹،۱۰

۴ - قرآن ، حیات بخش جان انسان ها است .

كذلك أوحينا إليك روحًا

به کارگیری واژه <روح> به جای <قرآن> یا <کتاب>، اشاره به جنبه حیات بخشی قرآن دارد.

۹ - قرآن ، نور الهی در تاریکی های نادانی و موجب هدایت انسان از گمراهی است .

و لكن جعلنه نورًا نهدى به من نشاء من عبادنا

۱۰ - هدایت انسان به وسیله وحی و قرآن ، تابع مشیت الهی است .

نهدى به من نشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵ - ۴

۴ - قرآن ، بیدارکننده آدمیان از غفلت و بی توجهی

أفنضرب عنكم الذكر

به کارگیری <ذکر> به جای <قرآن>، حاکی از این است که قرآن، بیدارگر خفتگان و یادآور غافلان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۷ - ۳

۳ - قرآن ، راه حرکت انسان به سوی خداوند است .

و من يعش عن ذكر الرحمن . .. ليصدّونهم عن السبيل

با توجه به توضیح برداشت قبل و این که مراد از <ذکر الرحمان> قرآن باشد، مطلب یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۴ - ۱،۳،۴،۵

۱ - قرآن ، مایه تذکر و یادآوری برای پیامبر (ص) و قوم آن حضرت است .

و إنّه لذکر لك و لقومك

۳ - قرآن ، بیدارگر فطرت و یادآور باور ها و شناخت های فطری انسان ها است .

و إنّه لذکر

۴ - قرآن ،

موجب عظمت و آوازه نام پیامبر (ص) و قوم عرب *

و إنّه لذکر لک و لقومک

برداشت یاد شده با توجه به دو احتمال زیر است: الف) مراد از <ذکر> بلندآوازگی و شهرت نام باشد; ب) مقصود از <قوم>، قوم عرب باشد که در پرتو قرآن توانستند به قدرت و بلندآوازگی دست یابند.

۵ - عظمت مسلمانان در پرتو تعالیم وحی و قرآن *

و إنّه لذکر لک و لقومک

مقصود از <قوم>، ممکن است امت پیامبر(ص) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳ - ۸

۸- قرآن ، وسیله ابلاغِ انذار ها و هشدار های الهی به مردم

و الکتب المبین . .. إنّا کنّا منذرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۰ - ۱،۶

۱ - قرآن و دین ، مظهر بصیرت و بینش برای خلق

هذا بصائر للناس

<هذا> اشاره به قرآن و یا اشاره به دین است که از <الأمر> در دو آیه قبل استفاده می شود. اطلاق <بصائر> بر قرآن و دین از قبیل <زید عدل> مبالغه را افاده می کند.

۶ - روشنگری های قرآن ، مایه هدایت و رحمت برای جویندگان یقین

بصائر . .. و هدًی و رحمه لقوم یوقنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۴ - ۲

۲- قرآن ، درصدد تحریک مشرکان ، برای اندیشیدن به پوچی و ناتوانی معبود های دروغینشان

قل أرءیتم ما تدعون من دون اللّه أرونی ماذا خلقوا

تعبیر <أرأیتم> چه به معنای <أخبرونی> باشد و چه به معنای سؤال از نگریستن; دعوت برای اندیشیدن

در ماهیت پوچ بت ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۱ - ۱۱

۱۱- قرآن ، وسیله هدایت و راه یابی انسان به حقیقت

و إذ لم یهتدوا به فسیقولون هذا إفک قدیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۰ - ۷۸

۷- قرآن و محتوای آسمانی آن ، کافی برای اثبات حقانیت رسالت پیامبر (ص)

صرفنا إلیک . .. یستمعون القرءان ... إنّا سمعنا کتبًا أُنزل من بعد موسی ... یهدی

برداشت بالا با توجه به دو نکته است زیر استفاده شده است: ۱ مؤمنان پیشتاز جن، فقط با استماع قرآن به آسمانی بودن آن و حقانیت رسالت پیامبر(ص) پی بردند ۲ در مقام دعوت قوم، باز بر محتوای پیام قرآن تکیه نمودند; نه بر معجزه و نظائر آن.

۸- قرآن ، تصدیق کننده کتاب های آسمانی پیشین

کتبًا أُنزل من بعد موسی مصدّقًا لما بین یدیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۵ - ۱۵

۱۵- قرآن و انذار های بیدارگرانه آن ، اتمام حجت الهی بر خلق

بلغ

<بلاغ> خبر برای <هذا>ی مقدر است. و آن اشاره به آیات هشدارگر قرآن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲ - ۹

۹- قرآن ، حقایق و قوانینی در جهت رشد و تکامل بشر

و هو الحقّ من ربّهم

با توجه به این که ضمیر <هو> به <ما نزّل. ..> (قرآن) بازمی گردد; از تعبیر <من ربّهم> استفاده می شود که قرآن نشأت یافته از مقام ربوبیت خدا و

در جهت رشد و تکامل انسان ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۴ - ۵

۵- قرآن ، دلیل روشن از جانب خدا ، در جهت رشد و کمال آدمیان *

أفمن کان علی بیّنه من ربّه

برداشت بالاـ بدان احتمال است که مراد از <بیّنه>، قرآن باشد. در این صورت تعبیر <من ربّه> می نمایاند که قرآن، از جایگاه ربوبیت و به هدف رشد و تربیت خلق نازل شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۷ - ۳

۳- قرآن ، کتاب هدایت و مایه تقوا برای حق پذیران *

و الذین اهتدوا زادهم هدًی و ءاتیهم تقویهم

ممکن است گفته شود: فاعل <زاد> قرآن است که به قرینه <یستمع إلیک> از آیه قبل استفاده می شود; زیرا عمده و اساس سخنان پیامبر(ص) قرائت آیات وحی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۵ - ۶،۸،۹

۶ - قرآن ، مایه تذکر و هشدار آدمیان

فذکّر بالقرءان

۸ - قرآن ، محور اساسی تبلیغ و رسالت پیامبر (ص)

فذکّر بالقرءان

۹ - لزوم محور قرار دادن قرآن ، در تبلیغ دین و هدایت خلق

فذکّر بالقرءان

هر چند آیه شریفه خطاب به پیامبر(ص) است; اما تکلیف استفاده از قرآن و محور قرار دادن آن در امر تبلیغ، دارای ملاک عام است و اختصاصی به شخص پیامبر(ص) ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۳ - ۴

۴ - دلایل حقانیت قرآن ، متجلی در متن آن برای حق جویان

أم يقولون تقوّله

بل لايؤمنون

<بل لايؤمنون>; يعنى، اينان نمى خواهنـد ايمان بياورند; و گرنه حقانيت قرآن و الهى بودن آن، بدان اندازه پنهان نيست كه آنها درك نكنند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱ - ۶

۶ - قرآن ، ستاره هدايت براى انسان ها *

و النجم إذا هوى

در صورتى كه مراد از <نجم> قرآن باشد، اطلاق <نجم> بر قرآن مى تواند به منظور مطلب بالا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۶ - ۱

۱ - قرآن و پيامبر (ص) ، بيم دهنده اى از زمره بيم دهندگان گذشته تاريخ

هذا نذير من النذر الأُولى

<هذا> هم مى تواند به پيامبر(ص) و هم به قرآن اشاره داشته باشد. در برداشت بالا، هر دو احتمال رعايت شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۶۱ - ۲

۲ - پيام هاى قرآن و وحى ، زداينده غفلت و غرور كاذب از آدميان

أفمن هذا الحديث تعجبون . .. و أنتم سمدون

توبيخ كافران به خاطر غفلت زدگى آنان و ناباورى به مفاهيم قرآن، مى رسانـد كه اگر آنان به قرآن گوش جان فرا دهنـد، از غفلت و غرور بيرون خواهند آمد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲ - ۶

۶ - اعتراف ضمنی کافران ، به تأثیر شگرف و خارق العاده قرآن و معجزات پیامبر (ص)

و إن یروا ءایه . .. و یقولوا سحر مستمرّ

وصف <سحر مستمرّ> گرچه در مقام تنقیص بیان شده; اما به طور غیر

مستقیم به تأثیر خارق العاده کارها و گفته های اعجازی پیامبر(ص) اشاره دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۵ – ۳

۳ – پیام های حکیمانه و رسای قرآن ، اتمام حجت الهی بر خلق

و لقد جاءهم . .. حکمه بلغه

برداشت فوق با توجه به این است که آیه قبل از <و لقد جاءهم. ..> در مقام بیان علت مجازات کافران و اتمام حجت بر ایشان بود بر این اساس می توان از <حکمه بالغه...> که بدل از <ما فیه...> است مطلب بالا را استفاده کرد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۱۷ – ۲

۲ – بیدارگری و غفلت زدایی ، رسالت اصلی قرآن

و لقد یسّرنا القرءان للذّکر فهل من مدّکر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۲۲ – ۲

۲ – بیدارگری و غفلت زدایی ، رسالت اصلی قرآن

و لقد یسّرنا القرءان للذّکر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۴۰ – ۲

۲ – بیدارگری و غفلت زدایی ، رسالت اصلی قرآن

و لقد یسّرنا القرءان للذّکر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۱۶ – ۸

۸ – قرآن ، کتاب تذکار ، یاد آور خدا و بیانگر اوصاف و آیات عظمت و کبریایی او

أن تخشع قلوبهم لذکر اللّه و ما نزل من الحقّ

مراد از <ما نزل من الحقّ> در آیه شریفه، قرآن کریم است. برخی از مفسران برآنند <ذکراللّه> نیز در توصیف قرآن آورده شده

است. برداشت بالا براساس این احتمال است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حشر – ۵۹ – ۲۱ – ۴

۴ – آیات قرآن ، پیامدار خشیت از خدا برای خلق

لو أنزلنا هذا القرءان . .. متصدّعًا من خشیه اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – تغابن – ۶۴ – ۸ – ۴

۴ – رهنمود ها و معارف قرآن ، همچون نور خود روشن و روشنایی بخش حیات بشر و روشنگر حقایق است .

والنور

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – طلاق – ۶۵ – ۱۰ – ۹،۱۰

۹ – قرآن ، مایه تذکر و بیداری انسان ها

قد أنزل اللّه إلیکم ذکرًا

مطلب یاد شده، از نام گذاری قرآن به <ذکر> استفاده شده است.

۱۰ – انسان ، بدون آشنایی با تعالیم قرآن ، از بسیاری از حقایق در غفلت و فراموشی به سر خواهد برد .

قد أنزل اللّه إلیکم ذکرًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – طلاق – ۶۵ – ۱۱ – ۵،۶،۱۱

۵ – پیامبر (ص) ، وظیفه دار هدایت مردم به سوی نور و خارج کردن آنان از ظلمت ها (گمراهی ها) در پرتو تعالیم قرآن کریم

ليخرج الذين ءامنوا و عملوا الصلحت من الظلمت إلى النور

۶ - انسان ها ، بدون تعاليم دين و آموزه های قرآن ، گرفتار انواع ظلمت ها و گمراهی هايند .

ليخرج الذين ءامنوا و عملوا الصلحت من الظلمت إلى النور

تأكيد خداوند بر اين مطلب كه قرآن، رهايی بخش انسان ها از ظلمت ها و هدايت به نور است; می رساند كه بدون تمسک

به این کتاب، امکان رهایی برای بشر نخواهد بود; زیرا اگر راه دیگری ممکن بود خداوند آن را به بشر ارائه می کرد.

۱۱ - سنت پیامبر (ص) ، همگام و همتراز قرآن ، در نجات مردم از ظلمت ها و هدایت آنان به سوی نور

لیخرج الذین ءامنوا و عملوا الصلحت من الظلمت إلی النور

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که خارج ساختن مردم از ظلمت کفر و هدایت آنان به نور ایمان، هدفی دائمی است. از سوی دیگر پیامبر(ص) همچون سایر انسان ها، از دنیا خواهد رفت. بنابراین تنها سنت آن حضرت، می تواند همواره چنین نقشی را ایفا کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۵۱ - ۴

۴ - قرآن ، مایه تذکر و بیداری انسان ها است .

الذکر

مقصود از <ذکر>، قرآن است و نام گذاری قرآن به آن، مفید مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۵۲ - ۱

۱ - قرآن ، مایه تذکّر و بیداری جهانیان است .

و ما هو إلّا ذکر للعلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴۳ - ۶

۶ - نزول قرآن ، در جهت تربیت بشر است .

تنزیل من ربّ العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴۸ - ۱

۱ - قرآن ، کتابی است بیداربخش و پندآموز .

و إنّه لتذکره للمتّقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۹ -

۱ - قرآن ، زداینده غفلت ها و مایه یادآوری و بیداری انسان ها

إنّ هذه تذكره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۵۴ - ۲،۳

۲ - قرآن ، کتابی است بیدارگر و پندآموز برای بشر .

إنّه تذكره

مطابق نظر مفسران، ضمیر <إنّه> به قرآن بازمی گردد.

۳ - قرآن ، در بیدارگری و پندآموزی ، بهترین و جامع ترین کتاب است .

إنّه تذكره

تنکیر <تذکره> برای تعظیم است. بر این اساس می توان گفت: عظیم بودن تذکار قرآن، بیانگر عظمت و برتری این کتاب، از نظر پندآموزی و بیدارگری، نسبت به دیگر کتاب ها و نیز جامعیت آن در این عرصه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۶ - ۷

۷ - تصحیح بینش بشر درباره جهان و انسان ، بخشی از قلمرو موضوعات قرآن

أیحسب الإنسن أن یترک سدًی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۹ - ۱،۲،۷

۱ - قرآن ، زداینده غفلت ها و وسیله یادآوری و بیداری انسان ها است .

إنّ هذه تذكره

<هذه>، به مجموع آیاتی اشاره دارد که تا کنون یاد شده است.

۲ – قرآن ، یادآور نیاز های بشر و تأمین کننده آن است .

إنّ هذه تذکره

واژه <تذکره> در بیشتر لغت نامه ها چنین معنا و تعریف شده است: <ما یُستَذکَرُ به الحاجه> (چیزی که بهوسیله آن نیازها خاطر نشان می شود و انسان همواره آن را به یاد دارد و فراموشش نمی کند) (ر. ک: قاموس، صحاح، تاج العروس و لسان العرب). بر این اساس می توان استفاده کرد

که قرآن، نیازهای انسان ها را بدان ها یادآور شده است; بگونه ای که آن را همواره در خاطر دارد و در واقع آنها را تأمین خواهد کرد.

۷ - با ارائه قرآن به انسان ها ، حجّت الهی بر آنان تمام است .

إنّ هذه تذکره فمن شاء اتّخذ إلی ربّه سبیلاً

خداوند، با ارائه آیات قرآن که مایه بیداری و تذکار است (هذه تذکره) حجتش را بر آدمیان تمام کرده و این انسان است که باید راه دین را، طریق زندگی خویش قرار دهد (اتّخذ إلی ربّه سبیلاً).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۳۱ - ۲

۲ - دین و تعالیم قرآن ، رحمت الهی برای انسان ها

یدخل من یشاء فی رحمته

مفسران برای <رحمت> در این آیه، دو مصداق ذکر کرده اند: ۱. دین و پیمودن راه خدا (به قرینه <من اتّخذ إلی ربّه سبیلاً>); ۲. بهشت (به قرینه بخش آخر این آیه که عذاب دوزخ در آن مطرح شده است). گفتنی است، برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۵ - ۳

۳ - کتاب های آسمانی و قرآن ، مایه یاد و یادآوری انسان ها

فالملقیت ذکرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۲ - ۱۴

۱۴ - پیامبر (ص) و قرآن ، برهانی روشن بر لزوم دست کشیدن اهل کتاب و مشرکان از کفر و شرک خویش

حتّی تأتیهم البیّنه . رسول من اللّه یتلوا صحفًا مطهّره

- آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۳ - ۳،۵،۶

۳ - وجود معارف استوار و قوام بخش در قرآن ، نشانِ تمام بودن حجت بر کافران با ابلاغ آن از سوی پیامبر (ص) است .

حتّی تأتیهم البیّنه . رسول من اللّه ... فیها کتب قیّمه

۵ - اهل کتاب و مشرکان ، ملزم به ترک کفرِ خویش ، پس از ابلاغ معارف استوار و قوام بخش قرآن به آنان

لم یکن . .. منفکّین حتّی تأتیهم البیّنه ... فیها کتب قیّمه

۶ - بعثت پیامبر (ص) همراه با قرآن ، تحقّق بخش پیش شرط اهل کتاب و مشرکان برای ترک آیین خویش

لم یکن . .. منفکّین حتّی تأتیهم البیّنه . رسول ... فیها کتب قیّمه

برداشت یاد شده، براساس یکی از احتمالاتی است که درباره نخستین آیه بیان شد. در آن احتمال، آیه شریفه، بیانگر ادّعای کافران دانسته شده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۴ - ۸

۸ - پیامبر (ص) و قرآن ، در ادعای واهی و نادرست اهل کتاب و مشرکان ، مصداق < بیّنه > نبوده و برهان درخواستی آنان را تأمین نمی کردند .

لم یکن . .. منفکّین حتّی تأتیهم البیّنه ... و ما تفرّق الذین أُوتوا الکتب إلاّ

این آیه، تسلّای خاطری است برای پیامبر(ص) در برابر کافرانی که حتی پس از مشاهده آن حضرت و قرآن، هنوز خود را منتظر <بیّنه> قلمداد می کردند و بیان می کند که در گذشته نیز کافران همین رویه را داشتند و آمدن بینه برای آنان اثری نداشت.

نقش قرآن در

صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۵ - ۵

۵ - تأثیر شگرف قرآن و معجزات الهی بر مردم عصر بعثت

و قالوا إن هذا إلّا سحر مبین

از سحر دانستن قرآن و معجزه الهی، برداشت یاد شده به دست می آید.

نقش کاتبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۵ - ۳

۳ - محدود بودن ثبت و ابلاغ قرآن به سفیران خداوند ، تضمین کننده پاکی و پیراستگی آن از هرگونه خطا و باطل

مطهّره . بأیدی سفره

عبارت <بأیدی سفره>، ممکن است متعلق به <مطهّره> باشد; بر این اساس عامل تطهیر قرآن از خطا و باطل، آن است که تنها دستان سفیران الهی آن را ثبت و ابلاغ می کند و دیگران از دسترسی به آن ناتوان اند.

نقش مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۳ - ۴

۴ - تکذیب کننده گان قرآن و منکران معاد ، خود رقم زننده نامه عمل خویش اند و کردار ناپسند خود را در آن ذخیره می سازند .

بمایوعون

به قرینه آیات پیشین که درباره نامه های اعمال بود می توان گفت: مراد از <وعاء> در <یوعون>، همان نامه عمل است که منکران معاد آن را ظرف کردار خود ساخته اند.

نوآوری قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۲ – ۵

۵- قرآن ، حاوی تعالیمی نو و جدید در مقایسه با دیگر کتاب های آسمانی است .

ما یأتیهم من ذکر من ربّهم محدث

<محدث> به معنای

چیز جدید و نو است و در آیه شریفه، صفت برای <ذکر> می باشد. توصیف قرآن به جدید و نو بودن، می تواند به اعتبار نزول آیات جدید باشد هم چنین می تواند به اعتبار جدید بودن مجموعه آیات قرآن و تعالیم آن در مقایسه با دیگر کتاب های آسمانی باشد. برداشت یاد شده براساس فرض دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۹ - ۳

۳ - قرآن ، سخنی نو و در عین حال به دور از مطالب نامعقول و غیرقابل قبول

أفمن هذا الحدیث تعجبون

مشارالیه <هذا>، می تواند قرآن باشد. در این صورت واژه <الحدیث> اشاره به نو بودن آن دارد. نفی اعجاب و استبعاد که از استفهام توبیخی استفاده می شود می رساند که قرآن در اوج نو بودن، منطقی و قابل درک و فهم است.

نور بودن قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۲ - ۵

۵ قرآن ، نور خداست .

یریدون أن یطفئوا نور اللّه

نورانیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۷ - ۲۵

۲۵ قرآن سراسر نور و روشنگر راه رستگاری است .

فالذین . .. اتبعوا النور الذی أنزل معه أولئک هم المفلحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵۲ - ۹

۹ - قرآن ، نور الهی در تاریکی های نادانی و موجب هدایت انسان از گمراهی است .

و لکن جعلنه نورًا نهدی به من نشاء من عبادنا

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۸ - ۴

۴ - رهنمود ها و معارف قرآن ، همچون نور خود روشن و روشنایی بخش حیات بشر و روشنگر حقایق است .

والنور

نیاز به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲ - ۳

۳ - نزول کتاب (قرآن) از سوی خداوند ، عملی هدفدار و امری لازم و شایسته برای بشر

إنّا أنزلنا إلیک الکتب بالحقّ

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که <بالحقّ> متعلق به <أنزلنا> باشد. کلمه <حق> در برابر باطل (پوچ و بیهوده) به معنای کار به جا، شایسته و هدفمند است. بنابراین نزول قرآن، هدفمند و کاری شایسته و لازم برای بشر می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۹ - ۳

۳ - نیاز بشر ، به تذکار های الهی و تعالیم قرآن کریم

إنّ هذه تذکره

وارثان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۲ - ۱۳

۱۳ - انتخاب مسلمانان برای وراثت قرآن و بهره مند شدن از آموزه های آن ، فضل بزرگ خداوند به آنان است .

ثمّ أورثنا الکتب الذین اصطفینا . .. ذلک هو الفضل الکبیر

برداشـت یـاد شـده، مبتنی بر ایـن احتمـال است که <ذلـک> به <اصـطفاء> و <ایراث کتـاب> (مسـتفاد از جمله <أورثنا الکتاب الذین اصطفینا>) اشاره داشته باشد.

واسطه نزول قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱ - ۱۰

۱۰ برای نزول قرآن بر پیامبر (ص

) ، میان او و خداوند واسطه ای وجود داشته است .

و الذی أُنزل إلیک من ربک الحق

فاعل <أنزل> در عبارت فوق نمی تواند خداوند فرض شود ; زیرا در این صورت صحیح آن بود که گفته می شد: <و الذی أنْزَل ربک إلیک الحق> و یا <الذی أُنزل إلیک الحق> ; یعنی، آن گاه که فاعل حذف شود و فعل به صورت مجهول آورده شود، نباید در عبارت اشاره به فاعل شود. بنابراین فاعل <أنزل> شخصی دیگر (جبرئیل یا ...) خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۹ - ۴

۴ برای نزول قرآن میان خدا و پیامبر (ص) واسطه ای وجود داشته است .

أنما أُنزل إلیک من ربک الحق

دلیل این برداشت در آیه اول از همین سوره گذشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱۰ - ۲

۲ - اتهام مشرکان به پیامبر (ص) ، مبنی بر دریافت قرآن از شیاطین

و ما تنزّلت به الشیطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۱ - ۱

۱ - پاسخ کوبنده و موضع گیری سخت خداوند ، در برابر مدعیان دخالت شیاطین در نزول قرآن

هل أُنبّئکم علی من تنزّل الشیطین

اصرار و تأکید خداوند بر ردّ گفتار و اتهام های مشرکان به قرآن و پیامبر(ص)، بیانگر مطلب یاد شده است.

واقعیت قصص قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۹۹ – ۳

۳ – داستان های قرآن ، برگرفته شده از واقعیت های تاریخی

است .

نقصّ علیک من أنباء ما قد سبق

<نبأ> به معنای خبر است و <ما قد سبق> ; یعنی، آنچه که محققاً در گذشته اتفاق افتاده است; نه آن که تخیلات و امور غیر واقعی باشد.

وجوه اعجاز قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۶ - ۷

۷ - اخبار از حوادث و رخداد های آینده ، جلوه ای از اعجاز قرآن

إذا انطلقتم إلی مغانم لتأخذوها . . کذلکم قال اللّه من قبل ... قل للمخلّفین من ا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۰ - ۱۴

۱۴ - نمایاندن معجزه به مؤمنان ، از جمله اهداف الهی در پیشگویی و اخبار از حقایق آینده

وعدکم اللّه . .. و لتکون ءایه للمؤمنین

اسم <لتکون. ..> وعده های الهی و پیشگویی او است که از <وعدکم اللّه> استفاده می شود; یعنی، خداوند از گفتن این اخبار غیبی و این وعده ها، اهداف گوناگونی را دنبال می کند که یکی از آنها معجزه نمایی است.

وحدت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴ - ۵

۵ - قرآن ، در اُم الکتاب (لوح محفوظ) ، دارای حقیقتی واحد و بسیط

و إنّه فی أُمّ الکتب . .. حکیم

<حکیم> به معنای محکم است و <محکم> به مصنوعی گفته می شود که عناصر و اجزای تشکیل دهنده آن، باهم پیوندی

ناگسستنی داشته باشند. توصیف قرآن موجود در اُمّ الکتاب به <محکم> با توجه به این که قرآن نازل شده دارای کلمات، آیات و سوره های مفصل و

مجزا از یکدیگر است اشاره به این نکته دارد که قرآن موجود در اُمّ الکتاب، حقیقتی واحد، بدون تجزیه و تفصیل و دارای هویتی بسیط است.

وحیانیت الفاظ قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۶ - ۹

۹ - الفاظِ قرآن ، همچون محتوای آن ، نازل شده از سوی خداوند است .

نتلوها علیک بالحقّ

با توجه به کلمه <تلاوت> و اسناد آن به خداوند، مطلب بالا استفاده می شود.

وحیانیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۳ - ۱،۱۴

۱ - قرآن کتابی است که خداوند ، آن را بر پیامبر خویش نازل کرده است .

مما نزلنا علی عبدنا

۱۴ - آسمانی بودن قرآن حتی در نظر مخالفان رسالت ، امری روشن بود .

إن کنتم صدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۵ - ۱۳

۱۳ - عالمان یهود در عصر پیامبر (ص) ، به الهی بودن قرآن آگاهی کامل داشتند .

و هم یعلمون

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مفعول <یعلمون> به قرینه <یسمعون کلام اللّه> الهی بودن کلامی باشد که برای آنان قراءت می شده است; یعنی: <و هم یعلمون ان الذی یسمعونه کلام اللّه>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۹ - ۱

۱ - قرآن ، کتابی است ارجمند و با عظمت و نازل شده از پیشگاه خداوند

و لما جاءهم کتب من عند اللّه

نکره آوردن <کتاب> و تصریح به اینکه از نزد خدا آمده است، دلالت بر عظمت و

ارجمندی قرآن دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۰ - ۵،۶

۵ - قرآن ، کتابی که خداوند آن را نازل کرده است .

أن یکفروا بما أنزل اللّه . .. أن ینزل اللّه

۶ - الهی بودن قرآن ، دلیل ضرورت پرهیز از کفر ورزی به قرآن و پست بودن هر چیزی در مقابل از دست دادن آن ، است .

أن یکفروا بما أنزل اللّه

تعبیر کردن از قرآن به <ما> و توصیف آن به <أنزل اللّه> بیانگر علت و دلیل حکمی است که در فراز قبل بیان شد; یعنی، چون قرآن کتابی است نازل شده از جانب خدا، کفر به آن موجب می شود هر چیزی که در مقابل از دست دادن آن دریافت شود، پست باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۴،۵،۸،۹

۴ - قرآن ، کتابی است نازل شده از جانب خدا .

ءامنوا بما أنزل اللّه

مراد از <ما> در <ما أنزل اللّه> (آنچه خدا فرو فرستاده است) قرآن می باشد.

۵ - الهی بودن قرآن ، دلیل ضرورت ایمان آوردن به آن

ءامنوا بما أنزل اللّه

توصیف قرآن به اینکه خدا آن را فرستاده است، اشاره به علت لزوم ایمان (ءامنوا) دارد.

۸ - یهودیان عصر بعثت ، مطمئن به آسمانی بودن قرآن و معترف به الهی بودن آن

إذا قیل لهم ءامنوا بما أنزل اللّه قالوا نؤمن بما أنزل علینا

چنانچه یهودیان آسمانی بودن قرآن را باور نداشتند در پاسخ به دعوت پیامبر(ص) (ءامنوا بما أنزل اللّه; به آنچه خدا فرو

فرستاده ایمان آورید)، اظهار می داشتند که: قرآن از جانب

خدا نیست. اعراض از چنین پاسخی، گویای اطمینان ایشان به آسمانی بودن قرآن و اعتراف ضمنی آنان به الهی بودن آن است.

۹ - یهودیان ، علی رغم اطمینانشان به الهی بودن قرآن ، به آن ایمان نیاوردند .

إذا قیل لهم ءامنوا بما أنزل اللّه قالوا نؤمن بما أنزل علینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۰ - ۳

۳ - الهی بودن قرآن و احکام اسلام ، دلیل لزوم پیروی از آن است .

اتبعوا ما أنزل اللّه

مراد از <ما> در <ما أنزل اللّه> قرآن و احکام دین است. توصیف آنها به اینکه از ناحیه خداست - پس از فرمان به پیروی از آنها (اتبعوا) - به علت و دلیل لزوم پیروی اشاره دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۶ - ۱

۱ - خداوند ، نازل کننده کتاب های آسمانی (تورات ، انجیل ، قرآن و . . .)

ذلک بأن اللّه نزل الکتب

<ال> در <الکتاب> برای جنس است و <الکتاب> شامل همه کتابهای آسمانی می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۹ - ۱۰

۱۰ پیامبر(ص)، موظف به اعلام وحی شدن قرآن به خویش و بیان اهداف نزول آن

و أوحی إلیّ هذا القرءان لأنذرکم به و من بلغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۲ - ۲

۲ قرآن کتابی گرانسنگ و نازل شده از جانب خداوند است.

و هذا کتب أنزل نه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵

- انعام - ۶ - ۱۵۵ - ۱،۶

۱ قرآن کتابی نازل شده از جانب خداوند

هذا کتب أنزل نه

مشارالیه <هذا>، به دلیل آیات بعد، <قرآن> است.

۶ الهی بودن قرآن و پر برکت بودن آن دلیل لزوم پیروی از آن است.

هذا کتب أنزل نه مبارک فاتبعوه

حرف <فا> در <فاتبعوه> سببیه است. بنابراین دلالت می کند که حقایق بیان شده در جمله قبل علت لزوم پیروی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۷ - ۵

۵ قرآن کتابی روشن و روشنگر و نازل شده از جانب خدا

فقد جاءکم بینه من ربکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲ - ۱،۳

۱ قرآن، کتابی است آسمانی، باعظمت و نازل شده بر پیامبر(ص)

کتب أنزل إلیك

کلمه <کتاب> نکره است و اشاره به عظمت قرآن دارد و توصیف آن به <أنزل> بیانگر آسمانی بودن آن است.

۳ باور به آسمانی بودن قرآن، از میان برنده هرگونه نگرانی از نارسائی آن برای هدایت مردم

فلا یکن فی صدرك حرج منه

توصیف قرآن به <أنزل> و سپس نهی از نگرانی درباره آن (منه)، ممکن است ناظر به این باشد که قرآن برای انذار و تذکر کافی است و از این ناحیه جایی برای نگرانی وجود ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۲ - ۱

۱ قرآن ، کتابی از جانب خداوند و ارجمند و گرانقدر

و لقد جئنهم بکتب

مراد از <کتاب> قرآن کریم است که به صورت نکرده آورده شده تا اشاره به عظمت و والایی آن باشد.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۳ - ۶

۶ قرآن ، به تمامی ، وحی و نازل شده از جانب خداست ، نه ساخته دست بشر

قل إنما أتبع ما یوحی إلیّ من ربی

حصر در جمله <انما أتبع . .. > ناظر به اتهام مشرکان و رد پندار آنان است. یعنی من در ارائه آیات قرآن تابع وحی هستم، نه اینکه از پیش خود آنها را بسازم و یا از این سو و آن سو جمع آوری کنم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶ - ۳

۳ قرآن ، کلام خداست .

حتی یسمع کلم اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۵ - ۱۵

۱۵ پیامبر اکرم (ص) ، کلام خدا (قرآن) را از راه وحی دریافت می کرد .

ائت بقرءان غیر هذا . .. إن أتبع إلا ما یوحی إلیّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۷ - ۱،۱۱

۱ قرآن کتابی است که نسبت ساختگی و غیر الهی بودن را ، نه در شکل و نه در محتوا ، نمی پذیرد .

و ما کان هذا القرءان أن یفتری من دون اللّه

نفی صفت افترا و ساختگی بودن از قرآن با به کارگیری <ما کان> که برای نفی شأن و استعداد است بیانگر این حقیقت می باشد که: در قرآن چه در شکل و چه در محتوای آن هیچ نشانه ای که حاکی از غیر

الهی بودن آن باشد، وجود ندارد.

۱۱ قرآن ، کتابی است الهی .

من رب العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۷ - ۳

۳ قرآن ، کتابی است نازل شده از جانب خداوند .

قد جاءتکم موعظه من ربکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۶۱ - ۲

۲ قرآن ، کتابی است نازل شده از جانب خدا و خوانده شده بر پیامبر (ص) .

و ما تتلوا منه من قرءان

برداشت فوق از عود ضمیر <منه> به خداوند و از تنکیر قرآن که مصدر به معنای مفعول است استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۴ - ۱۸

۱ قرآن ، کتابی است که از جانب خداوند نازل شده است .

مما أنزلنا إلیک

۸ قرآن ، کتابی حق ، مبرا از پندار ها ، تخیلات و نازل شده از جانب خداوند

لقد جاءک الحق من ربک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱ - ۷

۷ قرآن ، کتابی است از ناحیهء خداوند .

کتب . . . من لدن حکیم خبیر

((من لـدن . . .)) می توانـد هم قید برای ((فصـلت)) و ((اُحکمت)) باشد و هم می تواند قید برای کتاب گرفته شود. بنابراین آیه شریفه دلالت می کند که قرآن از ناحیهء خداوند حکیم و خبیر است و اتقان و تبیین آیاتش نیز از جانب اوست .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸

- هود - ۱۱ - ۱۲ - ۶

۶ آیه های قرآن ، حقایقی که از طریق وحی به پیامبر (ص) نازل می شد .

فلعلّک تارک بعض ما یوحی إلیک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۴ - ۲۸

۲ قرآن ، کتابی از ناحیه خدا و جلوه ای از علم اوست .

فاعلموا أنما أُنزل بعلم الله

۸ لزوم تسلیم شدن در برابر خدا و پذیرش اسلام وتوحید و الهی بودن قرآن

فإلّم یستجیبوا لکم . .. فهل أنتم مسلمون

استفهام در جمله <فهل أنتم . ..> استفهامی است که به داعی امر و ترغیب ایراد شده است; یعنی: فاسلموا ... .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۲۰

۲۰ قرآن ، کتابی از ناحیه خداوند و پرتوی از ربوبیت اوست .

إنه الحق من ربک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳ - ۸

۸ خداوند ، قرآن و داستان های آن را از طریق وحی در اختیار پیامبر (ص) قرار می داد .

نحن نقصّ علیک . .. بما أوحینا إلیک هذا القرءان

حرف <باء> در <بما أوحینا> سببیه است و <ما> در آن مصدریه می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱۱ - ۶

۶ قرآن ، بسی فراتر از آن است که بافته شده و ساخته بشر باشد .

ما کان حدیثًا یفتری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱ - ۷،۱۳

۷ قرآن ، کتابی از

ناحیه خدا و نازل شده بر پیامبر (ص)

و الذی أُنزل إلیک من ربک الحق

۱۳ بیشتر مردم به الهی بودن قرآن و نزولش از ناحیه خداوند ایمان نمی آورند .

الذی . .. من ربک الحق و لکنّ أکثر الناس لایؤمنون

از حقایقی که جمله <الذی أنزل . ..> گویای آن است الهی بودن قرآن می باشد (من ربک). از این رو این حقیقت نیز متعلق <لایؤمنون> می باشد ; یعنی: <لایؤمنون بأن القرآن من ربک>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۹ - ۲،۵،۶

۲ قرآن ، کتابی از ناحیه خداوند و نازل شده بر پیامبر (ص)

أنما أُنزل إلیک من ربک الحق

۵ آنان که الهی بودن قرآن و حقانیّت آن را باور ندارند ، کوردل و جاهلند .

أفمن یعلم أنما أُنزل إلیک من ربک الحق کمن هو أعمی

۶ آنان که الهی بودن قرآن و حقانیّت آن را پذیرفته اند ، عالم و بصیرند .

أفمن یعلم أنما أُنزل إلیک من ربک الحق کمن هو أعمی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۰ - ۵،۸

۵ قرآن حقیقتی که خداوند آن را با وحی بر پیامبر (ص) نازل کرد .

لتتلوا علیهم الذی أوحینا إلیک

۸ قرآن و وحی نازل شده بر پیامبر (ص) پرتوی از رحمت گسترده خداوند است .

و هم یکفرون بالرحمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱ - ۲

۲- قرآن ، کتابی است که از جانب خداوند بر پیامبر (ص) نازل شده است .

کتب أنزلنه

إليک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵۲ - ۱

۱- قرآن ، ابلاغ پیام خداوند به مردم است .

هذا بلغ للناس

مفسّران درباره مشارالیه <هذا> سه احتمال ذکر کرده اند: آیات اخیر که درباره وضعیت بد دوزخیان است; آیات همین سوره; قرآن کریم. برداشت فوق مبتنی بر احتمال سوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹ - ۱

۱- قرآن ، بی هیچ تردیدی تنها از جانب خداوند نازل شده است .

إنا نحن نزّلنا الذّکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۴ - ۲،۳

۲- منکران عالم آخرت ، منکر نزول قرآن از جانب خداوند بودند .

فالذین لایؤمنون بالأخره . .. إذا قیل لهم ماذا أنزل ربّکم قالوا أسطر الأولین

رفع <أساطیر> به خاطر خبر برای مبتدای محذوف بودن (<المنزل> یا <الذی یسئل عنه>) است که مراد از آن قرآن می باشد.

۳- نپذیرفتن حق و داشتن روحیه استکباری ، عامل انکار نزول قرآن از جانب خداوند

فالذین لایؤمنون بالأخره قلوبهم منکره و هم مستکبرون . .. و إذا قیل لهم ماذا أنزل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۴ - ۱

۱- قرآن ، کتابی نازل شده از سوی خداوند بر پیامبر (ص)

و ما أنزلنا علیک الکتب

<ال> در <الکتاب> عهد ذهنی بوده و مراد از آن قرآن کریم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۲ - ۲

۲- آیات ناسخ و منسوخ ، همه از جانب پروردگار نازل

شده است .

قل نزّله روح القدس من ربّک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۰۳ – ۴،۱۰

۴- پیامبر (ص) در ارائه کتابی به نام قرآن ، از هیچ انسانی کمک نگرفته است .

نزّله روح القدس من ربّک . .. و لقد نعلم أنهم یقولون إنما یعلّمه بشر

۱۰- نسبت دادن قرآن به بشر ، نسبتی ناروا و دور از حق است .

لسان الذی یلحدون إلیه أعجمیّ

در مفهوم <الحاد> انحراف از حق نهفته است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۸۸ – ۳

۳- قرآن ، حاوی حقایق ، آموزه ها و معارفی است که انس و جن هرگز توان دست یافتن به آن حقایق را ، بدون وحی پیدا نخواهند کرد .

قل لئن اجتمعت الإنس و الجنّ علی أن یأتوا بمثل هذا القرءان لایأتون . .. ظهیرًا

ناتوانی انسانها و جنیان از آوردن همانندی برای قرآن، مطلق است و شامل معارف و آموزه های آن نیز می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۹۳ – ۹

۹- مشرکان مکه ، نسبت به آسمانی بودن قرآن و رسالت الهی پیامبر (ص) بی اعتقاد بودند .

أو ترقی فی السّماء و لن نؤمن لرقیّک حتی تنزّل علینا کتبًا نقرؤه

از اینکه آنان، نامه و کتابی را از پیامبر(ص) خواستند که خود از آسمان آورده باشد، حکایت از آن دارد که: قرآن را که به صورت وحی بر آن حضرت نازل می شده است قبول نداشتند.

فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۱۰۵ – ۲،۳

۲– قرآن ، مجموعه ای الهی و غیر قابل تصرف و چشم پوشی ، حتی از کمترین بخش آن

و بالحقّ أنزلنه و بالحقّ نزل

بـا توجه به مضـامین آیات ۸۸ و ۹۳، که در آنهـا درخـواست مشـر کان دربـاره نزول قرآن به صورت مکتوب مطرح شـده بود، ممکن است این آیه پاسخی باشد به آنان که حقایق قرآنی با اقتراحات تغییر نمی یابد.

۳– قرآن از آمیختگی به غیر کلام وحی مبرا بوده و سلامت آن از سوی خداوند ، تضمین شده است .

و بالحقّ أنزلنه و بالحقّ نزل

جمله <و بالحقّ نزل> می توانـد بیانگر کیفیت نزول قرآن باشـد; یعنی، نزول قرآن بر پایه حق بود و هرگز با باطل و ناصواب آمیخته نشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۲۷ – ۳

۳– قرآن کتابی وحی شده به پیامبر (ص) از جانب خداوند است .

واتل ما أُحی إلیکَ من کتاب ربّکَ

حرف <من> در <من کتاب ربک> برای تبیین است و گویای این که آنچه وحی شده است، همان کتاب خدا است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۲ – ۱

۱– خداوند ، قرآن را بر پیامبر (ص) نازل کرده است .

ما أنزّلنا علیکَ القران لتشقی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۴ – ۱

۱- قرآن ، پیامی فرود آمده از سوی آفریدگار زمین و آسمان ها است .

تنزيلاً ممّن خلق الأرض والسموت

<تنزيلاً> مصدر به معنای اسم مفعول و حال برای <القرآن>

در آیات قبل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۳ - ۱

۱ - قرآن ، کتابی نازل شده از جانب خداوند ، با بیانی فصیح و روشن

و کذلک أنزلنه قرءانًا عربیًّا

<عربیّاً> یا به معنای فصیح و روشن می باشد (مفردات راغب) و یا گویای انتساب به عرب زبانان است (لسان العرب). برداشت یاد شده، ناظر به معنای اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۴ - ۱۳

۱۳ - قرآن ، سراسر وحی الهی است .

من قبل أن یقضی إلیک وحیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۳ - ۱۱

۱۱ - نزول قرآن ، پرتو ربوبیت خداوند و وسیله پیشرفت اهداف رسالت است .

لولا یأتینا بَایه من ربّه أوَلم تأتهم

جمله <أوَلم تأتهم. ..> قرآن را مصداق معجزه ای قرار داده که خداوند باید بر پیامبر(ص) نازل می کرد. شمول ربوبیت خداوند بر پیامبر(ص) (ربّه)، به معنای تربیت و رشد پایه ها و ساختار رسالت آن حضرت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰ - ۱

۱- قرآن ، کتاب آسمانی فرستاده شده از سوی خداوند

لقد أنزلنا إلیکم کتبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۰ - ۳

۳- قرآن ، حقیقتی نازل شده از جانب خداوند

هذا ذکر مبارک أنزلنه

مشارالیه <هذا> قرآن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۶ - ۱

۱ - قرآن ، کتابی است

نازل شده از جانب خداوند .

أنزلنه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۴ - ۸

۸ - قرآن ، كتابى است نازل شده از جانب خداوند .

أنّه الحقّ من ربّك

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۶ - ۴

۴ - قرآن ، كتابى آسمانى و نازل شده از جانب خداوند

قد كانت ءايتى تتلى عليكم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۸ - ۳

۳ - تأمل در آيات قرآن ، زداينده هر گونه ترديد در الهى و آسمانى بودن آن

أفلم يدّبّروا القول

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۰ - ۳

۳ - قرآن ، كتابى آسمانى و نازل شده از سوى خداوند

بل أتينهم بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱ - ۳

۳ قرآن ، کتابی نازل شده از جانب خداوند بر پیامبراسلام (ص)

تبارک الذی نزّل الفرقان علی عبده

از دیدگاه بیشتر مفسران مقصود از <فرقان> در آیه شریفه قرآن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶ - ۴

۴ قرآن ، از سنخ اسرار نهفته در عالم آفرینش است که نزول آن ، تنها از سوی خداوند دانای به اسرار امکان پذیر است . *

قل أنزله الذی یعلم السرّ فی السموت و الأرض

ربط بین نزول قرآن و علم به اسرار، می تواند گویای این نکته باشد که این کتاب از ساخته های دست بشر نیست;

بلکه جزء اسرار عالم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۲ - ۱

۱ - قرآن ، کتابی نازل شده از جانب خداوند

و إنّه لتنزيل ربّ العلمين

مراد از ضمیر در <إنّه>، می تواند قرآن باشد و یا بیان سرگذشت امت های کفرپیشه تاریخ باشد. برداشت یاد شده بر پایه احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، دریافت کننده قرآن از جانب خداوند

و إنّک لتلقّی القرءان من لدن حکيم عليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۸ - ۱

۱ - قرآن ، کتابی نازل شده از جانب خداوند

فلمّا جاءهم الحقّ من عندنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۹ - ۴

۴ - قرآن و تورات ، دو کتاب آسمانی و نازل شده از جانب خداوند

فأتوا بكتب من عند اللّه هو أهدى منهما

ضمیر <هما> در <منهما> به تورات و قرآن بازمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۱ - ۱

۱ - قرآن ، سخن آسمانی و نازل شده از جانب خداوند

و لقد وصّلنا لهم القول

برداشت یاد شده، با توجه به اسناد فعل <وصل> به ضمیر <نا> (خداوند) استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۳ - ۵

۵ - قرآن ، کتابی نازل شده از جانب خداوند و جلوه ربوبیت او

إنّه الحقّ من ربّنا

جلد - نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۸۶ – ۳

۳ – قرآن ، کتابی القا شده از سوی خداوند به پیامبر (ص)

و ما کنت ترجوا أن یلقی إلیک الکتب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۸۷ – ۳

۳ – قرآن ، کتابی نازل شده از جانب خداوند بر پیامبر (ص)

عن ءایت اللّه بعد إذ أُنزلت إلیک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۴۵ – ۲

۲ – قرآن ، کتابی است که از جانب خداوند ، بر پیامبر (ص) وحی شده است .

اتل ما أوحی إلیک من الکتب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۴۶ – ۱۱

۱۱ – قرآن و انجیل و تورات ، کتاب های نازل شده از سوی خداوند است .

ءامنّا بالذی أُنزل إلینا و أُنزل إلیکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۴۷ – ۱

۱ – قرآن ، کتابی است که از سوی خداوند ، بر پیامبر (ص) نازل شده است .

و کذلک أنزلنا إلیک الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۱ - ۲

۲ - قرآن ، از سوی خداوند ، بر پیامبر (ص) نازل شده است .

أَوَلم یکفهم أنّا أنزلنا علیک الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲ - ۱،۲

۱ - بی تردید ، قرآن ، از

سوی خداوند نازل شده است .

تنزیل الکتب لاریب فیه من ربّ العلمین

<تنزیل> مصدر به معنای مفعول است و اضافه آن به <الکتاب> از باب اضافه صفت به موصوف است. بنابراین، معنای آیه، چنین می شود: <این، آن کتاب نازل شده ای است که شبهه ای در آن نیست>.

۲ - قرآن ، کتابی است که از سوی پروردگار جهان ، نازل شده است .

تنزیل الکتب . .. من ربّ العلمین

برداشت بالا، بنابراین احتمال است که <تنزیل> مبتدا و <لاریب> خبر باشد. لازم به گفتن است که <ال> در <الکتاب> برای عهد است و به قرآن کریم، اشاره دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۳ - ۶

۶ - قرآن ، حقِّ محض و نازل شده از جانب خداوند است .

بل هو الحقّ من ربّک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۶ - ۲

۲ - قرآن ، کتابی نازل شده از جانب خدا و سراسر حق و حقیقت در دیدگاه عالمان

و یری الذین أُوتوا العلم الذی أُنزل إلیک من ربّک هو الحقّ

مراد از <الذی أُنزل إلیک> قرآن کریم است و مصداق کامل و تمام عیار آن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۸ - ۷

۷ - قرآن ، کتاب حقی است و ساخته دست بشر نیست .

قالوا ما هذا إلّاإفک مفترًی . .. قل إنّ ربّی یقذف بالحقّ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۳۱ – ۲

۲ – قرآن ، کتاب آسمانی و

وحی الهی به پیامبر (ص)

و الذی أوحینا إلیک من الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵ - ۱

۱ - قرآن ، کتابی نازل شده از جانب خداوند

و القرءان . .. تنزیل العزیز الرحیم

<تنزیل> مفعول مطلق برای فعل محذوف و به تقدیر <نزل تنزیلاً من العزیز الرحیم> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۹ - ۱۱

۱۱ - محتوا ، شیوه و نظم موجود در قرآن ، روشنگر خدایی بودن آن و پیراستگی آن از تخیلات شاعرانه .

و ما علّمنه الشعر و ما ینبغی له إن هو إلاّ ذکر و قرءان مبین

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که مقصود از روشنگر بودن قرآن به قرینه صدر آیه (و ما علّمناه الشعر و ما ینبغی له) این حقیقت باشد که قرآن، خود شاهد و گواهِ الهی بودن و نیز پیراسته بودنش از تخیلات شاعرانه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۹ - ۱

۱ - قرآن ، کتابی گران سنگ و نازل شده از جانب خداوند بر پیامبر (ص)

کتب أنزلنه إلیک

تنکیر <کتاب> مفید تعظیم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۷ - ۴

۴ - قرآن ، کتاب آسمانی جن و انس و مایه یاد و بیداری آنان

إن هو إلّا ذکر للعلمین

عـالم (مفرد <عـالمین>) اسـت و بـه مجموعه ودسـته ای از موجودات گفته می شود. بنابراین <العالمین>; یعنی، همه موجودات به لحاظ مجموعه ها و

دسته ها. بنابر دیدگاه بسیاری از مفسران، مقصود از آن می تواند علاوه بر انسان ها جن هم باشد، چنان که در آیه نخست سوره <جن> آمده است (فقالوا إنّا سمعنا قرآناً عجباً . یهدی إلی الرشد فآمنّا به...).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱ - ۱

۱ - قرآن ، کتابی الهی و آسمانی است ; نه بشری .

تنزیل الکتب من اللّه

تصریح و تأکید خداوند بر الهی بودن قرآن با آن که ادعای آورنده آن (پیامبراسلام) نیز همین بوده است می تواند به این خاطر باشد که تمامی مخالفان اسلام، این کتاب را بشری و ساخته و پرداخته پیامبر(ص) می دانستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲ - ۱

۱ - قرآن ، کتابی الهی و آسمانی است ; نه بشری .

إنّا أنزلنا إلیک الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۱ - ۱

۱ - قرآن ، کتابی الهی و آسمانی است ; نه بشری

إنّا أنزلنا علیک الکتب

تصریح و تأکید خداوند بر الهی بودن قرآن با آن که ادعای آورنده اش (پیامبراسلام) نیز همین بود می تواند به این خاطر باشد که تمامی مخالفان اسلام، این کتاب را بشری و ساخته و پرداخته پیامبر(ص) می دانستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲ - ۱

۱ -قرآن ، کتابی نازل شده از جانب خداوند است ; نه دستاورد بشر .

تنزیل الکتب من اللّه

تصریح و تأکید خداوند بر الهی بودن

قرآن با آن که ادعای آورنده اش (پیامبراسلام) نیز همین بوده است می تواند به این خاطر باشد که مخالفان اسلام، این کتاب را بشری و ساخته و پرداخته پیامبر(ص) می دانستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲ - ۱،۲،۵

۱ - قرآن ، کتابی نازل شده از ناحیه خداوند

تنزیل من الرحمن الرحیم

<تنزیل> مصدر و به معنای اسم مفعول <منزَّل> است. این کلمه خبر برای مبتدای محذوف <هذا> است که اشاره به قرآن دارد.

۲ - تمامی قرآن ، حتی حروف آن ، نازل شده از ناحیه خداوند *

حم . تنزیل من

برداشت یاد شده بنابر این احتمال است که <حم> اشاره به حروف داشته باشد; یعنی، تنها مفاهیم و معارف کلی از ناحیه خداوند بر پیامبر نازل نشده است تا او آنها را به لفظ درآورده باشد; بلکه آیات قرآن که تشکیل یافته از <حاء و میم> و امثال آن است با همین شکل از ناحیه خداوند نازل شده است.

۵ - قرآن ، در قالب الفاظ عربی ، دارای نزول تدریجی از جانب خداوند

حم . تنزیل من

بنابراین احتمال که <حم> نظر به جنبه لفظی قرآن داشته باشد، با توجه به آیاتی که نزول دفعی قرآن را می فهماند می توان نتیجه گرفت که نزول دفعی قرآن، نزولی مفهومی و معرفتی بوده و نزول لفظی آن در قالب حروف و کلمات عربی، نزول تدریجی بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳ - ۵

۵ - الفاظ قرآن هم چون محتوای آن آسمانی و الهی است .

تنزیل

من الرحمن . .. قرءانًا عربيًّا

قیـد <قرآناً عربیاً> می توانـد بیانگر این معنا باشـد که آیات قرآن، نه تنها از حیث محتوا الهی است; بلکه الفاظ آن هم کلام خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۲ - ۶

۶ - قرآن ، نازل شده از سوی پروردگار کاردان و ستوده

تنزیل من حکیم حمید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۲ - ۳،۶

۳ - قرآن ، کتابی نازل شده از سوی خداوند

إن کان من عند اللّه

با توجه به این که اسم کان قرآن است، مطلب بالا استفاده می شود.

۶ - مخالفت با قرآن ، با احتمال نزول آن از سوی خداوند ، امری به دور از عقل و خرد

قل أرءیتم إن کان من عند اللّه

بنا بر این که مراد از <أرأیتم> تفکر و تعقل باشد، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۷ - ۱

۱ - قرآن از سوی خداوند ، در قالب زبان عربی بر پیامبر (ص) وحی شده است .

و کذلک أوحینا إلیک قرءانًا عربیًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۷ - ۱

۱ - خداوند ، قرآن و سایر کتاب های آسمانی را به حق و پیراسته از هر گونه باطل فرو فرستاد .

اللّه الذی أنزل الکتب بالحقّ

الف و لام در <الکتاب> می توانـد برای عهد باشد و نیز می تواند برای جنس باشد که در این صورت شامل همه کتاب های آسمانی خواهد

بود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۵۲ – ۳

۳ – قرآن ، وحی خدا و نازل شده از عالم امر *

أوحینا إلیک روحًا من أمرنا

برداشت یاد شده بر این اساس است که مراد از <روحاً> قرآن باشد. در این صورت <من أمرنا> اشاره دارد به این که قرآن مخلوقی از جهان بالا و نازل شده از عالم امر است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۴۳ – ۴

۴ – قرآن ، وحی الهی بر پیامبر (ص) بوده و آن حضرت در محتوای آن نقشی نداشته است .

فاستمسک بالذی أُوحی إلیک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۵ – ۴

۴- قرآن حقیقتی الهی و نازل شده از سوی او

إنّا أنزلنه . .. أمرًا من عندنا إنّا کنّا مرسلین

از انتساب مکرر نزول قرآن به خداوند، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۲ – ۱

۱ – قرآن ، نازل شده از جانب خداوند مقتدر و حکیم

تنزیل الکتب من اللّه العزیز الحکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲ - ۱

۱- قرآن ، فرستاده شده از جانب خداوند عزیز و حکیم

تنزیل الکتب من اللّه العزیز الحکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲ - ۷

۷- قرآن ، حقایقی نازل شده از سوی خداوند ، بر پیامبر (ص)

نزّل علی محمّد و هو

الحقّ من ربّهم

تصريح به <نزّل>، بيانگر اين حقيقت است که شخص پيامبر(ص) مفاهيم و حقايق قرآن راابداع نکرده; بلکه قرآن به همين صورت از جانب خداوند بر آن حضرت نازل شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۴ - ۵

۵- قرآن ، دليل روشن از جانب خدا ، در جهت رشد و کمال آدميان *

أفمن کان على بيّنه من ربّه

برداشت بالاـ بدان احتمال است که مراد از <بيّنه>، قرآن باشد. در اين صورت تعبير <من ربّه> مى نمايانـد که قرآن، از جايگاه ربوبيت و به هدف رشد و تربيت خلق نازل شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۸ - ۳

۳ - قرآن ، نازل شده از لوح محفوظ است ; و نه ساخته و پرداخته ذهن بشر .

إنّه لقرءان کريم . فى کتب مکنون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۸۱ - ۱

۱ - اظهارات انکارآميز مشرکان صدراسلام نسبت به قرآن ، به رغم باور قلبى آنان به آسمانى بودن آن

أفبهذا الحديث أنتم مدهنون

<إدهان> (مصدر <مدهنون>) به دو معنا آمده است: الف) اظهار کردن بر خلاف آنچه در دل است; ب) به شوخى گرفتن چيزى و برخورد استهزا آميز کردن با آن. برداشت ياد شده براساس معناى اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - حديد - ۵۷ - ۹ - ۱

۱ - قرآن ، کتابی نازل شده از جانب خداوند

هو الذی ینزّل علی عبده ءایت بیّنت

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۱۶ – ۹

۹ – قرآن ، کتابی نازل شده از جانب خداوند

و ما نزل من الحقّ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – مجادله – ۵۸ – ۵ – ۸

۸ – آیه های قرآن ، نازل شده از جانب خداوند

و قد أنزلنا ءایت بیّنت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – طلاق – ۶۵ – ۱۰ – ۸

۸ – قرآن ، کتابی است نازل شده از سوی خداوند برای بشر .

قد أنزل اللّه إلیکم ذکرًا

طبق گفته مفسران، مقصود از نزول ذکر، نزول قرآن کریم است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – حاقه – ۶۹ – ۴۴ – ۲

۲ – قرآن ، ساخته و پرداخته دست بشر (پیامبر (ص) و مانند ایشان) نیست .

و لو تقوّل علینا بعض الأقاویل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۲۳ – ۱،۲

۱ – قرآن ، کتابی نازل شده از سوی خداوند بر پیامبر (ص)

إنّا نحن نزّلنا عليك القرءان

۲ – قرآن ، کتابی است الهی ; نه ساخته و پرداخته دست بشر .

إنّا نحن نزّلنا عليك القرءان

تصریح و تأکید فراوان بر اختصاص نزول قرآن از سوی خداوند در فضایی که کافران ساختگی بودن آن را تبلیغ می کردند می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکویر – ۸۱ – ۱۹ – ۱

۱ – قرآن ، کلام خداوند است .

إنّه لقول رسول

عنوان <رسول> گویای آن است که او ابلاغ کننده

قول است; نه گوینده آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۳ - ۷

۷ - قرآن ، کتابی الهی و آیات آن ، وابسته به خداوند است .

ءایتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۲۱ - ۲

۲ - آیات قرآن ، بر پیامبر (ص) خوانده شده است و ساخته و پرداخته آن حضرت نیست .

بل هو قرءان

کلمه <قرآن>، هرگاه با حرف <ال> ذکر شود، عَلَم است و آن گاه که نکره باشد، مصدر و به معنای مفعول (مقروء) می باشد. مراد از وصف <مقروء> (قرائت شده)، این است که پیامبر(ص)، آن آیات را دریافت کرده است; نه این که به دروغ آن را ساخته باشد.

وحیانیت مثالهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۶ - ۷

۷ - اهل ایمان حقانیت مثل های قرآن و آسمانی بودن آنها را در می یابند و به خوبی می فهمند .

فأما الذین ءامنوا فیعلمون أنه الحق من ربهم

وضوح آیات قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱ - ۳،۹

۳ همهء آیات قرآن ، برخوردار از بیانی روشن و پیراسته از ابهام و پیچید گی

کتب أَحکمت ءایته ثم فصلت

تفصیل (مصدر فصلت) به معنای تبیین است . بنابراین ((فصلت)) گویای این است که : آیه های قرآن ، برخوردار از وضوح و روشنی است و در ارائه ء

۹ اتقان قرآن و روشنی آیه های آن ، جلوه ای از حکیم و خبیر بودن خداوند

است .

کتب أُحکمت ءایته ثم فصلت من لدن حکیم خبیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۹ - ۶

۶ - آیات قرآن ، روشن و دلالت آنها واضح است .

ینزّل . .. ءایت بیّنت

وضوح انذارهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵ - ۲

۲ - پیام های انذارگر قرآن ، پیام هایی معقول و شناختنی است ; نه دور از حیطه درک بشر .

حکمه بلغه

در معنای <حکمت>، اتقان فهم و مطابقت با عقل نهفته است و وصف <بالغه> این معنا را تأکید می کند.

وضوح تعالیم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱ - ۳

۳ بیان قرآن در ارائه مطالب خویش ، روشن و بدون اجمال و ابهام است .

الکتب المبین

برداشت فوق ، براساس لازم بودن کلمه <مبین> (روشن و واضح) به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۹۵ - ۳

۳ - وجود مسائل و معارف یقینی ، مسلّم و تردیدناپذیر در قرآن

إنّ هذا لهو حقّ الیقین

وضوح حقانیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۷ - ۸

۸ وجود دلایل روشن بر توحید و حقانیت قرآن و رسالت پیامبر (ص) ، مانع هر گونه بهانه ای برای انکار آنها و موجب استحقاق کافران و مشرکان به عذاب های الهی است .

و ما أکثر الناس . .. بمؤمنین ... و ما یؤمن أکثرهم بالله إلاّ و هم

مشرکون. أفأمنو

حرف <فاء> در <أفأمنوا> استحقاق عذاب را بر آیه <ذلک من أنباء الغیب . ..> که حاوی برهان بر حقانیّت قرآن و رسالت پیامبر(ص) است و آیه <و کأیّن من آیه ...> که دربردارنده دلیل بر توحید می باشد مترتّب کرده است ; یعنی، چون اتمام حجت شده، عذر و بهانه ای در کار نیست و کفرپیشگان مستحق عذابند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۹ - ۷

۷ حقانیّت قرآن امری روشن و واضح است .

أفمن یعلم أنما أُنزل إلیک من ربک الحق کمن هو أعمی

نابینا خواندن کسانی که حقانیّت قرآن را باور ندارند ، اشاره به این نکته دارد که: حقانیّت قرآن امری روشن است. اگر کسی نمی پذیرد خود مقصر است ; چشمانش را باز کند تا ببیند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۸ - ۶

۶ - آشکار بودن حقانیت قرآن ، برای کافران مکه

کانوا بأیتنا یجحدون

واژه <جحد> در مواردی به کار می رود که حقانیت چیزی معلوم باشد و در عین حال مورد انکار قرار گیرد.

وضوح عظمت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۱ - ۹

۹ - عظمت قرآن ، به مجرد قرائت آن بر شنوندگان ، نمایان شده و در دل هر انسان جا می گیرد .

و إذا قرئ علیهم القرءان لایسجدون

توبیخ کسانی که با شنیدن قرآن اظهار خضوع نکرده و به خاک نمی افتند، بیانگر تأثیر آن در اعماق دل هر شنونده منصف

است.

وضوح قرآن

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱ - ۸

۸ معارف قرآن ، تبیین شده ، ممتاز و بی ابهام است .

و نفصل الأیت لقوم یعلمون

<تفصیل> (مصدر نفصل) از ریشه <فصل> است. <فصل> به معنای دور کردن یکی از دو چیز از دیگری است، به گونه ای که کاملاـ جدا و مشخص شوند ; منظور این است که معارف گوناگون قرآن، هر یک جداگانه و به صورت مشخص و ممتاز، بیان شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵ - ۱۰

۱۰ آیات قرآن ، روشن و به دور از هر گونه ابهام

یفصل الأیت

<تفصیل> به معنای <تبیین> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۵ - ۳

۳ قرآن ، کتابی روشن و به دور از هر گونه ابهام و قابل درک برای همگان

و إذا تتلی علیهم ءایاتنا بیّنت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۴ - ۱۲

۱۲ قرآن ، مجموعه ای است از آیه های روشن و به دور از هر گونه ابهام

کذلک نفصل الأیت

<تفصیل> به معنای تبیین و برداشتن هر گونه ابهام است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۳۷ – ۹

۹ قرآن ، کتابی روشن و به دور از هر گونه ابهام

و تفصیل الکتب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۲ – ۹

۹ قرآن ، کتابی است قابل فهم برای تمامی انسان ها .

إنا أنزلنه

. .. لعلکم تعقلون

مخاطب در جمله <لعلکم تعقلون> (باشد که اندیشه کنید و بفهمید) گروه و طایفه خاصی نیست ; بنابراین همگان بر درک آن توانا هستند. آری کلمه <عربیّاً> دلالت می کند که عربی دانستن از شرایط آن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۷ - ۴

۴ احکام و قوانین قرآن ، گویا ، رسا و قابل فهم برای مردم

و کذلک أنزلنه حکمًا عربیًّا

<عربی> به معنای فصیح و روشن است و لغت عرب را به همین لحاظ عربی می گویند. بنابراین <أنزلناه ... عربیّاً> ; یعنی ، قرآن را به لغت عرب، همان لغتی که گویا و رساست نازل کردیم. و لازمه گویا بودن ، قابل فهم بودن آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵۲ - ۲

۲- قرآن ، کتاب جهانی و قابل فهم برای همه مردم

هذا بلغ للناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱ - ۸

۸- آیات قرآن کریم ، آیاتی روشن و قابل فهم

و قرءان مبین

برداشت فوق، مبتنی بر لازم بودن <مبین> است که به معنای آشکار و روشن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۶ - ۶

۶- تعالیم قرآن ، جهانی است و همه انسان ها توان فهم آن را دارند .

و قرءانًا فرقنه لتقرأه علی الناس علی مکث و نزّلنه تنزیلًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۴ - ۵

۵- قرآن ،

کتاب مردم و قابل فهم و استفاده برای همگان است .

و لقد صرّفنا فی هذا القرءان للناس من کلّ مثل

<ل> در <للناس> برای انتفاع است; یعنی: <ما، مثال های فراوانی را در قرآن برای منفعت مردم بیان کردیم. >.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۷ - ۳

۳- قرآن و معارف آن قابل درک برای بشر

فإنّما یسّرنه بلسانک لتبشّر به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۳ - ۱،۱۲

۱ - قرآن ، کتابی نازل شده از جانب خداوند ، با بیانی فصیح و روشن

و کذلک أنزلنه قرءانًا عربیًّا

<عربیّاً> یا به معنای فصیح و روشن می باشد (مفردات راغب) و یا گویای انتساب به عرب زبانان است (لسان العرب). برداشت یاد شده، ناظر به معنای اول است.

۱۲ - معارف قرآن ، قابل درک برای مردم

و صرّفنا فیه من الوعید لعلّهم یتّقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۶ - ۳

۳ - قرآن ، کتابی است روشن و قابل فهم برای همگان .

أنزلنه ءایت بیّنت

توصیف آیه های قرآن به <بیّن>، بیانگر قابل فهم بودن آن است. حذف متعلق <بیّن> حاکی از آن است که: فهم قرآن اختصاص به قشر خاصی ندارد; بلکه همگان توانایی بهره مند شدن از آن را دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۲ - ۲

۲ - آیات قرآن ، روشن ، قابل فهم و به دور از هرگونه ابهام

و إذا تتلی علیهم ءایتنا بیّنت

<بینات> (جمع <بینه>) حال برای <آیاتنا> و

<بينه> (مؤنث <بيّن>) به معناى روشن و واضح الدلاله است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۸ - ۵

۵ - قرآن ، كتابى است روشن و قابل فهم .

أفلم يدّبّروا القول

با توجه به توصيه خداوند به تدبر در قرآن، اين برداشت به دست مى آيد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱ - ۶

۶- قرآن ، داراى معارف و رهنمودهايى روشن و قابل فهم براى همگان

سوره . .. فيها ءايت بيّنت

<بيّنه> (مفرد <بيّنات>) به معناى دلالت واضح و برهان روشن است. توصيف آيات قرآن به <بيّنات> به اعتبار اين است كه دلالت آنها بر معانى واضح و روشن است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۸ - ۵

۵ - قرآن ، كتابى روشن و به دور از هرگونه ابهام و جلوه اى از علم و حكمت خداوند

و يبيّن اللّه لكم الأيت و اللّه عليم حكيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۶ - ۲

۲ - آيات الهى (قرآن) ، روشن و قابل شناخت براى انسان است .

لقد أنزلنا ءايت مبيّنت

برداشت یاد شده، از توصیف آیات الهی به <مبیّنات> (روشنگر) به دست می آید; زیرا چیزی که صفت روشنگری داشته باشد، بی گمان خود روشن و قابل درک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲ - ۴

۴ - قرآن ، کتابی روشن و قابل فهم برای همگان

الکتب المبین

<إبانه> به معنای وضوح و روشنی

نیز می آید. بنابراین <کتاب مبین>; یعنی، کتاب روشن و واضح الدلاله. گفتنی است که در این صورت، حذف متعلق <مبین> بیانگر این حقیقت است که فهم معانی قرآن اختصاص به قشر و طبقه ای خاص ندارد; بلکه این کتاب، برای همه مردم واضح الدلاله است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۵ - ۴،۵

۴ - قرآن ، برخوردار از بیانی روشن در جهت انذار مردمان

لتکون من المنذرین بلسان عربیّ مبین

۵ - قرآن ، قابل فهم و استفاده برای عموم مردمان

بلسان عربیّ مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱ - ۳

۳ - قرآن ، کتابی روشن و قابل فهم برای همگان

تلک ءایت القرءان و کتاب مبین

<إبانه> (مصدر <مبین>)، گاهی لازم و به معنای وضوح و روشنی به کار می رود و گاهی متعدی و به معنای ایضاح و روشنگری. بنابراین، <مبین> هم می تواند به معنای واضح و روشن باشد و هم به معنای ایضاح کننده و روشنگر. برداشت یاد شده بر پایه معنای اول است. گفتنی است که حذف متعلق <مبین> برپایه معنای اول بیانگر آن است که فهم قرآن، اختصاص به قشر خاصی ندارد; بلکه همگان می توانند از این سفره الهی بهره مند شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲ - ۳

۳ - رهنمود ها و بشارت های قرآن ، خالی از ابهام و پیچیدگی و به دور از هر نقص و کاستی است .

و کتاب مبین . هدًی و بشری

به کارگیری مصدر (هدًی

و بشـری) به جـای اسم فاعل (هادیه و مبشـره) بیانگر پیراسـته بودن برنامه های هـدایتی و بشارت های قرآن از هرگونه نقص و کاستی است. قید <کتاب مبین> در آیه پیش نیز نشانگر خالی بودن آن از ابهام و پیچیدگی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۰ - ۲

۲ - بی اثر بودن قرآن در برخی از انسان ها ، معلول بیماری خود آنان است ، نه ابهام و نارسایی پیام الهی .

إنّک علی الحقّ المبین . إنّک لاتسمع الموتی ... إذا ولّوا مدبرین

پس از این که خداونـد حقـانیت پیامبر(ص) و قرآن را بیان فرمود، این سؤال مطرح می شود که پس چرا برخی این سـخن حق را نمی پذیرند؟ قرآن پاسخ می دهد: که مشکل از ناحیه حق نیست; بلکه مشکل از ناحیه خود آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲ - ۳

۳ - قرآن ، کتابی روشن و قابل فهم برای همگان

الکتب المبین

<مبین> به معنای <روشن> و نیز <روشـنگر> است برداشت یاد شده براساس معنای اول است. گفتنی است که در آیه بالا بیـان نشـده است که این کتـاب برای چه کسانی روشن است و این نشان می دهـد که فهم قرآن، اختصاص به دسـته ای خاص ندارد; بلکه همگان می توانند آن را بفهمند و از آن بهره گیرند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۸ - ۳

۳ - قرآن کریم ، برای توده های مردم ، قابل فهم است .

و لقد ضربنا للناس فی

هذا القرءان من کلّ مثل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۳ - ۳

۳ - قرآن ، حاوی آیه های روشن و قابل فهم برای مردم

تتلی علیهم ءایتنا بیّنت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۹ - ۱۰

۱۰ - قرآن ، کتابی روشن و قابل فهم برای همگان

و قرءان مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۸ - ۳

۳ - آموزه های قرآن ، گویا ، رسا و قابل فهم برای همه انسان ها است .

قرءانًا عربیًّا

<عربیّ> به معنای سخن فصیح و روشن است. بنابراین لازمه عربی بودن قرآن،گویایی و رسا و قابل فهم بودن آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳ - ۱

۱ - آیات قرآن ، دارای مفاهیمی روشن و بی ابهام

کتب فصّلت ءایته

برداشت یاد شده بر این مبنا است که <فصّلت>، به معنای <به روشنی بیان شده> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۴۴ – ۴،۶،۱۵

۴ – قرآن ، دارای آیات روشن و مفاهیم متمایز و قابل درک است .

و لو جعلنه قرءانًا أعجميًّا لقالوا لولا فصّلت ءايته

<تفصيل> (مصدر <فصّلت>) در مقابل اجمال و به معنای تبیین است.

۶ – مجموعه آیات قرآنی ، به دور از هرگونه ابهام و برخوردار از فصاحت

و لو جعلنه قرءانًا أعجميًّا لقالوا لولا فصّلت ءايته

<أعجمی> منسوب به <أعجم> است و <أعجم> به کسی گفته می شود که کلام او دارای ابهام بوده و گویا

نباشد.

۱۵ - پيام روشن قرآن ، دور از شنود و فهم كافران لجوج

أُولئك ينادون من مكان بعيد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲ - ۱

۱ - قرآن ، كتابى روشن و به دور از هرگونه ابهام

و الكتب المبين

<إبانه> (مصدر <مبين>) دو كاربرد دارد: لازم و متعدى. كلمه مبين، در استعمال لازم به معناى روشن و در كاربرد متعدى به معناى روشنگر است. برداشت ياد شده بر پايه استعمال اول مى باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳ - ۴

۴ - قرآن ، كتابى فصيح و داراى پيامى روشن و بدون ابهام

إنّا جعلنه قرءانًا عربيًّا

برداشت ياد شده با توجه به معناى ديگر <عربيّاً> كه فصاحت است به دست مى آيد. در مفردات راغب آمده: <العربى: الفصيح البين من الكلام>; يعنى، عربى به سخنى گفته مى شود كه شيوا، روشن و بدون ابهام باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲ - ۱

۱- قرآن ، كتابى روشن و به دور از هرگونه ابهام

و الكتب المبين

<إبانه> (مصدر <مبين>) هم به صورت لازم و متعدى به كار مى رود. <مبين> در كاربرد لازم به معناى روشن و در كاربرد متعدى به معناى روشنگر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۹ - ۱

۱ تهدید منکرانِ پیام های روشن و قابل درک قرآن ، به فرجامی سخت از سوی خداوند

فإنّما یسّرنه . .. فارتقب إنّهم مرتقبون

عبارت <إنّهم مرتقبون>، کنایه از این است که کافران

به بیان های روشن وحی ایمان نمی آورند تا سرانجام وعیدهای ما تحقق یابد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۶ - ۸

۸ - مشکل منکران قرآن ، نهفته در خودشان و نه ناشی از نارسایی مفاهیم وحی

نتلوها علیک بالحقّ فبأیّ حدیث بعد اللّه و ءایته یؤمنون

خداونـد با تعبیر <فبأیّ حدیث. ..>، تأثیر و کارایی والا و بی نظیر قرآن را یادآور شده است. این تعبیر تعریضـی به کافران نیز دارد که کفر و بی ایمانی آنان، برخاسـته از نارسایی مفاهیم وحی نیست; بلکه ریشه در لجاج، عناد و سـست اندیشی نهفته در درون آنها دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۷ - ۲

۲- آیات قرآن ، روشن و خالی از هر گونه ابهام

ءایتنا بیّنت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۴ - ۵

۵- قرآن ، دلیل روشن از جانب خدا ، در جهت رشد و کمال آدمیان *

أفمن کان علی بیّنه من ربّه

برداشت بالاـ بـدان احتمـال است که مراد از <بیّنه>، قرآن باشـد. در این صـورت تعـبیر <من ربّه> می نمایانـد که قرآن، از جایگاه ربوبیت و به هدف رشد و تربیت خلق نازل شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲ - ۵

۵ - معارف و آموزه های قرآن ، قابل شناخت و درک برای بشر

علّم القرءان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – مجادله – ۵۸ – ۵ – ۹

۹ – آیات قرآن ، روشن

و بدون هر گونه ابهام است .

و قد أنزلنا ءايت بيّنت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - قيامه - ۷۵ - ۱۹ - ۳

۳ - قرآن ، براى رساندن مقصود و پيام خويش به انسان ها ، هيچ ابهام و نارسايى ندارد .

ثمّ إنّ علينا بيانه

لازمه تبيين شدن قرآن از سوى خداوند، نبودن ابهام و نارسايى در مطالب آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۵۰ - ۴

۴ - قرآن ، داراى مضامينى روشن و دلايلى گويا ، بر صدق و درستى خويش

فبأىّ حديث بعده يؤمنون

از اين كه ايمان نياوردن به قرآن، امرى شگفت آور تلقى شده است؛ مى توان پى برد كه راستى و درستى قرآن، آن چنان روشن است كه به اثبات از بيرون نياز ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - تكوير - ۸۱ - ۲۷ - ۴

۴ - قرآن ، قابل درك و بهره بردن براى تمام مردم

إن هو إلاّ ذكر للعلمين

وضوح مواعظ قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - حديد - ۵۷ - ۱۷ - ۶

۶ – قرآن ، دربردارنده رهنمود ها و مواعظ روشن و بدون ابهام برای مؤمنان

قد بيّنا لكم الأيت

وعده نزول قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۱۰۸ – ۴

۴– عالمان اهل کتاب ، مطلع از وعده های خداوند در کتاب های آسمانی پیشین به نزول کتاب آسمانی قرآن

الذين أُوتوا العلم من قبله إذا يتلى عليهم يخرّون . .. يقولون سبحن ربّنا إن كان

وعده نزول

قرآن به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱ - ۲

۲ - خداوند ، در آغاز رسالت پیامبر (ص) ، آن حضرت را به نزول آیاتی خواندنی (قرآن) وعده داد .

اقرأ

مشهور این است که سوره <علق> یا <پنج آیه نخست آن>، اولین آیاتی است که بر پیامبر(ص) نازل گردید. تعبیر <اقرء> در سر آغاز وحی، شروع مناسبی است که در خود دو نکته دارد: ۱. پس از این مطالبی به پیامبر نازل خواهد شد; ۲. آن مطالب خواندنی خواهد بود، نه این که به دانستن آن بسنده شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۴ - ۱۱

۱۱ - نزول قرآن به صورت قابل نوشتن ، وعده خداوند به پیامبر (ص) در لحظات آغازین بعثت

اقرأ . .. الذی علّم بالقلم

طرح اموری که مربوط به قلم است، به دنبال فرمان قرائت قرآن در نخستین لحظات آغاز وحی، بیانگر نکته یاد شده است.

وعیدهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۳ - ۵،۱۱

۵ - قرآن ، حاوی هشدار ها و وعیدهایی گوناگون و متنوع

و صرّفنا فیه من الوعید

<صرف> و <تصریف> بازگرداندن چیزی از حالتی به حالت دیگر و یا تعویض آن است. گفتنی است که در <تصریف> مبالغه افزون تری وجود دارد (مفردات راغب). بنابراین مقصود از <صرّفنا...> این است که وعیدها را به شکل های گوناگون عرضه کردیم.

۱۱ – خداوند ، سامان دهنده الفاظ و کلمات قرآن و هشدار دهنده انسان هادر قالب آیاتی گوناگون

أنزلنه

قرءانًا عربيًّا و صرّفنا فيه من الوعيد

توصيف قرآن به عربی بودن (در حال نزول)، حاکی از این است که علاوه بر محتوای قرآن، الفاظ آن نیز مستند به خداوند است.

وقت نزول قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳ - ۱۱

۱۱- < عن حُمران انّه سأل أبا جعفر (ع) عن قول اللّه عزّوجلّ < إنّا أنزلناه فی لیله مبارکه > قال : نعم هی لیله القدر و هی فی کلّ سنه فی شهر رمضان فی العشر الأواخر فلم ینزل القرآن إلاّ فی لیله القدر . . . ;

از حمران روایت شده است که از امام باقر(ع) در باره سخن خداوند عزّوجلّ <إنّا أنزلناه فی لیله مبارکه> سؤال کرد; حضرت فرمود: آری آن شب مبارک، همان شب قدر است و آن در هر سال در ماه رمضان، در ده روز آخر آن است، و قرآن نازل نگشته مگر در شب قدر. ..>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۱ - ۳

۳ - قرآن ، در شب قدر نازل شده است .

إنّا أنزلنه فی لیله القدر

ولایت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳ - ۱۲

۱۲ قرآن، ولی و پیشوایی شایسته برای انسانهاست.

و لاتتبعوا من دونه أولیاء

برداشت فوق بر این مبناست که ضمیر در <من دونه> به <ما أنزل . ..> برگردانده شود.

ولید بن مغیره و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۵ - ۱

۱ - قرآن ،

در نظر غرض آلود ولیدبن مغیره ، ساخته و پرداخته انسان است .

إن هذا إلاّ قول البشر

ویژگی آیات قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۵ - ۹

۹ تنوع و گوناگونی بیان، از شیوه های به کار رفته در آیات قرآن

انظر کیف نصرف الأیت

ویژگی انذارهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵ - ۱

۱ - قرآن و اخبار هشداردهنده آن ، پیامی حکیمانه و در اوج کمال

حکمه بلغه

<بلوغ> (مصدر <بالغه>) در اصل به معنای رسیدن شیء به نهایت و پایان مسافت به کار می رود و در این جا کنایه از تمامیت و کمال شیء است. بنابراین <حکمه بالغه>; یعنی، حکمت تام و کاملی که از هر نقص و کاستی مبرا است. گفتنی است که <حکمه بالغه> در آیه شریفه، بدل برای <ما> در <مافیه مزدجر> است; یعنی، <جائهم حکمه بالغه>.

ویژگی پیشگوییهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴۲ - ۳

۳ - قرآن ، کتابی است به دور از پیشگویی ها و آینده نگری های نادرست .

و لا بقول کاهن

<کهانت> به معنای پیشگویی است. نفی کهانت از قرآن، بیانگر این است که این کتاب، از هرگونه پیشگویی های نادرست

مبّرا است.

ویژگی تعالیم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۳ - ۱۴

۱۴ هدایت های قرآن مشوب به هیچ ضلالتی نبوده و مستلزم کمترین ناهنجاری نخواهد شد .

هذا . .. هدی و رحمه

به کارگیری مصدر <هدی>

به جای اسم فاعل <هاد>، گویای برداشت فوق است.

ویژگی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳ - ۲،۳،۸

۲ مصونیّت قرآن در هنگام نزولش به پیامبر (ص) از هر گونه باطلی که بدان آمیخته شود .

نزّل علیک الکتاب بالحقّ

بنابراینکه <بالحق>، متعلّق به <نزّل> باشد.

۳ قرآن ، پیوسته ملازم حق و پیراسته از باطل است .

نزّل علیک الکتاب بالحقّ

بنابراینکه <باء> در <بالحق> برای مصاحبت و متعلّق به محذوف باشد؛ یعنی کتابی که مصاحب و ملازم حق است.

۸ قرآن ، کتابی منطبق با واقعیّت و حقیقت

نزّل علیک الکتاب بالحقّ

حق، خبری را گویند که مطابق با واقع باشد (تفسیر المیزان).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴ - ۶

۶ قرآن ، جداکننده حق و باطل از یکدیگر ، در زمینه هدایت انسانها

هدی للنّاس و انزل الفرقان

به گفته مجمع البیان <الفرقان> یعنی چیزی که حق را از باطل متمایز نماید و <هدی للنّاس> قرینه حمل آن بر موارد هدایتی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۳ - ۱۱،۱۰

۱۰ مقایسه میان رخداد های تاریخی و سرنوشت ساز در یک جامعه ، از روش های قرآن در شناسایی نقاط ضعف و قوّت آن جامعه

و اذ غدوت من اهلک . .. و لقد نصرکم اللّه ببدر و انتم اذلّه

خداوند در این آیه و آیات قبل، برای شناساندن نقاط قوّت و ضعف جامعه ایمانی، به دو رخداد تاریخی بدر و احد و مقایسه بین آنها

اشاره می کند.

۱۱ یادآوری وضعیّت نابهنجار یک جامعه در هنگام رکود و انحطاط ، از روش های تربیتی قرآن در تصحیح حرکت آن جامعه

و اذ غدوت من اهلك . .. و اذ همّت طائفتان ... و لقد نصركم اللّه ببدر و انتم اذلّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۹ - ۸

۸ واگذاردن بندگان میان عذاب و آمرزش (خوف و رجاء) ، از روش های قرآن برای تربیت انسانها

یغفر لمن یشآء و یعذّب من یشآء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۰ - ۱۱

۱۱ بینش توحیدیِ قرآن در تحلیل حوادث تاریخی

و تلك الایّام نداولها بین النّاس

مستفاد از انتساب گردش حوادث تاریخی به خداوند (نداولها).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۱ - ۶

۶ رعایت ادب در قرآن نسبت به بیان مسائل جنسی

و قد افضی بعضکم الی بعض

به کارگیری کلمه <افضی> برای رساندن معنای دخول و آمیزش (بنابر اینکه <افضی> کنایه از آمیزش باشد)، نشانگر ادب قرآن در سخن گفتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۲ - ۷

۷ مبارزه با علل و زمینه های گناه ، از روش های قرآن در مبارزه با مفاسد

لا تاکلوا اموالکم بینکم بالباطل . .. و لا تتمنّوا ما فضّل اللّه به بعضکم علی بعض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۲ - ۱۱،۹،۷

۱۷اگر قرآن از جانب خدا

نبود ، اختلافات بسیاری در آن یافت می شد .

و لو کان من عند غیر اللّه لوجدوا فیه اختلافاً کثیراً

بـا توجّه به اینکه قرآن در مـدت بیست و سه سال و در شـرایط بسـیار مختلف نازل گردیـد، بنابراین اگر از جانب غیر خـداوند بود، طبعاً اختلافهای فراوانی در آن پدیدار می گشت.

۹ قرآن ، منزّه از هر گونه ناهمگونی و تضاد و تناقض

و لو کان من عند غیر اللّه لوجدوا فیه اختلافاً کثیراً

کلمه <کثیراً> قیـد توضـیحی است ; یعنی در صورتی که قرآن از ناحیه غیر خداوند بود، در آن اختلاف یافت می شد و این اختلاـف همـواره بسـیار بـود. بنـابراین از وصف <کـثیراً> مفهوم گرفته نمی شود و از قرآن انواع و اقسـام اختلافـات نفی می گردد.

۱۱ پیراستگی قرآن از هر گونه اختلاف ، دلیل صدور آن از جانب خداست .

و لو کان من عند غیر اللّه لوجدوا فیه اختلافاً کثیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۵ - ۲

۲ قرآن ، مصون از هرگونه باطل ، در سیر نزولی آن بر پیامبر (ص)

إنّا انزلنا إلیک الکتب بالحق

<باء> در <بالحق> به معنای مصاحبت است و در برداشت فوق، متعلق به جمله <انزلنا> گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۸ - ۵،۶

۵ قرآن، معجزه ای کافی برای هدایت و برآورنده تمامی نیازهای هدایتی انسان است.

و قالوا لولا نزل علیه ءایه . .. ما فرطنا فی الکتب من شیء

با توجه به آیه قبل، که سخن از نزول معجزات بوده می توان

گفت مراد از <الکتاب> قرآن است و چون قرآن کتاب هدایت و <من شیء> بیانگر جامعیت آن است، لذا بر مبرا بودن قرآن از هرگونه کاستی در جهت هدایت آدمیان دلالت دارد.

۶ قرآن خالی از هرگونه نقص و کاستی برای اثبات رسالت پیامبر(ص)

لولا نزل علیه ءایه . .. ما فرطنا فی الکتب من شیء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۵ - ۱۱

۱۱ روشهای گوناگون و متنوع قرآن در بیان مفاهیم و مقاصد، جولانگاهی است برای تأمل و اندیشه.

انظر کیف نصرف الأیت لعلهم یفقهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۱ - ۶

۶ بهره گیری قرآن از حس منفعت خواهی انسان و گریز از ضرر برای تبلیغ توحید و معارف الهی

قل أندعوا من دون الله ما لا ینفعنا و لا یضرنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۲ - ۱۰

۱۰ نزول قرآن برای انذار همه مردم جهان بوده و محدود به مکانی خاص نیست.

و لتنذر أم القری و من حولها

کاربرد کلمه <ام القری> به صورت توصیفی برای مکه، که در عین حال عنایت به دیگر شهرها و نقاط نیز هست، مضافاً بر الحاق <من حولها> که شامل تمامی نقاط دیگر می شود، بیانگر دعوت اسلام و قرآن برای همه مردم زمین و در تمام نقاط است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۵ - ۱،۲،۴،۵،۱۰،۱۲،۱۶

۱ قرآن کلمه تام و صدق و عدل پروردگار است.

و هو الذی أنزل إلیکم

الکتب . .. و تمت کلمت ربک صدقا و عدلا

مراد از <کلمت>، به قرینه آیه قبل که سخن از نزول کتاب است، قرآن می تواند باشد.

۲ اسلام آخرین دین آسمانی و پیامبر(ص) خاتم انبیا و قرآن آخرین کتاب آسمانی است.

و تمت کلمت ربک صدقا و عدلا

لازمه تمام بودن قرآن در طول زمان این است که قرآن آخرین کتاب آسمانی و محتوای آن اسلام نیز آخرین دین باشد.

۴ قرآن کتابی تمام و کافی برای اثبات نبوت و رسالت پیامبر(ص) است.

و تمت کلمت ربک صدقا و عدلا

اگر مراد از <کلمت>، قرآن باشد، تمام بودن آن بدین معنی می تواند باشد که قرآن از جهت مقاصدی که برای آن آمده وافی و کافی است. و از جمله مقاصد، به قرینه آیات قبل، اثبات حقانیت رسالت پیامبر(ص) است.

۵ قرآن و اسلام پاسخگوی همه نیازهای هدایتی بشر و حجت تامه پروردگار است.

و تمت کلمت ربک

لازمه تمام بودن قرآن و در نتیجه اسلام، توان پاسخگویی به همه نیازهاست ; به گونه ای که به بیرون از خود نیازی نداشته باشد ; همان گونه که راغب می گوید: <تمام . .. انتهائه إلی حد لا یحتاج إلی شیء خارج عنه>.

۱۰ قرآن و کلام الهی در برترین مرتبه از نظر صدق و عدل قرار دارند.

و تمت کلمت ربک صدقا و عدلا

اگر <صدقا و عدلا> تمیز نسبت باشند، بیانگر جهت تمامیت بوده که مضمون آن در برداشت فوق آمده است.

۱۲ قرآن و کلام الهی تبدیل ناپذیر و مصون از هر گونه نقض و تغییر است.

و تمت کلمت ربک . .. لا مبدل لکلمته

<تبدیل> یعنی چیزی را به جای چیز

دیگر قرار دادن، و همچنین به معنی ابطال و نقض هم مجازاً به کار می رود. لـذا نفی تبـدیل در آیه به این معنا نیز گرفته شـده است.

۱۶ ارائه کلمه تامه پروردگار (قرآن) با در نظر گرفتن همه شبهات و بهانه های مخالفان انجام پذیرفته است.

و تمت کلمت ربک صدقا و عدلا . .. و هو السمیع العلیم

از وجوه محتمل در بیان تناسب <السـمیع> با مضـمون آیه آن است که ذکر این وصف برای اشاره به شبهات و القائاتی است که درباره قرآن مطرح می شود. یعنی کلام خداوند تمام است و او شبهات را نیز در نظر داشته و با عنایت به آنها قرآن را نازل فرموده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۶ - ۹

۹ قرآن راهنمای کامل و تمام برای مصون ماندن از انحراف در عقاید و افکار و اسیر شدن در دام گمان

و تمت کلمت ربک صدقا و عدلا . .. و إن تطع أکثر من فی الأرض یضلوک عن سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳ - ۵

۵ قرآن، برنامه کامل حیات مادی و معنوی انسان است.

اتبعوا ما أنزل إلیکم من ربکم و لاتتبعوا من دونه أولیاء

لازمه وجوب پیروی از خداونـد بـا اجرای قرآن و ضـرورت پرهیز از پیروی از غیر آن این است که آنچه را انسانهـا در حیـات مادی و معنوی خویش بدان نیاز واقعی دارند، به صورت اجمال و یا تفصیل در قرآن بیان شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶

- اعراف - ۷ - ۱۸۵ - ۱۲

۱۲ قرآن برترین سخن برای هدایت و شایسته ترین پیام برای ایمان آوردن به آن است .

فبأی حدیث بعده یؤمنون

ویژگی هدایتهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۵ - ۸،۹

۸ - هدایت های قرآن ، به دور از هر کاستی و پیراسته از کمترین پیامد های ناهنجار است .

هدًی للناس

<هدًی> مصدر است و در اینجا به معنای اسم فاعل (هادی) می باشد. به کارگیری مصدر به جای اسم فاعل، اشاره به این حقیقت دارد که: قرآن محض هدایت است; یعنی، رهنمودهای آن مستلزم هیچ ضلالت و مشوب به هیچ گمراهی و سردرگمی نیست.

۹ - هدایت های قرآن دارای مراحل و مراتب

هدًی للناس و بینت من الهدی

تکرار <هدًی> دلالت بر آن دارد که: هدایتهای قرآن، دارای مراحل و مراتب است. مرحله نخست آن برای همه مردم و طبعاً مراحل بالاتر آن برای افرادی است که مرحله نخست را پیموده باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۴ - ۴

۴- هدایت قرآنی ، هدایتی جامع و فراگیر است .

فی هذا القرءان للناس من کلّ مثل

کلمه <الناس> نشان دهنده اختصاص نداشتن معارف قرآنی به قشری خاص است و <من کلّ مثل> گویای بهرگیری از تمامی انواع مثل ها در زمینه های هدایت است.

ویژگیهای آیات قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱ - ۲،۳

۲ همهء آیات قرآن و تعالیم آن ، متقن و از هرگونه خلل و بطلان پذیری مبرّاست .

کتب أُحکمت ءایته

اِحکام

(مصـدر اُحکمت) به معنـای اتقـان است . بنابراین ((اُحکمت آیاته)) گویای این است که : آیه های قرآن ، متقن است و هیچ خللی نداشته و بطلان در آنها راه ندارد.

۳ همهء آیات قرآن ، برخوردار از بیانی روشن و پیراسته از ابهام و پیچید گی

کتب أُحکمت ءایته ثم فصلت

تفصـیل (مصدر فصـلت) به معنای تبیین است . بنابراین ((فصلت)) گویای این است که : آیه های قرآن ، برخوردار از وضوح و روشنی است و در ارائه ء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱ - ۹

۹- آیات قرآن ، جدا کننده حق از باطل و ملاک تمیز بین آن دو

و قرءان مبین

برداشت فوق، مبتنی بر متعـدی بودن <مبین> است که در لغت به معنای جـدا کننده بین دو شـیء آمده است و به قرینه مقام، مراد از آن ایجاد تمایز حق از باطل می باشد.

ویژگیهای احتجاج قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۱ - ۱۳

۱۳- پاسخ قرآن به پرسش های انسان در زمینه معاد ، متکی بر استدلال است .

فسیقولون من یعیدنا قل الذی فطرکم أوّل مرّه

از اینکه خداوند در پاسخ شبهات منکران معاد، به جای بسنده کردن به تعبد، توجه آنان را به مبدأ آفرینش معطوف می کند و آن را دلیل امکان تحقق معاد برمی شمارد، نکته یاد شده به دست می آید.

ویژگیهای بشارتهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲ - ۴

۴ - پیام هدایت قرآن ، عام و برای

همگان است و بشارت های آن ، خاص و ویژه مؤمنان .

هدًى و بشرى للمؤمنين

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <للمؤمنين> قید برای <بشرى> باشد. بنابراین <هدًى> از آن جهت که فاقد قید است، افاده عموم می کند.

ویژگیهای تعالیم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۷ - ۷

۷ معارف ، احکام و قوانین قرآن ، حقایقی عالمانه ، سزاوار و بایسته پذیرش و پیروی است .

و كذلك أنزلنه حكمًا عربيًّا . .. بعد ما جاءك من العلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۹ - ۱،۳

۱- تبیین حقایق الهی در قرآن ، با بیان ها و مثال های گوناگون

و لقد صرّفنا للناس فى هذا القرءان من كلّ مثل

۳- گوناگونی بیان ها و مثال های قرآن ، متناسب با فهم توده های بشری و در جهت هدایت آنان

و لقد صرّفنا للناس فى هذا القرءان من كلّ مثل

<تصریف> در لغت به معنای گرداندن چیزی به جهات گوناگون است و <تصریف کلام> آوردن آن به معانی مختلف می باشد. از اینکه قرآن کتاب هدایت است و می فرماید: <ما در قرآن جهات گوناگون معانی را لحاظ کردیم> استفاده می شود که رعایت چنین جهاتی می تواند به خاطر نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲ - ۵

۵- قرآن ، حاوی تعالیمی نو و جدید در مقایسه با دیگر کتاب های آسمانی است .

ما يأتيهم من ذكر من ربّهم محدث

<محدث> به معناى چيز جديد و نو است و

در آیه شریفه، صفت برای <ذکر> می باشد. توصیف قرآن به جدید و نو بودن، می تواند به اعتبار نزول آیات جدید باشد هم چنین می تواند به اعتبار جدید بودن مجموعه آیات قرآن و تعالیم آن در مقایسه با دیگر کتاب های آسمانی باشد. برداشت یاد شده براساس فرض دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۲ - ۹

۹ - مفاهیم معرفتی و احکام تشریعی قرآن ، هماهنگ با نظام تکوین *

و إنّه لتنزیل ربّ العلمین

همان طور که گفته شد <العالمین> (جمع <عالم>) محلّا به <ال> و مفید عموم است. بنابراین <العالمین>; یعنی، همه عوالم وجود. قرار گرفتن این واژه در کنار <ربّ> ممکن است بیانگر این نکته باشد که فرو فرستنده قرآن، همان کسی است که آفرینش، رشد و هدایت مجموعه هستی از او است و براساس این واقعیت، احکام تشریعی او، هماهنگ با کل نظام هستی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۸ - ۱۰

۱۰- ترسیم های قرآن از بهشت و دوزخ ، نمودی از حقایق سهولت یافته وحی برای بیداری خلق

فإنّما یسّرنه بلسانک لعلّهم یتذکّرون

تعبیر <فإنّما یسّرناه. ..> پس از مجموعه آیاتی آمده است که ترسیم کننده تفصیلی بهشت و دوزخ و فرجام بهشتیان و دوزخیان است، بنابراین آن آیات نمونه ای بارز برای اثبات آسان بودن قرآن است.

ویژگیهای حشر دشمنان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۴ - ۲

۲ کافران مخالف قرآن و پیامبر (ص) در قیامت ، در

اوج ذلت و خواری محشور خواهند شد .

الذین یحشرون علی وجوههم إلی جهنّم

محشور شدن کافران، در حالی که به رو افتاده و به سوی جهنم سوق داده می شوند، حاکی از برخورد تحقیرآمیز با آنان است.

ویژگیهای شفابخشی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۲ - ۸

۸- شفابخشی قرآن نسبت به بیماری های روحی ، فکری و اخلاقی توأم با رحمت ، شفقت و مهربانی است .

و ننزّل من القرءان ما هو شفاء و رحمه للمؤمنین

ذکر دو صفت <شفاء> و <رحمت> برای قرآن، در کنار یکدیگر، می تواند مشعر به معنای یاد شده باشد.

ویژگیهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۱ - ۲،۹

۲ - قرآن ، کتابی است آغاز شده با نام خدا و همراه با اعلام رحمت بر بندگان .

بسم اللّه الرحمن الرحیم

۹ - قرآن جلوه ای از رحمانیت و رحیمیت خداست .

بسم اللّه الرحمن الرحیم

از آنجا که غالباً گوینده در آغاز سخن به اهداف کلی برنامه خویش اشاره می کند، می توان گفت که از اهداف انتخاب دو صفت رحمانیت و رحیمیت خدا در آغاز قرآن، رساندن این حقیقت است که قرآن جلوه ای از رحمت الهی برای بشر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲ - ۱،۳

۱ - قرآن کتابی کامل و با عظمت

ذلک الکتب

<ذلک> مبتدا و <الکتاب> خبر آن است. بر این مبنا <ال> در الکتاب برای استغراق صفات است و دلالت بر کمال دارد.

۳ - قرآن کتابی متقن و منزه از هر

گونه زمینه تردید افکن و شبهه ساز در حقانیت آن

لاریب فیه

<ریب> به معنای شک و نیز چیزی که مایه شک باشد، آمده است. برداشت فوق با توجه به معنای دوم استفاده شده است. بر این مبنا <لاریب فیه> یعنی در قرآن مسأله ای که موجب شک در حقانیت آن بشود، هرگز وجود ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶ - ۳

۳ - قرآن بهترین راهنمای مردم برای ایمان به خدا و قیامت

إن الذین کفروا سواء علیهم ءأنذرتهم أم لم تنذرهم لایؤمنون

چنانچه مراد از <کفر> کفر به قرآن باشد، جمله <سواء علیهم> به این حقیقت اشاره دارد که اگر قرآن در انسانی تأثیر نبخشد چگونه انتظار می رود که از سخن پیامبر(ص) تأثیر بپذیرد؟ و این حاکی از آن است که قرآن بهترین وسیله هدایت و ارائه کننده مؤثرترین انذارهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹ - ۱

۱ - قرآن و اسلام ، مایه حیات و رشد انسانهایند .

أو کصیب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۳ - ۴،۵

۴ - قرآن و یکایک سوره های آن ، معجزه است .

فأتوا بسوره من مثله

۵ - قرآن ، سندی اساسی برای اثبات رسالت پیامبر (ص) است .

و إن کنتم فی ریب . .. إن کنتم صدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۹ - ۱

۱ - قرآن ، کتابی است ارجمند و با عظمت و نازل شده از پیشگاه خداوند

و لما جاءهم

كتب من عند اللّه

نكره آوردن <كتاب> و تصريح به اينكه از نزد خدا آمده است، دلالت بر عظمت و ارجمندى قرآن دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۹۰ - ۵

۵ - قرآن ، كتابى كه خداوند آن را نازل كرده است .

أن يكفروا بما أنزل اللّه . .. أن ينزل اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۴

۴ - قرآن ، كتابى است نازل شده از جانب خدا .

ءامنوا بما أنزل اللّه

مراد از <ما> در <ما أنزل اللّه> (آنچه خدا فرو فرستاده است) قرآن مى باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۵ - ۶،۱۰،۱۱

۶ - قرآن كتابى هدايتگر و راهنماى همه انسانهاست .

الذى أنزل فيه القرءان هدًى للناس

۱۰ - قرآن ، حاوى دلايلى روشن و فراوان براى رهنمون ساختن انسان ها به هدايت هاى ويژه و مراحل والاى هدايت

الذى أنزل فيه القرءان هدًى للناس و بينت من الهدى

<بينه> به معناى دليل و روشن و آشكار است و جمع آوردن آن دلالت بر كثرت دارد. از معرفه بودن <الهدى> در <بينات من الهدى> چنين بر مى آيد كه مراد، هدايتهايى خاص است.

۱۱ - قرآن ، حاوى رهنمود ها و دلايلى روشن جهت دستيابى به ميزانى براى تمييز حق از باطل

الذی أنزل فیه القرءان . .. بینت من الهدی و الفرقان

<فرقان> به چیزی گفته می شود که به وسیله آن می توان حق را از باطل و درست را از نادرست تمییز داد.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۵۸ – ۶

۶ قرآن ، کتابی سراسر حکمت (مُتقن و خلل ناپذیر)

و الذکر الحکیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۳۸ – ۴

۴ قرآن ، قابل فهم برای همه مردم در هر عصر و دوره ای

هذا بیان للنّاس

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۵۵ – ۱،۲

۱ قرآن کتابی نازل شده از جانب خداوند

هذا کتب أنزل نه

مشارالیه <هذا>، به دلیل آیات بعد، <قرآن> است.

۲ قرآن کتابی فرخنده و دارای خیر و برکت فراوان

هذا کتب . .. مبارک

<مبارک> به چیزی و یا کسی که خیر بسیار از آن تراوش کند، گفته می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۵۷ – ۵،۶،۷

۵ قرآن کتابی روشن و روشنگر و نازل شده از جانب خدا

فقد جاءکم بینه من ربکم

۶ قرآن پرتوی از ربوبیت خداوند بر انسانهاست.

فقد جاءکم بینه من ربکم

۷ قرآن خود روشنگر حقانیت خویش و بی نیاز از دلیلی دیگر است.

فقد جاءکم بینه من ربکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶ - ۳

۳ قرآن ، کلام خداست .

حتی یسمع کلم اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹ - ۱

۱ قرآن ، مجموعه ای از آیات و نشانه های خداوند است .

اشتروا بأیت اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه

- ۹ - ۱۱ - ۸،۱۰

۸ معارف قرآن ، تبیین شده ، ممتاز و بی ابهام است .

و نفصل الأیت لقوم یعلمون

<تفصیل> (مصدر نفصل) از ریشه <فصل> است. <فصل> به معنای دور کردن یکی از دو چیز از دیگری است، به گونه ای که کاملاـ جدا و مشخص شوند ; منظور این است که معارف گوناگون قرآن، هر یک جداگانه و به صورت مشخص و ممتاز، بیان شده است.

۱۰ معارف قرآن ، آیات و نشانه های خدایند .

و نفصل الأیت

مقصود از <الأیات> می تواند همه معارف مطرح شده در قرآن باشد. بنابر این تعبیر از آن معارف به <آیات> مفید برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۲ - ۵

۵ قرآن ، نور خداست .

یریدون أن یطفئوا نور اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱ - ۲،۳،۴

۲ قرآن ، دارای ساختاری آیه آیه

تلک ءایت الکتب

۳ قرآن ، کتابی است آمیخته به حکمت .

ءایت الکتب الحکیم

برداشت فوق بر این اساس است که <حکیم> به معنای <ذوالحکمه> باشد.

۴ قرآن ، کتابی است پاینده و خلل ناپذیر .

الکتب الحکیم

برداشت فوق بر این اساس است که <حکیم> به معنای <محکَم> باشد ; زیرا <إحکام> (مصدر محکم) به معنای بازداشتن و مصون ساختن چیزی از فساد و تباهی است. توصیف <کتاب> به <حکیم> بیانگر اتقان، پایندگی و خلل ناپذیری آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵ - ۱۰

۱۰ آیات قرآن ، روشن و به

دور از هر گونه ابهام

يفصل الأيت

<تفصيل> به معناى <تبيين> است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - يونس - ۱۰ - ۱۵ - ۳،۱۲

۳ قرآن ، كتابى روشن و به دور از هر گونه ابهام و قابل درک براى همگان

و إذا تتلى عليهم ءاياتنا بيّنت

۱۲ قرآن پيام خدا ، و پيامبر (ص) مأمور ابلاغِ بى كم و كاست آن ، به مردم

قل ما يكون لى أن أبدّله من تلقاءِى نفسى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - يونس - ۱۰ - ۱۶ - ۱

۱ قرآن ، كتاب خداست ، نه ساخته ذهن بشر .

قال الذين لا يرجون لقاءنا ائت بقرءان . .. قل لو شاء اللّه ما تلوته عليكم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - يونس - ۱۰ - ۱۷ - ۴،۵،۶

۴ قرآن ، كتاب خداوند است .

أو كذّب بأيته

۵ قرآن ، مجموعه اى از آيات و نشانه هاى خداوند

أو كذّب بأيته

۶ قرآن ، داراى ساختارى است آيه آيه .

أو كذّب بأيته

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - يونس - ۱۰ - ۲۱ - ۱۰

۱۰ قرآن ، داراى ساختارى آيه آيه

إذا لهم مكر فى ءاياتنا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - يونس - ۱۰ - ۲۴ - ۱۲،۱۳

۱۲ قرآن ، مجموعه اى است از آيه هاى روشن و به دور از هر گونه ابهام

كذلك نفصل الأيت

<تفصيل> به معناى تبيين و برداشتن هر گونه ابهام است.

۱۳ قرآن ، داراى ساختارى است آيه آيه

كذلك نفصل الأيت

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۷ - ۱۸،۹،۱۰،۱۱،۱۴

۱ قرآن کتابی است که نسبت ساختگی و غیر الهی بودن را ، نه در شکل و نه در محتوا ، نمی پذیرد .

و ما کان هذا القرءان أن یفتری من دون اللّه

نفی صفت افترا و ساختگی بودن از قرآن با به کارگیری <ما کان> که برای نفی شأن و استعداد است بیانگر این حقیقت می باشد که: در قرآن چه در شکل و چه در محتوای آن هیچ نشانه ای که حاکی از غیر الهی بودن آن باشد، وجود ندارد.

۸ قرآن ، شرح و تفصیل کتاب های آسمانی پیشین (تورات ، انجیل و . . .) است .

و تفصیل الکتب

۹ قرآن ، کتابی روشن و به دور از هرگونه ابهام

و تفصیل الکتب

۱۰ قرآن ، مجموعه ای است از معارف حق و به دور از هر چیزی که مایه ریب و تردید می باشد .

لاریب فیه

<ریب> از عارضه های نفسانی انسان است. نفی آن از ساحت قرآن از باب اطلاق سبب و اراده مسبب است; یعنی، چیزی که مایه ریب باشد در قرآن نیست.

۱۱ قرآن ، کتابی است الهی .

من رب العلمین

۱۴ قرآن ، کتابی است انسان ساز و مایه رشد و پرورش .

من رب العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۸ - ۳،۴،۷

۳ ساختار قرآن ، ساختاری سوره سوره

قل فأتوا بسوره مثله

۴ قرآن ، معجزه جاودان حضرت محمد (ص) و گواه صدق نبوت آن حضرت

أم

یقولون افتریه قل فأتوا بسوره مثله

۷ غیر خدا ، توانایی ساختن سوره ای همانند کوچکترین سوره قرآن را ندارد .

قل فأتوا بسوره مثله و ادعوا من استطعتم من دون اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۷ - ۱،۲،۴،۷،۸،۹

۱ قرآن ، برای همه مردم موعظه و برای بیماری های نهفته در دل بیماردلان ، دارویی شفابخش است .

یأیها الناس قد جاءتکم موعظه من ربکم و شفاء لما فی الصدور

۲ دعوت قرآن ، دعوتی عام ، فراگیر و جهان شمول است .

یأیها الناس قد جاءتکم موعظه من ربکم

۴ ربوبیت خداوند ، مقتضی نزول کتابی پندآموز ، شفابخش ، هدایتگر و رحمت بخش است .

یأیها الناس قد جاءتکم موعظه من ربکم و شفاء لما فی الصدور و هدًی و رحمه

۷ موضوعات مطرح شده در قرآن ، در راستای پندآموزی ، شفابخشی ، هدایتگری و رحمت بخشی است .

یأیها الناس قد جاءتکم موعظه من ربکم . .. و رحمه للمؤمنین

۸ امام صادق (ع) از پدرانش روایت کرده است : < شکا رجل إلی النبی (ص) وجعاً فی صدره فقال (ص) : استشف بالقرآن فان اللّه عزوجل یقول : < و شفاء لما فی الصدور > ;

مردی خدمت رسول خدا (ص) از درد سینه شکایت کرد، حضرت فرمود: از قرآن شفا بگیر; زیرا خدای عزوجل می فرماید: [قرآن] شفاست برای آنچه در سینه هاست>.

۹ از امام صادق (ع) روایت شده است : < و انزل علیکم کتاباً فیه شفاء لما فی الصدور من امراض الخواطر و

مشتبهات الأمور ;

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۸ - ۱،۴

۱ قرآن ، مظهر فضل خداوند و جلوه رحمت اوست .

یأیها الناس قد جاءتکم موعظه من ربکم . .. قل بفضل اللّه و برحمته

۴ قرآن ، نعمتی است که مؤمنان با بهره مندی از آن ، نباید از تنگدستی خود و دارایی و اندوخته های مادی دیگران ، اندوهناک باشند .

قد جاءتکم موعظه من ربکم . .. فبذلک فلیفرحوا هو خیر مما یجمعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۶۱ - ۲

۲ قرآن ، کتابی است نازل شده از جانب خدا و خوانده شده بر پیامبر (ص) .

و ما تتلوا منه من قرءان

برداشت فوق از عود ضمیر <منه> به خداوند و از تنکیر قرآن که مصدر به معنای مفعول است استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۴ - ۱،۸

۱ قرآن ، کتابی است که از جانب خداوند نازل شده است .

مما أنزلنا إلیک

۸ قرآن ، کتابی حق ، مبرا از پندار ها ، تخیلات و نازل شده از جانب خداوند

لقد جاءک الحق من ربک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۸ - ۲،۷

۲ قرآن کتابی حق و مبرّا از هرگونه پندار ها و تخیلات باطل است .

قد جاءکم الحق من ربکم

حق، مقابل باطل و به معنای دارای واقعیت است; به این معنا که معارفی که در قرآن آمده، حقایقی

است منطبق با واقعیت و از هرگونه پندار و تخیلات واهی خالی است.

۷ قرآن ، کتابی است که برای هدایت و راهنمایی مردم نازل شده است .

قد جاءکم الحق من ربکم فمن اهتدی فإنما یهتدی لنفسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱ - ۱،۷

۱ قرآن ، کتابی با عظمت و دارای ساختاری بندبند به نام ((آیه)) .

کتب أُحکمت ءایته

((کتاب)) خبر برای مبتدای محذوف (ذلک) است و نکره آوردن آن برای تعظیم می باشد; یعنی : ذلک الکتاب ، کتابٌ عظیم الشأن .

۷ قرآن ، کتابی است از ناحیهء خداوند .

کتب . . . من لدن حکیم خبیر

((من لدن . . .)) می تواند هم قید برای ((فصلت)) و ((أُحکمت)) باشد و هم می تواند قید برای کتاب گرفته شود. بنابراین آیه شریفه دلالت می کند که قرآن از ناحیهء خداوند حکیم و خبیر است و اتقان و تبیین آیاتش نیز از جانب اوست .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۴ - ۲

۲ قرآن ، کتابی از ناحیه خدا و جلوه ای از علم اوست .

فاعلموا أنما أُنزل بعلم الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۱۸

۱۸ قرآن ، کتابی سراسر حق و پیراسته از هرگونه باطل

إنه الحق

<ال> در <الحق> به اصطلاح برای استغراق صفات است و دلالت بر کمال دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱ - ۲،۳

۲

قرآن ، بیانگر حقایق و معارف الهی و روشنگر راه هدایت

الکتب المبین

کلمه <مبین> به معنای روشن و نیز روشنگر است ; یعنی، هم متعدی استعمال می شود و هم لازم. براساس متعدی بودن نیاز به مفعول دارد و آن به قرینه محتوای قرآن و هدفی که خود بیان کرده (هدًی للناس <بقره، ۱۸۵>) عبارت است از معارف، احکام، راه هدایت و ....

۳ بیان قرآن در ارائه مطالب خویش ، روشن و بدون اجمال و ابهام است .

الکتب المبین

برداشت فوق ، براساس لازم بودن کلمه <مبین> (روشن و واضح) به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲ - ۹

۹ قرآن ، کتابی است قابل فهم برای تمامی انسان ها .

إنا أنزلنه . .. لعلکم تعقلون

مخاطب در جمله <لعلکم تعقلون> (باشد که اندیشه کنید و بفهمید) گروه و طایفه خاصی نیست ; بنابراین همگان بر درک آن توانا هستند. آری کلمه <عربیّاً> دلالت می کند که عربی دانستن از شرایط آن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳ - ۱،۳

۱ قرآن ، حاوی بهترین و زیباترین داستانها

نحن نقصّ علیک أحسن القصص بما أوحینا إلیک هذا القرءان

۳ قرآن ، بازگو کننده داستان ها با بهترین و زیباترین بیان

نحن نقصّ علیک أحسن القصص

چنان چه <قصص> مصدر باشد ، <أحسن القصص> مفعول مطلق می شود و در حقیقت توصیفی برای کیفیت بیان کردن

و بازگو کردن خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۴ - ۴

۴ اسلام و

تعالیم قرآن جهانی است و محدود به زمان ، مکان و طایفه ای نیست .

إن هو إلّا ذکر للعلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱۱ - ۵،۶،۱۲،۱۴

۵ قرآن ، گفتاری دروغ و بافته شده نبوده ; بلکه سخنی راست و درست است .

ما کان حدیثًا یفتری

مراد از ضمیر <کان> قرآن است. وصفهای بیان شده در آیه (و لکن تصدیق ...) بیانگر این معناست.

۶ قرآن ، بسی فراتر از آن است که بافته شده و ساخته بشر باشد .

ما کان حدیثًا یفتری

۱۲ قرآن ، کتابی هدایت گر است .

لکن . .. هدًی

۱۴ قرآن ، برای مردم رحمت آفرین است .

و لکن . .. هدًی و رحمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱ - ۶،۸،۹

۶ قرآن کتابی سراسر حق ، بدون نقص و پیراسته از هر گونه باطل و ناروایی

و الذی أُنزل إلیک من ربک الحق

<ال> در <الحق> برای استغراق خصایص افراد است. بنابراین <الحق> ; یعنی ، حق کامل که کمترین باطلی در آن راه ندارد.

۸ قرآن ، جلوه ای از ربوبیت خداوند است .

و الذی أَنزل إلیک من ربک

۹ آیات قرآن ، آیاتی عظیم الشأن و دارای محتوا و تعالیمی والا و بلند مرتبه است .

تلک ءایت الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۹ - ۱،۷

۱ قرآن ، کتابی سراسر حق و پیراسته از هرگونه باطل و ناروا

أنما أُنزل إلیک من ربک الحق

<ما> در <أنما> موصول اسمی و به معنای <الذی> است و مراد از آن قرآن می

باشد.

۷ حقانیّت قرآن امری روشن و واضح است .

أفمن یعلم أنما أُنزل إلیک من ربک الحق کمن هو أعمی

نابینا خواندن کسانی که حقانیّت قرآن را باور ندارند ، اشاره به این نکته دارد که: حقانیّت قرآن امری روشن است. اگر کسی نمی پذیرد خود مقصر است ; چشمانش را باز کند تا ببیند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۷ - ۲،۳،۴

۲ قرآن حکم و قانون الهی و منبع شناخت حقایق و معارف دینی است .

و کذلک أنزلنه حکمًا

حکم کردن به چیزی آن است که داوری کنی و اعلام داری که آن چیز این گونه است و یا این گونه نیست (مفردات راغب). بر این اساس <قرآن حُکم است> ; یعنی، داوری می کند و بیان می کند که چه چیز چگونه است و یا چگونه نیست و این معنا شامل همه قوانین، حقایق و معارفی می شود که خداوند اثباتاً و یا نفیاً در قرآن بیان کرده است و درباره آن قضاوتی دارد ; مانند اینکه خداوند شریکی ندارد، قیامت حق است و یا روزه بر شما واجب شده است.

۳ خداوند قرآن را در قالب لغت و زبان عرب نازل کرد .

و کذلک أنزلنه حکمًا عربیًّا

کلمه <عربیّاً> می تواند صفت برای <حکماً> باشد و می تواند حال برای ضمیر <ه> در <أنزلناه> باشد. برداشت فوق ناظر به احتمال دوم است.

۴ احکام و قوانین قرآن ، گویا ، رسا و قابل فهم برای مردم

و کذلک أنزلنه حکمًا عربیًّا

<عربی> به معنای فصیح و روشن است و لغت عرب را به همین لحاظ عربی می گویند. بنابراین <أنزلناه ...

عربیّاً> ; یعنی ، قرآن را به لغت عرب، همـان لغتی که گویـا و رسـاست نازل کردیم. و لازمه گویا بودن ، قابل فهم بودن آن است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۱ – ۷

۷– قرآن ، کتابی است جهانی و پیامبر (ص) برای همه انسان ها مبعوث شده است .

لتخرج الناس من الظلمت إلی النور

کلمه <الناس> دلالت بر عموم مردم می کند و هیچ قیدی در کلام نیست تا <الناس> را مقیّد به گروه خاصّی نماید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۵۲ – ۲

۲– قرآن ، کتاب جهانی و قابل فهم برای همه مردم

هذا بلغ للناس

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۹ – ۴

۴– قرآن ، کتاب یاد و یادآوری و مایه بیداری و هشیاری انسان از غفلت ها و فراموشیهاست .

إنا نحن نزّلنا الذّکر

نام گذاری قرآن به <الذّکر>، احتمالاً به این جهت باشد که قرآن، برای تنبه و مایه بیداری انسانهاست.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۴۴ – ۴

۴– قرآن ، کتاب یاد و یادآوری است .

و أنزلنا إلیک الذکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۹ - ۱۳،۱۴

۱۳- قرآن ، حاوی تمامی حقایق هستی که آگاهی از همه آنها در اختیار پیامبر (ص) است . *

و نزّلنا علیک الکتب تبینًا لکلّ شیء و هدًی

برداشت فوق، مبتنی بر این احتمال است که مقصود

از <تبياناً لكلّ شىء> تمامى حقايق هستى باشد، ولى از آن جا كه قرآن بر شخص پيامبر(ص) نازل شد (نزّلنا عليك) و آن حضرت نقش تبيين حقايق قرآن را برعهده دارد (و أنزلنا إليك الذكر لتبين للناس . .. <سوره نحل / ۴۴>) از اين رو مى توان استفاده كرد كه تمامى حقايق قرآن كه حاوى حقايق عالم است نزد پيامبر(ص) موجود است و ايشان بر حسب مصلحت برخى از آن حقايق را براى مردم تبيين مى كنند.

۱۴- پيامبر (ص) ، شايسته ترين انسان و قرآن كامل ترين برنامه براى رشد و هدايت آدميان است .

و جئنابک شهيدًا على هؤلاء و نزّلنا عليك الكتب تبيئًا لكلّ شىء و هدًى

با توجه به ارتباط دو بخش آيه; يعنى، <و جئنا بک شهيدا . ..> با <و نزّلنا عليك ...> و نيز بنابر اينكه <شهيداً> را به معناى الگو بدانيم و شهادت را شهادت عملى به شمار آوريم، برداشت فوق را مى توان به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹ - ۱،۲

۱- قرآن دربردارنده برترين هدايت ها و استوارترين شريعت براى بشر است .

إن هذا القرءان يهدى للّتى هى أقوم

عبارت <التى هى أقوم> صفت براى موصوف محذوف مثل كلمه <شريعت> و <ملت> است.

۲- قرآن ، كامل ترين كتاب هدايت

إن هذا القرءان يهدى للّتى هى أقوم

برداشت فوق بنابراين است كه مفضل عليه <أقوم> صرفاً هدايت تورات نباشد; بلكه مفضل عليه محذوف، عام بوده و شامل همه كتابهاى هدايتى باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۲

١٢- قرآن ، دربردارنده همه بیان های هدایتی مورد نیاز انسان در فصل ها و بخش های متعدد

إن هذا القرءان يهدى . .. و كلّ شىء فصّلنه تفصيلاً

برداشت فوق مبتنی بر این است که <فصّلناه> به معنای لغوی خود (جدا کردن) استعمال شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١٠ - اسراء - ١٧ - ٤١ - ١

١- خداوند ، آیات خویش را در قرآن به گونه های متنوع و فراوان تبیین کرد تا مشرکان تنبه یابند .

و لقد صرّفنا فى هذا القرءان ليذّكّروا

<صرف> در لغت به معنای تحول و دگرگونی است و باب تفعیل آن، دلالت بر کثرت می کند. بنابراین مراد از آن، تبیین با بیانات گوناگون است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١٠ - اسراء - ١٧ - ٨٨ - ٣،١١

٣- قرآن ، حاوی حقایق ، آموزه ها و معارفی است که انس و جن هرگز توان دست یافتن به آن حقایق را ، بدون وحی پیدا نخواهند کرد .

قل لئن اجتمعت الإنس و الجنّ على أن يأتوا بمثل هذا القرءان لايأتون . .. ظهيرًا

ناتوانی انسانها و جنیان از آوردن همانندی برای قرآن، مطلق است و شامل معارف و آموزه های آن نیز می شود.

١١- اعجاز قرآن در همه زمینه ها و ابعاد (لفظی ، معنوی ، معرفتی و . . .) بوده و تحدی آن در همه این ابعاد است .

قل لئن اجتمعت الإنس و الجنّ . .. لايأتون بمثله

مخاطب قرار گرفتن همه جن و انس در طول تاریخ، نشانگر آن است که تنها عرب مخاطب این تحدی نیست تا زمینه تحدّی

فقط بعد لفظی و ادبی قرآن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۵ - ۲،۳،۴

۲- قرآن ، مجموعه ای الهی و غیر قابل تصرف و چشم پوشی ، حتی از کمترین بخش آن

و بالحقّ أنزلنه و بالحقّ نزل

با توجه به مضامین آیات ۸۸ و ۹۳، که در آنها درخواست مشرکان درباره نزول قرآن به صورت مکتوب مطرح شده بود، ممکن است این آیه پاسخی باشد به آنان که حقایق قرآنی با اقتراحات تغییر نمی یابد.

۳- قرآن از آمیختگی به غیر کلام وحی مبرا بوده و سلامت آن از سوی خداوند ، تضمین شده است .

و بالحقّ أنزلنه و بالحقّ نزل

جمله <و بالحقّ نزل> می تواند بیانگر کیفیت نزول قرآن باشد; یعنی، نزول قرآن بر پایه حق بود و هرگز با باطل و ناصواب آمیخته نشد.

۴- قرآن ، کتابی است جاودانه و تعالیم آن تأثیرناپذیر از گذشت زمان .

و بالحقّ أنزلنه و بالحقّ نزل

برداشت فوق، مبتنی بر یکی از معانی و موارد استعمال <حق> است که عبارت است از: امر ثابت و زوال ناپذیر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۶ - ۸

۸- قرآن ، حقایقی عالی و تنزل یافته در حد فهم و درک بشر *

نزّلنه تنزیلاً

در معنای <نزول> فرود از مرتبه عالی نهفته است (مفردات راغب) و چون نزول فیزیکی قرآن قابل تصور نیست، ممکن است مقصود نزول معنوی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱ - ۵،۹

۵- قرآن ، کتابی با عظمت و در اوج زیبایی و

كمال است .

الحمد للّه الذى أنزل على عبده الكتب

<ال> در <الكتاب> براى استغراق صفات است; يعنى، تمام اوصافى كه يك كتاب، در حد كامل مى تواند داشته باشد، در اين كتاب متبلور است و اين، حاكى از عظمت قرآن است. و چون حمد در برابر زيبايى و كمال است و در آيه بالا خداوند، به سبب نزول قرآن، تمام حمدها و ستايش ها را از آن خويش دانسته، استفاده مى شود كه قرآن، در نهايت كمال و زيبايى است.

۹- ساحت قرآن ، از هرگونه كجى و انحراف مبرّا است .

أنزل على عبده الكتب و لم يجعل له عوجًا

<عوج> به معناى كجى و انحراف است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۲ - ۱،۲

۱- قرآن و تعاليم آن ، قوامْ بخش و رهبرى كننده جامعه بشرى است .

أنزل على عبده الكتب و لم يجعل له عوجًا قيّمًا

<قيّم> به معناى <مقيم> يعنى <برپادارنده و سامان بخش> است. <قيّم القوم> به معناى <مدير و مدبّر امور قوم> است. (اقتباس از لسان العرب). لازم به ذكر است كه قيّماً يا مفعول براى فعل مقدر <جعل> است يعنى: <جعله قيّماً> و يا حال براى <الكتاب>.

۲- قرآن ، كتابى است عارى از هرگونه عدم اعتدال و انحراف از حق .

الحمد للّه الذى أنزل على عبده الكتب . .. قيّمًا

<قيّم>، چنان چه در لسان العرب آمده است، مى تواند به معناى <مستقيم>، يعنى <راست و پيراسته از انحراف> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۶ - ۶

۶- قرآن ، پيامى جديد و بى

سابقه برای بشر

لم یؤمنوا بهذا الحدیث

<حدیث> به معنای <نو و جدید> است. محتمل است که به معنای <حادث> مقابل قدیم نیز باشد. برداشت بالا، ناظر به معنای نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۷ - ۷

۷- رهنمود های قرآن ، تنها تعالیم شایسته برای پذیرش و اطاعت است .

واتل ما أُحی إلیک من کتاب ربّک

فعل <اتل> می تواند از مصدر <تلاوه> به معنای قرائت باشد و ممکن است مصدر آن <تلو> به معنای تبعیت در نظر گرفته شود. برداشت بالا براساس معنای دوم است. مقابله <اتل> در این آیه با <لاتطع> در آیه بعد این احتمال را تقویت کرده و بر حصر نیز دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۴ - ۵

۵- قرآن ، کتاب مردم و قابل فهم و استفاده برای همگان است .

و لقد صرّفنا فی هذا القرءان للناس من کلّ مثل

<ل> در <للناس> برای انتفاع است; یعنی: <ما، مثال های فراوانی را در قرآن برای منفعت مردم بیان کردیم. >.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۵ - ۶

۶- قرآن ، کتابی سراسر هدایت است .

و لقد صرّفنا فی هذا القرءان . .. و ما منع الناس أن یؤمنوا إذ جاءهم الهدی

مصداق بارز <الهدی> به قرینه آیه قبل، قرآن است. اطلاق مصدر (الهدی) بر چیزی که هدایت گر است، برای مبالغه در

بیان هایت گری آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه

- ۲۰ - ۳ - ۷

۷- پیام قرآن ، هماهنگ با فطرت آدمی و بیدارگر آن است .

إلّا تذکره لمن یخشی

<تذکره> آن گونه که از <لسان العرب> برمی آید به معنای به یادانداختن فراموش شده ها است. یادآوربودن قرآن به این است که انسان را به آنچه در فطرت او نهفته است و از آن غفلت دارد متوجه سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۳ - ۱،۳

۱ - قرآن ، کتابی نازل شده از جانب خداوند ، با بیانی فصیح و روشن

و کذلک أنزلنه قرءانًا عربیًّا

<عربیّاً> یا به معنای فصیح و روشن می باشد (مفردات راغب) و یا گویای انتساب به عرب زبانان است (لسان العرب). برداشت یاد شده، ناظر به معنای اول است.

۳ - قرآن ، نازل شده به زبان عربی ، و منطبق با اصول و قواعد آن

و کذلک أنزلنه قرءانًا عربیًّا

برداشت یاد شده ناظر به این احتمال است که <عربیّاً> به معنای زبان مخصوص عرب باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۴ - ۱۳

۱۳ - قرآن ، سراسر وحی الهی است .

من قبل أن یقضی إلیک وحیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۳ - ۱۱

۱۱ - نزول قرآن ، پرتو ربوبیت خداوند و وسیله پیشرفت اهداف رسالت است .

لولا یأتینا بَایه من ربّه أوَلم تأتهم

جمله <أوَلم تـأتهم. ..> قرآن را مصـداق معجزه ای قرار داده که خداونـد بایـد بر پیـامبر(ص) نـازل می کرد. شـمول ربوبیت خداوند بر پیامبر(ص) (ربّه)، به معنای تربیت و

رشد پایه ها و ساختار رسالت آن حضرت است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۱۰۶ – ۶

۶- قرآن ، در بیان مقاصد و اهداف خویش بلیغ و رسا است .

إنّ فی هذا لبلغًا لقوم عبدین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۱۶ – ۳

۳ – قرآن ، کتابی است روشن و قابل فهم برای همگان .

أنزلنه ءایت بیّنت

توصیف آیه های قرآن به <بیّن>، بیانگر قابل فهم بودن آن است. حذف متعلق <بیّن> حاکی از آن است که: فهم قرآن اختصاص به قشر خاصی ندارد; بلکه همگان توانایی بهره مند شدن از آن را دارند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۲۴ – ۳

۳ – قرآن ، گفتاری است پاک و پسندیده .

الطّیّب من القول

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۵۱ – ۴

۴ – ساختار قرآن ، ساختاری است بندبند که هر بند آن آیه نام دارد .

فی ءایتنا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۵۴ – ۷،۱۱

۷ – قرآن ، کتابی است آمیخته به حق و مبرا از هر گونه باطل .

أنّه الحقّ

۱۱ – قرآن ، کتاب هدایت

أنّه الحقّ من ربّك . .. و إنّ اللّه لهاد الذين ءامنوا إلى صرط مستقيم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۵۷ – ۹،۱۰

۹ – قرآن ، دارای ساختاری است آیه آیه .

كذّبوا بَايتنا

۱۰ – قرآن ، مجموعه

ای است از نشانه های خداوند .

کذّبوا بَایتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۲ - ۱

۱ - قرآن ، دارای ساختاری بندبند که هر بند آن < آیه > نامیده می شود .

و إذا تتلی علیهم ءایتنا بیّنت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۸ - ۵

۵ - قرآن ، کتابی است روشن و قابل فهم .

أفلم یدّبّروا القول

با توجه به توصیه خداوند به تدبر در قرآن، این برداشت به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۰ - ۶

۶ - قرآن ، کتابی آمیخته با حق و مبرا از هر گونه سخن باطل

بل جاءهم بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۱ - ۱۰

۱۰ - قرآن ، کتابی یادآور و بیدارگر

بل أتینهم بذکرهم فهم عن ذکرهم معرضون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱ - ۶،۹،۱۰

۶- قرآن ، دارای معارف و رهنمودهایی روشن و قابل فهم برای همگان

سوره . .. فیها ءایت بیّنت

<بیّنه> (مفرد <بیّنات>) به معنای دلالت واضح و برهان روشن است. توصیف آیات قرآن به <بیّنات> به اعتبار این است که دلالت آنها بر معانی واضح و روشن است.

۹- قرآن ، کتابی است بیدارگر و غفلت زدا .

سوره أنزلنها . .. فیها ءایت بیّنت لعلّکم تذکّرون

۱۰- معارف قرآن ، معارفی فطری و تنها نیازمند تذکر و توجه است .

سوره أنزلنها . .. فیها ءایت بیّنت لعلّکم تذکّرون

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۴ - ۲

۲ - قرآن ، قابل فهم برای همه مردم

و لقد أنزلنا إلیکم ءایت مبیّنت

<مبیّنات> (جمع <مبینه> و مؤنث <مبیّن>) است و <مبیّن> به معنای بیانگر و روشن کننده است. بنابراین توصیف آیات الهی (قرآن) به <مبیّنات>، حکایت از روشن بودن و قابل فهم بودن خود آیات برای مردم است؛ زیرا سخنی که خود روشن نباشد، نمی تواند روشنگر چیز دیگری باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۵ - ۲۱

۲۱ - همه انسان ها ، مخاطب پیام قرآن و دین اند .

یضرب اللّه الأمثل للناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱ - ۱۲

۱۲ قرآن ، کتابی جهانی و اسلام ، آیینی همگانی

لیکون للعلمین نذیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶ - ۳،۵

۳ قرآن ، کتابی است عمیق و عالمانه .

قل أنزله الذی یعلم السرّ فی السموت و الأرض

برداشت یاد شده، از آن جا است که خداوند، در مقام اثبات حقانیت و وحی بودن قرآن، علم گسترده خویش را یادآور شد. این یاد آوری می تواند گویای این حقیقت باشد که قرآن، کتاب عمیق و عالمانه است؛ نه افسانه و داستان ساختگی.

۵ قرآن ، کتابی حاوی تعالیمی اسرار آمیز *

قل أنزله الذی یعلم السرّ فی السموت و الأرض

همان گونه که برخی از مفسران (مانند علامه طباطبایی و آلوسی در المیزان و روح المعانی) گفته اند، رابطه <یعلم السرّ> با انزال قرآن، احتمالاً به

جهت نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۲ - ۶

۶ آیات قرآن ، در عین تدریجی و با فاصله نازل شدن آنها ، دارای بهترین نظم و انسجام

کذلک لنثبّت به فؤادک و رتّلنه ترتیلاً

<ترتیل> مصدر <رتّلنا> و از ریشه <رتل> (به معنای نظم و ترتیب زیبا و منسجم) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۲ - ۸

۸ تعالیم قرآن و پیامبراسلام (ص) ، به گونه ای است که همه انسان ها به جز افراد لجوج و حق ناپذیر را تحت تأثیر خود قرار داده و مؤمن می سازد .

إن کاد لیضلّنا عن ءالهتنا لولا أن صبرنا علیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۴ - ۹

۹ تعالیم قرآن و پیامبراسلام (ص) ، متکی بر یک سلسله برهان ها و دلایل سمعی و عقلی

أم تحسب أنّ أکثرهم یسمعون أو یعقلون

سرزنش هواپرستان و مشرکان از سوی خداوند به خاطر حرف نشنوی و تعقل نکردن آنان در قرآن و کلام رسول خدا(ص)، حاکی از مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۲ - ۵

۵ قرآن ، در هر عصر و زمان و در سطح جهانی ، توانا و شایسته برای مبارزه با جریان کفر و شرک

فلاتطع الکفرین و جهدهم به جهادًا کبیرًا

فرمان خداوند به جهاد بزرگ با کافران به وسیله قرآن پس از یادآوری جاودانگی و جهانی

بودن رسالت پیامبر(ص) حاکی از آن است که قرآن، کتابی توانا و شایسته برای مبارزه جهانی و همیشگی با جریان کفر و شرک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲ - ۳،۴

۳ - قرآن ، کتابی است روشنگر .

الکتب المبین

۴ - قرآن ، کتابی روشن و قابل فهم برای همگان

الکتب المبین

<إبانه> به معنای وضوح و روشنی نیز می آید. بنابراین <کتاب مبین>; یعنی، کتاب روشن و واضح الدلاله. گفتنی است که در این صورت، حذف متعلق <مبین> بیانگر این حقیقت است که فهم معانی قرآن اختصاص به قشر و طبقه ای خاص ندارد; بلکه این کتاب، برای همه مردم واضح الدلاله است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۵ - ۴،۵

۴ - قرآن ، برخوردار از بیانی روشن در جهت انذار مردمان

لتکون من المنذرین بلسان عربیّ مبین

۵ - قرآن ، قابل فهم و استفاده برای عموم مردمان

بلسان عربیّ مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱ - ۲،۳،۴

۲ - سوره های قرآن ، دارای ساختاری بندبند به نام آیه

تلک ءایت القرءان

۳ - قرآن ، کتابی روشن و قابل فهم برای همگان

تلک ءایت القرءان و کتاب مبین

<إبانه> (مصدر <مبین>)، گاهی لازم و به معنای وضوح و روشنی به کار می رود و گاهی متعدی و به معنای ایضاح و روشنگری. بنابراین، <مبین> هم می تواند به معنای واضح و روشن باشد و هم به معنای ایضاح کننده و روشنگر. برداشت یاد شده بر پایه معنای اول است. گفتنی است که

حذف متعلق <مبین> برپایه معنای اول بیانگر آن است که فهم قرآن، اختصاص به قشر خاصی ندارد; بلکه همگان می توانند از این سفره الهی بهره مند شوند.

۴ - قرآن ، کتابی است روشنگر راه سعادت .

و کتاب مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲ - ۱،۳

۱ - آیات قرآن ، آیاتی هدایتگر و بشارت دهنده

تلک ءایت القرءان . .. هدًی و بشری للمؤمنین

کلمه های <هدًی> و <بشری> مصدر به معنای اسم فاعل (هادیه و مبشره) و حال برای <آیات> است.

۳ - رهنمود ها و بشارت های قرآن ، خالی از ابهام و پیچیدگی و به دور از هر نقص و کاستی است .

و کتاب مبین . هدًی و بشری

به کارگیری مصدر (هدًی و بشری) به جای اسم فاعل (هادیه و مبشره) بیانگر پیراسته بودن برنامه های هدایتی و بشارت های قرآن از هرگونه نقص و کاستی است. قید <کتاب مبین> در آیه پیش نیز نشانگر خالی بودن آن از ابهام و پیچیدگی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶ - ۴

۴ - قرآن ، مبرّا از هرگونه سخنان نسنجیده و بی اساس

و إنّک لتلقّی القرءان من لدن حکیم علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۶ - ۱۱

۱۱ - قرآن از نظر بینش و منطق ، محیط و مسلط بر ادیان پیشین

إنّ هذا القرءان یقصّ . .. أکثر الذی هم فیه یختلفون

پرداختن قرآن به تبیین حق در مشاجرات فکری بنی اسرائیل، می تواند برای نمایاندن منطق

برتر خود باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲ - ۲،۳،۴

۲ - سوره های قرآن ، دارای ساختاری بندبند به نام < آیه >

تلك ءایت الكتب

۳ - قرآن ، کتابی روشن و قابل فهم برای همگان

الكتب المبين

<مبین> به معنای <روشن> و نیز <روشنگر> است برداشت یاد شده براساس معنای اول است. گفتنی است که در آیه بالا بیان نشده است که این کتاب برای چه کسانی روشن است و این نشان می دهد که فهم قرآن، اختصاص به دسته ای خاص ندارد; بلکه همگان می توانند آن را بفهمند و از آن بهره گیرند.

۴ - قرآن ، کتابی روشنگر

الكتب المبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۶ - ۱۱

۱۱ - قرآن ، کتابی انذارگر و بیم دهنده

لتنذر قومًا

روشن است که پیامبر(ص) با تلاوت وحی الهی (قرآن) به انذار مردم می پرداخت. بنابراین <لتنذر قوماً> به تقدیر <بالقرآن> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۸ - ۲

۲ - قرآن ، کتابی آمیخته به حق و مبرا از هرگونه آموزه های باطل

فلمّا جاءهم الحقّ من عندنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۳ - ۴

۴ - قرآن ، کتابی آمیخته به حق و مبرا از هرگونه باطل

إنّه الحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۷ - ۳

۳ - قرآن ، کتابی است سودمند برای همه مردم .

و إذا تتلی علیهم ءایتنا بیّنت . ..

و قالوا ما هذا إلاّ إفک مفترًی ... قل ما س

<هو> احتمال دارد به قرآن برگردد که مستفاد از آیه ۴۳ می باشد. لام در <لکم> برای انتفاع است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۸ - ۷

۷ - قرآن ، کتاب حقی است و ساخته دست بشر نیست .

قالوا ما هذا إلاّإفک مفترًی . .. قل إنّ ربّی یقذف بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۹ - ۲

۲ - قرآن ، کتاب حقی است .

قل جاء الحقّ

به قرینه این که آیه در سیاق آیاتی است که درباره قرآن کریم و برخورد با مشرکان با آن است، <ال> در <الحقّ> می تواند عهد بوده و به قرآن بازگردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۱ - ۴

۴ - قرآن ، کتابی سراسر حق و پیراسته از هر باطل

من الکتب هو الحقّ

<ال> در <الحقّ> نظیر ال در <زیدالرجل> برای استغراق صفات است; یعنی، قرآن در حق بودن کامل است و کاستی ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲ - ۳،۴

۳ - قرآن ، کتابی است آمیخته با حکمت .

و القرءان الحکیم

<حکیم> می توانـد به معنای <ذوالحکمه> باشد و نیز می تواند مرادف <مُحْکَم> (فعیل به معنای <مُفْعَل>) باشد; چنان که در قرآن هم به همین معنـا به کـار رفته است: <کتـاب اُحکمت آیـاته. ..> (هود (۱۱) آیه ۱). برداشت فوق برپایه احتمال اول است.

۴ - قرآن ، کتابی است پاینده

، استوار و خلل ناپذير .

و القرءان الحكيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - يس - ۳۶ - ۵ - ۱،۴

۱ - قرآن ، كتابى نازل شده از جانب خداوند

و القرءان . .. تنزيل العزيز الرحيم

<تنزيل> مفعول مطلق براى فعل محذوف و به تقدير <نزل تنزيلاً من العزيز الرحيم> مى باشد.

۴ - قرآن ، كتابى پيروزمند ، شكست ناپذير و رحمت آفرين براى بشر

و القرءان . .. تنزيل العزيز الرحيم

نسبت دادن نزول قرآن به مقام عزت و رحمت خداوند، مى تواند بيانگر اين نكته باشد كه اين كتاب نيز عزّتمند و رحمت آفرين است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - يس - ۳۶ - ۶۹ - ۱۱،۱۰،۴،۳

۳ - قرآن ، سخنى است سراسر حق و هدف مند و پيراسته از كلامِ برخواسته از تخيلات و سخنان مبالغه آميز و خلاف واقع .

و ما علّمنه الشعر

برداشت ياد شده از شعر نبودن قرآن استفاده مى شود; زيرا شعر برخاسته از تخيلات شاعر و معمولاً توأم با سخنان مبالغه آميز و خلاف واقع است كه شاعران گاهى به منظور حفظ وزن، سجع و قافيه شعر به آن متوسل مى شوند.

۴ - قرآن ، كتابى است داراى نظم ، شيوه و تركيبى جذاب و مخصوص به خود .

و ما علّمنه الشعر

برداشت ياد شده مبتنى بر اين نكته است كه آنچه كافران را به شعر پنداشتن قرآن واداشت، نظم و اسلوب پر جاذبه و ويژه اى بود كه در اين كتاب الهى مشاهده كردند.

۱۰ – قرآن ، کتابی روشن و قابل فهم برای همگان

و قرءان مبین

۱۱ – محتوا ، شیوه و نظم

موجود در قرآن ، روشنگر خدایی بودن آن و پیراستگی آن از تخیلات شاعرانه .

و ما علّمنه الشعر و ما ینبغی له إن هو إلاّ ذکر و قرءان مبین

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که مقصود از روشنگر بودن قرآن به قرینه صدر آیه (و ما علّمناه الشعر و ما ینبغی له) این حقیقت باشد که قرآن، خود شاهد و گواهِ الهی بودن و نیز پیراسته بودنش از تخیلات شاعرانه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۷ - ۱

۱ - قرآن ، کتابی سراسر حق و پیراسته از هرگونه باطل

بل جاء بالحقّ

مقصود از <حق> قرآن است و <ال> در آن، می تواند برای استغراق صفات افراد باشد (مانند <ال> در <زید الرجل>); یعنی، قرآن در حق بودن کامل است و کاستی ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲ - ۴

۴ - قرآن ، دربردارنده تمامی عوامل هدایت و بیداری انسان ها

و القرءان ذی الذکر . بل الذین کفروا فی عزّه و شقاق

با توجه به توضیح گذشته، می توان استفاده کرد که قرآن مایه بیداری و هدایت بشر است و در این ویژگی هیچ کم و کاستی ندارد و غفلت و گمراهی برخی از مردم (کافران) ناشی از عیوبی مانند غرور و سرکشی در خود آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۹ - ۸

۸ - قرآن ، برخوردار از معارف و آموزه های عمیق و ژرف

کتب . .. لیدّبّروا ءایته

از این که خداوند فرمود:

قرآن برای تدبر و اندیشه کردن است، استفاده می شود که محتوای این کتاب، عمیق و ژرف است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۷ - ۲،۳،۴

۲ - قرآن ، کتاب جهانی و فراملیتی

إن هو إلّا ذکر للعلمین

۳ - قرآن ، کتابی هماهنگ و سازگار با فطرت ، نیاز ها و خواسته های گوناگون بشر

إن هو إلّا ذکر للعلمین

با توجه به جهانی و فراملیتی بودن قرآن، می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

۴ - قرآن ، کتاب آسمانی جن و انس و مایه یاد و بیداری آنان

إن هو إلّا ذکر للعلمین

عـالم (مفرد <عـالمین>) اسـت و بـه مجموعه ودسـته ای از موجـودات گفتـه می شـود. بنـابراین <العـالمین>; یعنی، همه موجودات به لحاظ مجموعه ها و دسته ها. بنابر دیدگاه بسیاری از مفسران، مقصود از آن می تواند علاوه بر انسان ها جن هم باشد، چنان که در آیه نخست سوره <جن> آمده است (فقالوا إنّا سمعنا قرآناً عجباً . یهدی إلی الرشد فآمنّا به...).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱ - ۵

۵ - قرآن ، در عرصه فکر ، اندیشه و . . . پیروزِ شکست ناپذیر و کتابی حکیمانه است .

تنزیل الکتب من اللّه العزیز الحکیم

برداشت بالاـ به خـاطر این نکته است که چون خداونـد، عزیز (پیروز شـکست ناپـذیر) و حکیم است; بنـابراین سـخن او نیز در عرصه خاصِ خود (فکر، اندیشه و. ..) چنین خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲ - ۴

۴ - قرآن

، کتابی است سراسر حق و به دور از مطالب نادرست و خیال پردازی های باطل .

إنّا أنزلنا إليک الكتب بالحقّ

برداشت یاد شده بر این دیدگاه استوار است که <بالحقّ> متعلق به ظرف مستقر و حال برای <الکتاب> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۳ - ۱۵،۱۰،۷،۶،۵،۲

۲ - قرآن ، حاوی بهترین سخن درباره دین و هدایت مردمان

اللّه نزّل أحسن الحديث

مقصود از <أحسن الحدیث> قرآن کریم است و چون موضوع کتاب های آسمانی، دین و هدایت مردمان می باشد، قهراً بهترین بودن قرآن در رابطه با موضوع خودش خواهد بود.

۵ - شباهت ، هماهنگی و انسجام مطالب ، از اوصاف قرآن

كتبًا متشبهًا

<متشابهاً> صفت برای <کتاباً> است و مقصود از <مشابهت> هماهنگی وانسجام مطالب قرآن است که هیچ گونه اختلاف و تضاد و تناقض در آنها وجود ندارد.

۶ - تکرار مطالب و مسائل ، از اوصاف قرآن

كتبًا متشبهًا مثانی

<مثنی> (جمع <مثانی>) به معنای مکرر است و مقصود از آن تکرار شدن بسیاری از مسائل و مطالب قرآن (همچون داستان ها و. ..) به مناسبت های مختلف و به اقتضای نیازهایی بود که پیش می آمد.

۷ - مطالب و مسائل قرآن در عین تکرار شدن آنها برخوردار از مشابهت ، هماهنگی و انسجام و به دور از هرگونه اختلاف ، تناقض و تضاد

متشبهًا مثانی

برداشت بالاـ مبتنی بر این دیدگاه است که نصب <مثانی>، به خاطر تمییز بودن برای <متشبهاً>باشد; یعنی، <متشابهه مثانیه> (تکرارهایش، مشابه و هماهنگ باهم هستند).

۱۰ – تأثیر گذاری عمیق و لرزه انداز دل های آماده ، از اوصاف کتاب آسمانی قرآن

کتبًا . .. تقشعرّ

منه جلود الذين يخشون ربّهم

جمله <تقشعرّ منه جلود. ..> صفت براى <كتاب> است.

۱۵ - قرآن ، كتاب هدايت است .

كتبًا . .. ذلك هدى اللّه يهدى به

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۷ - ۱،۳،۴

۱ - قرآن ، حاوى انواع مثل ها است .

و لقد ضربنا للناس فى هذا القرءان من كلّ مثل

۳ - قرآن ، كتابى است براى عموم مردم ; نه ويژه گروهى خاص .

و لقد ضربنا للناس فى هذا القرءان من كلّ مثل

برداشت ياد شده از آمدن واژه <للناس> استفاده مى شود.

۴ - گوناگونى مثل هاى قرآن ، متناسب با فهم توده هاى بشرى و قابل استفاده و سودمند براى طبقات مختلف فكرى و اجتماعى است .

و لقد ضربنا للناس فى هذا القرءان من كلّ مثل

برداشت ياد شده با توجه به آمدن سه واژه در آيه شريفه است: ۱ لام در <للناس> كه براى انتفاع است; ۲ <الناس> كه بر عموم مردم دلالت دارد; ۳ آمدن واژه <كل> با <مَثَل> كه بر تنوع مثل ها اشاره دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۸ - ۳،۵

۳ - آموزه هاى قرآن ، گويا ، رسا و قابل فهم براى همه انسان ها است .

قرءانًا عربيًّا

<عربىّ> به معناى سخن فصيح و روشن است. بنابراين لازمه عربى بودن قرآن،گويايى و رسا و قابل فهم بودن آن است.

۵ – مبرّا بودن قرآن از هر گونه انحراف ، کجی ، اختلاف و تضاد

قرءانًا عربيًّا غير ذی عوج

<عوج> به معنای کجی و انحراف است، این واژه در مواردی به کار می رود

که با فکر و بصیرت شناخته می شود، نه با حواس ظاهری. ازاین رو مفسران گفته اند: مقصود از آن در آیه شریفه با توجه به تنکیر آن و بودنش در سیاق نفی هرگونه کجی و انحراف در معانی و پیام های قرآن و یا اختلاف و تضاد در آنها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۲ - ۵

۵ - قرآن ، سخنی سراسر راست و مطابق با واقع و حق و حقیقت

و کذّب بالصدق

<صدق> به معنای امر مطابق با واقع و حق است و آمدن آن به صورت مصدر، برای افاده مبالغه می باشد; یعنی، قرآن و دینی که عین حق و نفس صدق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۱ - ۴،۶،۷،۸،۱۰

۴ - قرآن ، کتابی است سراسر حق و به دور از مطالب نادرست و تخیلات باطل

إنّا أنزلنا علیک الکتب للناس بالحقّ

برداشت یاد شده بر این دیدگاه استوار است که <بالحقّ> متعلق به ظرف مستقر و حال برای <الکتاب> باشد.

۶ - قرآن ، کتابی برای عموم مردم است ; نه ویژه گروهی خاص .

إنّا أنزلنا علیک الکتب للناس بالحقّ

برداشت یاد شده از تعبیر <للناس> (برای مردم) استفاده شده است.

۷ - قرآن ، کتابی سودمند برای بشر و در جهت منافع و مصالح او است .

إنّا أنزلنا علیک الکتب للناس

برداشت یاد شده با توجه به لام در <للناس> است که متضمن معنای انتفاع می باشد.

۸ - قرآن ، کتابی نازل شده برای هدایت و راهنمایی مردم .

فمن اهتدی فلنفسه

۱۰ – هدایت یافتن و

سود بردن از قرآن ، برای تمامی طیف های اجتماعی جامعه بشری ، ممکن و میسر است .

إنّا أنزلنا علیک الکتب للناس بالحقّ فمن اهتدی فلنفسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۵ - ۳،۴،۵

۳ - قرآن ، راهنمای عمل انسان ها

و اتّبعوا أحسن ما أُنزل إلیکم من ربّکم

توصیه خداوند به عمل کردن به تعالیم قرآن به جای هر سفارشی دیگر درباره قرآن، می تواند بیانگر حقیقت یاد شده باشد.

۴ - قرآن ، نیکوترین نازله های خداوند برای بشر

و اتّبعوا أحسن ما أُنزل إلیکم من ربّکم

۵ - قرآن ، کامل ترین کتاب آسمانی و اسلام جامع ترین دین الهی

و اتّبعوا أحسن ما أُنزل إلیکم من ربّکم

در برداشت یاد شده، برتر بودن قرآن در مقایسه با دیگر کتاب های آسمانی و به لحاظ کمال و جامعیت سنجیده شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲ - ۵،۶

۵ - قرآن ، در عرصه فکر و اندیشه ، پیروز شکست ناپذیر و کتابی عالمانه است .

تنزیل الکتب من اللّه العزیز العلیم

از آن جایی که خداوند عزیز و علیم است، سخن او هم در عرصه خود (فکر، اندیشه و . ..) چنین خواهدبود.

۶ - قرآن ، مایه عزت انسان ها و آموزنده دانش به آنان

تنزیل الکتب من اللّه العزیز العلیم

تـذکر این نکته که قرآن از منشأیی نازل شده که دارای عزت و علم است، (خدا)، می تواند گویای این حقیقت باشد که قرآن

کتابی عزت آفرین و دانش آموز برای بشر است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر

۴ - ۴ - ۴۰ -

۴ - قرآن ، دارای ساختاری بندبند به نام < آیه >

ءایت اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۶ - ۳

۳ - آیات الهی و معارف قرآنی ، مبتنی بر دلیل و برهان است .

الذین یجدلون فی ءایت اللّه بغیر سلطن أتیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲ - ۲،۵

۲ - تمامی قرآن ، حتی حروف آن ، نازل شده از ناحیه خداوند *

حم . تنزیل من

برداشت یاد شده بنابر این احتمال است که <حم> اشاره به حروف داشته باشد; یعنی، تنها مفاهیم و معارف کلی از ناحیه خداوند بر پیامبر نازل نشده است تا او آنها را به لفظ درآورده باشد; بلکه آیات قرآن که تشکیل یافته از <حاء و میم> و امثال آن است با همین شکل از ناحیه خداوند نازل شده است.

۵ - قرآن ، در قالب الفاظ عربی ، دارای نزول تدریجی از جانب خداوند

حم . تنزیل من

بنابراین احتمال که <حم> نظر به جنبه لفظی قرآن داشته باشد، با توجه به آیاتی که نزول دفعی قرآن را می فهماند می توان نتیجه گرفت که نزول دفعی قرآن، نزولی مفهومی و معرفتی بوده و نزول لفظی آن در قالب حروف و کلمات عربی، نزول تدریجی بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳ - ۱،۲،۳،۴،۵،۶

۱ - آیات قرآن ، دارای مفاهیمی روشن و بی ابهام

کتب فصّلت ءایته

برداشت یاد شده بر این مبنا است که <فصّلت>، به معنای <به

روشنی بیان شده> باشد.

۲ - ساختار قرآن ، ساختاری آیه آیه است .

فصّلت ءایته

برداشت یاد شده، مبتنی بر کاربرد ماده <فصل> در معنای تفصیل و تجزیه است.

۳ - قرآن ، قبل از نزول تدریجی و تفصیلی ، دارای وجودی اجمالی و تفصیل نایافته *

تنزیل من . .. فصّلت ءایته

جمله <فصّلت آیاته> اشعار به آن دارد که قرآن، قبل از نزول به صورت فعلی، در عالمی دیگر وجودی اجمالی و کلی داشته است.

۴ - نزول و قرائت قرآن بر پیامبر (ص) در قالب زبان عربی

تنزیل من الرحمن . .. قرءانًا عربیًّا

۵ - الفاظ قرآن هم چون محتوای آن آسمانی و الهی است .

تنزیل من الرحمن . .. قرءانًا عربیًّا

قید <قرآناً عربیاً> می تواند بیانگر این معنا باشد که آیات قرآن، نه تنها از حیث محتوا الهی است; بلکه الفاظ آن هم کلام خداوند است.

۶ - آیات قرآن ، برخوردار از فصاحت و شیوایی *

قرءانًا عربیًّا

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <عربیّاً> به معنای سخن فصیح و شیوا باشد. در برابر اعجمی که به معنای غیر فصیح می باشد (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۲ - ۱،۳،۴،۶

۱ - مصونیت قرآن ، در برابر هرگونه تحریف

لایأتیه البطل من بین یدیه و لا من خلفه

منظور از عدم امکان راه یافتن باطل به ساحت قرآن <لا- یأتیه الباطل> می تواند این باشد که هیچ کس توانایی تحریف کردن قرآن را ندارد.

۳ - معارف و آموزه های قرآن ، سراسر حق و به دور از هر گونه سخن باطل است .

لایأتیه البطل من بین یدیه و لا

من خلفه

۴ - تأثیر نداشتن گذشت زمان ، در حقانیت معارف قرآن

لايأتيه البطل من بين يديه و لا من خلفه

بنابراین که مراد از <باطل> زوال حقانیت باشد، مطلب بالا استفاده می شود.

۶ - قرآن ، نازل شده از سوی پروردگار کاردان و ستوده

تنزيل من حكيم حميد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۴ - ۴،۶

۴ - قرآن ، دارای آیات روشن و مفاهیم متمایز و قابل درک است .

و لو جعلنه قرءانًا أعجميًّا لقالوا لولا فصّلت ءايته

<تفصیل> (مصدر <فصّلت>) در مقابل اجمال و به معنای تبیین است.

۶ - مجموعه آیات قرآنی ، به دور از هرگونه ابهام و برخوردار از فصاحت

و لو جعلنه قرءانًا أعجميًّا لقالوا لولا فصّلت ءايته

<أعجمی> منسوب به <أعجم> است و <أعجم> به کسی گفته می شود که کلام او دارای ابهام بوده و گویا نباشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۲ - ۳

۳ - قرآن ، کتابی نازل شده از سوی خداوند

إن كان من عند اللّه

با توجه به این که اسم کان قرآن است، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۳ - ۶

۶ - معارف قرآنی ، هماهنگ با قوانین هستی و فطرت انسانی

سنریهم ءایتنا . .. و فی أنفسهم حتّی یتبیّن لهم أنّه الحقّ

برداشت یاد شده بر این اساس است که ضمیر <أنّه> به قرآن باز گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۷ - ۱،۲

۱ - قرآن از سوی خداوند ،

در قالب زبان عربی بر پیامبر (ص) وحی شده است .

و كذلك أوحينا إليك قرءانًا عربيًّا

۲ - فصاحت و شیوایی والا و بی مانند قرآن

أوحينا إليك قرءانًا عربيًّا

<عربی> به سخنی گفته می شود که فصیح و شیوا باشد. (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۷ - ۱،۲،۸

۱ - خداوند ، قرآن و سایر کتاب های آسمانی را به حق و پیراسته از هر گونه باطل فرو فرستاد .

اللّه الذی أنزل الكتب بالحقّ

الف و لام در <الكتاب> می توانـد برای عهد باشد و نیز می تواند برای جنس باشد که در این صورت شامل همه کتاب های آسمانی خواهد بود.

۲ - نزول قرآن ، دارای هدفی ارجمند و هماهنگ با واقعیت هستی و نیاز های انسان

أنزل الكتب بالحقّ

حق، گاهی به معنای شـیء مطابق با حکمت می آیـد و گاهی به معنای امر ضـروری و مورد نیاز. برداشت یاد شده براساس هر دو احتمال است. هم چنین بر این پایه استوار است که <بالحقّ> متعلق به <أنزل> باشد.

۸ - قرآن ، مرجع حل اختلافات اجتماعی و اعتقادی

و الذين يحاجّون . .. أنزل الكتب بالحقّ و الميزان

طرح حقانیت و میزان بودن قرآن، پس از ذکر اختلافات و مباحثات بی اساس مخالفان، می تواند ناظر به مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲ - ۱،۲

۱ - قرآن ، کتابی روشن و به دور از هرگونه ابهام

و الکتب المبین

<إبانه> (مصدر <مبین>) دو کاربرد دارد: لازم و متعدی. کلمه مبین، در استعمال لازم به معنای روشن و

در کاربرد متعدی به معنای روشنگر است. برداشت یاد شده بر پایه استعمال اول می باشد.

۲ – قرآن ، کتابی قابل فهم و مفاهیم آن قابل دستیابی برای بشر

و الکتب المبین

از توصیف قرآن به <مبین> (روشن)، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۳ – ۱،۴

۱ – قرآن ، کتابی نازل شده به زبان عربی از سوی خداوند

إنّا جعلنه قرءانًا عربیًّا

۴ – قرآن ، کتابی فصیح و دارای پیامی روشن و بدون ابهام

إنّا جعلنه قرءانًا عربیًّا

برداشت یاد شده با توجه به معنای دیگر <عربیّاً> که فصاحت است به دست می آید. در مفردات راغب آمده: <العربی: الفصیح البین من الکلام>; یعنی، عربی به سخنی گفته می شود که شیوا، روشن و بدون ابهام باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۴ – ۵

۵ – قرآن ، در اُم الکتاب (لوح محفوظ) ، دارای حقیقتی واحد و بسیط

و إنّه فی أُمّ الکتب . .. حکیم

<حکیم> به معنای محکم است و <محکم> به مصنوعی گفته می شود که عناصر و اجزای تشکیل دهنده آن، باهم پیوندی ناگسستنی داشته باشند. توصیف قرآن موجود در اُمّ الکتاب به <محکم> با توجه به این که قرآن نازل شده دارای کلمات، آیات و سوره های مفصل و مجزا از یکدیگر است اشاره به این نکته دارد که قرآن موجود در اُمّ الکتاب، حقیقتی واحد، بدون تجزیه و تفصیل و دارای هویتی بسیط است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

١٧ - زخرف -

۴۳ - ۵ - ۴

۴ - قرآن ، بیدارکننده آدمیان از غفلت و بی توجهی

أفنضرب عنکم الذکر

به کارگیری <ذکر> به جای <قرآن>، حاکی از این است که قرآن، بیدارگر خفتگان و یادآور غافلان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲ - ۱

۱- قرآن ، کتابی روشن و به دور از هرگونه ابهام

و الکتب المبین

<إبانه> (مصدر <مبین>) هم به صورت لازم و متعدی به کار می رود. <مبین> در کاربرد لازم به معنای روشن و در کاربرد متعدی به معنای روشنگر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴ - ۷

۷- قرآن ، بیانگر و در بر دارنده همه مسائل مهم *

و الکتب المبین . إنّا أنزلنه فی لیله مبرکه ... فیها یفرق کلّ أمر حکیم

خداوند، از سویی قرآن را کتابی روشن و روشنگر و از سویی دیگر نزول آن را در شبی مبارك که تقدیر امور هستی در آن صورت می پذیرد معرفی می نماید. تقارن دو امر یاد شده، این احتمال را تقویت می کند که مقدرات کلی الهی در هستی، در قرآن موجود و بیان شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵ - ۱

۱- قرآن حقیقتی مستحکم ، خلل ناپذیر و نازل شده از سوی خداوند

إنّا أنزلنه . .. أمر حکیم ... أمرًا من عندنا

کلمه <أمراً> می تواند حال برای ضـمیر مفعولی <أنزلناه> باشد. در این صورت از ارتباط آن با <أمر حکیم> در آیه قبل، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۸ - ۲

۲- قرآن ، کتابی آسان و در دسترس فهم و درک بشر

فإنّما یسّرنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲ - ۴

۴ - ناتوانی بشر از ارائه کتاب ، برنامه و معارفی فراتر از قرآن و یا همانند آن

تنزیل الکتب من اللّه العزیز

برداشت بالاـ با توجه به دو نکته زیر به دست می آید: الف) از ارتباط میان <تنزیل الکتاب> با وصف <العزیز> نوعی تحدی استفاده می شود. ب) مطرح ساختن عزت و شکست ناپذیری خداوند در مورد قرآن، در ابعاد مختلفی تصویر می شود؛ از جمله در بُعد محتوایی و لفظی آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲ - ۶

۶- محتوای قرآن ، حقایقی استوار و ابطال ناپذیر

تنزیل الکتب من اللّه العزیز الحکیم

نسبت دادن تنزیل قرآن به خداوند عزیز و حکیم، می تواند اشاره به این نکته داشته باشد که قرآن نیز، همچون نازل کننده آن عزیز و شکست ناپذیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۷ - ۲

۲- آیات قرآن ، روشن و خالی از هر گونه ابهام

ءایتنا بیّنت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۱۲ – ۱۱

۱۱– عربی بودن ، از امتیازات قرآن

و هذا کتب مصدّق لسانًا عربیًّا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۳۰ – ۱۱

۱۱– هدایت گری به سوی حق و راه مستقیم ، اصیل

ترین ویژگی قرآن و هر کتاب آسمانی

کتبًا أُنزل من بعد موسی مصدّقًا لما بین یدیه یهدی إلی الحقّ و إلی طریق مستقیم

ابتدا قرآن با کتاب های آسمانی هماهنگ معرفی شده و سپس به عنوان اصیل ترین بُعد هماهنگی آن دو، هدایت گری به سوی حق و راه مستقیم مورد تصریح واقع شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۴ - ۲،۳

۲ - پیام قرآن ، پیامی نو و بی نظیر برای همیشه تاریخ

فلیأتوا بحدیث

در واژه <حدیث>، نوین بودن پیام قرآن نهفته است. <تحدی> قرآن، برای همیشه تاریخ است و بی نظیر ماندن آن نیز همیشگی خواهد بود.

۳ - بشر ، ناتوان از آوردن سخنی نو و پرطراوت چون قرآن

فلیأتوا بحدیث مثله

امر در <فلیأتوا> برای تعجیز و بیان ناتوانی بشر از آوردن سخنی مانند قرآن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱ - ۶

۶ - قرآن ، ستاره هدایت برای انسان ها *

و النجم إذا هوی

در صورتی که مراد از <نجم> قرآن باشد، اطلاق <نجم> بر قرآن می تواند به منظور مطلب بالا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۹ - ۳

۳ - قرآن ، سخنی نو و در عین حال به دور از مطالب نامعقول و غیرقابل قبول

أفمن هذا الحديث تعجبون

مشاراليه <هذا>، می تواند قرآن باشد. در این صورت واژه <الحدیث> اشاره به نو بودن آن دارد. نفی اعجاب و استبعاد که از استفهام توبیخی استفاده می شود می رساند که قرآن در اوج نو بودن،

منطقی و قابل درک و فهم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۷ - ۱،۵

۱ - قرآن ، کتابی آسان و قابل فهم برای همگان

و لقد یسّرنا القرءان

۵ - حقیقت ملکوتی قرآن ، دور از درک و اندیشه توده ها *

و لقد یسّرنا القرءان للذّکر

مفهوم <لقد یسّرنا. ..> این است که حقایق قرآنی در مرحله نخست و قبل از آسان شدن آن، سنگین بوده است; به گونه ای که چه بسا بیشتر انسان ها از درک آن ناتوان بوده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۲ - ۱،۵

۱ - قرآن ، کتابی آسان و قابل فهم برای همگان

و لقد یسّرنا القرءان

۵ - حقیقت ملکوتی قرآن ، دور از درک و اندیشه توده ها *

و لقد یسّرنا القرءان

مفهوم <و لقد یسّرنا القرآن. ..> این است که حقایق قرآنی، در مرحله نخست و قبل از آسان شدن آن، سنگین بوده است; به گونه ای که چه بسا بیشتر انسان ها از درک آن ناتوان بوده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۲ - ۱،۵

۱ - قرآن ، کتابی آسان و قابل فهم برای همگان

و لقد یسّرنا القرءان

۵ - حقیقت ملکوتی قرآن ، دور از درک و اندیشه توده ها *

و لقد یسّرنا القرءان

مفهوم <و لقد یسّرنا القرآن . ..> این است که حقایق قرآنی، در مرحله نخست و قبل از آسان شدن، سنگین بوده است; به گونه ای که چه بسا بیشتر انسان ها در درک آن ناتوان می شدند.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۰ - ۱،۵

۱ - قرآن ، کتابی آسان و قابل فهم برای همگان

و لقد یسّرنا القرءان

۵ - حقیقت ملکوتی قرآن ، دور از درک و اندیشه توده ها *

و لقد یسّرنا القرءان

مفهوم <و لقد یسّرنا> این است که حقایق قرآنی، در مرحله اول و قبل از آسان شدن، سنگین بوده است; به گونه ای که چه بسا بیشتر انسان ها از درک آن ناتوان بوده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۸۱ - ۳

۳ - قرآن ، کتابی بی نظیر ، جدید و بی سابقه در فرهنگ بشری

أفبهذا الحدیث أنتم مدهنون

<حدیث>، به خبر تازه و نو گفته می شود و <هذا الحدیث> یا اشاره به قرآن دارد و یا مراد از آن خبر قیامت است. برداشت یاد شده بر پایه احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۶ - ۱۱

۱۱ - قرآن ، کتابی جاودان و کهنه نشدنی

و ما نزل من الحقّ

یکی از معانی واژه <حقّ> ثابت و استوار است. در این صورت توصیف قرآن به <حقّ>، می تواند بیانگر مطلب بالا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۵ - ۷،۹

۷ – قرآن ، دارای ساختاری بندبند است و هر یک از بند های آن < آیه > نامیده می شود .

و قد أنزلنا ءایت بیّنت

۹ – آیات قرآن ، روشن و بدون هر گونه ابهام است .

و قد أنزلنا ءایت بیّنت

جلد – نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حشر – ۵۹ – ۲۱ – ۱۰

۱۰ – قرآن ، کتابی قابل فهم برای اهل فکر و اندیشه

لو أنزلنا هذا القرءان . .. لعلّهم یتفکّرون

در دسترس بودن قرآن که از اسم اشاره قریب (هذا) فهمیده می شود و نیز ترغیب به اندیشیدن و تفکر در آن، بیانگر برداشت یاد شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – صف – ۶۱ – ۹ – ۵

۵ – قرآن ، کتاب هدایت است .

أرسل رسوله بالهدی

مقصود از <الهدی> قرآن کریم است، چرا که قرآن کتاب هدایت است و هدایت فلسفه نزول قرآن می باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قلم – ۶۸ – ۱۵ – ۵

۵ – قرآن ، دارای ساختاری بند بند به نام < آیه >

ءایتنا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قلم – ۶۸ – ۴۴ – ۳

۳ – قرآن ، کتابی بی نظیر و دارای مطالبی نو و بی سابقه

الحدیث

<حدیث> به معنای شیء جدید و نوپیدا است. به کار رفتن این تعبیر درباره قرآن، می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۵۲ - ۳

۳ - قرآن ، کتابی است جهانی و برای همه ملت ها با فرهنگ های گوناگون .

ذکر للعلمین

عـالم (مفرد <عـالمین>) به مجموعه و دسـته ای از موجودات گفته می شود. بنـابراین <عـالمین>; یعنی، همه انسـان ها و با توجه به همه مجموعه های بشری.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ -

جن - ۷۲ - ۱۳ - ۲

۲ - قرآن ، کتاب هدایت است .

الهدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۱ - ۲۳

۲۳ - قرآن ، دربردارنده حقایقی پندآموز و بیدارگر

و ما هی إلّا ذکری للبشر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۹ - ۴

۴ - قرآن ، کتابی است بیدارگر و پندآموز .

عن التذکره معرضین

به گفته مفسران، مقصود از <تذکره> در این آیه، قرآن کریم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۳ - ۲

۲ - قرآن ، کتابی است الهی ; نه ساخته و پرداخته دست بشر .

إنّا نحن نزّلنا علیک القرءان

تصریح و تأکید فراوان بر اختصاص نزول قرآن از سوی خداوند در فضایی که کافران ساختگی بودن آن را تبلیغ می کردند می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۵۰ - ۵،۶

۵ – قرآن ، همواره سخنی نو و جدید است .

فبأیّ حدیث بعده یؤمنون

<حدیث> به معنای جدید است. نام گذاری قرآن به حدیث، بیانگر مطلب یاد شده است.

۶ – قرآن ، نوترین سخن در باب هدایت و شایسته ترین پیام برای ایمان آوردن به آن

فبأیّ حدیث بعده یؤمنون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکویر – ۸۱ – ۲۴ – ۴

۴ – قرآن در مرحله ابلاغ به مردم ، همانند مرحله نزول و دریافت ، مصون از تحریف و کتمان است .

و ما هو علی الغیب بضنین

جلد –

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۷ - ۱

۱ - قرآن در بردارنده معارفی که باید آنها را فراگرفت و همواره به خاطر داشت .

إن هو إلّا ذكر

<ذکر> و <حفظ> به یک معنا است; جز این که <حفظ> فراگرفتن و <ذکر> حاضر داشتن فراگرفته ها است; بنابراین به ادامه حفظ نیز <ذکر> گفته می شود; گرچه مسبوق به فراموشی نباشد (مفردات راغب). این تعبیر برای قرآن که گرچه وسیله ذکر است ولی از روی مبالغه <ذکر> خوانده شده است نشانه آن است که قرآن، مایه توجّه انسان به حقایقی است که باید همواره آن را به خاطر داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۲۲ - ۲

۲ - لوحی که قرآن بر آن نوشته شده است ، از نابودی و تغییر مصون است .

فی لوح محفوظ

کلمه <محفوظ>، بدون متعلق آمده است تا محفوظ بودن از هر خطر احتمالی را بفهماند. بنابراین خطر نابودی، تغییر و تحریف یا حذف، اضافه، سرقت و نظایر آن، نمی تواند آن را تهدید کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۳ - ۱،۲،۴

۱ - قرآن ، کلامی است که حق و باطل را به طور کامل متمایز می سازد .

إنّه لقول فصل

از سیاق مطالب به دست می آید که مرجع ضمیر <إنّه> قرآن است. <فصل>; یعنی، جدا ساختن دو چیز از یکدیگر، به گونه ای که بین آن دو فاصله افتد (مفردات راغب). تعبیر <فصل> که مصدر است در معنای فاصل، مبالغه

آمیز است و بر کمال جدایی دلالت دارد. برخی گفته اند: مراد از ضمیر در <إنّه>، گفته های خداوند درباره معاد است که آیات پیش گویای آن بود. در این احتمال نیز <قول فصل> بودن آن آیات، به اعتبار قرآن بودن آنها است.

۲ - خداوند ، با سوگند به آسمان و زمین ، بر فارق بودن قرآن بین حق و باطل ، تأکید ورزیده است .

و السماء . .. و الأرض ... إنّه لقول فصل

۴ - < [فی مجمع البیان فی قوله تعالی] < إنّه لقول فصل > یعنی إنّ القرآن یفصل بین الحقّ و الباطل بالبیان عن کلّ واحد منهما و روی ذلک عن الصادق (ع) ;

[در مجمع البیان در تفسیر قول خدای تعالی] <إنّه لقول فصل> [آمده است]: یعنی قرآن با بیان حقّ و باطل، آن دو را از یکدیگر جدا می سازد و این معنا از امام صادق(ع) روایت شده است>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۴ - ۱۱

۱۱ - نزول قرآن به صورت قابل نوشتن ، وعده خداوند به پیامبر (ص) در لحظات آغازین بعثت

اقرأ . .. الذی علّم بالقلم

طرح اموری که مربوط به قلم است، به دنبال فرمان قرائت قرآن در نخستین لحظات آغاز وحی، بیانگر نکته یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۳ - ۱،۲،۴

۱ - صفحات قرآن ، گنجینه نوشته هایی استوار و به دور از اعوجاج و انحراف

فیها کتب قیّمه

<کتاب> (مفرد <کتب>) مصدری است که در معنای اسم مفعول آن (مکتوب)

به کـار رفته است. بنـابراین <فیها کتب>; یعنی، در صـحیفه های مطهر، نوشـته هایی متعـدد وجود دارد. <قیّمه>، دارای دو معنا است: ۱. به صورت متعـدی و بـا مفعولی محـذوف; یعنی، قوام بخش و برپادارنـده جـامعه; ۲. به صورت لازم; یعنی، با اسـتقامت و اعتدال و خالی از کجی و اعوجاج. برخی این کلمه را جمع دانسته اند (مجمع البیان); ولی بیشتر اهل لغت و تفسیر مفرد بودن آن را پذیرفته اند.

۲ - قرآن ، در برگیرنده قوانینی نظام بخش و حافظ مصالح مردم

فیها کتب قیّمه

<قیِّم> هر چیز، برپادارنـده و قوام بخش آن است (لسـان العرب). فعـل <کَتَبَ>; یعنی، حکم و قضاوت کرد و ملزم ساخت (مصباح). بنابراین مراد از <کُتُب> در آیه شریفه، ممکن است مجموعه حکم ها و الزام های الهی باشد.

۴ - قرآن ، حاوی معارف کتاب های آسمانی گذشته است . *

یتلوا صحفًا مطهّره . فیها کتب قیّمه

ویژگیهای مثالهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۷ - ۲

۲ - مثل های قرآن ، بهترین و سودمندترین مثل ها است .

و لقد ضربنا للناس فی هذا القرءان من کلّ مثل

تنکیر <مثل> دلالت بر تعظیم و شرافت دارد; یعنی، یعنی مثل های قرآن بهترین وسودمندترین مثل ها است.

ویژگیهای مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶ - ۲

۲ - منکران قرآن ، به خدا و قیامت ایمان نخواهند آورد .

إن الذین کفروا . .. لایؤمنون

متعلَّق <لايؤمنون> به دليل آيه هشت و نيز آيات قبل، خدا و قيامت است; يعنى: لايؤمنون باللّه و لاباليوم

الآخر.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۷ - ۲

۲ - بر گوش و چشم منكران آن ، حجابى است كه آنان را از شنيدن و ديدن حقايق دين ، ناتوان ساخته است .

و على سمعهم و على ابصرهم غشوه

<غشاوه> به معناى پرده و مانند آن است. در برداشت فوق <على سمعهم> خبر براى <غشاوه> گرفته شده است.

ويژگيهاى نزول قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱ - ۸

۸ قرآن ، كتابى است كه به تدريج و جدا جدا (آيه آيه و سوره سوره) بر پيامبراسلام (ص) فرود آمد .

تبارك الذى نزّل الفرقان على عبده

از ديدگاه برخى از مفسران چون زمخشرى، قرآن به اين دليل به فرقان (جدا كننده) نام گذارى شده است كه آيات و سوره هاى آن جدا جدا و با فاصله و به تدريج گرديده بود. ; مثلا در آيه ۱۰۶ <سوره اسراء> آمده است: <و قرآناً فرقناه لتقرأه على الناس على مكث و نزّلناه تنزيلاً>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۹ - ۴

۴ - در مسير نزول قرآن بر پيامبر (ص) ، هيچ دست ناپاكى بدان نرسيده و كاملاً مصون از تحريف و دستبرد بوده است .

لايمسّه إلّا المطهّرون

برداشت ياد شده بر اين مبنا است كه ضمير در <لايمسّه> به قرآن بازگردد و آيه شريفه ناظر به وضعيت نزول قرآن به وسيله فرشتگان بر پيامبر(ص) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ – انسان –

۳ - ۲۳ - ۷۶

۳ - نزول قرآن بر پیامبر (ص) ، تدریجی و مرحله ای بود .

إنّا نحن نزّلنا علیك القرءان تنزیلاً

<تنزیلاً>، مفعول مطلق نوعی است و در این آیه بر نزول تدریجی قرآن بر پیامبر(ص) دلالت دارد. ضمن آن که پیش از این آیه و پس از آن، سوره ها و آیات فراوانی که بافاصله زمانی بسیاری از هم قرار دارند نازل شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۹ - ۷

۷ - نزول قرآن ، به صورت گفتار بوده است .

إنّه لقول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۱ - ۴۸

۴ - نزول قرآن در شب قدر ، به صورت کامل بوده است . *

إنّا أنزلنه فی لیله القدر

نزول بسیاری از آیات قرآن، به مناسبت های گوناگونی بوده است که در طول زندگانی رسول اکرم(ص)، پیش آمده بود. در نتیجه آیه شریفه، ناظر به نزول آن در مرحله ای دیگر خواهد بود که معارف و رهنمودهای قرآن، به صورت کامل از جانب خداوند در شب قدر نازل شده بود. گفتنی است که تفاوت تعبیر <إنزال> و <تنزیل>، می تواند بیانگر این دو مرحله از نزول قرآن باشد. در این احتمال، <إنزال> ناظر به نزول دفعی در شب قدر و <تنزیل> ناظر به نزول تدریجی آن در طول زندگانی پیامبر(ص) خواهد بود.

۸ - < قال الصادق (ع) نزل القرآن فی لیله القدر إلی البیت المعمور جمله ثمّ نزل من البیت المعمور علی رسول اللّه (ص) فی طول عشرین

سنه ;

امام صادق(ع) فرمود: قرآن در شب قدر به صورت کامل و یک جا، به بیت المعمور نازل گشت و سپس از بیت المعمور به رسول خدا(ص) در طول بیست سال [به صورت تدریجی] نازل شد>.

ویژگیهای هدایت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲ - ۷

۷ هدایت های قرآن ، به دور از هر کاستی و پیراسته از کمترین پیامد ناهنجاری است .

هدًی للمتقین

<هدًی> مصدر و در اینجا به معنای اسم فاعل (هادی) است. به کارگیری مصدر به جای اسم فاعل اشاره به این حقیقت دارد که قرآن محض هدایت است; یعنی رهنمودهای قرآن مستلزم هیچ ضلالت و مشوب به هیچ گمراهی و سردرگمی نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱۱ - ۱۳

۱۳ هدایت های قرآن ، پیراسته از هر گمراهی و منزّه از کمترین پیامدی ناهنجار

و لکن . .. هدًی

<هدًی> مصدر است و در این جا به معنای اسم فاعل (هدایت کننده) می باشد. به کارگیری مصدر به جای اسم فاعل اشاره به این حقیقت دارد که: موصوفش (قرآن) محض هدایت است ; یعنی ، رهنمودهای آن مستلزم هیچ گمراهی و آمیخته به هیچ ضلالتی نیست.

ویژگیهای هدایتگری قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳ - ۳

۳ - هدایت قرآن ، کامل و به دور از هر شایبه کاستی و نقص است .

الکتب . .. هدًی

<هدًی> مصدر و به معنای اسم فاعل (هادی) است. کاربرد آن به جای اسم فاعل، اشاره به هدایت محض بودن

آن دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۹ - ۶

۶ - هدایت و راهنمایی های قرآن ، به دور از هر کاستی و پیراسته از کمترین پیامد ناهنجار

أرسل رسوله بالهدی

در صورتی که مراد از <هدی> قرآن باشد; تعبیر مصدر به جای اسم فاعل (هادی) اشاره به این حقیقت دارد که قرآن، محض هدایت است; یعنی، رهنمودهای قرآن مستلزم هیچ ضلالت و همراه با هیچ گمراهی و سر در گمی نیست.

هدایت پذیری پیروان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۱ - ۱

۱ - انذار ها و اخطار های پیامبر (ص) ، تنها در افرادی که آماده پذیرش بودند و می خواستند از پیروان قرآن و اهل خشیت باشند ، مؤثر بود .

إنّما تنذر من اتّبع الذکر و خشی الرحمن

در آیات گذشته، سخن از گروهی بود که هرگز آمادگی پذیرش ایمان و سخن حق را نداشتند; ولی در این آیه شریفه از گروه دیگری یاد می کند که در نقطه مقابل گروه اول قرار دارند که آماده پذیرش کلام حق (قرآن) بوده و از خدای رحمان می ترسند. گفتنی است مقصود از <ذکر> طبق نظر بیش تر مفسران قرآن است.

هدایت مؤمنان به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۴ - ۶

۶ - مؤمنان به قرآن ، به راه حق و درستی دست یافته اند .

فمن أسلم فأُولئک تحرّوا رشدًا

هدایت ناپذیری مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات -

۱ - ۵۰ - ۷۷

۱ - آنان که به قرآن ایمان نمی آورند ، به هیچ گفتار هدایت بخش دیگری ، ایمان نخواهند آورد .

فبأیّ حدیث بعده یؤمنون

استفهام <فبأیّ> انکاری و تعجبی است. بر این اساس مفاد آیه چنین است: <وقتی آنان قرآن را که با دلایل روشن همراه است تصدیق نمی کنند، پس مسلم به هیچ سخن حقی ایمان نخواهند آورد>.

هدایتگری آیات قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲ - ۱

۱ - آیات قرآن ، آیاتی هدایتگر و بشارت دهنده

تلک ءایت القرءان . .. هدًی و بشری للمؤمنین

کلمه های <هدًی> و <بشری> مصدر به معنای اسم فاعل (هادیه و مبشره) و حال برای <آیات> است.

هدایتگری قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲ - ۴،۵

۴ - توان قرآن بر هدایت و تربیت انسان های پرهیزگار ، دلیل و گواهی کافی بر اتقان و حقانیت آن است .

لاریب فیه هدًی للمتقین

<هدًی للمتقین> به منزله استدلال برای جمله <لاریب فیه> است.

۵ - قرآن کتاب هدایت و راهنمای اهل تقوا به مراحل والای آن

هدًی للمتقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴ - ۷

۷ - ایمان به غیب و رسالت انبیای الهی و یقین به آخرت ، زمینه دستیابی به هدایت های قرآن است .

هدًی للمتقین . .. الذین یؤمنون بما انزل إلیک و ما انزل من قبلک و بالأخره هم یوقن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶ -

۳ - قرآن بهترین راهنمای مردم برای ایمان به خدا و قیامت

إن الذین کفروا سواء علیهم ءأنذرتهم أم لم تنذرهم لایؤمنون

چنانچه مراد از <کفر> کفر به قرآن باشد، جمله <سواء علیهم> به این حقیقت اشاره دارد که اگر قرآن در انسانی تأثیر نبخشد چگونه انتظار می رود که از سخن پیامبر(ص) تأثیر بپذیرد؟ و این حاکی از آن است که قرآن بهترین وسیله هدایت و ارائه کننده مؤثرترین انذارهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۷ - ۹،۱۵

۹ - قرآن ، هدایتگر اهل ایمان است .

هدیً و بشری للمؤمنین

<هدیً> مصدر است و در اینجا به معنای اسم فاعل (هادی) می باشد.

۱۵ - هدایتگری و بشارت دهندگی قرآن ، دلیلی بر نابه جابودن عداوت یهود با نازل کننده آن (جبرئیل) است .

فإنه نزله علی قلبک . .. هدیً و بشری للمؤمنین

عبارت <هدیً و بشری> نیز همانند <مصدقاً> حاوی این نکته است که جبرئیل معارفی را به پیامبر(ص) القا کرد که بشارت دهنده و هدایتگر است و لذا دشمنی کردن با او، نمی تواند توجیه معقولی داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۰ - ۹

۹ - اسلام و قرآن ، برنامه هدایتی خداوند برای انسانهاست .

إن هدی اللّه هو الهدی

مصداق مورد نظر برای <هدی اللّه> چنانچه مفسران گفته اند، قرآن و اسلام است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۷ - ۱۹

۱۹ - هدف قرآن انسان سازی است نه مجرد تبیین مفاهیم نیکو و بیان رفتار های ناپسند

و لکن

البر من ءامن

توضیح برداشت پیشین، بیانگر استفاده برداشت فوق از جمله <و لکن البر من ءامن> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۵ - ۶،۱۰

۶ - قرآن کتابی هدایتگر و راهنمای همه انسانهاست .

الذی أنزل فیه القرءان هدًی للناس

۱۰ - قرآن ، حاوی دلایلی روشن و فراوان برای رهنمون ساختن انسان ها به هدایت های ویژه و مراحل والای هدایت

الذی أنزل فیه القرءان هدًی للناس و بینت من الهدی

<بینه> به معنای دلیل و روشن و آشکار است و جمع آوردن آن دلالت بر کثرت دارد. از معرفه بودن <الهدی> در <بینات من الهدی> چنین بر می آید که مراد، هدایتهایی خاص است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۴ - ۷،۱۱

۷ قرآن ، کتابی روشن و روشنگر راه هدایت

و انزلنا الیکم نوراً مبیناً

۱۱ قرآن ، چراغی روشن و برهانی آشکار بر توحید و یگانگی خداوند

قد جاءکم برهن من ربکم و انزلنا الیکم نوراً مبیناً

در برداشت فوق <برهان> به قرآن تفسیر شده و متعلق آن به قرینه آیات پیشین، توحید و یگانگی خداوند دانسته شده است ; آیه بعد <فاما الذین ءامنوا باللّه> نیز دلالت بر این معنا دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۵ - ۱۲

۱۲ قرآن ، کتابی روشنگر از جانب خداوند

قد جاءكم من اللّه نور و كتب مبين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۱۶ - ۳،۱۵

۳ قرآن و پيامبر (ص) ، داراى

حقیقتی واحد و هدفی یکسان (هدایت بشر)

یهدی به اللّه من اتبع رضونه سبل السلم

ارجاع ضمیر مفرد <به> به قرآن و پیامبر(ص) بیانگر این معناست که آنها دارای یک حقیقت هستند و در هدایتگری یک چیز به شمار می آیند.

۱۵ قرآن و پیامبر (ص) ، هدایتگر انسان ها به راه مستقیم

و یهدیهم إلی صرط مستقیم

بنابر اینکه فاعل <یهدیهم>، قرآن و پیامبر(ص) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۸ - ۵

۵ قرآن، معجزه ای کافی برای هدایت و برآورنده تمامی نیازهای هدایتی انسان است.

و قالوا لولا نزل علیه ءایه . .. ما فرطنا فی الکتب من شیء

با توجه به آیه قبل، که سخن از نزول معجزات بوده می توان گفت مراد از <الکتاب> قرآن است و چون قرآن کتاب هدایت و <من شیء> بیانگر جامعیت آن است، لذا بر مبرا بودن قرآن از هرگونه کاستی در جهت هدایت آدمیان دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۶ - ۱۱،۱۲

۱۱ بیان قرآن و تنوع و گوناگونی آن برای هدایت انسان کافی است.

انظر کیف نصرف الآیت ثم هم یصدفون

دعوت به نگرش در چگونگی بیان آیات و همچنین اظهار شگفتی از رویگردانی برخی مردم از هدایتهای قرآن، بیانگر کارسازی و نقش مؤثّر آن در هدایت انسان است.

۱۲ اعراض مشرکان از توحید و حقایق آسمانی، با وجود بیان روشن و مستدل قرآن، امری شگفت انگیز

انظر کیف نصرف الآیت ثم هم یصدفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ -

۳ قرآن کتابی گرانقدر و مبارک (فزاینده و رشد دهنده و دارای خیر فراوان) است.

و هذا کتب أنزل نه مبارک

<برکه> یعنی رشد و فزونی (لسان العرب) و <مبارک> چیزی است که در آن فزونی باشد. (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۴ - ۱

۱ آیات قرآن آگاهیهایی ارائه شده از پروردگار به انسانهاست.

قد جاءکم بصائر من ربکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۵ - ۵

۵ قرآن و اسلام پاسخگوی همه نیازهای هدایتی بشر و حجت تامه پروردگار است.

و تمت کلمت ربک

لازمه تمام بودن قرآن و در نتیجه اسلام، توان پاسخگویی به همه نیازهاست ; به گونه ای که به بیرون از خود نیازی نداشته باشد ; همان گونه که راغب می گوید: <تمام . .. انتهائه إلی حد لا یحتاج إلی شیء خارج عنه>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۶ - ۹

۹ قرآن راهنمای کامل و تمام برای مصون ماندن از انحراف در عقاید و افکار و اسیر شدن در دام گمان

و تمت کلمت ربک صدقا و عدلا . .. و إن تطع أکثر من فی الأرض یضلوک عن سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲ - ۳

۳ باور به آسمانی بودن قرآن، از میان برنده هرگونه نگرانی از نارسائی آن برای هدایت مردم

فلا یکن فی صدرک حرج منه

توصیف قرآن به <أنزل> و سپس نهی از نگرانی درباره آن (منه)،

ممکن است ناظر به این باشد که قرآن برای انذار و تذکر کافی است و از این ناحیه جایی برای نگرانی وجود ندارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۵۲ – ۳،۴،۸،۱۱

۳ نزول قرآن ناشی از علم کامل خداوند به نیاز های هدایتی مردم

و لقد جئنهم بکتب فصلنه علی علم هدی

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که <علی علم> متعلق به <جئنهم> باشد. نکرده بودن کلمه <علم> اشاره به عظمت آن علم دارد که در برداشت فوق به <علم کامل> تعبیر شده است.

۴ قرآن ، کتابی قابل درک برای مردم و همگان توانا بر بهره گیری از هدایت های آن

و لقد جئنهم بکتب فصلنه علی علم هدی و رحمه

۸ هدف از نزول قرآن هدایت مردم و دستیابی به رحمت بیکران خداوند است .

و لقد جئنهم بکتب فصلنه علی علم هدی و رحمه

با توجه به اینکه همگان دعوت به ایمان شده اند و نیز اینکه آیه در مقام احتجاج علیه کافران است، معلوم می شود متعلَّق <هدی> و <رحمه> کلمه ای همانند <للناس> می باشد. یعنی: جئنهم بکتب هدی للناس و رحمه لهم. قابل ذکر است که <هدی> و <رحمه> معفولٌ له برای <جئنهم> است.

۱۱ تنها مؤمنان به قرآن بهره مند از هدایت ها و رحمت های بیکران آن هستند .

هدی و رحمه لقوم یؤمنون

با توجه به اینکه هدف از نزول قرآن هدایت مردم و دستیابی همگان به رحمت ویژه الهی است، به نظر می رسد <لقوم یؤمنون> اشاره به این حقیقت داشته باشد که تنها مؤمنان از هدایتها و رحمتهای ویژه بهره

مند خواهند شد. گفتنی است مراد از <لقوم يؤمنون> به دليل فراز قبل، مؤمنان به قرآن می باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۳ - ۱۲،۱۳،۱۴

۱۲ قرآن كتاب هدايت و مايه رحمت است .

هذا . .. هدى و رحمه

۱۳ تنها اهل ايمان از هدايتگرى و رحمت آفرينى قرآن بهره مند می شوند .

هذا . .. هدى و رحمه لقوم يؤمنون

۱۴ هدايت های قرآن مشوب به هيچ ضلالتی نبوده و مستلزم كمترين ناهنجاری نخواهد شد .

هذا . .. هدى و رحمه

به كارگيری مصدر <هدى> به جای اسم فاعل <هاد>، گويای برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۴ - ۵

۵ گوش سپاری كافران به آوای قرآن ، زمينه ساز دستيابی آنان به هدايت و رحمت الهی خواهد شد .

و إذا قرى القرءان فاستمعوا له و أنصتوا لعلكم ترحمون

چنانچه خطاب در آيه شامل كافران باشد، مصداق مورد نظر از رحمت در <ترحمون> هدايت خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۳۳ - ۳

۳ قرآن ، كتاب هدايت است .

هو الذى أرسل رسوله بالهدى

نوع مفسران برآنند كه مقصود از <الهدى> قرآن كريم است چرا كه قرآن كتاب هدايت است و هدايت فلسفه نزول قرآن

است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۳۷ – ۱۴

۱۴ قرآن ، کتابی است انسان ساز و مایه رشد و پرورش .

من رب العلمین

جلد – نام سوره – سوره – آیه –

فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۷ - ۴،۶،۷

۴ ربوبیت خداوند ، مقتضی نزول کتابی پندآموز ، شفابخش ، هدایتگر و رحمت بخش است .

یأیها الناس قد جاءتکم موعظه من ربکم و شفاء لما فی الصدور و هدًی و رحمه

۶ قرآن برای مؤمنان ، هدایت و رحمت است .

و هدًی و رحمه للمؤمنین

۷ موضوعات مطرح شده در قرآن ، در راستای پندآموزی ، شفابخشی ، هدایتگری و رحمت بخشی است .

یأیها الناس قد جاءتکم موعظه من ربکم . .. و رحمه للمؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۳ - ۶

۶ انذار و اخطار ، بشارت و نوید ، از روش های تربیتی هدایتی قرآن

فهل ینتظرون إلا مثل أیام الذین خلوا من قبلهم . .. ثم ننجی رسلنا ... کذلک حقاً عل

برداشت فوق از ارتباط میان آیه قبل، که در آن مشرکان و کافران لجوج تهدید به عذاب شدند و این آیه که به مؤمنان حق جو، بشارت نجات و نوید یاری، داده شده است، به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۸ - ۷

۷ قرآن ، کتابی است که برای هدایت و راهنمایی مردم نازل شده است .

قد جاءکم الحق من ربکم فمن اهتدی فإنما یهتدی لنفسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱ - ۲

۲ قرآن ، بیانگر حقایق و معارف الهی و روشنگر راه هدایت

الکتب المبین

کلمه <مبین> به معنای روشن و نیز روشنگر است ; یعنی، هم متعدی استعمال

می شود و هم لازم. براساس متعدی بودن نیاز به مفعول دارد و آن به قرینه محتوای قرآن و هدفی که خود بیان کرده (هدًی للناس <بقره، ۱۸۵>) عبارت است از معارف، احکام، راه هدایت و ....

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱۱ - ۱۲،۱۵

۱۲ قرآن ، کتابی هدایت گر است .

لکن . .. هدًی

۱۵ تنها مؤمنان به قرآن ، از هدایت ها و رحمت آفرینی های آن بهره مند می شوند .

و لکن . .. هدًی و رحمه لقوم یؤمنون

دلیل این برداشت نظیر سخنی است که در توضیح برداشت شماره ۲ از همین آیه آورده شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱ - ۵،۶،۱۳

۵- هدف از نزول قرآن ، خارج ساختن مردم از ظلمت ها و رهنمونی آنان به نور است .

کتب أنزلنه إلیک لتخرج الناس من الظلمت إلی النور

۶- پیامبر (ص) ، وظیفه دار هدایت مردم به سوی نور و خارج کردن آنان از ظلمت ها (گمراهی ها) ، با تعالیم قرآن کریم

أنزلنه إلیک لتخرج الناس من الظلمت إلی النور

۱۳- سنت پیامبر (ص) ، همگام و همتراز قرآن در نجات مردم از ظلمت ها و هدایت آنان به سوی نور *

لتخرج الناس من الظلمت إلی النور

فرمان خداوند به پیامبر(ص) مبنی بر خارج ساختن مردم از ظلمتها، امری دایمی است و از طرف دیگر پیامبر(ص) همچون سایر انسانها، محکوم به ارتحال است. بنابراین برای تحقق مأموریت واگذار شده، سنت پیامبر(ص) است که همواره چنین نقشی را عهده دار

می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۹ - ۲۱

۲۱- بیان تاریخ انبیا و سرگذشت اقوامشان ، از روش های هدایتی تربیتی قرآن برای نجات مردم از ظلمت ها و بردن آنان به سوی نور

أخرج قومک من الظلمت إلی النور . .. ألم یأتکم نبؤا الذین من قبلکم قوم نوح و عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۵ - ۷

۷- به کارگیری مَثَل ، از روش های هدایتی تبلیغی قرآن کریم

و یضرب الله الأمثال للناس لعلّهم یتذکّرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹ - ۴

۴- قرآن ، کتاب یاد و یادآوری و مایه بیداری و هشیاری انسان از غفلت ها و فراموشیهاست .

إنا نحن نزّلنا الذّکر

نام گذاری قرآن به <الذّکر>، احتمالاً به این جهت باشد که قرآن، برای تنبه و مایه بیداری انسانهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۵ - ۵

۵- ذکر فرجام شوم گمراهان در کنار فرجام سعادتمندانه تقواپیشگان ، از روش های هدایتی قرآن *

الغاوین . و إن جهنّم لموعدهم أجمعین ...إن المتقین فی جنّت و عیون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۴ - ۳،۹

۳- هدف از نزول قرآن کریم ، تبیین اختلافات عقیدتی مردم است .

و ما أنزلنا علیک الکتب إلّا لتبیّن لهم الذی اختلفوا فیه

۹- قرآن ، کتاب هدایت و رحمت برای مؤمنان است .

و ما أنزلنا علیک الکتب . .. هدًی و رحمه لقوم یؤمنون

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۹ - ۱۲،۱۵،۱۷

۱۲- نزول قرآن بر پیامبر (ص) ، در جهت تبیین همه حقایق مربوط به رشد و سعادت آدمی و نیاز های هدایتی او

و نزّلنا علیک الکتب تبینًا لکلّ شیء

هر چند <کلّ شیء> افاده عموم می کند و به ظاهر همه حقایق عالم هستی را می تواند شامل شود، ولی در این جا قرینه های عرفی وجود دارد که دایره آن را محدود می سازد؛ از جمله اینکه چون قرآن کتاب هدایت، سعادت و رشد است، حقایقی که بیان می کند در قلمرو همین سه موضوع خواهد بود.

۱۵- لزوم مراجعه به قرآن ، برای شناخت عوامل واقعی رشد و هدایت انسان

و نزّلنا علیک الکتب تبینًا لکلّ شیء و هدًی

۱۷- قرآن ، مایه هدایت ، رحمت و بشارت برای تسلیم شوندگان در برابر حق است .

و نزّلنا علیک الکتب . .. و هدًی و رحمه و بشری للمسلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۰ - ۲

۲- عدل ، احسان و صله رحم ، از مهم ترین دستورات هدایتی قرآن است .

و نزّلنا علیک الکتب . .. إن الله یأمر بالعدل و الإحسن و إیتایءِ ذی القربی

خداوند، پس از معرفی قرآن به مسأله عدل، احسان و بخشش به خویشاوندان پرداخته است. ارتباط این دو موضوع، می تواند گویای برداشت فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۲ - ۹

۹- قرآن و آیات آن ، دربردارنده هدایت و بشارت برای مسلمانان

و هدًی و

بشری للمسلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹ - ۱،۲،۳،۷

۱- قرآن دربردارنده برترین هدایت ها و استوارترین شریعت برای بشر است .

إن هذا القرءان یهدی للّتی هی أقوم

عبارت <التی هی أقوم> صفت برای موصوف محذوف مثل کلمه <شریعت> و <ملت> است.

۲- قرآن ، کامل ترین کتاب هدایت

إن هذا القرءان یهدی للّتی هی أقوم

برداشت فوق بنابراین است که مفضل علیه <أقوم> صرفاً هدایت تورات نباشد; بلکه مفضل علیه محذوف، عام بوده و شامل همه کتابهای هدایتی باشد.

۳- قرآن ، هدایتگر مردمان به خلل ناپذیرترین و استوارترین راهها

إن هذا القرءان یهدی للّتی هی أقوم

۷- < عن أبی عبدالله (ع) فی قوله تعالی : < إن هذا القرآن یهدی للّتی هی أقوم > قال : یهدی إلی الإمام ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خدای تعالی <إن هذا القرآن یهدی للّتی هی أقوم> روایت شده است که فرمود: یعنی به سوی امام هدایت می کند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰ - ۵

۵- بشارت و انذار ، دو عنصر اصلی در هدایت قرآن است .

إن هذا القرءان یهدی . .. و یبشّر ... أن الذین لایؤمنون بالأخره أعتدنا لهم عذاباً

نکته فوق از بشارت دادن خداوند به مؤمنان و از انذار کافران در کنار هم استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۱۲ – ۱۲

۱۲– قرآن ، دربردارنده همه بیان های هدایتی مورد نیاز انسان در فصل ها و بخش های متعدد

إن هذا القرءان یهدی . .. و کلّ شیء

فصّلنه تفصيلاً

برداشت فوق مبتنی بر اين است كه <فصّلناه> به معنای لغوی خود (جدا كردن) استعمال شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۲ - ۱۰

۱۰- تبيين پيامد های سوء اعمال ناپسند ، و جدايی نهی از آنها از روش های هدايتی تبليغی قرآن

و لاتقربوا الزنی إنه كان فحشه و ساء سبيلاً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۹ - ۳

۳- گوناگونی بيان ها و مثال های قرآن ، متناسب با فهم توده های بشری و در جهت هدايت آنان

و لقد صرّفنا للناس فی هذا القرءان من كلّ مثل

<تصريف> در لغت به معنای گرداندن چيزی به جهات گوناگون است و <تصريف كلام> آوردن آن به معانی مختلف می باشد. از اينكه قرآن كتاب هدايت است و می فرمايد: <ما در قرآن جهات گوناگون معانی را لحاظ كرديم> استفاده می شود كه رعايت چنين جهاتی می تواند به خاطر نكته ياد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۲ - ۱

۱- قرآن و تعاليم آن ، قوامْ بخش و رهبری كننده جامعه بشری است .

أنزل علی عبده الكتب و لم يجعل له عوجًا قيّمًا

<قيّم> به معنای <مقيم> يعنی <برپادارنده و سامان بخش> است. <قيّم القوم> به معنای <مدير و مدبّر امور قوم> است. (اقتباس از لسان العرب). لازم به ذكر است كه قيّماً يا مفعول برای فعل مقدر <جعل> است يعنی: <جعله قيّماً> و يا حال برای <الكتاب>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

- کهف - ۱۸ - ۴۶ - ۹

۹- استفاده از انگیزه امید و آرزو ، از روش های قرآن برای هدایت و تربیت است .

و البقیت الصلحت خیر عند ربّک ثوابًا و خیر أملاً

<أمل> به معنای <آرزو و امید> است و <أملاًـ> تمیز برای <خیر> است; یعنی، <الباقیات الصالحات> از نظر امید داشتن به نتیجه آن، از دل بستن و امید داشتن به حیات دنیا و زینت های آن، بهتر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۴ - ۳

۳- سرگذشت رفاه مند مغرور ، عصیان ابلیس و بی پاسخ ماندن استمداد مشرکان از معبودان خویش در قیامت ، نمونه هایی از مثال های هدایت گر قرآن است .

واضرب لهم مثلاً رجلین . .. و لقد صرّفنا فی هذا القرءان للناس من کلّ مثل

این آیه، به منزله نگاهی است کلّی به آیات گذشته از سی ودوم با پنجاه و سوم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۵ - ۶

۶- قرآن ، کتابی سراسر هدایت است .

و لقد صرّفنا فی هذا القرءان . .. و ما منع الناس أن یؤمنوا إذ جاءهم الهدی

مصداق بارز <الهدی> به قرینه آیه قبل، قرآن است. اطلاق مصدر (الهدی) بر چیزی که هدایت گر است، برای مبالغه در بیان هایت گری آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۰ - ۱۱

۱۱- داستان موسی و خضر (ع) ، نمونه ای از مثال های متنوع قرآنی ، در جهت هدایت مردم است .

و لقد صرّفنا فی

هذا القرءان للناس من كلّ مثل . .. و إذ قال موسی لفتیه لاأبرح

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۲ – ۳

۳- وحی الهی (قرآن و . . .) ، در راستای غفلت زدایی و احیای فطرت خفته انسان و یادآوری دانستنی های فراموش شده او است .

و هم فی غفله معرضون . ما یأتیهم من ذکر من ربّهم

<ذکر> از نظر معنا مانند <حفظ> است، با این تفاوت که <حفظ شیء> به اعتبار احراز و به دست آوردن آن و <ذکر شیء> به اعتبار استحضار و یادآوردن آن است (مفردات راغب). بنابراین توصیف قرآن و وحی الهی به <ذکر> به این اعتبار است که قرآن، یادآور دانستنی های فراموش شده آدمی و بیدارگر فطرتِ انسانِ غافل است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۵۰ – ۲،۶

۲- قرآن ، عامل بیداری و یادآوری دانستنی های فراموش شده انسان ها و احیاگر فطرت خفته آنان

و هذا ذکر

<ذکر> از نظر معنا مانند <حفظ> است، با این تفاوت که حفظ شیء به اعتبار احراز و به دست آوردن آن است و ذکر شیء به اعتبار استحضار و یادآوردن آن (مفردات راغب). بنابراین توصیف قرآن به <ذکر> به این اعتبار است که قرآن یادآور دانستنی های فراموش شده آدمی و بیدارگر فطرت انسان غافلی است که از امور فطری و دانستنی های خدادادی خویش، غافل شده است.

۶- قرآن ، به عنوان کتاب بیدارگر و منشأ خیر و برکت ، قابل انکار و تردید نیست .

هذا ذکر مبارك أنزلنه أفأنتم له منکرون

خداوند،

قرآن را به عنوان کتاب بیدارگر (ذکر) و مایه خیر و برکت (مبارک) معرفی کرده و سپس انکار این حقیقت از سوی مشرکان را مورد سرزنش قرار داده است. این سرزنش می تواند بیانگر برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۶ - ۱

۱- معارف قرآن ، برای هدایت و سعادت قوم عبادتگر خدا ، کافی و بسنده است .

إنّ فی هذا لبلغًا لقوم عبدین

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <هذا> اشاره به قرآن و مجموعه مطالب این سوره باشد. و <بلاغ> به معنای کفایت باشد (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۶ - ۵

۵ - قرآن ، کتاب هدایت است .

و أنّ اللّه یهدی من یرید

تقدیر جمله <أنّ اللّه یهدی> به قرینه واقع شدن در پی جمله <أنزلناه> <یهدی به من یرید> می باشد; یعنی، خدا به وسیله قرآن، هر کس را که بخواهد هدایت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۴ - ۱۱

۱۱ - قرآن ، کتاب هدایت

أنّه الحقّ من ربّک . .. و إنّ اللّه لهاد الذین ءامنوا إلی صرط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱ - ۹

۹- قرآن ، کتابی است بیدارگر و غفلت زدا .

سوره أنزلنها . .. فيها ءايت بيّنت لعلّكم تذكّرون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۴ - ۱۰

۱۰ - بهره گيرى از روش

های مختلف (نزول آیات روشنگر ، بیان سرگذشت امت های پیشین و موعظه) برای هدایت مردمان

و لقد أنزلنا إلیکم ءایت مبیّنت و مثلاً من الذین خلوا من قبلکم و موعظه للمتّقین

از آمدن چند نمونه (آیات روشنگر داستان های پیشینیان و موعظه و اندرز) در کنار هم، بدون بیان رابطه آنها می توان به برداشت یاد شده دست یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱ - ۶

۶ قرآن ، تبیین گر حق و باطل و جدا کننده سره از ناسره است .

تبارک الذی نزّل الفرقان علی عبده

<فرقان> اسم است برای آنچه فارق و جدا کننده حق از باطل باشد (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۳ - ۵

۵ تعالیم دین و قرآن ، حاوی بهترین راه کشف حقیقت و تفسیر درست جریان حق و باطل

إلّا جئنک بالحقّ و أحسن تفسیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۲ - ۸

۸ تعالیم قرآن و پیامبراسلام (ص) ، به گونه ای است که همه انسان ها به جز افراد لجوج و حق ناپذیر را تحت تأثیر خود قرار داده و مؤمن می سازد .

إن کاد لیضلّنا عن ءالهتنا لولا أن صبرنا علیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۷ - ۱

۱ - قرآن ، کتاب هدایت و رحمت

و إنّه لهدًی و رحمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص

- ۲۸ - ۴۶ - ۱۲

۱۲ - انس با قرآن و تعلیمات آسمانی آن ، مایه بیداری و دور ماندن از غفلت و بی خبری

لتنذر قومًا . .. لعلّهم یتذکّرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۹ - ۵،۱۲

۵ - عدم وجود کتابی هدایت بخش تر از قرآن و تورات

قل فأتوا بکتب من عند اللّه هو أهدی منهما

۱۲ - بشر ، ناتوان از ارائه کتابی برتر و هدایت کننده تر از قرآن و تورات

قل فأتوا بکتب . .. هو أهدی ... إن کنتم صدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۷ - ۶

۶ - قرآن ، به اعتراف مشرکان بهانه جو کتاب هدایت است .

و قالوا إن نتّبع الهدی معک

با توجه به آیات پیشین که سخن در آنها تماماً در رابطه با قرآن بود می توان گفت که مراد از <الهدی> قرآن است; یعنی، <إن نتّبع هدی القرآن معک>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۵ - ۱۲

۱۲ - قرآن ، کتاب هدایت برای مردمان

إنّ الذی فرض علیک القرءان . .. قل ربّی أعلم من جاء بالهدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳ - ۱،۲،۶

۱ - قرآن کریم ، کتابی دربردارنده هدایت و رحمت است .

هدًی و رحمه للمحسنین

<هدًی> و<رحمه> حال برای <الکتاب> در آیه قبل است.

۲ - قرآن ، کتاب هدایت و رحمت برای محسنان (کسانی که اعمال شایسته انجام می دهند) است .

هدًی و رحمه للمحسنین

از

این که مراد از <محسنین> چه کسانی اند، چندین احتمال داده شده است: یکی از آن احتمال ها که با لفظ هم سازگار است این است: <کسانی که اعمال شایسته انجام می دهند>.

۶ - بهره مندی محسنان از هدایت و رحمت قرآن ، افزون از دیگران است .

هدًی . .. للمحسنین

<محسنین> به قرینه آیه بعد که در آن برپایی نماز و پرداخت صدقه و ایمان به آخرت، به عنوان اوصاف محسنان ذکر شده است کسانی اند که ایمان دارند. بنابراین، هدایت قرآن نسبت به آنان، می تواند ابتدایی نبوده و بلکه افزایشی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۴ - ۹

۹ - برپایی کامل نماز و پرداخت مدام زکات و یقین به عالَم آخرت ، زمینه دستیابی به هدایت ویژه قرآن است .

هدًی . .. للمحسنین . الذین یقیمون الصلوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۵ - ۱۱

۱۱ - قرآن کریم ، کتاب هدایت است .

تلک ءایت الکتب هدًی و رحمه للمحسنین. .. أُولئک علی هدًی من ربّهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۳ - ۱۱

۱۱ - قرآن ، کتاب هشدار و هدایت است .

تنزیل الکتب . .. بل هو الحقّ من ربّک لتنذر قومًا... لعلّهم یهتدون

لام در <لتنذر> برای تعلیل است و چون در آیه پیش، سخن از رسالت پیامبر نیست تا تعلیل برای آن باشد، بلکه سخن از نزول قرآن است، بنابراین، تعلیل مربوط به تنزیل قرآن است.

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۶ - ۵

۵ - عالمان ، قرآن را کتابی می دانند که همواره هدایت گر مردمان به راه خدا است .

و یری الذین أُوتوا العلم الذی أُنزل إلیک . .. و یهدی إلی صرط العزیز الحمید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲ - ۴

۴ - قرآن ، دربردارنده تمامی عوامل هدایت و بیداری انسان ها

و القرءان ذی الذکر . بل الذین کفروا فی عزّه و شقاق

با توجه به توضیح گذشته، می توان استفاده کرد که قرآن مایه بیداری و هدایت بشر است و در این ویژگی هیچ کم و کاستی ندارد و غفلت و گمراهی برخی از مردم (کافران) ناشی از عیوبی مانند غرور و سرکشی در خود آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۳ - ۲،۱۵،۱۶

۲ - قرآن ، حاوی بهترین سخن درباره دین و هدایت مردمان

اللّه نزّل أحسن الحدیث

مقصود از <أحسن الحدیث> قرآن کریم است و چون موضوع کتاب های آسمانی، دین و هدایت مردمان می باشد، قهراً بهترین بودن قرآن در رابطه با موضوع خودش خواهد بود.

۱۵ - قرآن ، کتاب هدایت است .

کتبًا . .. ذلک هدی اللّه یهدی به

۱۶ - هدایت پذیری از قرآن ، در گرو مشیت و خواست خداوند است .

کتبًا . .. ذلک هدی اللّه یهدی به من یشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۴۱ – ۸،۱۲،۱۵

۸ – قرآن ، کتابی نازل شده برای هدایت و راهنمایی مردم .

فمن

اهتدی فلنفسه

۱۲ - خدا ، تنها فراهم آورنده وسایل و زمینه های هدایت به قرآن است و مردم در پذیرش و عدم پذیرش آن آزاد و مختاراند .

إنّا أنزلنا علیك الكتب . .. فمن اهتدی فلنفسه و من ضلّ فإنّما یضلّ علیها

۱۵ - تنها در سایه كتاب آسمانی قرآن ، هدایت حقیقی و كامل میسر است .

فمن اهتدی فلنفسه و من ضلّ فإنّما یضلّ علیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۵ - ۳

۳ - قرآن ، راهنمای عمل انسان ها

و اتّبعوا أحسن ما أُنزل إلیكم من ربّكم

توصیه خداوند به عمل كردن به تعالیم قرآن به جای هر سفارشی دیگر درباره قرآن، می تواند بیانگر حقیقت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۴ - ۷،۹

۷ - قرآن ، راهنما و هدایتگر اهل ایمان

قل هو للذین ءامنوا هدًی

۹ - ایمان ، شرط بهرهوری انسان از نور هدایت و شفابخشی قرآن

قل هو للذین ءامنوا هدًی و شفاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵۲ - ۹،۱۰،۱۱

۹ - قرآن ، نور الهی در تاریكی های نادانی و موجب هدایت انسان از گمراهی است .

و لکن جعلنه نورًا نهدی به من نشاء من عبادنا

۱۰ – هدایت انسان به وسیله وحی و قرآن ، تابع مشیت الهی است .

نهدی به من نشاء

۱۱ – پیامبر (ص) ، بنده برگزیده خدا و بهره مند از هدایت ویژه قرآن

و لکن جعلنه نورًا نهدی به من نشاء من عبادنا

با توجه به لفظ <لکن> که

برای استدراک جمله قبل (ما کنت تدری ما الکتاب و لا الإیمان) است می توان گفت که عبارت <من نشاء من عبادنا> گر چه عام است; ولی پیامبراکرم(ص) از مصادیق بارز آن می باشد. به ویژه که در قسمت پایانی آیه شریفه آن حضرت را هدایتگر دیگر مردمان به راه حقیقت معرفی می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲ - ۶

۶ - قرآن ، روشنگر راه هدایت

و الکتب المبین

برداشت یاد شده بر این اساس است که <مبین> از <إبانه> (متعدی) مشتق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۱ - ۸

۸ - تبیین حقایق و معارف والا ، با بیانی ساده و همه فهم ، روش هدایتی قرآن

و الذی نزّل . .. فأنشرنا به بلده میتًا کذلک تخرجون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۷ - ۶

۶ - یادکرد داستان عیسی (ع) در قرآن ، اقدامی هدایتگرانه و مثلی درس آموز

و لمّا ضرب ابن مریم مثلاً

با توجه به کاربرد واژه <مَثَل> که داستان عیسی(ع) را به عنوان نمونه و سمبل ذکر کرده است برداشت بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲ - ۲

۲ قرآن ، روشنگر راه هدایت است .

و الکتب المبین

برداشت یاد شده بر این اساس است که <مبین> از إبانه متعدی مشتق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۱ -

۱ - قرآن ، مظهر کامل هدایت الهی برای خلق

هذا هدًی

آمدن <هدًی> (به صورت مصدر) به جای <هاد> (به صورت اسم فاعل)، مبالغه را افاده می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۰ - ۷

۷ - سست باوران در حقانیت وحی و معارف دینی ، محروم از هدایت و رحمت قرآن

و هدًی و رحمه لقوم یوقنون

در صورتی که <قوم یوقنون> نظر به کسانی داشته باشد که دارای یقین بالفعل هستند; از مفهوم آیه شریفه مطلب یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۱ - ۱۱

۱۱- قرآن ، وسیله هدایت و راه یابی انسان به حقیقت

و إذ لم یهتدوا به فسیقولون هذا إفک قدیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۰ - ۱۱،۱۳

۱۱- هدایت گری به سوی حق و راه مستقیم ، اصیل ترین ویژگی قرآن و هر کتاب آسمانی

کتبًا أُنزل من بعد موسی مصدّقًا لما بین یدیه یهدی إلی الحقّ و إلی طریق مستقیم

ابتدا قرآن با کتاب های آسمانی هماهنگ معرفی شده و سپس به عنوان اصیل ترین بُعد هماهنگی آن دو، هدایت گری به سوی حق و راه مستقیم مورد تصریح واقع شده است.

۱۳- هدایت های قرآن ، در دو بُعد عقیده و عمل *

یهدی إلی الحقّ و إلی طریق مستقیم

می توان گفت: <یهدی إلی الحقّ> نظر به حقایق عقیدتی و <طریق مستقیم> اشاره به شیوه های عملی و تکالیف جوارحی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷

- ۱۴ - ۵

۵- قرآن ، دلیل روشن از جانب خدا ، در جهت رشد و کمال آدمیان *

أفمن كان على بيّنه من ربّه

برداشت بالاـ بدان احتمال است که مراد از <بیّنه>، قرآن باشد. در این صورت تعبیر <من ربّه> می نمایاند که قرآن، از جایگاه ربوبیت و به هدف رشد و تربیت خلق نازل شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۷ - ۳

۳- قرآن ، کتاب هدایت و مایه تقوا برای حق پذیران *

و الذين اهتدوا زادهم هدًى و ءاتيهم تقويهم

ممکن است گفته شود: فاعل <زاد> قرآن است که به قرینه <يستمع إليك> از آیه قبل استفاده می شود; زیرا عمده و اساس سخنان پیامبر(ص) قرائت آیات وحی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱ - ۶

۶ - قرآن ، ستاره هدایت برای انسان ها *

و النجم إذا هوى

در صورتی که مراد از <نجم> قرآن باشد، اطلاق <نجم> بر قرآن می تواند به منظور مطلب بالا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۹ - ۹

۹ - انس با قرآن ، انسان را به تدریج از تاریکی های ضلالت به روشنایی هدایت وارد می کند .

ليخرجكم من الظلمت إلى النور

به کارگیری فعل مضارع <يخرج>، دلالت بر این حقیقت دارد که خارج شدن از تاریکی ها به تدریج انجام می گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۹ - ۵

۵ - قرآن ، کتاب هدایت است .

أرسل رسوله بالهدی

مقصود از

<الهدی> قرآن کریم است، چرا که قرآن کتاب هدایت است و هدایت فلسفه نزول قرآن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱۱ - ۴،۱۱

۴ - هدف از نزول قرآن ، بیرون آوردن مردم از ظلمت ها و رهنمونی آنان به نور و روشنایی ها است .

لیخرج الذین ءامنوا و عملوا الصلحت من الظلمت إلی النور

۱۱ - سنت پیامبر (ص) ، همگام و همتراز قرآن ، در نجات مردم از ظلمت ها و هدایت آنان به سوی نور

لیخرج الذین ءامنوا و عملوا الصلحت من الظلمت إلی النور

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که خارج ساختن مردم از ظلمت کفر و هدایت آنان به نور ایمان، هدفی دائمی است. از سوی دیگر پیامبر(ص) همچون سایر انسان ها، از دنیا خواهد رفت. بنابراین تنها سنت آن حضرت، می تواند همواره چنین نقشی را ایفا کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲ - ۱،۳

۱ - قرآن ، در دیدگاه گروهی از جن ، راهنمای مؤمنان به راه حق و درستی است .

یهدی إلی الرشد

<رشد> (ضد <غی>) به معنای دستیابی به راه حق و درستی است. (مصباح المنیر و قاموس المحیط)

۳ - قرآن ، راهنمای انسان ها به راه حق و درستی

یهدی إلی الرشد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۳ - ۲،۳

۲ - قرآن ، کتاب هدایت است .

الهدی

۳ – هادی و راهنما بودن قرآن ، فلسفه ایمان آوردن جن

و أنّا لمّا سمعنا الهدی ءامنّا به

جلد –

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۲۹ – ۵

۵ – تذکار های قرآن ، به منظور معرفت و راه یابی آگاهانه و آزادانه انسان ها به خدا است .

إنّ هذه تذکره فمن شاء اتّخذ إلی ربّه سبیلاً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عبس – ۸۰ – ۱۱ – ۲

۲ – آیات قرآن ، راهنما و مایه غفلت زدایی و زمینه پندگیری و عبرت

کلّا إنّها تذکره

مراد از ضمیر در <إنّها>، آیات قرآن است که با توجّه به بیان اوصاف آنها در آیات بعد، تصریح به مرجع ضمیر لزومی نداشته است. <تذکره> اعم از <دلالت> (راهنمایی) و <اماره> (نشانه) است و به هر چیزی که با آن تذکّر حاصل شود، اطلاق می گردد (مفردات راغب). <تذکیر> (مرادف تذکره) به معنای موعظه کردن و <ذکری> (اسم مصدر آن) به معنای عبرت است (قاموس)؛ بنابراین مراد از <تذکره> بودن قرآن، راهنمایی، موعظه کردن و مایه عبرت بودن آن است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکویر – ۸۱ – ۲۸ – ۳

۳ – قرآن ، هدایت گر مردم به راه راست

لمن شاء منکم أن یستقیم

<استقامه> در مورد انسان به معنای ملازمت او با راه راست است. (مفردات راغب)

هدایتگری مثالهای قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۲۶ – ۱۰

۱۰ – خداوند با مثال های قرآن ، بسیاری را گمراه و بسیاری را هدایت می کند .

یضل به کثیراً و یهدی به کثیراً

ضمیر در <یضل و یهدی> به <اللّه> و در <به> به <مثلا> بر

می گردد.

هدایتهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۴ - ۱۰

۱۰ - خدا ، راهنمای اهل ایمان

و إنّ اللّه لهاد الذین ءامنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۷ - ۵

۵ - روحیه لجاج و عناد ، مانع بهرهوری از هدایت و رحمت قرآن

و إنّه لهدًی و رحمه للمؤمنین

قرآن برای هدایت کافران و سایر اهل کتاب است و بی تردید هدایتگری های آن در بسیاری از آنان تأثیر دارد. با توجه به این نکته گفتنی است که مراد از <مؤمنین> کسانی انـد که در صدد شـناخت حق بوده و در مقابل آن تسـلیم اند و در یک کلمه روح حق پذیری در آنان نمرده است و در مقابل آنان کسانی هستند که در موضع لجاج و عناد قرار دارند و از حق می گریزند و چه بسا با آن می ستیزند. آیات بعد مؤید همین مطلب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملك - ۶۷ - ۱۲ - ۴

۴ - اخطار و بشارت و ایجاد خوف و رجا ، روش تربیتی و هدایتی قرآن کریم

و للذین کفروا بربّهم عذاب جهنّم . .. إنّ الذین یخشون ربّهم بالغیب لهم مغفره و أج

هدفداری قصص قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷ - ۳

۳ - بیان داستان پیامبران در قرآن ، براساس هدف و مصلحتی حکیمانه و سازنده

من لدن حکیم . .. إذ قال موسی لأهله إنّی ءانست نارًا

برداشت یاد شده با توجه به این

نکته است که قرآن از جانب خدای حکیم نازل شده است.

هدفداری نزول قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲ - ۳

۳ - نزول کتاب (قرآن) از سوی خداوند ، عملی هدفدار و امری لازم و شایسته برای بشر

إنّا أنزلنا إلیک الکتب بالحقّ

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که <بالحقّ> متعلق به <أنزلنا> باشد. کلمه <حق> در برابر باطل (پوچ و بیهوده) به معنای کار به جا، شایسته و هدفمند است. بنابراین نزول قرآن، هدفمند و کاری شایسته و لازم برای بشر می باشد.

هشدار به مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۰ - ۱

۱- هشدار خداوند به منکران قرآن ، نسبت به عواقب کفرورزی آنان

قل أرءیتم إن کان من عند اللّه و کفرتم به

تعبیر <أرأیتم . ..>، دربردارنده معنای هشدار و تذکر است.

هشدارهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴ - ۲

۲ - اِخبار قرآن از فرارسیدن قیامت ، هشداری کافی برای دور شدن آدمیان از کفر و گناه است .

اقترب الساعه . .. و لقد جاءهم ... ما فیه مزدجر

مراد از <الأنباء> به قرینه آیات پیشین، می تواند مسأله نزدیکی قیامت و مسائل مختلف آن باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نبأ – ۷۸ – ۲۸ – ۳

۳ – بسیاری از آیات قرآن ، هشدار دهنده مردم درباره معاد و حسابرسی در قیامت است .

لایرجون حسابًا . و کذّبوا بایتنا کذّابًا

جمع بودن <آیات>

بر نکته یاد شده دلالت دارد. به قرینه کلمه <حساباً> در آیه قبل موضوع حسابرسی در مجموعه آن آیات مطرح شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۰ - ۳،۴

۳ - گروهی از مردم با وجود هشدار های قرآن ، همچنان بر بی ایمانی خود باقی اند و ربوبیت و بصیرت الهی را انکار کرده و معاد و حسابرسی اعمال را نمی پذیرند .

إنّ ربّه کان به بصیرًا . .. فما لهم لایؤمنون

متعلق <لایؤمنون>، ممکن است معارفی باشد که در آیات پیشین بیان شد; از قبیل: ربوبیت و بصیرت الهی، نامه های اعمال، محاسبه و . .. .

۴ - انکار معاد ، با وجود هشدار های قرآن ، نکوهیده ، شگفت آور و فاقد برهان است .

فما لهم لایؤمنون

<ما> اسم استفهام است و مراد از استفهام در این موارد، تعجّب همراه با توبیخ است. تغییر سیاق کلام از خطاب در <لترکبنّ> به غایب در <لهم>، بر نکوهش افزوده است.

هلاکت مفتریان بر قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۶ - ۶

۶- هشدار خداوند به افترا زنندگان به قرآن کریم مبنی بر نابودی و هلاکت آنان

و إذا قیل لهم ماذا أنزل ربّکم قالوا أسطر الأولین . .. قد مکر الذین من قبلهم فأت

همانند سازی برای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۳ - ۸،۱۱،۱۲،۱۵

۸ - خداوند در تحدی با منکران قرآن آنان رابه آوردن یک سوره همانند قرآن به مبارزه فرا خواند .

فأتوا بسوره من مثله

ضمير

در <مثله> به <ما> در <مما نزلنا> بر می گردد.

۱۱ - خداوند از منکران قرآن خواسته است تا برای آوردن سخنی همانند سوره ای از قرآن ، تمامی خبرگان خویش را فرا خوانند .

وادعوا شهداءکم من دون اللّه

<شهداء> جمع شهید و به معنای گواهان است و به مطلعان نیز اطلاق می گردد. مصدر <ادعوا> دعاست به معنای خواندن و دعوت کردن است. جمله <وادعوا شهداءکم> می تواند به این معنا باشد که: شاهدان را دعوت کنید تا بر آن چه می آورید و همانند قرآن می نامید، گواهی و نظر دهند; بر این مبنا <شهداء> به معنای گواهان است و نیز می تواند به این معنا باشد که: شاهدهایتان را فراخوانید تا شما را بر آوردن سخنی همانند قرآن یاری دهند; در این صورت <شهداء> به معنای مطلعان و خبرگان خواهد بود.

۱۲ - تنها خداوند ، توانا بر آوردن همانند برای قرآن است .

وادعوا شهداءکم من دون اللّه

گفته شده: من دون اللّه (غیر از خدا) به منظور تأکید بر اطلاق و عموم <شهداءکم> ایراد شده است; یعنی، هر کسی را با هر هنر و دانشی به کمک بگیرید (باز هم نمی توانید همانند قرآن بیاورید). آوردن همسان برای قرآن تنها از ناحیه خداوند امکان پذیر است.

۱۵ مخالفان هیچ شاهدی را که بر وجود همانندی سخنی با قرآن شهادت بدهد نخواهند یافت .

وادعوا شهداءکم من دون اللّه

چنانچه <شهداء> به معنای گواهان باشد، استثناء <من دون اللّه> از جمله قبل، ناظر به سخن متعارفی است که انسانها هنگام نداشتن شاهد بر مدعای خویش آن را بر زبان جاری می کنند; یعنی، گواهانی را فرا خوانید تا

نظر دهند و اگر نیافتید نگویید: خدا شاهد است که این سخن همانند قرآن می باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۲۴ – ۱،۲،۳،۵

۱ – انسان ها در همه ادوار و اعصار از آوردن همانند حتی برای سوره ای از سوره های قرآن ناتوانند .

فأتوا بسوره . .. فإن لم تفعلوا و لن تفعلوا

حرف <لن> برای نفی همیشگی و ابدی است، لذا <لن تفعلوا> (هرگز همانند برای قرآن نمی آورید) دلالت براین دارد که: بشر در هیچ عصری نمی تواند همانند برای قرآن بیاورد.

۲ – ناتوانی انسان ها از آوردن همانند برای قرآن ، از پیشگویی های قرآن است .

و لن تفعلوا

۳ – ناتوانی انسان ها از آوردن سخنی همانند سوره ای از قرآن ، دلیل آسمانی بودن قرآن و حقانیت رسالت پیامبر (ص) است .

فإن لم تفعلوا و لن تفعلوا فاتقوا النار

چنانچه ناتوانی از آوردن همانند برای قرآن، دلالت بر آسمانی بودن آن نمی کرد; حجت بر مخالفان تمام نمی شد و تفریع <اتقوا النار> بر آن صحیح نمی بود.

۵ – خداوند ، از منکران قرآن خواسته است تا در صورت عجز از آوردن همانند برای قرآن ، به قرآن و رسالت پیامبر (ص) ایمان آورند .

فإن لم تفعلوا و لن تفعلوا فاتقوا النار

مراد از لزوم دوری از آتش دوزخ پرهیز از موجبات آن است و موجبات آتش – به قرینه موضوع بحث در این دو آیه (حقانیت قرآن و پیامبر (ص)) – انکار قرآن و رسالت پیامبر (ص) می باشد. بنابراین <فاتقوا النار>; یعنی: فاتقوا الکفر بالقرآن و الرسول لتتقوا

النار.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۶ - ۹

۹ - ناتوانی کافران از آوردن همانند برای قرآن ، منشأ اعتراض ها و ایراد های آنان به مثل های قرآن

فان لم تفعلوا و لن تفعلوا . .. إن اللّه لایستحی أن یضرب مثلا ما ... و أما الذین

بیان اشکال تراشی کافران به برخی تمثیلهای قرآن - پس از دعوت آنان به تحدی (فأتوا بسوره) و بیان ناتوانی آنان از آوردن همانند برای قرآن (و لن تفعلوا) - اشاره به ریشه بهانه جوییهای کافران دارد; یعنی، چون نتوانستند برای قرآن همانند بیاورند به بهانه گیری و اشکال تراشی پرداختند (ماذا أراد اللّه بهذا مثلا)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۳ - ۲،۳،۴،۵،۷

۲ قرآن در تحدی با مشرکان ، آنان را به آوردن ده سوره همانند سوره های قرآن فراخواند و آنان را به مبارزه طلبید .

أم یقولون افتریه قل فأتوا بعشر سور مثله

۳ خداوند ، برای آوردن سوره هایی همانند قرآن ، هیچ شرط و محدودیتی را پیش روی انسان ها قرار نداده است .

فأتوا بعشر سور مثله مفتریت وادعوا من استطعتم

<من> در <من استطعتم> شامل جن و انس ، عرب و عجم و . .. می شود و این بدان معناست که در آوردن همانند برای قرآن ، هیچ محدودیتی فرض نشده است.

۴ خداوند ، انسان ها را در ارائه همانند برای قرآن ، به آوردن مطالب حقیقی و واقعی ملزم نکرده است .

فأتوا بعشر سور مثله مفتریت

توصیف <عشر سور> به <مفتریات = بافته های دروغین> گویای این

معناست که: خداوند انسانها را درآوردن هم طراز برای قرآن، به ارائه مطالب و محتوایی حقیقی و واقعی همانند قرآن ملزم نمی کند; بلکه همانندی در فصاحت و بلاغت و شیوایی سخن را کافی می داند.

۵ مشرکان برای ساختن سوره هایی همانند قرآن ، به کمک خواهی از هرکس مجاز بودند .

وادعوا من استطعتم

۷ آوردن همانند برای قرآن ، تنها در توان خداوند است .

وادعوا من استطعتم من دون الله

قید <من دون الله> به این معنا نیست که از خدا کمک نخواهید; بلکه در کنار تأکید بر شمول و عموم (من استطعتم) این حقیقت را بیان کرده است که آوردن همانند برای قرآن ، تنها در توان خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۴ - ۱

۱ انسان ها و معبود های دروغینشان ، ناتوان از آوردن ده سوره هم طراز قرآن

قل فأتوا بعشر سور مثله . .. فإلّم یستجیبوا لکم

ظاهر این است که خطاب در <لکم> و <اعملوا> به قرینه <فهل أنتم مسلمون> متوجه مشرکان باشد. براین اساس، ضمیر فاعلی در <یستجیبوا> به <من استطعتم> باز می گردد; یعنی، [ای پیامبر ! به مشرکان بگو:] اگر کسی و از جمله معبودهایتان، برای آوردن همانند قرآن - به خاطر عجزشان دعوت شما را اجابت نکردند ... .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۸ - ۱،۴،۸،۱۳

۱- مأموریت پیامبر (ص) به اعلام ناتوانی انس و جن در آوردن همانند قرآن

قل لئن اجتمعت الإنس و الجنّ . .. لایأتون بمثله

۴- نیرو های بشری و جنی

، حتی در صورت پشتیبانی و همیاری یکدیگر ، از آوردن همانند قرآن و هماوردی با آن ، عاجزند .

قل لئن اجتمعت . .. و لو کان بعضهم لبعض ظهیرًا

۸- عجز انسان از آوردن همانند قرآن ، بیانگر دانش و توان اندک وی در برابر خداست .

و ما أُوتیتم من العلم إلّا قلیلًا . .. قل لئن اجتمعت ... لایأتون بمثله

۱۳- عدم امکان آوردن کتابی همانند قرآن ، خود دلیلی قاطع بر الهی بودن و بشری نبودن آن است .

قل لئن اجتمعت الإنس و الجنّ . .. لایأتون بمثله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲ - ۴

۴ - ناتوانی بشر از ارائه کتاب ، برنامه و معارفی فراتر از قرآن و یا همانند آن

تنزیل الکتب من اللّه العزیز

برداشت بالا- با توجه به دو نکته زیر به دست می آید: الف) از ارتباط میان <تنزیل الکتاب> با وصف <العزیز> نوعی تحدی استفاده می شود. ب) مطرح ساختن عزت و شکست ناپذیری خداوند در مورد قرآن، در ابعاد مختلفی تصویر می شود; از جمله در بُعد محتوایی و لفظی آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۴ - ۱،۳،۵

۱ - دعوت خداوند ، از منکران قرآن برای هماوردی با مضامین بلند آن

فلیأتوا بحدیث مثله

۳ - بشر ، ناتوان از آوردن سخنی نو و پرطراوت چون قرآن

فلیأتوا بحدیث مثله

امر در <فلیأتوا> برای تعجیز و بیان ناتوانی بشر از آوردن سخنی مانند قرآن است.

۵ - ناتوانی کافران از هماوردی با قرآن ، نشانگر بی صداقتی آنان در اتهام هایشان

إن كانوا صدقين

هماهنگی

تعالیم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۲ - ۹،۱۴،۱۶

۹ قرآن ، منزّه از هر گونه ناهمگونی و تضاد و تناقض

و لو کان من عند غیر اللّه لوجدوا فیه اختلافاً کثیراً

کلمه <کثیراً> قید توضیحی است ; یعنی در صورتی که قرآن از ناحیه غیر خداوند بود، در آن اختلاف یافت می شد و این اختلاف همواره بسیار بود. بنابراین از وصف <کثیراً> مفهوم گرفته نمی شود و از قرآن انواع و اقسام اختلافات نفی می گردد.

۱۴ پندار وجود اختلاف در قرآن ، نتیجه نگرش سطحی و عدم تدبّر در آن

افلا یتدبّرون القران و لو کان من عند غیر اللّه لوجدوا فیه اختلافاً کثیراً

۱۶ بشر ، ناتوان از ارائه مفاهیم و تعالیمی همچون قرآن است که همگون و بدون اختلاف باشد .

و لو کان من عند غیر اللّه لوجدوا فیه اختلافاً کثیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۲ - ۹

۹ - مفاهیم معرفتی و احکام تشریعی قرآن ، هماهنگ با نظام تکوین *

و إنّه لتنزیل ربّ العلمین

همان طور که گفته شد <العالمین> (جمع <عالم>) محلّا به <ال> و مفید عموم است. بنابراین <العالمین>; یعنی، همه عوالم وجود. قرار گرفتن این واژه در کنار <ربّ> ممکن است بیانگر این نکته باشد که فرو فرستنده قرآن، همان کسی است که آفرینش، رشد و هدایت مجموعه هستی از او است و براساس این واقعیت، احکام تشریعی او، هماهنگ با کل نظام هستی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳۵

۷ - تعالیم اسلام و قرآن ، مجموعه ای است به هم پیوسته و جداناپذیر و هماهنگ .

إلاّ المصلّین . .. و الذین فی أمولهم حقّ ... و الذین هم لأمنتهم و عهدهم رعون .

خداوند، سعادت اخروی و بهشت را از آنِ مؤمنانی دانسته است که دارای مجموعه اوصاف یاد شده باشند. از این مطلب می توان استفاده کرد که اصولاً تعالیم دین و قرآن کریم، مجموعه به هم پیوسته و جداناپذیر و هماهنگ است.

هماهنگی تورات و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۰ - ۵

۵- تورات [اصلی] ، کتابی همانند قرآن از نظر پیام های اصولی

و شهد شهد من بنی إسرءیل علی مثله فامن

واژه <علی مثله>، وجود هماهنگی و مشابهت بین تورات اصلی و قرآن را می رساند; زیرا مراد از <مثله>، کتاب آسمانی موسی(ع) است که همانند قرآن، معرفی شده است.

هماهنگی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۳ - ۵،۷

۵ - شباهت ، هماهنگی و انسجام مطالب ، از اوصاف قرآن

کتبًا متشبهًا

<متشابهاً> صفت برای <کتاباً> است و مقصود از <مشابهت> هماهنگی وانسجام مطالب قرآن است که هیچ گونه اختلاف و تضاد و تناقض در آنها وجود ندارد.

۷ - مطالب و مسائل قرآن در عین تکرار شدن آنها برخوردار از مشابهت ، هماهنگی و انسجام و به دور از هرگونه اختلاف ، تناقض و تضاد

متشبهًا مثانی

برداشـت بالاـ مبتنی بر این دیـدگاه است که نصب <مثـانی>، به خـاطر تمییز بـودن برای <متشـبهاً>باشـد; یعنی، <متشـابهه مثانیه> (تکرارهایش، مشابه و هماهنگ باهم

هستند).

هماهنگی قرآن با آفرینش

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۵۳ – ۶،۱۶

۶ – معارف قرآنی ، هماهنگ با قوانین هستی و فطرت انسانی

سنریهم ءایتنا . .. و فی أنفسهم حتّی یتبیّن لهم أنّه الحقّ

برداشت یاد شده بر این اساس است که ضمیر <أنّه> به قرآن باز گردد.

۱۶ – احاطه ربوبیت خداوند بر هستی ، گواه حقانیت پیام او و هماهنگی آن با قوانین نظام هستی

سنریهم ءایتنا . .. حتّی یتبیّن لهم أنّه الحقّ أَوَلم یکف بربّک أنّه علی کلّ شیء

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۲ – ۸

۸– برنامه ها و پیام های قرآن ، حکیمانه و منطبق با واقعیت های هستی است .

تنزیل الکتب من اللّه العزیز الحکیم

توصیف خداوند به حکمت در پی سخن گفتن از نزول قرآن می تواند ناظر به مطلب بالا باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – قدر – ۹۷ – ۱ – ۷

۷ – قرآن ، کتابی با عظمت و گنجینه معارفی هماهنگ با مقدّرات جهان

إنّا أنزلنه فی لیله القدر

نزول قرآن در شب قدر، اسناد نازل کردن آن به خداوند و آوردن ضمیر بدون مرجع آن که خود حاکی از شهرت مرجع ضمیر است نشانه های عظمت قرآن است. تناسب ظرف و مظروف نیز، بیانگر هماهنگی نزول قرآن با ویژگی های شب قدر است.

هماهنگی قرآن با تعالیم انبیا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۹ – ۴

۴- هماهنگی محتوای قرآن با تعالیم پیامبران

پیشین ، گواه آسمانی بودن آن و حقانیت رسالت پیامبر (ص)

أم یقولون افتریه . .. قل ما کنت بدعًا من الرسل

واژه <بدعاً> می تواند ناظر به شخص پیامبر(ص) باشد; یعنی، او اولین رسولی نیست که مبعوث شده است; بلکه قبل از او نیز رسولان دیگری بوده اند. هم چنین می تواند ناظر به اقوال و افعال پیامبر(ص) باشد; یعنی، آن حضرت ابداع کننده اقوال و سخنان تازه ای نیست; بلکه سخنان او پیشینه در اقوال و سخنان پیامبران گذشته دارد. برداشت یاد شده براساس احتمال دوم است.

هماهنگی قرآن با تورات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۲ - ۱،۲

۱- تصدیق قرآن ، نسبت به تورات و هماهنگی پیام آن دو

و من قبله کتب موسی إمامًا و رحمه و هذا کتب مصدّق

۲- همسویی و هماهنگی محتوای قرآن و تورات و تصدیق آن نسبت به تورات ، دلیلی بر وحیانی بودن قرآن

و من قبله کتب موسی إمامًا و رحمه و هذا کتب مصدّق

طرح هماهنگی پیام تورات و قرآن و نیز تصدیق مطالب تورات از سوی قرآن، زمینه ای است برای تفکر اهل کتاب و غیر آنان، و یافتن آثار وحی بودن و دلایل حقانیت قرآن در آن.

هماهنگی قرآن با فطرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۷ - ۳

۳ - قرآن ، کتابی هماهنگ و سازگار با فطرت ، نیاز ها و خواسته های گوناگون بشر

إن هو إلاّ ذکر للعلمین

با توجه به جهانی و فراملیتی بودن قرآن، می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۵۳ – ۶

۶ – معارف قرآنی ، هماهنگ با قوانین هستی و فطرت انسانی

سنریهم ءایتنا . .. و فی أنفسهم حتّی یتبیّن لهم أنّه الحقّ

برداشت یاد شده بر این اساس است که ضمیر <أنّه> به قرآن باز گردد.

هماهنگی قرآن با کتب آسمانی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۳۰ – ۱۰

۱۰– هماهنگی قرآن با کتاب های آسمانی پیشین ، دلیل آسمانی بودن آن

یقومنا إنّا سمعنا کتبًا أُنزل . .. مصدّقًا لما بین یدیه

جنیان با استناد به هماهنگی قرآن با کتاب آسمانی دیگر (تورات) درصدد بودند تا آسمانی بودن قرآن را به همنوعانشان اثبات کنند.

هماهنگی قرآن و سنّت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۶۱ – ۴،۵

۴ قرآن و پیامبر (کتاب و سنت) هماهنگ و تفکیک ناپذیر

و اذا قیل لهم تعالوا الی ما انزل اللّه و الی الرّسول

اگر قرآن و سنت ناهماهنگ و تفکیک پذیر بود، فرمان مراجعه به هر دو، در واقع امر به دو چیز متخالف بود که از حکمت خداوند به دور است.

۵ تفکیک میان قرآن و پیامبر (کتاب و سنت) ، از شیوه های منافقان

و اذا قیل لهم تعالوا الی ما انزل اللّه و الی الرّسول رایت المنافقین یصدّون عنک ص

منافقان در برابر دعوت به قرآن و پیامبر (ص)، تنها اعراض از پیامبر (ص) را عنوان کردند (یصدّون عنك)، نه اعراض از قرآن را. زیرا در آیه نیامده است: یصدّون عمّا انزل الیك.

همنشینی با

استهزاگران قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۹ - ۶

۶ همنشینی با کافران و مشرکانی که به استهزا و مغالطه در قرآن و اسلام نپردازند، حرام نیست. *

و ما علی الذین یتقون من حسابهم من شیء

در این آیه فاعل <یتقون> کافران، و مرجع ضمیر <حسابهم> خوض کنندگان فرض شده است; یعنی حساب کافرانی که از خوض پرهیز می کنند، از حساب خوض کنندگان جدا و همنشینی با آنان بی اشکال است.

همنشینی با مغالطه گران در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۸ - ۱۵

۱۵ همنشینی و مجالست با مغالطه گران و یاوه گویان و جدل کنندگان در مورد قرآن و آیات الهی حرام است.

الذین یخوضون فی ءایتنا . .. فلاتقعد بعد الذکری مع القوم الظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۹ - ۱،۳،۴،۶

۱ بر کسانی که از همنشینی با بیهوده گویان درباره قرآن و اسلام پرهیز می کنند، ولی بناچار سخنان آنها را می شنوند، گناهی نیست.

و ما علی الذین یتقون من حسابهم من شیء و لکن ذکری لعلهم یتقون

در این برداشت، <یتقون> به معنای لغوی آن گرفته شده است.

۳ بر کسانی که در همنشینی با مغالطه گران درباره قرآن و اسلام از بحث پرهیز نموده و سعی در بازداشتن دیگران کنند، گناهی نیست.

و ما علی الذین یتقون من حسابهم من شیء و لکن ذکری

در این برداشت، <یتقون> به معنای لغوی آن و متعلق آن <خوض> گرفته شده است. علاوه بر این که

<ذکری> نیز مفعول مطلق برای فعل محذوف <یذکرونهم> فرض شده است; یعنی: <یتقون الخوض و لکن یذکرونهم ذکری>.

۴ بر مؤمنانی که از همنشینی با مغالطه گران و یاوه گویان در مورد قرآن و اسلام پرهیز کنند، گناهی نیست، هر چند مغالطه و استهزای آنان ادامه یابد.

و ما علی الذین یتقون من حسابهم من شیء

ممکن است این آیه در صدد پاسخ به سؤال برخی مؤمنان باشد. بدین گونه که آنان فکر کنند که اگر ما مجالس کافران را تحریم کنیم، آنان زمینه مساعد بیشتری برای مغلطه و استهزا دارند. این آیه می فرماید شما پرهیز کنید، گناه کار آنان به شما تسرّی نمی کند.

۶ همنشینی با کافران و مشرکانی که به استهزا و مغالطه در قرآن و اسلام نپردازند، حرام نیست. *

و ما علی الذین یتقون من حسابهم من شیء

در این آیه فاعل <یتقون> کافران، و مرجع ضمیر <حسابهم> خوض کنندگان فرض شده است; یعنی حساب کافرانی که از خوض پرهیز می کنند، از حساب خوض کنندگان جدا و همنشینی با آنان بی اشکال است.

یأس مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۳ - ۳

۳ - کافرانِ به قرآن ، مأیوس از رحمت خداوندند .

و الذین کفروا بأیت اللّه . .. أولئک یئسوا من رحمتی

یهود مؤمن به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۱ - ۲

۲ - از میان یهود و نصارا ، پیروان حقیقی تورات و انجیل به قرآن و محمد (ص) ایمان می آورند .

الذین ءاتینهم الکتب یتلونه حق تلاوته

أولئک يؤمنون به

<تلاوت به معنای خواندن و قرائت کردن است. برخی از اهل لغت آن را به معنای پيروی کردن نيز گفته اند. مراد از ضمير <به> محتمل است قرآن يا پيامبر(ص) باشد و نيز می تواند به الکتاب (تورات و انجيل) برگردد. برداشت فوق ناظر به اين است که مراد از ضمير <به> قرآن يا پيامبر (ص) بوده و تلاوت به معنای پيروی کردن باشد.

يهود و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۴۱ - ۷،۱۰

۷ - خداوند ، بنی اسرائيل (يهوديان و نصرانيان) را از انکار قرآن و کافر شدن به آن ، بر حذر داشت .

و لاتکونوا أول کافر به

ضمير در <به> می تواند به <ما أنزلت> و يا به <ما معکم> برگردد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

۱۰ - دستيابی به متاع دنيا ، از هدف های يهود و نصارا در کفر به قرآن و انکار حقايق تورات و انجيل

و لاتشتروا بأيتی ثمناً قليلا

کلمه <آياتی> علاوه بر قرآن، شامل حقايق بيان شده در تورات و انجيل نيز هست. گويا آوردن اسم ظاهر (آياتی) به جای ضمير <به>، برای تأمين اين هدف باشد. قابل ذکر است که چون سخن درباره ايمان به قرآن بود، مصداق مورد نظر برای <آياتی> حقايقی از تورات و انجيل است که دليل بر حقانيت قرآن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۷۵ - ۱۲

۱۲ - گروهی از يهوديان ، قرآن (کلام خدا) را می شنيدند ، آن را به خوبی می فهميدند و

به تحریف معانی و مفاهیم آن اقدام می کردند .

و قد کان فریق منهم یسمعون کلم اللّه ثم یحرفونه من بعد ما عقلوه

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که مراد از <کلام اللّه> در آیه مورد بحث، قرآن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۹ - ۵،۶،۱۱

۵ - یهودیان ، پیش از بعثت ، به نازل شدن قرآن و مبعوث شدن پیامبر (ص) آگاهی داشتند .

و کانوا من قبل یستفتحون علی الذین کفروا

۶ - یهودیان ، از دیرباز در انتظار پیامبر (ص) و نزول قرآن بودند .

و کانوا من قبل یستفتحون علی الذین کفروا

۱۱ - یهودیان علی رغم مطابق یافتن ویژگی های کتاب و پیامبر موعود ، بر قرآن و رسول اکرم (ص) ، به آن کافر شدند .

فلما جاءهم ما عرفوا کفروا به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۰ - ۱،۲

۱ - یهودیان ، به قرآن و کتاب آسمانی خویش (تورات) کفر ورزیدند .

أن یکفروا بما أنزل اللّه

مراد از <ما أنزل اللّه> قرآن است و بعید نیست که علاوه بر آن، تورات نیز منظور باشد. قابل ذکر است که مراد از کافر شدن یهود به تورات، انکار یا تحریف آن بخش از تورات است که ویژگیهای پیامبر اکرم(ص) را بیان کرده است.

۲ - یهودیان ، با کفرشان به قرآن و تورات ، خود را به بد بهایی فروختند .

بئسما اشتروا به أنفسهم أن یکفروا بما أنزل اللّه

<اشتراء> به معنای خریدن است و گاهی به معنای فروختن نیز

به کار می رود. در آیه شریفه معنای دوم اراده شده است (اقتباس از مجمع البیان). <ما>ی موصوله در <بئسما> فاعل <بئس> و <أن یکفروا ...> مخصوص به ذم است. بنابراین جمله <بئسما ...>; یعنی، کفرورزی یهودیان به قرآن بهای بدی بود که خود را بدان فروختند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۳

۳ - یهود به قرآن ایمان نمی آورند و اسلام را نخواهند پذیرفت . *

و إذا قیل لهم ءامنوا بما أنزل اللّه قالوا نؤمن بما أنزل علینا

حذف فاعل و آوردن فعل به صورت مجهول (قیل) حاوی این نکته است که: پاسخ منفی یهود به دعوت قرآن، مخصوص یهود عصر بعثت نیست; بلکه آیندگان اینان نیز همین رویه را خواهند داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۹ - ۹

۹ - تلاش تبلیغاتی یهود و نصارا علیه اسلام و قرآن

ودّ کثیر من أهل الکتب لو یردونکم من بعد إیمنکم کفاراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۳ - ۸

۸ استکبار و سخت دلی یهودیان و مشرکان موجب تأثرناپذیری آنان از قرآن

و إذا سمعوا ما أنزل إلی الرسول تری اعینهم تفیض من الدمع

بیان واکنش خاضعانه مسیحیان در برابر قرآن پس از توصیف آنان به فروتنی در آیه پیش گویای این است که دو گروه دیگر (یهودیان و مشرکان) به دلیل گردنفرازی و استکبار در برابر حق، از پذیرش قرآن سرباز زدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۲ -

۱ تلاش بی امان یهود و نصارا ، با هدف خاموش کردن نور الهی (قرآن) ، با سخنان و تبلیغات خود

یریدون أن یطفئوا نور اللّه بأفوههم

ضمیرهای جمع در <یریدون>، <یطفئوا> و <بأفواههم> به یهود و نصارا (الذین أوتوا الکتاب) بازمی گردد. قید <بأفواههم> (با سخنان خویش) می رساند که: اهل کتاب برای انحراف افکار عمومی علیه قرآن و اسلام، دست به تبلیغات نادرست می زدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۶ - ۱۰

۱۰ حقایق توحیدی قرآن و دعوت آن به یکتاپرستی و نفی شرک ، عامل مخالفت برخی از یهود و نصارا با آن

و من الأحزاب من ینکر بعضه قل إنما أُمرت أن أعبد الله

طرح مسأله توحید و یکتاپرستی پس از <من ینکر بعضه> گویای این است که از دلایل انکار قرآن از ناحیه برخی احزاب ، اصرار قرآن بر توحید و نفی شرک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۱ - ۱

۱- یهود و نصارا ، پس از نزول قرآن و ظهور اسلام ، به التقاط گراییده و به برخی از آیات قرآن ایمان آوردند و به برخی دیگر کفر ورزیدند .

الذین جعلوا القرءان عضین

<عضین> جمع <عضه> است و <عضه> به معنای جزء می باشد و تجزیه در پذیرش معارف دین در شأن اهل کتاب است; چون کافران و مشرکان اصل دیانت الهی را قبول نداشتند; چنان که خداوند اهل کتاب را به همین وصف توصیف فرمود: <. ..و یقولون نؤمن ببعض و نکفر ببعض...> (سوره نساء، آیه ۱۵۰).

یهود و نزول قرآن

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۹ - ۱۰

۱۰ - یهودیان ، آمدن پیامبر (ص) و نزول قرآن را از دیرباز و پیش از بعثت برای کافران تشریح می کردند .

و کانوا من قبل یستفتحون علی الذین کفروا

<استفتاح> (مصدر یستفتحون) می تواند به معنای مطلع ساختن باشد، چنانچه در مفردات راغب آمده: <فتح علیه کذا; آن گاه گفته می شود که به او امری را اعلام کند و او را بر آن امر مطلع سازد>. قابل ذکر است که در این صورت بردن <یفتحون> به باب استفعال برای تأکید است و معنای طلب ندارد.

قربانی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{قربانی}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۳ - ۱،۲،۶،۹،۱۳،۲۲،۲۳،۲۸

۱ ارائه قربانی و سوخته شدن آن به آتشی از غیب ، عهدی الهی در پندار یهود ، برای ایمان به رسولان

الّذین قالوا انّ اللّه عهد الینا الّا نؤمن لرسول حتّی یاتینا بقربان تاکله النّار

۲ در آتش سوختن قربانی پیامبر (ص) ، شرط یهود برای ایمان به آن حضرت

الّذین قالوا انّ اللّه . .. حتّی یاتینا بقربان تاکله النّار

<قربان> به معنای هر چیزی است که انسان به وسیله آن به خداوند تقرب جوید و قربانِ امّتهای گذشته، گاو، گوسفند و شتری بود که برای تقرّب به خدا ذبح می شد (تاج العروس).

۶ سوختن قربانی در آتشی از غیب ، نشانه راستگویی مدعی رسالت از دیدگاه یهود

الّا نؤمن لرسول حتّی یاتینا بقربان تاکله النار

۹ سوخته شدن قربانی به آتشی از غیب ، معجزه برخی انبیا و

رسولان بنی اسرائیل

قال انّ اللّه عهد الینا . .. قد جاءکم رسل ... و بالّذی قلتم

۱۳ یهود ، حتّی با مشاهده معجزه مورد درخواست خود (سوختن قربانی در آتشی از غیب) از پیامبران ، نه تنها به آنان ایمان نیاوردند ، بلکه آنان را کشتند .

قل قد جآءکم رسل من قبلی . .. و بالّذی قلتم فلم قتلتموهم

۲۲ دروغ بودن ادعای یهود در مورد ایمان به پیامبر (ص) ، در صورت مشاهده معجزه درخواستی خود (سوختن قربانی در آتشی از غیب)

قل قد جاءکم . .. فلم قتلتموهم ان کنتم صادقین

۲۳ تکذیب عهد خداوند با یهود در مورد ایمان نیاوردن به پیامبر (ص) ، جز با ارائه قربانی که آتشی از غیب آن را بسوزاند .

انّ اللّه عهد الینا الّا نؤمن . .. فلم قتلتموهم ان کنتم صادقین

اگر ادعای یهود صحیح بود، باید پیامبر (ص) خواسته آنان را عملی می کرد، و نیز نباید از عهد، به <الّذی قلتم> (آنچه را گفتید) تعبیر می کرد ; بلکه می فرمود: بالعهد الّذی عهد اللّه علیکم. چون اگر ادعای آنان حقیقت داشت، عهدی بود الهی ; نه گفتار آنان.

۲۸ آتش گرفتن قربانی بنی اسرائیل ، علامت قبولی آن در پیشگاه خداوند

حتّی یاتینا بقربان تاکله النار

امام صادق (ع) فرمود: کانت بنواسرائیل اذا قربت القربان تخرج نار تأکل قربان مَنْ قُبلَ منه . .. .

کافی، ج ۴، ص ۳۳۵، ح ۱۶ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۱۷، ح ۴۶۲.

آداب قربانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۷ - ۶

- لزوم اظهار شکر و سپاس گزاری به پیشگاه خداوند ، در مراسم قربانی با شعار < اللّه أکبر علی ما هدانا > .

کذلک سخّر لکم لتکبّروا اللّه علی ما هدیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کوثر - ۱۰۸ - ۲ - ۹

۹ - لزوم توجّه به ربوبیت خداوند ، هنگام قربانی کردن حیوانات

فصلّ لربّک وانحر

اجتناب از قربانی بت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۰ - ۱۶

۱۶ لزوم پرهیز از حیوانات قربانی شده برای بتها

و الانصاب . .. رجس من عمل الشیطن فاجتنبوه

از رسول خدا(ص) در پاسخ سؤال از معنی انصاب در آیه فوق روایت شده: ما ذبحوا لآلتهم . .. .

کافی، ج ۵، ص ۱۲۳، ح ۲; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۶۸، ح ۳۴۰.

احکام قربانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۵ - ۱۴

۱۴ حرمت قربانی کردن برای غیر خدا (بتها)*

أو فسقا أهل لغیر الله به

از معانی مذکور درباره جمله <أهل لغیر الله>، <ما ذبح لأجل الأصنام> (آنچه که برای بتها ذبح می شود)، است ; چنانکه

راغب به این معنی اشاره کرده است. و بدان جهت که این کار <فسق> نامیده شده، حرمت آن به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کوثر - ۱۰۸ - ۲ - ۱۸

۱۸ - لزوم تأخیر قربانی از نماز عید ، در عید قربان *

فصلّ لربّك وانحر

تطبیق نماز و قربانی در آیه، بر نماز عید قربان و قربانی در آن، یکی از احتمالات موجود

در این آیه است. عطف به <واو> گر چه بر ترتیب تصریح ندارد; ولی ترتیب ذکری می تواند بیانگر ترتیب واقعی باشد.

ارزش قربانی کفّاره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۵ - ۱۳

۱۳ ارزش والاتر قربانی بر اطعام مساکین ، و اطعام مساکین بر روزه ، در کفاره صید .

فجزاء مثل ما قتل من النعم . .. او کفره طعام مسکین او عدل ذلک صیاماً

برداشت فوق از تقدیم ذکری قربانی بر اطعام و تقدیم اطعام بر روزه استفاده شده است.

استفاده از قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۳ - ۱،۳

۱ - حج گزاران می توانند تا روز قربانی ، از دام هایی که برای قربانی کردن به همراه دارند ، استفاده کنند .

لکم فیها منفع إلی أجل مسمًّی

ضمیر <فیها> به <شعائر> بازمی گردد. <منافع> جمع <منفعه> و به معنای بهره و سود است. <إلی أجل مسمًّی>;یعنی، تا زمانی مشخص. مقصود این است که شما می توانید تا روز قربانی از دام هایی که به منظور قربانی کردن در حج، به همراه می برید، استفاده کنید (بارتان را به وسیله آنها حمل کنید و آنها را سوار بشوید و از شیر آنها تغذیه کنید).

۳ - ممنوعیت استفاده از دام های قربانی ، در پندار مشرکان عصر بعثت

لکم فیها منفع إلی أجل مسمًّی

تصریح به جواز بهره برداری از دام های قربانی، نشان می دهد که اعتقاد عمومی پیش از نزول آیه، برخلاف آن بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج

- ۲۲ - ۳۶ - ۴

۴ - استفاده از شتران قربانی (به جهت حمل بار ، سوارشدن و تغذیه از شیر آنها) ، برای حاجیان مجاز است .

و البدن . .. لکم فیها خیر

مقصود از <لکم فیها خیر> با توجه به آیه ۳۳ (لکم فیها منافع إلی أجل مسمّی)، این است که حاجیان می توانند تا روز قربانی، از شترانی که به رسم قربانی به همراه خود می برند، بهره گیری کنند (آنها را سوار شوند، یا با آنها بار حمل کنند و یا از شیر آنها تغذیه نمایند).

استفاده از گوشت قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۱۸

۱۸ - استفاده از تمام گوشت قربانی ، جایز نیست .

فکلوا منها و أطعموا البائس الفقیر

<من> در <منها> تبعیضیه است. بنابراین <کلوا منها>; یعنی، <بخورید بخشی از آن را[نه همه آن را]>.

استفاده حاجیان از قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۱۶

۱۶ - جواز استفاده حج گزاران از گوشت قربانی

فکلوا منها

اطعام از قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۶ - ۱۸،۱۲

۱۲ - لزوم اطعام مستمندان از گوشت قربانی در حج ; چه خودشان درخواست کنند و چه روی درخواست کردن نداشته باشند

.

فکلوا منها و أطعموا القانع و المعترّ

<قانع> به کسی گفته می شود که درخواست کمک می کند (سائل و گدا) و <معتر>; یعنی، نیازمندی که طالب کمک است; لکن روی سؤال کردن ندارد. بنابراین معنای جمله فوق چنین

می شود: بخشی از گوشت قربانی را خودتان بخورید و بقیه آن را به نیازمندان بخورانید; چه نیازشان را بر زبان جاری کنند و چه بر زبان نیاورند.

۱۸ - < عن أبی عبدالله (ع) فی قول الله عزّوجلّ . . . < و أطعموا القانع و المعترّ > قال : القانع الذی یرضی بما أعطیته و لایسخط و لایکلح و لایلوی شدقه غضباً و المعترّ المارّ بک لتطعمه ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خداوند عزّوجلّ. ..<وأطعموا القانع و المعترّ> فرمود: <قانع> کسی است که راضی می شود به آنچه که به او می دهی و نسبت به آن ناراحتی، ترش رویی و دهن کجی نمی کند و <معتر> رهگذری است که بر تو می گذرد تا او را اطعام کنی>.

اطعام فقرا از قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۱۷

۱۷ - لزوم اطعام مستمندان تنگدست از گوشت قربانی در حج

و أطعموا البائس الفقیر

اهمیت ذبح قربانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۴ - ۹

۹ - مراسم قربانی ، عبادت خدا و سپاس گزاری در برابر نعمت های او است .

جعلنا منسکًا . .. علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم

اهمیت قربانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کوثر - ۱۰۸ - ۲ - ۱۴

۱۴ - خداوند ، با یادآوری عطای ویژه خویش به پیامبر (ص) ، آن حضرت را آماده دریافت فرمان نماز و قربانی ساخت .

إنّا أعطينك الكوثر . فصلّ لربّك وانحر

اهميت قربانی حج

جلد

- نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۲ – ۸

۸ اهمیت ویژه قربانی در مراسم حج *

و لاالهدی و لاالقلئد

ذکر قربانی با تفصیل آن (با نشان و بی نشان) از میان سایر مناسک حج، بیانگر اهمیت خاص آن است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۳۷ – ۵

۵ – مراسم قربانی در حج ، عرصه یاد کرد عظمت و کبریایی خداوند

کذلک سخّر لکم لتکبّروا اللّه

ضمیر <ها> در <سخرها> به <بُدن> (شتران قربانی) بازمی گردد. <تکبیر> (مصدر <تکبرون>) به معنای خدا را به بزرگی یاد کردن است. بنابراین معنای جمله یاد شده چنین می شود: <ما آن شتران درشت و عظیم الجثه را برای شما رام کردیم>، (شما به راحتی می توانید کارد را در حلقوم آنها فرو کنید، بدون این که کمترین آسیبی به شما برسد.) این کار برای آن است که شما به پاس این نعمت بزرگ (توفیق انجام دادن عبادت قربانی)، خدا را به بزرگی یاد کنید و یک صدا فریاد بزنید: <اللّه أکبر علی ما هدانا>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۲۵ – ۶

۶– اهمیت قربانی ، در مناسک عبادی مسجدالحرام

و الهدیَ معکوفًا أن یبلغ محلّه

از این که خداوند، یکی از جرم های کافران را، جلوگیری از رسیدن قربانی به قربانگاه شمرده است، اهمیت آن در مناسک زیارت خانه خدا استفاده می شود.

اهمیت قربانی عمره

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۲۵ – ۷

۷- قربانیِ حیوان در قربانگاه

، دارای اهمیتی ویژه در اعمال عبادی عمره

و الهدیَ معکوفًا أن یبلغ محلّه

باربری با قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۶ - ۴

۴ - استفاده از شتران قربانی (به جهت حمل بار ، سوارشدن و تغذیه از شیر آنها) ، برای حاجیان مجاز است .

و البدن . .. لکم فیها خیر

مقصود از <لکم فیها خیر> با توجه به آیه ۳۳ (لکم فیها منافع إلی أجل مسمّی)، این است که حاجیان می توانند تا روز قربانی، از شترانی که به رسم قربانی به همراه خود می برند، بهره گیری کنند (آنها را سوار شوند، یا با آنها بار حمل کنند و یا از شیر آنها تغذیه نمایند).

پوست قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۲۳

۲۳ - < عن صفوان بن یحیی الأرزق قال : قلت لأبی إبراهیم (ع) : الرجل یعطی الاضحیه من یسلخها بجلد ها قال : لابأس به ، إنّما قال اللّه عزّوجلّ < فکلوا منها و أطعموا > و الجلد لایؤکل و لایطعم ;

صفوان بن یحیی می گوید: به امام کاظم(ع) گفتم: شخص، قربانی را می دهد به کسی که آن را سلّاخی کند، در مقابل پوست آن که پوست را مزد خود بردارد [حکمش چیست؟] فرمود: مانعی ندارد; زیرا خدای عزّوجلّ فرموده است: <فکلوا منها و أطعموا> و پوست نه خورده می شود و نه (به وسیله آن) اطعام می شود>.

تأخیر قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱

- حج - ۲۲ - ۲۸ - ۱۱

۱۱ - جواز تأخیر انداختن قربانی ، از روز دهم به هر یک از روز های یازدهم ، دوازدهم و سیزدهم ذی حجه

و یذکروا اسم اللّه فی أیّام معلومت . .. من بهیمه الأنعم

تحریم گوشت قربانی در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۱۴

۱۴ - حرمت استفاده از گوشت قربانی ، پندار باطل عرب های جاهلی

فکلوا منها

تجویز استفاده از گوشت قربانی، ناظر به پندار باطل عرب های جاهلی است که استفاده از آن را حرام می دانستند.

تخییر در قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۴ - ۶

۶ - جواز قربانی کردن به هر یک از شتر ، گاو و گوسفند

علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم

<أنعام> (جمع <نعم>) در اصل به معنای شتران است. لکن گاهی برای مجموع شتر، گاو و گوسفند به کار می رود. به اعتقاد همه مفسران، مقصود از <أنعام> در این جا، معنای دوم (مجموع شتر، گاو و گوسفند) است . گفتنی است که <بهیمه> به معنای چهارپا و اضافه آن به <أنعام> بیانیه است; یعنی، چهارپایی که عبارت است از شتر، گاو و گوسفند.

تعظیم قربانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۲ - ۹

۹ - بزرگداشت دام های قربانی و حرمت نهادن به آنها ، نشانه تقوا و خداترسی است .

و من يعظّم شعئر اللّه فإنّها من تقوى القلوب

تعظیم قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ -

حج - ۲۲ - ۳۲ - ۳

۳ - بزرگداشت و رعایت حرمت دام های قربانی (کوشش در حفظ و نگه داری آنها و پرهیز از سهل انگاری در حق آنها) ، توصیه خدا به اهل ایمان

و من یعظّم شعئر اللّه

تکبیر هنگام قربانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۷ - ۶

۶ - لزوم اظهار شکر و سپاس گزاری به پیشگاه خداوند ، در مراسم قربانی با شعار < اللّه أکبر علی ما هدانا > .

کذلک سخّر لکم لتکبروا اللّه علی ما هدیکم

حرمت قربانی برای بتها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۵ - ۱۴

۱۴ حرمت قربانی کردن برای غیر خدا (بتها)*

أو فسقا أهل لغیر الله به

از معانی مذکور درباره جمله <أهل لغیر الله>، <ما ذبح لأجل الأصنام> (آنچه که برای بتها ذبح می شود)، است ; چنانکه راغب به این معنی اشاره کرده است. و بدان جهت که این کار <فسق> نامیده شده، حرمت آن به دست می آید.

حقیقت قربانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کوثر - ۱۰۸ - ۲ - ۱۲

۱۲ - اهدای قربانی به پیشگاه پروردگار ، شکر نعمت های او است .

إنّا أعطینک الکوثر . .. وانحر

خباثت قربانی بت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۳ - ۳

۳ - مردار ، خون ، گوشت خوک و حیوانی که برای بت ها ذبح شود ، یا به نام غیر خدا سر بریده شود ، از خوراکی

های خبیث و پلید هستند .

کلوا من طیبت . .. إنما حرم علیکم المیته ... و ما أهل به لغیر اللّه

خوردن قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۶ - ۱۳،۱۰

۱۰ - خوردن گوشت قربانی برای حاجیان مجاز است .

فإذا وجبت جنوبها فکلوا منها

<وجوب> (مصدر <وجبت>) به معنای سقوط و افتادن است. <جنوب> نیز جمع <جنب> و به معنای پهلو است; یعنی، وقتی شتران افتادند و به پهلو غلتیدند (جان دادند)، از گوشت آنها بخورید و به نیازمندان بخورانید. گفتنی است که عرب جاهلی، می پنداشتند قربانی مال خدایان است و کسی حق ندارد از آن استفاده کند. خداوند در این جا تذکر می دهد که این پندار، گمانی است غلط و مسلمانان نباید قربانی را به حال خود رها کنند به گمان این که اینها شعائر الهی اند و خوردن آنها هتک حرمت شعائر است; بلکه همین که قربانی جان داد، باید بخشی از آن را برای خود بردارند و بقیه را به نیازمندان بدهند.

۱۳ - منع استفاده انحصاری حاجیان از گوشت قربانی و دریغ کردن از اطعام آن به نیازمندان

فکلوا منها

با توجه به کلمه <من> معنای جمله فوق چنین است: بخشی از آن را بخورید; (نه همه اش را).

دلایل اخلاص در قربانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کوثر - ۱۰۸ - ۲ - ۱۰

۱۰ - مالک و مدبّر بودن خداوند ، دلیل لزوم اخلاص و قصد قربت در قربانی کردن به درگاه او است .

فصلّ لربّک وانحر

ردّ قربانی قابیل

– فیش

۴ – مائده – ۵ – ۲۷ – ۱۴،۱۵،۱۹،۲۱،۳۰

۱۴ پذیرش قربانی هابیل و رد شدن قربانی قابیل ، عامل انگیزش قابیل به قتل برادرش هابیل

فتقبل من احدهما و لم یتقبل من الاخر قال لاقتلنک

۱۵ رد قربانی قابیل و پذیرش قربانی برادرش هابیل ، برانگیزنده احساس حسادت در وی نسبت به هابیل *

قال لاقتلنک

به نظر می رسد که پس از پذیرفته شدن قربانی هابیل، انگیزه ای برای تصمیم قابیل جز حسادت در کار نبوده و گویا روشنی این مسأله، موجب آن شده که در کلام به آن پرداخته نشود. برداشت فوق را فرمایش منقول از امام صادق(ع) تأیید می کند که فرمود: ... فقبل اللّه قربان هابیل فحسده قابیل فقتله ... .

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۱۲، ح ۸۳; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۱۰، ح ۱۲۵.

۱۹ هابیل پذیرفته نشدن قربانی برادرش قابیل را معلول بی تقوایی او دانست .

و لم یتقبل من الاخر قال لاقتلنک قال انما یتقبل اللّه من المتقین

۲۱ مشروط بودن پذیرش اعمال نیک به تقوا ، پاسخ هابیل به اعتراض قابیل بر پذیرفته نشدن قربانی او

قال انما یتقبل اللّه من المتقین

۳۰ فربه ترین گوسفند هابیل ، قربانی قبول شده وی به درگاه خدا و دسته ای از خوشه های گندم یا مانند آن ، قربانی قبول نشده قابیل

و اتل علیهم نبأ ابنی ءادم بالحق اذ قربا قرباناً

از امام سجاد(ع) درباره قربانی نمودن فرزندان آدم(ع) روایت شده: . .. قرب احدهما اسمن کبش کان فی صیانته و قرب الاخر ضغثا من سنبل فتقبل من صاحب الکبش و هو هابیل و لم یتقبل من الاخر ... .

۱، ص ۱۶۵؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۵۹، ح ۴.

زمینه قبول قربانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۷ - ۲۴

۲۴ تقوای هابیل ، زمینه ساز پذیرفته شدن قربانی او از سوی خداوند

فتقبل من احدهما . .. قال انما یتقبل اللّه من المتقین

سواری با قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۶ - ۴

۴ - استفاده از شتران قربانی (به جهت حمل بار ، سوارشدن و تغذیه از شیر آنها) ، برای حاجیان مجاز است .

و البدن . .. لکم فیها خیر

مقصود از <لکم فیها خیر> با توجه به آیه ۳۳ (لکم فیها منافع إلی أجل مسمّی)، این است که حاجیان می توانند تا روز قربانی، از شترانی که به رسم قربانی به همراه خود می برند، بهره گیری کنند (آنها را سوار شوند، یا با آنها بار حمل کنند و یا از شیر آنها تغذیه نمایند).

شتر قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۴ - ۶

۶ - جواز قربانی کردن به هر یک از شتر ، گاو و گوسفند

علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم

<أنعام> (جمع <نعم>) در اصل به معنای شتران است. لکن گاهی برای مجموع شتر، گاو و گوسفند به کار می رود. به اعتقاد همه مفسران، مقصود از <أنعام> در این جا، معنای دوم (مجموع شتر، گاو و گوسفند) است . گفتنی است که

<بهیمه> به معنای چهارپا و اضافه آن به <أنعام> بیانیه است; یعنی، چهارپایی که عبارت

است از شتر، گاو و گوسفند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۶ - ۱،۲،۴،۵

۱ - شتران قربانی از شعائر دینی و الهی مراسم حج

و البدن جعلنها لکم من شعئر اللّه

<بدن> جمع <بدنه> است. <بدنه> نیز در لغت، به گاو و شتر درشت و چاق گفته می شود. در گذشته، کسانی که قصد داشتند در مراسم حج شرکت کنند، از قبل به دام هایی قربانی خوب می رسیدند تا چاق و فربه شوند. بدین جهت به گاو و شتر قربانی <بدنه> گفته می شد. گفتنی است که مراد از <بدن> در آیه یاد شده به قرینه <فإذا وجبت جنوبه> تنها شتران می باشد؛ یعنی، شترانی را که به رسم قربانی به همراه می برید، برای شما از شعائر دینی و الهی قرار دادیم.

۲ - لزوم برگزیدن شتران درشت و چاق برای قربانی در حج

و البدن جعلنها لکم من شعئر اللّه

به کارگیری <بدن> که به معنای شتران فربه و چاق است به جای <إبل> که به مطلق شتر اطلاق می شود می تواند توصیه ای باشد به حج گزاران که شتران فربه و درشت را، برای قربانی برگزینند.

۴ - استفاده از شتران قربانی (به جهت حمل بار ، سوارشدن و تغذیه از شیر آنها) ، برای حاجیان مجاز است .

و البدن . .. لکم فیها خیر

مقصود از <لکم فیها خیر> با توجه به آیه ۳۳ (لکم فیها منافع إلی أجل مسمّی)، این است که حاجیان می توانند تا روز قربانی، از شترانی که به رسم قربانی به همراه خود می

برند، بهره گیری کنند (آنها را سوار شوند، یا با آنها بار حمل کنند و یا از شیر آنها تغذیه نمایند).

۵ - لزوم نشانه گذاری شترانی که حاجیان جهت قربانی به همراه خود می برند .

و البدن جعلنها لکم من شعئر اللّه

این سخن خدا که: <ما شتران قربانی را شعائر و نشانه های دینی قرار دادیم> می تواند دربردارنده این توصیه باشد که حاجیان نیز باید شتران را به منظور این که آنها از دیگر شتران ممتاز باشند، نشانه گذاری کنند.

شکر هنگام قربانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۷ - ۶

۶ - لزوم اظهار شکر و سپاس گزاری به پیشگاه خداوند ، در مراسم قربانی با شعار < اللّه أکبر علی ما هدانا > .

کذلک سخّر لکم لتکبّروا اللّه علی ما هدیکم

شیر قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۶ - ۴

۴ - استفاده از شتران قربانی (به جهت حمل بار ، سوارشدن و تغذیه از شیر آنها) ، برای حاجیان مجاز است .

و البدن . .. لکم فیها خیر

مقصود از <لکم فیها خیر> با توجه به آیه ۳۳ (لکم فیها منافع إلی أجل مسمّی)، این است که حاجیان می توانند تا روز قربانی، از شترانی که به رسم قربانی به همراه خود می برند، بهره گیری کنند (آنها را سوار شوند، یا با آنها بار حمل کنند و یا از شیر آنها تغذیه نمایند).

عبادیت قربانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۷ -

١ – قربانی کردن ، از مراسم عبادی در همه ادیان و شرایعت های الهی

لکلّ أُمّه جعلنا منسکًا هم ناسکوه

<منسک> مصـدر میمی و مرداف با <نُسُک> است. <نُسک> به عمل ذبـح کردن حیوان با قصـد تقرب به خدا، گفته می شود.

عوامل قبول قربانی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

١١ – حج – ٢٢ – ٣٧ – ۴

۴ – خداوند ، عمل قربانی را ، در صورتی می پذیرد که برخاسته از روح تقوا و خداترسی باشد .

لن ینال اللّه لحومها . .. و لکن یناله التقوی منکم

فلسفه قربانی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

١١ – حج – ٢٢ – ٣۴ – ۵

۵ – ذکر نام خدا به هنگام ذبح یا نحر حیوان ، فلسفه تشریع قربانی برای امت ها

و لکلّ أُمّه جعلنا منسکًا لیذکروا اسم اللّه . .. الأنعم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

١١ – حج – ٢٢ – ٣۶ – ١٧

١٧ – شکر و سپاس گزاری به درگاه خداوند ، فلسفه تشریع قربانی

و البدن جعلنها لکم من شعئر اللّه . .. لعلّکم تشکرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۳۷ – ۱۳

۱۳ – < عن أبی بصیر ، عن أبی عبد اللّه (ع) قال : قلت له : ما علّه الأُضحیه ؟ فقال إنّه یغفر لصاحبها عند أوّل قطره تقطر من دمها إلی الأرض ، و لیعلم اللّه تعالی من یتقیه بالغیب ، قال اللّه تعالی : < لن ینال اللّه لحومها و لادمائها و لکن یناله التقوی منکم > .

ابوبصیر می

گوید: از امام صادق(ع) پرسیدم: علت قربانی کردن چیست؟ فرمود: با اولین قطره خونی که از قربانی ریخته می شود، گناهان قربانی کننده بخشوده می شود و دیگر این که معلوم می گردد چه کسی از خدای نادیده پروا دارد[و به امر او عمل می کند]. خداوند می فرماید: <لن ینال اللّه لحومها و لا دمائها و لکن یناله التقوی منکم>».

فواید قربانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۸ - ۹

۹ قربانی کردن و عمل به احکام آن موجب بهره مندی از مغفرت و رحمت الهی

و الهدی و القلئد . .. و إنّ اللّه غفور رحیم

فواید قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۷ - ۱۱،۱۰،۷

۷ ماه های حرام و قربانی های بی نشان و بانشان حج ، دارای نقشی خاص در قوام و برپایی جوامع

جعل اللّه الکعبه . ... قیماً للناس و الشهر الحرام و الهدی و القلئد

الشهر الحرام و ما بعد آن عطف بر <الکعبه> و در حقیقت آنها نیز مفعول اول برای <جعل> می باشند و مفعول دوم آن یعنی <قیماً للناس> به قرینه ماقبل حذف شده است.

۱۰ نقش اساسی تر کعبه در قوام جامعه نسبت به ماه های حرام و قربانی حج

جعل اللّه الکعبه البیت الحرام قیماً للناس و الشهر الحرام و الهدی و القلئد

تقدیم ذکری کعبه و نیز حذف <قیماً للناس> نسبت به <الشهر الحرام . ..> اشاره به این دارد که نقش ماههای حرام و قربانی حج و ... در قوام جوامع بواسطه کعبه می باشد.

آگاهی انسان ها به علم گسترده خداوند ، از اهداف بیان نقش کعبه و ماه های حرام و قربانی در قوام جامعه

جعل اللّه . .. ذلک لتعلموا إنّ اللّه یعلم ما فی السموت و ما فی الارض

<ذلک> می تواند اشاره به بیان مطالب یاد شده باشد، یعنی خداوند فلسفه ایجاد کعبه و نیز احکام مربوط به آن را بیان کرد تا انسانها بدانند افعال خداوند و احکام او عالمانه و دارای اهدافی والاست و این را نشان و علامتی از علم گسترده خداوند بشمارند.

قبول قربانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۷ - ۹

۹ تنها قربانی یکی از دو فرزند آدم ، مقبول درگاه خداوند قرار گرفت .

فتقبل من احدهما و لم یتقبل من الاخر

قبول قربانی هابیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۷ - ۳۲، ۱۰،۱۴،۱۵،۲۴،۳۰

۱۰ هابیل سزاوار و شایسته بهره مندی از پاداش های الهی با پذیرفته شدن قربانی وی

فتقبل من احدهما

<تقبل> به پذیرفته شدنی اطلاق می گردد که مقتضی پاداش باشد. (مفردات راغب)

۱۴ پذیرش قربانی هابیل و رد شدن قربانی قابیل ، عامل انگیزش قابیل به قتل برادرش هابیل

فتقبل من احدهما و لم یتقبل من الاخر قال لاقتلنک

۱۵ رد قربانی قابیل و پذیرش قربانی برادرش هابیل ، برانگیزنده احساس حسادت در وی نسبت به هابیل *

قال لاقتلنک

به نظر می رسد که پس از پذیرفته شدن قربانی هابیل، انگیزه ای برای تصمیم قابیل جز حسادت در کار نبوده و گویا روشنی

این مسأله، موجب آن شده که در کلام به آن

پرداخته نشود. برداشت فوق را فرمایش منقول از امام صادق(ع) تأییـد می کند که فرمود: ... فقبل اللّه قربان هابیل فحسده قابیل فقتله ... .

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۱۲، ح ۸۳; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۱۰، ح ۱۲۵.

۲۴ تقوای هابیل ، زمینه ساز پذیرفته شدن قربانی او از سوی خداوند

فتقبل من احدهما . .. قال انما یتقبل اللّه من المتقین

۳۰ فربه ترین گوسـفند هابیل ، قربانی قبول شـده وی به درگاه خـدا و دسـته ای از خوشه های گنـدم یا مانند آن ، قربانی قبول نشده قابیل

و اتل علیهم نبأ ابنی ءادم بالحق اذ قربا قرباناً

از امام سجاد(ع) درباره قربانی نمودن فرزندان آدم(ع) روایت شده: . .. قرب احدهما اسمن کبش کان فی صیانته و قرب الاخر ضغثا من سنبل فتقبل من صاحب الکبش و هو هابیل و لم یتقبل من الاخر ... .

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۶۵; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۵۹، ح ۴.

۳۲ در گرفتن آتش و به کام خود فروبردن قربانی هابیل ، نشانه پذیرفته شدن آن از سوی خداوند

فتقبل من احدهما و لم یتقبل من الاخر

از امـام بـاقر(ع) روایت شـده: . .. فتقبـل قربـان هابیـل و لم یتقبل قربان قابیل و هو قول اللّه عزوجل: <و اتل علیهم ...> و کان القربان اذا قبل تاکله النار ... .

کمال الدین، ص ۲۱۳، ح ۲، ب ۲۲; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۱۲، ح ۱۳۱.

قداست قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۲ - ۲

۲ - دام های قربانی (دام هایی که حاجیان برای قربانی کردن به

همراه می برند) ، از شعائر الهی و دارای حرمت و قداست در پیشگاه خداوند

و من یعظّم شعئر اللّه

<تعظیم> (مصدر <یعظّم>) به معنای بزرگ شمردن است <شعائر> جمع <شعیره> و <شعیره> به معنای علامت و نشانه است. مراد از <شعائر اللّه> به قرینه آیه بعد (لکم فیها منافع إلی أجل مسمًّی ثمّ محلها إلی البیت العتیق) دام هایی برای قربانی است که حج گزاران به همراه خود می بردند؛یعنی، <هر کس دام های قربانی را که شعائر و نشانه های خدایند حرمت گذارد و بزرگ بشمارد...>. بنابراین، آیه یاد شده توصیه ای است از سوی خداوند به همه اهل ایمان چه مالک دام های قربانی باشند و چه نباشند که در حفظ و نگه داری آن دام ها بکوشند و از هرگونه سهل انگاری درباره آنها، اجتناب بورزند.

قربانی ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۷ - ۱،۳

۱ - خداوند ، به جای قربانی اسماعیل (ع) ، قربانی دیگری پذیرفته و جان او را حفظ کرد .

و فدینه بذبح عظیم

<فدیه> و <فداء> (از ماده <فدینا>) به معنای قرار دادن چیزی به جای شیء دیگری به منظور دفع ضرر از آن شیء است.

۳ - < علی بن الحسن بن علی بن الفضال عن أبیه قال : سألت أباالحسن علی بن موسی الرضا (ع) عن معنی قول النبیّ (ص) : أنا ابن الذبیحین قال : یعنی اسماعیل بن ابراهیم . . . فلمّا عزم علی ذبحه فداه اللّه بذبح عظیم ، بکبش أملح . . . و

كان يرتع قبل ذلك في رياض الجنّه أربعين عاماً و ما خرج من رحم أنثي . . . ;

علي بن حسن بن علي بن فضال از پدرش نقل می کند که از امام رضا(ع) از سخن رسول خدا(ص) که فرمود: <من فرزند دو ذبیح هستم> پرسیدم، فرمود: [یکی از آن دو]اسماعیل فرزند ابراهیم است . .. چون ابراهیم تصمیم به قربانی کردن اسماعیل گرفت، خداوند قربانی بزرگی را جایگزین اسماعیل کرد. آن قربانی قوچی به رنگ سیاه آمیخته با سفیدی (جو گندمی)... که چهل سال قبل از آن در باغ های بهشت به چرا مشغول بود و از مادری زاییده نشده بود...>.

قربانی بت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳ - ۶،۹،۱۲،۳۷

۶ حرمت استفاده از حیوانی که بر آستان بت ها ذبح شود ، هر چند نام غیر خدا بر او برده نشود .

حرمت . .. و ما ذبح علی النصب

چون عنوان <ما ذبح . ..> عنوان مستقلی است در مقابل <ما اهل ...>، معلوم می شود که ذبح حیوان برای تقرب به بتها، اگر چه نام غیر خدا بر آن برده نشود، حرام است.

۹ خوردن مردار ، خون و گوشت خوک ، بردن غیر نام خدا در ذبح ، قربانی برای بت ها و تقسیم گوشت حیوانات با قمار ، از اعمال مردم در جاهلیت

حرمت علیکم . .. و ما ذبح علی النصب و إن تستقسموا بالازلم

۱۲ قسمت بندی گوشت به حکم قمار و استفاده از آن و خوردن گوشت حیوانی که به نام غیر خدا و یا بر آستان بت

ها ذبح شود ، فسق است .

حرمت علیكم . .. و ما ذبح على النصب و إن تستقسموا بالازلم ذلكم فسق

۳۷ استفاده از حیوان قربانی شده بر آستان بت ها و گوشت های سهمبندی شده با تیر های قمار ، در حال اضطرار جایز است .

و ما ذبح على النصب و إن تستقسموا بالازلم . .. فإنّ اللّه غفور رحیم

قربانی بت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۳ - ۴

۴ - مشركان ذبایحی را برای بت ها و به نام آنها قربانی می كردند .

و ما أهل به لغیر اللّه

آوردن فعل ماضی <أهل> حكایت از وقوع ذبح برای غیر خدا و به نام غیر او داشته و به ذبح حیوانات برای بتها و به نام آنها - كه در جاهلیت مرسوم بوده - اشاره دارد.

قربانی برای غیرخدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۵ - ۳

۳- حرمت خوردن گوشت حیوان قربانی شده برای غیر خدا

حرّم علیكم . .. ما أهلّ لغیر الله به

برداشت فوق، بنابراین نكته است كه مراد از <ما أهلّ . ..> قربانیهایی باشد كه مشركان برای بتها انجام می دادند.

قربانی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۳ - ۲۸

۲۸ آتش گرفتن قربانی بنی اسرائیل ، علامت قبولی آن در پیشگاه خداوند

حتّی یاتینا بقربان تاکله النار

امام صادق (ع) فرمود: کانت بنواسرائیل اذا قربت القربان تخرج نار تأکل قربان مَنْ قُبلَ منه . .. .

کافی، ج ۴، ص ۳۳۵، ح ۱۶

; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۱۷، ح ۴۶۲.

قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲ - ۱۰

۱۰ ماه های حرام ، قربانی های بی نشان و بانشان حج و نیز نشانه های قربانی ، از شعایر الهی

لاتحلوا شعر اللّه و لاالشهر الحرام و لاالهدی و لاالقلئد

بنابر اینکه امور یاد شده از باب ذکر خاص بعد از عام (شعر اللّه) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۸ - ۳،۱۲

۳ مخالفت با قربانی حج و احکام آن موجب عقاب شدید از سوی خداوند

و الشهر الحرام و الهدی و القلئد . .. اعلموا إنّ اللّه شدید العقاب

۱۲ شکنندگان حرمت کعبه و ماه های حرام و اعراض کنندگان از حکم قربانی نباید از رحمت و مغفرت الهی مأیوس باشند .

جعل اللّه الکعبه البیت الحرام . .. إنّ اللّه شدید العقاب و إنّ اللّه غفور رحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۶،۱۲

۶ - قربانی کردن پس از حضور در عرفات و مشعر ، از مناسک واجب حج

و یذکروا اسم اللّه . .. علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم

۱۲ - جواز قربانی کردن به هر یک از شتر ، گاو و گوسفند در مراسم حج

علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم

<أنعام> (جمع <نعم>) در اصل به معنای شتران است. لکن گاهی به مجموع شتر، گاو و گوسفند نیز گفته می شود. به

اعتقاد همه مفسران مراد از <أنعام> در این جا معنای دوم (مجموع شتر، گاو و گوسفند) می

باشـد. گفتنی است که <بهیمه> به معنـای چهارپـا و اضافه آن به انعام اضافه بیانیه است; یعنی، چهارپایی که عبارت است از شتر، گاو و گوسفند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۵ - ۳

۳- مسلمانان در جریان سفر حدیبیه ، مصمّم به زیارت خانه خدا و قربانی کردن هدی

و صدّوکم عن المسجد الحرام و الهدیَ معکوفًا أن یبلغ محلّه

قربانی حج در ادیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۴ - ۳

۳ - مراسم قربانی ، دارای زمان مشخص در هریک از ادیان آسمانی پیشین

و لکلّ أُمّه جعلنا منسکًا

قربانی در ادیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۳ - ۷

۷ تشریع قربانی در ادیان الهی

حتّی یاتینا بقربان تاکله النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۴ - ۱

۱ - تکلیف قربانی ، از احکام مشترک تمامی ادیان آسمانی

و لکلّ أُمّه جعلنا منسکًا

<مَنسک> مشتق از مصدر <نُسک> است. <نُسک>; یعنی، اظهار کردن طاعت و انقیاد خود به خدا، به وسیله قربانی کردن دام. بنابراین <منسک> در آیه یاد شده، می تواند مصدر میمی باشد; یعنی، ما برای هر امتی از امت های پیشین، عبادتی قرار دادیم که با قربانی کردن دام های خود به ما تقرب جویند. هم چنین می تواند اسم مکان باشد; یعنی، برای هر امتی محلی برای قربانی کردن قرار دادیم و نیز می تواند اسم زمان باشد; یعنی، برای هر امتی، زمانی برای انجام مراسم قربانی

مشخص ساختیم برداشت فوق، بر پایه احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۷ - ۱

۱ - قربانی کردن ، از مراسم عبادی در همه ادیان و شرایعت های الهی

لکلّ أُمّه جعلنا منسكًا هم ناسكوه

<منسك> مصـدر میمی و مرداف با <نُسْك> است. <نُسك> به عمل ذبـح کردن حیوان با قصـد تقرب به خدا، گفته می شود.

قربانی در امت های پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۷ - ۲

۲ - هر امتی از امت های گذشته موظف بودند مراسم قربانی را ، آن گونه که از سوی خدا مقرر شده ، برگزار کنند .

لکلّ أُمّه جعلنا منسكًا هم ناسكوه

جمله <هم ناسـكوه> در محـل نصب و صـفت است برای <منسـكاً> و جمله فوق انشـا در قـالب اخبار است; یعنی، هر امتی موظف بود آن منسـک را، آن گونه که مـا مقرر کردیم، انجام دهـد. گفتنی است که قیـد <هم ناسـكوه> متضـمن دسـتوری است از سوی خـدا به پیـامبر(ص) و بـالتبع به مسـلمانان که آنان نیز موظف انـد منسک خود را، آن گونه که خـدا مقرر کرده، انجام دهند.

قربانی در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۰ - ۱۲

۱۲ - آمیختگی مراسم حج و قربانی ، با مظاهر شرک و بت پرستی در عصر جاهلیت

و أُحلّت لكم الأنعم إلّا ما يتلى عليكم فاجتنبوا الرجس من الأوثن

قربانی در حج

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۱۹۶ – ۳،۵،۷،۸،۹،۱۳،۱۴،۲۸،۲۹،۳۱

۳ محصورِ

از حج و عمره ، بایـد برای خروج از احرام ، چهارپـایی (گـاو ، شتر یا گوسـفند) را که برای او میسور و آسان باشـد ، قربانی کند .

فان أحصرتم فما استیسر من الهدی

محصور، مُحرِمی است که به خاطر مرض و یا منع دشمن، نتواند اعمال حج و یا عمره را به پایان رساند.

۵ حرمت تراشیدن سر برای محصور ، قبل از رسیدن قربانی به قربانگاه

و لا تحلقوا رءوسکم حتی یبلغ الهدی مَحِلَّه

۷ ذبح و یا نحر قربانی ، باید در مکان مخصوصِ خود باشد .

حتی یبلغ الهدی مَحلّه

۸ مُحرمی که بیمار باشد و یا از ناحیه سَر در اذیّت است ، می تواند قبل از قربانی کردن ، سرش را بتراشد .

و لا تحلقوا رءوسکم . .. فمن کان منکم مریضاً

مراد از <مریض> به قرینه قسیمش (او به اذیً من رأسه)، مرضـی است که مداوای آن در گرو تراشیدن سـر است. و مراد از <به اذیً>، آزاری است که از غیر ناحیه مرض، همانند وجود حشرات، در موهای مُحرم باشد.

۹ مرض ، موجب تخفیف در تکلیف

فمن کان منکم مریضاً او به اذیً من رأسه ففدیه

۱۳ وجوب قربانی در حج تمتّع

فمن تمتّع . .. فما استیسر من الهدی

۱۴ وجوب روزه به مدّت سه روز در حج و هفت روز پس از بازگشت (ده روز کامل) ، برای فاقد قربانی

فمن لم یجد فصیام ثلثه ایام فی الحج و سبعه . .. تلک عشره کامله

۲۸ اقلّ قربانی ، یک گوسفند است .

فما استیسر من الهدی

امام رضا (ع): <فما استیسر من الهدی> یعنی شاه.

عیون اخبار الرضا (ع)،

ج ۲، ص ۱۲۰، ح ۱، نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۸۵، ح ۶۶۰.

۲۹ کفاره تراشیدن سر قبل از قربانی ، سه روز روزه و یا صدقه به شش مسکین و یا قربانی کردن یک گوسفند است .

فمن کان منکم مریضاً . .. او صدقه او نسک

امام صادق (ع): . .. و جعل الصیام ثلاثه ایام و الصدقه علی ستّه مساکین لکل مسکین مدّین و النّسک شاه ...

کافی، ج ۴، ص ۳۵۸، ح ۲ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۸۷، ح ۶۶۴ و ۶۶۶.

۳۱ حد وجوب قربانی در حج ، سهل و میسور بودن آن است .

فمن تمتع . .. فما استیسر من الهدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۹ - ۱

۱ - وجوب تقصیر و بیرون آمدن از احرام ، پس از انجام مراسم قربانی

و یذکروا اسم اللّه . .. ثمّ لیقضوا تفثهم

<قضاء> (مصدر <یقضون>) به معنای بریدن و جدا کردن است. <تفث>; یعنی، غبار و چرکی که بر بدن می نشیند. بنابراین <ثمّ لیقضوا تفثهم>;یعنی، حاجیان پس از انجام مراسم قربانی، با تراشیدن سر و گرفتن ناخن که به خاطر محرم بودن، نمی توانستند انجام دهند خود را تمیز کنند و این کنایه از بیرون شدن از احرام است.

قربانی فرزند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۰ - ۳

۳ کشتن فرزند (به عنوان قربانی) و تحریم روزیهای الهی، نشانه بارز زیانکاری است.

قد خسر الذین . .. و حرموا ما رزقهم الله

قربانی فرزند برای بتها

آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۳۷ – ۱

۱ فرزند کشی و قربانی برای شریکان پنداری خداوند، از سنتهای زشت مشرکان عصر جاهلیت بوده است.

ساء ما یحکمون. و کذلک زین لکثیر من المشرکین قتل أولدهم

در آیه شریفه تزیین کشتن فرزندان به <شرکاء> نسبت داده نشده، لذا محتمل است مراد قربانی کردن فرزندان برای بتها باشد، گر چه اعراب جاهلی به انگیزه های دیگری نیز، مانند فقر، عار از دختر داشتن و . .. فرزندان خود را می کشتند.

قربانی فرزند در جاهلیت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۴۰ – ۱

۱ کشتن فرزندان (به عنوان قربانی) و تحریم روزیهای خداوند از سنتهای مشرکان عصر جاهلیت

قد خسر الذین قتلوا أولدهم سفها بغیر علم

قربانی فرزندان آدم(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۲۷ – ۱۱

۱۱ هر یک از فرزندان آدم ، آگاه به پذیرش و یا رد قربانی خود و برادر خویش

قال لاقتلنک قال انما یتقبل اللّه من المتقین

جمله <انما یتقبل اللّه> و نیز تصمیم قابیل برای کشتن هابیل می رساند هر یک از آن دو متوجه پذیرش و رد قربانی خویش شدند. بسیاری از مفسران برآنند که قربانی هابیل با آتشی از غیب بسوخت. و سوختن قربانی نشانه پذیرش آن بوده است.

قربانی قابیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۲۷ – ۱،۳،۴،۶،۷،۹،۳۱

۱ داستان قربانی پسران حضرت آدم (ع) (هابیل و قابیل) ، داستانی پرفایده ، عبرت آموز و شایان ذکر

و

اتل علیهم نبأ ابنی ءادم بالحق

آگاه نبودن قابیل از کیفیت دفن جسد هابیل، بیانگر این است که آنها از اولین انسانها بوده اند. بنابراین مراد از <آدم>، آدم ابوالبشر(ع) است و بنا به گفته مفسران، مقصود از فرزندان او، هابیل و قابیل هستند. گفتنی است که <نبأ> به خبری گفته می شود که دارای فایده بسیار باشد.

۳ دو قربانی تقدیم شده از سوی هابیل و قابیل از یک نوع و از یک جنس بود . *

اذ قربا قرباناً

مفرد آوردن کلمه <قرباناً> علی رغم اینکه هر کدام جداگانه هدیه ای را قربانی کردند می تواند اشاره به این باشد که آن دو قربانی از یک جنس بوده است.

۴ پیامبر (ص) موظف به نقل صحیح داستان قربانی هابیل و قابیل برای اهل کتاب

و اتل علیهم نبأ ابنی ءادم بالحق

با توجه به آیات پیشین که درباره اهل کتاب بود، معلوم می شود که مراد از ضمیر در <علیهم>، اهل کتاب هستند.

۶ ماجرای قربانی هابیل و قابیل ، ماجرایی واقعی ، نه افسانه و سمبلیک

و اتل علیهم نبأ ابنی ءادم بالحق

در برداشت فوق <بالحق> توصیف <نبأ> گرفته شده است. یعنی داستان فرزندان آدم، داستانی واقعی است.

۷ داستان قربانی فرزندان آدم ، به گونه ای که در قرآن بیان شده ، گزارشی واقعی و به دور از هرگونه باطل

و اتل علیهم نبأ ابنی ءادم بالحق

در برداشت فوق <بالحق> متعلق به <اتل> گرفته شده است.

۹ تنها قربانی یکی از دو فرزند آدم ، مقبول درگاه خداوند قرار گرفت .

فتقبل من احدهما و لم یتقبل من الاخر

۳۱ فرمان حضرت آدم (ع

) به هابیل و قابیل برای قربانی کردن به درگاه خدا

اذ قربا قرباناً

از امام باقر(ع) روایت شده: . .. ان آدم امر هابیل و قابیل ان یقربا قرباناً ... و هو قول اللّه عزوجل: <و اتل علیهم نبأ ابنی ءادم...>.

کافی، ج ۸، ص ۱۱۳، ح ۹۲; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۵۸، ح ۱.

قربانی کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۵ - ۸

۸ جریمه و سزای شکار در حال احرام و یا در حرم مکه (شتر ، گاو و یا گوسفند) باید به آستان کعبه تقدیم شود .

فجزاء مثل ما قتل . .. هدیاً بلغ الکعبه

قربانی کفّاره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۶ - ۱۰

۱۰ روزه یا صدقه و یا قربانی ، فدیه (کفاره) تراشیدن سر قبل از قربانی ، برای مُحرِم معذور

فمن کان منکم . .. ففدیه من صیام او صدقه او نُسُک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۵ - ۹،۲۷

۹ اطراف کعبه ، تنها مکان مجاز برای قربانی کردن کفاره صید

هدیاً بلغ الکعبه

برداشت فوق را فرمایش منقول از امام صادق(ع) تأییـد می کنـد که فرمود: من وجب علیه هـدی فی احرامه فله ان ینحره حیث شاء الا فداء الصید فان اللّه یقول <هدیاً بالغ الکعبه>.

کافی، ج ۴، ص ۳۸۴، ح ۲; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۵۰۴، ح ۱۴.

۲۷ کفّاره صید در حال احرام ، قربانی و در صورت ناتوانی از آن ، انفاق قیمت آن

و در حال عدم تمکن از قیمت ، روزه می باشد .

فجزاء مثل ما قتل من النعم . .. او کفره طعام مسکین او عدل ذلک صیاماً

از امام صادع(ع) در توضیح آیه فوق روایت شده: من اصاب صیداً وهو محرم فاصاب جزاء مثله من النعم اهداه و ان لم یجد هدیاً کان علیه ان یتصدق بثمنه واما قوله < اوعدل ذلک صیاماً > یعنی عدل الکفاره اذا لم یجد الفدیه ولم یجد الثمن.

دو روایت مدرک برداشت شماره ۱۰ و ۲۷ با هم معارض و حلّ تعارض بین آن دو موکول به اجتهاد است.

دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۳۰۷; بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۱۶۱، ح ۶۵.

قربانی محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کوثر - ۱۰۸ - ۲ - ۱۱

۱۱ - برگزیدن گران بهاترین حیوان اهلی (شتر) برای قربانی ، واکنشی بایسته از سوی پیامبر (ص) ، در سپاس گزاری از کوثر عطا شده به آن حضرت

إنّا أعطینک الکوثر . .. وانحر

قربانی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۳ - ۴

۴ - مشرکان ذبایحی را برای بت ها و به نام آنها قربانی می کردند .

و ما أهل به لغیر اللّه

آوردن فعل ماضی <أهل> حکایت از وقوع ذبح برای غیر خدا و به نام غیر او داشته و به ذبح حیوانات برای بتها و به نام آنها - که در جاهلیت مرسوم بوده - اشاره دارد.

قربانی هابیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۲۷ – ۱،۳،۴،۶،۷،۹،۳۱

۱ داستان

قربانی پسران حضرت آدم (ع) (هابیل و قابیل) ، داستانی پرفایده ، عبرت آموز و شایان ذکر

و اتل علیهم نبأ ابنی ءادم بالحق

آگاه نبودن قابیل از کیفیت دفن جسد هابیل، بیانگر این است که آنها از اولین انسانها بوده اند. بنابراین مراد از <آدم>، آدم ابوالبشر(ع) است و بنا به گفته مفسران، مقصود از فرزندان او، هابیل و قابیل هستند. گفتنی است که <نبأ> به خبری گفته می شود که دارای فایده بسیار باشد.

۳ دو قربانی تقدیم شده از سوی هابیل و قابیل از یک نوع و از یک جنس بود . *

اذ قربا قرباناً

مفرد آوردن کلمه <قرباناً> علی رغم اینکه هر کدام جداگانه هدیه ای را قربانی کردند می تواند اشاره به این باشد که آن دو قربانی از یک جنس بوده است.

۴ پیامبر (ص) موظف به نقل صحیح داستان قربانی هابیل و قابیل برای اهل کتاب

و اتل علیهم نبأ ابنی ءادم بالحق

با توجه به آیات پیشین که درباره اهل کتاب بود، معلوم می شود که مراد از ضمیر در <علیهم>، اهل کتاب هستند.

۶ ماجرای قربانی هابیل و قابیل ، ماجرایی واقعی ، نه افسانه و سمبلیک

و اتل علیهم نبأ ابنی ءادم بالحق

در برداشت فوق <بالحق> توصیف <نبأ> گرفته شده است. یعنی داستان فرزندان آدم، داستانی واقعی است.

۷ داستان قربانی فرزندان آدم ، به گونه ای که در قرآن بیان شده ، گزارشی واقعی و به دور از هرگونه باطل

و اتل علیهم نبأ ابنی ءادم بالحق

در برداشت فوق <بالحق> متعلق به <اتل> گرفته شده است.

۹ تنها قربانی یکی از دو فرزند

آدم ، مقبول درگاه خداوند قرار گرفت .

فتقبل من احدهما و لم يتقبل من الاخر

۳۱ فرمان حضرت آدم (ع) به هابيل و قابيل براى قربانى كردن به درگاه خدا

اذ قربا قرباناً

از امام باقر(ع) روايت شده: . .. ان آدم امر هابيل و قابيل ان يقربا قرباناً ... و هو قول اللّه عزوجل: <و اتل عليهم نبأ ابنى ءادم...>.

كافى، ج ۸، ص ۱۱۳، ح ۹۲; تفسير برهان، ج ۱، ص ۴۵۸، ح ۱.

كيفيت قربانى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۷ - ۳

۳ - مسلمانان ، موظف به انجام مراسم قربانى ، آن گونه كه از سوى خدا مقرر شده است .

لكلّ أُمّه جعلنا منسكًا هم ناسكوه

گاو قربانى حج

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۴ - ۶

۶ - جواز قربانى كردن به هر يك از شتر ، گاو و گوسفند

على ما رزقهم من بهيمه الأنعم

<أنعام> (جمع <نعم>) در اصل به معناى شتران است. لكن گاهى براى مجموع شتر، گاو و گوسفند به كار مى رود. به اعتقاد همه مفسران، مقصود از <أنعام> در اين جا، معناى دوم (مجموع شتر، گاو و گوسفند) است . گفتنى است كه <بهيمه> به معناى چهارپا و اضافه آن به <أنعام> بيانيه است; يعنى، چهارپايى كه عبارت است از شتر، گاو و گوسفند.

گوسفند قربانی حج

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۳۴ – ۶

۶ – جواز قربانی کردن به هر یک از شتر ، گاو و گوسفند

علی ما رزقهم من

بهیمه الأنعم

<أنعام> (جمع <نعم>) در اصل به معنای شتران است. لکن گاهی برای مجموع شتر، گاو و گوسفند به کار می رود. به اعتقاد همه مفسران، مقصود از <أنعام> در این جا، معنای دوم (مجموع شتر، گاو و گوسفند) است . گفتنی است که <بهیمه> به معنای چهارپا و اضافه آن به <أنعام> بیانیه است; یعنی، چهارپایی که عبارت است از شتر، گاو و گوسفند.

گوشت قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۱۶،۱۷

۱۶ - جواز استفاده حج گزاران از گوشت قربانی

فکلوا منها

۱۷ - لزوم اطعام مستمندان تنگدست از گوشت قربانی در حج

و أطعموا البائس الفقیر

گوشت قربانی در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۶ - ۱۱

۱۱ - حرمت استفاده از گوشت قربانی ، پندار عرب عصر جاهلیت

فإذا وجبت جنوبها فکلوا منها

محل قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۵ - ۹

۹ اطراف کعبه ، تنها مکان مجاز برای قربانی کردن کفاره صید

هدیاً بلغ الکعبه

برداشت فوق را فرمایش منقول از امام صادق(ع) تأییـد می کنـد که فرمود: من وجب علیه هـدی فی احرامه فله ان ینحره حیث شاء الا فداء الصید فان اللّه یقول <هدیاً بالغ الکعبه>.

کافی، ج ۴، ص ۳۸۴، ح ۲; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۵۰۴، ح ۱۴.

مشرکان صدر اسلام و قربانی مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۷ - ۴

۴ - مراسم قربانی مسلمانان ، مورد اعتراض ستیزه جویانه

مشرکان صدراسلام

لکلّ أُمّه جعلنا منسکًا هم ناسکوه فلاینزعنّک فی الأمر

<نزاع> (مصدر <ینازعون>) به معنای مخاصمه و ستیزه جویی است. ضمیر فاعل در <لاینازعنّك> به مشرکان بازمی گردد و <ال> در <فی الأمر>، عوض از مضاف الیه و به تقدیر <فی أمر المنسک> می باشد; یعنی، مشرکان در مسأله قربانی، نباید با تو به ستیزه جویی برخیزند.

ممانعت از قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۵ - ۱

۱- مذمّت خداوند از کفر مشرکان ، و جلوگیری آنان از ورود مؤمنان به مسجدالحرام و قربانی کردن

هم الذین کفروا و صدّوکم عن المسجدالحرام و الهدیَ معکوفًا

منازعه درباره قربانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۷ - ۵

۵ - خداوند ، مشرکان را از درگیری و ستیزه جویی با پیامبر (ص) در امر قربانی به شدت برحذر داشت .

فلاینزعنّک فی الأمر

نحر شتر قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۶ - ۸،۹

۸ - لزوم به صف کردن شتران قربانی و نحر هم زمان آنها ، همراه ذکر نام خدا

فاذکروا اسم اللّه علیها صوافّ

<صوافّ> جمع <صافه> حال از ضمیر <علیها> و از مصدر <صفّ> (گروهی را در کنار هم و در یک امتداد مستقیم

به نظم در آوردن) مشتق شده است; یعنی، پس نام خدا را بر شتران (به هنگام نحر کردن آنها) در حالی که در امتداد مستقیم به نظم درآمدند ببرید.

۹ - لزوم بستن دست ها و پا های شتران قربانی ، به هنگام نحر کردن آنها

فاذکروا

اسم اللّه علیها صوافّ

با توجه به این که هنگام نحر کردن شتر برای این که بر اثر وارد شدن فشار کارد فرار نکند، ابتدا دستها و پاهایش را کنار هم قرار می دهند و دور آنها را طناب می پیچند و سپس آن را نحر می کنند <صوافّ> را می توان چنین معنا کرد: در حالی که دستها و پاهایشان را کنار هم قرار دادید و با طناب بستید آنها را نحر کنید.

نشانه گذاری قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۲ - ۴

۴ - لزوم نشانه گذاری روی دام هایی که به منظور قربانی در مراسم حج ، برده می شود .

و من یعظّم شعئر اللّه

تسمیه دام های قربانی به <شعائر> می تواند دربردارنده توصیه ای باشد به صاحبان آنها که باید دام ها را نشانه گذاری کنند تا همگان بدانند که آنها مربوط به خدا هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۶ - ۵

۵ - لزوم نشانه گذاری شترانی که حاجیان جهت قربانی به همراه خود می برند .

و البدن جعلنها لکم من شعئر اللّه

این سخن خدا که: <ما شتران قربانی را شعائر و نشانه های دینی قرار دادیم> می تواند دربردارنده این توصیه باشد که حاجیان نیز باید شتران را به منظور این که آنها از دیگر شتران ممتاز باشند، نشانه گذاری کنند.

وقت ذبح قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۳ - ۲

۲ - مراسم قربانی ، دارای زمانی معین است .

لكم

فیها منفع إلی أجل مسمًّی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۴ - ۳

۳ - مراسم قربانی ، دارای زمان مشخص در هریک از ادیان آسمانی پیشین

و لکلّ أُمّه جعلنا منسکًا

وقت قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۹

۹ - انجام تکلیف قربانی ، موقوف به زمانی خاص و معین (دهم تا سیزدهم ذی حجه)

و یذکروا اسم اللّه فی أیّام معلومت علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم

براساس روایاتی که از اهل بیت(ع) وارد شده است، مراد از <أیام معلومات>، ایام تشریق (دهم تاسیزدهم) ذی حجه است.

هتک قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲ - ۵،۶

۵ هتک حرمت ماه های حرام ، هَدْی (قربانی بی نشان حج) و قلائد (قربانی با نشان حج) ، حرام و گناه است .

لاتحلوا . .. و لاالشهر الحرام و لاالهدی و لاالقلئد

<قلائد> جمع قلاده به معنای گردنبند است و مراد از آن گوسفند، شتر و گاوی است که به منظور قربانی کردن در حج، علامتی را بر گردن آن می آویزند. و لفظ <الشهر الحرام> اگر چه مفرد است ولی مراد از آن جنس است. بنابراین شامل تمامی ماههای حرام می شود.

۶ هتک حرمت علامت های ویژه قربانی حج ، حرام و گناه است .

و لاتحلوا . .. و لاالقلئد

بنابر اینکه مراد از <قلائد>، خود علامت باشد، نه حیوان دارای علامت.

قرض از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

قرض

آثار قرض به خدا

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۷ - ۷

۷ - قرض به خداوند (انفاق) ، موجب جلب آمرزش او است .

إن تقرضوا اللّه قرضًا حسنًا . .. یغفر لکم

آداب قرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۲ - ۱۷،۱۸

۱۷ قرض به خدا (انفاق) ، باید قرضی نیکو باشد .

و اقرضتم اللّه قرضاً حسناً

بنابر اینکه <قرضاً> مفعول مطلق باشد. در این صورت <حسناً> بیانگر چگونگی پرداخت انفاق است، یعنی انفاق را به نحو نیک پرداخت کنید. مثلا منّت نگذارید و ریا نکنید و ... .

۱۸ قرض به خدا (انفاق) ، باید از چیز های نیک باشد .

و اقرضتم اللّه قرضاً حسناً

<قرض> وامی است که به دیگری پرداخت می شود. (لسان العرب). بر اساس این معنی، <قرضاً> مفعول به است و <حسناً> توصیف چیزی خواهد بود که مورد انفاق قرار می گیرد.

احکام قرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۹ - ۱۸

۱۸ گرفتن وام بدون توان بازپرداخت آن ، تصرف نابجا در اموال دیگران است .

لا تاکلوا اموالکم بینکم بالباطل

امام صادق (ع) بعد از تلاوت آیه فوق فرمود: . .. و لا یستقرض علی ظهره الّا و عنده وفاء ... .

کافی، ج ۵، ص ۹۵، ح ۲ ; تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۳۶، ح ۱۰۱.

ارزش قرض به خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۱۱ – ۳

۳ – قرض دادن به خداوند ، قرضی نیکو و با

ارزش است .

من ذا الذی یقرض اللّه قرضًا حسنًا

وصف <حسناً> می تواند قید تخصیصی و یا قید توضیحی باشد. برداشت یاد شده بر پایه احتمال دوم است.

اهمیت قرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۷ - ۷

۷ - < قال أبوعبداللّه (ع) . . . قوله عزّوجلّ < و یمنعون الماعون > قال : هو القرض یُقْرِضُه و المعروف یصطنعه و متاع البیت یعیره و منه الزکاه ;

امام صادق(ع) [درباره] سخن خدای عزّوجلّ <و یمنعون الماعون> فرمود: ماعون، قرضی است که [انسان] به دیگری می دهد و کار نیکی است که [درباره دیگران]انجام می دهد و وسایل خانه است که عاریه می دهد و از [مصادیق] ماعون، زکات است>.

پاداش اخروی قرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۵ - ۱۶

۱۶ پاداش الهی به انفاق کنندگان در دنیا و آخرت

فیضاعفه له اضعافاً . .. و الیه ترجعون

<الیه ترجعون>، اشاره به پاداش الهی است در آخرت; بنابراین <فیضاعفه> بیانگر پاداش الهی در دنیاست.

پاداش اخروی قرض به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۱ - ۵،۱۰

۵ - خداوند ، در قبال وامی که مؤمنان به او می دهند (انفاق در راه او) ، دو پاداش می دهد : پاداشی در دنیا و پاداشی در

آخرت .

من ذا الذی یقرض اللّه . .. فیضعفه له و له أجر کریم

برداشت یاد شده بدان احتمال است که جمله <فیضاعفه له>، ناظر به پاداش دنیوی و جمله <و

له أجر كريم> ناظر به پاداش اخروى باشد.

۱۰ - خداونـد ، در برابر قرض الحسـنه اى كه مؤمنـان به او مى دهنـد ، علاوه بر بـازپس دادن چنـد برابر آن در دنيا ، پاداشـى نفيس و گران سنگى نيز در آخرت به ايشان خواهد داد .

من ذا الذى يقرض اللّه . .. فيضعفه له و له أجر كريم

واژه <كريم> در هر مقامى، معنايى متناسب با همان مقام دارد. در اين جا به معناى عظيم، نفيس و گران سنگ است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - حديد - ۵۷ - ۱۲ - ۱

۱ - قيامت ، روز پاداش دهى خداوند به وام دهندگان خود (كسانى كه با انفاق در راه خدا به او قرض الحسنه دادند) .

من ذا الذى يقرض اللّه . .. و له أجر كريم . يوم ترى المؤمنين

<يـوم> در <يـوم ترى>، مربـوط بـه <لـه أجر كريـم> در آيـه پيش اسـت; يعنى، خداونـد، پـاداش نفيس خـود را بـه وام دهندگان خويش در روزى مى دهد كه. .. . گفتنى است كه مراد از <يوم ترى> روز قيامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - حديد - ۵۷ - ۱۸ - ۷،۱۱

۷ - خداوند ، در قبال وامى كه مؤمنان به او مى دهند (در راه او صدقه مى دهند) ، دو پاداش (پاداشـى در دنيا و پاداشـى در آخرت) عطا مى كند .

و أقرضوا اللّه قرضًا حسنًا يضعف لهم و لهم أجر كريم

برداشت ياد شده بدان احتمال است كه جمله <فيضاعف لهم>، ناظر به پاداش دنيوى و جمله <و لهم

أجر كريم> ناظر به پاداش اخروی باشد.

۱۱ - خداونـد ، در برابر قرض الحسـنه که مؤمنـان به او می دهنـد علاوه بر باز پس دادن چنـد برابر آن در دنیا پاداش نفیس و گران سنگی نیز در آخرت به ایشان عطا خواهد کرد .

إنّ المصّدّقین . .. و أقرضوا اللّه ... و لهم أجر کریم

واژه <کریم>، در هر مورد معنایی متناسب با همان جا دارد و در این جا به معنای عظیم، نفیس و گران سنگ است.

پاداش دنیوی قرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۵ - ۱۶

۱۶ پاداش الهی به انفاق کنندگان در دنیا و آخرت

فیضاعفه له اضعافاً . .. و الیه ترجعون

<الیه ترجعون>، اشاره به پاداش الهی است در آخرت; بنابراین <فیضاعفه> بیانگر پاداش الهی در دنیاست.

پاداش دنیوی قرض به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۱ - ۵،۱۰

۵ - خداونـد ، در قبال وامی که مؤمنان به او می دهنـد (انفاق در راه او) ، دو پاداش می دهـد : پاداشـی در دنیا و پاداشـی در آخرت .

من ذا الذی یقرض اللّه . .. فیضعفه له و له أجر کریم

برداشت یاد شده بدان احتمال است که جمله <فیضاعفه له>، ناظر به پاداش دنیوی و جمله <و له أجر کریم> ناظر به پاداش اخروی باشد.

۱۰ - خداونـد ، در برابر قرض الحسـنه ای که مؤمنـان به او می دهنـد ، علاوه بر بـازپس دادن چنـد برابر آن در دنیا ، پاداشـی نفیس و گران سنگی نیز در آخرت به ایشان خواهد

داد .

من ذا الذى يقرض اللّه . .. فيضعفه له و له أجر كريم

واژه <كريم> در هر مقامى، معنايى متناسب با همان مقام دارد. در اين جا به معناى عظيم، نفيس و گران سنگ است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - حديد - ۵۷ - ۱۸ - ۷،۹،۱۱

۷ - خداوند ، در قبال وامى كه مؤمنان به او مى دهند (در راه او صدقه مى دهند) ، دو پاداش (پاداشى در دنيا و پاداشى در آخرت) عطا مى كند .

و أقرضوا اللّه قرضًا حسنًا يضعف لهم و لهم أجر كريم

برداشت ياد شده بدان احتمال است كه جمله <فيضاعف لهم>، ناظر به پاداش دنيوى و جمله <و لهم أجر كريم> ناظر به پاداش اخروى باشد.

۹ - خداوند ، در دنيا حداقل دو برابر مقدار وامى كه مؤمنان به او مى دهند (در راه او صدقه مى پردازند) ، به آنان بازمى گرداند .

و أقرضوا اللّه قرضًا حسنًا يضعف لهم

<مضاعفه> (مصدر <يضاعف>) به دو چندان كردن و بالاتر از آن (چند و چندين برابر نمودن) اطلاق مى شود (مفردات راغب).

۱۱ - خداوند ، در برابر قرض الحسنه كه مؤمنان به او مى دهند علاوه بر باز پس دادن چند برابر آن در دنيا پاداش نفيس و گران سنگى نيز در آخرت به ايشان عطا خواهد كرد .

إنّ المصّدّقين . .. و أقرضوا اللّه ... و لهم أجر كريم

واژه <كريم>، در هر مورد معنايى متناسب با همان جا دارد و در اين جا به معناى عظيم، نفيس و گران سنگ است.

پاداش قرض

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۵ - ۵

۵ قرض دهندگان به خداوند با جان و مال ، از پاداش مُضاعف الهی بهره مندند .

من ذا الذی یقرض اللّه . .. فیضاعفه له اضعافاً کثیرهً

پاداش قرض به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۱ - ۵،۷

۵ - خداوند ، در قبال وامی که مؤمنان به او می دهند (انفاق در راه او) ، دو پاداش می دهد : پاداشی در دنیا و پاداشی در آخرت .

من ذا الذی یقرض اللّه . .. فیضعفه له و له أجر کریم

برداشت یاد شده بدان احتمال است که جمله <فیضاعفه له>، ناظر به پاداش دنیوی و جمله <و له أجر کریم> ناظر به پاداش اخروی باشد.

۷ - خداوند ، در دنیا حداقل دو برابر مقدار وامی را که مؤمنان به او می دهند (در راه او انفاق می کنند) ، به آنان بازمی گرداند .

من ذا الذی یقرض اللّه . .. فیضعفه له

<مضاعفه> (مصدر <یضاعف>) به دو چندان کردن و بالاتر از آن گفته می شود (مفردات راغب).

تشبیه به قرض الحسنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۲۶

۲۶ - انفاق و صدقه ، به منزله قرض و وام دادن به خداوند است .

و أقرضوا اللّه

دعوت به قرض الحسنه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۱۴ – ۱۲

۱۲ گفتگوی محرمانه در مورد توصیه به قرض الحسنه ،

کاری پسندیده و شایسته

لا خیر فی کثیر من نجویهم الا من امر بصدقه او معروف

امام صادق(ع) در مورد <معروف> در آیه فوق فرمود: یعنی بالمعروف القرض.

کافی، ج ۴، ص ۳۴، ح ۳; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۴۹، ح ۵۵۸.

شرایط قرض به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۷ - ۱۰

۱۰ - قرض به خداوند (انفاق) ، باید بدون چشم داشت مادی از دیگران باشد .

إن تقرضوا اللّه قرضًا حسنًا . .. و اللّه شکور حلیم

خداوند برای انفاق، پاداش مضاعف و غفران خویش را مقرر فرموده و سپاسداری خود را یادآور شده است. از این مطلب می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

قرض با ارزش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۷ - ۲

۲ - قرض دادن به خدا ، قرضی نیکو و با ارزش در نزد او

إن تقرضوا اللّه قرضًا حسنًا

وصف <حسناً> می تواند توضیحی و یا تخصیصی باشد. برداشت یاد شده، برپایه احتمال اول است.

قرض به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۵ - ۱۷،۱۶،۱۵،۱۳،۱۲،۵،۳،۲،۱

۱ پیکار در راه خدا ، قرض شایسته بندگان به او *

و قاتلوا . .. من ذا الذی یقرض اللّه قرضاً حسناً

۲ تأمین تدارکات پیکار در راه خدا ، قرض شایسته مسلمانان به او

و قاتلوا . .. من ذا الذی یقرض اللّه قرضاً حسناً

۳- انفاق در راه خدا ، قرض شایسته بندگان به او

من ذا الذی یقرض اللّه قرضاً حسناً

مراد از <قرض> در آیه شریفه،

انفاق در راه خداوند است. بنابراین انفاق در راه خدا، همان قرض دادن به اوست.

۵ قرض دهندگان به خداوند با جان و مال ، از پاداش مُضاعف الهی بهره مندند .

من ذا الذی یقرض اللّه . .. فیضاعفه له اضعافاً کثیرهً

۱۲ ایمان به < قبض > و < بسط > الهی ، برانگیزنده آدمی به انفاق

و اللّه یقبض و یبصط

۱۳ بقای آنچه به خداوند قرض داده می شود و بازگشت چندین برابر آن به آدمی

من ذا الّذی یقرض اللّه . .. فیضاعفه له اضعافاً کثیرهً

مُراد از ضمیر مفعولی در <یضاعفه> قرض است; یعنی آن مالی که قرض داده شود، چندین برابر شده و به او باز پس داده می شود; بنابراین باید آن مال باقی باشد.

۱۵ ایمان به بازگشت و رجعت آدمی به سوی خداوند ، برانگیزاننده انسان ها به پیکار در راه او و انفاق

و قاتلوا فی سبیل اللّه . .. من ذا الّذی یقرض اللّه ... و الیه ترجعون

۱۶ پاداش الهی به انفاق کنندگان در دنیا و آخرت

فیضاعفه له اضعافاً . .. و الیه ترجعون

<الیه ترجعون>، اشاره به پاداش الهی است در آخرت; بنابراین <فیضاعفه> بیانگر پاداش الهی در دنیاست.

۱۷ صِله و کمکٔ مالی به امام مسلمین ، از مصادیق قرض به خداوند است .

من ذا الّذی یقرض اللّه قرضاً

امام کاظم (ع) درباره آیه <من ذا الّذی . .. > فرمود: نزلت فی صله الإمام

کافی، ج ۱، ص ۵۳۷، ح ۴ ; تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۳۱، ح ۴۳۵.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۲ – ۱۹،۱۸،۱۷

۱۷

قرض به خدا (انفاق) ، باید قرضی نیکو باشد .

و اقرضتم اللّه قرضاً حسناً

بنابر اینکه <قرضاً> مفعول مطلق باشد. در این صورت <حسناً> بیانگر چگونگی پرداخت انفاق است، یعنی انفاق را به نحو نیک پرداخت کنید. مثلا منّت نگذارید و ریا نکنید و ... .

۱۸ قرض به خدا (انفاق) ، باید از چیز های نیک باشد .

و اقرضتم اللّه قرضاً حسناً

<قرض> وامی است که به دیگری پرداخت می شود. (لسان العرب). بر اساس این معنی، <قرضاً> مفعول به است و <حسناً> توصیف چیزی خواهد بود که مورد انفاق قرار می گیرد.

۱۹ انفاق در راه خدا ، قرض دادن به اوست .

و اقرضتم اللّه قرضاً حسناً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۱۱ – ۱،۲،۹

۱ – انفاق در راه خداوند ، قرض دادن به او است .

و ما لکم ألاّتنفقوا فی سبیل اللّه . .. من ذا الذی یقرض اللّه قرضًا حسنًا

خداوند در آیه قبل، آنانی را که از انفاق در راه او کوتاهی می کنند، مورد نکوهش قرار داده است. در این آیه نیز مؤمنان را فرامی خواند که با انفاق خویش، به خدا قرض بدهند.

۲ – خداوند ، مردم را به قرض دادن به او (انفاق کردن در راه او) فرا می خواند .

من ذا الذی یقرض اللّه قرضًا حسنًا

۹ – انفاق در راه جهاد (تلاش برای رفع نیازمندی های جبهه و جنگ) ، قرض الحسنه به خداوند است .

و ما لکم ألاّتنفقوا فی سبیل اللّه . .. یقرض اللّه قرضًا حسنًا

با توجه به ارتباط

آیه شریفه با آیه قبل و با توجه به این که مراد از انفاق در آیه قبل، برطرف کردن نیاز جبهه و جنگ می باشد; مصداق مورد نظر از <قرض الحسنه> در این جا، انفاق در جبهه و جنگ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۸ - ۴،۵

۴ - صدقه و انفاق در راه خداوند ، قرض دادن به او محسوب می شود .

إنّ المصّدّقین . .. و أقرضوا اللّه

جمله <و أقرضوا اللّه>، عطف تفسیری و بیانگر حقیقت صدقه و انفاق است. آن این که کسانی که با صدقات خود، احتیاج نیازمندان را برطرف می کنند، در واقع به خدا وام می دهند.

۵ - وام دادن به خداوند (صدقه و انفاق در راه او) ، قرضی نیکو و بس با ارزش است .

و أقرضوا اللّه قرضًا حسنًا

وصف <حسناً>، می تواند قید توضیحی و یا قید تخصیصی باشد. برداشت یاد شده بر پایه احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۷ - ۱،۲،۴

۱ - انفاق در راه خداوند ، قرض دادن به او است .

إن تقرضوا اللّه قرضًا حسنًا

۲ - قرض دادن به خدا ، قرضی نیکو و با ارزش در نزد او

إن تقرضوا اللّه قرضًا حسنًا

وصف <حسناً> می تواند توضیحی و یا تخصیصی باشد. برداشت یاد شده، برپایه احتمال اول است.

۴ - قرض به خدا (انفاق) ، موجب بهره مندی از سود و پاداش مضاعف الهی است .

إن تقرضوا اللّه قرضًا حسنًا یضعفه لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۹ – مزمل – ۷۳ – ۲۰ – ۲۶،۲۹

۲۶ – انفاق و صدقه ، به منزله قرض و وام دادن به خداوند است .

و أقرضوا اللّه

۲۹ – زکات ، قرض دادن به خداوند است .

و ءاتوا الزکوه و أقرضوا اللّه قرضًا حسنًا

مفسران احتمال هایی درباره قرض به خدا مطرح کرده اند; که یکی از آنها زکات است و مقصود این است که باید به بهترین وجهی پرداخت شود.

قرض نیکو

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – تغابن – ۶۴ – ۱۷ – ۲

۲ – قرض دادن به خدا ، قرضی نیکو و با ارزش در نزد او

إن تقرضوا اللّه قرضًا حسنًا

وصف <حسناً> می تواند توضیحی و یا تخصیصی باشد. برداشت یاد شده، برپایه احتمال اول است.

مراد از قرض به خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۱۸ – ۱۲

۱۲ – < عن أبی عبداللّه (ع) قال إنّ اللّه عزّوجلّ . . .فرض فی أموال الأغنیاء حقوقاً غیر الزکاه فقال عزّوجلّ : < . . .أقرضوا اللّه قرضاً حسناً > و هذا غیر الزکاه . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده که خدای عزّوجلّ . ..در اموال صاحبان ثروت، حقی غیر زکات واجب نموده... و فرموده است: <...أقرضوا اللّه قرضاً حسناً> و این <قرض حسن> غیر از زکات است...>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۵۱

۵۱ - < عن سَماعه قال : سألته عن قول اللّه : < و أقرضوا اللّه قرضاً حسناً > قال : هو غيرُ الزّكاه ;

سماعه

می گوید: از امام(ع) درباره سخن خداوند: <و أقرضوا اللّه قرضاً حسناً> سؤال کردم; فرمود: این[_قرض حسن]غیر از زکات است>.

قرض الحسنه

{قرض الحسنه}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۱ - ۳

۳ - قرض دادن به خداوند ، قرضی نیکو و با ارزش است .

من ذا الذی یقرض اللّه قرضًا حسنًا

وصف <حسناً> می تواند قید تخصیصی و یا قید توضیحی باشد. برداشت یاد شده بر پایه احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۸ - ۵

۵ - وام دادن به خداوند (صدقه و انفاق در راه او) ، قرضی نیکو و بس با ارزش است .

و أقرضوا اللّه قرضًا حسنًا

وصف <حسناً>، می تواند قید توضیحی و یا قید تخصیصی باشد. برداشت یاد شده بر پایه احتمال اول است.

تشبیه به قرض الحسنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۲۶

۲۶ - انفاق و صدقه ، به منزله قرض و وام دادن به خداوند است .

و أقرضوا اللّه

دعوت به قرض الحسنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۴ - ۱۲

۱۲ گفتگوی محرمانه در مورد توصیه به قرض الحسنه ، کاری پسندیده و شایسته

لا خیر فی کثیر من نجویهم الا من امر بصدقه او معروف

امام صادق(ع) در مورد <معروف> در آیه فوق فرمود: یعنی بالمعروف القرض.

کافی، ج ۴، ص ۳۴، ح ۳; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۴۹، ح ۵۵۸.

قرعه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

قرعه

احکام قرعه

جلد - نام سوره -

سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۴۴ – ۱۱

۱۱ مشروعیت بهره گیری از قرعه ، در رفع اختلاف

اذ یلقون اقلامهم ایّهم یکفل مریم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۴۱ – ۵

۵ – قرعه ، راهی مشروع و مجاز برای گشودن مشکل غیرقابل حل از راه فکر و اندیشه

فساهم فکان من المدحضین

اصابت قرعه به یونس(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۴۱ – ۳

۳ – اصابت قرعه به نام یونس (ع) و مغلوبیت او در قرعه کشی

فساهم فکان من المدحضین

<مدحضین> (اسم مفعول از <ادحاض>) به معنای <ازلاق> (کسی را لغزاندن) است و در این جا کنایه از شکست و مغلوبیت در امر قرعه کشی می باشد.

جواز قرعه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۴۴ – ۱۱

۱۱ مشروعیت بهره گیری از قرعه ، در رفع اختلاف

اذ یلقون اقلامهم ایّهم یکفل مریم

حقانیت قرعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۱ - ۶

۶ - < و قال الصادق (ع) : ما تقارع قوم ، ففوّضوا أمرهم إلی اللّه تعالی إلاّ خرج سهم المحق و قال : أیّ قضیه أعدل من القرعه إذ فوّض الأمر إلی اللّه ؟ ألیس اللّه تعالی یقول : < فساهم فکان من المدحضین > ;

امام صادق(ع) فرمود: هیچ قومی قرعه نزدند و امر خود را به خداوند تعالی واگذار نکردند; مگر این که سهم کسی که صاحب

حق است از آن بیرون آمد. امام فرمود: چه قضیه ای به عدالت نزدیک تر از قرعه است، آن گاه که کار به خدا واگذار شود؟ آیا خداوند تعالی نفرموده است: <فساهم فکان من المدحضین>؟

قرعه در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۰ - ۱۷

۱۷ حرمت تقسیم اشیا به وسیله تیر های قمار ، که نوعی قرعه کشی در عصر جاهلیت بوده است .

و الازلم رجس من عمل الشیطن فاجتنبوه

از رسول خدا(ص) در پاسخ سؤال از معنی <ازلام> در آیه فوق روایت شده: قد احهم التی یستقسمون بها.

کافی، ج ۵، ص ۱۲۳، ح ۲; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۶۸، ح ۳۴۰.

قرعه در قصه یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۱ - ۱،۷

۱ - قرعه کشی یونس (ع) و سرنشینان کشتی ، برای به دریا افکنده شدن یک نفر از جمعشان

فساهم فکان من المدحضین

<ساهم> به معنای <قارع> (قرعه افکند) می باشد.

۷ - < عن أبی جعفر (ع) قال : . . .إستهموا فی یونس لمّا رکب مع القوم فوقفت السفینه فی اللجّه . . . فوقع السهم علی یونس ثلاث مرّات . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: . ..در مورد یونس(ع) قرعه انداختند، آن هنگام که به همراه قوم بر کشتی سوار شد و کشتی در آب های متراکم متوقف گردید، ...و قرعه سه مرتبه به نام یونس اصابت کرد...>.

موارد قرعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ -

۷ نزاع میان سران کنیسه در سرپرستی مریم ، و روی آوردن آنان به قرعه برای تعیین سرپرست

اذ یلقون اقلامهم ایّهم یکفل مریم . .. اذ یختصمون

۸ شگفتی سرگذشت نزاع میان سران کنیسه ، در مورد سرپرستی مریم و توسل آنان به قرعه *

و ما کنت لدیهم اذ یلقون اقلامهم ایّهم یکفل مریم و ما کنت لدیهم اذ یختصمون

به نظر می رسد تکرار <ما کنت لدیهم>، اشاره به شگفتی جریان نزاع باشد.

۱۲ انجام قرعه کشی بین شش نفر ، برای تعیین سرپرست مریم (س)

وما کنت لدیهم اذ یلقون اقلامهم ایّهم یکفل مریم

امام باقر (ع): اول من سوهم علیه مریم بنت عمران و هو قول اللّه عزّ و جل <و ما کنت لدیهم اذ یلقون اقلامهم ایهم یکفل مریم> و السهام سته.

من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۵۱، ح ۱، ب ۳۸ ; خصال صدوق، ص ۱۵۶، ح ۱۹۸، باب الثلاثه.

۱۳ قرعه کشی برای تعیین سرپرست مریم ، به هنگام درگذشت پدر وی

اذ یلقون اقلامهم ایّهم یکفل مریم

امام باقر (ع): . .. <اذ یلقون اقلامهم ایّهم یکفل مریم> حین أیتمت من ابیها.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۷۳، ح ۴۷ ; بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۱۹۲، ح ۲.

قریش از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

قریش

آثار امنیت قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۴ - ۹

۹ - امنیت بخشیدن خداوند به قریش و از بین بردن ترس آنان ، عبادت او را بر آنان الزامی ساخت .

فلیعبدوا . .. الذی ... و ءامنهم من خوف

آثار تغذیه قریش

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۲۰ – قریش – ۱۰۶ – ۴ – ۲

۲ – قریش ، به دلیل تأمین تغذیه شان از سوی خداوند ، ملزم به پرستش او بودند .

فلیعبدوا . .. الذی أطعمهم من جوع

آثار عبودیت قریش

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – قریش – ۱۰۶ – ۳ – ۶

۶ – سپاس قریش از خداوند در برابر نعمت امنیت ، به پذیرش بندگی او بود .

ألم تر کیف فعل ربّک بأصحب الفیل . .. فلیعبدوا

آثار قدرت قریش

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۳۶ – ۳

۳ – توان مندی نسبی مشرکان قریش در محیط خویش ، زمینه ساز سرکشی و کفر آنان

أهلکنا قبلهم من قرن هم أشدّ منهم بطشًا

از این که خداوند به آنان یادآوری کرده که امت های نیرومندتر از ایشان هلاک شدند; استفاده می شود که مشرکان مکه بر ثروت و قدرت محلی خویش، تکیه داشته و ایمان نمی آوردند.

آثار کوچ تابستانی قریش

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – قریش – ۱۰۶ – ۴ – ۳

۳ – امنیت کعبه و کوچ زمستانی و تابستانی قریش ، زمینه دست یابی آنان به مواد خوراکی بود .

إيلفهم رحله الشتاء و الصيف . فليعبدوا ... الذى أطعمهم من جوع

آثار کوچ زمستانی قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۴ - ۳

۳ - امنیت کعبه و کوچ زمستانی و تابستانی قریش ، زمینه دست یابی آنان به مواد خوراکی بود .

إيلفهم رحله الشتاء و الصيف . فليعبدوا ... الذى

أطعمهم من جوع

اتمام حجت بر قريش

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۲۰ – قريش – ۱۰۶ – ۳ – ۴

۴ – فراهم آمدن زمينه مناسب از جانب خداوند ، براى كوچ هاى زمستانى و تابستانى قريش ، حجّتى كامل بر لزوم روى آوردن آنان به عبادت خداوند

لإيلف قريش . إيلفهم رحله الشتاء و الصيف . فليعبدوا

<لام> در <لايلاف> چه متعلق به سوره <فيل> باشد و چه به <فليعبدوا> (در اين آيه) برداشت ياد شده استفاده مى شود.

استهزاهاى قريش

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۵ – انعام – ۶ – ۶۶ – ۴

۴ قريش و مشركان از سر استهزا، خواهان عملى شدن عذاب موعود بر خود به دست پيامبر(ص) بودند.

و كذّب به قومك . .. قل لست عليكم بوكيل

چنانچه مرجع ضمير <به> در <كذب به> عذاب باشد، جمله <قل . .. > گويا پاسخى است به سؤال ضمنى مشركان مبنى بر اين كه اگر عذاب واقع شدنى است بايد پيامبر(ص) آن را عملى سازد. بنابراين جمله <قل لست ... > قرينه اى است بر مطرح شدن سؤال از ناحيه مشركان.

استهزاهاى كافران قريش

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۹ – حجر – ۱۵ – ۹۱ – ۲

۲– كفار قريش ، پس از نزول قرآن و ظهور اسلام ، آيات قرآن را به چند دسته تقسيم كرده و هر دسته را با تهمت و افترا و ترفند هاى گوناگون ، به استهزا گرفته و منكر شدند .

المقتسمین. الذین جعلوا القرءان عضین

برداشت فوق مبتنی بر این است که مقصود از این آیه و آیه قبل

چنان که در شأن نزولها آمده است کفار قریش باشد که همگی (حدود ۱۶ نفر) به شکلهای گوناگون به هلاکت رسیدند.

افتراهای کافران قریش

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۹۱ – ۲

۲– کفار قریش ، پس از نزول قرآن و ظهور اسلام ، آیات قرآن را به چند دسته تقسیم کرده و هر دسته را با تهمت و افترا و ترفند های گوناگون ، به استهزا گرفته و منکر شدند .

المقتسمین. الذین جعلوا القرءان عضین

برداشت فوق مبتنی بر این است که مقصود از این آیه و آیه قبل چنان که در شأن نزولها آمده است کفار قریش باشد که همگی (حدود ۱۶ نفر) به شکلهای گوناگون به هلاکت رسیدند.

امکانات مادی قریش

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۴۵ – ۵

۵ – مشرکان مکه (قریش) ، اندازه یک دهم برخورداری ملت های پیشین را نداشته اند .

و ما بلغوا معشار ما ءاتینهم

<معشار> یک دهم چیزی را می گویند (مفردات راغب).

امنیت قریش

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – قریش – ۱۰۶ – ۲ – ۲

۲ – قریش ، نیازمند امنیت در مسیر ییلاق و قشلاق کردن خویش

لإیلف قریش . إیلفهم رحله الشتاء و الصیف

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – قریش – ۱۰۶ – ۳ – ۶

۶ – سپاس قریش از خداوند در برابر نعمت امنیت ، به پذیرش بندگی او بود .

ألم تر کیف فعل ربّك بأصحب الفیل . .. فلیعبدوا

بی احترامی قریش

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۲ - ۷

۷ - < عن ابراهیم بن ابی یحیی قال : سئل أبوعبداللّه (ع) عن قول اللّه تعالی < لاأُقسم بهذا البلد و أنت حلّ بهذا البلد > قال إنّ قریشاً کانوا یُحرّمون البلد . . . فاستحلّوا من نبیّ اللّه (ص) الشتم و التکذیب فقال : لا أُقسم بهذا البلد و أنت حلّ بهذا البلد < إنّهم عظّموا البلد و استحلّوا ما حرّم اللّه تعالی ;

از ابراهیم بن ابی یحیی روایت شده که گفت: از امام صادق(ع) از سخن خدای تعالی <لا اُقسم بهذا البلد . و أنت حلّ بهذا البلد> سؤال شد، امام فرمود: قریش احترام شهر [مکه] را نگه می داشتند ... ولی ناسزاگویی و تکذیب پیامبرخدا(ص) را حلال شمردند[و حرمت مکه را درباره ایشان رعایت نکردند]. پس خدا فرمود: <لا اُقسم بهذا البلد. و أنت حلّ بهذا البلد> آنان برای این شهر عظمت قائل شدند، ولی حرام خدای تعالی را حلال شمردند>.

پشیمانی کافران قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۶ - ۵

۵ حسرت و ندامت کافران قریش بر نابودی داراییهایشان ، تنها نتیجه پرداخت هزینه مبارزاتی آنان علیه اسلام

ثم تکون علیهم حسره ثم یغلبون

چون هدف کافران از سرمایه گذاری اموال جلوگیری از گسترش اسلام بوده، معلوم می شود حسرت و ندامت آنان بدان جهت بوده است که اموالشان از دست رفته و به نتیجه مطلوب نرسیده اند. قابل ذکر است که جمله <ثم یغلبون> دلالت می کند که زمان ندامت آنان

در دنیاست.

پیشنهاد قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۱ - ۵

۵ - < سأل [الأحول] أباعبداللّه (ع) عن ذلک فقال : کان سبب نزولها و تکرارها أنّ قریشاً قالت لرسول اللّه تَعْبد آلهتنا سنه و نعبد إلهک سنه و تعبد آلهتنا سنه و نعبد إلهک سنه فأجابهم اللّه بمثل ما قالوا ;

[ابوجعفر احول] از امام صادق(ع) درباره سبب تکرار آیات [در سوره کافرون] پرسید; امام فرمود: سبب نزول آن آیه ها و تکرار آن، این بود که قریش به رسول خدا(ص) گفتند: یک سال تو خدایان ما را عبادت کن و یک سال ما خدای تو را عبادت می کنیم. [دوباره]تو یک سال خدایان ما را عبادت کن و ما یک سال خدای تو را عبادت می کنیم. خداوند نیز به آنان مانند سخنشان جواب داد>.

تاریخ قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۱ - ۷

۷ - نابودی اصحاب فیل ، مایه استحکام پیوند قریش با شهر مکه و باقی ماندنشان در آن *

لإیلف قریش

آیه بعد یا تفسیر این آیه است که در نتیجه <ایلافهم> در آن بدل خواهد بود و یا ذکر خاص بعد از عام است که در نتیجه، این آیه به الفتی دیگر نیز علاوه بر الفت با کوچ های تابستانی و زمستانی، نظر خواهد داشت. ارتباط آیه شریفه با سوره قبل می تواند بیانگر آن باشد که استمرار پیوند قریش با مکه، مصداق برجسته ای برای عموم <ایلاف قریش> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۴ - ۴

۴ - شکست اصحاب فیل ، زمینه ساز گرفتار نشدن قریش ، به فقر اقتصادی و گرسنگی فراگیر و جان فرسا

ألم تر کیف فعل ربّک بأصحب الفیل . .. لإیلف قریش ... الذی أطعمهم من جوع

نکره بودن <جوع>، بر شدّت آن دلالت دارد.

تداوم زندگی قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۱ - ۹

۹ - استوار ماندن قریش بر نظام معیشتی دیرپای خویش ، نعمتی الهی و سزاوار سپاس

لإیلف قریش

چنانچه سوره <قریش> سوره ای مستقل باشد و با سوره <فیل> یک سوره تلقی نگردد; حرف <لام> در <لایلاف> متعلق به <فلیعبدوا> در آیه سوم خواهد بود. در آن صورت مفاد آیه این می شود که چون خداوند، نعمت ایلاف را به قریش عطا کرده است، باید او را بندگی کنند. گفتنی است که بندگی به پاس نعمت، شکرگزاری آن است.

تفضل به قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۱ - ۶

۶ - عنایت ویژه خداوند به قبیله قریش

لإیلف قریش

تکلیف قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۳ - ۱

۱ - قریش ، باید خود را به عبادت خداوند و بندگی نکردن غیر او ، ملزم می ساختند .

فلیعبدوا ربّ هذا البیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۴ - ۹

۹ - امنیت بخشیدن خداوند به قریش و از بین بردن ترس آنان ، عبادت او را بر آنان الزامی ساخت .

فلیعبدوا

. .. الذی ... و ءامنهم من خوف

توطئه اشراف قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۳ - ۷

۷ سردمداران مجرم مکه، یکسره در صدد توطئه و مکر علیه مسلمانان صدر اسلام بودند.

و کذلک جعلنا فی کل قریه

چون این سوره مبارکه مکی است، تشبیه مذکور در آیه، تشبیه سردمداران مجرم در تمامی نقاط به سردمداران مجرم شهر <مکه> است. لذا بیانگر وضعیت و شرایط آن روزگار می باشد.

تهدید قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۶ - ۲

۲ قوم و قبیله پیامبر، تهدید به عذاب از جانب خداوند را باور نکرده و آن را تکذیب کردند.

قل هو القادر علی أن یبعث علیکم عذابا . .. و کذّب به قومک

در آیه <قل هو القادر> وعیدهایی از جانب خداوند مطرح گردید. محتمل است مرجع ضمیر <کذب به> همان وعیدهای مطرح شده در آیه قبل باشد برداشت فوق بر این اساس استوار است.

تهدید مشرکان قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۹ - ۱۳

۱۳ - کافران قریش ، مورد تهدید شدید خداوند

أَوَلم یسیروا فی الأرض فینظروا . .. و عمروها أكثر ممّا عمروها و جاءتهم رسلهم بال

به قرینه این که سوره روم، مکی است، مراد از <أکثر ممّا عمروها> کافران قریش اند که در برابر پیامبر(ص) به مخالفت

برخاستند.

تهمتهای کافران قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۱ - ۲

۲- کفار قریش ، پس از نزول قرآن و ظهور اسلام

، آیات قرآن را به چند دسته تقسیم کرده و هر دسته را با تهمت و افترا و ترفند های گوناگون ، به استهزا گرفته و منکر شدند .

المقتسمین. الذین جعلوا القرءان عضین

برداشت فوق مبتنی بر این است که مقصود از این آیه و آیه قبل چنان که در شأن نزولها آمده است کفار قریش باشد که همگی (حدود ۱۶ نفر) به شکلهای گوناگون به هلاکت رسیدند.

جهاد با مشرکان قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷ - ۱

۱ مسلمانان صدر اسلام موظف به هجوم به کاروان تجاری مشرکان قریش و یا نبرد با سپاه مسلح آن بودند .

کما أخرجک ربک . .. إذ یعدکم اللّه إحدی الطائفتین ... و یرید اللّه أن یحق الحق بک

حاکمیت قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۱ - ۴

۴ - تسلّط قریش بر مکه پیش از اسلام *

لإیلف قریش

دفع مهاجمان به مکه، در صورتی امتنان بر قریش شمرده می شود که مکه در تصرف آنان باشد.

حسرت کافران قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۶ - ۵

۵ حسرت و ندامت کافران قریش بر نابودی داراییهایشان ، تنها نتیجه پرداخت هزینه مبارزاتی آنان علیه اسلام

ثم تکون علیهم حسره ثم یغلبون

چون هـدف کـافران از سـرمایه گـذاری اموال جلوگیری از گسترش اسـلام بوده، معلوم می شود حسـرت و نـدامت آنان بـدان جهت بوده است که اموالشان از دست رفته و به نتیجه مطلوب نرسیده اند. قابل ذکر است که جمله

<ثم یغلبون> دلالت می کند که زمان ندامت آنان در دنیاست.

خواسته های قریش

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۶۶ – ۴

۴ قریش و مشرکان از سر استهزا، خواهان عملی شدن عذاب موعود بر خود به دست پیامبر(ص) بودند.

و کذّب به قومک . .. قل لست علیکم بوکیل

چنانچه مرجع ضـمیر <به> در <کذب به> عذاب باشد، جمله <قل . .. > گویا پاسخی است به سؤال ضمنی مشرکان مبنی بر این که اگر عـذاب واقع شـدنی است بایـد پیـامبر(ص) آن را عملی سـازد. بنـابراین جمله <قل لست ... > قرینه ای است بر مطرح شدن سؤال از ناحیه مشرکان.

خودبرتربینی قریش

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۱۹۹ – ۷

۷ فرمان الهی به امتیازطلبان قریش در حج ، مبنی بر استغفار از گناه امتیازطلبی *

ثم افیضوا من حیث افاض الناس و استغفروا اللّه

پس از ردّ امتیـازطلبی (من حیث افاض الناس)، امر به اسـتغفار، می توانـد اشاره باشـد که این عمل، گناه و اسـتغفار از آن لازم است.

دشمنی قریش

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۲۸ – ۹

۹- < عبدالرحمان بن کثیر قال : سألت أباعبدالله (ع) عن قول الله عزّوجلّ : < ألم تر إلی الذین بدّلوا نعمت الله کفراً > . . . ، قال : عنی بها قریشاً قاطبه الذین عادوا رسول الله (ص) و نصبوا له الحرب و جحدوا وصّیه وصّیه ;

عبدالرحمان بن کثیر گوید: از امام صادق(ع) در باره

سخن خداوند عزّوجلّ <ألم تر إلی الذین بدّلوا نعمت الله کفراً> سؤال کردم، آن حضرت فرمود: از آیه تمام افراد قریش قصد شده است که با رسول خدا(ص) دشمنی کرده و در برابر او به جنگ برخاستند و جانشینی جانشین او را انکار کردند>.

دعای مشرکان قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۹ - ۲

۲ مشرکان قریش پیش از جنگ بدر با نیایش به درگاه خداوند ، خواهان پیروزی حامیان دین حق شدند .

إن تستفتحوا فقد جاءکم الفتح

جمله <إن تستفتحوا> اشاره دارد به دعای مشرکان پیش از جنگ بدر که آنان با پندار حقانیت خویش از خداوند خواستند تا حامیان دین حق را در این نبرد پیروز گرداند.

دلایل تکلیف قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۳ - ۳

۳ - مالکیت خداوند بر کعبه و سیطره ربوبیت و تدبیر او بر آن ، برهان الزام قریش به عبادت او است .

فلیعبدوا ربّ هذا البیت

دلایل عبودیت قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۳ - ۴

۴ - فراهم آمدن زمینه مناسب از جانب خداوند ، برای کوچ های زمستانی و تابستانی قریش ، حجّتی کامل بر لزوم روی آوردن آنان به عبادت خداوند

لإیلف قریش . إیلفهم رحله الشتاء و الصیف . فلیعبدوا

<لام> در <لایلاف> چه متعلق به سوره <فیل> باشد و چه به <فلیعبدوا> (در این آیه) برداشت یاد شده استفاده می

شود.

رسوم قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش

- ۱۰۶ - ۱ - ۲

۲ - قریش ، به برنامه ای منظم در اداره زندگانی خود خو گرفته بودند .

لإیلف قریش

برای <ایلاف> معانی گوناگونی ذکر شده است; از جمله: الفت یافتن، الفت دادن (قاموس); مهیا و مجهز ساختن (تاج العروس); عهد بستن و امان گرفتن (نهایه ابن کثیر). برداشت یاد شده ناظر به معنای نخست (الفت یافتن) است. چیزی که قریش با آن الفت یافته بودند به قرینه آیه بعد کوچ تابستانی و زمستانی بوده است. این برداشت، با معنای <الفت دادن> نیز سازگار است. در آن صورت <اللّه> (فاعل <ایلاف>) در کلام ذکر نشده است و <قریش> و <رحله> مفعول اول و دوم می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۲ - ۱

۱ - قریش ، طبق عادتی دیرینه ، در تابستان به مناطق خوش آب و هوا و در زمستان به نقاط گرمسیر مسافرت می کردند .

إیلفهم رحله الشتاء و الصیف

<رحله> (پیمودن راه بر راحله و مرکب)، مفعول <ایلاف> و ضمیر <ایلافهم> فاعل آن است. مراد از آن انس گرفتن قریش به کوچ، در دو فصل است. آنان در زمستان به یمن و در تابستان به شام، سفرهای تجارتی انجام می دادند.

زمینه تغذیه قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۴ - ۳

۳ - امنیت کعبه و کوچ زمستانی و تابستانی قریش ، زمینه دست یابی آنان به مواد خوراکی بود .

إیلفهم رحله الشتاء و الصیف . فلیعبدوا ... الذی أطعمهم من جوع

زمینه تکلیف قریش

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۲۰ – قریش – ۱۰۶ – ۴ – ۲

۲ – قریش ، به دلیل تأمین تغذیه شان از سوی خداوند ، ملزم به پرستش او بودند .

فلیعبدوا . .. الذی أطعمهم من جوع

زمینه عصیان قریش

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۳۶ – ۳

۳ – توان مندی نسبی مشرکان قریش در محیط خویش ، زمینه ساز سرکشی و کفر آنان

أهلکنا قبلهم من قرن هم أشدّ منهم بطشًا

از این که خداوند به آنان یادآوری کرده که امت های نیرومندتر از ایشان هلاک شدند; استفاده می شود که مشرکان مکه بر ثروت و قدرت محلی خویش، تکیه داشته و ایمان نمی آوردند.

زمینه کسب قریش

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – قریش – ۱۰۶ – ۱ – ۸

۸ – کعبه وسیله اتحاد ، امنیت ، اعتبار و تحصیل مال قریش

لإیلف قریش

اگر <ایلاف> در این آیه، عام و در آیه بعد خاص باشد; می توان گفت که در این آیه، ائتلاف قریش با یکدیگر نیز مورد نظر بوده است.

زمینه کفر قریش

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۳۶ – ۳

۳ - توان مندی نسبی مشرکان قریش در محیط خویش ، زمینه ساز سرکشی و کفر آنان

أهلكنا قبلهم من قرن هم أشدّ منهم بطشًا

از این که خداوند به آنان یادآوری کرده که امت های نیرومندتر از ایشان هلاک شدند; استفاده می شود که مشرکان مکه بر ثروت و قدرت محلی خویش، تکیه داشته و ایمان نمی آوردند.

زمینه نابودی قریش

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۱ - ۳

۳ - نظام زندگانی قریش و شیوه امرار معاش آنان در صورت پیروزی ابرهه از هم می پاشید .

لإیلف قریش

زمینه نجات قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۴ - ۴

۴ - شکست اصحاب فیل ، زمینه ساز گرفتار نشدن قریش ، به فقر اقتصادی و گرسنگی فراگیر و جان فرسا

ألم تر کیف فعل ربّک بأصحب الفیل . .. لإیلف قریش ... الذی أطعمهم من جوع

نکره بودن <جوع>، بر شدّت آن دلالت دارد.

سپاه مشرکان قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷ - ۳

۳ سپاه مشرکان مکه مجهز به سلاح های جنگی و دارای برتری نظامی نسبت به مسلمانان

و تودون أن غیر ذات الشوکه تکون لکم

عدم تمایل مسلمانان به رویارویی با سپاه شرک و نیز جمله <کانما یساقون إلی الموت> در آیه قبل دلالت بر این دارد که مشرکان در جنگ بدر از نیروی نظامی برتری برخوردار بودند.

سکونت قریش در مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۱ - ۷

۷ – نابودی اصحاب فیل ، مایه استحکام پیوند قریش با شهر مکه و باقی ماندنشان در آن *

لإیلف قریش

آیه بعـد یا تفسـیر این آیه است که در نتیجه <ایلافهم> در آن بدل خواهد بود و یا ذکر خاص بعد از عام است که در نتیجه، این آیه به الفتی دیگر نیز علاوه بر الفت با کوچ های تابستانی و زمستانی، نظر خواهد داشت. ارتباط

آیه شریفه با سوره قبل می تواند بیانگر آن باشد که استمرار پیوند قریش با مکه، مصداق برجسته ای برای عموم <ایلاف قریش> است.

سلطه جویی قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۶ - ۳

۳ کفار قریش برخوردار از روحیه زورمداری و سلطه جویی

أنتم قلیل مستضعفون . .. تخافون أن یتخطفکم الناس

چون آیه ناظر به حالات مسلمانان تا پیش از هجرت است، مصداق مورد نظر از <الناس>، مشرکان مکه و کفار قریش است.

شکرگزاری قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۳ - ۶

۶ - سپاس قریش از خداوند در برابر نعمت امنیت ، به پذیرش بندگی او بود .

ألم تر کیف فعل ربّک بأصحب الفیل . .. فلیعبدوا

شکست کافران قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۶ - ۶،۷،۱۰

۶ خداوند بی ثمر ماندن تلاش های حق ستیزانه کافران قریش را به مسلمانان صدر اسلام بشارت داد .

ثم تکون علیهم حسره ثم یغلبون

۷ خداوند با خبری غیبی ، شکست کفار قریش را به مسلمانان صدر اسلام بشارت داد .

ثم یغلبون

۱۰ آن گروه از کافران قریش که پس از شکست همچنان به کفرورزی خویش ادامه دادند ، از دوزخیان هستند .

و الذین کفروا إلی جهنم یحشرون

تکرار <الذین کفروا> پس از <ثم یغلبون> اشاره به این دارد که گروهی از کفار قریش پس از شکست و غلبه مسلمانان به کفر باقی خواهند ماند، آنان سزایشان جهنم است و گروهی اسلام را خواهند پذیرفت و اهل نجات خواهند

بود.

شکست مشرکان قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۲ - ۶

۶ رعب و وحشت کافران در جنگ بدر ، از عوامل شکست آنان در آن جنگ

سألقی فی قلوب الذین کفروا الرعب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۹ - ۶

۶ کافران شکست خورده در جنگ بدر ، مورد تهدید خداوند به چشیدن دوباره طعم شکست در صورت بازگشت به جنگ

و إن تعودوا نعد

ضعف مشرکان قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷ - ۲

۲ کاروان تجاری قریش ، فاقد نیروی دفاعی مقاوم

غیر ذات الشوکه

<شوکه> به معنای خار درخت و بوته است و در آیه کنایه از سلاحهای جنگی است. بنابراین <غیر ذات الشوکه> یعنی گروهی نامسلح. و مقصود از آن کاروان تجاری قریش است که به سرکردگی ابوسفیان و همراه با چهل نفر از شام به سوی مکه در حرکت بودند.

ظلم کافران قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۶ - ۳

۳ کفار قریش برخوردار از روحیه زورمداری و سلطه جویی

أنتم قلیل مستضعفون . .. تخافون أن یتخطفکم الناس

چون آیه ناظر به حالات مسلمانان تا پیش از هجرت است، مصداق مورد نظر از <الناس>، مشرکان مکه و کفار قریش است.

عبودیت قریش

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – قریش – ۱۰۶ – ۳ – ۱،۳

۱ – قریش ، باید خود را به عبادت خداوند و بندگی نکردن غیر او ، ملزم

می ساختند .

فلیعبدوا ربّ هذا البیت

۳ – مالکیت خداوند بر کعبه و سیطره ربوبیت و تدبیر او بر آن ، برهان الزام قریش به عبادت او است .

فلیعبدوا ربّ هذا البیت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – قریش – ۱۰۶ – ۴ – ۹

۹ – امنیت بخشیدن خداوند به قریش و از بین بردن ترس آنان ، عبادت او را بر آنان الزامی ساخت .

فلیعبدوا . .. الذی ... و ءامنهم من خوف

عذاب قریش

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۶۶ – ۳

۳ پیشگویی قرآن در مورد عملی شدن وعده های عذاب بر مشرکان مکه و قبیله پیامبر*

و کذّب به قومک و هو الحق

از معانی حق، <ثابت> و <واجب> است و در مورد آیه به دلیل اینکه خبر از وقوع حادثه ای در آینده است، یعنی چیزی که تثبیت شده و واقع خواهد شد. لذا اگر مرجع ضمیر <به>، <عذاب> در آیه قبل باشد، جمله <و هو الحق> تأکید بر وقوع حتمی آن در آینده خواهد بود. همان گونه که تاریخ نیز این نکته را به وضوح تأیید کرد.

عقیده قریش

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۱۹۹ – ۱۲

۱۲ اعتقاد قریش به عدم لزوم کوچ کردن آنان از عرفات

ثم افیضوا من حیث افاض الناس

امـام صـادق (ع): اولئـک قریش کـانوا یقولون: نحن اولی الناس بالبیت و لا یفیضون الا من المزدلفه، فامرهم اللّه ان یفیضوا من عرفه

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۹۶، ح ۲۶۳ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۹۵، ح ۷۱۰.

عوامل اتحاد قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۱ - ۸

۸ - کعبه وسیله اتحاد ، امنیت ، اعتبار و تحصیل مال قریش

لإیلف قریش

اگر <ایلاف> در این آیه، عام و در آیه بعد خاص باشد; می توان گفت که در این آیه، ائتلاف قریش با یکدیگر نیز مورد نظر بوده است.

عوامل امنیت قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۱ - ۸

۸ - کعبه وسیله اتحاد ، امنیت ، اعتبار و تحصیل مال قریش

لإیلف قریش

اگر <ایلاف> در این آیه، عام و در آیه بعد خاص باشد; می توان گفت که در این آیه، ائتلاف قریش با یکدیگر نیز مورد نظر بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۴ - ۱۰،۱۱

۱۰ - امنیت قریش ، مرهون وجود کعبه و امنیت آن بود .

ربّ هذا البیت . .. و ءامنهم من خوف

تعبیر <ربّ هذا البیت> به جای <اللّه> پیش از توصیف خداوند به پدید آورنده امنیت نشانگر نقش کعبه در امنیت قریش است که قبایل عرب، آنها را اهل حرم دانسته و به آنان تعرض نمی کردند. ارتباط این سوره با سوره قبل، بیانگر نقش هلاکت اصحاب فیل، در پیدایش امنیت برای کعبه و در نتیجه برای قریش است.

۱۱ - شکست اصحاب فیل ، ازمیان برنده زمینه تهاجم دیگران به مکه و برطرف سازنده ترس شدید قریش از دشمن

و ءامنهم من خوف

نکره بودن <خوف>، بر شدّت آن دلالت دارد.

عوامل رفع ترس قریش

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۴ - ۱۱

۱۱ - شکست اصحاب فیل ، ازمیان برنده زمینه تهاجم دیگران به مکه و برطرف سازنده ترس شدید قریش از دشمن

و ءامنهم من خوف

نکره بودن <خوف>، بر شدّت آن دلالت دارد.

عوامل شکست مشرکان قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۷ - ۱

۱ امداد های الهی عامل اصلی و اساسی کشته شدن کافران در جنگ بدر و پیروزی اهل ایمان

فلم تقتلوهم و لکن اللّه قتلهم

جمله <فلم تقتلوهم . .. > متفرع بر آیاتی است که امدادهای الهی را در جنگ بدر برمی شمرد ; یعنی توجه به قضایای جنگ بدر و امدادهای الهی بیانگر این است که در حقیقت خداوند مشرکان را کشت و آنان را شکست داد.

عوامل قدرت قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۱ - ۱

۱ - خداوند ، با نابود کردن اصحاب فیل ، قریش را بر ادامه زندگانی طبق عادت دیرینه آنان ، توانمند ساخت .

لإیلف قریش

این سوره با سوره قبل، ارتباطی تنگاتنگ دارد تا حدی که برخی آن دو را یک سوره شمرده و برخی دیگر جداساختن آن را از سوره فیل در نماز جایز نمی دانند. بنابراین <لایلاف> علت <جعلهم کعصف مأکول> را بیان می کند; یعنی، خداوند سپاه ابرهه را نابود ساخت تا قریش بتوانند به ایلاف خود ادامه دهند.

فیء به قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۸ - ۱۶

۱۶ - < عن الصادق (ع)

: . . .ثمّ قـال [اللّه تعالى] : < للفقراء المهاجرين الـذين اُخرجوا . . . > فجعلها اللّه لمن هاجر من قريش مع النبى (ص) . . . و أخرج . . . عنهم المهـاجرين مع رسول اللّه من العرب لقوله < الـذين اُخرجوا من ديـارهم و أموالهم > لأنّ قريشـاً كانت تأخذ ديار من هاجر منها و أموالهم و لم تكن العرب تفعل ذلك بمن هاجر منها . . . ;

از امـام صـادق(ع) روايت شـده است: . ..خـدا فرموده [اموالى كه بـدون جنگ به دست آمـده]از آنِ فقراى مهاجر است كه از خـانه هـا و اموال خود اخراج شـده انـد.[بااين دسـتور]خـدا آن اموال را براى مهاجران قريش كه در معيّت پيامبر(ص) بوده اند قرار داده و مهـاجران عرب را كه همراه آن حضـرت بوده انـد از [شـمول حكم] آنان خارج كرده است; زيرا فرموده :<الـذين اُخرجوا من ديـارهم و أموالهم> قريش خـانه هـا و اموال مهـاجران خود را تصـاحب مى كرده; ولى عرب با مهاجران خود اين كار را نمى كرده [و اموال را براى خود آنان باقى مى گذاشته است]>.

قتل مشركان قريش

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - انفال - ۸ - ۱۷ - ۱

۱ امداد هاى الهى عامل اصلى و اساسى كشته شدن كافران در جنگ بدر و پيروزى اهل ايمان

فلم تقتلوهم و لكن اللّه قتلهم

جمله <فلم تقتلـوهم . .. > متفرع بر آيـاتى است كه امـدادهاى الهى را در جنـگ بـدر برمى شـمرد ; يعنى تـوجه به قضايـاى جنگ بدر و امدادهاى الهى بيانگر

این است که در حقیقت خداوند مشرکان را کشت و آنان را شکست داد.

قدرت نظامی قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷ - ۳

۳ سپاه مشرکان مکه مجهز به سلاح های جنگی و دارای برتری نظامی نسبت به مسلمانان

و تودون أن غیر ذات الشوکه تکون لکم

عدم تمایل مسلمانان به رویارویی با سپاه شرک و نیز جمله <کانما یساقون إلی الموت> در آیه قبل دلالت بر این دارد که مشرکان در جنگ بدر از نیروی نظامی برتری برخوردار بودند.

قریش و عرفات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۹ - ۱۲

۱۲ اعتقاد قریش به عدم لزوم کوچ کردن آنان از عرفات

ثم افیضوا من حیث افاض الناس

امام صادق (ع): اولئک قریش کانوا یقولون: نحن اولی الناس بالبیت و لا یفیضون الا من المزدلفه، فامرهم اللّه ان یفیضوا من عرفه

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۹۶، ح ۲۶۳ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۹۵، ح ۷۱۰.

قریش و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۶ - ۱

۱ قبیله و قوم پیامبر (قریش) با وجود حقانیت قرآن و معارف و وعده های آن به تکذیب آن پرداختند.

و کذّب به قومک و هو الحق

در آیه ۵۷ <قل إنی علی بینه> موضوع بحث <قرآن> بود و آیات بعد از آن نیز وعده های قرآن را مطرح ساخته است. بنابراین مرجع ضمیر <به> می تواند <قرآن> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۱ -

۶- < عن أبی جعفر (ع) و أبی عبدالله (ع) عن قوله : < الذین جعلوا القرآن عضین > قال : هم قریش ;

از امـام باقر(ع) و امام صادق(ع) درباره سـخن خداونـد <الـذین جعلوا القرآن عضـین> روایت شـده است که فرمودنـد: آنان قریش بودند>.

قریش و محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۴ - ۲۴

۲۴ - از امام صادق (ع) درباره آیه فوق روایت شده که : < انهم قریش حین منعوا رسول اللّه دخول مکه و المسجد الحرام ;

آنان قریش بودند آن هنگام که مانع ورود رسول خدا(ص) به مکه و مسجد الحرام شدند>.

قشلاق نشینی قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۲ - ۱

۱ - قریش ، طبق عادتی دیرینه ، در تابستان به مناطق خوش آب و هوا و در زمستان به نقاط گرمسیر مسافرت می کردند .

إیلفهم رحله الشتاء و الصیف

<رحله> (پیمـودن راه بر راحله و مرکب)، مفعـول <ایلاـف> و ضـمیر <ایلاـفهم> فاعـل آن است. مراد از آن انس گرفتن قریش به کوچ، در دو فصل است. آنان در زمستان به یمن و در تابستان به شام، سفرهای تجارتی انجام می دادند.

قمار در قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۸ - ۱۴

۱۴ - ابو عبیـده حذّاء می گوید : < سألت أباعبداللّه عن قول اللّه عز و جل < و لاتأکلوا أمولکم بینکم بالبطل > فقال : کانت قریش تقامر الرجل بأهله و ماله فنهاهم اللّه عز

و جل عن ذلک ;

از امـام صادق(ع) از آیه <و لاتأکلوا أمولکم بینکم بالبطل> سؤال کردم، امام فرمود: قریش خانواده و مال خود را به قمار می گذاشتند پس خداوند آنان را از این عمل نهی فرمود>.

کاروان تجارتی قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷ - ۱،۲،۴،۵

۱ مسلمانان صدر اسلام موظف به هجوم به کاروان تجاری مشرکان قریش و یا نبرد با سپاه مسلح آن بودند .

کما أخرجک ربک . .. إذ یعدکم اللّه إحدی الطائفتین ... و یرید اللّه أن یحق الحق بک

۲ کاروان تجاری قریش ، فاقد نیروی دفاعی مقاوم

غیر ذات الشوکه

<شـوکه> به معنـای خـار درخت و بوته است و در آیه کنـایه از سـلاحهای جنگی است. بنـابراین <غیر ذات الشوکه> یعنی گروهی نامسـلح. و مقصود از آن کـاروان تجاری قریش است که به سـرکردگی ابوسـفیان و همراه با چهل نفر از شام به سوی مکه در حرکت بودند.

۴ پیروزی بر سپاه مشرکان قریش و یا تسلط بر کاروان تجاری آنان ، وعده خداوند به اهل ایمان

و إذ یعدکم اللّه إحدی الطائفتین

۵ مسلمانان ، مشتاق رویارویی با کاروان تجاری قریش و ناخشنود از درگیری با سپاه مسلح آنان

و تودون أن غیر ذات الشوکه تکون لکم

کاروان تجاری قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۲ - ۵،۶

۵ قافله تجاری قریش به هنگام استقرار سپاهیان بدر ، در مسیری پایینتر از سپاه اسلام در حرکت بودند .

و الركب أسفل منكم

کلمه <رکب> جمع راکب و به معنای سواران است و مقصود از

آن به گفته اهل تفسیر کاروان تجاری قریش است. تعبیر از کاروان تجاری به <سواران> می تواند اشاره به حرکت سریع آنان برای فرار از مسلمانان باشد.

۶ مسیر حرکت قافله تجاری قریش نامعلوم برای مسلمانان و به دور از دسترسی آنان به هنگام حضورشان در منطقه بدر

و الرکب أسفل منکم

نکره آوردن کلمه <أسفل> در مقابل معرفه آوردن <العدوه>، می تواند مشعر به برداشت فوق باشد. ناآگاهی مسلمانان به جایگاه قافله، تمهیدی بوده است از جانب خدا برای <لیقضی اللّه>. یعنی اگر مسلمانان از مسیر حرکت تجاری قریش آگاه بودند به سوی آنان می شتافتند و در نتیجه جنگ بدر رخ نمی داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۲ - ۴

۴ - هجوم اصحاب فیل به مکه ، کاروان های تجارتی قریش در تابستان و زمستان را با خطری جدّی مواجه ساخته بود .

إیلفهم رحله الشتاء و الصیف

کافران قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۰ - ۵

۵ - < عن أبی جعفر (ع) فی قوله < و إن کانوا لیقولون . لو أنّ عندنا ذکراً من الأوّلین . لکنّا عباد اللّه المخلصین > فهم کفّار قریش کانوا یقولون : قاتل اللّه الیهود و النصاری کیف کذبوا أنبیاءهم ! أما و اللّه لو کان عندنا ذکراً من الأوّلین لکنّا عباد اللّه المخلصین یقول اللّه : < فکفروا به > حین جاءهم محمّد (ص) . . . ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند <و إن کانوا لیقولون لو أنّ عندنا ذکراً من الأوّلین لکنّا

عباد اللّه المخلصین> روایت شده که فرمود: آنان کفار قریش بودند که می گفتند: نفرین بر یهود و نصارا! چگونه پیامبران خود را تکذیب کردند. به خدا قسم! اگر یکی از کتاب های آسمانی پیشینیان نزد ما بود، به آنها ایمان می آوردیم و از بندگان خالص خدا می شدیم; اما هنگامی که حضرت محمد(ص) بر آنان مبعوث شد به آن حضرت کفر ورزیدند>.

کافران قریش و اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۶ - ۲،۵

۲ خداوند مسلمانان را از سرمایه گذاری های کلان کافران قریش برای هجوم به مسلمانان و جلوگیری از گسترش اسلام آگاه ساخت .

فسینفقونها ثم تکون علیهم حسره ثم یغلبون

جمع مضاف <امولهم> دلالت بر عموم دارد ; یعنی تمامی داراییهایشان و این اشاره به پرداخت هزینه های فراوان است. گفتنی است توجه به سیاق آیه مورد بحث و آیات قبل این سخن مفسران را تأیید می کند که آیه شریفه درباره کفار قریش نازل شده است.

۵ حسرت و ندامت کافران قریش بر نابودی داراییهایشان ، تنها نتیجه پرداخت هزینه مبارزاتی آنان علیه اسلام

ثم تکون علیهم حسره ثم یغلبون

چون هدف کافران از سرمایه گذاری اموال جلوگیری از گسترش اسلام بوده، معلوم می شود حسرت و ندامت آنان بدان جهت بوده است که اموالشان از دست رفته و به نتیجه مطلوب نرسیده اند. قابل ذکر است که جمله <ثم یغلبون> دلالت می کند که زمان ندامت آنان در دنیاست.

کفر اشراف قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۴ - ۱

۱ مجرمان سردمدار

مکه از ایمان به رسالت پیامبر(ص) و آیات خدا به بهانه های واهی سر باز می زدند.

أکبر مجرمیها . .. قالوا لن نؤمن

کفر قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۶ - ۲

۲ قوم و قبیله پیامبر، تهدید به عذاب از جانب خداوند را باور نکرده و آن را تکذیب کردند.

قل هو القادر علی أن یبعث علیکم عذابا . .. و کذّب به قومک

در آیه <قل هو القادر> وعیدهایی از جانب خداوند مطرح گردید. محتمل است مرجع ضمیر <کذب به> همان وعیدهای مطرح شده در آیه قبل باشد برداشت فوق بر این اساس استوار است.

کوچ تابستانی قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۲ - ۱،۲،۳،۵

۱ - قریش ، طبق عادتی دیرینه ، در تابستان به مناطق خوش آب و هوا و در زمستان به نقاط گرمسیر مسافرت می کردند .

إیلفهم رحله الشتاء و الصیف

<رحله> (پیمودن راه بر راحله و مرکب)، مفعول <ایلاف> و ضمیر <ایلافهم> فاعل آن است. مراد از آن انس گرفتن قریش به کوچ، در دو فصل است. آنان در زمستان به یمن و در تابستان به شام، سفرهای تجارتی انجام می دادند.

۲ - قریش ، نیازمند امنیت در مسیر ییلاق و قشلاق کردن خویش

لإیلف قریش . إیلفهم رحله الشتاء و الصیف

۳ - امنیت راه های کوچ زمستانی و تابستانی قریش ، نعمتی الهی و سزاوار سپاس

إیلفهم رحله الشتاء و الصیف

در برداشت یاد شده، سوره <قریش> مستقل از سوره <فیل> دانسته شده است. در این صورت، این آیه مانند آیه قبل،

مربوط به

<فليعبدوا> در آيه بعد خواهد بود; يعنى، حال كه اين ايلاف تداوم يافته است، قريش بايد خدا را بندگى كنند. گفتنى است كه التزام به بندگى به پاس نعمت، شكرگزارى آن است.

۵ - خداوند ، با از ميان بردن سپاه ابرهه ، راه هاى كوچ زمستانى و تابستانى قريش را امنيت بخشيد .

إيلفهم رحله الشتاء و الصيف

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - قريش - ۱۰۶ - ۳ - ۴

۴ - فراهم آمدن زمينه مناسب از جانب خداوند ، براى كوچ هاى زمستانى و تابستانى قريش ، حجّتى كامل بر لزوم روى آوردن آنان به عبادت خداوند

لإيلف قريش . إيلفهم رحله الشتاء و الصيف . فليعبدوا

<لام> در <لايلاف> چه متعلق به سوره <فيل> باشد و چه به <فليعبدوا> (در اين آيه) برداشت ياد شده استفاده مى شود.

كوچ زمستانى قريش

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - قريش - ۱۰۶ - ۲ - ۱،۲،۳،۵

۱ - قريش ، طبق عادتى ديرينه ، در تابستان به مناطق خوش آب و هوا و در زمستان به نقاط گرمسير مسافرت مى كردند .

إيلفهم رحله الشتاء و الصيف

<رحله> (پيمودن راه بر راحله و مركب)، مفعول <ايلاف> و ضمير <ايلافهم> فاعل آن است. مراد از آن انس گرفتن قريش به كوچ، در دو فصل است. آنان در زمستان به يمن و در تابستان به شام، سفرهاى تجارتى انجام مى دادند.

۲ - قريش ، نيازمند امنيت در مسير ييلاق و قشلاق كردن خويش

لإيلف قريش . إيلفهم رحله الشتاء و الصيف

۳ - امنيت راه هاى كوچ زمستانى و تابستانى قريش ، نعمتى الهى و سزاوار سپاس

إيلفهم

رحله الشتاء و الصیف

در برداشت یاد شده، سوره <قریش> مستقل از سوره <فیل> دانسته شده است. در این صورت، این آیه مانند آیه قبل، مربوط به <فلیعبدوا> در آیه بعد خواهد بود; یعنی، حال که این ایلاف تداوم یافته است، قریش باید خدا را بندگی کنند. گفتنی است که التزام به بندگی به پاس نعمت، شکرگزاری آن است.

۵ - خداوند ، با از میان بردن سپاه ابرهه ، راه های کوچ زمستانی و تابستانی قریش را امنیت بخشید .

إیلفهم رحله الشتاء و الصیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۳ - ۴

۴ - فراهم آمدن زمینه مناسب از جانب خداوند ، برای کوچ های زمستانی و تابستانی قریش ، حجّتی کامل بر لزوم روی آوردن آنان به عبادت خداوند

لإیلف قریش . إیلفهم رحله الشتاء و الصیف . فلیعبدوا

<لام> در <لایلاف> چه متعلق به سوره <فیل> باشد و چه به <فلیعبدوا> (در این آیه) برداشت یاد شده استفاده می شود.

کیفر کافران قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۶ - ۱۰

۱۰ آن گروه از کافران قریش که پس از شکست همچنان به کفرورزی خویش ادامه دادند ، از دوزخیان هستند .

و الذین کفروا إلی جهنم یحشرون

تکرار <الذین کفروا> پس از <ثم یغلبون> اشاره به این دارد که گروهی از کفار قریش پس از شکست و غلبه مسلمانان به کفر باقی خواهند ماند، آنان سزایشان جهنم است و گروهی اسلام را خواهند پذیرفت و اهل نجات خواهند بود.

گرسنگی قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- قریش - ۱۰۶ - ۴ - ۱

۱ - خداوند ، قریش را از گرسنگی رهانید و مواد غذایی آنان را تأمین کرد .

الذی أطعمهم من جوع

حرف <من> یا تعلیلی است و یا بدلی; یعنی، به دلیل گرسنگی یا به جای آن. در هر دو صورت، بیانگر وجود زمینه گرسنگی در قریش است; به گونه ای که اگر خداوند آنان را اطعام نمی کرد، راهی دیگر نداشتند.

مسلمانان و کاروان تجاری قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۲ - ۶

۶ مسیر حرکت قافله تجاری قریش نامعلوم برای مسلمانان و به دور از دسترسی آنان به هنگام حضورشان در منطقه بدر

و الرکب أسفل منکم

نکره آوردن کلمه <أسفل> در مقابل معرفه آوردن <العدوه>، می تواند مشعر به برداشت فوق باشد. ناآگاهی مسلمانان به جایگاه قافله، تمهیدی بوده است از جانب خدا برای <لیقضی اللّه>. یعنی اگر مسلمانان از مسیر حرکت تجاری قریش آگاه بودند به سوی آنان می شتافتند و در نتیجه جنگ بدر رخ نمی داد.

مسلمانان و مشرکان قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷ - ۵،۶

۵ مسلمانان ، مشتاق رویارویی با کاروان تجاری قریش و ناخشنود از درگیری با سپاه مسلح آنان

و تودون أن غیر ذات الشوکه تکون لکم

۶ خداوند خواهان رویارویی مسلمانان با سپاه مسلح قریش و مشرکان مکه

تودون أن . .. و یرید اللّه أن یحق الحق بکلمته

از مقابله دو جمله <تودون . .. > و <یرید اللّه ... > به دست می آید که اراده خداوند بر خلاف خواسته مسلمانان

در انتخاب یکی از دو گروه (کاروان تجاری و سپاه مسلح مشرکان) بوده است.

مشرکان قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۲ - ۴،۱۵

۴ ضربات مرگبار مسلمانان پیکارگر در آغاز جنگ احد بر پیکره مشرکان قریش ، به اذن و اراده الهی

و لقد صدقکم اللّه وعده اذ تحسّونهم باذنه

۱۵ دستیابی مسلمانان پیکارگر احد بر غنائم جنگی ، به دنبال شکست ابتدایی مشرکان قریش

من معد ما اریکم ما تحبّون

اگر چه مراد از <ما تحبّون> پیروزی بر دشمن است، و لکن در آیه شریفه می تواند لازمه آن، یعنی غنیمت نیز مراد باشد; به دلیل <منکم من یرید الدّنیا>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۳ - ۱

۱ فرار پیکارگران احد از رویارویی با مشرکان قریش ، بی آنکه به فکر کسی باشند .

اذ تصعدون و لا تلون علی احد

کلمه <تصعدون> از <اصعاد>، به معنای دور شدن تا حد پنهان شدن از نظرهاست، و <لا تلون> از ماده <لیّ>، به معنای التفات و میل کردن است. یعنی از معرکه دور شدید و به کسی توجّه نمی کردید و تنها به فکر فرار از صحنه بودید.

مشرکان قریش در غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۲ - ۸

۸ ملائکه مأمور در هم کوبیدن سر های کافران بدر و از کار انداختن پنجه های آنان بودند .

فاضربوا فوق الأعناق و اضربوا منهم کل بنان

<ال> در <الأعناق> جانشين مضاف إليه (الكافرين) است و مراد از <فوق الأعناق>

سرهای کافران است. بنابراین جمله <فاضربوا ... > یعنی سرهای کافران را مورد ضربات خویش قرار دهید. قابل ذکر است که مخاطب در این جمله، همان گونه که سیاق آیه بر آن دلالت دارد، فرشتگان هستند.

مکر اشراف قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۳ - ۷

۷ سردمداران مجرم مکه، یکسره در صدد توطئه و مکر علیه مسلمانان صدر اسلام بودند.

و کذلک جعلنا فی کل قریه

چون این سوره مبارکه مکی است، تشبیه مذکور در آیه، تشبیه سردمداران مجرم در تمامی نقاط به سردمداران مجرم شهر <مکه> است. لذا بیانگر وضعیت و شرایط آن روزگار می باشد.

منشأ اتحاد قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۱ - ۵

۵ - خداوند ، با خنثی کردن توطئه اصحاب فیل ، قریش را از خطر از هم گسیختگی رهانید .

لإیلف قریش

منشأ امنیت قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۲ - ۵

۵ - خداوند ، با از میان بردن سپاه ابرهه ، راه های کوچ زمستانی و تابستانی قریش را امنیت بخشید .

إیلفهم رحله الشتاء و الصیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۴ - ۸،۹

۸ – خداوند ، قریش را در سفر و حضر ، از امنیت کامل برخوردار ساخته و هراس آنان را از میان برد .

و ءامنهم من خوف

به قرینه آیات پیشین، مراد امنیت در مراحل کوچ و نیز رفع خطر فیل داران و نظایر آنها، در شهر مکه است.

۹

- امنیت بخشیدن خداوند به قریش و از بین بردن ترس آنان ، عبادت او را بر آنان الزامی ساخت .

فلیعبدوا . .. الذی ... و ءامنهم من خوف

منشأ تغذیه قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۴ - ۱،۲

۱ - خداوند ، قریش را از گرسنگی رهانید و مواد غذایی آنان را تأمین کرد .

الذی أطعمهم من جوع

حرف <من> یا تعلیلی است و یا بدلی; یعنی، به دلیل گرسنگی یا به جای آن. در هر دو صورت، بیانگر وجود زمینه گرسنگی در قریش است; به گونه ای که اگر خداوند آنان را اطعام نمی کرد، راهی دیگر نداشتند.

۲ - قریش ، به دلیل تأمین تغذیه شان از سوی خداوند ، ملزم به پرستش او بودند .

فلیعبدوا . .. الذی أطعمهم من جوع

منشأ رفع ترس قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۴ - ۸

۸ - خداوند ، قریش را در سفر و حضر ، از امنیت کامل برخوردار ساخته و هراس آنان را از میان برد .

و ءامنهم من خوف

به قرینه آیات پیشین، مراد امنیت در مراحل کوچ و نیز رفع خطر فیل داران و نظایر آنها، در شهر مکه است.

منشأ نجات قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۱ - ۵

۵ - خداوند ، با خنثی کردن توطئه اصحاب فیل ، قریش را از خطر از هم گسیختگی رهانید .

لإیلف قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۴

۱ - خداوند ، قریش را از گرسنگی رهانید و مواد غذایی آنان را تأمین کرد .

الذی أطعمهم من جوع

حرف <من> یا تعلیلی است و یا بدلی; یعنی، به دلیل گرسنگی یا به جای آن. در هر دو صورت، بیانگر وجود زمینه گرسنگی در قریش است; به گونه ای که اگر خداوند آنان را اطعام نمی کرد، راهی دیگر نداشتند.

نجات قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۴ - ۱

۱ - خداوند ، قریش را از گرسنگی رهانید و مواد غذایی آنان را تأمین کرد .

الذی أطعمهم من جوع

حرف <من> یا تعلیلی است و یا بدلی; یعنی، به دلیل گرسنگی یا به جای آن. در هر دو صورت، بیانگر وجود زمینه گرسنگی در قریش است; به گونه ای که اگر خداوند آنان را اطعام نمی کرد، راهی دیگر نداشتند.

نظم زندگی قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۱ - ۲

۲ - قریش ، به برنامه ای منظم در اداره زندگانی خود خو گرفته بودند .

لإیلف قریش

برای <ایلاف> معانی گوناگونی ذکر شده است; از جمله: الفت یافتن، الفت دادن (قاموس); مهیا و مجهز ساختن (تاج العروس); عهد بستن و امان گرفتن (نهایه ابن کثیر). برداشت یاد شده ناظر به معنای نخست (الفت یافتن) است. چیزی که قریش با آن الفت یافته بودند به قرینه آیه بعد کوچ تابستانی و زمستانی بوده است. این برداشت، با معنای <الفت دادن> نیز سازگار است. در آن صورت <اللّه> (فاعل <ایلاف>) در کلام ذکر نشده است و <قریش> و

<رحله> مفعول اول و دوم می باشد.

نعمتهای قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۱ - ۹

۹ - استوار ماندن قریش بر نظام معیشتی دیرپای خویش ، نعمتی الهی و سزاوار سپاس

لإیلف قریش

چنانچه سوره <قریش> سوره ای مستقل باشد و با سوره <فیل> یک سوره تلقی نگردد; حرف <لام> در <لایلاف> متعلق به <فلیعبدوا> در آیه سوم خواهد بود. در آن صورت مفاد آیه این می شود که چون خداوند، نعمت ایلاف را به قریش عطا کرده است، باید او را بندگی کنند. گفتنی است که بندگی به پاس نعمت، شکرگزاری آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۲ - ۳

۳ - امنیت راه های کوچ زمستانی و تابستانی قریش ، نعمتی الهی و سزاوار سپاس

إیلفهم رحله الشتاء و الصیف

در برداشت یاد شده، سوره <قریش> مستقل از سوره <فیل> دانسته شده است. در این صورت، این آیه مانند آیه قبل، مربوط به <فلیعبدوا> در آیه بعد خواهد بود; یعنی، حال که این ایلاف تداوم یافته است، قریش باید خدا را بندگی کنند. گفتنی است که التزام به بندگی به پاس نعمت، شکرگزاری آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۳ - ۶

۶ - سپاس قریش از خداوند در برابر نعمت امنیت ، به پذیرش بندگی او بود .

ألم تر کیف فعل ربّک بأصحب الفیل . .. فلیعبدوا

نیازهای قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۲ - ۲

۲ - قریش

، نیازمند امنیت در مسیر ییلاق و قشلاق کردن خویش

لإیلف قریش . إیلفهم رحله الشتاء و الصیف

هشدار به قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۱ - ۶

۶ - هشدار خداوند به اشرار قریش در قبال توطئه علیه پیامبر (ص)

فانظر کیف کان عقبه مکرهم أنّا دمّرنهم

با توجه به این که سوره نمل در مکه نازل شده، می توان گفت که آیه فوق از یک سو پیام دار حمایت خداوند از پیامبر(ص) و تقویت روحیه مؤمنان است و از سوی دیگر هشداری به سران مشرک مکه است که از سرنوشت ثمودیان عبرت بگیرند و از توطئه علیه پیامبر(ص) دست بردارند و یا به فکر توطئه علیه او نیفتند.

ییلاق نشینی قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۲ - ۱

۱ - قریش ، طبق عادتی دیرینه ، در تابستان به مناطق خوش آب و هوا و در زمستان به نقاط گرمسیر مسافرت می کردند .

إیلفهم رحله الشتاء و الصیف

<رحله> (پیمودن راه بر راحله و مرکب)، مفعول <ایلاف> و ضمیر <ایلافهم> فاعل آن است. مراد از آن انس گرفتن قریش به کوچ، در دو فصل است. آنان در زمستان به یمن و در تابستان به شام، سفرهای تجارتی انجام می دادند.

قساوت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

قساوت

آثار قساوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۳۳ – ۷

۷ نیازمندی و قساوت دو عامل گرایش به ظلم و رعایت نکردن عدل است.

لکل درجت مما عملوا . .. و ربک الغنی ذو الرحمه

ذکر دو صفت غنا

و رحمت، پس از بیان عدم ظلم خداوند در پاداش بندگان، بیانگر این است که ظلم برخاسته از نیاز و یا شقاوت و قساوت است که در مورد خدا این دو منتفی است.

آثار قساوت قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۴ - ۴

۴ - قلب های بنی اسرائیل با سخت شدن ، از تراوش کمترین معرفتی ناتوان شد .

ثم قست قلوبکم . .. فهی کالحجاره أو أشد قسوه و إن من الحجاره

به مقتضای ارتباط <ثم قست . ..> با جمله <یریکم آیاته لعلکم تعقلون> سختی دل به نپذیرفتن معارف القاشده به آن، تفسیر شد و به مقتضای جمله <إن من الحجاره ...> سختی دل به تراوش نکردن معارف و حقایق تفسیر می شود؛ یعنی، قلب قسی نه از خارج متأثر می شود و نه از درون تراوشی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۵ - ۴

۴ - قساوت و سخت دلی بنی اسرائیل و جامعه یهود ، از میان برنده زمینه های ایمان و گرایش به اسلام در آنان

ثم قست قلوبکم . .. أفتطمعون أن یؤمنوا لکم

حرف <فاء> در <أفتطمعون> قطع امید از ایمان آوردن بنی اسرائیل را نتیجه قساوت قلب ایشان - که در آیه قبل مطرح شد - می شمرد؛ یعنی، با پیدایش قساوت در قلب بنی اسرائیل، جای امیدی به ایمان آوردن آنان نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۹ - ۷

۷ سنگدلی و خشونت رهبران ، موجب پراکندگی مردم از پیرامون

آنان

و لو كنت فظّا غليظ القلب لانفضّوا من حولك

<انفضّوا> از <فضّ> به معناى تفرّق و پراكندگى است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۱۳ - ۱۲

۱۲ سنگدلى بنى اسرائيل ، منشأ تحريف تورات

و جعلنا قلوبهم قسيه يحرفون الكلم عن مواضعه

جمله <يحرفون> جمله مفسره و بيانگر آثار قساوت قلب است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۸۳ - ۸

۸ استكبار و سخت دلى يهوديان و مشركان موجب تأثرناپذيرى آنان از قرآن

و إذا سمعوا ما أنزل إلى الرسول ترى اعينهم تفيض من الدمع

بيان واكنش خاضعانه مسيحيان در برابر قرآن پس از توصيف آنان به فروتنى در آيه پيش گوياى اين است كه دو گروه ديگر (يهوديان و مشركان) به دليل گردنفرازى و استكبار در برابر حق، از پذيرش قرآن سرباز زدند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۴۳ - ۴،۵،۱۲

۴ سنگدلى، مانع تضرع به درگاه خداوند، حتى در شدايد و سختيها

فلولا . .. و لكن قست قلوبهم

۵ سنگدلى، موجب هدايت ناپذيرى و اجابت نكردن دعوت انبيا

و لقد أرسلنا . .. فلولا إذ جاءهم بأسنا تضرعوا و لكن قست قلوبهم

۱۲ قساوت دل زمینه ای مناسب برای القای تزیینات شیطان

و لکن قست قلوبهم و زین لهم الشیطن ما کانوا یعملون

جمله <زین لهم> می تواند از قبیل عطف مسبب بر سبب باشد ; یعنی تزیین شیطان پس از قساوت دل حاصل می گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۳ - ۲

۲ -

یمار دلی و قساوت ، زمینه ای مناسب برای قرار گرفتن در دام فتنه ها و اغواگری های شیطان

لیجعل ما یلقی الشیطن فتنه . .. و القاسیه قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۲ - ۱۳،۱۷

۱۳ - قساوت قلب و سنگدلی ، مانع پذیرش حق و تابش نور الهی بر قلب ها

أفمن شرح اللّه صدره للإسلم . .. فویل للقسیه قلوبهم من ذکر اللّه

توصیف کافران به قساوت قلب و سنگدلی، در برابر مؤمنان که از نور هدایت الهی برخورداراند می تواند بیانگر این نکته باشد که قساوت قلب، مانع تابش نور هدایت الهی در قلب ها است.

۱۷ - قساوت قلب و خدا فراموشی ، نشانه گمراهی سخت و آشکار

فویل للقسیه قلوبهم من ذکر اللّه أُولئک فی ضلل مبین

آثار قساوت قلب اصحاب اخدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۶ - ۳

۳ - اصحاب اخدود ، به دلیل حضور بی رحمانه خود در مراسم سوزاندن مؤمنان و نشستن و نظاره کردن آن ، گرفتار نفرین خداوند و سزاوار قتل و نابودی شدند .

قتل أصحب الأُخدود . .. إذ هم علیها قعود

کلمه <إذ>، ظرف برای <قتل> و بیانگر نقش آن لحظه در استحقاق نفرین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۷ - ۱۱

۱۱ - حضور بی رحمانه اصحاب اخدود برای سوزاندن و تماشای سوختن مؤمنان ، موجب گرفتاری آنان به نفرین خداوند بود .

قتل أصحب الأخدود . .. إذ ... و هم على ما يفعلون بالمؤمنين شهود

زمينه

قساوت قلب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۸۳ – ۹

۹ استکبار موجب سخت دلی و مانع تأثیرپذیری از قرآن

و انهم لایستکبرون. و إذا سمعوا ما أنزل إلی الرسول ... تفیض من الدمع

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۷۶ – ۱۱

۱۱ – ثروت فراوان و نخوت آفرین ، زمینه ساز سنگ دلی و بی رحمی است .

إذ قال له قومه لاتفرح

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۲۲ – ۴

۴– ترک رهنمود ها و قوانین الهی ، زمینه تبدیل شدن انسان به عنصری فسادگر و بی عاطفه و نه صرفاً بی ایمان

فهل عسیتم إن تولّیتم أن تفسدوا فی الأرض و تقطّعوا أرحامکم

با توجه به متعدی آمدن واژه <تفسدوا>، استفاده می شود که روی گردانی از جهاد و سایر تکالیف دینی، صرفاً موجب فاسد شدن خود فرد نمی شود; بلکه او در نتیجه فساد شخصی، ناگزیر فسادگر نیز می گردد. جمله <تقطّعوا أرحامکم> بر بی عاطفه شدن متخلفان جهاد دلالت دارد.

زمینه قساوت قلب اهل کتاب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۱۶ – ۲۱

۲۱ – فسق پیشگی اهل کتاب و نافرمانی آنان از حق ، نتیجه بی تفاوتی دراز مدت آنان نسبت به تعالیم الهی و گرفتار شدن به قساوت قلب

فطال علیهم الأمد فقست قلوبهم و کثیر منهم فسقون

سرزنش قساوت قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۹ - ۸

۸

ترغیب به خوش خُلقی و مدارا و نکوهش از سنگدلی و خشونت ، در برخورد های اجتماعی

و لو کنت فظّا غلیظ القلب لانفضّوا من حولك

ظلم قساوت قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۵ - ۴

۴ سنگدلی و تضرع نکردن به درگاه خداوند، حتی در دشواریها، ظلم است.

فلولا . .. تضرعوا و لکن قست قلوبهم ... فقطع دابر القوم الذین ظلموا

در آیه شریفه هدف از آمدن سختیها را تضرع و روی آوردن به خدا دانسته، و به دنبال آن گروهی را معرفی کرده که حتی در شدت و سختی منفعل نمی شوند، و سرانجام از این گروه با عنوان <ظالمان> یاد کرده است، بنابراین سنگدلی و تضرع نکردن آنان ظلم است.

عوامل قساوت قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۴ - ۳

۳ - قساوت قلب بنی اسرائیل ، نتیجه لجاجت ها ، بهانه جویی ها و عصیانگری های آنان بود .

قالوا أتتخذنا هزواً . .. ثم قست قلوبکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۳ - ۶،۱۳

۶ سنگدلی ، از پیامد های لعن الهی *

لعنهم و جعلنا قلوبهم قسیه

تقدیم لعن بر قساوت، می تواند اشاره به تأثیر لعنت در قساوت قلب داشته باشد.

۱۳ قساوت قلب و نفهمیدن حق ، آنگاه که پیامد گناه و کیفر آن باشد ، عذر نیست .

لعنهم و جعلنا قلوبهم قسیه

بنی اسرائیل گر چه به سبب ناتوانی از درک حقایق مرتکب تحریف شدند، ولی چون این ناتوانی ناشی از گناه خود آنان

بوده است، مورد مذمت خداوند قرار گرفتند. بنابراین عجز از فهمیدن حق، اگر پیامد گناه باشد، نمی تواند عذر شمرده شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۵۴ – ۶

۶ – علم ، مایه سلامت قلب و جان و جهل ، موجب قساوت و بیماردلی

لیجعل . .. فتنه للذین فی قلوبهم مرض ...و لیعلم الذین أُوتوا العلم أنّه الحقّ من

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۲ – ۱۶

۱۶– گناه ، مایه تیرگی قلب و رخت بستن صلاح از فکر و اندیشه انسان *

کفّر عنهم سیّئاتهم و أصلح بالهم

میان سیّئات و عدم صلاح قلب، می تواند رابطه علّی و سببی باشد. از تقدم سیّئات استفاده می شود که عامل فساد فکر و اندیشه، گناهان است و با زدایش گناهان، اندیشه صلاح می یابد. این احتمال مبتنی است بر این که <بال> به معنای قلب باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۱۶ – ۱۱

۱۱– هواپرستی ، مانع درک حقایق وحی و عامل مهر شدن قلب انسان به اراده خداوند *

أولئک الذین طبع اللّه علی قلوبهم واتّبعوا أهواءهم

جمله <واتّبعوا أهوائهم> می تواند بیانگر علت <طبع اللّه . ..> باشد; چه این که <طبع اللّه> می تواند بیانگر علت ناتوانی کافران و منافقان از درک پیام وحی به شمار آید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۱۶ – ۱۶،۲۲

۱۶ – بی تفاوتی در برابر تذکار ها و رهنمود های قرآن در دراز مدت ، باعث

قساوت قلب خواهد شد .

و لایکونوا کالذین . .. فطال علیهم الأمد فقست قلوبهم

خداوند، مسلمانان را از پیش گرفتن شیوه یهود و نصارا در مورد کتاب های آسمانی خود بر حذر داشته و تذکر می دهد که آنان با این کار به مرور زمان گرفتار قساوت قلب شدند؛ بنابراین مسلمانان نیز در خطر گرفتار شدن به آن خواهند شد.

۲۲ - < عن أبی بصیر عن أبی جعفر (ع) قال : لم یزل بنو إسماعیل ولاه البیت [و] یقیمون للناس حجّهم و أمر دینهم . . . < فطال علیهم الأمد فقست قلوبهم > و أفسدوا و أحدثوا فی دینهم . . . ؛

ابوبصیر از امام باقر(ع) روایت نموده که فرزندان اسماعیل(ع) بزرگی بعد از بزرگی دیگر متولیان خانه خدا بودند و حجّ و امور دینی مردم را برپا می داشتند. .. پس زمانی طولانی بر آنها گذشت و قلب های آنان قساوت پیدا کرد و به فساد آلوده شدند و در دینشان دست بردند...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲۱ - ۳

۳ - قلب های تأثیرناپذیر از آیات قرآن ، سخت تر و بی اساس از سنگ های کوه

لو أنزلنا هذا القرءان . .. متصدّعًا من خشیه اللّه

عوامل قساوت قلب مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۶ - ۱۹

۱۹ - قساوت قلب و سنگدلی یهود و نصارا ، نتیجه بی تفاوتی دراز مدت آنان در برابر تعالیم و رهنمود های کتاب آسمانی شان (تورات و انجیل)

و لایکونوا کالذین

أَوتوا الكتب من قبل فطال عليهم الأمد فقست قلوبهم

عوامل قساوت قلب يهود

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - حديد - ۵۷ - ۱۶ - ۱۹

۱۹ - قساوت قلب و سنگدلی يهود و نصارا ، نتيجه بی تفاوتی دراز مدت آنان در برابر تعاليم و رهنمود های كتاب آسمانی شان (تورات و انجيل)

و لايكونوا كالذين أُوتوا الكتب من قبل فطال عليهم الأمد فقست قلوبهم

قساوت قلب

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۹ - ۹

۹ گرايش مردم به رهبران دينی ، در گرو مهربانی آنان و پرهيز از خشونت و سنگدلی

فبما رحمه من اللّه لنت لهم و لو كنت فظّا غليظ القلب لانفضّوا من حولك

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۱۳ - ۵

۵ لعن الهی (دوری از رحمت خداوند) و قساوت دل ، كيفر شكستن پيمان الهی

فبما نقضهم ميثقهم لعنهم و جعلنا قلوبهم قسيه

قساوت قلب اصحاب اخدود

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۶ - ۲

۲ - اصحاب اخدود ، از سوختن مؤمنان هيچ اضطرابی در خود احساس نكرده ، خاطری آرام داشتند .

إذ هم عليها قعود

نشستن هنگام تماشای سوختن مؤمنان، نشانگر آن است که برای تماشاگران، این حادثه اهمیت چندانی نداشت و آنان را برآشفته نمی ساخت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۷ - ۴

۴ - اصحاب اخدود ، مردمی سنگدل و بی عاطفه بودند .

و هم علی

ما یفعلون بالمؤمنین شهود

حضور اصحاب اخدود در مراسم آدم سوزی برای شهود و نظاره آن صحنه، گویای قساوت قلب و بی رحمی آنان است.

قساوت قلب اکثریت رهبران شرک صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۰ - ۱

۱ - بیشتر سران شرک و کفر در صدراسلام ، به گونه ای بودند که انذار و اخطارِ پیامبر (ص) در آنان کارساز نبوده و ایمان نمی آوردند .

لقد حقّ القول علی أکثرهم . .. و سواء علیهم ءأنذرتهم أم لم تنذرهم لایؤمنون

قساوت قلب اکثریت رهبران کفر صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۰ - ۱

۱ - بیشتر سران شرک و کفر در صدراسلام ، به گونه ای بودند که انذار و اخطارِ پیامبر (ص) در آنان کارساز نبوده و ایمان نمی آوردند .

لقد حقّ القول علی أکثرهم . .. و سواء علیهم ءأنذرتهم أم لم تنذرهم لایؤمنون

قساوت قلب بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۴ - ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷

۱ - قلب های بنی اسرائیل - علی رغم دریافت آیات و معجزه های فراوان - به سختی گرایید و از درک معارف و آیات الهی ناتوان شد .

لعلکم تعقلون. ثم قست قلوبکم من بعد ذلک

<قساوه> (مصدر قست) به معنای غلظت پیدا کردن و سخت شدن است. جمله <لعلکم تعقلون> بیان می دارد که: سخت

شدن دلهای بنی اسرائیل در برابر فهم و درک آیات و معارف الهی است. <ذلک> اشاره به نعمتها و معجزاتی است که

خداوند به بنی اسرائیل ارائه کرد و در آیات پیشین مطرح شد.

۲ - قلب ها و دل های بنی اسرائیل در سختی و نفوذناپذیری همانند سنگ و از آن سخت تر شد .

فهی کالحجاره أو أشد قسوه

<حجاره> جمع حجر و به معنای سنگها و صخره هاست.

۳ - قساوت قلب بنی اسرائیل ، نتیجه لجاجت ها ، بهانه جویی ها و عصیانگری های آنان بود .

قالوا أتتخذنا هزواً . .. ثم قست قلوبکم

۴ - قلب های بنی اسرائیل با سخت شدن ، از تراوش کمترین معرفتی ناتوان شد .

ثم قست قلوبکم . .. فهی کالحجاره أو أشد قسوه و إن من الحجاره

به مقتضای ارتباط <ثم قست . ..> با جمله <یریکم آیاته لعلکم تعقلون> سختی دل به نپذیرفتن معارف القاشده به آن، تفسیر شد و به مقتضای جمله <إن من الحجاره ...> سختی دل به تراوش نکردن معارف و حقایق تفسیر می شود؛ یعنی، قلب قسی نه از خارج متأثر می شود و نه از درون تراوشی دارد.

۵ - بیرون زدن و جاری شدن نهر های آب از برخی صخره ها ، شاهدی بر سختی قلب های سخت تر از سنگ بنی اسرائیل

أو أشد قسوه و إن من الحجاره لما یتفجر منه الأنهر

<تفجّر> (مصدر یتفجر) به معنای بیرون آمدن و جاری شدن است (اقتباس از مجمع البیان). جمله <إن من الحجاره> به منزله دلیل برای <أشد قسوه> می باشد. <لما> مرکب از لام تأکید و <ما>ی موصوله است و مراد از آن، سنگ می باشد. بنابراین <إن من الحجاره لما ...>؛ یعنی، برخی از سنگها همانا سنگی است که ... .

۶ - شکاف برداشتن برخی سنگ

ها و بیرون آمدن آب از آن ، نشانه سخت تر بودن قلب های بنی اسرائیل از سنگها

و إن منها لما یشقق فیخرج منه الماء

<تَشَقُّق> (مصدر یشقق = یتشقق) به معنای شکاف برداشتن است. برخی از اهل لغت برآنند که <شق> به شکاف ریز که به روشنی معلوم نباشد، گفته می شود.

۷ - سقوط سنگ ها بر اثر هراس و خشیت از خدا ، نشانه افزونتر بودن سختی دل های بنی اسرائیل از پاره سنگهاست .

و إن منها لما یهبط من خشیه اللّه

<من> در <من خشیه اللّه> تعلیلیه است. <هبوط> (مصدر یهبط) به معنای افتادن و سقوط کردن است. بنابراین جمله <إن منها ...>; یعنی، برخی سنگها همانا سنگی است که به علت ترس از خدا سقوط می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۵ - ۴

۴ - قساوت و سخت دلی بنی اسرائیل و جامعه یهود ، از میان برنده زمینه های ایمان و گرایش به اسلام در آنان

ثم قست قلوبکم . .. أفتطمعون أن یؤمنوا لکم

حرف <فاء> در <أفتطمعون> قطع امید از ایمان آوردن بنی اسرائیل را نتیجه قساوت قلب ایشان - که در آیه قبل مطرح شد - می شمرد; یعنی، با پیدایش قساوت در قلب بنی اسرائیل، جای امیدی به ایمان آوردن آنان نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۳ - ۴،۱۲

۴ گرفتاری بنی اسرائیل به لعن الهی و قساوت قلب ، کیفر پیمان شکنی آنان

فبما نقضهم میثقهم لعنهم و جعلنا قلوبهم قسیه

۱۲ سنگدلی بنی اسرائیل ، منشأ تحریف تورات

و جعلنا

قلوبهم قسیه یحرفون الکلم عن مواضعه

جمله <یحرفون> جمله مفسره و بیانگر آثار قساوت قلب است.

قساوت قلب قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۶ - ۱۰

۱۰ - قارون ، فردی سنگ دل و بی رحم بود .

إذ قال له قومه لاتفرح

از این که قارون علیه ملت و مردم هم نژاد خود دست به ظلم و تجاوز زد، می تواند به سنگ دلی و بی رحمی او پی برد.

قساوت قلب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۳ - ۳

۳ - جبهه کفر و شرک در طول تاریخ ، متشکل از انسان هایی بیمار دل و قسی القلب

و ما أرسلنا من قبلک من رسول . .. للذین فی قلوبهم مرض و القاسیه قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۲ - ۱۰،۱۵

۱۰ - وجود اختلاف اساسی انسان مؤمن حق پذیر و نرم دل با کافر حق ناپذیر و سنگدل ، از نظر شخصیت و سرنوشت

أفمن شرح اللّه صدره للإسلم فهو علی نور من ربّه فویل للقسیه قلوبهم

<من> در آیه شریفه، اسم موصول و مبتدا است و خبر آن به قرینه جمله بعدی (فویل للقاسیه قلوبهم. ..) جمله ای محذوف می باشد. تقدیر کلام چنین است: <أفمن شرح اللّه صدره للإسلام ... کمن قسا قلبه>. بنابراین می توان گفت: آیه شریفه درصدد مقایسه میان شخصیت دو انسان مؤمن و کافر و سرنوشت آنان در آینده است.

۱۵ - کافران اسلام گریز ، دچار سنگدلی و قساوت قلب اند .

فويل للقسيه

قلوبهم من ذكر اللّه

قساوت قلب كافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۰ - ۱۱

۱۱ - كافران صدراسلام ، مردمى سنگدل بودند كه حتى بر زنان مؤمن نيز رحم نكردند .

فتنوا المؤمنين و المؤمنت

قساوت قلب مخالفان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۳ - ۵

۵ - مخالفان پيامبر (ص) در صدراسلام ، مردمانى بودند بيمار دل ، قسى القلب و ستم پيشه .

ليجعل ما يلقى الشيطن . .. و إنّ الظلمين لفى شقاق بعيد

قساوت قلب مسيحيان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - حديد - ۵۷ - ۱۶ - ۱۸

۱۸ - يهود و نصارا ، مردمانى گرفتار قساوت قلب و سنگدلى

و لايكونوا كالذين أُوتوا الكتب . .. فقست قلوبهم

قساوت قلب مشركان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۸۳ - ۸

۸ استكبار و سخت دلى يهوديان و مشركان موجب تأثرناپذيرى آنان از قرآن

و إذا سمعوا ما أنزل إلى الرسول ترى اعینهم تفیض من الدمع

بیان واکنش خاضعانه مسیحیان در برابر قرآن پس از توصیف آنان به فروتنی در آیه پیش گویای این است که دو گروه دیگر (یهودیان و مشرکان) به دلیل گردنفرازی و استکبار در برابر حق، از پذیرش قرآن سرباز زدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۳ - ۳

۳ - جبهه کفر و شرک در طول تاریخ ، متشکل از انسان هایی بیمار دل و قسی القلب

و ما أرسلنا من

قبلک من رسول . .. للذین فی قلوبهم مرض و القاسیه قلوبهم

قساوت قلب یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۷۵ – ۴

۴ – قساوت و سخت دلی بنی اسرائیل و جامعه یهود ، از میان برنده زمینه های ایمان و گرایش به اسلام در آنان

ثم قست قلوبکم . .. أفتطمعون أن یؤمنوا لکم

حرف <فاء> در <أفتطمعون> قطع امید از ایمان آوردن بنی اسرائیل را نتیجه قساوت قلب ایشان – که در آیه قبل مطرح شد – می شمرد; یعنی، با پیدایش قساوت در قلب بنی اسرائیل، جای امیدی به ایمان آوردن آنان نیست.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۸۳ – ۸

۸ استکبار و سخت دلی یهودیان و مشرکان موجب تأثرناپذیری آنان از قرآن

و إذا سمعوا ما أنزل إلی الرسول تری اعینهم تفیض من الدمع

بیان واکنش خاضعانه مسیحیان در برابر قرآن پس از توصیف آنان به فروتنی در آیه پیش گویای این است که دو گروه دیگر (یهودیان و مشرکان) به دلیل گردنفرازی و استکبار در برابر حق، از پذیرش قرآن سرباز زدند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۱۶ – ۱۸

۱۸ – یهود و نصارا ، مردمانی گرفتار قساوت قلب و سنگدلی

و لایکونوا کالذین أُوتوا الکتب . .. فقست قلوبهم

مراتب قساوت قلب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۷۴ – ۱۳

۱۳ – قساوت و سخت دلی ، دارای مراحل و مراتبی مختلف است .

فهی کالحجاره أو أشد قسوه

کلمه

<أو> در جمله فوق، می توانـد برای تقسـیم و تنویع باشـد. بر این مبنا جمله <فهی کالحجاره ...> دلالت می کند که: برخی از قلبهای قسی همانند سنگ است و برخی سخت تر از سنگ.

موانع قساوت قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۲ - ۶

۶ جلوگیری از پیامد سنگدلی های افسار گسیخته ، فلسفه وضع مجازات سنگین برای قتل و آدمکشی

من اجل ذلک کتبنا علی بنی اسرءیل انه من قتل . .. فکانما قتل الناس جمیعاً

نشانه های قساوت قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۴ - ۱۲

۱۲ - درک نکردن و نپذیرفتن حقایق دینی و معارف الهی ، نشانه سخت شدن و قساوت پیدا کردن دلهاست .

یریکم ءایته لعلکم تعقلون. ثم قست قلوبکم من بعد ذلک

قصاص از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

قصاص

آثار عفو از قصاص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۵ - ۱۲،۱۳

۱۲ چشمپوشی از قصاص در پی دارنده آمرزش گناهان صاحب حق

فمن تصدق به فهو کفاره له

۱۳ چشمپوشی از حق قصاص ، موجب آمرزش گناه مجرم و سقوط حق قصاص *

فمن تصدق به فهو کفاره له

چنانچه ضمیر <له> به مجرم، که از مضمون کلام به دست می آید، برگردد جمله <فهو کفاره له> علاوه بر سقوط حق قصاص، به آمرزش گناه شخص مجرم نیز دلالت خواهد داشت.

آثار قصاص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۹ - ۱،۲

۱ - قانون قصاص و اجرای آن موجب حیات جامعه اسلامی

است .

و لکم فی القصاص حیوه

۲ – قصاص ، عاملی مهم و اساسی در بازداری مردم از ارتکاب قتل

و لکم فی القصاص حیوه . .. لعلکم تتقون

احکام قصاص

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۷۸ – ۱،۴،۵،۶،۷،۸،۹،۱۰،۱۳،۲۳،۲۶،۲۷

۱ – قانون قصاص (کشتن قاتل) قانونی ثابت و لازم الاجرا در جامعه اسلامی است .

یایها الذین ءامنوا کتب علیکم القصاص فی القتلی

۴ – قاتل باید خود را برای قانون قصاص تسلیم کند .

یایها الذین ءامنوا کتب علیکم القصاص

مخاطبـان واقعی جمله <کتب علیکم> قاتلان هستند. بنـابراین بر خود قاتـل است که برای اجرای قانون قصاص، خویشتن را آماده کند و این به معنای لزوم تسلیم برای اجرای قصاص می باشد.

۵ – انسان آزاد (غیر برده) در مقابل کشتن انسان آزاد و برده در مقابل کشتن برده ، قصاص می شوند .

الحر بالحر و العبد بالعبد

۶ – زن در مقابل کشتن زن قصاص می شود .

و الأنثی بالأنثی

۷ – عدم تساوی انسان آزاد با برده و زن با مرد در قانون قصاص

کتب علیکم القصاص فی القتلی الحر بالحر و العبد بالعبد و الأنثی بالأنثی

۸ – اولیای مقتول می توانند قاتل را از قصاص عفو کنند .

فمن عفی له من أخیه شیء

مراد از <من> قاتل و مقصود از <أخیه> ولی مقتول می باشد. ضمیرهای <له> و <أخیه> به <من>، یعنی قاتل باز می گردد و <شیء> عبارت است از حق قصاص. بنابراین جمله <فمن عفی ...> چنین معنا می شود: پس آن قاتلی که از طرف ولی مقتول چیزی از حق قصاص بر او بخشیده شود ... .

۹

- قصاص حقی است قابل گذشت نه حکمی غیر قابل اسقاط .

فمن عفی له من أخیه شیء

۱۰ - حق قصاص حتی با عفو یکی از اولیای مقتول ساقط می شود .

فمن عفی له من أخیه شیء

مراد از <شیء> چنانچه گذشت حق قصاص است. نکره آوردن <شیء> اشاره به این دارد که: اگر بخشی از حق قصاص نیز مورد عفو قرار گیرد، قاتل قصاص نمی شود و این فرض در صورتی است که اولیای مقتول متعدد بوده و برخی از آنها قاتل را عفو کنند.

۱۳ - قاتل در صورتی که از قصاص عفو شود ، باید به اولیای مقتول خون بها بپردازد .

فمن عفی له من أخیه شیء . .. و أداء إلیه بإحسن

۲۳ - کسانی که به احکام قصاص و دیه ملتزم نباشند ، به عذاب الهی گرفتار خواهند شد .

فمن اعتدی بعد ذلک فله عذاب ألیم

<ذلک> می تواند اشاره به احکام یاد شده درباره قصاص و دیه باشد. بر این مبنا جمله <فمن اعتدی ...> گویای این است که: اگر کسی ملتزم به احکام مذکور نباشد و همانند روزگار جاهلیت عمل کند، گنهکار است و به عذاب الهی گرفتار خواهد شد.

۲۶ - ولیّ مقتول اگر پس از عفو یا گرفتن دیه ، قاتل را بکشد ، باید کشته شود . *

فمن اعتدی بعد ذلک فله عذاب ألیم

جمله <فله عذاب ألیم> را می توان بیان واقعیتی دانست که تجاوزگر در دنیا یا آخرت به آن گرفتار خواهد شد و می توان آن را حکمی کیفری و مجازاتی شمرد که جامعه اسلامی باید آن را اجرا کند. برداشت فوق بر اساس دومین احتمال است.

۲۷ - قاتل

، در صورتی که از قصاص عفو شود و پس از آن دیگری را به قتل برساند ، باید کشته شود و مورد عفو قرار نگیرد .

کتب علیکم القصاص . .. فمن اعتدی بعد ذلک فله عذاب ألیم

برداشت فوق بر این اساس است که: مقصود از <من> در جمله فوق، قاتل باشد نه ولیّ مقتول. بر این مبنا <ذلک> به <عفو> - که از جمله <فمن عفی له> به دست می آید - اشاره دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۷ - ۳۱

۳۱ - احکام قصاص و وصیت ، حدود الهی است که هرگز نباید شکسته شود .

کتب علیکم القصاص . .. کتب علیکم ... الوصیه ... تلک حدود اللّه فلاتقربوها

مشارالیه <تلک> علاوه بر روزه و احکام آن، می تواند قصاص و وصیت و احکام آنها نیز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۵ - ۲،۴،۶،۹،۱۳

۲ یهود وظیفه دار اجرای احکام و قوانین قصاص (بیان شده در تورات) در میان خویش

و کتبنا علیهم فیها ان النفس بالنفس . .. و الجروح قصاص

۴ جان در برابر جان ، چشم در برابر چشم ، بینی در برابر بینی ، گوش در برابر گوش و دندان در برابر دندان ، قانون قصاص در تورات

و کتبنا علیهم . .. و العین بالعین و الأنف بالأنف و الاذن بالاذن و السن بالسن

۶ احکام قصاص در تورات ، نور و مایه هدایت

فیها هدی و نور . .. و کتبنا علیهم فیها ان النفس بالنفس

توصیف تورات به اینکه در

آن نور و هـدایت است و سـپس بیـان اینکه احکـام قصـاص در تورات وجود دارد، دلالـت می کنـد که آن احکـام نور و مایه هدایت انسانهاست.

۹ صاحبان حق قصاص ، مختار در گزینش قصاص و چشمپوشی از آن

فمن تصدق به فهو کفاره له

۱۳ چشمپوشی از حق قصاص ، موجب آمرزش گناه مجرم و سقوط حق قصاص *

فمن تصدق به فهو کفاره له

چنـانچه ضـمیر <له> به مجرم، که از مضـمون کلاـم به دست می آیـد، برگردد جمله <فهو کفاره له> علاوه بر سـقوط حق قصاص، به آمرزش گناه شخص مجرم نیز دلالت خواهد داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۳ - ۸،۱۰،۱۱،۱۸،۲۰

۸- تصمیم گیری درباره قاتل ، مخصوص اولیای مقتول است و باید در جهت منافع آنان باشد .

فقد جعلنا لولیّه سلطنًا

برداشت فوق، با توجه به لام در <لولیّه> است که اختصاص و منفعت را افاده می کند.

۱۰- زیاده روی اولیای مقتول ، در انتقام گیری از قاتل ، ممنوع و حرام است .

فلایسرف فی القتل

۱۱- اولیای مقتول ، دارای حق قصاص و کشتن قاتل

جعلنا لولیّه سلطنًا فلایسرف فی القتل

۱۸- < عن أبی عبـدالله (ع) قـال : إذا اجتمعت العـده علی قتـل رجـل واحـد حکم الوالی أن یقتـل أیّهم شاؤوا و لیس لهـم أن یقتلوا أکثر من واحد إن الله عزّوجلّ یقول : < و من قتل مظلوماً فقد جعلنا لولیه سلطاناً فلایسرف فی القتل > ;

از امام صادق(ع) روایت شـده است که فرمود: هر گاه گروهی یک مرد را به قتل برساننـد والی حکم می کنـد که هر کدام از قاتلین را

که اولیای دم بخواهند بکَشند و آنان حق ندارند بیش از یک نفر را بکَشند. همانا خداوند عزّوجلّ می فرماید: و من قتل مظلوماً فقد جعلنا لولیژه سلطاناً فلایسرف فی القتل>.

۲۰- < عن أبی العباس قال : سألت أباعبدالله (ع) عن رجلین قتلا رجلاً فقال : یخیّر ولیّه أن یقتل أیّهما شاء . . . و کذلک إن قتل رجل إمرأه إن قبلوا دیه المرأه فذاک ، و إن أبی أولیائها إلاّ ـ قتل قاتلها غرموا نصف دیه الرجل و قتلوه و هو قول الله : < فقد جعلنا لولیّه سلطاناً فلایسرف فی القتل > ;

ابی العباس گفت: از امام صادق(ع) در باره دو مردی که یک مرد را کشته اند پرسیدم، حضرت در جواب فرمود: ولیّ مقتول مخیّر است هر کدام از قاتلان را که بخواهد بکُشد . .. و همچنین اگر مردی زنی را بکُشد، چنان چه[اولیای دم]دیه زن را قبول کنند، پس حکم همان است و اگر اولیای زن دیه را نپذیرفتند [و راضی نشدند]مگر به کشتن قاتل، باید نصف دیه مرد را بدهند و سپس او را بکُشند و این سخن خداست: فقد جعلنا لولیّه سلطاناً فلایسرف فی القتل>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۴ - ۹

۹- قصاص قاتل و کشتن او به جرم قتل ، در شریعت موسی (ع) جائز بوده است .

أقتلت نفسًا زکیّه بغیر نفس

از مفهوم <بغیر نفس> استفاده می شود که اگر قتل نفس، از روی قصاص می بود، از نظر موسی(ع) قابل قبول بود و خضر مورد اعتراض موسی(ع) واقع نمی

شد.

اختیارات اولیای مقتول در قصاص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۸،۱۰،۱۱

۸ - اولیای مقتول می توانند قاتل را از قصاص عفو کنند .

فمن عفی له من أخیه شیء

مراد از <من> قاتل و مقصود از <أخیه> ولی مقتول می باشد. ضمیرهای <له> و <أخیه> به <من>، یعنی قاتل باز می گردد و <شیء> عبارت است از حق قصاص. بنابراین جمله <فمن عفی ...> چنین معنا می شود: پس آن قاتلی که از طرف ولی مقتول چیزی از حق قصاص بر او بخشیده شود ... .

۱۰ - حق قصاص حتی با عفو یکی از اولیای مقتول ساقط می شود .

فمن عفی له من أخیه شیء

مراد از <شیء> چنانچه گذشت حق قصاص است. نکره آوردن <شیء> اشاره به این دارد که: اگر بخشی از حق قصاص نیز مورد عفو قرار گیرد، قاتل قصاص نمی شود و این فرض در صورتی است که اولیای مقتول متعدد بوده و برخی از آنها قاتل را عفو کنند.

۱۱ - ولیّ مقتول ، بهتر است قاتل را عفو کرده و از حق خویش (قصاص) درگذرد .

فمن عفی له من أخیه شیء

ترغیب ولیّ مقتول به گذشت از حق قصاص، از جمله اهدافی است که می توان از کاربرد کلمه <أخیه> به جای ولیّ مقتول استفاده کرد.

ارزش قصاص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۶ - ۵

۵- صبر و شکیبایی ، مفیدتر و ارزشمندتر از قصاص و مقابله به مثل است .

و إن عاقتبم فعاقبوا . .. و لئن صبرتم لهو خير

للصبرين

اصالت قصاص

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۹ - ۶

۶ - قانون قصاص اصل و عفو از آن ، تبصره آن است .

و لكم فى القصاص حيوه يأولى الألبب

اهميت التزام به قصاص

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۲۳

۲۳ - كسانى كه به احكام قصاص و ديه ملتزم نباشند ، به عذاب الهى گرفتار خواهند شد .

فمن اعتدى بعد ذلك فله عذاب أليم

<ذلك> مى تواند اشاره به احكام ياد شده درباره قصاص و ديه باشد. بر اين مبنا جمله <فمن اعتدى ...> گوياى اين است كه: اگر كسى ملتزم به احكام مذكور نباشد و همانند روزگار جاهليت عمل كند، گنهكار است و به عذاب الهى گرفتار خواهد شد.

اهميت قصاص

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۱،۳

۱ - قانون قصاص (كشتن قاتل) قانونى ثابت و لازم الاجرا در جامعه اسلامى است .

يايها الذين ءامنوا كتب عليكم القصاص فى القتلى

۳ - جامعه اسلامى وظيفه دار اجراى قانون قصاص است . ※

يايها الذين ءامنوا كتب عليكم القصاص فى القتلى

بدیهی است که حق قصاص از آنِ اولیای مقتول می باشد و اجرای آن تنها در مورد قاتل است. بنابراین مخاطب قرار دادن همه مسلمانان برای بیان حقیقت مذکور، می تواند اشاره به این باشد که: همگان باید پی گیر استیفای آن بوده و شرایط اجرای آن را فراهم سازند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۷ -

۳۱،۳۴

۳۱ - احکام قصاص و وصیت ، حدود الهی است که هرگز نباید شکسته شود .

کتب علیکم القصاص . .. کتب علیکم ... الوصیه ... تلک حدود اللّه فلاتقربوها

مشارالیه <تلک> علاوه بر روزه و احکام آن، می تواند قصاص و وصیت و احکام آنها نیز باشد.

۳۴ - روزه و اعتکاف و احکام آن دو و نیز احکام قصاص و وصیت ، از آیات الهی است .

کذلک یبین اللّه ءایته للناس

تبدیل قصاص به دیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۱۳،۲۰،۲۱

۱۳ - قاتل در صورتی که از قصاص عفو شود ، باید به اولیای مقتول خون بها بپردازد .

فمن عفی له من أخیه شیء . .. و أداء إلیه بإحسن

۲۰ - تجویز عفو از قصاص و تبدیل آن به دیه ، حکمی است رحمت آفرین برای جامعه اسلامی

ذلک تخفیف من ربکم و رحمه

۲۱ - تخفیف قانون قصاص (جواز تبدیل آن به دیه) در جهت تدبیر امور جامعه اسلامی است .

ذلک تخفیف من ربکم

برداشت فوق از کلمه <رب> که به معنای مدبر و مربی است، استفاده شده است.

تبصره قانون قصاص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۹ - ۶

۶ - قانون قصاص اصل و عفو از آن ، تبصره آن است .

و لکم فی القصاص حیوه یأولی الألبب

تخفیف در قصاص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۲۰،۲۱

۲۰ - تجویز عفو از قصاص و تبدیل آن به دیه ، حکمی است رحمت آفرین برای جامعه

اسلامی

ذلک تخفیف من ربکم و رحمه

۲۱ - تخفیف قانون قصاص (جواز تبدیل آن به دیه) در جهت تدبیر امور جامعه اسلامی است .

ذلک تخفیف من ربکم

برداشت فوق از کلمه <رب> که به معنای مدبر و مربی است، استفاده شده است.

ترک قصاص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۵ - ۲۲

۲۲ بی اعتنایی به قانون قصاص ، ستمگری است .

و کتبنا علیهم فیها . .. و من لم یحکم بما أنزل اللّه فأولئک هم الظلمون

تشریع احکام قصاص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۳ - ۱۶

۱۶- تشریع حق قصاص و سلطه برای اولیای مقتول ، حمایت الهی از آنان است .

و من قتل مظلومًا فقد جعلنا لولیّه سلطنًا . .. إنه کان منصورًا

برداشت فوق، بنابراین نکته است که ضمیر <إنه> به ولیّ مقتول باز گردد.

تفاوت جنسیتها در قصاص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۷

۷ - عدم تساوی انسان آزاد با برده و زن با مرد در قانون قصاص

كتب عليكم القصاص فى القتلى الحر بالحر و العبد بالعبد و الأنثى بالأنثى

حرمت افراط در قصاص

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۳ - ۱۰

۱۰- زياده روى اولياى مقتول ، در انتقام گيرى از قاتل ، ممنوع و حرام است .

فلايسرف فى القتل

حق قصاص

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۹،۱۱

۹ - قصاص حقى است قابل

گذشت نه حکمی غیر قابل اسقاط .

فمن عفی له من أخیه شیء

۱۱ – ولیّ مقتول ، بهتر است قاتل را عفو کرده و از حق خویش (قصاص) درگذرد .

فمن عفی له من أخیه شیء

ترغیب ولیّ مقتول به گـذشت از حق قصاص، از جمله اهدافی است که می توان از کاربرد کلمه <أخیه> به جای ولیّ مقتول استفاده کرد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۳۳ – ۱۱،۱۶

۱۱– اولیای مقتول ، دارای حق قصاص و کشتن قاتل

جعلنا لولیّه سلطنًا فلایسرف فی القتل

۱۶– تشریع حق قصاص و سلطه برای اولیای مقتول ، حمایت الهی از آنان است .

و من قتل مظلومًا فقد جعلنا لولیّه سلطنًا . .. إنه کان منصورًا

برداشت فوق، بنابراین نکته است که ضمیر <إنه> به ولیّ مقتول باز گردد.

حقوق صاحب قصاص

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۴۵ – ۹،۲۵

۹ صاحبان حق قصاص ، مختار در گزینش قصاص و چشمپوشی از آن

فمن تصدق به فهو کفاره له

۲۵ آمرزش گناهان صاحب حق قصاص از جانب خداوند ، به اندازه گذشت وی از گناه جانی

فمن تصدق به فهو کفاره له

امام صادق(ع) در پاسخ سؤال از <فمن تصدق به فهو کفاره له> فرمود: یکفر عنه من ذنوبه بقدر ما عفا . .. .

کافی، ج ۷، ص ۳۵۸، ح ۱; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۳۷، ح ۲۲۶ و ۲۲۷

سقوط حق قصاص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۵ - ۱۳

۱۳ چشمپوشی از حق قصاص ، موجب آمرزش

گناه مجرم و سقوط حق قصاص *

فمن تصدق به فهو کفاره له

چنانچه ضمیر <له> به مجرم، که از مضمون کلام به دست می آید، بر گردد جمله <فهو کفاره له> علاوه بر سقوط حق قصاص، به آمرزش گناه شخص مجرم نیز دلالت خواهد داشت.

سقوط قصاص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۹،۱۰،۱۱

۹ - قصاص حقی است قابل گذشت نه حکمی غیر قابل اسقاط .

فمن عفی له من أخیه شیء

۱۰ - حق قصاص حتی با عفو یکی از اولیای مقتول ساقط می شود .

فمن عفی له من أخیه شیء

مراد از <شیء> چنانچه گذشت حق قصاص است. نکره آوردن <شیء> اشاره به این دارد که: اگر بخشی از حق قصاص نیز مورد عفو قرار گیرد، قاتل قصاص نمی شود و این فرض در صورتی است که اولیای مقتول متعدد بوده و برخی از آنها قاتل را عفو کنند.

۱۱ - ولیّ مقتول ، بهتر است قاتل را عفو کرده و از حق خویش (قصاص) درگذرد .

فمن عفی له من أخیه شیء

ترغیب ولیّ مقتول به گذشت از حق قصاص، از جمله اهدافی است که می توان از کاربرد کلمه <أخیه> به جای ولیّ مقتول استفاده کرد.

شرایط قصاص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۵،۷

۵ – انسان آزاد (غیر برده) در مقابل کشتن انسان آزاد و برده در مقابل کشتن برده ، قصاص می شوند .

الحر بالحر و العبد بالعبد

۷ – عدم تساوی انسان آزاد با برده و زن با مرد در قانون قصاص

کتب علیکم

القصاص فی القتلی الحر بالحر و العبد بالعبد و الأنثی بالأنثی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۲۶ – ۲

۲- لزوم رعایت تساوی همه جانبه در قصاص و مقابله به مثل

و إن عاقبتم فعاقبوا بمثل ما عوقبتم به

عدالت در قصاص

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۲۶ – ۲

۲- لزوم رعایت تساوی همه جانبه در قصاص و مقابله به مثل

و إن عاقبتم فعاقبوا بمثل ما عوقبتم به

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۳۳ – ۱۳

۱۳- لزوم رعایت حق و عدل ، حتی در مورد متجاوزان به جان انسانها

جعلنا لولیّه سلطنًا فلایسرف فی القتل

عفو از قصاص

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۷۸ – ۲۷،۲۰،۱۸،۱۶،۱۳،۱۱،۱۰،۹،۸

۸ – اولیای مقتول می توانند قاتل را از قصاص عفو کنند .

فمن عفی له من أخیه شیء

مراد از <من> قاتل و مقصود از <أخیه> ولی مقتول می باشد. ضمیرهای <له> و <أخیه> به <من>، یعنی قاتل باز می

گردد و <شیء> عبارت است از حق قصاص. بنابراین جمله <فمن عفی ...> چنین معنا می شود: پس آن قاتلی که از طرف ولی مقتول چیزی از حق قصاص بر او بخشیده شود ... .

۹ - قصاص حقی است قابل گذشت نه حکمی غیر قابل اسقاط .

فمن عفی له من أخیه شیء

۱۰ - حق قصاص حتی با عفو یکی از اولیای مقتول ساقط می شود .

فمن عفی له من أخیه شیء

مراد از <شیء> چنانچه گذشت حق قصاص است.

نکره آوردن <شـیء> اشاره به این دارد که: اگر بخشی از حق قصاص نیز مورد عفو قرار گیرد، قاتل قصاص نمی شود و این فرض در صورتی است که اولیای مقتول متعدد بوده و برخی از آنها قاتل را عفو کنند.

۱۱ - ولیّ مقتول ، بهتر است قاتل را عفو کرده و از حق خویش (قصاص) درگذرد .

فمن عفی له من أخیه شیء

ترغیب ولیّ مقتول به گـذشت از حق قصاص، از جمله اهدافی است که می توان از کاربرد کلمه <أخیه> به جای ولیّ مقتول استفاده کرد.

۱۳ - قاتل در صورتی که از قصاص عفو شود ، باید به اولیای مقتول خون بها بپردازد .

فمن عفی له من أخیه شیء . .. و أداء إلیه بإحسن

۱۶ - گذشت از قصاص ، مظهر عواطف ایمانی و اخوت اسلامی است .

فمن عفی له من أخیه شیء

۱۸ - اولیای مقتول در صورت گذشت از حق قصاص و مطالبه دیه از قاتل ، باید با وی به گونه ای پسندیده رفتار کنند .

فمن عفی له من أخیه شیء فاتباع بالمعروف

فاعـل <اتبـاع> محتمـل است ولی مقتـول، و محتمـل است قاتـل باشـد. برداشت فـوق بر اسـاس احتمـال اول است. بر این مبنا <فاتباع بالمعروف>; یعنی، اولیای مقتول بایـد به گونه ای پسـندیده با قاتل رفتار کننـد; وی را آزار ندهند; در گرفتن دیه بر او سخت نگیرند; و بیش از حد متعارف از او مطالبه نکنند و ... .

۲۰ - تجویز عفو از قصاص و تبدیل آن به دیه ، حکمی است رحمت آفرین برای جامعه اسلامی

ذلک تخفیف من ربکم و رحمه

۲۷ - قاتل ، در صورتی که از

قصاص عفو شود و پس از آن دیگری را به قتل برساند ، باید کشته شود و مورد عفو قرار نگیرد .

کتب علیکم القصاص . .. فمن اعتدی بعد ذلک فله عذاب أليم

برداشت فوق بر این اساس است که: مقصود از <من> در جمله فوق، قاتل باشد نه ولیّ مقتول. بر این مبنا <ذلک> به <عفو> - که از جمله <فمن عفی له> به دست می آید - اشاره دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۹ - ۶

۶ - قانون قصاص اصل و عفو از آن ، تبصره آن است .

و لکم فی القصاص حیوه یأولی الألبب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۵ - ۹،۱۰،۱۱،۲۵

۹ صاحبان حق قصاص ، مختار در گزینش قصاص و چشمپوشی از آن

فمن تصدق به فهو کفاره له

۱۰ خودداری از قصاص مجرمان در پیشگاه خداوند پسندیده تر از پافشاری بر قصاص آنان است .

فمن تصدق به فهو کفاره له

وعده آمرزش گناهان به کسانی که از حق قصاص صرفنظر کنند، حاکی از عنایت ویژه خداوند به آنان است.

۱۱ چشمپوشی از قصاص بدون دریافت بهایی در مقابل آن ، از مصادیق صدقه

فمن تصدق به فهو کفاره له

واژه <تصدق> به معنای عفو بدون عوض می باشد.

۲۵ آمرزش گناهان صاحب حق قصاص از جانب خداوند ، به اندازه گذشت وی از گناه جانی

فمن تصدق به فهو کفاره له

امام صادق(ع) در پاسخ سؤال از <فمن تصدق به فهو کفاره له> فرمود: یکفر عنه من ذنوبه بقدر ما عفا . .. .

کافی، ج ۷، ص

۳۵۸، ح ۱; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۳۷، ح ۲۲۶ و ۲۲۷

عمومیت قصاص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۲

۲ - قانون قصاص اختصاص به فرد و یا گروه خاصی ندارد .

یایها الذین ءامنوا کتب علیکم القصاص فی القتلی

<قتلی> (جمع قتیل) به معنای کشته شدگان است و <ال> در <القتلی> جنس است و مفید استغراق می باشد.

فلسفه قصاص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۹ - ۱،۲،۳،۵،۸

۱ - قانون قصاص و اجرای آن موجب حیات جامعه اسلامی است .

و لکم فی القصاص حیوه

۲ - قصاص ، عاملی مهم و اساسی در بازداری مردم از ارتکاب قتل

و لکم فی القصاص حیوه . .. لعلکم تتقون

۳ - بهره مندان از خرد ناب ، توانا بر درک فلسفه قانون قصاص (حیات جامعه)

و لکم فی القصاص حیوه یأولی الألبب

زندگی در پرتو قانون قصاص و اجرای آن، برای همه جامعه اسلامی است نه خصوص خردمندان. بنابراین مخاطب قرار دادن اولی الألباب (دارندگان خرد ناب) در بیان حقیقت مذکور، اشاره به این دارد که: درک آن حقیقت در خور خردی ناب است.

۵ - گذشت از حق قصاص تا زمانی پسندیده است که حکمت قانون قصاص از میان نرود .

فمن عفی له . .. و لکم فی القصاص حیوه یأولی الألبب

طرح مسأله عفو از قصاص و مطالبه دیه و سپس بیان برترین حکمتهای اجتماعی برای قصاص; یعنی، تضمین حیات جامعه، می تواند اشاره به نکته ای باشد که در برداشت فوق آمده است.

۸ - حضرت علی (ع) فرموده

است : < فرض اللّه . . . القصاص حقناً للدماء . . . ;

خداوند . .. قصاص را تشریع کرده تا خونها محفوظ باشد ... >.

قصاص از موسی(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۳۳ – ۳

۳ – ترس موسی از کشته شدن به دست فرعونیان به تقاص قتل مرد قبطی

إنّی قتلت منهم نفسًا فأخاف أن یقتلون

قصاص برده

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۷۸ – ۵،۷

۵ – انسان آزاد (غیر برده) در مقابل کشتن انسان آزاد و برده در مقابل کشتن برده ، قصاص می شوند .

الحر بالحر و العبد بالعبد

۷ – عدم تساوی انسان آزاد با برده و زن با مرد در قانون قصاص

کتب علیکم القصاص فی القتلی الحر بالحر و العبد بالعبد و الأنثی بالأنثی

قصاص بینی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۴۵ – ۴

۴ جان در برابر جان ، چشم در برابر چشم ، بینی در برابر بینی ، گوش در برابر گوش و دندان در برابر دندان ، قانون قصاص در تورات

و کتبنا علیهم . .. و العین بالعین و الأنف بالأنف و الاذن بالاذن و السن بالسن

قصاص جان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۴۵ – ۴

۴ جـان در برابر جان ، چشم در برابر چشم ، بینی در برابر بینی ، گوش در برابر گوش و دنـدان در برابر دنـدان ، قانون قصاص در تورات

و کتبنا علیهم

. .. و العین بالعین و الأنف بالأنف و الاذن بالاذن و السن بالسن

قصاص جراحت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۵ - ۵

۵ قانون قصاص جراحت ها ، از جمله قوانین الهی در تورات

و الجروح قصاص

قصاص چشم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۵ - ۴

۴ جان در برابر جان ، چشم در برابر چشم ، بینی در برابر بینی ، گوش در برابر گوش و دندان در برابر دندان ، قانون قصاص در تورات

و کتبنا علیهم . .. و العین بالعین و الأنف بالأنف و الاذن بالاذن و السن بالسن

قصاص حر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۵،۷

۵ - انسان آزاد (غیر برده) در مقابل کشتن انسان آزاد و برده در مقابل کشتن برده ، قصاص می شوند .

الحر بالحر و العبد بالعبد

۷ - عدم تساوی انسان آزاد با برده و زن با مرد در قانون قصاص

کتب علیکم القصاص فی القتلی الحر بالحر و العبد بالعبد و الأنثی بالأنثی

قصاص حریم شکنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۴ - ۱۸

۱۸ - از امام باقر (ع) در تفسیر < و الحرمات قصاص > روایت شده : < ان قریشاً فخرت برد ها رسول اللّه عام الحدیبیه محرماً فی ذی القعده عن البلد الحرام فادخله اللّه مکه فی العام المقبل فی ذی القعده فقضی عمرته و اقصّه بما حیل بینه و

بینه یوم الحدیبیه ;

قریش افتخار می کرد که رسول خدا(ص) را در سال حدیبیه در ذی القعده در حال احرام از بلد حرام (مکه) منع کرد، پس خدا آن حضرت را سال آینده در ذی القعده وارد مکه کرد و عمره خود را انجام داد]بدین گونه[خداوند محرومیت پیغمبر را - که در روز حدیبیه از رفتن به مکه منع شده بود - قصاص و جبران کرد>.

قصاص در بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۲ - ۱۱

۱۱ حکم قصاص نفس و قانون اعدام مفسدان ، از احکام الهی در آیین بنی اسرائیل

انه من قتل نفساً بغیر نفس او فساد فی الارض

قصاص در تورات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۵ - ۱،۲،۴،۵،۶،۷

۱ خداوند بیانگر قوانین قصاص برای یهود در تورات

و کتبنا علیهم فیها ان النفس . .. و الجروح قصاص

۲ یهود وظیفه دار اجرای احکام و قوانین قصاص (بیان شده در تورات) در میان خویش

و کتبنا علیهم فیها ان النفس بالنفس . .. و الجروح قصاص

۴ جان در برابر جان ، چشم در برابر چشم ، بینی در برابر بینی ، گوش در برابر گوش و دندان در برابر دندان ، قانون قصاص در تورات

و کتبنا علیهم . .. و العین بالعین و الأنف بالأنف و الاذن بالاذن و السن بالسن

۵ قانون قصاص جراحت ها ، از جمله قوانین الهی در تورات

و الجروح قصاص

۶ احکام قصاص در تورات ، نور و مایه هدایت

فیها هدی و نور

. .. و کتبنا علیهم فیها ان النفس بالنفس

توصیف تورات به اینکه در آن نور و هدایت است و سپس بیان اینکه احکام قصاص در تورات وجود دارد، دلالت می کند که آن احکام نور و مایه هدایت انسانهاست.

۷ برابری تمامی یهودیان با یکدیگر در برابر قانون قصاص بیان شده در تورات

و کتبنا علیهم فیها ان النفس بالنفس

<ال> در <النفس> و <العین> و . .. به معنای کل می باشد و بیانگر این است که تورات همه افراد یهود را در برابر قانون قصاص یکسان دانسته است. مؤید این معناست نزول آیه پس از شکایت بنی قریظه در پیشگاه پیامبر(ص) مبنی بر اینکه بنی نظیر افراد را در برابر قانون قصاص یکسان نمی دانند.

قصاص در مسیحیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۶ - ۱۵

۱۵ آیین یهودیان و مسیحیان ، دارای احکام و قوانین یکسان در قصاص *

و کتبنا علیهم فیها ان النفس بالنفس . .. مصدقاً لما بین یدیه من التوریه

توصیف تورات به نور و هدایت و سپس بیان احکام قصاص می رساند که آن احکام از مصادیق نور و هدایت است و چون انجیل بلافاصله به نور و هدایت توصیف شده، معلوم می شود آن احکام بر اهل انجیل نیز نوشته شده است. جمله <و قفینا علی ءاثرهم> و نیز کلمه <مصدقاً> این معنا را تأیید می کند.

قصاص در یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۵ - ۸

۸ گروهی از یهودیان ، رویگردان از پذیرش قانون قصاص و برابری آن نسبت

به تمامی یهودیان

و کیف یحکمونک و عندهم التوریه . .. و کتبنا علیهم فیها ان النفس بالنفس

مطرح ساختن قانون قصاص پس از بیان اعراض یهود از حکم تورات، حاکی از آن است که احکامی که آنان نپذیرفتند، قانون قصاص و برابری آن نسبت به همه افراد بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۶ - ۱۵

۱۵ آیین یهودیان و مسیحیان ، دارای احکام و قوانین یکسان در قصاص *

و کتبنا علیهم فیها ان النفس بالنفس . .. مصدقاً لما بین یدیه من التوریه

توصیف تورات به نور و هدایت و سپس بیان احکام قصاص می رساند که آن احکام از مصادیق نور و هدایت است و چون انجیل بلافاصله به نور و هدایت توصیف شده، معلوم می شود آن احکام بر اهل انجیل نیز نوشته شده است. جمله <و قفینا علی ءاثرهم> و نیز کلمه <مصدقاً> این معنا را تأیید می کند.

قصاص در یهودیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۴ - ۹

۹- قصاص قاتل و کشتن او به جرم قتل ، در شریعت موسی (ع) جائز بوده است .

أقتلت نفسًا زکیّه بغیر نفس

از مفهوم <بغیر نفس> استفاده می شود که اگر قتل نفس، از روی قصاص می بود، از نظر موسی(ع) قابل قبول بود و خضر مورد اعتراض موسی(ع) واقع نمی شد.

قصاص دندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۵ - ۴

۴ جان در برابر جان ، چشم در برابر چشم ، بینی در

برابر بینی ، گوش در برابر گوش و دندان در برابر دندان ، قانون قصاص در تورات

و کتبنا علیهم . .. و العین بالعین و الأنف بالأنف و الاذن بالاذن و السن بالسن

قصاص زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۶،۷

۶ - زن در مقابل کشتن زن قصاص می شود .

و الأنثی بالأنثی

۷ - عدم تساوی انسان آزاد با برده و زن با مرد در قانون قصاص

کتب علیکم القصاص فی القتلی الحر بالحر و العبد بالعبد و الأنثی بالأنثی

قصاص قاتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۴،۲۷

۴ - قاتل باید خود را برای قانون قصاص تسلیم کند .

یایها الذین ءامنوا کتب علیکم القصاص

مخاطبان واقعی جمله <کتب علیکم> قاتلان هستند. بنابراین بر خود قاتل است که برای اجرای قانون قصاص، خویشتن را آماده کند و این به معنای لزوم تسلیم برای اجرای قصاص می باشد.

۲۷ - قاتل ، در صورتی که از قصاص عفو شود و پس از آن دیگری را به قتل برساند ، باید کشته شود و مورد عفو قرار نگیرد .

کتب علیکم القصاص . .. فمن اعتدی بعد ذلک فله عذاب ألیم

برداشت فوق بر این اساس است که: مقصود از <من> در جمله فوق، قاتل باشد نه ولیّ مقتول. بر این مبنا <ذلک> به <عفو> - که از جمله <فمن عفی له> به دست می آید - اشاره دارد.

قصاص قبل از جنایت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۴۱ – ۵

۵ –

قصاص قبل از جنایت ، امری ناروا و ممنوع است .

و لمن انتصر بعد ظلمه

قید <بعد ظلمه> می تواند اشاره به این داشته باشد که قبل از تحقق ظلم، هرگونه اقدام انتقام جویانه، مطرود است.

قصاص قتل عمد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۳ - ۷

۷ توبه کشتن مؤمن ، از روی خشم و غضب و یا به انگیزه های دنیایی ، قصاص است .

و من یقتل مؤمنا متعمّداً

امام صادق (ع) درباره توبه در قتل عمدی مؤمن از روی غضب یا به انگیزه های دنیایی فرمود: . .. و ان کان قتله لغضب او لسبب شیء من امر الدنیا فانّ توبته ان یقاد منه ... .

کافی، ج ۷، ص ۲۷۶، ح ۲ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۳۳، ح ۴۹۰.

قصاص گوش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۵ - ۴

۴ جان در برابر جان ، چشم در برابر چشم ، بینی در برابر بینی ، گوش در برابر گوش و دندان در برابر دندان ، قانون قصاص در تورات

و کتبنا علیهم . .. و العین بالعین و الأنف بالأنف و الاذن بالاذن و السن بالسن

قصاص مجرمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۵ - ۱۰

۱۰ خودداری از قصاص مجرمان در پیشگاه خداوند پسندیده تر از پافشاری بر قصاص آنان است .

فمن تصدق به فهو کفاره له

وعده آمرزش گناهان به کسانی که از حق قصاص صرفنظر کنند، حاکی از عنایت ویژه خداوند به آنان است.

قصاص

مرد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۷

۷ - عدم تساوی انسان آزاد با برده و زن با مرد در قانون قصاص

کتب علیکم القصاص فی القتلی الحر بالحر و العبد بالعبد و الأنثی بالأنثی

قصاص مفسدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۲ - ۱۱

۱۱ حکم قصاص نفس و قانون اعدام مفسدان ، از احکام الهی در آیین بنی اسرائیل

انه من قتل نفساً بغیر نفس او فساد فی الارض

قطعیت حکم قصاص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۱

۱ - قانون قصاص (کشتن قاتل) قانونی ثابت و لازم الاجرا در جامعه اسلامی است .

یایها الذین ءامنوا کتب علیکم القصاص فی القتلی

محدوده عفو از قصاص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۹ - ۵

۵ - گذشت از حق قصاص تا زمانی پسندیده است که حکمت قانون قصاص از میان نرود .

فمن عفی له . .. و لکم فی القصاص حیوه یأولی الألبب

طرح مسأله عفو از قصاص و مطالبه دیه و سپس بیان برترین حکمتهای اجتماعی برای قصاص; یعنی، تضمین حیات جامعه، می تواند اشاره به نکته ای باشد که در برداشت فوق آمده است.

مساوات در قصاص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۵ - ۷۸

۷ برابری تمامی یهودیان با یکدیگر در برابر قانون قصاص بیان شده در تورات

و کتبنا علیهم فیها ان النفس بالنفس

<ال> در <النفس>

و <العین> و . .. به معنای کل می باشد و بیانگر این است که تورات همه افراد یهود را در برابر قانون قصاص یکسان دانسته است. مؤید این معناست نزول آیه پس از شکایت بنی قریظه در پیشگاه پیامبر(ص) مبنی بر اینکه بنی نظیر افراد را در برابر قانون قصاص یکسان نمی دانند.

۸ گروهی از یهودیان ، رویگردان از پذیرش قانون قصاص و برابری آن نسبت به تمامی یهودیان

و کیف یحکمونك و عندهم التوریه . .. و کتبنا علیهم فیها ان النفس بالنفس

مطرح ساختن قانون قصاص پس از بیان اعراض یهود از حکم تورات، حاکی از آن است که احکامی که آنان نپذیرفتند، قانون قصاص و برابری آن نسبت به همه افراد بوده است.

مسؤول اجرای قصاص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۳

۳ - جامعه اسلامی وظیفه دار اجرای قانون قصاص است . *

یایها الذین ءامنوا کتب علیکم القصاص فی القتلی

بدیهی است که حق قصاص از آنِ اولیای مقتول می باشد و اجرای آن تنها در مورد قاتل است. بنابراین مخاطب قرار دادن همه مسلمانان برای بیان حقیقت مذکور، می تواند اشاره به این باشد که: همگان باید پی گیر استیفای آن بوده و شرایط اجرای آن را فراهم سازند.

مشروعیت قصاص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۶ - ۴

۴- قصاص و مقابله به مثل ، امری پذیرفته شده در اسلام

و إن عاقبتم فعاقبوا بمثل ما عوقبتم به

مماثلت در قصاص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ – بقره –

۲ - ۱۷۸ - ۵،۶

۵ - انسان آزاد (غیر برده) در مقابل کشتن انسان آزاد و برده در مقابل کشتن برده ، قصاص می شوند .

الحر بالحر و العبد بالعبد

۶ - زن در مقابل کشتن زن قصاص می شود .

و الأنثی بالأنثی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۰ - ۵

۵ - قصاص و مجازات بدی و خطا ، باید مطابق و مماثل با خطا باشد ; نه متفاوت با آن

و جزؤا سیّئه سیّئه مثلها

موارد قصاص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۲۶

۲۶ - ولیّ مقتول اگر پس از عفو یا گرفتن دیه ، قاتل را بکشد ، باید کشته شود . *

فمن اعتدی بعد ذلک فله عذاب ألیم

جمله <فله عذاب ألیم> را می توان بیان واقعیتی دانست که تجاوزگر در دنیا یا آخرت به آن گرفتار خواهد شد و می توان آن را حکمی کیفری و مجازاتی شمرد که جامعه اسلامی باید آن را اجرا کند. برداشت فوق بر اساس دومین احتمال است.

موانع افراط در قصاص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۳ - ۱۴

۱۴- توجه ولی مقتول به حمایت خدا از او ، بازدارنده وی از زیاده روی و تجاوز در قصاص است .

جعلنا لولیّه سلطنًا فلایسرف فی القتل إنه کان منصورًا

ویژگیهای قانون قصاص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۱،۲

۱ - قانون قصاص (کشتن قاتل) قانونی ثابت و لازم

الاجرا در جامعه اسلامی است .

یایها الذین ءامنوا کتب علیکم القصاص فی القتلی

۲ - قانون قصاص اختصاص به فرد و یا گروه خاصی ندارد .

یایها الذین ءامنوا کتب علیکم القصاص فی القتلی

<قتلی> (جمع قتیل) به معنای کشته شدگان است و <ال> در <القتلی> جنس است و مفید استغراق می باشد.

قصه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

قصه

آثار ابهام قصه اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۱ - ۲۹

۲۹- ابهام ماجرای اصحاب کهف ، برای برخی از بازدیدکنندگان ، دلیل اکتفای آنان به پیشنهاد ساختمان عادی و شرکت نکردن در تأسیس آن

فقالوا ابنوا علیهم بنیًا ربّهم أعلم بهم قال الذین غلبوا علی أمرهم لنتّخذنّ علی

به کار بردن ضمیر غائب در <ابنوا> و ضمیر متکلم در <لنتخذنّ> گویای دوگانگی گویندگان در ارائه پیشنهادها است: دسته نخست، آن را بر عهده دیگران نهادند و دسته دوم، خود را به بنای آن موظف ساختند. حرف <فاء> در <فقالوا> گویای این است که اختلاف حاضران در اهداف ساختمان، ناشی از نزاع آنان در باره حقیقت ماجرای اصحاب کهف است.

آثار تدبر در قصه ایوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۱ - ۳

۳ - تدبر در سرگذشت ایوب (ع) ، مایه تقویت نیروی صبر و شکیبایی در برابر مشکلات

و اذکر عبدنا أیوب إذ نادی ربّه أنّی مسّنی الشیطن بنصب و عذاب

ابتلای ایوب(ع) به مشکلات و رنج های طاقت فرسا و صبر و شکیبایی او، مهم ترین بخش سرگذشت آن حضرت است. بنابراین یادآوری آن، می تواند سبب دمیدن روح مقاومت و شکیبایی در انسان گرفتار

گردد.

آثار ذکر قصه انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱۵ - ۳

۳ - یادآوری سرگذشت پیامبران گذشته ، مایه تقویت روحیه پیامبر (ص) در برابر مخالفان

هل ءاتیک حدیث موسی

بیان داستان موسی(ع)، پس از نقل مخالفت منکران معاد، به منظور آرامش بخشیدن به پیامبر(ص) در برابر مخالفت ها است.

آثار سوراخ کشتی قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۹ - ۱۰

۱۰- معیوب بودن کشتی حامل خضر و موسی (ع) ، عامل صرف نظر پادشاه غاصب از تصرّف و مصادره آن شد .

فأردت أن أعیبها و کان وراءهم ملک یأخذ کلّ سفینه غصبًا

آثار قصه اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۱ - ۹،۳۲

۹- سرگذشت اصحاب کهف ، دلیل حقانیّت معاد و از میان برنده زمینه های تردید در آن

و کذلک أعثرنا علیهم لیعلموا . .. أنّ الساعه لاریب فیها

<ساعه> یعنی <پاره ای از وقت> و این که از قیامت به <ساعه> تعبیر می شود، به خاطر شباهت آن به پاره ای از وقت است; زیرا، حساب رسی در آن، به سرعت انجام می پذیرد (مفردات راغب).

۳۲- برخی از منکران معاد به دلیل پی نبردن به زوایای سرگذشت اصحاب کهف آن را نشانه امکان معاد نیافتند و بر تردید سابق خویش باقی ماندند .

ليعلموا . .. أنّ الساعه لاريب فيها ... ربّهم أعلم بهم

چنان چه مشاهده اصحاب کهف برای همه بازدیدکنندگان، مایه تقویت ایمان به معاد شده بود، مناسبتی نداشت که

بگویند: <ربّهم> بلکه می بایست تعبیر <ربّنا> را جایگزین آن سازند و نسبت به موضوع اصحاب کهف اظهار بی اطلاعی نکنند.

آثار قصه افک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۶ - ۱

۱ - خداوند ، مسلمانان را به خاطر تأثیرپذیری در برابر شایعه < افک > و عدم موضع گیری مناسب در برابر آن ، نکوهش کرد .

و لولا إذ سمعتموه قلتم . .. سبحنک هذا بهتن عظیم

آثار قصه ذبح اسماعیل(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۶ - ۲

۲ - آشکار شدن درجه ایمان و خلوص ابراهیم (ع) و اسماعیل (ع) در جریان قربانی

إنّ هذا لهو البلؤا المبین

برداشت یاد شده از آن جا است که آزمایش مؤمنان برای نمایاندن درجه ایمان و اخلاص آنان است و ابراهیم(ع) و اسماعیل(ع) با سربلند بیرون آمدن از این آزمایش بزرگ الهی، خلوص خود را در بلندترین مرتبه نشان دادند.

آثار قصه لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۳۳ - ۲

۲ - سرگذشت لوط پیامبر ، درس آموز و تسلی بخش پیامبراسلام و مؤمنان

و إنّ لوطًا لمن المرسلین

یادآوری سرگذشت لوط(ع) برای پیامبراسلام و مؤمنان در شرایط دشوار مکه، بیانگر مطلب یادشده است.

آثار مطالعه قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۳۱

۳۱ مطالعه سرگذشت یوسف (ع) ، زمینه باور و توجه به ربوبیّت خدا و علم و حکمت اوست .

إن ربی لطیف لما یشاء

إنه هو العليم الحكيم

آداب نقل قصه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۵ - ۷

۷- رعایت ادب ، توجه به درس آموزی و دوری از بدآموزی در نقل داستان های مربوط به امور جنسی و فساد اخلاقی ، امری لازم و بایسته

و نبّئهم عن ضيف إبرهيم . .. قال إن هؤلاء ضيفى فلاتفضحون ... قال هؤلاء بناتى إن

برداشت فوق با توجه به این نکته است که: خداوند داستان قوم لوط را که دچار انحراف جنسی و همجنس بازی بودند به گونه ای نقل فرموده است که نه تنها بدآموزی در آن وجود ندارد; بلکه آن را مایه پندگیری و درس آموزی و نشانه عظمت خداوند دانسته است.

آگاهی از قصه ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۱ - ۱

۱- پیامبر (ص) وظیفه دار باخبر ساختن بندگان از ماجرای مهمانان حضرت ابراهیم (فرشتگان)

و نبّئهم عن ضيف إبرهيم

آگاهی از قصه اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۶ - ۱۰،۱۵

۱۰- ماجرای اصحاب کهف ، رازی است که دست یافتن بشر به زوایای آن ، جز با وحی ، ممکن نیست .

قل اللّه أعلم بما لبثوا له غيب السموت و الأرض

۱۵- ولایت و نظارت یگانه خدا بر اصحاب کهف ، دلیل علم برتر الهی و عدم آگاهی دیگران به زوایای سرگذشت آنان

است .

قل اللّه أعلم بما لبثوا . .. ما لهم من دونه من ولىّ

جلد - نام سوره - سوره - آيه -

فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۲۷ – ۸

۸- بها ندادن به آرای دیگران در سرگذشت اصحاب کهف ، رهنمود خداوند به پیامبرش (ص) بود .

قل اللّه أعلم بما لبثوا . .. واتل ما أُحی إلیک من کتاب ربّک

نکته یاد شده، بدان احتمال است که رهنمود الهی به تلاوت آیات وحی، در بردارنده این مفهوم باشد که سخن غیر وحی، از اتقان کافی برخوردار نیست و در جریانی تاریخی، مانند جریان اصحاب کهف، مطمئن ترین منبع، وحی است.

آیات خدا در قصه ابراهیم(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۷۵ – ۲

۲- سرگذشت ابراهیم (ع) و لوط (ع) و قوم او ، سرشار از نشانه های خداوند

قالوا لاتوجل إنا نبشرک بغلم علیم . .. و أمطرنا علیهم حجاره من سجّیل. إن فی ذلک

برداشت فوق مبتنی بر این است که <ذلک> اشاره به مجموعه داستانهای ابراهیم(ع) و لوط(ع) باشد.

آیات خدا در قصه قوم سبأ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۱۹ – ۱۲،۱۳

۱۲ – قصه مردم سبا و فروپاشی کامل آنان در پی کفران نعمت های الهی ، دربردارنده آیات خدا برای صبرپیشگان شکرگزار است .

إنّ فی ذلک لأیت لکلّ صبّار شکور

۱۳ – ماجرای برخورداری اهل سبأ از نعمت های فراوان و امنیت و جاری شدن سیل در میان آنان و پراکندگی و متلاشی شدنشان ، آیات متعددی از خدا در خود دارد .

لقد کان لسبإ فی مسکنهم ءایه جنّتان . .. بلده طیبه و ربّ غفور ... فأرسلنا علیهم س

در قصه لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۵ - ۲

۲- سرگذشت ابراهیم (ع) و لوط (ع) و قوم او ، سرشار از نشانه های خداوند

قالوا لاتوجل إنا نبشرك بغلم علیم . .. و أمطرنا علیهم حجاره من سجّیل. إن فی ذلك

برداشت فوق مبتنی بر این است که <ذلك> اشاره به مجموعه داستانهای ابراهیم(ع) و لوط(ع) باشد.

آیات خدا در قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷ - ۶

۶ تنها جویندگان حقیقت و پژوهشگران وادی معرفت ، به نشانه های ربوبیت خدا و علم و حکمت او در داستان یوسف پی خواهند برد .

لقد کان فی یوسف و إخوته ءایت للسائلین

بدیهی است که داستان یوسف(ع) و برادرانش، حاوی آیات و نشانه هاست ، چه پرسشگری باشد یا نباشد. بنابراین حرف لام در <للسائلین> لام انتفاع است و <للسائلین> گویای این است که پرسشگران و محققان ، از آن داستان سود می برند.

ابهام قصه اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۱ - ۲۸

۲۸- گروهی از بازدیدکنندگان از اصحاب کهف ، ماجرای آنان را مبهم و خود را از تحلیل آن ناتوان دیدند .

فقالوا ابنوا علیهم بنیًنا ربّهم أعلم بهم

جمله <ربّهم أعلم بهم> گویای این است که گویندگان آن، به حقیقت ماجرای اصحاب کهف، پی نبردند و علم آن را به خداوند احاله کردند.

احیای قصه اصحاب کهف

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۲۱

۳۶- زنده نگه داشتن خاطره و سرگذشت اصحاب کهف ، از اهداف بنا کنندگان مسجد در فضای غار بود .

لنتّخذنّ علیهم مسجدًا

قید <علیهم> بیان گر این نکته است که بنای مسجد در آن مکان، برای یادبود اصحاب کهف پیشنهاد شده بود.

اخفای قصه نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۹ - ۲

۲ سرگذشت نوح (ع) و حادثه طوفان ، سرگذشتی مهم در تاریخ بشریت و مخفی مانده بر مردمان

تلک من أنباء الغیب

<تلک> اشاره به داستان نوح و قضایای رخ داده در روزگار آن حضرت دارد; یعنی: تلك الأنباء من أنباء الغیب.

ارزش قصه اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۳ - ۳

۳- نقل سرگذشت اصحاب کهف ، دارای هدفی با ارزش و سودمند

نحن نقصّ علیك نبأهم بالحقّ

<حقّ> به چیزی گفته می شود که به جا و حکیمانه باشد(مجمع البیان.) و به حق بیان کردن داستان اصحاب کهف که مفاد <نقصّ علیك نبأهم بالحقّ> است اشاره به این معنا دارد که نقل آن داستان، مقصدی منطقی را تعقیب و غرض صحیح و ارزشمندی را دنبال می کند.

اضلالگری قصه سرایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۴ - ۶

۶ - < و سئل الصادق (ع) عن قول اللّه عزّوجلّ < و الشعراء يتّبعهم الغاوون > قال : هم القصّاص ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خداوند عزّوجلّ <والشعراء. ..> سؤال شد، آن حضرت فرمود: آنان قصه سرایان هستند>.

اطمینان قاضی قصه یوسف(ع)

جلد

- نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۲۶ – ۱۲

۱۲ داور ماجرای یوسف و زلیخا ، به درستی داوری خویش و دلالت نحوه پارگی پیراهن بر کشف ماجرا ، اطمینان کامل داشت .

و شهد شاهد من أهلها إن كان قميصه قُدّ من قُبل

مراد از شهادت در <شهد شاهد> اظهار نظر کردن، قضاوت کردن و . .. است. تعبیر کردن از اینها به شهادت دادن که دیدن و مشاهده کردن را می طلبد – برای رساندن این معناست که آن شخص، آن چنان به صحت داوری و نظر خویش اطمینان داشت که گویا شاهد ماجرا بوده است.

اعجاز قصه زکریا(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۱۰ – ۱۴

۱۴– در داستان زکریا ، معجزه ای ، وسیله اثبات اعجازی دیگر شد .

ءاتيك ألّا تكلّم الناس

سکوت سه روزه زکریا خرق عادتی بود که صدق بشارت تولد یحیی را که خود امری خارق العاده بود، اثبات می کرد.

افشای توطئه گران قصه افک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۱۴ – ۳

۳ – فضل و رحمت الهی و افشای چهره توطئه گران < افک > از سوی خدا ، مسلمانان صدراسلام را از خطر عذابی بزرگ نجات بخشید .

و لولا فضل اللّه عليكم و رحمته . .. لمسّكم فى ما أفضتم فيه عذاب عظيم

افشای قصه افک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۱ - ۷،۸

۷ - خداوند ، توطئه بدخواهان و منافقان علیه پیامبر (

ص) (ماجرای افک) را افشا کرد .

إنّ الذین جاءو بالإفک عصبه منکم لاتحسبوه شرًّا لکم بل هو خیر لکم

۸ – توطئه < افک > ، در نهایت با افشا شدن نیت و انگیزه بدخواهان و برملا شدن چهره کریه آنان ، به نفع مسلمانان به پایان رسید .

إنّ الذین جاءو بالإفک . .. لاتحسبوه شرًّا لکم بل هو خیر لکم

انقیاد آتش قصه ابراهیم(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۶۹ – ۱

۱– آتش به فرمان خداوند ، بر ابراهیم (ع) سرد و سلامت (مطبوع و بی آسیب) گردید .

قلنا ینار کونی بردًا و سلمًا علی إبرهیم

فرمان خداوند به سلامت شدن آتش بر ابراهیم(ع)، می تواند اشاره به این نکته باشد که نه تنها آتش باید بر آن حضرت سرد باشد و او را نسوزاند; بلکه سردی آن به گونه ای و به اندازه ای باشد که کاملاً مطبوع، دلپذیر و بی آسیب باشد.

انقیاد والدین نوجوان قصه خضر(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۸۰ – ۲

۲– پدر و مادر جوان مقتول ، به دست خضر ، افرادی مؤمن و به دور از سرکشی و عصیان بودند .

فخشینا أن یرهقهما طغینًا و کفرًا

<طغیان> یعنی <بی اندازه در معصیت پیش رفتن>. (مفردات راغب).

اوامر ملکه مورچگان قصه سلیمان(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۱۸ – ۴

۴ – دستور مورچه پیشوا به پنهان شدن مورچگان در لانه خود ، برای مصون ماندن از پایمال

شدن توسط سلیمان و سپاهیانش

ادخلوا مسکنکم لایحطمنّکم سلیمن و جنوده

<لا> در <لایحطمنّکم> ناهیه است. <حَطْم> (مصدر <یحطمنّ>) در اصل به معنای شکستن و در این جا معادل پایمال کردن است. تعبیرهای <ادخلوا> و <لا۔یحطمنّکم> که به صورت امر و نهی آمده بیانگر نوعی ریاست است; به ویژه اگر تنکیر <نمله> برای تفخیم باشد.

اهالی شهر قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۷ - ۴

۴- هیچ یک از مردم شهر ، حاضر به میزبانی و اطعام موسی و خضر (ع) نشد .

استطعما أهلها فأبوا أن یضیّفوهما

<إباء> به معنای <امتناع و سرباز زدن> است.

اهداف قصه اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۳ - ۳

۳- نقل سرگذشت اصحاب کهف ، دارای هدفی با ارزش و سودمند

نحن نقصّ علیک نبأهم بالحقّ

<حقّ> به چیزی گفته می شود که به جا و حکیمانه باشد(مجمع البیان.) و به حق بیان کردن داستان اصحاب کهف که مفاد <نقصّ علیک نبأهم بالحقّ> است اشاره به این معنا دارد که نقل آن داستان، مقصدی منطقی را تعقیب و غرض صحیح و ارزشمندی را دنبال می کند.

اهمیت بیان قصه ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۱ - ۱

۱- پیامبر (ص) وظیفه دار باخبر ساختن بندگان از ماجرای مهمانان حضرت ابراهیم (فرشتگان)

و نبّئهم عن ضیف إبرهیم

اهمیت ذکر قصه ایوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۱

۱ - یادآوری سرگذشت ایوب (ع) ، توصیه خداوند به پیامبر (ص)

و اذکر عبدنا أیّوب

اهمیت قصه آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۴ - ۱۶

۱۶ - داستان سجده فرشتگان بر آدم (ع) و امتناع ابلیس از آن کار ، داستانی آموزنده و شایسته و بایسته همیشه به خاطر داشتن

و إذ قلنا للملئکه . .. و کان من الکفرین

<اذ> مفعول برای <اذکر> (فراگیر و همواره به خاطر داشته باش) است.

اهمیت قصه ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۱ - ۲

۲- ماجرای مهمانان حضرت ابراهیم (فرشتگان) و اطلاع از آن ، امری مهم و بسیار سودمند

و نبّئهم عن ضیف إبرهیم

<نبأ> به خبر مهم و بسیار سودمند گفته می شود (مفردات راغب).

اهمیت قصه اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۱ - ۲۲

۲۲- داستان اصحاب کهف ، خاطره ای ماندگار و محور اظهار نظر های گوناگون میان ساکنان شهر آنان بوده است .

إذ يتنزعون بينهم أمرهم

اهميت قصه انطاكيه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - يس - ۳۶ - ۱۳ - ۴

۴ - داستان مردم < انطاكيه > ، داستانى مثال زدنى ، درس آموز و عبرت انگيز

و اضرب لهم مثلاً أصحب القريه

اهميت قصه حبيب نجار

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - يس - ۳۶ - ۲۰ - ۱۵

۱۵ - داستان مؤمن انطاكيه (حبيب نجار) ، داستانى مثل

زدنی و درس آموز

واضرب لهم مثلاً أصحب القریه . .. و جاء من أقصا المدینه رجل

برداشت یاد شده از آن جا است که آیات مربوط به حبیب نجار، به دنبال آیات مربوط به داستان مردم انطاکیه آمده و جزء آن می باشد.

اهمیت قصه داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۱ - ۳

۳ - ماجرای گروه شکایت کننده و متخاصم در نزد داوود (ع) ، داستانی مهم ، سازنده و مفید

و هل أتیک نبؤا الخصم

<نبأ> به خبر مهم و مفید و سازنده می گویند.

اهمیت قصه لقمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۲ - ۳

۳ - قصه لقمان حکیم ، قصه ای بس مهم است .

و لقد ءاتینا لقمن الحکمه

شروع قصه لقمان با لام قسم و حرف تأکید (قد)، حکایت از اهمیت آن می کند.

اهمیت قصه موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹ - ۱

۱ - سرگذشت حضرت موسی (ع) ، فصلی مهم و قابل تأمل و تأسی برای پیامبر (ص) بود .

و هل اتیک حدیث موسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰ - ۸

۸ - نمایـان شـدن آتش و فراهم آمـدن خلوت گاهی برای اعطای رسالت به موسـی (ع) ، حادثه ای با اهمیت و درخور توجه برای پیامبر (ص) بود .

هل اتیک حدیث موسی . إذ رءا نارًا

کلمه <إذ> ظرف است برای <حدیث> (در آیه قبل)

و استفهام در آن آیه برای ترغیب پیامبر(ص) به توجه به آن ماجرا است.

اهمیت قصه نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۹ - ۲

۲ سرگذشت نوح (ع) و حادثه طوفان ، سرگذشتی مهم در تاریخ بشریت و مخفی مانده بر مردمان

تلک من أنباء الغیب

<تلک> اشاره به داستان نوح و قضایای رخ داده در روزگار آن حضرت دارد; یعنی: تلک الأنباء من أنباء الغیب.

اهمیت قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۲ - ۲

۲ سرگذشت یوسف (ع) ، سرگذشتی مهم در تاریخ بشریّت و مخفی مانده بر مردمان تا پیش از بعثت پیامبر (ص)

ذلک من أنباء الغیب

<ذلک> اشاره به داستان یوسف(ع) و قضایای رخ داده در روزگار آن حضرت است ; یعنی: <ذلک النبأ من أنباء الغیب>.

ایمان والدین نوجوان قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۰ - ۲

۲- پدر و مادر جوان مقتول ، به دست خضر ، افرادی مؤمن و به دور از سرکشی و عصیان بودند .

فخشینا أن یرهقهما طغینًا و کفرًا

<طغیان> یعنی <بی اندازه در معصیت پیش رفتن>. (مفردات راغب).

باروری نخل قصه مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۵ - ۳،۷

۳- بارورشدن و ثمردادن غیر طبیعی درخت خرما ، به تلاش مریم (س) و کشیدن و تکان دادن نخل وابسته بود .

و هزّی إلیك . .. تسقط

فعل <تساقط> مجزوم است و عامل جزم آن

شرط مقدر است; یعنی اگر درخت را تکان دهی و به سمت خود بکشی، برای تو خرما می ریزد.

۷ - به بار نشستن فوری درخت خرما و نیرومندی مریم (س) برای تکان دادن آن ، از کرامات او بود .

و هزّی إلیک . .. تسقط

بازسازی دیوار قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۷ - ۲۰،۱۱،۱۰،۹

۹- خضر (ع) دیوار در حال سقوط را ترمیم و بازسازی کرد .

یرید أن ینقضّ فأقامه

۱۰- ترمیم دیوار مشرفِ بر ویرانی ، به دست خضر ، در برابر دیدگان مردم شهر انجام گرفت . *

حتّی إذا أتیا أهل قریه . .. فأقامه

ورود بر اهل قریه و نیز وجود دیوار در متن شهر که از تعبیر <فوجدا فیها جداراً> استفاده می شود، ممکن است اشاره به این داشته باشد که مردم، ناظر رفتا خضر(ع) بوده اند.

۱۱- خضر (ع) برای تعمیر دیوار و برپا داشتن آن ، از موسی (ع) کمک نطلبید .

فأقامه

مفرد آمدن <أقامه> ممکن است از آن جهت باشد که کار بازسازی دیوار، فقط به دست خضر(ع) صورت گرفته باشد; چه این که در موارد پیشین، <استطعما> به صورت تثنیه آمده و نقش هر دو را در طلب غذا نمایانده است.

۲۰- < عن جعفربن محمد (ع) : . . . فوجدا فیها جداراً یرید أن ینقضّ ، فوضع الخضر یده علیه فأقامه ;

از امام صادق(ع) روایت شده: (خضر و موسی(ع)) دیواری را یافتند که می خواست بیفتد. خضر، دست خود را بر آن نهاد و آن را راست کرد>.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۲ - ۳

۳- خضر (ع) با وجود حضور نداشتن مالکان دیوار در آبادی ، به ترمیم آن پرداخته بود . *

فکان لغلمین یتیمین فی المدینه

احتمال می رود که به کار رفتن واژه <المدینه> در این آیه، به جای واژه <القریه> که در آیات قبل آمده بود، اشاره به این جهت باشد که آن دو یتیم در آن آبادی حضور نداشته، بلکه در شهری دیگر اقامت داشته اند و آن شهر چنان چه از حرف <ال> در <المدینه> استفاده می شود برای خضر و موسی(ع) شناخته شده بود.

بت شکنی قصه ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۹ - ۱

۱- پس از در هم شکسته شدن بت ها به وسیله ابراهیم (ع) ، بت پرستان به پرسوجو از یکدیگر در مورد شکننده آنها پرداختند .

فجعلهم جذذًا . .. قالوا من فعل هذا بالهتنا

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <مَن> اسم استفهام باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶۳ - ۳

۳- ابراهیم (ع) در یک شگرد عالمانه ، از بت پرستان خواست تا از خود بت ها در باره شکننده آنها پرسوجو کنند .

فسلوهم إن کانوا ینطقون

ابراهیم(ع) با نسبت دادن شکستن بت ها به بت بزرگ و درخواست از بت پرستان به پرس و جو کردن از بت ها برای شناسایی بت شکن، شگردی عالمانه را در مبارزه با بت پرستی برگزید; زیرا بت پرستان از

این طریق به آسانی به بطلان راه خویش پی بردند; چنان که آیه بعد (فرجعوا إلی أنفسهم. ..) گویای همین حقیقت است.

بشارت دهنده قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۶ - ۱۶

۱۶ < عن أبی عبدالله (ع) قال : . . . < فلما أن جاء البشیر > و هو یهودا إبنه . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: . .. <فلما أن جاء البشیر> و آن بشیر ، یهودا فرزند یعقوب بود ...>.

بنیامین و قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۹ - ۶

۶ تأسّف و اندوه بنیامین از رفتار گذشته برادرانش در ماجرای ناپدید شدن یوسف (ع)

فلاتبتئس بما کانوا یعملون

بهترین قصه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳ - ۴

۴ داستان یوسف (ع) بهترین و زیباترین داستان

نحن نقصّ علیک أحسن القصص

بی خطری مار قصه موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۱ - ۶

۶ - عصای اژد ها شده موسی ، نسبت به انسان ها بی آزار بود .

إنّک من الأمنین

تعبیر <من الآمنین> به جای <آمن> برای بیان این معنا است که نه تنها موسی(ع) از آسیب عصای اژدها شده در امان است; بلکه مردم نیز آسیبی از آن نخواهند دید.

بی گناهی نوجوانان قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۴ - ۵

۵- موسی

(ع) نوجوان مقتول را ، فردی بی گناه دانست و خضر (ع) را به جهت کشتن وی ، به شدّت مورد اعتراض قرار داد .

قال أقتلت نفسًا زكيّه بغير نفس لقد جئت شيئًا نكرًا

<زكاه> به معنای <طهارت> و <صلاح> و <نمو> و <بركت> و <مدح> آمده است. (لسان العرب) در آیه، مراد از <زكيه>، توصیف نوجوان به طهارت و پاکی از گناه است.

بیان قصه یوسف(ع) برای یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۸

۸ یوسف (ع) پس از ورود خانـدانش به مصـر ، خلاصه ای از سـرگذشت خویش و احسان های خداوند را درباره خود برای پدرش یعقوب (ع) بازگو کرد .

يأبت . .. قد أحسن بی إذ أخرجنی من السجن و جاء بكم من البدو

پادشاه مصر و قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۲

۲ پادشاه مصر داستان یوسف و زنان اشراف را ، ماجرایی بزرگ ارزیابی کرد و خود عهده دار بازجویی از زنان اشراف شد .

قال ما خطبكنّ إذ رودتنّ يوسف عن نفسه

<خطب> به معنای کار و امر بزرگ است. و مراد از آن در این جا داستان و ماجراست.

پدر مالك دیوار قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۲ - ۵،۶

۵- خضر (ع) پدر مالکان دیوار را می شناخت و از نیکی و صلاح او در دوران زندگی اش با خبر بود .

و كان أبوهما صلحًا

۶- صالح بودن

پدر ، عامل حمایت خضر (ع) از منافع فرزندان یتیم او بود .

و أمّا الجدار فكان لغلمين يتيمين . .. و كان أبوهما صلحًا

جمله <و کان أبوهما صالحاً> نشانِ علّت تعمیر دیوار است.

پرسش از قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷ - ۳

۳ پرسش مردم از پیامبر (ص) درباره سرگذشت یوسف (ع)

لقد كان فى يوسف و إخوته ءايت للسائلين

تاریخ قصه اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹ - ۵

۵- قبل از نزول قرآن نیز سرگذشت اصحاب کهف در بین مردم مطرح بوده است .

أم حسبت أنّ أصحب الكهف . .. كانوا من ءايتنا عجبًا

سیاق و لحن آیه، حاکی از آن است که مردم عصر بعثت، از داستان اصحاب کهف، اطلاعاتی هر چند ناقص داشته اند و آن را از عجایب می شمردند.

تازگی خرمای قصه مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۵ - ۴

۴- تازگی ، رسیده بودن و سلامت ظاهری ، از ویژگی های خرمای فرو ریخته بر مریم (س) بود .

تسقط عليك رطبًا جنيًّا

<رطب> به خرمای تازه گفته می شود <جَنیّ> زمانی که صـفت میوه ای باشد، بدان معنا است که میوه در وقت خود چیده شده است (معجم مقاییس اللغه).

تبیین قصه انبیا بر محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۵ - ۶

۶ - اقدام الهی به بیان معارف ، شرایع و سرگذشت پیامبران

، از طریق وحی کردن قرآن به پیامبر (ص)

و لکنّا أنشأنا قرونًا فتطاول علیهم العمر

تبیین قصه اهل مدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۵ - ۷

۷ - بیان سرگذشت اهل مدین از سوی پیامبر (ص) برای مردم با این که خود آن حضرت در میان مدینیان اقامت نداشت نشانه دیگری بر رسالت آن حضرت است .

و ما کنت ثاویًا فی أهل مدین تتلوا علیهم ءایتنا

تبیین قصه ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۳ - ۵

۵- خداوند به ارائه مطالبی درباره < ذی القرنین > به وسیله آیاتی از قرآن ، وعده حتمی داد .

قل سأتلوا علیکم منه ذکرًا

ضمیر در <منه> به <ذی القرنین> برمی گردد و <من> برای تبعیض است ; یعنی، بخشی از اخبار و حالات او. مراد از <ذکراً> به قرینه <سأتلوا> آیات قرآن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۱ - ۲

۲- بازگویی سفر ذوالقرنین به شرق و غرب ، نمودی از احاطه علمی خداوند بر زوایای زندگی او بود .

کذلک و قد أحطنا بما لدیه خبرًا

واژه <کذلک> (این چنین بود) در این موارد، برای تشبیه چیزی به خود آن به کار می رود که گویای مبالغه در بی مانند بودن است ; یعنی، برای آن، نظیری جز خودش وجود ندارد. جمله حالیه <و قد أحطنا...> دلالت دارد که آنچه گفته شد،

برخاسته از احاطه علمی خداوند بوده است.

تبیین قصه عیسی(ع)

جلد – نام سوره – سوره

- آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۱۶ – ۱

۱– توجه ویژه به آیات سرگذشت مریم و تشریح داستان تولد عیسی در قرآن ، وظیفه ای الهی بر عهده پیامبر (ص)

واذکر فی الکتب مریم

<اذکر> خطاب به پیامبر(ص) است. آن حضرت بدون دستور خاص نیز آیات نازل شده را در قرآن بیان می کرد. هدف از تأکید بر ذکر این آیات، بیان اهمیت ماجرای بارداری مریم به عیسی و تأثیر عمیق آن در جامعه آن روز است.

تبیین قصه فرعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۳ – ۲،۳

۲ – بیان درست و به حق سرگذشت موسی (ع) و فرعون ، نمودی از روشنگری های قرآن

تلک ءایت الکتب المبین . نتلوا علیک من نبإِ موسی و فرعون بالحقّ

با توجه به ارتباط این آیه با آیه قبل، مطلب یاد شده به دست می آید.

۳ – داستان موسی و فرعون ، تلاوت شده از سوی خدا بر پیامبر (ص)

نتلوا علیک من نبإِ موسی و فرعون

تبیین قصه مریم(س)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۱۶ – ۱

۱– توجه ویژه به آیات سرگذشت مریم و تشریح داستان تولد عیسی در قرآن ، وظیفه ای الهی بر عهده پیامبر (ص)

واذکر فی الکتب مریم

<اذکر> خطاب به پیامبر(ص) است. آن حضرت بدون دستور خاص نیز آیات نازل شده را در قرآن بیان می کرد. هدف از تأکید بر ذکر این آیات، بیان اهمیت ماجرای بارداری مریم به عیسی و تأثیر عمیق آن در جامعه آن روز

است.

تبیین قصه موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳ - ۲،۳

۲ - بیان درست و به حق سرگذشت موسی (ع) و فرعون ، نمودی از روشنگری های قرآن

تلک ءایت الکتب المبین . نتلوا علیک من نبإِ موسی و فرعون بالحقّ

با توجه به ارتباط این آیه با آیه قبل، مطلب یاد شده به دست می آید.

۳ - داستان موسی و فرعون ، تلاوت شده از سوی خدا بر پیامبر (ص)

نتلوا علیک من نبإِ موسی و فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۴ - ۳

۳ - تبیین ماجرای نزول تورات بر موسی (ع) از سوی پیامبراسلام با این که خود ، نه در وادی طور بود و نه شاهد نزول گواهی است روشن بر رسالت الهی آن حضرت .

و ما کنت بجانب الغربیّ . .. و ما کنت من الشهدین

تحریف قصه قابیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۷ - ۸

۸ آثار اهل کتاب مشتمل بر داستان قابیل و هابیل به گونه ای تحریف شده و آمیخته با باطل

بالحق

کلمه <بالحق> به قرینه آیات گذشته، که درباره اهل کتاب بود، می تواند اشاره به تحریفهایی باشد که در آثار اهل کتاب نسبت به فرزندان آدم وجود دارد.

تحریف قصه هابیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۲۷ – ۸

۸ آثار اهل کتاب مشتمل بر داستان قابیل و هابیل به گونه ای تحریف

شده و آمیخته با باطل

بالحق

کلمه <بالحق> به قرینه آیات گذشته، که درباره اهل کتاب بود، می تواند اشاره به تحریفهایی باشد که در آثار اهل کتاب نسبت به فرزندان آدم وجود دارد.

تدبر در قصه اصحاب فیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فیل - ۱۰۵ - ۱ - ۷

۷ - داستان اصحاب فیل و کیفر دیدن آنان ، حادثه ای عبرت آموز و شایسته تدبر

ألم تر کیف

تذکر قصه ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۵ - ۱

۱- زندگی حضرت ابراهیم (ع) و کیفیت و نوع دعایش ، درس آموز و شایسته یادآوری است .

و إذ قال إبرهیم ربّ اجعل هذا البلد ءامنًا

<و إذ قال> متعلق به <اذکر> و یا <اذکروا> در تقدیر است. روشن است که تذکر به یادآوری داستان حضرت ابراهیم(ع) نشانگر اهمیت و درس آموزی آن است.

تذکر قصه موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۶ - ۱

۱- پیامبر (ص) ، موظف به یادآوری سرگذشت موسی (ع) و قومش و به خاطر سپردن آن

و إذ قال موسی لقومه

برداشت فوق مبتنی بر این است که فعل <اذکر> قبل از <إذ> مقـدر باشد. بنابراین، آیه خطاب به پیامبر(ص) و بیان وظیفهء آن حضرت است.

تذکر قصه هود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۱ - ۱

۱- پیامبر (ص) مأمور یادکرد سرگذشت پیامبر قوم عاد و تلاش های وی در جهت انذار قومش

و اذکر أخا عاد

إذ أنذر قومه

ترویج قصه های خرافی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۶ - ۲،۶،۱۲

۲ - برخی از کافران عصر پیامبر ، به منظور دور ساختن مردم از هدایت قرآنی ، داستان های بیهوده را فرامی گرفتند و ترویج می دادند .

و من الناس من یشتری لهو الحدیث لیضلّ عن سبیل اللّه

درباره این که <مراد از <من الناس> در این آیه و نیز <خرید حدیث لهو> چیست؟>، مفسران گفته اند، بعضی از کافرانِ مکه، به کشورهایی مانند ایران مسافرت می کردند و کتاب های افسانه می خریدند و یا می آموختند و آنها را به مکه منتقل می کردند و به منظور مبارزه با قرآن، رواج می دادند. لازم به ذکر است که مراد از <سبیل اللّه> در این آیه، به قرینه آیات آغاز سوره، می تواند قرآن باشد.

۶ - جهل ، عامل رویکرد کافران مکه به خرید داستان های بی اساس بود .

و من الناس من یشتری لهو الحدیث . .. بغیر علم

<بغیر علم> متعلق به فعل <یشتری> است.

۱۲ - از اهداف رواج دهندگان افسانه های باطل و خرافی در میان مردم ، به تمسخر گرفتن راه خدا است .

یشتری لهو الحدیث لیضلّ . .. و یتّخذها هزوًا

ترویج قصه های خرافی در مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۶ - ۲

۲ - برخی از کافران عصر پیامبر ، به منظور دور ساختن مردم از هدایت قرآنی ، داستان های بیهوده را فرامی گرفتند و ترویج می دادند .

و من الناس من یشتری لهو الحدیث لیضلّ

عن سبیل اللّه

درباره این که <مراد از <من الناس> در این آیه و نیز <خرید حدیث لهو> چیست؟>، مفسـران گفته اند، بعضی از کافرانِ مکه، به کشورهایی مانند ایران مسافرت می کردند و کتاب های افسانه می خریدند و یا می آموختند و آنها را به مکه منتقل می کردند و به منظور مبارزه با قرآن، رواج می دادند. لازم به ذکر است که مراد از <سبیل اللّه> در این آیه، به قرینه آیات آغاز سوره، می تواند قرآن باشد.

تشویق به تدبر در قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷ - ۲

۲ خداوند ، انسان ها را به تأمل در سرگذشت یوسف (ع) و برادرانش ترغیب کرده است .

لقد کان فی یوسف و إخوته ءایت للسائلین

حرف لام در <لقد> نشانه قسم مقدر و <قد> نیز برای تأکید است. هدف از تأکید و سوگند خداوند بر اینکه در داستان یوسف و برادرانش آیاتی برای پرسش کنندگان است ، ترغیب انسانها به تأمل در آن داستان می باشد.

تشویق به مطالعه قصه قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۸ - ۳

۳ - ترغیب خداوند ، به مطالعه سرگذشت تکذیب گرانی همچون قوم عاد و ثمود و درس آموزی از آن

فهل تری لهم من باقیه

مطلب یاد شده، از تعبیر <فهل تری> استفاده می شود.

تشویق به مطالعه قصه قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۸ - ۳

۳ - ترغیب خداوند ، به مطالعه سرگذشت تکذیب

گرانی همچون قوم عاد و ثمود و درس آموزی از آن

فهل تری لهم من باقیه

مطلب یاد شده، از تعبیر <فهل تری> استفاده می شود.

تعالیم قصه آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۰ - ۲۶

۲۶ داستان خلقت و خلافت آدم (ع) و محاوره خدا و فرشتگان درباره او ، داستانی آموزنده و شایان دقت

و إذ قال ربک للملئکه . .. إنی أعلم ما لاتعلمون

کلمه <إذ> مفعول برای فعل مقدر <اذکر> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۴ - ۱۶

۱۶ - داستان سجده فرشتگان بر آدم (ع) و امتناع ابلیس از آن کار ، داستانی آموزنده و شایسته و بایسته همیشه به خاطر داشتن

و إذ قلنا للملئکه . .. و کان من الکفرین

<اذ> مفعول برای <اذکر> (فراگیر و همواره به خاطر داشته باش) است.

تعالیم قصه ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۵ - ۱

۱- زندگی حضرت ابراهیم (ع) و کیفیت و نوع دعایش ، درس آموز و شایسته یادآوری است .

و إذ قال إبرهیم ربّ اجعل هذا البلد ءامنًا

<و إذ قال> متعلق به <اذکر> و یا <اذکروا> در تقدیر است. روشن است که تذکر به یادآوری داستان حضرت ابراهیم(ع) نشانگر اهمیت و درس آموزی آن است.

تعالیم قصه ایوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۳ - ۱۳

۱۳ - وجود بستر های گوناگون اندیشه و خردورزی در سرگذشت ایوب پیامبر

و اذکر عبدنا

أيّوب إذ نادی . .. و وهبنا له أهله ... و ذکری لأولی الألبب

از این که خداوند، بیدار شدن انسان ها از سرگذشت ایوب(ع) را به صاحبان خرد اختصاص داده است، می توان استفاده کرد که در این داستان زمینه های بسیاری برای اندیشیدن و خردورزی وجود دارد.

تعالیم قصه خضر(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۶۰ – ۳

۳- حقایقی آموزنده ، در سرگذشت ملاقات موسی (ع) و خضر (ع) وجود دارد .

و إذ قال موسی لفتیه لاأبرح

عالمی که موسی(ع) با او ملاقات کرده، بنابر آنچه که در روایات آمده است، حضرت خضر(ع) است و موسی(ع) نیز همان پیامبر معروف. گرچه در این موضوع آرای دیگری نیز اِبراز شده، ولی به گفته علامه طباطبایی (ره) به دلیل یاد فراوان از موسی(ع) در قرآن، اگر غیر او مراد بود، قرینه ای در قرآن ذکر می گردید تا رفع التباس شود.

تعالیم قصه موسی(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۶۰ – ۳

۳- حقایقی آموزنده ، در سرگذشت ملاقات موسی (ع) و خضر (ع) وجود دارد .

و إذ قال موسی لفتیه لاأبرح

عالمی که موسی(ع) با او ملاقات کرده، بنابر آنچه که در روایات آمده است، حضرت خضر(ع) است و موسی(ع) نیز همان پیامبر معروف. گرچه در این موضوع آرای دیگری نیز اِبراز شده، ولی به گفته علامه طباطبایی (ره) به دلیل یاد فراوان از موسی(ع) در قرآن، اگر غیر او مراد بود، قرینه ای در قرآن ذکر می گردید تا رفع التباس

شود.

تعالیم قصه یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۷ – ۶

۶ تنها جویندگان حقیقت و پژوهشگران وادی معرفت ، به نشانه های ربوبیت خدا و علم و حکمت او در داستان یوسف پی خواهند برد .

لقد کان فی یوسف و إخوته ءایت للسائلین

بدیهی است که داستان یوسف(ع) و برادرانش، حاوی آیات و نشانه هاست ، چه پرسشگری باشد یا نباشد. بنابراین حرف لام در <للسائلین> لام انتفاع است و <للسائلین> گویای این است که پرسشگران و محققان ، از آن داستان سود می برند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۷۰ – ۱۱،۱۲

۱۱ < عن أبی عبدالله (ع) : التقیه من دین الله . . . لقد قال یوسف < أیّتها العیر إنکم لسارقون > والله ما کانوا سرقوا شیئاً . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده است: تقیه از دین خداست . .. به تحقیق یوسف گفت: <أیّتها العیر إنکم لسارقون> [ولی] به خدا سوگند چیزی را ندزدیده بودند ...>.

۱۲ < عن أبی عبدالله (ع) : قال رسول الله (ص) : لا کذب علی مصلح ثم تلا : < أیّتها العیر إنکم لسارقون > ثم قال : والله ما سرقوا و ما کذب . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده است: رسول خدا(ص) فرمود: دروغ برای کسی که قصد اصلاح دارد نیست. آن گاه این آیه را تلاوت فرمود: <أیّتها العیر إنکم لسارقون> ; سپس فرمود: به خدا سوگند کاروانیان دزدی نکرده بودند و [اعلام کننده نیز]دروغ

نگفت...>.

تعقل در قصه ایوب(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۴۳ – ۱۳

۱۳ – وجود بستر های گوناگون اندیشه و خردورزی در سرگذشت ایوب پیامبر

و اذکر عبدنا أیّوب إذ نادی . .. و وهبنا له أهله ... و ذکری لأُولی الألبب

از این که خداوند، بیدار شدن انسان ها از سرگذشت ایوب(ع) را به صاحبان خرد اختصاص داده است، می توان استفاده کرد که در این داستان زمینه های بسیاری برای اندیشیدن و خردورزی وجود دارد.

تفکر در قصه شعیب(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۹۰ – ۱

۱ – سرگذشت شعیب (ع) و مردم ایکه ، شایان اندیشه و دربردارنده درس عبرتی بزرگ برای دیگران

إنّ فی ذلک لأیه

کلمه <ذلک> به ماجرای میان شعیب(ع) و مردم ایکه اشاره دارد. <آیه> در این جا معادل <عبره> و نکره آمدن آن برای تفخیم است. بنابراین <إنّ فی ذلک لأیه>; یعنی، به راستی در این ماجرا، درس عبرتی بزرگ وجود دارد.

تفکر در قصه فرعونیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۶۷ – ۱

۱ – سرگذشت موسی و فرعونیان ، آیتی بزرگ ، شایان تفکر و عبرت آموز

إنّ فی ذلک لأیه

<ذلک> اشاره به ماجرای میان موسی(ع) و فرعون دارد. <آیه> نیز در این جا معادل <عبره> و نکره آمدن آن برای

تفخیم است. بنابراین جمله <إنّ فی ذلک لأیه>; یعنی، به راستی در این ماجرا عبرتی بزرگ وجود دارد.

تفکر در قصه موسی(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱

- طه - ۲۰ - ۹ - ۱

۱ - سرگذشت حضرت موسی (ع) ، فصلی مهم و قابل تأمل و تأسی برای پیامبر (ص) بود .

و هل اتیک حدیث موسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۷ - ۱

۱ - سرگذشت موسی و فرعونیان ، آیتی بزرگ ، شایان تفکر و عبرت آموز

إنّ فی ذلک لأیه

<ذلک> اشاره به ماجرای میان موسی(ع) و فرعون دارد. <آیه> نیز در این جا معادل <عبره> و نکره آمدن آن برای تفخیم است. بنابراین جمله <إنّ فی ذلک لأیه>; یعنی، به راستی در این ماجرا عبرتی بزرگ وجود دارد.

تکاندن نخل قصه مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۵ - ۱،۷

۱- عیسی (ع) ، در بدو تولد ، مادرش مریم (س) را به تکان دادن درخت خرما و استفاده از میوه آن راهنمایی کرد .

و هزّی إلیک بجذع النخله تسقط علیک رطبًا جنیًّا

<هزّ> به معنای حرکت دادن به چپ و راست است و به قرینه <إلیک> در آن معنای <متمایل ساختن> نیز تضمین شده است. بنابراین <هزّی إلیک>، یعنی درخت را به جانب خود بکش و به چپ و راست تکان ده این راهنمایی چنان چه از آیه بعد پیدا است، به منظور تأمین غذای مریم(س) بوده است.

۷ - به بار نشستن فوری درخت خرما و نیرومندی مریم (س) برای تکان دادن آن ، از کرامات او بود .

و هزّی إلیک . .. تسقط

تکلم ملکه مورچگان قصه سلیمان(ع)

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۹ - ۲۴

۲۴ - < عن جعفربن محمد (ع) قال : لما قالت النمله < یا أیّها النمل ادخلوا مساکنکم . . . > حملت الریح صوت النمله إلی سلیمان (ع) . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: هنگامی که آن مورچه [به سایر مورچگان] گفت: <یا أیّها النمل ادخلوا مساکنکم. ..> باد صدای آن مورچه را به سلیمان رسانید...>.

تنور قصه نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۰ - ۲۱،۲۰،۵،۴

۴ جوشش شدید آب از تنوری خاص ، پس از فرمان الهی به نزول عذاب بر قوم نوح

حتّی إذا جاء أمرنا و فار التّنّور

<تنّور> که در فارسی بدون تشدید تلفظ می شود جایی است که در آن نان پخته می شود. فوران (مصدر فار) به معنای بیرون آمدن و جوشش کردن است. اسناد جوشش به تنور همانند <جری المیزاب> حاکی از فوران شدید آب است. <ال> در <التّنّور> عهد ذهنی است و از آن تنوری خاص اراده شده است.

۵ جوشش آب از تنور ، علامت و سرآغازی برای حادثه طوفان نوح بود .

حتّی إذا جاء أمرنا و فار التّنّور قلنا احمل

۲۰ < عن أبی جعفر (ع) قال [فی وصف مسجد الکوفه] : . . . و منه فار التّنّور . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده است که [در وصف مسجد کوفه] فرمود: . .. از مسجد کوفه تنور فوران کرد ...>.

۲۱ < عن أبی عبدالله (ع) قال : جائت

إمرءه نوح إليه و هو يعمل السفينه فقالت له : إن التّنور قد خرج منه ماء فقام إليه مسرعاً حتى جعل الطبق عليه فختمه بخاتمه فقام الماء ، فلما فرغ نوح من السفينه جاء إلى خاتمه ففضّه و كشف الطبق ففار الماء ;

از امام صادق(ع) روايت شده است كه فرمود: همسر نوح درحالى كه شوهرش مشغول ساختن كشتى بود، به نزد او آمد و گفت: تنور آب درآورده. نوح باسرعت بر سر تنور رفت و سرپوشى بر روى آن گذاشت و با مُهر خود آن را ممهور كرد. پس آب ايستاد. هنگامى كه از ساختن كشتى فارغ شد مهر خود را شكست و سرپوش را كنار زد; پس آب فوران كرد>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۷ - ۶،۷

۶ - فوران آب از تنور ، نشان صدور فرمان خدا و شروع طوفان نوح (ع) بود .

فإذا جاء أمرنا و فار التّنور

عبارت <فارالتّنور>، عطف تفسيرى است براى <جاء أمرنا>.

۷ - تنورى كه فوران آب از آن نشانه در رسيدن عذاب بر قوم نوح بود از پيش تعيين شده بود .

فإذا جاء أمرنا و فار التّنور

<ال> در <التّنور> براى عهد ذهنى است. بنابراين <التّنور>; يعنى، آن تنور.

تهديد توطئه گران قصه افك

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۱ - ۱۳

۱۳ - تهديد شدن توطئه گران < افک > ، به انتقام و كيفر به ميزان نقش آنان در اين گناه از سوى خداوند .

إنّ الذين جاءو بالإفک . .. لكلّ امرى منهم ما اكتسب من الإثم

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۲۳ – ۸

۸ – دستور قطع ارتباط با توطئه گران < افک > و تهدید آنان به عذاب بزرگ از سوی خداوند

إنّ الذین یرمون المحصنت . .. لهم عذاب عظیم

برداشت فوق، بر این اساس است که آیه یاد شده، از جمله آیات مربوط به ماجرای <افک> باشد.

تهدید طراح قصه افک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۱۱ – ۱۶

۱۶ – خداوند ، طراح و گرداننده اصلی ماجرای < افک > را به عذاب بزرگ تهدید کرد .

والذی تولّی کبره منهم له عذاب عظیم

<کبر> به معنای معظم شیء و قسمت عمده هر چیزی است و مرجع ضمیر <کبره>، <افک> است. بر این اساس معنای آیه چنین می شود: <کسی که متولی و عهده دار قسمت عمده ماجرای افک می باشد...> و مقصود از آن، عامل اصلی و طراح این ماجرا است.

ثمردهی نخل قصه مریم(س)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۲۵ – ۳

۳- بارورشدن و ثمردادن غیر طبیعی درخت خرما ، به تلاش مریم (س) و کشیدن و تکان دادن نخل وابسته بود .

و هزّی إلیک . .. تسقط

فعل <تساقط> مجزوم است و عامل جزم آن شرط مقدر است; یعنی اگر درخت را تکان دهی و به سمت خود بکشی، برای تو خرما می ریزد.

جنس منازعان قصه داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۱ - ۶

۶ - > عن الرضا (ع)

: . . .بعث اللّه عزّوجلّ إلی داود الملکین فتسوّرا المحراب . . . ;

از امام رضا(ع) روایت شده که خداوند عزّوجلّ دو فرشته را فرستاد تا از دیوار محراب داوود بالا رفتند و بر او وارد شدند. ..>.

جنسیت توطئه گران قصه افک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۱ - ۱۴

۱۴ - گردانندگان توطئه < افک > همگی از مردان بودند .

إنّ الذین جاءو بالإفک . ..لکلّ امری منهم ما اکتسب من الإثم

<مرء> در لغت هم به معنای انسان آمده و هم به معنای مرد; ولی به قرینه شأن نزول آیه شریفه، در این جا به معنای مرد است.

جهل به قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۲ - ۲،۵

۲ سرگذشت یوسف (ع) ، سرگذشتی مهم در تاریخ بشریّت و مخفی مانده بر مردمان تا پیش از بعثت پیامبر (ص)

ذلک من أنباء الغیب

<ذلک> اشاره به داستان یوسف(ع) و قضایای رخ داده در روزگار آن حضرت است ; یعنی: <ذلک النبأ من أنباء الغیب>.

۵ پیامبر (ص) پیش از نزول قرآن ، از خصوصیات و حقایق داستان یوسف (ع) اطلاعی نداشت .

و ما کنت لدیهم إذ أجمعوا أمرهم

جمله <ما کنت لدیهم> (نزد آنان نبودی) کنایه از بی خبر بودن پیامبر(ص) از داستان یوسف(ع) است.

چاه قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰ - ۵

۵ چاه پیشنهاد شده از طرف لاوی جهت افکندن یوسف (ع) ، چاهی مشخص

و مورد نظر بوده است .

ألقوه فی غیبت الجب

ظاهر آن است که <ال> در <الجب> عهد ذهنی و اشاره به چاهی معهود می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۹ - ۱

۱ کاروانی در اطراف چاهی که یوسف (ع) در آن بود ، منزل گزیدند و مأمور تهیه آب را به سوی آن چاه روانه کردند .

و جاءت سیّاره فأرسلوا واردهم

<وارد> به کسی که برای تهیه آب بر سر چاه ، نهر و مانند آن می رود ، گفته می شود.

حسابرسی طراح قصه افک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۴ - ۹

۹ - تهدید شدن سازندگان < افک > به محاکمه ای سخت در قیامت و آشکار شدن توطئه های پنهانی آنان با شهادت غیر قابل انکار اعضا و جوارح خود آنها

إنّ الذین یرمون المحصنت . .. یوم تشهد علیهم ألسنتهم ... بما کانوا یعملون

برداشت یاد شده، بر این اساس است که این آیه از جمله آیات مربوط به ماجرای <افک> باشد.

حق طلبان و قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷ - ۶

۶ تنها جویندگان حقیقت و پژوهشگران وادی معرفت ، به نشانه های ربوبیت خدا و علم و حکمت او در داستان یوسف پی خواهند برد .

لقد کان فی یوسف و إخوته ءایت للسائلین

بدیهی است که داستان یوسف(ع) و برادرانش، حاوی آیات و نشانه هاست ، چه پرسشگری باشد یا نباشد. بنابراین حرف لام
در <للسائلین> لام انتفاع است و <للسائلین> گویای

این است که پرسشگران و محققان ، از آن داستان سود می برند.

حکمت خدا در قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷ - ۶

۶ تنها جویندگان حقیقت و پژوهشگران وادی معرفت ، به نشانه های ربوبیت خدا و علم و حکمت او در داستان یوسف پی خواهند برد .

لقد كان فى يوسف و إخوته ءايت للسائلين

بدیهی است که داستان یوسف(ع) و برادرانش، حاوی آیات و نشانه هاست ، چه پرسشگری باشد یا نباشد. بنابراین حرف لام در <للسائلین> لام انتفاع است و <للسائلین> گویای این است که پرسشگران و محققان ، از آن داستان سود می برند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۳۰

۳۰ سرگذشت یوسف (ع) (خروج او از زندان ، پایان فراق او با بستگان و . . .) بر اساس تدبیر عالمانه و حکیمانه خداوند رقم می خورد .

إن ربى لطيف لما يشاء إنه هو العليم الحكيم

حیات ماهی قصه موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۱ - ۵،۶

۵- ماهیِ بی جانِ همراه موسی (ع) ، در مجمع البحرین زنده شده و در مسیری تونل مانند ، در آب دریا فرو رفت .

نسيا حوتهما فاتّخذ سبيله فى البحر سربًا

فاعل <اتخذ> ضمیری است که به <حوت> بازمی گردد. استناد فعل به ماهی ظهور در آن دارد که ماهی بی جان، جان دار شده است. <سرب> به معنای نفق و سوراخ (تونل) است و در آیه حال برای

<سبیل> است; یعنی، راهی تونل مانند را در دریا در پیش گرفت.

۶- < عن أبی عبداللّه (ع) قال : . . . أرسل (أی موسی) إلی یوشع إنّی قد ابتلیت فاصنع لنا زاداً وانطلق بنا ، و اشتری حوتاً . . .ثمّ شواه ثمّ حمله فی مکتل . . . فقطرت قطره من السماء فی المکتل فاضطرب الحوت ثمّ جعل یَثِبُ من المکتل إلی البحر قال : و هو قوله : < واتّخذ سبیله فی البحر سرباً > ;

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: .. موسی به یوشع پیام فرستاد: <من، در معرض آزمایش قرار گرفتم. برای ما توشه راه فراهم ساز و به همراه ما بیا!>. یوشع، یک ماهی خرید ... و آن را بریان کرد و در زنبیل نهاد... سپس قطره آبی از آسمان در زنبیل چکید و ماهی به جنب وجوش آمد و از زنبیل به دریا پرید و این سخن خدا است که فرمود: واتّخذ سبیله فی البحر سرباً>.

خرابی دیوار قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۷ - ۸

۸- موسی و خضر (ع) در آبادی ، با دیواری مواجه شدند که در حال سقوط و خرابی بود .

فوجدا فیها جدارًا یرید أن ینقضّ

<إنقضاض> از ماده <قضض> به معنای <از هم پاشیدن> است (قاموس). به کار بردن فعل <یرید> که نوعاً در باره موجودات دارای اختیار به کار می رود، نوعی استعاره است; یعنی، به قدری دیوار در معرض افتادن بود که گویا خود بر خرابی و از هم پاشیدگی تصمیم گرفته است

.

خشکی نخل قصه مریم(س)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۲۵ – ۲

۲– نخلی که مریم (س) در کنار آن وضع حمل نمود ، میوه نداشت .

و هزّی إلیک بجذع النخله تسقط علیک رطبًا جنیًّا

جمله <تساقط علیک. ..> گویای امتنان بر مریم(س) است، نه خبر از اثر طبیعی تکان دادن درخت، چرا که این موضوع نیازی به راهنمایی نداشت; بنابراین، پس از تکان دادن درخت بود که خرمای آن پدیدار گشته و فرو می ریخت. اضافه شدن کلمه <جذع> به کلام و نیز اِسناد <تساقط> به <نخله>، خشک بودن درخت و خارق العاده بودن ریزش خرما را تأیید می کند.

خطر در کشتی قصه یونس(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۴۱ – ۲

۲ – وجود خطر برای کشتی حامل یونس (ع) و رفع آن ، با افکنده شدن یک نفر به دریا

إذ أبق إلی الفلک المشحون . فساهم فکان من المدحضین

خواسته های منازعان قصه داود(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۲۲ – ۶،۱۰،۱۱

۶ – نزاع کنندگان و شاکیان ، از داوود خواستند که براساس حق و به دور از هرگونه افراط و ستمی درباره شان داوری کند .

فاحکم بیننا بالحقّ و لاتشطط

<شطط> در اصل به معنای تجاوز از حد و اندازه است و بیشترین کاربرد آن در معنای افراط، زیاده روی و ستم می باشد.

۱۰ – نزاع کنندگان و شاکیان ، از داوود (ع) خواستار نمایاندن راه درست زندگی به آنان

و

اهدنا إلى سواء الصرط

<سواء> در اصل به معنای وسط و میانه است. مقصود از آن در آیه شریفه، راه درست و میانه و به دور از افراط و تفریط در زندگی است.

۱۱ - نزاع کنندگان و شاکیان ، از داوود (ع) خواستند که برای حل مشکلات و اختلافات اقتصادی آنها ، راه درست و میانه را به آنان بیاموزد .

و اهدنا إلى سواء الصرط

برداشت یاد شده براساس این دیدگاه است که درخواست هدایت به راه درست، ممکن است به موضوع مورد اختلافشان مربوط باشد که از موضوعات اقتصادی است.

خویشاوندی منازعان قصه داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۳ - ۱

۱ - وجود نسبت برادری میان دو فرد نزاع کننده و متخاصم در نزد داوود (ع)

إنّ هذا أخى

دعوای منازعان قصه داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۲ - ۴،۵

۴ - نزاع کنندگان و شاکیان ، مسأله مورد اختلاف خود را نزد داوود (ع) مطرح کردند .

خصمان بغى بعضنا على بعض

۵ - نزاع کنندگان و شاکیان ، در حضور داوود (ع) مدعی متجاوز بودن یکی از آنان در حق دیگری بودند .

خصمان بغى بعضنا على بعض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۲۳ – ۲،۳،۶

۲ – طرح دعوا و نزاع در حضور داوود (ع) ، از سوی برادری که صاحب یک میش بود ، آغاز گردید .

إنّ هذا أخی له تسع و تسعون نعجه

۳ – طمع کردن برادر دارای

۹۹ میش به تنها میش برادر خود ، ادعانامه برادر شاکی به حضور داوود (ع)

و لی نعجه وحده فقال أکفلنیها

تعبیر <أکفلنیها> (کفالت آن را به من واگذار) کنایه از بخشش و هدیه کردن است; یعنی، این یک میش را به من هدیه کن.

۶ - ادعای مالک تنها میش ، مبنی بر مغلوب شدنش در گفت وگو با برادر دارای ۹۹ میش ، در گرفتن حق خود

و عزّنی فی الخطاب

<عزّنی فی الخطاب>; یعنی، او در گفتوگو با من، مرا مغلوب ساخت و من از عهده بحث با او برای گرفتن حقّم برنمی آیم و تو ای داوود مرا یاری کن.

ذکر قصه آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۱ - ۱

۱- ماجرای سجده ملائکه در برابر آدم و نافرمانی ابلیس ، شایسته یاد و یادآوری است

و إذ قلنا للملئکه اسجدوا لأدم فسجدوا إلاّ إبلیس

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که <إذ> متعلق به <اذکر> و یا <اذکروا> مقدّر باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۰ - ۱

۱- سرگذشت سجده ملائکه در برابر آدم و تمرّد ابلیس ، عبرت آموز و شایان توجه است .

و إذ قلنا للملئکه اسجدوا لأدم

<إذ> ظرف برای فعل مقدر مانند <اُذکر> است; یعنی: <یاد کن زمانی را که . ..>. فرمان خداوند به پیامبر(ص) و یا آحاد مردم در مورد یاد کردن داستان سجده برای آدم، گویای سازنده بودن این یادآوری و عبرت آموزی آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١١ – طه – ٢٠ – ١١۶

۱ - داستان سجده فرشتگان بر آدم و امتناع ابلیس ، سرگذشتی درخور توجه و درس آموزی

و إذ قلنا للملئکه اسجدوا

<إذ> مفعول فعل محذوف است و به قرینه آیات مشابه، آن فعل <اذکر> (فراگیر و به خاطر داشته باش) می باشد.

ذکر قصه ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۱ - ۱

۱- پیامبراکرم (ص) وظیفه دار یاد کردن سرگذشت ابراهیم (ع) در قرآن

واذکر فی الکتب إبرهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۵ - ۱

۱ - یادآوری سرگذشت ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (علیهم السلام) ، توصیه خداوند به پیامبر (ص)

و اذکر عبدنا إبرهیم و إسحق و یعقوب

ذکر قصه ادریس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۶ - ۱

۱- خداوند ، پیامبر (ص) را به یادکردن سرگذشت ادریس (ع) در قرآن فرمان داد .

واذکر فی الکتب إدریس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۵ - ۲

۲- سرگذشت اسماعیل ، ادریس و ذوالکفل (ع) و صبر و شکیبایی آنان ، درس آموز و شایسته یاد و یادآوری است .

و إسمعیل . .. کلّ من الصبرین

برداشت یاد شده مبتنی براین است که نصب <اسماعیل> به وسیله عامل مقدری چون <أذکر> یا <أذکروا> باشد.

ذکر قصه اسحاق(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۵ - ۱

۱ - یادآوری سرگذشت ابراهیم ،

اسحاق و یعقوب (علیهم السلام) ، توصیه خداوند به پیامبر (ص)

و اذکر عبدنا إبرهیم و إسحق و یعقوب

ذکر قصه اسماعیل صادق الوعد(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۴ - ۱

۱- پیامبراکرم (ص) مأمور یادکرد سرگذشت اسماعیل صادق الوعد در قرآن

واذکر فی الکتب إسمعیل

درباره این که اسماعیل مذکور در این آیه، آیا فرزند ابراهیم(ع) است یا شخصی دیگر، بین مفسران دو نظر وجود دارد که هر کدام به ادله ای تمسک جسته اند. این نام در قرآن به صورت مطلق بر فرزند ابراهیم(ع) اطلاق شده و در این جا نیز قرینه جدی بر این که اسماعیل <صادق الوعد> شخص دیگری است وجود ندارد.

ذکر قصه اسماعیل(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۵ - ۲

۲- سرگذشت اسماعیل ، ادریس و ذوالکفل (ع) و صبر و شکیبایی آنان ، درس آموز و شایسته یاد و یادآوری است .

و إسمعیل . .. کلّ من الصبرین

برداشت یاد شده مبتنی براین است که نصب <اسماعیل> به وسیله عامل مقدری چون <أذکر> یا <أذکروا> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۸ - ۱

۱ - یادآوری سرگذشت اسماعیل ، الیسع و ذاالکفل (علیهم السلام) ، توصیه خداوند به پیامبر (ص)

و اذکر إسمعیل و الیسع و ذاالکفل

ذکر قصه الیسع(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۸ - ۱

۱ - یادآوری سرگذشت اسماعیل ، الیسع و

ذاالکفل (علیهم السلام) ، توصیه خداوند به پیامبر (ص)

و اذکر إسمعیل و الیسع و ذاالکفل

ذکر قصه ایوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۳ - ۱

۱- سرگذشت ایوب (ع) و نیایش او با خدا ، درس آموز و سزاوار یاد ویادآوری است .

و أیّوب إذ نادی ربّه

برداشت یاد شده مبتنی براین است که نصب <أیّوب> به وسیله عامل مقدری، چون <أذکر> یا <أذکروا> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۳ - ۱۱

۱۱ - بازگشت و دو چندان شدن خانواده ایوب (ع) ، مایه تذکر و بیداری صاحبان خرد ناب

و وهبنا له أهله . .. رحمه منّا و ذکری لأُولی الألبب

<لُب> به معنای عقل خالص و خرد ناب است (مفردات راغب).

ذکر قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۰ - ۴

۴- تلاش موسی (ع) برای یافتن خضر (ع) ، واقعه ای درخور یادآوری و توجّه است .

و إذ قال موسی لفتیه لاأبرح

<إذ> مفعول برای <اُذکر> در تقدیر است.

ذکر قصه داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۸ - ۱

۱- داستان داوود و سلیمان ، شایسته یاد و یادآوری است .

و داود و سلیمن إذ یحکمان فی الحرث

برداشت یاد شده مبتنی براین است که <داود> مفعولٌ به برای فعل مقدری، چون <اذکر> باشد (البته با حذف مضافی مانند <خبر>)؛ یعنی، به یاد آور خبر داوود و سلیمان را.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۷ - ۴

۴ - توصیه خداوند به پیامبراسلام مبنی بر یادآوری سرگذشت داوود پیامبر ، در دوران سخت رسالت خود

واذکر عبدنا داود

ذکر قصه ذوالکفل(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۵ - ۲

۲- سرگذشت اسماعیل ، ادریس و ذوالکفل (ع) و صبر و شکیبایی آنان ، درس آموز و شایسته یاد و یادآوری است .

و إسمعیل . .. کلّ من الصبرین

برداشت یاد شده مبتنی براین است که نصب <اسماعیل> به وسیله عامل مقدری چون <أذکر> یا <أذکروا> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۸ - ۱

۱ - یادآوری سرگذشت اسماعیل ، الیسع و ذاالکفل (علیهم السلام) ، توصیه خداوند به پیامبر (ص)

و اذکر إسمعیل و الیسع و ذاالکفل

ذکر قصه زکریا(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۹ - ۱

۱- داستان زکریا و فرزند خواهی او ، درس آموز و شایسته یاد و یادآوری است .

و زکریّا إذ نادی

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که نصب <زکریّا> به عامل مقدری چون <أذکر> یا <أذکروا> باشد.

ذکر قصه سلیمان(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۷۸ – ۱

۱– داستان داوود و سلیمان ، شایسته یاد و یادآوری است .

و داود و سلیمن إذ یحکمان فی الحرث

برداشت یاد شده مبتنی براین است که <داود> مفعولٌ به برای فعل مقدری، چون <اذکر> باشد

(البته با حذف مضافی مانند <خبر>)؛ یعنی، به یاد آور خبر داوود و سلیمان را.

ذکر قصه عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۶ - ۱

۱- توجه ویژه به آیات سرگذشت مریم و تشریح داستان تولد عیسی در قرآن ، وظیفه ای الهی بر عهده پیامبر (ص)

واذکر فی الکتب مریم

<اذکر> خطاب به پیامبر(ص) است. آن حضرت بدون دستور خاص نیز آیات نازل شده را در قرآن بیان می کرد. هدف از تأکید بر ذکر این آیات، بیان اهمیت ماجرای بارداری مریم به عیسی و تأثیر عمیق آن در جامعه آن روز است.

ذکر قصه لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۴ - ۲

۲ - رسالت لوط و مبارزات او با زشت کرداری های قومش ، شایان یاد و یادآوری

و لوطًا إذ قال لقومه

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <لوطاً> مفعول <اذکر> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۸ - ۳

۳ - سرگذشت لوط (ع) ، در مبارزه بر ضد فحشا ، پندآموز و شایسته یاد و یادآوری است .

و لوطًا إذ قال

<لوطاً> احتمال دارد که عطف به آیه چهارده باشد و احتمال دارد که مفعول فعل مقدّر <اذکر> باشد. بنابر احتمال دوم، نکته بالا قابل استفاده است.

ذکر قصه مریم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۶ - ۱

۱- توجه ویژه به آیات سرگذشت مریم و تشریح داستان تولد عیسی در قرآن ، وظیفه ای

الهی بر عهده پیامبر (ص)

واذکر فی الکتب مریم

<اذکر> خطاب به پیامبر(ص) است. آن حضرت بـدون دسـتور خاص نیز آیات نازل شده را در قرآن بیان می کرد. هدف از تأکید بر ذکر این آیات، بیان اهمیت ماجرای بارداری مریم به عیسی و تأثیر عمیق آن در جامعه آن روز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۱ - ۱

۱- داستان حضرت مریم و پاک دامنی و فرزنددار شدن او ، درس آموز و شایسته یاد و یادآوری است .

و التی أحصنت فرجها فنفخنا فیها

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <التی> منصوب به عامل مقدری چون <أذکر> یا <أذکروا> باشد.

ذکر قصه موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۶ - ۱،۲

۱- پیامبر (ص) ، موظف به یادآوری سرگذشت موسی (ع) و قومش و به خاطر سپردن آن

و إذ قال موسی لقومه

برداشت فوق مبتنی بر این است که فعل <اذکر> قبل از <إذ> مقـدر باشد. بنابراین، آیه خطاب به پیامبر(ص) و بیان وظیفهء آن حضرت است.

۲- سرگذشت موسی (ع) و قومش ، درس آموز و شایسته به خاطر سپردن

و إذ قال موسی لقومه

اینکه خداوند پیامبر(ص) را موظف به یادآوری سـرگذشت حضرت موسی(ع) کرده است، حکایت از اهمیت و سودمندی آن دارد و شایسته است انسانها آن را به خاطر بسپارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۰ - ۴

۴- تلاش موسی (ع) برای یافتن خضر (ع) ، واقعه

ای درخور یادآوری و توجّه است .

و إذ قال موسی لفتیه لاأبرح

<إذ> مفعول برای <اُذکر> در تقدیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۱ - ۱

۱- پیامبراکرم (ص) وظیفه دار یادکرد سرگذشت حضرت موسی در قرآن

واذکر فی الکتب موسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹ - ۲

۲ - تاریخ زندگی موسی (ع) و حوادث آن ، درس آموز و شایان توجه و تأمل برای رهبران و مبلغان دین است .

و هل اتیک حدیث موسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰ - ۱

۱ - سرگذشت مبارزه موسی (ع) با فرعونیان ، شایان توجه و درس آموزی

و إذ نادی ربّک موسی

واژه <إذ> در محل نصب و مفعول برای فعل محذوف است; یعنی، <واذکر إذ نادی. ..> فرمان الهی مبنی بر به خاطر آوردن سرگذشت موسی بیانگر حقیقت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷ - ۱

۱ - سرگذشت موسی و خانواده اش در وادی طور ، شایان ذکر و یادآوری

إذ قال موسی لأهله

<إذ> اسم زمان در محل نصب و مفعولٌ به برای فعل محذوف است; یعنی، <اذکر إذ قال موسی لأهله. ..; زمانی را که موسی به کسانش گفت... به یادآور>.

ذکر قصه نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۶ - ۲

۲- داستان حضرت نوح ، داستانی درس آموز و شایسته یاد و یادآوری

است .

و نوحًا إذ نادى

برداشت یاد شده مبتنی براین است که <نوحاً> مفعول برای فعل مقدر (هم چون <اذکر> یا <اذکروا>) باشد.

ذکر قصه یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۵ - ۱

۱ - یادآوری سرگذشت ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (علیهم السلام) ، توصیه خداوند به پیامبر (ص)

و اذکر عبدنا إبرهیم و إسحق و یعقوب

ذکر قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۴ - ۱

۱ - مؤمن آل فرعون برای بیدار کردن مردم و انصراف آنان از قتل موسی (ع) ، سرگذشت یوسف پیامبر رایادآور شد .

أتقتلون رجلًا . .. إنّی أخاف علیکم ... و لقد جاءکم یوسف

ذکر قصه یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۷ - ۱

۱- ماجرای ذاالنون (یونس (ع)) ، درس آموز و شایسته یاد و یادآوری است .

و ذاالنون إذ ذهب

برداشت یاد شده مبتنی براین است که نصب <ذا النون> به وسیله عامل مقدری چون <أذکر> یا <أذکروا> باشد. گفتنی است که <النون> به معنای ماهی است و <ذاالنون> لقب برای یونس(ع) است; به این مناسبت که او مدتی در شکم ماهی قرار داشت.

ربوبیت خدا در قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷ - ۶

۶ تنها جویندگان حقیقت و پژوهشگران وادی معرفت ، به نشانه های ربوبیت خدا و علم و حکمت او در داستان یوسف پی خواهند برد .

لقد

كان فی یوسف و إخوته ءایت للسائلین

بدیهی است که داستان یوسف(ع) و برادرانش، حاوی آیات و نشانه هاست ، چه پرسشگری باشد یا نباشد. بنابراین حرف لام در <للسائلین> لام انتفاع است و <للسائلین> گویای این است که پرسشگران و محققان ، از آن داستان سود می برند.

رنگ چشمه قصه ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۶ - ۲

۲- ذوالقرنین ، با رسیدن به انت های خشکی های غرب ، آبی گل آلود و تیره رنگ را فراروی خویش دید .

حتّی إذا بلغ مغرب الشمس وجدها تغرب فی عین حمئه

<حمئه> یعنی دارای <حمأه> به <گل سیاه بدبو> گفته می شود. (کتاب العین)

روش نقل قصه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۷ - ۶

۶ - نقل داستان ها و واقعیت های تاریخی ، در قالبی آسان و ساده ، دارای تأثیری فزون تر در خاطره توده ها *

کذّبت قبلهم قوم نوح . .. و لقد یسّرنا القرءان

در صورتی که <لقد یسّرنا. ..> نظر به نقل داستان قوم نوح داشته باشد، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۲ - ۶

۶ - نقل داستان های و واقعیت های تاریخی ، در قالبی ساده و آسان ، دارای تأثیری فزون تر در خاطر توده ها

کذّبت عاد . .. و لقد یسّرنا القرءان

در صورتی که <و لقد یسّرنا. ..> نظر به نقل داستان قوم عاد داشته باشد، مطلب بالا استفاده می شود.

آیه – فیش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۳۲ – ۶

۶ – نقل داستان ها و واقعیت های تاریخی ، در قالبی ساده و آسان ، دارای تأثیری فزون تر در خاطر توده ها

کذّبت ثمود بالنّذر . .. و لقد یسّرنا القرءان للذّکر فهل من مدّکر

برداشت یاد شده در صورتی است که <لقد یسّرنا. ..> نظر به نقل داستان قوم ثمود داشته باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۴۰ – ۶

۶ – نقل داستان ها و واقعیت های تاریخی ، در قالبی ساده و آسان دارای تأثیری فزون تر در خاطر توده ها

کذّبت قوم لوط بالنّذر . .. و لقد یسّرنا القرءان للذّکر فهل من مدّکر

در صورتی که <لقد یسّرنا. ..> نظر به نقل داستان قوم لوط داشته باشد، مطلب بالا استفاده می شود.

زمینه فراموشی قصه انبیا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۴۵ – ۴

۴ – گذشت زمان و انقراض نسل های پیشین ، باعث از میان رفتن خاطرات پیامبران ، کتاب های آسمانی ، شرایع الهی و محروم شدن مردم عصر بعثت از آنها شد .

و لکنّا أنشأنا قرونًا فتطاول علیهم العمر

زیان کشتزار قصه داود(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۷۸ – ۵

۵- داوود و سلیمان (ع) ، در تطبیق و چگونگی پیاده کردن حکم خدا در باره خسارت مزرعه تلف شده به وسیله گوسفندان ، اختلاف نظر داشتند .

و داود و سليمن إذ يحكمان فى الحرث إذ نفشت فيه غنم القوم و

کنّا لحکمهم شهدین

نوع مفسران برآنند که <ففهّمناها> می رساند که خداوند نظر سلیمان را تأیید کرد. از سوی دیگر، جمله های <کنّا لحکمهم شاهـدین> و <و کلاًّ آتینا حکماً و علماً> می فهمانـد که نظر هر دو براساس نظارت، حکم و علم الهی بوده است. جمع میان این دو سخن، به این است که بگوییم: اختلاف آن دو در حکم الهی نبود; بلکه در تطبیق و چگونگی پیاده کردن آن بود.

زیان کشتزار قصه سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۸ - ۵

۵- داوود و سلیمان (ع) ، در تطبیق و چگونگی پیاده کردن حکم خدا در باره خسارت مزرعه تلف شده به وسیله گوسفندان ، اختلاف نظر داشتند .

و داود و سلیمن إذ یحکمان فی الحرث إذ نفشت فیه غنم القوم و کنّا لحکمهم شهدین

نوع مفسران برآنند که <ففهّمناها> می رساند که خداوند نظر سلیمان را تأیید کرد. از سوی دیگر، جمله های <کنّا لحکمهم شاهـدین> و <و کلاًّ آتینا حکماً و علماً> می فهمانـد که نظر هر دو براساس نظارت، حکم و علم الهی بوده است. جمع میان این دو سخن، به این است که بگوییم: اختلاف آن دو در حکم الهی نبود; بلکه در تطبیق و چگونگی پیاده کردن آن بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۹ - ۱

۱- حکم و داوری سلیمان (ع) در باره خسارت مزرعه تلف شده به وسیله گوسفندان ، با الهام خداوند بود .

ففهّمنها سلیمن

<فا> در <ففهّمنا> برای تعقیب است و ضمیر <ها> به حکومت

(قضاوت) بازمی گردد; یعنی، در مشاوره و داوری داوود و سلیمان(ع) حکم واقعی را به سلیمان فهماندیم.

زیبایی قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳ - ۴،۵

۴ داستان یوسف (ع) بهترین و زیباترین داستان

نحن نقصّ علیک أحسن القصص

۵ خداوند ، داستان یوسف را با بهترین و زیباترین بیان نقل کرده و گزارش داده است .

نحن نقصّ علیک أحسن القصص

سردی آتش قصه ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶۹ - ۱

۱- آتش به فرمان خداوند ، بر ابراهیم (ع) سرد و سلامت (مطبوع و بی آسیب) گردید .

قلنا ینار کونی بردًا و سلمًا علی إبرهیم

فرمان خداوند به سلامت شدن آتش بر ابراهیم(ع)، می تواند اشاره به این نکته باشد که نه تنها آتش باید بر آن حضرت سرد باشد و او را نسوزاند; بلکه سردی آن به گونه ای و به اندازه ای باشد که کاملاً مطبوع، دلپذیر و بی آسیب باشد.

سرزمین مورچگان قصه سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۸ - ۲

۲ - قرار داشتن سرزمین مورچگان ، در منطقه ای پایین تر از منطقه اطراف آن

أتوا علی واد النمل

واژه <علی> برای استعلا به کار می رود. بنابراین <علی واد النمل> بیانگر این نکته است که منطقه اطراف سرزمین مورچگان مشرف بر آن بود و سرزمین مورچگان پایین تر از آن قرار داشت.

سرنوشت ماهی قصه موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف -

۱۸ - ۶۳ - ۴،۵،۶

۴- همسفر موسی از بازگویی سرگذشت ماهی ، برای موسی (ع) ، در مدّت استراحت شان در مجمع البحرین ، غفلت کرد .

قال أرءیت إذ أوینا إلی الصخره فإنّی نسیت الحوت

<صخره> به معنای <تخته سنگ بزرگ> است. <أوینا إلی الصخره> یعنی: <برای استراحت، در کنار آن صخره، جای گرفته بودیم.>.

۵- همسفر موسی ، در پی درخواست تهیه چاشت از جانب موسی (ع) ، ماجرای رفتن ماهی به دریا را به یادآورد .

ءاتنا غداءنا . .. قال أرءیت ... فإنّی نسیت الحوت

۶- خدمت کار موسی ، غفلت خود را از یادآوری ماجرای ماهی به موسی (ع) ، ناشی از نفوذ شیطان در خود دانست .

و ما أنسنیه إلاّ الشیطن أن أذکره

سوراخ کشتی قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۱ - ۴،۵،۶،۸

۴- خضر (ع) پس از سوار شدن بر کشتی ، در بدنه آن شکافی ایجاد کرد که سرنشینیان آن در خطر غرق شدن قرار گرفتند .

حتّی إذا رکبا فی السفینه خرقها

<خرق> به معنای <شکافتن و دریدن> است.

۵- موسی (ع) از عملکرد خضر (ع) در شکافتن بدنه کشتی ، شگفت زده شد و به او اعتراض کرد .

قال أخرقتها لتغرق أهلها

۶- اقدام خضر به سوراخ کردن کشتی ، دور از چشم سرنشینان کشتی بوده است .

خرقها قال أخرقتها لتغرق أهلها

روشن است که اگر سوراخ کردن کشتی، در دید مردم قرار داشت، خضر(ع)، مورد اعتراض آن ها قرار می گرفت و مانع او می شدند. از این که تنها، موسی(ع)اعتراض کرده،

چنین بر می آید که این کار، از چشم دیگران به دور بوده است .

۸- آسیب رساندن خضر (ع) به کشتی ، امری بس ناروا و غیرقابل توجیه در نظر موسی (ع) بود .

لقد جئت شیئًا إمرًا

<إمر> به معنای <منکَر عظیم> و نیز <منکَر عجیب> آمده است. (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۲ - ۳

۳- خضر (ع) با بیان آگاه نبودن موسی (ع) به راز معیوب ساختن کشتی ، پندار وی را در مورد انگیزه آن کار ، تخطئه کرد .

أخرقتها لتغرق أهلها . .. ألم أقل إنّک لن تستطیع معی صبرًا

شاکران و قصه قوم سبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۹ - ۱۲

۱۲ - قصه مردم سبا و فروپاشی کامل آنان در پی کفران نعمت های الهی ، دربردارنده آیات خدا برای صبرپیشگان شکرگزار است .

إنّ فی ذلک لأیت لکلّ صبّار شکور

شدت آتش قصه ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶۸ - ۲

۲- آتشی که ابراهیم (ع) در آن افکنده شد ، آتشی انبوه و شدید بود .

قالوا حرّقوه

<تحریق> (مصدر <حرّقوه>) و مبالغه در <حرق> (سوزاندن) است; یعنی، سوزاندن بسیار و شدید.

شرایط حُسن قصه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۱۱۱ – ۴

۴ عبرت آموز بودن داستان ، از شرایط حسن آن داستان است .

نحن نقص علیک أحسن القصص . .. لقد کان فی

قصصهم عبره

خداوند در مقدمه داستان یوسف(ع) بیان داشت که آن داستان نیکوترین داستان است و در پایان هدف از آن را عبرت و پند دانست. بنابراین حسن یک داستان از نظر قرآن به این است که مایه عبرت باشد.

شهر قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۷ - ۲،۵

۲- موسی و خضر (ع) در مسیر حرکت و سفر خویش ، به یک آبادی رسیدند و با اهل آن ملاقات کردند .

فانطلقا حتّی إذا أتیا أهل قریه

در این که چه شهری در مسیر موسی و خضر(ع) قرار داشته، احتمالات گوناگونی ارائه شده است. از جمله آن ها شهر <ناصره> است که در ساحل دریا قرار داشته است این وجه را مجمع البیان از امام صادق (ع) روایت کرده است.

۵- مردم شهری که موسی و خضر (ع) به آن وارد شدند ، مردمی دور از خوی مهمان دوستی و غریب نوازی ، دور بودند .

فأبوا أن یضیّفوهما

شیوع قصه افک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۱ - ۵

۵ - انتشار وسیع ماجرای < افک > ، در میان مسلمانان صدر اسلام

إنّ الذین جاءو بالإفک عصبه منکم لاتحسبوه شرًّا لکم بل هو خیر لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۴ - ۸

۸ - توطئه < افک > چنان تأثیر عمیقی داشت که مسلمانان را به خود مشغول کرده و تنها موضوع سخن هر مجلس و محفل گشته بود .

لمسّکم فی ما أفضتم فیه

مطلب یاد شده از

به کارگیری واژه <افاضه> که به معنای سخن گفتن بسیار درباره موضوعی و انتشار آن است استفاده می شود. گفتنی است که خطاب در <مسّکم> و <أفضتم> به عموم مسلمانان است و این نشان می دهد که شایعه <افک>، در میان همه مسلمانان مدینه پیچیده بود و آنان را به خود مشغول کرده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۵ - ۲،۳

۲ - ماجرای < افک > ، علی رغم این که مستقیماً هتک حریم پیامبر (ص) محسوب می شد ، مردم آن را ساده انگاشته و خوش باورانه به دامن زدن و گسترش آن پرداختند .

إذ تلقّونه بألسنتکم و تقولون بأفواهکم ما لیس به علم و تحسبونه هیّنًا

۳ - ماجرای < افک > ، شایعه فراگیر و زبانزد عموم مردم شده بود .

إذ تلقّونه بألسنتکم و تقولون بأفواهکم

صابران و قصه قوم سبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۹ - ۱۲

۱۲ - قصه مردم سبا و فروپاشی کامل آنان در پی کفران نعمت های الهی ، دربردارنده آیات خدا برای صبرپیشگان شکرگزار است .

إنّ فی ذلک لأیت لکلّ صبّار شکور

طراح قصه افک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۱ - ۱۷

۱۷ - طراح و گرداننده اصلی ماجرای < افک > یک تن بود .

والذی تولّی کبره منهم له عذاب عظیم

طبق نظر بیشتر مفسران، طراح و گرداننده اصلی ماجرای <افك>، فردی به نام عبداللّه بن ابی سلول بود (مجمع البیان).

طمع منازعان قصه داود(ع)

جلد

- نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۲۳ – ۳

۳ – طمع کردن برادر دارای ۹۹ میش به تنها میش برادر خود ، ادعانامه برادر شاکی به حضور داوود (ع)

و لی نعجه وحده فقال أکفلنیها

تعبیر <أکفلنیها> (کفالت آن را به من واگذار) کنایه از بخشش و هدیه کردن است; یعنی، این یک میش را به من هدیه کن.

ظلم پادشاه قصه خضر(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۷۹ – ۷،۸

۷– در زمان وقوع داستان موسی و خضر (ع) ، حکومتی ستم گر و غاصب وجود داشته است .

و کان وراءهم ملک یأخذ کلّ سفینه غصبًا

<وراء> به هر مکان مستور و پوشیده ای گر چه روبه رو باشد، اطلاق می گردد. (قاموس) بنابراین، سلطان غاصب، یا پشت سر مساکین و در تعقیب کشتی داران بوده است و یا در پیش روی آنان بوده آن ها در مسیر خود با او برخورد می کردند.

۸– مقارن با وقوع داستان موسی و خضر (ع) ، پادشاهی ، کلّیه کشتی های سالم را در آن منطقه ، مصادره می کرد .

و کان وراءهم ملک یأخذ کلّ سفینه غصبًا

مراد از <کلّ سفینه> به قرینه <أن أعیبها> <کلّ سفینه صالحه> بوده است.

عاقلان و قصه ایوب(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۴۳ – ۱۱

۱۱ – بازگشت و دو چندان شدن خانواده ایوب (ع) ، مایه تذکر و بیداری صاحبان خرد ناب

و وهبنا له أهله . .. رحمه منّا

و ذکری لأولی الألبب

<لُب> به معنای عقل خالص و خرد ناب است (مفردات راغب).

عبرت آموزی قصه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱۱ - ۴

۴ عبرت آموز بودن داستان ، از شرایط حسن آن داستان است .

نحن نقص علیک أحسن القصص . .. لقد کان فی قصصهم عبره

خداوند در مقدمه داستان یوسف(ع) بیان داشت که آن داستان نیکوترین داستان است و در پایان هدف از آن را عبرت و پند دانست. بنابراین حسن یک داستان از نظر قرآن به این است که مایه عبرت باشد.

عبرت از قصه آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۷ - ۴

۴ سرگذشت آدم و حوا و فریب خوردنشان از شیطان، درس عبرتی برای همه انسانها

لا یفتننکم الشیطن کما أخرج أبویکم من الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۰ - ۱

۱- سرگذشت سجده ملائکه در برابر آدم و تمرّد ابلیس ، عبرت آموز و شایان توجه است .

و إذ قلنا للملئکه اسجدوا لأدم

<إذ> ظرف برای فعل مقدر مانند <اُذکر> است; یعنی: <یاد کن زمانی را که . ..>. فرمان خداوند به پیامبر(ص) و یا آحاد مردم در مورد یاد کردن داستان سجده برای آدم، گویای سازنده بودن این یادآوری و عبرت آموزی آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۱۶ – ۱

۱ – داستان سجده فرشتگان بر آدم و امتناع ابلیس ، سرگذشتی درخور توجه و درس آموزی

و إذ قلنا للملئکه اسجدوا

<إذ> مفعول

فعل محذوف است و به قرینه آیات مشابه، آن فعل <اذکر> (فراگیر و به خاطر داشته باش) می باشد.

عبرت از قصه ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۱ - ۳

۳- زندگی ابراهیم (ع) و خصوصیات او ، سازنده و درس آموز است .

واذکر فی الکتب إبرهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۹ - ۲

۲ - سرگذشت ابراهیم ، ماجرایی مهم و شایان درس آموزی

و اتل علیهم نبأ إبرهیم

<نبأ> به ماجرایی گفته می شود که دارای فایده ای بزرگ باشد (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۳ - ۱

۱ - سرگذشت ابراهیم و قوم او ، نشانه الهی و درس عبرتی بزرگ برای همه انسان ها

و اتل علیهم نبأ إبرهیم . .. إنّ فی ذلک لأیه

به کارگیری اسم اشاره بعید (ذلک) و نکره آوردن <آیه>، بیانگر آن است که ماجرای میان ابراهیم(ع) و قومش، از رخدادهای بسیار مهم تاریخ و در بردارنده آموزه های گرانسنگی برای انسان ها است. گفتنی است که واژه <آیه> در این جا معادل <عبره> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۵ - ۲

۲ - سرگذشت ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (علیهم السلام) ، درس آموز و سازنده برای پیامبر (ص) و مؤمنان

و اذکر عبدنا إبرهیم و إسحق و یعقوب

توصیه خداوند به پیامبر(ص)، مبنی بر یادآوری سرگذشت حضرت ابراهیم(ع) و. .. می تواند به منظور درس آموزی

و سازندگی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۶ - ۲

۲ - داستان مبارزه حضرت ابراهیم (ع) با شرک و بت پرستی ، داستانی زنده و درس آموز برای همیشه تاریخ

و إذ قال إبرهیم

کلمه <إذ> در محل نصب و مفعول به برای فعل محذوف است; یعنی، <واذکر إذ قال. ..>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۴ - ۱

۱ - سرگذشت ابراهیم (ع) و میهمانان گرامی او ، شایان شنیدن و درس آموزی

هل أتیک حدیث ضیف إبرهیم المکرمین

عبرت از قصه ادریس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۶ - ۲

۲- زندگی ادریس (ع) و خصوصیات او ، سازنده و درس آموز است .

واذکر فی الکتب إدریس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۵ - ۲

۲- سرگذشت اسماعیل ، ادریس و ذوالکفل (ع) و صبر و شکیبایی آنان ، درس آموز و شایسته یاد و یادآوری است .

و إسمعیل . .. کلّ من الصبرین

برداشت یاد شده مبتنی براین است که نصب <اسماعیل> به وسیله عامل مقدری چون <أذکر> یا <أذکروا> باشد.

عبرت از قصه اسحاق(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۵ - ۲

۲ - سرگذشت ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (علیهم السلام) ، درس آموز و سازنده برای پیامبر (ص) و مؤمنان

و اذکر عبدنا إبرهیم و إسحق و یعقوب

توصیه خداوند به

پیامبر(ص)، مبنی بر یادآوری سرگذشت حضرت ابراهیم(ع) و. .. می تواند به منظور درس آموزی و سازندگی باشد.

عبرت از قصه اسماعیل(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۵ - ۲

۲- سرگذشت اسماعیل ، ادریس و ذوالکفل (ع) و صبر و شکیبایی آنان ، درس آموز و شایسته یاد و یادآوری است .

و إسمعیل . .. کلّ من الصبرین

برداشت یاد شده مبتنی براین است که نصب <اسماعیل> به وسیله عامل مقدری چون <أذکر> یا <أذکروا> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۸ - ۲

۲ - سرگذشت اسماعیل ، الیسع و ذاالکفل (علیهم السلام) ، درس آموز و سازنده برای پیامبراسلام (ص) و مؤمنان

و اذکر إسمعیل و الیسع و ذاالکفل

توصیه خدا به پیامبر(ص) مبنی بر یادآوری سرگذشت اسماعیل(ع) و. ..، می تواند به منظور درس آموزی و سازندگی باشد.

عبرت از قصه اصحاب فیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فیل - ۱۰۵ - ۱ - ۷

۷ - داستان اصحاب فیل و کیفر دیدن آنان ، حادثه ای عبرت آموز و شایسته تدبر

ألم تر کیف

عبرت از قصه الیاس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲۳ - ۲

۲ – سرگذشت الیاس پیامبر ، درس آموز و تسلی بخش برای پیامبراسلام و مؤمنان

و إنّ إلیاس لمن المرسلین

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که یادآوری سرگذشت الیاس(ع) و قوم او برای پیامبر(ص) و مؤمنان که در شرایط سخت مکه قرار

داشتند و با مخالفت های مشرکان روبه رو بودند در واقع به منظور درس آموزی و دلداری آنان بوده است.

عبرت از قصه الیسع(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۴۸ – ۲

۲ – سرگذشت اسماعیل ، الیسع و ذاالکفل (علیهم السلام) ، درس آموز و سازنده برای پیامبراسلام (ص) و مؤمنان

و اذکر إسمعیل و الیسع و ذاالکفل

توصیه خدا به پیامبر(ص) مبنی بر یادآوری سرگذشت اسماعیل(ع) و. ..، می تواند به منظور درس آموزی و سازندگی باشد.

عبرت از قصه انبیا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۱۱۱ – ۱،۲

۱ داستان پیامبران و امت های ایشان حاوی پند و مایه عبرت است .

لقد کان فی قصصهم عبره

<قصص> به معنای داستان است. ضمیر در <قصصهم> به <رسل> و نیز امتهای ایشان که از <من نشاء> و <القوم المجرمین> در آیه قبل استفاده می شود برمی گردد.

۲ تنها خردمندان از سرگذشت های پندآموز پیامبران بهره می گیرند و عبرت می آموزند .

لقد کان فی قصصهم عبره لأولی الألبب

روشن است که داستان پیامبران برای همگان می تواند عبرت باشد. بنابراین اختصاص دادن آن به خردمندان ، برای رساندن این حقیقت است که ایشان از داستان پیامبران درس می گیرند و دیگران محرومند.

عبرت از قصه اهل انطاکیه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۱۳ – ۴

۴ – داستان مردم < انطاکیه > ، داستانی مثال زدنی ، درس آموز و عبرت انگیز

و اضرب لهم مثلاً أصحب القریه

عبرت از قصه اهل ایله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۳ - ۵

۵ توجه دادن یهودیان به فرجام شوم مخالفت با فرمان های الهی ، هدف از پرسش پیامبر (ص) از یهودیان درباره مردم ایله

و سئلهم عن القریه التی کانت حاضره البحر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۴ - ۱۱

۱۱ داستان مناظره دو گروه پرهیزکننده از صید ماهی در میان یهودیان (موعظه گران و تارکان نهی از منکر) داستانی آموزنده و شایان به یاد داشتن . *

إذ قالت أمه منهم لم تعظون . .. قالوا معذره إلی ربکم

برداشت فوق مبتنی بر این است که <إذ قالت . .. > متعلق به فعل محذوف <اذکر> باشد.

عبرت از قصه ایوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۳ - ۱

۱- سرگذشت ایوب (ع) و نیایش او با خدا ، درس آموز و سزاوار یاد ویادآوری است .

و أیّوب إذ نادی ربّه

برداشت یاد شده مبتنی براین است که نصب <أیّوب> به وسیله عامل مقدری، چون <أذکر> یا <أذکروا> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۱ - ۲

۲ - سرگذشت ایوب (ع) درس آموز و سازنده برای پیامبر (ص) و مؤمنان

و اذکر عبدنا أیّوب

توصیه خداوند به پیامبر(ص)، مبنی بر یاد کردن سرگذشت ایوب(ع) می تواند به منظور درس آموزی و سازندگی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ -

ص - ۳۸ - ۴۳ - ۱۱

۱۱ - بازگشت و دو چندان شدن خانواده ایوب (ع) ، مایه تذکر و بیداری صاحبان خرد ناب

و وهبنا له أهله . .. رحمه منّا و ذکری لأُولی الألبب

<لُب> به معنای عقل خالص و خرد ناب است (مفردات راغب).

عبرت از قصه حبیب نجار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲۰ - ۱۵

۱۵ - داستان مؤمن انطاکیه (حبیب نجار) ، داستانی مثل زدنی و درس آموز

واضرب لهم مثلًا أصحب القریه . .. و جاء من أقصا المدینه رجل

برداشت یاد شده از آن جا است که آیات مربوط به حبیب نجار، به دنبال آیات مربوط به داستان مردم انطاکیه آمده و جزء آن می باشد.

عبرت از قصه حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۷ - ۴

۴ سرگذشت آدم و حوا و فریب خوردنشان از شیطان، درس عبرتی برای همه انسانها

لا یفتننکم الشیطن کما أخرج أبویکم من الجنه

عبرت از قصه داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۱ - ۲

۲ - ماجرای گروه شکایت کننده و متخاصم در نزد داوود (ع) ، درس آموز برای پیامبراسلام (ص)

و هل أتیک نبؤا الخصم

از تشویق شدن پیامبر(ص) به مطالعه در این ماجرا، برداشت یاد شده استفاده می شود.

عبرت از قصه ذوالکفل(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۵ - ۲

۲- سرگذشت اسماعیل ، ادریس و ذوالکفل (ع)

و صبر و شکیبایی آنان ، درس آموز و شایسته یاد و یادآوری است .

و إسمعیل . .. کلّ من الصبرین

برداشت یاد شده مبتنی براین است که نصب <اسماعیل> به وسیله عامل مقدری چون <أذکر> یا <أذکروا> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۸ - ۲

۲ - سرگذشت اسماعیل ، الیسع و ذاالکفل (علیهم السلام) ، درس آموز و سازنده برای پیامبراسلام (ص) و مؤمنان

و اذکر إسمعیل و الیسع و ذاالکفل

توصیه خدا به پیامبر(ص) مبنی بر یادآوری سرگذشت اسماعیل(ع) و. ..، می تواند به منظور درس آموزی و سازندگی باشد.

عبرت از قصه زکریا(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۹ - ۱

۱- داستان زکریا و فرزند خواهی او ، درس آموز و شایسته یاد و یادآوری است .

و زکریّا إذ نادی

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که نصب <زکریّا> به عامل مقدری چون <أذکر> یا <أذکروا> باشد.

عبرت از قصه سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۱ - ۳

۳ - ماجرای سان دیدن سلیمان (ع) از اسب های خود ، ماجرایی آموزنده و مهم

إذ عرض علیه بالعشیّ الصفنت الجیاد

از توصیه خداوند به پیامبر(ص) مبنی بر یادآوری داستان سان دیدن سلیمان(ع) از اسبان خود، برداشت یاد شده به دست می

آید.

عبرت از قصه شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۰ - ۱

۱ - سرگذشت شعیب (ع) و مردم ایکه ،

شایان اندیشه و دربردارنده درس عبرتی بزرگ برای دیگران

إنّ فی ذلک لأیه

کلمه <ذلک> به ماجرای میان شعیب(ع) و مردم ایکه اشاره دارد. <آیه> در این جا معادل <عبره> و نکره آمدن آن برای تفخیم است. بنابراین <إنّ فی ذلک لأیه>; یعنی، به راستی در این ماجرا، درس عبرتی بزرگ وجود دارد.

عبرت از قصه عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۷ - ۶

۶ - یادکرد داستان عیسی (ع) در قرآن ، اقدامی هدایتگرانه و مثلی درس آموز

و لمّا ضرب ابن مریم مثلاً

با توجه به کاربرد واژه <مَثَل> که داستان عیسی(ع) را به عنوان نمونه و سمبل ذکر کرده است برداشت بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۶ - ۳

۳ - داستان رسالت عیسی (ع) و بر خورد بنی اسرائیل با آن حضرت ، دربردارنده درس های سازنده و عبرت آموز

و إذ قال عیسی ابن مریم . .. فلمّا جاءهم بالبیّنت قالوا هذا سحر مبین

عبرت از قصه فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳ - ۷

۷ - داستان موسی و فرعون ، دربردارنده درس عبرت برای انسان های مؤمن و حق پذیر

نتلوا علیک من نبإِ موسی و فرعون بالحقّ لقوم یؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۲۴ – ۱۱

۱۱ – داستان فرعون ، هامان و قارون ، عبرت آموز و نمونه ای از سرگذشت انسان های بدفرجام و نابودشده

أَوَلم

یسیروا فی الأرض فینظروا کیف کان عقبه الذین کانوا من قبلهم . .. فأخذهم ال

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نازعات – ۷۹ – ۲۶ – ۵

۵ – شکست نهایی فرعون در مبارزه با موسی (ع) ، درس عبرتی برای مخالفان پیامبر (ص) و منکران معاد

إنّ فی ذلک لعبره لمن یخشی

نقل داستان موسی(ع) و فرعون پس از بیان شبهات منکران معاد و نیز خطاب به پیامبر(ص) با جمله <هل أتاک. ..> بیانگر این است که مراد از توصیف داستان مزبور به عبرت، تهدید منکران معاد و مخالفان پیامبر(ص) است که چه بسا آنان نیز در نهایت، همچون فرعون به عذاب الهی گرفتار شوند.

عبرت از قصه فرعونیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۶۷ – ۱

۱ – سرگذشت موسی و فرعونیان ، آیتی بزرگ ، شایان تفکر و عبرت آموز

إنّ فی ذلک لأیه

<ذلک> اشاره به ماجرای میان موسی(ع) و فرعون دارد. <آیه> نیز در این جا معادل <عبره> و نکره آمدن آن برای تفخیم است. بنابراین جمله <إنّ فی ذلک لأیه>; یعنی، به راستی در این ماجرا عبرتی بزرگ وجود دارد.

عبرت از قصه قارون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۲۴ – ۱۱

۱۱ – داستان فرعون ، هامان و قارون ، عبرت آموز و نمونه ای از سرگذشت انسان های بدفرجام و نابودشده

أَوَلم یسیروا فی الأرض فینظروا کیف کان عقبه الذین کانوا من قبلهم . .. فأخذهم ال

عبرت از قصه قوم ثمود

سوره – آیه – فیش

۱۹ – حاقه – ۶۹ – ۸ – ۳

۳ – ترغیب خداوند ، به مطالعه سرگذشت تکذیب گرانی همچون قوم عاد و ثمود و درس آموزی از آن

فهل تری لهم من باقیه

مطلب یاد شده، از تعبیر <فهل تری> استفاده می شود.

عبرت از قصه قوم عاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – حاقه – ۶۹ – ۸ – ۳

۳ – ترغیب خداوند ، به مطالعه سرگذشت تکذیب گرانی همچون قوم عاد و ثمود و درس آموزی از آن

فهل تری لهم من باقیه

مطلب یاد شده، از تعبیر <فهل تری> استفاده می شود.

عبرت از قصه قوم نوح

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – حاقه – ۶۹ – ۱۲ – ۱

۱ – غرق شدن قوم نوح و نجات مؤمنان ، ماجرایی درس آموز و پنددهنده

لنجعلها لکم تذکره

عبرت از قصه لوط(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۷۴ – ۱

۱ – نجات لوط (ع) و خاندانش به جز همسر وی و هلاکت قوم زشت کردارش ، آیتی بزرگ و عبرت آموز برای دیگران

إنّ فی ذلک لأیه

<ذلک> به جریان نجات لوط(ع) و کسان وی و نیز هلاکت قوم فساد پیشه اش اشاره دارد. <آیه> در این جا معادل <عبره> است و نکره آمدن آن برای بیان عظمت واقعه و درسی می باشد که در آن نهفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۸ - ۳

۳ - سرگذشت لوط (ع) ، در مبارزه بر

ضد فحشا ، پندآموز و شایسته یاد و یادآوری است .

و لوطًا إذ قال

<لوطاً> احتمال دارد که عطف به آیه چهارده باشد و احتمال دارد که مفعول فعل مقدّر <اذکر> باشد. بنابر احتمال دوم، نکته بالا قابل استفاده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۳۳ – ۲

۲ – سرگذشت لوط پیامبر ، درس آموز و تسلی بخش پیامبراسلام و مؤمنان

و إنّ لوطًا لمن المرسلین

یادآوری سرگذشت لوط(ع) برای پیامبراسلام و مؤمنان در شرایط دشوار مکه، بیانگر مطلب یادشده است.

عبرت از قصه مریم(س)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۹۱ – ۱

۱– داستان حضرت مریم و پاک دامنی و فرزنددار شدن او ، درس آموز و شایسته یاد و یادآوری است .

و التی أحصنت فرجها فنفخنا فیها

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <التی> منصوب به عامل مقدری چون <أذکر> یا <أذکروا> باشد.

عبرت از قصه موسی(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۵۱ – ۲

۲– تاریخ زندگی موسی (ع) و خصوصیات او ، درس آموز و سازنده است .

واذکر فی الکتب موسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹ - ۲

۲ - تاریخ زندگی موسی (ع) و حوادث آن ، درس آموز و شایان توجه و تأمل برای رهبران و مبلغان دین است .

و هل اتیک حدیث موسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰ - ۱

۱ - سرگذشت

مبارزه موسی (ع) با فرعونیان ، شایان توجه و درس آموزی

و إذ نادی ربّک موسی

واژه <إذ> در محل نصب و مفعول برای فعل محذوف است; یعنی، <واذکر إذ نادی. ..> فرمان الهی مبنی بر به خاطر آوردن سرگذشت موسی بیانگر حقیقت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۷ - ۱

۱ - سرگذشت موسی و فرعونیان ، آیتی بزرگ ، شایان تفکر و عبرت آموز

إنّ فی ذلک لأیه

<ذلک> اشاره به ماجرای میان موسی(ع) و فرعون دارد. <آیه> نیز در این جا معادل <عبره> و نکره آمدن آن برای تفخیم است. بنابراین جمله <إنّ فی ذلک لأیه>; یعنی، به راستی در این ماجرا عبرتی بزرگ وجود دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳ - ۷

۷ - داستان موسی و فرعون ، دربردارنده درس عبرت برای انسان های مؤمن و حق پذیر

نتلوا علیک من نبإِ موسی و فرعون بالحقّ لقوم یؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۸ - ۱

۱ - سرگذشت موسی (ع) و رسالت او در هدایت فرعون ، آیتی الهی و درس آموز

و فی موسی إذ أرسلنه إلی فرعون

عبارت <و فی موسی> عطف بر جمله <ترکنا فیها آیه> است; یعنی، <و فی قصه موسی آیه>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۵ - ۱

۱ – داستان گفتوگوی موسی (ع) با قوم خویش و آزار های آنان نسبت به آن حضرت ، دربردارنده درس

های سازنده و عبرت آموز

و إذ قال موسی لقومه یقوم لم تؤذوننی

فرمان الهی به یاد کرد گفتوگوی موسی(ع) با قومش و. ..، نشانه مشتمل بودن آن بر درس های سازنده برای امت اسلام است. ضمناً باید توجه داشت که کلمه <إذ> در <إذ قال>، مفعول برای فعل محذوف (اُذکر) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱۵ - ۱،۲

۱ - سرگذشت موسی (ع) ، قابل دقت و مایه عبرت حتی برای پیامبر (ص)

هل أتیک حدیث موسی

<حدیث>; یعنی، خبر. (لسان العرب)

۲ - خداوند ، برانگیزاننده همگان به آگاهی از داستان موسی (ع) و عبرت گیری از آن

هل أتیک حدیث موسی

استفهام در <هل أتاک. ..> برای ترغیب به شنیدن پاسخ است. نقل داستان موسی(ع) در قرآن، نشانه آن است که گرچه ضمیر <هل أتاک> در خطاب به پیامبر(ص) به کار رفته است; ولی مراد گزارش سرگذشت موسی(ع) به تمام مردم است.

عبرت از قصه نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۶ - ۲

۲- داستان حضرت نوح ، داستانی درس آموز و شایسته یاد و یادآوری است .

و نوحًا إذ نادی

برداشت یاد شده مبتنی براین است که <نوحاً> مفعول برای فعل مقدر (هم چون <اذکر> یا <اذکروا>) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۱ - ۱

۱ - نجات نوح (ع) و پیروانش و هلاکت کفرپیشگان قوم وی ، آیتی بزرگ و عبرت آموز برای دیگران

إنّ فی ذلک لأیه و ما کان أکثرهم مؤمنین

<ذلك> به

جریان نجات نوح(ع) و پیروان وی و نیز هلاکت قوم کفرپیشه وی اشاره دارد. <آیه> در این جا مرادف <عبره> می باشد و نکره آمدن آن بیانگر عظمت آن است.

عبرت از قصه هامان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۴ - ۱۱

۱۱ - داستان فرعون ، هامان و قارون ، عبرت آموز و نمونه ای از سرگذشت انسان های بدفرجام و نابودشده

أَوَلم یسیروا فی الأرض فینظروا کیف کان عقبه الذین کانوا من قبلهم . .. فأخذهم ال

عبرت از قصه هود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۹ - ۵

۵ - سرگذشت هود (ع) و قوم عاد ، آیتی بزرگ و عبرت آموز برای دیگران

فکذّبوه فأهلکنهم إنّ فی ذلک لأیه

واژه <ذلک> اشاره دارد به: نصیحت های هود(ع) و هشدارهای وی به عادیان، تأثیر ناپذیری آنان، تکذیب رسالت او و سرانجام هلاکت آنان به اراده خداوند. گفتنی است که کلمه <آیه> در اصل، به معنای نشانه است و در این جا معنایی معادل <عبره> دارد و نکره آمدن آن برای تفخیم و بیانگر وجود مایه های بزرگ عبرت در داستان هود و عادیان است.

عبرت از قصه یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۵ - ۲

۲ - سرگذشت ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (علیهم السلام) ، درس آموز و سازنده برای پیامبر (ص) و مؤمنان

و اذکر عبدنا إبرهیم و إسحق و یعقوب

توصیه خداوند به پیامبر(ص)، مبنی بر یادآوری سرگذشت حضرت ابراهیم(ع) و. .. می

تواند به منظور درس آموزی و سازندگی باشد.

عبرت از قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱۱ - ۳

۳ سرگذشت یوسف (ع) و برادرانش سرگذشتی آموزنده و مایه عبرت است .

لقد کان فی قصصهم عبره

می توان گفت ضمیر در <قصصهم> به یوسف(ع) و برادران او و تمام کسانی که در داستان یوسف(ع) نظیر زلیخا نقش داشته اند باز می گردد. بر این اساس دلالت جمله <لقد کان...> بر برداشت فوق صریح تر و روشن تر است.

عبرت از قصه یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۷ - ۱

۱- ماجرای ذاالنون (یونس (ع)) ، درس آموز و شایسته یاد و یادآوری است .

و ذاالنون إذ ذهب

برداشت یاد شده مبتنی براین است که نصب <ذا النون> به وسیله عامل مقدری چون <أذکر> یا <أذکروا> باشد. گفتنی است که <النون> به معنای ماهی است و <ذاالنون> لقب برای یونس(ع) است; به این مناسبت که او مدتی در شکم ماهی قرار داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۳۹ - ۲

۲ - سرگذشت یونس پیامبر ، درس آموز و تسلی بخش پیامبراسلام و ایمان آورندگان به آن حضرت

و إنّ یونس لمن المرسلین

برداشت بالا به خاطر این نکته است که یادآوری سرگذشت یونس(ع) و قومش، برای پیامبر و مؤمنان که در شرایط سخت

مکه قرار داشتند و با مخالفت های مشرکان روبه رو بودند در واقع به منظور درس آموزی و دلداری به آنان است.

عدالت قاضی قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۷ - ۳

۳ داور ماجرای یوسف (ع) و زلیخا ، شخصی فرزانه ، کاردان و عادل بود .

و شهد شاهد . .. و هو من الصدقین

پی بردن به حقیقت ماجرا با نحوه پارگی پیراهن ، دلالت بر هوشیاری و کاردانی داور دارد ، و از آن جایی که حق را ، علی رغم خویشی با زلیخا کتمان نکرد ، عدالت و حق پویی او به خوبی روشن می شود.

عذاب توطئه گران قصه افک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۳ - ۸

۸ - دستور قطع ارتباط با توطئه گران < افک > و تهدید آنان به عذاب بزرگ از سوی خداوند

إنّ الذین یرمون المحصنت . .. لهم عذاب عظیم

برداشت فوق، بر این اساس است که آیه یاد شده، از جمله آیات مربوط به ماجرای <افک> باشد.

عذاب طراح قصه افک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۱ - ۱۶

۱۶ - خداوند ، طراح و گرداننده اصلی ماجرای < افک > را به عذاب بزرگ تهدید کرد .

والذی تولّی کبره منهم له عذاب عظیم

<کبر> به معنای معظم شیء و قسمت عمده هر چیزی است و مرجع ضمیر <کبره>، <افک> است. بر این اساس معنای آیه چنین می شود: <کسی که متولی و عهده دار قسمت عمده ماجرای افک می باشد...> و مقصود از آن، عامل اصلی و طراح این ماجرا است.

عزیز مصر و قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۶ - ۷

۷ عزیز مصر در ماجرای یوسف (ع) و زلیخا ، پیشداوری نکرد و از تصمیم گیری عجولانه خودداری نمود .

قالت . .. قال هی رودتنی عن نفسی و شهد شاهد من أهلها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۸ - ۱،۷،۸،۱۳

۱ عزیز مصر برای کشف حقیقت ماجرای یوسف و زلیخا ، شخصاً به بررسی و مشاهده پیراهن و نحوه پارگی آن پرداخت .

فلما رءا قمیصه قُدّ من دُبر

ظاهر این است که ضمیر در <رأی> به عزیزمصر برگردد.

۷ عزیز مصر ، به دام انداختن یوسف (ع) را برای کام جویی ، از مکر های زنانه زلیخا شمرد .

إنه من کیدکنّ

محتمل است ضمیر در <إنه> به حقیقتی که از جمله <غلّقت الأبواب . ..> استفاده می شود ، ارجاع داده شود. برداشت فوق ، بر اساس این احتمال است.

۸ عزیز مصر ، پیشدستی زلیخا در متهم ساختن یوسف (ع) و تعیین کیفر برای او را ، از مکر های زلیخا شمرد .

قالت ما جزاء من أراد بأهلك سوءًا . .. إنه من کیدکنّ

برداشت فوق، ناظر به این احتمال است که ضمیر در <إنه . ..> به معنایی که از <قالت ما جزاء ...> در آیه ۲۵ استفاده می شود ، برگردد و آن معنا ، پیشدستی کردن زلیخا برای محقّ جلوه دادن خویش و گنه کار نشان دادن طرف مقابل است.

۱۳ عدالت و انصاف عزیز مصر ، در قضاوت و ابلاغ نظر خویش در ماجرای یوسف (ع) و

زلیخا

فلما رءا قمیصه . .. قال إنه من کیدکنّ إن کیدکنّ عظیم

علم خدا در قصه یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۷ – ۶

۶ تنها جویندگان حقیقت و پژوهشگران وادی معرفت ، به نشانه های ربوبیت خدا و علم و حکمت او در داستان یوسف پی خواهند برد .

لقد کان فی یوسف و إخوته ءایت للسائلین

بدیهی است که داستان یوسف(ع) و برادرانش، حاوی آیات و نشانه هاست ، چه پرسشگری باشد یا نباشد. بنابراین حرف لام در <للسائلین> لام انتفاع است و <للسائلین> گویای این است که پرسشگران و محققان ، از آن داستان سود می برند.

غارتگری پادشاه قصه خضر(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۷۹ – ۱

۱– هدف خضر (ع) از اقدام به معیوب ساختن کشتی ، نجات دادن آن از غارت و مصادره سلطان غاصب بود .

أمّا السفینه . .. فأردت أن أعیبها ... یأخذ کلّ سفینه غصبًا

غفلت از تعالیم قصه اصحاب کهف

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۲۲ – ۱۲

۱۲– برخی مردم ، از پیام اصلی ماجرای اصحاب کهف ، غفلت کرده و به ابعاد فرعی و کم فائده آن می پردازند .

سیقولون ثلثه . .. قل ربّی أعلم بعدتهم

فرار ماهی قصه موسی(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۶۱ – ۵،۶

۵- ماهیِ بی جانِ همراه موسی (ع) ، در مجمع البحرین زنده شده و در مسیری تونل مانند

، در آب دریا فرو رفت .

نسیا حوتهما فاتّخذ سبیله فی البحر سربًا

فاعل <اتخذ> ضمیری است که به <حوت> بازمی گردد. استناد فعل به ماهی ظهور در آن دارد که ماهی بی جان، جان دار شده است. <سرب> به معنای نفق و سوراخ (تونل) است و در آیه حال برای <سبیل> است; یعنی، راهی تونل مانند را در دریا در پیش گرفت.

۶- < عن أبی عبداللّه (ع) قال : . . . أرسل (أی موسی) إلی یوشع إنّی قد ابتلیت فاصنع لنا زاداً وانطلق بنا ، و اشتری حوتاً . . .ثمّ شواه ثمّ حمله فی مکتل . . . فقطرت قطره من السماء فی المکتل فاضطرب الحوت ثمّ جعل یَثِبُ من المکتل إلی البحر قال : و هو قوله : < واتّخذ سبیله فی البحر سرباً > ;

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: .. موسی به یوشع پیام فرستاد: <من، در معرض آزمایش قرار گرفتم. برای ما توشه راه فراهم ساز و به همراه ما بیا!>. یوشع، یک ماهی خرید ... و آن را بریان کرد و در زنبیل نهاد... سپس قطره آبی از آسمان در زنبیل چکید و ماهی به جنب وجوش آمد و از زنبیل به دریا پرید و این سخن خدا است که فرمود: واتّخذ سبیله فی البحر سرباً>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۳ - ۲،۳،۱۰،۱۱

۲- ماهیِ همراه موسی و یوشع ، در مجمع البحرین ، در آب دریا فرو غلتید و از دسترس آنان دور شد .

واتخذ سبیله فی البحر عجبًا

۳- حرکت ماهی بی

جان به سمت دریا و فرو رفتن در آن ، از چشم موسی (ع) پنهان مانده ، ولی خدمت کارِ وی آن را دیده بود .

أرءیت إذ أوینا إلی الصخره فإنّی نسیت الحوت . .. أن أذکره

<أن أذکره>، بدل برای ضمیر مفعولی در <ما أنسانیه> است و مفاد جمله این است که شیطان، ذکر ماجرای ماهی را برای تو، از یاد من برد. این گفته نشان می دهد که یوشع، ماجرای ماهی را می دانست، ولی موسی(ع) از آن خبر نداشت.

۱۰- فرو غلتیدن ماهی و حرکت آن در آب در نظر همسفر موسی به گونه ای غیرعادی و عجیب بوده است .

واتخذ سبیله فی البحر عجبًا

۱۱- < عن أبی جعفر (ع) و أبی عبداللّه (ع) قال : إنّه لما کان من أمر موسی الذی کان أعطی مکتل فیه حوت مملّح قیل له : هذا یدلّک علی صاحبک عند عین مجمع البحرین . . . فانطلق الفتی یغسل الحوت فی العین فاضطرب الحوت فی یده حتّی خدشه فانفلت و نسیه الفتی ;

از امام باقر و امام صادق (علیهماالسلام) روایت شده: آن گاه که از کار موسی(ع) گذشت آنچه در زندگی او پیش آمد، زنبیلی به او داده شد که در آن یک ماهی نمک زده بود. به وی گفته شد: <این ماهی، تو را به صاحب ات، نزد چشمه ای در محل تلاقی دو دریا، راهنمایی می کند ... پس آن جوانی که همراه موسی(ع) بود، رفت که ماهی را در آن چشمه بشوید، ماهی در دست او به حرکت درآمد تا این که به او خراش وارد

کرد و از چنگ او درآمد (و رفت) و جوان آن را فراموش کرد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۴ - ۱

۱- مسأله ماهی و حرکت غیرعادی آن در آب ، نشانه ای برای جایگاه ملاقات موسی و خضر (ع) بود .

قال ذلک ما کنّا نبغ

<بغی> به معنای <طلب> است و <ذلک ما کنّا نبغ> یعنی: <آنچه پیوسته در طلب او بودیم، همان علامت و نشانه است.>. یاء <نبغی> در پایان سخن موسی(ع) به منظور تخفیف کلام، حذف شده است.

فرجام قصه افک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۱ - ۸

۸ - توطئه < افک > ، در نهایت با افشا شدن نیت و انگیزه بدخواهان و برملا شدن چهره کریه آنان ، به نفع مسلمانان به پایان رسید .

إنّ الذین جاءو بالإفک . .. لاتحسبوه شرًّا لکم بل هو خیر لکم

فضایل قاضی قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۷ - ۳

۳ داور ماجرای یوسف (ع) و زلیخا ، شخصی فرزانه ، کاردان و عادل بود .

و شهد شاهد . .. و هو من الصدقین

پی بردن به حقیقت ماجرا با نحوه پارگی پیراهن ، دلالت بر هوشیاری و کاردانی داور دارد ، و از آن جایی که حق را ، علی رغم خویشی با زلیخا کتمان نکرد ، عدالت و حق پویی او به خوبی روشن می شود.

فقر مالکان کشتی قصه خضر(ع)

آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۷۹ – ۲

۲- کشتی سوراخ شده به دست خضر (ع) ، در مالکیت گروهی از محرومان بود و تنها وسیله ارتزاق آنان به شمار می آمد .

فکانت لمسکین یعملون فی البحر

فلسفه بازسازی دیوار قصه خضر(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۸۲ – ۱،۴،۶

۱- خضر (ع) علّت اقدام به بازسازی دیوار فرسوده را برای موسی (ع) تشریح کرد .

و أمّا الجدار . .. ما فعلته عن أمری

۴- هدف خضر (ع) از ترمیم دیوار فرسوده ، محفوظ داشتن گنج نهاده شده در زیر آن برای دو یتیم ساکن در شهر بود .

و أمّا الجدار فکان لغلمین یتیمین فی المدینه و کان تحته کنز لهما

۶- صالح بودن پدر ، عامل حمایت خضر (ع) از منافع فرزندان یتیم او بود .

و أمّا الجدار فکان لغلمین یتیمین . .. و کان أبوهما صلحًا

جمله <و کان أبوهما صالحاً> نشانِ علّت تعمیر دیوار است.

فلسفه بیان قصه یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۱۰۳ – ۴

۴ خداوند با بیان مکر برادران یوسف علیه وی ، تسلّی دهنده پیامبر (ص) بر مخالفت مردمان با وی

إذ أجمعوا أمرهم و هم یمکرون. و ما أکثر الناس و لو حرصت بمؤمنین

برداشت فوق، مقتضای ارتباط میان <ما أکثر الناس . ..> با خصوص مکر برادران یوسف علیه وی (و هم یمکرون) است و به

این نکته اشاره دارد که: ای پیامبر! آنان که فرزندان یعقوب پیامبر بودند با

پدر و برادرشان آن گونه رفتار کردند، پس مبادا از ایمان نیاوردن مردم اندوهگین باشی و خود را مقصر پنداری چرا که عموم مردم حق ناپذیرند.

فلسفه ذکر قصه عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۷ - ۶

۶ - یادکرد داستان عیسی (ع) در قرآن ، اقدامی هدایتگرانه و مثلی درس آموز

و لمّا ضرب ابن مریم مثلاً

با توجه به کاربرد واژه <مَثَل> که داستان عیسی(ع) را به عنوان نمونه و سمبل ذکر کرده است برداشت بالا به دست می آید.

فلسفه ذکر قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷ - ۴

۴ پیدایش سؤالهایی درباره علم و حکمت خداوند و امتیازات یوسف (ع) ، باعث طرح داستان یوسف (ع) در قرآن

إن ربک علیم حکیم. لقد کان فی یوسف و إخوته ءایت للسائلین

فلسفه سوراخ کشتی قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۹ - ۱،۱۳

۱- هدف خضر (ع) از اقدام به معیوب ساختن کشتی ، نجات دادن آن از غارت و مصادره سلطان غاصب بود .

أمّا السفینه . .. فأردت أن أعیبها ... یأخذ کلّ سفینه غصبًا

۱۳- عملکرد خضر (ع) در مورد کشتی ، مصداقی از تقدیم اهم ، به هنگام مزاحمت آن با امری مهم است .

و أمّا السفینه فکانت لمسکین . .. یأخذ کلّ سفینه غصبًا

فلسفه قتل نوجوان قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸

۱۱- < عن أبی عبدالّله : . . . بینما العالم یمشی مع موسی إذا هم بغلام یلعب قال : < فوکزه العالم ، فقتله . فقال له موسی : < أقتلت نفساً زکیه بغیر نفس لقد جئت شیئاً نکراً ؟ > . قال : < فأدخل العالم یده فاقتلع کتفه فإذا علیه مکتوب : کافر مطبوع ;

از امام صادق(ع) روایت شده: . .. آن گاه که عالم (خضر) با موسی(ع) می رفت، ناگاه، به پسری برخوردند که بازی می کرد. امام فرمود: <پس آن عالم، مشتی بر وی زد و او را کشت. موسی(ع) به او گفت: <أقتلت نفساً زکیه بغیر نفس...؟>. امام فرمود: <پس آن عالم، دست برد و کتف پسر را بیرون آورد که بر آن نوشته شده بود <کافر مطبوع>.(کافری که مهر کفر بر او زده شده است)>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۰ - ۱

۱- هدف خضر (ع) از قتل نوجوان ، مصون داشتن پدر و مادر وی از کفر و طغیان بود .

و أمّا الغلم . .. فخشینا أن یرهقهما طغینًا و کفرًا

<إرهاق> یعنی: <وادار ساختن کسی بر کاری که انجام آن برای او دشوار و طاقت فرسا است>. (قاموس).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۱ - ۱

۱- هدف خضر (ع) از قتل نوجوان ، فراهم ساختن زمینه ای مناسب برای دستیابی پدر و مادر وی به فرزندی پاک تر و مهربان تر بود .

فأردنا أن یبدلهما ربّهما خیرًا منه زکوه و أقرب رحمًا

مراد

از <زکاه> در آیه، طهارت و پاکی از گناه است و <رُحم> و <رحمت> به یک معنا است. گرچه خضر(ع) در این سخن، پـاکی و مهربـانی را برای نوجوان مقتول انکـار نکرده است، ولی ممکن است به تنـاسب گفته موسـی(ع) که نوجوان مقتول را <نفس زکیه> خوانـد، سـخن خود را در قـالب اسم تفضـیل آورده است، لکن در حقیقت، نوجوان مقتول، یـا فاقـد رحمت و پاکی بوده و یا آینده او به گناه و بی رحمی می انجامید.

فلسفه قصه اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹ - ۶

۶- تسلّی دادن به پیامبر (ص) و تسکین اندوه آن حضرت ، از اهداف بیان سر گذشت اصحاب کهف

أم حسبت أنّ أصحب الکهف و الرقیم کانوا من ءایتنا عجبًا

<حسبت> خطـاب به پیـامبر(ص) است. سـیاق آیـات، اقتضا می کنـد که این آیه با آیات پیشـین، به خصوص <لعلّك باخع نفسک> مرتبط باشـد. از وجوه محتمل این است که یادآوری داسـتان اصـحاب کهف و بیان ویژگی های آنان، ممکن اسـت دارای این پیـام باشـد که مؤمنان حقیقی، گرچه انـدك انـد، ولی ارزشـمند بوده و حضور آنان در برابر اکثریت کفرپیشه، مایه تسلّی خاطر است.

فلسفه قصه نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۹ - ۹

۹ از هدف های بیان سر گذشت نوح (ع) در قرآن ، ترغیب پیامبر (ص) و اهل ایمان به صبر و مقاومت است .

تلک من أنباء الغیب نوحیها إلیك . .. فاصبر إن العقبه للمتقین

خداوند، با تفریع جمله <إصبر. ..> به وسیله

حرف <فاء> بر نقل داستان نوح(ع) ، به این نکته اشاره می کند که: مقصود از شرح ماجرای حضرت نوح (ع) ، قصه سرایی نیست; بلکه هدف از آن ، هدایت و تربیت مخاطبان قرآن می باشد.

فلسفه قصه های قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۴ - ۱۹

۱۹ ذکر داستانهای انبیای پیشین در قرآن برای تسلی پیامبر(ص) و همچنین تأسی وی به آنان است.

و لقد کذبت . .. و لقد جاءک من نبإی المرسلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۶ - ۱۹

۱۹ واداشتن آدمی به تفکر در فرجام و سرنوشت خویش ، از اهداف داستان های قرآن است .

فاقصص القصص لعلهم یتفکرون

فواید قصه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۴ - ۲

۲ - لزوم استفاده از شیوه های مختلف تمثیلی و داستانی ، برای تفهیم حقایق به مردمان

إنّه لحقّ مثل ما أنّکم تنطقون . هل أتیک حدیث ضیف إبرهیم

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که خداوند در آیه قبل، از تمثیل و در این آیه از بیان سرگذشت میهمانان گرامی ابراهیم(ع) در جهت حقانیت وعده های خویش بهره جسته است.

فواید قصه ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۱ - ۲

۲- ماجرای مهمانان حضرت ابراهیم (فرشتگان) و اطلاع از آن ، امری مهم و بسیار سودمند

و نبّئهم عن ضیف إبرهیم

<نبأ> به خبر مهم و بسیار سودمند گفته می شود (مفردات راغب).

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۹ - ۴

۴ - سرگذشت داوود ، سلیمان ، ایوب ، ابراهیم ، اسحاق ، یعقوب ، اسماعیل ، الیسع و ذاالکفل (علیهم السلام) ، مایه یاد و یادآوری انسان ها

و اذکر داود . .. سلیمن ... أیّوب ... إبرهیم و إسحق و یعقوب... إسمعیل و الیسع

برداشت یاد شده از آن جا است که <هذا> می تواند اشاره به مجموعه آیاتی باشد که درباره سرگذشت پیامبران یاد شده، سخن گفته است.

فواید قصه اسحاق(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۹ - ۴

۴ - سرگذشت داوود ، سلیمان ، ایوب ، ابراهیم ، اسحاق ، یعقوب ، اسماعیل ، الیسع و ذاالکفل (علیهم السلام) ، مایه یاد و یادآوری انسان ها

و اذکر داود . .. سلیمن ... أیّوب ... إبرهیم و إسحق و یعقوب... إسمعیل و الیسع

برداشت یاد شده از آن جا است که <هذا> می تواند اشاره به مجموعه آیاتی باشد که درباره سرگذشت پیامبران یاد شده، سخن گفته است.

فواید قصه اسماعیل(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۹ - ۴

۴ - سرگذشت داوود ، سلیمان ، ایوب ، ابراهیم ، اسحاق ، یعقوب ، اسماعیل ، الیسع و ذاالکفل (علیهم السلام) ، مایه یاد و یادآوری انسان ها

و اذکر داود . .. سلیمن ... أیّوب ... إبرهیم و إسحق و یعقوب... إسمعیل و الیسع

برداشت یاد شده از آن جا است که <هذا> می تواند اشاره به

مجموعه آیاتی باشد که درباره سرگذشت پیامبران یاد شده، سخن گفته است.

فواید قصه الیسع(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۹ - ۴

۴ - سرگذشت داوود ، سلیمان ، ایوب ، ابراهیم ، اسحاق ، یعقوب ، اسماعیل ، الیسع و ذاالکفل (علیهم السلام) ، مایه یاد و یادآوری انسان ها

و اذکر داود . .. سلیمن ... أیّوب ... إبرهیم و إسحق و یعقوب... إسمعیل و الیسع

برداشت یاد شده از آن جا است که <هـذا> می تواند اشاره به مجموعه آیاتی باشد که درباره سرگذشت پیامبران یاد شده، سخن گفته است.

فواید قصه ایوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۹ - ۴

۴ - سرگذشت داوود ، سلیمان ، ایوب ، ابراهیم ، اسحاق ، یعقوب ، اسماعیل ، الیسع و ذاالکفل (علیهم السلام) ، مایه یاد و یادآوری انسان ها

و اذکر داود . .. سلیمن ... أیّوب ... إبرهیم و إسحق و یعقوب... إسمعیل و الیسع

برداشت یاد شده از آن جا است که <هـذا> می تواند اشاره به مجموعه آیاتی باشد که درباره سرگذشت پیامبران یاد شده، سخن گفته است.

فواید قصه داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۹ - ۴

۴ - سرگذشت داوود ، سلیمان ، ایوب ، ابراهیم ، اسحاق ، یعقوب ، اسماعیل ، الیسع و ذاالکفل (علیهم السلام) ، مایه یاد و یادآوری انسان ها

و اذكر داود . .. سليمن ... أيّوب ... إبرهيم و إسحق و يعقوب...

إسمعيل و اليسع

برداشت یاد شـده از آن جا است که <هـذا> می تواند اشاره به مجموعه آیاتی باشد که درباره سـرگذشت پیامبران یاد شده، سخن گفته است.

فواید قصه ذوالکفل(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۹ - ۴

۴ - سـرگذشت داوود ، سـلیمان ، ایوب ، ابراهیم ، اسـحاق ، یعقوب ، اسماعیل ، الیسع و ذاالکفل (علیهم السلام) ، مایه یاد و یادآوری انسان ها

و اذکر داود . .. سلیمن ... أیّوب ... إبرهیم و إسحق و یعقوب... إسمعیل و الیسع

برداشت یاد شـده از آن جا است که <هـذا> می تواند اشاره به مجموعه آیاتی باشد که درباره سـرگذشت پیامبران یاد شده، سخن گفته است.

فواید قصه سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۹ - ۴

۴ - سـرگذشت داوود ، سـلیمان ، ایوب ، ابراهیم ، اسـحاق ، یعقوب ، اسماعیل ، الیسع و ذاالکفل (علیهم السلام) ، مایه یاد و یادآوری انسان ها

و اذکر داود . .. سلیمن ... أیّوب ... إبرهیم و إسحق و یعقوب... إسمعیل و الیسع

برداشت یاد شـده از آن جا است که <هـذا> می تواند اشاره به مجموعه آیاتی باشد که درباره سـرگذشت پیامبران یاد شده، سخن گفته است.

فواید قصه فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳ - ۶

۶ – داستان موسی و فرعون ، از فراز های بسیار مفید و شایان توجه تاریخ

نتلوا علیک من نبإِ موسی و فرعون

واژه <نبأ> در خبرهایی به کار می رود

که دربردارنده فائده ای بزرگ و قابل توجّه باشد.

فواید قصه موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳ - ۶

۶ - داستان موسی و فرعون ، از فراز های بسیار مفید و شایان توجه تاریخ

نتلوا علیک من نبإِ موسی و فرعون

واژه <نبأ> در خبرهایی به کار می رود که دربردارنده فائده ای بزرگ و قابل توجّه باشد.

فواید قصه یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۹ - ۴

۴ - سرگذشت داوود ، سلیمان ، ایوب ، ابراهیم ، اسحاق ، یعقوب ، اسماعیل ، الیسع و ذاالکفل (علیهم السلام) ، مایه یاد و یادآوری انسان ها

و اذکر داود . .. سلیمن ... أیّوب ... إبرهیم و إسحق و یعقوب... إسمعیل و الیسع

برداشت یاد شده از آن جا است که <هذا> می تواند اشاره به مجموعه آیاتی باشد که درباره سرگذشت پیامبران یاد شده، سخن گفته است.

قاضی قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۶ - ۹،۱۰،۱۱

۹ داور ماجرای یوسف (ع) و زلیخا ، علی رغم خویشی او با زلیخا ، بی طرفی کامل را رعایت کرد ، و قضاوتی بر حق ارائه نمود .

و شهد شاهد من أهلها إن کان قمیصه قُدّ من قُبل

۱۰ داور ماجرای یوسف (ع) و زلیخا ، پیش از اظهار نظر خویش ، به پاره شدن پیراهن یوسف (ع) آگاه شد .

و شهد شاهد من أهلها إن کان قمیصه قُدّ

۱۱ داور ماجرای یوسف (ع

) و زلیخا ، صداقت زلیخا و دروغ گویی یوسف (ع) را منوط به پاره شدن پیراهن یوسف (ع) از پیشِ رو دانست .

إن كان قمیصه قُدّ من قُبل فصدقت و هو من الكذبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۷ - ۱

۱ داور ماجرای یوسف (ع) و زلیخا ، كذب ادعای زلیخا و صداقت یوسف (ع) را منوط به پاره شدن پیراهن از پشتِ سر دانست .

و إن كان . .. و هو من الصدقین

قتل نوجوان قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۷۴ - ۴،۱۱

۴- خضر (ع) بی درنگ ، پس از مشاهده نوجوان ، او را به قتل رسانید .

حتّی إذا لقیا غلمًا فقتله

ظاهر عطف به <فاء> در <فقتله> آن است كه خضر(ع) بدون هیچ مقدمه ای، در پی برخورد با نوجوان، به كشتن او اقدام كرده است.

۱۱- < عن أبی عبدالله : . . . بینما العالم یمشی مع موسی إذا هم بغلام یلعب قال : < فوكزه العالم ، فقتله . فقال له موسی : < أقتلت نفساً زكیه بغیر نفس لقد جئت شیئاً نكراً ؟ > . قال : < فأدخل العالم یده فاقتلع كتفه فإذا علیه مكتوب : كافر مطبوع ;

از امام صادق(ع) روایت شده: . .. آن گاه كه عالم (خضر) با موسی(ع) می رفت، ناگاه، به پسری برخوردند كه بازی می كرد. امام فرمود: <پس آن عالم، مشتی بر وی زد و او را كشت. موسی(ع) به او

گفت: <أقتلت نفساً زكيه بغير نفس...؟>. امام فرمود: <پس آن عالم، دست برد و کتف پسر را بیرون آورد که بر آن نوشته شده بود <کافر مطبوع>.(کافری که مهر کفر بر او زده شده است)>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۵ - ۴

۴- خضر (ع) با اشاره به ناآگاهی موسی (ع) از انگیزه قتل نوجوان ، اعتراض وی را ناموجه دانست و آن را نشانه درستی شناخت خویش از کم طاقتی و بی صبری موسی (ع) خواند .

لقد جئت شیئًا نکرًا . قال ألم أقل لک إنّک لن تستطیع معی صبرًا

قرآن و قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۲ - ۸،۹

۸ جلسه توطئه و مکر برادران یوسف علیه او ، مخفی مانده ترین قسمت داستان یوسف (ع) تا پیش از نزول قرآن

إذ أجمعوا أمرهم و هم یمکرون

یاد کردن از این قسمت داستان یوسف (جلسه توطئه و مکر برادران علیه وی) پس از بیان اینکه داستان یوسف از اخبار غیبی است ، می تواند اشاره به این معنا باشد که این قسمت داستان از مخفی مانده ترین قسمتهای آن می باشد.

۹ بیان قرآن درباره مکر ها و توطئه های برادران یوسف ، زلیخا و هیأت حاکمه مصر علیه او ، دلیلی بس روشن بر وحی بودن و الهی بودن آن

ما کنت لدیهم إذ أجمعوا أمرهم و هم یمکرون

جمله <و ما کنت لدیهم. ..> به منزله تعلیل برای <ذلک من أنباء الغیب...> است.

قرعه در قصه یونس(ع)

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۱ - ۱،۷

۱ - قرعه کشی یونس (ع) و سرنشینان کشتی ، برای به دریا افکنده شدن یک نفر از جمعشان

فساهم فکان من المدحضین

<ساهم> به معنای <قارع> (قرعه افکند) می باشد.

۷ - < عن أبی جعفر (ع) قال : . . .إستهموا فی یونس لمّا رکب مع القوم فوقفت السفینه فی اللجّه . . . فوقع السهم علی یونس ثلاث مرّات . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: . ..در مورد یونس(ع) قرعه انداختند، آن هنگام که به همراه قوم بر کشتی سوار شد و کشتی در آب های متراکم متوقف گردید، ...و قرعه سه مرتبه به نام یونس اصابت کرد...>.

قصه آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۱ - ۱

۱ - خداوند آدم (ع) را با استعداد فراگیری دانشهایی ویژه آفرید و تمامی حقایق و اسامی آنها را به وی آموخت .

و علّم ءادم الأسماء کلها

جمله <علّم آدم> عطف بر جمله ای مقدر است که به خاطر وضوحش در کلام آورده نشده است. آن جمله به قرینه <إنی جاعل ...> می تواند این گونه باشد: فخلق آدم جدیراً للخلافه و ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۳ - ۱،۲،۵

۱ - خداوند به آدم (ع) فرمان داد تا نام هر یک از حقایق هستی را برای فرشتگان بازگو کند .

قال یأدم أنبئهم بأسمائهم

۲ - آدم (ع) ، نام های حقایق هستی را

برای فرشتگان بیان کرد .

فلمّا أنبأهم بأسمائهم

۵ - آدم (ع) ، آموزگار فرشتگان

یأدم أنبئهم بأسمائهم فلمّا أنبأهم بأسمائهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۴ - ۱،۲،۳

۱ - خداوند پس از تعلیم حقایق هستی به آدم (ع) و اثبات لیاقت وی برای خلافت ، از فرشتگان خواست تا بر او سجده کنند .

و علّم ءادم الأسماء کلها . .. و إذ قلنا للملئکه اسجدوا لأدم

۲ - همه فرشتگان پس از فرمان خدا ، بر آدم (ع) سجده کردند .

و إذ قلنا للملئکه اسجدوا لأدم فسجدوا

۳ - ابلیس نیز همانند فرشتگان ، مأمور به سجده بر آدم (ع) بود .

فسجدوا إلا إبلیس أبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۵ - ۱،۲،۴،۹

۱ - خداوند ، به آدم (ع) و همسرش فرمان داد تا در بهشت سکونت کنند .

و قلنا یأدم اسکن أنت و زوجک الجنه

۲ - سکونت آدم (ع) و همسرش در بهشت پس از سجده فرشتگان بر آدم (ع) بوده است .

و إذ قلنا للملئکه اسجدوا لأدم . .. و قلنا یأدم اسکن أنت و زوجک الجنه

۴ - ازدواج آدم (ع) و حوا پیش از سکونتشان در بهشت

یأدم اسکن أنت و زوجک الجنه

۹ - آدم (ع) و حوا در صورت نزدیک شدن به شجره منهیه ، در معرض ارتکاب نهی الهی قرار می گرفتند .

و لاتقربا هذه الشجره

چنانچه مراد از <لاتقربا> (نزدیک نشوید) نهی ازخوردن باشد، به کارگیری <لاتقربا> به جای

<لا تاكلا> (نخوريد) اشاره به اين معنا دارد كه: آدم(ع) و حوا در صورت نزديك شدن به شجره ممنوعه در خطر ارتكاب نهى الهى قرار مى گرفتند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۳۶ - ۱،۳،۴،۵،۷،۱۲،۱۳،۱۹

۱ - شيطان با ترغيب آدم (ع) و حوا به بهره گيرى از شجره منهيه ، آنان را به لغزش و نافرمانى خداوند كشانيد .

فأزلّهما الشيطن عنها

<ازلال> (مصدر ازلّ) به معناى: لغزانيدن و به گناه واداشتن است. ضمير در <عنها> مى تواند به <الجنه> برگردد; يعنى، شيطان آدم(ع) و حوا را با واداشتن به لغزش و گناه از بهشت دور ساخت و نيز مى تواند به <الشجره> برگردد; يعنى، شيطان، آدم(ع) و حوا را به گناه وادار كرد، گناهى كه سرچشمه اش آن درخت ممنوعه بود. برداشت فوق بر اساس دومين احتمال است.

۳ - شيطان و اغواگرى هاى او سبب خروج آدم (ع) و حوا از بهشت شد .

فأخرجهما مما كانا فيه

۴ - خداوند ، پس از سلب شايستگى آدم (ع) و حوا براى سكونت در بهشت ، آنان را به خروج از بهشت و فرود آمدن به زمين فرمان داد .

و قلنا اهبطوا

هبوط (مصدر اهبطوا) به معناى فرود آمدن است. مفعول <اهبطوا> به دليل جمله بعد، <الأرض> مى باشد.

۵ - فاصله زمانى ميان سكونت آدم (ع) و حوا در بهشت با لغزش آنان ، فاصله اى نسبتاً كوتاه و اندك بود .

و قلنا يأدم اسكن أنت و زوجك الجنه . .. فأزلّهما الشيطن عنها

عطف جمله <أزلهما . ..> بر آيه قبل به وسيله

حرف <فا> می تواند اشاره به برداشت فوق باشد.

۷ - شیطان در بهشتِ آدم (ع) و حوا ، حضور داشت .

فأزلهما الشیطن عنها

۱۲ - خداوند در پی هبوط آدم (ع) و حوا ، دشمنی فرزندانشان را با یکدیگر ، به ایشان گوشزد کرد .

و قلنا اهبطوا بعضکم لبعض عدو

۱۳ تناول آدم (ع) و حوا از شجره ممنوعه ، مایه سلب شایستگی نسل آنان برای سکونت در بهشت نخستین شد . *

قلنا اهبطوا

خداوند در بیان اخراج آدم(ع) و حوا از بهشت و استقرار آن دو در زمین، خطاب خویش را - بر خلاف مقتضای طبیعی کلام - متوجه نسل آنان نیز کرد; تا به این نکته اشاره کند که: تناول آدم(ع) و حوا از شجره منهیه در نسل ایشان نیز اثری به جای گذاشت که باعث شد آنان نیز، حیات خویش را در زمین سپری کنند.

۱۹ از رسول خدا (ص) روایت شده که فرمود : < انما کان لبث آدم و حوا فی الجنه حتی خرجا من ها سبع ساعات من أیام الدنیا . . . ;

توقف آدم و حوا تا زمان خروجشان از بهشت هفت ساعت از روزهای دنیا بود . ..>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۷ - ۱،۲،۳،۴،۱۱

۱ - آدم (ع) ، از کرده خویش (نافرمانی خدا) پشیمان شد و در صدد توبه به درگاه خداوند برآمد .

فتلقی ءادم من ربّه کلمت

۲ - خداوند کلمات پر ارزشی را به آدم (ع) تلقین کرد تا با توسل به آنها

، در پیشگاه خداوند توبه کند .

فتلقی ءادم من ربه کلمت

<تلقی> (مصدر تلقی) به معنای: گرفتن و دریافت کردن است و معنای جمله <فتلقی . ..> چنین می شود: آدم(ع) از جانب خداوند کلماتی را دریافت کرد. نکره آوردن <کلمات> دلالت بر عظمت و ارجمندی آن کلمات دارد.

۳ - توبه آدم (ع) و دریافت کلمات از ناحیه خداوند ، پس از استقرارش در زمین بود . *

و لکم فی الأرض مستقر . .. فتلقی ءادم من ربه کلمت

برداشت فوق با عنایت به حرف <فاء> در <فتلقی . ..> - که برای ترتیب است - استفاده می شود.

۴ - خداوند توبه آدم (ع) را پذیرفت ، گناهش را آمرزید و او را مشمول رحمت خویش قرار داد .

فتاب علیه إنه هو التواب الرحیم

۱۱ - ابن عباس می گوید : < سألت رسول اللّه عن الکلمات التی تلقی ها آدم من ربه فتاب علیه قال : سأل بحق محمد و علی و فاطمه و الحسن و الحسین الا تبت علیّ فتاب علیه ;

از رسول خدا(ص) از کلماتی که آدم(ع) از طرف خدا دریافت داشت و توبه او را پذیرفت. سؤال کردم حضرت فرمود: خداوند را به حق محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین - علیهم السلام - خواند و گفت: توبه مرا بپذیر، پس خداوند توبه او را پذیرفت>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۸ - ۴

۴ - خداوند ، به هنگام خروج آدم (ع) و حوا از بهشت ، آنان و نسلشان را به بهره مند ساختن از هدایت ها و

رهنمودهایی از جانب خودش ، بشارت داد .

فإما یأتینکم منی هدًی

<إما> مرکب از <إن> شرطیه و <ما>ی زایده است. شرطیه بودن جمله از یکسو و تأکید آن با <ما>ی زایده و نون تأکید در <یأتینّ> از سوی دیگر، اقتضا می کند که جمله چنین معنا شود: اگر هدایتی از جانب من آمد که البته خواهد آمد ... .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۷ - ۳۱

۳۱ فرمان حضرت آدم (ع) به هابیل و قابیل برای قربانی کردن به درگاه خدا

اذ قربا قرباناً

از امام باقر(ع) روایت شده: . .. ان آدم امر هابیل و قابیل ان یقربا قرباناً ... و هو قول اللّه عزوجل: <و اتل علیهم نبأ ابنی ءادم...>.

کافی، ج ۸، ص ۱۱۳، ح ۹۲; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۵۸، ح ۱.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۱ - ۹

۹ ابلیس از سجده کردن بر آدم(ع) سرباز زد و از فرمان خدا تمرد کرد.

فسجدوا إلا إبلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۹ - ۱،۲،۳،۴،۵

۱ خداوند به آدم(ع) و همسرش فرمان داد تا در بهشت سکونت گزینند.

و یأدم أسکن أنت و زوجک الجنه

۲ خداوند تمام خوردنیهای بهشت را برای آدم و همسرش مباح کرد.

فکلا من حیث شئتما

۳ خداوند، خوردن از درختی مخصوص را بر آدم و حوا تحریم کرد.

و لا تقربا هذه الشجره فتکونا من الظلمین

مراد از <لا تقربا . .. > به قرینه فراز قبل (فکلا ...) و نیز

(فلما ذاقا ...) در آیه ۲۲، نهی از خوردن بوده است نه مجرد نزدیک شدن.

۴ خداوند هر گونه استفاده از شجره نهی شده را بر آدم و حوا ممنوع کرد. *

و لا تقربا هذه الشجره

نهی <لا تقربا> می تواند کنایه از حرمت هر گونه استفاده باشد.

۵ هشدار خداوند به آدم و حوا که در صورت خوردن از شجره نهی شده از ستمکاران خواهند بود.

و لا تقربا هذه الشجره فتکونا من الظلمین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۲۰ – ۱،۳،۴،۵،۷

۱ ابلیس پس از سکونت آدم و همسرش در بهشت، در اندیشه فریبکاری و توطئه علیه ایشان برآمد.

فوسوس لهما الشیطن

هنگامی که پس از کلمه <وسوسه> حرف <لام> آورده شود، به معنای نقشه کشیدن و توطئه کردن است.

۳ شرمگاه آدم و حوا مستور از دید یکدیگر پیش از خوردن از شجره نهی شده

لیبدی لهما ما وُری عنهما

۴ شرمگاه آدم و حوا مستور بر خود آنان تا پیش از خوردن از شجره نهی شده

فوسوس لهما الشیطن لیبدی لهما ما وُری عنهما من سوءتهما

جمله <وری عنهما> می تواند دلالت کند بر این که شرمگاه آدم و حوا علاوه بر این که بر یکدیگر مستور بوده، برای خودشان نیز مخفی بوده است.

۵ شیطان در وسوسه آدم و حوا، بازماندن آنها از فرشته شدن و جاودانگی را دلیل تحریم خوردن از شجره نهی شده معرفی کرد.

إلا أن تکونا ملکین أو تکونا من الخلدین

۷ شیطان ایجاد کننده شبهه در ذهن آدم و حوا نسبت به تحریم شجره نهی شده بر آنان

ما نهيكما ربكما . .. أو

تکونا من الخلدين

برخی جمله <ما نهاکما ربکما . .. > را چنین معنا کرده اند: این حرمت شامل شما نیست، مگر در صورتی که شما فرشته باشید و یا از جاودانان در بهشت، و شما نه فرشته اید و نه از جاودانان در بهشت. پس حرمتی بر شما نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۱ - ۲

۲ آدم و همسرش حوا، بی اعتماد به شیطان در نخستین مراحل رویارویی با وی

و قاسمهما إنی لکما لمن النصحين

معمولاً سوگند یاد کردن در مواردی است که طرف مقابل حالت انکار و ناباوری از خود ابراز کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۲ - ۱،۲،۳،۴،۷،۸،۱۰،۱۴،۱۶،۱۹،۲۰

۱ شیطان با فریبکاریها و سوگند دروغ، آدم و حوا را به پای درخت ممنوع کشاند تا از ثمره آن تناول کنند.

و قاسمهما . .. فدلیهما بغرور

<تدلیه>، مصدر <دلیّ>، به معنای فرستادن است، و مراد از آن نزدیک کردن آدم و حوا به شجره نهی شده برای خوردن از آن است. کلمه <غرور> می تواند مصدر و به معنای فریب دادن باشد و می تواند جمع غار (فریبنده) باشد، و مراد از آن سخنان دروغین و باطلی باشد که شیطان با سوگند به آدم و حوا القا کرد.

۲ آدم و حوا پس از نزدیک شدن به شجره نهی شده از آن درخت تناول کردند.

فلما ذاقا الشجره

۳ آدم و حوا حتی پس از سوگند ابلیس، نگران عواقب بهره گیری از شجره نهی شده

فلما ذاقا الشجره

کلمه <ذوق> که به معنای چشیدن است، می تواند اشاره

به این نکته باشد که آدم و حوا با چشیدن از شجره نهی شده، و نخوردن از آن، در صدد امتحان برآمدند تا ببینند آیا اتفاق ناگواری رخ خواهد نمود.

۴ شرمگاه آدم و حوا به مجرد چشیدن از شجره نهی شده برای آنان آشکار شد.

فلما ذاقا الشجره بدت لهما سوءتهما

۷ سوگند، امری اطمینان بخش و زداینده شک و تردید برای آدم و حوا

و قاسمهما . .. فدلیهما بغرور

۸ تلاش آدم و همسرش در پوشاندن شرمگاهشان با برگ درختهای بهشت

و طفقا یخصفان علیهما من ورق الجنه

کلمه <طفق> از افعال مقاربه، و به معنای <شروع کرد> است. قرار دادن قسمتی از دو یا چند چیز را بر یکدیگر و به هم دوختن آنها را خصف می گویند و چون <یخصفان> به <علی> متعدی شده، معنای نهادن نیز در آن تضمین شده است. یعنی آدم و حوا برگها را به یکدیگر متصل کردند و آنها را بر شرمگاه خویش نهادند.

۱۰ آدم و حوا پس از چشیدن از شجره نهی شده از آن دور شدند و با آن فاصله گرفتند.

و نادیهما ربهما ألم أنهکما عن تلکما الشجره

برداشت فوق با توجه به کلمه <تلک>، که برای اشاره به دور است، استفاده شده است.

۱۴ هشدار و تذکر پیشاپیش خداوند به آدم و حوا، در مورد دشمنی آشکار شیطان با آنان

و أقل لکما إن الشیطن لکما عدو مبین

۱۶ آدم و حوا، علی رغم هشدار شدید خداوند به دشمنی شیطان با آنان، سخنان وی را پذیرفتند.

فدلیهما بغرور فلما ذاقا الشجره

۱۹ عن أبی عبدالله(ع): . .. فلما أکلا (آدم و حوا) من الشجره طار الحلی و الحلل

عن اجسادهما و بقيا عريانين ... .

از امام صادق(ع) روايت شده است: . .. چون آدم و حوا از آن درخت ممنوعه خوردند، زيور و پوشش آنها از بدنشان جدا شد و برهنه ماندند ... .

۲۰ عن أبى عبدالله(ع) فى قوله: <بدت لهما سوءاتهما> قال: كانت سوءاتهما لا تبدو لهما يعنى كانت داخله.

از امام صادق(ع) درباره اين جمله از آيه <بدت لهما سوءاتهما> روايت شده است: عورت آدم و حوا نمايان نبود، يعنى: داخل بدنشان قرار داشت (و بعد از خوردن از درخت ممنوعه پديدار شد).

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۳ - ۱،۴،۷

۱ آدم و حوا پس از توبيخ خداوند بر تناول از شجره نهى شده، به خطاى خويش پى بردند و بدان اعتراف كردند.

قالا ربنا ظلنا أنفسنا

۴ آدم و حوا پس از اعتراف به لغزش خويش از خداوند خواستند تا گناهشان را بيامرزد و بر آنان ترحم كند.

قالا ربنا ظلنا أنفسنا و إن لم تغفر لنا و ترحمنا

۷ آدم و حوا خويشتن را به سبب خطا و لغزش از زيانكاران شمردند.

إن لم تغفر لنا و ترحمنا لنكونن من الخسرين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۴ - ۱،۱۰

۱ خداوند به آدم، حوا و شيطان فرمان داد تا از بهشت به زمين فروآيند.

قال اهبطوا بعضكم لبعض عدو

مفعول <اهبطوا> به قرينه <و لكم فى الأرض مستقر> كلمه <الأرض> است.

۱۰ عن أبى عبدالله(ع) (فى قصه آدم و حوا): . .. قال الله لهما: اهبطا من سماواتى إلى الأرض فإنه لا يجاورنى فى جنتى

عاص و لا فی سماواتی ... .

از امام صادق(ع) (ضمن بیان داستان آدم و حوا) روایت شده است: خداوند به آدم و حوا فرمود: از آسمانهای من به زمین پائین روید ; زیرا گنهکار نه در بهشت و نه در آسمانهایم در حریم من قرار نمی گیرد . .. .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۷ - ۸،۱۰

۸ آدم و حوا دارای پوشش عورت، قبل از فریفته شدن به وسوسه های شیطان

ینزع عنهما لباسهما

۱۰ شیطان، حتی به هنگام خروج آدم و حوا از بهشت، در صدد برهنه ساختن آنان بود. *

أخرج أبویکم من الجنه ینزع عنهما لباسهما

جمله <ینزع . .. > حال برای فاعل <أخرج> است. یعنی شیطان به هنگام خروج آدم و حوا نیز برای بیرون آوردن لباس آنان در تلاش بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۹ - ۷،۹،۱۰

۷ حوا در پی آمیزش آدم با وی به باری سبک حامله شد .

فلما تغشیها حملت حملا خفیفا

<تغشی> یعنی <پوشانید> و در آیه کنایه از آمیزش است. ضمیر در <تغشی> به <نفس واحده> که مراد از آن آدم(ع) است برمی گردد.

۹ آدم (ع) و حوا پس از سنگین شدن حوا بر اثر رشد جنینش ، به درگاه خدا به نیایش پرداختند .

فلما أثقلت دعوا اللّه ربهما

۱۰ آدم (ع) و حوا با نیایش به درگاه خدا از وی خواستند تا فرزندی سالم و شایسته بقا به آنان عنایت کند .

دعوا اللّه ربهما لئن ءاتیتنا صلحاً لنکونن من

الشکرین

صالح در لغت به کسی یا چیزی گفته می شود که فساد در آن نباشد. و مراد از آن به مناسبت مورد، فرزند سالم و مبرا از عیب و نقص است به گونه ای که استعداد زنده ماندن را دارا باشد. گفتنی است که جمله <فلما ءاتیهما صلحا ... > دلالت بر آن دارد که مراد از صالح، معنای متعارف در شرع (نیکوکار و پاکدامن) نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹۰ - ۱،۴

۱ خداوند با پذیرش درخواست آدم (ع) و حوا ، فرزندی سالم و شایسته به آنان عطا کرد .

دعوا اللّه ربهما لئن . .. فلما ءاتیهما صلحاً

۴ آدم (ع) و حوا با مؤثر پنداشتن غیر خدا در آفرینش و تأمین سلامت کودکانشان ، به شرک گراییدند .

فلما ءاتیهما صلحاً جعلا له شرکاء فیما ءاتیهما

برخی از مفسران به دلیل جمله <جعلا له شرکاء> (برای او شریک قرار دادند) بر این نظر هستند که مراد از نفس واحده و همسرش، آدم(ع) و حوا نیستند ; زیرا آنان منزه از شرکورزی می باشند، بلکه مراد مطلق پدران و مادران می باشند. برخی دیگر بر این باورند که مراد از شرک در اینجا توجه به اسباب و علل طبیعی است، به گونه ای که با اخلاص کامل تنافی داشته ولی با اصل توحید ناسازگار نبوده و نسبت این معنا به آدم(ع) اشکالی ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۱ - ۲،۳،۱۴

۲- فرمان خداوند به سجده همه فرشتگان بر آدم (ع)

قلنا

للملئکه اسجدوا لأدم

۳- همه فرشتگان جز ابلیس ، از امر الهی به سجده بر آدم (ع) اطاعت کردند .

قلنا للملئکه اسجدوا لأدم فسجدوا إلاّ إبلیس

۱۴- همه فرشتگان به جز ابلیس ، به فرمان الهی در برابر آدم (ع) خضوع کرده و او را مورد تکریم خویش قرار دادند .

و إذ قلنا للملئکه اسجدوا لأدم فسجدوا إلاّ إبلیس

برداشت فوق، با توجه به ریشه لغوی <سجده> است که به معنای <خضوع> و <تذلل> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۲ - ۱،۲

۱- تکریم آدم (ع) از سوی خدا ، مورد اعتراض ابلیس قرار گرفت .

قال أرءیتک هذا الذی کرّمت علیّ

۲- ابلیس ، از خداوند خواستار با خبر شدن از فلسفه بزرگداشت آدم (ع) و برتر دانستن او بر خود شد .

قال أرءیتک هذا الذی کرّمت علیّ

عبارت <أرأیت> معمولاً در آغاز جمله و برای سؤال می آید و به معنای <أخبرنی> است; بنابراین مراد از آن این است که: خداوندا! به من اطلاع بده که چرا آدم را بر من برتری دادی؟

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۵ - ۲،۳،۴

۲ - خداوند ، در آغاز آفرینش انسان و روزگار پیش از عصر نزول قرآن ، باآدم ابوالبشر ، خواسته و توصیه ای را در میان گذاشته بود .

و کذلک أنزلنه . .. و لقد عهدنا إلی ءادم من قبل

و مراد از عهدی که خداوند با حضرت آدم(ع) کرده بود چنانچه از آیات دیگر قصه آدم(ع) استفاده می شود نخوردن از

درخت ممنوع بوده است.

۳ - آدم (ع) ، سفارش و عهد خداوند را نادیده گرفت و به آن عمل نکرد .

و لقد عهدنا إلی ءادم من قبل فنسی

مراد از <نسیان> به قرینه سخن شیطان به آدم (ما نهاکما ربّکما. .. اعراف / ۲۰) فراموشی حقیقی نبوده است; بلکه لازمه آن (ترک عمل) اراده شده است.

۴ - آدم ، فاقد عزم و اراده لازم برای به کار بستن توصیه های خداوند و توجه به آن بود .

و لقد عهدنا إلی ءادم . .. فنسی و لم نجد له عزمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۶ - ۳،۴،۸

۳ - تمامی فرشتگان ، فرمان سجده برای آدم را گردن نهادند و بی درنگ در برابر او به سجده افتادند .

فسجدوا

حرف <فا> بر نبودن فاصله بین فرمان سجده و انجام آن دلالت دارد.

۴ - ابلیس ، همچون فرشتگان ، مأمور به سجده در برابر آدم (ع) بود .

للملئکه اسجدوا لأدم فسجدوا إلاّإبلیس

۸ - آدم (ع) ، دارای مقام و جایگاهی برتر از ملائکه

و إذ قلنا للملئکه اسجدوا لأدم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۷ - ۱،۴،۵،۷،۹،۱۰

۱ - آدم (ع) و همسرش حوا ، در بهشت سکونت داشتند .

فقلنا . .. فلایخرجنّکما من الجنّه

<جنّه> به معنای باغ است و <الجنّه> در قرآن نوعاً به معنای بهشت به کار رفته است. گفتنی است که خروج آدم و حوا(ع) از بهشت خویش، نشانه آن است که آن بهشت، غیر از بهشت موعود بوده است.

۴ – امتناع

ابلیس از سجده در برابر آدم ، نشانگر دشمنی او با آدم و دیگرانسان ها است .

إلّاإبلیس أبی . فقلنا یَادم إنّ هذا عدوّ لک و لزوجک

معرفی ابلیس پس از امتناع از سجده، به عنوان دشمن <آدم و حوا> نشانگر آن است که ترک سجده، علامت این دشمنی بوده است و دشمن شدن او با حوا، گویای این است که ابلیس پس از ماجرای سجده بر آدم، با جنس انسان، خصومت یافته است.

۵ - بهشت مسکونی آدم و حوا ، جایگاهی آماده برای آسایش و راحتی و به دور از هرگونه مشقت و سختی

فلایخرجنّکما من الجنّه فتشقی

۷ - هشدار خداوند به آدم (ع) و حوا در مورد دشمنی شیطان با آنان ، بدان جهت بود که آنان گرفتار رنج و سختی نشوند .

فلایخرجنّکما من الجنّه فتشقی

۹ - آدم (ع) و حوا ، در بهشت مسکونی خود نیز به انجام تکالیف ، ملزم بوده اند .

فلایخرجنّکما

گرچه نهی در <فلایخرجنّ> متوجه ابلیس است; ولی خطاب آن به آدم(ع) و حوا، به معنای نهی آن دو از تأثیرپذیری از القائات او است.

۱۰ - حوا در بهشت مسکونی خویش ، همسر آدم (ع) و تحت سرپرستی وی بود .

عدوّ لک و لزوجک فلایخرجنّکما

خداوند، رهنمودهای مربوط به حوا را، با آدم(ع) در میان گذاشته و او را به پرهیز هر دو از زمینه های خروج از بهشت فرمان داده است. این گونه خطاب را می توان نشانِ سرپرستی آدم(ع) قلمداد کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۸ - ۱،۲

۱ - آدم (ع) در

بهشت خویش از نظر غذا و پوشاک تأمین بود .

إنّ لک ألّاتجوع فیها و لاتعری

تعبیر <إنّ لک. ..> وعده ای از جانب خداوند به آدم(ع) است و بیان خاصیت بهشت نمی باشد; زیرا خوردن از درخت ممنوع سبب شد که آدم(ع) در همین بهشت عریان شود و وعده <لاتعری> در حق او عملی نگردد.

۲ - آدم (ع) و حوا در بهشت مسکونی خود نیازمند خوراک و پوشاک بودند .

إنّ لک ألّاتجوع فیها و لاتعری

اختصاص یافتن فعل ها به آدم(ع) شاید به این جهت باشد که اصل سخن خداوند متوجه آدم(ع) بوده است و تنها در مواردی افعال تثنیه آمده که چاره ای جز آن نبوده است. بنابراین، حوا نیز مانند آدم(ع) از نظر غذا و پوشاک تأمین بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۹ - ۱

۱ - آدم (ع) در بهشت خویش ، از تشنگی و تحمل تابش آفتاب در امان و مصون بود .

و إنّک لاتظمؤا فیها و لاتضحی

<لاتضحی>; یعنی، روبه روی خورشید قرار نمی گیری و حرارت آن به تو نمی رسد (لسان العرب). این وصف با توجه به معنای لغوی <جنّه> که بستان پوشیده از درخت است به وجود سایه فراوان در سرای آدم(ع) اشاره دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۰ - ۵،۶،۹،۱۴

۵ - گفت وگوی مستقیم شیطان با آدم

قال یَادم

۶ - راهنمایی آدم به درخت جاودانگی و ملک و سلطنت همیشگی ، پوشش شیطان برای فریب آدم و حوا و وادار ساختن آنان به خوردن از

میوه درخت ممنوع

هل أدّلك علی شجره الخلد و ملک لایبلی

مقصود از <شجره الخلد> درختی است که خوردن میوه آن موجب جاودانگی گردد. <ملک> به معنای مال و نیز سلطنت آمده است (قاموس). مراد از <ملک لایبلی> مالکیت و حاکمیتی است که زوال نپذیرد و فرسوده نگردد.

۹ - آدم (ع) به سکونت جاودانه خویش در بهشت اطمینان نداشت .

إنّ لک ألاّتجوع . .. هل أدّلک علی شجره الخلد

خداوند، تأمین بودن آدم(ع) از نظر غذا، پوشاک، آب، و مسکن را به او خبر داد; ولی گویا آدم در عین تضمین این نعمت ها، نسبت به جاوید بودن خود در آن بهشت اطمینان نداشت. از همین رو وسوسه شیطان در او اثر کرد.

۱۴ - آدم (ع) ، دارای محدودیت در استفاده از برخی میوه های درختان بهشت بود .

هل أدّلک علی شجره الخلد و ملک لایبلی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۱ - ۱،۲،۳،۴،۵،۸،۹،۱۰،۱۲،۱۶،۱۷،۱۹،۲۱،۲۳،۲۴

۱ - آدم و حوا (ع) ، با وسوسه شیطان از درخت ممنوع شده تناول کردند .

فوسوس إلیه الشیطن . .. فأکلا منها

۲ - حوا در ماجرای تناول از درخت ممنوع ، موافق تصمیمات شوهرش آدم ، عمل می کرد .

فوسوس إلیه الشیطن . .. فأکلا منها

اقدام آدم به خوردن از درخت ممنوع، تحت تأثیر وسوسه های شیطان بود، ولی حوا چنین نبود(فوسوس إلیه شیطان). ممکن است اقدام حوا، در برابر عملکرد آدم تأثیرپذیر بوده است.

۳ - تمایل آدم (ع) و طمع وی در مورد خلود و جاودانگی و ملک بی زوال ، او و همسرش را به

تناول از درخت ممنوع شده واداشت .

هل أدّلک علی شجره الخلد . .. فأكلا منها

۴ – آدم و حوا (ع) ، علی رغم هشدار شدید خداوند به دشمنی شیطان با آنان ، تحت تأثیر سخنان او قرار گرفتند .

إنّ هذا عدوّ لک و لزوجک . .. فأكلا منها

۵ – تأثیرپذیری آدم از وسوسه شیطان و تناول از درخت ممنوع ، نمودی از فراموش کاری آدم از عهد الهی بود .

و لقد عهدنا . .. فنسی ... فأكلا منها

بیان داستان آدم و حوا، و خوردن از درخت ممنوع و پی آمدهای آن، جملگی در توضیح نخستین آیه این مجموعه و بیان فراموش کاری آدم(ع) در مورد عهد الهی و نبودن عزم جدی در او است.

۸ – عورت و شرمگاه آدم و حوا ، پیش از تناول از درخت ممنوع بر آنان پوشیده بود .

فأكلا منها فبدت لهما سوءتهما

<سوأه> به معنای عورت و شرم گاه است (لسان العرب) و <بدت لهما> ممکن است به این معنا باشد که عورت هر یک برای دیگری آشکار شد و ممکن است مراد این باشد که عورت آنان برای خودشان آشکار شد. بر مبنای دومین احتمال، عورت آدم و حوا قبل از خوردن میوه ممنوع، بر خود آنان نیز پوشیده بود.

۹ – تناول از درخت منع شده ، موجب عریانی و آشکار شدن شرمگاه آدم و حوا گردید .

فأكلا منها فبدت لهما سوءتهما

۱۰ – نافرمانی آدم و حوا ، مایه محرومیت آنان از وعده خداوند به تأمین پوشاک آنان در بهشت شد .

إنّ لک . .. لاتعری ... فبدت لهما سوءتهما

۱۲ – آدم و حوا درپی مکشوف شدن عورت

هایشان ، سعی در پوشاندن آن با برگ درختان داشتند .

فبدت لهما سوءتهما و طفقا یخصفان علیهما من ورق الجنّه

<طفقا>; یعنی، آغاز کردند و <خصف> هرگاه با <علی> متعدی شود، به معنای به هم دوختن چیزهایی و نهادن آن بر جایی خواهد بود; یعنی، آدم و حوا، برگ ها را به یکدیگر متصل کرده و آن را بر خود گرفتند.

۱۶ - آدم (ع) با تناول از درخت ممنوع ، مرتکب معصیت پروردگار گردید .

فأكلا . .. و عصی ءادم ربّه

۱۷ - آدم (ع) قبل از تناول از درخت منع شده ، فرمان ممنوعیت آن را از خداوند دریافت کرده بود .

فأكلا منها . .. و عصی ءادم ربّه

<عصیان> در صورتی تحقق می یابد که امر یا نهیی از جانب خداوند صادر شده باشد. بنابراین گرچه در این آیات به ممنوعیت تناول از درخت، تصریخ نشده است; ولی ذکر <عصیان>، شاهدی گویا بر صادر شدن نهی در مورد تناول از آن درخت است.

۱۹ - آدم (ع) ، به جاودانگی و فرمان روایی ابدی در بهشت ، دست نیافت و در خواسته خویش ، ناکام ماند .

هل أدّلك علی شجره الخلد . .. فأكلا ... و عصی ءادم ربّه فغوی

<غوی>; یعنی، ناکام شد و راه را گم کرد (مصباح) گفتنی است مراد از ناکامی و گمراهی آدم به قرینه وسوسه ابلیس راه نیافتن او به آرزوهای القا شده از سوی شیطان است.

۲۱ - آدم ، بر اثر نافرمانی خداوند و خوردن از درخت منع شده ، از رشد خویش بازماند .

فغوی

<غیّ> (مصدر <غوی>) نقطه مقابل رشد است (مقاییس اللغه).

- < عن أبی عبداللّه (ع) فی قوله : < بدت لهما سوأتهما > قال : کانت سوأتهما لاتبدو لهما ; یعنی ، کانت داخله ;

از امام صادق(ع) در باره سخن خدا <بدت لهما سوأتهما> روایت شده: عورت آن دو (آدم و همسرش) قبلاً برای آنان آشکار نبود، چون عورت آنان در داخل [پوست بدنشان]بود>.

۲۴ - < عن أبی عبداللّه (ع) (فی حدیث) : فلمّا أسکن اللّه عزّوجلّ آدم و زوجته الجنّه قال لهما : . . . و لاتقربا هذه الشجره . . . فلمّا أکلا من الشجره طار الحلیّ و الحلل عن أجسادهما و بقیا عریانین ;

از امام صادق(ع) [ضمن حدیثی]روایت شده که فرمود: چون خداوند عزّوجلّ آدم و همسرش را در بهشت جای داد، به آنان گفت: . .. نزدیک این درخت نشوید ... و آنان چون از آن درخت خوردند، زیور و جامه ها از اندام آنان پرید و آنها عریان ماندند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۲ - ۱،۲،۳،۵،۶،۷،۸

۱ - آدم (ع) درپی عصیان و تناول از درخت ممنوع ، از کرده خویش پشیمان شد و به درگاه خداوند توبه کرد .

ثمّ اجتبه ربّه فتاب علیه

<جبایه> (ریشه اصلی <إجتبی>); به معنای جمع آوری کردن و به دست آوردن است. و <إجتباء> به معنای اصطفاء (خالص چیزی را برگزیدن) و اختیار است (لسان العرب). بنابراین <إجتباه ربّه> یعنی، خداوند علاقه های آدم به این سو و آن سو را قطع کرد و همه را بای خود جمع کرد و وی را

برای خود خالص گردانید. این تعبیر حاکی از انقطاع کامل آدم(ع) از غیر خدا و توبه حقیقی او است.

۲ - خداوند ، برای تربیت و رشد آدم ، علاقه های غیر الهی را از او دور ساخت و وی را برای خود خالص گردانید .

ثمّ اجتبه ربّه فتاب علیه

۳ - پـذیرش دوباره آدم (ع) و برگزیـدن او از سوی خداوند ، پس از گذشت مدتی از خطای تناول از درخت ممنوع صورت گرفت .

ثمّ اجتبه ربّه فتاب علیه

<ثمّ> برای تراخی است و می رسانـد که اجتبای الهی که همان موفق ساختن آدم(ع) به توبه و انقطاع از غیر خدا بود با تأخیر انجام پذیرفت.

۵ - خداوند با عطوفت و مهربانی توبه آدم را پذیرفت و گناه او را بخشید .

ثمّ اجتبه ربّه فتاب علیه

<تـاب>; یعنی، رجوع کرد و به دلیـل حرف <علی> در آن معنای عطوفت و ترحم تضـمین شـده است; یعنی، خداونـد در حالی به آدم توجه و عنایت کرد، که بر او عطوف و مهربان بود.

۶ - انقطـاع کامـل آدم (ع) از غیر خـدا و معطوف شـدن تمـام توجه او به خداونـد ، زمینه سـاز عنـایت دوباره خداونـد به آن حضرت بود .

اجتبه ربّه فتاب علیه

حرف <فا> گویای تفریع <تاب علیه> بر جمله قبل است که بر گردآمدن و جمع شدن همه علایق و وابستگی های آدم(ع) در توجه به خداوند دلالت داشت .

۷ - آدم (ع) ، درپی برگزیدگی و آمرزیده شدن ، از هدایت الهی نیز برخوردار گردید .

ثمّ اجتبه ربّه فتاب علیه و هدی

۸ - آدم (ع) ، پس از

آمرزش گناهش ، راه رشد و تعالی خویش را بازیافت .

و هدی

در آیه قبل آمده بود که آدم(ع) در پی نافرمانی و عصیان، از رشد و کمال خویش بازماند (غوی). فعل <هدی> در این آیه دلالت می کند که خداوند آثار آن گمراهی را از میان برد و راه کمال و برگزیدگی را الهی را به او نشان داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۳ - ۱،۲

۱ - آدم (ع) و حوا ، در پی تناول از درخت منع شده ، صلاحیت سکونت در بهشت را از دست دادند .

فأکلا منها . .. قال اهبطا منها

<إهبطا> ممکن است خطاب به آدم (ع) و حوا و یا خطاب به آدم(ع) و ابلیس باشد در صورت دوم، حوا به خاطر این که در عصیان و پی آمد آن تابع آدم بوده، مورد خطاب قرار نگرفته است. در هر دو صورت برداشت یاد شده، به دست می آید.

۲ - خداوند ، شیطان را به دلیل وسوسه گری و فریب دادن آدم ، از بهشت اخراج کرد و به فرود آمدن به زمین فرمان داد .

فوسوس إلیه الشیطن . .. قال اهبطا منها جمیعًا

برداشت یاد شده بر این مبنا است که مخاطب در <اهبطا> آدم و شیطان باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۰ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، مأمور به ابلاغ چگونگی آگاه شدنش از ملأ اعلی (عالم فرشتگان) و منشأ اطلاعات و اخبارش درباره آدم (ع) ، فرشتگان و .

. .

ما كان لى من علم بالملأ الأعلى . .. إن يوحى إلىّ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۷۳ – ۱

۱ – با صدور فرمان خداوند به فرشتگان برای سجده بر آدم (ع) ، بی درنگ همه آنها ، در برابر او به سجده درافتادند .

فقعوا له سجدين . فسجد الملئكه كلّهم

قصه ابراهیم(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۲۴ – ۱،۴،۶

۱ – خداوند ، پیامبرش ابراهیم (ع) را با تکالیفی سنگین و دشوار بیازمود .

و إذ ابتلى إبرهيم ربه بكلمت

<ابتلاء> به معنای آزمودن است. تعبیر کردن از مواد آزمون به کلمات (سخنان) اشاره به این دارد که: آن مواد فرمانهایی بوده که ابراهیم باید آنها را امتثال می کرد و لذا کلمات در برداشت، به تکالیف تفسیر شد. نکره آوردن (کلمات) حکایت از عظمت آن دارد، که به مناسبت آزمون، از آن به دشواری و سنگینی تعبیر شد.

۴ – ابراهیم (ع) ، همه آزمون های الهی را با موفقیت کامل به پایان رسانید .

و إذ ابتلى إبرهيم ربه بكلمت فاتمهن

<اتمام> (مصدر أتمَّ) به معنای انجام دادن کار به طور کامل است. بنابراین <أتمهن>; یعنی، ابراهیم(ع) آن تکالیف را به طور کامل به انجام رسانید.

۶ – موفقیت ابراهیم (ع) در آزمون های الهی ، موجب شایستگی او برای مقام امامت شد .

فاتمهن قال إنى جاعلك للناس إماماً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۵ - ۱۷

۱۷ - ابراهیم (ع)

و اسماعیل (ع) ، از خدمتگزاران خانه خدا (کعبه) بودند .

عهدنا إلی إبرهیم و إسمعیل أن طهرا بیتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۶ - ۱،۵،۲۰

۱ - تبدیل زمین های اطراف کعبه به شهری دارای امنیت ، درخواست ابراهیم (ع) از درگاه خداوند

و إذ قال إبرهیم رب اجعل هذا بلداً ءامناً

ظاهر آن است که مشارالیه <هذا> زمینهای اطراف کعبه باشد. بر این مبنا جمله <اجعل ...> حاکی از دو درخواست است: ۱ شهر شدن زمینهای اطراف کعبه; ۲ برقرار بودن امنیت در آن شهر. قابل ذکر است که کلمه <بلد> به معنای سرزمینِ دارای حدود و مشخصات و نیز به معنای شهر است. برداشت فوق بر اساس دومین احتمال می باشد.

۵ - ابراهیم (ع) از خداوند خواست تا کافران مکه را از روزی های خویش بهره مند نسازد .

و ارزق . .. من ءامن منهم باللّه و الیوم الأخر

<من ءامن> به عنوان بدل برای <أهله> بیانگر مقصود ابراهیم(ع) از کلمه <أهله> است. آن حضرت با آوردن <من ءامن> اشاره به این معنا دارد که: خواهان اعطای ثمرات به کافران مکه نیست.

۲۰ - دلجویی خداوند از ابراهیم (ع) به خاطر اجابت نکردن دعای او علیه کافران مکه

و ارزق . .. من ءامن منهم ... قال و من کفر فأمتعه قلیلا ثم أضطره إلی عذاب النار

از هدفهای بیان اندک بودن متاع دنیا و زمان بهره گیری از آن و نیز بیان فرجام شوم کفرپیشگان پس از رد کردن تقاضای ابراهیم علیه آنان، دلجویی از ابراهیم است.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۷ - ۱،۳،۴

۱ - ابراهیم و اسماعیل (ع) ، برپا کنندگان دیوار های کعبه و سازنده آنها

و إذ یرفع إبرهیم القواعد من البیت و إسمعیل

قواعد (جمع قاعده) به معنای پایه هاست و در آیه به مناسبت <البیت> مراد از آن پایه های دیوار می باشد. بالا بردن پایه های دیوار (یرفع ابراهیم القواعد) به معنای ساختن دیوار بر پایه هاست.

۳ - ابراهیم (ع) ، بناکننده اصلی کعبه و اسماعیل (ع) یاور او بود .

و إذ یرفع إبرهیم القواعد من البیت و إسمعیل

عطف کردن فاعلی بر فاعل دیگر، پس از آوردن فاعل نخست و متعلقات فعل - چنانچه در آیه شریفه این گونه است - می تواند اشاره به تفاوت آن دو فاعل در انجام کار باشد. بنابراین و به مناسبت مورد سخن از ساختن و بنا کردن است، می توان گفت: ابراهیم سازنده اصلی و اسماعیل یاور او بوده است.

۴ - ابراهیم و اسماعیل (ع) ، با دعا به درگاه خدا خواستار پذیرفته شدن عملشان (ساختن کعبه) شدند .

ربنا تقبل منا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۸ - ۱،۳،۸،۱۰

۱ - تسلیم خدا شدن ، از دعا های ابراهیم و اسماعیل (ع) به هنگام ساختن کعبه

و إذ یرفع إبرهیم القواعد . .. ربنا واجعلنا مسلمین لک

۳ - علاقه ابراهیم و اسماعیل (ع) به ذریه خویش

من ذریتنا أمه مسلمه لک

۸ - ابراهیم و اسماعیل (ع) به هنگام ساختن کعبه ،

از خداوند خواستند تا چگونگی اعمال حج را به آنان بیاموزد .

ربنا . .. أرنا مناسكنا

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مناسک - چنـانچه برخی از اهـل لغت و نیز برخی از مفسـران گفته انـد - به معنای اعمال حج باشد.

۱۰ - ابراهیم و اسماعیل (ع) ، از خداوند خواستند تا توبه خود و فرزندانشان را بپذیرد .

و تب علینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۱ - ۲

۲ - ابراهیم (ع) ، فرمان خدا را بدون هیچ تأخیری پذیرفت و تسلیم بودن خویش را در برابر خدا ، اعلام کرد .

قال أسلمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۲ - ۱،۲

۱ - ابراهیم و یعقوب (ع) هر یک دارای پسرانی چند بودند .

و وصی بها إبرهیم بنیه و یعقوب یبنی

۲ - ابراهیم (ع) ، پسرانش را به پیروی از آیین خویش (تسلیم خدا بودن) توصیه کرد .

و وصی بها إبرهیم بنیه

ضمیر <بها> می توانـد به <مله إبراهیم> (در آیه ۱۳۰) برگردد و نیز می تواند به جمله <أسلمت> در آیه قبل بازگردانده شود. گفتنی است بازگشت هر دو فرض به یک معناست؛ زیرا آئین ابراهیم همان تسلیم گشتن در برابر خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۵ - ۸

۸ - ابراهیم (ع) ، هرگز به شرک گرایش پیدا نکرد و از مشرکان نبود .

و ما كان من المشركين

جلد - نام سوره - سوره - آيه

- فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۶ - ۵

۵ داستان ابراهیم (ع) و نمرود و قصّه عُزیر و یا اِرمیای پیامبر و زنده شدن مرغان کوبیده شده و نیز تمامی احکام و مقررات انفاق ، از آیات الهی است .

الم تر . .. او کالذی مرّ ... فخذ اربعه من الطیر ... مثل الّذین ... کذلک یبیّن ال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۴ - ۲،۳،۶

۲ ابراهیم(ع) شخصیتی شناخته شده نزد مردم مکه، و مورد احترام آنان بود.

و إذ قال إبرهیم لأبیه ءازر

همان گونه که مفسرانی مانند فخر رازی و آلوسی گفته اند، چون حضرت ابراهیم(ع) برای مشرکان مکه مورد احترام و شناخته شده بود، خداوند از زبان آن حضرت برای ابطال پندارهای مشرکان مطالبی ذکر فرموده است.

۳ آزر، پدر صلبی ابراهیم(ع) نبوده است.

إذ قال إبرهیم لأبیه ءازر

روش قرآن در آیات مختلف مشابه این آیه ذکر نام و نشان افراد نیست. لذا تصریح به اسم آزر به صورت عطف بیان بدان جهت می تواند باشد که مراد از <اب> را روشن نماید که پدر حقیقی ابراهیم(ع) نبوده، بلکه عمو و یا پدر خوانده وی بوده است.

۶ تلاش ابراهیم(ع) با استفاده از احتجاج و اعتراض برای بازداشتن آزر از بت پرستی

و إذ قال إبرهیم لأبیه ءازر أتتخذ أصناما ءالهه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۵ - ۹

۹ عن أبی عبدالله(ع): . .. نظر (ابراهیم) إلی الزهره فی السماء فقال: <هذا ربی> فلما افلت ... قال: <لا احب الآفلین> فلما نظر

إلی المشرق رأی و قدر طلع القمر قال: <هذا ربی> ... فلما تحرك و زال قال: <لئن لم یهدنی ربی لأ۔كونن من القوم الضالین> فلما اصبح و طلعت الشمس ... قال: <هذا ربی> ... فلما تحركت و زالت كشف الله له عن السموات حتی رأی العرش و من علیه و اراه الله ملكوت السماوات و الأرض ... .

از امام صادق(ع) روایت شده است: . .. ابراهیم(ع) به ستاره زهره در آسمان نظر افكند و گفت: <این پروردگار من است> و هنگامی كه غروب كرد ... گفت: <غروب كنندگان را دوست ندارم> و هنگامی كه به مشرق نگریست ماه را در حال بر آمدن دید گفت: <این پروردگار من است> ... چون به حركت درآمد و محو شد، گفت: <اگر پروردگارم مرا هدایت نكند حتماً از گمراهان خواهم بود.> چون صبح شد و خورشید بر آمد ... گفت: <این پروردگار من است> ... وقتی كه به حركت در آمد و محو شد، خداوند برای او آسمانها را نمایان كرد تا اینكه عرش و ساكنان آن را مشاهده نمود و خدا ملكوت آسمانها و زمین را به او نمایاند ... .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۶ - ۲،۶،۱۱

۲ ابراهیم(ع) با تظاهر به ستاره پرستی و استدلال جدلی به ابطال عقیده شرك قوم خود پرداخت.

فلما جن علیه الّیل رءا كوكبا قال هذا ربی

جمله <فلما جن> تصریح بر <كذلك نری . .. > است. یعنی نتیجه ارائه ملكوت به ابراهیم(ع) آن شد كه او بدین صورت به مبارزه با شرك بپردازد. بنابراین سخن ابراهیم(ع) تنها از سر مجادله

و به برای ابطال باطل بوده است.

۶ ابراهیم(ع) در برابر ستاره پرستان، با توجه به پنهان شدن ستارگان، پذیرفتن ربوبیت برای آنها را نامعقول اعلام کرد.

قال هذا ربی فلما أفل قال لا أحب الأفلین

<افول> به معنی پنهان شدن است.

۱۱ عن الرضا(ع): إن إبراهیم(ع) وقع إلی ثلاثه اصناف، صنف یعبد الزهره . .. <فلما جن علیه اللیل> فرأی الزهره، قال <هذا ربی> علی الانکار و الاستخبار <فلما افل> الکوکب <قال لا احب الآفلین> لأن الافول من صفات المحدث لا من صفات القدم ... .

از امام رضا(ع) روایت شده است: . .. ابراهیم(ع) با سه گروه برخود کرد ; گروهی که ستاره زهره را می پرستیدند ... <چون شب، ابراهیم(ع) را فروگرفت> و ستاره زهره را دید، به عنوان استفهام انکاری گفت: <این پروردگار من است> و چون ستاره غروب کرد گفت: <غروب کنندگان را دوست ندارم> ; زیرا غروب کردن از صفات موجود حادث است نه قدیم ... .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۷ - ۲،۳،۱۳

۲ ابراهیم(ع) در مقام مجادله با تظاهر به ماه پرستی به ابطال آن پرداخت.

فلما رءا القمر بازغا قال هذا ربی فلما أفل

۳ تظاهر ابراهیم(ع) به ماه پرستی و مجادله با ماه پرستان به هنگام تابندگی آن بوده است.

فلما رءا القمر بازغا قال هذا ربی

<بزوغ> به معنای طلوع و تابش است. (لسان العرب). راغب نیز در ماده <بزغ> و در شرح آیه مورد بحث گوید: <ای طالعا منتشر الضوء>. بنابراین سخن ابراهیم(ع) با ماه پرستان در اوایل و یا اواخر ماه نبوده، بلکه به هنگام تابش آن بوده

است.

۱۳ عن الرضا(ع): إن إبراهیم(ع) وقع إلی ثلاثه اصناف . .. صنف یعبد القمر ... <فلما رأی القمر بازغا قال هذا ربی> علی الانکار و الاستخبار ... .

از امام رضا(ع) روایت شده است: . .. ابراهیم(ع) با سه گروه برخورد کرد ... گروهی که ماه را می پرستیدند ... <پس آنگاه که ماه را تابان دید>، به عنوان استفهام انکاری گفت: <این پروردگار من است> ... .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۸ - ۲،۳،۹،۱۲

۲ ابراهیم(ع) در مقام مجادله و برای ابطال عقاید شرک آمیز قوم خویش تظاهر به خورشیدپرستی کرد.

فلما رءا الشمس بازغه قال هذا ربی

۳ بزرگتر بودن خورشید از ماه، بهانه ابراهیم(ع) برای عدول از ماه پرستی و تظاهر به پرستش خورشید

فلما رءا الشمس بازغه قال هذا ربی هذا أکبر

۹ ابراهیم(ع) در پی ابطال مستدل عقاید شرک آمیز قوم خویش، به صراحت از معبودهای آنان بیزاری جست.

فلما رءا الشمس . .. إنی بریء مما تشرکون

چنانچه <ما> در <مما تشرکون> موصول باشد، مضمون جمله چنین است: <بریء من الذی تشرکون به>. یعنی از چیزهاییکه به آن شرک میورزید بیزارم.

۱۲ عن الرضا(ع): إن إبراهیم(ع) وقع إلی ثلاثه اصناف . .. صنف یعبد الشمس ... <فلما> اصبح و <رأی الشمس بازغه قال هذا ربی هذا أکبر> من الزهره و القمر علی الانکار و الاستخبار ... <فلما افلت> قال للاصناف الثلاثه من عبده الزهره و القمر و الشمس <یا قوم إنی بریء مما تشرکون ... >.

از امام رضا(ع) روایت شده است: . .. ابراهیم(ع) با سه گروه برخورد کرد ... گروهی که خورشید

را می پرستیدند ... پس چون صبحگاهان خورشید را تابان دید از روی انکار و استخبار گفت: این پروردگار من است این، از ستاره زهره و ماه بزرگتر است ... . پس هنگامی که غروب کرد به گروههای سه گانه پرستنده زهره، ماه و خورشید گفت: <ای قوم من، من از آنچه شما شریک خدا می دانید، بیزارم> ... .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۰ - ۱،۳،۹،۱۲

۱ قوم ابراهیم به جای تسلیم در برابر توحید مستدل او، به احتجاج با او پرداختند.

و ما أنا من المشرکین. و حاجه قومه

۳ اظهار شگفتی ابراهیم(ع) از لجاجت مردم بر شرک، علی رغم وجود دلایل واضح بر بطلان آن

و حاجه قومه قال أتحجونی فی الله

۹ قوم ابراهیم در مقابله با ادله توحیدی آن حضرت، او را به آسیب دیدن از جانب بتها بیم دادند.

و لا أخاف ما تشرکون به

جمله <لا أخاف> که پاسخ حضرت ابراهیم(ع) به تهدید مشرکان است قرینه بر وقوع تهدید از جانب آنهاست.

۱۲ ابراهیم(ع) با اعلام نهراسیدن از معبودهای مشرکان، بی پایگی منطق و تهدیدهای مشرکان را نشان داد.

و لا أخاف ما تشرکون به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۱ - ۲

۲ قوم ابراهیم او را به آسیب دیدن از جانب معبودهای خود تهدید می کردند.

و لاأخاف ما تشرکون به . .. و کیف أخاف ما أشرکتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۹ - ۱،۳،۴،۷،۸،۱۱،۱۶،۱۷

۱ خداوند ، فرشتگانی چند برای بشارت

دادن به حضرت ابراهیم (ع) به سوی او گسیل داشت .

و لقد جاءت رسلنا إبرهیم بالبشری

آیه ۷۰ و نظایر آن، حاکی است که فرستادگان الهی فرشته بودند و بشارت مورد نظر به قرینه آیه ۷۱، بشارت میلاد اسحاق و یعقوب بوده است.

۳ فرشتگان پیام آورِ بشارت ، به هنگام حضور در پیشگاه ابراهیم (ع) بر او سلام کردند .

قالوا سلمًا

۴ ابراهیم (ع) ، سلام فرشتگان را پاسخ گفت و برای تدارک غذا از حضور آنان بیرون رفت .

قال سلم فما لبث أن جاء بعجل حنیذ

۷ فرشتگانِ پیام آورِ بشارت ، به سیمای آدمیان بر ابراهیم (ع) وارد شدند .

قالوا سلمًا قال سلم فما لبث أن جاء بعجل حنیذ

از اینکه ابراهیم(ع) غذایی که انسانها از آن تناول می کنند برای فرشتگان آورد، معلوم می شود: آن حضرت، فرشتگان را به صورت و سیمای انسان دید و به ماهیت آنان پی نبرد.

۸ ابراهیم (ع) ، در فاصله ای کوتاه پس از آمدن فرشتگانِ بشارت ، گوساله ای بریان شده برای آنان آورد .

فما لبث أن جاء بعجل حنیذ

ضمیر در <لبث> به ابراهیم(ع) برمی گردد و <أن جاء> به تقدیر <فی> متعلق به <لبث> است. <عجل> به گوساله نر که بیش از یک ماه نداشته باشد، گفته می شود و <حنیذ> به معنای بریان شده است. بنابراین <فما لبث ...>; یعنی، ابراهیم(ع) در آوردن گوساله ای بریان شده درنگی نکرد.

۱۱ مباشرت حضرت ابراهیم (ع) در پذیرایی از میهمانان خویش

فما لبث أن جاء بعجل حنیذ

۱۶ < عن أبی عبدالله (ع) قال : إن الله تعالی

بعث أربعه أملاـك فی إهلاك قوم لوط : جبرئیل و میكائیل و اسـرافیل و كرّوبیل (ع) فمرّوا بابراهیم (ع) . . . و كان صاحب أضیاف فشوی لهم عجلاً سمیناً حتی أنضجه ثم قرّبه إلیهم . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده است كه فرمود: خدای تعالی برای هلاك كردن قوم لوط چهار فرشـته فرستاد: جبرئیل، میكائیل، اسـرافیل و كرّوبیـل. پس بر ابراهیم گـذر كردنـد و ابراهیم مهمانپـذیر و مهمان دوست بود. از این رو گوساله فربهی برایشان بر آتش نهاد تا آن را پخت و نزد آنان آورد ...>.

۱۷ < عن أبی جعفر (ع) قال : . . . قدم الله تعالی رسـلاً إلی ابراهیم یبشرونه باسحاق . . . و ذلك قوله : < و لقد جاءت رسلنا ابراهیم بالبشری > ;

از امام باقر(ع) روایت شـده است كه فرمود: خداونـد به سوی ابراهیم مأمورانی فرسـتاد كه او را به [تولـد]اسـحاق مژده دهند و این است سخن خداوند كه فرمود: و لقد جاءت . ..>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۰ - ۱،۲،۳،۴،۷،۸،۱۲

۱ فرشتگان وارد بر ابراهیم (ع) ، دست به غذا نبردند و از آن تناول نكردند .

فلما رءآ أیدیهم لاتصل إلیه

<لاتصل إلیه> (دستشان به سوی گوساله بریان شده نمی رسید) كنایه از آن است كه از غذا تناول نمی كردند.

۲ خودداری فرشتگان از خوردن غذای ابراهیم (ع) ، موجب ناراحتی و ناخوشایندی او شد .

فلما رءآ أیدیهم لاتصل إلیه نكرهم

۳ ابراهیم (ع) ، از فرشتگان حاضر در خانه خویش

، احساس ترس و دلهره کرد .

و أوجس منهم خیفه

ایجاس (مصدر أوجس) به معنای احساس کردن است.

۴ خودداری فرشتگان از تناول غذا ، عامل ترس ابراهیم (ع) از آنان شد .

فلما رءآ أیدیهم لاتصل إلیه نکرهم و أوجس منهم خیفه

۷ فرشتگان مهمان بر ابراهیم (ع) ، با معرفی خود و مأموریتشان ، ترس و دلهره را از ابراهیم (ع) زدودند .

قالوا لاتخف إنا أُرسلنا إلی قوم لوط

۸ حضرت ابراهیم (ع) به ماهیت مهمانان خویش (فرشته بودن آنان) تا پیش از معرفی خودشان ، پی نبرده بود .

قالوا لاتخف إنا أُرسلنا إلی قوم لوط

۱۲ < عن أبی عبدالله (ع) قال : إن الله تعالی بعث أربعه أملاک . . . فمرّوا بابراهیم (ع) و هم معتمّون فسلّموا علیه فلم یعرفهم . . . فشوی لهم عجلًا سميناً حتی أنضجه ثم قرّبه إلیهم فلما وضعه بین أیدیهم رأی أیدیهم لاتصل إلیه نکرهم و أوجس منهم خیفه فلما رأی ذلک جبرئیل حسر العمامه عن وجهه و عن رأسه فعرفه ابراهیم (ع) فقال أنت هو ؟ فقال : نعم . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: خدای تعالی چهار فرشته فرستاد آنان بر ابراهیم گذر کردند در حالی که دارای عمامه بودند [سر و صورت خود را با عمامه پوشانده بودند] پس بر او سلام کردند، او آنان را نشناخت. .. آن گاه برایشان گوساله فربهی بر آتش نهاد تا آن را پخت و نزد آنان آورد و هنگامی که ابراهیم(ع) دید دست فرشتگان به آن گوساله بریان نمی

رسـد، آنـان را نشـناخت و در دل احسـاس ترس نمود، چون جبرئيـل چنين ديـد، عمامه را از سـر و صورت خود كنار زد. پس ابراهيم او را شناخت و گفت: تو همانى گفت: آرى>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۱ - ۱،۲،۷،۹،۱۱،۱۲،۱۵

۱ همسر ابراهيم (ساره) در مجلس فرشتگان پيام آورِ بشارت حضور داشت .

و لقد جاءت رسلنا إبرهيم بالبشرى . .. وامرأته قائمه فضحكت

۲ ابراهيم (ع) و فرشتگان حاضر در نزد او ، همگى نشسته بودند و ساره ايستاده بود .

وامرأته قائمه

۷ خداوند ، همسر ابراهيم را به دارا شدن فرزند پسرى بشارت داد .

فبشّرنها بإسحق

۹ خداوند ، به ساره بشارت داد كه اسحاق ، داراى فرزند پسرى خواهد شد .

فبشّرنها بإسحق و من ورآء إسحق يعقوب

كلمـه <يعقـوب> عطـف بر <اسـحاق> است و عبـارت <من وراء إسـحاق> توصـيفى براى <يعقـوب> مى باشـد; يعنى: فبشرناها بيعقوب كائناً من وراء اسحاق.

۱۱ نويد تولد اسحاق و يعقوب به ابراهيم (ع) و همسرش ساره ، در جلسه پذيرايى ابراهيم از فرشتگان بيان شد .

فبشّرنها بإسحق و من ورآء إسحق يعقوب

۱۲ زمان آگاهى ابراهيم (ع) به دارا شدن فرزند و نوه (اسحاق و يعقوب) اندكى پيش از به هلاكت رسيدن قوم لوط بود .

إنا أُرسلنا إلى قوم لوط. وامرأته قائمه فضحكت فبشّرنها بإسحق

۱۵ < عن أبى جعفر (ع) [فى قوله تعـالى] : < وامرأته قائمه > قال : إنما عنى ساره قائمه . . . < فضـحكت > يعنى فعجبت من قولهم . . . ;

از امام

باقر(ع) درباره قول خدای تعالی: <وامرأته قائمه> روایت شده است: مقصود ساره همسر ابراهیم(ع) است که ایستاده بود . .. و درباره <فضحکت> [روایت شده است]: یعنی ساره از سخن فرشتگان شگفت زده شد ...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۲ - ۱،۵

۱ ابراهیم (ع) و همسرش ساره ، هنگام بشارت فرشتگان به تولد اسحاق و یعقوب ، پیر و کهنسال بودند .

قالت یویلتی ءألد و أنا عجوز و هذا بعلی شیخًا

۵ گفتوگوی ساره (همسر ابراهیم) با فرشتگان

فبشّرنها بإسحق . .. قالت یویلتی ءألد و أنا عجوز و هذا بعلی شیخًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۴ - ۱،۲،۳،۵،۶،۱۰

۱ ترس و دلهره ابراهیم (ع) ، با پی بردن به ماهیت مهمانان خویش (فرشته بودن آنان) برطرف شد .

فلما ذهب عن إبرهیم الروع

<الروع> به معنای ترس و دلهره است و <ال> در آن عهد ذکری است و اشاره به ترسی دارد که به خاطر تناول نکردن فرشتگان از طعام ابراهیم(ع)، بر وی عارض شد.

۲ فرشتگان مهمان بر ابراهیم (ع) ، او را به دارا شدن فرزندی پسر ، بشارت دادند .

و جاءته البشری

<ال> در <البشری> عهد ذکری است و اشاره به بشارتی دارد که آیه ۷۱ (فبشرناها) متضمن آن بود.

۳ ابراهیم (ع) ، پس از پی بردن به هدف فرشتگان (نابودسازی قوم لوط) ، با آنان به چون و چرا و جر و بحث پرداخت .

یجدلنا فی قوم لوط

جمله <قد جاء أمر ربک> در

آیه ۷۶ می تواند قرینه ای بر این باشد که مراد از <یجادلنا>، <یجادل رسلنا> باشد.

۵ جدال و چون و چرای ابراهیم (ع) درباره قوم لوط ، پس از برطرف شدن ترس او و دریافت بشارت (فرزنددار شدن) بود .

فلما ذهب عن إبرهیم الروع و جاءته البشری یجدلنا فی قوم لوط

۶ بشارت یافتن ابراهیم (ع) به فرزنددار شدن در سن کهولت ، او را به پذیرش شفاعتش درباره قوم لوط (برطرف شدن عذاب از آنان) امیدوار ساخت .

فلما . .. جاءته البشری یجدلنا فی قوم لوط

برداشت فوق، مقتضای ترتب <یجادلنا . ..> بر <جاءته البشری> است.

۱۰ < عن أبی بصیر . . . قال أبوجعفر (ع) : فلما جاءت ابراهیم البشاره باسحاق و ذهب عنه الروع أقبل یناجی ربه فی قوم لوط و یسأله کشف البلاء عنهم . . . ;

از ابوبصیر نقل شده . .. که امام باقر(ع) فرمود: هنگامی که به ابراهیم بشارت اسحاق رسید و ترس او برطرف شد، درباره قوم لوط با پروردگار خود به نجوا سخن گفت و از خدا خواست تا بلا را از آن قوم برطرف سازد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۶ - ۷

۷ جر و بحث ابراهیم (ع) با فرشتگان و شفاعت او درباره قوم لوط ، پیش از اطلاع او بر قطعی شدن عذاب آنان بوده است .

یجدلنا فی قوم لوط . .. یإبرهیم أعرض عن هذا إنه قد جاء أمر ربک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود -

۱۱ - ۷۷ - ۱

۱ فرشتگان پس از گفتوگو با ابراهیم (ع) ، به دیار قوم لوط رفتند و بر حضرت لوط (ع) وارد شدند .

و لما جاءت رسلنا لوطًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۷ - ۲۰

۲۰- < عن أبی الحسن موسی بن جعفر (ع) قال : إن إبراهیم (ع) لمّا أسکن اسماعیل (ع) و هاجر مکه . . . قال : < اللّهم إنی أسکنت من ذرّیتی بواد غیر ذی زرع عند بیتک المحرم . . . فاجعل أفئده من الناس تهوی إلیهم . . . > فأوحی الله إلی ابراهیم عن أصعد أباقبیس فناد فی الناس : یا معشر الخلائق إن الله یأمرکم بحج هذا البیت الذی بمکه . . . فهناک . . . وجب الحج علی جمیع الخلائق . . . ;

از امام کاظم(ع) روایت شده است که فرمود: آن گاه که ابراهیم(ع)، اسماعیل و هاجر را در مکه اسکان داد . .. گفت: پروردگارا! <إنی أسکنت من ذرّیتی بواد غیر ذی رزع ...>. پس خداوند به او وحی کرد: بر بالای کوه ابوقبیس برو، پس در میان مردم ندا ده: ای مردمان! همانا خداوند شما را به حج این خانه ای که در مکه است امر کرده ... پس آن جا بود که حج بر تمام خلایق واجب شد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۲ - ۱،۳،۴،۸،۹،۱۱

۱- مهمانان حضرت ابراهیم (فرشتگان) به هنگام ورود بر وی ، به او

سلام و درود گفتند .

و نبّئهم عن ضيف إبرهيم . إذ دخلوا عليه فقالوا سلمًا

۳- ابراهيم (ع) و خانواده وى با مشاهده ورود مهمانان (فرشتگان) به محضر ايشان ، هراسناك و مضطرب شدند .

إذ دخلوا عليه . .. قال إنا منكم وجلون

با اينكه ملائكه بر شخص حضرت ابراهيم(ع) وارد شدند (دخلوا عليه) امّا آن حضرت هراس و اضطراب را به صورت جمع (إنا منكم وجلون) بيان كرده است و اين نشان دهنده هراس خود او و خانواده اش مى باشد. لازم به ذكر است كه <وجل> به آن ترسى گفته مى شود كه سراپاى وجود انسان را فراگيرد (مفردات راغب).

۴- حضرت ابراهيم (ع) ترس و اضطراب خويش را كه ناشى از حضور مهمانان (فرشتگان) در محضر او بود ، به آنان اظهار كرد .

إذ دخلوا عليه . .. قال إنا منكم وجلون

۸- فرشتگان وارد شده بر حضرت ابراهيم (ع) ، در قالب و شكل انسان بوده و به عنوان مهمان وارد شدند .

و نبّئهم عن ضيف إبرهيم . إذ دخلوا عليه فقالوا سلمًا قال إنا منكم وجلون

۹- گفت و گوى مستقيم فرشتگان با حضرت ابراهيم (ع)

فقالوا سلمًا قال إنا منكم وجلون . قالوا لاتوجل

۱۱- < . . . قال أبوجعفر (ع) : . . . بعث الله رسلاً إلى إبراهيم . . . فدخلوا عليه ليلاً ففزع منهم و خاف أن يكونوا سُرّاقاً ، قال : فلمّا أن رأته الرسل فزعاً وجلاً < قالوا سلاماً > . . . < قال إنا منكم وجلون قالوا لاتوجل . . . > .

;..

از امام باقر(ع) روایت شده است که فرمود:. .. خداوند فرستادگانی را به سوی ابراهیم(ع) گسیل داشت ... پس شبانه بر او وارد شدند و او از آنان وحشت کرد و ترسید که دزد باشند. امام فرمود: پس چون فرستادگان آن حضرت را وحشت زده و هراسان دیدند، به او سلام کردند ... او [گفت]: قال إنا منکم وجلون...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۳ - ۱

۱- مهمانان حضرت ابراهیم (فرشتگان) به او دلداری داده و از وی خواستند که از حضورشان مضطرب و هراسناک نشود .

قالوا لاتوجل إنا نبشّرك بغلم علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۴ - ۱،۴

۱- ابراهیم (ع) از دریافت خبر فرزنددار شدنش در دوران پیری به شدت شگفت زده شد .

قال أبشّرتمونی علی أن مسّنی الکبر فبم تبشّرون

۴- ابراهیم (ع) پس از دریافت خبر فرزنددار شدنش از فرشتگان ، خواستار توضیح و اطلاعات بیشتری از آنان شد .

فبم تبشّرون

برداشت فوق بر این اساس است که <با> در <فبم> برای ملابست باشد و استفهام در جمله <فبم تبشّرون> سؤال از چگونگی تحقق چنین بشارتی (فرزنددار شدن) باشد و نه تردید و سؤال از اصل فرزنددار شدن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۵ - ۱

۱- تأکید فرشتگان بر تحقق و عینیت یافتن بشارت پسردار شدن ابراهیم (ع) در دوران پیری

قالوا بشرنک بالحقّ

مقصود از <بالحق> در آیه فوق یا خبر مطابق با واقع است و یا

به معنـای این است که بشـارت ما حقیقت دار است (مجمع البیان). در هر صورت گویای این نکته است که: آنچه بشارت داده شد، تحقق یافتنی است و به وقوع خواهد پیوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۷ - ۱،۲،۳

۱- ابراهیم (ع) پس از شناخت مهمانانش (فرشتگان) از مأموریت اصلی و مهم آنان جویا شد .

قال فما خطبکم أیّها المرسلون

<خطب> به معنای امر مهم است.

۲- بشارت به فرزنددار شدن ابراهیم (ع) کار فرعی و عذاب قوم لوط مأموریت اصلی و مهم فرشتگان بود .

إنا نبشّرك بغلم . .. قال فما خطبکم أیّها المرسلون

از اینکه حضـرت ابراهیم(ع) پس از شـناخت فرشـتگان و دریافت بشارت فرزنـددار شدن از مأموریت اصـلی و مهم آنان سؤال کرد (فما خطبکم . ..) و این مأموریت طبق آیه بعد عذاب قوم لوط بود.

۳- ابراهیم (ع) پیش از اظهار فرشتگان از مأموریت خودشان برای عذاب قوم لوط ، از آن آگاه نبود .

قال فما خطبکم أیّها المرسلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۸ - ۱

۱- در پی جویـا شـدن ابراهیم (ع) از مـأموریت اصـلی مـأموران الهی (فرشـتگان) آنـان هلاـکت قوم تبهکار (قوم لوط) را مأموریت اصلی خویش معرفی کردند .

قال فما خطبکم أیّها المرسلون . قالوا إنا أُرسلنا إلی قوم مجرمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۰ - ۲

۲- ابراهیم (ع) در آغاز پیامبریش ، تنها موحد و عبادتگر

عصر خویش بود .

إن إبرهیم كان أُمّه قانتًا لله

برداشت فوق، بر این اساس است که اطلاق <أُمه> به ابراهیم(ع) از آن جهت باشد که <امت موحد> در عصر او منحصر به شخص وی بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۲ - ۱،۳،۴،۱۱

۱- حضرت ابراهیم (ع) ، به خاطر بت پرستی آزر با او به بحث و گفت و گو پرداخت .

إذ قال لأبیه یأبت لِمَ تعبد ما لایسمع و لایبصر و لایغنی عنک شیئًا

چنانچه در سوره انعام آمده است، نام مخاطب ابراهیم(ع) <آزر> بوده است.

۳- برخورد منطقی و استدلالی حضرت ابراهیم با انحراف عقیدتی و شرک آزر

لِمَ تعبد ما لایسمع و لایبصر

۴- گفت و گوی ابراهیم (ع) با آزر ، در زمان نبوت آن حضرت بوده است . *

إنّه كان صدّیقًا نبیًا . إذ قال لأبیه

در باره <إذ قال . ..> چندین احتمال ادبی وجود دارد. ۱ بدل برای <ابراهیم> باشد که دراین صورت حکم مفعولٌ به برای <اذكر> در آیه قبل را دارد. ۲ ظرف برای <كان> و یا <نبیّاً> باشد. برداشت فوق بر احتمال دوم مبتنی است.

۱۱- مناظرات ابراهیم (ع) با آزر در مورد نفی بت پرستی ، بسیار مهم و شایسته یادآوری و بزرگداشت است .

واذكر فی الكتب إبرهیم . .. إذ قال لأبیه ... ما لایسمع و لایبصر و لایغنی عنك شیئ

<إذ> در <إذ قال> بدل از ابراهیم و در حقیقت مفعول برای <اذكر> است. بیان نحوه استدلال ابراهیم(ع) و مواد به کار رفته در قیاس های آن، گویای آن است که این مجموعه دارای ارزش و

سزاوار یادکرد است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۴۳ – ۴،۵،۶

۴- حضرت ابراهیم (ع) ، آزر را به رهاساختن شرک و پیروی از وی فرا خواند .

یأبت إنّی قد جاءنی من العلم ما لم یأتک فاتّبعنی

۵- ابراهیم (ع) ، پیش از مناظره اش با آزر ، موحدی هدایت یافته و آگاه بود .

یأبت إنّی قد جاءنی من العلم ما لم یأتک فاتّبعنی أهدک صرطًا سویًّا

۶- راهنمایی ها و هدایت های حضرت ابراهیم (ع) به آزر ، همراه با لطف و مهربانی بوده است .

یأبت . .. فاتّبعنی أهدک صرطًا سویًّا

خطاب <یا أبت> حاکی از اظهار شفقت ابراهیم(ع) به آزر است. علاوه بر این که او آزر را جاهل نخواند و بر محدودیت آگاهی خود نیز تصریح کرد (من العلم)؛ این روش، سرشار از عطوفت به مخاطب است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۴۴ – ۱

۱- حضرت ابراهیم (ع) ، آزر را از پرستش شیطان برحذر داشت .

یأبت لاتعبد الشیطن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۴۵ – ۱،۲،۸

۱- ابراهیم (ع) در اندرز خود به آزر ، عذاب سخت الهی را در کمین پرستشگران بت ها خواند و وی را به آن هشدار داد .

إنّی أخاف أن یمسّک عذاب من الرحمن

نکره آوردن <عذاب> بر عظمت آن دلالت دارد. و <مسّ> (مصدر <یمسک>) چنانچه در مفردات راغب آمده است در باره هرگونه آزاری که به انسان برسد، استعمال می

شود.

۲- حضرت ابراهیم (ع) برای هدایت آزر به توحید و نجات وی از عذاب الهی ، تلاشی دلسوزانه داشت .

یأبت إنّی أخاف أن یمسّک عذاب من الرحمن

۸- حضرت ابراهیم (ع) با برخوردی عاطفی و مؤدبانه سعی در ارشاد و هدایت آزر داشت .

یأبت إنّی أخاف أن یمسّک عذاب من الرحمن

خطاب <یاأبت> گویای عطوفت ابراهیم(ع) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۶ - ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۹

۱- اظهار شگفتی و ناباوری نسبت به عقاید توحیدی حضرت ابراهیم (ع) ، پاسخ آزر به منطق توحیدی و بت ستیزی آن حضرت بود .

قال أراغب أنت عن ءالهتی یأبرهیم

همزه در <أراغب> برای استفهام توبیخی است که تعجب نیز از آن فهمیده می شود.

۲- آزر ، پیش از دعوت شدن به توحید از سوی ابراهیم (ع) ، از عقاید توحید آن حضرت بی خبر بود .

قال أراغب أنت عن ءالهتی

اظهار شگفتی و ناباوری آزر از عقاید توحیدی ابراهیم(ع)، دال براین است که تا پیش از آن آزر او را در عقاید، همراه خود می دیده و به همین خاطر است که پس از اظهارات حضرت ابراهیم(ع)، وی دچار شگفتی و ناباوری می شود.

۳- آزر ، ابراهیم (ع) را در صورت دست نکشیدن از بت ستیزی به سنگسارکردن تهدید کرد .

لئن لم تنته لأرجمنّک

<رجم> که در اصل به معنای کشتن به وسیله سنگسار بوده است، به هریک از انواع کشتن نیز اطلاق می گردد. این لغت، به معنای ناسزا گفتن نیز آمده است (لسان العرب). در آیه، همه این معانی محتمل است و

برداشت یادشده براساس اصل معنای آن است.

۴- آزر ، با سوگند بر سنگسارکردن ابراهیم (ع) ، در صورت ادامه مبارزه با بت پرستی ، او را برای مدتی طولانی از خانه اش بیرون کرد .

واهجرنی ملیًّا

<ملیّاً> به معنای مدت طولانی است (لسان العرب).

۵- آزر با حضرت ابراهیم (ع) و عقاید توحیدی او ، علی رغم دعوت منطقی ، مستدل و عاطفی آن حضرت ، برخوردی خشن و غیر منطقی داشت .

لئن لم تنته لأرجمنّک

در کلام آزر هیچ استدلال و پاسخی وجود ندارد. تنها وجهه شاخص سخن او ارعاب و تهدید است و حتی در خطاب به او هم کمترین عطوفتی نظیر <یابنیّ> در پاسخ <یاأبت> به کار نبرد.

۶- آزر با تهدید ابراهیم (ع) به سنگسار کردن و نیز دور ساختن او از خود ، در صدد تحمیل عقیده خویش بر ابراهیم (ع) و بازداشتن او از توحید بود .

لئن لم تنته لأرجمنّک واهجرنی ملیًّا

۹- حضرت ابراهیم (ع) در خانه آزر و تحت سرپرستی او زندگی می کرد .

واهجرنی ملیًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۷ - ۱،۳،۴

۱- ابراهیم (ع) پس از برخورد خشن و غیر منطقی آزر ، به بحث و گفت وگو با او در باره توحید و شرک پایان داد .

قال سلم علیک

از موارد کاربرد <سلام علیک> جایی است که طرف بحث می خواهد به بحث پایان دهد و دیگر آن را ادامه ندهد، مانند آنچه در آیه <إذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلاماً> آمده است. در گفت وگوی حضرت ابراهیم(ع) با آزر

نیز ظاهراً <سلام> از همین نوع باشد.

۳- حضرت ابراهیم (ع) پس از پایان گفتوگو با آزر ، به او وعده داد که آمرزش گناه شرک او را به زودی از خداوند خواهد خواست .

قال سلم علیک سأستغفر لک ربّی

ابراهیم(ع) به قرینه <أخاف> در آیات قبل، آزر را مشرکی که قابل بخشش نباشد و به تعبیر برخی آیات <دشمن خدا> نمی دانست؛ بنابراین به بخشش گناه شرک او امیدوار بود، لذا نه عذاب او را قطعی دانست و نه به او وعده مغفرت حتمی داد، بلکه با اطمینان به مهرورزی خداوند به او، اظهار امیدواری کرد که استغفارش تأثیر بخشد.

۴- ابراهیم (ع) به هدایت شدن آزر ، در عین اصرار و تعصب او بر بت پرستی امیدوار بود .

سأستغفر لک ربّی

ممکن است مراد ابراهیم(ع) از طلب مغفرت، طلب مقدمات مغفرت (ترک بت پرستی) باشد، زیرا آن حضرت از هدایت یافتن آزر ناامید نشده بود و لذا سعی در رام کردن او از طریق برانگیختن احساسات وی داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۸ - ۱،۲،۵

۱- ابراهیم (ع) ، زندگی در میان هم کیشان آزر را هم سان زندگی در خانه او ، مانعی در راه خداپرستی خویش دیده و از همه آنها کناره گیری کرد .

و أعتزلکم و ما تدعون من دون اللّه

۲- حضرت ابراهیم (ع) در پاسخ به تهدید های آزر ، تصمیم خود را بر دوری گزیدن از بت پرستان و بت ها ، اعلام کرد .

و أعتزلکم و ما تدعون من دون اللّه

۵- ابراهیم (ع

) ، هجرت از محیط شرک و بت پرستی را جهت حراست از عقیده توحیدی خود و عبادت پروردگار یگانه برگزید .

و أعتزلکم و ما تدعون من دون اللّه و أدعوا ربّی

از جمله معانی <دعاء> عبادت است. دراین آیه نیز <أدعوا> به قرینه <لِمَ تعبد> در آیات قبل می تواند به معنای <عبادت می کنم> باشد. براین مبنا ابراهیم، هجرت خود را برای میسرشدن عبادت خداوند دانسته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۹ - ۱،۶

۱- حضرت ابراهیم (ع) از محیط شرک و بت پرستی هجرت کرد و از بت پرستان و معبود های آنان کناره گیری کرد .

فلمّا أعتزلهم و مایعبدون من دون اللّه وهبنا له إسحق و یعقوب

۶- تولد یعقوب در زمان حیات حضرت ابراهیم (ع) بوده است .

وهبنا له إسحق و یعقوب

بر حسب ظاهر، صدق هبه زمانی است که دریافت کننده در قید حیات باشد. با توجه به این که یعقوب نیز در این آیه موهبت به ابراهیم(ع) دانسته شده، چنین برمی آید که او نیز در زمان حیات ابراهیم متولد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۲ - ۱،۲،۳

۱- ابراهیم (ع) در حضور پدر و قومش ، بت پرستی را زیر سؤال برد و آشکارا با آن به مخالفت برخاست .

إذ قال لأبیه و قومه ما هذه التماثیل

استفهام در <ما هذه التماثیل. ..> سؤال از حقیقت بت ها است، نه نام آنها. و از آن جایی که ابراهیم(ع) از حقیقت آنها آگاه بود و نیازی به

سؤال نداشت، استفهام ایشان به منظور زیر سؤال بردن و محکوم کردن بت پرستی و نوعی اظهار مخالفت با آن بوده است.

۲- حضرت ابراهیم (ع) بت و بت پرستی را به شدت تحقیر کرد و پدر و قومش را به خاطر این کار مورد سرزنش قرار داد .

إذ قال لأبیه و قومه ما هذه التماثیل

اشاره کردن به بت ها با اسم اشاره نزدیک (هذه) و نیز تعبیر <تماثیل> (صورت ها و مجسمه های بی جان)، حاکی از تحقیر بت و بت پرستی به وسیله ابراهیم(ع) است. گفتنی است استفهام در <ما هذه...> به قرینه مقام توبیخی است.

۳- ابراهیم (ع) ، از پدر و قومش در باره علت تقدیس و عبادتشان در برابر مجسمه های بی جان ، توضیح خواست .

إذ قال لأبیه و قومه ما هذه التماثیل التی أنتم لها عکفون

از پاسخ قوم ابراهیم، که کارشان را به خاطر پیروی از اجداد خود معرفی کردند (قالوا وجدنا آبائنا لها عابدین)، به دست می آید که سؤال ابراهیم(ع) مربوط به علت و چرایی تقدیس و عبادتشان در برابر بت ها بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۴ - ۲

۲- مخالفت قاطع و صریح ابراهیم (ع) با شرك و تقلید کورکورانه پدر و قوم خویش

إذ قال لأبیه و قومه . .. لقد کنتم أنتم و ءاباؤکم فی ضلل مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۵ - ۱

۱- قوم ابراهیم نسبت به حق بودن سخن ابراهیم (ع) و جدی

بودن او در نفی شرک و بت پرستی ، تردید داشته و آن را بعید می دانستند .

قالوا أجئتنا بالحقّ أم أنت من اللّعبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۶ - ۵

۵- برخورد و مبارزه ابراهیم (ع) با بت پرستان و مشرکان ، متکی بر استدلال و برهان بود .

قال ما هذه التماثیل . .. قال بل ربّکم ... فطرهنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۷ - ۱،۳،۷

۱- سوگند مؤکد ابراهیم (ع) بر حیله و تدبیر کردن ، برای ضربه زدن به بت ها در غیاب بت پرستان

و تاللّه لأکیدنّ أصنمکم بعد أن تولّوا مدبرین

<کید> به معنای حیله و تدبیری پنهانی برای ضربه زدن به غیر است.

۳- تصمیم ابراهیم (ع) بر نابودی بت و بت پرستی ، پس از یک سلسله کار فرهنگی و فکری او برای هدایت و اصلاح اندیشه مردمان بود .

لقد کنتم . .. فی ضلل مبین ... ربّکم ربّ السموت ... و تاللّه لأکیدنّ أصنمکم بعد

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که حضرت ابراهیم(ع) در آغاز مخالفت با بت پرستی، پدر و قومش را مخاطب قرار داد و یک سلسله دلایل روشن بر اثبات توحید و نفی شرک به آنان ارائه کرد. سپس در مرحله دوم تهدید نمود که بت ها را نابود خواهد کرد و در نهایت به تهدید خود عمل کرد و همه بت ها را نابود ساخت.

۷- < عن أبی جعفر (ع) : . . . فلمّا تولّوا عنه مدبرین

إلى عيد لهم دخل إبراهيم (ع) إلى آلهتهم بقدوم فكسرها إلاّ كبيراً لهم ;

از امام باقر(ع) روايت شده: چون نمروديان از ابراهيم(ع) دور شدند و به طرف محل جشن ويژه خود رفتند، آن حضرت با تيشه داخل بتخانه شد و غير از بت بزرگ، همه بت ها را شكست. ..>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۵۸ - ۱،۲،۵،۶

۱- حضرت ابراهيم (ع) در غياب مردم و دور شدن آنان از بت ها ، به شكستن بت ها پرداخت .

بعد أن تولّوا مدبرين . فجعلهم جذذًا

<جذاذ> فعال به معناى مفعول و از ماده <جذّ> (قطع و شكستن) است. <فا> در <فجعلهم> به اصطلاح اهل ادب فصيحه و حاكى از تقدير جمله اى است و تقدير آن چنين است: <فولّوا فأتى إبراهيم الأصنام فجعلهم جذاذاً; مردم به بت ها پشت كردند، پس ابراهيم نزد بت ها آمد و آنها را شكست>.

۲- ابراهيم (ع) تمامى بت ها را در هم شكست و تنها بت بزرگ را سالم باقى گذاشت .

فجعلهم جذذًا إلاّكبيرًا

۵- باقى ماندن بت بزرگ به وسيله ابراهيم (ع) ، براى مراجعه بت پرستان به آن و درك عجز بت ها بود .

فجعلهم جذذًا إلاّكبيرًا لهم لعلّهم إليه يرجعون

۶ اقدام ابراهيم (ع) به شكستن بت ها و سالم باقى گذاشتن بت بزرگ ، تدبيرى از سوى آن حضرت براى جلب نظر مردم و توجه دادن آنان به بطلان بت پرستى بود .

و تاللّه لأكيدنّ أصنمكم . .. فجعلهم جذذًا إلاّكبيرًا لهم لعلّهم إليه يرجعون

<فاء> در <فجعلهم>

یـا برای ترتیب است و یـا برای تعقیب. در هر دو صورت گویـای این است که عمل حضـرت ابراهیم(ع) مصـداق همان حیله و تدبیری بود که بر آن سوگند یاد کرده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۹ - ۱،۲،۳،۷

۱- پس از در هـم شکسـته شـدن بـت هـا به وسـیله ابراهیم (ع) ، بت پرسـتان به پرسوجـو از یکـدیگر در مـورد شـکننده آنها پرداختند .

فجعلهم جذذًا . .. قالوا من فعل هذا بالهتنا

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <مَن> اسم استفهام باشد.

۲- ابراهیم (ع) ، در نبود مردم ، بت ها را در هم شکست و هیچ کس از آن با خبر نشد .

قالوا من فعل هذا بالهتنا

پرسوجوی بت پرسـتان از یکدیگر در باره شـکننده بت ها و نیز پاسخ برخی از از آنان به این که ابراهیم(ع) از بت ها بدگویی می کرد، (فتی یذکرهم) به جای این که بگویند: ما دیدیم چه کسی شکسته است گویای برداشت یاد شده است.

۳- قوم ابراهیم ، پس از مشاهده در هم شکسته شدن بت ها ، به عجز و ناتوانی آنها پی بردند .

إلاّکبیرًا . .. إلیه یرجعون . قالوا من فعل هذا بالهتنا

از این که قوم ابراهیم، بت هـا را مورد سؤال قرار ندادنـد و به دنبـال عاملی غیر از آنها بودنـد، می توان برداشت یاد شـده را به دست آورد. به ویژه اگر ضمیر در <إلیه> به <کبیراً> (بت بزرگ) بازگردد.

۷- حضرت ابراهیم (ع) به خاطر شکستن بت ها ، در پندار قومش ظالم و

ستمگر بود .

قالوا من فعل هذا بالهتنا إنّه لمن الظلمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶۰ - ۱،۲،۳

۱- ابراهیم (ع) در نظر قوم خود ، مظنون به شکستن بت ها بود .

قالوا سمعنا فتًی یذکرهم یقال له إبرهیم

۲- ابراهیم (ع) در دوران جوانی ، بت ها را در هم شکست و مبارزه با بت پرستی را آغاز کرد .

قالوا سمعنا فتًی یذکرهم

۳- ابراهیم (ع) تصمیم خود بر حیله و چاره اندیشی علیه بت ها را با برخی از بت پرستان در میان گذاشته بود .

ما هذه التماثیل . .. قالوا سمعنا فتًی یذکرهم

از این که بت پرستان گفتند: <شنیده ایم که ابراهیم از بت ها بدگویی می کند>، استفاده می شود که آنان این سخنان را مستقیماً از وی نشنیده اند و از سویی دیگر گروهی بودند که مستقیماً سخنان تهدیدآمیز ابراهیم(ع) را شنیده و برای گروه دیگر نقل کرده بودند. دو آیه پیش (تاللّه لأکیدنّ أصنامکم بعد أن تولّوا...) که خطاب <أصنامکم> برای مخاطب حاضر است مؤید همین برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶۱ - ۱،۲،۳

۱- بت پرستان ، خواهان احضار ابراهیم (ع) و بازجویی علنی از وی برای کشف شکننده بت ها

قالوا فأتوا به علی أعین الناس

۲- بت پرستان ، حضرت ابراهیم (ع) را به منظور گواهی دادن مردم به مجرم بودن او در شکستن بت ها ، احضار کردند .

فأتوا به . .. لعلّهم یشهدون

۳- بت پرستان ، حضرت ابراهیم

(ع) را به منظور نشان دادن کیفر بت شکنی او به عموم مردم ، احضار کردند .

فأتوا به . .. لعلّهم یشهدون

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <یشهدون> به معنای <یحضرون> (حضور پیدا کنند) باشد. بر اساس این احتمال، مقصود از حضور مردم به تناسب مورد آیه حضور برای دیدن کیفر و عقوبت ابراهیم(ع) خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶۲ - ۱،۲

۱- بت پرستان ، حضرت ابراهیم (ع) را شکننده بت ها می دانستند .

قالوا ءأنت فعلت هذا بالهتنا یإبرهیم

۲- بت پرستان ، ابراهیم (ع) را برای اعتراف به شکستن بت ها مورد بازجویی قرار دادند .

قالوا ءأنت فعلت هذا بالهتنا یإبرهیم

استفهام در <ءأنت> استفهام تقریری و به منظور اعتراف گرفتن از مخاطب است; یعنی، بت پرستان می دانستند که ابراهیم(ع) شکننده بت ها است; ولی به خاطر اقرار و اعتراف گرفتن از آن حضرت گفتند: <ءأنت فعلت>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶۳ - ۱،۲،۳،۴

۱- ابراهیم (ع) در پاسخ سؤال از شکننده بت ها ، ابتدا شکستن بت ها را به بت بزرگ نسبت داد .

قال بل فعله کبیرهم

۲- نسبت شکستن بت ها به بت بزرگ از سوی ابراهیم (ع) ، زمینه تنبّه بت پرستان به بطلان عقیده بت پرستی بود ; نه نسبتی دروغ از جانب آن حضرت .

قال بل فعله کبیرهم

ابراهیم(ع) با نسبت دادن شکستن بت ها به بت بزرگ، نه تنها دروغ نگفت; بلکه با اشاره ای

بلیغ، حقیقت ماجرا را بیان کرد; زیرا ابراهیم(ع) با جمله <فسئلوهم. ..> خواست به بت پرستان بفهمانند که بت ها از سخن گفتن عاجزند، تا چه رسد به شکستن. پس باید پذیرفت که معبود عاجز، شایسته پرستش نیست. گفتنی است که آیه بعد (این که بت پرستان با شنیدن پاسخ ابراهیم(ع) به خود آمدند و متنبه شدند) مؤید برداشت یاد شده است.

۳- ابراهیم (ع) در یک شگرد عالمانه ، از بت پرستان خواست تا از خود بت ها در باره شکننده آنها پرسوجو کنند .

فسلوهم إن كانوا ينطقون

ابراهیم(ع) با نسبت دادن شکستن بت ها به بت بزرگ و درخواست از بت پرستان به پرس و جو کردن از بت ها برای شناسایی بت شکن، شگردی عالمانه را در مبارزه با بت پرستی برگزید; زیرا بت پرستان از این طریق به آسانی به بطلان راه خویش پی بردند; چنان که آیه بعد (فرجعوا إلى أنفسهم. ..) گویای همین حقیقت است.

۴- ابراهیم (ع) با درخواست از بت پرستان برای بازجویی از بت ها ، عجز و ناتوانی آنها را برای آنان به نمایش گذاشت .

فسلوهم إن كانوا ينطقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶۴ - ۱،۲،۳،۴

۱- قوم بت پرست ابراهیم ، پس از آگاه شدن از ناتوانی بت ها از سخن گفتن ، به خود آمده و به تفکر و اندیشه در عقیده خویش فرو رفتند .

فرجعوا إلى أنفسهم

برداشت یاد شده مبتنی براین است که مقصود از <فرجعوا إلى أنفسهم> به خود آمدن و رجوع هر یک از بت پرستان به وجدان و ضمیر

خود و به فکر فرو رفتن آنان باشد.

۲- قوم بت پرست ابراهیم پس از آگـاه شـدن از نـاتوانی بت ها از سـخن گفتن ، به یک دیگر مراجعه کرده و به سـرزنش هم پرداختند .

فرجعوا إلی أنفسهم فقالوا إنّکم أنتم الظلمون

برداشت، براساس این احتمال است که مقصود از <أنفسهم> رجوع هر یک از بت پرستان به یک دیگر باشد که با مخاطب قرار دادن هم دیگر (فقالوا إنّکم أنتم. ..) به ملامت هم پرداختند.

۳- استدلال ابراهیم (ع) بر بطلان شرک و شگرد او در مبارزه با بت پرستی ، تأثیری کامل بر تمامی قومش داشت .

قال بل فعله کبیرهم . .. فرجعوا إلی أنفسهم فقالوا انّکم أنتم الظلمون

از این که تمامی قوم ابراهیم، بلافاصله به گمراهی خود اعتراف کردند، قوت استدلال آن حضرت و تأثیر کامل شیوه دعوت او به دست می آید.

۴- بت پرستان قوم ابراهیم ، به ظلم خویش و تبرئه ابراهیم (ع) از آن اعتراف کردند .

فقالوا إنّکم أنتم الظلمون

ضمیر منفصل <أنتم> تأکید برای <کم> است و جمله <إنّکم أنتم. ..> دلالت بر حصر دارد. این حصر از نوع حصر اضافی است; یعنی، منحصراً شما ظالم هستید نه حضرت ابراهیم(ع).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶۵ - ۱،۶

۱- بت پرستان ، در برابر استدلال محکم ابراهیم (ع) بر بطلان شرک ، سر افکنده و شرمسار شدند .

ثمّ نکسوا علی رءوسهم

<نکس> به معنای قلب و برگرداندن قسمت بالای شیء به پایین و برعکس است. جمله <نکسوا علی رءوسهم> تمثیل (از نوع تشبیه معقول به محسوس) و کنایه از

افرادی است که از شدت شرمساری و سر افکندگی، سر آنان به طرف پایین بدنشان قرار می گیرد.

۶- بت پرستان ، استدلال های ابراهیم (ع) بر بطلان شرک را نادرست انگاشته و او را به خاطر شکستن بت ها مجرم دانستند .

فسلوهم إن کانوا ینطقون . .. ثمّ نکسوا علی رءوسهم لقد علمت ما هؤلاء ینطقون

جمله <لقد علمت ما هؤلاء ینطقون> پاسخ مشرکان به کلام ابراهیم(ع) (فسئلوهم إن کانوا ینطقون) است; یعنی، تو می دانی که بت ها از سخن گفتن عاجزاند، پس چرا ما را به سؤال کردن از بت ها حواله می دهی. لابد سؤال تو برای فرار از اتهام بت شکنی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶۶ - ۱،۴

۱- ابراهیم (ع) قومش را به خاطر عبادت غیر خدای یکتا ، مورد سرزنش قرار داد .

قال أفتعبدون من دون اللّه

همزه در <أفتعبدون> از نوع استفهام انکاری توبیخی است.

۴- حضرت ابراهیم (ع) برای اثبات توحید و بطلان شرک از شیوه آگاه کردن بت پرستان به ناتوانی بت ها و به اعتراف واداشتن آنان بر این حقیقت استفاده کرد .

فسلوهم إن کانوا ینطقون . .. لقد علمت ما هؤلاء ینطقون . قال أفتعبدون من دون الل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶۷ - ۴

۴- ابراهیم (ع) قوم بت پرست خویش را به خاطر تعقل نکردن در باور ها و اندیشه های خود ، مورد سرزنش قرار داد .

أُفّ لکم . .. أفلاتعقلون

همزه در <أفلاتعقلون> برای استفهام توبیخی است.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶۸ - ۱،۳،۴،۶

۱- ابراهیم (ع) ، از سوی بت پرستان محکوم به سوزانده شدن در آتش شد .

قالوا حرّقوه

۳- درماندگی و ناتوانی قوم ابراهیم ، از مقابله با منطق ابراهیم (ع)

قال أفتعبدون من دون اللّه ما لاینفعکم . .. قالوا حرّقوه وانصروا ءالهتکم

بت پرستان در برابر سخنان منطقی و مواضع به حق حضرت ابراهیم(ع)، متوسل به زور و تهدید شدند. از این نکته می توان برداشت یاد شده را استفاده کرد.

۴- بت پرستان در جهت یاری به بت پرستی و جلوگیری از نفوذ منطق ابراهیم (ع) ، از طرف گروهی برای کشتن آن حضرت تحریک شده بودند .

قالوا حرّقوه و انصروا ءالهتکم

آهنگ جمله <إن کنتم فاعلین> (اگر بناست کاری بکنید) نوعی تحریک است و ظاهر آیه این است که گویندگان (قالوا) و دستور دهندگان (حرّقوه و انصروا)، با شنوندگان و دستور گیرندگان دو گروه بودند و گروه اول دسته دوم را تحریک می کردند. از این رو برخی از مفسران، گروه اول را نمرود و عمال او دانسته اند.

۶- سوزاندن کامل ابراهیم (ع) ، تنها راه دفاع از عقیده بت پرستان و معبود های ادعایی در دید قوم او بود .

قالوا حرّقوه و انصروا ءالهتکم إن کنتم فعلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۰ - ۱،۲،۳

۱- توطئه و نیرنگ بت پرستان علیه ابراهیم (ع) ناکام ماند .

و أرادوا به کیدًا فجعلنهم الأخسرین

۲- توطئه و نیرنگ بت پرستان علیه ابراهیم (ع)

، عامل خسران و زیان کاری کامل آنان شد .

و أرادوا به کیدًا فجعلنهم الأخسرین

۳- حضرت ابراهیم (ع) ، علاوه بر افکنده شدن در آتش ، با نیرنگ و توطئه دیگری از سوی بت پرستان روبه رو گشت .

و أردوا به کیدًا فجعلنهم الأخسرین

برداشت یاد شده مبتنی براین است که مقصود از <کیداً> نیرنگ جدید و غیر از افکندن در آتش باشد; زیرا در معنای <کید> محرمانه بودن نهفته است، در حالی که افکندن در آتش کاری علنی بود نه مخفی; به علاوه تعبیر <أرادوا>; یعنی، اراده کردند و خواستند (نه عملی کردن) شاهد این مدعا است. گفتنی است تنوین <کیداً> برای تفخیم و تعظیم باشد که در این صورت بیانگر بزرگی نیرنگ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۱ - ۱،۲،۳

۱- حضرت ابراهیم و لوط (ع) ، از نیرنگ ها و دسیسه های قوم خود ، به اراده الهی نجات یافتند .

و أرادوا به کیدًا . .. و نجّینه و لوطًا إلی الأرض التی برکنا فیها

۲- حضرت ابراهیم و لوط (ع) ، از جامعه آلوده خود به سرزمینی برکت خیز هجرت کردند .

إلی الأرض التی برکنا فیها

۳- حضرت لوط (ع) ، هم چون حضرت ابراهیم (ع) در معرض آزار و اذیت مردم خود قرار داشت .

و نجّینه و لوطًا إلی الأرض التی برکنا فیها

کاربرد یکسان واژه نجات در باره حضرت ابراهیم و لوط(ع) بیانگر برداشت بالا است; زیرا نجات در جایی به کار می رود که خطر و ضرری پیش روی باشد.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۲ - ۱

۱- تولد اسحاق و یعقوب (ع) ، پس از هجرت ابراهیم (ع) بود .

و نجّینه و لوطًا إلی الأرض . .. و وهبنا له إسحق و یعقوب

سیر داستان حضرت ابراهیم در این آیات، بیانگر برداشت یاد شده است. به علاوه این که داستان افکندن ابراهیم به آتش و نجات آن حضرت در زمان جوانی اش بوده است و فرزنددار شدن ابراهیم(ع) در دوران پیری آن حضرت صورت گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۷۲ - ۱

۱ - پرسش بیدارگر ابراهیم از قوم بت پرست خویش درباره شنوایی بت ها

قال هل یسمعونکم إذ تدعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۷۳ - ۲

۲ - بهره گیری ابراهیم (ع) در هدایت قومش ، از محسوس ترین و بدیهی ترین امور

قال هل یسمعونکم . .. أو ینفعونکم أو یضرّون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۷۵ - ۱،۲

۱ - اقدام ابراهیم (ع) به سرزنش قوم خود ، به خاطر پرستش کورکورانه بت ها

قال أفرءیتم ما کنتم تعبدون

استفهام در <أفرءیتم> توبیخی است و مفاد آن این است که: چرا در باره آنچه می پرستید، اندیشه نمی کنید و صرفاً متکی به تقلید کورکورانه از نیاکان خود هستید؟

۲ - ابراهیم (ع) ، برانگیزاننده قوم خویش به نگرش مجدد نسبت به پرستش بت ها

قال أفرءیتم ما کنتم تعبدون

<رأی و رویه> (مصدر <رأیتم>)

هم در مورد نگـاه کردن بـا چشم به کـار می رود و هم در نگریسـتن بـا عقـل. در این جا مورد اخیر مراد است. ضـمناً اسـتفهام در<أفرأیتم> توبیخی و دربردارنده نوعی ترغیب به تأمل و اندیشیدن در عبادت بت ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۷۶ - ۱

۱ - اقدام ابراهیم (ع) به شکستن بتِ سنت گرایی و تقلید بی چون و چرا از نیاکان

أفرءیتم . .. أنتم و ءاباؤکم الأقدمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۳ - ۵

۵ - ابراهیم (ع) آرزومند دریافت حکومت از جانب خدا ، برای هدایت و تدبیرامور مردم

ربّ هب لی حکمًا وألحقنی بالصلحین

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <حکم> در آیه معادل <حکومه> (سرپرستی و تدبیر امور خلق) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۶ - ۱،۲

۱ - طلب آمرزش ابراهیم (ع) از درگاه خداوند ، برای پدرش

و اغفر لأبی

۲ - نگرانی ابراهیم (ع) از گمراهی دیرینه پدر خود

و اغفر لأبی إنّه کان من الضالّین

برداشت یاد شده بدان احتمال است که دعای ابراهیم(ع) در زمان حیات پدرش بوده باشد. بر این اساس به کارگیری <کان> در جمله <إنّه کان من الضالّین> بیانگر گمراهی دیرینه پدرش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۷ - ۵،۶،۹،۱۱،۱۵

۵ - حضرت ابراهیم (ع) برای بیداری قوم اش ، ناتوانی بت ها را تبیین می کرده است

.

إنّما تعبدون . .. أوثنًا ... إنّ الذين تعبدون...لايملكون

۶ - ابراهیم (ع) به قوم خود اعلام کرد که بت ها هیچ گونه توانی برای تأمین روزی آنان ندارند .

و إبرهيم إذ قال . .. إنّ الذين تعبدون من دون اللّه لايملكون لكم رزقًا

۹ - توصیه ابراهیم (ع) قوم اش را برای درخواست روزی از پیشگاه خداوند

و إبرهيم إذ قال لقومه . .. فابتغوا عند اللّه الرزق

۱۱ - دعوت ابراهیم (ع) از قوم اش به پرستش خداوند پس از نهی آنان از بت پرستی

و إبرهيم إذ قال لقومه . .. إنّما تعبدون من دون اللّه أوثنًا ... و اعبدوه

۱۵ - هشدار حضرت ابراهیم (ع) به قوم اش با اعلام بازگشت همگان به سوی خدا

و إبرهيم إذ قال لقومه . .. اعبدوه ... إليه ترجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۸ - ۶

۶ - هشدار ابراهیم (ع) به قوم خویش به جهت تکذیب رسالت اش

و إن تكذّبوا فقد كذّب أمم من قبلكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۴ - ۱۲،۱۰،۹،۸،۶،۵،۴،۳،۱

۱ - تنها واکنش قوم ابراهیم در برابر دعوت آن حضرت به توحید عبادی ، تصمیم به قتل و یا سوزاندن وی بود !

و إبرهيم إذ قال لقومه . .. اعبدوه ... فما كان جواب قومه إلّا أن قالوا اقتلوه أو

۳ - قوم ابراهیم ، برای رویارویی با خیرخواهی او برای آنان ، به خشونت متوسل شدند .

و إبرهيم إذ قال لقومه . .. ذلكم خير لكم ... فما كان

جواب قومه إلاّ أن قالوا اقتل

۴ - کشتن و آتش زدن ، از شیوه های قوم ابراهیم ، برای رویارویی با دعوت توحیدی او بود .

إبرهیم إذ قال . .. ذلکم خیر لکم ... فما کان جواب قومه إلاّ أن قالوا اقتلوه أو حر

۵ - واکنش خشونت آمیز قوم ابراهیم به دعوت توحیدی او ، فراگیر و عمومی بود .

فما کان جواب قومه إلاّ أن قالوا

۶ - در بین قوم ابراهیم ، برای برخورد با ابراهیم (ع) دو دید (کشتن و سوزاندن) وجود داشت .

فما کان جواب قومه إلاّ أن قالوا اقتلوه أو حرّقوه

<أو> در <أو حرّقوه> می تواند برای تنویع و می تواند برای اباحه باشد. بنابر احتمال نخست، می توان استفاده کرد که قوم ابراهیم، برای از بین بردن او، دو دیدگاه داشته اند: عده ای، حکم به اعدام و گروهی، دستور به سوزاندن او می دادند.

۸ - قوم ابراهیم ، سرانجام تصمیم گرفتند که ابراهیم (ع) را در آتش بسوزانند .

فما کان جواب قومه إلاّ أن قالوا اقتلوه أو حرّقوه فأنجیه اللّه من النار

۹ - قوم ابراهیم ، برای عملی ساختن تصمیم خود ، ابراهیم را در آتش پرتاب کردند .

فما کان جواب قومه . .. أو حرّقوه فأنجیه اللّه

<فاء> در <فأنجاه> برای فصاحت است و دلالت بر حذف جمله ای می کند و آن می تواند چنین باشد: <ثم جعلوه فی النار>

۱۰ - خداوند ، ابراهیم (ع) را از آتش نجات داد .

أو حرّقوه فأنجیه اللّه من النار

۱۲ - نجات حضرت ابراهیم (ع) از مجازات قوم اش (آتش ، گستردگی

آتش ، پرتاب کردن ، . . .) ، نشانه های چندی از خدا ، برای اهل ایمان است .

فأنجیه اللّه من النار إنّ فی ذلک لأیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۵ - ۱،۳،۵

۱ - حضرت ابراهیم (ع) پس از نجات از آتش ، قوم خود را ر ها نکرد و به ارشاد آنان پرداخت .

فأنجیه اللّه من النار . .. و قال إنّما اتّخذتم من دون اللّه أوثنًا

۳ - حضرت ابراهیم (ع) برای آگاهی قوم اش ، حقارت و ناتوانی بت ها را تبلیغ می کرد .

و قال إنّمااتّخذتم من دون اللّه أوثنًا

<أوثاناً> به صورت نکره آورده شده و تنوین آن، برای تحقیر است.

۵ - پیام توحیدی حضرت ابراهیم (ع) پیش و پس از انداخته شدن در آتش ، تفاوتی نداشت .

إنّما تعبدون من دون اللّه أوثنًا . .. إلاّ أن قالوا اقتلوه أو حرّقوه ... و قال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۶ - ۳،۴،۵،۷،۸،۱۲

۳ - حضرت ابراهیم (ع) از سرزمین خویش ، پس از واقعه دعوت به توحید و انداخته شدن در آتش و نجات اش از آن ، هجرت کرد .

و إبرهیم إذ قال . .. اعبدوا اللّه ... فما کان جواب قومه إلاّ أن قالوا ... أو حرّ

به قرینه سیاق، مرجع ضمیر فاعلی <قال> حضرت ابراهیم(ع) است.

۴ - هجرت حضرت ابراهیم (ع) از سرزمین خود ، مبنای الهی داشت .

إنّی مهاجر إلی ربّی

۵ - حضرت ابراهیم (ع) ،

در پی برخورد قهرآمیز قوم اش با او ، تصمیم گرفت به سرزمینی هجرت کند که در آن ، برای انجام رسالت اش ، آزادی عمل داشته باشد .

و قال إنّی مهاجر إلی ربّی

مراد از <هجرت به سوی پرودگار> دستیابی به مکانی است که حضرت ابراهیم(ع) بتواند آنچه را برعهده او گذاشته است، بدون مزاحمت دشمنان اش، به انجام برساند.

۷ - حضرت ابراهیم (ع) تصمیم اش را برای هجرت ، به قوم خود اعلان کرد .

و قال إنّی مهاجر إلی ربّی

اگر چه برای <قال> مفعول به ذکر نشده است، اما به قرینه سیاق گفتوگوی حضرت ابراهیم(ع)با قوم اش استفاده می شود که او، جریان هجرت اش، را با قوم اش در میان گذاشته است.

۸ - حضرت ابراهیم (ع) ، وقتی محیط را برای انجام رسالت اش مساعد ندید ، تصمیم به هجرت از آنجا گرفت .

قالوا . .. حرّقوه فأنجیه اللّه من النار ... و قال إنّی مهاجر إلی ربّی

۱۲ - < عن أبی جعفر (ع) . . . أمّا ابراهیم (ع) نبوّته بکوثی ربّا و هی قریه من قری السواد فیها بدأ اوّل أمره ثم هاجر منها و لیست بهجره قتال . و ذالک قول اللّه عزّوجلّ : < إنّی مهاجر إلی ربّی . . . > ;

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: . ..رسالت ابراهیم، از قریه <کوثی ربّا> یکی از روستاهای سواد (عراق) است شروع شد و آنگاه از آنجا هجرت کرد. این، هجرتِ جنگ نبود و آن، همان سخن خدای عزّوجلّ <إنّی مهاجر إلی ربّی...> است>.

جلد - نام سوره -

سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۳۱ – ۴

۴ – فرستادگان خداوند برای عذاب قوم لوط ، مژده و بشارتی را (تولد اسحاق (ع)) ، نیز به ابراهیم (ع) دادند .

و لمّا جاءت رسلنا إبرهیم بالبشری

این آیه، با آیات پنجاه و یک تا شصت و دو سوره حجر یک سیاق دارند، که در آن آیات به ابراهیم(ع) بشارت فرزنددار شدن داده شده است. آن آیات، قرینه است که <البشری> در این آیه نیز همان بشارت را همراه دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۸۵ – ۱

۱ – ابراهیم (ع) ، آیین شرک و بت پرستی پدر و قومش را زیر سؤال برد و آن را محکوم کرد .

إذ قال لأبیه و قومه ماذا تعبدون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۸۸ – ۱،۲،۳

۱ – حضرت ابراهیم (ع) پس از دعوت شدن از سوی قومش برای خروج از شهر به تفکر عمیق در این باره پرداخت .

فنظر نظره فی النجوم

برداشت یاد شده براساس دو نکته است: ۱ <فاء> در <فنظر> عاطفه و جمله <فنظر. ..> عطف بر جمله مقدر است و تقدیر آن چنین است: <قال قومه اُخرج معنا فنظر...>. ۲ جمله <فنظر نظره فی النجوم>، ضرب المثلی است برای کسی که می خواهد به تفکر بپردازد. ازاین رو به آسمان می نگرد تا اشیا و موجودات پیرامونش، او را از تفکر درست باز ندارد (لسان العرب).

۲ – حضرت ابراهیم (ع) ،

به هنگام فراخوانده شدن برای خروج از شهر ، به منظور تصمیم گیری در این باره به ستارگان نگریست .

فنظر نظره فی النجوم

برداشت یاد شده، بر این اساس مبتنی است که نگاه حضرت ابراهیم(ع) به ستارگان به معنای حقیقی آن باشد; نه کنایه از به تفکر فرورفتن.

۳ - دعوت مشرکان از ابراهیم (ع) برای خروج از شهر ، در شب هنگام بود .

فنظر نظره فی النجوم

نگاه ابراهیم(ع)، به ستارگان حاکی است که این نگاه در شب بود; زیرا ستارگان در شب مشاهده می شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۹ - ۱،۲،۳،۴،۵

۱ - ابراهیم (ع) ، پس از اندیشه عمیق ، مریض بودن خود را به قومش اعلام کرد .

فنظر نظره فی النجوم . فقال إنّی سقیم

۲ - مریض بودن ابراهیم (ع) ، به هنگام دعوت شدن از جانب قوم خود برای خروج از شهر

فقال إنّی سقیم

۳ - مریض بودن ، عذر و دلیل ابراهیم (ع) برای نپذیرفتن دعوت قوم خود برای خروج از شهر و شرکت در مراسم سالانه مشرکان

فقال إنّی سقیم

۴ - ابراهیم (ع) ، به مرضی موسمی و فصلی مبتلا بود .

فنظر نظره فی النجوم . فقال إنّی سقیم

اگر پذیرفته شود که نگاه ابراهیم(ع) به ستارگان نگاه با چشم و حقیقی بود، می توان گفت که اظهار بیماری پس از این نگاه، حاکی است که ایشان به مرضی موسمی و فصلی گرفتار بود که با نگاه به ستارگان، توانسته بود وقت رو به رو شدن با مرض موسمی خود را پیش بینی کند

(هم زمان با روز مراسم ویژه).

۵ - ابراهیم پیامبر ، از رفتن به بیرون شـهر برای شرکت در مراسم سالانه مشرکان پیش از دریافت دعوت قومش پرهیز می کرد .

فقال إنّی سقیم

پیشنهاد مردم مشرک به ابراهیم(ع) برای بیرون رفتن از شهر با آن که همگان بر این امر مبادرت ورزیدند می تواند به دلیل این نکته باشد که آن حضرت از این کار امتناع داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۹۰ - ۱،۲،۳

۱ - خروج مشرکان از شهر و تنها گذاشتن ابراهیم (ع) در آن ، پس از اعتذار آن حضرت

فتولّوا عنه مدبرین

<مـدبرین> حال مؤکـد برای فعل <تولوا> است و بر این نکته تأکیـد دارد که روی گردانی مشـرکان از ابراهیم(ع) همراه با پشت کردن به او و رو کردن به جانب قرارگاه خویش در بیرون از شهر بوده است.

۲ - عذر و دلیل ابراهیم (ع) ، برای شرکت نکردن در مراسم سالانه مشرکان ، مورد پذیرش آنان قرار گرفت .

فقال إنّی سقیم . فتولّوا عنه مدبرین

رفتن و پشت کردن مشرکان به ابراهیم(ع) بدون هیچ سخنی و اعتراضی حاکی از مطلب یاد شده است.

۳ - < عن حجر عن أبی عبـداللّه (ع) قـال : خالف ابراهیم (ع) قومه و عاب آلهتهم . . . قال أبوجعفر (ع) : عاب آلهتهم < فنظر نظره فی النجوم فقال إنّی سقیم > . . . و اللّه ما کان سقیماً و ما کذب فلمّا تولّوا عنه مدبرین إلی عید لهم ، دخل ابراهیم

إلی آلهتهم فکسر ها إلاّ کبیراً لهم . . . ;

از حجر نقل شده که از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: ابراهیم با قومش مخالفت کرد و خدایان آنها را مورد عیب جویی خود قرار داد . .. امام باقر(ع) فرمود: از معبودهای آنان خرده گرفت <فنظر نظره فی النجوم فقال إنی سقیم> ...به خدا سوگند ابراهیم مریض نبود و دروغ هم نگفت. پس چون قومش برای عیدی که داشتند از پیش ابراهیم(ع) رفتند، او [با تبر] به سوی معبودهای آنان رفت و آنها را شکست مگر بزرگ ترین بت آنان را...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۹۱ - ۱،۲،۳

۱ - رفتن مخفیانه ابراهیم (ع) ، به جانب معبود های مشرکان پس از خروج آنان از شهر

فراغ إلی ءالهتهم

<روغ> (مصدر <راغ>) در اصل به معنای تمایل به چیزی به صورت سرّی و پنهانی است.

۲ - استهزای معبود های مشرکان در بتکده از سوی ابراهیم (ع) ، با توجه به ناتوانی آنان از خوردن بود .

فراغ إلی ءالهتهم فقال ألا تأکلون

استفهام در <ألا تأکلون> برای استهزا است.

۳ - وجود غذا در بتکده ، به هنگام رفتن مردم از شهر و آمدن ابراهیم (ع) به آن بتکده

فراغ إلی ءالهتهم فقال ألا تأکلون

پرسش استهزاآمیز ابراهیم(ع) از بت ها برای غذا خوردن، می رساند که در محل معبودهای مشرکان، غذا وجود داشت. گفتنی است که در تاریخ آمده است: مشرکان غذاهایی را برای متبرک شدن نزد بت ها می گذاشتند که این موضوع، می تواند مؤید برداشت بالا باشد.

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۹۲ - ۱،۲

۱ - استهزای معبود های مشرکان از سوی ابراهیم (ع) ، با توجه به ناتوانی آنها از سخن و گفتوگو

ما لکم لاتنطقون

۲ - گفتوگوی طعن آمیز ابراهیم (ع) ، با معبود های مشرکان در بتکده

فقال ألا تأکلون . ما لکم لاتنطقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۹۳ - ۱،۲،۳،۴،۵

۱ - ابراهیم (ع) ، با دست راست ضربه ای محکم بر بت ها و معبود های مشرکان وارد ساخت .

فراغ علیهم ضربًا بالیمین

برداشت یاد شده از مقید شدن <ضربا> به <بالیمین> (دست راست) به دست می آید که ضربه ابراهیم(ع) محکم بود; زیرا دست راست نیرومندتر از دست چپ است و مردم نوعا از دست راست خود برای ضربه شدید استفاده می کنند.

۲ - ضربه ابراهیم (ع) به بت ها و شکستن آنها ، به صورت سرّی و پنهانی بود .

فراغ علیهم ضربًا بالیمین

برداشت یاد شده با توجه به معنای لغوی <راغ> است; زیرا <روغ> (مصدر <راغ>) به معنای تمایل به چیزی به صورت سری و پنهانی است.

۳ - شدت غضب و خشم ابراهیم (ع) ، به هنگام شکستن بت ها و معبودها

فراغ علیهم ضربًا بالیمین

گفتوگوی ابراهیم(ع) با بت ها با آن که آن حضرت می دانست که آنها از سخن گفتن ناتوان اند می تواند به منظور تقویت روح غضب و خشم خود نیست به آنها باشد تا عمل شکستن آنها خشمگینانه انجام گیرد.

۴ - سوگند ابراهیم (ع) ، بر

شکستن بت های مشرکان

فراغ علیهم ضربًا بالیمین

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که <یمین> به معنای قسم باشد. بر این اساس <با> به معنای سببیت است; یعنی، ابراهیم(ع) به سبب سوگندی که یاد کرده بود، ضربه ای محکم بر بت ها فرود آورد.

۵ - وفای ابراهیم (ع) ، به سوگند خویش در شکستن بت ها

فراغ علیهم ضربًا بالیمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۹۴ - ۱،۲

۱ - حرکت شتابان مشرکان به سوی ابراهیم (ع) ، پس از آگاهی از شکسته شدن بت ها

فأقبلوا إلیه یزفّون

<فا> برای تفریع <فأقبلوا. ..> بر جمله ای مقدر است و تقدیر آن چنین است: <فبلّغ قومه من رأه فأقبلوا إلیه; کسی که شکسته شدن بت ها را دید، به مردم اطلاع داد. سپس آنان شتابان به جانب ابراهیم(ع) روی آوردند>. گفتنی است: <زف> (مصدر <یزفّون>) به معنای حرکت شتابان است.

۲ - شدت خشم و نگرانی قوم ابراهیم ، از شکسته شدن بت های شان

فأقبلوا إلیه یزفّون

حرکت شتابان قوم ابراهیم به جانب آن حضرت پس از شکسته شدن بت ها، می تواند گویای برداشت بالا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۹۵ - ۱،۵

۱ - ابراهیم (ع) مشرکان را به خاطر پرستش معبود های دست ساز خود سرزنش کرد .

قال أتعبدون ما تنحتون

<نحت> (ماده <تنحتون>) به معنای تراشیدن شیء سخت (چون سنگ و چوب) است.

۵ - < عن أبى عبداللّه (ع) : أخذ ابراهيم القدوم فكسر الصنم الذى عمله ، ففزع أبوه من

ذلك فزعاً شديداً ، فقال له : أيّ شـيء عملت ؟ فقال له ابراهيم (ع) : و ما تصنعون به ؟ فقال آزر : نعبده ، فقال له ابراهيم : > أتعبدون ما تنحتون < . . . ;

از امام صادق(ع) روايت شـده: . .. ابراهيم(ع) تبر را برداشت و بتى را كه آزر ساخته بود شكست و آزر فرياد شديدى از روى ترس برآورد و به ابراهيم(ع) گفت: چه كـارى كردى؟ ابراهيم(ع) در جواب گفت: با بت چه مى كنيـد؟ آزر گفت: آن را مى پرستيم. ابراهيم(ع) در جواب گفت: >أتعبدون ما تنحتون; آنچه را خود مى تراشيد، مى پرستيد؟<

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۹۷ - ۱،۲،۴

۱ - توصيه دسته جمعى مشركان به يكديگر ، مبنى بر ساختن بنايى براى سوزاندن ابراهيم (ع)

قالوا ابنوا له بنيٰنًا فألقوه فى الجحيم

۲ - تصميم دسته جمعى مشركان بر سوزاندن ابراهيم (ع) در آتشى پرحرارت و پرشعله

فألقوه فى الجحيم

>جحيم< (از ماده >جحمه<) به معناى شدت شعله و حرارت آتش است.

۴ - ابراهيم (ع) ، در آغاز مبارزه اش با شرك و بت پرستى ، قدرت اجتماعى و جايگاه نيرومندى در ميان قوم خود نداشت .

قالوا ابنوا له بنيٰنًا فألقوه فى الجحيم

تصـميم بر نابودى ابراهيم(ع) با سوزانـدن او، در انبوهى از آتشـى كه مردم هيزم آور آن بودنـد بدون اين كه احدى از او دفاع كند مى تواند گوياى برداشت بالا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۹۸ - ۱،۲،۳

۱

- نیرنگ و توطئه گسترده مشرکان برای نابودی ابراهیم (ع)

فأرادوا به کیدًا

۲ - سوزاندن ابراهیم (ع) با انبوهی از آتش پرشعله ، مکر و توطئه مشرکان در راستای نابودی آن حضرت

فألقوه فی الجحیم . فأرادوا به کیدًا فجعلنهم الأسفلین

۳ - نجات ابراهیم (ع) ، از میان تلی از آتش پرشعله مشرکان

فألقوه فی الجحیم . .. فجعلنهم الأسفلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۹۹ - ۱،۵،۷،۱۰،۱۱،۱۳

۱ - تصمیم ابراهیم (ع) ، به هجرت از وطن خود به شهری دیگر و اعلام آن به مردم

قال إنّی ذاهب إلی ربّی

بیشتر مفسران برآننـد که مقصـود از رفتن به سـوی پروردگـار (ذاهب إلی ربی) هجرت است و آمـدن <قـال> در آغـاز آیه شریفه، می رساند که ابراهیم(ع) تصمیم خود مبنی بر هجرت را به مردم اعلام کرد.

۵ - مصون ماندن از اذیت و توطئه های سهمگین مشرکان ، فلسفه هجرت ابراهیم (ع)

و قال إنّی ذاهب إلی ربّی

برخی از مفسـران بر این عقیده اند که اعلام هجرت از سوی ابراهیم(ع)، برای صـرف نظر کردن مشـرکان از تعقیب و مجازات آن حضـرت پس از نجـات از آتش بوده است. بـدین صورت که آن حضـرت می خواست از اذیت هـا و توطئه های مشـرکان رهایی یابد.

۷ - راه یابی بهتر به مقصد و خیر و صلاح افزون تر در پرتو عنایت خداوند ، فلسفه هجرت ابراهیم (ع)

و قال إنّی ذاهب إلی ربّی سیهدین

به قرینه این که رسالت ابراهیم(ع) پس از هجرت هم ادامه داشت به دست می آید که مراد از هدایتی

که مورد درخواست آن حضرت بود، ره یابی به مقصد و خیر و صلاحی است که ایشان از آغاز به دنبال آن بوده است.

۱۰ - توکل ابراهیم (ع) بر خداوند ، در برابر دشمنان رسالت

و قال إنّی ذاهب إلی ربّی سیهدین

۱۱ - ناامید شدن ابراهیم (ع) ، از هدایت قومِ بت پرست خویش

و قال إنّی ذاهب إلی ربّی سیهدین

از تصمیم ابراهیم(ع) برای هجرت از شهر خود پس از نجات یافتن از آتش افروزی مشرکان علیه ایشان برداشت یاد شده به دست می آید.

۱۳ - < عن ابراهیم بن أبی زیادالکرخی ، قال : سمعت أباعبداللّه (ع) یقول : إنّ إبراهیم (ع) . . . لمّا کسر أصنام نمرود . . . فأمرهم أن ینفوا إبراهیم من بلاده . . . فأخرجوا إبراهیم و لوطاً معه (ع) من بلادهم إلی الشام . فخرج ابراهیم (ع) و معه لوط لایفارقه و ساره و قال لهم < إنی ذاهب إلی ربّی سیهدین > یعنی بیت المقدس ;

ابراهیم بن ابی زیاد کرخی می گوید: از امام صادق(ع) شنیدم که می فرمود: ابراهیم(ع) . .. چون بت های نمرود را شکست ... نمرود به اصحابش دستور داد ابراهیم(ع) را از شهر برانند ... پس ابراهیم(ع) را در حالی که لوط(ع) هم راه او بود، از شهرشان به سوی شام اخراج کردند و در حالی که لوط و ساره با او بودند [از شهر بیرون آمدند] و ابراهیم به آنان گفت: <إنی ذاهب إلی ربی سیهدین>; یعنی، به سوی بیت المقدس می روم>.

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۰ - ۱،۳

۱ - ابراهیم (ع) از خداوند ، فرزندی صالح درخواست کرد .

ربّ هب لی من الصلحین

مفعول فعل <هب> در تقدیر است: <هب لی ولداً من الصالحین; مرا فرزندی از صالحان ببخش>.

۳ - ابراهیم (ع) تا پیش از افکنده شدن در آتش و هجرت از موطن خود ، بی فرزند بود .

و قال إنّی ذاهب إلی ربّی سیهدین . ربّ هب لی من الصلحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۱ - ۲،۱۱

۲ - دعای ابراهیم (ع) برای فرزنددار شدن ، مورد استجابت پروردگار قرار گرفت .

ربّ هب لی من الصلحین . فبشّرنه بغلم حلیم

۱۱ - < بریده بن معاویه العجلی قال : قلت لأبی عبداللّه (ع) کم کان بین بشاره ابراهیم باسماعیل و بین بشارته بإسحاق قال کان بین البشارتین خمس سنین قال اللّه سبحانه فبشّرناه بغلام حلیم یعنی اسماعیل . . . فلمّا کان فی اللیل أتی ابراهیم آت من ربّه فأراه الرؤیا فی ذبح ابنه اسماعیل بموسم مکه . . . ثمّ انطلقا إلی السعی فلمّا صارا فی المسعی قال ابراهیم (ع) لاسماعیل یابنیّ إنّی أری فی المنام أنّی أذبحک فی موسم عامی هذا فماذا تری قال یا أبت افعل ما تؤمر . . . و فدی اسماعیل بکبش عظیم فذبحه و تصدق بلحمه علی المساکین ;

برید عجلی گوید: به امام صادق(ع) گفتم: بین بشارت ابراهیم به اسماعیل و بشارت او به اسحاق، چه مقدار فاصله بود؟ حضرت فرمود: فاصله دو بشارت پنج

سال بود خدا می فرماید: <فبشّرناه بغلام حلیم; یعنی، . ..چون شب شد فرستاده ای از سوی خدا نزد ابراهیم آمد و در خواب ذبح فرزندش اسماعیل را در زمان حج در مکه به او نشان داد... آن گاه هر دو برای سعی به راه افتادند و چون به محل سعی رسیدند، ابراهیم به اسماعیل گفت: پسرم! من در خواب دیدم که تو را امسال در زمان حج ذبح می کنم، تو چه نظری داری؟ اسماعیل گفت: ای پدر! آنچه را مأمور شدی انجام ده ... و قوچ بزرگی به جای اسماعیل فدیه شد. پس ابراهیم(ع) آن را ذبح کرد و گوشت آن را به مساکین صدقه داد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۲ - ۱،۲،۴،۵،۶،۹،۱۱،۱۶

۱ - اسماعیل (ع) به هنگام نوجوانی ، در معیت پدرش ابراهیم (ع) به سعی و تلاش می پرداخت .

فبشّرنه بغلم حلیم . فلمّا بلغ معه السعی

۲ - اسماعیل (ع) ، کمک کار پدرش ابراهیم (ع) در مسائل اجتماعی و زندگی

فلمّا بلغ معه السعی

از آمدن قید <معه> (در معیت او) برداشت یاد شده به دست می آید.

۴ - ابراهیم (ع) ، خواب خود را با فرزندش اسماعیل در میان گذاشت .

قال یبنیّ إنّی أری فی المنام أنّی أذبحک

۵ - مشورت و نظرخواهی ابراهیم (ع) ، از فرزندش اسماعیل نسبت به ذبح وی

أنّی أذبحک فانظر ماذا تری

از لحن جمله <فانظر ماذا تری> (بنگر تا رأی تو چیست؟) نوعی نظر خواهی و مشورت استفاده می شود. البته فلسفه این کار، استفاده

ابراهیم(ع) از نظرات اسماعیل(ع) نبود; بلکه یا برای آزمایش فرزندش بود و یا به منظور زمینه سازی برای پذیرش بی تحمیل فرمان ذبح از جانب اسماعیل(ع)

۶ - ابراهیم (ع) ، فرزندش اسماعیل (ع) را برای اجرای فرمان ذبح او آزمایش کرد و وی را برای سر بلند شدن در این آزمایش بزرگ آماده نمود .

أنّی أذبحک فانظر ماذا تری

۹ - اعلام رضایت و تسلیم اسماعیل (ع) ، در مقابل فرمان قربانی شدن

قال یأبت افعل ما تؤمر

۱۱ - مأموریت ابراهیم (ع) ، به ذبح فرزندش از راه خواب بود .

یبنیّ إنّی أری فی المنام أنّی أذبحک . .. قال یأبت افعل ما تؤمر

۱۶ - وعده شکیبایی اسماعیل (ع) به پدرش (ابراهیم (ع)) به هنگام انجام مأموریت ذبح

یأبت افعل ما تؤمر ستجدنی إن شاء اللّه من الصبرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۳ - ۱

۱ - تسلیم ابراهیم (ع) و فرزندش اسماعیل (ع) ، در برابر فرمان خداوند به ذبح

إنّی أری فی المنام أنّی أذبحک . .. قال یأبت افعل ما تؤمر ... فلمّا أسلما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۷ - ۱

۱ - خداوند ، به جای قربانی اسماعیل (ع) ، قربانی دیگری پذیرفته و جان او را حفظ کرد .

و فدینه بذبح عظیم

<فدیه> و <فداء> (از ماده <فدینا>) به معنای قرار دادن چیزی به جای شیء دیگری به منظور دفع ضرر از آن شیء است.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۲ - ۱

۱ - بشارت خداوند به ابراهیم (ع) ، به تولد فرزندی به نام اسحاق برای او

و بشّرنه بإسحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۶ - ۱

۱ - اعلان برائت حضرت ابراهیم (ع) از شرک و بت پرستی قوم خود

و إذ قال إبرهیم لأبیه و قومه إنّنی براء ممّا تعبدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۵ - ۴،۶،۷،۹

۴ - گفتوگوی مستقیم و رودرروی فرشتگان با حضرت ابراهیم (ع)

فقالوا سلمًا قال سلم

۶ - پاسخ ابراهیم (ع) به سلام میهمانان خویش ، قبل از هر سخن دیگر

فقالوا سلمًا قال سلم

۷ - تحیت و سلام ابراهیم (ع) ، بهتر و افزون تر از تحیت و سلام فرشتگان وارد بر آن حضرت

فقالوا سلمًا قال سلم

برداشت یاد شده با توجّه به این نکته است که تحیت فرشتگان، جمله فعلیه و مفید حدوث است; زیرا <سلام> به تقدیر <نسلّم سلاماً> می باشد. اما تحیت حضرت ابراهیم(ع)، جمله اسمیه و مفید ثبوت است; زیرا به تقدیر <سلام علیکم> است.

۹ - میهمانان وارد شده بر ابراهیم (ع) ، مردانی ناشناس برای آن حضرت

قوم منکرون

<منکر> نقطه مقابل <معروف> (شناخته شده) است; یعنی، <هم قوم منکرون له> (آنان برای او (ابراهیم(ع)) گروهی ناشناخته بودند).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۶ - ۱،۳،۵،۶،۷

۱ - اقدام بی درنگ و نهانی حضرت ابراهیم (ع)

در تهیه غذا ، برای میهمانان گرامی خویش

فراغ إلی أهله فجاء بعجل سمین

از <فاء> در <فراغ> تسریع استفاده می شود. ماده <راغ> نیز بیانگر اقدام پنهانی و غیرعلنی است.

۳ - مراجعه حضرت ابراهیم (ع) به همسر خود ، برای تهیه غذای میهمانان

فراغ إلی أهله فجاء بعجل سمین

۵ - محل سکونت همسر ابراهیم (ع) مجزا از محیط پذیرایی میهمانان *

فراغ إلی أهله

حرکت مخفیانه ابراهیم(ع) به سوی اهل، در جایی فرض می شود که محیط خانواده آن حضرت در معرض دید میهمانان نبود.

۶ - پذیرایی کامل ابراهیم (ع) از میهمانان خود ، در عین ناشناس بودن آنان برای آن حضرت

قوم منکرون . فراغ ... فجاء بعجل سمین

<عجل سمین> (گوساله چاق)، نشان می دهد که به هر حال ابراهیم(ع)، درصدد پذیرایی مفصل از میهمانان ناشناس خویش بود.

۷ - پذیرایی ابراهیم (ع) از میهمانان خویش ، با گوساله ای فربه و بریان

فجاء بعجل سمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۷ - ۱،۲

۱ - تقاضای حضرت ابراهیم (ع) از میهمانان ، برای خوردن غذا همراه با نهادن آن در دسترس آنان

فقرّبه إلیهم

۲ - پذیرایی شخص ابراهیم (ع) ، از میهمانان خویش

فراغ . .. فجاء بعجل ... فقرّبه إلیهم قال

استناد افعال ذکر شده در آیات به شخص ابراهیم(ع)، بیانگر مطلب بالا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۸ - ۱،۲،۵

۱ - میهمانان ابراهیم (ع) ، از خوردن غذا خودداری کردند .

فأوجس منهم خیفه

<فاء> در <فأوجس> فصیحه و نشانگر این

است که جمله ای پیش از آن حذف شده است. تقدیر آن چنین می باشد: <فلم یأکلوا فأوجس منهم خیفه>.

۴ - خودداری میهمانان از خوردن غذا ، مایه بیم و نگرانی حضرت ابراهیم (ع)

قال ألا تأکلون . فأوجس منهم خیفه

<أوجس> معادل دو فعل <أحسّ و أضمر> می باشد و تنوین <خیفه> برای تنویع است; یعنی، ابراهیم(ع) در درون خویش از آنان احساس نوعی ترس کرد.

۵ - اقدام میهمانان ابراهیم (ع) ، به رفع نگرانی از آن حضرت با معرفی خویش

قالوا لاتخف

از مطالب بعد، استفاده می شود که میهمانان بعد از گفتن <لا ـ تخف>، خود را به ابراهیم(ع) معرفی کردند و نگرانی آن حضرت را برطرف نمودند; و گرنه صرف گفتن <لاتخف> نگرانی را نمی زداید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۹ - ۱،۲،۳،۴

۱ - حضور همسر ابراهیم (ع) ، در جمع آن حضرت و میهمانان ایشان

و بشّروه بغلم علیم . فأقبلت امرأته فی صرّه ... و قالت عجوز عقیم

۲ - فریاد همسر ابراهیم (ع) و سیلی زدن وی به صورت خویش ، با شنیدن بشارت اعطای فرزند به ایشان

فأقبلت امرأته فی صرّه

<صرّه> به معنای فریاد و <صکّ> به معنای ضربه شدید است. <صکّت وجهها>; یعنی، سیلی سختی به صورت خویش نواخت.

۳ - هیجان ، تعجب و ناباوری شدید همسر ابراهیم ، از باروری پس از پیری و عمری نازایی

فأقبلت امرأته فی صرّه فصکّت وجهها و قالت عجوز عقیم

۴ - همسر ابراهیم ، فردی کهنسال و نازا به هنگام بشارت فرزنددار شدنش

فأقبلت امرأته . .. و قالت عجوز عقیم

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۳۰ – ۱،۲

۱ – اطمینان بخشی فرشتگان به همسر ابراهیم (ع) ، در مورد خدایی بودن پیام و بشارتشان (فرزنددار شدن او)

قالوا کذلک قال ربّک

۲ – هم سخن شدن همسر ابراهیم (ع) با فرشتگان بشارت دهنده

قالت عجوز عقیم . قالوا کذلک قال ربّک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۳۱ – ۱،۲

۱ – پرسش حضرت ابراهیم (ع) ، درباره رسالت و مأموریت میهمانان خویش (فرشتگان)

قال فما خطبکم أیّها المرسلون

<خطب> به شأن و امری گفته می شود که شخص در پی آن است. سؤال ابراهیم(ع) از مأموریتی بود که فرشتگان، می خواستند آن را به اجرا درآورند.

۲ – پی بردن حضرت ابراهیم (ع) به منحصر نبودن مأموریت فرشتگان در بشارت اعطای فرزند به ایشان

و بشّروه بغلم . .. قال فما خطبکم أیّها المرسلون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که در آیه شریفه سخنی از وجود رسالتی افزون بر بشارت فرزند به میان نیامده است و فرشتگان خود آن را آشکار نکرده اند؛ اما ابراهیم(ع) به این نکته پی برده و رسالت اصلی فرشتگان را جویا شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۳۲ – ۱،۲

۱ – توضیح فرشتگان به حضرت ابراهیم (ع) ، درباره مأموریت خود به سوی قومی مجرم

قالوا إنّا أُرسلنا إلی قوم مجرمین

۲ – حضور فرشتگان به محضر ابراهیم (ع) ، قبل از ایفای مأموریت

خود در نابودی قوم لوط

قال فما خطبکم أیّها المرسلون . قالوا إنّا أُرسلنا إلی قوم مجرمین

مفسران این مأموریت را به قرینه <لنرسل> بعد از حضور یافتن ملائکه در منزل ابراهیم(ع) دانسته اند. البته آیات مربوط به قوم لوط در سوره هود مؤید همین معنا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۴ - ۱۷

۱۷ - عدم برقراری رابطه میان ابراهیم (ع) و قوم مشرک او ، مگر در وعده استغفار آن حضرت برای آزر

إذ قالوا لقومهم إنّا برءؤا منکم . .. إلاّ قول إبرهیم لأبیه

برداشت یاد شده، بدان احتمال است که <إلاّ>، استثنا از برائت ابدی باشد که از بخش پیشین آیه استفاده می شود.

قصه ادریس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۷ - ۴

۴- خداوند ، ادریس (ع) را به جایگاهی بلند بالا برد . *

و رفعنه مکانًا علیًّا

محتمل است مقصود از <مکان>، مکانی مادی باشد که دراین صورت، مقصود عروج او به آسمان، همانند حضرت عیسی(ع) است.

قصه ارزشمند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۲۰ - ۱۳

۱۳ بیانگر حق و پندآموز بودن و یادآور شدن حقایق و معارف الهی ، معیار ارزشمندی داستان ها و سرگذشت پیشینیان

جاءک فی هذه الحق و موعظه و ذکری للمؤمنین

قصه اسحاق(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۷۲ – ۱

۱- تولد اسحاق و یعقوب (ع) ، پس از هجرت ابراهیم (ع) بود .

و

نجّينه و لوطًا إلى الأرض . .. و وهبنا له إسحق و يعقوب

سیر داستان حضرت ابراهیم در این آیات، بیانگر برداشت یاد شده است. به علاوه این که داستان افکندن ابراهیم به آتش و نجات آن حضرت در زمان جوانی اش بوده است و فرزنددار شدن ابراهیم(ع) در دوران پیری آن حضرت صورت گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۷ - ۲

۲ - اسحاق (ع) ، پس از هجرت ابراهیم (ع) از منطقه اصلی زندگی اش ، متولد شد .

و قال إنّی مهاجر . .. و وهبنا له إسحق

برداشت بنابراین است که در آیات، آنچه بر حضرت ابراهیم(ع) به ترتیب رخ داده، منعکس شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۱ - ۴

۴ - فرستادگان خداوند برای عذاب قوم لوط ، مژده و بشارتی را (تولد اسحاق (ع)) ، نیز به ابراهیم (ع) دادند .

و لمّا جاءت رسلنا إبرهیم بالبشری

این آیه، با آیات پنجاه و یک تا شصت و دو سوره حجر یک سیاق دارند، که در آن آیات به ابراهیم(ع) بشارت فرزنددار شدن داده شده است. آن آیات، قرینه است که <البشری> در این آیه نیز همان بشارت را همراه دارد.

قصه اسلام جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۹ - ۷

۷- بازگشت جنیان مؤمن ، به سوی قومشان با پیام انذار و هدایت

ولّوا إلی قومهم منذرین

قصه اسماعیل(ع)

- فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۵ - ۱۷

۱۷ - ابراهیم (ع) و اسماعیل (ع) ، از خدمتگزاران خانه خدا (کعبه) بودند .

عهدنا إلی إبرهیم و إسمعیل أن طهرا بیتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۷ - ۱،۳،۴

۱ - ابراهیم و اسماعیل (ع) ، برپا کنندگان دیوار های کعبه و سازنده آنها

و إذ یرفع إبرهیم القواعد من البیت و إسمعیل

قواعد (جمع قاعده) به معنای پایه هاست و در آیه به مناسبت <البیت> مراد از آن پایه های دیوار می باشد. بالا بردن پایه های دیوار (یرفع ابراهیم القواعد) به معنای ساختن دیوار بر پایه هاست.

۳ - ابراهیم (ع) ، بناکننده اصلی کعبه و اسماعیل (ع) یاور او بود .

و إذ یرفع إبرهیم القواعد من البیت و إسمعیل

عطف کردن فاعلی بر فاعل دیگر، پس از آوردن فاعل نخست و متعلقات فعل - چنانچه در آیه شریفه این گونه است - می تواند اشاره به تفاوت آن دو فاعل در انجام کار باشد. بنابراین و به مناسبت مورد سخن از ساختن و بنا کردن است، می توان گفت: ابراهیم سازنده اصلی و اسماعیل یاور او بوده است.

۴ - ابراهیم و اسماعیل (ع) ، با دعا به درگاه خدا خواستار پذیرفته شدن عملشان (ساختن کعبه) شدند .

ربنا تقبل منا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۸ - ۱،۳،۸،۱۰

۱ - تسلیم خدا شدن ، از دعا های ابراهیم و اسماعیل (ع) به هنگام

ساختن کعبه

و إذ یرفع إبرهیم القواعد . .. ربنا واجعلنا مسلمین لک

۳ - علاقه ابراهیم و اسماعیل (ع) به ذریه خویش

من ذریتنا أمه مسلمه لک

۸ - ابراهیم و اسماعیل (ع) به هنگام ساختن کعبه ، از خداوند خواستند تا چگونگی اعمال حج را به آنان بیاموزد .

ربنا . .. أرنا مناسکنا

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مناسک - چنـانچه برخی از اهـل لغت و نیز برخی از مفسـران گفته انـد - به معنای اعمال حج باشد.

۱۰ - ابراهیم و اسماعیل (ع) ، از خداوند خواستند تا توبه خود و فرزندانشان را بپذیرد .

و تب علینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۲ - ۱،۲،۵،۶،۹

۱ - اسماعیل (ع) به هنگام نوجوانی ، در معیت پدرش ابراهیم (ع) به سعی و تلاش می پرداخت .

فبشّرنه بغلم حلیم . فلمّا بلغ معه السعی

۲ - اسماعیل (ع) ، کمک کار پدرش ابراهیم (ع) در مسائل اجتماعی و زندگی

فلمّا بلغ معه السعی

از آمدن قید <معه> (در معیت او) برداشت یاد شده به دست می آید.

۵ - مشورت و نظرخواهی ابراهیم (ع) ، از فرزندش اسماعیل نسبت به ذبح وی

أنّی أذبحک فانظر ماذا تری

از لحن جمله <فانظر ماذا تری> (بنگر تا رأی تو چیست؟) نوعی نظر خواهی و مشورت استفاده می شود. البته فلسفه این کار، اسـتفاده ابراهیم(ع) از نظرات اسـماعیل(ع) نبود; بلکه یا برای آزمایش فرزندش بود و یا به منظور زمینه سازی برای پذیرش بی

تحمیل فرمان ذبح از جانب اسماعیل(ع)

۶ - ابراهیم (

ع) ، فرزنـدش اسـماعیل (ع) را برای اجرای فرمان ذبـح او آزمایش کرد و وی را برای سـر بلند شدن در این آزمایش بزرگ آماده نمود .

أنّی أذبحک فانظر ماذا تری

۹ - اعلام رضایت و تسلیم اسماعیل (ع) ، در مقابل فرمان قربانی شدن

قال یأبت افعل ما تؤمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۳ - ۱

۱ - تسلیم ابراهیم (ع) و فرزندش اسماعیل (ع) ، در برابر فرمان خداوند به ذبح

إنّی أری فی المنام أنّی أذبحک . .. قال یأبت افعل ما تؤمر ... فلمّا أسلما

قصه اصحاب اخدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۴ - ۱

۱ - گروهی از جباران ، برای تعذیب مؤمنان ، در زمین حفره عمیقی ایجاد کردند .

أصحب الأُخدود

<اخـدود>; یعنی، شـکاف طولانـی و عمیقی کـه در زمیـن ایجـاد شـود. اصـل و ریشه آن <خـدّ> است; یعنی، مقـداری از صـورت کـه طرف راسـت و چـپ بینی قرار گرفته است (مفردات راغب). <أصـحاب الأُخـدود>; یعنی، کسـانی که حفره را ایجاد کردند. این احتمال که مراد، مؤمنان معذّب در <اخدود> باشد، با ضمیرهایی که در آیات بعد آمده، ناسازگار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۵ - ۱

۱ - حفره اصحاب اخدود ، یکپارچه آتش برافروخته و دارای سوخت فراوان و کافی بود .

النار ذات الوقود

<النـار>، بـدل از <الأُخـدود> است. بـدل قرار گرفتن آتش براى مكـان آن، مبـالغه است و از شـدت آتش حكـايت دارد; گويى كه

آن حفره چیزی جز آتش نبود. <وقود> به معنای مواد سوختنی (هیزم و غیر آن) است و به شعله نیز اطلاق می شود(مفردات راغب). توصیف آتش به <ذات الوقود>، گویای فراهم بودن سوخت کافی و سلطه آتش بر تمام آن است; به گونه ای که گویا آتش مالک آن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۶ - ۱

۱ - اصحاب اخدود ، اطراف حفره آتش گرد آمده ، به تماشای سوختن مؤمنان نشستند .

إذ هم علیها قعود

ضمیر <علیها>، به آتش برمی گردد و مراد مشرف بودن بر آتش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۷ - ۱

۱ - اصحاب اخدود ، هنگام سوزانده شدن مؤمنان ، حاضر و ناظر بوده و آن را مشاهده می کردند .

و هم علی ما یفعلون بالمؤمنین شهود

<شهاده>، در اصل به معنای خبر دادن از چیزی است که شخص آن را مشاهده کرده و نزد آن حاضر بوده است (نهایه ابن اثیر); و چون جمله <و هم علی. ..> حالیه و مربوط به زمان حضور کنار خندق آتش است; مراد تحمل شهادت و دریافت خبر است، نه ادای آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۸ - ۶

۶ - اصحاب اخدود ، در صورت دست کشیدن مؤمنان از ایمان خویش ، آنان را نمی سوزاندند .

إلّا أن یؤمنوا

فعل مضارع همراه با حرف <أن> در <أن یؤمنوا>، برای استقبال بوده و بیانگر آن است که آنچه اصحاب <اخدود> را به مقابله واداشت; باقی ماندن

مؤمنان بر ایمان خویش بود. گویا ایمان گذشته آنان، در نظر دشمنان شان موجب عقوبت نبوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۹ - ۶

۶ - پایداری مؤمنان در عصر اصحاب اخدود ، بر ایمان خویش تا نیل به شهادت ، در محضر خداوند بوده و به آن رسیدگی خواهد شد .

و اللّه علی کلّ شیء شهید

بیان گواه بودن خداوند، برای مجرمان تهدید و برای مؤمنان وعده به پاداش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۰ - ۷،۸

۷ - اصحاب اخدود ، حتی زنان مؤمن را نیز در آتش سوزاندند .

فتنوا المؤمنین و المؤمنت

۸ - پایداری برخی از زنان مؤمن تا نیل به شهادت ، در عهد اصحاب اخدود

فتنوا المؤمنین و المؤمنت

قصه اصحاب الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۲۴ - ۲

۲ - تصمیم قاطع باغداران یمنی ، بر محروم ساختن بینوایان از محصولات باغ

أن لایدخلنّها الیوم علیکم مسکین

قصه اصحاب سبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ – نساء – ۴ – ۴۷ – ۱۹

۱۹ سرگذشت اصحاب سَبت (مسخ شدن به میمون) عبرت و اندرزی برای کافران به قرآن از اهل کتاب

او نلعنهم کما لعنّا اصحاب السَّبت

قصه اصحاب فیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – فیل – ۱۰۵ – ۱ – ۱،۲،۱۱

۱ – لشکری فیل سوار پیش از عصر بعثت ، گرفتار کیفر خداوند شده ، به شدّت مجازات شدند .

ألم تر کیف فعل ربّك

بأصحب الفيل

۲ – سرکوب فیل داران از جانب خداوند ، رخدادی شگفت و خاطره ای زنده در عصر بعثت

ألم تر کیف فعل ربّک بأصحب الفیل

استفهام در <ألم تر> علاوه بر تعجبی بودن اصل رؤیت را تحقق یافته قلمداد کرده است; کنایه از این که گرچه مخاطب، آن حادثه را ندیده است; ولی شهرت آن به حدی است که گویا او نیز دیده است.

۱۱ – عن أبی عبداللّه عن أبیه عن أبائه (ع) قال : لمّا ظهرت الحبشه بالیمن وَجَّهَ یکسوم ملك الحبشه بقائدین من قُوّاده یقال لأحدهما أبرهه و الآخر أرباط فی عشره من الفِیَلَهِ کلّ فیل فی عشره آلاف لِهَدْم بیت اللّه الحرام . . . فقتل أبرهه أرباط و استولی علی الجیش فلمّا قارب مکّه . . . أقبلت الطیر الأبابیل فی منقار کلّ طائر حجر و فی رجلیه حجران فکان الطائر الواحد یقتل ثلاثه من أصحاب أبرهه . . . و قد قصّ اللّه تبارك و تعالی نبأهم فقال سبحانه : ألم تر کیف فعل ربّک بأصحاب الفیل ;

امام صادق از پدرانش(ع) نقل کرده است: چون حبشیان بر یمن پیروز شدند، پادشاه حبشه به نام <یکسوم> دو نفر از فرماندهان خود به نام های <ابرهه> و <ارباط> را به همراه ده فیل که همراه هر فیل ده هزار نیرو بود برای منهدم کردن خانه خدا [به مکّه] فرستاد . .. ابرهه، ارباط را به قتل رساند و خود مسلّط بر نیروها شد. پس چون به مکّه نزدیک شد ... آن پرندگان پی درپی آمدند و در منقار هر یک از آنها، یک سنگ و در پاهایشان

دو سنگ بود. هر پرنده ای سه نفر از اصحاب ابرهه را می کشت ... خدای تبارک و تعالی داستان آنان را نقل کرده، فرموده است: ألم تر کیف فعل ربّک بأصحاب الفیل>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فیل - ۱۰۵ - ۳ - ۱،۵

۱ - خداوند ، پرندگانی فراوان و ناشناخته را بر اصحاب فیل ، حملهور ساخت و آنها گروه گروه و پیاپی بر آنان هجوم بردند .

و أرسل علیهم طیرًا أبابیل

نکره آمدن <طیراً> (اسم جمع <طائر>) بر ناشناخته بودن آنها دلالت دارد. توصیف آن به <أبابیل> که یا به معنای دسته دسته و یا پی درپی است (قاموس) بیانگر آن است که یورش پرندگان بر اصحاب فیل، تدریجی بوده است.

۵ - < عن أبی مریم عن أبی جعفر (ع) قال سألته عن قول اللّه عزّوجلّ < و أرسل علیهم طیراً أبابیل . ترمیهم بحجاره من سجّیل > قال : کان طیر سافٌّ جاءهم من قِبَل البحر رؤوسهم کأمثال رؤوس السباع و أظفارها کأظفار السباع من الطیر مع کلّ طائر ثلاثه أحجار فی رجلیه حجران و فی منقاره حجر فجعلت ترمیهم بها حتّی جُدِّرَتْ أجسادهم فقتلهم [فقتلتهم خل] بها . . . ;

ابی مریم گوید: از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند عزّوجلّ <و أرسل علیهم طیراً أبابیل . ترمیهم بحجاره من سجّیل> سؤال کردم حضرت فرمود: پرندگانی که در سطح پایین پرواز می کردند از جانب دریا به سوی آنان آمدند. سرهای آنها مثل سرهای درندگان و چنگال های آنها نیز مثل چنگال های پرندگان درنده بود و با هر پرنده سه

سنگ [بود]; دو سنگ در پاهایش و سنگی در منقارش با آن سنگ ها [سپاه ابرهه] را هدف قرار می دادند تا این که در بدن های آنان آبله پدیدار شد که با همان سنگ ها آنان را نابود کردند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فیل - ۱۰۵ - ۴ - ۱

۱ - پرندگان مهاجم ، اصحاب فیل را با سنگ هایی از گل پخته ، سنگ باران کردند .

ترمیهم بحجاره من سجّیل

<حجاره> (جمع <حَجَر>) است و <سجّیل> (معرّب سنگ گل)، سنگی است که مانند <گلِ خشک شده> باشد (قاموس). فعل مضارع <ترمیهم>، دلالت بر استمرار دارد. به قرینه آیه بعد، پرندگان تا آن جا به سنگ باران ادامه دادند که سپاه ابرهه نابود شدند. حرف <من> بیانیه و بیانگر آن است که سنگ های انتخابی پرندگان، گل های سنگ شده بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فیل - ۱۰۵ - ۵ - ۱،۲

۱ - خداوند ، رقم زنند$ه فرجام اصحاب فیل و متلاشی کننده اعضا و جوارح آنان

فجعلهم کعصف مأکول

ه فرجام اصحاب فیل و متلاشی کننده اعضا و جوارح آنان

۲ - تأثیر هجوم پرندگان به اصحاب فیل ، به دست خداوند و مستند به او است .

ترمیهم . .. فجعلهم کعصف مأکول

فاعل <ترمیهم>، پرندگان و فاعل <جعلهم>، خداوند است; یعنی، کار از آنها و اثر از خداوند بود.

قصه اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹ - ۱،۳،۴،۷،۸،۹

۱- سرگذشت اصحاب کهف ، از آیات و نشانه های الهی است .

أم حسبت أن أصحب

الکهف و الرقیم کانوا من ءایتنا

۳- ماجرای اصحاب کهف ، با توجه به قدرت و اراده خداوند ، رخدادی شگفت نیست .

أم حسبت أنّ أصحب الکهف . .. کانوا من ءایتنا عجبًا

<أم> در ابتدای آیه،<أم منقطعه> است و معنای اضراب همراه با استفهام و انکار دارد، بنابراین، معنای عبارت چنین است: <آیا چنین گمان کردی که اصحاب کهف . ..>.

۴- خداوند ، آیاتی بس شگفت تر از ماجرای اصحاب کهف دارد .

أم حسبت أنّ أصحب الکهف . .. کانوا من ءایتنا عجبًا

نفی شگفتی از ماجرای اصحاب کهف علی رغم شگفتی آن در نظر آدمیان گواه این مطلب است که خداوند، آیاتی بس عجیب تر از این داستان نیز آفریده است.

۷- < عن أبی عبدالله (ع) فی قوله < أم حسبت أنّ أصحاب الکهف و الرقیم . . . > قال : هم قوم فرّوا و کتب ملک ذلک الزمان بأسمائهم و أسماء آبائهم و عشائرهم فی صحف من رصاص ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خدا <أم حسبت أنّ أصحاب الکهف و الرقیم. ..> روایت شده که فرمود: آنان، قومی بودند که فرار کردند و پادشاه آن زمان، نام آنان و پدران و عشیره هاشان را در چند لوحه از سرب مرقوم داشت. (این وجه تسمیه اصحاب کهف به اصحاب رقیم است)>.

۸- < عن نعمان بن بشیر ، انّه سمع رسول الله (ص) یحدث عن أصحاب الرقیم : انّ ثلاثه نفر دخلوا إلی الکهف فوقع من الجبل حجر علی الکهف فأوصد علیهم . . . ففرج الله عنهم و خرجوا إلی أهلیهم راجعین ;

از نعمان بن بشیر نقل شده که

او، از رسول اللّه(ص) شـنید که دربـاره اصـحاب رقیم فرمود: آنان، سه نفر بودنـد که داخل غار شدنـد و سـنگی از کوه بر غار فرود آمـد و غـار را به روی آنـان بست . .. پس خداونـد، گشایشـی در کارشـان پدیـد آورد [و از غار آزاد شدنـد] و به سوی خانواده های خود باز گشتند>.

۹- < عن أبی عبداللّه (ع) قال : إنّ أصحاب الکهف أسرّوا الإیمان و أظهروا الکفر . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده: اصحاب کهف، ایمان خود را مخفی داشته و تظاهر به کفر می کردند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰ - ۱

۱- اصحاب کهف ، گروهی بودند که از خطر جامعه ناسالِم کفر ، به سوی پناهگاهی در کوه گریختند .

إذ أوی الفتیه إلی الکهف

<أوی إلی کذا> یعنی: <به آن جا پیوست و آن را مأوا و مسکن خود قرار داد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۱ - ۱،۲،۳،۴،۸

۱- خداوند ، با مسلّط کردن خواب بر اصحاب کهف ، دعای آنان را مستجاب کرد .

فقالوا ربّنا ءاتنا . .. فضربنا علی ءاذانهم

عبـارت <ضـربنا علی اذانهم> کنـایه از آن است که خداونـد، خواب را بر آنـان مسـلّط کرد، به گونه ای که گوش آنان نمی شنیـد. و عطف جملهه <ضـربنا> بـا حرف تفریع بر جملاـت قبـل که متضـمن دعای اصـحاب کهف بود گویای آن است که تسلّط خواب بر ایشان، در مسیر اجابت دعای آنان صورت گرفته است.

۲- فرو رفتن اصحاب کهف در خوابی عمیق و چندین ساله

، به اراده خدا بود .

فضربنا على ءاذانهم فى الكهف سنين عددًا

<عدداً> مصدر و به معناى <معدوده> و يا <ذات عدد> است. توصيف <سنين> به اين كه داراى عدد و شمارش است در نظر برخى از مفسران به كثرت آن سال ها اشاره دارد; زيرا تعداد سال ها، اگر اندك باشد، نياز به شمارش ندارد.

۳- حيات طولانى اصحاب كهف در خواب ، از آيات الهى است .

كانوا من ءايتنا عجبًا . .. فضربنا على ءاذانهم فى الكهف سنين عددًا

۴- خداوند ، با تصرّف در حسّ شنوايى اصحاب كهف ، آنان را در خوابى چندين ساله ، در غار نگاه داشت .

فضربنا على ءاذانهم فى الكهف سنين عددًا

۸- غار ، محلِّ به خواب رفتن چند ساله اصحاب كهف

فضربنا على ءاذانهم فى الكهف سنين عددًا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۱۲ - ۱،۳

۱- اصحاب كهف ، به اراده خداوند ، پس از خوابى چندين ساله ، بيدار شدند .

فضربنا على ءاذانهم فى الكهف سنين عددًا . ثمّ بعثنهم

۳-ميان اصحاب كهف ، در برآورد مدّت خواب خويش ، دو دستگى به وجود آمد . *

أىّ الحزبين أحصى لما لبثوا

با توجه به آيات بعد كه گفت و گوى اصحاب كهف را با هم نقل كرده است (قالوا لبثنا) چنين برمى آيد كه آنان، خود، به دو گروه (الحزبين) تقسيم شده بودند و درباره مدّت زمان خواب خويش اختلاف نظر داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۱۴ - ۸

۸- محيط اجتماعىِ اصحاب كهف ، محيطى شرك آلود و

نامساعد برای ابراز توحید بود .

و ربطنا علی قلوبهم إذ قاموا فقالوا

چنـان چه محیـط برای اظهـار نظر اصـحاب کهف مساعـد بود، نیـازی به قیام نبود و امـدادهای ویژه الهی (ربطنا . ..) ضـرورتی نداشت.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۱۵ – ۱،۲

۱– جامعه اصحاب کهف ، جامعه ای مشرک و معتقد به معبودهایی متعدّد بود .

هؤلاء قومنا اتخذوا من دونه ءالهه

۲– اصحاب کهف ، از شرک و انحراف عقیدتی مردم جامعه خویش ، نگران و در رنج روحی بودند .

هؤلاء قومنا اتخذوا من دونه ءالهه

لحن جمله <هؤلاء. ..> گویای تحسّر و اندوه اصحاب کهف بر ضلالت و گمراهی مردم زمان خویش است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۱۶ – ۱۲،۶،۴،۳،۲،۱

۱– اصحاب کهف ، از سوی جامعه کفر ، مورد تهدید بودند و نیروی کافی برای مقابله با آنان را نداشتند .

و إذ اعتزلتموهم و ما یعبدون إلاّ اللّه فأوُواْ إلی الکهف

کنـارگیری (اعتزال) اصـحاب کهف از جـامعه خویش، نشـانگر در تنگنـا قرار گرفتن آنـان از سوی جـامعه و فشار مشـرکان بر ایشان است.

۲– رفتن به غار ، پیشنهاد برخی از اصحاب کهف به دیگر افراد گروه بود .

و إذ اعتزلتموهم و ما یعبدون إلاّ اللّه فأوُواْ إلی الکهف

۳– اصحاب کهف ، جهت رهایی از مشرکان ، غاری را برای جای گرفتن برگزیدند .

فأوُواْ إلی الکهف

جای گرفتن اصحاب کهف در غار، ظاهراً، به جهت مخفی ماندن از دید مأموران و تعقیب کنندگان بوده است.

۴- اصحاب کهف ، برای حفظ ایمان خویش ، ناگزیر به کنارگیری از جامعه شرک آلود

شدند .

و إذ اعتزلتموهم و ما يعبدون إلاّ اللّه فأوُواْ إلى الكهف

با توجه به <و ما يعبدون إلاّ اللّه> معلوم می گردد که اعتزال اصحاب کهف، برای حفظ عقیده و آرمان بوده است.

۶- اصحاب کهف ، زندگی سخت و پر مشقّت ولی همراه با توحید را ، بر زندگی آسوده در محیط شرک و حاکمیّت آن ترجیح دادند .

و إذ اعتزلتموهم و ما يعبدون إلاّ اللّه فأوُواْ إلى الكهف

۱۲- اصحاب کهف ، به فراهم آمدن زمینه های لازم برای تداوم بخشی به یکتاپرستی و حرکت توحیدی خویش ، مطمئن بودند .

و يهيّيء لكم من أمركم مرفقًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۷ - ۵،۶

۵- اصحاب کهف ، در بخش وسیع غار ، مستقر بودند .

و هم فی فجوه منه

۶- بدن اصحاب کهف ، در غار ، از تابش مستقیم نور آفتاب ، در امان بود .

تزور عن کهفهم ذات الیمین . .. تقرضهم ذات الشمال و هم فی فجوه منه

<فجوه> به مکان و فضای وسیعی که در بین دو چیز قرار گرفته باشد، گفته می شود. قرار داشتن محل استراحت اصحاب کهف در <فجوه> و فضای وسیع غار و ذکر آن پس از بیان نحوه تابش آفتاب، چنین می نماید که به مصون بودن بدن های آنان از تابش نور مستقیم، اشاره داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۸ - ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷،۸،۹،۱۳،۱۴،۱۵،۱۷،۱۹،۲۰

۱- اصحاب کهف ، با احساس امنیت از خطر دشمن ، در غار به خواب رفتند .

و هم رقود

۲- خواب اصحاب کهف ، به گونه ای

بود که هر بیننده ای آنان را بیدار می پنداشت .

و تحسبهم أیقاظًا و هم رقود

<یَقِظ> به شخص بیدار گفته می شود و <أیقاظ> جمع آن است. <رقود> جمع <راقد> است و <راقد>; یعنی، شخصی که به خواب رفته است.

۳- پیکر و اعضای بدن اصحاب کهف ، در تمام مدّتی که در خواب بودند ، آسیبی ندید و تغییر چشم گیری نیافت .

و تحسبهم أیقاظًا و هم رقود

مفاد جمله <تحسبهم. ..> این است که هر بیننده ای، اگر در دوران خوابِ اصحاب کهف، به آنان نظر می افکند، نه تنها آن ها را اجسادی از هم گسیخته نمی یافت، بلکه انسان هایی به خواب رفته نیز نمی دید; یعنی، آن ها، افرادی بیدار به نظر می آمدند که حیات عادی خود را می گذرانند.

۴- خداوند ، پیکر های اصحاب کهف را در زمان چیر گی خواب بر آنان ، به راست و چپ گردش می داد .

و نقلّبهم ذات الیمین و ذات الشمال

۵- گردیدن اصحاب کهف به چپ و راست ، از عوامل مصونیّت آنان در برابر آسیب های جسمی بود . *

و نقلّبهم ذات الیمین و ذات الشمال

اسناد <نقلّب> (گرداندن) به خداوند، در جمله <نقلّبهم. ..> گویای این است که این تغییر حالت، از الطاف الهی بوده است. بیان این نکته، پس از اشاره به خواب اصحاب کهف، می تواند ناظر به برخی از علل سالم ماندن بدن آنان باشد.

۶- اصحاب کهف ، به هنگام آرمیدن در غار ، سگی به همراه خود داشتند .

و کلبهم بسط ذراعیه بالوصید

۷- سگ اصحاب کهف ، در مدّت خواب طولانی آنان ، ساق دستان خود را گشوده و

بر دهانه غار خوابیده بود .

و کلبهم بسط ذراعیه بالوصید

<وصید> به آستانه دربّ گفته می شود.

۸- سگ اصحاب کهف نیز مانند خود آنان ، در سلامت کامل بود .

و نقلّبهم ذات الیمین و ذات الشمال و کلبهم بسط ذراعیه بالوصید

۹- جسم سگ اصحاب کهف ، در مدّت خواب طولانی آنان ، بی حرکت بود و به راست و چپ نمی گردید . *

و نقلّبهم ذات الیمین و ذات الشمال و کلبهم بسط ذراعیه بالوصید

۱۳- آرمیدن اصحاب کهف در غار ، به گونه ای بود که اگر کسی به جایگاه آنان دست می یافت ، از ناحیه آنان احساس خطر می کرد و می گریخت .

لو اطلعت علیهم لولّیت منهم فرارًا

به قرینه جمله <لبثنا یوماً أو بعض یوم> در آیه بعد که گویای پیدا نشدن تغییر عمده ای در جسم اصحاب کهف است، می توان دریافت که چهره آنان هول ناک نگردیده، بلکه کیفیت قرار گرفتن آنان در غار، منظره آنان را رعب انگیز ساخته بود.

۱۴- منظره اصحاب کهف ، رعب آور و فرو برنده بینندگان در ترس و وحشتی فراگیر

لو اطلعت علیهم . .. لملئت منهم رعبًا

۱۵- بیدارنمایی اصحاب کهف ، دارای نقشی به سزا در هول انگیز ساختن منظره آنان

و تحسبهم أیقاظًا . .. لملئت منهم رعبًا

۱۷- خوابگاه اصحاب کهف ، از دید مردم پنهان بود و کسی بر آن واقف نمی شد .

لو اطلعت علیهم

حرف <لو> در <لو اطلعت. ..> برای امتناع است و بر میسّر نبودن اطّلاع دلالت دارد.

۱۹- < عن أبی جعفر (ع) فی قول اللّه : < . . .لولّیت منهم فراراً و لملئت منهم رعباً

> قال : < إنّ ذلكَ لم يُعنَ به النبی (ص) . . . لكنّه حالهم التی هم عليها ;

از امـام باقر(ع) روایت شـده كه درباره این سـخن خـدا <. .. لولّیت منهم فراراً و لملئت منهم رعباً> فرمود: همانا، در این آیه، پیامبر(ص) قصد نشده ... و مقصود، تجسم حالتی است كه اصحاب كهف بر آن حالت بودند>.

۲۰- < [عن الصـادق (ع) فی قصّه أصـحاب الكهف أنّه قـال] : . . . لهم فی كـلّ سـنه نقلتان ینامون سـته أشـهر علی جنوبهم الیمنی و سته أشهر علی جنوبهم الیسری . . . ;

[از امـام صادق(ع) در قصّه اصـحاب كهف، روایت شـده كه فرمود]: . .. برای آنان، در هر سال، دو گردیـدن بود: شـش ماه بر پهلوی راست شان و شش ماه بر پهلوی چپ شان می خوابیدند...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۱۹ - ۳۳،۳۱،۳۰،۲۸،۲۷،۲۵،۲۱،۱۸،۱۷،۱۶،۱۵،۹،۸،۷،۶،۵،۴،۳

۳- بیدارسازی اصحاب كهف ، فراهم آورنده فرصتی مناسب برای پرسوجوی آنان از همدیگر درباره خواب خویش بود .

بعثنهم لیتساءلوا

<ل> در <لیتسـاءلوا> بیـانگر علّت بیـدارسازی است. هـدف از به خواب بردن و بیـدار سـاختن اصـحاب كهف چنان چه از تفریع آیـات یـازدهم و دوازدهم بر آیه دهم به دست آمـد اعطـای رحمت و رشـدی بود كه اصـحاب كهف درخواست كرده بودند. بنابراین، باید به خداوند، آنان را از خواب بیدار می كرد تا از راه پرسـش و غیر آن، به حوادثی كه بر آنان گذشته بود، پی ببرند و در مسیر خداشناسی رشد یابند.

۴- فضای حاكم بر اصحاب كهف ، به هنگام

بیـداری آنان ، منظره ای بهت آور برای یکی از آنان و مایه کنجکاوی و تبادل نظر وی با همراهان خود ، در سـنجش گذشـت زمان بود .

قال قائل منهم کم لبثتم

۵- خواب اصحاب کهف ، در نظر گروهی از آنان ، درنگی یک روزه ، یا کمتر از آن بود .

قالوا لبثنا یومًا أو بعض یوم

حرف <أو> برای تردیـد است و منشأ تردیـد در <یومـاً أو بعض یوم> این بود که گوینـدگان این سـخن، با نگاه به جایگاه خورشـید، مردّد ماندند که: <آیا شبی بر آن ها گذشته و در نتیجه یک شبانه روز در خواب بودند، یا هنوز در همان روزی به سر می برنـد که در آن به خواب رفتنـد؟>. براسـاس این تقریب، کلمه <یوماً> به معنای یک شـبانه روز خواهـد بود و به جز ساعات نزدیک غروب، هر لحظه ای از روز را می توان لحظه آغاز خواب آنان تصوّر کرد.

۶- وضعیت جسمانی اصحاب کهف ، پس از بیداری ، با حالت آنان در زمانی که تازه به خواب رفته بودند ، تفاوتی نداشت .

قالوا لبثنا یومًا أو بعض یوم

۷- بیداری اصحاب کهف ، هم زمان با یکدیگر و در هنگامی بود که پاسی از روز باقی مانده بود .

قالوا لبثنا یومًا أو بعض . .. فابعثوا أحدکم

از گفتو گوی اصـحاب کهف در باره مشـخصات زمان خواب شان و نیز از تصـمیم آنان به تهیه غذا از شـهر، نکته فوق استفاده می شود.

۸- اصحاب کهف از براورد دقیق مدّت زمان خواب خویش ناتوان بودند .

قالوا لبثنا یومًا أو بعض یوم قالوا ربّکم أعلم بما لبثتم

۹- گروهی از اصحاب کهف ، با اعتراف

به نـاتوانی خـود از تشـخیص مـدّت خـواب انـدک بـودن آن را احتمـالی ناصـحیح دانسـته و گفتوگو دربـاره خواب را بی ثمر خواندند و تنها خداوند را به زمان دقیق آن آگاه دانستند .

قالوا ربّکم أعلم بما لبثتم

کلمه <ربّکم> قرینه بر این است که گویندگان جمله <ربّکم أعلم> افرادی غیر آن دسـته بودند که گفتند: <لبثا یوماً. ..> زیرا، در غیر این صورت، گفتن <ربّنـا> مناسب می نمود. آن هـا، بـا بیان آگاهی خداونـد، در حقیقت، همراهان خود را در حدس شان (لبثنا یوماً أو بعض یوم) تخطئه کردند.

۱۵- اصحاب کهف ، پس از بیدار شدن از خواب طولانی خویش ، احساس گرسنگی کردند .

فابعثوا أحدکم بورقکم . .. أزکی طعامًا

۱۶- اصـحاب کهف ، پس از بیدار شدن ، تصمیم گرفتند باز در غار بمانند و تنها ، یک نفر از خود را برای تهیه آذوقه به شهر روانه کنند .

فابعثوا أحدکم بورقکم هذه إلی المدینه

۱۷- حرکت اصحاب کهف به سوی غار ، حرکتی ناگهانی و بدون پیش بینی آذوقه و نیازمندی های دیگر بود .

فابعثوا أحدکم بورقکم

۱۸- اصحاب کهف ، به عادی نبودن خواب خویش پی نبردند و احتمال آن نیز به فکر آنان خطور نکرد .

فابعثوا أحدکم بورقکم

۲۱- حافظه و قدرت تفکّر و تصـمیم گیری اصـحاب کهف و جهاز هاضمه آنان پس از خواب طولانی ایشان باز ، باقی و سالم مانده بود .

فابعثوا أحدکم بورقکم

۲۵- اصحاب کهف ، باهم ، هماهنگ و صمیمی بودند .

بورقکم هذه

استناد یافتن پول و سرمایه در <ورقکم> به تمامی افراد، حاکی از نکته یاد شده است.

۲۷- سکّه هایی که اصحاب کهف برای تهیه غذا در نظر

گرفتند ، سکّه های نقره ای که در زمان ورود به غار ، آن را به همراه خود داشتند .

بورقکم هذه

<هـذه> به چیزی اشاره دارد که حاضر و مشخص باشد. گفتنی است که از عادی بودن برخورد اصحاب کهف، می توان فهمید که جنس سکّه ها تغییر محسوسی نیافته بود.

۲۸- بازدید اغذیه فروشی های متعدّد و انتخاب پاک ترین و شایسته ترین خوراک ها ، خواسته اصحاب کهف از فرستاده ویژه خویش بود .

فلینظر أيّها أزكى طعامًا

<زکاه> (مصدر <أزکی>) به معنای <طهارت> و نیز <صلاح> آمده است (لسان العرب). ضمیر در <أيّها> به <المدینه> برمی گردد و مراد از آن به طریقه استخدام مکان های مدینه است.

۳۰- اصحاب کهف ، از فرستاده خویش خواستند در خرید غذا ، به مقدار تغذیه و ارتزاق آنان اکتفا کند .

فليأتكم برزق منه

<رزق> طعامی است که با آن تغذیه کنند (مفردات راغب). <من> در <منه> برای ابتدا یا تبعیض است و مفاد <فليأتكم برزق منه> این است که از طعام مورد نظر، مقداری خریداری شود که رزق افراد قرار گیرد و به مقدار مصرف شان باشد.

۳۱- مدارا و نرمش با فروشندگان و تحریک نکردن کنجکاوی آنان ، توصیه اصحاب کهف به فرستاده ویژه خویش

وليتلطّف

<تلطّف> به معنای رفق و مدارا است (مصباح). ارتباط جمله <ليتطّف> با جمله <لايشعرنّ...> این نکته را می رساند که مدارا کردن با فروشندگان، مانع پی بردن آنان به وجود اصحاب کهف است.

۳۳- اصحاب کهف ، از پی بردن مردم به مخفی گاه شان نگران و بیم ناک بودند و برای پیش گیری از افشای آن ، تلاش می کردند .

و لايشعرنّ بكم أحدًا

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۰ - ۱،۳،۱۰،۱۱،۱۲،۱۳

۱- اصحاب کهف ، خود را در صورت اسارت به دست کافران ، محکوم به سنگ سار و یا مجبور به پذیرش آیین شرک می دیدند .

إنّهم إن یظهروا علیکم یرجموکم أو یعیدوکم فی ملّتهم

<ملّه> به معنای دین و آیین است و جمله <یعیدوکم فی ملّتهم> یعنی: شما را به دین و آیین خود، برمی گردانند.

۳- مشرکان ، در عصر اصحاب کهف ، در صورت بازگشت کامل یکتاپرستان به شرک ، از کیفر آنان چشم پوشی می کردند .

یرجموکم أو یعیدوکم فی ملّتهم

در اصل، باید برای فعل <یعیدوکم> حرف <إلی> به کار رود; جای گزینی حرف <فی> گویای این است که چنان چه اصحاب کهف، به طور کامل، در شرک مستقر شوند و هیچ گفته و کرداری خلاف آن نداشته باشند، مشرکان، از سنگ سار آنان صرف نظر خواهند کرد.

۱۰- اصحاب کهف ، در صورت گرفتاری به دست کافران ، سنگ سار شدن را بر پذیرش آیین شرک ترجیح می دادند .

یرجموکم أو یعیدوکم فی ملّتهم و لن تفلحوا إذًا أبدًا

ارتباط جمله <و لن تفلحوا. ..> با <یعیدوکم> گویای این است که اصحاب کهف، تنها، شرک و بازگشت به آیین قوم خویش را مانع رستگاری می دانستند و درباره سنگ سار شدن چنین دیدگاهی نداشتند.

۱۱- اصحاب کهف ، تمامی راه های گریز از شرک را در صورت پذیرش اجباری آیین مشرکان برخویش بسته می دیدند .

او یعیدوکم فی ملّتهم و لن تفلحوا إذًا أبدًا

مراد از <فلاح> به مناسبت مورد رستن و رهایی از شرک است.

۱۲-

اصحاب کهف ، ارتداد و پذیرش دوباره شرک را ، گناهی بزرگ و مانع سعادت جاودان خود می دانستند .

أو یعیدوکم فی ملّتهم و لن تفلحوا إذًا أبدًا

۱۳- اصحاب کهف ، از مدّت زمان خواب خویش ، کاملاً بی اطلاع بودند .

إنّهم إن یظهروا . .. و لن تفلحوا إذًا أبدًا

بدیهی است اگر اصحاب کهف، احتمال گذشت چندین قرن از زمان خوابیدن خویش را می دادند، هرگونه تغییر و تحوّلی را محتمل می دیدند و وضعیت سیاسی و اجتماعی جامعه را، همان وضعیت دوران خویش فرض نمی کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۱ - ۱،۴،۱۷،۱۸،۱۹،۲۱،۲۳،۲۵،۲۶،۲۷،۲۸،۲۹،۳۰،۳۳،۳۵

۱- جایگاه اصحاب کهف علی رغم تلاش آنان برای مخفی نگه داشتن آن کشف شد و مردم ، برای مشاهده آنها ، در آن جا حضور یافتند .

و کذلک أعثرنا علیهم لیعلموا

۴- آمدن فرستاده اصحاب کهف با سکّه دوران گذشته به شهر ، موجب برملا شدن سرگذشت آنان بود .

فابعثوا أحدکم بورقکم هذه . .. و کذلک أعثرنا علیهم

۱۷- کاشفان جایگاه اصحاب کهف ، به جدال و کشمکش درباره رستاخیز گرفتار بودند .

أعثرنا علیهم . .. إذ یتنزعون بینهم أمرهم

<إذ> ظرف است برای <أعثرنا> لذا مفاد آیه این است که مردم، هنگامی بر اصحاب کهف دست یافتند که درباره امری از امور مربوط به خویش، اختلاف داشتند. مراد از آن امر، به قرینه <أن الساعه لاریب فیها> برپایی قیامت است و مراد از ضمیر در <أمرهم> همان مردمی هستند که بر اصحاب کهف آگاهی یافتند.

۱۸- خداوند ، در روزگار اختلاف و نزاع مردم درباره معاد ، اصحاب کهف را

از خواب بیدار کرد .

أعثرنا علیهم . .. إذ یتنزعون بینهم أمرهم

۱۹- برخی از ساکنان شهر مسکونی اصحاب کهف ، به هنگام بیدار شدن آنان ، به حقانیّت معاد معتقد بودند .

أعثرنا علیهم . .. إذ یتنزعون بینهم أمرهم

۲۱- بیداری اصحاب کهف با بروز مشاجره میان مردم ، درباره هویت و اهداف آنان ، هم زمان بود .

أعثرنا علیهم . .. إذ یتنزعون بینهم أمرهم

به قرینه <ربّهم أعلم بهم> می توان گفت که نزاع مردم، در باره اصحاب کهف بوده و به دلیل مضارع بودن <یتنازعون> این مشاجره دیرینه، حتی با مشاهده آنان نیز پایان نیافته بود، بلکه گروهی از مردم، شناخت حقیقی آنان را به خداوند، احاله کردند و از پی بردن به هویت واقعی آنان، اظهار عجز کردند. بر این اساس، ضمیر در <أمرهم> به اصحاب کهف مربوط می شود. حرف <فاء> در <فقالوا> این احتمال را تأیید می کند.

۲۳- اصحاب کهف پس از دیدار مردم با آنان در همان غار ، به صورت اجسادی بی جان درآمدند .

فقالوا ابنوا علیهم بنیًا

۲۵- بازدید کنندگان از اصحاب کهف ، جملگی بر آن شدند که برای اجساد آنان ، حفاظی بنا کنند .

فقالوا ابنوا علیهم . .. لنتّخذنّ علیهم مسجدًا

۲۶- کاشفان اصحاب کهف ، در ساختن بنای عادی و یا مسجد در جایگاه اصحاب کهف ، اختلاف کردند .

فقالوا ابنوا علیهم بنیًا . .. قال الذین ... لنتّخذنّ علیهم مسجدًا

۲۷- برخی از بازدید کنندگان اصحاب کهف ، دیگران را به اکتفا بر ایجاد یک ساختمان عادی در جایگاه آنان ، ترغیب کردند .

فقالوا ابنوا علیهم بنیًا ربّهم أعلم بهم

جمله <قال الذین غلبوا. ..>

در ذیل آیه، قرینه این است که تنها، بخشی از بازدید کنندگان پیشنهاد بنای ساختمان عادی را مطرح کردند. نکره بودن <بنیاناً> بیان کننده بی تفاوتی آنان در برابر نوع و هویت ساختمان است.

۲۸- گروهی از بازدیدکنندگان از اصحاب کهف ، ماجرای آنان را مبهم و خود را از تحلیل آن ناتوان دیدند .

فقالوا ابنوا علیهم بنیًا ربّهم أعلم بهم

جمله <ربّهم أعلم بهم> گویای این است که گویندگان آن، به حقیقت ماجرای اصحاب کهف، پی نبردند و علم آن را به خداوند احاله کردند.

۲۹- ابهام ماجرای اصحاب کهف ، برای برخی از بازدیدکنندگان ، دلیل اکتفای آنان به پیشنهاد ساختمان عادی و شرکت نکردن در تأسیس آن

فقالوا ابنوا علیهم بنیًا ربّهم أعلم بهم قال الذین غلبوا علی أمرهم لنتّخذنّ علی

به کار بردن ضمیر غائب در <ابنوا> و ضمیر متکلم در <لنتخذنّ> گویای دوگانگی گویندگان در ارائه پیشنهادها است: دسته نخست، آن را بر عهده دیگران نهادند و دسته دوم، خود را به بنای آن موظف ساختند. حرف <فاء> در <فقالوا> گویای این است که اختلاف حاضران در اهداف ساختمان، ناشی از نزاع آنان در باره حقیقت ماجرای اصحاب کهف است.

۳۰- برتری آگاهی خداوند بر سرگذشت حقیقی اصحاب کهف ، مورد اعتراف کسانی بود که از کشف حقیقت ماجرا اظهار عجز می کردند .

فقالوا ابنوا علیهم بنیًا ربّهم أعلم بهم

۳۳- گروهی از کاشفان اصحاب کهف ، با کنار زدن رقیبان خود ، مسؤولیّت امور اصحاب کهف را برعهده گرفتند .

قال الذین غلبوا علی أمرهم

ضمیر در <أمرهم> به اصحاب کهف مربوط است و مفاد جمله <قال الذین. ..> این است که گروهی، بر امور مربوط به اصحاب

کهف سلطه یافتند و بنای مسجد را همّت خویش قرار دادند.

۳۵- اداره کنندگان جایگاه اصحاب کهف به منظور عبادت خداوند بر ساختن مسجدی در فضای غار ، همّت گماشتند .

قال الذین غلبوا علی أمرهم لنتّخذنّ علیهم مسجدًا

تعبیری که گروه نخست به کار بردند (ابنوا) خطاب به دیگران بود و بیان کننده این که نمی خواستند در انجام دادن پیشنهاد خویش سهم عملی داشته باشند، ولی دسته دوم، علاوه بر به کار بردن ضمیر متکلم (نتخذنّ) که حاکی از تصمیم آنان بر حضور مستقیم در ساختن مسجد است با تعبیر <إتخاذ مسجد> این معنا را نیز اعلام کردند که خود، در آن جا، به عبادت خواهند پرداخت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۲ - ۵

۵- سگ اصحاب کهف ، به دلیل همراهی با آنان ، موجودی شایسته احترام شمرده شده است .

رابعهم . .. سادسهم ... و ثامنهم کلبهم

یاد کردن از سگ اصحاب کهف به شکلی که گویا، فردی از آنان به حساب آمده، حاکی از عنایتی ویژه به او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۵ - ۱،۲،۳

۱- درنگ اصحاب کهف در غار ، سیصد و نُه سال بوده است .

و لبثوا فی کهفهم ثلث مأئه سنین وازدادوا تسعًا

<سنین> بدل است برای <ثلاثمئه>. این کلمه علاوه بر مشخص ساختن مراد از <سیصد> نشانه این است که گذشت سالیانی چند بر خواب اصحاب کهف، امری شگفت است.

۲- اصحاب کهف ، در تمام مدّت سیصد و نُه سال ، در همان غاری بودند که به

آن پناهنده شده بودند .

و لبثوا فی کهفهم

۳- اصحاب کهف ، براساس سال های شمسی ، سیصد سال و براساس سال های قمری ، سیصد و نُه سال در غار ماندند .

و لبثوا فی کهفهم ثلث مأئه سنین وازدادوا تسعًا

ضمیر در <ازدادوا> به اصحاب کهف مربوط است و تفکیک نُه سال از سیصد سال، شاید ناظر به این باشد که آن ها، به حساب سال های شمسی، سیصد سال آرمیده بودند و شمار این سال ها، موافق سال های قمری، از سیصد و نُه سال اندکی (کمتر از سه ماه) بیشتر می شود که معمولاً، این مقدار را در زمان بندی حوادث نادیده می گیرند.

قصه الیاس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲۴ - ۱،۳

۱ - الیاس (ع) ، قومش را به تقواپیشگی فراخواند .

إذ قال لقومه ألاتتّقون

۳ - الیاس پیامبر ، قوم خود را به خاطر بی تقوایی شان سرزنش کرد .

إذ قال لقومه ألاتتّقون

همزه در <ألاتتّقون> برای استفهام انکاریِ توبیخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲۵ - ۴

۴ - الیاس (ع) ، قوم خود را به جهت رها کردن پرستش بهترین آفریننده (خدا) سرزنش کرد .

و تذرون أحسن الخلقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲۷ - ۱

۱ - الیاس پیامبر (ع) از سوی قوم خود مورد تکذیب قرار گرفت .

و إنّ إلیاس لمن المرسلین . إذ قال لقومه ألاتتّقون ... فکذّبوه

قصه انبیا

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۴ - ۲

۲ سرگذشت حضرت نوح و موسی (ع) و پیامبران مبعوث شده در فاصله میان آنان و تکذیب شدن آنان و هلاکت مکذبان به عذاب استیصال ، آیاتی است که در کتاب های آسمانی پیشین نیز آمده بود .

و اتل علیهم نبأ نوح . .. فإن کنت فی شک مما أنزلنا إلیک فسئل الذین یقرءون الکتب م

برداشت فوق از ارتباط میان این آیه شریفه و مجموعه آیات ۷۱ تا ۹۳ که با هم یک بند را تشکیل می دهند استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷ - ۳

۳ - بیان داستان پیامبران در قرآن ، براساس هدف و مصلحتی حکیمانه و سازنده

من لدن حکیم . .. إذ قال موسی لأهله إنّی ءانست نارًا

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که قرآن از جانب خدای حکیم نازل شده است.

قصه اهل ایله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۳ - ۳

۳ خداوند از پیامبر (ص) خواست تا از یهودیان ، سرگذشت مردم ایله را جویا شود .

و سئلهم عن القریه التی کانت حاضره البحر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۴ - ۲،۳،۴،۸

۲ اکثریت ساکنان ایله به گناه صید ماهی در روز شنبه آلوده شدند .

إذ قالت أمه منهم لم تعظون قوماً

تعبیر از تجاوزگران با کلمه <قوما> می تواند گویای برداشت فوق باشد.

۳ موعظه گران یهود

در آبادی ایله ، همکیشان خویش را از نافرمانی خدا (شکستن احکام روز شنبه) برحذر می داشتند .

لم تعظون قوماً

۴ تارکان نهی از منکر در میان یهودیان ایله ، به موعظه گران اعتراض کردند و عمل آنان (نهی از منکر) را نابجا شمردند .

لم تعظون قوماً

۸ داشتن عذر در پیشگاه خداوند و نیز امید به پرهیز تجاوزگران از تجاوز خویش ، پاسخ موعظه گران یهود به اعتراض تارکان نهی از منکر

قالوا معذره إلی ربکم و لعلهم یتقون

<معذره> مصدر و به معنای حجت داشتن است. این کلمه مفعولٌ له برای فعل مقدّر <نعظهم> می باشد ; یعنی آنان را موعظه می کنیم تا در پیشگاه خدا حجت و عذر داشته باشیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۵ - ۱،۲،۳،۴،۵

۱ یهودیان متخلف در آبادی ایله ، به نصایح و مواعظ مصلحان و نهی کنندگان از منکر اعتنا نکردند و آن را به فراموشی سپردند .

فلما نسوا ما ذکروا به

۲ خداوند یهودیان متمرد در آبادی ایله را پس از مداومت بر صید ماهی در روز شنبه و بی اعتنایی به مواعظ اصلاحگران به عذابی شدید گرفتار ساخت .

فلما نسوا ما ذکروا به . .. أخذنا الذین ظلموا بعذاب بئیس

<بئیس> به معنای شدید است.

۳ خداوند از میان یهودیان ایله تنها مصلحانِ نهی کننده از منکر را از گرفتار شدن به عذاب رهایی بخشید .

أنجینا الذین ینهون عن السوء

۴ خداوند حتی آن گروه از یهودیان ایله را که خود صالح بودند ، ولی متجاوزان را موعظه نکردند ، به عذابی شدید

گرفتار ساخت .

أنجينا الذين ينهون عن السوء و أخذنا الذين ظلموا بعذاب بئيس

در آیه قبل در مقام تقسیم یهودیان ایله از نظر عملکرد، آنان را به سه گروه تقسیم کرد و آیه مورد بحث در مقام بیان سرنوشت آنان است و ایشان را در دو گروه قرار داده است. این مقایسه نشان می دهد که خداوند ترک کنندگان نهی از منکر را از گروه ظالمان (الذین ظلموا) شمرده است.

۵ ترک کنندگان نهی از منکر در میان یهودیان ایله ، بی اعتنا به تذکار موعظه گران (لزوم نهی از منکر)

فلما نسوا ما ذکروا به

ضمیر در <نسوا> و <ذکروا> به تجاوزگران و نیز به ترک کنندگان نهی از منکر برمی گردد. تذکری که به ترک کنندگان نهی از منکر داده شد، همان است که از جمله <معذره إلی ربکم> فهمیده می شود. یعنی مصلحان به آنان تفهیم کردند که شما نیز باید نهی از منکر کنید، و گر نه مسؤول هستید ; اما آنان همچنان بی تفاوت ماندند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۶ - ۱،۳،۶

۱ خداوند یهودیان ایله را به خاطر شکستن قانون روز شنبه با صید ماهی ، به بوزینگانی مطرود مبدّل ساخت .

فلما عتوا عن ما نهوا عنه قلنا لهم کونوا قرده خسئین

<عتوّ> (مصدر عتوا)، به معنای عصیان و سرکشی است. مراد از <ما نهوا عنه> صید ماهی در روز شنبه است.

۳ خداوند یهودیان ایله را پس از عبرت نگرفتن از عذاب نازل شده بر آنان و اصرارشان بر صید ماهی ، به بوزینه تبدیل کرد .

و أخذنا الذین ظلموا

بعذاب بئیس . .. فلما عتوا عن ما نهوا عنه

واقع شدن جمله <فلما عتوا> پس از <أخذنا الذین ظلموا . .. >، بیانگر این است که متجاوزان پس از مبتلا شدن به عذاب دنیوی همچنان به صید ماهی در شنبه ادامه می دادند.

۶ ترک کنندگان نهی از منکر از میان مردم ایله ، به بوزینه تبدیل نشدند .

فلما عتوا عن ما نهوا عنه قلنا لهم کونوا قرده

عنوان <ما نهوا عنه> شامل ترک نهی از منکر نمی شود. به خلاف عنوان <ما ذکروا به> در آیه قبل که شامل ترک نهی از منکر نیز هست.

قصه ایوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۴ - ۱،۲،۴،۵،۷،۸،۹،۱۱

۱- خداوند دعا و درخواست ایوب (ع) را پذیرفت و مورد اجابت قرار داد .

و أیّوب إذ نادی ربّه . .. فاستجبنا له

۲- خداوند ، مشکلات ایوب (ع) را گشود و غم و اندوه آن حضرت را از جسم و جان وی زدود .

و أیّوب . .. فکشفنا ما به من ضرّ

۴- خداوند ، خاندان (زن و فرزند) درگذشته ایوب (ع) را احیا و به او بازگردانید .

و ءاتینه أهله

در این که مقصود از اعطای خاندان ایوب(ع) به آن حضرت چیست، دو دیدگاه وجود دارد: ۱ احیای زن و فرزندان درگذشته ایوب(ع) و بازگردانیدن آنان به ایشان; ۲ اعطای زن و فرزندان جدید به جای زن و فرزندان از دست رفته او. برداشت یاد شده مبتنی بر دیدگاه اول است.

۵- خداوند ، به جای خاندان از دست رفته ایوب (ع) ، زن

و فرزندان جدید دیگری به او اعطا کرد .

و ءاتینه أهله

۷- خداوند ، افزون بر بازگردانیدن زن و فرزندان ایوب (ع) به وی ، زن و فرزندان دیگری نظیر آنان به آن حضرت عطا کرد .

و ءاتینه أهله و مثلهم معهم

۸- ایوب (ع) ، به گرفتاری فراق و از دست دادن خانواده اش مبتلا شده بود .

و ءاتینه أهله

۹- از دست دادن خانواده (زن و فرزندان) ، مهم ترین رنج و ناراحتی ایوب (ع) بود .

أنّی مسّنی الضرّ . .. فکشفنا ما به من ضرّ و ءاتینه أهله و مثلهم معهم

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که جمله <آتیناه أهله. ..> عطف بر <فکشفنا...> باشد. در این صورت ذکر <آتیناه أهله...> از باب ذکر خاص بعد از عام و مفید اهمیت و عظمت خواهد بود؛ زیرا از دست دادن خانواده، خودْ <ضرّ> است.

۱۱- بهره مندی ایوب (ع) از عطایی فزون تر از آن چه تمنا داشت .

أنّی مسّنی الضرّ . .. فکشفنا ما به من ضرّ و ءاتینه أهله و مثلهم معهم

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <آتیناه. ..> عطف بر <فاستجبنا> باشد. بنابراین آن چه مورد درخواست ایوب(ع) بود، بر طرف شدن بیماری و رنج (ضرّ) بود که خداوند افزون تر از آن، خانواده اش را به آن حضرت بازگردانید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۱ - ۵،۶،۱۳

۵ - توسل ایوب (ع) به ربوبیت خدا ، در هنگام عرض حاجت و دعا برای رفع گرفتاری خود

إذ نادی ربّه أنّی مسّنی

الشیطن

۶ - ایوب (ع) ، در زندگی خود به رنج و عذابی سخت گرفتار شد .

إذ نادی ربّه أنّی مسّنی الشیطن بنصب و عذاب

<نصب> به معنای مشقت و رنج است.

۱۳ - < عن أبی عبدالله (ع) قال : لمّا طال بلاء أیوب و رأی إبلیس صبره أتی إلی أصحاب له کانوا رهباناً فی الجبال فقال لهم : مرّوا بنا إلی هذا العبد المبتلی و نسأله عن بلیته . . . و قالوا یا أیوب لو أخبرتنا بذنبک فلانری تبتلی إلاّ لأمر کنت تستره . . . فعند ذلک دعا ربّه و قال : < ربّ أنّی مسّنی الشیطان بنصب و عذاب > . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: چون ابتلای ایوب(ع) طولانی گشت و ابلیس صبر او را دید، نزد دیرنشینانی که از اصحاب وی بودند آمد و به آنان گفت: بیایید تا نزد این بنده مبتلا برویم و از او درباره ابتلایش سؤال کنیم. .. آنان گفتند: ای ایوب! کاش گناهی را که انجام داده ای به ما می گفتی؟ ما را عقیده بر آن است که تو تنها به خاطر چیزی (گناهی) که از ما پنهان می کنی، مبتلا شده ای... پس در آن موقع پروردگارش را خواند و گفت: (ربّ أنّی مسّنی الشیطان بنصب و عذاب)>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۲ - ۱،۲،۳،۴،۵

۱ - توصیه خداوند به ایوب (ع) ، مبنی بر کوبیدن پای خود بر زمین برای جوشیدن آب از آن

ارکض برجلک هذا مغتسل بارد و شراب

<رکض> در اصل به معنای

زدن با پا است و هرگاه به راکب نسبت داده شود، به معنای رانـدن مرکوب و هرگاه به رونـده نسبت داده شود، به معنای گام نهادن بر زمین خواهد بود (مفردات راغب). در آیه شریفه به قرینه <هذا مغتسل...>، به دست می آید که مقصود پای کوبیدن بر زمین برای جوشیدن چشمه و آب سرد از آن است.

۲ - جوشیدن آب سرد برای شستوشوی و نوشیدن ، بلافاصله پس از این بود که ایوب (ع) پای خود را بر زمین کوبید .

ارکض برجلک هذا مغتسل بارد و شراب

۳ - شفا یافتن ایوب (ع) از مصیبت زمین گیر بودن ، همراه با توصیه خداوند به راه رفتن او

ارکض برجلک هذا مغتسل بارد و شراب

برخی از مفسران بر این نظرانـد که جمله <ارکض برجلک> مرتبط با <هذا مغتسل. ..> نیست; بلکه مستقل است و این دو جمله بیانگر دو نشانه از بهبود یافتن ایوب(ع) و دو معجزه جداگانه است: ۱ بهبود یافتن او از زمین گیر بودن; ۲ سالم شدن از امراض جسمی و پوستی او.

۴ - آب خنک جوشیده از زمین ، وسیله شفای ایوب (ع) از بیماری و رنج

ارکض برجلک هذا مغتسل بارد و شراب

۵ - شفا یافتن ایوب (ع) از آب سرد جوشیده از زمین ، از معجزات خداوند و الطاف او به آن حضرت

ارکض برجلک هذا مغتسل بارد و شراب

از ظاهر آیه شریفه استفاده می شود، که خداوند درصدد بیان معجزه و لطف خود به ایوب(ع) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۳ - ۱،۲،۳،۴،۶،۸

۱ -

خداوند ، خانواده از دست رفته ایوب را زنده کرد و به او بازگرداند .

و وهبنا له أهله

در این که مقصود از <و وهبنا له أهله> چیست; میان مفسران دو دیدگاه وجود دارد: ۱ برخی برآنند که خانواده ایوب، مرده بودند و خداوند آنان را زنده کرد و به او بازگردانید. ۲ برخی دیگر برآنند که خانواده ایوب(ع) زنده بودند; ولی از اطراف او که به امراض و بلیه های گوناگون مبتلا بود پراکنده شده بودند. اما خداوند با شفا دادن ایوب(ع) و رفع گرفتاری از آن حضرت، آنان را به او بازگردانید. برداشت یاد شده مبتنی بر دیدگاه اول است.

۲ - با عنایت خداوند ، خانواده پراکنده و متفرق ایوب (ع) به سوی آن حضرت بازگشتند .

و وهبنا له أهله

۳ - خداوند ، بر تعداد خانواده ایوب (ع) پس از شفا و بهبود یافتنش دو چندان افزود .

و وهبنا له أهله و مثلهم معهم

۴ - بازگشت خانواده ایوب (ع) و دو چندان شدن آنها ، موهبت الهی برای آن حضرت

و وهبنا له أهله و مثلهم معهم

۶ - بازگشت و ازدیاد خانواده ایوب (ع) ، تبلور رحمت خدا به ایشان

و وهبنا له أهله . .. رحمه منّا

۸ - استجابت دعای ایوب (ع) از سوی خداوند ، با بهبود دادن او و بازگرداندن خانواده اش

إذ نادی ربّه . .. هذا مغتسل بارد و شراب . و وهبنا له أهله و مثلهم معهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۴ - ۵،۶

۵ - ایوب (ع)

، در ادای سوگند خود (تنبیه همسرش) دچار تردید و پشیمانی شده بود .

و خذ بیدک ضغثًا فاضرب به و لاتحنث

توصیه خداوند به ایوب(ع) به نشکستن سوگندش، بیانگر این حقیقت است که ایوب(ع) در ادای سوگندش دچار تردید شده و حالت پشیمانی به او دست داده بود; به گونه ای که در جست و جوی راهی برای حل این مشکل برآمده بود.

۶ - خطای همسر ایوب (ع) ، خطایی بزرگ و غیرقابل چشم پوشی برای آن حضرت بود .

و خذ بیدک ضغثًا فاضرب به و لاتحنث

سوگند ایوب(ع) مبنی بر تنبیه همسر خطاکارش، گویای این حقیقت است که خطای همسرش بزرگ و غیرقابل بخشش بود و گرنه شخصیتی مانند ایوب(ع)، از آن اغماض می کرد و او را می بخشید.

قصه باغ سوخته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۷ - ۱،۵،۶،۸

۱ - اعلام خداوند به کافرانِ برخوردار از ثروت و مکنت ، به آزمودنشان همچون آزمودن باغداران یمنی

إنّا بلونهم کما بلونا أصحب الجنّه

مفسران درباره <اصحاب الجنّه> (صاحبان باغ) چنین نوشته اند: این باغ در حومه <یمن> در اختیار پیرمرد مؤمنی قرار داشت. او به قدر نیاز از آن برمی گرفت و بقیه را به مستمندان می داد. اما هنگامی که چشم از دنیا پوشید، فرزندانش گفتند: ما خود به محصول این باغ سزاوارتریم; چون عیال و فرزندان ما بسیار است و نمی توانیم مانند پدرمان عمل کنیم. آنان سوگند یاد کردند تمام مستمندان را از آن محروم سازند. سرنوشت آنان همان شد که در این آیات از آن یاد شده است. (مجمع البیان

و نیز برگرفته از الکشاف زمخشری)

۵ - سوگند باغداران یمنی ، به چیدن تمامی میوه های باغ برای خود در صبحگاهان

إذ أقسموا لیصرمنّها مصبحین

۶ - آشنایی کافران صدراسلام ، با داستان باغداران یمنی

إنّا بلونهم کما بلونا أصحب الجنّه إذ أقسموا

تهدید شدن کافران، به دچار شدن به سرنوشت اصحاب الجنّه> به عنوان نمونه عینی از عملی شدن تهدید خداوند بیانگر این حقیقت است که آنان، از این داستان کم و بیش با خبر بودند; و گرنه این تهدید فایده نمی بخشید.

۸ - < عن أبی جعفر (ع) فی قوله : < إنّا بلوناهم کما بلونا أصحاب الجنّه > . . . هی الجنّه الّتی کانت فی الدنیا و کانت فی الیمن یقال له الرضوان علی تسعه أمیال من صنعاء ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند (إنّا بلوناهم کما بلونا أصحاب الجنّه) روایت شده است:. .. [مراد از <جنّه>] باغی است که در دنیا بوده و در یمن قرار داشت که آن را <رضوان> می گفتند و در فاصله نُه میلی <صنعاء> واقع شده بود>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۸ - ۱،۲

۱ - سوگند صاحبان باغ یمنی ، مبنی بر جدا نکردن سهم مستمندان و نیازمندان از میوه های چیده شده

إذ أقسموا لیصرمنّها مصبحین . و لایستثنون

<استثنا> به معنای خارج کردن است و <لایستثنون> عطف بر <لیصرمنّ> می باشد.

۲ - اطمینان همراه با غرور باغداران یمنی ، به موفقیت خویش در چیدن تمامی محصولات باغ برای خود

إذ أقسموا لیصرمنّها مصبحین . و لایستثنون

سوگند باغداران، همراه با تأکید بر این که تمامی محصولات را

بدون استثنا برای خود خواهند چید، گویای مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۲۰ - ۱

۱ - بوستان باغداران یمنی ، بر اثر نزول بلای الهی سوزانده شد و همچون شب سیاه گردید .

فأصبحت کالصریم

<صریم>، در معانی شب و بریده شده (فعیل به معنای مفعول) به کار می رود. با توجه به معنای نخست، مقصود از آن سوختن و سیاه شدن تمامی درختان باغ، همچون سیاهی شب است. بر مبنای دوم، مراد از آن، نابود شدن تمامی میوه های باغ است. گفتنی است مطلب یاد شده، با توجه به معنای نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۲۱ - ۲

۲ - صاحبان بوستان یمنی ، برای عمل به سوگند خویش مبنی بر چیدن تمامی محصولات باغ خود بدون کنار گذاشتن سهم مستمندان به مشورت با یکدیگر پرداختند .

فتنادوا مصبحین

ندای افراد یک گروه به یکدیگر (تنادوا)، به معنای اجتماع و حضور آنان در یک محل و مکان برای مشورت و هم فکری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۲۲ - ۲

۲ - پدیدار شدن سستی و کوتاهی در میان برخی از باغداران یمنی ، در عمل به سوگند خویش

أن اغدوا علی حرثکم إن کنتم صرمین

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که شرط <إن کنتم صارمین> برای تعلیق حقیقی نیست; زیرا آنان از پیش بر انجام آن سوگند یاد کرده بودند; بلکه به منظور بیان پدیدار شدن سستی و کوتاهی در وفا

به سوگند خويش است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۲۳ - ۲،۳

۲ - مشاوره و گفتوگوى پنهانى باغداران يمنى ، درباره كيفيت چيدن ميوه ها و چگونگى انجام سوگند خويش مبنى بر محروم ساختن مستمندان از آنها

فانطلقوا و هم يتخفتون

<تخافت> (مصدر <يتخافتون>) به معناى آهسته سخن گفتن و پنهان داشتن آن است و چون اين واژه از باب تفاعل است، متضمن معناى مشورت و گفت وگوى پنهانى است.

۳ - تلاش باغداران يمنى ، در مخفى نگه داشتن كار برداشت ميوه ها از ديد ديگران

فانطلقوا و هم يتخفتون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۲۴ - ۱،۴

۱ - توصيه أكيد باغداران يمنى به يكديگر ، مبنى بر اطلاع نيافتن هيچ فردى از بينوايان از عمل برداشت ميوه ها

أن لايدخلنّها اليوم عليكم مسكين

۴ - حضور هر ساله بينوايان در بوستان باغداران يمنى ، به وقت برداشت جهت بهره مند شدن از محصولات آن

أن لايدخلنّها اليوم عليكم مسكين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۲۵ - ۱،۲

۱ - باغداران يمنى ، صبح هنگام به قصد مانع شدن بينوايان از ورود آنان به بوستان و محروم ساختن آنان از محصولات ، به سوى باغ شتافتند .

و غدوا على حرد قدرين

<حرد> به معنای قصد و منع است; یعنی، صاحبان باغ به قصد اجرای تصـمیم خود مبنی بر منع بینوایان و محروم ساختن آنان از محصولات باغ، به سوی آن روان شدند.

۲ - باغداران یمنی ، خود را در بر چیدن تمامی محصولات باغ برای خود

و محروم ساختن بینوایان از آن ، توانا می پنداشتند .

و غدوا علی حرد قدرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۲۶ - ۱،۲،۳،۴

۱ - باغداران یمنی ، با مشاهده باغ خویش هیچ اثری از آن ندیده و گمان بردند که راه راگم کرده اند .

فلمّا رأوها قالوا إنّا لضالّون

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که در این جا معنای اصلی و لغوی <ضالّون> مراد باشد.

۲ - شگفت زدگی باغداران یمنی ، هنگام مشاهده باغ خود

فلمّا رأوها قالوا إنّا لضالّون

آیه بعد (بل نحن محرومون) قرینه است بر این که این سخن، از روی شگفتی گفته شده است.

۳ - ویرانی بوستان باغداران یمنی ، در شب هنگام و ناگهانی بود .

فلمّا رأوها قالوا إنّا لضالّون

برداشت یاد شده، به خاطر این نکته است که صاحبان باغ در سپیده صبح، آن را ویران دیده اند و اگر این ویرانی مربوط به روزهای پیش بود، دست کم به وسیله دیگر باغداران با خبر می شدند.

۴ - باغداران یمنی ، به هنگام مشاهده باغ ویران شده خویش ، بی درنگ به اشتباه خود پی برده و از کار محروم ساختن مستمندان پشیمان گشتند و خود را مردمی گمراه یافتند .

فلمّا رأوها قالوا إنّا لضالّون

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که مقصود از <ضالّون> گمراهی اصطلاحی (گمراهی از راه حق و حقیقت) باشد. گفتنی است کلمه <لمّا> در اصطلاح بیانگر اقتران جواب به شرط و افاده کننده فور و بداهت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۲۷ - ۱،۲

توجه و اعتراف باغداران یمنی ، به محروم شدن خویش از تمامی محصولات باغ

بل نحن محرومون

۲ - تمامی محصولات باغداران یمنی ، بر اثر نزول بلا نابود شده بود .

بل نحن محرومون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۲۸ - ۲،۳،۴،۵،۶

۲ - ترغیب و برانگیخته شدن باغداران یمنی ، به تسبیح و یاد خدا از سوی برادر عاقل و معتدل خود

قال أوسطهم ألم أقل لكم لولا تسبّحون

<لولا> برای تحضیض و ترغیب است و تسبیح در این آیه، به معنای یاد خداوند است; یعنی، <لولا تذكرون اللّه>.

۳ - ترغیب و برانگیخته شدن باغداران یمنی ، از سوی برادر عاقل و معتدل خویش ، بر رعایت حقوق مستمندان و پرهیز از محروم ساختن آنان از محصولات باغ

أن لايدخلنّها اليوم عليكم مسكين . .. قال أوسطهم ألم أقل لكم لولا تسبّحون

۴ - مخالفت برادر عاقل و معتدل ، از میان برادران صاحب باغ ، با محروم ساختن مستمندان از محصولات خویش

قال أوسطهم ألم أقل لكم لولا تسبّحون

۵ - باغداران یمنی ، نصیحت و هشدار برادر عاقل و معتدل خود را درباره حقِ مستمندان و یاد خداوند نمی پذیرفتند .

قال أوسطهم ألم أقل لكم لولا تسبّحون

۶ - سرزنش شدن باغداران یمنی از سوی برادر خردمند و معتدل خود ، به سبب فراموش کردن یاد خدا و محروم ساختن مستمندان از محصولات باغ

قال أوسطهم ألم أقل لكم لولا تسبّحون

مطلب یاد شده، با توجه به این نکته است که همزه در <ألم> برای استفهام توبیخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ – قلم – ۶۸ – ۲۹ – ۱،۲

۱

- توبه و پشیمانی باغداران یمنی ، پس از مشاهده نابودی محصولات از بخلورزی و محروم ساختن بینوایان

قالوا سبحن ربّنا إنّا کنّا ظلمین

۲ - باغداران یمنی ، از مشاهده نابودی محصولات خویش از خواب غفلت بیدار شده و به تسبیح و تنزیه خداوند پرداختند .

قالوا سبحن ربّنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳۰ - ۱

۱ - باغداران یمنی پس از مشاهده محرومیت خود و مستمندان از محصولات باغ ، به سرزنش همدیگر پرداختند .

فأقبل بعضهم علی بعض یتلومون

قصه باغدار متکبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۲ - ۲

۲- سمبل اشراف ، در بیان الهی ، مردی مرفّه و برخوردار از دو تاکستان و نخل هایی در اطراف و کشت زاری در میان ، اما گرفتار غرور است .

جعلنا لأحدهما جنّتین من أعنب و حففنهما بنخل و جعلنا بینهما زرعًا

<غرور> از آیات بعد استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۳ - ۱

۱- مرد انتخاب شده به عنوان سمبل مرفّهان مغرور ، دارای باغ هایی پر حاصل و بی آفت و سرشار از آب بود .

کلتا الجنّتین ءاتت أکلها و لم تظلم منه شیئًا و فجّرنا خللهما نهرًا

<اتت أکلها> و نیز <لم تظلم> بر پر محصول بودن و نیز مبرّا بودن از آفت ها، دلالت دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۳۴ – ۱،۳

۱– سمبل رفاه مندان مغرور ، مالك بدون شریک اموالی عظیم و انبوه بود .

و

کان له ثمر

چنان که در <قاموس> آمده، <ثمر> به انواع مال گفته می شود. چون در آیه گذشته، در باره باغ ها و میوه آن سخن گفته شد، برای جلوگیری از تکرار، مناسب آن است که <ثمر>، در این آیه، به معنای مطلق اموال باشد، نه میوه های باغ نکره بودن <ثمر> بر عظمت آن مال دلالت دارد.

۳- تکیه ثروت مند مغرور ، به زیادی مال و نیروی فرزندان ، خویشان و هواخواهان خود بود .

فقال لصحبه . .. أنا أكثر منك مالاً و أعزّ نفرًا

به قبیله و عشیره انسان و نیز به گروهی که در کاری به هم کمک کنند، <نفر> اطلاق می شود (لسان العرب) و به قرینه <أنا أقلّ منك مالاً و ولداً> در آیه ۳۹ برجسته ترین مصداق آن برای گوینده این سخن، فرزندان وی بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۵ - ۱،۷

۱- مرد ثروت مند ، با دلی آکنده از غرور ، به دارایی خویش ، به باغ پرنعمت خود ، گام نهاد .

و دخل جنّته و هو ظالم لنفسه قال

۷- ثروت مند مغرور ، باغ و بوستان و نعمت های خود را جاودانه و فناناپذیر می پنداشت .

قال ما أظنّ أن تبيد هذه أبدًا

<تبید> از <بید> به معنای هلاك و نابود شدن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۶ - ۱،۹

۱- غرور و دنیاپرستی مرد رفاه مند ، به تردید و تشکیک در برپایی قیامت و وقوع رستاخیز منتهی شد .

و ما أظنّ الساعه قائمه

۹- رفاه مند

مغرور ، به برخورداری از عاقبتی نیکوتر و نعمت هایی برتر در صورت برپایی قیامت مطمئن بود .

ولئن رُددتُّ إلی ربّی لأجدنّ خیرًا منها منقلبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۸ - ۱،۲

۱- مرد مؤمن (سمبل ایمان) از بینش و منش کفرآلود ثروت مندِ دنیاگرا ، اظهار بی زاری کرد .

لکنّاْ هو اللّه ربّی

۲- مرد مؤمن ، با اعتراف به ربوبیّت خدای یگانه و اظهار بی زاری از شرک ، اندیشه خود را از افکار انحرافی ثروت مند مغرور ، متمایز ساخت .

لکنّاْ هو اللّه ربّی و لاأشرک بربّی أحدًا

<لکنّاْ> در اصل <لکنْ أنا> بوده است و پس از حذف همزه <أنا> و ادغام نون ها، دو کلمه، به صورت یک کلمه نوشته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۹ - ۱،۱۳

۱- بی توجهی رفاه مند مغرور به نقش اساسی مشیّت خدا در امور ، مورد سرزنش مرد مؤمن قرار گرفت .

و لولا . .. قلت ما شاء اللّه

۱۳- مؤمنان ، متّکی به مشیّت و نیروی الهی اند ، نه مال و فرزند .

لولا . .. قلت ما شاء اللّه لاقوّه إلاّ باللّه إن ترن أنا أقلّ منک مالاً و ولدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۰ - ۱

۱- مرد مؤمن ، با اظهار امیدبه پروردگار خویش ، نعمتی برتر از بوستان ثروت مند مغرور را آرزو کرد .

فعسی ربّی أن یؤتین خیرًا من جنّتک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ -

کهف - ۱۸ - ۴۱ - ۱،۴

۱- مرد مؤمن به ثروت مند مغرور در مورد امکان به زمین فرو رفتن آب های جاری در باغ و کشت زار او و خشکیدن آن با عذاب الهی هشدار داد .

أو یصبح ماؤها غورًا

<غور> مصدر و در معنای <غائر> (فرورونده) به کار رفته است، استعمال مصدر به معنای اسم فاعل در لغت عرب از شیوه های مبالغه است.

۴- مرد مؤمن ، با بیان ناتوانی ثروت مند مغرور از دسترسی به آب فرو رفته ، او را به وابستگی نعمت ها به مشیّت الهی ، آگاه ساخت .

لولا . .. قلت ما شاء اللّه ... أو یصبح ماؤها غورًا فلن تستطیع له طلبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۲ - ۱،۲،۳،۴،۵،۸

۱- امکانات ثروت مند مغرور ، با نزول عذاب فراگیر الهی ، نابود شد و تمامی منافع باغ و کشت زار او از بین رفت .

و أُحیط بثمره

<أُحیط بثمره> عطف بر محذوف است، یعنی، <وقع العذاب و. ..>. احاطه شدن، کنایه از نابود شدن است. مراد از <ثمر>، تمامی دستاوردهای مرد ثروت مند در باغ و کشت زار خود است.

۲- نصایح مرد مؤمن ، در ثروت مند گرفتار کبر و غرور ، بی تأثیر بود .

و أُحیط بثمره

روشن است که اگر مرد ثروت مند، به نصایح مرد مؤمن گوش فرا می داد، گرفتار نابودی اموال و سرمایه خود نمی شد.

۳- امید و آرزوی مرد مؤمن ، با زوال امکانات ثروت مند مغرور ، تحقق یافت .

فعسی ربّی أن . .. و أُحیط بثمره

۴- مرد ثروت مند ، بادیدن باغ فرو

ریخته بر سقف ها و تباهی تمامی محصول و سرمایه های خویش به حسرت شدید فرو رفت .

و أُحیط بثمره فأصبح یقلّب کفّیه. .. و هی خاویه علی عروشها

<کفّ> یعنی دست و <کفّیه> تثنیه آن و به معنای دو دست او است. جمله <یقلّب کفّیه> یعنی، دو دست اش را زیر و رو می کرد (گاهی کف یک دست را بر پشت دست دیگر و گاه عکس آن را انجام می داد). این حرکت، بازتابی از اندوه و حسرت شدید آدمی است. <خاویه> یعنی، فرو ریخته و منهدم شده و <عروش> به معنای سقف ها و یا داربست هایی است که برای برخی درختانِ میوه برپا می گردد. <خاویه علی عروشها> یعنی: <درختان و یا بناهای باغ، بر سقف های خود فرو ریخته بود.>.

۵- سرمایه دار خود پرست ، با تباه شدن حاصل بوستان اش در فصل برداشت و جمع آوری محصول ، غافل گیر شد .

و أُحیط بثمره

تعبیر <أُحیط بثمره> و نیز <ما أنفق> نشان می دهد که کارهای مقدماتی کشت و سرمایگذارهای لازم، قبلاً صورت گرفته بود و دقیقاً، عذاب، هنگامی نازل شد که می بایست از باغ ثمر گرفت.

۸- ثروت مند خودپرست ، پس از نابودی اموال خویش ، به خود آمده و بر مواضع شرک آلود گذشته خویش تأسّف می خورد .

یلیتنی لم أُشرک بربّی أحدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۳ - ۱،۶

۱- سرمایه دارِ مغرورِ به کثرت هواداران ، هنگام نابودی سرمایه اش با عذاب الهی ، تنها و بی یاور بود .

أنا أکثر منک مالاً و أعزّ نفرًا .

.. و لم تکن له فئه ینصرونه من دون اللّه

۶- مرد مشرک ، از دفع عذاب از خویش ، ناتوان بود .

و ما کان منتصرًا

<انتصار> به معنای <حفظ خود از ظلم و تعدی> است (لسان العرب). در مورد آیه، به معنای <حفظ خود از عذاب> است؛ یعنی، ثروت منِد مغرور، راهی برای دفع عذاب و نجات از مخمصه ای که بدان گرفتار شده بود، نداشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۴ - ۳

۳- سرگذشت رفاه مند مغرور ، عصیان ابلیس و بی پاسخ ماندن استمداد مشرکان از معبودان خویش در قیامت ، نمونه هایی از مثال های هدایت گر قرآن است .

واضرب لهم مثلاً رجلین . .. و لقد صرّفنا فی هذا القرءان للناس من کلّ مثل

این آیه، به منزله نگاهی است کلّی به آیات گذشته از سی ودوم با پنجاه و سوم.

قصه بلعم باعورا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۵ - ۱،۲،۳،۴،۵،۶

۱ خداوند به پیامبر خویش فرمان داد تا داستان بلعم باعورا را برای مردم بیان کند .

و اتل علیهم نبأ الذی ءاتینه ءایتنا

بسیاری از مفسران بر این باورند که مقصود از <الذی ءاتینه . .. > بلعم، فرزند باعورا، است که در زمان حضرت موسی(ع) می زیسته.

۲ خداوند آیات و نشانه های خویش را به بلعم باعورا ارائه کرد و وی آنها را بخوبی دریافت .

الذی ءاتینه ءایتنا فانسلخ منها

<انسلاخ> به معنای بیرون شدن چیزی از پوست خود است. در آیه شریفه، آیات الهی به پوست و مانند آن که به

شخص چسبیده و ملصق باشد تشبیه شده است. بنابراین <فانسلخ منها> می رساند که آیات الهی مانند پوست بر بلعم احاطه داشت و بر او چسبیده بود ; یعنی به خوبی آنها را لمس کرده و دریافته بود.

۳ داستان بلعم باعورا ، داستانی پرفایده و هشداردهنده به دینداران و عالمان دینی

و اتل علیهم نبأ الذی ءاتینه ءایتنا

<نبأ> به خبری گفته می شود که دارای فایده ای بزرگ باشد. (مفردات راغب). گویا هدف از نقل آن هشدار به دینداران و عالمان دینی است. یعنی کسانی که از آیات الهی بهره مند هستند.

۴ بلعم باعورا معارف الهی را به دور افکند و آنها را نادیده انگاشت و مرتد شد .

ءاتینه ءایتنا فانسلخ منها

۵ شیطان در پی فاصله گرفتن بلعم باعورا از معارف الهی به تعقیب وی پرداخت .

فأتبعه الشیطن

<اتباع> (مصدر أتبع) به معنای دنبال کردن و تعقیب کردن است.

۶ بلعم باعورا پس از دور شدن از معارف الهی به دام شیطان گرفتار و از گمراهان شد .

فأتبعه الشیطن فکان من الغاوین

<غوایه>، مصدر <غاوین> به معنای گمراه شدن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۶ - ۱۴،۱۶،۱۷،۱۸

۱۴ حالت بلعم باعورا به سبب دنیاگرایی مانند حالت سگی شد که در هر حال ، چه بر او هجوم کنی و یا رهایش سازی ، زبان از کام بیرون آورَد و له له زند .

فمثله کمثل الکلب إن تحمل علیه یلهث او تترکه یلهث

<تحمل> از <حَمْلَه> گرفته شده و <حَمْلَه> به معنای هجوم کردن است. <مَثَل> در آیه شریفه به معنای حالت و صفت است.

پیامبر (ص) از جانب خداوند مأمور شد تا داستان بلعم باعورا را برای تکذیب کنندگان آیات الهی گزارش کند .

فاقصص القصص

<قصّ> (مصدر <اُقصص>) به معنای بیان کردن و بازگو کردن است. <قصص> به معنای خبر و داستان است و <ال> در آن عهد ذکری و اشاره به داستان بلعم باعورا است.

۱۷ بلعم باعورا پس از ایمان به آیات الهی آنها را تکذیب کرد .

فمثله کمثل الکلب . .. ذلک مثل القوم الذین کذبوا بایتنا

۱۸ توجه به داستان بلعم باعورا برانگیزاننده آدمی به تفکر در سرنوشت شوم تکذیب کنندگان و ایجادکننده زمینه های هدایت در وی است .

فاقصص القصص لعلهم یتفکرون

قصه بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۵۲ - ۵

۵ - < عن أبی جعفر (ع) فی قوله < بل یرید کلّ امریء منهم أن یؤتی صحفاً منشّره > و ذلک أنّهم قالوا : یا محمد قد بلغنا أنّ الرجل من بنی اسرائیل کان یذنب الذنب فیصبح و ذنبه مکتوب عند رأسه و کفّارته ، فنزل جبرئیل علی النبیّ (ص) و قال : یسألک قومک سنّه بنی إسرائیل فی الذنوب فإن شاؤوا فعلنا ذلک بهم و أخذناهم بما کنّا نأخذ به بنی إسرائیل . . . ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند <بل یرید کلّ امریء منهم أن یؤتی صحفاً منشّره> روایت شده که آنان [به رسول خدا]گفتند: ای محمد! به ما خبر رسیده که مردی از بنی اسرائیل، گناهی مرتکب می شد و از خواب برمی خاست، در حالی که گناهش در بالای سرش همراه

با کفّاره آن نوشته شده بود. سپس جبرئیل بر رسول خدا(ص) نازل شد و فرمود: قومت از تو می خواهند، همان سنّت بنی اسرائیل در مورد گناهان درباره آنان جاری شود، اگر آنان بخواهند ما درباره آنان انجام می دهیم و آنان را گرفتار می کنیم; به همان عذابی که بنی اسرائیل را گرفتار می کردیم...>.

قصه بیعت رضوان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۸ - ۷۸

۷ - خداوند ، آگاه از خلوص و صداقت باطنی مؤمنان در بیعت رضوان

لقد رضی اللّه . .. فعلم ما فی قلوبهم

مراد از <ما> در <ما فی قلوبهم> به قرینه <رضی اللّه. ..> می تواند صداقت و خلوص مؤمنان باشد; زیرا این امور است که رضایت و خشنودی را در پی دارد.

۸ - اقدام مؤمنان ، به بیعت رضوان ، علی رغم همه نگرانی ها و احساس خطر ها *

یبایعونک تحت الشجره فعلم ما فی قلوبهم

می توان گفت: مراد از <ما فی قلوبهم> به قرینه <فأنزل السکینه> نوعی اضطراب و نگرانی و احساس خطر نسبت به رخدادهای آینده آن سفر باشد.

قصه پیشینیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۱ - ۱

۱ خداوند بیان کننده داستانهایی از سرگذشت اقوام پیشین برای پیامبر (ص)

تلک القری نقص علیک من أنبائها

قصه حبیب نجار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۲۰ – ۱۲،۱۱،۶،۱

۱ – حبیب نجار ، از حاشیه و کرانه شهر انطاکیه به دفاع از پیامبران تهدید شده به سنگسار

و شکنجه ، شتافت .

و جاء من أقصا المدينه رجل يسعى

بیشتر مفسران براساس شواهد تاریخی و روایات مربوطه بر این باورند که مقصود از <رجل> حبیب نجار است و آیه شریفه تا آیه ۲۷ درباره سرگذشت او می باشد. گفتنی است که حبیب نجار در کرانه شهر انطاکیه می زیست و به عبادت در غار و یا چرانیدن گوسفندان مشغول بود و آن گاه که شنید پیامبران به سنگسار و شکنجه تهدید شده اند، به میان مردم آمد و به دفاع از آنان برخاست. گفتنی است <الف> و <لامِ> <المدینه> برای عهد است و اشاره به شهر <اصحاب القریه> دارد.

۶ - حبیب نجار ، مردی آشنا به پیامبران عصر خویش و مؤمن و پیرو ایشان

و جاء من أقصا المدينه رجل يسعى قال يقوم اتّبعوا المرسلين

دفاع حبیب نجار از پیامبران و توصیه به پیروی از آنان، گویای برداشت یاد شده است.

۱۱ - حبیب نجار ، مردم انطاکیه را به اقتدا و پیروی از رسولان الهی ، فراخوانده بود .

قال يقوم اتّبعوا المرسلين

۱۲ - دعوت حبیب نجار به پیروی از انبیا ، همراه با ملاطفت و اظهار محبت به مردم بود .

قال يقوم اتّبعوا المرسلين

برداشت یاد شده از تعبیر <یا قوم> (ای قوم من) که معمولاً برای اظهار محبت و ابراز نزدیکی به کار می رود استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲۱ - ۱

۱ - مؤمن انطاکیه (حبیب نجار) ، مردم را به پیروی از رسولانی ره یافته که هیچ مزدی در ابلاغ رسالت خویش نمی خواستند فراخوانده

بود .

اتّبعوا من لايسئلكم أجراً و هم مهتدون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - يس - ۳۶ - ۲۲ - ۲،۸

۲ - مؤمن انطاكيه (حبيب نجار) به دليل ايمان به خداى يكتا و پيروى از رسولان الهى ، مورد اعتراض و تهديد مردم كافر قرار گرفت .

و ما لى لا أعبد الذى فطرنى

از آهنگ آيه شريفه كه با استفهام انكارى همراه است مطلب ياد شده به دست مى آيد; زيرا استفهام انكارى، در رد چيزى به كار مى رود كه مورد انكار و اعتراض قرار گرفته است.

۸ - مردم انطاكيه به علت كفر به خدا و انكار معاد ، مورد انتقاد و سرزنش مؤمن انطاكيه (حبيب نجار) قرار گرفتند .

و ما لى لا أعبد الذى فطرنى و إليه ترجعون

بيشتر مفسران برآنند كه آيه شريفه، در مقام تعريض و سرزنش مردم كافر انطاكيه مى باشد و آمدن آن در قالب <و ما لى لا أعبد> به جاى <و ما لكم لاتعبدون> براى تأكيد بيشتر است. گفتنى است آمدن جمله <ترجعون> به صيغه مخاطب، مؤيد اين حقيقت است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - يس - ۳۶ - ۲۵ - ۱،۲،۳

۱ - مؤمن انطاكيه (حبيب نجار) ، ايمان استوارش به خداى يكتا را قاطعانه به مردم اعلام كرد .

إنّى ءامنت بربّكم

برداشت ياد شده مبتنى بر اين نكته است كه مخاطبانِ <ربّكم> و <فاسمعون>، مردم انطاكيه باشند.

۲ - مؤمن انطاكيه (حبيب نجار) ، مردم را به گوش فرادادن به سخنان خود و تأمل و تفكر در انديشه ها و باور

های خود فراخواند .

فاسمعون

۳ - مؤمن انطاکیه (حبیب نجار) ، ایمان استوارش به خدای یکتا را به پیامبران آن دیار اعلام کرد .

إنّی ءامنت بربّکم

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که مخاطبانِ <کم> و <فاسمعون>، پیامبران مردم انطاکیه باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲۶ - ۱،۹

۱ - مؤمن انطاکیه (حبیب نجار) ، پس از اظهار ایمان به خدای یکتا و دفاع از پیامبران ، به دست کافران به شهادت رسید .

قال یقوم اتّبعوا المرسلین . .. إنّی ءامنت بربّکم فاسمعون . قیل ادخل الجنّه

جمله <قیل ادخل الجنّه> استئناف بیانی است; یعنی، ممکن است پس از مطالعه داستان مؤمن انطاکیه، به ذهن خواننده خطور کند که این مرد الهی پس از اظهار ایمان و دفاع از پیامبران به چه سرنوشتی دچار شد؟ که آیه شریفه پاسخگوی چنین سؤالی است.

۹ - مؤمن انطاکیه (حبیب نجار) ، پس از به شهادت رسیدنش ، از آگاه نبودن مردم از جایگاه بهشتی خود ، اظهار تأسف کرده و آرزو نمود که ای کاش آنان آگاه می شدند .

یلیت قومی یعلمون

جمله <یا لیت قومی. ..> برای استئناف بیانی است; یعنی، بیانگر امری است که پس از ورود به بهشت [برزخی] اتفاق افتاده است.

قصه حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۵ - ۱،۲،۳،۴،۹

۱ - خداوند ، به آدم (ع) و همسرش فرمان داد تا در بهشت سکونت کنند .

و قلنا يأدم اسكن أنت و زوجك الجنه

۲ - سکونت آدم (ع)

و همسرش در بهشت پس از سجده فرشتگان بر آدم (ع) بوده است .

و إذ قلنا للملئکه اسجدوا لأدم . .. و قلنا یأدم اسکن أنت و زوجک الجنه

۳ - حوا ، قبل از سکونت آدم (ع) در بهشت ، آفریده شده بود .

اسکن أنت و زوجک الجنه

۴ - ازدواج آدم (ع) و حوا پیش از سکونتشان در بهشت

یأدم اسکن أنت و زوجک الجنه

۹ - آدم (ع) و حوا در صورت نزدیک شدن به شجره منهیه ، در معرض ارتکاب نهی الهی قرار می گرفتند .

و لاتقربا هذه الشجره

چنانچه مراد از <لاتقربا> (نزدیک نشوید) نهی ازخوردن باشد، به کارگیری <لاتقربا> به جای <لا تاکلا> (نخورید) اشاره به این معنا دارد که: آدم(ع) و حوا در صورت نزدیک شدن به شجره ممنوعه در خطر ارتکاب نهی الهی قرار می گرفتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۶ - ۱،۳،۴،۵،۷،۱۲،۱۳،۱۹

۱ - شیطان با ترغیب آدم (ع) و حوا به بهره گیری از شجره منهیه ، آنان را به لغزش و نافرمانی خداوند کشانید .

فأزلّهما الشیطن عنها

<ازلال> (مصدر ازلّ) به معنای: لغزانیدن و به گناه واداشتن است. ضمیر در <عنها> می تواند به <الجنه> برگردد; یعنی، شیطان آدم(ع) و حوا را با واداشتن به لغزش و گناه از بهشت دور ساخت و نیز می تواند به <الشجره> برگردد; یعنی، شیطان، آدم(ع) و حوا را به گناه وادار کرد، گناهی که سرچشمه اش آن درخت ممنوعه بود. برداشت فوق بر اساس دومین احتمال است.

۳ - شیطان و اغواگری های او سبب

خروج آدم (ع) و حوا از بهشت شد .

فأخرجهما مما كانا فيه

۴ - خداوند ، پس از سلب شایستگی آدم (ع) و حوا برای سکونت در بهشت ، آنان را به خروج از بهشت و فرود آمدن به زمین فرمان داد .

و قلنا اهبطوا

هبوط (مصدر اهبطوا) به معنای فرود آمدن است. مفعول <اهبطوا> به دلیل جمله بعد، <الأرض> می باشد.

۵ - فاصله زمانی میان سکونت آدم (ع) و حوا در بهشت با لغزش آنان ، فاصله ای نسبتاً کوتاه و اندک بود .

و قلنا یأدم اسكن أنت و زوجک الجنه . .. فأزلّهما الشيطن عنها

عطف جمله <أزلهما . ..> بر آیه قبل به وسیله حرف <فا> می تواند اشاره به برداشت فوق باشد.

۷ - شیطان در بهشتِ آدم (ع) و حوا ، حضور داشت .

فأزلهما الشيطن عنها

۱۲ - خداوند در پی هبوط آدم (ع) و حوا ، دشمنی فرزندانشان را با یکدیگر ، به ایشان گوشزد کرد .

و قلنا اهبطوا بعضكم لبعض عدو

۱۳ تناول آدم (ع) و حوا از شجره ممنوعه ، مایه سلب شایستگی نسل آنان برای سکونت در بهشت نخستین شد . *

قلنا اهبطوا

خداوند در بیان اخراج آدم(ع) و حوا از بهشت و استقرار آن دو در زمین، خطاب خویش را - بر خلاف مقتضای طبیعی کلام - متوجه نسل آنان نیز کرد; تا به این نکته اشاره کند که: تناول آدم(ع) و حوا از شجره منهیه در نسل ایشان نیز اثری به جای گذاشت که باعث شد آنان نیز، حیات خویش را در زمین سپری کنند.

۱۹ از رسول

خدا (ص) روایت شده که فرمود : < انما کان لبث آدم و حوا فی الجنه حتی خرجا من ها سبع ساعات من أیام الدنیا . . . ;

توقف آدم و حوا تا زمان خروجشان از بهشت هفت ساعت از روزهای دنیا بود . ..>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۸ - ۴

۴ - خداوند ، به هنگام خروج آدم (ع) و حوا از بهشت ، آنان و نسلشان را به بهره مند ساختن از هدایت ها و رهنمودهایی از جانب خودش ، بشارت داد .

فإما یأتینکم منی هدًی

<إما> مرکب از <إن> شرطیه و <ما>ی زایده است. شرطیه بودن جمله از یکسو و تأکید آن با <ما>ی زایده و نون تأکید در <یأتینّ> از سوی دیگر، اقتضا می کند که جمله چنین معنا شود: اگر هدایتی از جانب من آمد که البته خواهد آمد . ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۹ - ۱،۳،۴،۵

۱ خداوند به آدم(ع) و همسرش فرمان داد تا در بهشت سکونت گزینند.

و یأدم أسکن أنت و زوجك الجنه

۳ خداوند، خوردن از درختی مخصوص را بر آدم و حوا تحریم کرد.

و لا تقربا هذه الشجره فتکونا من الظلمین

مراد از <لا تقربا . .. > به قرینه فراز قبل (فکلا ...) و نیز (فلما ذاقا ...) در آیه ۲۲، نهی از خوردن بوده است نه مجرد نزدیک شدن.

۴ خداوند هر گونه استفاده از شجره نهی شده را بر آدم و حوا ممنوع کرد. *

و لا تقربا

هذه الشجره

نهی <لا تقربا> می تواند کنایه از حرمت هر گونه استفاده باشد.

۵ هشدار خداوند به آدم و حوا که در صورت خوردن از شجره نهی شده از ستمکاران خواهند بود.

و لا تقربا هذه الشجره فتکونا من الظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۰ - ۳،۴،۵،۷

۳ شرمگاه آدم و حوا مستور از دید یکدیگر پیش از خوردن از شجره نهی شده

لیبدی لهما ما وُری عنهما

۴ شرمگاه آدم و حوا مستور بر خود آنان تا پیش از خوردن از شجره نهی شده

فوسوس لهما الشیطن لیبدی لهما ما وُری عنهما من سوءتهما

جمله <وری عنهما> می تواند دلالت کند بر این که شرمگاه آدم و حوا علاوه بر این که بر یکدیگر مستور بوده، برای خودشان نیز مخفی بوده است.

۵ شیطان در وسوسه آدم و حوا، بازماندن آنها از فرشته شدن و جاودانگی را دلیل تحریم خوردن از شجره نهی شده معرفی کرد.

إلا أن تکونا ملکین أو تکونا من الخلدین

۷ شیطان ایجاد کننده شبهه در ذهن آدم و حوا نسبت به تحریم شجره نهی شده بر آنان

ما نهیکما ربکما . .. أو تکونا من الخلدین

برخی جمله <ما نهاکما ربکما . .. > را چنین معنا کرده اند: این حرمت شامل شما نیست، مگر در صورتی که شما فرشته باشید و یا از جاودانان در بهشت، و شما نه فرشته اید و نه از جاودانان در بهشت. پس حرمتی بر شما نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۱ - ۲

۲ آدم و همسرش حوا، بی

اعتماد به شیطان در نخستین مراحل رویارویی با وی

و قاسمهما إنی لکما لمن النصحین

معمولاً سوگند یاد کردن در مواردی است که طرف مقابل حالت انکار و ناباوری از خود ابراز کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۲ - ۲،۳،۴،۷،۸،۱۰،۱۴،۱۶،۱۹،۲۰

۲ آدم و حوا پس از نزدیک شدن به شجره نهی شده از آن درخت تناول کردند.

فلما ذاقا الشجره

۳ آدم و حوا حتی پس از سوگند ابلیس، نگران عواقب بهره گیری از شجره نهی شده

فلما ذاقا الشجره

کلمه <ذوق> که به معنای چشیدن است، می تواند اشاره به این نکته باشد که آدم و حوا با چشیدن از شجره نهی شده، و نخوردن از آن، در صدد امتحان برآمدند تا ببینند آیا اتفاق ناگواری رخ خواهد نمود.

۴ شرمگاه آدم و حوا به مجرد چشیدن از شجره نهی شده برای آنان آشکار شد.

فلما ذاقا الشجره بدت لهما سوءتهما

۷ سوگند، امری اطمینان بخش و زداینده شک و تردید برای آدم و حوا

و قاسمهما . .. فدلیهما بغرور

۸ تلاش آدم و همسرش در پوشاندن شرمگاهشان با برگ درختهای بهشت

و طفقا یخصفان علیهما من ورق الجنه

کلمه <طفق> از افعال مقاربه، و به معنای <شروع کرد> است. قرار دادن قسمتی از دو یا چند چیز را بر یکدیگر و به هم دوختن آنها را خصف می گویند و چون <یخصفان> به <علی> متعدی شده، معنای نهادن نیز در آن تضمین شده است. یعنی آدم و حوا برگها را به یکدیگر متصل کردند و آنها را بر شرمگاه خویش نهادند.

۱۰ آدم و حوا پس از چشیدن از شجره نهی

شده از آن دور شدند و با آن فاصله گرفتند.

و ناديهما ربهما ألم أنهكما عن تلكما الشجره

برداشت فوق با توجه به كلمه <تلك>، كه براى اشاره به دور است، استفاده شده است.

۱۴ هشدار و تذكر پيشاپيش خداوند به آدم و حوا، در مورد دشمنى آشكار شيطان با آنان

و أقل لكما إن الشيطن لكما عدو مبين

۱۶ آدم و حوا، على رغم هشدار شديد خداوند به دشمنى شيطان با آنان، سخنان وى را پذيرفتند.

فدليهما بغرور فلما ذاقا الشجره

۱۹ عن أبى عبدالله(ع): . .. فلما أكلا (آدم و حوا) من الشجره طار الحلى و الحلل عن اجسادهما و بقيا عريانين ... .

از امام صادق(ع) روايت شده است: . .. چون آدم و حوا از آن درخت ممنوعه خوردند، زيور و پوشش آنها از بدنشان جدا شد و برهنه ماندند ... .

۲۰ عن أبى عبدالله(ع) فى قوله: <بدت لهما سوءاتهما> قال: كانت سوءاتهما لا تبدو لهما يعنى كانت داخله.

از امام صادق(ع) درباره اين جمله از آيه <بدت لهما سوءاتهما> روايت شده است: عورت آدم و حوا نمايان نبود، يعنى: داخل بدنشان قرار داشت (و بعد از خوردن از درخت ممنوعه پديدار شد).

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۳ - ۱،۴،۷

۱ آدم و حوا پس از توبيخ خداوند بر تناول از شجره نهى شده، به خطاى خويش پى بردند و بدان اعتراف كردند.

قالا ربنا ظلنا أنفسنا

۴ آدم و حوا پس از اعتراف به لغزش خويش از خداوند خواستند تا گناهشان را بيامرزد و بر آنان ترحم كند.

قالا ربنا ظلنا أنفسنا و إن لم تغفر لنا

و ترحمنا

۷ آدم و حوا خویشتن را به سبب خطا و لغزش از زیانکاران شمردند.

إن لم تغفر لنا و ترحمنا لنکونن من الخسرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۴ - ۱،۱۰

۱ خداوند به آدم، حوا و شیطان فرمان داد تا از بهشت به زمین فروآیند.

قال اهبطوا بعضکم لبعض عدو

مفعول <اهبطوا> به قرینه <و لکم فی الأرض مستقر> کلمه <الأرض> است.

۱۰ عن أبی عبدالله(ع) (فی قصه آدم و حوا): . .. قال الله لهما: اهبطا من سماواتی إلی الأرض فإنه لا یجاورنی فی جنتی عاص و لا فی سماواتی ... .

از امام صادق(ع) (ضمن بیان داستان آدم و حوا) روایت شده است: خداوند به آدم و حوا فرمود: از آسمانهای من به زمین پائین روید ; زیرا گنهکار نه در بهشت و نه در آسمانهایم در حریم من قرار نمی گیرد . .. .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۷ - ۸،۱۰

۸ آدم و حوا دارای پوشش عورت، قبل از فریفته شدن به وسوسه های شیطان

ینزع عنهما لباسهما

۱۰ شیطان، حتی به هنگام خروج آدم و حوا از بهشت، در صدد برهنه ساختن آنان بود. *

أخرج أبویکم من الجنه ینزع عنهما لباسهما

جمله <ینزع . .. > حال برای فاعل <أخرج> است. یعنی شیطان به هنگام خروج آدم و حوا نیز برای بیرون آوردن لباس آنان در تلاش بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۸۹ – ۳،۴،۷،۸،۹،۱۰

۳ خداوند ، همسر آدم (حوا) را

از او آفرید .

جعل منها زوجها

برداشت فوق بر این اساس است که <من> در <منها> نشویه باشد. بر این مبنا <جعل منها زوجها> بیانگر این است که آدم(ع)، منشأ خلقت حوا بوده است.

۴ همسر آدم (حوا) انسانی همانند او در جنس و نوع

جعل منها زوجها

برداشت فوق مبتنی بر این است که <من> در <منها> جنسیه باشد. بنابراین جمله <جعل ... > گویای این است که زوج آدم انسان و از جنس و نوع او بوده است.

۷ حوا در پی آمیزش آدم با وی به باری سبک حامله شد .

فلما تغشیها حملت حملا خفیفا

<تغشی> یعنی <پوشانید> و در آیه کنایه از آمیزش است. ضمیر در <تغشی> به <نفس واحده> که مراد از آن آدم(ع) است برمی گردد.

۸ حوا در ابتدای حاملگی به خاطر ناچیز بودن حملش بدان بی توجه بوده و درباره آن اندیشه ای نداشت .

حملت حملا خفیفا فمرت به

ضمیر <به> به <حملاـ>، که مراد از آن جنین است، برمی گردد. <مرورا>، مصدر <مرت>، به معنای گذر کردن و در آیه کنایه از بی اعتنایی است.

۹ آدم (ع) و حوا پس از سنگین شدن حوا بر اثر رشد جنینش ، به درگاه خدا به نیایش پرداختند .

فلما أثقلت دعوا اللّه ربهما

۱۰ آدم (ع) و حوا با نیایش به درگاه خدا از وی خواستند تا فرزندی سالم و شایسته بقا به آنان عنایت کند .

دعوا اللّه ربهما لئن ءاتیتنا صلحاً لنکونن من الشکرین

صالح در لغت به کسی یا چیزی گفته می شود که فساد در آن نباشد. و مراد از آن به مناسبت

مورد، فرزنـد سالم و مبرا از عیب و نقص است به گونه ای که اسـتعداد زنـده ماندن را دارا باشد. گفتنی است که جمله <فلما ءاتیهما صلحا ... > دلالت بر آن دارد که مراد از صالح، معنای متعارف در شرع (نیکوکار و پاکدامن) نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹۰ - ۱،۴

۱ خداوند با پذیرش درخواست آدم (ع) و حوا ، فرزندی سالم و شایسته به آنان عطا کرد .

دعوا اللّه ربهما لئن . .. فلما ءاتیهما صلحاً

۴ آدم (ع) و حوا با مؤثر پنداشتن غیر خدا در آفرینش و تأمین سلامت کودکانشان ، به شرک گراییدند .

فلما ءاتیهما صلحاً جعلا له شرکاء فیما ءاتیهما

برخی از مفسـران به دلیل جمله <جعلا له شـرکاء> (برای او شـریک قرار دادنـد) بر این نظر هسـتند که مراد از نفس واحده و همسـرش، آدم(ع) و حوا نیسـتند ; زیرا آنان منزه از شـرکورزی می باشـند، بلکه مراد مطلق پـدران و مادران می باشـند. برخی دیگر بر این باورند که مراد از شـرک در اینجا توجه به اسباب و علل طبیعی است، به گونه ای که با اخلاص کامل تنافی داشته ولی با اصل توحید ناسازگار نبوده و نسبت این معنا به آدم(ع) اشکالی ندارد.

قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۰ - ۱،۶،۱۱

۱- موسی (ع) برای یافتن خضر ، با عزمی راسخ و جدّی ، سفر خود را به مجمع البحرین آغاز کرد .

لاأبرح حتّی أبلغ مجمع البحرین

<لاأبرح> صیغه متکلم از

<برح> و به معنای <دست برنمی دارم> و تأکید بر پشتکار در انجام دادن کار است.

۶- موسی (ع) از امکان دسترسی به خضر ، در محل تلاقی دو دریا ، مطلع بود .

لاأبرح حتّی أبلغ مجمع البحرین

۱۱- داستان موسی و خضر (ع) ، نمونه ای از مثال های متنوع قرآنی ، در جهت هدایت مردم است .

و لقد صرّفنا فی هذا القرءان للناس من کلّ مثل . .. و إذ قال موسی لفتیه لاأبرح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۲ - ۴

۴- موسی (ع) بسیار مشتاق دیدار با خضر (ع) و ملاقات با او بود .

لاأبرح حتّی . .. ءاتنا غداءنا لقد لقینا من سفرنا هذا نصبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۳ - ۷

۷- شیطان ، برای عدمِ ملاقات موسی و خضر (ع) تلاش می کرد .

فإنّی نسیت . .. و ما أنسنیه إلاّ الشیطن أن أذکره

همسفر موسی با ادات حصر، فراموشی خود را، تنها، به شیطان منتسب کرد; یعنی، هیچ عاملِ دیگری در کار نبوده است. لذا این نتیجه به دست می آید که شیطان، به هر طریق، می خواسته که مانع ملاقات موسی و خضر(ع) شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۴ - ۱،۲

۱- مسأله ماهی و حرکت غیرعادی آن در آب ، نشانه ای برای جایگاه ملاقات موسی و خضر (ع) بود .

قال ذلک ما کنّا نبغ

<بغی> به معنای <طلب> است و

<ذلـك مـا كنّا نبغ> يعنى: <آنچه پيوسـته در طلب او بوديم، همـان علامـت و نشانه است. >. ياء <نبغى> در پايان سـخن موسى(ع) به منظور تخفيف كلام، حذف شده است.

۲- حضرت موسى (ع) ، از رخداد علائمى براى يافتن جايگاه حضرت خضر (ع) قبلاً مطلع بود .

قال ذلك ما كنّا نبغ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۶۵ - ۱

۱- موسى (ع) و همسفرش ، پس از بازگشت به مجمع البحرين ، با خضر (ع) ملاقات كردند .

فارتّدا على ءاثارهما قصصًا . فوجدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۶۶ - ۱،۲،۳،۴،۱۱

۱- موسى (ع) از خضر (ع) براى همراه شدن با او ، اجازه خواست .

قال له موسى هل أتّبعك

۲- هدف موسى از همراه شدن با خضر ، بهره‌ورى از علم رشدآفرين وى بود .

هل أتّبعك على أن تعلّمن ممّا علّمت رشدًا

<رشـداً> اگر مفعولٌ له باشـد، مفاد آيه اين است كه: <پيروى من، به منظور رشد يافتن است> كه اگر مفعولٌ به باشد، مراد اين است كه: <تو را پيروى مى كنم بر اين اساس كه آنچه را رشد است، به من بياموزى. >.

۳- موسى (ع) به < علم لدنىِ > حضرت خضر احساس نياز مى كرد .

هل أتّبعك على أن تعلّمن ممّا علّمت رشدًا

۴- موسى (ع) ، به محروميت خود از علومى كه نزد خضر بود ، اعتراف داشت و در برابر مقام علمى و عملى او ، متواضع و

فروتن بود .

هل أتّبعک علی أن تعلّمن ممّا علّمت

اظهار آمادگی برای تبعیت، نشانِ خضوعِ موسی(ع) در برابر کردار خضر(ع)، و اظهار اشتیاق به آموختن، حاکی از تواضع موسی در برابر علم او است.

۱۱- موسی (ع) همسفر خود را به همراهی با خضر (ع) و دریافت علوم او ، وادار نکرد . *

هل أتّبعک علی أن تعلّمن

در سفر با خضر، سخنی از همسفر موسی به میان نیامده است; ممکن است او در این سفر، از موسی جدا شده و یا به دلیل شخصیت برجسته موسی و خضر(ع) تنها، از آن دو، در آیات بعد یاد شده باشد. جمله <ذلک ما کنّا نبغ> در آیات قبل، احتمال دوم را تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۷ - ۱،۲،۳،۴

۱- خضر ، موسی (ع) را از تحمّل همراهی با وی ، برای فراگیری علوم ویژه ، ناتوان دید .

هل أتّبعک . .. قال إنّک لن تستطیع معی صبرًا

۲- خضر (ع) به موسی (ع) توصیه کرد به دلیل نداشتن قدرت تحمّل ، از همراه شدن با او صرف نظر کند .

إنّک لن تستطیع معی صبرًا

۳- کار های خضر ، برای دیگران ، حتی فردی چون موسی (ع) غیر قابل تحمّل و درک بود .

قال إنّک لن تستطیع معی صبرًا

تأکید بر <معی> نشان می دهد که صرف تعلیم علوم مشکل آفرین نبوده است، بلکه همراه شدن با خضر - که مستلزم مشاهده رفتاری است که از علوم وی نشئت گرفته غیرقابل تحمّل بوده است.

۴- حضرت خضر (

ع) ، نسبت به خصوصیّات روحی موسی (ع) از پیش ، مطلع بود . *

قال إنّک لن تستطیع معی صبرًا

پیش بینی قطعی عدم تحمّل موسی از جانب خضر(ع) می تواند مستند به یکی از دو امر باشد: ۱ اطلاع خضر از خصوصیات روحی و فکری موسی(ع) ۲ این که اصولاً تحمّل چنین علومی، برای غیر خضر ممکن نبوده است. برداشت فوق مبتنی بر احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۸ - ۲،۳

۲- خضر (ع) بی اطلاعی موسی از زوایای کردار وی را ، دلیل ناتوانی موسی از تحمّل عملکرد وی دانست .

إنّک لن تستطیع . .. و کیف تصبر علی ما لم تحط به خبرًا

۳- اَعمال خضر (ع) ، دارای ظاهری غیرمتعارف و زوایایی ناشناخته ، حتی برای فردی مانند موسی (ع) بود .

و کیف تصبر علی ما لم تحط به خبرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۹ - ۱،۲،۴،۵

۱- موسی (ع) به شکیبا بودن در برابر کار های خضر و چیزهایی که از او فرا می گیرد ، متعهّد گردید .

قال ستجدنی إن شاء اللّه صابرًا و لا أعصی لک أمرًا

جمله <ستجدنی. ..> (تو مرا صابر خواهی یافت) حاکی از این است که موسی(ع) صبری را نوید می داد که آثارش مشهود باشد. این تعبیر، در مقایسه با <سأصبر> و نظایر آن، تأکید بیشتری دارد.

۲- موسی (ع) بر اطاعت کامل خود از خضر (ع) و سرپیچی نکردن از فرمان

های او تأکید کرد .

ستجدنی إن شاء اللّه صابرًا و لا أعصی لک أمرًا

۴- موسی (ع) کمال ادب و متانت را در برابر معلّم خویش (خضر) اظهار کرد .

هل أتّبعک . .. ستجدنی ... و لا أعصی

موارد فراوانی از ادب و متانت در کلام موسی(ع) دیده می شود: الف) درخواست خود را با استفهام آغاز کرد (هل أتّبعک)؛ ب) مبدأ علم خضر را به جهت تکریم، با صیغه مجهول آورد (عُلِّمت)؛ ج) علم او را رشدآفرین دانست (رشداً)؛ د) تنها، بخشی از علم او را طلب کرد (ممّا عُلِّمت)؛ ه) وعده صریح به صبر نداد، بلکه به صورت <ستجدنی إن شاء اللّه. ..> ذکر کرد؛ و) توصیه های او را به عنوان امر تلقی کرد و متعهد شد که با او در هیچ فرمانی مخالفت نکند. (المیزان، ج ۱۳).

۵- موسی (ع) دارای اشتیاق فراوان به فراگیری علوم خضر بود .

قال ستجدنی إن شاء اللّه صابرًا و لا أعصی لک أمرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۰ - ۱،۲،۳،۵

۱- خضر ، با درخواست موسی (ع) در مورد همراهی با او ، به صورت مشروط ، موافقت کرد .

قال فإن اتبعتنی فلاتسئلنی عن شیء

۲- شرط خضر برای همراهی موسی (ع) با او ، سؤال نکردن از چیزی قبل از توضیح خود او بود .

فلاتسئلنی عن شیء حتّی أُحدث لک منه ذکرًا

۳- خضر ، خواهان تعجیل نکردن موسی در فهم اسرار بود و او را بر متابعت بی چون و چرا از خود ، الزام نکرد .

حتّی أُحدث لک

منه ذكرًا

۵- خضر (ع) به موسی (ع) وعده داد که در نهایت ، بخشی از اسرار کار خود را برای او تبیین خواهد کرد .

أُحدث لک منه ذکرًا

<من> در <منه> برای تبعیض است و گویای این که خضر، تنها، به بیان گوشه ای از ویژگی های کردار خویش وعده داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۱ - ۱۱،۱۰،۸،۷،۶،۵،۴،۳،۲،۱

۱- موسی (ع) با پذیرش شروط خضر ، همراه او حرکت کرد .

فانطلقا حتّی إذا رکبا فی السفینه

<انطلاق> به معنای <روانه شدن و حرکت کردن> است. <فاء> در <فانطلقا> دلالت دارد که موسی(ع) شرایط خضر را پذیرفت و خضر(ع) به همراهی وی رخصت داد.

۲- موسی و خضر (ع) در نخستین مراحل همراهی ، سوار کشتی شدند .

فانطلقا حتّی إذا رکبا فی السفینه

۳- همسفر موسی (ع) (یوشع) با آغاز سفر موسی و خضر (ع) ، از آنان جدا شد . *

فانطلقا حتّی إذا رکبا فی السفینه

در این آیه، نامی از همسفر قبلی موسی (یوشع) مطرح نیست. ممکن است گفته شود، او در ادامه سفر، حضور نداشته و رخصتی برای او صادر نگردیده بود. توجه به ضمایر تثنیه (<فانطلقا>، <رکبا>) گواهی روشن بر این نکته است.

۴- خضر (ع) پس از سوار شدن بر کشتی ، در بدنه آن شکافی ایجاد کرد که سرنشینان آن در خطر غرق شدن قرار گرفتند .

حتّی إذا رکبا فی السفینه خرقها

<خرق> به معنای <شکافتن و دریدن> است.

۵- موسی (ع) از عملکرد خضر (ع) در شکافتن بدنه

کشتی ، شگفت زده شد و به او اعتراض کرد .

قال أخرقتها لتغرق أهلها

۶- اقدام خضر به سوراخ کردن کشتی ، دور از چشم سرنشینان کشتی بوده است .

خرقها قال أخرقتها لتغرق أهلها

روشن است که اگر سوراخ کردن کشتی، در دید مردم قرار داشت، خضر(ع)، مورد اعتراض آن ها قرار می گرفت و مانع او می شدند. از این که تنها، موسی(ع)اعتراض کرده، چنین بر می آید که این کار، از چشم دیگران به دور بوده است .

۷- قرار گرفتن سرنشینان کشتی در معرض غرق ، علّت اعتراض موسی (ع) به عمل خضر (ع) بود .

قال أخرقتها لتغرق أهلها

۸- آسیب رساندن خضر (ع) به کشتی ، امری بس ناروا و غیرقابل توجیه در نظر موسی (ع) بود .

لقد جئت شیئًا إمرًا

<إمر> به معنای <منکَر عظیم> و نیز <منکَر عجیب> آمده است. (لسان العرب).

۱۰- کشتی سوراخ شده به دست خضر (ع) حامل مسافر بوده است .

أخرقتها لتغرق أهلها

۱۱- موسی (ع) ، لغزش هایی نظیر غرق انسان ها بی گناه را ، از جانب خضر (ع) منتفی نمی دانست .

أخرقتها لتغرق أهلها لقد جئت شیئًا إمرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۲ - ۱،۳

۱- خضر (ع) اعتراض موسی را دلیل صحت پیش بینی خویش از ناشکیبایی موسی (ع) دانست و پیش گویی خود را به وی یادآور شد .

قال ألم أقل إنّک لن تستطیع معی صبرًا

۳- خضر (ع) با بیان آگاه نبودن موسی (ع) به راز

معیوب ساختن کشتی ، پندار وی را در مورد انگیزه آن کار ، تخطئه کرد .

أخرقتها لتغرق أهلها . .. ألم أقل إنّک لن تستطیع معی صبرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۳ - ۱،۲،۳،۷

۱- موسی (ع) با به یاد آوردن گفتار خضر درباره ناشکیبایی وی ، به ناروا بودن اعتراض خود پی برد .

قال لاتؤاخذنی بما نسیت

۲- موسی (ع) به دلیل تخلّف از شرط همراهی با خضر (ع) و اعتراض ناروا به او ، خود را سزاوار مؤاخذه دید و از خضر (ع) تقاضای چشم پوشی کرد .

قال لاتؤاخذنی بما نسیت

۳- تخلّف موسی از عهد خویش با خضر (ع) ، ناشی از فراموشی بود .

قال لاتؤاخذنی بما نسیت

۷- موسی (ع) عفو و عدم سخت گیری خضر بر او را به خاطر نسیان و تخلّف از عهد خویش ، تقاضا کرد .

قال لاتؤاخذنی بما نسیت و لاترهقنی من أمری عسرًا

<إرهاق> به معنای <تحمیل کاری طاقت سوز بر دیگری> است. (قاموس) و مفاد <لاترهقنی...> این است که کاری دشوار(مانند جدا شدن و لغو رخصت همراهی) را بر من تحمیل مکن و مرا به زحمت مینداز. لازم به ذکر است که <عسراً> مفعول دوم برای <لاترهقنی> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۴ - ۱،۲،۴،۵،۱۱،۱۲

۱- خضر (ع) عذرخواهی موسی (ع) را پذیرفت و اجازه ادامه همراهی را به او داد .

فانطلقا

۲- موسی و خضر (ع) پس از ماجرای کشتی ، از

آن پیاده شده و در خشکی ، با نوجوانی برخورد کردند .

فانطلقا حتّی إذا لقیا غلمًا

<غلام> یعنی <کسی که سبیل او تازه روییده باشد>. (معجم مقاییس اللغه).

۴- خضر (ع) بی درنگ ، پس از مشاهده نوجوان ، او را به قتل رسانید .

حتّی إذا لقیا غلمًا فقتله

ظاهر عطف به <فاء> در <فقتله> آن است که خضر(ع) بدون هیچ مقدمه ای، در پی برخورد با نوجوان، به کشتن او اقدام کرده است.

۵- موسی (ع) نوجوان مقتول را ، فردی بی گناه دانست و خضر (ع) را به جهت کشتن وی ، به شدّت مورد اعتراض قرار داد .

قال أقتلت نفسًا زکیه بغیر نفس لقد جئت شیًًا نکرًا

<زکاه> به معنای <طهارت> و <صلاح> و <نمو> و <برکت> و <مدح> آمده است. (لسان العرب) در آیه، مراد از <زکیه>، توصیف نوجوان به طهارت و پاکی از گناه است.

۱۱- < عن أبی عبداللّه : . . . بینما العالم یمشی مع موسی إذا هم بغلام یلعب قال : < فوکزه العالم ، فقتله . فقال له موسی : < أقتلت نفساً زکیه بغیر نفس لقد جئت شیئاً نکراً ؟ > . قال : < فأدخل العالم یده فاقتلع کتفه فإذا علیه مکتوب : کافر مطبوع ;

از امام صادق(ع) روایت شده: . .. آن گاه که عالم (خضر) با موسی(ع) می رفت، ناگاه، به پسری برخوردند که بازی می کرد. امام فرمود: <پس آن عالم، مشتی بر وی زد و او را کشت. موسی(ع) به او گفت: <أقتلت نفساً زکیه بغیر نفس...؟>. امام فرمود: <پس آن عالم، دست برد و کتف پسر را بیرون

آورد که بر آن نوشته شده بود <کافر مطبوع>.(کافری که مهر کفر بر او زده شده است)>.

۱۲- < عن أبی عبـداللّه (ع) : . . . و خرجـا (موسـی و خضـر (ع)) علی ساحـل البحر فإذا غلام یلعب مع غلمان . . . فتورّکه العالم فذبحه ;

از امام صادق(ع) روایت شده: . .. آن دو (موسـی و خضـر(ع)) در کنار ساحل دریا (از کشتی) بیرون آمدند، ناگهان به پسـری برخوردنـد که بـا چنـد پسر دیگر بـازی می کرد... پس آن عالم (یعنی خضـر) آن پسـر را بر زانوی خود گـذاشت و ذبـح اش کرد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۵ - ۱،۲،۳،۴

۱- خضـر (ع) برای دومین بار و با صـراحتی افزون تر در مورد بی صبری و پرسـش های بی جای موسـی (ع) ، به او تذکر و هشدار داد .

لقد جئت شیئًا نکرًا . قال ألم أقل لک

در دومین تذکر، خضر(ع) عبارت <لک> آمده است. اضافه شدن این عبارت و تصریح به این که آن سخن در مورد شخص موسی(ع) صادر شده بود، گویای تأکید خضر(ع) بر موجه نبودن اعتراض موسی(ع) است.

۲- خضر (ع) بر ناتوانی موسی (ع) از تحمّل کار های خضر برای سومین بار تأکید کرد .

قال ألم أقل لک إنّک لن تستطیع معی صبرًا

خضـر(ع) یک بار، در آغاز برخورد با موسـی(ع) و بار دیگر، پس از ماجرای کشتی و مرتبه سوم در پی قتل نوجوان، جمله ای را به موسی(ع) یادآور شد که حاوی چندین تأکید است. (إنّک

لن تستطیع...).

۳- پیش بینی خضر (ع) در مورد ناشکیبایی موسی (ع) در برابر کار های او ، مطابق واقع بود .

لقد جئت شیئًا نکرًا . قال ألم أقل لک إنّک لن تستطیع معی صبرًا

۴- خضر (ع) با اشاره به ناآگاهی موسی (ع) از انگیزه قتل نوجوان ، اعتراض وی را ناموجه دانست و آن را نشانه درستی شناخت خویش از کم طاقتی و بی صبری موسی (ع) خواند .

لقد جئت شیئًا نکرًا . قال ألم أقل لک إنّک لن تستطیع معی صبرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۶ - ۱،۲،۴،۵

۱- موسی (ع) ، از خضر (ع) برای تجربه صبر در برابر کار های غیرعادی آن حضرت خواستار آخرین فرصت شد .

قال إن سألتک عن شیء بعدها فلاتصحبنی

۲- موسی (ع) خود را در صورت سؤال مجدد (سومین تخلّف) سزاوار محروم شدن از مصاحبت با خضر (ع) دانست .

قال إن سألتک من شیء بعدها فلاتصحبنی

۴- موسی (ع) به ناتوانی خود از تحمّل کردار خضر (ع) و همراهی با وی پی برد .

قال . .. قد بلغت من لدنّی عذرًا

۵- موسی (ع) به معذور بودن خضر (ع) در جدا شدن از وی با مشاهده تخلّف او از پیمان سکوت در برابر کار های آن حضرت ، اعتراف کرد .

قال إن سألتک . .. قد بلغت من لدنّی عذرًا

جمله <قد بلغت من لدنّی عذراً> یعنی: <از دیدگاه من، به عذری قابل قبول

جهت ترک مصاحبت دست یافتی. >. این جمله، به قرینه <قد>، مربوط به <إن سألتک...> نیست، بلکه اعتراف موسی(ع) به این است ترک مصاحبت تو با من، هم اکنون نیز دلیل موجهی دارد، ولی طالب مهلتی دیگر هستم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۷ - ۲۱، ۲۰، ۱۹، ۱۸، ۱۳، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱

۱- خضر (ع) درخواست مهلت موسی (ع) را پذیرفت و برای بار سوم ، به او فرصت همراهی داد .

إن سألتک عن شیء بعدها فلاتصحبنی . .. فانطلقا

۲- موسی و خضر (ع) در مسیر حرکت و سفر خویش ، به یک آبادی رسیدند و با اهل آن ملاقات کردند .

فانطلقا حتّی إذا أتیا أهل قریه

در این که چه شهری در مسیر موسی و خضر(ع) قرار داشته، احتمالات گوناگونی ارائه شده است. از جمله آن ها شهر <ناصره> است که در ساحل دریا قرار داشته است این وجه را مجمع البیان از امام صادق (ع) روایت کرده است.

۳- موسی و خضر (ع) با احساس گرسنگی ، از مردم شهر ، تقاضای طعام و خوراکی کردند .

استطعما أهلها

به قرینه <یضیّفوهما> مراد از استطعام، تهیه طعام برای ادامه سفر نبوده است، بلکه موسی و خضر(ع)، در همان هنگام، گرسنه بوده اند.

۴- هیچ یک از مردم شهر ، حاضر به میزبانی و اطعام موسی و خضر (ع) نشد .

استطعما أهلها فأبوا أن یضیّفوهما

<إباء> به معنای <امتناع و سرباز زدن> است.

۵- مردم شهری که موسی و خضر (ع) به آن وارد شدند ، مردمی دور از خوی مهمان دوستی و غریب نوازی ، دور

بودند .

فأبوا أن يضيّفوهما

۸- موسی و خضر (ع) در آبادی ، با دیواری مواجه شدند که در حال سقوط و خرابی بود .

فوجدا فيها جدارًا يريد أن ينقضّ

<إنقضاض> از ماده <قضض> به معنای <از هم پاشیدن> است (قاموس). به کار بردن فعل <یرید> که نوعاً در باره موجودات دارای اختیار به کار می رود، نوعی استعاره است; یعنی، به قدری دیوار در معرض افتادن بود که گویا خود بر خرابی و از هم پاشیدگی تصمیم گرفته است .

۹- خضر (ع) دیوار در حال سقوط را ترمیم و بازسازی کرد .

يريد أن ينقضّ فأقامه

۱۰- ترمیم دیوار مشرفِ بر ویرانی ، به دست خضر ، در برابر دیدگان مردم شهر انجام گرفت . *

حتّی إذا أتيا أهل قريه . .. فأقامه

ورود بر اهل قریه و نیز وجود دیوار در متن شهر که از تعبیر <فوجدا فیها جداراً> استفاده می شود، ممکن است اشاره به این داشته باشد که مردم، ناظر رفتا خضر(ع) بوده اند.

۱۱- خضر (ع) برای تعمیر دیوار و برپا داشتن آن ، از موسی (ع) کمک نطلبید .

فأقامه

مفرد آمدن <أقامه> ممکن است از آن جهت باشد که کار بازسازی دیوار، فقط به دست خضر(ع) صورت گرفته باشد; چه این که در موارد پیشین، <استطعما> به صورت تثنیه آمده و نقش هر دو را در طلب غذا نمایانده است.

۱۲- خضر (ع) با وجود امکان دریافت اجرت جهت تعمیر دیوار ، چیزی دریافت نکرد .

قال لو شئت لتّخذت عليه أجرًا

مطرح ساختن گرفتن مزد از جانب موسی(ع) در شرایطی موجه است که امکان دریافت آن موجود باشد.

۱۳- موسی

(ع) از دست مزد نخواستن خضر (ع) در برابر کار خویش ، با وجود نیاز آنان به اجرتی برای تهیه غذا ناخرسند و گلایه مند بود .

استطعما أهلها . .. قال لو شئت لتّخذت علیه أجرًا

آنچه خضر و موسی(ع) از مردم طلب کردند، غذا بود، آن هم به صورت مجانی، نه خرید چون پولی برای خرید در اختیارشان نبود لذا موسی(ع)، پایان گرفتن کار دیوار، موضوع گرفتن مزد را مطرح ساخت، تا به وسیله آن طعامی را خریداری کنند.

۱۸- سخنِ شِکوه آمیز موسی (ع) به خضر (ع) در مورد نگرفتن مزد ، سومین تخلّف وی از پیمان خویش بود .

قال لو شئت لتّخذت علیه أجرًا

۱۹- < عن جعفربن محمد (ع) : . . . < فانطلقا حتّی إذا أتیا أهل قریه > و هی الناصره ؛

از امام صادق(ع) روایت شده:. .. مقصود از قریه، در آیه شریف قریه ناصره است>.

۲۰- < عن جعفربن محمد (ع) : . . . فوجدا فیها جداراً یرید أن ینقضّ ، فوضع الخضر یده علیه فأقامه ؛

از امام صادق(ع) روایت شده: (خضر و موسی(ع)) دیواری را یافتند که می خواست بیفتد. خضر، دست خود را بر آن نهاد و آن را راست کرد>.

۲۱- < عن أبی عبدالّله (ع) : . . . فوجدا فیها جداراً یرید أن ینقضّ فأقامه قال : < لو شئت لتّخذت علیه أجراً خبزاً نأکله فقد جُعْنا > ؛

از امام صادق(ع) روایت شده:. .. خضر و موسی(ع) در آن آبادی دیواری را یافتند که می خواست بیفتد. خضر، آن را

راست کرد. موسی(ع) گفت: <می خواستی برای این کار، مزدی بگیری (یعنی) نانی بگیری تا بخوریم زیرا گرسنه ایم>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۸ - ۱،۲،۳،۴

۱- سومین تخلّف موسی (ع) از عهد خویش با خضر (ع) (مطرح ساختن گرفتن مزد) ، آغاز جدایی آن دو از هم بود .

قال لو شئت لتّخذت . .. قال هذا فراق بینی و بینک

در باره این که <هذا> اشاره به چیست، احتمالاتی وجود دارد، از جمله این که اشاره به قول موسی(ع) باشد; یعنی، هذا القول سبب فراق بیننا

۲- ناتوانی موسی (ع) از تحمّل کار های خضر (ع) ، در پی سومین سؤال و اعتراض او ، به اثبات رسید .

قال هذا فراق بینی و بینک سأنبّئک بتأویل ما لم تستطع علیه صبرًا

۳- خضر (ع) ، پس از آخرین تخلّف موسی ، برای جدا شدن از او ، دلیل موجه و عذر پذیرفته شده داشت .

بلغت من لدنّی عذرًا . .. قال لو شئت لتّخذت علیه أجرًا . قال هذا فراق بینی و بین

۴- خضر ، موسی (ع) را مطمئن ساخت که اسرار کار های شگفت خویش را پیش از جدایی ، برای او بازگو خواهد کرد .

سأنبّئک بتأویل ما لم تستطع علیه صبرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۹ - ۱،۸،۱۳

۱- هدف خضر (ع) از اقدام به معیوب ساختن کشتی ، نجات دادن آن از غارت و مصادره سلطان غاصب بود .

أمّا السفینه

. .. فأردت أن أعیبها ... یأخذ کلّ سفینه غصبًا

۸- مقارن با وقوع داستان موسی و خضر (ع) ، پادشاهی ، کلّیه کشتی های سالم را در آن منطقه ، مصادره می کرد .

و کان وراءهم ملك یأخذ کلّ سفینه غصبًا

مراد از <کلّ سفینه> به قرینه <أن أعیبها> <کلّ سفینه صالحه> بوده است.

۱۳- عملکرد خضر (ع) در مورد کشتی ، مصداقی از تقدیم اهم ، به هنگام مزاحمت آن با امری مهم است .

و أمّا السفینه فکانت لمسکین . .. یأخذ کلّ سفینه غصبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۰ - ۱،۴

۱- هدف خضر (ع) از قتل نوجوان ، مصون داشتن پدر و مادر وی از کفر و طغیان بود .

و أمّا الغلم . .. فخشینا أن یرهقهما طغینًا و کفرًا

<إرهاق> یعنی: <وادار ساختن کسی بر کاری که انجام آن برای او دشوار و طاقت فرسا است>. (قاموس).

۴- پدر و مادر نوجوان مقتول ، در صورت زنده ماندن فرزندشان ، ناخواسته و تحت تأثیر فرزند خویش قرار گرفته و ناخواسته به طغیان و کفر کشانده می شدند .

فکان أبواه مؤمنین فخشینا أن یرهقهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۱ - ۱،۸،۹

۱- هدف خضر (ع) از قتل نوجوان ، فراهم ساختن زمینه ای مناسب برای دستیابی پدر و مادر وی به فرزندی پاك تر و مهربان تر بود .

فأردنا أن یبدلهما ربّهما خیرًا منه زکوه و أقرب رحمًا

مراد از <زکاه> در آیه، طهارت و پاکی از گناه است و

<رُحم> و <رحمت> به یک معنا است. گرچه خضر(ع) در این سخن، پاکی و مهربانی را برای نوجوان مقتول انکار نکرده است، ولی ممکن است به تناسب گفته موسی(ع) که نوجوان مقتول را <نفس زکیه> خواند، سخن خود را در قالب اسم تفضیل آورده است، لکن در حقیقت، نوجوان مقتول، یا فاقد رحمت و پاکی بوده و یا آینده او به گناه و بی رحمی می انجامید.

۸- < عن أبی عبدالله (ع) فی قول الله : < فأردنا أن یبدلهما ربّهما خیراً منه . . . > قال : < إنّه ولدت لهما جاریه فولدت غلاماً فکان نبیاً . > ;

از امام صادق(ع) درباره این سخن خدا <فأردنا أن یبدلهما ربّهما خیراً منه. ..> روایت شده که فرمود: <همانا، برای آن دو (پدر و مادر مقتول) دختری متولد شد و آن دختر، پسری به دنیا آورد که پیامبر شد>.

۹- < عن أبی عبدالله (ع) : . . . [فی قول الله عزّوجلّ] < فأردنا أن یبدلهما ربّهما خیراً منه زکاه و أقرب رحماً > : < أبدلهما الله به جاریه ولدت سبعین نبیاً . > ;

از امام صادق(ع) [درباره این سخن خدای عزّوجلّ]<فأردنا أن یبدلهما ربّهما خیراً منه زکاه. ..> روایت شده: خداوند، به آن دو (پدر و مادر مقتول) به جای او (مقتول) دختری داد که هفتاد پیغمبر از نسل او متولد شدند.>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۲ - ۱،۲،۳،۴،۵،۱۶،۲۱،۲۳

۱- خضر (ع) علّت اقدام به بازسازی دیوار فرسوده را برای موسی (ع) تشریح

کرد .

و أمّا الجدار . .. ما فعلته عن أمری

۲- دیوار ترمیم شده به دست خضر (ع) در مالکیت دو پسر بچه یتیم بود .

و أمّا الجدار فکان لغلمین یتیمین

۳- خضر (ع) با وجود حضور نداشتن مالکان دیوار در آبادی ، به ترمیم آن پرداخته بود . *

فکان لغلمین یتیمین فی المدینه

احتمال می رود که به کار رفتن واژه <المدینه> در این آیه، به جای واژه <القریه> که در آیات قبل آمده بود، اشاره به این جهت باشد که آن دو یتیم در آن آبادی حضور نداشته، بلکه در شهری دیگر اقامت داشته اند و آن شهر چنان چه از حرف <ال> در <المدینه> استفاده می شود برای خضر و موسی(ع) شناخته شده بود.

۴- هدف خضر (ع) از ترمیم دیوار فرسوده ، محفوظ داشتن گنج نهاده شده در زیر آن برای دو یتیم ساکن در شهر بود .

و أمّا الجدار فکان لغلمین یتیمین فی المدینه و کان تحته کنز لهما

۵- خضر (ع) پدر مالکان دیوار را می شناخت و از نیکی و صلاح او در دوران زندگی اش با خبر بود .

و کان أبوهما صلحًا

۱۶- خضر (ع) با توجّه دادن موسی (ع) به تدبیر فراگیر الهی ، حفاظت اموال یتیمان را ، برخاسته از گستردگی ربوبیّت خداوند دانست .

فأراد ربّک

خضر(ع) با اضافه <ربّ> به ضمیر خطاب (ربّک) به موسی(ع) این نکته را بیان داشته است که گرچه ترمیم دیوار، به تغذیه و تربیت جسم تو کمکی نکرد، ولی مالک و مدّبر تو، مالک و مدّبر یتیمان نیز هست.

۲۱- موسی (ع

) ، سرانجام ، به اسرار کار های شگفت خضر آگاه شد و توجیه و تأویل برخی حوادث را از او آموخت .

ذلک تأویل ما لم تسطع علیه صبرًا

<لم تسطع> در اصل <لم تستطع> بوده و حرف <تاء> برای تخفیف حذف شده است.

۲۳- خضر (ع) پس از آموختن اسرار کار های خود به موسی (ع) ، وی را بر بی صبری در برابر آن ، نکوهش کرد .

ذلک تأویل ما لم تسطع علیه صبرًا

قصه داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۸ - ۹

۹ بعثت داود (ع) قبل از بعثت عیسی (ع)

علی لسان داود و عیسی ابن مریم

تقدیم ذکر داود بر عیسی حاکی از سبقت زمانی حضرت داود است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۸ - ۱۱،۱۰،۹،۲

۲- داوری داوود و سلیمان (ع) ، در باره کشتزار چراشده در شبان گاه به وسیله گوسفندان مردم

و داود و سلیمن إذ یحکمان فی الحرث إذ نفشت فیه غنم القوم

<نفش> به معنای چریدن حیوان در شب، بدون چوپان و یا بی اطلاع وی است.

۹- < أحمدبن عمرالحلبی قال : سألت أباالحسن (ع) عن قول اللّه عزّوجلّ : < و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث > قال : کان حکم داوود (ع) رقاب الغنم ، و الذی فهّم اللّه عزّوجلّ سلیمان (ع) أن احکم لصاحب الحرث باللبن و الصوف ذلک العام کلّه ;

احمدبن عمر حلبی گوید: از امام ابی الحسن(ع) در باره سخن

خداوند عزّوجلّ <و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث> سؤال کردم، فرمود: حکم داوود(ع) دادن گوسفندان به صاحب زراعت بود و چیزی را که خداوند به سلیمان فهماند، این بود که برای صاحب زراعت حکم کن تا شیر و پشم گوسفندان در کلّ آن سال برای او باشد>.

۱۰- < عن أبی عبدالله (ع) قال : کان فی بنی اسرائیل رجل له کرم و نفشت فیه غنم رجل آخر باللیل و قضمته و أفسدته فجاء صاحب الکرم إلی داود فاستعدی علی صاحب الغنم فقال داود (ع) : إذهبا إلی سلیمان (ع) لیحکم بینکما فذهبا إلیه فقال : سلیمان إن کانت الغنم أکلت الأصل و الفرع فعلی صاحب الغنم أن یدفع إلی صاحب الکرم الغنم و ما فی بطن ها و إن کانت ذهبت بالفرع و لم تذهب بالأصل فإنّه یدفع ولد ها إلی صاحب الکرم و کان هذا حکم داود . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده: مردی از بنی اسرائیل دارای تاکستانی بود، گوسفندان فردی شبان گاه وارد آن شدند و آن را خوردند و تباه کردند . .. صاحب تاکستان از صاحب گوسفندان نزد داوود شکایت برد، او گفت: نزد سلیمان بروید تا میان شما داوری کند. پس نزد سلیمان رفتند، وی گفت: اگر گوسفند اصل و فرع تاک را خورده، پس بر صاحب گوسفند است که باید گوسفند و بچه در شکم او را به صاحب تاک بدهد و اگر فرع درخت را خورده و اصل درخت باقی است، بچه گوسفند را به صاحب تاکستان بدهد و نظر داوود هم همین بود...>.

۱۱- < عن أبی

عبداللّه (ع) (فی) قول اللّه عزّوجلّ : < و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث > . . . قال : إنّه کان أوحی اللّه عزّوجلّ إلی النبیین قبل داود إلی أن بعث اللّه داود (ع) أی غنم نفشت فی الحرث فلصاحب الحرث رقاب الغنم . . . فحکم داود (ع) بما حکمت به الأنبیاء (ع) من قبله و أوحی اللّه عزّوجلّ إلی سلیمان (ع) أی غنم نفشت فی الزرع فلیس لصاحب الزرع إلاّ ـ ما خرج من بطون ها و کذلک جرت السنّه بعد سلیمان > ;

از امام صادق(ع) [در باره] قول خدای عزّوجلّ <و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث> روایت شده . .. که فرمود: همانا خدای عزّوجلّ به پیامبران قبل از داوود تا زمانی که او را برانگیخت وحی نموده بود که هر گوسفندی شبانه وارد زراعتی شود، برای صاحب زراعت است که آن گوسفند را به تملک خود درآورد ... پس داوود به همان حکم پیامبران پیش از خودحکم داد و خدای عزّوجلّ به سلیمان وحی نمود: هر گوسفندی که شبانه وارد زراعتی شود، صاحب زراعت حقی ندارد; مگر به چیزی (بچه ای) که از شکم آن بیرون می آید و بعد از سلیمان همین سنت جریان داشت...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۰ - ۱،۴،۷

۱- خداوند ، صنعت زره سازی را به داوود (ع) آموخت .

داود . .. و علّمنه صنعه لبوس

<لبوس> در اصل به معنای لباسی است که انسان را از هر

چیز زشتی بپوشانـد (مفردات راغب) و مقصود از آن در آیه شریفه به قرینه <لتحصنکم من بأسکم> (تـا شـما را از خطرات جنـگ حفـظ کنـد) می توانـد زره باشـد. گفتنی است کـه برخی از اهـل لغـت <لبـوس> را به معنـای <درع> (زره) گرفته اند(قاموس).

۴- فنّ زره سازی داوود (ع) ، در جهت حفظ مردم از خطرات و پی آمد های جنگ بود .

داود . .. علّمنه صنعه لبوس لکم لتحصنکم من بأسکم

۷- مردمی که با داوود (ع) زندگی می کردند ، در معرض هجوم نظامی دشمن قرار داشتند .

داود . .. و علّمنه صنعه لبوس لکم لتحصنکم من بأسکم

آیه شریفه در مقام امتنان بر مردمی است که با داوود(ع) زندگی می کردند; زیرا مخاطب <کم> دراین آیه آنان هستند. این امتنان آن گاه صحیح است که آنان در معرض هجوم دشمن و مبتلا شدن به خطرات آن باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۰ - ۶

۶ - خداوند ، تسخیرکننده پرندگان برای داوود (ع)

و لقد ءاتینا داود منّا فضلاً . .. و الطیر

بنـابراین که <الطیر> عطف به <فضـلًا> باشـد، <ایتـای طیر> به داوود(ع) به معنـای مسـخر بودن پرنـدگان برای داوود(ع) خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۱ - ۱،۲،۳

۱ - فرمان خداوند به داوود (ع) ، برای ساختن زره های کامل از آهن

و ألنّا له الحدید . أن اعمل سبغت

<أن> برای تفسیر بوده و در نقش <أی> است; یعنی، ما آهن را برای داوود نرم ساختیم به این

معنا که با آهن زره بساز. گفتنی است که <سابغات> در لغت به معنای تام فراخ است (مفردات راغب) و صفت برای موصوف محذوف <دروع> می باشد.

۲ – ممکن شدن زره سازی برای داوود (ع) از آهن ، فلسفه نرم شدن آهن برای آن حضرت

و ألنّا له الحدید . أن اعمل سبغت

بنابراین که <أن> مصدری باشد، معنا چنین می شود: ما آهن را برای داوود نرم کردیم، به منظور ساختن زره هایی کامل.

۳ – فرمان خداوند به داوود (ع) برای ساختن زره هایی با حلقه های متناسب و به اندازه از آهن

و ألنّا له الحدید . أن اعمل سبغت و قدّر فی السرد

<سرد>; یعنی، <نسج> و بافت (المنجد) و به معنای سوراخ های خشن مثل حلقه های آهنی است (مفردات راغب).

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۲۴ – ۱۳،۲۱،۲۵

۱۳ – برادر مظلوم و دارای یک میش ، مورد دلداری داوود (ع) قرار گرفت .

و إنّ کثیرًا من الخلطاء لیبغی . .. إلاّ الذین ءامنوا ... و قلیل ما هم

از ظاهر آیه استفاده می شود که سخن داوود(ع) برای دلداری به برادر مظلوم بوده است.

۲۱ – به سجده افتادن داوود (ع) به درگاه خداوند پس از گمان خطا کردنش در داوری میان برادران متخاصم

و خرّ راکعًا

مقصود از <خرّ راکعاً> مطابق نظر بیشتر مفسران سجده است.

۲۵ – < عن الرضا (ع) : . . .بعث اللّه عزّوجلّ إلی داود الملکین فتسوّرا المحراب فقالا خصمان بغی بعضنا علی بعض فاحکم بیننا بالحقّ إنّ هذا أخی له تسع

و تسعون نعجه . . . فعجل داود (ع) علی المدعی علیه فقال لقد ظلمک . . . و لم یسئل المدعی البیّنه علی ذلک و لم یقبل علی المدعی علیه فیقول له ما تقول فکان هذا خطیئه رسم الحکم ;

از امام رضا(ع) روایت شده که خداوند عزّوجلّ دو فرشته را فرستاد تا از دیوار محراب داوود بالا رفتند و بر او وارد شدند و گفتند: دو نفر هستیم که یکی بر دیگری ستم کرده است; پس بین ما به حق داوری کن. یکی از آنان گفت: این برادر من است که ۹۹ میش دارد و... داوود در حکم عجله کرد و گفت: برادرت به تو ظلم کرده... و از مدعی بیّنه نخواست و به مدعا علیه هم نگفت تو چه می گویی؟ و این یک خطا در شیوه دادرسی بود>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۵ - ۲

۲ - خداوند ، از لغزش داوود (ع) در امر داوری میان دو گروه متخاصم درگذشت و او را مورد آمرزش قرار داد .

فغفرنا له ذلک

<ذلک> اشاره به لغزش مربوط به داوری میان دو گروه متخاصم دارد.

قصه ذبح اسماعیل(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۱ - ۱۱

۱۱ - < بریده بن معاویه العجلی قال : قلت لأبی عبداللّه (ع) کم کان بین بشاره ابراهیم باسماعیل و بین بشارته بإسحاق قال کان بین البشارتین خمس سنین قال اللّه سبحانه فبشّرناه بغلام حلیم یعنی اسماعیل . . . فلمّا کان فی اللیل أتی ابراهیم

آت من ربّه فأراه الرؤيا فى ذبح ابنه اسماعيل بموسم مكه . . . ثمّ انطلقا إلى السعى فلمّا صارا فى المسعى قال ابراهيم (ع) لاسماعيل يابنىّ إنّى أرى فى المنام أنّى أذبحك فى موسم عامى هذا فماذا ترى قال يا أبت افعل ما تؤمر . . . و فدى اسماعيل بكبش عظيم فذبحه و تصدق بلحمه على المساكين ;

بريد عجلى گويد: به امام صادق(ع) گفتم: بين بشارت ابراهيم به اسماعيل و بشارت او به اسحاق، چه مقدار فاصله بود؟ حضرت فرمود: فاصله دو بشارت پنج سال بود خدا مى فرمايد: <فبشّرناه بغلام حليم; يعنى، . ..چون شب شد فرستاده اى از سوى خدا نزد ابراهيم آمد و در خواب ذبح فرزندش اسماعيل را در زمان حج در مكه به او نشان داد... آن گاه هر دو براى سعى به راه افتادند و چون به محل سعى رسيدند، ابراهيم به اسماعيل گفت: پسرم! من در خواب ديدم كه تو را امسال در زمان حج ذبح مى كنم، تو چه نظرى دارى؟ اسماعيل گفت: اى پدر! آنچه را مأمور شدى انجام ده ... و قوچ بزرگى به جاى اسماعيل فديه شد. پس ابراهيم(ع) آن را ذبح كرد و گوشت آن را به مساكين صدقه داد>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۲ - ۲۰

۲۰ - دلدارى اسماعيل (ع) به پدرش (ابراهيم (ع)) در ارتباط با دستور قربانى كردن او

يأبت افعل ما تؤمر ستجدنى إن شاء اللّه من الصبرين

اشاره اسماعيل(ع) به صبر و شكيبايى خويش در ارتباط با قربانى شدنش، مى

تواند به منظور دلداری به پدر خود (ابراهیم(ع)) باشد.

قصه ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۵ - ۱،۳

۱- ذوالقرنین ، از برخی از امکانات وسیع الهی خویش ، برای حرکت به سمت غرب ، بهره گرفت .

فأتبع سببًا . حتّی إذا بلغ مغرب الشمس

۳- < سأل رجل علیّاً (ع) : أرأیت ذاالقرنین کیف استطاع أن یبلغ المشرق و المغرب ؟ قال : سخّر اللّه له السحاب و مدّ له فی الأسباب و بسط له النور فکان اللیل والنهار علیه سواء ;

مردی به علی(ع) گفت: مرا خبر ده که ذوالقرنین، چگونه توانست به شرق و غرب عالم برسد؟ حضرت فرمود: خداوند، ابر را مسخّر او قرار داد و ابزار و وسائل او را افزایش داد و نور را برای او گستراند، به گونه ای که شب و روز برای او یک سان بود>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۶ - ۱،۲،۴،۵،۶،۸،۹

۱- ذوالقرنین ، با به کارگیری برخی از ابزار ها و نیروهایش ، به سمت غرب سرزمین خویش پیش رفت .

فأتبع سببًا . حتّی إذابلغ مغرب الشمس

۲- ذوالقرنین ، با رسیدن به انت های خشکی های غرب ، آبی گل آلود و تیره رنگ را فراروی خویش دید .

حتّی إذا بلغ مغرب الشمس وجدها تغرب فی عین حمئه

<حمئه> یعنی دارای <حمأه> به <گل سیاه بدبو> گفته می شود. (کتاب العین)

۴- پیشروی ذوالقرنین ، با رسیدن به ساحل دریایی گسترده ، متوقف شد .

وجدها تغرب فی عین حمئه

بدان احتمال که نمای غروب خورشید در آب، نشانه

گستردگی پهنه دریـا باشـد; یعنی، در چشم انـدازِ آن، چیزی مشاهـده نمی شـد، لـذا تصـوّر آن بـود که خورشـید در چشـمه جوشانی در دریا فرو می رود و خشکی دیگری در ورای آن نیست.

۵- محدوده پیشروی ذوالقرنین در ناحیه مغرب تا دریای سیاه بوده است . *

حتّی إذا بلغ مغرب الشمس وجدها تغرب فی عین حمئه

برخی، نظیر ابـن عـاشور، منطقه فرمـانروایی ذی القرنین را چین دانسـته انـد، در این صـورت، او، در حرکت به سـمت غرب، تا دریـای سـیاه پیش رفته است که منظره غروب خورشـید را به صورت فرو رفتن آن در چشـمه آب کـدر و سـیاه مشاهـده کرده است.

۶- ذوالقرنین ، در آخرین نقطه خشکی ، در غرب سرزمین خویش ، با مردمی دارای تشکّل و قومیّت مواجه شد .

وجدها تغرب فی عین حمئه و وجد عندها قومًا

۸ ذوالقرنین ، از سوی خداوند ، در مجازات یا بخشش ساحل نشینان غربی ، مخیر شد .

قلنا یذاالقرنین إمّا أن تعذّب و اما ان تتّخذ فیهم حسنًا

۹- ساحل نشـینان مناطق غربی سـرزمین ذی القرنین ، از رویارویی با نیرو های او ناتوان بودند و در برابر تصـمیمات او ، قدرت مقاومت نداشتند .

وجد عندها قومًا قلنا یذا القرنین إمّا أن تعذّب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۷ - ۱،۳،۴

۱- ذوالقرنین ، از کیفر ساحل نشـینان غرب ، چشم پوشی کرد و تنها کسانی را که بر ستم کاری خود باقی بمانند ، به مجازات تهدید کرد .

قال أمّا من ظلم فسوف نعذّبه

۳- ذوالقرنین ، بر قوم ساحل دریا ، سلطه کامل یافته بود .

قال أمّا من

ظلم فسوف نعذّبه

۴- ذوالقرنین ، به ایمان آوردن ظالمان ساحل دریا و دست برداشتن آنان از ظلم و فساد ، امیدوار بود و در مجازات آنان شتابی نداشت .

قال أمّا من ظلم فسوف نعذّبه

حرف <سوف> برای آینده است و فعل های شرط (<آمن> و <عمل>) در آیه بعد، قرینه این است که ذی القرنین، به احتمال ایمان آوردن ظالمان، در مجازات آنان تعجیل نکرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۸ - ۲،۶،۱۰

۲- تعجیل نکردن ذوالقرنین در کیفر ظالمان کافر ، مهلتی برای گرایش آنان به ایمان بود . *

أمّا من ظلم فسوف نعذّبه . .. و أمّا من ءامن و عمل صلحًا فله جزاءً الحسنی

مراد از <من ءامن و. ..> (هرکس ایمان بیاورد و...) کسانی اند که از ظلم و کفر، دست برداشته و ایمان آورند، نه آنان که هنگام ورود ذوالقرنین مؤمن بودند; زیرا، معنا ندارد که او، بین عذاب و یا رفتار نیک با مؤمنان مخیّر باشد! بنابراین، درنگ ذوالقرنین در عذاب ظالمان (سوف نعذّبه) ایجاد فرصتی برای تغییر رویه آنان بوده است.

۶- ذوالقرنین ، تصمیم گرفت که قوانین و مقرّرات اجتماعی سهل و قابل تحمّلی را برای مؤمنان وضع کند .

و سنقول له من أمرنا یسرًا

<یسر> یعنی <آسانی> و <من أمرنا> یعنی:<از فرامینی که صادر می کنیم. >، لذا مفاد جمله <و سنقول...> آن است که برای مؤمنان صالح، فرامینی صادر می کنیم که اجرای آن دشوار نباشد و شنیدن آن برای مؤمنان سنگین نیاید.

۱۰- ساحل نشینان غرب سرزمین ذوالقرنین ، برای ایمان و عمل صالح و ترک ستم کاری ، از

زمینه مساعدی برخودار بودند .

أمّا من ظلم . .. و أمّا من ءامن و عمل صلحًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۸۹ – ۱،۲،۴

۱– ذوالقرنین ، پس از اقامه نظام عادلانه دینی در میان ساحل نشینان غرب ، به سوی شرق سرزمین خویش حرکت کرد .

ثمّ أتبع سببًا . حتّی إذا بلغ مطلع الشمس

۲– ذوالقرنین در ادامه سفرهایش ، از امکانات خویش در جهت گسترش حکومت و دین الهی ، بهره گرفت .

ثمّ أتبع سببًا

۴– < عن أمیرالمؤمنین (ع) : . . . < ثمّ أتبع سبباً > ذوالقرنین من الشمس سبباً ;

از امیرالمؤمن ین(ع) [در توضیح این سخن خدا]: <ثمّ أتبع سبباً> روایت شده: ذوالقرنین، از خورشید، به عنوان یک سبب بهره گرفت>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۹۰ – ۱،۲،۳،۷

۱– ذوالقرنین ، در سفر دوم خویش ، به آخرین نقطه خشکی در سمت مشرق رسید و با مردمی بدوی و عاری از تمدن روبه رو شد .

بلغ مطلع الشمس . .. لم نجعل لهم من دونها سترًا

ضمیر <دونها> به <الشمس> بازمی گردد و مفاد جمله <لم نجعل. ..> این است که مردم آن سرزمین، جز خورشید، پوششی نداشتند; یعنی، هیچ بنا و ساختمانی که سایبان آنان باشد و هیچ پوشاکی که بدنشان را به پوشاند، در بین آنان مشاهده نمی شد، لذا از آنان، تعبیر به اقوامی بدوی شده است.

۲– ساکنان شرق سرزمین ذی القرنین ، مردمی فاقد تن پوش و سرپناه بودند .

وجدها تطلع علی قوم لم نجعل لهم من دونها سترًا

ذوالقرنین ، در شرق سرزمین خویش ، با مردمی ساکن بیابانی کویری و بدون گیاه مواجه شد . *

لم نجعل لهم من دونها ستڑا

از واژه <لم نجعل> این احتمال جان می گیرد که بی پناهی در برابر تابش آفتاب، معلول اموری بود که به <جعل> الهی مربوط می شود، مانند کویری بودن سرزمین که از امور طبیعی است.

۷- < عن أمیرالمؤمنین (ع) : . . . انّ ذاالقرنین ورد علی قوم قد أحرقتهم الشمس و غیّرت أجسادهم و ألوانهم حتّی صیّرتهم کالظلمه ;

از امیرالمؤمنین(ع): روایت شده: همانا، ذوالقرنین، به قومی رسید که تابش خورشید، آنان را سوزانده و موجب تغییر بدن و تغییر رنگ شان شده بود، به گونه ای که آنان را (در سیاهی) به مانند پاره ای از تاریکی درآورده بود>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۲ - ۱،۲،۴

۱- ذوالقرنین ، از برخی امکانات خویش ، برای حرکت در جهات مختلف زمین ، بهره می گرفت .

ثمّ أتبع سببًا

سومین مسیر ذی القرنین به قرینه آیات قبل به سمت مشرق و مغرب نبوده است، بنابراین، یا به سمت شمال یا جنوب سرزمین خویش به راه افتاده است.

۲- سومین حرکت و پیشروی ذوالقرنین به سمت شمال بوده است . *

ثمّ أتبع سببًا

چنان چه یأجوج و مأجوج، همان مغول و تاتار باشند، حرکت ذی القرنین به سمت شمال بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۳ - ۱،۲

۱- رسیدن ذوالقرنین به تنگه ای میان دو کوه سدآسا ، در سومین پیشروی خود

حتّی إذابلغ بین

السدّین

<سد> به هر مانع و حاجزی گفته می شود، از جمله به کوه نیز اطلاق شده است. لذا <بین السدّین> محتمل است که به معنای حد فاصل دو کوه باشد. در باره این که این دو کوه در کجا قرار داشته نظر واحدی وجود ندارد، برخی آن ها را در شمال چین دانسته و برخی کوه های فاصل میان آذربایجان و ارمنستان گرفته اند قرینه ای برای اثبات هیچ یک وجود ندارد.

۲- مواجه شدن ذوالقرنین در سومین پیشروی خود با مردمی کم بهره از درک و فهم لغات بیگانه و ناتوان از شناخت سریع آن

وجد من دونهما قومًا لایکادون یفقهون قولاً

مراد از کُند فهمی ساکنان کوهستان در شناخت زبان دیگران این است که مفاهمه ذی القرنین با آنان دشوار بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۴ - ۲،۳،۴،۵،۷،۸،۱۲

۲- منطقه گسترده ای از سرزمین شمال ، در عهد ذی القرنین ، مورد تهدید هجوم ها و فسادگری های یأجوج و مأجوج قرار داشت .

إنّ یأجوج و مأجوج مفسدون فی الأرض

حرف <ال> در <فی الأرض> برای عهد حضوری است و چون تعبیر <فی الأرض> برای مناطق کوچک و محدود، تعبیر متعارفی نیست، مراد از آن منطقه ای گسترده خواهد بود.

۳- خطر هجوم یأجوج و مأجوج (مغول و تاتار) و تأمین امنیت ، عمده ترین مشکل مردم نواحی شمالی در زمان ذوالقرنین بود .

إنّ یأجوج و مأجوج مفسدون فی الأرض

۴- قوم درگیر با یأجوج و مأجوج ، به ذوالقرنین و به توان مندی و خیرخواهی وی اذعان کردند .

قالوا یذا القرنین إنّ یأجوج و

مأجوج مفسدون فی الأرض

با این که <ذوالقرنین> بومی منطقه مورد بحث نبود، ولی با قرائن و شواهد و دیدن قدرت علمی و اجرایی او، مردم، به این نکته واقف شدند که او، کسی است که می تواند سدّی غیر قابل نفوذ در برابر حملات دشمنان برای آنان برپا کند و نیز به خیر خواهی او و این که او غرضی مادّی و قصدی سلطگرانه ندارد، پی بردند، لذا پیشنهاد خود را با او مطرح کردند.

۵- قوم درگیر با یأجوج و مأجوج از کوه های مرتفع به عنوان سدّ دفاعی در برابر هجوم آنان بهره می بردند .

حتّی إذا بلغ بین السدّین . .. إنّ یأجوج و مأجوج مفسدون

۷- آسیب پذیران از هجوم یأجوج و مأجوج ، از ذوالقرنین برای ساختن سدّی در میانه دو رشته کوه بلند در برابر هجوم آن متجاوزان ، کمک خواستند .

قالوا یذا القرنین . .. تجعل بیننا و بینهم سدًّا

۸- همجواران یأجوج و مأجوج ، خود از ایجاد سدّی محکم و غیرقابل نفوذ در برابر هجوم آن متجاوزان ، ناتوان بودند .

فهل نجعل لک خرجًا علی أن تجعل بیننا و بینهم سدًّا

۱۲- < عن أمیرالمؤمنین (ع) : إنّ ذاالقرنین . . . وجد . . . قوماً لایکادون یفقهون قولاً قالوا : یا ذاالقرنین ! إنّ یأجوج و مأجوج خلف هـذین الجبلین و هم یفسدون فی الأرض إذا کان إبّان زروعنا و ثمارنا خرجوا علینا من هذین السدّین ، فرعوا من ثمارنا و زروعنا حتّی لایبقون من ها شیئاً < فهل نجعل لک خرجاً > نؤدیه إلیک فی کلّ عام < علی أن تجعل بیننا و بینهم سدًّا

; <

از امیرالمؤمنین(ع) روایت شده:. .. همانا ذوالقرنین، قومی را یافت که فهم هیچ سخنی برای آنان آسان نبود. آنان به او گفتند: ای ذوالقرنین! همانا، یأجوج و مأجوج، پشت این دو کوه اند و آنان در زمین فساد می کنند. زمانی که فصل برداشت زراعت های ما و چیدن میوه هایمان فرامی رسد، آنان، از پشت این دو سدّ (دو کوه) به ما حملهور شده و از میوه های ما و زراعت های ما آن قدر می چرانند که هیچ چیز از را باقی نمی گذارند. آیا برای تو هزینه ای قرار دهیم که هر ساله به تو بپردازیم تا بین ما و آنان سدّی برقرار سازی؟>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۵ - ۱۸،۹،۱۰

۱- ذوالقرنین ، از کمک های مادّی مردم در برابر ساختن سدّ در مقابل یأجوج و مأجوخ ، اظهار بی نیازی کرد .

فهل نجعل لک خرجًا . .. قال ما مکّنّی فیه ربّی خیر

۸- ذوالقرنین ، خود طرّاح و مجری بنای سد و عهده دار امور فنی و مدیریتی آن بود .

فأعینونی بقوه أجعل بینکم و بینهم ردمًا

۹- ذوالقرنین ، خواستار مشارکت نیروی انسانی و امکانات مردمی در احداث سد شد .

فأعینونی بقوه

<قوه> یعنی نیرو <فأعینونی بقوه> یعنی: <مرا با نیروی خود کمک دهید>. آیات بعد، قرینه این است که او، علاوه بر خواستن نیروی انسانی، به آوردن ابزار و مصالح نیز فرمان داد. بنابراین، آنچه را از مردم نپذیرفت، اجر و مزد تلاش خویش بود.

۱۰- ذوالقرنین ، به ساختن بنایی محکم تر از سد مورد درخواست مردم ، تصمیم گرفت

.

تجعل بيننا و بينهم سدًّا . .. أجعل بينكم و بينهم ردمًا

چنان که مفسران گفته اند <ردم> بنایی است مستحکم تر از <سد> معمولی و بر همین اساس، به لباسی که وصله روی وصله دارد، گفته می شود: <ثوب مُردَّم>. <فأعينونی> بر <ما مکّنّی فیه ربّی خیر> تفریع شده است; یعنی، احداث سد محکم تر، نتیجه برخوداری ذی القرنین از امکانات برتر الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۶ - ۱،۲،۴،۵،۶،۷،۹

۱- ذوالقرنین ، مردم را به تهیه پاره های آهن ، برای احداث سد فرمان داد .

ءاتونی زبر الحديد

<زُبَر> جمع <زُبره> به معنای <قطعات> است. <زبر الحدید> یعنی: <قطعه هی آهن>. راغب در مفردات آن را <قطعات بزرگ آهن> دانسته است.

۲- آهن ، نقشی اصلی و مهم ، در بنای سد ذوالقرنین داشت .

ءاتونی زبر الحدید حتّی إذا ساوی بین الصدفين

گرچه در مصالح ساختمانی سدّ، از مس نیز استفاده شده، ولی از <حتی إذا ساوی . ..> دانسته می شود که تمام فضای بین دو کوه، ابتدا، از آهن پاره ها آکنده شد و مس ذوب شده، تنها، برای پیوند آن قطعات به کار رفت.

۴- ذوالقرنین ، ارتفاع سدّ آهنین را تا لبه دو کوه مجاور ، بالا برد .

حتّی إذا ساوی بين الصدفين

<صدف> به معنای جانب و کرانه است و <الصدفین> یعنی: <جانب دو کوه که در دو طرف سدّ قرار داشت>. فعل <ساوی> دلالت بر تسویه و برابری ارتفاع سد با لبه دو کوه دارد.

۵- ذوالقرنین ، برای سرخ کردن آهن های به کار رفته در سد ، کوره های بزرگی را در

مجاورت سد ایجاد کرد .

حتّی إذا ساوی بین الصدفین قال انفخوا

<نفخ> به معنای <دمیدن> است. و دمیدن در دیواره سدّ برای سرخ کردن آن، نیازمند کوره های بزرگ است تا بتواند آتش و اکسیژن را به مقدار مورد نیاز به دیواره بزند تا شرایط برای ریختن آلیاژ مسّ بر روی آن فراهم گردد.

۶- ذوالقرنین ، به دمیدن در کوره ها ، تا حدّ سرخ شدن پاره های آهن به کار رفته در دیواره سدّ ، فرمان داد .

قال انفخوا حتّی إذا جعله نارًا

۷- ذوالفرنین ، از مسّ مذاب ، برای پر کردن میان پاره های آهن اسکلت سد ، استفاده کرد .

ءاتونی أُفرغ علیه قطرًا

<افراغ> به معنای <خالی کردن ظرف و ریختن محتویات آن> است و <قطرًا> (مسّ مذاب) مفعول برای <أُفرغ> است و مفعول <آتونی> به قرینه <قطرًا> محذوف است.

۹- ذوالقرنین ، بر احداث سد و مراحل آن ، نظارت و مدیریت مستقیم داشت .

ءاتونی . .. قال انفخوا ... ءاتونی أُفرغ علیه قطرًا

ذکر ضمایر به صورت <متکم وحده>، جملگی، گواه معشرت و نظارت دقیق ذوالقرنین بر احداث سد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۷ - ۱،۲

۱- با طرح و برنامه و نظارت مستقیم ذوالقرنین ، ساخت سد آهنین به اتمام رسید .

فما اسطعوا أن یظهروه و ما استطعوا له نقبًا

<فاء> در <فما اسطاعوا> فصیحه است (یعنی از مضامینی ناگفته حکایت می کند) یعنی: <اوامر ذوالقرنین، انجام شد و کار سد به اتمام رسید و پس از آن، یأجوج و مأجوج نتوانستند که بر آن بالا رفته و یا این که سوراخی در آن

ایجاد و از آن عبور کنند.

۲- یأجوج و مأجوج ، از صعود بر بالای سد ذوالقرنین و نیز ایجاد رخنه و نقب در آن ، ناتوان بودند .

فما اسطعوا أن یظهروه و مااستطعوا له نقبًا

<ظهور> به معنای <علو> و بالا رفتن است <فما اسطاعوا أن یظهروه> یعنی: <اقوام مهاجم، نتوانستند از آن بالا روند. >. <نقب> به معنای <سوراخ و تونل> است و <ما استطاعوا له نقباً> یعنی: <نتوانستند که در دیوار سد، تونل و یا معبر ایجاد کنند.>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۸ - ۱۰

۱۰- ذوالقرنین ، پس از پایان کار سد ، حقّانیّت معاد و حتمیّت برپایی آن را یادآور شد .

قال . .. فإذا جاء وعد ربّی جعله دکّاء و کان وعد ربّی حقًّا

قصه زکریا(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۴ - ۱،۵

۱ حقایقی از سرگذشت مریم و زکریا ، برای اوّلین بار به پیامبر اکرم (ص) گفته شد .

ذلک من انباء الغیب نوحیه الیک

بیان حقایق مذکور اگر در دیگر کتب آسمانی آمده باشد، ظاهراً اطلاق غیب بر آن نمی شده است.

۵ ناشناخته بودن حقایقی از تاریخ زکریا و مریم ، برای اهل کتاب

ذلک من انباء الغیب

آیات در مورد وفد نجران نازل شده است؛ پس تعریض به اهل کتاب دارد که نسبت به سرگذشت پیامبران، خصوصاً مسیح و مریم، اظهار اطلاع می کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۸ - ۱،۳،۷

۱ سرگذشت حضرت زکریا ، مریم

، یحیی و عیسی (ع) و پیروان آن حضرت ، آیات الهی و پند های حکیمانه

ذلک نتلوه علیک من الایات و الذّکر الحکیم

<ذلک>، اشاره به سرگذشت کسانی است که در آیات پیشین مطرح شده است.

۳ بیان سرگذشت حضرت مریم ، زکریا ، یحیی و عیسی (ع) ، از معجزات و نشانه های صدق پیامبر اکرم (ص)

ذلک نتلوه علیک من الایات

بنابراینکه منظور از <الایات>، با توجه به معنای لغوی آن (علامتها)، نشانه های صداقت پیامبر اکرم (ص) باشد.

۷ داستان حضرت عیسی ، زکریّا ، مریم و یحیی ، سراسر حکمت و مایه تذکّر است .

ذلک نتلوه علیک من الایات و الذّکر الحکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲ - ۷

۷- < کهیعص > ، رمزهایی از سرگذشت لطف الهی در حق زکریا است .

کهیعص . ذکر رحمت ربّک عبده زکریّا

گفته اند: <کهیعص> می تواند مبتدا باشد و <ذکر>، خبر آن. در این صورت خود <کهیعص>، یادی رمزگونه از رحمت خداوند به زکریا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴ - ۱

۱- زکریا به هنگام پیری مفرط و سستی استخوان ها و سپیدی مو های سرش از خداوند خواهان فرزند شد .

قال ربّ إنّی وهن العظم منّی واشتعل الرأس شیبًا

<عظم> به معنای استخوان است. <وهن العظم منّی>; یعنی، استخوان هایم سست شد کلمه <شیباً> تمییز و به معنای سفیدی مو است و <اشتعال>، یعنی آتش گرفتن (لسان العرب). بنابراین جمله <اشتعل> از مادّه <شعل> سفیدی دم و پیشانی اسب) مشتق باشد;

در این صورت جمله <اشتعل ...>، یعنی <موی سر سپید شد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶ - ۱،۲،۸،۹،۱۲،۱۳

۱- زکریا (ع) ، از درگاه خداوند ، برای خویش و خاندان حضرت یعقوب ، وارثی تمنا می کرد .

یرثنی و یرث من ءال یعقوب

گرچه <یعقوب> را، برخی بر <یعقوب بن ماثان> عموی همسر زکریا و حضرت مریم(س) تطبیق داده اند; ولی بیشتر مفسران وی را همان <یعقوب بن اسحاق بن ابراهیم> می دانند.

۲- زکریا (ع) ، نگران قرار گرفتن میراث وی و همسرش در اختیار نااهلان بود .

فهب لی من لدنک ولیًّا . یرثنی و یرث من ءال یعقوب

۸- زکریا (ع) از خداوند خواست ، فرزندش در زمان حیات او و همسرش نمیرد .

فهب لی . .. ولیًّا . یرثنی و یرث من ءال یعقوب

۹- زکریا (ع) ، برای صلاح و شایستگی معنوی فرزند خویش دعا کرد .

یرثنی . .. واجعله ربّ رضیًّا

۱۲- حضرت زکریا (ع) هنگام دعا برای برخوداری از فرزند ، به اجابت خواسته خود ، اطمینان داشت .

فهب لی من لدنک ولیًّا . یرثنی ... واجعله ربّ رضیًّا

حضرت زکریا با این که در حال دعا است، ولی به گونه ای سخن گفته که گویا دعای او مستجاب شده است و مفاد جمله <واجعله ربّ رضیّاً> این است که خدایا فرزندی را که به من عطا می کنی، از هر جهت مورد رضایت قرار ده.

۱۳- زکریا (ع) با دعا به درگاه خداوند ، خواهان توفیق کامل فرزند خویش در استفاده صحیح از میراث

او و خاندان یعقوب پیامبر (ع)

یرثنی و یرث من ءال یعقوب واجعله ربّ رضیًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸ - ۷،۸

۷- زکریا (ع) ، هنگام بشارت تولد یحیی (ع) ، همسری سال خورده داشت که از آغاز زندگی نازا بود .

و کانت امرأتی عاقرًا

فعل <کانت> در آیه، با بیان دیرینه بودن نازایی، اشاره به گذشت زمان بارداری نیز دارد.

۸- زکریا (ع) در زمان دریافت بشارت تولد یحیی (ع) ، در نهایت پیری و از کف دادن قوای جنسی و شهوانی قرار داشت .

و قد بلغت من الکبر عتیًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۰ - ۱،۵،۶،۷

۱- زکریا (ع) خواستار نشانه ای از خداوند ، برای شناخت زمان آمادگی او و همسرش برای برخورداری از فرزند

قال ربّ اجعل لی ءایه

هدف زکریا از خواستن آیه و علامت، یا رفع تردید در صحت بشارت بوده و یا آمادگی برای رعایت آداب هم بستری و یا پرداختن به شکرگزاری و امثال آن. برای احتمال سوم در آیه شاهدی وجود ندارد. برخی احتمال اول را نیز به دلیل نسبت دادن تردید به پیامبران، نپذیرفته و احتمال دوم را صحیح دانسته اند. برداشت یاد شده براین اساس است.

۵- ناتوانی زکریا (ع) از سخن گفتن با مردم به مدت سه شبانه روز کامل ، نشانه ای الهی بر زمان تحقق یافتن بشارت فرزند بود .

قال ءایتک ألاّ تکلّم الناس ثلث لیال سویًّا

<سویّاً> یا صفت برای <ثلاث لیال> است و

یا حال برای فاعل <ألاّ تکلّم> و در هر دو صورت مراد از <سه شب> سه شبانه روز است. آیه چهل و یکم سوره آل عمران شاهد این معنا است. فعل <ألاّـ تکلّم> فعل نفی است و مراد از آن، تکلیف زکریا به سکوت نیست، بلکه از صادر نشدن سخنی از زکریاخبر می دهد.

۶- زکریا (ع) ، در روز های ناتوانیِ از سخن گفتن با مردم ، به عبادت و ذکر خداوند ، قدرت داشت .

ألاّ تکلّم الناس ثلث لیال سویًّا

واژه <الناس> نشان می دهد که عجز زکریا، تنها از سخن گفتن با مردم بوده است و نه به طور مطلق.

۷- ناتوانی زکریا (ع) از سخن گفتن با مردم ، امری اعجازی بود ، نه معلول نقصی در زبان یا جسم او .

قال ءایتک ألاّ تکلّم الناس ثلث لیال سویًّا

<سویّ> به کسی گفته می شود که اخلاق و خلقت او در حد اعتدال باشد، نه کمبودی داشته باشد و نه از حد تجاوز کرده باشد (مفردات راغب) و براین مبنی که <سویّاً> حال باشد، برای فاعل <تکلّم> که زکریا است، مفاد آیه این می شود. <تو در حالی که سالم هستی، با مردم سه شبانه روز سخن نخواهی گفت>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۱ - ۱،۲،۸،۹،۱۱،۱۲

۱- زکریا (ع) ، در زمان فرا رسیدن نشانه وعده داده شده برای پیدایش فرزندش یحیی ، در عبادت گاه بود .

فخرج علی قومه من المحراب

محراب های بنی اسرائیل همان مسجدهای آنها بود که برای نماز در آن اجتماع می کردند(کتاب <العین>). فاء در

<فخرج> فصیحه است ; یعنی از جملاتی محذوف حکایت می کند. به قرینه آیه قیل، آن محذوف، سخن نگفتن زکریا به مدت سه روز است که چه به اعجاز و چه با اراده خود و به فرمان خداوند در آن سه روز سخن نگفت. تعبیر <فخرج ...; آنگاه از عبادتگاه خود بیرون آمد>، حاکی از این است که در آن سه روز در عبادتگاه بود.

۲- زکریا (ع) پس از سکوت سه روزه و ناتوانی از سخن گفتن با مردم ، از عبادتگاه بیرون آمد و نزد مردم حاضر شد .

فخرج علی قومه من المحراب

۸- زکریا (ع) پس از خروج از عبادتگاه ، فرا رسیدن زمان تحقق بشارت فرزند را به قوم خویش فهماند .

أن سبّحوا

ظاهر این است که آنچه زکریا(ع) از قوم خود خواسته است، با حادثه پیش آمده در ارتباط باشد; یعنی، زکریا(ع)، قضیه را به آنان تفهیم کرده و ضرورت تسبیح و تنزیه خداوند را در چنین مواردی یادآور شده است.

۹- زکریا (ع) پس از آغاز روزه سکوت ، برای تفهیم دستور العمل های عبادی به قوم خویش ، از اشاره و رمز استفاده می کرد .

فأوحی إلیهم أن سبّحوا

فاعل <أوحی> زکریا و ضمیر <إلیهم> به <قوم>بازمی گردد. هرچیزی که به قصد آموختن به هر شکلی به دیگری القا شود، <وحی> نامیده می شود (مصباح) و در این آیه مراد <اشاره> است. آیه چهل و یکم آل عمران نیز شاهد این معنا است.

۱۱- قوم زکریا ، برای دریافت دستورالعمل های عبادی او ، بیرون عبادتگاه در انتظار وی می ماندند .

فخرج علی قومه . .. أن سبّحوا

<خرج

علیه> و <دخل علیه>، هنگامی گفته می شود که شخص به هنگام خروج یا ورود، با دیگری مواجه شده باشد. فرمان تسبیح گفتن که از زکریا(ع) صادر شده است نشان می دهد که اجتماع قوم او بیرون عبادتگاه، به منظور شنیدن فرمان وی بوده است.

۱۲- زکریا (ع) با اشاره از قوم خویش خواست ، سپیده دم و پسین گاه به تسبیح خداوند بپردازند .

فأوحی إلیهم أن سبّحوا بکره و عشیًّا

<بکره> به فاصله بین نماز صبح و طلوع خورشید گفته می شود (لسان العرب). <عشیّاً> یا به معنای <ظهر تا غروب> است و یا <آخر روز> و از برخی اهل لغت معانی دیگری نیز نقل شده است (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۹ - ۲،۴،۷

۲- زکریا (ع) با صدای بلند و روشن ، از خداوند خواستار فرزند شد .

و زکریّا إذ نادی ربّه لاتذرنی فردًا

مقصود از جمله <لاتذرنی فرداً> (مرا تنها مگذار) به قرینه آیه بعد (فاستجبنا له و وهبنا له یحیی. ..) درخواست فرزند است. گفتنی است که <ندا> به معنای صدای بلند و روشن است (لسان العرب).

۴- زکریا (ع) از تنهایی در رنج بود و آرزوی فرزنددار شدن داشت .

إذ نادی ربّه ربّ لاتذرنی فردًا

تردیدی نیست که انسان آن چه را در دعاها از خداوند می خواهد، مورد علاقه و آرزوی او است و فقدان آن موجب رنج او; به ویژه اگر دعا کننده فرد بزرگی چون پیامبر الهی باشد. بنابراین دعای زکریا(ع) برای فرزند دار شدنش، می تواند گویای برداشت یاد شده

باشد.

۷- نگرانی زکریا (ع) نسبت به آینده رسالت خویش با نبود فرزند و وارثی در زندگی اش

ربّ لاتذرنی فردًا و أنت خیرالورثین

ممکن است درخواست زکریا(ع) از خداوند برای فرزنددار شدنش به خاطر مسائل اجتماعی باشد; یعنی، آن حضرت خواسته است رسالتش و دستاوردهای آن نگه داری شده و تداوم یابد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱،۲،۳،۴،۵،۸،۹

۱- دعا و خواسته زکریا (ع) برای فرزنددار شدن ، مورد استجابت و پذیرش خداوند قرار گرفت .

ربّ لاتذرنی فردًا . .. فاستجبنا له

۲- یحیی (ع) موهبتی بی چشمداشت از جانب خداوند به زکریا (ع) ، پس از دعا و روی آوردن او به درگاه الهی

إذ نادی ربّه . .. فاستجبنا له و وهبنا له یحیی

<هبه> به معنای عطیه و بخششی بدون عوض و خالی از اغراض (چشمداشت) است (لسان العرب).

۳- یحیی (ع) ، نخستین فرزند زکریا (ع) پس از استجابت دعای او برای فرزنددار شدن

ربّ لاتذرنی فردًا . .. فاستجبنا له و وهبنا له یحیی

۴- دعای زکریا (ع) مبنی بر اصلاح نازایی همسرش ، مورد اجابت قرار گرفت و خداوند او را شایسته حمل قرار داد .

فاستجبنا له و وهبنا له یحیی و أصلحنا له زوجه

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که جمله <أصلحنا له زوجه> عطف بر جمله <وهبنا له یحیی> باشد که در این صورت اصلاح همسر جز دعای زکریا(ع) محسوب می شود.

۵- همسر زکریا (ع) پیش از دعای آن حضرت نازا بود .

ربّ لاتذرنی فردًا . .. فاستجبنا

له و وهبنا له يحيى و أصلحنا له زوجه

۸- خداوند ، اخلاق و رفتار همسر زكريا (ع) را اصلاح و او را همسرى شايسته براى ايشان قرار داد . *

فاستجبنا له و وهبنا له يحيى و أصلحنا له زوجه

برداشت ياد شده مبتنى بر اين است كه جمله <أصلحنا له زوجه> عطف بر <فاستجبنا له> باشد. در اين صورت اصلاح همسر جز خواسته زكريا(ع) نبود; بلكه خدا از روى تفضل و افزون برخواسته او، آن را به ايشان عطا فرمود. هم چنين اصلاح در معناى عام و گسترده خود استعمال شده است نه اصلاح نازايى. گفتنى است طرح مسأله اصلاح همسر پس از بخشيدن فرزند، مؤيد همين برداشت است.

۹- اعطاى فرزند به زكريا (ع) و اصلاح همسرش از جانب خداوند ، تنها به خاطر رعايت مصلحت و اجابت خواسته او بود .

فاستجبنا له و وهبنا له يحيى و أصلحنا له زوجه

تكرار <له> (براى او) به ويژه در مورد اصلاح همسر مى تواند بيانگر برداشت ياد شده باشد.

قصه سامرى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۵ - ۱،۲

۱ - موسى (ع) ، پس از توبيخ بنى اسرائيل و برخورد شديد با هارون (ع) با مشاهده دخالت مستقيم سامرى در گوساله پرستى بنى اسرائيل ، به بازخواست و محاكمه او پرداخت .

قال فما خطبك يسمرىّ

۲ - پرسش از انگيزه و هدف سامرى در ساختن گوساله زرّين و گمراه ساختن مردم ، از موارد بازخواست موسى (ع) از سامرى

فما خطبك يسمرىّ

<خطب> نزد برخى لغت دانان به

معنای <سبب الأمر> است (لسان العرب). زمخشری آن را به معنای <طلب> دانسته است. در نتیجه <ماخطبك>; یعنی، سبب کار تو یا مطلوب و خواسته تو چه بوده است؟ معانی <شأن> و <أمر> نیز از جمله معانی ذکر شده برای این کلمه است (قاموس).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۶ - ۳،۴،۵،۶،۷

۳ - سامری ، به کمك علم و آگاهی خود ، به اندکی از آثار و تعالیم یکی از رسولان الهی دست یافت و بخشی از آن را در اختیار گرفت .

بصرت . .. فقضیت قبضه من أثر الرسول

محتمل است مراد از <أثرالرسول> دانش و اسراری باشد که در دست موسی و هارون(ع) و یا پیامبران پیش از آن دو بوده است; که گوشه ای از آن به دست سامری افتاده بود و وی با تسویلات نفسانی، آن را در راه گمراه ساختن مردم به کار گرفته بود. <ال> در <الرسول> دلالت دارد که فرد مورد نظر سامری، برای حضرت موسی(ع) نیز شناخته شده بود; ولی گویا سامری به منظور پی نبردن دیگران به حقیقت ماجرا، نام رسول و اثر او را برای عموم بنی اسرائیل مشخص نساخت.

۴ - سوء استفاده از دین و تعالیم آسمانی ، برای گمراه ساختن بنی اسرائیل و ترویج گوساله پرستی در بین آنان ، از جمله اعترافات سامری در نزد موسی (ع)

فنبذتها

<نبذ> در <نبذتها>، ممکن است در معنای حقیقی آن; یعنی، دورافکندن آثار رسالت به کار رفته باشد و نیز ممکن است مجاز و به معنای سوء استفاده از تعالیم رسولان الهی باشد. براساس معنای دوم، سامری

اعتراف می کند که با استفاده نابه جا از آموخته های خویش، آن را ضایع ساخته و نابود کرده است.

۵ – سامری ، با بی اعتنایی به آموخته های ویژه و الهی خود و دورافکندن آنها ، به ساختن گوساله و گمراه سازی مردم پرداخت .

فنبذتها و کذلک سوّلت لی نفسی

از جمله معانی محتمل در آیه بالا، این است که مراد از <نبذتها> بی اعتنایی به آموخته ها (بصرت. .. قبضت) باشد; یعنی، اعتراف سامری چنین بوده است که من دانش و آموخته های الهی خود را که از رسولان فراگرفته بودم به دور افکندم و درپی آن مفتون نفس خویش شده انجام دادم آنچه کردم.

۶ – ارتداد سامری ، سبب انحراف بنی اسرائیل بود .

فنبذتها

۷ – خطاکاری و تسویل نفس (تزیین داده شدن عمل از سوی نفس) ، از جمله اعترافات سامری در هنگام محاکمه

قال بصرت . .. و کذلک سوّلت لی نفسی

<تسویل> به معنای نیکو و زیبا جلوه دادن و محبوب ساختن چیزی در دیدگاه دیگری است، تا او وادار به گفتن سخنی مخصوص و یا انجام کاری خاص شود (لسان العرب). برخی نیز آن را از <سول> به معنای استرخا (نرمی و آسانی) مشتق دانسته و به معنای آسان ساختن گرفته اند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۹۷ – ۱،۳،۹،۱۰

۱ – موسی (ع) درپی محاکمه سامری ، وی را به خروج فوری از جامعه و انزوا و قطع رابطه با مردم در طول زندگی محکوم کرد .

قال فاذهب فإنّ لک فی الحیوه أن تقول لامساس

فا در <فاذهب>

علاوه بر ترتب فرمان رفتن بر محکومیت سامری، بر فوریت آن نیز دلالت دارد. <مساس> مصدر باب مفاعله است و <لامساس> به معنای نفی هرگونه تماس و برخورد است; یعنی، تو در زندگانی خود، سزاوار سرنوشتی هستی که سخن اول و آخر تو خبر دادن از بی کسی خود و نبود هرگونه تماس گیرنده ای با تو باشد.

۳ - ابتلای سامری به مردم گریزی و گریز مردم از وی ، پی آمد نفرین موسی (ع) در حق او بود .

إنّ لک فی الحیوه أن تقول لامساس

محتمل است <فإنّ لک فی الحیاه. ..> نفرین موسی(ع) در حق سامری باشد; یعنی، آن که سامری به بیماری روحی و یا جسمی خاصی مبتلا گردد، که از مردم بگریزد و مردم نیز از او گریز داشته باشند.

۹ - سامری ، خود نیز گوساله دست ساز خود را می پرستید .

وانظر إلی إلهک الذی ظلت علیه عاکفًا

<إلهک> علاوه بر تحقیر معبود سامری، دلالت بر آن دارد که او خود نیز آن را به عنوان <إله> پذیرفته بود.

۱۰ - سامری ، خود را به مواظبت کامل از گوساله دست ساز خود ، ملزم ساخته بود و همواره در کنار آن به سر می برد .

ظلت علیه عاکفًا

<ظلت>، تخفیف یافته <ظللت> (مداومت داشتی) است. <عکوف> به معنای ملازم چیزی بودن و سرکشی دائم از آن است (مصباح) و <ظلت علیه عاکفاً>; یعنی، به آن توجه فراوان داشتی و مدام دیدار خود را با آن تازه می کردی.

قصه سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۲،۵

۲ - شیاطین ، حضرت

سلیمان را به جادوگری متهم می کردند .

و ما کفر سلیمن و لکن الشیطین کفروا

مراد از <ما کفر سلیمان> (سلیمان کافر نشد) نفی جادوگری از سلیمان (ع) است. جمله <و لکن الشیاطین ...> و نیز <ما تتلوا الشیاطین> حکایت از آن دارد که: اتهام سحر به حضرت سلیمان از سوی شیاطین عنوان شده و نشر پیدا کرده بود.

۵ - شیاطین ، دستیابی سلیمان رابه سلطنت ، دستاورد سحر و جادو قلمداد می کردند .

علی ملک سلیمن و ما کفر سلیمن

نفی جادوگری از سلیمان - پس از بیان اینکه شیاطین نوشته هایی از علم سحر را برای مردم، علیه سلطنت سلیمان می خواندند - رسای به این معناست که: شیاطین چنین وانمود می کردند که آنچه را تلاوت می کنند همان است که سلیمان را به سلطنت رساند و با این شیوه در صدد نفی پیامبری از او بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۸ - ۱۱،۱۰،۹،۲

۲- داوری داوود و سلیمان (ع) ، در باره کشتزار چراشده در شبان گاه به وسیله گوسفندان مردم

و داود و سلیمن إذ یحکمان فی الحرث إذ نفشت فیه غنم القوم

<نفش> به معنای چریدن حیوان در شب، بدون چوپان و یا بی اطلاع وی است.

۹- < أحمدبن عمرالحلبی قال : سألت أباالحسن (ع) عن قول اللّه عزّوجلّ : < و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث > قال : کان حکم داوود (ع) رقاب الغنم ، و الذی فهّم اللّه عزّوجلّ سلیمان (ع) أن احکم لصاحب الحرث باللبن و الصوف ذلک العام کلّه

;

احمـدبن عمر حلبی گوید: از امام ابی الحسن(ع) در باره سـخن خداوند عزّوجلّ <و داود و سـلیمان إذ یحکمان فی الحرث> سؤال کردم، فرمود: حکم داوود(ع) دادن گوسـفندان به صاحب زراعت بود و چیزی را که خداوند به سـلیمان فهماند، این بود که برای صاحب زراعت حکم کن تا شیر و پشم گوسفندان در کلّ آن سال برای او باشد>.

۱۰- < عن أبی عبـداللّه (ع) قـال : کـان فی بنی اسـرائیل رجـل له کرم و نفشت فیه غنم رجل آخر باللیل و قضـمته و أفسـدته فجـاء صـاحب الکرم إلی داود فاسـتعدی علی صاحب الغنم فقال داود (ع) : إذهبا إلی سـلیمان (ع) لیحکم بینکما فـذهبا إلیه فقـال : سـلیمان إن کانت الغنم أکلت الأصل و الفرع فعلی صاحب الغنم أن یـدفع إلی صاحب الکرم الغنم و ما فی بطن ها و إن کانت ذهبت بالفرع و لم تذهب بالأصل فإنّه یدفع ولد ها إلی صاحب الکرم و کان هذا حکم داود . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده: مردی از بنی اسـرائیل دارای تاکسـتانی بود، گوسـفندان فردی شبان گاه وارد آن شدند و آن را خوردنـد و تباه کردند . .. صاحب تاکسـتان از صاحب گوسـفندان نزد داوود شـکایت برد، او گفت: نزد سـلیمان بروید تا میان شما داوری کند. پس نزد سلیمان رفتند، وی گفت: اگر گوسفند اصل و فرع تاک را خورده، پس بر صاحب گوسفند است که باید گوسـفند و بچه در شـکم او را به صاحب تاک بدهد و اگر فرع درخت را خورده و اصل درخت باقی است، بچه گوسفند را به صاحب

تاکستان بدهد و نظر داوود هم همین بود...>.

۱۱- < عن أبی عبدالله (ع) (فی) قول الله عزّوجلّ : < و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث > . . . قال : إنّه کان أوحی الله عزّوجلّ إلی النبیین قبل داود إلی أن بعث الله داود (ع) أی غنم نفشت فی الحرث فلصاحب الحرث رقاب الغنم . . . فحکم داود (ع) بما حکمت به الأنبیاء (ع) من قبله و أوحی الله عزّوجلّ إلی سلیمان (ع) أی غنم نفشت فی الزرع فلیس لصاحب الزرع إلاّ ما خرج من بطون ها و کذلک جرت السنّه بعد سلیمان > ;

از امام صادق(ع) [در باره] قول خدای عزّوجلّ <و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث> روایت شده . .. که فرمود: همانا خدای عزّوجلّ به پیامبران قبل از داوود تا زمانی که او را برانگیخت وحی نموده بود که هر گوسفندی شبانه وارد زراعتی شود، برای صاحب زراعت است که آن گوسفند را به تملک خود درآورد ... پس داوود به همان حکم پیامبران پیش از خودحکم داد و خدای عزّوجلّ به سلیمان وحی نمود: هر گوسفندی که شبانه وارد زراعتی شود، صاحب زراعت حقی ندارد; مگر به چیزی (بچه ای) که از شکم آن بیرون می آید و بعد از سلیمان همین سنت جریان داشت...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۷ - ۱،۲،۳،۴

۱ - سلیمان (ع) ، دارای سپاهی متشکل از نیرو های جن ، انسان و پرندگان

و حشر لسلیمن

جنوده من الجنّ و الإنس و الطير

۲ - فراخوانی سپاه سلیمان از سوی او ، برای حرکت به سوی مقصدی خاص

و حشر لسلیمن جنوده

واژه <حشر> (مصدر <حشر>) به معنای بیرون آوردن جماعت از قرارگاهشان و حرکت دادن آنان به سوی مقصدی چون آوردگاه و. .. می باشد.

۳ - وجود تمرین ، آموزش و آماده سازی مستمر در سپاه سلیمان

فهم یوزعون

<وَزْع> به معنای مرتب کردن، به صف کردن و آرایش دادن لشگر برای جنگ

۴ - حاکمیت نظم و انضباط کامل در سپاه سلیمان

فهم یوزعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۸ - ۱،۳

۱ - رسیدن سلیمان (ع) و لشگریانش به سرزمین مورچگان ، در مسیر حرکت خود

حتّی إذا أتوا علی واد النمل

۳ - اخطار مورچه ای به دیگر مورچگان نسبت به ورود سلیمان و لشگریانش به سرزمین آنها

قالت نمله یأیّها النمل ادخلوا مسکنکم لایحطمنّکم سلیمن و جنوده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۹ - ۱،۴،۲۴

۱ - تبسم سلیمان از سخنان مورچه

فتبسّم ضاحکًا من قولها

۴ – خشنودی سلیمان از آگاهی به زبان مورچگان و سپاس گزاری او به درگاه خدا

فتبسّم ضاحكًا من قولها و قال ربّ أوزعنی أن أشكر

۲۴ – < عن جعفربن محمـد (ع) قال : لما قالت النمله < یا أیّها النمل ادخلوا مساكنكم . . . > حملت الریح صوت النمله إلى سلیمان (ع) . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شـده که فرمود: هنگامی که آن مورچه [به سایر مورچگان] گفت: <یا أیّها النمل ادخلوا مساكنكم. ..> باد صدای آن

مورچه را به سلیمان رسانید...>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۲۰ – ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۹

۱ – بازدید سلیمان (ع) از گروه پرندگان به منظور جویا شدن از احوال آنها

و تفقّد الطیر

<تَفَقُّد> (مصدر <تفقّد>) معادل <تعهد> (وارسی کردن) است. بنابراین <تفقد الطیر>; یعنی، از حال پرندگان جویا شد.

۲ – غایب یافتن سلیمان هدهد را در صف پرندگان

فقال ما لی لاأری الهدهد أم کان من الغائبین

۳ – پرسش سلیمان از علت ناپیدا بودن هدهد

فقال ما لی لاأری الهدهد أم کان من الغائبین

۴ – هدهد ، از اعضای سپاهیان سلیمان

و حشر لسلیمن جنوده. .. فقال ما لی لاأری الهدهد

۵ – نظارت دقیق سلیمان بر سپاه و نیرو های تحت فرمان خویش

و تفقّد الطیر . .. أم کان من الغائبین

۶ – احتیاط و خویشتن داری سلیمان در برخورد با نیرو های تحت امر خویش

فقال ما لی لاأری الهدهد أم کان من الغائبین

سلیمان، بی درنگ هدهد را متهم به تخلّف نکرد; بلکه ابتدا ناپیدا بودن هدهد را مربوط به خطای دید خودش دانست. این در حالی است که قدرتمندان قبل از هر چیز خشم گرفته و نیروی تحت فرمان خود را متهم می کنند.

۹ – در مجمع البیان آمده است : < و اختلف فی سبب تفقده الهدهد فقیل إنّه احتاج إلیه فی سفره لیدله علی الماء قال أبوحنیفه لأبی عبداللّه (ع) کیف تفقّد سلیمان الهدهد من بین الطیر ؟ قال : لأنّ الهدهد یری الماء فی بطن الأرض کمایری

أحدكم الدهن فی القاروره ;

در انگیزه سؤال سلیمان از غیبت هدهد اختلاف شده است: بعضی گفته اند: سلیمان در

سفرش نیاز به هدهد داشت تا وی را به وجود آب راهنمایی کند. [مجمع می افزاید]که ابوحنیفه از امام صادق(ع) سؤال کرد: چرا سلیمان از میان پرندگان سراغ هدهد را گرفت؟ فرمود: برای این که هدهد آب را در دل زمین می بیند، همان گونه که فردی از شما روغن را در ظرف بلورین می بیند...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۱ - ۱،۸

۱ - تصمیم سلیمان (ع) به مجازات سخت هدهد در صورت عدم ارائه دلیلی قابل قبول بر غیبت خویش

لأُعذّبنّه عذابًا شديدًا . .. أو ليأتينّى بسلطن مبين

<سلطان> به معنای حجت و برهان است و <سلطان مبین>; یعنی، دلیل روشن و قانع کننده.

۸ - اعلام سلیمان (ع) به بخشودن هدهد ، در صورت آوردن دلیلی روشن و قابل قبول برای غیبت خود

لأُعذّبنّه . .. أو ليأتينّى بسلطن مبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۲ - ۱،۲،۳،۵

۱ - حاضر شدن هدهد در نزد سلیمان ، پس از درنگی نه چندان طولانی

فمكث غير بعيد فقال

۲ - مبادرت هدهد به طرح دلیل غیبت خود و ارائه اطلاعات جدید به سلیمان (ع)

فقال أحطت بما لم تحط به

۳ - هدهد ، مدعی دستیابی به موضوعی خارج از قلمرو اطلاعات سلیمان

أحطت بما لم تحط به

<احاطه> در این جا کنایه از علم آمده است; یعنی، <علمت بما لم تعلم به; به چیزی دست یافتم که تو به آن دست نیافته ای>.

۵ - هدهد ، پیامدار خبری بزرگ و قطعی از سرزمین < سبا > برای

سلیمان (ع)

و جئتک من سبإ بنبإ یقین

<نبأ> به خبر مهم و شنیدنی گفته می شود; یعنی، <برای تو از سبا خبری قطعی آورده ام که بسیار مهم و شنیدنی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۳ - ۱

۱ - اخبار هدهد از فرمانروایی یک زن بر مردم سرزمین سبا

إنّی وجدت امرأه تملکهم

<مُلْک> (مصدر <تملکهم>) به معنای حکومت و فرمانروایی است; یعنی، زنی را یافتم که بر آنان حکمرانی می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۷ - ۱،۲،۳

۱ - حضرت سلیمان (ع) ، قضاوت درباره هدهد را به آینده و پس از تحقیق پیرامون ادعا های وی موکول کرد .

فقال أحطت بما لم تحط به . .. قال سننظر أصدقت أم کنت من الکذبین

۲ - سلیمان (ع) ، درصدد بررسی ادعا های هدهد درباره سرزمین سبا

قال سننظر أصدقت أم کنت من الکذبین

۳ - ادعا های هدهد در رابطه با سرزمین سبا ، امری شگفت و دور از باور سلیمان (ع)

قال سننظر أصدقت أم کنت من الکذبین

تعبیر <خواهیم دید که راست می گویی یا از دروغ گویانی> پس از بیان تفصیلی هدهد و درس های بلند توحیدی وی، می تواند نشانگر شگفتی و ناباوری سلیمان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۸ - ۱،۲،۴،۵،۶

۱ – مأموریت هدهد از سوی سلیمان ، برای بردن نامه وی به جانب ملکه سبا

اذهب بکتبی هذا فألقه إلیهم

<کتاب> معادل <مکتوب> و به معنای نامه است; یعنی،

این نامه مرا ببر، آن گاه. .. .

۲ - افکندن نامه به محلّ تجمع ملکه و درباریان سبا ، مأموریت هدهد از جانب سلیمان (ع)

اذهب بکتبی هذا فألقه إلیهم

<ها> ساکن در <ألقه> ها سکت و <إلقاء> (مصدر <ألق>) به معنای افکندن است; یعنی، آن گاه [نامه را] به سوی آنان بیفکن.

۴ - هدهد ، موظف به روی برتافتن از درباریان سبا (پس از افکندن نامه سلیمان) نزد ایشان

ثمّ تولّ عنهم فانظر ماذا یرجعون

<تولّی> (مصدر <تولّ>) به معنای روی برتافتن است; یعنی، از آنان روی برتاب و سپس بنگر چه پاسخ می دهند.

۵ - مأموریت هدهد برای مشاهده بازتاب نامه سلیمان در میان درباریان سبا و شنود کردن سخنان ایشان .

ثمّ تولّ عنهم فانظر ماذا یرجعون

۶ - تدبیر سلیمان در کشف صدق و کذب ادعای هدهد از طریق به کارگیری خود وی

قال سننظر أصدقت . .. اذهب بکتبی هذا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۹ - ۱،۲،۳،۴

۱ - قرار گرفتن نامه سلیمان در اختیار ملکه سبا (بلقیس)

قالت یأیّها الملؤا إنّی أُلقی إلیّ کتب کریم

۲ - جلوه عظمت و گران سنگی نامه سلیمان و پیام آن در نظر ملکه سبا (بلقیس)

قالت یأیّها الملؤا إنّی أُلقی إلیّ کتب کریم

<کریم>، صفت <کتاب> و به معنای گران مایه است. <کتاب کریم>; یعنی، نامه ای عظیم و گران سنگ.

۳ - عدم اطلاع بلقیس از مشخصات آورنده نامه سلیمان

إنّی أَلقی إلیّ

مجهول آمدن فعل <أُلقی> نشانگر آن است که هدهد، نامه سلیمان را طوری به سوی ملکه انداخت که کسی متوجه او نشد.

۴ – اقدام بلقیس

به در میان گذاشتن خبر نامه سلیمان با درباریان خود

قالت یأیّها الملؤا إنّی أُلقی إلیّ کتب کریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۰ - ۱،۲،۴

۱ - اقدام بلقیس به معرفی نویسنده نامه برای درباریان ، پیش از خواندن محتوای آن

إنّه من سلیمن

۲ - آشنایی بلقیس و درباریان وی با شخصیت و موقعیت ممتاز سلیمان (ع)

إنّی أُلقی إلیّ کتب کریم . إنّه من سلیمن

جمله <إنّه من سلیمان> ظاهراً تعلیل برای <کتاب کریم> است; یعنی، این که می گویم <مکتوبی گران مایه> این بدان سبب است که آن را شخصیتی چون سلیمان برای ما فرستاده است.

۴ - آغاز نامه سلیمان با نام و یاد خدا ، سبب شکوه و عظمت آن نزد بلقیس

إنّی أُلقی إلیّ کتب کریم . .. و إنّه بسم اللّه الرحمن الرحیم

جمله <و إنّه بسم اللّه. ..> تعلیل دیگری برای بیان گرانمایه بودن مکتوب سلیمان است; یعنی، نامه ای که برای من آورده شده، از دو جهت کریم و گران سنگ است: یکی این که از شخصیتی مانند سلیمان است و دیگر آن که با نام خدای رحمان و رحیم آغاز شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۱ - ۱،۲،۴

۱ - راه ندادن اندیشه سرکشی به خود و آمدن و تسلیم شدن ، فرمان سلیمان (ع) به ملکه سبا و درباریان وی

ألاّ تعلوا علیّ و أتونی مسلمین

<علو> (مصدر <تعلوا>) به معنای استکبار و برتری جویی است. <اتیان> (مصدر <ائتونی>) نیز به معنای حاضر شدن و <اسلام> (مصدر <مسلمین>) معادل <تسلیم> و

<انقیاد> است. آیه یاد شده حاوی سه فرمان است: الف) بر من برتری نجویید. ب) نزد من بیایید. ج) تسلیم دستورات من باشید.

۲ - برخورد سلیمان (ع) با ملکه و درباریان سبا ، قاطع ، آمرانه و از موضع قدرت بود .

ألّا تعلوا علیّ و أتونی مسلمین

۴ - سلیمان (ع) ، درصدد از میان بردن حاکمیت کفر و شرک از سرزمین سبا

بسم اللّه الرحمن الرحیم . ألّا تعلوا علیّ و أتونی مسلمین

تسلیم سلیمان شدن، در حقیقت دست برداشتن از شرک و پذیرش منطق توحیدی او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۲ - ۱،۲،۵

۱ - نظرخواهی بلقیس از درباریان خود ، درباره چگونگی پاسخ به سلیمان (ع)

قالت یأیّها الملؤا أفتونی فی أمری

<إفتاء> (مصدر <أفتونی>) به معنای اظهار نظر است. <أفتونی فی أمری>; یعنی، نظرتان را در این که باید چه کار انجام دهم، بیان کنید.

۲ - برخورد جدی ملکه سبا با نامه سلیمان و عدم تردید وی در صحت آن

قالت یأیّها الملؤا أفتونی فی أمری

در عبارات بلقیس، کلامی که حاکی از تردید باشد مشاهده نمی شود; بلکه اقدام وی به مشاوره درباره محتوای نامه، نشانگر اطمینان او است.

۵ - احساس خطر جدی ملکه سبا از نامه سلیمان و تلاش وی برای تحکیم روابط در درون دربار

أفتونی فی أمری ما کنت قاطعه أمرًا حتّی تشهدون

در صورتی که کار مشاوره برای بلقیس امری معمولی بود، وی نیازی نداشته تا در خصوص این موضوع، بر شیوه مشاوره خود تأکید کند. احتمال می رود این تأکید از آن جهت باشد که موضوع را بسیار

جدی و خطرناک تلقی کرده و با این سخنان سعی داشته تا دل درباریان را به دست آورد و آنان را با خود همراه سازد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۳۵ – ۱،۲،۴،۵

۱ – تدبیر ملکه سبا در فرستادن هدیه ای بزرگ برای سلیمان (ع)

و إنّی مرسله إلیهم بهدیّه

بزرگی هدیه از نکره آمدن آن استفاده می شود.

۲ – هدف بلقیس از ارسال هدیه برای سلیمان (ع) ، آزمون وی و مشاهده بازتاب آن بود .

و إنّی مرسله إلیهم بهدیّه فناظره بِمَ یرجع المرسلون

۴ – همراهی هیأتی از فرستادگان بلقیس با هدیه او به سوی سلیمان (ع)

فناظره بِمَ یرجع المرسلون

تعبیر <مرسلون> با صیغه جمع، نشان دهنده رفتن هیأتی از نمایندگان همراه هدیه او به سوی سلیمان(ع) است.

۵ – هیأت نمایندگان سبا ، مأمور گزارش کردن نقطه نظر های جدید سلیمان (ع) به دربار

فناظره بِمَ یرجع المرسلون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۳۶ – ۱،۳،۴،۵،۶،۷

۱ – حضور سفیر ملکه سبا همراه با هدایا در نزد سلیمان (ع)

فلمّا جاء سلیمن

از تعبیر <جاء> به صورت مفرد، استفاده می شود که تنها یکی از نمایندگان بلقیس (با این که آنان متعدد بودند) برای تقدیم هدایا به دربار سلیمان(ع) باریافت. گفتنی است که جمله <ارجع إلیهم> که خطاب به یک فرد است مطلب فوق را تأیید می کند. بنابراین احتمال این که مراد از ضمیر <جاء> مال باشد چنان که برخی از مفسران گفته اند تضعیف می شود.

۳ –

ناخشنودی سلیمان (ع) از عکس العمل دربار سبا در قبال نامه وی

قال أتمدّونن بمال

۴ - بی اعتنایی سلیمان (ع) نسبت به هدایای ملکه سبا و اظهار بی نیازی از آن

قال أتمدّونن بمال

۵ - هدیه ملکه سبا ، هدیه ای چشمگیر و پرب ها بود .

قال أتمدّونن بمال

از تعبیر <أتمدّونن بمال> استفاده می شود که هدیه، فی نفسه دارای جاذبه کافی برای هر پادشاه مقتدری بوده است; اما در چشم سلیمان پیامبر(ع) جایی نداشته است.

۶ - توبیخ دربار سبا توسط سلیمان (ع) ، به خاطر تلقی مادی و نادرست آنان از نامه و دعوت وی

قال أتمدّونن بمال

استفهام در <أتمدّونن> برای توبیخ و سرزنش است.

۷ - هدف سلیمان (ع) از نوشتن نامه به دربار سبا ، ایفای رسالت الهی و معنوی خود بود ، نه رسیدن به مال و حکومت بزرگ تر .

قال أتمدّونن بمال فما ءاتین اللّه خیر ممّا ءاتیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۷ - ۱،۲،۵

۱ - رد هدیه ملکه سبا از سوی سلیمان (ع) و فرمان وی مبنی بر بازگشت سفیر به سوی بلقیس با پیام جنگ

ارجع إلیهم فلنأتینّهم بجنود

سیاق آیات نشانگر این نکته است که سلیمان(ع) هدیه را نپذیرفت و به آنان برگرداند.

۲ - تهدید أکید سلیمان (ع) مبنی بر فرستادن سپاهی گران ، پرتوان و بی هماورد به سوی مشرکان سبا

فلنأتینّهم بجنود لاقبل لهم بها

جمله <لا قبل لهم بها> صفت <جنود> است; یعنی، سپاهی چنان عظیم که ایشان را توان رویارویی با آن نباشد.

۵ - سلیمان در تلاش مدام ،

براى به تسليم واداشتن دربار سبا ، قبل از وقوع جنگ

فلنأتينّهم بجنود . .. و هم صغرون

لحن شديد و تهديدآميز سليمان(ع)، نشانگر آن است كه وى تلاش مى كرده تا كار به جنگ و خونريزى نينجامد; چه اين كه اگر او صرفاً مصمم بر جنگ بود، هشدارهاى قبلى خلاف منطق جنگ به شمار مى آمد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۸ - ۱،۲،۳،۴،۵،۶

۱ - سليمان (ع) ، داراى مجلسيانى سرشناس و ممتاز در ميان نيرو هاى تحت امر خويش

قال يأيّها الملؤا

واژه <ملأ> به عناصر سرشناس و شخصيت هاى برجسته و ممتاز گفته مى شود.

۲ - پرسش سليمان از قدرت درباريانش براى آوردن تخت بلقيس

قال يأيّها الملؤا أيّكم يأتينى بعرشها

۳ - عزم ملكه سبا بر تسليم شدن در برابر سليمان (ع) ، پس از رد هداياى وى

قبل أن يأتونى مسلمين

از سخنان سليمان و تعبير <قبل أن يأتونى مسلمين> استفاده مى شود كه بلقيس مصمم بر تسليم شده بود و سليمان از قبل آن را مى دانست.

۴ - آگاهى يافتن سليمان (ع) از تصميم بلقيس مبنى بر تسليم شدنش در برابر وى

قال يأيّها الملؤا . .. قبل أن يأتونى مسلمين

۵ - سليمان (ع) ، مصمم بر نماياندن قدرت فوق العاده خود به ملكه سبا ، با احضار تخت او

قال يأيّها الملؤا أيّكم يأتينى بعرشها قبل أن يأتونى

۶ - وجود افرادى برخوردار از قدرت فوق طبيعى در ميان درباريان سليمان (ع)

أيّكم يأتينى بعرشها قبل أن يأتونى مسلمين

پرسش سلیمان حاکی از اطلاع او نسبت به وجود چنین افرادی در میان

درباریانش می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۹ - ۱،۴

۱ - اعلام آمادگی عفریتی از جنیان ، برای حاضر ساختن تخت بلقیس ، پیش از برخاستن سلیمان از مسند خویش

قال عفریت من الجنّ أنا ءاتیک به قبل أن تقوم من مقامک

<مقام> اسم مکان از <قام بالأمر> است; یعنی، <قبل أن تقوم من مجلسک الذی تجلس فیه لأمر الحکومه>. گفته شده که سلیمان هر روز صبح تا ظهر برای انجام کارها و اداره امور مملکت بر مسند می نشست.

۴ - تأکید عفریت بر قدرت و امانت خود در آوردن تخت بلقیس

و إنّی علیه لقویّ أمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۰ - ۱۳،۱۰،۹،۸،۱

۱ - اعلام آمادگی فردی از درباریان سلیمان برای آوردن تخت بلقیس در کمتر از یک طرفه العین

قال الذی . .. أنا ءاتیک به قبل أن یرتدّ إلیک طرفک

۸ - اقدام آصف بن برخیا به حاضر ساختن تخت بلقیس در برابر سلیمان (ع)

فلمّا رءاه مستقرًّا عنده

از تعبیر <فلمّا رآه. ..> استفاده می شود که سلیمان(ع) به آصف بن برخیا اجازه اعمال قدرت داد و او تخت را همان گونه که ادعا کرده بود، حاضر ساخت.

۹ - سپاس سلیمان (ع) به درگاه خدا ، پس از مشاهده تخت بلقیس در برابر خود

فلمّا رءاه مستقرًّا عنده قال هذا من فضل ربّی

کلمه <هذا> می تواند اشاره به حضور تخت داشته باشد. بر این مبنا عبارت <هذا من فضل ربّی>; یعنی، این حضور تخت در کمتر از طرفه العین در نزد من، فضلی از جانب

پروردگار است. هم چنین می تواند اشاره به قدرتی باشد که توانست آن را در کمتر از طرفه العینی حاضر سازد. برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال اول است.

۱۰ - وجود قدرت های فوق العاده در دربار سلیمان ، فضلی از جانب پروردگار برای او

فلمّا رءاه. .. قال هذا من فضل ربّی

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <هذا> اشاره به توان موجود در دستگاه حکومتی سلیمان باشد; یعنی، وجود چنین نیرویی در دستگاه من که توانست تخت عظیم بلقیس را در کمتر از یک نگاه حاضر سازد تفضل پروردگار به من است.

۱۳ - قدرت و توان عفریت دربار سلیمان ، مقهور دانش و علم آصف بن برخیا

قال عفریت من الجنّ . .. قال الذی عنده علم من الکتب

در پاسخ پرسش سلیمان(ع)، نخست عفریت بود که قدرت خویش را مطرح ساخت; ولی دانش برتر دانشمند دربار سلیمان مجالی برای اعمال قدرت به وی نداد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۱ - ۱،۲،۳،۴

۱ - فرمان سلیمان به دگرگون ساختن آرایش تخت بلقیس برای آزمودن هوش وی

قال نکّروا لها عرشها ننظر أتهتدی

۲ - اهمیت پی بردن به میزان هوش و فراست ملکه سبا برای سلیمان (ع)

قال نکّروا لها عرشها ننظر أتهتدی

ظاهراً اقدام سلیمان(ع) به آزمودن بلقیس، دانستن هوش وی بوده است. بنابراین تقدیر <ننظر أتهتدی...> چنین است: <ننظر أتهتدی إلی معرفه عرشها...; بنگریم آیا می تواند به شناختن تختش پی ببرد یا از کسانی است که نمی توانند راه یابند>.

۳ - نقش تیزهوشی ملکه سبا ، در نحوه موضع گیری و تصمیم سلیمان

(ع) در قبال وی

ننظر أتهتدی أم تکون من الذین لایهتدون

اهمیت پی بردن به میزان هوش بلقیس، می تواند از آن جهت باشد که نحوه موضع گیری سلیمان(ع) را در قبال وی مشخص سازد.

۴ - استفاده سلیمان (ع) از امکانات خود بلقیس ، برای ارائه معجزه به وی و هدایت او

قال نکّروا لها عرشها. .. من الذین لایهتدون

برخی برآنند که <أتهتدی. ..> به تقدیر <أتهتدی إلی الإیمان باللّه و رسوله> می باشد. برداشت یاد شده بر پایه این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۲ - ۱،۲،۳،۴،۵

۱ - ورود ملکه سبا به بارگاه سلیمان

فلمّا جاءت

۲ - آزموده شدن بلقیس در آغاز ورود به دربار سلیمان به وسیله تخت تغییریافته اش

فلمّا جاءت قیل أهکذا عرشک

ظاهر آیه دلالت بر این دارد که پرسش از بلقیس، در آغاز و قبل از هر چیز دیگر صورت گرفته است.

۳ - فراست بلقیس در بازشناسی تخت تغییریافته خویش

قالت کأنّه هو

نحوه پاسخ بلقیس، نشان دهنده فراست او است; زیرا نه تصریح کرد که آن اریکه، تخت او است و نه شباهت زیاد آن را با تخت خویش مخفی داشت.

۴ - درک سریع بلقیس نسبت به هدف سلیمان (ع) در احضار اعجازگونه تخت وی

قالت کأنّه هو و أُوتینا العلم من قبلها

بلقیس پس از شناخت اریکه خویش، بدون تأمل گفت: آنچه را که سلیمان(ع) با این کار می خواهد به ما بفهماند، ما خود از قبل فهمیده ایم.

۵ - اطلاع بلقیس از مقام معنوی و قدرت سلیمان (ع) و تسلیم شدنش در برابر او ، قبل از

رسیدن به دربار وی

و أُوتینا العلم من قبلها و کنّا مسلمین

ضمیر <من قبلها> به آیه و بینه برمی گردد که از عمل خارق العاده دربار سلیمان به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۳ - ۲

۲ - تعلق بلقیس به جامعه شرک و کفر ، مانع پیوستن رسمی وی به آیین توحیدی سلیمان (ع) با وجود اذعان قلبی

و أُوتینا العلم من قبلها و کنّا مسلمین . و صدّها... إنّها کانت من قوم کفرین

برداشت یاد شده بدان احتمال است که آیه مذکور در مقام توضیح این نکته باشد که چرا بلقیس علی رغم علم و اذعان قلبی خود، پیش از این رسماً تسلیم سلیمان(ع) نشده و به یکتاپرستی نگرویده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۴ - ۱،۲،۴،۵،۶،۸،۹،۱۰،۱۲،۱۳،۱۴

۱ - اذن یافتن ملکه سبا برای ورود به صحن و سرای قصر سلیمان

قیل لها ادخلی الصرح

<صرح> به معنای قصر و نیز به معنای صحن و ساحت می آید. در آیه یاد شده به قرینه جمله بعد (حسبته لجّه) معنای دوم (صحن) مراد است; زیرا اطلاق <لجّه> بر قصر درست نمی نماید.

۲ - جلوه نمودن صحن بلورین قصر سلیمان به شکل آبگیری ژرف در نظر بلقیس

فلمّا رأته حسبته لجّه

<لجّه> معادل برکه، آبگیر و استخری است که آب زیادی در آن ایستاده باشد. بر این اساس معنای آیه چنین می شود: چون نگاه بلقیس به صحن افتاد، گمان کرد که آبگیری است پر از آب.

۴ - بلقیس ، برای عبور از آبگینه های آب نما ، دامن برکشید

و ساق های پایش نمایان شد .

فلمّا رأته حسبته لجّه و کشفت عن ساقیها

۵ - سلیمان (ع) ، ناظر عکس العمل بلقیس ، در مواجهه با آبگینه های آب نما

و کشفت عن ساقیها قال إنّه صرح

مراد از ضمیر فاعل در <قال> سلیمان(ع) می باشد.

۶ - اقدام سلیمان (ع) به تصحیح خطای دید بلقیس در آب پنداشتن شیشه های مفروش

حسبته لجّه . .. قال إنّه صرح ممرّد من قواریر

۸ - صحن شیشه ای آب نما ، یکی دیگر از نشانه های شگفت سلیمان (ع) برای بلقیس

قیل لها ادخلی الصرح . .. و کشفت عن ساقیها قال إنّه صرح ممرّد من قواریر

۹ - پی بردن و اعتراف بلقیس به گذشته نادرست و کفرآمیز خویش پس از مشاهده یکی دیگر از جلوه های قدرت خارق العاده سلیمان (ع)

فلمّا رأته . .. قالت ربّ إنّی ظلمت نفسی

مطلب یاد شده از آن جا است که ملکه سبا بی آنکه توضیحی اضافی برای او داده شود صرفاً با مشاهده امور شگفتی چون تخت و صحن شیشه ای، بی تأمل اظهار ایمان کرد.

۱۰ - توجه بلقیس به هدف الهی و توحیدی سلیمان (ع) ، از نمایاندن امور شگفت به وی

قیل لها ادخلی الصرح . .. قال إنّه صرح... قالت ربّ إنّی ظلمت نفسی

۱۲ - التجای بلقیس به ربوبیت خدا برای جبران گذشته شرک آلود خویش

قالت ربّ إنّی ظلمت نفسی

۱۳ - راه یافتن بلقیس به توحید و تسلیم در برابر خدای یگانه با راهنمایی و مدد سلیمان (ع)

و أسلمت مع سلیمن للّه ربّ العلمین

تصریح بلقیس به <مع سلیمان> از یک سو

به توحیـد خالص و بی شائبه هماننـد توحیـد سـلیمان اشاره دارد و از سوی دیگر افاده می کند که سـلیمان(ع) در راهیابی او به حق نقش داشته است.

۱۴ – توحید ناب و بی شائبه سلیمان (ع) و تسلیم بودن او در برابر خدای یگانه ، مورد اذعان و اعتراف بلقیس

و أسلمت مع سلیمن للّه ربّ العلمین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۱۲ – ۴،۵،۱۳،۱۴

۴ – بادِ تحت امر سلیمان (ع) ، مسیر دو ماهه رفت و برگشت را در یک روز طی می کرد .

و لسلیمن الریح غدوها شهر و رواحها شهر

<غدوّ> در لغت به رفتن در طرف صبح آمده (المنجد) و <رواح> استعاره برای رفتن از ظهر به بعد است (مفردات راغب).

۵ – دیگ های بزرگی برای ذوب مس جهت ساختن ابزار مسی ، در اختیار سلیمان (ع) قرار داشت .

و أسلنا له عین القطر

<عیـن> در آیه به معنـای حقیقی آن (چشـمه) نیست; بلکه معنـای کنـایی آن مـورد نظر است; یعنی، ظرف هـای بزرگی که مذاب مس داخل آنها بوده و از آن تعبیر به <عین> شده است.

۱۳ – تهدیـد شـدن جنیـانِ در خـدمت سـلیمان (ع) به عـذاب بـا آتش از سـوی خداونـد ، در صورت سـرپیچی از فرمـان آن حضرت

و من الجنّ من یعمل بین یدیه . .. و من یزغ منهم عن أمرنا نذقه من عذاب السعیر

۱۴ – در خدمت سلیمان (ع) بودن گروهی از جنّیان ، براساس تکلیف الهی بود .

و من الجنّ من یعمل بین یدیه . .. و من یزغ

منهم عن أمرنا نذقه

از تهدید به عذاب جنّیان در خدمت سلیمان(ع)، استفاده می شود که آنان موظف به انجام چنین کاری بوده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۳ - ۱،۲،۳،۴،۷،۸

۱ - جنّیان در خدمت سلیمان (ع) ، هر چه او می خواست انجام می دادند .

و من الجنّ من یعمل بین یدیه . .. یعملون له ما یشاء

۲ - جنّیان برای سلیمان (ع) ، طبق خواست او قصرهایی می ساختند .

یعملون له ما یشاء من محریب

<محاریب> جمع <محراب> (از ریشه <حرب>) است و آن به جایی گفته می شود که محل جنگ با دشمن است. این واژه، به قصرهایی اطلاق می شده که بر بالای آنها، جایگاه مخصوصی برای دفاع ساخته می شده است.

۳ - جنّیان برای سلیمان (ع) طبق خواست او محل هایی برای عبادت بنا می کردند .

یعملون له ما یشاء من محاریب

<محراب> (جمع <محاریب>) به معنای مسجد آمده است (مفردات راغب).

۴ - جنّیان ، به فرمان سلیمان (ع) ، مجسمه و تمثال می ساختند .

یعملون له ما یشاء من . .. تمثیل

۷ - جنّیان ، طبق خواست سلیمان (ع) ، برای او کاسه های بزرگی به اندازه حوض می ساختند .

یعملون له ما یشاء من . .. و جفان کالجواب

<جفان> جمع <جفنه> است و آن به معنای ظرف غذا می باشد. <جواب> جمع <جابیه> و به معنای جمع کننده و دربردارنده است (مفردات راغب). گفتنی است که <جواب> به معنای حوض هم آمده است (لسان العرب).

۸ - ساخته شدن دیگ های بزرگ

ثابت و غیرمنقول ، به وسیله جنّیان برای سلیمان (ع)

یعملون له ما یشاء من . .. و قدور راسیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۴ - ۱،۳،۴،۵،۶،۷،۱۰،۱۲،۱۳

۱ - مرگ سلیمان (ع) ، آن گاه بر جنیان خدمت گزار وی آشکار شد که موریانه ها عصای او را خوردند و آن حضرت بر زمین افتاد .

فلمّا قضینا علیه الموت ما دلّهم علی موته إلاّ دابّه الأرض تأکل منسأته فلمّا خرّ

<منسأه> به معنای عصا است (مفردات راغب) و <دابّه الأرض> از باب اضافه شیء به فعلش می باشد. <أرض> نیز در این آیه از باب <علم یعلم> به معنای خوردن است و یا <ارضه> به معنای کرمی است که از زمین وارد چوب و تخته می شود (مفردات راغب).

۳ - سلیمان (ع) مدتی پس از مرگش ، هم چنان بر عصای خود تکیه داشت و کسی از آن با خبر نبود .

فلمّا قضینا علیه الموت ما دلّهم علی موته إلاّ دابّه الأرض . .. لو کانوا یعلمون ا

۴ - گروهی از جنیان ، همواره در خدمت و پیشگاه سلیمان (ع) بودند .

فی العذاب المهین

۵ - خدمت جنیان در دستگاه سلیمان (ع) ، همراه با سختی ، رنج و خفت بود .

فلمّا خرّ تبیّنت الجنّ أن لو کانوا یعلمون الغیب ما لبثوا فی العذاب المهین

۶ - جنیان خدمت گزار در دستگاه سلیمان (ع) ، از علم غیب برخوردار نبودند .

فلمّا خرّ تبیّنت الجنّ أن لو کانوا یعلمون الغیب ما لبثوا فی العذاب المهین

۷ - خدمت

در دستگاه سلیمان (ع) ، برای جنیان خوشایند نبود .

فلمّا خرّ تبیّنت الجنّ أن لو کانوا یعلمون الغیب ما لبثوا فی العذاب المهین

۱۰ - جنیان خدمت گزار در دستگاه سلیمان (ع) ، از معرفتی به نام علم غیب آگاهی داشتند .

تبیّنت الجنّ أن لو کانوا یعلمون الغیب

۱۲ - سلیمان (ع) ، عصایی داشت که بر آن تکیه می کرد و پس از مرگش نیز مدتی بر آن تکیه داشت .

فلمّا قضینا علیه الموت ما دلّهم علی موته إلاّ دابّه الأرض تأکل منسأته فلمّا خرّ

۱۳ - < عن أبی عبدالله (ع) قال : . . .ولّی سلیمان مدبراً إلی محرابه فقام فیه متّکئاً علی عصاه فقبض روحه من ساعته ، قال فجعلت الجن و الإنس یخدمونه و یسعون فی أمره بما کانوا و هم یظنّون أنّه حیّ . . . حتّی دبّت الأرضه من عصاه فأکلت منسأته فانکسرت و خرّ سلیمان إلی الأرض أفلاتسمع لقوله عزّوجلّ : فلمّا خرّ تبیّنت الجنّ أن لو کانوا یعلمون الغیب ما لبثوا فی العذاب المهین ;

از امام صادق(ع) روایت شده: . ..سلیمان(ع) به محل عبادت خود روی آورد و در آن جا تکیه زنان بر عصای خود ایستاد. در همان لحظه قبض روح شد و جن و انس همان گونه که موظف بودند، او را خدمت می کردند و در امور او می کوشیدند و گمان می کردند زنده است ... تا این که موریانه عصای او را خورد. آن عصا شکست و سلیمان(ع) بر زمین افتاد آیا نمی شنوی قول خدای عزّوجلّ را (فلمّا خرّ تبیّت الجنّ...)>.

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۱ - ۱

۱ - سان دیدن سلیمان (ع) ، از اسب های اصیل ، نفیس و تیزتک

إذ عرض علیه بالعشیّ الصفنت الجیاد

<عشیّ> به معنای آخر روز و عصر است و <صافنات> (جمع <صافنه>) به اسب هایی گفته می شود که بر روی سه دست و پا ایستاده و دست راست خود را کمی بلند می کنند و تنها نوک جلوی سم را بر زمین می گذارند (این حالت مخصوص اسب های نجیب و اصیل است). <جیاد> نیز به دو معنا آمده است: ۱ جمع <جیّد> در مقابل <ردیّ> و به معنای نفیس است. ۲ جمع <جواد> است که وقتی در توصیف اسب به کار رود به معنای سریع خواهد بود. گفتنی است که در آیه شریفه، هر یک از دو معنا می تواند مراد باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۲ - ۱،۲،۳،۵،۱۰

۱ - سان دیدن سلیمان (ع) ، از اسب ها تا غروب آفتاب به طول انجامید .

فقال إنّی أحببت حبّ الخیر . .. حتّی توارت بالحجاب

مقصود از <خیر> در آیه شریفه اسب ها است و <تواری> (مصدر <تورات>) به معنای اختفا و پنهان شدن است. گفتنی است فاعل <تورات> در برداشت بالا به قرینه <العشیّ> خورشید دانسته شده است; یعنی، تا وقتی که خورشید در حجاب افق پنهان شد.

۲ - سان دیدن سلیمان (ع) از اسب ها ، آن چنان برای آن حضرت جذاب بود که تا پنهان و دور شدن کامل آنها از

دیدگان وی ، ادامه داشت .

فقال إنّی أحببت حبّ الخیر . .. حتّی توارت بالحجاب

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که ضمیر فاعلی <تورات> به <صافنات> بازگردد. بنابراین <حتّی توارت بالحجاب>; یعنی، تا وقتی که اسب ها از نظرش غایب و در حجاب دوری پنهان شدند.

۳ - سان دیدن طولانی سلیمان (ع) از اسب ها ، به خاطر خدا و یاد او بود .

فقال إنّی أحببت حبّ الخیر عن ذکر ربّی

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که <عن> در <عن ذکر ربّی> برای تعلیل باشد; یعنی، دوستی من نسبت به اسب ها، به خاطر خدا و ناشی از فرمان او است; نه برخاسته از هوا و هوس و تفریح کردن من.

۵ - سان دیدن سلیمان (ع) از اسب ها و علاقه شدید او به آنها ، موجب غفلت او از یاد خدا گشت .

إنّی أحببت حبّ الخیر عن ذکر ربّی حتّی توارت بالحجاب

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که <عن> در <عن ذکر ربّی> به معنای <علی> و <أحببت> به معنای <آثرت> (ترجیح دادم) باشد; یعنی، من آن چنان به دوستی با اسب ها سرگرم شدم که آن را بر یاد خدا ترجیح دادم و از او غافل ماندم; تا آن که آفتاب غروب کرد و یا این که اسب ها از نظرم پنهان شدند.

۱۰ - اظهار پشیمانی کردن سلیمان (ع) و مورد سرزنش قرار دادن خود به خاطر غفلت کردن از یاد خدا ، در اثر سان دیدن طولانی از اسب ها

فقال إنّی أحببت حبّ الخیر عن ذکر ربّی حتّی توارت بالحجاب

در

صورتی که معنای آیه شریفه، این باشد که سلیمان(ع) به خاطر علاقه به اسب ها از یاد خدا غفلت ورزید; قهراً سخن آن حضرت (فقال إنّی. ..) نوعی سرزنش خود و اظهار پشیمانی محسوب می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۳ - ۱،۲،۳

۱ - دستور سلیمان (ع) مبنی بر بازگرداندن اسباب ها به نزد او ، پس از بازدید نخست و ناپدید شدن آنها از نظر ایشان

حتّی توارت بالحجاب . ردّوها علیّ

ضمیر مؤنث <ردّوها> به قرینه جمله بعدی (فطفق مسحاً. ..) به <صافنات> (اسب ها) بازمی گردد.

۲ - سلیمان (ع) پس از بازگردانده شدن اسب ها ، آنها را نوازش کرد و به سودن پا ها و گردن آنها پرداخت .

فطفق مسحًا بالسوق و الأعناق

۳ - شدت علاقه سلیمان (ع) به اسب های نجیب و تیزرو و سان دیدن از آنها

فطفق مسحًا بالسوق و الأعناق

درخواست بازگرداندن اسب ها، برای بازدید مجدد و نوازش آنها (با سودن پاها و گردن آنها)، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۴ - ۲،۵،۶،۷

۲ - افکندن جسم بی جان انسانی بر تخت سلیمان ، وسیله آزمایش ایشان از سوی خداوند بود .

و لقد فتّنا سلیمن و ألقینا علی کرسیّه جسدًا

<جسد> به جسم بی جان انسان گفته می شود و <کرسیّ> به معنای تخت و سریر است.

۵ - توبه و انابه سلیمان (ع) به درگاه خدا پس از آزمایش الهی

و لقد فتّنا سلیمن . .. ثمّ أناب

۶ -

افکنده شدن جسدی بی جان بر تخت سلیمان (ع) ، زمینه توجه ایشان به خدا و توبه و انابه به درگاه الهی شد .

و ألقینا علی کرسیّه جسدًا ثمّ أناب

از ارتباط میان افکنده شدن جسد بر تخت سلیمان و توبه و انابه او پس از آن، می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

۷ - جسم بی جان افکنده شده بر تخت سلیمان ، پس از مدتی زنده شد و جان گرفت .

و ألقینا علی کرسیّه جسدًا ثمّ أناب

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که <أناب> در معنای اصلی خود (<رجع>; یعنی، رجوع کرد و بازگشت) باشد. بر این اساس مقصود از رجوع و بازگشت در آیه شریفه، می تواند رجوع جسد بی روح به حالت قبلی و بازگشت جان به این جسد باشد که بدین وسیله سلیمان(ع) مورد آزمایش الهی قرار گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۶ - ۱،۳،۴

۱ - دعای سلیمان (ع) برای دستیابی به پادشاهی بی نظیر ، مورد استجابت خدا قرار گرفت .

و هب لی ملکًا . .. فسخّرنا له الریح

از فای تفریع <فسخّرنا. ..> استفاده می شود که خداوند، دعای سلیمان(ع) را مستجاب کرد و برای تقویت ملك او نیروی باد را در اختیارش گذاشت.

۳ - جریان ملایم باد تحت فرمان سلیمان بود و به هر سوی که او می خواست روان می گشت .

فسخّرنا له الریح تجری بأمره رخاءً حیث أصاب

<رخاء> به معنای آرامی و ملایمت است و ضمیر فاعل در <أصاب> به سلیمان بازمی گردد. <اصابه> (مصدر <أصاب>) معادل قصد و

اراده است; یعنی، هر جا سلیمان اراده کند.

۴ - مسخر بودن باد برای سلیمان (ع) از خصوصیات حکومت ممتاز آن حضرت بود .

هب لی ملکًا . .. فسخّرنا له الریح تجری بأمره رخاءً حیث أصاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۷ - ۱،۲،۴،۵

۱ - شیاطین جنی ، تحت تسخیر و فرمان سلیمان (ع) از جانب خداوند

فسخّرنا له . .. و الشیطین

<شیاطین> (جمع <شیطان>) مجازاً درباره اشخاصی که دارای مهارت و زبردستی بالایی باشند، به کار می رود. تعبیر <کلّ بنّاء و غوّاص> می تواند مؤید همین معنا باشد. گفتنی است که با توجه به آیه ۱۷ سوره <نمل> (و حشر لسلیمان جنوده من الجنّ...)، مقصود از <شیاطین> موجوداتی از جنس <جن> می باشد.

۲ - شیاطین جنی ، به فرمان سلیمان (ع) به ساختمان سازی و غواصی می پرداختند .

و الشیطین کلّ بنّاء و غوّاص

۴ - تسخیر شیاطین جنی و به کارگیری آنها ، از خصوصیات حکومت ممتاز سلیمان (ع)

هب لی ملکًا . .. فسخّرنا له ... الشیطین کلّ بنّاء و غوّاص

۵ - شیاطین جنی ، در خدمت آبادانی قلمرو حکومت سلیمان (ع) بودند .

و الشیطین کلّ بنّاء و غوّاص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۸ - ۱،۲

۱ - اسارت و در بند بودن گروهی از شیاطین جنی در حکومت سلیمان

و ءاخرین مقرّنین فی الأصفاد

<مقرّنین> اسم مفعول از <قَرَنَه> (آن را قرین و نزدیک دیگری ساخت) و به معنای گروه به هم بسته شده است. <صَفَدَ>

(مفرد <أصفاد>)

نیز به معنای قید و بند است.

۲ - اسارت و در بند بودن گروهی از شیاطینِ فسادانگیز و اخلال گر جنی ، جلوه ای از اقتدار حکومت ممتاز سلیمان (ع)

و ءاخرین مقرّنین فی الأصفاد

اسارت و در بند بودن گروهی از شیاطین در حکومت سلیمان(ع) در مقابل گروه دیگری که به خدمت گزاری مشغول بودند می تواند گویای این حقیقت باشد که این دسته اگر آزاد گذاشته می شدند، در حکومت سلیمان(ع) اخلال و فساد ایجاد می کردند.

قصه شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۵ - ۳،۴،۱۴،۱۹،۲۴

۳ وجود رابطه خویشاوندی و نَسبی میان شعیب و مردم مدین

و إلی مدین أخاهم شعیباً

از اینکه شعیب برادر مردم مدین خوانده شده، یا اشاره به خویشی وی با مردم مدین دارد و یا حکایت از آن دارد که او حتی پیش از نبوتش، انسانی دلسوز برای قوم خویش بوده است. برداشت فوق ناظر به احتمال اول است.

۴ شعیب ، پیامبری دلسوز و با محبت نسبت به مردم مدین

و إلی مدین أخاهم شعیباً

۱۴ شعیب با ارائه بینه ای روشنگر ، قوم خویش را به توحید و ترک شرک دعوت کرد .

اعبدوا اللّه ما لکم من إله غیره قد جاءتکم بینه من ربکم

۱۹ شعیب (ع) از مردم خویش خواست تا در فروش اجناس پیمانه ها را پر کنند و از وزنه های ترازو نکاهند .

فأوفوا الکیل و المیزان

کلمه <کَیل> مصدر است و در آیه مورد بحث به معنای چیزی است که به وسیله آن کیل می کنند ; یعنی پیمانه. <ایفاء> (مصدر

اوفوا) به معنای اتمام می باشد و <اتمام کیل> به این است که گنجایش پیمانه مورد استفاده کمتر از حد متعارف نباشد و تا حد معمول آن پر شود. و ایفای میزان به این است که مقدار وزنه های مورد استفاده کمتر از حد معمول نباشد و جنس پرداخت شده کمتر از مقدار وزنه ها نباشد.

۲۴ شعیب (ع) ، مردم خویش را از فسادگری در زمین نهی کرد .

و لاتفسدوا فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۶ - ۳،۷،۱۲،۱۳

۳ شعیب از مردم خویش خواست تا دست از تهدید اهل ایمان بردارند و آنان را از پیمودن راه خدا بازندارند .

و لا تقعدوا بکل صرط توعدون و تصدون عن سبیل اللّه من ءامن به

۷ شعیب برای گرایش دادن مردم مدین به راه خدا ، عنایت خداوند در زیاد کردن جمعیت اندک آنان را یادآور شد .

و اذکروا إذ کنتم قلیلا فکثرکم

۱۲ شعیب ، مردم خویش را به مطالعه و بررسی فرجام شوم فسادگران تاریخ فراخواند .

و أنظروا کیف کان عقبه المفسدین

۱۳ شعیب ، کافران قوم خویش را به گرفتار آمدن به فرجامی همانند سرنوشت فسادگران پیشین تهدید کرد .

و أنظروا کیف کان عقبه المفسدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۷ - ۱،۲،۸،۹،۱۰

۱ گروهی از مردم مدین به رسالت شعیب (ع) ایمان آوردند و گروهی دیگر از پذیرش آن سر باز زدند .

و إن کان طائفه منکم ءامنوا بالذی أرسلت به و طائفه لم یؤمنوا فاصبروا

<إن کان طائفه

. .. > به دلیل آیه قبل از مواردی است که در آن <إن> شرطیه در مورد تحقق شرط به کار رفته است ; مانند <ان کنت ابنی فلا تفعل کذا>. بنابراین <إن کان طائفه منکم ... فاصبروا> یعنی چنانچه گروهی از شما ایمان آوردید پس صبر پیشه سازید.

۲ شعیب (ع) ، دعوتگر مؤمنان قوم خویش به صبر در برابر کفرپیشگان

إن کان طائفه منکم ءامنوا بالذی أرسلت به . .. فاصبروا

در اینکه مخاطب <فاصبروا> چه کسانی هستند سه احتمال وجود دارد: خصوص مؤمنان، خصوص کافران، هر دو طایفه. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است. در این صورت متعلق صبر، آزارها و اذیتهای کافران است. یعنی: فاصبروا علی ما یصیبکم من الکفار. (ای اهل ایمان در برابر آزار کافران صبر کنید و بر دینداری خویش استقامت ورزید.)

۸ شعیب (ع) ، کافران قوم خویش را به داوری خدا و گرفتارسازی آنان به عقوبت های الهی در دنیا تهدید کرد .

و طائفه لم یؤمنوا فاصبروا حتی یحکم اللّه بیننا

با توجه به ذیل آیه ۸۹ (ربنا افتح . ..) معلوم می شود مقصود شعیب از داوری خداوند، تحقق امری است که نابودی کافران در دنیا و در نتیجه پیروزی اهل ایمان را در پی خواهد داشت. چنانچه مخاطب در <فاصبروا> خصوص کافران باشد، این معنا از وضوح بیشتری برخوردار خواهد بود.

۹ شعیب (ع) ، مؤمنان به رسالت خویش را به داوری خداوند و پیروزی بر کافران نوید داد .

فاصبروا حتی یحکم اللّه بیننا

۱۰ شعیب (ع) از مؤمنان و کافران قوم خویش خواست با وانهادن داوری

به خداوند از تعرض به یکدیگر پرهیز کنند .

إن کان طائفه منکم ءامنوا . .. و طائفه لم یؤمنوا ... فاصبروا حتی یحکم اللّه بیننا

برداشت فوق بر این اساس است که خطاب در <فاصبروا> علاوه بر مؤمنان متوجه کافران نیز باشد. در این صورت مراد از صبر در <فاصبروا> عدم تعرض به یکدیگر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۸ - ۱،۲،۳،۸،۹،۱۳

۱ گروهی از اشراف قوم شعیب (ع) از سر تکبر و خودبرتربینی به وی و رسالتهایش کافر شدند .

قال الملأ الذین استکبروا من قومه

برداشت فوق بر این اساس است که <الذین استکبروا> قیدی احترازی باشد. بر این مبنا اشراف به دو طایفه مستکبران و غیر مستکبران تقسیم می شوند. قابل ذکر است که مراد از استکبار، کفرورزی است که برای تبیین علت کفر به جای <کفروا>، <استکبروا> استعمال شده است.

۲ اشراف کفرپیشه مدین ، شعیب و مؤمنان به رسالتش را به تبعید دسته جمعی تهدید کردند .

لنجرجنک یشعیب و الذین ءامنوا معک من قریتنا

<معک> می تواند متعلق به <لنخرجنک> باشد. بر این مبنا <لنخرجنک> حاکی از تبعید دسته جمعی است.

۳ اشراف کفرپیشه قوم مدین ، سردمداران مبارزه با شعیب و رسالت های وی

قال الملأ الذین استکبروا من قومه لنخرجنک

۸ اشراف کفرپیشه مدین بازگشت به آیین ملی آن سامان را شرط رهایی شعیب و همگامانش از خطر تبعید اعلان کردند .

لنخرجنک . .. او لتعودن فی ملتنا

۹ اشراف کفرپیشه مدین در تلاشی پیگیر برای تحمیل آیین خویش بر شعیب و مؤمنان به وی

او لتعودن فی ملتنا

جمله <او لتعودن> می

رساند که هدف از تصمیم قوم مدین بر تبعید شعیب و همگامانش بازگرداندن آنان به آیین شرک است. بنابراین همه تهدیدات به سبب تحمیل این عقیده باطل بوده است.

۱۳ شعیب (ع) با اظهار تنفر خود و پیروانش از آیین مردم مدین ، انتظار پذیرش آن آیین را انتظاری شگفت و بی جا دانست .

قال أو لو کنا کرهین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۹ - ۲۵،۲۰،۱۲،۱۱،۶،۴،۳،۱

۱ شعیب (ع) در پاسخ اشراف کفرپیشه مدین ، گرایش به آیین شرک را افترا بر خداوند دانست .

قد افترینا علی اللّه کذبا إن عدنا فی ملتکم

۳ شعیب (ع) و همگامان مؤمنش ، بیزار از گرایش به آیین شرک و افترا بستن بر خدا

قال أو لو کنا کرهین. قد افترینا علی اللّه کذبا إن عدنا فی ملتکم

۴ خداوند نجاتبخش شعیب (ع) و همگامانش از گرایش به شرک

بعد إذ نجنا اللّه منها

۶ شعیب (ع) در آخرین پاسخ خویش به خواسته کافران مدین ، بازگشت خود و همگامانش را به آیین شرک امری ناممکن دانست .

و ما یکون لنا أن نعود فیها إلا أن یشاء اللّه ربنا

جمله <ما یکون لنا . .. > که حکایت از عدم امکان بازگشت به آیین شرک دارد، هم می تواند به معنای عدم امکان تکوینی باشد و هم می تواند مراد از آن عدم امکان تشریعی (ناشایست بودن و جایز نبودن) باشد. برداشت فوق براساس احتمال اول است. گفتنی است که بر مبنای اول، مشیت الهی (إلا أن یشاء اللّه) مشیت تکوینی

است و بر اساس احتمال دوم، مشیت الهی، مشیت تشریعی است.

۱۱ شعیب (ع) اظهار کفر و شرک را امری نامشروع و ناروا برای خویش و همگامانش دانست .

و ما یکون لنا أن نعود فیها إلا أن یشاء اللّه ربنا

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از عدم امکان که از جمله <ما یکون لنا . .. > به دست می آید، عدم امکان تشریعی باشد.

۱۲ شعیب (ع) و مؤمنان به رسالتش ، انسانهایی تسلیم در برابر مشیت های خداوند

و ما یکون لنا أن نعود فیها إلا أن یشاء اللّه ربنا

۲۰ شعیب (ع) و همگامان مؤمنش ، انسانهایی متکی به خدا و بهره مند از روحیه توکل

علی اللّه توکلنا

۲۵ شعیب (ع) پس از یأس از ایمان مردم کفرپیشه با دعا به درگاه خداوند از وی خواست تا بین او و کفرپیشگان قضاوت کند .

ربنا افتح بیننا و بین قومنا بالحق و أنت خیر الفتحین

از معانی کلمه <فتح> داوری کردن و قضاوت نمودن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۰ - ۱،۵

۱ اشراف کفرپیشه مدین در تلاش برای بازداشتن مردم از ایمان به رسالت شعیب و پیروی از فرمان های او

و قال الملأ الذین کفروا من قومه لئن اتبعتم شعیباً إنکم إذاً لخسرون

مراد از متابعت در <اتبعتم> می تواند پیروی از آیین و دستورات شعیب باشد. در این صورت مخاطبان این کلمه (اتبعتم) عموم مردم هستند. همچنین می تواند مراد از آن پیروی از شعیب در خروج از شهر مدین باشد. در این صورت

مؤمنانِ به شعیب مخاطبانِ <اتبعتم> خواهند بود. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

۵ شعیب (ع) پس از اعلان پایداریش بر توحید و رد پیشنهاد اشراف کفرپیشه (بازگشت به آیین شرک) ، خروج از دیار مدین را برگزید .

لئن اتبعتم شعیباً

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از <اتبعتم شعیباً>، پیروی از شعیب(ع) در خروج از شهر مدین باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۱ - ۳،۵

۳ کافران قوم شعیب شب هنگام به عذاب گرفتار شدند و صبحگاهش به هلاکت رسیدند . *

فأصبحوا فی دارهم جثمین

برداشت فوق مبتنی بر این است که <اصبحوا> به معنای <ادخلوا فی الصباح> (داخل در صبح شدند) باشد، نه به معنای <صاروا>. بر این مبنا <فاصبحوا ... > می رساند که هلاکت به هنگام صبح اتفاق افتاد و در نتیجه عذاب لرزش پیش از صبح، یعنی درشب، بر کافران قوم شعیب عارض شده است.

۵ لرزش شدید و عذاب نازل شده بر قوم شعیب توان حرکت و بیرون آمدن از خانه ها را از ایشان سلب کرد .

فأصبحوا فی دارهم جثمین

<فی دارهم> هم می تواند اشاره به این نکته باشد که نزول عذاب هنگامی بود که همه و یا اکثر آنان در خانه هایشان استراحت می کردند و هم می تواند علاوه بر این، اشاره به این داشته باشد که با احساس لرزش زمین، که طبعاً آدمی از خانه می گریزد، قوم شعیب نیز خواستند از خانه ها بیرون شوند، ولی عذاب مهلت نداد و در همانجا به هلاکت رسیدند. با توجه به اینکه

<فی دارهم> متعلق به <جثمین> است، این معنا وضوح بیشتری پیدا می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۳ - ۱،۲،۴،۶،۷،۱۰

۱ شعیب (ع) پس از حتمیت نزول عذاب الهی بر تکذیب کنندگان رسالتش ، از آنان فاصله گرفت و به دیاری دیگر شتافت .

فتولی عنهم

۲ شعیب (ع) با دلسوزی بر کافران مشرف به هلاکت ، از آنان اعراض کرد و شهر مدین را ترک گفت .

فتولی عنهم و قال یقوم

لحن آیه و نیز اضافه کلمه <قوم> به یاء متکلم نشان از تحسّر و دلسوزی شعیب به مردم خویش دارد.

۴ شعیب (ع) هنگام خروجش از میان مردم مدین ، اتمام حجت الهی بر آنان را به ایشان گوشزد کرد .

فتولی عنهم و قال یقوم لقد أبلغتکم رسلت ربی

۶ شعیب (ع) ، پیام الهی را به مردمش ابلاغ کرد و در هدایت و ارشاد آنان بسیار کوشید .

لقد أبلغتکم رسلت ربی و نصحت لکم

لام تأکید در <لقد> که خبر از قسم مقدر دارد، و نیز کلمه <قد> که گویای تأکید است، می رساند که شعیب در ابلاغ رسالت الهی کوتاهی نکرد و در این راه بسیار تلاش کرد.

۷ شعیب (ع) ، پیامبری دلسوز و خیرخواه مردم

و نصحت لکم

۱۰ شعیب (ع) با توجه به کفرورزی مردم خویش ، دریغ و تأسف بر هلاکت آنان را ناروا خواند .

فکیف ءاسی علی قوم کفرین

لحن جمله <یقوم . .. > حکایت از دریغ و تأسف شعیب دارد و جمله <کیف ءاسی ... > دلالت

می کند که تأسف بر هلاکت کفرپیشگان نارواست. گویا شعیب هنگامی که قومش را مشرف به هلاکت یافت بر آنان افسوس خورد و سپس کفرورزی آنان را ملاحظه کرد و آنان را مستحق این هلاکت دانست و لذا نتیجه گرفت که نباید بر هلاکت ایشان افسوس خورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۷ - ۳،۹

۳ مردم مدین ، نماز ها و عبادت های شعیب (ع) را مورد تمسخر و استهزای خویش قرار می دادند .

أصلوتک تأمرک أن نترک ما یعبد ءاباؤُنا

استفهام در جمله <أصلوتک . ..> به داعی استهزا و تمسخر ایراد شده است.

۹ جوانان و میانسالان مردم مدین ، مخاطبان اصلی شعیب (ع) در ابلاغ معارف الهی به آنان

أن نترک ما یعبد ءاباؤُنا

فعل مضارع <یعبد> حاکی است که مقصود از <آباؤنا> تنها نسلهای پیشین مخاطبان نیست; بلکه پدران فعلی آنان که زنده هستند نیز مورد نظر می باشد. بنابراین مخاطبان طبعاً جوانان و میانسالان خواهند بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۸ - ۱۹

۱۹ شعیب (ع) در شهر مدین به داد و ستد و مبادلات اقتصادی اشتغال داشت . *

أوفوا المکیال و المیزان . .. و ما أُرید أن أُخالفکم إلی ما أنهیکم عنه

شعیب(ع)، پس از تأکید فراوان بر لزوم رعایت قسط و عدل در مبادلات و پرهیز از کم فروشی و اجحاف در معاملات، می فرماید: من هرگز به آنچه شما را از آن نهی کرده ام روی نخواهم آورد. این سخن آن گاه جایگاهی مناسب دارد که خود

نیز به داد و ستد اشتغال داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۹ - ۴

۴ شعیب (ع) کفرپیشگان ستیزه جوی قومش را به مبتلا شدن سرنوشتی همانند سرنوشت برخی از جوامع هلاک شده پیشین هشدار داد .

و یقوم لایجرمنّکم شقاقی أن یصیبکم مثل ما أصاب قوم نوح أو قوم هود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۱ - ۱۱،۱۰،۹،۷،۴،۳

۳ مردم مدین ، بسیاری از تعالیم شعیب (ع) را ، سخنانی سخیف و بی فایده می شمردند و شایسته اعتنا کردن نمی دانستند .

ما نفقه کثیرًا مما تقول

مراد از جمله <ما نفقه . ..> (بسیاری از سخنانت را نمی فهمیم) می تواند معنای حقیقی آن باشد; یعنی، واقعاً توان درک تعالیم تو را نداریم، مسأله توحید برای ما لاینحل است، محدود دانستن مالک در تصرف اموال خویش قابل هضم نیست و ... و می تواند کنایه از نامعقول بودن و نا به جا و بی ثمر بودن باشد; یعنی، پیامهای تو آن قدر سخیف است که شایسته تأمّل کردن و فهمیدن و عمل کردن نیست. برداشت فوق، ناظر به احتمال دوم است.

۴ شعیب (ع) در نظر مردم مدین ، به خاطر نداشتن پشتیبان و یاور ، ضعیف و ناتوان بود .

و إنا لنریک فینا ضعیفًا

کلمه <فینا> (در میان ما) گویای این است که مردم مدین حضرت شعیب(ع) را در قیاس با مخالفانش ناتوان می شمردند; نه اینکه او را شخصی ضعیف و ناتوان بدانند و لذا در برداشت <به خاطر نداشتن یاور>

آورده شد.

۷ شعیب (ع) در شهر مدین ، دارای طایفه ای انگشت شمار بود .

لولا رهطک لرجمنک

۹ خاندان شعیب ، قبیله ای شایسته احترام در نزد مردم مدین

لولا رهطک لرجمنک

<رهط> به گروه و دسته ای گفته می شود که از ده نفر تجاوز نکند و آن گاه که به کلمه ای همانند رجل اضافه شود (رهط الرجل) به معنای قبیله ، قوم و خاندان است.

۱۰ عزت و احترام قبیله شعیب در نزد مردم مدین ، مانع آنان از کیفر دادن و سنگسار کردن آن حضرت

و لولا رهطک لرجمنک

از آن جا که مردم مدین تصریح می کنند که شعیب(ع) در میان آنان ضعیف است، معلوم می شود مقصود آنان از <لولا رهطک> این معنا نیست که آنان توان مقابله با خاندان او را ندارند; بلکه به قرینه <ما أنت علینا بعزیز> و <أرهطی أعز...> در آیه بعد مراد از <لولا رهطک>، <لولا عزه قومک و کرامتهم عندنا ...> است.

۱۱ مردم مدین ، شعیب (ع) را به خاطر مبارزه اش علیه شرکورزی و بی عدالتی ، فاقد کرامت دانسته و شایسته احترام نمی شمردند .

و ما أنت علینا بعزیز

<عزیز> به معنای محترم و بزرگوار و نیز به معنای شکست ناپذیر می باشد. مراد از آن در آیه شریفه معنای اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۲ - ۲،۳،۸،۹

۲ شعیب (ع) از مردم خویش خواست با در نظر گرفتن عزت و شکوه خداوند ، معارف و احکام الهی را بپذیرند .

أرهطی أعزّ علیکم من الله

با توجه به اینکه جمله

<أرهطی أعزّ . ..> پاسخ شعیب(ع) در برابر <لولا رهطك ...> است، می توان گفت: مقصود او این است که اگر به خاطر عزت خاندانم مرا سنگسار نمی کنید، چرا عزت و شکوه خداوند را که از هر کسی عزتمندتر است در نظر نمی آورید و غیر او را پرستش می کنید و ....

۳ شعیب (ع) مردم مدین را به خاطر غفلت از خدا و رعایت نکردن جانب او ، توبیخ و سرزنش کرد .

أرهطی أعزّ علیکم من الله واتخذتموه ورآءکم ظهریًّا

استفهام در جمله <أرهطی . ..> انکار توبیخی است.

۸ شعیب (ع) با بیان سیطره خداوند بر رفتار کفرپیشگان مدین ، تهدید های آنان را به هیچ انگاشت .

لولا رهطك لرجمنك . .. إن ربی بما تعملون محیط

چنان چه مراد از احاطه خدا بر اعمال، سیطره و حاکمیت او بر اعمال باشد، هدف شعیب(ع) از آوردن <ربّی>، <إن ربی . ..> و نگفتن <إن الله ...> این است که چون اعمال شما در سیطره خداست و او رب و مدبر من است، اجازه نخواهد داد بر من غلبه کنید و اگر غلبه نیز کردید، آن را در راستای تدبیر و تربیت من قرار می دهد; پس در هر حال مرا از تهدیدهای شما باکی نیست.

۹ شعیب (ع) مردم مدین را به حسابرسی خداوند و مجازات های او هشدار داد .

إن ربی بما تعملون محیط

چنان چه مقصود از احاطه خداوند بر اعمال بندگان ، آگاهی او بر اعمال باشد ، جمله <إن ربی . ..> کنایه از حسابرسی و کیفردهی می باشد.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۹۳ – ۱،۲،۴،۵،۶

۱ شعیب (ع) از سر تهدید و هشدار ، از کفرپیشگان لجوج خواست تا همچنان بر مواضع نادرستشان پافشاری کنند .

و یقوم اعملوا علی مکانتکم

۲ ناامیدی و یأس شعیب (ع) از ایمان آوردن کفرپیشگان مردم مدین

اعملوا علی مکانتکم . .. سوف تعلمون ... وارتقبوا

جمله هایی نظیر <هرچه از دستتان برمی آید کوتاهی نکنید ، بر مواضع ناصوابتان بمانید ، به زودی خواهید دانست و منتظر باشید> سخنانی است که آدمی پس از یأس و ناامیدی ، به زبان می آورد. گفتنی است که: <ارتقاب> (مصدر ارتقبوا) به معنای انتظار کشیدن است.

۴ شعیب (ع) ، کفرپیشگان قومش را به عذابی خوارکننده هشدار داد .

سوف تعلمون من یأتیه عذاب یخزیه . .. وارتقبوا

۵ مردم مدین ، شعیب (ع) را به دروغ گویی در ادعای نبوت و رسالت متهم می کردند .

سوف تعلمون . .. من هو کذب

۶ شعیب (ع) پس از اتمام حجت بر مردم و لجاجت پیشگی آنان ، در انتظار سرنوشت شوم آنان بود .

وارتقبوا إنی معکم رقیب

<رقیب> در آیه شریفه به معنای منتظر است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۹۴ – ۴

۴ خداوند ، شعیب (ع) و پیروانش را از عذاب نازل شده بر مردم مدین رهایی بخشید .

و لما جاء أمرنا نجینا شعیبًا والذین ءامنوا معه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۶ - ۱

۱ - تکذیب رسالت شعیب ، از سوی مردم سرزمین

< ایکه >

كذّب أصحب ليكه المرسلين

بسیاری از مفسران برآنند که <ایکه> سرزمینی است مجاور <مدین> که شعیب(ع) بر آنان و اهل مدین مبعوث شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۷ - ۵

۵ - اصحاب ایکه مورد سرزنش شعیب (ع) به خاطر بی تقوایی و گنه پیشگی

إذ قال لهم شعيب ألاتتّقون

استفهام در جمله <ألاتتّقون> می تواند برای توبیخ و سرزنش باشد. برداشت یاد شده بر پایه این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۸ - ۲،۵

۲ - دعوت شعیب (ع) از مردم ایکه ، مبنی بر پذیرفتن رسالت وی ، اعتماد کردن به او و جدّی گرفتن هشدارهایش

ألاتتّقون إنّی لكم رسول أمين

واژه <أمین> می تواند از ریشه <أمن> و به معنای <مأمون> (فرد مورد وثوق و اعتماد) باشد. در این صورت آوردن قید <أمین> دعوتی از جانب شعیب(ع) است که مردم به او اعتماد کنند (به سخنانش گوش فرا دهند و هشدارهایش را جدّی بگیرند).

۵ - تأکید شعیب (ع) بر خیرخواهی خود ، مبنی بر تضمین منافع مردم < ایکه > در پرتو رسالت وی

إنّی لكم رسول أمين

برداشت یاد شده با توجه به قید <لکم> (با لام انتفاع) استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۹ - ۱

۱ - دعوت مجدد شعیب (ع) از مردم ایکه ، برای رعایت تقوای الهی و پرهیز از گناه

إذ قال لهم شعيب ألاتتّقون . .. فاتّقوا اللّه و أطيعون

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۰ - ۱

۱ - تصریح شعیب (ع) به نداشتن کمترین چشمداشت مادی از مردم ، در قبال رسالت خویش

و ما أسئلکم علیه من أجر . .. إلاّ علی ربّ العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۱ - ۲

۲ - تمام دادن پیمانه و پرهیز از کم فروشی ، توصیه شعیب (ع) به مردم < ایکه >

أوفوا الکیل و لاتکونوا من المخسرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۵ - ۱،۲،۴

۱ - موضع گیری خصمانه مردم اَیکه در برابر نصیحت های شعیب (ع)

قالوا إنّما أنت من المسحّرین

ضمیر فاعل در <قالوا> به <اصحاب الأیکه> بازمی گردد. <إنّما> از ادوات قصر است; بنابراین جمله <إنّما أنت من المسحّرین> به تقدیر <ما أنت إلاّ من المسحّرین> می باشد. <مسحّر> نیز به کسی گفته می شود که به سختی افسون شده باشد.

۲ - متهم شدن شعیب (ع) از سوی مردم < اَیکه > به جنون و سحرزدگی

قالوا إنّما أنت من المسحّرین

<مسحّر> (مفرد <مسحّرین>) به کسی گفته می شود که به سختی افسون شده باشد.

۴ - برخورداری شعیب (ع) از ویژگی های بشری ، دستاویز مردم < اَیکه > در رد رسالت وی

قالواإنّما أنت من المسحّرین

<مسحّر> می تواند مشتق از <سحر> باشد <مسحّر> مرادف <رئه> (شُش)است. بنابراین واژه <مسحّر> به معنای

موجود دارای شُش که از خصوصیات بشری است می باشد. این تعبیر کنایه از همگونی شعیب(ع) با سایر مردم و امتیاز

نداشتن وی می باشد. گفتنی است برپایه این احتمال، آیه بعد توضیح همین تعبیر خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۶ - ۳،۴،۵

۳ - عدم برخورداری شعیب (ع) از موقعیت برتر اجتماعی و طبقاتی ، مانع پذیرش رسالت او از سوی مردم اَیکه

و ما أنت إلّا بشر مثلنا

تعبیر <مثلنا> می تواند به معنای همانندی در بشر بودن نباشد; بلکه مراد، مثل بودن از جهت موقعیت اجتماعی باشد.

۴ - شعیب (ع) متهم به دروغ گویی در ادعای رسالت ، از سوی مردم اَیکه

و إن نظنّک لمن الکذبین

<إنْ> مخفف از ثقیله و<ظَنْ> (مصدر <نظن>) مرادف <ایقان> (یقین داشتن) است; یعنی، <قطعًا تو را از جمله دروغ گویان می دانیم>.

۵ - پیام عدالت خواهی و حق جویی شعیب (ع) ، مایه انکار رسالت وی از سوی مفسدان سودجوی اَیکه

أوفوا الکیل . .. و لاتعثوا فی الأرض مفسدین ... و إن نظنّک لمن الکذبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۷ - ۱،۲،۳،۴

۱ - مردم اَیکه ، خواهان فرو ریختن قطعات آسمانی بر سرشان توسط شعیب (ع)

فأسقط علینا کسفًا من السماء إن کنت من الصدقین

<کِسْفه> (مفرد <کِسَف>) مرادف <قطعه> است.

۲ - اقدام مردم اَیکه به ناتوان جلوه دادن شعیب (ع) ، با هدف وادار ساختن وی به عقب نشینی از مواضع تبلیغی خویش

فأسقط علینا کسفًا من السماء إن کنت من الصدقین

امر در <أسقط> به اصطلاح تعجیزی است. بنابراین، مردم ایکه اقتراح یاد شده (فرو ریختن قطعات آسمانی) را در شرایطی مطرح

کردنـد که می پنداشـتند، انجـام آن امری غیر ممکن است و شـعیب(ع) از این کـار نـاتوان بوده و به ناچـار دست از تبلیغـاتش خواهد کشید.

۳ – فرو ریختن قطعات آسمانی ، امری خارج از قلمرو قدرت شعیب (ع) در پندار مردم اَیکه

فأسقط علینا کسفًا من السماء إن کنت من الصدقین

۴ – پافشاری مردم اَیکه ، بر کفر و انکار رسالت شعیب (ع)

فأسقط علینا کسفًا من السماء إن کنت من الصدقین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۸۹ – ۱

۱ – پافشاری مردم < ایکه > ، بر تکذیب شعیب (ع) و انکار رسالت او

فکذّبوه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۲۳ – ۱۶،۱۷،۱۹،۲۰

۱۶ – ارتزاق خانواده شعیب از راه دامداری

و وجد من دونهم امرأتین تذودان . .. قالتا لانسقی حتّی یصدر الرعاء

۱۷ – نبودن مردی توانا در خانوداه شعیب ، علت پرداختن دختران او به کار دامداری

قالتا لانسقی . .. و أبونا شیخ کبیر

۱۹ – شعیب (ع) ، پیرمردی سالخورده و ناتوان از رسیدگی به کار دام

قالتا . .. و أبونا شیخ کبیر

۲۰ – تقارن هجرت موسی (ع) به مدین با دوران پیری شعیب (ع)

قالتا . .. و أبونا شیخ کبیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۵ - ۱،۴،۷،۸،۹

۱ - بازگشت یکی از دختران شعیب نزد موسی به فرمان پدر

فجاءته إحدیهما . .. قالت إنّ أبی یدعوک

۴ - دختر شعیب ، پیامدار دعوت پدرش از موسی (ع

)

قالت إنّ أبی یدعوک

۷ - پذیرش دعوت شعیب از سوی موسی (ع) و رفتن وی به نزد او

قالت إنّ أبی یدعوک . .. فلمّا جاءه

۸ - گفت و گوی موسی (ع) با شعیب و بیان سرگذشت خویش برای وی

فلمّا جاءه و قصّ علیه القصص

۹ - اقدام شعیب به دلداری موسی (ع) رفع نگرانی و ترس از وی و اعلام نجات یافتنش از شر فرعونیان

قال لاتخف نجوت من القوم الظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۶ - ۱،۳،۵،۹،۱۲

۱ - پیشنهاد یکی از دختران شعیب به پدر برای استخدام موسی (ع)

قالت إحدیهما یأبت استئجره

۳ - ستایش دختر شعیب از موسی (ع) نزد پدر

إنّ خیر من استئجرت القویّ الأمین

۵ - نیاز خانواده شعیب به اجیر کردن مردی جهت نگه داری گوسفندانشان

قالت إحدیهما یأبت استئجره

با توجه به آیات پیشین، مراد از <استئجره> استیجار برای نگه داری گوسفندان شعیب می باشد.

۹ - استقبال شعیب (ع) از پیشنهاد دختر خویش برای استخدام موسی (ع)

إنّ خیر من استئجرت القویّ الأمین

سکوت شعیب(ع) در برابر پیشنهاد دختر خویش، نشانگر پذیرفته شدن آن از سوی وی می باشد. آیه بعد نیز گویای همین

مطلب است.

١٢ - < عن الرضا (ع) : . . . و لمّا قالت : < استأجره إنّ خير من استأجرت القويّ الأمين > قال أبوها كيف علمت ذلک ؟ قالت لمّا أتيته برسالتک فأقبل معی قال کونی خلفی و دلّینی علی الطریق . . . ;

از امام رضا(ع) روایت شده [است که فرمود] آن گاه که دختر

شعیب به پـدرش گفت: موسـی را اجیر کن; چون بهترین اجیر کسـی است که نیرومند و امین باشد; پدر گفت: چگونه به این حقیقت پی برده ای؟ گفت: آن گـاه که پیـام تو را برای او بردم با من همراه شـد و گفت: تو پشت سـر من باش و راه را به من نشان ده. ..>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۷ - ۱،۲،۴،۱۳،۱۵،۱۶

۱ - تصمیم شعیب (ع) به ایجاد پیوند زناشویی میان موسی (ع) و یکی از دو دختر خود

قال إنّی أُرید أن أُنکحک إحدی ابنتیّ هتین

۲ - اقدام شعیب (ع) به در میان گذاشتن تصمیم خود با موسی (ع) در حضور دخترانش و با رضایت آنان

قال إنّی أُرید أن أُنکحک إحدی ابنتیّ هتین

اسـم اشـاره <هـاتین> نشـان دهنـده آن است که هر دو دخـتر شـعیب، در آن لحظه حضـور داشـتند. گفتنی است که حضـور دختران شعیب حکایت از رضایت آنان نسبت به مسأله ازدواج با موسی(ع) دارد.

۴ - شـعیب (ع) ، خواسـتار حداقل هشت سال و حداکثر ده سال کار (شـبانی گوسفندان) ، از موسی در قبال ازدواج با یکی از دخترانش بود .

قال إنّی أُرید أن أُنکحک . .. علی أن تأجرنی ثمنی حجج فإن أتممت عشرًا فمن عندک

<حجج> جمع <حجه> است و مراد از آن <سنین> می باشد; یعنی، <علی أن تأجرنی ثمانی سنین>.

۱۳ - آزاد گذاشتن موسی (ع) از سوی شعیب (ع) در انتخاب کردن حداقل مهر (هشت سال کار) یا حداکثر آن (

ده سال کار)

على أن تأجرنى ثمنى حجج فإن أتممت عشرًا فمن عندك

۱۵ - شعیب (ع) ، نگران رد شدن پیشنهاد وی از سوی موسی (ع)

و ما أُريد أن أشقّ عليك

این که حضرت شعیب(ع) بلافاصله اعلام می کند من قصد ندارم بر تو سخت بگیرم، در بردارنده نوعی درخواست از سوی شعیب(ع) است که موسی(ع) پیشنهاد او را رد نکند.

۱۶ - تضمین مدارا کردن با موسی (ع) و سخت نگرفتن بر وی در کار ها از سوی شعیب (ع)

و ما أُريد أن أشقّ عليك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۸ - ۱،۲،۷

۱ - پذیرفته شدن پیشنهاد شعیب (هشت تا ده سال کار در قبال ازدواج) از سوی موسی (ع)

قال إنّى أُريد . .. أيّما الأجلين قضيت فلاعدون علىّ

۲ - موسی (ع) خواهان ملزم نشدن از سوی شعیب به ادامه کار ، پس از اتمام مدت اول (هشت سال) در صورت عدم تمایل به ادامه کار و مجبور نشدن به ترک کار در صورت تمایل به اتمام مدت دوم (ده سال)

أيّما الأجلين قضيت فلاعدون علىّ

جمله <لاعدوان علىّ> انشا در قالب اخبار است. بنابراین مقصود این است که من هر یک از دو مدت را بخواهم پایان ببرم، نباید برخلاف خواسته ام مرا مجبور کنی.

۷ - موسی (ع) خدا را بر قرارداد میان خود و شعیب (ع) گواه گرفت .

قال ذلك بينى و بينك . .. و اللّه على ما نقول وكيل

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۶ - ۱

۱ - شعیب (ع) از پیامبران الهی بود که به شهر مدین فرستاده شد .

و لقد أرسلنا نوحًا و . .. و إلی مدین أخاهم شعیبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۷ - ۱

۱ - مردم مدین ، رسالت شعیب (ع) را نپذیرفتند و او را تکذیب کردند .

و إلی مدین أخاهم شعیبًا . .. فکذّبوه

قصه صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۳ - ۱،۳،۵،۶،۱۳،۱۵،۱۸،۲۰،۲۱،۲۲،۲۳،۲۵

۱ صالح (ع) ، از انبیا و فرستادگان الهی

و إلی ثمود أخاهم صلحاً

<إلی ثمود> عطف بر <إلی قومه> و <أخاهم> عطف بر <نوحاً> در آیه ۵۹ است، یعنی: أرسلنا إلی ثمود أخاهم صالحاً.

۳ وجود رابطه خویشاوندی میان صالح و قوم ثمود

و إلی ثمود أخاهم صلحاً

۵ صالح (ع) با برانگیختن عواطف مردم ، دعوت خویش را آغاز کرد .

قال یقوم

۶ دعوت به پرستش خدای یکتا ، مهمترین و نخستین پیام صالح (ع) برای قوم ثمود

قال يقوم اعبدوا اللّه

۱۳ صالح پیامبر ، دعوت کننده قوم ثمود به توحید با تکیه بر دلیل و معجزه ای آشکار از جانب خداوند

اعبدوا اللّه ما لکم من إله غیره قد جاءتکم بینه من ربکم

۱۵ خداوند بدون جریان اسباب و علل عادی ، شتری آفرید تا معجزه ای باشد بر اثبات رسالت صالح (ع)

هذه ناقه اللّه لکم ءایه

چون ناقه نشانه ای بر رسالت صالح(ع) بود، معلوم می شود به

گونه ای خارق العاده به وجود آمده بود.

۱۸ قوم ثمود در انتظار دلیل و معجزه ای از جانب خداوند برای اثبات رسالت صالح (ع)

قد جاءتکم بینه من ربکم

برداشت فوق بر این اساس است که <قد> در <قد جاءتکم> برای توقع باشد.

۲۰ صالح از قوم خویش خواست تا ناقه را برای چریدن آزاد بگذراند .

فذروها تأکل فی أرض اللّه

۲۱ صالح (ع) برحذردارنده قوم ثمود از زیان رساندن به ناقه

و لاتمسوها بسوء

۲۲ صالح (ع) قوم خویش را به گرفتار آمدن به عذابی دردناک ، در صورت زیان رساندن به ناقه و یا بازداری آن از چریدن ، هشدار داد .

فذروها تأکل فی أرض اللّه و لاتمسوها بسوء فیأخذکم عذاب ألیم

۲۳ آزادی ناقه صالح برای چریدن ، در تضاد با منافع قوم ثمود

فذروها تأکل فی أرض اللّه و لاتمسوها بسوء

نهی از آزار رساندن به ناقه پس از فرمان به رها ساختن آن در علفزارها، گویای این است که تحمل ناقه آزاد برای قوم ثمود آسان نبوده و با منافع آنان در تضاد بوده است.

۲۵ مالکیت خدا بر زمین ، دلیل صالح (ع) بر لزوم آزادگذاری ناقه برای چریدن در هر کجای زمین

هذه ناقه اللّه . .. فذروها تأکل فی أرض اللّه

انتساب زمین به خداوند (أرض اللّه) پس از انتساب ناقه به او (ناقه اللّه) استدلالی است از سوی صالح بر لزوم آزادگذاری آن برای چریدن. یعنی چون ناقه از آن خداست و زمین نیز از آن اوست، روا نیست از چریدن بازداشته شود. تفریع جمله <ذروها ... > به وسیله فاء بر جمله <هذه

ناقه اللّه> نیز دلالت بر این معنا دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۴ - ۳،۴،۱۲،۱۶

۳ صالح (ع) از قوم خویش خواست تا نعمت خلافت و سکونت گزیدن در سرزمین حجر را نعمتی از جانب خدا بدانند و آن را همواره به خاطر داشته باشند .

و اذکروا إذ جعلکم خلفاء من بعد عاد و بوأکم فی الأرض

۴ صالح (ع) از قوم خویش خواست تا سرنوشت شوم قوم عاد را همواره به یاد داشته باشند .

و اذکروا إذ جعلکم خلفاء من بعد عاد

۱۲ صالح (ع) از مردم خویش خواست تا همواره تمامی نعمت های الهی را به خاطر داشته باشند .

فاذکروا ءالاء اللّه

<الاء> جمع <إلی> و به معنای نعمتهاست.

۱۶ صالح (ع) مردم خویش را از فسادگری در زمین بر حذر داشت .

و لاتعثوا فی الأرض مفسدین

<لا تعثوا> از <عثی یعثی عثوا> است، یعنی فساد نکنید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۵ - ۱،۲،۵،۱۱

۱ صالح (ع) ، از پیامبران الهی

أتعلمون أن صلحاً مرسل من ربه

۲ گروهی از اشراف و بزرگان قوم صالح رسالت وی را پذیرفتند و به وی ایمان آوردند و گروهی دیگر از آنان به وی کافر شدند .

قال الملأ الذین استکبروا

برداشت فوق مبتنی بر این است که <الـذین . .. > وصـفی احترازی باشـد. یعنی ملأ قوم ثمود در برابر رسالت صالح دو طایفه شدند: مستکبران و غیر مستکبران.

۵ مبارزه اشراف کفرپیشه ثمود با صالح (ع) ،

علی رغم مشاهده معجزه و دلیل روشن بر رسالت آن حضرت

قال الملأ الذین استکبروا من قومه . .. أتعلمون أن صلحاً مرسل من ربه

۱۱ تلاش تبلیغاتی کفرپیشگان قوم ثمود برای ایجاد شک در رسالت صالح ، تلاشی بی ثمر بود .

قالوا إنا بما ارسل به مؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۶ - ۲

۲ مستکبران قوم ثمود ، در پاسخ مستضعفان ، مخالف صریح خویش را با رسالت صالح و کفرشان را به پیام های او ابراز داشتند .

قال الذین استکبروا إنا بالذی ءامنتم به کفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۷ - ۱

۱ کافران قوم ثمود ناقه صالح را پی کردند و آن را هلاک ساختند .

فعقروا الناقه و عتوا عن أمر ربهم

<عقر> به معنای مجروح ساختن است و آنگاه که گفته شود <عقر الفرس و البعیر>، یعنی پای آن را قطع کرد. (برگرفته از لسان العرب) و در مجمع البیان آمده <عَقْر> به جراحتی گفته می شود که مایه هلاکت گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۹ - ۱،۲،۴،۵

۱ صالح (ع) پس از حتمی شدن نزول عذاب الهی بر اثر پی کردن ناقه ، از قوم خویش فاصله گرفت و به دیاری دیگر شتافت .

فتولی عنهم

جمله <تولی عنهم> عطف بر <فعقروا الناقه> در آیه ۷۷ است.

۲ صالح (ع) با دریغ و دلسوزی بر ثمودیان مشرف به هلاکت از میان آنان رفت .

فتولی عنهم و قال یقوم

لحن آیه

و نیز اضافه کلمه <قوم> به یاء متکلم، بیانگر تحسر و دلسوزی صالح نسبت به مردم خویش است.

۴ صالح (ع) پیام الهی را به مردمش ابلاغ کرد و در هدایت و ارشاد آنان بسیار کوشید .

لقد أبلغتکم رساله ربی و نصحت لکم

لام تأکید در <لقد>، که دلالت بر قسم مقدر دارد، و نیز کلمه <قد>، که گویای تأکید است، می رساند که صالح(ع) در ابلاغ رسالت الهی کوتاهی نکرد و در این راه تلاش بسیار نمود.

۵ صالح (ع) هنگام خروجش از میان قوم ثمود ، اتمام حجت الهی بر آنان را به ایشان گوشزد کرد .

فتولی عنهم و قال یقوم لقد أبلغتکم رساله ربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۲ - ۶،۱۳

۶ صالح (ع) ، مردمان را از پرستش غیر خدا برحذر می داشت و علیه شرکورزی قوم ثمود مبارزه می کرد .

أتنهنا أن نعبد ما یعبد ءاباؤُنا

۱۳ تلاش مستمر و بیوقفه صالح (ع) در انجام رسالت خویش

مما تدعونا إلیه

فعل مضارع <تدعو> دلالت بر استمرار دعوت دارد که از آن به تلاش مستمر تعبیر شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۳ - ۹،۱۴،۱۵

۹ صالح (ع) به مردم خویش اعلام کرد : در صورت پذیرش خواسته آنان (ترک دعوت به توحید) گنه کار و مستحق عذاب الهی خواهد بود .

فمن ینصرنی من الله إن عصیته

۱۴ کفرپیشگان قوم ثمود از صالح (ع) می خواستند که از ادعای خویش دست بردارد و از فراخوانی

مردم به توحید منصرف شود .

فمن ینصرنی من الله إن عصیته فما تزیدوننی غیر تخسیر

<فاء> در <فما تزیدوننی . ..> فای فصیحه است و حاکی از جمله ای مقدر می باشد و به قرینه <أتنهنا ...> در آیه قبل مفاد آیه چنین است: بنابراین اگر به خواسته شما (ترک ابلاغ توحید) گردن نهم، شما جز خسارت زدن چیزی بر من نخواهید افزود.

۱۵ صالح (ع) ، توجه کردن به درخواست کافران قومش (ترک ابلاغ توحید) را ، مایه خسارت و تباهی خویش دانست .

فما تزیدوننی غیر تخسیر

<تخسیر> به معنای خسارت زدن می باشد و فاعل آن قوم ثمود است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۴ - ۴،۵،۶،۸،۱۰

۴ صالح (ع) از قوم خویش خواست تا ناقه را برای چریدن آزاد بگذارند .

فذروها تأکل فی أرض الله

۵ صالح (ع) ، برحذر دارنده قوم ثمود از ایجاد هرگونه مزاحمت و آزاررسانی به ناقه

و لاتمسوها بسوء

۶ صالح (ع) ، قوم خود را در صورت آزاررسانی به ناقه و بازداشتن آن از چرا ، به عذابی زودرس هشدار داد .

و لاتمسوها بسوء فیأخذکم عذاب قریب

۸ مالکیت خداوند بر چراگاهها ، دلیل صالح (ع) بر لزوم آزاد گذاشتن ناقه برای چریدن در هر کجای زمین

هذه ناقه الله . .. فذروها تأکل فی أرض الله

تعبیرهای <ناقه خدا> و <زمین خدا> در حقیقت استدلال صالح(ع) بر لزوم آزادگذاری ناقه برای چریدن بود; یعنی ، چون ناقه از آنِ خداست و زمین نیز از آنِ اوست ، روا نیست ناقه را از

چریدن باز دارید.

۱۰ < عن أبی جعفر (ع) قال : إن رسول الله (ص) سأل جبرئیل (ع) : . . . فقال : یا محمد (ص) ان صالحاً بعث إلی قومه . . . قالوا : یا صالح ادع لنا ربک یخرج لنا من هذا الجبل الساعه ناقه حمراء شقراء وبراء عشراء بین جنبیها میل . . . فسأل الله تعالی صالح ذلک فانصدع الجبل صدعاً . . . ثم اضطرب ذلک الجبل . . . ثم لم یفجأهم إلاّ رأسها . . . ثم خرج سائر جسد ها ثم استوت قائمه علی الأرض . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده است که رسول خدا از جبرئیل [درباره قوم صالح] سؤال فرمود ، . .. جبرئیل گفت: ای محمد! صالح به سوی قومش مبعوث شد ... به او گفتند: ای صالح! برای ما از پروردگارت بخواه که همین لحظه از این کوه شتری بیرون آورد قرمز پررنگ و پرکرک که ده ماه از حملش گذشته و بین دو پهلویش یک میل فاصله باشد ... آن گاه صالح این را از خدا خواست و کوه شکاف بزرگی برداشت ... سپس به لرزه درآمد ... ناگهان سر شتر از کوه بیرون آمد ... سپس باقی جسدش خارج شد و روی زمین ایستاد ...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۵ - ۱،۲،۳،۷

۱ کافران قوم ثمود ، با نادیده گرفتن هشدار های صالح (ع) ، ناقه او را پی کردند و آن را هلاک ساختند .

فعقروها

<عقر> (مصدر عقروا) در

اصل به معنای پی کردن شتر و قطع پاهای آن با شمشیر است; به نحر کردن و کشتن شتر نیز <عقر> گفته می شود.

۲ قوم ثمود ، با پی کردن ناقه صالح و از میان بردن آیت رسالت او ، عذاب الهی را برای خویش قطعی ساختند .

فعقروها فقال تمتعوا فی دارکم ثلثه أیام

۳ قوم ثمود ، پس از کشتن ناقه صالح ، بیش از سه روز مهلت ماندن در دنیا و بهره بردن از متاع آن را نداشتند .

فقال تمتعوا فی دارکم ثلثه أیام

۷ < عن أبی عبدالله (ع) (فی حدیث قوم صالح) . . . قالوا : اعقروا هذه الناقه . . . ثم قالوا : من الذی یلی قتلها و نجعل له جعلاً ـ ما أحب ، فجائهم رجل . . . شقی من الأشقیاء . . . فجعلوا له جعلاً . . . فقعد لها فی طریقها فضربها بالسیف ضربه فلم تعمل شیئاً فضربها ضربه أُخری فقتلها . . . و أقبل قوم صالح فلم یبق أحد منهم إلاّ شرکه فی ضربته . . . فأوحی الله تبارك و تعالی إلی صالح (ع) . . . قل لهم : إنی مرسل علیکم عذابی إلی ثلاثه أیام فإنهم تابوا و رجعوا قبلت توبتهم و صددت عنهم . . . فأتاهم صالح (ع) فقال لهم : . . . یا قوم إنکم تصبحون غداً و وجوهکم مصفرّه والیوم الثانی وجوهکم محمرّه والیوم الثالث وجوهکم مسودّه . . . ;

از امام صادق(ع) [در داستان قوم صالح] روایت شده که [قوم او]گفتند: این شتر را از پای درآورید

. .. سپس گفتند: چه کسی داوطلب کشتن آن می شود ما برای او دستمزدی که دلخواهش باشد قرار می دهیم. پس مردی که از اشقیا بود، نزد آنان آمد ... و دستمزدی برای او قرار دادند. پس آن مرد در راه شتر کمین کرد و ضربتی بر آن وارد کرد که کارساز نبود و با ضربتی دیگر او را کشت ... و قوم صالح آمدند و تمامی آنها [با پرداخت اجرت] در ضربه ای که آن مرد زده بود، خود را سهیم کردند ... پس خدا به صالح وحی کرد که به آنان بگو من تا سه روز عذاب خود را بر شما خواهم فرستاد. پس اگر [در این سه روز] آنان توبه کردند و برگشتند، توبه آنها را می پذیرم و از [عذاب]آنان منصرف می شوم ... پس صالح نزد قومش آمد و گفت...ای قوم! فردا صبح صورتهای شما زرد می شود و روز دوم سرخ و روز سوم سیاه می گردد...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۶ - ۲،۳،۵،۶

۲ خداوند ، در پی اصرار قوم ثمود بر شرکورزی و انکار رسالت صالح (ع) ، عذابی سخت بر آنان نازل کرد .

فلما جاء أمرنا

مراد از <أمر> عذاب نازل شده بر قوم ثمود است. اضافه آن به ضمیر <نا> حاکی از بزرگی آن عذاب می باشد.

۳ عذاب نازل شده بر قوم ثمود ، عذابی ذلت آور و خوار کننده بود .

نجّینا صلحًا . .. و من خزی یومئذ

۵ گروهی از قوم ثمود ، توحید را پذیرفتند و به رسالت صالح (ع

) ایمان آوردند .

نجّینا صلحًا و الذین ءامنوا معه

۶ خداوند ، صالح (ع) و پیروانش را از عذاب نازل شده بر قوم ثمود رهانید و آنان را از ننگ آن عقوبت دور ساخت .

نجّینا صلحًا و الذین ءامنوا معه . .. و من خزی یومئذ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۳۸ – ۱

۱ – فرستاده الهی پس از نوح ، متهم به دروغ گویی از سوی اشراف و عناصر مرفه قومش

و قال الملأ من قومه . .. إن هو إلاّ رجل افتری ... و ما نحن له بمؤمنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۳۹ – ۱،۲،۴،۵،۶

۱ – التجای پیامبرِ پس از نوح به درگاه پروردگار ، پس از ناامیدی از تأثیر تبلیغاتش در مردم

قال ربّ انصرنی بما کذّبون

ظرف <قال> محذوف است؛ یعنی، <قال بعد ما ایس من إیمانهم>. <باء> در <بما کذّبون> سببیه و <ما> مصدریه (موصول حرفی) است. بنابراین <بما کذّبون> به تأویل <بتکذیبهم إیّای> می باشد.

۲ – فرستاده الهی پس از نوح خواستاری یاری خدا در برابر تکذیب گری های قومش بود .

قال ربّ انصرنی بما کذّبون

۴ – التجای فرستادهء الهی پس از نوح به درگاه پروردگار ، برای نزول عذاب استیصال

قال ربّ انصرنی بما کذّبون

<باء> در<بماکذّبون> می تواند برای آلیت باشد. در این صورت <ما> اسم موصول و به معنای <الذی> بوده و عاید آن محذوف است؛ یعنی، <ربّ انصرنی بالذی کذّبونی به> (پرودگارا! مرا با همان چیزی که[دروغش پنداشتند و] تکذیبم کردند، یاری فرما).

۵ – هشدار قبلی مردم به عذاب

استیصال ، از سوی پیامبرِ پس از نوح

قال ربّ انصرنی بما کذّبون

۶ - مردمِ جامعه پس از نوح ، هشدار عذاب را جدی نگرفتند و فرستاده الهی را به دروغ گویی متهم کردند .

قال ربّ انصرنی بما کذّبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۰ - ۱

۱ - استجابت دعای (نصرت خواهی) پیامبرِ پس از نوح از سوی خداوند

قال ربّ انصرنی . .. قال عمّا قلیل لیصبحنّ ندمین

<عن> در <عمّا قلیل> به معنای <بَعد> و <ما> نکره موصوفه و کنایه از <زمان> می باشد. <قلیل> نیز صفت <ما> است؛ یعنی، <بعد زمان قلیل>. <عمّا قلیل> متعلق به <یصبحنّ> و <إصباح> (مصدر یصبحنّ) به معنای صیرورت و شدن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۱ - ۱

۱ - تکذیب رسالت صالح (ع) از سوی قوم ثمود

کذّبت ثمود المرسلین

عده ای مفسران برآنند که <ثمود> نام جد اعلای قوم صالح می باشد. بنابراین تسمیه آن قوم به ثمود از باب تسمیه یک قبیله به نام نیای آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۲ - ۶

۶ - ثمودیان ، مورد سرزنش صالح (ع) به خاطر بی تقوایی و گنه پیشگی

إذ قال لهم أخوهم صلح ألاتتّقون

استفهام در جمله <ألا تتّقون> می تواند برای توبیخ و سرزنش باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۴۳ – ۲،۵

۲ – فراخوانی صالح (ع) قومش را ، به پذیرفتن رسالت وی

، اعتماد کردن به او و جدی گرفتن هشدارهایش

ألاتتّقون . إنّی لکم رسول أمین

واژه <أمین> می تواند از ریشه <أمن> و به معنای <مأمون>; (یعنی، فرد مورد اعتماد) باشد. بنابراین آوردن این قید دعوتی است از جانب صالح(ع) که به او اعتماد کنند و به سخنانش گوش فرا دهند و هشدارهایش را جدی بگیرند.

۵ - تصریح صالح (ع) بر خیرخواهی خود و تضمین منافع ثمودیان در پرتو رسالت خویش

إنّی لکم رسول أمین

برداشت یاد شده، با توجه به قید <لکم> (همراه با لام انتفاع) استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۴ - ۱،۲

۱ - دعوت مجدد صالح (ع) از ثمودیان برای رعایت تقوای الهی و پرهیز از گناه

إذ قال لهم أخوهم صلح ألاتتّقون . .. فاتّقوا اللّه

۲ - صالح (ع) ، خواهان اطاعت ثمودیان از او به دلیل آشکار بودن صداقت و امانت داری وی

إنّی لکم رسول أمین . فاتّقوا اللّه و أطیعون

تفریع <اتّقوا اللّه> بر<إنّی لکم رسول أمین> می تواند مفید این مطلب باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۵ - ۱

۱ - تصریح صالح (ع) ، به نداشتن کمترین چشمداشت مادی از مردم در قبال رسالت خویش

و ما أسئلکم علیه من أجر . .. إلاّ علی ربّ العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۹ - ۴

۴ – سرزنش ثموديان از سوی صالح (ع) ، به خاطر ساختن خانه ها در دل کوه ها و خوش

گذرانى در آن

و تنحتون من الجبال بيوتًا فرهين

برداشت يادشده بدان احتمال است كه اين آيه به قرينه واقع شدن در حيز استفهام (استفهام در<أتتركون فى ما ههنا>) جمله استفهامى بوده و به تقدير <أو تنحتون. ..> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۱ - ۲

۲ - تلاش صالح (ع) براى بازداشتن قوم خويش از اطاعت اسراف گران و متجاوزان

و لاتطيعوا أمر المسرفين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۳ - ۱،۲،۳،۵

۱ - اتهام جنون و سحرزدگى به صالح (ع) از سوى ثموديان

قالوا إنّما أنت من المسحّرين

<مسحّر> (مفرد <مسحّرين>) به كسى گفته مى شود كه به شدت افسون شده باشد.

۲ - موضع گيرى خصمانه ثموديان در برابر نصيحت هاى صالح (ع)

قالواإنّما أنت من المسحّرين

چنان كه گفته شد، <مسحّر> به كسى گفته مى شود كه به شدت گرفتار سحر و افسون شده است. اين تهمت سخت، بيانگر عمق دشمنى ثموديان با صالح(ع)است.

۳ - سرمستى ، رفاه زدگى ، اسراف گرى و فسادانگيزى ثموديان ، مانع درك آنان از مفاهيم بلند و آسمانى پيام صالح (ع)

قالواإنّما أنت من المسحّرين

بيان رفاه مندى، اسراف گرى و فسادانگيزى ثموديان، پيش از ذكر موضع گيرى آنان در مقابل صالح(ع)، مى تواند نشان دهنده اين حقيقت باشد كه آنچه سبب شد، ثموديان مفاهيم مهم معرفتى صالح(ع) را، كلماتى جنون آميز، بيهوده و گزاف به

شمار آوردند و او را فردی افسون شده بخوانند؛ این بود که آنان گرفتار غرور، سرمستی، اسراف و فسادگری شده بودند.

۵ - برخورداری صالح

(ع) از ویژگی های بشری ، دستاویز ثمودیان در رد رسالت وی

قالواإنّما أنت من المسحّرين

<مسحّر> می تواند مشتق از <سحر> باشد. <سحر> نیز مرادف <رئه> (شُش) است. بنابراین واژه <مسحر> به معنای موجود دارای شُش است که از خصوصیات بشری می باشد. گفتنی است برپایه این معنا، آیه بعد، توضیح و تفسیر همین تعبیر خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۴ - ۴،۵،۶،۷

۴ - برخوردار نبودن صالح (ع) از موقعیت برتر اجتماعی و طبقاتی ، مانع از پذیرش رسالت وی از سوی ثمودیان

قالوا . .. ما أنت إلاّ بشر مثلنا

تعبیر <مثلنا> می تواند به معنای مثلیت در بشر بودن نباشد; بلکه مراد مثل بودن از جهت موقعیت اجتماعی و طبقاتی باشد.

۵ - ثمودیان ، خواستار نشانه و معجزه ای از صالح (ع) برای پی بردن به صدق ادعای وی

فأت بئایه إن کنت من الصدقين

۶ - ثمودیان ، ایمان به صالح را منوط به ارائه معجزه ای از سوی او می دانستند .

فأت بئایه إن کنت من الصدقين

۷ - ثمودیان در توانایی صالح (ع) برای ارائه معجزه بر اثبات درستی ادعایش ، تردید داشتند .

فأت بئایه إن کنت من الصدقين

برداشت یاد شده از به کار گرفتن <إن> که در موارد تردید به کار می رود استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۵ - ۱،۴

۱ - پاسخ مثبت صالح (ع) ، به معجزه خواهی ثمودیان

فأت بایه . .. قال هذه ناقه ... شرب یوم

معلوم

۴ - آب آشامیدنی منطقه ثمود ، یک روز به ناقه صالح اختصاص داشت و یک روز به خود ثمودیان .

لها شرب و لکم شرب یوم معلوم

<شرب> به یک نوبت از آب گفته می شود تقدیر آیه چنین است: <لها شرب یوم معلوم و لکم شرب یوم معلوم; نوبتی از آب در روزی معین از آن او و نوبتی از آن در روزی معین از آن شما است>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۶ - ۱،۲،۳،۴

۱ - هشدار صالح (ع) به ثمودیان ، نسبت به رساندن هرگونه گزندی به ناقه

و لاتمسّوها بسوء . .. یوم عظیم

<مس> (مصدر <لاـتمسّوا>) با <باء> تعدیه به معنای رساندن و وارد کردن است. <سوء> نیز معادلِ آسیب، بدی و گزند است و قرار گرفتن آن در سیاق نهی، افاده عموم می کند; یعنی، مبادا به او گزندی برسانید.

۲ - ناقه صالح ، در معرض کینه و دشمنی ثمودیان

و لاتمسّوها بسوء

۳ - اختصاص یافتن نوبتی از آب به ناقه ، موجب ناخرسندی ثمودیان *

لها شرب و لکم شرب یوم معلوم . و لاتمسّوها بسوء

با توجه به ارتباط آیه بالا با آیه پیش، احتمال می رود که تقسیم آب، زمینه بداندیشی و نارضایتی را در میان ثمودیان، نسبت به ناقه پدید آورده باشد و <لاتمسّوها> هشداری به این موضع گیری است.

۴ - تهدید ثمودیان از سوی صالح (ع) ، به عذاب و کیفر سخت الهی در صورت رساندن هرگونه گزندی به ناقه

و لاتمسّوها بسوء فیأخذکم عذاب یوم عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء

- ۲۶ - ۱۵۷ - ۱،۲،۳،۸

۱ - اقدام ثموديان به پی كردن ناقه صالح ، علی رغم هشدار وی

و لاتمسّوها بسوء . .. فعقروها

<عَقْر> (مصدر <عقروا>) به معنای پی كردن و <اصبحوا> معادل <صاروا> است.

۲ - ندامت و پشيمانی ثموديان ، به دنبال پی كردن ناقه صالح و مشاهده نشانه های عذاب

فعقروها فأصبحوا ندمين

<فاء> در <فأصبحوا> فصيحه و بيانگر حذف جمله ای است كه به خاطر معلوم بودنش حذف شده و تقدير آن چنين است: <فعقروها فرأوا اشراط العذاب فأصبحوا نادمين; ناقه را پی كردند پس نشانه های عذاب را ديدند، پس پشيمان شدند>.

۳ - هم دلی و هم گامی ثموديان در كشتن ناقه صالح

فعقروها فأصبحوا ندمين

با توجه به اين كه ناقه صالح، تنها به وسيله يك تن از ثموديان پی شد، جمع آمدن <عقروا> و نيز <أصبحوا نادمين>، می رساند كه همه قوم ثمود در كشتن ناقه دست داشتند و يا بدان راضی بودند.

۸ - < عن علی (ع) : . . . إنّما عقر ناقه ثمود رجل واحد فعمّهم اللّه بالعذاب لماعموه بالرضی فقال سبحانه < فعقروها فأصحبوا نادمين > . . . ;

از حضرت علی(ع) روايت شده است:. .. پی كننده ناقه قوم ثمود يك نفر بود; در حالی كه خداوند عذاب را بر همه آنان فرستاد; چون آنان به عمل آن يك نفر راضی بودند. خداوند سبحان می فرمايد: <فعقروها فأصبحوا نادمين>...>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۶ - ۱،۸

۱ - سرزنش ثموديان از سوی صالح (ع) ، به خاطر بدكرداری آنان

قال يقوم لم تستعجلون بالسيّئه قبل الحسنه

استفهام

در <لم تستعجلون. ..> و <لولا تستغفرون> استفهام توبیخی است.

۸ - تلاش دلسوزانه صالح (ع) برای رفع گرفتاری ها از قوم خویش و جلب رحمت الهی برای آنان

قال یقوم لم تستعجلون . .. لولا تستغفرون اللّه لعلّکم ترحمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۷ - ۱،۳،۴،۱۰

۱ - اتهام شومی و نامبارکی به صالح پیامبر (ع) و پیروان او ، از سوی کافران ثمود

قالوا اطّیّرنا بک و بمن معک

<تطیّر> (مصدر <اطیّرنا>) مقابل تفأل و به معنای فال بد زدن است; یعنی، چیزی یا کسی را مایه شومی و بدبختی خود انگاشتن. بنابراین <اطیّرنا بک و بمن معک>; یعنی، ما تو و پیروانت را مایه بدبختی خود می دانیم.

۳ - پدید آمدن دو دستگی و خصومت های اجتماعی در پی دعوت صالح (ع) ، زمینه بد یُمن خوانده شدن وی از سوی کافران

فإذا هم فریقان یختصمون . .. قالوا اطّیّرنا بک

احتمالاً- آنچه کافران به عنوان شومی و نامبارکی از آن یاد کرده اند، همان دو دستگی و اختلافات اجتماعی باشد که درپی دعوت صالح(ع) و پیدایش مؤمن و کافر به وجود آمده بود.

۴ - مشکلات ثمودیان ، بنا به تقدیر الهی و در جهت آزمایش آنان بود ، نه معلول وجود صالح (ع) و پیروان او .

قال طئرکم عند اللّه بل أنتم قوم تفتنون

عبارت <طائرکم. ..>; یعنی، آنچه که باعث بروز مشکلات و گرفتاری برای شما شده، نزد خدا است. مقصود این است که وجود من تأثیری در پیدایش مشکلات شما ندارد; بلکه مشکلات تان بر اساس برنامه و تقدیر

الهی است که در راستای آزمایش شما تدارک دیده شده است. گفتنی است که در برداشت یاد شده، <فتنه> در جمله <بل أنتم قوم تفتنون> به معنای آزمایش گرفته شده است.

۱۰ - برخورد های خصمانه ثمودیان با صالح پیامبر (ع) ، ناشی از فریب آنان توسط عوامل خدعه گر

بل أنتم قوم تفتنون

<تفتنون> می تواند از <فتنه> به معنای خدعه و فریب باشد. بنابراین <تفتنون> معادل <تخدعون> است; یعنی، این سخنان از خود شما نیست; بلکه عناصری مرموز و خدعه گر آنها را به شما تلقین کرده و شما را فریب می دهند. آیه بعد این احتمال را تقویت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۸ - ۳

۳ - فسادگران مخالف صالح ، سازمان یافته در نُه گروه

و کان فی المدینه تسعه رهط یفسدون فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۹ - ۱،۲،۴،۵،۶،۷،۹

۱ - توطئه و هم قسمی گروه های نُه گانه فسادگر ، برای قتل شبانه صالح (ع) و خانواده اش

و کان فی المدینه تسعه رهط یفسدون . .. قالوا تقاسموا باللّه لنبیّتنّه و أهله

<تقاسم> (مصدر <تقاسموا>) به مشارکت کردن در قسم و <تبییت> (مصدر <نبیّتنّ>) به سوء قصد شبانه گفته می شود.

۲ - فسادانگیزی گروه های نُه گانه مخالف صالح ، علی رغم اظهار اعتقادشان به خدا

یفسدون فی الأرض . .. قالوا تقاسموا باللّه

سوگند خوردن به خدا، حکایت از نوعی باور به خدا دارد.

۴ - مبارزه با صالح پیامبر و از میان بردن وی ، محور اتحاد و همکاری گروه

های فسادگر علی رغم داشتن اختلاف

و کان فی المدینه تسعه رهط . .. تقاسموا باللّه لنبیّتنّه و أهله

نُه گانه بودن گروه های مزبور، خود دلیل تمایزات و وجود نقطه های افتراق میان آنان است; با این حال برای از میان بردن صالح باهم متّحد شدند.

۵ - خانواده صالح ، جملگی مؤمنان به وی و مورد خشم عمیق کافران

لنبیّتنّه و أهله

۶ - توطئه گران علیه صالح ، نگران عکس العمل و مقاومت یاران وی در قبال هجوم علنی آنان

لنبیّتنّه و أهله ثمّ لنقولنّ لولیّه ما شهدنا مهلک أهله

طرح هجوم شبانه و اندیشه کردن در چگونگی پاسخ به ولیّ دم، نشانگر نگرانی آنان است.

۷ - چاره اندیشی توطئه گران علیه صالح ، برای انکار جنایت خویش و گریز از قصاص یا پرداخت خونبها

ثمّ لنقولنّ لولیّه ما شهدنا مهلک أهله و إنّا لصدقون

طرح اظهار بی خبری از قتل صالح(ع) و خانواده وی، نشان می دهد که گروه های مزبور می اندیشیده اند تا راهی پیدا کنند و در نتیجه آن از خونخواهی ولیّ دم یا پرداخت خونبها شانه خالی کنند.

۹ - دروغ و تزویر ، وسیله ای در دست مخالفان صالح برای پیشبرد اهداف خویش

لنبیّتنّه و أهله ثمّ لنقولنّ لولیّه ما شهدنا مهلک أهله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۰ - ۱

۱ - مکر و حیله مخالفان صالح پیامبر علیه وی و خانواده اش

قالوا تقاسموا باللّه لنبیّتنّه و أهله . .. و مکروا مکرًا

متعلق <مکروا> حذف شده و تقدیر آن با توجه به آیه قبل چنین است: <و مکروا به و بأهله مکراً; آنان علیه او و خانواده اش

خدعه کردند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۱ - ۴

۴ - کیفر الهی برای توطئه گران علیه صالح ، دامنگیر تمامی کافران ثمود

أنّا دمّرنهم و قومهم أجمعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۳ - ۱،۲

۱ - نجات یافتن مؤمنان پیرو صالح ، از عذاب نازل شده بر ثمودیان به اراده الهی

و أنجینا الذین ءامنوا

۲ - پایبندی مستمر مؤمنان ثمود به تقوا و پرهیز از گناه ، عامل نجات آنان از عذاب الهی

و أنجینا الذین ءامنوا و کانوا یتّقون

جمله <کانوا یتّقون> ماضی استمراری است; یعنی، راز نجات مؤمنان در تقوای مستمر آنان نهفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۵ - ۴

۴ - تأکید قوم ثمود بر دروغ گویی ، قدرت طلبی و خودخواهی صالح (ع) ، در ادعای پیامبری

بل هو کذّاب أشر

<أشر> به معنای متکبر و خودخواه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۷ - ۲

۲ - قوم ثمود ، تقاضامند معجزه ای (ناقه) از صالح پیامبر (ع)

إنّا مرسلوا الناقه

جمله <إنّا مرسلوا الناقه> در مقام وعده و اخبار از آینده است. <الف و لام> در <الناقه> برای عهد بوده و اشاره به همان معجزه مورد درخواست قوم ثمود دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۸ - ۱

۱ - تقسیم آب در سرزمین قوم ثمود ، میان ایشان و ناقه صالح ، به فرمان خداوند

و

نبّئهم أنّ الماء قسمه بينهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – شمس – ۹۱ – ۱۳ – ۵

۵ – بهره مند ساختن ناقه صالح از آب آشامیدنی ، دارای برنامه ای خاص بود .

و سقیها

<سَقْى> و <سُقْيا>، به معنای در اختیار نهادن نوشیدنی است (مفردات) و <سُقْيا> اسم مصدر برای <سَقْى> می باشد (العین). اضافه این کلمه به ضمیر <ناقه> و نیز برحذر داشتن قوم ثمود از بی توجّهی به آن، نشانه آن است که مردم درباره آب آشامیدنی ناقه، وظیفه خاصی داشتند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – شمس – ۹۱ – ۱۴ – ۱۷

۱۷ – < عن ابن نُباته قال : سمعت أميرالمؤمنين (ع) على منبر الكوفه يقول : . . .أيّها الناس إنّما عَقَر ناقهَ صالح واحد فأصابهم اللّه بعذابه بالرضا و آيه ذلك قوله عزّوجلّ < . . .فعقروها فدمدم عليهم ربّهم بذنبهم فسوّيها . . . > ;

اَصْبَغ بن نُباتَه گوید: شنیدم از امیرالمؤمنین(ع) که بر منبر کوفه می فرمود: <. ..ای مردم! همانا ناقه صالح را یک نفر [از قوم ثمود]پی کرد; ولی خداوند همه آن قوم را به عذاب خود دچار کرد; چون به کار آن شخص راضی بودند و دلیل این مطلب سخن خداوند عزّوجلّ است <...فعقروها فدمدم عليهم ربّهم بذنبهم فسوّاها...>».

قصه صلح حدیبیه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۱ – ۴

۴– تسلیم شدن مشرکان در برابر مسلمانان و پذیرش صلح در حدیبیه ، فتحی بزرگ برای جبهه اسلام *

إنّا فتحنا لك فتحًا مبينًا

اهمیت

صلح حدیبیه، از آن رو است که مشرکان تا آن روز، جز به نابودی مسلمانان نمی اندیشیدند; اما باصلح حدیبیه، آنان در حقیقت مجموعه مسلمانان را به عنوان گروهی قدرتمند، رسماً پذیرفتند و این در صحنه سیاسی، فتحی بزرگ برای مسلمانان بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۰ - ۳

۳ - بیعت مجدد مسلمانان با پیامبر (ص) ، در شرایط بحرانی قبل از صلح حدیبیه

إنّ الذین یبایعونک إنّما یبایعون اللّه

از قرینه های موجود در آیه شریفه، استفاده می شود که بیعت مورد نظر، بیعت خاصی بوده است و از تعبیر <فمن نکث. ..> بحرانی بودن آن شرایط استفاده می شود و شأن نزول نیز مؤید این دیدگاه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۱ - ۱،۲،۹،۱۳،۱۴

۱ - تخلّف برخی از اعراب بادیه نشین در سفرِ منتهی به صلح حدیبیه ، از همراهی و یاری پیامبر (ص)

سیقول لک المخلّفون من الأعراب

با توجه به این که آیات پیشین درباره <فتح مبین> (صلح حدیبیه) بود; استفاده می شود که تخلّف این گروه از اعراب، در رابطه با همین سفر است که به صلح حدیبیه منتهی گشت.

۲ - پیش بینی آیات وحی ، از عذرخواهی و اظهار پشیمانی بادیه نشینانی که از همراهی پیامبر (ص) تخلف کرده بودند .

سیقول لک المخلّفون من الأعراب

۹ - متخلفان از سفر حدیبیه ، معترف به گناه خویش و متقاضی عفو و استغفار پیامبر (ص)

سیقول لک المخلّفون من الأعراب . .. فاستغفر لنا

۱۳ - عذر بادیه نشینان برای

توجیه غیبت خویش از سفر حدیبیه ، بهانه ای واهی و مخالف نیات درونی آنان

سیقول . .. فاستغفر لنا یقولون بألسنتهم ما لیس فی قلوبهم

برداشت بالاـ با توجه به این نکته است که تعبیر <یقولون. ..> در رابطه با <شغلتنا أموالنا و أهلونا> باشد; یعنی، اعراب در این که گرفتاری مالی و خانوادگی را عذر آورده اند; دروغ می گویند و مشکل آنان چیز دیگری است.

۱۴ - سفر پیامبر (ص) به سوی مکه (قبل از صلح حدیبیه) ، سفری مخاطره آمیز و نگران کننده برای برخی مسلمانان

سیقول لک المخلّفون من الأعراب . .. یقولون بألسنتهم

عذرآوری <مخلّفون> و رد عذر آنان از سوی خداوند، می رساند که عامل اصلی آنان از ترک سفر، نگرانی از سرنوشت آن بوده است. قرینه های تاریخی و نیز آیه بعد، مؤید این نکته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۲ - ۲،۳

۲ - سفر پیامبر (ص) و مؤمنان به سوی مکه قبل از حدیبیه ، بدون همراهی خانواده هایشان *

بل ظننتم أن لن ینقلب الرسول و المؤمنون إلی أهلیهم

تعبیر <إلی أهلیهم>، این احتمال را تقویت می کند که خانواده سپاه اسلام در مدینه باقی مانده و در سفر همراهشان نبوده اند.

۳ - ترس از مرگ ، عامل اصلی تخلّف اعراب از همراهی پیامبر (ص) ، در سفر حدیبیه

بل ظننتم أن لن ینقلب الرسول و المؤمنون إلی أهلیهم أبدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۷ - ۳

۳ - افراد مریض و ناتوان از شرکت در

سفر حدیبیه ، نگران از عدم حضور خود و همراهی نکردن مسلمانان در آن سفر *

لیس علی الأعمی حرج و لا علی الأعرج حرج و لا علی المریض حرج

توبیخ شدید متخلّفان از سفر حدیبیه در آیات گذشته و استثنای معذوران در این آیه; بیانگر آن است که مؤمنان معذور، نگران آن بوده اند که مشمول توبیخ خداوندباشند. خداوند در این آیه، به رفع این نگرانی آنان پرداخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۸ - ۱،۲،۳،۴،۹

۱ - خشنودی و رضایت حتمی خداوند ، از مؤمنان بیعت کننده با پیامبر (ص) در سفر حدیبیه

لقد رضی اللّه عن المؤمنین إذ یبایعونک تحت الشجره

۲ - پدید آمدن شرایطی حساس و نیازمند اخذ بیعتی ویژه از مسلمانان ، در جریان حدیبیه

لقد رضی اللّه عن المؤمنین إذ یبایعونک تحت الشجره

ایمان نخستین، خود بیعتی با پیامبر(ص) است. حال از این که دوباره از مؤمنان بیعت گرفته شد، ویژه و حساس بودن شرایط استفاده می شود.

۳ - < بیعت رضوان > ، حرکتی مؤثر و سرنوشت ساز ، در جریان حدیبیه

لقد رضی اللّه عن المؤمنین إذ یبایعونک تحت الشجره

تأکید خداوند در این آیات، بر مسأله بیعت مؤمنان و اعلام رضایت از آنان، حکایت از اهمیت این رخداد در روند حرکت اسلام دارد.

۴ - بیعت ویژه مؤمنان با پیامبر (ص) ، در جریان حدیبیه ، باعث غفران لغزش های گذشته آنان نزد خداوند *

لقد رضی اللّه عن المؤمنین إذ یبایعونک تحت الشجره

تعبیر <رضی اللّه عن المؤمنین> به جای تعبیر <رضی عن بیعتکم> این برداشت را افاده می کند

که خود مؤمنان علاوه بر عملشان مورد رضایت الهی قرار گرفتند.

۹ - نزول آرامش از سوی خداوند بر قلب مؤمنان ، در شرایط نگران کننده قبل از صلح حدیبیه

فعلم ما فی قلوبهم فأنزل السکینه علیهم

از تعبیر <فأنزل السکینه> وجود نوعی نگرانی در آن شرایط حساس استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۴ - ۳،۶،۱۰

۳ - مصون ماندن مؤمنان از گزند اهل مکّه در جریان حدیبیه ، نمودی از سنت الهی در یاری اهل ایمان

سنّه اللّه . .. و هو الذی کفّ أیدیهم عنکم و أیدیکم عنهم ببطن مکّه

۶ - رخ دادن درگیری هایی منتهی به پیروزی مؤمنان بر مکیان ، قبل از انعقاد صلح حدیبیه *

من بعد أن أظفرکم علیهم

در صورتی که مراد از <بطن مکّه> سرزمین حدیبیه باشد; احتمال می رود که تعبیر <من بعد أن أظفر> بیانگر درگیری های محدودی باشد که قبل از انعقاد صلح حدیبیه، میان کافران و مؤمنان صورت گرفت و به پیروزی مؤمنان منتهی گردید.

۱۰ - امداد های الهی در حق مؤمنان ، پاداشی به عملکرد شایسته آنان در جریان حدیبیه *

و کان اللّه بما تعملون بصیرًا

ارتباط <کان اللّه. ..> با صدر آیه، نتیجه می دهد که الطاف الهی در حق اهل ایمان، از آن جهت صورت گرفته است که خداوند بر اعمال گذشته آنان، نظارت عمیق داشته و ایشان را شایسته آن موهبت ها دانسته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۵ - ۳،۵

۳- مسلمانان در جریان سفر حدیبیه ، مصمّم به زیارت خانه خدا و

قربانی کردن هدی

و صدّوکم عن المسجد الحرام و الهدیَ معکوفًا أن یبلغ محلّه

۵- امتنان الهی بر شرکت کنندگان در < عمره القضا > ، با یادآوری ممانعت مکیان از ایشان در سفر حدیبیه *

هم الذین کفروا و صدّوکم عن المسجدالحرام و الهدیَ معکوفًا

برداشت بالا بدان احتمال است که آیه شریفه خطاب به مؤمنانی باشد که در سال هفتم هجری (یک سال پس از صلح حدیبیه) برای انجام عمره وارد مسجدالحرام شدند. در چنین شرایطی خداوند، موقعیت دشوار گذشته رابه یاد ایشان آورد تا نعمت ها را از یاد نبرند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۶ - ۷،۹،۱۰

۷ - نزول آرامش بر پیامبر (ص) و مؤمنان از سوی خدا ، در قبال تعصب ورزی جاهلانه مشرکان در حدیبیه

فأنزل اللّه سکینته علی رسوله و علی المؤمنین

۹ - تحمل تعصب های جاهلانه مشرکان در حدیبیه ، امری دشوار برای پیامبر (ص) و مؤمنان

فأنزل اللّه سکینته علی رسوله و علی المؤمنین

از نزول <آرامش> استفاده می شود که دستکم زمینه نگرانی و دشواری برای مؤمنان وجود داشته است.

۱۰ - اصرار تعصب آمیز مشرکان مکه ، بر نیامدن < بسمله > و عنوان < رسول اللّه > در متن صلحنامه حدیبیه *

إذ جعل الذین کفروا فی قلوبهم الحمیّه حمیّه الجهلیّه

با توجّه به شأن نزول آیه شریفه، استفاده می شود که خشم و عصبیت مشرکان در زمینه یادشده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۷ - ۳،۱۴

۳- نقش مهم رؤیای پیامبر (ص) ، در حرکت آن حضرت به

سوی مکه و حدیبیه

الرءیا بالحقّ لتدخلنّ المسجد الحرام

با توجه به این که آیات پیشین در مورد مسائل حدیبیه بود; از این آیه شریفه استفاده می شود که حرکت پیامبر(ص) در سفر منتهی به حدیبیه، مسبوق به رؤیایی بود که خداوند به آن حضرت نمایانده بود.

۱۴- رخداد صلح حدیبیه و تأخیر عمره مسلمانان ، تدبیر عالمانه خدا و دارای اسراری نهفته بر مؤمنان

فعلم ما لم تعلموا

در آیات پیشین، سخن از منتهی شدن سفر مسلمانان به صلح حدیبیه بود و این که رؤیای پیامبر(ص) در آن سفر، تعبیر نشد. خداوند در این آیه، پس از این که رؤیای آن حضرت را صادق دانسته و ورود مؤمنان را به مسجدالحرام قطعی شمرده است; به آنان یاد آور می شود: مؤمنان با توجه به این جریان، در خواهند یافت که رخداد صلح و تأخیر عمره، منافعی داشته که بر آنان مخفی بوده است.

قصه طالوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۶ - ۱،۲۹

۱ دعوت خداوند به رؤیت (دقّت کامل) در واقعه طالوت و بنی اسرائیل

الم تر الی الملأ من بنی اسرائیل

۲۹ نیرو های صادق و پایدار بنی اسرائیل در رکاب طالوت ، شصت هزار نفر بودند .

تولّوا الاّ قلیلا

امام باقر (ع) درباره <قلیل> در آیه فوق فرمود: کان القلیل ستّین الفاً

معانی الاخبار، ص ۱۵۱، ح ۱ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۴۵، ح ۹۷۱.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۲ - ۲

۲ داستان طالوت و هلاکت جالوتیان ، از آیات الهی

الم تر الی الملأ من بنی

اسرائیل . .. تلک ایات اللّه

کلمه <تلک> اشاره به داستان طالوت و جالوت است.

قصه ظهار خوله بنت ثعلبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱ - ۱،۲،۳،۵،۹

۱ - خداوند ، خواسته زنی را که شوهرش او را ظهار کرده بود ، استجابت کرد .

قد سمع اللّه قول الّتی تجدلک فی زوجها

<ظهار> نوعی طلاق بود که از عرب جاهلی باقی مانده و تا قبل از نزول این بخش از آیات، در میان مسلمانان نیز به آن عمل می شد. در این نوع از طلاق، هر گاه شوهر به زنش می گفت: <أنت علیّ کظهر اُمّی> زن حکم مادرش را پیدا می کرد و بر او حرام مؤبّد می شد. آیه شریفه درباره زنی بود که شوهرش او را ظهار کرد. آن زن که نمی خواست از شوهرش جدا شود، برای حل مشکل خود به محضر پیامبراکرم(ص) آمد و درخواست کرد که برای او چاره اندیشی کند. خداوند با ملغی کردن این رسم جاهلی، خواسته زن را اجابت فرمود. بنابراین <قد سمع اللّه> به معنای <قد استجاب اللّه> می باشد و این کنایه ای رایج است.

۲ - زن ظهار شده ، مایل نبود از شوهرش جدا شده و کانون خانواده اش متلاشی گردد .

قد سمع اللّه قول الّتی تجدلک فی زوجها

۳ - زن ظهار شده ، برای یافتن راه چاره به محضر رسول اکرم (ص) رسید و با آن حضرت درباره شوهرش گفتوگو کرد .

قد سمع اللّه قول الّتی تجدلک فی زوجها

۵ - زن ظهار شده ، در حضور رسول اکرم (ص) از حادثه

ای که برایش پیش آمده بود به خداوند شکایت برده ، خواستار حل مشکل خویش شده بود .

تجدلک فی زوجها و تشتکی إلی اللّه

۹ - < عن أبی جعفر (ع) قال : إنّ امرأه من المسلمات أتت النبیّ (ص) فقالت : یا رسول اللّه إنّ فلاناً زوجی . . . أشکوه إلیک فقال : فیم تشکینه قالت : إنّه قال أنت علیّ حرام کظهر اُمّی . . . فسمع اللّه تبارک و تعالی مجادلتها لرسول اللّه فی ما شکت إلیه و أنزل اللّه فی ذلک قرآناً < . . .قد سمع اللّه قول الّتی تجادلک فی زوجها . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده است: زنی از زنان مسلمین نزد رسول خدا(ص) آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! فلانی همسر من است. .. شکایت او را برای تو آورده ام. رسول خدا(ص) فرمود: در چه چیز از او شکایت داری؟ گفت: [مرا با <ظهار> بر خود حرام کرده] و گفته است: <أنت علیّ حرام کظهر أمّی> ...پس خدای تبارک و تعالی مجادله او را درباره همسرش با رسول خدا(ص) شنید و در این باره آیه ای نازل فرمود (قد سمع اللّه قول الّتی تجادلک فی زوجها)>.

قصه عبدالله بن ام مکتوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱ - ۱،۴

۱ - چهره درهم کشیدن یکی از مسلمانان صدراسلام و روی گردانی اعتراض آمیز او ، از مسلمانی که با ظاهری ناخوشایند نزد او حاضر شده بود .

عبس و تولّی

فاعل <عبس> در آیه شریفه ذکر نشده است; ولی به قرینه نکوهش شدیدی

که از او در آیات بعد آمده است; وی فردی بود که خداوند از اخلاق او رضایت کامل نداشت.

۴ - < روی عن الصادق (ع) انّها [أی < عبس و تولّی . . . >] نزلت فی رجل من بنی امیّه کان عنـد النبی (ص) فجائه ابن اُمّ مکتوم فلمّا رأه تقذّر منه و جمع نفسه و عبس و أعرض بوجهه عنه فحکی اللّه سبحانه ذلك و أنکره علیه ;

از امـام صادق(ع) روایت شـده که آیه <عبس و تولّی> درباره مردی از بنی امیه نازل شـده است. آن مرد نزد پیامبر(ص) بود که ابن امّ مکتوم هم به حضور ایشان رسـید. آن مرد وقتی ابن امّ مکتوم را دید، از او بدش آمد و خود را جمع کرد و چهره در هم کشید و روی از او برتافت. پس خداوند سبحان داستان وی را حکایت کرده، آن را بر وی ناپسند دانسته است>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲ - ۱،۲،۳

۱ - مسـلمانی نابینـا ، پس از ورود خود به مجلس وعظ و ارشاد پیامبر (ص) ، با ترش رویی و روی گردانی یکی از حاضـران مواجه شد .

عبس و تولّی . أن جاءه الأعمی

۲ - عبداللّه بن اُمّ مکتوم ، نابینای مسلمانی که گرفتار ترش رویی و اعراض یکی از حاضران مجلس پیامبر (ص) شد .

أن جاءه الأعمی

برخی از مفسّـِران، نام شخصی را که <أعمی> بود و آیه شریفه درباره حضور او نازل شده، <عمرو> و اکثریت <عبداللّه> نوشته اند; ولی همگان بر این اتفاق

دارند که او فرزند نابینای <ام مکتوم> بود. در شأن نزول آیه شریفه آمده است که وی در حال ورود به مجلسی که پیامبر(ص)، در آن حضور داشت، مورد اسائه ادب فردی از بنی امیه که گفته می شود عثمان بن عفان بوده است قرار گرفت.

۳ - خداوند ، اعتراض کننده به ابن ام مکتوم را ، به دلیل برخورد سرد و حاکی از خشم او ، با گفتاری قهرآمیز سرزنش کرد .

عبس و تولّی . أن جاءه الأعمی

فعل غایب <عبس> و <تولّی>، حاکی از لایق نبودن شخص برای خطاب مستقیم است. در جملات بعدی، گرچه ضمیر خطاب به طور مکرر به کار رفته است; ولی در این موارد که فعلی به صورت غایب در آغاز سخن قرار می گیرد متکلم گاه در ادامه کلام خود، فرد مورد نظر را شنونده گفتار خود فرض می کند، بدون این که با او گفتو گوی مستقیم داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳ - ۵

۵ - اعتراض کننده به حضور ابن ام مکتوم در مجلس پیامبر (ص) ، فردی ناآشنا به صفات نفسانی او و ناتوان از شناخت صالحان

أن جاءه الأعمی . و مایدریک لعلّه یزّکّی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۴ - ۹

۹ - رفتار مسلمانی که از حضور ابن ام مکتوم در مجلس پیامبر (ص) ناخشنود بود به دلیل ناآگاهی او از روحیات نیک و بد وی رفتاری ناروا و توجیه ناپذیر بود .

عبس . .. و

ما يدريك لعلّه يزّكّى ... أو يذّكّر

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۲۰ – عبس – ۸۰ – ۵ – ۱

۱ – برخى از حاضران مجلس پيامبر (ص) در ماجراى ابن ام مكتوم ، خود را از پند و اندرز هاى الهى بى نياز مى ديدند و از فرجام خود نگرانى نداشتند .

أمّا من استغنى

به قرينه <جاءك> و <يخشى> در آيات بعد مراد از جمله <استغنى>، احساس بى نيازى نسبت به حضور در مجلس وعظ و ارشاد و نيز بى خطر ديدن عاقبت خويش است.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۲۰ – عبس – ۸۰ – ۶ – ۵

۵ – عثمان بن عفان ، از حاضران مجلس پيامبر (ص) در ماجراى ابن ام مكتوم و ارشاد كننده كافران مكه در عصر بعثت *

أمّا من استغنى . فأنت له تصدّى

در شأن نزول آيه شريفه از تفسير قمى نقل شده كه فرد مورد نظر از ضمير خطاب در <أنت له تصدّى>، عثمان بوده است. او در صدد مسلمان ساختن حاضران مجلس كه از چهره هاى برجسته قريش بودند برآمده بود.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۲۰ – عبس – ۸۰ – ۸ – ۲

۲ – ابن ام مكتوم ، پس از ورود به مجلس پيامبر (ص) ، در كنار مسلمانى قرار گرفت كه در حال ارشاد و سخن گفتن با ديگرى بود .

أمّا من استغنى . فأنت له تصدّى ... و أمّا من جاءك يسعى

تعبير <جاءك> بيانگر آن است كه ابن ام مكتوم در مجلس پيامبر(ص)، نزد همان

شخصی جا گرفته بود که با اخم و قهر، ناخرسندی خود را ابراز داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۰ - ۱

۱ - فرد خشمگین از حضور ابن ام مکتوم در مجلس پیامبر (ص) ، از او اعراض کرده ، خود را به گفتوگو با دیگری سرگرم ساخت .

فأنت عنه تلهّی

<تلهّی> در اصل <تتلهّی> بوده و حذف <تاء> از باب تفعّل در این موارد شایع است. این کلمه از ریشه <لهو> است و راغب در مفردات <لهو> را به معنای چیزی دانسته است که انسان را از آنچه باید مقصد او قرار گیرد و برای او اهمیت دارد، باز دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۲ - ۴

۴ - اشراف حاضر در مجلس پیامبر (ص) در ماجرای ابن ام مکتوم ، بر اثر بی رغبتی خود ، از آموختن و به خاطر سپردن معارف قرآن محروم بودند .

فمن شاء ذکره

قصه عزیر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۶ - ۵

۵ داستان ابراهیم (ع) و نمرود و قصّه عُزیر و یا اِرمیای پیامبر و زنده شدن مرغان کوبیده شده و نیز تمامی احکام و مقررات انفاق ، از آیات الهی است .

الم تر . .. او کالذی مرّ ... فخذ اربعه من الطیر ... مثل الّذین ... کذلک یبیّن ال

قصه عمره القضا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۲۴ – ۴

۴ – درگیر

نشدن مؤمنان و مکیان با یکدیگر در < عمره القضا > ، نعمتی مهم برای اهل ایمان *

و هو الذی کفّ أیدیهم عنکم و أیدیکم عنهم ببطن مکّه

برداشت بالا- بدان احتمال است که تعبیر <ببطن مکّه> اشاره به <عمره القضا> داشته باشد که مسلمانان پس از پیروزی حدیبیه براساس قرارداد، سال بعد به شهر مکه وارد شدند و با آرامش کامل، مناسک عمره را به جا آوردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۷ - ۱۱،۱۲

۱۱- وجود نگرانی در مسلمانان ، نسبت به سرنوشت و خطرات < عمره القضا >

لتدخلنّ المسجد الحرام إن شاء اللّه ءامنین. .. لاتخافون

تعبیر <لاتخافون>، در واقع جنبه بشارتی دارد و در مقام اطمینان بخشی به مسلمانان و رفع نگرانی از آنان است.

۱۲- تضمین الهی به مؤمنان ، در انجام تمامی اعمال < عمره القضا > با امنیت و آرامش کامل

لتدخلنّ المسجد الحرام إن شاء اللّه ءامنین. .. لاتخافون

تعبیر <آمنین> و تکرار آن در قالب <لاتخافون>، می رساند که ورود مسلمانان به مکه، همراه با امنیت بوده و پایان مراسم عمره نیز، آمیخته با آرامش تضمین شده است.

قصه عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۷ - ۸

۸ - عیسی (ع) زاده مریم (ع) و فرزند او ، نه فرزند خدا

عیسی ابن مریم

از نکاتی که می تواند هدف از نسبت دادن عیسی(ع) به مادرش شمرده شود، رد پندار مسیحیان است که وی را فرزند خدای سبحان می خواندند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٢ – آل عمران

- ۳ - ۴۶ - ۲

۲ بشارت خدا به مریم ، در مورد زنده ماندن عیسی (ع) تا میانسالی

یبشرک . .. و یکلم الناس ... و کهلا

<کهل> به معنای میانسالی است. (مجمع البیان)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۰ - ۸

۸ وجود اعتقاد به خداوند و تورات و احکام آن ، در میان بنی اسرائیل ، در عصر حضرت عیسی (ع)

و لاحلّ لکم بعض الذی حرّم علیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۸ - ۱،۳،۷

۱ سرگذشت حضرت زکریا ، مریم ، یحیی و عیسی (ع) و پیروان آن حضرت ، آیات الهی و پند های حکیمانه

ذلک نتلوه علیک من الایات و الذّکر الحکیم

<ذلک>، اشاره به سرگذشت کسانی است که در آیات پیشین مطرح شده است.

۳ بیان سرگذشت حضرت مریم ، زکریا ، یحیی و عیسی (ع) ، از معجزات و نشانه های صدق پیامبر اکرم (ص)

ذلک نتلوه علیک من الایات

بنابراینکه منظور از <الایات>، با توجه به معنای لغوی آن (علامتها)، نشانه های صداقت پیامبر اکرم (ص) باشد.

۷ داستان حضرت عیسی ، زکریّا ، مریم و یحیی ، سراسر حکمت و مایه تذکّر است .

ذلک نتلوه علیک من الایات و الذّکر الحکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۰ - ۱،۶

۱ سرگذشت زکریا ، عیسی ، مریم ، یحیی و بیان خلقت آدم در قرآن ، حق و از جانب پروردگار

است .

الحق من ربّك

کلمه <الحق>، خبر است برای مبتدای محذوف که <هو> است و مراد از آن، سرگذشت مریم و پیامبرانی است که در آیات سابق بیان شد.

۶ کیفیّت خلقت عیسی و دروغ پردازی های نصارا در مورد آن ، زمینه ایجاد شبهه

فلا تکن من الممترین

آنچه می تواند برای مخاطبین قرآن در مورد حضرت مسیح، تردید ایجاد کند، همان خلقت استثنایی آن حضرت است که با توجّه به <انّ مثل . .. >، این شبهه از بین می رود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۶۱ – ۲

۲ علم و آگاهی پیامبر (ص) به حقیقت داستان عیسی (ع) و مریم (س) پس از بیان سرگذشت آنان از طریق وحی

فمن حاجّک فیه من بعد ما جاءک من العلم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۵۸ – ۱،۲،۳

۱ عدم حضور حضرت مسیح (ع) در بین مردم ، پس از توطئه قتل وی توسط یهود

و ما قتلوه. بل رفعه اللّه إلیه

چنانچه عیسی(ع) پس از توطئه قتل در بین مردمان حضور می داشت، همگان به اشتباه خویش پی می بردند و واهی بودن قصه صلیب بر مدعیان آن روشن می گشت و جمله <رفعه اللّه الیه> در حقیقت جواب این سؤال است که اگر وی کشته نشد چرا پس از واقعه قتل در بین مردمان دیده نشد.

۲ خداوند ، حضرت عیسی (ع) را با جسم و جانش به سوی خود بالا برد .

بل رفعه اللّه إلیه

چون جمله <بل

رفعه اللّه اليه> رد این پندار یهود است که عیسی(ع) کشته شده است، باید مراد از <رفعه اللّه اليه> بالا بردن وی با جسم و جان باشد چون پرواز روحانی با مردن، منافاتی با کشته شدن ندارد.

۳ نجات حضرت مسیح (ع) از توطئه قتل ، با معراج وی به سوی خدا

و ما قتلوه و ما صلبوه . .. بل رفعه اللّه إليه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۵۹ – ۲،۵

۲ حضرت مسیح (ع) پس از حضور مجدد در بین امت خویش ، خواهد مرد .

إلاّ ليؤمننّ به قبل موته

۵ حضرت عیسی (ع) ، هم اکنون زنده و دارای حیاتی جسمانی است .

و إن من أهل الكتب إلاّ ليؤمننّ به قبل موته

با توجه به مضارع بودن فعل <ليؤمننّ> که اِخبار از آینده است و در طول تاریخ گذشته چنین نبوده که تمامی اهل کتاب به حضرت عیسی(ع) ایمان آورده باشند، معلوم می شود آن حضرت هنوز زنده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۱۰ – ۷،۱۱

۷ حضرت مسیح بهره مند از پشتیبانی و تأیید خداوند در دوران حیات خویش

اذکر نعمتی علیک . .. اذ ایدتک بروح القدس

اتصال دو جمله <تکلم الناس . .> و <ایدتک ...> بدون حرف عطف شاهد بر این است که جمله <تکلم الناس ...> تفسیر جمله ایدتک است. و می رساند که عیسی(ع) در کودکی و بزرگسالی مورد تأیید خداوند بوده است.

۱۱ سخنان عیسی (ع) در کودکی گفتاری حکیمانه و همسنگ

با سخنان او در دوران کهولت و کمال رشد

اذ ایدتک بروح القدس تکلم الناس فی المهد و کهلا

بـدیهی اسـت کـه سـخن گفتـن عیسـی(ع) در سن کهـولت نعمـتی خـاص برای وی نیست بنـابراین عطـف <کهلاـ> بر <فی المهد> می تواند اشاره به این باشد که سخن گفتن او به هنگام نوزادی همانند دوران رشد یافتگی وی بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۴ - ۲،۳،۱۳،۱۴

۲- حضـرت عیسـی (ع) در شـرایط سـخت روحی و جسمی مادرش مریم (س) پس از زایمان با وی سخن گفت و او را دل داری داد .

فحملته . .. فنادیها من تحتها ألّاتحزنی

مراد از ضمیر فاعلی در <نادی> به قرینه ضمائر <فحملته فانتبذت به> در آیات قبل حضرت عیسی(ع) است و مراد از ضمیر <من تحتهـا> هماننـد ضـمیر <فناداهـا> حضـرت مریم(س) است. برخی فاعـل <نـادی> را جبرئیـل دانسـته و ضـمیر <من تحتها> را به <نخله> یا <مریم> ارجاع داده اند; ولی سیاق آیات با آنچه گفته شد سازگارتر است.

۳- عیسی (ع) در بدو تولد ، مادرش مریم (س) را به اندوهگین نبودن توصیه کرد .

فنادیها من تحتها ألّاتحزنی

۱۳- < عن أبی جعفر (ع) : ضرب عیسی (ع) برجله فظهرت عین ماء تجری ;

از امام باقر(ع) روایت شده: عیسی(ع) (هنگام ولادت) پای خود را بر زمین زد، پس چشمه آب روانی ظاهر شد>.

۱۴- < قال رسول اللّه (ص) : . . . و هذا عیسی ابن مریم (ع) قال اللّه عزّوجلّ فیه < فناداها من

تحتها ألاّتحزنی . . . > فکلّم أمّه وقت مولده ;

از رسول خدا(ص) روایت شده که فرمود: . .. این عیسی بن مریم(ع) است که خداوند عزّوجلّ در باره او فرمود <فناداها من تحتها ألاّتحزنی ...> پس عیسی(ع) با مادرش به هنگام ولادت سخن گفت>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۵ - ۱

۱- عیسی (ع) ، در بدو تولد ، مادرش مریم (س) را به تکان دادن درخت خرما و استفاده از میوه آن راهنمایی کرد .

و هزّی إلیک بجذع النخله تسقط علیک رطبًا جنیًّا

<هزّ> به معنای حرکت دادن به چپ و راست است و به قرینه <إلیک> در آن معنای <متمایل ساختن> نیز تضمین شده است. بنابراین <هزّی إلیک>، یعنی درخت را به جانب خود بکش و به چپ و راست تکان ده این راهنمایی چنان چه از آیه بعد پیدا است، به منظور تأمین غذای مریم(س) بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۶ - ۱،۳،۷،۸،۱۰

۱- حضرت عیسی (ع) در آغاز تولد خویش ، مادرش مریم (س) را به خوردن خرمای تازه و نوشیدن از آب نهر فرا خواند .

فنادیها من تحتها . .. تحتک سریًّا ... رطبًا جنیًّا . فکلی واشربی

۳- سخن گفتن عیسی (ع) با مادر خود و تأمین آب و غذا به صورت خارق العاده ، زمینه های مسّرت و چشم روشنی مریم (س) و رفع نگرانی او از آینده بود .

فنادیها . .. فکلی و اشربی و

قرّی عینًا

<عیناً> تمییز و بیانگر مراد جدی از فاعل است و <قرّی> از ماده <قرار> (آرام گرفتن) و یا <قُرّ> (سرد شدن) است. در صورت اول جمله <قرّی عیناً>، یعنی <چشم آرمیده باش> و در صورت دوم، یعنی <خنک چشم باش> (چشمت از اشک سوزان به دور باشد) و در هر صورت، کنایه از خوش دلی و شادمانی است که چشم از نگرانی و اضطراب باز می ایستد و از سوزش اشک اندوه، مصون می ماند. ارتباط جمله <قرّی عیناً> با جملات قبل، گویای برداشت فوق است.

۷- عیسی (ع) ، وظیفه دفاع از مادر خویش در مقابل تهمت های مردم را به عهده گرفت .

فإمّاترینّ من البشر أحدًا فقولی إنّی نذرت للرحمن صومًا

توصیه مادر به سکوت از جانب عیسی(ع) بدان معنا بود که او نگران دفاع از خود نباشد، چرا که عیسی(ع) خود آن را انجام خواهد داد. سخن گفتن عیسی(ع) با مادر پس از ولادت، این اطمینان را به مریم داده بود که او براین کار کاملاً توانا است.

۸- عیسی (ع) ، شیوه برخورد با مردم و چگونگی واکنش در برابر بهتان آنان را به مادرش مریم (س) آموخت .

فإمّا ترینّ من البشر أحدًا فقولی

۱۰- عیسی (ع) ، مادرش مریم (س) را به نذر روزه سکوت ، هنگام مواجهه با مردم توصیه کرد .

فإمّا ترینّ من البشر أحدًا فقولی إنّی نذرت للرحمن صومًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۷ - ۱،۶

۱- مریم (س) پس از دریافت رهنمود های نوزادش عیسی (ع)

، او را آشکارا در آغوش خود گرفت و نزد قومش برد .

فأتت به قومها تحمله

۶- < عن أبی جعفر (ع) قال : لمّا قالت العواتق . . . لمریم (ع) : < لقد جئت شیئاً فریّاً > أنطق اللّه تعالی عیسی (ع) عند ذلک ;

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: چون دختران نورس به مریم گفتند: <لقد جئت شیئاً فریّاً> خداوند در آن هنگام زبان عیسی(ع) را به سخن گفتن گشود>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۹ - ۳،۵

۳- حضرت مریم (س) به قدرت نوزادش عیسی (ع) در سخن گفتن و رفع اتهامات یقین داشت .

فأشارت إلیه

آمدن مریم به میان قوم خویش، آوردن علنی و آشکار فرزند و اشاره کردن به سوی نوزاد به جای پاسخ گویی به اتهامات، بیانگر یقین او است.

۵- مردم ، از واگذارشدن پاسخ اتهامات از سوی مریم (س) به نوزادش عیسی (ع) ، شگفت زده شده و آن را باور نکردند .

فأشارت إلیه قالوا کیف نکلّم من کان فی المهد صبیًّا

استفهام در آیه انکاری است. این انکار را چندین تأکید نیز همراهی می کند: ۱) فعل <کان> که در این موارد بر ماضی دلالت ندارد، بلکه استقرار و ثبوت را می فهماند; ۲) قید <فی المهد> که نشانه ناتوانی عیسی(ع) از هرگونه حرکتی است; ۳) قید <صبیّاً> که با وجود <فی المهد> نیازی به آن نبود، ولی گویندگان آن را به منظور تأکید انکار و تعجبشان افزودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۰ - ۱،۱۱

۱- نوزاد مریم (س) با اشاره مادرش و در حضور مردم شروع به سخن گفتن کرد .

فأشارت إلیه . .. قال إنّی عبداللّه

۱۱- < عن رسول اللّه (ص) : . . . و هذا عیسی بن مریم (ع) . . . حین أشارت إلیه . . . قال : إنّی عبداللّه آتانی الکتاب > . . . أُعطی کتاب النبوه و أُوصی بالصلاه والزکاه فی ثلاثه أیّام من مولده و کلّمهم فی الیوم الثانی من مولده . . . ;

از رسول خدا(ص) روایت شده که فرمود: . .. و این عیسی بن مریم(ع) است که وقتی مریم به او اشاره کرد گفت: <إنّی عبداللّه آتانی الکتاب> ... کتابِ نبوت به او داده شد و به نماز و زکات سفارش گردید (و این همه) ظرف سه روز پس از ولادت او بود و در روز دوم ولادت با مردم سخن گفت...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۱ - ۶

۶- عیسی (ع) در معرفی خویش به مردم ، دریافت فرمان خداوند به نماز و زکات را از ویژگی های خویش برشمرد .

و أوصنی بالصلوه والزکوه مادمت حیًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۲ - ۳

۳- عیسی (ع) در برشمردن ویژگی هایش ، بر پیدایش خود بدون پدر تأکید ورزید .

و برًّا بولدتی

عیسی(ع) در مورد نیکی کردن، تنها از مادر خود یاد کرد و ذکری از پدر به میان نیاورد تا در

گفتار هم این مطلب را که مادرش پاکدامن است، تأیید کرده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۳ - ۴

۴- عیسی (ع) با سالم خواندن مرحله ولادت خویش از هر عیب و ناپسندی ، بر مبرّابودن مادرش مریم (س) از اتهامات ناروای مردم تأکید کرد .

والسلم علیّ یوم ولدت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۴ - ۱

۱- قرآن ترسیم کننده سیما و سرگذشت واقعی عیسی (ع)

ذلک عیسی ابن مریم قول الحقّ

<ذلک> اشاره به دارنده اوصافی است که در آیات گذشته تشریح شد. و <قول الحقّ> مفعول برای فعل محذوف (أقول) است، یعنی سخن درستی می گویم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۵ - ۱۴

۱۴- ماجرای تولد و سخن گفتن عیسی (ع) ، نمودی از حاکمیت اراده الهی بر هستی است ; نه نشان فرزندی عیسی (ع) برای خداوند .

ما کان للّه أن یتّخذ من ولد . .. إذا قضی أمرًا فإنّما یقول له کن فیکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۶ - ۱

۱- حضرت عیسی (ع) در گهواره ، خداوند را پروردگار خود و دیگر انسان ها معرفی کرد .

و إنّ اللّه ربّی و ربّکم

جمله <إنّ اللّه ربّی . ..> عطف بر <إنّی عبـد اللّه> در آیـات قبـل است. این آیه نیز نقـل بخشـی از گفته های عیسـی(ع) در گهواره است و آیات <ذلک عیسی ... کن

فیکون> در این بین معترضه می باشد. تشابه این جمله با آنچه در سوره آل عمران و زخرف از عیسی(ع) نقل شده، تأیید کننده این نکته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۷ - ۲

۲- گروهی از مردم زمان مریم به عیسی (ع) و گفته های او ایمان آوردند و گروهی کفر ورزیدند .

فاختلف الأحزاب من بینهم فویل للذین کفروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۰ - ۴،۵،۱۰

۴ - نقل مکان کردن مریم به همراه نوزادش (عیسی) ، به محلی دیگر غیر از زادگاه او

و ءاوینهما إلی ربوه

<إیواء> (مصدر <آوینا>) به معنای امکان و جای دادن است. <ربوه> نیز به تپه و هر زمین بلند گفته می شود. <ذات قرار> (مرادف <مستقر>) به معنای جای زیست است و <معین> به آبی که بر روی زمین جاری باشد، گفته می شود.

۵ - استقرار مریم و نوزادش (عیسی) ، در سرزمینی بلند ، آرام و دارای آبی روان

و ءاوینهما إلی ربوه ذات قرار و معین

۱۰ - برخورداری حضرت عیسی و مریم (ع) ، از امکانات و آسایش زندگی

و ءاوینهما إلی ربوه ذات قرار و معین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۷ - ۷

۷ - عیسی بن مریم (ع) ، شخصیتی شناخته شده و نامی آشنا در مکه عصر بعثت

و لمّا ضرب ابن مریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۲ - ۱۱

۱۱

- فرزند حضرت مریم (س) (عیسی (ع)) ، پرتو روح الهی و دارای مقامی بس بلند در پیشگاه خداوند

فنفخنا فیه من روحنا

اضافه <روح> به <نا>، اضافه تشریفی و برای بیان شرافت و عظمت این روح است.

قصه غدیر خم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱ - ۵

۵ - < عن جعفربن محمـد (ع) عن آبائه (ع) قال : لمّا نصب رسولُ اللّه علیّاً یوم غـدیر خم . . . فقَدِمَ علی رسول اللّه النُّعمان بن الحرث الفِهْری فقال : أمرتَنا عن اللّه أن نشـهدَ أن لا إله إلاّ اللّه و أنّک رسولُ اللّه . . . فقَبِلْناها ثمّ لم تَرْضَ حتّی نصبتَ هـذا الغلام . . . فهذا شیء منک أو أمرٌ من عند اللّه . . . فولّی النعمان الحرث و هو یقول : < اللّهم إن کان هذا هو الحقّ من عندک فأمطر علینا حجاره من السماء > . . . و أنزل اللّه تعالی : < سأل سائل بعذاب واقع . . . > ;

امام صادق(ع) از پـدرانش روایت نموده است: چون رسول خدا(ص) در غدیرخم علی(ع) را به امامت منصوب کرد . .. نعمان بن حرث فهری، جلوی آن حضـرت ایسـتاد و با [اعتراض] گفت: از جانب خـدا به ما امر کردی که شـهادت به یگانگی خدا و رسالت تو دهیم، و ما پذیرفتیم. سـپس راضی نگشتی تا این جوان را بر ما منصوب کردی ... حال این (نصب علی(ع)) از طرف خودت می باشد یا دستوری از جانب خداوند است ...

نعمان در حالی که به رسول خدا(ص) پشت کرده بود، می گفت: <اللّهم إن کان هذا هو الحقّ من عندک فأمطر علینا حجاره من السماء> ... پس خداوند متعال آیه <سأل سائل بعذاب واقع...> را نازل نمود>.

قصه غزوه احد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۴ - ۲،۳

۲ ترغیب مجاهدان صدر اسلام به تعقیب لشکریان دشمن ، پس از نبرد احد

و لاتهنوا فی ابتغاء القوم

گفته شده که آیه پس از نبرد احد نازل شد تا مسلمانان را به تعقیب لشکریان ابوسفیان ترغیب کند (مجمع البیان، ذیل آیه).

۳ آسیب ها و صدمات متقابل مجاهدان و کافران در نبرد احد

ان تکونوا تألمون فانهم یألمون

بنابر آنچه در شأن نزول آیه آمده، مراد از آسیبهای متقابل، مسائلی است که در جنگ احد پیش آمد.

قصه غزوه احزاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۹ - ۲،۴،۵،۶

۲ - مورد هجوم قرار گرفتن مسلمانان در مدینه از سوی لشگر دشمن در غزوه احزاب

اذکروا نعمه اللّه علیکم إذ جاءتکم جنود

مفسران بر این نکته اتفاق نظر دارند که این آیه، درباره غزوه احزاب نازل شده است. مراد از <جنود> گروه های مشرک و یهودیان اند که در یک تصمیم جمعی، متحد شدند و جهت درهم کوبیدن مسلمانان، به مدینه هجوم بردند.

۴ - برای درهم شکستن سپاه دشمن ، در غزوه احزاب ، طوفانی عظیم برخاست .

إذ جاءتکم جنود فأرسلنا علیهم ریحًا

تنوین نکره در <ریحاً> برای تعظیم است و حکایت از این می کند که بادی که وزیده، معمولی نبوده است; بلکه طوفانی

بوده که

خیمه ها را در هم می کوبیده و خار و خاشاک را در چشمان دشمن می پاشیده است.

۵ - به وجود آمدن طوفان ، در غزوه احزاب برای درهم شکستن توان دشمن ، نعمتی الهی برای مسلمانان بود .

یأیّها الذین ءامنوا اذکروا نعمه اللّه علیکم . .. فأرسلنا علیهم ریحًا

<فأرسلنا> بیان نعمتی است که خداوند، از مسلمانان خواسته است که به یاد آن باشند.

۶ - خداوند ، در غزوه احزاب نیرویی نامرئی ، به کمک مسلمانان فرستاد .

فأرسلنا علیهم . .. و جنودًا لم تروها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۰ - ۱،۲،۳،۴،۵،۸،۱۱،۱۳،۱۴

۱ - مسلمانان مدینه ، از ناحیه بالا و پایین مدینه ، در محاصره دشمن (احزاب متّحد) قرار گرفتند .

إذ جاءوکم من فوقکم و من أسفل منکم

۲ - احزاب متّحد ، در جنگ علیه مسلمانان ، جمعیتی فراوان داشتند .

إذ جاءتکم جنود . .. إذ جاءوکم من فوقکم و من أسفل منکم

<جنود> جمع <جند> است و دلالت بر چندین سپاه می کند. آمدن نیروها از بالا دست مدینه و پایین دست آن نیز مؤید این نکته است؛ زیرا آنان دارای جمعیتی چشمگیر بوده اند که توانسته اند نیروهایشان را در اطراف مدینه مستقر کنند.

۳ - ائتلاف احزاب مختلف و لشگرکشی آنان علیه مسلمانان مدینه و شکست شان ، شایسته یادآوری است .

إذ جاءوکم من فوقکم و من أسفل منکم

<إذ جاءوکم> عطف بر <إذ جاتکم> در آیه پیش و متعلق فعل <اُذکروا> در همان آیه است.

۴ - یهود بنی نضیر و بنی قریظه و غطفان ، با مشرکان مکه ، علیه مسلمانان ،

ائتلاف کردند .

إذ جاءوكم من فوقكم و من أسفل منكم

طبق شواهد تاریخی، غزوه احزاب، با ائتلاف یهودیان بنی نضیر و بنی قریظه و غطفان و مشرکان مکه به وجود آمد. <من فوقکم> اشاره به یهودیانی دارد که از بخش شرقی مدینه هجوم آوردند و <من أسفل منکم> اشاره به مشرکانی دارد که از بخش غربی مدینه به آن دیار هجوم آورده بودند.

۵ - هجوم احزاب متّحد به سوی مدینه ، باعث وحشت و نگرانی مسلمانان شد .

إذ جاءوكم . .. و إذ زاغت الأبصر

<زاغت الأبصار> می تواند کنایه از به وجود آمدن آن چنان وحشتی باشد که چشم شخص، قدرت دید و تشخیص را از دست می دهد.

۸ - هجوم احزاب متّحد به مدینه ، برای درهم شکستن مسلمانان ، مسلمانان را به قدری وحشت زده کرد که همانند افراد محتضر شدند .

إذ جاءوكم . .. و إذ زاغت الأبصر و بلغت القلوب الحناجر

مراد از به حنجره رسیدن قلب ها، خفگی و به حال مرگ افتادن است.

۱۱ - ایّام هجوم احزاب متّحد به مدینه ، روزهایی بس سخت و نگران کننده برای مسلمانان بود .

إذ جاءوكم . .. و إذ زاغت الأبصر و بلغت القلوب الحناجر

۱۳ - پس از محاصره مدینه از سوی احزاب متّحد ، ظنّ و گمان های گوناگونی درباره خدا ، در میان مردم مسلمان پدید آمد .

إذ جاءوكم . .. و تظنّون باللّه الظنونا

<ظنون> مفعول مطلق عددی است و <ال > در آن، برای جنس است. جمع آورده شدن <ظنون > همراه با <ال> دلالت بر تعدد و گوناگونی می کند.

۱۴ - عارض شدن بدگمانی به خدا در مسلمانان ، در

پیِ هجوم احزاب متّحد به مدینه

إذ جاءوكم . .. و تظنّون باللّه الظنونا

احتمال دارد كه مخاطب فعل <تظنّون> مسلمانان باشند و يكى از احتمال هاى <الظنونا> بدگمانى باشد. آيات بعدى مى تواند قرينه اى بر نكته ياد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۱ - ۱،۲،۳

۱ - هجوم احزاب متّحد به مدينه ، وسيله امتحان مسلمانان آن ديار بود .

هنالك ابتلى المؤمنون

۲ - مسلمانان مدينه ، با هجوم احزاب متّحد به آنان ، دچار اضطراب و تزلزل شديد شدند .

و زلزلوا زلزالاً شديدًا

۳ - مسلمانان مدينه ، با هجوم احزاب متّحد ، در شرايط سختى قرار گرفتند .

و زلزلوا زلزالاً شديدًا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۲ - ۱

۱ - منافقان ، همسو با احزاب متّحد ، در غزوه احزاب براى درهم شكستن روحيه مسلمانان فعاليت مى كردند .

إذ جاءتكم جنود . .. و إذ يقول المنفقون ... ما وعدنا اللّه ... إلّا غرورًا

فعل مضارع <يقول> بر تداوم كار منافقان دلالت مى كند كه از آن، به <فعاليت> تعبير مى شود.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۳ - ۱،۲،۳،۴،۵،۸،۹،۱۰،۱۱،۱۲،۱۹

۱ - عده اى از منافقان ، مسلمانان شركت كننده در غزوه احزاب را ، به ترك جهاد وسوسه مى كردند .

و إذ قالت طائفه منهم يأهل يثرب لامقام لکم فارجعوا

۲ – منافقان برای مانـدن مسـلمانان به همراه پیامبر (ص) در غزوه احزاب باتوجه به هجوم دشـمن وجهی منطقی قائل نبودند و آنان را به

ترک غزوه ، دعوت می کردند .

قالت طائفه منهم یأهل یثرب لامقام لکم فارجعوا

۳ - منافقان مدینه ، به مسلمانان وانمود کردند که شکست شان در غزوه احزاب حتمی است .

و إذ قالت طائفه منهم یأهل یثرب لامقام لکم فارجعوا

۴ - منافقان ، به نفع جبهه احزاب متّحد ، برای درهم شکستن جبهه مسلمانان ، فعالیت تبلیغاتی داشتند .

و إذ قالت طائفه منهم یأهل یثرب لامقام لکم فارجعوا

۵ - منافقان ، در غزوه احزاب ، برای وادار کردن مؤمنان به ترک اسلام و روی آوردن به کفر ، تلاش می کردند .

یأهل یثرب لامقام لکم فارجعوا

برداشت بالا، بر این احتمال است که مراد از <لامقام لکم> ماندن در دین رسول اللّه و مراد از <فارجعوا> دعوت به رجوع به کفر باشد.

۸ - برخی از منافقان و بیماردلان مدینه ، از پیامبر (ص) برای ترک جهاد در غزوه احزاب ، به بهانه ناامن بودن خانه و کاشانه شان ، مصرّانه اجازه می خواستند .

و یستئذن فریق منهم النبیّ یقولون إنّ بیوتنا عوره

مراد از <عوره> در آیه، مستحکم نبودن خانه و قابل ورود بودن آن برای هر کس است که بخواهد وارد شود(مفردات راغب).

۹ - پیامبراکرم (ص) فرمانده و تصمیم گیر اصلی در غزوه احزاب بود .

و یستئذن فریق منهم النبیّ

۱۰ - در سپاه مسلمانان ، به هنگام غزوه احزاب ، نظمی استوار ، حاکم بود . به گونه ای که منافقان نیز خود را ملزم به رعایت آن می دانستند .

و یستئذن فریق منهم النبیّ

۱۱ - مستحکم نبودن خانه و کاشانه ، بهانه منافقان و افراد بیماردل برای گریز از جهاد در

غزوه احزاب بود .

و يستئذن فريق منهم النبىّ يقولون إنّ بيوتنا عوره و ما هى بعوره إن يريدون إلاّ فر

۱۲ - خانه و كاشانه مجاهدان شركت كننده در غزوه احزاب ، خلل ناپذير و داراى استحكام بود .

يقولون إنّ بيوتنا عوره و ما هى بعوره

۱۹ - منافقان ، پيشگامان تزلزل و اضطراب و فرار از غزوه احزاب بودند .

هنالك ابتلى . .. و زلزلوا زلزالاً ... و إذ يقول المنفقون ...إنّ بيوتنا عوره ...

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۴ - ۳،۶

۳ - منافقان شركت كننده در غزوه احزاب ، در صورت حضور در داخل خانه هايشان و هجوم دشمن ، از آن دفاع نمى كردند .

يقولون إنّ بيوتنا عوره . .. و لو دخلت عليهم من أقطارها ثمّ سئلوا الفتنه لأتوها

۶ - تزلزل منافقان مدينه در غزوه احزاب ، ناشى از بى ايمانى آنان بود .

و يستئذن فريق منهم . .. يقولون إنّ بيوتنا عوره ... إن يريدون إلاّ فرارًا ... ثمّ

<ثمّ سئلوا الفتنه> دلالت مى كند كه آنان، با درخواست شرك، آن را قبول مى كردند. چنين امرى اشعار دارد كه استيذان در ترك جهاد و بهانه جويى براى فرار، ناشى از بى ايمانى و تزلزل در عقيده بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۵ - ۱

۱ - منافقان حاضر در صحنه غزوه احزاب ، و مصمم به فرار از آن ، پيش تر در غزوه اُحد تعهد كرده بودند كه از جهاد با دشمن نگريزند .

و لقد كانوا عهدوا اللّه من قبل لايولّون

الأدبر

مرجع ضمير در <کانوا> گروهی از منافقان اند که در غزوه اُحد ترسیدند و تصمیم به فرار گرفتند، ولی عهد کردند که دیگربار چنین نکنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۸ - ۲

۲ - تلاش شدید منافقان مدینه ، برای بازداشتن مسلمانان از جهاد در غزوه احزاب

و إذ قالت طائفه منهم . .. لامقام لکم فارجعوا ... قد یعلم اللّه المعوّقین منکم

تضعیف <عوّق> برای بیان شدت و غلظت بازدارندگی، است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۹ - ۳

۳ - منافقان مدینه ، به هنگام خبردار شدن از وقوع جنگ احزاب ، به قدری می ترسیدند که چشمان شان بی اختیار ، به چرخش می افتاد .

فإذا جاء الخوف رأیتهم ینظرون إلیک تدور أعینهم کالذی یغشی علیه من الموت

مراد از <الخوف> به قرینه بحث جهاد و هجوم دشمن، خبر جنگ و قتال است که برای منافقان بسیار ترس آور بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۲ - ۹

۹ - مسلمانان مدینه ، در غزوه احزاب ، به رغم قدرت و شوکت دشمن و کارشکنی های منافقان ، تسلیم امر پیامبر (ص) برای جهاد بودند .

و لمّا رءا المؤمنون الأحزاب . .. و ما زادهم إلاّ إیمنًا و تسلیمًا

ممکن است <تسلیماً> به قرینه مقام (بحث جهاد و هجوم دشمن و نیز الگو بودن پیامبر(ص)) تسلیم بودن به امر پیامبر(ص) برای جهاد باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۵ -

۹ – غزوه احزاب ، بدون درگیری نظامی عمده ، به سود مسلمانان پایان یافت .

و ردّ اللّه الذین کفروا بغیظهم لم ینالوا خیرًا و کفی اللّه المؤمنین القتال

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۲۶ – ۱۱

۱۱ – گروهی از یهود بنی قریظه ، به اسارت سپاه مسلمانان در آمدند .

و تأسرون فریقًا

قصه غزوه بدر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۱ – ۴

۴ مسلمانان در جنگ بدر به غنایمی چشمگیر دست یافتند .

یسئلونک عن الأنفال

حساس شدن مسلمانان نسبت به انفال و غنایم جنگی و پرسش مکرر آنان و بازتاب آن در آیه نشانگر فراوانی غنایم بوده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۵ – ۱،۲،۳،۸

۱ پیامبر (ص) برای نبرد با مشرکان مکه از مدینه به سوی بدر حرکت کرد .

أخرجک ربک من بیتک بالحق

با توجه به آیات بعد معلوم می شود مراد از جمله <أخرجک . .. >، خروج پیامبر(ص) برای جنگ بدر بوده است.

۲ فرمان خداوند و تقدیر او ، عامل حرکت پیامبر (ص) به سوی جنگ بدر

أخرجك ربك من بيتك بالحق

اسناد <أخرجك> به <ربك> می رساند که حرکت پیامبر(ص) به فرمان و تقدیر الهی بوده است، نه تصمیمی از جانب خود آن حضرت.

۳ تقدیر خداوند بر وقوع جنگ بدر ، در جهت تدبیر امور پیامبر (ص) و در راستای پیشبرد رسالت وی

أخرجك ربك من بيتك بالحق

<رب> به معنای مدبر و مربی است و اضافه آن

به <ك> در جمله <كما أخرجك ربك> مى رساند كه از اهداف تقدير الهى بر خروج پيامبر(ص)، تدبير امور وى بوده كه طبعاً براى تكميل رسالت او بوده است.

۸ حكم خداوند درباره انفال ، حكمى حق و همانند حقانيت فرمان او به خروج از مدينه براى جنگ بدر

قل الأنفال للّه و الرسول . .. كما أخرجك ربك من بيتك بالحق

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - انفال - ۸ - ۷ - ۱۰

۱۰ قضاياى جنگ بدر و پيروزى مسلمانان در آن ، نعمتى بزرگ و شايسته و بايسته به ياد داشتن و شامل درسهايى از توحيد

إذ يعدكم اللّه إحدى الطائفتين أنها لكم

مقصود از فرمان خداوند به يادآورى قضاياى بدر، يادآورى حاكميت خداوند بر عوامل طبيعى است. زيرا نيروى برتر و غير قابل مقايسه مشركان نسبت به مسلمانان اقتضا مى كرد كه مشركان پيروز شوند ; ولى تقدير خداوند بر اين بود كه پيروزى از آن مسلمانان باشد ; و چنين شد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - انفال - ۸ - ۹ - ۸

۸ حضور هزار فرشته در جنگ بدر ، كه هر يك فرشته و يا فرشتگانى به دنبال خويش داشتند .

بألف من الملئكه مردفين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - انفال - ۸ - ۱۰ - ۱

۱ نقش ملائكه در جنگ بدر ، تنها بشارت به پيروزى و اطمينان دادن به مؤمنان بود ، و نه اقدامى عملى در قتل مشركان .

و ما جعله اللّه إلا بشرى و لتطمئن به قلوبكم

ضمير در <جعله> و <به> به امداد

که از <أنی ممدکم> استفاده می شود، برمی گردد و کلمه <بشری> مفعولٌ له برای <جعل> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۱ - ۱۹، ۱۸، ۱۴، ۱۳، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۲، ۱

۱ آرامش روحی مجاهدان پیش از جنگ بدر ، موجب فراگیری خوابی سبک بر تمامی آنان

إذ تستغیثون . .. إذ یغشیکم النعاس أمنه منه

<غشاوه> به معنای احاطه است و فعل <یغشیکم>، از باب تفعیل، دلالت بر کثرت احاطه دارد. می توان گفت نمود آن کثرت، فراگیری خواب بر تمامی افراد بوده است. کلمه <أمنه>، که به معنای نبودن ترس است، مفعولٌ له حصولی برای <یغشیکم> است. یعنی به علت اینکه آرامش یافتید، خواب شما را فراگرفت

۲ خداوند در آستانه جنگ بدر با رفع اضطراب از مجاهدان ، آنان را از آرامشی کامل بهره مند ساخت .

إذ یغشیکم النعاس أمنه منه

۵ استراحت و آرامش روحی مجاهدان و فراگیری خواب بر آنان در آستانه جنگ بدر ، نعمتی الهی بر ایشان و شایسته به یاد داشتن

إذ یغشیکم النعاس أمنه منه

۶ خداوند در آستانه جنگ بدر مسلمانان را از نعمت باران بهره مند ساخت .

و ینزل علیکم من السماء ماء

۷ فراهم شدن آب برای غسل و وضو و تطهیر نجاست ها و قذارت ها ، از اهداف نزول باران برای مجاهدان بدر

و ینزل علیکم من السماء ماء لیطهّرکم به

ذکر نشدن متعلق <یطهرکم> حکایت از عمومیت آن متعلق دارد (نجاستهای ظاهری و باطنی). یعنی خداوند باران را فرو فرستاد تا نجاستهای ظاهری را به وسیله آن برطرف سازید و آنان که جنب هستند غسل کنند و دیگران وضو بسازند.

۸ برخی

از مجاهدان بدر گرفتار پلیدی و نگرانیهایی از سوی شیطان بودند .

و یذهب عنکم رجز الشیطن

۹ فقدان آب برای تحصیل طهارت و برطرف کردن نجاست ها ، مایه وسوسه شیطان و ایجاد نگرانی در پیکارگران بدر

لیطهّرکم به و یذهب عنکم رجز الشیطن

نبودن لام در <یـذهب> بیانگر این است که <یـذهب . .. > مـترتب بر <لیطهرکم ... > است. و تناسب تطهیر با برطرف شـدن رجز شیطان اقتضـا می کنـد که مراد از رجز شیطان وسوسه هـایی باشـد که شیطان بر اثر نبودن آب برای طهـارت در مجاهدان ایجاد می کرده است.

۱۰ نزول باران در آستانه جنگ بـدر برای تطهیر مجاهـدان ، زمینه ساز برطرف شـدن نگرانی ها و وسوسه های ایجاد شـده از سوی شیطان

و ینزل علیکم . .. و یذهب عنکم رجز الشیطن

۱۳ تقویت دل های مجاهدان با مشاهده امداد های حسی ، از اهداف نزول باران در آستانه جنگ بدر

و ینزل علیکم . .. لیربط علی قلوبکم

<ربـط علی قلبه> یعنی دلهای آنان را اسـتحکام بخشید، و این کنایه از ایجاد شـهامت و شـجاعت است. گفتنی است تناسب نزول باران با استحکام دلها برای نبرد این است که مجاهدان در زمانی که نیاز فراوان به آب دارند با نزول باران، امداد الهی را لمس کرده و بدان یقین کنند.

۱۴ ریزش باران در آستانه جنگ بدر ، از عوامل مؤثر در پیروزی مسلمانان در آن جنگ

و ینزل علیکم . .. و یثبت به الأقدام

۱۸ استحکام اردوگاه مسلمانان و استواری گام های آنان بر شنزار محل اقامتشان ، از اهداف نزول باران در آستانه جنگ بدر

ینزل علیکم من السماء ماء

ليطهّركم . .. و يثبت به الأقدام

برداشت فوق بر اين اساس است كه مراد از <الاقـدام> گامهاى مجاهـدان باشد. بنابراين <و يثبت به الاقدام> يعنى هدف از نزول باران اين بود كه خداوند گامهاى شما را استوار سازد و از لغزش و فرو رفتن در شنزارها بازدارد.

۱۹ خداوند با تقويت دل هاى مجاهدان بدر آنان را براى رويارويى با مشركان ثابت قدم ساخت .

ليربط على قلوبكم و يثبت به الأقدام

<يثبت به الأقـدام> در عين اينكه بيانگر هـدفى از اهداف نزول باران است، نبودن <لام> در آن مى رساند كه اين هدف به دنبال <ليربط على قلوبكم> حاصل مى شود. بنابراين مى توان گفت ضـمير در <به> به استحكام قلوب، كه از <ليربط على قلوبكم> اسـتفاده مى شود، برمى گردد. قابـل ذكر است كه در برداشت فوق ثبات قـدم (يثبت به الأقـدام) به معناى كنايى آن (پايدارى و عزم راسخ) گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - انفال - ۸ - ۱۲ - ۱،۲،۳،۶،۸،۹

۱ خداوند با وحى به فرشتگان حاضر در كارزار بدر ، آنان را از پشتيبانى خويش در ثبات بخشيدن به مجاهدان آگاه ساخت .

إذ يوحى ربك إلى الملئكه أنى معكم فثبتوا الذين

۲ ايجاد پايدارى در مجاهدان ، فرمان خداوند به فرشتگان گسيل شده به جنگ بدر

إذ يوحى ربك إلى الملئكه أنى معكم فثبتوا الذين

۳ تنها پيامبر (ص) شاهد وحى الهى به فرشتگان مبتنى بر مأموريت آنان براى پشتيبانى مجاهدان بدر بود .

إذ يوحى ربك إلى الملئكه

چنانچه <إذ>، متعلق به <اذكر> باشد با توجه به اينكه مخاطب در آيه مورد بحث، به

خلاف آیات گذشته، شخص پیامبر(ص) است، می توان گفت تنها آن حضرت شاهد وحی خداوند به فرشتگان بوده است.

۶ رعب و وحشت کافران در جنگ بدر ، از عوامل شکست آنان در آن جنگ

سألقی فی قلوب الذین کفروا الرعب

۸ ملائکه مأمور در هم کوبیدن سر های کافران بدر و از کار انداختن پنجه های آنان بودند .

فاضربوا فوق الأعناق و اضربوا منهم کل بنان

<ال> در <الأعناق> جانشین مضاف إلیه (الکافرین) است و مراد از <فوق الأعناق> سرهای کافران است. بنابراین جمله <فاضربوا ... > یعنی سرهای کافران را مورد ضربات خویش قرار دهید. قابل ذکر است که مخاطب در این جمله، همان گونه که سیاق آیه بر آن دلالت دارد، فرشتگان هستند.

۹ خداوند ، مجاهدان بدر را به در هم کوبیدن سر های کافران و از کار انداختن پنجه های آنان ، تهییج کرد .

فاضربوا فوق الأعناق و اضربوا منهم کل بنان

برداشت فوق بر این اساس است که خطاب در جمله <فاضربوا . .. > متوجه مجاهدان باشد. جمله <و ما جعله اللّه إلا بشری> در آیه دهم، که مسؤولیت فرشتگان را تنها بشارت دهی اعلام کرد، می تواند مؤید این احتمال باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۷ - ۱

۱ امداد های الهی عامل اصلی و اساسی کشته شدن کافران در جنگ بدر و پیروزی اهل ایمان

فلم تقتلوهم و لکن اللّه قتلهم

جمله <فلم تقتلوهم . .. > متفرع بر آیاتی است که امدادهای الهی را در جنگ بدر برمی شمرد ; یعنی توجه به قضایای جنگ بدر و امدادهای الهی بیانگر

این است که در حقیقت خداوند مشرکان را کشت و آنان را شکست داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۹ - ۲،۶

۲ مشرکان قریش پیش از جنگ بدر با نیایش به درگاه خداوند ، خواهان پیروزی حامیان دین حق شدند .

إن تستفتحوا فقد جاءکم الفتح

جمله <إن تستفتحوا> اشاره دارد به دعای مشرکان پیش از جنگ بدر که آنان با پندار حقانیت خویش از خداوند خواستند تا حامیان دین حق را در این نبرد پیروز گرداند.

۶ کافران شکست خورده در جنگ بدر ، مورد تهدید خداوند به چشیدن دوباره طعم شکست در صورت بازگشت به جنگ

و إن تعودوا نعد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۶ - ۱۰

۱۰ امداد های ویژه الهی ، منشأ پیروزی مسلمانان در جنگ بدر *

و أیدکم بنصره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۲ - ۱،۳،۴،۵،۷،۸،۱۰

۱ سپاه اسلام و سپاه شرک در آستانه جنگ بدر ، هر کدام در سویی از دره واقع در منطقه بدر مستقر شدند .

إذ أنتم بالعدوه

<عُِدْوه> به معنای کناره و دامنه وادی است و وادی به زمینی که بین دو کوه و دو تپه قرار دارد گفته می شود و هر وادی دارای دو عدوه و کناره است. تکرار کلمه <عدوه> در آیه شریفه حکایت از آن دارد که سپاه اسلام در یک سوی دامنه و سپاه کفر در دامنه دیگر استقرار داشتند.

۳ مسلمانان در جنگ بدر در دامنه پست و کافران در دامنه بلند مستقر

شدند .

إذ أنتم بالعدوه الدنيا و هم بالعدوه القصوى

۴ موقعیت ضعیف مسلمانان در جنگ بدر نسبت به موقعیت کفار

إذ أنتم بالعدوه الدنيا و هم بالعدوه القصوى

می توان گفت هدف از بیان موقعیت مسلمانان و کفرپیشگان مکه در منطقه بدر یادآوری موقعیت بسیار ضعیف مسلمانان است. جلمه <لیهلک من هلک ... > مؤید این معنا می باشد. زیرا پیروزی آنگاه دلیل حقانیت مسلمانان می شد که شرایط ظاهری، تضمین کننده پیروزی کافران و شکست مسلمانان بود.

۵ قافله تجاری قریش به هنگام استقرار سپاهیان بدر ، در مسیری پایینتر از سپاه اسلام در حرکت بودند .

و الركب أسفل منكم

کلمه <رکب> جمع راکب و به معنای سواران است و مقصود از آن به گفته اهل تفسیر کاروان تجاری قریش است. تعبیر از کاروان تجاری به <سواران> می تواند اشاره به حرکت سریع آنان برای فرار از مسلمانان باشد.

۷ رویارویی دو سپاه بدر در زمانی مشخص ، حتی با برنامه ریزی طرفین ممکن نبود .

و لو تواعدتم لاختلفتم فی المیعد

کلمه <میعاد> می تواند اسم زمان به معنای زمان قرار، و می تواند اسم مکان به معنای جایگاه قرار باشد. و مراد از <تواعد> وعده مسلمانان با اهل مکه است ; یعنی <و لو تواعدتم أنتم و اهل مکه ... > که در برداشت به برنامه ریزی طرفین تعبیر شد.

۸ انتخاب محل استقرار سپاه کفر و ایمان در آستانه جنگ بدر ، حتی با توافق طرفین ممکن نبود .

و لو تواعدتم لاختلفتم فی المیعد

۱۰ وقوع جنگ بدر و پیروزی مسلمانان در آن نبرد ، امری از پیش رقم خورده و تعیین شده

و لكن ليقضى اللّه

أمرا كان مفعولا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - انفال - ۸ - ۴۳ - ۱،۳،۸

۱ پيامبر (ص) پيش از جنگ بدر سپاه دشمن را در رؤياهايى متعدد ، اندك ديد .

إذ يريكهم اللّه فى منامك قليلا

فعل مضارع <يُرى> دلالت بر تكرار رؤياى پيامبر(ص) در مورد اندك ديدن سپاه دشمن دارد.

۳ پيامبر (ص) رؤياى خويش (كمى نفرات دشمن در جنگ بدر) را براى مسلمانان بيان كرد .

إذ يريكهم اللّه فى منامك قليلا و لو أريكهم كثيرا لفشلتم

۸ پيامبر (ص) در صورتى كه كافران بدر را در رؤياى خويش لشكرى بزرگ مى ديد ، مسلمانان در تصميم بر نبرد سست شده و بر سر آن اختلاف مى كردند .

و لو أريكهم كثيرا لفشلتم و لتنزعتم فى الأمر

<فى الأمر> متعلق به <لتنزعتم> و نيز <فشلتم> است و <ال> در آن عهديه و اشاره به جنگ بدر است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - انفال - ۸ - ۴۴ - ۱،۳،۴،۵،۸

۱ خداوند به هنگام رويارويى و شروع جنگ بدر ، هر يك از دو سپاه ايمان و كفر را در نظر ديگرى اندك نمايان ساخت .

و إذ يريكموهم إذالتقيتم فى أعينكم قليلا

۳ تحقق جنگ بدر و پيروزى مسلمانان در آن نبرد ، امرى از پيش رقم خورده و تقدير شده

ليقضى اللّه أمرا كان مفعولا

<أمراً> به معناى كار است و مراد از آن تحقق جنگ بدر و پيروزى مسلمانان در آن نبرد مى باشد. فعل <كان> دلالت مى كند كه ثبوت خبر <مفعولا> براى اسمش (تحقق جنگ بدر)

از دیرباز تحقق پیدا کرده بود. و تحقق جنگ بدر از دیرباز، به قرینه <لیقضی>، به معنای تقدیر آن است. بنابراین <لیقضی اللّه ... > یعنی تا انجام پذیرد کاری که از پیش تقدیر شده بود.

۴ وقوع جنگ بدر با فرجام پیروزی مسلمانان در آن نبرد ، هدف از تصرف خداوند در دید هر یک از دو سپاه و کم نمایاندن هر یک در نظر دیگری

إذ یریکموهم إذالتقیتم فی أعینکم قلیلا . .. لیقضی اللّه أمرا کان مفعولا

۵ خداوند تحقق دهنده جنگ بدر و پیروزکننده مسلمانان در آن نبرد

لیقضی اللّه أمرا کان مفعولا

۸ کم نمایاندن هر یک از دو سپاه در جنگ بدر در نظر یکدیگر ، امری شایسته و بایسته به یاد داشتن

إذ یریکموهم إذالتقیتم فی أعینکم قلیلا و یقللکم فی أعینهم

برداشت فوق مبتنی بر این است که <إذا> مفعول برای فعل مقدر <اذکروا> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۷ - ۳

۳ اطمینان کفار مکه به پیروزی خویش هنگام خروج برای جنگ بدر

و لاتکونوا کالذین خرجوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۸ - ۱۹،۱۶،۱۴،۱۰،۸،۴

۴ شیطان با توصیف کافران بدر به شکست ناپذیران ، آنان را علیه مسلمانان تشجیع کرد .

و قال لا غالب لکم الیوم من الناس

۸ تجسم شیطان برای کافران مکه ، قبل از جنگ بدر

و إذ زین لهم الشیطن أعملهم

۱۰ شیطان به هنگام رویارویی دو لشکر کفر و ایمان از کارزار بدر عقب نشینی کرد .

فلما تراءت . .. نكص على عقبيه و قال إني بريء

منکم

<نکص> به معنای خودداری کردن است و چون با <علی> متعدی شده معنای رجوع در آن تضمین شده است. <عقب> به پاشنه پا گفته می شود ; یعنی شیطان از نبرد خودداری کرد و با چرخیدن بر پاشنه های پا عرصه را ترک گفت.

۱۴ شیطان در آستانه جنگ بدر ، فرشتگان امدادگر الهی را به روشنی مشاهده کرد .

إنی أری ما لاترون

به قرینه آیه ۹ و ۱۲ از همین سوره می توان گفت مراد از <ما لاترون> فرشتگانی بودند که برای امداد لشکر ایمان در کارزار بدر حاضر شدند.

۱۶ شیطان به دلیل ترس از گرفتار شدن به عذاب الهی با ضربه های سهمگین فرشتگان جنگ بدر از آن معرکه فرار کرد .

إنی أری ما لاترون إنی أخاف اللّه

مراد از خوف خدا (إنی أخاف اللّه) به دلیل <إنی اری ما لاترون> گرفتار شدن به چنگ فرشتگان حاضر در کارزار بدر است.

۱۹ شکست کافران جنگ بدر نمودی از عقوبت شدید خداوند برای آنان

و اللّه شدید العقاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۹ - ۱،۲

۱ جبهه ایمان در کارزار بدر ، متشکل از مؤمنان متکی بر خدا ، عناصری منافق و گروهی سست ایمان

إذ یقول المنفقون و الذین فی قلوبهم مرض . .. و من یتوکل علی اللّه

<مرض> به معنای بیماری است و مقصود از آن در اینجا به این دلیل که در مقابل نفاق قرار گرفته، تردید در حقانیت دین است که از آن می توان به ضعف ایمان تعبیر کرد. جمله <و من یتوکل علی اللّه> اشاره به گروه سوم، یعنی مؤمنان حقیقی

و راستین، دارد.

۲ حضور مؤمنان واقعی درکارزار بدر ، در مقابل دشـمنی به مراتب قویتر ، برخاسته از پایبندی آنان به اسلام ، حتی در دیدگاه منافقان و سست ایمانها

إذ یقول المنفقون . .. غر هؤلاء دینهم

<غر هؤلاء دینهم> که سخن منافقان و سست ایمانهاست، بیانگر این است که آنان نیز حضور مؤمنان در کارزار بدر برخاسته از اندیشه دینی ایشان می دانستند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۵۴ – ۶

۶ هلاکت کافران در جنگ بدر کیفری از سوی خداوند به سبب تکذیب آیات الهی و انکار رسالت پیامبر (ص)

کدأب ءال فرعون . .. فأهلکنهم بذنوبهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۱۶ – ۵

۵- جنگ بدر ، میدان انتقام الهی از مشرکان و ضربه ای سخت و شکننده بر جبهه شرک *

یوم نبطش البطشه الکبری إنّا منتقمون

طبق نظر مفسران، ممکن است این آیه نظر به جنگ بدر داشته باشد. این در صورتی است که عذاب ذکر شده در آیات پیشین را عذاب دنیوی بدانیم.

قصه غزوه بنی نضیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حشر – ۵۹ – ۵ – ۲

۲ – قطع بعضی از نخل ها و بر جای نهادن برخی دیگر در غزوه بنی نضیر از سوی مسلمانان ، به اجازه خداوند بود .

ما قطعتم من لینه أو ترکتموها قائمه علی أصولها فبإذن اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۶ - ۳

۳ - دستیابی مسلمانان به غنایم و

امکانات بنی نضیر ، بدون جنگ و درگیری

و ما أفاء اللّه علی رسوله منهم فما أوجفتم علیه من خیل و لا رکاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۲ - ۳

۳ - موضع مسلمانان در مقطع غزوه بنی نضیر ، موضعی برتر نسبت به یهود

لئن أُخرجتم . .. و إن قوتلتم ... لئن أُخرجوا ... و لئن قوتلوا

در این آیات، همواره از موضع آسیب پذیر یهود، سخن به میان آمده است; زیرا مسأله اخراج و جنگ نه از سوی ایشان بلکه علیه آنان یاد شده است. پس معلوم می شود که آنها در موضعی نبوده اند که بخواهند اقدام به جنگ کنند.

قصه غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۸ - ۴

۴ بروز نوعی سستی میان گروهی از مسلمانان صدر اسلام ، برای رفتن به جنگ تبوک

یأیها الذین ءامنوا ما لکم إذا قیل لکم انفروا . .. اثّاقلتم إلی الأرض

این بخش از آیات، چنانکه برخی از مفسران گفته اند، مربوط به جنگ تبوک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۲ - ۳،۸،۹

۳ پیمودن مسافت مدینه تا تبوک به دلیل دوری راه ، برای برخی افراد (منافقان) دشوار می نمود .

و لکن بعدت علیهم الشقه

<شقه> به معنای سختی و مشقت و کنایه از مسافت است; یعنی، به نظر آنان (منافقان)راه میان مدینه و تبوک راهی طولانی و پیمودن آن طاقت فرساست.

۸ إخبار خداوند از اقدام متخلفان جنگ تبوک به سوگند های دروغین برای استطاعت

نداشتن خود و موجه بودن تخلفشان

و سيحلفون باللّه لو استطعنا لخرجنا معكم

۹ إخبار خداوند به بازگشت موفقيت آميز مسلمانان از جنگ تبوک

و سيحلفون باللّه لو استطعنا لخرجنا معكم

برداشت فوق بر اين اساس است که آيه شريفه، قبل از رسيدن مسلمانان به سرزمين تبوک نازل شده باشد که در اين صورت، إخبار خداوند به عذرخواهى متخلفان، گوياى بازگشت موفقيت آميز مسلمانان است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۴۴ - ۲

۲ متخلفان از جنگ تبوک ، گروهى بى ايمان بودند .

عفا اللّه عنک لم أذنت لهم . .. لايستئذنک الذين يؤمنون باللّه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۴۶ - ۱،۲،۳،۴

۱ متخلفان از جنگ تبوک (منافقان) برخوردار از امکانات لازم براى شرکت در جنگ

و لو أرادوا الخروج لأعدوا له عده

۲ تصميم قطعى متخلفان جنگ تبوک بر ترک جهاد

و لو أرادوا الخروج لأعدوا له عده

۳ فراهم نکردن مقدمات جهاد ، دليل دروغگويى متخلفان جنگ تبوک و عزم قطعى آنان بر عدم شرکت در جنگ

و لو أرادوا الخروج لأعدوا له عده

۴ کراهت و ناخوشايندى خداوند ، از برانگيختن و موفق ساختن متخلفان از جنگ تبوک (منافقان) براى شرکت در آن

و لکن کره اللّه انبعاثهم فثبطهم و قيل اقعدوا مع القعدين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۷ - ۶،۸،۱۲،۱۴

۶ متخلفان جنگ تبوک در صورت شرکت در آن جنگ ، جز نفوذ در میان صفوف لشکر اسلام به منظور فتنه جویی ، نقشی دیگر

نداشتند .

لو خرجوا فیکم ما زادوکم إلا خبالا و لأوضعوا خللکم یبغونکم الفتنه

۸ منافقان ، دارای جاسوسانی در میان رزمندگان جنگ تبوک

و فیکم سمعون لهم

<سمّاع> می تواند کنایه از جاسوس باشد; یعنی، در میان شما کسانی هستند که به نفع منافقان خبرچینی می کنند.

۱۲ ماهیت فسادانگیز و فتنه جویانه متخلفان جنگ تبوک ، دلیل کراهت و ناخوشایندی خداوند از شرکت آنان در جنگ

و لکن کره اللّه انبعاثهم . .. لو خرجوا فیکم ما زادوکم إلا خبالا ... یبغونکم الفت

۱۴ دلداری خداوند به مؤمنان ، به منظور رفع نگرانی آنان ، به دنبال تخلف کردن گروهی از شرکت در جنگ تبوک

إنما یستئذنک الذین لایؤمنون . .. لو خرجوا فیکم ما زادوکم إلا خبالا ... و اللّه ع

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۴۸ – ۴

۴ ناتوانی متخلفان جنگ تبوک (منافقان) در به شکست کشانیدن جبهه اسلام

لقد ابتغوا الفتنه من قبل . .. حتی جاء الحق و ظهر أمر اللّه و هم کرهون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۴۹ – ۱

۱ اذن طلبی برخی منافقان برای نرفتن به جنگ تبوک ، به بهانه گرفتار شدن به فتنه و گناه

و منهم من یقول ائذن لی و لاتفتنی

در شأن نزول آیه آورده اند که: یکی از منافقان به پیامبر اکرم (ص) گفت: <یا رسول اللّه ائذن لی و لاتفتنی ببنات الأصغر فإنی أخاف أن أفتتن بهن>; یعنی، ای رسول خدا! به من اذن بده تا در جنگ شرکت نکنم . .. چون، می ترسم

مفتون دخترکان رومی گردم و به گناه بیفتم. (مجمع البیان، ذیل آیه)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۳ - ۱

۱ آمادگی برخی از متخلفان جنگ تبوک ، برای انفاق مال به جای رفتن به جهاد

قل أنفقوا طوعاً

در شأن نزول این آیه آورده اند که: فردی از منافقان پیشنهاد پرداخت پول به جای رفتن به جهاد را کرده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۱ - ۱،۲،۹،۱۰

۱ تخلف منافقان از شرکت در جنگ تبوک

فرح المخلفون بمقعدهم خلف رسول اللّه

این بخش از آیات مربوط به جنگ تبوک و تخلف منافقان از شرکت در آن است.

۲ خوشحالی و احساس موفقیت منافقان از شرکت نکردن در جنگ تبوک

فرح المخلفون بمقعدهم خلف رسول اللّه

۹ اخلالگری منافقان صدر اسلام ، در بسیج برای جنگ تبوک

لاتنفروا فی الحر

۱۰ وقوع جنگ تبوک در شدت گرما

لاتنفروا فی الحر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۳ - ۲،۱۴

۲ شرکت پیامبر (ص) در جنگ تبوک و خروج آن حضرت از مدینه همراه مجاهدان

فإن رجعک اللّه

۱۴ وقوع اولین تخلف منافقان از جهاد در جنگ تبوک *

رضیتم بالقعود أول مرّه

برداشت فوق مبتنی بر این احتمـال است که تخلف منافقان در جنگ تبوک، اولین تخلف آنان بوده و <أول مرّه> ناظر به این معنا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۸ - ۶

۶ جنگ تبوک ، از عوامل متمایز شدن صف مجاهدان و مؤمنان

راستین از صف منافقان

رضوا بأن یکونوا مع الخوالف . .. لکن الرسول ... جهدوا

<جاهدوا> (به صورت فعل ماضی) به عنوان گزارش از جنگی است که مسلمانان پشت سر گذاشته اند که مفسران آن را جنگ تبوک دانسته اند و خداوند، پس از این جنگ است که چهره منافقان را افشا می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۰ - ۲

۲ بسیج عمومی همه مسلمان ها برای شرکت در جنگ تبوک

و جاء المعذّرون من الأعراب

از آن جایی که حتی بادیه نشینان برای عذرخواهی نزد پیامبر(ص) آمدند، بسیج عمومی و وجوب جهاد بر همگان استفاده می شود. گفتنی است که این بخش از آیات چنانکه مفسران گفته اند درباره جنگ تبوک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۲ - ۴،۶

۴ محدودیت امکانات پیامبر (ص) در جنگ تبوک ، برای تأمین ساز و برگ رزمندگان داوطلب

قلت لا أجد ما أحملکم علیه

۶ محروم شدن برخی از رزمندگان داوطلب ، از شرکت در جنگ تبوک ، به خاطر نداشتن امکانات رزمی (مرکب و . . .) علی رغم اشتیاق شدید آنان به جهاد

تولوا و أعینهم تفیض من الدمع حزناً ألا یجدوا ما ینفقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۷ - ۶،۷

۶ نیرو های رزمی جنگ تبوک ، متشکل از مهاجر و انصار

المهجرین و الانصار الذین اتبعوه فی ساعه العسره

۷ تنگنا های جنگ تبوک ، مایه تزلزل قلب برخی از مسلمانان شده بود

.

فی ساعه العسره من بعد ما كاد یزیغ قلوب فریق منهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۸ - ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۱۲

۱ تخلف سه نفر از مسلمانان ، از حضور یافتن در جنگ تبوک

و علی الثلثه الذین خلّفوا

۲ شمول رحمت و غفران الهی ، نسبت به سه نفر از مسلمانان متخلف از جنگ تبوک

لقد تاب اللّه علی النبی . .. و علی الثلثه الذین خلّفوا

۳ تنگ شدن عرصه زندگی بر سه مسلمان متخلف از جنگ تبوک ، در اثر رو به رو شدن با پیامد های عمل خطایی که کرده بودند .

حتی اذا ضاقت علیهم الأرض بما رحبت

۴ تحریم ارتباط با متخلفان از جنگ تبوک و انزوای اجتماعی آنان از سوی مسلمانان

ضاقت علیهم الأرض بما رحبت

با توجه به شأن نزول که تنگ شدن زندگی بر متخلفان از جنگ تبوک را، ناشی از قطع رابطه مسلمانان با ایشان معرفی کرده است، مطلب فوق استفاده می شود.

۵ گرفتار شدن سه مسلمان متخلف از جنگ تبوک به عذاب وجدان

و ضاقت علیهم أنفسهم

۶ اذعان متخلفان از جنگ تبوک ، به ناگزیری خود از التجا به خداوند

و ظنوا أن لا ملجأ من اللّه إلا إلیه

۱۲ پذیرش توبه سه مسلمان متخلف جنگ تبوک ، از سوی خداوند

و علی الثلثه الذین خلّفوا . .. ثم تاب علیهم لیتوبوا إن اللّه هو التواب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۹ - ۱۰

۱۰ پیروان واقعی پیامبر اکرم (ص) در لحظات سخت جنگ تبوک ، از صادقان بودند .

الذین اتبعوه فی

ساعه العسره . .. و کونوا مع الصدقین

بـا توجه به ارتباط این آیه با آیات قبل که در زمینه ثبات قـدم برخی از مؤمنان در شدایـد جنگ تبوک و لغزش گروهی دیگر بود و خداوند متخلفان را در پی توبه شان بخشید اکنون به ایشان رهنمود می دهد که شـما نیز همانند مؤمنان، اسـتوار و تزلزل ناپذیر باشید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۰ - ۱۴

۱۴ حرکت مؤمنان به سوی جنگ تبوک ، برانگیزنده خشم کافران بود .

و لا یطئون موطئاً یغیظ الکفار

با توجه به اینکه این بخش از آیات در مورد جنگ تبوک است، برداشت فوق استفاده می شود.

قصه غزوه حنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۵ - ۲،۴،۶،۷،۱۰

۲ جنگ حنین از عرصه های به یاد ماندنی نصـرت خدا و دخالت نیرو های غیبی برای تقویت سـپاه اسـلام و شکسـتن مقاومت جبهه دشمن

لقد نصرکم اللّه فی مواطن کثیره و یوم حنین

بـا اینکه <مواطن کـثیره> شامـل جنـگ <حنین> نیز می شود، ذکر جـداگانه آن بویژه بـا تعبیر <یوم حنین> (روز حنین)، بیانگر برداشت فوق است.

۴ مسلمانان ، در جنگ حنین حضوری گسترده داشتند .

و یوم حنین إذ أعجبتکم کثرتکم

۶ کثرت نفرات مسلمانان در جنگ حنین ، کارساز نبود .

و یوم حنین إذ أعجبتکم کثرتکم فلم تغن عنکم شیئاً

۷ تنگ شدن عرصه بر مسلمانان در جنگ حنین ، علی رغم کثرت غرورآفرین آنان

إذ أعجبتکم کثرتکم . .. و ضاقت علیکم الأرض بما رحبت

۱۰ فرار مسلمانان در جنگ حنین پس

از قرار گرفتن در تنگنای نبرد ، علی رغم کثرت غرورآفرینشان

و ضاقت علیکم الأرض بما رحبت ثم ولیتم مدبرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۶ - ۱،۲،۴،۵،۸

۱ نزول آرامش روحی از جانب خداوند بر رسول اکرم (ص) و مؤمنان در جنگ حنین ، پس از فرار مسلمانان

ثم ولیتم مدبرین. ثم أنزل اللّه سکینته علی رسوله و علی المؤمنین

۲ نگرانی پیامبر (ص) در جنگ حنین از فرار مسلمانان و شکست جبهه اسلام

ثم ولیتم مدبرین. ثم أنزل اللّه سکینته علی رسوله

۴ نزول آرامش روحی از سوی خداوند بر مؤمنان در جنگ حنین و محرومیت منافقان از آن

ثم أنزل اللّه سکینته علی رسوله و علی المؤمنین

با توجه به اینکه در فراز قبل، مؤمنان به وسیله ضمیر <کم> مخاطب قرار گرفتند و در این آیه به جای آن ضمیر، کلمه <مؤمنین> آمده، می توان به برداشت فوق دست یافت.

۵ امداد الهی به مؤمنان در جنگ حنین به وسیله دسته هایی از نیرو های غیبی

و أنزل جنوداً لم تروها

۸ امداد های الهی ، عامل اصلی پیروزی مسلمانان در جنگ حنین

ثم ولیتم مدبرین. ثم أنزل اللّه سکینته ... و أنزل جنوداً لم تروها و عذّب الذین کف

قصه غزوه خندق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۶ - ۵

۵ - < عن أبی جعفر (ع) فی قوله < یقول أهلکت مالاً لبداً > قال : هو عمروبن عبدود حین عرض علیه علی بن أبی طالب (ع) الإسلام یوم الخندق و قال

: فأین ما أنفقت فیکم مالاً لبداً و کان أنفق مالاً فی الصدّ عن سبیل اللّه فقتله علی (ع) ;

امام باقر(ع) درباره سخن خداوند<یقول أهلکت مالاً لبداً> روایت شده که فرمود: گوینده این سخن عمرو بن عبدود بود، آن زمان که حضرت علی بن ابی طالب(ع) در روز [غزوه]خندق، اسلام را بر او عرضه کرد; وی گفت: کجا رفت آن اموال زیادی که در مورد شما خرج کردم؟ و او اموال [زیادی] را در راه جلوگیری از راه خدا صرف کرده بود پس حضرت علی(ع) او را کشت>.

قصه غزوه خیبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۲،۴،۶،۷،۹،۱۱

۲ - تمایل متخلّفان از سفر حدیبیه ، به شرکت در جنگ خیبر برای دستیابی به غنایم و یا پوشاندن گذشته خود

سیقول المخلّفون إذا انطلقتم إلی مغانم . .. ذرونا نتّبعکم

هدف متخلّفان از شرکت در جنگ خیبر، یا رسیدن به غنایم و یا توجیه گذشته تاریک خود بود. تعبیر <إلی مغانم>، بیانگر نکته اول و <یریدون أن یبدلّوا...> حاکی از نکته دوم است.

۴ - غنایم خیبر ، ارمغان الهی به مسلمانان ، در پی اقدام به سفر پر خطر حدیبیه *

سیقول المخلّفون إذا انطلقتم إلی مغانم لتأخذوها

سفر حدیبیه، در آغاز چنین می نمود که فرجامی بس مبهم و آمیخته با خطر دارد و مؤمنان واقعی با این همه بدان اقدام کردند و در پی آن خداوند نوید غنایم خیبر را به ایشان داد. با توجه به این مطالب، احتمال می رود که میان تن دادن به آن مشکلات و دست یابی به این غنایم ارتباطی

باشد.

۶ - متخلفان از سفر حدیبیه ، در صدد تغییر کلام خدا با شرکت در جنگ خیبر

ذرونا نتّبعکم یریدون أن یبدّلوا کلم اللّه

در برداشت های آتی، چگونگی و شیوه تصمیم متخلفان و احتمال هایی که در آیه وجود دارد، بیان شده است.

۷ - اعراب متخلّف از سفر حدیبیه ، درصدد توجیه تخلف گذشته خود با شرکت در جنگ خیبر *

ذرونا نتّبعکم یریدون أن یبدّلوا کلم اللّه

از آیات پیشین استفاده می شود که انگیزه اصلی متخلفان از حدیبیه، بی ایمانی بوده است; ولی آنان با اعلام آمادگی برای شرکت در جنگ خیبر، می خواستند خود راмؤمن جلوه داده و گذشته خود را توجیه کنند و سخن الهی را در مورد خود نفی نمایند.

۹ - فرمان خدا به پیامبر (ص) ، در رد پیشنهاد غایبان از حدیبیه ، برای شرکت در جنگ خیبر

ذرونا نتّبعکم . .. قل لن تتّبعونا کذلکم قال اللّه من قبل

<لن تتّبعونا> می تواند اخبار در مقام انشا باشد.

۱۱ - اخبار خداوند ، از محرومیت حتمی غایبان در حدیبیه از شرکت در جنگ خیبر

ذرونا نتّبعکم . .. قل لن تتّبعونا کذلکم قال اللّه من قبل

<لن تتّبعونا> ممکن است در مقام انشا نباشد; بلکه اخبار باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۶ - ۹

۹ - نبرد مسلمانان پس از جنگ خیبر ، با مشرکان بود و نه اهل کتاب . *

تقتلونهم أو یسلمون

در صورتی که <یسلمون> به معنای اسلام آوردن باشد; از محدود شدن فرجام دشمنان به کشته شدن یا اسلام آوردن، مطلب بالا استفاده می شود; زیرا در مورد اهل کتاب راه سومی

به عنوان تسلیم و پرداخت <جزیه> نیز مطرح است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۹ - ۵

۵ - تنها بیعت کنندگان با پیامبر (ص) در جریان حدیبیه ، برخوردار از غنایم خیبر *

إذ یبایعونک تحت الشجره . .. و مغانم کثیره یأخذونها

از این که <مغانم کثیره> به مؤمنان بیعت کننده نوید داده شده است ، مطلب بالا احتمال می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۰ - ۷،۹

۷ - امتنان الهی بر مؤمنان ، با رساندن ایشان به غنایم خیبر و کوتاه ساختن دست دشمنان از آنان

فعجّل لکم هذه و کفّ أیدی الناس عنکم

۹ - فتح خیبر ، نقطه عطفی در اقتدار اقتصادی ، سیاسی مسلمانان و بازماندن دشمنان از توطئه علیه ایشان

فعجّل لکم هذه و کفّ أیدی الناس عنکم

<هذه> اشاره به فتح و غنایم خیبر دارد و <کفّ. ..> مترتب بر آن می باشد; به تعبیر دیگر تقدم و تأخر در لفظ، دال بر تقدم و تأخر در معنا باشد.

قصه غزوه ذات السلاسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۱ - ۴

۴ - < عن أبی عبداللّه (ع) فی قوله < و العادیات ضبحاً . . . > قال : هذه السوره نزلت فی أهل وادی الیابس . . . فخرج علیّ (ع) و معه المهاجرون و الأنصار . . . ثمّ اغار علیهم بأصحابه . . . حتّی قتل مقاتلیهم و سبی ذراریهم و استباح أموالهم و خرّب دیارهم و

أقبل بالأساری و الأموال معه . . . و أنزل اللّه تبارک و تعالی فی ذلک الیوم هذه السوره < و العادیات ضبحاً > یعنی بالعادیات الخیل تعدوا بالرجال و الضبح صیحت ها فی اَعنّت ها و لُجُم ها ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خداوند <و العادیات ضبحاً> روایت شده که فرمود: این سوره درباره ساکنان سرزمین یابس (در غزوه ذات السلاسل) نازل شد که علی(ع) [برای جنگ با آنان] خارج شد و مهاجران و انصار همراه او بودند آن گاه شبانه با همراهانش بر آنان یورش برد تا آن که جنگجویانشان را کشت، فرزندانشان را اسیر گرفت، اموالشان را مباح قرار داد، خانه هایشان را خراب کرد و اسیران و اموال را همراه خود آورد و خداوند تبارک و تعالی در آن روز این سوره (و العادیات ضبحاً) را نازل کرد و مقصود از <عادیات> اسبانی هستند که به وسیله مردان سوارکار می تازند و <ضبح> شیهه آنها است در حالی که در افسارها و لگام ها قرار دارند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۵ - ۳

۳ - مجاهدان در غزوه < ذات السلاسل > با اسبان دونده ای که از ضربه سم آنها برق می جهید ، صبحگاهان بر دشمن تاختند و در میان غبار پای اسبان ، خود را به قلب دشمن رساندند .

و العدیت ضبحًا . فالموریت قدحًا . فالمغیرت صبحًا . فأثرن به نقعًا . فوسطن به

براساس بعضی از روایات، این آیات به غزوه <ذات السلاسل> نظر دارد.

قصه غنایم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال

- ۸ - ۲۶ - ۱۰

۱۰ امداد های ویژه الهی ، منشأ پیروزی مسلمانان در جنگ بدر *

و أیدکم بنصره

قصه فتح مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱ - ۱۳

۱۳ - اقدام حاطب ابن ابی بلتعه به ارتباط مخفیانه با مشرکان ، در آستانه آمادگی مسلمانان برای فتح مکه

لاتتّخذوا . .. إن کنتم خرجتم جهدًا فی سبیلی

با توجه به شأن نزول آیه، عبارت <إن کنتم خرجتم. ..> نظر به آمادگی مسلمانان برای فتح مکه دارد.

قصه فدک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۶ - ۱۵

۱۵- < عن أبی الحسن موسی (ع) : . . . ان الله تبارک و تعالی لمّا فتح علی نبیه (ص) فدک . . . فأنزل الله علی نبیه (ص) < و ءات ذاالقربی حقّه > فلم یدر رسول الله (ص) من هم . . . فأوحی الله إلیه أن ادفع فدک إلی فاطمه (ع) . . . ;

از ابی الحسن موسی بن جعفر(ع) روایت شده است:. .. آنگاه که خداوند تبارک و تعالی فدک را برای پیامبرش فتح کرد ... پس بر او این آیه را نازل فرمود: <و ءات ذاالقربی حقّه>. پس رسول خدا(ص) ندانست نزدیکان چه کسانی اند ... پس خداوند به او وحی کرد که فدک را به حضرت فاطمه(س) بدهد ...>.

قصه فرزندان آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۷ - ۱،۷،۹،۱۱،۳۰

۱ داستان قربانی

پسران حضرت آدم (ع) (هابیل و قابیل) ، داستانی پرفایده ، عبرت آموز و شایان ذکر

و اتل علیهم نبأ ابنی ءادم بالحق

آگاه نبودن قابیل از کیفیت دفن جسد هابیل، بیانگر این است که آنها از اولین انسانها بوده اند. بنابراین مراد از <آدم>، آدم ابوالبشر(ع) است و بنا به گفته مفسران، مقصود از فرزندان او، هابیل و قابیل هستند. گفتنی است که <نبأ> به خبری گفته می شود که دارای فایده بسیار باشد.

۷ داستان قربانی فرزندان آدم ، به گونه ای که در قرآن بیان شده ، گزارشی واقعی و به دور از هرگونه باطل

و اتل علیهم نبأ ابنی ءادم بالحق

در برداشت فوق <بالحق> متعلق به <اتل> گرفته شده است.

۹ تنها قربانی یکی از دو فرزند آدم ، مقبول درگاه خداوند قرار گرفت .

فتقبل من احدهما و لم یتقبل من الاخر

۱۱ هر یک از فرزندان آدم ، آگاه به پذیرش و یا رد قربانی خود و برادر خویش

قال لاقتلنک قال انما یتقبل اللّه من المتقین

جمله <انما یتقبل اللّه> و نیز تصمیم قابیل برای کشتن هابیل می رساند هر یک از آن دو متوجه پذیرش و رد قربانی خویش شدند. بسیاری از مفسران برآنند که قربانی هابیل با آتشی از غیب بسوخت. و سوختن قربانی نشانه پذیرش آن بوده است.

۳۰ فربه ترین گوسفند هابیل ، قربانی قبول شده وی به درگاه خدا و دسته ای از خوشه های گندم یا مانند آن ، قربانی قبول نشده قابیل

و اتل علیهم نبأ ابنی ءادم بالحق اذ قربا قرباناً

از امام سجاد(ع) درباره قربانی نمودن فرزندان آدم(ع) روایت شده: . .. قرب

احدهما اسمن کبش کان فی صیانته و قرب الاخر ضغثا من سنبل فتقبل من صاحب الکبش و هو هابیل و لم یتقبل من الاخر ... .

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۶۵; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۵۹، ح ۴.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۹ - ۲

۲ تأکید هابیل بر پیشدستی نکردن در قتل برادر ، در عین حفظ حق دفاع از خویش در برابر تهاجم وی

انی ارید ان تبوا باثمی

چنانچه مراد از <اثمی>، گناهی باشد که از کشته شدن احتمالی قابیل به دست هابیل صورت گیرد، معلوم می شود هابیل خاطر نشان ساخته است که من اگرچه قصد کشتن تو را ندارم ولی از خود دفاع می کنم، هر چند به کشتن ناخواسته تو بینجامد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۰ - ۵

۵ قابیل ، برادرش هابیل را پس از جریان قربانی به قتل رسانید .

اذ قربا قرباناً . .. فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۱ - ۱،۲،۵،۶،۲۴،۲۵

۱ خداوند کلاغی را برای آموزش دفن هابیل به سوی قابیل گسیل داشت .

فبعث اللّه غراباً . .. لیریه کیف یوری سوءه اخیه

۲ کلاغ با کاوش در زمین و پنهان سازی چیزی در آن ، قابیل را به کیفیت دفن جثه هابیل رهنمون ساخت .

فبعث اللّه غراباً یبحث فی الارض لیریه کیف یوری سوءه اخیه

۵ کلاغ گسیل داده شده برای تعلیم قابیل ، آگاه به تحیر و سرگردانی وی

برای دفن هابیل

فبعث اللّه غراباً یبحث فی الارض لیریه کیف یوری سوءه اخیه

در برداشت فوق ضمیر فاعلی در <لیریه> به <غراب> برگردانده شده است. یعنی کلاغ به انگیزه نشان دادن چگونگی دفن به قابیل در زمین کاوش می کرد و چیزی را در آن نهان می ساخت.

۶ فاصله زمانی اندک میان مرگ هابیل و گسیل کلاغی برای آموزش قابیل

فقتله . .. فبعث اللّه غراباً

عطف <بعث> بر <قتله> به وسیله <فاء>، بیانگر برداشت فوق است.

۲۴ قابیل ، پشیمان از قتل برادرش هابیل *

فاصبح من الندمین

بنابر اینکه <فاصبح . ..> متفرع باشد بر <فقتله> که در آیه قبل آمده است.

۲۵ قابیل ، پس از آگاهی به شیوه خاکسپاری ، ناتوان از دسترسی به جسد برادرش هابیل *

قال یویلتی اعجزت ان اکون مثل هذا الغراب . ..

تفریع ندامت قابیل بر ناتوانیش بر دفن برادر، می رساند که وی پس از آگاهی بر کیفیت دفن، دیگر نمی توانسته است جثه او را به خاک بسپارد. بنابراین جثه برادر را پس از کشتن سر به نیست کرده بود. ماضی آوردن فعل <اعجزت> این معنا را تأیید می کند.

قصه فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۳ - ۱۱،۱۰،۸،۵

۵ موسی (ع) پیامبری از جانب خداوند برای ارشاد و هدایت فرعون زمان خویش و بزرگان دربار وی

إلی فرعون و ملإیه

کلمه <فرعون> عنوان و لقب پادشاهان و حاکمان بزرگ مصر در عصرهای گذشته بوده است.

۸ فرعون و بزرگان دربار او ، آیات و معجزات ارائه شده از سوی موسی را تکذیب کردند .

بئايتنا إلى فرعون و ملإيه

فظلموا بها

ضمیر در <بها> به <آیاتنا> برمی گردد و چون <ظلم> به حرف باء متعدی شده (ظلموا بها) متضمن معنای تکذیب است.

۱۰ فرعون و بزرگان دربارش به عاقبتی شوم گرفتار شدند .

فانظر کیف کان عقبه المفسدین

۱۱ فرعون و بزرگان دربارش ، مردمی فسادانگیز بودند .

إلی فرعون و ملإیه . .. فانظر کیف کان عقبه المفسدین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۷۹ – ۴

۴ فرعون ، برای مبارزه با موسی و هارون (ع) به سحر و جادو متوسل شد .

و قال فرعون ائتونی بکل سحر علیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۸۰ – ۱

۱ مأموران حکومت ، پس از دستور فرعون ، تمام ساحران چیره دست و ماهر را از اطراف و اکناف کشور فراخوانده و در پایتخت گرد آوردند .

و قال فرعون ائتونی بکل سحر علیم. فلما جاء السحره

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۹۱ – ۸

۸ از امام صادق (ع) روایت شده است که فرمود : < . . . قال [جبرئیل] یا محمد لما أغرق اللّه فرعون < قال آمنت أنه لا اله إلا الذی آمنت به بنواسرائیل و أنا من المسلمین > فأخذت حمأه فوضعت ها فی فیه ثم قلت له : < آلئن و قد عصیت قبل و کنت من المفسدین > و عملت ذلک من غیر أمر اللّه خفت أن تلحقه الرحمه من اللّه عز و جل و یعذبنی اللّه علی ما

فعلت فلما کان الآن و أمرنی اللّه عزّ و جل أن اؤدی إلیک ما قلته أنا لفرعون امنت و علمت أن ذلک کان للّه تعالی رضاً . . . ;

. .. جبرئیل گفت: ای محمـد! هنگامی که خدا فرعون را غرق کرد، فرعون گفت: ایمان آوردم که خدایی نیست به جز خدایی که بنی اسـرائیل به او ایمـان دارنـد و من از تسـلیم شـدگانم. پس من قطعه ای از لجن برداشـتم و در دهان او گذاشـتم و گفتم اکنون؟! در حالی که قبلا عصیان کردی و از مفسدان بودی. و این کار را بدون فرمان خدا انجام دادم ; ترسیدم رحمت خدا به او برسـد و خـدا مرا برای این کار عذاب کند. پس چون این لحظه فرارسـید و خداوند فرمان داد آنچه را من به فرعون گفتم به شما برسانم، ایمن شدم و دانستم که آن کار مورد رضای خدا بوده است>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۲ - ۱۲،۱۳

۱۲ از امام رضا (ع) روایت شـده است : < . . . و قـد کان فرعون من قرنه إلی قـدمه فی الحدیـد قد لبسه علی بدنه فلما أغرق ألقـاه اللّه تعـالی علی نجوه من الأـرض ببـدنه لیکون لمن بعـده علاـمه فیرونه مع تثقله بالحدیـد علی مرتفع من الأـرض و سبیل الثقیل أن یرسب و لا یرتفع فکان ذلک آیه و علامه . . . ;

. .. فرعون سر تا پا غرق در لباس آهنین بود. پس هنگامی که در آب غرق شد، خدا بدن او را بر بلندی ساحل افکند تا برای

انسانهای بعد از او نشانه [عبرت]باشد و او را با همه سنگینی آهنی که بر بدن داشته بر بلندی زمین ببینند با اینکه جسم سنگین باید زیر آب رود نه اینکه بر بلندی قرار گیرد پس این دلیل و نشانه [قدرت خدا] بود ... >.

۱۳ از امام باقر (ع) روایت شده است : < . . . و أما فرعون فنبذه اللّه وحده فألقاه بالساحل لینظروا إلیه و لیعرفوه . . . و لئلا یشک أحد فی هلاکه و انهم کانوا اتخذوه رباً فأراهم اللّه إیاه جیفه ملقاه بالساحل لیکون لمن خلفه عبره و عظه . . . ;

. .. اما فرعون را خداوند تنها [از جمع غرق شدگان]به ساحل افکند تا او را ببینند و بشناسند ... و هیچ کس در هلاکت او شک نکند و در حالی که گروهی او راپروردگار خود قرار داده بودند، خدا او را به صورت مرداری گندیده افکنده بر ساحل نشان داد تا برای انسانهای بعد از او پند و عبرت باشد ... >.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۱۰۳ – ۳،۴

۳– روی آوردن فرعون به اعمال قهرآمیز علیه موسی (ع) در پی ناتوانی از رودررویی منطقی و فرهنگی با او

و لقد ءاتینا موسی تسع ءایت بیّنت . .. فقال له فرعون إنی لأظنّک یموسی مسحورًا

۴– غرق شدن فرعون و تمامی همراهانش به اراده خداوند ، در پی تصمیم ظالمانه وی علیه موسی (ع) و بنی اسرائیل

فأراد . .. فأغرقنه و من معه جمیعًا

جلد – نام سوره – سوره –

آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۴۰ – ۵

۵ – دربار فرعون در نگه داری ، پرستاری و تغذیه موسی (ع) دچار مشکل شد .

هل أدلّكم على من يكفله

<هل أدلّكم> گویای آن است که دربار فرعون در طلب دایه و سرپرستی برای موسی(ع) بوده است. قبول پیشنهاد خواهر موسی، این نکته را می رساند که هیچ یک از درباریان از عهده کار برنیامده بود و آنان برای نگه داری و تغذیه موسی درمانده شده بودند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۳ – ۴،۵

۴ – مردم عصر بعثت ، اطلاعاتی مخدوش و نادرست از داستان موسی و فرعون داشتند .

نتلوا عليك من نبإِ موسى و فرعون بالحقّ

قید <بالحقّ> نشان می دهد که آنچه در میان مردم عصر پیامبر(ص) از ماجرای موسی(ع) و فرعون مطرح بود، با واقعیت انطباق نداشت.

۵ – سوره < قصص > دربردارنده تنها گوشه ای از داستان موسی و فرعون

نتلوا عليك من نبإِ موسى و فرعون

به کارگیری <من> تبعیضیه در <من نبإ> بیانگر آن است که آنچه در سوره <قصص> مطرح شده; تنها بخشی از سرگذشت موسی(ع) و فرعون است و نه همه آن.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۲۶ – ۱۳

۱۳ – تظاهر به خیرخواهی و صلاح اندیشی ، برای دین و دنیای مردم از سوی فرعون

إنّى أخاف أن يبدّل دينكم أو أن يظهر فى الأرض الفساد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۲۹ – ۱۳،۱۴،۱۵

۱۳ – فرعون ، سخن مؤمن آل

فرعون را قطع کرده ، به دفاع از تصمیم خود مبنی بر کشتن موسی (ع) پرداخت .

أتقتلون رجلًا . .. فمن ینصرنا من بأس اللّه إن جاءنا قال فرعون ما أریکم إلاّ ما أ

۱۴ - نصیحت ها و هشدار های مؤمن آل فرعون ، نسبت به قتل موسی (ع) ، در فرعون بی تأثیر بود .

أتقتلون رجلًا . .. قال فرعون ما أریکم إلاّ ما أری

۱۵ - فرعون ، خود را فردی خیرخواه و پایبند به اندیشه ها و عقاید خویش و نیز به دور از دورویی معرفی کرد .

قال فرعون ما أریکم إلاّ ماأری

برداشت یاد شده از آن جااست که فرعون با گفتن <ما أریکم إلاّ ما أری> (من جز آنچه را که تشخیص می دهم به شما ارائه نمی دهم)، می خواست خویشتن را فردی صادق، خیرخواه و پایبند به اندیشه ها و نظرات خود، جلوه دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۰ - ۱

۱ - مؤمن آل فرعون به رغم قطع شدن سخنانش به وسیله فرعون به گفتار هشداردهنده خود ادامه داد و فرعونیان را از پیامد هلاکت بار قتل موسی (ع) آگاه ساخت .

یقوم لکم الملك . .. قال فرعون ما أریکم إلاّ ما أری ... و قال الذی ءامن یقوم إن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۵ - ۱۵

۱۵ - تلاش گسترده مؤمن آل فرعون در جهت انصراف فرعون از قتل موسی (ع) ، مؤثر واقع شد .

و قال رجل مؤمن من

ءال فرعون . .. أتقتلون رجلًا ... كذلك يطبع اللّه على كلّ قلب م

برداشت بالا ـ به خاطر این نکته است که فرعون، در آغاز برخورد با موسی(ع) برکشتن او مصمم گشته، این مطلب را به همه اطرافیانش اعلام کرده بود (قال فرعون ما أریکم إلاّ ما أری)؛ ولی پس از سخنان مؤمن آل فرعون، به جای کشتن وی دستور داد برجی بسازند تا او نسبت به درستی ادعای آن حضرت به تحقیق بپردازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۶ - ۱،۲

۱ - فرمان فرعون به هامان ، مبنی بر ساختن بنایی بلند برای رسیدن به راه های آسمان ها

و قال فرعون یهمن ابن لی صرحًا لعلّی أبلغ الأسبب

<صرح> به معنای قصر و بنای بلند است. مقصود از آن در این آیه، بنای بلند (مانند برج) و یا رصدخانه است.

۲ - فرمان فرعون به هامان ، مبنی بر احداث رصدخانه

و قال فرعون یهمن ابن لی صرحًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۷ - ۳،۵،۶،۸،۱۳،۱۴،۱۵،۱۶

۳ - فرعون ، مدعی شد که به منظور اطلاع یافتن از خدای موسی (ع) در آسمان ها ، فرمان ساختن بنای بلند و رصدخانه را صادر کرده است .

أسبب السموت فأطّلع إلی إله موسی

۵ - دستور ساختن بنای مرتفع و رصدخانه برای اطلاع پیدا کردن از خدای موسی (ع) ، نیرنگ و ترفند فرعون برای اثبات دروغ گویی موسی (ع) درادعای وجود خدای یکتا در جهان

أسبب السموت فأطّلع إلی إله موسی

در این که مقصود اصلی فرعون از ساختن

بنای مرتفع چه بوده، میان مفسران چند دیدگاه وجود دارد: از جمله این که فرعون با ساختن بنای مرتفع، درصدد نبود که به راه های آسمان دست یابد; زیرا کوه های مرتفعی وجود داشت که از برج ها و بنای احداثی او بلندتر بود. از این رو مقصود اصلی او این بود که برای مردم اثبات کند که راه یافتن به آسمان، امری ناممکن است. بنابر این ادعای موسی(ع) به این که در جهان خدایی هست که با او ارتباط دارد، دروغ و باطل می باشد. گفتنی است ذیل آیه که در آن از بی اثر بودن توطئه فرعون سخن به میان آمده مؤید همین برداشت است.

۶ - موسی (ع) ، متهم به فردی دروغ گو و دین ساز از سوی فرعون

و إنّی لأظنّه کذبًا

۸ - ساختن بنای بلند و رصدخانه ، به منظور اطلاع یافتن از خدای موسی (ع) ، رفتار زشتی بود که فرعون آن را زیبا و آراسته می یافت .

ابن لی صرحًا . .. فأطّلع إلی إله موسی ... و کذلک زیّن لفرعون سوء عمله

۱۳ - زیبا جلوه گر شدن رفتار زشت فرعون در دیدگان خود او ، سبب انحراف وی از راه اصلی هدایت و سعادت (ارائه شده از سوی موسی (ع)) گشت .

کذلک زیّن لفرعون سوء عمله و صدّ عن السبیل

جمله <و صُدّ عن السبیل> به منزله نتیجه برای جمله پیش است; یعنی، رفتار زشت فرعون در دیدگان او زیبا جلوه کرد و همین سبب شد که او راه اصلی هدایت را پیدا نکند.

۱۴ - توطئه ها و نیرنگ

های فرعون علیه موسی (ع) ، سرانجام به زیان و نابودی او انجامید .

و ما کید فرعون إلاّ فی تباب

<تباب> به معنای خسارت و هلاکت است.

۱۵ - کار ساز نبودن مکر و حیله فرعون در ساختن بنای بلند ، به بهانه اطلاع یافتن از خدای موسی (ع) و اثبات دروغ گو بودن او

یهمن ابن لی صرحًا. .. فأطّلع إلی إله موسی... و ما کید فرعون إلاّ فی تباب

برداشت یاد شده به این خاطر است که از مصادیق اصلی <کید فرعون> ساختن بنای بلند می باشد.

۱۶ - عقب نشینی تاکتیکی فرعون در مقابل موسی (ع) و دست برداشتن از قتل او به طور موقت ، پس از هشدار های مؤمن آل فرعون

و قال فرعون ذرونی أقتل موسی. .. و قال فرعون یهمن ابن لی صرحًا... و ما کید فرع

مطلب یاد شده با توجه به این نکته است که فرعون، در آغاز مبارزه با موسی(ع) طرح قتل او را داده بود؛ ولی پس از هشدارها و تبلیغات مؤمن آل فرعون احداث بنای مرتفع برای جست و جو از خدای موسی(ع) را مطرح ساخت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۹ - ۲

۲ - فرعون ، مانع توجه و گرایشِ نیرو های تحت امر خویش ، به پیام و رسالت موسی (ع)

فتولّی برکنه

در صورتی که <باء> برای تعدیه و <رکن> کنایه از نیروهای حکومتی باشد، معنای آیه چنین می شود: <فجعل رکنه متولّین>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱۷ - ۲

۲ - حرکت

به سوی فرعون و باز داشتن او از طغیان گری ، فرمان خداوند به موسی (ع) در وادی طوی

اذهب إلی فرعون إنّه طغی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲۰ - ۱

$۱ - موسی (ع) در پی گفت و گو با فرعون و اظهار آمادگی برای ارشاد و هدایت او ، بزرگ ترین معجزه خویش را به وی ارائه کرد .

فأریه الأیه الکبری

- موسی(ع) در پی گفت و گو با فرعون و اظهار آمادگی برای ارشاد و هدایت او، بزرگ ترین معجزه خویش را به وی ارائه کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲۱ - ۱،۴

$۱ - فرعون ، نشانه رسالت موسی (ع) و معجزه بودن آن را نپذیرفت و بی درنگ آن را تکذیب کرد .

فکذّب

حرف <فاء> برای تعقیب بدون فاصله است و می رساند که فرعون، پیش از هر گونه تأمل و درنگ، به تکذیب و عصیان پرداخت. متعلق تکذیب به قرینه <الآیه الکبری> در آیه قبل معجزه موسی(ع) است. از اقدام فرعون به آوردن مثل معجزه موسی(ع)، که آیات بعد بر آن دلالت دارد دانسته می شود که فرعون، معجزه بودن آن و دلالتش بر صداقت موسی(ع) را تکذیب کرده است.

$۴ - فرعون ، از پذیرش رهنمود های موسی (ع) سرپیچی کرد .

و عصی

متعلق <عصی> به قرینه <أهدیک> رهنمودهای موسی(ع) بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲۲ - ۳،۴،۵

۳ - رسالت موسی (

ع) ، خطری جدی برای فرعون و تحریک کننده او به مقابله ای پی گیر در برابر آن

ثمّ أدبر یسعی

۴ - فرعون ، گفتوگوی مستقیم خود با موسی (ع) و تکذیب و مخالفت با او را در سرکوب آن حضرت کارساز نمی دید .

ثمّ أدبر

<ادبار>; یعنی، پشت کردن و حاکی از نومیدی فرعون از نتیجه گفتوگوی مستقیم با موسی(ع) است.

۵ - فرعون با مشاهده معجزه موسی (ع) ، وحشت زده از آن روی برتافت و شتابزده گریزان شد . *

ثمّ أدبر یسعی

<إدبار> فرعون، در یک احتمال به معنای فرار او از ترس معجزه موسی(ع) است که در شکل مار عظیم ظاهر شده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲۳ - ۱،۲

۱ - فرعون برای مبارزه با موسی (ع) ، مردم را در اجتماعی گردآورد و با آنان در این زمینه سخن گفت .

فحشر فنادی

<حشر>، به معنای جمع کردن همراه با سوق دادن است (مصباح).

۲ - فرعون ، در جمع کسانی که برای استماع سخن او گردآمده بودند ، با صدایی بلند سخن گفت .

فنادی

<ندا>، به معنای بلند کردن صدا و آشکار ساختن آن است. (مفردات راغب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲۴ - ۳،۴

۳ - فرعون ، در حضور مردم و با صـدای بلنـد ، خود را برترین تصـمیم گیرنده درباره اداره زندگانی و تدبیر امور آنان معرفی کرد .

فنادی . فقال أنا ربّکم الأعلی

فرعون براساس دیگر آیات قرآن هم خود را <اله> می خواند و

هم برای خود <الهی> غیر خدا مدعی بود. بنابراین برگزیدن تعبیر <ربّ اعلی> درباره خود، برای تصریح به این نکته است که در رشد و تربیت مردم نیز، تصمیم اصلی را او می گیرد.

۴ – فرعون ، بر تمام امور زندگانی مردم مصر مسلّط بود .

أنا ربّكم الأعلی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نازعات – ۷۹ – ۲۶ – ۸

۸ – سرنوشت فرعون ، نشانگر حاکمیت خداوند بر حوادث تاریخ

فأخذه اللّه . .. إنّ فی ذلک لعبره لمن یخشی

عبرت بودن فرجام فرعون برای آیندگان، مستلزم مقهور بودن همه امور در برابر اراده خداوند است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – فجر – ۸۹ – ۱۰ – ۷

۷ – وجود اهرام مصر در عصر فرعون *

و فرعون ذی الأوتاد

گفته شده است: <اوتاد فرعون>، همان اهرام ثلاثه مصر است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – فجر – ۸۹ – ۱۱ – ۱

۱ – فرعون و قوم عاد و ثمود ، در ممالک و سرزمین ها ، به طغیان گری پرداخته ، در گناه فرورفتند .

الذین طغوا فی البلد

طغیان، از حد گذراندن گناه است (مقاییس اللغه) و هر چیز که از مقدار خود فراتر رود، طغیان کرده است (العین). حرف <ال> در <البلاد>، برای استغراق عرفی است و مراد تمام سرزمین هایی است که برای اقوام یاد شده، دسترسی به آن امکان پذیر بوده است و می توان گفت: اصل آن <بلادهم> بوده و حرف <ال>، جانشین ضمیر <هم> است و مراد سرزمین

هایی است که در قلمرو آنان بوده است.

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۲ - ۱

۱ - فرعون و قوم عاد و ثمود ، در ممالک و مناطق خود ، به فساد و ناهنجاری ها دامن زده ، و آن را گسترش می دادند .

فأكثروا فيها الفساد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۳ - ۱

۱ - خداوند ، با فرود آوردن عذابی سخت بر فرعون و قوم عاد و ثمود ، شلاق عقوبت خویش را پیاپی بر آنان نواخت .

فصبّ علیهم ربّک سوط عذاب

<صبّ>، به معنای ریختن چیزی و <سوط> به معنای آمیختن چیزی با چیز دیگر است و به شلاق از آن جهت <سوط> گفته می شود که با پوست می آمیزد (مقاییس اللغه). <ریختن شلاق عذاب>، کنایه از عذاب پیاپی و شدید است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۴ - ۷

۷ - نواختن شلاق عذاب بر عاد ، ثمود و فرعون ، نمونه ای از کمین گذاری خداوند برای مخالفان پیامبران است .

فصبّ علیهم ربّک . .. إنّ ربّک لبالمرصاد

قصه قابیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۷ - ۲،۴،۶،۱۲،۱۳،۱۴،۱۵،۱۹،۲۱،۳۱

۲ هر یک از هابیل و قابیل هدیه ای را به رسم تقرب به پیشگاه خداوند تقدیم کردند .

اذ قربا قرباناً

<قربان> هر عمل نیکی است که با آن تقرب به خداوند قصد شود. (مجمع البیان)

۴ پیامبر (ص) موظف به نقل صحیح داستان قربانی هابیل و قابیل برای اهل کتاب

و اتل علیهم نبأ ابنی ءادم بالحق

با توجه

به آیات پیشین که درباره اهل کتاب بود، معلوم می شود که مراد از ضمیر در <علیهم>، اهل کتاب هستند.

۶ ماجرای قربانی هابیل و قابیل ، ماجرایی واقعی ، نه افسانه و سمبلیک

و اتل علیهم نبأ ابنی ءادم بالحق

در برداشت فوق <بالحق> توصیف <نبأ> گرفته شده است. یعنی داستان فرزندان آدم، داستانی واقعی است.

۱۲ تصمیم قطعی قابیل بر کشتن برادرش هابیل پس از جریان قربانی

قال لاقتلنک

لام و نون تأکید نشانه تصمیم قطعی قابیل بر قتل است.

۱۳ قابیل ، برادرش هابیل را به قتل تهدید کرد .

قال لاقتلنک

۱۴ پذیرش قربانی هابیل و رد شدن قربانی قابیل ، عامل انگیزش قابیل به قتل برادرش هابیل

فتقبل من احدهما و لم یتقبل من الاخر قال لاقتلنک

۱۵ رد قربانی قابیل و پذیرش قربانی برادرش هابیل ، برانگیزنده احساس حسادت در وی نسبت به هابیل *

قال لاقتلنک

به نظر می رسد که پس از پذیرفته شدن قربانی هابیل، انگیزه ای برای تصمیم قابیل جز حسادت در کار نبوده و گویا روشنی این مسأله، موجب آن شده که در کلام به آن پرداخته نشود. برداشت فوق را فرمایش منقول از امام صادق(ع) تأیید می کند که فرمود: ... فقبل اللّه قربان هابیل فحسده قابیل فقتله ... .

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۱۲، ح ۸۳; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۱۰، ح ۱۲۵.

۱۹ هابیل پذیرفته نشدن قربانی برادرش قابیل را معلول بی تقوایی او دانست .

و لم یتقبل من الاخر قال لاقتلنک قال انما یتقبل اللّه من المتقین

۲۱ مشروط بودن پذیرش اعمال نیک به تقوا ، پاسخ هابیل به اعتراض قابیل بر پذیرفته نشدن قربانی او

قال انما يتقبل

اللّه من المتقين

۳۱ فرمان حضرت آدم (ع) به هابیل و قابیل برای قربانی کردن به درگاه خدا

اذ قربا قرباناً

از امـام بـاقر(ع) روایت شـده: . .. ان آدم امر هابیـل و قابیـل ان یقربـا قربانـاً ... و هـو قول اللّه عزوجـل: <و اتـل علیهم نبـأ ابنی ءادم...>.

کافی، ج ۸، ص ۱۱۳، ح ۹۲; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۵۸، ح ۱.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۸ - ۱

۱ تأکید هابیل بر دست نیازیدن به قتل برادر ، حتی در صورت اقدام قابیل برای کشتن او

لئن بسطت إلی یدک لتقتلنی ما إنّا بباسط یدی إلیک لاقتلک

لام قسم در <لئن> و نیز <باء> زایده در <بباسط>، دلالت بر تأکید دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۹ - ۳

۳ قابیل در دیدگاه و سخن هابیل ، در صورت اقدام به تهاجم ، مسؤول تمامی پیامد های سوء عملکرد هر کدام

انی ارید ان تبوا باثمی و اثمک

مراد از <اثمی>، به قرینه <اثمک>، گناهانی است که بر اثر درگیری آن دو به وجود می آید. زیرا به شهادت مقام، مراد از گناه قابیل، همان برادرکشی و مقـدمات آن است. بنابراین مقصود هابیل این است که من تهاجمی را علیه تو آغاز نمی کنم و هرگز قصد کشـتن تو را نخواهم کرد تا در درگیری احتمالی، تو مهاجم باشـی و آغازگر و در نتیجه اگر تو تلف شدی و یامن کشته شدم در هر صورت گناه به گردن تو افتد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۴ – مائده – ۵ – ۳۰ – ۱،۲،۳،۴،۵،۱۰،۱۳،۱۶،۱۹،۲۱

۱ درگیری و کشمکش درونی قابیل با هوای نفس خویش در مورد قتل هابیل

فطوعت له نفسه قتل اخیه

۲ وسوسه های نفسانی قابیل ، کشتن برادر را بر او هموار ساخت .

فطوعت له نفسه

<طوعت> از مصدر <تطویع> به معنای <تسهیل> و نیز <متابعت> است. برداشت فوق بر اساس معنای اول است.

۳ وسوسه های نفسانی قابیل ، وادار کننده وی به کشتن هابیل

فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله

۴ قابیل ، فریفته وسوسه های نفس خویش

فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله

۵ قابیل ، برادرش هابیل را پس از جریان قربانی به قتل رسانید .

اذ قربا قرباناً . .. فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله

۱۰ بی اعتنایی قابیل به هشدار ها و اندرز های برادرش هابیل

انی اخاف اللّه رب العلمین انی ارید . .. فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله

۱۳ زیانکاری قابیل ، پیامد کشتن برادرش هابیل

فقتله فاصبح من الخسرین

۱۶ نفس قابیل ، دام خواسته وی و پذیرای تصمیم او بر قتل برادرش هابیل

فطوعت له نفسه قتل اخیه

<طوعت> می توانـد به معنای <تابعت> باشـد، یعنی نفس قابیل در قتل برادرش هابیل پیرو او گردید. بر اساس این احتمال،

قابیل نفس خو را فریب داده و آن را رام خود ساخته بود، نه اینکه فریفته وسوسه های خویش شده باشد.

۱۹ قابیل ، کیفیت قتل برادرش هابیل را از ابلیس آموخت

فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله

از امام سجاد(ع) روایت شده که بعد از خواندن آیه فوق فرمود: فلم یدر کیف یقتله حتی جاء ابلیس فعلمه . .. .

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۶۵; نورالثقلین،

ج ۱، ص ۶۱۶، ح ۱۴۰.

۲۱ قابیل ، به تحریک ابلیس برای آنکه نسلی از هابیل نماند تا بخاطر قبولی قربانی پدرشان برنسل قابیل افتخار کنند ، برادرش را کشت .

فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله

از امام باقر(ع) روایت شده که پس از قرائت آیه فوق فرمود: . .. ثم ان ابلیس ... فقال له: یا قابیل قد تقبل قربان هابیل و لم یتقبل قربانک و انک ان ترکته یکون له عقب یفتخرون علی عقبک و یقولون نحن ابناء الذی تقبل قربانه فاقتله کیلا یکون له عقب یفتخرون علی عقبک فقتله ... .

کافی، ج ۸، ص ۱۱۳، ح ۹۲; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۵۸.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۱ - ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۱۶،۲۰،۲۱،۲۲،۲۳،۲۴،۲۵،۲۸

۱ خداوند کلاغی را برای آموزش دفن هابیل به سوی قابیل گسیل داشت .

فبعث اللّه غراباً . .. لیریه کیف یوری سوءه اخیه

۲ کلاغ با کاوش در زمین و پنهان سازی چیزی در آن ، قابیل را به کیفیت دفن جثه هابیل رهنمون ساخت .

فبعث اللّه غراباً یبحث فی الارض لیریه کیف یوری سوءه اخیه

۳ قابیل ، ناآگاه از کیفیت دفن و پنهان سازی جثه هابیل

لیریه کیف یوری سوءه اخیه

۴ قابیل ، سرگردان و متحیر در برابر جسد بی جان برادرش هابیل

فبعث اللّه غراباً . .. لیریه کیف یوری سوءه اخیه

برداشت فوق را فرمایش منقول از امام صادق(ع) تأیید می کند که فرمود: قتل قابیل هابیل و ترکه بالعراء لایدری ما یصنع به . . ..

مجمع البيان، ج ۳، ص ۲۸۶; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۱۰، ح

۵ کلاغ گسیل داده شده برای تعلیم قابیل ، آگاه به تحیر و سرگردانی وی برای دفن هابیل

فبعث اللّه غراباً یبحث فی الارض لیریه کیف یوری سوءه اخیه

در برداشت فوق ضمیر فاعلی در <لیریه> به <غراب> برگردانده شده است. یعنی کلاغ به انگیزه نشان دادن چگونگی دفن به قابیل در زمین کاوش می کرد و چیزی را در آن نهان می ساخت.

۶ فاصله زمانی اندک میان مرگ هابیل و گسیل کلاغی برای آموزش قابیل

فقتله . .. فبعث اللّه غراباً

عطف <بعث> بر <قتله> به وسیله <فاء>، بیانگر برداشت فوق است.

۱۶ قابیل ، برخوردار از امداد خداوند برای دفن جسد برادرش هابیل

فبعث اللّه غراباً یبحث فی الارض لیریه

برداشت فوق بر این مبناست که روانه ساختن کلاغ و تعلیم قابیل برای رفع سرگردانی وی صورت گرفته باشد.

۲۰ تأسف قابیل بر نادانی خویش و ناتوانی از برابری با حیوانی همچون کلاغ

قال یویلتی اعجزت ان اکون مثل هذا الغراب

۲۱ قابیل ، ملامتگر خویش ، به سبب ناتوانی از کیفیت پنهان ساختن جسد هابیل

قال یویلتی اعجزت ان اکون مثل هذا الغراب

۲۲ پیکر بیجان هابیل ، ناخوشایند برای قابیل

کیف یوری سوءه اخیه . .. فاوری سوءه اخی

از آن جهت جسد هابیل <سوءه> (شیء ناخوشایند) نامیده شده که مشاهده آن برای قابیل ناخوشایند بوده است.

۲۳ پشیمانی قابیل از تقصیر خویش در مورد خاکسپاری برادرش هابیل

اعجزت ان اکون . .. فاصبح من الندمین

ظاهر این است که جمله <فاصبح . ..> متفرع بر جمله <اعجزت> باشد. بنابراین پشیمانی قابیل برخاسته از دفن نکردن جثه برادر خواهد بود.

۲۴ قابیل ، پشیمان از قتل برادرش هابیل *

فاصبح من الندمین

بنابر

اینکه <فاصبح . ..> متفرع باشد بر <فقتله> که در آیه قبل آمده است.

۲۵ قابیل ، پس از آگاهی به شیوه خاکسپاری ، ناتوان از دسترسی به جسد برادرش هابیل *

قال یویلتی اعجزت ان اکون مثل هذا الغراب . ..

تفریع ندامت قابیل بر ناتوانیش بر دفن برادر، می رساند که وی پس از آگاهی بر کیفیت دفن، دیگر نمی توانسته است جثه او را به خاک بسپارد. بنابراین جثه برادر را پس از کشتن سر به نیست کرده بود. ماضی آوردن فعل <اعجزت> این معنا را تأیید می کند.

۲۸ حفر زمین و دفن کلاغ کشته شده توسط کلاغ دیگر پس از زد و خورد میان آنها ، راهنمای قابیل در پنهان ساختن جسد برادرش به همان شیوه

فبعث اللّه غراباً یبحث فی الارض لیریه کیف یوری سوءه اخیه

از امام سجاد(ع) روایت شده: . .. فجاء غرابان فاقبلا یتضاربان حتی قتل احدهما صاحبه ثم حفر الذی بقی الارض بمخالبه و دفن فیها صاحبه ... .

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۶۶; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۵۹، ح ۴.

قصه قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۶ - ۴

۴ - قارون ، اندوخته های بسیاری داشت .

و ءاتینه من الکنوز ما إنّ مفاتحه لتنوأُ بالعصبه أُولی القوّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۱ - ۱،۵،۶،۸،۹

۱ - اقدام خداوند به از میان برداشتن قارون و فرو بردن وی و خانه اش در درون زمین

فخسفنا به و بداره الأرض

۵ - حضور نداشتن مردم به هنگام واقعه فرورفتن خانه

قارون در دل زمین

فما کان له من فئه ینصرونه

چنان که از آیه بعد استفاده می شود واقعه <فرو رفتن قارون> هنگام شب رخ داد; یعنی، زمانی که مردم در خانه هایشان آرمیده بودند. بنابراین در آن لحظه کسانی نبودند که بتوانند به یاری قارون بشتابند و قارون در اوج بی کسی در کام زمین فرو رفت. جمله <ما کان له من فئه...> بیانگر این معنا است.

۶ - تنهایی قارون (نبودن خدمه وی) در لحظه فرو رفتن وی با خانه اش در کام زمین

فما کان له من فئه ینصرونه

۸ - تلاش بی ثمر قارون ، برای نجات جان خویش از فرو رفتن در زمین

و ما کان من المنتصرین

مقصود این است که قارون در لحظه فرو رفتن نه کسی را داشت که به او کمک کند و نه خودش می توانست جان خویش را نجات دهد.

۹ - خواری ، ذلت ، عجز و ناتوانی سخت قارون به هنگام فرورفتن در کام زمین

فما کان له من فئه ینصرونه من دون اللّه و ما کان من المنتصرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۲ - ۱،۳،۴،۶،۱۲،۱۶

۱ - اطلاع یافتن مردم از فرو رفتن قارون با خانه اش در کام زمین در بامداد آن شب

و أصبح الذین تمنّوا مکانه بالأمس

۳ - اقدام خداوند به نابود ساختن قارون ، در شب همان روز که خود را با تجمل ویژه اش بر مردم نمایانده بود .

فخرج علی قومه فی زینته . .. فخسفنا به ... و أصبح الذین تمنّوا مکانه بالأمس

قید <بالأمس> (دیروز) در این آیه، بیانگر مطلب یاد شده است.

۴ -

آرزوکنندگان ثروت قارونی ، با مشاهده فرورفتن وی و خانه اش در زمین شگفت زده شدند .

و أصبح الذين تمنّوا مكانه بالأمس يقولون ويكأنّ

واژه <وَیْ> وقتی به کار می رود که شخص بخواهد شگفتی خود را از موضوعی بیان کند.

۶ - فرورفتن شبانه قارون با خانه اش در کام زمین ، رخدادی سخت تکان دهنده ، بیدارگر و درس آموز برای کسانی که روز پیش آرزوی ثروتی چونان ثروت وی را داشتند .

و أصبح الذين تمنّوا مكانه بالأمس يقولون ويكأنّ اللّه يبسط الرزق لمن يشاء من عباد

کلمه <مکانه>، منصوب به نزع خافض و صفت برای اسم محذوف <مکاناً> است; یعنی، <الذین تمنّوا مکاناً مثل مکانه; آنان که دیروز منزلتی هم چون منزلت قارون را آرزو کرده بودند. ..>.

۱۲ - آگاهی دل باختگان دنیا به عاقبت شوم دنیاطلبی ، پس از مشاهده نگون بختی قارون

لولا أن منّ اللّه علينا لخسف بنا

۱۶ - ناسپاسی در برابر نعمت های الهی ، عامل هلاکت قارون و فرورفتن با خانه اش در کام زمین

فخسفنا به و بداره الأرض . .. ويكأنّه لايفلح الكفرون

قصه قتل در بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۲۷،۳۰،۳۲

۲۷ - بنی اسرائیل ، پیامبران بسیاری را به قتل رساندند .

و يقتلون النبيين بغير الحق

۳۰ - بنی اسرائیل ، به خاطر کفرشان به آیات الهی و کشتن پیامبران ، مورد غضب خداوند قرار گرفتند .

ذلك بأنهم كانوا يكفرون بأيت اللّه و يقتلون النبيين

۳۲ - عصیان و تجاوز گری بنی اسرائیل ، ریشه گرایش آنان به کفر و جرئتشان بر کشتن پیامبران بود .

يكفرون بأيت اللّه

. .. ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون

مشارالیه <ذلک> در <ذلک بما عصوا> کفر به آیات خدا و کشتن پیامبران است. قابل ذکر است که برخی از مفسران، ذلک در <ذلک بما عصوا> را اشاره به <ذلت و ...> دانسته اند و در نتیجه عصیان و تجاوز را نیز علت <ذلت و ...> شمرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۲ - ۱

۱ - شخصی از قوم موسی به قتل رسید و هر طایفه ، دیگری را متهم به کشتن او کرده بر سر آن به نزاع پرداختند .

و إذ قتلتم نفساً فادرءتم فیها

<ادارءتم> به معنای اختلاف و نزاع کردید، می باشد. این کلمه از باب تفاعل و در اصل <تدارءتم> بوده است. نزاع و اختلاف در مقتول (ادارءتم فیها) به معنای متهم کردن یکدیگر به قتل، و بر سر آن نزاع کردن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۳ - ۱۱

۱۱ - داستان کشته شدن فردی از قوم موسی و احیای دوباره او ، معجزه و رخدادی سزاوار به خاطر سپردن و به یادداشتن

و إذ قتلتم نفساً . .. فقلنا اضربوه ببعضها کذلک یحی اللّه الموتی

<إذ> مفعول برای فعل مقدر <اذکروا> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۱،۳

۱ - بنی اسرائیل عصر بعثت ، علی رغم اعترافشان به پیمان الهی (پرهیز از خونریزی) ، همدیگر را می کشتند .

ثم اقررتم . .. ثم أنتم هؤلاء تقتلون أنفسکم

کلمه <هؤلاء> در جمله <ثم أنتم

هؤلاء> (شما همانانی هستید) اشاره به این معنا دارد که: آنچه را آیه مورد بحث می خواهد بیان کند مربوط به بنی اسرائیل عصر بعثت است و خطابهای آیه نظیر خطابهای گذشته نیست که صفت گذشتگان را با عنایتی به موجودین نسبت می داد.

۳ - بنی اسرائیل در کشتن و آواره کردن گروهی از همکیشان خود ، یکدیگر را یاری و پشتیبانی کردند .

تظهرون علیهم

<تظاهر> (مصدر تظاهرون) به معنای یاری و پشتیبانی کردن یکدیگر است. <تظاهرون علیکم>; یعنی، طایفه ای از شما طایفه دیگر را علیه گروهی از خودتان یاری می داد.

قصه قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۱ - ۳

۳ قرآن حاوی فرازهایی از سرگذشت امت های نوح ، هود ، صالح ، لوط و شعیب (ع)

تلك القری نقص علیك من أنبائها

حرف <من> در <من أنبائها> برای تبعیض است و می رساند که خداوند بخشی از داستانهای امتهای پیشین را برای پیامبر گزارش کرده است. قابل ذکر است که از مصادیق مورد نظر برای مشارالیه <تلك القری>، به قرینه آیات گذشته، امت نوح و ... است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۹ - ۷

۷ - صورت گرفتن نوعی مبادله و تفاهم ، میان قوم ثمود و کشنده ناقه صالح ، قبل از اجرای توطئه *

فتعاطی فعقر

با توجه به این که واژه <فتعاطی> در ساختار باب تفاعل بیانگر نوعی داد و ستد متقابل است; احتمال می رود که قبل از کشتن ناقه میان قوم ثمود و کشنده ناقه، قرار دادی

خاص صورت گرفته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۵ - ۱

۱ - قوم ثمود ، به وسیله صاعقه کوبنده و سرکش به هلاکت رسیدند .

فأمّا ثمود فأُهلكوا بالطاغيه

<طاغیه> در اصل، به معنای سرکش و متجاوز از حد و مرز است; ولی مقصود از آن در آیه شریفه برابر نظر مفسران صاعقه است. البته در آیه ۱۳ سوره <فصلت> بدان تصریح شده است.

قصه قوم شعیب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۱ - ۳

۳ قرآن حاوی فرازهایی از سرگذشت امت های نوح ، هود ، صالح ، لوط و شعیب (ع)

تلك القرى نقص عليك من أنبائها

حرف <من> در <من أنبائها> برای تبعیض است و می رساند که خداوند بخشی از داستانهای امتهای پیشین را برای پیامبر گزارش کرده است. قابل ذکر است که از مصادیق مورد نظر برای مشارالیه <تلك القرى>، به قرینه آیات گذشته، امت نوح و ... است.

قصه قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۱ - ۳

۳ قرآن حاوی فرازهایی از سرگذشت امت های نوح ، هود ، صالح ، لوط و شعیب (ع)

تلك القرى نقص عليك من أنبائها

حرف <من> در <من أنبائها> برای تبعیض است و می رساند که خداوند بخشی از داستانهای امتهای پیشین را برای پیامبر

گزارش کرده است. قابـل ذکر است که از مصادیق مورد نظر برای مشارالیه <تلک القری>، به قرینه آیات گذشـته، امت نوح و ... است.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۱ - ۱

۱ - سرگذشت قوم عاد ، دلیلی بر حقانیت عذاب ها و هشدار های خداوند

فکیف کان عذابی

خداونـد، پس از بیان نابودی قوم عاد، با پرسشـی انسان ها را به این حقیقت متوجه ساخته است که: <ببیند چگونه عذاب ها و انذارهای الهی تحقق پذیرفت و عملی گردید>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۶ - ۱

۱ - قوم عاد ، به وسیله بادی سرکش ، بسیار سرد و توفنده به هلاکت رسیدند .

و أمّا عاد فأُهلکوا بریح صرصر عاتیه

<صرصـر>; یعنی، صـدای شدیـد و یـا [هوای] سـرد شدیـد; به گونه ای که بسوزانـد. <عُتُوّ> (مصـدر <عاتیه>) به معنای استکبار و تجاوز از حد است. (قاموس المحیط)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۷ - ۱،۴

۱ - خداوند ، بادی سرد و توفنده را هفت شب و هشت روز پی درپی ، بر قوم عاد مسلّط کرد .

بریح صرصر عاتیه . سخّرها علیهم سبع لیال و ثمنیه أیّام حسومًا

<حسوم> به معنـای شوم و یـا تـداوم در عمـل است (قـاموس المحیط). در این آیه هر دو معنا، می توانـد مراد باشـد; زیرا در سوره های دیگر (فصلت و قمر) به این دو معنا اشاره شده است.

۴ - اجساد بی جان قوم عاد بر اثر نزول عـذاب ، متلاشـی و نابود نگردیـد ; بلکه به گونه ای که برای بیننـدگان قابل شـناسایی باشد ، بر زمین به جای ماند .

فتری القوم فیها صرعی کأنّهم أعجاز نخل خاویه

مطلب یاد شده، از

تشبیه بدن های قوم عاد به تنه های افتاده درختان خرما، استفاده می شود.

قصه قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۱ - ۳

۳ قرآن حاوی فرازهایی از سرگذشت امت های نوح ، هود ، صالح ، لوط و شعیب (ع)

تلک القری نقص علیک من أنبائها

حرف <من> در <من أنبائها> برای تبعیض است و می رساند که خداوند بخشی از داستانهای امتهای پیشین را برای پیامبر گزارش کرده است. قابل ذکر است که از مصادیق مورد نظر برای مشارالیه <تلک القری>، به قرینه آیات گذشته، امت نوح و ... است.

قصه قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۹ - ۹

۹ قوم نوح ، مردمانی مشرک بودند .

ما لکم من إله غیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۱ - ۳

۳ قرآن حاوی فرازهایی از سرگذشت امت های نوح ، هود ، صالح ، لوط و شعیب (ع)

تلک القری نقص علیک من أنبائها

حرف <من> در <من أنبائها> برای تبعیض است و می رساند که خداوند بخشی از داستانهای امتهای پیشین را برای پیامبر گزارش کرده است. قابل ذکر است که از مصادیق مورد نظر برای مشارالیه <تلک القری>، به قرینه آیات گذشته، امت نوح و ... است.

قصه قوم یونس

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۹۸ – ۶،۷،۱۰

۶ قوم یونس ، پیامبر خویش را در آغاز تکذیب کرده و از ایمان

آوردن به دعوت های او سرباز زدند .

إلا قوم یونس لما ءامنوا کشفنا عنهم عذاب

۷ قوم یونس بر اثر تکذیب پیامبر خود و سرباز زدن از ایمان به دعوت های او ، در معرض عذاب استیصال قرار گرفتند .

إلا قوم یونس لما ءامنوا کشفنا عنهم عذاب الخزی فی الحیوه الدنیا

۱۰ خداوند ، توبه و ایمان قوم یونس را پذیرفت و عذاب استیصال را از آنان برداشت .

إلا قوم یونس لما ءامنوا کشفنا عنهم عذاب الخزی فی الحیوه الدنیا

قصه گاو بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۷ - ۲۵

۲۵ - از امام صادق (ع) روایت شده که فرموده اند : < ان رجلا من خیار بنی اسرائیل و علمائهم خطب إمراه منهم فانعمت له و خطب ها ابن عمّ لذلک الرجل و کان فاسقاً ردیاً فلم ینعموا له فحسد ابن عمّه الذی انعموا له فقعد له فقتله غیله ثم حمله إلی موسی فقال یا نبی اللّه هذا إبن عمّی قد قتل قال موسی من قتله قال لاادری . . . فعظم ذلک علی موسی فاجتمع إلیه بنو اسرائیل فقالوا ماتری یا نبی اللّه . . . قال لهم موسی < ان اللّه یأمرکم ان تذبحوا بقره > . . . ;

مردی از علما و برگزیدگان بنی اسرائیل از قوم خود زنی را خواستگاری کرد و او پذیرفت; و همان زن را پسر عموی آن عالم - که مردی فاسق و پست بود - خواستگاری کرد و آنان به او جواب رد دادند و این پسر عموی فاسق به آن عالم حسد

برد و در کمین او نشست و غافلگیرانه او را کشت و جنازه او را به سوی موسی(ع) برده و گفت: ای پیامبر خدا! این پسر عموی من است که او را کشته اند. موسی(ع) فرمود: چه کسی او را کشته است؟ گفت: نمی دانم ... این واقعه بر موسی(ع) گران آمد و بنی اسرائیل در اطراف موسی(ع) جمع شدند و گفتند نظر و حکم شما ای پیامبر خدا چیست؟ ... موسی(ع) فرمود: خداوند به شما امر می کند که گاوی را ذبح کنید ...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۰ - ۹

۹ - از رسول خدا (ص) روایت شده که : < أنهم أمروا بأدنی بقره و لکنهم لما شدوا علی أنفسهم شدد اللّه علیهم و ایّم اللّه لو لم یستثنوا ما بینت لهم ، إلی آخر الأبد . . . ;

بنی اسرائیل مأمور به ذبح کم ارزش ترین گاو بودند; لکن چون بر خویشتن سخت گرفتند خداوند نیز بر آنان سخت گرفت و سوگند به خدا اگر آنان <إن شاء اللّه> نمی گفتند هرگز علامتهای گاوی که می بایست ذبح نمایند برای آنان بیان نمی شد . ..>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۱ - ۱۱،۱۲،۱۳

۱۱ - امام صادق (ع) فرموده اند : < . . . و کان فی بنی اسرائیل رجل له بقره و کان له ابن بارّ و کان عند ابنه سلعه فجاء قوم یطلبون سلعته و کان مفتاح بیته تحت رأس أبیه و کان نائماً . .

. فلما انتبه أبوه قال له یا بنی ما صنعت فی سلعتک قال هی قائمه لم ابع ها لان المفتاح کان تحت رأسک فکرهت ان انّبهک و انغّص علیک نومک قال له ابوه قد جعلت هذه البقره عوضاً عما فاتک من ربح سلعتک و شکر اللّه لابنه ما فعل بابیه و امر بنی اسرائیل أن یذبحوا تلک البقره . . . قال لهم موسی ان اللّه یأمرکم أن تذبحوا بقره . . . هی بقره فلان فذهبوا لیشتروا فقال : لاابیع ها الا بملء جلد ها ذهباً فرجعوا إلی موسی فأخبروه فقال لهم موسی لابد لکم من ذبح ها بعین ها بملء جلد ها ذهباً فذبحو ها . . . ;

. .. در بین بنی اسرائیل مردی بود که گاوی داشت و این مرد را پسر نیکوکاری بود و نزد این پسر کالایی بود که عده ای برای خرید آن آمدند و کلید خانه اش زیر سر پدرش بود و او نیز در خواب بود ... پدر چون از خواب بیدار شد پرسید که با کالای خود چه کردی؟ پسر گفت: کالا در جای خود باقی است و آن را نفروختم; چون کلید زیر سر شما بود و دوست نداشتم که شما را بیدار کرده و خواب را برایتان ناگوار نمایم. پدر به او گفت: این گاو را در مقابل سودی که از دست دادی به تو بخشیدم. و خدا خوشرفتاری این پسر را با پدر خویش پاس داشت و به بنی اسرائیل دستور داد آن گاو را ذبح کنند ... موسی به آنان گفت: خداوند به شما دستور داده که گاوی را بکشید ...

این همان گاو شخص نیکوکار بود. پس برای خرید آن رفتند و آن شخص گفت: گاو خود را نمی فروشم مگر اینکه پوست آن را پر از طلا نمایید. پس بنی اسرائیل به سوی موسی(ع) آمدند و آن حضرت به آنان گفت: باید همین گاو را بکشید و لو اینکه پوست آن را پر از طلا نمایید و بنی اسرائیل ناچار به ذبح آن گاو شدند ...>.

۱۲ از امام رضا (ع) روایت شده که فرمود : < . . . ان الذین أمروا قوم موسی بعباده العجل ، کانوا خمسه أنفس ، و کانوا أهل بیت یأکلون علی خوان واحد . . . و هم الذین ذبحوا البقره التی أمر اللّه عز و جل بذبح ها ;

. .. کسانی که قوم موسی (ع) را به پرستش گوساله دعوت کردند، پنج نفر بودند که همگی از یک خانواده و سر یک سفره می نشستند ... و آنان همان کسانی بودند که مأمور گشته بودند گاوی را که خداوند عز و جل دستور داده بود زبح کنند>.

۱۳ یونس بن یعقوب می گوید : < قلت لابی عبداللّه (ع) : ان أهل مکه یذبحون البقره فی اللبب فما تری فی أکل لحومها ؟ قال : فسکت هنیهه ثم قال : قال اللّه : < فذبحو ها و ما کادوا یفعلون لاتأکل الا ما ذبحوا من مذبحه ;

به امام صادق(ع) عرض کردم: اهل مکه گاو را (مثل شتر) می کشند (نحر می کنند) پس گوشت آن چه حکمی دارد؟ امام لحظه ای ساکت شد، سپس فرمود: خداوند فرموده: آن گاو را ذبح نمودند

و نزدیک بود آن مأموریت را انجام ندهند. بنابراین هیچ گوشتی را نخور مگر اینکه از راه (شرعی) خودش ذبح شده باشد.>

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۷۳ – ۱۷

۱۷ – بزنطی از امام رضا (ع) روایت نموده که : < ان رجلا من بنی اسرائیل قتل قرابه له . . . فقالوا لموسی (ع) ان سبط آل فلان قتلوا فلاناً فاخبرنا من قتله ؟ قال ایتونی ببقره . . . فاشترو ها و جاؤا بها فأمر بذبح ها ثم أمر ان یضرب المیت بذنب ها فلما فعلوا ذلک حیی المقتول و قال یا رسول اللّه ابن عمّی قتلنی دون من یدعی علیه قتلی فعلموا بذلک قاتله . . . ;

شخصی از بنی اسرائیل یکی از نزدیکان خود را کشت . .. بنی اسرائیل به موسی گفتند: فلان قبیله، فلانی را کشته است و تو قاتل را معرفی کن. موسی (ع) فرمود: گاوی را نزد من آورید ... آنان گاو را خریده و نزد موسی(ع) بردند و موسی امر به ذبح آن کرد. سپس امر نمود که دم آن گاو را به مقتول بزنند و چون این کار را کردند آن مرده زنده شد و گفت ای پیامبر خدا! پسر عمویم مرا کشته است نه آن کس که او را متهم به کشتن من کرده اند، پس با این عمل قاتل را شناسایی نمودند ...>.

قصه لقمان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۱۲ – ۱۷،۱۹

۱۷ – < عن إبن عمر قال : سمعت

رسول اللّه (ص) یقول : حقّاً أقول : لم یکن لقمان نبیّاً و لکن کان عبداً کثیر التفکر حسن الیقین أحبّ اللّه فأحبّه و مَنّ علیه بالحکمه . کان نائماً نصف النهار إذ جاءه نداء یا لقمان ! هل لک أن یجعلک اللّه خلیفه فی الأرض تحکم بین الناس بالحقّ فأجاب الصوت إن خیّرنی ربّی قبلت العافیه و لم أقبل البلاء و إن عزم علیّ فسمعاً و طاعه . . . فأعطی الحکمه ;

عبداللّه بن عمر می گوید: از رسول خدا(ص) شنیدم که می گفت: <به حق می گویم: لقمان، پیامبر نبود، لکن بنده ای بود اهل تفکر، دارای حسن یقین. خدا را دوست داشت و خدا نیز او را دوست داشت و با آموختن حکمت، او را مورد انعام خود قرار داد. در نیمه روز ، خوابیده بود که صدایی شنید: ای لقمان! آیا دوست داری که خداوند، تو را خلیفه خود در زمین قرار دهد تا در میان مردم، به حق قضاوت کنی؟ لقمان در جواب آن صدا گفت: اگر پروردگارم، مرا مخیّر کرده من عافیت را انتخاب می کنم و نه گرفتاری را و اگر بر من واجب می کند، پس سرا پا گوش و مطیع ام>... در این جا به او حکمت داده شد>.

۱۹ - < عن رسول اللّه (ص) (انّه قال :) کان (لقمان) حبشیّاً ;

از رسول خدا روایت شده که گفت: لقمان، اهل حبشه بود>. حبشه، همان اتیوپی فعلی است.

قصه لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۰ - ۱،۲،۶،۸

۱ لوط

، از پیامبران و فرستادگان خداوند

و لوطا إذ قال لقومه

کلمه <لوط> می تواند عطف بر <نوحاً> در آیه ۵۹ باشد ; یعنی <و أرسلنا لوطاً>. و نیز می تواند مفعولٌ به برای فعل مقدر <اذکر> باشد. برداشت فوق مبتنی بر احتمال اول است.

۲ سرگذشت لوط پیامبر در مبارزه علیه فحشا و فرجام شوم قوم زشتکار او ، سرگذشتی پندآموز و شایسته یادآوری

و لوطاً إذ قال

چنانچه <لوطاً> مفعول برای فعل مقدر <اذکر> باشد، کلمه <إذ> بدل اشتمال برای لوطاً است و اگر لوطاً مفعول برای <أرسلنا> گرفته شود، <إذ> مفعول برای فعل مقدر <اذکر> خواهد بود، که بر این مبنا تقدیر جمله چنین است: أرسلنا لوطاً اذکر إذ قال . .. . بنابر هر دو احتمال، لزوم یادآوری داستان لوط و قومش به دست می آید. گفتنی است هدف از یادآوری سرگذشت پیشینیان، عبرت آموزی و پندگیری است.

۶ لوط با توصیف لواط به عنوان کرداری بسیار زشت ، قوم خویش را به سبب ارتکاب آن نکوهش کرد .

أتأتون الفحشه

<فاحشه> به عمل بسیار شنیع گفته می شود. استفهام در جمله <أتأتون ... > انکار توبیخی است.

۸ لوط (ع) با توصیف قومش به عنوان اولین مبتلایان به لواط ، آنان را توبیخ کرد .

أتأتون الفحشه ما سبقکم بها من أحد من العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۲ - ۲،۳،۴،۵،۶،۷

۲ مبارزه لوط با برنامه های ضد اخلاقی قوم خویش موجب طرح پیشنهاد اخراج وی و همراهانش از دیارشان

و لوطاً إذ قال لقومه . .. قالوا أخرجوهم

پیشنهاد اخراج لوط از یکسو به مبارزات وی

مرتبط شـده است ; زیرا جمله <إلا أن قالوا . .. > در پاسخ تبلیغات و هدایتگریهای لوط ایراد گردیده است ; و از سوی دیگر این پیشـنهاد با جمله <انهم ... > تعلیل شده است. بنابراین تصـمیم قوم لوط به اخراج وی و همراهانش به دو علت بوده است: یکی مبارزه وی با فسادها و دیگری پاک زیستن وی و همراهانش.

۳ پاک زیستی لوط و همراهانش ، موجب رنجش قوم وی و عاملی برای پیشنهاد اخراج ایشان از دیارشان شد .

أخرجوهم من قریتکم إنهم اناس یتطهرون

۴ لوط در پاک زیستی و تنزه از اعمال زشت و مبارزه با کردار های ناپسند ، دارای همگامان و یارانی متعدد بود .

و ما کان جواب قومه إلا أن قالوا أخرجوهم من قریتکم إنهم أناس یتطهرون

ضمـایر جمع در جملـه <اخرجـوهم . .. > و نیز آوردن کلمـه <انـاس>، حکـایت از آن دارد کـه گروهی از مردم بـه لـوط گرویـده بودنـد و چون تصـمیم بر اخراج لوط و یارانش در پی اعتراضـهایی که در آیه قبل مطرح شـد، گرفته شده، معلوم می شود مؤمنان به لوط وی را در مبارزه با فسادها و مفسدان یاری می کردند.

۵ یاران و همگامان لوط در مقایسه با مخالفان وی بسیار اندک بودند .

قالوا أخرجوهم من قریتکم

تصـمیم و پیشـنهاد اخراج لوط و یـارانش حکایت از آن دارد که یاران وی در مقایسه با مخالفان او بسـیار انـدک بودنـد، ورنه چنین پیشنهادی طبیعی به نظر نمی رسید.

۶ لوط ، پیامبری مهاجر به دیار سدوم ، نه اهل آن سامان *

أخرجوهم من قریتکم

خداوند پیامبران پیش از لوط و پیامبر پس از

وی، یعنی شعیب، را برادر قومشان خوانـد. ولی در مورد بعث لوط چنین تعبیری آورده نشد. این مطلب می تواند اشاره به این باشـد که لوط از افراد امت قومش نبوده است. انتسـاب <قریه> به مخالفـان لوط با اضافه آن به <کم> می توانـد بیانگر این باشد که لوط از مهاجران به آن دیار بوده است و آن دیار بنابر گفته مفسـران بخشـی از سـرزمین کنعان بوده که به شهر سدوم معروف بوده است.

۷ لوط و همراهانش ، حتی در دیدگاه مخالفان ، انسانهایی پاک و منزه از اعمال ناروا و پلید

إنهم أناس یتطهرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۳ - ۲،۳،۴،۵

۲ خداوند با خارج ساختن لوط و بستگان قومش از دیارشان ، وی را از عذاب مقدر شده برای قوم لوط نجات بخشید .

فانجینه و أهله

چون جمله <فانجینه> در مقابل جمله <کانت من الغبرین> (همسر لوط در زمره باقی ماندگان بود) قرار گرفته است، معلوم می شود نجـات از عـذاب قوم لوط در گرو خـارج شـدن از شـهر و دیـار آنـان بوده است. بنـابراین <فـانجینه> یعنی: فـانجینه باخراجنا ایاه من بینهم.

۳ از میان قوم لوط تنها خانواده و بستگانش به وی ایمان آوردند .

فانجینه و أهله

۴ همسر لوط ، از زمره کافران به وی بود .

فانجینه و أهله إلا امرأته

۵ همسر لوط با ماندن در میان کافران به عذاب الهی گرفتار شد و به هلاکت رسید .

إلا امرأته کانت من الغبرین

<غابر> به معنای باقی مانده است. بنابراین <کانت من الغبرین> بیانگر این است که همسر لوط به جهت باقی ماندن

در میان قومش، از عذاب الهی رهایی نیافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۷ - ۱،۲،۳،۴،۶،۹

۱ فرشتگان پس از گفتوگو با ابراهیم (ع) ، به دیار قوم لوط رفتند و بر حضرت لوط (ع) وارد شدند .

و لما جاءت رسلنا لوطًا

۲ فرشتگان ، به صورت و شکل انسان ها بر حضرت لوط (ع) وارد شدند .

و لما جاءت رسلنا لوطًا سیء بهم

۳ لوط (ع) ، بی خبر از ماهیت مهمانان خویش (فرشته بودن آنان) و ناآگاه از مأموریت ایشان

و لما جاءت رسلنا لوطًا سیء بهم . .. و قال هذا یوم عصیب

۴ لوط (ع) با ورود فرشتگان ، عرصه را بر خویشتن تنگ دید و ناراحتی و اندوه وی را فرا گرفت .

و لما جاءت رسلنا لوطًا سیء بهم و ضاق بهم ذرعًا

<ذرعاً> - که به معنای کشیدن ذراع دست است - تمییزی مبدل از فاعل می باشد. بنابر این <ضاق بهم ذرعاً>; یعنی، ضاق ذرعه (تنگ شد ذراع دستش به سوی آنان) و تنگ شدن ذراع به طرف کسی یا چیزی مَثَل است برای کسی که از انجام کاری ناتوان است و بدان دست رسی ندارد. <سیءَ> فعل مجهول <ساء> (ناراحتش کرد) است و <باء> در <بهم> سببیه است. بنابراین <سیء بهم> یعنی به سبب (آمدن) آنها برای لوط ناراحتی ایجاد شد.

۶ لوط (ع) روز ورود فرشتگان را روزی سخت با وضعیتی پیچیده و دشوار ارزیابی کرد .

و قال هذا یوم عصیب

عصیب به معنای دشواری و سختی است و اصل آن

از عَضْب به معنای بستن است. گویا بدان جهت روز سخت را <یوم عصیب> می گویند که شرّ و دشواری آن برخی بر برخی دیگر پیچیده است (برگرفته شده از مجمع البیان).

۹ < عن أبی عبدالله (ع) قال : إن الله تعالی بعث اربعه أملاک فی إهلاک قوم لوط . . . فأتوا لوطاً وهو فی زراعه له قرب المدینه . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده است: خداوند متعال چهار فرشته برای هلاک کردن قوم لوط فرستاد . .. پس نزد لوط رفتند در حالی که او در کشتزار خود در نزدیکی شهر بود ...>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۷۸ – ۷،۱۲،۱۳،۱۴،۲۳،۲۵

۷ لوط (ع) ، با پیشنهاد ازدواج مهاجمان با دخترانش ، از آنان خواست تا از کردار ناشایست لواط و تعرض به مهمانانش برحذر باشند .

یقوم هؤلاء بناتی هنّ أطهر لکم

۱۲ لوط (ع) ، با تحریک عواطف مهاجمان و اظهار شفقت به ایشان ، درصدد بازداری آنان از تعرّض به میهمانان خویش برآمد .

قال یقوم . .. فاتقوا الله و لاتخزون فی ضیفی ألیس منکم رجل رشید

۱۳ ملاطفت لوط (ع) با قوم خویش ، حتی به هنگامی که از ناحیه آنان در فشار و آزار بود .

قال هذا یوم عصیب . .. قال یقوم هؤلاء بناتی

لوط با گفتن <یا قوم> (ای مردم من) و پیشنهاد ازدواج با دخترانش ، لطف و عنایت خویش را به مردمان ابراز می دارد و این در زمانی است که حضرت لوط(ع) آن را روزی سخت و دشوار ارزیابی

کرد.

۱۴ لوط (ع) ، از مهاجمان تبه کار خواست تا از خدا پروا کنند و متعرض مهمانانش نشوند .

فاتقوا الله

۲۳ < عن أبی عبدالله (ع) قال : إن الله تعالی بعث أربعه أملاک فی إهلاک قوم لوط . . . فأتوا لوطاً . . . فسلّموا علیه . . . فقال لهم : المنزل ؟ فقالوا : نعم . . . ثم مشی فلما بلغ باب المدینه . . . دخل و دخلوا معه حتی دخل منزله فلما رأتهم إمرأته . . . صعدت فوق السطح و صفقت فلم یسمعوا فدخنت فلما رأوا الدخان أقبلوا إلی الباب یهرعون . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: خداوند چهار فرشته برای هلاک کردن قوم لوط فرستاد . .. آنان نزد لوط رفتند و بر او سلام کردند ... لوط آنان را دعوت به منزل کرد و آنان موافقت کردند; سپس رفت تا به دروازه شهر رسید ... او با فرشتگان وارد شهر شدند تا به منزلش وارد شد همسر لوط وقتی که آنان را دید ... بالای بام رفت و دست بر هم زد، ولی قوم لوط نشنیدند. پس دود به پا کرد; همین که آن قوم دود را دیدند شتابان به درب خانه لوط رفتند...>.

۲۵ < عن أبی عبدالله (ع) فی قول لوط < هؤلاء بناتی هنّ أطهر لکم > قال : عرض علیهم التزویج ;

از امام صادق(ع) درباره سخن لوط که فرموده: <اینها دختران منند برای شما پاکیزه ترند> روایت شده است که فرمود: به آنان پیشنهاد ازدواج داد>.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۷۹ – ۱،۳

۱ تبه کاران قوم لوط ، پیشنهاد او (ازدواج با دخترانش و ترک تعرض به مهمانان) را نپذیرفتند .

هؤلاء بناتی هنّ أطهر لکم . .. قالوا لقد علمت ما لنا فی بناتک من حق

۳ گرایش به لواط و همجنس بازی و عدم اشتیاق به زنان ، دلیل های قوم تبهکار لوط برای نپذیرفتن پیشنهاد حضرت لوط (ازدواج با دختران او و تعرض نکردن به مهمانان)

قالوا لقد علمت ما لنا فی بناتک من حق و إنک لتعلم ما نرید

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۸۰ – ۱،۲،۳

۱ حضرت لوط (ع) ، خویشتن را در مقابله با مهاجمان تبه کار ، ناتوان و بی یاور دید .

قال لو أن لی بکم قوّه أو ءاوی إلی رکن شدید

۲ آرزوی لوط (ع) به داشتن نیرویی برای مقابله با تبه کاران و دفاع از مهمانان خویش در برابر آنان

قال لو أن لی بکم قوّه

<لو> در جمله فوق ، حرف تمنّا و به معنای لیت (ای کاش) است.

۳ آرزوی لوط (ع) به داشتن پناهگاهی مطمئن که بتواند مهمانانش را در پناه آن ، از تعرض تبه کاران برهاند .

قال لو . .. أو ءاوی إلی رکن شدید

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۸۱ – ۱،۲،۳،۷،۸،۱۰،۱۱،۱۲،۱۴،۱۵،۱۶،۱۷،۱۸،۱۹

۱ مهمانان لوط ، در پی مشاهده درماندگی او در برابر مهاجمان ، ماهیت خویش (فرشته بودن) را برای لوط فاش ساختند .

قال لو أن لی بکم

قوّه . .. قالوا يلوط إنا رسل ربک

۲ فرشتگانِ میهمان بر لوط (ع) ، حامل پیامهایی از ناحیه خداوند برای او بودند .

قالوا يلوط إنا رسل ربک

برداشت فوق ، از اینکه فرشتگان خود را به عنوان پیام آوران الهی (رسل ربک) معرفی کردند ، استفاده می شود.

۳ فرشتگان ، فرا رسیدن زمان عذاب و کیفر قوم لوط را به حضرت لوط (ع) ابلاغ کردند .

إنا رسل ربک لن يصلوا إليک فأسر . .. أليس الصبح بقريب

۷ لوط (ع) برای دفاع از مهمانان خویش (فرشتگان حاضر در منزلش) آماده مبارزه و درگیری با تبه کاران مهاجم بود .

لن يصلوا إليک

آیات پیشین بیان کرد که مهاجمان قصد تعرض به فرشتگان را داشتند. بر این اساس ظاهر آن بود که فرشتگان می گفتند: <لن يصلوا إلينا; آنان از دسترسی به ما ناتوانند>. این جا به جایی اشاره به دو نکته دارد: یکی اینکه، تعرض به مهمان به منزله تعرض به میزبان است و دوم اینکه، لوط(ع) آماده مبارزه بود و تا توان داشت در مقابل مهاجمان ایستادگی می کرد.

۸ فرشتگان مأمور عذاب ، به لوط (ع) اطمینان دادند که مهاجمان ، به او دسترسی پیدا نخواهند کرد و گزندی متوجه وی نخواهد شد .

قالوا يلوط إنا رسل ربک لن يصلوا إليک

۱۰ فرشتگان ، از دست یافتن تبه کاران به خانه لوط (ع) جلوگیری کردند .

إنا رسل ربک لن يصلوا إليک فأسر بأهلک

۱۱ فرشتگان ، از لوط (ع) خواستند تا خانواده خویش را شبانه از منطقه قومش خارج سازد .

فأسر بأهلک بقطع من الّيل

<اسراء> (مصدر

اَسرِ) به معنای کوچ کردن شبانه است و <باء> در <بأهلك> برای تعدیه می باشد و <ال> در <الليل> عهد حضوری است. بنابراین معنای جمله <فأسر ...> چنین می شود: [ای لوط!] خانواده خویش را در پاره ای از این شب کوچ ده.

۱۲ از میان قوم لوط ، تنها خانواده اش به او ایمان آورده و از تبه کاری ها و گناهان آن قوم منزّه بودند .

كانوا يعملون السيئات . .. فأسر بأهلك بقطع من الّيل ... إلاّ امرأتک

۱۴ لوط (ع) موظف بود پیش از نزول عذاب ، به طور محرمانه و بدون آگاهی قومش ، از دیار آنان خارج شود .

فأسر بأهلك بقطع من الّيل

تأکید فرشتگان بر اینکه لوط(ع) باید شبانه کوچ کند، می تواند اشاره به برداشت فوق باشد. گفتنی است که این احتمال، در صورتی موجه است که سخن فرشتگان با لوط(ع) (فأسر ...) در شب نزول عذاب نبوده باشد; بلکه در روز قبل، آن سخن ایراد شده باشد.

۱۵ فرشتگان ، از لوط (ع) و خاندانش خواستند که به هنگام خروج از دیارشان ، از حرکت باز نایستند و به سوی خانه و کاشانه باز نگردند .

و لايلتفت منكم أحد

۱۶ فرشتگان به لوط (ع) توصیه کردند که همسرش را برای نجات از عذاب ، به همراه خویش کوچ ندهد .

فأسر بأهلك بقطع من الّيل . .. إلاّ امرأتك

برداشت فوق، بر این اساس است که <امرأتک> استثنا از <أهلك> باشد.

۱۷ از میان خانواده لوط (ع) تنها همسرش به هنگام کوچ شبانه از سیر باز ماند و به طرف دیار قوم لوط بازگشت .

و لايلتفت منكم

أحد إلّا امرأتک

برداشت فوق، مبتنی بر این احتمال است که <إلاّ- امرأتک> استثنا از جمله <لا-یلتفت . ..> باشد. بر این مبنا جمله <لا-یلتفت... إنه مصیبها ما أصابهم> چنین معنا می شود: هیچ یک از شماها نباید از سیر باز ماند و به سوی خانه خود باز گردد و لکن همسرت تخلف خواهد کرد و باز خواهد گشت; زیرا باید به عذاب گرفتار شود.

۱۸ همسر لوط ، باید به عذابی که برای قوم لوط مقدر شده بود ، گرفتار می شد .

إنه مصیبها ما أصابهم

ضمیر در <إنه> به اصطلاح ضمیر شأن است و حاکی از تأکید می باشد.

۱۹ همسر لوط به او ایمان نیاورد و به گناهی هم طراز گناهان قوم لوط آلوده بود .

فأسر بأهلک . .. إلّا امرأتک إنه مصیبها ما أصابهم

همانندی کیفر همسر لوط با کیفر قوم لوط که جمله <إنه مصیبها ما أصابهم> دلالت بر آن دارد حاکی است که گناه وی نیز هم طراز گناه آن قوم بوده است. گویا وی به عملکرد آنان راضی بوده و یا به گونه ای - چنانچه در برخی روایات وارده شده ایشان را در گناهشان یاری می داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۱ - ۱

۱- فرشتگان مأمور عذاب قوم لوط ، به عنوان مهمان بر خاندان حضرت لوط (ع) وارد شدند .

و نبّئهم عن ضیف إبرهیم . .. فما خطبکم أیّها المرسلون ... فلمّا جاء ءال لوط المرس

الف و لام در <المرسلون> برای عهد ذکری است و اشاره به رسولانی دارد که نزد حضرت ابراهیم(ع) آمدند و عذاب

قوم لوط را مطرح ساختند (قال فما خطبکم أيّها المرسلون، آيه ۵۷) و اين نشان دهنده آن است که مهمانان ابراهيم(ع) بر لوط(ع) وارد شدند. گفتنی است که آيه ۶۸ نيز مؤيد اين نکته است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۲ - ۱،۲

۱- ورود فرشتگان بر حضرت لوط (ع) به صورت دسته جمعی و در قيافه مردان ناشناس بود .

قال إنکم قوم منکرون

<قوم> از نظر ريشه لغوی به معنای دسته ای از مردان است (مفردات راغب). آمدن ضماير <إنکم> و <منکرون> به صورت جمع مذکر، مؤيد برداشت فوق است.

۲- حضرت لوط (ع) پس از ورود فرشتگان به محضر ايشان ، از آنان خواستار معرفی خود گرديد .

قال إنکم قوم منکرون

عبارت فوق اگرچه اخباری است، ولی کنايه از درخواست معرفی است و جواب ملائکه که در آيه بعد آمده است مؤيد نکته فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۳ - ۱،۲،۳

۱- قطعی شدن نزول عذاب الهی (استيصال) و فرا رسيدن موعد آن بر قوم لوط ، توسط فرشتگان به حضرت لوط (ع) ابلاغ گرديد .

قالوا بل جئنک بما کانوا فيه يمترون

۲- فرشتگان وارد شده بر لوط (ع) در پی اظهار وی بر ناشناخته بودن آنان ، خود را مأموران الهی معرفی کردند .

قال إنکم قوم منکرون . قالوا بل جئنک بما کانوا

۳- حضرت لوط (ع) پيش از فرا رسيدن عذاب الهی بر قومش ، آنان را به چنين سرنوشتی هشدار داده بود .

قالوا

بل جئنک بما کانوا فیه یمترون

مقصود از <ما> در جمله <بما کانوا فیه یمترون> عذاب است. بنابراین تردید کردن قوم لوط درباره عذاب الهی، بیانگر این نکته است که: آنان نسبت به عذابْ انذار و تهدید شدند و به اندازه کافی با آنان اتمام حجت شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۴ - ۱

۱- تأکید فرشتگان در محضر حضرت لوط (ع) مبنی بر تحقق قطعی نزول عذاب (استیصال) بر قوم لوط

و أتینک بالحقّ و إنا لصدقون

مقصود از <بالحق> خبر حق و راست است و مراد از این خبر حق، عذاب الهی بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۵ - ۱۱،۱۰،۶،۵،۴،۳،۲،۱

۱- فرشتگان ، از حضرت لوط (ع) خواستار خارج ساختن خاندانش از شهر در پاسی از شب ، جهت نجات از عذاب الهی شدند .

فأسر بأهلك بقطع من الّیل

۲- حضرت لوط (ع) به نظارت و مراقبت بر خروج خاندانش از شهر برای در امان ماندن از عذاب الهی ، مأمور گردید .

فأسر بأهلك . .. و اتّبع أدبرهم

مقصود از به دنبال خاندان رفتن (و اتّبع أدبارهم) می تواند کنایه از مراقبت و نظارت از خروج آنان باشد که مبادا کسی به شهر برگردد و از رفتن منصرف شود. جمله بعدی (و لایلتفت منکم ...) مؤید همین مطلب است.

۳- لوط (ع) ، مأموریت یافت که هم زمان با خارج ساختن خاندانش از شهر ، خود نیز در پی آنان حرکت کند .

فأسر بأهلك . .. و اتّبع أدبرهم

۴- خداوند

حضرت لوط (ع) و خاندانش را از بازگشت به شهر خود که در معرض عذاب بود برحذر داشت .

فأسر بأهلك . .. و لايلتفت منكم أحد

مقصود از التفات و توجه در آیه شریفه به قرینه فرمان خروج از شهر (فأسر بأهلك) بازگشتن و روی آوردن به شهری است که آنان در آن جا ساکن بودند.

۵- حرکت حضرت لوط (ع) و خاندانش از شهر ، حرکتی دسته جمعی ، سریع ، به دور از انظار مردم و محرمانه بود .

فأسر بأهلك بقطع من الّيل . .. وامضوا حيث تؤمرون

نظارت حضرت لوط(ع) بر حرکت خانـدانش (و اتّبع أدبارهم) بیانگر حرکت دسـته جمعی، و حرکت در ظرف زمانی محدود (بقطع من الليل) نشانگر حرکت سریع، و سیر شبانه در پاسی از شب دلیل محرمانه رفتن از شهر است.

۶- حضـرت لوط (ع) و خاندانش ، مأمور شدند تنها به سوی مکانی که تعیین خواهد شد ، حرکت کنند و حق انتخاب مکان دیگری را نداشتند .

فأسر بأهلك . .. وامضوا حيث تؤمرون

۱۰- < قال أبوجعفر (ع) : . . . < فلما جاء آل لوط المرسلون > . . . قالوا . . . < فأسر بأهلك > يا لوط إذا مضى لك من يومك هذا سبعه أيام و لياليها < بقطع من الليل > إذا مضى نصف الليل < . . . و امضوا > من تلك الليله < حيث تؤمرون > . . . ;

امام باقر(ع) فرمود: هنگامی که فرشتگان خدا به سوی خاندان لوط آمدند . .. گفتند:... ای لوط! پس از گذشت هفت

شبانه روز از این تاریخ، در نیمه های شب خانواده خود را از این سرزمین بیرون ببر ... و در آن شب به هر جا که فرمانتان داده اند بروید...>.

۱۱- < عن أبی جعفر (ع) : . . . إن الله تعالی لمّا أراد عذابهم (قوم لوط) . . . بعث إلیهم ملائکه . . . و قالوا للوط : أسر بأهلك من هذه القریه اللیله . . . فلمّا انتصف اللیل سار لوط بناته . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده است که فرمود: .. هنگامی که خداوند تعالی اراده کرد قوم لوط را عذاب کند، فرشتگانی را به سوی آنان فرستاد ... آنان به لوط(ع) گفتند: امشب خانواده خود را از این قریه کوچ بده ... چون شب به نیمه رسید آن حضرت به همراهی دخترانش کوچ کرد...>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۶۷ – ۱

۱– قوم لوط ، پس از اطلاع از ورود مهمانان به خانه لوط (ع) شادی کنان به سراغ آنان شتافتند .

و جاء أهل المدینه یستبشرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۶۸ – ۱،۵،۹

۱– حضرت لوط (ع) در پی هجوم قومش برای تعرض به مهمانان او ، آنان رااز هرگونه تجاوز به آنها برحذر داشت .

و جاء أهل المدینه یستبشرون. قال إن هؤلاء ضیفی فلاتفضحون

۵– برخورد قوم لوط با مهمانان حضرت لوط (ع) ، برخوردی اهانت آمیز و آبرو برانداز بود .

قال إن هؤلاء ضیفی فلاتفضحون

۹– ناشناخته بودن فرشتگان برای

حضرت لوط (ع) تا لحظه قصد تعرّض قومش به آنان

و جاء أهل المدینه یستبشرون . قال إن هؤلاء ضیفی فلاتفضحون

از اینکه حضرت لوط(ع) با مشاهده قصد تعرّض قومش به مهمانان با نگرانی فرشتگان را مهمان خود معرفی کرد، نشان می دهد که آن حضرت تا این لحظه فرشتگان را نمی شناخت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۹ - ۱،۳

۱- حضرت لوط (ع) قوم خود را در برابر تجاوز به مهمانانش ، به رعایت تقوای الهی فرا خواند .

و اتقوا الله

۳- حضرت لوط (ع) قوم خود را در پی قصد تجاوز آنان به مهمانانش ، از هرگونه عملی که موجب ذلت و خواری او گردد ، برحذر داشت .

و لاتخزون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۰ - ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷،۸

۱- حضرت لوط (ع) به خاطر پذیرش مهمان بیگانه و حمایت از آن ، مورد سرزنش قومش قرار گرفت .

قال إن هؤلاء ضیفی . .. قالوا أو لم ننهک عن العلمین

۲- حضرت لوط (ع) به خاطر دفاع از مهمانانش ، مورد اعتراض قوم خود قرار گرفت .

قال إن هؤلاء ضیفی فلاتفضحون . .. قالوا أو لم ننهک عن العلمین

۳- قوم لوط ، حضرت لوط (ع) را از پذیرش هرگونه مهمان بیگانه و حمایت از آن ، منع کرده و برحذر داشتند .

قال إن هؤلاء ضیفی . .. قالوا أو لم ننهک عن العلمین

۴- قوم لوط در پاسخ به درخواست حضرت لوط (ع) مبنی بر اجتناب از هتک

آبروی وی ، خود او را مقصر اصلی آن معرفی کردند .

فلاتفضحون . .. و لاتخزون. قالوا أو لم ننهک عن العلمین

اینکه قوم لوط در جواب درخواست او برای اجتناب از ایجاد فضاحت و آبروریزی گفتند: تو را از پیش از پذیرش هرگونه مهمان بیگانه منع کرده بودیم، حکایت از این نکته می کند که آنان با این بیان، می خواستند مقصر اصلی چنین عملی را خود او معرفی کنند.

۵- قوم لوط ، حضرت لوط (ع) را از ارتباط و تماس با دیگر اقوام ، منع کرده و برحذر می داشتند .

قالوا أو لم ننهک عن العلمین

۶- منزل حضرت لوط (ع) ، محل مراجعه مردم از شهر ها و مناطق مختلف و اقوام گوناگون

قالوا أو لم ننهک عن العلمین

<عالم> به معنای همه خلق و یا دسته ای از موجودات است. جمع آمدن آن (عالمین) برای بیان استغراق و شمول تمامی اصناف موجودات جهان است و مقصود از آن در این آیه، همه مردم از تمامی اقوام و قبایل دور و نزدیک است.

۷- موقعیت حضرت لوط (ع) در میان قومش ضعیف بود و آنان نسبت به او گستاخ بودند .

قالوا أو لم ننهک عن العلمین

از اینکه قوم لوط آن حضرت را از تماس با دیگران نهی کردند و در موردی که او از این نهی تخلف ورزید، مورد عتاب و اعتراض قرار گرفت، می توان برداشت فوق را به دست آورد.

۸- < قال أبوجعفر (ع) : . . . و کان لوط رجلًا سخیاًکریماً یقری الضیف إذا نزل به و یحذرهم قومه ، قال : فلمّا رأی قوم

لوط ذلک منه قالوا له : إنا ننهاک عن العالمین لاتقری ضیفاً ینزّل بک ، إن فعلت فضحنا ضیفک الذی ینزل بک و أخزیناک . ; . .

امام باقر(ع) فرمود:. .. لوط(ع) مردی سخاوتمند و بزرگوار بود از مهمانانی که بر او وارد می شدند، پذیرایی می کرد و آنان را از قوم خود برحذر می داشت.[امام باقر(ع)] فرمود: هنگامی که قوم لوط این میهمان پذیری را دیدند، به آن حضرت گفتند: ما تو را از پذیرش هر مهمانی برحذر داشتیم و گفتیم: هیچ یک از میهمانانی را که بر تو وارد می شوند، نپذیر که اگر پذیرفتی، مهمانانت را مفتضح و تو را خوار خواهیم کرد...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۱ - ۱،۳،۹

۱- حضرت لوط (ع) قوم خود را به زناشویی با دخترانش به جای همجنس بازی و تعرّض به مهمانان ، پیشنهاد کرد .

قال هؤلاء بناتی إن کنتم فعلین

۳- حضرت لوط (ع) قوم خود را به جای همجنس بازی به ازدواج با زنان فرا خواند .

قال هؤلاء بناتی إن کنتم فعلین

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مقصود از <بناتی> زنان قوم باشند; چون پیامبران به منزله پدر برای امت خویشند. بعلاوه بسیار بودن تعداد کسانی که به منزل حضرت لوط(ع) هجوم آورده بودند و محدود بودن دختران آن حضرت، می تواند مؤید این نظریه باشد.

۹- قوم لوط علی رغم وجود راه های مشروع و طبیعی (ازدواج با زنان) بر عمل شنیع لواط و همجنس بازی ، اصرار داشتند .

قال هؤلاء بناتی إن کنتم فعلین

جمله <إن

کنتم فاعلین> به منزله جمله <إن فعلتم ما أقول لکم و ما أظنکم تفعلون> است; یعنی، اگر به نصیحت و پیشنهادم ترتیب اثر دهید که گمان نمی کنم چنین باشید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۱ - ۱،۲،۳

۱- حضرت ابراهیم و لوط (ع) ، از نیرنگ ها و دسیسه های قوم خود ، به اراده الهی نجات یافتند .

و أرادوا به کیدًا . .. و نجّینه و لوطًا إلی الأرض التی برکنا فیها

۲- حضرت ابراهیم و لوط (ع) ، از جامعه آلوده خود به سرزمینی برکت خیز هجرت کردند .

إلی الأرض التی برکنا فیها

۳- حضرت لوط (ع) ، هم چون حضرت ابراهیم (ع) در معرض آزار و اذیت مردم خود قرار داشت .

و نجّینه و لوطًا إلی الأرض التی برکنا فیها

کاربرد یکسان واژه نجات در باره حضرت ابراهیم و لوط(ع) بیانگر برداشت بالا است; زیرا نجات در جایی به کار می رود که خطر و ضرری پیش روی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۴ - ۵،۶،۹

۵- خداوند ، حضرت لوط (ع) را از شرّ قوم پلید ، ناپاک و زشتکارش نجات داد .

و نجّینه من القریه التی کانت تعمل الخبئث

۶- اذیت و آزار شدید روحی لوط (ع) ، از اعمال ناپسند جامعه خویش

و لوطًا . .. و نجّینه من القریه التی کانت تعمل الخبئث

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته است: الف) نجات در موردی به کار می رود که سابقه گرفتاری باشد.

ب) وصف <تعمل الخبائث> برای قریه، نشان دهنده آن است که کردار آنان، ناخوشایند لوط بود و موجب اذیت و آزار وی می گشت.

۹- جامعه فاسد و ناپاک قوم لوط ، از دعوت و تبلیغ آن حضرت تأثیر نپذیرفتند .

و نجّینه من القریه التی کانت تعمل الخبئث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۰ - ۱

۱ - تکذیب رسالت لوط (ع) از سوی قومش

کذّبت قوم لوط المرسلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۱ - ۶

۶ - قوم لوط ، مورد سرزنش وی به خاطر بی تقوایی و گنه پیشگی

إذ قال لهم أخوهم لوط ألاتتّقون

استفهام در جمله<ألا تتّقون> می تواند برای توبیخ و سرزنش باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۲ - ۲،۵

۲ - دعوت لوط (ع) از قوم خود به پذیرفتن رسالت وی ، اعتماد کردن به او و جدی گرفتن هشدارهایش

ألاتتّقون . إنّی لکم رسول أمین

واژه <أمین> می تواند از ریشه <أمن> و به معنای <مأمون> (فرد مورد اعتماد) باشد. این تعبیر، بیان دعوتی است از سوی لوط(ع) که باید قومش به او اعتماد کنند، به سخنانش گوش فرادهند و هشدارهایش را جدی بگیرند.

۵ - تصریح لوط (ع) بر خیرخواهی خود و تضمین منافع ثمودیان در پرتو رسالت وی

إنّی لکم رسول أمین

برداشت یاد شده با توجه به قید <لکم> (برای شما) به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۳ - ۱،۴

۱

- دعوت مجدد لوط (ع) از قوم خود ، برای رعایت تقوای الهی و پرهیز از گناه

إذ قال لهم أخوهم لوط ألاتتّقون . .. فاتّقوا اللّه

۴ - لوط (ع) ، خواهان اطاعت قومش از او به دلیل آشکار بودن صداقت و امانت داری وی

فاتّقوا اللّه و أطیعون

تفریع <اتّقواللّه> بر <إنّی لکم رسول أمین> بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۴ - ۱

۱ - تصریح لوط (ع) به نداشتن کمترین چشمداشت مادی از قومش ، در قبال رسالت خویش

و ما أسئلکم علیه من أجر . .. إلاّ علی ربّ العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۵ - ۲

۲ - قوم لوط ، مورد اعتراض و توبیخ او ، به خاطر انحراف جنسی

أتأتون الذکران من العلمین

استفهام در <أتأتون الذکران> برای توبیخ و سرزنش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۶ - ۱

۱ - قوم لوط ، مورد سرزنش وی به خاطر انحراف از مسیر طبیعی در ارضای غرایز جنسی

و تذرون ما خلق لکم ربّکم من أزوجکم

<وَذْر> (مصدر <تذرون>) به معنای ترک کردن و واگذاشتن است. <من أزواجکم> بیانگر مراد از <ما> در <ما خلق لکم> <زوج> (مفرد <أزواج>)به معنای جفت و همسر است. <عدوان> (مصدر <عادون>) نیز مرادف تعدی و تجاوز است; یعنی، <و آنچه را پروردگارتان برای شما آفریده است (همسرانتان) وامی گذارید؟ نه بلکه شما گروهی تجاوزپیشه

اید>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

– ۱۳

شعراء - ۲۶ - ۱۶۷ - ۱،۴،۵

۱ - تهدید شدن لوط (ع) از سوی قوم خود ، به اخراج و تبعید در صورت دست برنداشتن از تبلیغ

قالوا لئن لم تنته . .. من المخرجین

ضمیر فاعل در <قالوا> به قوم لوط باز می گردد <إنتهاء> (مصدر تنته) یعنی دست برداشتن و پایان دادن.

۴ - تلاش پیگیر و مجدّانه لوط (ع) ، در مبارزه با انحراف (هم جنس گرایی) قوم خویش

قالوا لئن لم تنته یلوط لتکوننّ من المخرجین

۵ - لوط (ع) ، فاقد پایگاه قوی ، در برابر منحرفان و دشمنان نیرومند خود

قالوا لئن لم تنته یلوط لتکوننّ من المخرجین

از تهدید حضرت لوط(ع) به وسیله قوم خود، نیرومندی آنان در مقایسه با او استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۸ - ۱،۲،۳

۱ - تسلیم نشدن لوط (ع) در برابر تهدید های قوم منحرف خویش

قال إنّی لعملکم من القالین

<قلا> (مصدر <قالین>) به معنای بغض و دشمنی است. برداشت یاد شده با توجه به اقدام لوط(ع) به اظهار تنفر نسبت به کردار قومش علی رغم تهدید اکید آنان به اخراج و تبعید وی به دست می آید.

۲ - حضرت لوط (ع) به رغم تهدید شدن به تبعید تنفر و دشمنی خود را با کردار زشت قوم خود اعلام کرد و بر آن تأکید ورزید .

قال إنّی لعملکم من القالین

۳ - لوط پیامبر ، دوست مردم و تنها در ستیز با کردار ناشایست آنان

قال إنّی لعملکم من القالین

برداشت یاد شده با توجه به

این نکته است که لوط(ع) خود را از عمل قومش، بیزار معرفی کرد و نه از خود آنان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۹ - ۱،۲،۵،۷

۱ - ناامیدی لوط (ع) از هدایت پذیری قوم خویش

ربّ نجّنی و أهلی ممّا یعملون

اقدام لوط(ع) به طرح درخواست نجات از پیشگاه خداوند، نشان می دهد که او از هدایت قومش کاملاً مأیوس شده بود.

۲ - التجای لوط (ع) به درگاه پروردگار ، برای نجات خود و نزدیکانش از شر کردار منحرفان

ربّ نجّنی و أهلی ممّا یعملون

۵ - خانواده و کسان لوط (ع) ، تنها مؤمنان به وی و پیراسته از کردار زشت قوم لوط

ربّ نجّنی و أهلی ممّا یعملون

از این که لوط(ع) تنها برای خود و کسانش در خواست نجات کرد، روشن می شود که تنها آنان به وی ایمان آورده بودند.

۷ - دعا والتجای حضرت لوط (ع) به درگاه پروردگار ، برای نجات خود و کسانش از پی آمد های سوء کردار قوم خود (عذاب)

ربّ نجّنی و أهلی ممّا یعملون

برداشت یاد شده مبتنی بر این احتمال است که مضافی در تقدیر باشد (من وبال ما یعملون)؛ یعنی، پروردگارا! من و کسانم را از وزر و وبال عمل آنان نجات بخش. گفتنی است آیه بعد که نجات لوط و اهلش رااز عذاب مطرح می کند تأیید کننده همین برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۰ - ۱

۱ - استجابت دعای لوط (ع) مبنی بر نجات خود

و کسان خود ، از شر قوم زشتکارش از سوی پروردگار

ربّ نجّنی و أهلی ممّا یعملون . فنجّینه و أهله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۱ - ۱،۲،۴

۱ - نجات همه خانواده لوط از عذاب الهی ، به جز همسر پیر او

فنجّینه و أهله أجمعین إلاّ عجوزًا فی الغبرین

<عجوز> به معنای پیر زن و <عجوزاً> مستثنی از <أهله> است. <غبور> (مصدر <غابرین>) نیز به معنای باقی ماندن است. بنابراین، <غابر> به کسی گفته می شود که همراهانش بروند و او باقی بماند.

۲ - همسر لوط ، مخالف راه او و در زمره محکومان به عذاب

إلاّ عجوزًا فی الغبرین

۴ - نجات لوط (ع) و اهلش از عذاب الهی ، در گرو خروج آنان از شهر

فنجّینه و أهله أجمعین . إلاّ عجوزًا فی الغبرین

از واژه <الغابرین> استفاده می شود که بر جای ماندگان در شهر، گرفتار عذاب شدند و بیرون روندگان از شهر نجات یافتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۴ - ۳،۴

۳ - قوم لوط ، مورد نکوهش و سرزنش او به خاطر کردار زشتشان

إذ قال لقومه أتأتون الفحشه

استفهام در <أتأتون الفحشه> برای توبیخ و سرزنش است.

۴ - مبارزه با فحشا و زشت کرداری ، مهم ترین مسؤولیت و رسالت لوط

و لوطًا إذ قال لقومه أتأتون الفحشه

مقدم آمدن <أتأتون الفحشه> و قرار گرفتن آن در رأس پیام های لوط، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۶ - ۱،۲،۳،۴،۶

۱ - تأثیرناپذیری قوم لوط ،

در برابر هشدار ها و هدایت گری های او

فما كان جواب قومه إلّا أن قالوا أخرجوا ءال لوط

۲ - تصمیم قوم لوط مبنی بر اخراج و تبعید لوط (ع) و خانواده اش ، تنها پاسخ آنان به هشدار های خیرخواهانه او

فما كان جواب قومه إلّا أن قالوا أخرجوا ءال لوط من قريتكم

۳ - خاندان لوط ، هم عقیده با وی ، پاکدامن و مخالف انحراف های جامعه خویش

قالوا أخرجوا ءال لوط من قريتكم

۴ - ایمان نیاوردن هیچ فردی از جامعه به لوط (ع) ، جز افراد خانواده وی

قالو أخرجوا ءال لوط من قريتكم

مخالفان لوط به جای این که بگویند: پیروان لوط را اخراج کنید، گفتند: خانواده وی را بیرون کنید و این نشان می دهد که جز خانواده اش کسی به وی ایمان نیاورده بود.

۶ - گرایش به پاکی و ارزش ها ، تنها جرم لوط (ع) و خاندانش در نظر آن جامعه فسادزده

قالوا أخرجوا ءال لوط من قريتكم إنّهم أُناس يتطهّرون

عبارت <إنّهم أُناس> تعلیل برای حکم اخراج است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۷ - ۱،۴،۷

۱ - نجات لوط (ع) و خانواده اش به جز همسر وی از عذاب نازل شده بر قوم لوط

فأنجينه و أهله إلّا امرأته

۴ - همسر لوط ، مخالف اندیشه های وی و هم عقیده با قوم منحرف

فأنجينه و أهله إلّاامرأته

۷ - فرو گذاشتن همسر لوط در میان قوم محکوم به عذاب ، براساس تقدیر الهی و برنامه از پیش تعیین شده

قدّرنها من الغبرين

<غبور> (مصدر <غابرين>) به معنای باقی ماندن است;

یعنی، ما مقدر کردیم که همسر لوط از جمله باقی ماندگان باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۲۶ – ۲

۲ – حضرت لوط (ع) پس از ایمان آوردن به حضرت ابراهیم (ع) تصمیم گرفت به سرزمین دیگری هجرت کند .

فأمن له لوط و قال إنّی مهاجر إلی ربّی

بنابراین احتمال که مرجع ضمیر فاعلی <قال> به قرینه <فآمن له لوط> حضرت لوط(ع) باشد، نکته بالا، قابل استفاده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۲۸ – ۹،۱۰

۹ – در دوران لوط (ع) ، مناطق وسیعی از کره زمین ، منطقه زیستی انسان ها بود و لوط (ع) از آنها آگاهی داشت .

إنّکم لتأتون الفحشه ما سبقکم بها من أحد من العلمین

۱۰ – لوط (ع) برای منصرف کردن قوم اش از از آمیزش با مردان ، آن را بی سابقه و زشت معرفی کرد .

إنّکم لتأتون الفحشه ما سبقکم بها من أحد من العلمین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۳۰ – ۱،۴،۵

۱ – لوط (ع) ، به دنبال واکنش منفی قوم اش به دعوت وی ، از خداوند برای غلبه برآنها ، استمداد طلبید .

قال ربّ انصرنی علی القوم المفسدین

۴ – لوط (ع) ، برای بازداشتن قوم اش از کردار زشت ، با آنان به مبارزه برخاست .

أئنّکم لتأتون الرجال و . .. ربّ انصرنی علی القوم المفسدین

طلب نصرت از خدا بر ضد قوم مفسد، برای بیان

این است که لوط(ع) با آنان به مبارزه برخاست و در مبارزه اش، نیاز به امداد الهی داشت.

۵ - لوط (ع) در مبارزه اش با کردار های زشت قوم خود ، تنها بود .

قال ربّ انصرنی علی القوم المفسدین

ضمیر مفعولی <نی> در دعای لوط(ع)، حکایت از تنهایی آن حضرت در مبارزه با فحشا می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۱ - ۱،۳

۱ - فرستادگان خداوند برای یاری لوط (ع) ، ابتدا ، نزد ابراهیم (ع) رفتند و مأموریت خود را به او اعلام کردند .

قال ربّ انصرنی . .. و لمّا جاءت رسلنا إبرهیم بالبشری قالوا إنّا مهلکوا أهل هذه

۳ - دعای لوط (ع) برای یاری اش ، از سوی خدا اجابت شد و فرشتگانی از جانب خداوند ، برای در هم کوبیدن قوم لوط ، گسیل شدند .

قال ربّ انصرنی . .. و لمّا جاءت رسلنا إبرهیم بالبشری قالوا إنّا مهلکوا أهل هذه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۲ - ۱،۲،۵

۱ - حضرت ابراهیم (ع) از عذاب قوم لوط ، با وجود لوط (ع) در میان آنان ، نگران بود .

و لمّا جاءت رسلنا . .. قالوا إنّا مهلکوا أهل هذه القریه...قال إنّ فیها لوطًا

۲ - حضرت ابراهیم (ع) با ملائکه درباره عذاب قوم لوط ، با وجود حضرت لوط (ع) در میان آنان به گفت وگو پرداخت .

قالوا إنّا مهلکوا أهل هذه القریه . .. قال إنّ فیها

لوطًا قالوا نحن أعلم بمن فيه

۵ - ملائکه مأمور عـذاب قوم لوط ، به ابراهیم (ع) اطمینان دادنـد که لوط (ع) و اهل اش را ، حتماً از عذاب نجات خواهند داد .

قالوا نحن أعلم بمن فیها لننجّینّه و أهله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۳ - ۱۴،۱۳،۱۲،۱۱،۱۰،۹،۶،۵،۳،۲،۱

۱ - ملائکه عذاب قوم لوط ، پس از گفتوگو با ابراهیم (ع) ، به دیار آن قوم رفتند و بر لوط (ع) وارد شدند .

و لمّا جاءت رسلنا إبرهیم . .. و لمّا أن جاءت رسلنا لوطًا

۲ - با آمدن فرشتگان نزد لوط (ع) وی ، ناراحت شد و عرصه را بر خود تنگ دید .

و لمّا أن جاءت رسلنا لوطًا سیء بهم و ضاق بهم ذرعًا

<سیء> متعدی به بای سببی است. <سیء بهم> یعنی، به سبب حضور آنان، ناراحت شد. <ضاق بهم ذرعاً> به معنای تنگ شدن ذراع دست و کنایه از ناتوانی است.

۳ - فرشتگان عذابِ قوم لوط ، به صورت انسان ، بر لوط (ع) وارد شدند .

و لمّا أن جاءت رسلنا لوطًا سیء بهم

احتمال دارد دلیل <سیء بهم و ضاق بهم ذرعاً> این باشد که فرشتگان به صورت انسان بر لوط(ع) به عنوان میهمان وارد شدند و لوط(ع) از عاقبت ورود مسافرانی ناشناخته به شهر، نگران شد که مبادا، اهالی شهر برای تجاوز به آنان، به سوی خانه لوط بیایند.

۵ - حضرت لوط (ع) ، نگران تعرض قوم اش به میهمانان اش بود .

و لمّا أن جاءت رسلنا لوطًا سیء

بهم و ضاق بهم ذرعًا

۶ - حضرت لوط (ع) ، در دفاعِ از میهمانان اش در صورت تعرض قوم اش به آنها ، ناتوان بود .

و لمّا أن جاءت رسلنا لوطًا سیء بهم و ضاق بهم ذرعًا

احساس ناتوانی لوط(ع) و تنگ دیدن عرصه بر خود، احتمال دارد به خاطر نکته یاد شده باشد.

۹ - فرشتگان ، به لوط (ع) برای بر طرف کردن دلهره و هراس او ، دلداری دادند .

و قالوا لاتخف و لاتحزن

۱۰ - لوط (ع) ، با ورود ملائکه به محضرش ، نگران شد و ترسید .

و قالوا لاتخف و لاتحزن

۱۱ - حضرت لوط (ع) نگران گرفتار شدن در عذاب فراگیری بود که برای قوم اش مقدر شده بود .

و لمّا أن جاءت رسلنا لوطًا سیء بهم . .. و قالوا لاتخف و لاتحزن إنّا منجّوک

دلداری ملائکه به لوط(ع) و اطمینان بخشی به وی برای نجات حتمی از عذاب، می تواند قرینه باشد بر این که نگرانی لوط(ع) به خاطر نکته بالا بوده است.

۱۲ - فرشتگان مأمور به عذاب قوم لوط ، مأموریت شان را به اطلاع لوط (ع) رساندند .

قالوا . .. إنّا منجّوک وأهلک إلاّ امرأتک

۱۳ - پس از حضور فرشتگانِ مأمور عذاب ، حضرت لوط (ع) و فرشتگان ، به گفتوگو پرداختند .

و لمّا أن جاءت رسلنا لوطًا . .. و قالوا لاتخف

۱۴ - فرشتگان مأمورِ عذابِ قوم لوط ، به لوط (ع) اعلام کردند که او و خانواده اش ، به جز همسرش را ، از عذاب نجات خواهند داد .

إنّا منجّوک و أهلک

إلاّ امرأتک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۳۴ – ۱

۱ – لوط (ع) و خاندان او ، از عذاب نازل شده بر قوم شان نجات یافتند .

إذ نجّینه و أهله أجمعین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۳۵ – ۱،۲،۷

۱ – همسر حضرت لوط ، از هلاک شدگان عذاب الهی قوم لوط بود .

إلاّ عجوزًا فی الغبرین

<غابر> (مفرد <غابرین>) به معنای باقی و مانده است و مقصود از آن، کسانی اند که از شهر بیرون نیامده و به عذاب الهی قوم لوط گرفتار شدند.

۲ – همسر لوط به هنگام نزول عذاب ، در سن پیری و فرسودگی قرار داشت .

إلاّ عجوزًا

<عجوز> به کسی گفته می شود که در سن پیری و فرسودگی باشد و نشاط برای کار و تلاش نداشته و از آن عاجز باشد.

۷ – نجات لوط (ع) و مؤمنان ، از عذاب الهی ، با خروج از شهر انجام پذیرفت .

إلاّ عجوزًا فی الغبرین

از آمدن تعبیر <غابرین> (بازماندگان) درباره همسر کافر و هلاک شده همسر لوط، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۳۶ – ۳

۳ – مقاومت شدید و یکپارچه جامعه لوط (ع) ، در برابر آن حضرت و رسالت او

فما وجدنا فيها غير بيت من المسلمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۴ - ۳،۴،۶

۳ - هلاکت تمامی قوم لوط با عذاب الهی ; به جز

شخص لوط (ع) و خاندان او

إنّا أرسلنا عليهم حاصبًا إلاّءال لوط

۴ - نجات يافتن خاندان لوط ، از سرنوشت هلاكت بار قومشان به هنگام سحر

نجّينهم بسحر

۶ - خروج مخفيانه خاندان لوط ، تدبيرى الهى ، براى دفع مزاحمت كافران نسبت به ايشان *

نجّينهم بسحر

انتخاب لحظات تاريك سحر براى خروج خاندان لوط، احتمال دارد از آن جهت باشد كه خروج علنى، آنان را در معرض مزاحمت كافران قرار مى داد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۵ - ۲

۲ - شكرگزارى لوط (ع) و خاندان مؤمن ايشان ، عامل برخوردار شدن آنان از نعمت و لطف ويژه خداوند و نجات يافتن از مهلكه عذاب

نجّينهم . .. نعمه من عندنا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۷ - ۱،۴،۵،۷،۸،۹

۱ - جسارت قوم لوط تا سرحد تلاش ، براى در اختيار گرفتن و آلوده ساختن ميهمانان پيامبر خويش

و لقد رودوه عن ضيفه

۴ - لوط پيامبر (ع) ، تنها و بدون پشتيبان در ميان قوم فسادگر خويش

و لقد رودوه عن ضيفه

از اين كه مخالفان لوط(ع) جرأت مراجعه به آن حضرت براى امرى ناشايست را پيدا كردند و كسى هم جز خداوند از ايشان حمايت نكرد، مطلب بالا استفاده مى شود.

۵ - تلاش لوط (ع) برای حمایت از میهمانانش در برابر قوم آلوده و فسادگر خویش

و لقد رودوه عن ضیفه

<مراوده> به معنای تنازع میان دو فرد است که هر یک، خلاف خواست دیگری را دنبال می کند (مفردات راغب).

۷ - مردان مصمم به تجاوز نسبت به

میهمانان لوط ، مورد انتقام الهی با کور شدن چشم هایشان

و لقد رودوه عن ضیفه فطمسنا أعینهم

<طمس> (مصدر <طمسنا>) به معنای محوکردن و از بین بردن است. بنابراین <طسمنا أعینهم>; یعنی، چشمانشان را از آنان گرفتیم و نابینایشان کردیم.

۸ - کور شدن چشم های متجاوزان قوم لوط ، پیش درآمد عذاب الهی برای آنان

فذوقوا عذابی و نذر

به کار رفتن واژه <ذوقوا>، ظاهراً کنایه از این است که این عذاب را بچشید تا عذاب اصلی بر سرتان فرود آید.

۹ - < عن أبی یزیدالحمار عن أبی عبداللّه . . . فلمّا دخلوا (أی دخلوا قوم لوط) أهوی جبرئیل بإصبعه نحوهم فذهبت أعینهم و هو قوله < فطمسنا أعینهم . . . > ;

ابی یزیدحمار از امام صادق(ع) روایت نموده است:. .. پس چون قوم لوط وارد خانه لوط(ع) شدند، جبرئیل با انگشت خود به سوی آنها نشانه گرفت که در اثر آن، چشم هایشان کور شد و این سخن خداوند است که فرمود: فطمسنا أعینهم...>.

قصه لوط(ع) از آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۴ - ۱

۱ - نجات لوط (ع) و خاندانش به جز همسر وی و هلاکت قوم زشت کردارش ، آیتی بزرگ و عبرت آموز برای دیگران

إنّ فی ذلک لأیه

<ذلک> به جریان نجات لوط(ع) و کسان وی و نیز هلاکت قوم فساد پیشه اش اشاره دارد. <آیه> در این جا معادل <عبره> است و نکره آمدن آن برای بیان عظمت واقعه و درسی می باشد که در آن نهفته است.

قصه مأجوج

جلد - نام سوره - سوره

- آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۹۴ – ۶،۱۲

۶- میانه دو کوه مرتفع و سدآسا ، تنها راه نفوذ و حمله یأجوج و مأجوج (مغول و تاتار) علیه همسایگان خود بود .

فهل نجعل لک خرجًا علی أن تجعل بیننا و بینهم سدًّا

۱۲- < عن أمیرالمؤمنین (ع) : إنّ ذاالقرنین . . . وجد . . . قوماً لایکادون یفقهون قولاً قالوا : یا ذاالقرنین ! إنّ یأجوج و مأجوج خلف هـذین الجبلین و هم یفسدون فی الأرض إذا کان إبّان زروعنا و ثمارنا خرجوا علینا من هذین السدّین ، فرعوا من ثمارنا و زروعنا حتّی لایبقون من ها شیئاً < فهل نجعل لک خرجاً > نؤدیه إلیک فی کلّ عام < علی أن تجعل بیننا و بینهم سدًّا > ;

از امیرالمؤمنین(ع) روایت شده:. .. همانا ذوالقرنین، قومی را یافت که فهم هیچ سخنی برای آنان آسان نبود. آنان به او گفتند: ای ذوالقرنین! همانـا، یأجوج و مأجوج، پشت این دو کوه انـد و آنان در زمین فساد می کننـد. زمانی که فصل برداشت زراعت هـای ما و چیـدن میوه هایمان فرامی رسـد، آنان، از پشت این دو سـدّ (دو کوه) به ما حملهور شـده و از میوه های ما و زراعت های ما آن قـدر می چراننـد که هیـچ چیز از را باقی نمی گذارنـد. آیا برای تو هزینه ای قرار دهیم که هر ساله به تو بپردازیم تا بین ما و آنان سدّی برقرار سازی؟>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۹۷ – ۲

۲- یأجوج و مأجوج ، از

صعود بر بالای سد ذوالقرنین و نیز ایجاد رخنه و نقب در آن ، ناتوان بودند .

فما اسطعوا أن یظهروه و مااستطعوا له نقبًا

<ظهور> به معنای <علو> و بالا رفتن است <فما اسطاعوا أن یظهروه> یعنی: <اقوام مهاجم، نتوانستند از آن بالا روند. >. <نقب> به معنای <سوراخ و تونل> است و <ما استطاعوا له نقباً> یعنی: <نتوانستند که در دیوار سد، تونل و یا معبر ایجاد کنند.>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۹۶ – ۳

۳- تمامی راه های فتوحات به روی یأجوج و مأجوج در آینده باز خواهد شد و آنان از هر قلّه ، ارتفاع و بلندی های زمین با سرعت خواهند گذشت .

حتّی إذا فتحت یأجوج و مأجوج و هم من کلّ حدب ینسلون

<حدب> به معنای جاهای مرتفع و بلند زمین است و <نسل> (ماده <ینسلون>) در اصل به معنای جدا شدن از شیء است و هرگاه این ماده در باره رونده به کار رود، به معنای حرکت سریع خواهد بود. پس <ینسلون>; یعنی، به سرعت می روند و می تازند.

قصه مائده آسمانی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۱۱ – ۱

۱ خداوند در الهام به حواریون پس از قصه مائده ، آنان را به ایمان به خود و رسولش مسیح فراخواند .

و اذ اوحیت إلی الحواریون ان ءامنوا بی و برسولی

ظاهراً <اذ قال . ..> در آیه بعد که بیانگر داستان نزول مائده آسمانی است ظرف برای <اوحیت> می باشد بنابراین مفاد آیه چنین می شود: الهام خداوند به حواریون پس از

جریان مائده بوده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۱۲ – ۵

۵ حواریون عیسی پیش از داستان مائده نیز از زمره مدعیان ایمان به رسالت عیسی (ع) بودند .

قال اتقوا اللّه ان كنتم مؤمنين

چنانچه <اتقوا اللّه> فرمان به پرهیز از درخواست معجزه ویژه باشد، مراد از ایمان در <ان کنتم مؤمنین> ایمان به رسالت عیسی(ع) خواهد بود.

قصه محمد(ص)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مدثر – ۷۴ – ۵۲ – ۵

۵ – < عن أبی جعفر (ع) فی قوله < بل یرید کلّ امریء منهم أن یؤتی صحفاً منشّره > و ذلک أنّهم قالوا : یا محمد قد بلغنا أنّ الرجل من بنی اسرائیل کان یذنب الذنب فیصبح و ذنبه مکتوب عند رأسه و کفّارته ، فنزل جبرئیل علی النبیّ (ص) و قال : یسألک قومک سنّه بنی إسرائیل فی الذنوب فإن شاؤوا فعلنا ذلک بهم و أخذناهم بما کنّا نأخذ به بنی إسرائیل . . . ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند <بل یرید کلّ امریء منهم أن یؤتی صحفاً منشّره> روایت شده که آنان [به رسول خدا]گفتند: ای محمد! به ما خبر رسیده که مردی از بنی اسرائیل، گناهی مرتکب می شد و از خواب برمی خاست، در حالی که گناهش در بالای سرش همراه با کفّاره آن نوشته شده بود. سپس جبرئیل بر رسول خدا(ص) نازل شد و فرمود: قومت از تو می خواهند، همان سنّت بنی اسرائیل در مورد گناهان درباره آنان جاری شود، اگر آنان بخواهند ما درباره

آنان انجام می دهیم و آنان را گرفتار می کنیم; به همان عذابی که بنی اسرائیل را گرفتار می کردیم...>.

قصه مرد انصاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۵ - ۵

۵ - < قال البزنطی : . . . و سمعت الرضا (ع) یقول فی تفسیر < و الّیل إذا یغشی > قال : إنّ رجلاً من الأنصار کان لرجل فی حائطه نخله و کان یُضِرّ به فشکا ذلک إلی رسول اللّه (ص) فدعاه فقال : اعطنی نخلتک بنخله فی الجنّه فأبی فبلغ ذلک رجلاً من الأنصار یکنّی أبا الدحداح فجاء إلی صاحب النخله فقال : بعنی نخلتک بحائطی فباعه فجاء إلی رسول اللّه (ص) فقال : یا رسول اللّه قد اشتریت نخله فلان بحائطی ، قال : فقال رسول اللّه (ص) فلک بدل ها نخله فی الجنّه فأنزل اللّه تبارک و تعالی علی نبیّه (ص) < . . .فأمّا من أعطی > یعنی النخله < و اتّقی و صدّق بالحسنی > بوعد رسول اللّه (ص) . . . ;

بزنطی گفت: از امام رضا(ع) شنیدم که در تفسیر <و الّیل إذا یغشی> سخن می گفت و فرمود: در باغِ مردی از انصار درخت خرمایی متعلق به شخص دیگری بود و آن شخص [به هنگام استفاده از درخت] به مرد انصاری زیان می رساند. مرد انصاری از این عمل به رسول خدا(ص) شکایت کرد; رسول خدا(ص) صاحب درخت را فراخواند و به او فرمود: درخت خرمایت را در ازای یک اصله درخت خرما در بهشت،

به من واگـذارکن و آن مرد امتناع کرد. پس این خبر به مردی از انصار رسـید که کنیه او <ابودحـداح> بود. وی نزد صاحب آن درخت رفت و گفت: آن درخت خرمـایت را در ازای باغ من به من بفروش، او هم فروخت. آن گاه ابودحـداح نزد رسول خـدا(ص) آمـد و عرض کرد: درخت خرمای فلانی را در عوض باغ خود خریدم، رسول خدا(ص) به او فرمود: تو به جای آن درخت، درختی را در بهشت مالک هستی. پس خدای تبارک و تعالی بر پیامبرش [این آیه را] نازل فرمود: <فأمّا من أعطی> مقصود [بخشیدن]درخت خرما است <و اتّقی و صدّق بالحسنی> مقصود [تصدیق]وعده رسول خدا است>.

قصه مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۷ - ۱۱

۱۱ زکریا ، عهده دار سرپرستی مریم (س) ، از جانب خدا

و کفّلها زکریا

<کفّل>، دو مفولی است؛ بنابراین معنای <کفّلها زکریّا>، چنین می شود: جعل اللّه زکریا کفیلا لمریم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۴ - ۱

۱ حقایقی از سرگذشت مریم و زکریا ، برای اوّلین بار به پیامبر اکرم (ص) گفته شد .

ذلک من انباء الغیب نوحیه الیک

بیان حقایق مذکور اگر در دیگر کتب آسمانی آمده باشد، ظاهراً اطلاق غیب بر آن نمی شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۸ - ۱،۳،۷

۱ سرگذشت حضرت زکریا ، مریم ، یحیی و عیسی (ع) و پیروان آن حضرت

، آیات الهی و پند های حکیمانه

ذلک نتلوه علیک من الایات و الذّکر الحکیم

<ذلک>، اشاره به سرگذشت کسانی است که در آیات پیشین مطرح شده است.

۳ بیان سرگذشت حضرت مریم ، زکریا ، یحیی و عیسی (ع) ، از معجزات و نشانه های صدق پیامبر اکرم (ص)

ذلک نتلوه علیک من الایات

بنابراینکه منظور از <الایات>، با توجه به معنای لغوی آن (علامتها)، نشانه های صداقت پیامبر اکرم (ص) باشد.

۷ داستان حضرت عیسی ، زکریّا ، مریم و یحیی ، سراسر حکمت و مایه تذکّر است .

ذلک نتلوه علیک من الایات و الذّکر الحکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۰ - ۱

۱ سرگذشت زکریا ، عیسی ، مریم ، یحیی و بیان خلقت آدم در قرآن ، حق و از جانب پروردگار است .

الحق من ربّک

کلمه <الحق>، خبر است برای مبتدای محذوف که <هو> است و مراد از آن، سرگذشت مریم و پیامبرانی است که در آیات سابق بیان شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۱ - ۲

۲ علم و آگاهی پیامبر (ص) به حقیقت داستان عیسی (ع) و مریم (س) پس از بیان سرگذشت آنان از طریق وحی

فمن حاجّک فیه من بعد ما جاءک من العلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۶ - ۱۰

۱۰ اتهام ارتباط نامشروع مریم (ع) با مردی نجار به نام یوسف ، و باردار شدن وی

به عیسی (ع) ، بهتان بزرگ یهود به ساحت پاک مریم

و بکفرهم و قولهم علی مریم بهتاناً عظیماً

امام صادق(ع): . .. الم ینسبوا مریم بنت عمران الی انها حملت بعیسی من رجل نجار اسمه یوسف ... .

امالی صدوق، ص ۹۲، ح ۳، مجلس ۲۲; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۲۶، ح ۲.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۶ - ۳،۵،۸

۳- مریم از خانواده خویش کناره گیری کرد و در شرق مسجدالاقصی مستقر شد .

واذکر . .. مریم إذ انتبذت من أهلها مکانًا شرقیًا

<انتباذ> از ریشه <نبذ> و به معنای دوری جستن است. < <مکاناً شرقیّاً>; یعنی جایگاهی رو به شرق و چون حضرت مریم(س) وقف بر معبد(مسجدالاقصی) شده بود، مقصود مکانی در شرقِ مسجدالاقصی است.

۵- مریم (س) در آستانه حامله شدن به عیسی (ع) ، در نزدیکی مسجدالاقصی ، بستگانی داشت که در میان آنان به سر می برد .

إذ انتبذت من أهلها مکانًا شرقیًا

به قرینه <مکاناً قصیّاً> در آیه بیست و دوم که ناظر به مکان دومی است که مریم(س) برگزید، مکان شرقی مسجد الاقصی به منطقه مسکونی مردم نزدیک بوده است.

۸- پیدایش عارضه ای ناخوشایند در مریم (س) ، وادارسازنده وی به انزوا و دورساختن خویش از مردم *

إذ انتبذت من أهلها

<نبذ>; یعنی دورافکندن چیزی بر اثر بی اعتنایی به آن و <إنتباذ>، یعنی گوشه گیری کردن کسی که ارزش حضور خود نزد مردم را اندک و ناچیز می بیند (مفردات راغب). برخی از احتمالاتی که در توجیه کناره گیری مریم ذکر شده است نظیر

گذران ایام قاعدگی و مانند آن با این معنا سازگار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۷ - ۱،۲،۳،۴،۸،۹،۱۴

۱- حضرت مریم (س) در ناحیه شرقی مسجدالاقصی ، مکانی دور از انظار برای خود برگزید و خود را از مردم پنهان ساخت .

فاتّخذت من دونهم حجابًا

<حجاب> به معنای ساتر و چیزی است که حائل می شود. مراد از <اتّخذت... حجاباً> افکندن پرده و یا رفتن در مکانی است که دارای پوشش طبیعی، مانند دیوار یا کوه و مانند آن باشد.

۲- مکانی که مریم با رفتن به آن از دید مردم مخفی شد ، به منطقه مسکونی مردم نزدیک بود .

من دونهم

کلمه <دون> گاه برای تقریب و گاه برای تحقیر به کار می رود (العین).

۳- درپی استقرار مریم (س) در ناحیه شرقی و در مکانی مستور خداوند فرشته ای ارجمند را به سوی او فرستاد .

فاتّخذت من دونهم حجابًا فأرسلنا إليها روحنا

مراد از <روحنا>، به دلیل صفاتی که در ادامه آیات برای او ذکر شده است، یکی از فرشتگان است که عظمت و ارجمندی او در پیشگاه پروردگار، مایه انتساب او به خداوند شده است. با توجه به آیاتی که جبرئیل را <روح الأمین> و <روح القدس> خوانده می توان گفت: این فرشته، همان جبرئیل بوده است.

۴- باردارشدن مریم (س) به فرزندش عیسی (ع) ، وابسته به حضور او در مکانی خلوت و به دور از انظار مردم بود .

فاتّخذت من دونهم حجابًا فأرسلنا إليها روحنا

<فاء> در <فأرسلنا> برای تفریع است و نشان می هد که کارهای قبلی مریم

زمینه آمادگی او برای مقام مادری عیسی(ع) و پذیرش فرشته الهی شده است.

۸- مأمور ویژه الهی ، به صورت مردی معتدل و دارای همه خصوصیات جسمی یک انسان ، برای مریم (س) نمودار شد .

فتمثّل لها بشرًا سویًّا

<تمثیل>، یعنی صورت پذیری و به شکل چیزی نمودار شدن. <بشراً> حال است برای فاعل <تَمَثَّلَ> و مراد از آن به قرینه آیه بعد، مرد است. <سویّ> به معنای معتدل است و <بشراً سوّیاً>، یعنی انسانی معتدل که در خصوصیات جسمی خارج از حد افراط و تفریط باشد.

۹- چهره جلوه یافته فرشته الهی برای مریم (س) ، چهره ای ناآشنا و بی شباهت به هم شهریان و خویشاوندان او بود .

بشرًا سویًّا

<بشراً> اسم نکره است و بر ناشناخته بودن شخص دلالت دارد.

۱۴- < قال الباقر (ع) : إنّها (مریم) بشرت بعیسی فبینا هی فی المحراب إذ تمثّل لها الروح الأمین بشراً سویّاً ;

امام باقر(ع) فرمود: همانا او (مریم) به ولادت عیسی(ع) بشارت داده شد، پس در حالی که در محراب بود، ناگهان روح الامین به شکل انسانی کامل اندام بر او ظاهر گشت>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۸ - ۱،۲

۱- برانگیختن روحیه تقوا و خداترسی در مرد ناشناس ، واکنش اعتراض آمیز مریم (س) ، هنگام مشاهده او در خلوت گاه خویش بود .

قالت إنّی أعوذ بالرحمن منک إن کنت تقیًّا

جمله <إن کنت تقیّاً> دعوت به تقوا در قالب جمله شرطیه است، مفاد آیه این است که اگر متّقی هستی که باید باشی از من دور

شو و خود را گرفتار خشم خداوند مساز، که من خود را در پناه او قرار داده و دفع خطر تو را از او می خواهم.

۲- مریم (س) با وحشت از حضور مرد ناشناس نزد وی ، به خداوند پناه برد و او را از خشم خداوند برحذر داشت .

قالت إنّی أعوذ بالرحمن منک إن کنت تقیًّا

مریم(س) به جای <اللّهم إنّی أعوذ بک> مرد ناشناس را مخاطب ساخت تا ترس از خشم خداوند را در دل او ایجاد کند. <تقوی> ; یعنی قرار دادن خویش در وقایه (مانع) از هر چیز ترسناک (مفردات راغب) و <تقیّاً>; یعنی پرهیزکننده از خطر. به قرینه کلام مریم(س) که مخاطب خود را از خداوند ترساند، مراد خطر خشم خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۹ - ۱،۴،۷

۱- مأمور ویژه الهی در پاسخ به نگرانی مریم (س) خود را به او شناساند و فرستاده خدا بودن خود را به او ابلاغ کرد .

قالت إنّی أعوذ . .. قال إنّما أنا رسول ربّک

۴- عیسی (ع) ، موهبتی ویژه از جانب خداوند به مریم (س) بود .

إنّما أنا رسول ربّک لأهب لک غلمًا زکیًّا

با وجود آن که القای روح عیسی(ع) به مریم(س) با وسائط دیگر هم امکان پذیر بوده است، ولی فرستادن جبرئیل و بشارت به مریم و برشمردن ویژگی های آن موهبت، جملگی بر ویژه بودن آن موهبت دلالت دارد.

۷- < عن الباقر (ع) [فی قصّه مریم] : . . . تمثّل لها الروح الأمین . . . >

قال إنّما أنا رسول ربّك لأهب لك غلاماً زكيّاً > فتفل فى جيبها فحملت بعيسى (ع) ;

از امام باقر(ع) [در داستان مريم] روايت شده: روح الامين بر وى ظاهر شد . .. و گفت: <إنّما أنا رسول ربّك لأهب لك غلاماً زكيّاً> پس آب دهان در گريبان وى افكند و او به عيسى(ع) حامله شد>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - مريم - ۱۹ - ۲۰ - ۱،۲،۳،۵،۶

۱- حضرت مريم (س) از دريافت خبرِ داشتن پسر ، بدون تماس با هيچ بشرى شگفت زده شد .

قالت أنّى يكون لى غلم و لم يمسسنى بشر

<أنّى> ادات استفهام و به معناى <كيف> (چگونه؟) و يا <من أين> (از كجا؟) است و در هر صورت، حاوى تعجب نيز مى باشد.

۲- مريم (س) از متهم شدن به زنا ، درپى دريافت بشارت به عيسى (ع) نگران بود .

أنّى يكون . .. و لم أك بغيًّا

با اين كه <لم يمسسنى بشر> براى نفى اسباب عادى حامله شدن كافى بود، ولى جمله <و لم أك بغيّاً> نيز از مريم(س) صادر گرديد. برخى آن را قرينه براين قرار داده اند كه <لم يمسسنى...> تنها به نكاح مشروع نظر دارد و <لم أك بغيّاً> نوع نامشروع آن را نفى مى كند; و محتمل است مراد از <لم يمسسنى...> مطلق هم بسترى باشد و اضافه شدن <لم أك بغيّاً> به اين خاطر است كه مريم(س) دريافت كه در صورت حامله شدن، به زنا متهم خواهد شد. و با اين سخن، اظهار كرد كه تحمل آن اتهام، بر من سنگين خواهد بود.

۳- حضرت

مریم (س) از جبرئیل خواست او را از چگونگی پیدایش فرزندی بدون پدر آگاه سازد .

قالت أنّی یکون لی غلم و لم یمسسنی بشر و لم أک بغیًّا

۵- مریم (س) به هنگام مواجهه با جبرئیل ، دختری باکره و شوهر ندیده بود .

قالت أنّی یکون لی غلم و لم یمسسنی بشر

۶- مریم (س) ، هنگام دریافت بشارت تولد عیسی (ع) ، در شرایط سنّی مناسب و سلامت جسمی لازم برای بارداری بود .

و لم یمسسنی بشر و لم أک بغیًّا

آنچه در کلام مریم، مانع پیدایش عیسی(ع) قلمداد شده است، به نبود پدر مربوط می شود و سخنی از آمادگی جسمی نداشتن مریم مطرح نشده است. بنابراین او از این جهت مشکلی نداشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۱ - ۱،۲،۹

۱- جبرئیل ، شگفت زدگی مریم (س) را امری به جا دانست و بر عفت و پاکدامنی وی گواهی داد .

قال کذلک

<کذلک> خبر برای مبتدای محذوف و مرکب از حرف تشبیه و اسم اشاره است. مشارالیه آن ممکن است گفتار مریم(س) باشد، در این مفاد آیه این است که گرچه موضوع همان گونه است که گفتی، ولی خداوند این کار را بر خویش دشوار نمی بیند.

۲- جبرئیل در پاسخ به سؤال و نگرانی مریم بر حتمی بودن وعده الهی و حامله شدن او به عیسی (ع) تأکید کرد .

قال کذلک

چنان چه مشارالیه <ذلک> مضمون رسالت جبرئیل باشد، در این صورت تأکیدی بر تحقق حتمی بشارت است; یعنی <موضوع همان گونه است که گفتم>.

۹- توجه

مریم (س) به ربوبیت خداوند ، را به آسانی و امکان بارداریش به عیسی (ع) مطمئن می ساخت .

قال ربّک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۲ - ۱،۲،۷

۱- حضرت مریم (س) به فرمان و خواست خداوند ، بدون هیچ آمیزش جنسی به عیسی (ع) حامله شد .

فحملته

۲- حضرت مریم (س) درپی حامله شدن به عیسی (ع) ، از منطقه خویشاوندان خود فاصله گرفت و به مکان دوردستی رفت .

فحملته فانتبذت به مکانًا قصیًّا

<إنتباذ> از ریشه <نبذ> و به معنای دوری گزیدن است. <باء> در <به> یا برای ملابست و یا سببیه; یعنی دوری گزیدن مریم، همراه حمل خود و یا به خاطر آن، صورت گرفت. <قصیّ> صفت مشبهه و به معنای <دور> است.

۷- < عن أبی عبداللّه (ع) . . . قال : إنّ مریم (ع) . . . حملته سبع ساعات ;

از امام صادق(ع) روایت شده که . .. فرمود: همانا مریم(ع) ... هفت ساعت به عیسی(ع) حامله بود>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۳ - ۲،۳،۵،۶،۷،۸،۱۴،۱۵

۲- مریم (س) هنگام زایمان ، تنها و بدون پرستار و در مکانی دور از مناطق مسکونی ، به سر می برد .

مکانًا قصیًّا . فأجاءها المخاض إلی جذع النخله

در جمله <أجاءها المخاض>، آوردن مریم کنار درخت، به درد زایمان نسبت داده شده و آیات بعد، نوزاد او را راهنمای وی به آب معرفی کرده است، علاوه بر آن، مریم(س) برای تهیه

خرما، خود مجبور به حرکت دادن نخله شد، مجموعه این امور می تواند قرائن تنهایی مریم به هنگام زایمان باشد.

۳- زایمان مریم (س) در سرزمینی گرمسیر و دارای نهال های نخل صورت گرفت .

فأجاءها المخاض إلی جذع النخله

<نخل> در سرزمینی می روید که دارای آب و هوای گرم باشد.

۵- حضرت مریم (س) به هنگام زایمان آرزو کرد : کاش قبل از باردارشدن مرده بود و به کلّی از یاد ها رفته بود .

فأجاءها المخاض . .. قالت یلیتنی متّ قبل هذا و کنت نسیًا منسیًّا

جمله <و کنت نسیاً منسیّاً> قرینه است بر این که انگیزه مریم از آرزوی مرگ، رهایی از زخم زبان مردم بوده است، گرچه به قرینه <ألاّتحزنی قد جعل. ..> تنهایی و بی آب و غذایی، نیز او را اندوهناک ساخته بود، ولی این همه، تبعاتِ همان گریز از زخم زبان است؛ یعنی کاش پیش از حاملگی مرده بودم، که برای فرار از نیشتر مردم مجبور به تحمل این آوارگی نباشم.

۶- ناراحتی ها و فشار های روحی مریم (س) به هنگام تولد عیسی (ع) ، خارج از حدّ توصیف بود .

فأجاءها المخاض إلی جذع النخله قالت یلیتنی متّ قبل هذا و کنت نسیًا منسیًّا

آرزوی مرگ از جانب شخصیتی چون مریم(س) که مورد عنایت خاص خداوند بود، باید در شرایطی صورت گرفته باشد که وضعیتی فوق تحمل و طاقت برایش پیش آمده باشد، این حالت به قرینه آیات بعد فشارهای روحیِ ناشی از احتمال اتهام و آوارگی حاصل از آن است.

۷- مرگ در حال بارداری و یا پس از وضع حمل ، نمی

توانست پایان بخش نگرانی های مریم (س) باشد .

یلیتنی متّ قبل هذا

<هذا> در کلام مریم(س)، اشاره به اصل بارداری است نه آوارگی و تنهایی و سختی زایمان، زیرا پیدایش این امور به خواست خود مریم و برای رهایی از زخم زبان مردم بود، بنابراین او که از اتهام زنا، حتی پس از مرگ خود بیم داشت، رهایی از اتهام را در گرو مرگ پیش از بارداری می دید.

۸- مریم (س) ، حامله بودن خود را در تمام مدت ، از مردم پنهان کرده بود .

مکانًا قصیًّا . فأجاءها المخاض ... یلیتنی متّ قبل هذا و کنت نسیًا منسیًّا

رفتن به مکان دوردست و نیز تنهایی و بی سرپناهی به هنگام وضع حمل، نشان می دهد که تا آن زمان مریم(س) توانسته بود حامله بودن خود را از مردم پنهان کند.

۱۴- < روی عن الصادق (ع) فی قول مریم < یالیتنی متّ قبل هذا > : لأنّها لم تر فی قومها رشیداً ذا فراسه ینزهها من السوء ;

از امام صادق(ع) روایت شده که در باره قوم مریم که هنگام تولد عیسی(ع) آرزوی مرگ کرد، فرمود: این بدان جهت بود که در قوم خودش فرد فرزانه هوشمندی را نمی یافت که او را از تهمت زنا تبرئه کند>.

۱۵- < عن الصادق (ع) [فی قصه مریم] : إنّ زکریا و خالتها أقبلا یقصان أثرها حتی هجما علی ها و قد وضعت ما فی بطنها و هی تقول : < یالیتنی متّ قبل هذا و کنت نسیاً منسیّاً > ;

از امام صادق(ع) [در داستان مریم] روایت شده که زکریا و

خاله مریم به جست وجوی او برآمدند تا این که به طور ناگهانی به او برخوردند، در حالی که فرزندش (عیسی) را به دنیا آورده بود و می گفت: <یالیتنی متّ قبل هذا. ..>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۴ - ۲،۳،۵،۶

۲- حضرت عیسی (ع) در شرایط سخت روحی و جسمی مادرش مریم (س) پس از زایمان با وی سخن گفت و او را دل داری داد .

فحملته . .. فنادیها من تحتها ألّاتحزنی

مراد از ضمیر فاعلی در <نادی> به قرینه ضمائر <فحملته فانتبذت به> در آیات قبل حضرت عیسی(ع) است و مراد از ضمیر <من تحتها> همانند ضمیر <فناداها> حضرت مریم(س) است. برخی فاعل <نادی> را جبرئیل دانسته و ضمیر <من تحتها> را به <نخله> یا <مریم> ارجاع داده اند; ولی سیاق آیات با آنچه گفته شد سازگارتر است.

۳- عیسی (ع) در بدو تولد ، مادرش مریم (س) را به اندوهگین نبودن توصیه کرد .

فنادیها من تحتها ألّاتحزنی

۵- عیسی (ع) در بدو تولد ، مادرش مریم (س) را به روان شدن جویباری در پایین دست او بشارت داد .

فنادیها . .. قد جعل ربّک تحتک سریًّا

۶- نبود آب به هنگام زایمان ، موجب نگرانی شدید مریم (س) شده بود .

ألّاتحزنی قد جعل ربّک تحتک سریًّا

<قد جعل> تعلیل برای <ألّاتحزنی> است، یعنی محزون نباش، زیرا خداوند در پایین دست تو آبی روان قرار داده است. از این تعلیل می توان دریافت که تا چه اندازه مریم(س) برای آب نگران بوده

و این بشارت چه نقشی در شادمانی وی ایفا کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۵ - ۲،۳

۲- نخلی که مریم (س) در کنار آن وضع حمل نمود ، میوه نداشت .

و هزّی إلیک بجذع النخله تسقط علیک رطبًا جنیًّا

جمله <تساقط علیک. ..> گویای امتنان بر مریم(س) است، نه خبر از اثر طبیعی تکان دادن درخت، چرا که این موضوع نیازی به راهنمایی نداشت; بنابراین، پس از تکان دادن درخت بود که خرمای آن پدیدار گشته و فرو می ریخت. اضافه شدن کلمه <جذع> به کلام و نیز اِسناد <تساقط> به <نخله>، خشک بودن درخت و خارق العاده بودن ریزش خرما را تأیید می کند.

۳- بارورشدن و ثمردادن غیر طبیعی درخت خرما ، به تلاش مریم (س) و کشیدن و تکان دادن نخل وابسته بود .

و هزّی إلیک . .. تسقط

فعل <تساقط> مجزوم است و عامل جزم آن شرط مقدر است; یعنی اگر درخت را تکان دهی و به سمت خود بکشی، برای تو خرما می ریزد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۶ - ۱،۳،۷،۸،۹،۱۰،۱۱،۱۶

۱- حضرت عیسی (ع) در آغاز تولد خویش ، مادرش مریم (س) را به خوردن خرمای تازه و نوشیدن از آب نهر فرا خواند .

فنادیها من تحتها . .. تحتک سریًّا ... رطبًا جنیًّا . فکلی واشربی

۳- سخن گفتن عیسی (ع) با مادر خود و تأمین آب و غذا به صورت خارق العاده ، زمینه های مسّرت و چشم روشنی مریم (

س) و رفع نگرانی او از آینده بود .

فنادیها . .. فکلی و اشربی و قرّی عینًا

<عیناً> تمییز و بیانگر مراد جدی از فاعل است و <قرّی> از ماده <قرار> (آرام گرفتن) و یا <قُرّ> (سرد شدن) است. در صورت اول جمله <قرّی عیناً>، یعنی <چشم آرمیده باش> و در صورت دوم، یعنی <خنک چشم باش> (چشمت از اشک سوزان به دور باشد) و در هر صورت، کنایه از خوش دلی و شادمانی است که چشم از نگرانی و اضطراب باز می ایستد و از سوزش اشک اندوه، مصون می ماند. ارتباط جمله <قرّی عیناً> با جملات قبل، گویای برداشت فوق است.

۷- عیسی (ع) ، وظیفه دفاع از مادر خویش در مقابل تهمت های مردم را به عهده گرفت .

فإمّاترینّ من البشر أحدًا فقولی إنّی نذرت للرحمن صومًا

توصیه مادر به سکوت از جانب عیسی(ع) بدان معنا بود که او نگران دفاع از خود نباشد، چرا که عیسی(ع) خود آن را انجام خواهد داد. سخن گفتن عیسی(ع) با مادر پس از ولادت، این اطمینان را به مریم داده بود که او براین کار کاملاً توانا است.

۸- عیسی (ع) ، شیوه برخورد با مردم و چگونگی واکنش در برابر بهتان آنان را به مادرش مریم (س) آموخت .

فإمّا ترینّ من البشر أحدًا فقولی

۹- حضرت مریم (س) در هنگام وضع حمل و پس از آن ، تا زمان بازگشت به قوم خویش تنها بود . *

فحملته فانتبدت به مکان قصیًّا. .. فإمّا ترینّ من البشر أحدًا

جمله شرطیه <فإمّاترینّ. ..> ممکن است براین دلالت کند که در هنگام وضع حمل

و بعد از آن بشری در آنجا نبوده است، گرچه به قرینه سیاق کلام می توان گفت: مراد عموم انسان ها نیستند، بلکه افرادی مورد نظر هستند که فرزند داشتن مریم برای آنان سؤال انگیز باشد. برخی <ال> در <البشر> را برای عهد و اشاره به قوم مریم دانسته اند.

۱۰- عیسی (ع) ، مادرش مریم (س) را به نذر روزه سکوت ، هنگام مواجهه با مردم توصیه کرد .

فإمّا ترینّ من البشر أحدًا فقولی إنّی نذرت للرحمن صومًا

۱۱- مریم (س) ، نذر روزه سکوت را پس از مواجهه با اولین نفر از افراد جامعه خویش منعقد ساخت .

فإمّاترینّ من البشر أحدًا فقولی إنّی نذرت

ظاهر <فقولی> آن است که مریم مفاد نذر خود را با زبان بیان کرده باشد; دراین صورت همان جمله <إنّی نذرت . ..> صیغه نذر بوده و نذر مریم با گفتن آن منعقد شده است.

۱۶- جسم و روحِ مریم (س) ، تحت مراقبت ویژه خداوند بود .

فنادیها . .. فکلی و اشربی ... فإمّاترینّ

ندا دهنده به مریم هرکس که باشد (چه عیسی(ع) و یا فرشته) از جانب خداوند و به فرمان او بوده است، لذا باید گفت مریم(س) در تمامی این حالات در مراقبت خاصی از جانب خداوند قرار داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۷ - ۱،۲،۳،۶

۱- مریم (س) پس از دریافت رهنمود های نوزادش عیسی (ع) ، او را آشکارا در آغوش خود گرفت و نزد قومش برد .

فأتت به قومها تحمله

۲- مریم (س)

به هنگام بازگشت میان مردم ، فارغ از هرگونه هراس و نگرانی بود .

فکلی و اشربی . .. فإمّاترینّ من البشر ... فأتت به قومها تحمله

بااین که جمله <أتت به قومها> برای بیان آوردن عیسی(ع) توسط مادرش، جمله ای کامل است، ولی جمله حالیه <تحمله> نیز بر آن اضافه گردیده است تا بر مباشرت مریم(س) در حمل کردن فرزندش دلالت کند; یعنی دیگر مریم(س) انگیزه ای برای پنهان داشتن فرزند خود نداشته است، بلکه آشکارا او را در بغل گرفته و به میان مردم آمد.

۳- مردم با دیدن مریم (س) همراه کودک خویش ، بدون پرس و جو او را به زنا متهم کردند .

فأتت به قومها تحمله قالوا یمریم لقد جئت شیًا فریًّا

<فریّاً> صفت مشبهه به معانی <سنگین و بزرگ> و <شگفت> و <کار بی سابقه> آمده و از ریشه <فری> به معنای قطع گرفته شده است; به این تناسب که چنین عملی قطع روند گذشته است. در هر صورت مرادِ کسانی که این سخن را به مریم(س) گفتند، اتهام زنا و خلاف بوده است.

۶- < عن أبی جعفر (ع) قال : لمّا قالت العواتق . . . لمریم (ع) : < لقد جئت شیئاً فریّاً > أنطق اللّه تعالی عیسی (ع) عند ذلک ;

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: چون دختران نورس به مریم گفتند: <لقد جئت شیئاً فریّاً> خداوند در آن هنگام زبان عیسی(ع) را به سخن گفتن گشود>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۸ - ۱،۶

۱- قوم مریم با بیان عفت و پاکدامنی

پدر و مادر وی ، او را در فرزنددار شدنِ بدون ازدواج سرزنش کردند .

ما کان أبوک امرأ سوء و ما کانت أُمّک بغیًّا

۶- مردم بیت المقدس ، مریم (س) را به زنا متهم کردند .

و ما کانت أُمّک بغیًّا

<بغیّ>، یعنی زن بدکاره (قاموس). مردم گرچه مریم(س) را صریحاً به زنا متهم نکردند، ولی با کنایه این کار را انجام دادند. جمله <و ما کانت ...> (مادرت بدکاره نبود)، یعنی تو این چنین هستی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۹ - ۱،۲،۳،۴،۵،۷

۱- مریم (س) با اشاره به نوزادش (عیسی (ع)) کار پاسخ گویی به اتهامات وارده را به او واگذار کرد .

و ما کانت أُمّک بغیًّا . فأشارت إلیه

۲- حضرت مریم (س) ، هنگام مواجه شدن با اتهام های قوم خود ، در حال روزه بود و سخن نمی گفت .

فأشارت إلیه

۳- حضرت مریم (س) به قدرت نوزادش عیسی (ع) در سخن گفتن و رفع اتهامات یقین داشت .

فأشارت إلیه

آمدن مریم به میان قوم خویش، آوردن علنی و آشکار فرزند و اشاره کردن به سوی نوزاد به جای پاسخ گویی به اتهامات، بیانگر یقین او است.

۴- ورود مریم (س) با نوزادش عیسی (ع) بر قوم خویش ، به هنگام روز بود .

فلن أکلّم الیوم إنسیًّا . .. فأشارت إلیه

۵- مردم ، از واگذارشدن پاسخ اتهامات از سوی مریم (س) به نوزادش عیسی (ع) ، شگفت زده شده و آن را باور نکردند .

فأشارت إلیه

قالوا کیف نکلّم من کان فی المهد صبیًّا

استفهام در آیه انکاری است. این انکار را چندین تأکید نیز همراهی می کند: ۱) فعل <کان> که در این موارد بر ماضی دلالت ندارد، بلکه استقرار و ثبوت را می فهماند; ۲) قید <فی المهد> که نشانه ناتوانی عیسی(ع) از هرگونه حرکتی است; ۳) قید <صبیّاً> که با وجود <فی المهد> نیازی به آن نبود، ولی گویندگان آن را به منظور تأکید انکار و تعجبشان افزودند.

۷- مریم (س) از سوی افرادی متعدد به زنا متهم شده بود .

قالوا یمریم . .. قالوا کیف نکلّم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۰ - ۱

۱- نوزاد مریم (س) با اشاره مادرش و در حضور مردم شروع به سخن گفتن کرد .

فأشارت إلیه . .. قال إنّی عبداللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۳ - ۴

۴- عیسی (ع) با سالم خواندن مرحله ولادت خویش از هر عیب و ناپسندی ، بر مبرّابودن مادرش مریم (س) از اتهامات ناروای مردم تأکید کرد .

والسلم علیّ یوم ولدت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۱ - ۴،۴

۴- بارداری مریم (س) و تولد حضرت مسیح (ع) با دمیده شدن روح الهی در او بود .

فنفخنا فیها من روحنا

۴- بارداری مریم (س) و تولد حضرت مسیح (ع) با دمیده شدن روح الهی در او بود .

فنفخنا فیها من روحنا

- آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۵۰ – ۴،۵،۱۰

۴ – نقل مکان کردن مریم به همراه نوزادش (عیسی) ، به محلی دیگر غیر از زادگاه او

و ءاوینهما إلی ربوه

<إیواء> (مصـدر <آوینـا>) به معنـای امکـان و جـای دادن است. <ربوه> نیز به تپه و هر زمین بلنـد گفته می شود. <ذات قرار> (مرادف <مستقر>) به معنای جای زیست است و <معین> به آبی که بر روی زمین جاری باشد، گفته می شود.

۵ – استقرار مریم و نوزادش (عیسی) ، در سرزمینی بلند ، آرام و دارای آبی روان

و ءاوینهما إلی ربوه ذات قرار و معین

۱۰ – برخورداری حضرت عیسی و مریم (ع) ، از امکانات و آسایش زندگی

و ءاوینهما إلی ربوه ذات قرار و معین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – تحریم – ۶۶ – ۱۲ – ۴،۶

۴ – گواهی خداوند ، بر پاکدامنی و عفت مریم (ع)

الّتی أحصنت فرجها

۶ – بارداری مریم (س) و تولد مسیح (ع) ، با دمیده شدن روح الهی در او

فنفخنا فیه من روحنا

قصه موسی(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۵۱ – ۱،۳

۱ – خداوند ، پس از نجات بنی اسرائیل از سیطره فرعونیان ، موسی (ع) را برای عبادت و مناجاتی خاص فرا خواند .

و إذ وعدنا موسی أربعین لیله

به کارگیری کلمه <لیله> (شب) - با وجود اینکه معمولا در بیان شبانه روز و مانند آن، از کلمه <یوم> (روز) استفاده می شود - اشاره به این معنا دارد

که: وعده خدا با موسی (ع) برای عبادت و مناجات بوده است. از آن جا که موسی (ع) در میان بنی اسرائیل نیز اعمال عبادی داشته، معلوم می شود آن دعوت برای عبادت و مناجاتی خاص بوده است.

۳ - مدت زمان عبادت و مناجات ویژه موسی (ع) ، چهل شب تعیین شد .

و إذ وعدنا موسی أربعین لیله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۴ - ۲،۹،۱۵

۲ - موسی (ع) با بیان ستمکاری قومش ، به آنان فرمان داد تا روی به درگاه خدا آورده ، توبه کنند .

و إذ قال موسی لقومه . .. فتوبوا إلی بارئکم

۹ - حضرت موسی (ع) با زمینه سازی فکری و روانی برای مرتدان بنی اسرائیل ، آنان را برای پذیرش و اجرای امر خدا (کشتن یکدیگر) آماده کرد .

یقوم إنکم ظلمتم أنفسکم

موسی(ع) از انتساب بنی اسرائیل به خویش با گفتن <یا قوم> (ای مردم من) در صدد تفهیم این حقیقت است که: او از روی دلسوزی آنان را به توبه دعوت می کند و از آنان می خواهد که به حکم خدا گردن نهند. تصریح به اینکه بنی اسرائیل با گوساله پرستی به خود ستم کردند نیز در راستای این معناست.

۱۵ - موسی (ع) با توجه دادن مرتدان به خالقیت خدا ، کیفر قتل را برای آنان امری سازنده دانست .

ذلکم خیر لکم عند بارئکم

انتخاب <باره> در بیان ضرورت اجرای حکم قتل، به این معنا اشاره دارد که: هر چند کشته شدن به ظاهر از میان رفتن و نابود شدن

است، ولی در حقیقت زندگی یافتن و دوباره آفریده شدن است. گفتنی است که تکرار <بارئکم> در دو جمله <توبوا إلی بارئکم> و <ذلکم خیر لکم عند بارئکم> رسای به این است که هر کدام به هدفی خاص آورده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۵ - ۱۵

۱۵ - از امام رضا (ع) روایت شده که فرموده اند : < ان کلیم اللّه موسی بن عمران . . . لما کلمه اللّه عز و جل . . . رجع إلی قومه . . . فقالوا لن نؤمن لک حتی نسمع کلامه . . . ثم اختار منهم سبعین رجلا . . . فکلمه اللّه تعالی ذکره و سمعوا کلامه . . . فقالوا لن نؤمن لک بان هذا الذی سمعناه کلام اللّه حتی نری اللّه جهره . . . ;

موسی بن عمران چون خداوند با او سخن گفت . .. به سوی قومش بازگشت ... آن قوم گفتند: به تو ایمان نمی آوریم مگر اینکه کلام خدا را بشنویم ... سپس موسی (ع) از بین قومش هفتاد نفر را انتخاب کرد]و به سوی کوه طور رفتند[... و در آن جا موسی(ع) با خدای سبحان سخن گفت و آن قوم کلامش را شنیدند ... و گفتند: ما ایمان نمی آوریم که این کلامی که شنیدیم کلام خدا باشد مگر اینکه خدا را آشکارا ببینیم ...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۸ - ۱۹

۱۹ - < عن الباقر (ع) قال فی قوله

تعالی < و ادخلوا الباب سجداً > ان ذلک حین فصل موسی من أرض التیه فدخلوا العمران . . . ;

از امام باقر(ع) درباره <و ادخلوا الباب سجداً> روایت شده که این دستور هنگامی بود که موسی (ع) از سرزمین <تیه> رهایی یافته و به سرزمین آبادی وارد گشته بودند . ..>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۰ - ۲،۳،۴،۵،۶،۱۵

۲ - موسی (ع) از خداوند خواست ، تا قومش را از کمبود آب رهایی بخشد .

و إذاستسقی موسی لقومه

<استسقاء> در لغت به معنای طلب کردن آب است و در اصطلاح شرعی دعا به درگاه خداوند است به نحوی خاص برای نزول باران.

۳ - خداوند ، به موسی (ع) فرمان داد تا برای دستیابی به آب ، عصای خویش را بر سنگ زند .

فقلنا اضرب بعصاک الحجر

<ال> در <الحجر> می تواند تعریف جنس باشد. در این صورت مراد از <الحجر>، سنگ در مقابل اشیای دیگر است و می تواند <ال> برای عهد حضوری یا ذهنی باشد. در این صورت مراد از <الحجر> سنگی مخصوص بوده است.

۴ - خداوند ، دعا و درخواست موسی (ع) (دستیابی به آب) را سریعاً اجابت کرد .

فقلنا اضرب بعصاک الحجر

حرف <فاء> در <فقلنا> اشاره به این دارد که میان دعای موسی و اجابت آن فاصله زمانی نبوده است.

۵ - موسی (ع) در پی فرمان خدا بدون هیچ تأخیر ، عصای خویش را برای به دستاوردن آب بر سنگ زد .

فقلنا اضرب بعصاک الحجر فانفجرت منه اثنتا عشره عیناً

حرف <فاء> در <فانفجرت> فای

فصیحه است; یعنی، بیانگر معطوف علیه مقدر می باشد. جمله با تقدیر آن چنین است: <فضرب بعصاه الحجر فانفجرت>. گویا حذف این جمله برای رساندن این معناست که فرمان الهی (اضرب) همان و زدن همان.

۶ - در پی فرود آمدن عصای موسی بر سنگ ، دوازده چشمه آب از آن جوشش کرد .

فانفجرت منه اثنتا عشره عیناً

۱۵ - داستان استسقای موسی (ع) و جوشیدن چشمه های آب از سنگ ، داستانی آموزنده و خاطره ای شایسته و بایسته به یاد داشتن

و إذاستسقی موسی لقومه . .. قد علم کل أناس مشربهم

عبارت <إذاستسقی> عطف بر <نعمتی> در آیه ۴۷ است; یعنی: <أذکروا إذاستسقی موسی لقومه>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۱۶،۲۱

۱۶ - موسی (ع) مردمش را به خاطر تقاضای غذایی پست تر در مقابل از دست دادن غذایی بهتر ، سرزنش کرد .

قال أتستبدلون الذی هو أدنی بالذی هو خیر

استفهام در <أتستبدلون> انکار توبیخی است. ضمیر در <قال> می تواند به <ربک> برگردد و می تواند به <موسی> ارجاع شود در برداشت فوق دومین احتمال لحاظ شده است.

۲۱ - موسی (ع) در پی تقاضای قومش (درخواست خوراکی های زمینی) از آنان خواست تا به یکی از شهر ها در آیند و شهرنشینی را انتخاب کنند .

قال أتستبدلون . .. اهبطوا مصراً فان لکم ما سألتم

چنانچه ضمیر در <قال> به <ربک> برگردد، جمله <اهبطوا . ..> سخن خداوند است و اگر به موسی (ع) ارجاع شود، آن جمله گفته موسی(ع) خواهد بود. برداشت فوق به لحاظ احتمال دوم

است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۷ - ۶،۷،۸،۱۰،۱۱

۶ - موسی (ع) مخالفت و موضع گیری قومش را درباره دستور ذبح گاو ، پیش بینی کرد .

إن اللّه یأمرکم أن تذبحوا بقره

موسی(ع) فرمان الهی (لزوم ذبح گاو) را با جمله اسمیه <إن اللّه . ..> - که قرین به حرف تأکید <إنّ> است - بیان داشت و معمولاـ بیان معنا با کلامی مؤکّد، حاکی از آن است که مخاطب پذیرای مضمون کلام نیست و یا آن را مورد تردید قرار خواهد داد.

۷ - قوم موسی وی را به دروغ گویی در ابلاغ حکم خدا (فرمان ذبح گاو) ، متهم کردند .

إن اللّه یأمرکم . .. قالوا أتتخذنا هزواً

با وجود اینکه موسی(ع) با جمله <إن اللّه. ..> تصریح می کند که خداوند چنین دستوری داده بنی اسرائیل با خطاب به موسی (ع) (أتتخذنا) او را صادر کننده آن فرمان می پنداشتند; یعنی، بر این گمان بودند که وی به گزاف آن حکم را به خداوند نسبت می دهد.

۸ - قوم موسی وی را به استهزا کردن بنی اسرائیل متهم کردند .

أتتخذنا هزواً

۱۰ - استعاذه موسی (ع) به خدا از اینکه در زمره جاهلان باشد .

أعوذ باللّه أن أکون من الجهلین

۱۱ - موسی (ع) با جاهلانه خواندن استهزای مردم ، پندار قوم خویش را درباره خود ناروا دانست .

قال أعوذ باللّه أن أکون من الجهلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۸ - ۳،۵،۷

۳ - قوم موسی ، از وی خواستند تا

مشخصه های گاوی را که باید ذبح شود از خداوند بخواهد و برای ایشان بیان کند .

قالوا ادع لنا ربک یبین لنا ما هی

۵ - موسی (ع) مردم خویش را به انجام مأموریتشان (ذبح گاو میانسال) فرمان داد .

إنها بقره لافارض و لابکر عوان بین ذلک فافعلوا ما تؤمرون

۷ - موسی (ع) از مردم خواست تا با سؤال درباره گاوی که به ذبح آن مأمور شدند ، تکلیف را بر خود مشکل نسازند .

فافعلوا ما تؤمرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۹ - ۲

۲ - قوم موسی ، از وی تقاضا کردند تا رنگ گاوی را که باید ذبح شود ، از خداوند سؤال کند و برای ایشان بیان دارد .

قالوا ادع لنا ربّک یبین لنا ما لونها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۱ - ۶

۶ - قوم موسی ، ویژگی های اولیه گاوی را که باید ذبح می شد ، نارسا پنداشته و موسی (ع) را به کوتاهی در بیان حقیقت متهم کردند .

قالوا الئن جئت بالحق

مفهوم کلام قوم موسی (الآـن . ..; هم اکنون حق را به تمامی بیان کردی) این است که: وی قبل از ذکر اوصاف یاد شده در این آیه، حق را به طور کامل بیان نکرده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۳ - ۱۷

۱۷ - بزنطی از امام رضا (ع) روایت نموده که : < ان رجلا من بنی اسرائیل قتل

قرابه له . . . فقالوا لموسی (ع) ان سبط آل فلان قتلوا فلاناً فاخبرنا من قتله ؟ قال ایتونی ببقره . . . فاشترو ها و جاؤا بها فأمر بذبح ها ثم أمر ان یضرب المیت بذنب ها فلما فعلوا ذلك حیی المقتول و قال یا رسول اللّه ابن عمّی قتلنی دون من یدعی علیه قتلی فعلموا بذلک قاتله . . . ;

شخصی از بنی اسرائیل یکی از نزدیکان خود را کشت . .. بنی اسرائیل به موسی گفتند: فلان قبیله، فلانی را کشته است و تو قاتل را معرفی کن. موسی (ع) فرمود: گاوی را نزد من آورید ... آنان گاو را خریده و نزد موسی(ع) بردند و موسی امر به ذبح آن کرد. سپس امر نمود که دم آن گاو را به مقتول بزنند و چون این کار را کردند آن مرده زنده شد و گفت ای پیامبر خدا! پسر عمویم مرا کشته است نه آن کس که او را متهم به کشتن من کرده اند، پس با این عمل قاتل را شناسایی نمودند ...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۲ - ۱،۳،۴،۷

۱ - موسی (ع) پیامبری از نژاد اسرائیل و مبعوث شده برای بنی اسرائیل

قالوا نؤمن بما أنزل علینا . .. و لقد جاء کم موسی بالبینت

۳ - موسی (ع) ، برجسته ترین و بارزترین چهره در میان انبیای بنی اسرائیل

و لقد جاء کم موسی بالبینت

ذکر نام موسی(ع)، از میان پیامبران بنی اسرائیل، برای ارائه نمونه ای از برخوردهای کفرآمیز یهود با پیامبران اسرائیلی; اشاره به

برداشت فوق دارد.

۴ - قوم موسی ، در غیاب او به گوساله پرستی روی آوردند .

ثم أتخذتم العجل من بعده

۷ - یهودیان ، علی رغم دریافت دلایل و معجزات موسی (ع) با رسالت های او مخالفت کردند .

لقد جاء کم موسی بالبینت ثم أتخذتم العجل من بعده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۸ - ۵

۵ - موسی (ع) ، پیامبری مبعوث شده پیش از پیامبر اسلام (ص)

کما سئل موسی من قبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۳ - ۲۰

۲۰ حضرت موسی (ع) ، دارای قدرت و توانی بالا در ایفای رسالت و اتمام حجت بر مردم

و ءاتینا موسی سلطناً مبیناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۴ - ۱۰،۱۱

۱۰ گفتگوی خداوند با موسی (ع) به مقدار صد و بیست و چهار هزار کلمه در مدت سه شبانه روز

و کلم اللّه موسی تکلیماً

رسول خدا(ص): ان اللّه ناجی موسی بن عمران(ع) بمائه الف کلمه و اربعه و عشرین الف کلمه فی ثلثه ایام و لیالیهن . .. .

خصال صدوق، ص ۶۴۱، ح ۲۰، باب ما بعد الالف; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۷۴، ح ۶۷۵.

۱۱ سخن خداوند با موسی (ع) در طور سینا بصورت ایجاد صدا در درخت و قابل شنیدن برای همران آن حضرت از هر طرف

و کلم اللّه موسی تکلیماً

امام رضا(ع) درباره سخن گفتن خداوند با موسی(ع) فرمود: . .. فخرج بهم الی طور سیناء

... فکلمه اللّه تعالی ذکره و سمعوا کلامه ... لان اللّه عزوجل احدثه فی الشجره ثم جعله منبعثاً منها حتی سمعوه من جمیع الوجوه ... .

توحید صدوق، ص ۱۲۱، ح ۲۴، ب ۸; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۷۴، ح ۶۷۶.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۰ - ۱

۱ سرگذشت موسی (ع) با قوم خویش ، شایسته یادآوری و پندگیری

و اذ قال موسی لقومه یقوم

<اذ> در <اذ قال . ..>، مفعول برای فعلی مقدر مانند <اذکر> یا <اذکروا> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۱ - ۸

۸ موسی (ع) بر حذر دارنده قوم خویش از فرار و عقب نشینی به هنگام رویارویی با ساکنان سرزمین مقدس

و لاترتدوا علی ادبارکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۳ - ۱

۱ یورش به سرزمین مقدس از دروازه آن ، پیشنهاد دو نفر از یاران موسی (ع)

قال رجلان . .. ادخلوا علیهم الباب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۵ - ۱،۳،۷،۹

۱ عذر خواستن موسی (ع) در پیشگاه پروردگار ، از ناتوانی خویش در بسیج بنی اسرائیل برای مبارزه با جباران

قال رب انی لااملك الا نفسی و اخی

۳ شکایت موسی (ع) به پیشگاه پروردگار ، از تمرد بنی اسرائیل در مبارزه با جباران

قال رب انی لااملك الا نفسی و اخی

۷ جدایی موسی (ع) و برادرش هارون از

بنی اسرائیل ، درخواست و دعای موسی (ع) به پیشگاه پروردگار

فافرق بیننا و بین القوم الفسقین

۹ نفرین موسی (ع) بر قوم خویش با درخواست محروم شدن آنان از فیض وجود او و برادرش هارون

فافرق بیننا و بین القوم الفسقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۳ - ۸

۸ فرعون و بزرگان دربار او ، آیات و معجزات ارائه شده از سوی موسی را تکذیب کردند .

بئایتنا إلی فرعون و ملإیه فظلموا بها

ضمیر در <بها> به <آیاتنا> برمی گردد و چون <ظلم> به حرف باء متعدی شده (ظلموا بها) متضمن معنای تکذیب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۴ - ۱

۱ موسی پس از بعثت به نبوّت با حضور در برابر فرعون و گفتگو با وی ، رسالت الهی خویش را به او اعلان کرد .

و قال موسی یفرعون إنی رسول من رب العلمین

کلمه <واو> در <و قال . .. > بیانگر این است که در قبل از بیان رسالت سخنانی بین موسی و فرعون مبادله شده بود که به سبب دخالت نداشتن آنها در موضوع بحث، بیان نشده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۵ - ۱،۹،۱۰

۱ موسی (ع) در حضور فرعون خویشتن را از هر گونه افترا بر خداوند مبرّا دانست .

حقیق علی أن لا أقول علی اللّه إلا الحق

۹ موسی (ع) در راستای رهاسازی بنی اسرائیل از فرعون خواست تا از مهاجرت آنان با

وی جلوگیری نکند .

فأرسل معی بنی إسراءیل

۱۰ رهاسازی بنی اسرائیل از نظام فاسد فرعونی ، از وظایف الهی موسی (ع)

فأرسل معی بنی إسراءیل

تفریع جمله <فأرسل . .. > بر <إنی رسول ... > حکایت از آن دارد که رهایی بنی اسرائیل از رسالتهای الهی موسی بوده است. یعنی به امر خداوند موظف به انجام این کار بود، نه به تصمیم شخصی خویش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۶ - ۲

۲ فرعون از موسی خواست چنانچه قادر به ارائه معجزه است ، آن را ارائه کند .

قال إن کنت جئت بئایه فأت بها

روشن است که در جمله های شرطیه نباید شرط و جزا از نظر مفهوم همانند باشد و نمی توان گفت: اگر آورده ای بیاور. بنابراین جمله <إن کنت جئت بایه> (اگر آیت و معجزه ای آورده ای) به این معناست: اگر قادر به ارائه معجزه هستی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۷ - ۱،۲،۴

۱ موسی (ع) در پاسخ فرعون (درخواست آیت رسالت) عصای خویش را ر ها ساخت .

فألقی عصاه

۲ عصای موسی (ع) در برابر فرعون به ماری بزرگ تبدیل شد .

فألقی عصاه فإذا هی ثعبان مبین

۴ نبودن هیچ فاصله زمانی بین افکنده شدن عصای موسی (ع) و تبدیل آن به ماری بزرگ

فألقی عصاه فإذا هی ثعبان مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۸ - ۱،۳

۱ موسی (ع) در

پی درخواست فرعون (آوردن معجزه) دومین آیت رسالت خویش را ارائه کرد .

إن کنت جئت بئایه فأت بها . .. و نزع یده فإذا هی بیضاء للنظرین

۳ سفید گشتن دست موسی (ع) ، پس از نمایان ساختن آن ، امری غیر منتظره و خارق العاده و قابل رؤیت برای همه بینندگان

فإذا هی بیضاء للنظرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۹ - ۱،۲،۳،۴

۱ اشراف و بزرگان قوم فرعون پس از مشاهده معجزات موسی ، برای چاره اندیشی و مبارزه با موسی جلسه مشورتی تشکیل دادند .

قال الملأ من قوم فرعون

در آیات پیشین روی سخن موسی با فرعون بود و در این آیه عکس العمل اشراف دربار او مطرح شده است. این تغییر سیاق با توجه به جمله <فماذا تأمرون> در آیه بعد (چه نظری دارید و چه دستوری پیشنهاد می کنید)، حاکی از تبادل نظر آنان درباره برخورد با موسی است که از آن در برداشت فوق به <جلسه مشورتی> تعبیر شد.

۲ اشراف و بزرگان دربار فرعون بر مبنای ساحر بودن موسی و سحر بودن معجزات وی ، جلسه مشورتی خویش را آغاز کردند .

قال الملأ من قوم فرعون إن هذا لسحر علیم

جمله <إن هذا . .. > می تواند از نتایج بحث و گفتگوی اشراف باشد. یعنی در ابتدا این مسأله مطرح شد که امور خارق العاده موسی از چه سنخی است. همچنین می تواند بیانگر این باشد که آنان ساحر بودن موسی را مفروض گرفته بودند و درباره روش مبارزه با وی تبادل نظر می کردند. برداشت فوق

بر اساس احتمال دوم است.

۳ اشراف و بزرگان قوم فرعون پس از تبادل نظر در جلسه مشورتی به این نتیجه رسیدند که موسی (ع) بدون هیچ تردید ساحری زبردست و معجزه وی سحر است .

قال الملأ من قوم فرعون إن هذا لسحر علیم

برداشت فوق بر اساس اولین احتمالی است که در توضیح فیش قبل درباره جمله <إن هذا . .. > بیان شد.

۴ معجزات موسی (ع) در دیدگاه اشراف قوم فرعون ، اموری با عظمت ، خارق العاده و شگفت آور

إن هذا لسحر علیم

توصیف موسی به <علیم> (بسیار دانا) و بیان جمله <ان هذا . .. > با چندین تأکید (اسمیه آوردن جمله، مقرون ساختن آن به دو حرف تأکید <إن> و <لام>) حکایت از آن دارد که همگان به عظمت کار موسی پی برده بودند و بدان اقرار داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۰ - ۱،۳،۵

۱ به قدرت رساندن بنی اسرائیل برای برچیدن نظام فرعونی ، تحلیل اشراف دربار از پیشنهاد موسی (رهاسازی بنی اسرائیل)

فأرسل معی بنی إسراءیل . .. یرید أن یخرجکم من أرضکم

۳ فرعونیان ، هراسان از قدرت یابی موسی (ع) و بنی اسرائیل و از دست دادن حکومت و سرزمین خویش

یرید أن یخرجکم من أرضکم

۵ انتخاب روش مبارزه با موسی پس از تصمیم به ساحر خواندن وی و تحلیل اهداف او (برچیدن حکومت فرعونی) ، از مسائل مطرح شده در جلسه مشورتی بزرگان دربار فرعون

فماذا تأمرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ -

اعراف - ۷ - ۱۱۱ - ۱،۲،۳،۴،۵

۱ مجازات موسی (ع) و برادرش هارون از پیشنهاد های ارائه شده در جلسه مشورتی اشراف و سران حکومت فرعونی

قالوا أرجه و أخاه

پیشنهاد تأخیر در مجازات موسی و هارون حکایت از آن دارد که فرعون و یا برخی از اشراف دربار مجازات موسی و هارون را مطرح کرده بودند.

۲ تأخیر در مجازات موسی (ع) و برادرش هارون از مصوبات جلسه مشورتی سران و بزرگان دربار فرعون

قالوا أرجه و أخاه

<ه> در <أرجه> ضمیری است که به صورت ساکن قرائت شده و مفعول <ارجِ> می باشد. <ارجِ> فعل امر از مصدر <ارجاء> (به تأخیر انداختن) است. مشتقات کلمه <ارجاء> گاهی با همزه استعمال می گردد و گاهی همزه آن تبدیل به یاء می شود. گفته می شود: اَرْجأ یُرْجی یُرْجی. قابل ذکر است که مراد از تأخیر انداختن، تأخیر در مجازات است.

۳ هارون ، برادر موسی (ع) ، همراه و همگام وی در تبلیغ رسالت و ارشاد و هدایت فرعونیان

أرجه و أخاه

۴ خنثی سازی معجزه موسی (ع) با استمداد از ساحران زبردست ، از آرای تصویب شده از جلسه سران و بزرگان حکومت فرعونیان

و أرسل فی المدائن حشرین

۵ سران دربار فرعون از وی خواستند با تأخیر مجازات موسی و هارون موافقت کرده و ساحران زبردست و کاردان را از اطراف و اکناف احضار کند .

و أرسل فی المدائن حشرین

<حشرین> به معنای جمع کنندگان و کوچ دهندگان است و مفعول آن به قرینه آیه قبل و بعد <ساحرین> می باشد و خود <حشرین> مفعول برای <أرسل> است. بنابراین جمله

<أرسل ... > یعنی: نیروهایی را برای جمع آوری و گسیل ساحران بسیج کن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۲ - ۳

۳ احضار همه ساحران زبردست برای مبارزه با موسی (ع) ، درخواست اشرافیان دربار فرعون از فرعون

یأتوک بکل سحر علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۳ - ۱،۴،۷،۸

۱ ساحرانی زبردست و کارآمد پس از فراخوانی آنان برای مبارزه با موسی ، به درگاه فرعون حاضر شدند .

و جاء السحره فرعون

<ال> در <السحره> عهد ذکری است و اشاره به <کل سحر علیم> دارد.

۴ فرعون در تلاش برای بهره گیری از عالمان عصر خویش در مبارزه با موسی (ع)

و جاء السحره فرعون

۷ ساحران پس از اعلام آمادگی برای مبارزه با موسی (ع) از فرعون خواستند تا در صورت پیروزی از پاداشی گران برخوردار شوند .

قالوا إن لنا لأجراً إن کنا نحن الغلبین

جمله <إن لنا . .. > استفهامی است و حرف استفهام مقدر می باشد. یعنی: إن لنا ... . نکره آمدن کلمه <أجراً> دلالت بر بزرگی و گرانسنگی پاداش دارد.

۸ سودجویی ، از انگیزه های ساحران برای مبارزه با موسی (ع)

قالوا إن لنا لأجراً إن کنا نحن الغلبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۴ - ۴

۴ فرعون بر اثر خودباختگی در برابر معجزات موسی (ع) مهیای پرداخت بهای سنگینی برای خنثی سازی آن شد .

قال نعم و إنکم لمن المقربین

از اینکه فرعون

برای پیروزی بر موسی(ع) حاضر شد هر بهایی را بپردازد، معلوم می شود روحیه خویش را باخته بود و در خود عجز شدیدی احساس می کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۵ - ۱،۲،۳،۴

۱ ساحران پس از اجتماع در صحنه رویارویی با موسی (ع) ، شروع کننده مبارزه را به انتخاب وی وانهادند .

قالوا یموسی إما أن تلقی و إما أن نکون نحن الملقین

بدیهی است هر یک از طرفین (موسی از یک سو و ساحران از سوی دیگر) برای عرضه کار خود در صحنه مبارزه حاضر شده بودند. بنابراین تخییرِ مستفاد از جمله <إما أن تلقی ... >، ناظر به شروع کننده کار است، نه به اصل انجام آن.

۲ ساحران ، جادویی همانند معجزه موسی (ع) تدارک دیده بودند .

إما أن تلقی و إما أن نکون نحن الملقین

به کارگیری <تلقی> و <ملقین>، که هر دو از مصدر <القاء> به معنای افکندن است، می رساند که جادوی آنان مشابهت صوری با معجزه موسی داشته است.

۳ ساحران دربار فرعون ، یکدل و یکزبان و یار یکدیگر در مبارزه با موسی (ع)

قالوا یموسی إما أن تلقی و إما أن نکون نحن الملقین

بدیهی ست ساحران جمله های <إما أن تلقی> و <إما أن نکون نحن الملقین> را دسته جمعی و یا یک به یک نگفتند. بنابراین استناد این جمله ها به آنان حکایت از همیاری و یکدلی آنان در مبارزه با موسی(ع) دارد.

۴ ساحران دربار فرعون مطمئن به غلبه سحرشان بر معجزه موسی (ع)

إما أن تلقی و إما

أن نكون نحن الملقين

از اينكه ساحران اختيار شروع كننده مبارزه را به موسى(ع) واگذاشتند و جمله مربوط به خويش را با تأكيد بيان داشتند، معلوم مى شود آنان به غلبه خويش اطمينان داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۶ - ۱،۲،۶

۱ موسى (ع) با بى اعتنايى به جادوگرى ساحران شروع مبارزه را به آنان واگذاشت .

قال ألقوا

۲ ساحران پس از رخصت دهى موسى (ع) آنچه را براى جادوگرى تدارك ديده بودند ، در مقابل تماشاگران ر ها كردند و چشم هاى آنان را سحر كردند .

فلما ألقوا سحروا أعين الناس

۶ ساحران فرعونى با افكندن ابزار سحر خويش و ايجاد هول و هراس در مردم ، سحرى بس بزرگ و شگفت آور را به نمايش گذاشتند .

سحروا أعين الناس و استرهبوهم و جاءو بسحر عظيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۷ - ۱،۳،۴،۵

۱ خداوند پس از جادوگرى ساحران به موسى فرمان داد تا عصاى خويش را در صحنه مبارزه ر ها سازد .

و أوحينا إلى موسى أن ألق عصاك

۳ عصاى موسى (ع) پس از افكنده شدن ، تمام بافته هاى جادويى ساحران را بلعيد و به كام خويش فروبرد .

فإذا هى تلقف ما يأفكون

<لَقْف> (مصدر تلقف) به معناى گرفتن چيزى با سرعت است و در آيه شريفه به مناسبت مورد به <بلعيدن> تفسير شده است. جمله <فإذا هى ... > مى تواند خبر از رخدادى باشد كه در صحنه مبارزه اتفاق افتاده است. در اين صورت تقدير

جمله چنین خواهد بود: أوحینا إلی موسی أن ألق عصاک فالقیها فإذا هی تلقف.

۴ خداوند به موسی (ع) بشارت داد که عصای وی پس از ر ها شدن ، تمام ساخته های دروغین ساحران را خواهد بلعید .

أن ألق عصاک فإذا هی تلقف ما یأفکون

در برداشت فوق جمله <فإذا هی . .. >، همانند <أن ألق عصاک>، تفسیر <أوحینا> گرفته شده است. بر این مبنا تقدیر جمله بدین صورت خواهد شد: ألق عصاک فإذا القیتها إذا هی تلقف ما یأفکون.

۵ عصای موسی (ع) با بلعیدن ابزار جادویی ساحران ، صحنه ای شگفت و به دور از انتظار همگان به وجود آورد .

فإذا هی تلقف ما یأفکون

<إذا> برای مفاجات است و دلالت می کند که جمله پس از آن در یک حالت غیر منتظره واقع شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۸ - ۱،۲،۳

۱ عصای موسی (ع) با بلعیدن جادوی ساحران ، موجب به کرسی نشستن حق و پوچ گشتن دستاورد های ساحران شد .

فوقع الحق و بطل ما کانوا یعملون

دربرداشت فوق ضمیر <کانوا> و <یعملون> به ساحران برگردانده شده است. بر این مبنا مراد از <ما> در <ما کانوا ... > همان ابزار و آلاتی است که با سحر خویش آنها را در چشم بینندگان به صورت جانورانی پر تحرک جلوه داده بودند.

۲ ساحران در مدتی طولانی و به طور مستمر در تدارک سحر خویش علیه موسی (ع) بودند .

و بطل ما کانوا یعملون

فعل مضارع <یعملون> پس از <کانوا> حکایت از مداومت ساحران

به مهیاسازی خویش برای جادوگری دارد.

۳ معجزه موسی (ع) در صحنه مبارزه با ساحران ، عامل تثبیت حقانیت وی و از میان رفتن تمام دستاورد های دیرینه فرعون و اشراف دربارش شد .

فوقع الحق و بطل ما کانوا یعملون

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از ضمیر <کانوا> و <یعملون> فرعون و فرعونیان باشد. بر این مبنا مقصود از <ما> در <ما کانوا> تلاشهای فرعونیان برای تثبیت ربوبیت فرعون و مانند آن خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۹ - ۲

۲ ساحران دربار فرعون پس از بطلان سحرشان شکست خوردند و در صحنه مبارزه به ذلت افتادند .

فغلبوا هنالك و انقلبوا صغرین

برداشت فوق مبتنی بر این است که مراد از ضمیر <فغلبوا> و <انقلبوا> ساحران باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۰ - ۱

۱ ساحران با مشاهده معجزه موسی (ع) و بطلان سحر خویش ، به خاك افتادند و به درگاه خداوند سجده کردند .

و ألقی السحره سجدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۱ - ۱،۴

۱ ساحران با مشاهده معجزه موسی (ع) ربوبیت خداوند را بر تما هستی باور کردند و به آن ایمان آوردند .

قالوا ءامنا برب العلمین

۴ ساحران به رسالت ها و پیام های موسی (ع) قبل از اقدام به مبارزه با وی آگاه بودند .

قالوا ءامنا برب العلمین

تأکید ساحران به ربوبیت خداوند و پذیرش سریع آن پس از آگاهی به

حقانیت موسی(ع)، بیانگر این است که آنان پیش از حضور در صحنه مبارزه به پیامهای وی، که بارزترین آن اعتقاد به ربوبیت مطلق خداوند است، آگاه شده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۲ - ۱،۴،۵

۱ ساحران دربار فرعون پس از مشاهده معجزه موسی (ع) ، به ربوبیت خدای موسی (ع) و هارون بر تمام هستی ایمان آورده و بدان اعتراف کردند .

ءامنا برب العلمین. رب موسی و هرون

۴ ساحران دربار فرعون پس از مشاهده معجزه موسی (ع) به پیامبری وی و برادرش هارون ایمان آوردند .

ءامنا برب العلمین. رب موسی و هرون

می توان گفت از اهداف ساحران در نام بردن خصوص <موسی و هارون>، پذیرش ایشان به عنوان پیامبران الهی بوده است.

۵ ساحران ، ایمان خویش را به موسی (ع) و هارون به همگان اعلام کردند .

قالوا ءامنا برب العلمین. رب موسی و هرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۳ - ۱،۴،۵،۸

۱ فرعون در پی گرایش ساحران به رسالت موسی (ع) و ایمانشان به ربوبیت خداوند ، بشدت برآشفت و آنان را به سبب ایمانشان توبیخ کرد .

قال فرعون ءامنتم به قبل أن ءاذن لکم

ضمیر در <به> هم می تواند به موسی(ع) برگردانده شود و هم می تواند به <رب> برگردانده شود. در هر صورت برداشت فوق از آیه استفاده می شود.

۴ فرعون ، شکست ساحران و پیروزی موسی را صحنه سازی و ایمان آنان را توطئه ای از پیش طراحی

شده اعلام کرد .

إن هذا لمکر مکرتموه فی المدینه

کلمه <هذا> اشاره است به ماجرای شکست ساحران و پیروزی موسی و در آخر اظهار ایمان ساحران به ربوبیت خداوند و پیامبری موسی و هارون.

۵ برخورد و ملاقات ساحران با موسی (ع) در پایتخت مصر ، پیش از حضورشان در صحنه مبارزه

إن هذا لمکر مکرتموه فی المدینه

۸ بیرون راندن و آواره ساختن مردم پایتخت مصر ، تحلیل فرعون از داستان مبارزه ساحران با موسی و ایمان آوردن آنان

إن هذا لمکر مکرتموه فی المدینه لتخرجوا منها أهلها

برداشت فوق بر این مبناست که مراد از <أهلها> همه مردم مصر (عوامل حکومت و توده مردم) باشد، نه خصوص عوامل حکومتی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۴ - ۱

۱ فرعون بر کیفر دادن تمامی ساحران مؤمن به موسی (ع) تصمیم قطعی گرفت و بر آن سوگند یاد کرد .

لأقطعن . .. ثم لأصلبنکم

حرف <لام> در <لاقطعن> در <لاصلبن> لام تأکید و حاکی از سوگند مقدر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۶ - ۱،۳

۱ ساحران مؤمن با بیان انگیزه فرعون بر نابودی آنان ، اتهام های دروغین وی (توطئه گری و آواره سازی مردمان) را قاطعانه مردود دانستند .

و ما تنقم منا إلا أن ءامنا بایت ربنا

۳ ساحران گرویده به موسی (ع) ، برخوردار از ایمانی راسخ به آیات خداوند

و ما تنقم منا إلا أن ءامنا بايت ربنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف -

۷ - ۱۲۷ - ۳،۴،۵،۷،۸،۱۱،۱۳

۳ اشراف دربار فرعون بیمناک از برچیده شدن نظام فرعونی و به قدرت رسیدن موسی (ع) و قوم او

أتذر موسی و قومه لیفسدوا فی الأرض و یذرک و ءالهتک

۴ بنی اسرائیل همگام موسی (ع) و پیرو او در مبارزه علیه فرعون

أتذر موسی و قومه

۵ روآوردن موسی (ع) و قومش به فسادگری علیه نظام فرعونی ، هشدار اشرافیان به فرعون

أتذر موسی و قومه لیفسدوا فی الأرض

<لام> در <لیفسدوا> در اصطلاح اهل ادب لام عاقبت می باشد. بنابراین مقصود اشراف از جمله <أتذر ... > این است که ترک مجازات موسی(ع) و قومش به فسادگری آنان می انجامد. قابل ذکر است که مراد از فسادگری، به قرینه <و یذرک و ءالهتک>، شورش کردن علیه نظام فرعونی است.

۷ اشرافیان دربار ، سرکوب نشدن موسی (ع) را مایه انزوای فرعون و ترک پرستش خدایان وی دانسته و آن را به فرعون گوشزد کردند .

أتذر موسی و قومه . .. و یذرک و ءالهتک

۸ آمادگی موسی (ع) و قومش برای شورش علیه نظام فرعونی و به انزوا کشاندن فرعون و خدایان او ، دلیل اشراف دربار برای ضرورت مجازات و سرکوبی آنان

أتذر موسی و قومه لیفسدوا فی الأرض و یذرک و ءالهتک

۱۱ فرعون با پذیرش پیشنهاد اشرافیان (سرکوبی موسی (ع) و قوم او) بر کشتار وسیع پسران بنی اسرائیل و زنده نگاه داشتن زنانشان مصمم شد .

قال سنقتّل أبناءهم و نستحی نساءهم

تقتیل (مصدر تقتّل) به معنای کشتار وسیع است. <استحیاء> از ماده <حیات> به معنای زنده

نگاه داشتن است.

۱۳ فرعون به اشراف دربارش اطمینان داد که نظامش از تسلط کامل بر موسی (ع) و قومش برخوردار است .

إنا فوقهم قهرون

<قاهر> به معنای غالب است و کلمه <فوقهم> متعلق به <قهرون> می باشد. یعنی ما از جهت بالا بر آنها مسلط هستیم. و این کنایه از سلطه کامل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۸ - ۱،۵

۱ موسی (ع) پس از تصمیم فرعون به سرکوبی بنی اسرائیل ، مردمش را به استعانت از خدا و صبر و مقاومت در برابر آزار های فرعونیان فراخواند .

قال موسی لقومه استعینوا باللّه و اصبروا

۵ موسی (ع) در تعالیم خویش به بنی اسرائیل ، پندار مالکیت فرعون را بر زمین ، پنداری باطل و حاکمیت او را مقهور اراده خداوند خواند .

قال موسی لقومه . .. إن الأرض للّه یورثها من یشاء من عباده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۹ - ۲،۴،۵،۶

۲ موسی (ع) مورد انتقام قوم خویش به سبب استمرار بیدادگری فرعون پس از بعثت وی

قالوا أوذینا من قبل أن تأتینا و من بعد ما جئتنا

۴ موسی (ع) ، قوم خویش را به هلاکت فرعونیان و حاکمیت بنی اسرائیل بر سرزمین مصر امیدوار ساخت .

عسی ربکم أن یهلک عدوکم و یستخلفکم فی الأرض

۵ موسی (ع) در عین امیدواری به هلاکت فرعون و حاکمیت یافتن بنی اسرائیل ، نگران عدم ایجاد شرایط آن از سوی قوم خویش بوده است .

عسى

ربکم أن یهلک عدوکم و یستخلفکم فی الأرض

کلمه <عسی> حکایت از آن دارد که موسی(ع) یقین به هلاکت فرعون و حاکمیت یافتن قومش نداشته است و شاید دغدغه خاطر او بدان جهت بود که وی اطمینان نداشت مردمش شرایطی را که برای پیروزی مطرح ساخته بود (استعینوا باللّه . ..) رعایت کنند.

۶ موسی (ع) از ایمان آوردن فرعونیان به خدا و پذیرش تعالیم وی ناامید شد .

عسی ربکم أن یهلک عدوکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۲ - ۱

۱ فرعونیان با سحر خواندن تمامی معجزات موسی ، به وی گفتند که هرگز رسالتش را تصدیق نخواهند کرد .

مهما تأتنا به من ءایه لتسحرنا بها فما نحن لک بمؤمنین

<مهما> از أسماء شرط و به معنای <ای شیء> است. و <من> در <من آیه> بیان <مهما> است. بنابراین جمله <مهما تأتنا ... > یعنی <هر چیزی را که به عنوان معجزه بیاوری ... .>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۳ - ۶

۶ فرعونیان علی رغم مشاهده آیاتی متعدد بر حقانیت رسالت موسی ، از پذیرش آن سرباز زدند .

فأرسلنا علیهم . .. فاستکبروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۴ - ۱۱،۱۰،۲

۲ فرعونیان پس از گرفتار شدن به عذاب شدید ، رو به موسی (ع) آورده از وی خواستند تا برای برطرف شدن آن دعا کند .

و لما وقع علیهم الرجز قالوا یموسی ادع لنا ربک

۱۰ فرعونیان با موسی (ع

) پیمان بستند و سوگند یاد کردند که در صورت برطرف ساختن عذاب شدید از آنان ، به وی ایمان آورند و بنی اسرائیل را آزاد سازند .

لئن کشفت عنا الرجز لنؤمنن لک و لنرسلن معک بنی إسراءیل

۱۱ فرعونیان پس از وقوع هر یک از عذاب های پنجگانه (طوفان . . .) با موسی پیمان بستند که در صورت برطرف ساختن آن ، به وی ایمان آورند و بنی اسرائیل را آزاد کنند .

لئن کشفت عنا الرجز لنؤمنن لک و لنرسلن معک بنی إسراءیل

برداشت فوق بر این اساس است که <ال> در <الرجز> عهد ذکری باشد. در این صورت <الرجز> اشاره به عذابهای پنجگانه در آیه قبل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۵ - ۱،۵

۱ موسی (ع) با پذیرش تقاضای فرعونیان (دعا برای رفع عذاب) ، برطرف شدن عذاب را از خداوند درخواست کرد .

فلما کشفنا عنهم الرجز

سیاق آیه نشان می دهد که جمله ای همانند <فدعا موسی فکشفنا عنهم الرجز> در تقدیر است که به سبب وضوحش در کلام آورده نشده است.

۵ خداوند پس از اجابت دعای موسی (ع) و رفع عذاب از فرعونیان ، به آنان فهماند که تا زمانی محدود به عذاب مبتلا نخواهند شد .

فلما کشفنا عنهم الرجز إلی أجل هم بلغوه

<إلی أجل> می رساند که خداوند عذاب را برای همیشه از فرعونیان برطرف نساخت و برای آن زمان تعیین کرد و اگر این حقیقت را به آنان ابلاغ نمی کرد، تعیین زمان اثر مطلوب نداشت.

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۹ - ۳

۳ موسی (ع) با تبیین فساد آیین بت پرستی ، بنی اسرائیل را که آرزومند آن آیین بودند ، بر جهلشان واقف ساخت .

قال إنکم قوم تجهلون. إن هؤلاء متبر ما هم فیه و بطل ما کانوا یعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۰ - ۱،۵

۱ موسی (ع) با انکار شایستگی غیر خدا برای پرستش ، از گرایش قومش به بت پرستی شگفت زده شد .

قال أغیر اللّه أبغیکم إلهاً

همزه در <أغیر اللّه> برای انکار و تعجب و <کم> به تقدیر لام است. <إلهاً> مفعول برای <أبغی> و <غیر اللّه> صفت و یا حال برای <إلهاً> است. یعنی: <أأبغی لکم إلهاً غیر اللّه>

۵ موسی (ع) تمایل قوم خویش را به بت پرستی ، ناسپاسی به نعمت های خداوند دانست .

أغیر اللّه أبغیکم إلهاً و هو فضلکم علی العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۱ - ۲

۲ خداوند با بعثت موسی ، بنی اسرائیل را از سیطره فرعونیان و شکنجه های سهمگین آنان ر ها ساخت .

و إذ أنجینکم من ءال فرعون یسومونکم سوء العذاب

در جمله <هو فضلکم> (او شما را برتری بخشید)، برتری دادن تنها به خداوند نسبت داده شده است، ولی در جمله دوم <أنجیناکم> (ما شما را نجات دادیم) نسبت نجات بخشی به ضمیر <نا> (یعنی ما) داده شده است. از این مقابله می توان فهمید که خداوند در نجات بخشی نظر به

اسباب نیز دارد که به مناسبت، سبب آن بعث حضرت موسی است. بنابراین <أنجیناکم> یعنی ما با بعث موسی شما را نجات دادیم.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۴۲ – ۱,۳,۷,۹,۱۰,۱۴,۱۵,۱۷,۱۹

۱ خداوند ، موسی (ع) را پس از عبور بنی اسرائیل از دریا ، برای عبادت و مناجاتی خاص فراخواند .

و وعدنا موسی ثلثین لیله

به کارگیری کلمه <لیله> (شب)، با وجود اینکه معمولاً ـ در بیان شبانه روز و مانند آن از کلمه <یوم> استفاده می شود، اشاره به این دارد که مواعده خدا با موسی برای عبادت بوده است. و چون موسی در میان قومش نیز عبادت و مناجات داشته، معلوم می شود که این، عبادت و مناجاتی خاص بوده است.

۳ موسی (ع) علاوه بر گذراندن سی شب برای عبادت و مناجات ، موظف به ادامه آن تا ده شب دیگر شد .

و أتممنها بعشر فتم میقت ربه أربعین لیله

<میقات> به معنای زمانی است که برای انجام کاری تعیین گردد. <میقات ربه> یعنی زمانی را که خدا برای انجام عبادت و مناجات موسی تعیین کرد.

۷ بروز بدا برای خدا در مقدار زمان تعیین شده جهت عبادت و مناجات موسی (ع)

و أتممنها بعشر

۹ موسی (ع) ، برادرش هارون را به رهبری بنی اسرائیل تا پایان مناجاتش با خدا منصوب کرد .

و قال موسی لأخیه هرون اخلفنی فی قومی

۱۰ موسی (ع) امت خویش را حتی برای مدتی کوتاه (زمان دوری از قوم برای مناجات) بدون رهبر ر ها نساخت .

و قال

موسی لأخیه هرون اخلفنی فی قومی

۱۴ خداوند از موسی (ع) خواست تا مناجات و عبادت ویژه او در مکانی به دور از بنی اسرائیل باشد .

و وعدنا موسی . .. اخلفنی فی قومی

از اینکه موسی برای آمدن به میقات، هارون را به جانشینی خویش معرفی کرد، معلوم می شود وی در مدت میقات در میان بنی اسرائیل نبوده و از آنان فاصله داشته است.

۱۵ اصلاح امور جامعه بنی اسرائیل از دستورالعمل های موسی به برادر و خلیفه خود هارون

و أصلح

چون فرمان به اصلاح پس از انتخاب هارون به سرپرستی بنی اسرائیل آمده است، معلوم می شود مراد، اصلاح امور اجتماعی، فرهنگی و . .. بنی اسرائیل است، نه درستکاری هارون در امور شخصی خودش.

۱۷ پرهیز از پیروی از نظریات و روش های مفسدان ، وظیفه ای تعیین شده از سوی موسی برای خلیفه اش هارون

و لا تتبع سبیل المفسدین

۱۹ موسی (ع) نگران توطئه مفسدان بنی اسرائیل در غیاب خویش

و لا تتبع سبیل المفسدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۳ - ۱،۲،۳،۵،۶،۷،۱۱،۱۲،۱۶،۱۷،۱۹،۲۲،۲۴

۱ موسی با تشرّف به میعادگاه مناجات با خدا ، دعوت وی را بی هیچ تأخیر اجابت کرد .

و لما جاء موسی لمیقتنا

<لام> در <لمیقاتنا> به معنای <عند> است. بنابراین <جاء موسی لمیقاتنا> یعنی موسی(ع) در همان هنگامی که برای او تعیین کردیم، آمد و تأخیری نداشت.

۲ خداوند به هنگام حضور موسی (ع) در میعادگاه مناجات ، با وی سخن گفت .

و لما جاء موسی لمیقتنا و کلمه ربه

موسی (ع) ، از وعده های الهی به وی در هنگام دعوتش برای مناجات

و لما جاء موسی لمیقتنا و کلمه ربه

۵ رؤیت خداوند ، درخواست موسی (ع) به هنگام سخن گفتن خدا با وی در میعادگاه مناجات

قال رب أرنی أنظر إلیک

۶ تکلم خدا با موسی (ع) وادارکننده وی برای تقاضای رؤیت خدا

و کلمه ربه قال رب أرنی أنظر إلیک

از اینکه تقاضای رؤیت از سوی موسی(ع) در پی سخن گفتن خدا با وی مطرح شد (و لما . .. کلمه ربه قال ...)، می توان گفت حضرت موسی(ع) بر اثر شنیدن سخن خدا و شیوایی گفتار باری تعالی، مشتاق دیدار جمال زیبای او شد.

۷ ناممکن بودن رؤیت خدا ، پاسخ خداوند به درخواست موسی (ع) (تقاضای مشاهده او)

قال لن ترنی

۱۱ خداوند در پاسخ به درخواست موسی (ع) (رؤیت خدا) از وی خواست تا به کوه مقابل خویش نظر افکند و اثر تجلی خداوند را بر آن مشاهده کند .

قال لن ترنی و لکن انظر إلی الجبل

<ال> در <الجبل> عهد حضوری است ; یعنی: انظر إلی هذا الجبل.

۱۲ خداوند به موسی (ع) اعلام کرد در صورتی وی را مشاهده خواهد کرد که کوه بر اثر تجلی او پایدار بماند .

و لکن انظر إلی الجبل فإن استقر مکانه فسوف ترنی

۱۶ موسی (ع) بر اثر تجلی خداوند بر کوه و انهدام آن ، بی هوش بر زمین افتاد .

فلما تجلی ربه للجبل جعله دکا و خرّ موسی صعقا

<خرور> (مصدر <خرّ>) به معنای افتادن و

ساقط شدن و <صَعْق> به معنای بی هوش شدن است. قرار گرفتن جمله <خرّ موسی صعقا> پس از دو جمله <تجلی ربه> و <جعله دکا>، بیانگر این است که تجلی خدا بر کوه و انهدام آن در بی هوش شدن موسی(ع) دخیل بوده است.

۱۷ موسی (ع) با غرش و نهیب برآمده از انهدام کوه طور ، بی هوش شد و بر زمین افتاد .

جعله دکاً و خرّ موسی صعقا

<صَعِق> به کسی گفته می شود که بر اثر صدایی مهیب بی هوش شود. (برگرفته شده از لسان العرب).

۱۹ موسی (ع) پس از به هوش آمدن خداوند را تسبیح گفت و وی را منزه از آن دانست که رؤیت شود .

فلما أفاق قال سبحنک

<سبحان> به معنای منزه دانستن از عیب و نقص است که به مناسبت مورد آن، عیب و نقصی که موسی(ع) خداوند را از آن منزه دانست، امکان رؤیت اوست.

۲۲ موسی (ع) با مشاهده اثر تجلی خدا (انهدام کوه) تقاضای رؤیت خداوند را ناروا دانست و به درگاه الهی توبه کرد .

فلما أفاق قال سبحنک تبت إلیک

۲۴ موسی (ع) بدون هیچ درنگ پس از دریافت حقیقت (ناشدنی بودن رؤیت خدا) آن را پذیرفت و بدان اعتراف کرد .

قال . .. و أنا أول المؤمنین

متعلق <المؤمنین> به قرینه فرازهای قبل (بانک لاتری) است. کلمه <اول> در جمله <أنا أول المؤمنین> علاوه بر معنای مقدم بودن، معنای تأخیر نکردن را نیز می رساند. زیرا صحت این ادعا که شخص بخواهد أول مؤمن باشد، به این است که بی درنگ حقیقت رخ

نموده را باور کنـد و به آن ایمان آورد، و گرنه این احتمال منتفی نیست که دیگری در این فاصـله ایمان آورد و او نتوانـد أول مؤمن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۴ - ۳،۴،۵،۱۰،۱۱،۱۲

۳ اعلام گزینش موسی و برتری او بر همگان ، از سخنان خداوند با موسی در میعادگاه مناجات

قال یموسی إنی اصطفیتک علی الناس

۴ دلجویی خداوند از موسی (ع) ، به سبب پاسخ منفی او در تقاضای رؤیت وی

قال لن ترنی . .. قال یموسی إنی اصطفیتک علی الناس

به نظر می رسـد بیـان نعمتهای ویژه خداونـد به موسـی(ع) پس از رد تقاضای وی (رؤیت خـدا) به هـدف دلجویی از او باشـد. یعنی اگر رؤیت برای تو ممکن نشد، ولی خدا نعمتهایی ارزانی تو داشت که به دیگران عطا نکرد.

۵ خداوند با اعطای پیام های خویش به موسی (ع) و سخن گفتن با وی ، او را بر همه مردم عصرش برتری داد .

اصطفیتک علی الناس برسلتی و بکلمی

حرف <باء> در <برسالتی> و <بکلامی>، <باء> استعانت است.

۱۰ فرمان به دریافت پیام های خدا و به کار بسـتن آنها و سپاسگزاری در برابر نعمت های او ، از سخنان خداوند با موسی (ع) در میعادگاه مناجات

قال . .. فخذ ما ءاتیتک و کن من الشکرین

۱۱ تصفیه موسی (ع) با مناجات چهل شبه ، مقدمه ای برای دریافت تورات بود .

یموسی إنی اصطفیتک . .. فخذ ما ءاتیتک

چون خداوند در پایان داستان مواعده خویش با موسی(ع) و مناجات چهل شبه وی، اعطای

پیامهـای خویش را، که همـان تورات باشـد، مطرح سـاخته، معلوم می شود آن مواعـده و مناجات به سـبب اعطای تورات بوده است.

۱۲ سخن گفتن خدا با موسی (ع) و گزینش وی به پیامبری ، از نعمت های بزرگ خداوند به وی

اصطفیتک علی الناس برسلتی و بکلمی . .. و کن من الشکرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۵ - ۱،۷،۸

۱ خداوند در میعادگاه مناجات ، الواح نگارش یافته ای را به موسی عطا کرد .

و کتبنا له فی الألواح . .. فخذها

<ال> در <الألواح> عهد ذکری و اشاره به <ما اتیتک> در آیه قبل است.

۷ خداوند دعوت کننده موسی (ع) به جدّیت در فراگیری لوحه های دریافتی و به کار بستن آن

فخذها بقوه

۸ خداوند از موسی خواست تا قومش را به فراگیری معارف نوشته شده بر الواح و احکام یاد شده در آن فرمان دهد .

و أمر قومک یأخذوا بأحسنها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۸ - ۱

۱ قوم موسی در غیاب وی (زمان حضورش در میعادگاه مناجات) به پرستش تندیس گوساله روی آوردند .

و اتخذ قوم موسی من بعده من حلیهم عجلا جسداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۰ - ۱۴،۱۰،۹،۷،۴،۳،۲،۱

۱ موسی (ع) پس از مناجات چهل شبه خویش با خدا ، به سوی قومش بازگشت .

و لما جاء موسى لميقتنا . .. و لما رجع موسى إلى قومه

۲ موسى (ع

) به هنگان بازگشت به سوی بنی اسرائیل از گمراه شدن قومش خشمگین و بسیار اندوهناک بود .

و لما رجع موسی إلی قومه غضبن أسفاً

<أسِف> به کسی گفته می شود که بسیار اندوهناک باشد. (برگرفته از لسان العرب).

۳ موسی (ع) در زمان مناجات با خدا و پیش از حضور در میان بنی اسرائیل ، از ارتداد و گوساله پرستی آنان آگاه شد .

و لما رجع موسی إلی قومه غضبن أسفاً

۴ موسی (ع) پس از حضور در میان قوم منحرف خویش ، با نکوهیده خواندن شیوه آنان در غیاب وی ، ایشان را بشدّت توبیخ کرد .

قال بئسما خلفتمونی من بعدی أعجلتم أمر ربکم

۷ موسی (ع) بر اثر شدّت غضب به خاطر گوساله پرستی قومش ، لوحه های تورات را بر زمین افکند .

لما رجع موسی إلی قومه غضبن أسفاً . .. و ألقی الألواح

۹ موسی (ع) ، برادرش هارون را در انحراف بنی اسرائیل و گرایش آنان به گوساله پرستی مقصر شناخت .

و أخذ برأس أخیه یجره إلیه

۱۰ موسی (ع) به خاطر مقصر شناختن هارون در انحراف بنی اسرائیل ، با گرفتن مو های سر او و کشیدنش به سوی خود ، در صدد مؤاخذه وی برآمد .

أخذ برأس أخیه یجره إلیه

مفسران در معنای جمله <أخذ برأس أخیه> گفته اند که موسی موهای هارون را گرفت. گویا تفسیر <راس> به موهای سر به دلیل جمله بعد (یجره إلیه، او را به سوی خود می کشید) باشد. زیرا اگر موسی سر هارون را گرفته بود، طبعاً هارون با او فاصله ای

نداشت تا او را به سوی خود بکشد.

۱۴ هارون با تحریک عواطف موسی (ع) در صدد تسکین غضب او و مطمئن ساختنش بر انجام وظایف و مسؤولیت های خویش در برابر منحرفان بنی اسرائیل برآمد .

قال ابن أم إن القوم استضعفونی و كادوا يقتلوننی

به نظر می رسد هارون با انتخاب <ای فرزند مادرم> در خطاب به موسی، در صدد تحریک عواطف وی به سوی خود بوده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۵۱ – ۱،۲،۴،۵،۷،۹

۱ موسی (ع) پس از مشاجره خویش با هارون و پی بردن به ناتوانی او در برابر منحرفان ، رو به درگاه خدا آورد و به مناجات با او پرداخت .

قال رب اغفر لی و لأخی

۲ موسی (ع) در مناجاتش با خدا آمرزش خویش و برادرش هارون را از خداوند درخواست کرد .

قال رب اغفر لی و لأخی

۴ موسی (ع) خشم شدید خویش را بر هارون خطا تلقی کرد و به خاطر آن از خداوند آمرزش طلبید . *

قال رب اغفر لی

از اینکه موسی(ع) پس از شنیدن سخنان هارون برای خویش طلب مغفرت کرد، معلوم می شود از برخورد شدید خویش با هارون پشیمان شد و آن را خطا تلقی کرد.

۵ موسی (ع) در عین قانع شدن به بی تقصیری هارون در گرایش بنی اسرائیل به گوساله پرستی ، وی را کاملا دور از خطا ندانست . *

قال رب اغفر لی و لأخی

طلب مغفرت برای هارون می تواند گویای برداشت فوق باشد.

۷ فراگیری رحمت الهی بر

موسی (ع) و هارون ، از دعا ها و درخواست های موسی (ع) از خداوند .

و أدخلنا فی رحمتک

۹ موسی (ع) با توجه به ربوبیت خدا و توصیف او به < أرحم الراحمین > ، خواسته های خویش را از وی تقاضا کرد .

و أنت أرحم الرحمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۳ - ۱۱

۱۱ آمرزش گناه گوساله پرستان بنی اسرائیل مؤثر در پیشبرد اهداف رسالت موسی (ع)

إن ربک من بعدها لغفور رحیم

مخاطب در جمله <إن ربک . .. > حضرت موسی(ع) است. در اینکه چرا خداوند در بیان آمرزش گناهان بنی اسرائیل، موسی(ع) را مورد خطاب قرار داده و کلمه <رب> را به آن اضافه کرده، دو وجه می توان ذکر کرد: بخشش گناه بنی اسرائیل در راستای ربوبیت خدا بر موسی و طبعاً در راستای پیشبرد رسالت اوست. توصیه ای است به موسی(ع) که تو نیز از خطاها و لغزشهای قومت، در صورت توبه، درگذر و آنها را نادیده انگار. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۴ - ۱،۲

۱ موسی (ع) پس از دریافت وعده الهی (آمرزش گوساله پرستان تائب و به کیفر رساندن غیر تائبان) خشمش فرو نشست .

و لما سکت عن موسی الغضب

وقوع جمله <و لما سکت . .. >، پس از دو آیه گذشته، بیانگر این است که فرو نشستن غضب موسی(ع) به خاطر پذیرش توبه تائبان از سوی خدا و

تهدید اصرارکنندگان بر گوساله پرستی به کیفری زودرس بوده است.

۲ موسی (ع) پس از فرونشستن خشمش ، لوحه های تورات را که بر اثر غضب ر ها ساخته بود ، از زمین برگرفت .

و لما سکت عن موسی الغضب أخذ الألواح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۵ - ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷،۸،۹،۱۰،۱۱،۱۲،۱۴،۱۷،۲۱

۱ خداوند از موسی (ع) خواست تا گروهی از قومش را همراه خود به میعادگاه مناجات بیاورد .

و اختار موسی قومه سبعین رجلا لمیقتنا

۲ موسی (ع) از میان بنی اسرائیل هفتاد نفر را برای بردن به میعادگاه مناجات انتخاب کرد .

و اختار موسی قومه سبعین رجلا لمیقتنا

کلمه <سبعین> مفعول برای <اختار> می باشد و <قومه> به سبب حذف حرف جر، منصوب شده است ; یعنی <من قومه>. البته برخی <قومه> را مفعول و <سبعین> را بدل از آن گرفته اند.

۳ هفتاد مرد گزینش شده برای حضور در میعادگاه مناجات ، بهترین و لایقترین مردم بنی اسرائیل در دیدگاه موسی (ع)

و اختار موسی

<اختیار> به معنای انتخاب و گزینش خیر است. بنابراین <اختار موسی> یعنی موسی بهترینها را انتخاب کرد.

۴ برگزیدگان موسی برای حضور در میعادگاه مناجات ، از میان مردان بنی اسرائیل بودند ; نه زنان ایشان

سبعین رجلا

۵ برگزیدگان بنی اسرائیل برای همراهی موسی (ع) در میعادگاه مناجات ، پس از حضور در آن مقام به لرزشی شدید و کشنده گرفتار شدند .

فلما أخذتهم الرجفه

۶ خداوند ، بجز موسی (ع) ، همه حاضران در میعادگاه مناجات را به هلاکت رسانید

.

قال رب لو شئت أهلكتهم من قبل

۷ موسی (ع) با مشاهده هلاکت همراهان خویش در میعادگاه مناجات ، به دعا به درگاه خداوند پرداخت .

فلما أخذتهم الرجفه قال رب لو شئت أهلكتهم من قبل

۸ موسی (ع) اندوهناك از هلاکت برگزیدگانش در میعادگاه مناجات به دور از چشمان بنی اسرائیل

قال رب لو شئت أهلكتهم من قبل

جمله <لو شئت . .. > (اگر می خواستی من و ایشان را به هلاکت رسانی، پیش از حضور در میقات به هلاکت می رساندی) حکایت از تحسر و اندوه موسی(ع) بر از میان رفتن همراهانش دارد و قید <من قبل> می رساند که اندوه وی برخاسته از آن است که هلاکت آنان در میقات و به دور از چشمان بنی اسرائیل تحقق یافته است.

۹ ترس موسی (ع) از متهم شدن به کشتن حاضران در میقات ، مایه اندوه فراوان بر هلاکت ایشان شد .

قال رب لو شئت أهلكتهم من قبل

برداشت فوق توجیهی است احتمالی بر اینکه چرا موسی(ع) به خاطر هلاکت همراهانش به دور از چشمان بنی اسرائیل، اندوهناك شد.

۱۰ اندوه موسی (ع) بر هلاکت همراهانش در میقات ، موجب شکوه او به درگاه خدا و آرزوی مرگ خویش و همراهانش پیش از حضور در میعادگاه مناجات

قال رب لو شئت أهلكتهم من قبل و إيّى

۱۱ کردار سفیهانه گروهی از همراهان موسی در میعادگاه مناجات ، عامل نزول عذاب الهی و به هلاکت رساندن همه آنان شد .

أتهلكنا بما فعل السفهاء منا

گفته شده مراد از کردار سفیهانه برخی از همراهان موسی، تقاضای رؤیت خدا با چشم بوده است.

موسی (ع) در پی هلاکت همراهانش در میقات ، با پرسشی شکوه آمیز ، توجیه و چرایی هلاکت همه حاضران را به خاطر گناه گروهی از آنان ، از خداوند تقاضا کرد .

أتهلكنا بما فعل السفهاء منا

۱۴ آزمون بنی اسرائیل از جانب خدا ، توجیه و برداشت موسی (ع) از مشیت الهی بر هلاک سازی همراهان او

إن هی إلا فتنتک

۱۷ موسی (ع) هلاکت همراهان خویش را زمینه ساز تحقق مشیت الهی در گمراه سازی گروهی از بنی اسرائیل و به هدایت رساندن گروهی دیگر از آنان دانست .

إن هی إلا فتنتک تضل بها من تشاء و تهدی من تشاء

۲۱ موسی (ع) در مناجات خویش با خداوند ، در پی هلاکت همراهانش در میعادگاه مناجات ، از خداوند خواست تا وی و همراهانش را ببخشاید و بر آنان ترحم کند .

فاغفرلنا و ارحمنا و أنت خیر الغفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۶ - ۱،۳،۴،۸،۹

۱ تقدیر زندگانی نیکو در دنیا و آخرت ، درخواست موسی (ع) از خداوند برای خود و همراهانش در میعادگاه مناجات

و اکتب لنا فی هذه الدنیا حسنه و فی الاخره

با توجه به آیه قبل معلوم می شود مراد از <نا> در <لنا>، موسی(ع) و همراهان او در میعادگاه مناجات است. کتابت در آیه شریفه به معنای مقدّر کردن است.

۳ موسی (ع) خود و همراهانش را مردمی بازگشته به سوی خدا و توبه کار به درگاه او دانست .

إنا هدنا إلیک

<هَوْد> (مصدر هدنا) به معنای بازگشتن

و توبه کردن است.

۴ موسی (ع) به دلیل بازگشت خود و همراهانش به سوی خدا ، همگان را شایسته برخوردار شدن از حیات نیکوی دنیا و سعادت آخرت دانست .

و اکتب لنا فی هذه الدنیا حسنه و فی الاخره إنا هدنا إلیک

جمله <إنا هدنا إلیک> تعلیل برای <و اکتب لنا . .. > است. یعنی چون به سوی تو بازگشتیم، این تقاضا و انتظار که زمینه و مقدمه آن را فراهم کرده ایم گزاف نیست.

۸ موسی (ع) ، نگران شمول عذاب الهی بر همه قوم خویش *

و اکتب لنا فی هذه الدنیا حسنه و فی الاخره . .. قال عذابی أصیب به من أشاء

به نظر می رسد تقاضای موسی(ع) با جمله <و اکتب لنا . .. > و تعلیل آن با جمله <إنا هدنا إلیک>، ناشی از واقعه ای است که در آیه قبل بیان شد و آن عبارت بود از هلاکت همه همراهان به سبب سفاهت گروهی از ایشان. گویا موسی(ع) از آن واقعه چنین برداشت کرد که با گناه گروهی از بنی اسرائیل همه آنان در خطر نابودی خواهند بود و لذا نگران شد و از خدا چنین تقاضایی کرد.

۹ خداوند با بیان عدم تقدیر عذاب بر همگان و جریان آن بر اساس مشیت خویش ، موسی (ع) را از نگرانی شمول عذاب بر همه بنی اسرائیل ر ها ساخت .

قال عذابی أصیب به من أشاء و رحمتی وسعت کل شیء

جمله <عذابی أصیب به من أشاء> در مقابل <و رحمتی وسعت کل شیء>، بیانگر این است که خداوند خواهان عذاب همگان نخواهد

شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۰ - ۹،۱۰،۱۲

۹ موسی (ع) از جانب خداوند فرمان یافت تا برای دستیابی به آب عصای خویش را به سنگ زند .

و أوحينا إلى موسى . .. أن اضرب بعصاك الحجر

<ال> در <الحجر> هم می تواند تعریف جنس باشد، که در این صورت مراد از <الحجر>، سنگ در مقابل اشیای دیگر است، و هم می تواند <ال> برای عهد حضوری و یا ذهنی باشد، که در این صورت مراد از <الحجر> سنگی مخصوص بوده است.

۱۰ موسی (ع) در پی فرمان الهی بدون هیچ تأخیر عصای خویش را برای به دست آوردن آب بر سنگ زد .

أن اضرب بعصاك الحجر فانبجست منه اثنتا عشره عينا

حرف <فاء> در <فانبجست> فاء فصیحه است ; یعنی بیانگر معطوفٌ علیه مقدر می باشد. آن معطوفٌ علیه مقدر به قرینه فراز قبل، <فضرب بعصاه الحجر> است. گویا حذف این جمله برای رساندن این معناست که فرمان الهی (اضرب) همان و زدن همان.

۱۲ جوشش دوازده چشمه آب از سنگ در پی فرود آمدن عصای موسی بر آن

أن اضرب بعصاك الحجر فانبجست منه اثنتا عشره عينا

<انبجاس> مصدر <انبجست> به معنای جوشیدن و فوران زدن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۷ - ۲،۴،۷

۲ حضرت موسی (ع) ، از انکار معجزه توسط فرعون و اطرافیانش و جادو خواندن آن ، اظهار تعجب و شگفتی کرد .

أسحر هذا

۴ حضرت موسی (ع) ، سحر بودن کار خود را نفی

کرده ، معجزه بودن آن را امری بدیهی ، روشن و غیر قابل تردید خواند .

أتقولون للحق لما جاءکم أسحر هذا

بـا توجه به اسـتفهام انکـاری و اسم اشـاره و جمله قبـل، معنای جمله (أسـحر هـذا) چنین است که: این عمل سـحر نیست و مایه تعجب است اگر کسی حق و معجزه بودن آن را انکار کند.

۷ حضرت موسی (ع) ، همراه با نفی ساحریت از خود ، فرعون و اطرافیانش را تهدید به شکست کرد و پیروزی قطعی خود را به آنان اعلام نمود .

و لا یفلح السحرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۰ - ۲

۲ حضـرت موسـی (ع) ، پس از رویـارویی با انبوه ساحران ، از آنان خواست تا با به کار گرفتن تمام توان خود آنچه را که به قصد میدان انداختن آورده اند ، به زمین بیندازند .

فلما جاء السحره قال لهم موسی ألقوا ما أنتم ملقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۱ - ۱،۲،۳،۴،۵،۶

۱ پس از درخواست موسی (ع) ، ساحران با به میدان ریختن آنچه داشتند (چوب ها و طناب ها) به کار سحر پرداختند .

قال لهم موسی ألقوا . .. فلما ألقوا

۲ موسی (ع) ، پس از مشاهده عمل ساحران ، برای رفع اتهام ساحری از خود ، سحر بودن آن عمل را به آنان گوشزد نمود .

فلما ألقوا قال موسی ما جئتم به السحر

۳ موسی (ع) ، شکست ساحران و ابطال سحر

آنان را ، قطعی و غیر قابل تردید اعلام کرد .

قال موسی ما جئتم به السحر إن اللّه سیبطله

۴ موسی (ع) ، شکست ساحران و ابطال سحر آنان را ، به خدا مرتبط نموده و خود را صرفاً واسطه فعل او اعلام کرد .

قال موسی ما جئتم به السحر إن اللّه سیبطله إن اللّه لایصلح عمل المفسدین. و یحق ال

۵ موسی (ع) ، از پیش بر پیروزی خود و شکست ساحران و ابطال سحرشان ، اطمینان داشت .

قال موسی ما جئتم به السحر إن اللّه سیبطله

۶ موسی (ع) ، با خطاب به ساحران ، آنان را گروهی مفسد و مقابله آنان با خود را عملی فسادانگیز خواند .

قال موسی ما جئتم به السحر . .. إن اللّه لایصلح عمل المفسدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۸ - ۱۰،۱۱

۱۰ موسی (ع) در دعای خود ، نابودی کامل ثروت های فرعون و اطرافیانش را از خداوند خواستار گردید .

ربنا اطمس علی أمولهم

گاهی <طموس> به چیزی نسبت داده می شود و از آن فساد، تباهی و نابودی خود آن شیء اراده می شود; مانند طموس قلب، یعنی فساد و تباهی قلب; طموس طریق، یعنی خراب شدن و از بین رفتن راه و گاهی از آن تباهی آثار و لوازم شیء اراده می شود; مانند طموس نجم، یعنی زوال نور آن; طموس چشم، یعنی محور نور آن. برداشت فوق مبتنی بر استعمال اول است.

۱۱ موسی (ع) در دعای خود ، برای جلوگیری از گمراه شدن

مردم ، از خداوند درخواست کرد تا جاذبه های اموال فرعون و اطرافیانش را (در چشم و دل مردم) دگرگون نماید .

ربنا لیضلوا عن سبیلک ربنا اطمس علی أمولهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۹ - ۱۰

۱۰ موسی (ع) و برادرش (هارون) ، تحت فشار فرعون و اطرافیان او بودند .

قال موسی ربنا إنک ءاتیت فرعون و ملأه زینه و أمولا . .. لیضلوا عن سبیلک ... فاستق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۰ - ۱۲

۱۲ < عن ابی جعفر (ع) فی قوله : < و جاوزنا ببنی اسرائیل . . . > . . . فخرج موسی ببنی اسرائیل و أتبعهم فرعون . . . فدعا موسی ربه فأوحی اللّه إلیه : أن اضرب بعصاک البحر فضربه فانفلق البحر فمضی موسی و أصحابه حتی قطعوا البحر . . . فلما توسط فرعون و من معه أمر اللّه البحر فانطبق علیهم فغرقهم أجمعین . . . ;

از امام باقر (ع) درباره سخن خدا که می فرماید: <بنی اسرائیل را از دریا عبور دادیم . .. > روایت شده است: موسی (ع) بنی اسرائیل را بیرون برد و فرعون آنان را تعقیب کرد ... پس موسی (ع) پروردگار خود را خواند. خداوند به او وحی کرد که عصای خود را به دریا بزن. موسی (ع) عصا را به دریا زد ; آن گاه دریا شکافته شد و موسی (ع) و اصحابش از دریا گذشتند ... در آن هنگام

فرعون و همراهانش به وسط دریا رسیده بودند که خداوند فرمان داد تا امواج آب آنان را در کام خود فرو برد و [بدین ترتیب] همه آنان را غرق کرد>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۹۴ – ۲

۲ سرگذشت حضرت نوح و موسی (ع) و پیامبران مبعوث شده در فاصله میان آنان و تکذیب شدن آنان و هلاکت مکذبان به عذاب استیصال ، آیاتی است که در کتاب های آسمانی پیشین نیز آمده بود .

و اتل علیهم نبأ نوح . .. فإن کنت فی شک مما أنزلنا إلیک فسئل الذین یقرءون الکتب م

برداشت فوق از ارتباط میان این آیه شریفه و مجموعه آیات ۷۱ تا ۹۳ که با هم یک بند را تشکیل می دهند استفاده می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۹۷ – ۳

۳ فرعون و قوم او و بزرگان دربارش ، رسالت موسی (ع) را نپذیرفتند .

فاتبعوا أمر فرعون

پیروی از دستور فرعون (فاتبعوا أمر فرعون) پس از رسالت موسی(ع) (أرسلنا موسی) گویای مخالفت قوم فرعون و بزرگان دربارش با رسالت موسی(ع) است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۱۰۱ – ۹

۹– فرعون پس از مشاهده معجزه های نُه گانه موسی (ع) ، او را متهم به سحر و سحرزدگی کرد .

ءاتینا موسی تسع ءایت . .. فقال له فرعون إنی لأظنّک یموسی مسحورًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ –

۱۲ - ۱۰۲

۱۲- صراحت لهجه و شجاعت موسی (ع) در برابر فرعون

و إنی لأظنّک یفرعون مثبورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۳ - ۱،۳

۱- تصمیم فرعون به محو موسی (ع) و بنی اسرائیل از صحنه زمین ، به دنبال احساس ناتوانی از مقابله با معجزات او

و لقد ءاتینا موسی تسع ءایت . .. فأراد أن یستفزّهم من الأرض

برداشت فوق بنابراین نکته است که مراد از <الأرض> کره زمین باشد. در این صورت لازمه <استفزاز> (برکندن)، قتل و نابود کردن است.

۳- روی آوردن فرعون به اعمال قهرآمیز علیه موسی (ع) در پی ناتوانی از رودررویی منطقی و فرهنگی با او

و لقد ءاتینا موسی تسع ءایت بیّنت . .. فقال له فرعون إنی لأظنّک یموسی مسحورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۰ - ۱،۲،۵،۶،۱۱

۱- موسی (ع) برای یافتن خضر ، با عزمی راسخ و جدّی ، سفر خود را به مجمع البحرین آغاز کرد .

لاأبرح حتّی أبلغ مجمع البحرین

<لاأبرح> صیغه متکلم از <برح> و به معنای <دست برنمی دارم> و تأکید بر پشتکار در انجام دادن کار است.

۲- موسی (ع) در جُستار تحقیقیِ خویش برای یافتن خضر ، با خدمت کار خود (یوشع (ع)) همراه بود .

و إذ قال موسی لفتیه لاأبرح

<فتی> به معنای جوان است. در تعبیرات قرآن، از غلام و خدمت کار نیز با این تعبیر یاد شده است. لازم به ذکر است که بنابر برخی از روایات مأثور، همراه و همسفر موسی(ع)،

<یوشع بن نون> وصی آن حضرت بوده است.

۵- موسی (ع) همسفر خود را از احتمال طولانی بودن سفرشان آگاه ساخت و احتمال بازگشت از نیمه راه را منتفی دانست .

و إذ قال موسی لفتیه لاأبرح . .. أو أمضی حقبًا

۶- موسی (ع) از امکان دسترسی به خضر ، در محل تلاقی دو دریا ، مطلع بود .

لاأبرح حتّی أبلغ مجمع البحرین

۱۱- داستان موسی و خضر (ع) ، نمونه ای از مثال های متنوع قرآنی ، در جهت هدایت مردم است .

و لقد صرّفنا فی هذا القرءان للناس من کلّ مثل . .. و إذ قال موسی لفتیه لاأبرح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۱ - ۱،۲،۳،۶

۱- موسی (ع) و همسفر او به محلِّ تلاقی دو دریا رسیدند و در آن جا توقف کردند .

فلمّا بلغا مجمع بینهما

۲- موسی و همسفر او ، به هنگام رسیدن به مجمع البحرین ، یک ماهی ، به عنوان غذا ، همراه داشتند .

فلمّا بلغا مجمع بینهما نسیا حوتهما

<حوت> یعنی <ماهی> و برخی آن را ماهی بزرگ معنا کرده اند. (ر.ک. لسان العرب) به قرینه <غداءنا> در آیه بعد آن ماهی، به منظور تغذیه فراهم شده بود.

۳- موسی (ع) و همسفرش هنگام رسیدن به محلِّ تلاقی دو دریا ، از ماهیِ همراه خویش ، غفلت کردند .

فلمّا بلغا مجمع بینهما نسیا حوتهما

۶- < عن أبی عبداللّه (ع) قال : . . . أرسل (أی موسی) إلی یوشع إنّی قد ابتلیت فاصنع لنا زاداً وانطلق بنا

، و اشتری حوتاً . . .ثمّ شواه ثمّ حمله فی مکتل . . . فقطرت قطره من السماء فی المکتل فاضطرب الحوت ثمّ جعل يَثِبُ من المکتل إلى البحر قال : و هو قوله : < واتّخذ سبيله فى البحر سرباً > ;

از امام صادق(ع) روايت شده كه فرمود: . .. موسى به يوشع پيام فرستاد: <من، در معرض آزمايش قرار گرفتم. براى ما توشه راه فراهم ساز و به همراه ما بيا!>. يوشع، يک ماهى خريد ... و آن را بريان كرد و در زنبيل نهاد... سپس قطره آبى از آسمان در زنبيل چكيد و ماهى به جنب وجوش آمد و از زنبيل به دريا پريد و اين سخن خدا است كه فرمود: واتّخذ سبيله فى البحر سرباً>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۶۲ - ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷

۱- موسى (ع) و همسفرش ، پس از توقف در مجمع البحرين ، در جستوجوى خضر (ع) ، مجدداً به حركت خويش ادامه داده و آن جا را پشت سر گذاشتند .

فلمّا بلغا مجمع بينهما . .. فلمّا جاوزا

موسى(ع) در سخن خود با يوشع، مجمع البحرين را هدف و مقصد نهايى خود اعلام كرد، ولى هنگام رسيدن به آن جا، از آن نيز گذشت. اين حركت و نيز گفتارى كه در آيات بعد از موسى(ع) نقل شده است، نشانه آن است كه آن دو نمى دانستند به محلِّ مورد نظر موسى(ع) رسيده اند.

۲- موسى (ع) در پى گذر كردن و پشت سر گذاشتن مجمع البحرين ، گرسنگى و خستگى شديدى را در خود

و همسفرش احساس کرد .

ءاتنا غداءنا لقد لقینا من سفرنا هذا نصبًا

<نصب> به معنای <رنج و سختی> است.

۳- موسی و یوشع ، در شبانگاه و صبح دم پس از عبور از مجمع البحرین برای یافتن خضر (ع) راه درازی پیمودند . *

ءاتنا غداءنا

بدان احتمال که احساس خستگی و گرسنگی موسی(ع) در طرف صبح، ناشی از راه پیمایی طولانی در شب باشد.

۴- موسی (ع) بسیار مشتاق دیدار با خضر (ع) و ملاقات با او بود .

لاأبرح حتّی . .. ءاتنا غداءنا لقد لقینا من سفرنا هذا نصبًا

۵- موسی (ع) پس از گذر از مجمع البحرین ، در آغاز روز ، از همسفر خویش درخواست تهیه چاشت کرد .

ءاتنا غداءنا لقد لقینا من سفرنا هذا نصبًا

<غداء> به معنای طعامی است که در ساعات آغازین روز خورده می شود.

۶- همسفر موسی (ع) عهده دار حمل و تدارک غذا بود .

قال لفتیه ءاتنا غداءنا

۷- موسی (ع) و جوان خدمت کارِ همراه او ، در کنار هم و از یک نوع غذا می خوردند .

ءاتنا غداءنا لقد لقینا من سفرنا هذا نصبًا

ضمایر جمع در تمام آیه، گویای همراهی و همدلی دو همسفر، حتی در تناول غذا است؛ زیرا، در غیر این صورت، باید برخی ضمایر را به صورت مفرد ذکر می کرد و مثلًامی گفت <آتنی غدائی>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۳ - ۱،۴،۷،۱۱

۱- موسی (ع) و همسفرش ، کنار صخره ای در مجمع البحرین ، آرمیدند .

إذ أوينا إلى الصخره

۴- همسفر موسی از

بازگویی سرگذشت ماهی ، برای موسی (ع) ، در مدّت استراحت شان در مجمع البحرین ، غفلت کرد .

قال أرءیت إذ أوینا إلی الصخره فإنّی نسیت الحوت

<صخره> به معنای <تخته سنگ بزرگ> است. <أوینا إلی الصخره> یعنی: <برای استراحت، در کنار آن صخره، جای گرفته بودیم.>.

۷- شیطان ، برای عدمِ ملاقات موسی و خضر (ع) تلاش می کرد .

فإنّی نسیت . .. و ما أنسنیه إلاّ الشیطن أن أذکره

همسفر موسی با ادات حصر، فراموشی خود را، تنها، به شیطان منتسب کرد; یعنی، هیچ عاملِ دیگری در کار نبوده است. لذا این نتیجه به دست می آید که شیطان، به هر طریق، می خواسته که مانع ملاقات موسی و خضر(ع) شود.

۱۱- < عن أبی جعفر (ع) و أبی عبداللّه (ع) قال : إنّه لما کان من أمر موسی الذی کان أعطی مکتل فیه حوت مملّح قیل له : هذا یدلّک علی صاحبک عند عین مجمع البحرین . . . فانطلق الفتی یغسل الحوت فی العین فاضطرب الحوت فی یده حتّی خدشه فانفلت و نسیه الفتی ;

از امام باقر و امام صادق (علیهماالسلام) روایت شده: آن گاه که از کار موسی(ع) گذشت آنچه در زندگی او پیش آمد، زنبیلی به او داده شد که در آن یک ماهی نمک زده بود. به وی گفته شد: <این ماهی، تو را به صاحب ات، نزد چشمه ای در محل تلاقی دو دریا، راهنمایی می کند ... پس آن جوانی که همراه موسی(ع) بود، رفت که ماهی را در آن چشمه بشوید، ماهی در دست او به حرکت درآمد تا این که

به او خراش وارد کرد و از چنگ او درآمد (و رفت) و جوان آن را فراموش کرد>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۶۴ – ۱،۲،۳،۴،۵

۱- مسأله ماهی و حرکت غیرعادی آن در آب ، نشانه ای برای جایگاه ملاقات موسی و خضر (ع) بود .

قال ذلک ما کنّا نبغ

<بغی> به معنای <طلب> است و <ذلک ما کنّا نبغ> یعنی: <آنچه پیوسته در طلب او بودیم، همان علامت و نشانه است. >. یاء <نبغی> در پایان سخن موسی(ع) به منظور تخفیف کلام، حذف شده است.

۲- حضرت موسی (ع) ، از رخداد علائمی برای یافتن جایگاه حضرت خضر (ع) قبلاً مطلع بود .

قال ذلک ما کنّا نبغ

۳- همسفر موسی ، با وجود ناآگاهی از علائم جایگاه ملاقات او با خضر ، همگام موسی (ع) وخواهان به مقصد رسیدن او بود .

ذلک ما کنّا نبغ

۴- موسی (ع) و همسفرش ، پی جویانه ، به نقطه قبلیِ توقّف خود و محل از دست دادن ماهی بازگشتند .

فارتّدا علی ءاثارهما قصصًا

<إرتداد> (مصدر <إرتّدا)؛ یعنی، <بازگشتن> و <قصّ أثره قَصَصاً>؛ یعنی، جاب پای او را با دقت، دنبال و پی گیری کرد. مراد از <فارتّدا...> این است که موسی(ع) و همراه او، به دقت، راه رفته را بازگشتند تا به همان نقطه که ماهی به دریا رفته بود، بازگردند.

۵- مسیر رفت و بازگشت موسی (ع) پس از عبور از مجمع البحرین ، در خشکی بود .

علی ءاثارهما

<أثر> نشانه ای است که در زمین پدید آید و به

وسیله آن بتوان به راه پیموده شده، دست یافت.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۶۵ – ۱،۲

۱– موسی (ع) و همسفرش ، پس از بازگشت به مجمع البحرین ، با خضر (ع) ملاقات کردند .

فارتّدا علی ءاثارهما قصصًا . فوجدا

۲– هدف موسی (ع) و همراه وی از سفر جستوجوگرانه خود ، یافتن بنده ای از بندگان خاص الهی و دارای علم لدنی بود .

فارتّدا . .. فوجدا عبدًا من عبادنا ... و علّمنه من لدنّا

واژه <وجدا> بیان کننده یافتن چیزی است که موسی و همراه اش در جستوجوی آن بودند و نه دیداری اتفاقی و غیر مترقبه. <لدنا> دلالت می کند که علم حضرت <خضر(ع)> دانش عادی و معمولی نبوده، بلکه از افاضات خاص ربّانی بوده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۶۶ – ۱،۲،۳،۴،۵،۱۱

۱– موسی (ع) از خضر (ع) برای همراه شدن با او ، اجازه خواست .

قال له موسی هل أتّبعک

۲– هدف موسی از همراه شدن با خضر ، بهرهوری از علم رشدآفرین وی بود .

هل أتّبعک علی أن تعلّمن ممّا علّمت رشدًا

<رشداً> اگر مفعولٌ له باشد، مفاد آیه این است که: <پیروی من، به منظور رشد یافتن است> که اگر مفعولٌ به باشد، مراد این است که: <تو را پیروی می کنم بر این اساس که آنچه را رشد است، به من بیاموزی. >.

۳– موسی (ع) به < علم لدنیِ > حضرت خضر احساس نیاز می کرد .

هل أتّبعک علی أن تعلّمن

ممّا علّمت رشدًا

۴- موسی (ع) ، به محرومیت خود از علومی که نزد خضر بود ، اعتراف داشت و در برابر مقام علمی و عملی او ، متواضع و فروتن بود .

هل أتّبعک علی أن تعلّمن ممّا علّمت

اظهار آمادگی برای تبعیت، نشانِ خضوعِ موسی(ع) در برابر کردار خضر(ع)، و اظهار اشتیاق به آموختن، حاکی از تواضع موسی در برابر علم او است.

۵- موسی (ع) برای رسیدن به رشد و تکامل َبرتر از راه تحصیل دانش ، در تلاش بود .

هل أتّبعک علی أن تعلّمن ممّا علّمت رشدًا

۱۱- موسی (ع) همسفر خود را به همراهی با خضر (ع) و دریافت علوم او ، وادار نکرد . *

هل أتّبعک علی أن تعلّمن

در سفر با خضر، سخنی از همسفر موسی به میان نیامده است; ممکن است او در این سفر، از موسی جدا شده و یا به دلیل شخصیت برجسته موسی و خضر(ع) تنها، از آن دو، در آیات بعد یاد شده باشد. جمله <ذلک ما کنّا نبغ> در آیات قبل، احتمال دوم را تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۷ - ۱،۲،۳،۴

۱- خضر ، موسی (ع) را از تحمّل همراهی با وی ، برای فراگیری علوم ویژه ، ناتوان دید .

هل أتّبعک .. قال إنّک لن تستطیع معی صبرًا

۲- خضر (ع) به موسی (ع) توصیه کرد به دلیل نداشتن قدرت تحمّل ، از همراه شدن با او صرف نظر کند .

إنّک لن تستطیع معی صبرًا

۳- کار های خضر ، برای

دیگران ، حتی فردی چون موسی (ع) غیر قابل تحمّل و درک بود .

قال إنّک لن تستطیع معی صبرًا

تأکید بر <معی> نشان می دهد که صرف تعلیم علوم مشکل آفرین نبوده است، بلکه همراه شدن با خضر - که مستلزم مشاهده رفتاری است که از علوم وی نشئت گرفته غیرقابل تحمّل بوده است.

۴- حضرت خضر (ع) ، نسبت به خصوصیّات روحی موسی (ع) از پیش ، مطلع بود . *

قال إنّک لن تستطیع معی صبرًا

پیش بینی قطعی عدم تحمّل موسی از جانب خضر(ع) می تواند مستند به یکی از دو امر باشد: ۱ اطلاع خضر از خصوصیات روحی و فکری موسی(ع) ۲ این که اصولاً تحمّل چنین علومی، برای غیر خضر ممکن نبوده است. برداشت فوق مبتنی بر احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۸ - ۲،۳

۲- خضر (ع) بی اطلاعی موسی از زوایای کردار وی را ، دلیل ناتوانی موسی از تحمّل عملکرد وی دانست .

إنّک لن تستطیع . .. و کیف تصبر علی ما لم تحط به خبرًا

۳- اَعمال خضر (ع) ، دارای ظاهری غیرمتعارف و زوایایی ناشناخته ، حتی برای فردی مانند موسی (ع) بود .

و کیف تصبر علی ما لم تحط به خبرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۹ - ۱،۲،۴،۵

۱- موسی (ع) به شکیبا بودن در برابر کار های خضر و چیزهایی که از او فرا می گیرد ، متعهّد گردید .

قال ستجدنی إن شاء

اللّه صابرًا و لا أعصی لک أمرًا

جمله <ستجدنی. ..> (تو مرا صابر خواهی یافت) حاکی از این است که موسی(ع) صبری را نوید می داد که آثارش مشهود باشد. این تعبیر، در مقایسه با <سأصبر> و نظایر آن، تأکید بیشتری دارد.

۲- موسی (ع) بر اطاعت کامل خود از خضر (ع) و سرپیچی نکردن از فرمان های او تأکید کرد .

ستجدنی إن شاء اللّه صابرًا و لا أعصی لک أمرًا

۴- موسی (ع) کمال ادب و متانت را در برابر معلّم خویش (خضر) اظهار کرد .

هل أتّبعک . .. ستجدنی ... و لا أعصی

موارد فراوانی از ادب و متانت در کلام موسی(ع) دیده می شود: الف) درخواست خود را با استفهام آغاز کرد (هل أتّبعک)؛ ب) مبدأ علم خضر را به جهت تکریم، با صیغه مجهول آورد (عُلِّمت)؛ ج) علم او را رشدآفرین دانست (رشداً)؛ د) تنها، بخشی از علم او را طلب کرد (ممّا عُلِّمت)؛ ه) وعده صریح به صبر نداد، بلکه به صورت <ستجدنی إن شاء اللّه. ..> ذکر کرد؛ و) توصیه های او را به عنوان امر تلقی کرد و متعهد شد که با او در هیچ فرمانی مخالفت نکند. (المیزان، ج ۱۳).

۵- موسی (ع) دارای اشتیاق فراوان به فراگیری علوم خضر بود .

قال ستجدنی إن شاء اللّه صابرًا و لا أعصی لک أمرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۰ - ۱،۲،۳،۵

۱- خضر ، با درخواست موسی (ع) در مورد همراهی با او ، به صورت مشروط ، موافقت کرد .

قال فإن اتبعتنی

فلاتسئلنی عن شیء

۲- شرط خضر برای همراهی موسی (ع) با او ، سؤال نکردن از چیزی قبل از توضیح خود او بود .

فلاتسئلنی عن شیء حتّی أُحدث لک منه ذکرًا

۳- خضر ، خواهان تعجیل نکردن موسی در فهم اسرار بود و او را بر متابعت بی چون و چرا از خود ، الزام نکرد .

حتّی أُحدث لک منه ذکرًا

۵- خضر (ع) به موسی (ع) وعده داد که در نهایت ، بخشی از اسرار کار خود را برای او تبیین خواهد کرد .

أُحدث لک منه ذکرًا

<من> در <منه> برای تبعیض است و گویای این که خضر، تنها، به بیان گوشه ای از ویژگی های کردار خویش وعده داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۱ - ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷،۸،۱۱

۱- موسی (ع) با پذیرش شروط خضر ، همراه او حرکت کرد .

فانطلقا حتّی إذا رکبا فی السفینه

<انطلاق> به معنای <روانه شدن و حرکت کردن> است. <فاء> در <فانطلقا> دلالت دارد که موسی(ع) شرایط خضر را پذیرفت و خضر(ع) به همراهی وی رخصت داد.

۲- موسی و خضر (ع) در نخستین مراحل همراهی ، سوار کشتی شدند .

فانطلقا حتّی إذا رکبا فی السفینه

۳- همسفر موسی (ع) (یوشع) با آغاز سفر موسی و خضر (ع) ، از آنان جدا شد . *

فانطلقا حتّی إذا رکبا فی السفینه

در این آیه، نامی از همسفر قبلی موسی (یوشع) مطرح نیست. ممکن است گفته شود، او در ادامه سفر، حضور نداشته و رخصتی برای او صادر نگردیده بود. توجه به ضمایر تثنیه

(<فانطلقا>، <رکبا>) گواهی روشن بر این نکته است.

۴- خضر (ع) پس از سوار شدن بر کشتی ، در بدنه آن شکافی ایجاد کرد که سرنشینیان آن در خطر غرق شدن قرار گرفتند .

حتّی إذا رکبا فی السفینه خرقها

<خرق> به معنای <شکافتن و دریدن> است.

۵- موسی (ع) از عملکرد خضر (ع) در شکافتن بدنه کشتی ، شگفت زده شد و به او اعتراض کرد .

قال أخرقتها لتغرق أهلها

۶- اقدام خضر به سوراخ کردن کشتی ، دور از چشم سرنشینان کشتی بوده است .

خرقها قال أخرقتها لتغرق أهلها

روشن است که اگر سوراخ کردن کشتی، در دید مردم قرار داشت، خضر(ع)، مورد اعتراض آن ها قرار می گرفت و مانع او می شدند. از این که تنها، موسی(ع)اعتراض کرده، چنین بر می آید که این کار، از چشم دیگران به دور بوده است .

۷- قرار گرفتن سرنشینان کشتی در معرض غرق ، علّت اعتراض موسی (ع) به عمل خضر (ع) بود .

قال أخرقتها لتغرق أهلها

۸- آسیب رساندن خضر (ع) به کشتی ، امری بس ناروا و غیرقابل توجیه در نظر موسی (ع) بود .

لقد جئت شیئًا إمرًا

<إمر> به معنای <منکَر عظیم> و نیز <منکَر عجیب> آمده است. (لسان العرب).

۱۱- موسی (ع) ، لغزش هایی نظیر غرق انسان ها بی گناه را ، از جانب خضر (ع) منتفی نمی دانست .

أخرقتها لتغرق أهلها لقد جئت شیئًا إمرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۲ - ۱،۳

۱- خضر (ع) اعتراض موسی را

دلیل صحت پیش بینی خویش از ناشکیبایی موسی (ع) دانست و پیش گویی خود را به وی یادآور شد .

قال ألم أقل إنّک لن تستطیع معی صبرًا

۳- خضر (ع) با بیان آگاه نبودن موسی (ع) به راز معیوب ساختن کشتی ، پندار وی را در مورد انگیزه آن کار ، تخطئه کرد .

أخرقتها لتغرق أهلها . .. ألم أقل إنّک لن تستطیع معی صبرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۳ - ۱،۲،۳،۷

۱- موسی (ع) با به یاد آوردن گفتار خضر درباره ناشکیبایی وی ، به ناروا بودن اعتراض خود پی برد .

قال لاتؤاخذنی بما نسیت

۲- موسی (ع) به دلیل تخلّف از شرط همراهی با خضر (ع) و اعتراض ناروا به او ، خود را سزاوار مؤاخذه دید و از خضر (ع) تقاضای چشم پوشی کرد .

قال لاتؤاخذنی بما نسیت

۳- تخلّف موسی از عهد خویش با خضر (ع) ، ناشی از فراموشی بود .

قال لاتؤاخذنی بما نسیت

۷- موسی (ع) عفو و عدم سخت گیری خضر بر او را به خاطر نسیان و تخلّف از عهد خویش ، تقاضا کرد .

قال لاتؤاخذنی بما نسیت و لاترهقنی من أمری عسرًا

<إرهاق> به معنای <تحمیل کاری طاقت سوز بر دیگری> است. (قاموس) و مفاد <لاترهقنی...> این است که کاری دشوار(مانند جدا شدن و لغو رخصت همراهی) را بر من تحمیل مکن و مرا به زحمت میانداز. لازم به ذکر است که <عسراً> مفعول دوم برای <لاترهقنی> است.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۷۴ – ۱۲،۱۱،۵،۴،۲،۱

۱- خضر (ع) عذرخواهی موسی (ع) را پذیرفت و اجازه ادامه همراهی را به او داد .

فانطلقا

۲- موسی و خضر (ع) پس از ماجرای کشتی ، از آن پیاده شده و در خشکی ، با نوجوانی برخورد کردند .

فانطلقا حتّی إذا لقیا غلمًا

<غلام> یعنی <کسی که سبیل او تازه روییده باشد>. (معجم مقاییس اللغه).

۴- خضر (ع) بی درنگ ، پس از مشاهده نوجوان ، او را به قتل رسانید .

حتّی إذا لقیا غلمًا فقتله

ظاهر عطف به <فاء> در <فقتله> آن است که خضر(ع) بدون هیچ مقدمه ای، در پی برخورد با نوجوان، به کشتن او اقدام کرده است.

۵- موسی (ع) نوجوان مقتول را ، فردی بی گناه دانست و خضر (ع) را به جهت کشتن وی ، به شدّت مورد اعتراض قرار داد .

قال أقتلت نفسًا زکیه بغیر نفس لقد جئت شیئًا نکرًا

<زکاه> به معنای <طهارت> و <صلاح> و <نمو> و <برکت> و <مدح> آمده است. (لسان العرب) در آیه، مراد از <زکیه>، توصیف نوجوان به طهارت و پاکی از گناه است.

۱۱- < عن أبی عبداللّه : . . . بینما العالم یمشی مع موسی إذا هم بغلام یلعب قال : < فوکزه العالم ، فقتله . فقال له موسی : < أقتلت نفساً زکیه بغیر نفس لقد جئت شیئاً نکراً ؟ > . قال : < فأدخل العالم یده فاقتلع کتفه فإذا علیه مکتوب : کافر مطبوع ;

از امام صادق(ع) روایت شده: . .. آن گاه که عالم (خضر) با موسی(ع) می

رفت، ناگاه، به پسری برخوردند که بازی می کرد. امام فرمود: <پس آن عالم، مشتی بر وی زد و او را کشت. موسی(ع) به او گفت: <أقتلت نفساً زکیه بغیر نفس...؟>. امام فرمود: <پس آن عالم، دست برد و کتف پسر را بیرون آورد که بر آن نوشته شده بود <کافر مطبوع>.(کافری که مهر کفر بر او زده شده است)>.

۱۲- < عن أبی عبدالله (ع) : . . . و خرجا (موسی و خضر (ع)) علی ساحل البحر فإذا غلام یلعب مع غلمان . . . فتورّکه العالم فذبحه ;

از امام صادق(ع) روایت شده: . .. آن دو (موسی و خضر(ع)) در کنار ساحل دریا (از کشتی) بیرون آمدند، ناگهان به پسری برخوردند که با چند پسر دیگر بازی می کرد... پس آن عالم (یعنی خضر) آن پسر را بر زانوی خود گذاشت و ذبح اش کرد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۵ - ۱،۲،۳،۴

۱- خضر (ع) برای دومین بار و با صراحتی افزون تر در مورد بی صبری و پرسش های بی جای موسی (ع) ، به او تذکر و هشدار داد .

لقد جئت شیئًا نکرًا . قال ألم أقل لک

در دومین تذکر، خضر(ع) عبارت <لک> آمده است. اضافه شدن این عبارت و تصریح به این که آن سخن در مورد شخص موسی(ع) صادر شده بود، گویای تأکید خضر(ع) بر موجه نبودن اعتراض موسی(ع) است.

۲- خضر (ع) بر ناتوانی موسی (ع) از تحمّل کار های خضر برای سومین بار تأکید کرد

.

قال ألم أقل لک إنّک لن تستطیع معی صبرًا

خضر(ع) یک بار، در آغاز برخورد با موسی(ع) و بار دیگر، پس از ماجرای کشتی و مرتبه سوم در پی قتل نوجوان، جمله ای را به موسی(ع) یادآور شد که حاوی چندین تأکید است. (إنّک لن تستطیع...).

۳- پیش بینی خضر (ع) در مورد ناشکیبایی موسی (ع) در برابر کار های او ، مطابق واقع بود .

لقد جئت شیئًا نکرًا . قال ألم أقل لک إنّک لن تستطیع معی صبرًا

۴- خضر (ع) با اشاره به ناآگاهی موسی (ع) از انگیزه قتل نوجوان ، اعتراض وی را ناموجه دانست و آن را نشانه درستی شناخت خویش از کم طاقتی و بی صبری موسی (ع) خواند .

لقد جئت شیئًا نکرًا . قال ألم أقل لک إنّک لن تستطیع معی صبرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۶ - ۱،۲،۴،۵

۱- موسی (ع) ، از خضر (ع) برای تجربه صبر در برابر کار های غیرعادی آن حضرت خواستار آخرین فرصت شد .

قال إن سألتک عن شیء بعدها فلاتصحبنی

۲- موسی (ع) خود را در صورت سؤال مجدد (سومین تخلّف) سزاوار محروم شدن از مصاحبت با خضر (ع) دانست .

قال إن سألتک من شیء بعدها فلاتصحبنی

۴- موسی (ع) به ناتوانی خود از تحمّل کردار خضر (ع) و همراهی با وی پی برد .

قال . .. قد بلغت من لدنّی عذرًا

۵- موسی (ع) به معذور بودن خضر (ع) در

جدا شدن از وی با مشاهده تخلّف او از پیمان سکوت در برابر کار های آن حضرت ، اعتراف کرد .

قال إن سألتک . .. قد بلغت من لدنّی عذرًا

جمله <قد بلغت من لدنّی عذراً> یعنی: <از دیدگاه من، به عذری قابل قبول جهت ترک مصاحبت دست یافتی. >. این جمله، به قرینه <قد>، مربوط به <إن سألتک...> نیست، بلکه اعتراف موسی(ع) به این است ترک مصاحبت تو با من، هم اکنون نیز دلیل موجهی دارد، ولی طالب مهلتی دیگر هستم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۷ - ۱،۲،۳،۴،۵،۸،۹،۱۰،۱۱،۱۳،۱۸،۱۹،۲۰،۲۱

۱- خضر (ع) درخواست مهلت موسی (ع) را پذیرفت و برای بار سوم ، به او فرصت همراهی داد .

إن سألتک عن شیء بعدها فلاتصحبنی . .. فانطلقا

۲- موسی و خضر (ع) در مسیر حرکت و سفر خویش ، به یک آبادی رسیدند و با اهل آن ملاقات کردند .

فانطلقا حتّی إذا أتیا أهل قریه

در این که چه شهری در مسیر موسی و خضر(ع) قرار داشته، احتمالات گوناگونی ارائه شده است. از جمله آن ها شهر <ناصره> است که در ساحل دریا قرار داشته است این وجه را مجمع البیان از امام صادق (ع) روایت کرده است.

۳- موسی و خضر (ع) با احساس گرسنگی ، از مردم شهر ، تقاضای طعام و خوراکی کردند .

استطعما أهلها

به قرینه <یضیّفوهما> مراد از استطعام، تهیه طعام برای ادامه سفر نبوده است، بلکه موسی و خضر(ع)، در همان هنگام، گرسنه بوده اند.

۴- هیچ یک از مردم شهر ، حاضر به میزبانی و اطعام موسی

و خضر (ع) نشد .

استطعما أهلها فأبوا أن يضيّفوهما

<إباء> به معنای <امتناع و سرباز زدن> است.

۵- مردم شهری که موسی و خضر (ع) به آن وارد شدند ، مردمی دور از خوی مهمان دوستی و غریب نوازی ، دور بودند .

فأبوا أن يضيّفوهما

۸- موسی و خضر (ع) در آبادی ، با دیواری مواجه شدند که در حال سقوط و خرابی بود .

فوجدا فيها جدارًا يريد أن ينقضّ

<إنقضاض> از ماده <قضض> به معنای <از هم پاشیدن> است (قاموس). به کار بردن فعل <یرید> که نوعاً در باره موجودات دارای اختیار به کار می رود، نوعی استعاره است; یعنی، به قدری دیوار در معرض افتادن بود که گویا خود بر خرابی و از هم پاشیدگی تصمیم گرفته است .

۹- خضر (ع) دیوار در حال سقوط را ترمیم و بازسازی کرد .

يريد أن ينقضّ فأقامه

۱۰- ترمیم دیوار مشرفِ بر ویرانی ، به دست خضر ، در برابر دیدگان مردم شهر انجام گرفت . *

حتّى إذا أتيا أهل قريه . .. فأقامه

ورود بر اهل قریه و نیز وجود دیوار در متن شهر که از تعبیر <فوجدا فیها جداراً> استفاده می شود، ممکن است اشاره به این داشته باشد که مردم، ناظر رفتا خضر(ع) بوده اند.

۱۱- خضر (ع) برای تعمیر دیوار و برپا داشتن آن ، از موسی (ع) کمک نطلبید .

فأقامه

مفرد آمدن <أقامه> ممکن است از آن جهت باشد که کار بازسازی دیوار، فقط به دست خضر(ع) صورت گرفته باشد; چه این که در موارد پیشین، <استطعما> به صورت تثنیه آمده و نقش هر دو را در

طلب غذا نمایانده است.

۱۳- موسی (ع) از دست مزد نخواستن خضر (ع) در برابر کار خویش ، با وجود نیاز آنان به اجرتی برای تهیه غذا ناخرسند و گلایه مند بود .

استطعما أهلها . .. قال لو شئت لتّخذت علیه أجرًا

آنچه خضر و موسی(ع) از مردم طلب کردند، غذا بود، آن هم به صورت مجانی، نه خرید چون پولی برای خرید در اختیارشان نبود لذا موسی(ع)، پایان گرفتن کار دیوار، موضوع گرفتن مزد را مطرح ساخت، تا به وسیله آن طعامی را خریداری کنند.

۱۸- سخنِ شِکوه آمیز موسی (ع) به خضر (ع) در مورد نگرفتن مزد ، سومین تخلّف وی از پیمان خویش بود .

قال لو شئت لتّخذت علیه أجرًا

۱۹- < عن جعفربن محمد (ع) : . . . < فانطلقا حتّی إذا أتیا أهل قریه > و هی الناصره ;

از امام صادق(ع) روایت شده:. .. مقصود از قریه، در آیه شریف قریه ناصره است>.

۲۰- < عن جعفربن محمد (ع) : . . . فوجدا فیها جداراً یرید أن ینقضّ ، فوضع الخضر یده علیه فأقامه ;

از امام صادق(ع) روایت شده: (خضر و موسی(ع)) دیواری را یافتند که می خواست بیفتد. خضر، دست خود را بر آن نهاد و آن را راست کرد>.

۲۱- < عن أبی عبدالله (ع) : . . . فوجدا فیها جداراً یرید أن ینقضّ فأقامه قال : < لو شئت لتّخذت علیه أجراً خبزاً نأکله فقد جُعْنا > ;

از امام صادق(ع) روایت شده:. .. خضر و موسی(ع) در آن آبادی دیواری را یافتند که می

خواست بیفتد. خضر، آن را راست کرد. موسی(ع) گفت: <می خواستی برای این کار، مزدی بگیری (یعنی) نانی بگیری تا بخوریم زیرا گرسنه ایم>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۸ - ۱،۲،۳،۴

۱- سومین تخلّف موسی (ع) از عهد خویش با خضر (ع) (مطرح ساختن گرفتن مزد) ، آغاز جدایی آن دو از هم بود .

قال لو شئت لتّخذت . .. قال هذا فراق بینی و بینک

در باره این که <هذا> اشاره به چیست، احتمالاتی وجود دارد، از جمله این که اشاره به قول موسی(ع) باشد; یعنی، هذا القول سبب فراق بیننا

۲- ناتوانی موسی (ع) از تحمّل کار های خضر (ع) ، در پی سومین سؤال و اعتراض او ، به اثبات رسید .

قال هذا فراق بینی و بینک سأنبّئک بتأویل ما لم تستطع علیه صبرًا

۳- خضر (ع) ، پس از آخرین تخلّف موسی ، برای جدا شدن از او ، دلیل موجه و عذر پذیرفته شده داشت .

بلغت من لدنّی عذرًا . .. قال لو شئت لتّخذت علیه أجرًا . قال هذا فراق بینی و بین

۴- خضر ، موسی (ع) را مطمئن ساخت که اسرار کار های شگفت خویش را پیش از جدایی ، برای او بازگو خواهد کرد .

سأنبّئک بتأویل ما لم تستطع علیه صبرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۹ - ۸

۸- مقارن با وقوع داستان موسی و خضر (ع) ، پادشاهی ، کلّیه کشتی های سالم را در

آن منطقه ، مصادره می کرد .

و کان وراءهم ملک یأخذ کلّ سفینه غصبًا

مراد از <کلّ سفینه> به قرینه <أن أعیبها> <کلّ سفینه صالحه> بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۲ - ۱،۲،۳،۴،۱۶،۲۱،۲۳

۱- خضر (ع) علّت اقدام به بازسازی دیوار فرسوده را برای موسی (ع) تشریح کرد .

و أمّا الجدار . .. ما فعلته عن أمری

۲- دیوار ترمیم شده به دست خضر (ع) در مالکیّت دو پسر بچه یتیم بود .

و أمّا الجدار فکان لغلمین یتیمین

۳- خضر (ع) با وجود حضور نداشتن مالکان دیوار در آبادی ، به ترمیم آن پرداخته بود . *

فکان لغلمین یتیمین فی المدینه

احتمال می رود که به کار رفتن واژه <المدینه> در این آیه، به جای واژه <القریه> که در آیات قبل آمده بود، اشاره به این جهت باشد که آن دو یتیم در آن آبادی حضور نداشته، بلکه در شهری دیگر اقامت داشته اند و آن شهر چنان چه از حرف <ال> در <المدینه> استفاده می شود برای خضر و موسی(ع) شناخته شده بود.

۴- هدف خضر (ع) از ترمیم دیوار فرسوده ، محفوظ داشتن گنج نهاده شده در زیر آن برای دو یتیم ساکن در شهر بود .

و أمّا الجدار فکان لغلمین یتیمین فی المدینه و کان تحته کنز لهما

۱۶- خضر (ع) با توجّه دادن موسی (ع) به تدبیر فراگیر الهی ، حفاظت اموال یتیمان را ، برخاسته از گستردگی ربوبیّت خداوند دانست .

فأراد ربّک

خضر(ع) با اضافه <ربّ> به ضمیر خطاب (ربّک)

به موسی(ع) این نکته را بیان داشته است که گرچه ترمیم دیوار، به تغذیه و تربیت جسم تو کمکی نکرد، ولی مالك و مدّبر تو، مالك و مدّبر یتیمان نیز هست.

۲۱- موسی (ع) ، سرانجام ، به اسرار کار های شگفت خضر آگاه شد و توجیه و تأویل برخی حوادث را از او آموخت .

ذلک تأویل ما لم تسطع علیه صبرًا

<لم تسطع> در اصل <لم تستطع> بوده و حرف <تاء> برای تخفیف حذف شده است.

۲۳- خضر (ع) پس از آموختن اسرار کار های خود به موسی (ع) ، وی را بر بی صبری در برابر آن ، نکوهش کرد .

ذلک تأویل ما لم تسطع علیه صبرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۲ - ۱،۲

۱- خداوند از سمت راست کوه طور ، موسی (ع) را مورد خطاب قرار داد و با او سخن گفت .

و ندینه من جانب الطور الأیمن

<أیمن> یا از <یُمن> به معنای خیر و برکت داشتن گرفته شده و یا از <یمین> که به معنای <سمت راست> است. دراین برداشت معنای دوم مورد نظر است. در این صورت <الأیمن> وصف کلمه <جانب> خواهد بود.

۲- کوه طور ، مکانی مبارك و محلی که خداوند از آن ناحیه با موسی (ع) سخن گفت .

و ندینه من جانب الطور الأیمن

<الأیمن> که دراین برداشت به معنای مبارك گرفته شده است ممکن است وصف برای <الطور> باشد و ممکن است وصف برای <جانب> گرفته شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه -

۲۰ - ۱۰ - ۱،۲،۳،۴،۵

۱ - موسی (ع) و خانواده اش در سیری شبانه و در بیابان ، دچار سرگردانی شده و راه را گم کردند .

إذ رءا نارًا . .. بقبس أو أجد علی النار هدًی

جمله <أجد علی النار هدًی> دلالت می کند که موسی(ع) و همراهیانش راه را گم کرده بودند و از نبود آتش فهمیده می شود که آنها در بیابانی سرگردان بودند. دیدن آتش از فاصله ای نسبتاً دور که حتی با احتمال وجود آتش، تصمیم به حرکت جمعی به سوی آن نگرفتند، حاکی از شب بودن و تاریکی منطقه است.

۲ - موسی (ع) در مسیر حرکت خویش ، علاوه بر همسر خود ، افرادی دیگر ازاعضای خانواده اش را به همراه داشت .

فقال لأهله امکثوا

فعل <امکثوا> که به صورت جمع آمده است، بر نکته یاد شده دلالت دارد.

۳ - حضرت موسی (ع) هنگام سرگردانی در بیابان ، آتشی را دید و به خانواده اش بشارت داد .

إذ رءا نارًا فقال . .. إنّی ءانست نارًا

<ایناس> (مصدر <ءانست>) در معانی <احساس کردن>، <دیدن>، <دانستن> و <شنیدن> استعمال می شود(لسان العرب). به مناسبت مورد آیه، مراد <دیدن> است.

۴ - خانواده و همراهان موسی (ع) در بیابان ، آتشی را که موسی (ع) مشاهده کرد ، ندیدند . *

فقال لأهله امکثوا أنّی ءانست نارًا

از گفته موسی(ع) که فرمود: <من آتشی را دیدم> می توان احتمال داد که دیگر همراهان موسی(ع) آن آتش را ندیده بودند. و گرنه دیدن را به خود اختصاص نمی داد.

۵ - موسی (ع) تصمیم گرفت برای آوردن

پاره آتشی جهت روشن کردن آتش و یا پیدا کردن راهنما ، خود را به محل آتش برساند .

لعلّی ءاتیکم منه بقبس أو أجد علی النار هدًی

<قبس>، یعنی اخگر و آن، چوب آتش گرفته ای است که برای برافروختن آتش دیگر، از آتش آماده اقتباس کرده باشند (لسان العرب). <هدیً> مصدر و به معنای اسم فاعل (هادی) است. حرف <أو> در آیه برای تعیین یکی از دو کار است، یعنی موسی(ع) در نظر داشت اگر با راهنمایی برخورد کرد، به راه ادامه دهند وگرنه با فراهم کردن آتش، خود را گرم نگه دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱ - ۱،۲،۳،۴،۵

۱ - موسی (ع) درپی مشاهده آتش ، از خانواده خویش جدا شده و به طرف آتش حرکت کرد .

رءا نارًا . .. فلمّا أتیها

۲ - آتشی که موسی (ع) مشاهده کرد ، امری واقعی بود و موسی (ع) خود را به آن رسانید .

فلمّا أتیها

۳ - موسی (ع) با نزدیک شدن به آتش ، با ندایی مواجه شد که او را با نام صدا می زد .

فلمّا أتیها نودی یموسی

۴ - ندای < یاموسی > ناگهانی و بدون گذشت زمانی از لحظه رسیدن موسی (ع) به آتش ، به او خطاب شد .

فلمّا أتیها نودی یموسی

۵ - موسی (ع) ، گوینده < یاموسی > را نشناخت .

نودی یموسی

مجهول آمدن <نودی> و نیز جمله <إنّی أنا ربّک> (در آیه بعد) گویای ناشناخته بودن صاحب صدا برای موسی در اولین برخورد است.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲ - ۱،۲،۴

۱ - دره طوی در صحرای سینا سرزمین تکلم خداوند با موسی (ع)

یموسی . إنّی أنا ربّک ... إنّک بالواد المقدّس طوًی

<واد> مخفف <وادی>، یعنی حد فاصل بین کوه ها که راه عبور سیلاب باشد (مصباح). <طُوی> ممکن است نام دره ای پایین کوه طور باشد (لسان العرب). در این صورت بدل یا عطف بیان برای <الواد المقدس> خواهد بود و ممکن است به معنای <ساعه> و <لحظه> باشد (لسان العرب). که ظرف برای <المقدس> می شود; یعنی دره ای که در برهه ای از زمان (اشاره به لحظه تکلم خداوند با موسی(ع)) تقدس یافته است.

۲ - خداوند در خطاب به موسی (ع) ، خود را به او شناساند و به او فهماند که در محضر پروردگار خود قرار دارد و کلام او را می شنود .

یموسی . إنّی أنا ربّک

۴ - خداوند به موسی (ع) فرمان داد ، به پاس احترام محضر پروردگار خود ، نعلین از پای درآورد و با پای برهنه در وادی مقدس گام نهد .

فاخلع نعلیک إنّک بالواد المقدّس طوًی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۶ - ۱

۱ - خداوند در وادی طوی ، خطر منکران قیامت را در بازداشتن موسی (ع) از توجه به قیامت ، به او گوشزد کرد و او را از فریب کاری آنان برحذر داشت .

فاعبدنی . .. فلایصدّنک عنها من لایؤمن بها

ضمیرهای <عنها> و <بها> به <الساعه> (در آیه قبل) برمی گردد.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۷ - ۱،۲

۱ - موسی (ع) هنگام جدا شدن از خانواده اش برای آوردن آتش ، چوب دستی خود رانیز به همراه داشت .

و ما تلک بیمینک یموسی

<تلک> برای اشاره به مؤنث به کار می رود و دلالت دارد که اطلاق نام خشبه یا عوده (چوب) بر آنچه در دست موسی(ع) است، مسلم گرفته شده است؛ بنابراین از موسی(ع) خواسته شده بود که در جواب، خصوصیات آن چوب را بیان کند تا متوجه باشد که چه چیزی تبدیل به مار خواهد شد. گفتنی است که از جمله <أهشّ بها علی غنمی> (در آیه بعد)، استفاده می شود که موسی(ع) پیش از آمدن به کوه طور، آن عصا را به همراه داشت.

۲ - خداوند در وادی طوی ، از موسی (ع) خواست ، خصوصیات چوب دستی خود رابیان کند .

و ما تلک بیمینک یموسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۸ - ۱،۵،۶

۱ - موسی (ع) در پاسخ به پرسش خداوند در باره آنچه در دست دارد آن را عصای خویش اعلام کرد .

و ما تلک بیمینک . .. قال هی عصای

۵ - حضرت موسی (ع) در راه مدین به مصر ، دارای گوسفندانی بود که خود ، آنها را شبانی می کرد .

أهشّ بها علی غنمی

<غنم> یعنی، گوسفندان. این کلمه از لفظ خود، مفرد ندارد و به یک گوسفند <شاه> گفته می شود (مصباح)

۶ - سرزمینی که موسی (ع) در آن

دام داری و شبانی می کرد ، درختانی داشت که برگ آن برای تغذیه دام مناسب بود .

و أهشّ بها علی غنمی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۹ – ۱

۱ – خداوند در وادی طوی به موسی (ع) فرمان داد تا عصای خویش را بر زمین بیفکند .

قال ألقها یموسی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۲۰ – ۱،۲

۱ – موسی (ع) به فرمان خداوند عصای خویش را بر زمین افکند .

فألقیها

۲ – عصای موسی (ع) در پی افکنده شدن ، به ماری در حال حرکت تبدیل شد .

فألقیها فإذا هی حیّه تسعی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۲۱ – ۱،۲،۳،۵

۱ – خداوند به موسی (ع) فرمان داد عصای تبدیل شده به مار را بدون ترس از زمین برگیرد .

قال خذها

۲ – موسی (ع) از گرفتن عصای مار شده خویش در بیم و هراس بود .

قال خذها و لاتخف

۳ – خداوند ، موسی (ع) را مطمئن ساخت که عصای مار شده پس از گرفته شدن به حالت اول بر خواهد گشت .

و لاتخف سنعیدها سیرتها الأولی

<سیره> در اصل به معنای حالت و هیئت سیر است، ولی به صورت مجاز، بر هر صفت و حالتی اطلاق می شود. در جمله <سنعیدها سیرتها> حرف <إلی> در تقدیر است، که حذف آن، کلمه را منصوب به نزع خافض کرده است؛ یعنی <سنعیدها إلی سیرتها> یا <سنعید إلیها سیرتها>.

۵

- نمایانـدن معجزه به موسـی (ع) در وادی طوی و به دور از چشم مردم ، به خاطر تجربه و آمادگی بیشتر او برای ارائه معجزه در حضور مردم بود . *

ألقها . .. خذها و لاتخف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۲۲ - ۱

۱ - خداونـد ، در وادی طوی به موسـی (ع) فرمـان داد که بـا گـذاردن دست در زیر بغـل و بیرون آوردن آن ، بـا معجزه ای دیگر آشنا شود .

واضمم یدک إلی جناحک . .. ءایه أُخری

<جنـاح> در معـانی <دسـت>، <بـازو>، <زیر بغـل> و <پهلو> به کـار می رود (قـاموس). فعـل <تخرج> قرینه اسـت براین که مراد از <جناح> در آیه <زیر بغل> است، زیرا بر دور شدن دست از بازو و پهلو خروج صادق نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۲۳ - ۱

۱ - ارائه معجزه عصا و یـدبیضا به موسـی (ع) در وادی طوی ، به جهت نمایاندن برخی معجزات بزرگ الهی به آن حضـرت بود .

لنریک من ءایتنا الکبری

<لنریـک> متعلق به فعلی است که از <آیه أُخری> انـتزاع می شود; یعنی آیه آوردیم تـا . .. . <من> برای تبعیض است و دلالت می کند که مراد، نشان دادن بعضی از آیات بزرگ خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۲۴ - ۲

۲ - خداوند ، موسی (ع) را به حرکت به سوی فرعون و بازداشتن او از طغیان گری ، فرمان

داد .

اذهب إلى فرعون إنّه طغى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۲۵ - ۱،۷

۱ - موسی (ع) جهت انجام رسالت خویش و بازداشتن فرعون از طغیان گری ، با دعابه درگاه خداوند ، خواهان شرح صدر خویش شد .

اذهب . .. قال ربّ اشرح لی صدری

فراخی سینه، کنایه از خویشتن داری و کنترل خود و اختیار از کف ندادن است.

۷ - موسی (ع) در وادی طوی از خداوند خواست او را پذیرای حقیقت قرار دهدو توان مندی های او را برای دریافت پیام های الهی افزایش دهد .

ربّ اشرح لی صدری

شرح صدر، گنجایش دادن آن برای قبول حق است (لسان العرب). صدر و قلب، کنایه از نفس انسان است که دارای وصف فهم و درک است و گفته شده است که صدر اعم از قلب است، زیرا علاوه بر عقل و علم، شامل قوای شهوت و غضب و هوس و غیر آن نیز می شود (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۲۸ - ۲

۲ - موسی (ع) در مبارزه با فرعون ، خود را مواجه با گروهی از حامیان او می دید و برای ارشاد آنان چاره اندیشی می کرد .

اذهب إلى فرعون . .. یفقهوا قولی

با آن که در فرمان رسالت فقط نام فرعون آمده بود، اما موسی(ع) برای گفتار خویش، شنوندگان بیشتری را پیش بینی می کرد و <یفقهوا> را با صیغه جمع آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ -

۱ - موسی (ع) از خداوند خواست ، هارون (ع) را در ابلاغ پیام الهی به فرعون ، شریک او گرداند .

هرون أخی . .. و أشرکه فی أمری

مقصود از شراکت مورد درخواست موسی(ع)، مشارکت هارون با او در ابلاغ پیام خداوند به فرعونیان است، نه در دریافت وحی، زیرا موسی(ع) از تنهایی در آن هراسی نداشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳۶ - ۱،۳

۱ - خداوند تمامی خواسته های موسی (ع) را پذیرفت و به او شرح صدر و بیان روان عطا کرد و هارون را وزیر او قرار داد .

قال ربّ . .. قال قد أُوتیت سؤلک یموسی

<سؤل>; یعنی احتیاجی که نفس انسان بر تحصیل آن حرص میورزد و فرق آن با آرزو این است که آرزو در فکر انسان می گذرد، ولی <سؤل> پی گیری می شود. گویا همواره رتبه <سول> بعد از آرزو است.

۳ - خداوند در وادی طوی (در کوه طور) موسی (ع) را بر اجابت خواسته هایش آگاه ساخت .

قد أُتیت سؤلک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳۹ - ۲۲، ۱،۲،۴،۵،۶،۸،۹،۱۸،۲۰

۱ - جان موسی (ع) از آغاز تولد و اوان طفولیت از سوی فرعونیان در خطر بود .

أن اقذفیه فی التابوت فاقذفیه فی الیمّ

فرمان یافتن مادر موسی به افکندن فرزندش در آب رودخانه، نشان از شرایط سخت آن دوران و در خطر بودن جان موسی(ع) دارد.

۲ - خداوند ، مادر موسی را به نهادن او در صندوق و

افکندن آن به رود نیل ، فرمان داد .

أن اقذفیه فی التابوت فاقذفیه فی الیمّ

مدلول <قذف> پرتاب کردن و افکندن است (مقاییس اللغه) و <اقذفی> که هم در مورد گذاردن موسی(ع) در صندوق و هم افکندن صندوق به آب، به کار رفته، گویای این است که باید موسی(ع) به گونه ای در صندوق قرار داده شده و به آب افکنده شود که هر بیننده ای گمان کند آن را دور انداخته اند. <تابوت>، یعنی صندوق (نهایه ابن اثیر) و <یمّ> به معنای دریا است و در آیه، مراد رود نیل است (لسان العرب).

۴ - خداوند به مادر موسی (ع) اطمینان بخشید که آب خروشان نیل ، صندوق حامل موسی (ع) را به ساحل خواهد افکند .

فلیلقه الیمّ بالساحل

امر به دریا که باید صندوق را به ساحل بیفکند، مجاز و برای مبالغه در این است که آمدن صندوق به همراه جریان آب تا کناره رودخانه و افکنده شدن آن به خشکی، قطعی است.

۵ - مادر موسی (ع) ، به پیام خداوند ایمان داشت و به حفظ جان موسی (ع) از جانب او مطمئن بود .

إذ أوحینا . .. أن اقذفیه ... یأخذه عدوّ

به قرینه> القیت علیك محبه <و نیز آیات دیگر قرآن; مادر موسی(ع) به محتوای وحی الهی عمل کرد و موسی(ع) را به نیل سپرد. این کار گواه اطمینان مادر موسی(ع) به آن است که پیام دریافت شده وحی الهی بوده و نیز نشان از ایمان کامل او دارد.

۶ - رود نیل از جانب خداوند ، مأمور افکندن صندوق حامل موسی (ع) به ساحل بود

.

فليلقه اليمّ بالساحل

جمله <فليلقه اليم>، علاوه بر اين كه به مادر موسى مى فهماند كه افكنده شدن موسى(ع) به ساحل قطعى است، ازاين حقيقت نيز حكايت مى كند كه آب به امر تكوينى خداوند، مأمور است كه اين عمل را انجام دهد.

۸ - مادر موسى (ع) ، پيش از افكندن او به آب ، از جانب خداوند ، به نجات موسى (ع) به دست يكى از دشمنان آگاه شده بود .

أوحينا. .. يأخذه عدوّ لى و عدوّ له

۹ - فرعون با خداوند و موسى (ع) دشمن بود و در پى شناخت موسى (ع) و نابود ساختن او برآمده بود .

يأخذه عدوّ لى و عدوّ له

عداوت فرعون براى موسى(ع)، آن هم پيش از پيدا شدن كودكى با ويژگى هاى او، گوياى آن است كه فرعون تصميم داشت در صورت دست يافتن بر او، وى را هلاك سازد.

۱۸ - محبوبيت موسى (ع) در دل ها و در دربار فرعون ، مايه احترام به موسى (ع) و موجب خدمت فراوان به او شده بود .

و ألقيت عليك محبّه منّى و لتصنع على عينى

چنانچه <صنيعه> (ريشه اشتقاقى <لتصنع>) به معناى احسان و كرامت باشد، مفاد <لتصنع. ..> چنين مى شود: محبت تو را در قلب ديگران قرار دادم تا با مراقبت كامل من، مورد احترام و احسان آنان قرار گيرى.

۲۰ - زندگى موسى (ع) ، نمونه اى از نظارت خداوند بر پرورش پيامبران از آغاز ولادت آنان است .

و لتصنع على عينى

۲۲ - < عن أبى جعفر (ع) قال : أنزل اللّه على

موسی التابوت و نودیت أَمّه ضعیه فی التابوت فاقذفیه فی الیمّ و هو البحر ;

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: خداوند تابوت را بر موسی(ع) نازل کرد و به مادر وی ندا داده شد که او را در تابوت قرار ده، پس آن را به دریا بیفکن>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۰ - ۱،۲،۳،۴،۶،۷،۸،۱۰،۱۱،۱۲،۱۳،۱۴،۱۸،۲۰،۲۵،۲۷،۲۸،۳۲،۳۳

۱ - موسی (ع) در زمان تولد ، دارای خواهری بزرگ و رشید بود .

إذ تمشی أُختک فتقول هل أدلّکم

تعقیب کردن موسی(ع) و نفوذ به دربار و نیز پیشنهاد دایه، جملگی گویای آن است که خواهر او در سنینی قرار داشته که علاوه بر توان جسمی و فکری براین کارها و ترفندها، سخن او نیز مورد پذیرش و قبول قرار می گرفته است.

۲ - خواهر موسی ، از افکنده شدن برادر کوچکش به نیل مطلع و نگران بود و گام به گام به تعقیب جعبه حامل وی پرداخت .

إذ تمشی أختک فتقول

حرکت کردن خواهر موسی در پی او، نشانگر آن است که وی از جریان موسی(ع) و به آب افکنده شدن او و نیز اجمال حوادثی که در پیش است، مطلع بوده است.

۳ - خواهر موسی ، تا زمان نجات او از آب و مشاهده تلاش درباریان فرعون برای یافتن دایه ، به تعقیب وی ادامه داد .

إذ تمشی أُختک فتقول هل أدلّکم

ظاهر <هل أدلّکم> آن است که خواهر موسی، تصاحب او را از سوی فرعونیان دیده و با رساندن خود به درباریان، پیشنهاد خود را بدون واسطه با مقامات دربار و کسانی که در طلب دایه بودند، مطرح

کرده بود.

۴ - فرعون ، به نگه داری و حفاظت از موسی (ع) مصمم شد .

هل أدلّکم علی من یکفله

تلاش برای یافتن دایه و سرپرست، حکایت از آن دارد که فرعون بر نگه داری موسی مصمم شده بود.

۶ - خواهر موسی به فرعونیان اظهار آمادگی کرد تا دایه ای مناسب را برای او معرفی کند .

هل أدلّکم علی من یکفله

<کافل> به کسی گفته می شود که پرداختن به امور کسی را بر عهده گیرد (مقاییس اللغه).

۷ - خواهر موسی ، آمادگی خود را برای معرفی دایه به فرعونیان ، مکرر به آنان گوشزد می کرد .

فتقول هل أدلّکم

فعل مضارع <تقول> بر استمرار کار در گذشته دلالت دارد.

۸ - دایه پیشنهادی خواهر موسی ، از سوی درباریان فرعون پذیرفته و از وی استقبال شد .

هل أدلّکم علی من یکفله فرجعنک إلی أُمّک

<فاء> در <فرجعناك> فصیحه است؛ یعنی، از جملاتی محذوف خبر می دهد که از پذیرش پیشنهاد خواهر موسی حکایت دارد.

۱۰ - فرعونیان ، موسی (ع) را به مادرش سپردند و او وی را به خانه خویش برد .

فرجعنک إلی أُمّک

بازگشت موسی نزد مادر، به این است که مادر، او را نزد خود برده باشد؛ نه این که برای پرستاری او به دربار رفته باشد.

۱۱ - موسی (ع) ، در خردسالی تحت تکفل مادر خود بود .

علی من یکفله

۱۲ - خواهر موسی ، تلاش و نقشی مؤثر در بازگرداندن او به مادرش داشت .

إذ تمشى أَختك . .. فرجعنك إلى أَمّك

یادکردن از خواهر موسی(ع) و تلاش او، نشان از نقش مؤثر و کارساز او در بازگرداندن وی به مادر دارد.

۱۳

– مادر موسی ، با چشم دوختن به سرنوشت نامعلوم فرزندش ، از دوری او اندوهگین بود .

کی تقرّ عینها و لاتحزن

آرام و قرارگرفتن چشم، کنایه از بر طرف شدن نگرانی شدیدی است که چشم را به سویی خیره می کند و یا آن را همواره به چپ و راست می چرخاند.

۱۴ – دیدار دوباره با موسی (ع) ، به چشمان مادر روشنی و آرامش بخشید و اندوه او را برطرف ساخت .

فرجعنك إلی أُمّك کی تقرّ عینها و لاتحزن

<قره العین> یا از <قرار> به معنای آرام گرفتن مشتق است و یا از <قُرّ> به معنای سردشدن که نتیجه توقف اشك سوزان است. در هر صورت این تعبیر، کنایه از شادمانی است که چشم را از نگران بودن و حرکت به سمت راست و چپ بازمی دارد و اشك سوزان اندوه را قطع می کند.

۱۸ – موسی (ع) ، پیش از دریافت وحی در کوه طور و رسیدن به مقام رسالت ، شخصی را به قتل رسانده بود .

و قتلت نفسًا

این آیه به کشته شدن مردی از قبطیان در مصر نظر دارد که با یکی از هم کیشان موسی(ع) درگیر شده و آن حضرت او را کشته بود. ولی فکر پی آمد آن، او را آسوده نمی گذاشت، تا آن که از مصر گریخت و در مدین از خطر رهایی یافت و غم و غصه او زایل گشت.

۲۰ – موسی (ع) به خاطر ارتکاب قتل ، نزد فرعونیان امنیت جانی نداشت .

فنجّینك من الغم

۲۵ – خداوند ، پیش از ورود موسی (ع) به مدین ، او را

به آزمایشی سخت گرفتار ساخت .

و فتنّک فتونًا فلبثت سنین فی أهل مدین

<فتنه> به معنای امتحان و اختبار است (مصباح). <فتون> مصدر و مفعول مطلق است و برای تأکید کلام آورده شده است و جمله <فتنّاک فتوناً>; یعنی، تو را به خوبی آزمودیم.

۲۷ - تعدد آزمایش های الهی از موسی (ع) ، پیش از ورود به مدین

و فتنّک فتونًا

ممکن است کلمه <فتون> آن گونه که در <کشاف> و <البحرالمحیط> آمده، جمع فتنه باشد.

۲۸ - موسی (ع) در دوران زندگانی خویش ، با سختی های فراوانی مواجه شد .

و فتنّک فتونًا

<فتون> چنانچه برخی گفته اند جمع فتنه است و <فتنه>، در مورد شداید و سختی ها استعمال بیشتری دارد (مفردات راغب).

۳۲ موسی (ع) در پی رهایی از چنگ فرعونیان ، با سختی به مدین رسید و در آن جا چندین سال اقامت گزید .

و فتنّک فتونًافلبثت فی أهل مدین

<فاء> در <فلبثت. ..> دلالت دارد که ورود موسی به مدین، بعد از سختی کشیدن او در راه مصر و مدین بوده است.

۳۳ درنگ چندساله موسی (ع) در بین مردم مدین ، مرحله ای دیگر از آزمون و ابتلای موسی (ع) بود .

و فتنّک فتونًافلبثت فی أهل مدین

<فاء> در <فلبثت> ممکن است برای عطف مفصل بر مجمل باشد. در این صورت درنگ موسی(ع) در مدین، مصداق فتنه (آزمون یا سختی) خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۵ - ۱،۲،۳،۴،۵

۱ - موسی و هارون (ع) قبل از حرکت به طرف فرعون ، با

یکدیگر ملاقات نموده و موانع احتمالی ارشاد او را بررسی کردند .

قالا ربّنا إنّنا نخاف

قسمت هایی از داستان موسی(ع) از قبیل بازگشت او نزد خانواده اش و پیداکردن راه مصر و ملاقات با برادرش هارون(ع) به این جهت که در ماجرای برخورد با فرعون، چندان دخیل نبوده، دراین آیات ذکر نشده است. این احتمال نیز وجود دارد که آیه ۴۲ (اذهب أنت و أخوك) به بعد، سخنان خداوند به موسی و هارون(ع)، پس از ملاقات آن دو باشد.

۲ - موسی و هارون (ع) با مناجات به درگاه خداوند و برشمردن موانع احتمالی اقدام خود ، از خداوند راه چاره خواستند .

قالا ربّنا إنّنا نخاف أن یفرط علینا

۳ - موسی و هارون (ع) از پیشدستی فرعون و اقدام او به کیفر فوری آنان ، پیش از هرگونه فرصت اظهار معجزه و بیان حقیقت ، نگران بودند .

قالا ربّنا إنّنا نخاف أن یفرط علینا

<فَرَطَ>; یعنی، پیشی گرفت بدون آن که افراط یا تفریط کرده باشد (مفردات راغب). مراد موسی و هارون(ع)، احتمال دست زدن فرعون به کاری است که فرصت ابلاغ پیام الهی را از آنان بگیرد.

۴ - موسی و هارون (ع) ، از احتمال افزایش طغیان فرعون ، درپی ابلاغ دعوت الهی به او ، نگران بودند .

أو أن یطغی

خداوند در سخن با موسی(ع)، به طغیان گری فرعون تصریح کرده بود. بنابراین مراد موسی و هارون(ع) از این سخن، احتمال افزایش طغیان او است; به گونه ای که زمینه پذیرش دعوت را در او به کلی از میان ببرد.

۵ - نگرانی موسی و هارون (ع) از

ناکامی در ابلاغ پیام خداوند به فرعون

إنّنا نخاف أن یفرط علینا أو أن یطغی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۶ - ۲،۳،۶،۷

۲ - خداوند به موسی و هارون (ع) اطمینان داد که فرعون فرصت ابلاغ پیام رسالت را از آنان نگرفته و بر طغیان خود نخواهند افزود .

نخاف أن یفرط . .. قال لاتخافا

۳ - خداوند همراهی کامل خود با موسی و هارون (ع) و حمایت و حفاظت از آنان را طی رویارویی با فرعون ، اعلام کرد .

إنّنی معکما

خداوند، همواره با همگان هست و در همه جا حضور دارد. آنچه که برای رفع نگرانی موسی و هارون(ع) مورد تأیید قرار گرفته، حضور ویژه خداوند است که حاکی از حمایت بی دریغ او از آنان است.

۶ - شنوایی و بینایی خداوند ، پشتوانه ای اطمینان بخش برای تضمین یاری موسی و هارون (ع) در برابر فرعون بود .

إنّنی معکما أسمع و أری

۷ - وعده یاری خداوند و آگاهی گسترده او بر جزئیات ماجرای ارشاد فرعون ، مایه امیدواری و آرامش بخش دل های نگران موسی و هارون (ع) بود .

إنّنا نخاف . .. لاتخافا إنّنی معکما أسمع و أری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۷ - ۱،۳،۵،۱۱،۱۳،۱۴

۱ - خداوند ، موسی و هارون (ع) را به حضور بی باکانه و بی درنگ نزد فرعون و آگاه ساختن او از رسالت خویش فرمان داد .

لاتخافا . .. فأتیاه فقولا إنّا رسولا ربّک

<فأتیاه> عطف بر <لاتخافا> و تفریع بر

آن است. یعنی حال که امنیت و حفاظت شما تأمین گردید بدون ترس و نگرانی نزد فرعون بروید. <فاء> عاطفه برای تعقیب است و دلالت دارد که نباید بین دو کار فاصله غیر متعارفی وجود داشته باشد.

۳ - آزادی بنی اسرائیل و گسیل داشتن آنان با موسی و هارون (ع) ، نخستین خواسته آن دو از فرعون بود .

فقولا . .. فأرسل معنا بنی إسرءیل

۵ - موسی و هارون (ع) به فرمان خداوند ، وظیفه دار رهبری بنی اسرائیل پس از موافقت فرعون با خروج آنان

فأرسل معنا بنی إسرءیل

۱۱ - موسی و هارون (ع) ، از جانب خداوند مأمور بازداشتن فرعون از شکنجه بنی اسرائیل بودند .

إنّا رسولا ربّک . .. و لاتعذّبهم

۱۳ - خداوند ، به موسی و هارون (ع) فرمان داد تا داشتن معجزه برای اثبات رسالت خویش را به فرعون ابلاغ کنند .

قد جئنک بَایه

<آیه> اسم جنس و قابل اطلاق بر کم و زیاد است. بنابراین می توان بر معجزات متعدد نیز <آیه> اطلاق کرد.

۱۴ - توجه دادن فرعون به وابستگی امور زندگانی او به ربوبیت خداوند ، از جمله برنامه های دیدار موسی و هارون (ع) با فرعون بود .

إنّا رسولا ربّک . .. بَایه من ربّک

تکرار <ربّک> در این آیه و در خطاب به فرعون باتوجه به ادعای ربوبیت او برای متذکر ساختن وی به انحصار ربوبیت برای خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۸ - ۳

۳ - انذار فرعون از عذاب ، با لحنی ملایم و پس

از تبشیر وی ، از وظایف موسی و هارون بود .

والسلم علی من . .. العذاب علی من کذّب

ظاهر کلام آن است که انذار فرعون پس از تبشیر او صورت گرفته باشد. به کار گرفتن صیغه های غایب در انذار، و نیز تصریح به وحی بودن آن همراه با تأکید، جملگی گواه نرمی گفتار موسی و هارون در سخن گفتن با فرعون است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۹ - ۱،۲،۳،۴،۵

۱ - موسی و هارون (ع) با ابلاغ پیام های وحی الهی به فرعون ، مأموریت خویش را به انجام رساندند .

فقولا له . .. قال فمن ربّکما

آیات گذشته، جملگی سخن خداوند با موسی و هارون(ع) بود; ولی از مواجهه آنان با فرعون و آنچه روی داده، در این آیات سخنی نیست. از پاسخ فرعون برمی آید که آنان پیام خویش را به وی رساندند و پاسخ او را دریافت کردند.

۲ - فرعون با گوش فرادادن به سخنان موسی و هارون (ع) ، اجازه داد آنان پیام الهی خویش را به او برسانند .

فقولا إنّا رسولا . .. قال فمن ربّکما

۳ - اظهار بی اطلاعی و تجاهل نسبت به پروردگار موسی و هارون ، عکس العمل فرعون در برابر سخنان آن دو

إنّا رسولا ربّک . .. بَایه من ربّک ... قال فمن ربّکما

گرچه موسی و هارون(ع)، مبدأ پیام را با عنوان <ربّک> به فرعون معرفی کردند; ولی فرعون در مقام سؤال <ربّکما> به کار برده است تا ضمن انکار ربوبیت خداوند، نسبت به آن اظهار بی خبری نیز کرده باشد.

۴ - فرعون

با اظهار بی اطلاعی از پروردگار موسی و هارون ، رکن اصلی پیام های آنان را زیر سؤال برد .

إنّا رسولا ربّک . .. أُوحی إلینا ... فمن ربّکما

۵ - با وجود مشارکت موسی و هارون (ع) در وحی و رسالت ، مسؤولیت آن با موسی (ع) بود .

قال فمن ربّکما یموسی

موسی و هارون(ع)، در کلیه مکالمات خود موظف بودند که پیام مشترک خویش را به فرعون ابلاغ کنند و از این رو کلیه ضمایر در آیات گذشته به صورت تثنیه و مشترک آمده است (اذهبا، قولا، لاتخافا، معکما، فقولا، رسولا، جئناک، إنّا، إلینا)؛ ولی فرعون در مطرح کردن سؤال خود در عین مخاطب قرار دادن هر دو، پاسخ را از موسی(ع) طلب می کند (یا موسی). این قرینه ها نشان دهنده آن است که در عین اشتراک موسی و هارون(ع) در رسالت، رهبری با موسی(ع) بوده و فرعون به آن پی برده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۰ - ۱،۹

۱ - موسی (ع) در پاسخ فرعون ، پروردگارش را آفریننده و هدایتگر همه موجودات معرفی کرد .

من ربّکما . .. قال ربّنا الذی أعطی ... ثمّ هدی

۹ - تأکید موسی (ع) در برابر فرعون ، بر یگانگی خالق و ربّ جهان

من ربّکما . .. ربّنا الذی أعطی کلّ شیءء خلقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۱ - ۳،۵،۶

۳ - چگونگی برخورد خداوند با اقوام غیر مؤمن گذشته ، پرسش فرعون از موسی (ع)

أنّ العذاب علی

من كذّب . .. فما بال القرون الأولى

چون در آيات گذشته، موسى(ع) سخن از امنيت پيروان هدايت و عذاب تكذيب كنندگان به ميان آورد، سؤال فرعون به منظور اظهار نظر موسى(ع) در باره حال نسل هاى پيشين بوده است. انگيزه او از اين پرسش مى تواند تحريك نسل حاضر در برابر پاسخ موسى(ع) به معذَّب بودن پدرانشان باشد. طفره رفتن موسى(ع) از جواب صريح، اين احتمال را تقويت مى كند.

۵ - فرعون با طرح پرسش از موسى (ع) در باره وضعيت اقوام گذشته ، سعى در پنهان ساختن درماندگى خود در برابر سخنان او داشت .

من ربّكما . .. الذى أعطى كلّ شىء خلقه ... فما بال القرون الأُولى

ممكن است طرح سؤال فرعون در باره اقوام گذشته، صرفاً به جهت منحرف ساختن بحث و بردن آن به زاويه اى نامشخص صورت گرفته باشد. وارد نشدن موسى(ع) در چنين بحثى، نقشه او را خنثى كرده است.

۶ - فرعون با استناد به عقايد و افكار اقوام گذشته ، سعى در مقابله با موسى (ع) و تثبيت حقانيت شرك داشت .

قال فما بال القرون الأُولى

تمسّك فرعون به افكار پيشينيان و اين كه اگر رسالت موسى حق است، چرا براى اقوام گذشته چنين رسولى نيامد و چرا آنها عذاب نشدند، نشان مى دهد كه در ديدگاه او، پذيرفته هاى نسل هاى قبل، صحيح و قابل تبعيت است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۲ - ۲،۳

۲ - موسى (ع) در پاسخ فرعون ، آگاهى دقيق خداوند از مشركان نابود شده را ، دليل امكان پذير

بودن عذاب آنان خواند .

قال فما بال القرون الأُولی . قال علمها عند ربّی

۳ - موسی (ع) با احاله علم و آگاهی در باره اقوام پیشین به خداوند ، از منحرف شدن بحث به مسائل غیر اصلی جلوگیری کرد .

فما بال . .. قال علمها عند ربّی

موسی(ع) به جای پاسخ صریح به سؤال فرعون، علم آن را به خداوند احاله کرده است. بعید نیست فرعون با درماندگی در برابر منطق او، با طرح پرسشی در باره اقوام گذشته، سعی در منحرف ساختن بحث داشته است. از این رو موسی(ع) با احاله پاسخ به خداوند، نقشه فرعون را خنثی نموده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۶ - ۲

۲ - فرعون ، معجزات ارائه شده از جانب موسی (ع) را تکذیب کرد و منکر دلالت آنها بر رسالت او شد .

و لقد أرینه ءایتنا کلّها فکذّب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۷ - ۳،۴،۵

۳ - برنامه ریزی و توطئه برای بیرون راندن فرعون و فرعونیان از مصر و تلاش برای رسیدن به حکومت ، اتهام فرعون به حضرت موسی (ع)

أجئتنا لتخرجنا من أرضنا بسحرک یموسی

۴ - فرعون آیات و معجزات الهی موسی (ع) را سِحر خواند و آن را وسیله ای برای بیرون راندن فرعونیان از مصر دانست .

لتخرجنا من أرضنا بسحرک یموسی

۵ - فرعون ، با اعلام خطر به قبطیان در مورد خطر اخراج از مصر ، به تحریک آنان در جهت مقابله با موسی (ع) پرداخت

.

أجئتنا لتخرجنا من أرضنا

در کلام موسی(ع) با فرعون، هیچ نشانه ای به چشم نمی خورد که دال بر تصمیم او بر اخراج فرعونیان از مصر باشد. آنچه موسی(ع) خواهان آن بود، نجات دادن بنی اسرائیل از بردگی و بیرون بردن آنان از مصر بود. بنابراین مطرح شدن این سخن (اخراج قبطیان) از سوی فرعون، صرفاً به جهت برانگیختن احساسات آنان علیه موسی(ع) بوده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۵۸ – ۱،۲،۳،۵،۶،۷،۸،۹،۱۰،۱۱،۱۲

۱ – فرعون برای مقابله با موسی (ع) به وسیله سحر مصمم شد .

فلنأتینک بسحر مثله

<لنأتینّک> حاوی لام تأکید و نون تأکید ثقلیه است و بر اعلان تصمیم قطعی فرعون برای مقابله با موسی(ع) دلالت می کند.

۲ – فرعون ، مدعی قدرت ارائه سِحری همانند معجزات و آیات موسی (ع)

فلنأتینک بسحر مثله

۳ – فرعون ، معجزات موسی (ع) را سِحر خوانده و امکان انجام نظیر آن را دلیل معجزه نبودن آن دانسته بود .

فلنأتینک بسحر مثله

۵ – فرعون ، مطمئن به توانایی خویش در جمع آوری امکانات (سِحر و ساحران) برای مقابله با موسی (ع)

موعدًا لانخلفه نحن

تأکید فرعون بر عدم تخلف از زمان موعود، حکایت از آمادگی او برای جمع آوری ساحران و ارائه سحری بزرگ دارد.

۶ – فرعون با تظاهر به اطمینان خویش بر پیروزی بر موسی (ع) ، تعیین مکان و زمان رویارویی را به او واگذار کرد .

فاجعل بیننا و بینک موعدًا لانخلفه

در این که <موعداً> مصدر است یا اسم زمان و یا اسم مکان، نظریاتی چند ابراز شده است.

گفتنی است که به قرینه وصف <لانخلفه> و کلمه <مکاناً> و کلمه <یوم الزینه> (در آیه بعد) می توان پی برد که مجموعه هر سه معنا، مورد نظر بوده است; هر چند برای برخی از آن معانی کلام دارای تقدیراتی باشد.

۷ - فرعون به موسی (ع) اطمینان داد که او و یارانش ، از حضور در میعادگاه تخلف نخواهند ورزید .

موعدًا لانخلفه نحن

۸ - فرعون از موسی (ع) خواست به وی اطمینان دهد که او نیز در میعادگاه حاضر خواهد شد .

و لا أنت

۹ - فرعون به قدرت یک تنه موسی (ع) در برابر تشکیلات عریض و طویل خویش اعتراف کرد .

فاجعل بیننا . .. لانخلفه نحن و لاأنت

برداشت یاد شده از آنجا است که فرعون ضمیر مربوط به خود را جمع (نحن) و ضمیر مربوط به موسی(ع) را مفرد (أنت) ذکر کرده است. البته محتمل است انتخاب این نحوه سخن برای تعظیم خود باشد; ولی این نکته را نمی توان از نظر دور داشت که در هر صورت، فرعون با مجموع امکانات و قدرت خود، در برابر موسی(ع) موضع گیری کرده بود.

۱۰ - فرعون ، برای مقابله با معجزات موسی (ع) از او خواست مکانی مناسب و هموار را در نظر گیرد .

فاجعل . .. مکانًا سوًی

<مکاناً> بدل است برای <موعداً> و <سوی> به معنای مستوی است. <مکاناً سوی>; یعنی، زمینی که مسطح باشد. این وصف، آگاهی طرفین را بر آنچه انجام می گیرد، ممکن می سازد.

۱۱ - دعوت موسی (ع) و مقابله فرعون با آن حضرت ، موضوعی مطرح در افکار عمومی مردم

مصر

فاجعل . .. موعدًا ... مکانًا سوًی

سعی فرعون در مقـابله با موسـی(ع) به وسـیله سـحر، و دعوت از مردم برای شـرکت در این رویارویی، حکایت از آن دارد که موضوع دعوت آن حضرت، موضوعی مطرح در جامعه آن زمان بوده و مردم این رویداد را تعقیب می کرده اند.

۱۲ - فرعون ، ناگزیر از قانع کردن افکار عمومی مردم مصر ، دربرابر دعوت و معجزات حضرت موسی (ع)

فلنأتینک بسحر مثله فاجعل . .. مکانًا سوًی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۹ - ۲،۴،۵،۶،۹

۲ - موسی (ع) ، روز عید را به عنوان روز موعود برای مقابله با فرعون بر گزید .

قال موعدکم یوم الزینه

۴ - هنگام بالا آمدن آفتاب و اجتماع مردم در روز عید ، زمان مواعده موسی (ع) و فرعون

موعدکم یوم الزینه و أن یحشرالناس ضحًی

۵ - موسی (ع) با قاطعیت برای مقابله با فرعون در برابر مردم ، اعلام آماد گی کرد .

قال موعدکم یوم الزینه

کلمه <موعـد> در این آیه، اسم زمـان و به معنـای زمـان وعـده است. تعیین قـاطع و روشن زمان وعـده و انتخاب روز عیـد و اجتماع مردم، جملگی حکایت از قاطعیت موسی(ع) در امر مقابله با فرعون دارد.

۶ - موسی (ع) ، مناسب ترین زمان را برای تبلیغ و ارائه معجزات خویش و منکوب ساختن فرعون بر گزید .

قال موعدکم یوم الزینه و أن یحشرالناس ضحًی

روز عیـد، نوعاً روز فراغت و آماد گی فکری مردم است. انتخاب چنین روزی از سوی موسـی(ع) و نیز توجه به حضور گسترده مردم در روشنایی روز، حکایت

از انتخاب مناسب آن حضرت دارد.

۹ - موسی (ع) همراه با تعیین زمان و مکان مبارزه ، تلاش فرعونیان را برای جمع کردن مردم در صحنه مبارزه ، شرط کرد .

موعدکم یوم الزینه و أن یحشر الناس ضحًی

مجهول آوردن <یُحشر> حاکی از نقش عواملی در جمع شدن مردم است. چنانچه حرف <واو> در <و أن یحشر...> به معنای <مع> باشد، قید <محشور شدن مردم> گویای این نکته است که موسی(ع)، وعده خویش را به احضار مردم مشروط ساخت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۰ - ۱،۲،۳،۴،۵،۶

۱ - فرعون با پذیرفتن زمان و مکان پیشنهادی موسی (ع) برای مبارزه ، از ادامه بحث و گفت وگو با او لب فرو بست و مجلس مناظره را ترک کرد .

فتولّی فرعون

۲ - فرعون ، پس از تعیین زمان رویارویی با موسی (ع) ، بی درنگ و بدون از دست دادن فرصت ، به تهیه و تدارک مقدمات لازم برای مقابله پرداخت .

موعدکم یوم الزینه . .. فتولّی فرعون فجمع

<فاء> در <فتولّی> و <فجمع> برای بیان ترتیب کار و اتصال است; یعنی، فرعون به مجرد پایان مذاکره و مواعده با موسی(ع)، به تدارک مکر و جمع آوری آن پرداخت و هیچ فرصتی را از دست نداد.

۳ - تهیه و تدارک برای ارائه سِحری بزرگ در برابر موسی (ع) ، از حیله های فرعون

فلنأتینک بسحر . .. فجمع کیده

۴ - فرعون برای مقابله با موسی (ع) ، تمامی حیله ها و برنامه های خود را جمع آوری کرد و به کار

گرفت .

فتولّی فرعون فجمع کیده

<کید>; یعنی، مکر ورزیدن و چاره اندیشیدن (قاموس) و مراد از <جمع کید>، گردآوری اهل مکر و ابزار آن است.

۵ - فرعون ، از فرصت کافی برای تدارک سِحر و امکانات دیگر جهت مقابله با موسی (ع) برخوردار بود .

فجمع کیده ثمّ أتی

<ثمّ> برای بیان تراخی است. ممکن است این تراخی، زمانی باشد; یعنی، پس از جمع آوری مکرها، مدتی تا رسیدن روز موعود فاصله شد و سپس آن روز فرا رسید. براین اساس باید گفت: فرعون فرصتی کامل برای کسب آمادگی داشت.

۶ - فرعون پس از گردآوری امکانات و حیله های خویش ، در میعادگاه خود با موسی (ع) حاضر گردید .

موعدکم یوم الزینه . .. فجمع کیده ثمّ أتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۱ - ۱۱،۱۰،۶،۴،۲

۲ - شرک و سِحر خواندن معجزات موسی و ادعای آوردن همانند برای آن و تکذیب رسالت الهی آن حضرت ، از جمله افترا های فرعونیان به خداوند بود .

لاتفتروا علی اللّه کذبًا

با توجه به آیات پیشین که مشتمل بر بیان توحید از زبان موسی(ع) و نیز ارائه معجزات، و عکس العمل فرعون در سحر خواندن آنها بود، می توان به مواردی از افتراهای فرعونیان اشاره کرد.

۴ - ترساندن فرعونیان از عذاب به خاطر افترای بر خداوند سرلوحه سخنان موسی (ع) در صحنه مقابله با ساحران فرعون

قال لهم موسی ویلکم لاتفتروا علی اللّه کذبًا فیسحتکم بعذاب

<ویل>; یعنی، <اندوه> و <هلاکت> و <هر سختی که از ناحیه عذاب پدید آید> (لسان العرب). <ویلکم> نفرین است; یعنی، عذاب

باد بر شما. برخی آن را مفعول برای فعل محذوف دانسته اند; یعنی، ألزموا ویلکم (با هلاکت و عذابتان همدم باشید). جمله <فیسحتکم بعذاب> روشنگر مفاد <ویلکم> است.

۶ - بهره جستن موسی (ع) از تجمع مردم مصر جهت تماشای صحنه مقابله او و ساحران ، برای بیم دادن مردم و دعوت آنان به توحید و ایمان

قال لهم موسی ویلکم لاتفتروا علی اللّه کذبًا

۱۰ - موسی (ع) با توجه به افترا های فرعونیان بر خداوند ، به آنان هشدار داد و شکست و ناکامی را برای آنان پیش بینی کرد .

ویلکم لاتفتروا علی اللّه . .. و قد خاب من افتری

۱۱ - موسی (ع) ، با یادآوری ناکامی اهل افترا در امت های پیشین ، آن را درس عبرتی برای فرعونیان خواند .

و قد خاب من افتری

جمله <قد خاب. ..> خبر از حال گذشتگان است و به منظور عبرت گیری حاضران در صحنه مبارزه موسی و فرعون، بیان شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۲ - ۱،۴،۵،۷

۱ - هشدار های موسی (ع) به فرعونیان در صحنه مقابله ، موجب بروز اختلاف و تنش در میان آنان گردید .

ویلکم لاتفتروا . .. فتنزعوا أمرهم بینهم

<فاء> در <فتنازعوا> دال بر این نکته است که بلافاصله پس از هشدارهای موسی(ع) در صحنه مقابله، در بین فرعونیان نزاع و کشمکش به وجود آمد گردید.

۴ - فرعونیان ، اختلاف نظر خویش در باره موسی (ع) را به شدت از مردم پنهان می کردند .

فتنزعوا . .. و أسرّوا النجوی

<نجوا> به معنای

سخن پنهانی و درگوشی است. <أسرّوا> نیز; یعنی، پنهان ساختند. پنهان ساختن نجوا که خود نیز نهان است نشان از شدت پنهان کاری فرعونیان در امور مربوط به موسی(ع) دارد.

۵ - فرعونیان ، با پنهان نگه داشتن اختلاف نظر خود در باره موسی (ع) ، از دست یابی مردم به گفته های محرمانه آنان ، پیشگیری کردند .

فتنزعوا . .. و أسرّوا النجوی

<ال> در <النجوی> عهد ذکری و اشاره به نزاع و گفته های رد و بدل شده بین فرعونیان دارد و فعل <أسرّوا>، می رساند که آن را از دیگران پوشیده داشته و نگذاشتند کسی به آن پی ببرد.

۷ - فرعونیان ، با اتفاق نظر بر لزوم مقابله با موسی (ع) ، در باره روش آن اختلاف نظر داشتند . *

فتنزعوا أمرهم . .. و أسرّوا

از فعل <أسرّوا> استفاده می شود که طرفین نزاع، خواهان مخفی ماندن گفتوگوهای خود بودند و آنچه رسماً به مردم اعلام شد چنانچه مطالب آیه بعد گفته فرعونیان به مردم باشد گفته مشترک آنان بوده که به منظور مقابله با موسی(ع) و خنثی سازی فعالیت او، القا شده بود. کلمه <أمرهم> که نزاع را در مورد امور فرعونیان قرار داده تأییدی براین نکته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۳ - ۱،۲،۳،۴،۵

۱ - برخی از فرعونیان در پی سخنان موسی (ع) ، به آن حضرت گرایش پیداکرده ، و موجب بروز تنش در میان فرعونیان گردیدند .

فتنزعوا . .. قالوا إن هذن لسحرن

فاعل <قالوا> به قرینه <فأجمعوا کیدکم>

(در آیه بعد) گروهی از فرعونیان بودند که با گروهی دیگر از خودشان به گفت وگو پرداختند. آیه قبل نیز به این معنا تصریح دارد که در میان فرعونیان مشاجره ای پدید آمد. این مشاجره در باره موسی(ع) بوده و فاعل <قالوا> سعی در توجیه گروه دوم داشته است.

۲ - فرعونیان برای جلب نظر و توجیه تمایل یافتگان به موسی (ع) ، دست به حرکت تبلیغاتی و توجیهی زدند .

فتنزعوا . .. و أسرّوا النجوی . قالوا إن هذن لسحرن

۳ - تأکید بر ساحربودن موسی و هارون (ع) ، از جمله حرکت های تبلیغی فرعونیان بود .

قالوا إن هذن لسحرن

حرف <إن> مخفف از <إنّ> و ملغی از عمل است; ولی معنای تأکید را می رساند.

۴ - هارون ، همگام موسی (ع) در مبارزه با فرعون و حاضر در صحنه مقابله موسی و ساحران

إن هذن لسحرن

۵ - متهم ساختن موسی و هارون (ع) به تلاش و برنامه ریزی برای بیرون راندن قبطیان از مصر به وسیله سِحر ، از جمله محور های تبلیغاتی فرعونیان علیه موسی (ع)

لسحرن یریدان أن یخرجاکم من أرضکم بسحرهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۴ - ۱،۲،۴،۵،۶،۸

۱ - ایادی و مبلغان فرعون ، همه فرعونیان را به هم فکری ، اتحاد و به کاربستن تمامی حیله ها ، علیه موسی (ع) دعوت می کردند .

فتنزعوا . .. قالوا ... فأجمعوا کیدکم ثمّ ائتوا صفًّا

از آیات پیشین چنین برمی آید که پس از سخنان موسی(ع)، در بین فرعونیان اختلافاتی بروز کرد (فتنازعوا)

و گروه حامیان و مبلغان فرعون درصدد توجیه گروه دیگر برآمدند که نسبت به موسی(ع) و مبارزه با او تردید داشتند. به نظر می رسد <فأجمعوا> نیز از ناحیه همان گروه به عنوان نتیجه سخنان قبلی آنان ابراز شده باشد.

۲ - اختلاف و تشتت فرعونیان پس از سخنان موسی (ع) ، خطری جدی و زمینه ساز تضعیف جبهه آنان ، در میدان مقابله بو د .

ویلکم . .. قالوا ... فأجمعوا کیدکم ثمّ ائتوا صفًّا

آیات یاد شده، جملگی نشانگر تلاش جدی فرعونیان برای حفظ اتحاد خود در برابر موسی(ع) است و از زاویه دیگر، حکایت از خطری دارد که به خاطر بروز اختلاف، آنان را تهدید می کرده است.

۴ - حضور با تمام قوا و با آرایش منظم و با هیبت ، طرح پیشنهادی فرعونیان برای قدرت نمایی در صحنه مقابله با موسی (ع)

فأجمعوا کیدکم ثمّ ائتوا صفًّا

۵ - روز مقابله ساحران فرعون با موسی (ع) روزی سرنوشت ساز و تعیین کننده ، از دیدگاه فرعونیان

و قد أفلح الیوم من استعلی

<فلاح> به معنای موفقیت و پیروزی است. ابراز این سخن از ناحیه فرعونیان، گواه این مدعا است که آنان این مبارزه را، مبارزه مرگ و زندگی و نقطه عطفی در تاریخ خود تلقی می کردند.

۶ - فرعونیان نجات و بقای خود را در گرو غلبه ساحران بر موسی (ع) در صحنه مقابله می دانستند .

و قد أفلح الیوم من استعلی

۸ - فرعونیان ، پذیرش دعوت های موسی (ع) را ، به توان مندی او در آوردن سِحری بی نظیر مشروط کرده بودند .

و قد أفلح الیوم

من استعلی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۵ - ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۸،۹

۱ - ساحران فرعون ، در میدان مبارزه و رویارویی با موسی (ع) ، تعیین آغازکننده را به آن حضرت محول کردند .

قالوا یموسی إمّا أن تلقی . .. ألقی

۲ - ساحران فرعون ، آمادگی خویش را برای پیش قدم شدن در ارائه سِحر خود ، اعلام کردند .

إمّا أن تلقی و إمّا أن نکون أوّل من ألقی

۳ - ساحران فرعون ، نسبت به غلبه و پیروزی خود بر موسی (ع) در میدان مبارزه ، اطمینان داشتند .

إمّا أن تلقی و إمّا أن نکون أوّل من ألقی

پیشنهاد به موسی(ع) برای تعیین آغازکننده، حکایت از اطمینان ساحران به کار خود و نتیجه آن و یا لااقل تظاهر به آن از سوی آنان دارد.

۴ - برخورد و گفت وگوی ساحران فرعون با موسی (ع) در میدان مبارزه ، همراه با نزاکت و اظهار ادب نسبت به آن حضرت بود .

یموسی إمّا أن تلقی و إمّا

احاله انتخاب آغازگر به موسی(ع) و پرهیز از تحکّم در این زمینه، خالی از ابراز ادب و نزاکت از سوی ساحران نیست.

۵ - علاقه مندی ساحران فرعون ، به پیشدستی در ارائه سِحر خویش ، قبل از اقدام موسی (ع) به ارائه آیات *

إمّا أن تلقی و إمّا أن نکون أوّل من ألقی

تفاوت تعبیر در بخش دوم پیشنهاد، نشانگر این نکته است که ساحران برای شروع کردن، انگیزه بیشتری داشتند و بدین وسیله آن را ابراز می کردند; زیرا به جای <أن نکون . ..> می توانستند

بگویند <أمّا أن نلقی>

۶ - ساحران فرعون ، شکست موسی (ع) را در صورت اقدام او به سِحر ، حتمی دیده و نیازی به وارد عمل شدن خود احساس نمی کردند . *

إمّا أن تلقی و إمّا أن نکون أوّل من ألقی

ساحران دو شق تخییر را، به گونه ای بیان کردند که گویا اگر موسی(ع) ابزار سحر خود را بیفکند، کار او تمام است و ناتوانی او بر همگان روشن خواهد شد و تنها در صورتی که آنها دست به کار شوند، نوبت <اول> و <دوم> معنا پیدا می کند از این رو وصف <أوّل من ألقی> را در باره موسی(ع) به کار نبردند.

۸ - ساحران فرعون ، جادویی هم نوع با معجزه موسی (ع) تدارک دیده بودند .

أن تلقی . .. من ألقی

۹ - ساحرانِ فرعون ، یک دل و یک زبان و یار یکدیگر ، در مبارزه با موسی (ع) بودند .

و إمّا أن نکون أوّل من ألقی

صدق <أوّل من ألقی> بر همه ساحران، گویای هدف مشترک و وحدت رویه آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۶ - ۱،۴،۶،۹،۱۱

۱ - موسی (ع) ، شروع مبارزه را به ساحران فرعون واگذار نمود و بر آغاز کار از سوی آنان تأکید کرد .

إمّا أن تلقی . .. قال بل ألقوا

۴ - ساحران فرعون ، به مجرد اجازه موسی (ع) ، ابزار سِحر خود را به کار انداختند و سِحر خویش را آغاز کردند .

قال بل ألقوا فإذا

سرعت عمل ساحران است. از این رو مفاد آیه

چنین است: <موسی گفت شما سحرتان را بیندازید و آنان سحر خویش را ارائه کردند که ناگهان ریسمان ها و...>.

۶ - ساحران فرعون ، با سِحر خود چنین وانمود کردند که ریسمان ها و عصا های آنان به هر طرف شتافته و حرکت می کند .

فإذا حبالهم و عصیّهم یخیّل إلیه من سحرهم أنّها تسعی

<أنّها تسعی> نائب فاعل <یخیّل> است و فعل <یخیّل إلیه> دلالت دارد که ریسمان ها و چوب دستی ها در واقع بی حرکت بودند; نه آن که با ماده ای آغشته شده باشند که براثر تابش آفتاب، واقعاً به حرکت درآمده باشند.

۹ - ساحران فرعون ، پیش از حضور در صحنه مقابله با موسی (ع) ، ریسمان ها وعصا های فراوانی را تدارک دیده بودند .

فإذا حبالهم و عصیّهم

۱۱ - دیدگان و قوه خیال موسی (ع) نیز ، تحت تأثیر سِحر ساحران فرعون قرار گرفت .

یخیّل إلیه من سحرهم أنّها تسعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۷ - ۱،۲،۳،۶

۱ - موسی (ع) ، پس از مشاهده سِحر ساحران فرعون ، در دل خویش از پی آمد های احتمالی آن احساس نگرانی کرد .

من سحرهم . .. فأوجس فی نفسه خیفه موسی

<أوجس> به معنای <أحسَّ> و نیز به معنای <أضمر(اخفاکرد)> آمده است (لسان العرب). در این آیه، معنای <أحسَّ> به نظر مناسب تر می رسد; چرا که معنای <اخفا> در <فی نفسه> آمده است. بنابراین <أوجس فی نفسه...>; یعنی، موسی(ع) در دل خود نگرانی و ترسی را احساس کرد.

۲ - نگرانی موسی (ع) از تبعات

سِحر ساحران ، تنها در دل او و بدون بروزی در ظاهر بود .

فأوجس فی نفسه خیفه موسی

۳ - سِحر ارائه شده از سوی ساحران فرعون ، سِحری چشمگیر و جذاب و اغواکننده بود .

فأوجس فی نفسه خیفه موسی

<خیفه> به معنای نوعی از خوف و نگرانی است. بروز این نگرانی برای موسی(ع)، پس از سحر ساحران فرعون، از چشمگیر و هنرمندانه بودن کار آنان حکایت دارد، به گونه ای که موسی(ع) خطر فریب خوردن مردم را به وضوح می دید.

۶ - < عن أمیرالمؤمن ین (ع) : لم یوجس موسی (ع) خیفه علی نفسه بل أشفق من غلبه الجهّال و دُوَل الضلال ;

از امیرالمؤمن ین(ع): روایت شده است: موسی(ع) بر جان خویش نترسید، بلکه ترسید که مبادا جاهلان و حکومت های گمراه غلبه یابند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۸ - ۱،۳،۵

۱ - دل قوی داشتن و نگران نبودن از پی آمد های سِحر ساحران فرعون ، مفاد وحی خداوند به موسی (ع) در میدان مقابله با ساحران

فأوجس . .. قلنا لاتخف

۳ - موسی (ع) از القای شبهه و احتمال گمراهی مردم به واسطه سِحر ساحران نگران بود .

قلنا لاتخف إنّک أنت الاعلی

جمله <إنّک أنت الاعلی> تعلیل برای <لاتخف> است و دلالت می کند که موسی(ع) از این نگران بود که معجزه او با سحر ساحران مشتبه گردد و مردم به حقانیت او پی نبرند. خداوند با بیان برتری قطعی او، زمینه هراسش را از بین برد.

۵ - خداوند ، به موسی (ع) اطمینان بخشید که

توان او برتر از همه ساحران حاضر در صحنه مبارزه و مقام او رفیع تر از فرعون و فرعونیان است .

إنّک أنت الاعلی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۹ - ۱،۲،۳،۶

۱ - پس از ارائه سِحر ساحران فرعون ، خداوند به موسی (ع) فرمان داد تا عصایش را بر زمین بیندازد .

و ألق ما فی یمینک

مراد از <ما فی یمینک>، عصای موسی(ع) است که در آیات پیشین در پاسخ <ما تلک بیمینک> از زبان موسی(ع) بیان شده بود. تصریح به این وصف، برای موسی(ع) خاطره آن پرسش و پاسخ را تجدید کرده و مایه اطمینان بیشتر او بود.

۲ - بلعیده شدن سِحر ساحران فرعون و بطلان گردیدن ساخته های آنان با عصای موسی (ع) ، وعده خداوند به آن حضرت .

و ألق ما فی یمینک تلقف ما صنعوا

فعل <تلقف> و نظایر آن (نزد برخی از اهل لغت) در موردی به کار می رود که چیزی گرفته شود و خورده یا بلعیده گردد (لسان العرب).

۳ - عصای موسی در میدان مقابله با ساحران ، در دست راست او قرار داشت .

و ألق ما فی یمینک

۶ - خداوند با بیان هم سنخ بودن سحرِ ارائه شده از سوی همه ساحران فرعون ، ابطال آن را برای موسی (ع) ، امری سهل و آسان جلوه داد .

کید سحر

<ساحر> نکره است و بر وحدت دلالت دارد; یعنی، یک ساحر. مراد از آن، واحد حقیقی نیست; بلکه مراد این است که کید همه ساحران به جهت تشابه و هم سنخی، به منزله مکر یک ساحر

است و کثرت ساحران برپیچیده بودن آن نیافزوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۰ - ۱۳،۱۰،۸،۶،۴،۵،۳،۲،۱

۱ - عصای موسی با اعجاز او ، تمامی ابزار و آلات سِحر جادوی ساحران فرعون (بند ها و عصا ها) را بلعید .

تلقف ما صنعوا . .. فأُلقی السحره

<فاء> در <فألقی> فصیحه و حاکی از جملاتی محذوفی است. مفاد آیه با تقدیرات آن چنین می شود: موسی(ع) عصای خود را انداخت و عصا آلات سحر را بلعید، آن گاه ساحران به سجده افتادند.

۲ - ساحران با مشاهده معجزه موسی و بلعیده شدن سِحرشان با اعجاز او ، در برابر خداوند به سجده افتادند .

فأُلقی السحره سجّدًا

۳ - ساحران ، با مشاهده معجزه موسی ، آن را قدرتی الهی دانسته و در برابر عظمت خداوند اظهار فروتنی کردند .

فأُلقی السحره سجّدًا قالوا ءامنّا بربّ هرون و موسی

۵ - ساحران به جهت تخصص در سِحر ، حقانیت گفته های موسی (ع) و سِحر نبودن کار او را به روشنی درک کردند .

فأُلقی السحره سجّدًا قالوا ءامنّا

از ظاهر آیه برمی آید، که در میدان مبارزه، تنها ساحران بودند که ایمان خود را اعلام کردند و یا لااقل اولین افراد بودند. این سبقت در ایمان از سوی ساحران، به جهت شناخت آنان از کار خود و تفاوت آن با معجزه بود.

۴ - جاذبه نیرومند معجزه موسی ، توان هرگونه درنگ و مقاومت را از ساحران فرعون سلب کرد .

فأُلقی السحره

فعل <أُلقی> مجهول است و دلالت دارد که ساحران وادار به سجده شدند، به گونه ای که گویا عاملی آنها

را بر سجده مجبور ساخته است.

۶ - ساحران با مشاهده بطلان سِحرشان ، ربوبیت خداوند بر همه موجودات را باور کرده و به آن ایمان آوردند .

قالوا ءامنّا بربّ هرون و موسی

۸ - ساحران ، ایمان خود به خداوند را به گونه ای اعلام کردند که فرعون نتواند آن را تحریف و از آن سوء استفاده کند .

قالوا ءامنّا بربّ هرون و موسی

از آن جایی که موسی(ع) مدتی در خانه فرعون پرورش یافته بود، اگر ساحران <ربّ موسی> می گفتند، این احتمال وجود داشت که فرعون سجده آنان و گفته هایشان را به نفع خود توجیه کند و خود را <ربّ موسی> بداند. آنان با آوردن اسم هارون در کنار اسم موسی(ع) (ربّ هارون و موسی) راه سوء استفاده از کلام خود را به روی فرعون بستند.

۱۰ - ساحران فرعون ، از دعوت موسی (ع) و هماهنگی هارون با او ، پیش از اقدام به مبارزه با آنان آگاه بودند .

ءامنّا بربّ هرون و موسی

۱۳ - هارون در صحنه مبارزه با ساحران فرعون ، در کنار موسی (ع) حاضر بود .

ءامنّا بربّ هرون و موسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۱ - ۲،۷،۸،۹،۱۱،۱۳،۱۵،۲۱،۲۲،۲۴

۲ - ساحران فرعون ، موسی و هارون (ع) را پیامبر خدا دانسته و به آنان ایمان آوردند .

ءامنتم له

تعبیر ساحران در آیه قبل، <آمنّا بربّ هارون و موسی> بود; ولی فرعون در توبیخ خود، آنان را مؤمن به موسی(ع) معرفی کرد. گفتنی است که این نکته گویای تلازم ایمان به <ربّ موسی و هارون> با ایمان به

رسالت آن دو در دعوت به ربوبیت خداوند است.

۷ - فرعون ، موسی (ع) را برترین ساحر و معجزه او را سِحری فراتر از آنچه به دیگران آموخته بود ، قلمداد کرد .

إنّه لكبيركم الذى علّمكم السحر

۸ - فرعون ، موسی (ع) را به استادی ساحران و سر رشته داری امور آنان متهم کرد .

ءامنتم له . .. إنّه لكبيركم الذى علّمكم السحر

۹ - فراگرفتن سِحر از موسی (ع) و هم دستی با او در توطئه علیه فرعون ، از اتهامات فرعون به ساحران مؤمن بود .

إنّه لكبيركم الذى علّمكم السحر

۱۱ - در دیدگاه فرعون ، ساحران پیش از حضور در میدان مبارزه ، به موسی (ع) ایمان داشتند و ایمان آنان در صحنه مبارزه ، ایمانی صوری و برنامه ریزی شده بود .

ءامنتم له قبل أن ءاذن لكم إنّه لكبيركم الذى علّمكم السحر

۱۳ - قطع یک دست و یک پا در جهت مخالف یکدیگر و دار زدن بر تنه درختان خرما ، از جمله مجازات های تعیین شده برای ساحران مؤمن از سوی فرعون بود .

فلأقطّعنّ أيديكم و أرجلكم من خلف و لأصلّبنّكم

<جذع> (مفرد <جذوع>) به معنای ساق درخت است و حرف <فی> نشانه آن است که فرعون در تهدید خود، مکان همیشگی ساحران را پس از قطع دست و پایشان، چوبه های دار در نظر گرفته بود. این مطلب کنایه از آن دارد که بدن آنان هرگز از دار پایین آورده نخواهد شد.

۱۵ - تصمیم فرعون بر شکنجه و به صلیب کشیدن ساحران مؤمن و نظارت مستقیم خود بر اجرای آن ، تصمیمی قاطع و

مستبدانه بود .

لأقطّعنّ . .. لأصلّبنّكم ... لتعلمنّ أيّنا أشدّ عذابًا و أبقى

فرعون در واكنش هاى قبلى خود در برابر موسى(ع) با اطرافيان خويش به مشورت مى نشست; ولى در مجازات ساحران، تصميم مستبدانه و شخصى خود را با سوگند بر اجراى آن اعلام كرد و با لام قسم و نون تأكيد ثقيله و فعل هايى از باب تفعيل، قاطعيت خود را در اين تصميم ابراز كرد. گفتنى كه فعل هاى <لأقطّعنّ> و <لأصلبنّ> كه از باب تفعيل اند، با ثلاثى مجرد در معنا يكسان بوده و تفاوتى جز تأكيد افزون تر ندارند.

۲۱ - پايه هاى حكومت فرعون پس از ماجراى ساحران و ايمان آنان به موسى (ع) ، بسيار متزلزل شد .

و لتعلمنّ أيّنا أشدّ عذابًا و أبقى

تفاوت برخوردهاى اوليه فرعون با برخوردهاى پس از ايمان ساحران، نشان از تزلزل حكومت فرعون و احساس خطر شديد او از ناحيه موسى(ع) و مؤمنان به او دارد.

۲۲ - شكنجه ، كشتار ، تهديد و ارعاب ، از آخرين حربه هاى فرعون براى جلوگيرى از نهضت موسى (ع) و بقاى حكومت خويش

فلأقطّعنّ . .. لأصلّبنّكم ... و لتعلمنّ

۲۴ - موسى و هارون (ع) ، مصون از گزند فرعون و بيرون از سلطه فرعونيان

إنّه لكبيركم . .. فلأقطّعنّ أيديكم ... أشدّ عذابًا و أبقى

تهديد ساحران به شكنجه و دار، به دليل گرايش به موسى و هارون(ع) و سكوت از مجازات آن دو، نشانه ميسر نبودن آن براى فرعون است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۲ - ۲

۲ - ساحران مؤمن ، برترى دادن

فرعون بر خداوند و بهادادن به تهدیدات او در برابر دلایل روشن موسی (ع) را ، به کلی منتقی دانسته و ثبات و استحکام ایمان خود را نشان دادند .

قالوا لن نؤثرک علی ما جاءنا من البیّنت والذی فطرنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۳ - ۵

۵ - ساحران مؤمن ، برخلاف میل باطنی و با اجبار حکومت فرعونی ، وادار به مقابله با موسی (ع) شده بودند .

و ما أکرهتنا علیه من السحر

<إکراه>; یعنی، وادار کردن کسی به کاری که خود تمایل به آن نداشته باشد. گفتنی است که <أکرهتنا> سخن ساحران مؤمن، خطاب به فرعون است; یعنی، تو ما را به سحر و مبارزه علیه موسی(ع) وادار کردی. اقداماتی که ساحران در شیوه اجرای سحر انجام دادند، گرچه اختیاری بود; ولی احضار آنان در صحنه مبارزه با موسی(ع) اجباری بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۷ - ۱۸،۱۲،۱۳

۱ - موسی (ع) ، مأمور به حرکت در آوردن شبانه بنی اسرائیل ، جهت خروج و هجرت از مصر

و لقد أوحینا إلی موسی أن أسر بعبادی

<إسراء> به معنای سیر شبانه و حرف <باء> برای تعدیه است، <أسر بعبادی>; یعنی، بندگان مرا شبانه حرکت بده [و از مصر خارج کن].

۸ - ایجاد راهی خشک در عمق دریای سرخ برای عبور بنی اسرائیل ، از مأموریت های موسی (ع)

فاضرب لهم طریقًا فی البحر یبسًا

<اضرب لهم. ..>، یعنی برای آنان راهی را ایجاد کن. <یَبَس> به معنای خشک است. <ال> در

<البحر> عهد ذهنی و اشاره به دریای مشخصی است که در مسیر هجرت قرار داشت. گروهی از مفسران آن را دریای سرخ و برخی رود نیل دانسته اند.

۱۲ - موسی (ع) ، از برخورد با نیرو های فرعون و بروز مشکلات دیگر در مسیر هجرت از مصر نگران بود .

أسر بعبادی . .. لاتخف دركًا و لاتخشی

<درك> به معنای ملحق شدن و رسیدن و نیز به معنای پی آمد است (قاموس). نفی هرگونه پی گیری و پی آمد و نیز اطمینان بخشیدن به موسی(ع) در مورد امنیت مسیر هجرت، نشان از وجود زمینه تعقیب شدن و نیز نگرانی های دیگر در این مسیر دارد.

۱۳ - خداوند به موسی (ع) اطمینان داد که در مسیر هجرت از مصر نه با نیرو های دشمن درگیر خواهد شد و نه مشگل جدی دیگری برای آنان بروز خواهد کرد .

أسر بعبادی . .. لاتخف دركًا و لاتخشی

حذف متعلق <لاتخشی> بیانگر منتفی بودن هر چیزی است که مایه دلهره و خشیت باشد; از قبیل: احتمال غرق شدن در دریا و یا خطرهای غیر قابل پیش بینی دیگر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۸ - ۱،۶

۱ - موسی (ع) به فرمان خداوند ، بنی اسرائیل را شبانه از مصر کوچ داد و از دریا گذراند .

أسر بعبادی . .. فأتبعهم

حرف <فاء> در <فأتبعهم> فصیحه است; یعنی، از یک سری جملات محذوف قبل از خود حکایت می کند. حاصل آن جملات این است که موسی(ع) بنی اسرائیل را از مصر کوچ داد و فرعونیان نیز از حرکت

آنان آگاه شدند.

۶ - امواج بزرگ و سهمگین دریا ، فرعون و سپاهیانش را فرا گرفت و آنان را در کام خود فرو برد .

فغشیهم من الیمّ ما غشیهم

<یمّ> به معنای دریا است و نیز به رودخانه بزرگی که آب آن شیرین باشد اطلاق می گردد (لسان العرب). <غشاوه> (مصدر <غشی>) به معنای پوشاندن و فراگرفتن است. ابهامی که در <ما غشیهم> وجود دارد، برای بیان عظمت امواجی است که موجب غرق شدن فرعونیان گردید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۳ - ۱،۲،۳

۱ - خداوند با موسی (ع) و قوم او ، قرار گفت وگو در کنار کوه طور نهاده بود .

وعدنکم جانب الطور الأیمن . .. و ما أعجلک عن قومک

در آیه ۸۰ این سوره از مواعده خداوند با بنی اسرائیل (در کوه طور) سخن به میان آمده بود. ظاهر این است که <ما أعجلک> که حاکی از شتاب موسی(ع) در آمدن به میقات است مربوط به همان مواعده باشد.

۲ - موسی (ع) ، وظیفه دار همراهی با قوم خود در مسیر وصول به میقات بود .

و ما أعجلک عن قومک یموسی

پرسش خداوند از موسی(ع) به قرینه پاسخ او در آیه بعد سؤالی توبیخی و در مقام ملامت است. از این سرزنش، برمی آید که موسی(ع) در رها ساختن قوم خود و جدا شدن از آنان، ترک اولی کرده است و می بایست همراه قوم خویش حرکت می کرد و بر آنان پیشی نمی گرفت.

۳ - موسی (ع) ، در رسیدن به میقات ، تعجیل کرده و

بر قوم خود پیشی گرفه بود .

و ما أعجلك عن قومك يموسى

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۸۴ – ۱،۲،۳،۵

۱ – موسی (ع) ، سبقت گرفتن خود بر قومش در آمدن به میقات را ، به جهت اطمینان به قومش در پیروی از او و طی مسیر تا میقات دانست .

قال هم أُوْلاء على أثرى

<أُوْلاء> اسم اشاره به بعید است و <أثر> به معنای علامت باقی مانده از هر چیزی است. از همین رو به جای پا نیز <اثر> گفته می شود. <أثر> به معنای اتباع و دنباله روی نیز آمده است. (مقاییس اللغه). مفاد آیه بالا ـ این است که آنان همان جماعت اند که بر نشانه پای من به سوی میقات روان اند و یا این که به دنبال من در حال آمدن به میقات هستند.

۲ – ورود موسی (ع) به میقات ، اندکی پیش از ورود قومش به آن مکان بود .

و ما أعجلك . .. قال هم أُوْلاء على أثرى

مورد اشاره قرارگرفتن همراهان موسی از سوی آن حضرت، نشان می دهد که آنان در چشم انداز موسی(ع) بودند و برای رسیدن به میقات، زمان زیادی لازم نداشتند. بنابراین بین ورود موسی(ع) به میقات و ورود قوم او، چندان فاصله ای نبوده است.

۳ – قوم موسی ، با فاصله زمانی کوتاهی ، به دنبال موسی (ع) و رد پای او به سوی میقات روانه شدند .

و ما أعجلك . .. قال هم أُوْلاء على أثرى

۵ – شوق موسی (ع) به ملاقات و گفت وگوی با پروردگار

و جلب رضایت او ، موجب شتاب وی در آمدن به میقات بود .

و عجلت إلیک ربّ لترضی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۵ - ۲،۴،۹

۲ - موسی (ع) در میقات و از طریق وحی ، بر امتحان شدن بنی اسرائیل در غیاب او و گمراه شدن آنان آگاهی یافت .

و عجلت إلیک . .. فإنّا قد فتنّا قومک من بعدک

۴ - سامری ، موجب گمراهی بنی اسرائیل در غیاب موسی (ع) شد .

و أضلّهم السامریّ

<سامریّ> نام شخصی است که از قوم بنی اسرائیل بود و موجب گمراهی آنان گردید.

۹ - اعتراض خداوند به موسی (ع) در مورد جدا شدن او از مردم و پیشی گرفتن بر آنان ، به جهت بروز انحراف در آنان ، در غیاب وی بوده است .

و ما أعجلک . .. فإنّا قد فتنّا قومک من بعدک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۶ - ۱،۱۱،۱۴

۱ - موسی (ع) در پی آگاه شدن از گمراهی بنی اسرائیل همراه با خشم و اندوهی شدید ، به نزد آنان بازگشت .

و أضلّهم السامریّ . فرجع موسی إلی قومه غضبن أسفًا

با توجه به آیات دیگر قرآن در این زمینه و نیز قرینه های موجود در همین آیات، چنین برمی آید که گمراه شدن بنی اسرائیل به دست سامری در میقات چهل روزه موسی(ع)، اتفاق افتاده بود و رجوع موسی(ع) به قوم خود نیز پس از پایان میقات بوده است. <غضبان> چنان که برخی از اهل لغت گفته

اند به شخصی گفته می شود که غضب شدیدی داشته باشد و <أسف> به فرد خشمگینی گفته می شود که بر چیزی افسوس می خورد (لسان العرب).

۱۱ – موسی (ع) قبل از عزیمت به میقات ، توصیه های لازم را به بنی اسرائیل ارائه کرده و قول و قرار های لازم را برای حفظ ایمان ، با آنان گذاشته بود .

فأخلفتم موعدی

<موعد> در این آیه مصدر و به معنای <وعده> است. از این رو <فأخلفتم موعدی>; یعنی، شما از وعده و عهد خود با من تخلف کردید. از این جمله برمی آید که موسی(ع) قبل از رفتن به میقات، پیش بینی های لازم را کرده بود و از این نظر حجت را بر بنی اسرائیل تمام نموده بود.

۱۴ – موسی (ع) ، گوساله پرستان بنی اسرائیل را مردمی عهدشکن توصیف کرده و آنها را به عذاب سخت الهی هشدار داد .

أم أردتّم أن یحلّ علیکم غضب من ربّکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۹۱ – ۲

۲ – تصمیم گوساله پرستان بنی اسرائیل بر عبادت گوساله سامری ، تا زمان بازگشتن موسی (ع) از میقات و تعیین تکلیف

لن نبرح علیه عکفین حتّی یرجع إلینا موسی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۹۲ – ۱،۳

۱ – موسی (ع) ، پس از بازگشت از میقات ، هارون را در باره عکس العمل وی در مقابل گوساله پرستان بنی اسرائیل ، مورد بازخواست و توبیخ قرار داد .

یهرون ما منعک إذ رأیتهم ضلّوا

- موسی (ع) ، برادرش هارون را در انحراف بنی اسرائیل و گرایش آنان به گوساله پرستی ، مقصر دانست .

قال یهرون ما منعک إذ رأیتهم ضلّوا

<ما منعک. ..> استفهام انکاری است و گویای اعتراض موسی(ع) به هارون است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۳ - ۲،۳،۴

۲ - هارون در غیاب موسی (ع) ، وظیفه رهبری و هدایت بنی اسرائیل را به عهده داشت .

یهرون ما منعک . .. ألاّتتّبعن

۳ - موسی (ع) ، وظایف و مسؤولیت های هارون را در زمان غیبت خود ، برای وی معین کرده بود .

ما منعک . .. ألاّتتّبعن أفعصیت أمری

<لا> در <ألاّتتّبعن> برای تأکید نفی مستفاد از <منعک> است و در اصل مراد چنین بوده است: <ما منعک أن تتّبعن>. برخی گفته اند: <لا> زاید نیست; بلکه مراد این است که: <ما الذی صدّک و حملک علی ألاّتتّبعن>; یعنی، چه چیز تو را بازداشت و بر پیروی نکردن من وادار ساخت (مفردات راغب).

۴ - هارون (ع) ، متهم به مخالفت با فرمان های موسی (ع) با سکوت و بی تفاوتی در برابر انحراف بنی اسرائیل

ما منعک . .. أفعصیت أمری

<أفعصیت. ..> خطاب موسی(ع) به هارون(ع) است. ظاهر آیه چنین دلالت دارد که عصیان هارون از دستورات موسی(ع)، لااقل به عنوان اتهام از جانب موسی(ع) مطرح بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۴ - ۱،۲،۳،۵،۸،۱۳،۱۷،۱۸

۱ - موسی (ع) با مشاهده گوساله پرستی بنی اسرائیل ، پس از بازگشت

از میقات ، به شدت خشمگین شد .

یبنؤُمّ لاتأخذ بلحیتی و لابرأسی

گرفتن سر و ریش هارون، نشان شدت از ناراحتی موسی(ع) در مورد انحراف بنی اسرائیل دارد.

۲ - موسی (ع) با گرفتن سر و ریش هارون ، او را در باره گوساله پرست شدن بنی اسرائیل در غیاب خود مورد بازخواست قرار داد .

یهرون ما منعک . .. لاتأخذ بلحیتی و لابرأسی

۳ - هارون (ع) ، دارای مسؤولیت در قبال گمراه شدن بنی اسرائیل و گوساله پرستی آنان ، از دیدگاه موسی (ع)

یهرون ما منعک . .. لاتأخذ بلحیتی و لابرأسی

۵ - هارون (ع) با مشاهده غضب موسی (ع) ، سعی در فرونشاندن خشم آن حضرت و جلب محبت و تحریک عواطف او داشت .

قال یبنؤُمّ

مخاطب قرار دادن موسی(ع) با ندای <یابن أمِّ> گویای این نکته است که هارون(ع) سعی داشت با برانگیختن احساسات موسی، غضب او را فرونشانده و سپس توضیحات خود را بیان کند. در باره مفتوح بودن کلمه <أُمّ> توجیهاتی بیان شده است; از جمله این که اصل آن <یابن أمّاه> بوده و برای تخفیف چنین شده است.

۸ - هارون (ع) ، برای ادای توضیح در باره علل نحوه برخورد خود با گوساله پرستان ، از موسی (ع) تقاضای فرصت کرد .

لاتأخذ بلحیتی و لابرأسی إنّی خشیت

۱۳ - حفظ وحدت و یک پارچگی بنی اسرائیل ، از سفارش های موسی (ع) به هارون

فرّقت بین بنی إسرءیل و لم ترقب قولی

<ترقب> به معنای <تحفّظ> است و مفاد جمله <إنّی خشیت. ..> با توجه به عطف <لم

ترقب> بر <فرّقت> این است که: <من نگران آن بودم که بگویی بنی اسرائیل را متفرق ساختی و گفته مرا حفظ و مراعات نکردی>. این گفته هارون(ع) دال بر آن است که موسی(ع) پیش از رفتن به میقات، در مورد حفظ وحدت بنی اسرائیل، توصیه های لازم را به او کرده بود.

۱۷ - گوساله پرستان ، گروه حاکم بر جوّ عمومی بنی اسرائیل در غیاب موسی (ع)

إنّی خشیت أن تقول فرّقت بین بنی إسرءیل

نمای اتحاد و یک پارچگی بنی اسرائیل، در فاصله ارتداد آنان، گویای حاکمیت مرتدان و گوساله پرستان است.

۱۸ - هارون (ع) ، در صدد اجرای دقیق فرمان های موسی (ع) و تخطی نکردن از معیار های او ، در طول مدت میقات موسی (ع) و غیبت او

إنّی خشیت أن تقول . .. و لم ترقب قولی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۵ - ۱،۲

۱ - موسی (ع) ، پس از توبیخ بنی اسرائیل و برخورد شدید با هارون (ع) با مشاهده دخالت مستقیم سامری در گوساله پرستی بنی اسرائیل ، به بازخواست و محاکمه او پرداخت .

قال فما خطبک یسمریّ

۲ - پرسش از انگیزه و هدف سامری در ساختن گوساله زرّین و گمراه ساختن مردم ، از موارد بازخواست موسی (ع) از سامری

فما خطبک یسمریّ

<خطب> نزد برخی لغت دانان به معنای <سبب الأمر> است (لسان العرب). زمخشری آن را به معنای <طلب> دانسته است. در نتیجه <ماخطبک>; یعنی، سبب کار تو یا مطلوب و خواسته تو

چه بوده است؟ معانی <شأن> و <أمر> نیز از جمله معانی ذکر شده برای این کلمه است (قاموس).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۷ - ۱،۳،۱۱،۱۲،۱۳،۱۴،۱۵

۱ - موسی (ع) درپی محاکمه سامری ، وی را به خروج فوری از جامعه و انزوا و قطع رابطه با مردم در طول زندگی محکوم کرد .

قال فاذهب فإنّ لک فی الحیوه أن تقول لامساس

فا در <فاذهب> علاوه بر ترتب فرمان رفتن بر محکومیت سامری، بر فوریت آن نیز دلالت دارد. <مساس> مصدر باب مفاعله است و <لامساس> به معنای نفی هرگونه تماس و برخورد است; یعنی، تو در زندگانی خود، سزاوار سرنوشتی هستی که سخن اول و آخر تو خبر دادن از بی کسی خود و نبود هرگونه تماس گیرنده ای با تو باشد.

۳ - ابتلای سامری به مردم گریزی و گریز مردم از وی ، پی آمد نفرین موسی (ع) در حق او بود .

إنّ لک فی الحیوه أن تقول لامساس

محتمل است <فإنّ لک فی الحیاه. ..> نفرین موسی(ع) در حق سامری باشد; یعنی، آن که سامری به بیماری روحی و یا جسمی خاصی مبتلا گردد، که از مردم بگریزد و مردم نیز از او گریز داشته باشند.

۱۱ - سوزاندن گوساله سامری به طور کامل و محو اثر آن و افشاندن سوخته آن به دریا ، تصمیم قطعی و مؤکد موسی (ع) در باره گوساله زرّین سامری

وانظر إلی إلهک . .. لنحرّقنّه ثمّ لننسفنّه فی الیمّ نسفًا

<تحریق> (مصدر <لنحرّقنّه>) به معنای زیاد سوزاندن است (مصباح). <نسف> به معنای از ریشه برکندن و

منهـدم سـاختن و به هوا افشانـدن است (قاموس). گفتنی است که معنای اخیر در آیه مناسب تر به نظر می رسـد، بنابراین <ثمّ لننسفنّه...> ; یعنی، پس از سوزاندن گوساله (ذوب کردن و تبدیل آن به قطعات ریز) سوخته آن را به دریا خواهیم پاشید.

۱۲ - سوزاندن گوساله سامری و ریختن سوخته آن به دریا ، در برابر دیدگان سامری و دیگر مردم انجام گرفت .

وانظر . .. لنحرّقنّه ثمّ لننسفنّه فی الیمّ

<انظر> فرمـان موسـی(ع) بـه سـامری است و ظـاهر آن است که مقصـود، مشاهـده مراسم سوزانـدن و به دریـا ریختن باشـد. ضمیرهای جمع در <لنحرّقنّه> و <لننسفنّه>، گویای حضور مردم در آن صحنه است.

۱۳ - موسـی (ع) ، برای نابود ساختن گوساله سامری ، همکاری و هم یاری بنی اسـرائیل را تـدارک دیـده و بر شـرکت دادن آنان دراین اقدام مصمم بود .

لنحرّقنّه ثمّ لننسفنّه

ضمیرهای جمع در افعال <لنحرّقنّه> و <لننسفنّه> گویای نکته یاد شده است.

۱۴ - تراشـیدن و تبـدیل گوسـاله سـامری به براده هـا و خرده فلزهـایی بی مصـرف و پراکنـده سـاختن آن در آب دریا ، برنامه موسی (ع) در ریشه کن ساختن انحراف گوساله پرستی بنی اسرائیل

لنحرّقنّه

از معانی ذکر شـده برای <حرق> و <تحریق>، سوهان کاری کردن و سابیـدن است و <تحریق> بر متوالی بودن و شـدت بیشتر آن دلالت دارد (لسان العرب). برداشت یاد شده بر مبنای این معنا استفاده شده است.

۱۵ - مبارزه با زمینه های فکری و عینی شرک و نابود کردن آنها ، شیوه موسی (ع) در ستیز با گوساله پرستی بنی اسرائیل

إلهک الذی . .. لنحرّقنّه ثمّ لننسفنّه

سوزاندن گوساله سامری

از چند جهت قابل تأمل است: ۱ از جهت نابود کردن و محو ساختن آن از دیدگان مردم تا مبادا دوباره به آن گرایش یابند. ۲ اثبات <اله> نبودن آن برای ظاهر بینان، با سوزاندن و خردکردن تندیس زرّین گوسال. جهت اول، جهتی عینی و جهت دوم، جهت فکری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۶ - ۱،۶

۱ - مسؤولیت مشترک موسی و هارون ، در رسالت و مبارزه با فرعون و اشراف قوم او

ثمّ أرسلنا موسی و أخاه هرون . .. إلی فرعون و ملإیه

<ملأ> اسم جمع و به معنای اشراف و سران است. <إستکبار> (مصدر <استکبروا>)؛ یعنی، کبر ورزیدن و تکبّر نمودن <علّو> (مصدر <عالین>) نیز به معنای برتری جویی و سلطه طلبی است.

۶ - موضع گیری مستکبرانه فرعون و اشراف دربار او ، در برابر موسی و هارون (ع)

ثمّ أرسلنا موسی و أخاه هرون . .. إلی فرعون و ملإیه فاستکبروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴ - ۱،۲،۴

۱ - موسی (ع) ، فردی مجرم (قاتل) از نظر نظام فرعونی

و لهم علیَّ ذنب

مقصود از <ذنب> قتل مرد قبطی است که موسی در پی آن، از مصر فرار کرد و به مدین رفت.

۲ - رفتار گذشته موسی (ع) (قتل مرد قبطی) ، از نظر دستگاه فرعونی جرم محسوب می شد ، نه از دیدگاه خود وی

و لهم علیَّ ذنب

برداشت یاد شده بدان احتمال است که تعبیر (لهم علیّ. ..) اشاره ای باشد به این که

آنان مرا مجرم می دانند; گرچه واقعًا گناهکار نیستم.

۴ - بیم موسی (ع) از اقدام فرعونیان مبنی بر قتل او به خاطر رفتار گذشته اش (قتل مرد قبطی)

فأخاف أن یقتلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵ - ۳،۴،۷

۳ - پذیرش درخواست موسی (ع) از سوی خدا در مورد همراهی هارون با وی

فأرسل إلی هرون . .. فاذهبا بایتنا

۴ - موسی و هارون (ع) ، مأمور حرکت به سوی فرعونیان با تکیه بر حمایت قاطع الهی

قال کلاّ فاذهبا بایتنا إنّا معکم

۷ - هارون ، شریک و همراه موسی (ع) در امر رسالت

فاذهبا بایتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶ - ۱،۱۰

۱ - فرمان الهی به موسی و هارون (ع) مبنی بر مواجهه مستقیم با فرعون و اعلام رسالت خویش به وی

فأتیا فرعون فقولا إنّا رسول ربّ العلمین

<اَتْی و إتیان> در این جا به معنای حاضر شدن و خود را رساندن است. بنابراین <فأتیا فرعون>; یعنی، خود را به فرعون برسانید و... .

۱۰ - طرح ربوبیت مطلق خداوند در برابر فرعون ، اولین گام مبارزه صریح موسی و هارون (ع) با وی

فأتیا فرعون فقولا إنّا رسول ربّ العلمین

تصریح موسی و هارون(ع) به این که عوالم جهان آفرینش تحت ربوبیت خدا است، می تواند اولین گام در مبارزه با فرعون و ردّ صریح ادعای وی باشد که می گفت: <أنا ربّکم الأعلی>. (۷۹/۲۴).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶

۱ - رهانیدن بنی اسرائیل از سلطه و ستم فرعونی ، در رأس اهداف موسی (ع) و هارون (ع) قرار داشت .

أن ائت القوم الظلمین . .. فأتیا فرعون فقولا... أن أرسل معنا بنی إسرءیل

مقصود از <إرسال> (فرستادن) در این جا آزاد کردن و رها ساختن بنی اسرائیل است. بنابراین از آیه یاد شده استفاده می شود که اساسی ترین مأموریت موسی(ع) این بود که بنی اسرائیل را از سرزمین فرعونیان خارج کند و آنان را از بند اسارت و بردگی مصریان آزاد سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸ - ۱،۲،۳،۵

۱ - موضع گیری فرعون ، در قبال دعوت موسی (ع) با به رخ کشیدن دوران سرپرستی خویش بر او

قال ألم نربّک فینا ولیدًا

<تربیه> (مصدر <نربّی>) به معنای پروریدن است. <ولید> به نوزاد و نیز به کودکی گفته می شود که از وقت ولادتش زمانی زیادی نگذشته باشد; وگرنه طفل گفته می شود. <لبث> (مصدر<لبثت>) به معنای ماندن و درنگ کردن است; یعنی، فرعون گفت: آیا تو را از کودکی در میان خود نپروریدم [مگر]سالیانی چند از عمرت را پیش ما نماندی.

۲ - کودکی و بخشی از دوران عمر موسی (ع) و نیز رشد و پرورش جسمی او در خاندان فرعون گذشت .

قال ألم نربّک فینا ولیدًا و لبثت فینا من عمرک سنین

۳ - تلاش فرعون در جهت بی اساس جلوه دادن رسالت موسی (ع) ، از طریق به رخ کشیدن گذشته زندگی او

قال ألم نربّک فینا ولیدًا . .. سنین

۵

- ادعای رسالت الهی و درخواست آزاد گذاشتن بنی اسرائیل برای خروج از سرزمین مصر از سوی موسی (ع) ، دور از انتظار فرعون و عملی جسورانه در نظر وی بود .

فقولا إنّا رسول ربّ العلمین . أن أرسل معنا بنی إسرءیل . قال ألم نربّک ... و لبث

برداشت یاد شده از به رخ کشیدن دوران کودکی و بخشی از عمر موسی(ع) پس از اظهاراتش درباره رسالت الهی و آزاد سازی بنی اسرائیل، به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹ - ۱،۲،۴

۱ - یادآوری فرعون به موسی (ع) نسبت به جرم گذشته او در قتل مرد قبطی

و فعلت فعلتک التی فعلت

مقصود فرعون از <فعلتک التی فعلت> قتل مرد قبطی به دست موسی(ع) است.

۲ - ناراحتی عمیق فرعون از عمل موسی (ع) و کشته شدن مرد قبطی به دست او

و فعلت فعلتک التی فعلت

از این که فرعون نفس عمل را نام نبرده; بلکه بدان اشاره کرده (التی فعلت) و موسی(ع) را بدان خاطر کافر و ناسپاس شمرده است، مطلب یاد شده استفاده می شود.

۴ - تلاش فرعون برای تکذیب موسی (ع) با یادآوری ارتکاب قتل و ناسپاسی وی

و فعلت فعلتک التی فعلت و أنت من الکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰ - ۱

۱ - اعتراف موسی (ع) در برابر فرعون به قتل غیرعمدی و ناخواسته مرد قبطی

قال فعلتها إذًا و أنا من الضالّین

تعبیر <أنا من الضالّین> می تواند اشاره به این باشد که موسی(ع)

پیش از آن عمل نمی دانسته که درگیری او با مرد قبطی (برای دادخواهی مرد سبطی) منجر به قتل او خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱ - ۱،۲،۳،۷

۱ - فرار موسی (ع) از مصر ، در پی کشتن مرد قبطی و ترس از انتقام فرعونیان

ففررت منکم لمّا خفتکم

۲ - اعطای حکمت و دانش به موسی (ع) از سوی پروردگار در پی فرار او از نظام فرعونی

ففررت منکم . .. فوهب لی ربّی حکمًا

واژه <حکم> می تواند مرادف <حکومت> (سرپرستی و تدبیر امور مردم) باشد و نیز می تواند معادل <حکمه> و به معنای دانش و معرفت باشد. برداشت یاد شده بر پایه معنای دوم است.

۳ - جدایی موسی (ع) از دستگاه فرعونی ، زمینه اعطای رسالت و سرپرستی بنی اسرائیل به وی از جانب خداوند

ففررت منکم . .. فوهب لی ربّی حکمًا و جعلنی من المرسلین

برداشت یاد شده بدان احتمال است که تفریع <وهب> بر <ففررت> اشاره به تأثیر جدایی موسی(ع) از دستگاه فرعون در شایستگی وی برای دریافت حکم و رسالت داشته باشد. گفتنی است که در برداشت فوق واژه <حکم> به معنای ولایت و سرپرستی گرفته شد و مراد از آن سرپرستی بر بنی اسرائیل و هجرت دادن آنان از سرزمین مصر می باشد.

۷ - طرح موضوع پیشینه داشتن خط رسالت و بی سابقه نبودن رسالت بشری ، از سوی موسی (ع) برای فرعون

و جعلنی من المرسلین

تعبیر <و جعلنی من المرسلین> (مرا از پیامبران قرارداد) به جای <جعلنی رسولاً> (مرا پیامبر قرار داد) می

تواند اشاره به مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲ - ۱،۵

۱ - انتقاد صریح موسی (ع) از فرعون به خاطر به بردگی کشاندن بنی اسرائیل

و تلک نعمه . .. أن عبّدتّ بنی إسرءیل

جمله <و تلک نعمه. ..> استفهامی و به تقدیر <أوَتلک...> است. <أن عبّدتّ> می تواند عطف بیان برای اسم اشاره <تلک> و یا منصوب به نزع خافض (لام تعلیل) و به تقدیر <لأن عبّدتّ> باشد. <تعبید> (مصدر <عبّدتّ>) به معنای برده و بنده [خود] ساختن است؛ یعنی، آیا این که فرزندان اسرائیل را بنده خود ساخته ای، این نعمتی است که منّت آن را بر من می نهی.

۵ - امتنان فرعون بر موسی (ع) ، امری بی جا و مردود از نظر موسی (ع)

و تلک نعمه تمنّها علیّ أن عبّدتّ بنی إسرءیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۳ - ۱،۴

۱ - پرسش انکار آمیز فرعون از موسی (ع) در باره حقیقتی به نام < ربّ العالمین > (پروردگار جهانیان)

قال فرعون و ما ربّ العلمین

واژه <ما> اسم استفهام است و غالباً با آن، از حقیقت اسم مابعدش پرسش می شود. گفتنی است که استفهام یاد شده برای اظهار تعجب به منظور انکار حقیقت مورد پرسش می باشد.

۴ - < عن أبی عبداللّه (ع) قال لمّا بعث اللّه موسی إلی فرعون . . . فقال فرعون < و ما ربّ العالمین > و إنّما سأله عن کیفیه اللّه فقال موسی <

ربّ السماوات و الأرض و ما بينهما إن كنتم موقنين > فقال فرعون متعجباً لأصحابه < ألاتستمعون > أسأله عن الكيفيه فيجيبني عن الصفات . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: هنگامی که خداوند موسی را به سوی فرعون مبعوث کرد . .. فرعون به موسی(ع) گفت <و ما ربّ العالمین> و سؤال فرعون از موسی درباره کیفیت خداوند بود. موسی(ع) در جواب فرعون گفت: <ربّ السماوات و الأرض و ما بینهما...>. فرعون در حالی که تعجب کرده بود به اصحابش گفت: آیا نمی شنوید [چه میگوید؟] من از کیفیت خدا می پرسم و او در جواب من از صفات می گوید...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۴ - ۱،۳،۵

۱ - اقدام موسی (ع) ، به معرفی پروردگار جهانیان برای فرعون وحاضران مجلس او

قال ربّ السموت و الأرض و ما بينهما إن كنتم موقنين

۳ - تلاش موسی (ع) برای زنده ساختن اشتیاق شناخت حق در وجود فرعون و فرعونیان

قال ربّ السموت . .. إن كنتم موقنين

اقدام موسی(ع) به معلق کردن فهم گفته خویش بر شرط (إن كنتم موقنين) می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

۵ - بیان توحید و یگانگی پروردگار ، مهم ترین پیام عقیدتی موسی (ع) برای فرعونیان

إنّا رسول ربّ العلمين . .. قال فرعون و ما ربّ العلمين . قال ربّ السموت و الأر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۵ - ۱،۲،۳،۴

۱ - مناظره موسی و فرعون در منظر جمعی از فرعونیان

قال لمن حوله

<حَوْل> به

چیزی که شیء را احاطه کرده باشد، گفته می شود. استفهام در <ألاتستمعون> برای اظهار تعجب است. یعنی <[فرعون] به کسانی که پیرامونش بودند [با تعجب]گفت آیا نمی شنوید>.

۲ - شدت انکار و شگفتی فرعون نسبت به سخنان موسی (ع) درباره پروردگار جهانیان

قال ربّ السموت و الأرض . .. قال لمن حوله ألاتستمعون

لحن استهزاآمیز فرعون بیانگر مطلب یاد شده است.

۳ - لحن مستکبرانه و تمسخرآمیز فرعون ، در برابر منطق محکم موسی (ع)

قال ربّ السموت و الأرض . .. قال لمن حوله ألاتستمعون

استفهام در جمله <ألاتستمعون> می تواند برای استهزا باشد.

۴ - فرعون ، هنگام شنیدن مواضع اعتقادی موسی (ع) اطرافیانش را علیه او تحریک و تهییج کرد .

قال ربّ السموت و الأرض . .. قال لمن حوله ألاتستمعون

برداشت یاد شده از آن جا است که سخن فرعون می تواند به هدف تحریک و تهییج اطرافیان ادا شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۶ - ۱

۱ - دست برنداشتن موسی (ع) از تبلیغ رسالت خویش در برابر جوّآفرینی و لحن تمسخرآمیز فرعون

قال لمن حوله ألاتستمعون . قال ربّکم و ربّ ءابائکم الأوّلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۷ - ۱،۲،۴

۱ - شدت یافتن خشم فرعون نسبت به موسی (ع) با تأکید موسی بر ربوبیت خدای یگانه هستی

قال ربّکم و ربّ ءابائکم الأوّلین . قال إنّ رسولکم... لمجنون

متهم کردن موسی به جنون، نشان دهنده شدت خشم فرعون است.

۲ – فرعون ، عاجز از مقابله با

منطق موسی (ع)

قال إنّ رسولکم . .. لمجنون

اقدام فرعون به متهم کردن موسی به جنون در مقابل منطق قوی او، نشانگر عجز و ناتوانی وی می باشد.

۴ - استهزا و تهمت ، از ابزار مقابله فرعون با رسالت موسی (ع)

قال لِمن حوله ألا تستمعون . .. قال إنّ رسولکم... لمجنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۸ - ۱،۳،۹

۱ - دست برنداشتن موسی (ع) از تبلیغ رسالت خویش در برابر تهمت ها و سخنان ناروای فرعون علیه او

قال إنّ رسولکم . .. لمجنون . قال ربّ المشرق و المغرب و ما بینهما

۳ - اهتمام موسی (ع) به تبیین < ربّ العالمین > علی رغم روبه رو شدن با استهزا و تهمت فرعون

قال لمن حوله ألاتستمعون . .. إنّ رسولکم... لمجنون. قال ربّ المشرق و المغرب و ما

۹ - تحقیر فرعون و فرعونیان از سوی موسی (ع) به خاطر نیندیشیدن در نظام هستی و انکار پروردگار جهان

قال ربّ المشرق و المغرب و ما بینهما إن کنتم تعقلون

برداشت یاد شده بدان احتمال است که تعبیر <إن کنتم تعقلون> تعریضی به عدم تعقل فرعون و فرعونیان و مقابله به مثل با اتهام جنون به موسی(ع) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۹ - ۱،۶

۱ - روی آوری فرعون به تهدید موسی (ع) با احساس ناتوانی از مقابله با منطق او

قال لئن اتّخذت إلهًا غیری لأجعلنّک من المسجونین

۶ - موسی (ع) ، مورد تهدید فرعون به زندانی شدن

، در صورت پذیرش الوهیت غیر او

قال لئن اتّخذت إلهًا غیری لأجعلنّک من المسجونین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۰ - ۳،۵

۳ - اظهار آمادگی موسی ، برای ارائه دلیلی روشن و محسوس (معجزه) برصدق رسالت خویش

قال أوَلوجئتک بشیء مبین

مراد از <بشیء مبین> به قرینه آیات بعد، معجزه عصا و ید بیضا است.

۵ - اقدام موسی (ع) به ارائه معجزه ، پس از اقامه برهان و دلیل عقلی بر مدعای خویش و کارساز نیفتادن آن

قال ربّ السموت. ..قال... لأجعلنّک من المسجونین. قال أوَلوجئتک بشیء مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۱ - ۱،۲،۳

۱ - موافقت فرعون با پیشنهاد موسی (ع) مبنی بر ارائه دلیل محسوس و روشن بر صدق رسالت خویش

قال أوَلوجئتک بشیء مبین . قال فأت به

۲ - تردید فرعون نسبت به توان موسی (ع) در ارائه دلیل روشن بر مدعای خویش

قال فأت به إن کنت من الصدقین

برداشت یاد شده، در صورتی است که امر در <فأت به> تعجیزی باشد. بنابراین فرعون بدان جهت که از توانایی موسی نسبت به آن کار اطمینان نداشت،از او خواست تا معجزه خویش را ارائه دهد.

۳ - فرعون دلایل آفاقی و انفسی ارائه شده از سوی موسی را گویای صدق ادعای او ندانسته و تنها معجزه را شاهد صدق گفتارش می دانست .

قال ربّ السموت و الأرض . .. قال ... لأجعلنّک من المسجونین . قال أوَلوجئتک بشیء

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که فرعون دلایل آفاقی وانفسی حضرت موسی

را نپذیرفت و ضمن تمسخر آنها، او را به زندان تهدید کرد; ولی آن گاه که آن حضرت مسأله معجزه (شیء مبین) را مطرح ساخت، فرعون به ظاهر به آن تن داد و پذیرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۲ - ۱،۳

۱ - اقدام موسی (ع) به افکندن عصای خویش به منظور نشان دادن معجزه ای آشکار به فرعونیان

أوَلوجئتک بشیء مبین . .. فألقی عصاه

۳ - تبدیل عصای موسی (ع) به اژد ها ، پدیده ای شگفت و دور از انتظار فرعونیان

فألقی عصاه فإذا هی ثعبان مبین

برداشت یاد شده از <إذا> فجائیه استفاده می شود; زیرا این کلمه می رساند که مفاد جمله پس از آن، در یک حالت غیر منتظره انجام شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۳ - ۴

۴ - ارائه معجزات توسط موسی (ع) در حضور جمع (فرعون و اطرافیانش)

و نزع یده فإذا هی بیضاء للنظرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۴ - ۱،۲،۳،۵

۱ - واکنش حق ستیزانه فرعون در قبال دو معجزه روشن موسی (ع)

قال للملإ حوله إنّ هذا لسحر علیم

۲ - تلاش فرعون برای سحر قلمداد کردن معجزات موسی برای اطرافیانش

قال للملإ حوله إنّ هذا لسحر علیم

۳ - اقرار ناخواسته فرعون به عظمت کار موسی (ع) در ارائه معجزات

إنّ هذا لسحر عليم

۵ – تناقض گویی فرعون ، در اتهام های خویش علیه موسی (ع)

قال إنّ رسولكم . ..

لمجنون ... قال ... إنّ هذا لسحر عليم

فرعون از یک سو موسی(ع) را مجنون و از سویی دیگر ساحرِ بسیار دانا و کاردان می خواند و این تناقض گویی آشکاری است که در یک مجلس از فرعون به طور ناخواسته سر زده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۵ - ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۸

۱ اقدام فرعون برای ایجاد نگرانی در اطرافیان خویش ، نسبت به اهداف نهایی موسی (ع)

یرید أن یخرجکم من أرضکم بسحره

۲ - نگرانی فرعون از تأثیر معجزات موسی در اطرافیانش

یرید أن یخرجکم من أرضکم بسحره

۳ - فرعون با تحریک احساسات قومی و میهنی اطرافیان خود ، درصدد تهییج آنان علیه موسی (ع) بود .

قال . .. یرید أن یخرجکم من أرضکم بسحره

۴ - دروغ و تزویر ، دو حربه فرعون علیه موسی (ع)

قال . .. إنّ هذا لسحر علیم . یرید أن یخرجکم من أرضکم بسحره

تعبیر <یرید أن یخرجکم. ..> دروغی آشکار است; چه این که موسی(ع) خواهان خارج ساختن بنی اسرائیل از مصر بود و نه قبطیان. و از سوی دیگر در مجموع کلام وی تزویر و فریبکاری نهفته است چه در گفتن <أرضکم> (سرزمین شما) و چه در تعبیر <بسحره> (با جادویش)

۵ - بیم فرعون از ناگزیر شدن قبطیان به ترک سرزمین خویش با پیروزی موسی (ع)

یرید أن یخرجکم من أرضکم بسحره

۶ - مشاوره فرعون با اطرافیان خویش و نظر خواهی از آنان برای مبارزه با موسی (ع)

فماذا تأمرون

<أمر> (مصدر <تأمرون>) به معنای فرمان دادن است. مقصود از آن در این جا فرمان

مشورتی است. بنابراین <چه فرمان می دهید>; یعنی، رأیتان چیست.

۸ - فرعون ، از چاره اندیشی و پیدا کردن راه مبارزه با موسی (ع) به تنهایی احساس ناتوانی می کرد .

یرید أن یخرجکم من أرضکم بسحره فماذا تأمرون

مشورت و نظرخواهی فرعون از دیگران در عین ادعای خدایی بیانگر ناتوانی او در مبارزه با موسی(ع) می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۶ - ۱،۳،۴،۵

۱ - پیشنهاد مشاوران فرعون به خود وانهادن موقتی موسی و هارون (ع) و شتاب نکردن در مجازات آنان (زندانی کردن)

قال لئن اتّخذت إلهًا غیری لأجعلنّک من المسجونین . ..فماذا تأمرون . قالوا أرجه و

<ارجاء> (مصدر <ارج>) به معنای وانهادن و مهلت دادن است. گفتنی است که <ارج> در اصل <ارجی> بوده که لام الفعل آن حذف شده است. ضمیر <ه> ساکن در آخر آن، مفعولی و راجع به موسی می باشد.

۳ - هارون در کنار موسی (ع) و همراه وی در تمام مراحل مناظره و رو در رویی با فرعون

قالوا أرجه و أخاه

۴ - صلاحدید مشاوران فرعون ، مبارزه با موسی به شیوه ای همسان شیوه خود وی بود و نه زندان و قتل .

قالوا أرجه و أخاه و ابعث فی المدائن حشرین

برداشت یاد شده از آن جا است که منطق فرعون <لأجعلنّک من المسجونین> بود; ولی مشاوران وی با دیدن معجزات موسی این راه را نپسندیدند; بلکه در پیش گرفتن راهی منطقی تر و ظاهراً همسان راه موسی را ترجیح دادند.

۵ - تدبیر مشاوران فرعون ، مبنی بر اعزام

اشخاصی به تمام شهر ها و گردآوری نیروی لازم جهت مبارزه با موسی (ع) و برادرش

قالوا . .. و ابعث فی المدائن حشرین

<المدائن> جمع محلّی به <ال> و مفید عموم است; یعنی، همه شهرها.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۷ - ۱

۱ - گردآوری تمامی ساحران کارآزموده و ماهر برای مقابله با معجزات موسی ، طرح مشاوران فرعون بود .

و ابعث فی المدائن حشرین . یأتوک بکلّ سحّار علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۸ - ۲،۳،۴

۲ - گردآوری ساحران در سریع ترین وقت ، پس از پیشنهاد مشاوران فرعون

قالوا . .. و ابعث فی المدائن ... فجمع السحره

برداشت یاد شده با توجه به آمدن <فاء> که بیانگر نبودن فاصله زمانی است استفاده می شود.

۳ - گردآوری ساحران ، برای هماوردی با موسی (ع) در وقت و روزی معین (پیش از ظهر روز عید) بود .

فجمع السحره لمیقت یوم معلوم

<میقات> به زمان معین گفته می شود و مراد از آن در این جا به قرینه آیه ۵۹ سوره طه پیش از ظهر (ضحی) می باشد. مقصود از <یوم معلوم> به دلیل آیه یاد شده روز جشن (یوم الزینه) است و روز جشن همان روز عید می باشد.

۴ - اهمیت زمان و روز خاص در بازتاب هماوردی موسی (ع) با ساحران در نگاه فرعونیان

فجمع السحره لمیقت یوم معلوم

تصریح به زمان معین، نشانگر اهمیت و نقش آن است .

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۳۹ – ۱،۲

۱ – دعوت همگانی از مردم و تشویق آنان برای اجتماع در صحنه هماوردی موسی (ع) با ساحران

و قیل للناس هل أنتم مجتمعون

استفهام در عبارت <هل أنتم مجتمعون> برای تشویق و ترغیب است.

۲ – اطمینان فرعون و درباریان او به غلبه ساحران کارآزموده بر موسی (ع)

و قیل للناس هل أنتم مجتمعون

دعوت از مردم، می تواند نشانگر اطمینان فرعونیان به پیروزی ساحران باشد. گفتنی است که تعابیری چون: <لعلّنا> و <إن کانوا> که بیانگر نوعی تردید بوده و در آیه بعدی آمده است شگردی تبلیغی برای تهییج ساحران بود تا آنان توان خویش را در این راه به کار گیرند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۴۲ – ۱،۶

۱ – پاسخ مثبت فرعون ، به امتیازطلبی ساحران برای غلبه بر موسی (ع)

قالوا لفرعون أئنّ لنا لأجرًا . .. قال نعم

۶ – فرعون از پیروزی خود در برابر معجزه موسی (ع) مأیوس شده و تنها به حمایت ساحران چشم دوخته بود .

قال نعم و إنّکم إذًا لمن المقرّبین

تلاش فرعون برای جلب حمایت ساحران از خود، به هر قیمت ممکن و بیش از انتظار آنها، گویای برداشت یاد شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۴۳ – ۱،۲،۳

۱ – پیشنهاد موسی (ع) به ساحران ، برای پیشقدم شدن در نمایاندن سحر خویش

قال لهم موسی ألقوا ما أنتم ملقون

۲ – اطمينان موسى به غلبه خويش و پوچى افسون ساحران

قال لهم موسى ألقوا

ما أنتم ملقون

شتاب نداشتن موسی(ع) در ارائه معجزه خویش، حاکی از اطمینان او و تعبیر <ألقوا ما أنتم ملقون> نشانگر بی اعتنایی وی به همه دست مایه های ساحران است.

۳ - تلاش ساحران برای انجام کاری شبیه به معجزه موسی

ألقوا ما أنتم ملقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۴ - ۱،۲،۳،۴،۷،۸

۱ - استفاده ساحران از ریسمان و چوب برای انجام سحر خود

فألقوا حبالهم و عصیّهم

<حبال> (جمع <حبل>) به معنای ریسمان ها و <عِصّی> (جمع <عصا>) به معنای چوبدستی ها است.

۲ - اقدام ساحران ، پس از پیشنهاد موسی (ع) ، به افکندن ریسمان ها و عصا های خود برای نمایاندن سحر خویش

قال لهم موسی ألقوا . .. فألقوا حبالهم و عصیّهم

۳ - غرور و اطمینان سرشار ساحران به غلبه خویش بر موسی (ع)

و قالوا بعزّه فرعون إنّا لنحن الغلبون

۴ - تبلیغات روانی ساحران به هنگام انجام عملیات خود

فألقوا . .. و قالوا بعزّه فرعون إنّا لنحن الغلبون

۷ - سعی ساحران بر ارائه کاری قوی تر و چشمگیرتر از معجزه موسی و در عین حال هم سنخ با آن

فألقوا حبالهم و عصیّهم

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که ساحران از ریسمان ها و عصاهای متعدد برای مبارزه با معجزه (عصای اژدها شوند) موسی(ع) استفاده کردند.

۸ - اقدام ساحران به ستایش فرعون در لحظه شروع عملیات خود ، با هدف جلب حمایت او و نزدیک ساختن خویش بهوی

فألقوا . .. و قالوا بعزّه فرعون إنّا لنحن الغلبون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ -

۴۵ - ۱،۲،۴،۵

۱ - افکندن موسی (ع) عصای خویش را ، در پی ارائه افسون از سوی ساحران

فألقی موسی عصاه

۲ - بلعیده شدن ابزار ساحران (ریسمان ها و عصا ها) به وسیله عصای موسی

فإذا هی تلقف ما یأفکون

۴ - غلبه سریع و برق آسای موسی (ع) بر ساحران ، در میدان هماوردی و در برابر دید همگان

فألقی موسی عصاه فإذا هی تلقف ما یأفکون

واژه <إذا> معادل ناگهان است؛ یعنی، انداختن عصا همان و بلعیده شدن طناب ها و چوبدستی های ساحران همان.

۵ - عصای موسی با بلعیدن ابزار جادویی ساحران ، صحنه ای شگفت و به دور از انتظار همگان به وجود آورد .

فإذا هی تلقف ما یأفکون

برداشت یاد شده از آن جا است که <إذا> برای مفاجات است و نشانگر آن است که جمله پس از آن، در یک حالت غیر منتظره واقع شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۶ - ۱،۲

۱ - پی بردن ساحران به حقانیت رسالت موسی (ع) ، در پی مشاهده بطلان افسون خود در برابر معجزه موسی

فإذا هی تلقف ما یأفکون . فأُلقی السحره سجدین

برداشت یاد شده با توجه به تفریع <أُلقی> بر آیه پیش به دست می آید.

۲ - به سجده در افتادن بی درنگ ساحران ، با مشاهده معجزه پیروز موسی

فأُلقی السحره سجدین

به کارگیری <فاء> تعقیب و فعل مجهول <أُلقی> بیانگر آن است که ساحران با مشاهده آن منظره عجیب، اختیار از کف دادند و بلافاصله به سجده درافتادند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

– ۱۳

شعراء - ۲۶ - ۴۷ - ۱

۱ - اعتراف ساحران به پروردگار جهانیان و ایمان به توحید ربوبی ، پس از مشاهده معجزه موسی و بطلان سحر خویش

فألقی موسی عصاه . .. قالوا ءامنّا بربّ العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۹ - ۴،۶،۷،۸،۹،۱۳

۴ - اتهام ساحران از سوی فرعون ، به هم دستی با موسی (ع) برای توطئه علیه وی

إنّه لکبیرکم الذی علّمکم السحر

۶ - اصرار و پافشاری فرعون بر سحر شمردن معجزه موسی

إنّه لکبیرکم الذی علّمکم السحر

۷ - اتهام ساحران از سوی فرعون ، به شاگردی موسی (ع) و یادگرفتن سحر در مکتب او

إنّه لکبیرکم الذی علّمکم السحر

۸ - تهدید ساحران مؤمن از سوی فرعون به داشتن فرجامی تیره و وحشتناک

فلسوف تعلمون

۹ - ساحران مؤمن به موسی (ع) ، مورد تهدید فرعون به قطع دست و پا و کشیده شدن بر صلیب

لأُقطّعنّ أیدیکم و أرجلکم من خلف و لأُصلّبنّکم أجمعین

۱۳ - ایمان همه ساحران به موسی (ع) و تهدید فرعون به شکنجه و کشتن تمامی آنان

قال ءامنتم له . .. و لأُصلّبنّکم أجمعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۰ - ۱،۲

۱ - اعلام آمادگی ساحران مؤمن به موسی (ع) در برابر فرعون برای پذیرش هر شکنجه در راه ایمان خویش

لأقطّعنّ أيديكم و أرجلكم من خلف . .. قالوا لاضير

۲ – خشم و تهديد شديد فرعون ، فاقد كمترين تأثير در ساحران مؤمن به موسى (ع)

لأُقطّعنّ أيديكم و أرجلكم من خلف . .. قالوا

لاضير

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۱ - ۲

۲ - ندامت ساحران از گذشته شرك آلود و غفلت بار خود در پيشگاه خدا

إنّا نطمع أن يغفر لنا ربّنا خطينا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۲ - ۱۸

۱ - وحى خداوند به موسى (ع) در خارج ساختن شبانه بنى اسرائيل از سرزمين مصر

و أوحينا إلى موسى أن أسر بعبادى

۸ - موسى (ع) ، رهبرى پذيرفته شده و مورد اطاعت بنى اسرائيل ، حتى پيش از ترك مصر

و أوحينا إلى موسى أن أسر بعبادى إنّكم متّبعون

فرمان الهى به كوچاندن شبانه بنى اسرائيل، در صورتى عملى بود كه مجموعه بنى اسرائيل مطيع موسى(ع) بودند و اين حركت مخاطره آميز را به خاطر اطاعت از وى به جان مى خريدند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۶ - ۲

۲ - تشويق مردم از سوى مأموران فرعون ، به تسريع در پيوستن به سپاه وى

و إنّا لجميع حذرون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۲ - ۱،۲

۱ - اقدام قاطع موسى (ع) براى زدودن وحشت همراهان خويش و (ترس آنان از گرفتار شدن در كمند سپاه فرعون)

قال أصحب موسى إنّا لمدركون . قال كلّا

۲ – موسی (ع) ، مطمئن به دست نیافتن سپاه فرعون بر وی و همراهانش

قال كلّا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۶۳ – ۲،۳،۵،۷

۲

- وحی الهی به موسی (ع) مبنی بر زدن عصای خویش به دریا

فأوحینا إلی موسی أن اضرب بعصاک البحر

۳ - شکافته شدن دریا با ضربت عصای موسی و باز شدن راه نجات برای بنی اسرائیل

أن اضرب بعصاک البحر فانفلق

<انفلاق> (مصدر <انفلق>) به معنای شکافته شدن است.

۵ - بنی اسرائیل و فرعونیان ، شاهد معجزه ای دیگر از موسی (ع) با شکافتن دریا

أن اضرب بعصاک البحر فانفلق

۷ - شکافته شدن دریا با عصای موسی و تقسیم شدن آب های آن به دو دیوار ; چون دو کوه بزرگ

فانفلق فکان کلّ فرق کالطود العظیم

فعل <کان> در این جا به معنای <صار> است. <فرق> نیز معادل قطعه (پاره) و <طود> مرادف <جبل> (کوه) است. بنابراین <کان کلّ فرق...>; یعنی، هر پاره ای از آب دریا، مانند کوهی بزرگ شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۵ - ۱

۱ - نجات یافتن موسی (ع) و همراهان وی (بنی اسرائیل) از شرّ فرعونیان ، با عبور از دریا به اراده الهی بود .

و أنجینا موسی و من معه أجمعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۷ - ۲

۲ - ماجرای میان موسی (ع) و فرعونیان ، نمودی از سنت مستمر الهی در یاری حق و سرکوب باطل

إنّ فی ذلک لأیه

چنان که گفته شد <آیه> به معنای عبرت است و عبرت بودن ماجرای موسی و فرعونیان، در صورتی است که تکرار نظایر آن همواره ممکن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳

- نمل - ۲۷ - ۷ - ۱۲،۱۱،۱۰،۹،۸،۷،۶،۵،۴،۲

۲ - بیان دقیق سرگذشت موسی و خانواده اش در وادی طور (ماجرایی که به جز خدا کسی از آن خبر نداشت) دلیلی روشن بر آسمانی بودن قرآن

و إنّک لتلقّی القرءان . .. إذ قال موسی لأهله

بیان ماجرای موسی در وادی طور، که می تواند دلیلی برای <إنّک لتلقّی القرآن. ..> باشد; زیرا آن واقعه ای است که جز خدا احدی از آن اطلاع نداشته است.

۴ - همراهی خانواده موسی (همسر و فرزندانش) با وی در سفر از < مدین >

إذ قال موسی لأهله . .. لعلّکم تصطلون

تعبیر <سئاتیکم> و <لعلّکم تصطلون> (با ضمایر جمع) نشان می دهد که همراهیان موسی بیش از یک نفر بوده اند و تعبیر <أهل> بیانگر آن است که همه آنان از نزدیکان (همسر و فرزندان) او بوده اند.

۵ - گرفتاری موسی (ع) و خانواده اش در سردی هوا ، تاریکی شب و گم کردن راه در مسیر سفر

إذ قال موسی لأهله . .. سئاتیکم منها بخبر... لعلّکم تصطلون

۶ - قرار گرفتن خانواده موسی در شرایط نیاز به دلگرمی و امید

إذ قال موسی لأهله . .. سئاتیکم منها بخبر... تصطلون

از تعبیر <إنّی آنست ناراً> و <سأتیکم> که جمله اول به صورت مؤکد به <إنّ> و جمله دوم به صورت مؤکد با حرف تنفیس آمده است استفاده می شود که خانواده موسی در شرایط اضطراب آور و دلهره آمیزی قرار داشتند که موسی می بایست به آنان دلگرمی می داد و امید می بخشید.

۷ - آرامش موسی (ع) در شرایط سخت و بحرانی و

تلاش وی جهت ایجاد امید و اطمینان در خانواده خود .

إنّی ءانست نارًا سئاتیکم. .. لعلّکم تصطلون

۸ - مشاهده موسی ، آتشی را از دور در وادی طور

إنّی ءانست نارًا

<إیناس> (مصدر <آنست>) معادل <إبصار> (دیدن) است; یعنی، آتشی به نظرم رسید.

۹ - تنها موسی (ع) ، نظاره گر آتش وادی طور و همراهانش محروم از مشاهده آن

إنّی ءانست نارًا

۱۰ - تصمیم موسی (ع) به حرکت به سمت آتش طور

ساتیکم منها بخبر أو ءاتیکم

۱۱ - امید موسی (ع) ، به یافتن اطلاعاتی از محل برافروخته شدن آتش ، برای یافتن راه و ادامه مسیر سفر

ساتیکم منها بخبر

جمله <سآتیکم منها بخبر> به تقدیر <سآتیکم من عندها بخبر نهتدی به> است; یعنی، به زودی از آن جا اطلاعی خواهم آورد که با کمک آن راهمان را پیدا کنیم.

۱۲ - موسی (ع) ، درصدد آوردن پاره ای آتش برای گرم کردن خانواده اش

أو ءاتیکم بشهاب قبس لعلّکم تصطلون

<شهاب> به شعله آتش و <قبس> به شعله برگرفته از آتش گفته می شود. <اصطلاء> (مصدر <تصطلون>) نیز به معنای گرم شدن است; یعنی، یا شعله ای از آتش برگیرم و بیاورم تا با آن، آتش برافروزم، باشد که گرم شوید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸ - ۱،۳،۴

۱ - ندای خداوند به موسی (ع) در پی رسیدن وی به آتش طور

فلمّا جاءها نودی

۳ - تبریک خداوند به موسی و فرشتگان حاضر در اطراف آتش طور

نودی أن بورک من فی النّار و من حولها

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <بورک من فی

النار> انشای تبریک باشد.

۴ - قرار گرفتن موسی (ع) در احاطه آتش طور

نودی أن بورک من فی النّار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹ - ۱،۲،۳

۱ - تأکید خداوند ، بر الهی بودن ندای برخاسته از دل آتش وادی طور

نودی أن بورک من فی النّار . .. یموسی إنّه أنا اللّه

۲ - موسی ، در شگفتی و حیرت از ندای برآمده از آتش وادی طور

نودی أن بورک من فی النّار . .. یموسی إنّه أنا اللّه

تصریح خداوند به <إنّه أنا اللّه> می تواند از آن جهت باشد که موسی با شنیدن ندا از درون آتش، در شگفتی فرو رفت و حیران ماند; به گونه ای که سخت نیازمند راهنمایی روشن و صریح بود.

۳ - سخن گفتن بیواسطه خدا با موسی در وادی طور

فلمّا جاءها نودی . .. إنّه أنا اللّه العزیز الحکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۰ - ۱،۲،۳،۴،۶،۸

۱ - فرمان خدا به موسی (ع) در وادی طور ، مبنی بر افکندن عصای خویش

و ألق عصاک

۲ - تبدیل ناگهانی عصای موسی به ماری پرتحرک ، در پی افکندن آن بر زمین

فلمّا رءاها تهتزّ کأنّها جانّ

<اهتزاز> (مصدر <تهتزّ>) به حرکت تند و سریع گفته می شود. <جانّ> نیز به گفته مفسران، گونه ای از مار باریک است که بسیار چست و چالاک می باشد.

۳ – تبدیل عصای موسی به اژدهایی بزرگ اما به چالاکی مار های کوچک

فلمّا رءاها تهتزّ کأنّها جانّ

با توجه به این که در جای دیگر تبدیل عصا به اژدهایی بزرگ

(فإذا هی ثعبان مبین) آمده احتمال می رود که تعبیر <کأنّها جانّ> در این جا نه از آن باب باشد که عصای موسی در مرتبه نخست به شکل ماری کوچک و در دفعات دیگر به شکل اژدها درآمده بود بلکه تشبیه آن به مار کوچک از جهت حرکت تند و سریعی است که آن مار داشته است.

۴ - ترس و گریز بی تأمل موسی (ع) ، با مشاهده تبدیل عصای دست خویش به ماری چالاک

فلمّا رءاها تهتزّ کأنّها جانّ ولّی مدبرًا

۶ - رهنمود خدا به موسی (ع) مبنی بر این که او نباید از عصای مار شده بیم داشته باشد .

یموسی لاتخف

۸ - اعطای مقام رسالت از جانب خداوند به موسی (ع) در وادی طور

یموسی لاتخف إنّی لایخاف لدیّ المرسلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۲ - ۱

۱ - فرمان خدا به موسی (ع) مبنی بر فروبردن دست در گریبان خویش و خارج ساختن آن با سپیدیی جذّاب و غیرزننده

و أدخل یدک فی جیبک تخرج بیضاء من غیر سوء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۳ - ۲

۲ - سحر خوانده شدن معجزات الهی موسی ، از سوی فرعونیان علی رغم وضوح و روشنی آن

فلمّا جاءتهم ءایتنا مبصره قالوا هذا سحر مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳ - ۴،۵

۴ - مردم عصر بعثت ، اطلاعاتی مخدوش و نادرست از داستان موسی و فرعون داشتند .

نتلوا علیک من نبإِ موسی و

فرعون بالحقّ

قید <بالحقّ> نشان می دهد که آنچه در میان مردم عصر پیامبر(ص) از ماجرای موسی(ع) و فرعون مطرح بود، با واقعیت انطباق نداشت.

۵ - سوره < قصص > دربردارنده تنها گوشه ای از داستان موسی و فرعون

نتلوا علیك من نبإِ موسی و فرعون

به کارگیری <من> تبعیضیه در <من نبإ> بیانگر آن است که آنچه در سوره <قصص> مطرح شده; تنها بخشی از سرگذشت موسی(ع) و فرعون است و نه همه آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷ - ۱۱، ۱۰، ۸، ۷، ۶، ۱

۱ - تولد موسی (ع) ، در فضایی آکنده از خوف و خطر و به دور از چشم دیگران

یذبّح أبناءهم . .. و أوحینا إلی أُمّ موسی أن أرضعیه

۶ - مأموریت مادر موسی از سوی خداوند ، به شیر دادن فرزندش دور از چشم بیگانگان

و أوحینا إلی أُمّ موسی أن أرضعیه

۷ - شرایط اضطراب آور روحی برای مادر موسی به هنگام ولادت فرزندش و نیز احساس خطر برای او از جانب فرعونیان ، موجب سرگردانی وی در شیر دادن به موسی (ع) بود .

و أوحینا إلی أُمّ موسی أن أرضعیه

توصیه خداوند به مادر موسی برای شیر دادن به فرزندش، می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

۸ - مادر موسی ، مأمور افکندن فرزندش به رود نیل در صورت احساس خطر برای وی از جانب فرعونیان

فإذا خفت علیه فألقیه فی الیمّ

واژه <یمّ> به آب زیاد گفته می شود. بدین جهت به دریا <یمّ> گفته می شود و هم به رود بزرگ. در این آیه معنای دوم مراد است و مقصود از آن رود نیل

می باشد.

۱۰ – اطمینان بخشی خداوند به مادر موسی و وعده قطعی به بازگرداندن فرزندش به آغوش وی

إنّا رادّوه إلیک

۱۱ – برگزیدن موسی (ع) برای مقام رسالت ، وعده الهی به مادرش جهت آرام بخشیدن خاطر وی

و لاتخافی و لاتحزنی . .. و جاعلوه من المرسلین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۸ – ۱،۳،۷

۱ – برگرفته شدن موسی (ع) از آب نیل به وسیله نزدیکان فرعون

فالتقطه ءال فرعون

<إلتقاط> به معنای برگرفتن چیزی از زمین است و <آل> به کسان و نزدیکان شخص گفته می شود.

۳ – برگرفتن موسی (ع) از آب به وسیله فرعونیان ، اقدامی ناخواسته علیه خود آنان

فالتقطه ءال فرعون لیکون لهم عدوًّا و حزنًا

۷ – کشتن پسران بنی اسرائیل از سویی و برگرفتن موسی (ع) از آب از سوی دیگر ، نمود خطاپیشگی و نابخردی فرعونیان

یذبّح أبناءهم . .. فالتقطه ءال فرعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۹ – ۱،۲،۷،۹،۱۱،۱۳

۱ – انتقال موسی (ع) پس از برگرفته شدن از آب ، به نزد فرعون و همسرش

فالتقطه ءال فرعون . .. و قالت امرأت فرعون قرّت عین لی و لک

۲ – درخشش برق امید و شادمانی در دیدگان زن فرعون با مشاهده قنداقه موسی

و قالت امرأت فرعون قرّت عین لی و لک

۷ - تحریک شدن غریزه فرزندخواهی زن فرعون با دیدن قنداق موسی

و قالت امرأت فرعون قرّت عین لی و لک

۹ - زنده گذاشتن موسی (ع) و چشم پوشی از قتل وی ،

درخواست آسیه از فرعون

و قالت امرأت فرعون . .. لاتقتلوه

۱۱ – همسر فرعون ، خواستار نگه داری موسی (ع) با امید به منتفع شدن از خدمات وی ، یا برگزیدن او به فرزندی خویش

عسی أن ینفعنا أو نتّخذه ولدًا

۱۳ – پذیرفته شدن خواسته آسیه (نگه داری موسی (ع)) از سوی فرعون

و قالت امرأت فرعون . .. لاتقتلوه

سکوت فرعون در برابر خواسته آسیه، نشان از پذیرفته شدن آن از سوی فرعون دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۱۰ – ۱،۲،۳،۴،۹،۱۳

۱ – تأثیر ژرف و آرامش بخش وحی الهی در دل مادر موسی

و أوحینا إلی أُمّ موسی . .. و أصبح فؤاد أُمّ موسی فرغًا

<أصبح> معادل <صار> و <فارغاً> مرادف <خالیاً> است. با توجه به ارتباط این آیه با آیه هفتم، تقدیر آن چنین می شود: <و صار فؤاد أُمّ موسی بعد الوحی خالیاً من الخوف و الحزن; دل مادر موسی بعد از وحی ما از ترس و اندوه خالی گشت>.

۲ – دل مادر موسی ، فارغ از ترس و اندوه نسبت به فرجام نوزادش پس از دریافت وحی الهی

و أوحینا إلی أُمّ موسی . .. أن لاتخافی ... و أصبح فؤاد أُمّ موسی فرغًا

۳ – اقدام خداوند به محکم ساختن دل مادر موسی ، به منظور پیش گیری از فاش شدن راز نوزادش توسط خود وی

إن کادت لتبدی به لولا أن ربطنا علی قلبها

<ربط> (مصدر <ربطنا>) به معنای بستن و محکم کردن است.

۴ – اطمینان یافتن مادر موسی به بازگردانده شدن فرزندش به آغوش وی ، پس از دریافت وحی الهی

لولا

أن ربطنا على قلبها لتكون من المؤمنين

۹ - راسخ شدن ایمان مادر موسی ، هدف الهی در محکم ساختن دل وی و اطمینان بخشیدن به وی

لولا أن ربطنا على قلبها لتكون من المؤمنين

۱۳ - قرار داشتن مادر موسی در آستانه افشا کردن راز فرزندش ، به خاطر شدت پریشانی و اضطراب

إن كادت لتبدى به لولا أن ربطنا على قلبها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۱ - ۱،۴،۵،۷،۸،۹،۱۰

۱ - تبدیل شدن مادر موسی به شخصیتی مصمم و قادر بر انجام کار های سترگ ، پس از دریافت پیام امیدآفرین الهی

و أوحينا إلى أُمّ موسى . .. و قالت لأُخته قصّيه

جمله <و قالت. ..> عطف بر محذوف است; یعنی، <فألقيه فى اليمّ و قالت لأخته قصّيه>. مادر موسی پس از دریافت وحی، اقدام به انداختن فرزندش در رود نیل کرد; با این که پیش از آن از فرط ترس و نگرانی نزدیک بود راز فرزندش را فاش سازد. این موضوع، بیانگر مطلب یاد شده است.

۴ - مأموریت خواهر موسی از سوی مادر برای دنبال کردن موسی در پی افکنده شدنش در آب نیل

و قالت لأُخته قصّيه

۵ - حضور خواهر موسی در کنار مادر ، هنگام افکندن موسی در رود نیل

و قالت لأُخته قصّيه

۷ - خواهر موسی ، از دور نظاره گر سرنوشت برادر خود بر روی آب نیل

فبصرت به عن جُنُب

<جُنُب> معادل دور است; یعنی، او موسی را از دور زیر نظر گرفت.

۸ - خواهر موسی ، شاهد برگرفته شدن برادرش از آب به وسیله کسان فرعون

فبصرت به عن جُنُب

برداشت یاد شده برپایه این احتمال است که <بصرت

به. ..> به این معنا باشد که خواهر موسی، از دور دید که فرعونیان او را از آب گرفتند.

۹ - تلاش خواهر موسی برای اطلاع نیافتن دیگران ، از پی جویی سرنوشت آن کودک به وسیله او

فبصرت به عن جُنُب

۱۰ - پی جویی خواهر موسی ، از دید فرعونیان پنهان بود .

فبصرت به عن جُنُب و هم لایشعرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۲ - ۱،۲،۴،۵،۶،۷،۸

۱ - احضار دایگان به کاخ فرعون ، برای شیر دادن به موسی (ع)

و حرّمنا علیه المراضع من قبل فقالت هل أدلّکم علی أهل بیت یکفلونه لکم

۲ - امتناع موسی (ع) از گرفتن پستان دایگان

و حرّمنا علیه المراضع من قبل

۴ - انس گرفتن پیشین موسی با آغوش و شیر مادر ، باعث امتناع او از خوردن شیر دایگان شد .

و أوحینا إلی أُمّ موسی أن أرضعیه . .. و حرّمنا علیه المراضع من قبل

خداوند پیش از این، به مادر موسی فرمان داد وی را شیر دهد. از تعبیر <حرّمنا علیه المراضع من قبل> استفاده می شود که فلسفه آن دستور، این بود که ذائقه موسی(ع)، تنها با پستان و شیر مادرش شکل بگیرد، تا از گرفتن پستان دیگران امتناع ورزد.

۵ - درماندگی خاندان فرعون از یافتن دایه ای مناسب و مورد پذیرش موسی (ع) و اقدام خواهر وی برای بهره گیری از آن فرصت

حرّمنا علیه المراضع من قبل فقالت هل أدلّکم

۶ - حاضر شدن خواهر موسی در جمع خاندان فرعون و دایگان

و حرّمنا علیه المراضع من قبل فقالت هل أدلّکم

۷ - اقدام به موقع خواهر

موسی ، برای بازگرداندن وی به آغوش مادر

و حرّمنا علیه المراضع . .. قالت هل أدلّکم علی أهل بیت یکفلونه

۸ - اعلام آمادگی خواهر موسی ، برای راهنمایی کسان فرعون به خانواده ای مناسب جهت سرپرستی وی

قالت هل أدلّکم علی أهل بیت یکفلونه لکم و هم له نصحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۳ - ۱،۳،۷،۹،۱۰،۱۴

۱ - به ثمر رسیدن تلاش خواهر موسی ، در بازگرداندن برادر خویش به آغوش مادر

قالت هل أدلّکم علی أهل بیت . .. فرددنه إلی أُمّه

خواهر موسی با دنبال کردن برادر، ورود به کاخ فرعون و بالاخره استفاده از فرصت به دست آمده، توانست موسی را به مادرش بازگرداند.

۳ - غلبه اراده الهی بر خواست و تصمیم فرعون در نابود کردن موسی (ع)

یذبّح أبناءهم . .. فرددنه إلی أُمّه

موسی(ع) زمانی به دنیا آمد که فرعون به بهانه از بین بردن او، هر کودک پسر بنی اسرائیلی را سر می برید; اما خداوند حوادث را طوری ترتیب داد که شخص فرعون به حمایت از موسی(ع) برخیزد و او را تحت سرپرستی خود قرار دهد.

۷ - شادی کردن مادر موسی و زدایش غم از دل وی ، از هدف های خداوند در بازگرداندن موسی (ع) به دامان وی

فرددنه إلی أُمّه کی تقرّ عینها و لاتحزن

کلمه <کی> به اصطلاح، <تعلیلیه> و بیانگر هدف الهی در بازگرداندن موسی به دامان مادرش می باشد. در این آیه به دو هدف اشاره شده است: الف) شاد شدن مادر موسی و زدودن غم و اندوه ناشی از فراق فرزند. ب) عمل کردن خدا به

وعده خود و یقین پیدا کردن مادر موسی به حقانیت وعده های الهی. برداشت یاد شده بیان مضمون هدف نخست است.

۹ - وعده خدا به مادر موسی ، مبنی بر بازگرداندن فرزندش به آغوش وی

و لتعلم أنّ وعد اللّه حقّ

این آیه اشاره به وعده ای دارد که خداوند قبلاً به مادر موسی داده بود: <ما او را قطعاً به تو باز خواهیم گرداند>، (إنّا رادّوه إلیک).

۱۰ - یقین پیدا کردن مادر موسی به درستی و تخلف ناپذیر بودن وعده های خداوند ، یکی دیگر از اهداف بازگرداندن موسی (ع) به آغوش وی

فرددنه إلی أُمّه . .. و لتعلم أنّ وعد اللّه حقّ

۱۴ - < عن محمدبن مسلم قال : . . . قلت لأبی جعفر (ع) فکم مکث موسی غائباً عن أُمّه حتّی ردّه اللّه علیها ؟ قال : ثلاثه أیّام . . . ;

محمدبن مسلم می گوید:. .. از امام باقر(ع) سؤال کردم: موسی(ع) چند روز از مادرش غایب بود تا این که خداوند او را دوباره به دامان او برگردانید؟ حضرت فرمود: سه روز...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۴ - ۱

۱ - سپری شدن دوران کودکی و نوجوانی موسی (ع) و رسیدن او به مرحله جوانی ، بی هیچ حادثه درخور بیان

فرددنه إلی أُمّه . .. و لمّا بلغ أشدّه و استوی

تعبیر <بلغ أشدّه> کنایه از رسیدن شخص به دوره جوانی است; زیرا نوعاً بلوغ فکری انسان هم زمان با رسیدن وی به مرحله جوانی است. بنابراین پرداختن قرآن به حوادث روزگار جوانی موسی(ع) و بعد از

آن و مسکوت گذاشتن دوران پیش از جوانی (کودکی و نوجوانی)، نشانگر آن است که کودکی و نوجوانی او در کمال آرامش سپری شده بود و در این مدت حادثه ای درخور بیان برای وی روی نداده بود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۱۵ – ۱،۳،۴،۷،۸،۹،۱۰

۱ – ورود موسی (ع) به شهر مصر ، در ساعت استراحت و غفلت و بی خبری مردم

و دخل المدینه علی حین غفله من أهلها

<غفلت> به معنای بی خبری و مراد از <علی حین غفله من أهلها> (ساعت بی خبری مردم شهر) زمانی است که مردم دست از کسب و کار می کشند و به خانه هایشان برمی گردند و از آنچه در شهر می گذرد بی خبر می مانند.

۳ – برخورد موسی (ع) در شهر مصر ، با زد و خورد دو مرد به قصد کشتن یکدیگر

فوجد فیها رجلین یقتتلان

واژه <یقتتلان> نشان می دهد که نزاع میان آن دو مرد، نزاعی عادی نبوده است; بلکه آن دو به قصد کشتن، همدیگر را می زدند.

۴ – یکی از دو مرد در حال زد و خورد ، اسرائیلی و از پیروان موسی (ع) و دیگری قبطی و از دشمنان او بود .

هذا من شیعته و هذا من عدوّه

۷ – استغاثه و یاری طلبی مرد بنی اسرائیلی ، از موسی (ع) علیه فرد قبطی

فاستغثه الذی من شیعته علی الذی من عدوّه

۸ – اقدام بی درنگ موسی (ع) برای حمایت از مرد بنی اسرائیلی علیه فرد قبطی

فوکزه موسی

<فاء> در <فوکزه> فصیحه و عطف بر

جمله محذوف است; یعنی، <فأقبل موسی علی الذی من عدوّه فوکزه>. گفتنی است که <اقدام بی درنگ> از به کارگیری <فاء> که بیانگر عدم وجود فاصله میان یاری طلبی مرد اسرائیلی و پاسخ مثبت موسی(ع) به وی است استفاده می شود.

۹ - حمله موسی (ع) به فرد قبطی و وارد آوردن ضربه مشتی بر وی

فوکزه موسی

<وَکْز> (مصدر <وَکَزَ>) زدن با مشت است.

۱۰ - جان باختن فرد قبطی با ضربه مشت موسی

فوکزه موسی فقضی علیه

عبارت <قضی علیه> مرادف با <قتله> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۶ - ۱،۲

۱ - قتل مرد قبطی ، ظلم موسی (ع) به خود و باعث به خطر افتادن جان او از سوی فرعونیان

فوکزه موسی فقضی علیه . .. قال ربّ إنّی ظلمت نفسی

موسی(ع) در پیشگاه پروردگار اعتراف کرد که مرتکب خطای بزرگی شده و با کشتن مرد قبطی، در معرض خطری جدی قرار گرفته است.

۲ - اعتراف صریح موسی (ع) در پیشگاه پروردگار ، به اشتباه خویش در قتل مرد قبطی و درخواست آمرزش از ساحت او و نجات از شرّ فرعونیان

قال ربّ إنّی ظلمت نفسی فاغفرلی

مقصود موسی(ع) از آمرزش در <اغفرلی> زدوده شدن پی آمد کار وی و رهایی از انتقام فرعونیان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۸ - ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷،۸

۱ - به هم ریختن آرامش موسی در پی کشته شدن مرد قبطی به دست وی

فوكزه موسى فقضى عليه . .. فأصبح فى المدينه خائفًا يترقّب

۲ – موسى (ع) ، پس

از حادثه قتل مرد قبطی به کاخ فرعون بازنگشت .

فأصبح فی المدینه

۳ - درنگ موسی (ع) تا بامداد روز بعد در شهر ، همراه با هراس و انتظار پیشامد حادثه ای ناگوار برای خویش

فأصبح فی المدینه خائفًا یترقّب

<ترقّب> (مصدر <یترقّب>) معادل <انتظار> است; یعنی، <ینتظر وقوع المکروه به>. مفعول <یترقّب> نیز حذف شده است.

۴ - برخورد مجدد موسی (ع) با فریاد کمک طلبی مرد اسرائیلی (همان که روز پیش از وی یاری خواسته بود) در بامداد روز بعد

فأصبح فی المدینه . .. فإذا الذی استنصره بالأمس یستصرخه

<إستصراخ> (مصدر <یستصرخ>) به معنای سردادن فریاد کمک خواهی است.

۵ - درگیری دوباره مرد اسرائیلی با فردی دیگر از قبطیان در روز بعد

فإذا الذی استنصره بالأمس یستصرخه

۶ - نزاع مجدد مرد اسرائیلی آن هم با پیشامد حادثه روز پیش امری غیر مترقبه و دور از انتظار برای موسی (ع)

فإذا الذی استنصره بالأمس یستصرخه

مطلب یاد شده با توجه به آمدن <إذا>ی فجائیه به دست می آید.

۷ - برانگیخته شدن خشم موسی (ع) با مشاهده مرد اسرائیلی در حال درگیری مجدد با یکی دیگر از قبطیان

قال له موسی إنّک لغویّ مبین

۸ - پرخاش کردن موسی (ع) نسبت به مرد اسرائیلی

قال له موسی إنّک لغویّ مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۹ - ۱،۳،۴،۵،۶،۷

۱ – اقدام موسی (ع) به حمله به مرد قبطی و وارد کردن ضربه سخت و کوبنده بر وی

فلمّا أن أراد أن یبطش بالذی هو عدوٌّ لهما

<بطش> (مصدر <یبطش>) به دست گشودن برای هجوم

قهرآمیز گفته می شود.

۳ - برداشت اشتباه مرد اسرائیلی از تصمیم موسی (ع)

قال یموسی أترید أن تقتلنی

۴ - اعتراض مرد اسرائیلی به موسی (ع) به توهم این که او بر کشتن وی تصمیم گرفته است .

قال یموسی أترید أن تقتلنی

۵ - افشا شدن راز قتل مرد قبطی به وسیله مرد اسرائیلی

قال یموسی . .. کما قتلت نفسًا بالأمس

۶ - متهم شدن موسی (ع) از سوی مرد اسرائیلی به داشتن انگیزه های جبارانه و روحیه ظلم و تجاوزگری

إن ترید إلّا أن تکون جبّارًا فی الأرض

۷ - عاری بودن از انگیزه های اصلاح طلبانه ، اتهام دیگر مرد اسرائیلی به موسی (ع)

و ما ترید أن تکون من المصلحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۰ - ۱،۲،۳،۴،۵

۱ - ورود شتابزده مردی ناشناس از دورترین نقطه شهر به حضور موسی (ع)

و جاء رجل من أقصا المدینه یسعی

۲ - مرد ناشناس ، حامل خبری مهم و سرنوشت ساز برای موسی (ع) بود .

قال یموسی إنّ الملأ یأتمرون بک لیقتلوک

۳ - مشاوره سران حکومت فرعون درباره کشتن موسی (ع)

إنّ الملأیأتمرون بک لیقتلوک

<إئتمار> (مصدر <یأتمرون>) به معنای مشورت و رایزنی است.

۴ – شنود گفت و گو های سران حکومت فرعون به وسیله مرد ناشناس و رساندن سریع آن به موسی (ع)

و جاء رجل . .. قال یموسی إنّ الملأ یأتمرون بک لیقتلوک

۵ – مرد ناشناس ، خواهان خروج بی درنگ موسی (ع) از شهر بود .

فاخرج

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳

- قصص - ۲۸ - ۲۱ - ۱،۲،۵

۱ - خارج شدن موسی (ع) از شهر مصر ، در پی توصیه مرد ناشناس

قال یموسی . .. فاخرج ... فخرج منها خائفًا

۲ - موسی (ع) نگران پیش آمدن حادثه ای ناگوار برای خویش ، به هنگام خروج از شهر مصر بود .

فخرج منها خائفًا یترقّب

<تَرَقُّب> (مصدر <یترقّب>) به معنای انتظار است. در این جا مفعول <یترقّب> حذف شده است; یعنی، <ینتظر وقوع المکروه به>.

۵ - نیایش موسی (ع) به درگاه پروردگار ، برای نجات خویش از شر فرعونیان

قال ربّ نجّنی من القوم الظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۲ - ۱،۲،۴

۱ - تلاش موسی (ع) پس از خروج از شهر مصر ، برای رساندن خود به سمت منتهی به مدین

فخرج منها . .. و لمّا توجّه تلقاء مدین

تعبیر <لمّا توجّه. ..> نشان می دهد که موسی(ع) هم زمان با خارج شدن از شهر مصر، در جهت مدین قرار نداشت; بلکه مدتی راه پیمود تا خود را در آن سمت قرار دهد.

۲ - قرار گرفتن موسی (ع) در جهت منتهی به مدین و روانه شدن وی به سوی آن

و لمّا توجّه تلقاء مدین

<توجُّه> (مصدر <توجّه>) به معنای روی آوردن و <تلقاء> معادل جانب است. <و لمّا توجّه تلقاء مدین>; یعنی، <لمّا صرف وجهه هذاء مدین>، (همین که روی به جانب مدین آورد...>.

۴ - موسی (ع) ناآشنا به راه منتهی به مدین

و لمّا توجّه تلقاء مدین قال عسی ربّی أن یهدینی سواء السبیل

مطلب یاد شده با توجه به

نیایش موسی(ع) به دست می آید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۲۳ – ۱،۲،۳،۴،۶،۷،۹،۲۰

۱ – موسی (ع) مسافت میان مصر تا مدین را بدون حادثه ای در خور بیان طی کرد .

فخرج منها . .. و لمّا ورد ماء مدین

پرداختن قرآن به مقطع ورود موسی(ع) به حوالی مدین و سکوت از حوادث بین راه، نشان می دهد که برای وی از مصر تا مدین رخداد درخور ذکری اتفاق نیفتاده بود.

۲ – ورود موسی (ع) به حوالی مدین در اثنای روز

و لمّا ورد ماء مدین وجد علیه أُمّه من الناس یسقون

۳ – ورود موسی (ع) به محل آب شرب مدین هم زمان با آمدن چوپانان برای آب دادن دام هایشان

و لمّا ورد ماء مدین وجد علیه أُمّه من الناس یسقون

۴ – روبرو شدن موسی (ع) با جمعیت انبوهی از چوپانان بر سر آب مدین

و لمّا ورد ماء مدین وجد علیه أُمّه من الناس یسقون

کلمه <أُمّه> به جماعتی از مردم گفته می شود و نکره آمدن آن،نشان دهنده کثرت چوپانان است.

۶ – جلب توجه موسی (ع) به دو زن تنها که به جای آب دادن به گوسفندانشان ، آنها را از نزدیک شدن به آب باز می داشتند .

و وجد من دونهم امرأتین تذودان

<ذود> (مصدر <تذودان>) به معنای دور کردن است؛ یعنی، آن دو زن گوسفندانشان را دور می کردند و نمی گذاشتند که به آب نزدیک شوند. گفتنی است، که دو زن چنان که از عبارت های بعد استفاده می شود دختران شعیب بودند.

۷ –

پرسش موسی (ع) از دختران شعیب درباره انگیزه آنان از منع کردن گوسفندانشان از آب

قال ما خطبکما

<خطب> معادل <شأن> است; یعنی، <ما الذی حملکما علی الذود; چه چیزی شما را بر این کار وا می دارد؟>

۹ - دختران شعیب به پرسش موسی پاسخ دادند .

قالتا لانسقی

۲۰ - تقارن هجرت موسی (ع) به مدین با دوران پیری شعیب (ع)

قالتا . .. و أبونا شیخ کبیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۴ - ۱،۳،۴،۵،۶،۷،۱۰

۱ - برانگیخته شدن عواطف موسی (ع) با شنیدن پاسخ دختران شعیب

قالتا لانسقی . .. فسقی لهما

۳ - اقدام بی درنگ موسی (ع) به آب دادن گوسفندان دختران شعیب پس از شنیدن اظهارات آنان

قالتا . .. و أبونا شیخ کبیر . فسقی لهما

تعبیر <فسقی لهما> با <فا>ی عاطفه که برای عدم تراخی است بیانگر مطلب یاد شده است.

۴ - بازگشتن موسی (ع) به سایه جهت استراحت ، پس از آب دادن گوسفندان دختران شعیب

ثمّ تولّی إلی الظلّ

۵ - هم زمانی هجرت موسی (ع) به مدین با فصل گرما

ثمّ تولّی إلی الظلّ

۶ - کمک رسانی موسی (ع) به دختران شعیب ، علی رغم خستگی و گرسنگی شدید وی

ثمّ تولّی إلی الظلّ فقال ربّ إنّی لما أنزلت إلیّ من خیر فقیر

۷ - اظهار گرسنگی و نیاز در پیشگاه خداوند از سوی موسی (ع) و درخواست کمک از ساحت او

فقال ربّ إنّی لما أنزلت إلیّ من خیر فقیر

۱۰ - < عن أبی عبداللّه (ع) فی قول

اللّه عزّوجلّ حكايه عن موسى (ع) < ربّ إنّى لما أنزلت إلىّ من خير فقير > فقال : سأل الطعام ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خداوند عزّوجلّ كه از قول موسى(ع) حكايت كرده <ربّ إنّى لما أنزلت إلىّ من خير فقير> روايت شده كه موسى(ع) [با اين سخن]درخواست طعام كرد>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۵ - ۱،۴،۷،۸،۹،۱۲

۱ - بازگشت يكى از دختران شعيب نزد موسى به فرمان پدر

فجاءته إحديهما . .. قالت إنّ أبى يدعوك

۴ - دختر شعيب ، پيامدار دعوت پدرش از موسى (ع)

قالت إنّ أبى يدعوك

۷ - پذيرش دعوت شعيب از سوى موسى (ع) و رفتن وى به نزد او

قالت إنّ أبى يدعوك . .. فلمّا جاءه

۸ - گفت وگوى موسى (ع) با شعيب و بيان سرگذشت خويش براى وى

فلمّا جاءه و قصّ عليه القصص

۹ - اقدام شعيب به دلدارى موسى (ع) رفع نگرانى و ترس از وى و اعلام نجات يافتنش از شر فرعونيان

قال لاتخف نجوت من القوم الظلمين

۱۲ - < عن البزنطى قال : سألت الرضا (ع) عن قوله تعالى < إنّ أبى يدعوك ليجزيك أجر ما سقيت لنا > أهى التى تزوّج بها ؟ قال : نعم . . . ;

از بزنطى نقل شده كه گفت: از امام رضا(ع) درباره قول خداى تعالى: <إنّ أبى يدعوك. ..> پرسيدم: آيا دخترى كه نزد موسى آمد و گفت پدرم تو را خواسته ... همان دخترى بود كه بعداً موسى(ع) با او ازدواج كرد؟ فرمود: آرى...>.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۶ - ۱،۳،۶،۷،۹،۱۲

۱ - پیشنهاد یکی از دختران شعیب به پدر برای استخدام موسی (ع)

قالت إحدیهما یأبت استئجره

۳ - ستایش دختر شعیب از موسی (ع) نزد پدر

إنّ خیر من استئجرت القویّ الأمین

۶ - موسی (ع) ، مردی نیرومند و شخصیتی امین در دیدگاه دختر شعیب

إنّ خیر من استئجرت القویّ الأمین

۷ - موسی (ع) ، از دیدگاه دختر شعیب ، بهترین و شایسته ترین مرد برای نگه داری دام هایشان

قالت إحدیهما . .. إنّ خیر من استئجرت القویّ الأمین

۹ - استقبال شعیب (ع) از پیشنهاد دختر خویش برای استخدام موسی (ع)

إنّ خیر من استئجرت القویّ الأمین

سکوت شعیب(ع) در برابر پیشنهاد دختر خویش، نشانگر پذیرفته شدن آن از سوی وی می باشد. آیه بعد نیز گویای همین مطلب است.

۱۲ - < عن الرضا (ع) : . . . و لمّا قالت : < استأجره إنّ خیر من استأجرت القویّ الأمین > قال أبوها کیف علمت ذلک ؟ قالت لمّا أتیته برسالتک فأقبل معی قال کونی خلفی و دلّینی علی الطریق . . . ;

از امام رضا(ع) روایت شده [است که فرمود] آن گاه که دختر شعیب به پدرش گفت: موسی را اجیر کن; چون بهترین اجیر کسی است که نیرومند و امین باشد; پدر گفت: چگونه به این حقیقت پی برده ای؟ گفت: آن گاه که پیام تو را برای او بردم با من همراه شد و گفت: تو پشت سر من باش و راه را به من نشان ده. ..>.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۷ - ۱،۲،۴،۱۳،۱۵،۱۶

۱ - تصمیم شعیب (ع) به ایجاد پیوند زناشویی میان موسی (ع) و یکی از دو دختر خود

قال إنّی أُرید أن أُنکحک إحدی ابنتیّ هتین

۲ - اقدام شعیب (ع) به در میان گذاشتن تصمیم خود با موسی (ع) در حضور دخترانش و با رضایت آنان

قال إنّی أُرید أن أُنکحک إحدی ابنتیّ هتین

اسم اشاره <هاتین> نشان دهنده آن است که هر دو دختر شعیب، در آن لحظه حضور داشتند. گفتنی است که حضور دختران شعیب حکایت از رضایت آنان نسبت به مسأله ازدواج با موسی(ع) دارد.

۴ - شعیب (ع) ، خواستار حداقل هشت سال و حداکثر ده سال کار (شبانی گوسفندان) ، از موسی در قبال ازدواج با یکی از دخترانش بود .

قال إنّی أُرید أن أُنکحک . .. علی أن تأجرنی ثمنی حجج فإن أتممت عشرًا فمن عندک

<حجج> جمع <حجه> است و مراد از آن <سنین> می باشد; یعنی، <علی أن تأجرنی ثمانی سنین>.

۱۳ - آزاد گذاشتن موسی (ع) از سوی شعیب (ع) در انتخاب کردن حداقل مهر (هشت سال کار) یا حداکثر آن (ده سال کار)

علی أن تأجرنی ثمنی حجج فإن أتممت عشرًا فمن عندک

۱۵ - شعیب (ع) ، نگران رد شدن پیشنهاد وی از سوی موسی (ع)

و ما أُرید أن أشقّ علیک

این که حضرت شعیب(ع) بلافاصله اعلام می کند من قصد ندارم بر تو سخت بگیرم، در بردارنده نوعی درخواست از سوی شعیب(ع)

است که موسی(ع) پیشنهاد او را رد نکند.

۱۶ - تضمین مدارا کردن با موسی (ع) و سخت نگرفتن بر وی در کار ها از سوی شعیب (ع)

و ما أُرید أن أشقّ علیک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۸ - ۱،۲،۷

۱ - پذیرفته شدن پیشنهاد شعیب (هشت تا ده سال کار در قبال ازدواج) از سوی موسی (ع)

قال إنّی أُرید . .. أیّما الأجلین قضیت فلاعدون علیّ

۲ - موسی (ع) خواهان ملزم نشدن از سوی شعیب به ادامه کار ، پس از اتمام مدت اول (هشت سال) در صورت عدم تمایل به ادامه کار و مجبور نشدن به ترک کار در صورت تمایل به اتمام مدت دوم (ده سال)

أیّما الأجلین قضیت فلاعدون علیّ

جمله <لاعدوان علیّ> انشا در قالب اخبار است. بنابراین مقصود این است که من هر یک از دو مدت را بخواهم پایان ببرم، نباید برخلاف خواسته ام مرا مجبور کنی.

۷ - موسی (ع) خدا را بر قرارداد میان خود و شعیب (ع) گواه گرفت .

قال ذلک بینی و بینک . .. و اللّه علی ما نقول وکیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۹ - ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷،۸،۹،۱۰،۱۱

۱ - اقامت موسی در مدین تا پایان مدت قراردادش با شعیب (ع)

فلمّا قضی موسی الأجل

<قضاء> (مصدر <قضی>) به معنای تمام کردن و به پایان رساندن است. <الأجل> اشاره به مدتی دارد که میان موسی و شعیب(ع) مقرر شده بود.

۲ - هجرت

موسی (ع) به همراه همسر و فرزندانش از مدین ، پس از پایان یافتن مدت قراردادش با شعیب (ع)

فلمّا قضی موسی الأجل و سار بأهله

گرچه واژه <أهل> انصراف به زوجه دارد; لکن با توجه به تعبیر <امکثوا> (با خطاب جمع) معلوم می شود علاوه بر همسر حداقل دو نفر دیگر نیز که به احتمال قوی فرزندانش بوده اند او را همراهی می کردند.

۳ - ورود موسی (ع) به صحرای سینا در مهاجرت از مدین

ءانس من جانب الطور نارًا

<طور> معادل <جبل> (کوه) است و مراد از آن، طور واقع در سرزمین سینا می باشد.

۴ - موسی (ع) آتشی را در سمت وادی طور مشاهده کرد .

ءانس من جانب الطور نارًا

<إیناس> (مصدر <آنس>) مرادف <إبصار> (دیدن) است. بنابراین <آنس>; یعنی، <بصر و رأی>.

۵ - موسی (ع) خانواده اش را از وجود آتش در وادی طور آگاه کرد .

قال لأهله امکثوا إنّی ءانست نارًا

۶ - تنها موسی (ع) نظاره گر آتش وادی طور بود .

إنّی ءانست نارًا

نسبت داده شدن مشاهده آتش به موسی(ع) و نیز نکره آمدن <ناراً>، نشان دهنده آن است که آتش مزبور، تنها به وسیله موسی(ع) قابل مشاهده بوده است.

۷ - تصمیم موسی (ع) به آوردن آتش از وادی طور ، برای گرم کردن خانواده اش

قال لأهله امکثوا . .. أو جذوه من النار لعلّکم تصطلون

<إصطلاء> (مصدر <تصطلون>) به معنای خود را گرم کردن است.

۸ - موسی (ع) از خانواده اش خواست که تا بازگشت وی از وادی طور درنگ کنند .

قال لأهله امکثوا . .. لعلّی

ءاتیکم منها بخبر أو جذوه من النار

۹ - تحیر و سرگردانی موسی (ع) و خانواده اش ، در صحرای سینا به خاطر گم کردن راه

لعلّی ءاتیکم منها بخبر

تعبیر آیه ده سوره <طه> در این مورد (لعلّی آتیکم منها بقبس أو أجد علی النار هدًی) به روشنی، دلالت بر مطلب یاد شده دارد.

۱۰ - موسی (ع) ، امیدوار به یافتن کسی یا کسانی در کنار آتش و کسب اطلاع از آنان درباره راه

قال لأهله امکثوا . .. لعلّی ءاتیکم منها بخبر

۱۱ - < عن أبی جعفر (ع) قال : لمّا قضـی موسی الأجل و سار بأهله نحو بیت المقدس أخطأ الطریق لیلاً < فقال لأهله امکثوا إنّی آنست ناراً > . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: هنگامی که قرارداد موسـی [با شعیب] پایان یافت و همراه با اهلش به سوی بیت المقدس رهسپار گردید، شب هنگام راه را گم کرد. پس به اهلش گفت: <امکثوا إنّی آنست ناراً>...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۰ - ۱،۲،۳،۶

۱ - موسی (ع) برای بردن آتش ، خود را به وادی طور رساند .

لعلّی ءاتیکم منها . .. أو جذوه من النار ... فلمّا أتیها

۲ - آتش طور ، وسیله ای برای کشاندن موسی (ع) به وادی طور ، جهت سخن گفتن خدا با وی و دریافت رسالت الهی

فلمّا أتیها نودی . .. یموسی إنّی أنا اللّه ربّ العلمین

۳ - آمدن ندای الهی به موسی (ع) از درختی واقع در جانب راست وادی طور ،

هم زمان بانزديک شدن وى به آتش

فلمّا أتيها نودى من شطى الواد . .. من الشجره

<شاطئ> به معناى <جانب> است و <الأيمن> مقابل <الأيسر> (چپ) صفت براى شاطئ> مى باشد. بنابراين <شاطئ الواد الأيمن>; يعنى، طرف راست وادى.

۶ - اقدام خداوند به معرفى خود در آغاز مكالمه اش با موسى (ع)

يموسى إنّى أنا اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۱ - ۲،۳،۴،۷

۲ - تحرك شديد و تند و تيز عصاى موسى در پى افكندن آن بر زمين

فلمّا رءاها تهتزّ كأنّها جانّ

<إهتزاز> (مصدر <تهتزّ>) به معناى به حركت در آمدن است. تشبيه حركت عصاى اژدها شده موسى به حركت مار كوچك (جان)، بيانگر آن است كه عصاى مار شده على رغم اين كه مارى بزرگ بود چنان چالاك بود كه گويا مارى كوچك است.

۳ - فرار بى درنگ موسى (ع) در پى مشاهده عصاى خود بسان مارى چست و چالاك

فلمّا رءاها تهتزّ كأنّها جانّ

۴ - ندا و فرمان خدا به موسى (ع) مبنى بر پيش آمدن و نترسيدن از عصاى مار شده خويش

يموسى أقبل و لاتخف

۷ - < عن أبى عبداللّه (ع) . . . فلمّا قضى موسى الأجل و سار بأهله نحو بيت المقدس فنودى . . . أن ألق عصاك فلمّا رأها تهتزّ كأنّها جانّ ولّى مدبراً و لم يعقّب > فإذا حيّه مثل الجذع يخرج منها مثل لهب النار . . . ;

از امام صادق(ع) روايت شد. .. كه چون موسى(ع) قرارداد خود را به پايان رسانيد و همراه با اهلش به

سوی بیت المقدس حرکت کرد ... آن گاه به وی ندا شد ... عصای خود را بیفکن [و چون موسی(ع) آن را افکند]دید که مانند مار کوچک پر جست و خیزی به حرکت درآمد رو برگرداند و (پا بفرار گذاشت) و حتی پشت سر خود را نگاه نکرد پس ناگهان (آن عصا) ماری چون تنه درخت خرما گشته بود که از دهانش شعله های آتش زبانه می کشید...>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۳۲ – ۲،۳،۵

۲ – درخشش دست موسی ، به هنگام بیرون آوردن آن از گریبان

تخرج بیضاء

۳ – < ید بیضای > موسی ، دارای منظری زیبا و مبرا از هر گونه زشتی و عیب

تخرج بیضاء من غیر سوء

۵ – پیش آمدن ناگهانی حادثه طور (مکالمه خدا ، تبدیل عصا به اژد ها و ید بیضا) باعث به هم ریختن آرامش موسی (ع) و چیره شدن ترس بر وی

فلمّا أتیها نودی . .. و اضمم إلیک جناحک من الرّهب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۳۳ – ۱،۳،۵

۱ – بر جای ماندن حادثه کشته شدن مرد قبطی در خاطره موسی ، با گذشت چندین سال

قال ربّ إنّی قتلت منهم نفسًا

۳ – ترس موسی از کشته شدن به دست فرعونیان به تقاص قتل مرد قبطی

إنّی قتلت منهم نفسًا فأخاف أن یقتلون

۵ – موسی (ع) در وادی طور ، نگرانی خویش نسبت به موانع راه رسالت را با خدا در میان گذاشت .

قال ربّ إنّی قتلت منهم نفسًا

جلد – نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۴ - ۴،۵،۷،۸

۴ - اعتقاد موسی (ع) به ضروری بودن وجود هارون در کنار وی ، در مصاف با فرعون

و أخی هرون هو أفصح منّی لسانًا . .. إنّی أخاف أن یکذّبون

۵ - بهره گیری از منطق فصیح و برتر هارون ، انگیزه موسی (ع) در بودن او با وی

فأرسله معی ردءًا یصدّقنی إنّی أخاف أن یکذّبون

۷ - ترس موسی از روبه رو شدن با تکذیب فرعونیان و عدم توانایی وی در دفاع از رسالت خویش

إنّی أخاف أن یکذّبون

۸ - موسی (ع) خواسته خویش (همراهی هارون با وی) را با خداوند در میان گذاشت .

قال ربّ . .. و أخی هرون ... إنّی أخاف أن یکذّبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۵ - ۱،۲

۱ - پذیرفته شدن درخواست موسی (مأموریت هارون برای پشتیبانی) از سوی خداوند

و أخی هرون . .. فأرسله معی ... قال سنشدّ عضدک بأخیک

۲ - هارون بازوی موسی و مایه توان و اقتدار وی در مصاف با فرعونیان

قال سنشدّ عضدک بأخیک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۶ - ۱،۲،۴

۱ - بازگشتن موسی (ع) ، به مصر و ابلاغ رسالت الهی خویش به فرعونیان

فلمّا جاءهم موسی

۲ – موسی (ع) معجزات متعددی را به فرعونیان ارائه کرد .

فلمّا جاءهم موسی بئایتنا بیّنت

۴ – انکار معجزات موسی از سوی فرعونیان ، به اتهام سحر و ساختگی بودن آنها

فلمّا جاءهم موسی بئایتنا بیّنت

قالوا ما هذا إلّا سحر مفترًى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۷ - ۱،۲

۱ - اتکال موسی (ع) به خداوند ، در برابر تکذیب گری های فرعونیان

قالوا. .. و ما سمعنا بهذا فی ءابائنا الأوّلین . و قال موسی ربّی أعلم

تعبیر <ربّی أعلم> (خدای من بهتر می داند) در پاسخ فرعون که در برابر همه معجزات و براهین روشن و غیر قابل انکار موسی(ع)، موضع تکذیب و انکار در پیش می گیرد و آن حضرت را به سحر و جادوگری متهم می کند بیانگر اتکال به خدا و به داوری طلبیدن او می باشد.

۲ - موسی (ع) ، داوری میان خود و فرعونیان را به خداوند حواله کرد .

و قال موسی ربّی أعلم

وقتی موسی(ع) با ارائه معجزات روشن و غیر قابل انکار، با تکذیب فرعونیان روبه رو شد; چاره ای ندید جز این که خدا را به داوری میان خود و آنان بخواند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۸ - ۲،۸،۱۰

۲ - فرعون ، درباره خدای مورد ادعای موسی اظهار تردید کرد .

و قال فرعون . .. ما علمت لکم من إله غیری

۸ - متهم شدن موسی (ع) به دروغ گویی از سوی فرعون ، به خاطر مردود دانستن الوهیت وی و فراخواندن همگان به پرستش خدای یگانه

و إنّی لأظنّه من الکذبین

۱۰ - اقدام فریبکارانه فرعون ، برای مقابله با روشنگری های موسی (ع)

فاجعل لی صرحًا لعلّی أطّلع إلی إله موسی

دستور ساختن برج برای تحقیق درباره خدای

یگانه که موسی همگان را به پرستش او فراخوانده بود می تواند بدان منظور باشد که افکار عمومی را از توجه به تبلیغات موسی منحرف سازد. برداشت یاد شده براساس این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۹ - ۱،۲،۵

۱ - حضرت موسی (ع) ، مورد آزار و اذیت قوم خود بوده است .

لاتکونوا کالذین ءاذوا موسی

۲ - خداوند ، از اتهامی که قوم موسی به آن حضرت وارد کردند ، دفاع کرد و او را از آن مبرّا دانست .

لاتکونوا کالذین ءاذوا موسی فبرّأه اللّه ممّا قالوا

<برّأه اللّه ممّا قالوا> قرینه است بر این که مراد از اذیت به موسی(ع)، تهمت و افترا بوده است.

۵ - تهمت به موسی (ع) ، موجب آزردگی و اذیت آن حضرت بود .

لاتکونوا کالذین ءاذوا موسی فبرّأه اللّه ممّا قالوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۵ - ۱،۳

۱ - موسی و هارون (علیهماالسلام) و قوم شان ، به عنایت خداوند از اندوه بزرگ نجات یافتند .

و نجّینهما و قومهما من الکرب العظیم

۳ - موسی و هارون (علیهماالسلام) و قوم شان ، گرفتار غم بزرگ و مشکلات اندوه بار از سوی فرعونیان

و نجّینهما و قومهما من الکرب العظیم

اندوهی که موسی و هارون(علیهماالسلام) و قوم شان به آن گرفتار بودند، ناشی از مسائل و مشکلات شخصی نبود; بلکه بر اثر تبلیغ رسالت شان در میان فرعونیان به وجود آمده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات

- ۳۷ - ۱۱۶ - ۲

۲ - غلبه و پیروزی موسی و هارون (علیهماالسلام) و قوم شان بر فرعونیان ، نتیجه نصرت الهی بود .

و نصرنهم فکانوا هم الغلبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۴ - ۵،۶،۷

۵ - مبارزه با عوامل و سردمداران کفر و فساد و اصلاح نظام اجتماعی حاکم ، سرلوحه رسالت موسی (ع) و مرحله نخستین نهضت او

لقد أرسلنا موسی . .. إلی فرعون و همن و قرون

۶ - تهمت سحر و دروغ گویی به موسی (ع) ، از سوی فرعون ، هامان و قارون

فقالوا سحر کذّاب

۷ - موضع گیری واحد فرعون ، هامان و قارون در چگونگی و شیوه مبارزه با موسی (ع)

فقالوا سحر کذّاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۵ - ۱،۵،۶،۷،۸،۹،۱۲

۱ - موسی (ع) با راه یافتن به دربار فرعونیان ، پیام حق الهی را به آنان ارائه کرد .

لقد أرسلنا موسی . .. إلی فرعون و همن و قرون ... فلمّا جاءهم بالحقّ من عندنا

۵ - فرمان فرعون ، هامان و قارون ، بر کشتن فرزندان ذکور مؤمنان همراه موسی (ع)

قالوا اقتلوا أبناء الذین ءامنوا معه

۶ - وحشت و احساس خطر فرعون ، هامان و قارون از گسترش آیین موسی و قوت گرفتن پیروان آن حضرت

قالوا اقتلوا أبناء الذین ءامنوا معه

از فرمان فرعون و. .. به قتل ایمان آورندگان به موسی(ع)، برداشت یاد شده استفاده می شود.

۷ - کشتار فرزندان ذکور مؤمنان ، تنها راه پیشگیری از رواج

آیین موسی ، در نگاه فرعون ، هامان و قارون

قالوا اقتلوا أبناء الذین ءامنوا معه

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که نخستین واکنش فرعون و. .. در برابر ایمان آورندگان به موسی(ع)، قتل پسران آنان بود.

۸ - آیین توحیدی موسی (ع) در زمان حکومت فرعون ، هامان و قارون ، به شدت در حال گسترش بود .

قالوا اقتلوا أبناء الذین ءامنوا معه

فرمان قتل فرزندان مؤمنان به موسی(ع)، نشان دهنده گسترش شدید آیین موسی است; زیرا در صورت کندبودن آن، فرمان قتل به عنوان نخستین واکنش از سوی فرعونیان صادر نمی شد.

۹ - زنده گذاشتن دختران مؤمنان علی رغم کشتار پسران آنان اقدام بی رحمانه دیگر فرعون ، هامان و قارون علیه موسی (ع) و بنی اسرائیل بود .

و استحیوا نساءهم

۱۲ - موضع گیری واحد فرعون ، هامان و قارون در چگونگی و شیوه مبارزه با موسی (ع) و پیروان او

قالوا اقتلوا أبناء الذین ءامنوا معه و استحیوا نساءهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۶ - ۱،۲،۳،۴،۶،۷،۱۱،۱۲

۱ - تصمیم فرعون بر قتل موسی (ع)

و قال فرعون ذرونی أقتل موسی

۲ - فرعون درباره تصمیم خود مبنی بر کشتن موسی (ع) ، با مشاوران و درباریانش به رایزنی پرداخت .

و قال فرعون ذرونی أقتل موسی

۳ - اقدام بر قتل موسی (ع) ، کاری دشوار ، خطرآفرین و دارای بازتاب ناگوار در میان افکار عمومی درنظر فرعون

و قال فرعون ذرونی أقتل موسی

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که فرعون، در کشتن فرزندان

ایمان آورندگان به موسی(ع) با کسی به مشاوره نپرداخت (اقتلوا أبناء الذین آمنوا معه)؛ ولی در کشتن موسی(ع) با مشاوران و درباریان خود به رایزنی پرداخت.

۴ - کشتار فرزندان ذکور مؤمنان از سوی فرعونیان ، برای جلوگیری از گسترش دعوت موسی (ع) کافی و کارساز نبود .

قالوا اقتلوا أبناء الذین ءامنوا معه . .. و قال فرعون ذرونی أقتل موسی

تصمیم شخص فرعون مبنی بر کشتن موسی(ع)، پس از اقدام او و درباریانش به کشتن مؤمنان طرفدار موسی(ع)، گویای حقیقت یاد شده است.

۶ - کشتن موسی (ع) ، راه اصلی مبارزه با رسالت وی و گسترش آیین او ، در نگاه فرعون

و قال فرعون ذرونی أقتل موسی

۷ - تمسخر موسی از سوی فرعون ، در خصوص امداد الهی به وی و نزول عذاب بر دشمنان کافر

و لیدع ربّه

مقصود از جمله <ولیدع ربّه> (او پروردگارش را بخواند)، خواندن خداوند برای نجات موسی(ع) و یا فرود عذاب بر فرعونیان در جهت حمایت از آن حضرت می باشد. گفتنی است که فرعون این جمله را از سر استهزا و تمسخر گفته است.

۱۱ - تصمیم فرعون بر قتل موسی (ع) ، به اتهام فسادانگیزی و اخلالگری او در نظم عمومی کشور

أقتل موسی . .. إنّی أخاف ... أن یظهر فی الأرض الفساد

۱۲ - موسی (ع) از سوی فرعون ، به فسادانگیزی و اخلالگری در نظم عمومی سراسر کشور مصر متهم شد .

أو أن یظهر فی الأرض الفساد

آمدن تعبیر <فی الأرض> (در زمین) گویای این نکته است که موسی(ع) به اخلال و فسادانگیزی در سراسر کشور متهم گردید؛ نه در نقطه ای خاص.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۷ - ۱،۳،۵

۱ - اطلاع یافتن موسی (ع) از توطئه برای قتل خود به دست فرعون

ذرونی أقتل موسی . .. و قال موسی إنّی عذت بربّی و ربّکم من کلّ متکبّر

۳ - موسی (ع) ، اعتقاد خود به ربوبیت مطلق خداوند و نیز اعتماد خویش بر او در انجام رسالت را به فرعونیان اعلام کرد .

و قال موسی إنّی عذت بربّی و ربّکم من کلّ متکبّر

۵ - اطمینان موسی (ع) به حمایت خداوند از او ، در برابر تهدید به قتل از سوی فرعون

أقتل موسی . .. قال ... عذت بربّی و ربّکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۸ - ۱،۷،۸،۹،۱۰،۱۱،۱۴،۱۵،۱۸،۱۹

۱ - اعتراض و اظهار مخالفت مؤمن آل فرعون نسبت به تصمیم قتل موسی (ع) از سوی فرعون

وقال رجل مؤمن من ءال فرعون یکتم إیمنه أتقتلون رجلًا أن یقول ربّی

۷ - دفاع مؤمن آل فرعون از موسی (ع) ، جلوه ای از حمایت و امداد خداوند از او

إنّی عذت بربّی و ربّکم . .. و قال رجل مؤمن من ءال فرعون یکتم إیمنه

ذکر دفاع مؤمن آل فرعون از موسی(ع) پس از پناه بردن آن حضرت به خداوند از شر فرعون می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

۸ - تصمیم فرعونیان به قتل موسی (ع) ، به خاطر اعتقاد آن حضرت به ربوبیت مطلق خداوند بود .

أتقتلون رجلًا أن یقول ربّی اللّه

۹ - کشتن موسی (ع) به

صرف اعتقاد او به ربوبیت خداوند ، کاری نکوهیده و نابه جا در نظر مؤمن آل فرعون

أتقتلون رجلاً أن یقول ربّی اللّه

از استفهام انکاری در جمله <أتقتلون رجلاً. ..> که در مقام تقبیح عمل فرعون می باشد برداشت یاد شده استفاده می شود.

۱۰ - موسی (ع) ، ارائه دهنده دلایل روشن و بی ابهام ، بر اثبات ربوبیت خداوند برای فرعونیان

و قد جاءکم بالبیّنت من ربّکم

۱۱ - دفاع مؤمن آل فرعون از موسی (ع) ، به خاطر برخوردار بودن اندیشه و عقیده او بر دلیل و برهان روشن

أن یقول ربّی اللّه و قد جاءکم بالبیّنت من ربّکم

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که جمله <و قد جائکم بالبیّنات . ..> که حال برای فاعل <یقول> یا<رجلاً> است در مقام تعلیل برای مطلب پیشین; یعنی، تقبیح کشتن موسی(ع) می باشد.

۱۴ - اطمینان دادن مؤمن آل فرعون به فرعونیان ، از آسیب دیدن موسی (ع) در صورت دروغ گو بودن ایشان در ادعا های خود

و إن یک کذبًا فعلیه کذبه

۱۵ - ناروا بودن قتل موسی (ع) ، در نظر مؤمن آل فرعون حتی در صورت دروغ گو بودن او

و إن یک کذبًا فعلیه کذبه

۱۸ - هشدار مؤمن آل فرعون به فرعونیان ، از آسیب دیدن شدید آنان بر اثر کشتن موسی (ع)

و إن یک صادقًا یصبکم بعض الذی یعدکم

۱۹ - هشدار مستمر موسی (ع) به فرعونیان ، درباره گرفتار شدن آنان به عذاب های گوناگون الهی

و إن یک صادقًا یصبکم بعض الذی یعدکم

مقصود از وعده موسی به فرعونیان، عذاب

های الهی است. آمـدن کلمه <بعض> می رساند که این وعده ها و عذاب ها، متعدد بوده است. فعل مضارع <یعد> نیز می فهماند که این وعده ها، به طور دائمی و مستمر به آنان ابلاغ می شد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۲۹ – ۸،۱۷

۸ – تلاش گسترده مؤمن آل فرعون ، بر ایجاد احتمال درست بودن دعوت موسی (ع) و راستی هشدار های او در افکار عمومی قومش

وإن یک کذبًا فعلیه کذبه . .. فمن ینصرنا من بأس اللّه إن جاءنا

شیوه سخن مؤمن آل فرعون به فرعونیان (اگر موسی(ع) دروغ گو باشد به ضرر خودش است و اگر راستگو باشد ممکن است هشدارهای او درباره نزول عذاب درست باشد)، گویای این نکته است که او باایجاد احتمال درست بودن دعوت موسی(ع) در افکار عمومی، در صدد جلب نظر آنان به سود آن حضرت بوده است.

۱۷ – فرعون کشتن موسی (ع) را ، سیاستی درست در حکومت و به صلاح جامعه دانست .

و ما أهدیکم إلاّ سبیل الرشاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۳۰ – ۱

۱ – مؤمن آل فرعون به رغم قطع شدن سخنانش به وسیله فرعون به گفتار هشداردهنده خود ادامه داد و فرعونیان را از پیامد هلاکت بار قتل موسی (ع) آگاه ساخت .

یقوم لکم الملک . .. قال فرعون ما أریکم إلاّ ما أری ... و قال الذی ءامن یقوم إن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰

۵ - دستور ساختن بنای مرتفع و رصدخانه برای اطلاع پیدا کردن از خدای موسی (ع) ، نیرنگ و ترفند فرعون برای اثبات دروغ گویی موسی (ع) درادعای وجود خدای یکتا در جهان

أسبب السموت فأطّلع إلی إله موسی

در این که مقصود اصلی فرعون از ساختن بنای مرتفع چه بوده، میان مفسران چند دیدگاه وجود دارد: از جمله این که فرعون با ساختن بنای مرتفع، درصدد نبود که به راه های آسمان دست یابد; زیرا کوه های مرتفعی وجود داشت که از برج ها و بنای احداثی او بلندتر بود. از این رو مقصود اصلی او این بود که برای مردم اثبات کند که راه یافتن به آسمان، امری ناممکن است. بنابر این ادعای موسی(ع) به این که در جهان خدایی هست که با او ارتباط دارد، دروغ و باطل می باشد. گفتنی است ذیل آیه که در آن از بی اثر بودن توطئه فرعون سخن به میان آمده مؤید همین برداشت است.

۶ - موسی (ع) ، متهم به فردی دروغ گو و دین ساز از سوی فرعون

و إنّی لأظنّه کذبًا

۸ - ساختن بنای بلند و رصدخانه ، به منظور اطلاع یافتن از خدای موسی (ع) ، رفتار زشتی بود که فرعون آن را زیبا و آراسته می یافت .

ابن لی صرحًا . .. فأطّلع إلی إله موسی ... و کذلك زیّن لفرعون سوء عمله

۱۵ - کار ساز نبودن مکر و حیله فرعون در ساختن بنای بلند ، به بهانه اطلاع یافتن از خدای موسی (ع) و اثبات دروغ گو بودن

او

یهمن ابن لی صرحًا. .. فأطّلع إلی إله موسی... و ما کید فرعون إلاّ فی تباب

برداشت یاد شده به این خاطر است که از مصادیق اصلی <کید فرعون> ساختن بنای بلند می باشد.

۱۶ - عقب نشینی تاکتیکی فرعون در مقابل موسی (ع) و دست برداشتن از قتل او به طور موقت ، پس از هشدار های مؤمن آل فرعون

و قال فرعون ذرونی أقتل موسی. .. و قال فرعون یهمن ابن لی صرحًا... و ما کید فرع

مطلب یاد شده با توجه به این نکته است که فرعون، در آغاز مبارزه با موسی(ع) طرح قتل او را داده بود; ولی پس از هشدارها و تبلیغات مؤمن آل فرعون احداث بنای مرتفع برای جست و جو از خدای موسی(ع) را مطرح ساخت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۸ - ۲

۲ - مؤمن آل فرعون ، پس از کتمان ایمانش به مدتی چند ، آن را فاش ساخت و به موضع گیری علنی علیه فرعون و دفاع از موسی (ع) پرداخت .

و قال الذی ءامن یقوم اتّبعون

فراخوانی مردم به پیروی از خویش، بیانگر علنی کردن ایمان و موضع اعتقادی شخص است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۱ - ۱

۱ - پرسش مؤمن آل فرعون از قوم خود ، درباره انگیزه مخالفت آنان با دعوت و خیرخواهی های او

و یقوم مالی أدعوکم إلی النجوه و تدعوننی إلی النار

گفتنی است که به قرینه خطاب در جمله حالیّه <تدعوننی . ..>، عبارت <مالی> در اصل <مالکم> می باشد. این جمله

در زبان عرب به جای <أخبرونی عنکم> (از حالتان به من خبر دهید) به کار می رود و مقصود از آن پرسش از انگیزه و دلیل وضعیت به وجود آمده از مخاطب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۶ - ۱۴

۱۴ - اقدام سریع و بی درنگ موسی (ع) به انجام رسالت الهی خویش ، پس از فرمان خداوند به او

لقد أرسلنا موسی . .. فقال إنّی رسول

از حرف <فاء>، می توان استفاده کرد که موسی(ع) پس از دریافت رسالت خویش، بی درنگ و بدون تأخیر به انجام آن اقدام نمود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۷ - ۱

۱ - ارائه معجزات از سوی موسی (ع) ، به فرعون و درباریانش

فلمّا جاءهم بایتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۹ - ۱۰،۱۲

۱۰ - وعده خداوند به موسی (ع) ، درباره رفع عذاب فرعونیان ، در صورت روی آوردن آنان به حق

ادع لنا ربّک بما عهد عندک إنّنا لمهتدون

به قرینه ذیل این آیه و آیه بعد، به دست می آید که مراد از <ما عهد عندک>، وعده خداوند به رفع عذاب از فرعونیان در صورت پذیرش هدایت است.

۱۲ - فرعونیان پس از گرفتاری به عذاب الهی به موسی (ع) وعده دادند که در صورت رفع عذاب ، ایمان خواهند آورد .

و قالوا یأیّه السحر ادع لنا ربّک بما عهد عندک إنّنا لمهتدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

زخرف - ۴۳ - ۵۰ - ۱،۳

۱ - پاسخ مثبت موسی (ع) به تقاضای فرعونیان و دعای او برای رفع عذاب از ایشان

ادع لنا ربّک . .. فلمّا کشفنا عنهم العذاب

از ارتباط این آیه با آیه قبل، استفاده می شود که در آیه شریفه ایجاز و حذفی صورت گرفته است. بدین صورت که آنان از حضرت موسی(ع) درخواست دعا کردند و او خواسته آنها را اجابت نمود.

۳ - اجابت دعای موسی (ع) از سوی خداوند ، در زمینه رفع عذاب از فرعونیان

ادع لنا ربّک . .. فلمّا کشفنا عنهم العذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۲ - ۳،۴

۳ - لکنت زبان و نقص گفتاری موسی (ع) ، به هنگام طرح دعوت در برابر فرعون *

و لایکاد یبین

۴ - تلاش فرعون برای حقیر نمایاندن موسی (ع) و تحقیر جایگاه و موقعیت اجتماعی او

أم أنا خیر من هذا الذی هو مهین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۸ - ۵

۵- تذکر موسی (ع) به فرعونیان ، نسبت به خیراندیشی خود در پیشنهاد رهایی بنی اسرائیل

أن أدّوا . .. إنّی لکم رسول أمین

لام در <لکم> برای منفعت و <رسول أمین> تأکیدی بر رعایت امانت در نصیحت است; یعنی، بنی اسرائیل را رها کنید و بدانید که در این پیشنهاد، منفعت واقعی شما نهفته است و من در این سخن صداقت دارم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲۱ - ۱

۱- درخواست آزادی بیان

، پیشنهاد موسی (ع) به فرعونیان پس از یأس از ایمان آوردن آنان

و إن لم تؤمنوا لی فاعتزلون

<فاعتزلون>، کنایه از این است که اگر خود اهل ایمان نیستید، لااقل متعرض من نباشید تا آزادانه پیامم را به مردم برسانم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲۳ - ۲

۲- موسی (ع) ، مأمور خارج ساختن شبانه و مخفیانه بنی اسرائیل از مصر

فأسر بعبادی لیلاً

<إسراء> (مصدر <أسر>) به معنای رفتن در شب است و <لیلاً> تأکید آن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۸ - ۳،۷

۳ - نخستین مأموریت موسی (ع) ، حرکت به سوی فرعون بود .

و فی موسی إذ أرسلنه إلی فرعون

۷ - رسالت موسی (ع) به سوی فرعون ، همراه با دلایل قاطع و روشن

أرسلنه إلی فرعون بسلطن مبین

<سلطان> به معنای حجت و برهان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۹ - ۱،۳،۶،۸

۱ - روی گردانی فرعون با تمام وجود ، از پذیرش رسالت موسی (ع)

أرسلنه إلی فرعون . .. فتولّی برکنه

<رکن> در این جا می تواند به معنای ارکان وجود و کنایه از اعراض کامل و همه جانبه باشد.

۳ – نگرانی فرعون ، از نفوذ سخنان موسی (ع) در دل ارکان حکومت خویش

فتولّی برکنه

۶ – اتهام سحر و جنون از سوی فرعون به موسی (ع) ، پس از مشاهده دلایل و برهان های روشن رسالت آن حضرت

أرسلنه . .. بسلطن مبین ...

و قال سحر أو مجنون

۸ - آشفتگی و سردرگمی فرعون ، در انکار دلایل روشن موسی (ع)

و قال سحر أو مجنون

سحر و جنون، فاصله بسیاری از یکدیگر دارند; زیرا سحر، نوعی تبّحر و جنون سراسر آشفتگی و اشمئزازآور است و میان این دو سنخیتی نیست. از این رو سخن فرعون، نشانگر اضطراب شدید او در موضع گیری علیه منطق روشن موسی(ع) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۵ - ۲

۲ - موسی (ع) ، مورد اذیت و آزار مستمر قوم خویش

و إذ قال موسی . .. لم تؤذوننی

تعبیر <تؤذوننی> به صیعه مضارع به جای <آذیتمونی> بیانگر آن است که موسی(ع) از سوی قومش، به صورت مکرر مورد اذیت و آزار قرار می گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱۶ - ۱

۱ - خداوند ، در وادی طوی با موسی (ع) سخن گفت .

إذ نادیه ربّه بالواد المقدّس طوًی

<واد> (مخفف <وادی>); یعنی، حد فاصل بین کوه ها و تپه ها که راه عبور سیلاب باشد (مصباح). برخی از اهل لغت <طوی> را نام درّه ای می دانند که پایین کوه طور در صحرای <سینا> قرار دارد. (لسان العرب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱۷ - ۲

۲ - حرکت به سوی فرعون و باز داشتن او از طغیان گری ، فرمان خداوند به موسی (ع) در وادی طوی

اذهب إلی فرعون إنّه طغی

فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱۹ - ۱

$۱ - موسی (ع) به فرمان خداوند ، مأمور اظهار آمادگی نزد فرعون برای هدایت او به خداوند

و أهدیک إلی ربّک

- موسی(ع) به فرمان خداوند، مأمور اظهار آمادگی نزد فرعون برای هدایت او به خداوند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲۰ - ۱

$۱ - موسی (ع) در پی گفت وگو با فرعون و اظهار آمادگی برای ارشاد و هدایت او ، بزرگ ترین معجزه خویش را به وی ارائه کرد .

فأریه الأیه الکبری

- موسی(ع) در پی گفت وگو با فرعون و اظهار آمادگی برای ارشاد و هدایت او، بزرگ ترین معجزه خویش را به وی ارائه کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲۱ - ۱،۴

$۱ - فرعون ، نشانه رسالت موسی (ع) و معجزه بودن آن را نپذیرفت و بی درنگ آن را تکذیب کرد .

فکذّب

حرف <فاء> برای تعقیب بدون فاصله است و می رساند که فرعون، پیش از هر گونه تأمل و درنگ، به تکذیب و عصیان پرداخت. متعلق تکذیب به قرینه <الآیه الکبری> در آیه قبل معجزه موسی(ع) است. از اقدام فرعون به آوردن مثل معجزه موسی(ع)، که آیات بعد بر آن دلالت دارد دانسته می شود که فرعون، معجزه بودن آن و دلالتش بر صداقت موسی(ع) را تکذیب کرده است.

$۴ - فرعون ، از پذیرش رهنمود های موسی (ع) سرپیچی کرد .

و عصی

متعلق <عصی> به قرینه <أهدیك> رهنمودهای موسی(ع) بوده است.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲۲ - ۱،۴،۵

۱ - فرعون ، به تکذیب گفته های موسی (ع) اکتفا نکرده سرسختانه به مخالفت با او پرداخت .

ثمّ أدبر یسعی

حرف <ثمّ> در این آیه، برای تراخی رتبی است؛ یعنی، ادبار فرعون، نارواتر از تکذیب او بود.

۴ - فرعون ، گفتوگوی مستقیم خود با موسی (ع) و تکذیب و مخالفت با او را در سرکوب آن حضرت کارساز نمی دید .

ثمّ أدبر

<ادبار>؛ یعنی، پشت کردن و حاکی از نومیدی فرعون از نتیجه گفتوگوی مستقیم با موسی(ع) است.

۵ - فرعون با مشاهده معجزه موسی (ع) ، وحشت زده از آن روی برتافت و شتابزده گریزان شد . *

ثمّ أدبر یسعی

<إدبار> فرعون، در یک احتمال به معنای فرار او از ترس معجزه موسی(ع) است که در شکل مار عظیم ظاهر شده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲۳ - ۱،۳

۱ - فرعون برای مبارزه با موسی (ع) ، مردم را در اجتماعی گردآورد و با آنان در این زمینه سخن گفت .

فحشر فنادی

<حشر>، به معنای جمع کردن همراه با سوق دادن است (مصباح).

۳ - فرعون ، تأثیر رسالت موسی (ع) را بر دیگران پیش بینی کرده و از آن وحشت داشت .

فحشر فنادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲۴ - ۵

۵ – ادعای ربوبیت برتر ، موضع گیری فرعون در برابر طرح توحید ربوبی از سوی موسی (ع)

و أهدیک إلی

ربّك . .. أنا ربّكم الأعلى

جمله <و أهديك إلى ربّك> در آيات پيشين، سخنى بود كه موسى(ع)، آن را با توجه به انكار ربوبيت خداوند از سوى فرعون، مطرح ساخت. فرعون در واكنش به اين دعوت، برترين ربوبيت را براى خود قائل شد.

قصه موسى(ع) از آيات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۷ - ۱

۱ - سرگذشت موسى و فرعونيان ، آيتى بزرگ ، شايان تفكر و عبرت آموز

إنّ فى ذلك لأيه

<ذلك> اشاره به ماجراى ميان موسى(ع) و فرعون دارد. <آيه> نيز در اين جا معادل <عبره> و نكره آمدن آن براى تفخيم است. بنابراين جمله <إنّ فى ذلك لأيه>; يعنى، به راستى در اين ماجرا عبرتى بزرگ وجود دارد.

قصه مؤمن آل فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۸ - ۱،۲،۱۴،۲۰،۲۱

۱ - اعتراض و اظهار مخالفت مؤمن آل فرعون نسبت به تصميم قتل موسى (ع) از سوى فرعون

وقال رجل مؤمن من ءال فرعون يكتم إيمنه أتقتلون رجلًا أن يقول ربّى

۲ - مؤمن معترض از خاندان فرعون ، ايمان خود را پوشيده مى داشت .

قال رجل مؤمن من ءال فرعون يكتم إيمنه

۱۴ - اطمينان دادن مؤمن آل فرعون به فرعونيان ، از آسيب ديدن موسى (ع) در صورت دروغ گو بودن ايشان در ادعا هاى خود

و إن يك كذبًا فعليه كذبه

۲۰ - استفاده مؤمن آل فرعون ، از شيوه جدل در مقابل منطق زور فرعونيان

وإن یک کذبًا فعلیه کذبه و إن یک صادقًا یصبکم بعض الذی یعدکم

آمدن این تعبیر که اگر موسی(ع)

دروغ گفته باشد، علیه خودش اقدام کرده است و. .. از باب جدل می باشد; و گرنه برای مؤمن آل فرعون، احتمال دروغ گو بودن موسی(ع) متصور نبود.

۲۱ - تلاش منطقی و عالمانه مؤمن آل فرعون ، برای منصرف ساختن فرعونیان از کشتن موسی (ع)

و قال رجل من ءال فرعون یکتم إیمنه . .. و إن یک صادقًا یصبکم بعض الذی یعدکم

برداشت یاد شده از مجموع گفته ها، برخوردها، چگونگی استدلال و منطق مؤمن آل فرعون در مقابل فرعونیان استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۹ - ۱۳،۹،۸،۶،۵،۴

۴ - هشدار مؤمن آل فرعون به فرعونیان و قبطیان ، درباره خطر عذاب الهی در صورت مخالفت با موسی (ع) و قتل او

فمن ینصرنا من بأس اللّه إن جاءنا

۵ - مؤمن آل فرعون ، قومش را از هرگونه غرور و خودکامگی ناشی از اقتدار و سلطه همه جانبه بر سرزمین مصر برحذر داشت .

لکم الملک الیوم . .. فمن ینصرنا من بأس اللّه إن جاءنا

۶ - تنهایی و بی پناهی انسان در برابر عذاب الهی ، از هشدار های مؤمن آل فرعون به قوم خود

فمن ینصرنا من بأس اللّه إن جاءنا

۸ - تلاش گسترده مؤمن آل فرعون ، بر ایجاد احتمال درست بودن دعوت موسی (ع) و راستی هشدار های او در افکار عمومی قومش

وإن یک کذبًا فعلیه کذبه . .. فمن ینصرنا من بأس اللّه إن جاءنا

شیوه سخن مؤمن آل فرعون به فرعونیان (اگر موسی(ع) دروغ گو باشد به ضرر خودش است و اگر راستگو باشد ممکن است هشدارهای

او دربـاره نزول عـذاب درست باشـد)، گویـای این نکته است که او باایجـاد احتمـال درست بودن دعوت موسـی(ع) در افکـار عمومی، در صدد جلب نظر آنان به سود آن حضرت بوده است.

۹ – اظهار محبت و دلسوزی کردن مؤمن آل فرعون نسبت به قوم خود (قبطیان)

یقوم

استفاده مؤمن آل فرعون از تعبیر <یا قوم> (ای قوم من) و تکرار آن در چهار نوبت (آیه های ۲۹، ۳۰، ۳۲، ۳۸ و ۴۱)، گویای مطلب یاد شده است.

۱۳ – فرعون ، سخن مؤمن آل فرعون را قطع کرده ، به دفاع از تصمیم خود مبنی بر کشتن موسی (ع) پرداخت .

أتقتلون رجلًا . .. فمن ینصرنا من بأس اللّه إن جاءنا قال فرعون ما أریکم إلّا ما أ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۳۰ – ۱،۲

۱ – مؤمن آل فرعون به رغم قطع شـدن سـخنانش به وسـیله فرعون به گفتار هشداردهنـده خود ادامه داد و فرعونیان را از پیامد هلاکت بار قتل موسی (ع) آگاه ساخت .

یقوم لکم الملک . .. قال فرعون ما أریکم إلّا ما أری ... و قال الذی ءامن یقوم إن

۲ – هشدار مؤمن آل فرعون به قوم خود ، از دچار شدن به روزگار شوم ، همچون روزگار احزاب و اقوام کافر پیشین

و قال الذی ءامن یقوم إنّی أخاف علیکم مثل یوم الأحزاب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۳۲ – ۱،۳

۱ – هشدار مؤمن آل فرعون به قوم خویش ، از دچار شدن به عذاب الهی در

روز قیامت در صورت اقدام به قتل موسی (ع)

و یقوم إنّی أخاف علیکم یوم التناد

۳ - مؤمن آل فرعون ، برخوردار از موقعیت اجتماعی و نفوذ در جامعه

یقوم إنّی أخاف علیکم یوم التناد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۳ - ۴،۷

۴ - هشدار مؤمن آل فرعون به فرعونیان ، از دچار شدن آنان به عذاب گریزناپذیر الهی در قیامت در صورت کشتن موسی (ع)

یقوم إنّی أخاف علیکم . .. یوم تولّون مدبرین ما لکم من اللّه من عاصم

۷ - هشدار مؤمن آل فرعون به فرعونیان ، درباره این که قتل موسی (ع) موجب گمراهی ابدی و علاج ناپذیر آنان خواهد شد .

أتقتلون رجلًا . .. و من یضلل اللّه فما له من هاد

برداشت یادشده به خاطر این نکته است که هشدار مؤمن آل فرعون نسبت به گمراه شدن آنان در مورد قتل موسی(ع) انجام پذیرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۴ - ۱،۸،۱۷

۱ - مؤمن آل فرعون برای بیدار کردن مردم و انصراف آنان از قتل موسی (ع) ، سرگذشت یوسف پیامبر رایادآور شد .

أتقتلون رجلًا . .. إنّی أخاف علیکم ... و لقد جاءکم یوسف

۸ - نکوهش مؤمن آل فرعون از مردم مصر ، به خاطر تردید کردن در رسالت یوسف (ع) در گذشته (علی رغم مشاهده دلایل روشن او)

فمازلتم فی شکّ ممّا جاءکم به

۱۷ – هشدار مؤمن آل فرعون به مردم مصر ، از دچار شدن به گمراهی ابدی بر اثر پافشاری بر

مخالفت با دعوت موسی (ع) و تردید در حقانیت آن

کذلک یضلّ اللّه من هو مسرف مرتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۵ - ۵،۱۵

۵ - هشدار مؤمن آل فرعون به مردم مجادله گر و حق ستیز مصر ، درباره خشم انقلابی و انتقام مؤمنان طرفدار موسی (ع)

الذین یجدلون فی ءایت اللّه . .. کبر مقتًا ... عندالذین ءامنوا

تـذکر مؤمن آل فرعون به فرعونیـان، مبنی بر این که ستیزه جویی در آیات الهی، موجب بغض و دشـمنی مؤمنان می شود; می تواند بیانگر این نکته باشد که عمل آنان، موجب خشم انقلابی و شورش مؤمنان طرفدار موسی(ع) علیه آنان خواهدگردید.

۱۵ - تلاش گسترده مؤمن آل فرعون در جهت انصراف فرعون از قتل موسی (ع) ، مؤثر واقع شد .

و قال رجل مؤمن من ءال فرعون . .. أتقتلون رجلًا ... کذلک یطبع اللّه علی کلّ قلب م

برداشت بالاـ به خاطر این نکته است که فرعون، در آغاز برخورد با موسـی(ع) برکشـتن او مصـمم گشـته، این مطلب را به همه اطرافیانش اعلام کرده بود (قال فرعون ما أریکم إلاّ ما أری); ولی پس از سـخنان مؤمن آل فرعون، به جای کشـتن وی دستور داد برجی بسازند تا او نسبت به درستی ادعای آن حضرت به تحقیق بپردازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۸ - ۲

۲ - مؤمن آل فرعون ، پس از کتمان ایمانش به مـدتی چنـد ، آن را فاش ساخت و به موضع گیری علنی علیه فرعون و دفاع از موسی

(ع) پرداخت .

و قال الذى ءامن يقوم اتّبعون

فراخوانى مردم به پيروى از خويش، بيانگر علنى كردن ايمان و موضع اعتقادى شخص است.

قصه نمرود

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۶ - ۵

۵ داستان ابراهيم (ع) و نمرود و قصّه عُزير و يا اِرمياى پيامبر و زنده شدن مرغان كوبيده شده و نيز تمامى احكام و مقررات انفاق ، از آيات الهى است .

الم تر . .. او كالذى مرّ ... فخذ اربعه من الطير ... مثل الّذين ... كذلك يبيّن ال

قصه نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۸۴ - ۴

۴ حضرت نوح پيش از ابراهيم(ع) مى زيست.

و نوحا هدينا من قبل

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۹ - ۱۱،۱۸

۱۱ نوح ، مشركان قوم خويش را به كيفر هاى سخت اخروى تهديد كرد .

إنى أخاف عليكم عذاب يوم عظيم

۱۸ نوح ، نگران مبتلا شدن قومش به كيفر دنيوى (طوفان) بر اثر شركورزى و ترك پرستش خداوند

إنى أخاف عليكم عذاب يوم عظيم

بر اساس این احتمال که مراد از <یوم عظیم> زمان طوفان نوح باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۰ - ۱،۲

۱ جبهه گیری گروه سرشناس و اشراف قوم نوح در برابر دعوت وی

قال الملأ من قومه إنا لنریک فی ضلل مبین

۲ اشراف و سرشناسان قوم نوح وی را در احاطه گمراهی های آشکار می پنداشتند .

قال الملأ

من قومه إنا لنريک فی ضلل مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۱ - ۱،۳

۱ نوح با پاسخی رأفت آمیز به قوم خود ، خویشتن را از هر گونه گمراهی مبرا دانست .

قال یقوم لیس بی ضلله

مخاطب قرار دادن مردم با <یا قوم> (ای مردم من) دلالت بر اظهار مهربانی نوح نسبت به قوم خود دارد. نکره بودن کلمه <ضلله> پس از نفی دلالت بر عموم دارد. بنابراین <لیس بی ضلله> یعنی حتی اندکی گمراهی در من نیست.

۳ نوح (ع) با اعلان دریافت سخنان خویش از خداوند ، خود را پیراسته از هر گونه گمراهی خواند .

لیس بی ضلله و لکنی رسول من رب العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۲ - ۱،۳،۴،۷

۱ نوح (ع) ، پیامبری از جانب خداوند و حامل رسالت های متعدد

أبلغکم رسلت ربی

۳ نوح (ع) استواری خویش را در تبلیغ رسالت های الهی به مردم گوشزد کرد .

أبلغکم رسلت ربی

جمله <لکنی رسول . .. > و نیز آیات قبل دلالت بر این معنا دارد که نوح(ع) مبلغ رسالتهای الهی است. بنابراین توصیف رسول به جمله <أبلغکم ... > هدف دیگری را تعقیب می کند و بیانگر نکته ای جدید است و آن اینکه وی بر ابلاغ رسالتهای الهی اصرار خواهد ورزید و بر آن پافشاری خواهد کرد.

۴ اعتقاد راسخ نوح (ع) به ربوبیت خدا بر وی ، موجب استواریش در تبلیغ رسالت های الهی بود .

و لکنی رسول من رب

العلمين. أبلغكم رسلت ربى

حضرت نوح(ع) برای اینکه اشاره به علت پایداریش بر ابلاغ رسالت کند، به جای آوردن ضمیر و گفتن <رسالاته>، <رسلت ربی> گفت.

۷ ابلاغ پیام های خداوند به مردم ، جلوه ای از خیرخواهی نوح برای مردم خویش بود .

أبلغکم رسلت ربی و أنصح لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۴ - ۱،۲،۳،۴،۵،۱۰

۱ اکثریت عمده قوم نوح (ع) وی را تکذیب کردند و یگانگی خداوند ، معاد و رسالت را باورهایی دروغین پنداشتند .

فکذبوه

از اینکه خداوند تکذیب نوح(ع) را به همگان نسبت داده (فکذبوه)، در حالی که عده ای از آنان، یعنی همراهانش در کشتی، رسالت وی را تصدیق کردند، معلوم می شود نسبت مؤمنان به کافران بسیار اندک بوده است.

۲ گروهی از قوم نوح (ع) رسالت وی را تصدیق کرده و پیامهایش را پذیرفتند .

فکذبوه فانجینه و الذین معه

جمله <أغرقنا الذین کذبوا . .. > دلالت می کند بر اینکه مراد از <الذین معه> مؤمنان و تصدیق کنندگان آیات الهی است.

۳ خداوند ، نوح (ع) و همراهانش را به وسیله کشتی از غرق شدن رهایی بخشید .

فکذبوه فانجینه و الذین معه فی الفلک و أغرقنا الذین کذبوا

۴ مؤمنان به رسالت نوح (ع) ، همراه و همسفر او در کشتی

فانجینه و الذین معه فی الفلک

۵ خداوند ، قوم نوح (ع) را به خاطر تکذیب آیاتش ، با غرق کردن در آب به هلاکت رساند .

و أغرقنا الذین کذبوا بایتنا

۱۰ گروهی از همسفران نوح (ع) در

کشتی نجات ، نه از مؤمنان بودند و نه از تکذیب کنندگان آیات الهی

فانجینه و الذین معه فی الفلک و أغرقنا الذین کذبوا بایتنا

از اینکه خداوند نجات یافتگان را توصیف نکرد که اهل ایمان بودند، مثلا نفرمود <و الذین آمنوا>، می توان گفت گروهی از همراهان نوح(ع) در کشتی به وی ایمان نداشتند. و از جمله <و أغرقنا ... > می توان فهمی آن گروه وی را تکذیب نیز نکردند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۷۱ – ۹،۱۰،۱۲

۹ حضرت نوح (ع) ، قومش را بر قتل خود تحدی کرد و عدم توانایی آنان را بر انجام این کار ، شاهد درستی ادعای نبوت خود ، اعلام نمود .

إن کان کبر علیکم مقامی . .. فأجمعوا أمرکم ... و لا تنظرون

جمله <فعلی اللّه توکلت> بیانگر شکست ناپذیری حضرت نوح (ع) به علت متکی بودنش به قدرت لایزال الهی و جمله <أجمعوا أمرکم و شرکاءکم> بیان ناچیزی قدرت قومش می باشد.

۱۰ حضرت نوح (ع) همراه با اعلان تحدی ، خدا را تنها کانون قدرت و معبود های قومش را شرکایی ساختگی و فاقد هر گونه توانایی اعلام کرد .

یقوم إن کان کبر . .. فعلی اللّه توکلت فأجمعوا أمرکم و شرکاءکم ... و لا تنظرون

۱۲ حضرت نوح (ع) در راه دعوت به حق ، آمادگی خود را برای تحمل انواع مشکلات تا مرز کشته شدن را ، به مردم اعلام داشت .

فأجمعوا أمرکم و شرکاءکم ثم لا یکن أمرکم علیکم غمه . .. و لا تنظرون

جلد – نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۲ - ۷

۷ حضرت نوح (ع) در برابر نارضایتی قومش نسبت به دعوت او ، عزم راسخ خویش را اعلام کرد و بر ادامه سرسختانه راه خود اصرار و تأکید ورزید .

فأجمعوا أمركم و شركاءكم . .. و أمرت أن أكون من المسلمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۳ - ۳،۴

۳ خداوند ، حضرت نوح (ع) و تمام کسانی را که با او در کشتی بودند ، از غرق شدن نجات داد .

فنجّينه و من معه فى الفلك

۴ خداوند ، حضرت نوح (ع) و تمام کسانی را که با او در کشتی بودند ، جانشین غرق شدگان و وارث سرزمین آنان قرار داد .

فنجّينه و من معه فى الفلك و جعلنهم خلئف و أغرقنا الذين كذبوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۴ - ۲

۲ سرگذشت حضرت نوح و موسی (ع) و پیامبران مبعوث شده در فاصله میان آنان و تکذیب شدن آنان و هلاکت مکذبان به عذاب استیصال ، آیاتی است که در کتاب های آسمانی پیشین نیز آمده بود .

و اتل عليهم نبأ نوح . .. فإن كنت فى شك مما أنزلنا إليك فسئل الذين يقرءون الكتب م

برداشت فوق از ارتباط میان این آیه شریفه و مجموعه آیات ۷۱ تا ۹۳ که با هم یک بند را تشکیل می دهند استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۷ - ۱۴

۱۴ اشراف قوم نوح ، آن حضرت را در ادعای پیامبری به دروغ گویی متهم می کردند .

بل نظنکم کذبین

متهم کردن نوح و پیروانش به دروغ گویی برحسب مدعای آنان است; یعنی ، اتهام نوح به دروغ گویی در ارتباط با ادعای نبوت است و نسبت به پیروانش در ادعای ایمان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۹ - ۹

۹ مخالفت شدید و قاطعانه نوح (ع) با درخواست نابه جای سران و اشراف (طرد مؤمنان تهی دست)

و ما أنا بطارد الذین ءامنوا

آوردن جمله اسمیه و <با> ی زایده ، حکایت از تأکید فراوان دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۲ - ۱،۲،۳،۴،۷

۱ نوح (ع) برای هدایت قومش ، تلاشی مستمر و پی گیر داشت .

قالوا ینوح قد جدلتنا فأكثرت جدلنا

إكثار (مصدر أكثرت) به معنای کاری را فراوان انجام دادن است. بنابراین <أكثرت جدالنا> ; یعنی ، بسیار مناظره کردی و فراوان دلیل و برهان آوردی و ... این معنا ، حکایت از تلاش مستمر و پی گیر حضرت نوح(ع) در تبلیغ رسالت دارد.

۲ بحث و گفت و گو و ارائه دلیل و برهان ، از روش های نوح (ع) برای بازداری مردم از شرک و گرایش دادن آنان به توحید

قالوا ینوح قد جدلتنا فأكثرت جدلنا

<جدال> به معنای مناظره کردن و آوردن برهان برای ابطال دلیلها ، اندیشه ها و باورهای طرف مقابل است.

۳ نوح (ع) ، همواره کفرپیشگان را

به نزول عذاب الهی هشدار می داد .

فأتنا بما تعدنا

آوردن فعل مضارع (تعد) به جای فعل ماضی (وعدت) اشاره به تکرار وعیدها و هشدارهای حضرت نوح(ع) دارد.

۴ کفرپیشگان قوم نوح ، از او خواستند که به بحث و مناظره با آنان پایان دهد و تهدید های خویش را تحقق بخشد .

قالوا ینوح قد جدلتنا فأکثرت جدلنا فأتنا بما تعدنا

جمله <فأکثرت جدالنا> (با ما بسیار مناظره کردی) به قرینه تفریع جمله <فأتنا بما تعدنا> بر آن کنایه از این است که دلیل و برهان آوردن کافی است ، به این امر پایان ده.

۷ اشراف و سران قوم نوح ، درصدد مأیوس کردن او از پذیرش دعوت های توحیدی

قد جدلتنا فأکثرت جدلنا فأتنا بما تعدنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۳ - ۹

۹ پاسخ نوح (ع) به عذاب طلبی کفرپیشگان ، پاسخی آمیخته با درس توحید و خداشناسی بود .

فأتنا بما تعدنا . .. قال إنما یأتیکم به الله إن شاء و ما أنتم بمعجزین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۴ - ۱

۱ نوح (ع) ، در پی درخواست قومش (تحقق بخشیدن به عذاب های موعود) از ایمان آوردن آنان سخت به تردید افتاد .

فأتنا بما تعدنا . .. قال ... لاینفعکم نصحی إن أردت أن أنصح لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۶ - ۷

۷ نومیدی نوح (ع) از هدایت یابی قومش و آگاهی او از ناشایستگی آنان برای

ایمان ، زمینه ساز رفع اندوه از او

لن یؤمن من قومک . .. فلاتبتئس بما کانوا یفعلون

برداشت فوق ، از تفریع <لاـتبتئس> بر اِخبار از ایمان نیاوردن کافران استفاده شده است; یعنی ، حال که از هدایت نیافتن کافران آگاه شدیو احساس مسؤولیت نمی کنی، زمینه ای برای اندوه وجود ندارد پس غمگین مباش.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۷ - ۱،۲،۳،۹

۱ خداوند ، در پی باخبر ساختن نوح از ایمان نیاوردن قومش ، او را به ساختن کشتی فرمان داد .

أُوحی إلی نوح أنه لن یؤمن من قومک . .. واصنع الفلک

۲ نوح (ع) پیش از مأموریتش برای ساختن کشتی ، به چگونگی (اندازه ، شکل و . . .) آن آگاه بود .

واصنع الفلک

ظاهر این است که <ال> در <الفلک> عهد ذهنی است و اشاره به سفینه ای خاص دارد که نوح(ع) به آن آشنایی داشت. براین اساس خداوند، پیش از فرمان به ساختن کشتی، طرح و دورنمایی از آن را به او نشان داده بود. گفته شده که آن حضرت کشتی مورد نظر را در رؤیا دیده بود.

۳ نوح (ع) ، در ساخت کشتی مؤید به مراقبت و محافظت همه جانبه خداوند بود .

واصنع الفلک بأعیننا

<عین> به معنای چشم و در آیه شریفه کنایه از مراقبت و محافظت می باشد. جمع آوردن آن (أعین) برای مبالغه و رساندن کمال مراقبت است و <بأعیننا> حال برای فاعل <اصنع> می باشد. بنابراین <اصنع الفلک بأعیننا>; یعنی، آن کشتی را بساز در حالی که قرین محافظت و مراقبت کامل ما

(خداوند) هستی.

۹ غرق شدن و هلاکت کفرپیشگان قوم نوح ، سرنوشتی حتمی برای آنان

إنهم مغرقون

تأکید جمله <إنهم مغرقون> با حرف إنّ، حکایت از قطعی بودن نزول عذاب و هلاکت کفرپیشگان قوم نوح دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۸ - ۱،۲،۳،۴،۵،۷،۱۲،۱۴،۱۵،۱۶

۱ نوح (ع) در پی فرمان خداوند ، به ساختن کشتی پرداخت .

واصنع الفلک . .. و یصنع الفلک

در کلام عرب ، گاهی فعل مضارع به جای فعل ماضی به کار می رود و منظور از آن ترسیم حادثه های گذشته است به گونه ای که گویا پیش روی مخاطبان قرار دارد. در آیه شریفه نیز ، فعل <یصنع> به همین منظور به جای <صنع> استعمال شده است.

۲ کارگاه کشتی سازی نوح ، مجاور گذرگاه عمومی و در دید و منظر همگان بود .

و یصنع الفلک و کلما مرّ علیه ملأ من قومه

۳ کفرپیشگان ، به هنگام مواجه شدن با نوح (ع) او را به خاطر کشتی سازی به استهزا و مسخره می گرفتند .

و یصنع الفلک و کلما مرّ علیه ملأ من قومه سخروا منه

۴ کفرپیشگان ، آن گاه که دسته جمعی و گروه گروه با نوح (ع) مواجه می شدند ، او را به خاطر کشتی سازی به تمسخر می گرفتند .

کلما مرّ علیه ملأ من قومه

برداشت فوق ، از کلمه <ملأ> که در این جا به معنای گروه و جماعت است استفاده شده است.

۵ نوح (ع) پس از دریافت فرمان الهی مبنی بر ساختن کشتی ، همه وقت و همّت خویش را مصروف

اجرای آن فرمان کرد .

و یصنع الفلک و کلما مرّ علیه ملأمن قومه سخروا منه

بـدیهی است که تمسـخر کفرپیشـگان، مخصوص زمـانی نبوده که نوح(ع) را در کارگاه کشتی سازی مشاهـده کننـد. بنابراین مقیـد کردن زمـان اسـتهزا به وقتی که در جایگـاه کشتی سـازی بـا او مواجه می شدنـد، به این نکته اشاره دارد که: کافران آن حضرت را در غیر آن مکان نمی یافتند و این حاکی است که او، تمام وقت را در کارگاه مشغول به کار بوده است.

۷ تمسخر و استهزای کفرپیشگان ، هرگز نوح (ع) و پیروانش را از اجرای فرمان خدا باز نداشت .

و یصنع الفلک و کلما مرّ علیه ملأمن قومه سخروا منه

۱۲ پیروان نوح ، همراه و همگام با او برای ساختن کشتی

إن تسخروا منا فإنا نسخر منکم

برداشت فوق ، مقتضای آوردن ضمیر جمع در <منا> و <إنا> و <نسخر> است.

۱۴ < عن أبی عبدالله (ع) . . . فلما أتی علیهم تسعمأه سـنه همّ أن یدعو علیهم . . . فأمره الله عزوجل أن یغرس النخل . . . فلما أتی لـذلک خمسون سـنه و بلغ النخـل و اسـتحکم أمر بقطعه . . . فأمره الله أن ینحت السـفینه و أمر جبرئیل (ع) أن ینزل علیه و یعلمه کیف یتخذ ها فقدر طول ها فی الأرض ألفاً و مأتی ذراع و عرض ها ثمانمأه ذراع و طول ها فی السـماء ثمانون ذراعاً . . .
;

از امام صادق(ع) روایت شـده است: هنگامی که نهصد سال بر قوم نوح گذشت [و دعوت او را اجابت نکردند]خواست که بر آنان نفرین کند; پس

خداونـد عزوجـل به او امر فرمود که درخت خرما بکارد . .. پس چون پنجاه سال گـذشت و درخت کامل و محکمی شـد، آن حضرت را به بریدن آن فرمان داد ... آن گاه امر فرمود کشتی را بسازد و جبرئیل را مأمور کرد که بر نوح نازل شود و به او یاد دهـد که کشتی را چگونه بسازد. پس جبرئیل طول کشتی را هزار و دویست ذراع و عرض آن را هشـتصد ذراع و ارتفاع آن را هشتاد ذراع تعیین کرد ...>.

۱۵ < عن أبی عبـدالله (ع) [فی حـدیث قـال بعـد مـا قرأ قوله تعالی] : < کلما مرّ علیه ملأ من قومه سـخروا منه . . . > : . . . کانوا یسخرون منه و یقولون : ینحت سفینه فی البرّ ؛

از امام صادق(ع) روایت شـده است که [ضـمن حدیثی بعد از قراءت آیه مزبور] فرمود: . .. قوم نوح او را مسـخره می کردند و می گفتند: او در خشکی کشتی می سازد!>.

۱۶ < عن أبی عبدالله (ع) قال : بقی نوح فی قومه ثلاثمأه سـنه یدعوهم إلی الله فلم یجیبوه . . . فأمره الله أن ینحت السفینه . . . فقال : یا رب من یعیننی علی اتخاذها ؟ فأوحی الله إلیه ناد فی قومک من أعاننی علیها و نجر منها شیئاً صار ما ینجره ذهباً و فضه فنادی نوح (ع) فیهم بذلک فأعانوه علیها . . . ؛

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: نوح سیصد سال در بین قوم خود باقی ماند و آنها را به خدا دعوت

کرد، ولی او را اجابت نکردند . .. پس خداوند وی را امر کرد تا کشتی بسازد ... نوح گفت: پروردگارا! چه کسی مرا در ساختن کشتی کمک می کند؟ به او وحی شد در بین قوم خود ندا کن: هر کس مرا در ساختن کشتی کمک کند، تراشه های چوبی که می تراشد برای او طلا و نقره می شود. نوح این ندا را داد، پس قوم او در ساختن کشتی به او کمک کردند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۰ - ۱،۳،۷،۱۱،۱۳،۱۴،۱۷،۱۹،۲۱،۲۲،۲۴

۱ ساخت کشتی نوح و درگیری های لفظی او و کفرپیشگان تا فرا رسیدن طوفان ، همچنان ادامه داشت .

یصنع الفلک و کلما مرّ علیه . .. حتّی إذا جاء أمرنا

<حتی> بیانگر غایت گزارشها و حقایق مطرح شده در آیه قبل (ساختن کشتی و تمسخر کافران و پاسخ گویی حضرت نوح) می باشد; یعنی ، اینها ادامه داشت تا زمانی که . .. .

۳ خداوند ، زمان بارگیری کشتی نوح و سوار شدن بر آن را تعیین کرد .

حتّی إذا جاء أمرنا و فار التّنّور قلنا احمل فیها

۷ نوح (ع) ، موظف بود از هر نوع حیوان تنها یک جفت (نر و ماده) را به کشتی سوار کند .

قلنا احمل فیها من کل زوجین اثنین

مضاف الیه <کل> کلمه ای همانند <حیوان> است; یعنی: من کل حیوان . ... کلمه <اثنین> تأکید برای زوجین است و اشاره به این معنا دارد که از هر حیوان ، بیشتر از یک جفت نباید به کشتی برده شود.

۱۱ نوح (ع) از

ناحیه خداوند به نجات خانواده خویش و سوار کردن آنان به کشتی موظف شد .

قلنا احمل فیها . .. أهلک

کلمه <أهل> در <أهلک> عطف بر <زوجین> و در حقیقت مفعول برای <احمل> است.

۱۳ خداوند ، نوح (ع) را از سوار کردن کفرپیشگان خانواده اش بر کشتی نجات ، منع کرد .

احمل فیها . .. أهلک إلاّ من سبق علیه القول

۱۴ تقدیر الهی بر غرق شدن و هلاک گشتن برخی از افراد خانواده نوح

و أهلک إلاّ من سبق علیه القول

۱۷ نوح (ع) موظف به سوارکردن مؤمنان بر کشتی و نجات دادن آنان از طوفان

قلنا احمل فیها . .. من ءامن

۱۹ < عن أبی عبدالله (ع) قال : لما أراد الله عزوجل هلاک قوم نوح عقم أرحام النساء أربعین سنه فلم یولد فیهم مولود فلما فرغ نوح من اتخاذ السفینه أمره الله أن ینادی بالسریانیه لایبقی بهیمه و لا حیوان إلاّ حضر [إلی أن قال] فصاحت إمرأته لما فار التّنّور فجاء نوح إلی التّنّور فوضع علی ها طیناً و ختمه حتی أدخل جمیع الحیوان السفینه ثم جاء إلی التّنّور ففضّ الخاتم و رفع الطین . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: آن گاه که خداوند عزوجل اراده کرد قوم نوح را هلاک کند، به مدت چهل سال زنان را عقیم کرد; در نتیجه فرزندی در میان آنان به دنیا نیامد. پس هنگامی که نوح از ساختن کشتی فارغ شد خداوند به وی امر کرد که با زبان سریانی ندا کند که: هیچ چهارپا و حیوانی باقی نماند مگر آنکه حاضر شوند... هنگامی که تنور فوران

کرد، زنِ نوح فریـادی کشـید. پس نوح به طرف تنور آمـد و بر تنور گِل زد و او را مهر کرد تا حیوانات را به داخل کشتی برد سپس به طرف تنور آمد و مهر را شکست و گِل را برداشت...>.

۲۱ < عن أبی عبدالله (ع) قال : جائت إمرءه نوح إلیه و هو یعمل السـفینه فقالت له : إن التّنّور قد خرج منه ماء فقام إلیه مسرعاً حتی جعل الطبق علیه فختمه بخاتمه فقام الماء ، فلما فرغ نوح من السفینه جاء إلی خاتمه ففضّه و کشف الطبق ففار الماء ;

از امـام صـادق(ع) روایت شـده است که فرمود: همسـر نوح درحـالی که شوهرش مشـغول ساختن کشتی بود، به نزد او آمـد و گفت: تنور آب درآورده. نوح باسرعت بر سر تنور رفت و سرپوشی بر روی آن گذاشت و با مُهر خود آن را ممهور کرد. پس آب ایستاد. هنگامی که از ساختن کشتی فارغ شد مهر خود را شکست و سرپوش را کنار زد; پس آب فوران کرد>.

۲۲ < عن أبی عبـدالله (ع) قـال : حمل نوح (ع) فی السـفینه الأزواج الثمانیه التی قال الله عزوجل : < ثمانیه أزواج من الضأن اثنین و من المعز اثنین و من الإبـل اثنین و من البقر اثنین > فکان من الضأن اثنین زوج داجنه یربّیها الناس و الزوج الأخر الضأن الـتی تکون فی الجبـال الوحشـیّه . . . و من المعز اثنین زوج داجنه . . . والزوج الأ ـخر الظـبی التی تکون فی المفـاوز و من الإبل اثنین البخاتی والعراب و من البقر اثنین زوج داجنه للناس و الزوج

الآخر البقر الوحشیه ;

از امـام صـادق(ع) روایت شـده است که فرمود: نوح هشت زوجی را که خـدا فرموده <ثمانیه أزواج من الضأن اثنین . ..> در کشتی قرار داد: از میش دو جفت یک جفت اهلی که مردم تربیت می کنند و جفت دیگر وحشـی که در کوهها‌ست ... و از بز دو جفت: یکی اهلی ... و دیگری آهو که در بیابانهـاست و از شتر دو جفت: یکی بخاتی (شتر خراسانی که از شتر عربی و شتر فالج به وجود آید) و دیگری عربی و از گاو دو جفت: یکی اهلی و دیگری وحشی>.

۲۴ < عن أبی عبد الله (ع) : . . . و کانت لنوح إبنه رکبت معه فی السفینه . . . ;

از امام صادق (ع) روایت شده است: نوح دختری داشت که با آن حضرت سوار کشتی شد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۱ - ۱،۲،۵

۱ نوح (ع) ، پس از شروع طوفان و انجام مقدمات حرکت ، ازپیروان و خانواده اش خواست تا بر کشتی سوار شوند .

و قال ارکبوا فیها

به نظر می رسد جمله <قال ارکبوا . ..> عطف بر جملاتی مقدر باشد که به خاطر دخالت نداشـتن آنها در هدفهای نقل ماجرا بیان نشـده است; یعنی: قلنا احمل فیها ... ففعل کـذا و کـذا و قال ارکبوا فیها .... و لـذا در برداشت <انجام مقدمات حرکت> آورده شد.

۲ کشتی نوح ، با نام خدا حرکت می کرد و با نام خدا از حرکت باز می ایستاد .

بسم الله مجریها و مرسیها

<مجری> و <مرسی> مصدرهای

میمی هستند و در کلام مبتدا واقع شده اند و به ترتیب به معنای <جری> (حرکت کردن) و <إرساء> (از حرکت بازداشتن) می باشد. حرف <باء> برای استعانت و <بسم الله> خبر برای <مجریها ...> است. بنابراین جمله <بسم الله مجریها ...> چنین معنا می شود: [نوح گفت:]حرکت این کشتی و نیز بازداشتن آن از حرکت، با نام خدا تحقق می یابد.

۵ پیروان نوح ، به هنگام سوارشدن بر کشتی نجات ، نگران گناهان و تخلفات خویش بودند .

قال ارکبوا فیها . .. إن ربی لغفور رحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۲ - ۱،۲،۳،۵،۶،۷،۸،۹

۱ پیروان نوح ، پس از شروع طوفان و درپی فرمان او ، به کشتی سوار شدند .

و قال ارکبوا فیها . .. و هی تجری بهم

جمله <هی تجری . ..> عطف بر جمله ای مقدر است که به خاطر وضوح و اختصار در کلام ذکر نشده است; یعنی: فرکبوا فیها و هی تجری بهم.

۲ جوشش آب های زیرزمینی و ریزش باران در حادثه طوفان نوح ، تشکیل دهنده دریایی عظیم و پرتلاطم

و هی تجری بهم فی موج کالجبال

وجود موجهایی همانند کوهها ، حکایت از به وجود آمدن دریایی بزرگ از آب دارد.

۳ کشتی نوح ، او و همراهانش را در میان موج های عظیمی بسان کوهها ، به پیش می برد .

و هی تجری بهم فی موج کالجبال

<موج> اسم جنس است و بر یک موج و نیز موجهای متعدد و کثیر اطلاق می شود از آن جا که در آیه شریفه ، کلمه <موج> به <جبال> (کوهها) تشبیه شده

، معلوم می شود مراد از آن ، امواج متعدد و کثیر است.

۵ فرزند نوح ، به هنگام حرکت کشتی ، با فاصله ای نسبتاً دور از کشتی بسر می برد .

و نادی نوح ابنه و کان فی معزل

متعلق <معزل> أبیه و یا الفلك می باشد. بنابراین <و کان ...>; یعنی ، فرزند نوح در کناری و به دور از پدرش یا کشتی بسر می برد.

۶ فرزند نوح ، علی رغم مشاهده دریایی از آب خروشان ، از همراهی با نوح (ع) و سوار شدن بر کشتی نجات ، کناره گرفت .

و هی تجری بهم فی موج کالجبال و نادی نوح ابنه و کان فی معزل

وقوع جمله <و نادی نوح> پس از <هی تجری بهم . ..> گویای این است که گفتوگوی حضرت نوح(ع) با فرزندش، پس از بالا آمدن آب و حرکت کشتی بوده است جمله و <حال بینهما الموج> در آیه بعد مؤید این معنا می باشد. قابل ذکر است که برخی از مفسران، جمله <نادی نوح ...> را عطف بر <قال ارکبوا ...> دانسته و گفته اند: گفتوگوی یاد شده، پیش از حادثه طوفان و بالا آمدن آب بوده است.

۷ نوح (ع) با فریادی رسا و بلند ، فرزندش را برای سوار شدن به کشتی فرا خواند .

نادی نوح ابنه و کان فی معزل یبنیّ ارکب معنا

<نداء> بلند کردن صدا و ابراز کردن آن است (مفردات راغب).

۸ نوح (ع) در آستان غرق شدن فرزندش ، وی را به ایمان و یکتاپرستی دعوت کرد .

یبنیّ ارکب معنا و لاتکن مع الکفرین

مراداز <مَعَنا> همراهیو معیت عقیدتی

است نه جسمانی; زیرا جمله <ارکب> در دلالت بر همراهی و معیت جسمانی کافی بود. بنابراین اگر مراد از <مَعَنا> مجرد همراهی با نوح و پیروان او باشد، آوردن کلمه <مَعَنا> ضرورتی نداشت. جمله <و لاتکن ...> مؤید این معناست.

۹ نوح (ع) به ایمان آوردن فرزندش امیدوار بود و آن را محتمل می شمرد .

یبنیّ ارکب معنا و لاتکن مع الکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۳ - ۱،۲،۴،۱۰،۱۱،۱۲،۱۴

۱ پسر نوح ، دعوت او را (گرایش به توحید و . . .) نپذیرفت و از سوار$ شدن بر کشتی امتناع کرد .

یبنیّ ارکب معنا و لاتکن مع الکفرین. قال سأوی إلی جبل یعصمنی من الماء

شدن بر کشتی امتناع کرد.

۲ فرزند نوح ، مأوا گرفتن در کوه را مایه نجات از حادثه طوفان می پنداشت .

قال سأوی إلی جبل یعصمنی من الماء

<اُویّ> (مصدر آوی) به معنای رجوع کردن و منضم شدن و جای گرفتن است و <عصمه> (مصدر یعصم) به معنای منع کردن و بازداشتن است. بنابراین <سأوی ...>; یعنی ، به زودی به کوهی می روم که مرا از [خطر] این آب باز دارد.

۴ نوح (ع) ، فرزندش را از بی ثمربودن صعود بر کوه و منحصر بودن راه نجات در بهره جستن از امداد الهی ، آگاه ساخت .

لاعاصم الیوم من أمر الله إلاّ من رحم

۱۰ موجهایی کوه پیکر ، میان نوح (ع) و فرزندش حایل شد و مانع ادامه گفتوگوی آنان با یکدیگر گردید .

قال لا عاصم الیوم من أمر الله . .. و حال بینهما

الموج

<ال> در <الموج> عهد ذكرى و اشاره به همان امواج كوه پيكر (موج كالجبال) است.

۱۱ امواج سهمگين طوفان ، فرزند نوح را پيش از آنكه به كوهى پناه برد ، در خود فرو برد و هلاك كرد .

و حال بينهما الموج فكان من المغرقين

۱۲ كفرپيشگان قوم نوح ، در طوفان آب غرق شدند و به هلاكت رسيدند .

فكان من المغرقين

۱۴ < قال أبوعبدالله (ع) : . . . غرق جميع الدنيا إلاّ موضع البيت . . . ;

امام صادق(ع) فرمود: . .. [در طوفان نوح] همه دنيا غرق شد مگر جايگاه خانه خدا ...>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۴ - ۱،۲،۴

۱ خداوند ، درپى غرق شدن كافران قوم نوح ، به زمين فرمان داد تا آب هاى خود (آب هاى زيرزمينى) را فرو برد .

فكان من المغرقين. و قيل يأرض ابلعى ماءك

مراد از <ماءك> آبهايى است كه تا پيش از طوفان در منابع زيرزمينى وجود داشت و به امر خداوند بر سطح زمين ظاهر شده بود. اضافه كلمه <ماء> به ضمير <ك> گوياى اين معناست.

۲ پس از حادثه طوفان نوح و غرق شدن كفرپيشگان ، آسمان از ناحيه خداوند فرمان يافت تا از بارش باز ايستد .

فكان من المغرقين. و قيل ... يسماء أقلعى

اقلاع (مصدر أقلعى) به معناى خوددارى كردن است. مراد از خوددارى كردن آسمان به قرينه مقام قطع باران مى باشد.

۴ با فرمان الهى به آسمان و زمين ، آب ها كاسته شد ، جريان طوفان نوح تمام شد و كشتى نجات ، به سلامت بر كوه

جودی مستقر گردید .

و غیض الماء و قضی الأمر واستوت علی الجودی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۵ - ۱،۷

۱ نوح (ع) در پی حایل شدن امواج آب میان او و فرزندش ، با شفاعت به درگاه خدا ، خواستار نجات وی شد .

و حال بینهما الموج . .. و نادی نوح ربه فقال رب إن ابنی من أهلی

جمله <فلاتسئلن> (در آیه چهل و ششم) حاکی است که: نوح(ع) خواستار نجات فرزندش از غرق شدن بود. براین اساس دعا و التجای آن حضرت پیش از غرق شدن فرزندش بود و لذا برخی از مفسران جمله <نادی نوح ربه ...> را بر <حال بینهما الموج> عطف گرفته اند.

۷ نوح (ع) ، پس از طرح استدلال خویش برای لزوم نجات فرزندش ، حکم و قضاوت آن را به خداوند واگذار کرد .

إن ابنی من أهلی و إن وعدک الحق و أنت أحکم الحکمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۶ - ۴،۵،۶،۷،۱۳

۴ فسادپیشگی فرزند نوح ، موجب هلاکت وی در حادثه طوفان

فکان من المغرقین . .. إنه لیس من أهلک إنه عمل غیر صلح

۵ نوح (ع) ، ناآگاه به تباهی و فساد بی حد فرزند ناخلف خویش

إنه عمل غیر صلح

۶ نوح (ع) ناآگاه به گسستن پیوند فرزندی کنعان با او بر اثر اعمال ناشایستش

إن ابنی من أهلی . .. إنه لیس من أهلک

۷ نوح (ع) به حکیمانه نبودن نجات فرزند فسادپیشه اش ، از حادثه طوفان آگاه نبود .

فلاتسئلن ما

لیس لک به علم

۱۳ اعمال صالح خانواده نوح (پرستش خدا و . . .) مایه نجات آنان از حادثه طوفان بود نه انتسابشان به حضرت نوح (ع) .

إنه لیس من أهلك إنه عمل غیر صلح

تصریح خداوند به این که <هلاکت فرزند نوح به خاطر اعمال ناصالحش بوده است> ، اشاره به این معنا دارد که: نجات دیگر اعضای خانواده نوح ، به خاطر انتسابشان به آن حضرت نبوده; بلکه منزه بودنشان از اعمال ناشایست ، مایه نجاتشان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۷ - ۱،۷

۱ نوح (ع) ، از تقاضای نجات فرزند ناصالحش منصرف شد و آن را امری نابه جا دانست .

فقال رب إن ابنی من أهلی . .. قال رب إنی أعوذبک أن أسئلك ما لیس لی به علم

۷ نوح (ع) ، با پی بردن به نادرستی تقاضای خود (نجات فرزندش) خواهان آمرزش و رحمت الهی شد .

إلّا تغفر لی و ترحمنی أکن من الخسرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۸ - ۱،۱۱

۱ خداوند ، پس از استقرار کشتی نوح بر کوه جودی ، به او و همراهانش فرمان داد تا از کشتی پیاده شوند و از کوه فرود آیند .

واستوت علی الجودی . .. قیل ینوح اهبط

<هبوط> به معنای فرود آمدن است. متعلق <اهبط> به قرینه <استوت علی الجودی> کشتی و نیز کوه جودی است; یعنی: أنزل من الفلك و من الجودی ... نیاوردن متعلق، دلیل این شمول است. فاعل

محذوف <قیل> به قرینه <منا> خداونداست.

۱۱ < عن أبی عبدالله (ع) قال : . . . فنزل نوح بالموصل من السفینه مع الثمانین . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: . .. نوح با هشتاد نفر همراه در موصل از کشتی پیاده شد ...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۶ - ۴،۵،۶،۷،۸

۴- حضرت نوح (ع) ، با صدای بلند و روشن از خداوند ، خواستار نجات از دست قومش گردید .

و نوحًا إذ نادی من قبل

<ندا> به معنای صدای بلند و روشن است (مفردات راغب) و مقصود از آن در این آیه به قرینه آیه ۲۶ سوره <نوح> (و قال نوح ربّ لاتذر علی الأرض من الکافرین دیّاراً) و نیز ذیل آیه شریفه (فنجیناه و أهله . ..) نجات نوح از دست قومش می باشد.

۵- دعای حضرت نوح (ع) برای نجات از دست قومش ، مستجاب شد .

و نوحًا إذ نادی من قبل فاستجبنا له

۶- حضرت نوح (ع) و خاندانش ، گرفتار غمی شدید و اندوهی بزرگ در مسیر انجام رسالت خویش .

و نوحًا إذ نادی . .. فنجّینه و أهله من الکرب العظیم

<کرب> به معنای غم و اندوه شدید است (مفردات راغب).

۷- خداوند ، نوح (ع) و خاندانش را از غم شدید و اندوه بزرگ ناشی از انجام رسالت خویش نجات داد .

فنجّینه و أهله من الکرب العظیم

۸- قوم بی ایمان نوح ، مایه غم شدید و اندوه بزرگ برای حضرت نوح و خاندانش بودند .

فنجّینه و أهله من

الکرب العظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۷ - ۱

۱- خداوند ، حضرت نوح (ع) را از گزند تکذیب کنندگان آیات الهی نجات داد و از او کاملاً حمایت کرد .

و نصرنه من القوم الذین کذّبوا بایتنا

واژه <نصر> هرگاه با <من> متعدی شود، متضمن معنای نجات و خلاصی است (برگرفته از <قاموس المحیط>).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۵ - ۱،۲،۳

۱ - متهم شدن نوح (ع) ، از سوی اشراف قومش ، به نوعی دیوانگی و جنون

فقال الملؤا الذین کفروا . .. إن هو إلاّ رجل به جنّه

<إن> معادل مای نافیه است؛ یعنی: <ما هو إلاّ رجل. ..>. نکره آوردن <جنّه> نیز برای تنویع است. بنابراین عبارت <به جنّه>؛یعنی، او گرفتار نوعی دیوانگی است. <تربّص> (مصدر <تربّصوا>) به معنای حلول چیزی را برای کسی، انتظار کشیدن است.

۲ - تبلیغ اشراف ، مبنی بر دست برداشتن نوح (ع) از دعوت خود با گذشت زمان و بهبود یافتنش

به جنّه فتربّصوا به حتّی حین

۳ - وا نهادن و بی اعتنایی به نوح (ع) ، آخرین چاره اندیشی اشراف کافر در مبارزه با آن حضرت

فقال الملؤا . .. إن هو إلاّ رجل به جنّه فتربّصوا به حتّی حین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۶ - ۱،۲،۴،۵،۶

۱ - التجای نوح (ع) به درگاه پروردگار ، پس از ناامیدی از تأثیر تبلیغاتش در مردم

قال ربّ انصرنی بما کذّبون

در این آیه ظرف <قال> حذف شده

و تقـدیر آن چنین است: <قال بعـد ما آیس من إیمانهم>. <باء> در <بما کذّبون> سـببیه و <ما> مصدریه است. بنابراین <بما کذّبون>، به تأویل <بسبب تکذیبهم إیّای> می باشد.

۲ - نوح (ع) ، تقاضامند یاری خدا در برابر تکذیب گری های قومش

قال ربّ انصرنی بما کذّبون

۴ - التجای نوح (ع) به درگاه پروردگار ، برای نزول عذاب بر تکذیب گران آن حضرت

قال ربّ انصرنی بما کذّبون

<باء> در <بما کـذّبون> می توانـد برای آلیت باشد. در این صورت <ما> به معنای <الذی> و عاید آن محذوف خواهد بود; یعنی، <ربّ انصـرنی بالـذی کـذّبونی به; پروردگارا! مرا با همان چیزی که [دروغش پنداشـتند و]تکذیبم کردند، یاری ده>.

۵ - هشدار قبلی مردم به عذاب استیصال ، از سوی نوح (ع)

قال ربّ انصرنی بما کذّبون

۶ - مردم ، هشدار عذاب را جدّی نگرفتند و نوح (ع) را به دروغ گویی متهم ساختند .

قال ربّ انصرنی بما کذّبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۷ - ۱،۲،۳،۵،۶،۷،۸،۹،۱۰،۱۱،۱۶

۱ - استجابت دعای نوح (ع) (نصرت خواهی او) از جانب خداوند

قال ربّ انصرنی . .. فأوحینا إلیه أن اصنع الفلک بأعیننا و وحینا

۲ - وحی الهی به نوح (ع) در ساختن کشتی

فأوحینا إلیه أن اصنع الفلک

۳ - نوح (ع) ، مأمور ساختن کشتی تحت نظارت و هدایت خداوند

أن اصنع الفلک بأعیننا و وحینا

۵ – طوفان نوح ، به امر و اراده الهی بود ، نه یک رخداد طبیعی

فإذا جاء أمرنا . .. من كلٍّ زوجين اثنين

قصود از

<أمرنا> فرا رسیدن عذاب طوفان است. <فار> مشتق از <فوران> و <تنّور> همان تنور می باشد^. <سلوك> (مصدر <اسلك>) به معنای ادخال و وارد كردن است. <زوجین>(مفعول <اسلك>)؛ یعنی، دو رأس كه هر یك جفت دیگری باشد (یک نر و یک ماده). <اثنین> نیز تأكید <زوجین> است. با توجه به این كه مضاف الیه <كلّ> محذوف است (<من كلّ حیوان>) معنا چنین می شود: پس هرگاه فرمان ما در رسید و آب از تنور فوران كرد، از هر حیوانی دو تا (یكی نر و یكی ماده) با خانواده ات به جز آن كسی كه حكم عذاب، پیش از این بر او صادر شده است در كشتی وارد كن.

۶ - فوران آب از تنور ، نشان صدور فرمان خدا و شروع طوفان نوح (ع) بود .

فإذا جاء أمرنا و فار التّنّور

عبارت <فارالتّنّور>، عطف تفسیری است برای <جاء أمرنا>.

۷ - تنوری كه فوران آب از آن نشانه در رسیدن عذاب بر قوم نوح بود از پیش تعیین شده بود .

فإذا جاء أمرنا و فار التّنّور

<ال> در <التّنّور> برای عهد ذهنی است. بنابراین <التّنّور>؛ یعنی، آن تنور.

۸ - نوح (ع) ، مأمور جای دادن حیوانات و مؤمنان خاندانش در كشتی ، با ظهور اولین نشانه های طوفان

فإذا جاء أمرنا . .. فاسلك فیها من كلٍّ زوجین اثنین و أهلك إلاّ من سبق علیه القول

۹ - نوح (ع) ، طبق دستور الهی می بایست از هر حیوان ، تنها یک نر و یک ماده را وارد كشتی كند .

فاسلك فیها من كلٍّ زوجین اثنین

۱۰ - طوفان نوح ، منطقه بسیار گسترده

ای از آن سرزمین را فراگرفته بود .

فاسلک فیها من کلِّ زوجین اثنین

جای دادن یک جفت (یک نر و یک ماده) از هر حیوان در کشتی، برای این بود که آنان پس از آرامش طوفان، بتوانند با پرورش و زاد و ولد آنها، نیازمندی های خود را برطرف سازند. و این نشان می دهد که گستردگی طوفان در آن سرزمین، به قدری بود که به دست آوردن حیوانات مورد نیاز، پس از فرونشستن آب، برای حضرت نوح(ع) و بازماندگان، میسور نبود.

۱۱ - کشتی نوح ، ظرفیت بیش از یک جفت (یک نر و یک ماده) از هر حیوان مورد نیاز را نداشت .

فاسلک فیها من کلِّ زوجین اثنین

تأکید خداوند بر این که از هر حیوان تنها یک نر و یک ماده و نه بیشتر را در کشتی جای دهند (من کلِّ زوجین اثنین)، بیانگر مطلب فوق است.

۱۶ - خداوند ، نوح (ع) را از وساطت برای نجات ظالمان از عذاب طوفان ، نهی کرد .

و لاتخطبنی فی الذین ظلموا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۸ - ۲،۱۱

۲ - استقرار نوح (ع) و مؤمنان همراه او در کشتی ، پس از جای دادن حیوانات و خاندانش در آن

فاسلک فیها من کلِّ زوجین اثنین و أهلک . .. فإذا استویت أنت و من معک علی الفلک

از تفریع عبارت <فإذا استویت> بر آیه قبل، استفاده می شود که حضرت نوح(ع) نخست حیوانات و خاندانش را در کشتی جای داد و آن گاه خود و یارانش بر آن سوار شدند.

۱۱ - نوح

(ع) و يارانش ، گرفتار ظلم و بيدادگرى قوم خويش

فقل الحمد للّه الذى نجّنا من القوم الظلمين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۹ - ۱،۵

۱ - روى آوردن به دعا پس از استقرار يافتن در كشتى و درخواست فرود آمدن در جايى پر بركت ، رهنمود ديگر خداوند به نوح (ع)

فإذا استويت . .. فقل الحمد للّه ... و قل ربّ أنزلنى ... و أنت خير المنزلين

واژه <ربّ> مشترك لفظى ميان مصدر (تربيت كردن) و وصف (مربى و تربيت كننده) است كه در اين جا معناى وصفى دارد. <منزل> مى تواند مصدر ميمى به معناى إنزال باشد و نيز مى تواند اسم مكان به معناى منزلگاه و مهمان سرا باشد.

۵ - فرود آمدن كشتى نوح ، در محلى غير از محل زندگى نخستين او

و قل ربّ انزلنى منزلاً مباركًا

همان طور كه در برداشت پيشين گفته شد، <منزل> مى تواند اسم مكان باشد. بنابراين درخواست فرود آمدن در يك جاى پربركت، بيانگر تغيير مكان و مفيد برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۰ - ۱،۲

۱ - سرگذشت نوح (ع) و قوم او ، آينه عبرتى است براى ديگران .

إنّ فى ذلك لأيت

<الآيات> جمع <آيه> است و مراد از آن، نشانه هاى عبرت آموز است.

۲ - وجود درس هاى بسيار ، براى عبرت آموزى در سرگذشت نوح (ع) و قومش

إنّ فى ذلك لأيت

برداشت ياد شده از جمع آمدن <آيات>، استفاده مى شود.

سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۳۳ – ۱۳

۱۳ – < عن أميرالمؤمنين (ع) . . . و نوح (ع) حسده قومه فقالوا : < ما هـذا إلاّ بشر مثلكم يأكل ممّا تأكلون و يشرب ممّا تشربون ، و لئن أطعتم بشراً مثلكم إنّكم إذاً لخاسرون > . . . ;

از اميرالمؤمنين(ع) روايت شده است كه فرمود: . .. و قوم نوح نسبت به آن حضرت حسادت ورزيدند، پس گفتند: ما هذا إلاّ بشر مثلكم...>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۰۵ – ۱،۵

۱ – تکذیب رسالت نوح (ع) از سوی قومش

كذّبت قوم نوح المرسلين

۵ – < عن أبی جعفر (ع) : فمكث نوح (ع) فی قومه ألف سنه إلاّـ خمسين عاماً لم يشاركه فی نبوته أحد و لكنّه قدم على قوم مكذّبين للأنبياء (ع) الذين كانوا بينه و بين آدم (ع) و ذلك قول اللّه عزّوجلّ : < كذّبت قوم نوح المرسلين > . . . ;

از امام باقر(ع) روايت شده: . .. نوح(ع) ۹۵۰ سال در ميان قومش درنگ كرد و احدى در نبوتش با او شريك نبود; لكن نوح(ع) بر قومى فرستاده شده بود كه آن قوم پيامبرانى را كه بين نوح(ع) تا آدم(ع) بودند، تكذيب مى كردند. اين سخن خداوند عزّوجلّ است كه: <كذّبت قوم نوح المرسلين>...>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۰۶ – ۶

۶ – قوم نوح ، مورد سرزنش وی به خاطر بی تقوایی

و گنه پیشگی

إذ قال لهم أخوهم نوح ألاتتّقون

استفهام در جمله <ألاتتّقون> می تواند برای توبیخ و سرزنش باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۷ - ۲،۵

۲ - دعوت نوح (ع) از قومش ، برای پذیرفتن رسالت وی ، اعتماد کردن به او و جدّی گرفتن هشدارهایش

إنّی لکم رسول أمین

<أمین> می توانـد از ریشه <أمن> و به معنـای <مـأمون> (فرد مورد اعتمـاد) باشـد. در این صورت آوردن قیـد <أمین> دعوتی است از جانب نوح(ع) به قومش که به او اعتماد کنند، به سخنانش گوش فرا دهند و هشدارهایش را جدّی بگیرند.

۵ - تلاش نوح (ع) برای نمایاندن خیرخواهی خود و تضمین منافع قومش در پرتو رسالت خویش

إنّی لکم رسول أمین

برداشت یاد شده با توجه به قید <لکم> به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۸ - ۱

۱ - دعوت نوح (ع) از قومش ، برای رعایت تقوای الهی و پرهیز از گناه

إذ قال لهم أخوهم نوح ألاتتّقون . .. فاتّقوا اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۹ - ۱

۱ - تصریح نوح (ع) به نداشتن کمترین چشمداشت مادی از مردم ، در قبال رسالت خویش

و ما أسئلکم علیه من أجر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۱ - ۱،۲،۴،۸

۱ - امتناع قوم نوح از ایمان آوردن به وی ، به بهانه وجود گروهی محروم ، بی اعتبار و فاقد پایگاه اجتماعی

اقتصادی در کنار او

قالوا أنؤمن لک و اتبعک الأرذلون

<أرذلون> جمع <أرذل> است و آن تفضیل <رذل> (حقیر، پست و فرومایه) می باشد. بنابراین <أرذلون>; یعنی، پست ترین فرومایگان و فرومایه ترین مردمان. گفتنی است که اشراف قوم نوح، این نسبت ناروا را از آن جهت به پیروان آن حضرت می دادند که آنان از طبقات محروم جامعه بودند و از اعتبارات اجتماعی و اقتصادی بهره ای نداشتند.

۲ - نخستین مؤمنان به نوح (ع) ، محرومان جامعه بودند .

و اتبعک الأرذلون

۴ - اشراف قوم نوح ، در جبهه مخالف او

قالوا أنؤمن لک و اتبعک الأرذلون

۸ - تحقیر شدید پیروان نوح از سوی اشراف کافر

قالوا . .. و اتبعک الأرذلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۴ - ۱،۲

۱ - پاسخ منفی نوح (ع) به درخواست اشراف مبنی بر طرد محرومان از پیرامون خویش

أنؤمن لک و اتبعک الأرذلون . .. و ما أنا بطارد المؤمنین

۲ - اعلام قطعی نوح (ع) به طرد نکردن مؤمنان از اطراف خویش در هیچ شرایطی

و ما أنا بطارد المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۵ - ۴

۴ - تبلیغ تعالیم دینی از سوی حضرت نوح (ع) ، به گونه ای روشن و قابل فهم برای همگان بود .

إن أنا إلّا نذیر مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۶ - ۱،۴

۱ - تهدید جدی نوح (ع) از سوی اشراف و رفاه طلبان قومش ، مبنی بر

سنگسار شدن در صورت دست برنداشتن از تبلیغ

قالوا لئن لم تنته ینوح لتکوننّ من المرجومین

۴ - احساس خطر اشراف و زمامداران قوم نوح از گسترش دعوت وی

قالوا لئن لم تنته ینوح لتکوننّ من المرجومین

تهدید سران قوم نوح به سخت ترین مجازات همچون رجم، نشانگر نگرانی شدید آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۷ - ۱،۲

۱ - شِکوه نوح (ع) به درگاه خدا ، از لجاجت و تکذیب گری قومش نسبت به او

قال ربّ إنّ قومی کذّبون

۲ - نوح (ع) ، نگران تکذیب ارزش ها و تعالیم الهی از سوی مردم بود ; نه نگران تهدید خود او از سوی آنان .

قال ربّ إنّ قومی کذّبون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که شکوه نوح(ع) به درگاه خدا در پی تهدیدهای سخت مخالفان، از تکذیب گری آنان بود نه از تهدیدهای آنها.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۸ - ۲،۳،۴،۵

۲ - دعای نوح به درگاه خدا ، برای نجات خود و مؤمنان همراهش از شرّ قوم کفرپیشه خویش

ربّ إنّ قومی کذّبون . .. نجّنی و من معی من المؤمنین

متعلق <نجّنی> حذف شده است و تقدیر آن <نجّنی و. .. من شرّهم> می باشد.

۳ - ناامیدی شدید نوح (ع) از گرایش کافران قومش به ایمان و رنج عمیق وی از کفرورزی آنان

و نجّنی و من معی من المؤمنین

از این که نوح(ع) از پیشگاه خدا خواستار فیصله یافتن نزاع میان او و قومش شده است، نشان می دهد که او دیگر

هیچ گونه امیدی به گرویدن قومش به خود نداشته است.

۴ - شِکوه نوح (ع) به درگاه خدا از ستم قوم خویش ، پس از اتمام حجت و به بن بست رسیدن همه راه های تبلیغی بود .

إن أنا إلاّ نذیر مبین . .. إنّ قومی کذّبون ... فافتح بینی و بینهم فتحًا و نجّنی

۵ - نوح (ع) ، خواستار نزول عذاب بر کافران و نجات خود و مؤمنان از آن عذاب

فافتح بینی . .. و نجّنی و من معی من المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۹ - ۱،۵

۱ - استجابت دعای نوح (ع) از سوی خداوند ، درباره عذاب قوم کافر او و نجات همراهان مؤمنش

و نجّنی و من معی . .. فأنجینه و من معه

۵ - کشتی نوح ، انباشته از امکانات ضروری و مورد نیاز سرنشینان آن

فی الفلک المشحون

<شَحْن> (مصدر مجهول <مشحون>) به معنای پُر گردانیده شدن است. بنابراین <فلک مشحون>; یعنی، کشتی پر شده. گفتنی است که متعلق <مشحون> حذف شده و تقدیر آن چنین است: <فی الفلک المشحون بما یفتقر إلیه.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۰ - ۱،۳،۴

۱ - غرق شدن و هلاکت قوم نوح ، پس از نجات وی و همراهانش

ثمّ أغرقنا بعد الباقین

<إغراق> (مصدر <أغرقنا>) به معنای غرق کردن است. مضاف الیه <بعد> حذف شده و تقدیر آن چنین است: <بعد نجات نوح و من معه>. <ألباقین> جمع همراه با<ال> جنس و مفید استغراق می باشد.

۳ - غرق شدن قوم نوح ، با

سیلی عظیم و بنیان برافکن

ثمّ أغرقنا بعد الباقین

با توجه به این که در آیات، سخن از وجود دریا نیست، روشن می شود که غرق شدن کافران به وسیله سیل بوده است.

۴ - تکذیب نوح (ع) از سوی قوم وی ، موجب هلاکت آنان شد .

قال ربّ إنّ قومی کذّبون . .. ثمّ أغرقنا بعد الباقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۱ - ۲

۲ - ماجرای میان نوح (ع) و قومش ، نمودی از سنت مستمر الهی در یاری حق و سرکوبی باطل

إنّ فی ذلک لأیه

آیه و عبرت آموز بودن، مستلزم امکان تحقق دوباره و استمرار یافتن چیزی است که باید از آن درس عبرت گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۴ - ۶،۸،۱۳

۶ - قوم نوح ، به دنبال قبول نکردن رسالت نوح (ع) دچار سیلی عظیم و بنیان کن شدند و به هلاکت رسیدند .

و لقد أرسلنا نوحًاإلی قومه . .. فأخذهم الطوفان

<طوفان> هر حادثه ای را می گویند که انسان را احاطه کند. این واژه در <آب فراوان (سیل)> متعارف شده است (مفردات راغب).

۸ - گرفتار شدن قوم نوح به سیلی عظیم و در نتیجه به هلاکت رسیدن ، پیامد مداومت آنان به شرک و قبول نکردن دعوت نوح بود .

و لقد أرسلنا نوحًا إلی قومه . .. فأخذهم الطوفان و هم ظلمون

به قرینه مقام، مراد از ظلمی که به قوم نوح نسبت داده شده است، ممکن است ظلم اصطلاحی نباشد و بلکه شرک و مداومت بر آن باشد.

- < عن أبی عبدالله (ع) قال : < عاش نوح ألفی سنه و ثلاث مائه سنه . منها ثمانمائه و خمسین سنه ، قبل أن یبعث و ألف سنه إلاّ خمسین عاماً و هو فی قومه یدعوهم و خمس مائه عام بعد ما نزل من السفینه . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده که نوح(ع)، دو هزار و سیصد سال عمر کرد. که هشتصد و پنجاه سال آن، پیش از بعثت او بود و نهصدوپنجاه سال، دورانی بود که در میان قوم خود مشغول دعوت آنها بود و پانصد سال نیز، بعد از آنکه از کشتی پیاده شد، (زندگانی کرد)... .>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۵ - ۱،۲،۵

۱ - خداوند ، نوح (ع) و اصحاب کشتی او را ، از غرق شدن در طوفان ، نجات داد .

فأخذهم الطوفان . .. فأنجینه و أصحب السفینه

۲ - نوح (ع) و جمعی از مردم مؤمن به وی ، در واقعه طوفان ، بر کشتی سوار شدند .

فأخذهم الطوفان . .. فأنجینه و أصحب السفینه

۵ - مدت رسالت نهصدوپنجاه ساله نوح (ع) در میان قوم اش ، تنها ، مربوط به زمان قبل از طوفان است .

و لقد أرسلنا نوحًا إلی قومه فلبث فیهم . .. فأخذهم الطوفان ... فأنجینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۵ - ۳

۳ - نوح (ع) ، علیه قوم خود به درگاه الهی نفرین کرده ، یاری طلبید .

و لقد نادینا نوح

فلنعم المجیبون

آیه بعد در پاسخ به ندای نوح(ع)، مسأله نجات آن حضرت و خاندانش را از عذاب الهی مطرح می کند. از این مطلب به دست می آید که آنچه آن حضرت از خدا خواسته است، نفرینی بود علیه قوم خود. آیه ۲۶ سوره <مؤمنون> (قال ربّ انصرنی بما کذّبون) مؤید همین برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۶ - ۱،۲،۳،۵،۹

۱ - نوح (ع) و خاندانش ، به عنایت خداوند از اندوه بزرگ نجات یافتند .

و نجّینه و أهله من الکرب العظیم

۲ - نوح (ع) و خاندانش ، به لطف الهی از عذاب طوفان نجات یافتند .

و نجّینه و أهله من الکرب العظیم

مقصود از <اندوه بزرگ> یا طوفان است و یا اذیت و آزار مردم کافر. برداشت یاد شده مبتنی بر دیدگاه نخست است.

۳ - نوح (ع) و خاندانش به وسیله قوم خود ، گرفتار غم بزرگ و مشکلات اندوه بار شدند .

و نجّینه و أهله من الکرب العظیم

۵ - نوح (ع) ، نجات خود و خاندانش را از دست ستم و اذیت و آزار قوم خود ، از خداوند خواستار شده بود .

و لقد نادینا نوح . .. و نجّینه و أهله من الکرب العظیم

۹ - نجات نوح (ع) و خاندانش از غمی بزرگ ، از نعمت ها و الطاف الهی به آن حضرت

و لقد نادینا نوح . .. و نجّینه و أهله من الکرب العظیم

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه، در مقام برشمردن نعمت های اعطا شده به حضرت

نوح(ع) و امتنان بر ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۹ - ۱۱

۱۱ - طرد شدن نوح پیامبر (ع) ، از سوی قومش ، با دشنام و اتهام

و قالوا مجنون و ازدجر

برداشت یاد شده بر این احتمال است که <و ازدجر> به معنای <و ازدجره قومه> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۰ - ۲،۵،۶

۲ - یأس و ناامیدی نوح (ع) از هدایت پذیری قوم حق ستیز خویش

فدعا ربّه أنّی مغلوب فانتصر

از تعبیر <مغلوب>، استفاده می شود که نوح(ع) خود را در موضعی یافت که دیگر تنها چاره را در انتقام الهی از قوم حق ستیزش می دید.

۵ - غلبه همه جانبه قوم نوح بر آن حضرت و بستن تمامی راه های امید بر روی ایشان

أنّی مغلوب

۶ - نوح (ع) ، خواهان انتقام الهی از قوم حق ستیز خویش

أنّی مغلوب فانتصر

مفسران <فانتصر> را به معنای <فانتقم> دانسته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۱ - ۱

۱ - اجابت دعای نوح (ع) به درگاه خداوند ، برای انتقام از قوم حق ستیز خویش

فدعا ربّه . .. ففتحنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۳ - ۳

۳ - نجات نوح (ع) از طوفان سهمگین عذاب ، به وسیله مشتی تخته و میخ ، نمودی از قدرت خداوند *

و حملنه علی ذات ألوح و دسر

<لوح> (مفرد <ألواح>) به معنای تخته و <دسار>

(مفرد <دسر>) به معنای میخ است. از این که خداوند، از کشتی نوح با عنوان <ذات ألواح و دسر> یاد کرده است (به جای <سفینه>)، استفاده می شود که مشتی تخته و میخ که به شکل ابتدایی کنار هم قرار گرفته اند در صورتی که خداوند بخواهد، وسیله نجات بندگان او از بحرانی ترین شرایط می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۴ - ۵

۵ - رسالت حضرت نوح (ع) ، مورد تکذیب و انکار مردم قرار گرفت .

جزاء لمن کان کفر

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که <کفر> در این آیه چنان که مفسران نیز گفته اند به معنای انکار باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۶ - ۱

۱ - تلاش مستمر نوح (ع) ، برای ایمان آوردن قومش ، حاصلی جز فرار و دوری آنان نداشت .

فلم یزدهم دعاءی إلاّ فرارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۷ - ۱،۲،۷

۱ - دعوت حضرت نوح (ع) ، در تمامی دفعات با مخالفت شدید قومش روبه رو می شد .

و إنّی کلّما دعوتهم لتغفر لهم جعلوا أصبعهم فی ءاذانهم و استغشوا ثیابهم

۲ - انگشت ها را در گوش ها نهادن و جامه ها را بر سر کشیدن ، واکنش معمول قوم نوح در برابر دعوت آن حضرت

و إنّی کلّما دعوتهم . .. جعلوا أصبعهم فی ءاذانهم و استغشوا ثیابهم

۷ - دعوت نوح (ع) ، با

استکبار و گردن فرازی شدید قومش روبه رو شد .

و استکبروا استکبارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۸ - ۱،۲

۱ - دعوت نوح (ع) از مردم ، برای ایمان آوردن با صدایی بلند و رسا

ثمّ إنّی دعوتهم جهارًا

<جهار> اسم مصـدر <جهر> است و چنانچه در مورد کلام و سـخن به کار رود، به معنای صـدا و آواز بلند و در غیر آن به معنای علنی و آشکار خواهد بود.

۲ - دعوت نوح (ع) در میان قومش ، در آغاز به صورت سرّی و بی سروصدا بود .

و إنّی کلّما دعوتهم . .. و استکبروا استکبارًا . ثمّ إنّی دعوتهم جهارًا

دعوت نوح(ع) با صـدای بلنـد و رسا، پس از دعوت ایشان و واکنش انکارآمیز و مسـتکبرانه قومش یاد شده است. از این نکته می توان استفاده کرد که دعوت قبلی، سرّی و بی سروصدا بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۹ - ۱،۲

۱ - نوح (ع) ، با استفاده از دو روش علنی و سخت پنهانی (خصوصی و عمومی) ، مردم را به ایمان فراخواند .

ثمّ إنّی أعلنت لهم و أسررت لهم إسرارًا

۲ - نوح (ع) ، برخی از مردم را به صورت مخفی و خصوصی و برخی را به شکل عمومی و علنی به ایمان فراخواند .

ثمّ إنّی أعلنت لهم و أسررت لهم إسرارًا

برداشت یاد شده، با توجه به این احتمال است که دعوت علنی و مخفی حضرت نوح(ع)، ممکن است در یک زمان و در

شرایط اجتماعی خاصّی انجام گرفته شده باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – نوح – ۷۱ – ۱۰ – ۲

۲ – نوح پیامبر ، مردم را به رغم مخالفت طولانی آنان ، به سوی توبه و بازگشت از راه باطل و روی آوری به خدای غفار تشویق و ترغیب می کرد .

فقلت استغفروا ربّکم إنّه کان غفّارًا

فراخواندن به استغفار، در حقیقت دعوت به توبه و بازگشت از راه باطل گذشته است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – نوح – ۷۱ – ۱۱ – ۱

۱ – وعده نوح (ع) به قوم خود ، مبنی بر ریزش باران فراوان و پی درپی بر آنان ، در صورت استغفار و ایمان آوردن آنان

فقلت استغفروا ربّکم . .. یرسل السماء علیکم مدرارًا

یکی از معانی <سماء>، باران است (صحاح) و در این آیه شریفه در همین معنا به کار رفته است. <مدراراً> به معنای ریزش فراوان و پی درپی است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – نوح – ۷۱ – ۱۲ – ۱

۱ – وعده نوح (ع) به قوم خود ، مبنی بر یاری شدنشان با اموال و فرزندان از سوی خداوند ، در صورت ایمان آوردن و استغفار آنان

استغفروا ربّکم . .. و یمددکم بأمول و بنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – نوح – ۷۱ – ۲۱ – ۲

۲ – شکوه حضرت نوح (ع) ، به درگاه الهی از نافرمانی قومش

قال نوح ربّ إنّهم عصونی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – نوح

- ۷۱ - ۲۲ - ۳

۳ - ثروتمندان و زورمداران حیله گر ، مخالفان اصلی دعوت نوح (ع)

و مکروا مکرًا کبّارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۴ - ۴

۴ - ناامیدی کامل نوح (ع) ، از نجات یافتن قومش از گمراهی و ستم پیشگی

و لاتزد الظلمین إلّا ضللًا

نفرین نوح(ع) علیه قومش، نشانه آن است که آن حضرت از هدایت یافتن آنان کاملًا مأیوس بود; زیرا اصولًا پیامبران الهی برای هدایت مردمان مبعوث شدند و نوح(ع) نیز سالیانی دراز; قومش را به هدایت دعوت کرد و چون آنان نپذیرفتند، علیه آنان نفرین فرمود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۶ - ۱،۲

۱ - درخواست نوح (ع) از درگاه پروردگار مبنی بر نابودی تمامی کافران و مشرکان حق ناپذیر عصر خود و قطع نسل آنان

و قال نوح ربّ لاتذر علی الأرض من الکفرین دیّارًا

واژه <دیّار>، همواره پس از نفی قرار می گیرد و شامل همه انسان ها می شود.

۲ - ناامیدی کامل نوح (ع) از ایمان آوردن قومش و نجات آنان از گمراهی شرک و بت پرستی

و قال نوح ربّ لاتذر علی الأرض من الکفرین دیّارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۷ - ۲،۸

۲ - حفظ دیانت بندگان خدا و صیانت آنان از گمراهی ، فلسفه نفرین و درخواست نوح (ع) از خداوند ، برای نابودی کامل قوم گمراه گر خود

لاتذر على الأرض من الكفرين ديّارًا . إنّك إن تذرهم يضلّوا

عبادک

۸ - نگرانی و احساس خطر نوح (ع) ، درباره به خطر افتادن ایمان مؤمنان و نسل های آینده جامعه ، از سوی کافران حق ناپذیر و گمراه گر قوم خود

إنّک إن تذرهم یضلّوا عبادک و لایلدوا إلاّ فاجرًا کفّارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۸ - ۱۳

۱۳ - درخواست نوح (ع) از درگاه الهی ، مبنی بر افزودن هلاکت و بدبختی ستمگران حق ناپذیر

و لاتزد الظلمین إلاّ تبارًا

<تبار>، به معنای هلاکت و نابودی است.

قصه نوح(ع) از آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۱ - ۲

۲ - سوار شدن فرزندان نوح (ع) و همراهان مؤمن او بر کشتی و نجات آنان از غرق شدن ، از آیات و نشانه های قدرت و تدبیر خداوند است .

و ءایه لهم أنّا حملنا ذرّیّتهم فی الفلک المشحون

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که ضمیر <لهم> و <ذرّیّتهم> به <عباد> بازگردد (البته به اعتبار این که عباد از بشر می باشند). و نیز مقصود از <فلک مشحون> کشتی حضرت نوح(ع) باشد که در آیه ۱۱۹ سوره <شعراء> به همین تعبیر آمده است (فأنجیناه و من معه فی الفلک المشحون). بر این اساس معنای آیه چنین می شود: <آیه لهم أنّا حملنا ذرّیات البشر فی سفینه نوح>.

قصه هابیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۷ - ۲،۴،۶،۱۲،۱۳،۱۴،۱۵،۱۹،۲۱،۲۴،۳۱،۳۲

۲ هر یک از هابیل و قابیل هدیه ای را به رسم تقرب به پیشگاه خداوند

تقدیم کردند .

اذ قربا قرباناً

<قربان> هر عمل نیکی است که با آن تقرب به خداوند قصد شود. (مجمع البیان)

۴ پیامبر (ص) موظف به نقل صحیح داستان قربانی هابیل و قابیل برای اهل کتاب

و اتل علیهم نبأ ابنی ءادم بالحق

با توجه به آیات پیشین که درباره اهل کتاب بود، معلوم می شود که مراد از ضمیر در <علیهم>، اهل کتاب هستند.

۶ ماجرای قربانی هابیل و قابیل ، ماجرایی واقعی ، نه افسانه و سمبلیک

و اتل علیهم نبأ ابنی ءادم بالحق

در برداشت فوق <بالحق> توصیف <نبأ> گرفته شده است. یعنی داستان فرزندان آدم، داستانی واقعی است.

۱۲ تصمیم قطعی قابیل بر کشتن برادرش هابیل پس از جریان قربانی

قال لاقتلنک

لام و نون تأکید نشانه تصمیم قطعی قابیل بر قتل است.

۱۳ قابیل ، برادرش هابیل را به قتل تهدید کرد .

قال لاقتلنک

۱۴ پذیرش قربانی هابیل و رد شدن قربانی قابیل ، عامل انگیزش قابیل به قتل برادرش هابیل

فتقبل من احدهما و لم یتقبل من الاخر قال لاقتلنک

۱۵ رد قربانی قابیل و پذیرش قربانی برادرش هابیل ، برانگیزنده احساس حسادت در وی نسبت به هابیل *

قال لاقتلنک

به نظر می رسد که پس از پذیرفته شدن قربانی هابیل، انگیزه ای برای تصمیم قابیل جز حسادت در کار نبوده و گویا روشنی این مسأله، موجب آن شده که در کلام به آن پرداخته نشود. برداشت فوق را فرمایش منقول از امام صادق(ع) تأیید می کند که فرمود: ... فقبل اللّه قربان هابیل فحسده قابیل فقتله ... .

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۱۲، ح ۸۳; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۱۰، ح ۱۲۵.

۱۹ هابیل پذیرفته نشدن

قربانی برادرش قابیل را معلول بی تقوایی او دانست .

و لم یتقبل من الاخر قال لاقتلنک قال انما یتقبل اللّه من المتقین

۲۱ مشروط بودن پذیرش اعمال نیک به تقوا ، پاسخ هابیل به اعتراض قابیل بر پذیرفته نشدن قربانی او

قال انما یتقبل اللّه من المتقین

۲۴ تقوای هابیل ، زمینه ساز پذیرفته شدن قربانی او از سوی خداوند

فتقبل من احدهما . .. قال انما یتقبل اللّه من المتقین

۳۱ فرمان حضرت آدم (ع) به هابیل و قابیل برای قربانی کردن به درگاه خدا

اذ قربا قرباناً

از امام باقر(ع) روایت شده: . .. ان آدم امر هابیل و قابیل ان یقربا قرباناً ... و هو قول اللّه عزوجل: <و اتل علیهم نبأ ابنی ءادم...>.

کافی، ج ۸، ص ۱۱۳، ح ۹۲; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۵۸، ح ۱.

۳۲ در گرفتن آتش و به کام خود فروبردن قربانی هابیل ، نشانه پذیرفته شدن آن از سوی خداوند

فتقبل من احدهما و لم یتقبل من الاخر

از امام باقر(ع) روایت شده: . .. فتقبل قربان هابیل و لم یتقبل قربان قابیل و هو قول اللّه عزوجل: <و اتل علیهم ...> و کان القربان اذا قبل تاکله النار ... .

کمال الدین، ص ۲۱۳، ح ۲، ب ۲۲; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۱۲، ح ۱۳۱.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۲۸ – ۱،۷

۱ تأکید هابیل بر دست نیازیدن به قتل برادر ، حتی در صورت اقدام قابیل برای کشتن او

لئن بسطت إلى يدك لتقتلنى ما إنّا بباسط يدى إليك لاقتلك

لام قسم در <لئن> و نيز <باء> زايده در <بباسط>،

دلالت بر تأکید دارد.

۷ ترس هابیل از خداوند ، مانع اقدام وی به قتل برادر

ما إنّا بباسط یدی إلیک لاقتلک انی اخاف اللّه رب العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۹ - ۱،۲،۳

۱ عزم هابیل بر آلوده نساختن دست خویش به خون برادر و گرفتار نیامدن به پیامد های آن

انی ارید . .. فتکون من اصحب النار

۲ تأکید هابیل بر پیشدستی نکردن در قتل برادر ، در عین حفظ حق دفاع از خویش در برابر تهاجم وی

انی ارید ان تبوا باثمی

چنانچه مراد از <اثمی>، گناهی باشد که از کشته شدن احتمالی قابیل به دست هابیل صورت گیرد، معلوم می شود هابیل خاطر نشان ساخته است که من اگرچه قصد کشتن تو را ندارم ولی از خود دفاع می کنم، هر چند به کشتن ناخواسته تو بینجامد.

۳ قابیل در دیدگاه و سخن هابیل ، در صورت اقدام به تهاجم ، مسؤول تمامی پیامد های سوء عملکرد هر کدام

انی ارید ان تبوا باثمی و اثمک

مراد از <اثمی>، به قرینه <اثمک>، گناهانی است که بر اثر درگیری آن دو به وجود می آید. زیرا به شهادت مقام، مراد از گناه قابیل، همان برادرکشی و مقدمات آن است. بنابراین مقصود هابیل این است که من تهاجمی را علیه تو آغاز نمی کنم و هرگز قصد کشتن تو را نخواهم کرد تا در درگیری احتمالی، تو مهاجم باشی و آغازگر و در نتیجه اگر تو تلف شدی و یامن کشته شدم در هر صورت گناه به گردن تو افتد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۰ - ۲۱، ۲۰، ۱۹، ۱۰، ۵، ۳، ۲، ۱

۱ درگیری و کشمکش درونی قابیل با هوای نفس خویش در مورد قتل هابیل

فطوعت له نفسه قتل اخیه

۲ وسوسه های نفسانی قابیل ، کشتن برادر را بر او هموار ساخت .

فطوعت له نفسه

<طوعت> از مصدر <تطویع> به معنای <تسهیل> و نیز <متابعت> است. برداشت فوق بر اساس معنای اول است.

۳ وسوسه های نفسانی قابیل ، وادار کننده وی به کشتن هابیل

فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله

۵ قابیل ، برادرش هابیل را پس از جریان قربانی به قتل رسانید .

اذ قربا قرباناً . .. فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله

۱۰ بی اعتنایی قابیل به هشدار ها و اندرز های برادرش هابیل

انی اخاف اللّه رب العلمین انی ارید . .. فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله

۱۹ قابیل ، کیفیت قتل برادرش هابیل را از ابلیس آموخت

فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله

از امام سجاد(ع) روایت شده که بعد از خواندن آیه فوق فرمود: فلم یدر کیف یقتله حتی جاء ابلیس فعلمه . .. .

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۶۵; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۱۶، ح ۱۴۰.

۲۰ کوه قاسیون در دمشق ، مکان کشته شدن هابیل توسط برادرش

فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله

از رسول خدا(ص) روایت شده: بدمشق. حبل یقال له قاسیون فیه قتل ابن آدم اخاه.

الدرالمنثور، ج ۳، ص ۶۱.

۲۱ قابیل ، به تحریک ابلیس برای آنکه نسلی از هابیل نماند تا بخاطر قبولی قربانی پدرشان برنسل قابیل افتخار کنند ، برادرش را کشت .

فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله

از امام باقر(ع) روایت شده که پس از قرائت آیه فوق

فرمود: . .. ثم ان ابلیس ... فقـال له: یـا قابیـل قـد تقبل قربان هابیل و لم یتقبل قربانک و انک ان ترکته یکون له عقب یفتخرون علی عقبک و یقولون نحن ابناء الذی تقبل قربانه فاقتله کیلا یکون له عقب یفتخرون علی عقبک فقتله ... .

کافی، ج ۸، ص ۱۱۳، ح ۹۲; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۵۸.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۱ - ۲۸،۲۵،۲۴،۲۳،۲۲،۱۶،۶،۵،۴،۳،۲،۱

۱ خداوند کلاغی را برای آموزش دفن هابیل به سوی قابیل گسیل داشت .

فبعث اللّه غراباً . .. لیریه کیف یوری سوءه اخیه

۲ کلاغ با کاوش در زمین و پنهان سازی چیزی در آن ، قابیل را به کیفیت دفن جثه هابیل رهنمون ساخت .

فبعث اللّه غراباً یبحث فی الارض لیریه کیف یوری سوءه اخیه

۳ قابیل ، ناآگاه از کیفیت دفن و پنهان سازی جثه هابیل

لیریه کیف یوری سوءه اخیه

۴ قابیل ، سرگردان و متحیر در برابر جسد بی جان برادرش هابیل

فبعث اللّه غراباً . .. لیریه کیف یوری سوءه اخیه

برداشت فوق را فرمایش منقول از امام صادق(ع) تأییـد می کند که فرمود: قتل قابیل هابیل و ترکه بالعراء لایدری ما یصنع به . ..

مجمع البیان، ج ۳، ص ۲۸۶; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۱۰، ح ۱۲۴.

۵ کلاغ گسیل داده شده برای تعلیم قابیل ، آگاه به تحیر و سرگردانی وی برای دفن هابیل

فبعث اللّه غراباً یبحث فی الارض لیریه کیف یوری سوءه اخیه

در برداشت فوق ضـمیر فاعلی در <لیریه> به <غراب> برگردانده شده است. یعنی کلاغ به انگیزه نشان دادن چگونگی دفن

به

قابیل در زمین کاوش می کرد و چیزی را در آن نهان می ساخت.

۶ فاصله زمانی اندک میان مرگ هابیل و گسیل کلاغی برای آموزش قابیل

فقتله . .. فبعث اللّه غراباً

عطف <بعث> بر <قتله> به وسیله <فاء>، بیانگر برداشت فوق است.

۱۶ قابیل ، برخوردار از امداد خداوند برای دفن جسد برادرش هابیل

فبعث اللّه غراباً یبحث فی الارض لیریه

برداشت فوق بر این مبناست که روانه ساختن کلاغ و تعلیم قابیل برای رفع سرگردانی وی صورت گرفته باشد.

۲۲ پیکر بیجان هابیل ، ناخوشایند برای قابیل

کیف یوری سوءه اخیه . .. فاوری سوءه اخی

از آن جهت جسد هابیل <سوءه> (شیء ناخوشایند) نامیده شده که مشاهده آن برای قابیل ناخوشایند بوده است.

۲۳ پشیمانی قابیل از تقصیر خویش در مورد خاکسپاری برادرش هابیل

اعجزت ان اکون . .. فاصبح من الندمین

ظاهر این است که جمله <فاصبح . ..> متفرع بر جمله <اعجزت> باشد. بنابراین پشیمانی قابیل برخاسته از دفن نکردن جثه برادر خواهد بود.

۲۴ قابیل ، پشیمان از قتل برادرش هابیل *

فاصبح من الندمین

بنابر اینکه <فاصبح . ..> متفرع باشد بر <فقتله> که در آیه قبل آمده است.

۲۵ قابیل ، پس از آگاهی به شیوه خاکسپاری ، ناتوان از دسترسی به جسد برادرش هابیل *

قال یویلتی اعجزت ان اکون مثل هذا الغراب . ..

تفریع ندامت قابیل بر ناتوانیش بر دفن برادر، می رساند که وی پس از آگاهی بر کیفیت دفن، دیگر نمی توانسته است جثه او را به خاک بسپارد. بنابراین جثه برادر را پس از کشتن سر به نیست کرده بود. ماضی آوردن فعل <اعجزت> این معنا را تأیید

می کند.

۲۸ حفر

زمین و دفن کلاغ کشته شده توسط کلاغ دیگر پس از زد و خورد میان آنها ، راهنمای قابیل در پنهان ساختن جسد برادرش به همان شیوه

فبعث اللّه غراباً یبحث فی الارض لیریه کیف یوری سوءه اخیه

از امام سجاد(ع) روایت شده: . .. فجاء غرابان فاقبلا یتضاربان حتی قتل احدهما صاحبه ثم حفر الذی بقی الارض بمخالبه و دفن فیها صاحبه ... .

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۶۶; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۵۹، ح ۴.

قصه هارون(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۲ - ۸،۹،۱۵،۱۷

۸ هارون ، برادر موسی و از پیروان وی

و قال موسی لأخیه هرون

۹ موسی (ع) ، برادرش هارون را به رهبری بنی اسرائیل تا پایان مناجاتش با خدا منصوب کرد .

و قال موسی لأخیه هرون اخلفنی فی قومی

۱۵ اصلاح امور جامعه بنی اسرائیل از دستورالعمل های موسی به برادر و خلیفه خود هارون

و أصلح

چون فرمان به اصلاح پس از انتخاب هارون به سرپرستی بنی اسرائیل آمده است، معلوم می شود مراد، اصلاح امور اجتماعی، فرهنگی و . .. بنی اسرائیل است، نه درستکاری هارون در امور شخصی خودش.

۱۷ پرهیز از پیروی از نظریات و روش های مفسدان ، وظیفه ای تعیین شده از سوی موسی برای خلیفه اش هارون

و لا تتبع سبیل المفسدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۰ - ۲۶،۲۲،۲۰،۱۹،۱۸،۱۷،۱۴

۱۴ هارون با تحریک عواطف موسی (ع) در صدد تسکین غضب او و مطمئن ساختنش بر انجام وظایف و مسؤولیت های

خویش در برابر منحرفان بنی اسرائیل برآمد .

قال ابن أم إن القوم استضعفونی و کادوا یقتلوننی

به نظر می رسد هارون با انتخاب <ای فرزند مادرم> در خطاب به موسی، در صدد تحریک عواطف وی به سوی خود بوده است.

۱۷ هارون در غیاب موسی (ع) با شرکورزی و گوساله پرستی بنی اسرائیل به مبارزه پرداخته بود .

قال ابن أم إن القوم استضعفونی و کادوا یقتلوننی

۱۸ هارون ، مقهور گوساله پرستان بنی اسرائیل و ناتوان از بازداری ایشان

إن القوم استضعفونی

<استضعاف> به معنای غلبه کردن و مقهور ساختن است.

۱۹ گوساله پرستان بنی اسرائیل مهیای کشتن هارون به خاطر مبارزه پی گیر وی با شرکورزی آنان

إن القوم استضعفونی و کادوا یقتلوننی

۲۰ هارون با بیان مبارزه خویش با گوساله پرستان و ناتوانیش از بازداری آنان ، در تلاش جهت اثبات بی گناهی خویش برای موسی (ع)

إن القوم استضعفونی و کادوا یقتلوننی

۲۲ هارون با بیان موضع خویش در برابر منحرفان بنی اسرائیل از موسی (ع) خواست تا با مؤاخذه وی دشمنان دین را شاد نسازد .

و کادوا یقتلوننی فلا تشمت بی الأعداء

<ال> در <الأعداء> برای جنس است و مراد از آن، به قرینه <القوم الظلمین>، دشمنان دین و توحید، یعنی همان گوساله پرستان، است. <اشمات> (مصدر <لا تشمت>) به معنای خشنود ساختن و <باء> در <بی> سببیه است. بنابراین <لا تشمت بی الأعداء> یعنی دشمنان دین را با مؤاخذه من شاد نکن.

۲۶ هارون با بیان مبارزه خویش علیه شرکورزی بنی اسرائیل ، از موسی (ع) خواست تا وی را همسنگ ستمکاران شرک پیشه قرار ندهد .

إن القوم

استضعفونی و کادوا یقتلوننی . .. و لاتجعلنی مع القوم الظلمین

روشن است که موسی(ع) هرگز گمان نمی کرد که هارون از ستمکاران باشد. بنابراین <مع> در جمله <لا تجعلنی مع> معیت حکمی است ; یعنی مرا در حکم ستمکاران قرار مده.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۱ - ۱،۵

۱ موسی (ع) پس از مشاجره خویش با هارون و پی بردن به ناتوانی او در برابر منحرفان ، رو به درگاه خدا آورد و به مناجات با او پرداخت .

قال رب اغفر لی و لأخی

۵ موسی (ع) در عین قانع شدن به بی تقصیری هارون در گرایش بنی اسرائیل به گوساله پرستی ، وی را کاملا دور از خطا ندانست . *

قال رب اغفر لی و لأخی

طلب مغفرت برای هارون می تواند گویای برداشت فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۹ - ۱۰

۱۰ موسی (ع) و برادرش (هارون) ، تحت فشار فرعون و اطرافیان او بودند .

قال موسی ربنا إنک ءاتیت فرعون و ملأه زینه و أمولا . .. لیضلوا عن سبیلک ... فاستق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳۲ - ۱

۱ - موسی (ع) از خداوند خواست ، هارون (ع) را در ابلاغ پیام الهی به فرعون ، شریک او گرداند .

هرون أخی . .. و أشرکه فی أمری

مقصود از شراکت مورد درخواست موسی(ع)، مشارکت هارون با او در ابلاغ پیام خداوند

به فرعونیان است، نه در دریافت وحی، زیرا موسی(ع) از تنهایی در آن هراسی نداشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۵ - ۱،۲،۳،۴،۵

۱ - موسی و هارون (ع) قبل از حرکت به طرف فرعون ، با یکدیگر ملاقات نموده و موانع احتمالی ارشاد او را بررسی کردند .

قالا ربّنا إنّنا نخاف

قسمت هایی از داستان موسی(ع) از قبیل بازگشت او از نزد خانواده اش و پیداکردن راه مصر و ملاقات با برادرش هارون(ع) به این جهت که در ماجرای برخورد با فرعون، چندان دخیل نبوده، دراین آیات ذکر نشده است. این احتمال نیز وجود دارد که آیه ۴۲ (اذهب أنت و أخوك) به بعد، سخنان خداوند به موسی و هارون(ع)، پس از ملاقات آن دو باشد.

۲ - موسی و هارون (ع) با مناجات به درگاه خداوند و برشمردن موانع احتمالی اقدام خود ، از خداوند راه چاره خواستند .

قالا ربّنا إنّنا نخاف أن يفرط علينا

۳ - موسی و هارون (ع) از پیشدستی فرعون و اقدام او به کیفر فوری آنان ، پیش از هرگونه فرصت اظهار معجزه و بیان حقیقت ، نگران بودند .

قالا ربّنا إنّنا نخاف أن يفرط علينا

<فَرَطَ>; یعنی، پیشی گرفت بدون آن که افراط یا تفریط کرده باشد (مفردات راغب). مراد موسی و هارون(ع)، احتمال دست زدن فرعون به کاری است که فرصت ابلاغ پیام الهی را از آنان بگیرد.

۴ - موسی و هارون (ع) ، از احتمال افزایش طغیان فرعون ، درپی ابلاغ دعوت الهی به او ، نگران بودند .

أو أن يطغى

خداوند در

سخن بـا موسـی(ع)، به طغیـان گری فرعون تصـریح کرده بود. بنابراین مراد موسـی و هارون(ع) از این سـخن، احتمال افزایش طغیان او است; به گونه ای که زمینه پذیرش دعوت را در او به کلی از میان ببرد.

۵ - نگرانی موسی و هارون (ع) از ناکامی در ابلاغ پیام خداوند به فرعون

إنّنا نخاف أن یفرط علینا أو أن یطغی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۶ - ۲،۳،۶،۷

۲ - خداونـد به موسـی و هـارون (ع) اطمینـان داد که فرعـون فرصت ابلاـغ پیـام رسـالت را از آنـان نگرفته و بر طغیـان خـود نخواهند افزود .

نخاف أن یفرط . .. قال لاتخافا

۳ - خداوند همراهی کامل خود با موسی و هارون (ع) و حمایت و حفاظت از آنان را طی رویارویی با فرعون ، اعلام کرد .

إنّنی معکما

خداونـد، همواره بـا همگـان هست و در همه جـا حضور دارد. آنچه که برای رفع نگرانی موسـی و هارون(ع) مورد تأییـد قرار گرفته، حضور ویژه خداوند است که حاکی از حمایت بی دریغ او از آنان است.

۶ - شنوایی و بینایی خداوند ، پشتوانه ای اطمینان بخش برای تضمین یاری موسی و هارون (ع) در برابر فرعون بود .

إنّنی معکما أسمع و أری

۷ - وعده یاری خداوند و آگاهی گسترده او بر جزئیات ماجرای ارشاد فرعون ، مایه امیدواری و آرامش بخش دل های نگران موسی و هارون (ع) بود .

إنّنا نخاف . .. لاتخافا إنّنی معکما أسمع و أری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه -

۲۰ - ۴۷ - ۱،۳،۵،۱۱،۱۳،۱۴

۱ - خداونـد ، موسـی و هـارون (ع) را به حضور بی باکانه و بی درنگ نزد فرعون و آگاه ساختن او از رسالت خویش فرمان داد .

لاتخافا . .. فأتیاه فقولا إنّا رسولا ربّک

<فأتیـاه> عطف بر <لاتخافا> و تفریع بر آن است. یعنی حال که امنیت و حفاظت شـما تأمین گردیـد بـدون ترس و نگرانی نزد فرعون بروید. <فاء> عاطفه برای تعقیب است و دلالت دارد که نباید بین دو کار فاصله غیر متعارفی وجود داشته باشد.

۳ - آزادی بنی اسرائیل و گسیل داشتن آنان با موسی و هارون (ع) ، نخستین خواسته آن دو از فرعون بود .

فقولا . .. فأرسل معنا بنی إسرءیل

۵ - موسی و هارون (ع) به فرمان خداوند ، وظیفه دار رهبری بنی اسرائیل پس از موافقت فرعون با خروج آنان

فأرسل معنا بنی إسرءیل

۱۱ - موسی و هارون (ع) ، از جانب خداوند مأمور بازداشتن فرعون از شکنجه بنی اسرائیل بودند .

إنّا رسولا ربّک . .. و لاتعذّبهم

۱۳ - خداوند ، به موسی و هارون (ع) فرمان داد تا داشتن معجزه برای اثبات رسالت خویش را به فرعون ابلاغ کنند .

قد جئنک بَایه

<آیه> اسم جنس و قابل اطلاق بر کم و زیاد است. بنابراین می توان بر معجزات متعدد نیز <آیه> اطلاق کرد.

۱۴ - توجه دادن فرعون به وابسـتگی امور زنـدگانی او به ربوبیت خداوند ، از جمله برنامه های دیدار موسـی و هارون (ع) با فرعون بود .

إنّا رسولا ربّک . .. بَایه من ربّک

تکرار <ربّک> در این آیه و در خطاب

به فرعون باتوجه به ادعای ربوبیت او برای متذکر ساختن وی به انحصار ربوبیت برای خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۸ - ۳

۳ - انذار فرعون از عذاب ، با لحنی ملایم و پس از تبشیر وی ، از وظایف موسی و هارون بود .

والسلم علی من . .. العذاب علی من کذّب

ظاهر کلام آن است که انذار فرعون پس از تبشیر او صورت گرفته باشد. به کار گرفتن صیغه های غایب در انذار، و نیز تصریح به وحی بودن آن همراه با تأکید، جملگی گواه نرمی گفتار موسی و هارون در سخن گفتن با فرعون است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۹ - ۱،۲،۳،۴،۵

۱ - موسی و هارون (ع) با ابلاغ پیام های وحی الهی به فرعون ، مأموریت خویش را به انجام رساندند .

فقولا له . .. قال فمن ربّکما

آیات گذشته، جملگی سخن خداوند با موسی و هارون(ع) بود; ولی از مواجهه آنان با فرعون و آنچه روی داده، در این آیات سخنی نیست. از پاسخ فرعون برمی آید که آنان پیام خویش را به وی رساندند و پاسخ او را دریافت کردند.

۲ - فرعون با گوش فرادادن به سخنان موسی و هارون (ع) ، اجازه داد آنان پیام الهی خویش را به او برسانند .

فقولا إنّا رسولا . .. قال فمن ربّکما

۳ - اظهار بی اطلاعی و تجاهل نسبت به پروردگار موسی و هارون ، عکس العمل فرعون در برابر سخنان آن دو

إنّا رسولا ربّک .

.. بَایه من ربّک ... قال فمن ربّکما

گرچه موسی و هارون(ع)، مبدأ پیام را با عنوان <ربّک> به فرعون معرفی کردند; ولی فرعون در مقام سؤال <ربّکما> به کار برده است تا ضمن انکار ربوبیت خداوند، نسبت به آن اظهار بی خبری نیز کرده باشد.

۴ - فرعون با اظهار بی اطلاعی از پروردگار موسی و هارون ، رکن اصلی پیام های آنان را زیر سؤال برد .

إنّا رسولا ربّک . .. أُوحی إلینا ... فمن ربّکما

۵ - با وجود مشارکت موسی و هارون (ع) در وحی و رسالت ، مسؤولیت آن با موسی (ع) بود .

قال فمن ربّکما یموسی

موسی و هارون(ع)، در کلیه مکالمات خود موظف بودند که پیام مشترک خویش را به فرعون ابلاغ کنند و از این رو کلیه ضمایر در آیات گذشته به صورت تثنیه و مشترک آمده است (اذهبا، قولا، لاتخافا، معکما، فقولا، رسولا، جئناک، إنّا، إلینا); ولی فرعون در مطرح کردن سؤال خود در عین مخاطب قرار دادن هر دو، پاسخ را از موسی(ع) طلب می کند (یا موسی). این قرینه ها نشان دهنده آن است که در عین اشتراک موسی و هارون(ع) در رسالت، رهبری با موسی(ع) بوده و فرعون به آن پی برده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۳ - ۳،۴،۵

۳ - تأکید بر ساحربودن موسی و هارون (ع) ، از جمله حرکت های تبلیغی فرعونیان بود .

قالوا إن هذن لسحرن

حرف <إن> مخفف از <إنّ> و ملغی از عمل است; ولی معنای تأکید را می رساند.

۴ - هارون ، همگام موسی (

ع) در مبارزه با فرعون و حاضر در صحنه مقابله موسی و ساحران

إن هذن لسحرن

۵ – متهم ساختن موسی و هارون (ع) به تلاش و برنامه ریزی برای بیرون راندن قبطیان از مصر به وسیله سِحر ، از جمله محور های تبلیغاتی فرعونیان علیه موسی (ع)

لسحرن یریدان أن یخرجاکم من أرضکم بسحرهما

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۷۱ – ۲۴

۲۴ – موسی و هارون (ع) ، مصون از گزند فرعون و بیرون از سلطه فرعونیان

إنّه لکبیرکم . .. فلأقطّعنّ أیدیکم ... أشدّ عذابًا و أبقی

تهدید ساحران به شکنجه و دار، به دلیل گرایش به موسی و هارون(ع) و سکوت از مجازات آن دو، نشانه میسر نبودن آن برای فرعون است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۹۰ – ۱۴،۱۵،۱۶،۱۷

۱۴ – هارون ، دارای حق ولایت و اطاعت بر بنی اسرائیل در زمان غیبت موسی (ع) بود .

و لقد قال لهم هرون . .. فاتّبعونی و أطیعوا أمری

فرمان هارون(ع) به پیروی و اطاعت مردم از او، حاکی از ثبوت حق ولایت و اطاعت او، بر عهده بنی اسرائیل است.

۱۵ – هارون در غیاب موسی (ع) ، بنی اسرائیل را به ترک تبعیت سامری ، و پیروی و اطاعت از خود فرا خواند .

لقد قال لهم هرون من قبل . .. فاتّبعونی و أطیعوا أمری

۱۶ – هارون (ع) ، در غیاب موسی (ع) ، وظیفه ارشاد ، هشدار ، امر به معروف و نهی از

منکر را به نحو وافی انجام داد .

و لقد قال لهم هرون من قبل یقوم . .. فاتّبعونی و أطیعوا أمری

۱۷ - هارون (ع) ، دارای برنامه ای مشخص برای مقابله با گوساله پرستی و احیای توحید در بنی اسرائیل بود .

أطیعوا أمری

دعوت هارون(ع) از بنی اسرائیل به اطاعت فرمان های او، پس از فرمان <اتّبعونی>، حاکی از آن است که وی برای بنی اسرائیل در صورت پیروی آنان از او، دستور العمل هایی را تدارک دیده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۱ - ۱

۱ - بنی اسرائیل از پذیرش فرمان های هارون و توبه از گوساله پرستی ، سرباز زدند .

فاتّبعونی و أطیعوا أمری . .. قالوا لن نبرح علیه عکفین

<لن نبرح>; یعنی، <لانزال> (پایدار می مانیم) و <عاکف> به کسی گفته می شود که به چیزی توجه کرده و خود را به تعظیم آن وادار سازد (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۲ - ۱،۳،۶

۱ - موسی (ع) ، پس از بازگشت از میقات ، هارون را در باره عکس العمل وی در مقابل گوساله پرستان بنی اسرائیل ، مورد بازخواست و توبیخ قرار داد .

یهرون ما منعک إذ رأیتهم ضلّوا

۳ - موسی (ع) ، برادرش هارون را در انحراف بنی اسرائیل و گرایش آنان به گوساله پرستی ، مقصر دانست .

قال یهرون ما منعک إذ رأیتهم ضلّوا

<ما منعک. ..> استفهام انکاری است و گویای اعتراض موسی(ع) به هارون است.

۶ - جلوگیری از انحراف و گمراهی بنی

اسرائیل ، از وظایف هارون در غیاب موسی (ع)

یهرون ما منعک إذ رأیتهم ضلّوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۳ - ۲،۳،۴

۲ - هارون در غیاب موسی (ع) ، وظیفه رهبری و هدایت بنی اسرائیل را به عهده داشت .

یهرون ما منعک . .. ألاّتتّبعن

۳ - موسی (ع) ، وظایف و مسؤولیت های هارون را در زمان غیبت خود ، برای وی معین کرده بود .

ما منعک . .. ألاّتتّبعن أفعصیت أمری

<لا> در <ألاّتتّبعن> برای تأکید نفی مستفاد از <منعک> است و در اصل مراد چنین بوده است: <ما منعک أن تتّبعن>. برخی گفته اند: <لا> زاید نیست; بلکه مراد این است که: <ما الذی صدّک و حملک علی ألاّتتّبعن>; یعنی، چه چیز تو را بازداشت و بر پیروی نکردن من وادار ساخت (مفردات راغب).

۴ - هارون (ع) ، متهم به مخالفت با فرمان های موسی (ع) با سکوت و بی تفاوتی در برابر انحراف بنی اسرائیل

ما منعک . .. أفعصیت أمری

<أفعصیت. ..> خطاب موسی(ع) به هارون(ع) است. ظاهر آیه چنین دلالت دارد که عصیان هارون از دستورات موسی(ع)، لااقل به عنوان اتهام از جانب موسی(ع) مطرح بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۴ - ۲،۳،۵،۸،۱۲،۱۳،۱۸،۲۰

۲ - موسی (ع) با گرفتن سر و ریش هارون ، او را در باره گوساله پرست شدن بنی اسرائیل در غیاب خود مورد بازخواست قرار داد .

یهرون ما منعک . .. لاتأخذ بلحیتی و لابرأسی

۳ - هارون (

ع) ، دارای مسؤولیت در قبال گمراه شدن بنی اسرائیل و گوساله پرستی آنان ، از دیدگاه موسی (ع)

یهرون ما منعک . .. لاتأخذ بلحیتی و لابرأسی

۵ - هارون (ع) با مشاهده غضب موسی (ع) ، سعی در فرونشاندن خشم آن حضرت و جلب محبت و تحریک عواطف او داشت .

قال یبنؤُمّ

مخاطب قرار دادن موسی(ع) با ندای <یابن أمِّ> گویای این نکته است که هارون(ع) سعی داشت با برانگیختن احساسات موسی، غضب او را فرونشانده و سپس توضیحات خود را بیان کند. در باره مفتوح بودن کلمه <أُمّ> توجیهاتی بیان شده است; از جمله این که اصل آن <یابن أمّاه> بوده و برای تخفیف چنین شده است.

۸ - هارون (ع) ، برای ادای توضیح در باره علل نحوه برخورد خود با گوساله پرستان ، از موسی (ع) تقاضای فرصت کرد .

لاتأخذ بلحیتی و لابرأسی إنّی خشیت

۱۲ - حفظ وحدت و یک پارچگی و جلوگیری از تفرقه ، عذر هارون (ع) جهت اقدام نکردن به صورت عملی علیه گوساله پرستان بنی اسرائیل

إنّی خشیت أن تقول فرّقت بین بنی إسرءیل

۱۳ - حفظ وحدت و یک پارچگی بنی اسرائیل ، از سفارش های موسی (ع) به هارون

فرّقت بین بنی إسرءیل و لم ترقب قولی

<ترقب> به معنای <تحفّظ> است و مفاد جمله <إنّی خشیت. ..> با توجه به عطف <لم ترقب> بر <فرّقت> این است که: <من نگران آن بودم که بگویی بنی اسرائیل را متفرق ساختی و گفته مرا حفظ و مراعات نکردی>. این گفته هارون(ع) دال بر آن است که

موسی(ع) پیش از رفتن به میقات، در مورد حفظ وحدت بنی اسرائیل، توصیه های لازم را به او کرده بود.

۱۸ - هارون (ع) ، در صدد اجرای دقیق فرمان های موسی (ع) و تخطی نکردن از معیار های او ، در طول مدت میقات موسی (ع) و غیبت او

إنّی خشیت أن تقول . .. و لم ترقب قولی

۲۰ - اتهام تفرقه افکنی ، اتهامی سخت و غیر قابل تحمل برای هارون بود .

إنّی خشیت أن تقول فرّقت بین بنی إسرءیل

ترس هارون(ع) از اتهام تفرقه افکنی، با توجه به واژه <خشیت> که خوفی همراه با بزرگ شماری است بر شدت ناگواری آن برای وی دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۵ - ۱

۱ - موسی (ع) ، پس از توبیخ بنی اسرائیل و برخورد شدید با هارون (ع) با مشاهده دخالت مستقیم سامری در گوساله پرستی بنی اسرائیل ، به بازخواست و محاکمه او پرداخت .

قال فما خطبک یسمریّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۶ - ۱،۶

۱ - مسؤولیت مشترک موسی و هارون ، در رسالت و مبارزه با فرعون و اشراف قوم او

ثمّ أرسلنا موسی و أخاه هرون . .. إلی فرعون و ملإیه

<ملأ> اسم جمع و به معنای اشراف و سران است. <إستکبار> (مصدر <استکبروا>)؛ یعنی، کبر ورزیدن و تکبر نمودن <علّو> (مصدر <عالین>) نیز به معنای برتری جویی و سلطه طلبی است.

۶ - موضع گیری مستکبرانه فرعون و اشراف دربار او ،

در برابر موسی و هارون (ع)

ثمّ أرسلنا موسی و أخاه هرون . .. إلی فرعون و ملإیه فاستکبروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵ - ۳،۴،۷

۳ - پذیرش درخواست موسی (ع) از سوی خدا در مورد همراهی هارون با وی

فأرسل إلی هرون . .. فاذهبا بایتنا

۴ - موسی و هارون (ع) ، مأمور حرکت به سوی فرعونیان با تکیه بر حمایت قاطع الهی

قال کلاّ فاذهبا بایتنا إنّا معکم

۷ - هارون ، شریک و همراه موسی (ع) در امر رسالت

فاذهبا بایتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶ - ۱،۱۰

۱ - فرمان الهی به موسی و هارون (ع) مبنی بر مواجهه مستقیم با فرعون و اعلام رسالت خویش به وی

فأتیا فرعون فقولا إنّا رسول ربّ العلمین

<اَتْی و إتیان> در این جا به معنای حاضر شدن و خود را رساندن است. بنابراین <فأتیا فرعون>; یعنی، خود را به فرعون برسانید و... .

۱۰ - طرح ربوبیت مطلق خداوند در برابر فرعون ، اولین گام مبارزه صریح موسی و هارون (ع) با وی

فأتیا فرعون فقولا إنّا رسول ربّ العلمین

تصریح موسی و هارون(ع) به این که عوالم جهان آفرینش تحت ربوبیت خدا است، می تواند اولین گام در مبارزه با فرعون و ردّ صریح ادعای وی باشد که می گفت: <أنا ربّکم الأعلی>. (۷۹/۲۴).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷ - ۱

۱ - رهانیدن بنی اسرائیل از سلطه و ستم فرعونی ،

در رأس اهداف موسی (ع) و هارون (ع) قرار داشت .

أن ائت القوم الظلمین . .. فأتیا فرعون فقولا... أن أرسل معنا بنی إسرءیل

مقصود از <إرسال> (فرستادن) در این جا آزاد کردن و رها ساختن بنی اسرائیل است. بنابراین از آیه یاد شده استفاده می شود که اساسی ترین مأموریت موسی(ع) این بود که بنی اسرائیل را از سرزمین فرعونیان خارج کند و آنان را از بند اسارت و بردگی مصریان آزاد سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۶ - ۵

۵ - تدبیر مشاوران فرعون ، مبنی بر اعزام اشخاصی به تمام شهر ها و گردآوری نیروی لازم جهت مبارزه با موسی (ع) و برادرش

قالوا . .. و ابعث فی المدائن حشرین

<المدائن> جمع محلّی به <ال> و مفید عموم است; یعنی، همه شهرها.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۵ - ۱،۳

۱ - موسی و هارون (علیهماالسلام) و قوم شان ، به عنایت خداوند از اندوه بزرگ نجات یافتند .

و نجّینهما و قومهما من الکرب العظیم

۳ - موسی و هارون (علیهماالسلام) و قوم شان ، گرفتار غم بزرگ و مشکلات اندوه بار از سوی فرعونیان

و نجّینهما و قومهما من الکرب العظیم

اندوهی که موسی و هارون(علیهماالسلام) و قوم شان به آن گرفتار بودند، ناشی از مسائل و مشکلات شخصی نبود; بلکه بر اثر تبلیغ رسالت شان در میان فرعونیان به وجود آمده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۶ -

۲ – غلبه و پیروزی موسی و هارون (علیهماالسلام) و قوم شان بر فرعونیان ، نتیجه نصرت الهی بود .

و نصرنهم فکانوا هم الغلبین

قصه های انبیا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۶۳ – ۳

۳ خداوند ، پیامبران بسیاری را پس از نوح (ع) مبعوث کرد و بدان ها وحی فرستاد .

کما أوحینا إلی نوح و النبین من بعده

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۶۴ – ۳،۴،۹

۳ خداوند ، تنها سرگذشت پاره ای از رسولان الهی را برای پیامبر (ص) بیان داشته است .

و رسلا قد قصصنهم علیک من قبل و رسلا لم نقصصهم علیک

۴ خداوند ، سرگذشت گروهی از پیامبران را در قرآن بیان نکرده است .

و رسلا لم نقصصهم علیک

۹ مخفی بودن رسالت گروهی از انبیا (بین آدم و نوح) ، دلیل ذکر نشدن نام آنان در قرآن

و رسلا لم نقصصهم علیک

امام باقر(ع): کان ما بین آدم و بین نوح من الانبیاء مستخفین و مستعلنین و لذلک خفی ذکرهم فی القرآن فلم یسموا کما سمی من استعلن من الانبیاء و هو قول اللّه <رسلا لم نقصصهم علیک>، یعنی لم اسم المستخفین کما سمیت السمتعلنین من الانبیاء.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۸۵، ح ۳۰۶; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۲۷، ح ۴.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۷۵ – ۳

۳ بعثت رسولانی متعدد قبل از حضرت مسیح (ع)

ما المسیح ابن مریم الا

رسول قد خلت من قبله الرسل

قصه های قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۴ - ۴

۴ خداوند ، سرگذشت گروهی از پیامبران را در قرآن بیان نکرده است .

و رسلا لم نقصصهم علیک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۱ - ۳

۳ قرآن حاوی فرازهایی از سرگذشت امت های نوح ، هود ، صالح ، لوط و شعیب (ع)

تلک القری نقص علیک من أنبائها

حرف <من> در <من أنبائها> برای تبعیض است و می رساند که خداوند بخشی از داستانهای امتهای پیشین را برای پیامبر گزارش کرده است. قابل ذکر است که از مصادیق مورد نظر برای مشارالیه <تلک القری>، به قرینه آیات گذشته، امت نوح و ... است.

قصه همسر ابو لهب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مسد - ۱۱۱ - ۴ - ۸

۸ - همسر ابولهب ، در حالی که خود هیمه آتش جهنم را بر دوش می کشد ، به دوزخ خواهد افتاد .

حمّاله الحطب

چنانچه <حمّاله الحطب> حال و هم زمان با <سیصلی> باشد; ناظر به حالت ام جمیل هنگام ورود به دوزخ خواهد بود.

قصه همسر فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ – تحریم – ۶۶ – ۱۱ – ۱۳،۱۱،۱۰،۹،۸،۷،۶،۴

۴ – بهشت و بودن در جوار لطف خداوند ، نهایت آرزو و آرمان معنوی همسر فرعون (آسیه)

إذ قالت ربّ ابن لی عندك بیتًا فی الجنّه

۶ – همسر فرعون ، در آرزوی شهادت به سر می برد .

إذ قالت ربّ

ابن لی عندک بیتًا فی الجنّه

با توجه به این حقیقت که آسیه، از سوی فرعون به شدت تحت شکنجه و آزار بود; می توان استنباط کرد که دعای او درباره بنا شدن خانه ای در بهشت، اشاره به نائل شدن وی به فیض بزرگ شهادت است.

۷ - درخواست همسر فرعون از خداوند ، به نجات خویش از شرّ فرعون

و نجّنی من فرعون

۸ - درخواست همسر فرعون از خداوند ، به رهایی خویش از رفتار و برخورد فرعون

و نجّنی من فرعون و عمله

۹ - فرعون ، شخصیتی منفور در نگاه همسرش آسیه و رفتار وی غیر قابل تحمل برای او

و نجّنی من فرعون و عمله

۱۰ - همسر فرعون ، از خداوند خواستار نجات خود از شرّ مردم ستمگر (قبطیان و کارگزاران فرعون)

و نجّنی من القوم الظلمین

۱۱ - همسر فرعون ، افزون بر آزار دیدن از او ، از سوی کارگزاران نظام وی نیز تحت آزار و شکنجه قرار داشت .

نجّنی من فرعون و عمله و نجّنی من القوم الظلمین

تکرار درخواست نجات (و نجّنی) درباره قوم ستمگر، می تواند بیانگر برداشت یاد شده باشد.

۱۳ - همسر فرعون ، از خداوند خواستار نابودی فرعون و حکومت ستم پیشه او

نجّنی من فرعون و عمله و نجّنی من القوم الظلمین

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که آسیه، نجات خود را با نابودی فرعون و حکومت وی از خداوند خواستار شده باشد.

قصه همسر لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۳

۳ - همسران نوح و لوط پیامبر ، تحت سرپرستی و حمایت آن دو پیامبر قرار

داشتند .

کانتا تحت عبدین من عبادنا

برداشت یاد شده، از تعبیر <تحت عبدین> استفاده شده است.

قصه همسر نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۳

۳ - همسران نوح و لوط پیامبر ، تحت سرپرستی و حمایت آن دو پیامبر قرار داشتند .

کانتا تحت عبدین من عبادنا

برداشت یاد شده، از تعبیر <تحت عبدین> استفاده شده است.

قصه همسران محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۳ - ۵،۷،۸،۹

۵ - بزرگواری پیامبر (ص) ، در برخورد با همسران خطاکار خویش

عرّف بعضه و أعرض عن بعض

از این که پیامبر(ص) تنها قسمتی از مطلب افشا شده را به همسر افشاگرش گفت نه همه آن را می توان برداشت بالا ـ را به دست آورد.

۷ - پرسش همسر پیامبر (ص) (حفصه) ، از آن حضرت درباره منبع اطلاع ایشان از افشا شدن رازش

فلمّا نبّأها به قالت من أنباک هذا

۸ - پیامبر (ص) ، در پاسخ به پرسش همسرش (حفصه) ، خدای دانا و آگاه را منبع آگاهی خویش از افشا شدن رازش معرفی کرد .

قال نبّأنی العلیم الخبیر

۹ - هیچ کس ، جز خداوند ، از افشا شدن راز پیامبر (ص) از سوی همسرش (حفصه) آگاه نبود .

قالت من أنباك هذا قال نبّأنی العلیم الخبیر

از این که پیامبر(ص) آگاهی خود را از ناحیه خداوند دانسته است، می توان به مطلب یاد شده پی برد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶

- ۴ - ۱،۲،۴،۹،۱۰،۱۱،۱۲،۱۵

۱ - توصیه خداوند به دو همسر خطاکار پیامبر (ص) (حفصه و عایشه) ، به توبه و دست برداشتن از خطاکاری

إن تتوبا إلى اللّه

جواب شرط <إن تتوبا إلى اللّه>، محذوف و تقدیر آن چنین است: <فهو خیر لکما>. این جمله در حقیقت، تشویق و توصیه به توبه و تکرار نکردن اشتباهات گذشته است.

۲ - گناه کاری همسران پیامبر (ص) (حفصه و عایشه) ، به خاطر افشای راز آن حضرت

إن تتوبا إلى اللّه

توصیه به توبه، نشانگر ارتکاب گناه است.

۴ - دو همسر پیامبر (ص) ، به خاطر افشاکردن راز آن حضرت ، به انحراف قلبی از مسیر حق دچار شده بودند .

فقد صغت قلوبکما

۹ - افشای سخنان محرمانه و راز پیامبر (ص) ، از سوی برخی از همسرانش ، نوعی توطئه و همدستی علیه آن حضرت بود .

و إن تظهرا علیه

مطلب یاد شده، از تعبیر <إن تظاهرا علیه> (اگر علیه پیامبر(ص) هم پشتی کنید)، استفاده می شود. گفتنی است <تظاهر> (مصدر <تظاهرا>) به معنای تعاون و هم پشتی است.

۱۰ - همسران خطاکار پیامبر (ص) (حفصه و عایشه) ، در معرض تکرار خطا و خیانت علیه آن حضرت بودند .

و إن تظهرا علیه

از تعبیر <إن تظاهرا علیه> (اگر علیه پیامبر هم پشتی کنید)، استفاده می شود که حفصه و عایشه، در معرض تکرار چنین خطاهایی بودند.

۱۱ - هشدار خداوند به همسران پیامبر ، نسبت به تکرار خطا ها و موضع گیری علیه ایشان

و إن تظهرا علیه فإنّ اللّه هو مولیه . .. و الملئکه بعد ذلک ظهیر

آیه شریفه

می فرماید: خداوند، جبرئیل و. .. در صورت اقدام همسران رسول اکرم، علیه ایشان، از آن حضرت پشتیبانی می کنند. بیان این مطلب در حقیقت، هشداری از جانب خداوند به آنان است.

۱۲ - افشای راز پیامبر (ص) از سوی برخی از همسرانش ، گناه و خطایی بزرگ بود .

فقد صغت قلوبکما و إن تظهرا علیه فإنّ اللّه هو مولیه . .. و الملئکه بعد ذلک ظهی

مطلب یاد شده، از آهنگ هشدارآمیز آیه شریفه نسبت به همسران رسول خدا و لحن حمایت گونه آن، به دست می آید.

۱۵ - پیامبر (ص) ، در برابر ضدیت و خیانت برخی از همسرانش ، مورد حمایت و پشتیبانی خداوند ، جبرائیل ، صالح مؤمنان (علی (ع)) و فرشتگان قرار داشت .

و إن تظهرا علیه فإنّ اللّه هو مولیه . .. و الملئکه بعد ذلک ظهیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۵ - ۲،۳

۲ - جایگزینی همسرانی شایسته تر برای پیامبر (ص) ، در صورت عزم آن حضرت به طلاق زنان خطاکار خویش

عسی ربّه إن طلّقکنّ أن یبدّله أزوجًا خیرًا منکنّ

۳ - وجود زنانی شایسته تر از همسران خطاکار پیامبر (ص) ، برای همسری آن حضرت

أن یبدّله أزوجًا خیرًا منکنّ

تهدید به جایگزینی زنان بهتر، نشان دهنده وجود چنین اشخاصی در جامعه آن زمان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۱۳

۱۳ - هشدار خداوند ، به دو همسر خطاکار پیامبر (حفصه و عایشه) ، درباره سرنوشت شوم

خیانت به پیامبر (ص) همچون سرنوشت همسران نوح و لوط

ضرب اللّه مثلاً للذین کفروا امرأت نوح . .. قیل ادخلا النار مع الدخلین

یادآوری خیانت همسران دو پیامبر پس از نقل ماجاری توطئه دو همسر پیامبراسلام می تواند هشداری به آنان باشد.

قصه هود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۵ - ۳،۴،۵،۶

۳ وجود رابطه خویشاندی و نسبی میان هود (ع) و قوم عاد

و إلی عاد أخاهم هوداً

تصریح به اینکه هود برادر قوم عاد بود، می تواند اشاره به این باشد که آن حضرت از خویشان قوم عاد بوده و نیز می تواند اشاره به این باشد که وی برای آنان، حتی پیش از نبوتش، انسانی دلسوز بوده و به آنان محبت داشته است. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

۴ هود ، پیامبری دلسوز و با محبت به مردم خویش (قوم عاد)

و إلی عاد أخاهم هوداً قال یقوم

۵ هود با برانگیختن عواطف قومی مردم ، دعوت خویش را آغاز کرد .

قال یقوم

۶ دعوت به پرستش خدای یکتا ، مهمترین و نخستین پیام هود برای قوم عاد

قال یقوم اعبدوا اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۶ - ۱،۲،۴

۱ گروهی از اشراف قوم هود به وی ایمان آوردند و گروهی دیگر با انکار رسالت او در برابرش جبهه گیری کردند .

قال الملأ الذین کفروا من قومه

۲ اشراف کفرپیشه قوم هود ، وی را به سفاهت و دروغگویی متهم کردند .

قال الملأ الذین کفروا . .. انا

لنریک فی سفاهه و إنا لنظنک من الکذبین

۴ تکذیب هود از سوی کافران قومش ، مبتنی بر حدس و گمان ، و نه علم و یقین *

إنا لنظنک من الکذبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۷ - ۱،۲،۳

۱ هود با پاسخی رأفت آمیز به قوم خود ، خویشتن را از هر گونه سفاهت و دروغگویی مبرا دانست .

قال یقوم لیس بی سفاهه و لکنی رسول من رب العلمین

۲ هود ، رسولی از جانب خدا

و لکنی رسول من رب العلمین

۳ هود با استناد به رسالت الهی خود ، خویشتن را از هر گونه سفاهت و کم خردی مبرا دانست .

قال یقوم لیس بی سفاهه و لکنی رسول من رب العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۸ - ۱،۴

۱ هود (ع) در پاسخ قوم عاد ، خویشتن را مبلّغ پیام های خداوند ، خیرخواه مردم و فردی امین و سزاوار اطمینان خواند .

أبلغکم رسلت ربی و أنا لکم ناصح أمین

۴ هود ، استواری خویش را در تبلیغ رسالت های الهی به مردم گوشزد کرد .

أبلغکم رسلت ربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۹ - ۳،۱۶

۳ ادعای پیامبری از سوی هود (ع) ، نشانه سفاهت وی در پندار قوم عاد

إنا لنريك فى سفاهه . .. أو عجبتم أن جاءكم ذكر من ربكم على رجل منكم

۱۶ هود (ع) به منظور ايجاد زمينه رستگارى در قوم خويش آنان را

به یادآوری دو نعمت بزرگ الهی (جانشینی قوم نوح ، برخورداری از نیرویی چشمگیر) فراخواند .

و اذکروا إذ جعلکم خلفاء من بعد قوم نوح . .. لعلکم تفلحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۰ - ۱،۷،۱۱

۱ هود با ابلاغ مأموریت خویش از جانب خداوند ، مردمش را به توحید ، عبادت خداوند و ترک پرستش معبودان دروغین فراخواند .

أجئتنا لنعبد اللّه وحده و نذر ما کان یعبد ءاباؤنا

۷ تقلید از نیاکان و حفظ سنت های پیشینیان ، از انگیزه های قوم عاد برای پرستش معبودان دروغین و رویارویی با دعوت هود

قالوا . .. و نذر ما کان یعبد ءاباؤنا

۱۱ قوم عاد با ناباوری به صداقت و راستگویی هود ، از وی خواستند تا تهدید های خویش را تحقق بخشد .

فأتنا بما تعدنا إن کنت من الصدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۱ - ۲،۱۰،۱۱،۱۷،۱۸

۲ هود (ع) در پاسخ ناباوری قوم عاد به اخطار های عذاب ، فراهم آمدن زمینه های عذاب (پلید گشتن و گرفتاری به غضب خدا) را به آنان ابلاغ کرد .

فأتنا بما تعدنا . .. قال قد وقع علیکم من ربکم رجس و غضب

۱۰ هود ، گرفتار جدال و کشمکش مدام قوم عاد درباره معبودان بی اساسشان

اتجدلوننی فی أسماء سمیتموها أنتم و ءاباؤکم

۱۱ هود با پرخاش به قوم خویش خواهان ترک بحث و جدال آنان با وی درباره معبودان دروغین شد .

اتجدلوننی فی أسماء سمیتموها أنتم و ءاباؤکم

۱۷ هود (ع

) ، قوم مشرک خویش را به نزول عذابی از جانب خداوند آگاه ساخت .

فانتظروا إنی معکم من المنتظرین

متعلق <انتظروا> به دلیل آیه بعد، عذاب الهی است.

۱۸ هود در انتظار نزول عذاب الهی بر قوم عاد ، پس از ابلاغ رسالت های الهی و اصرار آنان بر انکار توحید و رسالت وی

فانتظروا إنی معکم من المنتظرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۲ - ۲،۳

۲ گروهی از قوم هود رسالت وی را پذیرفتند و آیات الهی را تصدیق کردند و به یگانگی خداوند ایمان آوردند .

و الذین معه

۳ خداوند ، هود و مؤمنان به وی را از عذاب نازل شده بر قوم عاد ، نجات بخشید .

فأنجینه و الذین معه برحمه منا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۱ - ۵،۱۱

۵ هود (ع) ، به قومش اعلام کرد که پاداش رسالتش ، تنها برعهده خداوند است .

قال یقوم . .. إن أجری إلّا علی الذی فطرنی

۱۱ هود (ع) ، قومش را به اندیشه کردن و فهمیدن حقایق و معارف دین فراخواند .

أفلاتعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۲ - ۲،۲۰

۲ طلب بخشایش گناهان از خداوند ، حرکت به سوی او و استغفار از شرک ، از توصیه هاو پیام های هود (ع) به مردم

خویش

و یقوم استغفروا ربکم ثم توبوا إلیه

۲۰ هود (ع) از قوم عاد خواست تا از دعوتش (پذیرش توحید ، یکتاپرستی و ترک شرک و

استغفار از گناهان) اعراض نکنند و بر گناه خویش اصرار نورزند .

و لاتتولوا مجرمین

<تولّی> (مصدر لاتتولوا) به معنای اعراض کردن و نپذیرفتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۳ - ۶

۶ دعوت هود (ع) و سخنان او ، بی تأثیر در بازداری قومش از شرک و پرستش خدایان دروغین

و ما نحن بتارکی ءالهتنا عن قولک

<عن> در <عن قولک> برای تعلیل است. بنابراین معنای جمله <ما نحن ...> چنین می شود: سخن و ادعای تو ، باعث نخواهد شد که ما خدایان خویش را رها کنیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۴ - ۵،۶

۵ هود (ع) به مشرکان اعلان کرد که از معبودهایشان بیزار است و آنها را منشأ هیچ تأثیری نمی داند و شایسته پرستش نمی شمارد .

قال . .. اشهدوا أنی بریءٌ مما تشرکون

بیزاری و تنفر هود(ع) از بتها و معبودهای اهل شرک، به معنای منشأ أثر ندانستن آنها و شایسته عبادت نشمردنشان است. از اینکه هود(ع) در خطاب به مردم نگفت: <اشهدکم>، ولی در گواه خواهی از خداوند گفت: <أُشهد الله> معلوم می شود مراد از <واشهدوا>، مجرد اعلان است نه شاهد گرفتن مردم.

۶ هود (ع) ، خداوند را بر بی تأثیر دانستن معبود های اهل شرک و اعلان بیزاری از آنان ، گواه گرفت .

قال إنی أُشهد الله واشهدوا أنی بریءٌ مما تشرکون

اشهاد (مصدر اشهد) به معنای گواه گرفتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۵۵ – ۲،۳،۴

۲

هود (ع) ، همه مشرکان قوم عاد و خدایان آنان را ، به توطئه و مبارزه علیه خویش فرا خواند .

فکیدونی جمیعًا

چون در آیه قبل ، سخن از مشرکان و نیز بتهای آنان بود ، مقصود از <جمیعاً> تمامی مشرکان و همه بتهاست.

۳ هود (ع) ، به مشرکان قومش اعلام کرد که در پی توطئه ها و مکرهایشان ، به او مهلت نداده و او را از میان بردارند .

فکیدونی جمیعًا ثم لاتنظرون

<انظار> به معنای مهلت دادن است و <لاتنظرون> (مرا مهلت ندهید) کنایه از <نابودم سازید> ، می باشد.

۴ آشکار شدن عجز بت ها و تأثیر نداشتن آنها در امور آدمیان و نیز روشن شدن ناتوانی قوم عاد در برابر خواست خداوند ، هدف هود (ع) از فراخوانی مردم ، به مبارزه و توطئه علیه خویش

فکیدونی جمیعًا ثم لاتنظرون

<کیدوا> فعل امر از مصدر <کِیْد> (مکر کردن) است. امر در جمله فوق به تناسب مورد امر تعجیزی است; یعنی ، درخواستی است برای نشان دادن عجز و ناتوانی مخاطب از انجام کار.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۸ - ۵،۱۰

۵ خداوند ، هود (ع) و پیروانش را ، از عذاب نازل شده بر قوم عاد نجات داد .

و لما جاء أمرنا نجّینا هودًا والذین ءامنوا معه

۱۰ خداوند ، هود (ع) و پیروان او را ، از گرفتار شدن به عذاب آخرت نجات داد .

و نجّینهم من عذاب غلیظ

بر این اساس که مقصود از <عذاب غلیظ> عذاب اخروی باشد ، ماضی آوردن فعل <نجّینا> اشاره

به این نکته دارد که: مؤمنان به هود(ع) پس از نزول عذاب استیصال بر قوم عاد ، همچنان به ایمان خویش پایبند بودند و مستحق عذاب اخروی نشدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۸ - ۱

۱ - فرستاده الهی پس از نوح ، متهم به دروغ گویی از سوی اشراف و عناصر مرفه قومش

و قال الملأ من قومه . .. إن هو إلاّ رجل افتری ... و ما نحن له بمؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۹ - ۱،۲،۴،۵،۶

۱ - التجای پیامبرِ پس از نوح به درگاه پروردگار ، پس از ناامیدی از تأثیر تبلیغاتش در مردم

قال ربّ انصرنی بما کذّبون

ظرف <قال> محذوف است; یعنی، <قال بعد ما ایس من إیمانهم>. <باء> در <بما کذّبون> سببیه و <ما> مصدریه (موصول حرفی) است. بنابراین <بما کذّبون> به تأویل <بتکذیبهم إیّای> می باشد.

۲ - فرستاده الهی پس از نوح خواستاری یاری خدا در برابر تکذیب گری های قومش بود .

قال ربّ انصرنی بما کذّبون

۴ - التجای فرستادهء الهی پس از نوح به درگاه پروردگار ، برای نزول عذاب استیصال

قال ربّ انصرنی بما کذّبون

<باء> در<بماکذّبون> می تواند برای آلیت باشد. در این صورت <ما> اسم موصول و به معنای <الذی> بوده و عاید آن محذوف است; یعنی، <ربّ انصرنی بالذی کذّبونی به> (پرودگارا! مرا با همان چیزی که[دروغش پنداشتند و] تکذیبم کردند، یاری فرما).

۵ - هشدار قبلی مردم به عذاب استیصال ، از سوی پیامبرِ پس از نوح

قال ربّ انصرنی بما کذّبون

۶ - مردمِ جامعه پس از نوح ،

هشدار عذاب را جدی نگرفتند و فرستاده الهی را به دروغ گویی متهم کردند .

قال ربّ انصرنی بما کذّبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۰ - ۱

۱ - استجابت دعای (نصرت خواهی) پیامبرِ پس از نوح از سوی خداوند

قال ربّ انصرنی . .. قال عمّا قلیل لیصبحنّ ندمین

<عن> در <عمّا قلیل> به معنای <بَعد> و <ما> نکره موصوفه و کنایه از <زمان> می باشد. <قلیل> نیز صفت <ما> است; یعنی، <بعد زمان قلیل>. <عمّا قلیل> متعلق به <یصبحنّ> و <إصباح> (مصدر یصبحنّ) به معنای صیرورت و شدن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۳ - ۱

۱ - تکذیب رسالت هود (ع) ، از سوی قوم عاد

کذّبت عاد المرسلین

گفتنی است که <عاد> اسم جد اعلای قوم هود است. بنابراین تمسیه آن قوم به عاد، از باب تسمیه یک قبیله به نام نیای آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۴ - ۶

۶ - عادیان ، مورد سرزنش هود (ع) به خاطر بی تقوایی و گنه پیشگی

إذ قال لهم أخوهم هود ألاتتّقون

استفهام در جمله <ألا تتّقون> می تواند برای توبیخ و سرزنش باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۲۵ – ۲،۵

۲ – دعوت هود (ع) از قومش مبنی بر پذیرفتن رسالت وی ، اعتماد کردن به او و جدی گرفتن هشدارهایش

ألاتتّقون . إنّی لکم رسول أمین

واژه <أمین> می تواند از ریشه <أمْن> و

به معنای <مأمون>; (فرد مورد اعتماد) باشد. در این صورت آوردن قید <أمین> دعوتی است از جانب هود(ع) به قومش که به او اعتماد کنند (به سخنانش گوش فرا دهند و هشدارهایش را جدی بگیرند).

۵ - تصریح هود (ع) بر خیرخواهی خود و تضمین منافع عادیان در پرتو رسالت خویش

إنّی لکم رسول أمین

برداشت یاد شده با توجه به قید <لکم> با لام انتقاع استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۶ - ۱،۲

۱ - دعوت مجدد هود (ع) از عادیان ، برای رعایت تقوای الهی و پرهیز از گناه

إذ قال لهم أخوهم هود ألاتتّقون . .. فاتّقوا اللّه

۲ - هود (ع) ، خواهان اطاعت قومش از او ، به دلیل آشکار بودن صداقت وامانت داری وی

إنّی لکم رسول أمین . فاتّقوا اللّه و أطیعون

تفریع <اتقوا اللّه وأطیعون> بر <إنّی لکم رسول أمین> مفید مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۷ - ۱

۱ - تصریح هود (ع) به نداشتن کمترین چشمداشت مادی از مردم ، در قبال رسالت خویش

و ما أسئلکم علیه من أجر . .. إلاّ علی ربّ العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۸ - ۳

۳ - سرزنش عادیان توسط هود (ع) به خاطر ساختن بناهایی بی فایده و بازیگرانه

أتبنون بکلّ ریع ءایه تعبثون

استفهام در <أتنبون> برای توبیخ و سرزنش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۱۳

شعراء - ۲۶ - ۱۲۹ - ۴

۴ - سرزنش عادیان از سوی هود (ع) ، به خاطر احداث قصر ها و روحیه کاخ نشینی آنان

و تتّخذون مصانع لعلّکم تخلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۱ - ۱

۱ - دعوت مجدّد هود (ع) از قوم عاد ، برای اطاعت از وی ، رعایت تقوای الهی و پرهیز از بیهودگی ، غرور و خشونت

أتبنون . .. تعبثون ... بطشتم جبّارین . فاتّقوا اللّه و أطیعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۵ - ۱،۲

۱ - تأکید هود (ع) بر بیمناک بودن درباره سرنوشت قومش ، به خاطر بی تقوایی و ناسپاسی آنان

فاتّقوا اللّه . .. الذی أمدّکم ... إنّی أخاف علیکم عذاب یوم عظیم

۲ - اقدام هود (ع) به انذار دادن قوم عاد به عذاب قیامت

إنّی أخاف علیکم عذاب یوم عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۶ - ۱،۴

۱ - بی تأثیر خوانده شدن موعظه ها و اندرز های هود از سوی قوم عاد

قالوا سواء علینا أَوَعظت أم لم تکن من الوعظین

۴ - تلاش قوم عاد ، به ایجاد یأس و ناامیدی در حضرت هود (ع) نسبت به دستیابی او به اهداف رسالتش

قالوا سواء علینا أَوَعظت أم لم تکن من الوعظین

یادآوری قوم عاد به حضرت هود(ع) مبنی بر مؤثر نبودن موعظه هایش، می تواند به منظور ایجاد یأس در آن حضرت و نیز

بازداشتن ایشان از تلاش برای ادامه رسالت و

تبلیغ خود باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۷ - ۳،۶

۳ - تهمت ارتجاع و واپس گرایی به هود (ع) از سوی قوم عاد

إن هذا إلّا خلق الأوّلین

۶ - تکیه و پافشاری قوم عاد بر سنت های نیاکانشان ، عامل رویارویی آنان با هود (ع) و رد کردن نصایح وی

إن هذا إلّا خلق الأوّلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۹ - ۲

۲ - ناباوری قوم عاد نسبت به هشدار های هود (ع) ، ریشه تکذیب رسالت آن حضرت

و ما نحن بمعذّبین فکذّبوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۱ - ۹،۱۷

۹- سرگذشت هود و انذار های او به قوم خود ، نمونه ای از سرگذشت رسولان الهی و تلاش آنان برای هدایت مردم در طول تاریخ

و قد خلت النذر من بین یدیه و من خلفه

می توان گفت: تعبیر <قد خلت . .. و من خلفه> در آیه شریفه، به صورت جمله معترضه آمده، تا بیانگر این معنا باشد که یادکرد سرگذشت هود به مثابه یادکرد دیگر پیامبران است; زیرا آنان در هدف مشترک بوده اند و سرگذشت هود به عنوان نمونه یاد شده است.

۱۷- اظهار نگرانی و هشدار هود (ع) ، نسبت به فرجام شوم قوم خویش و نزول عذاب الهی بر آنان

و اذکر أخا عاد . .. إنّی أخاف علیکم عذاب یوم عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۲ - ۲

-۲

قوم عاد ، متهم کننده هود (ع) ، به دروغ پردازی برای جداسازی آنان از خدایانشان

قالوا أجئتنا لتأفکنا عن ءالهتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۳ - ۱

۱- اظهار بی اطلاعی هود (ع) ، از کیفیت و زمان نزول عذاب الهی بر کافران قومش

فأتنا . .. قال إنّما العلم عند اللّه

قصه هود(ع) از آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۹ - ۵

۵ - سرگذشت هود (ع) و قوم عاد ، آیتی بزرگ و عبرت آموز برای دیگران

فکذّبوه فأهلکنهم إنّ فی ذلک لأیه

واژه <ذلک> اشاره دارد به: نصیحت های هود(ع) و هشدارهای وی به عادیان، تأثیر ناپذیری آنان، تکذیب رسالت او و سرانجام هلاکت آنان به اراده خداوند. گفتنی است که کلمه <آیه> در اصل، به معنای نشانه است و در این جا معنایی معادل <عبره> دارد و نکره آمدن آن برای تفخیم و بیانگر وجود مایه های بزرگ عبرت در داستان هود و عادیان است.

قصه یأجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۴ - ۶،۱۲

۶- میانه دو کوه مرتفع و سدآسا ، تنها راه نفوذ و حمله یأجوج و مأجوج (مغول و تاتار) علیه همسایگان خود بود .

فهل نجعل لک خرجًا علی أن تجعل بیننا و بینهم سدًّا

۱۲- < عن أمیرالمؤمنین (ع) : إنّ ذاالقرنین . . . وجد . . . قوماً لایکادون یفقهون قولاً قالوا : یا ذاالقرنین ! إنّ یأجوج و مأجوج خلف

هـذين الجبلين و هم يفسـدون فى الأرض إذا كـان إبّان زروعنـا و ثمارنـا خرجوا علينا من هـذين السـدّين ، فرعوا من ثمارنا و زروعنا حتّى لايبقون من ها شيئاً < فهل نجعل لك خرجاً > نؤديه إليك فى كلّ عام < على أن تجعل بيننا و بينهم سدًّا > ;

از اميرالمؤمنين(ع) روايت شده:. .. همانا ذوالقرنين، قومى را يافت كه فهم هيچ سـخنى براى آنان آسان نبود. آنان به او گفتند: اى ذوالقرنين! همانـا، يأجوج و مأجوج، پشت اين دو كوه انـد و آنان در زمين فساد مى كننـد. زمانى كه فصل برداشت زراعت هـاى ما و چيـدن ميوه هايمان فرامى رسـد، آنان، از پشت اين دو سـدّ (دو كوه) به ما حملهور شـده و از ميوه هاى ما و زراعت هاى ما آن قـدر مى چراننـد كه هيـچ چيز از را باقى نمى گذارنـد. آيا براى تو هزينه اى قرار دهيم كه هر ساله به تو بپردازيم تا بين ما و آنان سدّى برقرار سازى؟>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۹۷ - ۲

۲- يأجوج و مأجوج ، از صعود بر بالاى سد ذوالقرنين و نيز ايجاد رخنه و نقب در آن ، ناتوان بودند .

فما اسطعوا أن يظهروه و مااستطعوا له نقبًا

<ظهور> به معناى <علو> و بالا رفتن است <فما اسطاعوا أن يظهروه> يعنى: <اقوام مهاجم، نتوانستند از آن بالا روند. >. <نقب> به معناى <سوراخ و تونل> است و <ما استطاعوا له نقباً> يعنى: <نتوانستند كه در ديوار سد، تونل و يا معبر ايجاد كنند.>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱

- انبیاء - ۲۱ - ۹۶ - ۳

۳- تمامی راه های فتوحات به روی یأجوج و مأجوج در آینده باز خواهد شد و آنان از هر قلّه ، ارتفاع و بلندی های زمین با سرعت خواهند گذشت .

حتّی إذا فتحت یأجوج و مأجوج و هم من کلّ حدب ینسلون

<حدب> به معنای جاهای مرتفع و بلند زمین است و <نسل> (ماده <ینسلون>) در اصل به معنای جدا شدن از شیء است و هرگاه این ماده در باره رونده به کار رود، به معنای حرکت سریع خواهد بود. پس <ینسلون>; یعنی، به سرعت می روند و می تازند.

قصه یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۸ - ۱،۳،۷

۱ سرگذشت حضرت زکریا ، مریم ، یحیی و عیسی (ع) و پیروان آن حضرت ، آیات الهی و پند های حکیمانه

ذلک نتلوه علیک من الایات و الذّکر الحکیم

<ذلک>، اشاره به سرگذشت کسانی است که در آیات پیشین مطرح شده است.

۳ بیان سرگذشت حضرت مریم ، زکریا ، یحیی و عیسی (ع) ، از معجزات و نشانه های صدق پیامبر اکرم (ص)

ذلک نتلوه علیک من الایات

بنابراینکه منظور از <الایات>، با توجه به معنای لغوی آن (علامتها)، نشانه های صداقت پیامبر اکرم (ص) باشد.

۷ داستان حضرت عیسی ، زکریّا ، مریم و یحیی ، سراسر حکمت و مایه تذکّر است .

ذلک نتلوه علیک من الایات و الذّکر الحکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۰ - ۱

۱ سرگذشت زکریا ، عیسی ،

مریم ، یحیی و بیان خلقت آدم در قرآن ، حق و از جانب پروردگار است .

الحق من ربّک

کلمه <الحق>، خبر است برای مبتدای محذوف که <هو> است و مراد از آن، سرگذشت مریم و پیامبرانی است که در آیات سابق بیان شد.

قصه یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۲ - ۱،۳

۱ - ابراهیم و یعقوب (ع) هر یک دارای پسرانی چند بودند .

و وصی بها إبرهیم بنیه و یعقوب یبنی

۳ - یعقوب (ع) ، پسرانش را به پیروی از آیین ابراهیم (تسلیم شدن در برابر خدا) سفارش کرد .

و وصی بها إبرهیم بنیه و یعقوب

<یعقوب> عطف بر <إبراهیم> است; یعنی: <وصی بها یعقوب بنیه>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۳ - ۲،۳،۴،۶،۷

۲ - یعقوب ، دارای پسرانی چند

إذ قال لبنیه

برداشت فوق، از جمع آوردن کلمه <بنیه> استفاده شده است.

۳ - پسران یعقوب (ع) در زمان حیات او ، انسانهایی موحد و پرستشگر خدای یکتا بودند .

إذ قال لبنیه ما تعبدون من بعدی

برداشت فوق از قید <من بعدی> استفاده شده است.

۴ - یعقوب (ع) ، نگران باور های دینی فرزندانش پس از مرگ خویش و نبودنش در میان آنان

إذ قال لبنيه ما تعبدون من بعدی

۶ - یعقوب (ع) در آستانه مرگ ، فرزندانش را به ملازمت توحید دعوت نمود و به یکتا پرستی وصیت کرد .

إذ قال لبنيه ما تعبدون من بعدی

۷ - فرزندان یعقوب ، او را بر ملازمت به پرستش خدای بی

همتا و تسليم بودن در برابرش مطمئن ساختند .

قالوا نعبد . .. إلهاً وحداً

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۸ – يوسف – ۱۲ – ۱۳ – ۱،۲،۳،۴،۵

۱ يعقوب (ع) با فرستادن يوسف (ع) به همراه فرزندانش ، موافق نبود و از آن اعتذار مى جست .

قال إنى ليحزننى أن تذهبوا به

۲ حزن و اندوه در فراق يوسف (ع) ، از اعتذار هاى يعقوب (ع) براى امتناع از فرستادن او به همراه برادرانش

ما لك لاتأمنّا . .. قال إنى ليحزننى أن تذهبوا به

۳ يعقوب (ع) به فرزندش يوسف (ع) بسيار علاقه مند بود و از فراق او آزرده خاطر و محزون مى شد .

قال إنى ليحزننى أن تذهبوا به

۴ يعقوب (ع) على رغم اعتماد نداشتن به فرزندانش درباره يوسف (ع) ، از ابراز آن خوددارى كرد .

قال إنى ليحزننى أن تذهبوا به و أخاف أن يأكله الذئب

۵ ترسيدن بر جان يوسف (ع) از حمله گرگها ، از دلايل مخالفت يعقوب (ع) با فرستادن يوسف به همراه فرزندانش

قال إنى . .. أخاف أن يأكله الذئب

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۸ – يوسف – ۱۲ – ۱۸ – ۱۱،۱۲

۱۱ تصميم يعقوب (ع) بر مسكوت گذاشتن پرونده خيانت فرزندانش درباره يوسف (ع) و پى گيرى نكردن آن

بل سوّلت لكم . .. والله المستعان على ما تصفون

۱۲ يعقوب (ع) مصمم بر شكيبا بودن در فراق يوسف (ع) و بردبارى كردن بر رفتار ناهنجار فرزندانش

فصبر

جمیل

متعلق صبر ، به قرینه جمله های قبل ، فراق یوسف(ع) و نیز عملکرد ناصواب و صحنه سازیهای دروغین فرزندانش می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۱ - ۵

۵ برادران یوسف ، با او عهد کردند که بنیامین را در نوبت بعد به حضور وی بیاورند .

سنرود عنه أباه و إنا لفعلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۶ - ۱،۲،۳،۵،۶،۱۴

۱ یعقوب (ع) سرانجام با مسافرت بنیامین به مصر همراه دیگر فرزندانش ، موافقت نمود .

قال لن أُرسله معکم حتی تؤتون موثقًا

۲ یعقوب (ع) روانه ساختن بنیامین به سفر مصر را ، منوط به آن دانست که فرزندانش وثیقه ای الهی بسپارند (با خدا پیمان ببندند و به نام او سوگند یاد کنند) .

لن أُرسله معکم حتی تؤتون موثقًا من الله

<موثق> به معنای عهد و پیمان است که به دلیل <لام> قسم در <لتأتنّنی> عهد و پیمانی است همراه با سوگند. <من الله> بیانگر این است که باید سوگند به نام خدا و پیمان و عهد با او باشد. آوردن سوگند و پیمان (حتی تؤتون موثقًا) ; یعنی، سوگند یاد کردن و پیمان بستن.

۳ یعقوب در توصیه بر حفاظت از بنیامین به فرزندانش تأکید کرد که هیچ عذری جز مغلوب شدن و ناتوان گشتن را از آنان نخواهد پذیرفت .

حتی تؤتون موثقًا من الله لتأتنّنی به إلاّ أن یحاط بکم

۵ یعقوب (ع) از فرزندانش انتظار نداشت با به خطر انداختن خویش در حفظ بنیامین و باز$ گرداندن او تلاش

کنند .

إلّا أن یحاط بکم

احاطه که ظاهراً مصدر <یحاط> است به معنای گرفتن پیرامون چیزی از همه جوانب آن است و در آیه شریفه کنایه از مغلوب شدن و بسته شدن همه راهها و چاره هاست.

۶ یعقوب (ع) از فرزندانش خواست صورت ناتوانی و عذر را ، در سوگندشان بر محافظت از بنیامین و باز گرداندن او استثنا کنند .

لتأتنّنی به إلّا أن یحاط بکم

ظاهر این است که عبارت <إلّا أن یحاط بکم> استثنا از قسم که مفاد <لتأتنّنی به> است می باشد. بر این اساس یعقوب(ع) به فرزندانش توصیه کرد که در اجرای صیغه سوگند مورد عذر و ناتوانی را استثنا کنند و چنین بگویند: <والله لنأتینک به إلّا أن یحاط بنا> (به خدا سوگند بنیامین را به تو باز می گردانیم مگر مغلوب شویم و همه راهها و چاره ها بر ما بسته شود).

۱۴ یعقوب (ع) خداوند را وکیل خویش بر میثاق و تعهد فرزندان قرار داد .

قال الله علی ما نقول وکیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۷ - ۱،۴،۵،۶،۷

۱ یعقوب (ع) در آستانه سفر فرزندانش به مصر ، آنان را با معارفی الهی آشنا ساخت و حقایقی از توحید را به آنان تذکر و تعلیم داد .

قال یبنیّ لاتدخلوا . .. و علیه فلیتوکل المتوکلون

۴ یعقوب (ع) در سفر دوم فرزندانش به مصر ، حادثه ای را در کمین آنان احساس می کرد و نگران پیشامدی ناگوار برای آنان بود .

لاتدخلوا من باب وحد . .. ما أُغنی عنکم من الله من

شیء

۵ یعقوب (ع) منشأ خطر برای فرزندانش را در آستانه ورودشان به مصر می پنداشت .

لاتدخلوا من باب وحد . .. ما أُغنی عنکم من الله من شیء

۶ یعقوب (ع) حادثه ای ناگوار را برای بنیامین در سفرش به مصر احساس کرده بود .

لاتدخلوا من باب وحد . .. ما أُغنی عنکم من الله من شیء

از اینکه یعقوب(ع) نه در سفر اول و نه در سفر سوم فرزندان خویش (اذهبوا فتحسسوا من یوسف و أخیه در آیه ۸۷) که بنیامین همراه آنان نبود نگرانی خاصی را ابراز نکرد و سفارش ویژه ای نداشت، معلوم می شود در این سفر، خطری را برای بنیامین احساس کرده بود.

۷ یعقوب (ع) در آستانه سفر دوم فرزندانش به مصر ، به آنان توصیه کرد برای ورود به آن دیار ، دروازه های متعددی را برگزینند و از یک دروازه وارد نشوند .

یبنیّ لاتدخلوا من باب وحد وادخلوا من أبوب متفرقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۸ - ۱۰

۱۰ یعقوب (ع) آنچه وظیفه او برای تأمین سلامت فرزندانش بوده ، به کار بست .

إلّا حاجه فی نفس یعقوب قضیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۱۱،۱۲،۱۴

۱۱ یعقوب (ع) به زنده بودن یوسف (ع) ، بنیامین و لاوی ، اطمینان داشت .

عسی الله أن یأتینی بهم جمیعًا

مراد از ضمیر جمع در <بهم> یوسف(ع) ، بنیامین و لاوی است.

۱۲ یعقوب (ع) به مراجعت سه فرزندش ، یوسف

(ع) ، بنیامین و لاوی و ملاقات با آنان امیدوار بود .

عسی الله أن یأتینی بهم جمیعًا

۱۴ یعقوب (ع) ، صبورانه از پی گیری ماجرای اتهام سرقت بنیامین چشم پوشید و به امداد های الهی دل بست .

فصبر جمیل عسی الله أن یأتینی بهم جمیعًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۴ - ۱،۲،۵،۶،۷،۱۲،۱۳

۱ یعقوب (ع) پس از شنیدن خبر بازداشت بنیامین و مقصر دانستن فرزندانش ، بر آنان خشم گرفت و از ایشان روی برتافت .

و تولی عنهم

<تولی> به معنای روی گردانی است. روی گردانی یعقوب(ع) از فرزنـدانش به قرینه <فهو کظیم> از سـر خشم و غضب بر آنان بوده است.

۲ ماجرای بنیامین ، خاطره یوسف (ع) را برای یعقوب (ع) تجدید کرد و موجب اظهار تأسف شدید او بر فراق یوسف (ع) شد .

و قال یأسفی علی یوسف

حرف <الف> در آخر <اسفی> منقلب از یای متکلم است. بنابراین <یأسفی> ، یعنی ای دریغ من.

۵ حزن و اندوه شدید یعقوب (ع) در فراق یوسف (ع) ، موجب نابینایی هر دو چشم او شد .

وابیضت عیناه من الحزن

<ابیضاض> مصدر باب افعلال از ماده <بیض> و به معنای سفید شدن است و سفید شدن چشم کنایه از نابینا گشتن است.

۶ افول بینایی یعقوب (ع) ، در زمان کهنسالی او و مصادف با دوران بازداشت بنیامین بوده است .

عسی الله أن یأتینی بهم جمیعًا . .. وابیضت عیناه من الحزن

۷ گریه فراوان یعقوب (ع) در فراق یوسف (ع

(*

وابيضت عيناه من الحزن

حرف <من> در <من الحزن> تعليليه است و حاكى از اين است كه حزن عامل نابينايى يعقوب(ع) بود ; ولى از آن جا كه اثر بارز حزن در چشمان يعقوب(ع) ظاهر گشت نه در ديگر حواس او، معلوم مى شود كه اندوه يعقوب(ع) مايه گريستن فراوان او گشته و گريه فراوانش چشمان او را بى فروغ ساخته بود.

۱۲ يعقوب (ع) بر اثر فراق يوسف (ع) ، درونى آكنده از غم و دلى لبريز از اندوه داشت .

وابيضت عيناه من الحزن فهو كظيم

(كظيم) به معناى اسم مفعول مكظوم به كسى گفته مى شود كه لبريز از غم و غصه و يا آكنده از خشم و غضب باشد.

۱۳ يعقوب (ع) بر عملكرد فرزندانش درباره يوسف (ع) و بنيامين خشمگين بود و همواره خشم خود را فرو مى برد و از ابراز آن خوددارى مى كرد .

و تولّى عنهم . .. فهو كظيم

<كظيم> مى تواند به معناى اسم فاعل كاظم باشد ; يعنى ، كسى كه غم و اندوه يا خشم و غضب خويش را فرو مى برد و از ابراز آن خوددارى مى كند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۸۵ - ۱،۳،۴

۱ يعقوب (ع) ، همواره به ياد فرزندش يوسف (ع) و دردمند فراق او بود .

قالوا تالله تفتؤا تذكر يوسف

<تفتؤا> از افعال ناقصه و به تقدير <لا> ى نافيه است. بنابراين <تفتؤا تذكر يوسف> ; يعنى ، پيوسته يوسف(ع) را ياد مى كنى.

۳ فرزندان يعقوب ، نگران وضعيت رو به وخامت

پدر خویش و ناراحت از قرار گرفتنش در معرض بیماری و هلاکت

قالوا تالله تفتؤا تذکر یوسف حتی تکون حرضًا أو تکون من الهلکین

۴ فرزندان یعقوب او را به خاطر اندوه جانکاهش در فراق یوسف (ع) ملامت کردند .

قالوا تالله تفتؤا تذکر یوسف

لحن و سیاق جمله <قالوا تالله . ..> گویای ملامت یعقوب(ع) و درخواست به فراموشی سپردن یوسف(ع) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۶ - ۱،۲،۳،۹،۱۰

۱ یعقوب (ع) در فراق یوسف (ع) گرفتار غم و اندوهی فراوان و طاقت فرسا بود .

قال إنما أشکوا بثّی و حزنی إلی الله

<بثّ> در لغت به معنای حزن شدید است. گویا شدّت آن باعث می شود که دارنده اش نتواند آن را تحمل کند. از این رو برای دیگران بازگو کرده و منتشرش می سازد.

۲ یعقوب (ع) از غم و اندوه جانکاهش در فراق یوسف (ع) ، تنها به خداوند شکایت می کرد .

قال إنما أشکوا بثّی و حزنی إلی الله

شکایت چیزی را نزد شخصی بردن ; یعنی، خبر دادن و گلایه کردن به آن شخص از بدرفتاری آن چیز. بنابراین <إنما أشکوا بثّی و حزنی إلی الله> ; یعنی، فقط به خداوند خبر می دهم که حزن و اندوه با من چه کرده و از آنها فقط به خداوند گلایه می کنم و از او دادخواهی می نمایم.

۳ یعقوب (ع) هرگز از غم و اندوهش به غیر خدا (فرزندان و اطرافیانش) شکایت و گلایه نکرد .

قال إنما أشکوا بثّی و حزنی إلی الله

۹ یعقوب

(ع) برخلاف فرزندان و اطرافيانش به زنده بودن يوسف (ع) اطمينان داشت .

و أعلم من الله ما لاتعلمون

<من الله> مى توانـد به معناى <از ناحيه خدا> باشد و نيز مى تواند به معناى <درباره خدا> باشد. بر اساس معناى اول مراد از <ما لاتعلمون> به مناسبت مورد، زنده بودن يوسف ، ديدار او و ... است.

۱۰ يعقوب (ع) به ديدار يوسف (ع) و سرآمدن فراقش مطمئن بود .

و أعلم من الله ما لاتعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۸۷ - ۲،۳،۴

۲ يعقوب (ع) به فرزندانش دستور داد براى يافتن يوسف (ع) و بنيامين حركت كنند و به جست و جوى آنها بپردازند .

يبنىّ اذهبوا فتحسسوا من يوسف و أخيه

<تحسس> (مصدر تحسسوا) به معناى طلب كردن و جست و جو نمودن است.

۳ يعقوب (ع) گرفتـار شـدن به فراق بنيـامين را نشـانه پايان يافتن انـدوه هاى خويش دانست و به يافتن يوسف (ع) و بنيامين اميدوار شد .

يبنىّ اذهبوا فتحسسوا من يوسف و أخيه و لاتاْيئسوا من روح الله

از آن جا كه يعقوب(ع) پس از داسـتان بنيامين، جستوجو از يوسف را مطرح مى سازد و فرزندانش را مأمور تفحص از وى مى كنـد، چنين برمى آيـد كه وى قضـيه بنيامين را نشانه اى به نزول فرج الهى دانسـته و به يافتن يوسف(ع) اميدوار شده بود. اقدام نكردن وى براى يـافتن يوسف پيش از داسـتان بنيـامين، دليـل اين حقيقت است و اين معنـا توجيه كننـده برنـامه يوسف(ع) در بازداشت بنيامين مى باشد.

۴ يعقوب

(ع) از فرزندانش خواست برای یافتن یوسف (ع) و بنیامین تلاشی پی گیر داشته و از یافتن آنها هرگز مأیوس نشوند .

و لاتاْیئسوا من روح الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۴ - ۲،۳،۴،۸،۹،۱۰

۲ یعقوب (ع) از فاصله ای دور (از کنعان تا مصر) بوی یوسف (ع) را از پیراهن او استشمام کرد .

و لما فصلت العیر قال أبوهم إنی لأجد ریح یوسف

جمله <قال أبوهم . ..> جواب شرط <لما فصلت ...> است و از این رو می رساند که شنیدن بوی یوسف(ع) با بودن پیراهن همراه قافله مرتبط بوده است. و از آن جا که آن قافله هنوز در نزدیکی مصر بود، معلوم می شود یعقوب(ع) از فاصله ای بسیار دور بوی یوسف(ع) را از پیراهنش احساس کرد.

۳ یعقوب (ع) هم زمان با حرکت فرزندانش از مصر ، یافته خویش (شنیدن بوی یوسف) را برای اطرافیانش ابراز کرد .

و لما فصلت العیر قال أبوهم إنی لأجد ریح یوسف

۴ شامّه معجزه آسای یعقوب (ع) و کرامت او در شنیدن بوی یوسف (ع) از راه بسیار دور

و لما فصلت العیر قال أبوهم إنی لأجد ریح یوسف

۸ سست شدن عقل و خرد بر اثر پیری و کهنسالی ، اتهام خانواده یعقوب به آن حضرت

لولا أن تفنّدون

<فَنَد> به معنای فساد عقل بر اثر پیری است و <تفنید> (مصدر تفنّدون) ; یعنی ، کسی را به خاطر پیری و فرتوتی سست اندیشه شمردن (کشاف).

۹ بی ادبی و جسارت بستگان یعقوب در برخورد

با او

لولا أن تفنّدون

۱۰ ترور شخصیت یعقوب (ع) از ناحیه بستگان و اطرافیانش

لولا أن تفنّدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۵ - ۱،۲،۳،۴،۵

۱ بستگان یعقوب باور به زنده بودن یوسف (ع) را خطای دیرینه یعقوب (ع) و اصرار بر آن را برخاسته از کژاندیشی می شمردند .

إنک لفی ضللک القدیم

مقصود فرزندان و بستگان یعقوب از خطای دیرینه وی (ضلالک القدیم) می تواند اعتقاد او به زنده بودن یوسف(ع) و یا برتر دانستن وی بر دیگر فرزندان باشد. هر چند بعید نیست که هر دو معنا نیز مراد باشد.

۲ بستگان یعقوب با سوگند ، وی را به کژروی و ارتکاب خطا در برتر دانستن یوسف (ع) و محبّت بیش از حد به وی متهم کردند .

إنک لفی ضللک القدیم

۳ یعقوب (ع) در طول فراق یوسف (ع) همواره به زنده بودن او اعتقاد داشت و آن را برای اطرافیانش اظهار می کرد .

قال أبوهم إنی لأجد ریح یوسف . .. قالوا تالله إنک لفی ضللک القدیم

۴ بستگان یعقوب او را در خبر استشمام بوی یوسف (ع) تکذیب کرده و این احساس را ناشی از کژاندیشی دانستند .

قال أبوهم إنی لأجد ریح یوسف . .. قالوا تالله إنک لفی ضللک القدیم

۵ بی ادبی و جسارت بستگان یعقوب به ساحت والای آن حضرت

إنک لفی ضللک القدیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۹۶ – ۴،۱۱

۴ چشمان یعقوب (ع) بلافاصله پس از قرار گرفتن پیراهن یوسف (

ع) بر آن ، فروغ گرفت و بیناییش بازگشت .

ألقیه علی وجهه فارتد بصیرًا

<ارتداد> (مصدر ارتد) به معنای بازگشتن چیزی و یا حالتی به صورت و حالت سابق خود است. حرف <فاء> در جمله <فارتد ...> حاکی از دو معناست:$1 ترتّب و سببیّت میان افکندن پیراهن و بینا شدن یعقوب(ع)، ۲ نبود فاصله و تراخی میان آن دو.

۱۱ یعقوب (ع) باور خویش را مبنی بر زنده بودن یوسف (ع) و پایان یافتن فراقش به فرزندان و بستگان خویش بازگو می کرد .

ألم أقل لکم إنی أعلم من الله ما لاتعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۸ - ۱

۱ یعقوب (ع) از ستم فرزندانش در حق خویش درگذشت و آنان را بخشود .

قال سوف أستغفر لکم ربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۹ - ۱

۱ خاندان یعقوب ، تقاضای یوسف (ع) را پذیرفتند و همگی از کنعان به سوی مصر کوچ کردند .

وأتونی بأهلکم أجمعین . .. فلما دخلوا علی یوسف

مراد از ضمیر <دخلوا> به قرینه <و أتونی بأهلکم أجمعین> در آیه ۹۳ و کلمه <أبویه> برادران یوسف، خانواده های ایشان و پدر و مادر اوست. جمله <فلما دخلوا علی یوسف> عطف بر جمله هایی مقدر است که به قرینه <وأتونی بأهلکم أجمعین> عبارتند از: آنان تقاضای یوسف را پذیرفتند و همگی به سوی مصر کوچ کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۱،۷

۱ یعقوب (ع) و

خاندان او پس از مراسم استقبال به مصر وارد شدند و به بارگاه یوسف (ع) درآمدند .

قال ادخلوا مصر . .. و رفع أبويه على العرش

ترتیب ذکری میان <ادخلوا مصر> و جمله های <رفع أبويه على العرش . ..> گویای این نکته است که حقایق مطرح شده در آیه مورد بحث پس از ورود خاندان یعقوب به مصر، انجام گرفته است و کلمه <العرش> می رساند که آنان به دربار یوسف(ع) رفتند.

۷ برادران یوسف و خانواده های ایشان و نیز پدر و مادر او ، همگی بر او سجده بردند .

و رفع أبويه على العرش و خرّوا له سجّدًا

<خرور> (مصدر خرّوا) به معنای سقوط کردن و بر زمین افتادن است و <سجّدًا> جمع ساجد می باشد. مراد از ضمیر در <خرّوا> همانند <دخلوا على يوسف> و <ادخلوا> در آیه قبل برادران یوسف و خانواده های ایشان و نیز پدر و مادر اوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۹ - ۶

۶- تولد یعقوب در زمان حیات حضرت ابراهیم (ع) بوده است .

وهبنا له إسحق و يعقوب

بر حسب ظاهر، صدق هبه زمانی است که دریافت کننده در قید حیات باشد. با توجه به این که یعقوب نیز در این آیه موهبت به ابراهیم(ع) دانسته شده، چنین برمی آید که او نیز در زمان حیات ابراهیم متولد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۲ - ۱

۱- تولد اسحاق و یعقوب (ع) ، پس از هجرت ابراهیم (ع) بود .

و نجّينه و

لوطًا إلى الأرض . .. و وهبنا له إسحق و يعقوب

سير داستان حضرت ابراهيم در اين آيات، بيانگر برداشت ياد شده است. به علاوه اين كه داستان افكندن ابراهيم به آتش و نجات آن حضرت در زمان جوانى اش بوده است و فرزنددار شدن ابراهيم(ع) در دوران پيرى آن حضرت صورت گرفته است.

قصه يوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٨ - يوسف - ١٢ - ۴ - ١،٣،۴،۵،۶،٨،٩،١١

١ يوسف (ع) در رؤيايى ديد كه يازده ستاره به همراه ماه و خورشيد بر او سجده مى كنند .

إنى رأيت أحد عشر كوكبًا والشمس والقمر رأيتهم لى سجدين

٣ يوسف (ع) هيچ ابهام و ترديدى در رؤياى خويش و خصوصيات آن نداشت .

إنى رأيت أحد عشر كوكبًا . .. رأيتهم لى سجدين

تكرار فعل <رأيت> براى تأكيد است و هدف از تأكيد رساندن اين معناست كه يوسف در خواب خويش و خصوصيات آن ، ابهام و ترديدى نداشت.

۴ ستارگان ، ماه و خورشيد در رؤياى يوسف ، همگى يك جا و دسته جمعى بر او سجده كردند . *

إنى رأيت أحد عشر كوكبًا . .. رأيتهم لى سجدين

برداشت فوق ، احتمالى است كه مى توان آن را از تكرار فعل <رأيت> به دست آورد.

۵ يوسف (ع) رؤياى شگفت خويش را براى پدرش (يعقوب (ع)) بيان كرد .

إذ قال يوسف لأبيه يأبت إنى رأيت

۶ رابطه يوسف (ع) و پدرش يعقوب (ع) ، رابطه اى صميمانه و سرشار از محبت بود .

إذ قال يوسف لأبيه يأبت . .. يبنىّ

تعبير <يأبت> (اى پدرم) در

کلام یوسف(ع) و <یبنیّ> (ای پسرک من) در کلام یعقوب(ع) ، حاکی از اظهار علاقه آن دو به یکدیگر است.

۸ < عن أبی جعفر (ع) : . . . رأی یوسف هذه الرؤیا و له تسع سنین فقصّها علی أبیه . . . و کان یوسف من أحسن الناس وجهاً و کان یعقوب یحبّه . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده:. .. یوسف این خواب را در سن نه سالگی دید و آن را برای پدرش نقل کرد ... یوسف از تمام مردم زیبا صورت تر بود و یعقوب او را دوست می داشت>.

۹ < عن أبی جعفر (ع) : . . . تأویل هذه الرؤیا أنه سیملک مصر و یدخل علیه أبواه و إخوته أما الشمس فأُمّ یوسف راحیل و القمر یعقوب و أما أحد عشر کوکباً فإخوته فلما دخلوا علیه سجدوا شکراً لله وحده حین نظروا إلیه . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده: تأویل این خواب یوسف این است که او به زودی بر مصر پادشاهی خواهد کرد و پدر و مادر و برادرانش بر او وارد می شوند ; اما خورشید مادر یوسف <راحیل> و ماه <یعقوب> و یازده ستاره <برادران او> هستند. پس هنگامی که بر او وارد شدند و به او نظر افکندند برای خدا سجده شکر کردند ...>.

۱۱ < قال أبوحمزه : فقلت لعلی بن الحسین (ع) : متی رأی یوسف الرؤیا ؟ فقال : فی تلک اللیله التی بات فیها یعقوب و ولده شباعاً و بات فیها ذمیال جائعاً رائهاً . . . ;

ابوحمزه گوید: به امام سجاد(ع) گفتم

چه وقت یوسف(ع) این خواب را دیـد؟، فرمود: همـان شبی که یعقوب و فرزنـدانش با شـکم سـیر خوابیدنـد و ذمیال با شـکم گرسنه و در حال ناراحتی خوابید . ..>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۵ – ۲۳، ۱۴،۲۰،۱۳،۶،۵،۴،۱

۱ یعقوب (ع) ، فرزندش یوسف (ع) را از نقل خواب خویش برای برادرانش برحذر داشت .

یبنیّ لاتقصص رءیاک علی إخوتک

۴ یعقوب (ع) مطمئن به مکر و کید فرزندانش علیه یوسف (ع) در صورت آگاه شدنشان از رؤیای او

لاتقصص رءیاک علی إخوتک فیکیدوا لک کیدًا

چنـان چه یعقوب(ع) اطمینـان و یقین به کیـد و مکر فرزنـدانش علیه یوسف(ع) نـداشت ، پس از نقـل رؤیـا می فرمود: <فإنی أخاف أن یکیدوا . ..> (می ترسم نقشه ای برای تو بکشند) و جمله خویش را با مفعول مطلق (کیداً) تأکید نمی کرد.

۵ یعقوب (ع) ، نگران آسیب دیدن یوسف (ع) از ناحیه برادرانش

فیکیدوا لک کیدًا

۶ یعقوب (ع) پیش بینی می کرد که همه فرزنـدانش علیه یوسف (ع) متحـد می شونـد و هیـچ کـدام از او حمایت نخواهند کرد .

فیکیدوا لک کیدًا

ضمیر در <یکیدوا> به <إخوه> باز می گردد و این گویای برداشت فوق است.

۱۳ رؤیای شگفت یوسف (ع) (سجده ستارگان ، ماه و خورشید) در سنین کودکی یا نوجوانی او بوده است .

قال یبنیّ

کلمه <بنیّ> تصغیر کلمه <ابن> می باشد و به ضمیر متکلم اضافه شده است. <یبنیّ> ; یعنی، ای پسر کوچک من.

۱۴ رابطه یوسف (ع) و پدرش یعقوب

(ع) ، رابطه ای صمیمانه و سرشار از محبت بود .

یأبت . .. قال یبنیّ لاتقصص رءیاک

تعبیر <یأبت> (ای پدرم) در کلام یوسف(ع) و <یبنیّ> (ای پسرک من) در کلام یعقوب(ع) حاکی از علاقه آن دو به یکدیگر است.

۲۰ برادران یوسف ، در خطر گرفتاری به دام دشمنی های شیطان در صورت شنیدن رؤیای یوسف (ع)

فیکیدوا لک کیدًا إن الشیطن للإنسن عدو مبین

۲۳ < عن علی بن الحسین (ع) : . . . فلما رأی یوسف الرؤیا و أصبح یقصّها علی أبیه یعقوب . . . فقال یعقوب لیوسف : لاتقصص رؤیاک هذه علی إخوتک . . . فلم یکتم یوسف رؤیاه فقصّها علی إخوته . . . ;

از امام سجاد(ع) روایت شده . .. هنگامی که یوسف آن خواب را دید و بامداد برای پدرش یعقوب بازگو کرد ... یعقوب به یوسف گفت: این خواب خود را برای برادرانت بازگو نکن ... یوسف خواب خود را پوشیده نداشت و برای برادرانش بازگو کرد ...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶ - ۱

۱ رؤیای یوسف (ع) حاکی از برگزیده شدنش از ناحیه خدا و خالص شدن او برای خداوند بود .

و کذلک یجتبیک ربک

<اجتباء> به معنای گزینش کردن و برای خود خالص ساختن است. بنابراین <یجتبیک ربک> ; یعنی ، پروردگارت تو را برمی گزیند و برای خویش خالص می گرداند ، به طوری که نصیبی در تو برای غیر او نخواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷

۵ سرگذشت یوسف (ع) بیانگر دلیل و علت برگزیده شدنش از ناحیه خدا ، یاد دادن تعبیر رؤیا و تحلیل حوادث به او و اعطای نعمت کامل به وی است .

یجتبیک ربک و یعلمک . .. لقد کان فی یوسف و إخوته ءایت للسائلین

برداشت فوق ، ناظر به این مطلب است که متعلق کلمه <آیات>، <اجتبا و گزینش یوسف(ع) و. ..> باشد که از جمله های <کذلک یجتبیک ربک و ...> به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸ - ۸،۱۵

۸ حسادت برادران یوسف به وی ، آنان را به جلسه ای برای تصمیم گیری علیه او واداشت .

إذ قالوا لیوسف و أخوه أحب إلی أبینا منا

۱۵ < عن علی بن الحسین (ع) : . . . فلما رأی یوسف الرؤیا و أصبح یقصّها علی أبیه یعقوب ، فاغتم یعقوب لما سمع من یوسف مع ما أوحی الله عزوجل إلیه أن استعد للبلاء . . . و خاف أن یکون ما أوحی الله عزوجل إلیه من الإستعداد للبلاء هو فی یوسف خاصّه فاشتدت رقته علیه من بین ولده فلما رأی إخوه یوسف ما یصنع یعقوب بیوسف و تکرمته إیّاه و إیثاره إیّاه علیهم إشتد ذلک علیهم . . . و قالوا : إن یوسف و أخاه < أحب إلی أبینا منّا > . . . ;

از امام سجاد(ع) روایت شده است: . .. هنگامی که یوسف(ع) آن خواب را دید و بامداد برای یعقوب بازگو کرد، یعقوب به خاطر آنچه از یوسف شنید با آنچه خدای عزوجل به او

وحی کرد که آماده بلا باش غمگین شد ... و ترسید که آن بلا بالخصوص در مورد یوسف باشد. از این رو مهربانی او از میان برادران به یوسف زیادتر شد ; چون برادران رفتار یعقوب را نسبت به یوسف دیدند که او را گرامی می دارد و بر آنان ترجیح می دهد، بر آنان گران آمد ... و گفتند: یوسف و برادرش نزد پدر ما از ما محبوب ترند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹ - ۱،۵،۷،۸،۹،۱۱

۱ کشتن یا تبعید یوسف (ع) به سرزمینی دوردست ، رأی اکثریت برادران وی در جلسه توطئه علیه او

اقتلوا یوسف أو اطرحوه أرضًا

جمله <اقتلوا یوسف. ..> را دو گونه می توان تفسیر کرد: ۱ برخی از برادران یوسف به کشتن وی نظر داشتند و برخی دیگر به تبعید او رأی می دادند. ۲اکثریت به توطئه علیه او نظر داشتند، ولی در اینکه او را بکشند و یا تبعید کنند مردد بودند. قابل ذکر است که جمله <إن کنتم فاعلین> در آیه بعد، می رساند که یکی از آنان با هر دو نظر مخالف بود ولذا در برداشت کلمه <اکثریت> آورده شد.

۵ برادران یوسف در صورت نبود او ، بنیامین را رقیب خویش در جلب محبت یعقوب (ع) نمی دیدند .

لیوسف و أخوه أحب . .. اقتلوا یوسف ... یخل لکم وجه أبیکم

برادران یوسف از محبت افزون تر یعقوب(ع) به یوسف(ع) و نیز بنیامین در رنج بودند ; ولی با از میان بردن یوسف(ع) مشکل را حل شده می دانستند. بنابراین چنین می پنداشتند که بنیامین

، نمی تواند مانع توجه کامل یعقوب(ع) به آنان باشد.

۷ برادران یوسف حضور او در نزد یعقوب را ، مایه تلخ کامی و نابسامانی خویش می دانستند .

اقتلوا یوسف . .. تکونوا من بعده قومًا صلحین

۸ برادران یوسف ، صلاح امور خویش و بهبود وضعیت خود را در کشتن و یا تبعید او می پنداشتند .

اقتلوا یوسف أو اطرحوه أرضًا . .. و تکونوا من بعده قومًا صلحین

مراد از صلاح در <قوماً صالحین> صلاح امور دنیوی است ; زیرا ظاهر آن است که فعل مضارع <تکونوا> عطف بر <یخل> و جواب امر <اقتلوا> و <اطرحوه> می باشد. بر این اساس جمله <تکونوا ...> چنین معنا می شود: اگر یوسف را بکشید و یا تبعیدش کنید، امور شما اصلاح می شود و بدبختی از شما برطرف می گردد.

۹ برادران یوسف ، بر آن بودند که پس از کشتن یا تبعید او ، توبه کرده و درستکار شوند . *

اقتلوا یوسف . .. و تکونوا من بعده قومًا صلحین

در برداشت فوق، صلاح در <قوماً صالحین> صلاح دینی و اخلاقی گرفته شده است. این احتمال مبتنی بر این است که <واو> در <و تکونوا> به معنای مع و <تکونوا> منصوب به <أن> مقدر باشد. بر این اساس <اقتلوا یوسف ... و تکونوا من بعده قوماً صالحین> چنین معنا می شود: یوسف را بکشید، ولی با این قید و شرط که پس از آن با توبه به درگاه خدا، مردمی صالح و درستکار باشید.

۱۱ < عن علی بن الحسین (ع) فی قوله تعالی : < وتکونوا من بعده قوماً صالحین > أی تتوبون ;

از امام سجاد(ع) روایت

شده که درباره سخن خدا که می فرماید: [برادران یوسف گفتند:] <وتکونوا من بعده قوماً صالحین> فرمود: یعنی بعد از آن توبه می کنید>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰ - ۱،۲،۳،۴،۶،۷،۸

۱ یکی از برادران یوسف (لاوی) در جلسه توطئه ، سایر برادران را از کشتن او برحذر داشت .

قال قائل منهم لاتقتلوا یوسف

مفرد بودن کلمه <قائل> گویای این است که تنها یکی از برادران یوسف با کشتن وی مخالفت کرد و او بر اساس روایتی که در پایان آیه خواهد آمد، <لاوی> بوده است.

۲ لاوی برخلاف دیگر برادرانش ، با توطئه علیه یوسف (ع) و دور ساختن او از نزد پدرشان یعقوب (ع) موافق نبود .

لاتقتلوا یوسف و ألقوه فی غیبت الجب . .. إن کنتم فعلین

جمله شرطی <إن کنتم فاعلین> (اگر بر توطئه علیه یوسف(ع) مصمم هستید) می رساند که لاوی با انجام توطئه موافق نبود. لازم به ذکر است که جواب جمله شرطی (إن کنتم...) معنایی است که از <ألقوه...> استفاده می شود ; یعنی، <إن کنتم فاعلین فألقوه فی غیبت الجب>.

۳ لاوی به برادرانش پیشنهاد کرد اگر مصمم بر دور ساختن یوسف هستند او را در نهانگاه چاهی در مسیر کاروان ها بیفکنند .

قال قائل منهم لاتقتلوا یوسف و ألقوه فی غیبت الجب یلتقطه بعض السیّاره

<جبّ> به معنای چاه است و برخی از اهل لغت برآنند که <جبّ> به چاه عمیق و پر آب گفته می شود. در مجمع البیان آمده است: <غیبت الجب> حفره و یا طاق مانندی است که بالای آب چاه قرار می

دهند و <سیاره> به گروهی که مسافرت می کنند (کاروان) اطلاق می شود.

۴ لاوی با پیشنهاد خود (انداختن یوسف به چاه) درصدد حفظ جان یوسف (ع) و پیشگیری از کشته شدن او بود .

لاتقتلوا یوسف . .. و ألقوه فی غیبت الجب یلتقطه بعض السیّاره

پیشنهاد لاوی مبنی بر اینکه یوسف را در چاهی بر سر راه کاروانها بیفکنید، در مقابل این نظر که او را در بیابانی رها سازید (أو اطرحوه أرضاً) و نیز، تصریح به اینکه کاروانی او را بیابد (یلتقطه بعض السیّاره) دلالت می کند که وی درصدد پیشگیری از تلف شدن یوسف(ع) و از میان رفتن او بوده است.

۶ لاوی قرار دادن یوسف (ع) را در چاه ، مقدمه دستیابی کاروان ها به یوسف (ع) و مایه نجات او از مرگ می دید .

یلتقطه بعض السیّاره

التقاط (مصدر یلتقطه) به معنای یافتن و برگرفتن است.

۷ < عن علی بن الحسین (ع) : . . . قال کبیرهم < ولاتقتلوا یوسف > و لکن < ألقوه فی غیابت الجبّ > ;

از امام سجاد(ع) روایت شده است: . .. که برادر بزرگ تر آنان گفت: یوسف را نکشید ، ولی او را در مخفی گاه چاه قرار دهید>.

۸ < عن أبی جعفر (ع) : . . . فقال لاوی لایجوز قتله و نغیبه عن أبینا ;

از امام باقر(ع) روایت شده است: . .. پس لاوی گفت: کشتنش روا نیست و [لیکن] او را از پدرمان دور می سازیم>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱

- ۱،۳،۴،۵،۶،۷،۸،۹

۱ پیشنهاد لاوی (نکشتن یوسف (ع) و افکندن او در چاه) از طرف دیگر برادران پذیرفته شد و مورد تأیید قرار گرفت .

لاتقتلوا یوسف و ألقوه فی غیبت الجب . .. قالوا یأبانا ما لک

بیان حضور برادران در نزد یعقوب(ع) به منظور جلب رضایت او برای بردن یوسف(ع) به مراتع ، پس از بیان پیشنهاد لاوی (ألقوه فی غیبت الجب) گویای این نکته است که: آخرین پیشنهاد که همان طرح لاوی بود مورد پذیرش همگان قرار گرفت.

۳ یعقوب (ع) از سپردن یوسف (ع) به برادرانش ، همواره اجتناب می کرد .

ما لک لاتأمنّا علی یوسف

۴ بردن یوسف (ع) از نزد یعقوب (ع) ، مشکل اساسی برادران یوسف در اجرای توطئه علیه او

قالوا یأبانا ما لک لاتأمنّا علی یوسف

۵ زمینه سازی برادران یوسف جهت جلب رضایت پدر در بردن یوسف (ع)

یأبانا ما لک لاتأمنّا علی یوسف

۶ فرزندان یعقوب ، با دروغ و نیرنگ درصدد برآمدند تا اعتماد وی را جلب کرده و رضایت او را در سپردن یوسف (ع) به ایشان فراهم سازند .

و إنا له لنصحون

۷ برادران یوسف با حضور در پیشگاه یعقوب (ع) لب به شکایت گشوده و از بی اعتمادی او نسبت به آنان درباره یوسف (ع) انتقاد کردند .

قالوا یأبانا ما لک لاتأمنّا

۸ فرزندان یعقوب در حضور او ، بر خیرخواهی خویش نسبت به یوسف (ع) تأکید کردند .

ما لک لاتأمنّا علی یوسف و إنا له لنصحون

۹ فرزندان یعقوب با اظهار محبت به او ، و تحریک

احساسات وی درصدد فریب دادن او بودند .

قالوا یأبانا ما لک لاتأمنّا علی یوسف

برداشت فوق ، از خطاب <یأبانا> (ای پدر جانمان) و نیز لحن کلام <ما لک لاتأمنّا . ..> (چه شده است که به ما درباره یوسف بی اعتماد هستی) استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۲ - ۱۱،۸،۶،۵،۴،۳،۲،۱

۱ فرزندان یعقوب ، پس از طرح توطئه علیه یوسف (ع) از او خواستند تا یوسف (ع) را همراه آنان به مرتع بفرستد .

أرسله معنا غدًا

۲ برادران یوسف ، زمان اجرای توطئه علیه او را ، فردای همان روزِ مشورت با یکدیگر و گفت و گو با پدرشان تعیین کردند .

إذ قالوا . .. قالوا یأبانا ... أرسله معنا غدًا

۳ برادران یوسف در اجرای نقشه شوم خویش علیه او ، تعجیل داشتند و درنگ را روا نمی دانستند .

أرسله معنا غدًا

برداشت فوق، از تصریح برادران او به اینکه <فردا یوسف(ع) را به همراه ما بفرست> استفاده می شود.

۴ برادران یوسف با اظهار علاقه به رفع نیاز های طبیعی یوسف (ع) (حضور در مرتع و گردش و بازی) درصدد اثبات خیرخواهی خویش نسبت به او بودند .

و إنا له لنصحون. أرسله معنا غدًا یرتع و یلعب

<رتع> (مصدر یرتع) استفاده فراوان از خوراکیها و نوشیدنیهای باغستانها ، مزارع و مراتع است.

۵ نیاز یوسف (ع) به گردش و بازی و استفاده از خوراکی های مراتع ، بهانه برادرانش برای بردن او به صحرا و جدا ساختنش از یعقوب (ع)

أرسله معنا غدًا یرتع و یلعب

۶ یوسف

(ع) به هنگام اجرای توطئه برادرانش علیه او ، در سنین کودکی یا نوجوانی بوده است .

أرسله معنا غدًا یرتع و یلعب

برداشت فوق ، از فعل <یلعب> (بازی کند) به دست می آید ; زیرا معمولاً بازی کردن را در مورد کودکان و نوجوانان به کار می برند.

۸ فرزندان یعقوب در حضور او ، با تأکیدی فراوان مراقبت از یوسف (ع) را برعهده گرفتند .

و إنا له لحفظون

تأکید فراوان ، از آوردن جمله اسمیه به همراه <إنّ> و <لام> تأکید استفاده می شود.

۱۱ < عن أبی جعفر (ع) : . . .فقالوا کما حکی الله عزوجل < . . . أرسله معنا غداً یرتع و یلعب > أی یرعی الغنم و یلعب ;

از امام باقر(ع) روایت شده است: . .. برادران یوسف همان گونه که خداوند حکایت فرموده، گفتند: <...أرسله معنا غداً یرتع و یلعب> ; یعنی، او را با ما بفرست تا گوسفندها را بچراند و بازی کند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۳ - ۱،۲،۳،۴،۷،۸،۹

۱ یعقوب (ع) با فرستادن یوسف (ع) به همراه فرزندانش ، موافق نبود و از آن اعتذار می جست .

قال إنی لیحزننی أن تذهبوا به

۲ حزن و اندوه در فراق یوسف (ع) ، از اعتذار های یعقوب (ع) برای امتناع از فرستادن او به همراه برادرانش

ما لک لاتأمنّا . .. قال إنی لیحزننی أن تذهبوا به

۳ یعقوب (ع) به فرزندش یوسف (ع) بسیار علاقه مند بود و از فراق او آزرده خاطر

و محزون می شد .

قال إنی لیحزننی أن تذهبوا به

۴ یعقوب (ع) علی رغم اعتماد نداشتن به فرزندانش درباره یوسف (ع) ، از ابراز آن خودداری کرد .

قال إنی لیحزننی أن تذهبوا به و أخاف أن یأکله الذئب

۷ غفلت برادران از حراست یوسف (ع) در صحرا ، دور از انتظار یعقوب (ع) نبود .

أخاف أن یأکله الذئب و أنتم عنه غفلون

۸ < عن أبی عبدالله (ع) قال : إن بنی یعقوب لما سألوا أباهم یعقوب أن یأذن لیوسف فی الخروج معهم قال لهم < إنی أخاف أن یأکله الذئب و أنتم عنه غافلون > . . . قرّب یعقوب لهم العلّه اعتلّوا بها فی یوسف (ع) ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: فرزندان یعقوب هنگامی که از پدر خواستند تا اذن دهد که یوسف با آنان بیرون رود، پدرشان گفت: من می ترسم که او را گرگ بخورد و شما از او غافل باشید . .. پس یعقوب عذری را که آنان برای نیاوردن یوسف اظهار کردند به [ذهن آنان]نزدیک کرد>.

۹ < عن علی بن الحسین (ع) : . . . قال یعقوب (ع) < إنی لیحزننی أن تذهبوا به و أخاف أن یأکله الذئب > فانتزعه حذراً علیه من أن تکون البلوی من الله عزوجل علی یعقوب فی یوسف خاصّه . . . ;

از امام سجاد(ع) روایت شده است: . .. یعقوب [به فرزندان] گفت: <بردن شما یوسف را مرا غمگین می کند و می ترسم که او را گرگ بخورد> ; پس یوسف را

از دست آنان گرفت، چون می ترسید آن بلایی که قرار بود از طرف خدا بر او وارد شود، در مورد یوسف بالخصوص باشد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۴ - ۳،۴،۵

۳ فرزندان یعقوب با یادآور شدن کثرت نیرو و توان خویش ، نگرانی او (احساس خطر حمله گرگ ها به یوسف) را نابه جا شمردند .

أخاف . .. قالوا لئن أکله الذئب و نحن عصبه

۴ تأکید برادران یوسف بر بی لیاقتی خویش در صورت ناتوانی از حراست یوسف (ع)

لئن أکله الذئب و نحن عصبه إنا إذًا لخسرون

۵ برادران یوسف در حضور پدر نابودی یوسف (ع) را برای خود ، امری خسارت بار و تباه کننده قلمداد کردند .

إنا إذًا لخسرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۵ - ۱،۴،۵،۶،۷،۸،۹،۱۳،۱۴،۱۵،۱۷،۱۸،۱۹،۲۰

۱ فرزندان یعقوب با دروغ ها و نیرنگ های خویش ، موافقت او را برای فرستادن یوسف (ع) به همراه خود جلب کردند .

إنا له لحفظون . .. فلما ذهبوا به

۴ برادران یوسف تا قبل از بردن او به صحرا ، نسبت به سرنوشت او به نظر قطعی نرسیده بودند . *

فلما ذهبوا به و أجمعوا

<اجماع> (مصدر أجمعوا) به معنای اتفاق نظر و عقیده و نیز به معنای تصمیم گرفتن و مهیّای انجام کاری شدن است. برداشت فوق ، ناظر به معنای نخست است.

۵ برادران یوسف در توطئه علیه او ، از کشتنش احتراز می کردند و سعی در زنده ماندن وی داشتند .

و ألقوه فی غیبت الجب . .. و

أجمعوا أن يجعلوه فى غيبت الجب

از اينكه برادران يوسف بر آن شدند كه وى را در چاه قرار دهند نه اينكه او را در چاه بيفكنند ، معلوم مى شود سعى در زنده ماندن او داشتند.

۶ برادران يوسف پس از همراه بردن او ، همگى خود را براى نهادن وى در نهانخانه چاه ، مهيّا ساختند .

فلما ذهبوا به و أجمعوا أن يجعلوه فى غيبت الجب

در برداشت فوق <اجماع> به معناى تصميم گرفتن و مهيّاى انجام كار شدن گرفته شده است. قابل ذكر است كه آيات پيشين (۹ ، ۱۰ و ۱۱) مؤيد اين معنا مى باشد.

۷ صحنه نهادن يوسف در چاه به دست برادرانش ، صحنه اى بس فجيع و اندوه بار بود .

فلما ذهبوا به و أجمعوا أن يجعلوه فى غيبت الجب

<لما> حرف شرط است و جواب آن در آيه شريفه ذكر نشده است. هدف از نياوردن جواب، تفهيم فجيع بودن و اندوه بار بودن امورى است كه هنگام قرار دادن يوسف در چاه پيش آمد ; يعنى، آن گاه كه برادران يوسف مصمم شدند او را در چاه قرار دهند، امورى واقع شد كه طاقت شنيدنش را نداريد.

۸ خداوند يوسف (ع) را از طريق وحى به نجات يافتن از چاه كنعان و ديدارى مجدد با برادرانش ، نويد داد .

و أوحينا إليه لتنبئنّهم بأمرهم هذا

جمله <لتنبئنّهم> (همانا اين واقعه را در آينده به برادرانت يادآورى خواهى كرد) دلالت بر نجات يوسف از چاه دارد و نيز حاكى از اين است كه او برادرانش را در آينده ملاقات خواهد كرد.

۹ عنايت خاص خداوند به يوسف (ع) با وحى كردن

به او در چاه کنعان

أن يجعلوه فى غيبت الجب و أوحينا إليه

۱۳ يادآورى داستان چاه كنعان از سوى يوسف (ع) به برادرانش ، محتواى وحى خداوند به يوسف (ع)

و أوحينا إليه لتنبئنّهم بأمرهم هذا و هم لايشعرون

۱۴ خداوند به يوسف (ع) خبر داد كه ملاقات او با برادرانش ، پس از داستان چاه كنعان ، در آينده اى دور تحقق خواهد يافت .

لتنبئنّهم بأمرهم هذا و هم لايشعرون

جمله حاليه <و هم لايشعرون> متعلق به <لتنبئنّ> است ; يعنى، به آنان خبر مى دهى در حالى كه متوجه نيستند [و تو را نمى شناسند]. از اينكه هيچ يک از برادران يوسف به هنگام ملاقات با وى، او را نخواهند شناخت، معلوم مى شود ملاقات مذكور با فاصله زمانى بسيار اتفاق خواهد افتاد.

۱۵ سلطه داشتن يوسف (ع) بر برادرانش در ديدار مجدد ، بخشى از محتواى وحى الهى به يوسف (ع) در چاه كنعان

و أوحينا إليه لتنبئنّهم بأمرهم هذا و هم لايشعرون

در اينكه چرا هيچ يک از برادران يوسف در ملاقات مجدد وى را نخواهند شناخت وجه ديگرى غير از آنچه در برداشت قبل ذكر شد، به نظر مى رسد و آن اينكه خداوند با جمله <و هم لايشعرون> به يوسف القا مى كند كه در مقام و موقعيتى خواهى بود كه برادرانت تصور آن را نمى كنند تا احتمال دهند كه تو برادر آنان هستى.

۱۷ < قال أبوحمزه : فقلت لعلى بن الحسين (ع) : إبن كم كان يوسف يوم ألقوه فى الجبّ ؟ فقال : إبن تسع سنين . . . ;

أبوحمزه گويد:

به امام سجاد(ع) گفتم: زمانی که یوسف را در چاه انداختند چند ساله بود؟ فرمود: نُه ساله. ..>.

۱۸ < قال رسول الله (ص) لما اُلقی یوسف فی الجبّ أتاه جبرئیل علیه السلام فقال له : یا غلام ، من ألقاک فی هذا الجبّ ؟ قال : إخوتی . قال : و لِمَ ؟ قال : لمودّه أبی إیّای حسدونی . . . ;

رسول خدا(ص) فرمود: هنگامی که یوسف(ع) در چاه افکنده شد، جبرئیل نزد او آمد و گفت: ای پسر! چه کسی تو را در این چاه افکند؟ گفت: برادرانم. جبرئیل گفت: چرا؟ گفت : چون پدرم مرا دوست می داشت، آنان بر من حسد ورزیدند...>.

۱۹ < عن أبی جعفر (ع) فی قوله < لتنبئنّهم بأمرهم هذا و هم لایشعرون > یقول : لایشعرون أنک أنت یوسف . . . ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند <لتنبئنّهم. .. و هم لایشعرون> روایت شده که می فرمود: [یعنی]نمی دانند تو همان یوسفی...>.

۲۰ < عن علی بن الحسین (ع) : . . . فانطلقوا به مسرعین مخافه أن یأخذه منهم و لایدفعه إلیهم . . . ;

از امام سجاد(ع) روایت شده است: . .. یوسف را با سرعت بردند ، مبادا یعقوب او را از دست آنان بگیرد و به آنان ندهد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۶ - ۱،۲

۱ فرزندان یعقوب ، پس از ر ها ساختن یوسف (ع) در چاه ، گریان نزد پدر آمدند .

و جاءو أباهم عشاءً یبکون

علل الشرایع، ص۴۷، ح۱، ب ۴۱; نورالثقلین، ج۲،

ص۴۱۳، ح۱۷.

۲ برادران یوسف برای حق جلوه دادن صحنه های دروغین ، حضور خویش در نزد پدر را تا شامگاهان به تأخیر انداختند .

و جاءو أباهم عشاءً

<عشاء> به اول تاریکی شب گفته می شود و برخی از اهل لغت گفته انـد: <عشاء> از اول مغرب است تا سپری شـدن ثلث شب. تصریح قرآن به زمان گزارش دروغین (شامگاهان) اشاره به برداشت فوق دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۷ - ۱،۲،۳،۵،۶،۸

۱ برادران یوسف ، پیش از حضور در نزد یعقوب (ع) بـا همـاهنگی کامـل ، دروغهـایی را برای ارائه به او ، ساخته و پرداخته کردند .

قالوا یأبانا إنا ذهبنا . .. فأکله الذئب

روشن است که همه فرزنـدان یعقـوب در حضـور او لب به سـخن نگشودنـد و گزارش ندادنـد ; بلکه یکی از آنـان سـخن می گفت. بنابراین نسبت دادن آن سـخنان دروغین به همه ایشان (قالوا) گویای این است که آنان از پیش دروغها را بافته و تبادل نظر کرده بودند و همگی بر آن اتفاق نظر داشتند.

۲ طعمه گرگ شدن یوسف (ع) ، گزارشی دروغین برادران او به پدرشان یعقوب

قالوا . .. فأکله الذئب

۳ غفلت از یوسف (ع) به خاطر سر گرمی به دویـدن و مسابقه دادن ، اعتـذار دروغین برادران او در توجیه طعمه گرگ شدن یوسف (ع)

یأبانا إنا ذهبنا نستبق و ترکنا یوسف عند متعنا

<اسـتباق> به معنـای مسـابقه دادن و پیشـی گرفتن است و جمله <نسـتبق> حال برای فاعل <ذهبنا> است. بنابراین <ذهبنا نستبق> ; یعنی، می رفتیم در حالی که با یکدیگر مسابقه می

دادیم. رفتن و مسابقه دادن با مسابقه تیراندازی یا اسب دوانی مطابقتی ندارد ; بلکه با مسابقه دویدن منطبق است.

۵ برادران یوسف در داستان ساختگی خویش (طعمه گرگ شدن یوسف) ناخواسته به کوتاهی در حراست از یوسف (ع) اعتراف کردند .

إنا له لحفظون . .. ذهبنا نستبق ... فأكله الذئب

۶ یعقوب (ع) ادعای فرزندانش درباره یوسف (ع) (طعمه گرگ شدن او) را باور نکرد و آن را نپذیرفت .

و ما أنت بمؤمن لنا

۸ اطمینان برادران یوسف به ناموفق بودن صحنه سازیهایشان در باوراندن دروغ های خود به یعقوب (ع)

و ما أنت بمؤمن لنا و لو كنا صدقين

<ایمان> به معنای تصدیق کردن شخص و باور کردن مدعای اوست. آوردن جمله اسمیه به همراه <باء> زایده که برای تأکید است حکایت از اطمینان برادران یوسف به مضمون جمله دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۸ - ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷،۸،۹،۱۱،۱۹،۲۰،۲۱

۱ برادران یوسف قبل از قرار دادن او در چاه ، پیراهن او را از بدنش خارج کردند .

و جاءو على قميصه بدم كذب

۲ برادران یوسف ، پیراهن وی را به خونی دروغین (خونی غیر از خون او) آغشته کردند .

و جاءو على قميصه بدم كذب

۳ برادران یوسف با ارائه پیراهن خونین او به یعقوب (ع) ، درصدد اثبات ادعای ساختگی خویش برآمدند .

و جاءو على قميصه بدم كذب

۴ خونین بودن روی پیراهن یوسف ، نشانه ای آشکار بر طعمه گرگ نشدن او بود .

و جاءو على قميصه بدم كذب

<بدم> مفعول برای <جاءو> است

و <علی قمیصه> حال برای <دم> می باشد. بنابراین <جاءو ...> ; یعنی، خون دروغینی را آوردند در حالی که آن خون بر روی پیراهن بود و از آن جا که معمولاً قسمت زیرین و آستر لباس مصدوم آغشته به خون می شود، ولی روی لباس یوسف خونین بود، یعقوب(ع) دریافت که فرزندش طعمه گرگ نشده است.

۵ خونی که برادران یوسف پیراهن او را با آن آغشته کردند ، به خوبی نشان می داد که خون یوسف نیست .

جاءو علی قمیصه بدم کذب

<کذب> مصدر است و در آیه شریفه به معنای اسم فاعل <کاذب> می باشد به کارگیری مصدر به جای اسم فاعل حاکی از مبالغه است بنابراین <دم کذب> یعنی خون دروغین که دروغ بودنش خیلی روشن و واضح بود.

۶ برادران یوسف با ارائه پیراهن او بدون آنکه پاره پاره و چاک چاک شده باشد دروغ بودن ادعای خویش (طعمه گرگ شدن یوسف) را آشکار کردند . *

و جاءو علی قمیصه بدم کذب

معمولاً کسی که طعمه درندگان می شود، لباس او سالم نمی ماند و به خاطر پارگیهای بسیار از صورت لباس بودن خارج می شود. بنابراین اطلاق <قمیص> (پیراهن) بر آنچه برادران یوسف به یعقوب(ع) ارائه کردند، می رساند که پیراهن او سالم و یا نسبتاً سالم بود و این نشانه دیگری شد بر حقیقت نداشتن ادعای برادران یوسف.

۷ یعقوب (ع) گزارش فرزندانش را نپذیرفت و به دروغ بودن آن اطمینان پیدا کرد .

فأكله الذئب . .. قال بل سوّلت لكم أنفسكم أمرًا

<تسویل> (مصدر سوّلت) به معنای آسان کردن و نیز زینت دادن امری ناپسند به صورت

امری نیکوست و مراد از <أمراً> مکر و نیرنگ علیه یوسف است. بنابراین <بل سوّلت ...> چنین معنا می شود: آنچه گفتید صحت ندارد ; بلکه نفس شما امر ناپسندی را برای شما زیبا جلوه داد و ارتکاب آن را برای شما آسان ساخت.

۸ اطمینان یعقوب (ع) به اجرای توطئه ای از سوی فرزندانش علیه یوسف (ع)

بل سوّلت لکم أنفسکم أمرًا

کلمه <بل> می رساند که یعقوب(ع) سخن فرزندانش را نپذیرفت و جمله <سوّلت لکم . ..> بیانگر این نکته است که او به توطئه آنان علیه یوسف(ع) اطمینان پیدا کرد.

۹ یعقوب (ع) فریب کاری های نفس و جلوه پردازی های نفسانی را ، وادار کننده فرزندانش بر توطئه علیه یوسف (ع) دانست .

بل سوّلت لکم أنفسکم أمرًا

۱۱ تصمیم یعقوب (ع) بر مسکوت گذاشتن پرونده خیانت فرزندانش درباره یوسف (ع) و پی گیری نکردن آن

بل سوّلت لکم . .. والله المستعان علی ما تصفون

۱۹ < عن أبی عبدالله (ع) قال لما أوتی بقمیص یوسف إلی یعقوب . . . کان به نضح من دم ;

از امام صادق(ع) روایت شده است: هنگامی که پیراهن یوسف برای یعقوب آورده شد . .. روی آن قطراتی از خون پاشیده شده بود>.

۲۰ < عن أبی جعفر (ع) فی قوله < و جاؤوا علی قمیصه بدم کذب > قال : إنهم ذبحوا جدیاً علی قمیصه ;

از امام باقر(ع) روایت شده درباره سخن خدا که فرموده: <و جاؤوا . ..> فرمود: آنان بزغاله ای بر روی پیراهن او ذبح کرده بودند>.

۲۱ < عن علی بن الحسین

(ع) . . . قال [يعقوب لهم] بل سوّلت لكم أنفسكم أمراً و ما كان الله ليطعم لحم يوسف الذئب من قبل أن أرى تأويل رؤياه الصادقه ;

از امام سجاد(ع) روايت شده است: . .. يعقوب به برادران يوسف گفت: <بل سوّلت لكم أنفسكم أمراً> و چنين نيست كه خدا گوشت يوسف را به خورد گرگ بدهد، قبل از آنكه تأويل خواب راستين او را ببينم>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۱۹ - ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷،۱۳

۱ كاروانى در اطراف چاهى كه يوسف (ع) در آن بود ، منزل گزيدند و مأمور تهيه آب را به سوى آن چاه روانه كردند .

و جاءت سيّاره فأرسلوا واردهم

<وارد> به كسى كه براى تهيه آب بر سر چاه ، نهر و مانند آن مى رود ، گفته مى شود.

۲ آب آور كاروان به منظور آب كشيدن ، دلو خويش را در چاه كنعان افكند و برخلاف انتظار ، كودكى را از آن بيرون آورد .

فأدلى دلوه قال يبشرى هذا غلم

<أدلاء> (مصدر أدلى) به معناى فرستادن <دلو> است. <غلام> به پسر كوچك گفته مى شود (مصباح المنير).

۳ يوسف (ع) با چنگ زدن به طناب و دلو آب آورِ كاروان ، خود را از چاه نجات داد .

فأرسلوا واردهم فأدلى دلوه قال يبشرى هذا غلم

۴ آب آور كاروان ، از يافتن يوسف (ع) شادمان و شگفت زده شد و آن را به همسفران خويش بشارت داد .

قال يبشرى هذا غلم

۵ كاروانِ يابنده يوسف (ع) ، او را به عنوان كالاى تجارى به

همراه خود بردند .

و أسرّوه بضعه

<بضاعه> به مال و كالايى اطلاق مى شود كه براى تجارت قرار داده شده است.

۶ كاروانِ يابنده يوسف (ع) به منظور كالاى تجارتى قرار دادن او ، سعى در مخفى ساختن وى داشتند .

و أسرّوه بضعه

در فعل <أسرّوا> (پنهان ساختند) معناى جعل و قرار دادن اشراب شده است ; از اين رو <بضاعه> را به عنوان مفعول دوم نصب داده است. معناى جمله نيز چنين مى شود: يوسف(ع) را كالاى تجارتى قرار دادند و او را پنهان ساختند.

۷ نجات يوسف (ع) از چاه سرآغاز بردگى او

و أسرّوه بضعه

بضاعت و كالاى تجارتى قرار دادن انسان ، مستلزم برده بودن و يا برده شمردن اوست.

۱۳ اتراق كاروانيان در اطراف چاه كنعان ، نجات دادن يوسف (ع) از آن چاه و به همراه خويش بردن او ، به تقدير خداوند و تحت نظارت دقيق او انجام مى گرفت .

و جاءت سيّاره . .. والله عليم بما يعملون

مراد از <ما> در <ما يعملون> مى تواند كالا قرار دادن يوسف(ع) باشد (أسرّوه بضاعه). و نيز محتمل است همه داستان كاروان، در رابطه با يوسف(ع) باشد. بنابر فرض نخست، علم خدا به رفتار آنان (كالا قرار دادن) كنايه از كيفردهى است و بنابر فرض دوم، علم خدا كنايه از تقدير و تدبير اوست ; يعنى، تمام مقدماتى كه مايه نجات يوسف(ع) از چاه شد (گذر كردن كاروان در اطراف كنعان، منزل كردن در اطراف چاه و ...) همه به نظارت خدا و تدبير او بود.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۲۰

- ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۹

۱ کاروانیان ، یوسف (ع) را به درهمهایی اندک و بهایی ناچیز فروختند .

و شروه بثمن بخس درهم معدوده

<شراء> (مصدر شروا) به معنای فروختن است و ضمیر فاعلی در <شروه> به <سیّاره> باز می گردد. <بخس> مصدر به معنای اسم مفعول (مبخوس =ناقص و کم ارزش) می باشد. <ثمن بخس> ; یعنی، بهایی که نسبت به چیز خریداری شده کم ارزش تر باشد. <معدوده> به معنای شمرده شده و کنایه از اندک بودن است.

۲ همه اهل کاروان ، خود را نسبت به یوسف (ع) ذی نفع می پنداشتند و خویشتن را مالک او می شمردند .

أسرّوه بضعه . .. و شروه بثمن

از آن جایی که کالا قرار دادن و نیز فروختن یوسف(ع) به کاروان نسبت داده شده است ، برداشت فوق استفاده می شود.

۳ کاروانیان یابنده یوسف (ع) ، به نگه داشتن او در نزد خویش ، رغبتی نداشتند .

شروه . .. و کانوا فیه من الزهدین

<زهد> رغبت نداشتن به چیزی به خاطر بی مقدار دانستن آن است. به نظر می رسد کاروانیان ، بیم آن داشتند که کار ناروایشان یعنی برده ساختن انسان یافت شده فاش شود. ازاین رو قیمتی ارزان برای او تعیین کردند ، تا هرچه زودتر به فروش رسد.

۴ تعجیل کاروانیان در فروش یوسف (ع) و بی رغبتی آنان در نگه داشتن وی ، دلیل فروختن او به بهایی ناچیز

و شروه بثمن بخس . .. و کانوا فیه من الزهدین

جمله <و کانوا . ..> به منزله تعلیل برای <شروه بثمن بخس> است ; یعنی ، چون رغبتی به [نگه داری

]یوسف(ع) نداشتند ، او را به بهایی ناچیز فروختند.

۵ برادران یوسف ، او را به درهمهایی اندک و بهایی ناچیز ، به کاروانیان فروختند . *

و شروه بثمن بخس

برداشت فوق، براساس این احتمال است که مراد از ضمیر فاعلی در <شروه>، برادران یوسف باشد. بر این مبنا برادران یوسف فروشنده، و طبعاً کاروانیان خریدار او بودند. عبارت <الذی اشتراه من مصر> در آیه بعد، می تواند مؤید این احتمال باشد ; زیرا این عبارت می رساند که پیش از فروش یوسف(ع) در مصر، یک بار دیگر نیز خرید و فروش در مورد او انجام گرفته بود.

۶ یوسف (ع) در نزد برادرانش ، شخصی بی مقدار و کم ارزش بود . *

و کانوا فیه من الزهدین

در برداشت فوق ، ضمیر در <کانوا> به برادران یوسف باز گردانده شده است.

۹ < عن علی بن الحسین (ع) : . . . فلما أخرجوه أقبل إلیهم إخوه یوسف فقالوا هذا عبدنا . . . أمنکم من یشتری هذا العبد ؟ فاشتراه رجل منهم بعشرین درهماً و کان إخوته فیه من الزاهدین . . . ;

از امام سجاد(ع) روایت شده است: . .. هنگامی که کاروانیان یوسف را از چاه درآوردند، برادران او به نزد آنان رفتند و گفتند: این برده ماست ... آیا از شما کسی هست که این برده را بخرد؟ پس مردی از آنان او را به بیست درهم خرید و برادران وی به او بی رغبت بودند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۱ - ۱،۲،۳،۶،۷،۸،۱۱،۱۲،۱۴

۱ کاروان یابنده یوسف (ع) ، به

مصر وارد شد و او را در آن دیار به فروش رساند .

و شروه بثمن . .. و قال الذی اشتریه من مصر

۲ عزیز مصر ، یوسف (ع) را در مصر از کاروانیان خریداری کرد .

و قال الذی اشتریه من مصر

<من مصر> محتمل است متعلق به <اشتراه> باشد ، و احتمال دارد حال برای <الذی اشتراه> باشد. برداشت فوق ، ناظر به احتمال اول است. آیات بعد ، بیانگر آن است که مراد از <الذی اشتراه>، عزیز مصر است.

۳ خریدار یوسف (ع) (همسر زلیخا) از شهروندان مصری بود .

و قال الذی اشتریه من مصر

برداشت فوق ، مبتنی بر این احتمال است که <من مصر> متعلق به محذوف و توصیفی برای <الذی اشتراه> باشد ; یعنی: قال الذی اشتراه و هو من اهل مصر.

۶ عزیز مصر در نظر داشت از یوسف (ع) در امور خویش بهره گیرد ، و یا او را به فرزندی خود و همسرش برگزینند .

قال الذی . .. أکرمی مثویه عسی أن ینفعنا أو نتخذه ولدًا

۷ عزیز مصر ، یاوری یوسف (ع) و گزینش او به فرزندی را ، در گرو علاقه مندی یوسف (ع) به وی و همسرش زلیخا می دانست .

أکرمی مثویه عسی أن ینفعنا أو نتخذه ولدًا

جمله <عسی. ..> تعلیل برای <أکرمی مثواه> است، و مفاد جمله چنین می شود: از آن رو از تو می خواهم او را گرامی بداری، تا علاقه او را به خودمان جلب کنی و در نتیجه بتوانیم به یاری او، دل ببندیم و یا به قبول فرزند خواندگیش، امیدوار باشیم.

۸ عزیز

مصـر ، اداره امور یوسف (ع) را به همسرش زلیخا واگذار کرد ، و از او خواست تا یوسف (ع) را گرامی داشته و منزلتش را پاس دارد .

لامرأته أکرمی مثویه

<مثوی> اسم مکـان و به معنـای منزل و اقامتگاه است. عبارت <أکرمی مثواه> ; یعنی ، منزل و مقامش را گرامی دار. اکرام منزل و اقامتگاه ، تأکید بر بزرگداشت شخصی است که در آن منزل اقامت دارد.

۱۱ خداوند ، با وارد ساختن یوسف (ع) به خانواده عزیز مصـر ، راه قدرتمند شدن یوسف (ع) و نفوذ او در سرزمین مصر را فراهم کرد .

و کذلک مکّنّا لیوسف فی الأرض

مراد از <الأرض> سـرزمین مصـر است. <تمکین> (مصـدر مکّنّـا) به معنـای مکـان دادن و نیز به معنـای قـدرت و سـلطنت بخشیدن است. قید <فی الأرض> حکایت از آن دارد که: مراد از <مکّنّا> در آیه شریفه ، معنای دوم است.

۱۲ آسودگی و رفاه یوسف (ع) در خانه عزیز مصر

کذلک مکّنّا لیوسف فی الأرض

۱۴ ورود یوسف به خانه عزیز مصر ، زمینه ساز تحقق یافتن وعده های الهی درباره او بود .

و کذلک مکّنّا لیوسف فی الأرض و لنعلّمه من تأویل الأحادیث

عبارت <لنعلّمه> عطف بر عبارتی مقدر است ; یعنی: مکّنّا لیوسف لنفعل کذا و لنعلّمه . .. ; مراد از لنفعل کذا ، اموری است که خداوند در ابتدای داستان یوسف بیان کرد مانند <رأیتهم لی ساجدین> و <کذلک یجتبیک ربک ...>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۲۲ – ۱،۲،۴

۱ یوسف (ع) روزگار کودکی و

نوجوانی را در خانه عزیز مصر به سر برد ، تا به جوانی و رشد جسمی و عقلی رسید .

أکرمی مثویه . .. و لما بلغ أشدّه

کلمه <أشدّ> چنان چه لسان العرب از سیبویه نقل کرده جمع شدّه (توان و قدرت) است. بنابراین <أشدّ> ; یعنی ، توانها و قدرتهای متعدد که به مناسبت مورد ، شامل توان جسمی و عقلی است.

۲ یوسف (ع) در سن جوانی و رسیدن به رشد عقلی و جسمی ، به حکمتی والا و علمی گسترده دست یافت .

و لما بلغ أشدّه ءاتینه حکمًا و علمًا

نکره آوردن <حکماً> و <علماً> حکایت از عظمت حکمت و علمی دارد که خداوند به یوسف(ع) عطا فرموده بود. اسناد <آتی> به ضمیر متکلم <نا> مؤید این حقیقت است. و از آن رو که خداوند داستان مراوده زلیخا را پس از بیان بهره مندی یوسف(ع) از علم و حکمت مطرح می کند، معلوم می شود که او در عنفوان جوانی به حکمت و علم دست یافته بود ; زیرا محتمل نیست که زلیخا پس از گذشت جوانی یوسف(ع) - مثلاً در سنین سی و یا چهل سالگی - خواهان وصال او بوده باشد.

۴ یوسف (ع) در سن جوانی ، به قضاوت و داوری میان مردم توانا بود .

و لما بلغ أشدّه ءاتینه حکمًا و علمًا

برخی از مفسران ، <حکم> را به دانش معارف الهی ، احکام شریعت ، حکمت و قضاوت میان مردم تفسیر کرده اند و مراد از <علم> را، دانش تعبیر رؤیاها ، تحلیل حوادث و درک مصالح و مفاسد دانسته اند.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۲۳ – ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۸،۹،۱۰،۱۵،۱۸،۱۹،۲۰،۲۱،۲۲،۲۸

۱ زلیخا ، شیفته و شیدای یوسف (ع) شد .

و رودته التی هو فی بیتها . .. و غلّقت الأبوب

۲ زلیخا با اظهار عشق و شیفتگی به یوسف (ع) ، او را به وصال خویش فرامی خواند .

و رودته التی هو فی بیتها عن نفسه

<مراوده> (مصدر راودتْ) به معنای درخواست کردن با رفق و مداراست، و <عن نفسه> بیانگر مورد درخواست می باشد. بنابراین <راودته ...> ; یعنی، زلیخا با ملاطفت و اظهار عشق و علاقه از یوسف(ع) درخواست کرد که خودش را در اختیار او بگذارد و این کنایه از تقاضای وصال و آمیزش است.

۳ زلیخا برای هموار ساختن نظر یوسف (ع) به منظور کام جویی ، اهتمامی مداوم و پی گیر داشت .

و رودته التی هو فی بیتها عن نفسه

برخی از اهل لغت در <راد یرود> که مراوده از آن است ، سعی و تلاش پی گیری برای رسیدن به مطلوب را قید کرده اند. برداشت فوق بر این اساس است.

۴ یوسف (ع) ، همواره از پذیرش تقاضای زلیخا (درخواست وصال و آمیزش) امتناع میورزید .

و رودته التی هو فی بیتها عن نفسه

برخی از اهل لغت در معنای مراوده ، کشمکش و نزاع میانِ طرفین را قید کرده و گفته اند: <مراوده> این است که یک طرف خواهان چیزی و دیگری غیر آن را خواهان است. برداشت فوق ، براساس این معناست.

۵ زلیخا با سلطه ظاهریش بر یوسف (ع) ، برخوردار از زمینه ای مساعد و کارآمد برای واداشتن یوسف

(ع) به خواسته های خویش

و رودته التی هو فی بیتها عن نفسه

قرآن، زلیخا را با عبارت <التی هو فی بیتها> (آن زن که یوسف در خانه اش به سر می برد) توصیف می کند تا تسلّط زلیخا بر یوسف(ع) را برساند.

۶ زلیخا برای کام جویی از یوسف (ع) و رسیدن به وصال او ، درب های قصرش را قفل کرد و او را به سوی خویش فرا خواند .

رودته . .. و غلّقت الأبوب و قالت هیت لک

<تغلیق> (مصدر غلّقت) به معنای قفل کردن است. <هیت لک> اسم فعل امر و به معنای <بیا> می باشد.

۸ زلیخا ، همه شرایط و امکانات را برای کام جویی از یوسف (ع) فراهم کرده بود .

رودته . .. و غلّقت الأبوب و قالت هیت لک

۹ یوسف (ع) علی رغم فراهم بودن همه شرایط و سلطه ظاهری زلیخا بر او ، تمنّای وی را نپذیرفت و به خواسته اش تن در نداد .

رودته . .. و قالت هیت لک قال معاذ الله

<معاذ> مصدر و مفعول مطلق برای فعل مقدر <أعوذ> است ; یعنی ، <أعوذ بالله معاذاً>.

۱۰ یوسف (ع) در برابر صحنه های پر جاذبه شهوانی (تمنّای زلیخا ، ابراز اشتیاق او ، خلوت بودن قصر و بسته بودن درب ها) به خدا پناه برد .

قال معاذ الله

۱۵ یوسف (ع) در عنفوان جوانی ، انسانی موحد ، مطیع و فرمانبردار خدا و در اوج تقوا و پرهیزگاری بود .

معاذ الله إنه ربی أحسن مثوای

۱۸ زلیخا ، تسلیم نشدن یوسف (ع) در برابر خواسته

اش را ، ناسپاسی و قدرناشناسی می شمرد .

رودته التی هو فی بیتها . .. إنه ربی أحسن مثوای

در برداشت فوق، <إنه ربی . ..> ناظر به مفهومی گرفته شده که از عبارت <التی هو فی بیتها> استفاده می شود ; یعنی، زلیخا با اظهار اینکه مربی یوسف(ع) بوده و او را در خانه خویش سر و سامان بخشیده است، توقع داشت که یوسف(ع) در برابر تقاضایش تسلیم شود ; ولی یوسف(ع) با جمله <إنه ربی ...> بیان می دارد که خداوند، مربی و مدبر امور او بوده و هست، و سزاوار آن است که وی مطیع او باشد.

۱۹ زلیخا به دلیل اکرام یوسف (ع) و خدمت به او ، توقع داشت که یوسف (ع) در برابر تقاضای نامشروعش ، تسلیم وی باشد .

رودته التی هو فی بیتها . .. قال ... إنه ربی

۲۰ یوسف (ع) در برابر زلیخا تصریح کرد که تنظیم جریان زندگی او ، به عنایت و تدبیر خداوند بوده است .

معاذ الله إنه ربی أحسن مثوای

ضمیر در <إنه> به <الله> باز می گردد و در برداشت فوق، جمله <إنه ربی> تعلیل برای <معاذ الله> گرفته شده است. بر این اساس مفاد جمله فوق، چنین می شود: من [از این امر فریبنده] به خدا پناه می برم و او مرا یاری خواهد کرد ; زیرا او مدبر امور من و تربیت کننده من است.

۲۱ یوسف (ع) در پاسخ به دعوت و فرمان زلیخا ، خداوند را سزاوارتر برای اطاعت ، قدرشناسی و سپاس دانست .

قال معاذ الله إنه ربی أحسن مثوای

۲۲ یوسف (ع

) ، پذیرفتن تمنای زلیخا (درخواست وصال و آمیزش) را ، کفران احسان های خداوند به خویش دانست .

إنه ربی أحسن مثوای

۲۸ یوسف (ع) ، تسلیم شدن در برابر تمنای نامشروع زلیخا را ، مصداقی از ستم کاری می دانست .

إنه لایفلح الظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۴ - ۱،۲،۳،۵،۶،۱۳،۱۵،۱۶

۱ زلیخا ، پس از استنکاف یوسف (ع) از وصال او ، بر آن شد تا با قهر و غلبه از وی کام بگیرد .

و لقد همّت به

کلمه <همّه> و مشتقات آن، اگر به وسیله حرف <باء> متعدی شود، به معنای قصد کردن است. بنابراین <و لقد همّت به> ; یعنی، همانا زلیخا قصد یوسف(ع) کرد تا از او کام گیرد، و چون زلیخا از پیش نیز چنین قصدی داشت (رودته التی ...)، معلوم می شود مراد از این قصد، عزمی دیگر است و آن به قرینه <استبقا...> در آیه بعد آهنگ انجام آن با قهر و غلبه است.

۲ مشاهده حجت و برهان الهی ، تنها مانع یوسف (ع) در تسلیم شدن به خواسته زلیخا و پرهیز از آمیزش با وی

و همّ بها لولا أن رءا برهن ربه

جمله <همّ بها> به منزله جواب برای <لولا أن . ..> است ; یعنی، اگر برهان ربوبی را ندیده بود، به سوی زلیخا تمایل پیدا می کرد. <برهان> به معنای حجت و دلیل است و از مصداقهای روشن و بارز آن، همان دلیلهایی است که در آیه قبل مطرح شد ; یعنی، رؤیت برهان عبارت بود از: الف) یوسف

ربوبیت خداونـد و نعمتهـای او را مشاهـده می کرد (إنه ربی أحسن مثوای). ب) یوسف(ع) بـا تمـام وجود دریافته بود که گنه کـاران و ستمگران، رستگار نمی شونـد (إنه لایفلـح الظـالمون).ج) او تردیـدی نـداشت که آمیزش بـا زلیخا، ظلم و معصـیت خداوند است (معاذالله ...).

۳ توانایی جسمی و جنسی یوسف (ع) ، برای کام جویی از زلیخا

و لقد همّت به و همّ بها لولا أن رءا برهن ربه

قرآن، پس از بیان این که زلیخا تمام شـرایط کام جویی را برای یوسف فراهم ساخته بود و موانع را برطرف کرده بود، با جمله <همّ بهـا لولاـ. ..> تنهـا مـانع یوسف(ع) را، مشاهـده برهـان الهی معرفی کرد تـا گمان نشود که او گرایشـی به امور جنسـی نداشت و از آمیزش با زنان ناتوان بود.

۵ خداونـد ، بـا ارائه برهـان به یوسف (ع) ، او را از آمیزش بـا زلیخـا (زنا) و نگاه های شـهوانی به وی ، حفظ کرد و مصون داشت .

کذلک لنصرف عنه السوء و الفحشاء

<فحشاء> به گناه و معصـیتی که بسـیار زشت و پلید باشد، گفته می شود (لسان العرب). <سوء> به معنای بدی و گناه است که به قرینه مقابله آن با <فحشاء>، مراد از آن گناه کوچک است. <أل> در <السوء> و <الفحشاء> می توانـد برای عهد باشد. براین مبنا مقصود از <الفحشاء> آمیزش، و منظور از <السوء> نگاه شهوت آلود، قصد گناه و ... است. این احتمال نیز به نظر قوی می رسـد که <أل> در این دو کلمه، برای جنس باشـد. براین مبنـا نیز گناهـان یـاد شـده از مصـداقهای مورد نظر خواهد بود.

۶

یوسف (ع) ، در عنفوان جوانی از ارتکاب هر گناه کوچك و بزرگی ، مصون و معصوم بود .

کذلك لنصرف عنه السوء و الفحشاء إنه من عبادنا المخلصین

۱۳ < عن الرضا (ع) : . . . و أما قوله عزوجل فی یوسف : < و لقد همّت به و همّ بها > فإن ها همّت بالمعصیه و همّ یوسف بقتل ها إن أجبرته . . . فصرف الله عنه قتلها و الفاحشه و هو قوله عزوجل : < کذلك لنصرف عنه السوء و الفحشاء > یعنی القتل والزنا . . . ;

از امام رضا(ع) روایت شده که فرمود: . .. قول خدای عزوجل درباره یوسف که فرموده: <و لقد همّت به و همّ بها> مقصود این است که آن زن قصد معصیت کرد و یوسف قصد کرد که اگر بانو وی را مجبور به گناه کند، او را بکشد ... پس خداوند، قتل و عمل خلاف عفت را از او بگردانید و این است سخن خدای عزوجل: <کذلك لنصرف عنه السوء والفحشاء> ; یعنی، قتل و زنا ...>.

۱۵ < عن الصادق (ع) [فی البرهان الذی رأی یوسف] : انه النبوه المانعه من إرتکاب الفواحش والحکمه الصارفه عن القبایح ;

از امام صادق(ع) [درباره برهانی که یوسف(ع) دیده]روایت شده: آن برهان نبوت بود که مانع از ارتکاب گناهان می شود و حکمتی که از کارهای زشت باز می دارد>.

۱۶ < عن الرضا (ع) : لقد همّت به و لولا أن رأی برهان ربّه لهمّ بها کما همّت به ، لکنّه کان معصوماً ، والمعصوم لایهمّ بذنب

... ;

از امام رضا(ع) روایت شده است: آن زن قصد یوسف کرد و اگر یوسف برهان پروردگارش را ندیده بود، قصد آن زن می کرد همان گونه که زن او را قصد کرد ; ولی یوسف معصوم بود و معصوم قصد گناه نمی کند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۵ - ۱،۲،۴،۵،۶،۷،۸،۹،۱۱،۱۲،۱۳،۱۴،۱۵،۱۶،۲۰

۱ زلیخا برای کام جویی از یوسف (ع) و واداشتن او به آمیزش ، درصدد برآمد تا با وی درآویزد .

واستبقا الباب

۲ یوسف (ع) برای نجات خویش از درآویختن زلیخا با او ، به طرف درب خروجی فرار کرد .

و لقد همّت به . .. واستبقا الباب

معرفه آوردن <الباب>، اشاره به دربی خاص دارد که به مناسبت مورد می توان گفت: مراد از آن درب خروجی است.

۴ زلیخا برای دستیابی به یوسف (ع) و جلوگیری از خروج وی ، به تعقیب او پرداخت و با سرعت به سمت درب خروجی دوید .

واستبقا الباب

۵ یوسف (ع) در تعقیب و گریزش با زلیخا ، زودتر از وی به درب خروجی رسید .

واستبقا الباب و قدت قمیصه من دبر

۶ زلیخا برای جلوگیری از خروج یوسف (ع) ، از پشتْ پیراهنش را چنگ زد و او را به شدت به سوی خود کشید .

واستبقا الباب و قدت قمیصه من دبر

۷ زلیخا بر اثر چنگ زدن به پیراهن یوسف (ع) ، پیراهن او را چاک زد و سرتاسر آن را پاره کرد .

و قدت قمیصه من دبر

<قدّ> (مصدر قدّت) به معنای شکافتن و پاره کردن طولی

و سراسری است (لسان العرب) ; یعنی ، آن گاه گفته می شود <قدّ القمیص> که پیراهن از طول پاره شود و سراسر آن شکافته گردد.

۸ یوسف (ع) ، به گشودن درب و فرار از چنگ زلیخا موفق شد .

و ألفیا سیدها لدا الباب

۹ یوسف (ع) و زلیخا ، پس از تعقیب و گریز و باز شدن درب ، با عزیز مصر در آستانه آن درب برخورد کردند .

و ألفیا سیدها لدا الباب

<إلفاء> (مصدر ألفیا) به معنای یافتن و مواجه شدن است. <سیّد> به معنای شریف و دارای مجد است ، و مراد از آن در این جا ، شوهر است.

۱۱ زلیخا به هنگام برخورد با شوهرش ، عزیز مصر ، یوسف (ع) را به قصد تجاوز به خویش متهم کرد .

قالت ما جزاء من أراد بأهلک سوءًا

<جزاء> به معنای سزا و کیفر و <ما> در جمله فوق نافیه است. بنابراین <ما جزاء ...> ; یعنی: نیست کیفر و سزای کسی که خواسته باشد به همسرت تجاوز کند ، مگر زندان یا عذابی دردناک.

۱۲ پیشدستی زلیخا در طرح اتهام علیه یوسف (ع)

و ألفیا سیدها لدا الباب قالت ما جزاء من أراد بأهلک سوءًا

۱۳ تلاش زلیخا برای تبرئه خویش نزد عزیز مصر

قالت ما جزاء من أراد بأهلک سوءًا

۱۴ تحریک عزیز مصر از سوی زلیخا برای مؤاخذه و مجازات یوسف (ع)

ما جزاء من أراد بأهلک سوءًا إلا أن یسجن أو عذاب ألیم

برداشت فوق ، از تصریح زلیخا به <أهلک> (همسر تو) استفاده می شود ; یعنی ، او با آوردن <أهلک> درصدد تحریک عزیز مصر برای مجازات

یوسف(ع) بود.

۱۵ زلیخا در نزد عزیز مصر ، یوسف (ع) را به تحقق تجاوز ، متهم نکرد .

ما جزاء من أراد بأهلك سوءًا

برداشت فوق ، از فعل <أراد> (قصد کرد) استفاده می شود.

۱۶ زندانی کردن یوسف (ع) و یا شکنجه او ، مجازات پیشنهادی زلیخا به عزیز مصر

ما جزاء من أراد بأهلك سوءًا إلا أن يسجن أو عذاب أليم

۲۰ < عن علی بن الحسین (ع) : . . . فغلقت الأبواب علیها و علیه و قالت : لاتخف و ألقت نفس ها علیه فأفلت منها هارباً إلی الباب ففتحه فلحقته فجذبت قمیصه من خلفه . . . ;

از امام سجاد(ع) روایت شده است: . .. [همسر عزیز]درها را به روی خود و یوسف بست و گفت: نترس و خود را به روی او انداخت. یوسف از چنگ او نجات یافت و به طرف در فرار کرد و در را باز کرد ; پس آن زن به او رسید و پیراهن او را از پشت او کشید>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۶ - ۱،۲،۵،۷،۸،۹،۱۰،۱۲،۱۳

۱ دفاع یوسف (ع) از خویش ، در برابر اتهام زلیخا

قال هی رودتنی عن نفسی

۲ یوسف (ع) در نزد عزیز مصر ، تمنای نامشروع زلیخا و استنکاف خویش را فاش ساخت ، و خود را از هر گونه اراده سوئی مبرّا دانست .

قال هی رودتنی عن نفسی

ترکیبهایی نظیر <هی رودتنی> و <أنا قمت> که مبتدا در معنا فاعل است و خبر آن فعل می باشد گاهی حاکی از تأکید است

و گـاهی دلاـلت بر حصـر دارد. و از آن جـا که یوسف(ع) در مقـام رفع اتهام از خویش بود، معلوم می شود او از جمله <هی رودتنی> معنای حصـر را اراده کرده است. بنابراین <هی راودتنی> ; یعنی، او (زلیخا) از من درخواست کام جویی داشت و من چنین درخواستی نداشتم و استنکاف ورزیدم.

۵ یوسف (ع) مراوده زلیخا و وصال خواهی او را تا زمان دفاع از خویش ، پنهان کرده و فاش نساخته بود .

قالت . .. قال هی رودتنی عن نفسی

۷ عزیز مصر در ماجرای یوسف (ع) و زلیخا ، پیشداوری نکرد و از تصمیم گیری عجولانه خودداری نمود .

قالت . .. قال هی رودتنی عن نفسی و شهد شاهد من أهلها

۸ مردی از خویشان زلیخا ، در ماجرای وی و یوسف (ع) دخالت کرد و میان آنان به داوری پرداخت .

و شهد شاهد من أهلها

۹ داور مـاجرای یوسف (ع) و زلیخـا ، علی رغم خویشـی او با زلیخا ، بی طرفی کامل را رعایت کرد ، و قضاوتی بر حق ارائه نمود .

و شهد شاهد من أهلها إن کان قمیصه قُدّ من قُبل

۱۰ داور ماجرای یوسف (ع) و زلیخا ، پیش از اظهار نظر خویش ، به پاره شدن پیراهن یوسف (ع) آگاه شد .

و شهد شاهد من أهلها إن کان قمیصه قُدّ

۱۲ داور مـاجرای یوسف و زلیخـا ، به درسـتی داوری خویش و دلاـلت نحوه پـارگی پیراهن بر کشف مـاجرا ، اطمینـان کـامل داشت .

و شهد شاهد من أهلها إن کان قمیصه قُدّ من قُبل

مراد از شهادت در <شهد

شاهـد> اظهـار نظر کردن، قضـاوت کردن و . .. است. تعبیر کردن از اینها به شـهادت دادن که دیـدن و مشاهـده کردن را می طلبـد - برای رسانـدن این معنـاست که آن شـخص، آن چنـان به صـحت داوری و نظر خویش اطمینـان داشت که گویـا شاهد ماجرا بوده است.

۱۳ < عن علی بن الحسـین (ع) : . . . قـال یوسف و إله یعقوب مـا أردت بأهلـك سوء بـل هی راودتنی عن نفسـی فسل هـذا الصبی . . . و کان عندها من أهلها صبی زائر ل ها فانطق الله الصبی لفصل القضاء فقال : . . . انظر إلی قمیص یوسف . . . ;

از امام سـجاد(ع) روایت شـده است: . .. یوسف گفت: به خـدای یعقوب قسم! من قصـد بد درباره همسـر تو نداشـتم. او مرا به خودش دعوت کرد، پس تو از این کودك بپرس کودکی از بسـتگان آن زن نزد او بود که به دیـدنش آمـده بود پس خدا آن کودك را برای قطع داوری به سخن درآورد و گفت: ... به پیراهن یوسف نگاه کن ...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۹ - ۱،۲،۳

۱ عزیز مصر از یوسف (ع) خواست تا ماجرای زلیخا را نادیده انگاشته و آن را مخفی سازد .

یوسف أعرض عن هذا

اعراض کردن از مـاجرای زلیخـا که مفاد عبارت <أعرض عن هـذا> است در حقیقت توصـیه به مخفی نگه داشـتن و نادیـده گرفتن است ، نه لب به شکایت نگشودن ; زیرا اقدام علیه زلیخا با ملاحظه موقعیت یوسف(ع)

- که برده ای زرخرید بوده ناسازگار است.

۲ تکریم و بزرگداشت یوسف (ع) از جانب عزیز ، پس از کشف حقیقت ماجرا

یوسف أعرض عن هذا

<یوسف> مناداست و حرف ندا (یا) از آن حذف شده است عزیز مصر با حذف کردن حرف ندا ، تقرب او را نزد خویش بیان می دارد و با نام بردن از او ، لطف و مرحمت خویش را به وی اظهار می دارد.

۳ عزیز مصر ، پس از روشن شدن خطای زلیخا ، از وی خواست استغفار کند و از گناه خویش پوزش بطلبد .

واستغفری لذنبک إنک کنت من الخاطئین

در جمله <استغفری لذنبک> (برای گناهت طلب آمرزش کن) بیان نشده که زلیخا باید از چه کسی آمرزش بخواهد. برخی از مفسران گفته اند: مراد ، استغفار به درگاه خداوند است و برخی برآنند که مقصود ، پوزش خواستن از عزیز مصر می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۰ - ۱،۲،۳،۵،۶،۷،۸،۹،۱۰،۱۱

۱ عشق زلیخا به یوسف (ع) و تقاضای کام جویی وی از او ، در شهر شایع شد .

و قال نسوه فی المدینه امرأت العزیز ترود فتیها

۲ زنان اشراف ، عامل شیوع خبر ماجرای یوسف (ع) و زلیخا در پایتخت مصر

و قال نسوه فی المدینه

برداشت فوق، بر این اساس است که <فی المدینه> متعلق به <قال> باشد. بر این مبنا <قال نسوه فی المدینه ...> ; یعنی: زنان مراوده زلیخا با یوسف(ع) را در آن شهر (پایتخت مصر) نشر دادند.

۳ عشق زلیخا به یوسف (ع) و تقاضای مکرر او برای کام روایی

از وی ، زبانزد زنان اشراف شده بود .

و قال نسوه فی المدینه امرأت العزیز ترود فتیها عن نفسه

<فی المـدینه> می تواند متعلق به <قال> باشد و نیز محتمل است صـفت برای <نسوه> باشد. براساس احتمال دوم، مراد از <قال نسوه فی المدینه...> این است که: زنان شهر ، داستان زلیخا را برای یک دیگر بازگو می کردند.

۵ عشق یوسف (ع) تا درون قلب و دل زلیخا نفوذ کرده و آن را به تسخیر خویش درآورده بود .

قد شغفها حبًّا

<شـغاف> به جداره و یا هسـته مرکزی قلب گفته می شود. <شغف> ; یعنی، جداره قلب شد و یا به مرکز آن رسید. ضمیر فـاعلی در <شـغفها> به <فتیهـا> برمی گردد و <حبّاً> تمییزی است مبـدل از فاعل. بنابراین <شـغفها حبّاً> در اصل چنین بوده است: <شغف حبّ یوسف إیاها> ; یعنی، محبت یوسف جداره قلب زلیخا شد و آن رااحاطه کرد، و یا عشق یوسف(ع) جداره قلب زلیخا را شکافت و به درون آن نفوذ کرد.

۶ شیفتگی زلیخا به یوسف (ع) و داستان مراوده او ، در عنفوان جوانی یوسف (ع) بود .

ترود فتیها عن نفسه قد شغفها حبًّا

۷ زنان اشراف ، تقاضای کام جویی زلیخا از برده خویش را ، امری نکوهیده دانسته و او را ملامت می کردند .

و قال نسوه فی المدینه امرأت العزیز ترود فتیها عن نفسه قد شغفها حبًّا

<فتا> به معنای برده و عبـد ، و نیز به معنای جوان است. به نظر می رسـد هر دو معنای <فتا> در <تراود فتاها> لحاظ شـده باشد.

۸ شیفته غلام زرخرید شدن و تقاضای کام روایی از

او ، خطا و لغزشی روشن از دیدگاه زنان اشراف و همپالگی های زلیخا

قد شغفها حبًّا إنا لنریها فی ضلل مبین

هدف زنان اشراف از یاد کردن یوسف(ع) به عنوان <برده و جوانک زلیخا>، خرده گرفتن بر اوست که چرا به غلام زرخرید عشق میورزد.

۹ عشق زلیخا به یوسف (ع) ، علی رغم همسری او برای عزیز مصر ، مایه شگفتی فراوان زنان اشراف و موجب مزید ملامت گویی از وی شد .

امرأت العزیز ترود فتیها عن نفسه

هدف زنان اشراف از یاد کردن زلیخا به عنوان <همسر عزیز مصر>، رساندن زشتی هر چه افزون تر ماجرای اوست ; یعنی، مراوده با بردگان زشت است و از همسر عزیز مصر ناپسندتر.

۱۰ < عن علی بن الحسین (ع) : . . . فلما سمع الملك كلام الصبی . . . قال لیوسف : < أعرض عن هذا . . . > و اکتمه قال : فلم یكتمه یوسف و أذاعه فی المدینه حتی قلن نسوه منهنّ إمرأه العزیز تراود فتاها عن نفسه . . . ;

از امام سجاد(ع) نقل شده است: . .. همین که پادشاه سخن کودك را شنید ... به یوسف گفت: از این ماجرا درگذر ... و آن را پوشیده بدار. [امام فرمود:] یوسف ماجرا را پوشیده نداشت و آن را در شهر منتشر کرد تا اینکه عده ای اززنان شهر گفتند: همسر عزیز غلام خود را به خویش دعوت کرده است ...>.

۱۱ < عن أبی جعفر (ع) فی قوله < قد شغفها حبّاً > یقول : قد حجبها حبّه عن الناس فلاتعقل غیره ;

از امام باقر(ع) درباره قول

خدا <قد شغفها حباً> روایت شده که می فرمود: عشق یوسف پرده ای بر قلب همسر عزیز کشیده بود به گونه ای که او را از مردم جدا کرده بود و به هیچ کس غیر از یوسف نمی اندیشید>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۳۱ – ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷،۸،۱۰،۱۱،۱۲،۱۳،۱۴،۱۵،۱۶

۱ زلیخا سرزنش زنان مصر را به خاطر عشقش به یوسف (ع) ، شنید و به آن آگاهی یافت .

فلما سمعت بمکرهنّ

فعل <سمع> متعدی است و نیازی به حرف <باء> برای تعدیه ندارد. بنابراین در <سمعت بمکرهنّ> معنای <علمت> اشراب شده است. ازاین رو مفاد آن چنین می شود: زلیخا به مکر زنان آگاه شد و این آگاهی از طریق خبرهایی بود که برای او نقل می شد.

۲ عشق زلیخا به یوسف (ع) حربه زنان اشراف مصر ، برای جنجال و توطئه علیه او

قال نسوه فی المدینه . .. فلما سمعت بمکرهنّ

مراد از <مکر> نقل کردن و مطرح ساختن ماجرای زلیخاست. اطلاق <مکر> به نقل آن ماجرا ، گویای این است که زنان اشراف با مطرح کردن آن قصه ، درصدد ضربه زدن به شخصیت زلیخا و توطئه علیه وی بودند.

۳ زلیخا ، پس از آگاهی به توطئه زنان و ملامت گری های ایشان ، آنان را به منزل خویش دعوت کرد .

فلما سمعت بمکرهنّ أرسلت إلیهنّ

مراد از <به سوی آنان فرستاد> که مفاد <أرسلت إلیهنّ> است به قرینه جمله <و أعتدت لهنّ متّکئاً و . ..> این است که آنان را به مهمانی دعوت کرد.

۴ زلیخا برای پاسخ گویی به زنان ملامت کننده

، ضیافتی ترتیب داد و مجلس ویژه ای آراست .

أرسلت إلیهنّ و أعتدت لهنّ متّکئًا

۵ زلیخا برای لمیدن زنانی که به مهمانی دعوت کرده بود ، تکیه گاهی ویژه فراهم ساخت .

و أعتدت لهنّ متّکئًا

<اعتاد> (مصدر أعتدت) به معنای مهیّا ساختن و آماده کردن است. <متّکئاً> به چیزی گفته می شود که به آن تکیه می دهند و نکره آوردن آن دلالت بر ویژگی آن دارد. قابل ذکر است که <متّکئاً> به معنای طعام نیز آمده است. مفرد بودن آن و نیز آوردن جمله <آتت ...> (به هر یک کاردی [برای استفاده از خوراکیها] داد) می تواند مؤید این احتمال باشد که مراد از <متّکئاً> در آیه <طعام> است.

۶ زلیخا به هر یک از زنان دعوت شده ، کاردی برای استفاده از خوردنی ها داد .

و ءاتت کل وحده منهنّ سکّینًا

۷ زلیخا خود ، آرایش دهنده مجلس ضیافت و پذیرایی کننده از زنان اشراف بود .

و أعتدت لهنّ متّکئًا و ءاتت کل وحده منهنّ سکّینًا

ضمیر در <أعتدت> و <آتت> به <امرأت العزیز> برمی گردد. بنابراین ظاهر این است که او خود به انجام آن کارها پرداخته بود و گرنه فعلهای مذکور به صورت مجهول (اُعتِد) و (اوتیت) آورده می شد.

۸ تعداد زنانی که زلیخا آنان را برای دیدار یوسف (ع) دعوت کرد ، بیش از ده نفر نبودند .

و قال نسوه فی المدینه . .. فلما سمعت بمکرهنّ أرسلت إلیهنّ

ضمیر در <مکرهنّ . ..> و <إلیهنّ> به <نسوه> در آیه قبل برمی گردد و از آن جا که <نسوه> از صیغه های جمع قلّه است ، معلوم می شود تعداد زنان دعوت شده

بیش از ده نفر نبود.

۱۰ زلیخا به منظور برخورد نکردن زنان دعوت شده با یوسف (ع) ، از او خواسته بود در اتاق های اندرونی ساختمان بماند .

و قالت اخرج علیهنّ

کلمه <خروج> به معنای از داخل به بیرون آمـدن است. بنابراین <اخرج علیهنّ> می رساند که یوسف(ع) هنگامی که زنان در مجلس ضیافت حاضر شدند، در مکانی بود که نسبت به مجلس آنان داخل حساب می شد ; یعنی، اگر مجلس پذیرایی در اتاق بیرونی بود زلیخا، یوسف(ع) را در اتاق اندرونی نگه داشته بود.

۱۱ زلیخـا ، هنگامی که زنان بر جایگاه های خود تکیه زده و آماده استفاده از خوراکی ها شدنـد ، از یوسف (ع) خواست بر آنان گذر کند .

و قالت اخرج علیهنّ

۱۲ یوسف (ع) پس از دستور زلیخا بدون درنگ در مجلس زنان اشراف حاضر شد .

قالت اخرج علیهنّ فلما رأینه

<فاء> در <فلما. ..> فصیحه است و گویای جمله هایی مقدر می باشد ; یعنی: <فخرج علیهنّ فرأینه فلما رأینه...>. حذف این جمله ها برای رساندن این نکته است که دستور زلیخا همان و اطاعت یوسف(ع) همان.

۱۳ زلیخا تا قبل از برملا شدن عشقش به یوسف (ع) ، او را از دید زنان اشراف مصر مخفی می کرد .

امرأت العزیز ترود فتیها . .. فلما رأینه أکبرنه

۱۴ زنان اشراف مصر در مجلس ضیافت زلیخا ، برای اولین بار یوسف (ع) را مشاهده کردند .

فلما رأینه أکبرنه . .. و قلن حش لله ما هذا بشرًا

۱۵ زنان اشراف مصر با مشاهده یوسف (ع) ، حیرت زده و مدهوش شدند .

فلما

رأینه أکبرنه و قطّعن أیدیهنّ

<إکبار> (مصدر أکبرن) به معنای بزرگ دیدن و با عظمت شمردن است.

۱۶ زنان اشراف با دیدن یوسف (ع) ، از خود بی خود شده و از ادراک هر چیز جز جمال او ناتوان گشتند .

فلما رأینه أکبرنه و قطّعن أیدیهنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۲ - ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۸،۱۱

۱ زلیخا ، با ارائه یوسف (ع) به زنان اشراف ، به ایشان فهماند که نباید وی را در عشقش به یوسف (ع) ملامت کنند .

قالت فذلکنّ الذی لمتننی فیه

۲ زلیخا ، نزد زنان اشراف به تقاضای کام روایی از یوسف (ع) ، اقرار و اعتراف کرد .

لقد رودته عن نفسه

۳ زلیخا نزد زنان اشراف ، به پاکدامنی و عفت یوسف (ع) و نپذیرفتن تقاضای او (درخواست وصال) شهادت داد .

لقد رودته عن نفسه فاستعصم

عصمت و استعصام ، هر دو گویای امتناع ورزیدن و نپذیرفتن می باشند ; با این تفاوت که استعصام حاکی از مبالغه است. بنابراین <فاستعصم> ; یعنی، یوسف(ع) بشدت با تقاضای من مخالفت کرد و بر عفت خویش اصرار ورزید.

۴ زلیخا در حضور زنان اشراف ، تأکید کرد که هم چنان بر تقاضای وصال یوسف (ع) اصرار خواهد کرد .

و لئن لم یفعل ما ءامره

۵ زلیخا ، سوگند یاد کرد که در صورت استنکاف یوسف (ع) از آمیزش با او ، وی را به زندان خواهد افکند و خوار و بی مقدارش خواهد ساخت .

و لئن لم یفعل ما ءامره لیسجنن و لیکونًا من الصغرین

<لام>

در <لئن> گویای قسم است. <یکوناً= یکونن> فعل مضارع و مقرون به نون تأکید خفیفه است.

۶ یوسف (ع) در دربار عزیز مصر ، شخصیتی بزرگ و مورد احترام بود .

و لیکونًا من الصغرین

۸ زندانی که یوسف (ع) به محبوس شدن در آن تهدید شد ، موجب خوار گشتن و حقیر پنداشتن او می شد .

لیسجنن و لیکونًا من الصغرین

جمله خوار و بی مقدار خواهد شد (لیکوناً من الصاغرین) به منزله نتیجه ای برای عبارت <زندانی خواهد شد> (لیسجنن) است ; زیرا یوسف(ع) هنگام ترجیح زندان بر خواسته زنان در آیه بعد سخنی از ترجیح حقیر شدن نگفت.

۱۱ < عن علی بن الحسین : . . . فقالت لهنّ < فذلکنّ الذی لمتننی فیه > یعنی فی حبّه ;

از امام سجاد(ع) روایت شده است: . .. همسر عزیز [باشاره به یوسف] خطاب به بانوان گفت: این است کسی که مرا درباره او سرزنش می کردید ; یعنی، مرا در مورد عشق به او سرزنش می کردید>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۳ - ۱،۶،۷،۱۱،۲۳

۱ یوسف (ع) حافظ عفت خویش وبی اعتنا به تهدید های زلیخا

قال رب السجن أحب إلیّ مما یدعوننی إلیه

۶ زنان اشراف مصر (میهمانان زلیخا) ، جملگی یوسف (ع) را به وصال خویش فرا می خواندند .

مما یدعوننی إلیه

<یدعون> در جمله فوق ، جمع مؤنث است و فاعل آن زنانی هستند که میهمان زلیخا بودند آنان نیز به قرینه <أصب إلیهنّ> یوسف(ع) را به خویش دعوت می کردند و به

دلیل مضارع بودن <یدعون> بر آن اصرار میورزیدند.

۷ یوسف (ع) نگران تأثیر مکر و حیله زلیخا و زنان اشراف در خود و واداشتنش بر گناه و معصیت

و إلّا تصرف عنی کیدهنّ أصب إلیهنّ

۱۱ یوسف (ع) ، برای رهایی از مکر زلیخا و زنان اشراف و نجات از دام شهوت ، به نیایش با خدا و استمداد از او پرداخت .

رب . .. و إلّا تصرف عنی کیدهنّ أصب إلیهنّ

<صبو> (مصدر أصب) به معنای میل کردن و گرایش پیدا کردن است. جمله <و إلّا تصرف ...> (اگر مکر آن زنان را از من باز نگردانی ، به آنان گرایش پیدا می کنم) به قرینه آیه بعد (فاستجاب) خبری است در مقام دعا و درخواست.

۲۳ < عن علی بن الحسین (ع) : . . . و خرجن النسوه من عندها (إمرأه العزیز) فأرسلت کل واحده منهنّ إلی یوسف سرّاً من صاحبتها تسأله الزیاره فأبی علیهنّ و قال : < إلّا تصرف عنّی کیدهنّ أصب إلیهنّ و أکن من الجاهلین ;

از امام سجاد(ع) روایت شده است: . .. و بانوان از نزد همسر عزیز بیرون رفته و هر کدام پنهان از رفیق خویش (=زلیخا) به نزد یوسف [پیام] فرستاد و از او درخواست دیدار کرد و یوسف نپذیرفت و گفت: [پروردگار] اگر نیرنگ زنان را از من نگردانی به آنان تمایل پیدا می کنم و از جاهلان خواهم بود...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۴ - ۱،۲،۳

۱ خداوند ، دعای یوسف (ع) (درخواست رهایی از کید زلیخا

و همپالگی های وی) را اجابت کرد و او را از مکر آنان مصون داشت .

فاستجاب له ربه فصرف عنه کیدهنّ

<استجابه> (مصدر استجاب) به معنای پذیرفتن درخواست است.

۲ امداد خداوند ، مایه رهایی یوسف (ع) از گناه و مکر و افسون زلیخا و زنان اشراف شد .

فاستجاب له ربه فصرف عنه کیدهنّ

۳ زلیخا و زنان اشراف ، در اثر توسل یوسف (ع) به درگاه خدا ، از او مأیوس گشته و از مکر و تزویر ، علیه او منصرف شدند .

فصرف عنه کیدهنّ

مراد از کید زنان، تقاضای مکرر آنان با عشوه ها و اظهار شیفتگی است. بنابراین عبارت <صرف عنه کیدهنّ> دلالت می کند که پس از دعای یوسف(ع)، دیگر آن مراوده ها و تقاضاها از یوسف(ع) نشد. گفتنی است که <ثم> در آیه بعد، مؤید این نکته است که یأس زنان و انصرافشان از وی، پیش از زندانی شدن او بوده است، نه اینکه زندانی شدنش، عامل قطع مراوده شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۵ - ۱،۲،۴،۶،۷،۹،۱۰،۱۱،۱۲

۱ داستان عشق زنان اشراف مصر به یوسف (ع) ، موجب بروز بحران در حکومت و خانه های اشراف شد .

ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الأیت

۲ تصمیم قاطع دولت مردان مصر بر زندانی ساختن یوسف (ع) ، جهت رهایی از بحران و حفظ حیثیت دربار

ثم بدا لهم . .. لیسجننه

۴ زندانی شدن یوسف (ع) ، به تحریک و درخواست زلیخا نبود . *

لئن لم یفعل ما ءامره لیسجنن . .. ثم بدا لهم ...

ليسجننه

تعبير <ثم بـدا لهم> (پس از مدتى اين رأى براى آنان هويدا شد و به ذهنشان خطور كرد كه زندانيش كنند) حاكى است كه اين رأى و نظر به پيشـنهاد زليخا نبوده است علاوه بر اين آيه قبل گوياى آن است كه خداوند، زليخا و ديگر زنان را از يوسف منصرف كرد و داستان مراوده متروك شد لذا زليخا ديگر درصدد نبود كه با زندانى كردن يوسف وى را رام سازد.

۶ آگاهى كامل عزيز و حاكمان مصر بر پاكدامنى يوسف (ع) ، با مشاهده دلايل و نشانه هاى متعدد

ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الأيت

۷ حاكمان مصر على رغم آگاهى به پاكدامنى يوسف (ع) ، او را به زندان افكندند .

ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الأيت ليسجننه

۹ يوسف (ع) ، براى زمانى محدود و نامعلوم محكوم به زندان شد .

ليسجننه حتى حين

۱۰ محكوميت يوسف (ع) به زندان تا زمان فرو نشستن غائله زليخا و ديگر زنان *

ليسجننه حتى حين

۱۱ < عـن أبى جعفر (ع) فى قـوله : < ثم بـدا لهم من بعـد مـا رأوا الأيـات ليسـجننه حـتى حين > فالأيـات شـهاده الصبى و القميص المخرّق من دبر و استباقهما الباب حتى سمع مجاذبت ها إيّاه على الباب فلما عصاها فلم تزل ملحّه بزوجها حتى حبسه . . . ;

از امام باقر(ع) درباره سـخن خـدا كه فرمود: <ثم بـدا لهم . ..> روايت شـده است: آن نشانه ها گواهى كودك و پيراهن پاره شده از پشت و سبقت آن دو به طرف در بود، به گونه اى كه شنيده شد آن زن

پشت در، یوسف را به طرف خود می کشد ; پس چون یوسف درخواست بانو را نپذیرفت به طور پیگیر به شوهرش اصرار نمود تا [شوهرش] او را زندانی کرد>.

۱۲ < عن الصادق (ع) : انه قال : دخل یوسف السجن و هو إبن إثنتی عشر سنه و مکث فیه ثمان عشر سنه . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده: که فرمود: یوسف در سن دوازده سالگی وارد زندان شد و هیجده سال در زندان ماند . ..>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۶ - ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷،۱۲،۱۴،۱۷،۱۸

۱ رجال مصر تصمیم خویش را عملی ساختند و یوسف (ع) را به زندان افکندند .

بدا لهم . .. لیسجننه حتی حین. و دخل معه السجن فتیان

۲ دو تن از خادمان دربار مصر ، هم زمان با زندانی شدن یوسف (ع) ، به زندان درافتادند .

و دخل معه السجن فتیان

<فتی> (مفرد فتیان) به معنای عبد و نیز به معنای جوان است.

۳ هم بندان یوسف (ع) در زندان ، هر کدام رؤیایی دیده و برای او بازگو کردند .

قال أحدهما إنی أرینی أعصر خمرًا

۴ آب گرفتن از انگور برای تهیه شراب ، رؤیای یکی از دو زندانی هم بند یوسف (ع)

قال أحدهما إنی أرینی أعصر خمرًا

<عصر> (مصدر أعصر) به معنای گرفتن آب از چیزی (میوه، لباس تر و. ..) است. <خمر> به شراب مست کننده ای که از انگور به دست می آید، گفته می شود و مراد از <خمر> در آیه شریفه به قرینه أعصر (آب می گرفتم)

انگور است. تعبیر کردن از انگور به شراب، به این لحاظ بوده که آن زندانی از انگور، برای تهیه شراب آب می گرفته است.

۵ حمل نان بر بالای سر و خوردن پرندگان از آن ، رؤیای یکی دیگر از هم بندان یوسف (ع)

و قال الأخر إنی أرینی أحمل فوق رأسی خبزًا تأکل الطیر منه

<طیر> جمع طائر و به معنای پرندگان است.

۶ هر کدام از هم بندان یوسف (ع) ، رؤیای خویش را به طور مکرر دیده بودند .

إنی أرینی أعصر . .. إنی أرینی أحمل

به کارگیری فعل مضارع <أری> (در خواب می بینم) به جای فعل ماضی <رأیت> (در خواب دیدم) می تواند اشاره به استمرار آن رؤیا باشد ; یعنی، چندین شب پی در پی چنین دیده ام، به گونه ای که اگر باز هم بخوابم، مطمئنم که آن رؤیا را خواهم دید.

۷ هم بندان یوسف (ع) ، از او خواستند رؤیایشان را تعبیر کرده و تأویل آن را بیان کنند .

نبّئنا بتأویله

۱۲ هم بندان یوسف در زندان مصر ، به شخصیت والای یوسف (ع) پی بردند و به نیکوکار بودنش مطمئن شدند .

إنا نریک من المحسنین

۱۴ محسن بودن یوسف (ع) ، دلیل مراجعه هم بندانش به او برای تعبیر رؤیا

نبّئنا بتأویله إنا نریک من المحسنین

جمله <إنا نراک> تعلیل برای <نبّئنا بتأویله> است.

۱۷ < عن أبی عبدالله (ع) : < قال الأخر إنی أرانی أحمل فوق رأسی خبزاً > قال : أحمل فوق رأسی جفنه فیها خبز . . . ;

از امام صادق(ع) [درباره سخن خدا] <إنی أرانی أحمل . ..>

روایت شده که فرمود: یعنی، روی سرم کاسه بزرگی حمل می کنم که درون آن نان است ...>.

۱۸ < عن أبی عبدالله (ع) فی قول الله عزوجل < إنا نراک من المحسـنین > قال : کان یوسع المجلس و یستقرض للمحتاج و یعین الضعیف ;

از امام صادق(ع) درباره سـخن خـدای عزوجل <إنا نراک من المحسـنین> روایت شده که فرمود: در مجلس جای نشسـتن را برای دیگران باز می کرد و برای نیازمند وام می گرفت و به ناتوان کمک می کرد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۷ - ۱،۲،۳،۵،۶،۷،۱۳،۱۵،۲۳

۱ یوسف (ع) ، تقاضای هم بنـدان خویش را پـذیرفت و آنان را به تعبیر کردن رؤیایشان پیش از رسیدن غـذای آنان مطمئن ساخت .

نبّئنا بتأویله . .. قال لایأتیکما طعام ترزقانه إلاّ نبّأتکما بتأویله

برداشت فوق بر این اسـاس است که مراد از ضـمیر در <تـأویله> رؤیـای هر یک از هم بنـدان یوسف باشـد. بر این مبنا جمله <قال لایأتیکما...> چنین معنا می شود: غـذایی که به شـما اعطا می شود، برایتان حاضـر نمی گردد مگر آنکه تعبیر رؤیا را به شما گزارش کرده ام.

۲ یوسف (ع) اقبال هم بندانش را به او غنیمت شمرد و به ارشاد و هدایت آنان پرداخت .

إنا نریک من المحسنین . .. ذلکما مما علمنی ربی إنی ترکت ملّه قوم لایؤمنون بالله

۳ یوسف (ع) با اشاره به خدادادی بودن دانش های ویژه اش ، هم بندان خویش را به شناخت ربوبیت خدا برانگیخت .

ذلکما مما علمنی ربی

از اهداف یوسف(ع) در بیان این حقیقت که

<این دانش را پروردگارم به من آموخته است> آن است که: هم بندان زندانی خویش را با خدا و ربوبیت او آشنا کند. مخاطب قرار دادن آن دو نفر با حرف <کما> در <ذلکما> مؤید این هدف است.

۵ یوسف (ع) ، بهره مندی خویش از علم غیب را برای هم بندان زندانیش فاش ساخت .

ذلکما مما علمنی ربی

۶ خبر دادن از نوع غذا و خصوصیات آن ، دلیل یوسف (ع) فراروی زندانیان برای بهره مندیش از علم غیب

قال لایأتیکما طعام ترزقانه إلّا نبّأتکما بتأویله . .. ذلکما مما علمنی ربی

۷ یوسف (ع) ، پیش از آوردن غذا برای زندانیان ، نوع و خصوصیات آن را برای ایشان بیان کرد .

قال لایأتیکما طعام ترزقانه إلّا نبّأتکما بتأویله قبل أن یأتیکما

بر این اساس که ضمیر در <تأویله> به <طعام> باز گردد، جمله <قال لایأتیکما. ..> چنین معنا می شود: یوسف(ع) گفت: <پیش از آنکه غذایی که به شما اعطا می شود، برایتان حاضر گردد، تأویل آن غذا را برای شما بیان کرده ام <مراد از تأویل طعام، ماهیت نوع خصوصیات و نتیجه آن می باشد.

۱۳ یوسف (ع) در زندان مصر ، پیروی نکردن خویش از آیین و شریعت مصریان کافر به خدا و ناباور به قیامت را ، ابراز داشت .

إنی ترکت ملّه قوم لایؤمنون بالله و هم بالأخره هم کفرون

۱۵ یوسف (ع) ، با بیان نقش ایمان به خدا و آخرت در دستیابی او به دانش های ویژه ، درصدد گرایش دادن هم بندان خویش به آیین الهی بود .

مما علمنی ربی إنی ترکت ملّه قوم

. .. هم كفرون

۲۳ < عن أبی عبدالله (ع) قال : لما أمر الملک بحبس یوسف فی السجن ألهمه الله علم تأویل الرؤیا . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: هنگامی که شاه فرمان زندانی شدن یوسف را صادر کرد ، خدا علم تعبیر خواب را به او الهام کرد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۲،۳

۲ یوسف (ع) در زندان مصر ، پیروی خویش از آیین ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) را فاش ساخت .

واتبعت ملّه ءاباءِی إبرهیم و إسحق و یعقوب

۳ یوسف (ع) در زندان مصر ، حسب و نسب خویش را برای زندانیان بیان کرد .

واتبعت ملّه ءاباءِی إبرهیم و إسحق و یعقوب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۹ - ۱،۳،۴،۷

۱ یوسف (ع) با اظهار مهربانی و ملاطفت به هم بندان خویش ، به ارشاد آنان پرداخت .

یصحبی السجن ءأرباب متفرقون خیر أم الله الوحد

۳ یوسف (ع) ، هم بندان خویش را به توحید و دوری از شرک فراخواند .

یصحبی السجن ءأرباب متفرقون خیر أم الله الوحد

۴ یوسف (ع) ، با طرح سؤال و برانگیختن وجدان هم بندان خویش ، حقانیّت توحید و یکتاپرستی را برای آنان مطرح ساخت .

ءأرباب متفرقون خیر أم الله الوحد القهار

۷ یوسف (ع) از هم بندان خویش خواست تا با مقایسه و سنجش عقیده توحیدی با عقیده به خدایان متعدد ، عقیده درست را بر گزینند .

ءأرباب متفرقون خير

أم الله الوحد القهار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۴۰ – ۳

۳ یوسف (ع) ، برای هم بندان زندانی خویش شایسته نبودن معبودهایشان را برای پرستش ، تشریح کرد و بر لزوم یکتاپرستی استدلال کرد .

ما تعبدون من دونه إلاّ أسماءً . .. ذلک الدین القیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۴۱ – ۱،۲،۳،۵،۷

۱ یوسف (ع) ، پس از ارشاد هم بندان خویش به توحید و یکتاپرستی ، به تعبیر رؤیا های آنان پرداخت .

یصحبی السجن أما أحدکما فیسقی ربه خمرًا

۲ یوسف (ع) ، رؤیای < آب گرفتن از انگور برای تهیه شراب > را به رهایی صاحب رؤیا و ساقی ارباب خویش شدن تعبیر کرد .

أما أحدکما فیسقی ربه خمرًا

<سَقْی> (مصدر یسقی) به معنای نوشانیدن و یا اعطای نوشیدنی است. بنابراین <أما أحدکما فیسقی ...> ; یعنی: یکی از شما به مالک و ارباب خود شراب خواهد نوشاند و ساقی او خواهد شد.

۳ یوسف (ع) ، رؤیای حمل نان و خوردن پرندگان از آن را ، به دار کشیده شدن صاحب رؤیا و خوردن پرندگان از سر او تفسیر کرد .

و أما الأخر فیصلب فتأکل الطیر من رأسه

<صلب> (مصدر یصلب) یعنی ، کشتن به طریق بستن به چوبه دار

۵ یوسف (ع) ، آزادی یکی از دو هم بند خویش و به دار کشیده شدن دیگری را ، سرنوشتی حتمی و غیر قابل تغییر دانسته و آن را به ایشان گوشزد کرد .

قضی الأمر الذی فیه تستفتیان

<افتاء>

بیان کردن حکم است و <استفتاء> (مصدر تستفتیان) به معنای درخواست بیان حکم می باشد. مراد از <الأمر> تأویل رؤیا (حادثه ای که رؤیا جلوه گر آن است) می باشد. بنابراین <قضی الأمر ...> ; یعنی: آن حادثه ای که رؤیای شما بیانگر آن بود و شما درباره آن پرسش کردید، حتمی و غیر قابل تغییر است.

۷ هم بندان زندانی یوسف (ع) ، با اصرار و تقاضای مکرر از او خواستند رؤیاهایشان را تعبیر کند و تأویل آنها را بیان دارد .

قضی الأمر الذی فیه تستفتیان

آوردن فعل مضارع <تستفتیان> (پرسش می کنید) به جای فعل ماضی <استفتیا> (پرسش کردید) دلالت بر استمرار دارد و گویای اصرار و تقاضای مکرر هم بندان یوسف(ع) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۲ - ۱،۲،۵،۶،۸،۹،۱۱،۱۳،۱۴،۱۵،۱۶

۱ یوسف (ع) از هم بند خویش ، ساقی پادشاه ، خواست تا پس از رهایی ، داستان او را برای پادشاه بیان کند .

وقال للذی ظنّ أنه ناج منهما اذکرنی عند ربک

۲ پادشاه مصر در دیدگاه یوسف (ع) ، انسان ستمگری نبود که نتوان به عدل و انصاف او امید داشت .

اذکرنی عند ربک

از اینکه یوسف(ع) از ساقی پادشاه می خواهد که داستان مظلومیت او را نزد پادشاه بیان کند ، معلوم می شود یوسف(ع) به دادخواهی وی امید داشته است.

۵ ساقی پادشاه به درستی تعبیر یوسف (ع) از رؤیای خویش اعتماد کرد و به نجات خویش امیدوار گردید .

و قال للذی ظنّ أنه ناج منهما

ضمیر در <ظن> محتمل است به <الذی> باز گردد و محتمل است

به یوسف(ع) ارجاع شود. برداشت فوق، بر اساس احتمال اول است. بر این مبنا مفاد جمله <قال للذی ...> چنین می شود: یوسف(ع) به ساقی پادشاه - همان که به نجات خویش دل بسته بود و بدان امیدوار بود - گفت: مرا نزد مالکت یاد کن. قابل ذکر است که چون یوسف(ع) به نجات وی یقین داشت نه گمان، این احتمال قوی تر به نظر می رسد.

۶ تعبیر یوسف (ع) از رؤیای هم بند خویش ، تحقق یافت و او با رهایی از زندان ، به استخدام پادشاه درآمد .

فأنسیه الشیطن ذکر ربه

با توجه به اینکه ضمیر در <فأنساه> به <الذی> که مراد از آن ساقی پادشاه است باز می گردد ، جمله <فأنساه الشیطان ذکر ربه> دلالت می کند که وی از زندان آزاد و به دربار پادشاه راه یافت.

۸ ساقی پادشاه پس از رهایی از زندان ، درخواست یوسف (ع) (یادآوری وضعیت او) را فراموش کرد .

فأنسیه الشیطن ذکر ربه

<انساء> (مصدر أنساه) یعنی به فراموشی انداختن. ضمیر در <أنساه> و <ربه> به <الذی> - که مراد از آن ساقی پادشاه است - برمی گردد. بر این اساس، جمله <فأنساه ...> چنین معنا می شود: شیطان از خاطر ساقی زدود که داستان یوسف(ع) را نزد پادشاه یادآور شود.

۹ شیطان ، عامل فراموشی ساقی از یادآور شدن یوسف (ع) نزد پادشاه

فأنسیه الشیطن ذکر ربه

۱۱ شیطان ، برای باقی ماندن یوسف (ع) در زندان ، به دسیسه و شیطنت پرداخت .

فأنسیه الشیطن ذکر ربه فلبث فی السجن

۱۳ یوسف (ع) پس از آزادی

ساقی پادشاه ، سالیانی دیگر ، گرفتار زندان بود .

فلبث فی السجن بضع سنین

<بضع> به معنای <چند> و کنایه از عددی مبهم بین ۳ تا ۱۰ می باشد.

۱۴ پادشاه مصر در صورت آگاهی از وضعیت یوسف (ع) ، او را از زندان آزاد می کرد .

فأنسیه الشیطن ذکر ربه فلبث فی السجن بضع سنین

<لبث> به معنای اقامت کردن (ماندگار شدن) است. برداشت فوق ، از تفریع جمله <لبث ...> بر جمله قبل معلوم می شود ; یعنی ، شیطان ساقی پادشاه را به فراموشی انداخت و در نتیجه ، یوسف(ع) چند سال دیگر در زندان ماندگار شد.

۱۵ < عن أبی عبدالله (ع) : . . . [فی قول الله] < قال للذی ظنّ أنه ناج منهما اذکرنی عند ربک > قال : و لم یفزع یوسف فی حاله إلی الله فیدعوه فلذالک قال الله < فأنساه الشیطان ذکر ربه فلبث فی السجن بضع سنین > . . . ;

از امام صادق(ع): . .. [درباره سخن خدا]<قال للذی ...اذکرنی عند ربک> روایت شده است که فرمود: یوسف در آن حال به خداوند پناه نبرد که او را بخواند. برای همین است که خدا فرمود: فأنساه الشیطان ذکر ربه ...>.

۱۶ < عن أبی عبدالله (ع) فی قول الله تعالی : < فلبث فی السجن بضع سنین > قال : سبع سنین ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خداوند که می فرماید: <فلبث فی السجن بضع سنین> روایت شده که فرمود: [مراد از بضع سنین] هفت سال است>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف -

۱۲ - ۴۳ - ۱،۲،۷،۸

۱ پادشاه مصر ، پس از گذشت سالیانی از زندانی شدن یوسف (ع) ، رؤیایی شگفت دید .

و قال الملك إنی أری سبع بقرت سمان . .. إن كنتم للرءیا تعبرون

۲ هفت گاو چاق كه هفت گاو لاغر به خوردن آنها پرداخته بودند و هفت خوشه سبز و خوشه هایی خشك ، رؤیای شگفت پادشاه مصر بود .

إنی أری سبع بقرت سمان . .. و أُخر یابست

<سمین> و <سمینه> (مفرد سِمان) به معنای چاق است. <اعجف> و <عجفاء> (مفرد عجاف) به معنای بسیار نحیف و لاغر است. تمییز <سبع> به قرینه جمله قبل ، <بقرات> است ; یعنی: یأكلهنّ سبع بقرات عجاف.

۷ پادشاه مصر درباره توان خواب گزاران دربار بر تعبیر رؤیایش ، تردید داشت .

أفتونی فی رءیی إن كنتم للرءیا تعبرون

برداشت فوق ، از <إن> شرطیه در جمله <إن كنتم . ..> استفاده می شود.

۸ پادشاه مصر ، از رؤیای خویش دریافت كه آن رؤیا علاوه بر حكایت از حادثه ای غیر منتظره گویای توصیه و دستورالعملی نیز هست .

أفتونی فی رءیی إن كنتم للرءیا تعبرون

<افتاء> (مصدر أفتونی) به معنای بیان كردن حكم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۴ - ۱،۲

۱ خواب گزاران دربار ، رؤیای شگفت پادشاه مصر را رؤیایی آشفته و دارای رشته های گوناگون و نامشخص ، قلمداد كردند .

قالوا أضغث أحلم

<ضغث> (مفرد أضغاث) به دسته و بافه ای از گیاه گفته می شود. خواب گزاران با تشبیه رؤیای پادشاه به دسته ها و بافه های متعدد، به این معنا اشاره دارند كه:

رؤیای وی دارای رشته ها و اجزایی چند است، به گونه ای که کشف ارتباط آنها با یکدیگر و تفسیر مجموعه آن، دشوار و یا ناممکن است.

۲ خواب گزاران دربار ، تعبیر رؤیای مختلط و آشفته را خارج از قلمرو دانش خویش دانستند .

و ما نحن بتأویل الأحلم بعلمین

<ال> در <الأحلام> عهد ذکری است و اشاره به <أضغاث أحلام> دارد. بنابراین <ما نحن ...> ; یعنی: تأویل آن گونه از رؤیاها را که همانند بافه های چند رشته است ، نمی دانیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۵ - ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷

۱ یکی از دو هم بند زندانی یوسف (ع) ، از مرگ و زندان نجات پیدا کرد و به دربار راه یافت و دیگری به اعدام محکوم شد .

و قال الذی نجا منهما

۲ ساقی پادشاه (هم بند یوسف در زندان) ، مدتی مدید یوسف (ع) را از یاد برده و از گرفتاری او در زندان غافل شده بود .

و قال الذی نجا منهما وادّکر بعد أُمّه

نکره آوردن <أُمّه> می تواند حاکی از طولانی بودن آن باشد. جمله <فلبث فی السجن بضع سنین> در آیه ۴۲ ، مؤید این معناست.

۳ ساقی پادشاه (هم بند یوسف در زندان) با مشاهده درماندگی خواب گزاران از تعبیر رؤیای پادشاه ، یوسف (ع) و دانش او از تعبیر رؤیا را به یاد آورد .

و قال الذی نجا منهما وادّکر بعد أُمّه

<ادّکر> (به یاد آورد) از ماده <ذکر> و در اصل <اذتکر> بوده که بر اساس قواعد صرفی ، <ادّکر> شده است. <أُمّه>

در آیه شریفه ، به معنای مدت و زمان است.

۴ ساقی دربار ، یوسف (ع) را برای تعبیر رؤیای پادشاه معرفی کرد .

أنا أُنبّئکم بتأویله فأرسلون

۵ ساقی پادشاه ، به توانمندی یوسف (ع) در تعبیر رؤیای شگفت پادشاه ، اطمینان داشت .

أنا أُنبّئکم بتأویله فأرسلون

ترکیب <أنا أُنبّئکم> دلالت بر تأکید مضمون جمله دارد و این ، حاکی از اطمینان ساقی دربار به آگاهی ویژه یوسف(ع) از تعبیر رؤیاهاست.

۶ ساقی پادشاه مصر ، با بیان دانش یوسف (ع) ، خاطر نشان ساخت که او در زندان به سر می برد .

أنا أنبئکم بتأویله فأرسلون

تفریع جمله <أرسلون> به وسیله حرف <فاء> بر جمله <أنا أُنبّئکم بتأویله> می رساند که: ساقی دربار ، ماجرای یوسف(ع) و زندانی بودن او را در حد ضرورت بیان کرده بود.

۷ ساقی دربار ، از پادشاه و بزرگان دربار خواست وی را به زندان نزد یوسف (ع) بفرستند تا تعبیر خواب را از او جویا شود .

أنا أُنبّئکم بتأویله فأرسلون

حرف <ن> در <فأرسلون> نون وقایه و کسره آن، حاکی از <یاء> متکلم محذوف است. متعلق آن (إلی یوسف فی السجن) نیز به خاطر وضوحش، در کلام آورده نشده است. بنابر این <فأرسلون> ; یعنی: پس مرا به سوی یوسف(ع) - که در زندان است - بفرستید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۶ - ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷

۱ ساقی دربار با اجازه پادشاه ، به طرف زندان شتافت و با یوسف (ع) ملاقات کرد .

فأرسلون. یوسف أیّها الصدیق أفتنا

۲ ساقی دربار ، یوسف (ع) را انسانی

بسیار راستگو نامید و با لقب < صدّیق > او را مخاطب قرار داد .

یوسف أیّها الصدیق

۳ ساقی پادشاه در ملاقاتش با یوسف (ع) ، راستی و درستی تعبیر او را از رؤیای خویش بازگو کرد .

یوسف أیّها الصدیق

۴ ساقی دربار ، رؤیای پادشاه را به طور کامل و دقیق برای یوسف (ع) بازگو کرد .

إنی أری سبع بقرت . .. أفتنا فی سبع بقرت ... و أُخر یابست

۵ ساقی دربار ، از یوسف (ع) خواست تا رؤیایی را که در آن هفت گاو لاغر دیده شده که هفت گاو چاق را می خورند و هفت خوشه سبز و خوشه هایی خشک دیده شده ، تعبیر کند .

أفتنا فی سبع بقرت سمان یأکلهنّ سبع عجاف و سبع سنبلت خضر و أُخر یابست

۶ رساندن تعبیر خواب پادشاه به مردم ، از انگیزه های مراجعه ساقی به یوسف (ع) جهت تعبیر خواب

أفتنا فی سبع بقرت . .. لعلّی أرجع إلی الناس

۷ شناساندن ارزش و مقام یوسف (ع) به مردم ، از انگیزه های ساقی برای مراجعه به یوسف (ع) جهت تعبیر خواب

لعلّی أرجع إلی الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۸ - ۴،۵،۶

۴ باقی گذاشتن مقداری از ذخیره های هفت ساله و مصرف نکردن همه آنها در دوران قحطی ، توصیه یوسف (ع) به عهده داران حکومت مصر

یأکلن ما قدمتم لهنّ إلاّ قلیلاً مما تحصنون

<احصان> (مصدر تحصنون) به معنای قرار دادن چیزی در محلی امن است. بنابراین حاصل معنای <إلاّ قلیلاً مما تحصنون> چنین

است: مقداری از آنچه را در انبارها ذخیره می کنید در دوران قحطی نخورید. حکمت این امر احتمالاً دارا بودن بذر است برای کشت در سال پانزدهم.

۵ لزوم مصرف نکردن همه ذخایر غذایی در سالیان قحطی ، پیامی نهفته در رؤیای پادشاه مصر

یأکلن ما قدمتم لهنّ إلاّ قلیلاً مما تحصنون

فعل مضارع <یأکلهنّ> در نقل رؤیای پادشاه (آیه ۴۶) گویای این نکته بود که گاوهای لاغر به خوردن گاوهای چاق پرداختند، ولی آنها را به تمامی نخوردند و گرنه فعل ماضی <اَکَلهنّ> به کار می برد. به نظر می رسد یوسف(ع) از نکته یاد شده دریافته بود که باید مقداری از غلات باقی بماند.

۶ گاو های لاغر در رؤیا ، نشانه پیشامد سختی ها و دشواریهاست و تعداد آنها حاکی از تعداد سالهاست .

یأکلهنّ سبع عجاف . .. ثم یأتی من بعد ذلک سبع شداد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۹ - ۱،۲،۴

۱ یوسف (ع) فرا رسیدن سالی پر باران و سرشار از نعمت را در پی سپری شدن هفت سال قحطی ، به مردم و حکومت مصر بشارت داد .

ثم یأتی من بعد ذلک عام فیه یغاث الناس

فعل <یغاث> ممکن است از غیث (باران) مشتق شده و محتمل است از غوث (یاری کردن) گرفته شده باشد. در صورت اول <یغاث الناس> ; یعنی، بر مردم باران نازل می شود و در صورت دوم ; یعنی، مردم یاری می شوند. بر هر مبنا بشارت به پایان قحطی و شروع آبادانی است.

۲ خواب پادشاه ، گویای آمدن سالی پر برکت پس از سال های قحطی

أفتنا .

.. ثم یأتی من بعد ذلک عام فیه یغاث الناس

یوسف(ع) از آن جایی که گاوهای لاغر در رؤیای پادشاه هفت رأس بودند ، دریافت که پس از گذشت هفت سال ، قحطی پایان می پذیرد و پایان پذیرفتن قحطی به این است که باران فرو ریزد ، گیاهان رشد کند و میوه جات فراوان گردد.

۴ مسؤولیت حاکمان مصر در نظارت بر تولید ، توزیع و مصرف غلات ، محدود به دوران چهارده ساله آبادانی و خشکسالی بود .

ثم یأتی من بعد ذلک عام فیه یغاث الناس و فیه یعصرون

استفاده نکته فوق از تغییر سیاقی است که در سخنان یوسف(ع) مشاهده می شود. او دستورالعملهای دوران چهارده ساله را با فعلهای مخاطب <تزرعون>و <فذروه> بیان داشت ; ولی در بیان چگونگی سال پانزدهم و پایان بحران فعلهای <یغاث> و <یعصرون> به کار برد. از مقابله این دو سیاق معلوم می شود، مخاطبان <تزرعون> و ... حکومت مصر بود که باید عهده دار تولید و توزیع می شد و در سال پانزدهم خود مردم بدون دخالت و نظارت سیستم حکومت، به کار تولید و مصرف می پرداختند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۲،۳،۴،۵،۶،۷،۸،۱۱،۱۲،۱۴،۱۷،۱۸

۲ پادشاه مصر به راستی و درستی تعبیر و تفسیر یوسف (ع) ار رؤیای شگفتش ، اطمینان یافت .

و قال الملک ائتونی به

از اینکه پادشاه مصر پس از شنیدن تعبیر و تأویل خواب خویش ، یوسف(ع) را احضار می کند ، معلوم می شود وی دریافته بود که تعبیر یوسف(ع) عالمانه و شایسته اعتنا کردن است.

۳ پادشاه مصر پس از دریافت تعبیر

رؤیایش ، خواهان حضور یوسف (ع) در نزد خویش شد .

و قال الملک ائتونی به

۴ پادشاه مصر پس از دریافت تعبیر رؤیایش ، به آزادی یوسف (ع) از زندان و بار یافتن او به دربار فرمان داد .

و قال الملک ائتونی به . .. قال ارجع

از اینکه یوسف(ع) با فرستاده پادشاه از زندان خارج نمی شود و به دربار نمی آید ، معلوم می شود فرمان پادشاه مبنی بر احضار او (ائتونی به) احضار اجباری نبوده است ; بلکه دستور به آزادی آن حضرت از زندان و بار یافتن به دربار بوده است.

۵ ساقی پادشاه از طرف دربار برای آزادسازی یوسف (ع) و حاضر کردن او نزد پادشاه ، به سوی زندان روانه شد .

فلما جاءه الرسول

<ال> در <الرسول> عهد ذکری است و به قرینه (فأرسلون) در آیه ۴۵ معلوم می شود که این فرستاده ، همان ساقی پادشاه بود که برای دریافت تعبیر خواب به سوی یوسف(ع) فرستاده شده بود.

۶ یوسف (ع) پیک دربار را باز گرداند تا از پادشاه بخواهد درباره ماجرای مهمانان زلیخا تحقیق کند .

قال ارجع إلی ربک فسئله ما بال النسوه

<بال> به معنای شأن و کار مهم است و مراد از آن در آیه شریفه ، ماجرا و داستان می باشد.

۷ بازجویی از زنانی که در ماجرای میهمانی زلیخا دست های خویش را بریدند ، شرط یوسف (ع) برای بیرون آمدن از زندان و حاضر شدن در نزد پادشاه

قال ارجع إلی ربک فسئله ما بال النسوه الّتی قطعن أیدیهنّ

۸ رفع اتهام و اثبات بی گناهی ، هدف یوسف (ع

) از تقاضای تحقیق در ماجرای زنانی که دست های خویش را با مشاهده یوسف (ع) بریدند .

قال ارجع إلی ربک فسئله ما بال النسوه الّتی قطعن أیدیهنّ

۱۱ ماجرای میهمانی زلیخا از زنان اشراف و بریدن آنان دست های خویش را ، گویاترین صحنه برای اثبات منزلت والا و عفت و پاکدامنی یوسف (ع)

فسئله ما بال النسوه الّتی قطعن أیدیهنّ

یوسف(ع) برای رسیدگی به پرونده خویش با عبارت <الّتی قطعن أیدیهنّ> داستان میهمانی زلیخا از زنان اشراف و اینکه آنان دستهای خویش را بریدند را مطرح می کند و از آن جا که یوسف(ع) درصدد اثبات بی گناهی خویش است، می توان گفت: داستان مذکور و مسائل پیرامون آن برای اثبات عفت، پاکدامنی و بی گناهی یوسف(ع) بهترین شاهد بوده است.

۱۲ یوسف (ع) به پاس خدمات زلیخا به او ، شکایتی علیه وی به پادشاه نکرد .

فسئله ما بال النسوه الّتی قطعن أیدیهنّ

با وجود اینکه زلیخا نیز همانند دیگر زنان اشراف در گرفتاریهای یوسف(ع) و متهم ساختن او نقشی بسزا داشت، ولی یوسف(ع) از او نام نمی برد و علیه او سخنی به پادشاه نمی گوید. به نظر می رسد دلیل این امر خدماتی است که زلیخا در عهد کودکی و نوجوانی یوسف(ع) برای وی انجام داده بود.

۱۴ یوسف (ع) با ابلاغ بی گناهی خویش به پادشاه ، بر این نکته تأکید کرد که زندانی شدنش نتیجه مکر و کید زنان اشراف بوده است .

إن ربی بکیدهنّ علیم

۱۷ یوسف (ع) در پیامش به پادشاه مصر ، خداوند را رب و مدبر خویش معرفی کرد .

فسئله ما

بال النسوه . .. إن ربی بکیدهنّ علیم

۱۸ یوسف (ع) در پیامش به پادشاه ، به او گوشزد کرد که وی را رب و مالك خویش نخواهد دانست و خود را بنده او نخواهد شمرد .

إن ربی بکیدهنّ علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۱،۳،۴،۵،۶،۷،۱۰،۱۱،۱۳،۱۶،۱۷،۱۸،۱۹

۱ پادشاه مصر به منظور بازجویی از زنان اشراف درباره ماجرایشان با یوسف (ع) آنان را احضار کرد .

قال ما خطبکنّ

۳ بازجویی پادشاه از زنان اشراف ، پاسخی به پیام و تقاضای یوسف (ع) بود .

فسئله ما بال النسوه . .. قال ما خطبکنّ

۴ پادشاه مصر پیش از بازجویی از زنان اشراف ، به تقاضای آنان (درخواست کام روایی) از یوسف (ع) و بی گناهی او آگاه شده بود .

قال ما خطبکنّ إذ رودتنّ یوسف عن نفسه

<إذ> بدل اشتمال برای <خطبکنّ> است و بیانگر مقصود پادشاه از ماجرایی است که درباره آن بازجویی می کرد. بنابراین <ما خطبکنّ ...> ; یعنی، داستان شما چیست؟ منظورم آن داستانی است که تقاضای کام روایی از یوسف می کردید. تصریح شاه به اینکه شما زنان از یوسف(ع) تقاضا کردید، می رساندکه وی به مراوده آنان و بی گناهی یوسف(ع) آگاهی یافته بود.

۵ زنان اشراف ، درخواست کام روایی از یوسف (ع) را انکار نکردند .

ما خطبکنّ إذ رودتنّ یوسف عن نفسه قلن حش لله ما علمنا علیه من سوء

۶ زنان اشراف در حضور پادشاه مصر ، بر پاکدامنی یوسف (ع) و مبرّا بودنش از هرگونه آلودگی شهادت دادند .

قلن

حش لله ما علمنا علیه من سوء

کلمه (بـدی و آلودگی) پس از نفی واقع شـده است و از این رو شامـل هرگونه سوء و بـدی می شود و <من> زایـده نیز این معنا را تأکید می کند.

۷ یوسف (ع) به دلیل پاکدامنی شگفت انگیزش ، از آفریده های بی نظیر خداوند در دیدگاه زنان اشراف مصر

قلن حش لله

۱۰ زلیخا نیز در جلسه محاکمه ای که برای کشف حقیقت ماجرای زنان با یوسف (ع) تشکیل شده بود ، حضور داشت .

قالت امرأت العزیز الئن حصحص الحق

۱۱ شوهر زلیخا به هنگام محاکمه زنان اشراف زنده بود و هم چنان عهده دار منصب عزیزی در حکومت مصر بود .

قالت امرأت العزیز

توصیف زلیخا با وصف <همسر عزیز> می رساند که شوهرش در هنگام محاکمه زنده بود و به سمت عزیزی اشتغال داشت.

۱۳ زلیخا شهادت زنان اشراف بر پاکدامنی یوسف (ع) را تصدیق کرد و سخن آنان را مایه روشن شدن حقیقت دانست .

قالت امرأت العزیز الئن حصحص الحق

<حصـحصه> (مصـدر حصـحص) به معنای روشن شـدن چیزی پس از کتمان آن است. برخی نیز گفته انـد به معنای ثبوت و استقرار است.

۱۶ زلیخـا در حضور پادشـاه مصـر به تقاضـای کام روایی از یوسف (ع) اعتراف کرد و به اسـتنکاف یوسف (ع) از پـذیرش تقاضایش شهادت داد .

أنا رودته عن نفسه و إنه لمن الصدقین

جملـه <أنـا رودته عن نفسه> به بیـانی که در آیه ۲۶ ذیل برداشت شـماره ۲ گـذشت دلالت بر حصـر دارد ; یعنی ، من از او درخواست کردم و او چنین درخواستی نداشت.

۱۷ زلیخا پیش از

جلسه بازجویی و محکمه دادرسی ، یوسف (ع) را مجرم معرفی می کرد و به کام جویی از وی متهم می ساخت .

قالت امرأت العزیز الئن حصحص الحق أنا رودته عن نفسه و إنه لمن الصدقین

برداشت فوق از قید <الآن> استفاده می شود.

۱۸ زلیخا در حضور پادشاه مصر ، بر صداقت و راستگویی یوسف (ع) تأکید کرد .

و إنه لمن الصدقین

۱۹ اعتراف زلیخا به دروغگویی خویش در متهم ساختن یوسف (ع) به درخواست کام جویی

أنا رودته عن نفسه و إنه لمن الصدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۱۲،۱۳، ۱،۲،۳،۴،۱۰

۱ یوسف (ع) در زندان مصر ، علت های نپذیرفتن دعوت پادشاه و حاضر نشدن در نزد او و تقاضای دادرسی را بیان کرد .

قال ارجع إلی ربک . .. ذلک لیعلم

در اینکه جمله <ذلک لیعلم . ..> تا آخر آیه بعد کلام یوسف(ع) است یا سخن زلیخا، دو نظر ابراز شده است. دلایل متعددی مؤید نظر نخست است که به برخی از آنها اشاره می شود: ۱- ظاهر این است که <أن الله ...> عطف بر <أنی لم أخنه ...> باشد ; یعنی: <ذلک لیعلم... أن الله لایهدی ...>. این معنا محتمل نیست که سخن زلیخا باشد. ۲- آنچه در آیه بعد آمده، حقایق و معارفی بلند است که اعتقاد و باور به آنها از زنی چون زلیخا که در سلک مشرکان است برنمی آید.

۲ آگاه شدن عزیز مصر به پرهیز یوسف (ع) از رابطه نامشروع با همسر وی ، از اهداف یوسف (

ع) در تقاضای دادرسی و بازجویی از زنان اشراف

ذلک لیعلم أنی لم أخنه بالغیب

چنان چه <ذلک لیعلم . ..> کلام یوسف(ع) باشد، مشارالیه <ذلك> خارج نشدن از زندان و تقاضای دادرسی و محاکمه زنان اشراف است. ضمیر در <یعلم> و <لم أخنه> می تواند به <عزیز> باز گردد و می تواند مراد از آن <ملك> باشد. برداشت فوق بر اساس احتمال نخست است. بنابراین <ذلک لیعلم ...> ; یعنی، بیرون نرفتن من از زندان و تقاضای دادرسی بدان خاطر بود که عزیز مصر بداند من در نهان به او خیانتی نکردم.

۳ یوسف (ع) با تقاضای دادرسی و درخواست بازجویی از زنان ، درصدد بود تا به پادشاه اثبات کند که هرگز با همسر وی رابطه نامشروع نداشته و به او خیانت نکرده است .

ذلک لیعلم أنی لم أخنه بالغیب

برداشت فوق ، بر این اساس است که ضمیر در <یعلم> و <لم أخنه> به <ملك> باز گردد.

۴ همسر پادشاه مصر از زنان حاضر در مجلس مهمانی زلیخا و دلباخته یوسف (ع) بود .

ذلک لیعلم أنی لم أخنه بالغیب

بر این مبنا که ضمیر در <یعلم> و <لم أخنه> به <ملک> باز گردد ، از جمله <ذلک لیعلم . ..> معلوم می شود که همسر ملك نیز در زمره زنانی بود که دستهای خویش را بریدند.

۱۰ زنان اشراف مصر و متهم کنندگان یوسف (ع) به خیانت ، از زمره خائنان بودند .

أن الله لایهدی کید الخائنین

مصداق مورد نظر برای <الخائنین> زلیخا و زنان اشراف و نیز درباریانی می باشند که تصمیم به زندانی کردن یوسف(ع) گرفتند (ثم بدا لهم من بعد

ما رأوا الأيات ليسجننه) آيه ۳۵.

۱۲ يوسف (ع) با تقاضای دادرسی درصدد بود به پادشاه مصر ثابت کند که خیانتکاران هرگز به پیروزی نمی رسند و مکرشان فرجامی ندارد .

ذلک ليعلم . .. أن الله لايهدی كيد الخائنين

چنان چه گذشت عبارت <أن الله لايهدی . ..> عطف بر <أنی ...> است ; یعنی: <ذلک ليعلم أن الله ...>. این بدان خاطر بود که عزیز و یا پادشاه بداند که خداوند مکر خیانتکاران را به ثمر نمی نشاند.

۱۳ تلاش یوسف (ع) برای متوجه ساختن پادشاه مصر به نقش تعیین کننده سنن و اراده الهی در شکل گیری حوادث و رخدادها

ذلک ليعلم . .. أن الله لايهدی كيد الخائنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۱،۲،۳،۴،۵،۸،۱۲

۱ پادشاه مصر پس از آشکار شدن بی گناهی و کمال عفت و پاکدامنی یوسف (ع) ، به دیدار او دل بست و با فرمانی مجدد او را به دربار خویش فراخواند .

ذلک ليعلم أنی لم أخنه . .. و قال الملك ائتونی به أستخلصه لنفسی

۲ پادشاه مصر در فراخوانی یوسف (ع) به دربار ، یادآور شد که وی را مشاور ویژه خویش خواهد ساخت .

قال الملك ائتونی به أستخلصه لنفسی

آن گاه که آدمی کسی را محرم اسرار خود قرار دهد و در امور خویش وی را مداخله دهد، گفته می شود: <أستخلصه> (برگرفته شده از لسان العرب). بنابراین <أستخلصه لنفسی> ; یعنی، تا یوسف(ع) را محرم اسرار خویش سازم و در اداره امور مملکتی او را مداخله دهم. از این معنا می توان

به مشاور مخصوص تعبیر کرد.

۳ یوسف (ع) پس از آشکار شدن بی گناهیش بر پادشاه و درباریان ، دعوت او را پذیرفت و بی درنگ از زندان به دربار رفت .

قال الملک ائتونی به . .. فلما کلّمه

اتصال جمله <فلما کلّمه> به <ائتونی به> و نیاوردن مطالبی نظیر رساندن فرمان پادشاه به یوسف(ع) ، اعلام نتیجه محاکمه زنان به وی و. .. برای رساندن این معناست که میان فرمان پادشاه و گفت و گو با یوسف(ع) فاصله ای نبود.

۴ یوسف (ع) و پادشاه در نخستین ملاقاتشان با یکدیگر ، درباره رؤیای پادشاه ، تعبیر یوسف (ع) و گزینش او به سمت مشاور ، به گفت و گو پرداختند .

و قال الملک ائتونی به أستخلصه لنفسی فلما کلّمه

اگرچه در آیه شریفه تصریح نشده که پادشاه و یوسف(ع) درباره چه موضوعی گفت و گو کردند ; ولی قراین حالیه و مقالیه حاکی است که موضوع سخن درباره رؤیای پادشاه و تعبیر یوسف(ع) و نیز دعوت از یوسف(ع) به همکاری و مشاوره و. .. بوده است.

۵ گفت و گوی یوسف (ع) با پادشاه در نخستین ملاقات ، موجب توجه بیشتر و اعتماد افزون تر پادشاه به او شد .

فلما کلّمه قال إنک الیوم لدینا مکین أمین

ظاهر این است که ضمیر فاعلی در <کلّمه> به یوسف(ع) و ضمیر مفعولی آن به پادشاه برگردد. ترتب جمله <قال إنک...> مؤید این نظر است و چون پادشاه پس از گفت وگوی یوسف(ع) با وی اظهار داشت: <إنک الیوم ...>، معلوم می شود سخنان یوسف(ع) باعث توجه افزون تر پادشاه به او شد.

۸ پادشاه مصر

در پی ملاقاتش با یوسف (ع) و احراز شخصیت و دانش او ، به وی اعلام کرد که در دستگاه حکومتی ، رأیی نافذ و فرمانی مطاع خواهد داشت .

فلما کلّمه قال إنک الیوم لدینا مکین أمین

به کسی که دارای منزلتی والا و شأنی رفیع باشد <مکین> گفته می شود. <أمین> نیز به کسی گفته می شود که از خیانت بپرهیزد و به صداقت گفتارش و درستی رفتارش اطمینان باشد. سخن پادشاه (تو نزد ما منزلتی والا داری) کنایه از این است که: دستوراتت نافذ است و آنچه در امر حکومت پیشنهاد کنی مورد قبول است.

۱۲ الغای حکم بردگی یوسف (ع) به دست پادشاه مصر *

ائتونی به أستخلصه . .. قال إنک الیوم لدینا مکین أمین

جمله <أستخلصه لنفسی> و نیز متروک شدن قصه بردگی یوسف(ع) در ادامه داستان او ، می تواند گویای برداشت فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۵ - ۱،۲،۳،۴،۶،۱۵،۱۶،۱۸،۱۹

۱ یوسف (ع) از پادشاه خواست وی را به وزارت کشاورزی مصر و تصدی انبار های غله ، منصوب کند .

قال اجعلنی علی خزائن الأرض

از آن جا که یوسف(ع) در تعبیر رؤیای پادشاه بیان داشت که باید هفت سال با جدیّت به امر کاشت و برداشت و ذخیره سازی ارزاق بپردازند، چنین برمی آید که مقصود وی از <مرا بر گنجینه های زمین بگمار> این است که امور یاد شده را به من بسپار ; یعنی، امر کشت و برداشت (وزارت کشاورزی) و نیز انبارهای غلّه در اختیار من باشد.

۲ پیشگیری از بروز فاجعه برای مردم مصر

به سبب قحطی و خشکسالی ، از هدف های یوسف (ع) در تقاضای منصب حکومتی

اجعلنی علی خزائن الأرض

۳ یوسف (ع) دلیل صلاحیت خویش برای تصدی امور غذایی مردم مصر را برای پادشاه بیان کرد .

اجعلنی علی خزائن الأرض إنی حفیظ علیم

جمله <إنی حفیظ علیم>تعلیل برای <اجعلنی. ..>است.

۴ یوسف (ع) بر حفظ ذخایر مالی و حراست انبار های غذایی از حیف و میل شدن ، توانا بود .

اجعلنی علی خزائن الأرض إنی حفیظ علیم

۶ یوسف (ع) بر به کارگیری توان و دانش خویش در امرکشت و برداشت و ذخیره سازی غلات و توزیع آنها تأکید کرد .

اجعلنی علی خزائن الأرض إنی حفیظ علیم

جمله <إنی حفیظ علیم> علاوه بر اینکه حاکی از توان و دانش یوسف(ع) بر امور یاد شده است ، دلالت بر این نیز دارد که وی دانش و توانایی اش را در اموری که به او سپرده شود ، به کار می گیرد و بدان متعهد می شود.

۱۵ < عن رسول الله (ص) : رحم الله أخی یوسف لو لم یقل : اجعلنی علی خزائن الأرض لولاّه من ساعته و لکنّه أخّر ذلک سنه ;

از رسول خدا(ص) روایت شده است: خدا رحمت کند برادرم یوسف را اگر نمی گفت: مرا سرپرست خزاین زمین قرار بده، همان وقت این مقام را به او می داد ; ولی [این تقاضا سبب شد] که سرپرستی او بر خزاین زمین یک سال به تأخیر افتد>.

۱۶ < عن علی بن موسی الرضا (ع) : . . . ان یوسف (ع) . . . لما دفعته

الضروره إلی تولی خزائن العزیز قال : اجعلنی علی خزائن الأرض . . . ;

از امام رضا(ع) روایت شده است: . .. هنگامی که ضرورت ایجاب کرد ، یوسف سرپرستی خزاین عزیز مصر را بپذیرد گفت: <اجعلنی علی خزائن الأرض ...>.

۱۸ < عن أبی عبدالله (ع) أنه قال لقوم ممّن یظهرون الزّهد و یدعون الناس أن یکونوا معهم علی مثل الذی هم علیه من التقشّف . . . أخبرونی أین أنتم عن . . .یوسف النبی (ع) حیث قال لملک مصر : < اجعلنی علی خزائن الأرض . . . > فکان من أمره الذی کان أن اختار مملکه الملک و ما حول ها إلی الیمن . . . فلم نجد أحداً عاب ذلک علیه . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده خطاب به گروهی که اظهار زهد می کردند و مردم را دعوت می نمودند که همانند آنان زندگی را بر خود سخت گیرند . .. فرمود: مرا خبر دهید شما درباره یوسف پیغمبر(ع) چگونه می اندیشید که او به پادشاه مصر گفت: <اجعلنی علی خزائن الأرض ...>؟ پس کار یوسف به آن جا رسید که همه کشور پادشاه و اطراف آن تا یمن را در اختیار گرفت ... در عین حال نیافتیم کسی را که این را بر او عیب گرفته باشد ...>.

۱۹ < عن الرضا (ع) : . . . فی قوله تعالی : < . . .إنی حفیظ علیم > قال : حافظ لما فی یدیّ عالم بکل لسان ;

از امام رضا(ع) . .. درباره سخن خدا <...إنی حفیظ علیم> روایت شده است که

فرموده: مراد این است که نگه دارنده چیزی هستم که در تصرف من است و آگاه به همه زبانها می باشم>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۶ - ۱،۲،۳،۵،۱۱

۱ پادشاه مصر ، پیشنهاد یوسف (ع) را پذیرفت و مدیریت کشت و برداشت محصولات و ذخیره سازی و توزیع آنها را به او سپرد .

اجعلنی علی خزائن الأرض . .. و کذلک مکّنّا لیوسف فی الأرض

۲ یوسف (ع) در سرزمین مصر به منزلتی والا و قدرتی بلامنازع دست یافت .

مکّنّا لیوسف فی الأرض یتبوّأ منها حیث یشاء

<تمکین> (مصدر مکّنّا) به معنای مکان دادن و نیز به معنای قدرت بخشیدن است. مناسبت حکم و موضوع و نیز قید <فی الأرض> می رساند که معنای دوم اراده شده است. بنابراین <مکّنّا لیوسف فی الأرض> ; یعنی، به یوسف در سراسر سرزمین مصر قدرت و سلطنت بخشیدیم. و <حیث یشاء> حاکی از نبود قدرتی در برابر اوست.

۳ یوسف (ع) آزاد و متمکن برای استقرار و تصرف در هر نقطه از سرزمین مصر

مکّنّا لیوسف فی الأرض یتبوّأ منها حیث یشاء

<یتبوّأ> به معنای منزل گرفتن و اقامت کردن است. جمله <یتبوّأ منها حیث یشاء> (در هر جای مصر که می خواست منزل می گرفت و اقامت می کرد) به منزله تفسیر برای <مکّنّا...> است و لذا کنایه از اقتدار او برای دخل و تصرف در سراسر سرزمین مصر می باشد.

۵ سرگذشت یوسف (ع) (نجات از چاه کنعان تا رسیدن به وزارت و نیل به قدرت) به اراده خداوند و بر اساس تدبیر

او بود .

و كذلك مكّنّا ليوسف فى الأرض

۱۱ به قدرت رسيدن يوسف (ع) پس از بردگى و اسارت در زندان ، دليلى متقن بر حاكميت مشيّت الهى بر تمامى اسباب و علّتهاست .

كذلك مكّنّا ليوسف فى الأرض يتبوّأ منها حيث يشاء نصيب برحمتنا من نشاء

جمله <رحمت خويش را بر هر كس كه خواهيم شامل مى گردانيم و به او قدرت مى بخشيم> كه مفاد <نصيب برحمتنا. ..> است به منزله ادعايى است كه با <كذلك مكّنّا ...> بر آن استدلال شده است ; يعنى، خداوند برده اى را كه اختياردار خودش نيز نبود به جايى رسانيد كه اختيار همگان را دارا شد، و اين دليلى روشن بر حاكميت مطلق الهى است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۵۸ - ۲،۹،۱۰،۱۱،۱۳،۱۵،۱۶

۲ يوسف (ع) در طى هفت سال آبادانى ، به كشت و برداشت و ذخيره سازى غلات براى دوران قحطى كاملاً موفق شد .

و جاء إخوه يوسف

۹ برادران يوسف بجز بنيامين ، از كنعان براى دريافت آذوقه به مصر آمدند و به حضور يوسف (ع) رسيدند .

و جاء إخوه يوسف فدخلوا عليه

جمله <ائتونى بأخ لكم. ..> (برادر پدرى خود را به نزد من آوريد) در آيه بعد مى رساند كه مراد از <إخوه> برادران يوسف بجز بنيامين است. جمله <و لما جهزهم ...> در آيه بعد بيانگر هدف آنان از آمدن به مصر است.

۱۰ يوسف (ع) به مجرّد مشاهده برادران خويش ، على رغم گذشتساليانى دراز ، آنان را شناخت .

فدخلوا عليه فعرفهم

<فاء> در <فعرفهم> حكايت از

آن دارد که یوسف(ع) بدون پرسش و جست و جو بلکه به مجرّد مشاهده برادرانش ، آنان را شناخت.

۱۱ ملاقات مردم حتی غیر مصریان ، با یوسف (ع) امری سهل و آسان بود .

و جاء إخوه یوسف فدخلوا علیه

<فاء> در عبارت <فدخلوا علیه> می رساند که فاصله ای میان آمدن برادران و ملاقات با او نبوده است. جمله <عرفهم> نیز دلالت می کند که دربان و حاجبی که از حسب و نسب مراجعه کنندگان پرسش کند و به یوسف(ع) گزارش دهد و اجازه ملاقات بخواهد در میان نبوده است. اینها حکایت از آسانی ملاقات مردم حتی غیر مصریان با یوسف(ع) می کند.

۱۳ هیچ یک از برادران یوسف در ملاقات با او ، وی را نشناختند .

فدخلوا علیه فعرفهم و هم له منکرون

۱۵ کمترین فاصله زمانی میان آخرین برخورد یوسف (ع) با برادران خویش تا ملاقات آنان با وی ، حدود بیست سال بوده است .

یرتع و یلعب . .. و لما بلغ أشدّه ... فلبث فی السجن بضع سنین... تزرعون سبع ... و

محاسبه مراحلی که یوسف(ع) در مصر بسر برد، حدود بیست سال می شود ; زیرا کودکی حداکثر ده ساله بود که به دست کاروانیان افتاد و جمله <یرتع و یلعب> و نیز <أخاف أن یأکله الذئب> دلالت بر این معنا دارد. در خانه زلیخا به جوانی و رشد رسید (لما بلغ أشدّه) که این فاصله حدود هشت تا ده سال می شود. بیش از سه سال نیز (بضع سنین) در زندان بسر برد و هفت سال دوران پس از زندان را به وزارت اشتغال داشت و طبعاً یک سال

پس از قحطی برادرانش به وی مراجعه کردند. مجموعه اینها حدوداً بیست سال می شود.

۱۶ < عن أبی جعفر (ع) : < . . . فعرفهم یوسف و لم یعرفه إخوته لهیبه الملك و عزّته . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: . .. یوسف برادران خود را شناخت و آنان یوسف را به علت هیبت و شکوه پادشاهی نشناختند ...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۹ - ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۸،۹،۱۲

۱ یوسف (ع) بر توزیع ارزاق ذخیره شده در مصر ، نظارت مستقیم داشت .

و جاء إخوه یوسف . .. و لما جهزهم بجهازهم

۲ یوسف (ع) بار آذوقه و جیره غذایی برادران را ، خود آماده کرد . *

و لما جهزهم بجهازهم

<تجهیز> (مصدر جهز) به معنای مهیا ساختن و آماده کردن جهاز (زاد و توشه) است. ضمیر در <جهز> به یوسف(ع) برمی گردد. بنابراین <لما جهزهم ...> ; یعنی، پس آن گاه که یوسف(ع) بار و بنه و زاد و توشه برادرانش را آماده ساخت. البته این احتمال که اسناد <جهز> به یوسف(ع) مجازی باشد، بعید به نظر نمی رسد ; زیرا بسیار متعارف است که فعل کارگزاران به کارفرما اسناد داده می شود.

۳ فرزندان یعقوب ، ضمن معرفی خویش و بیان تعداد نفرات ، به یوسف (ع) یادآور شدند که یک برادر پدری نیز دارند .

قال ائتونی بأخ لکم من أبیکم

۴ بنیامین در اولین سفری که برادرانش برای تهیه خوار و بار به حضور یوسف (ع) رسیدند ، همراه آنان نبود .

قال ائتونی بأخ

لکم من أبیکم

۵ برادران یوسف به دستور وی موظف شدند بنیامین را در سفر آینده به همراه خویش بیاورند .

قال ائتونی بأخ لکم من أبیکم

۶ یوسف (ع) سهمیه و جیره افراد را همواره عادلانه و بدون کمترین نقصی به آنان پرداخت می کرد .

ألا ترون أنی أُوفی الکیل

کیل (پیمانه کردن) مصدر است و در آیه شریفه، به معنای اسم مفعول (مکیل) می باشد و مراد از آن آذوقه و غلات است. <ایفاء> (مصدر اوفی) به معنای پرداختن به طور کامل و بدون نقص و کاستی است. آوردن فعل مضارع (اوفی) به جای فعل ماضی <وفیت> اشاره به روش مستمر یوسف(ع) در ایفای کیل دارد.

۸ یوسف (ع) از برادرانش به نیکی پذیرایی کرد و سهمیه ایشان را از خوار و بار به طور کامل پرداخت نمود .

ألا ترون أنی أُوفی الکیل و أنا خیر المنزلین

۹ یوسف (ع) با توجه دادن برادرانش به عدالت خویش در معامله و پذیرایی نیکویش از مهمانان ، آنان را به آوردن بنیامین ترغیب کرد .

ائتونی بأخ لکم من أبیکم ألا ترون أنی أُوفی الکیل و أنا خیر المنزلین

جمله <ألاـ ترون . ..> (آیا ملاحظه نمی کنید که...) پس از <ائتونی بأخ لکم> بیانگر هدف یوسف(ع) (ترغیب به آوردن بنیامین) از توجه دادن برادرانش به مهمان نوازی و عدالتش در معامله است.

۱۲ یوسف (ع) به برادرانش وعده داد که اگر در سفر بعد ، بنیامین را به همراه بیاورند ، باز هم از آنان به خوبی پذیرایی خواهد کرد .

ألا ترون . .. أنا خیر المنزلین

جلد – نام سوره – سوره – آیه –

فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۰ - ۲،۳،۶

۲ یوسف (ع) به برادرانش خاطر نشان ساخت که تنها در صورتی غله نوبت بعد را دریافت خواهند کرد که بنیامین را همراه خود بیاورند .

فإن لم تأتونی به فلاکیل لکم عندی

۳ یوسف (ع) به برادرانش اعلام کرد در صورتی که بنیامین را در نوبت بعد همراه نیاورند ، نباید به بارگاه او حاضر شوند .

فإن لم تأتونی به . .. و لاتقربون

نون مکسور در <لاتقربون> نون وقایه و حاکی از یای متکلم محذوف است. بنابراین <لاتقربون> ; یعنی، نزد من نیایید.

۶ فرزندان یعقوب به بازگشت مجدد به مصر برای دریافت آذوقه ، مصمم بودند .

فإن لم تأتونی به فلاکیل لکم عندی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۱ - ۳،۴،۶،۷

۳ علاقه شدید یعقوب (ع) به بنیامین ، دلیل برادران یوسف برای همراه نبودن بنیامین با آنان

قالوا سنرود عنه أباه

<با پدرمان گفت و گو می کنیم و تلاش می نماییم که رضایت او را برای سفر بنیامین جلب کنیم> که مفاد <سنرود عنه أباه> می باشد اشاره ای است از سوی برادران یوسف به او که علت همراه نبودن بنیامین ، ممانعت پدرشان می باشد.

۴ فرزندان یعقوب برای آوردن بنیامین به مصر ، راهی جز جلب رضایت یعقوب (ع) نداشتند .

قالوا سنرود عنه أباه و إنا لفعلون

۶ برادران یوسف ، با او عهد کردند که پدرشان یعقوب (ع) را برای روانه ساختن بنیامین متقاعد کنند .

قالوا سنرود عنه أباه و إنا لفعلون

<مراوده> (مصدرنراود) به معنای درخواست با

لطف و مداراست و <عنه> دلالت به مورد درخواست دارد. و مفاد <سنرود ...> چنین است، همانا با ملاطفت و مدارا از پدرش (پدر بنیامین) خواهیم خواست که وی را در سفر آینده با ما همراه سازد.

۷ تأکید برادران یوسف بر توانایی خویش برای جلب رضایت پدر و آوردن بنیامین به نزد یوسف (ع)

إنا لفعلون

جمله <سنرود عنه أباه> این احتمال را برای یوسف(ع) ایجاد می کند که شاید پدرتان راضی نشد. برادران وی با جمله <إنا لفاعلون> به وی اطمینان می دهند که بدون هیچ تردید ، رضایت پدر را جلب خواهند کرد و بنیامین را خواهند آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۲ - ۱،۲،۳،۵،۶،۷،۱۱

۱ یوسف (ع) سهمیه افراد را به آنان می فروخت و بهای آن را دریافت می کرد .

و قال لفتینه اجعلوا بضعتهم فی رحالهم

<بضاعه> به مالی که برای تجارت و خرید و فروش است گفته می شود. بنابراین مراد از <بضاعتهم> مالی است که برادران یوسف در مقابل دریافت سهمیه به او پرداخته بودند.

۲ یوسف (ع) از کارگزارانش خواست بهای دریافت شده از فرزندان یعقوب را در بار ها و اثاثیه آنان جاسازی کنند .

و قال لفتینه اجعلوا بضعتهم فی رحالهم

۳ یوسف (ع) به کارگزارانش توصیه کرد سرمایه فرزندان یعقوب را به گونه ای در اثاثیه آنان جاسازی کنند که تا رسیدن به وطنشان متوجه آن نشوند .

اجعلوا بضعتهم فی رحالهم لعلهم یعرفونها إذا انقلبوا إلی أهلهم

۵ یوسف (ع) امید داشت برادرانش بضاعت های برگردانده شده به آنان را به هنگام

رسیدن به وطنشان باز شناسند .

اجعلوا بضعتهم فی رحالهم لعلهم یعرفونها

روشن است که فرزندان یعقوب با گشودن محموله های خویش بضاعتهای خود را در آن می یافتند. بنابراین جای <لعل> (شاید و باشد) نبود. از این رو در تفسیر کلمه <لعل> چند وجه ذکر شده است: ۱ اشفاق و ترجی مربوط به قید <إذا انقلبوا> است ; یعنی، امید است که پس از رسیدن به اهلشان دریابند نه قبل از آن. ۲ مقصود از شناخت بضاعت شناختن حق آن است ; یعنی، شاید حق آن را بشناسند و قدردانی کنند. ۳ لعل به معنای <کی> (تا اینکه) است و معنای ترجی و امید ندارد.

۶ یوسف (ع) با باز گرداندن مال التجاره فرزندان یعقوب ، درصدد بود در آنان احساس حق شناسی و سپاس گزاری ایجاد کند و انگیزه مراجعت ایشان را قوت بخشد .

اجعلوا بضعتهم فی رحالهم لعلهم یعرفونها . .. لعلهم یرجعون

برداشت فوق ، ناظر به دومین احتمالی است که در توضیح برداشت قبل آمده است.

۷ یوسف (ع) علی رغم ترغیب و تهدید برادران و نیز آماده سازی همه زمینه های مراجعت آنان ، اطمینان به بازگشت آنان نداشت و عدم موافقت یعقوب را با سفر بنیامین محتمل می دانست .

لعلهم یرجعون

۱۱ یوسف (ع) دارای اختیارات ویژه در توزیع غلات و آذوقه های ذخیره شده *

قال لفتینه اجعلوا بضعتهم فی رحالهم

از اینکه یوسف(ع) پرداخت سهمیه فرزندان یعقوب در نوبتهای بعد را در صورت همراه نداشتن بنیامین ، ممنوع کرد ، برداشت فوق استفاده می شود. باز گرداندن بضاعت برادرانش به خودشان نیز می تواند تأیید کننده اختیارات ویژه

او باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۶۳ – ۱،۲،۳،۴،۵،۷،۸

۱ فرزندان یعقوب از مصر بازگشتند و گزارش سفرشان را برای او شرح دادند .

فلما رجعوا إلى أبيهم قالوا

۲ ممنوع شدن فرزندان یعقوب از دریافت سهمیه خوار و بار بدون همراهی بنیامین ، از گزارش های آنان به پدرشان یعقوب بود .

فإن لم تأتونى به فلاكيل لكم . .. فلما رجعوا إلى أبيهم قالوا يأبانا منع منا الكى

۳ فرزندان یعقوب با اظهار محبت به بنیامین از پدرشان خواستند او را به همراه آنان روانه مصر کند .

فأرسل معنا أخانا

هدف فرزندان یعقوب از نام نبردن بنیامین و یاد کردن از او به عنوان <أخانا> (برادرمان) اظهار محبت به اوست.

۴ فرزندان یعقوب بر حفاظت از بنیامین ، در طول سفرشان به مصر متعهّد شدند و بر آن تأکید کردند .

فأرسل معنا أخانا نكتل و إنا له لحفظون

۵ گزارش تحریم سهمیه آذوقه بدون همراهی بنیامین ، خبر و گزارشی مهم در دیدگاه فرزندان یعقوب

يأبانا منع منا الكيل

فرزندان یعقوب پیش از باز کردن بارها و محموله ها که معمولاً اولین اقدام مسافران و کاروانهاست خبر تحریم سهمیه آذوقه را برای پدرشان بیان کردند. این تعجیل نشان دهنده اهمیت این خبر در نظر آنان است.

۷ فرزندان یعقوب بجز راهِ مصر شدن و به حضور یوسف (ع) رسیدن ، راهی برای تأمین آذوقه در سال های قحطی نداشتند .

يأبانا منع منا الكيل فأرسل معنا أخانا

چنان چه جز به مصر رفتن راهی فراروی فرزندان یعقوب بود ، او آن راه را به فرزندانش پیشنهاد می کرد تا مجبور نباشد

بنیامین

را همراه آنان بفرستد.

۸ احساس خطر برای بنیامین ، دلیل یعقوب (ع) بر عدم موافقتش با مسافرت وی

جلوگیری می کرد. جمله <إنا له لحافظون> می رساند که از دلایل این امر ، احساس خطر ب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۴ - ۱،۲،۳،۴،۹،۱۶

۱ یعقوب (ع) پیشنهاد فرزندانش را نپذیرفت و با روانه ساختن بنیامین به سفر مصر مخالفت کرد .

قال هل ءامنکم علیه إلاّ کما أمنتکم علی أخیه من قبل

۲ یعقوب (ع) به تعهد و تأکید فرزندانش درباره حفاظت از بنیامین ، اطمینان نکرد .

قال هل ءامنکم علیه إلاّ کما أمنتکم علی أخیه من قبل

استفهام در <هل ءامنکم . ..> استفهام انکاری و به منزله نفی است. <أمن> (مصدر ءامن) به معنای اطمینان کردن و امین شمردن است. بنابراین <هل ءامنکم ...> ; یعنی ، من شما را درباره بنیامین امین نمی دانم و به قول و قرار شما اطمینانی ندارم.

۳ بی تعهدی برادران یوسف در حفاظت از او ، دلیل یعقوب (ع) برای اطمینان نکردن بر تعهد آنان به حفاظت از بنیامین

هل ءامنکم علیه إلاّ کما أمنتکم علی أخیه من قبل

یعقوب(ع) اعتماد و اطمینان به فرزندانش درباره بنیامین را، به اعتماد و اطمینانش به آنان درباره یوسف(ع) تشبیه کرد. وجه شبه در این تشبیه بی ثمری و نتیجه بخش نبودن است. بنابراین مفاد <هل ءامنکم علیه إلاّ ...> چنین می شود: اعتماد من به شما [اگراعتماد کنم]در بی نتیجه ماندن و ثمر نداشتن نیست مگر همانند اعتمادم به شما درباره یوسف(ع).

۴ احتمال گرفتاری بنیامین به سرنوشت

یوسف (ع) ، مایه نگرانی یعقوب (ع) از همراه سازی او با فرزندان خویش

إلاّ کما أمنتکم علی أخیه من قبل

یعقوب(ع) با نام نبردن از یوسف(ع) و یاد کردن از او با عنوان برادر بنیامین ، اشاره ای لطیف به این معنا دارد که اخوّت آن دو با یکدیگر مرا نگران همسانی سرنوشتشان (فراق و جدایی از پدر) کرده است.

۹ یعقوب (ع) در پی تعهد فرزندانش بر محافظت از یوسف (ع) به آنان اطمینان کرد و به حفاظت آنان دل بست .

کما أمنتکم علی أخیه من قبل

۱۶ تعریض یعقوب (ع) به فرزندانش مبنی بر دلسوز نبودن آنان و ترحم نداشتنشان بر یوسف (ع) و بنیامین

هل ءامنکم علیه إلاّ کما أمنتکم علی أخیه من قبل فالله خیر حفظًا و هو أرحم الرحمی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۵ - ۱۷،۱۳،۱۲،۱۱،۸،۷،۴،۳،۲،۱

۱ فرزندان یعقوب پس از گزارش سفر ، به گشودن محموله های خریداری شده از مصر پرداختند .

و لما فتحوا متعهم

۲ فرزندان یعقوب با گشودن محموله های خویش ، بهای غلات خریداری شده از مصر را در میان آنها یافتند .

و لما فتحوا متعهم وجدوا بضعتهم ردّت إلیهم

۳ فرزندان یعقوب با مشاهده بهای باز گردانده شده ، شادمان شدند و آن را به یعقوب گزارش کردند .

قالوا یأبانا ما نبغی هذه بضعتنا ردّت إلینا

<ما> در <ما نبغی> استفهامیه و مفعول برای نبغی است. <بغی> به معنای خواستن و طلب کردن می باشد. جمله <ما نبغی> ; یعنی ، [بیش از این] چه می خواهیم؟

۴ اطمینان فرزندان یعقوب

به باز گردانده شدن سرمایه خویش نه رخ دادن اشتباه و خطا از ناحیه کارگزاران یوسف

وجدوا بضعتهم ردّت إليهم . .. هذه بضعتنا ردّت إلينا

جمله <رُدّت إلينا> <دلالت بر آن دارد که فرزندان یعقوب بضاعت خویش را با این وصف که به آنان بازگردانده شده است ، یافتند ; یعنی ، این گمان را نداشتند که اشتباهی رخ داده است تا خویشتن را به ارجاع آن ملزم ببینند.

۷ فرزندان یعقوب با مشاهده سرمایه بازگردانده شده ، تلاش مجددی را برای جلب توافق پدر با مسافرت کردن بنیامین آغاز کردند .

قال هل ءامنكم . .. يأبانا ما نبغى هذه بضعتنا ردّت إلينا و نمير أهلنا و نحفظ أ

سخنان فرزندان یعقوب (ما نبغی هذه بضاعتنا. ..) به قرینه مخاطب قرار دادن یعقوب (یا أبانا)، در راستای جلب موافقت وی برای سفر بنیامین بود.

۸ حدس و پیش بینی یوسف (ع) (تقویت عزم برادرانش برای آمدن به مصر با مشاهده بهای باز گردانده شده) حدسی صائب و نظری بجا بود .

لعلهم يعرفونها . .. لعلهم يرجعون ... ما نبغى هذه بضعتنا ردّت إلينا و نمير أهلن

۱۱ تعهد مجدد و محبت آمیز فرزندان یعقوب برای حفاظت از برادرشان بنیامین در سفر به مصر

نمير أهلنا و نحفظ أخانا

۱۲ لغو تحریم آذوقه و اضافه شدن یک بار شتر غلّه با آمدن بنیامین به مصر ، از دلیل های ارائه شده به یعقوب (ع) برای جلب موافقت آن حضرت به روانه ساختن بنیامین

و نزداد كيل بعير ذلك كيل يسير

<ازدیاد> (مصدر <نزداد> از باب افتعال) به معنای درخواست زیاده و اضافه است. <کیل بعیر> ; یعنی، بار و

محموله ای که معمولاًـ بر یـک شتر حمـل می کننـد. گفتنی است جمله های <فإن لم تأتونی به فلاکیل لکم ...> و <منع منا الکیل> دلالت می کنـد بر اینکه یوسف(ع) اعطای سـهمیه به فرزنـدان یعقوب را بـدون همراهی بنیامین ممنوع و تحریم کرد. بنـابراین مراد از <نزداد کیـل بعیر> این است که اگر بنیـامین را به همراه ببریم علاـوه بر لغو تحریم، یـک بار اضافه نیز مطالبه می کنیم.

۱۳ جیره بندی سرانه ، برنامه یوسف (ع) برای توزیع غلات در دوران قحطی هفت ساله

نزداد کیل بعیر

چون با آمدن بنیامین به مصـر ، فرزندان یعقوب یک بار شتر علاوه بر بارهای خویش می گرفتند چند نکته استفاده می شود: ۱ جیره بندی سرانه بوده است. ۲ سهمیه و جیره بیش از یک بار شتر نبوده است.

۱۷ فرزنـدان یعقوب غلّه دریـافتی در سـفر اول را برای قحطی پیش آمـده کـافی نمی دانسـتند و سـفر به مصـر را برای دریافت سهمیه ای دیگر ضروری می شمردند .

ذلک کیل یسیر

<ذلک> اشاره به متاع و آذوقه ای است که فرزندان یعقوب در سـفر نخست دریافت کرده بودند. <یسـیر> به معنای اندک است و روشن است که اندک بودن به لحاظ دوره قحطی می باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۶۶ – ۱۳

۱۳ فرزنـدان یعقوب سوگنـد یاد کردند و با خدا پیمان بسـتند که در حد اسـتطاعت ، از بنیامین مراقبت کنند و او را به نزد پدر باز گردانند .

حتی تؤتون موثقًا . .. فلما ءاتوه موثقهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف

- ۱۲ - ۶۷ - ۴،۵،۶،۷،۸

۴ یعقوب (ع) در سفر دوم فرزندانش به مصر ، حادثه ای را در کمین آنان احساس می کرد و نگران پیشامدی ناگوار برای آنان بود .

لاتدخلوا من باب وحد . .. ما أُغنی عنکم من الله من شیء

۵ یعقوب (ع) منشأ خطر برای فرزندانش را در آستانه ورودشان به مصر می پنداشت .

لاتدخلوا من باب وحد . .. ما أُغنی عنکم من الله من شیء

۶ یعقوب (ع) حادثه ای ناگوار را برای بنیامین در سفرش به مصر احساس کرده بود .

لاتدخلوا من باب وحد . .. ما أُغنی عنکم من الله من شیء

از اینکه یعقوب(ع) نه در سفر اول و نه در سفر سوم فرزندان خویش (اذهبوا فتحسسوا من یوسف و أخیه در آیه ۸۷) که بنیامین همراه آنان نبود نگرانی خاصی را ابراز نکرد و سفارش ویژه ای نداشت، معلوم می شود در این سفر، خطری را برای بنیامین احساس کرده بود.

۷ یعقوب (ع) در آستانه سفر دوم فرزندانش به مصر ، به آنان توصیه کرد برای ورود به آن دیار ، دروازه های متعددی را برگزینند و از یک دروازه وارد نشوند .

یبنیّ لاتدخلوا من باب وحد وادخلوا من أبوب متفرقه

۸ یعقوب (ع) ، ورود فرزندانش را به مصر از دروازه های متعدد ، راهی محتمل برای جلوگیری از خطر احساس شده می دید * .

وادخلوا من أبوب متفرقه و ما أُغنی عنکم من الله من شیء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۸ - ۱،۲،۶،۸

۱ ورود

فرزندان یعقوب به مصر برای دومین بار

و جاء إخوه یوسف . .. و لما دخلوا من حیث أمرهم أبوهم

۲ فرزندان یعقوب براساس فرمان آن حضرت ، در آستانه ورود به مصر متفرق شدند و از دروازه های متعدد به آن دیار وارد گشتند .

وادخلوا من أبوب متفرقه . .. و لما دخلوا من حیث أمرهم أبوهم

<حیث> اسم مکان و به معنای جا و محل است.

۶ تدبیر یعقوب (ع) (ورود فرزندانش به مصر از دروازه های متعدد) مانع پیشامدی که خداوند برای آنان مقدر کرده بود ، نشد .

ما کان یغنی عنهم من الله من شیء

ضمیر در <یغنی> به یعقوب(ع) و یا تدبیر او که از <ادخلوا من أبواب متفرقه> استفاده می شود برمی گردد. مآل هر دو احتمال یک معناست.

۸ توصیه یعقوب (ع) به فرزندانش (لزوم اختیار کردن دروازه های متعدد برای ورود به مصر) جز تلاش برای سلامتی فرزندانش ، اثر دیگری نداشت .

ما کان یغنی عنهم من الله من شیء إلاّ حاجه فی نفس یعقوب قضیها

استثنا در عبارت <إلاّ حاجه . ..> استثنای منقطع است. ظاهر آن است که ضمیر فاعلی در <قضاها> به یعقوب(ع) باز گردد. بر این اساس معنای <ما کان یغنی ... إلاّ حاجه فی نفس یعقوب قضاها> چنین می شود: تدبیر یعقوب(ع) هرگز بازدارنده آنچه از ناحیه خداوند مقدر شده بود نشد ; لکن یعقوب(ع) خواسته ای داشت که با دستور خویش (ادخلوا من أبواب متفرقه) عملی ساخت. بر اساس این معنا مراد از خواسته او (حاجه) انجام وظیفه است و آن راهنمایی فرزندان به اسباب رهایی از خطرات احتمالی

است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۹ - ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷،۱۰

۱ فرزندان یعقوب به همراه بنیامین به جایگاه یوسف (ع) درآمدند و به حضور وی رسیدند .

و لما دخلوا علی یوسف ءاوی إلیه أخاه

۲ یوسف (ع) در پی ملاقات با برادرانش ، بنیامین را فراخواند و او را در کنار خویش جای داد .

و لما دخلوا . .. ءاوی إلیه أخاه

۳ یوسف (ع) در نشستی با بنیامین و به دور از حضور دیگر برادرانش ، خود را به وی شناساند .

قال إنی أنا أخوک

از آیات قبل و آیات بعد معلوم می شود که یوسف(ع) از اینکه برادرانش وی را بشناسند، امتناع داشت. بنابراین انجام معرفی خود به بنیامین در خفای از برادران بوده است. فصل جمله <قال ...> از ما قبل می تواند اشاره به این داشته باشد که سخن یوسف(ع) با برادرش در مقامی غیر از مقام ورود برادرانش بر وی انجام گرفته است.

۴ بنیامین به اینکه عزیز مصر ، برادر ناپدید شده وی (یوسف (ع)) باشد ، ناباور بود .

إنی أنا أخوک

تأکید حکم در جمله <إنی أنا أخوک> با اسمیه آوردن جمله به همراه حرف تأکید <إنّ> و ضمیر فصل (أنا) گویای تردید و شک بنیامین در برادری عزیز مصر با اوست.

۵ یوسف (ع) شرح ماجرای خود و برادرانش (داستان قرار دادن او در چاه کنعان و . . .) را برای بنیامین باز گفت .

قال إنی أنا أخوک فلاتبتئس بما کانوا یعملون

مراد از ضمیر در <کانوا> و <یعملون> برادران یوسف است.

آوردن جمله <لاتبتئس> (اندوهگین نشو و تأسّف نخور) پس از <إنی أنا أخوك> می رساند که یوسف(ع) پس از معرفی خویش، ماجرای چاه کنعان و مسائل پیرامون آن را برای بنیامین باز گفته بود و گرنه مجرد معرفی خودش، زمینه ای برای ناراحتی و اندوه بنیامین نداشت.

۶ تأسّف و اندوه بنیامین از رفتار گذشته برادرانش در ماجرای ناپدید شدن یوسف (ع)

فلاتبتئس بما كانوا یعملون

۷ یوسف (ع) از برادرش بنیامین خواست گذشته برادرانش را نادیده انگارد و از رفتار ناروای پیشین آنان اندوهی به خود راه ندهد .

فلاتبتئس بما كانوا یعملون

۱۰ توفیق ملاقات یوسف (ع) در مقام عزیزی مصر با برادرش بنیامین ، از میان برنده تلخ کامی ها و زایل کننده ناراحتی آن دو از بد رفتاری های گذشته برادران

إنی أنا أخوك فلاتبتئس بما كانوا یعملون

تفریع <فلاتبتئس . ..> به وسیله حرف <فاء> بر <إنی أنا أخوك> بیانگر دلیل یوسف(ع) برای جا نداشتن حزن و اندوه بر رفتار ناپسند برادرانش است ; یعنی، یوسف(ع) با این تفریع بیان می دارد که هر چند بر اثر رفتار آنان مشكلاتی را متحمل شدم ; ولی همانها زمینه شد که به این مقام نایل شوم. بنابراین نه تو و نه من نباید از عملکرد برادرانمان محزون باشیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۰ - ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷،۹،۱۰

۱ طرح و نقشه یوسف (ع) برای نگاهداشتن بنیامین نزد خویش

فلما جهّزهم بجهازهم جعل السقایه فی رحل أخیه

۲ یوسف (ع) خود به تجهیز و مهیّا کردن محموله برادران خویش پرداخت .

فلما جهّزهم بجهازهم

۳ یوسف (

ع) به هنگام آماده کردن محموله برادرانش ، آبخوری مخصوص را در محموله بنیامین قرار داد .

فلما جهّزهم بجهازهم جعل السقایه فی رحل أخیه

<سقایه> به ظرفی گفته می شود که برای آب خوردن از آن استفاده می شود. <ال> تعریف در آن می رساند که ظرف ویژه ای بوده است.

۴ بی اطلاعی کارگزاران یوسف (ع) از طرح و نقشه وی (جاسازی کردن پیمانه در محموله بنیامین) برای جلوگیری از بازگشت بنیامین

جعل السقایه فی رحل أخیه ثم أذّن مؤذّن

چنان چه کارگزاران یوسف(ع) از نقشه وی مطلع بودند، به سارق بودن فرزندان یعقوب تصریح و تأکید نمی کردند (إنکم لسارقون). همچنین از اینکه یوسف(ع) خود جام را در محموله بنیامین قرار داد، این معنا استفاده می شود که او نمی خواست دیگران از نقشه وی مطلع باشند.

۵ کارگزاران یوسف (ع) بر اثر نیافتن آبخوری مخصوص ، فرزندان یعقوب را به دزدیدن آن متهم کردند .

جعل السقایه فی رحل أخیه ثم أذّن مؤذّن أیّتها العیر إنکم لسرقون

۶ یکی از کارگزاران یوسف با مخاطب قرار دادن قافله فرزندان یعقوب ، اتهام سرقت را به آنان اعلام کرد .

ثم أذّن مؤذّن أیّتها العیر إنکم لسرقون

<عیر> به مجموعه افراد قافله و شترانی که بار و بنه آنان را حمل می کنند، گفته می شود. این کلمه مرادف کاروان و قافله در فارسی است. <اذان> به معنای اعلام کردن است و <تأذین> مصدر <أذّن> به معنای کثرت اعلام می باشد. بنابراین <أذّن مؤذّن ...> ; یعنی، اعلام کننده ای چندین بار اعلام کرد.

۷ اتهام سرقت به فرزندان یعقوب پس از حرکت و دور شدنشان از

محوطه بارگیری ، به آنان اعلام شد . *

ثم أذّن مؤذّن أیّتها العیر إنکم لسرقون

حرف <ثم> و نیز جمله <أقبلوا علیهم> در آیه بعد می تواند گویای برداشت فوق باشد.

۹ < عن أبی عبدالله علیه السلام . . . قال : إنهم سرقوا یوسف من أبیه ألاـ تری أنه قال لهم حین قالوا : ماذا تفقدون ؟ قالوا : نفقد صواع الملک ، و لم یقولوا : سرقتم صواع الملک ، إنما عنی أنکم سرقتم یوسف من أبیه ;

از امام صادق(ع) روایت شده است [که در پاسخ سؤال مردی که از <إنکم لسارقون> پرسیده بود]فرمود: آنان یوسف را از پدرش سرقت کرده بودند. آیا توجه نمی کنی که هنگامی که برادران یوسف گفتند: چه چیزی گم کرده اید؟ او و کارگزارانش به آنان گفتند: <پیمانه پادشاه را گم کرده ایم> و نگفتند: پیمانه پادشاه را دزدیدید. جز این نیست که نظر یوسف بر این بود که شما یوسف را از پدرش سرقت کردید>.

۱۰ < عن أبی جعفر (ع) : . . . و ارتحل القوم (إخوه یوسف) مع الرفقه فمضوا ، فلحقهم یوسف و فتیته فنادوا فیهم قال : < أیّتها العیر إنکم لسارقون > . . . > .

از امام باقر(ع) روایت شده است: . .. برادران یوسف با کاروانیان حرکت کردند و رفتند، سپس یوسف و افرادش به آنان ملحق شدند. آن گاه بین آنان ندا دادند و منادی چنین گفت: <أیّتها العیر إنکم لسارقون>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۱ - ۱،۲،۳

۱ فرزندان یعقوب با شنیدن

اتهام سرقت به سوی یوسف (ع) و کارگزاران وی بازگشتند .

قالوا و أقبلوا علیهم

ضمیر در <قالوا> و <أقبلوا> به کلمه <العیر> در آیه قبل باز می گردد و جمله <و أقبلوا علیهم> حال برای ضمیر در <قالوا> است.

۲ فرزندان یعقوب از کارگزاران یوسف پرسیدند : کالای مفقود شده تان چیست ؟

قالوا . .. ماذا تفقدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۲ - ۱،۵،۷،۲۰

۱ گم شدن جام آبخوری پادشاه ، دلیل ارائه شده به فرزندان یعقوب برای متوقف ساختن و بازجویی از آنان

ماذا تفقدون. قالوا نفقد صواع الملک

<صواع> به معنای پیمانه است.

۵ یک بار شتر غلّه ، جایزه تعیین شده از جانب یوسف (ع) برای آورنده جام شاهی

و لمن جاء به حمل بعیر

۷ یوسف (ع) خود متعهد به پرداخت جایزه و اجرت به آورنده جام مفقودشده *

و لمن جاء به حمل بعیر و أنا به زعیم

مقصود از <أنا> در <و أنا به زعیم> یوسف(ع) و یا رئیس و مسؤول کارگزاران او می باشد. برداشت فوق ناظر به احتمال نخست است.

۲۰ < عن أبی عبدالله (ع) فی قوله : < صواع الملک > قال : کان قدحاً من ذهب و قال : کان صواع یوسف إذ کیل به قال : لعن الله الخوّان لاتخونوا به بصوت حسن ؛

امام صادق(ع) درباره سخن خداوند <صواع الملک> فرمود: جامی از طلا بوده است و فرمود: جام یوسف چنین بود که هرگاه با آن پیمانه می شد، با صدای خوش می گفت: خدا لعنت کند خیانت کنندگان را، در پیمانه خیانت نکنید>.

سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۳ - ۱،۴،۶

۱ فرزنـدان یعقوب در حضور یوسف (ع) و کارگزارانش ، بر منزه بودنشان از سـرقت و نداشـتن قصد فسادگری و خرابکاری در مصر ، سوگند یاد کردند .

تالله لقد علمتم ما جئنا لنفسد فی الأرض و ما کنا سرقین

گرچه مقسم علیه (آنچه بر انجـام آن سوگنـد یـاد می شود) در آیه شـریفه <لقـد علمتم> است ; ولی در حقیقت <مـا جئنا . ..> مقسم علیه می باشد. بنابراین معنای جمله چنین می شود: به خدا سوگند که ما برای فساد به مصر نیامده ایم و هرگز سارق نبوده ایم و شما این حقیقت را به خوبی دانستید.

۴ دستگاه حکومتی یوسف (ع) ، درباره کاروانهایی که به مصر وارد می شدند ، تفحص می کرد تا به فسادگر و سارق نبودن ایشان اطمینان پیدا کند .

لقد علمتم ما جئنا لنفسد فی الأرض و ما کنا سرقین

جمله <لقد علمتم> (یقیناً دانستید و دریافتید که ما چنین و چنان نیستیم) حاکی است که کاروانهای وارد شده به مصـر، مورد تفحص قرار می گرفتنـد تـا هـدف آنان از ورود به مصـر مشـخص شود که مبادا برای جاسوسـی ، خرابکاری ، سـرقت و . .. به مصر وارد شده باشند.

۶ فرزنـدان یعقوب بـا بیان حسن پیشـینه خویش و منزه بودنشان از سابقه سـرقت ، متهم شـدنشان را به سـرقت جام شاهی امری نابجا شمردند .

لقد علمتم . .. ما کنا سرقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۴ - ۱،۲،۵

۱ کارگزاران یوسف به فرزندان

يعقوب اعلام كردند كه در صورت شناسايى سارق ، وى را مجازات خواهند كرد .

قالوا فما جزؤه إن كنتم كذبين

۲ كارگزاران يوسف از متهمان (فرزندان يعقوب) خواستند ، تا خودشان كيفر سارق جام پادشاه را تعيين كنند .

قالوا فما جزؤه إن كنتم كذبين

ضمير در <جزاؤه> به سارق جامى شاهى ، كه از جمله هاى قبل استفاده مى شود ، برمى گردد.

۵ محاكمه خطاكاران و قضاوت درباره آنان ، از اختيارات يوسف در زمان وزارتش در مصر

قالوا فما جزؤه إن كنتم كذبين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۷۵ - ۱

۱ فرزندان يعقوب ، برده شدن را كيفر و مجازات سرقت كننده جام پادشاه دانستند .

قالوا فما جزؤه . .. قالوا جزؤه من وجد فى رحله فهو جزؤه

مفاد جمله <فهو جزؤه> اين است كه سارق ملك كسى مى شود كه از اموال او دزدى شده است. در <مجمع البيان> آمده است كه: مدت اين استرقاق و ملكيت يك سال بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۱،۲،۳،۴،۵،۷،۱۴

۱ يوسف (ع) خود به بازرسى بار ها و اثاثيه كاروان فرزندان يعقوب اقدام كرد .

فبدأ بأوعيتهم قبل وعاء أخيه

ضمير در <بدأ> و <استخرج> به قرينه <أخيه> به يوسف باز مى گردد. اِسناد آن دو فعل به يوسف، ظاهراً حقيقى است نه مجازى (به اين معنا كه او دستور داده باشد كه چگونه بازرسى كنند در حالى كه خود مباشرت نداشته باشد). تغيير سياق ; يعنى، تبديل فعل جمع (قالوا فما جزاؤه) به فعل مفرد (بدأ) قرينه

بر معنای یاد شده است. <وعاء> به معنای ظرف و <أوعیه> جمع آن می باشد.

۲ یوسف (ع) پیش از بازرسی اثاثیه بنیامین ، به تفتیش دقیق بار و اثاثیه دیگر فرزندان یعقوب پرداخت .

فبدأ بأوعیتهم قبل وعاء أخیه ثم استخرجها من وعاء أخیه

کلمه <ثم> دلالت می کند که مدتی طول کشید تا نوبت بازرسی بار بنیامین فرا رسید. و این حکایت از آن دارد که بازرسی اثاثیه دیگر برادران به دقت انجام می گرفته که کار به درازا کشیده شده بود.

۳ یوسف (ع) در بازرسی بار بنیامین ، جام شاهی را از بار وی بیرون آورد .

ثم استخرجها من وعاء أخیه

ضمیر مفعولی در <استخرجها> به <صواع> و یا <سقایه> باز می گردد. قابل ذکر است که آوردن فعل <استخرج> (بیرون آورد) به جای <وجد> (یافت) به خاطر این است که یوسف(ع) می دانست جام شاهی در اثاثیه بنیامین است.

۴ طرح و نقشه یوسف (ع) برای نگه داشتن بنیامین ، کیفر و طرحی از ناحیه خداوند و به وحی او بود .

کذلك کدنا لیوسف

۵ گذاشتن جام شاهی در اثاثیه بنیامین ، جویا$ شدن از مجازات سارق در آیین فرزندان یعقوب و تفتیش بار بنیامین پس از سایر برادران ، از الهامات خدا به یوسف (ع) برای نگه داشتن بنیامین نزد خود بود .

کذلك کدنا لیوسف

<کذلك> اشاره به مجموعه طرح و نقشه ای دارد که آیات ۷۰ تا ۷۵ بیانگر آن بود.

۷ نگاه داشتن بنیامین در مصر حتی به جرم سرقت ، بر طبق قوانین جزایی پادشاه مصر ، برای یوسف (ع) مجاز نبود .

ما کان لیأخذ

أخاه فی دین الملك

دین به معنای آیین و روش است و مراد از آن به اعتبار اضافه شدنش به <ملك> قوانین و مقررات حاکم بر مصر می باشد. قابل ذکر است که به قرینه <فما جزاؤه ...> در آیه ۷۴، اگر سارق می خواست بر اساس آیین خودش تنبیه شود، قاضی و حاکم مصر می توانست بر آن اساس حکم کند.

۱۴ مشیّت الهی ، زمینه ساز باقی ماندن بنیامین نزد یوسف (ع)

ما کان . .. إلاّ أن یشاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۷ - ۱،۲،۳،۴،۵،۷،۸،۹،۱۴،۱۶

۱ برادران یوسف با مشاهده جام شاهی در اثاثیه بنیامین ، وی را سارق آن جام شناختند و به آن اعتراف کردند .

قالوا إن یسرق فقد سرق أخ له من قبل

۲ برادران یوسف در حضور او ، بنیامین را به داشتن روحیه سرقت متهم کردند .

قالوا إن یسرق

چون از نظر ظاهر بنیامین سارق شناخته شد، اقتضای مقام آن بود که برادران یوسف از فعل ماضی (سرق) استفاده می کردند. آنان با آوردن فعل مضارع (یسرق) که دلالت بر استمرار و تجدد دارد به جای فعل ماضی درصدد بیان این معنا بودند که بنیامین دارای روحیه سرقت است.

۳ برادران یوسف در حضور او ، از گذشته برادر بنیامین (یوسف) سخن گفتند و سابقه دزدی را برای او نیز امری ثابت شده قلمداد کردند .

إن یسرق فقد سرق أخ له من قبل

۴ یوسف (ع) در دوران کودکی اش به ناحق متهم به دزدی شده بود .

فقد سرق أخ له من قبل . .. قال

... الله أعلم بما تصفون

۵ برادران یوسف بر$ این باور بودند که یوسف (ع) از میان رفته و نابود شده است .

فقد سرق أخ له من قبل

<من قبل> می تواند متعلق به <سرق> باشد. بر این اساس جمله <فقد سرق ...> چنین معنا می شود: او برادری داشت که پیش از این دزدی کرده بود. همچنین می تواند متعلق به مضمون <أخ له> باشد. بر این مبنا جمله چنین معنا می شود: او پیشتر برادری داشت که دزدی کرده بود. بر این فرض قید <من قبل> حاکی است که برادران یوسف می پنداشتند که یوسف(ع) از میان رفته است.

۷ فرزندان یعقوب گرایش بنیامین به دزدی را از ناحیه مادر وی دانسته و او را منشأ پیدایش ناهنجاری فرزندانش شمردند .

إن یسرق فقد سرق أخ له من قبل

جواب شرط (إن یسرق) جمله ای محذوف است و جمله <فقد سرق . ..> - از باب آمدن سبب به جای مسبب - جانشین جواب می باشد. بنابراین جمله <إن یسرق ...> چنین معنا می شود: اگر او دزدی کرد خلاف انتظار نیست; زیرا برادر مادری اش نیز دزدی کرده بود پس دزدی آنان ریشه مادری دارد.

۸ فرزندان یعقوب با این تحلیل که دزدی بنیامین ریشه مادری دارد ، درصدد پیراستن خویش از عار و ننگ دزدی او بودند .

إن یسرق فقد سرق أخ له من قبل

برادران یوسف با توصیف بنیامین به دارا بودن روحیه دزدی (إن یسرق) و اثبات آن با مطرح ساختن دزدی برادر مادری اش، درصدد بیان این معنا بودند که مادر آن دو در پیدایش روحیه دزدی نقش داشته ; ولی سایر برادرانش

چون از مادرانی دیگرند، از این ناهنجاری پیراسته اند.

۹ یوسف (ع) در برابر سخن ناحق برادرانش (مطرح کردن سرقت دروغین او) از خود دفاع نکرد .

فأسرّها یوسف فی نفسه و لم یبدها لهم

ضمیر <ها> در <أسرّها> و <لم یبدها> به حقیقت و واقعیت ماجرایی که برادران یوسف با جمله <فقد سرق أخ> مطرح ساختند، باز می گردد. بنابراین <فأسرّها ...> ; یعنی، یوسف(ع) حقیقت و واقعیت آن ماجرا را در نفس خویش نهان ساخت و از ابراز آن خودداری کرد.

۱۴ یوسف (ع) به فرزندان یعقوب گوشزد کرد که سخن آنان (دزدی کردن برادر ابوینی بنیامین) را باور ندارد .

إن یسرق فقد سرق أخ له من قبل . .. و الله أعلم بما تصفون

جمله <و الله أعلم . ..> عطف بر <أنتم ...> است و هر دو مقول <قال> می باشند. و از آن جا که <قال> در مقابل <أسرّ> و <لم یبد> قرار گرفته، می توان گفت: مراد از <قول> ابراز کردن آن و آشکارا گفتن آن سخن است، نه آن که در دل خویش و زیر لب گفته باشد.

۱۶ < عن النبی (ص) فی قوله : < إن یسرق فقد سرق أخ له من قبل > قال : سرق یوسف (ع) صنماً لجدّه أبی اُمّه من ذهب و فضّه ، فکسره و ألقاه فی الطریق ، فعیّره بذلک إخوته ;

از رسول خدا(ص) درباره سخن خدا [که به نقل از برادران یوسف] فرموده: <إن یسرق فقد سرق أخ له من قبل>: روایت شده است: یوسف، بتی از طلا و نقره را که از

جدّ مادریش بود، دزدید و آن را شکست و در راه انداخت، پس برادران یوسف او را برای این کار سرزنش کردند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۸ - ۱،۲،۳،۵،۶،۷،۸،۹،۱۱

۱ یوسف (ع) بنیامین را بازداشت کرد و از رفتن او به همراه برادرانش جلوگیری کرد .

فهو جزؤه . .. قالوا یأیها العزیز إن له أبًا شیخًا کبیرًا

الدرالمنثور، ج۴، ص۵۶۴.

۲ فرزندان یعقوب با تحریک عواطف یوسف (ع) درصدد جلب رضایت او برای آزادسازی بنیامین برآمدند .

قالوا یأیها العزیز إن له أبًا شیخًا کبیرًا

۳ اقتدار یوسف (ع) بر انجام خواسته های خویش ، نیکوکار بودن وی و سزاواری یعقوب (ع) برای ترحم ، دلیل های ارائه شده از سوی فرزندان یعقوب به یوسف (ع) برای آزادسازی بنیامین

قالوا یأیها العزیز إن له أبًا شیخًا کبیرًا . .. إنا نریک من المحسنین

هدف برادران یوسف از مخاطب ساختن یوسف(ع) با عنوان <عزیز> بیان اقتدار او بر انجام خواسته هایش است، و توصیف یعقوب به <پیرمردی سالخورده> بیان سزاواری او برای ترحم است و مدح یوسف(ع) به نیکوکاری به منظور ترغیب او به احسان و گذشت می باشد.

۵ یوسف (ع) ، عزیز مصر در سال های قحطی آن دیار

قالوا یأیها العزیز

۶ بازداشت یکی از برادران بنیامین در مقابل آزاد کردن او ، پیشنهاد برادران به یوسف

فخذ أحدنا مکانه

۷ فداکاری و گذشت برادران بنیامین ، برای باز گرداندن او به پدرشان یعقوب

فخذ أحدنا مکانه

۸ برادران بنیامین می دانستند که وی در نزد پدرشان یعقوب ، از محبوبیت افزون تری برخوردار است

.

فخذ أحدنا مكانه

۹ یوسف (ع) در زمان وزارت و اقتدار همچنان انسانی نیکوکار بود .

إنا نریک من المحسنین

۱۱ مشاهده نیکوکار بودن یوسف ، مایه تشجیع فرزندان یعقوب به تقاضای آزادی بنیامین و بازداشت یکی از آنان به جای وی

فخذ أحدنا مکانه إنا نریک من المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۹ - ۱،۵،۱۰

۱ یوسف (ع) پیشنهاد فرزندان یعقوب (بازداشت یکی از آنان به جای بنیامین) را نپذیرفت .

فخذ أحدنا مکانه . .. قال معاذ الله أن نأخذ إلّا من وجدنا

<معاذ> مصدر میمی و مفعول مطلق برای فعل محذوف است (نعوذ بالله معاذاً). عبارت <أن نأخذ> به تقدیر <من> و متعلق به <معاذ الله> می باشد. بنابراین جمله <معاذ الله أن نأخذ ...> ; یعنی، به خدا پناه می بریم پناه آوردنی از اینکه بگیریم (بازداشت کنیم) مگر کسی را که متاع خویش را نزد او یافتیم.

۵ اجتناب یوسف (ع) از نسبت دادن دزدی به بنیامین

أن نأخذ إلّا من وجدنا متعنا عنده

آوردن عبارت <إلّا من وجدنا متعنا عنده> (مگر کسی که متاع خویش را نزد او یافتیم) به جای <إلّا من سرق متعنا> (مگر کسی که متاع ما را سرقت کرده باشد) گویای اجتناب یوسف از نسبت دادن سرقت به بنیامین است.

۱۰ یوسف (ع) و کارگزارانش به هنگام اقتدار و حکومت در مصر ، از هر$ گونه ظلم و ستم اجتناب می کردند .

قال معاذ الله ان . .. إنا إذًا لظلمون

مقصود یوسف از ضمیرهای متکلم مع الغیر <نا> و <نحن> در حقایقی که مطرح کرد (أن

نأخذ . .. إنا إذًا لظالمون) خود او و کارگزارانش می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۰ - ۱۱،۱۰،۹،۷،۶،۵،۴،۳،۲،۱

۱ فرزندان یعقوب به جلب رضایت یوسف موفق نشدند و از آزاد شدن بنیامین کاملاً ناامید گشتند .

فلما استیئسوا منه

<یأس> <و <استیئاس> به معنای ناامید شدن است، با این تفاوت که <استیئاس> حاکی از مبالغه و شدت ناامیدی می باشد. مراد از ضمیر در <منه> یوسف و یا بنیامین است. بنابراین <فلما استیئسوا منه ...> ; یعنی، پس آن گاه که فرزندان یعقوب از [جلب رضایت]یوسف و یا [آزادی] بنیامین کاملاً ناامید شدند ... .

۲ فرزندان یعقوب پس از ناامید شدن از آزادی بنیامین ، در کناری به دور از یوسف و کارگزارانش برای چاره اندیشی درباره مشکل پیش آمده به مشورت و گفت و گوی محرمانه پرداختند .

فلما استیئسوا منه خلصوا نجیًّا

از معانی <خلوص> اعتزال و کناره گیری کردن است. <نجیّ> به فرد و یا افرادی اطلاق می گردد که در نهان با او گفت و گو شود. این کلمه در آیه شریفه حال برای فاعل <خلصوا> می باشد. بنابراین <خلصوا نجیّاً> ; یعنی، برادران یوسف از دیگران جدا شدند و با یکدیگر به نجوا و گفت و گوی سرّی پرداختند.

۳ فرزندان یعقوب بر باز گرداندن بنیامین از سفر مصر ، با پدرشان یعقوب پیمان بسته و سوگند یاد کرده بودند .

أن أباکم قد أخذ علیکم موثقًا من الله

۴ بازگشت همگان به کنعان ، نظر و رأی اکثریت فرزندان یعقوب پس از ناامید شدن از آزادی بنیامین

قال کبیرهم ألم تعلموا . .. فلن أبرح الأرض

استفهام

در <ألم تعلموا . ..> استفهام توبیخی است. از نتیجه ای که <لاوی>، فرزند ارشد یعقوب، در سخنان خویش بیان می دارد (فلن أبرح الأرض ; از دیار مصر نمی روم) معلوم می شود منشأ توبیخ و سرزنش او از برادرانش این بوده که آنان را مصمم بر بازگشت می دیده است.

۵ فرزند ارشد یعقوب بر آن شد که در سرزمین مصر بماند و به کنعان باز نگردد .

فلن أبرح الأرض حتی یأذن لی أبی

<براح> (مصدر أبرح) به معنای جدا شدن و فاصله گرفتن است. <ال> در <الأرض> عهد حضوری است و اشاره به شهر و دیاری دارد که بنیامین در آن جا بازداشت شده است.

۶ ناراحتی و شرمساری فرزند ارشد یعقوب از توفیق نیافتن در عمل به عهد و پیمان خویش (بازگرداندن بنیامین)

قال کبیرهم . .. قد أخذ علیکم موثقًا ... فلن أبرح الأرض

۷ فرزند بزرگ یعقوب ، بازگشت کاروان بدون همراه داشتن بنیامین را تخلف از عهد و سوگند پیشین خود و برادرانش خواند .

قال کبیرهم ألم تعلموا أن أباکم قد أخذ علیکم موثقًا من الله

لاوی با تفریع جمله <فلن أبرح . ..> بر <ألم تعلموا أن أباکم قد أخذ علیکم موثقًا> بیان داشت که: با توجه به عهد و پیمانمان با یعقوب(ع)، سزاوار نیست بدون همراه داشتن بنیامین باز گردیم [اگر شما تصمیم به بازگشت دارید خود می دانید]، ولی من باز نخواهم گشت.

۹ فرزند بزرگ یعقوب با یادآور شدن ظلم و ستم برادرانش به یوسف ، بازگشت به نزد پدر را بدون همراه داشتن بنیامین ناروا شمرد .

ألم تعلموا . .. من قبل ما فرّطتم فی یوسف

<ما> در <ما

فرّطتم> مصـدریه است و عبارت <من قبل ما فرّطتم . ..> عطف بر <أنّ أباكم ...> می باشـد ; یعنی: <ألم تعلموا تفریطكم فی یوسف من قبل>. تفریط به معنای كوتاهی كردن و رها كردن چیزی تا نابود شدن آن است (لسان العرب).

۱۰ فرزند بزرگ یعقوب ، رفتار گذشته برادرانش با یوسف (ع) را رفتاری نكوهیده خواند .

قال كبیرهم . .. و من قبل ما فرّطتم فی یوسف

۱۱ لاوی بازگشت از مصر بـدون بنیامین را به پیام رخصتی از ناحیه یعقوب (ع) و یا به تقدیر و حكمی از جانب خدا موكول كرد .

فلن أبرح الأرض حتی یأذن لی أبی أو یحكم الله لی

گویـا مقصود لاـوی از <حتی یـأذن لی أبی> این معنـا باشـد كه پـدرش یعقوب اطمینـان كنـد كه مـا در نگه داری از بنیامین كوتـاهی نكردیم و مصـداق سـخنی كه خود گفته بود (إلاّـ أن یحـاط بكم) تحقق یافت. و یا اگر چنین اطمینانی پیـدا نكرد، از پیمان خویش چشم پوشـی كنـد و در نتیجه اجازه بازگشت را به من بدهـد. و مراد از <یحكم الله> شایـد این باشـد كه تقدیر الهی سبب شود من بتوانم بنیامین را از دست عزیز مصر برهانم و با او باز گردم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۱ - ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷،۸،۹،۱۰

۱ لاوی ضمن موافقت با مراجعه برادرانش به كنعان ، نحوه گزارش سرقت بنیامین را به آنان تعلیم داد .

قال كبیرهم . .. ارجعوا إلی أبیكم فقولوا یأبانا إن ابنك سرق

۲ شهادت به دزدی بنیامین در نزد یعقوب با جمله ای متضمن تأكید ، از

سفارش های لاوی به برادران خویش

إن ابنک سرق

۳ لاوی از برادرانش خواست ، به پدرشان تفهیم کنند که به دزدی بنیامین اطمینان پیدا کردند و گزارش و شهادت آنان عالمانه است .

إن ابنک سرق و ما شهدنا إلّا بما علمنا

در اینکه مراد از شهادت در <ما شهدنا> چیست، چند نظر ابراز شده است. از جمله آنهاست همین شهادت برادران یوسف نزد یعقوب به دزدی کردن فرزندش بنیامین (إن ابنک سرق). بر این اساس مفاد جمله <ما شهدنا ...> چنین می شود: آنچه هم اکنون در نزد تو می گوییم (إن ابنک سرق) شهادتی است از روی علم و ما بدان اطمینان و یقین داریم.

۴ لاوی به برادرانش سفارش کرد ، دسته جمعی به حضور پدر برسند و همگان بر دزدی بنیامین شهادت دهند .

ارجعوا إلی أبیکم فقولوا . .. ما شهدنا إلّا بما علمنا

تصریح لاوی به صیغه های جمع <قولوا> و <ما شهدنا> و <علمنا> گویای برداشت فوق است.

۵ لاوی از برادرانش خواست ، گزارش سفر و دزدی بنیامین را با لحنی مشفقانه ، به پدر بیان کنند .

یأبانا

تصریح لاوی به اینکه در ابتدای سخن پدر را با جمله <یأبانا> مخاطب قرار دهید ، رساننده این است که به گونه ای سخن بگویید که شفقت او را بر خویش جلب کنید.

۶ اظهار کینه برادران بنیامین به وی در گزارش سرقتش به یعقوب

إن ابنک سرق

لحن جمله <إن ابنک سرق> (به یقین پسرت دزدی کرد) گویای کینه برادران بنیامین نسبت به اوست.

۷ لاوی از برادرانش خواست برای پدرشان بیان کنند که بنیامین در نهان و به دور از چشم آنان دزدی کرد .

و ما کنا للغیب حفظین

در

معنای جمله <و ما کنا . ..> چند نظر ابراز شده است. با توجه به اطمینان برادران یوسف به دزدی بنیامین که جمله <إن ابنك سرق> گویای آن است، این معنا به نظر روشن تر می رسد که: ما نمی توانستیم آنچه را در غیاب و به دور از چشم انجام می گیرد، نگهبان باشیم ; یعنی، دزدی بنیامین در نهان انجام گرفت. از این رو نتوانستیم او را باز داریم.

۸ دزدی مخفیانه بنیامین و ناتوانی برادران از مراقبت وی در نهان ، اعتذار آنان نزد یعقوب (ع) از باز نگرداندن او

ارجعوا إلی أبیکم فقولوا . .. و ما کنا للغیب حفظین

جمله <و ما کنا . ..> در حقیقت پاسخ به پرسشی است که لاوی انتظار آن را از یعقوب(ع) داشت و آن اینکه: گیرم بنیامین دزدی کرد ، چرا او را از دزدی کردن باز نداشتید تا کار به آنچه می گویید بینجامد.

۹ فرزندان یعقوب در صورت آگاهی به وجود جام شاهی در اثاثیه بنیامین ، کیفر سارق در آیین خویش را بیان نمی کردند .

ما شهدنا إلاّ بما علمنا و ما کنا للغیب حفظین

برداشت فوق، بر اساس این احتمال است که مراد از شهادت در <ما شهدنا> بیان حکم سارق که آیه ۷۵ (جزاؤه من وجد فی رحله) رساننده آن است باشد. بر این اساس مفاد <ما شهدنا إلاّ بما علمنا و ما کنا للغیب حافظین> چنین می شود: ما به آنچه می دانستیم (کیفر سارق بردگی است) شهادت دادیم ; ولی نمی دانستیم که جام شاهی نزد بنیامین است تا از بیان آن حکم خودداری کنیم. قابل ذکر

است که بر این مبنا <حافظین> به معنای <عالمین> خواهد بود.

۱۰ بی اطلاعی برادران از امور نهانی ، اعتذار آنان در نزد یعقوب برای بیان کیفر سارق

ما شهدنا إلاّ بما علمنا و ما کنا للغیب حفظین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۲ - ۱،۲،۳،۴،۵،۶

۱ خبر دزدی بنیامین در آبادی محل سکونت یوسف (مصر) ، شایع شده بود .

وسئل القریه التی کنا فیها

<قریه> به محل سکونت و اجتماع انسانها (شهر و روستا) گفته می شود. از این رو در برداشت از آن به <آبادی> تعبیر شد. پرسش از آبادی با اینکه مقصود پرسش از اهل آبادی است، برای رساندن این معناست که: خبر سرقت بنیامین در شهر شایع شده و همگان از آن مطلع بودند.

۲ کاروانیان همراه فرزندان یعقوب به ماجرای دزدی بنیامین آگاه بودند .

وسئل . .. العیر التی أقبلنا فیها

۳ فرزندان یعقوب ، بر این گمان بودند که پدرشان داستان سرقت بنیامین را تصدیق نخواهد کرد .

وسئل القریه . .. والعیر التی أقبلنا فیها

۴ لاوی به برادرانش سفارش کرد از یعقوب بخواهند که وی از اهالی مصر و نیز از همسفران ایشان ، داستان سرقت بنیامین را جویا شود .

فقولوا یأبانا . .. وسئل القریه ... والعیر التی أقبلنا فیها

<اقبال> (مصدر أقبلنا) به معنای روی آوردن است و متعلق آن <إلیک> و مانند آن است که به خاطر وضوحش در کلام نیامده و <فیها> حال برای ضمیر <أقبلنا> می باشد. بنابراین <وسئل ... العیر التی ...> ; یعنی، از کاروانی بپرس که ما در میان آنها به سوی شما آمدیم. قابل ذکر است

که آیه مورد بحث نیز مانند آیه سابق، از سفارشهای لاوی به برادرانش می باشد.

۵ فرزندان یعقوب از مصر به همراه کاروانی از کنعانیان رهسپار دیار خویش شدند .

والعیر التی أقبلنا فیها

۶ لاوی از برادرانش خواست نزد پدر بر راستگویی خویش در سرقت بنیامین تأکید کنند .

و إنا لصدقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۱،۲،۳،۵،۶

۱ فرزندان یعقوب به کنعان بازگشتند و گزارش سفرشان را همان گونه که لاوی سفارش کرده بود ، برای پدرشان بیان کردند .

ارجعوا إلی أبیکم فقولوا یأبانا . .. قال بل سوّلت لکم أنفسکم أمرًا

از آن جا که مطالب آیه ۸۱ و ۸۲ سخنان لاوی در مصر است و جمله <بل سوّلت . ..> پاسخ یعقوب در برابر آن گفته هاست، معلوم می شود که اولاً: بخشی از داستان به خاطر اختصار آورده نشده است و آن اینکه: <فرجعوا إلی أبیهم و قالوا کذا و کذا>. ثانیاً: فرزندان یعقوب همان سخنان لاوی را به همان گونه که وی سفارش کرده بود برای پدرشان گزارش کردند.

۲ یعقوب (ع) داستان سرقت بنیامین را داستانی ساختگی یافت و گفته های فرزندانش را باور نکرد .

قال بل سوّلت لکم أنفسکم أمرًا

کلمه <بل> دلالت می کند که یعقوب(ع) سخن فرزندانش را نپذیرفت.

۳ یعقوب (ع) ، فرزندانش را در گرفتاری بنیامین و باز نگشتن وی مقصر دانست .

قال بل سوّلت لکم أنفسکم أمرًا

۵ یعقوب (ع) ، ماجرای گرفتاری بنیامین را نتیجه توطئه ای برخاسته از جلوه پرداز های نفس فرزندان خویش دانست .

قال بل سوّلت لکم أنفسکم أمرًا

جمله <سوّلت لکم

. ..> ; یعنی ، نفس شـما امر ناپسـندی را برای شما زیبا جلوه داد و ارتکاب آن را برای شما آسان ساخت. این جمله حاکی از اطمینان یعقوب به توطئه فرزندانش است.

۶ آگـاهی یعقوب به اینکه بـازداشت بنیامین بر اساس کیـد و نقشه ای از طرف فرزنـدانش (یوسف ، بنیامین یا برادران دیگر) بوده است . *

قال بل سوّلت لکم أنفسکم أمرًا

در اینکه چرا یعقـوب(ع) گزارش فرزنـدانش را بـاور نکرد و آنـان را علی رغم داشـتن شـهود عینی که جـای شـک بـاقی نمی گذاشت به تسویل کردن متهم ساخت، پاسخهایی ذکر کرده اند. آنچه به نظر روشن تر می رسد این است که: ۱ یعقوب(ع) به فراست خـاص خویش و اطمینـانش به درست کاری بنیامین دریافته بود که گزارش یاد شـده واقعیت نـدارد. ۲ کید و نقشه ای برای گرفتار شـدن بنیامین در کار بوده و به اصـطلاح کاسه ای زیر نیم کاسه بوده است. ۳ این کیـد و نقشه از ناحیه فرزندانش اجرا شده است. اینها واقعیتهایی بود که یعقوب(ع) به فراست دریافت ; ولی نکته ای که برای او پس از آنکه فهمیده بود نقشـه گرفتـاری بنیـامین از نـاحیه فرزنـدانش است مجهـول و مبهم مانـده بود، این بود که متوجه نشـد خود بنیـامین و یوسف طرّاح و مجری آن نقشه بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۴ - ۷،۱۲،۱۳

۷ گریه فراوان یعقوب (ع) در فراق یوسف (ع) *

وابیضت عیناه من الحزن

حرف <من> در <من الحزن> تعلیلیه است و حاکی از این است که

حزن عامل نابینایی یعقوب(ع) بود ; ولی از آن جا که اثر بارز حزن در چشمان یعقوب(ع) ظاهر گشت نه در دیگر حواس او، معلوم می شود که اندوه یعقوب(ع) مایه گریستن فراوان او گشته و گریه فراوانش چشمان او را بی فروغ ساخته بود.

۱۲ یعقوب (ع) بر اثر فراق یوسف (ع) ، درونی آکنده از غم و دلی لبریز از اندوه داشت .

وابیضت عیناه من الحزن فهو کظیم

(کظیم) به معنای اسم مفعول مکظوم به کسی گفته می شود که لبریز از غم و غصه و یا آکنده از خشم و غضب باشد.

۱۳ یعقوب (ع) بر عملکرد فرزندانش درباره یوسف (ع) و بنیامین خشمگین بود و همواره خشم خود را فرو می برد و از ابراز آن خودداری می کرد .

و تولّی عنهم . .. فهو کظیم

<کظیم> می تواند به معنای اسم فاعل کاظم باشد ; یعنی ، کسی که غم و اندوه یا خشم و غضب خویش را فرو می برد و از ابراز آن خودداری می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۵ - ۱،۳،۴،۶

۱ یعقوب (ع) ، همواره به یاد فرزندش یوسف (ع) و دردمند فراق او بود .

قالوا تالله تفتؤا تذکر یوسف

<تفتؤا> از افعال ناقصه و به تقدیر <لا> ی نافیه است. بنابراین <تفتؤا تذکر یوسف> ; یعنی ، پیوسته یوسف(ع) را یاد می کنی.

۳ فرزندان یعقوب ، نگران وضعیت رو به وخامت پدر خویش و ناراحت از قرار گرفتنش در معرض بیماری و هلاکت

قالوا تالله تفتؤا تذکر یوسف حتی

تکون حرضًا أو تکون من الهلکین

۴ فرزندان یعقوب او را به خاطر اندوه جانکاهش در فراق یوسف (ع) ملامت کردند .

قالوا تالله تفتؤا تذکر یوسف

لحن و سیاق جمله <قالوا تالله . ..> گویای ملامت یعقوب(ع) و درخواست به فراموشی سپردن یوسف(ع) است.

۶ فرزندان یعقوب با سوگند به خدا ، خطر فرسوده شدن و به هلاکت رسیدنش را به او هشدار دادند .

قالوا تالله تفتؤا تذکر یوسف حتی تکون حرضًا أو تکون من الهلکین

حرف <تاء> برای قسم است و جمله <تفتؤا تذکر یوسف> به اعتبار غایتی که برای آن ذکر شده (حتی تکون حرضاً . ..) جواب قسم است ; یعنی ، در حقیقت جواب قسم <تکون حرضاً ...> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۶ - ۹،۱۰،۱۶

۹ یعقوب (ع) برخلاف فرزندان و اطرافیانش به زنده بودن یوسف (ع) اطمینان داشت .

و أعلم من الله ما لاتعلمون

<من الله> می تواند به معنای <از ناحیه خدا> باشد و نیز می تواند به معنای <درباره خدا> باشد. بر اساس معنای اول مراد از <ما لاتعلمون> به مناسبت مورد، زنده بودن یوسف ، دیدار او و ... است.

۱۰ یعقوب (ع) به دیدار یوسف (ع) و سرآمدن فراقش مطمئن بود .

و أعلم من الله ما لاتعلمون

۱۶ < عن أبی عبدالله (ع) قال : قدم أعرابیّ علی یوسف . . . قال له یوسف : . . . فإذا مررت بوادی کذا و کذا فقف فناد : یا یعقوب ! یا یعقوب ! فإنه سیخرج إلیک رجل . .

. فقل له : لقيت رجلًا بمصر و هو يقرئك السلام و يقول لك : إن وديعتك عند الله عزوجل لن تضيع ، قال : فمضى الأعرابىّ . . . فأبلغه ما قال له يوسف . . . فكان يعقوب (ع) يعلم أن يوسف (ع) حىّ لم يمت و أن الله تعالى ذكره سيظهره له بعد غيبته و كان يقول لبنيه : < إنى أعلم من الله ما لاتعلمون > . . . ;

از امام صادق(ع) روايت شده كه فرمود: باديه نشينى بر يوسف وارد شد . .. يوسف به او گفت: ... آن گاه كه بر فلان وادى گذر كردى بايست و صدا بزن: اى يعقوب، اى يعقوب! پس مردى به سوى تو بيرون خواهد آمد ... به او بگو مردى را در مصر ملاقات كردم كه تو را سلام رساند و گفت: امانت تو نزد خدا هرگز از بين نمى رود. امام فرمود: آن باديه نشين رفت ... و گفتار يوسف را به يعقوب ابلاغ كرد ... پس يعقوب مى دانست يوسف زنده است و نمرده و خداى تعالى به زودى او را پس از غيبت، آشكارش خواهد كرد و همواره به پسران خويش مى گفت: <إنى أعلم من الله ما لاتعلمون>...>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۸۷ - ۲،۴،۱۳

۲ يعقوب (ع) به فرزندانش دستور داد براى يافتن يوسف (ع) و بنيامين حركت كنند و به جست و جوى آنها بپردازند .

يبنىّ اذهبوا فتحسسوا من يوسف و أخيه

<تحسس> (مصدر تحسسوا) به معناى طلب كردن و جست

و جو نمودن است.

۴ يعقوب (ع) از فرزنـدانش خواست براى يـافتن يوسف (ع) و بنيـامين تلاشـى پى گير داشـته و از يـافتن آنهـا هرگز مأيوس نشوند .

و لاتأْيئسوا من روح الله

۱۳ < عن أبى جعفر (ع) : . . .انه [يعقوب] دعـا ربّه فى السـحر أن يهبـط عليه ملـك الموت فهبط عليه . . . قال يعقوب : . . . هل عرض عليك فى الأرواح روح يوسف ؟ فقال : لا فعنـد ذلك علم أنه حىّ فقال لولـده : < اذهبوا فتحسّـسوا من يوسف . . . > . . . ;

از امـام بـاقر(ع) روايت شـده است: يعقوب در سـحر از خـدا خواست تـا ملـك الموت بر او فرود آيـد . .. پس او فرود آمـد ... يعقـوب گفت: ... آيـا در ميـان ارواح، روح يوسـف بر تو عرضه شـده؟ گفت: نه. پس در اين هنگـام دانست كه يوسف زنـده است، پس به فرزندان خود گفت: <اذهبوا فتحسّسوا من يوسف ...>...>.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۸ – يوسف – ۱۲ – ۸۸ – ۱،۳،۴،۷،۸،۹،۱۰،۱۱،۱۲،۱۳،۱۴،۱۸،۱۹،۲۰

۱ فرزندان يعقوب براى مرتبه سوم در دوران قحطى ، به مصر آمدند و به حضور يوسف (ع) رسيدند .

فلما دخلوا عليه

۳ فرزندان يعقوب سختى معيشت و نابسامان بودن وضع مادى خاندان يعقوب را به يوسف گزارش كردند .

قالوا يأيها العزيز مسّنا و أهلنا الضر و جئنا ببضعه مزجيه

۴ يوسف (ع) در دوران قحطى مصر ، سمت عزيزى آن ديار را بر عهده داشت .

قالوا يأيها العزيز

۷ فرزندان يعقوب در نوبت سوم سفرشان به مصر

، بهای کامل برای خرید سهمیه خویش را نداشتند .

و جئنا ببضعه مزجیه فأوف لنا الکیل

<مزجاه> به معنای ناچیز و حقیر است.

۸ فرزندان یعقوب با بیان تنگدستی و نداشتن بهای لازم برای خرید سهمیه خویش ، از یوسف (ع) خواستند جیره آنان را به طور کامل پرداخت کند .

مسّنا و أهلنا الضر و جئنا ببضعه مزجیه فأوف لنا الکیل

۹ تداوم سیاست یوسف (ع) در جیره بندی غلات و فروش و دریافت بهای آنها ، در دوران قحطی مصر

و جئنا ببضعه مزجیه فأوف لنا الکیل

چنان چه گذشت آیات ۵۹، ۶۰ و ۶۲ از همین سوره دلالت بر آن داشت که یوسف آذوقه های ذخیره شده را جیره بندی کرده بود و سهمیه افراد را در برابر دریافت بها به آنان می پرداخت. آیه مورد بحث نیز به دلیل کلمه <کیل> و جمله <جئنا ببضاعه مزجاه> حاکی از آن است که سیاست سهمیه بندی و گرفتن بهای سهمیه همچنان پس از گذشت مدتها ادامه داشت.

۱۰ یوسف (ع) از فقیران و تهیدستان برای پرداخت سهمیه شان ، بهایی دریافت نمی کرد .

مسّنا و أهلنا الضر و جئنا ببضعه مزجیه فأوف لنا الکیل

برداشت فوق ، مقتضای تفریع <أوف لنا الکیل> به وسیله <فاء> بر <مسنا و أهلنا الضر . ..> است.

۱۱ یوسف (ع) دارای اختیاراتی ویژه در دخل و تصرف بیت المال و بذل و بخشش آذوقه های ذخیره شده

و جئنا ببضعه مزجیه فأوف لنا الکیل و تصدق علینا

۱۲ فرزندان یعقوب از یوسف (ع) تقاضا کردند برادرشان بنیامین را به آنان باز گرداند .

و تصدق علینا

در اینکه مقصود فرزندان

یعقوب از عطیه درخواستی چیست سه نظر ایراد شده است: ۱منظور بنیامین است که به ظاهر ملک یوسف(ع) می باشد. ۲ مقصود آنان مقداری بیش از سهمیه و جیره ایشان است. ۳مراد همان سهمیه است بدون دریافت همه بهای آن. برداشت فوق، ناظر به اولین احتمال است.

۱۳ دریافت آذوقه در نزد فرزندان یعقوب ، دارای اهمیت بیشتر از یافتن و جست و جو کردن یوسف (ع) و استرداد بنیامین *

یأیها العزیز مسّنا و أهلنا الضر . .. فأوف لنا الکیل و تصدق علینا

فرزندان یعقوب به فرمان وی به مصر آمدند تا از یوسف(ع) خبر بگیرند و بنیامین را باز ستانند ، ولی پیش از آن سخن از فقر و تنگدستی و مطالبه آذوقه دارند. این معنا می تواند اشاره به برداشت فوق داشته باشد.

۱۴ برادران یوسف به دلیل سخت شدن معیشت بر خاندان یعقوب (ع) از او تقاضا کردند بیش از سهمیه سرانه ، آذوقه و غلات به آنان ببخشد .

مسّنا و أهلنا الضر . .. فأوف لنا الکیل و تصدق علینا

۱۸ عزیز مصر (یوسف) در دیده فرزندان یعقوب حاکمی خداشناس ، خیرخواه و اهل جود و کرم بود .

فأوف لنا الکیل و تصدق علینا إن الله یجزی المتصدقین

۱۹ اظهار مسکنت و ذلت برادران یوسف به پیشگاه او و شکایت آنان از فقر و تنگدستی ، در سومین سفر آنان به مصر

مسّنا و أهلنا الضر . .. و تصدق علینا إن الله یجزی المتصدقین

۲۰ < عن أبی الحسن الهادی (ع) : . . . لما مات العزیز . . . إفتقرت إمرأه العزیز و احتاجت حتی سألت

النـاس فقـالوا : مـا يضـرّك لو قعـدت للعزيز و كان يوسف يسـمى العزيز [خ .ل .و كلّ ملك كان لهم سـمى بهـذا الإسم] . . . فقامت إليه و قالت : سبحان . . . من جعل العبيد بالطاعه ملوكاً . . . ;

از امام هادی(ع) روایت شـده است: . .. پس از مرگ عزیز مصـر ... همسـر وی [زلیخا] فقیر و نیازمنـد شد تا آن جا که از مردم درخواست کمک می کرد. پس مردم به او گفتند: چه ضـرر دارد که بر سـر راه عزیز بنشینی [واز او کمک بخواهی] و یوسف در آن زمان عزیز نامیده می شد [و هر پادشاهی که بر مصـریان حکومت می کرد به این اسم نامیده می شد]... پس همسر عزیز بر سر راه یوسف ایستاد و گفت: ... منزه است خدایی که بردگان را در سایه اطاعت، به پادشاهی می رساند ...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۹ - ۱،۲،۳،۴،۶،۸،۹

۱ عزیز مصر در پی مشاهده ذلت فرزندان یعقوب ، داستان ر ها کردن یوسف (ع) در چاه کنعان را به آنان یادآوری کرد .

قال هل علمتم ما فعلتم بیوسف و أخیه

مراد از <ما فعلتم بیوسف> و یا مصداق مورد نظر از آن، داستان رهاسازی یوسف(ع) در چاه کنعان است. گویا این یادآوری همان است که خداونـد در آیه ۱۵ از همین سوره بیان داشت، بـدین مضـمون که همانا این واقعه (داسـتان چاه) را در آینده به آنان گزارش خواهی کرد، در حالی که متوجه نیستند (تو را نمی شناسند).

۲ بنیامین ، برادر پدری

و مادری یوسف (ع) ، همچون یوسف (ع) ، مورد آزار و اذیت برادرانش بود .

قال هل علمتم ما فعلتم بیوسف و أخیه

۳ بنیامین برخورد های نامناسب و آزار های برادرانش را برای یوسف (ع) شرح داده بود .

هل علمتم ما فعلتم بیوسف و أخیه إذ أنتم جهلون

عبارت <ما فعلتم بیوسف و أخیه> گویای این است که فرزندان یعقوب بنیامین را نیز آزار داده بودند و یوسف(ع) از آن مطلع بود و ظاهر این است که او از طریق بنیامین با خبر شده بود.

۴ فراق یوسف (ع) و بنیامین و جدایی آنان از یکدیگر ، رویدادی سخت و رنج آور برای آن دو برادر

هل علمتم ما فعلتم بیوسف و أخیه

<ما> در عبارت <ما فعلتم بیوسف و أخیه> می تواند اشاره به رنج فراق و جدایی یوسف(ع) و بنیامین نیز باشد.

۶ برادران یوسف هنگام افکندن او در چاه کنعان ، گرفتار جهل و بی خردی بودند .

هل علمتم ما فعلتم بیوسف و أخیه إذ أنتم جهلون

۸ برادران یوسف پس از سپری کردن برهه ای از عمرشان از آزار و اذیت بنیامین دست کشیدند . *

هل علمتم ما فعلتم بیوسف و أخیه إذ أنتم جهلون

چون <إذ أنتم جاهلون> ظرف برای <فعلتم> است، زمان آن فعل را مقید به زمان جهل و نادانی برادران یوسف می کند و این مفهوم را القا می کند که پس از آن زمان، برخوردشان با بنیامین برخورد نامناسبی نبوده است. تناسب حکم و موضوع و طبیعت حال، این احتمال را به ذهن می آورد که بگوییم آن زمان، زمان جدایی ایشان بوده است.

۹ یوسف

(ع) ضمن اعتراض به عملکرد ناصواب برادرانش ، عذر تقصیرشان (جهل و نادانی) را به آنان القا کرد .

إذ أنتم جهلون

یوسف(ع) با مقید کردن عملکرد ناصواب برادرانش به زمان جهل آنان (إذ أنتم جاهلون) اشاره به این معنا دارد که: من شما را معذور می شمرم چرا که در زمانی مرتکب خلاف شدید که نادان بودید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۰ - ۱،۲،۳،۴،۵،۱۶

۱ فرزندان یعقوب در پی سخنان عزیز مصر (آیا دانستید با یوسف و برادرش چه کردید) دریافتند که او برادرشان یوسف (ع) است .

هل علمتم ما فعلتم بیوسف . .. قالوا أءنک لأنت یوسف

جمله <أءنک . ..> حاوی چهار تأکید است: اسمی بودن جمله ، حرف تأکید <إنّ> ، لام تأکید و ضمیر فصل <أنت>. و اینها حاکی از این است که برادران یوسف بر اینکه مخاطبشان همان یوسف(ع) است ، اطمینان کردند.

۲ استبعاد و شگفتی ، فرزندان یعقوب از اینکه عزیز مصر برادرشان یوسف باشد .

قالوا أءنک لأنت یوسف

برادران یوسف علی رغم اطمینانشان بر اینکه عزیز مصر همان یوسف است ، جمله خویش را با استفهام تقریری بیان کردند و از او خواستند که به یافته آنان اقرار کند و این بیانگر استبعاد و شگفتی ایشان است ; یعنی ، در عین اطمینان ناباور بودند.

۳ یوسف (ع) در پی پرسش برخاسته از شگفت زدگی و ناباوری برادرانش ، تصریح کرد که او همان یوسف است .

أءنک لأنت یوسف قال أنا یوسف

۴ بنیامین در سومین جلسه ملاقات فرزندان یعقوب با عزیز مصر ،

حضور داشت .

و هذا أخی

۵ عزیز مصر برادرش بنیامین را شاهدی بر صدق دعوای خویش (من یوسفم) دانست .

قال أنا یوسف و هذا أخی

جمله <هذا أخی> می تواند علاوه بر اینکه تمهیدی برای <قد منّ الله> باشد به عنوان شاهدی بر ادعای عزیز مصر که خود را یوسف معرفی کرده نیز باشد. گویا به برادرانش می گوید: اگر تردید دارید که من یوسفم، در چهره من و بنیامین بنگرید، اخوّت ما را درخواهید یافت.

۱۶ یوسف (ع) برادرانش را به تقوا و صبر و درآمدن در زمره محسنان فراخواند .

إنه من یتّق و یصبر فإن الله لایضیع أجر المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۱ - ۸،۹

۸ تأکید و اقرار برادران یوسف به ارتکاب خطا در حق برادرشان یوسف (ع)

و إن کنّا لخطئین

<إن> در جمله فوق به اصطلاح مخفّفه از مثقّله (إنّ) است. دلیل آن حرف <لام> در <لخاطئین> می باشد.

۹ برادران یوسف در حضور او به گناه و خطای خویش اعتراف نموده و از رفتار گذشته خود اظهار ندامت کردند .

و إن کنّا لخطئین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۲ - ۱،۳،۴،۶،۱۳،۱۴

۱ یوسف (ع) ستم های برادرانش را در حق خویش نادیده گرفت و آنان را بخشود .

قال لاتثریب علیکم

روا نداشتن سرزنش برادران که جمله <لاتثریب . ..> گویای آن است ، می رساند که یوسف(ع) آنان را مورد عفو خویش

قرار داد.

۳ یوسف (ع) نه تنها برادرانش را عقوبت نکرد ، بلکه از سرزنش آنان نیز

پرهیز نمود .

لاتثریب علیکم

<تثریب> به معنای ملامت کردن و سرزنش نمودن به گناه است (بر گرفته شده از لسان العرب).

۴ یوسف (ع) پس از اعتراف برادرانش به خطا ، هر گونه سرزنش آنان را از ناحیه خویش و دیگران ، ناروا شمرد .

لاتثریب علیکم الیوم

کلمه <تثریب> نکره است و پس از حرف نفی (لا) قرار گرفته است. از این رو شامل هر گونه ملامت می شود. یاد نکردن از فاعل (سرزنش کننده) دلالت بر عموم دارد ; یعنی، هیچ کس نه من و نه دیگری. جمله <لاتثریب علیکم الیوم> جمله ای خبری و در مقام انشا و دستور است ; یعنی، نباید شما ملامت شوید و یا نباید هیچ کس شما را ملامت کند.

۶ یوسف (ع) از خداوند خواستار آمرزش خطا ها و گناهان برادرانش شد .

یغفر الله لکم

جمله <یغفر. ..> می تواند دعایی باشد و می تواند خبری باشد. برداشت فوق ناظر به احتمال نخست است.

۱۳ یوسف (ع) برادرانش را به آمرزش خدا و شمول رحمتش بر آنان نوید داد .

یغفر الله لکم و هو أرحم الرحمین

برداشت فوق بر این اساس است که <یغفر الله . ..> جمله ای خبری باشد.

۱۴ یوسف (ع) با توجه دادن برادرانش به رحمت گسترده الهی ، آنان را به آمرزش گناهانشان امیدوار ساخت .

یغفر الله لکم و هو أرحم الرحمین

جمله <و هو . ..> حالیه است و به منزله تعلیل برای <یغفر الله> می باشد ; یعنی، چون <ارحم الراحمین> است، گناه شما را می بخشاید. قابل ذکر است که یوسف با یادآوری این صفت خداوند، پس از گذشت از گناه

برادرانش، بـه این نکته اشـاره می کنـد که: من از شـما درگذشـتم پس او که از همه از من و غیر من مهربـان تر است، بی هیچ تردید از شما خواهد گذشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۳ - ۱،۲،۳،۴،۵،۷،۱۲

۱ یوسف (ع) ، برادرانش را با پیراهنی خاص از خویش روانه کنعان کرد .

اذهبوا بقمیصی هذا

کلمه <هذا> گویای آن است که یوسف(ع) پیراهن خاصی را به برادرانش سپرد تا به کنعان ببرند.

۲ یوسف (ع) از برادرانش خواست پیراهن او را به صورت یعقوب (ع) بیفکنند تا بینا شود .

فألقوه علی وجه أبی یأت بصیرًا

<یأت> در آیه شریفه به معنای یصیر (می گردد و مبدل می شود) است. جمله <فارتد بصیراً> در آیه ۹۶ مؤید این معناست. قابل ذکر است که برخی برآننـد که <یأت> به معنای <می آیـد> است و <بصـیراً> حال می باشـد; یعنی، او به مصـر می آید در حالی که بیناست.

۳ یعقوب (ع) در فراق یوسف (ع) نابینا شده بود .

یأت بصیرًا

۴ یوسف (ع) از برادرانش خواست در افکندن پیراهنش به چهره یعقوب (ع) تعجیل کرده و آن را به تأخیر نیندازند .

اذهبوا . .. فألقوه علی وجه أبی

برداشت فوق از حرف <فـاء> در <فـألقوه> اسـتفاده شـده است. <فألقوه> ; یعنی ، به مجرد رسـیدن به کنعان و قبل از هر کار دیگری چنین کنید.

۵ یوسف (ع) از نابینا شدن پدرش آگاه شده بود .

یأت بصیرًا

۷ بینا شدن یعقوب (ع) به وسیله پیراهن

یوسف (ع) ، کرامتی از یوسف

فألقوه علی وجه أبی یأت بصیرًا

فعل <یأت> جواب امر <فألقوه> است و لذا با حرف شرطی مقدر مجزوم شده است. تقدیر کلام چنین می باشد: <إن تلقوه علی وجه أبی یأت بصیراً>. این معنا گویای تأثیر پیراهن یوسف(ع) در بینا شدن چشم یعقوب(ع) است.

۱۲ < عن أبی جعفر (ع) [فی قوله تعالی] : < قال . . . إذهبوا بقمیصی هذا > الذی بلّته دموع عینی . . . ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خدای تعالی: <قال . .. إذهبوا بقمیصی هذا> روایت شده: پیراهنی که اشک های چشم آن را تر کرده است ، [با خود ببرید]>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۴ - ۱،۲،۳،۴،۷،۱۲،۱۳

۱ کاروان فرزندان یعقوب با سوغاتی ارزشمند و دلیلی روشن بر سلامت یوسف (ع) ، از مصر به سوی کنعان حرکت کردند .

اذهبوا بقمیصی هذا . .. و لما فصلت العیر

<فصلت> از مصدر <فصول> گرفته شده است و <فصول> به معنای خارج شدن و جدا گشتن می باشد.

تفسیرعیاشی، ج۲، ص۱۹۶، ح۷۹; نورالثقلین، ج۲، ص۴۶۲، ح۱۸۵.

۲ یعقوب (ع) از فاصله ای دور (از کنعان تا مصر) بوی یوسف (ع) را از پیراهن او استشمام کرد .

و لما فصلت العیر قال أبوهم إنی لأجد ریح یوسف

جمله <قال أبوهم . ..> جواب شرط <لما فصلت ...> است و از این رو می رساند که شنیدن بوی یوسف(ع) با بودن پیراهن همراه قافله مرتبط بوده است. و از آن جا که آن قافله هنوز در نزدیکی

مصر بود، معلوم می شود یعقوب(ع) از فاصله ای بسیار دور بوی یوسف(ع) را از پیراهنش احساس کرد.

۳ یعقوب (ع) هم زمان با حرکت فرزندانش از مصر ، یافته خویش (شنیدن بوی یوسف) را برای اطرافیانش ابراز کرد .

و لما فصلت العیر قال أبوهم إنی لأجد ریح یوسف

۴ شامّه معجزه آسای یعقوب (ع) و کرامت او در شنیدن بوی یوسف (ع) از راه بسیار دور

و لما فصلت العیر قال أبوهم إنی لأجد ریح یوسف

۷ خانواده یعقوب ، اظهارات او را درباره زنده بودن یوسف (ع) ، انکار می کردند .

قال أبوهم . .. لولا أن تفنّدون

روشن است که جمله <إنی لأجد . ..> نمی تواند بیانگر جواب <لولا ...> باشد ; زیرا یعقوب(ع) را چه به سستی اندیشه متهم می کردند یا نمی کردند، بوی یوسف(ع) را شنیده بود. بنابراین جواب شرط محذوف است و قرینه های حالی و مقامی می تواند مؤید این احتمال باشد که جواب شرط جمله ای است نظیر <لما کذبتمونی و ...> (مرا تکذیب نمی کردید و نزدیک بودن وصال یوسف(ع) را باور می کردید).

۱۲ در سفر سوم فرزندان یعقوب به مصر برای جست و جو از یوسف (ع) و بنیامین ، تنها برخی از آنان راهی آن سفر شدند .

یبنیّ اذهبوا . .. و لما فصلت العیر قال أبوهم ... لولا أن تفنّدون

جمله <قال أبوهم . ..> گویای این است که گوینده ; یعنی، یعقوب(ع) پدر مخاطبان است. براین اساس مخاطبان یعقوب(ع) در جمله <لولا أن تفنّدون> فرزندان اویند و این می رساند که برخی از فرزندانش

برای جست و جوی یوسف(ع) و بنیامین (یبنیّ اذهبوا) به مصر رفتند و برخی از آنان نزد پدر ماندند.

۱۳ < عن أبی عبدالله (ع) قال : . . . ان ابراهیم لما اُوقدت له النار أتاه جبرئیل (ع) بثوب من ثیاب الجنه . . . فلما حضر ابراهیم الموت جعله فی تمیمه و علّقه إسحاق علی یعقوب ، فلما ولد یوسف (ع) علّقه علیه فکان فی عضده . . . فلما أخرجه یوسف بمصر من التمیمه وجد یعقوب ریحه و هو قوله : < إنی لأجد ریح یوسف . . . > فهو ذلک القمیص الذی أنزله الله من الجنه . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: . .. چون برای سوزاندن ابراهیم(ع) آتش افروخته شد، جبرئیل پیراهنی از پیراهنهای بهشتی برای او آورد ... آن گاه که مرگ ابراهیم(ع) فرا رسید ابراهیم(ع) آن را در جلدی قرار داد و به عنوان حِرز بر اسحاق و اسحاق هم بر یعقوب آویخت و چون یوسف متولد شد، یعقوب [آن را] بر یوسف آویخت و آن بر بازوی یوسف بود ... پس چون یوسف آن پیراهن را در مصر از جلد بیرون آورد، بوی آن به مشام یعقوب رسید و این است سخن یعقوب: <إنی لأجد ریح یوسف ...>. پس پیراهن یوسف همان پیراهنی است که خداوند از بهشت فرو فرستاد...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۵ - ۳

۳ یعقوب (ع) در طول فراق یوسف (ع) همواره به زنده بودن او اعتقاد داشت و

آن را برای اطرافیانش اظهار می کرد .

قال أبوهم إنی لأجد ریح یوسف . .. قالوا تالله إنک لفی ضللک القدیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۹۶ – ۱،۲،۳،۴،۵

۱ حامل پیراهن یوسف (ع) به عنوان پیکی مژده رسان پیش از دیگر افراد کاروان به حضور یعقوب (ع) رسید .

فلما أن جاء البشیر

<بشیر> به معنای اسم فاعل (مبشّر) به کسی گفته می شود که پیامی مسرّت بخش را ابلاغ می کند. گفتنی است چنان چه <بشیر> همراه دیگر فرزندان به حضور یعقوب(ع) رسیده بود، مناسب تر آن بود که جمله به این صورت بیان می شد: <فلما أن جاءوا ألقاه البشیر علی وجهه>. بنابراین جمله <فلما أن جاء البشیر> ظهور در این دارد که مژده رسان پیش از دیگران آمده بود.

۲ پیک فرزندان یعقوب زنده بودن یوسف (ع) و همراه داشتن پیراهن وی را به یعقوب (ع) بشارت داد .

فلما أن جاء البشیر

مصداق مورد نظر برای بشارت و خبرت مسرّت بخش به مناسبت مورد خبر از حیات یوسف(ع)، سلطنت او و نیز به همراه داشتن پیراهن معجزه آسای وی است. قابل ذکر است که جمله <اذهبوا بقمیصی> در آیه ۹۳ می رساند که <بشیر> یکی از همان برادران یوسف بوده نه شخصی دیگر.

۳ افکندن پیراهن یوسف (ع) بر چهره یعقوب (ع) نخستین اقدام مژده رسان در برخورد با یعقوب (ع)

فلما أن جاء البشیر ألقیه علی وجهه

جمله <ألقاه . ..> جواب برای <فلما أن جاء البشیر> است و لذا دلالت می کند

به اینکه افکنـدن پیراهن به مجرد آمدن و بشارت دادن تحقق یافته بود. حرف <أن> زایده است و فاصـله نبودن میان آمدن و افکندن را تأکید می کند.

۴ چشمان یعقوب (ع) بلافاصله پس از قرار گرفتن پیراهن یوسف (ع) بر آن ، فروغ گرفت و بیناییش بازگشت .

ألقیه علی وجهه فارتد بصیرًا

<ارتـداد> (مصـدر ارتـد) به معنـای بازگشـتن چیزی و یا حالتی به صورت و حالت سابق خود است. حرف <فاء> در جمله <فارتد ...> حاکی از دو معناست:$۱ ترتّب و سببیّت میان افکندن پیراهن و بینا شدن یعقوب(ع)، ۲ نبود فاصله و تراخی میان آن دو.

۵ پیشگویی یوسف (ع) مبنی بر بینا شدن یعقوب (ع) به وسیله پیراهنش ، تحقق یافت .

اذهبوا بقمیصی هذا فألقوه علی وجه أبی یأت بصیرًا . .. ألقیه علی وجهه فارتد بصیرًا

ضمیر <ه> در <ألقاه> به قمیص باز می گردد و مراد از ضمیر در <وجهه> و <ارتد> یعقوب(ع) است و در مرجع ضمیر فـاعلی <ألقی> دو نظر ابراز شـده است: برخی گفته انـد به <بشـیر> باز می گردد و برخی مراد از آن را یعقوب(ع) دانسـته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۷ - ۱،۲،۳،۴،۸

۱ فرزندان یعقوب در حضور وی خویشتن را گنهکار دانسته و به گناه خویش اقرار و اعتراف کردند .

قالوا یأبانا استغفر لنا ذنوبنا إنا کنّا خطئین

۲ فرزندان یعقوب علی رغم گناه دانستن رفتارشان با یوسف (ع) و بنیامین و یعقوب (ع) ، آن را مرتکب می شدند .

قالوا یأبانا استغفر لنا ذنوبنا إنا کنّا

خطئین

مراد از <ذنوبنا> به قرینه مقام رفتار فرزندان یعقوب با وی و یوسف و بنیامین می باشد.

۳ فرزندان یعقوب از رفتار های ناروایشان با یوسف (ع) ، بنیامین و یعقوب (ع) ، پشیمان شدند و اظهار ندامت کردند .

یأبانا استغفر لنا ذنوبنا

۴ فرزندان یعقوب با لحنی ملتمسانه از وی خواستند برای آمرزش گناهانشان از خداوند ، طلب آمرزش کند .

یأبانا استغفر لنا ذنوبنا

تصریح فرزندان یعقوب به <یا أبانا> (ای پدر ما) برای جلب مهر و محبت و برانگیختن عواطف اوست که از آن به <لحنی ملتمسانه> تعبیر شد.

۸ فرزندان یعقوب از او خواستند تا از آنان نزد یوسف (ع) شفاعت کند و گذشت از خطاهایشان را از وی بخواهد . *

یأبانا استغفر لنا ذنوبنا

نبودن <ربنا> در سخن فرزندان یعقوب (استغفر لنا ذنوبنا) در مقابل تصریح یعقوب(ع) به <ربی> در پاسخ آنان (سوف أستغفر لکم ربی) مبنای برداشت فوق است. تصریح یعقوب(ع) به اینکه تنها خداوند آمرزنده و مهربان است، می تواند مؤید این احتمال باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۹ - ۱۸،۱۱،۱۰،۸،۷،۶،۵،۴،۲،۱

۱ خاندان یعقوب ، تقاضای یوسف (ع) را پذیرفتند و همگی از کنعان به سوی مصر کوچ کردند .

وأتونی بأهلکم أجمعین . .. فلما دخلوا علی یوسف

مراد از ضمیر <دخلوا> به قرینه <و أتونی بأهلکم أجمعین> در آیه ۹۳ و کلمه <أبویه> برادران یوسف، خانواده های ایشان و پدر و مادر اوست. جمله <فلما دخلوا علی یوسف> عطف بر جمله هایی مقدر است که به قرینه <وأتونی بأهلکم أجمعین> عبارتند از: آنان تقاضای یوسف را پذیرفتند

و همگی به سوی مصر کوچ کردند.

۲ یوسف (ع) برای استقبال از پدر و مادر ، برادران و سایر بستگانش ، از شهر مصر بیرون رفت .

فلما دخلوا علی یوسف . .. قال ادخلوا مصر

جمله <ادخلوا مصر> (به مصر وارد شوید) گویای این است که یوسف(ع) در خارج شهر با خاندان خویش ملاقات کرد و در بیرون مصر به استقبال آنان رفت.

۴ یوسف (ع) در استقبال از پدر ، مادر و بستگانش ، از تشریفات وزارتی و حکومتی پیراسته بود .

فلما دخلوا علی یوسف

یاد کردن از یوسف(ع) با نام وی و نه عنوان و سمت او (عزیز و مانند آن) می تواند اشاره به برداشت فوق داشته باشد.

۵ یوسف (ع) در بیرون شهر مصر ، جایگاهی را برای مراسم استقبال از خاندانش تدارک دید .

فلما دخلوا علی یوسف

جمله <آن گاه که بر یوسف(ع) وارد شدند> (فلما دخلوا علی یوسف) می رساند که یوسف(ع) در ساختمان و یا چادرهایی منزل گرفته بود. در غیر این صورت واژه ورود و دخول جایگاهی نداشت ; بلکه کلمه ملاقات و مانند آن مناسب می نمود.

۶ یعقوب (ع) و خاندانش در بیرون شهر مصر بر یوسف (ع) وارد شدند و فراق چندین ساله آنان با یوسف (ع) پایان یافت .

فلما دخلوا علی یوسف

۷ یوسف (ع) با اظهار محبتی ویژه به پدر و مادر خویش ، آنان را در کنار خود جای داد .

فلما دخلوا علی یوسف ءاوی إلیه أبویه

۸ مادر یوسف به هنگام کوچ خاندان یعقوب از کنعان به مصر زنده بود .

فلما دخلوا علی یوسف

ءاوى إليه أبويه

۱۰ یوسف (ع) پس از انجام مراسم استقبال ، از پدر و مادر و خویشانش خواست به مصر وارد شوند و در آن دیار سکنی گزینند .

قال ادخلوا مصر إن شاء الله ءامنین

امنیت خاندان یعقوب از ناحیه حکومت و دوران قحطی که <آمنین> بدان اشاره دارد با این معنا سازگار است که مقصود یوسف(ع) از <ادخلوا . ..> سکنی گزینی و اقامت خاندان یعقوب در مصر باشد.

۱۱ یوسف (ع) به پدر و مادر و بستگانش نوید داد که به خواست خدا در مصر ، از امنیت برخوردار بوده و از عواقب قحطی درامان خواهند بود .

قال ادخلوا مصر إن شاء الله ءامنین

<اَمن> (مصدر آمنین) به معنای هراس نداشتن و برخوردار بودن از اطمینان خاطر است که به مناسبت زمان (دوران قحطی) و مکان (ورود به مملکت دیگران) مصداق بارز از امنیت ، دغدغه معاش نداشتن و درامان بودن از ناحیه حکومت است.

۱۸ < عن الحسن بن اسباط قال : سألت أباالحسن فی کم دخل یعقوب من ولده علی یوسف ؟ قال : فی أحد عشر إبناً له . . . ;

حسن بن اسباط گوید: از امام رضا(ع) سؤال کردم: یعقوب در میان چند نفر از فرزندانش وارد بر یوسف شد؟ حضرت فرمود: در میان یازده پسر خود . ..>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۱،۲،۳،۷،۲۶

۱ یعقوب (ع) و خاندان او پس از مراسم استقبال به مصر وارد شدند و به بارگاه یوسف (ع) درآمدند .

قال ادخلوا مصر . .. و

رفع أبویه علی العرش

ترتیب ذکری میان <ادخلوا مصر> و جمله های <رفع أبویه علی العرش . ..> گویای این نکته است که حقایق مطرح شده در آیه مورد بحث پس از ورود خاندان یعقوب به مصر، انجام گرفته است و کلمه <العرش> می رساند که آنان به دربار یوسف(ع) رفتند.

۲ یوسف (ع) در دیار مصر دارای تخت و بارگاه فرمانروایی بود .

و رفع أبویه علی العرش

۳ یوسف (ع) پدر و مادرش را بر تخت فرمانروایی خویش نشاند .

و رفع أبویه علی العرش

۷ برادران یوسف و خانواده های ایشان و نیز پدر و مادر او ، همگی بر او سجده بردند .

و رفع أبویه علی العرش و خرّوا له سجّدًا

<خرور> (مصدر خرّوا) به معنای سقوط کردن و بر زمین افتادن است و <سجّدًا> جمع ساجد می باشد. مراد از ضمیر در <خرّوا> همانند <دخلوا علی یوسف> و <ادخلوا> در آیه قبل برادران یوسف و خانواده های ایشان و نیز پدر و مادر اوست.

۲۶ یوسف (ع) به سخن خویش (دیگر بر شما برادرانم ملامتی روا نیست) متعهّد و بدان وفادار بود .

لاتثریب علیکم الیوم . .. نزغ الشیطن بینی و بین إخوتی

یوسف(ع) در بیان سرگذشت خویش برای یعقوب(ع) از برادرانش که منشأ فراق و جدایی بودند گلایه ای نکرد و رفتار ناروای ایشان را یادآور نشد ; بلکه شیطان را عامل فسادی که میان او و برادرانش رخ داده بود دانست با این برخورد به آنچه در خطاب به برادرانش گفته بود (هیچ کس حق ندارد شما را سرزنش و ملامت کند) وفا کرد.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۱

۱ یوسف (ع) ، پس از برشمردن احسان ها و نعمت های خدادادیش برای یعقوب (ع) ، به ستایش خداوند و دعا به درگاه او پرداخت .

رب قد ءاتیتنی . .. فاطر السموت و الأرض ... توفنی مسلمًا و ألحقنی بالصلحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۲ - ۷

۷ تصمیم و عزم برادران یوسف بر توطئه و مکر علیه وی

إذ أجمعوا أمرهم و هم یمکرون

<اجماع> (مصدر أجمعوا) به معنای تصمیم گرفتن و مهیّای انجام کاری شدن است. مراد از ضمیرهای جمع در جمله <أجمعوا ...> برادران یوسف است. گرچه این احتمال نیز بعید به نظر نمی رسد که مقصود از آن ضمیرها علاوه بر برادران، زلیخا و هیأت حاکمه مصر نیز باشد.

قصه یوسف(ع) قبل از محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۲ - ۲

۲ سرگذشت یوسف (ع) ، سرگذشتی مهم در تاریخ بشریّت و مخفی مانده بر مردمان تا پیش از بعثت پیامبر (ص)

ذلک من أنباء الغیب

<ذلک> اشاره به داستان یوسف(ع) و قضایای رخ داده در روزگار آن حضرت است ; یعنی: <ذلک النبأ من أنباء الغیب>.

قصه یوشع(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۰ - ۵

۵- موسی (ع) همسفر خود را از احتمال طولانی بودن سفرشان آگاه ساخت و احتمال بازگشت از نیمه راه را منتفی دانست .

و إذ قال موسی لفتیه لاأبرح

. .. أو أمضى حقبًا

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۰ – كهف – ۱۸ – ۶۱ – ۱،۲،۳

۱– موسى (ع) و همسفر او به محلِّ تلاقى دو دريا رسيدند و در آن جا توقف كردند .

فلمّا بلغا مجمع بينهما

۲– موسى و همسفر او ، به هنگام رسيدن به مجمع البحرين ، يك ماهى ، به عنوان غذا ، همراه داشتند .

فلمّا بلغا مجمع بينهما نسيا حوتهما

<حوت> يعنى <ماهى> و برخى آن را ماهى بزرگ معنا كرده اند. (ر.ك. لسان العرب) به قرينه <غداءنا> در آيه بعد آن ماهى، به منظور تغذيه فراهم شده بود.

۳– موسى (ع) و همسفرش هنگام رسيدن به محلِّ تلاقى دو دريا ، از ماهىِ همراه خويش ، غفلت كردند .

فلمّا بلغا مجمع بينهما نسيا حوتهما

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۰ – كهف – ۱۸ – ۶۲ – ۱،۲،۳،۵،۷

۱– موسى (ع) و همسفرش ، پس از توقف در مجمع البحرين ، در جستوجوى خضر (ع) ، مجدداً به حركت خويش ادامه داده و آن جا را پشت سر گذاشتند .

فلمّا بلغا مجمع بينهما . .. فلمّا جاوزا

موسى(ع) در سخن خود با يوشع، مجمع البحرين را هدف و مقصد نهايى خود اعلام كرد، ولى هنگام رسيدن به آن جا، از آن نيز گذشت. اين حركت و نيز گفتارى كه در آيات بعد از موسى(ع) نقل شده است، نشانه آن است كه آن دو نمى دانستند به محلِّ مورد نظر موسى(ع) رسيده اند.

۲– موسى (ع) در پى گذر كردن و پشت سر گذاشتن مجمع

البحرين ، گرسنگی و خستگی شدیدی را در خود و همسفرش احساس کرد .

ءاتنا غداءنا لقد لقینا من سفرنا هذا نصبًا

<نصب> به معنای <رنج و سختی> است.

۳- موسی و یوشع ، در شبانگاه و صبح دم پس از عبور از مجمع البحرین برای یافتن خضر (ع) راه درازی پیمودند . *

ءاتنا غداءنا

بدان احتمال که احساس خستگی و گرسنگی موسی(ع) در طرف صبح، ناشی از راه پیمایی طولانی در شب باشد.

۵- موسی (ع) پس از گذر از مجمع البحرین ، در آغاز روز ، از همسفر خویش درخواست تهیه چاشت کرد .

ءاتنا غداءنا لقد لقینا من سفرنا هذا نصبًا

<غداء> به معنای طعامی است که در ساعات آغازین روز خورده می شود.

۷- موسی (ع) و جوان خدمت کارِ همراه او ، در کنار هم و از یک نوع غذا می خوردند .

ءاتنا غداءنا لقد لقینا من سفرنا هذا نصبًا

ضمایر جمع در تمام آیه، گویای همراهی و همدلی دو همسفر، حتی در تناول غذا است؛ زیرا، در غیر این صورت، باید برخی ضمایر را به صورت مفرد ذکر می کرد و مثلاًمی گفت <آتنی غدائی>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۳ - ۱،۴،۱۱

۱- موسی (ع) و همسفرش ، کنار صخره ای در مجمع البحرین ، آرمیدند .

إذ أوینا إلی الصخره

۴- همسفر موسی از بازگویی سرگذشت ماهی ، برای موسی (ع) ، در مدّت استراحت شان در مجمع البحرین ، غفلت کرد .

قال أرءیت إذ أوینا إلی الصخره فإنّی نسیت الحوت

<صخره> به معنای <تخته سنگ بزرگ> است. <أوینا

إلی الصخره> یعنی: <برای استراحت، در کنار آن صخره، جای گرفته بودیم.>.

۱۱- < عن أبی جعفر (ع) و أبی عبداللّه (ع) قال : إنّه لما کان من أمر موسی الذی کان أعطی مکتل فیه حوت مملّح قیل له : هذا یدلّک علی صاحبک عند عین مجمع البحرین . . . فانطلق الفتی یغسل الحوت فی العین فاضطرب الحوت فی یده حتّی خدشه فانفلت و نسیه الفتی ;

از امام باقر و امام صادق (علیهماالسلام) روایت شده: آن گاه که از کار موسی(ع) گذشت آنچه در زندگی او پیش آمد، زنبیلی به او داده شد که در آن یک ماهی نمک زده بود. به وی گفته شد: <این ماهی، تو را به صاحب ات، نزد چشمه ای در محل تلاقی دو دریا، راهنمایی می کند ... پس آن جوانی که همراه موسی(ع) بود، رفت که ماهی را در آن چشمه بشوید، ماهی در دست او به حرکت درآمد تا این که به او خراش وارد کرد و از چنگ او درآمد (و رفت) و جوان آن را فراموش کرد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۴ - ۴

۴- موسی (ع) و همسفرش ، پی جویانه ، به نقطه قبلیِ توقّف خود و محل از دست دادن ماهی بازگشتند .

فارتّدا علی ءاثارهما قصصًا

<إرتداد> (مصدر <إرتّدا)؛ یعنی، <بازگشتن> و <قصّ أثره قَصَصاً>; یعنی، جاب پای او را با دقت، دنبال و پی گیری کرد. مراد از <فارتّدا...> این است که موسی(ع) و همراه او، به دقت، راه رفته را بازگشتند تا به همان نقطه که

ماهی به دریا رفته بود، بازگردند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۶۵ – ۲

۲- هدف موسی (ع) و همراه وی از سفر جستوجوگرانه خود ، یافتن بنده ای از بندگان خاص الهی و دارای علم لدنی بود .

فارتّدا . .. فوجدا عبدًا من عبادنا ... و علّمنه من لدنّا

واژه <وجدا> بیان کننده یافتن چیزی است که موسی و همراه اش در جستوجوی آن بودند و نه دیداری اتفاقی و غیر مترقبه. <لدنا> دلالت می کند که علم حضرت <خضر(ع)> دانش عادی و معمولی نبوده، بلکه از افاضات خاص ربّانی بوده است.

قصه یونس(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۸۷ – ۲،۳،۵،۶،۷،۱۲،۱۳،۱۴،۱۵،۱۷،۲۱

۲- یونس (ع) خشمگینانه از میان قومش بیرون رفت و به سرزمین دیگری هجرت کرد .

إذ ذهب مغضبًا

آن چه از نظر مفسران و مورخان استفاده می شود، این است که یونس(ع) از میان قومش، به خاطر ایمان نیاوردنشان، خشمگینانه بیرون رفت و به جای دیگری هجرت کرد و آیه شریفه ناظر به این داستان است.

۳- رفتار قوم یونس ، خشم شدید آن حضرت را برانگیخت و موجب ناخرسندی او شد .

إذ ذهب مغضبًا

۵- گمان یونس (ع) در سخت نگرفتن خداوند بر وی ، نسبت به ترک قوم خویش

إذ ذهب مغضبًا فظنّ أن لن نقدر علیه

یکی از معناهای <قدر>، سخت گرفتن و تنگ گرفتن(ضیق) است (مفردات راغب). برداشت یاد شده مبتنی بر این معنا است.

۶- گمان یونس (ع) به مجازات نشدن او از جانب خداوند ، در زمینه بیرون آمدنش

از میان قوم خود و هجرت به سرزمینی دیگر

فظنّ أن لن نقدر علیه

برداشت یاد شده مبتنی براین است که <قدر> به معنای <قضا> و <حکم> باشد. گفتنی است که ذیل آیه (إنّی کنت من الظالمین) مؤید همین برداشت است.

۷- یونس (ع) در بیرون آمدن از میان قوم کافر خود و هجرت به سرزمین دیگر ، دچار خشم بی جا و گمان نادرست شد . *

إذ ذهب مغضبًا فظنّ أن لن نقدر علیه

۱۲- گرفتار آمدن یونس (ع) در دریا و شکم ماهی ، کیفر ترک خشمگینانه او از میان قومش

ذاالنون إذ ذهب مغضبًا . .. فنادی فی الظلمت

مقصود از <ظلمات> در آیه شریفه، شکم ماهی است و جمع آمدن آن برای بیان شدت ظلمت است.

۱۳- دعا و تضرع یونس (ع) به درگاه الهی ، پس از گرفتار آمدن در ظلمات (شکم ماهی)

فنادی فی الظلمت أن لاإله إلاّأنت

۱۴- روی آوردن یونس (ع) در شکم ماهی به تهلیل و تنزیه خداوند ، در نیایش ویژه خویش

فنادی فی الظلمت أن لاإله إلاّأنت سبحنک

۱۵- < لاـ إله إلاّـ أنت سبحانک إنّی کنت من الظالمین > ، ندا و دعای یونس (ع) به هنگام گرفتار شدن در ظلمت شکم ماهی

فنادی فی الظلمت أن لاإله إلاّأنت سبحنک إنّی کنت من الظلمین

۱۷- خضوع یونس (ع) به درگاه الهی و اعتراف وی به ظلم و نادرستی رفتار عجولانه خود

فنادی . .. إنّی کنت من الظلمین

۲۱- < قال المأمون للرضا (ع) فأخبرنی عن قول اللّه عزّوجلّ : < و ذاالنون إذ ذهب مغاضباً فظنّ أن لن نقدر علیه >

فقال الرضا (ع) : ذاك يونس بن متى (ع) ذهب مغاضباً لقومه < فظنّ > بمعنى إستيقن < أن لن نقدر عليه > أى لن نضيق عليه رزقه . . . < فنادى فى الظلمات > أى ظلمه الليل و ظلمه البحر و ظلمه بطن الحوت : < أن لا إله إلاّ أنت سبحانك إنّى كنت من الظالمين > بتركى مثل هذه العباده التى قد فرغتنى ل ها فى بطن الحوت ;

در روايت آمده است كه] مأمون به امام رضا(ع) گفت: مرا خبر ده از سخن خداى عزّوجلّ <و ذاالنون إذ ذهب مغاضباً فظنّ أن لن نقدر عليه> امام فرمود: او يونس بن متى بود، كه در حالى كه بر قوم خود غضبناك بود، از ميان آنان برفت. <ظنّ> در كلام خدا به معناى <إستيقن> و <لن نقدر عليه> به معناى <لن نضيق عليه رزقه> ... مى باشد. <فنادى فى الظلمات>; يعنى، در ميان سه تاريكى (تاريكى شب، تاريكى دريا و تاريكى شكم ماهى) ندا كرد: <...سبحانك إنّى كنت من الظالمين>; يعنى، ... من از ستم كارانم; زيرا مثل چنين عبادتى را كه اكنون مرا براى آن در شكم ماهى فارغ گردانيده اى در گذشته ترك كرده بودم>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۰ - ۱،۲،۴،۵،۶

۱ - يونس پيامبر ، با سوار شدن بر كشتى مملو از بار و مسافر ، از ميان قوم خود گريخت .

إذ أبق إلى الفلك المشحون

<أبُق> (مصدر <أبَق>) به معناى فرار عبد از مالك است و <مشحون> به معناى مملو است.

۲ - تصميم يونس (

ع) ، به گریختن از میان قوم خود و هجرت به دیار دیگر ، تصمیمی فردی بود ; نه با اذن و رهنمود خداوند .

إذ أبق إلی الفلک المشحون

تعبیر <أبق> (گریختن عبد از دست مالکش) استعاره تمثیلیه است که در آن وضع یونس در گریختن از میان قوم خود به عبد فراری از مالکش تشبیه شده است. به کار رفتن این تعبیر گویای برداشت یاد شده است.

۴ - محل تبلیغ و رسالت یونس پیامبر (ع) ، به دریا نزدیک بود . *

إذ أبق إلی الفلک المشحون

۵ - یأس و ناامیدی یونس پیامبر ، از هدایت قوم خویش

إذ أبق إلی الفلک المشحون

فرار یونس(ع) از میان قوم خود، می تواند به دلیل یأس او از هدایت آنان باشد.

۶ - یونس (ع) ، در معرض اذیت و آزار شدید و طاقت فرسای قوم خود قرار داشت .

إذ أبق إلی الفلک المشحون

گریختن یونس(ع) از میان قومش، می تواند به این دلیل باشد که او به شدت تحت شکنجه و آزار آنان قرار داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۱ - ۳،۴

۳ - اصابت قرعه به نام یونس (ع) و مغلوبیت او در قرعه کشی

فساهم فکان من المدحضین

<مدحضین> (اسم مفعول از <ادحاض>) به معنای <ازلاق> (کسی را لغزاندن) است و در این جا کنایه از شکست و مغلوبیت در امر قرعه کشی می باشد.

۴ - نبودن هیچ داوطلبی برای افکندن خویش به دریا و فدا کردن خود در ماجرای یونس *

فساهم فکان من المدحضین

از قرعه کشی و نیز تعبیر <مدحضین> (مغلوب شدگان)، می توان

برداشت بالا را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۲ - ۱،۲،۳

۱ - بلعیده شدن یونس (ع) به وسیله ماهی بزرگ ، پس از افکنده شدن او به دریا

فالتقمه الحوت و هو ملیم

<إلتقام> (مصدر <التقم>) به معنای بلعیدن است و <حوت> هر چند در مطلق ماهی چه بزرگ باشد و چه کوچک به کار می رود; اما کاربرد آن در ماهی بزرگ بیشتر است و در آیه شریفه نیز به همین معنا به کار رفته است.

۲ - حضرت یونس (ع) به جهت خروج عجولانه از میان قوم خود ، سزاوار سرزنش شد .

إذ أبق إلی الفلک . .. فالتقمه الحوت و هو ملیم

<ملیم> (اسم فاعل از <ألام>) به معنای <دخل فی الملامه> (ملامت شد) است ; چنان که به کسی که وارد حرم شد، گویند: <أحرم> و یا این که همزه <ألام> برای صیرورت است; یعنی، <صار ذا ملامه> (مستحق ملامت گردید).

۳ - بلعیده شدن یونس به وسیله ماهی ، نتیجه خروج عجولانه او از میان مردم و ادامه ندادن رسالت خود در میان آنان بود .

إذ أبق إلی الفلک . .. فالتقمه الحوت و هو ملیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۳ - ۱

۱ - یونس (ع) ، در دل ماهی به تسبیح مستمر خدا پرداخت .

فلولا أنّه کان من المسبّحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۴ - ۱،۲

۱ - یونس (ع) اگر به تسبیح

خدا در شکم ماهی نمی پرداخت ، تا قیامت در آنجا می ماند .

فلولا أنّه کان من المسبّحین . للبث فی بطنه إلی یوم یبعثون

۲ - تسبیح مستمر یونس (ع) ، تنها وسیله نجات او از دل ماهی شد .

فلولا أنّه کان من المسبّحین . للبث فی بطنه إلی یوم یبعثون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۵ - ۱،۲،۴

۱ - یونس (ع) با اراده الهی ، از شکم ماهی در زمینی خالی از درخت و پوشش گیاهی بیرون افکنده شد .

فنبذنه بالعراء

<نبذ> (مصدر <نبذنا>) به معنای افکندن است و <عراء> به سرزمینی خالی از درخت و پوشش گیاهی گفته می شود.

۲ - یونس (ع) ، به هنگام بیرون افتادن از شکم ماهی ، بیمار بود .

فنبذنه بالعراء و هو سقیم

۴ - "قال رسول اللّه(ص): "لما أراد اللّه حبس یونس علیه السلام فی بطن الحوت، أوحی اللّه إلی الحوت أن خذه، و لاتخدش له لحماً، و لاتکسر له عظماً، فأخذه ثمّ أهوی به إلی مسکنه فی البحر، فلمّا انتهی به إلی أسفل البحر سمع یونس حساً فقال فی نفسه: ما هذا ....؟ فأوحی اللّه إلیه و هو فی بطن الحوت: إنّ هذا تسبیح دوابّ الأرض فسبّح و هو فی بطن الحوت فسمعت الملائکه علیهم السلام تسبیحه فقالوا: ربّنا إنّا نسمع صوتاً ضعیفاً بأرض غربه، قال: ذاک عبدی یونس، عصانی فحبسته فی بطن الحوت فی البحر، قالوا: العبد الصالح الذی کان یصعد إلیک منه فی کلّ یوم عمل صالح؟ قال: نعم. فشفعوا له عند ذلک، فأمره فقذفه فی

الساحل، كما قال اللّه: "و هو سقيم";

رسول خدا(ص) فرمود: خداوند اراده نمود که یونس را در شکم ماهی زندانی کند به ماهی وحی (الهام) نمود: او را بگیر، اما خدشه ای به گوشت او وارد نکن و استخوانش را نشکن. پس ماهی یونس را گرفت و به سوی جایگاهش در دریا حرکت کرد پس چون به قعر دریا رسید، یونس صدای خفیفی شنید و با خود گفت: این صدا چیست ...؟ سپس خدا به یونس که در شکم ماهی بود وحی کرد که: این تسبیح جنبندگان زمین است، پس یونس در حالی که در شکم ماهی بود تسبیح گفت: ملائکه تسبیح او را شنیدند و گفتند: پروردگارا! ما صدای ضعیفی را در زمینی ناآشنا می شنویم؟ خداوند فرمود: این بنده من یونس است. وی نافرمانی من نمود، پس او را در شکم ماهی در دریا زندانی کردم. ملائکه گفتند: همان بنده صالحی که هر روز عمل صالحی از او به سوی تو بالا می آمد؟ خدا فرمود: آری . پس ملائکه در این هنگام یونس را شفاعت کردند، سپس خدا به ماهی امر کرد و ماهی یونس را در ساحل انداخت، چنان که خدا فرمود: و هو سقیم".

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۶ - ۱،۲

۱ - روییدن درخت پهن برگ و پوشش دهنده به اراده خداوند ، بر فراز یونس (ع) پس از بیرون آمدن او از شکم ماهی

و أنبتنا علیه شجره من یقطین

<یقطین> به درخت و گیاه پهن برگ و پوشش دهنده (مانند کدو) گفته می شود.

۲ - احتیاج یونس

(ع) به سایبان ، پس از بیرون آمدن از شکم ماهی

و أنبتنا علیه شجره من یقطین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۴۷ – ۱،۴

۱ – یونس (ع) ، پس از نجات از شکم ماهی ، مجدداً از سوی خداوند مأمور ادامه رسالت خود در میان قومش گردید .

فنبذنه بالعراء . .. و أرسلنه إلی مائه ألف

۴ – < عن أبی عبدالله (ع) الأنبیاء و المرسلون علی أربع طبقات . . . و نبیّ یری فی منامه و یسمع الصوت و یعاین الملک و قد أرسل إلی طائفه قلّوا أو کثروا کیونس . قال الله لیونس < و أرسلناه إلی مائه ألف أو یزیدون > . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده که: پیامبران و رسولان بر چهار طبقه اند . .. و پیامبری است که در خواب می بیند و صدا را می شنود و فرشته را می بیند و به سوی گروهی از مردم خواه کم یا زیاد فرستاده می شود، مانند یونس که خدا درباره اش می فرماید: <و أرسلناه إلی مائه ألف أو یزیدون>...>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۴۸ – ۱،۷

۱ – تمامی قوم یونس ، پس از رسالت و مأموریت مجدد آن حضرت به سوی آنان ایمان آوردند .

و أرسلنه . .. فَامنوا فمتّعنهم إلی حین

۷ – < قال أبوعبیده : قلت لأبی جعفر (ع) کم غاب یونس عن قومه حتّی رجع إلیهم بالنبوّه و الرساله فآمنوا و صدّقوه قال :

أربعه أسابيع . . . إنّ العذاب أتاهم يوم الأربعاء فى النصف من شوّال و صرف عنهم من يومهم ذلك فانطلق يونس مغاضباً فمضى يوم الخميس سبعه أيّام فى مسيره إلى البحر و سبعه أيّام فى بطن الحوت و سبعه أيّام تحت الشجره بالعراء و سبعه أيّام فى رجوعه إلى قومه . . . ثمّ أتاهم فآمنوا به و صدّقوه و اتبعوه . . . ;

ابوعبیده گوید: به امام باقر(ع) گفتم: چه مدتی یونس از قوم خود دور شد و سپس با نبوت و رسالت به سوی آنان بازگشت و آنها به او ایمان آوردند و تصدیقش کردند؟ فرمود: چهار هفته . .. همانا در روز چهارشنبه، در نیمه شوال عذاب بر آنان نازل شد و در همان روز عذاب از آنان برداشته شد. پس یونس با حالت غضب در روز پنج شنبه از آنان جدا شد و هفت روز در مسیرش تا دریا و هفت روز در شکم ماهی بود و هفت روز را در زیر درخت در سرزمین خشك و خالی و هفت روز را در راه بازگشت به سوی قومش گذراند... آن گاه به نزد آنان آمد و آنها به آن حضرت ایمان آورده و تصدیقش نمودند و از او پیروی کردند...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۸ - ۵،۶

۵ - یونس (ع) ، در غضب و نفرین کردن بر قوم خویش شتاب کرد .

و لاتکن کصاحب الحوت إذ نادی و هو مکظوم

۶ - یونس (ع) ، در حالی که سینه اش مملو از غم و اندوه بود خدا

را ندا کرد .

إذ نادی و هو مکظوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۹ - ۱،۲،۳

۱ - یونس (ع) پس از رهایی از شکم ماهی ، از نعمت و لطف ویژه الهی برخوردار گشت .

لولا أن تدرکه نعمه من ربّه

۲ - نعمت و لطف ویژه خداوند به یونس (ع) ، مانع گرفتار شدن او به بیابان خشک و بی آب و گیاه شد .

لولا أن تدرکه نعمه من ربّه لنبذ بالعراء

۳ - نعمت و لطف خداوند به یونس (ع) ، موجب مذمت نشدن او گردید .

لولا أن تدرکه نعمه من ربّه لنبذ بالعراء و هو مذموم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۵۰ - ۲

۲ - انقطاع وحی به یونس (ع) از زمان ارتکاب < ترک اولی > (ترک مردم و نفرین علیه آنان) و وحی مجدد به ایشان ، پس از توبه او و عنایت خداوند به وی

فاجتبیه ربّه

مطلب یاد شده با توجه به این نکته است که یونس(ع) پیش از ماجرای ارتکاب <ترک اولی> از پیامبران بود. بنابراین مقصود از <فاجتباه> به رسالت رساندن او نیست; بلکه به معنای تداوم رسالت او پس از انقطاع موقت وحی است.

قصه یهود ایله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۳ - ۴

۴ یهودیان عصر بعثت آگاه به تجاوزگری همدینان یهودی خویش در ایله و سرگذشت شوم آنان

و سئلهم عن القریه التی کانت حاضره البحر

قضاوت در قصه یوسف(ع)

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۷ - ۲

۲ پاره شدن پیراهن یوسف (ع) محور و تکیه گاه کشف حقیقت ، در نظر داور ماجرای یوسف (ع) و زلیخا

و شهد شاهد . .. و هو من الصدقین

قطع رابطه با توطئه گران قصه افک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۳ - ۸

۸ - دستور قطع ارتباط با توطئه گران < افک > و تهدید آنان به عذاب بزرگ از سوی خداوند

إنّ الذین یرمون المحصنت . .. لهم عذاب عظیم

برداشت فوق، بر این اساس است که آیه یاد شده، از جمله آیات مربوط به ماجرای <افک> باشد.

کاردانی قاضی قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۷ - ۳

۳ داور ماجرای یوسف (ع) و زلیخا ، شخصی فرزانه ، کاردان و عادل بود .

و شهد شاهد . .. و هو من الصدقین

پی بردن به حقیقت ماجرا با نحوه پارگی پیراهن ، دلالت بر هوشیاری و کاردانی داور دارد ، و از آن جایی که حق را ، علی رغم خویشی با زلیخا کتمان نکرد ، عدالت و حق پویی او به خوبی روشن می شود.

کشتزار قصه داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۸ - ۲،۳،۹،۱۰،۱۱

۲- داوری داوود و سلیمان (ع) ، در باره کشتزار چراشده در شبان گاه به وسیله گوسفندان مردم

و داود و سلیمن إذ یحکمان فی الحرث إذ نفشت فیه غنم

القوم

<نفش> به معنای چریدن حیوان در شب، بدون چوپان و یا بی اطلاع وی است.

۳- داوود و سلیمان (ع) ، در باره خسارت مزرعه تلف شده به وسیله گوسفندان ، به مشورت پرداختند .

و داود و سلیمن إذ یحکمان فی الحرث إذ نفشت فیه غنم القوم

برداشت یاد شده بدین احتمال است که <یحکمان> با صیغه تثنیه، اشاره به مشورت داوود و سلیمان داشته باشد، چه این که حکم هر یک به صورت استقلالی در یک واقعه، بعید به نظر می رسد.

۹- < أحمدبن عمرالحلبی قال : سألت أباالحسن (ع) عن قول اللّه عزّوجلّ : < و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث > قال : کان حکم داوود (ع) رقاب الغنم ، و الذی فهّم اللّه عزّوجلّ سلیمان (ع) أن احکم لصاحب الحرث باللبن و الصوف ذلک العام کلّه ;

احمدبن عمر حلبی گوید: از امام ابی الحسن(ع) در باره سخن خداوند عزّوجلّ <و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث> سؤال کردم، فرمود: حکم داوود(ع) دادن گوسفندان به صاحب زراعت بود و چیزی را که خداوند به سلیمان فهماند، این بود که برای صاحب زراعت حکم کن تا شیر و پشم گوسفندان در کلّ آن سال برای او باشد>.

۱۰- < عن أبی عبداللّه (ع) قال : کان فی بنی اسرائیل رجل له کرم و نفشت فیه غنم رجل آخر باللیل و قضمته و أفسدته فجاء صاحب الکرم إلی داود فاستعدی علی صاحب الغنم فقال داود (ع) : إذهبا إلی سلیمان (ع) لیحکم بینکما فذهبا إلیه فقال : سلیمان إن کانت

الغنم أكلت الأصل و الفرع فعلى صاحب الغنم أن يدفع إلى صاحب الكرم الغنم و ما فى بطن ها و إن كانت ذهبت بالفرع و لم تذهب بالأصل فإنّه يدفع ولد ها إلى صاحب الكرم و كان هذا حكم داود . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده: مردی از بنی اسرائیل دارای تاکستانی بود، گوسفندان فردی شبان گاه وارد آن شدند و آن را خوردند و تباه کردند . .. صاحب تاکستان از صاحب گوسفندان نزد داوود شکایت برد، او گفت: نزد سلیمان بروید تا میان شما داوری کند. پس نزد سلیمان رفتند، وی گفت: اگر گوسفند اصل و فرع تاک را خورده، پس بر صاحب گوسفند است که باید گوسفند و بچه در شکم او را به صاحب تاک بدهد و اگر فرع درخت را خورده و اصل درخت باقی است، بچه گوسفند را به صاحب تاکستان بدهد و نظر داوود هم همین بود...>.

١١- < عن أبی عبدالله (ع) (فی) قول الله عزّوجلّ : < و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث > . . . قال : إنّه کان أوحی الله عزّوجلّ إلى النبیین قبل داود إلى أن بعث الله داود (ع) أی غنم نفشت فی الحرث فلصاحب الحرث رقاب الغنم . . . فحکم داود (ع) بما حکمت به الأنبیاء (ع) من قبله و أوحى الله عزّوجلّ إلى سلیمان (ع) أی غنم نفشت فی الزرع فلیس لصاحب الزرع إلاّ ما خرج من بطون ها و کذلک جرت السنّه بعد سلیمان > ;

از امام صادق(ع) [در باره] قول خدای

عزّوجلّ <و داود و سليمان إذ يحكمان فى الحرث> روايت شده . .. كه فرمود: همانا خداى عزّوجلّ به پيامبران قبل از داوود تا زمانى كه او را برانگيخت وحى نموده بود كه هر گوسفندى شبانه وارد زراعتى شود، براى صاحب زراعت است كه آن گوسفند را به تملك خود درآورد ... پس داوود به همان حكم پيامبران پيش از خودحكم داد و خداى عزّوجلّ به سليمان وحى نمود: هر گوسفندى كه شبانه وارد زراعتى شود، صاحب زراعت حقى ندارد; مگر به چيزى (بچه اى) كه از شكم آن بيرون مى آيد و بعد از سليمان همين سنت جريان داشت...>.

كشتزار قصه سليمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۷۸ - ۲،۳

۲- داورى داوود و سليمان (ع) ، در باره كشتزار چراشده در شبان گاه به وسيله گوسفندان مردم

و داود و سليمن إذ يحكمان فى الحرث إذ نفشت فيه غنم القوم

<نفش> به معناى چريدن حيوان در شب، بدون چوپان و يا بى اطلاع وى است.

۳- داوود و سليمان (ع) ، در باره خسارت مزرعه تلف شده به وسيله گوسفندان ، به مشورت پرداختند .

و داود و سليمن إذ يحكمان فى الحرث إذ نفشت فيه غنم القوم

برداشت ياد شده بدين احتمال است كه <يحكمان> با صيغه تثنيه، اشاره به مشورت داوود و سليمان داشته باشد، چه اين كه حكم هر يك به صورت استقلالى در يك واقعه، بعيد به نظر مى رسد.

كفر نوجوان قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۸۰ -

۳- نوجوانی که خضر (ع) او را کُشت ، کافر بود .

و أمّا الغلم فکان أبواه مؤمنین

اختصاص وصف <مؤمن> به پـدر و مادر نوجوان، گویای کافر بودن وی است و مؤثّر بودن او در گرایش والـدین خویش به کفر نیز، کافر بودن او را تأیید می کند.

کیفر اشاعه قصه افک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۰ - ۶

۶ - فضل و رحمت خـدا ، مردم صدراسـلام را که ندانسـته در گسترش توطئه < افک > دخالت داشـتند ، از گرفتار شـدن به عذاب دنیوی و اخروی نجات بخشید .

و لولا فضل اللّه علیکم و رحمته

به قرینه آیه پیش و نیز آیه ۱۴، جمله <و لولا فضل اللّه>، به تقدیر <و لولا فضل اللّه علیکم و رحمته مسـکم عذاب فی الدنیا و الآخره> می باشد.

کیفر توطئه گران قصه افک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۱ - ۱۳

۱۳ - تهدید شدن توطئه گران < افک > ، به انتقام و کیفر به میزان نقش آنان در این گناه از سوی خداوند .

إنّ الذین جاءو بالإفک . .. لکلّ امری منهم ما اکتسب من الإثم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۰ - ۵

۵ - وضع کیفر سخت برای اشاعه دهندگان فحشا و افشای چهره توطئه گران < افک > ، از جلوه های فضل و رحمت خدا بر

مسلمانان صدراسلام

و لولا فضل اللّه علیکم و رحمته

برداشت یاد شده، به خاطر این است که آیه شریفه، دهمین و

آخرین آیه ای است که درباره ماجرای <افک> نازل گردید و قهراً ارتباط نزدیکی با این ماجرا دارد.

گنج قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۲ - ۲۶،۲۷

۲۶- < فی المجمع فی قوله : < و کان تحته کنزلهما > . . . و قیل : کان کنزاً من الذهب والفضه . . . رواه أبوالدرداء عن النبی (ص) ;

در مجمع البیان درباره این سخن خدا: <و کان تحته کنز لهما> آمده است: که آن گنج، از طلا و نقره بوده است. این قول را، ابوالدرداء، از پیامبر(ص) روایت کرده است>.

۲۷- < عن الرضا (ع) قال : کان فی الکنز الذی قال اللّه < و کان تحته کنز لهما > لوح من ذهب فیه : بسم اللّه الرحمن الرحیم . محمد رسول اللّه (ص) . عجبت لمن أیقن بالموت کیف یفرح و عجبت لمن أیقن بالقدر ، کیف یحزن و عجبت لمن رأی الدنیا و تقلّب ها بأهلها کیف یرکن إلیها و ینبغی لمن عقل عن اللّه أن لا یتهم اللّه ، تبارک و تعالی ، فی قضائه و لایستبطئه فی رزقه ;

از امام رضا(ع) روایت شده که فرمود: در میان آن گنجی که خداوند فرموده <و کان تحته کنز لهما> لوحی از طلا بود که بر آن نوشته شده بود: بسم اللّه الرحمن الرحیم. محمد(ص)، رسول اللّه است. عجب دارم از کسی که یقین به مرگ دارد، چگونه شادی می کند و عجب دارم از کسی که به تقدیر الهی یقین دارد، چه گونه اندوهگین می شود. و عجب

دارم از کسی که دنیا و دگرگونی های آن در مورد اهل اش را می بیند، چگونه به دنیا اعتماد می کند. سزاوار است برای کسی که از خدا، دانش و آگاهی گرفته، به او سوء ظن نداشته باشد و خداوند تبارك و تعالی، را در روزی رساندن اش، به کندی نسبت ندهد.>.

گواهان اخروی طراح قصه افک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۴ - ۹

۹ - تهدید شدن سازندگان < افک > به محاکمه ای سخت در قیامت و آشکار شدن توطئه های پنهانی آنان با شهادت غیر قابل انکار اعضا و جوارح خود آنها

إنّ الذین یرمون المحصنت . .. یوم تشهد علیهم ألسنتهم ... بما کانوا یعملون

برداشت یاد شده، بر این اساس است که این آیه از جمله آیات مربوط به ماجرای <افک> باشد.

مالك دیوار قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۲ - ۳

۳- خضر (ع) با وجود حضور نداشتن مالکان دیوار در آبادی ، به ترمیم آن پرداخته بود . *

فکان لغلمین یتیمین فی المدینه

احتمال می رود که به کار رفتن واژه <المدینه> در این آیه، به جای واژه <القریه> که در آیات قبل آمده بود، اشاره به این جهت باشد که آن دو یتیم در آن آبادی حضور نداشته، بلکه در شهری دیگر اقامت داشته اند و آن شهر چنان چه از حرف <ال> در <المدینه> استفاده می شود برای خضر و موسی(ع) شناخته شده بود.

ماهی قصه موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۶۱ – ۲

۲- موسی و همسفر او ، به هنگام رسیدن به مجمع البحرین ، یک ماهی ، به عنوان غذا ، همراه داشتند .

فلمّا بلغا مجمع بینهما نسیا حوتهما

<حوت> یعنی <ماهی> و برخی آن را ماهی بزرگ معنا کرده اند. (ر.ک. لسان العرب) به قرینه <غداءنا> در آیه بعد آن ماهی، به منظور تغذیه فراهم شده بود.

مجادله در قصه اصحاب کهف

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۲۲ – ۱۷

۱۷- بحث گذرا و سطحی و به دور از درگیری جدّی ، تنها محدوده مُجاز برای پیامبر (ص) جهت بحث در باره اصحاب کهف و تعداد آنان بود .

فلاتمار فیهم إلّا مراءً ظهرًا

<مراء> جدالی است که به منظور اعتراض به گفتار کسی و سست کردن آن و نیز تحقیر گوینده اش انجام گیرد (مصباح) و هنگامی که دنباله دار و عمیق نباشد، به آن، <مراء ظاهر> گفته می شود.

محافظت از گنج قصه خضر(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۸۲ – ۴،۷

۴- هدف خضر (ع) از ترمیم دیوار فرسوده ، محفوظ داشتن گنج نهاده شده در زیر آن برای دو یتیم ساکن در شهر بود .

و أمّا الجدار فکان لغلمین یتیمین فی المدینه و کان تحته کنز لهما

۷- صلاح و نیکی پدر یتیمان ، مایه اراده خداوند بر دستیابی آنان به گنج نهفته خویش ، هنگام توان مندی بر بهره گیری از آن شد .

و كان أبوهما صلحًا فأراد ربّك أن يبلغا أشدّهما و يستخرجا

کنزهما

اهل لغت، در این که کلمه <أشدّ> مفردی است که وزنی مانند وزن جمع دارد، یا جمعی است که از لفظ خود مفردی ندارد، اختلاف نظر دارند. برخی، آن را جمع <شده> دانسته اند (لسان العرب). در هر صورت، مراد، حدّ توان مندی جسمی و عقلی است.

محرومیت توطئه گران قصه افک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۴ - ۵

۵ - دست اندرکاران اصلی توطئه < افک > علیه پیامبر (ص) و خاندان آن حضرت ، از فضل و رحمت خداوند محروم شدند .

و لولا فضل اللّه علیکم و رحمته . .. لمسّکم فی ما أفضتم فیه عذاب عظیم

خداوند در آیه ۱۱، به شایعه سازان اصلی وعده عذاب بزرگ (و الذی تولّی کبره منهم له عذاب عظیم) می دهد. واژه <افاضه> نیز به معنای سخن گفتن بسیار در باره موضوعی و انتشار آن است و این، کار توده مردم بود نه منافقان که سازنده اصلی تهمت و شایعه بودند. بنابراین فضل و رحمت خدا، شامل کسانی است که کارگزار اصلی تهمت نبودند; بلکه بر اثر جهل و غفلت سخنی در این زمینه به میان آوردند در آیه بعد نیز خداوند، جهل و ناآگاهی آنان را یادآور شده، می فرماید: <و تقولون بأفواهکم ما لیس لکم به علم>.

محرومیت مالکان کشتی قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۹ - ۲

۲- کشتی سوراخ شده به دست خضر (ع) ، در مالکیت گروهی از محرومان بود و تنها وسیله ارتزاق آنان به شمار می آمد

.

فکانت لمسکین یعملون فی البحر

محمد(ص) و قصه اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۲ - ۱۷،۲۰،۲۱

۱۷- بحث گذرا و سطحی و به دور از درگیری جدّی ، تنها محدوده مُجاز برای پیامبر (ص) جهت بحث در باره اصحاب کهف و تعداد آنان بود .

فلاتمار فیهم إلاّ مراءً ظهرًا

<مراء> جدالی است که به منظور اعتراض به گفتار کسی و سست کردن آن و نیز تحقیر گوینده اش انجام گیرد (مصباح) و هنگامی که دنباله دار و عمیق نباشد، به آن، <مراء ظاهر> گفته می شود.

۲۰- پیامبر (ص) در کسب آگاهی از ماجرای اصحاب کهف ، مجاز به نظرخواهی از هیچ صاحب نظری نبود .

و لاتستفت فیهم منهم أحدًا

ضمیر در <منهم> به کسانی مربوط است که در باره عدد اصحاب کهف به اظهار نظر می پرداختند.

۲۱- آگاهی پیامبر (ص) از ماجرای اصحاب کهف ، تنها از طریق وحی الهی امکان پذیر بود .

و لاتستفت فیهم منهم أحدًا

نهی <لاتستفت> ارشاد به بی ثمر بودن نظرخواهی است و مفاد آیه این است که از احدی، انتظار نمی رود که به نظرخواهی تو پاسخ صحیح بدهد.

محمد(ص) و قصه داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۷ - ۶

۶ - آشنایی قبلی پیامبراسلام (ص) از سرگذشت حضرت داوود (ع)

و اذکر عبدنا داود

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که لازمه یادکرد، آشنایی است.

محمد(ص) و قصه لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱

٩ < عن أبی جعفر (ع) : . . . ان جبرئیل قال [لرسول الله] : إنی نودیت من تلقاء العرش . . . اهبط إلی قریه قوم لوط و ما حوت فاقلعها من تحت سبع أرضین . . . فهبطت علی أهل القریه . . . فاقلعتها . . . ثم عرجت بها . . . فقلّبتها علیهم حتی صار أسفلها أعلاها . . . فقال له رسول الله (ص) : یا جبرئیل و أین كانت قریتهم من البلاد ؟ فقال جبرئیل : كان موضع قریتهم فی موضع بحیره طبریه الیوم و هی فی نواحی الشام قال له رسول الله (ص) : أرأیتک حین قلّبتها علیهم فی أیّ موضع من الأرضین وقعت القریه و أهلها ؟ فقال : یا محمد وقعت فیما بین بحر الشام إلی مصر فصارت تلولاً فی البحر . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده است: . .. كه جبرئیل به رسول خدا(ص) گفت: از سوی عرش به من ندا رسید ... به آبادی لوط و آنچه در میان دارد فرود آی و آن جا را از زیر هفت زمین بِكَن ... پس من بر اهل آن قریه فرود آمدم ... و آن را از جای كندم ... و بالا بردم ... و بر روی آنان واژگون كردم تا اینكه زیرورو شد ... رسول خدا(ص) از جبرئیل پرسید: قریه قوم لوط در كجای بلاد بود؟ جبرئیل گفت: قریه آنان در محل دریاچه طبریه امروز بود كه در نواحی شام واقع شده بود. رسول خدا(ص) به جبرئیل فرمود: بگو بدانم

هنگـامی که قریه را بر روی آنـان واژگون کردی، آن قریه و اهلش در کجـای زمین افتـاد. جبرئیـل گفت: ای محمـد! در میان دریای شام تا مصر افتاد و به صورت تپه هایی در میان دریا درآمد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۳۳ - ۲

۲ - سرگذشت لوط پیامبر ، درس آموز و تسلی بخش پیامبراسلام و مؤمنان

و إنّ لوطًا لمن المرسلین

یادآوری سرگذشت لوط(ع) برای پیامبراسلام و مؤمنان در شرایط دشوار مکه، بیانگر مطلب یادشده است.

محمد(ص) و قصه موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۶ - ۱

۱- پیامبر (ص) ، موظف به یادآوری سرگذشت موسی (ع) و قومش و به خاطر سپردن آن

و إذ قال موسی لقومه

برداشت فوق مبتنی بر این است که فعل <اذکر> قبل از <إذ> مقـدر باشد. بنابراین، آیه خطاب به پیامبر(ص) و بیان وظیفهء آن حضرت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰ - ۸

۸ - نمایـان شـدن آتش و فراهم آمـدن خلوت گاهی برای اعطای رسالت به موسـی (ع) ، حادثه ای با اهمیت و درخور توجه برای پیامبر (ص) بود .

هل اتیک حدیث موسی . إذ رءا نارًا

کلمه <إذ> ظرف است برای <حـدیث> (در آیه قبـل) و اسـتفهام در آن آیه برای ترغیب پیـامبر(ص) به توجه به آن مـاجرا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱۶ - ۴

۴ - ندای خداوند به موسی (

ع) در وادی طوی ، حادثه ای با اهمیت و در خور توجه برای پیامبر (ص)

حدیث موسی . إذ نادیه ربّه

<إذ> ظرف برای <حدیث> (در آیه قبل) است و از آن جا که استفهام در آن آیه برای ترغیب پیامبر(ص) به توجه و دقت در آن ماجرا بود، عظمت حادثه استفاده می شود.

محمد(ص) و قصه نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۹ - ۳،۵،۶

۳ خداوند ، داستان نوح را از طریق وحی برای پیامبر (ص) تشریح کرد .

تلک من أنباء الغیب نوحیها إلیک

ظاهر این است که مراد از ضمیر <ها> در <نوحیها> همان مشارالیه <تلک> باشد.

۵ پیامبر (ص) و مردم عصر بعثت ، پیش از نزول قرآن ، به سرگذشت نوح (ع) آگاهی نداشتند .

ما کنت تعلمها أنت و لاقومک من قبل هذا

مشارالیه <هذا> قرآن است که از جمله <نوحیها إلیک> معلوم می شود.

۶ پیامبر (ص) و مردم عصر بعثت ، جز از طریق وحی ، راهی برای شناخت صحیح حادثه طوفان و سرگذشت نوح (ع) در اختیار نداشتند .

ما کنت تعلمها أنت و لاقومک من قبل هذا

محمد(ص) و قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳ - ۹

۹ پیامبر (ص) ، پیش از نزول قرآن و سوره یوسف ، از داستان حضرت یوسف اطلاعی نداشت .

نقصّ . .. بما أوحینا ... و إن کنت من قبله لمن الغفلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف

- ۱۲ - ۱۰۲ - ۳،۵،۶

۳ خداوند ، داستان یوسف (ع) را از طریق وحی برای پیامبر (ص) تشریح کرد .

ذلک من أنباء الغیب نوحیه إلیک

۵ پیامبر (ص) پیش از نزول قرآن ، از خصوصیات و حقایق داستان یوسف (ع) اطلاعی نداشت .

و ما کنت لدیهم إذ أجمعوا أمرهم

جمله <ما کنت لدیهم> (نزد آنان نبودی) کنایه از بی خبر بودن پیامبر(ص) از داستان یوسف(ع) است.

۶ آگاه نبودن پیامبر (ص) به حقایق داستان یوسف پیش از نزول قرآن ، دلیلی روشن بر الهی بودن قرآن

ذلک من أنباء الغیب نوحیه إلیک و ما کنت لدیهم

جمله حالیه <و ما کنت لدیهم> به منزله تعلیل برای <نوحیه إلیک> است ; یعنی، از نشانه های این حقیقت که قرآن وحی الهی است آن است که تو از داستان یوسف(ع) بی خبر بودی ; ولی آن را به بهترین وجه آوردی و این جز از طریق وحی امکان پذیر نبود.

مردم صدر اسلام و قصه انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۵ - ۴

۴ - گذشت زمان و انقراض نسل های پیشین ، باعث از میان رفتن خاطرات پیامبران ، کتاب های آسمانی ، شرایع الهی و محروم شدن مردم عصر بعثت از آنها شد .

و لکنّا أنشأنا قرونًا فتطاول علیهم العمر

مردم مقارن بعثت و قصه اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۳ - ۴

۴- اطلاعات مردم عصر بعثت از اصحاب کهف و سرگذشت آنان ، اطلاعات غیر واقعی و آمیخته

با خرافات بود .

نحن نقصّ عليک نبأهم بالحقّ

قيد <بالحقّ> تعريضى است كه به ناقلان سرگذشت اصحاب كهف و بيان كننده اين كه نقل آنان، آميخته به امورى غير واقعى و خرافى است.

مزد بازسازى ديوار قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۷۷ - ۱۲،۱۳،۲۱

۱۲- خضر (ع) با وجود امكان دريافت اجرت جهت تعمير ديوار ، چيزى دريافت نكرد .

قال لو شئت لتّخذت عليه أجرًا

مطرح ساختن گرفتن مزد از جانب موسى(ع) در شرايطى موجه است كه امكان دريافت آن موجود باشد.

۱۳- موسى (ع) از دست مزد نخواستن خضر (ع) در برابر كار خويش ، با وجود نياز آنان به اجرتى براى تهيه غذا ناخرسند و گلايه مند بود .

استطعما أهلها . .. قال لو شئت لتّخذت عليه أجرًا

آنچه خضر و موسى(ع) از مردم طلب كردند، غذا بود، آن هم به صورت مجانى، نه خريد چون پولى براى خريد در اختيارشان نبود لذا موسى(ع)، پايان گرفتن كار ديوار، موضوع گرفتن مزد را مطرح ساخت، تا به وسيله آن طعامى را خريدارى كنند.

۲۱- < عن أبى عبدالله (ع) : . . . فوجدا فيها جداراً يريد أن ينقضّ فأقامه قال : < لو شئت لتّخذت عليه أجراً خبزاً نأكله فقد جُعْنا > ;

از امام صادق(ع) روايت شده:. .. خضر و موسى(ع) در آن آبادى ديوارى را يافتند كه مى خواست بيفتد. خضر، آن را راست كرد. موسى(ع) گفت: <مى خواستى براى اين كار، مزدى بگيرى (يعنى) نانى بگيرى تا بخوريم زيرا گرسنه ايم>.

مسافران كشتى قصه خضر(ع)

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۱ - ۷،۱۰

۷- قرار گرفتن سرنشینان کشتی در معرض غرق ، علّت اعتراض موسی (ع) به عمل خضر (ع) بود .

قال أخرقتها لتغرق أهلها

۱۰- کشتی سوراخ شده به دست خضر (ع) حامل مسافر بوده است .

أخرقتها لتغرق أهلها

مسلمانان صدر اسلام و قصه افک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۱ - ۵

۵ - انتشار وسیع ماجرای < افک > ، در میان مسلمانان صدر اسلام

إنّ الذین جاءو بالإفک عصبه منکم لاتحسبوه شرًّا لکم بل هو خیر لکم

مسلمانان صدر اسلام و قصه نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۹ - ۵،۶

۵ پیامبر (ص) و مردم عصر بعثت ، پیش از نزول قرآن ، به سرگذشت نوح (ع) آگاهی نداشتند .

ما کنت تعلمها أنت و لاقومک من قبل هذا

مشارالیه <هذا> قرآن است که از جمله <نوحیها إلیک> معلوم می شود.

۶ پیامبر (ص) و مردم عصر بعثت ، جز از طریق وحی ، راهی برای شناخت صحیح حادثه طوفان و سرگذشت نوح (ع) در اختیار نداشتند .

ما کنت تعلمها أنت و لاقومک من قبل هذا

مسلمانان صدر اسلام و قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳ - ۱۰

۱۰ مردم عصر بعثت ، ناآگاه به سرگذشت یوسف (ع) پیش از نزول قرآن

و إن كنت من قبله لمن الغفلين

<إن> در جمله فوق

مخففه است و مراد از <الغـافلين> مردم عصـر بعثت مى باشـد. بنـابراين مفـاد جمله <إن كنت ...> چنين مى شود: تو نيز اى پيامبر! پيش از نزول قرآن همانند ساير مردم ، از داستان يوسف بى خبر بودى.

مشركان مكه و قصه نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۵ - ۲

۲ مشركان مكه ، سرگذشت نوح و قوم او را ، داستانى ساختگى و بافته پيامبر (ص) مى پنداشتند .

و لقد أرسلنا نوحًا . .. أم يقولون افتريه

برداشت فوق ، براين اسـاس است كه ضـمير مفعولى در <إفتراه> به داسـتان نوح(ع) و قوم او كه در آيات پيشـين آمـده ، باز گردد.

مطالعه قصه ابراهيم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۹ - ۱

۱ - تلاوت ماجراى ابراهيم براى مردم ، فرمان الهى به پيامبر (ص)

و اتل عليهم نبأ إبرهيم

مطالعه قصه يوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۳ - ۶

۶ مطالعه و دقت در داستان يوسف ، مايه دريافت حقايق و معارف الهى است .

إنا أنزلنه قرء نًا عربيًّا لعلكم تعقلون. نحن نقصّ عليك أحسن القصص

برداشت فوق ، مقتضاى ارتباط ميان جمله <لعلكم تعقلون> با <نحن نقصّ عليك> است.

مغضوبيت طراح قصه افك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۵ - ۶

۶ - سازندگان و طرّاحان < افک > ، مورد خشم شدید خدا و گرفتار کیفر سخت او در جهان آخرت

یومئذ یوفّیهم اللّه دینهم الحقّ

برداشت

یاد شده بر این اساس است که آیه ۲۳ تا ۲۵ نیز از جمله آیات مربوط به قضیه <افک> باشد.

مقاطع پنهان قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۲ - ۸

۸ جلسه توطئه و مکر برادران یوسف علیه او ، مخفی مانده ترین قسمت داستان یوسف (ع) تا پیش از نزول قرآن

إذ أجمعوا أمرهم و هم یمکرون

یاد کردن از این قسمت داستان یوسف (جلسه توطئه و مکر برادران علیه وی) پس از بیان اینکه داستان یوسف از اخبار غیبی است ، می تواند اشاره به این معنا باشد که این قسمت داستان از مخفی مانده ترین قسمتهای آن می باشد.

منازعان قصه داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۱ - ۳،۴،۵

۳ - ماجرای گروه شکایت کننده و متخاصم در نزد داوود (ع) ، داستانی مهم ، سازنده و مفید

و هل أتیک نبؤا الخصم

<نبأ> به خبر مهم و مفید و سازنده می گویند.

۴ - بالا رفتن نزاع کنندگان و شاکیان از دیوار جایگاه ویژه داوود (ع)

إذ تسوّروا المحراب

<تسوّروا> از ماده <سور> (به معنای دیوار بلند) است و به کسی گفته می شود که دزدانه بر دیواری بالا رود. به عنوان مثال <تسوّر فلان>; یعنی، فلانی به دیوار بالا رفت. واژه <محراب> نیز در دو معنا به کار می رود: ۱ جایگاه پادشاهان و بهترین جای منزل (قاموس المحیط)؛ ۲ جایگاه امام جماعت. گفتنی است که برداشت یاد شده براساس معنای نخست است.

۵ - بالا رفتن نزاع کنندگان و شاکیان از دیوار

محراب (جایگاه عبادت) داوود (ع)

إذ تسوّروا المحراب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۲ - ۳

۳ - پی بردن نزاع کنندگان و شاکیان به وحشت داوود (ع) از ورودشان و دلداری دادن آنان به آن حضرت

إذ دخلوا علی داود ففزع منهم قالوا لاتخف

منشأ قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۲ - ۲۲

۲۲- رخداد های داستان خضر و موسی (ع) ، برخاسته از اراده خداوند و دارای تفسیری پیچیده و نیازمند آگاهی هایی ویژه است که از جانب او افاضه شود .

و ما فعلته عن أمری ذلک تأویل ما لم تسطع علیه صبرًا

منشأ قصه ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۳ - ۶

۶- تشریح داستان ذی القرنین ، برپایه تلاوت وحی و نه آگاهی های شخصی پیامبر (ص) استوار است .

سأتلوا علیکم منه ذکرًا

منشأ قصه موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۲ - ۲۲

۲۲- رخداد های داستان خضر و موسی (ع) ، برخاسته از اراده خداوند و دارای تفسیری پیچیده و نیازمند آگاهی هایی ویژه است که از جانب او افاضه شود .

و ما فعلته عن أمری ذلک تأویل ما لم تسطع علیه صبرًا

موانع غصب کشتی قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۹ - ۱۰

۱۰- معیوب بودن کشتی حامل خضر و موسی (ع

) ، عامل صرف نظر پادشاه غاصب از تصرّف و مصادره آن شد .

فأردت أن أعيبها و كان وراءهم ملك يأخذ كلّ سفينه غصبًا

موضعگیری علیه قصه افک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۶ - ۲

۲ - مسلمانان ، موظف بودند با توطئه < افک > به عنوان بهتانی بزرگ علیه پیامبر (ص) و حریم آن حضرت ، مقابله کنند .

و لولا إذ سمعتموه قلتم . .. سبحنک هذا بهتن عظیم

موعظه به منازعان قصه داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۴ - ۱۴

۱۴ - موعظه و رهنمود داوود (ع) به دو برادر متخاصم ، با توصیه به ایمان و نیک کرداری و پرهیز از تجاوز به حقوق یکدیگر

و إنّ كثيرًا من الخلطاء ليبغى . .. إلاّ الذين ءامنوا ... و قليل ما هم

بیان این نکته مهم و کلی که <بسیاری از شریکان در حق یکدیگر ستم می کنند و تنها مؤمنان نیک کردار چنین نیستند>; می تواند نوعی رهنمود و موعظه از سوی داوود(ع) به دو برادر متخاصم باشد. گفتنی است که درخواست رهنمود از داوود(ع) از سوی آن دو نفر (و اهدنا إلى سواء الصراط) مؤید برداشت یاد شده است.

مؤمن آل فرعون و قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۴ - ۱۲

۱۲ - آشنایی مؤمن آل فرعون ، از تاریخ مردم مصر و سرگذشت یوسف پیامبر (ع)

و لقد جاءكم يوسف من قبل بالبيّنت . .. حتّى إذا هلك

قلتم لن يبعث اللّه من بعده ر

مؤمنان و قصه لوط(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۳۳ – ۲

۲ – سرگذشت لوط پيامبر ، درس آموز و تسلی بخش پيامبراسلام و مؤمنان

و إنّ لوطًا لمن المرسلين

يادآوری سرگذشت لوط(ع) برای پيامبراسلام و مؤمنان در شرايط دشوار مكه، بيانگر مطلب يادشده است.

نخل قصه مريم(س)

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۰ – مريم – ۱۹ – ۲۳ – ۱

۱– درد زايمان ، مريم (س) را به كنار تنه درخت خرما كشانيد .

فأجاءها المخاض إلی جذع النخله

<أجاء> متعدی <جاء> يعنی آورد و <مخاض> درد زايمان است.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۰ – مريم – ۱۹ – ۲۴ – ۱

۱– مريم (س) ، در كنار درخت خرما وضع حمل نمود و عيسی (ع) را به دنيا آورد .

فأجاءها المخاض إلی جذع النخله . .. فناديها

<فاء> در <فناداها> فصيحه است و از جمله ای محذوف، قبل از خود، حكايت می كند و مضمون آن جمله، خبر از ولادت عيسی(ع) در كنار درخت است.

نسل والدين نوجوان قصه خضر(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۸۱ – ۸،۹

۸- < عن أبی عبـدالله (ع) فی قول الله : < فأردنـا أن یبـدلهما ربّهما خیراً منه . . . > قال : < إنّه ولـدت لهما جاریه فولـدت غلاماً فکان نبیاً . > ;

از امام صادق(ع) درباره این سخن خدا <فأردنا أن یبدلهما ربّهما خیراً منه. ..> روایت شده که فرمود:

<همانا، برای آن دو (پدر و مادر مقتول) دختری متولد شد و آن دختر، پسری به دنیا آورد که پیامبر شد>.

۹- < عن أبی عبدالله (ع) : . . . [فی قول الله عزّوجلّ] < فأردنا أن یبدلهما ربّهما خیراً منه زکاه و أقرب رحماً > : < أبدلهما الله به جاریه ولدت سبعین نبیاً . > ;

از امام صادق(ع) [درباره این سخن خدای عزّوجلّ]<فأردنا أن یبدلهما ربّهما خیراً منه زکاه. ..> روایت شده: خداوند، به آن دو (پدر و مادر مقتول) به جای او (مقتول) دختری داد که هفتاد پیغمبر از نسل او متولد شدند.>.

نقش خدا در قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۳۰

۳۰ سرگذشت یوسف (ع) (خروج او از زندان ، پایان فراق او با بستگان و . . .) بر اساس تدبیر عالمانه و حکیمانه خداوند رقم می خورد .

إن ربی لطیف لما یشاء إنه هو العلیم الحکیم

نقش نوجوان قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۰ - ۴

۴- پدر و مادر نوجوان مقتول ، در صورت زنده ماندن فرزندشان ، ناخواسته و تحت تأثیر فرزند خویش قرار گرفته و ناخواسته به طغیان و کفر کشانده می شدند .

فکان أبواه مؤمنین فخشینا أن یرهقهما

نگرانی از شیوع قصه افک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۱ - ۶

۶ - احساس خطر و نگرانی شدید مسلمانان در پی انتشار شایعه < افک >

در میان جامعه

إنّ الذین جاءو بالإفک . .. لاتحسبوه شرًّا لکم بل هو خیر لکم

نهر آب قصه مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۴ - ۴،۵،۱۲

۴- خداوند ، هم زمان با ولادت عیسی (ع) ، در نقطه ای پایین تر از مکان استقرار مریم (س) ، جویباری پدیدار ساخت .

فنادیها من تحتها ألّاتحزنی قد جعل ربّک تحتک سریًّا

<سریّ> به معنای نهر کوچک است و به معنای <رفیع> نیز استعمال شده است، ولی جمله <اشربی> در آیات بعد قرینه بر اراده معنای اول است.

۵- عیسی (ع) در بدو تولد ، مادرش مریم (س) را به روان شدن جویباری در پایین دست او بشارت داد .

فنادیها . .. قد جعل ربّک تحتک سریًّا

۱۲- در پی زایمان مریم (س) ، فرشته الهی (جبرئیل) او را از جاری شدن آب در پایین پایش با خبر ساخت .

فنادیها من تحتها ألّاتحزنی قد جعل ربّک تحتک سریًّا

محتمل است که ضمیر فاعلی در فناداها به فرشته الهی برگردد.

واقعیت قصه اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۳ - ۱،۲

۱- بیان خداوند در نقل سرگذشت اصحاب کهف برای پیامبر (ص) به دور از بافته ها و خرافات و عین واقعیّت بود .

نحن نقصّ علیک نبأهم بالحقّ

<بالحقّ> می تواند متعلق به <نقصّ> و یا قید برای <نبأهم> باشد. بر فرض نخست، مفاد آیه، این است که بیان ما درباره اصحاب کهف، کاملاً مطابق با واقع است و آنچه

نقل می کنیم، از هرگونه اختلاط با غیر حق، مبرّا است.

۲- داستان اصحاب کهف ، سرگذشتی حقیقی و دارای واقعیت خارجی است ، نه افسانه ای ساختگی و تخیّلی

نحن نقصّ علیک نبأهم بالحقّ

برداشت بالا، بدین لحاظ است که <بالحقّ> قید برای <نبأهم> باشد و گویای این که داستان اصحاب کهف، داستانی واقعی و تحقّق یافته در خارج بود، نه آن که قرآن، آن را به منظور ارائه نمونه ای ذهنی از انسان های موحّد ساخته و پرداخته باشد.

والدین نوجوان قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۰ - ۱،۴

۱- هدف خضر (ع) از قتل نوجوان ، مصون داشتن پدر و مادر وی از کفر و طغیان بود .

و أمّا الغلم . .. فخشینا أن یرهقهما طغیًا و کفرًا

<إرهاق> یعنی: <وادار ساختن کسی بر کاری که انجام آن برای او دشوار و طاقت فرسا است>. (قاموس).

۴- پدر و مادر نوجوان مقتول ، در صورت زنده ماندن فرزندشان ، ناخواسته و تحت تأثیر فرزند خویش قرار گرفته و ناخواسته به طغیان و کفر کشانده می شدند .

فکان أبواه مؤمنین فخشینا أن یرهقهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۱ - ۱

۱- هدف خضر (ع) از قتل نوجوان ، فراهم ساختن زمینه ای مناسب برای دستیابی پدر و مادر وی به فرزندی پاک تر و مهربان تر بود .

فأردنا أن یبدلهما ربّهما خیرًا منه زکوه و أقرب رحمًا

مراد از <زکاه> در آیه، طهارت و پاکی از گناه است و <رُحم> و <رحمت> به یک معنا است.

گرچه خضر(ع) در این سخن، پاکی و مهربانی را برای نوجوان مقتول انکار نکرده است، ولی ممکن است به تناسب گفته موسی(ع) که نوجوان مقتول را <نفس زکیه> خواند، سخن خود را در قالب اسم تفضیل آورده است، لکن در حقیقت، نوجوان مقتول، یا فاقد رحمت و پاکی بوده و یا آینده او به گناه و بی رحمی می انجامید.

ورود منازعان قصه داود(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۲۲ – ۱

۱ – ورود نزاع کنندگان و شاکیان بر داوود (ع) به طور ناگهانی و وحشتناک

إذ تسوّروا المحراب . إذ دخلوا علی داود ففزع منهم

بالا رفتن از دیوار جایگاه داوود(ع) و ترس او از این حرکت، گویای ناگهانی و ترسناک بودن این عمل است.

ویژگیهای قصه زکریا(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۱۰ – ۱۴

۱۴– در داستان زکریا ، معجزه ای ، وسیله اثبات اعجازی دیگر شد .

ءاتیک ألاّ تکلّم الناس

سکوت سه روزه زکریا خرق عادتی بود که صدق بشارت تولد یحیی را که خود امری خارق العاده بود، اثبات می کرد.

ویژگیهای قصه یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۳ – ۴،۵

۴ داستان یوسف (ع) بهترین و زیباترین داستان

نحن نقصّ علیک أحسن القصص

۵ خداوند ، داستان یوسف را با بهترین و زیباترین بیان نقل کرده و گزارش داده است .

نحن نقصّ عليك أحسن القصص

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۷ – ۱

۱ داستان یوسف

و برادرانش ، حاوی نشانه ها و آیاتی فراوان از ربوبیت خدا و علم و حکمت او

إن ربک علیم حکیم. لقد کان فی یوسف و إخوته ءایت للسائلین

<آیات> به معنای نشانه هاست و چون در جمله <لقد کان . ..> بیان نشده است که داستان یوسف و برادرانش نشانه چه حقیقت و یا حقایقی می تواند باشد و به عبارت دیگر، متعلق <آیات> ذکر نشده است، می توان گفت متعلق آن، حقایق مطرح شده در آیه قبل است که از جمله آنها ربوبیت، علم و حکمت خداوند است (إن ربک علیم حکیم).

ویژگیهای نخل قصه مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۳ - ۴

۴- اصله نخلی که مریم (س) در کنار آن پناه گرفت ، نخلی مشخص و درختی خشکیده بود .

فأجاءها المخاض إلی جذع النخله

<النخله> معرفه و <ال> در آن می تواند عهد ذهنی باشد. عهدی که یا بین خدا و مریم(س) و یا خدا و پیامبر(ص) بوده است و از این که گفته نشد < إلی النخله>، دانسته می شود که آنچه مریم در کنار آن قرار گرفت، چیزی جز تنه درخت نبود. آیات بعد که سخن از آگاه ساختن مریم به وجود آب و لزوم تکان دادن درخت، برای استفاده از خرمای آن دارد، نیز حاکی از پیدایش خارق العاده آب و خرما است و گرنه مریم(س) برای پی بردن به آن دو موضوع، به راهنما نیازی نداشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۵ - ۱۰

۱۰- < عن أبی الحسن الرضا (

ع) قال : کانت نخله مریم العجوه ، و نزلت فی کانون و نزل مع آدم (ع) من الجنّه العتیق والعجوه منهما تفرق أنواع النخل ;

از امام رضا(ع) روایت شده: نخله مریم <عجوه> بود که در برج کانون نازل شد و با آدم(ع) از بهشت <عتیق (نوعی درخت خرمای نر) و عجوه (نوعی خرما که درخت آن <لینه> نامیده می شود)> نازل شد که از آن دو، انواع نخل منشعب شد>.

هشدار ملکه مورچگان قصه سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۸ - ۳

۳ - اخطار مورچه ای به دیگر مورچگان نسبت به ورود سلیمان و لشگریانش به سرزمین آنها

قالت نمله یأیّها النمل ادخلوا مسکنکم لایحطمنّکم سلیمن و جنوده

هماهنگی قصه انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۹ - ۳

۳ - وجود پیام ها و رهنمود های همگون در سرگذشت پیامبران با امت های شان

و اتل علیهم نبأ إبرهیم

ذکر سرگذشت انبیای پیشین، دارای بعد هدایتی است و این امر منوط به وجود نوعی همگونی در مسائل پیامبران و امت های آنان می باشد.

یتیمی مالک دیوار قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۲ - ۲

۲- دیوار ترمیم شده به دست خضر (ع) در مالکیّت دو پسر بچه یتیم بود .

و أمّا الجدار فکان لغلمین یتیمین

یوسف(ع) و قصه مهمانان زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۶

۶ یوسف (ع) پیک

دربار را باز گرداند تا از پادشاه بخواهد درباره ماجرای مهمانان زلیخا تحقیق کند .

قال ارجع إلی ربک فسئله ما بال النسوه

<بال> به معنای شأن و کار مهم است و مراد از آن در آیه شریفه ، ماجرا و داستان می باشد.

یهود صدر اسلام و قصه موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۱ - ۸

۸- اطلاع یهود عصر پیامبر (ص) از سرگذشت موسی (ع) و فرعون

فسئل بنی إسرءیل إذ جاءهم فقال له فرعون

قصه افک

{قصه افک}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۱ - ۱،۲،۱۳

۱ - هم دستی و تشکل تنی چند از مردمان عصر بعثت ، برای تهمت زنی و شایعه سازی علیه پیامبر (ص) و برخی از مؤمنان

إنّ الذین جاءو بالإفک عصبه منکم

<عصبه> در لغت به معنای گروهی متشکل و پشتیبان هم است که از ده نفر تا چهل نفر باشند. آمدن فعل <مجیء> به صورت جمع نیز، مؤید این است که تهمت زنندگان به شکل دسته جمعی، به کار تهمت و شایعه سازی می پرداختند. گفتنی است آیه شریفه براساس تاریخ و شأن نزول آن در باره خانواده پیامبر(ص) نازل شده است که مورد اتهام تنی چند از بدخواهان قرار گرفته بودند.

۲ - هم دستی و تشکل تنی چند از منافقان عصر بعثت ، برای تهمت زنی و شایعه سازی علیه خانواده پیامبر (ص)

إنّ الذین جاءو بالإفک عصبه منکم

بیشتر مفسران بر این باورند که گروه بهتان زننده (عصبه منکم) از منافقان بودند.

تهدید شدن توطئه گران < افک > ، به انتقام و کیفر به میزان نقش آنان در این گناه از سوی خداوند .

إنّ الذین جاءو بالإفک . .. لکلّ امری منهم ما اکتسب من الإثم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۲ - ۱،۱۰

۱ - خداوند ، مسلمانان را به خاطر بدگمانی به همسر پیامبر (ص) و موضع گیری تردیدآمیز نسبت به شایعه < افک > و رد نکردن صریح آن ، مورد سرزنش قرار داد .

إنّ الذین جاءو بالإفک . .. لولا إذ سمعتموه ظنّ المؤمنون و المؤمنت بأنفسهم خیرًا

۱۰ - قذف یکی از همسران پیامبر (ص) ، < افک > و بهتانی آشکار بود .

إنّ الذین جاءو بالإفک . .. لولا إذ سمعتموه ... و قالوا هذا إفک مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۳ - ۵

۵ - توطئه گران علیه خاندان پیامبر (ص) (در قضیه افک) ، از اقامه حتی یک شاهد هم ناتوان بودند .

فإذ لم یأتوا بالشهداء

<ال> در <الشهداء> عهد ذکری است که اشاره به <أربعه شهداء> دارد نفی <الشهداء> به وسیله <لم> در (لم یأتوا) بیانگر این نکته است که آنان هیچ شاهدی بر ادعای خود نداشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۶ - ۳

۳ - ماجرای < افک > ، بهتان بزرگی علیه < حریم > پیامبر (ص) بود .

هذا بهتن عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ -

نور - ۲۴ - ۲۶ - ۱۲

۱۲ - کسانی که در صدراسلام در ماجرای < افک > (تهمت زنا) مورد اتهام قرار گرفتند ، افرادی پاکدامن و منزه از این تهمت و آلودگی بودند .

للخبیثین . .. للطیّبین ... أُولئک مبرّءون ممّا یقولون

برداشت یاد شده، بر این اساس است که آیه شریفه مربوط به ماجرای <افک> باشد.

آثار قصه افک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۶ - ۱

۱ - خداوند ، مسلمانان را به خاطر تأثیرپذیری در برابر شایعه < افک > و عدم موضع گیری مناسب در برابر آن ، نکوهش کرد .

و لولا إذ سمعتموه قلتم . .. سبحنک هذا بهتن عظیم

افشای توطئه گران قصه افک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۴ - ۳

۳ - فضل و رحمت الهی و افشای چهره توطئه گران < افک > از سوی خدا ، مسلمانان صدراسلام را از خطر عذابی بزرگ نجات بخشید .

و لولا فضل اللّه علیکم و رحمته . .. لمسّکم فی ما أفضتم فیه عذاب عظیم

افشای قصه افک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۱ - ۷،۸

۷ - خداوند ، توطئه بدخواهان و منافقان علیه پیامبر (ص) (ماجرای افک) را افشا کرد .

إنّ الذين جاءو بالإفك عصبه منكم لاتحسبوه شرًّا لكم بل هو خير لكم

۸ - توطئه < افک > ، در نهایت با افشا شدن نیت و انگیزه بدخواهان و برملا شدن چهره کریه آنان ، به نفع

مسلمانان به پایان رسید .

إنّ الذین جاءو بالإفک . .. لاتحسبوه شرًّا لکم بل هو خیر لکم

تهدید توطئه گران قصه افک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۱ - ۱۳

۱۳ - تهدید شدن توطئه گران < افک > ، به انتقام و کیفر به میزان نقش آنان در این گناه از سوی خداوند .

إنّ الذین جاءو بالإفک . .. لکلّ امری منهم ما اکتسب من الإثم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۳ - ۸

۸ - دستور قطع ارتباط با توطئه گران < افک > و تهدید آنان به عذاب بزرگ از سوی خداوند

إنّ الذین یرمون المحصنت . .. لهم عذاب عظیم

برداشت فوق، بر این اساس است که آیه یاد شده، از جمله آیات مربوط به ماجرای <افک> باشد.

تهدید طراح قصه افک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۱ - ۱۶

۱۶ - خداوند ، طراح و گرداننده اصلی ماجرای < افک > را به عذاب بزرگ تهدید کرد .

والذی تولّی کبره منهم له عذاب عظیم

<کبر> به معنای معظم شیء و قسمت عمده هر چیزی است و مرجع ضمیر <کبره>، <افک> است. بر این اساس معنای آیه چنین می شود: <کسی که متولی و عهده دار قسمت عمده ماجرای افک می باشد...> و مقصود از آن، عامل اصلی و طراح این ماجرا است.

جنسیت توطئه گران قصه افک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۱ - ۱۴

۱۴ - گردانندگان توطئه < افک

> همگی از مردان بودند .

إنّ الذین جاءو بالإفک . ..لکلّ امری منهم ما اکتسب من الإثم

<مرء> در لغت هم به معنای انسان آمده و هم به معنای مرد; ولی به قرینه شأن نزول آیه شریفه، در این جا به معنای مرد است.

حسابرسی طراح قصه افک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۴ - ۹

۹ - تهدید شدن سازندگان < افک > به محاکمه ای سخت در قیامت و آشکار شدن توطئه های پنهانی آنان با شهادت غیر قابل انکار اعضا و جوارح خود آنها

إنّ الذین یرمون المحصنت . .. یوم تشهد علیهم ألسنتهم ... بما کانوا یعملون

برداشت یاد شده، بر این اساس است که این آیه از جمله آیات مربوط به ماجرای <افک> باشد.

شیوع قصه افک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۱ - ۵

۵ - انتشار وسیع ماجرای < افک > ، در میان مسلمانان صدر اسلام

إنّ الذین جاءو بالإفک عصبه منکم لاتحسبوه شرًّا لکم بل هو خیر لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۴ - ۸

۸ - توطئه < افک > چنان تأثیر عمیقی داشت که مسلمانان را به خود مشغول کرده و تنها موضوع سخن هر مجلس و محفل گشته بود .

لمسّکم فی ما أفضتم فیه

مطلب یاد شده از به کارگیری واژه <افاضه> که به معنای سـخن گفتن بسـیار درباره موضوعی و انتشار آن است اسـتفاده می شود. گفتنی است که خطاب در <مسّکم> و <أفضتم> به عموم مسلمانان است و این

نشان می دهد که شایعه <افک>، در میان همه مسلمانان مدینه پیچیده بود و آنان را به خود مشغول کرده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۵ - ۲،۳

۲ - ماجرای < افک > ، علی رغم این که مستقیماً هتک حریم پیامبر (ص) محسوب می شد ، مردم آن را ساده انگاشته و خوش باورانه به دامن زدن و گسترش آن پرداختند .

إذ تلقّونه بألسنتکم و تقولون بأفواهکم ما لیس به علم و تحسبونه هیّنًا

۳ - ماجرای < افک > ، شایعه فراگیر و زبانزد عموم مردم شده بود .

إذ تلقّونه بألسنتکم و تقولون بأفواهکم

طراح قصه افک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۱ - ۱۷

۱۷ - طراح و گرداننده اصلی ماجرای < افک > یک تن بود .

والذی تولّی کبره منهم له عذاب عظیم

طبق نظر بیشتر مفسران، طراح و گرداننده اصلی ماجرای <افک>، فردی به نام عبداللّه بن ابی سلول بود (مجمع البیان).

عذاب توطئه گران قصه افک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۳ - ۸

۸ - دستور قطع ارتباط با توطئه گران < افک > و تهدید آنان به عذاب بزرگ از سوی خداوند

إنّ الذین یرمون المحصنت . .. لهم عذاب عظیم

برداشت فوق، بر این اساس است که آیه یاد شده، از جمله آیات مربوط به ماجرای <افک> باشد.

عذاب طراح قصه افک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۱ - ۱۶

۱۶ - خداوند ،

طراح و گرداننده اصلی ماجرای < افک > را به عذاب بزرگ تهدید کرد .

والذی تولّی کبره منهم له عذاب عظیم

<کبر> به معنای معظم شیء و قسمت عمده هر چیزی است و مرجع ضمیر <کبره>، <افک> است. بر این اساس معنای آیه چنین می شود: <کسی که متولی و عهده دار قسمت عمده ماجرای افک می باشد...> و مقصود از آن، عامل اصلی و طراح این ماجرا است.

فرجام قصه افک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۱ - ۸

۸ - توطئه < افک > ، در نهایت با افشا شدن نیت و انگیزه بدخواهان و برملا شدن چهره کریه آنان ، به نفع مسلمانان به پایان رسید .

إنّ الذین جاءو بالإفک . .. لاتحسبوه شرًّا لکم بل هو خیر لکم

قطع رابطه با توطئه گران قصه افک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۳ - ۸

۸ - دستور قطع ارتباط با توطئه گران < افک > و تهدید آنان به عذاب بزرگ از سوی خداوند

إنّ الذین یرمون المحصنت . .. لهم عذاب عظیم

برداشت فوق، بر این اساس است که آیه یاد شده، از جمله آیات مربوط به ماجرای <افک> باشد.

کیفر اشاعه قصه افک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۰ - ۶

۶ - فضل و رحمت خدا ، مردم صدراسلام را که ندانسته در گسترش توطئه < افک > دخالت داشتند ، از گرفتار شدن به

عذاب دنیوی و اخروی نجات بخشید .

و لولا فضل اللّه علیکم و رحمته

به

قرینه آیه پیش و نیز آیه ۱۴، جمله <و لولا فضل اللّه>، به تقدیر <و لولا فضل اللّه علیکم و رحمته مسکم عذاب فی الدنیا و الآخره> می باشد.

کیفر توطئه گران قصه افک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۱ - ۱۳

۱۳ - تهدید شدن توطئه گران < افک > ، به انتقام و کیفر به میزان نقش آنان در این گناه از سوی خداوند .

إنّ الذین جاءو بالإفک . .. لکلّ امری منهم ما اکتسب من الإثم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۰ - ۵

۵ - وضع کیفر سخت برای اشاعه دهندگان فحشا و افشای چهره توطئه گران < افک > ، از جلوه های فضل و رحمت خدا بر مسلمانان صدراسلام

و لولا فضل اللّه علیکم و رحمته

برداشت یاد شده، به خاطر این است که آیه شریفه، دهمین و آخرین آیه ای است که درباره ماجرای <افک> نازل گردید و قهراً ارتباط نزدیکی با این ماجرا دارد.

گواهان اخروی طراح قصه افک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۴ - ۹

۹ - تهدید شدن سازندگان < افک > به محاکمه ای سخت در قیامت و آشکار شدن توطئه های پنهانی آنان با شهادت غیر قابل انکار اعضا و جوارح خود آنها

إنّ الذین یرمون المحصنت . .. یوم تشهد علیهم ألسنتهم ... بما کانوا یعملون

برداشت یاد شده، بر این اساس است که این آیه از جمله آیات مربوط به ماجرای <افک> باشد.

محرومیت توطئه گران قصه افک

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۴ - ۵

۵ - دست اندرکاران اصلی توطئه < افک > علیه پیامبر (ص) و خاندان آن حضرت ، از فضل و رحمت خداوند محروم شدند .

و لولا فضل اللّه علیکم و رحمته . .. لمسّکم فی ما أفضتم فیه عذاب عظیم

خداوند در آیه ۱۱، به شایعه سازان اصلی وعده عذاب بزرگ (و الذی تولّی کبره منهم له عذاب عظیم) می دهد. واژه <افاضه> نیز به معنای سخن گفتن بسیار در باره موضوعی و انتشار آن است و این، کار توده مردم بود نه منافقان که سازنده اصلی تهمت و شایعه بودند. بنابراین فضل و رحمت خدا، شامل کسانی است که کارگزار اصلی تهمت نبودند; بلکه بر اثر جهل و غفلت سخنی در این زمینه به میان آوردند در آیه بعد نیز خداوند، جهل و ناآگاهی آنان را یادآور شده، می فرماید: <و تقولون بأفواهکم ما لیس لکم به علم>.

مسلمانان صدر اسلام و قصه افک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۱ - ۵

۵ - انتشار وسیع ماجرای < افک > ، در میان مسلمانان صدر اسلام

إنّ الذین جاءو بالإفک عصبه منکم لاتحسبوه شرًّا لکم بل هو خیر لکم

مغضوبیت طراح قصه افک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۵ - ۶

۶ - سازندگان و طرّاحان < افک > ، مورد خشم شدید خدا و گرفتار کیفر سخت او در جهان آخرت

یومئذ یوفّیهم اللّه دینهم الحقّ

برداشت یاد شده بر این اساس است که آیه

۲۳ تا ۲۵ نیز از جمله آیات مربوط به قضیه <افک> باشد.

موضعگیری علیه قصه افک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۶ - ۲

۲ - مسلمانان ، موظف بودند با توطئه < افک > به عنوان بهتانی بزرگ علیه پیامبر (ص) و حریم آن حضرت ، مقابله کنند .

و لولا إذ سمعتموه قلتم . .. سبحنک هذا بهتن عظیم

نگرانی از شیوع قصه افک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۱ - ۶

۶ - احساس خطر و نگرانی شدید مسلمانان در پی انتشار شایعه < افک > در میان جامعه

إنّ الذین جاءو بالإفک . .. لاتحسبوه شرًّا لکم بل هو خیر لکم

قصه سرایان

اضلالگری قصه سرایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۴ - ۶

۶ - < و سئل الصادق (ع) عن قول اللّه عزّوجلّ < و الشعراء یتّبعهم الغاوون > قال : هم القصّاص ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خداوند عزّوجلّ <والشعراء. ..> سؤال شد، آن حضرت فرمود: آنان قصه سرایان هستند>.

قضا و قدر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{قضا و قدر}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۷ - ۶،۷

۶ - خداوند ، بر پدیدآوردن هر آنچه که بخواهد و هر آنچه تقدیر کرده ، تواناست .

إذا قضی أمراً فإنما یقول له کن فیکون

۷ - آفرینش هر موجود در گرو تقدیر خدا و فرمان او به تحقق آن است .

إذا قضی أمراً فإنما یقول له کن فیکون

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۷ - ۱۷

۱۷ - تقدیر امور به دست خداوند است .

ما کتب اللّه لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۶ - ۲۱

۲۱ لزوم رضایت به مقدّرات الهی ، علی رغم میلِ نفسانی خود

عسی ان تکرهوا شیئاً و هو خیر لکم

رسول اللّه (ص): . .. ارض عن اللّه بما قدّروا ان کان خلاف هواک ... فانّه مثبت فی کتاب اللّه ... قال: <و عسی ان تکرهوا شیئاً>

تفسیر طبری، ج ۲، ص ۲۰۱ ; الدر المنثور، ج ۱، ص ۵۸۷.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۳ - ۷

۷ تأثیر نحوه روابط زناشویی ، در سرنوشت نیک یا بد انسان

فاتوا حرثکم انی شئتم و قدّموا لانفسکم

به نظر می رسد جمله <و قدّموا لانفسکم> به منزله تقییدی باشد برای اختیار و آزادی آدمی در آمیزش ; یعنی زندگی زناشویی در سرنوشت آدمی مؤثّر است; پس آن روشی را برگزینید که فرجامی نیک داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۳ - ۱۰

۱۰ فرار از جنگ ، مانع از مرگِ مقدّر شده الهی ، نیست .

فقال لهم اللّه موتوا ثمّ احياهم . .. قاتلوا فی سبيل اللّه

بنابراينكه داستان يادشده در اين آيه، مقدمه ای برای آيه بعد باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۸ - ۲۸

۲۸ پذيرش دلايل روشن و هدايت يافتن آدمی ، منوط به تعلّق اراده خداوندی است

.

فبهت الّذی کفر و اللّه لا یهدی القوم الظّالمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۷ - ۱۵

۱۵ تکوّن (پیدایش) موجودات ، در گرو دو مرحله متوالیِ قضای الهی و فرمان الهی

اذا قضی امراً فانّما یقول له کن فیکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۸ - ۱

۱ سرنوشت آدمیان تنها به دست خداست ، نه حتّی رسول او .

لیس لک من الامر شیء

بنابر اینکه <ال> در <الامر> برای جنس باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۹ - ۱۰

۱۰ مالکیّت و حاکمیّت خداوند بر سرنوشت مؤمنان و کافران (پیروزی یا شکست)

لیقطع طرفاً من الّذین کفروا . .. لیس لک من الامر شیء ... و للّه ما فی السّموات و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۴ - ۲۸،۲۹،۳۰،۳۳

۲۸ مرگ آدمی و کیفیّت آن ، برخاسته از تقدیر خداوند است .

قل لو کنتم فی بیوتکم لبرز الّذین کتب علیهم القتل الی مضاجعهم

۲۹ شهادت در راه خدا ، از مقدّرات الهی است .

قل لو کنتم فی بیوتکم لبرز الّذین کتب علیهم القتل الی مضاجعهم

۳۰ فراز از میدان نبرد و رویارویی با سختی ها ، مانع مرگ مقدّر آدمی نیست .

قل لو کنتم فی بیوتکم لبرز الّذین کتب علیهم القتل الی مضاجعهم

۳۳ مرگ ، امری مقدّر و فراتر از آن است که اندیشه های بشری به زمان آن راه یابد

.

يقولون . .. ما قتلنا ههنا قل لو كنتم فى بيوتكم لبرز الّذين كتب عليهم القتل الى م

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۶ - ۱۳،۱۱،۷،۴،۲

۲ پندار كفرپيشگان بر اين كه خانه نشينى و يا پرهيز از حضور در كارزار ، مانع مرگ و كشته شدن است .

يا ايّها الّذين امنوا لا تكونوا كالّذين كفروا و قالوا . .. ما ماتوا و ما قتلوا

۴ گمانِ حاكميّت عوامل مادّى بر مقدّرات الهى ، پندارى كفرآميز

لاتكونوا كالّذين كفروا و قالوا لاخوانهم . .. ما ماتوا و ما قتلوا

خداوند با كفرآميز خواندن اين انديشه كه جنگ و مسافرت (عوامل مادّى) تعيين كننده مرگ آدمى است، به مؤمنان تعليم مى دهد كه آن عوامل، تعيين كننده مرگ آدمى، كه از مقدّرات الهى است، نخواهد بود.

۷ حسرت و افسوس فراريان از ميدان نبرد ، پس از دانستن اين كه حيات و مرگ تقدير الهى است .

لا تكونوا . .. ما ماتوا و ما قتلوا ليجعل اللّه ذلك حسره فى قلوبهم

بنابر اينكه <ليجعل> متعلق به محذوف باشد; يعنى بيان اين حقيقت كه مرگ و حيات تقدير الهى است، براى اين بود كه متخلفان از جنگ بر كرده خويش حسرت برند. زيرا معلوم مى شد كه اگر در جنگ شركت مى كردند، چون مقدّر نبود، كشته نمى شدند.

۱۱ مرگ و حيات در هر حال به دست خداست و مسافرت و يا حضور در ميدان نبرد ، تغييردهنده مسير مقدّر آن نيست .

قالوا . .. ما ماتوا و ما قتلوا ... و اللّه يحيى و يميت

خداوند در جواب كسانى

که جهـاد و مسـافرت را عامل تعیین کننـده مرگ می پنداشـتند، می فرمایـد <و اللّه یحیی و یمیت> یعنی عوامل مادّی، تعیین کننده نیستند ; هر چه هست به دست خداوند و به تقدیر اوست.

۱۳ اعتقاد به مقدّر بودن مرگ ، از میان برنده هراس آدمی برای سفر و حضور در میدان نبرد (صحنه های دشوار زندگی)

قالوا . .. ما ماتوا و ما قتلوا ... و اللّه یحیی و یمیت

جمله <و اللّه یحیی و یمیت>، می تواند به منظور زدودن هراس از شرکت در پیکار ایراد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۷ - ۱۱

۱۱ ایمان به مقدّر بودن مرگ و حیات ، و شناخت ارزش والای شهادت ، آسان کننده حرکت به سوی نبرد با دشمنان دین

و اللّه یحیی و یمیت . .. و لئن قتلتم فی سبیل الله او متّم لمغفره من اللّه و رحمه

خداونـد بـا بیان دو نکته مؤمنان را به جهاد ترغیب می کنـد: ۱ مرگ و حیـات به دست خـداست و عوامل طبیعی تعیین کننـده نیست. ۲ جان باختگان در راه خدا، آمرزیده و مشـمول رحمت خاصّ خداوند هسـتند. بنابراین، مؤمنان با ایمان به این دو معنا، هرگز تردیدی برای شرکت در جهاد نخواهند داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۵ - ۹

۹ نقش آدمی در فرجام و سرنوشت خویش

قل هو من عند انفسکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۸ - ۱۴،۱۵،۱۷،۱۸

شرکت در جنگ و یا خانه نشینی ، هیچکدام نقش تعیین کننده در مرگ و یا زندگی آدمی ندارد .

قل فادرؤا عن انفسکم الموت ان کنتم صادقین

۱۵ انسان ، ناتوان از جلوگیری و دفع مرگ مقدّر خویش

فادرؤا عن انفسکم الموت

۱۷ اعتقاد به مقدّر بودن مرگ ، از میان برنده هراس و دلهره حضور در میدان نبرد

قالوا . .. لو اطاعونا ما قتلوا قل فادرؤا عن انفسکم الموت

۱۸ ناتوانی منافقان از جلوگیری مرگ مقدّر نشانگر باطل بودن پندار آنان در تحلیل عوامل به شهادت رسیدن پیکارگران احد

لو اطاعونا ما قتلوا قل فادرؤا عن انفسکم الموت ان کنتم صادقین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۶۸ – ۶

۶ تقدیر و قضای الهی بر پیروزی مسلمانان در جنگ بدر ، مانع شکست مسلمانان ، علی رغم تحقق مقتضی آن (گرفتن اسیر پیش از سرکوبی کامل دشمن)

لو لا کتب . .. عذاب عظیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۱۱ – ۹

۹ زمان مرگ همه انسان ها مشخص و تحت حاکمیت قوانین معیّنی است .

و لو یعجل اللّه للناس الشر . .. لقضی إلیهم أجلهم

از این که کیفر دادن خدا، منجر به مرگ کافران می شود و همین، سبب شده که مجازات آنان به تأخیر بیفتد، استفاده می شود که خداوند برای پایان زندگی انسانها زمان خاصی را مقرر فرموده است; یعنی، آن را تحت ضابطه و قانونی قرار داده است که پس و پیش شدن در آن راه ندارد.

جلد – نام سوره – سوره

- آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۱ - ۶

۶ برخی از رخدادها ، از پیش تعیین شده و غیر قابل تغییر و تحول است .

قضی الأمر الذی فیه تستفتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۶ - ۱

۱- خداوند ، پیشاپیش حضرت لوط (ع) را از مقدّر شدن عذاب بر قومش آگاه ساخت .

و قضینا إلیه ذلک الأمر

متعدّی شدن <قضینا> به <إلی> متضمن معنای <أوحینا> است. بنابراین معنای جمله <و قضینا إلیه ذلک الأمر> چنین می شود: ما این امر (عذاب) را به او (لوط(ع)) وحی کردیم و آگاهش ساختیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۰ - ۴

۴- تکوّن و پیدایش موجودات پس از دو مرحله تصمیم (قضا) و فرمان خداوند است .

إنما قولنا لشیء إذا أردنه أن نقول له کن فیکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۳ - ۱۸

۱۸- < عن إبن عباس قال : لمّا انصرف أمیرالمؤمنین من صفین قام إلیه شیخ . . . فقال : یا أمیرالمؤمنین أخبرنا عن مسیرنا هذا أبقضاء من الله و قدر ؟ . . . قال أمیرالمؤمنین : الأمر من الله و الحکم ثم تلا هذه الأیه : < و قضی ربّک ألاّتعبدوا إلاّ إیّاه و بالوالدین إحساناً > . . . ;

از ابن عباس روایت شده است: هنگامی که امیرالمؤمنین(ع) از صفین باز می گشت، پیرمردی به سوی او برخواست . .. و گفت: ای امیرمؤمنان! ما را خبر ده از سفری

که رفتیم ، آیا به قضا و قدر الهی بود؟ ... امیرمؤمنان فرمود: فرمان و حکم از جانب خداوند بود; سپس آیه <و قضی ربّک ألّاتعبدوا إلاّ إيّاه و بالوالدين إحساناً> را تلاوت کرد...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۸ - ۸

۸ - اتحاد و هم سانی قضا و تقدیر خداوند ، با قول و فعل او

فإذا قضى أمرًا فإنّما يقول له كن فيكون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۳ - ۹

۹ - خداوند ، برای هر چیزی اندازه ای و برای هر امری در این عالم ، اسباب و عللی قرار داده است .

قد جعل اللّه لكلّ شیء قدرًا

قضاوت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

قضاوت

آثار قبول قضاوت دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۱ - ۱۱

۱۱ - اطاعت از خدا و رسول او و پذیرش داوریِ متکی بر احکام الهی ، موجب رستگاری و پیروزی است .

إنّما كان قول المؤمنين إذا دعوا . .. ليحكم بينهم أن يقولوا سمعنا و أطعنا و أُول

آثار قبول قضاوت رهبران دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۸ - ۶

۶ - پذیرش داوری پیامبر (ص) و رهبران الهی ، نشانه ایمان راستین به خدا و رسول او و فرمان بری از ایشان و التزام عملی به دین است .

و یقولون ءامنّا باللّه و بالرسول و أطعنا ثمّ یتولّی . .. و ما أُولئک بالمؤمنین

آثار قبول قضاوت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۴۸ – ۶

۶ – پذیرش داوری پیامبر (ص) و رهبران الهی ، نشانه ایمان راستین به خدا و رسول او و فرمان بری از ایشان و التزام عملی به دین است .

و یقولون ءامنّا باللّه و بالرسول و أطعنا ثمّ یتولّی . .. و ما أُولئک بالمؤمنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۵۲ – ۳

۳ – تسلیم حکم پیامبر بودن و پذیرش داوری بر مبنای تعالیم دین ، نشانه خدا ترسی ، تقواپیشگی و مطیع خدا و رسول بودن است .

إذا دعوا إلی اللّه و رسوله لیحکم بینهم أن یقولوا سمعنا و أطعنا . .. و من یطع الل

برداشت یاد شده، از ارتباط میان دو آیه فوق استفاده گردیده است.

آثار قضاوت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۰۹ – ۸

۸ صدور حکم قاضی ، موجب تغییر حق و واقع نخواهد شد .

هأنتم هؤلاء جدلتم عنهم فی الحیوه الدنیا فمن یجدل اللّه عنهم فی یوم القیمه

از اینکه خداوند می فرماید: بر فرض که در دنیا با دفاع نا حق ظالم را تبرئه کردید، در قیامت چه خواهید کرد، معلوم می شود حکم قاضی ایجاد حق نمی کند و واقع را تغییر نمی دهد.

آثار قضاوت اخروی خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۱۷ – ۹

۹ - داوری پروردگار در قیامت میان انسان ها ، پایانی بر همه خصومت ها و اختلاف های آنان خواهد بود .

إنّ ربّك يقضى

بینهم یوم القیمه

آثار قضاوت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۳ - ۱۹

۱۹ - حقایق ، در پرتو داوری خداوند در قیامت ، بر همگان آشکار می شود .

فاللّه یحکم بینهم یوم القیمه فیما کانوا فیه یختلفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۷ - ۱۰

۱۰ - داوری پروردگار میان انسان ها و فیصله دادن به همه خصومت های آنان ، جلوه ای از ربوبیت او است .

إنّ ربّک یقضی بینهم یوم القیمه فیما کانوا فیه یختلفون

آثار قضاوت طاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۲ - ۱

۱ ارجاع داوری به طاغوت ، موجب ابتلای مراجعه کنندگان به مصائب و مشکلات

یریدون ان یتحاکموا الی الطّاغوت . .. فکیف اذا اصابتهم مصیبه بما قدّمت

با توجه به آیه پیش، از مصادیق مورد نظر برای <ما قدمت ایدیهم> مراجعه به طاغوت برای داوری است.

آثار قضاوت ظالمانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۶ - ۲۰

۲۰ - داوری ظالمانه و متکی بر هوا و هوس ، در پی دارنده عذاب شدید الهی

فاحكم بين الناس بالحقّ و لاتتّبع الهوى . ..إنّ الذين يضلّون عن سبيل اللّه لهم عذ

آثار قضاوت عادلانه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۴۲ - ۲۰

۲۰ داوری بر پايه عدل و داد ، مايه جلب محبت خداوند

فاحكم بينهم بالقسط إنّ اللّه يحب المقسطين

جلد - نام سوره - سوره - آيه

– فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۲۲ – ۷

۷ – قضاوت به حق و عادلانه ، مانع ستم و تجاوز به حقوق دیگران است .

فاحکم بیننا بالحقّ و لاتشطط

تقدم توصیه به داوری عادلانه و به حق، بر توصیه به پرهیز از افراط و ستم روا داشتن در امر قضاوت، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

آداب قضاوت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۷۸ – ۴

۴– مشورت در امر قضاوت ، امری است پسندیده و شایسته .

و داود و سلیمن إذ یحکمان فی الحرث . .. و کنّا لحکمهم شهدین

آسیب شناسی قضاوت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۲۶ – ۱۱،۱۳

۱۱ – پیروی از هوای نفس ، مهم ترین خطر تهدید کننده قاضیان و داوران

فاحکم بین الناس بالحقّ و لاتتّبع الهوی

۱۳ – حکومت و منصب قضاوت ، بستر بسیار لغزنده و رهبران و داوران در معرض مقهور شدن به دست هوای نفس

یداود إنّا جعلنک خلیفه فی الأرض فاحکم بین الناس بالحقّ و لاتتّبع الهوی

آهمیت قضاوت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۵ - ۱۲،۱۵،۲۰

۱۲ متصديان امر قضا ، وظيفه دار فراگيرى دانش قضا و علوم مربوط به آن

لتحكم بين الناس بما اريك اللّه

۱۵ قضاوت ، مسؤوليتى مهم و خطير

إنّا انزلنا . .. لتحكم بين الناس بما اريك اللّه و لاتكن للخائنين خصيماً

چون قضاوت بين مردم از اهداف نزول قرآن دانسته شده است، حكايت از اهميت والاى آن دارد.

۲۰ جانشينان پيامبر (ص) ،

همانند خود آن حضرت ، موظف به قضاوت در ميان مردم بر پايه تعاليم قرآن

إنّا انزلنا إليك الكتب بالحق لتحكم بين الناس بما اريك اللّه

امام صادق(ع) پس از تلاوت آيه فوق فرمود: و هى جاريه فى الاوصياء.

كافى، ج ۱، ص ۲۶۸، ح ۸; نورالثقلين، ج ۱، ص ۵۴۷، ح ۵۴۷.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۶ - ۴

۴ لزوم توجه متصديان قضاوت به نظارت الهى بر اعمال آنان

لتحكم بين الناس . .. و استغفر اللّه

فرمان خدا به <استغفار>، پس از بيان مبانى قضاوت، گوياى اين نكته است كه در نظام قضايى اسلام توجه به خدا و ناظر دانستن وى از ضروريات و آميخته با انجام وظيفه خطير قضاوت است.

إتقان قضاوت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۵ - ۶

۶ حكم و قضاوت خداوند ، متقن ترين و عادلانه ترين حكم ها و قضاوتهاست .

و أنت أحكم الحكمين

اتقان قضاوت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - تين - ۹۵ - ۸ - ۱

۱ - قضاوت خداوند ، از حكم تمامى داوران برتر ، نافذتر و متقن تر است .

أليس اللّه بأحكم الحكمين

قاضی، در صورتی از قضاوت کنندگان دیگر حاکم تر خواهد بود که حکم او نافذتر باشد و از آن جا که اشتقاق <أحکم>، ممکن است از ریشه <حَکْم> باشد که قاموس آن را به معنای اتقان می داند، خداوند در این آیه به متقن ترین داوران توصیف شده است.

اتقان قضاوت سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۲۷ – ۴

۴ – قضاوت و تصمیم گیری های سلیمان ، براساس تحقیق و اطلاعات متقن بود .

قال سننظر أصدقت أم کنت من الکذبین

با این که گزارش های صریح و استدلال های عمیق توحیدی هدهد، نشانگر صداقت و حقانیت او بود، اما سلیمان بدان ها بسنده نکرد و درصدد تحقیق جدی برآمد.

اجتناب از قضاوت پنداری

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۴ – ۱۰

۱۰ – از داوری خیالی و دور از واقعیت ، باید پرهیز کرد .

أم حسب الذین یعملون السیّئات أن یسبقونا ساء ما یحکمون

احکام قضاوت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۸۸ – ۵

۵ – حکم و قضاوتی که بر اثر گرفتن رشوه صادر شده باشد ، گناه و فاقد اعتبار است .

و تدلوا بها إلی الحکام لتأکلوا فریقاً من أمول الناس بالأثم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۴۴ – ۴۷

۴۷ آگاهی به احکام و مقررات الهی ، معیار صلاحیت داوران و حاکمان

و من لم یحکم بما أنزل اللّه فأولئك هم الکفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۶ - ۵

۵- حکم و عمل انسان ، بر اساس آنچه صرفاً شنیده ، یا دیده و یا به قلبش راه یافته ، قبل از رسیدن به مرحله علم و آگاهی ، ممنوع است .

و لاتقف ما لیس لک به علم إن السمع و البصر و الفؤاد کلّ أُولئک کان عنه مسئولاً

برداشت فوق

بر این اساس است که معمولاً حرکتهای غیر علمی، نشأت یافته از شنیده ها، دیده ها و باورهای سطحی است و خداوند، برای دور کردن انسان از حرکت غیر علمی، به او هشدار داده است که دیده ها و . .. تا زمانی که به مبنای علمی و یقینی منتهی نشود، قابل اعتماد نیست و در صورت اعتماد نمودن، محاکمه خواهد شد.

ارجاع قضاوت به غیر خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۱۴ – ۱۴

۱۴ ارجاع داوری به غیر خداوند از سوی کسی که حقانیت و اعجاز قرآن را دریافته، کاری بس نکوهیده و نارواست.

أفغير الله أبتغى حكما . .. فلا تكونن من الممترين

استقلال قضاوت خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قلم – ۶۸ – ۳۹ – ۵

۵ – وحی و داوری خداوند ، تابع داوری ها و دیدگاه های انسان ها نیست .

أم لكم أيمن . .. إنّ لكم لما تحكمون

اعراض از قضاوت محمد(ص)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۴۹ – ۱۴،۱۹،۲۶

۱۴ رویگردانی از حکم و داوری پیامبر (ص) ، زمینه ساز گرفتاری به عذاب دنیوی

فان تولوا فاعلم انما يريداللّه ان يصيبهم ببعض ذنوبهم

برخی کلمه <بعض> را قرینه بر این دانسته اند که مراد از عذاب، عذابهای دنیوی است، زیرا تهدید به عذابهای آخرت نمی تواند اختصاص به برخی از گناهان داشته باشد.

۱۹ رویگردانی از حکم و داوری پیامبر (ص) ، نتیجه پیروی از هوای نفس

و إن احكم بينهم بما أنزل اللّه

و لاتتبع اهواءهم . .. فان تولوا

۲۶ فاسقان ، رویگردان از احکام الهی و بی اعتنا به داوری های پیامبر (ص)

فان تولوا . .. و إن کثیراً من الناس لفسقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۸ - ۱،۳

۱ - دسته ای از منافقان صدراسلام ، هنگام فراخوانده شدن برای داوری رسول خدا (ص) میان آنان ، از پذیرش آن خودداری می کردند .

و إذا دعوا إلی اللّه و رسوله لیحکم بینهم إذا فریق منهم معرضون

۳ - نپذیرفتن داوری پیامبر (ص) ، از نشانه های نفاق و اوصاف منافقان است .

و إذا دعوا إلی اللّه و رسوله لیحکم بینهم إذا فریق منهم معرضون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۹ - ۲

۲ - اندیشه سودجویانه منافقان ، مانع از مراجعه آنان به پیامبر (ص) برای داوری به حق میان آنان بود .

و إذا دعوا إلی اللّه و رسوله لیحکم بینهم إذا فریق منهم معرضون . و إن یکن لهم الح

از این که منافقان داوری پیامبر(ص) را قبول نمی کردند و تنها در صورتی به آن تن می دادند که این داوری به نفع آنان بود، می توان به دست آورد که عدم پذیرش آنان در آغاز و قبول آنان به وقت سودمند دانستن آن برای خویش، ناشی از اندیشه سودجویانه آنان بود.

امارات قضایی در اثبات دعوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۶ - ۱۱

۱۱ داور ماجرای یوسف (ع)

و زليخا ، صداقت زليخا و دروغ گويى يوسف (ع) را منوط به پاره شدن پيراهن يوسف (ع) از پيشِ رو دانست .

إن كان قميصه قُدّ من قُبل فصدقت و هو من الكذبين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۲۷ - ۱

۱ داور ماجراى يوسف (ع) و زليخا ، كذب ادعاى زليخا و صداقت يوسف (ع) را منوط به پاره شدن پيراهن از پشتِ سر دانست .

و إن كان . .. و هو من الصدقين

امتحان با قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۴ - ۱۶

۱۶ - داوود (ع) ، ماجراى دادخواهى برادران داراى ميش و داورى ميان آنان را ، يك آزمايش الهى دانست .

قال لقد ظلمك بسؤال نعجتك . .. و ظنّ داود أنّما فتنّه

اهميت عدالت در قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۴۲ - ۱۶

۱۶ ضرورت رعايت قسط و عدالت در داورى ميان مردم

فاحكم بينهم بالقسط

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - يونس - ۱۰ - ۴۷ - ۱۰

۱۰ رعايت قسط در قضاوت و داورى ، لازم و ضرورى است .

قضی بینهم بالقسط

اهمیت قضاوت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۵۴ – ۱۱

۱۱ نبوّت ، فهم ، منصب قضاوت و لزوم اطاعت مردم ، داده های خداوند به خاندان ابراهیم (ع)

فقد اتینا ال ابرهیم الکتب و الحکمه

و اتیناهم ملکاً عظیماً

امام صادق (ع) در پاسخ سؤال از آیه فوق درباره <الکتاب> فرمود: النّبوه، و درباره <الحکمه> فرمود: الفهم و القضاء، و درباره <ملکاً عظیماً> فرمود: الطّاعه.

کافی، ج ۱، ص ۲۰۶، ح ۳ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۹۱، ح ۳۰۳ ; تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۴۸، ح ۱۶۰.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۸ - ۱۶

۱۶ خداوند ، شنوای احکام صادره از سوی قاضیان و حاکمان

و اذا حکمتم بین النّاس ان تحکموا بالعدل . .. انّ اللّه کان سمیعاً بصیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۱۳،۱۴،۴۹

۱۳ قضاوت ، مسؤولیت عالمان به کتب آسمانی

یحکم بها . .. و الربنیون و الاحبار بما استحفظوا من کتب اللّه

۱۴ احیای کتب آسمانی و حراست آنها از تبدیل و تحریف ، در گرو حکم و قضاوت بر اساس آنهاست .

یحکم بها النبیون . .. و الربنیون و الاحبار بما استحفظوا من کتب اللّه

<باء> در <بما استحفظوا> سببیه است و بیانگر این است که چون مسؤولیت حراست از کتب آسمانی بر عهده آنهاست، باید بر اساس آن حکم کنند. یعنی حراست از کتب آسمانی در گرو این است که احکام آن در جامعه پیاده شود.

۴۹ خودداری از قضاوت بر اساس احکام الهی ، کفر است .

و من لم یحکم بما أنزل اللّه فأولئک هم الکفرون

جمله <و من لم یحکم . ..> دارای دو مصداق است: یکی حکم کردن بر اساس احکام غیر الهی و دوم خودداری از قضاوت بر اساس احکام الهی در

عین وجود شرایط آن، برداشت فوق ناظر به مصداق دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۴ - ۲۳

۲۳ - اهمیت حقوق مردم و خطیر بودن مسؤولیت داوری میان آنان

فاستغفر ربّه و خرّ راکعًا و أناب

استغفار، سجده و انابه داوود(ع) به درگاه الهی، پس از گمان به رخ دادن یک خطا در داوری میان دو گروه متخاصم (خطایی که مسلّماً در نتیجه حکم هیچ تأثیری نداشت) می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

اهمیت قضاوت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۸ - ۱،۳،۶

۱ - قضاوت خداوند ، از حکم تمامی داوران برتر ، نافذتر و متقن تر است .

أليس اللّه بأحكم الحكمين

قاضی، در صورتی از قضاوت کنندگان دیگر حاکم تر خواهد بود که حکم او نافذتر باشد و از آن جا که اشتقاق <أحکم>، ممکن است از ریشه <حَکْم> باشد که قاموس آن را به معنای اتقان می داند، خداوند در این آیه به متقن ترین داوران توصیف شده است.

۳ - برتری قضاوت خداوند بر داوری دیگران و حکمت آمیز بودن آن ، حقیقتی روشن و غیر قابل انکار است .

أليس اللّه بأحكم الحكمين

همزه استفهام در <أليس>، برای تقریر و بیانگر وضوح مفاد آیه است.

۶ - سرآمدبودن داوری های خداوند و حکیمانه بودن آن ، دلیل ضروری بودن ارشاد های دینی است .

فما يكذّبك بعد بالدين . أليس اللّه بأحكم الحكمين

اهمیت قضاوت داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۱ - ۳

۳ - ماجرای گروه شکایت کننده

و متخاصم در نزد داوود (ع) ، داستانی مهم ، سازنده و مفید

و هل أتیک نبؤا الخصم

<نبأ> به خبر مهم و مفید و سازنده می گویند.

ایمان به قضاوت خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۸۷ – ۷،۱۱

۷ باور به داوری برتر خدا مایه صبر مؤمنان در برابر کفرپیشگان حق ستیز

فاصبروا حتی یحکم اللّه بیننا و هو خیر الحکمین

هدف شعیب(ع) از بیان داوری برتر خدا پس از دعوت مؤمنان به صبر تا فرارسیدن قضاوت الهی، ایجاد زمینه صبر در آنان بود.

۱۱ کافران قوم شعیب ، به خدا و داوری او و یاری رسانیش به حقپویان معتقد بودند .

فاصبروا حتی یحکم اللّه بیننا و هو خیر الحکمین

چنانچه خطاب در <فاصبروا> متوجه کافران نیز باشد، دعوت شعیب از آنان به صبر تا داوری خدا، بیانگر این نکته است که منکران رسالت او معتقد به خداوند بوده اند. تصریح به <بالذی ارسلت به> پس از <ءامنوا> این معنا را تأیید می کند.

بصیرت در قضاوت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۲۰ – ۷

۷ – حق شنوی ، بصیرت و آگاهی همه جانبه از موضوع مورد داوری ، از شرایط داوری به حق

واللّه یقضی بالحقّ . .. إنّ اللّه هو السمیع البصیر

برخی از مفسران برآنند که یادآوری سمیع و بصیربودن خداوند در داوری، می تواند اشاره به مطلب بالا باشد.

بی ارزشی قضاوت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳۶ - ۲

۲ - قضاوت کافران درباره اسلام و

مسلمانان ، قضاوتی بی اساس و بدون پایه عقلانی و منطقی است .

ما لکم کیف تحکمون

بی نظیری قضاوت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۸ - ۴۸

۴ - جزا دادن به اعمال ، کاری بس حکیمانه و لازمه بی نظیر بودن قضاوت های خداوند است .

فما یکذّبک بعد بالدین . ألیس اللّه بأحکم الحکمین

برداشت یاد شده، ناظر به ارتباط این آیه با آیه قبل است که در آن، کلمه <دین> آمده بود، راغب در <مفردات> می گوید: کلمه <دین> در مورد <طاعت> و <جزا> گفته می شود و در معنای <شریعت> نیز به صورت استعاره به کار می رود.

۸ - داوری بی نظیر خداوند ، پشتوانه اجر بی پایان مؤمنان شایسته کردار

فلهم أجر غیر ممنون . .. ألیس اللّه بأحکم الحکمین

تأخیر در قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۷ - ۸

۸ - تأخیر در داوری و کیفر و پاداش ، کاری ظالمانه و به دور از عدالت است .

لا ظلم الیوم إنّ اللّه سریع الحساب

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که جمله <إنّ اللّه سریع الحساب> در مقام تعلیل برای <لاظلم الیوم> می باشد; یعنی، در محکمه عدل الهی به کسی ستم نمی شود; چون خداوند با سرعت به حساب بندگانش رسیدگی خواهد کرد.

ترس در قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ – مائده – ۵ – ۴۴ – ۲۳

۲۳ ترس از مردم در قضاوت بر اساس کتاب های آسمانی ، ناروا و مورد نهی خداوند

یحکم بها .

.. فلاتخشوا الناس

ترک عجله در قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۲ - ۶

۶ - لزوم تأمل و تفکر در سخنان ، به هنگام شنیدن آن و اجتناب از داوری شتابزده درباره آن

و کذّب بالصدق إذ جاءه

ترک قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۴۸

۴۸ کناره گیری از داوری بر پایه احکام الهی ، مهمل گذاردن فلسفه نزول آن احکام

و من لم یحکم بما أنزل اللّه فأولئک هم الکفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۵ - ۲۱،۲۳

۲۱ کناره گیری از داوری بر پایه احکام الهی ، مهمل گذاردن فلسفه نزول آن احکام

و من لم یحکم بما أنزل اللّه فأولئک هم الظلمون

۲۳ ستم پیشگی برخی از عالمان و سران یهود عصر پیامبر (ص) ، به دلیل خودداری آنان از قضاوت بر اساس تورات

فأولئک هم الظلمون

ترک قضاوت مشروع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۷ - ۱۰،۱۲

۱۰ خودداری از قضاوت بر اساس احکام و قوانین الهی ، فسق است . *

و من لم یحکم بما أنزل اللّه فأولئک هم الفسقون

جمله <و من لم یحکم . ..> دارای دو مصداق است: یکی حکم کردن بر اساس احکام غیر الهی و دیگری خودداری از حکم کردن و قضاوت نمودن بر پایه مقررات الهی. برداشت فوق ناظر به مصداق دوم است.

۱۲ کناره گیری از داوری بر پایه احکام الهی ، مهمل گذاردن فلسفه نزول

آن احکام

و من لم یحکم بما أنزل اللّه فأولئک هم الفسقون

تسلیم به قضاوت مشروع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۹ - ۲۰

۲۰ لزوم داوری بر اساس احکام الهی ، حتی با احتمال سرپیچی مردمان از پذیرش آن

و إن احکم . .. فان تولوا

تشویق به مطالعه قضاوت داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۱ - ۱

۱ - تشویق پیامبر (ص) از سوی خداوند ، به مطالعه در ماجرای گروه متخاصم و شاکی در نزد داوود (ع)

و هل أتیک نبؤا الخصم

استفهام در <هل أتاک. ..> برای تحریض و تشویق مخاطب است.

تعقل در قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۲ - ۶

۶ - لزوم تأمل و تفکر در سخنان ، به هنگام شنیدن آن و اجتناب از داوری شتابزده درباره آن

و کذّب بالصدق إذ جاءه

توبه از قضاوت خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۲۴ – ۲۴

۲۴ – لزوم توبه و بازگشت سریع از خطا هنگام رخ دادن کمترین اشتباه در داوری

فاستغفر ربّه و خرّ راكعًا و أناب

حتمیت قضاوت خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۲۸ – ۴

۴ – داوری قطعی خدا در قیامت ، علیه طرف تخلف کننده از قرارداد

و اللّه على ما نقول وكيل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۱۲ – ۸

۸ –

حکم خداوند به عذاب مشرکان و کافران حق ناپذیر ، قطعی و قابل نقض و تغییر نیست .

فالحکم للّه العلیّ الکبیر

آمدن دو صفت <علیّ> و <کبیر> برای خداوند (پس از ذکر حکم الهی درباره کافران و مشرکان) می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۹ - ۲،۳

۲ تلاش محکومان دادگاه قیامت برای تغییر حکم الهی ، تلاشی بی فرجام

ما یبدّل القول لدیّ

در آیات پیشین، حکم مجرمان با فرمان <ألقیا فی جهنّم . ..> از سوی خداوند صادر می گردد. مجرمان با جدال و تخاصم، درصدد تبرئه خویش برمی آیند تا مگر حکم الهی را در حق خود تغییر دهند; ولی <ما یبدّل القول...> بی فرجام بودن تلاش آنان را می رساند.

۳ حکم خداوند در قیامت علیه مجریان ، حکمی قطعی و به دور از هر گونه بازنگری

ما یبدّل القول لدیّ

تعبیر <لدیّ> مشعر به این معنا است که چون حکم از سوی خداوندی صادر شده که پیشینه خلق را به خوبی می داند و بر ایشان اتمام حجت کرده است و گواهان به گواهی نشسته اند مجال خدشه در آن نخواهد بود.

حق در قضاوت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۸ - ۱۰

۱۰ - داوری خداوند ، بر اساس حق است .

فإذا جاء أمر اللّه قضی بالحقّ

حق شنوی در قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۰ - ۷

۷ - حق شنوی ، بصیرت و آگاهی همه جانبه از موضوع مورد

داوری ، از شرایط داوری به حق

واللّه یقضی بالحقّ . .. إنّ اللّه هو السمیع البصیر

برخی از مفسران برآنند که یادآوری سمیع و بصیربودن خداوند در داوری، می تواند اشاره به مطلب بالا باشد.

حقانیت قضاوت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۱۲ - ۲،۴

۲- داوری های خدا ، بر اساس و محور حق است .

ربّ احکم بالحقّ

برداشت یاد شده بنابراین است که این است که قید <بالحقّ> توضیحی باشد.

۴- داوری عادلانه و برحق خداوند ، از شؤون ربوبیت او است .

ربّ احکم بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۸ - ۶

۶ - قضاوت و داوری خدا درباره کافران و حق ستیزان ، متکی بر موازین حق و عدل و به دور از کمترین سستی و کاستی

إنّ ربّک یقضی بینهم بحکمه

با این که واژه <یقضی> معنای حکم و داوری را می رساند، آمدن قید <بحکمه> نشانگر این حقیقت است که قضاوت الهی مخصوص به او است به گونه ای که کمترین خلل در آن راه ندارد و بر موازین عدل و حق استوار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۶ - ۳،۵

۳ - داوری خداوند بین پیامبر (ص) و مشرکان ، بر اساس حق است .

ثمّ یفتح بیننا بالحقّ

۵ - ملاك و معیار داوری در نزد خداوند ، حق است .

ثمّ یفتح بیننا بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۰ - ۱

۱ - داوری خداوند ، بر

اساس حق است .

و اللّه یقضی بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۸ - ۱۱

۱۱ - حکم خداوند به عذاب کافران در دنیا ، مطابق حق است .

فإذا جاء أمر اللّه قضی بالحقّ

برداشت یاد شده بر این احتمال است که مقصود از <أمر اللّه> عذاب دنیوی (استیصال) باشد; چنان که موارد بسیاری در قرآن به همین معنا آمده است; مانند عذاب طوفان نوح که از آن چنین یاد شده است: <قال لاعاصم الیوم من أمر اللّه . ..>، (هود، آیه ۴۳).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۸ - ۲

۲ - قضاوت های خداوند ، حکیمانه ترین قضاوت ها و موافق ترین آنها با حقیقت است .

ألیس اللّه بأحکم الحکمین

اسم تفضیل <أحکم>، ممکن است از <حُکم> به معنای قضاوت باشد; یعنی، <أقضی> و نیز می تواند از <حکمه> گرفته شده باشد; یعنی، حکیم تر. در برداشت یاد شده، معنای دوم مورد نظر است; گرچه <حاکمین> بر معنای <قضاوت کنندگان> تطبیق یافته است.

حقانیت قضاوت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۹ - ۵

۵ - داوری پیامبر (ص) بر اساس حق بود .

و إذا دعوا إلی اللّه و رسوله لیحکم بینهم . .. و إن یکن لهم الحقّ

حکمت در قضاوت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۸ - ۲،۳،۵،۴،۶

۲ - قضاوت های خداوند ، حکیمانه ترین قضاوت ها و موافق ترین آنها با حقیقت است .

أليس اللّه بأحكم

الحکمین

اسم تفضیل <أحکم>، ممکن است از <حُکم> به معنای قضاوت باشد; یعنی، <أقضی> و نیز می تواند از <حکمه> گرفته شده باشد; یعنی، حکیم تر. در برداشت یاد شده، معنای دوم مورد نظر است; گرچه <حاکمین> بر معنای <قضاوت کنندگان> تطبیق یافته است.

۳ - برتری قضاوت خداوند بر داوری دیگران و حکمت آمیز بودن آن ، حقیقتی روشن و غیر قابل انکار است .

ألیس اللّه بأحکم الحکمین

همزه استفهام در <ألیس>، برای تقریر و بیانگر وضوح مفاد آیه است.

۵ - توجّه به حکمت برتر خداوند ، زمینه ساز پذیرش معاد

فما یکذّبک بعد بالدین . ألیس اللّه بأحکم الحکمین

۴ - جزا دادن به اعمال ، کاری بس حکیمانه و لازمه بی نظیر بودن قضاوت های خداوند است .

فما یکذّبک بعد بالدین . ألیس اللّه بأحکم الحکمین

برداشت یاد شده، ناظر به ارتباط این آیه با آیه قبل است که در آن، کلمه <دین> آمده بود، راغب در <مفردات> می گوید: کلمه <دین> در مورد <طاعت> و <جزا> گفته می شود و در معنای <شریعت> نیز به صورت استعاره به کار می رود.

۶ - سرآمدبودن داوری های خداوند و حکیمانه بودن آن ، دلیل ضروری بودن ارشاد های دینی است .

فما یکذّبک بعد بالدین . ألیس اللّه بأحکم الحکمین

دخالت در قضاوت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۸ - ۸

۸ - عدم دخالت غیرخدا ، در قضاوت ها و داوری های او

إنّ ربّک یقضی بینهم بحکمه

قید <بحکمه> می تواند از نظر معنا تأکیدی بر عدم دخالت غیرخدا در قضاوت های او باشد.

درخواست قضاوت خدا

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۹ - ۲۵

۲۵ شعیب (ع) پس از یأس از ایمان مردم کفرپیشه با دعا به درگاه خداوند از وی خواست تا بین او و کفرپیشگان قضاوت کند .

ربنا افتح بیننا و بین قومنا بالحق و أنت خیر الفتحین

از معانی کلمه <فتح> داوری کردن و قضاوت نمودن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۱۲ - ۱

۱- درخواست پیامبر (ص) از پروردگار در باره داوری به حق ، بین خود و مشرکان و کافران حق ناپذیر

قل ربّ احکم بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۸ - ۱

۱ - نوح (ع) خواستار داوری و فیصله دادن به نزاع میان خود و قوم تکذیب گرش از درگاه خداوند

قال ربّ إنّ قومی کذّبون . .. فافتح بینی و بینهم فتحًا

<فتح> (مصدر <افتح>) معادل <فُتاحه> و به معنای حکم کردن و فیصله دادن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۷ - ۲

۲ - موسی (ع) ، داوری میان خود و فرعونیان را به خداوند حواله کرد .

و قال موسی ربّی أعلم

وقتی موسی(ع) با ارائه معجزات روشن و غیر قابل انکار، با تکذیب فرعونیان روبه رو شد؛ چاره ای ندید جز این که خدا را به داوری میان خود و آنان بخواند.

درخواست قضاوت عادلانه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۲۲ – ۸

۸ – توصیه شاکیان و

نزاع کنندگان به داوران ، مبنی بر رعایت حق و عدل در داوری ، امری بایسته و سزاوار

فاحکم بیننا بالحقّ و لاتشطط

دعوت به قضاوت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۸ - ۱

۱ - دسته ای از منافقان صدراسلام ، هنگام فراخوانده شدن برای داوری رسول خدا (ص) میان آنان ، از پذیرش آن خودداری می کردند .

و إذا دعوا إلی اللّه و رسوله لیحکم بینهم إذا فریق منهم معرضون

دلایل حقانیت قضاوت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۰ - ۶

۶ - شنوایی و بینایی مطلق خداوند ، دلیل به حق بودن داوری او در میان بندگانش

و اللّه یقضی بالحقّ . .. إنّ اللّه هو السمیع البصیر

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که جمله <إنّ اللّه هو السمیع البصیر>، در مقام تعلیل برای جمله < واللّه یقضی بالحقّ> می باشد.

ذکر قضاوت اخروی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۲ - ۱۰

۱۰ توجه به قضاوت و داوری خداوند در قیامت و باور به پاداش و مجازات در آن سرا ، آدمی را به استقامت در راه دین وامی دارد .

لقضی بینهم . .. إنّ کلاًّ لما لیوفینّهم أعملهم ... فاستقم کما أُمرت

رد قضاوت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۱ - ۳،۷

۳ نپذیرفتن پیامبر (ص) به عنوان حاکم و داور ، نشانه نفاق است .

و اذا قیل لهم تعالوا

الی ما انزل اللّه و الی الرّسول رایت المنافقین یصدّون عنک ص

۷ نفاق ، ریشه نپذیرفتن حاکمیت قضایی پیامبر (ص)

تعالوا . .. رایت المنافقین یصدّون عنک صدوداً

کلمه <المنـافقین> در آیه، اشـاره به ریشه اعمـال اعراض کننـدگان دارد. یعنی نفـاق منافقـان، عامـل گریز آنـان از حـاکمیت پیامبر (ص) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۵ - ۱،۱۳

۱ تأکید و سوگند خداوند بر بی ایمانی کسانی که حاکمیّت پیامبر (ص) را در اختلافات نپذیرند .

فلا و ربّک لا یؤمنون حتّی یحکّموک فیما شجر بینهم

۱۳ تسلیم نبودن در برابر احکام قضایی پیامبر (ص) ، نشانه بی ایمانی است .

فلا و ربّک لا یؤمنون حتّی یحکّموک . .. و یسلّموا تسلیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۳ - ۸،۱۰

۸ گروهی از یهودیان ، بی اعتنا به حکم خدا در تورات و رویگردان از حکم پیامبر (ص) پس از مراجعه به آن حضرت

و کیف یحکمونک و عندهم التوریه فیها حکم اللّه ثم یتولون من بعد ذلک

۱۰ یهودیان اعراض کننده از حکم رسول خدا (ص) ، مردمی بی ایمان

ثم یتولون من بعد ذلک و ما أولئک بالمؤمنین

برداشت فوق بر این مبنـاست که <ذلـک> اشاره باشـد به حکم رسول خـدا که از <یحکمونک> به دست می آیـد. گفتنی است که بر این مبنا، <یتولون> عطف بر <یحکمونک> می باشد.

روش قضاوت مشرکان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۴۴

٣ - داوری مشرکان صدراسلام ، سطحی و براساس ملاک های مادی و غفلت آنان از معادلات فرا مادی بود .

أم یقولون نحن جمیع منتصر

اتکای مشرکان بر جمیعت خویش، نشانه سطحی نگری آنان در محاسبات است.

زمینه قضاوت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٨ - هود - ١١ - ١١٠ - ۵

۵ اختلاف انسان ها در پذیرش و عدم پذیرش کتاب های آسمانی ، مقتضی داوری خداوند میان آنان و زمینه ساز پیامد های آن داوری (پاداش و کیفر) است .

فاختلف فیه و لولا کلمه سبقت من ربک لقضی بینهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١٣ - قصص - ٢٨ - ٣٧ - ٣

٣ - ربوبیت خدا ، مقتضی داوری میان پیامبران و تکذیبگران رسالت ایشان

و قال موسی ربّی أعلم بمن جاء بالهدی

زمینه قضاوت صحیح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١۵ - سبأ - ٣۴ - ۶ - ٧

٧ - لازمه علم و آگاهی ، قضاوت صحیح و واقع بینانه درباره تعالیم نازل شده از جانب خداوند است .

و یری الذین أُوتوا العلم الذی أُنزل إلیک من ربّک هو الحقّ

سرزنش قضاوت ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۶ - ۱۱

۱۱ داوری و سخن گفتن درباره خداوند، آنگاه که مبتنی بر حدس و گمان باشد، کاری نکوهیده است.

و جعلوالله . .. ساء ما يحكمون

سرعت در قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۲ - ۹

۹ سرعت در حسابرسی و قضاوت و

حکم، معیاری مهم و اساسی در نظام قضائی شایسته

ألا له الحکم و هو أسرع الحسبین

بیان سرعت حسابرسی به عنوان یکی از ویژگیهای مهم در حکم و قضاوت خداوند، گویای رجحان و مزیت قضاوت و حکمی است که سرعت هر چه بیشتر و بدون فوت وقت انجام پذیرد.

شرایط قبول قضاوت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۹ - ۱

۱ - منافقان صدراسلام ، تنها در صورتی که داوری پیامبر (ص) به نفع آنان بود ، به آن تن می دادند .

و إن یکن لهم الحقّ یأتوا إلیه مذعنین

<اذعان> به معنای <انقیاد> و <مذعنین> به معنای <منقادین> (فرمان برداران و اطاعت کنندگان) است.

شرایط قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۹ - ۱۹

۱۹ عدم صلاحیت دادگاههایی که در آن بر اساس قانونی غیر از قوانین اسلام (قرآن و سنت) حکم می شود .

فان تنازعتم فی شیء فردّوه الی اللّه و الرّسول ان کنتم تؤمنون باللّه و الیوم الاخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۴۵،۴۷

۴۵ نفوذ و اعتبار قوانین و داوری ها ، در گرو پی ریزی آنها بر پایه مقررات الهی

و من لم یحکم بما أنزل اللّه فأولئک هم الکفرون

لازمه وجوب داوری و قانونگذاری بر اساس احکام الهی، بی اعتبار دانستن احکامی است که بر پایه احکامی غیر الهی بنا شده باشد.

۴۷ آگاهی به احکام و مقررات الهی ، معیار صلاحیت داوران و حاکمان

و من لم یحکم بما أنزل اللّه

فأولئك هم الكفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۵ - ۱۸

۱۸ نفوذ و اعتبار قوانین و داوری ها ، در گرو پی ریزی آنها بر پایه مقررات الهی

و من لم یحكم بما أنزل اللّه فأولئك هم الظلمون

لازمه وجوب داوری و قانونگذاری بر اساس احکام الهی، بی اعتبار دانستن احکامی است که بر پایه احکامی غیر الهی بنا شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۸ - ۱۸،۱۹

۱۸ لزوم پایبندی به حق در حکم و داوری و پرهیز از تمایلات نفسانی افراد

فاحكم بینهم بما أنزل اللّه و لاتتبع اهواءهم عما جاءك من الحق

۱۹ قضاوت بر اساس احکام الهی در گرو پرهیز از تمایلات و هوا های نفسانی منحرفان

فاحكم بینهم بما أنزل اللّه و لاتتبع اهواءهم

نهی <لاتتبع> پس از <فاحکم> برای تفهیم این معناست که در صورت تبعیت از خواسته دیگران، قضاوت بر اساس احکام الهی میسر نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۹ - ۵،۶

۵ خداوند ، بر حذر دارنده پیامبر (ص) از پیروی تمایلات نفسانی اهل کتاب در قضاوت

و لاتتبع اهواءهم

۶ حرمت پیروی و تأثیرپذیری از تمایلات نفسانی دیگران در حکم و قضاوت

و إن احكم بینهم بما أنزل اللّه و لاتتبع اهواءهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۷ - ۱۰

۱۰ رعایت قسط در قضاوت و داوری ، لازم و ضروری است .

قضی بینهم بالقسط

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۰ - ۸

۸- توقف داوری صحیح و تعیین مراتب و درجات ، بر آگاهی کامل

ثمّ لنحن أعلم بالذین هم أولی بها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۹ - ۵

۵- عهده دار شدن منصب قضا ، نیازمند برخورداری از صلاحیت علمی است .

و کلاًّ ءاتینا حکمًا و علمًا

اعطای علم پس از منصب قضاوت، می تواند گویای این حقیقت باشد که قضاوت باید همراه با علم باشد; هر چند <علم> در آیه شریفه دارای معنای عام بوده و منحصر به علم قضا نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۷ - ۹

۹ - قضاوت و داوری ، نیازمند به آگاهی و اطلاعات کافی است .

إنّ اللّه یفصل بینهم . .. إنّ اللّه علی کلّ شیء شهید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۸ - ۹

۹ - قدرت اجرایی و آگاهی عمیق به جوانب امر ، دو پایه اصلی در کار قضاوت و داوری

إنّ ربّک یقضی . .. و هو العزیز العلیم

از این که خداوند پس از بیان قضاوت گری خویش، دو وصف <عزیز> و <علیم> را برای خود بیان کرده است، می توان مطلب فوق را استفاده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۸۶ – ۱۵

۱۵ – لزوم پرهیز از داوری در مسائل ، در صورت ابهام و فقدان برهان علمی برای انسان (در جهت رد یا اثبات آن) ٭

أكذّبتم بايتی و لم تحيطوا

بها علمًا. .. ألم يروا أنّا جعلنا الّيل ليسكنوا فيه

تذكر خداوند به لزوم ساكن شدن انسان به هنگام تيرگى شب، پس از يادآورى محاكمه كافران به خاطر تكذيب جاهلانه آيات او، مى تواند بيانگر ارتباطى باشد ميان حركت نكردن انسان در شب و لزوم توقف و داورى نكردن در مسائلى كه دليل روشنى براى آن ندارد. گفتنى است كه نكته ياد شده برگرفته از تفسير الميزان است.

شرايط قضاوت به حق

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۰ - ۷

۷ - حق شنوى ، بصيرت و آگاهى همه جانبه از موضوع مورد داورى ، از شرايط داورى به حق

واللّه يقضى بالحقّ . .. إنّ اللّه هو السميع البصير

برخى از مفسران برآنند كه يادآورى سميع و بصيربودن خداوند در داورى، مى تواند اشاره به مطلب بالا باشد.

شرايط قضاوت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - تين - ۹۵ - ۸ - ۴

۴ - جزا دادن به اعمال ، كارى بس حكيمانه و لازمه بى نظير بودن قضاوت هاى خداوند است .

فما يكذّبك بعد بالدين . أليس اللّه بأحكم الحكمين

برداشت ياد شده، ناظر به ارتباط اين آيه با آيه قبل است كه در آن، كلمه <دين> آمده بود، راغب در <مفردات> مى گويد: كلمه <دين> در مورد <طاعت> و <جزا> گفته مى شود و در معناى <شريعت> نيز به صورت استعاره به كار مى رود.

شك در قضاوت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۰ - ۵

۵ – منافقان صدراسلام ، نسبت به عادلانه بودن

احکام الهی و داوری پیامبر (ص) ، در شک و تردید به سر می برند .

أم یخافون أن یحیف اللّه علیهم و رسوله

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که <بل> در <بل أُولئک. ..> برای اضراب انتقالی باشد نه ابطالی.

شگفتی قضاوت مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۵۴ - ۱،۲

۱ - داوری و دیدگاه مشرکان درباره خداوند ، بی اساس و شگفت آور است .

أصطفی البنات علی البنین . ما لکم کیف تحکمون

استفهام در آیه شریفه، از نوع استفهام انکاری و تعجبی است.

۲ - انتساب برگزیدن دختر به خداوند به جای پسر داوری ناشایست و شگفت آور

أصطفی البنات علی البنین . ما لکم کیف تحکمون

ظلم در قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۸ - ۷،۱۷

۷ یهود ، خائن به امانت ها و داورانی ستمگر

یقولون . .. هؤلاء اهدی من الذین امنوا ... اذا حکمتم بین النّاس ان تحکموا بالعدل

جمله <ان تحکموا بالعدل> می تواند اشاره باشد به حکومت و قضاوت ناعادلانه یهود درباره مؤمنان ; آنگاه که راه مشرکان را به صواب نزدیکتر معرفی کردند.

۱۷ هشدار خداوند به خیانتکاران در امانت و ستمگران در قضاوت

انّ اللّه . .. انّ اللّه کان سمیعاً بصیراً

ظن در قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۶ - ۱۱

۱۱ داوری و سخن گفتن درباره خداوند، آنگاه که مبتنی بر حدس و گمان باشد، کاری نکوهیده است.

و جعلوالله . .. ساء ما یحکمون

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – حجرات – ۴۹ – ۱۲ – ۶

۶ – کافی نبودن گمان ، برای متهم ساختن انسان مؤمن و داوری علیه او

اجتنبوا کثیرًا من الظنّ إنّ بعض الظنّ إثم

عادلانه ترین قضاوت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۴۵ – ۶

۶ حکم و قضاوت خداوند ، متقن ترین و عادلانه ترین حکم ها و قضاوتهاست .

و أنت أحکم الحکمین

عبرت از قضاوت داود(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۲۱ – ۲

۲ – ماجرای گروه شکایت کننده و متخاصم در نزد داوود (ع) ، درس آموز برای پیامبراسلام (ص)

و هل أتیک نبؤا الخصم

از تشویق شدن پیامبر(ص) به مطالعه در این ماجرا، برداشت یاد شده استفاده می شود.

عدالت در قضاوت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۵۸ – ۱۱،۱۰،۹،۸،۵،۴

۴ وجوب مراعات عدالت و قضاوت

انّ اللّه یأمرکم . .. و اذا حکمتم بین النّاس ان تحکموا بالعدل

۵ اهمیّت خاص عدل و داد در قضاوت ها و داوریها

انّ اللّه یأمرکم . .. و اذا حکمتم بین النّاس ان تحکموا بالعدل

۸ مراعات عدل و داد در قضاوت ، حق تمامی انسانها

و اذا حکمتم بین النّاس ان تحکموا بالعدل

۹ لزوم تشکیل حکومت و برقراری نظام قضایی عادلانه در جامعه اسلامی *

انّ اللّه یأمرکم ان تؤدّوا الامانات الی اهلها و اذا حکمتم بین النّاس ان تحکموا ب

لازمه ادای امانت به اهلش و سپردن مسؤولیتها به افراد لایق و قضاوت عادلانه

در میان مردم، وجود تشکیلات حکومتی و قضایی میان مردم است.

۱۰ ادای امانت به صاحبان آن و رعایت عدالت در قضاوت ، از مصادیق اعمال صالح

و الذین امنوا و عملوا الصالحات . .. انّ اللّه یأمرکم ان تؤدّوا الامانات الی اهله

ظاهراً جمله <انّ اللّه> پس از جمله <عملوا الصالحات>، اشاره به برخی از مصادیق اعمال صالح دارد که همان ادای امانت و قضاوت عادلانه می باشد.

۱۱ فرمان به ادای امانت به اهل آن و قضاوت عادلانه ، از مواعظ بسیار نیکوی الهی به مردم

انّ اللّه یأمرکم . .. انّ اللّه نعمّا یعظکم به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۵ - ۸

۸ برقراری نظام قضایی عادلانه و برحق در جامعه بشری ، از اهداف نزول قرآن

إنّا انزلنا إلیک الکتب بالحق لتحکم بین الناس

توصیف قرآن به حق بودن، بیانگر این است که قضاوت نیز، که از اهداف نزول قرآن است، همواره قرین حق و عادلانه خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۲ - ۱۳

۱۳ انسان باید به هنگام سخن گفتن (شهادت دادن، داوری کردن و . ..) به عدالت سخن گوید.

و إذا قلتم فاعدلوا

جمله <و لو کان ذاقربی> می تواند بیانگر این باشد که مراد از سخن در اینجا سخنی است که زمینه نفع و ضرر را برای خود و یا دیگران در بر داشته باشد; مانند شهادت، داوری و . .. .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۱ - ۵

۵ باید گروهی از

انسان ها و جنیان عهده دار هدایت همنوعان خویش باشند و به عدالت در میان آنان داوری کنند .

و ممن خلقنا أمه یهدون بالحق و به یعدلون

برداشت فوق بر این اساس است که جمله های <یهدون> و <یعدلون> به صورت انشا ایراد شده باشد. بر این مبنا آیه شریفه حاوی دستوری است به انسانها و جنیان که گروهی از آنان باید عهده دار هدایتگری و عدالت گستری باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۶ - ۹

۹ داور ماجرای یوسف (ع) و زلیخا ، علی رغم خویشی او با زلیخا ، بی طرفی کامل را رعایت کرد ، و قضاوتی بر حق ارائه نمود .

و شهد شاهد من أهلها إن کان قمیصه قُدّ من قُبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۶ - ۶

۶- انتقاد از خود و انصاف در قضاوت نسبت به خویشتن و پذیرش مسؤولیت عملکرد خود ، از صفات ارزشمند و شایسته است .

إن سألتک عن شیء بعدها فلاتصحبنی قد بلغت من لدنّی عذرًا

موسی(ع) با وجود آن که در مرحله قبل، عذر نسیان را مطرح کرد، ولی در این مرحله، اولاً، مسؤولیت عمل خود را بر عهده گرفت و ثانیاً، در مورد خود، رأیی منصفانه صادر کرد و خضر(ع) را در جدا شدن از او، محق دانست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۰ - ۹

۹ - خدا و رسول او ، در داوری و حکمشان به احدی ، حتی منافقان ، ستم روا نمی دارند

.

أم يخافون أن يحيف اللّه عليهم و رسوله بل أُولئك هم الظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۶ - ۱۴

۱۴ - قدرت و علم همه جانبه خداوند ، پشتوانه داورى عادلانه او در ميان بندگان

قل اللّهمّ فاطر السموت . .. علم الغيب و الشهده أنت تحكم

ذكر داورى خداوند، پس از ياد كردن از خالقيت و علم همه جانبه او، مى تواند گوياى مطلب ياد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۵ - ۷

۷ - داورى ميان مردم در قيامت ، بر پايه حق و عادلانه خواهد بود .

و قضى بينهم بالحقّ

عدالت در قضاوت اخروى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۹ - ۱۲

۱۲ - داورى ميان مردم در قيامت ، عادلانه بوده و به كسى ستم نخواهد شد .

و هم لايظلمون

عرصه قضاوت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۰ - ۶،۷

۶ خداوند ، حيات دنيا را عرصه داورى خويش ميان گروندگان به كتاب هاى آسمانى و منكران آنها ، قرار نداده است .

لولا کلمه سبقت من ربک لقضی بینهم

مراد از <کلمه> امری است که خداوند مقدر کرده و آن بقای انسانها و سپری کردن حیات دنیوی است. آیاتی نظیر <و لکم فی الأرض مستقر و متاع إلی حین; شما انسانها تا مدتی (تا سپری شدن حیات دنیا) در زمین مستقر خواهید بود و از اسباب معیشت بهره خواهید برد. بقره/۳۶.> گویای آن تقدیر و کلمه است.

۷ امتناع

خداوند از داوری میان حق و باطل در عرصه حیات دنیوی ، بر اساس تقدیری است که خود مقرر کرده است .

لولا کلمه سبقت من ربک لقضی بینهم

عقل در قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴ - ۱۴

۱۴ برانگیختن عقل و وجدان به داوری، از روشهای قرآن در احتجاج

قل أغیر اللّه أتّخد ولیا فاطر السموت و الأرض

عقیده به قضاوت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۰ - ۱۳

۱۳ لاوی به خداوند و برتری او در حکم و قضاوت معتقد بود .

قال . .. أو یحکم الله لی و هو خیر الحکمین

علم در قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۹ - ۷

۷ در دادگاه قیامت ، قضاوت بر اساس علم همه جانبه خداوند است و جایی برای وکیل مدافع نیست .

و کان اللّه بما یعملون محیطاً . .. فمن یجدل اللّه عنهم یوم القیمه ام من یکون علی

<وکیل> به کسی گفته می شود که کارهای دیگری را بر عهده می گیرد و امور وی را تدبیر می کند و مراد از آن در آیه وکالت در دفاع خواهد بود که از آن به وکیل مدافع تعبیر می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۷۹ – ۵

۵– عهده دار شدن منصب قضا ، نیازمند برخورداری از صلاحیت علمی است .

و کلًّا ءاتینا حکمًا و علمًا

اعطای علم پس از منصب قضاوت، می تواند گویای این حقیقت باشد

که قضاوت باید همراه با علم باشد; هر چند <علم> در آیه شریفه دارای معنای عام بوده و منحصر به علم قضا نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۷ - ۹

۹ - قضاوت و داوری ، نیازمند به آگاهی و اطلاعات کافی است .

إنّ اللّه یفصل بینهم . .. إنّ اللّه علی کلّ شیء شهید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۸ - ۹

۹ - قدرت اجرایی و آگاهی عمیق به جوانب امر ، دو پایه اصلی در کار قضاوت و داوری

إنّ ربّک یقضی . .. و هو العزیز العلیم

از این که خداوند پس از بیان قضاوت گری خویش، دو وصف <عزیز> و <علیم> را برای خود بیان کرده است، می توان مطلب فوق را استفاده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۶ - ۱۵

۱۵ - لزوم پرهیز از داوری در مسائل ، در صورت ابهام و فقدان برهان علمی برای انسان (در جهت رد یا اثبات آن) *

أکذّبتم بایتی و لم تحیطوا بها علمًا. .. ألم یروا أنّا جعلنا الّیل لیسکنوا فیه

تذکر خداوند به لزوم ساکن شدن انسان به هنگام تیرگی شب، پس از یادآوری محاکمه کافران به خاطر تکذیب جاهلانه آیات او، می تواند بیانگر ارتباطی باشد میان حرکت نکردن انسان در شب و لزوم توقف و داوری نکردن در مسائلی که دلیل روشنی برای آن ندارد. گفتنی است که نکته یاد شده برگرفته از تفسیر المیزان است.

فلسفه قضاوت

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۵ - ۲۱

۲۱ کناره گیری از داوری بر پایه احکام الهی ، مهمل گذاردن فلسفه نزول آن احکام

و من لم یحکم بما أنزل اللّه فأولئک هم الظلمون

قانونمندی قضاوت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۴ - ۱۲

۱۲ - حکم و قضاوت الهی درباره انسان ها ، دارای ضابطه و قانون تعیین شده

و لولا کلمه سبقت

قبول قضاوت رهبران دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۱ - ۴،۹

۴ - لبیک گفتن به دعوت خدا و رسول او و پذیرش بی چون و چرای داوری پیامبر (ص) و رهبران الهی ، از نشانه های ایمان واقعی و اوصاف مؤمنان راستین

إنّما کان قول المؤمنین إذا دعوا إلی اللّه و رسوله لیحکم بینهم أن یقولوا سمعنا و

۹ - مؤمنان راستین در همه حال ، پذیرای داوری پیامبر (ص) و رهبران الهی اند ، هر چند نتیجه این داوری بر ضرر آنان باشد .

و إن یکن لهم الحقّ یأتوا إلیه مذعنین . .. ا...نّما کان قول المؤمنین إذا دعوا... أن

آیات پیشین، درباره این مسأله بود که منافقان، تنها آن گاه به حکم خدا و رسول او تن در می دادند که این حکم، به نفع آنان باشد; ولی در آیه شریفه آمده است که: مؤمنان بی چون و چرا به این حکم گردن می نهادند. بنابراین از مقابله میان گروه منافقان و مؤمنان، می توان برداشت فوق را به دست آورد.

قبول قضاوت رهبری

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۵ - ۱۴

۱۴ تسلیم در برابر احکام و داوری های حاکمان حق ، از علایم ایمان است . *

فلا و ربّك لا یؤمنون حتّی یحکّموك . .. و یسلّموا تسلیماً

چون امر قضاوت همیشگی و احکام قرآن جاودانی است و پیامبر (ص) در همه ادوار حضور ندارد، بنابراین آیه مزبور شامل همه رهبران الهی و جانشینان بحق آن حضرت خواهد بود.

قبول قضاوت طاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۰ - ۱۷،۲۱

۱۷ مراجعه به طاغوت ها برای داوری ، ایمان به آنان و تأیید ظلم و تجاوزگری آنان است .

یریدون ان یتحاکموا الی الطّاغوت و قد امروا ان یکفروا به

۲۱ ارجاع داوری به طاغوت ، نشانه دروغگویی در ادّعای ایمان

الم تر الی الّذین یزعمون انّهم امنوا

امام صادق (ع) فرمود: . .. اما علمت ان کل زعم فی القرآن کذبٌ.

کافی، ج ۲، ص ۳۴۲، ح ۲۰ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۰۸، ح ۳۶۲.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۲ - ۱۲

۱۲ تظاهر منافقان به اینکه مراجعه آنان به طاغوت برای قضاوت ، از سر بی ایمانی به پیامبر (ص) نبوده است .

یریدون ان یتحاکموا الی الطّاغوت . .. ان اردنا الّا احساناً و توفیقاً

مفهوم جمله <ان اردنا> این است که قصد ما اعراض از حکم پیامبر (ص) نبوده است، بلکه می خواستیم بین طرفین دعوا صلح دهیم و به آنان نیکی کرده باشیم.

قبول قضاوت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۵ - ۸

۸ پذیرش حاکمیّت قضایی پیامبر (ص) در مشاجرات و التزام قلبی به حکم آن حضرت ، از علایم ایمان

فلا و ربّک لا یؤمنون حتّی یحکّموک فیما شجر بینهم ثمّ لا یجدوا فی انفسهم حرجاً مم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۶ - ۱۲

۱۲ ارجاع داوری به پیامبر ، خشنودی از حکم وی و تسلیم کامل در برابر ایشان ، سعادت و ثبات ایمان را در پی خواهد داشت .

فلا و ربّک . .. و لو انّهم فعلوا ما یوعظون به لکان خیراً لهم و اشدّ تثبیتاً

بنابر اینکه <ما یوعظون> مطالب بیان شده در آیه قبل باشد و نه قتل و هجرت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۷ - ۱

۱ ارجاع داوری به پیامبر (ص) و دلتنگ نشدن از حکم و قضاوت وی ، در پی دارنده پاداش بزرگ خداوند

فلا و ربّک . .. اذاً لأَتیناهم من لدنّا اجراً عظیماً

برداشت فوق بر این مبناست که مراد از <ما یوعظون> همان مسائلی باشد که در آیه ۶۵ مطرح شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۸ - ۲

۲ ارجاع داوری به پیامبر (ص) و رضایت از حکم وی و تسلیم او بودن ، از عوامل هدایت و دستیابی به صراط مستقیم است .

حتی یحکّموک . .. و لو انّهم فعلوا ما یوعظون به ... و لهدیناهم صراطا مستقیما

بنابر اینکه

مراد از <ما یوعظون به . .. >، همان مسائلی باشد که در آیه ۶۵ مطرح شده است; یعنی پذیرش حاکمیت پیامبر (ص) و...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۵ - ۷

۷ پذیرش احکام قضایی پیامبر (ص) و همسویی با مؤمنان ، شرط نجات از عذاب دوزخ

و من یشاقق الرسول من بعد ما تبیّن له الهدی و یتبع غیر سبیل المؤمنین

با توجه به آیات قبل، مخالفت و موافقت با احکام قضایی پیامبر(ص)، از مصادیق مورد نظر در آیه شریفه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۹ - ۱۸

۱۸ رهایی از کیفر گناهان ، در گرو پذیرش احکام الهی و قضاوت های پیامبر (ص)

فان تولوا فاعلم انما یریداللّه ان یصیبهم ببعض ذنوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۱ - ۱،۳،۴،۹

۱ - < حرف شنوا و مطیع هستیم > ، تنها سخن همیشگی مؤمنان راستین در برابر فرا خوانده شدن آنان به پذیرش حکم خدا و داوری پیامبر (ص)

إنّما کان قول المؤمنین إذا دعوا إلی اللّه و رسوله لیحکم بینهم أن یقولوا سمعنا و

فعل مضارع <یقولوا> همراه با فعل <کان> بر استمرار و کلمه <إنّما> که اصطلاحاً آن را قصر افرادی می گویند بر حصر دلالت می کند.

۳ - مؤمنان راستین ، پذیرای بی چون و چرای داوری پیامبر (ص) هستند .

إنّما کان قول المؤمنین إذا دعوا إلی اللّه و رسوله لیحکم بینهم أن یقولوا سمعنا و

۴ -

لبیک گفتن به دعوت خدا و رسول او و پذیرش بی چون و چرای داوری پیامبر (ص) و رهبران الهی ، از نشانه های ایمان واقعی و اوصاف مؤمنان راستین

إنّما کان قول المؤمنین إذا دعوا إلی اللّه و رسوله لیحکم بینهم أن یقولوا سمعنا و

۹ - مؤمنان راستین در همه حال ، پذیرای داوری پیامبر (ص) و رهبران الهی اند ، هر چند نتیجه این داوری بر ضرر آنان باشد .

و إن یکن لهم الحقّ یأتوا إلیه مذعنین . .. ا...نّما کان قول المؤمنین إذا دعوا... أن

آیات پیشین، درباره این مسأله بود که منافقان، تنها آن گاه به حکم خدا و رسول او تن در می دادند که این حکم، به نفع آنان باشد; ولی در آیه شریفه آمده است که: مؤمنان بی چون و چرا به این حکم گردن می نهادند. بنابراین از مقابله میان گروه منافقان و مؤمنان، می توان برداشت فوق را به دست آورد.

قدرت در قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۸ - ۹

۹ - قدرت اجرایی و آگاهی عمیق به جوانب امر ، دو پایه اصلی در کار قضاوت و داوری

إنّ ربّک یقضی . .. و هو العزیز العلیم

از این که خداوند پس از بیان قضاوت گری خویش، دو وصف <عزیز> و <علیم> را برای خود بیان کرده است، می توان مطلب فوق را استفاده کرد.

قضاوت آل ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۴ - ۱۱

۱۱ نبوّت ، فهم ، منصب قضاوت و لزوم اطاعت

مردم ، داده های خداوند به خاندان ابراهیم (ع)

فقد اتینا ال ابرهیم الکتب و الحکمه و اتیناهم ملکاً عظیماً

امام صادق (ع) در پاسخ سؤال از آیه فوق درباره <الکتاب> فرمود: النّبوه، و درباره <الحکمه> فرمود: الفهم و القضاء، و درباره <ملکاً عظیماً> فرمود: الطّاعه.

کافی، ج ۱، ص ۲۰۶، ح ۳ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۹۱، ح ۳۰۳ ; تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۴۸، ح ۱۶۰.

قضاوت ابراهیم(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۸۹ – ۲

۲ نوح، ابراهیم، اسحاق، یعقوب، داوود، یوسف، موسی و هارون(ع) بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئک الذین ءاتینهم الکتب و الحکم و النبوه

<أولئک> اشاره به انبیای مذکور در آیات قبل است.

قضاوت اخروی بر مشرکان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۶۹ – ۱

۱ – قیامت ، روز داوری میان مؤمنان و مشرکان

اللّه یحکم بینکم یوم القیمه

خطاب در آیه یاد شده از جانب خدا به عموم مؤمنان و مشرکان است. <حکم> (مصدر <یحکم>) به معنای قضاوت و داوری کردن است; یعنی، <خدا در قیامت، میان شما مؤمنان و مشرکان داوری خواهد کرد...>.

قضاوت اخروی بر مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۹ - ۱

۱ - قیامت ، روز داوری میان مؤمنان و مشرکان

اللّه یحکم بینکم یوم القیمه

خطاب در آیه یاد شده از جانب خدا به عموم مؤمنان و مشرکان است. <حکم> (مصدر <یحکم>) به معنای قضاوت و داوری کردن است; یعنی، <خدا

در قیامت، میان شما مؤمنان و مشرکان داوری خواهد کرد...>.

قضاوت اخروی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۳ - ۱۶،۱۷،۱۹

۱۶ - خداوند ، داور و حاکم در صحنه قیامت است .

فاللّه یحکم بینهم یوم القیمه

۱۷ - خداوند ، در قیامت میان یهود ، نصارا و مشرکان داوری کرده آنان را بسزای گفته ها و اتهام های ناروایشان خواهد رساند .

فاللّه یحکم بینهم یوم القیمه فیما کانوا فیه یختلفون

مراد از حکومت و داوری خدا در قیامت، مجرد بیان حق نیست; زیرا خداوند حقایق را با نازل کردن قرآن بیان داشته و آیه مورد بحث نیز پندار باطل یهود و نصارا را روشن ساخته است. بنابراین، مقصود از <یحکم ...> به کیفر رساندن متخلفان است.

۱۹ - حقایق ، در پرتو داوری خداوند در قیامت ، بر همگان آشکار می شود .

فاللّه یحکم بینهم یوم القیمه فیما کانوا فیه یختلفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۳ - ۱۳،۱۴،۱۵

۱۳ خداوند ، در قیامت نسبت به اختلافات بنی اسرائیل ، داوری خواهد کرد .

و لقد بوّأنا بنی إسرءیل . .. إن ربک یقضی بینهم یوم القیمه فیما کانوا فیه یختلفون

۱۴ قیامت ، روز داوری خداوند است .

إن ربک یقضی بینهم یوم القیمه

۱۵ ربوبیت الهی ، مقتضی داوری نسبت به اختلافات مردم در قیامت

إن ربك يقضى بينهم يوم القيمه فيما كانوا فيه يختلفون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۱ - ۱

۱ خداوند در قيامت ، ميان مؤمنان به كتاب هاى

آسمانی و انکار کنندگان آن قضاوت خواهد کرد .

و لولا کلمه سبقت . .. و إنّ کلاًّ لما لیوفینّهم ربک أعملهم

مراد از <کلاًّ> به قرینه <فاختلف فیه> در آیه قبل مؤمنان به کتابهای آسمانی و انکار کنندگان آن است و به قرینه <لولا . .. لقضی بینهم> معلوم می شود که خداوند در صحنه قیامت، پیش از پاداش دهی و به کیفررسانی، میان انسانها داوری خواهد کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۲ - ۱۳

۱۳- پیمان شکنان ، مورد مؤاخذه و داوری خداوند در قیامت ، قرار خواهند گرفت .

تتّخذون أیمنکم دخلاً . .. و لیبیّننّ لکم یوم القیمه ما کنتم فیه تختلفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۴ - ۶۵

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۷ - ۱،۴،۸

۱ - داوری خداوند میان : مسلمانان ، یهودی ها ، نصارا ، صابئین ، مجوسی ها و مشرکان در قیامت

إنّ الذین ءامنوا و الذین هادوا و الصبئین و النصری و المجوس و الذین أشرکوا إنّ

<فصل> (مصدر <یفصل>) به معنای جدا کردن دو یا چند چیز از یکدیگر است. جدا کردن فرقه های یاد شده از یکدیگر در قیامت، کنایه از داوری میان آنان است. گفتنی است که چون داوری میان دو یا چند گروه متخاصم منجر به جدا شدن آنان از یکدیگر می شود، به آن فصل خصومت و به قاضی فاصل می گویند.

۴ - داوری میان مردم در روز بازپسین ، در اختیار خداوند است .

إنّ

اللّه یفصل بینهم یوم القیمه

۸ - داوری خدا میان مردم در قیامت ، مبتنی بر نظارت و آگاهی همه جانبه او بر افکار و اعمال آنان است .

إنّ الذین ءامنوا و الذین هادوا . .. إنّ اللّه یفصل بینهم یوم القیمه إنّ اللّه ع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۶ - ۳،۶

۳ - خدا ، حاکم و داور روز قیامت

الملک یومئذ للّه یحکم بینهم

۶ - ورود اهل ایمان به بهشت پس از پایان داوری خدا میان آنان و کافران

یحکم بینهم فالذین ءامنوا . .. فی جنّت النعیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۹ - ۲

۲ - خدا ، داور روز قیامت

اللّه یحکم بینکم یوم القیمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۸ - ۴

۴ - داوری قطعی خدا در قیامت ، علیه طرف تخلف کننده از قرارداد

و اللّه علی ما نقول وکیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۵ - ۳

۳ - خدای بزرگ ، خود عهده دار محاکمه و بازجویی جوامع شرک پیشه در قیامت

فیقول أین شرکاءی . .. و نزعنا من کلّ أمّه شهیدًا فقلنا هاتوا برهنکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۲۳ – ۱۷

۱۷ – کیفر و داوری خدا ، در روز قیامت ، متکّی به علم خویش به نیات و مقاصد محاکمه شوندگان است .

فنبّئهم بما عملوا إنّ اللّه علیم بذات الصدور

<إنّ اللّه علیم. ..> به منزله تعلیل

است برای مفاد <ننبّئهم...> که مجازات است و حکایت از نکته یاد شده می کند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۲۵ – ۱

۱ – خداوند ، تنها داوری کننده در قیامت ، در میان مذاهب گوناگون در مسائل مورد اختلاف آنان است .

إنّ ربّک هو یفصل بینهم یوم القیمه فیما کانوا فیه یختلفون

<فصل> (مصدر فعل <یفصل>) به معنای جدا کردن دو چیز از هم است، به گونه ای که میان آنها فاصله بیفتد (مفردات راغب). و مراد از آن داوری و حل اختلاف کردن است. لازم به ذکر است که ضمیر جمع <بینهم> و <کانوا فیه یختلفون> بر این دلالت می کند که داوری خداوند میان افراد و گروه های متعدد است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۲۶ – ۲

۲ – ربوبیت خداوند ، مقتضی جمع انسان ها در قیامت و داوری نهایی بین جریان حق و باطل

قل یجمع بیننا ربّنا ثمّ یفتح بیننا بالحقّ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۳۳ – ۷

۷ – امکان گفت و گوی مجرمان با یکدیگر ، در صحنه دادگاه الهی در قیامت

إذ الظلمون موقوفون عند ربّهم . .. و قال الذین استضعفوا للذین استکبروا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۳ – ۱۶

۱۶ – خداوند ، به اختلافات میان مشرکان و مؤمنان در روز رستاخیز ، داوری خواهد کرد .

إنّ اللّه یحکم بینهم فی ما هم فیه یختلفون

بیشتر مفسران بر این دیدگاه اند که مرجع

ضمیر <هم>، دو گروه مؤمنان و مشرکان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۱ - ۵،۶

۵ - خداوند ، بر جریان نزاع و مجادله مردمان در قیامت ، ناظر بوده و میان آنان به داوری خواهد پرداخت .

ثمّ إنّکم یوم القیمه عند ربّکم تختصمون

تعبیر <عند ربّکم> می تواند گویای این حقیقت باشد که خداوند، بر جریان نزاع مردم ناظر است و او تصمیم نهایی را خواهدگرفت و میان آنان داوری خواهد کرد.

۶ - داوری خداوند در روز رستاخیز میان مردم ، مقتضای ربوبیت او است .

ثمّ إنّکم یوم القیمه عند ربّکم تختصمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۵ - ۱۰

۱۰ - همه خلایق در قیامت ، به خاطر قضاوت به حق و عادلانه خداوند ، به حمد و ستایش او خواهندپرداخت .

و قضی بینهم بالحقّ و قیل الحمد للّه ربّ العلمین

برخی از مفسران بر این عقیده اند که حمد و ستایش خلایق در قیامت، به خاطر داوری به حق خداوند در میان آنان می باشد. ازاین رو این ستایش و حمد پس از قضاوت خداوند انجام خواهد گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۲ - ۵

۵ - همه داوری ها در قیامت ، از آنِ خدا است .

فالحکم للّه

الف و لام در <الحکم> برای جنس و مفید استغراق و شمول می باشد; یعنی، <کلّ حکم للّه>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۸ - ۵

۵ - قيامت ، روز داورى

و حاکمیت مطلق خداوند در میان بندگان

إنّ اللّه قد حکم بین العباد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۸ - ۹

۹ - قیامت ، روز داوری خداوند میان خلایق است .

فإذا جاء أمر اللّه قضی بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۲ - ۸

۸- داوری نافذ الهی در قیامت و ناتوانی همه نیرو ها در قبال آن ، نمود عزت و اقتدار یگانه او است .

إنّ یوم الفصل . .. یوم لایغنی ... إنّه هو العزیز الرحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۷ - ۷

۷ - داوری حتمی خداوند در قیامت ، نسبت به اختلاف های ناروا و تجاوزگرانه بنی اسرائیل

إنّ ربّک یقضی بینهم یوم القیمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۲ - ۳

۳ - خداوند ، مرجع نهایی داوری و قضاوت میان انسان ها در قیامت

و أنّ إلی ربّک المنتهی

در صورتی که آیه شریفه، ادامه آیات پیشین باشد که در مورد جزای اخروی سخن می گفت برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ – مجادله – ۵۸ – ۹ – ۱۰

۱۰ – خداوند ، فرمانروا و داور روز قیامت است .

و اتّقوا اللّه الذی إلیه تحشرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – مجادله – ۵۸ – ۱۸ – ۲،۳

۲ – داوری روز قیامت ، در اختیار خداوند است .

یوم یبعثهم اللّه جمیعًا فیحلفون له

ضمیر <له> به

خداوند بازمی گردد. این نشان می دهد که محاکمه مردم در قیامت، در پیشگاه خداوند صورت می پذیرد و هم او حاکم و داور آن روز است.

۳ - خداوند ، همه منافقان را بدون استثنا در روز رستاخیز ، برای محاکمه برخواهد انگیخت .

یوم یبعثهم اللّه جمیعًا فیحلفون له

کلمه <جمیعاً> می تواند تأکید برای ضمیر <هم> در <یبعثهم> باشد و نیز می تواند حال برای آن باشد. برداشت یاد شده بر پایه احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۳ - ۹

۹ - علم گسترده خداوند بر اعمال خلق ، ملاک داوری میان آنان در قیامت *

یوم القیمه یفصل بینکم و اللّه بما تعملون بصیر

از ارتباط <یفصل بینکم> درصورتی که <یفصل> به معنای <یحکم> (داوری خواهد کرد) باشد و <واللّه بماتعملون بصیر> مطلب بالا استفاده می شود.

قضاوت اسحاق(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۲

۲ نوح، ابراهیم، اسحاق، یعقوب، داوود، یوسف، موسی و هارون(ع) بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئک الذین ءاتینهم الکتب و الحکم و النبوه

<أولئک> اشاره به انبیای مذکور در آیات قبل است.

قضاوت اسماعیل(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۳

۳ زکریا، یحیی، عیسی، الیاس، اسماعیل، الیسع، یونس و لوط(ع)، بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئک الذین ءاتینهم الکتب و الحکم و النبوه

قضاوت الیاس(ع)

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۸۹ – ۳

۳ زکریا، یحیی، عیسی، الیاس، اسماعیل، الیسع، یونس و لوط(ع)، بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئک الذین ءاتینهم الکتب و الحکم و النبوه

قضاوت الیسع(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۸۹ – ۳

۳ زکریا، یحیی، عیسی، الیاس، اسماعیل، الیسع، یونس و لوط(ع)، بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئک الذین ءاتینهم الکتب و الحکم و النبوه

قضاوت امام علی(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۶۴ – ۱۵

۱۵ روی انه أتی عمر بحامل قد زنت فامر برجمها فقال له امیر المؤمنین(ع): هب لک سبیل علیها أیّ سبیل لک علی ما فی بطنها و الله تعالی یقول: <و لاتزر وازره وزر أخری . ..>.

روایت شده: زن حامله ای را که مرتکب زنا شده بود نزد عمر آوردند، وی دستور داد زن را سنگسار کنند. امیرالمؤمنین(ع) به وی فرمود: بر فرض که حق سنگسار کردن زن را داشته باشی، ولی چه حقی بر طفل در شکم او داری؟ خداوند متعال می فرماید: کسی بار گناه دیگری را بر دوش نمی کشد ... .

قضاوت انبیا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۱۳ – ۱۳،۱۴

۱۳ حکومت ، داوری و حل اختلافات مردم ، از اهداف بعثت پیامبران و نزول کتاب های آسمانی

و اَنزل مَعهم الکتاب بالحق لیحکم بین الناس

۱۴ داوری پیامبران در محدوده

قوانین الهی

و انزل معهم الکتاب بالحق لیحکم بین الناس

بنابراینکه ضمیر <لیحکم> به <الکتاب> بر گردد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۴۴ – ۳۳

۳۳ پیامبران ، ربانیون و احبار ، الگو های خداترسی و بی پروایی از مردم برای قضاوت بر اساس احکام الهی

یحکم بها النبیون . .. فلاتخشوا الناس و اخشون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۸۹ – ۵،۶

۵ خداوند عطا کننده کتاب و منصب قضاوت و نبوت به پیامبران است.

أولئک الذین ءاتینهم الکتب و الحکم و النبوه

۶ پیامبران(ع) دارای حق حکومت و قضاوت در میان مردم هستند.

أولئک الذین ءاتینهم الکتب و الحکم و النبوه

از جمله معانی مذکور برای واژه <حکم> قضاوت و همچنین حکومت است، لازم به ذکر است این دو معنی در طول یکدیگر و با هم متقاربند.

قضاوت با رشوه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۸۸ – ۵

۵ – حکم و قضاوتی که بر اثر گرفتن رشوه صادر شده باشد ، گناه و فاقد اعتبار است .

و تدلوا بها إلی الحکام لتأکلوا فریقاً من أمول الناس بالأثم

قضاوت باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴ - ۱۱

۱۱ - قضاوت کافران درباره غلبه شان بر دین خدا ، مبتنی بر وهم و خیال وقضاوت ناشایست بود .

أم حسب الذین یعملون السیّئات أن یسبقونا ساء ما یحکمون

قضاوت برادران انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ -

۴ برخی از پدران و فرزندان و برادران پیامبران پیشین (ابراهیم(ع)، اسحق و . ..) بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بوده اند.

و من ءابائهم و ذریتهم و إخونهم . .. أولئک الذین ءاتینهم الکتب و الحکم و النبوه

قضاوت به حق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۹۱ – ۶

۶ هلاکت کافران قوم شعیب و نجات مؤمنان آن قوم ، داوری به حق خداوند در میان آنان

ربنا افتح بیننا و بین قومنا بالحق . .. فأخذتهم الرجفه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۶۹ – ۱۱،۱۵

۱۱ – داوری میان مردم در قیامت ، بر پایه حق خواهد بود .

و قضی بینهم بالحقّ

۱۵ – داوری بر اساس مستندات پرونده و گواهی شاهدان ، قضاوتی عادلانه و به حق خواهد بود .

و وضع الکتب و جایء بالنبیّین و الشهداء و قضی بینهم بالحقّ و هم لایظلمون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۷۵ – ۷،۱۰

۷ – داوری میان مردم در قیامت ، بر پایه حق و عادلانه خواهد بود .

و قضی بینهم بالحقّ

۱۰ – همه خلایق در قیامت ، به خاطر قضاوت به حق و عادلانه خداوند ، به حمد و ستایش او خواهندپرداخت .

و قضی بینهم بالحقّ و قیل الحمد للّه ربّ العلمین

برخی از مفسـران بر این عقیده اند که حمد و ستایش خلایق در قیامت، به خاطر داوری به حق خداوند در میان آنان می باشد. ازاین رو این ستایش و

حمد پس از قضاوت خداوند انجام خواهد گرفت.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۲۰ – ۱،۳،۴

۱ – داوری خداوند ، بر اساس حق است .

و اللّه یقضی بالحقّ

۳ – قضاوت به حق ، از شؤون الوهیت حقیقی است .

و اللّه یقضی بالحقّ و الذین یدعون من دونه لایقضون بشیء

مطلب یاد شده، از تصریح شدن اسم جلاله (اللّه) به دست می آید.

۴ – آگاهی همه جانبه خداوند از احوال انسان ها ، پشتوانه قضاوت به حق او

یعلم خائنه الأعین . .. و اللّه یقضی بالحقّ

یادآوری قضاوت به حق خداوند پس از تذکر به علم همه جانبه او می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

قضاوت بی اعتبار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۸۸ – ۵

۵ – حکم و قضاوتی که بر اثر گرفتن رشوه صادر شده باشد ، گناه و فاقد اعتبار است .

و تدلوا بها إلی الحکام لتأکلوا فریقاً من أموال الناس بالأثم

قضاوت بین حق و باطل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۱۰ – ۷،۸

۷ امتناع خداوند از داوری میان حق و باطل در عرصه حیات دنیوی ، بر اساس تقدیری است که خود مقرر کرده است .

لولا کلمه سبقت من ربک لقضی بینهم

۸ مصالح جوامع بشری و تـدبیر امور انسان ها ، مایه تقـدیر خداوند بر داوری نکردن او میان حق گرایان و باطل اندیشان ، در عرصه حیات دنیاست .

لولا کلمه سبقت من ربک لقضی بینهم

برداشت فوق ، از کلمه <رب> که

به معنای مدبر و مربی است استفاده می شود; یعنی ، تقدیر یاد شده (لولا کلمه سبقت . ..) در راستای تدبیر امور انسانهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۶ - ۲

۲ - ربوبیت خداوند ، مقتضی جمع انسان ها در قیامت و داوری نهایی بین جریان حق و باطل

قل یجمع بیننا ربّنا ثمّ یفتح بیننا بالحقّ

قضاوت بین کافران و مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۶ - ۲،۶

۲ - قیامت ، روز داوری میان جبهه کفر و ایمان

یحکم بینهم

۶ - ورود اهل ایمان به بهشت پس از پایان داوری خدا میان آنان و کافران

یحکم بینهم فالذین ءامنوا . .. فی جنّت النعیم

قضاوت بین محمد(ص) و حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۱۲ - ۱

۱- درخواست پیامبر (ص) از پروردگار در باره داوری به حق ، بین خود و مشرکان و کافران حق ناپذیر

قل ربّ احکم بالحقّ

قضاوت بین محمد(ص) و کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۱۲ - ۱

۱- درخواست پیامبر (ص) از پروردگار در باره داوری به حق ، بین خود و مشرکان و کافران حق ناپذیر

قل ربّ احکم بالحقّ

قضاوت بین محمد(ص) و مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۱۲ - ۱

۱- درخواست پیامبر (ص) از پروردگار در باره داوری به حق ، بین خود و مشرکان

و کافران حق ناپذیر

قل ربّ احکم بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۶ - ۱،۳

۱ - پیامبر (ص) ، مأمور ابلاغ کلام خداوند به مشرکان درباره داوری نهایی خداوند بین آنان و آن حضرت

قل یجمع بیننا ربّنا ثمّ یفتح بیننا بالحقّ

<فتح> به معنای نصرت، پیروزی، حکم و داوری است (مفردات راغب). در این آیه - به قرینه مقام مراد از آن معنای سوم است.

۳ - داوری خداوند بین پیامبر (ص) و مشرکان ، بر اساس حق است .

ثمّ یفتح بیننا بالحقّ

قضاوت بین مؤمنان و کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۹ - ۳۰

۳۰ داوری نهایی میان مؤمنان و کافران ، شایسته خداوند آگاه بر تمامی هستی است .

وسع ربنا کل شیء علماً . .. ربنا افتح بیننا و بین قومنا بالحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۱ - ۷

۷ نزول عذاب بر کفرپیشگان قوم شعیب ، پاسخ خداوند به درخواست او (داوری میان مؤمنان و کافران)

ربنا افتح بیننا و بین قومنا بالحق . .. فأخذتهم الرجفه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۰ - ۸

۸ مصالح جوامع بشری و تدبیر امور انسان ها ، مایه تقدیر خداوند بر داوری نکردن او میان حق گرایان و باطل اندیشان ، در عرصه حیات دنیاست .

لولا کلمه سبقت من ربک لقضی بینهم

برداشت فوق ، از کلمه <رب> که به معنای مدبر و

مربی است استفاده می شود; یعنی ، تقدیر یاد شده (لولا کلمه سبقت . ..) در راستای تدبیر امور انسانهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۱ - ۱

۱ خداوند در قیامت ، میان مؤمنان به کتاب های آسمانی و انکار کنندگان آن قضاوت خواهد کرد .

و لولا کلمه سبقت . .. و إنّ کلاًّ لما لیوفینّهم ربک أعملهم

مراد از <کلاًّ> به قرینه <فاختلف فیه> در آیه قبل مؤمنان به کتابهای آسمانی و انکار کنندگان آن است و به قرینه <لولا . .. لقضی بینهم> معلوم می شود که خداوند در صحنه قیامت، پیش از پاداش دهی و به کیفررسانی، میان انسانها داوری خواهد کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۸ - ۲

۲ - داوری میان مؤمنان و کافران به قرآن ، وعده حتمی خدا به پیامبر (ص)

و إنّه لهدًی و رحمه للمؤمنین . إنّ ربّک یقضی بینهم

در صورتی که آیه یاد شده مرتبط با آیه قبل که درباره قرآن است باشد عبارت <یقضی بینهم> به معنای <یقضی بین من آمن بالقرآن و بین من کفر به> خواهد بود. برداشت یاد شده بر پایه این احتمال است.

قضاوت بین یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۲ - ۱۱،۱۲

۱۱ پیامبر (ص) ، از جانب خداوند ، اختیار دار داوری در میان یهودیان و یا خودداری از آن

فان جاءوک فاحکم بینهم او اعرض عنهم

۱۲ یهودیان ، در اندیشه آسیب رسانی

به پیامبر (ص) ، در صورت اعراض آن حضرت از داوری بین آنان

و إن تعرض عنهم فلن یضروک شیئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۳ - ۱،۲،۳

۱ ارجاع داوری به پیامبر (ص) از سوی یهودیان ، علی رغم دسترسی آنان به حکم خدا در تورات ، شگفت آور و سؤال بر انگیز

و کیف یحکمونک و عندهم التوریه فیها حکم اللّه

۲ گریز از احکام تورات ، انگیزه مراجعه گروهی از یهودیان به پیامبر (ص) برای قضاوت

و کیف یحکمونک و عندهم التوریه فیها حکم اللّه

۳ پیامبر (ص) ، مورد مراجعه مردم ، حتی یهودیان ، برای حکمیت و داوری

و کیف یحکمونک و عندهم التوریه

قضاوت پدران انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۴

۴ برخی از پدران و فرزندان و برادران پیامبران پیشین (ابراهیم(ع)، اسحق و . ..) بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بوده اند.

و من ءابائهم و ذریتهم و إخونهم . .. أولئک الذین ءاتینهم الکتب و الحکم و النبوه

قضاوت حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۱ - ۴

۴ عدالت پیشگان همواره حق را میزان قضاوت های خویش قرار داده و بر اساس آن داوری می کنند .

و به يعدلون

<به> متعلق به <يعدلون> و <باء> در آن براى استعانت است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۶ -

۳ - داوری خداوند بین پیامبر (ص) و مشرکان ، بر اساس حق است .

ثمّ یفتح بیننا بالحقّ

۵ - ملاک و معیار داوری در نزد خداوند ، حق است .

ثمّ یفتح بیننا بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۶ - ۵،۷

۵ - داوود (ع) ، از سوی خدا مأمور حکومت و داوری میان مردم برپایه حق

إنّا جعلنک خلیفه فی الأرض فاحکم بین الناس بالحقّ

۷ - حق ، پایه و محور داوری ها در جامعه الهی

فاحکم بین الناس بالحقّ

قضاوت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۳ - ۲۰

۲۰ - اختلافات مذهبی جز به دست خدا و داوری او حل نخواهد شد . *

فاللّه یحکم بینهم یوم القیمه فیما کانوا فیه یختلفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۱ - ۱۱

۱۱ داوری خداوند در روز قیامت ، میان مؤمنان و منافقان

الذین یتربّصون بکم . .. فاللّه یحکم بینکم یوم القیمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۷ - ۲۰

۲۰ خداوند در زمان مناسب بهترین داوری را در بین پیامبر(ص) و منکران آن حضرت خواهد کرد.

یقص الحق و هو خیر الفصلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۳ - ۱۷

۱۷ خداوند حاکم و قضاوت کننده ای است که از حوادث و اعمال آگاهی دقیق دارد.

علم الغیب و الشهده و هو الحکیم الخبیر

از معانی ذکر شده برای <حکیم>، حاکم

و قاضی است. (لسان العرب به نقل از ابن اثیر).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۴ - ۱،۲،۳،۶،۷،۸

۱ داوری تنها از آن خدا و شایسته اوست.

أفغیر الله أبتغی حکما

۲ خداوندی که قرآن را به تفصیل نازل کرده، شایسته داوری است.

أفغیر الله أبتغی حکما و هو الذی أنزل إلیکم الکتب مفصلا

۳ قرآن، بیانگر داوری خداوند درباره حق و باطل است.

و هو الذی أنزل إلیکم الکتب مفصلا

<مفصَّل> به معنای <مبیَّن> است و به قرینه <حکماً> در صدر آیه موضوع مورد نظر آیه داوری بین حق و باطل در عرصه های مورد نیاز است، یعنی اینکه قرآن بیانی شافی و کافی برای تشخیص حق از باطل در اینگونه موارد است.

۶ خداوند سزاوارترین حاکم و داور در مورد ضرورت و یا عدم ضرورت نزول معجزات و دیگر شرایط و زمینه های آن است.

إنما الأیت عند الله و ما یشعرکم أنها إذا جاءت لا یؤمنون . .. أفغیر الله

۷ نزول معجزه ای روشن چون قرآن از سوی خدا، بهترین نشانه شایستگی او برای داوری است.

أفغیر الله أبتغی حکما و هو الذی أنزل إلیکم الکتب مفصلا

۸ داوری خداوند به اینکه برخی مشرکان ایمان نخواهند آورد سزاوار اعتماد است، نه ادعای مشرکان در مورد نیاز به معجزات دیگر.

ما کانوا لیؤمنوا . .. أفغیر الله أبتغی حکما و هو الذی

آیات قبل درباره ادعای مشرکان بود که <لئن جاءتهم ءایه لیؤمنن بها>، و خدا حکم فرمود که <ما کانوا لیؤمنوا>. لذا با توجه به اینکه ممکن است مخاطب در <و ما یشعرکم> در آیات قبل مسلمانان باشند، این آیه

می خواهد مؤمنان را قانع سازد که در برخی از مشرکان هیچ معجزه ای اثر نمی کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۷ - ۵،۶،۸،۹،۱۰

۵ خداوند ، برترین حکم کننده و بهترین داور است .

و هو خیر الحکمین

۶ اختلافات دینی پیروان انبیا و مخالفان آنان با داوری خداوند خاتمه خواهد یافت .

حتی یحکم اللّه بیننا

۸ شعیب (ع) ، کافران قوم خویش را به داوری خدا و گرفتارسازی آنان به عقوبت های الهی در دنیا تهدید کرد .

و طائفه لم یؤمنوا فاصبروا حتی یحکم اللّه بیننا

با توجه به ذیل آیه ۸۹ (ربنا افتح . ..) معلوم می شود مقصود شعیب از داوری خداوند، تحقق امری است که نابودی کافران در دنیا و در نتیجه پیروزی اهل ایمان را در پی خواهد داشت. چنانچه مخاطب در <فاصبروا> خصوص کافران باشد، این معنا از وضوح بیشتری برخوردار خواهد بود.

۹ شعیب (ع) ، مؤمنان به رسالت خویش را به داوری خداوند و پیروزی بر کافران نوید داد .

فاصبروا حتی یحکم اللّه بیننا

۱۰ شعیب (ع) از مؤمنان و کافران قوم خویش خواست با وانهادن داوری به خداوند از تعرض به یکدیگر پرهیز کنند .

إن کان طائفه منکم ءامنوا . .. و طائفه لم یؤمنوا ... فاصبروا حتی یحکم اللّه بیننا

برداشت فوق بر این اساس است که خطاب در <فاصبروا> علاوه بر مؤمنان متوجه کافران نیز باشد. در این صورت مراد از صبر در <فاصبروا> عدم تعرض به یکدیگر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ -

اعراف - ۷ - ۸۹ - ۳۲، ۲۷،۲۸،۳۰

۲۷ داوری خداوند میان انسان ها ، جلوه ای از ربوبیت او نسبت به ایشان است .

ربنا افتح

۲۸ وانهادن داوری نهایی به خداوند برای فیصله دادن به خصومت های طرفداران حق و باطل ، مصداقی از توکل بر اوست .

علی اللّه توکلنا ربنا افتح بیننا و بین قومنا بالحق

۳۰ داوری نهایی میان مؤمنان و کافران ، شایسته خداوند آگاه بر تمامی هستی است .

وسع ربنا کل شیء علماً . .. ربنا افتح بیننا و بین قومنا بالحق

۳۲ خداوند برترین حاکم و فیصله دهنده درگیری ها و کشمکش های طرفداران حق و باطل

و أنت خیر الفتحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۱ - ۶،۷

۶ هلاکت کافران قوم شعیب و نجات مؤمنان آن قوم ، داوری به حق خداوند در میان آنان

ربنا افتح بیننا و بین قومنا بالحق . .. فأخذتهم الرجفه

۷ نزول عذاب بر کفرپیشگان قوم شعیب ، پاسخ خداوند به درخواست او (داوری میان مؤمنان و کافران)

ربنا افتح بیننا و بین قومنا بالحق . .. فأخذتهم الرجفه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۸ - ۶

۶ قیامت ، عرصه داوری خدا میان انسانها

و یوم نحشرهم جمیعاً ثم نقول للذین أشرکوا مکانکم أنتم و شرکاؤکم فزیلنا بینهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۹ - ۸،۱۰

۸ خداوند ، حاکم و داور اختلافات و نزاع های میان پیامبر (ص) و مردم کفرپیشه بود .

و

اصبر حتی یحکم اللّه

۱۰ خداوند ، بهترین حاکم و داور است .

و هو خیر الحکمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۵ - ۷

۷ نوح (ع) ، پس از طرح استدلال خویش برای لزوم نجات فرزندش ، حکم و قضاوت آن را به خداوند واگذار کرد .

إن ابنی من أهلی و إن وعدک الحق و أنت أحکم الحکمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۰ - ۸

۸ مصالح جوامع بشری و تـدبیر امور انسان ها ، مایه تقـدیر خداوند بر داوری نکردن او میان حق گرایان و باطل اندیشان ، در عرصه حیات دنیاست .

لولا کلمه سبقت من ربک لقضی بینهم

برداشت فوق ، از کلمه <رب> که به معنای مدبر و مربی است استفاده می شود; یعنی ، تقدیر یاد شده (لولا کلمه سبقت . ..) در راستای تدبیر امور انسانهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۰ - ۱۲

۱۲ خداوند ، بهترین داور و حکم کننده است .

و هو خیر الحکمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۸ - ۱،۳

۱ - داوری حتمی خداوند میان بنی اسرائیل به خاطر اختلافات دینی دیرینشان

أكثر الذی هم فیه یختلفون . .. إنّ ربّک یقضی بینهم

ضمیر <بینهم> می توانـد به <بنی اسـرائیل> بازگردد. بنابراین آیه یاد شـده مربوط به قضـیه اختلافات عقیدتی و دینی آنان خواهد بود.

۳ - داوری میان حق پذیران و حق ناپذیران از شؤون ربوبیت خداوند

إنّ ربّک یقضی

بینهم

تکیه بر وصف ربوبیت خداوند و نه هر اسم یا وصف دیگر بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۴ - ۴

۴ - خدا ، حاکم و داور دادگاه کیفری کافران

قال أكذّبتم بايتى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۵ - ۹

۹ - ارجاع دادن قضاوت و داوری به خداوند ، آخرین راه پیامبر (ص) در محاجه کافران و مشرکان بهانه جو

قل ربّى أعلم من جاء بالهدى و من هو فى ضلل مبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۶ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، مأمور ابلاغ کلام خداوند به مشرکان درباره داوری نهایی خداوند بین آنان و آن حضرت

قل يجمع بيننا ربّنا ثمّ يفتح بيننا بالحقّ

<فتح> به معنای نصرت، پیروزی، حکم و داوری است (مفردات راغب). در این آیه - به قرینه مقام مراد از آن معنای سوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۶ - ۱۱،۱۲،۱۴

۱۱ - تنها خداوند داور نهایی در حل اختلاف های بندگان است .

أنت تحكم بين عبادك فى ما كانوا فيه يختلفون

تقدیم مسندالیه (أنت)، بر خبر فعلی (تحکم) افاده حصر می کند.

۱۲ – پیامبر (ص) ، برای حل اختلاف خود با مشرکان حق گریز ، از خداوند کمک خواسته و او را به داوری طلبید .

أنت تحکم بین عبادک فی ما کانوا فیه یختلفون

جمله <أنت تحکم. ..> برای انشای دعا است که

در قالب جمله خبری آمده است.

۱۴ - قدرت و علم همه جانبه خداوند ، پشتوانه داوری عادلانه او در میان بندگان

قل اللّهمّ فاطر السموت . .. علم الغیب و الشهده أنت تحکم

ذکر داوری خداوند، پس از یاد کردن از خالقیت و علم همه جانبه او، می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۰ - ۹

۹ - علم برتر و همه جانبه خداوند ، پشتوانه داوری و جزای عادلانه او است .

و قضی بینهم بالحقّ و هم لایظلمون . .. و هو أعلم بما یفعلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۲ - ۶

۶ - تنها خداوند ، شایسته حکم دادن و داوری است .

الحکم للّه

لام در <للّه> برای اختصاص است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۰ - ۸

۸ - ولایت منحصر و بی همتا ، قدرت نامحدود و مرجعیت نهایی در تشریع و داوری ، از ویژگی های پروردگار جهان

فاللّه هو الولیّ . .. ذلکم اللّه ربّی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۱ - ۷

۷ - داوری درباره مشرکان و عذاب آنان ، براساس سنت امهال تا قیامت به تأخیر افتاده است .

و لولا کلمه الفصل لقضی بینهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۸ – ۹،۱۰

۹- پیامبر (ص) در مقام تنزیه خویش از اتهام افترا ، امیدوار و متکی به داوری خداوند

قل إن افتریته

. .. کفی به شهیدًا بینی و بینکم

۱۰- خداوند ، شاهدی کافی برای داوری میان حق و باطل

قل . .. کفی به شهیدًا بینی و بینکم

برداشت یاد شده، مبتنی بر الغای خصوصیت از مورد آیه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۰ - ۲۷

۲۷ - خداوند ، حاکم و داور میان خلق

یحکم بینکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳۹ - ۶

۶ - داوری مشرکان درباره مسائل دینی ، مخالف داوری خداوند و تعالیم کتاب های آسمانی است .

أم لکم أیمن . .. إنّ لکم لما تحکمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۸ - ۷

۷ - حکم نافذ و قضاوت حکیمانه خداوند ، تهدیدی برای تکذیب کنندگان دین و منکران قیامت

فما یکذّبک بعد بالدین . ألیس اللّه بأحکم الحکمین

قضاوت خلیفه خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۶ - ۶

۶ - قضاوت و داوری میان مردم ، از شؤون مقام < خلیفه اللهی > است .

إنّا جعلنك خليفه فى الأرض فاحكم بين الناس بالحقّ

مأموريت داوود(ع) به داورى ميان مردم، پس از انتصاب ايشان به مقام <خليفه اللهى>، گوياى برداشت ياد شده است.

قضاوت خويشاوندان انبيا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۴

۴ برخى از پدران و فرزندان و برادران پيامبران پيشين (ابراهيم(ع)، اسحق و . ..) بهره مند از تعاليم آسمانى (كتاب) و داراى منصب قضاوت و مقام نبوت

بوده اند.

و من ءابائهم و ذريتهم و إخونهم . .. أولئك الذين ءاتينهم الكتب و الحكم و النبوه

قضاوت خويشاوندان زليخا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۲۶ - ۸،۹

۸ مردى از خويشان زليخا ، در ماجراى وى و يوسف (ع) دخالت كرد و ميان آنان به داورى پرداخت .

و شهد شاهد من أهلها

۹ داور ماجراى يوسف (ع) و زليخا ، على رغم خويشى او با زليخا ، بى طرفى كامل را رعايت كرد ، و قضاوتى بر حق ارائه نمود .

و شهد شاهد من أهلها إن كان قميصه قُدّ من قُبل

قضاوت داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۲

۲ نوح، ابراهيم، اسحاق، يعقوب، داوود، يوسف، موسى و هارون(ع) بهره مند از تعاليم آسمانى (كتاب) و داراى منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئك الذين ءاتينهم الكتب و الحكم و النبوه

<أولئك> اشاره به انبياى مذكور در آيات قبل است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۷۸ - ۲،۵،۷،۸،۹،۱۰

۲- داورى داوود و سليمان (ع) ، در باره كشتزار چراشده در شبان گاه به وسيله گوسفندان مردم

و داود و سليمن إذ يحكمان فى الحرث إذ نفشت فيه غنم القوم

<نفش> به معنای چریدن حیوان در شب، بدون چوپان و یا بی اطلاع وی است.

۵- داوود و سلیمان (ع) ، در تطبیق و چگونگی پیاده کردن حکم خدا در باره خسارت مزرعه تلف شده به وسیله گوسفندان ، اختلاف نظر داشتند .

و داود و

سلیمن إذ یحکمان فی الحرث إذ نفشت فیه غنم القوم و کنّا لحکمهم شهدین

نوع مفسران برآنند که <ففهّمناها> می رساند که خداوند نظر سلیمان را تأیید کرد. از سوی دیگر، جمله های <کنّا لحکمهم شاهـدین> و <و کلاًّ آتینا حکماً و علماً> می فهمانـد که نظر هر دو براساس نظارت، حکم و علم الهی بوده است. جمع میان این دو سخن، به این است که بگوییم: اختلاف آن دو در حکم الهی نبود; بلکه در تطبیق و چگونگی پیاده کردن آن بود.

۷- داوود و سلیمان (ع) ، از مقام قضاوت در میان مردم عصرخویش برخوردار بودند .

و داود و سلیمن إذ یحکمان فی الحرث

۸- < عن أبی جعفر (ع) فی قول اللّه تبـارک و تعـالی : < داود و سـلیمان إذ یحکمـان فی الحرث . . . > قال لم یحکما إنّما کانا یتناظران ففهّمها سلیمان . . . ;

از امـام بـاقر(ع) در بـاره قول خـدای تبارک و تعالی <و داوود و سـلیمان إذ یحکمان فی الحرث. ..> روایت شـده که فرمود: داوود و سلیمان(ع) داوری نکردند، تنها مشغول مناظره بودند که خدا حکم واقعه را به سلیمان تفهیم کرد>.

۹- < أحمـدبن عمرالحلبی قـال : سـألت أبـاالحسن (ع) عن قول اللّه عزّوجلّ : < و داود و سـلیمان إذ یحکمان فی الحرث > قـال : کـان حکم داوود (ع) رقـاب الغنم ، و الـذی فهّم اللّه عزّوجـلّ سـلیمان (ع) أن احکم لصاحب الحرث باللبن و الصوف ذلک العام کلّه ;

احمدبن عمر حلبی گوید: از امام ابی الحسن(ع) در باره سخن خداوند عزّوجلّ <و

داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث> سؤال کردم، فرمود: حکم داوود(ع) دادن گوسفندان به صاحب زراعت بود و چیزی را که خداوند به سلیمان فهماند، این بود که برای صاحب زراعت حکم کن تا شیر و پشم گوسفندان در کلّ آن سال برای او باشد>.

۱۰- < عن أبی عبداللّه (ع) قال : کان فی بنی اسرائیل رجل له کرم و نفشت فیه غنم رجل آخر باللیل و قضمته و أفسدته فجاء صاحب الکرم إلی داود فاستعدی علی صاحب الغنم فقال داود (ع) : إذهبا إلی سلیمان (ع) لیحکم بینکما فذهبا إلیه فقال : سلیمان إن کانت الغنم أکلت الأصل و الفرع فعلی صاحب الغنم أن یدفع إلی صاحب الکرم الغنم و ما فی بطن ها و إن کانت ذهبت بالفرع و لم تذهب بالأصل فإنّه یدفع ولد ها إلی صاحب الکرم و کان هذا حکم داود . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده: مردی از بنی اسرائیل دارای تاکستانی بود، گوسفندان فردی شبان گاه وارد آن شدند و آن را خوردند و تباه کردند . .. صاحب تاکستان از صاحب گوسفندان نزد داوود شکایت برد، او گفت: نزد سلیمان بروید تا میان شما داوری کند. پس نزد سلیمان رفتند، وی گفت: اگر گوسفند اصل و فرع تاک را خورده، پس بر صاحب گوسفند است که باید گوسفند و بچه در شکم او را به صاحب تاک بدهد و اگر فرع درخت را خورده و اصل درخت باقی است، بچه گوسفند را به صاحب تاکستان بدهد و نظر داوود هم همین بود...>.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۹ - ۲

۲- امتیاز سلیمان بر داوود (ع) ، در تشخیص حکم خسارت کشتزار تلف شده

و داود و سلیمن إذ یحکمان فی الحرث . .. ففهّمنها سلیمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۰ - ۷

۷ - خداوند به داوود (ع) ، منطقی نیرومند در شناساندن حق و باطل و نیز توانایی بر فیصله دادن به نزاع ها و خصومت ها اعطا کرد .

و ءاتینه . .. فصل الخطاب

<فصل> مصدر و به معنای چیزی را از چیز دیگری جدا کردن و نیز فیصله دادن نزاع ها و خصومت ها آمده است. اگر مراد آیه معنای اول باشد، کلمه <خطاب> به معنای سخن بوده و مقصود از <فصل خطاب> سخن جدا کننده حق از باطل و شناساننده صواب از ناصواب خواهد بود. و اگر معنای دوم مراد باشد، واژه <خطاب> به معنای خصومت و نزاع بوده و مقصود از <فصل خطاب> رفع خصومت ها و فیصله دادن به نزاع ها خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۴ - ۱،۱۶،۱۸،۱۹،۲۵

۱ - حکم داوود (ع) ، به ظالمانه بودن کار صاحب ۹۹ میش در طمع کردن به تنها میش برادرش

قال لقد ظلمک بسؤال نعجتک إلی نعاجه

۱۶ - داوود (ع) ، ماجرای دادخواهی برادران دارای میش و داوری میان آنان را ، یک آزمایش الهی دانست .

قال لقد ظلمک بسؤال نعجتک . .. و ظنّ داود أنّما فتنّه

۱۸ - استغفار داوود (ع) از

پروردگار ، در پی گمان به رخ دادن اشتباهی در داوری میان متخاصمان

و ظنّ داود أنّما فتنّه فاستغفر ربّه

۱۹ - داوود (ع) ، شیوه داوری خود درباره برادران متخاصم را خطا دانست .

قال لقد ظلمک بسؤال نعجتک . .. و ظنّ داود أنّما فتنّه فاستغفر ربّه

در این که استغفار داوود(ع) درباره چه اشتباهی بود، میان مفسران چند دیدگاه وجود دارد; از جمله بهترین و موافق ترین آنها با آیه شریفه، مسأله نشنیدن دفاع برادر متهم و شتاب در داوری است. گفتنی است برخی از روایات مربوط به آیه، مؤید همین برداشت است (تفسیر برهان، ج ۴، ص ۴۵).

۲۵ - < عن الرضا (ع) : . . .بعث اللّه عزّوجلّ إلی داود الملکین فتسوّرا المحراب فقالا خصمان بغی بعضنا علی بعض فاحکم بیننا بالحقّ إنّ هذا أخی له تسع و تسعون نعجه . . . فعجل داود (ع) علی المدعی علیه فقال لقد ظلمک . . . و لم یسئل المدعی البیّنه علی ذلک و لم یقبل علی المدعی علیه فیقول له ما تقول فکان هذا خطیئه رسم الحکم ;

از امام رضا(ع) روایت شده که خداوند عزّوجلّ دو فرشته را فرستاد تا از دیوار محراب داوود بالا رفتند و بر او وارد شدند و گفتند: دو نفر هستیم که یکی بر دیگری ستم کرده است; پس بین ما به حق داوری کن. یکی از آنان گفت: این برادر من است که ۹۹ میش دارد و... داوود در حکم عجله کرد و گفت: برادرت به تو ظلم کرده... و از مدعی بیّنه نخواست و به مدعا علیه هم نگفت تو چه

می گویی؟ و این یک خطا در شیوه دادرسی بود>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۵ - ۲

۲ - خداوند ، از لغزش داوود (ع) در امر داوری میان دو گروه متخاصم درگذشت و او را مورد آمرزش قرار داد .

فغفرنا له ذلک

<ذلک> اشاره به لغزش مربوط به داوری میان دو گروه متخاصم دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۶ - ۵

۵ - داوود (ع) ، از سوی خدا مأمور حکومت و داوری میان مردم برپایه حق

إنّا جعلنک خلیفه فی الأرض فاحکم بین الناس بالحقّ

قضاوت در انجیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۷ - ۳

۳ انجیل ، در بردارنده قوانین حکومتی و قضایی

و لیحکم أهل الانجیل بما أنزل اللّه فیه

قضاوت در تورات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۳ - ۶

۶ تورات ، پاسخگوی نیاز یهود عصر پیامبر (ص) به احکام قضایی و حدود الهی

و کیف یحکمونک و عندهم التوریه فیها حکم اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۴۴ – ۸،۹

۸ تورات ، در بردارنده احکام قضایی و حکومتی

یحکم بها النبیون الذین اسلموا للذین هادوا

۹ تورات ، محور قضاوت های عالمان ربانی و احبار در بین یهود

یحکم بها . .. الربنیون و الاحبار

قضاوت در قصه یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف –

۱۲ - ۲۷ - ۲

۲ پاره شدن پیراهن یوسف (ع) محور و تکیه گاه کشف حقیقت ، در نظر داور ماجرای یوسف (ع) و زلیخا

و شهد شاهد . .. و هو من الصدقین

قضاوت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۳ - ۱۵،۱۶،۱۷

۱۵ - قیامت ، صحنه داوری میان امتهاست .

فاللّه یحکم بینهم یوم القیمه

۱۶ - خداوند ، داور و حاکم در صحنه قیامت است .

فاللّه یحکم بینهم یوم القیمه

۱۷ - خداوند ، در قیامت میان یهود ، نصارا و مشرکان داوری کرده آنان را بسزای گفته ها و اتهام های ناروایشان خواهد رساند .

فاللّه یحکم بینهم یوم القیمه فیما کانوا فیه یختلفون

مراد از حکومت و داوری خدا در قیامت، مجرد بیان حق نیست; زیرا خداوند حقایق را با نازل کردن قرآن بیان داشته و آیه مورد بحث نیز پندار باطل یهود و نصارا را روشن ساخته است. بنابراین، مقصود از <یحکم ...> به کیفر رساندن متخلفان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۹ - ۷

۷ در دادگاه قیامت ، قضاوت بر اساس علم همه جانبه خداوند است و جایی برای وکیل مدافع نیست .

و کان اللّه بما یعملون محیطاً . .. فمن یجدل اللّه عنهم یوم القیمه ام من یکون علی

<وکیل> به کسی گفته می شود که کارهای دیگری را بر عهده می گیرد و امور وی را تدبیر می کند و مراد از آن در آیه

وکالت در دفاع خواهد بود که از آن به وکیل مدافع تعبیر می

شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۴۱ – ۱۱

۱۱ داوری خداوند در روز قیامت ، میان مؤمنان و منافقان

الذین یتربّصون بکم . .. فاللّه یحکم بینکم یوم القیمه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۶۲ – ۸

۸ قضاوت و صدور حکم در قیامت، بر اساس محاسبه و سنجش اعمال آدمیان است.

ثم ردوا . .. ألا له الحکم و هو أسرع الحسبین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۱۹ – ۹

۹ قیامت ، روز داوری میان موحدان و مشرکان

و لو لا کلمه سبقت من ربک لقضی بینهم فیما فیه یختلفون

از اینکه خداوند فرمود: دنیا جای داوری میان اهل شرک و توحید نیست، معلوم می شود محل داوری میان آنان، جهانی دیگر است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۲۸ – ۶

۶ قیامت ، عرصه داوری خدا میان انسانها

و یوم نحشرهم جمیعاً ثم نقول للذین أشرکوا مکانکم أنتم و شرکاؤکم فزیلنا بینهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۴ - ۵،۶

۵- خداوند در قیامت ، نسبت به اختلافات و انحرافات یهود ، داوری خواهد کرد .

و إن ربّک لیحکم بینهم یوم القیمه فیما کانوا فیه یختلفون

۶- قیامت ، روز داوری خداوند در زمینه اختلافات و انحرافات بشر

و إن ربّک لیحکم بینهم یوم القیمه فیما کانوا فیه یختلفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۷

۴ - داوری میان مردم در روز بازپسین ، در اختیار خداوند است .

إنّ اللّه یفصل بینهم یوم القیمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۶ - ۲،۳،۶

۲ - قیامت ، روز داوری میان جبهه کفر و ایمان

یحکم بینهم

۳ - خدا ، حاکم و داور روز قیامت

الملک یومئذ للّه یحکم بینهم

۶ - ورود اهل ایمان به بهشت پس از پایان داوری خدا میان آنان و کافران

یحکم بینهم فالذین ءامنوا . .. فی جنّت النعیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۷ - ۱

۱ - کفر و ایمان ، مبنای داوری خدا میان انسان ها در قیامت

یحکم بینهم فالذین ءامنوا . .. و الذین کفروا ... عذاب مهین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۹ - ۲،۳

۲ - خدا ، داور روز قیامت

اللّه یحکم بینکم یوم القیمه

۳ - داوری خدا در قیامت ، بر اساس علم کامل او به کردار آدمیان است .

اللّه أعلم بما تعملون . اللّه یحکم بینکم یوم القیمه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۹۰ – ۱۳

۱۳ – اعمال آدمی ، تنها معیار ارزش و داوری در قیامت

هل تجزون إلاّ ما کنتم تعملون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۲۳ – ۲۰

۲۰ – نیات و انگیزه های پنهان اَعمال ، مدرک و میزان داوری در روز قیامت است .

إلینا مرجعهم فننبّئهم بما عملوا إنّ اللّه علیم بذات الصدور

تعبیر <علیم بذات الصدور>

در حقیقت، تأکیدی است بر این نکته که آنچه در اندرون سینه ها می گذرد، دارای نقشی اساسی در ارزش گذاری و بررسی اَعمال آدمی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۱ - ۱

۱ - قیامت ، روز جدایی خوبان و بدان و حق مداران و باطل گرایان و داوری میان آنان است .

هذا یوم الفصل

<فصل> به معنای فاصله و جدایی میان دو شیء است و مقصود از آن در آیه شریفه، جدایی میان خوبان و بدان و حق پویان و باطل گرایان و داوری میان آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۹ - ۱۴

۱۴ - داوری خداوند میان بندگان در قیامت ، بر پایه مستندات پرونده اعمال ، گواهی پیامبران و گواهانی چند خواهد بود .

و وضع الکتب و جایء بالنبیّین و الشهداء و قضی بینهم بالحقّ و هم لایظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۲ - ۵

۵ - همه داوری ها در قیامت ، از آنِ خدا است .

فالحکم للّه

الف و لام در <الحکم> برای جنس و مفید استغراق و شمول می باشد؛ یعنی، <کلّ حکم للّه>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۲ - ۸

۸- داوری نافذ الهی در قیامت و ناتوانی همه نیرو ها در قبال آن ، نمود عزت و اقتدار یگانه او است .

إنّ یوم الفصل . .. یوم لایغنی ... إنّه هو العزیز الرحیم

فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۱۷ – ۷،۹،۱۰

۷ – داوری حتمی خداوند در قیامت ، نسبت به اختلاف های ناروا و تجاوزگرانه بنی اسرائیل

إنّ ربّک یقضی بینهم یوم القیمه

۹ – داوری پروردگار در قیامت میان انسان ها ، پایانی بر همه خصومت ها و اختلاف های آنان خواهد بود .

إنّ ربّک یقضی بینهم یوم القیمه

۱۰ – داوری پروردگار میان انسان ها و فیصله دادن به همه خصومت های آنان ، جلوه ای از ربوبیت او است .

إنّ ربّک یقضی بینهم یوم القیمه فیما کانوا فیه یختلفون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – مجادله – ۵۸ – ۹ – ۱۰

۱۰ – خداوند ، فرمانروا و داور روز قیامت است .

و اتّقوا اللّه الذی إلیه تحشرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۱۳ – ۱،۲

۱ – قیامت ، روز جداسازی میان خلایق و داوری میان حق و باطل است .

لیوم الفصل

<فصل> به حایل بین دو چیز و نیز به داوری میان حق و باطل گفته می شود(قاموس المحیط). روز قیامت چنان که مفسران گفته اند از این رو <یوم الفصل> نامیده شده که در آن روز، میان خلایق جدایی ایجاد شده و حق از باطل تمیز داده خواهد شد و مورد داوری قرار خواهد گرفت.

۲ – جداسازی میان خلایق و داوری میان حق و باطل ، از مهم ترین خصیصه روز قیامت

لیوم الفصل

توصیف روز قیامت به <یوم الفصل>، در سلسله آیات مربوط به حوادث قبل و بعد از برپایی قیامت، گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۴ - ۱

۱ - شناخت ژرفای حقیقت و عظمت روز قیامت (روز داوری میان اهل حق و باطل) ، بس دشوار و دست نایافتنی برای بشر

و ما أدریک ما یوم الفصل

از تعبیر <و ما أدراك. ..>(چه چیز آگاه ساخت تو را...) استفاده می شود: قیامت، حقیقتی بس بزرگ و عمیق است که کسی به درستی و شایستگی از آن آگاه نیست و تنها در پرتو وحی الهی، قابل شناخت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۸ - ۱،۲

۱ - قیامت ، روز جداسازی میان خلایق و داوری میان حق و باطل است .

هذا یوم الفصل

<فصل>به حایل بین دو چیز و نیز به داوری میان حق و باطل گفته می شود (قاموس المحیط). روز قیامت، از این رو <یوم الفصل> نامیده شده که در آن روز، میان خلایق جدایی خواهد افتاد و حق از باطل تمیز داده شده و مورد داوری قرار خواهد گرفت.

۲ - جداسازی میان خلایق و داوری میان حق و باطل ، از مهم ترین خصیصه روز قیامت

هذا یوم الفصل

توصیف روز قیامت به <یوم الفصل> در سلسله آیات مربوط به حوادث قبل و بعد از برپایی قیامت، گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۷ - ۱،۶

۱ - قیامت روز داوری بین مردم و رفع اختلافات آنان

یوم الفصل

<فصل>; یعنی، جداسازی دو چیز از یکدیگر به گونه ای که میان آن دو فاصله افتد. اطلاق این کلمه بر روز قیامت، به اعتبار روشن شدن

حق از باطل و یا پایان دادن به اختلاف مردم و قضاوت در میان آنان است. (مفردات راغب)

۶ - صحنه داوری در قیامت ، تهدیدی گریزناپذیر برای منکران معاد و شبهه افکنان در حقانیّت آن

عمّ یتساءلون . .. إنّ یوم الفصل کان میقتًا

قضاوت در کودکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۲ - ۱۰

۱۰- حضرت یحیی ، برخوردار مقام قضاوت در ایام کودکی

و ءاتینه الحکم صبیًّا

<حکم> بر اساس یکی از معانی متعددی که برای آن ذکر شده است، مصدر و به معنای قضاوت کدن است (لسان العرب).

قضاوت درباره خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۶ - ۱۱

۱۱ داوری و سخن گفتن درباره خداوند، آنگاه که مبتنی بر حدس و گمان باشد، کاری نکوهیده است.

و جعلوالله . .. ساء ما یحکمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۵۴ - ۳

۳ - داوری درباره خداوند و عقاید دینی ، بدون علم و دلیل و شاهد ، قضاوتی ناشایست و شگفت آور است .

أصطفی البنات علی البنین . ما لکم کیف تحکمون

قضاوت درباره دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۱ - ۸

۸- داوری کافران درباره دین ، براساس ملاک های سطحی و نه متکی بر اندیشه و دانش

و قال الذین کفروا . .. لو کان خیرًا ما سبقونا إلیه

کافران، گرایش و عدم گرایش طبقات خاصی را به ایمان، ملاک اصلی داوری خود قرار دادند; بی آن که در متن قرآن

و پیام دین خردمندانه بیندیشند.

قضاوت درباره ظالمان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۵۴ – ۱۱

۱۱ قضاوت و داوری خداوند درباره ستمگران ، قضاوتی است بر پایه قسط و عدل .

و لو أن لکل نفس ظلمت . .. و أسروا الندامه لما رأوا العذاب و قضی بینهم بالقسط

قضاوت رهبری

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۶۵ – ۷

۷ قضاوت ، از شؤون پیامبر (ص) و رهبران الهی است .

فلا و ربّک لا یؤمنون حتّی یحکّموک فیما شجر بینهم

قضاوت زکریا(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۸۹ – ۳

۳ زکریا، یحیی، عیسی، الیاس، اسماعیل، الیسع، یونس و لوط(ع)، بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئک الذین ءاتینهم الکتب و الحکم و النبوه

قضاوت سلیمان(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۷۸ – ۲،۵،۷،۸،۹،۱۰

۲- داوری داوود و سلیمان (ع) ، در باره کشتزار چراشده در شبان گاه به وسیله گوسفندان مردم

و داود و سلیمن إذ یحکمان فی الحرث إذ نفشت فیه غنم القوم

<نفش> به معنای چریدن حیوان در شب، بدون چوپان و یا بی اطلاع وی است.

۵- داوود و سلیمان (ع) ، در تطبیق و چگونگی پیاده کردن حکم خدا در باره خسارت مزرعه تلف شده به وسیله گوسفندان ، اختلاف نظر داشتند .

و داود و سلیمن إذ یحکمان فی الحرث إذ نفشت فیه غنم القوم

و كنّا لحكمهم شهدين

نوع مفسران برآنند که <ففهّمناها> می رساند که خداوند نظر سلیمان را تأیید کرد. از سوی دیگر، جمله های <كنّا لحكمهم شاهدين> و <و کلاًّ آتينا حکماً و علماً> می فهماند که نظر هر دو براساس نظارت، حکم و علم الهی بوده است. جمع میان این دو سخن، به این است که بگوییم: اختلاف آن دو در حکم الهی نبود; بلکه در تطبیق و چگونگی پیاده کردن آن بود.

۷- داوود و سلیمان (ع) ، از مقام قضاوت در میان مردم عصرخویش برخوردار بودند .

و داود و سليمن إذ يحكمان فی الحرث

۸- < عن أبی جعفر (ع) فی قول اللّه تبارک و تعالی : < داود و سليمان إذ يحكمان فی الحرث . . . > قال لم يحكما إنّما كانا يتناظران ففهّمها سليمان . . . ;

از امام باقر(ع) در باره قول خدای تبارک و تعالی <و داوود و سلیمان إذ يحكمان فی الحرث. ..> روایت شده که فرمود: داوود و سلیمان(ع) داوری نکردند، تنها مشغول مناظره بودند که خدا حکم واقعه را به سلیمان تفهیم کرد>.

۹- < أحمدبن عمرالحلبی قال : سألت أباالحسن (ع) عن قول اللّه عزّوجلّ : < و داود و سليمان إذ يحكمان فی الحرث > قال : كان حكم داوود (ع) رقاب الغنم ، و الذی فهّم اللّه عزّوجلّ سليمان (ع) أن احكم لصاحب الحرث باللبن و الصوف ذلک العام كلّه ;

احمدبن عمر حلبی گوید: از امام ابی الحسن(ع) در باره سخن خداوند عزّوجلّ <و داود و سليمان إذ يحكمان فی الحرث> سؤال کردم، فرمود:

حکم داوود(ع) دادن گوسفندان به صاحب زراعت بود و چیزی را که خداوند به سلیمان فهماند، این بود که برای صاحب زراعت حکم کن تا شیر و پشم گوسفندان در کلّ آن سال برای او باشد>.

۱۰- < عن أبی عبداللّه (ع) قال : کان فی بنی اسرائیل رجل له کرم و نفشت فیه غنم رجل آخر باللیل و قضمته و أفسدته فجاء صاحب الکرم إلی داود فاستعدی علی صاحب الغنم فقال داود (ع) : إذهبا إلی سلیمان (ع) لیحکم بینکما فذهبا إلیه فقال : سلیمان إن کانت الغنم أکلت الأصل و الفرع فعلی صاحب الغنم أن یدفع إلی صاحب الکرم الغنم و ما فی بطن ها و إن کانت ذهبت بالفرع و لم تذهب بالأصل فإنّه یدفع ولد ها إلی صاحب الکرم و کان هذا حکم داود . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده: مردی از بنی اسرائیل دارای تاکستانی بود، گوسفندان فردی شبان گاه وارد آن شدند و آن را خوردند و تباه کردند . .. صاحب تاکستان از صاحب گوسفندان نزد داوود شکایت برد، او گفت: نزد سلیمان بروید تا میان شما داوری کند. پس نزد سلیمان رفتند، وی گفت: اگر گوسفند اصل و فرع تاک را خورده، پس بر صاحب گوسفند است که باید گوسفند و بچه در شکم او را به صاحب تاک بدهد و اگر فرع درخت را خورده و اصل درخت باقی است، بچه گوسفند را به صاحب تاکستان بدهد و نظر داوود هم همین بود...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۹ -

۲- امتیاز سلیمان بر داوود (ع) ، در تشخیص حکم خسارت کشتزار تلف شده

و داود و سلیمن إذ یحکمان فی الحرث . .. ففهّمنها سلیمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۷ - ۱

۱ - حضرت سلیمان (ع) ، قضاوت درباره هدهد را به آینده و پس از تحقیق پیرامون ادعا های وی موکول کرد .

فقال أحطت بما لم تحط به . .. قال سننظر أصدقت أم کنت من الکذبین

قضاوت طاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۰ - ۱،۲،۳،۸،۱۱،۱۲،۱۴،۱۸

۱ تصمیم بر ارجاع داوری به طاغوت ، ناسازگار با ایمان به قرآن و دیگر کتب آسمانی است .

الم تر الی الذین یزعمون . .. یریدون ان یتحاکموا الی الطّاغوت

۱ جمله <یریدون . .. > دلالت می کند که حتّی تصمیم بر چنین کاری نیز خطاست ; چه رسد به انجام آن. ۲ کلمه <طاغوت>، مصدر و به معنای اسم فاعل است ; یعنی: هر انسان متجاوز، ظالم و جبّار.

۲ ناسازگاری ایمان به قرآن و کتب آسمانی ، با ارجاع داوری به طاغوتها

الم تر الی الذین یزعمون . .. یریدون ان یتحاکموا الی الطّاغوت

۳ مراجعه به طاغوت ها برای داوری ، علی رغم ادعای ایمان مایه شگفتی و تعجّب

الم تر الی الذین یزعمون . .. ان یتحاکموا الی الطّاغوت

استفهام در جمله <الم تر>، برای تعجّب ایراد شده است.

۸ دادگاه های طاغوتی ، دادگاههایی هستند که بر خلاف حکم خدا و رسول قضاوت می کنند . *

يريدون ان يتحاكموا الى

الطّاغوت و قد امروا ان يكفروا به

در صورتی ارجاع داوری به دادگاهها ناسازگار با ایمان می شود که قضاوت در آن محاکم بر خلاف دستورات الهی باشد ; بنابراین مراد از طاغوت حاکمانی هستند که بر خلاف قرآن و سنت پیامبر حکم می کنند.

۱۱ خودداری از مراجعه به طاغوت برای قضاوت ، مصداقی از کفر به طاغوت

یریدون ان یتحاکموا الی الطّاغوت و قد امروا ان یکفروا به

۱۲ ارجاع داوری ها به طاغوت (کسانی که بر خلاف احکام خداوند ، حکم می کنند) ، خواسته شیطان است .

و یرید الشّیطان ان یضلّهم

۱۴ رجوع کنندگان به طاغوت ، تحت سیطره و نفوذ شیطان هستند .

یریدون ان یتحاکموا الی الطّاغوت . .. و یرید الشّیطان ان یضلّهم

۱۸ سقوط به ژرفنای گمراهی ، پیامد پذیرش دادگاه های طاغوتی

یریدون ان یتحاکموا . .. و یرید الشّیطان ان یضلّهم ضلالا بعیداً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۶۴ – ۶

۶ مراجعه به طاغوت و دادگاه های ناصالح برای داوری ، ستم به خویشتن است .

یریدون ان یتحاکموا . .. و لو انّهم اذ ظلموا انفسهم

قضاوت ظالمانه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۵۱ – ۱۲

۱۲ نکوهش اهل کتاب (علمای یهود) ، به جهت قضاوت ظالمانه درباره مؤمنان و سازش با کافران

الم تر الی الّذین اوتوا نصیباً من الکتب یؤمنون

جمله <الم تر . .. > دارای لحن مذمت گونه و اعتراض آمیز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده -

۵ - ۴۴ - ۵۳

۵۳ داوری بر پایه جور اگر چه در مورد مالی اندک و اجبار دیگران به پذیرش آن ، کفر است .

و من لم یحکم بما أنزل اللّه فأولئک هم الکفرون

از رسول خدا(ص) روایت شده: من حکم فی درهمین بحکم جور ثم جبر علیه کان من اهل هذه الایه <و من لم یحکم بما انزل اللّه فأولئک هم الکفرون> . .. .

کافی، ج ۷، ص ۴۰۸، ح ۳; تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۲۳، ح ۱۲۰.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۵ - ۱۶

۱۶ کسانی که بر مبنای مقررات و قوانین الهی حکم نکنند ، ستمکارند .

و من لم یحکم بما أنزل اللّه فأولئک هم الظلمون

قضاوت عادلان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۹ - ۵

۵ عدالت پیشگان قوم موسی همواره حق را میزان قضاوت های خویش قرار داده و بر اساس آن داوری می کردند .

و به یعدلون

<به> متعلق به <یعدلون> و <باء> در آن برای استعانت است.

قضاوت عادلانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۲ - ۲۱

۲۱ توجه به خشنودی خداوند از عدالت پیشگان ، بر انگیزاننده داوران به رعایت قسط و عدل

فاحکم بینهم بالقسط إنّ اللّه یحب المقسطین

قضاوت عجولانه درباره اولیاء الله

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۸۲ – ۲۴

۲۴- پرهیز از ناشکیبایی و قضاوت عجولانه در زمینه کار های شگفت اولیای الهی ،

لازم است .

ذلك تأويل ما لم تسطع عليه صبرًا

از مجموعه داستان موسی و خضر(ع) استفاده می شود که نباید کار اولیای الهی را با کار خود قیاس کرد، بلکه باید شکیبایی ورزید و سخنی ناسنجیده بر زبان نراند; زیرا، آگاهی بر اسرار آن، مقدور همه نیست.

قضاوت عدالت پیشگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۱ - ۴

۴ عدالت پیشگان همواره حق را میزان قضاوت های خویش قرار داده و بر اساس آن داوری می کنند .

و به یعدلون

<به> متعلق به <یعدلون> و <باء> در آن برای استعانت است.

قضاوت عزیز مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۸ - ۱۳

۱۳ عدالت و انصاف عزیز مصر ، در قضاوت و ابلاغ نظر خویش در ماجرای یوسف (ع) و زلیخا

فلما رءا قمیصه . .. قال إنه من کیدکنّ إن کیدکنّ عظیم

قضاوت علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۱ - ۱۰،۱۲

۱۰ داوری ظالمانه علمای یهود نسبت به مسلمانان

الم تر الی الّذین . .. و یقولون للّذین کفروا هؤلاء اهدی من الّذین امنوا سبیلاً

۱۲ نکوهش اهل کتاب (علمای یهود) ، به جهت قضاوت ظالمانه درباره مؤمنان و سازش با کافران

الم تر الی الّذین اوتوا نصیباً من الکتب یؤمنون

جمله <الم تر . .. > دارای لحن مذمت گونه و اعتراض آمیز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۹،۱۰،۳۳

۹ تورات ، محور قضاوت های

عالمان ربانی و احبار در بین یهود

یحکم بها . .. الربنیون و الاحبار

۱۰ عالمان ربانی و احبار یهود ، ادامه دهندگان راه انبیا در مسند قضاوت

یحکم بها النبیون . .. و الربنیون و الاحبار

۳۳ پیامبران ، ربانیون و احبار ، الگو های خداترسی و بی پروایی از مردم برای قضاوت بر اساس احکام الهی

یحکم بها النبیون . .. فلاتخشوا الناس و اخشون

قضاوت علیه عهدشکنان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۲۸ – ۴

۴ – داوری قطعی خدا در قیامت ، علیه طرف تخلف کننده از قرارداد

و اللّه علی ما نقول وکیل

قضاوت عمر (ابن خطاب)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۶۴ – ۱۵

۱۵ روی انه أتی عمر بحامل قد زنت فامر برجمها فقال له امیر المؤمنین(ع): هب لک سبیل علیها أیّ سبیل لک علی ما فی بطنها و الله تعالی یقول: <و لاتزر وازره وزر أخری . ..>.

روایت شده: زن حامله ای را که مرتکب زنا شده بود نزد عمر آوردند، وی دستور داد زن را سنگسار کنند. امیرالمؤمنین(ع) به وی فرمود: بر فرض که حق سنگسار کردن زن را داشته باشی، ولی چه حقی بر طفل در شکم او داری؟ خداوند متعال می فرماید: کسی بار گناه دیگری را بر دوش نمی کشد ... .

قضاوت عیسی(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۳

۳ زکریا، یحیی، عیسی، الیاس، اسماعیل، الیسع، یونس و لوط(ع)، بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب

قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئک الذین ءاتینهم الکتب و الحکم و النبوه

قضاوت فرزندان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۴

۴ برخی از پدران و فرزندان و برادران پیامبران پیشین (ابراهیم(ع)، اسحق و . ..) بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بوده اند.

و من ءابائهم و ذریتهم و إخونهم . .. أولئک الذین ءاتینهم الکتب و الحکم و النبوه

قضاوت قاضی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۹ - ۸

۸ صدور حکم قاضی ، موجب تغییر حق و واقع نخواهد شد .

هأنتم هؤلاء جدلتم عنهم فی الحیوه الدنیا فمن یجدل اللّه عنهم فی یوم القیمه

از اینکه خداوند می فرماید: بر فرض که در دنیا با دفاع نا حق ظالم را تبرئه کردید، در قیامت چه خواهید کرد، معلوم می شود حکم قاضی ایجاد حق نمی کند و واقع را تغییر نمی دهد.

قضاوت گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۸ - ۵

۵ - حکم و قضاوتی که بر اثر گرفتن رشوه صادر شده باشد ، گناه و فاقد اعتبار است .

و تدلوا بها إلی الحکام لتأکلوا فریقاً من أمول الناس بالأثم

قضاوت لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۳

۳ زکریا، یحیی، عیسی، الیاس، اسماعیل، الیسع، یونس و لوط(ع)، بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئک الذین ءاتینهم الکتب و

الحکم و النبوه

قضاوت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۱ - ۶

۶ توبیخ منافقان به جهت رویگردانی آنان از حاکمیت قضایی پیامبر (ص)

رایت المنافقین یصدّون عنک صدوداً

در برداشت فوق <یصدّون> فعل لازم گرفته شده است ; بر این مبنا <صدّ> به معنی اعراض خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۵ - ۵،۶،۷،۸،۱۱

۵ مردم ، وظیفه دار مراجعه به پیامبر (ص) برای داوری و حلّ کلیّه مشاجرات

فلا و ربّک لا یؤمنون حتّی یحکّموک فیما شجر بینهم

۶ ربوبیّت الهی ، منشأ تربیت پیامبر (ص) برای تصدّی مقام قضاوت و حکومت

فلا و ربّک لا یؤمنون حتّی یحکّموک

برداشت فوق از کاربرد کلمه <ربّ> و اضافه آن به ضمیر خطاب استفاده شده است.

۷ قضاوت ، از شؤون پیامبر (ص) و رهبران الهی است .

فلا و ربّک لا یؤمنون حتّی یحکّموک فیما شجر بینهم

۸ پذیرش حاکمیّت قضایی پیامبر (ص) در مشاجرات و التزام قلبی به حکم آن حضرت ، از علایم ایمان

فلا و ربّک لا یؤمنون حتّی یحکّموک فیما شجر بینهم ثمّ لا یجدوا فی انفسهم حرجاً مم

۱۱ تسلیم همه جانبه در برابر پیامبر (ص) و احکام قضایی آن حضرت ، از علایم ایمان

فلا و ربّک لا یؤمنون حتّی یحکّموک . .. و یسلّموا تسلیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۵ - ۷،۱۱

۷ قضاوت ، از منصب های پیامبر (ص)

لتحکم بین

الناس

۱۱ پیامبر (ص) ، موظف به قضاوت در میان مردم بر پایه تعالیم قرآن و شیوه های ارائه شده به او ، از سوی خداوند

إنّا انزلنا إلیک الکتب بالحق لتحکم بین الناس بما اریک اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۱۳ – ۳،۶

۳ تلاش گروهی از خائنان برای به اشتباه انداختن پیامبر (ص) ، در قضاوت

هانتم هؤلاء جدلتم عنهم فی الحیوه الدنیا . .. لهمت طائفه منهم ان یضلوک

اگر چه ظاهر جمله شرطیه <لولا. .. لهمت>، نفی تلاش است، ولی مراد از آن نفی تأثیر تلاش می باشد. یعنی تلاش آنان برای لغزاندن پیامبر(ص)، هیچگونه اثری نداشت و گویا اصلا تلاشی در این جهت نکردند، این معنا با آیات قبل تأیید می شود.

۶ فضل و رحمت الهی ، مانع تأثیر دسیسه و زمینه سازی های خائنان در قضاوت پیامبر (ص)

لتحکم بین الناس . .. و لولا فضل اللّه علیک و رحمته لهمت طائفه منهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۴۱ – ۲۳

۲۳ تثبیت حکم تحریف شده به دست عالمان یهود ، هدف آنان از ارجاع داوری به رسول خدا (ص)

ان اوتیتم هذا فخذوه و إن لم تؤتوه فاحذروا

ارجاع داوری به رسول خدا(ص) و نپذیرفتن قضاوت آن حضرت در صورت مخالفت حکم وی با اظهارات عالمان یهود، می رساند که هدف آنان از این ارجاع تنها تلاش برای یافتن امضای حکم تحریف شده بوده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ –

مائده - ۵ - ۴۲ - ۱۱،۱۲،۱۳،۱۴،۱۵

۱۱ پیامبر (ص) ، از جانب خداوند ، اختیار دار داوری در میان یهودیان و یا خودداری از آن

فان جاءوک فاحکم بینهم او اعرض عنهم

۱۲ یهودیان ، در اندیشه آسیب رسانی به پیامبر (ص) ، در صورت اعراض آن حضرت از داوری بین آنان

و إن تعرض عنهم فلن یضروک شیئاً

۱۳ پیامبر (ص) ، نگران آسیب رسانی یهود به اسلام و مسلمانان در صورت اعراض آن حضرت از داوری بین آنان

و إن تعرض عنهم فلن یضروک شیئاً

به نظر می رسد مراد از <یضروک> آسیب رسانی به اسلام و جامعه ایمانی باشد، زیرا رسول خدا(ص) نگران آسیب دیدن شخص خود نبوده است.

۱۴ نوید خداوند به مصونیت پیامبر (ص) از توطئه های یهودیان به خاطر ترک داوری بین آنان

و إن تعرض عنهم فلن یضروک شیئاً

۱۵ پیامبر (ص) ، مأمور به قضاوت عادلانه بین یهودیان در صورت تصمیم بر داوری میان آنان

و إن حکمت فاحکم بینهم بالقسط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۳ - ۱،۲،۳

۱ ارجاع داوری به پیامبر (ص) از سوی یهودیان ، علی رغم دسترسی آنان به حکم خدا در تورات ، شگفت آور و سؤال بر انگیز

و کیف یحکمونک و عندهم التوریه فیها حکم اللّه

۲ گریز از احکام تورات ، انگیزه مراجعه گروهی از یهودیان به پیامبر (ص) برای قضاوت

و کیف یحکمونک و عندهم التوریه فیها حکم اللّه

۳ پیامبر (ص) ، مورد مراجعه مردم ، حتی یهودیان

، برای حکمیت و داوری

و کیف یحکمونک و عندهم التوریه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۸ - ۱۰،۱۲،۱۳

۱۰ پیامبر (ص) ، وظیفه دار قضاوت در بین اهل کتاب بر اساس احکام الهی

فاحکم بینهم بما أنزل اللّه

برداشت فوق بر این مبناست که ضمیر در <بینهم> به اهل کتاب باز گردد.

۱۲ انتخاب قرآن از میان کتب آسمانی ، برای داوری بین اهل کتاب ، وظیفه پیامبر (ص)

و انزلنا الیک الکتب . .. مهیمناً علیه فاحکم بینهم بما أنزل اللّه

<فاء> در <فاحکم> پس از ذکر مهیمن بودن قرآن، بیانگر این است که مراد از <ما انزل اللّه> قرآن است.

۱۳ قضاوت بین مردم بر اساس احکام الهی از وظایف پیامبر (ص)

فاحکم بینهم بما أنزل اللّه

بنابر اینکه مراد از ضمیر <بینهم> همه مردم باشند، نه خصوص اهل کتاب.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۹ - ۱،۲،۸،۱۳،۱۵،۱۷

۱ پیامبر (ص) ، وظیفه دار قضاوت در بین مردمان ، بر اساس احکام الهی

و إن احکم بینهم بما أنزل اللّه

۲ حکم و داوری در بین مردم ، از شؤون و مناصب پیامبر (ص)

و إن احکم بینهم بما أنزل اللّه

۸ هشدار خداوند به پیامبر (ص) درباره توطئه گروهی از مردم برای بازداشتن وی از داوری بر اساس تعالیم قرآن

و احذرهم ان يفتنوك عن بعض ما أنزل اللّه إليك

۱۳ تلاش موذيانه و فريبكارانه اهل كتاب (يهود) ، براى بازداشتن پيامبر (ص) از حكم و داورى

بر اساس قرآن

و احذرهم ان یفتنوک عن بعض ما أنزل اللّه إلیک

چون <یفتنوک> به <عن> متعدی شده است علاوه بر بازداشتن و گمراه ساختن، معنای خدعه و نیرنگ نیز در آن اشراب شده است ; یعنی مبادا تو را با نیرنگ از احکام الهی بازدارند و گمراه سازند.

۱۵ اراده خداوند بر عذاب گنهکاران ، مانع توفیق آنان به پذیرش احکام الهی و داوری های پیامبر (ص)

فان تولوا فاعلم انما یریداللّه ان یصیبهم ببعض ذنوبهم

۱۷ برخی گناهان ، مایه محرومیت از پذیرش احکام الهی و داوری های پیامبر (ص)

فان تولوا فاعلم انما یریداللّه ان یصیبهم ببعض ذنوبهم

برداشت فوق بر این مبناست که مراد از <ان یصیبهم> همان گرفتار ساختن گنهکاران به رویگردانی و نپذیرفتن احکام قرآن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۰ - ۱

۱ بسیاری از مردمان عصر بعثت ، خواستار داوری پیامبر (ص) بر اساس قوانین جاهلی

افحکم الجهلیه یبغون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۸

۸ حضرت محمّد(ص)، دارای کتاب و مقام حکم و قضاوت و نبوت از جانب خداوند است.

أولئک الذین ءاتینهم الکتب و الحکم و النبوه فإن یکفر بها هؤلاء

گر چه در این آیه نام حضرت محمّد(ص) به صراحت نیامده، ولی یاد انبیای گذشته و اشاره به مقامات آنان و همچنین سخن از کفر مردم مکه، با لطافتی تمام، اشاره به این دارد که خداوند همان مقامات را به حضرت محمّد(ص) نیز عطا کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۸ - ۵

۵ - قضاوت میان مردم ، از مسؤولیت ها و منصب های پیامبر (ص) بود .

و إذا دعوا إلی اللّه و رسوله لیحکم بینهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۰ - ۷

۷ - گمان ناعادلانه بودن حکم خدا و رسول او ، از نشانه های نفاق و اوصاف منافقان

أم یخافون أن یحیف اللّه علیهم و رسوله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۱ - ۶،۷

۶ - قضاوت میان مردم ، از مسؤولیت ها و منصب های پیامبر (ص) بود .

إذا دعوا إلی اللّه و رسوله لیحکم بینهم

۷ - داوری پیامبر (ص) ، بر مبنای فرمان ها و دستورات خدا بود .

إذا دعوا إلی اللّه و رسوله لیحکم بینهم

قضاوت مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۷ - ۴،۵

۴ احکام صادره از سوی قاضیان مسیحی ، در صورتی که بر اساس انجیل باشد ، نافذ و دارای اعتبار است .

و لیحکم أهل الانجیل بما أنزل اللّه فیه

چون اهل انجیل از امر و نهی قرآن پیروی نمی کنند، می توان گفت مراد از (ولیحکم) تنفیذ احکامی است که عالمان مسیحی

بر اساس انجیل صادر می کنند.

۵ احکام قاضیان مسیحی تنها در بین همکیشان آنان دارای اعتبار است . *

و لیحکم أهل الانجیل بما أنزل اللّه فیه

عنوان <اهل الانجیل> می تواند بیانگر محدوده اعتبار و نفوذ داوریهای مستند به انجیل باشد.

قضاوت مشرکان

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۶ - ۱۰

۱۰ داوری زشت و غلط مشرکان جاهلی در مقایسه خدا با بتها و ترجیج بتها بر او

فما کان لشرکائهم . .. ساء ما یحکمون

قضاوت مشروع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۷ - ۴۸،۹

۴ احکام صادره از سوی قاضیان مسیحی ، در صورتی که بر اساس انجیل باشد ، نافذ و دارای اعتبار است .

و لیحکم أهل الانجیل بما أنزل اللّه فیه

چون اهل انجیل از امر و نهی قرآن پیروی نمی کنند، می توان گفت مراد از (ولیحکم) تنفیذ احکامی است که عالمان مسیحی بر اساس انجیل صادر می کنند.

۸ قوانین حکومتی و قضاوت ها ، تنها در صورتی نافذ است که بر اساس احکام الهی صادر شود .

و من لم یحکم بما أنزل اللّه فأولئک هم الفسقون

۹ ضرورت پذیرش احکام و قضاوت های مستند به احکام الهی

و من لم یحکم بما أنزل اللّه فأولئک هم الفسقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۶ - ۵

۵ - حکومت و داوری میان مردم ، نیازمند مشروعیت دینی و استناد به منبع وحی

و لقد ءاتینا . .. و الحکم و النبوّه

برداشت بالا از آن جا استفاده می شود که یکی از موارد اعطایی از سوی خداوند به بنی اسرائیل، <حکم> دانسته شده است; آن هم در کنار <کتاب> و <نبوت> که اعطای آنها تنها از شؤون خداوند است.

قضاوت منافقان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹

- ۵۰ - ۷

۷ داوری غلط منافقان در مورد شکست و پیروزی مسلمانان

و إن تصبک مصیبه یقولوا قد أخذنا أمرنا من قبل و یتولوا و هم فرحون

قضاوت موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۲

۲ نوح، ابراهیم، اسحاق، یعقوب، داوود، یوسف، موسی و هارون(ع) بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئک الذین ءاتینهم الکتب و الحکم و النبوه

<أولئک> اشاره به انبیای مذکور در آیات قبل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۷ - ۱

۱ - موسی (ع) درپی محاکمه سامری ، وی را به خروج فوری از جامعه و انزوا و قطع رابطه با مردم در طول زندگی محکوم کرد .

قال فاذهب فإنّ لک فی الحیوه أن تقول لامساس

فا در <فاذهب> علاوه بر ترتب فرمان رفتن بر محکومیت سامری، بر فوریت آن نیز دلالت دارد. <مساس> مصدر باب مفاعله است و <لامساس> به معنای نفی هرگونه تماس و برخورد است; یعنی، تو در زندگانی خود، سزاوار سرنوشتی هستی که سخن اول و آخر تو خبر دادن از بی کسی خود و نبود هرگونه تماس گیرنده ای با تو باشد.

قضاوت ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۵ - ۱۹

۱۹ قضاوت و داوری های به دور از معیار های تبیین شده در قرآن و سنت ، تحکیم بخش اغراض و منافع خیانتکاران

إنّا انزلنا إلیک الکتب بالحق . .. بما اریک اللّه و لاتکن للخائنین خصیماً

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۶ - ۹

۹ مصرف سهم خداوند برای بتها و دیگر شریکان خیالی و مصرف نکردن سهم بتها برای خداوند، از داوریهای ناپسند مشرکان عصر جاهلی بوده است.

فما کان لشرکائهم . .. ساء ما یحکمون

مراد از فعلهای <یصل> و <لایصل>، آن گونه که مفسران گفته اند، در مقام خبر از انشای مشرکان است. یعنی مشرکان آنچه را سهم خداوند تلقی می نمودند، مصرفش را برای بتها (مانند مخارج بتکده و ...) مجاز می دانستند، ولی عکس آن را روا نمی شمردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴ - ۹

۹ - پندار امکان گریز از مجازات الهی ، پنداری ناشایست است .

أم حسب الذین یعملون السیّئات أن یسبقونا ساء ما یحکمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۵۴ - ۳

۳ - داوری درباره خداوند و عقاید دینی ، بدون علم و دلیل و شاهد ، قضاوتی ناشایست و شگفت آور است .

أصطفی البنات علی البنین . ما لکم کیف تحکمون

قضاوت ناپسند مشرکان جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۹ - ۹،۱۰

۹- قرار دادن دختر برای خدا و پسر برای خود از سوی مشرکان ، قضاوتی بس زشت و ناروا بود .

و یجعلون لله البنت سبحنه و لهم ما یشتهون . .. ألا ساء ما یحکمون

۱۰- تفاوت قائل شدن بین دختران و پسران از سوی مشرکان عصر جاهلی ، قضاوتی زشت و ناروا بود .

و یجعلون

لله البنت سبحنه و لهم ما يشتهون . .. ألا ساء ما يحكمون

قضاوت ناحق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۴۷ – ۶

۶ آنان که حکم و داوری خویش را بر پایه قوانین و مقررات الهی بنا نکنند ، فاسق هستند .

و من لم يحكم بما أنزل اللّه فأولئك هم الفسقون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۲۱ – ۱۱

۱۱ – برابر پنداشتن افراد صلاح پیشه و خطاکار ، حکمی ناروا است .

أم حسب . .. ساء ما يحكمون

قضاوت نوح(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۸۹ – ۲

۲ نوح، ابراهیم، اسحاق، یعقوب، داوود، یوسف، موسی و هارون(ع) بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئك الذين ءاتينهم الكتب و الحكم و النبوه

<أولئك> اشاره به انبیای مذکور در آیات قبل است.

قضاوت وجدان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۶۷ – ۷،۸

۷ احاله انفاق کننده به داوری وجدان خویش ، در پرهیز از اموال نامرغوب

و لا تیمّموا الخبیث منه تنفقون و لستم باخذیه

۸ به داوری گرفتن وجدان ، از روش های قرآن برای پرهیز از کار های ناروا و تربیت انسان ها و رعایت احکام و مقررات دینی

و لا تیمّموا الخبیث منه تنفقون و لستم باخذیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۷ - ۱

۱ پیامبر(ص) مأمور برانگیختن داوری وجدان مشرکان بر

چگونگی فرجام آنان در صورت نزول عذاب الهی

قل أرءیتکم . .. هل یهلک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۷۱ – ۷

۷ برانگیختن داوری وجدان از طریق طرح پرسش، از روشهای تبلیغی قرآن

قل أندعوا من دون الله ما لا ینفعنا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۴۴ – ۱۱

۱۱– برانگیختن عقل و وجدان مردم به داوری ، روش حضرت ابراهیم (ع) در ارشاد و تبلیغ

لِمَ تعبد ما لایسمع . .. لاتعبد الشیطن إنّ الشیطن کان للرحمن عصیًّا

قضاوت هارون(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۸۹ – ۲

۲ نوح، ابراهیم، اسحاق، یعقوب، داوود، یوسف، موسی و هارون(ع) بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئک الذین ءاتینهم الکتب و الحکم و النبوه

<أولئک> اشاره به انبیای مذکور در آیات قبل است.

قضاوت یحیی(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۸۹ – ۳

۳ زکریا، یحیی، عیسی، الیاس، اسماعیل، الیسع، یونس و لوط(ع)، بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئک الذین ءاتینهم الکتب و الحکم و النبوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۲ - ۱۰

۱۰- حضرت یحیی ، برخوردار مقام قضاوت در ایام کودکی

و ءاتینه الحکم صبیًّا

<حکم> بر اساس یکی از معانی متعددی که برای آن ذکر شده است، مصدر و به معنای قضاوت کدن است (لسان العرب).

قضاوت

یعقوب(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۸۹ – ۲

۲ نوح، ابراهیم، اسحاق، یعقوب، داوود، یوسف، موسی و هارون(ع) بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئک الذین ءاتینهم الکتب و الحکم و النبوه

<أولئک> اشاره به انبیای مذکور در آیات قبل است.

قضاوت یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۸۹ – ۲

۲ نوح، ابراهیم، اسحاق، یعقوب، داوود، یوسف، موسی و هارون(ع) بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئک الذین ءاتینهم الکتب و الحکم و النبوه

<أولئک> اشاره به انبیای مذکور در آیات قبل است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۲۲ – ۴

۴ یوسف (ع) در سن جوانی ، به قضاوت و داوری میان مردم توانا بود .

و لما بلغ أشدّه ءاتینه حکمًا و علمًا

برخی از مفسران ، <حکم> را به دانش معارف الهی ، احکام شریعت ، حکمت و قضاوت میان مردم تفسیر کرده اند و مراد از <علم> را، دانش تعبیر رؤیاها ، تحلیل حوادث و درک مصالح و مفاسد دانسته اند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۴ - ۵

۵ محاکمه خطاکاران و قضاوت درباره آنان ، از اختیارات یوسف در زمان وزارتش در مصر

قالوا فما جزؤه إن کنتم کذبین

قضاوت یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۳

۳ زکریا، یحیی، عیسی،

الیاس، اسماعیل، الیسع، یونس و لوط(ع)، بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئک الذین ءاتینهم الکتب و الحکم و النبوه

قضاوت یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۸ - ۷

۷ یهود ، خائن به امانت ها و داورانی ستمگر

یقولون . .. هؤلاء اهدی من الذین امنوا ... اذا حکمتم بین النّاس ان تحکموا بالعدل

جمله <ان تحکموا بالعدل> می تواند اشاره باشد به حکومت و قضاوت ناعادلانه یهود درباره مؤمنان ; آنگاه که راه مشرکان را به صواب نزدیکتر معرفی کردند.

گواهی در قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۹ - ۱۵

۱۵ - داوری بر اساس مستندات پرونده و گواهی شاهدان ، قضاوتی عادلانه و به حق خواهد بود .

و وضع الکتب و جایء بالنبیّین و الشهداء و قضی بینهم بالحقّ و هم لایظلمون

مبانی قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۵ - ۶،۱۱،۱۳،۱۹،۲۰

۶ قرآن ، پایه و اساس برای قضاوت میان مردم

إنّا انزلنا إلیک الکتب بالحق لتحکم بین الناس بما اریک اللّه

مراد از <تحکم>، قضاوت است و اگر مراد حکومت بود، می فرمود: <لتحکم علی الناس>.

۱۱ پیامبر (ص) ، موظف به قضاوت در میان مردم بر پایه تعالیم قرآن و شیوه های ارائه شده به او ، از سوی خداوند

إنّا انزلنا إلیک الکتب بالحق لتحکم بین الناس بما اریک اللّه

۱۳ فراگیری قران و سنت ، شرط تصدی سمت قضاوت

إنّا انزلنا إلیک الکتب بالحق لتحکم بین

الناس بما اریک اللّه

ظاهراً مراد از <ما اریک>، احکامی است که در قرآن به آنها تصریح نشده و خداوند آنها را به پیامبر(ص) آموخته است. در برداشت فوق از آنها به سنت پیامبر(ص) تعبیر شده است.

۱۹ قضاوت و داوری های به دور از معیار های تبیین شده در قرآن و سنت ، تحکیم بخش اغراض و منافع خیانتکاران

إنّا انزلنا إلیک الکتب بالحق . .. بما اریک اللّه و لاتکن للخائنین خصیماً

۲۰ جانشینان پیامبر (ص) ، همانند خود آن حضرت ، موظف به قضاوت در میان مردم بر پایه تعالیم قرآن

إنّا انزلنا إلیک الکتب بالحق لتحکم بین الناس بما اریک اللّه

امام صادق(ع) پس از تلاوت آیه فوق فرمود: و هی جاریه فی الاوصیاء.

کافی، ج ۱، ص ۲۶۸، ح ۸; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۴۷، ح ۵۴۷.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۳،۹،۱۱،۱۴،۱۷،۱۸،۲۱،۲۲،۲۳،۲۸،۴۳،۴۶،۴۸،۴۹،

۳ تورات ، مرجع و پایه قضاوت های پیامبران در بین یهود

یحکم بها النبیون الذین اسلموا للذین هادوا

۹ تورات ، محور قضاوت های عالمان ربانی و احبار در بین یهود

یحکم بها . .. الربنیون و الاحبار

۱۱ قضاوت و حکومت بر مبنای کتب آسمانی ، جاری ساختن نور و هدایت در جامعه است .

فیها هدی و نور یحکم بها النبیون . .. و الربنیون و الاحبار

یادآوری قضاوت پیامبران بر اساس تورات، پس از توصیف آنان به هدایتگری و نورانیت، بیانگر آن است که پیاده کردن احکام آن در جامعه، موجب هدایت و نورانیت مردمان خواهد شد.

۱۴ احیای کتب آسمانی و حراست آنها از تبدیل و تحریف ،

در گرو حکم و قضاوت بر اساس آنهاست .

یحکم بها النبیون . .. و الربنیون و الاحبار بما استحفظوا من کتب اللّه

<باء> در <بما استحفظوا> سببیه است و بیانگر این است که چون مسؤولیت حراست از کتب آسمانی بر عهده آنهاست، باید بر اساس آن حکم کنند. یعنی حراست از کتب آسمانی در گرو این است که احکام آن در جامعه پیاده شود.

۱۷ دانشمندان یهود به دلیل شهادتشان بر حقانیت تورات آن را اساس احکام خویش قرار دادند .

یحکم . .. بما استحفظوا من کتب اللّه و کانوا علیه شهداء

چون جمله <کانوا . ..> عطف بر <استحفظوا> است، معلوم می شود که دلیل قضاوت ربانیون و احبار بر اساس تورات، اعتقاد آنان به حقانیت آن کتاب است.

۱۸ محور قرار دادن کتب آسمانی در قضاوت ها ، شهادت بر حقانیت آنهاست .

یحکم بها النبیون . .. بما استحفظوا من کتب اللّه و کانوا علیه شهداء

۲۱ حراست از تورات و قضاوت بر اساس آن ، بدون هیچ ترسی از مردم ، فرمان خداوند به عالمان یهود معاصر پیامبر (ص)

و الربنیون و الاحبار بما استحفظوا من کتب اللّه . .. فلاتخشوا الناس

۲۲ عالمان یهود در عصر بعثت ، بیمناک از مردم خویش در حکم و قضاوت بر اساس تورات

و الربنیون و الاحبار بما استحفظوا من کتب اللّه . .. فلاتخشوا الناس

۲۳ ترس از مردم در قضاوت بر اساس کتاب های آسمانی ، ناروا و مورد نهی خداوند

یحکم بها . .. فلاتخشوا الناس

۲۸ خشیت از خداوند (ترس برخاسته از عظمت او) ، وادار کننده عالمان به داوری بر اساس

کتاب های آسمانی و خودداری از کتمان احکام الهی

یحکم بها . .. و اخشون

۴۳ آنان که حکم و داوری خویش را بر پایه مقررات و قوانین الهی بنا نکنند ، کافرند .

و من لم یحکم بما أنزل اللّه فأولئک هم الکفرون

با توجه به آیات گذشته که درباره قضاوت بود، معلوم می شود که جمله <و من لم یحکم . ..> ناظر به مسأله قضاوت و داوری است.

۴۶ ضرورت پذیرش قوانین و داوری های مستند به احکام الهی

و من لم یحکم بما أنزل اللّه فأولئک هم الکفرون

لازمه وجوب قضاوت بر اساس احکام الهی، ضرورت پذیرش آنها از سوی طرفین نزاع و مشاجره است.

۴۸ کناره گیری از داوری بر پایه احکام الهی ، مهمل گذاردن فلسفه نزول آن احکام

و من لم یحکم بما أنزل اللّه فأولئک هم الکفرون

۴۹ خودداری از قضاوت بر اساس احکام الهی ، کفر است .

و من لم یحکم بما أنزل اللّه فأولئک هم الکفرون

جمله <و من لم یحکم . ..> دارای دو مصداق است: یکی حکم کردن بر اساس احکام غیر الهی و دوم خودداری از قضاوت بر اساس احکام الهی در عین وجود شرایط آن، برداشت فوق ناظر به مصداق دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۵ - ۱۶،۱۷،۱۸،۱۹،۲۱،۲۳

۱۶ کسانی که بر مبنای مقررات و قوانین الهی حکم نکنند ، ستمکارند .

و من لم یحکم بما أنزل اللّه فأولئک هم الظلمون

۱۷ ضرورت پذیرش قوانین و قضاوت های مستند به احکام الهی

و من لم یحکم بما أنزل اللّه فأولئک هم الظلمون

لازمه فرمان به حکم و قضاوت بر

اساس کتابهای آسمانی، الزام بندگان به پذیرش آن احکام و داوریهاست.

۱۸ نفوذ و اعتبار قوانین و داوری ها ، در گرو پی ریزی آنها بر پایه مقررات الهی

و من لم یحکم بما أنزل اللّه فأولئک هم الظلمون

لازمه وجوب داوری و قانونگذاری بر اساس احکام الهی، بی اعتبار دانستن احکامی است که بر پایه احکامی غیر الهی بنا شده باشد.

۱۹ خودداری از قضاوت بر اساس احکام الهی ، ظلم است . *

و من لم یحکم بما أنزل اللّه فأولئک هم الظلمون

۲۱ کناره گیری از داوری بر پایه احکام الهی ، مهمل گذاردن فلسفه نزول آن احکام

و من لم یحکم بما أنزل اللّه فأولئک هم الظلمون

۲۳ ستم پیشگی برخی از عالمان و سران یهود عصر پیامبر (ص) ، به دلیل خودداری آنان از قضاوت بر اساس تورات

فأولئک هم الظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۷ - ۱،۴،۸،۹

۱ مسیحیان وظیفه دار حکم و داوری بر اساس انجیل

و لیحکم أهل الانجیل بما أنزل اللّه فیه

۴ احکام صادره از سوی قاضیان مسیحی ، در صورتی که بر اساس انجیل باشد ، نافذ و دارای اعتبار است .

و لیحکم أهل الانجیل بما أنزل اللّه فیه

چون اهل انجیل از امر و نهی قرآن پیروی نمی کنند، می توان گفت مراد از (ولیحکم) تنفیذ احکامی است که عالمان مسیحی بر اساس انجیل صادر می کنند.

۸ قوانین حکومتی و قضاوت ها ، تنها در صورتی نافذ است که بر اساس احکام الهی صادر شود .

و من لم یحکم بما أنزل اللّه فأولئک هم الفسقون

۹ ضرورت

پذیرش احکام و قضاوت های مستند به احکام الهی

و من لم یحکم بما أنزل اللّه فأولئک هم الفسقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۸ - ۱۰،۱۳،۱۴،۱۷

۱۰ پیامبر (ص) ، وظیفه دار قضاوت در بین اهل کتاب بر اساس احکام الهی

فاحکم بینهم بما أنزل اللّه

برداشت فوق بر این مبناست که ضمیر در <بینهم> به اهل کتاب باز گردد.

۱۳ قضاوت بین مردم بر اساس احکام الهی از وظایف پیامبر (ص)

فاحکم بینهم بما أنزل اللّه

بنابر اینکه مراد از ضمیر <بینهم> همه مردم باشند، نه خصوص اهل کتاب.

۱۴ تنها احکام الهی باید اساس و معیار قضاوت ها قرار گیرد .

فاحکم بینهم بما أنزل اللّه

۱۷ خداوند بر حذر دارنده پیامبر (ص) از پیروی تمایلات اهل کتاب و عدول از حق (احکام قرآن) در قضاوت

فاحکم . .. و لاتتبع اهواءهم عما جاءک من الحق

کلمه <عن> در <عما جاءک> می رساند که معنای عدول در <لاتتبع> تضمین شده است. یعنی لاتعدل عن الحق متبعاً اهواءهم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۹ - ۱،۳،۸،۹،۱۳،۲۰

۱ پیامبر (ص) ، وظیفه دار قضاوت در بین مردمان ، بر اساس احکام الهی

و إن احکم بینهم بما أنزل اللّه

۳ تنها احکام الهی باید اساس و معیار حکومت و قضاوت قرار گیرد .

و إن احکم بینهم بما أنزل اللّه

۸ هشدار خداوند به پیامبر (ص) درباره توطئه گروهی از مردم برای بازداشتن وی از داوری بر اساس تعالیم قرآن

و احذرهم ان یفتنوک عن

بعض ما أنزل اللّه إليك

۹ ضرورت هشیاری حاکمان و قاضیان نسبت به تزویر دسیسه گران ، برای منحرف ساختن آنان از حکم و داوری بر پایه تعالیم قرآن

و احذرهم ان یفتنوک عن بعض ما أنزل اللّه إلیک

۱۳ تلاش موذیانه و فریبکارانه اهل کتاب (یهود) ، برای بازداشتن پیامبر (ص) از حکم و داوری بر اساس قرآن

و احذرهم ان یفتنوک عن بعض ما أنزل اللّه إلیک

چون <یفتنوک> به <عن> متعدی شده است علاوه بر بازداشتن و گمراه ساختن، معنای خدعه و نیرنگ نیز در آن اشراب شده است ; یعنی مبادا تو را با نیرنگ از احکام الهی بازدارند و گمراه سازند.

۲۰ لزوم داوری بر اساس احکام الهی ، حتی با احتمال سرپیچی مردمان از پذیرش آن

و إن احکم . .. فان تولوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۰ - ۵

۵ نظام سیاسی و قضایی شکل گرفته بر پایه قوانین غیر الهی ، نظامی جاهلی

افحکم الجهلیه یبغون و من احسن من اللّه حکماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۶ - ۵

۵ - حکومت و داوری میان مردم ، نیازمند مشروعیت دینی و استناد به منبع وحی

و لقد ءاتینا . .. و الحکم و النبوّه

برداشت بالا از آن جا استفاده می شود که یکی از موارد اعطایی از سوی خداوند به بنی اسرائیل، <حکم> دانسته شده است; آن هم در کنار <کتاب> و <نبوت> که اعطای آنها تنها از شؤون خداوند است.

مبانی قضاوت داود(ع)

آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۷۸ – ۱۱

۱۱– < عن أبی عبداللّه (ع) (فی) قول اللّه عزّوجلّ : < و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث > . . . قال : إنّه کان أوحی اللّه عزّوجلّ إلی النبیین قبل داود إلی أن بعث اللّه داود (ع) أی غنم نفشت فی الحرث فلصاحب الحرث رقاب الغنم . . . فحکم داود (ع) بما حکمت به الأنبیاء (ع) من قبله و أوحی اللّه عزّوجلّ إلی سلیمان (ع) أی غنم نفشت فی الزرع فلیس لصاحب الزرع إلاّ ما خرج من بطون ها و کذلک جرت السنّه بعد سلیمان > ;

از امام صادق(ع) [در باره] قول خدای عزّوجلّ <و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث> روایت شده . .. که فرمود: همانا خدای عزّوجلّ به پیامبران قبل از داوود تا زمانی که او را برانگیخت وحی نموده بود که هر گوسفندی شبانه وارد زراعتی شود، برای صاحب زراعت است که آن گوسفند را به تملک خود درآورد ... پس داوود به همان حکم پیامبران پیش از خودحکم داد و خدای عزّوجلّ به سلیمان وحی نمود: هر گوسفندی که شبانه وارد زراعتی شود، صاحب زراعت حقی ندارد; مگر به چیزی (بچه ای) که از شکم آن بیرون می آید و بعد از سلیمان همین سنت جریان داشت...>.

مبانی قضاوت سلیمان(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۷۸ – ۱۱

۱۱– < عن أبی عبداللّه (ع) (فی) قول اللّه عزّوجلّ

: < و داود و سليمان إذ يحكمان فى الحرث > . . . قال : إنّه كان أوحى اللّه عزّوجلّ إلى النبيين قبل داود إلى أن بعث اللّه داود (ع) أى غنم نفشت فى الحرث فلصاحب الحرث رقاب الغنم . . . فحكم داود (ع) بما حكمت به الأنبياء (ع) من قبله و أوحى اللّه عزّوجلّ إلى سليمان (ع) أى غنم نفشت فى الزرع فليس لصاحب الزرع إلاّ ـ ما خرج من بطون ها و كذلك جرت السنّه بعد سليمان > ;

از امام صادق(ع) [در باره] قول خداى عزّوجلّ <و داود و سليمان إذ يحكمان فى الحرث> روايت شده . .. كه فرمود: همانا خداى عزّوجلّ به پيامبران قبل از داوود تا زمانى كه او را برانگيخت وحى نموده بود كه هر گوسفندى شبانه وارد زراعتى شود، براى صاحب زراعت است كه آن گوسفند را به تملك خود درآورد ... پس داوود به همان حكم پيامبران پيش از خودحكم داد و خداى عزّوجلّ به سليمان وحى نمود: هر گوسفندى كه شبانه وارد زراعتى شود، صاحب زراعت حقى ندارد; مگر به چيزى (بچه اى) كه از شكم آن بيرون مى آيد و بعد از سليمان همين سنت جريان داشت...>.

مبانى قضاوت كافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۴ - ۱۱

۱۱ - قضاوت كافران درباره غلبه شان بر دين خدا ، مبتنى بر وهم و خيال وقضاوت ناشايست بود .

أم حسب الذين يعملون السيّئات أن يسبقونا ساء ما يحكمون

محروميت از قضاوت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۹ - ۲۱

۲۱ گناهان یهودیان و مسیحیان عصر بعثت حتی برخی از آن ، زمینه ساز محرومیت آنان از پذیرش احکام الهی و داوری های پیامبر (ص)

فان تولوا فاعلم انما یریداللّه ان یصیبهم ببعض ذنوبهم

کلمه <بعض> می تواند اشاره به این باشد که تنها برخی از گناهان اهل کتاب اقتضای محرومیت از حق پذیری را دارد ; نه همه آنها و می تواند به این معنا باشد که برخی از گناهان آنان در محرومیتشان از پذیرش احکام الهی کافی است گرچه بسیاری از گناهانشان چنین اقتضایی را دارد. برداشت فوق بر اساس احتمال دوم است.

مشورت در قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۸ - ۴

۴- مشورت در امر قضاوت ، امری است پسندیده و شایسته .

و داود و سلیمن إذ یحکمان فی الحرث . .. و کنّا لحکمهم شهدین

معبودان باطل و قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۰ - ۲

۲ - ناتوانی معبود های ادعایی مشرکان از هرگونه قضاوت

والذین یدعون من دونه لایقضون بشیء

مقام قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۵

۵ خداوند عطا کننده کتاب و منصب قضاوت و نبوت به پیامبران است.

أولئک الذین ءاتینهم الکتب و الحکم و النبوه

مقام قضاوت داود(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۷۹ – ۴

۴– داوود و سلیمان (ع) ، دارای

مقام قضاوت و برخوردار از علم خدا دادی

و داود و سلیمن . .. و کلاًّ ءاتینا حکمًا و علمًا

مقام قضاوت سلیمان(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۷۹ – ۴

۴- داوود و سلیمان (ع) ، دارای مقام قضاوت و برخوردار از علم خدا دادی

و داود و سلیمن . .. و کلاًّ ءاتینا حکمًا و علمًا

ملاک قضاوت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۱۳ – ۱۶،۲۱

۱۶ کتاب های آسمانی ، معیار شناخت حق از باطل و قضاوت صحیح

و انزل معهم الکتاب بالحق لیحکم بین الناس

۲۱ میسّر بودن داوری به حق میان مردم ، با قوانین الهی

و انزل معهم الکتاب بالحق لیحکم بین الناس

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۳۶ – ۵

۵- حکم و عمل انسان ، بر اساس آنچه صرفاً شنیده ، یا دیده و یا به قلبش راه یافته ، قبل از رسیدن به مرحله علم و آگاهی ، ممنوع است .

و لاتقف ما لیس لک به علم إن السمع و البصر و الفؤاد کلّ أُولئک کان عنه مسئولاً

برداشت فوق بر این اساس است که معمولاً حرکتهای غیر علمی، نشأت یافته از شنیده ها، دیده ها و باورهای سطحی است و خداوند، برای دور کردن انسان از حرکت غیر علمی، به او هشدار داده است که دیده ها و . .. تا زمانی که به مبنای علمی و

یقینی منتهی نشود، قابل اعتماد نیست و در صورت اعتماد نمودن، محاکمه خواهد شد.

جلد - نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۲۶ – ۷

۷ – حق ، پایه و محور داوری ها در جامعه الهی

فاحکم بین الناس بالحقّ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۶۹ – ۱۵

۱۵ – داوری بر اساس مستندات پرونده و گواهی شاهدان ، قضاوتی عادلانه و به حق خواهد بود .

و وضع الکتب و جایء بالنبیّین و الشهداء و قضی بینهم بالحقّ و هم لایظلمون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۷۵ – ۷

۷ – داوری میان مردم در قیامت ، بر پایه حق و عادلانه خواهد بود .

و قضی بینهم بالحقّ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ممتحنه – ۶۰ – ۱۰ – ۷

۷ – علم عادی و دلایل ظاهری ، کافی در مقام داوری و تشخیص امور

فامتحنوهنّ اللّه أعلم بإیمنهنّ

بیان <اللّه أعلم بإیمانهنّ. ..> پس از امر <امتحنوهنّ> می رساند که شما انسان ها در مقام داوری و حکم، موظف به ملاک های ظاهری و بشری هستید; نه ملاک هایی که چه بسا از دسترس بشر خارج است.

ملاک قضاوت اخروی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۹۰ – ۱۳

۱۳ – اعمال آدمی ، تنها معیار ارزش و داوری در قیامت

هل تجزون إلّا ما کنتم تعملون

ملاک قضاوت اخروی خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۸۹ – ۶

۶- حکم و داوری خداوند میان انسان ها در قیامت ، بر

اساس حجت و گواه شاهدان است .

و یوم نبعث فی کلّ أُمّه شهیدًا علیهم من أنفسهم

برداشت فوق، با توجه به این نکته است که برانگیختن شاهدان در راستای صدور حکم و داوری است و نیز به منظور اتمام حجت صورت می گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۸ - ۴

۴ - توحید ربوبی و انقیاد در برابر خدا ، ملاک داوری خداوند میان انسان ها در قیامت

إنّ اللّه یفصل بینهم یوم القیمه . .. ألم تر أنّ اللّه یسجد له من فی السموت و م

ارتباط این آیه با آیه پیشین، این معنا را می رساند که ملاک ارزیابی خداوند در داوری میان فرقه های گوناگون مردم در قیامت، اصل <توحید ربوبی و خضوع و انقیاد در برابر او> خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۷ - ۱

۱ - کفر و ایمان ، مبنای داوری خدا میان انسان ها در قیامت

یحکم بینهم فالذین ءامنوا . .. و الذین کفروا ... عذاب مهین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۸ - ۱۱

۱۱ - داوری خداوند در قیامت ، درباره هر امت ، براساس کتاب آسمانی آنان است . *

کلّ أمّه تدعی إلی کتبها

در صورتی که مراد از <کتاب> در <کتابها> کتاب آسمانی ویژه هر امت باشد; از دعوت شدن آنان به سوی کتاب آسمانی شان برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۵ - ۲

۲ - علم خداوند

به گفتار کافران ، ملاک داوری او علیه آنان در قیامت

نحن أعلم بما یقولون

از ارتباط <نحن أعلم. ..> با آیات پیشین که درباره حشر و معاد است مطلب بالا استفاده می شود.

ملاک قضاوت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۱۲ - ۲،۵

۲- داوری های خدا ، بر اساس و محور حق است .

ربّ احکم بالحقّ

برداشت یاد شده بنابراین است که این است که قید <بالحقّ> توضیحی باشد.

۵- قضاوت و داوری برحق خداوند ، برخاسته از علم و آگاهی همه جانبه او است .

إنّه یعلم الجهر من القول و یعلم ماتکتمون . .. قل ربّ احکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۹ - ۳،۵

۳ - داوری خدا در قیامت ، بر اساس علم کامل او به کردار آدمیان است .

اللّه أعلم بما تعملون . اللّه یحکم بینکم یوم القیمه

۵ - توحید و شرک (خدا پرستی و بت پرستی) ، مبنای داوری خدا و تعیین کیفر و پاداش در روز رستاخیز

اللّه یحکم . .. فیما کنتم فیه تختلفون

با توجه به عبارت پیشین <ما> در <فیما کنتم> به معنای <الذی> است که به مسأله توحید و شرک که محور اختلاف میان موحدان و مشرکان تاریخ بوده است اشاره دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۶ - ۹،۵،۳

۳ - داوری خداوند بین پیامبر (ص) و مشرکان ، بر اساس حق است .

ثمّ یفتح بیننا بالحقّ

۵ - ملاک و معیار داوری در نزد خداوند

، حق است .

ثمّ يفتح بيننا بالحقّ

۹ - داوری خداوند ، بر اساس علم و آگاهی او است .

و هو الفتّاح العليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۹ - ۱۴

۱۴ - داوری خداوند میان بندگان در قیامت ، بر پایه مستندات پرونده اعمال ، گواهی پیامبران و گواهانی چند خواهد بود .

و وضع الكتب و جایء بالنبيّين و الشهداء و قضی بينهم بالحقّ و هم لايظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۰ - ۵

۵ - عمل و رفتار انسان ، مبنای داوری خداوند و ملاک جزای او در قیامت است .

و وفّيت كلّ نفس ما عملت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۰ - ۴

۴ - آگاهی همه جانبه خداوند از احوال انسان ها ، پشتوانه قضاوت به حق او

يعلم خائنه الأعين . .. و اللّه يقضی بالحقّ

یادآوری قضاوت به حق خداوند پس از تذکر به علم همه جانبه او می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۸ - ۱۰،۱۱

۱۰ - داوری خداوند ، بر اساس حق است .

فإذا جاء أمر اللّه قضى بالحقّ

۱۱ - حکم خداوند به عذاب کافران در دنيا ، مطابق حق است .

فإذا جاء أمر اللّه قضى بالحقّ

برداشت ياد شده بر اين احتمال است كه مقصود از <أمر اللّه> عذاب دنيوى (استيصال) باشد; چنان كه موارد بسيارى در قرآن به همين معنا آمده است; مانند عذاب طوفان نوح كه

از آن چنین یاد شده است: <قال لاعاصم الیوم من أمر اللّه . ..>، (هود، آیه ۴۳).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۸ - ۱۴

۱۴ - داوری خداوند درباره امت ها ، براساس نامه عمل شان

تدعی إلی کتبها الیوم تجزون ما کنتم تعملون

از این که پس از فراخوانی انسان ها به نامه عمل خویش، مسأله جزای آنان مطرح شده است; به دست می آید که نامه عمل شان ملاک داوری حق خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۸ - ۱۲

۱۲- شهادت و داوری خداوند میان حق و باطل ، متکی به علم برتر او

هو أعلم . .. کفی به شهیدًا

از ارتباط <هو أعلم> با <کفی به. ..>، مطلب یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۵ - ۴

۴ - ایمان ، معیار داوری خداوند درباره انسان و پاداش به مردان و زنان

لیدخل المؤمنین و المؤمنت جنّت

وصف <المؤمنین و المؤمنات>، مُشعر به علیّت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵۳ - ۴

۴ - اعمال خود انسان ، ملاک داوری خداوند درباره او

و كلّ شیء فعلوه فی الزّبر . و كلّ صغیر و كبیر مستطر

تصریح خداوند به مضبوط بودن اعمال كوچك و بزرگ آدمی، می رساند كه اعمال خود او نقش اساسی در مسؤولیت و مجازات و محاكمه وی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۶ - ۷

- مبنای داوری و کیفر و پاداش الهی درباره انسان ، عملکرد خود آنان است .

فینبّئهم بما عملوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۳ - ۹

۹ - علم گسترده خداوند بر اعمال خلق ، ملاک داوری میان آنان در قیامت *

یوم القیمه یفصل بینکم و اللّه بما تعملون بصیر

از ارتباط <یفصل بینکم> درصورتی که <یفصل> به معنای <یحکم> (داوری خواهد کرد) باشد و <واللّه بماتعملون بصیر> مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۰ - ۲۹

۲۹ - احکام و داوری های خداوند میان خلق ، متکی به علم و حکمت گسترده او است .

یحکم بینکم و اللّه علیم حکیم

ملاک قضاوت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۸ - ۴

۴ - توحید ربوبی و انقیاد در برابر خدا ، ملاک داوری خداوند میان انسان ها در قیامت

إنّ اللّه یفصل بینهم یوم القیمه . .. ألم تر أنّ اللّه یسجد له من فی السموت و م

ارتباط این آیه با آیه پیشین، این معنا را می رساند که ملاک ارزیابی خداوند در داوری میان فرقه های گوناگون مردم در قیامت، اصل <توحید ربوبی و خضوع و انقیاد در برابر او> خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۹ - ۱۱،۱۲

۱۱ - داوری میان مردم در قیامت ، بر پایه حق خواهد بود .

و قضی بینهم بالحقّ

۱۲ - داوری میان مردم در قیامت ، عادلانه بوده

و به کسی ستم نخواهد شد .

و هم لایظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۷ - ۱۵

۱۵ - قرآن و قانون الهی ، ابزار سنجش و داوری در قیامت

اللّه الذی . .. و ما یدریک لعلّ الساعه قریب

ملاک قضاوت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۱ - ۸

۸- داوری کافران درباره دین ، براساس ملاک های سطحی و نه متکی بر اندیشه و دانش

و قال الذین کفروا . .. لو کان خیرًا ما سبقونا إلیه

کافران، گرایش و عدم گرایش طبقات خاصی را به ایمان، ملاک اصلی داوری خود قرار دادند; بی آن که در متن قرآن و پیام دین خردمندانه بیندیشند.

ملاک قضاوت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۸ - ۴

۴ - داوری پیامبر (ص) ، بر مبنای فرمان ها و دستورات خدا بود .

و إذا دعوا إلی اللّه و رسوله لیحکم بینهم

آیه شریفه، پیش از آن که منافقان را موظف سازد که به داوری پیامبر(ص) تن دهند، آنان را به پذیرش حکم خدا فرا خوانده است. این فراخوانی می تواند بیانگر این حقیقت باشد که حکم خدا، محور داوری ها است و پیامبر(ص) هم موظف بود براساس آن قضاوت کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۹ - ۵

۵ - داوری پیامبر (ص) بر اساس حق بود .

و إذا دعوا إلی اللّه و رسوله لیحکم بینهم . .. و إن یکن لهم الحقّ

ملاک قضاوت مشرکان در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۴ - ۳

۳ - داوری مشرکان صدراسلام ، سطحی و براساس ملاک های مادی و غفلت آنان از معادلات فرا مادی بود .

أم یقولون نحن جمیع منتصر

اتکای مشرکان بر جمیعت خویش، نشانه سطحی نگری آنان در محاسبات است.

ملاک قضاوت مشروع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۵ - ۱۸

۱۸ نفوذ و اعتبار قوانین و داوری ها ، در گرو پی ریزی آنها بر پایه مقررات الهی

و من لم یحکم بما أنزل اللّه فأولئک هم الظلمون

لازمه وجوب داوری و قانونگذاری بر اساس احکام الهی، بی اعتبار دانستن احکامی است که بر پایه احکامی غیر الهی بنا شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۸ - ۱۶

۱۶ نفوذ و اعتبار قوانین و داوری ها در گرو پی ریزی آنها بر اساس تعالیم قرآن است .

و انزلنا الیک الکتب . .. فاحکم بینهم بما أنزل اللّه

ملاکهای قضاوت منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۸ - ۸

۸ منافع شخصی منافقان ، ملاک داوری آنان درباره پیامبر (ص) و عامل طعن و خرده گیری از آن حضرت

و منهم من یلمزک فی الصدقت فإن أعطوا منها رضوا

منابع قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۱ - ۷

۷ - داوری پیامبر (ص) ، بر مبنای فرمان ها و

دستورات خدا بود .

إذا دعوا إلی اللّه و رسوله لیحکم بینهم

منشأ قضاوت باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۴ - ۱۱

۱۱- داوری وارونه و دور از حقیقت درباره عملکرد ها ، از پی آمد های نابسامانی فکری و عقیدتی است .

الذین کانت أعینهم فی غطاء . .. یحسبون أنّهم یحسنون صنعًا

مجموع چند آیه، در آغاز، فقدان بینش را در کافران مطرح ساخت، آنگاه برگزیدن معبودانی جز خدا را به عنوان یکی از دستاوردهای آن مطرح کرد (أفحسب) و در این آیه، آنان را به عنوان (أخسرین) و کسانی که اَعمال پوچ خود را کارهایی نیک می بینند، معرفی کرد. مقتضای ربط بین آیات مورد بحث، برداشت بالا، است.

منشأ قضاوت سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۹ - ۱

۱- حکم و داوری سلیمان (ع) در باره خسارت مزرعه تلف شده به وسیله گوسفندان ، با الهام خداوند بود .

ففهّمنها سلیمن

<فا> در <ففهّمنا> برای تعقیب است و ضمیر <ها> به حکومت (قضاوت) بازمی گردد; یعنی، در مشاوره و داوری داوود و سلیمان(ع) حکم واقعی را به سلیمان فهماندیم.

منشأ قضاوت لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۴ - ۲

۲- حضرت لوط (ع) از جانب خداوند ، از منصب قضاوت و داوری برخوردار بود .

و لوطًا ءاتینه حکمًا

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <حکم> به معنای <قضاوت> باشد (لسان العرب). گفتنی است کاربرد <حکم> به معنای <قضاوت>، بسیار شایع است.

منشأ قضاوت نوح(ع)

جلد

- نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۷۶ – ۳

۳- حضرت نوح (ع) ، از جانب خداوند ، از علم ، حکمت و منصب قضاوت برخوردار بود .

و لوطًا ءاتینه حکمًا و علمًا . .. و نوحًا إذ نادی

برداشت یاد شده براساس این احتمال است که عبارت <نوحاً> عطف بر <و لوطاً آتیناه> باشد؛ یعنی، همان گونه که به لوط(ع) علم، حکمت و. .. دادیم، به نوح(ع) نیز عطا کردیم. گفتنی است واژه <حکم> هم به معنای حکمت استعمال می شود و هم به معنای قضاوت (لسان العرب).

موانع قضاوت عادلانه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۴۴ – ۳۹

۳۹ سودجویی و طمعورزی ، از عوامل نادیده گرفتن احکام الهی و حکم نکردن بر اساس آن

یحکم بها . .. و لاتشتروا بایتی ثمناً قلیلا

ناظر قضاوت داود(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۷۸ – ۶

۶- قضاوت داوود و سلیمان (ع) ، مورد نظارت و تأیید خداوند بود .

و کنّا لحکمهم شهدین

ضمیر <حکمهم> به داوود و سلیمان بازمی گردد. بنابراین ذکر شهادت خداوند نسبت به حکم این دو، اشاره به تأیید آن دارد.

ناظر قضاوت سلیمان(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۷۸ – ۶

۶– قضاوت داوود و سلیمان (ع) ، مورد نظارت و تأیید خداوند بود .

و کنّا لحکمهم شهدین

ضمیر <حکمهم> به داوود و سلیمان بازمی گردد. بنابراین ذکر شهادت خداوند نسبت به حکم این دو،

اشاره به تأیید آن دارد.

نظام قضایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۲ - ۹

۹ سرعت در حسابرسی و قضاوت و حکم، معیاری مهم و اساسی در نظام قضائی شایسته

ألا له الحکم و هو أسرع الحسبین

بیان سرعت حسابرسی به عنوان یکی از ویژگیهای مهم در حکم و قضاوت خداوند، گویای رجحان و مزیت قضاوت و حکمی است که سرعت هر چه بیشتر و بدون فوت وقت انجام پذیرد.

نقش امارات قضایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۶ - ۱۱

۱۱ داور ماجرای یوسف (ع) و زلیخا ، صداقت زلیخا و دروغ گویی یوسف (ع) را منوط به پاره شدن پیراهن یوسف (ع) از پیشِ رو دانست .

إن کان قمیصه قُدّ من قُبل فصدقت و هو من الکذبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۷ - ۱

۱ داور ماجرای یوسف (ع) و زلیخا ، کذب ادعای زلیخا و صداقت یوسف (ع) را منوط به پاره شدن پیراهن از پشتِ سر دانست .

و إن کان . .. و هو من الصدقین

نقش علم در قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۳۶ – ۵

۵– حکم و عمل انسان ، بر اساس آنچه صرفاً شنیده ، یا دیده و یا به قلبش راه یافته ، قبل از رسیدن به مرحله علم و آگاهی ، ممنوع است .

و لاتقف ما لیس لک به علم إن

السمع و البصر و الفؤاد كلّ أُولئك كان عنه مسئولاً

برداشت فوق بر این اساس است که معمولاً حرکتهای غیر علمی، نشأت یافته از شنیده ها، دیده ها و باورهای سطحی است و خداوند، برای دور کردن انسان از حرکت غیر علمی، به او هشدار داده است که دیده ها و . .. تا زمانی که به مبنای علمی و یقینی منتهی نشود، قابل اعتماد نیست و در صورت اعتماد نمودن، محاکمه خواهد شد.

نقش مقام قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۶ - ۱۳

۱۳ - حکومت و منصب قضاوت ، بستر بسیار لغزنده و رهبران و داوران در معرض مقهور شدن به دست هوای نفس

یداود إنّا جعلنک خلیفه فی الأرض فاحکم بین الناس بالحقّ و لاتتّبع الهوی

وجدان در قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴ - ۱۴

۱۴ برانگیختن عقل و وجدان به داوری، از روشهای قرآن در احتجاج

قل أغیر اللّه أتّخذ ولیا فاطر السموت و الأرض

وضوح حقانیت قضاوت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۸ - ۳

۳ - برتری قضاوت خداوند بر داوری دیگران و حکمت آمیز بودن آن ، حقیقتی روشن و غیر قابل انکار است .

ألیس اللّه بأحکم الحکمین

همزه استفهام در <ألیس>، برای تقریر و بیانگر وضوح مفاد آیه است.

ویژگیهای قضاوت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۴ - ۱۱

۱۱ قضاوت و داوری خداوند درباره ستمگران ، قضاوتی است بر پایه قسط

و عدل .

و لو أن لكل نفس ظلمت . .. و أسروا الندامه لما رأوا العذاب و قضى بينهم بالقسط

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۵ - ۶

۶ حکم و قضاوت خداوند ، متقن ترين و عادلانه ترين حکم ها و قضاوتهاست .

و أنت أحكم الحكمين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۱۱۲ - ۵

۵- قضاوت و داوری برحق خداوند ، برخاسته از علم و آگاهی همه جانبه او است .

إنّه يعلم الجهر من القول و يعلم ماتكتمون . .. قل ربّ احكم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۸ - ۶،۷،۸

۶ - قضاوت و داوری خدا درباره کافران و حق ستيزان ، متکی بر موازين حق و عدل و به دور از کمترين سستی و کاستی

إنّ ربّك يقضى بينهم بحكمه

بـا اين که واژه <يقضـی> معنای حکم و داوری را می رسانـد، آمـدن قيـد <بحکمه> نشانگر اين حقيقت است که قضاوت الهی مخصوص به او است به گونه ای که کمترين خلل در آن راه ندارد و بر موازين عدل و حق استوار است.

۷ - داوری های خداوند ، دارای پشتوانه قوی اجرايی و علمی

إنّ ربّك يقضى . .. و هو العزيز العليم

از ارتباط <عزيز و عليم> با <يقضی بينهم> مطلب فوق استفاده می شود.

۸ - عدم دخالت غيرخدا ، در قضاوت ها و داوری های او

إنّ ربّک یقضی بینهم بحکمه

قید <بحکمه> می تواند از نظر معنا تأکیدی بر عدم دخالت غیرخدا در قضاوت های او باشد.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۸ - ۱،۲

۱ - قضاوت خداوند ، از حکم تمامی داوران برتر ، نافذتر و متقن تر است .

أليس اللّه بأحكم الحكمين

قاضی، در صورتی از قضاوت کنندگان دیگر حاکم تر خواهد بود که حکم او نافذتر باشد و از آن جا که اشتقاق <أحکم>، ممکن است از ریشه <حَکْم> باشد که قاموس آن را به معنای اتقان می داند، خداوند در این آیه به متقن ترین داوران توصیف شده است.

۲ - قضاوت های خداوند ، حکیمانه ترین قضاوت ها و موافق ترین آنها با حقیقت است .

أليس اللّه بأحكم الحكمين

اسم تفضیل <أحکم>، ممکن است از <حُکم> به معنای قضاوت باشد؛ یعنی، <أقضی> و نیز می تواند از <حکمه> گرفته شده باشد؛ یعنی، حکیم تر. در برداشت یاد شده، معنای دوم مورد نظر است؛ گرچه <حاکمین> بر معنای <قضاوت کنندگان> تطبیق یافته است.

ویژگیهای قضاوت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۸ - ۵

۵ - داوری میان حق و باطل در عرصه قیامت ، با حضور تمامی خلایق انجام خواهد پذیرفت .

هذا يوم الفصل جمعنكم و الأوّلين

ویژگیهای قضاوت سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۷ - ۴

۴ - قضاوت و تصمیم گیری های سلیمان ، براساس تحقیق و اطلاعات متقن بود .

قال سننظر أصدقت أم كنت من الكذبين

با این که گزارش های صریح و استدلال های عمیق توحیدی هدهد، نشانگر صداقت و حقانیت او بود، اما سلیمان بدان ها بسنده نکرد و درصدد تحقیق جدی

برآمد.

هواپرستی در قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۶ - ۹

۹ - هشدار خداوند به داوود (ع) ، برای پیروی نکردن از هوای نفس ، در داوری میان مردم

فاحکم بین الناس بالحقّ و لاتتّبع الهوی

قلب از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{قلب}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸ - ۱۰

۱۰ قلب در اصطلاح قرآن ، جایگاه هدایت و گمراهی است .

فامّا الّذین فی قلوبهم زیغ . .. ربّنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۹ - ۱

۱ سینه آدمی ، خزانه افکار و اندیشه های او

ان تخفوا ما فی صدورکم

آثار بیماری قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰ - ۳،۵

۳ - نفاق ، خدعه گری و دروغ پردازی ، رذایلی هستند برخاسته از بیماری دل

و من الناس من يقول ءامنا . .. يخدعون اللّه ... فی قلوبهم مرض

<فی قلوبهم مرض> بیانگر ریشه رذایلی است که در آیات قبل و فرازهای بعد، برای منافقان بیان شده است.

۵ - سرایت بیماری دل و اندیشه آدمی به تمامی وجود او

فی قلوبهم مرض فزادهم اللّه مرضاً

جمله نخست حاکی است که دل و اندیشه منافقان، بیمار است و جمله بعد، دلالت می کند که بیماری وجود آنان را فرا می گیرد; زیرا نفرمود <فزادها اللّه مرضاً>. این اختلافِ تعبیر یا اشاره به این معنا دارد که تمام حقیقت آدمی، دل و اندیشه اوست; و یا

حاکی از آن است که بیماری دل به همه وجود سرایت کرده و همه حرکات و سکنات آدمی را متأثر می سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱ - ۷

۷ - فسادگری و نصیحت ناپذیری منافقان ، برخاسته از بیمار دلی آنان است .

فی قلوبهم مرض . .. و إذا قیل لهم لاتفسدوا فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲ - ۵

۵ - بیماردلی منافقان ، مانع از درک فسادگری خویش

فی قلوبهم مرض . .. ألا إنهم هم المفسدون و لکن لایشعرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳ - ۴

۴ - بیمار دلیِ اهل نفاق ، منشأ متهم ساختن اهل ایمان به بی خردی است .

فی قلوبهم مرض . .. قالوا أنؤمن کما ءامن السفهاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۲ - ۳،۵

۳ بیمار دلی و ضعف ایمان ، زمینه تخلف از فرامین خداوند

لاتتخذوا الیهود و النصری أولیاء . .. فتری الذین فی قلوبهم مرض یسرعون فیهم

۵ بیماری دل و سستی ایمان ، زمینه محرومیت از هدایت الهی

إنّ اللّه لایهدی القوم الظلمین. فتری الذین فی قلوبهم مرض یسرعون فیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۵ - ۷

۷ بیماردلی و پلیدی باطن ، زمینه ساز مردن بر حال کفر است .

و أما الذین فی قلوبهم مرض . .. و ماتوا و هم کفرون

جلد - نام سوره -

سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۵۳ – ۲

۲ – یمار دلی و قساوت ، زمینه ای مناسب برای قرار گرفتن در دام فتنه ها و اغواگری های شیطان

لیجعل ما یلقی الشیطن فتنه . .. و القاسیه قلوبهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۵۰ – ۲

۲ – بیمار دلی ، از نشانه های نفاق و اوصاف منافقان

أفی قلوبهم مرض

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۸۰ – ۲

۲ – بی اثر بودن قرآن در برخی از انسان ها ، معلول بیماری خود آنان است ، نه ابهام و نارسایی پیام الهی .

إنّک علی الحقّ المبین . إنّک لاتسمع الموتی ... إذا ولّوا مدبرین

پس از این که خداوند حقانیت پیامبر(ص) و قرآن را بیان فرمود، این سؤال مطرح می شود که پس چرا برخی این سخن حق را نمی پذیرند؟ قرآن پاسخ می دهد: که مشکل از ناحیه حق نیست; بلکه مشکل از ناحیه خود آنان است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۳۲ – ۱۰

۱۰ – بیمار دلی ، باعث طمع ورزی در زنان نامحرم است .

فلاتخضعن بالقول فیطمع الذی فی قلبه مرض

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مدثر – ۷۴ – ۳۱ – ۱۴

۱۴ - بیماردلی و نفاق ، از موانع شناخت و حق پذیری

و لیقول الذین فی قلوبهم مرض . .. ماذا أراد اللّه بهذا مثلاً

آثار بیماری قلب منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱

- بقره - ۲ - ۱۱ - ۵

۵ - منافقان بر اثر بیماریِ دل و اندیشه ، فسادگری های خویش را اصلاح طلبی قلمداد می کنند .

فی قلوبهم مرض . .. قالوا إنما نحن مصلحون

آثار پاکی قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۳۹

۳۹ پاکی دل ها و جان ها ، زمینه پذیرش هدایت الهی

و من یرد اللّه فتنته . .. أولئک الذین لم یرد اللّه ان یطهر قلوبهم

چنانچه <فتنه> به معنای ضلالت باشد، مفهوم جمله <من یرد اللّه فتنته> باضمیمه جمله <أولئک . ..> این خواهد بود که خداوند تنها پاکدلان را هدایت می کند.

آثار حجاب قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۸ - ۷

۷ - یهودیان کافر ، علی رغم ناتوانی از ایمان آوردن بر اثر محجوب بودن قلبهایشان ، معذور نیستند .

قلوبنا غلف بل لعنهم اللّه بکفر هم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۷ - ۱۶

۱۶- هدایت پذیری کسانی که بر دل هایشان پرده افکنده شده و بر گوش هایشان سنگینی نشسته (محرومان از درک و فهم آیات الهی) ، ناممکن است .

و إن تدعهم إلی الهدی فلن یهتدوا إذًا أبدًا

<لن> برای نفی همیشگی است که در آیه مورد بحث، با کلمه <أبداً> نیز بر آن تأکید مجدد شده است; یعنی، چنین

افرادی، هرگز و هیچ گاه، هدایت نخواهند شد و باید از آنان مأیوس بود.

آثار حضور قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۱۰

کهف - ۱۸ - ۲۸ - ۲۷

۲۷- کسانی که یاد خداوند در قلب آنان حضور ندارد ، شایسته رهبری نیستند .

و لاتطع من أغفلنا قلبه عن ذکرنا

نهی از اطاعت غافلان، نفی شایستگی آن ها برای فرمان دادن و ارائه پیشنهاد است.

آثار ختم قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷ - ۱

۱ - خداوند قلب منکران قرآن را از فهمیدن معارف دین و گوش آنان را از شنیدن حقایق دینی ، بازداشته است .

ختم اللّه علی قلوبهم و علی سمعهم

<ختم> به معنای بستن درب چیزی با گل و مانند آن و به اصطلاح لاک و مهر کردن، است. بسته شدن قلب، کنایه از درک نکردن و نفهمیدن است. و <علی سمعهم> می تواند عطف بر <علی قلوبهم> باشد و نیز می تواند خبر برای <غشاوه> باشد. در برداشت فوق، احتمال اول لحاظ شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۵ - ۷

۷ افکنده شدن حجاب بر اندیشه و قلب آدمی، زمینه انکار هر گونه معجزه و آیت الهی است.

و جعلنا علی قلوبهم أکنه أن یفقهوه . .. و إن یروا کل ءایه لایؤمنوا بها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۱ - ۱۰

۱۰ خداوند قلب های کفرپیشگان و تکذیب کنندگان انبیا را از دریافت حقایق دین و معارف الهی محروم می سازد .

کذلک یطبع اللّه علی قلوب الکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۳ - ۹

۹ مهر

شدن قلب انسان در نتیجه گناه و تخلف از جهاد ، مایه ناتوان شدن وی از شناخت صحیح حقایق

و طبع اللّه علی قلوبهم فهم لا یعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۴ - ۶

۶ اقوام تکذیب کننده پیامبران ، به خاطر مهر شدن دلهایشان و با وجود معجزات و براهین روشن ، توانایی پذیرش آنان را نداشتند .

فما کانوا لیؤمنوا بما کذبوا به من قبل کذلک نطبع علی قلوب المعتدین

تعبیر به <فما کانوا لیؤمنوا> به جای <فما آمنوا بما کذبوا به> بیانگر وجود نوعی مانع است که آنان را از ایمان آوردن بازمی داشت. در جمله بعد، از آن مانع تعبیر به <طبعِ قلوب> شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۸ - ۱۵،۱۹

۱۵ مردمی که خدا بر دل آنان مهر بزند ، توفیق ایمان و گرایش به پیامبران ، از آنان سلب خواهد شد .

و اشدد علی قلوبهم فلایؤمنوا

<فاء> در جمله <فلا یؤمنوا> فای سببیه است و دلالت بر سببیت ماقبل برای مابعدش می کند; یعنی، طبع قلب سبب سلب توفیق ایمان می شود.

۱۹ سخت شدن دل و مهر شدن آن ، زمینه ساز وقوع عذاب استیصال است .

و اشدد علی قلوبهم فلایؤمنوا حتی یروا العذاب الألیم

برداشت فوق مبتنی بر این است که الف و لام <العذاب> که برای عهد ذهنی است اشاره به عذاب دنیوی (استیصال) باشد. در این صورت روشن است که درخواست سخت شدن دل فرعون و اطرافیانش و مهر شدن آن، در واقع درخواست پیدایش زمینه عذاب

استیصال بود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۱۶ – ۸

۸– عدم درک کافران نسبت به وحی و سخنان پیامبر (ص) ، ناشی از هواپرستی و تیرگی قلب آنان

قالوا . .. ماذا قال ... أولئک الذین طبع اللّه علی قلوبهم و اتّبعوا أهواءهم

بنابر این که تعبیر <طبع اللّه علی قلوبهم> به عنوان علت <یستمع إلیك . .. قالوا ... ماذا قال آنفاً> یاد شده باشد و نه معلول آن برداشت بالا استفاده می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – منافقون – ۶۳ – ۳ – ۸،۹

۸ – مردمی که دل هایشان مهر شده ، از درک حقایق و معارف دینی و الهی محروم اند .

فطبع علی قلوبهم فهم لایفقهون

۹ – منافقان ، بر اثر مُهر شدن دل هایشان از درک معارف دین ناتوان اند .

فطبع علی قلوبهم فهم لایفقهون

آثار ختم قلب مشرکان مکه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۴۶ – ۲

۲– مشرکان مکه ، در اثر مستوری قلب و سنگینی گوشهایشان ، از ادراک صحیح آیات خدا ، محروم بودند .

و جعلنا بینک و بین الذین لایؤمنون بالأخره حجابًا مستورًا و جعلنا علی قلوبهم أكنّ

آثار خشوع قلب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۶ - ۱،۲

۱ - یاد خداوند و ذکر عظمت و کبریایی او ، تأثیرگذار در دل های نرم و خاشع

ألم یأن للذین ءامنوا أن تخشع قلوبهم لذکر اللّه

<خشوع> در مقابل <قساوت> (سختی و صلابت)، به معنای

نرمی [قلب] است.

۲ - تلاوت قرآن و شنیدن آیات آن ، اثربخش دل های نرم و خاشع

ألم یأن للذین ءامنوا أن تخشع قلوبهم . .. و ما نزل من الحقّ

مقصود از <ما نزل من الحقّ> قرآن کریم است.

آثار خضوع قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳ - ۶

۶ اقامه نماز و انفاق در راه خدا ، تجلی خشیت قلب و فزونی ایمان و توکل بر خدا

وجلت قلوبهم . .. زادتهم إیمنا ... الذین یقیمون الصلوه و مما رزقنهم ینفقون

تکرار <الذین>، بدون حرف عطف، برای رساندن این معناست که اقامه نماز انفاق نمود خارجی و تجلی صفات برشمرده شده در آیه قبل است.

آثار رقت قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۴ - ۵

۵ - نرمی و سلامت دل ، زمینه ای مناسب برای گرایش به حق و پذیرش آن

لیجعل . .. للذین فی قلوبهم مرض و القاسیه قلوبهم ... و لیعلم الذین أُوتوا العلم أ

آثار سلامتی قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۲ - ۱۰

۱۰ سلامت دل و ایمان راسخ ، زمینه پرهیز از ستمگری و عصیان و موجب برخورداری از هدایت خاص الهی

إنّ اللّه لايهدی القوم الظلمین. فتری الذین فی قلوبهم مرض یسرعون فیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۰ - ۵

۵ ایمان به رسالت پیامبر(ص) و آیات خداوند منوط به برخورداری انسان از قلب وبینش سالم است.

و نقلب أفئدتهم . .. کما

لم یؤمنوا به أول مره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۴ - ۷

۷- بهرهوری از مفاهیم عالی وحی ، منوط به داشتن قلب سلیم و زمینه ساز تدبر

أفلایتدبّرون . .. أم علی قلوب أقفالها

در صورتی که <أم> به معنای <بل> باشد، مفاد آیه چنین می شود: اگر در قرآن تدبر شود، حقیقت بر انسان آشکار می گردد; ولی حق گریزان در نتیجه اعمال خودشان، قلبی بسته و ناتوان از تدبر دارند. در حالی که تدبر در قرآن، برای قلب سلیم و تأثیرپذیر، میسر است.

آثار سیاهی قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۴ - ۸،۱۲

۸ - انکار قیامت ، برخاسته از قلب سیاه و درک ناتوان است .

الذین یکذّبون بیوم الدین . .. کلاّ بل ران علی قلوبهم

۱۲ - < عن أبی جعفر (ع) قال : [قال] ما من عبد إلاّ و فی قلبه نکته بیضاء فإذا أذنب ذنباً خرج فی النکته نکته سوداء فإن تاب ذهب ذلک السواد فإن تمادی فی الذنوب زاد ذلک السواد حتّی یُغَطّی البیاض فإذا [ت] غطّی البیاض لم یرجع صاحبه إلی خیر أبداً و هو قول اللّه عزّوجلّ : < کلاّ بل ران علی قلوبهم ما کانوا یکسبون > ;

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: هیچ بنده ای نیست جز این که در قلبش نقطه سفیدی است، هرگاه گناهی مرتکب شود، در آن سفیدی نقطه سیاهی پدید می آید، پس اگر توبه کند آن سیاهی از بین می رود و اگر گناهان را ادامه

دهد، آن سیاهی افزون می گردد تا تمام سفیدی قلب را فرامی گیرد و هنگامی که سفیدی قلب به سیاهی پوشیده شد، صاحب آن قلب هرگز به سوی نیکی برنمی گردد و این سخن خدای عزّوجلّ است که فرمود: کلاّ ـ بل ران علی قلوبهم ما کانوا یکسبون>.

آثار قساوت قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۴ - ۴

۴ - قلب های بنی اسرائیل با سخت شدن ، از تراوش کمترین معرفتی ناتوان شد .

ثم قست قلوبکم . .. فهی کالحجاره أو أشد قسوه و إن من الحجاره

به مقتضای ارتباط <ثم قست . ..> با جمله <یریکم آیاته لعلکم تعقلون> سختی دل به نپذیرفتن معارف القاشده به آن، تفسیر شد و به مقتضای جمله <إن من الحجاره ...> سختی دل به تراوش نکردن معارف و حقایق تفسیر می شود; یعنی، قلب قسی نه از خارج متأثر می شود و نه از درون تراوشی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۵ - ۴

۴ - قساوت و سخت دلی بنی اسرائیل و جامعه یهود ، از میان برنده زمینه های ایمان و گرایش به اسلام در آنان

ثم قست قلوبکم . .. أفتطمعون أن یؤمنوا لکم

حرف <فاء> در <أفتطمعون> قطع امید از ایمان آوردن بنی اسرائیل را نتیجه قساوت قلب ایشان - که در آیه قبل مطرح شد - می شمرد; یعنی، با پیدایش قساوت در قلب بنی اسرائیل، جای امیدی به ایمان آوردن آنان نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ -

۷ سنگدلی و خشونت رهبران ، موجب پراکندگی مردم از پیرامون آنان

و لو کنت فظّا غلیظ القلب لانفضّوا من حولك

<انفضّوا> از <فضّ> به معنای تفرّق و پراکندگی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۳ - ۱۲

۱۲ سنگدلی بنی اسرائیل ، منشأ تحریف تورات

و جعلنا قلوبهم قسیه یحرفون الکلم عن مواضعه

جمله <یحرفون> جمله مفسره و بیانگر آثار قساوت قلب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۳ - ۸

۸ استکبار و سخت دلی یهودیان و مشرکان موجب تأثرناپذیری آنان از قرآن

و إذا سمعوا ما أنزل إلی الرسول تری اعینهم تفیض من الدمع

بیان واکنش خاضعانه مسیحیان در برابر قرآن پس از توصیف آنان به فروتنی در آیه پیش گویای این است که دو گروه دیگر (یهودیان و مشرکان) به دلیل گردنفرازی و استکبار در برابر حق، از پذیرش قرآن سرباز زدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۳ - ۴،۵،۱۲

۴ سنگدلی، مانع تضرع به درگاه خداوند، حتی در شداید و سختیها

فلولا . .. و لکن قست قلوبهم

۵ سنگدلی، موجب هدایت ناپذیری و اجابت نکردن دعوت انبیا

و لقد أرسلنا . .. فلولا إذ جاءهم بأسنا تضرعوا و لكن قست قلوبهم

۱۲ قساوت دل زمینه ای مناسب برای القای تزیینات شیطان

و لکن قست قلوبهم و زین لهم الشیطن ما کانوا یعملون

جمله <زین لهم> می تواند از قبیل عطف مسبب بر سبب باشد ; یعنی تزیین شیطان پس از قساوت دل حاصل می گردد.

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۳ - ۲

۲ - بیمار دلی و قساوت ، زمینه ای مناسب برای قرار گرفتن در دام فتنه ها و اغواگری های شیطان

لیجعل ما یلقی الشیطن فتنه . .. و القاسیه قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۲ - ۱۳،۱۷

۱۳ - قساوت قلب و سنگدلی ، مانع پذیرش حق و تابش نور الهی بر قلب ها

أفمن شرح اللّه صدره للإسلم . .. فویل للقسیه قلوبهم من ذکر اللّه

توصیف کافران به قساوت قلب و سنگدلی، در برابر مؤمنان که از نور هدایت الهی برخورداراند می تواند بیانگر این نکته باشد که قساوت قلب، مانع تابش نور هدایت الهی در قلب ها است.

۱۷ - قساوت قلب و خدا فراموشی ، نشانه گمراهی سخت و آشکار

فویل للقسیه قلوبهم من ذکر اللّه أُولئک فی ضلل مبین

آثار قساوت قلب اصحاب اخدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۶ - ۳

۳ - اصحاب اخدود ، به دلیل حضور بی رحمانه خود در مراسم سوزاندن مؤمنان و نشستن و نظاره کردن آن ، گرفتار نفرین خداوند و سزاوار قتل و نابودی شدند .

قتل أصحب الأُخدود . .. إذ هم علیها قعود

کلمه <إذ>، ظرف برای <قتل> و بیانگر نقش آن لحظه در استحقاق نفرین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۷ - ۱۱

۱۱ – حضور بی رحمانه اصحاب اخدود برای سوزاندن و تماشای سوختن مؤمنان ، موجب گرفتاری آنان به نفرین خداوند بود
.

قتل

أصحب الأخدود . .. إذ ... و هم على ما يفعلون بالمؤمنين شهود

آثار قلب سليم

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۸۱ – ۶

۶ – تنها دل های سليم و حق پذير ، شايسته بهره مندی از پيام الهی انبيا

إن تسمع إلاّ من يؤمن بايتنا

مراد از <من يؤمن> كسانی اند كه در مقام پذيرش حق می باشند و دل هايشان گرفتار كری و كوری نشده است.

آثار مسخ قلب

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۵ – انعام – ۶ – ۱۱۱ – ۶

۶ مسخ شدن قلب و ادراک كافران مايه ايمان نياوردن ايشان، حتی با ديدن روشنترين معجزات است.

و نقلب أفئدتهم و أبصرهم . .. و لو أننا نزّلنا ... ما كانوا ليؤمنوا

آثار ناپاكی قلب

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۴ – مائده – ۵ – ۴۱ – ۴۴

۴۴ آلودگی دل و جان آدمی به ناپاكی ها ، موجب ذلت دنيا و عذاب آخرت

أولئك الذين لم يرد اللّه ان يطهر قلوبهم . .. و لهم فی الاخره عذاب عظيم

آرامش قلب محمد(ص)

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۲۰ – ۳

۳ آرامش خاطر پیامبر (ص) و استواری دل و قلب او ، هدف از بیان سرگذشت انبیا برای آن حضرت

و کلاًّ نقصّ علیک من أنباء الرسل ما نثبت به فؤادک

<تثبیت> (مصدر نثبت) به معنای مستقر کردن و استوار ساختن است و <فؤاد> به معنای قلب می باشد. استوار ساختن قلب، به ایجاد یقین و طمأنینه در آن

و رفع اضطراب و تردید از آن است. عبارت <و ما نثبت ...> بدل برای <کُلًا> می باشد و دلالت می کند که آن قسمتی از سرگذشت پیامبران بیان می شود که ایجاد یقین و اطمینان کند.

آرزوی پاکی قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۰ - ۱۱

۱۱ - مؤمنان ، آرزومند پاک بودن قلب هایشان از کینه و عداوت نسبت به اهل ایمان

یقولون ربّنا . .. و لاتجعل فی قلوبنا غلّا للذین ءامنوا

اجتناب از لغزش قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۳ - ۳۰

۳۰ - قلب آدمی ، محل لغزش است و باید از مقدمات لغزیدن آن ، جلوگیری کرد .

فسئلوهنّ من وراء حجاب ذلکم أطهر لقلوبکم و قلوبهنّ

احاطه بر قلب ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۷ - ۱

۱ - آتش جهنم ، بر قلب ها احاطه یافته ، آن را خواهد سوزاند .

الّتی تطّلع علی الأفئده

برخی از اهل لغت، اطّلاع را به معنای بلوغ دانسته اند (لسان العرب). براین اساس، مفاد آیه این است که آتش، به قلب ها رسیده، آن را خواهد سوزاند. حرف <علی> بر احاطه کامل آتش دلالت دارد.

ارزش قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱۱ - ۶

۶ - ارزش والای قلب و ادراکات باطنی ، در مقایسه با دیگر منابع شناخت

ما کذب الفؤاد مارأی

با توجه به این که در این آیه، رؤیت معارف والا به قلب نسبت داده شده

است; ارزش بی مانند قلب در میان منابع شناخت استفاده می شود.

ازدیاد بیماری قلب منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰ - ۲

۲ - خداوند ، افزایش دهنده بیماری در دل و جان منافقان

فزادهم اللّه مرضاً

استفاده از قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۶ - ۷

۷- بهره نگرفتن صحیح از نعمت شنوایی ، بینایی و قلب برای شناخت حق ، باعث مسؤولیت انسان نزد خداوند است .

و لاتقف . .. إن السمع ... کان عنه مسئولاً

خداوند، به منظور دور کردن انسانها از حرکتهای غیر علمی، به آنان نعمت شنوایی، بینایی و قلب را یادآور شده است تا آنان، با بهره گیری صحیح از آن، به یقین دست یافته و بر اساس آن، حکم کرده و عمل نمایند.

اضطراب قلب انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۱ - ۹

۹ - < عن أبی عبداللّه (ع) قال : إنّ القلبَ لیُرَجَّج . . . حتّی یَعقِدَ علی الإیمان فإذا عقد علی الإیمان قرّ و ذلک قول اللّه عزّوجلّ : < و من یؤمن باللّه یهد قلبه > ;

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: قلب [انسان]در حال اضطراب است . .. تا این که با ایمان و باور پیوند خورد. پس زمانی که بر ایمان پیوند خورد، قرار و ثبات می یابد و این سخن خدای عزّوجلّ است: و من یؤمن باللّه یهد قلبه>.

اطمینان قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳

- آل عمران - ۳ - ۱۲۶ - ۲،۳،۱۰

۲ نیاز پیکارگران به بشارت و تقویت روحیه و آرامش دل ، برای پیروزی بر دشمنان

و ما جعله اللّه الّا بشری لکم و لتطمئنّ قلوبکم به

۳ دل آدمی ، کانون آرامش و اطمینان

و لتطمئنّ قلوبکم به

۱۰ تحقق اطمینان قلب ، با امداد های الهی

و لتطمئنّ قلوبکم به و ما النّصر الّا من عند اللّه العزیز الحکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۰ - ۸

۸ - تنها دل های محکم و مطمئن ، قادر بر انجام کار های سخت و مخاطره آمیز

إن کادت لتبدی به لولا أن ربطنا علی قلبها

اقدام مادر موسی به انداختن فرزند خویش در آب نیل، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۰ - ۱۱

۱۱ قلب ، کانون ایمان و آرامش خاطر

لیطمئنّ قلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۳ - ۱۰

۱۰ اطمینان قلب مرتبه ای بالاتر از مرحله ایمان

قال اتقوا اللّه ان کنتم مؤمنین. قالوا نرید ان ... تطمئن قلوبنا

اطمینان قلب علما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۴ - ۱

۱ - زدوده شدن شبهات شیطانی از چهره آیات وحی به اراده خداوند ، به این دلیل بود تا کسانی که از نعمت معرفت و دانش برخوردار بودند ، به حقانیت آن پی ببرند و با آرامش خاطر ، به آن ایمان بیاورند .

فینسخ اللّه ما یلقی الشیطن . ..

و لیعلم الذین أُوتوا العلم ... فتخبت له قلوبهم

ضمیر در <أنّه الحق> به قرآن باز می گردد که در آیه ۵۲ از آن ذکر ضمنی به میان آمده است. <إخبات> (مصدر <تخبت>) مشتق از <خَبْت> است. <خَبْت> به زمین وسیع و همواری گفته می شود که بی فراز و نشیب است. <قلب مخبت>; یعنی، قلبی که مطمئن آرام و بی اضطراب و تردید است. آیه یاد شده تعلیل برای جمله <فینسخ اللّه ما یلقی الشیطان...> است; یعنی، خداوند شبهه های شیطان را از آیات وحی می زداید، تا کسانی که از نعمت دانش برخورداراند، بدانند که قرآن حق بوده و از جانب پروردگار نازل شده است و دل هایشان به آن مطمئن شود و آرام گیرد.

اطمینان قلب مادر موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۰ - ۹

۹ - راسخ شدن ایمان مادر موسی ، هدف الهی در محکم ساختن دل وی و اطمینان بخشیدن به وی

لولا أن ربطنا علی قلبها لتکون من المؤمنین

اطمینان قلب مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۸ - ۱

۱ آنان که ایمان آورده و دلهایشان به یاد خدا آرامش می یابد ، از کسانی اند که خداوند آنها را به سوی خویش هدایت کرده است .

و یهدی إلیه من أناب. الذین ءامنوا و تطمئن قلوبهم بذکر الله

اعتدال قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷ - ۱۷

۱۷ اعتدال و سلامت قلب و اندیشه ، زمینه فهم صحیح قرآن

فامّا الّذین فی

قلوبهم زیغ . .. و ابتغاء تأویله

انحراف قلب، منتهی به تأویل نادرست قرآن می شود; بنابراین سلامت قلب، فهم صحیح آیات قرآن را در پی دارد.

القای قرآن بر قلب گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۲ - ۲

۲- خداوند ، قرآن کریم را در دل مجرمانِ هدایت ناپذیر القا می کند و آنان را با قرآن آشنا می سازد .

کذلک نسلکه فی قلوب المجرمین

القای قرآن در قلب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۳ - ۲

۲- خداوند آیات قرآن را ، علی رغم تصمیم کافران مکه بر ایمان نیاوردن ، در قلب آنان رسوخ داد .

کذلک نسلکه فی قلوب المجرمین . لایؤمنون به

برداشت فوق، مبتنی بر این است که جمله <لایؤمنون به> جمله حالیه برای <المجرمین> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۲ - ۱

۱- خداوند ، قرآن کریم را در قلب کافران هدایت ناپذیر مکه راه داد و به آنان شناساند .

کذلک نسلکه فی قلوب المجرمین

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مرجع ضمیر <نسلکه>، <الذکر> و الف و لام <المجرمین> عهد ذکری باشد که اشاره به <الذین کفروا> در آیات قبل می کند.

اهمیت پاکی قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۹ - ۶

۶ - تبلور تمامی ارزش های وجودی انسان ، در پاکی و سلامت قلب و روح او از شرک

إلاّ من أتی اللّه بقلب سلیم

از این که تنها راه نجات و سعادت اخروی،

مسأله تقدیم قلب سلیم (قلب مبرّا از شرک) به پیشگاه خداوند مطرح شده است، برداشت بالا به دست می آید.

اهمیت حضور قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۸ - ۲۸

۲۸- زنده نگه داشتن یاد خدا در قلب و از میان بردن زمینه های غفلت از آن ، لازم است .

و لاتطع من أغفلنا قلبه عن ذکرنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۹ - ۴

۴ لزوم روی آوری خالصانه به خدا و انقطاع کامل از غیر او به هنگام حضور در مساجد

و أقیموا وجوهکم عند کل مسجد

اهمیت سلامتی قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۹ - ۶

۶ - تبلور تمامی ارزش های وجودی انسان ، در پاکی و سلامت قلب و روح او از شرک

إلّا من أتی اللّه بقلب سلیم

از این که تنها راه نجات و سعادت اخروی، مسأله تقدیم قلب سلیم (قلب مبرّا از شرک) به پیشگاه خداوند مطرح شده است، برداشت بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۴ - ۴،۵،۶،۷

۴ - قلب سالم از امراض روحی و اخلاقی ، پایه و اساس خصلت های پسندیده و کمالات انسانی

إذ جاء ربّه بقلب سليم

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که از میان انواع اوصاف پسندیده ابراهیم(ع)، تنها به صفت <قلب سلیم> اشاره شده است که در واقع، شرط بار یافتن به درگاه الهی است. ضمن این که نوعاً تمامی خصلت ها

و رفتارهای ناپسند، از قلب ناسالم نشأت می گیرد.

۵ - نقش قلب سالم و پاک ، در موفقیت رهبران و مبلغان دینی

إذ جاء ربّه بقلب سلیم

۶ - پاک سازی قلب و دل ، از هرگونه امراض روحی و اخلاقی ، شرط تقرب به خدا و بار یافتن به درگاه او

إذ جاء ربّه بقلب سلیم

۷ - برخوردار بودن از قلبی سالم و پاک ، نخستین و مهم ترین صفت از اوصاف شیعه و پیرو راستین خط پیامبران

و إنّ من شیعته لإبرهیم . إذ جاء ربّه بقلب سلیم

برداشت یاد شده با توجّه به این نکته است که خداوند، پس از معرفی ابراهیم(ع) به عنوان شیعه و پیرو نوح پیامبر، او را به داشتن قلب سلیم توصیف فرمود.

اهمیت طهارت قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۳ - ۲۸

۲۸ - حفظ طهارت قلب ، امری لازم و بایسته است .

فسئلوهنّ من وراء حجاب ذلکم أطهر لقلوبکم و قلوبهنّ

اهمیت قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۱ - ۶

۶ قلب ، جایگاه شکل گیری حالات روحی و روانی آدمی

سنلقی فی قلوب الّذین کفروا الرّعب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۷۸ – ۴

۴- شنوایی ، بینایی و قلب (مرکز ادراک) مهم ترین ابزار شناخت

و الله أخرجکم . .. لاتعلمون شیئًا و جعل لکم السمع و الأبصر و الأفئده

اهمیت محافظت از قلب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – مطففین – ۸۳ – ۱۵ – ۳

۳

- لزوم مراقبت از قلب و پرهیز از چرکین ساختن آن با گناه

ران علی قلوبهم ما کانوا یکسبون . کلّا

ایمان ختم قلب شدگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۸ - ۱۶

۱۶ دلْ مهرخوردگان ، تنها هنگامی که با عذاب دردناک الهی رویاروی شوند ، به خود آمده و ایمان خواهند آورد .

و اشدد علی قلوبهم فلایؤمنوا حتی یروا العذاب الألیم

بیماری قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۲ - ۸

۸ - امکان دارد که نوعی بیماری معنوی ، بر قلب انسان عارض شود .

و الذین فی قلوبهم مرض

مراد از <مرض> بیماری جسمی و فیزیکی نیست و به قرینه مقام، بیماردلی است که باعث می شود شخص بیماردل، اقدام به کارهایی خلاف اعتدال بکند.

بیماری قلب مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۵ - ۴

۴ - شرک ، نوعی از بیماری های قلبی است .

إذ جاء ربّه بقلب سلیم . إذ قال لأبیه و قومه ماذا تعبدون

بیماری قلب منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰ - ۱،۴،۹

۱ - دل و اندیشه منافقان ، مبتلا به مرضی سخت

فی قلوبهم مرض

سخت بودن بیماری از نکره آمدن <مرض> استفاده شده است.

۴ - منافقان ، خود موجب پیدایش بیماریِ دل و اندیشه ، در خویشتن

فی قلوبهم مرض

برداشت فوق از مقایسه دو جمله <فی قلوبهم مرض> (در قلب منافقان بیماری است) و <فزادهم اللّه مرضاً> (پس خداوند بیماری آنان را افزون کرد)

به دست می آید; زیرا در جمله دوم خداند را افزایش دهنده بیماری می داند، ولی در جمله نخست بیمار شدن قلب منافقان را به خداوند نسبت نمی دهد; یعنی اصل پیدایش مرض را از خود آنان می شمرد.

۹ دروغ گویی مداوم منافقان ، موجب افزایش بیماری در دل و جان آنان

فزادهم اللّه مرضاً . .. بما کانوا یکذبون

برداشت فوق مبتنی بر این است که <بما کانوا . ..> علاوه بر تعلقش به <لهم عذاب الیم>، متعلق به <فزادهم ...> نیز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱ - ۷،۱۰

۷ - فساد گری و نصیحت ناپذیری منافقان ، برخاسته از بیمار دلی آنان است .

فی قلوبهم مرض . .. و إذا قیل لهم لاتفسدوا فی الأرض

۱۰ - فساد گری منافقان ، زمینه ساز افزایش بیماریِ دل و اندیشه آنان

فزادهم اللّه مرضاً . .. بما کانوا یکذبون. و إذا قیل لهم لاتفسدوا

برداشت فوق مبتنی بر دو امر است: ۱ <إذا قیل . ..> عطف بر <یکذبون> باشد. ۲ <بما کانوا یکذبون> علاوه بر تعلقش به <و لهم عذاب ألیم> - متعلق به <فزادهم اللّه> نیز باشد. بر این مبنا جمله چنین می شود: <فزادهم اللّه مرضاً ... بما کانوا اذا قیل لهم ... لهم>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲ - ۵

۵ - بیماردلی منافقان ، مانع از درک فساد گری خویش

فی قلوبهم مرض . .. ألا إنهم هم المفسدون و لکن لایشعرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳ - ۴

- بیمار دلیِ اهل نفاق ، منشأ متهم ساختن اهل ایمان به بی خردی است .

فی قلوبهم مرض . .. قالوا أنؤمن کما ءامن السفهاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۵ - ۲

۲ منافقان ، دارای پلیدی باطن و بیماری دل

و أما الذین فی قلوبهم مرض فزادتهم رجساً إلی رجسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۰ - ۲

۲ - بیمار دلی ، از نشانه های نفاق و اوصاف منافقان

أفی قلوبهم مرض

بیماری قلب منافقان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۰ - ۱

۱ - منافقان صدراسلام ، به بیمار دلی مبتلا بودند .

أفی قلوبهم مرض

همزه در <أفی> برای استفهام است; ولی متضمن معنای تقریر می باشد که برای سرزنش بیشتر منافقان آمده است.

بیماری قلب منافقان مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۲ - ۲

۲ - منافقان مدینه ، شخصیت هایی با قلب های بیمار بودند .

و إذ یقول المنفقون و الذین فی قلوبهم مرض

<و الـذین فی قلوبهم مرض> می توانـد عطف تفسیری از <المنافقون> باشـد. در این صورت، معنای یاد شـده به دست می آید.

پاکی قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۴ - ۹

۹ طهارت و پاکی نفس ، زمینه فراگیری دانشِ کتاب الهی و حکمت

یتلوا علیهم ءایته و یزکّیهم و یعلّمهم الکتب و الحکمه

تقدّم ذکری <تزکیه> بر <تعلیم کتاب>، بیانگر این نکته است که

بدون تزکیه، فراگیری دانش کتاب الهی، به گونه ای که مقصود انبیاست، ممکن نیست.

پاکی قلب بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۳ - ۱،۵

۱ خداوند دل ها و سینه های اهل بهشت را از هر کینه و دشمنی پاک خواهد کرد .

و نزعنا ما فی صدورهم من غل

<غل> به معنای کینه است.

۵ وجود برخی از کینه ها در سینه مؤمنان قبل از ورود به بهشت و زدودن آن با ورود به بهشت *

و نزعنا ما فی صدورهم من غل

پرسش از قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۶ - ۹،۱۱

۹- چشم ، گوش و قلب در قیامت ، مورد بازخواست و سؤال قرار خواهند گرفت .

إن السمع و البصر و الفؤاد کلّ أُولئک کان عنه مسئولاً

برداشت فوق، مبتنی بر این است که: اولاً سؤال از موارد یاد شده حقیقی باشد و ثانیاً، طبق همین مبنا چون در دنیا از آنها سؤالی نخواهد شد مراد از آن، بازخواست و سؤال در قیامت باشد.

۱۱- < عن الحسن بن هارون قال : قال لی أبوعبدالله (ع) : < إن السمع و البصر و الفؤاد کلّ أُولئک کان عنه مسئولاً > قال : یسأل السمع عمّا سمع و البصر عمّا نظر إلیه و الفؤاد عمّا عقد علیه ;

حسن بن خارون گوید: امام صادق(ع) به من فرمود:[مراد از آیه]<إن السمع و البصر و الفؤاد کلّ أُولئک کان عنه مسئولاً> [این است که] گوش از آنچه شنیده و چشم از آنچه دیده و قلب از آنچه

که اعتقاد پیدا کرده است، سؤال می شود>.

تشبیه قلب غافلان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۱۷ – ۲

۲ – دل های غافل از یاد خداوند و بیگانه با کلام او (قرآن) ، چونان زمین مرده است .

أن تخشع قلوبهم لذكر اللّه . .. اعلموا أنّ اللّه يحيِ الأرض بعد موتها

تشبیه قلب معرضان از قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۱۷ – ۲

۲ – دل های غافل از یاد خداوند و بیگانه با کلام او (قرآن) ، چونان زمین مرده است .

أن تخشع قلوبهم لذكر اللّه . .. اعلموا أنّ اللّه يحيِ الأرض بعد موتها

تنوع ادراک قلب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۹ – ۱۳

۱۳ – دریافت های ادراکی انسان ، از طریق گوش ، تنها به یک کیفیت است ، ولی از طریق چشم و قلب ، متنوع است .

و جعل لكم السمع و الأبصر و الأفئده

مفرد آورده شدن <سمع> و جمع آورده شدن <أبصار> و <أفئده> شاید به خاطر این واقعیت خارجی باشد که انسان از طریق گوش، تنها صدا را می شنود در حالی که از طریق چشم، رنگ ها، جسم ها، سکون و حرکت و. .. و نیز از طریق قلب، دریافت های گوناگونی دارد.

توطئه قلب بیمار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۵۲ – ۲

۲ شتاب زدگی بیماردلان سست ایمان و محروم از هدایت الهی ، در

پذیرش ولایت و دوستی یهود و نصارا

فتری الذین فی قلوبهم مرض یسرعون فیهم

در برداشت فوق <یسرعون فیهم> به قرینه آیه قبل به معنای <یسارعون فی تولیهم> گرفته شده است.

حاکم قلب ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۷ - ۱۳

۱۳ - دل های مردمان ، در اختیار خداوند است و او دل ها را رؤوف و مهربان می گرداند .

و جعلنا فی قلوب الذین اتّبعوه رأفه و رحمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲ - ۱۵

۱۵ - قلب ها ، در اختیار خداوند و مقهور اراده او است .

و قذف فی قلوبهم الرعب

حاکمیت بر قلب ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۳ - ۱۴

۱۴ حاکمیت الهی بر قلب ها و ایجاد الفت میان مؤمنان ، نمودی از عزت و حکمت الهی

و لکن اللّه ألف بینهم إنه عزیز حکیم

حجاب قلب دشمنان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۷ - ۱۰

۱۰- خداوند ، به جهت محروم ساختن مخالفان قرآن از فهمیدن نکته های آن و گوش سپاری به آیات الهی ، بر دل هایشان ، حجاب هایی متعدد و در گوش هایشان ، سنگینی ، می افکند .

إنّا جعلنا علی قلوبهم أکنّه أن یفقهوه و فی ءاذانّهم وقرًا

<أکنّه> جمع <کِنان> به معنای <پرده و پوشش> است. <وَقر> به معنای <سنگینی> است. سنگینی در گوش، کنایه از دل ندادن به آیات الهی، و نشان دادن رفتاری شبیه

کران، در آن است. ضمیر <یفقهوه> به <آیات> بازمی گردد که چون مراد از <آیات>، واژه <قرآن> است، ضمیر مذکر آمده است. و مراد از <أن یفقهوه>، <لئلایفقهوه> و یا <کراهه أن یفقهوه> است.

حجاب قلب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۱ - ۲

۲- محجوب بودن دل از یاد خدا ، از بارزترین خصلت های کافران است .

الذین کانت أعینهم فی غطاء عن ذکری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۳ - ۳

۳ - قلب های کافران ، پوشیده در حجاب غفلت و ناآگاهی

بل قلوبهم فی غمره من هذا

حضور قلب در عبادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۵ - ۸

۸ - احساس حضور در پیشگاه خداوند از آداب عبادت است .

إیاک نعبد

از جمله نکته های التفات از غیبت به خطاب در سوره حمد، بیان ادب عبادت و دعاست؛ یعنی، شایسته است انسان به هنگام پرستش و دعا احساس کند که در پیشگاه خداوند حاضر است.

حضور قلب در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۳ - ۸،۹

۸ بی توجهی به اذکار نماز و مفاهیم آن ، فلسفه بطلان آن در حال مستی

لا تقربوا الصلوه . .. حتی تعلموا ما تقولون

جمله <حتی تعلموا . .. > بیانگر علت تحریم بطلان نماز در حال مستی است.

۹ برپایی نماز با حالت حضور قلب امری بایسته و سزاوار

حتی تعلموا ما تقولون

ملاک حرمت نماز در حال مستی توجه نداشتن و آگاه

نبودن به اذکار نماز است. و این معنا به هنگام غفلت و فقدان حضور قلب نیز وجود دارد.

خالق قلب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۹ – ۱۰

۱۰ – خداوند ، ایجاد کننده گوش و چشم و قلب در انسان است .

و جعل لکم السمع و الأبصر و الأفئده

ختم قلب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۰۰ – ۷

۷ مهر شدن قلب ها و از دست دادن توان درک معارف دین ، از کیفر های الهی است .

و نطبع علی قلوبهم فهم لایسمعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۵۹ – ۲

۲ – خداوند ، بر قلب کسانی که به هنگام مواجهه با آیات الهی ، از روی لجاجت ، آنها را عاری از حقیقت اعلام می کنند ، مهر می زند .

و لئن جئتهم بأیه لیقولنّ الذین کفروا إن أنتم إلّا مبطلون . کذلک یطبع اللّه

ختم قلب اشراف فرعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۸۸ – ۱۳

۱۳ موسی (ع) در دعای خود ، برای اینکه فرعون و اطرافیانش موفق به ایمان نشوند ، از خداوند درخواست کرد دل های آنان را سخت گردانیده و بر آن مهر بزند .

ربنا . .. و اشدد علی قلوبهم فلایؤمنوا

<شدت> به معنای صلابت و سخت شدن است و نقیض نرمی می باشد و چون <اشدد> با <علی> استعمال شده در آن معنای <طبع> و <ختم> تضمین و اشراب

شده است.

ختم قلب بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۳ - ۳

۳ خداوند ، پیمان شکنان بنی اسرائیل را از رحمت خویش دور ساخت و دل های آنان را از پذیرش حق بازداشت .

فبما نقضهم میثقهم لعنهم و جعلنا قلوبهم قسیه

ختم قلب جاهلان به معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۹ - ۴

۴ - بر قلب بی خبران از روز معاد ، مهرخورده و غیرقابل نفوذ است .

فهذا یوم البعث و لکنّکم کنتم لاتعلمون. .. کذلک یطبع اللّه علی قلوب الذین لایعل

احتمال دارد که مراد از <الذین لایعلمون> به قرینه آیه پنجاه و ششم، بی خبران از معاد و قیامت باشد.

ختم قلب حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۰ - ۱

۱ - تأثیرناپذیری برخی از انسان ها در برابر پیام انبیا ، علی رغم روشنی و اصالت آن

إنّک علی الحقّ المبین . إنّک لاتسمع الموتی ... إذا ولّوا مدبرین

آیه فوق بـدین معنا است که: ای پیامبر! با این که تو بر حقی آن هم حقی بس روشن و انکارناپـذیر اما در عین حال نباید توقع داشته باشی که سخنانت در دل همگان تأثیر کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۲۴ – ۶

۶- توبیخ الهی نسبت به حق گریزان ، به خاطر بسته بودن قلب و روح آنان بر آیات ژرف قرآن

أفلایتدبّرون القرءان أم علی قلوب أقفالها

برداشت بالا، بر این اساس است

که <أم> به معنای <بل> و برای اضراب انتقالی باشد.

ختم قلب دنیاطلبان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۰۸ – ۱،۴

۱– خداوند ، قلب و قوای شنوایی و بینایی کافران دنیاگرا (مرتدان) را ، مهر کرده و از درک حقایق محرومشان ساخته است .

استحبّوا الحیوه الدنیا . .. الکفرین . أُولئک الذین طبع الله علی قلوبهم ... و أ

۴– مهر شدن قلب و قوای شنوایی و بینایی (محرومیت از درک حقایق) ، کیفر ترجیح دهندگان زندگی دنیا بر آخرت

استحبّوا الحیوه الدنیا . .. أُولئک الذین طبع الله علی قلوبهم

ختم قلب فرعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۸۸ – ۱۳

۱۳ موسی (ع) در دعای خود ، برای اینکه فرعون و اطرافیانش موفق به ایمان نشوند ، از خداوند درخواست کرد دل های آنان را سخت گردانیده و بر آن مهر بزند .

ربنا . .. و اشدد علی قلوبهم فلایؤمنوا

<شدت> به معنای صلابت و سخت شدن است و نقیض نرمی می باشد و چون <اشدد> با <علی> استعمال شده در آن معنای <طبع> و <ختم> تضمین و اشراب شده است.

ختم قلب کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۲۵ – ۳

۳ خداوند افکننده حجابهایی متعدد بر دل، و سنگینی بر گوش گروهی از کافران است.

و جعلنا علی قلوبهم أکنه أن یفقهوه و فی ءاذانهم وقرا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۱۵ –

۳ نزول معجزات و محدوده آن، وارونه ساختن دل و دیده کافران، و قرار دادن دشمن برای پیامبران، از سنتها و کلمات خداوند و غیر قابل تغییر است.

إنما الأیت عند الله . .. و نقلب ... و کذلک جعلنا ... و تمت کلمت ربک

در آیات گذشته چند سنت و قانون الهی یاد شد، از جمله: <نقلب أفئدتهم> و <ما کانوا لیؤمنوا> و <لکل نبی عدوا>. لذا اگر مراد از <کلمت>، سنن باشد، همه موارد ذکر شده را می تواند شامل گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۰ - ۶

۶ گنهکاران و کفرپیشگان ، در خطر از دست دادن نیروی فهم و درک معارف دینی

أن لو نشاء أصبنهم بذنوبهم و نطبع علی قلوبهم

جمله <نطبع علی قلوبهم> عطف بر جمله <أصبنهم> است و فعل ماضی <اصبنا> به معنای مضارع می باشد. قابل ذکر است که حرف <لو> در این آیه بیانگر وقوع جزا برای شرط در آینده است، نه گذشته.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۱ - ۱۰

۱۰ خداوند قلب های کفرپیشگان و تکذیب کنندگان انبیا را از دریافت حقایق دین و معارف الهی محروم می سازد .

کذلک یطبع اللّه علی قلوب الکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۸ - ۱

۱- خداوند ، قلب و قوای شنوایی و بینایی کافران دنیاگرا (مرتدان) را ، مهر کرده و از درک حقایق محرومشان ساخته است .

استحبّوا الحیوه الدنیا . .. الکفرین . أُولئک الذین طبع الله علی

قلوبهم ... و أ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۲۲ – ۷

۷ – کافران لجوج ، مانند مردگان در قبر ها ، از شنیدن سخن حق ناتوان بوده و هیچ راهی برای هدایتشان نیست .

و ما أنت بمسمع من فی القبور

در این آیه کافران لجوج و حق ناپذیر صدراسلام درمکه، به مردگان در قبرها تشبیه شده اند که هیچ راهی برای هدایتشان نیست و آنان نیز هیچ زمینه ای برای پذیرش ندارند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۱۶ – ۸

۸– عدم درک کافران نسبت به وحی و سخنان پیامبر (ص) ، ناشی از هواپرستی و تیرگی قلب آنان

قالوا . .. ماذا قال ... أولئک الذین طبع اللّه علی قلوبهم و اتّبعوا أهواءهم

بنابر این که تعبیر <طبع اللّه علی قلوبهم> به عنوان علت <یستمع إلیک . .. قالوا ... ماذا قال آنفاً> یاد شده باشد و نه معلول آن برداشت بالا استفاده می شود.

ختم قلب گناهکاران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۰۰ – ۶

۶ گنهکاران و کفرپیشگان ، در خطر از دست دادن نیروی فهم و درک معارف دینی

أن لو نشاء أصبنهم بذنوبهم و نطبع علی قلوبهم

جمله <نطبع علی قلوبهم> عطف بر جمله <أصبنهم> است و فعل ماضی <اصبنا> به معنای مضارع می باشد. قابل ذکر است که حرف <لو> در این آیه بیانگر وقوع جزا برای شرط در آینده است، نه گذشته.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

شعراء - ۲۶ - ۲۰۰ - ۳،۴

۳ - قلب مجرمان ، محروم از درک حقایق قرآن

کذلک سلکنه فی قلوب المجرمین

۴ - حق ناپذیری دل های مجرمان ، کیفری تعیین شده از جانب خداوند در قبال جرم هایشان

کذلک سلکنه فی قلوب المجرمین

ذکر مشرکان با وصف <المجرمین>، اشعار به علیت حکم دارد؛ یعنی، <سلکنا القرآن و هو بلسان عربی مبین فی قلوب هؤلاء المشرکین مثل ذلک السلوک جزاء لأجرامهم؛ ما قرآن را با این که به زبان عربی روشن است در دل های مشرکان هم چون زبان عجمی غیر قابل فهم راه دادیم، تاکیفری باشد در برابر جرم هایشان>.

ختم قلب متجاوزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۵ - ۱۰

۱۰ - خداوند ، بر قلب هر متکبر تجاوزگری ، مهر می زند و او را از فهم درست حقایق الهی محروم می سازد .

کذلک یطبع اللّه علی کلّ قلب متکبّر جبّار

به هر متجاوزی که از قانون بگذرد، <جبار> گویند. (قاموس المحیط).

ختم قلب متخلفان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۷ - ۴

۴ منافقان از جهاد گریزِ ذلت پذیر ، دارای قلب های مهرشده و مسدود

رضوا بأن یکونوا مع الخوالف و طبع علی قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۳ - ۷

۷ جهادگریزان ذلت پذیر ، دارای قلب های مهر شده و مسدود

رضوا بأن یکونوا مع الخوالف و طبع اللّه علی قلوبهم

ختم قلب متکبران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر –

۱۰ - ۳۵ - ۴۰

۱۰ - خداوند ، بر قلب هر متکبر تجاوزگری ، مهر می زند و او را از فهم درست حقایق الهی محروم می سازد .

كذلك يطبع اللّه على كلّ قلب متكبّر جبّار

به هر متجاوزی که از قانون بگذرد، <جبار> گویند. (قاموس المحیط).

ختم قلب مرتدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۸ - ۱

۱- خداوند ، قلب و قوای شنوایی و بینایی کافران دنیاگرا (مرتدان) را ، مهر کرده و از درک حقایق محرومشان ساخته است .

استحبّوا الحيوه الدنيا . .. الكفرين . أُولئك الذين طبع الله على قلوبهم ... و أ

ختم قلب مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۵ - ۶

۶ برخی مشرکان با دیدن هر گونه معجزه و آیت الهی ایمان نخواهند آورد.

و إن يروا كل ءايه لايؤمنوا بها

ختم قلب مکذبان آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۶ - ۱

۱- کسانی که از موضع حق ناپذیری ، به آخرت ایمان نمی آورند ، خداوند بر قلبهایشان پوششی قرار می دهد که قادر به فهم قرآن نباشند .

الذين لايؤمنون بالأخره . .. و جعلنا على قلوبهم أكنّه أن يفقهوه

ختم قلب مکذبان انبیا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۰۱ – ۱۰

۱۰ خداوند قلب های کفرپیشگان و تکذیب کنندگان انبیا را از دریافت حقایق دین و معارف الهی محروم می سازد .

کذلک یطبع اللّه علی قلوب الکفرین

جلد – نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۴ - ۶،۸

۶ اقوام تکـذیب کننـده پیـامبران ، به خـاطر مهر شـدن دلهایشـان و با وجود معجزات و براهین روشن ، توانایی پـذیرش آنان را نداشتند .

فما کانوا لیؤمنوا بما کذبوا به من قبل کذلک نطبع علی قلوب المعتدین

تعبیر به <فمـا کـانوا لیؤمنوا> به جـای <فمـا آمنوا بمـا کـذبوا به> بیـانگر وجود نوعی مانع است که آنان را از ایمان آوردن بازمی داشت. در جمله بعد، از آن مانع تعبیر به <طبعِ قلوب> شده است.

۸ خداونـد ، بر دل های تکذیب کنندگان پیامبرانِ پس از نوح (ع) ، به علت رسوخ صـفت تجاوز و حق ستیزی در نفس آنان ، مهر زده بود .

فما کانوا لیؤمنوا بما کذبوا به من قبل کذلک نطبع علی قلوب المعتدین

تعبیر به اسم فاعل (المعتدین) بدون لحاظ زمان و مفعول، بیانگر ثبوت مبدأ اشتقاق (اعتدا) در ذات (مکذبان) است.

ختم قلب مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷ - ۱،۲،۴

۱ - خداوند قلب منکران قرآن را از فهمیدن معارف دین و گوش آنان را از شنیدن حقایق دینی ، بازداشته است .

ختم اللّه علی قلوبهم و علی سمعهم

<ختم> به معنای بسـتن درب چیزی با گل و مانند آن و به اصطلاح لاک و مهر کردن، است. بسته شدن قلب، کنایه از درک نکردن و نفهمیـدن است. و <علی سـمعهم> می توانـد عطف بر <علی قلوبهم> باشـد و نیز می توانـد خبر برای <غشـاوه> باشد. در برداشت فوق، احتمال اول لحاظ شده است.

۲ - بر گوش

و چشم منکران آن ، حجابی است که آنان را از شنیدن و دیدن حقایق دین ، ناتوان ساخته است .

و علی سمعهم و علی ابصرهم غشوه

<غشاوه> به معنای پرده و مانند آن است. در برداشت فوق <علی سمعهم> خبر برای <غشاوه> گرفته شده است.

۴ - مؤثر نبودن انذار های پیامبر (ص) در کافرانِ منکرِ قرآن ، ناشی از مسدود بودن ابزار درک و فهم ایشان است .

سواء علیهم ءأنذرتهم أم لم تنذرهم لایؤمنون. ختم اللّه علی قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵ - ۲

۲ - تصریح منکران قرآن ، به نفوذناپذیری قلب و گوش آنان در برابر وحی

و قالوا قلوبنا فی أکنّه . .. و فی ءاذاننا وقر

ختم قلب منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۷ - ۴

۴ منافقان از جهاد گریزِ ذلت پذیر ، دارای قلب های مهرشده و مسدود

رضوا بأن یکونوا مع الخوالف و طبع علی قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۷ - ۹

۹ حق ناپذیری قلب منافقان ، کیفر الهی برای آنان

ثم انصرفوا صرف اللّه قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۳ - ۹

۹ – منافقان ، بر اثر مُهر شدن دل هایشان از درک معارف دین ناتوان اند .

فطبع علی قلوبهم فهم لایفقهون

ختم قلب یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۸۸ – ۶،۷

۶ – قرار گرفتن حجاب

بر قلب و انـدیشه یهودیان ریشه در فطرت و خلقت آنان نـدارد بلکه کفرورزی و دور شدنشان از رحمت الهی موجب آن شده است .

قالوا قلوبنا غلف بل لعنهم اللّه بکفر هم فقلیلا

چنـانچه گـذشت <بل> نفی معنایی است که از <قلوبنا غلف> استفاده می شود و آن معـذور بودن یهود به خاطر نفهمیـدن است. کلمه <بل> معـذور بودن یهود را نفی می کنـد و جمله <لعنهم اللّه ...> بیان می دارد حجابِ قلب یهود از کفرورزی آنـان به وجود آمـده نه اینکه فطرتـاً این گونه باشـند و این چنین نفهمیـدنی - که خود آدمی زمینه سـاز آن باشـد - نمی تواند عذری قابل قبول تلقی شود.

۷ - یهودیان کافر ، علی رغم ناتوانی از ایمان آوردن بر اثر محجوب بودن قلبهایشان ، معذور نیستند .

قلوبنا غلف بل لعنهم اللّه بکفر هم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۵ - ۱۱،۱۲،۱۹،۲۰

۱۱ کفر یهود ، موجب مهر زدن خداوند بر دل های آنان گشت .

و قولهم قلوبنا غلف بل طبع اللّه علیها بکفرهم

۱۲ دل های یهود ، دارای حجابی جلو گیر از نفوذ تعالیم انبیا

بل طبع اللّه علیها بکفرهم

۱۹ کفرورزی یهود ، مایه تقدیر الهی ، بر بازداشتن قلب های آنان از نفوذ تعالیم انبیا

بل طبع اللّه علیها بکفرهم

۲۰ دل های مهر خورده و در حجاب لجاج فرو رفته یهود ، مانع گرایش آنان به اسلام

بل طبع اللّه علیها بکفرهم فلا یؤمنون إلّا قلیلا

خشیت قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ – بقره – ۲ – ۷۴ – ۱۴

۱۴ – دل و

قلب آدمی ، باید از هراس و خشیت خدا لرزان بوده و در مسیر او به حرکت در آید .

و إن منها لما یهبط من خشیه اللّه

خضوع قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴ - ۱

۱ خشیت قلب از یاد خدا ، افزایش ایمان با تلاوت قرآن و تنها بر خدا توکل داشتن ، نشان ایمان حقیقی

أولئک هم المؤمنون حقا

رقت قلب علما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۴ - ۴

۴ - اهل دانش و معرفت ، برخوردار از دلی سالم و قلبی نرم

لیجعل . .. للذین فی قلوبهم مرض و القاسیه قلوبهم ... و لیعلم الذین أُوتوا العلم

رقت قلب مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۲ - ۱۰

۱۰ - وجود اختلاف اساسی انسان مؤمن حق پذیر و نرم دل با کافر حق ناپذیر و سنگدل ، از نظر شخصیت و سرنوشت

أفمن شرح اللّه صدره للإسلم فهو علی نور من ربّه فویل للقسیه قلوبهم

<من> در آیه شریفه، اسم موصول و مبتدا است و خبر آن به قرینه جمله بعدی (فویل للقاسیه قلوبهم. ..) جمله ای محذوف می باشد. تقدیر کلام چنین است: <أفمن شرح اللّه صدره للإسلام ... کمن قسا قلبه>. بنابراین می توان گفت: آیه شریفه درصدد مقایسه میان شخصیت دو انسان مؤمن و کافر و سرنوشت آنان در آینده است.

رگهای قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۶ - ۵

۵ خداوند ،

نزدیک تر از رگ های قلب ، به انسان

و نحن أقرب إلیه من حبل الورید

<ورید> ممکن است به معنای رگ هایی باشد که خون را به قلب می رساند.

زمینه ازدیاد بیماری قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱ - ۱۰

۱۰ - فسادگری منافقان ، زمینه ساز افزایش بیماریِ دل و اندیشه آنان

فزادهم اللّه مرضاً . .. بما کانوا یکذبون. و إذا قیل لهم لاتفسدوا

برداشت فوق مبتنی بر دو امر است: ۱ <إذا قیل . ..> عطف بر <یکـذبون> باشد. ۲ <بما کانوا یکذبون> علاوه بر تعلقش به <و لهم عـذاب ألیم> - متعلق به <فزادهم اللّه> نیز باشد. بر این مبنا جمله چنین می شود: <فزادهم اللّه مرضاً ... بما کانوا اذا قیل لهم ... لهم>.

زمینه اطمینان قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۲۳ - ۴

۴ - نیکوکاری ، مایه رفع نگرانی و آسودگی خاطر در آخرت است .

علی الأرائک ینظرون

زمینه ختم قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۰ - ۹

۹ از دست دادن نیروی درک معارف و حقایق بیان شده از سوی سفیران الهی ، پیامدی برای مهرشدن قلبهاست .

و نطبع علی قلوبهم فهم لایسمعون

برداشت فوق از <فاء> تفریع استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۷ - ۵

۵ عملکرد نادرست و تخلف از فرمان های الهی ، زمینه ساز مهر شدن قلب انسان و دست نیافتن وی به درک عمیق حقایق

رضوا

بأن یکونوا مع الخوالف و طبع علی قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۳ - ۸،۹

۸ گناه تخلف از وظیفه جهاد ، زمینه مهر شدن قلب انسان

رضوا بأن یکونوا مع الخوالف و طبع اللّه علی قلوبهم

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که طبع قلب (مهر شدن) معلول عملکرد خائنانه منافقان باشد نه علت آن.

۹ مهر شدن قلب انسان در نتیجه گناه و تخلف از جهاد ، مایه ناتوان شدن وی از شناخت صحیح حقایق

و طبع اللّه علی قلوبهم فهم لا یعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۵ - ۹

۹- وسوسه ها و آرمان های شیطانی ، قفل اندیشه و قلب آگاهان حق گریز *

أم علی قلوب أقفالها . .. الشیطن سوّل لهم و أملی لهم

برداشت بالا بدان احتمال است که <إنّ الذین ارتدّوا. ..> در مقام تبیین و توضیح ذیل آیه قبل باشد (أم علی قلوب أقفالها). در این صورت وسوسه ها و آمال شیطانی منطبق بر <أقفالها> می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۳ - ۵

۵ - کفر و ارتداد ، زمینه ساز مُهر شدن دل است .

ذلک بأنّهم ءامنوا ثمّ کفروا فطبع علی قلوبهم

زمینه ختم قلب منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ – منافقون – ۶۳ – ۳ – ۶

۶ – دل های منافقان ، بر اثر کفر و ارتداد مُهر شد .

ذلك بأنّهم ءامنوا ثمّ كفروا فطبع على قلوبهم

زمینه زنگار قلب کافران

جلد – نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۴ - ۶

۶ - مداومت کافران بر تکذیب ، طغیان و گناه ، مایه چرکین شدن قلب و مسدود شدن راه های شناخت بر آنان است .

بل ران علی قلوبهم ما کانوا یکسبون

مراد از <ما کانوا یکسبون>، همان اموری است که آیات پیشین درباره کافران برشمرده است.

زمینه سلامت قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۴ - ۶

۶ - علم ، مایه سلامت قلب و جان و جهل ، موجب قساوت و بیماردلی

لیجعل . .. فتنه للذین فی قلوبهم مرض ...و لیعلم الذین أُوتوا العلم أنّه الحقّ من

زمینه سیاهی قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۴ - ۹

۹ - طغیان گری و گناه ، سیاه کننده قلب و مسدودسازنده راه درک و اعتقاد است .

کلّ معتد أثیم . .. بل ران علی قلوبهم ما کانوا یکسبون

زمینه قساوت قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۳ - ۹

۹ استکبار موجب سخت دلی و مانع تأثیرپذیری از قرآن

و انهم لایستکبرون. و إذا سمعوا ما أنزل إلی الرسول ... تفیض من الدمع

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۷۶ – ۱۱

۱۱ – ثروت فراوان و نخوت آفرین ، زمینه ساز سنگ دلی و بی رحمی است .

إذ قال له قومه لاتفرح

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۲۲ – ۴

۴- ترک رهنمود

ها و قوانین الهی ، زمینه تبدیل شدن انسان به عنصری فسادگر و بی عاطفه و نه صرفاً بی ایمان

فهل عسیتم إن تولّیتم أن تفسدوا فی الأرض و تقطّعوا أرحامکم

با توجه به متعدی آمدن واژه <تفسدوا>، استفاده می شود که روی گردانی از جهاد و سایر تکالیف دینی، صرفاً موجب فاسد شدن خود فرد نمی شود; بلکه او در نتیجه فساد شخصی، ناگزیر فسادگر نیز می گردد. جمله <تقطّعوا أرحامکم> بر بی عاطفه شدن متخلفان جهاد دلالت دارد.

زمینه قساوت قلب اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۶ - ۲۱

۲۱ - فسق پیشگی اهل کتاب و نافرمانی آنان از حق ، نتیجه بی تفاوتی دراز مدت آنان نسبت به تعالیم الهی و گرفتار شدن به قساوت قلب

فطال علیهم الأمد فقست قلوبهم و کثیر منهم فسقون

زنگار قلب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۵ - ۶

۶ - قلب های تیره کافران ، در قیامت نیز از درک حقیقت و شناخت خداوند و جلوه های ربوبیت او ، ناتوان خواهند بود . *

إنّهم عن ربّهم یومئذ لمحجوبون

محجوب بودن از <ربّ> چنانچه از ارتباط این آیه با آیه قبل برمی آید ممکن است به معنای محجوب ماندن قلب، از هرگونه ارتباط با خداوند باشد. در نتیجه کافران، در قیامت نیز خداوند را نخواهند شناخت و به او ایمان قلبی نمی آورند.

زنگار قلب مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۴ - ۴

۴ - قلب منکران قرآن

، زنگارگرفته و چرکین است و از درک مفاهیم آن ناتوان می باشد .

کلاّ بل ران علی قلوبهم

<رَیْن> (مصدر <ران>) به معنای زنگار و چرک است (لسان العرب).

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – مطففین – ۸۳ – ۱۵ – ۴

۴ – قلب تکذیب کنندگان قرآن و قیامت ، هرگز از آلودگی های گناه پاک نخواهد شد .

ران علی قلوبهم ما کانوا یکسبون . کلاّ إنّهم ... محجوبون

جمله بعد از <کلاّ>، قرینه است بر این که آیه شریفه درصدد بیان تداوم یافتن نکته ای است که آیه قبل درباره قلب تکذیب گران مطرح کرده بود.

زنگار قلب مکذبان قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – مطففین – ۸۳ – ۱۵ – ۴

۴ – قلب تکذیب کنندگان قرآن و قیامت ، هرگز از آلودگی های گناه پاک نخواهد شد .

ران علی قلوبهم ما کانوا یکسبون . کلاّ إنّهم ... محجوبون

جمله بعد از <کلاّ>، قرینه است بر این که آیه شریفه درصدد بیان تداوم یافتن نکته ای است که آیه قبل درباره قلب تکذیب گران مطرح کرده بود.

سرزنش قساوت قلب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۵۹ – ۸

۸ ترغیب به خوش خُلقی و مدارا و نکوهش از سنگدلی و خشونت ، در برخورد های اجتماعی

و لو کنت فظّا غلیظ القلب لانفضّوا من حولک

سرزنش قلب بیمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۲ - ۱۸

۱۸ تخطئه پندار بیماردلان سست ایمان درباره بی ثباتی و شکست اسلام از سوی

خداوند

فعسی اللّه ان یأتی بالفتح او امر من عنده

سلامتی قلب ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۴ - ۱،۲،۳

۱ - ابراهیم (ع) ، با قلبی سلیم به پیشگاه پروردگار بار می یافت .

لإبرهیم . إذ جاء ربّه بقلب سلیم

۲ - ابراهیم (ع) ، برخوردار از قلبی سالم و پاک از آفت ها و امراض روحی ، اخلاقی و شخصیتی

إذ جاء ربّه بقلب سلیم

<سلیم> صفت مشبهه و مشتق از <سلامت> (پاکی از امراض دردها و آفت ها) است. توصیف قلب به <سلیم> بودن، اشاره به انواع امراض و آفت های روحی، اخلاقی و شخصیتی دارد.

۳ - برخورداری از قلب سلیم ، برجسته ترین صفت ابراهیم (ع)

إذ جاء ربّه بقلب سلیم

سلامتی قلب پیروان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۴ - ۷

۷ - برخوردار بودن از قلبی سالم و پاک ، نخستین و مهم ترین صفت از اوصاف شیعه و پیرو راستین خط پیامبران

و إنّ من شیعته لإبرهیم . إذ جاء ربّه بقلب سلیم

برداشت یاد شده با توجّه به این نکته است که خداوند، پس از معرفی ابراهیم(ع) به عنوان شیعه و پیرو نوح پیامبر، او را به داشتن قلب سلیم توصیف فرمود.

سیاهی قلب

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۵ - ۱۸

۱۸ عن أبی عبدالله(ع) قال: إن الله عز و جل إذا أراد بعبد خيرا نكت فی قلبه نكته من نور و فتح مسامع قلبه و كل به ملكا يسدده

و إذا أراد بعبد سوءا نکت فی قلبه نکته سوداء و سد مسامع قلبه و وکل به شیطانا یضله ثم تلاـ هذه الآیه: <فمن یرد الله أن یهدیه یشرح صدره للاسلام و من یرد أن یضله یجعل صدره ضیقا حرجا>.

امام صادق(ع) فرمود: هر گاه خداوند عز و جل برای بنده ای خیری بخواهد، در دلش نقطه ای از نور ایجاد می کند و گوشهای دلش را بازمی گرداند و فرشته ای بر او می گمارد که وی را در کارهایش استوار نماید. و آنگاه که خدا برای بنده ای بدی بخواهد، در دلش نقطه ای سیاه ایجاد کرده و گوشهای دلش را می بندد و شیطانی را بر او می گمارد تا گمراهش کند، سپس امام صادق(ع) آیه <فمن یرد الله ... > را تلاوت فرمود.

شرایط پاکی قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۳۷

۳۷ پاکی جان ها و دل ها از آلودگی در گرو توفیق الهی

أولئک الذین لم یرد اللّه ان یطهر قلوبهم

شفای قلب مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۴ - ۸

۸ مرگ و ذلت مشرکان پیمان شکن صدر اسلام و پیروزی سپاه اسلام ، شفابخش سینه دردمند مؤمنان آسیب دیده از تجاوز

یعذبهم اللّه بأیدیکم و یخزهم و ینصرکم علیهم و یشف صدور قوم مؤمنین

صفات قلب بیمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۳ - ۵

۵ وابستگی به بیگانگان کافر ، خصیصه بیماردلان سست ایمان

اقسموا باللّه جهد ایمنهم انهم لمعکم

طهارت قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۳ - ۲۹

۲۹ - اجتناب از مطالبه کردن چیزی از همسران پیامبر ، به صورت رو در رو ، به خاطر حفظ طهارت قلب مؤمنان و همسران پیامبر است .

فسئلوهنّ من وراء حجاب ذلکم أطهر لقلوبکم و قلوبهنّ

ظلم قساوت قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۵ - ۴

۴ سنگدلی و تضرع نکردن به درگاه خداوند، حتی در دشواریها، ظلم است.

فلولا . .. تضرعوا و لکن قست قلوبهم ... فقطع دابر القوم الذین ظلموا

در آیه شریفه هدف از آمدن سختیها را تضرع و روی آوردن به خدا دانسته، و به دنبال آن گروهی را معرفی کرده که حتی در شدت و سختی منفعل نمی شوند، و سرانجام از این گروه با عنوان <ظالمان> یاد کرده است، بنابراین سنگدلی و تضرع نکردن آنان ظلم است.

عوامل ازدیاد بیماری قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰ - ۹

۹ دروغ گویی مداوم منافقان ، موجب افزایش بیماری در دل و جان آنان

فزادهم اللّه مرضاً . .. بما کانوا یکذبون

برداشت فوق مبتنی بر این است که <بما کانوا . ..> علاوه بر تعلقش به <لهم عذاب الیم>، متعلق به <فزادهم ...> نیز باشد.

عوامل اطمینان قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۵ - ۱۷

۱۷ عن أبی جعفر(ع): إن القلب ینقلب من لدن موضعه إلی حنجرته ما لم یصب الحق فاذا اصاب الحق قرّ

. .. و قرء هذه الآيه <فمن يرد الله أن يهديه يشرح صدره للاسلام ... >.

از امام باقر(ع) روایت شـده است: قلب انسان تا حق را نیافته است، آنچنان مضـطرب است که گویی از جای خود کنـده شده و به حنجره رسیده، پس آنگاه که حق را یافت آرامش می یابد. سپس آن حضرت آیه <فمن یرد الله ... > را تلاوت کرد ... .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۳ - ۱۳

۱۳ خداوند به دلیل آگاهیش بر عوامل اطمینان بخش قلب ها و علمش به زمینه های سستی آفرین ، مشرکان بدر را در رؤیای پیامبر (ص) اندک نمایان ساخت .

و لکن اللّه سلم إنه علیم بذات الصدور

عوامل بیماری قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰ - ۴

۴ - منافقان ، خود موجب پیدایش بیماریِ دل و اندیشه ، در خویشتن

فی قلوبهم مرض

برداشت فوق از مقـایسه دو جمله <فی قلوبهم مرض> (در قلب منافقـان بیماری است) و <فزادهم اللّه مرضاً> (پس خـداوند بیمـاری آنـان را افزون کرد) بـه دسـت می آیـد; زیرا در جمله دوم خدانـد را افزایش دهنـده بیمـاری می دانـد، ولی در جمله نخست بیمار شدن قلب منافقان را به خداوند نسبت نمی دهد; یعنی اصل پیدایش مرض را از خود آنان می شمرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۰ - ۱۲

۱۲ - بروز برخی از حالت های روانی و روحی برای انسان ، ممکن است که فعالیت قلب را از

سیستم عادی خارج کرده و او را غیر متعادل سازد .

إذ جاءوکم . .. و بلغت القلوب الحناجر

عوامل حجاب قلب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۸۸ – ۶

۶ – قرار گرفتن حجاب بر قلب و اندیشه یهودیان ریشه در فطرت و خلقت آنان ندارد بلکه کفرورزی و دور شدنشان از رحمت الهی موجب آن شده است .

قالوا قلوبنا غلف بل لعنهم اللّه بکفر هم فقلیلا

چنانچه گذشت <بل> نفی معنایی است که از <قلوبنا غلف> استفاده می شود و آن معذور بودن یهود به خاطر نفهمیدن است. کلمه <بل> معذور بودن یهود را نفی می کند و جمله <لعنهم اللّه ...> بیان می دارد حجابِ قلب یهود از کفرورزی آنان به وجود آمده نه اینکه فطرتاً این گونه باشند و این چنین نفهمیدنی – که خود آدمی زمینه ساز آن باشد – نمی تواند عذری قابل قبول تلقی شود.

عوامل ختم قلب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۵۵ – ۱۸

۱۸ لجاجت و ناباوری ، عامل بسته شدن قلب انسان ، بر شناخت معارف الهی و تأثیرپذیری از هدایتهاست .

قلوبنا غلف بل طبع اللّه علیها بکفرهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۲۵ – ۲،۳

۲ اصرار بر کفر و شرک از سر حق ستیزی، موجب افکنده شدن حجاب بر دل و سنگینی بر گوش آدمی است.

و جعلنا علی قلوبهم أکنه أن یفقهوه و فی ءاذانهم وقرا

<اصرار> و <حق ستیزی> از جملات دیگر آیه، مانند <کل ءایه . ..

> و <یجادلونک ... >، استفاده شده است.

۳ خداوند افکننده حجابهایی متعدد بر دل، و سنگینی بر گوش گروهی از کافران است.

و جعلنا علی قلوبهم أکنه أن یفقهوه و فی ءاذانهم وقرا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۷۴ – ۱۰

۱۰ ثبوت و رسوخ صفت تجاوز و حق ستیزی در نفس آدمی ، موجب مهر شدن قلب و هدایت ناپذیری است .

فما کانوا لیؤمنوا . .. کذلک نطبع علی قلوب المعتدین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۴۵ – ۸

۸– افتادن حجاب نامرئی بر دیدگان کافران و محروم شدن آنان از شنیدن و درک وحی ، معلول تصمیم آنها مبنی بر عدم ایمان به آخرت است .

بین الذین لایؤمنون بالأخره حجابًا مستورًا

تعبیر <الذین لایؤمنون بالأخره> – به صورت جمله وصفیه – و فعل مضارع به جای <الکافرین> می تواند به این معنا باشد که جعل حجاب از سوی خدا، به خاطر این خصلت و گزینش از سوی کافران بوده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۵۹ – ۳

۳ – خداوند ، بر قلب کسانی که تصمیم به باقی ماندن در نادانی و جهل گرفته اند ، مهر می زند .

کذلک یطبع الله علی قلوب الذین لایعلمون

این که مراد از <الذین لایعلمون> چه کسانی اند، دو احتمال وجود دارد: یکی، به قرینه آیه پیش، این است که مراد، کافران اند. دیگر این که آیه، معنای عام دارد و شامل همه کسانی که خود می خواهند در جهل و نادانی

باقی بمانند، می شود. لازم به ذکر است که چون، قطعاً سنت خداوند، چنین نیست که بر قلب هر ناآگاه و نادانی مهر بزند، مراد از <الذین لایعلمون> کسانی اند که خود اصرار بر باقی ماندن در جهل و نادانی دارند، چنان که مفسران نیز بر این معنا تصریح کرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۷ - ۳

۳ - دلِ مبتلا به لهو و باطل ، از آیات الهی هیچ تأثیری نمی پذیرد .

من یشتری لهو الحدیث . .. و إذا تتلی علیه ءایتنا ولّی مستکبرًا کأن لم یسمعها

از این که آیه گفته است برخی از مردم، در پی خرید حدیث لهوند، استفاده می شود که آنان، دل در گرو لهو دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۶ - ۱۲

۱۲- قلب آدمی ، در سرشت خود ، پذیرای حق و عملکرد و روحیّات منفی او ، عامل جمود آن

طبع اللّه علی قلوبهم واتّبعوا أهواءهم

از تعبیر <طبع اللّه علی قلوبهم> استفاده می شود که قلب آدمی در ابتدا، پذیرای سخن حق و قادر به فهم پیام الهی است; ولی در نتیجه عواملی از سوی خود انسان، طبق اراده الهی، قلب کارایی اصلی خود را از دست می دهد و در برابر حق نفوذناپذیر می شود.

عوامل سیاهی قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۴ - ۱۲

۱۲ - < عن أبی جعفر (ع) قال : [قال] ما من عبد إلاّ و فی قلبه نکته بیضاء

فـإذا أذنب ذنبـاً خرج فی النکته نکته سوداء فـإن تـاب ذهب ذلـک السواد فإن تمادی فی الـذنوب زاد ذلک السواد حتّی یُغَطّی البیـاض فـإذا [ت] غطّی البیـاض لم یرجع صـاحبه إلی خیر أبـداً و هو قول اللّه عزّوجـلّ : < کلاّـ بـل ران علی قلوبهم ما کانوا یکسبون > ;

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: هیچ بنده ای نیست جز این که در قلبش نقطه سفیدی است، هرگاه گناهی مرتکب شود، در آن سـفیدی نقطه سیاهی پدید می آید، پس اگر توبه کند آن سیاهی از بین می رود و اگر گناهان را ادامه دهد، آن سیاهی افزون می گردد تا تمام سفیدی قلب را فرامی گیرد و هنگامی که سفیدی قلب به سیاهی پوشیده شد، صاحب آن قلب هرگز به سوی نیکی برنمی گردد و این سخن خدای عزّوجلّ است که فرمود: کلاّ بل ران علی قلوبهم ما کانوا یکسبون>.

عوامل شفای قلب مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۴ - ۸

۸ مرگ و ذلت مشرکان پیمان شکن صدر اسلام و پیروزی سپاه اسلام ، شفابخش سینه دردمند مؤمنان آسیب دیده از تجاوز

یعذبهم اللّه بأیدیکم و یخزهم و ینصرکم علیهم و یشف صدور قوم مؤمنین

عوامل قساوت قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۴ - ۳

۳ - قساوت قلب بنی اسرائیل ، نتیجه لجاجت ها ، بهانه جویی ها و عصیانگری های آنان بود .

قالوا أتتخذنا هزواً . .. ثم قست قلوبکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ -

مائده - ۵ - ۱۳ - ۶،۱۳

۶ سنگدلی ، از پیامد های لعن الهی *

لعنهم و جعلنا قلوبهم قسیه

تقدیم لعن بر قساوت، می تواند اشاره به تأثیر لعنت در قساوت قلب داشته باشد.

۱۳ قساوت قلب و نفهمیدن حق ، آنگاه که پیامد گناه و کیفر آن باشد ، عذر نیست .

لعنهم و جعلنا قلوبهم قسیه

بنی اسرائیل گر چه به سبب ناتوانی از درک حقایق مرتکب تحریف شدند، ولی چون این ناتوانی ناشی از گناه خود آنان بوده است، مورد مذمت خداوند قرار گرفتند. بنابراین عجز از فهمیدن حق، اگر پیامد گناه باشد، نمی تواند عذر شمرده شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۴ - ۶

۶ - علم ، مایه سلامت قلب و جان و جهل ، موجب قساوت و بیماردلی

لیجعل . .. فتنه للذین فی قلوبهم مرض ...و لیعلم الذین أُوتوا العلم أنّه الحقّ من

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲ - ۱۶

۱۶- گناه ، مایه تیر گی قلب و رخت بستن صلاح از فکر و اندیشه انسان *

کفّر عنهم سیّئاتهم و أصلح بالهم

میان سیّئات و عدم صلاح قلب، می تواند رابطه علّی و سببی باشد. از تقدم سیّئات استفاده می شود که عامل فساد فکر و اندیشه، گناهان است و با زدایش گناهان، اندیشه صلاح می یابد. این احتمال مبتنی است بر این که <بال> به معنای قلب باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۶ - ۱۱

۱۱- هواپرستی ، مانع درک حقایق وحی و عامل مهر

شدن قلب انسان به اراده خداوند *

أولئک الذین طبع اللّه علی قلوبهم واتّبعوا أهواءهم

جمله <واتّبعوا أهوائهم> می توانـد بیانگر علت <طبع اللّه . ..> باشـد; چه این که <طبع اللّه> می تواند بیانگر علت ناتوانی کافران و منافقان از درک پیام وحی به شمار آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۶ - ۱۶،۲۲

۱۶ - بی تفاوتی در برابر تذکار ها و رهنمود های قرآن در دراز مدت ، باعث قساوت قلب خواهد شد .

و لایکونوا کالذین . .. فطال علیهم الأمد فقست قلوبهم

خداوند، مسـلمانان را از پیش گرفتن شـیوه یهود و نصارا در مورد کتاب های آسـمانی خود بر حذر داشته و تذکر می دهد که آنان با این کار به مرور زمان گرفتار قساوت قلب شدند; بنابراین مسلمانان نیز در خطر گرفتار شدن به آن خواهند شد.

۲۲ - < عن أبی بصیر عن أبی جعفر (ع) قال : لم یزل بنو إسماعیل ولاه البیت [و] یقیمون للناس حجّهم و أمر دینهم . . . < فطال علیهم الأمد فقست قلوبهم > و أفسدوا و أحدثوا فی دینهم . . . ;

ابوبصـیر از امام باقر(ع) روایت نموده که فرزنـدان اسـماعیل(ع) بزرگی بعـد از بزرگی دیگر متولیان خانه خـدا بودنـد و حجّ و امور دینی مردم را برپـا می داشـتند. .. پس زمـانی طولانـی بر آنها گـذشت و قلب های آنان قساوت پیـدا کرد و به فساد آلوده شدند و در دینشان دست بردند...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲۱ - ۳

– قلب های تأثیرناپذیر از آیات قرآن ، سخت تر و بی اساس از سنگ های کوه

لو أنزلنا هذا القرءان . .. متصدّعًا من خشیه اللّه

عوامل قساوت قلب مسیحیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۱۶ – ۱۹

۱۹ – قساوت قلب و سنگدلی یهود و نصارا ، نتیجه بی تفاوتی دراز مدت آنان در برابر تعالیم و رهنمود های کتاب آسمانی شان (تورات و انجیل)

و لایکونوا کالذین أُوتوا الکتب من قبل فطال علیهم الأمد فقست قلوبهم

عوامل قساوت قلب یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۱۶ – ۱۹

۱۹ – قساوت قلب و سنگدلی یهود و نصارا ، نتیجه بی تفاوتی دراز مدت آنان در برابر تعالیم و رهنمود های کتاب آسمانی شان (تورات و انجیل)

و لایکونوا کالذین أُوتوا الکتب من قبل فطال علیهم الأمد فقست قلوبهم

عوامل مؤثر در قلب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۲ – ۲،۴

۲ یاد خدا از سوی هر کس ، دارای تأثیری عمیق در قلب و روح مؤمنان

إذا ذکر اللّه وجلت قلوبهم

مجهول آوردن فعل <ذکر> دلالت می کند که یاد خدا از سوی هر کسی که باشد آن اثر شگرف را برای مؤمنان واقعی در پی دارد.

۴ دل های بیمناک و لرزان از یاد خدا ، دارای زمینه ای مناسب برای تأثیرپذیری از تلاوت آیات قرآن

إذا ذکر اللّه وجلت قلوبهم و إذا تلیت علیهم ءایته زادتهم إیمنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ -

انفال - ۸ - ۴ - ۱

۱ خشیت قلب از یاد خدا ، افزایش ایمان با تلاوت قرآن و تنها بر خدا توکل داشتن ، نشان ایمان حقیقی

أولئک هم المؤمنون حقا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۶ - ۱،۲

۱ - یاد خداوند و ذکر عظمت و کبریایی او ، تأثیرگذار در دل های نرم و خاشع

ألم یأن للذین ءامنوا أن تخشع قلوبهم لذکر اللّه

<خشوع> در مقابل <قساوت> (سختی و صلابت)، به معنای نرمی [قلب] است.

۲ - تلاوت قرآن و شنیدن آیات آن ، اثربخش دل های نرم و خاشع

ألم یأن للذین ءامنوا أن تخشع قلوبهم . .. و ما نزل من الحقّ

مقصود از <ما نزل من الحقّ> قرآن کریم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۴ - ۶

۶ - تأثیر رفتار انسان ها در قلب و روح آنان

فقد صغت قلوبکما

عوامل نورانیت قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۷ - ۱

۱ - یاد خدا و تلاوت کلام او (قرآن) ، حیات و روشنی بخش دل ها است .

أن تخشع قلوبهم لذکر اللّه . .. و اعلموا أنّ اللّه یحیِ الأرض

جمله <اعلموا أن اللّه. ..> تعلیل برای جمله <ألم یأن... لـذکر اللّه> است. در این تعلیل، دل های غافل از یاد خدا و بیگانه با کلام او (قرآن)، به زمین مرده و یاد خـدا و کلام او (قرآن)، به باران تشبیه شـده است. همان طور که خداونـد به وسـیله باران، زمین مرده را زنده می کند;

یاد خدا و تلاوت کلام او (قرآن) نیز، دل های غافل و مرده را حیات می بخشد و نورانی می کند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۲۸ – ۹

۹ – ایمان و تقوا ، سبب می شود که خداوند ، در درون انسان نوری قرار دهد که با آن بتواند راه درست را تشخیص داده و مسیر زندگی را سالم طی کند .

و یجعل لکم نورًا تمشون به

جمله <یجعل لکم. ..> (نظیر جمله پیشین) جواب برای شرط مقدر است. تقدیر آن چنین می شود: <إن تتّقوا و تؤمنوا برسوله یجعل لکم نوراً تمشون به>.

عهد شکنی قلب بیمار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۵۳ – ۱۰

۱۰ نقض پیمان و شکستن سوگند ، خصیصه بیماردلان سست ایمان

اهولاء الذین اقسموا باللّه جهد ایمنهم

فلسفه اطمینان قلب مادر موسی(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۱۰ – ۳

۳ – اقدام خداوند به محکم ساختن دل مادر موسی ، به منظور پیش گیری از فاش شدن راز نوزادش توسط خود وی

إن کادت لتبدی به لولا أن ربطنا علی قلبها

<ربط> (مصدر <ربطنا>) به معنای بستن و محکم کردن است.

فواید قلب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۷ – ۳

۳ – قلب (دل و اندیشه) ، گوش و چشم از ابزار شناخت

ختم اللّه علی قلوبهم و علی سمعهم و علی ابصرهم غشوه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء

- ۱۷ - ۳۶ - ۶

۶- قوای شنوایی و بینایی و قلب ، ابزار شناخت است .

و لاتقف . .. إن السمع و البصر و الفؤاد

قساوت قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۹ - ۹

۹ گرایش مردم به رهبران دینی ، در گرو مهربانی آنان و پرهیز از خشونت و سنگدلی

فبما رحمه من اللّه لنت لهم و لو کنت فظّا غلیظ القلب لانفضّوا من حولك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۳ - ۵

۵ لعن الهی (دوری از رحمت خداوند) و قساوت دل ، کیفر شکستن پیمان الهی

فبما نقضهم میثقهم لعنهم و جعلنا قلوبهم قسیه

قساوت قلب اصحاب اخدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۶ - ۲

۲ - اصحاب اخدود ، از سوختن مؤمنان هیچ اضطرابی در خود احساس نکرده ، خاطری آرام داشتند .

إذ هم علیها قعود

نشستن هنگام تماشای سوختن مؤمنان، نشانگر آن است که برای تماشاگران، این حادثه اهمیت چندانی نداشت و آنان را برآشفته نمی ساخت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۷ - ۴

۴ - اصحاب اخدود ، مردمی سنگدل و بی عاطفه بودند .

و هم علی ما یفعلون بالمؤمنین شهود

حضور اصحاب اخدود در مراسم آدم سوزی برای شهود و نظاره آن صحنه، گویای قساوت قلب و بی رحمی آنان است.

قساوت قلب اکثریت رهبران شرك صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ -

۱ - ۱۰

۱ - بیشتر سران شرک و کفر در صدراسلام ، به گونه ای بودند که انذار و اخطارِ پیامبر (ص) در آنان کارساز نبوده و ایمان نمی آوردند .

لقد حقّ القول علی أکثرهم . .. و سواء علیهم ءأنذرتهم أم لم تنذرهم لایؤمنون

قساوت قلب اکثریت رهبران کفر صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۰ - ۱

۱ - بیشتر سران شرک و کفر در صدراسلام ، به گونه ای بودند که انذار و اخطارِ پیامبر (ص) در آنان کارساز نبوده و ایمان نمی آوردند .

لقد حقّ القول علی أکثرهم . .. و سواء علیهم ءأنذرتهم أم لم تنذرهم لایؤمنون

قساوت قلب بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۴ - ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷

۱ - قلب های بنی اسرائیل - علی رغم دریافت آیات و معجزه های فراوان - به سختی گرایید و از درک معارف و آیات الهی ناتوان شد .

لعلکم تعقلون. ثم قست قلوبکم من بعد ذلک

<قساوه> (مصدر قست) به معنای غلظت پیدا کردن و سخت شدن است. جمله <لعلکم تعقلون> بیان می دارد که: سخت شدن دلهای بنی اسرائیل در برابر فهم و درک آیات و معارف الهی است. <ذلک> اشاره به نعمتها و معجزاتی است که خداوند به بنی اسرائیل ارائه کرد و در آیات پیشین مطرح شد.

۲ - قلب ها و دل های بنی اسرائیل در سختی و نفوذناپذیری همانند سنگ و از آن سخت تر شد .

فهی کالحجاره أو أشد قسوه

<حجاره> جمع حجر و به معنای سنگها و

صخره هاست.

۳ – قساوت قلب بنی اسرائیل ، نتیجه لجاجت ها ، بهانه جویی ها و عصیانگری های آنان بود .

قالوا أتتخذنا هزواً . .. ثم قست قلوبکم

۴ – قلب های بنی اسرائیل با سخت شدن ، از تراوش کمترین معرفتی ناتوان شد .

ثم قست قلوبکم . .. فهی کالحجاره أو أشد قسوه و إن من الحجاره

به مقتضای ارتباط <ثم قست . ..> با جمله <یریکم آیاته لعلکم تعقلون> سختی دل به نپذیرفتن معارف القاشده به آن، تفسیر شد و به مقتضای جمله <إن من الحجاره ...> سختی دل به تراوش نکردن معارف و حقایق تفسیر می شود; یعنی، قلب قسی نه از خارج متأثر می شود و نه از درون تراوشی دارد.

۵ – بیرون زدن و جاری شدن نهر های آب از برخی صخره ها ، شاهدی بر سختی قلب های سخت تر از سنگ بنی اسرائیل

أو أشد قسوه و إن من الحجاره لما یتفجر منه الأنهر

<تفجّر> (مصدر یتفجر) به معنای بیرون آمدن و جاری شدن است (اقتباس از مجمع البیان). جمله <إن من الحجاره> به منزله دلیل برای <أشد قسوه> می باشد. <لما> مرکب از لام تأکید و <ما>ی موصوله است و مراد از آن، سنگ می باشد. بنابراین <إن من الحجاره لما ...>; یعنی، برخی از سنگها همانا سنگی است که ... .

۶ – شکاف برداشتن برخی سنگ ها و بیرون آمدن آب از آن ، نشانه سخت تر بودن قلب های بنی اسرائیل از سنگها

و إن منها لما یشقق فیخرج منه الماء

<تَشَقُّق> (مصدر یشقق = یتشقق) به معنای شکاف برداشتن است. برخی از اهل لغت برآنند که <شق> به شکاف ریز

که به روشنی معلوم نباشد، گفته می شود.

۷ - سقوط سنگ ها بر اثر هراس و خشیت از خدا ، نشانه افزونتر بودن سختی دل های بنی اسرائیل از پاره سنگهاست .

و إن منها لما یهبط من خشیه اللّه

<من> در <من خشیه اللّه> تعلیلیه است. <هبوط> (مصدر یهبط) به معنای افتادن و سقوط کردن است. بنابراین جمله <إن منها ...>; یعنی، برخی سنگها همانا سنگی است که به علت ترس از خدا سقوط می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۵ - ۴

۴ - قساوت و سخت دلی بنی اسرائیل و جامعه یهود ، از میان برنده زمینه های ایمان و گرایش به اسلام در آنان

ثم قست قلوبکم . .. أفتطمعون أن یؤمنوا لکم

حرف <فاء> در <أفتطمعون> قطع امید از ایمان آوردن بنی اسرائیل را نتیجه قساوت قلب ایشان - که در آیه قبل مطرح شد - می شمرد; یعنی، با پیدایش قساوت در قلب بنی اسرائیل، جای امیدی به ایمان آوردن آنان نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۳ - ۴،۱۲

۴ گرفتاری بنی اسرائیل به لعن الهی و قساوت قلب ، کیفر پیمان شکنی آنان

فبما نقضهم میثقهم لعنهم و جعلنا قلوبهم قسیه

۱۲ سنگدلی بنی اسرائیل ، منشأ تحریف تورات

و جعلنا قلوبهم قسیه یحرفون الکلم عن مواضعه

جمله <یحرفون> جمله مفسره و بیانگر آثار قساوت قلب است.

قساوت قلب قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۶ - ۱۰

۱۰ – قارون ، فردی سنگ دل و بی رحم

بود .

إذ قال له قومه لاتفرح

از این که قارون علیه ملت و مردم هم نژاد خود دست به ظلم و تجاوز زد، می تواند به سنگ دلی و بی رحمی او پی برد.

قساوت قلب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۳ - ۳

۳ - جبهه کفر و شرک در طول تاریخ ، متشکل از انسان هایی بیمار دل و قسی القلب

و ما أرسلنا من قبلك من رسول . .. للذین فی قلوبهم مرض و القاسیه قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۲ - ۱۰،۱۵

۱۰ - وجود اختلاف اساسی انسان مؤمن حق پذیر و نرم دل با کافر حق ناپذیر و سنگدل ، از نظر شخصیت و سرنوشت

أفمن شرح اللّه صدره للإسلم فهو علی نور من ربّه فویل للقسیه قلوبهم

<من> در آیه شریفه، اسم موصول و مبتدا است و خبر آن به قرینه جمله بعدی (فویل للقاسیه قلوبهم. ..) جمله ای محذوف می باشد. تقدیر کلام چنین است: <أفمن شرح اللّه صدره للإسلام ... کمن قسا قلبه>. بنابراین می توان گفت: آیه شریفه درصدد مقایسه میان شخصیت دو انسان مؤمن و کافر و سرنوشت آنان در آینده است.

۱۵ - کافران اسلام گریز ، دچار سنگدلی و قساوت قلب اند .

فویل للقسیه قلوبهم من ذکر اللّه

قساوت قلب کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۰ - ۱۱

۱۱ - کافران صدراسلام ، مردمی سنگدل بودند که حتی بر زنان مؤمن نیز رحم نکردند .

فتنوا المؤمنين و المؤمنت

قساوت قلب مخالفان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۳ - ۵

۵ - مخالفان پیامبر (ص) در صدراسلام ، مردمانی بودند بیمار دل ، قسی القلب و ستم پیشه .

لیجعل ما یلقی الشیطن . .. و إنّ الظلمین لفی شقاق بعید

قساوت قلب مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۶ - ۱۸

۱۸ - یهود و نصارا ، مردمانی گرفتار قساوت قلب و سنگدلی

و لایکونوا کالذین أُوتوا الکتب . .. فقست قلوبهم

قساوت قلب مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۳ - ۸

۸ استکبار و سخت دلی یهودیان و مشرکان موجب تأثرناپذیری آنان از قرآن

و إذا سمعوا ما أنزل إلی الرسول تری اعینهم تفیض من الدمع

بیان واکنش خاضعانه مسیحیان در برابر قرآن پس از توصیف آنان به فروتنی در آیه پیش گویای این است که دو گروه دیگر (یهودیان و مشرکان) به دلیل گردنفرازی و استکبار در برابر حق، از پذیرش قرآن سرباز زدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۳ - ۳

۳ - جبهه کفر و شرک در طول تاریخ ، متشکل از انسان هایی بیمار دل و قسی القلب

و ما أرسلنا من قبلك من رسول . .. للذين فی قلوبهم مرض و القاسیه قلوبهم

قساوت قلب یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۵ - ۴

۴ - قساوت و سخت دلی بنی اسرائیل و جامعه یهود ، از

میان برنده زمینه های ایمان و گرایش به اسلام در آنان

ثم قست قلوبکم . .. أفتطمعون أن یؤمنوا لکم

حرف <فاء> در <أفتطمعون> قطع امید از ایمان آوردن بنی اسرائیل را نتیجه قساوت قلب ایشان - که در آیه قبل مطرح شد - می شمرد; یعنی، با پیدایش قساوت در قلب بنی اسرائیل، جای امیدی به ایمان آوردن آنان نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۳ - ۸

۸ استکبار و سخت دلی یهودیان و مشرکان موجب تأثرناپذیری آنان از قرآن

و إذا سمعوا ما أنزل إلی الرسول تری اعینهم تفیض من الدمع

بیان واکنش خاضعانه مسیحیان در برابر قرآن پس از توصیف آنان به فروتنی در آیه پیش گویای این است که دو گروه دیگر (یهودیان و مشرکان) به دلیل گردنفرازی و استکبار در برابر حق، از پذیرش قرآن سرباز زدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۶ - ۱۸

۱۸ - یهود و نصارا ، مردمانی گرفتار قساوت قلب و سنگدلی

و لایکونوا کالذین أُوتوا الکتب . .. فقست قلوبهم

قلب انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۴ - ۸،۹،۱۰،۱۱

۸ خداوند ، حایل میان انسان و قلب وی

و اعلموا أن اللّه یحول بین المرء و قلبه

۹ خداوند از قلب انسان به وی نزدیکتر است .

و اعلموا أن اللّه یحول بین المرء و قلبه

۱۰ خداوند به قلب انسان از خود انسان نزدیکتر است .

و اعلموا أن اللّه یحول بین المرء و قلبه

از لوازم اینکه خداوند حایل بین انسان و قلب

او باشد، همان است که در برداشت آورده شد.

۱۱ قلب انسان (اندیشه های او) در اختیار خداست .

و اعلموا أن اللّه یحول بین المرء و قلبه

چون خداوند حایل بین قلب و انسان است، پس در حقیقت هر اندیشه ای بخواهد وارد قلب شود باید از طریق خدا باشد و این بدین معناست که اندیشه های آدمی در اختیار خداوند است.

قلب انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۳ - ۱۱

۱۱ انسان ها و قلب های ایشان در اختیار خداوند است .

و ألف بین قلوبهم . .. و لکن اللّه ألف بینهم

قلب بیمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۲ - ۱،۶،۸،۹،۱۴،۲۲

۱ پیامبر (ص) ، شاهد تلاش آشکار و شتابزده بیماردلان سست ایمان برای پیوستن به یهود و نصارا

فتری الذین فی قلوبهم مرض یسرعون فیهم

کلمه <فیهم>، می رساند که بیمار دلان علاوه بر طرح دوستی با یهود و نصارا، اراده پیوستن به آنها را در سر می پروراندند.

۶ شتاب بیماردلان سست ایمان در دوستی و پذیرش ولایت یهود و نصارا ، پیامد محرومیت آنان از هدایت الهی

إنّ اللّه لایهدی القوم الظلمین. فتری الذین فی قلوبهم مرض یسرعون فیهم

۸ بیماردلان سست ایمان ، از زمره ستمگران

إنّ اللّه لایهدی القوم الظلمین. فتری الذین فی قلوبهم مرض یسرعون فیهم

۹ گرایش بی حد و مرز گروهی از مسلمانان بیمار دل به سوی یهود و نصارا ، دلیلی روشن برای محرومیت ستمگران از هدایت الهی

إنّ اللّه لایهدی القوم الظلمین. فتری الذین فی

قلوبهم مرض يسرعون فيهم

تفريع جمله <فتری> بر جمله <ان اللّه . ..>، می رساند که گرایش عمیق بیماردلان، بیان مصداقی برای جمله <ان اللّه لایهدی ...> است.

۱۴ مصلحت اندیشی و ترس از پیشامد های ناگوار ، بهانه بیماردلان برای دوستی با یهود و نصارا

یقولون نخشی ان تصیبنا دائره

<دائره> از مصدر <دوران> (چرخیدن) است ; که در برداشت فوق به معنای حادثه های ناگوار گرفته شده ; چون چرخش روزگار احیاناً موجب کمبودهایی نظیر قحطی، خشکسالی و دیگر حوادث تلخ می شود.

۲۲ پیروزی مسلمانان ، مایه پشیمانی بیماردلان سست ایمان عصر بعثت از شک و تردید نسبت به حقانیت اسلام

فعسی اللّه ان یأتی بالفتح او . .. فیصبحوا علی ما اسروا فی انفسهم ندمین

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از <ما اسروا فی انفسهم>، تردید مسلمانان سست ایمان نسبت به حقانیت اسلام باشد. <فی قلوبهم مرض>، این احتمال را تأیید می کند.

قلب جنیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۹ - ۵،۶

۵ جنیان ، مانند انسان ها ، دارای ابزار ادراک (قلب ، چشم و گوش) هستند .

لهم قلوب لایفقهون بها و لهم أعین لایبصرون بها و لهم ءاذان لایسمعون بها

۶ بسیاری از انسان ها و جنیان ، علی رغم داشتن قلب و ابزار درک ، خویشتن را از فهم حقایق و معارف الهی محروم می سازند .

لهم قلوب لایفقهون بها

جمله <لهم قلوب> (آنها قلب دارند) می رساند که انسانها و جنیان گمراه ابزار درک دارند و جمله <لایفقهون بها> توضیح می دهد که آنان از ابزار شناختی که

در اختیار دارند بهره نمی گیرند.

قلب خاضع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲ - ۴

۴ دل های بیمناک و لرزان از یاد خدا ، دارای زمینه ای مناسب برای تأثیرپذیری از تلاوت آیات قرآن

إذا ذکر اللّه وجلت قلوبهم و إذا تلیت علیهم ءایته زادتهم إیمنا

قلب دروغگویان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۲ - ۱

۱ - قلب هر انسان دروغ پرداز و گنه پیشه ، محل واقعی نزول شیاطین

تنزّل علی کلّ أفّاك أثیم

<أفّاك> از ریشه <إفک> (قلب کردن حقیقت) مشتق شده است. بنابراین <أفّاك> به کسی گفته می شود که دروغ پردازی کند. <أثیم> نیز از ماده <إثم> (گناه) به معنای گنه پیشه است.

قلب سلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷ - ۱۴،۱۷

۱۴ سلامت تفکر و حرکت جامعه ، در گرو سلامت قلبها

فامّا الّذین فی قلوبهم زیغ فیتّبعون ما تشابه منه ابتغاء الفتنه و ابتغاء تأویله

۱۷ اعتدال و سلامت قلب و اندیشه ، زمینه فهم صحیح قرآن

فامّا الّذین فی قلوبهم زیغ . .. و ابتغاء تأویله

انحراف قلب، منتهی به تأویل نادرست قرآن می شود; بنابراین سلامت قلب، فهم صحیح آیات قرآن را در پی دارد.

قلب سلیم علما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۴ - ۴

۴ - اهل دانش و معرفت ، برخوردار از دلی سالم و قلبی نرم

لیجعل . .. للذین فی قلوبهم مرض و القاسیه قلوبهم ... و لیعلم الذین أُوتوا

العلم

قلب سلیم متقین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۹۰ – ۲

۲ – تقواپیشگان ، دارندگان قلب سلیم

من أتی اللّه بقلب سلیم . و أُزلفت الجنّه للمتّقین

قلب فاسقان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – صف – ۶۱ – ۵ – ۱۶

۱۶ – انسان های فاسق ، دارای قلب های منحرف

أزاغ اللّه قلوبهم و اللّه لایهدی القوم الفسقین

قلب کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۳۸ – ۱۳

۱۳ دل های تهی از ایمان به خدا و قیامت ، جایگاه شیطان

لا یؤمنون باللّه و لا بالیوم الاخر و من یکن الشیطان له قریناً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۱۲ – ۵

۵ ایجاد رعب و وحشت در دل های کافران ، وعده خداوند به فرشتگان حاضر در کارزار بدر

سألقی فی قلوب الذین کفروا الرعب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۳۱ – ۶

۶ بی تأثیری آیات الهی در قلب توطئه گران علیه پیامبر (ص) و قرآن

و إذا تتلی علیهم ءایتنا قالوا . .. إن هذا إلا أسطیر الأولین

قلب گمراهان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۲۵ – ۱۷

۱۷ عن أبی جعفر(ع): إن القلب ینقلب من لـدن موضـعه إلی حنجرته مـا لم یصب الحق فاذا اصاب الحق قرّ . .. و قرء هـذه الآیه <فمن یرد الله أن یهدیه یشرح صدره للاسلام ... >.

از

امام باقر(ع) روایت شـده است: قلب انسان تا حق را نیافته است، آنچنان مضـطرب است که گویی از جای خود کنـده شده و به حنجره رسیده، پس آنگاه که حق را یافت آرامش می یابد. سپس آن حضرت آیه <فمن یرد الله ... > را تلاوت کرد ... .

قلب گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۲ - ۱

۱ - قلب هر انسان دروغ پرداز و گنه پیشه ، محل واقعی نزول شیاطین

تنزّل علی کلّ أفّاک أثیم

<أفّاک> از ریشه <إفک> (قلب کردن حقیقت) مشتق شـده است. بنـابراین <أفّاک> به کسـی گفته می شود که دروغ پردازی کند. <أثیم> نیز از ماده <إثم> (گناه) به معنای گنه پیشه است.

قلب مجاهدان غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۰ - ۲

۲ قلب های مجاهدان بدر تا پیش از بشارت پیروزی ، آکنده از اضطراب و پریشانی بود .

لتطمئن به قلوبکم

واژه اطمینان به معنای آرامش خاطر پس از اضطراب و پریشانی خاطر است. (مفردات راغب).

قلب محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۷ - ۲،۶

۲- تثبیت مفاهیم وحی و جاودانگی آنها در قلب پیامبر (ص) ، جلوه ربوبیت خاص الهی نسبت به آن حضرت

لئن شئنا لنذهبنّ بالذی أوحینا . .. إلاّ رحمه من ربّک

۶- امتنان خداوند بر پیامبر (ص) به خاطر تثبیت مفاهیم وحی در قلب او

و لئن شئنا لنذهبنّ . .. إن فضله كان عليك كبيرًا

قلب مضطرب

جلد – نام سوره – سوره –

آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۲۵ – ۱۷

۱۷ عن أبی جعفر(ع): إن القلب ینقلب من لـدن موضـعه إلی حنجرته مـا لم یصب الحق فاذا اصاب الحق قرّ . .. و قرء هـذه الآیه <فمن یرد الله أن یهدیه یشرح صدره للاسلام ... >.

از امام باقر(ع) روایت شـده است: قلب انسان تا حق را نیافته است، آنچنان مضـطرب است که گویی از جای خود کنـده شده و به حنجره رسیده، پس آنگاه که حق را یافت آرامش می یابد. سپس آن حضرت آیه <فمن یرد الله ... > را تلاوت کرد ... .

قلب مؤمنان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۲ – ۲

۲ یاد خدا از سوی هر کس ، دارای تأثیری عمیق در قلب و روح مؤمنان

إذا ذکر اللّه وجلت قلوبهم

مجهول آوردن فعل <ذکر> دلالت می کند که یاد خدا از سوی هر کسـی که باشد آن اثر شـگرف را برای مؤمنان واقعی در پی دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – تغابن – ۶۴ – ۱۱ – ۳

۳ – خداوند ، هدایت گر قلب انسان های مؤمن

و من یؤمن باللّه یهد قلبه

قلب مؤمنان راستین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۲ – ۱

۱ دل مؤمنان راستین ، لرزان و بیمناک به هنگام یاد خدا

إنما المؤمنون الذين إذا ذكر اللّه وجلت قلوبهم

قلب نوزاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۸ - ۳

۳- عدم برخورداری فرزند انسان از علم

و آگاهی از طریق ابزار شنوایی ، بینایی و قلب به هنگام تولد ، از نشانه های تدبیر و حکمت الهی *

و الله أخرجکم من بطون أمّهتکم لاتعلمون شیئًا

این آیه در مقام اثبات توحید و توجه دادن انسانها به آثار و نشانه های الهی است. بنابراین عالم نبودن فرزندان و عدم توجه آنان به موقعیت خویش، در مراحل تولد و پس از آن، می تواند اشاره به حکمت الهی و اهمیت این موضوع در زندگی انسانها داشته باشد.

قلب و فساد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷ - ۱۲

۱۲ قلب های منحرف ، منشأ فساد و فتنه هستند .

فامّا الّذین فی قلوبهم زیغ فیتّبعون ما تشابه منه ابتغاء الفتنه

قلب های بیمار و صدای طنّازانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۲ - ۴

۴ - صدای نرم و طنّازانه زنان ، موجب طمع قلب های بیمار در آنان است .

فلاتخضعن بالقول فیطمع الذی فی قلبه مرض

قلب یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۸ - ۱۴

۱۴ - یهودیان ، مدعی دارا بودن قلب و اندیشه ای نفوذناپذیر در برابر افکار و عقاید نادرست

قالوا قلوبنا غلف

برداشت فوق بر این اساس است که مراد یهودیان از <حجاب داشتن قلبهایشان> متأثر نشدن از سخنان ناصحیح باشد; چنانچه

هر غلافی مانع از آن است که چیز ناصوابی به آنچه در غلاف است در آیـد و بـدان ضـربه زند. گفتنی است که کلمه <بل> در این صورت نفی همین ادعاست.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۵ - ۱۳

۱۳ دل های یهودیان بر خلاف ادعایشان تهی از دانش و ناتوان از درک تعالیم پیامبر اسلام (ص)

قولهم قلوبنا غلف بل طبع اللّه علیها

برداشت فوق بر این اساس است که مقصود یهودیان از جمله <قلوبنا غلف> ادعای برخورداری از دانش وافر باشد.

کفر قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۳ - ۱۷

۱۷ کتمان شهادت ، حاکی از کفر قلب کتمان کننده است .

و لا تکتموا الشّهاده و من یکتمها فانّه اثم قلبه

امام باقر (ع) درباره <فانه اثم قلبه> فرمود: کافر قلبه

من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۵، ح ۵ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۰۱، ح ۱۲۰۷.

گناه قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۳ - ۱۲

۱۲ کتمان شهادت ، گناهی است قلبی .

و من یکتمها فانّه اثم قلبُه

گواهی اخروی قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۳۶ – ۸

۸- شهادت خواهی از چشم ، گوش و قلب در قیامت ، درباره انسان

إن السمع و البصر و الفؤاد كلّ أُولئک كان عنه مسئولاً

برداشت فوق، مبتنی بر این است که سؤال از گوش، چشم و قلب، حقیقی و در قیامت باشد. بنابراین، منظور از مورد سؤال قرار گرفتن اعضای یاد شده ممکن است برای نکته یاد شده باشد.

لغزش قلب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۵۳ – ۳۰

۳۰

- قلب آدمی ، محل لغزش است و باید از مقدمات لغزیدن آن ، جلوگیری کرد .

فسئلوهنّ من وراء حجاب ذلکم أطهر لقلوبکم و قلوبهنّ

محرومیت قلب بیمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۴ - ۳۲

۳۲ بیماردلان سست ایمان و پذیرای ولایت و دوستی کافران ، محروم از فضل خاص خداوند

من یرتد منکم عن دینه فسوف یأتی اللّه یقوم . .. ذلک فضل اللّه

مراتب قساوت قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۴ - ۱۳

۱۳ - قساوت و سخت دلی ، دارای مراحل و مراتبی مختلف است .

فهی کالحجاره أو أشد قسوه

کلمه <أو> در جمله فوق، می تواند برای تقسیم و تنویع باشد. بر این مبنا جمله <فهی کالحجاره ...> دلالت می کند که: برخی از قلبهای قسی همانند سنگ است و برخی سخت تر از سنگ.

مراد از اطمینان قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۶ - ۱۶

۱۶- < عن أبی عبدالله (ع) قال : . . . ما فرض علی القلب من الإیمان فالأقرار و المعرفه . . . و هو قول الله عزّوجلّ < إلاّ من أکره و قلبه مطمئنّ بالإیمان . . . > . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: آنچه که از ایمان بر قلب واجب شده، اقرار و معرفت است . .. و این است قول خدای عزّوجلّ <إلاّ من أکره و قلبه مطمئنّ بالإیمان...>...>.

مراد از قلب

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۳۷ – ۷

۷ – < عن هِشام بن الحکم قال ، قال لی أبوالحسن موسی بن جعفر (ع) یا هشام . . . إنّ اللّه یقول فی کتابه < إنّ فی ذلک لذکری لمن کان له قلب > یعنی عقل . . . ;

هشام بن حکم می گوید: امام کاظم(ع) به من فرمود: ای هشام! خدای تعالی در کتاب خود فرموده <إنّ فی ذلک لذکری لمن کان له قلب> و مراد [از قلب]، <عقل> است>.

مراد از قلب سلیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۸۹ – ۷

۷ – < عن سفیان بن عیینه عن أبی عبداللّه (ع) قال سألته عن قول اللّه عزّوجلّ < إلاّ من أتی اللّه بقلب سلیم > قال السلیم الذی یلقی ربّه و لیس فیه أحد سواه . . . ;

سفیان بن عیینه گوید: از امام صادق(ع) درباره سخن خدای عزّوجلّ <إلاّ من أتی اللّه بقلب سلیم> پرسیدم، فرمود:[قلب] سلیم، قلبی است که پروردگارش را ملاقات نماید در حالی که جز خدا هیچ کس در آن نباشد>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۸۴ – ۸

۸ – < فی المجمع < بقلب سلیم > من کلّ ما سوی اللّه تعالی لم یتعلق بشیء غیره ، عن أبی عبداللّه (ع) ;

در <مجمع البیان> آمده است: قلب سلیم قلبی است که سالم از هر چیز غیر از خدای تعالی باشد و به چیزی غیر از او وابسته نباشد و این معنا از

امام صادق(ع) روایت شده است>.

مسخ قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۰ - ۲

۲ قلب و ادراک انسان در نتیجه کفر و لجاجت مسخ می گردد.

لئن جاءتهم ءایه . .. لایؤمنون. و نقلب أفئدتهم و أبصرهم

<فؤاد> به معنی قلب است و وارونه ساختن معنی فیزیکی ندارد، بلکه منقلب شدن خصوصیات و واژگون شدن آن است. لذا می توان از آن به مسخ تعبیر کرد.

مسخ قلب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۱ - ۶

۶ مسخ شدن قلب و ادراک کافران مایه ایمان نیاوردن ایشان، حتی با دیدن روشنترین معجزات است.

و نقلب أفئدتهم و أبصرهم . .. و لو أننا نزّلنا ... ما کانوا لیؤمنوا

مسؤول قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۶ - ۳

۳- انسان ، در قبال فعالیت چشم ، گوش و قلب خویش ، در پیشگاه خداوند مسؤول است .

إن السمع و البصر و الفؤاد کلّ أُولئک کان عنه مسئولاً

مقهوریت قلب انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۲۸ – ۳۰

۳۰– قلب آدمی و توجهات و غفلت های آن ، در اختیار خداوند و مقهور اراده او است .

و لاتطع من أغفلنا قلبه عن ذکرنا

مکان قلب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۴۶ – ۱۰

۱۰ – سینه ، جایگاه قلب آدمیان

فتکون لهم قلوب . .. و لکن تعمی القلوب التی فی الصدور

منشأ اطمینان

قلب

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۹ – تغابن – ۶۴ – ۱۱ – ۹

۹ – < عن أبى عبدالله (ع) قال : إنّ القلبَ ليُرَجَّج . . . حتّى يَعقِدَ على الإيمان فإذا عقد على الإيمان قرّ و ذلك قول الله عزّوجلّ : < و من يؤمن بالله يهد قلبه > ;

از امام صادق(ع) روايت شده كه فرمود: قلب [انسان]در حال اضطراب است . .. تا اين كه با ايمان و باور پيوند خورد. پس زمانى كه بر ايمان پيوند خورد، قرار و ثبات مى يابد و اين سخن خداى عزّوجلّ است: و من يؤمن بالله يهد قلبه>.

منشأ اطمينان قلب اصحاب كهف

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۰ – كهف – ۱۸ – ۱۴ – ۱

۱– خداوند ، در پى قيام و حركت اصحاب كهف ، قلب هاى آنان را استوار و سرشار از اطمينان ساخت .

و ربطنا على قلوبهم إذ قاموا

جمله <ربطنا على قلوبهم> (بر قلب هايشان بند زديم) تمثيل است و مراد از آن، اطمينان بخشيدن و استوار ساختن قلب ها است.

منشأ تسخير قلب

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۴ – ۸

۸ – قلب و دل انسان ها ، در تسخير اراده الهى است .

هو الذى أنزل السكينه فى قلوب المؤمنين

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۱۸ – ۱۱

۱۱ – قلب انسان ها ، در احاطه علم الهی و مسخر اراده او

فعلم ما فی قلوبهم فأنزل السکینه علیهم

نزول آرامش بر قلب

مؤمنان، می رساند که قلب ها در برابر اراده الهی، تأثیرپذیر و مسخّرند.

موارد بیماری قلب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۳۲ – ۱۱

۱۱ – رفتار جنسی خارج از اعتدال ، مثل طمعورزی در زنان نامحرم ، نوعی بیماری است .

فلاتخضعن بالقول فیطمع الذی فی قلبه مرض

موانع پاکی قلب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۴۱ – ۳۸

۳۸ پافشاری در کفر ، مانع تعلق اراده الهی به پاک نمودن قلب کافران از آلودگی و ناپاکی

الذین یسرعون فی الکفر . .. أولئک الذین لم یرد اللّه ان یطهر قلوبهم

موانع قساوت قلب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۳۲ – ۶

۶ جلوگیری از پیامد سنگدلی های افسار گسیخته ، فلسفه وضع مجازات سنگین برای قتل و آدمکشی

من اجل ذلک کتبنا علی بنی اسرءیل انه من قتل . .. فکانما قتل الناس جمیعاً

نشانه های بیماری قلب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۱ – ۸

۸ – فسادگری و نصیحت ناپذیری ، از نشانه های بیماریِ دل و اندیشه است .

في قلوبهم مرض . .. و إذا قيل لهم لاتفسدوا في الأرض قالوا إنما نحن مصلحون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۵۲ - ۱۵

۱۵ گسستن سرنوشت خويش از سرنوشت اسلام و مسلمين ، على رغم اظهار ديانت ، نشانه بيمارى دل و سستى ايمان

فترى الذين في قلوبهم مرض . .. يقولون

نخشی ان تصیبنا دائره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۴ - ۱۶،۲۵

۱۶ تهی بودن دل از محبت خدا ، بی مهری نسبت به اهل ایمان ، احساس کوچکی در برابر کافران ، از نشانه های بیماری دل و ضعف ایمان

فتری الذین فی قلوبهم مرض . .. اذله علی المؤمنین اعزه علی الکفرین

ارتباط آیه مورد بحث با آیات پیش گویای این است که بیماردلان (الذین فی قلوبهم مرض) از مصادیق مرتدان می باشند و چون صفات شمرده شده برای مؤمنان واقعی نقطه مقابل مرتدان قرار گرفته ; است معلوم می شود نبود این صفات در مدعیان اسلام، نشانه بیماردلی آنان است.

۲۵ گریز از جهاد و ترس از ملامت دشمنان دین ، از نشانه های بیماری دل و ضعف ایمان

فتری الذین فی قلوبهم مرض . .. یجهدون فی سبیل اللّه و لایخافون لومه لائم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۹ - ۱۱

۱۱ ناباوری به حمایت خدا از متوکلان ، نشانه بیماردلی و ضعف ایمان است .

إذ یقول المنفقون و الذین فی قلوبهم مرض . .. فإن اللّه عزیز حکیم

برداشت فوق با توجه به توضیح برداشت قبل به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۵ - ۳

۳ کفر و نفاق ، نشان بیماری دل و پلیدی باطن است .

الذین فی قلوبهم مرض . .. رجسهم ... و هم کفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۲ -

۸- حق ناپذیری ، نشانه بیماری قلب است . *

فالذین لایؤمنون بالأخره قلوبهم منکره

فعل <لایؤمنون> (ایمان نمی آورند) حکایت از حق ناپذیری دارد و <منکره> به معنای زیر بار حق نرفتن است که بیماری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۰ - ۷

۷- ترس و هراس از جهاد در راه خدا ، نشان بیماردلی انسان

و ذکر فیها القتال رأیت الذین فی قلوبهم مرض ینظرون إلیک نظرالمغشیّ علیه من الموت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۹ - ۸

۸- کینه و عداوت نسبت به پیامبر (ص) و مؤمنان ، نوعی بیماردلی است .

أم حسب الذین فی قلوبهم مرض أن لن یخرج اللّه أضغنهم

نشانه های بیماری قلب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۱ - ۱۳

۱۳ - مخالفت برخی از کافران با قرآن و رسالت پیامبر (ص) ، ناشی از بیماردلی و غرضورزی آنان بود .

و لیقول الذین فی قلوبهم مرض . .. ماذا أراد اللّه بهذا مثلاً

نشانه های حضور قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۸ - ۲۹

۲۹- دعای خالصانه در سپیده دم و پسین ، نشانه حضور یاد خدا در قلب انسان است .

الذین یدعون ربّهم بالغدوه و العشیّ . .. و لاتطع من أغفلنا قلبه عن ذکرنا

نشانه های ختم قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۱ - ۱۱

۱۱ بی تأثیری معجزات و

دلایل روشن در قلب ها ، نشان مهرزدگی آن قلبهاست .

فما کانوا لیؤمنوا . .. کذلک یطبع اللّه علی قلوب الکفرین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۳۵ – ۱۳

۱۳ – پافشاری بر راه باطل ، تردید در حق و جدال در آیات الهی باوجود دلایل روشن نشانه مهر شدن قلب و وجود روح تکبر و تجاوزگری در آدمی

من هو مسرف مرتاب . الذین یجدلون فی ءایت اللّه ... کذلک یطبع اللّه علی کلّ قلب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – منافقون – ۶۳ – ۳ – ۷

۷ – دروغ گویی ، استفاده ابزاری از مقدسات و عملکرد های ناپسند ، نشانه های مُهر شدن دل است .

ذلک بأنّهم ءامنوا ثمّ کفروا فطبع علی قلوبهم

نشانه های ختم قلب کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۴۷ – ۶

۶– متهم کردن پیامبر (ص) به سحرشدگی ، نمودی از مستوری قلب کافران و ناتوانی آنان از درک حقایق است .

و جعلنا فی قلوبهم أکنّه أن یفقهوه و فی ءاذانهم وقرًا و . .. إذ یقول الظلمون إن

نشانه های رقت قلب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۲۲ – ۱۴

۱۴ – یاد خدا ، نشانه شرح صدر و نرم دلی و پاکی از قساوت قلب است .

فویل للقسیه قلوبهم من ذکر اللّه

در این آیه از ویژگی های سنگدلان، غفلت و دوری از یاد خدا برشمرده شده است. بنابراین می توان استفاده کرد آنان که

یاد خدا می کنند چنین نیستند; بلکه همواره با شرح صدر و نرم دلی به سر می برند.

نشانه های سلامتی قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۵ - ۳

۳ - دوری از شرک ، نشانه سلامت قلب و دل است .

إذ جاء ربّه بقلب سلیم . إذ قال لأبیه و قومه ماذا تعبدون

برداشت یاد شده از آن جا است که جمله <إذ قال لأبیه. ..>، بدل اشتمال از <إذ جاء ربه بقلب سلیم> است; یعنی، چون ابراهیم(ع) دارای قلب سلیم بود، این سخن ضد شرک از او صادر شده است.

نشانه های قساوت قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۴ - ۱۲

۱۲ - درک نکردن و نپذیرفتن حقایق دینی و معارف الهی ، نشانه سخت شدن و قساوت پیدا کردن دلهاست .

یریکم ءایته لعلکم تعقلون. ثم قست قلوبکم من بعد ذلک

نشانه های قلب سلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۴ - ۱۶،۱۷

۱۶ - صدور خیر ها و برکت ها و جوشش علم و حکمت ، نشانه منزه بودن قلب از قساوت و کدورت است .

ثم قست قلوبکم . .. فهی کالحجاره أو أشد ... و إن من الحجاره لما یتفجر منه الأنهر

۱۷ خشوع و خضوع در برابر خدا ، نشانه سلامت قلب از قساوت ها و کدورتهاست .

ثم قست قلوبکم . .. فهی کالحجاره أو أشد ... و إن من منها لما یهبط من خشیه اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳

- شعراء - ۲۶ - ۸۹ - ۲

۲ - اعتقاد به یگانگی خدا و بیزاری از شرک و بت پرستی ، نشانه بهره مندی از قلب سلیم

إلّا من أتی اللّه بقلب سلیم

در آیات پیشین، سخن درباره مبارزه حضرت ابراهیم(ع) با شرک و بت پرستی است. با توجه به ارتباط این آیه با آیات قبل، می توان گفت که مراد آن حضرت از قلب سلیم، قلب خالی از شرک است.

نعمت اطمینان قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۴ - ۴

۴- قدرت روحی و نیروی قلبی برای مبارزه در راه خدا ، موهبتی از جانب او برای قیام کنندگان یکتاپرست

ءامنوا بربّهم . .. و ربطنا علی قلوبهم إذ قاموا

نعمت قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۸ - ۵

۵- شنوایی ، بینایی و قلب (قدرت ادراک) ، از مهم ترین نعمت های خداوند به انسان

و الله أخرجکم . .. و جعل لکم السمع و الأبصر و الأفئده

برداشت فوق، از آن جاست که آیه شریفه علاوه بر بیان آیات قدرت الهی، در صدد برشمردن نعمتهای الهی و در مقام امتنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۶ - ۷

۷- بهره نگرفتن صحیح از نعمت شنوایی ، بینایی و قلب برای شناخت حق ، باعث مسؤولیت انسان نزد خداوند است .

و لاتقف . .. إن السمع ... کان عنه مسئولاً

خداوند، به منظور دور کردن انسانها از حرکتهای غیر علمی، به آنان نعمت شنوایی، بینایی و قلب را یادآور شده

است تا آنان، با بهره گیری صحیح از آن، به یقین دست یافته و بر اساس آن، حکم کرده و عمل نمایند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۹ – ۱۶

۱۶ – قوای ادراکی انسان (چشم و گوش و قلب) مواهب الهی اند و شایسته است که به خاطر آنها ، به درگاه وی شکرگزاری شود .

ثمّ سوّیه و نفخ فیه من روحه و جعل لکم السمع و الأبصر و الأفئده قلیلاً ما تشکرو

نقش اخروی قلب سلیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۸۹ – ۱

۱ – قلب سلیم ، تنها سرمایه ثمربخش برای انسان در قیامت

یوم لاینفع . .. إلاّ من أتی اللّه بقلب سلیم

نقش قلب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۷۴ – ۱۵

۱۵ – قلب و دل آدمی باید منشأ بروز حقایق و معارف الهی بوده و خاستگاه علم و حکمت باشد .

و إن من الحجاره لما یتفجر منه الأنهر و إن منها لما یشقق فیخرج منه الماء

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۱۰۳ – ۱۱

۱۱ قلب ، کانون روابط و پیوند های عاطفی (عداوت و محبّت) ، میان افراد جامعه

اذ کنتم اعداءً فالّف بین قلوبکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۵ - ۱۵

۱۵ قلب (دل) ، از ابزار شناخت

و قولهم قلوبنا غلف بل طبع اللّه علیها بکفرهم

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۹

۹ قلب ، کانون ایمان و گرایش های اعتقادی انسان

و لم تؤمن قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۵ - ۵

۵ گوش، ابزار شناخت و قلب و دل، جایگاه فهم

و منهم من یستمع الیک و جعلنا علی قلوبهم أکنه أن یفقهوه و فی ءاذانهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۱ - ۱۶

۱۶ استدلال ها و براهین ، افاضاتی از ناحیه خدا بر قلب و اندیشه انسانها

ما نزل اللّه بها من سلطن

مراد از <تنزیل> می تواند <ایجاد کردن> باشد. بنابراین <ما نزل ... > یعنی خداوند هیچ دلیل و برهانی برای شرک نیافریده است. در این صورت مقصود از <سلطن> اعم از براهین عقلی و نقلی خواهد بود. و نیز می تواند مراد از <تنزیل> نازل کردن معارف دین و احکام الهی باشد. بر این مبنا مقصود از <سلطن> برهان نقلی خواهد بود. برداشت فوق مبتنی بر معنای اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۴ - ۱۲

۱۲ قلب ، کانون کفر و ایمان است .

فما کانوا لیؤمنوا . .. کذلک نطبع علی قلوب المعتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۸ - ۱۴

۱۴ دل ، مرکز ایمان و کفر است .

و اشدد علی قلوبهم فلایؤمنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۷

۳- محل کینه و دشمنی انسان ، سینه و دل اوست .

و نزعنا ما فی صدورهم من غلّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۲ - ۷

۷- قلب ، مرکز پذیرش و یا انکار حقایق

فالذین لایؤمنون بالأخره قلوبهم منکره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۸ - ۵

۵- قلب ، چشم و گوش ، از ابزار شناخت

طبع الله علی قلوبهم و سمعهم و أبصرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۶ - ۵

۵- حس شنوایی ، وسیله دستیابی به حقایق و قلب مرکز درک و فهم آنهاست .

علی قلوبهم أکنّه أن یفقهوه و فی ءاذانهم وقرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۷ - ۱۵

۱۵- گوش ، ابزار شناخت ، و قلب و دل ، جایگاه فهم است .

إنّا جعلنا علی قلوبهم أکنّه أن یفقهوه و فی ءاذانهم وقرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۸ – ۷

۷ – عقل و دل ، دو ابزار کارآمد در وجود انسان برای دستیابی به معارف درست در باره خدا و صفات و افعال او

یجدل فی اللّه بغیر علم و لا هدًی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۳۲ – ۷

۷– قلب ، مرکز تقوا و خداترسی

فإنّها من تقوی القلوب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۴۶ – ۷،۱۲

۷ – قلب

و گوش ، ابزار شناخت و درک حقایق

فتکون لهم قلوب یعقلون بها أو أذان یسمعون بها

۱۲ – قلب ، مرکز آگاهی ، شنوایی و بینایی انسان

فانها لاتعمی الأبصر و لکن تعمی القلوب التی فی الصدور

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۹۴ – ۳

۳ – قلب ، از کانون های ادراک و شناخت در وجود انسان

نزل به الروح الأمین . علی قلبک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۱۰ – ۷

۷ – < دل > کانون عواطف و احساسات آدمی و مرکز بیم ، اندوه ، امید و شادمانی وی

و أصبح فؤاد أُمّ موسی فرغًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۵۹ – ۷

۷ – قلب ، مرکز و جایگاه دریافت و شناخت حقایق است .

کذلک یطبع اللّه علی قلوب الذین لایعلمون

این که خداوند، از میان حواس و اعضای شناخت در انسان، تنها قلب را مطرح کرده که مُهر می خورد، حکایت از مرکزیت آن می کند و با از کار افتادن آن، بقیه، کارایی خود را از دست می دهند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۹ – ۷

۷ - روح انسانی ، حقیقتی شریف و والاتر از بُعد جسمانی وی است .

سوّیه و نفخ فیه من روحه

از اضافه <روح> به ضمیری که مرجع آن <اللّه> است، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴ - ۵

۵ - هر قلبی

، کارکرد خود را دارد و تصمیمی غیر از قلب دیگری می گیرد .

ما جعل اللّه لرجل من قلبین فی جوفه

این فراز، در صورتی که به آیات قبل و یا بعد ربط داشته باشد، در صدد بیان این نکته است که همان گونه که دو قلب، در درون یک شخص قرار نمی گیرد، دو اعتقاد و یا دو پدری و یا دو مادری برای یک نفر ممکن نیست. و این، حکایت از آن دارد که کارکردِ هر قلبی، انحصاری است و اگر نه، جایی برای این تمثیل باقی نمی ماند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵ - ۱۵

۱۵ - قلب ، دارای نقشی اساسی در تصمیم گیری انسان است .

و لکن ما تعمّدت قلوبکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۰ - ۱۰

۱۰ - قلب ، نقش اساسی در حیات و مرگ آدمی دارد .

و بلغت القلوب الحناجر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۶ - ۹

۹ - جایگاه ترس ، قلب آدمی است .

و قذف فی قلوبهم الرعب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۳ - ۱۲

۱۲ - تأثیرگذاری قرآن ، در گرو وجود زمینه های لازم و دل آماده است .

تقشعرّ منه جلود الذین یخشون ربّهم ثمّ تلین جلودهم و قلوبهم إلی ذکر اللّه

این که خداوند فرمود: قرآن، لرزه به اندام اهل خشیت می اندازد و در خداترسان اثر عمیق می گذارد، می تواند بیانگر این حقیقت باشد که قرآن

در کسانی اثر می گذارد که زمینه آن را داشته باشند و دلشان آماده پذیرش سخن حق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۳ - ۱۵

۱۵ - گوش ، چشم و قلب از مهم ترین ابزار شناخت و ادراک در انسان

و أضلّه اللّه علی علم وختم علی سمعه و قلبه و جعل علی بصره غشوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۴ - ۸

۸- قلب ، از ابزار مهم شناخت و ژرف اندیشی در حقایق

أفلایتدبّرون . .. أم علی قلوب أقفالها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۷ - ۱۹

۱۹ - قلب ، جایگاه ادراک و اساس زیبایی ایمان و زشتی کفر

و زیّنه فی قلوبکم و کرّه إلیکم الکفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۴ - ۱۵

۱۵ - قلب ، جایگاه ایمان

و لمّا یدخل الإیمن فی قلوبکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۷ - ۵

۵ - < قلب > (در اصطلاح قرآنی) ، کانون درک و خرد آدمی است .

لذکری لمن کان له قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱۱ - ۳

۳ - قلب ، جایگاه رؤیت حقایق نامحسوس

ما کذب الفؤاد مارأی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۷ - ۱۱

۱۱ - دل ، مرکز رأفت و مهربانی است .

و جعلنا فی قلوب

الذین اتّبعوه رأفه و رحمه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – مجادله – ۵۸ – ۲۲ – ۹،۱۱

۹ – قلب ، مرکز ایمان است .

أُولئک کتب فی قلوبهم الإیمن

۱۱ – خداوند ، ایمان را در دل ها ثابت و پایدار می سازد .

أُولئک کتب فی قلوبهم الإیمن

ضمیر فاعل در <کتب>، به <اللّه> بازمی گردد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – منافقون – ۶۳ – ۳ – ۱۰

۱۰ – دل آدمی ، مرکز درک و فهم حقایق و معارف الهی است .

فطبع علی قلوبهم فهم لایفقهون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – مطففین – ۸۳ – ۱۴ – ۵

۵ – قلب ، مرکز دریافت حقایق و رهنمود های الهی و پیدایش گرایش ها و اعتقادات است .

ما یکذّب . .. قال أسطیر الأوّلین . کلّا بل ران علی قلوبهم

نقش قلب سلیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۴۸ – ۸

۸ – خداوند ، حق را در قلب های شایسته قرار می دهد .

قل إنّ ربّی یقذف بالحقّ

احتمال دارد مراد از <یقذف بالحقّ> انداختن حق در قلب ها باشد. گفتنی است: ذکر صفت <علّام الغیوب> برای خداوند پس از یادآوری ارائه شدن حق از جانب خداوند می تواند گویای این حقیقت باشد که چون خداوند به نهان های بشر آگاه است، می داند که چه کسی شایستگی آن را دارد تا حق را به قلب او القا کند.

نقش قلب محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶

۱ - قلب پیامبر (ص) ، محل نزول قرآن و پیام وحی

نزل به الروح الأمین . علی قلبک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۴ - ۶

۶ - قلب پیامبر (ص) ، محل نزول و دریافت وحی الهی

فإن یشإِ اللّه یختم علی قلبک

نگرانی قلب بیمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۲ - ۱۲

۱۲ مسلمانان سست ایمان و بیماردل عصر بعثت ، نگران از سرنوشت خویش به خاطر پندار بی ثباتی و شکست اسلام

یقولون نخشی ان تصیبنا دائره

مراد از <دائره> می تواند چرخش وضع موجود و برگشت به حالت سابق باشد. یعنی شکست اسلام و برگشت کفر و شرک.

نورانیت قلب مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۵ - ۵،۱۶،۱۸

۵ شرح صدر نور الهی در قلب مؤمنان است. *

و جعلنا له نورا یمشی . .. فمن یرد الله أن یهدیه یشرح صدره

<فاء> در <فمن یرد . .. > عطف و تفریع بر آیات قبل است. در آیه ۱۲۲ (أو من کان میتا ...) مردم به دو دسته تقسیم شدند: حیات یافتگان دارای نور و فروماندگان در ظلمت. در این آیه با نتیجه گیری از مجموع آیات، هدایت یافتگان دارای شرح صدر و گمراهان مبتلا به تنگی صدر شمرده شده اند. محتمل است شرح صدر همان نوری باشد که در آیه ۱۲۲ مطرح

شده است.

۱۶ لما نزلت هذه الآيه سئل رسول الله(ص) عن شرح الصدر ما هو؟ فقال: نور

یقذفه الله فی قلب المؤمن فینشرح له صدره و ینفسح . .. .

آنگاه که آیه <فمن یرد الله . .. > نازل شد از رسول خدا(ص) سؤال کردند، شرح صدر چیست؟ فرمود: نوری است که خداوند در قلب مؤمن می افکند و با آن سینه اش را بازمی گرداند ... .

۱۸ عن أبی عبدالله(ع) قال: إن الله عز و جل إذا أراد بعبد خیرا نکت فی قلبه نکته من نور و فتح مسامع قلبه و کل به ملکا یسدده و إذا أراد بعبد سوءا نکت فی قلبه نکته سوداء و سد مسامع قلبه و وکل به شیطانا یضله ثم تلاـ هذه الآیه: <فمن یرد الله أن یهدیه یشرح صدره للاسلام و من یرد أن یضله یجعل صدره ضیقا حرجا>.

امام صادق(ع) فرمود: هر گاه خداوند عز و جل برای بنده ای خیری بخواهد، در دلش نقطه ای از نور ایجاد می کند و گوشهای دلش را بازمی گرداند و فرشته ای بر او می گمارد که وی را در کارهایش استوار نماید. و آنگاه که خدا برای بنده ای بدی بخواهد، در دلش نقطه ای سیاه ایجاد کرده و گوشهای دلش را می بندد و شیطانی را بر او می گمارد تا گمراهش کند، سپس امام صادق(ع) آیه <فمن یرد الله ... > را تلاوت فرمود.

نیاز به اطمینان قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۴ - ۳

۳- قیام برای خدا و دفاع از ارزش ها ، نیازمند قدرت روحی و قلبی نیرومند است .

و ربطنا علی قلوبهم إذ قاموا

واژگونی قلب مشرکان

جلد - نام سوره

- سوره - آيه - فيش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۲ - ۶

۶ - < عن أبی جعفر (ع) قال : إنّ القلوب أربعه : . . .و أمّا المنكوس فقلبُ المشرک ثمّ قرء هذه الآيه : < أفمن يمشـی مكبًّا علی وجهه أهدی أمّن يمشی سويّاً علی صراط مستقيم > . . . ;

از امـام بـاقر(ع) روايت شـده كه فرمود: قلب ها چهارگونه انـد . ..اما قلب وارونه، قلب مشـرك است. سـپس اين آيه را تلاوت فرمود: <أفمن يمشی مكبّاً علی وجهه أهدی أمّن يمشی علی صراط مستقيم>...>.

وحدت قلب انسان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴ - ۱

۱ - خداوند ، برای هيچ كس ، دو قلب قرار نداده است .

ما جعل اللّه لرجل من قلبين فی جوفه

وحی به قلب محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۹۷ - ۲

۲ - جبرئيل ، نازل كننده قرآن بر قلب پيامبر (ص)

فإنه نزله علی قلبک

قلم از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

قلم

اطلاع رسانی با قلم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۴ - ۴

۴ - تراوشات قلم نویسندگان و تأثیر آن در انتقال اطلاعات به دیگران ، وابسته به خداوند است .

الذی علّم بالقلم

سوگند به قلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱ - ۱

۱ - سوگند خداوند ، به قلم و ابزار نوشتن

و القلم

منشأ کتابت قلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق -

۴ - ۴ - ۹۶

۴ - تراوشات قلم نویسندگان و تأثیر آن در انتقال اطلاعات به دیگران ، وابسته به خداوند است .

الذی علّم بالقلم

نقش قلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۴ - ۲،۴

۲ - قلم ، وسیله ای کارآمد در آموزش

الذی علّم بالقلم

۴ - تراوشات قلم نویسندگان و تأثیر آن در انتقال اطلاعات به دیگران ، وابسته به خداوند است .

الذی علّم بالقلم

قمار

آثار قمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۹ - ۶

۶ شراب و قمار ، موجب کُندی و بازماندن انسان از ثواب و خیر

قل فیهما اثم کبیر

<الاثم>: اسم للافعال المُبطئه عن الثواب (مفردات راغب.)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۱ - ۲،۹

۲ شراب و قمار ، ابزار شیطان برای ایجاد کینه و عداوت

انما یرید الشیطن . .. فی الخمر و المیسر

۹ قماربازی و میگساری ابزار شیطان برای بازداشتن مردم از یاد خدا و برپایی نماز

انما یرید الشیطن . .. فی الخمر و المیسر و یصدکم عن ذکراللّه و عن الصلوه

اجتناب از قمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۰ - ۵،۱۱

۵ اهل ایمان وظیفه دار اجتناب از شرابخواری ، قماربازی و مظاهر شرک

یایها الذین ءامنوا انما الخمر و المیسر . .. فاجتنبوه

۱۱ پرهیز از شراب خواری ، قماربازی و مظاهر شرک ، زمینه ساز نیل به فلاح و رستگاری *

انما الخمر و المیسر و الانصاب و الازلم . ..

فاجتنبوه لعلكم تفلحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۱ - ۱۸

۱۸ بیان احکام و مفاسد شراب و قمار ، بیانی رسا در تحریم میگساری و قماربازی و از میان برنده هرگونه تردیدی در ضرورت پرهیز از آنها

انما الخمر و المیسر . .. و یصدکم عن ذکراللّه و عن الصلوه فهل انتم منتهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۲ - ۶

۶ دوری جستن از پلیدی ها (شراب ، قمار ، مظاهر شرک) نشانگر اطاعت از خدا و رسول (ص)

انما الخمر و المیسر و الانصاب و الازلم . .. و اطیعوا اللّه و اطیعوا الرسول

احکام قمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۹ - ۴

۴ حرمت شرابخواری و قمار بازی

یسئلونک عن الخمر و المیسر قل فیهما اثم کبیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳ - ۱۳،۱۴

۱۳ قمار ، حرم و ارتکاب آن ، موجب فسق است .

حرمت علیکم . .. و إن تستقسموا بالازلم ذلکم فسق

۱۴ حرمت تصرف در اموالی که به وسیله قمار به دست آید .

و إن تستقسموا بالازلم

به نظر می رسد نه تیرهای قمار خصوصیتی در تحریم داشته باشد و نه حیوان و گوشت آن دارای ویژگی خاص است. بنابراین اموال به دست آمده از هر نوع قماری حرام است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۰ - ۱۵،۱۷،۱۸

۱۵ بازی

دارای برد و باخت (حتی با چیزهایی مثل استخوان و گردو) ، قمار شمرده می شود و حرام است .

یایها الذین ءامنوا انما الخمر و المیسر . .. رجس من عمل الشیطن فاجتنبوه

از رسول خدا(ص) در پاسخ سؤال از معنای <میسر> در آیه فوق روایت شده: کلما تقومر به حتی الکعاب و الجوز . .. .

کافی، ج ۵، ص ۱۲۳، ح ۲; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۶۸، ح ۳۴۰.

۱۷ حرمت تقسیم اشیا به وسیله تیر های قمار ، که نوعی قرعه کشی در عصر جاهلیت بوده است .

و الازلم رجس من عمل الشیطن فاجتنبوه

از رسول خدا(ص) در پاسخ سؤال از معنی <ازلام> در آیه فوق روایت شده: قد احهم التی یستقسمون بها.

کافی، ج ۵، ص ۱۲۳، ح ۲; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۶۸، ح ۳۴۰.

۱۸ بازی با شطرنج و نرد ، قمار و حرام است .

و المیسر . .. رجس من عمل الشیطن فاجتنبوه

از امام باقر(ع) روایت شده: الشطرنج و النرد میسر.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۴۱، ح ۱۸۶; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۹۸، ح ۹ و ۱۰.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۱ - ۱۸

۱۸ بیان احکام و مفاسد شراب و قمار ، بیانی رسا در تحریم میگساری و قماربازی و از میان برنده هرگونه تردیدی در ضرورت پرهیز از آنها

انما الخمر و المیسر . .. و یصدکم عن ذکراللّه و عن الصلوه فهل انتم منتهون

پرسش از قمار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۱۹ – ۱

۱ پرسش مردم

از پیامبر (ص) ، درباره شراب و قمار

یسئلونک عن الخمر و المیسر

پلیدی قمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۰ - ۱

۱ شراب ، قمار ، بت ها و چوب های مخصوص برد و باخت ، به تمامی پلید و ناپاک اند .

انما الخمر و المیسر و الانصاب و الازلم رجس

<انصاب> جمع کلمه نصب است، برخی آن را به معنای بت گرفته اند و برخی گفته اند <انصاب> سنگهایی بوده که بر آستان بتها نصب می شده و جایگاه ذبح قربانی برای بتها بوده است و بدان جهت مشرکان آنها را مایه تبرک می پنداشتند و محترم می شمردند. <ازلام> جمع زلم (تیر قمار) از انواع وسائل قمار و بردو باخت به شمار می رفته است.

تحریم قمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۱ - ۱۸

۱۸ بیان احکام و مفاسد شراب و قمار ، بیانی رسا در تحریم میگساری و قماربازی و از میان برنده هرگونه تردیدی در ضرورت پرهیز از آنها

انما الخمر و المیسر . .. و یصدکم عن ذکراللّه و عن الصلوه فهل انتم منتهون

ترک قمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۳ - ۳

۳ تبرئه مؤمنان از گناه شراب خواری و قماربازی ، مشروط به دست کشیدن از آن پس از نهی خداوند

لیس علی الذین ءامنوا و عملوا الصلحت جناح فیما طعموا إذا ما اتقوا

حرمت قمار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴

- ۲۹ - ۱۹

۱۹ حرمت تصرف در اموال به دست آمده از راه ربا ، قمار ، کم فروشی و ظلم

لا تاکلوا اموالکم بینکم بالباطل

امام باقر(ع) در مورد <بالباطل> در آیه فوق فرمود: بالرّبا و القمار و البخس و الظلم.

تفسیر تبیان، ج ۳، ص ۱۷۸ ; مجمع البیان، ج ۳، ص ۵۹ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۶۳، ح ۱۰ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۷۲، ح ۱۹۸.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳ - ۱۳

۱۳ قمار ، حرم و ارتکاب آن ، موجب فسق است .

حرمت علیکم . .. و إن تستقسموا بالازلم ذلکم فسق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۰ - ۱۵،۱۸

۱۵ بازی دارای برد و باخت (حتی با چیزهایی مثل استخوان و گردو) ، قمار شمرده می شود و حرام است .

یایها الذین ءامنوا انما الخمر و المیسر . .. رجس من عمل الشیطن فاجتنبوه

از رسول خدا(ص) در پاسخ سؤال از معنای <میسر> در آیه فوق روایت شده: کلما تقومر به حتی الکعاب و الجوز . .. .

کافی، ج ۵، ص ۱۲۳، ح ۲; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۶۸، ح ۳۴۰.

۱۸ بازی با شطرنج و نرد ، قمار و حرام است .

و المیسر . .. رجس من عمل الشیطن فاجتنبوه

از امام باقر(ع) روایت شده: الشطرنج و النرد میسر.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۴۱، ح ۱۸۶; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۹۸، ح ۹ و ۱۰.

ضرر قمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ -

بقره - ۲ - ۲۱۹ - ۵

۵ شراب و قمار ، دارای زیانی بزرگ و منافعی اندک

قل فیهما اثم کبیر و منافع للناس

کلمه <اثم>، به قرینه مقابل آن (منافع)، می تواند به معنای زیان باشد.

فلسفه تحریم قمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۱ - ۴،۱۰

۴ حراست از وحدت جامعه ایمانی و دور نگاهداشتن آن از کینه و دشمنی فلسفه تحریم شراب خواری و قماربازی

انما یرید الشیطن ان یوقع بینکم العدوه و البغضاء

۱۰ باز نماندن از نماز و یاد خدا از حکمت های تحریم میگساری و قماربازی

انما یرید الشیطن . .. فی الخمر و المیسر و یصدکم عن ذکراللّه و عن الصلوه

فواید قمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۹ - ۵،۸

۵ شراب و قمار ، دارای زیانی بزرگ و منافعی اندک

قل فیهما اثم کبیر و منافع للناس

کلمه <اثم>، به قرینه مقابل آن (منافع)، می تواند به معنای زیان باشد.

۸ گناه شرابخواری و قماربازی ، از منفعت آنها بیشتر است .

یسئلونک عن الخمر و المیسر . .. اثمهما اکبر من نفعهما

قمار با ازلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳ - ۷،۸،۹،۱۲،۳۷

۷ حرمت تعیین سهام گوشت حیوان ، به وسیله تیر های قمار

حرمت . .. و إن تستقسموا بالازلم

<ازلام> تیرهای مخصوصی بوده که برای قمار از آن استفاده می کردند. و استقسام چهارپایان به وسیله <ازلام>، به معنای سهم بندی آنها با تیرهای مخصوص است.

۸ حرمت استفاده از گوشتی که به

وسیله تیر های قمار سهم بندی شود .

حرمت . .. و إن تستقسموا بالازلم

چون آیه شریفه درباره حیواناتی است که بهره گیری از آنها حرام است، به نظر می رسد علاوه بر حرمت سهم بندی به وسیله تیرهای قمار، دلالت بر تحریم استفاده از گوشتی که آن گونه تقسیم شده نیز داشته باشد.

۹ خوردن مردار ، خون و گوشت خوک ، بردن غیر نام خدا در ذبح ، قربانی برای بت ها و تقسیم گوشت حیوانات با قمار ، از اعمال مردم در جاهلیت

حرمت علیکم . .. و ما ذبح علی النصب و إن تستقسموا بالازلم

۱۲ قسمت بندی گوشت به حکم قمار و استفاده از آن و خوردن گوشت حیوانی که به نام غیر خدا و یا بر آستان بت ها ذبح شود ، فسق است .

حرمت علیکم . .. و ما ذبح علی النصب و إن تستقسموا بالازلم ذلکم فسق

۳۷ استفاده از حیوان قربانی شده بر آستان بت ها و گوشت های سهمبندی شده با تیر های قمار ، در حال اضطرار جایز است .

و ما ذبح علی النصب و إن تستقسموا بالازلم . .. فإنّ اللّه غفور رحیم

قمار در صدر اسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۱۹ – ۱۳

۱۳ رواج شرابخوارگی و قماربازی در عصر بعثت

یسئلونک عن الخمر و المیسر قل فیهما اثم کبیر و منافع للناس

فعل مضارع <یسئلونک>، دلالت بر تکرار سؤال دارد و تکرار سؤال، بیانگر رواج مورد سؤال است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۹۰ – ۱۰

رواج شراب خورای ، قمار بازی و گرایش به مظاهر شرک در عصر بعثت

یایها الذین ءامنوا انما الخمر . .. رجس من عمل الشیطن فاجتنبوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۱ - ۱۷

۱۷ شراب خواری و قماربازی برخی مسلمانان صدر اسلام حتی پس از تحریم آن

فهل انتم منتهون

بیان رسای آیات مورد بحث در تحریم شراب و قمار و تذییل آن با جمله ای مذمت آمیز همراه با تردید نسبت به پرهیز مسلمانان از آن (آیا دست از قمار بازی و شرابخواری می کشید)، می رساند که تحریم قمار و شراب قبلا اعلام شده ولی برخی از مسلمانان شاید به توهم تصریح نداشتن آن آیات در تحریم، همچنان به شرابخواری و قماربازی ادامه می دادند گفتنی است که شأن نزول های نقل شده درباره این آیات برداشت فوق را تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۳ - ۱

۱ برخی از مسلمانان عصر بعثت تا پیش از نزول آیه < انما الخمر . . . > به شرابخواری و قماربازی مبتلا بودند .

لیس علی الذین ءامنوا و عملوا الصلحت جناح فیما طعموا

فعل ماضی <طعموا> دلالت بر این دارد که برخی از مسلمانان پیش از نزول این بخش از آیات، از شراب خواری و قماربازی پرهیز نداشتند.

قمار در قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۸ - ۱۴

۱۴ - ابو عبیده حذّاء می گوید : < سألت أباعبداللّه عن قول اللّه عز و جل

< و لاتأكلوا أمولكم بينكم بالبطل > فقال : كانت قريش تقامر الرجل بأهله و ماله فنهاهم اللّه عز و جل عن ذلك ;

از امـام صادق(ع) از آیه <و لاتأكلوا أمولكم بینكم بالبطل> سؤال كردم، امام فرمود: قریش خانواده و مال خود را به قمار می گذاشتند پس خداوند آنان را از این عمل نهی فرمود>.

قمار در مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۱ - ۱۷

۱۷ شراب خواری و قماربازی برخی مسلمانان صدر اسلام حتی پس از تحریم آن

فهل انتم منتهون

بیـان رسـای آیـات مورد بحث در تحریم شـراب و قمـار و تـذییل آن بـا جمله ای مـذمت آمیز همراه بـا تردیـد نسبت به پرهیز مسـلمانان از آن (آیـا دست از قمار بازی و شـرابخواری می كشـید)، می رسانـد كه تحریم قمار و شـراب قبلا اعلام شـده ولی برخی از مسـلمانان شایـد به تـوهم تصـریح نداشـتن آن آیـات در تحریم، همچنـان به شـرابخواری و قماربـازی ادامه می دادند گفتنی است كه شأن نزول های نقل شده درباره این آیات برداشت فوق را تأیید می كند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۳ - ۱،۲

۱ برخی از مسلمانان عصر بعثت تا پیش از نزول آیه < انما الخمر . . . > به شرابخواری و قماربازی مبتلا بودند .

لیس علی الذین ءامنوا و عملوا الصلحت جناح فیما طعموا

فعل ماضی <طعموا> دلالت بر این دارد كه برخی از مسلمانان پیش از نزول این بخش از آیات، از شراب خواری و قماربازی پرهیز نداشتند.

۲ استفاده مؤمنان

نیک کردار از شراب و قمار پیش از حکم خداوند به حرمت آنها ، خالی از سرزنش و گناه

لیس علی الذین ءامنوا و عملوا الصلحت جناح فیما طعموا

مراد از <ما> در <ما طعموا> شراب و درآمدهای حاصل از قمار بازی است بنابراین اراده شراب خواری و مصرف آن درآمدهای قمار از <طعام> که تنها در مورد خوراکیها به کار برده می شود میتواند از باب تغلیب باشد.

قمار قبل از تحریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۳ - ۲،۵

۲ استفاده مؤمنان نیک کردار از شراب و قمار پیش از حکم خداوند به حرمت آنها ، خالی از سرزنش و گناه

لیس علی الذین ءامنوا و عملوا الصلحت جناح فیما طعموا

مراد از <ما> در <ما طعموا> شراب و درآمدهای حاصل از قمار بازی است بنابراین اراده شراب خواری و مصرف آن درآمدهای قمار از <طعام> که تنها در مورد خوراکیها به کار برده می شود میتواند از باب تغلیب باشد.

۵ مؤمنان دارای عمل صالح که شراب نوشیدند و از درآمد های قمار بهره جستند و زمان تحریم آن را درک نکردند بر خلاف توهم گروهی از مسلمانان اهل نجات و رستگاری هستند .

لیس علی الذین ءامنوا و عملوا الصلحت جناح فیما طعموا

در برخی از شأن نزولهای آمده که آیه <لیس علی الذین . ..> رد پندار آن گروه از مسلمانان است که پس از تصریح به حرمت قمار و شراب و پلید شمردن آنها، نسبت به فرجام مؤمنان صالح حتی شهیدان راه خدا که شرابی نوشیدند و از عوائد قمار

بهره جستند، تشکیک می کردند و آنان را از زمره رستگاران نمی شمردند.

گناه قمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۹ - ۷،۸

۷ میگساری و قماربازی از گناهان بزرگ

یسئلونک عن الخمر و المیسر قل فیهما اثم کبیر . .. و اثمهما اکبر

<اثم> به معنای گناه و کاری است که انجام آن حرام است. (القاموس المحیط)

۸ گناه شرابخواری و قماربازی ، از منفعت آنها بیشتر است .

یسئلونک عن الخمر و المیسر . .. اثمهما اکبر من نفعهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۰ - ۳

۳ شرابخواری و قماربازی از گناهان کبیره

انما الخمر و المیسر . .. رجس من عمل الشیطن فاجتنبوه

چون خداوند شراب و قمار را پلید و کار شیطانی شمرد و رستگاری را در گرو ترک آن دانست و در آیه بعد آنها را عامل دشمنی و کینه توزی و مایه فراموشی یاد خدا و نماز معرفی کرد معلوم می شود شراب خواری و قماربازی نمی تواند گناه کوچکی محسوب شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۳ - ۳

۳ تبرئه مؤمنان از گناه شراب خواری و قماربازی ، مشروط به دست کشیدن از آن پس از نهی خداوند

لیس علی الذین ءامنوا و عملوا الصلحت جناح فیما طعموا إذا ما اتقوا

مفاسد قمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۱ - ۱۸

۱۸ بیان احکام و مفاسد شراب و قمار ، بیانی رسا در تحریم میگساری و

قماربازی و از میان برنده هرگونه تردیدی در ضرورت پرهیز از آنها

انما الخمر و المیسر . .. و یصدکم عن ذکراللّه و عن الصلوه فهل انتم منتهون

موارد قمار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۳ – ۷،۸،۹،۱۲

۷ حرمت تعیین سهام گوشت حیوان ، به وسیله تیر های قمار

حرمت . .. و إن تستقسموا بالازلم

<ازلام> تیرهای مخصوصی بوده که برای قمار از آن استفاده می کردند. و استقسام چهارپایان به وسیله <ازلام>، به معنای سهم بندی آنها با تیرهای مخصوص است.

۸ حرمت استفاده از گوشتی که به وسیله تیر های قمار سهم بندی شود .

حرمت . .. و إن تستقسموا بالازلم

چون آیه شریفه درباره حیواناتی است که بهره گیری از آنها حرام است، به نظر می رسد علاوه بر حرمت سهم بندی به وسیله تیرهای قمار، دلالت بر تحریم استفاده از گوشتی که آن گونه تقسیم شده نیز داشته باشد.

۹ خوردن مردار ، خون و گوشت خوک ، بردن غیر نام خدا در ذبح ، قربانی برای بت ها و تقسیم گوشت حیوانات با قمار ، از اعمال مردم در جاهلیت

حرمت علیکم . .. و ما ذبح علی النصب و إن تستقسموا بالازلم

۱۲ قسمت بندی گوشت به حکم قمار و استفاده از آن و خوردن گوشت حیوانی که به نام غیر خدا و یا بر آستان بت ها ذبح شود ، فسق است .

حرمت علیکم . .. و ما ذبح علی النصب و إن تستقسموا بالازلم ذلکم فسق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۹۰

- ۱۵،۱۷،۱۸

۱۵ بازی دارای برد و باخت (حتی با چیزهایی مثل استخوان و گردو) ، قمار شمرده می شود و حرام است .

یایها الذین ءامنوا انما الخمر و المیسر . .. رجس من عمل الشیطن فاجتنبوه

از رسول خدا(ص) در پاسخ سؤال از معنای <میسر> در آیه فوق روایت شده: کلما تقومر به حتی الکعاب و الجوز . .. .

کافی، ج ۵، ص ۱۲۳، ح ۲; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۶۸، ح ۳۴۰.

۱۷ حرمت تقسیم اشیا به وسیله تیر های قمار ، که نوعی قرعه کشی در عصر جاهلیت بوده است .

و الازلم رجس من عمل الشیطن فاجتنبوه

از رسول خدا(ص) در پاسخ سؤال از معنی <ازلام> در آیه فوق روایت شده: قد احهم التی یستقسمون بها.

کافی، ج ۵، ص ۱۲۳، ح ۲; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۶۸، ح ۳۴۰.

۱۸ بازی با شطرنج و نرد ، قمار و حرام است .

و المیسر . .. رجس من عمل الشیطن فاجتنبوه

از امام باقر(ع) روایت شده: الشطرنج و النرد میسر.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۴۱، ح ۱۸۶; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۹۸، ح ۹ و ۱۰.

ناپسندی قمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۰ - ۲

۲ شراب خواری ، قمار بازی ، گرایش به مظاهر شرک و تفأل های مرسوم در جاهلیت ، کرداری شیطانی است

انما الخمر . .. من عمل الشيطن

نهى از قمار

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۸ - ۱۴

۱۴ - ابو عبيده حذّاء مى گويد : < سألت أباعبداللّه عن قول

اللّه عز و جل < و لاتـأكلوا أمولكم بينكم بالبطـل > فقـال : كـانت قريش تقـامر الرجـل بـأهله و ماله فنهاهم اللّه عز و جل عن ذلك ;

از امـام صادق(ع) از آيه <و لاتأكلوا أمولكم بينكم بالبطل> سؤال كردم، امام فرمود: قريش خانواده و مال خود را به قمار مى گذاشتند پس خداوند آنان را از اين عمل نهى فرمود>.

قوانين از ديدگاه قرآن در تفسير راهنما

قوانين

آثار اجراى قوانين كيفرى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۵۴ - ۱۷

۱۷ - اجراى قوانين و مقررات كيفرى اديان الهى - هر چنـد كيفرى هماننـد كشـته شـدن باشد - تضـمين كننده خير و سـعادت خطاكاران است .

فاقتلوا أنفسكم ذلكم خير لكم عند بارئكم

آثار نقض قوانين بين المللى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۴ - ۵

۵ - جواز نقض قوانين پذيرفته شده بين المللى ، در صورت نقض آن از سوى دشمن

الشهر الحرام بالشهر الحرام و الحرمت قصاص

<حرمه> (مفرد حرمـات) به چيزهـايى (قوانين، مقررات و . ..) گفته مى شود كه مراقبت آنهـا لازم و نقض آنها ممنوع است. قصاص، مجازاتى است كه در مقابل جنايت اجرا مى شود. بنابراين <و الحرمات قصاص>; يعنى، آنچه از مقررات و قوانين - كه بايـد مورد احترام باشد و نقض نگردد - اگر از سوى دشـمن نقض شد و بدين وسـيله بر شـما ضـربه وارد آمد شـما نيز مى توانيد آن را ناديده گرفته و جنايت دشمن را پاسخ دهيد.

بى منطقى قوانين جاهليت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۹

۱۰ قوانین و مقررات ساختگی مشرکان عصر جاهلی بی پایه و به دور از حکمت و جاهلانه بوده است.

و قالوا ما فی بطون . .. سیجزیهم وصفهم إنه حکیم علیم

جمله <إنه حکیم علیم> به منزله تعریض به کسانی است که بدون علم و حکمت به جعل احکام بر اساس تصورات خویش می پردازند، چنانکه مشرکان عصر جاهلیت این چنین بودند.

تبعیت از قوانین غیر دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۰ - ۱۸،۲۰

۱۸ - پیروی از آرا و قوانین مبتنی بر هوا های نفسانی ، با وجود قوانین الهی ، موجب محروم شدن از ولایت و یاری خداوند است .

لئن اتبعت أهواءهم بعد الذی جاءک من العلم مالک من اللّه من ولیّ و لانصیر

۲۰ - پیروی از آرا و قوانین برخاسته از هوا های نفسانی ، با وجود قوانین الهی ، موجب گرفتار شدن به عقوبتهایی از جانب خداست .

لئن اتبعت أهواءهم بعد الذی جاءک من العلم مالک من اللّه من ولیّ و لانصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۵ - ۱۷

۱۷ - پیروی از آرا و قوانین مبتنی بر هوا های نفسانی - با وجود قوانین الهی - ظلم است .

لئن اتبعت اهواءهم من بعد جاءک من العلم إنک إذاً لمن الظلمین

تبیین فلسفه قوانین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۳ - ۹

۹ – بیان فلسفه قوانین از سوی قانون گذاران امری شایسته و نیکوست . *

کتب علیکم الصیام . ... لعلکم تتقون

جرم تخلّف

از قوانین جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۳ - ۹

۹ - متجاوزان از مقررات جنگ ، باید مجازات شوند . *

فلا عدون إلا علی الظلمین

سهولت قوانین ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۸ - ۶

۶- ذوالقرنین ، تصمیم گرفت که قوانین و مقرّرات اجتماعی سهل و قابل تحمّلی را برای مؤمنان وضع کند .

و سنقول له من أمرنا یسرًا

<یسر> یعنی <آسانی> و <من أمرنا> یعنی:<از فرامینی که صادر می کنیم. >، لذا مفاد جمله <و سنقول...> آن است که برای مؤمنان صالح، فرامینی صادر می کنیم که اجرای آن دشوار نباشد و شنیدن آن برای مؤمنان سنگین نیاید.

شرایط نقض قوانین بین المللی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۴ - ۵

۵ - جواز نقض قوانین پذیرفته شده بین المللی ، در صورت نقض آن از سوی دشمن

الشهر الحرام بالشهر الحرام و الحرمت قصاص

<حرمه> (مفرد حرمات) به چیزهایی (قوانین، مقررات و . ..) گفته می شود که مراقبت آنها لازم و نقض آنها ممنوع است. قصاص، مجازاتی است که در مقابل جنایت اجرا می شود. بنابراین <و الحرمات قصاص>; یعنی، آنچه از مقررات و قوانین - که باید مورد احترام باشد و نقض نگردد - اگر از سوی دشمن نقض شد و بدین وسیله بر شما ضربه وارد آمد شما نیز می توانید آن را نادیده گرفته و جنایت دشمن را پاسخ دهید.

عرف و قوانین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره

- ۲ - ۱۸۰ - ۶

۶ - نقش معیار های عرفی در احکام دین

الوصیه للولدین و الأقربین بالمعروف

عصیان از قوانین نظامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۱ - ۳

۳ - تخلّف بی دلیل از مقررات ارتش ، گناهی بزرگ و نابخشودنی

أم کان من الغائبین . لأُعذّبنّه ... أو لأأْذبحنّه

فلسفه قوانین اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۰ - ۱۲

۱۲ بنای اسلام بر جذب هر چه بیشتر انسان ها و متمایل ساختن دل ها به دین حق است .

إنما الصدقت للفقراء . .. و المؤلفه قلوبهم

فلسفه قوانین کیفری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۴ - ۱۷

۱۷ - اجرای قوانین و مقررات کیفری ادیان الهی - هر چند کیفری همانند کشته شدن باشد - تضمین کننده خیر و سعادت خطاکاران است .

فاقتلوا أنفسکم ذلکم خیر لکم عند بارئکم

قوانین ادیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۸ - ۲

۲- معارف و قوانین ادیان آسمانی ، مظهر < سبیل الله > است .

الذین کفروا و صدّوا عن سبیل الله

قوانین انجیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۸ - ۵

۵ تورات و انجیل (کتب الهی) ، دربردارنده قوانین و معارف الهی *

و یعلّمه الکتاب و الحکمه و التوریه و الانجیل

عطف تورات و انجیل بر کتاب و حکمت، از باب عطف فرد بر جنس است.

قوانین بین المللی

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱ - ۲،۷

۲ لغو اعتبار پیمان عدم تعرض ، در صورت نقض آن از سوی طرف معاهده ، بلا مانع است .

براءه من اللّه و رسوله إلی الذین عهدتم

۷ بستن پیمان عدم تعرض با جوامع غیر مسلمان ، جایز است .

الذین عهدتم من المشرکین

قوانین تورات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۸ - ۵

۵ تورات و انجیل (کتب الهی) ، دربردارنده قوانین و معارف الهی *

و یعلّمه الکتاب و الحکمه و التوریه و الانجیل

عطف تورات و انجیل بر کتاب و حکمت، از باب عطف فرد بر جنس است.

قوانین جاهلانه دوران جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۰ - ۹

۹ وضع مقررات جاهلانه و انتساب به خدا، ویژگی مشرکان عصر جاهلی

و جعلوالله . .. و حرموا ما رزقهم الله افتراء علی الله

قوانین جزایی مصرباستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۴ - ۳

۳ جواز عقوبت مجرمان بیگانه بر اساس قوانین کیفری خود آنان ، از مقررات جزایی مصر در عصر یوسف

قالوا فما جزؤه إن کنتم کذبین

جمله <فما جزاؤه> که پرسش از تعیین کیفر سارق است، می تواند به این معنا باشد که متهمان خود کیفری را برای سارق مشخص کنند. همچنین می تواند به این معنا باشد که بیان کنند در شریعت و آیین آنان برای سارق چه کیفری مقرر شده است. برداشت فوق ناظر به احتمال

دوم است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۷۶ – ۸،۹،۱۶

۸ حکومت مصر در زمان وزارت یوسف (ع) دارای تشکیلات و قوانین جزایی و قضایی بود .

ما کان لیأخذ أخاه فی دین الملک

۹ قوانین جزایی مصر ، استرقاق سارقان را مجاز نمی شمرد .

ما کان لیأخذ أخاه فی دین الملک

۱۶ مجازات مجرمان بیگانه بر اساس مقررات خودِ آنان ، با قوانین و مقررات مصر در زمان وزارت یوسف (ع) مخالفتی نداشت .

ما کان لیأخذ أخاه فی دین الملک إلاّ أن یشاء الله

قوانین حاکم بر آفرینش

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۴۹ – ۲،۶

۲ – زوجیت ، قانونی حاکم بر نظام جهان و همه مظاهر آن

و من کلّ شیء خلقنا زوجین

۶ – قوانین و پدیده های هستی ، هدفمند و حکیمانه

و من کلّ شیء خلقنا زوجین لعلّکم تذکّرون

<لعلّکم تذکّرون> هدف برای <من کلّ شیء. ..> است. از این بیان الهی استفاده می شود که اصولاً قوانین و پدیده های جهان، هدفی را دنبال می کنند و این هدف ارزشی و حکیمانه است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۲۱ – ۱

۱ – قوانین طبیعی حاکم بر جریان آب های زمین ، نمودی از ربوبیت انکارناپذیر الهی و غیرقابل تکذیب

مرج البحرین . .. فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

التقای آب های زمین و دریاها با یکـدیگر و وجود حایل و مانع از هضم شدن آنها در یکدیگر، اشاره به نوعی قوانین حاکم بر آب های (شور و شیرین) دارد

خداوند متعال این قوانین را، نمودی از ربوبیت انکار ناپذیر خویش دانسته است.

قوانین عالمانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۵ - ۱۸

۱۸ - معارف و قوانینی شایسته و بایسته پذیرش و پیروی اند که از هوا های نفسانی پیراسته و بر پایه علم بنا شده باشند .

و لئن اتبعت اهواءهم من بعد جاءک من العلم إنک إذاً لمن الظلمین

قوانین کیفری در بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۵ - ۷

۷ < عن أبی عبدالله (ع) [فی قوله تعالی] : < جزاؤه من وجد فی رحله فهو جزاؤه > : یعنون السنّه التی تجری فیهم أن یحبسه . . . ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خدا که فرموده: <جزاؤه من وجد فی رحله فهو جزاؤه> روایت شده است: مقصود آنان ، سنت جاری بین آنان بوده که او را حبس کند . ..>.

قوانین کیفری در دوران یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۸

۸ حکومت مصر در زمان وزارت یوسف (ع) دارای تشکیلات و قوانین جزایی و قضایی بود .

ما کان لیأخذ أخاه فی دین الملک

قوانین کیفری در مصرباستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۴ - ۳

۳ جواز عقوبت مجرمان بیگانه بر اساس قوانین کیفری خود آنان ، از مقررات جزایی مصر در عصر یوسف

قالوا فما جزؤه إن کنتم کذبین

جمله <فما جزاؤه> که پرسش از تعیین کیفر سارق

است، می تواند به این معنا باشد که متهمان خود کیفری را برای سارق مشخص کنند. همچنین می تواند به این معنا باشد که بیان کنند در شریعت و آیین آنان برای سارق چه کیفری مقرر شده است. برداشت فوق ناظر به احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۷۸

۷ نگاه داشتن بنیامین در مصر حتی به جرم سرقت ، بر طبق قوانین جزایی پادشاه مصر ، برای یوسف (ع) مجاز نبود .

ما کان لیأخذ أخاه فی دین الملک

دین به معنای آیین و روش است و مراد از آن به اعتبار اضافه شدنش به <ملک> قوانین و مقررات حاکم بر مصر می باشد. قابل ذکر است که به قرینه <فما جزاؤه ...> در آیه ۷۴، اگر سارق می خواست بر اساس آیین خودش تنبیه شود، قاضی و حاکم مصر می توانست بر آن اساس حکم کند.

۸ حکومت مصر در زمان وزارت یوسف (ع) دارای تشکیلات و قوانین جزایی و قضایی بود .

ما کان لیأخذ أخاه فی دین الملک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۹ - ۳

۳ قوانین جزایی مصر در زمان یوسف ، کیفر بی گناهان را به جای مجرمان هر چند داوطلبانه باشد ، مجاز نمی شمرد . *

معاذ الله أن نأخذ إلّا من وجدنا متعنا عنده

برداشت فوق را می توان از به کارگیری ضمیرهای متکلم مع الغیر به جای ضمیر متکلم وحده استفاده کرد ; یعنی، یوسف(ع) با جمله <بازداشت نمی کنیم> به جای <بازداشت نمی کنم> اشاره

به این معنا می کنـد که قوانین مصـر چنین اجازه ای به من نمی دهـد که بی گناه را به جای گنهکار بازداشت کنم، هر چنـد او خود داوطلب باشد.

کیفر اطاعت از قوانین ناپسند

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۳۷ – ۱۵

۱۵ پیروی از آرا و قوانین برخاسـته از هوا هـای نفسـانی ، با وجود احکام و قوانین قرآن ، موجب گرفتار شـدن به عقوبتهایی از ناحیه خداوند است .

و لئن اتبعت أهواءهم بعد ما جاءك من العلم مالك من الله من وليّ و لاواق

کیفر عصیان از قوانین نظامی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۲۱ – ۲،۴

۲ – شکنجه یا مرگ (بریدن سر) ، مجازات تخلف بی دلیل از مقررات سپاه سلیمان

أم کان من الغائبین . لأُعذّبنّه عذابًا شدیدًا أو لأأذبحنّه

۴ – لزوم تعیین کیفر های سخت تا مرز مرگ ، برای متخلفان از مقررات ارتش

أم کان من الغائبین لأُعذّبنّه عذابًا شدیدًا أو لأأذبحنّه

مجازات تخلّف از قوانین جنگ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۹۳ – ۹

۹ – متجاوزان از مقررات جنگ ، باید مجازات شوند . *

فلا عدون إلا علی الظلمین

مطالعه قوانین آسمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۱۸ - ۲

۲ - بررسی قوانین حاکم بر آسمان و فضای بالا ، زمینه ساز باور به قدرت خداوند بر ایجاد معاد

و إلی السماء کیف رفعت

ملاکهای قوانین لازم الاتباع

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۵ - ۱۸

۱۸ - معارف و قوانینی شایسته و بایسته پذیرش و پیروی اند که از هوا های نفسانی پیراسته و بر پایه علم بنا شده باشند .

و لئن اتبعت اهواءهم من بعد جاءک من العلم إنک إذاً لمن الظلمین

منشأ قوانین آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۹ - ۶

۶ اساس و ریشه تمام قوانین و مقررات عالم هستی نزد خداوند است و تنها او به آنها عالم است .

و عنده أُمّ الکتب

منشأ نسخ قوانین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۱۰

۱۰ - تشریع احکام دین ونسخ آنها به دست خداوند و در اختیار اوست .

قد نری تقلب وجهک فی السماء فلنولینک قبله ترضیها

منشأ وضع قوانین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۱۰

۱۰ - تشریع احکام دین ونسخ آنها به دست خداوند و در اختیار اوست .

قد نری تقلب وجهک فی السماء فلنولینک قبله ترضیها

نقض قوانین بشری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۳ - ۱۹

۱۹ - لزوم توجه به ناتوانی و نقص مکاتب و برنامه های بشری ، در مسیر اصلاح و هدایت بایسته انسان

فمن یهدیه من بعد اللّه أفلاتذکّرون

ویژگیهای قوانین بشری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۷ - ۲

۲ - قوانین بشری حق محض نبوده و همواره با اموری باطل ، آمیخته

است .

الحق من ربک

برداشت فوق بر این مبناست که: <ال> در <الحق> همانند، زید الرجل برای استغراق خصایص افراد باشد; یعنی، آنچه تمام ویژگیهای حق را داراست و به امری باطل آمیخته نیست، از ناحیه خداوند می باشد.

ویژگیهای قوانین دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۳ - ۱۴

۱۴ - انعطاف پذیری احکام و قوانین دین و ملاحظه ضرورت ها در تشریع آن قوانین

فمن اضطر غیر باغ و لاعاد فلا إثم علیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۲۲

۲۲ - انعطاف پذیری احکام الهی و تخفیف در تکالیف ، پرتوی از رحمت الهی است .

فمن عفی له من أخیه شیء . .. ذلک تخفیف من ربکم و رحمه

یوسف(ع) و قوانین مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۱۰

۱۰ یوسف (ع) در زمان وزارتش ، نمی توانست با قوانین و مقررات حکومت مصر مخالفت کند .

ما کان لیأخذ أخاه فی دین الملک

قوانین بین المللی

آثار نقض قوانین بین المللی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۴ - ۵

۵ - جواز نقض قوانین پذیرفته شده بین المللی ، در صورت نقض آن از سوی دشمن

الشهر الحرام بالشهر الحرام و الحرمت قصاص

<حرمه> (مفرد حرمات) به چیزهایی (قوانین، مقررات و . ..) گفته می شود که مراقبت آنها لازم و نقض آنها ممنوع است. قصاص، مجازاتی است که در مقابل جنایت اجرا می شود. بنابراین <و الحرمات قصاص>;

یعنی، آنچه از مقررات و قوانین - که بایـد مورد احترام باشـد و نقض نگردد - اگر از سوی دشـمن نقض شد و بدین وسـیله بر شما ضربه وارد آمد شما نیز می توانید آن را نادیده گرفته و جنایت دشمن را پاسخ دهید.

شرایط نقض قوانین بین المللی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۴ - ۵

۵ - جواز نقض قوانین پذیرفته شده بین المللی ، در صورت نقض آن از سوی دشمن

الشهر الحرام بالشهر الحرام و الحرمت قصاص

<حرمه> (مفرد حرمات) به چیزهـایی (قوانین، مقررات و . ..) گفته می شود که مراقبت آنهـا لازم و نقض آنها ممنوع است. قصاص، مجازاتی است که در مقابل جنایت اجرا می شود. بنابراین <و الحرمات قصاص>; یعنی، آنچه از مقررات و قوانین - که بایـد مورد احترام باشد و نقض نگردد - اگر از سوی دشـمن نقض شد و بدین وسـیله بر شـما ضـربه وارد آمد شـما نیز می توانید آن را نادیده گرفته و جنایت دشمن را پاسخ دهید.

قوانین بین المللی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱ - ۲،۷

۲ لغو اعتبار پیمان عدم تعرض ، در صورت نقض آن از سوی طرف معاهده ، بلا مانع است .

براءه من اللّه و رسوله إلی الذین عهدتم

۷ بستن پیمان عدم تعرض با جوامع غیر مسلمان ، جایز است .

الذین عهدتم من المشرکین

قوای ادراکی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

ابداع قوای ادراکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۸ - ۲

۲ - دستگاه شنوایی ،

بینایی و تعقل انسان ، دستگاهی بدیع و بی مانند در نظام خلقت

و هو الذی أنشأ لکم السمع و الأبصر و الأفئده

<إنشاء> (مصدر <أنشأ>) به ایجاد بدون طرح و الگوی قبلی، گفته می شود.

ارزش قوای ادراکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۱ - ۸

۸ - درک حقایق و معارف دین و پذیرش آنها ، تعیین کننده میزان ارزش قوای ادراکی است .

صم بکم عمی فهم لایعقلون

کر، لال و کور خواندن کفرپیشگان علی رغم اینکه آنان از ابزار شنوایی و . .. برخوردار هستند، می تواند اشاره به این حقیقت باشد که: اگر ابزار و قوای ادراکی وسیله فهم معارف دین قرار نگیرند، در حقیقت با نبودشان یکسانند و ارزشی ندارند.

استفاده از قوای ادراکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۸ - ۹

۹ - لزوم بهره گیری از استعداد ها و قوای جسمی و عقلی ، به هنگام شکوفایی آن و در دوران پیری

و من نعمّره ننکّسه فی الخلق أفلایعقلون

اهمیت قوای ادراکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۶ - ۷

۷- اهمیت ویژه بینایی ، شنوایی و نیروی ادراکی انسان ، در مقایسه با سایر نعمت های الهی

و لقد مکّنّهم . .. و جعلنا لهم سمعًا و أبصرًا و أفئده

از اختصاص به ذکر یافتن چشم، گوش و قلب، مطلب بالا استفاده می شود.

تأثیر جادو در قوای ادراکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۶ - ۸

۸ - سِحر ،

دارای تأثیر و نفوذ بر قوای ادراکی و قوه مخیله

یخیّل إلیه من سحرهم

تأثیرپذیری قوای ادراکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۱ - ۲۱

۲۱ قوای ادراکی بشر ، تحت تأثیر مشاهده اوج زیبایی و جلوه های جمال ، کارآیی خود را از دست می دهد .

و قطّعن أیدیهنّ

دقت در ضعف قوای ادراکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵ - ۲۱

۲۱- قوای جسمی و عقلی در مرحله نهایی پیری ، به درجه ای کاهش می یابد که انسان از فراگیری محروم می ماند و تمامی دانسته های پیشین خود را از دست می دهد .

منکم من یردّ إلی أرذل العمر لکیلا یعلم من بعد علم شیئًا

رشد قوای ادراکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵ - ۱۹

۱۹- منحنی صعود ، قوس رشد و تکامل قوای جسمی و عقلی انسان و منحنی نزول ، قوس ضعف و انحطاط آن قوا است .

لتبلغوا أشدّکم. .. منکم من یردّ إلی أرذل العمر

زمینه ختم قوای ادراکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۰۸ – ۹

۹- ارتباط مستقیم مهر شدن راه های ادراکی ، با غفلت کامل انسان

طبع الله علی قلوبهم و سمعهم و أبصرهم و أُولئک هم الغفلون

زمینه سلب قوای ادراکی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۵۹ – ۵

۵ – موضع گیری و عمل خود آدمی ، زمینه نابود شدن استعداد هدایت در

وی است .

و لئن جئتهم بأيه ليقولنّ الذين كفروا إن أنتم إلاّ مبطلون . كذلك يطبع اللّه

ضعف قوای ادراکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵ - ۱۹

۱۹- منحنی صعود ، قوس رشد و تکامل قوای جسمی و عقلی انسان و منحنی نزول ، قوس ضعف و انحطاط آن قوا است .

لتبلغوا أشدّكم. .. منكم من يردّ إلى أرذل العمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۷ - ۹

۹ - منحنی صعود ، قوس رشد و تکامل قوای جسمی و عقلی انسان و منحنی نزول ، قوس ضعف و انحطاط آن قوا است .

ثمّ لتبلغوا أشدّكم ثمّ لتكونوا شيوخًا

عوامل سلب قوای ادراکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۹ - ۸

۸ - لجاجت کنندگان در برابر پذیرش آیات الهی ، در معرض از دست دادن قوای درک معارف الهی اند .

و لئن جئتهم بأيه ليقولنّ الذين كفروا إن أنتم إلاّ مبطلون . كذلك يطبع اللّه على ق

فلسفه قوای ادراکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۸ - ۱۰

۱۰- هدف از آفرینش انسان و اعطای نعمت (قوای ادراکی و . . .) به او ، شناخت خداوند و شکر اوست .

و الله أخرجكم من بطون . .. و جعل لكم السمع ... لعلّكم تشكرون

قوای ادراکی انسان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۹ – ۶،۹،۱۶

۶ قوای ادراکی (چشم

و گوش و قلب انسان) از نشانه های خداوند است .

اللّه الذی أحسن . .. و بدأ خلق الإنسن ... و جعل لکم السمع و الأبصر و الأفئده

۹ – انسان ، واجد دو نوع قوه ادراکی (حسی و باطنی) است .

و جعل لکم السمع و الأبصر و الأفئده

۱۶ – قوای ادراکی انسان (چشم و گوش و قلب) مواهب الهی اند و شایسته است که به خاطر آنها ، به درگاه وی شکرگزاری شود .

ثمّ سوّیه و نفخ فیه من روحه و جعل لکم السمع و الأبصر و الأفئده قلیلًا ما تشکرو

قوای ادراکی گمراهان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۹۷ – ۷

۷- تأثیر عقیده و عمل گمراهان حق ناپذیر ، در قوای ادراکی و حسی (چشم ، گوش و زبان) آنان به هنگام حشر در قیامت

و نحشرهم یوم القیمه علی وجوههم عمیًا و بکمًا و صمًّا

قوای ادراکی موجودات زنده

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۴ – ۳

۳ – اندیشه در چگونگی پیدایش حیات و نیروی حس و ادراک در موجودات زنده ، زمینه ره یابی به نشانه های متقن الهی

و فی خلقکم و ما . .. ءایت لقوم یوقنون

طرح خلقت انسان و جنبندگان، به عنوان زمینه ره یابی به یقین، می تواند نظر به جنبه زنده بودن و حس و شعور داشتن آنها داشته باشد; چه این که پیدایش این امور، در متن نظام مادی طبیعت، آیتی بزرگ است.

نعمت قوای ادراکی

جلد – نام سوره – سوره – آیه

- فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۸ - ۵

۵- شنوایی ، بینایی و قلب (قدرت ادراک) ، از مهم ترین نعمت های خداوند به انسان

و الله أخرجکم . .. و جعل لکم السمع و الأبصر و الأفئده

برداشت فوق، از آن جاست که آیه شریفه علاوه بر بیان آیات قدرت الهی، در صدد برشمردن نعمتهای الهی و در مقام امتنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۸ - ۴

۴ - نیروی شنوایی ، بینایی و ادراکی انسان ، نعمت هایی الهی و در خور شکر و سپاس گزاری

و هو الذی أنشأ لکم . .. قلیلاً ما تشکرون

نقش قوای ادراکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۸ - ۶

۶ - ابزار حسی و تعقلی انسان ، وسیله راه یابی او به شناخت حق و صراط مستقیم

و إنّک لتدعوهم إلی صرط مستقیم . .. أنشأ لکم السمع و الأبصر و الأفئده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۶ - ۵

۵- بینایی ، شنوایی و نیروی ادراک ، از پایه های مهم شناخت

و جعلنا لهم سمعًا و أبصرًا و أفئده فما أغنی عنهم

در آیه شریفه <سمع>، <أبصار> و <أفئده> عواملی کافی برای رهیابی انسان به حقایق معرفی شده است و قوم عاد به خاطر بهره نگرفتن از آنها، مورد سرزنش قرار گرفته اند.

قیاس از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

قیاس

آثار قیاس صالحان با مفسدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۸ - ۲

۲ - برابر دانستن صالحان

با مفسدان و تقواپیشگان با تبه کاران ، به معنای باطل و بی هدف شمردن جهان آفرینش است .

و ما خلقنا السماء . .. بطلًا... أم نجعل الذین ءامنوا و عملوا الصلحت کالمفسدین

آثار قیاس متقین با گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۸ - ۲

۲ - برابر دانستن صالحان با مفسدان و تقواپیشگان با تبه کاران ، به معنای باطل و بی هدف شمردن جهان آفرینش است .

و ما خلقنا السماء . .. بطلًا... أم نجعل الذین ءامنوا و عملوا الصلحت کالمفسدین

ارزش قیاس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۰ - ۲

۲ ارزش حلال ها و حرام ها غیر قابل مقایسه با یکدیگر

قل لایستوی الخبیث و الطیب

برخی به قرینه آیات گذشته حرامها را مصداق مورد نظر برای خبیث و حلالها را مصداق طیب دانسته اند.

استفاده از قیاس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۰ - ۱۶

۱۶ خداوند ، فراخوان مردم به مقایسه قوانین الهی با سایر قوانین برای باور به برتری احکام الهی

و من احسن من اللّه حکماً لقوم یوقنون

اوّلین قیاس کننده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۲ - ۱۲

۱۲ عن أبی عبـدالله(ع): . .. فـإن أول من قاس إبلیس حین قال: < خلقتنی من نار و خلقته من طین> فقاس ما بین النار و الطین، و لو قاس نوریه آدم بنوریه النار عرف فضل ما بین النورین ... .

از امام صادق(ع) روایت شده

است: . .. اولین کسی که قیاس کرد ابلیس بود آنگاه که (خطاب به خداوند) گفت: <مرا از آتش آفریده ای و او (آدم) را از گل> و بین آتش و خاک قیاس کرد، اگر نورانیت آدم(ع) را با روشنایی آتش مقایسه کرده بود، تفاوت بین آن دو نور را در می یافت ... .

اهمیّت رعایت قیاس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۰ - ۱۵

۱۵ رعایت حلال ها و حرام های الهی ، تقواپیشگی است .

لایستوی الخبیث و الطیب . .. فاتقوا اللّه

برداشت فوق بر این مبناست که مصداق مورد نظر از خبث و طیب به قرینه آیات گذشته حلالها و حرامهای الهی باشد.

تاریخ قیاس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۲ - ۱۲

۱۲ عن أبی عبدالله(ع): . .. فإن أول من قاس إبلیس حین قال: < خلقتنی من نار و خلقته من طین> فقاس ما بین النار و الطین، و لو قاس نوریه آدم بنوریه النار عرف فضل ما بین النورین ... .

از امام صادق(ع) روایت شده است: . .. اولین کسی که قیاس کرد ابلیس بود آنگاه که (خطاب به خداوند) گفت: <مرا از آتش آفریده ای و او (آدم) را از گل> و بین آتش و خاک قیاس کرد، اگر نورانیت آدم(ع) را با روشنایی آتش مقایسه کرده بود، تفاوت بین آن دو نور را در می یافت ... .

قیاس ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۲ - ۱۲

۱۲

عن أبى عبدالله(ع): . .. فإن أول من قاس إبليس حين قال: < خلقتنى من نار و خلقته من طين> فقاس ما بين النار و الطين، و لو قاس نوريه آدم بنوريه النار عرف فضل ما بين النورين ... .

از امام صادق(ع) روایت شده است: . .. اولین کسی که قیاس کرد ابلیس بود آنگاه که (خطاب به خداوند) گفت: <مرا از آتش آفریده ای و او (آدم) را از گل> و بین آتش و خاك قیاس کرد، اگر نورانیت آدم(ع) را با روشنایی آتش مقایسه کرده بود، تفاوت بین آن دو نور را در می یافت ... .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۶ - ۸

۸ - ابلیس ، در مقایسه میان شخصیت خود و آدم (ع) ، روح الهی موجود در آفرینش آدم را نادیده گرفت .

فإذا سوّیته و نفخت فیه من روحی فقعوا له سجدین . ..قال أنا خیر منه خلقتنی من نار

قیاس انسان با آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۷ - ۲

۲ - انسان ، در مقایسه با مجموعه عالم هستی ، موجودی کوچك و ناچیزاست .

لخلق السموت و الأرض أکبر من خلق الناس

قیاس اهل تسلیم با گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳۵ - ۲

۲ - فرمانبران و تسلیم شدگان فرمان های الهی ، در نگاه ارزشی اسلام با مجرمان و تبهکاران برابر نیستند ; بلکه آنان برتراند .

أفنجعل المسلمین کالمجرمین

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است

که <مسلمین> در معنای لغوی آن به کار رفته باشد; نه اصطلاحی

قیاس باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۷ - ۳،۴،۸

۳- هیچ گاه آفرینشگر با غیر آفرینشگر ، قابل مقایسه نیست .

أفمن یخلق کمن لایخلق

۴- قابل قیاس نبودن موجود آفرینشگر با موجود فاقد قدرت خلق ، از بدیهیات عقلی است .

أفمن یخلق کمن لایخلق

طرح سؤال یاد شده در آیه بی آنکه جوابی برای او بدهد ارشاد به حکم عقل است.

۸- بی توجهی به غیر قابل قیاس بودن خالق با غیر خالق ، مذموم و ناپسند است .

أفمن یخلق کمن لایخلق أفلاتذکّرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۵ - ۱۱،۱۲

۱۱- استقلال مالی و توانگری همراه با انفاق ، غیر قابل مقایسه با وابستگی ، فقر و ناتوانی از انفاق است .

ضرب الله مثلاً عبدًا مملوکًا لایقدر علی شیء و من رزقنه . .. هل یستون

۱۲- قابل مقایسه نبودن مخلوقات با خداوند ، امری روشن و به دور از ابهام است .

ضرب الله مثلاً عبدًا مملوکًا . .. و من ... فهو ینفق منه سرًّا و جهرًا هل یستون

پاسخ <هل یستون> به جهت بداهت و وضوح ذکر نشده است که در واقع خداوند می فرماید: همان گونه که برده ای فاقد اختیار، هرگز قابل مقایسه با آزاده ای توانمند و انفاقگر نیست و این موضوعی است بدیهی و بی نیاز از توضیح، مقایسه خلق با خدا نیز این چنین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۷۶ – ۸

۸– قابل

مقایسه نبودن مخلوقات با خداوند ، امری روشن ، بدیهی و به دور از ابهام است .

و ضرب الله مثلًا رجلین أحدهما أبکم لایقدر علی شیء . .. هل یستوی هو و من یأمر بال

برداشت فوق، از حذف جواب استفهام (هل یستوی هو . ..) که می تواند این حذف به خاطر وضوح و بداهت آن باشد استفاده گردیده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۸ - ۲

۲ - هیچ چیز ، قابل مقایسه و برابری با پروردگار جهانیان نیست .

إن کنّا لفی ضلل مبین . إذ نسوّیکم بربّ العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۱ - ۱

۱ - مقایسه انسان هدایت شده (هر چند بی بهره از موهبت های دنیوی) با انسان هدایت ناپذیر (اما برخوردار از متاع مادی) قیاسی نسنجیده و باطل در بینش الهی

أفمن وعدنه وعدًا حسنًا . .. کمن متّعنه

آیه بالا ادامه آیات پیشین و مربوط به کسانی است که به دعوت پیامبر(ص) پاسخ مثبت داده و به هدایت الهی دست یافتند و نیز در رابطه با کسانی است که از پذیرش دعوت آن حضرت سر باز زدند و به بهانه های مختلف از پیروی هدایت های الهی امتناع ورزیدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۹ - ۴

۴ - برابر و هم سنگ نبودن کافران با مؤمنان

و ما یستوی الأعمی و البصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹- فرجام نیک متقین بهشتی ، غیرقابل قیاس با فرجام سخت دوزخیان

مثل الجنّه الّتی وعد المتّقون . .. کمن هو خلد فی النار

قیاس بت ها با عیسی(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۵۸ – ۱،۶

۱ – مجادله مشرکان مکه با پیامبر (ص) ، در مقایسه معبود های خویش با عیسی (ع)

و قالوا ءألهتنا خیر أم هو

۶ – مقایسه میان بت ها و عیسی بن مریم (ع) ، حرکتی جدلی از سوی مشرکان مکه

ما ضربوه لک إلّا جدلاً

در مکتب پیامبر(ص) سخن از الوهیت عیسی(ع) به میان نیامده بود تا مشرکان او را با آلهه خود مقایسه کنند.

قیاس بهشت و جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۶۲ – ۱

۱ – زندگی انسان های بهشتی با انواع نعمت ها (همچون نهر ها ، تخت ها ، شراب و همسران زیبا) قابل مقایسه با زندگی پردرد و رنج دوزخیان نیست .

أذلک خیر نزلاً أم شجره الزقّوم

خوب بودن زندگی بهشتیان و بدی زندگی دوزخیان امری روشن و آشکار است. بر این اساس سؤال از بهتر بودن زندگی بهشتیان نسبت به دوزخیان می تواند برای بیان شدت تفاوت این دو زندگی و قابل قیاس نبودن آنها می باشد.

قیاس تولیت مسجد با جهاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۹ - ۱

۱ سرزنش خداوند نسبت به مسلمانانی که شغل آب دهی به حاجیان و سرپرستی مسجدالحرام را با جهاد در راه خدا برابر انگاشته

و خویشتن را همطراز با مؤمنان اهل پیکار در راه خدا می پنداشتند .

أجعلتم سقایه الحاجّ و عماره المسجدالحرام کمن ءامن باللّه و الیوم الأخر و جهد فی

قیاس خدا با موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۵ - ۱۲

۱۲- قابل مقایسه نبودن مخلوقات با خداوند ، امری روشن و به دور از ابهام است .

ضرب الله مثلاً عبدًا مملوکًا . .. و من ... فهو ینفق منه سرًّا و جهرًا هل یستون

پاسخ <هل یستون> به جهت بداهت و وضوح ذکر نشده است که در واقع خداوند می فرماید: همان گونه که برده ای فاقد اختیار، هرگز قابل مقایسه با آزاده ای توانمند و انفاقگر نیست و این موضوعی است بدیهی و بی نیاز از توضیح، مقایسه خلق با خدا نیز این چنین است.

قیاس خوبی با بدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۴ - ۱

۱ - مساوی نبودن خوبی و بدی ، امری روشن و آشکار

و لا تستوی الحسنه و لا السیّئه

قیاس دنیا با آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۰ - ۲۱

۲۱ - زندگانی دنیا ، در مقایسه با آخرت ، کالایی فریبنده بیش نیست .

و ما الحیوه الدنیا إلّا متع الغرور

قیاس رباخوار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۵ - ۷،۸،۱۷

۷ پندار نادرست رباخواران ، از همانندی بیع با ربا ، دلیل رباخواری آنان

الّذین یأکلون الرّبوا . .. ذلک بانّهم قالوا انّما البیع مثل

بنابراینکه <ذلکَ> اشاره به <اکل ربا> باشد که از <یأکلون الرّبوا> به دست می آید.

۸ پندار و باور غلط رباخواران از همگونی بیع و ربا ، نشانه عدم تعادل شخصیّت آنان

الّذین یأکلون . .. ذلک بانّهم قالوا انّما البیع مثل الرّبوا

کلمه <ذلکَ> علاوه بر اینکه اشاره به <اکل ربا> است، می تواند اشاره به تخبّط وجنون زدگی باشد، البته در این صورت جمله <ذلک بانّهم> تعلیل در مقام اثبات است که در این برداشت به نشانه تعبیر شده است.

۱۷ اعتقاد به همگونی بیع و ربا پس از بیان ربا و حکم آن ، موجب جاودانگی در آتش

قالوا انّما البیع . .. و من عاد فاولئک اصحاب النّار هم فیها خالدون

در برداشت فوق متعلق <عاد>، پندار غلط همسانی بیع و ربا گرفته شده است، بنابراین جمله <و من عاد . .. > به این معناست: اگر کسی پس از بیان حکم الهی درباره ربا، همچنان بر این پندار باشد که بیع همانند رباست در آتش مخلّد خواهد بود. چون وی در حقیقت کافر است.

قیاس زنده به مرده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۲ - ۱

۱ - زندگان با مردگان برابر نیستند .

و ما یستوی الأحیاء و لا الأموت

قیاس سقایت حاجیان با جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۹ - ۱

۱ سرزنش خداوند نسبت به مسلمانانی که شغل آب دهی به حاجیان و سرپرستی مسجدالحرام را با جهاد در راه خدا برابر انگاشته و خویشتن را همطراز با مؤمنان اهل پیکار در راه خدا

می پنداشتند .

أجعلتم سقایه الحاجّ و عماره المسجدالحرام کمن ءامن باللّه و الیوم الأخر و جهد فی

قیاس صالحان با مفسدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۸ - ۴،۵

۴ - مؤمنان نیکوکار در نگاه نظام ارزشی خدا با مفسدان برابر نیستند ، بلکه آنان برترند .

أم نجعل الذین ءامنوا و عملوا الصلحت کالمفسدین فی الأرض

۵ - یکسان نبودن صالحان با مفسدان و تقواپیشگان با تبه کاران ، امری بدیهی در نگاه عقل و منطق

أم نجعل الذین ءامنوا و عملوا الصلحت . .. کالفجّار

برداشت یاد شده از استفهام انکاری مستفاد از جمله <أم نجعل. ..> به دست می آید.

قیاس کافران با مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۲ - ۴،۵

۴ - زندگی و سرنوشت کافران و مسلمانان ، هرگز برابر و همسان نیست .

أفمن یمشی مکبًّا علی وجهه أهدی أمّن یمشی سویًّا علی صرط مستقیم

۵ - قابل مقایسه نبودن کافران و مسلمانان ، امری روشن ، بدیهی و به دور از ابهام

أفمن یمشی مکبًّا علی وجهه أهدی أمّن یمشی سویًّا علی صرط مستقیم

برداشت یاد شده، از استفهام تقریری در (أفمن . .. أمّن) استفاده می شود.

قیاس کافران با مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۱۹ – ۴

۴ – برابر و هم سنگ نبودن کافران با مؤمنان

و ما يستوى الأعمى و البصير

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۲۰ – ۳

۳ – برابر و يکسان نبودن مؤمنان و کافران ،

از نظر شخصیت و سرنوشت

و لا الظلمت و لا النور

قیاس گمراهان با مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۰ - ۱

۱ - برابر نبودن انسان گمراه و فرورفته در تاریکی و سرگردانی ، با انسان راه یافته و حقیقت شناس

و لا الظلمت و لا النور

قیاس متقین با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۷ - ۶

۶ - مقایسه فرجام نیک تقواپیشگان با سرنوشت شوم کافران ، شیوه بهینه هدایت خلق

اصلوها . .. إنّ المتّقین فی جنّت و نعیم

از این که خداوند در هدایت خلق، به ترسیم هر دو فرجام پرداخته است; مطلب بالا برداشت می شود.

قیاس متقین با گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۸ - ۵،۷

۵ - یکسان نبودن صالحان با مفسدان و تقواپیشگان با تبه کاران ، امری بدیهی در نگاه عقل و منطق

أم نجعل الذین ءامنوا و عملوا الصلحت . .. کالفجّار

برداشت یاد شده از استفهام انکاری مستفاد از جمله <أم نجعل. ..> به دست می آید.

۷ - تقواپیشگان در نظام ارزشی خدا با تبه کاران برابر نیستند ; بلکه آنان برتر می باشند .

أم نجعل المتّقين كالفجّار

قياس مسلمانان با گناهكاران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳۵ - ۱

۱ - مسلمانان ، در نگاه نظام ارزشى اسلام ، با مجرمان برابر نيستند ; بلكه از آنان برتراند .

أفنجعل المسلمين كالمجرمين

استفهام در <أفنجعل. ..>، انكارى و درصدد نفى برابرى مسلمانان با مجرمان و

اثبات برتری آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳۷ - ۱

۱ - در هیچ کتاب آسمانی ، مسلمانان و اطاعت کنندگان از خدا ، با مجرمان و تبهکاران یکسان تلقی نشده اند .

أفنجعل المسلمین کالمجرمین . .. أم لکم کتب فیه تدرسون

قیاس مشرک با مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۹ - ۲

۲ همسنگ قرار دادن کافر و مشرک نیک کردار با مؤمن مجاهد ، عملی ناصواب و شایسته ملامت و توبیخ است .

أجعلتم سقایه الحاجّ و عماره المسجدالحرام کمن ءامن باللّه و الیوم الأخر و جهد فی

قیاس مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۸ - ۶

۶ - مقایسه میان بت ها و عیسی بن مریم (ع) ، حرکتی جدلی از سوی مشرکان مکه

ما ضربوه لک إلاّ جدلاً

در مکتب پیامبر(ص) سخن از الوهیت عیسی(ع) به میان نیامده بود تا مشرکان او را با آلهه خود مقایسه کنند.

قیاس مشکلات با نعمتها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۹ - ۷

۷ - برخورداری انسان از نعمت های الهی در دنیا بیش از ابتلای وی به شرور و سختی ها است .

لايسئم الإنسن من دعاء الخير و إن مسّه الشرّ

<إن> شرطیه در مواردی به کار رود که تحقق شیء در آن موارد نادر و کم می باشد به کارگیری آن در مورد <شر> بیانگر برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۱ - ۱۲

۱۲ - مشکلات و تنگنا های زندگی انسان ، در مقابل نعمت های اعطا شده از سوی خداوند به او اندک است .

و إذا أنعمنا. .. و إذا مسّه الشرّ

به کار رفتن واژه <مسّه> در مورد شرور و نه مورد نعمت ها بیانگر مطلب یاد شده است.

قیاس ممنوع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۴ - ۲

۲- مقایسه کردن خداوند با مخلوقات و تشبیه نمودن صفات او به صفات خلق ، ممنوع است .

فلاتضربوا لله الأمثال

قیاس موجودات با خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۵ - ۱۷

۱۷- بیشتر مشرکان نسبت به حقیقت صفات خدا و قابل مقایسه نبودن مخلوقات با او ، ناآگاهند .

بل أکثرهم لایعلمون

برداشت فوق به خاطر این است که صدر آیه سخن از قابل مقایسه نبودن خلق با خدا بود و نفی علم (لایعلمون) نیز به همین زمینه نظر دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۶ - ۱۸

۱- خلق در مقایسه با خدا ، به مثابه لالهایی ناتوان و نیازمند سرپرستند .

و ضرب الله مثلًا رجلین أحدهما أبکم لایقدر علی شیء و هو کَلّ علی موله

۸- قابل مقایسه نبودن مخلوقات با خداوند ، امری روشن ، بدیهی و به دور از ابهام است .

و ضرب الله مثلًا رجلین أحدهما أبکم لایقدر علی شیء . .. هل یستوی هو و من یأمر بال

برداشت فوق، از حذف جواب استفهام (هل یستوی هو . ..)

که می تواند این حذف به خاطر وضوح و بداهت آن باشد استفاده گردیده است.

قیاس مؤمن با کافر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۹ – ۲

۲ همسنگ قرار دادن کافر و مشرک نیک کردار با مؤمن مجاهد ، عملی ناصواب و شایسته ملامت و توبیخ است .

أجعلتم سقایه الحاجّ و عماره المسجدالحرام کمن ءامن باللّه و الیوم الأخر و جهد فی

قیاس مؤمنان با کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۲۱ – ۲

۲ – برابر و یکسان نبودن مؤمنان با کافران ، از نظر شخصیت و سرنوشت .

و لا الظلّ و لا الحرور

قیاس مؤمنان با مفسدان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۲۸ – ۴

۴ – مؤمنان نیکوکار در نگاه نظام ارزشی خدا با مفسدان برابر نیستند ، بلکه آنان برترند .

أم نجعل الذین ءامنوا و عملوا الصلحت کالمفسدین فی الأرض

قیاس مهتدین با گمراهان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۶۱ – ۱

۱ – مقایسه انسان هـدایت شده (هر چند بی بهره از موهبت های دنیوی) با انسان هدایت ناپذیر (اما برخوردار از متاع مادی)

قیاسی نسنجیده و باطل در بینش الهی

أفمن وعدنه وعدًا حسنًا . .. کمن متّعنه

آیه بالا ادامه آیات پیشین و مربوط به کسانی است که به دعوت پیامبر(ص) پاسخ مثبت داده و به هدایت الهی دست یافتند و نیز در رابطه با کسانی است که از پذیرش دعوت

آن حضرت سر باز زدند و به بهانه های مختلف از پیروی هدایت های الهی امتناع ورزیدند.

قیاس ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۹ - ۱،۲

۱ سرزنش خداوند نسبت به مسلمانانی که شغل آب دهی به حاجیان و سرپرستی مسجدالحرام را با جهاد در راه خدا برابر انگاشته و خویشتن را همطراز با مؤمنان اهل پیکار در راه خدا می پنداشتند .

أجعلتم سقایه الحاجّ و عماره المسجدالحرام کمن ءامن باللّه و الیوم الأخر و جهد فی

۲ همسنگ قرار دادن کافر و مشرک نیک کردار با مؤمن مجاهد ، عملی ناصواب و شایسته ملامت و توبیخ است .

أجعلتم سقایه الحاجّ و عماره المسجدالحرام کمن ءامن باللّه و الیوم الأخر و جهد فی

قیاس نیکان با بدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۹ - ۷

۷ - مقایسه کردن میان نیکان و بدان ، از روش های تربیتی قرآن

أمّن هو قنت ءاناء الّیل . .. و یرجوا رحمه ربّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۲ - ۱۱

۱۱ - مقایسه کردن میان نیکان و بدان ، از روش های تربیتی قرآن

أفمن شرح اللّه صدره للإسلم فهو علی نور من ربّه فویل للقسیه قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۹ - ۱۲

۱۲ – مقایسه میان نیکان و بدان ، از روش های هدایتی و تربیتی قرآن

ضرب اللّه مثلاً رجلاً . .. هل یستویان مثلاً

قیاس نیکان و بدان

جلد – نام سوره

- سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۲۴ – ۴

۴ – مقایسه کردن میان نیکان و بدان ، از روش های تربیتی قرآن

أفمن يتّقى بوجهه سوء العذاب يوم القيمه

قیاس ولید بن مغیره

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مدثر – ۷۴ – ۱۸ – ۲

۲ – مبارزه کافران با قرآن و رسالت پیامبر (ص) ، با اندیشه شیطانی و سنجیده کاری همراه بود .

إنّه كان لأيتنا عنيدًا . .. إنّه فكّر و قدّر

ملاک قیاس

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۰۰ – ۳

۳ پاکی و ناپاکی از جمله ملاک های حرمت و حلیت اشیاء

لايستوى الخبيث و الطيب

قیاس باطل

قیاس باطل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۷ – ۳،۴،۸

۳- هیچ گاه آفرینشگر با غیر آفرینشگر ، قابل مقایسه نیست .

أفمن يخلق كمن لايخلق

۴- قابل قیاس نبودن موجود آفرینشگر با موجود فاقد قدرت خلق ، از بدیهیات عقلی است .

أفمن یخلق کمن لایخلق

طرح سؤال یاد شده در آیه بی آنکه جوابی برای او بدهد ارشاد به حکم عقل است.

۸- بی توجهی به غیر قابل قیاس بودن خالق با غیر خالق ، مذموم و ناپسند است .

أفمن یخلق کمن لایخلق أفلاتذکّرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۵ - ۱۱،۱۲

۱۱- استقلال مالی و توانگری همراه با انفاق ، غیر قابل مقایسه با وابستگی ، فقر و ناتوانی از انفاق است .

ضرب الله مثلاً عبدًا مملوکًا لایقدر علی شیء و من

رزقنه . .. هل يستون

۱۲- قابل مقايسه نبودن مخلوقات با خداوند ، امری روشن و به دور از ابهام است .

ضرب الله مثلاً عبدًا مملوكًا . .. و من ... فهو ينفق منه سرًّا و جهرًا هل يستون

پاسخ <هل يستون> به جهت بداهت و وضوح ذكر نشده است كه در واقع خداوند می فرمايد: همان گونه كه برده ای فاقد اختيار، هرگز قابل مقايسه با آزاده ای توانمند و انفاقگر نيست و اين موضوعی است بديهی و بی نياز از توضيح، مقايسه خلق با خدا نيز اين چنين است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۶ - ۸

۸- قابل مقايسه نبودن مخلوقات با خداوند ، امری روشن ، بديهی و به دور از ابهام است .

و ضرب الله مثلًا رجلين أحدهما أبكم لايقدر علی شیء . .. هل يستوی هو و من يأمر بال

برداشت فوق، از حذف جواب استفهام (هل يستوی هو . ..) كه می تواند اين حذف به خاطر وضوح و بداهت آن باشد استفاده گرديده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۸ - ۲

۲ - هيچ چيز ، قابل مقايسه و برابری با پروردگار جهانيان نيست .

إن كنّا لفی ضلل مبين . إذ نسوّيكم بربّ العلمين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۱ - ۱

۱ - مقايسه انسان هدايت شده (هر چند بی بهره از موهبت های دنيوی) با انسان هدايت ناپذير (اما برخوردار از متاع مادی) قياسی نسنجيده و باطل

در بینش الهی

أفمن وعدنه وعدًا حسنًا . .. کمن متّعنه

آیه بالا ادامه آیات پیشین و مربوط به کسانی است که به دعوت پیامبر(ص) پاسخ مثبت داده و به هدایت الهی دست یافتند و نیز در رابطه با کسانی است که از پذیرش دعوت آن حضرت سر باز زدند و به بهانه های مختلف از پیروی هدایت های الهی امتناع ورزیدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۹ - ۴

۴ - برابر و هم سنگ نبودن کافران با مؤمنان

و ما یستوی الأعمی و البصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۵ - ۱۹

۱۹- فرجام نیک متقین بهشتی ، غیرقابل قیاس با فرجام سخت دوزخیان

مثل الجنّه الّتی وعد المتّقون . .. کمن هو خلد فی النار

قیام از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

قیام

اخلاص در قیام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۶ - ۱

۱ - رسول اکرم (ص) ، پیام بسیار مهمی برای مردم داشت و آن قیام مخلصانه برای خدا است .

قل إنّما أعظکم بوحده أن تقوموا للّه

<واحده> به صورت نکره آمده و دلالت بر اهمیت و عظمت موعظه می کند.

اعتدال در قیام نماز

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – کوثر – ۱۰۸ – ۲ – ۲۲

۲۲ – < عن حریز عن رجل عن أبی جعفر (ع) قال : قلت له < فصلّ لربّک و انحر > قال : النحر الإعتدال فی القیام أن یقیم صلبه و نحره ;

حَریز از مردی نقل کرده که گفت: به امام باقر(ع)

گفتم: [معنای]<فصلّ لربّک و انحر>[چیست؟]فرمود: <نحر> اعتدال در حال قیام است;[به این که]ستون فقرات و سینه خود را راست نگه دارد>.

ایمان به قیام امام مهدی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳ - ۱۶

۱۶ < عن ابی عبداللّه (ع) فی قول اللّه عز و جل < الذین یؤمنون بالغیب > قال : من أقر بقیام القائم انه حق ;

از امام صادق (ع) درباره <الذین یؤمنون بالغیب> روایت شده که فرمود: آنان کسانی هستند که به حقانیت قیام قائم اقرار دارند>.

قیام امام مهدی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۳ - ۱۱

۱۱ < عن محمد بن الفضیل عن ابی الحسن الماضی (ع) قال : قلت : < هو الذی أرسل رسوله بالهدی و دین الحق > قال : . . . الولایه هی دین الحق قلت : < لیظهره علی الدین کلّه > قال : یظهره علی جمیع الأدیان عند قیام القائم . . . ;

محمد بن فضیل گوید: از امام کاظم (ع) درباره <هو الذی ارسل رسوله . .. > سؤال کردم، فرمود: ... ولایت، همان دین حق است و درباره <لیظهره علی الدین کله> فرمود: خداوند هنگام قیام قائم (ع) دین حق را بر همه ادیان غلبه می دهد ... >.

قیام در راه خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸ - ۱،۱۸،۲۱،۲۳

۱ مؤمنان باید همواره برای خدا قیام کنند و بر اساس حق ، شهادت دهند .

یأیها الذین ءامنوا

كونوا قومين للّه شهداء بالقسط

<قوّام> صيغه مبالغه است و دلالت بر دوام دارد، يعنى عادت شما بايد قيام براى خدا باشد. و <قسط> به معناى عدل و حق است.

۱۸ قيام براى خدا ، شهادت به حق و برپا داشتن قسط ، نشانه و جلوه اى از تقوا

كونوا قومين للّه شهداء بالقسط . .. و اتقوا اللّه

۲۱ هشدار و تهديد خداوند نسبت به كسانى كه به حق شهادت ندهند و براى خدا قيام نكنند .

كونوا قومين للّه شهداء بالقسط . .. و اتقوا اللّه إنّ اللّه خبير بما تعملون

۲۳ اعتقاد به آگاهى خدا از اعمال انسان ، زمينه قيام براى خدا ، شهادت به قسط ، اجراى عدالت و تحصيل تقواست .

كونوا قومين للّه شهداء بالقسط . .. و اتقوا اللّه إنّ اللّه خبير بما تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۹ - ۴

۴ قيام براى خدا ، شهادت به قسط و اجراى عدالت ، از مصاديق عمل صالح

كونوا قومين للّه شهداء بالقسط . .. و عملوا الصلحت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۶ - ۱

۱ - رسول اكرم (ص) ، پيام بسيار مهمى براى مردم داشت و آن قيام مخلصانه براى خدا است .

قل إنّما أعظكم بوحده أن تقوموا للّه

<واحده> به صورت نكره آمده و دلالت بر اهميت و عظمت موعظه مى كند.

قيام در عبادت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۹ - ۴

۴ - سجده و قیام ، دو رکن عبادت

أمّن

هو قنت ءاناء الّیل ساجدًا و قائمًا

اختصاص به ذکر یافتن سجده و قیام از میان دیگر اجزا و ارکان عبادت، برداشت بالا به دست می آید.

قیام در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۶ - ۱۶

۱۶ - قیام ، رکوع و سجود ، از ارکان نماز

و القائمین و الرّکع السجود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۴ - ۳

۳ سجده و قیام ، دو رکن اساسی نماز است .

و الذین یبیتون لربّهم سجّدًا و قیمًا

برداشت یاد شده، از اختصاص به ذکر یافتن سجده و قیام از میان دیگر ارکان و اجزای نماز، استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۶ - ۴

۴ - قیام و قرائت ، اساسی ترین ارکان عبادت و نماز

هی أشدّ وطًا و أقوم قیلًا

اختصاص به ذکر یافتن دو رکن قیام (أشدّ وطئًا) و قرائت (أقوم قیلًا) از میان ارکان پنجگانه نماز، بیانگر مطلب یاد شده است.

قیام در نماز شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۶ - ۲

۲ – ایستادن در پیشگاه خدا با گامی استوارتر و گفتوگو در محضر او با سخنانی راست تر و ریشه دارتر ، دو امتیاز برجسته نماز و عبادت شبانه

هی أشدّ وطًا و أقوم قیلًا

ضمیر <هی> به <ناشئه> بازمی گردد. <أشدّ> معادل <أثبت> (با ثبات تر، استوارتر) و <وطیء> مرادف <قیام> (ایستادن) است (لسان العرب). <أقوم> نیز به معنای <أسدّ> (محکم تر) و <قیلًا> همتای <مقال> (سخن

گفتن) است; یعنی، آن (پدیده شب) از حیث ایستادن (ایستادن در پیشگاه خدا) استوارتر و از حیث سخن (سخن گفتن در محضر خدا) محکم تر است.

قیام علیه رهبران حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۳ - ۱۹

۱۹ - < عن ابی عبدالله (ع) فی قول الله عز و جل : < فمن اضطر غیر باغ و لاعاد > قال : الباغی الذی یخرج علی الأمام و العادی : الذی یقطع الطریق لایحل لهما المیته . . . ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خداوند که فرموده: < فمن اضطر غیر باغ و لاعاد> روایت شده است: مراد از باغی کسی است که علیه امام]حق[خروج کرده و مراد از عادی کسی است که راهزنی می کند که در]حال اضطرار هم [خوردن مردار بر آنان حلال نیست . .. >.

قیام هنگام خطبه نماز جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱۱ - ۵

۵ - ایستادن در حال ایراد خطبه های نماز جمعه ، از آداب آن است .

و ترکوک قائمًا

مراد از قیام خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۳ - ۲۱

۲۱ < عن أبی الحسن الرضا (ع) قال : إعلم . . . ان الله تبارک و تعالی . . . قائم لیس علی معنا انتصاب و قیام علی ساق فی کبد کما قامت الأشیاء و لکن < قائم > یخبر أنه حافظ والله هو القائم علی کل نفس بما کسبت

. . . ;

از امـام رضـا(ع) روایت شـده است که فرمود: بـدان که خداونـد تبـارك و تعالی . .. قائم است نه به معنای ایسـتادن و در میان آسـمان بر روی پا قرار گرفتن آن گونه که اشـیا قیام دارند و ایستاده اند ; بلکه [خداوند]قائم است، به این معنا می باشد که او حافظ است و تنها خداوند است که حافظ هر فردی می باشد با آنچه کسب کرده است>.

قیامت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{قیامت}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹ - ۱،۳

۱ اذعان عالمان ژرفنگر ، به وقوع قیامت ، بر اساس وعده الهی

و الراسخون فی العلم . .. ربّنا انّک جامع النّاس لیوم لا ریب فیه انّ اللّه لایخلف

۳ اعتقاد به قیامت ، زمینه احساس نیاز انسان به رحمت و هدایت الهی

ربّنا لا تزغ قلوبنا . .. ربّنا انّک جامع الناس

بنابراینکه <ربّنا انک جامع الناس>، بیانگر علّت طلب رحمت و استمرار هدایت خداوند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۶ - ۶

۶ وجود یاوران (شفیعان) در قیامت

ما لهم من ناصرین

حصر مستفاد از تقدیم <لهم> بر <ناصرین> گویای این معناست که تنها کافران از یاور محروم هستند بنابراین وجود یاور و شفیع در قیامت فرض شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۷ - ۴

۴ پاداش ها در قیامت نیتجه عمل خود انسان است . *

فیوفّیهم اجورهم

استعمال اجر و اجرت، معمولاً در قبال عمل انسان به

کار می رود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۷۷ – ۱۱،۱۲،۱۳،۱۵،۲۱،۲۲،۲۳

۱۱ سوداگران عهد الهی و پیمان شکنان ، مورد غضب الهی و محروم از سخن گفتن و توجه نمودن خداوند به آنان در آخرت

انّ الّذین یشترون . .. و لا یکلّمهم اللّه و لا ینظر الیهم یوم القیمه

۱۲ پایبندی به عهد الهی و پیمان های خود ، زمینه بهره مندی از سخن و نظر الهی در قیامت

انّ الّذین یشترون . .. و لا یکلّمهم اللّه و لا ینظر الیهم یوم القیمه

۱۳ سخن گفتن خداوند با مردم در قیامت

و لا یکلّمهم اللّه و لا ینظر الیهم یوم القیمه

۱۵ علمای اهل کتاب به لحاظ سوداگری بر سر عهد الهی و پیمان شکنی ، مورد غضب خداوند ، و محروم از سخن و نظر او در قیامت و بی بهره از تزکیه او

و منهم من ان تأمنه بدینار . .. انّ الذین یشترون ... و لا یکلّمهم اللّه و لا ینظر

۲۱ تجلّی محبّت الهی نسبت به بندگان ، با تکلّم و نظر به آنها در قیامت و تزکیه آنها در دنیا

بلی من اوفی بعهده و اتقی فانّ اللّه یحبّ المتقین. انّ الذین یشترون ... و لا یزکی

از ارتباط آیه قبل با مفهوم این آیه برداشت فوق استفاده شده است و چون جمله <لا یزکیهم> را مقیّد به <یوم القیمه> نکرده بر خلاف فرازهای قبلی، می توان گفت تزکیه مربوط به دنیاست.

۲۲ دنیاپرستی ، موجب محرومیت از مواهب اخروی و سخن و نظر خدا در قیامت و مانع رشد یافتن و پاک گشتن

انّ

الذين يشترون . .. ثمناً قليلا ... و لا يزكيهم

۲۳ نظر خداوند به مردم در قیامت ، رحمت او به آنان است .

و لا ينظر اليهم

امیرالمؤمنین (ع) درباره آیه <و لا ينظر اليهم يوم القيمه>، فرمود: فنظره اليهم رحمه منه لهم.

توحید صدوق، ص ۲۶۵، ح ۵ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۲۹۳، ح ۱۳.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۴ - ۱،۴،۵،۷،۸،۱۰

۱ ایمان به خدا و روز قیامت ، امر به معروف ، نهی از منکر و شتاب در کار های خیر ، از ویژگی های برخی اهل کتاب

من اهل الكتب . .. يؤمنون باللّه و اليوم الاخر و يأمرون بالمعروف و ينهون عن المنك

۴ ایمان به خدا و روز واپسین ، امر به معروف و نهی از منکر و شتاب ورزیدن به کار های نیک ، ملاک ارزش و شایستگی (صالح بودن)

يؤمنون . .. يسارعون فى الخيرات و اولئك من الصالحين

۵ ایمان به خدا و روز واپسین ، امر به معروف و نهی از منکر ، از اصول مشترک اعتقادی و عملی ادیان الهی

من اهل الكتب . .. يؤمنون باللّه و اليوم الاخر و يأمرون بالمعروف و ينهون عن المنك

۷ گروهی از اهل کتاب که مؤمن به خدا و روز واپسین و امرکننده به معروف و نهی کننده از منکر و شتاب کنندگان به نیکی ها هستند ، از تبار صالحان هستند .

من اهل الكتب امه . .. يؤمنون باللّه ... و اولئك من الصالحين

۸ قیام به امر دین (اطاعت خدا) تلاوت آیات

خدا ، سجده به درگاه او ، ایمان به خدا و معاد ، امر به معروف و نهی از منکر و شتاب در امور خیر ، ویژگی امّت شایسته و صالح

امه قائمه . .. و اولئک من الصالحین

۱۰ صالح شدن انسان ها ، در گرو ایمان به خدا ، معاد ، امر به معروف و نهی از منکر (اصلاح دیگران) و شتاب در کار های نیک است .

یؤمنون باللّه . .. و اولئک من الصالحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۵ - ۴،۷،۹

۴ قیام به طاعت خدا ، تلاوت آیات وی در شب هنگام در حال سجده ، ایمان به خدا و معاد ، امر به معروف ، نهی از منکر و شتاب در نیکی ها ، از اعمال خیر

من اهل الکتب امّه قائمه . .. و ما یفعلوا من خیر

۷ قیام به امر خدا ، تلاوت آیات او ، سجده ، ایمان به خدا و معاد ، امر به معروف و نهی از منکر و شتاب در امر خیر ، از ویژگی های تقواپیشگان

امّه قائمه یتلون ءایت اللّه . .. و اللّه علیم بالمتّقین

آیه، در صدد بیان پاداش کسانی است که خصلتهای مذکور را دارند، از آنها تعبیر به متّقین کرده، پس آن خصلتها از آن متقین است.

۹ ایمان به خدا و روز واپسین و عمل صالح ، موجب نیل آدمی به تقواپیشگی *

امّه قائمه . .. یؤمنون باللّه و الیوم الاخر ... و اللّه علیم بالمتّقین

تعبیر از مؤمنانِ آمر به معروف و . .. به متّقیان یا

به جهت این است که دارندگان صفات یاد شده تقواپیشه هستند، و یا آن صفات موجب نیل آدمی به تقواپیشگی است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۵۶ – ۸

۸ اندیشه های جاهلانه درباره مرگ و حیات (حاکمیّت عوامل مادّی بر اراده خداوند) ، موجب حسرت کفرپیشگان ، به هنگام قیامت

لو کانوا عندنا ما ماتوا و ما قتلوا لیجعل اللّه ذلک حسره فی قلوبهم

برخی از مفسّران برآنند که زمان حسرت مطرح شده در آیه، قیامت است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۵۸ – ۳

۳ ایمان به حشر و بقای آدمی پس از مرگ ، برانگیزنده وی برای حضور در میدان کارزار علیه دشمنان دین

و لئن مُتّم او قُتلتم لالی اللّه تحشرون

خداوند با بیان این معنا که آدمی با مرگ و یا کشته شدن، چه در راه منافع دنیا و یا راه خدا، به سوی او محشور می شود، او را به جهاد ترغیب و انگیزه پیکار در راه خدا را در او تقویت می کند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۶۱ – ۶،۸،۱۱،۱۲،۱۴،۱۶

۶ روز رستاخیز ، عرصه حشر خیانتکاران به همراه آنچه (اموال و . . .) در آن خیانت کرده اند .

و من یغلل یأت بما غلّ یوم القیمه

در برداشت فوق، <باء> در <بما غلّ>، باء مصاحبت گرفته شده است.

۸ رسوایی و مجازات خیانتکاران در قیامت

و من یغلل یأت بما غلّ یوم القیمه ثمّ توفّی کلّ نفس

ما کسبت

۱۱ خیانتکاران ، دریافت کنندگان کامل (بدون کم و زیاد) جزای رفتار ناپسند خویش ، در روز رستاخیز

و من یغلل . .. ثمّ توفّی کلّ نفس ما کسبت و هم لایظلمون

۱۲ در قیامت به حق هیچ کس ظلمی نخواهد شد .

و هم لا یظلمون

۱۴ ضرورت برپایی قیامت و معاد برای دریافت تمامی جزا ها و پاداش های اعمال *

و من یغلل یأت بما غلّ یوم القیمه ثمّ توفّی کلّ نفس ما کسبت و هم لا یظلمون

جمله <و هم لا ـ یظلمون> (عدالت الهی)، پس از جمله <توفّی کلّ نفس ما کسبت>، بیانگر این است که ستم نشدن بر انسانها در گرو دریافت کامل جزا و پاداش اعمال آنان می باشد ; و این معنا تنها در قیامت تحقق می یابد.

۱۶ به مجازات رسیدن خیانتکاران در اموال امام در قیامت

و من یغلل یأت بما غلّ

امام صادق (ع): الغلول کلّ شیء غلّ عن الامام.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۰۵، ح ۱۴۸ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۲۴، ح ۲.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۰ - ۱۸،۱۳،۱۲

۱۲ دارایی های بخیلان در قیامت ، به صورت طوقی به گردنشان آویخته خواهد شد .

سیطوّقون ما بخلوا به یوم القیمه

۱۳ آویخته شدن دارایی های بخیلان در قیامت بر گردن آنان ، تبلور شرّ و زیان بخلورزی ایشان

بل هو شرّ لهم سیطوّقون ما بخلوا به یوم القیمه

جمله <سیطوّقون ما بخلوا . .. >، تفسیر کلمه <شرّ> است: یعنی به دوش کشی تمام داراییها در قیامت شرّی است که دامنگیر بخیلان خواهد شد.

برداشت فوق بر این اساس است که معنای ظاهری <سیطوّقون ... > مراد باشد.

۱۸ بخیلان در قیامت ، بار سنگین گناه بخل خویش را به دوش خواهند کشید .

سیطوّقون ما بخلوا به یوم القیمه

برخی برآننـد که معنـای ظاهری <سیطوّقون . .. > اراده نشـده است، بلکه کلمه ای هماننـد وبال و گناه، قبل از <ما بخلوا> مقدّر است. یعنی وبال گناهِ بخل خویش را به دوش خواهند کشید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۹۱ – ۲۹،۳۱

۲۹ اعتقاد به قیامت و کیفر و پاداش در آن ، پیامد اعتقاد به باطل نبودن و هدفدار بودن آفرینش

ربّنا ما خلقت هذا باطلاً سبحانک فقنا عذاب النّار

کلمه <فـا> در <فقنـا . .. >، بیانگر این معناست که خردمنـدان با نفی بطلان در آفرینش و اعتقاد به هدفـداری جهان به این نتیجه رسیده اند که باید قیامت و روز جزا و پاداشی باشد.

۳۱ اعتقاد به معاد و درخواست رهایی از آتش دوزخ ، نشانه خردمندی

لایات لاولی الالباب . .. فقنا عذاب النّار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۹۴ – ۹

۹ خردمندان ، مؤمن به خداوند ، رسالت تمامی انبیا و برپایی قیامت

ربّنا و اتنا ما وعدتنا علی رسلك و لا تخزنا یوم القیمه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۲۴ – ۵

۵ – قیامت ، از نام های جهان آخرت

یوم القیمه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۳۱ – ۹

۹

- قیامت ، از نام های جهان آخرت

یوم القیمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۰ - ۳

۳ - قیامت ، از نام های جهان آخرت

یوم القیمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۷ - ۹

۹ - قیامت ، از نام های جهان آخرت

یوم القیمه

آتش جهنم و مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۲ - ۲

۲ آتش جهنم به هنگام دیدن تکذیب کنندگان قیامت از راه دور ، به جوش و خروش آمده و فریاد خشمگینانه سرخواهد داد .

إذا رأتهم من مكان بعيد سمعوا لها تغيّظًا و زفيرًا

آتش در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۵ - ۱،۲

۱ - آتش گداخته و دود های متراکم ، مانعی جدی در برابر جن و انس برای گریز از صحنه قیامت

لاتنفذون إلّا بسلطن . .. يرسل عليكما شواظ من نار

خطاب در <علیکما> و <لاتنتصران> متوجه جن و انس است.

۲ – فرو ریختن شراره های آتش و دود غلیظ ، بر فضای محشر

یرسل علیکما شواظ من نار و نحاس

<شواظ> به معنای شراره خالص و بدون دود و <نحاس> به معنای دود خالص و بدون آتش است. نکره آمدن آنها بیانگر شدت و غلظت آن دو می باشد.

آثار احتمال قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نبأ – ۷۸ – ۲۷ – ۳

۳ – احتمال تحقّق قیامت ، کافی در ایجاد زمینه پرهیز از طغیان گری در

برابر خداوند

للطّغين . .. إنّهم كانوا لايرجون حسابًا

جمله <كانوا لايرجون. ..>، دلالت دارد كه طغيان گران به جهت اين كه حتى احتمال محاسبه اعمال را نيز منتفى مى دانستند، به طغيان گرى روى آورده و به عذاب آن گرفتار شدند. مفهوم اين جمله آن است كه براى پرهيز از طغيان و گناه، حتى احتمال قيامت نيز كافى است.

آثار استبعاد قيامت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۷ - ۴

۴ - دور پنداشتن قيامت ، زمينه ساز روى گردانى از تعاليم پيامبران

أزفت الأزفه

تذكر به نزديك شدن قيامت، در پى آيات انذار و دور داشتن خلق از ظلم و طغيان، بيانگر مطلب بالا است.

آثار اندوهناكى قيامت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۷ - ۳

۳ - سختى و اندوه بارى روز محشر ، به گونه اى است كه اطفال را مو سفيد و پير مى سازد .

يومًا يجعل الولدن شيبًا

آثار اهوال قيامت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۸ - ۲

۲ - غفلت و فراموشى مشركان از معبود هاى خويش ، در مواجهه با واقعيت هاى سهمگين قيامت

و ضلّ عنهم ما كانوا

بنابر این که <ضلّ عنهم> اشاره به این باشد که صحنه قیامت آن چنان برای مشرکان وحشتناک و دهشت آور است که خاطره بت ها از نظرشان محو و نابود خواهدشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۴ - ۳،۴

۳ - سرمایه های مادی در صحنه هولناک برپایی قیامت ، جذابیت

خود را از دست داده و مالکان ثروت ، رغبتی به نگه داری آن نخواهند داشت .

و إذا العشار عطّلت

۴ - ثروت ها ، هر چند گران بها و نفیس باشند ، در برطرف ساختن خطر ها و اضطراب انسان از حوادث آغازین قیامت ، هیچ گونه کارآیی نخواهند داشت .

و إذا العشار عطّلت

آثار ایمان به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۲ - ۱،۲،۹،۱۳

۱ - مسلمانان ، یهودیان ، نصرانی ها و صابئان ، در صورت داشتن ایمان راستین به خدا و باور به قیامت و انجام عمل صالح ، از پاداشی گران قدر برخوردار خواهند شد .

إن الذین ءامنوا . .. فلهم أجرهم عند ربهم

مراد از <الذین ءامنوا> مسلمانان هستند. درباره آیین صابئی نظرات مختلفی ایراد شده است. علامه طباطبایی پس از بیان اقوال گوناگون، تأیید می کنند که آیین صابئی، آیینی ممزوج از دین یهود، مجوس و حرانیّه بوده است.

۲ - ایمان واقعی به خدا و قیامت و انجام اعمال صالح ، شرط دور ماندن مسلمانان ، یهودیان ، نصارا و صابئان از هرگونه ترس و اندوه

إن الذین ءامنوا . .. و لا خوف علیهم و لاهم یحزنون

تکرار <ایمان> در <ان الذین آمنوا> و <من آمن> حکایت از آن دارد که: مراد از ایمان در جمله <من آمن> ایمان واقعی و راستین است نه ایمان صوری و اسمی.

۹ - رسیدن به پاداش های گران قدر الهی در گرو ایمان به خدا ، باور به قیامت و انجام اعمال صالح است .

من ءامن باللّه . .. فلهم أجرهم عند ربهم

مقید کردن اجر و

پاداش به اینکه نزد خداوند است، اشاره به گران سنگی پاداش دارد.

۱۳ - رهـایی یـافتن یهود از خواری و درمانـدگی و برطرف شـدن غضب الهی از آنـان ، در گرو ایمـان واقعی ایشان به خـدا و قیامت و انجام اعمال صالح است .

ضربت علیهم الذله و المسکنه . .. من ءامن باللّه و الیوم الأخر و عمل صلحاً فلهم أج

در آیه قبـل بیـان شـد که یهود بر اثر کفر و گنـاه به خواری، ذلت و غضب گرفتـار شدنـد. آیه مورد بحث خصوصاً با توجه به اینکه از یهودیان نام برده (والـذین هادوا) می توانـد اشاره به این باشـد که: راه نجات یهود از آن سـرنوشت شوم ایمان و عمل صالح است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۸ - ۱۵

۱۵ - باور به قیامت و حضور انسان ها در آن ، زمینه ساز گرایش آدمی به انجام کار های نیک است .

فاستبقوا الخیرت أین ما تکونوا یأت بکم اللّه جمیعاً

یـادآوری قیـامت پس از فرمان به انجام کارهای نیک، گویای این معناست که: انسان در صورت باور به قیامت و توجه به آن، در انجام کارهای خیر سستی نخواهد ورزید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۸ - ۹

۹ ایمان به خدا و روز رستاخیز ، اقامه نماز و پرداخت زکات و نترسیدن از غیر خدا ، زمینه ساز ره یابی به صراط مستقیم و قرار گرفتن در زمره ره یافتگان

من ءامن باللّه و الیوم الأخر . .. فعسی أولئک أن یکونوا من المهتدین

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۹ - ۷

۷ ایمان واقعی به خدا و قیامت ، موجب داشتن اخلاص در عمل و انفاق کردن با میل و رغبت

و من الأعراب من یؤمن باللّه و الیوم الأخر و یتخذ ما ینفق قربت عند اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷ - ۴

۴ ایمان به روز رستاخیز و امید دیدار با خدا ، مایه پیراستگی از دلخوش بودن به مظاهر فریبنده دنیا و آرامش یافتن به آن

إن الذین لا یرجون لقاءنا و رضوا بالحیوه الدنیا و اطمأنوا بها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲ - ۹

۹- ایمان راستین به خدا و قیامت ، ضامن پیاده شدن کامل و قاطع حدود و کیفر های الهی در جامعه و مانع تأثیر پذیری از احساسات و عواطف به هنگام اجرای آنها

الزانیه و الزانی فاجلدوا. .. و لاتأخذکم بهما رأفه فی دین اللّه إن کنتم تؤمنون با

پیام و مفهوم جمله <فاجلدوا. .. إن کنتم تؤمنون باللّه و الیوم الآخر; تازیانه بزنید... اگر به خدا و روز واپسین ایمان دارید> این است که: اگر ایمان راستین وجود داشته باشد، حدود الهی اجرا خواهد شد و هرگز احساسات و عواطف و تعلقات شخصی، جلوگیر آنها نخواهد شد. گفتنی است جواب جمله شرطیه <إن کنتم...> جمله ای مقدر مانند: (فلاتأخذکم بهما رأفه) می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۸ - ۶

۶ - نقش مؤثر ایمان به خدا و روز جزا در

تضمین قرارداد ها و سلامت روابط اقتصادی و اجتماعی جامعه

و اللّه علی ما نقول وکیل

مفسران بر این باورند که گواه گرفتن خداوند از سوی موسی(ع) در قرارداد خود با شعیب(ع) برای تأکید بیشتر بر این میثاق و تضمین عمل به آن بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۳ - ۱۷

۱۷ - تقوا و ایمان به قیامت و وعده های خدا ، مانع فریفتگی انسان به زندگی دنیا است .

اتقوا ربّکم و اخشوا یومًا . .. إنّ وعد اللّه حقّ فلاتغرّنّکم الحیوه الدنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۳ - ۴

۴ - ایمان به روز قیامت و ترس از عذاب بزرگ آن روز ، بازدارنده آدمی از هرگونه گناه و قانون شکنی است .

إنّی أخاف إن عصیت ربّی عذاب یوم عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۶۲ - ۲

۲ - گرایش به عبادت و سجده در برابر خداوند ، نتیجه ضروری ایمان به وحی و قیامت

أزفت الأزفه . .. أفمن هذا الحدیث تعجبون ... فاسجدوا للّه و اعبدوا

<فای تفریع> در آیه شریفه می رساند که سجده و عبادت برای خداوند، در پی باور داشتن قیامت و مفاهیم وحی، امری ضروری و اجتناب ناپذیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۲۲ - ۲

۲ - ایمان به خدا و روز بازپسین ، ناسازگار با دوستی ورزیدن با دشمنان خدا و رسول او

لاتجد قومًا يؤمنون . .. يوادّون من حادّ اللّه و رسوله

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۶ - ۶

۶ - امیدواری به رحمت خدا و باورمندی به قیامت ، زمینه ساز روآوری انسان به توکل ، انابه و نیایش

ربّنا علیک توکلنا . .. لقد کان لکم فیهم أسوه حسنه لمن کان یرجوا اللّه و الیوم ال

در صورتی که الگو بودن، نظر به محتوای آیات پیشین داشته باشد که درباره توکل، توبه و نیایش بود تعبیر <لمن کان. ..> افاده مطلب بالا می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۵ - ۸

۸ - ایمان به قیامت و پاداش و کیفر آن روز ، عامل رهایی انسان از دلبستگی به متاع های مادی و دنیوی و سبب رویکرد او به آرمان های بلند معنوی و اخروی

إنّما أمولکم و أولدکم فتنه و اللّه عنده أجر عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۲ - ۹،۱۱

۹ - ایمان به خدا و روز قیامت ، مقتضی پذیرش موعظه های الهی و عمل به آنها است .

ذلکم یوعظ به من کان یؤمن باللّه و الیوم الأخر

توصیف موعظه شدگان، به ایمان آورندگان به خدا و روز قیامت، اشاره به مطلب یاد شده دارد.

۱۱ - نقش سازنده ایمان به خدا و روز قیامت ، در ایجاد رابطه صحیح و شایسته میان همسران و رعایت شدن حقوق متقابل بین آنان

إذا طلّقتم النساء . ..ذلکم یوعظ به من کان یؤمن باللّه و الیوم الأخر

یادآوری ایمان به خدا و روز قیامت به دنبال موعظه های الهی در مسائل

مربوط به همسران می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قلم – ۶۸ – ۳۳ – ۷

۷ – آگاهی و ایمان به قیامت و عظمت عذاب و کیفر الهی در آن روز ، بازدارنده آدمی از گناه (بخل ، محروم ساختن بینوایان از اموال خویش و . . .)

کذلک العذاب . .. لو کانوا یعلمون

خداوند، در پایان نقل ماجرای <اصحاب الجنّه>، مردم کافر را به عذاب و پیامد هلاکت بار دنیوی و اخروی تهدید کرد. از این بیان، می توان مطلب یاد شده را به دست آورد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – معارج – ۷۰ – ۳۵ – ۴

۴ – انجام دادن دائم نماز ، ادای حق سائلان و محرومان جامعه ، تصدیق روز جزا و هراس از عذاب الهی ، از موجبات ورود به بهشت

إلّا المصلّین . .. و الذین فی أمولهم حقّ ... و الذین یصدّقون بیوم الدین ... أُول

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – معارج – ۷۰ – ۴۲ – ۵

۵ – زندگی من های دین و ایمان به خدا و قیامت ، پوچ و بی هدف و سرگرمی صرف است .

فذرهم یخوضوا و یلعبوا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قیامه – ۷۵ – ۵ – ۲

۲ – ایمان به قیامت ، بازدارنده انسان از فسق و فجور

بل یرید الإنسن لیفجر أمامه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۰ - ۴

۴ - ایمان به قیامت و

بیم از آن ، زمینه ساز گرایش و عامل انگیزش به نیکوکاری و نیک کرداری (اخلاص ، ایثار ، انفاق و . . .)

و یطعمون الطعام . .. أسیرًا ... لانرید منکم جزاءً و لاشکورًا . إنّا نخاف من ربّن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۱ - ۳،۴

۳ - مصونیت ابرار از شرور و گزند های قیامت و شادابی رخسار و سرور دل آنان ، به دلیل ایمان آنان به قیامت و خوف آنان از آن روز است .

إنّا نخاف من ربّنا یومًا . .. فوقیهم اللّه شرّ ذلک الیوم

<فا> در <فوقاهم> برای تفریع این آیه بر آیه قبل است; یعنی، مصونیت ابرار از شرور قیامت، به این دلیل است که آنان، از احوال آن روز در هراس بودند; روزی که چهره های کافران عبوس و دل های آنان محزون است.

۴ - ایمان به قیامت و خوف از احوال آن روز ، موجب مصونیت از شرور روز قیامت و خرّمی رخسار و شادمانی دل

إنّا نخاف من ربّنا یومًا . .. فوقیهم اللّه شرّ ذلک الیوم و لقّیهم نضره و سرورًا

آثار برپایی قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۳ - ۱۰،۱۱

۱۰ روز دمیده شدن در صور، مالکیت مطلق و حاکمیت انحصاری خداوند، ظهور خواهد یافت.

و له الملک یوم ینفخ فی الصور

<له الملک> بیانگر انحصار ملک در روز نفخ صور برای خداوند است. و چون این مالکیت اکنون نیز وجود دارد، بنابراین مفاد حصر، ظهور این مالکیت در آن روز به گونه ای که جای

هیچ انکار برای کسی نماند، است.

۱۱ تمامی مالکیتها و حاکمیتهای اعتباری در روز نفخ صور از میان خواهد رفت.

و له الملک یوم ینفخ فی الصور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۳ - ۴،۵

۴ منکران قیامت با برپایی آن به درستی و راستی گفتار انبیا درباره معاد پی خواهند برد و بدان اعتراف خواهند کرد .

یوم یأتی تأویله یقول الذین نسوه من قبل قد جاءت رسل ربنا بالحق

ضمیر مفعولی در <نسوه> می تواند به <کتب> در آیه قبل برگردد. بر این مبنا <ال> در <الحق> جنسیه است و مراد از آن حقانیت رسالت انبیاست. و نیز می تواند آن ضمیر به <یوم یأتی تأویله>، که همان روز قیامت است، برگردانده شود. در این صورت <ال> در <الحق> عهدیه است و اشاره به حقانیت روز قیامت دارد. برداشت فوق بر اساس احتمال دوم است.

۵ منکران حقانیت قرآن ، در روز قیامت و بروز حقایق قرآن ، به حقانیت رسالت پیامبران اعتراف خواهند کرد .

یوم یأتی تأویله یقول الذین نسوه من قبل قد جاءت رسل ربنا بالحق

برداشت فوق مبتنی بر این است که ضمیر مفعولی در <نسوه> به<کتب> در آیه قبل برگردانده شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۲ - ۸

۸- دوران برزخ برای انسان ها ، پس از گام نهادن در صحنه قیامت ، کوتاه جلوه می کند .

یوم یدعوکم . .. و تظنّون إن لبثتم إلاّ قلیلاً

این برداشت بنابراین احتمال است که مراد از <إن لبثتم> درنگ در برزخ باشد; چنانکه مفسّران نیز گفته اند.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۶ - ۲

۲- به گمان مرد ثروت مند ، عاملی که می توانست باغ ها و کشت زار او را نابود ، کند قیامت بود .

ما أظنّ أن تبید هذه أبدًا . و ما أظنّ الساعه قائمه

تناسب پایان آیه قبل و شروع این آیه را می توان این گونه بیان کرد که مرد ثروت مند، گمان نابودی اموال خود را نداشت. سخن از قطعی نبودن قیامت نیز، پاسخی از جانب او به این سؤال است که: <با قیامت چه خواهی کرد که همه چیز را درهم می ریزد؟> او برای پاسخ به این مشکل می گوید: <و ما أظنّ الساعه قائمه ...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۵ - ۱۰

۱۰- عذاب الهی در دنیا و یا فرا رسیدن مرگ و قیامت ، پایان مهلت خداوند به گمراهان

حتّی إذا رأوا ما یوعدون إمّا العذاب و إمّا الساعه

<الساعه> در اغلب موارد استعمال در قرآن، به معنای <قیامت> است; ولی در این آیه چون سخن از پایان مهلت است و پایان مهلت نیز همان مرگ است، مراد از <الساعه> قیامت با تمام مقدمات آن خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۸ - ۱،۲،۱۱

۱- توبیخ کافران از سوی خداوند به خاطر عدم گرایش به ایمان ، مگر با فرارسیدن قیامت

فهل ینظرون إلاّ الساعه أن تأتیهم

۲- تنها برپایی ناگهانی قیامت ، به هوش آورنده کافران لجوج هواپرست

اتّبعوا أهواءهم . .. فهل ینظرون إلاّ الساعه أن تأتیهم بغته

از

مضمون آیه شریفه استفاده می شود که خداوند، همه دلایل لازم را به کافران نمایانده و حتی نشانه های قیامت را نیز برای آنان محقق ساخته است. تنها چیزی که باقی مانده برپایی خود قیامت است. اما آنان با مشاهده همه دلایل، ایمان نیاورده و منتظراند تا آخرین مهلت نیز سپری شود.

۱۱- وقوع رستاخیز ، مایه به خود آمدن کافران ; اما بی ثمر به حال آنان

فأنّی لهم إذا جاءتهم ذکریهم

تعبیر <ذکری> می رساند که قیامت، مایه هشدار و بیدار شدن کافران است; اما این بیداری پس از پایان مهلت است و سودی به حال آنان ندارد (فأنّی لهم).

آثار بی ایمانی به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۵۳ - ۳

۳ - بی ایمانی و بی پروایی نسبت به روز جزا ، عامل مخالفت کافران با رسالت پیامبر (ص) و نپذیرفتن تعالیم قرآن

بل لایخافون الأخره

آثار بی توجهی به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۱ - ۸

۸ منکران معاد در قیامت بر سهل انگاری و بی توجهی خود در مورد قیامت بسیار حسرت و تأسف خواهند خورد.

حتی إذا جاءتهم الساعه بغته قالوا یحسرتنا علی ما فرطنا فیها

مرجع ضمیر در <فرطنا فیها> می تواند <الساعه> باشد. و مراد از <الساعه> ممکن است قیامت باشد، در این صورت معنی جمله چنین می شود <یا حسرتنا علی ما فرطنا فی امر القیامه>.

آثار ترس از قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۱ - ۱۲،۱۱،۸

۸ هراس

از روزی که در آن جز خداوند یاور و شفیعی نیست، زمینه پذیرش انذارهای انبیا

و أنذر به الذین یخافون أن یحشروا إلی ربهم لیس لهم من دونه ولی و لا شفیع

۱۱ سوق دادن بیمناکان از حشر و قیامت برای اجتناب از کفر و شرک از اهداف انذار است.

و أنذر به الذین یخافون أن یحشروا إلی ربهم . .. لعلهم یتقون

<یتقون> در این آیه به معنای تقوای اصطلاحی نیست، بلکه با توجه به آیات این سوره که بحث از کفر و تکذیب بود مراد، اجتناب از کفر و تکذیب و گناهانی از این قبیل است.

۱۲ هراس از قیامت، زمینه ساز اجتناب از کفر و تکذیب آیات الهی است.

و أنذر به الذین یخافون أن یحشروا . .. لعلهم یتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۱ - ۱،۶

۱ - ترس از خدا و قیامت ، بر انگیزاننده انسان ها به انجام کار های نیک

إنّ الذین هم من خشیه ربّهم مشفقون . .. أُولئك یسرعون فی الخیرت

<أُولئك> اشاره به موحدانی است که وصفشان در آیات پیش بیان شد. <مسارعه> (مصدر <یسارعون>) به معنای شتاب کردن است.

۶ - خدا ترسی و بیمناک بودن از روز رستاخیز ، برانگیزاننده انسان به پیشتازی در انجام کار های نیک

و هم لها سبقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۸ - ۱۶

۱۶ - مردمانی که همواره به یاد خدا هستند ، نماز به پا می دارند ، زکات می پردازند و از قیامت می ترسند ، از روزی فراوان و بی شمار برخورداراند

.

رجال لاتلهیهم تجره و لابیع عن ذکر اللّه . .. لیجزیهم اللّه أحسن ما عملوا و یزید

<حساب> به معنای شمارش است و <بغیر حساب> (بی شمارش) می تواند کنایه از کثرت و فراوانی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۷ - ۱۹

۱۹ - یاد قیامت و بیم از آن ، دارای نقش مؤثر در اصلاح و خود سازی انسان

و تنذر یوم الجمع

از این که خداوند پیامبر(ص) را مأمور به انذار از قیامت می کند، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۷ - ۵

۵ - وفای به نذر و خوف از قیامت ، از عوامل ورود به بهشت و بهره مندی از موهبت های آن

إنّ الأبرار یشربون من کأس . .. یوفون بالنذر و یخافون یومًا کان شرّه مستطیرًا

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که جمله <یوفون بالنذر. ..> جمله ای است بیانیه که علت بهره مندی ابرار از مواهب بهشتی را بیان می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۰ - ۳،۴

۳ - بیمناکی از قیامت ، عامل انگیزش ابرار به اطعام و انفاق خالصانه و بی چشمداشت

لانرید منکم جزاءً و لاشکورًا . إنّا نخاف من ربّنا یومًا عبوسًا قمطریرًا

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که جمله <إنّا نخاف. ..> تعلیل برای <لانرید منکم...> است; یعنی، به این دلیل از شما انتظار پاداش و سپاس گزاری نداریم که چون از روز قیامت دل نگرانیم.

۴ - ایمان به قیامت

و بیم از آن ، زمینه ساز گرایش و عامل انگیزش به نیکوکاری و نیک کرداری (اخلاص ، ایثار ، انفاق و . . .)

و یطعمون الطعام . .. أسیرًا ... لانرید منکم جزاءً و لاشکورًا . إنّا نخاف من ربّن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۱ - ۳،۴،۵

۳ - مصونیت ابرار از شرور و گزند های قیامت و شادابی رخسار و سرور دل آنان ، به دلیل ایمان آنان به قیامت و خوف آنان از آن روز است .

إنّا نخاف من ربّنا یومًا . .. فوقیهم اللّه شرّ ذلک الیوم

<فا> در <فوقاهم> برای تفریع این آیه بر آیه قبل است; یعنی، مصونیت ابرار از شرور قیامت، به این دلیل است که آنان، از احوال آن روز در هراس بودند; روزی که چهره های کافران عبوس و دل های آنان محزون است.

۴ - ایمان به قیامت و خوف از احوال آن روز ، موجب مصونیت از شرور روز قیامت و خرّمی رخسار و شادمانی دل

إنّا نخاف من ربّنا یومًا . .. فوقیهم اللّه شرّ ذلک الیوم و لقّیهم نضره و سرورًا

۵ - وفای به نذر ، ایثار و انفاق خالصانه به نیازمندان و بیم از روز قیامت ، موجب مصونیت از سختی های قیامت و شادمانی در آخرت است .

یوفون بالنذر و یخافون یومًا . .. إنّما نطعمکم لوجه اللّه ... فوقیهم اللّه ... و

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که آیه شریفه ناظر به مجموع آیات مربوط به ابرار و ویژگی های آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

– فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۱۲ – ۳

۳ – وفـای به نـذر ، ایثـار و انفاق به نیازمنـدان جامعه بـدون چشـمداشتی و خوف از قیامت ، از موجبات ورود به بهشت و بهره مندی از موهبت های آن است .

یوفون بالنذر و یخافون یومًا . .. إنّما نطعمکم لوجه اللّه ... و جزیهم بما صبروا ج

از مصادیق مورد نظر صبر در این آیه، موارد یاد شده است که در آیات پیش در وصف ابرار آمده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۲۲ – ۷

۷ – وفای به نذر ، خوف از قیامت و دسـتگیری خالصانه از بینوایان ، یتیمان و اسیران ، موجب بهره مندی از پاداش های بهشتی و مورد ستایش و قدردانی خداوند

یوفون بالنذر و یخافون یومًا . .. إنّ هذا کان لکم جزاء و کان سعیکم مشکورًا

آثار ترسناکی زلزله قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۲ – ۳،۴

۳– با مشاهده ترس و دهشت ناشـی از زلزله زمین در آستانه برپایی قیامت ، تمامی مادران ، کودکان شیرخوارشان را بی اختیار در دامن خود ر ها ساخته و از یاد خواهند برد .

تذهل کلّ مرضعه عمّا أرضعت

<ذهول> (مصـدر <تـذهل>) به فراموشـی ای گفته می شود که از شـدت دهشت بر انسـان عارض شود. <مرضـعه> نیز به زنی گفته می شود که در حال شـیر دادن باشد; یعنی، هر زن شـیر دهنده، به هنگام دیدن آن زلزله، از آن کسـی که به او شیر می دهد غافل خواهد شد.

۴– زنان باردار با دیدن

زلزله سهمگین زمین در آستانه برپایی قیامت ، از شدت بیم و اضطراب ، سقط جنین خواهند کرد .

و تضع کلّ ذات حمل حملها

<وضع> (مصدر <تضع>) به معنای نهادن و <ذات حمل> به معنای باردار است; یعنی، هر زن بارداری به هنگام دیدن آن زلزله، بارش را خواهد نهاد (جنینش را سقط خواهد کرد).

آثار ترسناکی قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۸ - ۲

۲ - آسمان از شدت هراس و هولناکی روز محشر ، شکافته و از هم گسسته خواهد شد .

یومًا . .. السماء منفطر به

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که <با> در <به> سببیت باشد.

آثار ترسیم قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۰ - ۵

۵ ترسیم صحنه های قیامت، از شیوه های قرآن در تربیت و هدایت است.

و لو تری إذ وقفوا علی ربهم قال أليس هذا بالحق قالوا بلی و ربنا

تکرار جمله <لوتری> و همچنین بیان ویژگیهای قیامت در آیات متعدد گویای نکته فوق است.

آثار تکذیب قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۲ - ۱۲

۱۲ - کفر به خدا ، انکار قیامت و نداشتن عمل صالح ، موجب غلبه ترس و اندوه بر آدمی است .

من ءامن باللّه و اليوم الأخر و عمل صلحاً . .. و لا خوف عليهم و لاهم يحزنون

مفهوم جمله <من آمن . ..> گوياى برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۵ -

۸ گروهی از انسان ها به خاطر نپذیرفتن قیامت ، دین خدا را دینی منحرف می پندارند و از آن رویگردان می شوند .

الذین یصدون عن سبیل اللّه و یبغونها عوجاً و هم بالأخره کفرون

برداشت فوق بر این اساس است که جمله <و هم بالأخره کفرون> جمله حالیه و در مقام تعلیل باشد که در اصطلاح به آن حال معلّله گفته می شود. بر این مبنا آیه اشاره به این معنا دارد که: برخی انسانها به علت نپذیرفتن قیامت، می پندارند دینی که در آن زنده شدن مردگان مطرح باشد دینی بی اساس و دارای اعوجاج است و در نتیجه از آن رویگردان شده و دیگران را از آن بازمی دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۱ - ۷

۷ خداوند در روز قیامت کافران منکر قیامت را به فراموشی خواهد سپرد و اعتنایی به آنان نخواهد کرد .

فالیوم ننسیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۷ - ۱،۳

۱ تکذیب آیات الهی و انکار قیامت ، موجب تباه شدن همه اعمال نیک آدمی است .

و الذین کذبوا بایتنا و لقاء الأخره حبطت أعملهم

<حبط> به معنای تباه شدن و هدر رفتن است و مراد از <اعمال>، کردار و رفتار نیک است. زیرا تباه شدن اعمال ناپسند موجب منفعت آدمی در دنیا و آخرت خواهد شد. چون <اعمال>، به صورت جمع آمده و به کلمه بعد اضافه شده، مفید استغراق و شمول است. بنابراین <اعمالهم> یعنی تمام کارهای نیک آنان

۳ اعمال نیک بنی اسرائیل در صورت تکذیب

تورات و باور نداشتن قیامت برای آنان سودبخش نخواهد بود .

و الذین کذبوا . .. حبطت أعملهم

مصداق مورد نظر برای <الذین کذبوا . .. > با توجه به آیات پیشین، بنی اسرائیل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷ - ۳

۳ انکار جهان آخرت ، زمینه ساز دلبستگی به دنیا و فریفته شدن به زخارف و زینت های آن

إن الذین لا یرجون لقاءنا و رضوا بالحیوه الدنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۱ - ۱۰

۱۰ انکار روز بازپسین ، زمینه ساز طغیان و سرکشی

فنذر الذین لایرجون لقاءنا فی طغینهم یعمهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۵ - ۶،۱۰

۶ انکار قیامت ، هم طراز و مساوق انکار ربوبیت خداست .

أُولئک الذین کفروا بربهم

۱۰ انکار قیامت ، معلول جهل و نادانی و مانع ترقی و تعالی انسان است .

أُولئک الأغلل فی أعناقهم

<اَغلال> (جمع غل) به معنای بندها و زنجیرهاست. مراد از آن می تواند معنای حقیقی آن باشد که در این صورت جمله <اُولئک الأغلال فی أعناقهم> بیانگر کیفر و مجازات منکران ربوبیت خدا و منکران قیامت است و نیز می تواند مراد از آن معنای مجازی (بندها و زنجیرهای جهل و نادانی، خرافات، سنتهای غلط و ...) باشد که بر این مبنا جمله <اُولئک ...> بیانگر ریشه و علت اعتقاد نداشتن به معاد و ربوبیت خداست.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۱۱ – ۱

۱ تکذیب قیامت ،

عامل اصلی انکار رسالت پیامبر (ص) و قرآن کریم از سوی کافران و مشرکان

و قال الذین کفروا إن هذا إلاّ إفک . .. و قالوا مالِ هذا الرسول ... بل کذّبوا ب

<بل> در <بل کذّبوا> برای اضراب انتقالی است و به قرینه مقام، انتقال از یک امر مهم و بزرگ به امری بزرگ تر و مهم تر است؛ یعنی، انکار رسالت پیامبراسلام(ص) به خاطر غذا خوردن و داد و ستد آن حضرت در بازار نیست (اینها همه بهانه بود)؛ بلکه به خاطر قبول نداشتن اصل اعتقادی معاد است؛ اصلی که پس از توحید، محور دعوت هر پیامبری بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۲ - ۱۱

۱۱ - نادرست پنداشتن وعده الهی به برپایی قیامت و دروغگو دانستن پیامبران ، کفر و از نشانه های کافران است .

الذین کفروا . .. قالوا یویلنا ... هذا ما وعد الرحمن و صدق المرسلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۴ - ۴

۴ - انکار برپایی قیامت و دروغ پنداشتن آن ، سبب کفر است .

هذه جهنّم الّتی کنتم توعدون . اصلوها الیوم بما کنتم تکفرون

در این آیه مفعول <تکفرون> ذکر نشده است؛ ولی به قرینه آیه قبل که درباره وعده به عذاب دوزخ است مفعول آن برپایی قیامت و وجود دوزخ خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۷ - ۷

۷ - کفر و انکار قیامت ، خصومت و ستیزه جویی آشکار و روشن با خداوند است

.

أوَلم یر الإنسن أنّا خلقنه من نطفه فإذا هو خصیم مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۸ - ۱۰

۱۰ - انکار قیامت و مؤاخذه انسان ها در آن روز ، از زمینه های ستم کاری و بدکرداری

الذین لایؤمنون بالأخره . .. للذین ظلموا ... و بدا لهم سیّئات ما کسبوا و حاق بهم

برداشت یاد شده از آن جا است که خداوند، منکران روز قیامت و کیفر آن را، ستمکار (ظلموا) و بدکردار (سیئات ماکسبوا) معرفی کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۱ - ۲۱

۲۱ - کفر به خدا و انکار روز رستاخیز ، موجب دوزخی شدن انسان ها است .

و لکن حقّت کلمه العذاب علی الکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۷ - ۱۰

۱۰ - تکبر در برابر سخن حق و باور نداشتن به روز حساب ، از زمینه های فسادگری و کشتار افراد بی گناه در جامعه

کلّ متکبّر لایؤمن بیوم الحساب

توصیف فرعون فاسد و سفاک به متکبر و منکر روز حساب، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۰ - ۳

۳ - انکار روز جزا ، زاینده پلیدی ها و تهی کننده زندگی انسان از ارزش حیات

قتل الخرّصون

نفریـن الهی در جـایی صـورت می گیرد کـه فرد حقیقتـاً ارزش حیـات را از دست داده و مسـتحق مرگ شـده باشـد از این که <خرّاصون> (یاوه سرایان منکر معاد) نفرین شده اند، مطلب بالا استفاده

می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۶۰ - ۱

۱ - نکوهش کافران ، به خاطر باورنداشتن به قیامت و جدی نگرفتن تهدید های الهی

و تضحکون و لاتبکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۹ - ۷

۷ - ناباوری قوم نوح ، نسبت به معاد و قیامت ، زمینه موضع گیری خصمانه آنان در قبال نوح (ع)

کذّبت قبلهم قوم نوح فکذّبوا عبدنا

برداشت یاد شده بدین احتمال است که مراد از <کذّبت> به قرینه آیات پیشین تکذیب قیامت باشد. که در این صورت <فای تفریع> در <فکذّبوا عبدنا> می رساند که تکذیب پیامبران، ریشه در تکذیب معاد دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۳ - ۳،۴

۳ - پیوستگی تنگاتنگ میان انکار قیامت با اقدام به جرم و گناه

هذه جهنّم الّتی یکذّب بها المجرمون

از این که هر مجرمی به صورت مطلق تکذیب گر جهنم معرفی شده، مطلب بالا استفاده می شود.

۴ - تکذیب قیامت و کیفر آن ، از عوامل دوزخی شدن

هذه جهنّم الّتی یکذّب بها المجرمون

از این که دوزخ به تکذیب گران آن معرفی می شود، مطلب یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ – حاقه – ۶۹ – ۵ – ۲،۳

۲ – تکذیب قیامت ، عامل هلاکت قوم ثمود

کذّبت ثمود . .. فأُهلکوا بالطاغیه

۳ – تکذیب قیامت ، از موجبات هلاکت و نابودی

کذّبت ثمود . .. فأُهلکوا بالطاغیه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹

- حاقه - ۶۹ - ۶ - ۲،۳

۲ - تکذیب قیامت ، عامل هلاکت و نابودی عادیان

کذّبت ثمود و عاد . .. و أمّا عاد فأُهلکوا بریح صرصر عاتیه

۳ - تکذیب قیامت ، از موجبات هلاکت و نابودی

کذّبت . .. فأُهلکوا بریح صرصر عاتیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۶ - ۱

۱ - تکذیب روز جزا ، از عوامل دوزخی شدن

ما سلککم فی سقر . .. و کنّا نکذّب بیوم الدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۸ - ۱

۱ - ترک فریضه نماز ، اطعام مساکین ، گذراندن عمر به بطالت و تکذیب روز جزا ، از عوامل محرومیت انسان از شفاعت در قیامت

قالوا لم نک من المصلّین . .. و کنّا نکذّب بیوم الدین ... فما تنفعهم شفاعه الشفع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۵ - ۳

۳ - تکذیب برپایی قیامت ، موجب عذاب دوزخ و هلاکت ابدی

ویل یومئذ للمکذّبین

از آن جا که آیه شریفه، در میان آیات مربوط به قیامت قرار دارد، استفاده می شود که مقصود از تکذیب در آن، تکذیب روز قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۱۹ – ۳

۳ – تکذیب برپایی قیامت ، موجب عذاب دوزخ و هلاکت ابدی

ویل یومئذ للمکذّبین

از آن جا که آیه شریفه، در میان آیات مربوط به قیامت قرار دارد، استفاده می شود که مقصود از تکذیب در آن، تکذیب روز قیامت است.

جلد – نام سوره – سوره

- آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۴ - ۳

۳ - تکذیب برپایی قیامت ، موجب عذاب دوزخ و هلاکت ابدی

ویل یومئذ للمکذّبین

از آن جا که آیه شریفه، در میان آیات مربوط به قیامت قرار دارد، استفاده می شود که مقصود از تکذیب در آن، تکذیب روز قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۸ - ۳

۳ - تکذیب برپایی قیامت ، موجب عذاب دوزخ و هلاکت ابدی

ویل یومئذ للمکذّبین

از آن جا که آیه شریفه، در میان آیات مربوط به قیامت قرار دارد، استفاده می شود که مقصود از تکذیب در آن، تکذیب روز قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۹ - ۲

۲ - تکذیب روز جزا ، موجب گرفتاری به آتش دوزخ

انطلقوا إلی ما کنتم به تکذّبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۴ - ۳

۳ - تکذیب برپایی قیامت ، موجب عذاب دوزخ و هلاکت ابدی

ویل یومئذ للمکذّبین

از آن جا که آیه شریفه، در میان آیات مربوط به قیامت قرار دارد، استفاده می شود که مقصود از تکذیب در آن، تکذیب روز

قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۷ - ۳

۳ - تکذیب برپایی قیامت ، موجب عذاب دوزخ و هلاکت ابدی

ویل یومئذ للمکذّبین

از آن جا که آیه شریفه، در میان آیات مربوط به قیامت قرار دارد، استفاده می شود که مقصود از تکذیب در آن، تکذیب روز قیامت است.

جلد - نام سوره -

سوره – آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۴۰ – ۳

۳ – تکذیب برپایی قیامت ، موجب عذاب دوزخ و هلاکت ابدی

ویل یومئذ للمکذّبین

از آن جا که آیه شریفه، در میان آیات مربوط به قیامت قرار دارد، استفاده می شود که مقصود از تکذیب در آن، تکذیب روز قیامت است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۴۵ – ۳

۳ – تکذیب برپایی قیامت ، موجب عذاب دوزخ و هلاکت ابدی

ویل یومئذ للمکذّبین

از آن جا که آیه شریفه، در میان آیات مربوط به قیامت قرار دارد، استفاده می شود که مقصود از تکذیب در آن، تکذیب روز قیامت است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۴۷ – ۳

۳ – تکذیب برپایی قیامت ، موجب عذاب دوزخ و هلاکت ابدی

ویل یومئذ للمکذّبین

از آن جا که آیه شریفه، در میان آیات مربوط به قیامت قرار دارد، استفاده می شود که مقصود از تکذیب در آن، تکذیب روز قیامت است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۴۹ – ۳

۳ – تکذیب برپایی قیامت ، موجب عذاب دوزخ و هلاکت ابدی

ویل یومئذ للمکذّبین

از آن جا که آیه شریفه، در میان آیات مربوط به قیامت قرار دارد، استفاده می شود که مقصود از تکذیب در آن، تکذیب روز قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۱ - ۲

۲ - تکذیب قیامت و کیفر و پاداش الهی ، مایه گرفتاری به عذاب جهنم است .

ویل یومئذ للمکذّبین

. الذین یکذّبون بیوم الدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۵ - ۷

۷ - گناه ، طغیان گری و تکذیب قرآن و قیامت ، مانع ملاقات و قرب خداوند در قیامت است .

ما یکذّب به إلاّ کلّ معتد أثیم . .. إنّهم عن ربّهم یومئذ لمحجوبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۷ - ۳

۳ - تکذیب روز جزا ، انسان را از هر موجودِ پستی ، فرومایه تر می سازد .

ثمّ رددنه أسفل سفلین . .. فما یکذّبک بعد بالدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۶ - ۴

۴ - تکذیب روز جزا ، زمینه ساز ریاکاری در نماز

أرءیت الذی یکذّب بالدین . .. فویل للمصلّین ... الذین هم یراءون

آثار جهل به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۸ - ۳

۳ - مشخص نبودن زمان برپایی قیامت ، دستاویز کافران صدراسلام برای انکار آن

و یقولون متی هذا الوعد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۵ - ۲

۲ – روشن نبودن زمان برپایی قیامت ، دستاویز کافران برای انکار آن

و یقولون متی هذا الوعد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نازعات – ۷۹ – ۴۴ – ۴

۴ – آگاه نساختن مردم حتی پیامبر (ص) از زمان وقوع قیامت ، مؤثر در رشد و تربیت آنان

إلی ربّک منتهیها

واژه <ربّ>، گواه این است که هدف از مسکوت

گذاشتن زمان قیامت، تربیت و رشد دادن است و چون پوشیده ماندن آن، تنها ویژه پیامبر(ص) نبوده است; می توان سودمندی آن را به همگان تعمیم داد.

آثار حضور در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۲ - ۹

۹- انسان ها ، پس از حضور در قیامت ، درمی یابند که زندگی دنیوی ، بسیار کوتاه بوده است .

یوم یدعوکم فتستجیبون . .. تظنّون إن لبثتم إلاّ قلیلاً

بنابر اینکه مراد از <إن لبثتم> حیات دنیوی باشد که تصور می شد تا برپایی قیامت بسیار طولانی است، برداشت فوق به دست می آید.

آثار دومین زلزله قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۸ - ۱

۱ - هنگام پیدایش دومین لرزش در دوران برپایی قیامت ، قلب های فراوانی را لرزه و اضطرابی شدید فرا خواهد گرفت .

قلوب یومئذ واجفه

<قلب واجف>، به قلبی گفته می شود که اضطراب شدیدی بر آن مستولی باشد (لسان العرب). <قلوب> نکره ای است که بر تکثیر دلالت دارد و به همین سبب با آن که نکره است مبتدا قرار گرفته است.

آثار ذکر اهوال قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۷ - ۱۶

۱۶ - توجه و اعتقاد به صحنه های دشوار و سخت قیامت ، مقتضی ترس از آن روز است .

یخافون یومًا تتقلّب فیه القلوب و الأبصر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۳۳ – ۸،۹

۸ – توجه به سختی های قیامت ،

برانگیزاننده آدمی به تحصیل تقوا است .

اتّقوا ربّکم و اخشوا یومًا

فراخوانی به ترس از قیامت، پس از دعوت به تقوا، می تواند به منظور این نکته باشد که ترس از قیامت، در کسب تقوا به عنوان توشه ای برای آخرت، تأثیر دارد.

۹ - توجه به دشواری های قیامت ، باعث فراهم آوردن توشه مناسب برای آن روز می شود .

اتّقوا ربّکم و اخشوا یومًا لایجزی والد عن ولده

مطرح کردن این نکته که در قیامت هر کس در قبال اعمالش کیفر می شود، می تواند اشعار به این حقیقت داشته باشد که هر کسی باید برای خود چاره ای بیندیشد و توشه ای فراهم آورد. گفتنی است که دستور <اخشوا یوماً> پس از امر <اتّقوا> می تواند مؤید بر برداشت بالا باشد.

آثار ذکر حتمیت قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۳ - ۱۱

۱۱ - توجّه به وقوع حتمی قیامت و از دست رفتن فرصت ها ، زمینه پایبندی انسان به دین است .

فأقم . .. من قبل أن یأتی یوم ... یومئذ یصّدّعون

یادآوری وقوع قیامت پس از سفارش به پایبندی به دین، می تواند به منظور ایجاد انگیزه در انسان برای عمل به آن فرمان باشد.

آثار ذکر حقانیت قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۹ - ۴

۴ - توجّه به حقانیت قیامت ، زمینه ساز جهت دادن تلاش ها و حرکت ها به سوی خداوند

فمن شاء اتّخذ إلی ربّه مابًا

<فاء> در <فمن شاء. ..> برای تفریع است. مفاد آیه شریفه این است که چون قیامت حق

است، بنابراین باید مقصد را به گونه ای برگزید که به سوی خدا باشد.

آثار ذکر ظهور حقایق در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکاثر – ۱۰۲ – ۴ – ۴

۴ – توجّه به ظهور حقایق در قیامت ، بازدارنده انسان از تلاش برای پیروزی بر حریفان ، در مسابقه ثروت و مقام

ألهیکم التکاثر . .. ثمّ کلّا سوف تعلمون

آثار ذکر قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۲۳ – ۱۱

۱۱ – توجه به قیامت و رخداد های مخاطرآمیز آن ، زمینه ساز ایمان به پیامبر (ص) و قرآن

من یکفر به فأولئک هم الخسرون . .. و اتقوا یوماً لاتجزی نفس عن نفس شیئاً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۵۱ – ۱۰

۱۰ توجه به نبودن هیچ یاور و شفیعی جز خداوند در قیامت، موجب هرس از حشر

الذین یخافون . .. لیس لهم من دونه ولی و لا شفیع

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۹۲ – ۱۷

۱۷– توجه و اعتقاد انسان به قیامت ، مانع پیمان شکنی وی خواهد شد .

و أوفوا بعهد الله . .. تتّخذون أیمنکم دخلًا بینکم ... و لیبیّننّ لکم یوم القیم

تذکر خداوند به تبیین حقایق در قیامت، پس از طرح مسأله پیمان و سوگندشکنی، می تواند اشعار به مطلب فوق داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۱ - ۶

۶- توجه به قیامت و یاد آن

، امری لازم و دارای نقش سازنده و هدایتی

یوم تأتی کلّ نفس تجدل عن نفسها

برداشت فوق، مبتنی بر این است که نصب <یوم> به تقدیر فعل <اذکر> یا <اذکروا> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۶ - ۴

۴ - توّجه انسان به چگونگی خلقت خویش و مرگ و رستاخیز ، زمینه ساز گرایش وی به ایمان و رو کردن به ارزش های دینی و الهی

ثمّ إنّکم یوم القیمه تبعثون

در آیات نخستین این سوره، سخن از مؤمنان راستین و صفات ارزشی آنان بود. اکنون دراین آیات که سخن از خلقت شگفت انسان و مرگ و رستاخیز او است می تواند رهنمودی باشد به انسان ها برای گرویدن به راه مؤمنان راستین.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۰ - ۱۸

۱۸ - یاد قیامت ، مؤثر در تصحیح رفتار و بازداشتن انسان از انحراف

أفمن یلقی فی النار خیر أم من یأتی ءامنًا یوم القیمه . .. إنّه بما تعملون بصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۷ - ۱۹

۱۹ - یاد قیامت و بیم از آن ، دارای نقش مؤثر در اصلاح و خود سازی انسان

و تنذر یوم الجمع

از این که خداوند پیامبر(ص) را مأمور به انذار از قیامت می کند، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۷ - ۱۷

۱۷ - توجه به قیامت ، زمینه ساز گرایش انسان به حقانیت قرآن و موازین الهی

اللّه الذی أنزل

الکتب بالحقّ . .. و ما یدریک لعلّ الساعه قریب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۴ - ۵

۵ - توجه انسان به روز جزا ، زمینه ساز برخورداری او در قیامت از رحمت خدا

و قیل الیوم ننسیکم کما نسیتم لقاء یومکم هذا

از مفهوم <ننساکم کما نسیتم> استفاده می شود که اگر انسان، قیامت را از یاد نبرد، مورد بی اعتنایی حق در آخرت قرار نخواهد گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۶۰ - ۲

۲ - توجه به انذار های الهی و واقعیت قیامت ، مایه نگرانی انسان و پرهیز از سرخوشی ها

أفمن هذا الحدیث تعجبون . و تضحکون و لاتبکون

لحن توبیخی آیه شریفه، می رساند که توجه به حقانیت معاد و مفاهیم وحی، مقتضی این است که آدمی، بر فرجام خویش گریان و اندوهناک باشد; نه سرمست و خندان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۹ - ۲

۲ - آگاهی از قیامت و سرگذشت انسان ها در آن روز ، زداینده غفلت ها و مایه یادآوری و بیداری

إنّ هذه تذکره

آیات گذشته، درباره قیامت و احوال انسان ها در آن روز بود; ازاین رو ممکن است، <هذه> اشاره به این موضوع باشد.

آثار ذکر نزدیکی قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۳ - ۱۲

۱۲ – توجه به نزدیک بودن زمان وقوع قیامت ، دارای نقشی مؤثر در رویکرد به خوبی ها است .

و مایدریک لعلّ الساعه تکون قریبًا

عدم اعلام صریح زمان

وقوع قیامت و قریب الوقوع دانستن آن، چه بسا به منظور آماده ساختن مردم و هشدار به آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۸ - ۹

۹ - توجه به نزدیکی قیامت ، عامل حساسیت فزون تر نسبت به اعمال خویش

و لتنظر نفس ما قدّمت لغد

از به کار گرفته شدن واژه <غد> به جای قیامت، برداشت یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۶ - ۴

۴ - توجه به نزدیک بودن قیامت و اندک بودن فاصله آن با زندگانی دنیا ، افزایش دهنده ترس و نگرانی درباره گرفتاری های آن *

إنّما أنت منذر من یخشیها . کأنّهم یوم یرونها لم یلبثوا إلّاعشیّه أو ضحیها

آثار زلزله قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۲ - ۳

۳ - زلزله زمین در آستانه قیامت ، انفجاری داخلی و پراکنده سازنده مواد درونی آن است .

و أخرجت الأرض أثقالها

زلزله به طور معمول، آنچه را که بر سطح زمین است، به کام آن فرو می برد; ولی در زلزله واپسین، عکس این صحنه اتفاق خواهد افتاد. عطف این آیه بر آیه قبل به قرینه سیاق آیات عطف مسبب بر سبب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۴ - ۲،۳

۲ - زمین در قیامت ، پس از لرزش شدید و بیرون ریختن دفینه های خویش ، اطلاعات ذخیره شده خود را برملاـ خواهد

ساخت .

يومئذ تحدّث أخبارها

۳ - زمين پس

از تحوّلاتی در سه مرحله (< لرزش ویرانگر در پایان عمر دنیا > ، < اخراج مردگان از درون خود در آغاز قیامت > و < اظهار اطلاعات بایگانی شده در خود >) ، مکان حسابرسی اعمال انسان ها خواهد شد .

إذا زلزلت . .. و أخرجت ... تحدّث أخبارها

آیات این سوره می تواند بیانگر حوادث آخرت باشد که از پایان نظام موجود، شروع می شود. تعبیر <یومئذ> در این احتمال نشانگر وقوع تمام آن حوادث، در یک زمان گسترده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۶ - ۲

۲ - زلزله زمین ، از مقدّمات حشر مردم و حسابرسی اعمال آنان در قیامت است .

إذا زلزلت الأرض . .. یومئذ یصدر الناس

آثار سختی قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۷ - ۳

۳ - سختی و اندوه باری روز محشر ، به گونه ای است که اطفال را مو سفید و پیر می سازد .

یومًا یجعل الولدن شیبًا

آثار سختیهای قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۴ - ۶

۶ - شدّت گرفتاری مردم در قیامت ، مانع پرداختن آنان به حلّ مشکلات دیگران ; حتی خویشاوندان خویش

یوم یفرّ المرء من أخیه

جمله <لکلّ . .. شأن یغنیه> در آیات بعد، می تواند قرینه بر انگیزه فرار در قیامت باشد; یعنی، هر کس آن قدر به خود مشغول است که گوش و چشم خود را بر فریاد و زاری دیگران فرو می بندد و از در گیر

ساختن خود با مسائل آنان می گریزد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۷ - ۱،۳

۱ - گرفتاری های هر کس در قیامت ، جایی برای رسیدگی او به دیگران باقی نگذاشته ، او را به خود مشغول خواهد ساخت .

لکلّ امریء منهم یومئذ شأن یغنیه

به هر امری از امور <شأن> گفته می شود (قاموس)؛ جز این که سیاق آیه شریفه دلالت بر عظمت شأن مورد نظر دارد. فعل <اغنی> چه با حرف <عن> و چه بدون آن باشد به معنای <کفی> است (مفردات راغب). کفایت کردن شأن و کار، به معنای پر شدن فرصت ها است؛ به گونه ای که برای کار دیگر امان ندهد. اکتفا به بیان وضعیت مردان با کلمه <امریء>، به جهت وضوح هم سرنوشت بودن زنان با آنان است.

۳ - شداید قیامت ، ازمیان برنده فرصت بهره رساندن خویشاوندان به یکدیگر است .

یوم یفرّ المرء من أخیه . .. لکلّ امریء منهم یومئذ شأن یغنیه

جمله <لکلّ امریء . ..>، بیانگر علت فرار خویشاوندان از یکدیگر است و نشان می دهد که در آن سرا گرچه عواطف خویشاوندی هم وجود داشته باشد؛ ولی سودی نخواهد داشت.

آثار شک به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۵۴ - ۶

۶ - شک و دودلی آمیخته با بدگمانی مشرکان پیشین ، به بعث و قیامت باعث گرفتار شدن آنان به عذاب

و حیل بینهم و بین ما یشتهون کما فعل بأشیاعهم . .. إنّهم کانوا فی شکّ مریب

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۵۰ – ۲۲

۲۲ – شک و تردید نسبت به قیامت نشانه کفر است .

و ما أظنّ الساعه قائمه . .. الذین کفروا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۵۴ – ۴،۶

۴ – تردید در قیامت ، حجاب آدمی در دیدن آیات روشن توحیدی است .

سنریهم ءایتنا . .. ألا إنّهم فی مریه من لقاء ربّهم

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که ضمیر <أنّه الحقّ> در آیه قبل به خدا برگردد. در این صورت می توان گفت که: عبارت <ألا إنّهم فی مریه> در مقام بیان این است که تردید در قیامت، باعث شده است که کافران نتوانند از آیات روشن توحیدی بهره ببرند.

۶ – تردید جدی نسبت به قیامت و حیات اخروی ، زمینه ساز بی اعتنایی انسان به اصول عقلی و ملاک های عقلایی و فطری

قل أرءیتم إن کان من عند اللّه . .. فی شقاق بعید... ألا إنّهم فی مریه

ارتباط این آیه با آیات پیشین که در یک سیاق قرار دارند نشان می دهد که اگر آیات علمی و داوری های عقلی و فطری نتواند کسی را در برابر حقانیت خدا و وحی متقاعد کند، ریشه آن را باید در ناباوری او به استمرار حیات و مسؤولیت انسان جستوجو کرد.

آثار ظن به قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – مطففین – ۸۳ – ۴ – ۳

۳ – اعتقاد به معاد ، حتی در حد گمان ، بازدارنده انسان از خیانت در سنجش کالای دیگران

ألا یظنّ أُولئک أنّهم مبعوثون

در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۵۲ – ۶

۶- ظهور حقایق در رستاخیز ، وادارنده انسان به ستایش خدا و بازدارنده او از گستاخی

یوم یدعوکم فتستجیبون بحمده

جمله <تستجیبون بحمده> می رساند که این پاسخ گویی، همراه با زور و اکراه نیست; بلکه ممکن است به خاطر مشاهده حقایقی باشد که انسان را به ستایش خدا وامی دارد.

آثار عقیده به اهوال قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۳۷ – ۱۶

۱۶ – توجه و اعتقاد به صحنه های دشوار و سخت قیامت ، مقتضی ترس از آن روز است .

یخافون یومًا تتقلّب فیه القلوب و الأبصر

آثار عقیده به قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۸۵ – ۱۲

۱۲- عقیده به قیامت و هدف داری و حکمت آمیز بودن جهان خلقت ، موجب آسانی تحمل مشکلات و مقتضی گذشت و نادیده گرفتن اذیت و آزار و آسیب های وارده از سوی دشمنان است .

و ما خلقنا السموت . .. إلاّ بالحقّ ... فاصفح الصفح الجمیل

<فا> در <فاصفح> تفریع است و جمله <فاصفح . ..> را بر جمله <و ما خلقنا السموات ... إلاّ بالحق و إن الساعه لأتیه> عطف کرده است. بنابراین، استفاده می شود که به حق آفریده شدن جهان اقتضا دارد تا انسانِ حق طلبی همچون رسول الله(ص) در مسیر حق بردبار باشد و تلاش خود را در برابر حق ناپذیری کافران بیهوده نپندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶

۱۷- توجه و اعتقاد انسان به قیامت ، مانع پیمان شکنی وی خواهد شد .

و أوفوا بعهد الله . .. تتّخذون أیمنکم دخلاً بینکم ... و لیبیّننّ لکم یوم القیم

تذکر خداوند به تبیین حقایق در قیامت، پس از طرح مسأله پیمان و سوگندشکنی، می تواند اشعار به مطلب فوق داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۹ - ۵

۵- اعتقاد به قیامت و آگاهی از آتش دوزخ ، بازدارنده آدمی از گناه و حق ستیزی

متی هذا الوعد . .. لو یعلم الذین

از این که خداوند فرمود: اگر کافران می دانستند که آتش دوزخ و. .. با آنان چه می کند، در نزول عذاب و برپایی قیامت عجله نمی کردند، به دست می آید که ایمان به قیامت و آگاهی از احوال آن، آدمی را از کفر و حق ستیزی و هرگونه گناه بازمی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۶ - ۱۳

۱۳ - اعتقاد به قیامت و عذاب دوزخ ، سبب ترس از خدا و تقواپیشگی

لهم من فوقهم ظلل من النار . .. ذلک یخوّف اللّه به عباده یعباد فاتّقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۳ - ۹

۹ - اعتقاد به روز قیامت ، بازدارنده انسان از گناه و بزه کاری (چون آدم کشی)

إنّی أخاف علیکم یوم التناد . یوم تولّون مدبرین ما لکم من اللّه من عاصم

از این که مؤمن آل فرعون برای بازداشتن فرعونیان از کشتن موسی(ع)، مسأله معاد و حسابرسی

اعمال بندگان را مطرح ساخت، مطلب یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۵ - ۴،۵

۴ - تقوا ، تبلور ایمان و اعتقاد به قیامت

إنّ المتقین فی جنّت و عیون

از این که برای اهل ایمان تنها وصف تقوا آورده شده است، روشن می شود که تقوا، تبلور ایمان به وحی و اعتقاد به قیامت است.

۵ - پایبندی به ارزش ها و پرهیز از زشتی ها و پلیدی ها ، تنها در گرو اعتقاد به قیامت

إنّ المتقین فی جنّت و عیون

از تقابل میان <متقین> و <منکران معاد> که در آیات پیشین مطرح شده است به دست می آید که تقوا در صورتی حاصل می شود که فرد، منکر قیامت نباشد; زیرا با انکار قیامت پایبندی به ارزش ها میسر نخواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۹ - ۹

۹ - اعتقاد به قیامت و توجه داشتن به کیفر و پاداش الهی در آن ، موجب تقویت روح تقواپیشگی در انسان

و اتّقوا اللّه الذی إلیه تحشرون

یادآوری حشر انسان ها در قیامت پس از توصیه به تقوا می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۲۶ - ۲

۲ - اعتقاد به روز جزا ، تعدیل کننده غرایز و تأثیرگذار در خُلق و خوی بشر (حرص ، بخل ، ناشکیبایی و . . .)

إنّ الإنسن خلق هلوعًا . .. إلاّ المصلّین ... و الذین یصدّقون بیوم الدین

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مدثر – ۷۴ – ۵۳ – ۵

۵ – وجود ارتباط وثیق و ناگسستنی ، میان عقیده به روز جزا و دیگر عقاید دینی و معارف الهی

بل لایخافون الأخره

برداشت یاد شده، به سبب این نکته است که با تکذیب قیامت از سوی کافران، دیگر عقاید دینی نادیده انگاشته می شد.

آثار علم به قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مزمل – ۷۳ – ۱۹ – ۲

۲ – آگاهی از قیامت و سرگذشت انسان ها در آن روز ، زداینده غفلت ها و مایه یادآوری و بیداری

إنّ هذه تذکره

آیات گذشته، درباره قیامت و احوال انسان ها در آن روز بود; ازاین رو ممکن است، <هذه> اشاره به این موضوع باشد.

آثار عمل در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۱۰۸ – ۱

۱ بیان آثار و نتایج رفتار انسان ها مؤمن و کافر در قیامت ، از آیات حق الهی

یوم تسودّ . .. تلک ایات اللّه نتلوها علیک بالحق

آثار غفلت از قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۳۹ – ۱۳

۱۳– غفلت از قیامت ، زمینه ساز کفرورزی و بی ایمانی است .

و أنذرهم یوم الحسره . .. و هم فی غفله و هم لایؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲ - ۹

۹- غفلت از قیامت ، زمینه ساز بی اعتنایی به وحی و بازیچه قراردادن دین است .

و هم فی غفله معرضون

. ما یأتیهم ... و هم یلعبون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۹۷ – ۸

۸- اظهار حسرت کافران در قیامت ، به خاطر غفلت عمیق و پیوسته خویش از روز قیامت

یویلنا قد کنّا فی غفله من هذا

برداشت یاد شده از آمدن <فی> که برای ظرفیت است استفاده می شود. بدین صورت که غفلت، ظرف و انسانِ غافل، مظروف قرار گرفته است و این حکایت از غوطهور شدن و فرورفتن در عمق غفلت دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۱۷ – ۱۸

۱۸ – غفلت از قیامت و دور پنداشتن آن ، از موانع مهم بی توجهی انسان به حقایق وحی و قوانین الهی

اللّه الذی أنزل الکتب . .. و ما یدریک لعلّ الساعه

از این که در مسأله قیامت، امکان نزدیک بودن آن تخصیص به ذکر یافته، اهمیت آن استفاده می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۴۷ – ۵

۵ – بی توجهی به روز قیامت و غفلت از پایان یافتن فرصت انجام تکالیف ، عامل اساسی در ترک دستورات الهی است .

استجیبوا لربّکم من قبل أن یأتی یوم لامردّ له

ذکر <من قبل أن یأتی> می تواند اشاره به آن داشته باشد که انسان ها، چنانچه به روز قیامت توجه کنند به اجابت دعوت الهی روی خواهند آورد.

آثار فراموشی قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۲۶ – ۲۱

۲۱ - فراموشی روز قیامت ، عامل ابتلای انسان به عذاب

شدید الهی

لهم عذاب شدید بما نسوا یوم الحساب

<باء> در <بما نسوا. ..> برای سببیت است; یعنی، چون انسان ها روز حساب را فراموش کردند، به عذاب شدید محکوم شدند.

آثار قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۳ - ۲

۲- برپایی قیامت ، اندوه زا و همراه با وحشت و فزع و جزع بزرگ است .

لایحزنهم الفزع الأکبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۲ - ۵

۵ - بازگشت به دنیا پس از برپایی قیامت ، ممکن نیست .

فلو أنّ لنا کرّه فنکون من المؤمنین

برداشت یاد شده با توجه به آمدن واژه <لو> است که معمولاً در موارد غیر ممکن به کار می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۶ - ۲

۲ - معاد و برپایی قیامت ، نمودی از تدبیر خداوند هستی و شایسته حمد و ستایش

إنّ وعد اللّه حقّ . .. و قیل الیوم ننسیکم ... فالیوم لایخرجون ... فللّه الحمد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۷ - ۲

۲ – برپایی قیامت ، نمودی از عظمت و کبریایی خداوند است .

أنّ وعد اللّه حقّ و أنّ الساعه لاریب فیها . .. و له الکبریاء

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نبأ – ۷۸ – ۵ – ۵

۵ – شبهه افکنان در مورد معاد ، پاسخ خود را تنها با مشاهده قیامت خواهند یافت .

یتساءلون . .. ثمّ کلاّ سیعلمون

جلد – نام سوره – سوره –

آیه – فیش

۲۰ – تکویر – ۸۱ – ۴ – ۱

۱ – قیامت ، حادثه ای بزرگ که هنگام برپایی آن ، شترداران با دل کندن از مرغوب ترین شتران خود ، آنها را به حال خود ر ها خواهند کرد .

و إذا العشار عطّلت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکویر – ۸۱ – ۵ – ۱

۱ – حیوانات غیر اهلی با مشاهده حوادث برپایی قیامت ، پناهگاه های خود را ترک کرده ، گرد هم جمع خواهند شد .

و إذا الوحوش حشرت

<وحوش> جمع <وَحْش> است. به حیواناتی که در خشکی زندگی می کنند و با یکدیگر الفت نمی گیرند، <وَحْش> و <وحشیّ> که گویا حرف یاء در آن برای تأکید است گفته می شود (مصباح). <حشر>; یعنی، <جمع> (لسان العرب). راغب می گوید: <حشر>; یعنی، بیرون آوردن گروهی از جایگاهشان و متوجّه ساختن آنان به جنگ و نظایر آن، بنابراین حشر حیوانات; یعنی، بیرون شدن آنها از پناهگاه خود و جمع گشتن آنها گرد یکدیگر.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکویر – ۸۱ – ۱۳ – ۴

۴ – آماده سازی بهشت و جهنم برای ورود اهل آن ، هم زمان با برپایی قیامت

و إذا الجحیم سعّرت . و إذا الجنّه أُزلفت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکویر – ۸۱ – ۱۴ – ۲

۲ – مشاهده کردار ها در عرصه قیامت ، در گرو پیدایش حوادثی تحوّل آفرین در نظام جهان و پدیدار شدن رخدادهایی در صحنه قیامت

إذا الشمس . .. و إذا ... و إذا ... علمت

نفس ما أحضرت

آیه شریفه، جواب حرف شرط <إذا> است که از آغاز سوره تکرار شده است.

آثار کفر به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۳ - ۳

۳ باور نداشتن قیامت زمینه پذیرش القائات و تبلیغات شیطانی است.

و لتصغی إلیه أفئده الذین لایؤمنون بالأخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۷ - ۷

۷ - ناباوری به قیامت ، در دنیا ، عاملِ بی حاصل شدنِ معذرت خواهی در روز قیامت است .

و لکنّکم کنتم لاتعلمون . فیومئذ لاینفع الذین ظلموا معذرتهم

<فاء> در <فیومئذ> عاطفه است و می تواند برای سببیت باشد. بنابراین، مفاد آیه چنین می شود: <کسانی که به روز قیامت علم نداشتند، در آن روز معذرت خواهی شان سودی ندارد>. علم نداشتن، ملازم با ناباوری و بی ایمانی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۵ - ۱۳

۱۳ - ناباوری به قیامت ، عامل حق ناپذیری و تأثیر نداشتن عالی ترین پیام های ارزشی در روح انسان

فذکّر بالقرءان من یخاف وعید

با توجه به این که آیات پیشین درباره معاد و رستاخیز بود; <من یخاف وعید> می تواند بیانگر مسأله قیامت و نظام کیفر و پاداش باشد. در این صورت مفهوم آیه چنین خواهد بود: <قرآن در ناباوران به قیامت بی تأثیر است>.

آثار ناگهانی بودن قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۱۸ – ۹

۹– وقوع ناگهانی قیامت ، مجال هر گونه بازنگری و توبه را برای کافران لجوج

از میان می برد .

فقد جاء أشراطها فأنّی لهم إذا جاءتهم ذکریهم

آثار نظام جزایی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۰ - ۴

۴ - نظامِ کیفر و پاداش الهی در روز رستاخیز ، موجب تأسف و حسرت شدید منکران معاد خواهد شد .

و قالوا یویلنا هذا یوم الدین

برداشت یاد شده از آن جا است که جمله <هذا یوم الدین> استئنافیه و در مقام تعلیل برای مفاد جمله قبل است.

آثار نگرانی از قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۹ - ۷

۷- خداترسی و نگرانی از قیامت ، زمینه ساز بهره مندی انسان از وحی و هدایت الهی

و ذکرًا للمتّقین . الذین یخشون ربّهم بالغیب و هم من الساعه مشفقون

خداوند، در آیه قبل، تقواپیشگان را شایسته بهره مند شدن از نور و هدایت خود دانسته و در این آیه اوصاف آنان را بیان کرده است. از ارتباط میان دو آیه می توان برداشت یاد شده را استفاده کرد.

آثار یقین به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۱ - ۱۰

۱۰ - اطاعت کامل از دستورات وحی ، تنها در پرتو باور و یقین به قیامت میسّر خواهد بود .

و إنّه لعلم للساعه فلاتمترنّ بها و اتّبعون

ارتباط دو قسمت آیه شریفه (و إنّه لعلم للساعه فلاتمترنّ بها) و (اتّبعون) نشانگر آن است که اعتقاد به قیامت، زمینه ساز پیروی کامل از دستورات خداوند است.

آرزو در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل

عمران - ۳ - ۳۰ - ۷

۷ بدکاران در قیامت آرزو می کنند کاش میان آنان و عملشان ، زمان بی حدی فاصله بود .

و ما عملت من سوء تودّ لو اَنّ بینها و بینه امداً بعیدا

آرزوی فرار از قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۱۰ - ۱

۱ - کافران در روز قیامت ، در آرزوی گریختن از صحنه محشر خواهند بود .

یقول الإنسن یومئذ أین المفرّ

<مفرّ> (مصدر میمی از <فرّ>) به معنای گریختن و استفهام در <أین المفرّ> برای <تمنّی> است. مقصود از <الإنسان> به قرینه <أیحسب الإنسان...> کافران اند.

آزادی بیان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۷ - ۱۳

۱۳- آزاد و بدون مانع بودن سخن گفتن برای برخی از افراد در قیامت

ثمّ یوم القیمه . .. قال الذین اُوتوا العلم

آسمان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۷ - ۷

۷ لحظه برپایی قیامت ، لحظه ای دشوار و سنگین برای آسمان ها و زمین

ثقلت فی السموت و الأرض

متعدی شدن <ثقلت> با حرف <فی>، و نه حرف <علی>، گویای این است که آنچه در لحظه برپایی قیامت در آسمانها و زمین واقع می شود، حوادثی عظیم است که تحمل آن بر آسمانها و زمین دشوار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۳ - ۷

۷- < عن النبی (ص) فی معنی < الفزع الأکبر > : ان الناس یصاح

بهم صیحه واحده فلایبقی میّت إلّا نشر و لا حیّ إلّا مات إلّا ما شاء اللّه ثمّ یصاح بهم صیحه أخری فینشر من مات و یصفون جمیعاً و تنشقّ السماء و تهدّ الأرض و تخرّ الجبال و تزفر النیران و ترمی بمثل الجبال شرراً فلایبقی ذو روح إلّا إنخلع قلبه و ذکر ذنبه و شغل بنفسه إلّا ما شاء اللّه ;

از رسول خدا(ص) روایت شده که در معنای <فزع أکبر> فرمود: به درستی که یک صیحه بر مردم زده می شود که مرده ای نمی ماند، مگر این که زنده می شود وزنده ای نمی ماند، مگر این که می میرد، جز آنچه را که خدا بخواهد. سپس صیحه دیگری بر آنان زده می شود و آنان که مرده اند زنده گشته و همگی به صف کشیده خواهند شد. و آسمان شکافته و زمین در هم کوبیده و کوه ها فرو ریخته و آتش شعله هایی چون کوه برکشد، پس هیچ صاحب روحی نماند، مگر این که [از هراس] دل او کنده شود و گناهان خود را یادآورد و هر کس به فکر خویش باشد، مگر آنچه را خدا بخواهد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۴ - ۱،۲

۱- قیامت روزی است که خداوند ، آسمان را هم چون پیچیدن طومارنامه ها ، در هم می پیچد .

یوم نطوی السماء کطیّ السجلّ للکتب

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته است: ۱ <طیّ> به معنای پیچیدن است. ۲ <سجلّ> یا به معنای <کاتب> می باشد که در این صورت اضافه <طیّ> به <سجلّ> اضافه مصدر به فاعل

است و <لام> در <للكتب> براى اختصاص و يا براى تقويت عامل <طىّ> است و يا به معناى هر چيزى است كه در آن نوشته باشند. در اين صورت اضافه <طىّ> اضافه به مفعول است و <لام> در <للكتب> به معناى <من أجل> است.

۲- قيامت و در هم پيچيده شدن آسمان در آستانه آن ، از حوادث درس آموز و شايسته ياد و يادآوررى

يوم نطوى السماء كطىّ السجلّ للكتب

برداشت ياد شده مبتنى براين است كه نصب <يوم> به عامل مقدرى چون <أذكر> يا <أذكروا> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۰ - ۱

۱ زمين همچون آسمان ، دست خوش تحولات عظيم در آستانه قيامت

يوم تمور السّماء . .. و تسير الجبال

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۷ - ۱،۲

۱ - شكافته شدن آسمان و از هم پاشيدن آن ، در آستانه قيامت

فإذا انشقّت السّماء

<انشقاق> به معناى شكافته شدن و در مورد آسمان به معناى درهم ريختن نظم كنونى اجرام است.

۲ - سرخ شدن آسمان و شباهت پيدا كردن آن به چرمى گلگون ، به هنگام فروپاشى در آستانه قيامت

فإذا انشقّت السّماء فكانت ورده كالدهان

<ورده> به معناى گل سرخ و <دهان> به معناى چرم قرمز است. بنابراين <كانت ورده كالدهان>; يعنى، همانند چرم گلگون سرخ خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۸ - ۱

۱ - شكافته شدن و از هم گسستن آسمان ، در آستانه برپايى قيامت

یومًا . .. السماء منفطر به

برداشت یاد شده، مبتنی بر این

احتمال است که <با> در <به> ظرفیه و به معنای <فی> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۹ - ۱،۳

۱ - آسمان ، در آستانه برپایی قیامت ، از هم گسیخته شده و اجزای آن می گسلد .

و إذا السماء فرجت

<فرج>، به معنای شکاف است (قاموس المحیط).

۳ - متلاشی شدن نظم کنونی آسمان ، در آستانه برپایی قیامت

و إذا السماء فرجت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۹ - ۱

۱ - آسمان در نخستین مراحل برپایی قیامت ، به فضایی باز و خالی از موانع عبور تبدیل خواهد شد .

و فتحت السماء فکانت أبوبًا

مبالغه موجود در تعبیر <فکانت أبواباً> در تعبیر <فکانت ذات أبواب> نیست; زیرا در تعبیر اول، گویا آسمان به جهت فراوانی راه عبور چیزی جز همان درب ها نیست. جمله <فتحت السماء> عطف بر <ینفخ> و یا حال برای فاعل <تأتون> است. در هر دو صورت، حوادث آغازین قیامت را بیان می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱ - ۱

۱ - آسمان در آستانه قیامت ، از هم گسیخته خواهد شد .

إذا السماء انفطرت

<انفطار>; یعنی، انشقاق (تاج العروس). به قرینه <و إذا القبور بعثرت> در آیات بعد، انفصال اجزای آسمان از یکدیگر، پیش از حادثه قیامت و در آستانه آن خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۳ - ۲

۲ - ساختار زمین نیز مانند آسمان و ستارگان ، در آستانه قیامت به هم

خورده و رخنه های فراوانی در پیکره آن پدیدار خواهد شد .

إذا السماء . .. و إذا الکواکب ... و إذا البحار فجّرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱ - ۱

۱ - آسمان در آستانه قیامت ، از هم گسیخته شده و اجزای آن می گسلد .

إذا السماء انشقّت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۸ - ۱۳

۱۳- < عن محمد بن مسلم قال : سمعت أباجعفر (ع) یقول : . . . لعلّکم ترون إنه إذا کان یوم القیامه . . . إن الله تبارک و تعالی لایعبد فی بلاده و لایخلق خلقاً یعبدونه . . . بلی و الله لیخلقنّ خلقاً من غیر فحوله و لا إناث . . . و یخلق لهم أرضاً تحملهم و سماء تظلّهم ألیس الله یقول : < یوم تبدّل الأرض غیر الأرض و السماوات > . . . ;

محمد بن مسلم گوید: از امام باقر(ع) شنیدم که می فرمود: . .. شاید شما گمان کنید هنگامی که روز قیامت فرا رسد ... خدای تبارك و تعالی در بلاد خود عبادت نمی شود و خلقی را که عبادت او ... کند، نمی آفریند؟ چنین نیست، به خدا سوگند! خدا خلقی را از غیر نر و ماده می آفریند و برای آنها زمینی که آنان را حمل کند و آسمانی که بر سر آنها سایه افکند، خلق می کند. آیا خدا نفرموده است: یوم تبدّل الأرض غیر الأرض و السماوات؟>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۱۶

زمر - ۳۹ - ۶۷ - ۵،۱۲

۵ - آسمان ها ، در روز قیامت پیچیده در دست قدرت خداوند است .

و السموت مطویّت بیمینه

۱۲ - < عن سلیمان بن مهران ، قال سألت أباعبداللّه (ع) عن قول اللّه عزّوجلّ < و الأرض جمیعاً قبضته یوم القیامه > فقال یعنی ملکه لایملکها معه أحد . . . < و السماوات مطویّات بیمینه > قال : الیمین الید ، و الید القدره و القوّه یقول عزّوجلّ و السماوات مطویّات بقدرته و قوته سبحانه و تعالی عمّا یشرکون ;

سلیمان بن مهران گوید: از امام صادق(ع) از سخن خداوند عزّوجلّ که می فرماید: <و الأرض جمیعاً قبضته یوم القیامه> سؤال نمودم، حضرت فرمود: یعنی زمین ملک او است [در قیامت] و هیچ کس غیر از او مالك زمین نیست. .. و درباره <و السماوات مطویّات بیمینه> فرمود: یمین همان ید است و مراد از آن قدرت و قوت است و خداوند عزّوجلّ فرمود: آسمان ها به قدرت و قوت خداوند به هم پیچیده می شوند و او منزّه و برتر است از هرگونه شرکی که به او نسبت می دهند>.

آسمان هنگام قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۵ - ۱،۲،۳،۴

۱ شکافته شدن آسمان ، در آستانه برپایی قیامت و نزول فرشتگان از آن ، حادثه ای در خور تأمل و یاد و یادآوری

و یوم تشقّق السماء بالغمم و نزّل الملئکه تنزیلاً

برداشت فوق، مبتنی بر این است که <یوم> متعلق به فعلی محذوف (همچون <اذکر>) باشد.

۲ آسمان به همراه ابر ها ، در آستانه برپایی قیامت

شکافته خواهد شد .

یوم تشقّق السماء بالغمم

برداشت فوق، مبتنی بر این است که <با> در <بالغمام> برای ملابست باشد; مثل <رکب الامیر بسلاحه; امیر همراه سلاحش بر مرکب خود سوار شد>.

۳ آسمان ، در آستانه برپایی قیامت ، به وسیله ابر ها شکافته خواهد شد .

و یوم تشقّق السماء بالغمم

برداشت فوق، بر این اساس است که <با> در <بالغمام> برای سببیت باشد.

۴ با شکافته شدن آسمان در آستانه بر پایی قیامت ، فرشتگان بر اهل زمین فرود خواهند آمد .

و یوم تشقّق السماء بالغمم و نزّل الملئکه تنزیلًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۸ - ۱

۱ - گداخته شدن آسمان ، همچون ذوب فلزات در آستانه برپایی قیامت

یوم تکون السماء کالمهل

<مهل> به هر فلز گداخته شده (همچون طلا، نقره، مس و. ..) گفته می شود.

آسیب پذیری در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۰ - ۸

۸ - انسان در صحنه قیامت ، در معرض آسیب ها و نیازمند امنیت

أم من یأتی ءامنًا یوم القیمه

با توجه به اتصاف مؤمنان به وصف امنیت و آرامش، مطلب بالا برداشت می شود.

آغاز برپایی قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۳ - ۳

۳ - حاضران در صحنه قیامت ، در آغاز برپایی آن جهنم را مشاهده نمی کنند . *

و جاْیء یومئذ بجهنّم

آغاز قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۴ - ۱۵

۱۵ نبود فاصله زمانی بین مرگ تمامی

انسان ها و آغاز قيامت

فاغرينا بينهم العداوه و البغضاء إلى يوم القيمه

بقاى مسيحيان تا روز قيامت، حاكى ازنبود فاصله بين قيامت و مرگ انسانهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - يس - ۳۶ - ۴۹ - ۳

۳ - انقراض نسل بشر در دنيا و آغاز قيامت ، غافل گيرانه و در حالى خواهد بود كه همگان سرگرم جدال و كشمكش روزانه اند .

ما ينظرون إلاّ صيحه وحده تأخذهم و هم يخصّمون

<يخصّمون> (از ماده <خصومت> و <خصام>) به معناى جدال و كشمكش است و جمله <و هم يخصمون>، حال براى ضمير مفعولى در <تأخذهم> است; يعنى، در حالى كه آنان سرگرم جدال و كشمكش بر سر زندگى مادى اند، ناگهان صيحه سهمگين آنان را فراخواهد گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - يس - ۳۶ - ۵۱ - ۲

۲ - جهان آخرت و رستاخيز انسان ها ، با نفخ صور آغاز خواهد شد .

و نفخ فى الصور فإذا هم من الأجداث إلى ربّهم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۸ - ۱

۱ - آغاز شدن رستاخيز انسان ها ، با دميده شدن در صور

فإذا نقر فى الناقور

<ناقور> به معناى <صور> است (قاموس المحيط و مفردات راغب).

آفرينش در قيامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۴ - ۴

۴- برپایی قیامت به معنای نیستی محض و نابودی کامل جهان طبیعت و آفرینش دوباره آن نیست ; بلکه به معنای در هم پیچیده شدن نظم کنونی آن و تبدیل به نظم نوین است .

یوم

نطوی السماء کطیّ السجلّ للکتب

با توجه به تشبیه درهم پیچیدگی آسمان به پیچیده شدن طومار که به معنای حفظ اصل و موجودیت آن همراه با از بین رفتن نظام حاکم بر آن است مطلب یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۱ - ۴

۴- آکنده شدن فضا از دودی تیره و غلیظ ، در آستانه برپایی قیامت

فارتقب یوم تأتی السماء بدخان مبین

بنابراین که آیه شریفه، در مورد علایم روز قیامت باشد، برداشت بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۱ - ۴

۴- تیرگی تمام جهان ، در آستانه قیامت *

یغشی الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۹ - ۲

۲ - تحولات شگفت و ناهنجار در نظام طبیعت ، در آستانه رستاخیز

یوم تمور السّماء مورًا

برداشت یاد شده بر این اساس است که <تمور> در معنای اضطراب و ناآرامی به کار رفته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۱ - ۱

۱ - برپایی قیامت ، در پی تحولات عظیم و دگرگونی نظام هستی

یوم تمور . .. و تسیر الجبال ... فویل

تفریع <فویل> بر حوادث مطرح شده در آیات پیشین، بیانگر مطلب بالا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۸ - ۲

۲ - دگرگون شدن نظم کنونی منظومه شمسی ، در آستانه برپایی قیامت

فإذا النجوم طمست

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۲۰ – مطففین – ۸۳ – ۶ – ۴

۴ – عوالم هستی ، پس از برپایی قیامت نیز در حال رشد و تکامل خواهند بود . *

یوم یقوم الناس لربّ العلمین

توصیف خداوند به <ربّ العالمین> حتی در قیامت بیانگر تداوم تدبیر و تربیت جهان هستی، در آن زمان است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – قارعه – ۱۰۱ – ۲ – ۳

۳ – جهان در آستانه قیامت ، به گونه ای شگفت آور درهم کوبیده خواهد شد .

ما القارعه

آگاهی از برپایی قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۸۷ – ۲،۴،۱۰،۱۱،۱۳،۱۴،۱۵

۲ آگاهی به زمان برپایی قیامت ، دانشی در انحصار خداوند

قل إنما علمها عند ربی . .. قل إنما علمها عند اللّه

۴ خداوند تنها قدرتی است که بر آشکارسازی قیامت تواناست .

لا یجلیها لوقتها إلا هو

<تجلیه> مصدر <یجلی> به معنای اظهار کردن و آشکار ساختن است.

۱۰ دانش بشر ناتوان از پیش بینی زمان برپایی قیامت ، حتی به صورت احتمال

لا تأتیکم إلا بغته

در صورتی می توان گفت چیزی ناگهانی و بی خبر تحقق یافت که انسان زمان تحقق آن را، حتی به صورت احتمال و حدس،

در ذهن خویش ترسیم نکرده باشد.

۱۱ پیامبر (ص) بر خلاف تصور مردم ، بر آگاه شدن به زمان تحقق قیامت اصرار نداشت و برای دستیابی به آن تلاش نکرد .

یسئلونک کأنک حفی عنها

<حفی به> یعنی کنجکاوی نمود و درباره آن زیاد پرسش کرد. چون کلمه <حفی> در آیه شریفه با <عن> متعدی شده، معنای کشف کردن نیز در

آن مندرج است. یعنی <کانک حفی بها مستکشفا عنها>. گویا تو پرسش کرده ای و در صدد کشف آن برآمده ای.

۱۳ پیامبر (ص) ، بر خلاف تصور مردم ، به زمان برپایی قیامت آگاه نبود .

یسئلونک کأنک حفی عنها

<حفی عنها> که دلالت بر پرسش زیاد و تلاش برای کشف زمان قیامت دارد، به قرینه <یسئلونک>، کنایه از آگاهی نیز می باشد. یعنی آنان گمان می کنند که تو از زمان قیامت پرسش کرده ای و در نتیجه بدان آگاه شده ای.

۱۴ عموم مردم نمی دانند که آگاهی به زمان قیامت در انحصار خداوند است .

و لکن أکثر الناس لایعلمون

مفعول <لایعلمون> معنایی است که از <انما علمها . .. > به دست می آید.

۱۵ انحصار دانش قیامت به خدا ، خود علم و معرفتی است که تنها برخی از مردم آن را درخواهند یافت .

إنما علمها عند اللّه و لکن أکثر الناس لایعلمون

آگاهی از قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲ - ۷

۷ تنها خداوند آگاه از زمان قیامت و حشر آدمی است.

و أجل مسمی عنده

مراد از <اجل مسمی> می تواند زمان برپایی قیامت باشد که پس از ذکر خلقت و عمر آدمی به عنوان آخرین منزل ذکر شده است.

آگاهی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۶۴ - ۱۰

۱۰ خداوند آگاه کننده مردم به حقانیت معارف دین در قیامت

ثم إلى ربكم مرجعكم فينبئكم

آل فرعون در قيامت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - غافر

- ۴۰ - ۴۶ - ۶

۶ - به دوزخ افتادن خاندان فرعون در قیامت با فرمان الهی

و یوم تقوم الساعه أدخلوا ءال فرعون أشدّ العذاب

آمادگی برای قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۴ - ۲

۲ - لازم است که انسان ، برای حضور در صحنه قیامت ، هماره آماده باشد .

إنّ اللّه عنده علم الساعه . .. و ما تدری نفس بأیّ أرض تموت

نامعلوم گذاشته شدن زمان برپایی قیامت، احتمال دارد به خاطر این نکته باشد که انسان، هماره برای آن، باید آماده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۷ - ۱۴

۱۴ - لزوم آمادگی همیشگی انسان برای مواجهه با قیامت

و ما یدریک لعلّ الساعه قریب

خبر از نزدیکی قیامت، می تواند ناظر به مطلب یاد شده باشد.

آمرزش در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۱ - ۱

۱- حضرت ابراهیم (ع) از خداوند خواستار آمرزش خود ، پدر و مادرش و مؤمنان در روز برپایی قیامت شد .

ربّنا اغفرلی و لولدیّ و للمؤمنین یوم یقوم الحساب

آمرزشهای خدا در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۱ - ۴

۴- جلوه و ظهور غفران و رحمت گسترده الهی در قیامت

إن ربّک . .. لغفور رحیم . یوم تأتی کلّ نفس تجدل عن نفسها

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که <یوم> ظرف برای <لغفور رحیم> باشد.

آهسته گویی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۰۸ – ۹،۵

۵ – مردم حاضر در صحنه قیامت ، گفتار خود را با صدایی آهسته به زبان خواهند آورد .

یومئذ . .. خشعت الأصوات للرحمن

<خشوع صوت> به معنای پایین آمدن صدا است (تاج العروس).

۹ – روز قیامت ، هیچ صدایی از آدمیان به جز صدای پنهان و زیر لب و یا صدای آهسته گام ها ، شنیده نخواهد شد .

و خشعت الأصوات للرحمن فلاتسمع إلّاهمسًا

<همس>; یعنی، صدای پنهان و <همس الأقدام> به مخفیانه ترین قدم زدن گفته می شود (معجم مقاییس اللغه) در این آیه هر دو معنا محتمل است.

ابتلا در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۳۱ – ۱۳

۱۳ آدمی در قیامت گرفتار پیامدهای اعمال خویش است.

و هم یحملون أوزارهم علی ظهورهم

ابرار در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – انفطار – ۸۲ – ۱۴ – ۴

۴ – مردم در قیامت ، به دو گروه شاخص < ابرار > و < فجّار > تقسیم خواهند شد .

إنّ الأبرار لفی نعیم . و إنّ الفجّار لفی جحیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – مطففین – ۸۳ – ۲۳ – ۱

۱ – نیکوکاران در قیامت ، بر تخت های تزیین شده آرمیده و به تماشای منظره ها خواهند پرداخت .

علی الأرائک ینظرون

<أریکه> (مفرد <أرائک>) به تختی گفته می شود که تزیین یافته و در خیمه یا خانه ای نهاده شود. هم چنین به جایگاه آرمیدن و لمیدن اعم از تخت، یا تخت عروس و یا تخت خواب

اطلاق می شود. (قاموس)

ابرها هنگام قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۵ - ۲،۳

۲ آسمان به همراه ابر ها ، در آستانه برپایی قیامت شکافته خواهد شد .

یوم تشقّق السماء بالغمم

برداشت فوق، مبتنی بر این است که <با> در <بالغمام> برای ملابست باشد; مثل <رکب الامیر بسلاحه; امیر همراه سلاحش بر مرکب خود سوار شد>.

۳ آسمان ، در آستانه برپایی قیامت ، به وسیله ابر ها شکافته خواهد شد .

و یوم تشقّق السماء بالغمم

برداشت فوق، بر این اساس است که <با> در <بالغمام> برای سببیت باشد.

ابلیس در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۲۷

۲۷- < قال رسول الله (ص) : إذا جمع الله الأولین و الأخرین و قضی بینهم و فرغ من القضاء . . . الکافرون . . . یأتون إبلیس فیقولون : . . . قم أنت فاشفع لنا فإنک أنت أضللتنا فیقوم إبلیس . . . و یقول عند ذلک : < إن الله وعدکم وعد الحق و وعدتکم فاخلفتکم . . . > ;

از رسول خدا(ص) روایت شده است که فرمود: آن گاه که خداوند اولین و آخرین انسانها را جمع کرد و میان آنان حکم نمود و از حکم کردن فارغ شد . .. کافران ... نزد ابلیس آیند و گویند:... تو برخیز و برای ما شفاعت کن; پس همانا تنها تو ما را گمراه کردی. پس ابلیس می ایستد ... و در این هنگام می گوید: <إن الله وعدکم وعد الحق و وعدتکم

فاخلفتکم...>.

اجابت دعا در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۱ - ۱۰

۱۰ امکان استجابت دعا در قیامت

أو أتتکم الساعه . .. فیکشف ما تدعون إلیه إن شاء

اجابت کنندگان خدا در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۸ - ۴

۴ اجابت کنندگان دعوت خدا ، از حسابرسی روز قیامت رنجی نمی برند و بر آنان سخت گرفته نمی شود .

للذین استجابوا لربهم الحسنی

مقصود از<الحسنی> به قرینه مقابله آن - در ذیل آیه با فرجام روی گردانان از دعوت خدا ، معنایی مقابل <سوء الحساب> و نیز مقابل <جهنم> است. بنابراین مراد از <الحسنی> حساب آسان و نیز بهشت می باشد.

اجابت منادی قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۸ - ۲

۲ - همه آدمیان ، بدون هیچ تخلف و با انضباط کامل ، به ندای دعوت کننده روز قیامت پاسخ داده و از وی پیروی خواهند کرد .

یومئذ یتّبعون الداعی لاعوج له

ضمیر <له> ممکن است به <اتباع> (مستفاد از <یتّبعون>) برگردد. دراین صورت مفاد <لاعوج له> این است که در پیروی از داعی روز قیامت، هیچ تخلف و انحرافی صورت نخواهد گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۸ - ۱

۱ - شتاب آدمیان در خروج از قبر ها ، برای اجابت منادی رستاخیز

یخرجون من الأجداث . .. مهطعین إلی الداع

اجتماع در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران -

۳ - ۹ - ۴

۴ خداوند ، همه مردم را در قیامت جمع خواهد کرد .

ربّنا انّک جامع الناس لیوم لا ریب فیه

بنابراینکه <لیوم> به معنای <فی یوم> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۷ - ۲،۳

۲ قیامت ، پایان گردآوری انسان ها از سوی خداوند

لیجمعنّکم الی یوم القیمه

۳ قیامت ، روز گردآوری تمامی انسانها

لیجمعنّکم الی یوم القیمه

بر اساس این احتمال که <الی> به معنی <فی> باشد ; چنانچه برخی از مفسران اظهار داشته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۲ - ۱،۳

۱ خداوند تمامی آدمیان را در روز قیامت گرد می آورد.

و یوم نحشرهم جمیعا

۳ خداوند گردآورنده تمامی ستمگران (اهل کتاب و مشرکان) در قیامت

إنه لایفلح الظلمون . .. و یوم نحشرهم جمیعا

چون در آیات گذشته سخن از مشرکان و اهل کتاب به میان آمده بود، در برداشت این دو گروه به عنوان مصادیقی بارز از ظالمان مشخص شده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ – انعام – ۶ – ۷۲ – ۷

۷ قیامت روز گرد آمدن تمامی آدمیان در پیشگاه خداوند است.

و هو الذی إلیه تحشرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۰۲ – ۷

۷ – قیامت ، روز اجتماع و گردآمدن انسان ها است .

نحشر المجرمین

<حشر> به معنای جمع کردن است (لسان العرب) و در آن، معنای سوق دادن نیز لحاظ می شود (مقاییس اللغه).

اجتناب از تکذیب قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه

– فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۲ – ۳

۳ – تهدید منکران قیامت ، به دست برداشتن از انکار آن تا فرصت باقی مانده

لیس لوقعتها کاذبه

<کاذبه> می تواند صفت برای موصوف مقدر باشد (نفس کاذبه). در این صورت آیه شریفه نظر به کافران دارد که تا وقت باقی است، دست از انکار قیامت بردارند; زیرا روزی که قیامت واقع شود، آنان جز تسلیم شدن در برابر واقعیت و گرفتار سرافکندگی شدن فرجامی ندارند.

اجرام آسمانی در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۹ – ۱

۱ – حرکت سریع و بی سابقه اجرام آسمانی ، در آستانه رخداد قیامت

یوم تمور السّماء مورًا

<مور> (مصدر <تمور>) در معانی <حرکت سریع> و <اضطراب و ناآرامی> به کار می رود. برداشت بالا با توجه به معنای نخست آن است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۳۷ – ۳

۳ – ذوب شدن اجرام آسمانی چون روغن گداخته ، به هنگام فروپاشی در آستانه قیامت

فإذا انشقّت السّماء فکانت ورده کالدهان

برداشت یاد شده در صورتی است که <دهان> به معنای روغنی باشد که در نتیجه گداختن به رنگ گل سرخ در آمده است (چنان که عده ای از مفسران برآنند) برداشت بالا استفاده می شود.

احاطه منادی قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۱ - ۴

۴ - همه انسان ها به هنگام رستاخیز ، در احاطه منادی حق به گونه ای همسان *

و استمع یوم یناد المناد من مکان قریب

تعبیر <من مکان قریب> ممکن است بیانگر

این نکته باشد که در قیامت، همه انسان ها در برابر مبدأ حاکمیت و ندای حق، نسبتی همسان دارند و بعد مکانی وجود ندارد.

احتجاج در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۶ - ۱۳

۱۳ - یهودیان معتقد به برپایی قیامت ، بر قراری صحنه های محاکمه در آن روز و احتجاج انسان ها علیه یکدیگر در پیشگاه خدا

أتحدثونهم . .. لیحاجوکم به عند ربکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۹ - ۲

۲ - احتجاج الهی در قیامت با امت ها ، براساس مدرک و سند

هذا کتبنا

احزاب کافر در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۸ - ۱،۲،۳

۱ احزاب کفرپیشه و مستکبر دارای علامت و نشانهایی مخصوص به خود در قیامت

و نادی اصحب الاعراف رجالا یعرفونهم بسیمهم

۲ اصحاب اعراف در صحنه قیامت ، احزاب کفرپیشه و مستکبر را به وسیله علامتهایشان خواهند شناخت .

یعرفونهم بسیمهم

۳ اصحاب اعراف در صحنه قیامت ، احزاب کفرپیشه و مستکبر را مخاطب ساخته و از فاصله ای دور با آنان سخن می گویند .

و نادی اصحب الاعراف رجالا

احزاب مستکبر در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۸ - ۱،۲،۳

۱ احزاب کفرپیشه و مستکبر دارای علامت و نشانهایی مخصوص به خود در قیامت

و نادی اصحب الاعراف رجالا یعرفونهم بسیمهم

۲ اصحاب اعراف در صحنه قیامت ، احزاب کفرپیشه و مستکبر را به وسیله علامتهایشان خواهند شناخت .

یعرفونهم بسیمهم

۳

اصحاب اعراف در صحنه قیامت ، احزاب کفرپیشه و مستکبر را مخاطب ساخته و از فاصله ای دور با آنان سخن می گویند .

و نادی اصحب الاعراف رجالا

احساس خطر در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۴ - ۳

۳ - قیامت ، روز احساس خطر ; حتی از نزدیک ترین خویشاوندان خود *

یفرّ المرء من أخیه

فرار از برادر، حاکی از خطری است که باقی ماندن در کنار او، آن را محتمل می سازد; چه خطری باشد که فرار از آن سودی نمی بخشد (نظیر گذشت نکردن برادر از حقوقی که برادرش آن را پایمال کرده است) و چه خطری که توهمی بیش نیست (نظیر این گمان که اگر بماند به آتش او بسوزد).

احساسات در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۷ - ۶

۶ - وجود احساسات و حالات روانی برای انسان ها در قیامت

لو أن لنا کرّه فنتبرأ منهم کما تبرّءوا منا

احضار انسان ها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۲ - ۱

۱- رستاخیز ، روز احضار انسان ها از سوی خداوند

یوم یدعوکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۲ - ۱

۱ - تمامی انسان ها بدون استثنا ، در قیامت برای حساب رسی و کیفر و پاداش به پیشگاه خداوند احضار خواهند شد .

و إن کلّ لمّا جمیع لدینا محضرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۳

- ۳،۴

۳ - زنده شدن انسان ها و احضارشان به پیشگاه خداوند در قیامت ، تنها به مدت یک صیحه و بانگ زدن به طول می انجامد .

إن کانت إلّا صیحه وحده فإذا هم جمیع لدینا محضرون

توصیف نفخ صور به این که آن تنها یک صیحه است، می تواند برای بیان مدت زمان زنده شدن و احضار گشتن انسان ها به پیشگاه خداوند رحمان باشد.

۴ - احضار انسان ها به پیشگاه خداوند در قیامت ، بسیار سریع و بی هیچ فاصله ای با نفخ صور انجام خواهد پذیرفت .

إن کانت إلّا صیحه وحده فإذا هم جمیع لدینا محضرون

برداشت یاد شده از آمدن <إذا>ی فجائیه پس از ذکر نفخ صور به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۱ - ۴

۴ - همه انسان ها در قیامت ، به پیشگاه خداوند احضار خواهند شد .

ثمّ إنّکم یوم القیمه عند ربّکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۵ - ۳

۳ - احضار انسان ها در صحنه قیامت ، از اهداف محشور ساختن آنان است . *

مبعوثون . لیوم عظیم

لام در <لیوم> ممکن است بر تعلیل دلالت کند; یعنی، حشر انسان ها به جهت روز قیامت و حضور در صحنه های آن است.

احضار مشرکان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۲ - ۶

۶- قیامت ، روز احضار و محاکمه مشرکان و معبود های آنان

سیکفرون بعبادتهم و یکونون علیهم ضدًّا

احضار معبودان مشرکان در قیامت

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۲ - ۶

۶- قیامت ، روز احضار و محاکمه مشرکان و معبود های آنان

سیکفرون بعبادتهم و یکونون علیهم ضدًّا

احضار هدایت ناپذیران در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۱ - ۹

۹ - هدایت ناپذیران ، برای مؤاخذه و کیفر در روز رستاخیز احضار خواهند شد .

ثمّ هو یوم القیمه من المحضرین

احیای ذکر قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۲۱ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، مأمور موعظه و زنده نگه داشتن یاد قیامت در خاطره ها و توجّه دادن انسان ها ، به قدرت خداوند

فذکّر

<ذِکْر>، حالتی است در نفس انسان که او را بر محافظت از معارفی که فرا گرفته، توانا می سازد. این کلمه با <حفظ> به یک معنا است; جز این که اصل فراگیری <حفظ> و در خاطر حاضر داشتن، <ذکر> خوانده می شود (مفردات راغب); بنابراین <ذکّر>; یعنی، متوجّه ساز و به ذهن آنان بیفکن. این واژه چنانچه در قاموس آمده است در معنای موعظه کردن نیز به کار می رود.

احیای مردگان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۲ - ۱

۱ - زنده شدن مردگان در قیامت ، حتمی است .

ثمّ إذا شاء أنشره

<إنشار> (مصدر <أنشر>) به معنای احیا است (لسان العرب). حرف شرط <إذا> در مواردی به کار می رود که وقوع کار، مسلّم گرفته شده است.

اخبار خدا در قیامت

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۵ - ۸

۸ خداوند ، خبر دهنده تمامی اعمال دنیوی انسان ها به آنان ، در قیامت

و ستردون إلی علم الغیب و الشهده فینبئکم بما کنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۶ - ۵

۵ - خداوند ، در روز قیامت تمامی اعمال کافران را به آنان خبر خواهد داد .

فینبّئهم بما عملوا

اختفای حقایق در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۳ - ۵

۵ - در قیامت نیز برخی حقایق برای گروهی از مردم مخفی می ماند .

یتخفتون بینهم إن لبثتم إلّاعشرًا

جمله <یتخافتون> دلالت می کند که مفاد <إن لبثتم إلّا عشراً> محور صحبت مجرمان بوده است; نه این که بر آن اتفاق نظر داشته باشند و ارائه نظرهای گوناگون، حاکی از مشخص نبودن حقیقت برای برخی از آنان است.

اختفای قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۰ - ۶

۶ - زمان وقوع قیامت ، برای هیچ کس روشن نیست .

یقولون متی هذا الوعد . .. قل لکم میعاد یوم

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که خداوند، به سؤال درباره زمان وقوع پاسخ نداده و تنها به حتمی بودن وقوع آن بسنده کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۷ - ۱۲

۱۲ - زمان وقوع قیامت ، مخفی و پنهان حتی برای پیامبر (ص)

و ما یدریک لعلّ الساعه قریب

اختفای وقت قیامت

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۲ - ۵

۵ - زمان قیامت ، نامعلوم است .

ثمّ إذا شاء أنشره

کارهایی که در آیات پیشین به خداوند نسبت داده شد، گرچه مقید به مشیت الهی است; ولی قید <إذا شاء> تنها در مورد محشور شدن انسان ذکر شده است تا این نکته را برساند که هر چند برای آن افعال (خَلَقه، یسّره، أماته و أقبره) می توان زمانی را حدس زد; ولی در مورد قیامت، تنها باید به خواست خداوند نظر داشت.

اختلاط رنگ کوهها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۵ - ۲

۲ - کوبندگی حوادث قیامت ، تمام کوه ها را متلاشی کرده ، ذرّات رنگارنگ آنها را درهم خواهد آمیخت .

ما القارعه . یوم ... تکون الجبال کالعهن المنفوش

اختلاف مشرکان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۴ - ۱

۱ - میان مشرکان به هنگام بر پایی قیامت تفرقه و جدایی می افتد .

و یوم تقوم الساعه یومئذ یتفرّقون

برداشت فوق، بنابراین است که مرجع ضمیر فاعلی <یتفرّقون> مطابق آیه قبل، مشرکان باشد.

اخراج مردگان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۴ - ۳

۳ - زمین پس از تحوّلا‌تی در سه مرحله (< لرزش ویرانگر در پایـان عمر دنیـا > ، < اخراج مردگان از درون خود در آغاز قیامت > و < اظهار اطلاعات بایگانی شده در خود >) ، مکان حسابرسی اعمال انسان ها

خواهد شد .

إذا زلزلت . .. و أخرجت ... تحدّث أخبارها

آيات اين سوره مى تواند بيانگر حوادث آخرت باشد كه از پايان نظام موجود، شروع مى شود. تعبير <يومئذ> در اين احتمال نشانگر وقوع تمام آن حوادث، در يك زمان گسترده است.

ادراک دلایل قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۳ - ۴

۴ ناباوران به قيامت از درك دلالت عذاب هاى دنيوى ، بر قيامت و عذاب هاى اخروى ناتوانند .

إن فى ذلك لأيه لمن خاف عذاب الأخره

روشن است كه دلالت عذابهاى دنيوى بر حقانيت قيامت، اختصاص به گروهى خاص ندارد. بنابراين لام در <لمن خاف ...> لام انتفاع است و بيانگر اين نكته مى باشد كه: هر چند آيت بودن عذابها اختصاص به كسى ندارد; ولى ناباوران به قيامت از فهم آن محرومند.

ارزش ها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۸ - ۵

۵ - ظهور ارزش احسان ، براى كافران و گنه كاران در قيامت

لو أنّ لى كرّه فأكون من المحسنين

ارزشها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۲ - ۱۳

۱۳ قيامت ، روز ظهور برترى تقواپيشگان بر كافران و روز ظهور ارزش هاى حقيقى

و الذين اتقوا فوقهم يوم القيمه

چون برتری مؤمنان تقواپیشه در دنیا نیز حتمی است ; بنابراین <یوم القیمه>، ظرف ظهور این برتری خواهد بود.

استبعاد قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۱ - ۴

۴ - تردید و استبعاد

مشرکان مکه ، در امکان وقوع قیامت

و إنّه لعلم للساعه فلاتمترنّ بها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۹ - ۴

۴ - ناباوری بی جای کافران نسبت به نزدیک شدن لحظه به لحظه قیامت

أزفت الأزفه . .. أفمن هذا الحدیث

در صورتی که <هذا> اشاره باشد به آنچه در آیات پیشین درباره نزدیکی قیامت و وعده ها و عیدهای الهی بیان شده است، برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۶ - ۱

۱ - کافران ، برپایی قیامت و عذاب آن را ، امری بعید و به دور از حقیقت می دانند .

إنّهم یرونه بعیدًا

با توجّه به این که کافران، منکر معاد بودند، مقصود آنان از <بعید>، بعید زمانی نیست; بلکه مقصود دور بودن از دایره امکان است.

استماع حوادث قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۱ - ۱

۱ - خداوند ، هشداردهنده به انسان ها و تشویق کننده آنان به شنیدن حوادث قیامت

هل أتیک حدیث الغشیه

استفهام در <هل أتاک>، برای ترغیب به شنیدن پاسخ است و خطاب در آن، گرچه ممکن است به طور مستقیم متوجه پیامبر(ص) باشد; ولی به دلیل سیاق آیات، مراد عموم انسان ها است.

استمداد در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۹۱ – ۵،۷

۵ ایمان ، ارزشی فراتر از سنجش و مقایسه با تمامی مادیات

انّ الذین کفروا . .. فلن یقبل من احدهم مِلءُ الارض ذهباً

۷ وجود یاوران و

شفیعان در قیامت *

و ما لهم من ناصرین

تقدیم <لهم> بر <ناصرین> که بیانگر حصر است، می رساند که یاوران و شفیعان در قیامت هستند; ولی تنها کافران از شفاعت آنان محرومند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۲ - ۱،۲

۱- خداوند ، در قیامت ، به مشرکان فرصت خواهد داد تا از معبود های پنداری خویش استمداد کنند .

نادوا شرکاءی الذین زعمتم

۲- مشرکان ، در قیامت ، به پندار توان مندی معبودان شان بر یاری آنان ، عجولانه ، از آنان استمداد خواهند کرد .

و یوم یقول نادوا . .. فدعوهم

<فای تعقیب> در <فدعوهم> بر بی درنگ بودن کار آنان دلالت می کند. کاربرد فعل ماضی، برای کاری که در قیامت انجام می گیرد (دعوهم) نشانه آن است که به مجرد فرصت یافتن مشرکان باید استمداد را انجام یافته تلقی کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۲ - ۴

۴ - قیامت ، روز فریاد و استمداد خلایق

یوم التناد

<تناد> اگر مخفف <تنادی> باشد، از ندا، مشتق است; ولی اگر مخفف <تنادّ> باشد به معنای اختلاف و پراکندگی خواهد بود. بنابراین <یوم التناد>; یعنی، روز تفرّق و جدایی. گفتنی است برداشت یاد شده مبتنی بر معنای نخست است.

استهزاگران قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳ - ۴

۴ - کافران ، وقوع قیامت را امری مسخره دانسته و آن را به استهزا می گرفتند .

و قال الذین کفروا لاتأتینا الساعه

تعبیر به نیامدن قیامت (لاتأتینا) یا به جهت این است

که قیامت از جمله امور زمانی است و یا به جهت به سخره و استهزا گرفتن آن می باشد. برداشت یاد شده، براساس احتمال دوّم است.

استهزاهای مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۶ - ۲

۲ منکران ربوبیت خدا و کافران به قیامت از سر استهزا و ناباوری ، خواهان تعجیل در فرا رسیدن عذاب های موعود

یستعجلونک بالسیئه

<استعجال> (مصدر یستعجلون) به معنای درخواست عجله است. حرف <باء> در <بالسیئه> برای تعدیه و <ال> در آن عهد ذهنی است ; یعنی، آن بدی و مراد از آن به قرینه <قد خلت من قبلهم المثلات> عذاب است. بنابراین <یستعجلونک بالسیئه> ; یعنی، از تو می خواهند در آوردن آن عذاب وعده داده شده تعجیل کنی.

استهزای اخروی استهزاگران قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۴ - ۱

۱ - استهزاکنندگان دین و قیامت ، مورد تحقیر و تمسخر در آتش دوزخ

یسئلون أیّان یوم الدین . .. ذوقوا فتنتکم هذا الذی کنتم به تستعجلون

امر در <ذوقوا>، برای تهکم و استهزا است.

استهزای اخروی مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۴ - ۳

۳ تکذیب کنندگان قیامت ، علاوه بر گرفتاری به کیفر جسمانی (سوختن) ، به کیفر روانی (تحقیر و استهزا) نیز مبتلا خواهند شد .

و إذا أَلقوا منها مكانًا ضيّقًا . .. لاتدعوا اليوم ثبورًا وحدًا و ادعوا ثبورًا ك

جمله <لاتدعوا. ..> - به جای جواب مناسب با <دعوا هنالك ثبوراً> می تواند برای

تحقیر و استهزای آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۵ - ۱

۱ - استهزا شدن تکذیب گران در آستانه دوزخ ، به وسیله یادآوری سخنان کفرآلودشان به ایشان

أفسحر هذا

استفهام در <أفسحر هذا> برای تهکم و استهزا است.

استهزای قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۱ - ۳

۳ - پرسش ناباورانه و تمسخرآمیز منکران معاد ، از زمان برپایی رستاخیز و مجازات کافران

لقد وعدنا هذا. .. و یقولون متی هذا الوعد

مراد از <الوعد> به قرینه آیات پیشین، می تواند وعده رستاخیز باشد. برداشت یاد شده بر پایه این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۸ - ۱

۱ - درخواست تمسخرآمیز مشرکان عصر بعثت ، نسبت به برپایی هر چه زودتر قیامت

یستعجل بها الذین لایؤمنون بها

درخواست برپایی قیامت از سوی کسانی که مؤمن به آن نیستند، نشانگر استهزاآمیز بودن خواسته آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۳ - ۱۲

۱۲ - برخورد بازیگرانه و تمسخرآمیز دین ناباوران با مسأله قیامت

فذرهم يخوضوا و يلعبوا حتّى يلقوا يومهم الذى يوعدون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - جاثيه - ۴۵ - ۳۲ - ۱۰

۱۰ - موضع كافران در برابر پيامبران و وعده آنان به برپايى قيامت ، موضعى مستكبرانه و استهزاآميز

وإذا قيل . .. و الساعه لاريب فيها قلتم ما ندرى ... و ما نحن بمستيقنين

از سياق آيه، استفاده مى شود كه سخن كافران در <ما ندرى. ..>

لحن استهزایی نیز داشته و آیه بعد مؤید این معنا است (کانوا به یستهزءون).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۲ - ۱

۱ - سؤال تمسخرآمیز کافران درباره زمان برپایی روز جزا

یسئلون أیّان یوم الدّین

از آیات قبل و بعد، تمسخرآمیز بودن سؤال کافران استفاده می شود; زیرا آنان اصولاً در مقام فهم حق نبودند و با این پرسش، می خواستند راهی دیگر برای انکار معاد و وسیله ای برای تمسخر آن پیدا کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۵ - ۱

۱ - پرسش ناباورانه و تمسخرآمیز کافران ، از زمان برپایی قیامت

و یقولون متی هذا الوعد

استفهام در <متی هذا الوعد> حقیقی نیست; بلکه از باب تهکّم و استهزا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳۸ - ۲

۲ - ادعای استهزاآمیز کافران ، به بهشتی بودن خود بر فرض برپایی قیامت

أیطمع کلّ امریء منهم أن یدخل جنّه نعیم

مفسران اظهار داشته اند: که کافران به هنگام شنیدن سخنان پیامبر(ص)، به استهزا می گفتند: اگر آنچه پیامبر می گوید درست باشد; ما زودتر از آنان به بهشت خواهیم رفت و از آنان سزاوارتریم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۶ - ۱

۱ - پرسش ناباورانه و تمسخرآمیز کافران ، از زمان برپایی قیامت

يسئل أيّان يوم القيمه

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۲۰ – نازعات – ۷۹ – ۴۲ – ۳

۳ – طغيان گران دنياطلب ، با پرسش مكرر از زمان قيامت

به استهزای آن می پرداختند .

یسئلونک عن الساعه أیّان مرسیها

فاعل <یسئلونک>، در برداشت یاد شده <من طغی. ..> دانسته شده است. این برداشت، ناظر به احتمالی است که به قرینه <إنّما أنت منذر من یخشاها> در آیات بعد استفاده می شود; زیرا کسی که از انذار قیامت هراسی ندارد، پرسش او از زمان وقوع آن استهزایی خواهد بود.

استهزای مؤمنان به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۸ - ۲

۲ - کافران صدراسلام ، منکر برپایی قیامت بوده و عقیده به آن را مورد استهزا قرار می دادند .

و یقولون متی هذا الوعد

استفهام در <متی هذا الوعد> برابر نظر بیشتر مفسران برای تهکم و استهزا است.

اشراف قوم نوح و قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۷ - ۱

۱ اشراف و سران قوم نوح ، پیامبری آن حضرت را انکار کرده و به توحید و برپایی قیامت کافر شدند .

فقال الملأ الذین کفروا من قومه

متعلق <کفروا> به قرینه آیه قبل توحید ، نبوت نوح و برپایی قیامت است.

اصحاب اخدود در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۷ - ۸

۸ - نظاره گر بودن اصحاب اخدود بر جنایت های خویش درباره مؤمنان ، جایی برای انکار آن در قیامت باقی نمی گذارد .

و هم علی ما یفعلون بالمؤمنین شهود

منظور از تحمـل شـهادت که آیه شریفه بر آن دلالـت دارد ممکن است این باشـد که آزار دهنـدگان، از انکـار آن در قیـامت ناتوان خواهند بود;

زیرا خود گواه کردار خویش بوده اند.

اصحاب اعراف در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۶ - ۳،۶

۳ اعرافیان ، مشرف و ناظر بر تمامی انسان های حاضر در صحنه قیامت

و علی الاعراف رجال یعرفون کلاً بسیمهم

توصیف أصحاب اعراف به اینکه بر بلندای حایل بین بهشتیان و دوزخیان مستقر هستند، بیانگر آن است که آنان بر تمامی افراد موجود در صحنه قیامت اشراف دارند و بر ایشان نظارت می کنند.

۶ اصحاب اعراف ، هر یک از امت ها و دسته های موجود در صحنه قیامت را با نشانه های مخصوصشان خواهند شناخت .

یعرفون کلاً بسیمهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۷ - ۱۱

۱۱ اعرافیان با نگاهی ناخواسته منظره ناخوشایند دوزخیان را مشاهده خواهند کرد .

و إذا صرفت ابصرهم تلقاء اصحب النار

برداشت فوق مبتنی بر این است که مراد از ضمیر <ابصرهم> و <قالوا> اصحاب اعراف باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۸ - ۲،۳

۲ اصحاب اعراف در صحنه قیامت ، احزاب کفرپیشه و مستکبر را به وسیله علامتهایشان خواهند شناخت .

یعرفونهم بسیمهم

۳ اصحاب اعراف در صحنه قیامت ، احزاب کفرپیشه و مستکبر را مخاطب ساخته و از فاصله ای دور با آنان سخن می گویند .

و نادی اصحب الاعراف رجالا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۴۹ – ۵

۵ اصحاب اعراف در صحنه قیامت بشارت دهنده راهیان بهشت به زندگانی آکنده از امنیت

و به دور از حزن

ادخلوا الجنه لا خوف علیکم و لا أنتم تحزنون

اصحاب شمال در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۴۱ - ۲،۳،۴

۲ - کسانی که در قیامت نامه عملشان را در دست چپ داشته باشند ، اصحاب الشمال هستند .

و أصحب الشمال ما أصحب الشمال

۳ - اصحاب الشمال ، انسان هایی شقی و بدبخت در قیامت

و أصحب المشمه . .. و أصحب الشمال

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که در آیات پیشین، از <اصحاب الشمال> به <اصحاب المشئمه> (مردم بدبخت) یاد شده بود.

۴ - اصحاب الشمال در جهان آخرت ، دارای وضعیتی بسیار تکان دهنده و هولناک

و أصحب الشمال ما أصحب الشمال

استفهام تعجبی در <ما أصحاب الشمال> حاکی از آن است که این گروه از مردم، در قیامت در درجه ای از بدبختی قرار می گیرند که هر بیننده ای با دیدن آنها شگفت زده و حیران خواهد ماند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۹۲ - ۱

۱ - دسته دیگر از مردم در قیامت ، < اصحاب الشمال > هستند .

و أمّا إن کان من المکذّبین الضالّین

<مکذّبین> گروه دیگری اند که در آیات پیشین، از آنان به عنوان <اصحاب الشمال> نام برده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۹ - ۲

۲ - سمت چپ در آخرت ، جایگاه استقرار کسانی است که به آیات الهی کفر ورزیده و از آزادسازی بردگان ، غذا دادن به یتیمان و مستمندان و توصیه یکدیگر

به صبر و ترحم ، امتناع کرده اند .

فکّ رقبه . .. و الذین کفروا بایتنا هم أصحب المشئمه

چنانچه <مشأمه> به معنای <سمت چپ> باشد که در <صحاح> از جمله معانی آن شمرده شده است برداشت یاد شده استفاده می شود. کلمه <أصحاب>، بیانگر حضور طولانی <اصحاب المشأمه> در سمت چپ است به گونه ای که با آن مصاحبت داشته و از آن فاصله نمی گیرند.

اصحاب یمین در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۱ - ۱۱

۱۱- برخی از انسان ها پس از حضور در قیامت ، نامه اعمال خود را با دست راست خویش دریافت می کنند .

یوم ندعوا . .. فمن أُوتی کتبه بیمینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۷ - ۱،۲

۱ - در قیامت ، نامه اعمال دسته ای از مردم در دست راستشان خواهد بود .

و أصحب الیمین ما أصحب الیمین

<یمین> در مقابل <شمال> و به معنای دست راست است با توجه به آیه ۱۹ سوره <حاقه> (فأمّا من أُوتی کتابه بیمینه. ..) باید گفت: <أصحاب الیمین>; یعنی، آنان که نامه عمل خود را در دست راست دارند.

۲ - آنان که در قیامت نامه عمل خود را در دست راست دارند ، < اصحاب الیمین > هستند .

و أصحب الیمین ما أصحب الیمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۹۰ - ۱،۲

۱ - دسته ای از مردم در قیامت ، نامه اعمالشان به دست راست آنان داده می شود .

و أمّا إن

کان من أصحب الیمین

<اصحاب الیمین> (یاران دست راست) کسانی اند که در سوره های <اسراء>، <حاقه> و <انشقاق> از آنان به <من أُتی کتابه بیمینه> (کسانی که نامه اعمالشان را به دست راست آنان داده اند) تعبیر شده است.

۲ - به کسانی که در قیامت ، نامه عمل خویش را در دست راست گیرند ، < اصحاب الیمین > گفته می شود .

و أمّا إن کان من أصحب الیمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۹ - ۲

۲ - اصحاب الیمین (خوبان و نیکان) ، در قیامت از اسارت کردار خویش آزاد و از بازخواست الهی در امان خواهند بود .

إلاّ أصحب الیمین

مقصود از اصحاب الیمین به قرینه آیات مشابه; مانند آیه ۲۷ سوره <واقعه> خوبان و نیکان اند که بهشت، برای آنان مقرر شده است.

اضطراب در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱ - ۶

۶- لرزش و اضطراب بسیار شدید مردم ، در عرصه قیامت

إنّ زلزله الساعه شیء عظیم

<ساعه>به معنای لحظه و هنگام است و <الساعه>; یعنی، آن هنگام. مقصود از <آن هنگام>، می تواند هنگام برپایی قیامت و حضور مردم در عرصه محشر باشد. در این صورت کلمه <زلزله>استعاره از اضطراب شدید مردم است. هم چنین می تواند زمان پایان یافتن عمر جهان کنونی و فرا رسیدن هنگام فروپاشی نظام آن باشد. در این صورت مراد از <زلزله>، لرزش شدیدی است که در آن لحظه، سراسر جهان را فرا می گیرد و باعث فروپاشی آن می شود.

جلد - نام سوره -

سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۲ – ۱۱

۱۱– اضطراب مردم در عرصه قیامت ، به درجه ای است که هر زن شیر دهنده ، از شیر دادن غافل خواهد شد و هر زن بارداری از شدت ترس ، سقط جنین خواهد کرد .

یوم ترونها. .. و تضع کلّ ذات حمل حملها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۳۰ – ۴

۴ – مؤمنان نیک کردار ، مشمول رحمت حق در پی مشاهده نگرانی های همگانی قیامت *

و تری کلّ أمّه جاثیه . .. فأمّا الذین ءامنوا و عملوا الصلحت فیدخلهم

برداشت بالا بدان احتمال است که <فأمّا الذین. ..> تفریع بر <تری کلّ أمّه جاثیه> باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – معارج – ۷۰ – ۱۰ – ۴

۴ – اهل محشر ، به شدّت دغدغه دار سرنوشت خود و گرفتار پیامد های کردار خویش

و لایسئل حمیم حمیمًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قیامه – ۷۵ – ۷ – ۱

۱ – در آستانه برپایی قیامت ، چشمان انسان ها از ترس و اضطراب ، به گردش در می آید .

فإذا برق البصر

فعل <بَرَقَ> وقتی به چشم نسبت داده شود، به معنای اضطراب و به گردش آمدن چشم از ترس است (مفردات راغب). گفتنی است آیه شریفه در مقام بیان حوادثی است که در آستانه برپایی قیامت و لحظه های نخستین رستاخیز رخ خواهد داد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۸ - ۱

۱ - هنگام پیدایش دومین

لرزش در دوران برپایی قیامت ، قلب های فراوانی را لرزه و اضطرابی شدید فرا خواهد گرفت .

قلوب یومئذ واجفه

<قلب واجف>، به قلبی گفته می شود که اضطراب شدیدی بر آن مستولی باشد (لسان العرب). <قلوب> نکره ای است که بر تکثیر دلالت دارد و به همین سبب با آن که نکره است مبتدا قرار گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۴ - ۴

۴ - ثروت ها ، هر چند گران بها و نفیس باشند ، در برطرف ساختن خطر ها و اضطراب انسان از حوادث آغازین قیامت ، هیچ گونه کارآیی نخواهند داشت .

و إذا العشار عطّلت

اضطراب شفیعان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۳ - ۶

۶ - شفاعت کنندگان قبل از دریافت امر خدا ، در حال هراس و اضطراب خواهند بود .

حتّی إذا فزّع عن قلوبهم قالوا ماذا قال ربکم

بنابراین که مرجع ضمیر <قلوبهم> شفاعت کنندگان باشد که از جمله آنان ملائکه اند برداشت یاد شده به دست می آید.

اعراض مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۸ - ۶

۶ مشرکان و منکران روز قیامت و کافران به پیامبر (ص) و قرآن ، روی گردانان از دعوت الهی اند .

والذین لم یستجیبوا له

آیات گذشته شاهد بر این است که مقصود از <الذین لم یستجیبوا له> مشرکان و منکران رسالت پیامبر(ص) و ناباوران به

قیامت می باشد.

اغواپذیران در قیامت

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۸ - ۷

۷ - قیامت ، عرصه رنگ باختن پندار های دروغین گمراهان و فریب خوردگان

و یحسبون أنّهم مهتدون . حتّی إذا جاءنا

افشای رازها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۱۰ - ۱،۲

۱ - اسرار سینه ها (ملکات و صفات نفسانی ، علاقه ها ، نیت ها و افکار) ، در قیامت بیرون ریخته و آشکار خواهد شد .

و حصّل ما فی الصدور

<تحصیل>، به معنای استخراج مغز از پوسته و پوشش آن است; مانند استخراج طلا از سنگ معدنی آن و اخراج گندم از کاه (مفردات). برخی آن را با تمییز، مرادف می دانند و بر همین اساس آنچه را بیخته شود، <محصّل> می گویند (کشاف). در این صورت، مراد از آن، متمایز شدن اسرار نیک و بد خواهد بود.

۲ - آشکار شدن اسرار درونی انسان در قیامت ، قهری و بیرون از اختیار او است .

حصّل

مجهول بودن <حصّل>، دلالت بر نکته یاد شده دارد.

افشای علایق در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۱۰ - ۱

۱ - اسرار سینه ها (ملکات و صفات نفسانی ، علاقه ها ، نیت ها و افکار) ، در قیامت بیرون ریخته و آشکار خواهد شد .

و حصّل ما فی الصدور

<تحصیل>، به معنای استخراج مغز از پوسته و پوشش آن است; مانند استخراج طلا از سنگ معدنی آن و اخراج گندم از

کاه (مفردات). برخی آن را با تمییز، مرادف می دانند و بر همین اساس آنچه

را بیخته شود، <محصّل> می گویند (کشاف). در این صورت، مراد از آن، متمایز شدن اسرار نیک و بد خواهد بود.

افشای نیات در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۱۰ - ۱

۱ - اسرار سینه ها (ملکات و صفات نفسانی ، علاقه ها ، نیت ها و افکار) ، در قیامت بیرون ریخته و آشکار خواهد شد .

و حصّل ما فی الصدور

<تحصیل>، به معنای استخراج مغز از پوسته و پوشش آن است; مانند استخراج طلا از سنگ معدنی آن و اخراج گندم از کاه (مفردات). برخی آن را با تمییز، مرادف می دانند و بر همین اساس آنچه را بیخته شود، <محصّل> می گویند (کشاف). در این صورت، مراد از آن، متمایز شدن اسرار نیک و بد خواهد بود.

اقرار به شرک در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۷ - ۷

۷ مشرکان در مرحله ای از قیامت منکر شرک خویش و در مرحله ای معترف به آن می شوند.

و اللّه ربنا ما کنا مشرکین . .. فقالوا یلیتنا نرد و لا نکذب بأیت ربنا و نکون من

برداشت فوق از ارتباط آیه ۲۳ و ۲۷ به دست می آید که مشرکان در آنجا مشرک بودن خودشان را منکر شدند، ولی در اینجا اعتراف کردند که آیات را تکذیب می کردند و مؤمن نبودند.

اقرار به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳۶ - ۵

۵- ابلیس ، معترف به روز قیامت و برانگیخته شدن انسان

ها در آن روز

قال ربّ فأنظرنی إلی یوم یبعثون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۹ - ۶

۶ - ابلیس ، معترف به قیامت و روز برانگیخته شدن انسان ها در آن روز

قال ربّ فأنظرنی إلی یوم یبعثون

اقرار به کفر در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۰ - ۱۴

۱۴ پیروان شیطانها در قیامت به کفرورزی خویش در دنیا اعتراف می کنند.

و شهدوا علی أنفسهم أنهم کانوا کفرین

اقرار به گمراهی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۱۸

۱۸ اعتراف گمراهان در قیامت به تبعیت از خواهشهای نفسانی خویش تا آخرین لحظه عمر

ربنا استمتع بعضنا ببعض و بلغنا أجلنا الذی أجلت لنا

جمله <و بلغنا>، پس از <ربنا استمتع . .. >، بیان استمرار بهره گیری گمراهان از تمتعات دنیا تا لحظه رسیدن اجل است. بنابراین عمر آنها در این منظور صرف شده است.

اقرار در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۰ - ۱۴

۱۴ پیروان شیطانها در قیامت به کفرورزی خویش در دنیا اعتراف می کنند.

و شهدوا علی أنفسهم أنهم کانوا کفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۲۵

۲۵- اعتراف به حق در قیامت ، رهایی بخش از عذاب نیست .

إنی کفرت بما أشرکتمون من قبل إن الظلمین لهم عذاب أليم

برداشت فوق بر این اساس است که <إن الظالمین لهم عذاب أليم> کلام خداوند

باشد. از اینکه خداوند ماجرای برخورد مستکبران و پیروانشان و نیز برخورد آنها با شیطان و اعتراف شیطان به خطای خود در قیامت را بیان می کند و آن گاه می فرماید که برای ستمگران عذابی دردناک در نظر گرفته شده است، نکته فوق به دست می آید.

اقرار علیه خود در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۰ - ۹

۹ کافران جن و انس در قیامت با اعتراف به آمدن رسولان الهی، علیه خود شهادت خواهند داد.

ألم یأتکم رسل منکم . .. قالوا شهدنا علی أنفسنا

اقرار مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۳ - ۴

۴ منکران قیامت با برپایی آن به درستی و راستی گفتار انبیا درباره معاد پی خواهند برد و بدان اعتراف خواهند کرد .

یوم یأتی تأویله یقول الذین نسوه من قبل قد جاءت رسل ربنا بالحق

ضمیر مفعولی در <نسوه> می تواند به <کتب> در آیه قبل برگردد. بر این مبنا <ال> در <الحق> جنسیه است و مراد از آن حقانیت رسالت انبیاست. و نیز می تواند آن ضمیر به <یوم یأتی تأویله>، که همان روز قیامت است، برگردانده شود. در این صورت <ال> در <الحق> عهدیه است و اشاره به حقانیت روز قیامت دارد. برداشت فوق بر اساس احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۰ - ۱۵

۱۵ - اعتقاد و اعتراف برخی از منکران قیامت به ربوبیت خدای یگانه

و ما أظنّ الساعه قائمه و لئن رجعت إلی ربّی

امت ها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۴ - ۲۰

۲۰ آگاه شدن امت ها از کرده های خویش در قیامت

إلی یوم القیمه و سوف ینبئهم اللّه بما کانوا یصنعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۳ - ۱۵

۱۵ - قیامت ، صحنه داوری میان امتهاست .

فاللّه یحکم بینهم یوم القیمه

امتیازات دنیوی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۸ - ۳

۳- قیامت ، روز الغای اعتبارات و امتیازات دنیوی انسان ها است . *

و عرضوا علی ربّک صفًّا

چنان چه مراد از <صفّاً> این باشد که همگان در یک صف محشور خواهند شد جملهء <و عرضوا. ..> اشعار به این مطلب خواهد داشت که با وجود آن که اهل دنیا، امتیازات را به مال و منال و دیگر اعتبارات مادّی دنیا می دانستند، ولی در صفی واحد محشور خواهند شد. این نکته، با توجه به آیات مربوط به داستان مرد ثروت مند و هم صحبت او، بیشتر واضح می گردد.

امداد در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۸ - ۸

۸ - در روز قیامت هیچ کس به دفاع از دیگری برنخواهد خواست و او را یاری نخواهد کرد .

و لاهم ینصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۳ - ۷

۷ - در روز قیامت ، هیچ کس از دفاع و یاری دیگری بهره مند نخواهد شد .

و لاهم

ينصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۳ - ۱۲

۱۲ تنها خداوند ، توانا بر نصرت مستکبران در قیامت

و لایجدون لهم من دون اللّه ولیاً و لانصیراً

به قرینه فراز قبل <فیعذبهم عذاباً الیماً> مراد از اینکه مستکبران تنها خداوند را یاور خویش می یابند، این است که تنها وی توانا بر یاوری آنهاست، نه اینکه خداوند ایشان را یاری خواهد کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۱ - ۹

۹ خداوند تنها شفاعت و یاری کننده در قیامت است.

و أنذر . .. یخافون أن یحشروا إلی ربهم لیس لهم من دونه ولی و لا شفیع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۱۵

۱۵- شیطان در قیامت به ناتوانی خویش و پیروانش برای یاری و فریادرسی یکدیگر اعتراف می کند .

و قال الشیطن . .. ما أنا بمصرخکم و ما أنتم بمصرخی

<صرخ> به معنای فریاد و <أصرخ> به معنای پاسخ گویی به آن است. بنابراین مراد از <مصرخ> فریادرس و نجات دهنده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۵ - ۳،۴

۳ - معبود های ادعایی به روز رستاخیز ، در حالی که همچون سپاهِ آماده به خدمت برای مشرکان اند ، از هرگونه یاری رسانی به آنان ناتوان خواهند بود .

لایستطیعون نصرهم و هم لهم جند محضرون

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که ضمیر <هم> به معبودها و ضمیر <لهم> به مشرکان بازگردد و این جمله حال برای

ضمیر غایبی در<لایستطیعون> باشد. بر این اساس، این ترکیب از باب مبالغه آمده است; زیرا متمرکز کردن تمامی نیروها در قالب یک سپاهِ آماده به خدمت و در عین حال ناتوان بودن از یاری رسانی، نشان دهنده اوج ناتوانی معبودها می باشد. گفتنی است بر اساس این نظر، آیه شریفه ناظر به روز قیامت است.

۴ - تنها خداوند ، توانا بر یاری رسانی به انسان ها در روز رستاخیز

و اتّخذوا من دون اللّه ءالهه لعلّهم ینصرون . .. و هم لهم جند محضرون

از تأکید خداوند بر ناتوانی مطلق همه معبودها از یاری رسانی (به جز اللّه)، برداشت یاد شده به دست می آید.

امکانات مادی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۵ - ۱۹

۱۹- پوچی و بی اثری امکانات دنیایی ، موقعیت های اجتماعی و گروه بندی ها ، در هنگام نزول عذاب و یا فرارسیدن مرگ و قیامت

فسیعلمون من هو شرّ مکانًا و أضعف جندًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۸ - ۲

۲ - قطع رابطه انسان با عوامل مادی تأثیرگذار در دنیا ، به روز رستاخیز

یوم لاینفع مال و لابنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۵ - ۸

۸- حقایق مادی در جهان آخرت ، دارای ماهیتی خالص ، ناب و فاسد نشدنی

أنهر من ماء غیر ءاسن و أنهر من لبن لم یتغیّر طعمه و أنهر من خمر لذّه للشربین

در صورتی که واژه <مثل> به معنای توصیف باشد و نهرهای اخروی از نوع نهرهای مادی و

دنیوی باشد; تعابیر <غیرآسن>، <لم یتغیّر طعمه> و <مصفّی> بیانگر ماهیت متفاوت آنها با امور دنیوی خواهد بود.

امنیت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۵ - ۷

۷ تصدیق کنندگان انبیا و تقواپیشگان راستکردار در قیامت ایمن از عقوبتهای الهی و به دور از هر گونه اندوه هستند.

فمن اتقی و أصلح فلا خوف علیهم و لا هم یحزنون

مراد از نبودن خوف (لا خوف) به دلیل آیه بعد، ایمنی از گرفتار شدن به آتش دوزخ است.

امنیت مؤمنان به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۷ - ۹

۹ - معتقدان به قیامت ، به دور از باطل گرایی و ایمن از زیان اخروی

یومئذ یخسر المبطلون

برداشت بالا، با استفاده از مفهوم آیه صورت گرفته است.

امنیت هنگام قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۵ - ۶

۶- انسان در لحظه مرگ (نظیر زمان ولادت و هنگامه رستاخیز) نیازمند سلامت و امنیتی ویژه از جانب خداوند

و سلم علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیًّا

نکره بودن <سلام> بیانگر برجستگی آن است و مراد از سلامت هنگام مرگ، در امان بودن از مواجه شدن با امری ناخوشایند، نظیر وحشت و اضطراب و نومیدی و . .. است.

امیدواری به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۱ - ۱

۱ - رهنمود خداوند به پیامبر (ص) ، در امید بستن به قیامت برای جزای کافران لجوج

فاصبر . ..

و استمع یوم یناد المناد

آیات پیشین در زمینه مواجهه ناروای کافران با پیامبر(ص) و لزوم شکیبایی آن حضرت در برابر آنان بود. اکنون در این آیه، خداوند به پیامبر(ص) می فرماید: گوش به زنگ منادی حق برای رستاخیز باش; کنایه از این که آن روز کافران، مجازات واقعی خود را خواهند دید.

امیدواری در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۲ - ۱

۱ - پروردگار جهانیان ، کسی است که می توان به غفران و بخشایش او در قیامت ، دل بست .

إلّا ربّ العلمین . .. و الذی أطمع أن یغفرلی خطیئتی یوم الدین

انبیا در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۹ - ۷

۷ پیامبران ، شاهدان محکمه الهی در قیامت

و یوم القیمه یکون علیهم شهیداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۹ - ۱،۲،۱۱

۱ خداوند در قیامت مجمعی از تمامی پیامبران تشکیل خواهد داد .

یوم یجمع اللّه الرسل

۲ پرسش از برخورد امت ها با دعوت انبیا هدف از گردآوری پیامبران در عرصه قیامت

یوم یجمع اللّه الرسل فیقول ماذا اجبتم

۱۱ اظهار بی اطلاعی پیامبران در قیامت از چگونگی برخورد امت ها با دعوت آنان

فیقول ماذا اجبتم قالوا لاعلم لنا

امام باقر(ع) درباره آیه فوق فرمود: ان لهذا تأویلا یقول: ماذا اجبتم فی اوصیائکم الذین خلقتموهم علی اممکم؟ فیقولون لا علم لنا بما فعلوا بعدنا.

کافی، ج ۸، ص ۳۳۸، ح ۵۳۵; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۸۸، ح ۴۲۷.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فيش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۰ - ۴

۴ خداونـد ، در روز قيـامت و در مجمع پيـامبران ، نعمت هـاى ارزانى شـده به عيسـى و مادرش مريم رابه وى يادآورى خواهد كرد .

يوم يجمع اللّه الرسل فيقول . .. اذ قال اللّه يعيسى ابن مريم اذكر نعمتى عليك و عل

كلمه <اذ> در <اذ قال اللّه> بدل اشتمال براى كلمه <يوم . ..> مى باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۶ - ۱

۱ خداوند در قيامت و در حضور پيامبران از مسيح (ع) خواهد پرسيد كه آيا وى مردمان را به پرستش خويش و مادرش مريم فراخوانده است ؟

و اذ قال اللّه يعيسى ابن مريم ءانت قلت للناس اتخذونى و امى الهين

با توجه به آيات بعـد هماننـد <قال اللّه هـذا يوم . ..> آيه ۱۱۹ و توجه به اين حقيقت كه در زمـان حضور مسـيح(ع) در ميان امت خـويش كسـى معتقـد به الوهيت وى و مريم(ع) نبوده است، معلوم مى شود اين پرسـش و پاسـخ در قيـامت اتفـاق خواهد افتاد. گفتنى است كه تعبير از آينده با فعل ماضى (قال) براى رساندن تحقق قطعى آن صحنه است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - اعراف - ۷ - ۶ - ۳

۳ تبليغ تعاليم دينى و آسمانى، محور بازجويى از پيامبران خدا در قيامت

فلنسئلن الذين أرسل إليهم و لنسئلن المرسلين

عنوان <مرسلين> در جمله <و لنسئلن المرسلين> بيانگر اين است كه سؤال از پيامبران درباره تبليغ رسالت است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - اعراف

- ۷ - ۷ - ۲

۲ خداوند در قیامت سرگذشت پیامبران را در ابلاغ رسالت به گونه ای دقیق برای آنان بیان خواهد کرد.

و لنسئلن المرسلین. فلنقصن علیهم بعلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۴ - ۴

۴ - تمامی خواسته های پیامبران و پیروان آنان در قیامت ، از پیش آماده شده و به آنان داده خواهد شد .

و الذی جاء بالصدق و صدّق به . .. لهم ما یشاءون عند ربّهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۹ - ۷

۷ - حضور پیامبران در قیامت برای گواهی دادن بر اعمال بندگان ، هنگام عرضه اعمالشان

و جایء بالنبیّین

مقصود از آوردن پیامبران در قیامت هنگام عرضه نامه اعمال بندگان به قرینه آیه <فکیف إذا جئنا من کلّ اُمّه بشهید و جئنابک علی هؤلاء شهیداً (نساء(۴)، ۴۱) گواهی دادن آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۱ - ۱

۱ - قیامت ، وقت تعیین شده برای حضور پیامبران جهت گواهی بر امت های خویش

و إذا الرسل أُقّتت

مقصود و مفاد این آیه برابر نظر بیشتر مفسران فرارسیدن زمان وعده الهی مبنی بر گواهی پیامبران بر امت های خویش در عرصه قیامت است; مانند <فلنسئلنّ الذین اُرسل إلیهم و لنسئلنّ المرسلین> (اعراف، آیه ۶).

انبیا و قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۹ - ۱۶

۱۶ قیامت ، روزی عظیم در دیدگاه پیامبران (ع)

إنی أخاف علیکم عذاب یوم

عظیم

انتظار در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۸ - ۱۰

۱۰ - تمامی موجودات آسمان ها و زمین ، پس از به پاخاستن با دومین نفخ صور ، در انتظار سرنوشت خود به سر خواهند برد .

ثمّ نفخ فیه أُخری فإذا هم قیام ینظرون

<نظر> (مصدر <ینظرون>) هم به معنای انتظار است و هم به معنای نظر متحیرانه و بهت آمیز. برداشت یاد شده مبتنی بر معنای نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۶ - ۲

۲ - مردم در صحنه قیامت ، به حال ایستاده در انتظار فرجام نهایی خویش اند .

یوم یقوم الناس لربّ العلمین

انتقام جویی درقیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۷ - ۵

۵ - وجود حس انتقام جویی برای انسان ها در قیامت

فنتبرأ منهم کما تبرّءوا منا

اندوه در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۲ - ۷

۷ - قیامت ، صحنه ای هراسناک و جایگاه حزن و اندوه است .

ولا خوف علیهم و لا هم یحزنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۶ - ۱۰

۱۰ تباهی اعمال انجام شده برای غیر خداوند و اندوه فراوان انجام دهنده آن در قیامت

ایودّ احدکم . .. فاحترقت

وجه تشبیه بین <اصابه الکبر> و انفاقهای باطل، ناتوانی جبران گذشته و تأمین آینده است و فرض این معنا در طرف مشبّه هنگام مرگ و قیامت است.

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۴ - ۸

۸ انفاق کنندگان در راه خداوند ، ترس و اندوهی در رستاخیز نخواهند داشت .

و لا خوف علیهم و لا هم یحزنون

بنابراینکه عدم <خوف> و <حزن> تنها مربوط به آخرت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۷ - ۱۰

۱۰ مؤمنان دارای عمل صالح ، ترس و اندوهی در رستاخیز ندارند .

انّ الّذین امنوا . .. و لا خوف علیهم و لا هم یحزنون

بنابراینکه عدم <خوف> و <حزن> مربوط به آخرت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۰ - ۱۱

۱۱ قیامت ، روز اندوه و افسوس بدکاران

تودّ لو انّ بینها و بینه امداً بعیداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۵ - ۷

۷ تصدیق کنندگان انبیا و تقواپیشگان راستکردار در قیامت ایمن از عقوبتهای الهی و به دور از هر گونه اندوه هستند.

فمن اتقی و أصلح فلا خوف علیهم و لا هم یحزنون

مراد از نبودن خوف (لا خوف) به دلیل آیه بعد، ایمنی از گرفتار شدن به آتش دوزخ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۱۲ – ۷

۷ – بدکارانِ دروغ انگارِ آیات الهی ، در روز قیامت ، نا‌امید و اندوه ناک اند .

ثمّ کان عقبه الذین أسئوا السوأی أن کذّبوا بأیت اللّه . .. و یوم تقوم الساعه ی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵

- ۳۴ - ۳،۴

۳ - اندوهگین بودن بهشتیان در عرصه قیامت پیش از ورود به بهشت

و قالوا الحمد للّه الذی أذهب عنّا الحزن

برداشت یاد شده، به خاطر این نکته است که لازمه برطرف کردن حزن وجود آن از پیش است.

۴ - قیامت ، عرصه حزن آور و اندوهگین حتی برای مؤمنان

و قالوا الحمد للّه الذی أذهب عنّا الحزن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۲ - ۲

۲ - وضعیت کافران در روز رستاخیز ، بسیار تأسف بار و حسرت آور خواهد بود .

قالوا یویلنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴ - ۶

۶ - روز قیامت ، روزی بس دشوار و اندوه بار برای خلایق

فی یوم کان مقداره خمسین ألف سنه

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که در زبان عرب، اوقات سخت و خزن آور را، به طولانی بودن آن و زمان های راحتی و شادمانی را به کوتاه بودن آن توصیف می کنند.

اندوهناکی قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۳ - ۲

۲- برپایی قیامت ، اندوه زا و همراه با وحشت و فزع و جزع بزرگ است .

لايحزنهم الفزع الأكبر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۷ - ۱

۱ - قيامت ، روزى است بسيار سخت و اندوه بار .

فكيف تتّقون إن كفرتم يومًا يجعل الولدن شيبًا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۰ - ۲

۲ - قيامت ،

روزی است بسیار سخت و اندوه بار .

يومًا عبوسًا قمطريرًا

<عبوس>; يعنی، چهره در هم کشیده و <روز عبوس> کنایه از روز سخت و اندوه بار است. <قمطریر> نیز به معنای شدید است و در این آیه هم می تواند وصف برای <عبوس> باشد (یعنی شدید العبوس) و هم می تواند صفت برای <یوم> باشد.

انذار از قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۰ - ۶۸

۶ بیان آیات الهی به مردم و بیم دادن به آنان در مورد قیامت، از وظایف مهم انبیاست.

رسل منكم يقصون عليكم ءايتى و ينذرونكم لقاء يومكم هذا

۸ مطلع ساختن مردم از آیات الهی و مضامین آن، و انذار از قیامت دو وظیفه اساسی مبلغان دین است.

يقصون عليكم ءايتى و ينذرونكم لقاء يومكم هذا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۹ - ۱

۱- پیامبراکرم (ص) مأمور انذار و هشدار دادن به مردم در مورد حوادث حسرت آفرین قیامت

و أنذرهم يوم الحسره

ضمیر <هم> در <أنذرهم> شامل همه مردم می شود. از اضافه شدن <یوم> به <الحسره> معلوم می شود که در آن روز همگان برگذشته خویش تأسف می خورند، به طوری که آن روز <روز حسرت> نامیده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۱ - ۱۷

۱۷ - اخطار و انذار مردم درباره رستاخیز انسان ها ، از وظایف رسولان الهی

و ينذرونكم لقاء يومكم هذا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۵ - ۱۰

- ۱۰

انذار و اخطار مردم درباره قیامت ، از وظایف اصلی پیامبران

یلقی الروح . .. علی من یشاء من عباده لینذر یوم التلاق

در برداشت یاد شده، فاعل <لینذر>، ضمیری دانسته شده که به <من> موصول باز می گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۸ - ۱

۱ - پیامبر (ص) مأمور انذار و اخطار به مردم درباره روز قیامت

و أنذرهم یوم الأزفه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۷ - ۱۶

۱۶ - انذار از قیامت ، از اهداف مهم وحی الهی

کذلک أوحینا إلیک . .. و تنذر یوم الجمع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۸ - ۳

۳- هشدار خداوند ، به سر رسیدن ناگهانی قیامت و غافلگیر شدن بشر

فهل ینظرون إلاّ الساعه أن تأتیهم بغته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۱ - ۳

۳ - ترسیم رخداد های پراضطراب هستی در آستانه قیامت ، هشداری به تکذیب کنندگان آن است .

یوم تمور . .. و تسیر الجبال ... فویل یومئذ للمکذّبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۷ - ۲

۲ - توجه دادن خلق به نزدیکی قیامت ، از انذار های مهم پیامبران

هذا نذیر من النذر . .. أزفت الأزفه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملك - ۶۷ - ۲۶ - ۵

۵ - پیامبر (ص) ، تنها عهده دار انذار مردمان ، درباره برپایی قیامت بود

، نه مشخص ساختن زمان دقیق آن .

قل إنّما العلم عند اللّه و إنّما أنا نذیر

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که حصر در <إنّما أنا نذیر> حصر اضافی بوده و نسبت به علم به زمان برپایی قیامت سنجیده شده است; یعنی، من تنها انذارگر به وقوع قیامت هستم، نه بیش از آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۵ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، هشدار دهنده و انذار کننده مردم درباره رخداد های قیامت

إنّماأنت منذر من یخشیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۱ - ۴

۴ - خداوند ، مردم را به روز جزا هشدار داده است .

أرءیت الذی یکذّب بالدین

تکذیب، نوعی واکنش در برابر پیام یا دعوت است. بنابراین در تعالیم الهی، درباره روز جزا، هشدارهایی داده شده بود که مکذبان را، به تکذیب وادار ساخته است.

انذار مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۹ - ۱۱

۱۱- انذار غافلان و منکران قیامت و بیم دادن آنان از زمینه های حسرت در آن از وظایف پیامبر (ص) است .

و أنذرهم یوم الحسره . .. و هم فی غفله و هم لایؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۱ - ۳

۳ - ترسیم رخداد های پراضطراب هستی در آستانه قیامت ، هشداری به تکذیب کنندگان آن است .

یوم تمور . .. و تسیر الجبال ... فویل یومئذ للمکذّبین

انسان در قیامت

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۰ - ۱

۱ حضور انسانها در قیامت، مانند آفرینش نخستینشان، در دو گروه هدایت یافته و گمراه گشته

فریقا هدی

جمله <فریقا هدی . ..> حال برای فاعل <بدأکم> و بیانگر وجه مشابهت مطرح شده در جمله <کما بدأکم تعودون> است و حاصل معنی چنین می شود: خداوند شما را آفرید در حالی که شایستگان هدایت را هدایت کرد و مستحقان گمراهی را به گمراهی کشاند و به همین صورت (دو جناح بودن) به سوی او باز خواهید گشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۰ - ۱

۱ - در قیامت ، انسان هیچ قدرتی در برابر خواست خداوند و کیفر های او ندارد .

فما له من قوّه

انسان ها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۸ - ۱

۱ - انسان در آینده با روزی عظیم (قیامت) مواجه خواهد شد .

واتقوا یوماً

مراد از کلمه <یوماً> روز قیامت است و نکره آمدنش حکایت از عظمت آن دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۸ - ۹،۱۰

۹ - خداوند همه انسان ها را - هر کجا که باشند - در صحنه قیامت حاضر خواهد ساخت .

أین ما تکونوا یأت بکم اللّه جمیعاً

۱۰ – حضور یکپارچه انسان ها در صحنه قیامت

أین ما تکونوا یأت بکم اللّه جمیعاً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۸۷ – ۲،۳

۲ قیامت ، پایان گردآوری

انسان ها از سوی خداوند

لیجمعنّکم الی یوم القیمه

۳ قیامت ، روز گردآوری تمامی انسانها

لیجمعنّکم الی یوم القیمه

بر اساس این احتمال که <الی> به معنی <فی> باشد ; چنانچه برخی از مفسران اظهار داشته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲ - ۱۰

۱۰ خداوند، قطعاً و بدون تردید، تمامی انسانها را در صحنه قیامت گرد خواهد آورد.

لیجمعنکم إلی یوم القیمه لا ریب فیه

مرجع ضمیر <فیه> می تواند مضمون جمله <لیجمعنکم> باشد، یعنی جمع کردن شما در قیامت بدون تردید است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۶ - ۷

۷ خداوند مردگان را در قیامت برخواهد انگیخت.

و الموتی یبعثهم اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۱ - ۳

۳ گرد آمدن آدمیان در پیشگاه خداوند در قیامت، مقتضای ربوبیت اوست.

أن یحشروا إلی ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۰ - ۱۴

۱۴ خداوند در قیامت آدمیان را به کردارهای دنیویشان آگاه می کند.

ثم إلیه مرجعکم ثم ینبئکم بما کنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۵

۵ جنیان و انسانها در قیامت مورد بازخواست مشترک قرار خواهند گرفت.

یمعشر الجن . .. و قال أولیاؤهم من الإنس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۲ - ۱

۱ هر یک از افراد جن و انس در روز قیامت از مرتبه و درجه

ویژه خود برخوردارند.

و لکل درجت مما عملوا

تنوین <و لکل> عوض محذوف است و به قرینه آیه ۱۲۸ و ۱۳۰، محذوف <جن و انس> است، یعنی: <لکل من الجن و الإنس . ..> و چون آیات پیشین ترسیم قیامت بوده، ظاهر آن است که درجات مطرح شده در آیه مربوط به آن روز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۲ - ۱۰

۱۰ هیچ انسانی در روز قیامت نمی تواند مدعی غفلت از ربوبیت خدا در حیات دنیوی خویش باشد .

أشهدهم علی أنفسهم . .. أن تقولوا یوم القیمه إنا کنا هذا غفلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۵ - ۳

۳ اختیار و انتخاب در روز قیامت ، از انسان ها سلب می شود .

یوم یأت لاتکلم نفس إلاّ بإذنه

قرین بودن هر گونه سخن در قیامت با اذن خداوند، می تواند به این معنا باشد که: صحنه قیامت مانند دنیا نیست که انسانها با اراده خویش سخن بگویند و یا افعال دیگری انجام دهند و احیاناً کاری کنند که مورد رضایت خدا نباشد; بلکه اختیار از آنها سلب می شود و نمی توانند هر چه را می خواهند بگویند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۱ - ۱

۱- همه انسان ها به صورت دسته جمعی در قیامت در پیشگاه خداوند حضور خواهند یافت .

و برزوا لله جمیعًا

<جمیعاً> حال برای ضمیر <برزوا> است و مرجع ضمیر آن می تواند همه انسانها باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- کهف - ۱۸ - ۴۸ - ۱،۲

۱- روز قیامت ، تمامی انسان ها گرچه خود نخواهند به پیشگاه پروردگار عرضه خواهند شد .

و عرضوا علی ربّک صفًّا

مجهول بودن <عُرِضوا> نشانگر آن است که انسان ها ناگریز از حاضر شدن نزد خداوند هستند و از خود اختیار ندارد.

۲- حضور انسان ها در قیامت ، با صفوفی منظم و سازماندهی شده خواهد بود .

و عرضوا علی ربّک صفًّا

<صفًّا> حال برای نایب فاعل <عرضوا> است (مصفوفین) یعنی، عرضه انسان ها، به صورت صف است که حکایت از نظم و طبقه بندی آدمیان دارد. البته به قرینه آیات دیگر، این صف بندی به شکل مجموعه ای مختلط نیست، بلکه هر گروه و پیروان هر طریقه، در گروهی مجزای از دیگری، در صحنه قیامت حضور می یابند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۰ - ۷

۷- در قیامت ، رابطه انسان با مالکیت های اعتباری او در دنیا ، به کلی بریده خواهد شد .

و أنذرهم یوم الحسره . .. إنّا نحن نرث الأرض و من علیها و إلینا یرجعون

خداوند، هم زمین را میراث خود دانسته و هم آدمیان را; یعنی هم مالکان اعتباری و هم ملک های اعتباری; بنابراین در قیامت، این دو تنها با مالک حقیقی خود مرتبط خواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۸ - ۵

۵ - مردم حاضر در صحنه قیامت ، گفتار خود را با صدایی آهسته به زبان خواهند آورد .

یومئذ . .. خشعت الأصوات للرحمن

<خشوع صوت> به معنای پایین آمدن صدا است

(تاج العروس).

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۱ - ۱

۱ - نشانه هاى خضوع و تسليم در برابر خداوند ، بر چهره تمامى انسان ها (در قيامت) نقش خواهد بست .

. .. و عنت الوجوه للحىّ القيّوم

<عناء> به معناى خاضع شدن و مطيع گشتن است (لسان العرب). <وجه> به معناى صورت است و از آن جهت كه آثار خضوع و ذلت، بيش از همه جا در چهره آشكار مى گردد، اين واژه استفاده شده است. <ال> در <الوجوه> نيز محتمل است معناى استغراق داشته باشد و يا آن كه عوض مضاف اليه بوده و مراد از آن <وجوه المجرمين> باشد. برداشت ياد شده مبتنى بر اولين احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۱۰۳ - ۷

۷- < عن النبى (ص) فى معنى < الفزع الأكبر > : ان الناس يصاح بهم صيحه واحده فلايبقى ميّت إلاّ نشر و لا حىّ إلاّ مات إلاّـ ما شاء اللّه ثمّ يصاح بهم صيحه أخرى فينشر من مات و يصفون جميعاً و تنشقّ السماء و تهدّ الأرض و تخرّ الجبال و تزفر النيران و ترمى بمثل الجبال شرراً فلايبقى ذو روح إلاّ إنخلع قلبه و ذكر ذنبه و شغل بنفسه إلاّ ما شاء اللّه ;

از رسول خدا(ص) روايت شده كه در معناى <فزع أكبر> فرمود: به درستى كه يك صيحه بر مردم زده مى شود كه مرده اى نمى ماند، مگر اين كه زنده مى شود وزنده اى نمى ماند، مگر اين كه مى ميرد، جز آنچه

را که خدا بخواهد. سپس صیحه دیگری بر آنان زده می شود و آنان که مرده اند زنده گشته و همگی به صف کشیده خواهند شد. و آسمان شکافته و زمین در هم کوبیده و کوه ها فرو ریخته و آتش شعله هایی چون کوه برکشد، پس هیچ صاحب روحی نماند، مگر این که [از هراس] دل او کنده شود و گناهان خود را یادآورد و هر کس به فکر خویش باشد، مگر آنچه را خدا بخواهد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۹ - ۴

۴ - قیامت ، عرصه حضور انسان ها در پیشگاه خدا

إلّا من أتی اللّه بقلب سلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۲ - ۶

۶ - توجه انسان ها در قیامت ، به عدم امکان بازگشت به دنیا و تدارک گذشته ها

فلو أنّ لنا کرّه فنکون من المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۳ - ۱۲،۱۳

۱۲ - روز قیامت ، روز تفکیک شدن کامل انسان های مؤمن از انسان های کافر است .

یومئذ یصّدّعون

احتمال دارد مراد از تفکیک شدن و جدایی در روز قیامت، تفکیک صفوف اهل بهشت از صفوف کسانی که اهل جهنم اند باشد. آیه بعد، مؤید این برداشت است

۱۳ - قیامت ، روز جدایی و پراکندگی کامل انسان ها است .

یومئذ یصّدّعون

<یصّ دّعون> از ریشه <صدع> به معنای <جدا شدن و پارگی در اجسام سخت> است. احتمال دارد که مراد از <یصّدّعون> جدایی صف سعادت مندان و شقاوت مندان باشد و احتمال دارد

پراکندگی و جدا شدن انسان ها از هم باشد. برداشت بالا، بنابر احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۲ - ۶

۶ - حضور انسان در صحنه قیامت ، حضوری جسمانی است .

و لو تری . .. ناکسوا رءوسهم

از سر به زیر انداختن که علامت شرمساری است استفاده می شود که انسان ها در قیامت، با بدن مادی حضور پیدا می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۷ - ۶

۶ - سخن گفتن پیامبر (ص) از بازآفرینی انسان ها در قیامت

رجل ینبّئکم إذا مزّقتم کلّ ممزّق إنّکم لفی خلق جدید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۰ - ۱،۲،۴

۱ - با فرارسیدن زمان برپایی قیامت بر اثر صیحه و فریاد مرگ بار ، انسان ها از هرگونه توصیه و اندک سفارشی ، ناتوان خواهند شد .

صیحه وحده تأخذهم . .. فلایستطیعون توصیه

نکره آمدن <توصیه> می تواند برای تقلیل باشد.

۲ - با فرارسیدن زمان برپایی قیامت بر اثر صیحه و فریاد مرگ بار ، انسان ها از مراجعه به کسان خود ناتوان خواهند بود .

صیحه وحده تأخذهم . .. فلایستطیعون توصیه و لا إلی أهلهم یرجعون

۴ - انسان ها به وقت شنیدن صیحه و فریاد سهمگین در آستانه برپایی قیامت ، از هرگونه تحرک و عملی ناتوان خواهند بود .

صیحه وحده . .. فلایستطیعون توصیه و لا إلی أهلهم یرجعون

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که ناتوانی انسان ها از توصیه و مراجعه

به کسان خود، به عنوان مثال و مصداق آمده و مقصود اصلی بیان ناتوانی کامل بشر در برابر مشیت خداوند به برپایی قیامت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۹ - ۳،۹

۳ - تابش نور عدل و قسط الهی بر اهل زمین در قیامت

و أشرقت الأرض بنور ربّها

بسیاری از مفسران گفته اند: مقصود از نور در این آیه، به قرینه جمله های بعدی که درباره نامه اعمال و داوری به حق خداوند سخن گفته است نور عدل و قسط الهی است; چنان که در فرهنگ عرب، به پادشاهی که عادل باشد گفته می شود (أشرقت الأفاق بعدلك و أضائت الدنیا بقسطك).

۹ - احضار شاهدانی چند در عرصه قیامت برای گواهی دادن بر اعمال بندگان ، هنگام عرضه نامه اعمالشان

و الشهداء

<شهدا> جمع <شاهد> (گواه) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۴ - ۳

۳ - حضور انسان ها در قیامت ، جلوه ای از ربوبیت الهی است .

ألا إنّهم فی مریه من لقاء ربّهم

اضافه <لقاء> به وصف ربوبیت و نه دیگر اوصاف و اسمای الهی معنای بالا را افاده می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۷ - ۲۲

۲۲ - تقسیم انسان ها در قیامت ، به دو گروه بهشتی و دوزخی

فریق فی الجنّه و فریق فی السعیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۳۸ – ۵

۵ – قیامت ، عرصه حضور انسان در پیشگاه الهی است .

حتّی

إذا جاءنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۱ - ۱،۲،۳

۱ حضور یکایک انسان ها در صحنه قیامت ، همراه با دو مأمور پیش برنده و گواه

و جاءت کلّ نفس معها سائق و شهید

۲ حرکت انسان در صحنه قیامت ، با راهنمایی و فرمان ملائکه

معها سائق

بنابراین که <سائق> فرشته ای از فرشتگان باشد و نه اعمال آدمی برداشت یاد شده استفاده می شود.

۳ هراس انسان در قیامت ، از حضور در دادگاه عدل الهی *

و جاءت کلّ نفس معها سائق

برداشت یاد شده بدان احتمال است که تعبیر <سائق> و مأمور پیش برنده، از آن جهت یاد شده باشد که بی رغبتی و هراس انسان را، از حضور اختیاری در محکمه عدل الهی بنمایاند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۷ - ۵

۵ - نگرانی و سردرگمی آدمیان ، در لحظه های آغازین رستاخیز و خروج از قبرها

یخرجون من الأجداث کأنّهم جراد منتشر

تشبیه به <جراد منتشر>، بیانگر سردرگمی و حرکت های نامنظم و حیرت زده آدمیان، پس از خروج از قبرها در روز رستاخیز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۷ - ۳

۳ - برانگیخته شدن انسان ها در قیامت ، امری قطعی است .

قل بلی و ربّی لتبعثنّ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – ملك – ۶۷ – ۲۴ – ۵

۵ – حشر و برانگیخته شدن انسان ها به پیشگاه خداوند در قیامت

و إلیه تحشرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹

- حاقه - ۶۹ - ۱۸ - ۱

۱ - قیامت ، روز عرضه شدن و به نمایش در آمدن انسان ها در پیشگاه خداوند و در محکمه عدل او

یومئذ تعرضون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۰ - ۴

۴ - تمامی انسان ها در قیامت ، با حساب رسی اعمال خویش روبه رو می شوند .

إنّی ظننت أنّی ملق حسابیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۶ - ۴

۴ - تمامی انسان ها در قیامت ، با حساب رسی اعمال خویش روبه رو خواهند شد .

و لم أدر ما حسابیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۴ - ۴

۴ - برانگیخته شدن انسان ها در قیامت ، در قالب جسمی همانند جسم دنیایی آنان

قدرین علی أن نسوّی بنانه

تصریح به درست کردن انگشتان، می تواند اشاره به حقیقت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۱۲ - ۱

۱ - سرنوشت انسان در قیامت و تعیین جایگاه وی (بهشت یا دوزخ) ، تنها در اختیار خداوند است .

إلی ربّک یومئذ المستقرّ

کلمه <مستقرّ> می تواند مصدر میمی باشد; یعنی، <استقرار الإنسان یوم القیامه ینتهی إلی حکم ربّک و مشیئته> و نیز می تواند به معنای مکان استقرار باشد; یعنی، تعیین قرارگاه انسان (بهشت یا جهنم) تنها به حکم و فرمان خدا بازمی گردد. گفتنی است تقدیم <إلی ربّک> (خبر) بر <مستقر> (مبتدا) افاده حصر می کند.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۱۴ - ۱،۲،۳

۱ - بصیرت و بینایی کامل انسان به خویشتن خویش در قیامت

إلی ربّک یومئذ المستقرّ . .. بل الإنسن علی نفسه بصیره

۲ - هر انسانی در عرصه قیامت ، خود شاهد و گواه بر محکومیت خویش خواهد بود .

بل الإنسن علی نفسه بصیره

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که <بصیره> صفت برای موصوف محذوفی (مانند <حجّه>) باشد. در این صورت مفاد این آیه مانند آیه ۲۴ از سوره <نور> است (یوم تشهد علیهم ألسنتهم و أیدیهم و أرجلهم بما کانوا یعملون).

۳ - مجموعه رفتار ها و کردار های هر انسانی در قیامت ، برای او آن چنان روشن است که نیازی به دلیل و گواه دیگران نیست .

بل الإنسن علی نفسه بصیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۷ - ۱

۱ - انسان ها در قیامت ، به دسته های مختلف تقسیم خواهند شد .

و إذا النفوس زوّجت

سیاق آیات، دلالت دارد که آنچه پیش از این آیه آمده بود، <اشراط الساعه> و حوادثی بود که در آستانه قیامت رخ می نمود. از این آیه به بعد حوادثی آمده است که در قیامت رخ خواهد داد. <زوج> در اصل به معنای صنف و نوع از هر چیز است. (لسان العرب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۴ - ۳

۳ - حاضران صحنه قیامت ، دارای قدرت درک و شناخت

علمت نفس

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – انفطار – ۸۲ – ۵ – ۳

– ۳

حاضران صحنه قیامت ، دارای قدرت درک و شناخت

علمت نفس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۶ - ۲

۲ - مردم در صحنه قیامت ، به حال ایستاده در انتظار فرجام نهایی خویش اند .

یوم یقوم الناس لربّ العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۲ - ۲

۲ - صحنه گریزناپذیر قیامت ، برای برخی جز فروتنی و تسلیم ذلّت بار چاره ای باقی نمی گذارد .

حدیث الغشیه . وجوه یومئذ خشعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۲۶ - ۵

۵ - وجود کارگزارانی چند ، برای حسابرسی اعمال مردم در قیامت

ثمّ إنّ علینا حسابهم

برداشت یاد شده، از ضمیر <نا> استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۲ - ۱،۲،۶

۱ - تجلّی حضور خداوند ، در تمام صحنه های قیامت برای همه مردم

و جاء ربّک

خداوند، همواره و در همه جا، در دنیا و آخرت، حضور دارد. بنابراین معنای <جاء>، ظهور همین حقیقت برای حاضران در

صحنه قیامت است; چه آن که آنان حضور خداوند را در همه امور، مشاهده خواهند کرد.

۲ - انسان ها در قیامت ، خود را به طور کامل ، مقهور ربوبیت و تدبیر خداوند خواهند دید .

و جاء ربّک

اضافه <ربّ> به ضمیر خطاب - که به مخاطب خاصی نظر ندارد بیانگر آن است که آنچه برای همگان مشهود خواهد شد، جلوه های ربوبیت خداوند در هر شخص است.

۶ - رسیدگی به کار های انسان ها در

قیامت ، دارای قسمت های گوناگون و تفکیک شده است .

صفًّا صفًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۶ - ۳

۳ - انسان ها در قیامت ، به گروه هایی گوناگون تقسیم خواهند شد .

یومئذ یصدر الناس أشتاتًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۸ - ۲

۲ - کار های ناروا ، هر چند به وزن مورچه ریز و یا ذرّات معلق در هوا باشد ، باقی مانده ، در قیامت بر انسان عرضه خواهد شد .

و من یعمل مثقال ذرّه شرًّا یره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۴ - ۳

۳ - تشبیه وضع انسان ها در قیامت ، به انبوه ملخ های پراکنده *

یوم یکون الناس کالفراش المبثوث

برداشت یاد شده، ناظر به این احتمال است که فَراش چنان که فرّاء گفته است به معنای ملخ هایی باشد که بر زمین گسترده شده، درهم می لولند. گفتنی است که این معنا، تنها از فرّاء نقل شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۶ - ۱

۱ - برخی از مردم در قیامت ، دارای کرداری سنگین و ارجمند در پیشگاه خداوند

فأمّا من ثقلت موزینه

به وزنه هـایی که بـا آن متـاع را می سـنجند و نیز به ابزار سـنجش هر چیز، <میزان> گفته می شود (برگرفته از لسان العرب). سنگینی وزنه ها در قیامت، بیانگر سنگینی اعمال است که به تناسب ماهیت آنها، مراد ارج و بهای فراوان آنها خواهد بود.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۸ - ۱

۱ - اعمال برخی از مردم در قیامت ، سبک وزن و بی ارزش است .

و أمّا من خفّت موزینه

<موازین> یا جمع <میزان> و یا جمع <موزون> است. برداشت یاد شده، با هر دو مبنا سازگار است.

انسان ها و حوادث قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۱ - ۱

۱ - خداوند ، هشداردهنده به انسان ها و تشویق کننده آنان به شنیدن حوادث قیامت

هل أتیک حدیث الغشیه

استفهام در <هل أتاک>، برای ترغیب به شنیدن پاسخ است و خطاب در آن، گرچه ممکن است به طور مستقیم متوجه پیامبر(ص) باشد; ولی به دلیل سیاق آیات، مراد عموم انسان ها است.

انسان ها هنگام برپایی قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۸ - ۱۲

۱۲- < سأل حبر من الیهود ، رسول الله (ص) فقال : أین الناس < یوم تبدّل الأرض غیر الأرض ؟ > قال : هم فی الظلمه دون الجسر ;

دانشمند یهودی از رسول خدا(ص) [درباره آیه] <یوم تبدل الأرض غیر الأرض> سؤال کرد که [در آن هنگام]مردم کجا هستند حضرت فرمود: آنان در تاریکی نزدیک پل هستند>.

انسان های پیرو در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۱ - ۵

۵- افراد عوام و تابع ، پس از حضور در پیشگاه خداوند در قیامت به رهبران مستکبر خویش اعتراض و از آنان درخواست کمک خواهند کرد .

و برزوا

لله جميعًا فقال الضعفؤا للذين استكبروا إنّا كنّا لكم تبعًا فهل أنتم مغن

انسانها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۰ - ۹

۹ اختیاری بودن اعمال انسان ، مورد پذیرش او در قیامت

تودّ لو انّ بینها و بینه امداً بعیداً

از اینکه انسان دوست دارد میان او و عملش فاصله باشد و نمی گوید مجبور بودم، معلوم می شود که انسان می پذیرد اعمالش، اختیاری بوده است.

انکار شرک در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۷ - ۷

۷ مشرکان در مرحله ای از قیامت منکر شرک خویش و در مرحله ای معترف به آن می شوند.

و اللّه ربنا ما کنا مشرکین . .. فقالوا یلیتنا نرد و لا نکذب بأیت ربنا و نکون من

برداشت فوق از ارتباط آیه ۲۳ و ۲۷ به دست می آید که مشرکان در آنجا مشرک بودن خودشان را منکر شدند، ولی در اینجا اعتراف کردند که آیات را تکذیب می کردند و مؤمن نبودند.

انهدام آفرینش در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۱ - ۳

۳ - جهان در آستانه قیامت ، درهم کوبیده و دگرگون خواهد شد .

القارعه

نام گذاری قیامت به <القارعه>، ممکن است ناظر به کوبندگی حوادثی از قبیل <انشقاق آسمان>، <اندکاك زمین و کوه

ها> و <کدر شدن ستارگان> باشد که به تصریح آیات برخی از سوره های دیگر در آستانه قیامت پدید خواهد آمد.

انهدام زمین در قیامت

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۱ - ۲

۲ - زمین ، هنگام برپایی قیامت ، به شدت کوبیده و سست و نرم خواهد شد .

کلّا إذا دکّت الأرض دکًّا دکًّا

<دکّ>; یعنی، منهدم ساختن کوه و دیوار و مانند آن (لسان العرب). تکرار دو مصدر <دکّاً دکّاً> بر کثرت آن دلالت دارد; یعنی، کوبیدن های مکرر، یکی پس از دیگری تحقق خواهد یافت.

انهدام کوهها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۴ - ۲

۲ - کوه ها ، در آستانه برپایی قیامت به صورت انبوهی از ریگ های روان درخواهد آمد .

و کانت الجبال کثیبًا مهیلاً

<کثیب> به معنای ریگ انباشته شده و <مهیل> (اسم مفعول از ماده <هیل>) به معنای شیء روان است (صحاح اللغه).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۵ - ۱،۲

۱ - کوه ها در قیامت ، مانند پشم های رنگارنگی خواهند شد که حلاجی شده و از هم باز شده باشد .

و تکون الجبال کالعهن المنفوش

<عهن>، به معنای پشمی است که با رنگ های گوناگون رنگ آمیزی شده باشد. برخی گفته اند: به هر پشمی <عِهْن> گفته می شود. <نَفْش>; یعنی، بازکردن و کشیدن پشم تا آن جا که اجزای آن از هم بگسلد. (لسان العرب)

۲ - کوبندگی حوادث قیامت ، تمام کوه ها را متلاشی کرده ، ذرّات رنگارنگ آنها را درهم خواهد آمیخت .

ما القارعه . یوم ... تکون الجبال کالعهن المنفوش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ – قارعه – ۱۰۱ – ۶ –

۵ - مرحله سنجش اعمال ، پس از تخریب کوه ها و گذشت دوران سرگردانی مردم در قیامت است .

یوم یکون الناس کالفراش . .. و تکون الجبال کالعهن المنفوش . فأمّا من ثقلت موزینه

حرف <فاء> در <فأمّا> بیانگر نکته یاد شده است.

اوامر خدا در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۱

۱ خداوند در روز قیامت کافران را فرمان می دهد تا در آتش درآیند و به جمع دوزخیان بپیوندند.

قال ادخلوا فی أمم . .. فی النار

اولیاء الله در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳ - ۴

۴ - < عن الزهری قال : سمعت علی بن الحسین (ع) یقول : . . . < إذا وقعت الواقعه > یعنی القیامه لیس لوقعتها کاذبه . < خافضه > خفضت و اللّه بأعداء اللّه إلی النار < رافعه > رفعت و اللّه أولیاء اللّه إلی الجنّه . . . ;

زهری گوید: از امام سجاد(ع) شنیدم که با استناد به آیه <إذا وقعت الواقعه> می فرمود: . ..یعنی، هرگاه قیامت واقع شود، که در وقوع آن دروغ راه ندارد. [قیامت] <خافضه> است; به خداوند سوگند! دشمنان خدا را به زیر می کشد و به سوی جهنم [روانه می کند] و <رافعه> است; به خدا سوگند اولیای خدا را بالا می برد و به سوی بهشت [هدایت می کند]...>.

اولین زلزله قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۷ - ۱،۲

۱ - در آستانه برپایی

قیامت و در پی صیحه و لرزش نخستین ، صیحه و لرزشی دوباره پدیدار خواهد شد .

تتبعها الرادفه

<رادفه>; یعنی، ملحق شونـده و از پی در آینده. (مصـباح) تطبیق آن بر نفخ صور دوم مفاد این آیه و آیه قبل را نظیر آیه ۶۸ سوره زمر می سازد.

۲ - دومین زلزله در مراحل برپایی قیامت ، تابع اولین لرزش و فرع بر پیدایش آن است .

تتبعها الرادفه

اهتمام مؤمنان به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۹ - ۱۰

۱۰ - مسأله قیامت ، مهم ترین دغدغه اهل ایمان و عارفان است .

و یحذر الأخره

<حذر> (مصدر <یحذر>) به معنای احتراز و خویشـتن را از چیز خطرناکی نگه داشـتن و مراقبت کردن است. بر این اساس مقصود از <یحذر الأخره> دغدغه خاطری است که مؤمن از آخرت و وضعیت خود در آن جهان دارد.

اهل باطل در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۱ - ۱

۱ - قیامت ، روز جدایی خوبان و بدان و حق مداران و باطل گرایان و داوری میان آنان است .

هذا یوم الفصل

<فصل> به معنای فاصـله و جدایی میان دو شیء است و مقصود از آن در آیه شریفه، جدایی میان خوبان و بدان و حق پویان و باطل گرایان و داوری میان آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۴۰ – ۳

۳– قیامت ، روز جدایی حق از باطل و تمایز حق مداران از باطل گرایان

إنّ یوم الفصل میقتهم أجمعین

مراد از <فصل>، ممکن است جدا

شدن صفوف حق و حق مداران، از باطل و باطل گرایان باشد.

اهل کتاب در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۷ - ۱۴

۱۴ مسخ چهره انسانی گروهی از اهل کتاب (سران و عالمان) در قیامت *

من قبل ان نطمس وجوهاً فنردّها علی ادبارها

نکره بودن <وجوه> حاکی از آن است که این عقوبت (مسخ چهره انسانی) برای تمامی مخاطبان نیست. لازم به ذکر است که برخی از مفسران تحقق این معنی را در قیامت می دانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۲ - ۳

۳ خداوند گردآورنده تمامی ستمگران (اهل کتاب و مشرکان) در قیامت

إنه لایفلح الظلمون . .. و یوم نحشرهم جمیعا

چون در آیات گذشته سخن از مشرکان و اهل کتاب به میان آمده بود، در برداشت این دو گروه به عنوان مصادیقی بارز از ظالمان مشخص شده اند.

اهمیت آمادگی برای قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۶ - ۵

۵ - لزوم توجه و آمادگی انسان ، برای رخداد قیامت

هل ینظرون

از لحن نکوهش آمیز آیه شریفه، نسبت به غفلت کنندگان از قیامت، مطلب بالا استفاده می شود.

اهمیت اهوال قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۹ - ۳

۳ - خداونـد در تأکیـد بر وجود ترس و نگرانی در قیامت ، به فرشـتگان سوگنـد یاد کرده است که سـریع و بانشاط برای تدبیر امور و قبض ارواح از یکدیگر سبقت می گیرند .

و النازعات .

.. قلوب يومئذ واجفه . أبصرها خشعه

این آیه و آیه قبل، جواب قسم هایی است که در نخستین آیات سوره آمده بود.

اهمیت ایمان به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۴ - ۹

۹ ضرورت ایمان به قیامت و ملاقات خداوند

لعلهم بلقاء ربهم یؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۹ - ۲

۲ اهمیت و ویژگی ایمان به خدا و قیامت ، در سلسله مفاهیم و معارف دینی

و من الأعراب من یؤمن باللّه و الیوم الأخر

بسنده کردن به ذکر ایمان به خدا و روز رستاخیز، بیانگر محور بودن آن دو در میان سلسله مفاهیم و معارف الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۵ - ۶

۶ انکار قیامت ، هم طراز و مساوق انکار ربوبیت خداست .

أُولئک الذین کفروا بربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۸ - ۲

۲ موحّدان و مؤمنان به پیامبر (ص) و باورداران به قیامت ، اجابت کنندگان دعوت الهی اند .

للذین استجابوا لربهم الحسنی

آیات گذشته بیانگر این است که مراد از <الذین استجابوا> موحدان و مؤمنان به پیامبر(ص) و باورداران به قیامت می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۵ - ۳

۳ - ایمان به قیامت ، از مهم ترین ارکان عقیدتی آیین موسی (ع) است .

نودی یموسی . .. إنّ الساعه ءاتیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۶ – ۸

۸ – ایمان به قیامت و جزای اعمال ، دارای اهمیت و جایگاهی ویژه درعقیده دینی است .

الساعه ءاتیه . .. فلایصدّنک عنها

اهمیت برپایی قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۲۲ – ۶

۶ – برپایی قیامت ، بخشی از اهداف الهی در آفرینش جهان

بالحقّ و لتجزی کلّ نفس بما کسبت

برداشت بالاـ بنابراین نکته است که <و لتجزی> عطف بر محذوف باشد; یعنی، آفرینش به حق هستی اهداف متعددی را دنبال می کند و از آن میان، تنها یک مورد ذکر شده است که جزای عادلانه مردم است و قیامت صحنه اصلی بروز و ظهور آن می باشد.

اهمیت ترس از قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۴۹ – ۴

۴– اهتمام به امر قیامت و ترس و نگرانی از آن ، از ویژگی های تقواپیشگان است .

و ذکرًا للمتّقین . .. و هم من الساعه مشفقون

واژه <اشفاق> از نظر بسیاری از مفسران و اهل لغت، به معنای ترس توأم با اعتنا و اهتمام است (مفردات راغب و. ..).

اهمیت تفکر در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۱ – ۵

۵- یاد قیامت و تفکر و تأمل در حقایق و رخداد های آن ، امری لازم است و بایسته .

اقترب للناس حسابهم و هم فی غفله معرضون

آیه شریفه، در مقامِ سرزنشِ کسانی است که از قیامت و رخدادهای آن غافل اند. این سرزنش، حاکی از ضرورت اندیشه و تأمل در باره

قیامت و احوال آن است.

اهمیت حسابرسی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۹ - ۵

۵ ضرورت و لزوم یاد قیامت و صحنه های حسابرسی آن برای اهل ایمان

یوم یجمع اللّه الرسل فیقول ماذا اجبتم

بدان احتمال که <یوم> مفعول به برای فعل محذوف همانند <اذکروا> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۶ - ۵

۵ - حسابرسی از بندگان ، مهم ترین ویژگی قیامت است .

یوم الحساب

از نام گذاری روز قیامت به <روز حساب>، برداشت یاد شده استفاده می شود.

اهمیت ذکر قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۹ - ۵

۵ ضرورت و لزوم یاد قیامت و صحنه های حسابرسی آن برای اهل ایمان

یوم یجمع اللّه الرسل فیقول ماذا اجبتم

بدان احتمال که <یوم> مفعول به برای فعل محذوف همانند <اذکروا> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۱ - ۱۴

۱۴ تکیه بر موضوع قیامت و توجه دادن به مسائل آن، عنصری اساسی و سازنده در تبلیغ

و أنذر به الذین یخافون أن یحشروا إلی ربهم . .. لعلهم یتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۸ - ۲

۲ به یاد سپردن روز محشر و دشواری های آن ، توصیه ای است به اهل ایمان .

و یوم نحشرهم

برداشت فوق مبتنی بر این است که <یوم> مفعول به برای فعل مقدر (اذکروا) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۵ - ۱

۱ قیامت ، روزی است که مردم باید آن را به خاطر داشته باشند و یکدیگر را به آن یادآوری کنند .

و یوم یحشرهم

<یوم> یا مفعول به است برای <اذکر> یا مفعول دوم است برای <ذکرهم> محذوف و یا ظرف است و متعلق به <قد خسر> می باشد. برداشت فوق مبتنی بر احتمال اول و دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۴ - ۲

۲- یادآوری از قیامت ، توصیه خداوند به انسانهاست .

یعرفون نعمت الله . .. و أکثرهم الکفرون

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که ظرف <یوم> متعلق به <اذکر> و یا <اذکروا> در تقدیر باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۱ - ۶

۶- توجه به قیامت و یاد آن ، امری لازم و دارای نقش سازنده و هدایتی

یوم تأتی کلّ نفس تجدل عن نفسها

برداشت فوق، مبتنی بر این است که نصب <یوم> به تقدیر فعل <اذکر> یا <اذکروا> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۱ - ۲

۲- قیامت و احضار مردم و پیشوایانشان در آن هنگام ، روزی شایسته یاد و یادآوری و به خاطرسپاری است .

یوم ندعوا کلّ أُناس بإممهم

برداشت فوق، مبتنی بر این است که نصب <یوم> به جهت مفعول فعل محذوف <اذکر> باشد و <با> ی در <بإمامهم > مصاحبت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۷ - ۱

۱- یادآوری مسائل آخرت ،

به منظور دل نبستن به زندگی ناپایدار دنیا ، لازم است .

المال و البنون زینه الحیوه الدنیا . .. و یوم نسیّر الجبال

<یوم> مفعول برای فعل مقدر <اُذکر> است; یعنی، <یاد کن روزی را که. ..>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱ - ۵

۵- یاد قیامت و تفکر و تأمل در حقایق و رخداد های آن ، امری لازم است و بایسته .

اقترب للناس حسابهم و هم فی غفله معرضون

آیه شریفه، در مقامِ سرزنشِ کسانی است که از قیامت و رخدادهای آن غافل اند. این سرزنش، حاکی از ضرورت اندیشه و تأمل در باره قیامت و احوال آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۴ - ۲

۲- قیامت و در هم پیچیده شدن آسمان در آستانه آن ، از حوادث درس آموز و شایسته یاد و یادآوری

یوم نطوی السماء کطیّ السجلّ للکتب

برداشت یاد شده مبتنی براین است که نصب <یوم> به عامل مقدری چون <أذکر> یا <أذکروا> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۶ - ۴

۴ - لازم است که روزی را که در آن ، کافران با آتش جهنم ، به سختی عذاب و سوزانده می شوند ، به خاطر داشت .

یوم تقلّب وجوههم فی النار

برداشت بنابراین احتمال است که نصب <یوم> به جهت مفعولٌ به بودن اش باشد. که باید فعل <اُذکر> در تقدیر باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۴۱ – ۳

۳ – مؤمن ، همواره

در اندیشه قیامت و مطمئن به تحقق وعده های الهی

و استمع یوم یناد المناد من مکان قریب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۲ - ۱

۱ - صحنه قیامت و مسائل مربوط به آن ، شایان ذکر و یادآوری است .

یوم یکشف عن ساق

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که <یوم> متعلق به فعل مقدر <اُذکر> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۸ - ۱

۱ - لزوم توجّه به معاد و غفلت نداشتن از قیامت

ألا یظنّ أُولئک أنّهم مبعوثون . .. کلاّإنّ کتب الفجّار ... کلّا إنّ کتب الأبر

حرف <کلاّ> در این آیه، مفاد <کلاّ> در آیه مربوط به فاجران را تأکید می کند. مقابله <أبرار> با <فجّار> بیانگر این ارتباط است.

اهمیت عقیده به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳ - ۶

۶ - اعتقاد به قیامت و محاسبه اعمال ، دارای نقشی بنیادین در مجموعه باور های دینی

و هم بالأخره هم یوقنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۱ - ۱۸

۱۸ – دعوت مردم به یکتاپرستی و اعتقاد به روز رستاخیز ، در رأس برنامه های فرستادگان الهی

یتلون علیکم ءایت ربّکم و ینذرونکم لقاء یومکم هذا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۱۳ – ۲

۲ – اصل اعتقاد به قیامت و جزای عمل دارای اهمیت است ; نه شناخت زمان آن .

یسئلون أیّان یوم الدّین . یوم هم علی

النار یفتنون

کـافران از زمـان وقوع قیامت سؤال کرده انـد; ولی خداونـد پاسـخ آنان را با یادآوری اصل وقوع قیامت داده و زمانی را معین نکرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۵۳ - ۴

۴ - عقیده به قیامت و روز جزا ، از ارکان مهم دین

بل لایخافون الأخره

مطلب یـاد شـده، از اختصـاص به ذکر یافتن انکار معاد از سوی کافران از میان دیگر انـدیشه ها و عقایـد اسـلامی به دست می آید.

اهمیت علم به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۳ - ۴

۴ - آگاهی از زمان وقوع قیامت ، امری برای مردم بس مهم بود .

یسئلک الناس عن الساعه

اهمیت قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۹ - ۶

۶ طرح مسأله قیامت و روز بازپسین ، رسالت مشترک تمامی پیامبران الهی

بل کذبوا بما لم یحیطوا بعلمه . .. کذلک کذب الذین من قبلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۷ - ۸

۸- معاد و قیامت ، از مهم ترین موضوعات معرفت دینی پس از توحید *

و ما أمر الساعه إلّا کلمح البصر

برداشت فوق، با استفاده از ارتباط آیات و اینکه در آیات گذشته، محور اصلی موضوع توحید و پرهیز از شرک بود و در این آیه سخن از برپایی قیامت می باشد به دست آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۵ - ۵

۵- زمان ولادت

، لحظه مرگ و روز رستاخیز ، سه مرحله حساس و سرنوشت ساز برای انسان

و سلم علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۰ - ۳

۳ - روز قیامت ، روزی بس با عظمت و مهم

لکم میعاد یوم

تنوین <یوم> بر تعظیم دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۷ - ۲،۳

۲ - قیامت و احوال خوبان و بدان و بهشتیان و دوزخیان ، خبری پرفایده و بزرگ

قل هو نبؤا عظیم

۳ - پیامبر (ص) ، مأمور ابلاغ عظمت رسالت خویش و موضوع قیامت و توحید الهی به مردم

قل هو نبؤا عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۸ - ۶

۶- لحظه برپایی قیامت ، لحظه ای بس مهم و متمایز از تمام تاریخ زندگانی بشر در دنیا *

فهل ینظرون إلّاالساعه

با این که همه لحظه های عمر بشر و تاریخ، مصداق <ساعه> است; نام نهادن روز قیامت و لحظه برپایی آن به عنوان <الساعه>، می نمایاند که لحظه واقعی، سرنوشت ساز و قابل توجه، لحظه رستاخیز است و دیگر لحظه ها، در حقیقت قابل ذکرنیستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۷ - ۱

۱ - ضرورت برپایی قیامت و خلقت دوباره آدمیان ، در بینش الهی

و أنّ علیه النشأه الأُخری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱ - ۳

۳ - برپایی قیامت ، لحظه ای

مهم و مقطعی حساس در نظام جهان

اقتربت الساعه

از این که در اولین پیام سوره مسأله نزدیکی قیامت با تعبیری هشداردهنده و بی مقدمه یاد شده است; استفاده می شود که نزدیکی آن لحظه بس مهم و وقوع قیامت، مقطعی حساس می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۷ - ۳

۳ - اهمیت و جایگاه ویژه مسأله قیامت ، در سلسله معارف الهی

و المرسلت عرفًا . .. إنّما توعدون لوقع

پنج بار سوگند الهی برای اثبات و قطعیت برپایی قیامت، بیانگر برداشت یاد شده است.

اهوال قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۸ - ۲،۳،۴

۲ - قیامت ، روزی پر مخاطره که باید برای مصونیت از آن ، وسیله کارسازی را تدارک دید .

واتقوا یوماً

<اتقاء> یعنی، بر گرفتن و تدارک دیدن وسیله ای برای محافظت از چیزی خطر ساز و هولناک. بنابراین <اتقوا یوماً> دلالت می کند که: روز قیامت متضمن خطرهای هولناکی است و آدمی باید برای مصون ماندن از آنها وقایه ای (نگهدارنده ای) را تدارک ببیند.

۳ - ایمان به قرآن ، پیروی از دستورات خدا و پرهیز از محرمات ، وسیله محافظت آدمی در برابر مخاطرات و عذاب های روز قیامت است .

ءامنوا بما أنزلت . .. واتقوا یوماً

فرمان به گرفتن وقایه (وسیله محافظت) - پس از دعوت به ایمان (آمنوا بما أنزلت) و دیگر تکلیفهای یاد شده در آیه - می رساند که: وقایه آدمی در روز قیامت، همان ایمان به قرآن و . .. خواهد بود.

۴ - برپایی نماز ، پرداخت زکات و شرکت

در نماز جماعت از جمله سبب های کارساز برای دور ماندن از عذاب ها و مخاطرات روز قیامت

و أقیموا الصلوه . .. واتقوا یوماً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۱۲ – ۷

۷ – قیامت ، صحنه ای هراسناک و جایگاه حزن و اندوه است .

ولا خوف علیهم و لا هم یحزنون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۲۳ – ۲،۳

۲ – قیامت ، روزی پر مخاطره که باید برای مصونیت ازآن ، سببی کارساز تدارک دید .

و اتقوا یوماً

<اتقاء> (مصدر إتقوا)؛ یعنی، برگرفتن و تدارک دیدن وسیله ای برای محافظت از چیزی هولناک و خطرساز. بنابراین <إتقوا یوماً> دلالت می کند که: روز قیامت حاوی مخاطرات هولناک است و آدمی باید برای مصون ماندن از آنها، وقایه (وسیله ای برای محافظت) فراهم آورد.

۳ – ایمان به قرآن و پیامبر (ص) و پرهیز از کفر ورزی به آنها ، وسیله محافظت در برابر مخاطرات و عذاب های روز قیامت است .

أولئک یؤمنون به و من یکفر به . .. و اتقوا یوماً

فرمان به گرفتن وقایه (وسیله محافظت)، پس از ترغیب به ایمان (أولئک یؤمنون به) و هشدار از کفرورزی (و من یکفر . ..) می رساند که: وقایه انسان در روز قیامت، ایمان به قرآن و پیامبر(ص) و پرهیز از کفرورزی به آن دو است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۳ – ۱۶

۱۶ روز قیامت ، روزی بزرگ و عذاب آن ، عذابی سهمگین است .

فإنی أخاف علیکم

عذاب یوم کبیر

کلمه <کبیر> در ظاهر صفت برای <یوم> است و در حقیقت بیانگر بزرگی عذاب آن روز می باشد که از آن در برداشت ، به سهمگینی عذاب تعبیر گردید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۲ - ۱۰

۱۰- قیامت ، روز خیره شدن چشم ها از شدت ترس و هولناکی آن

لیوم تشخص فیه الأبصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۳ - ۱،۲،۳

۱- ستمگران ، در قیامت ، شتابان و با ترس و ذلت سر برافراشته و چشم دوخته ، محشور خواهند شد .

و لاتحسبنّ الله غفلاً عمّا یعمل الظلمون . .. مهطعین مقنعی رءوسهم

<اهطاع> به معنای حرکت سریع همراه با ترس است و <اقناع> به معنای سر برافراشتن و خیره شدن چشم به چیزی با حالت ذلت و خواری است (لسان العرب).

۲- ستمگران بر اثر وحشت روز قیامت ، از حرکت پلک های چشم ناتوان و دلشان تهی از تدبیر و چاره جویی خواهد بود .

یعمل الظلمون . .. لایرتدّ إلیهم طرفهم و أفئدتهم هوآء

۳- شدت وحشت و اضطراب و بهت زدگی غیر قابل توصیف ستمگران در قیامت

یعمل الظلمون . .. مهطعین مقنعی رءوسهم لایرتدّ إلیهم طرفهم و أفئدتهم هوآء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵۰ - ۴

۴- کیفیت حضور مجرمان در قیامت ، منظره ای زشت و هولناک است .

و برزوا . .. و تری المجرمین یومئذ مقرّنین فی الأصفاد . سرابیلهم من قطران و تغشی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

– ۱۰

کهف – ۱۸ – ۱۰۰ – ۲

۲- عرضه جهنم بر کافران در قیامت ، برای آنان صحنه ای دشوار و دهشت زا است .

و عرضنا جهنّم یومئذ للکفرین عرضًا

<عرضاً> علاوه بر تأکید سخن به دلیل نکره بودن بر عظمت کار نیز دلالت دارد و عظمت عرضه جهنم، به هول انگیز بودن آن است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۳۷ – ۷

۷- صحنه های شهادت علیه کافران در قیامت ، منظره هایی دشوار و هلاکت آفرین خواهد بود .

فویل للذین کفروا من مشهد یوم عظیم

<مشهد> ممکن است اسم مکان به معنای محل شهادت باشد. حرف <مِنْ> دلالت دارد که همان مکان شهادت منشأ <ویل> برای کافران است، بنابراین باید گفت صحنه های شهادت علیه آنها، مرگ آفرین و عذاب ساز است، به گونه ای که اگر در قیامت مرگ کسی امکان پذیر بود، آنان جز هلاکت و ویل سرنوشتی نداشتند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۰۴ – ۹

۹ – دوران برزخ ، در برابر عظمت و سختی های قیامت ، بسیار اندک و ناچیز است .

إذ یقول أمثلهم طریقه إن لبثتم إلّا یومًا

کوتاه جلوه کردن فاصله مرگ تا قیامت، ظاهراً محصول نوعی مقایسه بین قیامت و برزخ است. منشأ این قضاوت ممکن است مشاهده سختی های قیامت و یا توجه به خلود و جاودانگی آن باشد. توصیف گوینده <إن لبثتم إلّا یوماً> به این که او به حق نزدیک تر است، گویای تأکید قرآن بر اصل کوتاه بودن زمان برزخ است؛ زیرا بین فاصله یک روز و

فاصله ده روز، اولی را به حقیقت نزدیک تر دانسته است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۰۸ – ۸

۸ – رحمانیت خداوند ، امید و ملجأ تمامی مردم در صحنه دهشت زا و مخوف قیامت

و خشعت الأصوات للرحمن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۱۰۳ – ۷

۷- < عن النبی (ص) فی معنی < الفزع الأکبر > : ان الناس یصاح بهم صیحه واحده فلایبقی میّت إلاّ نشر و لا حیّ إلاّ مات إلاّ ما شاء اللّه ثمّ یصاح بهم صیحه أخری فینشر من مات و یصفون جمیعاً و تنشقّ السماء و تهدّ الأرض و تخرّ الجبال و تزفر النیران و ترمی بمثل الجبال شرراً فلایبقی ذو روح إلاّ إنخلع قلبه و ذکر ذنبه و شغل بنفسه إلاّ ما شاء اللّه ;

از رسول خدا(ص) روایت شده که در معنای <فزع أکبر> فرمود: به درستی که یک صیحه بر مردم زده می شود که مرده ای نمی ماند، مگر این که زنده می شود وزنده ای نمی ماند، مگر این که می میرد، جز آنچه را که خدا بخواهد. سپس صیحه دیگری بر آنان زده می شود و آنان که مرده اند زنده گشته و همگی به صف کشیده خواهند شد. و آسمان شکافته و زمین در هم کوبیده و کوه ها فرو ریخته و آتش شعله هایی چون کوه برکشد، پس هیچ صاحب روحی نماند، مگر این که [از هراس] دل او کنده شود و گناهان خود را یادآورد و هر کس به فکر خویش باشد،

مگر آنچه را خدا بخواهد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱ - ۶

۶- لرزش و اضطراب بسیار شدید مردم ، در عرصه قیامت

إنّ زلزله الساعه شیء عظیم

<ساعه>به معنای لحظه و هنگام است و <الساعه>; یعنی، آن هنگام. مقصود از <آن هنگام>، می تواند هنگام برپایی قیامت و حضور مردم در عرصه محشر باشد. در این صورت کلمه <زلزله>استعاره از اضطراب شدید مردم است. هم چنین می تواند زمان پایان یافتن عمر جهان کنونی و فرا رسیدن هنگام فروپاشی نظام آن باشد. در این صورت مراد از <زلزله>، لرزش شدیدی است که در آن لحظه، سراسر جهان را فرا می گیرد و باعث فروپاشی آن می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲ - ۱۱،۱۲،۱۳

۱۱- اضطراب مردم در عرصه قیامت ، به درجه ای است که هر زن شیر دهنده ، از شیر دادن غافل خواهد شد و هر زن بارداری از شدت ترس ، سقط جنین خواهد کرد .

یوم ترونها. .. و تضع کلّ ذات حمل حملها

۱۲- بیم و هراس مردم در عرصه محشر ، به اندازه ای است که آنان هچون مردم می خورده و مست ، عقل و هوش خود را از کف خواهند داد .

و تری الناس سکری و ما هم بسکری

۱۳- هراس سخت و سهمگین مردم در عرصه رستاخیز ، جلوه ای از عذاب قهر خداوند

و لکنّ عذاب اللّه شدید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۷ - ۱۴

۱۴ - قیامت ، دارای صحنه هایی

هراس آور و هولناک

یخافون یومًا تتقلّب فیه القلوب و الأبصر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۸۷ – ۶

۶ – رسوایی و شرمساری در روز رستاخیز ، سخت ترین حالات روحی انسان در آن روز

و لاتخزنی یوم یبعثون

از این که حضرت ابراهیم(ع) از میان انواع نگرانی ها و حالات ناخوشایند روحی در قیامت، تنها رسوایی و شرمساری را مطرح ساخت، می توان به مطلب یاد شده دست یافت.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۸۷ – ۵

۵ – هراس و وحشت شدید موجودات آسمان ها و زمین ، در لحظه فروپاشی جهان و نیز روز رستاخیز

و یوم ینفخ فی الصور ففزع من فی السموت و من فی الأرض

مراد از <ینفخ فی الصور> می تواند مطلق نفخ صور و دربرگیرنده نفخه اوّلی که فروپاشی جهان و مرگ موجودات را در پی دارد و نفخه ثانیه که منجر به برپایی رستاخیز می شود باشد. گفتنی است که تعبیر <فزع من فی السماوات و من فی الأرض> بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۱۲ – ۲

۲ – قیامت ، روزی سخت و هولناک است .

و یوم تقوم الساعه یبلس المجرمون

احتمال دارد که اندوه و ناامیدی مجرمان و یا قطع شدن عذرها و حجت های آنان در روز قیامت، به جهت نکته یاد شده باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۴ - ۶

۶ - روز برپایی قیامت

، روزی هول ناک و خوف آور است .

و یوم تقوم الساعه . .. و یوم تقوم الساعه

تکرار الفاظ <یوم> در دو آیه ای که بسیار نزدیک هم هستند، اشاره به نکته یاد شده دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۳ - ۶

۶ - قیامت ، روزی هول انگیز است و شایسته است که انسان ، از آن نگران باشد .

و اخشوا یومًا لایجزی والد عن ولده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۲ - ۳

۳ - وضعیت کافران در قیامت ، آن چنان وخیم و تأسف بار خواهد بود که عالم قبر و برزخ را برای خود استراحت گاه خواهند دانست .

قالوا یویلنا من بعثنا من مرقدنا

<مرقد> اسم مکان از <رقاد> (خواب) به معنای خواب گاه است. تعبیر کافران از قبرها به خوابگاه، می تواند به این جهت باشد که آنان، وضعیت خود را در قیامت آن چنان سخت می بینند که عالم برزخ و قبر را در مقایسه با آن، خوابگاه و محل استراحت خویش می خوانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۳ - ۸،۱۰

۸ - قیامت ، روزی بزرگ و هولناک

عذاب یوم عظیم

۱۰ - قیامت ، عرصه ظهور حقایق و رخداد های بس بزرگ و هولناک

عذاب یوم عظیم

توصیف روز قیامت به عظیم بودن، می تواند به خاطر بزرگی رخدادها و عظمت حقایق آن روز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۶ - ۳

۳ - قیامت ، روزی

سخت ، هولناك و هشدار دهنده برای انسان ها

لینذر . .. یوم هم برزون لایخفی علی اللّه منهم شیء

تأکید خداوند بر این که روز قیامت، روز بروز حقیقت انسان ها است به گونه ای که چیزی از آنان بر خدا پوشیده نمی ماند و نیز انذار به چنین روزی، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۸ - ۵،۶،۷

۵ - به گلو رسیدن جان انسان ها ، از شدت غم و اندوه در قیامت

إذ القلوب لدی الحناجر

هرگاه انسان در تنگناهای سخت قرار گیرد، احساس می کند که گویی قلبش از جا کنده می شود. گاهی به این مطلب گفته می شود: <جانش به لب رسید>. در زبان عرب از این حالت به <بلغت القلوب الحناجر> تعبیر می شود.

۶ - قیامت ، دارای غم و اندوه کشنده و زجرآور ، به گونه ای که کسی نای سخن گفتن و فریاد زدن ندارد .

إذ القلوب لدی الحناجر کظمین

<کاظم> (مفرد <کاظمین>) اسم فاعل از <کظم> به معنای فردی است که نفسش در گلو حبس شده باشد. <کاظمین>; یعنی، کسانی که ساکت اند و قادر به سخن گفتن نیستند.

۷ - وجود شرایط و صحنه های سخت و اندوه بار برای انسان در قیامت

إذ القلوب لدی الحناجر کظمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۸ - ۴

۴ - قیامت ، صحنه بروز حوادث هول انگیز

و الذین ءامنوا مشفقون منها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۸ - ۵

۵ - قیامت ، صحنه

ای پر بیم و هول انگیز

یعباد لا خوف علیکم الیوم و لا أنتم تحزنون

از تأکید خداوند بر نفی خوف و اندوه برای تقواپیشگان در قیامت، مطلب بالا قابل برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۸ - ۱،۱۰

۱ - ناتوانی ، هراس و وحشت همه گروه ها و مجموعه ها ، در روز قیامت

و تری کلّ أمّه جاثیه

<جُثُوّ> (مصدر <جاثیه>) به معنای به زانو نشستن است و در این جا می تواند کنایه از هراس، دلهره و تسلیم باشد.

۱۰ - احضار امت ها برای حسابرسی ، مایه هراس و به زانو درآمدن آنان در صحنه قیامت *

و تری کلّ أمّه جاثیه کلّ أمّه تدعی إلی کتبها

برداشت بالا بدان احتمال است که جمله <کلّ أمه تدعی إلی کتابها> درصدد بیان علت <کلّ اُمّه جاثیه> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۱ - ۳

۳ - ترسیم رخداد های پراضطراب هستی در آستانه قیامت ، هشداری به تکذیب کنندگان آن است .

یوم تمور . .. و تسیر الجبال ... فویل یومئذ للمکذّبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۸ - ۲

۲ - صحنه قیامت ، دربردارنده دشواری ها و مشقت ها برای انسان

لیس لها من دون اللّه کاشفه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۶۲ - ۶

۶ - اهل عبادت برای خداوند ، برخوردار از حمایت های او در مراحل هولناک قیامت

لیس لها من دون اللّه کاشفه . .. فاسجدوا للّه و اعبدوا

چنانچه <کاشفه>

در آیات پیشین، به معنای گشاینده سختی ها باشد، از ارتباط این آیه با <لیس لها. ..> می توان به مطلب بالا پی برد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۵ - ۴

۴ - فضای محشر ، سخت داغ ، دودآلود و نفس گیر

یرسل علیکما شواظ من نار و نحاس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۲ - ۲،۶

۲ - قیامت ، روزی بسیار سخت و هولناک برای اهل محشر

یوم یکشف عن ساق

تعبیر <یکشف عن ساق> (ساق ها برهنه می شود) در زبان عرب، کنایه از شدت هول و هراس و وخامت اوضاع است.

۶ - < عن أبی عبداللّه (ع) فی قوله عزّوجلّ : . . . < و یدعون إلی السجود فلایستطیعون > قال : أُفحِم القومُ و دخلتْهم الهیبهُ و شَخَصَتِ الأبصار ، و بلغتِ القلوبِ الحَناجِر ;

از امام صادق(ع) روایت شده که درباره سخن خداوند عزّوجلّ <و یدعون إلی السجود فلایستطیعون> فرمود: مهر سکوت بر دهان آنان زده می شود، ترس تمام وجودشان را فرامی گیرد، چشمانشان خیره می گردد، جان ها به حنجره ها می رسد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۰ - ۱

۱ - ترس از احوال روز قیامت ، از ویژگی های ابرار

إنّا نخاف من ربّنا یومًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۹ - ۲

۲ - قیامت ، حادثه ای سنگین و با عظمت و صحنه سایه افکندن نگرانی و ترس بر منکران

معاد

أبصرها خشعه

فروتنی و ذلّت منکران معاد در صحنه قیامت، حاکی از عظمت و هول آور بودن آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۵ - ۴

۴ - حوادث قیامت ، هولناک و سزاوار ترس و نگرانی است .

من یخشیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۸ - ۲

۲ - قیامت روزی بس با عظمت است و بیان سختی حوادث آن ، امکان پذیر نیست .

ثمّ ما أدریک ما یوم الدین

تکرار <ما أدراک> تأکید بر عظمت و نبودن ابزار، برای آگاه سازی دیگران به حقیقت حوادث آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۶ - ۹

۹ - ایستادن در پیشگاه خداوند برای حسابرسی اعمال ، از صحنه های خوفناک و حوادث بزرگ روز قیامت است .

لیوم عظیم . یوم یقوم الناس لربّ العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۱۰ - ۵

۵ - صحنه برملا شدن راز ها و نیت های پنهان ، هول انگیز و تهدیدی برای ناسپاسان و مال دوستان

أفلایعلم إذا . .. و حصّل ما فی الصدور

ایستادن در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۶ - ۲

۲ - مردم در صحنه قیامت ، به حال ایستاده در انتظار فرجام نهایی خویش اند .

یوم یقوم الناس لربّ العلمین

ایفای حق در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۴ - ۵

۵ -

حاضران صحنه قیامت ، از مؤاخذه دیگران و گرفتن حقوق خود حتی از نزدیک ترین خویشاوندان چشم پوشی نخواهند داشت . *

یوم یفرّ المرء من أخیه

فرار از برادر و ترس از روبه رو شدن با او، حاکی از واقع شدن در مؤاخذه شدید از سوی او است; به گونه ای که شخص گمان می کند که اگر فرار نکند، گرفتار خواهد شد.

ایمان به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۲ - ۲۲

۲۲ ایمان و اعتقاد حواریون به رستاخیز و حسابرسی در قیامت *

و اشهد بانّا مسلمون

چون شاهد گرفتن حواریون در دنیا ظاهراً ثمری برای آنان ندارد، لذا این استشهاد برای استفاده در آخرت خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶ - ۳

۳ - قرآن بهترین راهنمای مردم برای ایمان به خدا و قیامت

إن الذین کفروا سواء علیهم ءأنذرتهم أم لم تنذرهم لایؤمنون

چنانچه مراد از <کفر> کفر به قرآن باشد، جمله <سواء علیهم> به این حقیقت اشاره دارد که اگر قرآن در انسانی تأثیر نبخشد چگونه انتظار می رود که از سخن پیامبر(ص) تأثیر بپذیرد؟ و این حاکی از آن است که قرآن بهترین وسیله هدایت و ارائه کننده مؤثرترین انذارهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸ - ۳

۳ - ایمان به خدا و روز قیامت ، از ارکان اعتقادی دین اسلام

و من الناس من يقول ءامنا باللّه و باليوم الأخر

معمولا كسانی كه در صدد نفوذ در ميان طايفه و گروهی هستند، پايبندی

خویش را به مهمترین اصول آن طایفه ابراز می دارند. بنابراین از دیدگاه همگان، ایمان به خدا و قیامت از مهمترین ارکان اعتقادی اسلام می باشد و آدمی با اظهار ایمان به آن از زمره مسلمانان محسوب می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۲ - ۵

۵ - ایمان به خدا و قیامت و تصدیق رسالت پیامبران ، از اصول مشترک ادیان آسمانی است .

إن الذین ءامنوا و الذین هادوا . .. من ءامن باللّه و الیوم الأخر

ایمان به خدا و قیامت از <من آمن . ..> به دست می آید و ایمان به رسولان الهی از عنوانهای مذکور در آیه (مسلمانان، یهودیان و ...) معلوم می شود; زیرا این ملتها همه معتقد به رسالت انبیا هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۶ - ۶

۶ - ایمان به خدا و روز قیامت از ارکان اساسی مکتب انبیا (ع)

من ءامن منهم باللّه و الیوم الأخر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۷ - ۱۷

۱۷ - ایمان به خدا ، قیامت ، فرشتگان ، کتاب های آسمانی و پیامبران مشخصه نیکان

و لکن البر من ءامن باللّه . .. و النبیین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۸ - ۵،۶

۵ ایمان به خدا و روز قیامت ، ضامن انجام تکالیف الهی

و لا یحل لهنّ . .. ان کنّ یؤمنّ باللّه و الیوم الاخر

۶ عمل به تکالیف الهی ، لازمه ایمان

به خدا و روز قیامت

و لا یحل لهنّ . .. ان کنّ یؤمنّ باللّه و الیوم الاخر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۲ - ۹،۱۰

۹ مؤمنان به خدا و قیامت از ازدواج زن مُطلّقه ، ممانعت نمی کنند .

فلا تعضلوهنّ ان ینکحن . .. ذلک یوعظ به من کان منکم یؤمن باللّه و الیوم الاخر

۱۰ ایمان به خدا و قیامت ، زمینه پذیرش احکام و مواعظ الهی

ذلک یوعظ به من کان منکم یؤمن باللّه و الیوم الاخر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۹ - ۲۱،۲۲،۲۳

۲۱ معتقدان به لقای خداوند (روز رستاخیز) در لشکر طالوت ، امیدوارکنندگان دل های نگران

قال الّذین یظنّون انّهم ملاقوا اللّه کم من فئه قلیله غلبت فئه کثیرهً

۲۲ مؤمنان به روز رستاخیز ، معتقد به پایداری در پیکار با دشمنان خدا ، علی رغم کمبود نیرو

قال الّذین یظنّون . .. غلبت فئه کثیره

۲۳ گمان به لقاءاللّه (روز رستاخیز) موجب پایداری انسان در پیکار با دشمنان

قال الّذین یظنُون . .. غلبت فئه کثیره

بنابراینکه <یظنّون> به معنی گمان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۵ - ۲۰

۲۰ اعتقاد و یقین مؤمنان به معاد و بازگشت به سوی خداوند .

و الیک المصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۴ - ۷

۷ اهل کتاب ، معتقد به رستاخیز و کیفر اعمال

لن تمسّنا النار الاّ ایاماً

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۴ - ۱،۴،۵،۷،۸،۱۰

۱ ایمان به خدا و روز قیامت ، امر به معروف ، نهی از منکر و شتاب در کار های خیر ، از ویژگی های برخی اهل کتاب

من اهل الکتب . .. یؤمنون باللّه و الیوم الاخر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنک

۴ ایمان به خدا و روز واپسین ، امر به معروف و نهی از منکر و شتاب ورزیدن به کار های نیک ، ملاک ارزش و شایستگی (صالح بودن)

یؤمنون . .. یسارعون فی الخیرات و اولئک من الصالحین

۵ ایمان به خدا و روز واپسین ، امر به معروف و نهی از منکر ، از اصول مشترک اعتقادی و عملی ادیان الهی

من اهل الکتب . .. یؤمنون باللّه و الیوم الاخر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنک

۷ گروهی از اهل کتاب که مؤمن به خدا و روز واپسین و امرکننده به معروف و نهی کننده از منکر و شتاب کنندگان به نیکی ها هستند ، از تبار صالحان هستند .

من اهل الکتب امه . .. یؤمنون باللّه ... و اولئک من الصالحین

۸ قیام به امر دین (اطاعت خدا) تلاوت آیات خدا ، سجده به درگاه او ، ایمان به خدا و معاد ، امر به معروف و نهی از منکر و شتاب در امور خیر ، ویژگی امّت شایسته و صالح

امه قائمه . .. و اولئک من الصالحین

۱۰ صالح شدن انسان ها ، در گرو ایمان به خدا ، معاد ، امر به معروف و نهی از منکر (

اصلاح دیگران) و شتاب در کار های نیک است .

یؤمنون باللّه . .. و اولئک من الصالحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۵ - ۴،۷،۹

۴ قیام به طاعت خدا ، تلاوت آیات وی در شب هنگام در حال سجده ، ایمان به خدا و معاد ، امر به معروف ، نهی از منکر و شتاب در نیکی ها ، از اعمال خیر

من اهل الکتب امّه قائمه . .. و ما یفعلوا من خیر

۷ قیام به امر خدا ، تلاوت آیات او ، سجده ، ایمان به خدا و معاد ، امر به معروف و نهی از منکر و شتاب در امر خیر ، از ویژگی های تقواپیشگان

امّه قائمه یتلون ءایت اللّه . .. و اللّه علیم بالمتّقین

آیه، در صدد بیان پاداش کسانی است که خصلتهای مذکور را دارند، از آنها تعبیر به متّقین کرده، پس آن خصلتها از آن متقین است.

۹ ایمان به خدا و روز واپسین و عمل صالح ، موجب نیل آدمی به تقواپیشگی *

امّه قائمه . .. یؤمنون باللّه و الیوم الاخر ... و اللّه علیم بالمتّقین

تعبیر از مؤمنانِ آمر به معروف و . .. به متّقیان یا به جهت این است که دارندگان صفات یاد شده تقواپیشه هستند، و یا آن صفات موجب نیل آدمی به تقواپیشگی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۸ - ۳

۳ ایمان به حشر و بقای آدمی پس از مرگ ، برانگیزنده وی برای حضور در میدان کارزار علیه دشمنان دین

و

لئن مُتّم او قُتلتم لالی اللّه تحشرون

خداوند با بیان این معنا که آدمی با مرگ و یا کشته شدن، چه در راه منافع دنیا و یا راه خدا، به سوی او محشور می شود، او را به جهاد ترغیب و انگیزه پیکار در راه خدا را در او تقویت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۱ - ۲۹،۳۱

۲۹ اعتقاد به قیامت و کیفر و پاداش در آن ، پیامد اعتقاد به باطل نبودن و هدفدار بودن آفرینش

ربّنا ما خلقت هذا باطلًا سبحانک فقنا عذاب النّار

کلمه <فا> در <فقنا . .. >، بیانگر این معناست که خردمندان با نفی بطلان در آفرینش و اعتقاد به هدفداری جهان به این نتیجه رسیده اند که باید قیامت و روز جزا و پاداشی باشد.

۳۱ اعتقاد به معاد و درخواست رهایی از آتش دوزخ ، نشانه خردمندی

لایات لاولی الالباب . .. فقنا عذاب النّار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۴ - ۹

۹ خردمندان ، مؤمن به خداوند ، رسالت تمامی انبیا و برپایی قیامت

ربّنا و اتنا ما وعدتنا علی رسلك و لا تخزنا یوم القیمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۸ - ۱۰

۱۰ ناسازگاری تکبر و فخرفروشی با ایمان به خدا و قیامت

لا یحبّ من کان مختالا فخوراً . .. و الذین ... و لا یؤمنون باللّه و لا بالیوم الا

برداشت فوق بر این مبناست که <الذین . .. لا یؤمنون> عطف بر <الذین یبخلون> و

توصیفی برای <مختالا فخوراً> باشد. یعنی فخرفروشان و مُتکبران ایمان واقعی به خدا و قیامت ندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۹ - ۱،۴

۱ ایمان به خدا و قیامت و انفاق ، هیچ خسارتی را برای آدمی در پی نخواهد داشت .

و ماذا علیهم لو امنوا باللّه و الیوم الاخر و انفقوا

۴ ارزشمندی انفاق ، مشروط به ایمان به خدا و قیامت است .

ماذا علیهم لو امنوا باللّه و الیوم الاخر و انفقوا

علی رغم اینکه بحث آیات گذشته درباره انفاق و مسائل مربوط به آن بود، مطرح ساختن ایمان به خدا و قیامت پیش از امر به انفاق می تواند اشاره به برداشت فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۹ - ۱۷،۲۰،۲۱،۲۴

۱۷ ارجاع اختلافات و کشمکش ها به خدا و پیامبر (ص) (قرآن و سنت) ، از نشانه های@ایمان به خدا و قیامت

فان تنازعتم . .. ان کنتم تؤمنون باللّه و الیوم الاخر

۲۰ اطاعت از خدا و رسول و اولواالامر ، نشانه ایمان واقعی به خدا و روز قیامت است .

اطیعوا اللّه و اطیعوا الرّسول و اولی الامر . .. ان کنتم تؤمنون باللّه و الیوم ال

بنابر اینکه جمله <ان کنتم>، شرط برای جمله <اطیعوا اللّه> نیز باشد.

۲۱ ایمان به قیامت ، از اصول مهم اعتقادی اسلام

ان کنتم تؤمنون باللّه و الیوم الاخر

یادکردن ایمان به قیامت در کنار ایمان به خداوند، دلالت بر اهمیّت آن دارد.

۲۴ ایمان به خدا و قیامت ، پشتوانه اجرایی احکام اسلام

و مایه پرهیز از نافرمانی خدا و رسول (ص)

اطیعوا اللّه . .. ان کنتم تؤمنون باللّه و الیوم الاخر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۶ - ۷،۹

۷ ضرورت ایمان به فرشتگان ، پیامبران الهی و روز قیامت

و من یکفر باللّه و ملئکته و کتبه و رسله و الیوم الأخر

۹ اعتقاد به خدا ، پیامبران ، روز قیامت ، فرشتگان و کتب آسمانی ، ارکان هدایت و شرط تحقق ایمان

یأیها الذین ءامنوا ءامنوا باللّه و رسوله . .. فقد ضل ضللا بعیداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۲ - ۱۱،۱۲،۱۶

۱۱ یهودیان مؤمن به خدا و قیامت ، به قرآن و دیگر کتب آسمانی ایمان می آورند .

و لکن الرسخون فی العلم منهم . .. و المؤمنون باللّه و الیوم الاخر

بنابر اینکه <المؤمنون باللّه . ..> عطف باشد بر <الرسخون>.

۱۲ مؤمنان به خدا ، قیامت و قرآن ، بر پا دارندگان نماز و پرداخت کنندگان زکات ، از پاداش بزرگ الهی ، برخوردار خواهند شد .

أولئک سنؤتیهم أجراً عظیماً

۱۶ ایمان به خدا و قیامت ، مستلزم ایمان به پیامبر (ص) ، قرآن و دیگر کتب آسمانی

یؤمنون بما أنزل إلیک و ما أنزل من قبلک . .. و المؤمنون باللّه و الیوم الاخر

کلمه <المؤمنون باللّه> عطف بر <الراسخون> است و در نتیجه <یؤمنون بما انزل . ..> خبر برای <المؤمنون باللّه> نیز می باشد. گفتنی است که لازمه ایمان به قرآن، ایمان به پیامبر(ص) است و لذا در برداشت فوق ایمان

به پیامبر(ص) نیز آورده شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۲ - ۱۱،۱۳

۱۱ علم و ایمان حضرت عیسی (ع) و فرشتگان مقرب الهی به قیامت و محشور شدن به پیشگاه خداوند ، مانع استکبار آنان از بندگی خدا

لن یستنکف المسیح ان یکون عبداً للّه و لاالملئکه . .. فسیحشرهم إلیه جمیعاً

جمله <و من . ..> جمله حالیه و بیان علت از جمله سابق است. یعنی امکان ندارد مسیح و فرشتگان از عبادت خدا امتناع کنند ; چون حشر انسان و ملائکه به سوی خدا حتمی است و مسیح و فرشتگان از آن آگاهند.

۱۳ علم و ایمان در قیامت و حضور در پیشگاه خداوند ، مانع از استکبار و بازماندن از عبادت خدا

لن یستنکف المسیح . .. و من یستنکف عن عبادته و یستکبر فسیحشرهم إلیه جمیعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۳ - ۷

۷ ایمان به وحدانیت خدا و قیامت و انجام اعمال صالح ، نشانه عبودیت و بندگی خدا

و یستکبر فسیحشرهم إلیه جمیعاً. فاما الذین ءامنوا و عملوا الصلحت

خداوند از کسانی که استنکاف نمی کنند و او را عبادت می کنند، به مؤمنان دارای اعمال صالح تعبیر کرد. متعلق ایمان به دلیل آیات گذشته، قیامت (فسیحشرهم) و وحدانیت خدا (انما اللّه اله واحد) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۹ - ۱،۲،۴،۸،۹،۱۰

۱ ایمان به خدا و قیامت و انجام عمل صالح ، شرط رهایی مسلمانان ، یهودیان ، صائبی ها و

نصارا از هرگونه ترس و اندوه

إنّ الذين ءامنوا و الذين هادوا و الصبئون و النصری . .. و لا هم يحزنون

<صابئی> که مفرد <صابئون> است به کسی گفته می شود که آيين خويش را رها کرده و به آيينی ديگر گرويده باشد ; با توجه به اين معنا می توان گفت مصداق مورد نظر از <الصبئون> در اين آيه به قرينه وقوع آن بين <الذين ءامنوا و الذين هادوا> <و النصری>، کسانی هستند که با ترک اسلام و يا يهوديت پذيرای آيين نصارا شده باشند.

۲ مسلمانان ، يهوديان ، مسيحيان و صابئی ها ، سزاوارترين امت ها برای ايمان راستين به خدا و قيامت و انجام عمل صالح

إنّ الذين ءامنوا و الذين هادوا و الصبئون و النصری من ءامن

نام بردن از ملتهای مذکور با اينکه ايمان راستين از هر امتی (من ءامن . ..) موجب رهايی از ترس و اندوه است ، می تواند اشاره به اين باشد که پيروان اين اديان از ديگران سزاوارتر و دارای زمينه بيشتری برای پذيرش ايمان حقيقی هستند.

۴ ايمان به خدا و قيامت و رسالت انبيا ، از اصول مشترک اديان آسمانی

إنّ الذين ءامنوا و الذين هادوا و الصبئون . .. من ءامن باللّه و اليوم الاخر

ايمان به رسولان الهی، از عناوين مذکور در آيه (الذين ءامنوا . .. النصری) استفاده شده است.

۸ تنها انتساب به اديان الهی بدون ايمان واقعی به خدا و قيامت و انجام عمل صالح ، سعادت آفرين نخواهد بود .

إنّ الذين ءامنوا . .. من ءامن باللّه و اليوم الاخر و عمل صلحاً فلاخوف

با توجه به اينکه جمله <من

ءامن . ..> خبر برای <الـذین ءامنوا> است، تکرار ایمان در این دو فراز و نبود ضـمیر در جمله خبری می رساند که سعادت، در گرو ایمان حقیقی به خـدا و قیامت و انجام عمل صالح می باشد و در این جهت میان منتسبان به ادیان آسـمانی و غیر آنان تفاوتی وجود ندارد.

۹ ایمان به خدا و قیامت و پیشه نمودن عمل صالح ، پایه های سعادت و رستگاری امتها

إنّ الذین ءامنوا . .. و الیوم الاخر و عمل صلحاً فلاخوف علیهم و لا هم یحزنون

۱۰ آرامش خاطر و ترس نداشتن از آینده ، در گرو ایمان به خدا و قیامت و عمل صالح

من ءامن باللّه و الیوم الاخر . .. فلاخوف علیهم و لا هم یحزنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۰ - ۲

۲ ایمان به خدا و قیامت و انجام اعمال صالح ، پیمان خداوند با بنی اسرائیل

من ءامن باللّه و الیوم الاخر و عمل صلحاً . .. لقد اخذنا میثق بنی اسرءیل

به مقتضای این آیه با آیه قبل می توان گفت مورد میثاق ایمان به خدا و قیامت و انجام عمل صالح است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۴ - ۱۱،۱۲

۱۱ باور به قیامت و عذاب دردناک آن موجب ترس از خداوند وعمل به احکام او

لیعلم اللّه یخافه بالغیب

<باء> در بالغیب می توانـد سـببیه باشد بر این مبنا مراد از غیب اموری است که از نظر شـخص خائف و حواس وی پنهان می باشد و از مصادیق بارز غیب و

نهانی که سبب خوف آدمی از خدا می شود قیامت و عذاب آخرت است.

۱۲ هدف از آزمایش مؤمنان مشخص شدن صفوف باورداران به غیب (قیامت و عذاب) از غیر آنان

لیبلونکم اللّه . .. لیعلم اللّه یخافه بالغیب

قیامت وعذاب آخرت زمانی موجب ترس از خداوند می شود که آدمی به آن باور داشته باشد بنابراین تمایز خداترسان در واقع تمایز باورداران قیامت از غیر آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۵ - ۱۹

۱۹ باور به قیامت و بازگشت به خدا و حسابرسی کردار ها زمینه ساز مراقبت بر ایمان و پرهیز از عوامل گمراهی

علیکم انفسکم . .. فینبئکم بما کنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۴ - ۱۱،۱۲

۱۱ ایمان به قیامت و ملاقات خدا، از اهداف نزول تورات است.

ثم ءاتینا موسی الکتب . .. لعلهم بلقاء ربهم یؤمنون

۱۲ توجه بنی اسرائیل به محتوای تورات، زمینه ساز ایمان آنان به قیامت و ملاقات خدا

ثم ءاتینا موسی الکتب . .. لعلهم بلقاء ربهم یؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۷ - ۲

۲ تصدیق آیات الهی و ایمان به روز قیامت از شرایط ارزشمندی اعمال نیک در پیشگاه خداوند است .

و الذین کذبوا بایتنا و لقاء الأخره حبطت أعملهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۲ – ۱۹

۱۹ دقّت در موجودات هستی و نظام آنها ، درپی دارنده باور به قیامت است .

الله الذی رفع

السموت . .. يفصل الأيت لعلكم بلقاء ربكم توقنون

برداشت فوق ، ناظر به این معناست که مراد از <الأيات> آيات تكوينى از قبيل برافراشته شدن آسمانها و . .. باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۳ – ۱۱

۱۱ تفکر در پدیده های هستی ، زمینه ساز باور به لقای خدا و برپایی قیامت است .

إن فى ذلك لأيت لقوم يتفكرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۴ – ۱۳

۱۳ تفکر در پدیده های هستی ، زمینه ساز باور به لقای خدا و برپایی قیامت است .

إن فى ذلك لأيت لقوم يعقلون

برداشت فوق بر این اساس است که متعلق <آیات> به قرینه جمله <لعلکم بلقاء ربکم توقنون> در آیات قبل ، لقای خدا و برپایی قیامت باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۵ – ۸

۸ باور به ربوبیّت خدا بر انسان ها ، وادار کننده انسان به پذیرش قیامت و زنده شدن مردگان برای حضور در صحنه آخرت

أُولئك الذين كفروا بربهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۷۴ – ۲

۲ – ایمان به معاد و روز جزا ، از شاخصه های اندیشه اعتقادی ادیان آسمانی

و إنّ الذين لايؤمنون بالأخره عن الصرط لنكبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۵ - ۱۳

۱۳ - واجدان روحیه تواضع ، با موعظه و یادآوری به خداوند و قیامت ایمان می آورند .

نسیتم لقاء یومکم هذا . .. إنّما

يؤمن بأيتنا الذين إذا ذكّروا بها خرّوا سجّدًا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۵۲ - ۴

۴ - مشركان ، با تحقق حشر و بعث و مشاهده آن ، به آن اظهار ايمان مى كنند .

و لو ترى إذ فزعوا . .. قالوا ءامنّا به

در صورتى كه زمان فزع مشركان، حشر و قيامت باشد; مرجع ضمير <به> مى تواند <بعث> (مستفاد از <إذ فزعوا>) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۲ - ۲

۲ - تصديق و باور داشتن قيامت و زنده شدن انسان ها ، از ويژگى هاى بهشتيان و بندگان مخلَص خدا در دنيا است .

يقول أءنّك لمن المصدّقين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۱ - ۶

۶ - صبر بر ناگوارى ها ، عبادت در برابر پروردگار و ايمان به قيامت ، تكليف تمامى مؤمنان

فاصبر . .. و سبّح ... و استمع يوم يناد المناد

هر چند واژه هاى <اصبر>، <سبّح> و <استمع> ظاهراً خطاب به پيامبر(ص) است; ولى در حقيقت تكليفى است براى همگان و پيامبر(ص) از آن جهت كه الگوى امت است، به تنهايى مخاطب قرار گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - ذاريات - ۵۱ - ۹ - ۲

۲ - انسان هاى عاقل و خردمند ، پذيراى حقانيت وعده هاى خداوند و تحقق روز جزا

يؤفك عنه من أُفك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۲۲ - ۱

۱ - اعتقاد به خداوند و روز

بازپسین ، دو رکن اساسی اسلام و ایمان

لاتجد قومًا یؤمنون باللّه و الیوم الأخر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۰ - ۱،۵

۱ - نامه اعمال معتقدان به قیامت و حساب رسی ، به دست راست آنان داده خواهد شد .

فأمّا من أُوتی کتبه بیمینه . .. إنّی ظننت أنّی ملق حسابیه

۵ - ایمان به قیامت و حساب رسی اعمال ، دلیل شادمانی و رضایت منـدی مؤمنان بهشتی ، هنگام مشاهـده نامه اعمال خویش است .

فیقول هآؤُم اقرءوا کتبیه . إنّی ظننت أنّی ملق حسابیه

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که جمله <إنّی ظننت. ..> در مقام تعلیل برای جمله <فیقول هآؤُم ...> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۲۶ - ۱

۱ - تصدیق روز جزا و اعتقاد به حساب رسی بندگان ، از ویژگی های مؤمنان و مسلمانان راستین

و الذین یصدّقون بیوم الدین

یکی از کاربردهای واژه <دین>، جزا و حساب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۰ - ۶

۶ - حضرت علی ، فاطمه ، حسن و حسین (ع) ، مظهر بیم داری از قیامت و ایمان به روز جزا

إنّا نخاف من ربّنا یومًا عبوسًا قمطریرًا

ایمان به نزدیکی قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۳ - ۱۱

۱۱ - همواره ، باید وقوع قیامت را نزدیک دانست .

و مایدریک لعلّ الساعه تکون قریبًا

ایمان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۰ - ۸

۸ حصول ایمان و تسلیم در قیامت ، سودی ندارد . *

و قضی الأمر

بنابراینکه مراد از آمدن عذاب و ملائکه، نزول آنها در قیامت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۸ - ۹

۹- شناخت حقایق در قیامت و ایمان به آن ، موجب نجات نیست .

أسمع بهم و أبصر . .. لکن الظلمون الیوم فی ضلل مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۵ - ۸

۸ - بی فایده بودن اظهار ایمان در روز وقوع عذاب استیصال و نیز در روز رستاخیز

حتّی تأتیهم الساعه بغته أو یأتیهم عذاب یوم عقیم

ایمان یهود به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۴ - ۶

۶ - یهودیان ، مدعی اعتقاد به خدا ، قیامت و نعمت های اخروی هستند .

إن کانت لکم الدار الأخره عند اللّه خالصه من دون الناس فتمنوا الموت

باطل در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۱۳ – ۱،۲

۱ – قیامت ، روز جداسازی میان خلایق و داوری میان حق و باطل است .

لیوم الفصل

<فصل> به حایل بین دو چیز و نیز به داوری میان حق و باطل گفته می شود(قاموس المحیط). روز قیامت چنان که مفسران گفته اند از این رو <یوم الفصل> نامیده شده که در آن روز، میان خلایق جدایی ایجاد شده و حق از باطل تمیز داده خواهد شد و مورد داوری قرار خواهد

گرفت.

۲ - جداسازی میان خلایق و داوری میان حق و باطل ، از مهم ترین خصیصه روز قیامت

لیوم الفصل

توصیف روز قیامت به <یوم الفصل>، در سلسله آیات مربوط به حوادث قبل و بعد از برپایی قیامت، گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۴ - ۱

۱ - شناخت ژرفای حقیقت و عظمت روز قیامت (روز داوری میان اهل حق و باطل) ، بس دشوار و دست نایافتنی برای بشر

و ما أدریک ما یوم الفصل

از تعبیر <و ما أدراک. ..>(چه چیز آگاه ساخت تو را...) استفاده می شود: قیامت، حقیقتی بس بزرگ و عمیق است که کسی به درستی و شایستگی از آن آگاه نیست و تنها در پرتو وحی الهی، قابل شناخت است.

بت ها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۸ - ۸،۱۰

۸ معبود ها (بت ها) در قیامت ، از مورد پرستش واقع شدن خود اظهار بی اطلاعی کرده و آن را انکار خواهند کرد .

و یوم نحشرهم جمیعاً . .. و قال شرکاؤهم ما کنتم إیانا تعبدون

۱۰ بت ها ، در قیامت با مشرکان سخن خواهند گفت .

ثم نقول للذین أشرکوا . .. قال شرکاؤهم ما کنتم إیانا تعبدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۹ - ۱

۱ بت ها در قیامت ، خدا را شاهد می گیرند که از عبادت اهل شرک بی خبر بوده اند .

فكفى باللّه شهيداً بيننا و بينكم إن كنا

عن عبادتكم لغفلين

بتهای مشرکان در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۲۸ – ۹

۹ بت های مورد پرستش اهل شرک در آخرت ، دارای شعور و توانا بر نطق

و یوم نحشرهم جمیعاً . .. و قال شرکاؤهم ما کنتم إیانا تعبدون

بخیل در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۸۰ – ۱۲،۱۳،۱۸

۱۲ دارایی های بخیلان در قیامت ، به صورت طوقی به گردنشان آویخته خواهد شد .

سیطوّقون ما بخلوا به یوم القیمه

۱۳ آویخته شدن دارایی های بخیلان در قیامت بر گردن آنان ، تبلور شرّ و زیان بخلورزی ایشان

بل هو شرّ لهم سیطوّقون ما بخلوا به یوم القیمه

جمله <سیطوّقون ما بخلوا . .. >، تفسیر کلمه <شرّ> است: یعنی به دوش کشی تمام داراییها در قیامت شرّی است که دامنگیر بخیلان خواهد شد. برداشت فوق بر این اساس است که معنای ظاهری <سیطوّقون ... > مراد باشد.

۱۸ بخیلان در قیامت ، بار سنگین گناه بخل خویش را به دوش خواهند کشید .

سیطوّقون ما بخلوا به یوم القیمه

برخی برآنند که معنای ظاهری <سیطوّقون . .. > اراده نشده است، بلکه کلمه ای همانند وبال و گناه، قبل از <ما بخلوا> مقدّر است. یعنی وبال گناهِ بخل خویش را به دوش خواهند کشید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۴۱ – ۴

۴ رسوایی و وخامت حال بخیلان ، ریاکاران و کافران به خدا و قیامت در صحنه قیامت

الذین یبخلون . .. فکیف اذا جئنا

من کل امّه بشهید

بدان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۱ - ۱

۱ - قیامت ، روز جدایی خوبان و بدان و حق مداران و باطل گرایان و داوری میان آنان است .

هذا یوم الفصل

<فصل> به معنای فاصله و جدایی میان دو شیء است و مقصود از آن در آیه شریفه، جدایی میان خوبان و بدان و حق پویان و باطل گرایان و داوری میان آنان است.

بدکاران در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۳۶ - ۴

۴ - کردار بدکاران در قیامت ، به صورت کیفر برای آنان ظاهر خواهد شد . *

هل ثوّب الکفّار ما کانوا یفعلون

<ما> در <ما کانوا. ..> مفعول دوم برای <ثوّب> است; یعنی، کافران با همان کردار خود، کیفر داده شدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۸ - ۱

۱ - بدکاران در قیامت ، کیفر دیده و با کردار ناروای خود ، روبه رو خواهند شد .

و من یعمل مثقال ذرّه شرًّا یره

برپایی تدریجی قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۳۸ – ۷

۷ – معاد و برپایی قیامت ، چونان شکل گیری نخستین جهان روندی تدریجی خواهد داشت . *

و لقد خلقنا . .. فی ستّه أیّام و ما مسّنا من لغوب

با توجه به ارتباط این آیه با آیات پیشین که در ارتباط با معاد بود مطرح کردن <ستّه أیّام> می تواند اشاره به این داشته باشد که

اگر شکل گیری جهان، به تدریج صورت گرفته، معاد نیز از روند تدریجی و قانونمند برخوردار است.

برپایی قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۴ - ۳،۴

۳ - برپایی قیامت و قرار دادن روز جزا برای جهانیان ، جلوه ای از رحمت خداوند است .

الرحمن الرحیم. ملک یوم الدین

مطرح کردن مسأله قیامت پس از بیان رحمت الهی، اشاره به برداشت فوق دارد.

۴ - بر پایی قیامت پرتوی از ربوبیت خدا بر جهان هستی است .

رب العلمین . .. ملک یوم الدین

برداشت فوق از ارتباط <مالک یوم الدین> با <رب العالمین>، استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۸ - ۱۳،۱۴

۱۳ - برپا کردن قیامت و آوردن همه انسان ها در آن ، مظهر قدرت همه جانبه خداوند است .

یأت بکم اللّه جمیعاً إن اللّه علی کل شیء قدیر

۱۴ - برپا کردن صحنه قیامت و آوردن انسان ها به آن صحنه ، درخور قادری مطلق است .

یأت بکم اللّه جمیعاً إن اللّه علی کل شیء قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹ - ۹

۹ وقوع قیامت ، پرتویی از ربوبیّت الهی است .

ربّنا انّک جامع الناس لیوم لا ریب فیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲ - ۱۵

۱۵ برپایی قیامت جلوه ای از رحمت الهی است.

کتب علی نفسه الرحمه لیجمعنکم إلی یوم القیمه لا ریب فیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ -

انعام - ۶ - ۳۱ - ۴

۴ برپایی قیامت، ناگهانی و غیر قابل پیش بینی و غافلگیرانه است.

حتی إذا جاءتهم الساعه بغته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۳ - ۸

۸ خداوند قیامت را با فرمانی پدیدار خواهد کرد.

و هو الذی خلق السموت . .. و یوم یقول کن فیکون

<یوم>، عطف بر <السماوات> می تواند باشد. لذا معنی جمله چنین می شود: <خلق السماوات و خلق یوم>. البته مراد از <یوم>، به قرینه جملات بعدی آیه، روز قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۶۴ - ۹

۹ برپایی قیامت و بازگشت انسانها به خدا، پرتوی از ربوبیت خدا بر انسانها و برای تدبیر امور آنان است.

ثم إلی ربکم مرجعکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۱ - ۱۴

۱۴ تحقق روز قیامت از مهمترین آیات خدا *

کما نسوا لقاء یومهم هذا و ما کانوا بایتنا یجحدون

بدیهی است که معاد و برپایی قیامت از آیات الهی است. بنابراین ذکر به خصوص آن می تواند به این جهت باشد که در بین دیگر آیات از اهمیت خاصی برخوردار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۷ - ۷،۸،۹

۷ لحظه برپایی قیامت ، لحظه ای دشوار و سنگین برای آسمان ها و زمین

ثقلت فی السموت و الأرض

متعدی شدن <ثقلت> با حرف <فی>، و نه حرف <علی>، گویای این است که آنچه در لحظه برپایی قیامت در آسمانها و زمین واقع می

شود، حوادثی عظیم است که تحمل آن بر آسمانها و زمین دشوار است.

۸ برپایی قیامت از مهمترین رخداد های جهان آفرینش است .

ثقلت فی السموت و الأرض

۹ قیامت ، ناگهانی و در حال بی خبری انسان ها تحقق خواهد یافت .

لا تأتیکم إلا بغته

برداشت فوق با توجه به کلمه <بغته> که به معنای هجوم ناگهانی و بدون اطلاع قبلی است استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۶ - ۷

۷ اعلام برپایی روز قیامت و وجود عذابهایی دردناک در آن روز ، از رسالت های حضرت نوح (ع)

إنی أخاف علیکم عذاب یوم ألیم

مراد از <یوم> می تواند روز قیامت باشد و می تواند مقصود از آن زمان حادثه طوفان باشد. برداشت فوق ناظر به احتمال اول است. گفتنی است که توصیف <یوم> به <ألیم> به اعتبار عذاب آن روز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۷ - ۶،۱۰

۶- برپایی قیامت ، از جمله امور غیبی آسمان ها و زمین است$.

و لله غیب السموت و الأرض و ما أمر الساعه

.

۱۰- برپایی قیامت ، جلوه ای از قدرت مطلقه الهی

و ما أمر الساعه إلاّ کلمح البصر . .. إن الله علی کلّ شیء قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۴۹ – ۲۰

۲۰– برپایی قیامت و نظام های آن ، جلوه ای از عدالت خداوند است .

و وضع الکتب . .. و لایظلم ربّک أحدًا

سخن از مبرّا بودن خداوند از ظلم، پس از

ذکر آیات مربوط به قیامت، می توانـد این نکته را نیز افاده کنـد که این نظام و صـحنه ها، از آن رو است که خداونـد، به هیچ کس، ظلم و ستمی را روا نمی دارد و برای برقراری عدالت، قیامت و صحنه های آن را برپا کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۹ - ۶

۶- قیامت ، با دمیده شدن دوباره روح ها در اجساد و صورت های پیشین ، برپا می شود . *

و نفخ فی الصور فجمعنهم جمعًا

برداشت بالاـ بـدان احتمال است که <صور> جمع <صوره> باشـد; یعنی: در <صورت ها (اجساد) روح، دمیـده می شود. >

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۱۰ - ۱۰

۱۰- برپایی قیامت و حضور آدمیان نزد خداوند ، لازمه یگانه معبود بودن او است .

أنّما إلهکم إله وحد فمن کان یرجوا لقاء ربّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۸ - ۱

۱ - موضع گیری ناباورانه مشرکان در قبال وعده برپایی قیامت

لقد وعدنا هذا . .. إن هذا إلّا أسطیر الأوّلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۳ - ۱۳

۱۳ - وعده الهی به برپایی قیامت ، وعده ای حق و تخلف ناپذیر است .

و اخشوا یومًا . .. إنّ وعد اللّه حقّ

بنابراین که متعلق <وعد>، واژه <یوماً> باشد، نکته یاد شده فهمیده می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۳۱ – ۱

۱ –

برپا شدن قیامت پس از مرگ انسان و استمرار حیات بشر و جاودانگی او در عالم هستی

إنّهم میّتون . ثمّ إنّکم یوم القیمه عند ربّکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – نجم – ۵۳ – ۵۸ – ۵

۵ – تحقق قیامت و علم به لحظه وقوع آن ، تنها در حیطه قدرت و علم الهی است .

لیس لها من دون اللّه کاشفه

برخی از مفسران بر آنند که مراد از <کاشفه>، پرده برداشتن از لحظه وقوع قیامت و تحقق ساختن و آشکار نمودن صحنه های آن است. برداشت بالا بر پایه این احتمال می باشد.

برگزیدگان در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۳۰ – ۱۱،۱۲

۱۱ – حضور گروهی از انسان های برتر در آخرت با عنوان صالحان و شایستگان

و إنه فی الأخره لمن الصلحین

۱۲ – بندگان خالص و برگزیده خدا در قیامت به گروه صالحان ملحق خواهند شد .

و لقد اصطفینه فی الدنیا و إنه فی الأخره لمن الصلحین

برگشتن سرها در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – انشقاق – ۸۴ – ۱۰ – ۴

۴ – برخی از مردم ، در مواقف قیامت روی برگشته ، با حوادث آن روز از پشت سر مواجه خواهند شد . *

أُوتی کتبه وراء ظهره

این آیه را می توان در راستای آیه ۴۷ سوره<نساء> دانست; در این احتمال <ردّ صورت ها به پشت سر> که در آن آیه آمده است مربوط به قیامت بوده و مراد برگرداندن حقیقی صورت ها است. و نامه عمل آنان، از پشت سر به

آنها داده خواهد شد.

برهنگی در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۱۰۴ – ۱۲

۱۲– < عن رسول اللّه (ص) : أيّها النـاس إنّكم تحشـرون إلى اللّه كمـا خلقتم حفاه عراه ، . . . ثمّ قرأ < كما بـدأنا أوّل خلق نعيده وعداً علينا إنّا كنّا فاعلين > ;

از رسول خدا(ص) روایت شده که فرمود: ای مردم! شما همان گونه که آفریده شده اید پا برهنه و عریان به سوی خدا محشور خواهید شد . .. سپس [این آیه را]قرائت فرمود: <کما بدأنا أوّل خلق نعیده ...>».

بشارت بهشت در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۱۲ – ۹

۹ – قیامت ، روز دریافت بشارت بهشت برای مردان و زنان مؤمن

یوم تری المؤمنین و المؤمنت . .. بشریکم الیوم جنّت

بشارت قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۹۸ – ۲۰

۲۰– نوید برپایی قیامت ، زمینه ساز تربیت های الهی است .

و کان وعد ربّی حقًّا

توجه به کلمه <ربّ> یادآور گفته بالا است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۱۰۳ – ۵

۵- بشارت فرشتگان به مؤمنان راستین و بهشتیان در قیامت ، به فرا رسیدن روز موعود (قیامت)

هذا یومکم الذی کنتم توعدون

بعث در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عادیات – ۱۰۰ – ۹ – ۱

۱ – در قیامت ، مردگان از قبر ها برانگیخته و پراکنده خواهند شد

.

بعثر ما فى القبور

<بَعْثَرَ> (معلوم <بُعْثِرَ>)؛ یعنی، بیرون کشید؛ اجزا را زیر و رو کرد؛ متفرق ساخت؛ آشکار کرد و برانگیخت (صحاح اللغه). صاحب <مفردات> بعید نمی داند که فعل <بُعْثِرَ>، مرکّب از فعل های <بُعِثَ> و <اُثیرَ> باشد؛ زیرا معنای هر دو را دارد. مصداق بارز <ما فی القبور> به قرینه ضمیر جمع عاقل در جمله <إنّ ربّهم ...> (در آیات بعد) انسان ها هستند.

بلندی روز قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۷ - ۲

۲ - قیامت و روز محشر ، روزی بسیار طولانی

یومًا یجعل الولدن شیبًا

پیر شدن کودکان، ممکن است اشاره به طولانی بودن روز قیامت داشته باشد. البته طولانی بودن روز محشر نیز گویای سختی آن روز است.

بندگان خدا در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۰ - ۱۱،۱۲

۱۱ - حضور گروهی از انسان های برتر در آخرت با عنوان صالحان و شایستگان

و إنه فی الأخره لمن الصلحین

۱۲ - بندگان خالص و برگزیده خدا در قیامت به گروه صالحان ملحق خواهند شد .

و لقد اصطفینه فی الدنیا و إنه فی الأخره لمن الصلحین

بنی اسرائیل در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۳ - ۱۳

۱۳ خداوند ، در قیامت نسبت به اختلافات بنی اسرائیل ، داوری خواهد کرد .

و لقد بوّأنا بنی إسرءیل . .. إن ربک یقضی بینهم یوم القیمه فیما کانوا فیه یختلفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۴

۷- احضار دسته جمعی بنی اسرائیل در قیامت ، برای بازجویی از آنان درباره نعمت های خدادادی

اسکنوا الأرض فإذا جاء وعد الأخره جئنا بکم لفیفًا

برداشت فوق بدان احتمال است که احضار و حشر جمعی بنی اسرائیل در قیامت به قرینه فراز پیش (اسکنوا الأرض) از آن جهت باشد که آنان پاسخگوی نعمت بزرگ خدادادی (اسکنوا الأرض) باشند.

۸- احضار دسته جمعی بنی اسرائیل همراه با فرعونیان در قیامت برای مؤاخذه

جئنا بکم لفیفًا

بنابر اینکه مراد از <کم> بنی اسرائیل و نیز فرعونیان هلاک شده باشند، این برداشت به دست می آید.

بهشت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۳ - ۱

۱ - بهشت در قیامت ، به جایگاهی نزدیک مردم آورده خواهد شد .

و إذا الجنّه أُزلفت

<ازلاف> (مصدر <اُزلفت>)؛ یعنی، نزدیک آوردن.

بهشت قبل از قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۳ - ۳

۳ - جایگاه بهشت پیش از برپایی قیامت ، در فاصله ای دور نسبت به جایگاه مردم است .

و إذا الجنّه أُزلفت

از آنجا که ظاهر آیه شریفه نزدیک آوردن بهشت است؛ نه نزدیک ساختن مردم به آن، می توان گفت: جایگاه بهشت در آغاز برپایی قیامت به عرصه محشر نزدیک نیست.

بهشتیان در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۴۷ – ۳،۵،۷

۳ راهیان بهشت در صحنه قیامت منظره شوم و هول انگیز دوزخیان را مشاهده خواهند کرد .

و إذا صرفت ابصرهم تلقاء اصحب النار قالوا ربنا

برداشت فوق مبتنی بر این است که

ضمیر <ابصرهم> و <قالوا> به <اصحب الجنه> در آیه قبل برگردانده شود.

۵ راهیان بهشت پس از مشاهده وضعیت نابهنجار دوزخیان و منظره هولناک دوزخ ، به دعا خواهند پرداخت

و إذا صرفت ابصرهم تلقاء اصحب النار قالوا ربنا

۷ راهیان بهشت در عین امیدواری برای ورود به بهشت ، نگران ملحق شدن به دوزخیان هستند .

ربنا لاتجعلنا مع القوم الظلمین

بی پناهی انسان ها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۴ - ۱

۱ - مردم در قیامت ، مانند پروانه های ریز و پراکنده در هوا ، هراسان و بی سامان به هر طرف روی خواهند آورد .

یوم یکون الناس کالفراش المبثوث

<فَراشَه> (مفرد <فَراش>)؛ یعنی، آنچه بال زده و در حرارت چراغ سقوط کرده و خود را می سوزاند (تاج العروس) <فرّاء> آنها را ملخ هایی می داند که روی زمین گسترده و در هم می لولند (مجمع البیان). تشبیه مردم در قیامت به آن حشرات، نشانگر سردرگمی، ترس و اضطرابی است که انسان ها را به هر سو خواهد کشاند.

بی پناهی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۵ - ۴

۴ - قیامت ، روز بی پناهی و درماندگی کامل مرفهان کفرپیشه

لاتجئروا الیوم إنّکم منّا لاتنصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۷ - ۸

۸ - قیامت ، صحنه بی پناهی و بی یاوری انسان ها است .

ما لكم من ملجإ يومئذ

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۷ – جاثيه – ۴۵ –

۸ – تنهایی و بی پناهی در قیامت ، هشداری به مال اندوزان و قدرت مداران

و لایغنی عنهم ما کسبوا شیًا و لا ما اتّخذوا من دون اللّه أولیاء

بی پناهی مکذبان قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۶۷ – ۲

۲ – کافران و ناباوران به رستاخیز ، در زندگی فاقد تکیه گاه مطمئن بوده و در مواجهه با حوادث ، زود خود را می بازند و دچار یأس و احساس حرمان می شوند .

لو نشاء . .. فظلتم تفکّهون . إنّا لمغرمون . بل نحن محرومون

روی سخن در این آیات، با کافران و کسانی است که در برابر مسأله معاد، موضع گیری ناباورانه دارند.

بی تأثیری امکانات مادی در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۸۰ – ۴

۴– امکانات مادی و مال و فرزند کافران ، آنان را از فقر و تنهایی در قیامت نجات نمی دهد .

و نرثه ما یقول و یأتینا فردًا

بی تأثیری پسر در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عبس – ۸۰ – ۳۶ – ۴

۴ – فرزندان ، حتی پسران ، در قیامت سودی به پدر و مادر نخواهند رساند .

و بنیه

<بنیه> گر چه تنها شامل پسران است; ولی یاد نکردن از دختران به دلیل وضوح یکسانی آنها با پسران یا کمتر بودن انتظار یاری رسانی آنان است. فرار پدران از فرزندان، فرار مادر از آنان را نیز در مفهوم خود دارد. گفتنی است: در فرار پدر و مادر از فرزندان، سودمند نبودن

هر یک برای دیگری، نهفته است.

بی تأثیری پشیمانی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۴ - ۱۰

۱۰- اعتراف و پشیمانی کافران در قیامت ، بی تأثیر به حال ایشان

ألیس هذا بالحقّ قالوا بلی و ربّنا قال فذوقوا

کافران با این که به حق اقرار می کنند; باز هم به ایشان حکم می شود که: <فذوقوا العذاب>. بنابراین اعتراف آنان سودی نمی بخشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۴ - ۲

۲ - در قیامت ، افسوس خوردن بر گذشته و اظهار پشیمانی از فراهم نکردن اندوخته های کارساز ، سودی نمی بخشد .

یلیتنی قدّمت

بی تأثیری تنبه در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۴ - ۱۰

۱۰ - تذکر و بیداری انسان در قیامت ، حاصلی جز پشیمانی و حسرت ندارد .

و أنّی له الذکری . یقول یلیتنی قدّمت لحیاتی

بی تأثیری خویشاوندی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۴ - ۲

۲ – رابطه خویشاوندی هر چند قوی باشد برای نجات از سختی های قیامت سودی ندارد .

یوم یفرّ المرء من أخیه

فرار از برادر، به معنای تنها گذاشتن او در شداید قیامت است.

بی تأثیری دفاع اخروی مکذبان قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۳۵ – ۲

۲ – بی فایده بودن هر گونه سخن تکذیب گران ، در دفاع از خویش به روز رستاخیز

هذا یوم لاینطقون

مطابق نظر

مفسران، سخن نگفتن تکذیب گران یا به دلیل ترس شدید آنان و یا به خاطر بی فایده بودن سخن آنان، در دفاع از خویش است.

بی تأثیری دفاع در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۱ - ۹

۹- دفاع انسان از کرده های خویش در قیامت ، هیچ تأثیری در سرنوشت او ندارد .

یوم تأتی کلّ نفس تجدل عن نفسها و توفّی کلّ نفس ما عملت

خداوند، عمل انسان را میزان تعیین کیفر و پاداش و مؤثر در سرنوشت او دانسته است (و توفّی کلّ نفس ما عملت) و این قرینه است بر این که دفاع آدمی از خویشتن، با توجیه عملکرد خود، بی ثمر خواهد بود.

بی تأثیری روابط خانوادگی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۵ - ۲

۲ - قیامت ، روز بی اثر بودن عواطف و روابط و جاذبه نداشتن پدر و مادر در چشم فرزندان

و أمّه و أبیه

بی تأثیری عواطف در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۵ - ۲

۲ - قیامت ، روز بی اثر بودن عواطف و روابط و جاذبه نداشتن پدر و مادر در چشم فرزندان

و أمّه و أبیه

بی تأثیری فرزند در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۶ - ۴

۴ - فرزندان ، حتی پسران ، در قیامت سودی به پدر و مادر نخواهند رساند .

و بنیه

<بنیه> گر چه تنها شامل پسران است; ولی یاد نکردن از دختران به

دلیل وضوح یکسانی آنها با پسران یا کمتر بودن انتظار یاری رسانی آنان است. فرار پدران از فرزندان، فرار مادر از آنان را نیز در مفهوم خود دارد. گفتنی است: در فرار پدر و مادر از فرزندان، سودمند نبودن هر یک برای دیگری، نهفته است.

بی تقوایی مکذبان قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۴۴ – ۸

۸ – تکذیب گران روز جزا ، فاقد تقوا و روح احسان و نیکوکاری اند .

ویل یومئذ للمکذّبین . ..إنّ المتّقین ... إنّا کذلک نجزی المحسنین

از تقابل تکذیب گران با تقواپیشگان و محسنان در آیات مورد بحث، برداشت یاد شده استفاده می شود.

بی ثمری تنبه در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – فجر – ۸۹ – ۲۳ – ۱۱

۱۱ – برطرف شدن غفلت ها در قیامت ، سودی به حال انسان ندارد .

و أنّی له الذکری

به قرینه <یتـذکّر الإنسان> که بر تـذکّر یافتن انسان دلالت دارد مراد از نفی تـذکّر در <أنّی له الذکری> نفی سودمند بودن آن است که برای مبالغه در آن، اصل تذکرپذیری منتفی دانسته شده است؛ زیرا تذکّری که سودمند نباشد، با نبود آن یکسان است.

بی ثمری عبرت در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – فجر – ۸۹ – ۲۳ – ۱۲

۱۲ – در قیامت ، هیچ زمینه ای برای تأثیر پند و موعظه وجود ندارد و شناخت حقیقت بی ثمر است .

و أنّی له الذکری

<أنّی>; یعنی، <کیف> و <من أین> (چگونه و از کجا)، (العین). بنابراین استفهام انکاری در آیه شریفه

متوجّه زمینه ها و عوامل است; یعنی، <چه عامل تأثیرگذاری وجود دارد که تذکر را برای انسان مؤثّر سازد؟>

بی ثمری قدرت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۸ - ۴

۴ اصحاب اعراف با به رخ کشیدن بی ثمری امکانات مادی و قدرت های دنیوی کافران ، آنان را ناکام خوانده و شماتت می کنند .

قالوا ما أغنی عنکم جمعکم و ما کنتم تستکبرون

بی منطقی تکذیب قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۵ - ۵

۵ انکار قیامت امری شگفت و عاری از منطق و برهان

و إن تعجب فعجب قولهم

با توجه به اینکه متعلقی برای فعل <تعجب>$ذکر نشده معنای <إن تعجب> این است: اگر اهل تعجب هستی و چنین حالتی بر تو عارض می شود . ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۰ - ۲۰

۲۰ - انکار قیامت ، فاقد دلیل و متکی بر گمان و پندار

و ما أظنّ الساعه قائمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۶ - ۲

۲ - کافران ، هیچ دلیل قاطعی بر نفی قیامت ندارند ، بلکه تنها به گمانه زنی درباره آن می پردازند .

إنّهم یرونه بعیدًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تین – ۹۵ – ۷ – ۲

۲ – تکذیب دین و روز جزا ، فاقد هرگونه برهان است .

فما یکذّبک بعد بالدین

<ما> ممکن است برای استفهام از عوامل تکذیب باشد. در این صورت <ما یکذّبک؟>;

یعنی، چه چیز تو را کاذب یا تکـذیب گر می سازد؟ مخاطب در این فرض، هر انسانی است که مصـداق آیه قبل نباشد; یعنی، ای انسان بی ایمان! چه عاملی سبب شده است، درباره دین (اسلام یا کیفرهای اخروی); کاذب شده، سخن نادرست گویی؟ یا چه عاملی تو را تکذیب کننده دین ساخته است؟

بی منطقی شک به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۹ - ۳

۳ - با وجود شواهد و دلایل اثباتگر برپایی قیامت ، شک و تردید در آن ، امری ناروا و نابه جا است .

إنّ الساعه لأتیه لا ریب فیها

بی منطقی مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۵ - ۱۰

۱۰- کافران و منکران برپایی قیامت ، فاقد توجیه و تفسـیر صـحیح و حق مدارانه برای آفرینش جهانند و یا مردمی پوچ گرا می باشند .

و ما خلقنا السموت . .. إلاّ بالحقّ و إن الساعه لأتیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳ - ۳

۳ - منکران قیامت ، فاقد دلیل و برهان یقینی و اطمینان آور بر انکار آن

أیحسب الإنسن ألّن نجمع عظامه

مطلب یاد شده با توجه به آمدن فعل <یحسب> (گمان می کند)، استفاده می شود.

بی نظیری عذاب قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ – فجر – ۸۹ – ۲۵ – ۲

۲ – ترک یتیم نوازی ، بی توجّهی به تغذیه فقیران ، تصاحب ارث دیگران و دلبستگی شدید به ثروت ، مایه گرفتاری به

عذابی بی نظیر در قیامت

فیومئذ لایعذّب عذابه أحد

ضمیر <عذابه>، ممکن است به انسان برگردد که در آیات پیشین ویژگی های او بیان شده بود. در این صورت عذاب که اسم مصدر و به معنای تعذیب است به مفعول خود اضافه شده است و مفاد آیه شریفه این است که عذاب کردن آن فرد، به گونه ای انجام می گیرد که کسی جز خداوند آن گونه عذاب نمی کند.

بی نظیری قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۱ - ۳

۳ - قیامت ، رخدادی بس عظیم و بی مانند

إذا وقعت الواقعه

نام گذاری قیامت به <الواقعه> با توجه به این که این کار نوعی اختصاص دادن لفظ به یک مسمّی است بیانگر این حقیقت است که هر واقعه دیگری در برابر آن، چیزی به حساب نمی آید و تنها قیامت است که باید آن را واقعه نامید. این بیان، حکایت از عظمتی دارد که واقعه های دیگر در مقابل آن، ناچیز است و در واقع، قیامت حادثه ای است که مانند ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۵ - ۲

۲ - قیامت ، رخدادی بس عظیم و بی مانند

فیومئذ وقعت الواقعه

نام گذاری قیامت به <واقعه>، بیانگر این حقیقت است که هر واقعه دیگری در جهان، در مقایسه با رخداد قیامت، بسیار ناچیز است و تنها قیامت، شایسته آن است که حقیقتاً آن را <واقعه> نامید.

بی یاوری در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ -

۲ - در قیامت هیچ عامل نجات دهنده ای برای کافران ، در برابر عذاب و قهر خداوند وجود ندارد .

یوم تولّون مدبرین ما لکم من اللّه من عاصم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۱ - ۳،۴،۵

۳- محرومیت انسان در قیامت ، از حمایت و شفاعت دیگران

یوم لایغنی . .. و هم لاینصرون

۴- تنهایی انسان در قیامت و جدایی او از یاران خویش ، نمودی از < یوم الفصل > بودن قیامت *

إنّ یوم الفصل . .. یوم لایغنی مولًی عن مولًی شیًا

۵- انسان ها ، در اوج ازدحام و تجمع در قیامت ، تنها و بی یاور خواهند بود . *

میقتهم أجمعین . .. یوم لایغنی مولًی عن مولًی شیًا

از ارتباط <لایغنی. ..> که تنهایی را می رساند با <میقاتهم أجمعین> که تجمع را می فهماند مطلب یاد شده قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۲ - ۱

۱- جز برخورداران از رحمت الهی ، همه انسان ها ، در قیامت بی پناه و بی یاوراند .

و لا هم ینصرون . إلّا من رحم اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۰ - ۱،۳

۱ - در روز رستاخیز ، هیچ دوست صمیمی و خویشاوندی ، از حال دیگری جویا نمی شود .

و لایسئل حمیم حمیمًا

<حمیم>به فردی می گوینـد که به انسـان نزدیـک و دلسوز باشـد. از مصـادیق بـارز آن، خویشاونـدان و دوسـتان صـمیمی و دلسوز است.

۳ - کارساز نبودن استمداد از

دیگران ، حتی از خویشان و صمیمی ترین دوستان ، برای رهایی از مشکلات و حوادث تلخ روز محشر

و لایسئل حمیم حمیمًا

درخواست و سؤال نکردن از یکدیگر در قیامت، ممکن است به سبب بی فایده بودن آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۶ - ۳

۳ - قیامت ، روز محرومیت از یاری همسران حتی علاقه مندترین آنان به انسان

و صحبته

فرار از همسری که مصاحبت و همراهی او در دنیا به ثبوت رسیده بود تا چه رسد به همسر ناسازگار نشانه سودمند نبودن آنان در قیامت است.

بی یاوری کافران در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۲۰ - ۱

۱ - کافران در آخرت ، گرفتار آتشی مسلّط و فراگیرند ، که تمام راه های گریز از آن بسته خواهد بود .

علیهم نار مؤصده

<وَصیدَه>; یعنی، غرفه ای که در کوهستان برای حفاظت از اموال ساخته شود و جمله <اوصدت الباب>; یعنی، درب را بسته و محکم کردم (مفردات راغب). بنابراین <مؤصده>، به معنای بسته شده و محکم است مانند محفظه ای که در دل کوه پدید آورند. حرف <علی> در <علیهم>، بر سلطه کامل آتش و فراگیر بودن آن دلالت دارد.

بیان کنندگان حق در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۴ - ۱۷

۱۷- خداوند در قیامت ، عالمان متعهد و بیان کنندگان حقایق و معارف کتاب های آسمانی را مورد لطف خویش قرار خواهد

داد و با آنان سخن خواهد گفت .

إن الذين يكتمون .

.. لايكلمهم اللّه

برداشت فوق از مفهوم جمله <إن الذين . .. لايكلمهم اللّه> استفاده شده است.

بيم داران از قيامت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۷ - ۶

۶ - حضرت على ، فاطمه ، حسن و حسين (ع) ، وفاكنندگان به نذر خويش و بيم داران از قيامت بودند .

يوفون بالنذر و يخافون يومًا كان شرّه مستطيرًا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۰ - ۶

۶ - حضرت على ، فاطمه ، حسن و حسين (ع) ، مظهر بيم دارى از قيامت و ايمان به روز جزا

إنّا نخاف من ربّنا يومًا عبوسًا قمطريرًا

بينش مكذبان قيامت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۵ - ۸

۸ گروهى از انسان ها به خاطر نپذيرفتن قيامت ، دين خدا را دينى منحرف مى پندارند و از آن رويگردان مى شوند .

الذين يصدون عن سبيل اللّه و يبغونها عوجاً و هم بالأخره كفرون

برداشت فوق بر اين اساس است كه جمله <و هم بالأخره كفرون> جمله حاليه و در مقام تعليل باشد كه در اصطلاح به آن حال معللّه گفته مى شود. بر اين مبنا آيه اشاره به اين معنا دارد كه: برخى انسانها به علت نپذيرفتن قيامت، مى پندارند دينى كه در آن زنده شدن مردگان مطرح باشد دينى بى اساس و داراى اعوجاج است و در نتيجه از آن رويگردان شده و ديگران را از آن بازمى دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

رعد - ۱۳ - ۵ - ۳

۳ منکران قیامت ، زنده شدن مردگان خاک گشته را امری بس بعید می شمرند .

أءذا کنّا تربًا أءنا لفی خلق جدید

استفهام در جمله <أءذا . ..> استفهام انکاری است و تکرار آن دلالت بر شدت انکار و استبعاد دارد.

پاداش ترس از قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۶ - ۲

۲ فروتنی ، شب زنده داری ، حلم ، ترس از قیامت ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق ، دعا ، دوری از اسراف ، تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم کشی و سخن باطل ، موجب ورود به بهشت جاودان و برخورداری از قرارگاه و اقامت نیکوی آن

الذین یمشون علی الأرض هونًا. .. و الذین لایشهدون الزور ... أُولئک یجزون الغرفه

پاداش در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۴ - ۵

۵ - روز قیامت ، روز کیفر و پاداش است .

ملک یوم الدین

<دین> در اینجا به معنای جزا (کیفر و پاداش) و یا حساب است، و هر دو بازگشت به یک معنا دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۵ - ۹،۱۲

۹ دنیا ، محل اندوختن و کسب سرمایه ; و آخرت روز دریافت اندوخته هاست .

و وفّیت کل نفس ما کسبت

۱۲ پندار غلط برخی از اهل کتاب ، نسبت به محو اعمال ناشایست آنان در قیامت

لن تمسّنا النار . .. و وفّیت کل نفس ما کسبت

به نظر می رسد جمله <وفّیت

کل . .. >، اشاره به علّت پنداری است که اهل کتاب داشتند: لن تمسّنا النار.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳۵ - ۵

۵- قیامت ، روز کیفر و جزا و < یوم الدین > از نام های آن است .

یوم الدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۵ - ۷

۷ - جزا دیدن یکایک آدمیان ، فلسفه برپایی قیامت

ءاتیه . .. لتجزی کلّ نفس

<لتجزی>یا تعلیل است برای <آتیه> و جمله <أکاد أخفیها> معترضه است و یا تعلیل است برای هر دو موضوع مطرح شده در آیه که آمدن قیامت و وجود زمینه برای مخفی ماندن اخبار آن از سوی خداوند است و یا تنها بیانگر علت <أخفیها> است، برداشت مذکور، مبتنی بر دو احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۰ - ۴

۴ - قیامت ، روز ظهور اعمال دنیوی انسان است .

من أعرض عنه فإنّه یحمل یوم القیمه وزرًا

<وزر>،به معنای بارسنگین است و به گناه از آن جهت که بار سنگینی بر دوش گنه کار است، <وزر> اطلاق می گردد (مفردات راغب). <حمل وزر> حاکی از آن است که در قیامت، گناه به صورت باری بر دوش گناهکار ظهور خواهد یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۶ - ۸

۸ - جهان آخرت ، جهان کیفر و پاداش

الملك يومئذ للّه يحكم بينهم . .. فی جنّت النعيم

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

١١ – حج

- ۲۲ - ۶۹ - ۴

۴ - جهان آخرت ، جهان کیفر و پاداش

اللّه یحکم بینکم یوم القیمه

جمله <اللّه یحکم بینکم یوم القیامه>، متضمن نوید پاداش به مؤمنان و وعده مجازات و کیفر به مشرکان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۲ - ۲

۲ - قیامت ، روز محاسبه کردار آدمیان و مجازات و پاداش در تعلیمات ابراهیم

و الذی أطمع أن یغفرلی خطیئتی یوم الدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹۰ - ۱۲

۱۲ - قیامت ، صحنه پاداش و کیفر

من جاء بالحسنه فله خیر منها. .. و من جاء بالسیّئه فکبّت وجوههم فی النّار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۵ - ۱،۲

۱ - خداوند پاداش دهنده مؤمنانِ دارای عمل صالح در قیامت

لیجزی الذین ءامنوا و عملوا الصلحت

۲ - اعمالِ صالحِ مؤمنان فراهم آورنده زمینه ، برای دریافت پاداش از خداوند ، در قیامت است .

فلأنفسهم یمهدون . لیجزی الذین ءامنوا و عملوا الصلحت

<لام> در <لیجزی> تعلیل برای <یمهدون> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۴۵ – ۸

۸ – قیامت ، عرصه مجازات و کیفر و پاداش

و لو یؤاخذ اللّه الناس . .. و لکن یؤخّرهم إلی أجل مسمًّی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۲۰ – ۳

۳ – قیامت ، روز مجازات و کیفر و پاداش

هذا یوم الدین

<دین> در آیه شریفه، به معنای <جزا> و <حساب> است.

جلد – نام سوره –

سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۳ - ۴

۴ - جزا و کیفر و پاداش ، فلسفه برپا شدن قیامت و رستاخیز انسان ها است .

أءنّا لمدینون

آمدن عبارت <مدینون> (جزا داده شدگان) به جای <مبعثون> (مبعوث شدگان) و <محیون> (زنده شدگان)، می تواند بیانگر این حقیقت باشد که اساس رستاخیز انسان ها، مسأله جزا است; نه صرف زنده شدن دوباره انسان ها.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۵ - ۱۳

۱۳ - قیامت ، روز روبه رو شدن بندگان با کیفر و پاداش الهی

یوم التلاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۷ - ۱،۵

۱ - نظام پاداش و کیفر الهی در قیامت ، فراگیر همه انسان ها و شامل تمامی حرکات انسان ها است .

الیوم تجزی کلّ نفس بما کسبت

<ما> در <بما کسبت> موصول بوده و افاده کننده معنای جنس است. بنابراین <ما کسبت>; یعنی، هر آنچه که بشر انجام داده و هر حرکتی که از خود نشان دهد.

۵ - در نظام کیفر و پاداش الهی در قیامت ، به کسی کمترین ستمی نخواهد شد .

لا ظلم الیوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۶ - ۲

۲ - < قیامت > روز کیفر و پاداش

یوم الدین

<دین> به معنای جزا است و <جزا> معادل سزا می باشد که هم شامل کیفر می شود و هم پاداش.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۶ - ۱

۱ - قیامت ، روز برانگیخته

شدن انسان ها برای محاکمه و کیفر و پاداش

یوم یبعثهم اللّه جمیعًا فینبّئهم بما عملوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۲ - ۳

۳ - پاداش و کیفر اعمال در قیامت ، براساس نامه عمل و کردار انسان در دنیا است .

یعلمون ما تفعلون

پاسخ شبهات قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۰ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، مأمور پاسخ گویی به پرسش مشرکان درباره زمان وقوع قیامت

و یقولون متی هذا الوعد . .. قل لکم میعاد یوم لاتستأخرون عنه ساعه

پاسخ شبهات مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳ - ۵

۵ - پیامبر (ص) ، مأمور پاسخ گویی به کافران درباره وقوع حتمی قیامت

و قال الذین کفروا لاتأتینا الساعه قل بلی

پاکان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۷ - ۱،۳

۱ خداوند در پرتو گسیل کافران به سوی دوزخ ، ناپاکان را از پاکان جدا خواهد کرد .

إلی جهنم يحشرون. ليميز اللّه الخبيث من الطيب

برداشت فوق مبتنی بر اين است كه <ليميز اللّه> متعلق به <يحشرون> باشد.

۳ قيامت ، زمينه ای مناسب برای متمايز شدن ناپاكان از پاكان

إلی جهنم يحشرون. ليميز اللّه الخبيث من الطيب

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۸ - ۲

۲ - انسان های پاك ، تذكّرپذير ، هدايت جو و خداترس ، در قيامت چهره ای نورانی خواهند

داشت .

لعلّه يزّكّى . أو يذّكّر ... جاءك يسعى . و هو يخشى ... وجوه يومئذ مسفره

پاکی قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۴ - ۱،۶

۱ - خداوند ، مالک و فرمانروای روز قیامت است .

ملك يوم الدين

<مِلْك> در <مالك يوم الدين> ملك حقيقى است ; يعنى، وابستگى وجودى كه لازمه آن تسلط كامل و همه جانبه مالك بر مملوك است. قابل ذكر است كه <يوم الـدين> هم مى توانـد مفعول براى <مالك> باشد و هم مى تواند ظرف براى آن گرفته شود و در صورت دوم مفعول، كلمه اى هماننـد <الامور> خواهـد بود; يعنى: مالك الامور فى يوم الدين. به هر تقدير برداشت فوق از آن استفاده مى شود.

۶ - مالکیت خدا بر روز جزا و فرمانروایی او در آن روز ، دلیل اختصاص ستایش ها به اوست .

الحمد للّه . .. ملك يوم الدين

<مالك يوم الدين> نيز مانند اوصاف گذشته به منزله دليل براى <الحمد للّه> است.

پراکندگی انسان ها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۹ - ۱

۱ - در قیامت ، مردگان از قبر ها برانگیخته و پراکنده خواهند شد .

بعثر ما فى القبور

<بَعْثِرَ> (معلوم <بُعْثِرَ>); يعنى، بيرون كشيد; اجزا را زير و رو كرد; متفرق ساخت; آشكار كرد و برانگيخت (صحاح اللغه). صاحب <مفردات> بعيد نمى داند كه فعل <بُعْثِرَ>، مركّب از فعل هاى <بُعِثَ> و <اُثيرَ> باشد; زيرا معناى هر دو را دارد. مصداق بارز <ما فى القبور> به قرينه ضمير جمع عاقل در جمله <إنّ ربّهم ...>

(در آیات بعد) انسان ها هستند.

پراکندگی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۳ - ۱۳

۱۳ - قیامت ، روز جدایی و پراکندگی کامل انسان ها است .

یومئذ یصّدّعون

<یصّـ دّعون> از ریشه <صـدع> بـه معنـای <جدا شـدن و پـارگی در اجسـام سـخت> اسـت. احتمـال دارد کـه مراد از <یصّدّعون> جدایی صف سعادت مندان و شقاوت مندان باشد و احتمال دارد پراکندگی و جدا شدن انسان ها از هم باشد. برداشت بالا، بنابر احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۲ - ۵

۵ - قیامت ، روز پراکندگی و جدایی میان خلایق

یوم التناد

پرسش از برپایی قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۷ - ۱،۱۲

۱ پرسش از زمان فرارسیدن قیامت ، سؤال مکرر مردم از پیامبر (ص)

یسئلونک عن الساعه أیان مرسیها

<مرسـی> مصدر میمی و یا اسم زمان از <ارساء> (مسـتقر کردن) است. <أیان> کلمه ای است برای پرسـش از زمان و به معنای چه وقت. به کارگیری فعل مضارع (یسئلون) حکایت از تکرار سؤال دارد.

۱۲ مردم عصر بعثت به گمان آگاهی پیامبر (ص) از زمان تحقق قیامت ، با سؤال های مکرر خواهان افشای آن بودند .

یسئلونک کأنک حفی عنها

پرسش از زلزله قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۳ - ۲

۲ - عوامل زلزله شدید زمین در آستانه قیامت ، ناشناخته برای انسان ها و زمینه پرسش تحیّرآمیز آنان از اهداف

و علل آن

و قال الإنسن ما لها

<ما> برای استفهام از انگیزه و اهداف است.

پرسش از قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۵ - ۷

۷ - پرسش کافران از پیامبر (ص) ، درباره لحظه برپایی قیامت

قل لایعلم . .. الغیب إلاّ اللّه و ما یشعرون أیّان یبعثون

برداشت یاد شده بدان احتمال است که عبارت <قل. ..> در جواب پرسش کسانی باشد که نسبت به وقوع قیامت شک داشته اند; زیرا ضمایر در آیه بعد به این دسته از کافران بازمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۱ - ۳

۳ - پرسش ناباورانه و تمسخرآمیز منکران معاد ، از زمان برپایی رستاخیز و مجازات کافران

لقد وعدنا هذا. .. و یقولون متی هذا الوعد

مراد از <الوعد> به قرینه آیات پیشین، می تواند وعده رستاخیز باشد. برداشت یاد شده بر پایه این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۳ - ۱،۵،۹

۱ - سؤال های پی در پی مردم ، از پیامبر (ص) درباره وقت وقوع قیامت

یسئلك الناس عن الساعه . .. لعلّ الساعه تکون قریبًا

<قریباً> قرینه است بر این که پرسش مردم از قیامت، درباره زمان وقوع آن بوده است.

۵ – منافقان و بیماردلان مدینه ، با طرح پرسـش هایی از امور غیبی ، مانند < زمان وقوع قیامت > ، در صدد اسـتهزای پیامبر (ص) بودند .

لئن لم ینته المنفقون و الذین فی قلوبهم مرض . .. یسئلک الناس عن الساعه

بنابراین که <ال>

در <الناس> عهد ذکری باشد و به منافقان و بیماردلان در آیه شصت برگردد، نکته بالا، قابل استفاده است.

۹ - پاسخ خداوند به پرسش مردم درباره زمان قیامت ، این است که جز خدا ، کسی خبر ندارد .

یسئلک الناس عن الساعه قل إنّما علمها عند اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۹ - ۱

۱ - پرسش مداوم مشرکان از پیامبر (ص) و مؤمنان درباره زمان وقوع قیامت

و یقولون متی هذا الوعد إن کنتم صدقین

مضارع آورده شدن <یقولون> دلالت بر استمرار دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۸ - ۱

۱ - کافران صدراسلام ، از مسلمانان درباره برپایی قیامت سؤال می کردند .

قال الذین کفروا . .. و یقولون متی هذا الوعد

بیشتر مفسران برآنند که مقصود از <وعد>، برپایی قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۷ - ۲

۲ - قیامت و زمان برپایی آن ، مورد پرسش مشرکان عصر بعثت

إلیه یردّ علم الساعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۲ - ۱

۱ - سؤال تمسخرآمیز کافران درباره زمان برپایی روز جزا

يسئلون أيّان يوم الدّين

از آيات قبل و بعد، تمسخرآميز بودن سؤال كافران استفاده مى شود; زيرا آنان اصولاً در مقام فهم حق نبودند و با اين پرسش، مى خواستند راهى ديگر براى انكار معاد و وسيله اى براى تمسخر آن پيدا كنند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - ملك - ۶۷ - ۲۵

۱ - پرسش ناباورانه و تمسخرآمیز کافران ، از زمان برپایی قیامت

و یقولون متی هذا الوعد

استفهام در <متی هذا الوعد> حقیقی نیست; بلکه از باب تهکّم و استهزا است.

۷ - پرسش بهانه جویانه کافران ، درباره زمان برپایی قیامت ، ناشی از خوی لجاجت ، استکباری و حق گریزی آنان بوده است .

بل لجّوا فی عتوّ و نفور . .. و یقولون متی هذا الوعد إن کنتم صدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۶ - ۱

۱ - پرسش ناباورانه و تمسخرآمیز کافران ، از زمان برپایی قیامت

یسئل أیّان یوم القیمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۲ - ۱،۳

۱ - پرسش از زمان فرا رسیدن قیامت ، سؤال مکرر مردم از پیامبر (ص)

یسئلونک عن الساعه أیّان مرسیها

کلمه <مرسی>، به صورت های مصدر میمی، اسم زمان، اسم مکان و اسم مفعول کاربرد دارد(مفردات راغب). این کلمه در آیه شریفه به قرینه <أیّان> که سؤال از زمان است مصدر میمی می باشد. در این صورت <مرسی> به معنای وقوع و استقرار خواهد بود. مکرر بودن سؤال، از فعل مضارع <یسئلونک> استفاده شده است.

۳ - طغیان گران دنیاطلب ، با پرسش مکرر از زمان قیامت به استهزای آن می پرداختند .

یسئلونک عن الساعه أیّان مرسیها

فاعل <یسئلونک>، در برداشت یاد شده <من طغی. ..> دانسته شده است. این برداشت، ناظر به احتمالی است که به قرینه

<إنّما أنت منذر من يخشاها> در آيات بعد استفاده مى شود; زيرا كسى كه از انذار قيامت هراسى ندارد، پرسش او

از زمان وقوع آن استهزایی خواهد بود.

پرسش از نعمت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۷ - ۹

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۸ - ۹

۹ - < قال رسول اللّه (ص) . . . یابن مسعود ! دع نعیم الدنیا و أکلها و حلاوت ها و حارّها و باردها و لینها و طیّبها و ألزم نفسک الصبر عنها فإنّک مسؤول عن ذلک کلّه قال اللّه تعالی : < ثمّ لتسئلنّ یومئذ عن النعیم > ;

رسول خدا(ص) [به عبداللّه بن مسعود] فرمود: ای پسر مسعود! رها کن نعمت های دنیا و خوردنی های آن و شیرینی، گرم و سرد، نرم و گوارای آن را و نفس خود را وادار کن که در برابر آنها، صبر پیشه کند زیرا تو از تمامی آنها، سؤال خواهی شد. خدای تعالی فرموده: <ثمّ لتسئلنّ یومئذ عن النعیم>.

پرسش در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۹ - ۲،۴

۲ پرسش از برخورد امت ها با دعوت انبیا هدف از گردآوری پیامبران در عرصه قیامت

یوم یجمع اللّه الرسل فیقول ماذا اجبتم

۴ قیامت ، عرصه پرسش از عملکرد آدمیان

یوم یجمع اللّه الرسل فیقول ماذا اجبتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۶ - ۱،۲

۱ خداوند در قیامت و در حضور پیامبران از مسیح (ع) خواهد پرسید که آیا وی مردمان را به پرستش خویش و مادرش مریم

فراخوانده

است ؟

و اذ قال اللّه یعیسی ابن مریم ءانت قلت للناس اتخذونی و امی الهین

با توجه به آیات بعـد هماننـد <قال اللّه هـذا یوم . ..> آیه ۱۱۹ و توجه به این حقیقت که در زمـان حضور مسـیح(ع) در میان امت خـویش کسـی معتقـد به الوهیت وی و مریم(ع) نبوده است، معلوم می شود این پرسـش و پاسـخ در قیـامت اتفـاق خواهد افتاد. گفتنی است که تعبیر از آینده با فعل ماضی (قال) برای رساندن تحقق قطعی آن صحنه است.

۲ خدا در قیامت پیامبران خویش را از چگونگی شکل گیری گرایش های باطل امت ها مورد پرسش قرار می دهد .

و اذ قال اللّه یعیسی ابن مریم ءانت قلت للناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۶ - ۲

۲ پذیرش و عدم پذیرش رسالتهای انبیا و نیز عمل به احکام دین، محور بازجویی خداوند از امتهاست.

فلنسئلن الذین أرسل إلیهم

توصـیف مردم بـا عنوان <أرسـل إلیهم> دلالـت بر این دارد که بـازجویی از امتها درباره چگونگی برخورد با رسالتهای الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۴ - ۱۹

۱۹ انسان ، در برابر تمامی رفتار و حرکات خویش مسؤول بوده و در قیامت باید پاسخگو باشد .

فینبئکم بما کنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۶ - ۹

۹- چشم ، گوش و قلب در قیامت ، مورد بازخواست و سؤال قرار خواهند گرفت .

إن السمع و البصر و الفؤاد کلّ أُولئک کان عنه مسئولاً

برداشت فوق، مبتنی بر این

است که: اولاً، سؤال از موارد یاد شـده حقیقی باشـد و ثانیاً، طبق همین مبنا چون در دنیا از آنها سؤالی نخواهد شد مراد از آن، بازخواست و سؤال در قیامت باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۲۵ – ۴

۴ – آدمی در قیامت ، مجاز به پرسش از پروردگار است .

قال ربّ لم حشرتنی أعمی

ظاهر <قال> چنین افاده می کند که این سؤال به لفظ در آمده و از سوی نابینایان در قیامت مطرح خواهد شد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۴۰ – ۳

۳ – خداوند در روز قیامت ، از ملائکه خواهد پرسید که آیا از عبادت مشرکان برای آنان ، رضایت داشته اند ؟

و یوم یحشرهم جمیعًا ثمّ یقول للملئکه أهؤلاء إیّاکم کانوا یعبدون

جوابی که در آیه بعد از قول ملائکه نقل شده، حکایت از این دارد که سؤال از اصل عبادت نبوده است; زیرا عبادت مشـرکان در اختیار ملائکه نبوده تا آنان دستور به انجام آن داده باشند; بلکه سؤال از رضایت ملائکه از این کار است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۲۴ – ۲،۳

۲ – انسان ها ، در قبال عقاید و رفتار خود ، مسؤول بوده و در روز قیامت بازخواست خواهند شد .

وقفوهم إنّهم مسئولون

۳ – وجود < موقف > و جایگاه سؤال و بازخواست از انسان ها ، در عرصه قیامت

وقفوهم إنّهم مسئولون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۱۶

۴ - پرسش از خلایق در روز قیامت ، درباره فرمان روای حقیقی جهان در آن روز

لمن الملك اليوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۳ - ۵

۵ - انسان ها ، در برابر عقاید دینی خویش و انتخاب آن ، مسؤول بوده و در قیامت باید پاسخگو باشند .

ثمّ قيل لهم أين ما كنتم تشركون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۴ - ۸

۸ - پایبندی و استقامت پیامبر (ص) و مسلمانان در مسیر وحی ، از مسائل مهم مورد سؤال در قیامت

فاستمسک بالذی أُوحی إلیک . .. و سوف تسئلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۹ - ۱

۱ - گناهکاران جن و انس در صحنه قیامت ، دارای وضعیتی معلوم و بی نیاز از محاکمه و سؤال

فيومئذ لايسئل عن ذنبه إنس و لاجانّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۸ - ۴

۴ - قیامت ، روز حسابرسی اعمال انسان ها و پرسش از رفتار آنان با یکدیگر

و إذا الموءوده سئلت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۸ - ۱۰

۱۰ - < قال الرضا (ع) و لقد حدثنی أبی عن أبیه أبی عبداللّه الصادق (ع) . . . قال : إنّ اللّه عزّوجلّ لایسئل عباده عمّا تفضّل علیهم و لا یمنّ بذلك علیهم و الإمتنان بالإنعام مستقبح من المخلوقین فكیف یضاف إلی الخالق عزّوجلّ ما لایرضی المخلوق

به و لکنّ النعیم حبّنا أهل البیت و موالاتنا یسئل اللّه عباده عنه بعد التوحید و النّبوه لأنّ العبد إذا وفی بذلک ادّاه إلی نعیم الجنّه الذی لایزول ;

امام رضا(ع) فرمود: پدرم از پدر خویش از امام صادق(ع) برای من روایت کرده است که فرمود: خدای عزّوجلّ درباره آنچه به بندگانش تفضل کرده است، از آنها بازخواست نمی کند و با این کار بر آنان منّت نمی گذارد. منّت نهادن به جهت نعمت بخشیدن، از جانب مخلوق ها کار زشتی است; پس چگونه به خالق عزّوجلّ چیزی نسبت داده می شود که مخلوق از نسبت دادن آن ناخشنود است؟! ولی نعیم [در آیه <ثمّ لتسئلنّ یومئذ عن النعیم>] محبت ما اهل بیت و [پذیرش]ولایت ما است که خداوند همه بندگان را بعد از توحید و نبّوت، از آن بازخواست خواهد کرد; زیرا بنده اگر به آن نعمت وفادار باشد، او را به نعمت های بهشت که هرگز زایل نمی شود خواهد رساند>.

پرسش و پاسخ در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۶ - ۴

۴ - پرسش مجرمان از خداوند و دریافت پاسخ از او ، از رخداد های صحنه قیامت

ربّ لم حشرتنی . .. قال کذلک أتتک ءایتنا

از ظاهر <قال کذلک> چنین برمی آید که پاسخ سؤال <لم حشرتنی> با لفظ بیان می گردد نه این که صرفاً حالتی در نفس باشد گرچه این پاسخ ممکن است به صورت مستقیم نباشد، بلکه با وساطت ملائکه یا غیر آن، صورت گیرد.

پشیمانی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- انعام - ۶ - ۲۷ - ۴

۴ تکذیب کنندگان پیامبر(ص) و قرآن در قیامت بر کفرورزیهای خویش در دنیا تأسف می خورند.

یلیتنا نرد و لا نکذب بأیت ربنا و نکون من المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۳ - ۱۲

۱۲ منکران قرآن ، در قیامت ، با پی بردن به زیانکاری خویش و واهی بودن افکار و عقاید خود ، از اعمال و رفتار گذشته خویش پشیمان خواهند شد .

نرد فنعمل غیر الذی کنا نعمل قد خسروا أنفسهم و ضل عنهم ما کانوا یفترون

جمله <قد خسروا . .. > و <ضل عنهم ... > به منزله تعلیلی است برای <نرد فنعمل ... > یعنی آرزوی بازگشت به دنیا و تدارک گذشته ها بدان علت است که کفرپیشگان خود را زیانکار می بینند و باورهای خویش را بر باد رفته می یابند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۱۴

۱۴- پیروی از شیطان ، ملامت و پشیمانی اخروی در پی دارد .

دعوتکم فاستجبتم لی فلاتلومونی و لوموا أنفسکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۳ - ۱۳

۱۳ - توجه به حتمیت کیفر اخروی و بی ثمری ندامت در قیامت ، عامل پرهیز از کفر و گناه است .

و لو تری إذ المجرمون . .. لأملأنّ جهنّم من الجِنّه و الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۴ - ۱۰

۱۰ - تذکر و بیداری انسان در قیامت ، حاصلی جز

پشیمانی و حسرت ندارد .

و أنّی له الذکری . یقول یلیتنی قدّمت لحیاتی

پلیدان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۷ - ۱،۳،۶

۱ خداوند در پرتو گسیل کافران به سوی دوزخ ، ناپاکان را از پاکان جدا خواهد کرد .

إلی جهنم یحشرون. لیمیز اللّه الخبیث من الطیب

برداشت فوق مبتنی بر این است که <لیمیز اللّه> متعلق به <یحشرون> باشد.

۳ قیامت ، زمینه ای مناسب برای متمایز شدن ناپاکان از پاکان

إلی جهنم یحشرون. لیمیز اللّه الخبیث من الطیب

۶ خداوند در پی جداسازی ناپاکان از پاکان ، آنان را در قیامت انباشته می کند و یکجا در جهنم فرومی افکند .

و یجعل الخبیث بعضه علی بعض فیرکمه جمیعا فیجعله فی جهنم

رکم (مصدر یرکم) به معنای جمع کردن چیزی و انباشته ساختن آن است.

پیادگی گناهکاران در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۶ - ۷

۷- حضور تقواپیشگان در صحنه قیامت به صورت سواره ، و رانده شدن گنه پیشگان به سوی جهنم با پای پیاده خواهد بود .

نحشر المتّقین . .. و فدًا . و نسوق المجرمین ... وردًا

برخی از لغت دانان <وفد> را سوارانی ارجمند و <ورد> را پیادگانی تشنه کام معنا کرده اند (لسان العرب).

پیدایش مجدد آفرینش در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۴ - ۷

۷- چگونگی پیدایش مجدد جهان ، در آستانه برپایی قیامت ، مانند آفرینش نخستین آن است .

کما بدأنا أوّل خلق نعیده

پیروان ادیان در قیامت

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۸ - ۷

۷ سرای آخرت برای پیروان ادیان الهی ، سرایی به دور از عوامل ترس آور و نگران کننده و ایمن از حادثه های حزن آور و اندوهبار

فلاخوف علیهم و لاهم یحزنون

به دلیل آیه بعد - که جزای اخروی کفرپیشگان را بیان می دارد - می توان گفت: آیه مورد بحث نیز بیانگر پاداش اخروی هدایت یافتگان است. بنابراین <لاخوف ...> مربوط به سرای آخرت خواهد بود.

پیروان انبیا در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۴ - ۴

۴ - تمامی خواسته های پیامبران و پیروان آنان در قیامت ، از پیش آماده شده و به آنان داده خواهد شد .

و الذی جاء بالصدق و صدّق به . .. لهم ما یشاءون عند ربّهم

پیروان شیاطین در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۰ - ۱۴،۱۵

۱۴ پیروان شیطانها در قیامت به کفرورزی خویش در دنیا اعتراف می کنند.

و شهدوا علی أنفسهم أنهم کانوا کفرین

۱۵ گمراهان پیرو شیطانها در قیامت بر کفرورزی خویش در دنیا آگاهی می یابند. *

و شهدوا علی أنفسهم أنهم کانوا کفرین

<شاهد> عالمی است که آنچه را دریافته بیان می کند. (لسان العرب). لذا اگر <شهدوا> به معنای شهادت دادن باشد، لازمه آن آگاهی فرد است.

پیروان وحی در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۸ – ۱۵

۱۵ – پیروان وحی ، بهره مند از نصرت و ولایت الهی در

قیامت

و كذلك أوحينا . .. يدخل من يشاء فى رحمته... و الظلمون ما لهم من ولىّ و لا نصير

ستمگران (کسانی که از پیام وحی سرپیچی کنند) از ولایت و نصرت الهی محروم خواهند بود و از آن جا که مشمولان رحمت الهی (یدخل من یشاء فی رحمته) در برابر ستمگران قرارگرفته اند، مطلب بالا استفاده می شود.

پیشگامان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷ - ۱

۱ - مردم در آخرت سه دسته اند : اصحاب المیمنه (نیک بختان) اصحاب المشئمه (نگون بختان) و سابقون (پیشتازان)

و كنتم أزوجًا ثلثه

بیان <أزواجاً ثلاثه> محذوف و تقدیر آن چنین است: <و کنتم أزواجاً ثلاثه: اصحاب المیمنه و اصحاب المشئمه و السابقون>. در آیات بعد به تفصیل وضعیت این سه دسته تبیین شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۱۰ - ۲

۲ - کسانی که در دنیا در انجام امور خیر از دیگران سبقت می گیرند ، در آخرت نیز پیش از دیگران مشمول رحمت ، پاداش و غفران الهی خواهند بود .

و السبقون السبقون

برخی از مفسران بر آنند که مراد از سبقت در <السابقون> اول، سبقت در انجام امور خیر در دنیا و مراد از سبقت در <السابقون> دوم، پیشی گرفتن از دیگران در آخرت در دریافت رحمت و پاداش الهی است.

تأثیرپذیری مکذّبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۳ - ۱

۱ منکران قیامت تحت تأثیر تبلیغات فریبنده شیاطین جن و انس

قرار می گیرند.

و لتصغی إلیه أفئده الذین لایؤمنون بالأخره

تأخیر قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۴ - ۲،۳

۲ برپایی قیامت از زمان تعیین شده آن ، به تأخیر نخواهد افتاد .

و ما نؤخّره إلّا لأجل معدود

در برداشت فوق ، حرف <لام> در <لأجل> به معنای <إلی> گرفته شده است.

۳ برای تأخیر قیامت ، دلیل و علتی جز انتظار فرارسیدن زمان مخصوص آن وجود ندارد .

و ما نؤخّره إلّا لأجل معدود

برداشت فوق ، بر این مبناست که لام در <لأجل> برای تعلیل باشد.

تأمین خواسته ها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۴ - ۱۲

۱۲ - قیامت ، تنها عرصه شایسته برای برآورده شدن تمامی خواسته های بشر

لهم ما یشاءون عند ربّهم

<عند ربّهم> به منزله قید برای <لهم ما یشاءون> است. این قید می رساند که برآورده شدن خواسته های بشر در قیامت و در پیشگاه خداوند میسر است نه در دنیا؛ چنان که خداوند در جای دیگر از قرآن می فرماید: <...و فیها ما تشتهیه الأنفس و تلذّ الأعین...؛ در آن جا (بهشت) هرچه دل ها خواهش و آرزو کند و چشم ها از دیدن آن لذت برد، وجود دارد. زخرف (۴۳)، آیه (۷۱).

تارکان حج در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۴ - ۱۳

۱۳ - < معاویه بن عمار عن أبی عبداللّه (ع) قال : سألته عن رجل لم یحجّ قطّ و له مال قال : هو ممّن قال اللّه : <

و نحشره یوم القیامه أعمی > قلت : سبحان اللّه أعمی ؟ قال : أعماه اللّه عن طریق الجنّه ;

معاویه بن عمار گوید: از امام صادق(ع) در باره کسی که مالی داشته و به حج نرفته است سؤال کردم؟ فرمود: او در زمره کسانی است که خداوند فرموده: <و نحشره یوم القیامه أعمی>. گفتم سبحان اللّه نابینا؟ فرمود: خداوند او را از [دیدن]راه بهشت نابینا کرده است>.

تارکان نماز در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۸ - ۱۰

۱۰ - در قیامت برای متخلفان از دستورات الهی (بر پایی نماز و پرداخت زکات) و ارتکاب کنندگان محرمات (دین فروشی ، حق پوشی و . . .) راه نجاتی نیست .

لا تشتروا بأیتی . .. و أقیموا الصلوه ... واتقوا یوماً لاتجزی نفس عن نفس

تاریخ عقیده به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۸ - ۳

۳ - وعده رستاخیز ، دارای دیرینه در تاریخ بشر و تعالیم پیامبران

لقد وعدنا هذا نحن و ءاباؤنا من قبل

اقرار کافران به سابقه داشتن مسأله معاد، نشان می دهد که موضوع رستاخیز از دیرباز در میان بشر مطرح بوده است. بدیهی است که طرح مسأله یاد شده جز از طریق پیامبران صورت نگرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۳ - ۱۰

۱۰ - عقیده به روز قیامت در تاریخ بشر ، سابقه ای دیرینه دارد .

و ما یکذّب به . .. قال أسطیر الأوّلین

سخن منکران قیامت که

معارف قرآن از جمله معاد را محصول اندیشه پیشینیان می دانستند بیانگر آن است که اندیشه معاد، گذشته ای طولانی دارد و مردم عصر بعثت، به سابقه دیرینه این اعتقاد آگاه بودند.

تاریکی قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۳ - ۱،۲،۵

۱ - عرصه قیامت ، فرو رفته در ظلمت و تاریکی

یوم یقول المنفقون و المنفقت للذین ءامنوا انظرونا نقتبس من نورکم

آیه قبل در بیان این معنا بود که مؤمنان، در پیمودن مسیر خود به بهشت از نور خودشان استفاده می کنند. در این آیه بیان می دارد که منافقان، برای پیمودن مسیر خود در قیامت، فاقد نور بوده و دست به دامان مؤمنان می زنند تا از نور آنان بهره گیرند. گفتنی است نیاز به همراه داشتن نور، در صورتی صحیح است که انسان در جای تاریک قرار گرفته باشد.

۲ - حرکت در عرصه تاریک قیامت ، نیازمند داشتن نور و روشنایی از خود

یوم یقول المنفقون . .. انظرونا نقتبس من نورکم

۵ - منافقان ، فاقد نور و روشنایی در ظلمت قیامت

یوم یقول المنفقون . .. انظرونا نقتبس من نورکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۸ - ۱۰،۱۱

۱۰ - انسان ، برای گذار از ظلمات قیامت ، باید از خود نوری داشته باشد که راه را برای او روشن کند .

و یجعل لکم نورًا تمشون به

برداشت یاد شده بدان احتمال است که مراد از <تمشون>، پیمودن راه در عرصه قیامت باشد.

۱۱ - خداوند ، در قیامت به مؤمنان تقواپیشه نوری عطا خواهد کرد که در

پرتو آن از ظلمات قیامت گذر کنند .

و یجعل لکم نورًا تمشون به

تبلیغ قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، در سال های نخست رسالت ، معاد و حوادث جهان آخرت را به مردم مکه ابلاغ کرده بود .

عن النبأ العظیم

اطلاق <نبأ> بر معاد، گویای این حقیقت است که حوادث آن، برای مردم گزارش شده بود و از نازل شدن این سوره در مکه، دانسته می شود که خبر معاد، در نخستین سال های رسالت ابلاغ شده بود.

تبهکارترین مردم در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۲ - ۳

۳ کفرپیشگانی که بر خدا دروغ می بندند و مردم را از راه خدا باز می دارند و قیامت را انکار می کنند ، در سرای آخرت از دیگر کافران و گنهکاران ، تباه تر و زیانکارترند .

و من أظلم . .. الذین یصدون ... لاجرم أنّهم فی الأخره هم الأخسرون

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که مقیاس سنجش و تعیین زیانکار و زیانکارتر مراتب کفر باشد. براین مبنا آیه شریفه دلالت دارد براینکه: همه کافران در آخرت زیانکارند; ولی آنان که بر خدا دروغ بستند و ... از دیگر کافران و گنهکاران، زیانکارتر می باشند.

تبیین اختلافات در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۲ - ۱۲

۱۲- خداوند ، تحقیقاً حقایق مورد اختلاف انسان ها را در قیامت ، بیان خواهد کرد .

و لیبیّننّ لکم یوم القیمه ما

کنتم فيه تختلفون

تبیین حوادث قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۳ - ۱۴

۱۴ - تشریح حوادث قیامت و آینده مجرمان ، زمینه ساز پیدایش تقوا و رفع غفلت از انسان

و كذلك أنزلنه . .. لعلّهم يتّقون أو يحدث لهم ذكرًا

حرف <کاف> در <کذلک> برای تشبیه است و آیات گذشته را نمونه ای از نزول آیات الهی برای ایجاد تقوا و تذکر، معرفی می کند.

تجسم عمل در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۰ - ۱۰،۱۱

۱۰ - قیامت ، صحنه بروز و ظهور اعمال پسندیده ای است که آدمی در دنیا انجام داده است .

و ما تقدموا لأنفسكم من خير تجدوه عنداللّه

ضمیر مفعولی در <تجدوه> (می یابید آن را) به کلمه <خیر> بر می گردد و مقتضایش آن است که: آدمی با همان عمل نیکی که انجام داده، روبه رو خواهد شد; یعنی، اعمال نیک آدمی در قیامت، به گونه ای بروز و ظهور دارند.

۱۱ - تجسم اعمال آدمی در قیامت

و ما تقدموا . .. تجدوه عنداللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۷ - ۸،۱۱

۸ - صحنه قیامت ، صحنه مشاهده اعمال دنیوی و دیدن نتایج آن است .

كذلك يريهم اللّه أعملهم حسرت

فعل <یری> می توانـد از رؤیت به معنای دیدن با چشم باشد. بر این مبنا معنای جمله <کذلک ...> چنین می شود: خداوند اعمال مشرکان (و یا نتایج اعمالشان) را به آنان نشان خواهد داد.

۱۱ - اعمال ناروای آدمیان در قیامت ، به صورت حسرتی

مجسم در پیش روی آنان قرار خواهد گرفت .

كذلك يريهم اللّه أعملهم حسرت عليهم

برداشت فوق بر این اساس است که: <یری> از رؤیت قلبی باشد. در این صورت <حسرات> مفعول سوم برای <یری> خواهد بود و معنای جمله چنین می شود: خداوند اعمال مشرکان را به صورت حسرتهایی، بر آنان جلوه گر خواهد ساخت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۹ - ۱۳

۱۳- اَعمال انسان ها ، فانی نمی شود و در قیامت در برابر آنان حاضر و مجسم خواهد بود .

و وجدوا ما عملوا حاضرًا

ظاهر جمله <و وجدوا. ..> آن است که تأسیس باشد، نه تأکید; یعنی، مطلب جدیدی را غیر از آنچه که در جملات قبل گفته شد، بیان می کند و آن این که علاوه بر نوشته اَعمال خود آن نیز در برابر آدمیان حاضر می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۰ - ۴

۴ - قیامت ، روز ظهور اعمال دنیوی انسان است .

من أعرض عنه فإنّه يحمل يوم القيمه وزرًا

<وزر>،به معنای بارسنگین است و به گناه از آن جهت که بار سنگینی بر دوش گنه کار است، <وزر> اطلاق می گردد (مفردات راغب). <حمل وزر> حاکی از آن است که در قیامت، گناه به صورت باری بر دوش گناهکار ظهور خواهد یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۴۰ - ۹

۹ - قیامت ، روز تجسم اعمال و ظهور دست مایه ها و تلاش های انسان

يوم ينظر المرء ما قدّمت يداه

تجسم گناه در قیامت

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۸ - ۵

۵ بروز و ظهور گناهان در قیامت ، به صورت علامت و نشانه ای برای گناهکاران

و نادی اصحب الاعراف رجالا یعرفونهم بسیمهم

تجلی توحید در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۸ - ۱۱

۱۱- قیامت ، روز تجلی یگانگی و قهّاریت خداوند

یوم تبدّل الأرض . .. و برزوا لله الوحد القهّار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۳ - ۳

۳ - قیامت ، عرصه آشکار شدن بطلان شرک و تجلی کردن وحدت و یگانگی خداوند

و یوم ینادیهم . .. قال الذین حقّ علیهم القول ربّنا

اعتراف پیشوایان شرک به ربوبیت خداوند بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۵ - ۹

۹ - برملا شدن حقانیت توحید برای جوامع شرک پیشه در قیامت

فعلموا أنّ الحقّ للّه

تجلی خدا در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۲ - ۱

۱ - تجلّی حضور خداوند ، در تمام صحنه های قیامت برای همه مردم

و جاء ربّک

خداونـد، همواره و در همه جا، در دنیا و آخرت، حضور دارد. بنابراین معنای <جاء>، ظهور همین حقیقت برای حاضـران در صحنه قیامت است; چه آن که آنان حضور خداوند را در همه امور، مشاهده خواهند کرد.

تجلی قاهریت خدا در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۸ - ۱۱

۱۱- قیامت

، روز تجلی یگانگی و قهّاریت خداوند

یوم تبدّل الأرض . .. و برزوا لله الوحد القهّار

تجمع در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۰۳ – ۵۸

۵ سرای آخرت ، عرصه گرد آمدن همه انسانهاست .

ذلک یوم مجموع له الناس

<ذلک> اشاره به <الأخره> است و به نظر می رسد مذکرآوردن آن به لحاظ خبر (یوم) باشد.

۸ < قال الصدوق روی : . . . و تقوم القیامه فی یوم الجمعه . . . قال الله عزوجل : < ذلک یوم مجموع له الناس و ذلک یوم مشهود > ;

صدوق گوید: روایت شده است که . .. قیامت در روز جمعه برپا می شود ... و خدای عزوجل فرمود: ذلک یوم مجموع ...>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۴۸ – ۷

۷– حضور همه انسان ها در پیشگاه خداوند در روز قیامت

و برزوا لله الوحد القهّار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۴۷ – ۴

۴– همه انسان ها ، در قیامت ، به اراده الهی ، جمع شده و گرد آوری خواهند شد .

و حشرنهم

<حشر> جمع کردن مردم در روز قیامت است (لسان العرب). ماضی آوردن <حشرنا> برای دلالت بر قطعی بودن حشر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۹ - ۵

۵- خداوند ، همه انسان ها را در صحنه قیامت ، با دمیده شدن در صور ، گرد خواهد آورد .

و نفخ فی الصور فجمعنهم جمعًا

<صور> محتمل است به یکی از

دو معنا باشد: ۱ به معنای <شاخ>; که در این صورت، مقصود، دمیده شدن در بوق است; چرا که در قدیم، از شاخ حیوانات، بوق می ساختند. ۲ ممکن است <صور> جمع <صوره> باشد; در این صورت، مقصود، دمیده شدن در تمثال ها و پیکرهای مردگان برای زنده ساختن آن ها است. بسیاری از اهل لغت، بر احتمال دوم، خرده گرفته اند و آن را با برخی از موارد استعمال کلمه <صور> در قرآن ناسازگار دیده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۵ - ۵

۵- قیامت ، روز حشر و اجتماع انسان ها

یوم نحشر

<حشر>; یعنی، جمع کردن به گونه ای که با سوق دادن همراه باشد (مقاییس اللغه).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۴ - ۵

۵ - قیامت ، روز حضور همگان در پیشگاه خداوند

إنّه من یأت ربّه مجرمًا

به قرینه آیه بعد (و من یأته مؤمن اً)، حضور در قیامت همگانی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۹ - ۶

۶ - تجمع نهایی همه انسان های پراکنده در روی زمین ، در پیشگاه خدا ، پس از گذر از زندگی دنیوی

و هو الذی . .. و إلیه تحشرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۶ - ۲

۲ - ربوبیت خداوند ، مقتضی جمع انسان ها در قیامت و داوری نهایی بین جریان حق و باطل

قل يجمع بيننا ربّنا ثمّ يفتح بيننا بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آيه -

فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۲ - ۲

۲ - احضار تمامی انسان ها به پیشگاه خداوند در قیامت ، به صورت دسته جمعی و یک جا خواهد بود .

و إن کلّ لمّا جمیع لدینا محضرون

<جمیع> فعیل به معنای مفعول (مجموع) و ضد متفرق است و مقصود از آن در آیه شریفه، اجتماع و انضمام تمامی افراد، از همه اقوام و جوامع بشری در یک مکان (قیامت) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۷ - ۱۸

۱۸ - تجمع همگانی انسان ها در روز قیامت

و تنذر یوم الجمع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۱ - ۵

۵- انسان ها ، در اوج ازدحام و تجمع در قیامت ، تنها و بی یاور خواهند بود . *

میقتهم أجمعین . .. یوم لایغنی مولًی عن مولًی شیًا

از ارتباط <لایغنی. ..> که تنهایی را می رساند با <میقاتهم أجمعین> که تجمع را می فهماند مطلب یاد شده قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۸ - ۴،۵

۴ - قیامت ، روز اجتماع تمامی انسان های تاریخ

جمعنکم و الأوّلین

۵ - داوری میان حق و باطل در عرصه قیامت ، با حضور تمامی خلایق انجام خواهد پذیرفت .

هذا يوم الفصل جمعنكم و الأوّلين

تجمع مشرکان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۵ - ۱

۱ - گردآوری جوامع شرك پیشه در قیامت برای محاکمه

و نزعنا من كلّ أُمّه شهیدًا فقلنا هاتوا

برهنکم

تحریفگران در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۰ - ۹

۹ - تحریف گران آیات الهی و منحرفان از راه توحید ، فاقد امنیت در برابر آسیب های صحنه قیامت

إنّ الذین یلحدون فی ءایتنا . .. أفمن یلقی فی النار خیر أم من یأتی ءامنًا یوم ال

از تقابل دو گروه یاد شده در آیه، مطلب بالا قابل برداشت است.

تحقق نشانه های قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۸ - ۴

۴- نشانه های برپایی قیامت ، تحقق یافته و قابل رؤیت برای بشر

فقد جاء أشراطها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۴ - ۲

۲ - مشاهده کردار ها در عرصه قیامت ، در گرو پیدایش حوادثی تحوّل آفرین در نظام جهان و پدیدار شدن رخدادهایی در صحنه قیامت

إذا الشمس . .. و إذا ... و إذا ... علمت نفس ما أحضرت

آیه شریفه، جواب حرف شرط <إذا> است که از آغاز سوره تکرار شده است.

تحقیر اخروی استهزاگران قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاريات - ۵۱ - ۱۴ - ۱

۱ - استهزاكنندگان دين و قيامت ، مورد تحقير و تمسخر در آتش دوزخ

يسئلون أيّان يوم الدين . .. ذوقوا فتنتكم هذا الذى كنتم به تستعجلون

امر در <ذوقوا>، براى تهكم و استهزا است.

تحقير اخروى مكذبان قيامت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۳ - ۲

۲ افكنده شدن منكران قيامت به جهنم ، همراه با

تحقیر و اجبار است .

و إذا أُلقوا منها

واژه <أُلقوا> (به صیغه مجهول) به جای <ادخلوا>، حاکی از اجباری و تحقیرآمیز بودن ورود به جهنم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۴ - ۳

۳ تکذیب کنندگان قیامت ، علاوه بر گرفتاری به کیفر جسمانی (سوختن) ، به کیفر روانی (تحقیر و استهزا) نیز مبتلا خواهند شد .

و إذا أُلقوا منها مکانًا ضیّقًا . .. لاتدعوا الیوم ثبورًا وحدًا و ادعوا ثبورًا ک

جمله <لاتدعوا. ..> - به جای جواب مناسب با <دعوا هنالك ثبوراً> می تواند برای تحقیر و استهزای آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۹ - ۲

۲ - تحقیر و عذاب روحی تکذیب گران روز جزا ، در قیامت از سوی خداوند

فإن کان لکم کید فکیدون

امر در <فکیدون>، تعجیزی و مفید سرزنش و تحقیر است.

تحیت مؤمنان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴۴ - ۴

۴ - تحیّت مؤمنان به هم ، هنگام لقاءاللّه ، با واژه < سلام > است .

تحیّتهم یوم یلقونه سلم

برداشت بالا، بنابراین است که اضافه <تحیّت> به ضمیر <هم>، اضافه مصدر به فاعل اش باشد.

تداوم عذاب مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۴ - ۱

۱ استغاثه و درخواست تکذیب کنندگان قیامت برای رهایی از آتش جهنم نتیجه بخش نبوده و عذابشان ادامه خواهد یافت .

لاتدعوا الیوم ثبورًا وحدًا و ادعوا ثبورًا کثیرًا

برداشت یاد

شده مبتنی بر این نکته است که مقصود از درخواست هلاکت، در حقیقت کنایه از نجات از وضع بسیار سخت دوزخ است; نه مرگ و نابودی واقعی.

تداوم نفاق در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۸ - ۶

۶ - ثابت ماندن روحیه نفاق برای منافقان در قیامت

یوم یبعثهم اللّه جمیعًا فیحلفون له کما یحلفون لکم

تدبیر برپایی قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۶ - ۲

۲ - ملائکه ، عهده دار تدبیر مراحل پایانی و برپایی جهان آخرت

فالمدبّرت أمرًا . یوم ترجف الراجفه

برداشت یاد شده، براساس ظرف بودن <یوم> برای <المدبّرات> است. در این ترکیب، آیات پیشین گویای حرکت فرشتگان و شتاب و مسابقه آنان برای مدیریت و تدبیر مراحل پایانی دنیا و آغاز آخرت است.

تذکر افشای رازها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۱۰ - ۴

۴ - توجّه به برملا شدن خصلت ها و علاقه ها در قیامت ، بازدارنده انسان از خوی ناسپاسی ، بخل و دل بستگی به ثروت

لکنود . .. أفلایعلم إذا ... و حصّل ما فی الصدور

تذکر به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۷ – ۱۱

۱۱ توجه دادن انسان ها به حیات پس از مرگ و برپایی قیامت ، از رسالت های پیامبر (ص)

و لئن قلت إنکم مبعوثون من بعد الموت

تراکم دود در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن –

۵۵ - ۳۵ - ۱

۱ - آتش گداخته و دود های متراکم ، مانعی جدی در برابر جن و انس برای گریز از صحنه قیامت

لاتنفذون إلّا بسلطن . .. یرسل علیکما شواظ من نار

خطاب در <علیکما> و <لاتنتصران> متوجه جن و انس است.

ترس اخروی مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۲ - ۲

۲ - منکران رستاخیز و دنیامداران ، هراسناك از دستاورد های خود ، در قیامت

تری الظلمین

تعبیر <الظالمین> در آیه شریفه، عنوانی است که بر منکران معاد و دنیامداران مطرح درآیات پیشین اطلاق شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۵ - ۱

۱ - تکذیب گران روز جزا ، در آن روز از شدت ترس دم برنخواهند آورد .

هذا یوم لاینطقون

ترس از قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۱ - ۸

۸ توجه به قیامت و خوف از آن ، بازدارنده آدمی از اعمال ناشایست (ربا و . . .) و ترغیب کننده او به اعمال شایسته (انفاق ، صدقه و . . .)

یا ایّها الّذین امنوا اتّقوا اللّه و ذروا ما بقی من الرّبوا . .. و ان تصدقوا خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۹ - ۷

۷ ضرورت ترس از قیامت و صحنه های حسابرسی در آن روز .

یوم یجمع اللّه الرسل

برداشت فوق بر این است که <یوم> بدل اشتمال برای <اللّه> در آیه قبل <اتقوا اللّه> گرفته

شود و یا مفعول باشد. برای فعلی همانند: <اتقوا و یا احذروا و ... که به قرینه <اتقوا اللّه> حذف شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۱ - ۴

۴ پیامبر(ص)، مأمور به سرمایه گذاری بیشتر تبلیغی برای بیمناکان از حشر و قیامت

و أنذر به الذین یخافون أن یحشروا إلی ربهم

با اینکه انبیا باید همه مردم را انذار دهند، ولی معرفی یک دسته برای انذار بیانگر عنایت بیشتر به آنان در امر تبلیغ و انذار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۱ - ۴

۴ - موحدانِ بیمناک از پروردگار و روز قیامت ، پیشتاز در انجام کار های نیک

و هم لها سبقون

<لها> متعلق به <سابقون> است که مفعول آن محذوف می باشد. پس تقدیر آن چنین می شود: <و هم سابقون غیرهم لها>. <سبق> به معنای پیشی گرفتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۷ - ۱،۱۵

۱ - مردمان الهی و والا ـ مقامی که تجارت و داد و ستد ، آنان را از ذکر خدا ، اقامه نماز و پرداخت زکات باز نمی دارد ، همواره ترسان از روز قیامت اند .

رجال لاتلهیهم تجره و لابیع عن ذکر اللّه و إقام الصلوه و إیتاء الزکوه یخافون یوم

برداشت یاد شده بر این اساس است که <رجال> مبتدا و <یخافون> خبر آن باشد.

۱۵ - مردان الهی ، همواره از قیامت ترسان اند .

رجال . .. یخافون یومًا تتقلّب فیه القلوب و الأبصر

- فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۳ - ۱،۶

۱ - خداوند ، فراخوان مردمان به تقوا و ترس از روز قیامت

یأیّها الناس اتّقوا ربّکم و اخشوا یومًا

۶ - قیامت ، روزی هول انگیز است و شایسته است که انسان ، از آن نگران باشد .

و اخشوا یومًا لایجزی والد عن ولده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۹ - ۲

۲ - عبادت شبانه با سجده و قیام ، دغدغه خاطر داشتن از روز قیامت و امید به رحمت الهی ، از اوصاف و نشانه های مؤمنان راستین

أمّن هو قنت ءاناء الّیل ساجدًا و قائمًا یحذر الأخره و یرجوا رحمه ربّه

آیه شریفه به قرینه مقابله با آیه قبل که درباره انسان های کافر بود درصدد بیان اوصاف و نشانه های مؤمنان راستین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۸ - ۳

۳ - مؤمنان ، دارای بیم و نگرانی همراه با مراقبت ، نسبت به رستاخیز

و الذین ءامنوا مشفقون منها

<اشفاق> (مصدر <مشفقون>) به معنای هراس داشتن توأم با عنایت و مراقبت نسبت به چیزی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۷ - ۲

۲ - خوف از قیامت ، از ویژگی های ابرار است .

و یخافون یومًا کان شرّه مستطیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۰ - ۱

۱ - ترس از احوال روز قیامت ، از ویژگی های ابرار

إنّا نخاف من ربّنا یومًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۵ - ۴

۴ - حوادث قیامت ، هولناك و سزاوار ترس و نگرانی است .

من یخشیها

ترس انسان ها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۴ - ۱

۱ - مردم در قیامت ، مانند پروانه های ریز و پراکنده در هوا ، هراسان و بی سامان به هر طرف روی خواهند آورد .

یوم یکون الناس کالفراش المبثوث

<فَراشَه> (مفرد <فَراش>); یعنی، آنچه بـال زده و در حرارت چراغ سـقوط کرده و خـود را می سوزانـد (تـاج العروس) <فرّاء> آنهـا را ملـخ هـایی می دانـد که روی زمین گسـترده و در هم می لولنـد (مجمع البیـان). تشبیه مردم در قیـامت به آن حشرات، نشانگر سردرگمی، ترس و اضطرابی است که انسان ها را به هر سو خواهد کشاند.

ترس در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۴ - ۸

۸ انفاق کنندگان در راه خداوند ، ترس و اندوهی در رستاخیز نخواهند داشت .

و لا خوف علیهم و لا هم یحزنون

بنابراینکه عدم <خوف> و <حزن> تنها مربوط به آخرت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۷ - ۱۰

۱۰ مؤمنان دارای عمل صالح ، ترس و اندوهی در رستاخیز ندارند .

انّ الّذین امنوا . .. و لا خوف علیهم و لا هم یحزنون

بنابراینکه عدم <خوف> و <حزن> مربوط به آخرت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۲ - ۱۰

۱۰- قیامت ، روز خیره

شدن چشم ها از شدت ترس و هولناکی آن

لیوم تشخص فیه الأبصر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۹۷ – ۷

۷- نمود حالت ترس و وحشت انسان در دیدگان وی در قیامت

فإذا هی شخصه أبصر الذین کفروا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۲ – ۱۳

۱۳- هراس سخت و سهمگین مردم در عرصه رستاخیز ، جلوه ای از عذاب قهر خداوند

و لکنّ عذاب اللّه شدید

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قیامه – ۷۵ – ۷ – ۱

۱ – در آستانه برپایی قیامت ، چشمان انسان ها از ترس و اضطراب ، به گردش در می آید .

فإذا برق البصر

فعل <بَرَقَ> وقتی به چشم نسبت داده شود، به معنای اضطراب و به گردش آمدن چشم از ترس است (مفردات راغب). گفتنی است آیه شریفه در مقام بیان حوادثی است که در آستانه برپایی قیامت و لحظه های نخستین رستاخیز رخ خواهد داد.

ترسناکی زلزله قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۱ – ۷

۷- وقوع زلزله بسیار بزرگ و هولناک در جهان طبیعت (زمین و . . .) ، در آستانه برپایی قیامت

إنّ زلزله الساعه شیء عظیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۲ – ۱،۷

۱- زلزله زمین در آستانه فروپاشی نظام طبیعت ، رخدادی بسیار سهمگین و دهشتناک

إنّ زلزله الساعه شیء عظیم. .. یوم ترونها... تری الناس سکری

۷- شدت و هراس ناشی از زلزله زمین در

آستانه برپایی رستاخیز ، هوش از سر تمامی مردم روی زمین خواهد ربود و آنان را مانند می زدگان مست ، بی خود خواهد ساخت .

إنّ زلزله الساعه شیء عظیم. .. یوم ترونها... و تری الناس سکری

<سکاری> جمع <سکران> است. <سکران> نیز به کسی گفته می شود که در اثر خوردن شراب، عقلش را از دست بدهد (مست شود).

ترسناکی قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۱۵ – ۲۵

۲۵ قیامت ، روزی بزرگ و هراسناک

عذاب یوم عظیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۱۵ – ۱۰

۱۰– < عن أبی الحسن الرضا (ع) : إنّ أوحش ما یکون هذا الخلق فی ثلاثه مواطن یوم یولد . . . و یوم یموت . . . و یوم یبعث . . . و قد سلّم اللّه عزّوجلّ علی یحیی (ع) فی هذه الثلاثه المواطن و آمن روعته فقال : < و سلام علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیّاً . . . > ;

از امام رضا(ع) روایت شده است: همانا وحشتناک ترین مواقع برای این خلق در سه موضع است: روزی که متولد می شود. .. و روزی که می میرد... و روزی که برانگیخته می شود... و خداوند سلام فرستاده است بر یحیی(ع) در این سه موضع و او را از وحشت آن مواضع ایمن ساخته و فرموده: <و سلام علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیّاً>...>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء

- ۲۱ - ۴۹ - ۶

۶- قیامت ، حقیقتی خطیر و بیم آفرین برای انسان ها

و هم من الساعه مشفقون

<اشـفاق> به معنای عنایت همراه با خوف است و هرگاه به وسـیله <من> متعدی شود، معنای ترس در آن بیشتر خواهد بود (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۷ - ۶

۶- قیامت ، حادثه ای وحشت زا و دهشت آفرین برای کافران

و اقترب الوعد الحقّ فإذا هی شخصه أبصر الذین کفروا

خیره شدن دیدگان کافران و بهت زدگی آنان، ناشی از حوادث هولناک و دهشت آفرین قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۳ - ۲

۲- برپایی قیامت ، اندوه زا و همراه با وحشت و فزع و جزع بزرگ است .

لایحزنهم الفزع الأکبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۴ - ۴

۴ - روز قیامت ، روزی سخت و هولناک است .

فذوقوا بما نسیتم لقاء یومکم هذا

<هذا> می تواند مفعول فعل <ذوقوا> باشد و می تواند صفت باشد، برداشت بالا، بنابر احتمال دوم است و ذکر آن به خاطر بیان هولناکی قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۱۶ – ۳

۳ – قیامت ، روزی سخت ، هولناک و هشدار دهنده برای انسان ها

لینذر . .. یوم هم برزون لایخفی علی اللّه منهم شیء

تأکید خداوند بر این که روز قیامت، روز بروز حقیقت انسان ها است به گونه ای که چیزی از آنان بر خدا پوشیده نمی ماند و نیز

انذار به چنین روزی، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۸ - ۶

۶ - قیامت ، دارای غم و اندوه کشنده و زجرآور ، به گونه ای که کسی نای سخن گفتن و فریاد زدن ندارد .

إذ القلوب لدی الحناجر کظمین

<کاظم> (مفرد <کاظمین>) اسم فاعل از <کظم> به معنای فردی است که نفسش در گلو حبس شده باشد. <کاظمین>; یعنی، کسانی که ساکت اند و قادر به سخن گفتن نیستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۶ - ۱

۱- قیامت ، روزی مهیب و پرصولت

یوم نبطش البطشه الکبری

<بطش> (مصدر <نبطش>) در اصل به معنای گرفتن با شدّت و صولت است و مراد از آن در آیه شریفه مؤاخذه و انتقام شدید و مهیب الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲ - ۱

۱ - قیامت ، حادثه ای بس با عظمت و هولناک

ما الحاقّه

استفهام در <ما الحاقّه> به گفته مفسران برای تهویل و تعظیم است; یعنی، چیست آن حادثه بزرگ و هولناک؟!

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴ - ۲

۲ - قیامت ، حادثه ای کوبنده و هولناک

بالقارعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۸ - ۳

۳ - روز محشر ، روزی است بس هولناك و وصف ناپذیر .

یومًا . .. السماء منفطر به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵

- ۱۰ - ۲

۲ - قیامت ، روزی بس ناگوار و هولناک برای کافران

یقول الإنسن یومئذ أین المفرّ

فرار کافران، نشانه وجود صحنه های هولناک و شرایط دشوار در عرصه قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۲ - ۲

۲ - قیامت ، روزی بس سهمگین و عظیم

لأیّ یوم أُجّلت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۴ - ۲

۲ - قیامت ، واقعه ای است بس سهمگین ، با عظمت و شگفت آور .

و ما أدریک ما یوم الفصل

<ما> در <ما أدراك ما. ..> برای استفهام و مفید تعجیب و تهویل است; ضمن آن که تکرار <یوم الفصل> به صورت اسم ظاهر به جای ضمیر تأیید کننده همین مطلب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۸ - ۲

۲ - صحنه برپایی قیامت برای منکران معاد ، صحنه ای هراس انگیز و اضطراب آور خواهد بود .

قلوب یومئذ واجفه

مراد از <قلوب> به قرینه <یقولون أءنّا لمردودون فی الحافره> در آیات بعد قلب منکران معاد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۱ - ۱

۱ - قیامت ، حادثه ای کوبنده و هولناک

القارعه

<قَرْع>، به معنـای کوبیـدن چیزی بر چیزی است (مفردات). آیـات بعـد، قرینه است که مراد از <قـارعه>، روز قیامت است. تناسب این نام برای <قیامت>، یا به این جهت است که قیامت کوبنـده و ترساننده قلب ها است و یا اشاره به عذاب کوبنده و هولناک کافران دارد.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۴ - ۲

۲ - کوبندگی حوادث قیامت ، هول انگیز و دهشت آور است .

ما القارعه . یوم یکون الناس کالفراش المبثوث

<یوم> ظرف برای فعل محذوفی است که وصف <القارعه> بر آن دلالت دارد; یعنی، <تقرع یوم. ..>.

ترک احوال پرسی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۰ - ۱

۱ - در روز رستاخیز ، هیچ دوست صمیمی و خویشاوندی ، از حال دیگری جویا نمی شود .

و لایسئل حمیم حمیمًا

<حمیم>به فردی می گویند که به انسان نزدیک و دلسوز باشد. از مصادیق بارز آن، خویشاوندان و دوستان صمیمی و دلسوز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۱ - ۹۲

ترک استمداد در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۰ - ۲

۲ - در روز محشر ، هیچ خویشاوندی و دوست صمیمی از یکدیگر استمداد نمی کند .

و لایسئل حمیم حمیمًا

یکی از کاربردهای واژه <سؤال>، طلب و درخواست (استمداد) است. برداشت یاد شده مبتنی بر این معنا است.

تسلیم در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۰ - ۸

۸ حصول ایمان و تسلیم در قیامت ، سودی ندارد . *

و قضی الأمر

بنابراینکه مراد از آمدن عذاب و ملائکه، نزول آنها در قیامت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۸ - ۲

۲ - قیامت ،

صحنه زانو زدن انسان و تسلیم الزامی او در برابر حق

و تری کلّ أمّه جاثیه

تشبیه انسان ها در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۲ – ۱۲

۱۲– بیم و هراس مردم در عرصه محشر ، به اندازه ای است که آنان هچون مردم می خورده و مست ، عقل و هوش خود را از کف خواهند داد .

و تری الناس سکری و ما هم بسکری

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۷ – ۴

۴ – منظره رستاخیز آدمیان ، همچون منظره ملخ های پراکنده بر پهنه زمین

یخرجون من الأجداث کأنّهم جراد منتشر

تعدد حسابرسی در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – فجر – ۸۹ – ۲۲ – ۶

۶ – رسیدگی به کار های انسان ها در قیامت ، دارای قسمت های گوناگون و تفکیک شده است .

صفًّا صفًّا

تعدد شفیعان در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مدثر – ۷۴ – ۴۸ – ۵

۵ - تعدّد شفاعت گران در قیامت

فما تنفعهم شفاعه الشفعین

تعدد میزان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۷ - ۳

۳- ابزار سنجش اعمال (میزان) در قیامت ، متعدد است .

و نضع الموزین القسط

<موازین> (جمع <میزان>) به معنای ترازوها است و جمع آمدن آن دلیل بر تعدد است. هرچند میان مفسران در باره چگونگی متعدد بودن ترازوهای قسط و عدل اختلاف هست.

تعقل در فرجام مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۵ - ۱

۱ انسـان ، وظیفه دار سـنجش میـان فرجـام تقواپیشـگان و تکـذیب کننـدگان قیامت و دو زنـدگی بهشت و جهنم ، با تفکر در رهنمود های قرآن

قل أذلک خیر أم جنّه الخلد التی وعد المتّقون

تعیین سرنوشت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۹ - ۶

۶- قیامت ، روز فیصله امور و تعیین سرنوشت قطعی انسان

إذ قضی الأمر

ممکن است مقصود از <الأمر> حکم قطعی و تعیین بهشتی و یا دوزخی بودن مردم باشد در این صورت <قضی الأمر> ناظر به صدور احکام قطعی و گذشتن از آن مرحله است.

تعیین وقت قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۴ - ۱

۱ خداوند برای برپایی قیامت ، زمان مشخصی را تعیین کرده است .

و ما نؤخّره إلّا لأجل معدود

تفاوت صورتها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۴۰ - ۶

۶ - تفاوت چهره مؤمن و کافر در قیامت

وجوه . .. و وجوه

مراد از <وجوه> در این آیه به قرینه آخرین آیه سوره (أولئک هم الکفره الفجره) چهره کافران است. در نتیجه مراد از <وجوه> در آیات پیشین، چهره مؤمنان خواهد بود.

تفاوت میزان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۸ - ۶

۶ - کردار های ناروا ، هنگام حسابرسی در قیامت با وجود تهی بودن همه آنها از وزن و ارزش گوناگون بوده

و ابزار سنجش آنها متفاوت است .

و أمّا من خفّت موزینه

جمع بودن <موازین>; بیانگر تعدد میزان و موزون و تغایر آنها است.

تفکر در خبرهای قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۶۸ – ۳

۳ – اخبار مربوط به توحید ، قیامت و رسالت پیامبراسلام ، درخور تأمل و تفکر

هو نبؤا عظیم . أنتم عنه معرضون

محکوم کردن روی گردانی از اخبار بزرگ و سودمند مربوط به قیامت و. .. و بی اعتنایی به آنها، می رساند که انسان باید به تأمل و اندیشه در آنها بپردازد و از آنها روی گردانی نکند.

تقسیم انسان ها در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۰۵ – ۴

۴ انسان ها در قیامت ، به دو گروه تیره بختان و سعادتمندان تقسیم خواهند شد .

فمنهم شقی و سعید

تکامل در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۷۵ – ۱۴

۱۴ مؤمنان ، برخوردار از تکامل و رشد معنوی ، در آخرت

و یهدیهم إلیه صرطاً مستقیماً

جمله فسیدخلهم با توجه به <سین> دلالت دارد بر اینکه رحمت و فضل در آخرت است، پس هدایت هم که پس از آنها ذکر شده است، در آخرت است و هدایت به سوی خدا، رشد و کمال معنوی است.

تکذیب عمل در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۸ - ۱۲

۱۲- کسانی که با ارتکاب اعمال زشت در دنیا به خود ستم کرده اند ، در قیامت منکر آن اعمال

می شوند .

الذین تتوفّهم الملئکه ظالمی أنفسهم . .. ما کنّا نعمل من سوء

برداشت فوق، بنـابراین احتمال است که مراد از <ظالمی أنفسـهم> به قرینه <ما کنّا نعمل من سوء> (ما مرتکب عمل زشـت نمی شدیم) اعمال ناپسند و زشتی باشد که مرتکبان آنها، آن را از خود نفی می کنند.

تکذیب قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۶ - ۱۰

۱۰ انکار هر یک از حقایق (خدا ، پیامبران ، فرشتگان ، کتب آسمانی و روز قیامت) ، کفر و به منزله انکار تمامی آنهاست .

و من یکفر باللّه و ملئکته و کتبه و رسله و الیوم الأخر فقد ضل ضللا بعیداً

با توجه به صدر آیه که ضرورت ایمان به تک تک معارف یاد شده را مطرح ساخت، معلوم می شود ضلالت بعید نتیجه انکار هر یک از معارف یاد شده است، نه نتیجه ای برای مجموع آنها.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۱ - ۱۲

۱۲ انکار قیامت و به فراموشی سپردن آن ، کفرپیشگی است .

إن اللّه حرمهما علی الکفرین . .. فالیوم ننسیهم کما نسوا لقاء یومهم هذا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۶ - ۱۱

۱۱ - در روز قیامت ، حقانیت وقوع آن روز ، و نادرستی انکار آن ، به رخ منکرانِ قیامت کشیده می شود .

فهذا یوم البعث و لکنّکم کنتم لاتعلمون

عبارت توبیخی <فهذا یوم البعث> قرینه است بر این که متعلق <لاتعلمون> حقانیت وقوع قیامت است.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۹ - ۳

۳ - مشرکان ، وعده پیامبر (ص) را درباره وقوع قیامت و معاد درست نمی دانستند .

و یقولون متی هذا الوعد إن کنتم صدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۶ - ۲

۲ - برپایی قیامت و حیات مجدد انسان ها پس از مرگ و تبدیل شدن به خاک و استخوان ، مورد انکار مشرکان

أءذا متنا و کنّا ترابًا و عظمًا أءنّا لمبعوثون

دو همزه به کار رفته در آیه شریفه، برای استفهام انکاری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۷ - ۹

۹ - هواپرستی ، انکار روز قیامت ، باطل و بی هدف شمردن جهان آفرینش ، از اوصاف کافران است .

و لاتتّبع الهوی فیضلّک عن سبیل اللّه . .. بما نسوا یوم الحساب . و ما خلقنا السما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۹ - ۳

۳ - تأثیرپذیری مردمان کم عقل و ضعیف الرأی ، از سخنان انکارآمیز کافران مکه علیه موضوع رستاخیز و روز جزا

إنّکم لفی قول مختلف . یؤفک عنه من أُفک

ضمیر در <عنه> می تواند به <قول مختلف> بازگردد. در این صورت <عن> تعلیلیه بوده و جمله <یؤفک...> صفت برای <قول> می باشد; یعنی، <یؤفک بسببه...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲ - ۱

۱ - انکار قیامت از سوی کافران ، تنها محدود به زندگی دنیا است و

نه هنگام تحقق یافتن آن .

لیس لوقعتها کاذبه

<کاذبه> صفت برای موصوف محذوف است و تقدیر آن <نفس کاذبه> می باشد. <لام> در <لوقعتها> به معنای <عند> است; یعنی، وقتی قیامت واقع شود، هیچ کس نمی تواند به دروغ بگوید: <قیامت واقع شدنی نیست>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۷ - ۲

۲ - مؤمنان جن ، دیگران را از انکار قیامت و رستاخیز از سوی برخی از انسان ها آگاه ساختند .

و أنّهم ظنّوا کما ظننتم أن لن یبعث اللّه أحدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۰ - ۴

۴ - گناه ، تکذیب عملیِ قیامت است .

إنّ کتب الفجّار . .. ویل یومئذ للمکذّبین

تعبیر <یومئذ> به قرینه <إنّ کتاب الفجّار لفی سجّین> بر روز برخورد فاجران با نامه عمل خویش منطبق است. بنابراین عنوان <مکذّبین> در برگیرنده <فجّار> خواهد بود که با گناه خود، در عمل، تکذیب کننده قیامت اند.

تکذیب گناه در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۷ - ۹

۹ - انکار و پرده پوشی گناهان در قیامت ، امکان ندارد .

و ما لکم من نکیر

<نکیر> چنان که برخی گفته اند مصدر و به معنای <انکار> است.

تکلم بت ها در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۲۸ – ۹

۹ بت های مورد پرستش اهل شرک در آخرت ، دارای شعور و توانا بر نطق

و یوم نحشرهم جمیعاً . .. و قال شرکاؤهم

ما كنتم إيانا تعبدون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - يونس - ۱۰ - ۲۹ - ۳

۳ بت هاى اهل شرک در جهان آخرت ، داراى شعور و آگاهى و توانا بر نطق

و قال شركاؤهم . .. فكفى باللّه شهيداً بيننا و بينكم إن كنا عن عبادتكم لغفلين

تكلم خدا در قيامت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۴ - ۱۳،۱۷،۱۸

۱۳ - خداوند در قيامت لطف خويش را از كتمان كنندگان احكام و معارف دين دريغ كرده و با آنان سخن نخواهد گفت .

إن الذين يكتمون ما أنزل اللّه . .. لايكلمهم اللّه يوم القيمه

جمله <ولايكلمهم اللّه> كنايه از خشم خدا و دريغ كردن لطف و رحمت است.

۱۷- خداوند در قيامت ، عالمان متعهد و بيان كنندگان حقايق و معارف كتاب هاى آسمانى را مورد لطف خويش قرار خواهد داد و با آنان سخن خواهد گفت .

إن الذين يكتمون . .. لايكلمهم اللّه

برداشت فوق از مفهوم جمله <إن الذين . .. لايكلمهم اللّه> استفاده شده است.

۱۸ - عالمان متعهد از تزكيه الهى برخوردار شده و در قيامت با خداوند هم سخن خواهند بود .

إن الذين يكتمون ما أنزل اللّه . .. لايكلمهم اللّه يوم القيمه و لايزكيهم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۳۰ - ۲

۲ گفتگوى مستقيم خداوند با كافران در قيامت

قال الیس هذا بالحق قالوا بلی و ربنا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۶۲ – ۳

۳ – مکالمه خداوند با مردم در

قیامت

و یوم ینادیهم فیقول أین شرکاءی

ضمیر فاعل در <ینادی> و <یقول> به خداوند بازمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۵ - ۳

۳ - مکالمه خداوند با مردم در روز رستاخیز

و یوم ینادیهم فیقول

ضمیر فاعل در <ینادی> و <یقول> به خداوند باز می گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۴ - ۳

۳ - سخن گفتن خداوند با مردم در روز رستاخیز

و یوم ینادیهم فیقول

ضمیرهای فاعل در <ینادی> و <یقول> به خداوند بازمی گردد. مراد از <یوم> نیز روز قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۷ - ۱۷

۱۷ - گفتوگوی بی واسطه انسان ها با خداوند در قیامت

و یوم ینادیهم أین شرکاءی قالوا

تکلم در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۵ - ۱

۱ هیچ کس در قیامت جز به اذن و رخصت خداوند سخن نخواهد گفت .

یوم یأت لاتکلم نفس إلّا بإذنه

ضمیر در <یأت> به <یوم> در آیات قبل، باز می گردد و <یوم> در <یوم یأت> به معنای حین و زمان است. بنابراین <یوم یأت ...>; یعنی، در آن هنگام که روز قیامت برپا شود ... . قابل ذکر است که <لاتکلم> در اصل <لاتتکلم> بوده که بر اساس قواعد صرفی یک <تاء> از آن حذف شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۲ - ۱۲

۱۲ - در قیامت حتی برای مجرمان ، امکان تکلم و درخواست وجود

دارد .

و لو ترى إذ المجرمون . .. ربّنا أبصرنا و سمعنا فارجعنا

فراز <ربّنا أبصرنا. ..> مقول قول مجرمان در روز قيامت و مفيد نكته بالا است.

تلاش مكذبان قيامت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۷ - ۷

۷ - منكران وقوع قيامت ، در صدد بودند تا با طرح عدم امكان بازآفرينى اجساد قطعه قطعه شده انسان ها پس از مرگ ، عقيده خود را توجيه كنند .

و قال الذين كفروا لاتأتينا الساعه . .. و قال الذين كفروا هل ندلّكم على رجل ينبّئ

تمايز صفوف در قيامت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۶ - ۴

۴ - تحقق قيامت ، به منظور جدا شدن و شفاف گرديدن صفوف حق مداران از باطل گرايان است .

قل يجمع بيننا ربّنا ثمّ يفتح بيننا بالحقّ

تمايز گروه ها در قيامت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۴ - ۳

۳ - صفوف مؤمنان ، در روز قيامت ، از صف كافران جدا مى شود .

و يوم تقوم الساعه يومئذ يتفرّقون

در صورتى كه مرجع ضمير <يتفرّقون> واژه <الخلق> در آيه يازده باشد و به قرينه دو آيه بعد كه درباره وضعيت مؤمنان و كافران است نكته ياد شده قابل استفاده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۴۳ – ۱۲

۱۲ – روز قیامت ، روز تفکیک شدن کامل انسان های مؤمن از انسان های کافر است .

یومئذ یصّدّعون

احتمال دارد مراد از تفکیک

شـدن و جـدایی در روز قیامت، تفکیک صـفوف اهل بهشت از صـفوف کسانی که اهل جهنم انـد باشـد. آیه بعـد، مؤیـد این برداشت است

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۴ - ۸

۸ - در قیامت ، صفوف کافران و مؤمنان ، از هم جدا می شود .

یومئذ یصّدّعون . من کفر فعلیه کفره و من عمل صلحًا ... یمهدون

تمایز گروهها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۸ - ۵

۵ - انسان ها در قیامت ، متشکل در گروه هایی مشخّص و متمایز

و تری کلّ أمّه جاثیه کلّ أمّه تدعی

واژه <اُمّه>، می نمایاند که حضور انسان ها در قیامت، در مجموعه ها و امت ها است; نه به صورت منفرد.

تمایلات مادی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۲ - ۳

۳ - وجود تمایلات مادی ، برای انسان ، در قیامت و ارضای کامل آنها در بهشت

و فوکه ممّا یشتهون

تنهایی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۰ - ۳

۳- کافران در صحنه قیامت ، بدون سازوبرگ و تنها و بی کس ، حاضر خواهند شد .

نرثه ما یقول و یأتینا فردًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۵ - ۲،۳

۲- تمامی موجودات شعورمند آفرینش در صحنه قیامت ، یکه و تنها و بدون یاور و همراه ، حاضر خواهند شد .

ءاتیه یوم القیمه فردًا

<فرداً> حال برای ضمیر

فاعلی <آتیه> می باشد; یعنی، آمدن موجودات در قیامت در حال انفراد و تنهایی است.

۳- معبود های باطل (فرزند پنداشته شدگان خداوند) و پرستندگان آنها ، همه یکه و تنها در صحنه قیامت حضور خواهند یافت .

دعوا للرحمن ولدًا . .. و کلّهم ءاتیه یوم القیمه فردًا

<کلّهم> شامل تمامی موجودات ذی شعور آفرینش (من فی السموات والأرض) می گردد و از جمله آنها کسانی اند که برخی از مردم; آنان را فرزند خدا می پنداشتند (مانند: ملائکه، حضرت عیسی و عزیر(ع)).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۱ - ۵

۵ - بی پناهی و تنهایی شدید انسان ها در عرصه قیامت ، علی رغم حضور در جمع

فلاأنساب بینهم یومئذ و لایتساءلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۱ - ۴،۵

۴- تنهایی انسان در قیامت و جدایی او از یاران خویش ، نمودی از < یوم الفصل > بودن قیامت *

إنّ یوم الفصل . .. یوم لایغنی مولًی عن مولًی شیًا

۵- انسان ها ، در اوج ازدحام و تجمع در قیامت ، تنها و بی یاور خواهند بود . *

میقتهم أجمعین . .. یوم لایغنی مولًی عن مولًی شیًا

از ارتباط <لایغنی. ..> که تنهایی را می رسانند با <میقاتهم أجمعین> که تجمع را می فهمانند مطلب یاد شده قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۰ - ۸

۸ - تنهایی و بی پناهی در قیامت ، هشداری به مال اندوزان و قدرت مداران

و لایغنی

عنهم ما كسبوا شيًا و لا ما اتّخذوا من دون اللّه أولياء

توجيه گری مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۷ - ۷

۷ - منکران وقوع قیامت ، در صدد بودند تا با طرح عدم امکان بازآفرینی اجساد قطعه قطعه شده انسان ها پس از مرگ ، عقیده خود را توجیه کنند .

و قال الذین کفروا لاتأتینا الساعه . .. و قال الذین کفروا هل ندلّکم علی رجل ینبّئ

توجیه ناپذیری تکذیب قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۸ - ۳

۳ - افسانه پنداشتن قرآن و تکذیب قیامت ، توجیه ناپذیر است .

قال أسطیر الأوّلین . .. هذا الذی کنتم به تکذّبون . کلّا

حرف <کلّا> ممکن است برای ردع و منع از توهّماتی باشد که در آیات پیشین، کافران گرفتار آن دانسته شده بودند.

توحید در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۲ - ۱۱

۱۱ قیامت، روز ظهور حقانیت توحید، حتی برای مشرکان

ثم نقول للذین أشرکوا أین شرکاؤکم الذین کنتم تزعمون

توصیه به مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۹۵ – ۲

۲ – ایمان آوردن به معاد و دست برداشتن از انکار و تکذیب آن ، توصیه أکید الهی به همه کافران و تکذیب گران

و أمّا إن کان من المکذّبین . .. إنّ هذا لهو حقّ الیقین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – تغابن – ۶۴ – ۸ – ۲

۲ – توصیه

خداوند به کافران و منکران قیامت به ایمان به خدا ، پیامبر اسلام و قرآن

فامنوا باللّه و رسوله و النور الذی أنزلنا

بیشتر مفسّران مقصود از <نور> در این آیه را قرآن کریم می دانند.

تهدید مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲ - ۳

۳ - تهدید منکران قیامت ، به دست برداشتن از انکار آن تا فرصت باقی مانده

لیس لوقعتها کاذبه

<کاذبه> می تواند صفت برای موصوف مقدر باشد (نفس کاذبه). در این صورت آیه شریفه نظر به کافران دارد که تا وقت باقی است، دست از انکار قیامت بردارند; زیرا روزی که قیامت واقع شود، آنان جز تسلیم شدن در برابر واقعیت و گرفتار سرافکندگی شدن فرجامی ندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۶ - ۳

۳ - تهدید تکذیب گران روز جزا ، به محرومیت از موهبت های بهشتی

کلوا و تمتّعوا قلیلاً

امر در <کلوا و تمتّعوا> در معنای تهدید و انذار به کار رفته است. در آیات گذشته، از مواهب بهشت و تأمین خواسته های تقواپیشگان در آن، سخن به میان آمده است. از این مطلب استفاده می شود که این تهدید، ناظر به محرومیت از موهبت های بهشتی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۸ - ۷

۷ - حکم نافذ و قضاوت حکیمانه خداوند ، تهدیدی برای تکذیب کنندگان دین و منکران قیامت

فما يكذّبك بعد بالدين . أليس اللّه بأحكم الحكمين

تهمتهای مكذبان قيامت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - طور -

۵۲ - ۱۵ - ۳

۳ - اتهام سحر و ساحری به پیامبران و وحی ، زشت ترین موضع گیری تکذیب گران علیه آنان *

أفسحر هذه

اختصاص به ذکر یافتن موضوع <سحر>، بیانگر مطلب بالا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۳ - ۳،۵،۱۱

۳ - تکذیب کنندگان قیامت ، معارف قرآن را نوشته هایی بی اساس و ساخته و پرداخته پیشینیان می دانند .

قال أسطیر الأوّلین

(<أساطیر> جمع <اُسطوره>) به سخن های زیبا و نوشته شده ای گفته می شود که در محتوا، شبیه یاوه سرایی باشد (لسان العرب). مراد از استناد <أساطیر> به <أوّلین> یا این است که این اساطیر، تراوش افکار آنان است و یا این که زندگانی آنان، در این افسانه ها ترسیم شده است. برداشت یاد شده، ناظر به احتمال نخست است.

۵ - منکران قیامت ، قرآن را مجموعه ای افسانه ای ، درباره نسل های انقراض یافته بشر می دانند .

إذا تتلی علیه ءایتنا قال أسطیر الأوّلین

ر. ك. توضیح ۳

۱۱ - منکران قیامت ، آن را خرافه ای ساخته و پرداخته افسانه پردازان پیشین می دانند .

و ما یکذّب به إلاّ .. قال أسطیر الأوّلین

تیزبینی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۲ - ۵

۵ چشمان آدمی در قیامت ، سخت ژرف نگر و واقع بین

فبصرك الیوم حدید

ثبت تکذیب قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۱ - ۵

۵ - تکذیب قیامت ، در نامه عمل تکذیب کنندگان ثبت شده و براساس آن کیفر خواهند

دید .

کتب مرقوم . ویل یومئذ للمکذّبین . الذین یکذّبون بیوم الدین

ثروت اندوزان در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۳۵ – ۱

۱ دفینه های زراندوزان در قیامت وبال گردن و ابزاری برای شکنجه و عذاب آنان ، خواهد گشت .

و الذین یکنزون الذهب و الفضه . .. یوم یحمی علیها فی نار جهنم فتکوی بها جباههم

جبر در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نبأ – ۷۸ – ۳۸ – ۱۱

۱۱ – قیامت ، روز سلب اختیار از انسان

یوم . .. لایتکلّمون إلّا من أذن له الرحمن

جبرئیل در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – معارج – ۷۰ – ۴ – ۲

۲ – فرشتگان و جبرئیل ، کارگزاران الهی در عرصه قیامت

تعرج الملئکه و الروح إلیه

جدایی انسان ها در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۳۸ – ۱،۲

۱ - قیامت ، روز جداسازی میان خلایق و داوری میان حق و باطل است .

هذا یوم الفصل

<فصل>به حایل بین دو چیز و نیز به داوری میان حق و باطل گفته می شود (قاموس المحیط). روز قیامت، از این رو <یوم الفصل> نامیده شده که در آن روز، میان خلایق جدایی خواهد افتاد و حق از باطل تمیز داده شده و مورد داوری قرار خواهد گرفت.

۲ - جداسازی میان خلایق و داوری میان حق و باطل ، از مهم ترین خصیصه روز قیامت

هذا یوم الفصل

توصیف روز قیامت به <یوم الفصل> در سلسله آیات مربوط به حوادث

قبل و بعد از برپایی قیامت، گویای برداشت یاد شده است.

جدایی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۳ - ۱،۲

۱ - قیامت ، روز جداسازی میان خلایق و داوری میان حق و باطل است .

لیوم الفصل

<فصل> به حایل بین دو چیز و نیز به داوری میان حق و باطل گفته می شود(قاموس المحیط). روز قیامت چنان که مفسران گفته اند از این رو <یوم الفصل> نامیده شده که در آن روز، میان خلایق جدایی ایجاد شده و حق از باطل تمیز داده خواهد شد و مورد داوری قرار خواهد گرفت.

۲ - جداسازی میان خلایق و داوری میان حق و باطل ، از مهم ترین خصیصه روز قیامت

لیوم الفصل

توصیف روز قیامت به <یوم الفصل>، در سلسله آیات مربوط به حوادث قبل و بعد از برپایی قیامت، گویای برداشت یاد شده است.

جرم تکذیب قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۶ - ۶

۶ - تکذیب روز جزا ، جرمی نابخشودنی است و تکذیب گران مجرم اند .

ویل یومئذ للمکذّبین . .. کلوا و تمتّعوا قلیلاً إنّکم مجرمون

مطلب یاد شده، از به کار رفتن عنوان <مجرمان> درباره <مکذّبان>، استفاده شده است.

جن در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۹ - ۳

۳ - حضور جن همچون آدمیان ، در صحنه قیامت برای حسابرسی و کیفر و پاداش

فیومئذ لایسل عن ذنبه إنس و لاجانّ

جنیان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام

- ۶ - ۱۲۸ - ۵

۵ جنیان و انسانها در قیامت مورد بازخواست مشترک قرار خواهند گرفت.

یمعشر الجن . .. و قال أولیاؤهم من الإنس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۲ - ۱

۱ هر یک از افراد جن و انس در روز قیامت از مرتبه و درجه ویژه خود برخوردارند.

و لکل درجت مما عملوا

تنوین <و لکل> عوض محذوف است و به قرینه آیه ۱۲۸ و ۱۳۰، محذوف <جن و انس> است، یعنی: <لکل من الجن و الإنس . ..> و چون آیات پیشین ترسیم قیامت بوده، ظاهر آن است که درجات مطرح شده در آیه مربوط به آن روز باشد.

جنیان گناهکار در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۹ - ۱

۱ - گناهکاران جن و انس در صحنه قیامت ، دارای وضعیتی معلوم و بی نیاز از محاکمه و سؤال

فیومئذ لایسئل عن ذنبه إنس و لاجانّ

جهل به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۵ - ۶

۶ - آگاهی نداشتن غیرخدا به لحظه برپایی رستاخیز ، دلیل شایسته نبودن غیر او برای پرستش

و ما یشعرون أیّان یبعثون

با توجه به این که معبودهای دروغین مشرکان، از مصادیق مورد نظر در <ما یشعرون> هستند، از ارتباط آن با صدر آیه استفاده می شود که موجوداتی که زمان رستاخیز بر آنها مکشوف نباشد، اصولاً نمی توانند به عنوان معبود شناخته شوند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۵۶ – ۱۲،۱۳

- کافران ، از حقیقت روز قیامت و برانگیختگی مردگان در آن ، همواره ، در جهل و بی اطلاعی اند .

یقسم المجرمون . .. فهذا یوم البعث و لکنّکم کنتم لاتعلمون

۱۳ - کافران ، از وقوع قیامت بی اطلاع اند و برای حضور در آن ، آماده نیستند .

و یوم تقوم الساعه یقسم المجرمون ما لبثوا غیر ساعه . .. و لکنّکم کنتم لاتعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۶ - ۳

۳ - پیامبر (ص) ، موظف به اعلام بی اطلاعی خویش از زمان فرا رسیدن قیامت

قل إنّما العلم عند اللّه

پاسخ پیامبر(ص) (علم به زمان برپایی قیامت تنها در انحصار خداوند است)، می رساند که خود آن حضرت نیز از آن آگاهی نداشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۶ - ۲

۲ - آگاه نبودن از زمان برپایی قیامت ، بهانه کافران برای انکار آن

یسئل أیّان یوم القیمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۳ - ۱

۱ - آگاهی به زمان وقوع قیامت حتی برای پیامبر (ص) مقدور نیست .

فیم أنت من ذکریها

<ذکری> به معنای ذکر فراوان است. این کلمه نسبت به کلمه <ذکر>، مبالغه بیشتری دارد (مفردات راغب). مراد از استفهام انکاری در جمله <فیمَ أنت...> این است که ای پیامبر! تو منزلتی نیستی که بتوانی هرگونه اطلاعی را درباره قیامت، به آنان ارائه کنی.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نازعات – ۷۹ – ۴۴ – ۵

- انحصار تصمیم گیری درباره قیامت به خداوند ، دلیل ناآگاهی پیامبر (ص) از زمان وقوع آن است .

فیم أنت من ذکریها . إلی ربّک منتهیها

جمله <إلی ربّک. ..>، به منزله تعلیل برای جمله قبل است.

جهل به وقت قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۴ - ۴

۴ زمان برپایی قیامت برای انسان ها مجهول است و همچنان مجهول خواهد ماند .

و ما نؤخّره إلاّ لأجل معدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۱ - ۲،۳

۲- خدایانِ مشرکان ، هیچ اطلاعی از زمان وقوع قیامت و رستاخیز خود ندارند .

و ما یشعرون أیّان یبعثون

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مرجع ضمیر فاعلی در <یشعرون> و <یبعثون> معبودهای باطل باشد که در آیه قبل از آنها سخن به میان آمده است.

۳- معبود های مشرکان ، بی اطلاع از زمان رستاخیز پرستش کنندگان خویش

و ما یشعرون أیّان یبعثون

برداشت فوق، مبتنی بر این احتمال است که مرجع ضمیر <یبعثون> پرستشگران اصنام باشد که همان ضمیر فاعلی <یدعون> است.

جهل مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۱ - ۱

۱ - منکران روز جزا ، فرومانده در گرداب جهالت و گرفتار غفلت و بی خبری

الذین هم فی غمره ساهون

<غمره> به معنای فرو رفتن در جهل و نادانی و <ساهی> به معنای غافل و بی خبر است.

جهنمیان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۷ - ۱

۱ دوزخیان در

صحنه قیامت دارای موقعیتی بسیار شوم و دشوار

و إذا صرفت ابصرهم تلقاء اصحب النار قالوا ربنا

هـدف از بیان ناخوشاینـدی بهشتیان از مشاهـده دوزخیان و بیان دعای آنان پس از مشاهده ناخواسـته ترسـیم موقعیت دشوار و شوم دوزخیان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۱ - ۱۳

۱۳- جهنّم یان در آخرت یکدیگر را شناخته و حوادث دنیا را به خاطر خواهند آورد .

و برزوا لله جمیعًا فقال الضعفؤا للذین استکبروا إنّا کنّا لکم تبعًا فهل أنتم مغن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۳ - ۴

۴ - دوزخیان در قیامت ، به اشتباه خود در دل بستن به زندگی محدود دنیا پی خواهند برد .

قالوا لبثنا یومًا أو بعض یوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۴ - ۲

۲- وجود نیاز های جسمانی برای دوزخیان در قیامت *

إنّ شجرت الزقّوم . طعام الأثیم

برداشت بالا بدان احتمال است که تعبیر <طعام>، حاکی از نیاز دوزخیان به غذا باشد; نه خوراندن اجباری به آنان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۳ - ۱،۳

۱ - گرفتاران پستی و خواری در قیامت ، برای رهایی خود تلاش کرده ، خویش را به سختی و زحمت خواهند انداخت .

عامله ناصبه

مراد از <عمل> در قیامت به قرینه آیه قبل تلاش دوزخیان برای رهایی از مخمصه ای است که آنان را به خشوع و ذلت افکنده است. <نَصَب> به معنای تعب است. (مفردات راغب)، بنابراین <ناصبه> به معنای

کسانی است که خود را به رنـج و سـختی می اندازنـد. به قرینه <یومئذ> در آیه قبل می توان گفت که این دو وصف مربوط به آخرت است.

۳ - اهـل دوزخ ، تلاش های پرمشـقّت خود در دنیا را بی نتیجه دیـده و برای رهایی از پستی و ذلّت در قیامت ، از آن بهره ای نخواهند برد .

وجوه یومئذ خشعه . عامله ناصبه

چنـانچه دو وصف <عـامله> و <ناصـبه>، مربوط به تلاـش و رنـج در دنیا باشـد; مراد این خواهـد بود که صاحبان <وجوه خاشـعه> تا زمانی که در دنیا بودند، کارهای پرزحمت انجام می دادند; ولی اکنون در قیامت از آن بی بهره اند. گفتنی است که جمله <لسعیها راضیه> (در آیات بعد) که در وصف گروه مقابل این افراد است با این احتمال سازگارتر است.

چشمهای کافران در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۴ - ۱

۱ - کافران حق ناپذیر ، با چشمانی فروافتاده و فروتنانه در محکمه عدل الهی حاضر می شوند .

خشه أبصارهم

حاکم قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۷ - ۵

۵ خداوند یگانه ، تنها حاکم در عرصه قیامت

اللّه لا اله الّا هو لیجمعنّکم الی یوم القیمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۲ - ۵

۵ حکمرانی قیامت تنها از آن خداوند و در اختیار اوست.

ثم ردوا إلى الله موليهم الحق ألا له الحكم

از کلمه <ثم> استفاده می شود که انسانها در مرحله ای بعد از مردن به

سوی خدا برگردانده می شوند که ظاهراً همان مرحله قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۳ - ۳

۳- خداوند به دلیل حاکمیّت بر رستاخیز و نظام کیفری انسان ها ، تنها منبع آگاه از سود و زیان واقعی آنان است .

إنّا أعتدنا جهنّم . .. هل ننبّئكم بالأخسرين أعمالاً

خداونـد پس از این که موضع قیامت و کیفر کافران را در آیات قبل یادآور شده، در مقام اِخبار از سود و زیان واقعی انسان ها برآمده است. این نکته نشانه آن است که در شـناخت سود و زیان، تنها، گفته های او ملاک است; چرا که فرجام انسان ها را، او رقم می زند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۵ - ۵

۵- فرمان روایی حاکمیت مطلق در قیامت ، در انحصار خداوند است .

ءاتیه یوم القیمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۹ - ۵

۵ - خداوند ، حاکم مطلق و بی چون و چرای روز قیامت

إلّامن أذن له الرحمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۲ - ۲

۲ - تصمیم گیر و فرمان روای قیامت ، خداوند است .

فاليوم لايملك بعضكم لبعض نفعًا و لا ضرًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ – مجادله – ۵۸ – ۶ – ۳

۳ – خداوند ، حاکم روز جزا است .

یوم یبعثهم اللّه جمیعًا فینبّئهم بما عملوا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – مجادله – ۵۸

۱۰ - خداوند ، فرمانروا و داور روز قیامت است .

و اتّقوا اللّه الذی إلیه تحشرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۱۲ - ۲

۲ - خداوند ، تنها فرمانروای روز قیامت

إلی ربّک یومئذ المستقرّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۹ - ۱۰،۱۱

۱۰ - سیطره حاکمیت خداوند بر تمام امور قیامت ، حقیقتی وصف ناپذیر و تصوّر آن بیرون از طاقت علمی بشر است .

و ما أدریک . .. ثمّ ما أدریک ما یوم الدین ... و الأمر یومئذ للّه

بیان حاکمیت مطلقه خداوند پس از اشاره به فوق تصور بودن قیامت نشانه آن است که بشر، از درک حقیقت حاکمیت اخروی خدا ناتوان است.

۱۱ - ناتوانی انسان ها از یاری رسانی به یکدیگر در قیامت ، جلوه ای از حاکمیّت مطلقه خداوند بر رخداد های آن است .

یوم لاتملک نفس لنفس شیئًا و الأمر یومئذ للّه

ارتباط صدر و ذیل آیه شریفه، گویای برداشت یاد شده است.

حاکمیت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۶ - ۱

۱ - فرمان روایی مطلق و بی همتا در روز قیامت ، مخصوص خداوند است .

الملک یومئذ للّه

حاکمیتها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۳ - ۱۱

۱۱ تمامی مالکیتها و حاکمیتهای اعتباری در روز نفخ صور از میان خواهد رفت.

و له الملک یوم ینفخ فی الصور

حالات اخروی مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۳ - ۱،۲

۱ تکذیب کنندگان قیامت در حالی که به غل و زنجیر بسته شده اند ، به جایگاهی تنگ در دوزخ افکنده خواهند شد .

و إذا أُلقوا منها مکانًا ضیّقًا مقرّنین

<قرن> (ریشه <مقرنین>) در اصل به معنای ریسمانی است که چند شتر را به هم ببندند; ولی به قرینه آیه ۴۹ سوره ابراهیم (تری المجرمین یومئذ مقرّنین فی الأصفاد) می توان گفت: مقصود غل و زنجیری است که به وسیله آن، منکران معاد را به هم می بندند. غل و زنجیر است.

۲ افکنده شدن منکران قیامت به جهنم ، همراه با تحقیر و اجبار است .

و إذا أُلقوا منها

واژه <أُلقوا> (به صیغه مجهول) به جای <ادخلوا>، حاکی از اجباری و تحقیرآمیز بودن ورود به جهنم است.

حبط عمل در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۶ - ۳

۳ اعمال نیک دلبستگان به دنیا و زیبایی های آن ، در آخرت حبط شده و در پیشگاه خداوند ارزشی نخواهد داشت .

أُولئک . .. و حبط ما صنعوا فیها

ضمیر در <فیها> به <الحیاه الدنیا> برمی گردد و ظرف <حبط> به قرینه <فی الأخره> در فراز قبل جهان آخرت است; یعنی: و حبط فی الأخره ما صنعوا فی الدنیا. با توجه به معنای صنیعه (عمل خیر) به نظر می رسد، مراد از <ما صنعوا> اعمال نیک، همانند دستگیری از مستمندان و ... و مقصود از <ما کانوا یعملون> اعمال متعارف، همانند تجارت و ... باشد.

حتمیت حشر در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه

– فیش

۲۰ – مطففین – ۸۳ – ۱۸ – ۲

۲ – حضور مردم در پیشگاه خداوند در قیامت و حسابرسی اعمال آنان ، قطعی و تردیدناپذیر است .

یوم یقوم الناس لربّ العلمین . کلاّإنّ کتب الفجّار ... کلاّإنّ کتب الأبرار

حتمیت حضور در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۷ – ۲

۲ – حضور انسان ها در قیامت در سه دسته مختلف و دست یافتن آنها به سعادت و یا گرفتار شدن در شقاوت و بدبختی ، فرجامی قطعی و غیر قابل تردید

و کنتم أزوجًا ثلثه

تعبیر <کنتم> به صیغه ماضی، بیانگر آن است که حضور در رستاخیز، چنان حتمی و غیرقابل تردید است که گویا در گذشته محقق شده است.

حتمیت رفع اختلاف در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نبأ – ۷۸ – ۱۷ – ۴

۴ – برپایی قیامت و رفع اختلافات در آن ، حتمی و تردیدناپذیر است .

إنّ یوم الفصل کان میقتًا

مشخص بودن زمان برپایی قیامت که کلمه <میقات> بر آن دلالت دارد حاکی از قطعی بودن آن است.

حتمیت رؤیت جهنم در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکاثر – ۱۰۲ – ۶ – ۲

۲ - سوگند خداوند برای تأکید بر حتمی بودن مشاهده جهنم در قیامت

لترونّ الجحیم

جمله <لترونّ. ..> یا جواب <لو> است و یا جواب قسم محذوف. برداشت یاد شده ناظر به احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۷ - ۲

۲ - سوگند مکرّر خداوند ، بر

حتمی بودن مشاهده جهنم در قیامت و پیدایش یقین برای ناظران آن

ثمّ لترونّها عین الیقین

حتمیت زلزله قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۱ - ۲

۲ - زلزله فراگیر زمین ، حادثه ای قطعی و تخلّف ناپذیر است .

إذا زلزلت الأرض زلزالها

حرف <إذا> بر فعلی داخل می شود که تحقّق آن در آینده، حتمی خواهد بود.

حتمیت صیحه آسمانی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۲ - ۲

۲ - فریاد آسمانی در آستانه رستاخیز ، امری حتمی و تخلف ناپذیر

یوم یسمعون الصیحه بالحقّ

بنابراین که <بالحقّ>، نشانگر حتمیت و تخلف ناپذیری باشد، برداشت بالا استفاده می شود.

حتمیت عذاب مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۹ - ۱

۱ - درماندگی تکذیب گران روز جزا در قیامت ، از هر گونه چاره اندیشی برای رهایی خویش از عذاب الهی

فإن کان لکم کید فکیدون

حتمیت قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۹ – ۶

۶ قیامت ، روزی غیر قابل تردید

ربّنا انّک جامع الناس لیوم لا ریب فیه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۲۵ – ۵

۵ قیامت ، روزی تردیدناپذیر

لیوم لا ریب فیه

بنابراینکه <لا ریب فیه>، به معنای <لا ریب فی وقوعه> باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۸۷ – ۷،۱۱

۷ روز قیامت ، حتمی و تردیدناپذیر

لیجمعنّکم الی

يوم القيمه لا ريب فيه

در برداشت فوق جمله <لا ـ ريب فيه> به معناى <لا ـ ريب فى وقوعه> گرفته شده است ; يعنى وقوع و تحقق چنين روزى حتمى و ترديدناپذير است.

۱۱ توجه به راستگويى مطلق خداوند ، برطرف كننده هر گونه ترديد در تحقق قيامت

ليجمعنّكم الى يوم القيمه لا ريب فيه و من اصدق من اللّه حديثا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲ - ۱۲

۱۲ ترديدناپذيرى تحقق قيامت

ليجمعنكم إلى يوم القيمه لا ريب فيه

<لا ريب فيه> نفى هر گونه ترديد درباره قيامت است، كه از بارزترين موارد ترديد درباره قيامت، ترديد در تحقق آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - هود - ۱۱ - ۴ - ۵

۵ قدرت مطلق خدا ، پشتوانه تحقق معاد و برپايى روز قيامت است .

فإنى أخاف عليكم عذاب يوم كبير. إلى الله مرجعكم و هو على كل شىء قدير

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۴ - ۲

۲ برپايى قيامت از زمان تعيين شده آن ، به تأخير نخواهد افتاد .

و ما نؤخّره إلّا لأجل معدود

در برداشت فوق ، حرف <لام> در <لأجل> به معناى <إلى> گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲ - ۱۷

۱۷ برپایی قیامت ، اصلی که باید به آن یقین و اطمینان داشت .

لعلکم بلقاء ربکم توقنون

<لقای پروردگار> کنایه از برپایی قیامت است ; زیرا در آن صحنه است که ربوبیت خدا برای انسانها ملموس و محسوس می شود و آن

را به عین الیقین درمی یابند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۲۱ – ۳

۳- قطعی بودن وقوع قیامت و حضور همه انسان ها در آن

و برزوا لله جمیعًا

ماضی آوردن فعل <برزوا> برای بیان حادثه ای که در آینده (قیامت) واقع خواهد شد، حکایت از قطعی بودن آن می کند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۸۵ – ۵

۵- برپایی قیامت ، امری قطعی و تحقق پذیر است .

و إن الساعه لأتیه

<ساعه> در لغت، به معنای جزئی از اجزای زمان و در آیه فوق کنایه از قیامت است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۴۰ – ۹

۹- قدرت مطلق خداوند ، ضامن تحقق وعده او در زنده کردن دوباره انسان ها و برپایی قیامت

و أقسموا بالله . .. لایبعث الله من یموت بلی وعدًا علیه ... إنما قولنا لشیء إذا أ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۶۲ – ۹

۹- رستاخیز ، امری تعیین شده و قطعی در آغاز خلقت آدم (ع) و آگاهی ابلیس از آن

قال . .. لئن أخّرتن إلی یوم القیمه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۱ - ۸،۱۶

۸- برپایی قیامت ، حقیقتی تردیدناپذیر است .

و أنّ الساعه لاریب فیها

جمله <لاریب فیها> جمله خبریه ای است که از آن، مبالغه در نهی، اراده شده است; یعنی، نباید در باره قیامت، تردید کرد; چه این که در موضوع قیامت، جایی

برای تردید وجود ندارد!

۱۶- معاد و برپایی قیامت ، وعده حق و تخلّف ناپذیر الهی است .

لیعلموا أنّ وعد اللّه حقّ و أنّ الساعه لاریب فیها

عبارت <أنّ الساعه. ..> ممکن است تفسیر کننده <أنّ وعد اللّه حقّ> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۸ - ۱۸

۱۸- برپایی قیامت ، وعده خداوند و تخلّف ناپذیر است .

و کان وعد ربّی حقًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۵ - ۱

۱ - فرا رسیدن قیامت ، حتمی است .

إنّ الساعه ءاتیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۷ - ۳

۳- قیامت ، وعده راستین و تخلف ناپذیر الهی

و اقترب الوعد الحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷ - ۵

۵ - فرا رسیدن لحظه برپایی قیامت حتمی است .

و أنّ الساعه ءاتیه

برداشت فوق، بر این اساس است که <الساعه> (آن هنگام) اشاره به زمان برپایی قیامت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۰ - ۱

۱ - قیامت ، وعده ای راست و تخلف ناپذیر

بل أتینهم بالحقّ

<إتیان> (مصدر <أتی>) یک مفعولی و به معنای آمدن است و هر گاه همراه با <باء> تعدیه بیاید مانند آیه فوق دو مفعولی و به معنای آوردن می شود. <حقّ> به قرینه مقابله آن با <کذب> (إنّهم لکاذبون)، به معنای سخن راست است. گفتنی است که مراد از سخن راست (حقّ)، می تواند یکی از سه امر زیر

باشد: ۱ وعده قیامت، ۲ مسأله توحید و یگانگی خدا، ۳ قرآن کریم. برداشت یاد شده بر پایه احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵ - ۸

۸ - قیامت ، روزی تعیین شده از جانب خداوند ، و واقع شدن اش قطعی است .

فإنّ أجل اللّه لأت

جمله اسمی، حرف تأکید <إنّ> و لام در <لأت> بر قطعیت، دلالت دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۳ - ۹

۹ - برپایی قیامت ، از ناحیه خداوند است و هیچ مانعی جلوی وقوع آن را نمی گیرد .

أن یأتی یوم لا مردّ له من اللّه

<من اللّه> احتمال دارد متعلق به <یأتی> باشد. یعنی: <روزی که از سوی خداوند می آید، هیچ مانعی برای تحقق آن نیست.>. لازم به ذکر است که <مَرَدّ> (مصدر میمی) و به معنای <دفع و رد کردن> است و مراد از <یوم> روز قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۸ - ۵

۵ - وعده وقوع حتمی قیامت ، از سوی مؤمنان به کافران داده شده بود .

و یقولون متی هذا الفتح إن کنتم صدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳ - ۵

۵ - پیامبر (ص) ، مأمور پاسخ گویی به کافران درباره وقوع حتمی قیامت

و قال الذین کفروا لاتأتینا الساعه قل بلی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۰ - ۵

۵ - زمان وقوع قیامت

، تغيير ناپذير است .

قل لكم ميعاد يوم لاتستأخرون عنه ساعه و لاتستقدمون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۹ - ۱

۱ - برپايى قيامت ، امرى حتمى است .

إنّ الساعه لأتيه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۹ - ۱۶

۱۶ - قدرت نامحدود الهى ، تضمين كننده تحقق قيامت است .

لمحى الموتى إنّه على كلّ شىء قدير

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - شورى - ۴۲ - ۷ - ۲۱

۲۱ - قيامت ، واقعيتى حتمى و غير قابل ترديد

تنذر يوم الجمع لا ريب فيه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - شورى - ۴۲ - ۱۸ - ۶

۶ - اهل ايمان ، آگاه به حقانيت رستاخيز و وقوع حتمى آن

و يعلمون أنّها الحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - شورى - ۴۲ - ۴۷ - ۷

۷ – اراده خداوند ، نسبت به برپایی قیامت ، قاطع و غیرقابل تجدید نظر است .

من قبل أن یأتی یوم لا مردّ له من اللّه

<لاـ> در <لاـمردّ له من اللّه> برای نفی جنس است. و <مردّ> مصـدر میمی و به معنای بازگردانـدن می باشـد. منظور این است که برپایی قیامت، امری قطعی و تجدید نظر در آن غیر ممکن است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۴۴ – ۷

۷ – قیامت ، رخدادی غیر قابل تخلف و گریزناپذیر

و سوف تسئلون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳

- ۶۱ - ۵

۵ - قیامت ، رخدادی قطعی و تردیدناپذیر

و إنّه لعلم للساعه فلاتمترنّ بها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۹ - ۶

۶ - قیامت ، آینده ای محتوم و نه چندان دور

فسوف یعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۶ - ۵،۶

۵ - برپایی قیامت ، برنامه ای حتمی و تخلّف ناپذیر

لاریب فیه

۶ - حتمی بودن وقوع قیامت ، به رغم جهل و ناآگاهی بیشتر مردم نسبت به آن

لاریب فیه و لکنّ أکثر الناس لایعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۲ - ۲،۳

۲ - برپایی قیامت ، وعده ای به حق از جانب خداوند و رخدادی حتمی و تخلف ناپذیر

إنّ وعد اللّه حقّ و الساعه لاریب فیها

عطف جمله <الساعه. ..> بر جمله <إنّ وعد اللّه حقّ>، می تواند تفسیری و یا از قبیل عطف خاص بر عام باشد. و در هر صورت، مطلب بالا را افاده می کند.

۳ - وعده برپایی حتمی قیامت ، از پیام ها و هشدار های مهم خداوند به انسان ها

ءايتى تتلى عليكم . .. و إذا قيل إنّ وعد اللّه حقّ و الساعه

از اين كه خداوند، پس از بيان كلى <آياتى تتلى عليكم> صرفاً به مسأله معاد به عنوان يكى از آن آيات تصريح كرده است، اهميت آن استفاده مى شود.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۶ - ۹

۹ علم الهى ، به زواياى وجود آدمى ، پشتوانه برپايى قيامت و

حساب رسی و مؤاخذه انسان *

و نحن أقرب إليه من حبل الوريد

در آیات پیشین برای اقامه برهان معاد به دو نکته اشاره شده است: نخست قدرت خداوند و سپس علم او. اکنون دراین آیات، تعبیر <أفعيينا...> به قدرت و <نعلم ما توسوس...> به علم الهی نظر دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵ - ۲

۲ - وعده رستاخیز ، راست و غیر قابل تخلّف است .

إنّما توعدون لصادق

تعبیر <ما توعدون> گرچه عام و شامل همه وعده های الهی است; لکن ذکر مسأله قیامت و معاد در قسمت بعد، قرینه است بر این که مصداق مورد نظر از آن، وعده قیامت و حیات مجدد انسان ها پس از مرگ می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۶ - ۱

۱ - تحقق روز جزا و اجرای قانون الهی ، امری حتمی و تخلف ناپذیر

و إنّ الدين لوقع

واژه <دین> در معانی بسیاری به کار می رود که از جمله آنها <جزا> است. در آیه شریفه به مناسبت مورد، همین معنا اراده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱ - ۱

۱ - لحظه قیامت ، بس نزدیک و حتمی الوقوع

اقتربت الساعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۳ – ۷

۷ – صحنه های هول انگیز قیامت و مجازات دین ستیزان ، امری حتمی و تخلف ناپذیر

اقتربت الساعه . .. و کذّبوا ... و کلّ أمر مستقرّ

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <و

کلّ أمر مستقرّ> در ارتباط با <اقتربت الساعه> باشد و نظر به تکذیب گران پیامبر(ص) داشته باشد که قیامت نزدیک شده و تهدیدهای الهی در مورد آنان محقق خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴ - ۲

۲ - اِخبار قرآن از فرارسیدن قیامت ، هشداری کافی برای دور شدن آدمیان از کفر و گناه است .

اقترب الساعه . .. و لقد جاءهم ... ما فیه مزدجر

مراد از <الأنباء> به قرینه آیات پیشین، می تواند مسأله نزدیکی قیامت و مسائل مختلف آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۱ - ۱

۱ - قیامت ، امری قطعی و تردیدناپذیر

إذا وقعت الواقعه

علمای ادب در فرق میان <إذا> و <إن> شرطیه گفته اند: <إذا> در مورد امور یقینی و <إن> در مورد امور محتمل الوقوع به کار می رود. هم چنین فعل شرط در <إذا> به صورت ماضی می آید، تا دلالت کند که تحقق آن به قدری قطعی است که گویا در زمانی پیش انجام یافته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲ - ۲

۲ - سخن الهی درباره وقوع قیامت و تخلف ناپذیر بودن آن ، حق و مبرا از هرگونه کذب و دروغ

لیس لوقعتها کاذبه

<کاذبه> می تواند مصدر باشد (نظیر <عافیه و عاقبه>). در این صورت لام در <لوقعتها>، به معنای <فی> است; یعنی، درباره واقع شدن قیامت دروغی وجود ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۳ – ۴

۴

- < عن الزهری قال : سمعت علی بن الحسین (ع) یقول : . . . < إذا وقعت الواقعه > یعنی القیامه لیس لوقعتها کاذبه . < خافضه > خفضت و اللّه بأعداء اللّه إلی النار < رافعه > رفعت و اللّه أولیاء اللّه إلی الجنّه . . . ;

زهری گوید: از امام سجاد(ع) شنیدم که با استناد به آیه <إذا وقعت الواقعه> می فرمود: . ..یعنی، هرگاه قیامت واقع شود، که در وقوع آن دروغ راه ندارد. [قیامت] <خافضه> است; به خداوند سوگند! دشمنان خدا را به زیر می کشد و به سوی جهنم [روانه می کند] و <رافعه> است; به خدا سوگند اولیای خدا را بالا می برد و به سوی بهشت [هدایت می کند]...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۰ - ۱

۱ - برپایی قیامت ، امری قطعی و تردید منکران درباره آن کاملاً بی مورد است .

إنّ الأوّلین و الأخرین . لمجموعون إلی میقت یوم معلوم

روی سخن آیه شریفه، با منکران معاد است و آوردن جمله اسمیه همراه با دو تأکید (إنّ و لام)، بیانگر حتمی بودن وقوع رستاخیز و بی جا بودن تردید درباره آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۹۵ - ۱

۱ - برپایی قیامت ، تقسیم شدن مردم به سه دسته (مقربان ، اصحاب الیمین و اصحاب الشمال) و فرجام نیک دو دسته اول و بدفرجامی دسته آخر ، امری قطعی ، یقنی و غیرقابل تردید است .

إنّ هذا لهو حقّ الیقین

<هذا> به آنچه

در سوره واقعه مطرح شده اشاره دارد و محور آن مطالبی است که در برداشت بالاـ آمده است. گفتنی است که تعبیر <حقّ الیقین> از باب اضافه صفت به موصوف است; یعنی، <الیقین الحقّ> و حق به معنای ثابت و استوار است. بنابراین <الیقین الحقّ>; یعنی، یقینی که ثابت است و هرگز تردید در آن راه ندارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – حاقه – ۶۹ – ۱ – ۱

۱ – قیامت ، واقعه ای حتمی و تخلف ناپذیر

الحاقّه

<الحاقّه> می تواند اسم فاعل از <حَقَّ> (به معنای ثَبَتَ و وَجَبَ) و صفت برای موصوف مقدر (مانند الواقعه، الساعه و. ..) باشد; یعنی، قیامت حادثه ای قطعی و دارای حقیقت است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – حاقه – ۶۹ – ۲ – ۲

۲ – قیامت ، واقعه ای حتمی و تخلف ناپذیر

ما الحاقّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مزمل – ۷۳ – ۱۸ – ۶

۶ – برپایی قیامت و زندگی دشوار و طاقت فرسای محشر ، وعده ای است تخلف ناپذیر و تحقق یافتنی از سوی خداوند به کافران .

کان وعده مفعولاً

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که ضمیر <وعده> به <یوم> بازگردد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۷ – ۲

۲ - قیامت ، حقیقتی تحقق یافتنی و وعده ای تخلف ناپذیر است .

إنّما توعدون لوقع

از آیات بعدی، استفاده می شود که مقصود از وعده در این آیه، برپایی قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۲۰

نبأ - ۷۸ - ۱۷ - ۴

۴ - برپایی قیامت و رفع اختلافات در آن ، حتمی و تردیدناپذیر است .

إنّ یوم الفصل کان میقتًا

مشخص بودن زمان برپایی قیامت که کلمه <میقات> بر آن دلالت دارد حاکی از قطعی بودن آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۹ - ۲

۲ - برپایی قیامت ، حتمی و صحنه های آن ، سراسر حق و منزّه از هر گونه باطل است .

ذلک الیوم الحقّ

درباره <حقّ>، معانی گوناگونی گفته شده است از جمله این که این کلمه مصدر و به معنای لزوم و ثبوت است و نیز نقطه مقابل باطل را <حقّ> گویند (مصباح). هر گاه مصدری صفت قرار گیرد، بر مبالغه دلالت دارد; بنابراین <روز حق>; یعنی، روزی سراسر حق.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۵ - ۷

۷ - تردید ناپذیر بودن قیامت

و النازعات . .. فالمدبّرت أمرًا

جواب قسم هایی که از آغاز سوره تا این آیه تکرار شده است در آیه هشتم و نهم آمده است. برخی آن را جمله ای نظیر <لیبعثنّ> دانسته اند که پیش از <یوم ترجف الراجفه> محذوف باشد. برداشت یاد شده براساس نظر دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۴ - ۳

۳ - وقوع قیامت ، حتمی و غیر قابل انفکاک از آفرینش دنیا است .

فإذا جاءت

حرف شـرط <إذا>، در مواردی به کـار می رود که فعـل شـرط محقق خواهـد شـد. گفتنی است که <فـاء> بر ترتب آن بر آفرینش دنیا

که آیات پیشین بیانگر آن بود دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۳ - ۳

۳ - وقوع قیامت ، حتمی است و فاصله ای با پایان دنیا ندارد .

فإذا جاءت الصاخّه

حرف <إن> برای آنچه ممکن است تحقق یابد به کار رفته و حرف <إذا> در امور حتمی استعمال می شود (مصباح به نقل از ثعلب). حرف <فاء> بر تعقیب و تأخرِ بدون فاصله قیامت از دنیا دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۱ - ۳

۳ - روز مجازات و حسابرسی ، حقیقتی است انکارناپذیر و دروغ پنداشتن آن ، شگفت آور و توجیه ناپذیر است .

أرءیت الذی یکذّب بالدین

حرام خواران در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۳ - ۸

۸ - مال دوستان و حرام خواران ، در آخرت به ارزش حقیقی ثروت و لزوم مصرف آن در اطعام گرسنگان و فواید بزرگداشت یتیمان ، پی خواهند برد .

لاتکرمون . .. و لاتحضّون ... تأکلون ... تحبّون ... کلاّ ... یومئذ یتذکّر الإنس

حساب در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۵ - ۸

۸ قیامت ، روزی که هر کس اندوخته های خود را به تمام و کمال دریافت می کند .

و وفّیت کل نفس ما کسبت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۵۲ – ۲۲

۲۲ ایمان و اعتقاد حواریون به رستاخیز

و حسابرسی در قیامت *

و اشهد بانّا مسلمون

چون شاهد گرفتن حواریون در دنیا ظاهراً ثمری برای آنان ندارد، لذا این استشهاد برای استفاده در آخرت خواهد بود.

حسابرسی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۴ - ۲،۳

۲ - حسابرسی در روز قیامت و کیفر و پاداش دهی در آن روز ، به دست خدا و در اختیار اوست .

ملک یوم الدین

۳ - برپایی قیامت و قرار دادن روز جزا برای جهانیان ، جلوه ای از رحمت خداوند است .

الرحمن الرحیم. ملک یوم الدین

مطرح کردن مسأله قیامت پس از بیان رحمت الهی، اشاره به برداشت فوق دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۵ - ۴

۴ محاسبه دقیق اعمال انسان و جزای عادلانه آن در قیامت

و انّما توفّون اجورکم یوم القیمه

<توفّون> (اعطای پاداش کامل و تمام در مقابل عمل)، حکایت از محاسبه دقیق اعمال دارد و نیز حاکی از عدالت در پرداخت پاداش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۷ - ۴

۴ قیامت ، روز حسابرسی اعمال از سوی خداوند

انّ اللّه کان علی کلّ شیء حسیبا . .. لیجمعنّکم الی یوم القیمه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۹۶ – ۱۳

۱۳ صحرای محشر عرصه حسابرسی مردم برای تعیین میزان پایبندی آنان به احکام الهی

احل لکم . .. حرم علیکم صید البر ما دمتم حرماً و اتقوا اللّه الذی إلیه تحشرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه

- فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۹ - ۳،۶،۷

۳ قیامت صحنه حسابرسی از امت ها و واکنش های آنان در برابر دعوت پیامبران

یوم یجمع اللّه الرسل فیقول ماذا اجبتم

۶ یاد قیامت و صحنه های بررسی اعمال در آن ، زمینه ساز رعایت تقوا و ترس از خداوند

و اتقوا اللّه . .. یوم یجمع اللّه الرسل

چنانچه <یوم> مفعول برای <اذکروا> باشد، جمله <اذکروا یوم . ..> پس از <اتقوا اللّه> می تواند اشاره به علتی از علل لزوم تقوا و ترس از خدا داشته باشد.

۷ ضرورت ترس از قیامت و صحنه های حسابرسی در آن روز .

یوم یجمع اللّه الرسل

برداشت فوق بر این است که <یوم> بدل اشتمال برای <اللّه> در آیه قبل <اتقوا اللّه> گرفته شود و یا مفعول باشد. برای فعلی همانند: <اتقوا و یا احذروا و ... که به قرینه <اتقوا اللّه> حذف شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳ - ۶

۶ شنوایی و دانایی خداوند، تضمین کننده حسابرسی از بندگان در روز قیامت

لیجمعنکم إلی یوم القیمه . .. و هو السمیع العلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۶ - ۱۰

۱۰ قیامت روز رسیدگی به کار حق پذیران و حق ناپذیران و پاداش و مجازات آنهاست.

إنما یستجیب الذین یسمعون و الموتی یبعثهم اللّه ثم إلیه یرجعون

جمله <ثمّ إلیه یرجعون> ظاهراً تذلیلی برای تمامی آیه است. یعنی هم پاسخ دهندگان و هم مرده دلان جملگی در قیامت

مبعوث شده و به نتایج اعمال خود می رسند.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۰ - ۱۴

۱۴ خداوند در قیامت آدمیان را به کردارهای دنیویشان آگاه می کند.

ثم إلیه مرجعکم ثم ینبئکم بما کنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۲ - ۷

۷ سریعترین نظام محاسبه و رسیدگی به اعمال در قیامت استقرار دارد.

ثم ردوا . .. ألا له الحکم و هو أسرع الحسبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۲،۵

۲ گمراهان برای حسابرسی و جزای عملکردشان در روز قیامت برانگیخته خواهند شد.

و من یرد أن یضله . .. و یوم یحشرهم جمیعا یمعشر الجن

۵ جنیان و انسانها در قیامت مورد بازخواست مشترک قرار خواهند گرفت.

یمعشر الجن . .. و قال أولیاؤهم من الإنس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۸ - ۸

۸ عن امیرالمؤمنین(ع) . .. و اما قوله: < فمن ثقلت موزینه ...> فإنما یعنی الحساب ... و الحسنات ثقل المیزان ... .

از امیرالمؤمنین(ع) روایت شده است: . .. مراد از آیه <فمن ثقلت موازینه>، حسابرسی (در قیامت) است ... و حسنات، موجب سنگینی میزان است ... .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۹ - ۶

۶ عن امیرالمؤمنین(ع): . .. و أما قوله: <... و من خفت موازینه> فإنما یعنی الحساب ... و السیئات خفه المیزان ... .

از امیرالمؤمنین(ع) روایت شده است: مراد از آیه <و من خفت موازینه>، حسابرسی (در قیامت) است .

.. و گناهان، موجب سبکی میزان هستند ... .

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۰۵ – ۹

۹ قیامت ، عرصه احضار انسان ها برای حسابرسی اعمالشان

و ستردون . .. فینبئکم بما کنتم تعملون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۲۲ – ۳

۳- پس از اتمام حسابرسی اعمال اهل جهنّم ، شیطان آنان را سرزنش می کند و گمراهی آنان را معلول اندیشه و عمل خود آنان معرفی خواهد کرد .

و قال الشیطن لمّا قضی الأمر إنّ الله وعدکم وعد الحق و وعدتکم

مفسّران، از جمله احتمالاتی که برای <قضی الأمر> برشمرده اند این است که وقتی به حسابهای اهل قیامت رسیدگی شد، شیطان به اهل جهنّم چنین خطابی خواهد کرد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۴۱ – ۸

۸- قیامت روز حسابرسی است .

یوم یقوم الحساب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۹۳ – ۱،۲

۱- تمامی رفتار و اعمال آدمیان ، مورد بازپرسی خداوند در قیامت قرار خواهد گرفت .

لنسئلنّهم . .. عمّا کانوا یعملون

۲- تمامی رفتار و اعمال کافران و تجزیه کنندگان قرآن ، مورد بازپرسی خداوند در قیامت قرار خواهد گرفت .

المقتسمين . الذين جعلوا القرءان عضين . فوربّك لنسئلنّهم أجمعين . عمّا كانوا يعمل

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

١٠ – اسراء – ١٧ – ١٣ – ٩

٩– < عن النبى قال : الكتب كلّها تحت العرش فإذا كان يوم القيامه بعث الله تبارك و تعالى

ريحاً تطيرها بالأيمان و الشمائل أوّل حرفه : < إقرأ كتابک كفى بنفسک اليوم عليک حسيباً > ;

از رسول خدا(ص) روايت شده است كه فرمود: تمام نامه ها زير عرش قرار دارند و آن گاه كه روز قيامت فرا رسد، خداوند تبارک و تعالى بادى را برمى انگيزد تا آنها را به پرواز درآورد و به دستهاى چپ و راست مردم برساند و اولين حرف آن كتاب اين است: إقرأ كتابک كفى بنفسک اليوم عليک حسيباً>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۴ - ۲

۲- هر انسانى در قيامت ، با خواندن پرونده اعمال خويش ، خود حسابگر آنها خواهد بود .

اقرأ كتبک كفى بنفسک اليوم عليک حسيبًا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۴۹ - ۱۹

۱۹- حساب رسى و سنجش عادلانه اَعمال آدميان در قيامت ، لازمه ربوبيّت خدا است .

و وضع الكتب . .. و لايظلم ربّک أحدًا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۱۰۵ - ۱۱

۱۱- قيامت ، روز سنجش و محاسبه اَعمال است .

فلانقيم لهم يوم القيمه وزنًا

از تعبير موجود در آيه، چنين برمى آيد كه در قيامت، براى سنجش اَعمال آدميان، معيارها و ميزان هايى به كار گرفته مى شود، لكن براى برخى، به جهت فقدان هرگونه عمل ارزشمند، هيچ محاسبه و ميزانى برقرار نمى شود.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۱ - ۴

۴- حسابرسى ، از رخداد هاى مهم قيامت است .

اقترب للناس حسابهم

آغاز

شدن سوره با طرح مسأله حسابرسی و بیان آن از میان دیگر رخدادهای قیامت، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۲ - ۳،۶

۳ - وجود معیار ها و میزان های متعدد در قیامت ، برای سنجش اعمال انسان ها

فمن ثقلت موزینه

<موازین> جمع <میزان> است. به کارگیری جمع، بیانگر این معنا است که هر نوع عمل فرد، دارای میزان مخصوصی می باشد.

۶ - < عن أبی عبدالله (ص) (فی قوله تعالی) : < فمن ثقلت موازینه > قال : فمن رحج عمله . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که درمعنای قول خدای تعالی <فمن ثقلت موازینه> فرمود: کسی که عمل او سنگین و با ارزش باشد. ..>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۴ - ۶

۶ - وجود دادگاه و محاکمه برای انسان ها در قیامت

یوم تشهد علیهم ألسنتهم . .. بما کانوا یعملون

برداشت یاد شده بر این اساس است که شهادت و گواهی، حاکی از وجود نوعی دادگاه و محاکمه است; زیرا بدون دادگاه و محاکمه، شهادت و گواهی بی معنا خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۳ - ۱

۱ خداوند ، تمامی اعمال و رفتار مجرمان و منکران معاد را ، در روز رستاخیز محاسبه و رسیدگی خواهد کرد .

و قدمنا إلی ما عملوا من عمل فجعلنه هباء منثورًا

فعل <قدمنا> در آیه شریفه طبق نظر مفسران به معنای <قصدنا> <عمدنا> (قصد آهنگ [کاری

]کردیم) است و مقصود از آن، پرداختن به حساب اعمال مجرمان حساب اعمال مجرمان و بررسی آنها می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۲ - ۲

۲ - قیامت ، روز محاسبه کردار آدمیان و مجازات و پاداش در تعلیمات ابراهیم

و الذی أطمع أن یغفرلی خطیئتی یوم الدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۳ - ۱۰

۱۰ - مشرکان مکه ، به بازخواست انسان ها از سوی خداوند ، پس از مرگ ، معتقد بودند .

و یوم تقوم الساعه . .. و لم یکن لهم من شرکائهم شفعؤا

نفی شفاعت از معبودان مشرکان، حکایت از اعتقاد آنان به شفاعت می کند و ذکر آن به عنوان یکی از رخدادهای قیامت، این احتمال را تقویت می کند که آنان شفاعت معبودان را برای پس از مرگ خود می خواسته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۶ - ۲،۱۰،۱۲،۱۵

۲ - اعتقاد به محاسبه اعمال در عالم آخرت ، مهم ترین اصل عقیدتی پس از عقیده به یک تایی خداوند است .

لاتشرک باللّه . .. یبنیّ إنّها إن تک مثقال حبّه ... یأت بها اللّه

۱۰ - حساب رسی خداوند از اَعمال انسان ها ، در قیامت ، نیاز به شاهد ندارد .

إنّها إن تک مثقال حبّه . .. یأت بها اللّه

از این که به جای <یعلمها اللّه> فرموده است <یأت بها اللّه> استفاده می شود که خداوند، خود ناظر بر اَعمال بوده و براساس آن، حکم خواهد کرد و نیازی به گواه ندارد.

فعل مضارع <یأت> هم می تواند به وقوع چنین عملی در آینده که همان قیامت است دلالت داشته باشد.

۱۲ - توجّه به محاسبه دقیق اَعمال در آخرت ، در گرایش انسان به صلاح ، نقش سازنده ای دارد .

یبنیّ إنّها إن تک مثقال حبّه . .. یأت بها اللّه

۱۵ - علم دقیق و آگاهی عمیق خداوند به امور ، پشتوانه قدرت او بر گردآوری اَعمال انسان و بروز دادن آن در روز حساب

إن تک مثقال حبّه . .. یأت بها اللّه إنّ اللّه لطیف خبیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۳ - ۱۷

۱۷ - کیفر و داوری خدا ، در روز قیامت ، متّکی به علم خویش به نیات و مقاصد محاکمه شوندگان است .

فنتبّئهم بما عملوا إنّ اللّه علیم بذات الصدور

<إنّ اللّه علیم. ..> به منزله تعلیل است برای مفاد <نتبّئهم...> که مجازات است و حکایت از نکته یاد شده می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۳ - ۳

۳ - انسان ها در قیامت ، مورد مجازات و پاداش الهی قرار خواهند گرفت .

أءنّا لمدینون

<دین> (مصدر <مدینون>) به معنای جزا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۶ - ۳

۳ - قیامت ، روز حسابرسی از بندگان

یوم الحساب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۲۶ – ۲۴،۲۵

۲۴ – قیامت ، روز حسابرسی از بندگان

بما نسوا یوم الحساب

۲۵ – حسابرسی از بندگان ، مهم ترین ویژگی قیامت است .

یوم

الحساب

از نام گذاری قیامت به روز حساب، برداشت یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۷ - ۶

۶ - حق مدار و هدفمند بودن آفرینش جهان ، مستلزم برپایی قیامت و وجود حسابرسی برای بندگان است .

بما نسوا یوم الحساب . و ما خلقنا السماء و الأرض و ما بینهما بطلاً

ذکر حق مدار و هدفمند بودن جهان، پس از طرح مسأله حسابرسی قیامت، می تواند بیانگر چنین ارتباطی میان آن دو مسأله باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۸ - ۱

۱ - هدفمند بودن آفرینش جهان ، مقتضی برپایی قیامت به منظور کیفر بندگان و یا پاداش به آنان

و ما خلقنا السماء . .. بطلاً... أم نجعل الذین ءامنوا و عملوا الصلحت

یادآوری برابر نبودن سرنوشت مؤمنان با مفسدان، پس از طرح مسأله بی هدف نبودن آفرینش جهان، می رسانند که اگر مؤمنان و مفسدان یکسان باشند، لازم می آید که جهان آفرینش بی هدف باشد و چون جهان آفرینش هدفمند است، پس باید سرنوشت این دو گروه یکسان نباشد. و از آن جایی که در دنیا یکسان زندگی می کنند، پس باید جهان دیگری (رستاخیز) باشد که با آنان برخورد متفاوت و متناسب شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۳ - ۴

۴ - قیامت ، روز حسابرسی اعمال و پاداش و جزا

هذا ما توعدون لیوم الحساب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷ - ۱۹

۱۹ - حسابرسی

اعمال بندگان از سوی خداوند در قیامت ، متکی به علم همه جانبه او است .

فینبّئکم بما کنتم تعملون إنّه علیم بذات الصدور

برداشت بالا از آن جا است که جمله <إنّه علیم بذات الصدور> تعلیل برای جمله <فینبّئکم بما کنتم تعملون> است; یعنی، چون خداوند به باطن افراد آگاه است، پس می تواند آنان را به کردارشان آگاه سازد و به حسابرسی آنان بپردازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۸ - ۱۰

۱۰ - تمامی موجودات آسمان ها و زمین ، پس از به پاخاستن با دومین نفخ صور ، در انتظار سرنوشت خود به سر خواهند برد .

ثمّ نفخ فیه أُخری فإذا هم قیام ینظرون

<نظر> (مصدر <ینظرون>) هم به معنای انتظار است و هم به معنای نظر متحیرانه و بهت آمیز. برداشت یاد شده مبتنی بر معنای نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۷ - ۷

۷ - خداوند ، حسابرسی اعمال بندگان را در قیامت با سرعت انجام خواهد داد .

الیوم تجزی کلّ نفس بما کسبت . .. إنّ اللّه سریع الحساب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۷ - ۷،۸،۱۰،۱۱،۱۲

۷ - فرعون فردی متکبر و منکر قیامت و روز حساب بود .

کلّ متکبر لایؤمن بیوم الحساب

۸ - مخالفان رسالت موسی (ع) (فرعونیان) ، گروهی متکبر و منکر قیامت و روز حساب بودند .

کلّ متکبر لایؤمن بیوم الحساب

۱۰ – تکبر در برابر سخن حق و باور نداشتن به روز حساب ، از زمینه های

فسادگری و کشتار افراد بی گناه در جامعه

کلّ متکبّر لایؤمن بیوم الحساب

توصیف فرعون فاسد و سفاک به متکبر و منکر روز حساب، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

۱۱ - اعتقاد به روز حساب ، از اصول دعوت موسی (ع)

لایؤمن بیوم الحساب

۱۲ - قیامت ، روز حسابرسی اعمال بندگان

لایؤمن بیوم الحساب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۴ - ۹

۹ - قیامت ، عرصه بازخواست و حسابرسی

و سوف تسئلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۰ - ۲

۲- قیامت ، روز داوری و حلّ و فصل نهایی امور و کشف حقیقت برای همگان

و لکنّ أکثرهم لایعلمون . إنّ یوم الفصل میقتهم أجمعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۱ - ۳

۳ - بسیج تمامی امکانات هستی در نشأه آخرت ، برای حسابرسی نهایی خلق

سنفرغ لکم أیّه الثقلان

نسبت داده شدن <فراغ> به خداوند با ضمیر متکلم مع الغیر می تواند کنایه از این باشد که او تمامی اسباب و عوامل را در

جهت رسیدگی به حساب خلق، در قیامت قرار می دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۹ - ۸

۸ - قیامت ، روز فراهم آمدن انسان ها برای محاکمه و کیفر و پاداش

و اتّقوا اللّه الذی إلیه تحشرون

<حشر> (مصدر <تحشرون>) به معنای جمع کردن و فراهم آوردن است. فراهم آمدن مردم در قیامت، برای محاکمه و تعیین کیفر و پاداش برای آنان است.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه – فیش

۱۹ – تغابن – ۶۴ – ۷ – ۵

۵ – تمامی رفتار ها و کرده های انسان ها در قیامت ، مورد حسابرسی دقیق قرار خواهد گرفت .

ثمّ لتنبّؤنّ بما عملتم

کلمه <ما> (آنچه) افاده عموم می کند. با خبر کردن انسان ها از تمامی کرده های خویش در قیامت، اشاره به حسابرسی و کیفر و پاداش دادن به آنها است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – تغابن – ۶۴ – ۹ – ۱،۲

۱ – خداوند ، همه انسان ها را برای حسابرسی در روز قیامت گرد می آورد .

یوم یجمعکم

۲ – قیامت و گرد آمدن انسان ها در آن روز ، برای محاکمه و مجازات ، شایان یاد و یادآوری

یوم یجمعکم

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که <یوم> متعلّق به فعل مقدّر <اذکر> باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – حاقه – ۶۹ – ۱۸ – ۲

۲ – قیامت ، روز حساب رسی و عرضه شدن نیات ، انگیزه ها ، افکار و رفتار انسان ها به محکمه عدل الهی

یومئذ تعرضون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مدثر – ۷۴ – ۴۶ – ۲

۲ – قیامت ، روز جزا و حسابرسی است .

بیوم الدین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکویر – ۸۱ – ۸ – ۴،۶

۴ – قیامت ، روز حسابرسی اعمال انسان ها و پرسش از رفتار آنان با یکدیگر

و إذا الموءوده سئلت

۶ – حسابرسی قاتل در قیامت ، بر دادخواهی مقتول توقف ندارد .

و إذا الموءوده سئلت

مجهول آوردن <سئلت>، حاکی از

این است که فرد یا افرادی غیر از مقتول، پی گیر محاکمه قاتل خواهند شد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – انشقاق – ۸۴ – ۷ – ۳

۳ – حاکمیت نظمی خاص ، بر حسابرسی اعمال در قیامت

أُوتی کتبه بیمینه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – طارق – ۸۶ – ۹ – ۱

۱ – تمام اسرار و اعمال کتمان شده ، در قیامت ارزیابی گشته ، و مورد سنجش و شناسایی قرار خواهد گرفت .

یوم تبلی السرائر

<سرائر> جمع <سریره> (آنچه کتمان شود) است (قاموس) و چون با حرف <ال> همراه است، بر عموم دلالت دارد. <ابلاء> (مصدر <تبلی>) به معنای امتحان کردن است (مصباح). مراد از آزمودن سرائر، سنجش و محاسبه آنها است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عادیات – ۱۰۰ – ۱۰ – ۳

۳ – قیامت ، روز حسابرسی نیت ها ، خصلت ها و اسرار درونی است .

و حصّل ما فی الصدور

تهدید به ظهور اسرار درونی در قیامت، کنایه از تأثیر آنها در فرجام اخروی است. بنابراین انسان ها، براساس رازهای سینه خود نیز، محاسبه و کیفر خواهند شد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکاثر – ۱۰۲ – ۸ – ۱

۱ – قیامت ، زمان حسابرسی از نعمت ها است .

ثمّ لتسئلنّ یومئذ عن النعیم

<نعیم>، به معنای نعمت فراوان است. (مفردات)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۸ - ۴،۸،۹،۱۳

۴ اجابت کنندگان دعوت خدا ، از حسابرسی روز قیامت رنجی نمی برند و بر آنان سخت گرفته

نمی شود .

للذین استجابوا لربهم الحسنی

مقصود از<الحسنی> به قرینه مقابله آن - در ذیل آیه با فرجام روی گردانان از دعوت خدا ، معنایی مقابل <سوء الحساب> و نیز مقابل <جهنم> است. بنابراین مراد از <الحسنی> حساب آسان و نیز بهشت می باشد.

۸ روی گردانان از دعوت خدا ، در قیامت به حسابی سخت و ناگوار گرفتار خواهند بود .

و الذین لم یستجیبوا له . .. أُولئک لهم سوء الحساب

<سوء> به هر چیزی که مایه ناراحتی و رنج باشد گفته می شود. اضافه <سوء> به <الحساب> اضافه صفت به موصوف است. بنابراین <سوء الحساب> ; یعنی: <الحساب السوء>.

۹ قیامت صحنه حسابرسی از انسانهاست .

أُولئک لهم سوء الحساب

۱۳ < فی مجمع البیان فی قوله : < أُولئک لهم سوء الحساب > . . . هو أن لایقبل لهم حسنه و لا یغفر لهم سیئه . . . روی ذلک عن أبی عبدالله (ع) ;

در مجمع البیان درباره سخن خدا: <أُولئک لهم سوء الحساب>. .. از امام صادق(ع) روایت شده: مراد از <سوء الحساب> این است که هیچ حسنه ای از آنان پذیرفته نمی شود و هیچ گناهی از آنان آمرزیده نمی گردد>.

حسابرسی عمل در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۲ - ۳

۳ - وجود جهنم ، پیش از حسابرسی کردار ها در قیامت

و إذا الجحیم سعّرت

برافروختن جهنم در قیامت، حاکی از وجود اصل آن پیش از قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۳ - ۲

۲ - وجود بهشت ، پیش از حسابرسی کردار

ها در قیامت

و إذا الجنّه أُزلفت

حسابرسی نیات در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۱۰ - ۳

۳ - قیامت ، روز حسابرسی نیت ها ، خصلت ها و اسرار درونی است .

و حصّل ما فی الصدور

تهدید به ظهور اسرار درونی در قیامت، کنایه از تأثیر آنها در فرجام اخروی است. بنابراین انسان ها، براساس رازهای سینه خود نیز، محاسبه و کیفر خواهند شد.

حسابری در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۸ - ۱

۱ - در قیامت ، اعمال انسان ها حسابرسی خواهد شد .

فسوف یحاسب

حسرت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۰ - ۷،۱۱

۷ بدکاران در قیامت آرزو می کنند کاش میان آنان و عملشان ، زمان بی حدی فاصله بود .

و ما عملت من سوء تودّ لو اَنّ بینها و بینه امداً بعیدا

۱۱ قیامت ، روز اندوه و افسوس بدکاران

تودّ لو انّ بينها و بينه امداً بعيداً

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۵ – انعام – ۶ – ۳۱ – ۷۸

۷ منكران ملاقات پروردگار در قيامت بر تفريط و كوتاهيهاى خويش در دنيا تأسف و حسرت بسيار مى خورند.

حتى إذا جاءتهم الساعه بغته قالوا يحسرتنا على ما فرطنا فيها

منادا قرار گرفتن حسرت گوياى شدت و عمق ندامت است. ضمناً مرجع ضمير <فيها>، <حيات دنيا> گرفته شده كه مرجعى معنوى است.

۸ منكران معاد در قيامت بر سهل انگارى و بى توجهى خود در مورد قيامت بسيار

حسرت و تأسف خواهند خورد.

حتی إذا جاءتهم الساعه بغته قالوا یحسرتنا علی ما فرطنا فیها

مرجع ضمیر در <فرطنا فیها> می تواند <الساعه> باشد. و مراد از <الساعه> ممکن است قیامت باشد، در این صورت معنی جمله چنین می شود <یا حسرتنا علی ما فرطنا فی امر القیامه>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۹ - ۱،۲

۱- پیامبراکرم (ص) مأمور انذار و هشدار دادن به مردم در مورد حوادث حسرت آفرین قیامت

و أنذرهم یوم الحسره

ضمیر <هم> در <أنذرهم> شامل همه مردم می شود. از اضافه شدن <یوم> به <الحسره> معلوم می شود که در آن روز همگان برگذشته خویش تأسف می خورند، به طوری که آن روز <روز حسرت> نامیده شده است.

۲- قیامت ، روز حسرت و افسوس آدمیان بر عملکرد خویش در دنیا است .

و أنذرهم یوم الحسره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۲ - ۲

۲ - وضعیت کافران در روز رستاخیز ، بسیار تأسف بار و حسرت آور خواهد بود .

قالوا یویلنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۴ - ۱۰

۱۰ - تذکر و بیداری انسان در قیامت ، حاصلی جز پشیمانی و حسرت ندارد .

و أنّی له الذکری . یقول یلیتنی قدّمت لحیاتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۶ - ۸

۸ انـدیشه هـای جاهلانه دربـاره مرگ و حیات (حاکمیّت عوامل مادّی بر اراده خداونـد) ، موجب حسـرت کفرپیشـگان ، به هنگام قیامت

لو کانوا

عندنا ما ماتوا و ما قتلوا ليجعل اللّه ذلك حسره فى قلوبهم

برخى از مفسّران برآنند كه زمان حسرت مطرح شده در آيه، قيامت است.

حشر در قيامت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۷۳ - ۹

۹ - خداوند ، با به كارگيرى اسباب ، مردگان را براى حضور در قيامت زنده مى كند . *

فقلنا اضربوه ببعضها كذلك يحى اللّه الموتى

برداشت فوق بدان احتمال است كه <وجه شبه> ميان زنده شدن مقتول بنى اسرائيل و زنده شدن مردگان در قيامت، به كارگيرى اسباب باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۵ - ۱۹

۱۹ رهبر برگزيده هر كسى در دنيا ، در قيامت نيز رهبر او خواهد بود .

و يتبع غير سبيل المؤمنين نوله ما تولى

امير المؤمنين(ع) در مورد دو نفرى كه از باب استهزاء به سوسمارى خطاب يا اميرالمؤمنين كردند فرمود: دعهما فهو امامهما يوم القيامه، اما تسمع الى اللّه يقول: <نوله ما تولى>.

تفسير عياشى، ج ۱، ص ۲۷۵، ح ۲۷۳; نورالثقلين، ج ۱، ص ۵۵۱، ح ۵۶۸.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۱

۱ خداوند در روز قيامت تمامى جن و انس را گرد مى آورد.

و يوم يحشرهم جميعا يمعشر الجن قد استكثرتم من الإنس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۷ - ۴

۴ حضور در صحنه قیامت و برخورد با سزای اعمال دنیوی ، فرجام همه انسانهاست .

لقاء الأخره

کلمه <لقاء> (رسیدن و برخورد کردن) مصدری است

که به مفعولش اضافه شده و فاعل آن محذوف است ; یعنی: <و لقائهم الأخره>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۲۸ – ۳

۳ قیامت ، روز حشر و گردآوری تمامی انسان ها (نیکان و بدان ، و مؤمنان و مشرکان)

للذین أحسنوا . .. و الذین کسبوا السیئات ... و یوم نحشرهم جمیعاً

ضمیر <هم> در <نحشرهم> به هر دو دسته نیکان و بدان برمی گردد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۳۶ – ۶

۶- قیامت ، روز برانگیخته شدن انسانها

قال ربّ فأنظرنی إلی یوم یبعثون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۷۱ – ۳

۳- قیامت ، روز فراخوانی همه نسل ها و گروه های مردم ، همراه با پیشوایانشان

یوم ندعوا کلّ أناس بإممهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۰۲ – ۲

۲ – دمیده شدن در صور ، و حشر در قیامت ، دو رخداد مرتبط با یکدیگر

یوم ینفخ فی الصور و نحشر المجرمین

عطف <حشر> بر <نفخ صور> نشان از ارتباط آن دو با یکدیگر در حادثه برپایی قیامت دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷- < عن النبی (ص) فی معنی < الفزع الأکبر > : ان الناس یصاح بهم صیحه واحده فلایبقی میّت إلاّ نشر و لا حیّ إلاّ مات إلاّ ما شاء اللّه ثمّ یصاح بهم صیحه أخری فینشر من مات و یصفون جمیعاً

و تنشقّ السماء و تهدّ الأرض و تخرّ الجبال و تزفر النيران و ترمی بمثل الجبال شرراً فلایبقی ذو روح إلاّ إنخلع قلبه و ذکر ذنبه و شغل بنفسه إلاّ ما شاء اللّه ;

از رسول خدا(ص) روایت شده که در معنای <فزع أکبر> فرمود: به درستی که یک صیحه بر مردم زده می شود که مرده ای نمی ماند، مگر این که زنده می شود وزنده ای نمی ماند، مگر این که می میرد، جز آنچه را که خدا بخواهد. سپس صیحه دیگری بر آنان زده می شود و آنان که مرده اند زنده گشته و همگی به صف کشیده خواهند شد. و آسمان شکافته و زمین در هم کوبیده و کوه ها فرو ریخته و آتش شعله هایی چون کوه برکشد، پس هیچ صاحب روحی نماند، مگر این که [از هراس] دل او کنده شود و گناهان خود را یادآورد و هر کس به فکر خویش باشد، مگر آنچه را خدا بخواهد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۹ - ۶

۶ - تجمع نهایی همه انسان های پراکنده در روی زمین ، در پیشگاه خدا ، پس از گذر از زندگی دنیوی

و هو الذی . .. و إلیه تحشرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۳ - ۸،۹

۸ - وعده الهی به گردآوری کافران هر امت ، برای محاکمه و مجازات در قیامت *

و یوم نحشر من کلّ أُمّه فوجًا ممّن یکذّب بایتنا

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <حشر> مورد بحث در آیه مربوط به قیامت باشد.

۹

- حشر گروهی از کافران هر امت در قیامت و رانده شدن آنان به سوی جایگاه محاکمه و مجازات *

و یوم نحشر من کلّ أُمّه فوجًا ممّن یکذّب بایتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۵ - ۵،۶،۷،۸

۵ - خروج انسان ها از قبر در قیامت ، به خواست و دعوت خداوند است .

ثمّ إذا دعاکم دعوه من الأرض إذا أنتم تخرجون

بنابر این که <من الأرض> متعلق به <تخرجون> باشد، نکته یاد شده، استفاده می شود.

۶ - همه مردمان در روز قیامت ، با یک ندای خداوند ، به طور ناگهانی از دل خاک بیرون می آیند .

ثمّ إذا دعاکم دعوه من الأرض إذا أنتم تخرجون

۷ - مردگان ، در قیامت ، در پاسخ به ندای خداوند برای زنده شدن ، خود ، از قبر ها خارج می شوند .

إذا دعاکم . .. إذا أنتم تخرجون

۸ - معاد و حشر انسان ها در قیامت ، جسمانی است .

إذا دعاکم دعوه من الأرض إذا أنتم تخرجون

<من الأرض> متعلق به <دعاکم> است، در نتیجه آنچه در دل زمین قرار دارد و بیرون می آید، امری جسمانی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۶ - ۶،۷

۶ - فرمان برداریِ محضِ موجودات عالم از خداوند ، دلیل اطاعت انسان ها از ندای او برای زنده شدن مجدد در قیامت است .

إذا دعاکم دعوه . .. إذا أنتم تخرجون . و له من فی السموت ... کلّ له قنتون

جمله <کلٌّ له قانتون> عطف به جمله <و له من فی . ..> است و

جمله <و له من فی...> را می توان به منزله دلیلی برای آیه قبـل تلقی کرد. بنابراین، معنای آیه چنین می شود: به دلیل این که همه، از جمله انسان ها تسلیم محض خدایند، با صدور فرمان خداوند به برخاستن از قبر، زنده می شوند.

۷ – مالکیت مطلقِ خداوند بر تمامی هستی ، دلیل توانایی وی بر حشر انسان ها درقیامت است .

ثمّ إذا دعاکم دعوه . .. إذا أنتم تخرجون . و له من فی السموت و الأرض

<و له من فی السماوات و. ..> می تواند به منزله دلیلی برای <ثمّ إذا دعاکم ... تخرجون> در آیه قبلی باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۵۶ – ۷

۷ – روز قیامت ، روز برانگیخته شدن مردگان و احیای آنها است .

فهذا یوم البعث

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – مجادله – ۵۸ – ۶ – ۱

۱ – قیامت ، روز برانگیخته شدن انسان ها برای محاکمه و کیفر و پاداش

یوم یبعثهم اللّه جمیعًا فینبّئهم بما عملوا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – مجادله – ۵۸ – ۹ – ۸

۸ – قیامت ، روز فراهم آمدن انسان ها برای محاکمه و کیفر و پاداش

و اتّقوا اللّه الذی إلیه تحشرون

<حشر> (مصـدر <تحشـرون>) به معنـای جمع کردن و فراهم آوردن است. فراهم آمـدن مردم در قیـامت، برای محاکمه و تعیین کیفر و پاداش برای آنان است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – مجادله – ۵۸ – ۱۸ – ۱

۱ – قیامت ، روز برانگیخته شدن انسان ها

برای محاکمه

یوم یبعثهم اللّه جمیعًا فیحلفون له

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – تغابن – ۶۴ – ۹ – ۳

۳ – قیامت ، روز گرد هم آمدن همه انسان ها است .

لیوم الجمع

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – ملک – ۶۷ – ۲۴ – ۵

۵ – حشر و برانگیخته شدن انسان ها به پیشگاه خداوند در قیامت

و إلیه تحشرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – حاقه – ۶۹ – ۱۸ – ۱

۱ – قیامت ، روز عرضه شدن و به نمایش در آمدن انسان ها در پیشگاه خداوند و در محکمه عدل او

یومئذ تعرضون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – مطففین – ۸۳ – ۴ – ۱

۱ – انسان ها ، در قیامت برانگیخته خواهند شد .

ألا یظنّ أُولئک أنّهم مبعوثون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – فجر – ۸۹ – ۲۳ – ۳

۳ - حاضران در صحنه قیامت ، در آغاز برپایی آن جهنم را مشاهده نمی کنند . *

و جاْیء یومئذ بجهنّم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۶ - ۴

۴ - تمام مردم در قیامت ، با بیرون آورده شدن از زمین ، در صحنه محشر حضور خواهند یافت .

و أخرجت الأرض أثقالها . .. یومئذ یصدر الناس أشتاتًا

جمله <یصدر الناس>، ممکن است ناظر به رجوع مردم به حیات دوباره (معاد) باشد.

حضور انسان ها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۲ -

۵- حضور انسان ها در صحنهء قیامت ، همراه با ستایش خداوند است .

یوم یدعوکم فتستجیبون بحمده

<بحمده> حال برای ضمیر <تستجیبون> است و معنای آن چنین است: شما دعوت خدا را اجابت می کنید در حالی که خدا را حمد می کنید.

حضور در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۳ - ۱۰

۱۰ - کوبیده و نرم شدن زمین ، احساس حضور در پیشگاه خداوند و صفوف فرشتگان و مشاهده جهنم ، برطرف سازنده غفلت های انسان و احیاگر حس پندپذیری در او است .

إذا دکّت الأرض . .. یومئذ یتذکّر الإنسن

<یومئذ>، بدل برای <إذا> در <إذا دکّت الأرض. ..> و جمله <یتذکّر الإنسان> جزا برای آن است.

حق پذیری در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۸ - ۲

۲ - قیامت ، صحنه زانو زدن انسان و تسلیم الزامی او در برابر حق

و تری کلّ أمّه جاثیه

حق پذیری مؤمنان به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۷ - ۹

۹ - معتقدان به قیامت ، به دور از باطل گرایی و ایمن از زیان اخروی

يومئذ يخسر المبطلون

برداشت بالا، با استفاده از مفهوم آيه صورت گرفته است.

حق در قيامت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - اعراف - ۷ - ۸ - ۲

۲ حق (نوع شايسته و بايسته رفتار و انديشه ها در پيشگاه خداوند)، وسيله سنجش اعمال و عقايد در قيامت است.

و الوزن يومئذ الحق

برداشت فوق مبتنى بر اين است كه <الحق>

خبر برای <الوزن> باشد و کلمه <الوزن> به معنای میزان (مقیاس سنجش) باشد. مانند مثقال و کیلو که مقیاس سنجش و تعیین کننده سبکی و سنگینی اشیاء است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۱۳ – ۱،۲

۱ – قیامت ، روز جداسازی میان خلایق و داوری میان حق و باطل است .

لیوم الفصل

<فصل> به حایل بین دو چیز و نیز به داوری میان حق و باطل گفته می شود(قاموس المحیط). روز قیامت چنان که مفسران گفته اند از این رو <یوم الفصل> نامیده شده که در آن روز، میان خلایق جدایی ایجاد شده و حق از باطل تمیز داده خواهد شد و مورد داوری قرار خواهد گرفت.

۲ – جداسازی میان خلایق و داوری میان حق و باطل ، از مهم ترین خصیصه روز قیامت

لیوم الفصل

توصیف روز قیامت به <یوم الفصل>، در سلسله آیات مربوط به حوادث قبل و بعد از برپایی قیامت، گویای برداشت یاد شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۱۴ – ۱

۱ – شناخت ژرفای حقیقت و عظمت روز قیامت (روز داوری میان اهل حق و باطل) ، بس دشوار و دست نایافتنی برای بشر

و ما أدریک ما یوم الفصل

از تعبیر <و ما أدراك. ..>(چه چیز آگاه ساخت تو را...) استفاده می شود: قیامت، حقیقتی بس بزرگ و عمیق است که کسی به درستی و شایستگی از آن آگاه نیست و تنها در پرتو وحی الهی، قابل شناخت است.

حق ستیزان در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه –

فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۱ - ۱،۲،۳

۱ - کافران حق ستیز و ستیزه جو ، در روز قیامت غل به گردن خواهند داشت .

الذین یجدلون . .. إذ الأغلل فی أعنقهم

۲ - کافران حق ستیز و ستیزه جو در قیامت ، با زنجیر بر روی زمین کشان کشان برده می شوند .

و السلسل یسحبون

<سلسله> (مفرد <سلاسل>) به معنای حلقه ای منظم از نظر طول است; یعنی، زنجیر. <سحب> (مصدر <یسحبون>) به معنای کشاندن چیزی بر سطح زمین است.

۳ - کافران حق ستیز و ستیزه جو ، هنگام گرفتار شدن به عذاب الهی ، به عمق بطلان راه خود و پیامد رفتارشان آگاه خواهند شد .

فسوف یعلمون . إذ الأغلل فی أعنقهم و السلسل یسحبون

برداشت یاد شده، از آن جا است که ظرف <إذ الأغلال . ..> متعلق به <یعلمون> می باشد. <یسحبون> نیز حال از ضمیر <هم> در <فی أعناقهم> است; یعنی، به زودی می دانند آن گاه که غل در گردن هایشان باشد و با زنجیر کشان کشان برده می شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۲ - ۱

۱ - کافران حق ستیز و ستیزه جو ، در قیامت به آب داغ و پر حرارت افکنده خواهند شد .

یسحبون . فی الحمیم

یکی از معانی <حمیم>، آب داغ و پر حرارت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۰ - ۴

۴ قیامت ، روز تحقّق هشدار ها و انذار های الهی برای کافران و حق ستیزان

و نفخ فی الصور ذلک یوم الوعید

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۶ - ۵

۵ - ظهور ماهیت زشت حق ستیزان منکر پیامبران ، در روز قیامت *

سیعلمون غدًا من الکذّاب الأشر

احتمال دارد <غداً> اشاره به روز قیامت داشته باشد.

حق طلبان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۶ - ۴

۴ - تحقق قیامت ، به منظور جدا شدن و شفاف گردیدن صفوف حق مداران از باطل گرایان است .

قل یجمع بیننا ربّنا ثمّ یفتح بیننا بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۱ - ۱

۱ - قیامت ، روز جدایی خوبان و بدان و حق مداران و باطل گرایان و داوری میان آنان است .

هذا یوم الفصل

<فصل> به معنای فاصله و جدایی میان دو شیء است و مقصود از آن در آیه شریفه، جدایی میان خوبان و بدان و حق پویان و باطل گرایان و داوری میان آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۰ - ۳

۳- قیامت ، روز جدایی حق از باطل و تمایز حق مداران از باطل گرایان

إنّ یوم الفصل میقتهم أجمعین

مراد از <فصل>، ممکن است جدا شدن صفوف حق و حق مداران، از باطل و باطل گرایان باشد.

حق گویی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۸ - ۱۲

۱۲ - آنان که در قیامت ، رخصت سخن گفتن یافته اند ، سخنانی درست و به دور از هر گونه خطا خواهند گفت .

و قال صوابًا

<قال>

در <قال صواباً> به جای مضارع آمده است تا بر یقینی بودن آن دلالت کند. جمله <قال صواباً>، یا حالیه است و یا مستأنفه ای که وضعیت پس از اذن را بیان می کند.

حقانیت برپایی قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۳ - ۹

۹ فرمان خداوند بر تحقق روز قیامت، فرمانی حق و به دور از بطلان و بیهودگی است.

و یوم یقول کن فیکون قوله الحق

حقانیت حسابرسی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۸ - ۷

۷ سنجش اعمال در قیامت، حق و بر اساس عدل است.

و الوزن یومئذ الحق

برداشت فوق بر این اساس است که <الوزن> به معنای مصدری، یعنی سنجیدن باشد و <الحق> صفت برای خبر محذوف، که تقدیر آن چنین می شود: <الوزن یومئذ الوزن الحق>. یعنی: سنجیدن در آن روز، سنجشی حق و بر اساس عدل است.

حقانیت قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۰ - ۴

۴ منکران معاد در قیامت به حقانیت رستاخیز با سوگند اقرار می کنند.

و لو تری إذ وقفوا علی ربهم قال ألیس هذا بالحق قالوا بلی و ربنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۱ - ۸،۱۶

۸- برپایی قیامت ، حقیقتی تردیدناپذیر است .

و أنّ الساعه لاریب فیها

جمله <لاریب فیها> جمله خبریه ای است که از آن، مبالغه در نهی، اراده شـده است; یعنی، نباید در باره قیامت، تردید کرد; چه این که در موضوع قیامت،

جایی برای تردید وجود ندارد!

۱۶- معاد و برپایی قیامت ، وعده حق و تخلّف ناپذیر الهی است .

لیعلموا أنّ وعد اللّه حقّ و أنّ الساعه لاریب فیها

عبارت <أنّ الساعه. ..> ممکن است تفسیر کننده <أنّ وعد اللّه حقّ> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۶ - ۱۱

۱۱ - در روز قیامت ، حقانیت وقوع آن روز ، و نادرستی انکار آن ، به رخ منکرانِ قیامت کشیده می شود .

فهذا یوم البعث و لکنّکم کنتم لاتعلمون

عبارت توبیخی <فهذا یوم البعث> قرینه است بر این که متعلق <لاتعلمون> حقانیت وقوع قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۸ - ۶

۶ - اهل ایمان ، آگاه به حقانیت رستاخیز و وقوع حتمی آن

و یعلمون أنّها الحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۲ - ۲،۵

۲ - برپایی قیامت ، وعده ای به حق از جانب خداوند و رخدادی حتمی و تخلف ناپذیر

إنّ وعد اللّه حقّ و الساعه لاریب فیها

عطف جمله <الساعه. ..> بر جمله <إنّ وعد اللّه حقّ>، می تواند تفسیری و یا از قبیل عطف خاص بر عام باشد. و در هر صورت، مطلب بالا را افاده می کند.

۵ - صدور وعده قیامت ، از جانب خداوند ، خود کافی برای یقین به حقانیت آن

إنّ وعد اللّه حقّ و الساعه لاريب فيها

برداشت بالا بـدان بـدان احتمال است كه <إنّ وعـد اللّه حقّ> تمهيد و زمينه چينى براى بيان شك ناپذيرى مسأله قيامت <لا ريب فيها> باشد.

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۰ - ۶

۶ برپایی قیامت و تحقق هشدار های الهی ، از مصادیق حق

و جاءت سکره الموت بالحقّ . .. ذلک یوم الوعید

چنانچه <باء> در <بالحقّ> برای تعدیه و مرگ و سکرات آن زمینه آشکار شدن حقایق باشد، نفخ صور و حیات مجدد اخروی و تحقق هشدارهای الهی بی تردید مصداقی از همان حقایق خواهد بود که بر آدمی مکشوف می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲ - ۲

۲ - سخن الهی درباره وقوع قیامت و تخلف ناپذیر بودن آن ، حق و مبرا از هرگونه کذب و دروغ

لیس لوقعتها کاذبه

<کاذبه> می تواند مصدر باشد (نظیر <عافیه و عاقبه>). در این صورت لام در <لوقعتها>، به معنای <فی> است; یعنی، درباره واقع شدن قیامت دروغی وجود ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۷ - ۱

۱ - برپایی قیامت و عذاب آن ، امری است ممکن و دارای حقیقت .

و نریه قریبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۹ - ۲

۲ - برپایی قیامت ، حتمی و صحنه های آن ، سراسر حق و منزّه از هر گونه باطل است .

ذلک الیوم الحقّ

درباره <حقّ>، معانی گوناگونی گفته شده است از جمله این که این کلمه مصدر و به معنای لزوم و ثبوت است و نیز نقطه

مقابـل باطـل را <حقّ> گوینـد (مصـباح). هر گـاه مصـدری صـفت قرار گیرد، بر مبـالغه دلالت دارد; بنابراین <روز حق>; یعنی، روزی سراسر حق.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۴ - ۲

۲ - قیامت ، حقیقت دارد و نباید آن را افسانه پنداشت .

الذین یکذّبون بیوم الدین . .. إذا تتلی علیه ءایتنا قال أسطیر الأوّلین . کلاّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۵ - ۱

۱ - قیامت ، حقیقت دارد و نباید آن را افسانه پنداشت .

الذین یکذّبون بیوم الدین . .. قال أسطیر الأوّلین ...کلاّ

حرف <کلاّ> یا به معنای حقّا و یا برای <ردع> است و مخاطب را از پذیرش گفتار قبل، پرهیز می دهد.

حقوق در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۱ - ۱۲

۱۲ در قیامت به حق هیچ کس ظلمی نخواهد شد .

و هم لا یظلمون

حقیقت عمل در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۸ - ۱۷،۱۹

۱۷ بازگشت همگان به سوی خداوند و آگاهی یافتن آنان از حقیقت کرده های خویش در قیامت، پرتوی از ربوبیت الهی است.

ثم إلی ربهم مرجعهم فینبئهم بما کانوا یعملون

۱۹ قیامت روز ظهور و برملاشدن اعمال آدمی و حقیقت آن است.

کذلک زینا لکل . .. فینبئهم بما کانوا یعملون

حقیقت قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۹ - ۶

۶- قیامت ، حقیقتی خطیر و بیم آفرین برای انسان ها

و هم من الساعه مشفقون

<اشفاق> به معنای عنایت همراه با خوف است و هرگاه به وسیله <من> متعدی شود، معنای ترس

در آن بیشتر خواهد بود (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۴ - ۴

۴- برپایی قیامت به معنای نیستی محض و نابودی کامل جهان طبیعت و آفرینش دوباره آن نیست ; بلکه به معنای در هم پیچیده شدن نظم کنونی آن و تبدیل به نظم نوین است .

یوم نطوی السماء کطیّ السجلّ للکتب

با توجه به تشبیه درهم پیچیدگی آسمان به پیچیده شدن طومار که به معنای حفظ اصل و موجودیت آن همراه با از بین رفتن نظام حاکم بر آن است مطلب یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۴ - ۴

۴ - قیامت ، روز رستاخیز انسان ها

یوم یبعثون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۸ - ۳

۳ - مرگ و رستاخیز ، حقیقتی عام و در برگیرنده تمامی موجودات شعورمند آسمان ها و زمین و نه مخصوص انسان ها

و نفخ فی الصور فصعق من فی السموت و من فی الأرض . .. ثمّ نفخ فیه أُخری فإذا هم ق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۵ - ۱۱

۱۱ - حقیقت قیامت ، بازگشت انسان ها به سوی خداوند است .

و عنده علم الساعه و إلیه ترجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ – حاقه – ۶۹ – ۳ – ۳

۳ – حقیقت قیامت و ژرفای عظمت آن ، تنها از راه وحی قابل شناخت و دستیابی است .

و ما

أدریک ما الحاقّه

آیات ۱۳ تا ۱۷ این سوره، در جهت بیان بخشی از حقایق مربوط به قیامت است. از مجموع آنها می توان استفاده کرد که حقایق عمیق قیامت، از طریق خود وحی برای انسان ها قابل شناخت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۴ - ۱،۳

۱ - شناخت ژرفای حقیقت و عظمت روز قیامت (روز داوری میان اهل حق و باطل) ، بس دشوار و دست نایافتنی برای بشر

و ما أدریک ما یوم الفصل

از تعبیر <و ما أدراك. ..>(چه چیز آگاه ساخت تو را...) استفاده می شود: قیامت، حقیقتی بس بزرگ و عمیق است که کسی به درستی و شایستگی از آن آگاه نیست و تنها در پرتو وحی الهی، قابل شناخت است.

۳ - حقیقت قیامت و ژرفای عظمت آن ، تنها از راه وحی قابل شناخت و دستیابی است .

و ما أدریک ما یوم الفصل

از این که آیه مورد بحث، در میان آیات مربوط به قیامت است قرار دارد، می توان استفاده کرد که حقایق عمیق قیامت، تنها از طریق خود وحی برای بشر قابل شناخت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۷ - ۱

۱ - شناخت حقیقت قیامت ، برای همگان میسّر نیست .

و ما أدریک ما یوم الدین

استفهام <ما أدراك> (چه چیز تو را دانا ساخت)، حاکی از محرومیت عموم مردم از ابزار شناخت قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۸ - ۱

۱ - انسان ، فاقد ابزار شناخت برای تصور

قیامت و پی بردن به حقیقت آن

ثمّ ما أدریک ما یوم الدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۶ - ۸

۸ - قیامت ، میعاد ملاقات انسان با خداوند است .

فملقیه

حقیقت کوبندگی قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۳ - ۲

۲ - شناخت ابعاد قیامت و حقیقت حوادث کوبنده آن ، برای همگان امکان پذیر نیست .

و ما أدریک ما القارعه

حکمت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۹ - ۱

۱ - روز قیامت ، روزی عظیم و برپایی آن کاری حکیمانه است .

ذلک الیوم الحقّ

<ذلک> اشاره به دور است. به قرینه <عذاباً قریباً> در آیه بعد مراد از دوری قیامت، تأخیر زمانی آن نیست; بلکه بیانگر عظمت والا و فراتر از حد تصور آن است. <حقّ> به چیزی گفته می شود که براساس حکمت پدید آمده باشد.

حل اختلاف در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۲۵ – ۹

۹ – قیامت ، روز پایان اختلافات و حل شدن نهایی آنها است .

إنّ ربّک هو یفصل بینهم یوم القیمه فیما کانوا فیه یختلفون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۳ – ۱۷

۱۷ – قیامت ، روز پایان و فیصله یافتن اختلافات فکری و عقیدتی بشر

إنّ اللّه یحکم بینهم فی ما هم فیه یختلفون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۱۰

۲ - قیامت ، صحنه روشن شدن حقایق و حل اختلافات انسان ها به وسیله خداوند

و ما اختلفتم فیه من شیء فحکمه إلی اللّه

برداشت یاد شده بنابر این نکته است که حکم الهی در <فحکمه> جنبه عینی و واقعی داشته باشد; یعنی، آشکارکردن حقایق در مورد اختلافات، با توجه به آیات پیشین که در زمینه قیامت بود به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۷ - ۱

۱ - قیامت روز داوری بین مردم و رفع اختلافات آنان

یوم الفصل

<فصل>; یعنی، جداسازی دو چیز از یکدیگر به گونه ای که میان آن دو فاصله افتد. اطلاق این کلمه بر روز قیامت، به اعتبار روشن شدن حق از باطل و یا پایان دادن به اختلاف مردم و قضاوت در میان آنان است. (مفردات راغب)

حوادث قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱ - ۴

۴- حسابرسی ، از رخداد های مهم قیامت است .

اقترب للناس حسابهم

آغاز شدن سوره با طرح مسأله حسابرسی و بیان آن از میان دیگر رخدادهای قیامت، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۵ - ۵

۵ - طرح جزئیات حوادث قیامت در قرآن ، نشانه وحی بودن آن

فلاأُقسم

جمله <إنّه لقول رسول> در آیات بعد که سوگندهای مکرر در این آیات، مربوط به آن است از انتساب قرآن به فرستاده الهی حکایت دارد. حرف <فاء> در آیه شریفه، مجموعه را بر آیات پیشین تفریع کرده است که درباره حوادث

قیامت بود; یعنی، حال که رخدادهای قیامت و آینده جهان را بیان کردیم، جای آن دارد که قرآن را به مبدأ وحی مربوط بدانید.

حیوانات در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۸ - ۹

۹ حیوانات دارای نوعی اراده، اختیار، شعور و تکلیف و جزا و پاداش در قیامت

أمم أمثالکم . .. ثم إلی ربهم یحشرون

حیوانات وحشی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۵ - ۱،۲

۱ - حیوانات غیر اهلی با مشاهده حوادث برپایی قیامت ، پناهگاه های خود را ترک کرده ، گرد هم جمع خواهند شد .

و إذا الوحوش حشرت

<وحوش> جمع <وَحْش> است. به حیواناتی که در خشکی زندگی می کنند و با یکدیگر الفت نمی گیرند، <وَحْش> و <وحشیّ> که گویا حرف یاء در آن برای تأکید است گفته می شود (مصباح). <حشر>; یعنی، <جمع> (لسان العرب). راغب می گوید: <حشر>; یعنی، بیرون آوردن گروهی از جایگاهشان و متوجّه ساختن آنان به جنگ و نظایر آن، بنابراین حشر حیوانات; یعنی، بیرون شدن آنها از پناهگاه خود و جمع گشتن آنها گرد یکدیگر.

۲ - شدت هول و هراس حیوانات از حوادث پایانی دنیا ، جایی برای فکر تهاجم به یکدیگر در خیال آنان باقی نمی گذارد .

و إذا الوحوش حشرت

مراد از <حشر حیوانات> محشور شدن آنها در قیامت و یا اجتماعشان هنگام ترس از حوادث آغازین قیامت است. ذکر این حادثه در میان حوادث پایانی دنیا و تقارن آن با <رها شدن شتران آبستن> (و إذا العشار عطّلت)، شواهدی بر

دومین احتمال است.

خائنان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۱ - ۶،۷،۸،۱۱،۱۶

۶ روز رستاخیز ، عرصه حشر خیانتکاران به همراه آنچه (اموال و . . .) در آن خیانت کرده اند .

و من یغلل یأت بما غلّ یوم القیمه

در برداشت فوق، <باء> در <بما غلّ>، باء مصاحبت گرفته شده است.

۷ تجسم رفتار ناپسند خیانتکاران در روز رستاخیز

و من یغلل یأت بما غلّ یوم القیمه

برخی برآنند که مراد از <ما غلّ>، آن مالی که در دنیا مورد خیانت واقع شده، نیست ; بلکه گناه خیانتکاری در قیامت تجسّم می یابد و خیانتکار همراه آن گناهِ مجسّم در صحنه قیامت حاضر می شود.

۸ رسوایی و مجازات خیانتکاران در قیامت

و من یغلل یأت بما غلّ یوم القیمه ثمّ توفّی کلّ نفس ما کسبت

۱۱ خیانتکاران ، دریافت کنندگان کامل (بدون کم و زیاد) جزای رفتار ناپسند خویش ، در روز رستاخیز

و من یغلل . .. ثمّ توفّی کلّ نفس ما کسبت و هم لایظلمون

۱۶ به مجازات رسیدن خیانتکاران در اموال امام در قیامت

و من یغلل یأت بما غلّ

امام صادق (ع): الغلول کلّ شیء غلّ عن الامام.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۰۵، ح ۱۴۸ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۲۴، ح ۲.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۹ - ۲،۵،۶

۲ در روز قیامت ، هیچکس توان دفاع از خائن را در برابر خداوند ندارد .

هأنتم هؤلاء جدلتم . .. فمن یجدل اللّه عنهم یوم القیمه

۵ دادخواهی خداوند

از خیانت پیشگان در قیامت

فمن یجدل اللّه عنهم یوم القیمه

۶ در قیامت ، مانعی در برابر اجرای حکم الهی در مورد خائنان نخواهد بود .

فمن یجدل اللّه عنهم یوم القیمه ام من یکون علیهم وکیلا

خبر از قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۷ - ۴

۴ - نقش حیاتی و سازنده اخبار و اطلاعات مربوط به توحید ، قیامت و رسالت پیامبراسلام برای بشر

قل هو نبؤا عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۸ - ۱،۳

۱ - اخبار مهم و سودمند مربوط به توحید ، قیامت و رسالت پیامبراسلام ، از سوی مشرکان و کافران مورد بی اعتنایی و اعراض قرار می گرفت .

قل هو نبؤا عظیم . أنتم عنه معرضون

۳ - اخبار مربوط به توحید ، قیامت و رسالت پیامبراسلام ، درخور تأمل و تفکر

هو نبؤا عظیم . أنتم عنه معرضون

محکوم کردن روی گردانی از اخبار بزرگ و سودمند مربوط به قیامت و. .. و بی اعتنایی به آنها، می رسانند که انسان باید به تأمل و اندیشه در آنها بپردازد و از آنها روی گردانی نکند.

خجلت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۴ - ۱۱

۱۱ - سرافکندگی و شرمندگی ، از جمله عذاب های روز قیامت است .

و لو تری إذ المجرمون ناکسوا رءوسهم . .. فذوقوا بما نسیتم لقاء یومکم هذا

<هذا> می تواند مفعول فعل <ذوقوا> باشد و مشارالیه آن مضمون <ناکسوا رءوسهم. ..> باشد.

خدا در قیامت

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۰ - ۴

۴ خداونـد ، در روز قیـامت و در مجمع پیـامبران ، نعمت هـای ارزانی شـده به عیسـی و مادرش مریم رابه وی یادآوری خواهد کرد .

یوم یجمع اللّه الرسل فیقول . .. اذ قال اللّه یعیسی ابن مریم اذکر نعمتی علیک و عل

کلمه <اذ> در <اذ قال اللّه> بدل اشتمال برای کلمه <یوم . ..> می باشد.

خداترسان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۰ - ۱،۲

۱ - حاضران در قیامت ، به دو دسته متمایزِ طغیان گران و خداترسان دور از هوا و هوس ، تقسیم خواهند شد .

فأمّا من طغی . .. و أمّا من خاف مقام ربّه

در ترکیب آیات حاضر، گفته شده است که جمله <فإذا جاءت الطامّه الکبری> حاوی ادات شرط و فعل شرط است و تقسیم حاضران به دو دسته که از جملات <فأمّا من طغی. .. و أمّا من خاف...> استفاده می شود جزای آن است.

۲ - خداترسان دور از هواپرستی با حضور در صحنه قیامت ، کردار خویش را به یاد آورده و جزای آن را خواهند دید .

یوم یتذکّر . .. و أمّا من خاف مقام ربّه و نهی النفس عن الهوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۸ - ۲

۲ - انسان های پاک ، تذکّرپذیر ، هدایت جو و خداترس ، در قیامت چهره ای نورانی خواهند داشت .

لعلّه یزّکّی . أو یذّکّر ... جاءک یسعی . و هو یخشی ... وجوه یومئذ

مسفره

خرافه بودن قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – مطففین – ۸۳ – ۱۳ – ۱۱

۱۱ – منکران قیامت ، آن را خرافه ای ساخته و پرداخته افسانه پردازان پیشین می دانند .

و ما یکذّب به إلاّ. .. قال أسطیر الأوّلین

خزاین قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – تغابن – ۶۴ – ۹ – ۱۷

۱۷ – < فی الخبر النبویّ (ص) أنّه یُفتَح للعبد یوم القیامه علی کلّ یوم من أیّام عمره أربعه و عشرون خزانهً . . . یُفتَح له خزانهٌ . . . فیراها فارغهً لیس فیها ما یسرّه و لا ما یسؤوه و هی الساعه التی نام فیها أو اشتغل فیها بشیء من مباحات الدنیا فیناله من الغبن و الأسف علی فواتها . . . ما لایُوصَف و من هذا قوله تعالی : < ذلک یوم التغابن > ;

در روایتی از پیامبر(ص) آمده که برای بنده در قیامت، برای هر روز از ایام عمرش ۲۴ خزانه باز می شود . .. خزانه ای برای او بازمی گردد که آن را خالی می بیند و چیزی که او را خوشحال یا ناراحت کند در آن نیست. این همان ساعتی است که در آن خوابیده و یا مشغول کارهای مباح دنیا بوده است. پس غبن و تأسف بر از دست دادن آن ساعت، به او دست می دهد ... به اندازه ای که قابل توصیف نیست و در همین باره است سخن خدای تعالی: و ذلک یوم التغابن>.

خصلتهای انسان در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ –

انعام – ۶ – ۲۳ – ۷

۷ قیامت، صحنه بروز ملکات و خصلتهای تثبیت شده و پنهان آدمی

و اللّه ربنا ما کنا مشرکین

مشرکان در قیامت دروغ می گویند، حال آنکه برای آنان فایده ای ندارد. دلیل این کار، به فرموده صاحب المیزان، رسوخ خصلت دروغگویی در آنهاست.

خضوع در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۱۱ – ۶

۶ – ظهور حیات حقیقی و فنا ناپذیر خداوند و قیومیت او بر هستی در قیامت ، مایه خضوع و ذلت عمیق آدمیان در برابر او خواهد شد .

و عنت الوجوه للحیّ القیّوم

خطاکاران در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – حاقه – ۶۹ – ۳۷ – ۱

۱ – < غسلین > (خونابه و چرک) ، غذای مخصوص خطاپیشگان در قیامت

غسلین . لایأکله إلّا الخطون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – فجر – ۸۹ – ۲۳ – ۶

۶ – خطاکاران در قیامت با مشاهده جهنم ، فرصت های از دست رفته را به یاد آورده و متوجّه آثار و پیامد های کردار خویش می گردند .

یومئذ یتذکّر الإنسن

<ال> در الإنسان>، ممکن است عهد ذکری و اشاره به انسانی باشد که در آیات پیشین، فریفته نعمت ها و شِتِکوه گزار تنگدستی ها معرفی شده است. هم چنین می تواند برای استغراق باشد و تذکر یافتن را به همه انسان ها تعمیم دهد. آیات بعد، احتمال نخست را تقویت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۴ - ۱

- ۱

خطاکاران در قیامت ، فرورفته در حسرت و پشیمان از ترک ذخیره سازی توشه آخرت

و جآیء یومئذ بجهنّم . .. یقول یلیتنی قدّمت لحیاتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۶ - ۱

۱ - خداوند در قیامت ، خطاکاران را چنان به بند می کشد که از هیچ کس ساخته نیست .

و لایوثق وثاقه أحد

ضمیر <وثاقه> به <ربّک> در آیات پیشین برمی گردد. <وثاق> اسم مصدر برای <ایثاق> (به بند کشیدن) است; نظیر عطا و اعطاء. این کلمه به معنای آنچه چیزی را با آن ببندند، نیز آمده است (مفردات راغب)، ولی این معنا با ترکیب آیه شریفه سازگار نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۹ - ۴

۴ - تشبیه خطاپیشگان در قیامت ، به جان باختگانی که تحمّل مرگ آنان برای مادرشان هلاکت آفرین است . *

فأُمّه هاویه

فعل <هوی> در معانی مختلفی از جمله <سَقَطَ> و <مات> به کار رفته است (قاموس). بنابر معنای دوم، کلمه <هاویه>، به معنای <هالکه> خواهد بود نسبت دادن هلاکت به مادر کسی که میزان اعمال او سبک است، کنایه از عظمت سختی های وارد بر وی است; به گونه ای که در آن موارد، مادران تاب تحمّل چنین وضعی را برای فرزند خود نداشته و هلاک خواهند شد. در این صورت مرجع ضمیر <هی> در آیه بعد، عنوان <داهیه> (مصیبت بزرگ) خواهد بود که مفاد جمله <فأُمّه هاویه> است.

خطر غفلت از قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۶ -

۱ – خداوند در وادی طوی ، خطر منکران قیامت را در بازداشتن موسی (ع) از توجه به قیامت ، به او گوشزد کرد و او را از فریب کاری آنان برحذر داشت .

فاعبدنی . .. فلایصدّنک عنها من لایؤمن بها

ضمیرهای <عنها> و <بها> به <الساعه> (در آیه قبل) برمی گردد.

خنده در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – نجم – ۵۳ – ۴۳ – ۵

۵ – قیامت ، روز خنده و گریه خلایق *

ثمّ یجزیه الجزاء الأوفی . .. و أنّه هو أضحک و أبکی

برداشت یاد شده بدین احتمال است که این آیه به قرینه آیات پیشین در ارتباط با قیامت باشد.

خنده رویان در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عبس – ۸۰ – ۳۹ – ۱

۱ – گروهی از مردم ، با چهره های خندان در صحنه قیامت حضور خواهند داشت .

ضاحکه

خواسته های اخروی مکذبان قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۱۳ – ۳

۳ تکذیب کنندگان قیامت ، به هنگام گرفتاری در تنگنای آتشین دوزخ ، مرگ و نابودی خویش را خواهند خواست .

و إذا أُلقوا منها مكانًا ضيّقًا مقرّنين دعوا هنالك ثبورًا

<ثبوراً> به معنای هلاکت است و <دعا> (ریشه <دعوا>) به معنای خواندن با صدای بلند است و مقصود از <دعوا> این است که تکذیب کنندگان قیامت، فریاد می کشند و مرگ را آرزو و طلب می کنند.

خواسته های مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ -

۶ – ۲

۲ منکران ربوبیت خدا و کافران به قیامت از سر استهزا و ناباوری ، خواهان تعجیل در فرا رسیدن عذاب های موعود

یستعجلونک بالسیئه

<استعجال> (مصدر یستعجلون) به معنای درخواست عجله است. حرف <باء> در <بالسیئه> برای تعدیه و <ال> در آن عهد ذهنی است ; یعنی، آن بدی و مراد از آن به قرینه <قد خلت من قبلهم المثلات> عذاب است. بنابراین <یستعجلونک بالسیئه> ; یعنی، از تو می خواهند در آوردن آن عذاب وعده داده شده تعجیل کنی.

خوبان در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۲۱ – ۱

۱ – قیامت ، روز جدایی خوبان و بدان و حق مداران و باطل گرایان و داوری میان آنان است .

هذا یوم الفصل

<فصل> به معنای فاصله و جدایی میان دو شیء است و مقصود از آن در آیه شریفه، جدایی میان خوبان و بدان و حق پویان و باطل گرایان و داوری میان آنان است.

خورشید در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکویر – ۸۱ – ۱ – ۱،۵

۱ – خورشید در آستانه آخرت ، با چرخاندنی شدید در هم پیچانده شده و خاموش خواهد شد .

إذا الشمس کوّرت

<کَوْر> و <تکویر> به معنای پیچانـدن است، جز این که <تکویر> بر مبالغه نیز دلالت دارد. مراد آیه شریفه این است که خورشید، به شدت بهم پیچانده خواهد شد. برخی <تکویر شمس> را به معنای نابود ساختن خورشید و گروهی دیگر به معنای از بین بردن نور آن دانسته اند. (لسان العرب)

۵ – < عن النبی (ص) قال : الشمس

و القمر مکوّران یوم القیامه ;

از پیامبر(ص) روایت شده که فرمود: خورشید در روز قیامت به هم پیچانده شده و ماه نیز چنین خواهد شد>.

خویشاوندان اصحاب یمین در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۹ - ۶

۶ - < قاسم بن محمد عن علیّ قال : سمعت أباعبداللّه (ع) یقول : إنّ اللّه تبارک و تعالی إذا أراد أن یحاسب المؤمن أعطاه کتابه بیمینه و حاسبه . . . و هو قول اللّه عزّوجلّ < . . . و ینقلب إلی أهله مسروراً > قلت : أیُّ أهل ؟ قال : أهله فی الدنیا هم أهله فی الجنّه إن کانوا مؤمنین ;

قاسم بن محمد از علی [بن ابی حمزه] روایت نموده که گفت: از امام صادق(ع) شنیدم که می فرمود: خدای تبارک و تعالی، زمانی که بخواهد شخص مؤمن را محاسبه کند، نامه عملش را به دست راست او می دهد و او را محاسبه می کند . .. و این است سخن خدای عزّوجلّ <... و ینقلب إلی أهله مسروراً>. گفتم: مراد کدام اهل است؟ فرمود: آنان که در دنیا اهل او بودند; اگر مؤمن باشند در آخرت نیز اهل او خواهند بود>.

خویشاوندان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۸ - ۴،۵

۴ - در قیامت ، حتی خویشاوندان هم از به دوش کشیدن بارگناه کسان خود ، سر باز می زنند .

و إن تدع مثقله إلی حملها لایحمل منه شیء و لو کان ذاقربی

۵ - بی یاوری انسان در قیامت ،

حتی از سوی خویشاوندان خود

و إن تدع مثقله إلی حملها لایحمل منه شیء و لو کان ذاقربی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – معارج – ۷۰ – ۱۰ – ۱،۲

۱ – در روز رستاخیز ، هیچ دوست صمیمی و خویشاوندی ، از حال دیگری جویا نمی شود .

و لایسئل حمیم حمیمًا

<حمیم>به فردی می گویند که به انسان نزدیک و دلسوز باشد. از مصادیق بارز آن، خویشاوندان و دوستان صمیمی و دلسوز است.

۲ – در روز محشر ، هیچ خویشاوندی و دوست صمیمی از یکدیگر استمداد نمی کند .

و لایسئل حمیم حمیمًا

یکی از کاربردهای واژه <سؤال>، طلب و درخواست (استمداد) است. برداشت یاد شده مبتنی بر این معنا است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – معارج – ۷۰ – ۱۱ – ۲

۲ – اهل محشر ، در عین دیدن و شناختن کامل خویشان و دوستان صمیمی خود ، از حال آنان جویا نشده و از آنان استمداد نخواهند کرد .

و لایسئل حمیم حمیمًا . یبصّرونهم

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که جمله <یبصّرونهم>، حال برای جمله پیشین (لایسئل حمیم حمیمًا) باشد.

خویشاوندان مؤمنان در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – انشقاق – ۸۴ – ۹ – ۶

۶ – < قاسم بن محمد عن علیّ قال : سمعت أباعبداللّه (ع) یقول : إنّ اللّه تبارک و تعالی إذا أراد أن یحاسب المؤمن أعطاه

كتابه بيمينه و حاسبه . . . و هو قول اللّه عزّوجلّ < . . . و ينقلب إلى أهله مسروراً > قلت : أيُّ أهل ؟

قال : أهله فی الدنیا هم أهله فی الجنّه إن کانوا مؤمنین ;

قاسم بن محمـد از علی [بن ابی حمزه] روایت نموده که گفت: از امام صادق(ع) شـنیدم که می فرمود: خدای تبارک و تعالی، زمانی که بخواهـد شـخص مؤمن را محاسـبه کند، نامه عملش را به دست راست او می دهد و او را محاسـبه می کند . .. و این است سـخن خـدای عزّوجـلّ <... و ینقلب إلی أهله مسـروراً>. گفتم: مراد کـدام اهـل است؟ فرمود: آنـان که در دنیـا اهل او بودند; اگر مؤمن باشند در آخرت نیز اهل او خواهند بود>.

خویشاوندی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۴ - ۱۰

۱۰ - خویشاوندی با پیامبران و از نسل ایشان بودن ، در قیامت کارساز نبوده و موجب رهایی از پیامد های اعمال نخواهد شد .

تلک أمه قد خلت لها ما کسبت و لکم ما کسبتم

بیان این معنا که پاداش عمل پیامبران برای دیگران سودمنـد نخواهـد بود، در خطاب کسانی که از نسل پیامبرانی چون ابراهیم، اسحاق و یعقوب هستند، گویای برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۱ - ۱۰

۱۰ - خویشاوندی با پیامبران و از نسل ایشان بودن ، در قیامت کارساز نبوده و موجب رهایی از پیامد های اعمال نخواهد شد .

تلک أمه قد خلت لها ما کسبت و لکم ما کسبتم

بیـان این معنـا - که پاداش عمل پیامبران برای دیگران سودمنـد نخواهـد بود - در خطاب به کسانی که از نسل پیامبرانی چون: ابراهیم، اسحاق و یعقوب هستند،

گویای برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۳ - ۱،۶

۱ - پیوند های خویشاوندی و خانوادگی ، بی ثمر در روز قیامت

لن تنفعکم أرحامکم

۶ - قیامت روز گسسته شدن پیوند ها و جدایی خویشاوندان و فرزندان از والدین

لن تنفعکم . .. یوم القیمه یفصل بینکم

خیرگی چشم در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۲ - ۶،۱۰

۶- خیره شدن چشمان ستمگران و مبهوت ماندن آنان از شدت ترس در روز قیامت

و لاتحسبنّ الله غفلاً عمّا یعمل الظلمون إنما یؤخّرهم لیوم تشخص فیه الأبصر

۱۰- قیامت ، روز خیره شدن چشم ها از شدت ترس و هولناکی آن

لیوم تشخص فیه الأبصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۳ - ۱،۲،۳

۱- ستمگران ، در قیامت ، شتابان و با ترس و ذلت سر برافراشته و چشم دوخته ، محشور خواهند شد .

و لاتحسبنّ الله غفلاً عمّا یعمل الظلمون . .. مهطعین مقنعی رءوسهم

<اهطاع> به معنای حرکت سریع همراه با ترس است و <اقناع> به معنای سر برافراشتن و خیره شدن چشم به چیزی با حالت ذلت و خواری است (لسان العرب).

۲- ستمگران بر اثر وحشت روز قیامت ، از حرکت پلک های چشم ناتوان و دلشان تهی از تدبیر و چاره جویی خواهد بود .

یعمل الظلمون . .. لايرتدّ إليهم طرفهم و أفئدتهم هوآء

۳- شدت وحشت و اضطراب و بهت زدگی غیر قابل توصیف ستمگران در قیامت

یعمل الظلمون . .. مهطعين مقنعى رءوسهم لايرتدّ إليهم طرفهم و أفئدتهم هوآء

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۰۲ – ۴

۴ – مجرمان در لحظه حضور در قیامت ، با نگرانی به فرجام خویش چشم دوخته و مات و حیرت زده خواهند بود .

و نحشر المجرمین یومئذ زرقًا

<زرقاً> حال برای <المجرمین> است و مفرد آن <أزرق> یا <زرقاء> به کسی گفته می شود که سفیدی چشم او سیاهی آن را بپوشاند (لسان العرب). این حالت نشانِ چشم دوختن و خیره شدن مجرمان است و از اضطراب شدید درونی آنان حکایت دارد. برخی گفته اند: سفید شدن چشم، ملازم با کوری آن است (لسان العرب).

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۹۷ – ۴

۴- خیرگی و بهت زدگی کافران هنگام برپایی قیامت

و اقترب الوعد الحقّ فإذا هی شخصه أبصر الذین کفروا

<شخوص> به معنای دوختن چشم به یک شیء، بدون تحرک است غالباً چنین حالتی برای افراد مبهوت پیش می آید.

در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۳۸ – ۶

۶ پیروی کنندگان از رهنمود ها و هدایت های الهی ، هیچ ترس و اندوهی در قیامت نخواهند داشت .

فمن تبع هدای فلاخوف علیهم و لاهم یحزنون

کلمه <خوف> (ترس و نگرانی) نکره است و چون پس از حرف نفی واقع شده، معنای شمول را می رساند; یعنی: هیچ خوف و ترسی بر آنان نیست. همچنین فعل، آن گاه که منفی شود، دلالت بر نبود همه مصداقها دارد. بنابراین <ولاهم یحزنون> یعنی هیچ حزن و اندوهی ندارند.

درجات قیامت

آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۳۲ – ۳

۳ قیامت، روز اعطای درجات و یا سقوط به درکات است.

و لکل درجت مما عملوا

اگر چه در آیه شریفه تنها درجات مذکور شده است، ولی شامل درکات نیز می گردد. چون درجات و درکات آمیخته به یکدیگرند.

درخشندگی صورت در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قیامه – ۷۵ – ۲۳ – ۵

۵ – < قال علی بن موسی الرضا (ع) فی قول اللّه عزّوجلّ : < وجوه یومئذ ناضره . إلی ربّها ناظره > یعنی مشرقه تنتظر ثوابَ ربّها ؛

امام رضا(ع) درباره سخن خدای عزّوجلّ: <وجوه یومئذ ناضره . إلی ربّها ناظره> فرمود: یعنی (صورت هایی درآن روز) درخشیده است و در انتظار ثواب پروردگارشان اند>.

درخواست برپایی قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۵۸ – ۲

۲ تحقق برخی از آیات الهی (برخی از حقایق مطرح شده در قرآن، مانند قیامت) از شرایط مشرکان تکذیب کننده قرآن برای ایمان به آن

هل ینظرون إلا أن . .. یأتی بعض ءایت ربک

مراد از <بعض آیات ربک>، به دلیل <لاـ ینفع نفساً إیمانها>، آیتی است که مشاهده آن، حتی منکران قرآن را به ایمان وامی دارد. بنابراین می توان گفت مقصود، قیامت و مانند آن است. گفتنی است تکرار فعل <إتیان> (تأتیهم، یأتی ربک و یأتی بعض آیات) در آیه شریفه حکایت از تفاوت معنای اراده شده از هر یک دارد. <إتیان> در <یأتی بعض آیات> به معنای تحقق یافتن است.

درخواست تعجیل در قیامت

جلد - نام سوره -

سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۱۴ – ۳

۳ – کافران ، از روی ناباوری خواستار تعجیل در برپایی قیامت

یسئلون أیّان یوم الدین . .. هذا الذی کنتم به تستعجلون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – ملک – ۶۷ – ۲۷ – ۴

۴ – کافران و منکران معاد ، خواستار تحقق سریع وعده برپایی قیامت

و یقولون متی هذا الوعد . .. و قیل هذا الذی کنتم به تدّعون

<تدّعون> می تواند از ماده <دعا> باشد. در این صورت به معنای <تطلبون> (درخواست می کردید) خواهد بود. برداشت یاد شده مبتنی بر این معنا است.

دردناکی دود قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۱۱ – ۳

۳– تهدید مشرکان حق ستیز مکه ، از سوی خداوند به عذابی دنیوی و تیره کننده زندگی

فارتقب یوم تأتی السماء بدخان مبین

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که <دخان مبین>، کنایه از تیره روزی و عذاب دنیوی باشد، چه این که برخی از مفسران این آیه را پاسخی به دعای پیامبر(ص) دانسته اند که از خداوند خواست تا برای بیدار شدن مشرکان، آنان را به قحطی ای همچون دوران یوسف مبتلا کند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۱۱ – ۳

۳– دود های متراکم قیامت ، شکنجه آور ، دردآفرین و در بر گیرنده تمامی کفرپیشگان

يغشى الناس هذا عذاب أليم

ممكن است اين آيات در مورد عذاب اخروى باشد.

درك حقايق در قيامت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٠ - كهف - ١٨ - ١٠١

۸- چشم های نابینا در برابر حق ، در قیامت ، شعله های آتش دوزخ را خواهد دید .

و عرضنا جهنّم یومئذ للکفرین عرضًا . الذین کانت أعینهم فی غطاء عن ذکری

عرضه شدن جهنم بر کافران در قیامت و رویت آن، عقوبتی متناسب با بهره نبردن آنان از بینایی برای شناخت خداوند است، همانگونه که گوش ناشنوای آنان نیز صدای جهنم را درخواهد یافت، زیرا، عرضه جهنم، محدود به عرضه بصری نیست.

۹- گوش های عاجز از دریافت پیام های خداوند ، در قیامت ، شنوای صدای دوزخ خواهد بود .

و عرضنا جهنّم . .. الذین ... کانوا لایستطیون سمعًا

درک عظمت قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۴ - ۱

۱ - شناخت ژرفای حقیقت و عظمت روز قیامت (روز داوری میان اهل حق و باطل) ، بس دشوار و دست نایافتنی برای بشر

و ما أدریک ما یوم الفصل

از تعبیر <و ما أدراك. ..>(چه چیز آگاه ساخت تو را...) استفاده می شود: قیامت، حقیقتی بس بزرگ و عمیق است که کسی به درستی و شایستگی از آن آگاه نیست و تنها در پرتو وحی الهی، قابل شناخت است.

درک قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۳ - ۲

۲ - شناخت ابعاد قیامت و حقیقت حوادث کوبنده آن ، برای همگان امکان پذیر نیست .

و ما أدریک ما القارعه

درک کمبودها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۲۵ – ۵

۵ – آدمیان در قیامت ، کمبود

ها و کاستی های خویش را درک و احساس خواهند کرد .

قال ربِّ لم حشرتنی أعمی

درک ویژگیهای قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۳ - ۳

۳ - پیامبر (ص) ، در شناخت ویژگی های قیامت ، نیازمند تعلیم الهی است .

و ما أدریک ما القارعه

خطاب در آیه شریفه گرچه متوجه شخص پیامبر(ص) نیست; ولی چون آن حضرت خطاب را دریافت کرده است، او نیز از زمره مخاطبان خواهد بود.

درکات قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۲ - ۳

۳ قیامت، روز اعطای درجات و یا سقوط به درکات است.

و لکل درجت مما عملوا

اگر چه در آیه شریفه تنها درجات مذکور شده است، ولی شامل درکات نیز می گردد. چون درجات و درکات آمیخته به یکدیگرند.

دروغ در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۴ - ۱

۱ مشرکان در قیامت به دروغ منکر شرک ورزی خویش در دنیا می شوند.

و اللّه ربنا ما کنا مشرکین. انظر کیف کذبوا علی أنفسهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۲۸ – ۱۱

۱۱ مشرکان حتی در قیامت دروغ می گویند.

فقالوا یلیتنا نرد و لا نکذب . .. و إنهم لکذبون

دروغگویان در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۲۹ – ۱۶

۱۶ قیامت ، روز تمایز مؤمنان راستین از مدعیان دروغین

بل نظنکم کذبین . .. إنهم ملقوا ربهم

دروغگویی در قیامت

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۸ - ۱۹،۲۰

۱۹- کافران در قیامت ، در دفاع از خود به دروغ گویی خواهند پرداخت .

ما کنّا نعمل من سوء بلی إن الله علیم بما کنتم تعملون

۲۰- امکان دروغ گویی در قیامت

ما کنّا نعمل من سوء بلی إن الله علیم بما کنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۵ - ۱۱،۱۲

۱۱ - کافران ، در قیامت ، دروغ پردازی می کنند .

و یوم تقوم الساعه یقسم المجرمون ما لبثوا . .. کذلک کانوا یؤفکون

از جمله معناهای <إفک>، انصراف از راستی در گفتار به دروغ گویی است (مفردات راغب).

۱۲ - دروغ پردازی ، در قیامت ، ممکن است .

و یوم تقوم الساعه یقسم المجرمون . .. کذلک کانوا یؤفکون

دریاها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۶ - ۱،۲

۱ - دریا ها در آستانه قیامت ، لبریز شده و آب آن به اطراف سرازیر خواهد گشت .

و إذا البحار سجّرت

<سَجَر> و <سَجَّر> به معنای <مَلَأَ> (پر گردانید) است. برخی <تسجیر> را به معنای <تفجیر> (روان ساختن) گرفته اند (لسان العرب). بنابراین <سجّرت> که تشدید آن برای مبالغه است یعنی کاملاً لبریز و به اطراف سرازیر گشت. فرّاء گفته است: <مسجر>; یعنی، آنچه آب آن فروکش کرده باشد (لسان العرب) و قاموس <مسجور> را شعلهور شده معنا کرده

است. براساس این دو معنا، آب دریاها تبخیر شده و نابود خواهد گشت.

۲ – آب دریا ها ، هنگام پیدایش نشانه های قیامت

، به شدّت داغ و جوشان خواهد شد . *

و إذا البحار سجّرت

<مسجور>; یعنی، شعلهور شده (قاموس). این احتمال که <سجّرت>، ناظر به این معنا باشد، منتفی نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۳ - ۱

۱ - پیدایش شکاف های وسیع و فراوان در دریا ها و راه یافتن آب آنها به نقاط دیگر زمین ، در آستانه قیامت

و إذا البحار فجّرت

<فجر> به معنای ایجاد شکاف وسیع (مفردات راغب) و باز شدن راه (مقاییس اللغه) است. باب تفعیل این کلمه، دلالت بر کثرت دارد. (تاج العروس)

دشمنان خدا در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۹ - ۲

۲ - دشمنان خدا از پراکنده شدن و فرار در مسیر حرکت به طرف جهنم ، باز داشته می شوند .

و یوم یحشر أعداء اللّه إلی النار فهم یوزعون

<وزع> (مصدر <یوزع>) به معنای منع و باز داشتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳ - ۴

۴ - < عن الزهری قال : سمعت علی بن الحسین (ع) یقول : . . . < إذا وقعت الواقعه > یعنی القیامه لیس لوقعتها کاذبه . < خافضه > خفضت و اللّه بأعداء اللّه إلی النار < رافعه > رفعت و اللّه أولیاء اللّه إلی الجنّه . . . ;

زهری گوید: از امام سجاد(ع) شنیدم که با استناد به آیه <إذا وقعت الواقعه> می فرمود: . ..یعنی، هرگاه قیامت واقع شود، که در وقوع آن دروغ راه ندارد. [قیامت] <خافضه> است; به

خداوند سوگند! دشمنان خدا را به زیر می کشد و به سوی جهنم [روانه می کند] و <رافعه> است; به خدا سوگند اولیای خدا را بالا می برد و به سوی بهشت [هدایت می کند]...>.

دشمنی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۷ - ۲

۲ - گفت و گوی اعتراض آمیز و خصومت گونه مشرکان فریب خورده با پیشوایان فریب کار خود بر سر راه دوزخ

و قفوهم . .. و أقبل بعضهم علی بعض یتساءلون

مقصود از <علی بعض> به قرینه سه آیه بعد (و ما کان لنا علیکم من سلطان و. ..) پیشوایان فریب کاراند. بر این اساس، گفت و گوی مشرکان با پیشوایان شان از سر اعتراض و خصمانه خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۷ - ۱

۱ - تبدیل شدن دوستی های غیرخدایی ، به عداوت و دشمنی در قیامت

الأخلّاء یومئذ بعضهم لبعض عدوّ إلّا المتّقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۶ - ۱

۱- موجودات مورد پرستش مشرکان ، دشمن ایشان در صحنه رستاخیز

و إذا حشر الناس کانوا لهم أعداء

دشنام در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۵ - ۱۴

۱۴ - ناسزاگویی و لعن دیگران ، در روز قیامت ، امری ممکن است .

ثمّ یوم القیمه یکفر بعضکم ببعض و یلعن بعضکم بعضًا

دفاع از خود در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ -

۱۱۱ - ۱،۳

۱- قیامت ، روز دفاع سرسختانه هر انسانی از خویش (عقاید ، رفتار و انگیزه ها)

یوم تأتی کلّ نفس تجدل عن نفسها

۳- تلاش و توجه هر فردی در قیامت ، تنها معطوف به دفاع از شخص خویش است .

یوم تأتی کلّ نفس تجدل عن نفسها

دگرگونی آفرینش در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳ - ۳

۳ - قیامت ، روز دگرگونی و انقلاب در نظام طبیعت

خافضه رافعه

برداشت بالا، مبتنی بر این احتمال است که آیه شریفه، اشاره به دگرگونی در طبیعت داشته باشد; چنان که آیه بعد نیز در این باره سخن می گوید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۱ - ۳

۳ - جهان در آستانه قیامت ، درهم کوبیده و دگرگون خواهد شد .

القارعه

نام گذاری قیامت به <القارعه>، ممکن است ناظر به کوبندگی حوادثی از قبیل <انشقاق آسمان>، <اندکاک زمین و کوه ها> و <کدر شدن ستارگان> باشد که به تصریح آیات برخی از سوره های دیگر در آستانه قیامت پدید خواهد آمد.

دگرگونی چشمها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۷ - ۱۳

۱۳ - قیامت ، روز زیر و رو شدن و تب و تاب دل ها و دیده ها است .

یومًا تتقلّب فیه القلوب و الأبصر

دگرگونی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳ - ۱

۱ - قیامت ، روز دگرگونی و زیرورو شدن طبقات مردم

خافضه رافعه

<خفض>

به معنـای فرود آوردن و به زیر کشـیدن و <رفع> به معنـای بالا ـ بردن و برافراشـتن است; یعنی، واقعه قیـامت، به زیرآورنـده اقوامی و بالاآورنده اقوامی دیگر است.

دگرگونی صورتها در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عبس – ۸۰ – ۴۲ – ۲

۲ – کفرپیشگی و ارتکاب گناه ، مایه تغییراتی ناخوشایند در چهره انسان ، هنگام حضور در صحنه قیامت

علیها غبره . ترهقها قتره . أولئك هم الكفره الفجره

تعبیر <علیها> و <ترهقها>، حاکی از عارض شدن تیرگی بر چهره کافران است; به گونه ای که اگر کفر و گناه نبود، چهره اصلی انسان نمایان می شد. این چهره در آیات پیشین، به درخشان و خندان بودن توصیف شده بود.

دگرگونی قلبها در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۳۷ – ۱۳

۱۳ – قیامت ، روز زیر و رو شدن و تب و تاب دل ها و دیده ها است .

یومًا تتقلّب فیه القلوب و الأبصر

دلایل حتمیت قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۲ – ۲۰

۲۰ توان خداوند بر آفرینش هستی و تدبیر امور آن ، دلیل توانایی او بر ایجاد قیامت است .

الله الذی رفع السموت . .. یفصل الأیت لعلکم بلقاء ربکم توقنون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بروج – ۸۵ – ۲ – ۵

۵ – قدرت خداوند بر آفرینش آسمان و برج های آن ، نشانه صداقت او در وعده آمدن قیامت است . *

و السماء ذات البروج . و الیوم الموعود

یاد

کردن قیامت پس از ذکر آسمان و برج های آن ممکن است به این لحاظ باشد که توجّه به آسمان، باور به قیامت را تقویت می کند.

دلایل حقانیت قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۳ - ۱

۱ عذاب های نازل شده بر امت های کفرپیشه و مشرک ، نشانه ای بزرگ بر وجود قیامت و عذاب های اخروی است .

إن فی ذلک لأیه

<آیه> به معنای نشانه است و متعلق آن به قرینه <لمن خاف عذاب الأخره> - حقانیت قیامت و عذابهای آن است. نکره آوردن <آیه> برای رساندن بزرگی و عظمت آن می باشد. بنابراین <إن فی ذلک لأیه>; یعنی، همانا در آن عذابهای دنیوی، نشانه بزرگی است بر حقانیت قیامت و عذابهای آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۳ - ۳

۳ - پدیده حیات و احیای زمین مرده ، نشانه راستی قیامت و دلیل توانایی خداوند بر احیای مردگان است .

و ءایه لهم الأرض المیته أحیینها و أخرجنا منها حبًّا

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که آیه شریفه پس از طرح مسأله برانگیختن انسان ها که کافران آن را انکار می کردند آمده است. و در حقیقت، این آیه درصدد اثبات قیامت و نشان دادن جلوه ای از قدرت خداوند است.

دلایل سهولت قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۷ - ۱۱

۱۱- قدرت مطلق و بی پایان خداوند ، دلیل سهولت برپایی قیامت برای اوست .

و ما أمر الساعه

إلاّ كلمح البصر أو هو أقرب إن الله على كلّ شیء قدیر

جمله <إن الله . ..> در مقـام تعليـل برای جمله <و مـا أمر الساعه ...> است; يعنی، امر قيامت بر خـدا آسان است; چون او بر انجام هر كاری تواناست.

دلايل قيامت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳ - ۱۰

۱۰ پديده های هستی حاوی نشانه هايی بر روز قيامت و رستاخيز انسانهاست .

إن فی ذلک لأيت لقوم يتفكرون

برداشت فوق بر اين اسـاس است كه متعلق <آيـات> به قرينه جمله <لعلكم بلقـاء ربكم توقنون> در آيه قبـل ، لقای خـدا و برپايی قيامت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۵ - ۷۸

۷- حق بودن (هدفدار و حكيمانه بودن) نظام آفرينش ، مقتضی برپايی قيامت

و ما خلقنا السموت . .. إلاّ بالحقّ و إن الساعه لأتيه

جمله <إن السـاعه لأـتيه> به منزله نتيجه اسـتدلال به آيه <و مـا خلقنـا السـموات . .. إلاّـ بالحق> است; يعنی، چون جهان بر اساس حق آفريده شده است، قهراً برپايی قيامت قطعی خواهد بود.

۸- آفرينش جهان بدون برپايی قيامت ، پوچ و عبث و به دور از حكمت و مقصودی صحيح است .

و ما خلقنا السموت . .. إلاّ بالحقّ و إن الساعه لأتيه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷ - ۶

۶ - آفرينش انسان و انواع گياهان از بستر خاک مرده و بی جان ، يادآور رستاخيز و دليلی گويا بر قطعی بودن برپايی آن .

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته

است که <الساعه> به برپایی قیامت و <ذلک> در آیه قبل به خلقت انسان و ایجاد انواع گیاهان: إن کنتم فی ریب من البعث فإنّا خلقناکم من تراب. .. فإذا أنزلنا علیها الماء اهتزّت و ربت> اشاره داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳ - ۷

۷ - تحقق روز قیامت ، مقتضای ربوبیت خداوند است .

و ربّی لتأتینّکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۷ - ۵

۵ - آفرینش انسان از نطفه ، دلیل و نشانه توانایی خداوند بر برپایی قیامت و زنده کردن انسان

أوَلم یر الإنسن أنّا خلقنه من نطفه

با توجه به آیات بعدی و نیز شأن نزول ها که این آیه و آیات بعدی را درباره فردی به نام <عاصب بنوائل> (از منکران معاد) دانسته است (مجمع البیان و دیگر تفاسیر)، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۹ - ۷

۷ - آگاهی خداوند بر آفرینش و پدید آوردن هر چیزی ، دلیل و نشانه امکان برپایی قیامت و توانایی خداوند بر احیای مجدد انسان ها

و هو بکلّ خلق علیم

جمله <و هو بکلّ خلق علیم> ادامه استدلال برای امکان معاد و رد شبهه منکران قیامت است; یعنی، بعید شمردن برپایی قیامت، ممکن است ناشی از این شبهه باشد که چگونه اجزای پوسیده و پراکنده بشر، شناسایی و جمع خواهد شد. خداوند در پاسخ آن، مسأله علم مطلق خویش بر آفرینش جهان هستی را یادآور شده است.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۷ - ۶

۶ - حق مدار و هدفمند بودن آفرینش جهان ، مستلزم برپایی قیامت و وجود حسابرسی برای بندگان است .

بما نسوا یوم الحساب . و ما خلقنا السماء و الأرض و ما بینهما بطلاً

ذکر حق مدار و هدفمند بودن جهان، پس از طرح مسأله حسابرسی قیامت، می تواند بیانگر چنین ارتباطی میان آن دو مسأله باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۸ - ۱

۱ - هدفمند بودن آفرینش جهان ، مقتضی برپایی قیامت به منظور کیفر بندگان و یا پاداش به آنان

و ما خلقنا السماء . .. بطلاً... أم نجعل الذین ءامنوا و عملوا الصلحت

یادآوری برابر نبودن سرنوشت مؤمنان با مفسدان، پس از طرح مسأله بی هدف نبودن آفرینش جهان، می رساند که اگر مؤمنان و مفسدان یکسان باشند، لازم می آید که جهان آفرینش بی هدف باشد و چون جهان آفرینش هدفمند است، پس باید سرنوشت این دو گروه یکسان نباشد. و از آن جایی که در دنیا یکسان زندگی می کنند، پس باید جهان دیگری (رستاخیز) باشد که با آنان برخورد متفاوت و متناسب شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۹ - ۱۰

۱۰ - قدرت نامحدود و بی کران خداوند ، دلیل توان مندی او بر احیای مردگان و برپایی قیامت

و هو یحی الموتی و هو علی کلّ شیء قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۱ - ۳

۳ - آفرینش عیسی (ع) ،

دلیلی بس روشن و آشکار بر امکان برپایی قیامت

و لمّا ضرب ابن مریم . .. و إنّه لعلم للساعه

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که مقصود از آیه شریفه این باشد که آفرینش شگفت عیسی(ع) به وسیله خداوند نشانگر قدرت و توانایی او بر برپایی قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۶ - ۲

۲ - برنامه و حساب دقیق حاکم بر هستی ، خود دلیل ضرورت قیامت و محاسبه نهایی کردار آدمیان *

و الذریت . .. و إنّ الدین لوقع

از مناسبت میان مقسم به و جواب قسم، استفاده می شود: همان طور که تمام مظاهر طبیعت به گونه ای حساب شده در ارتباط باهم قرار دارند و هدفی را دنبال می کنند; به طریق اولی حیات انسان بی فرجام نیست و بدون حساب پایان نمی پذیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۲ - ۳

۳ - آفرینش چوب آتش زنه ، نشانه ای از توانایی خداوند بر آفرینش مجدد انسان ها و برپایی قیامت

ءأنتم أنشأتم شجرتها أم نحن المنشون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱۲ - ۱۴

۱۴ - آفرینش آسمان ها و زمین و تدبیر امور آنها ، نشانه تحقّق وعده های خداوند به برپایی قیامت و وجود بهشت و جهنّم است .

أعدّ اللّه لهم عذابًا شدیدًا . .. جنّت تجری من تحتها الأنهر ... اللّه الذی خلق

یادآوری خلقت آسمان ها و زمین و تدبیر امور آنها پس از ذکر دو گروه دوزخیان و بهشتیان در آیات

گذشته می تواند اشاره به مطلب یاد شده باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – معارج – ۷۰ – ۷ – ۲

۲ – وجود دلایل و شواهد اثبات گر و ممکن سازِ برپایی قیامت و عذاب آن

و نریه قریبًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قیامه – ۷۵ – ۴۰ – ۲،۳

۲ – آفرینش آغـازین انسـان ، از نطفه و علقه به همراه ساختـاری معتـدل و هماهنگ ، دلیل قـدرت خداونـد بر برپایی قیامت و احیای مردگان

ألم یک نطفه من منیّ یمنی . .. فخلق فسوّی ... ألیس ذلک بقدر علی أن یحیی الموتی

۳ – هدف داری آفرینش و زندگی انسان ، دلیل وجود قیامت

أحسب الإنسن أن یترک سدًی . .. ألیس ذلک بقدر علی أن یحیی الموتی

یـادآوری توانـایی خداونـد بر احیـای مردگان پس از طرح مسأله بی هـدف نبودن زنـدگی انسان می توانـد بیانگر این حقیقت باشد که هدفدار بودن آفرینش و زندگی بشـر، اقتضا دارد که انسان ها دوباره زنده شوند و به کردار آنان رسیدگی شود; زیرا جز این، آفرینش و زندگی بشر، پوچ و بی هدف خواهد بود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۲۳ – ۷

۷ – آفرینش انسـان ، از مـایعی نـاچیز و سـیر متوازن و تکـاملی وی در رحم ، نشـانه توانـایی خداونـد بر برپایی قیامت و احیای مردگان

ألم نخلقکم من ماء . .. فقدرنا فنعم القدرون

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که این آیات تا آخر سوره، درصدد اثبات برپایی قیامت باشد.

– سوره – آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۲۷ – ۷

۷ – وجود کوه های استوار و بلند و آب های گوارا برای شرب انسان ها ، از نشانه های قدرت خداوند بر برپایی قیامت و احیای مردگان

و جعلنا فیها روسی شمخت و أسقینکم ماء فراتًا

دلایل مکذبان قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۵ – ۴

۴ بعید شمردن حیات دوباره انسانها ، دلیل انکار سرای آخرت از سوی کافران به قیامت

أءذا کنّا تربًا أءنا لفی خلق جدید

دنیاپرستان در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۱۲ – ۱۵

۱۵ جایگاه پست دنیاپرستان و کافران در آخرت

و الذین اتقوا فوقهم یوم القیمه

دنیاطلبان در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۴۸ – ۵

۵– مشرکان و دنیاگرایان ، از منظر لطف و رحمت الهی ، در قیامت ، ساقط اند .

و عرضوا علی ربّک صفًّا

در صورتی که نایب فاعل <عرضوا> مشرکان و دنیاگرایان باشند که در آیات قبل، یاد آنان به میان آمد مجهول آمدن فعل و نیز به کار رفتن <ربّک> که خطاب پیامبر(ص) است به جای <ربّهم> دال بر تحقیر ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۸ - ۱

۱ - آنان که زندگانی دنیا را برگزیده و آن را بر آخرت ترجیح دادند ، کردار خویش را در قیامت به یاد آورده ، جهنم را حاضر خواهند یافت .

یوم یتذکّر

. ... و برّزت الجحيم ... و ءاثر الحيوه الدنيا

دود در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۰ - ۵

۵- نفوذ دود های غلیظ به جو زمین از سمت آسمان ، در قیامت [و یا در آستانه آن]

یوم تأتی السماء بدخان مبین

در صورتی که آیه شریفه مربوط به قیامت باشد; از تعبیر <تأتی السماء> استفاده می شود که منشأ و خاستگاه آن دودها، فضا است; نه این که از دل زمین پدید آمده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۵ - ۲،۴

۲ - فرو ریختن شراره های آتش و دود غلیظ ، بر فضای محشر

یرسل علیکما شواظ من نار و نحاس

<شواظ> به معنای شراره خالص و بدون دود و <نحاس> به معنای دود خالص و بدون آتش است. نکره آمدن آنها بیانگر شدت و غلظت آن دو می باشد.

۴ - فضای محشر ، سخت داغ ، دودآلود و نفس گیر

یرسل علیکما شواظ من نار و نحاس

دوستان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۱ - ۲

۲ - نیاز انسان به دوستِ دلسوز ، حتی در قیامت

و لاصدیق حمیم

حسرت گمراهان بر نداشتن رفیق، نشانگر نیاز و کمبود آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۷ - ۱

۱ - تبدیل شدن دوستی های غیرخدایی ، به عداوت و دشمنی در قیامت

الأخلّاء یومئذ بعضهم لبعض عدوّ إلاّ المتّقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ -

معارج - ۷۰ - ۱۰ - ۱،۲

۱ - در روز رستاخیز ، هیچ دوست صمیمی و خویشاوندی ، از حال دیگری جویا نمی شود .

و لایسئل حمیم حمیمًا

<حمیم>به فردی می گویند که به انسان نزدیک و دلسوز باشد. از مصادیق بارز آن، خویشاوندان و دوستان صمیمی و دلسوز است.

۲ - در روز محشر ، هیچ خویشاوندی و دوست صمیمی از یکدیگر استمداد نمی کند .

و لایسئل حمیم حمیمًا

یکی از کاربردهای واژه <سؤال>، طلب و درخواست (استمداد) است. برداشت یاد شده مبتنی بر این معنا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۱ - ۲

۲ - اهل محشر ، در عین دیدن و شناختن کامل خویشان و دوستان صمیمی خود ، از حال آنان جویا نشده و از آنان استمداد نخواهند کرد .

و لایسئل حمیم حمیمًا . یبصّرونهم

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که جمله <یبصّرونهم>، حال برای جمله پیشین (لایسئل حمیم حمیمًا) باشد.

دوستی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۱ - ۱

۱- قیامت صحنه گسستگی و بی تأثیری دوستی ها ، پیوند ها ، حمایت ها و دیگر روابط دنیایی

یوم لایغنی مولًی عن مولًی شیًا و لا هم ینصرون

<مولی> در لغت، از ماده <ولاء> به معنای ارتباط و پیوند دو چیز با یکدیگر است و در مصادیق مختلفی; همچون دوست، سرور، خدمت گزار، بنده، مالک و. .. به کار می رود.

دوستیها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۱ - ۳

۳ - آشکار گشتن

پوچی دوستی های مبتنی بر جرم و گناه در قیامت

و ما أضلّنا إلاّ المجرمون . .. و لاصدیق حمیم

دومین زلزله قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۷ - ۱،۲

۱ - در آستانه برپایی قیامت و در پی صیحه و لرزش نخستین ، صیحه و لرزشی دوباره پدیدار خواهد شد .

تتبعها الرادفه

<رادفه>; یعنی، ملحق شونـده و از پی در آینده. (مصـباح) تطبیق آن بر نفخ صور دوم مفاد این آیه و آیه قبل را نظیر آیه ۶۸ سوره زمر می سازد.

۲ - دومین زلزله در مراحل برپایی قیامت ، تابع اولین لرزش و فرع بر پیدایش آن است .

تتبعها الرادفه

دین ستیزان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۲ - ۱

۱ - تکذیب گران دین ستیز ، گرفتار قید و بند های گران در عرصه قیامت

إنّ لدینا أنکالاً

<نِکْل> (مفرد <أنکال>) به معنای <قید شدید> است (قاموس المحیط).

دین فروشان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۸ - ۱۰

۱۰ – در قیامت برای متخلفان از دستورات الهی (بر پایی نماز و پرداخت زکات) و ارتکاب کنندگان محرمات (دین فروشی ، حق پوشی و . . .) راه نجاتی نیست .

لا تشتروا بأیتی . .. و أقیموا الصلوه ... واتقوا یوماً لاتجزی نفس عن نفس

ذکر اهوال قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۲۳ – ۱۱

۱۱ – توجه به قیامت و رخداد های مخاطرآمیز آن

، زمینه ساز ایمان به پیامبر (ص) و قرآن

من یکفر به فأولئک هم الخسرون . .. و اتقوا یوماً لاتجزی نفس عن نفس شیئاً

ذکر برپایی قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۵ - ۱

۱ شکافته شدن آسمان ، در آستانه برپایی قیامت و نزول فرشتگان از آن ، حادثه ای در خور تأمل و یاد و یادآوری

و یوم تشقّق السماء بالغمم و نزّل الملئکه تنزیلًا

برداشت فوق، مبتنی بر این است که <یوم> متعلق به فعلی محذوف (همچون <اذکر>) باشد.

ذکر عمل در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۷ - ۱

۱ - طغیان گران با حضور در صحنه قیامت ، کردار خویش را به یاد آورده و جهنم را حاضر خواهند یافت .

یوم یتذکّر . .. و برّزت الجحیم لمن یری . فأمّا من طغی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۸ - ۱

۱ - آنان که زندگانی دنیا را برگزیده و آن را بر آخرت ترجیح دادند ، کردار خویش را در قیامت به یاد آورده ، جهنم را حاضر خواهند یافت .

یوم یتذکّر . ... و برّزت الجحیم ... و ءاثر الحیوه الدنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۰ - ۲

۲ - خداترسان دور از هواپرستی با حضور در صحنه قیامت ، کردار خویش را به یاد آورده و جزای آن را خواهند دید .

یوم یتذکّر . .. و أمّا من خاف مقام ربّه

و نهی النفس عن الهوی

ذکر قطع روابط در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۳ - ۴

۴ - توجه به گسسته شدن روابط خانوادگی در قیامت ، مانع از دست زدن انسان به کار های خلاف ، به انگیزه حمایت از خانواده و خویشان

لن تنفعکم أرحامکم و لا أولدکم یوم القیمه

ذکر قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۷ - ۲۴

۲۴ توجه یافتن به مرگ و قبر و قیامت و آمادگی برای آنها ، فلسفه وجود حج و اختصاص آن به خداوند

و للّه علی الناس حج البیت

امام صادق (ع): . .. و اعلم بانّ اللّه تعالی لم یفترض الحجّ و لم یخصّه من جمیع الطاعات بالاضافه الی نفسه بقوله عزّ و جلّ <و للّه علی النّاس حج البیت ... > ... الاّ للاستعداد و الاشاره الی الموت و القبر و البعث و القیامه ... .

مصباح الشریعه، ص ۴۹ ; بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۱۲۵، ح ۱.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۳ - ۱۰

۱۰ اجتماع حج گزاران ، یادآور جمع شدن انسان ها در قیامت

و اعلموا انکم الیه تحشرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۹ - ۶

۶ یاد قیامت و صحنه های بررسی اعمال در آن ، زمینه ساز رعایت تقوا و ترس از خداوند

و اتقوا اللّه . .. یوم یجمع اللّه الرسل

چنانچه <یوم> مفعول برای <اذکروا> باشد، جمله <اذکروا یوم . ..> پس

از <اتقوا اللّه> می تواند اشاره به علتی از علل لزوم تقوا و ترس از خدا داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۲ - ۲

۲ یاد آوری رخداد قیامت هشداری به مشرکان وافترا زنندگان به خداوند

و یوم نحشرهم جمیعا ثم نقول للذین أشرکوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۳

۳ یادآوری قیامت، از روشهای قرآن برای انذار و تبلیغ است.

کذلک یجعل الله الرجس علی الذین لا یؤمنون . .. و یوم یحشرهم جمیعا

<یوم>، ظرف و متعلق به فعلی محذوف مانند <اذکر> است. یعنی آن روز را به مردم یادآوری کن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۶ - ۱

۱ - آخرت اندیشی و یاد مستمر قیامت ، از اوصاف ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (علیهم السلام)

إنّا أخلصنهم بخالصه ذکری الدار

<خالصه> موصوف برای صفت مقدر (چون خصله) و یا صفت است. <باء> آن برای سببیت و عبارت <ذکری الدار> نیز بیان برای <خالصه> می باشد. بر این اساس پیام آیه چنین خواهد بود: ما با خصلت و صفت خالص و بی شائبه که عبارت است از آخرت اندیشی آنان را خالص ساختیم.

ذلت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۷ - ۱۴

۱۴- قیامت ، روزی سخت و خوار کننده است .

إن الخزی الیوم و السوء علی الکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۴

۱ - چشیدن آتش سوزان و گرفتاری به رنج و مشقت آن ، فرجام کسانی است که حضورشان در صحنه قیامت ، همراه با خفّت و خواری است .

وجوه یومئذ خشعه . .. تصلی نارًا حامیه

<صلی النار>; یعنی، حرارت آتش را به سختی چشید (قاموس).

ذلت دشمنان خدا در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۹ - ۷

۷ - ضرورت یادآوری اوضاع خفت بار دشمنان خدا ، در عرصه قیامت برای کفرپیشگان

و یوم یحشر أعداء اللّه إلی النار فهم یوزعون

<یوم> مفعول به برای فعل محذوفی مانند <ذکّرهم> یا <أنذرهم> و امثال آن می باشد.

رباخوار در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۵ - ۱۹

۱۹ رباخوار در قیامت ، همچون دیوانگان محشور می شود .

الذین یأکلون الرّبوا

رسول اللّه (ص): یأتی آکل الرّبا یوم القیامه مختبلا . ..

الدر المنثور، ج ۲، ص ۱۰۲.

ربوبیت خدا در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۶۴ - ۱۳

۱۳ قیامت ظرف ظهور و انکشاف ربوبیت مطلق خدا برای همگان

أغیر الله أبغی ربا و هو رب کل شیء . .. فینبئکم بما کنتم فیه تختلفون

از مصادیق مورد نظر برای <ما کنتم فیه تختلفون>، به دلیل <أغیر الله أبغی ربا>، ربوبیت خداوند بر هستی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۲ - ۴

۴ - ربوبیت خدا در قیامت ، برای مجرمان ، تجلی پیدا می کند .

ناکسوا رءوسهم عند ربّهم . .. ربّنا

أبصرنا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۷ - ۵

۵ ربوبيت انكارناپذير الهى ، متجلّى براى همگان در قيامت

قال قرينه ربّنا ما أطغيته

التجاى قرين كافران به ربوبيت عام الهى در روز قيامت، مى رساند كه ربوبيت خداوند در آن روز، چنان آشكار است كه هيچ كس، قادر به ناديده گرفتن آن نيست.

رحمت خدا در قيامت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۱ - ۴

۴- جلوه و ظهور غفران و رحمت گسترده الهى در قيامت

إن ربّك . .. لغفور رحيم . يوم تأتى كلّ نفس تجدل عن نفسها

برداشت فوق، مبتنى بر اين نكته است كه <يوم> ظرف براى <لغفور رحيم> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۲ - ۲

۲- رحمت خداوند ، تنها تكيه گاه و نقطه اميد براى انسان در قيامت

يوم لايغنى مولًى عن مولًى شيًا . .. إلاّ من رحم اللّه

ردّ خواسته هاى مكذبان قيامت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۴ - ۱،۲

۱ استغاثه و درخواست تکذیب کنندگان قیامت برای رهایی از آتش جهنم نتیجه بخش نبوده و عذابشان ادامه خواهد یافت .

لاتدعوا الیوم ثبورًا وحدًا و ادعوا ثبورًا کثیرًا

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که مقصود از درخواست هلاکت، در حقیقت کنایه از نجات از وضع بسیار سخت دوزخ است; نه مرگ و نابودی واقعی.

۲ درخواست تکذیب کنندگان قیامت برای مرگ و هلاکت خویش ، بی نتیجه بوده و آنان برای همیشه در

آتش خشمگین جهنم خواهند سوخت .

بل کذّبوا بالساعه . .. لاتدعوا الیوم ثبورًا وحدًا و ادعوا ثبورًا کثیرًا

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مقصود از <و ادعوا ثبوراً کثیراً> کنایه از این باشد که چون درخواست کافران برای مرگ و یا نجات، پذیرفته نمی شود و باید تا ابد در آتش بسوزند. از این رو از روی استهزا به آنان گفته می شود: بسیار درخواست هلاکت[و یا نجات] کنید.

رد عذرخواهی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۶ - ۳

۳ - < عن حَمّاد بن عثمان ، قال : سمعت أباعبدالله (ع) یقول : فی قول الله تبارک و تعالی : < و لایؤذن لهم فیعتذرون > فقال : الله أجلّ و أعدل [و أعظم] من أن یکون لعبده عُذرٌ ، لایَدَعُه یعتذر به ، و لکنّه فُلِج فلم یکن له عذر ;

از حمّاد بن عثمان روایت شده که گفت: از امام صادق(ع) شنیدم که درباره سخن خداوند تبارک و تعالی: <و لایؤذن لهم فیعتذرون> می فرمود: خداوند بزرگوارتر و عادل تر [و بزرگ تر]از آن است که بنده اش عذری داشته باشد و نگذارد عذر خود را بیان کند; لکن آن بنده در قیامت <هنگام احتجاج> مغلوب می شود و عذری ندارد>.

رد عذرخواهی مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۶ - ۱،۲

۱ - تکذیب کنندگان روز جزا ، در آن روز اجازه عذرخواهی نخواهند داشت .

و لایؤذن لهم فیعتذرون

۲ - عذر کافران تکذیب گر در روز رستاخیز

، پذيرفته نخواهد شد .

و لايؤذن لهم فيعتذرون

رستگارى در قيامت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - اعراف - ۷ - ۸ - ۳

۳ فلاح و رستگارى آدمى در قيامت در گرو داشتن اعمال و عقايد وزين و داراى ثقل است.

فمن ثقلت موزينه فأولئك هم المفلحون

كلمه <موازين> در برداشت فوق جمع موزون گرفته شده است. بنابراين مراد از <موازين> اعمال و عقايدى است كه در قيامت مورد توزين و سنجش قرار مى گيرد.

رضايت طلبى در قيامت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - جاثيه - ۴۵ - ۳۵ - ۶

۶ - كافران حق ستيز ، فاقد هر گونه مجال و فرصت براى عذرخواهى و رضايت طلبى از خداوند ، در روز قيامت

و لا هم يستعتبون

<إستعتاب> (مصدر <يستعتبون>) به معناى درخواست عذرخواهى است. و در اين آيه مى تواند كنايه از اين باشد كه به كافران، مجالى براى عذرخواهى و طلب رضايت خداوند، داده نمى شود.

رفع اختلاف در قيامت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۵ - ۳

۳ - با وقوع معاد در آينده اى نزديك ، حقايق براى كافران كشف شده و اختلاف آنان درباره حوادث پس از مرگ ، برطرف خواهد شد .

الذی هم فیه مختلون . .. ثمّ کلاّ سیعلمون

رنجهای روحی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۳۴ - ۵

۵ - وجود رنج های روحی در قیامت

من الکفّار یضحکون

روابط خانوادگی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق

- ۸۴ - ۱۳ - ۵

۵ - خوش بختی های دنیایی و دل خوشی به پیوند های خانوادگی ، در قیامت کارساز نبوده و انسان را از آتش دوزخ رهایی نمی بخشد .

و یصلی سعیرًا . إنّه کان فی أهله مسرورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۴ - ۱

۱ - اهل دوزخ در دنیا ، می پنداشتند زندگی شاداب آنان دگرگون نشده و الفت های خانوادگی شان هرگز از هم نخواهد گسست .

إنّه ظنّ أن لن یحور

<حَور&gt، رجوع از چیزی و به چیزی می باشد. اصل معنای آن بازگشت به کم بود است و با ضمّه <حاء> به معنای هلاکت خواهد بود (لسان العرب). فعل <یحور> از هر کدام مشتق باشد، برداشت یاد شده قابل استفاده است.

روابط خویشاوندی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۸ - ۶

۶ - روابط فامیلی و عاطفی ، هیچ تأثیری در سرنوشت انسان در روز رستاخیز ندارد .

و إن تدع مثقله إلی حملها لایحمل منه شیء و لو کان ذاقربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۳ - ۳

۳ - تأثیر نداشتن پیوند خویشاوندی و روابط فامیلی ، در نجات انسان مجرم از عذاب الهی در قیامت

یودّ المجرم لویفتدی من عذاب یومئذ ببنیه . .. و فصیلته الّتی تویه

روابط در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۶۸ – ۴

۴–نزدیکی ها و جدایی ها در صحنه قیامت ، بر اساسا سنخیت های فکری

و عملی خواهد بود .

لنحشرنّهم والشیطین ثمّ لنحضرنّهم

پیوستن منکران معاد به صف شیاطین در قیامت، به جهت سنخیتی است که در این از نظر فکری و عملی، در بین این دو طائفه به وجود آمده است. ذکر شیاطین در این آیه، برای بیان همین سنخیت و نتیجه ای است که از آن در صحنه قیامت بروز می کند.

روابط عاطفی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۸ - ۶

۶ - روابط فامیلی و عاطفی ، هیچ تأثیری در سرنوشت انسان در روز رستاخیز ندارد .

و إن تدع مثقله إلی حملها لایحمل منه شیء و لو کان ذاقربی

روح(اسم) در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۸ - ۱،۴

۱ - روح و فرشتگان الهی در قیامت ، ایستاده و صف بسته در آماده باش کامل قرار می گیرند .

یوم یقوم الروح و الملئکه صفًّا

<صفّاً> مصدر است و چون حال قرار گرفته، به معنای <صافّین> است. ایستادن و صف بستن، کنایه از مهیّا بودن برای انجام فرمان های الهی است.

۴ - روح و ملائکه در قیامت از گفتن هر سخنی ، جز با رخصت داشتن از خداوند ناتوان اند .

لایتکلّمون إلاّ من أذن له الرحمن

روز قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٨ - هود - ١١ - ١٠٣ - ٨

٨ < قال الصدوق روى : . . . و تقوم القيامه فى يوم الجمعه . . . قال الله عزوجل : < ذلك يوم مجموع له الناس و ذلك يوم مشهود > ;

صدوق گوید:

روایت شده است که . .. قیامت در روز جمعه برپا می شود ... و خدای عزوجل فرمود: ذلک یوم مجموع ...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵ - ۱۹

۱۹- عن مثنّی الحنّاط قال : سمعت أباجعفر (ع) یقول : أیام الله عزّوحلّ ثلاثه : یوم یقوم القائم (ع) و یوم الکرّه و یوم القیامه ;

مثنّی حنّاط گوید: از امام باقر(ع) شنیدم که فرمود: ایام الله سه روز است روز قیام حضرت قائم(ع) و روز رجعت و روز قیامت.

روزی خائفان از قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۸ - ۱۶

۱۶ - مردمانی که همواره به یاد خدا هستند ، نماز به پا می دارند ، زکات می پردازند و از قیامت می ترسند ، از روزی فراوان و بی شمار برخورداراند .

رجال لاتلهیهم تجره و لابیع عن ذکر اللّه . .. لیجزیهم اللّه أحسن ما عملوا و یزید

<حساب> به معنای شمارش است و <بغیر حساب> (بی شمارش) می تواند کنایه از کثرت و فراوانی باشد.

روسفیدان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۴۰ - ۵

۵ - انسان ها در قیامت ، با دو چهره مختلف تابناک و تیره حضور خواهند یافت و فرجام هر کس ، از آغاز حضور مشخص خواهد بود .

فإذا جاءت الصاخّه . .. وجوه ... و وجوه

تکرار <وجوه>، بیانگر جواب شرط در <إذا جاءت. ..> است; یعنی، <کان الناس صنفین>.

روسیاهان در قیامت

- سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۴۰ - ۵

۵ - انسان ها در قیامت ، با دو چهره مختلف تابناک و تیره حضور خواهند یافت و فرجام هر کس ، از آغاز حضور مشخص خواهد بود .

فإذا جاءت الصاخّه . .. وجوه ... و وجوه

تکرار <وجوه>، بیانگر جواب شرط در <إذا جاءت. ..> است; یعنی، <کان الناس صنفین>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۴۲ - ۱

۱ - کسانی در قیامت روسیاه و تیره رخسارند که کفرپیشه و منحرف بوده و بی باکانه در گناه پیش رفته اند .

أولئک هم الکفره الفجره

فعل <فجر>، در مورد کسی گفته می شود که سر خود را پایین انداخته و بی مبالات پیش می رود; <فجور> در اصل به معنای انحراف از حق است و در معنای تاختن به سوی کارهای غیرمجاز نیز استعمال می شود. (لسان العرب)

رؤیت آتش جهنم در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۷ - ۴

۴ - کافران ، در قیامت ، با مشاهده آتش جهنم ، به ربوبیت خداوند اعتراف می کنند .

یوم تقلّب وجوههم فی النار . .. و قالوا ربّنا

ماضی آوردن عبارت <قالوا ربّنا> در مقابل <یقولون یالیتنا> احتمال دارد که مربوط به زمانی باشد که هنوز در عذاب واقع نشده اند و تنها، آن را مشاهده کرده اند.

رؤیت بهشت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۳۱ – ۲

۲ < متقین > ، قادر به

مشاهده بهشت در صحنه قیامت *

الجنّه . .. غیر بعید

برداشت بالاـ بدان احتمال است که تعبیر <غیر بعید> از پی <أزلفت> بیانگر این معنا باشد که بهشت آن قدر به متقین نزدیک خواهد شد، که در مرئی و منظر آنان قرار خواهد گرفت.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکویر – ۸۱ – ۱۳ – ۵

۵ – بهشت و جهنم ، برای مردم در قیامت قابل مشاهده است . *

و إذا الجحیم سعّرت . و إذا الجنّه أُزلفت

هدف از شعلهور کردن جهنم و نزدیک نمودن بهشت ممکن است این باشد که همگان آنها را مشاهده کرده و به فرجام نیکان و بدان آگاه شوند.

رؤیت جهنم در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۵۳ – ۱

۱– مجرمان ، در صحنه قیامت ، ناظر شعله های آتش دوزخ اند .

و رءا المجرمون النار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۱۰۰ – ۳

۳– مشاهده دوزخ ، برای مردم حاضر در صحنه قیامت ، امکان پذیر است .

و عرضنا جهنّم یومئذ للکفرین عرضًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۱۰۱ – ۸

۸- چشم های نابینا در برابر حق ، در قیامت ، شعله های آتش دوزخ را خواهد دید .

و عرضنا جهنّم یومئذ للکفرین عرضًا . الذین کانت أعینهم فی غطاء عن ذکری

عرضه شدن جهنم بر کافران در قیامت و رویت آن، عقوبتی متناسب با بهره نبردن آنان از بینایی برای شناخت خداوند است، همانگونه که گوش

ناشنوای آنان نیز صدای جهنم را درخواهد یافت، زیرا، عرضه جهنم، محدود به عرضه بصری نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۶ - ۱

۱ - جهنّم در قیامت ، بر همگان آشکار بوده و در معرض دید تمام بینندگان قرار داده خواهد شد .

و برّزت الجحیم لمن یری

مراد از <من یری> (شخصی که می بیند)، هر کسی است که توان دیدن داشته باشد. مفاد چنین تعبیری، شدّت ظهور است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۷ - ۱

۱ - طغیان گران با حضور در صحنه قیامت ، کردار خویش را به یاد آورده و جهنم را حاضر خواهند یافت .

یوم یتذکّر . .. و برّزت الجحیم لمن یری . فأمّا من طغی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۸ - ۱

۱ - آنان که زندگانی دنیا را برگزیده و آن را بر آخرت ترجیح دادند ، کردار خویش را در قیامت به یاد آورده ، جهنم را حاضر خواهند یافت .

یوم یتذکّر . ... و برّزت الجحیم ... و ءاثر الحیوه الدنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۳ - ۵

۵ - بهشت و جهنم ، برای مردم در قیامت قابل مشاهده است . *

و إذا الجحیم سعّرت . و إذا الجنّه أُزلفت

هدف از شعلهور کردن جهنم و نزدیک نمودن بهشت ممکن است این باشد که همگان آنها را مشاهده کرده و به فرجام نیکان و بدان آگاه شوند.

- سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۳ - ۲،۳،۶

۲ - جهنم ، قابل مشاهده برای تمام اهل محشر

و جآیء یومئذ بجهنّم

۳ - حاضران در صحنه قیامت ، در آغاز برپایی آن جهنم را مشاهده نمی کنند . *

و جآیء یومئذ بجهنّم

۶ - خطاکاران در قیامت با مشاهده جهنم ، فرصت های از دست رفته را به یاد آورده و متوجّه آثار و پیامد های کردار خویش می گردند .

یومئذ یتذکّر الإنسن

<ال> در الإنسان>، ممکن است عهد ذکری و اشاره به انسانی باشد که در آیات پیشین، فریفته نعمت ها و شِ‍‍کوه گزار تنگدستی ها معرفی شده است. هم چنین می تواند برای استغراق باشد و تذکر یافتن را به همه انسان ها تعمیم دهد. آیات بعد، احتمال نخست را تقویت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۶ - ۱،۵

۱ - مشاهده دوزخ در قیامت و گرفتاری به عذاب آن ، تهدیدی الهی و هشداری تردیدناپذیر برای دلبستگان به امتیازات دروغین

لترونّ الجحیم

چنانچه <لترونّ الجحیم> جمله مستقلی باشد; بیانگر قطعی بودن رؤیت جهنم برای مخاطبان <ألهیکم التکاثر> خواهد بود سیاق آیه که بر تهدید اهل تکاثر دلالت دارد، نشانگر آن است که مراد از دیدن جهنم، گرفتاری به آن است; بنابر این حرف <ثمّ> در آیه آخر (ثمّ لتسئلنّ . ..)، بر تراخی رتبی دلالت دارد; زیرا حسابرسی، پیش از گرفتاری به عذاب جهنّم است.

۵ - مشاهده جهنم در قیامت ، موجب آگاهی از نادرست بودن تفاخر و زیاده نمایی و سود نبخشیدن امتیازات مادی است .

سوف تعلمون . .. لترونّ الجحیم

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۳ - ۱

۱ - جهنم ، در روز رستاخیز از نزدیک به کافران و مجرمان نشان داده خواهد شد .

هذه جهنّم الّتی کنتم توعدون

<هذه> که به شیء نزدیک اشاره دارد می رساند که جهنم در نزدیکی کافران و مجرمان قرار داشته و به آنان نشان داده خواهد شد.

رؤیت جهنمیان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۷ - ۳،۴،۵

۳ راهیان بهشت در صحنه قیامت منظره شوم و هول انگیز دوزخیان را مشاهده خواهند کرد .

و إذا صرفت ابصرهم تلقاء اصحب النار قالوا ربنا

برداشت فوق مبتنی بر این است که ضمیر <ابصرهم> و <قالوا> به <اصحب الجنه> در آیه قبل برگردانده شود.

۴ مشاهده دوزخیان از سوی بهشتیان ، مشاهده ای ناخواسته و بدون اختیار

و إذا صرفت ابصرهم تلقاء اصحب النار

مجهول آوردن فعل <صرفت> حکایت از برداشت فوق دارد.

۵ راهیان بهشت پس از مشاهده وضعیت نابهنجار دوزخیان و منظره هولناک دوزخ ، به دعا خواهند پرداخت

و إذا صرفت ابصرهم تلقاء اصحب النار قالوا ربنا

رؤیت حوادث قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۶ - ۳

۳ – صحنه قیامت ، آشکار و مکشوف در برابر دیدگان تمام انسان ها

کأنّهم یوم یرونها

رؤیت خویشاوندان در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – معارج – ۷۰ – ۱۱ – ۱

۱ – در عرصه قیامت ، خویشان و دوستان هر فردی ، به وی نشان داده خواهند شد .

حمیمًا

. يبصّرونهم

رؤيت دوستان در قيامت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۱ - ۱

۱ - در عرصه قيامت ، خويشان و دوستان هر فردى ، به وى نشان داده خواهند شد .

حميمًا . يبصّرونهم

رؤيت شياطين در قيامت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۸ - ۹

۹ - مشاهده شياطين در قيامت و همنشينى با آنان ، خود نوعى عذاب براى گمراهان است .

قال يليت بينى و بينك بعد المشرقين

رؤيت عرش در قيامت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۵ - ۴،۵

۴ - قابل رؤيت بودن فرشتگان و عرش در قيامت براى انسان ها

و ترى الملئكه حافّين من حول العرش

فاعل و مخاطب فعل <ترى>، ممكن است همه انسان ها باشند و نيز ممكن است شخص پيامبراسلام(ص) باشد. برداشت ياد شده مبتنى بر احتمال نخست است.

۵ - قابل رؤيت بودن فرشتگان و عرش در قيامت ، براى پيامبراسلام (ص)

و ترى الملئكه حافّين من حول العرش

رؤيت عمل در قيامت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - تكوير - ۸۱ - ۱۴ - ۲

۲ - مشاهـده كردار ها در عرصه قيامت ، در گرو پيـدايش حوادثى تحوّل آفرين در نظام جهان و پديـدار شدن رخدادهايى در صحنه قيامت

إذا الشمس . .. و إذا ... و إذا ... علمت نفس ما أحضرت

آيه شريفه، جواب حرف شرط <إذا> است كه از آغاز سوره تكرار شده است.

رؤيت ملائكه در قيامت

جلد - نام سوره - سوره - آيه -

فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۲۲ – ۳،۵

۳ منکران معاد ، در روز رستاخیز ملائکه را مشاهده خواهند کرد .

و قال الذین لایرجون لقاءنا . .. یوم یرون الملئکه لابشری یومئذ للمجرمین

۵ منکران معاد ، با مشاهده ملائکه در قیامت ، از آنان درخواست خواهند کرد که متعرض ایشان نشده و اقدامی علیه آنان انجام ندهند .

یوم یرون الملئکه لابشری . .. و یقولون حجرًا محجورًا

<حجراً محجوراً> سخنی است که عرب به هنگام روبه رو شدن با دشمن و یا هجوم بلاـ و حوادث هولناک می گوید و مقصود اصلی در این کلام، امان خواستن و پناه بردن است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۷۵ – ۴،۵

۴ – قابل رؤیت بودن فرشتگان و عرش در قیامت برای انسان ها

و تری الملئکه حافّین من حول العرش

فاعل و مخاطب فعل <تری>، ممکن است همه انسان ها باشند و نیز ممکن است شخص پیامبراسلام(ص) باشد. برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال نخست است.

۵ – قابل رؤیت بودن فرشتگان و عرش در قیامت ، برای پیامبراسلام (ص)

و تری الملئکه حافّین من حول العرش

رؤیت مواقف قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۰۳ – ۷

۷ صحنه های قیامت و موقف های آن علنی ، مشهود و در مرأی و منظر همگان است .

ذلک یوم مشهود

ظاهر این است که <مشـهود> (مورد مشاهده) صفت برای متعلق موصوف است یعنی منظور مشاهده خود آن روز نیست بلکه مشاهده چیزهایی است که در آن روز وجود دارد و در آن پدید

می آید. از جمله آن هاست مواقف و صحنه های قیامت و یا انسانهای موجود و گردآوری شده در آن صحنه و یا ... .

رهایی شتران در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکویر – ۸۱ – ۴ – ۱

۱ – قیامت ، حادثه ای بزرگ که هنگام برپایی آن ، شترداران با دل کندن از مرغوب ترین شتران خود ، آنها را به حال خود ر ها خواهند کرد .

و إذا العشار عطّلت

رهبران در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۹۸ – ۴

۴ پیشوایان انسان ها در قیامت ، همان پیشوایان آنان در دنیا خواهند بود .

فاتبعوا أمر فرعون . .. یقدم قومه یوم القیمه

مطرح ساختن پیشوایی فرعون در صحنه آخرت (یقدم قومه) پس از بیان پیشوایی او در دنیا (فاتبعوا أمر فرعون)، اشاره به این نکته دارد که: انسانها در دنیا از هر کسی پیروی کنند در آخرت نیز همراه او بوده و در پی او حرکت خواهند کرد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۷۵ – ۱۱

۱۱ – < عن أبی جعفر (ع) فی قوله < و نزعنا من کلّ أُمّه شهیداً > یقول من کلّ فرقه من هذه الأُمّه إمامها . . . ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند <و نزعنا من کلّ أُمّه شهیداً> روایت شده که خدا می فرماید: از هر فرقه ای از این امت، امام آنها را برمی گزینیم>.

رهبران شرک در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه –

فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۶۳ – ۱

۱ – سران و پیشوایان شرک ، به هنگام بازخواست پیروانشان از سوی خداوند در قیامت حاضر خواهند شد .

و یوم ینادیهم . .. قال الذین حقّ علیهم القول

مراد از <الذین حقّ علیهم القول> (آنان که سخن خدا درباره آنان مصداق یافت)، پیشوایان گمراهی و شرک اند. گفتنی است که برداشت یاد شده با توجه به ارتباط این آیه با آیه قبل استفاده می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۲۷ – ۱

۱ – مشرکانِ فریب خورده ، در عرصه قیامت رو در روی پیشوایان فریب کارِ خود قرار خواهند گرفت .

و أقبل بعضهم علی بعض یتساءلون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۳۰ – ۶

۶ – مشرکان فریب خورده و پیشوایان شان در قیامت ، یکدیگر را به دست داشتن در گمراهی و انحراف از مسیر حق ، متهم خواهند کرد .

و أقبل بعضهم علی بعض یتساءلون . قالوا إنّکم کنتم تأتوننا ... قالوا ... و ما کان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۳۱ – ۵

۵ – اعتراف پیشوایان شرک به ربوبیت الهی در حضور مشرکان در عرصه قیامت

فحقّ علینا قول ربّنا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۳۲ – ۴

۴ - اعتراف سردمداران شرك در عرصه قيامت به گمراهى خود

إنّا كنّا غوين

رهبران كفر در قيامت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۳

۱۰ - جدا شدن سردمداران کفر از میان هر امت در قیامت ، به صورت نظام یافته و تحت نظارت و کنترل مأموران الهی است .
*

و یوم نحشر . .. فهم یوزعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۲ - ۴

۴ - پیشوایان کفر ، مورد تنفر و انزجار خلایق در روز قیامت

و یوم القیمه هم من المقبوحین

مفسران برآنند که <مقبوح> از ریشه <قبح> (زشتی) مشتق شده است. بنابراین <مقبوح>; یعنی، کسی که به خاطر زشتی، مورد نفرت دیگران بوده و از جانب آنان طرد شده است.

رهبران گمراهی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۶ - ۱۱

۱۱ - از امام صادق (ع) روایت شده که فرموده اند : < اذا کان یوم القیامه . . . یأتی النداء من عنداللّه عز و جل ، ألا من تعلق بامام فی دار الدنیا فلیتبعه الی حیث یذهب فحینئذ یتبرء الذین اتبعوا من الذین اتبعوا و رأوا العذاب و تقطعت بهم الاسباب . . . ;

وقتی قیامت بر پا شود . .. نـدایی از نزد خداونـد عز و جل می آید که هر کس در دنیا دلبسـتگی به پیشوایی داشـته باید هر جا پیشوای او می رود او به دنبالش برود. و در این هنگام است که بیزاری می جویند رهبران گمراه از پیروان گمراه خود و عذاب خدا را مشاهده می کنند و دستشان از همه جا کوتاه می شود ... >.

رهبران مستکبر در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۱ - ۵،۶،۱۴،۱۵،۱۶،۱۷،۱۹،۲۲

۵- افراد عوام و تابع ، پس از حضور در پیشگاه خداوند در قیامت به رهبران مستکبر خویش اعتراض و از آنان درخواست کمک خواهند کرد .

و برزوا لله جمیعًا فقال الضعفؤا للذین استکبروا إنّا کنّا لکم تبعًا فهل أنتم مغن

۶- درگیری لفظی عوام کفار با رهبران مستکبر خود در قیامت

فقال الضعفؤا للذین استکبروا إنّا کنّا لکم تبعًا فهل أنتم مغنون عنّا من عذاب الل

۱۴- رهبران مستکبر در جواب استمداد پیروانشان برای رهایی از عذاب ، به آنان وعده می دهند که در صورت نجات یافتن خود ، آنان را هم نجات خواهند داد .

قالوا لو هدینا الله لهدینکم

۱۵- رهبران مستکبر در جواب استمداد پیروانشان در قیامت ، خود را ناتوان دانسته و کمک به آنان را تعلیق به محال می کنند .

فقال الضعفؤا . .. فهل أنتم مغنون عنّا ... قالوا لو هدینا الله لهدینکم

اینکه مستکبران در جواب استمداد پیروان خود در قیامت می گویند: اگر خداوند ما را هدایت کرده بود ما هم شما را هدایت می کردیم، در حالی که خداوند هم چنین کاری را هرگز انجام نداده است، در واقع برآوردن خواسته آنان را تعلیق به محال می کند.

۱۶- رهبران مستکبر ، در قیامت ، به گمراهی خود اعتراف خواهند کرد .

لو هدینا الله لهدینکم

۱۷- رهبران مستکبر ، در قیامت ، در پی معرفی شدن به عنوان مسؤول گمراهی پیروان ، گمراهی خود و آنان را به خداوند نسبت خواهند داد .

فقال الضعفؤا للذین استکبروا إنّا کنّا لکم تبعًا . .. قالوا لو هدینا الله لهدین

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که

مراد از هدایت در آیه هدایت در برابر گمراهی است و نه احتمال دیگر که به معنای راهنمایی برای نجات از عذاب باشد.

۱۹- رهبران مستکبر حتی در قیامت هم از خوی استکباری خویش دست برنخواهند داشت .

فقال الضعفؤا للذین استکبروا . .. قالوا لو هدینا الله لهدینکم

مفسران برای هدایت در این آیه دو احتمال ذکر کرده اند: یکی هدایت در برابر گمراهی و دیگری راهنمایی جهت نجات از عذاب. برداشت فوق با توجه به احتمال دوم است; به اضافه اینکه مستکبران به جای اینکه نجات پیروان خود را به خدا موکول کنند، به آنان وعده می دهند که در صورت نجات خود آنها را نیز نجات خواهند داد.

۲۲- اعلام رهبران مستکبر در قیامت به پیروان خویش مبنی بر قطعی بودن عذاب آنها و نبودن هیچ راه گریزی از آن

قالوا . .. سواء علینا أجزعنا أم صبرنا ما لنا من محیص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۱،۲

۱- پس از درگیری لفظی رهبران مستکبر با پیروان خود در قیامت ، آنان با شیطان به منازعه می پردازند .

فقال الضعفؤا للذین استکبروا . .. قالوا ... و قال الشیطن لمّا قضی الأمر

ذکر قصه شیطان و سخنان وی در قیامت با جهنّمیان، پس از گفت و گوهای رهبران مستکبر و پیروانشان، نشان دهنده ادامه ماجرای مستکبران و پیروان آنها با شیطان است.

۲- رهبران مستکبر و پیروانشان ، سرانجام در قیامت شیطان را مسبب اصلی گمراهی خویش قلمداد می کنند .

فقال الضعفؤا للذین استکبروا . .. قالوا ... و قال الشیطن لمّا قضی الأمر إنّ الل

ذکر سخنان شیطان در

قیامت خطاب بـه گمراهـان، پس از ذکر جریـان مسـتکبران و پیروانشـان، احتمـال دارد از این جهت باشـد که آنـان گمراهی خویش را به شیطان نسبت می دهند و او درصدد پاسخ گویی برمی آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۹ - ۴

۴- سنخیت های قیامت برای پیشتازان و سردمداران استکبار ، دشوارتر و کیفر آنها سنگین تر از کیفر دیگران خواهد بود .

ثمّ لننزعنّ . .. أیّهم أشدّ علی الرحمن عتیًّا

جداکردن پیشـتازان و سـردمداران اسـتکبار، حکایت از رسوایی فزون تر و نیز عقوبت و حساب سنگین تری دارد که در انتظار آنان است.

رهبران مشرکان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۶ - ۲،۳،۸

۲ - مشرکان (سران شرک و پیروانشان) به عذاب قیامت گرفتار خواهند شد .

إذ تبرأ الذین اتبعوا من الذین اتبعوا و رأوا العذاب

ظاهر این است که ضـمیر فاعلی در <رأوا العذاب> به هر دو طایفه (سـران و تابعان) باز گردد. از آیه قبل و نیز آیه بعد معلوم می شود که ظرف <تبرّی>، روز قیامت است. بنابراین مراد از <العذاب> عذاب قیامت می باشد.

۳ - سران شرک به هنگام مواجه شدن با عذاب قیامت ، از پیروانشان فاصله گرفته و از آنان بیزار می شوند .

إذ تبرأ الذین اتبعوا من الذین اتبعوا و رأوا العذاب

جمله <و رأوا العـذاب> جمله حـالیه است; یعنی، تبرّی و بیزاری سـران شـرک از پیروانشـان در آن حـال است که بـا عـذاب مواجه می شوند.

۸ - در قیامت تمامی سبب ها و وسایل پیوند و دوستی میان

سران شرک و پیروانشان از میان خواهد رفت .

و تقطعت بهم الأسباب

برداشت فوق بر این اساس است که: مقصود از <الأسباب> مایه های پیوند میان سران و پیروان باشد.

ریاکار در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۱ - ۴

۴ رسوایی و وخامت حال بخیلان ، ریاکاران و کافران به خدا و قیامت در صحنه قیامت

الذین یبخلون . .. فکیف اذا جئنا من کل امّه بشهید

زلزله قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲ - ۱۰

۱۰- زلزله ویرانگر و نابود کننده زمین در آستانه برپایی قیامت ، جلوه ای از عذاب قهر خداوند

إنّ زلزله الساعه شیء عظیم. .. و ما هم بسکری و لکنّ عذاب اللّه شدید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۴ - ۱

۱ - وقوع زلزله ، در سراسر زمین در آستانه قیامت

إذا وقعت الواقعه . .. إذا رجّت الأرض رجًّا

<رج> (مصدر مجهول <رجّت>) به معنای به شدت لرزانده شدن است. مراد از <الأرض> تمام زمین و نه منطقه ای خاص از آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۴ - ۱

۱ - به لرزه درآمدن زمین و کوه ها ، در آستانه برپایی قیامت

یوم ترجف الأرض و الجبال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۶ - ۱

۱ - پیدایش زلزله ای عظیم ، در آستانه برپایی قیامت

یوم ترجف الراجفه

مراد از <یوم> به قرینه آیه

بعد دورانی است که شامل هر دو نفخه صور باشد; نفخه اول که همگان می میرند و نفخه دوم که رستاخیز برپا می شود. <رجف>; یعنی، لرزش و اضطراب شدید. (مفردات راغب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۷ - ۳

۳ - قیامت ، به دنبال پیدایش زلزله ای بزرگ ، برپا خواهد شد .

یوم ترجف الراجفه . تتبعها الرادفه

ممکن است <رادفه>، ناظر بر زلزله ای دیگر نباشد; بلکه مفاد آیه شریفه این باشد که به دنبال زلزله ای که در آیه قبل مطرح بود، پیامد آن (قیامت) به وجود خواهد آمد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۱ - ۳

۳ - < عن أبی جعفر (ع) فی قوله < کلاّ إذا دکّت الأرض دکّاً دکّاً > قال : هی الزَلْزَله ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند <کلاّ إذا دکّت الأرض دکّاً دکّاً> روایت شده که مراد زلزله است. >

زمان برپایی قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳ - ۱۲

۱۲ - خبر وقوع قطعی قیامت ، خبری غیبی و در اختیار خدا است .

قل بلی . .. لتأتینّکم علم الغیب

زمان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۳ - ۳

۳ - وقوع قیامت ، حتمی است و فاصله ای با پایان دنیا ندارد .

فإذا جاءت الصاخّه

حرف <إن> برای آنچه ممکن است تحقق یابد به کار رفته و حرف <إذا> در امور حتمی استعمال می شود (مصباح به

نقل از ثعلب). حرف <فاء> بر تعقیب و تأخرِ بدون فاصله قیامت از دنیا دلالت دارد.

زمان نگرانی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۷ - ۴

۴ - گرفتاری ها و دل نگرانی های انسان در قیامت ، از نخستین لحظات آن آغاز می شود .

فإذا جاءت الصاخّه . .. لکلّ امریء منهم یومئذ شأن یغنیه

جمله <لکلّ امریء. ..> به دلیل <یومئذ> دلالت دارد که زمان پیدایش <صاخّه> (غرّش کرکننده)، هنگام بروز گرفتاری ها است.

زمین در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۷ - ۷

۷ لحظه برپایی قیامت ، لحظه ای دشوار و سنگین برای آسمان ها و زمین

ثقلت فی السموت و الأرض

متعدی شدن <ثقلت> با حرف <فی>، و نه حرف <علی>، گویای این است که آنچه در لحظه برپایی قیامت در آسمانها و زمین واقع می شود، حوادثی عظیم است که تحمل آن بر آسمانها و زمین دشوار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۷ - ۲،۳

۲- در آستانه بروز قیامت ، کوه ها جابه جا شده و صفحه زمین مسطّح می شود .

و یوم نسیّر الجبال و تری الأرض بارزه

<نسیّر> (از ماده سیر) یعنی <حرکت می دهیم> و <بارزه> به معنای <ظاهر و آشکار> است. چون در قیامت، کوه ها، از جا کنده می شوند و ناهمواری های زمین از بین می رود، همه جای آن دیده شده و هیچ مانعی در برابر دید وجود ندارد.

۳- در آستانه قیامت و حشر

آدمیان ، سیستم جغرافیایی و زیستی زمین ، تغییر می کند .

و یوم نسیّر الجبال و تری الأرض بارزه و حشرنهم

روشن است که به حرکت درآمدن کوه ها و هم سطح شدن پوسته زمین، شرایط جدیدی را در زمین ایجاب خواهد کرد و شرایط کنونی از بین خواهد رفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۸ - ۱۱

۱۱- به هنگام برپایی قیامت ، تمامی استحکامات روی زمین با خاک یک سان خواهد شد .

فإذا جاء وعد ربّی جعله دکّاء

آنچه ذوالقرنین درباره فرجام سدّ، بازگو کرد، سرچشمه در آگاهی او از انهدام جهان هنگام برپایی قیامت دارد، گرچه ممکن است در خصوص سد نیز از خداوند به او وعده خاصّی رسیده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۷ - ۱

۱ - روز قیامت ، کمترین پستی و بلندی در سطح زمین مشاهده نخواهد شد .

لاتری فیها عوجًا و لاأمتًا

<عوج> نقطه مقابل اعتدال است (مصباح) و <أمْت> به معنای مکان مرتفع می باشد و به پستی و بلندی نیز اطلاق می گردد (قاموس). مفاد <لاتری...> آن است که به هنگام تحقق رستاخیز در زمین، هیچ ناهمواری و کجی به چشم نخواهند خورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۸ - ۱

۱ - با متلاشی شدن کوه ها و مسطح شدن زمین در قیامت ، دعوت کننده ای ، آدمیان را به بیرون آمدن از قبر ها دعوت خواهد کرد .

یومئذ یتّبعون الداعی لاعوج له

ظاهراً مقصود از <داعی> که تمامی مردم از

او تبعیت خواهند کرد و به ندای او پاسخ مثبت خواهند داد کسی است که آدمیان را از قبرها برای حشر فرا می خواند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۳ - ۷

۷- < عن النبی (ص) فی معنی < الفزع الأکبر > : ان الناس یصاح بهم صیحه واحده فلایبقی میّت إلاّ نشر و لا حیّ إلاّ مات إلاّ ما شاء اللّه ثمّ یصاح بهم صیحه أخری فینشر من مات و یصفون جمیعاً و تنشقّ السماء و تهدّ الأرض و تخرّ الجبال و تزفر النیران و ترمی بمثل الجبال شرراً فلایبقی ذو روح إلاّ إنخلع قلبه و ذکر ذنبه و شغل بنفسه إلاّ ما شاء اللّه ;

از رسول خدا(ص) روایت شده که در معنای <فزع أکبر> فرمود: به درستی که یک صیحه بر مردم زده می شود که مرده ای نمی ماند، مگر این که زنده می شود وزنده ای نمی ماند، مگر این که می میرد، جز آنچه را که خدا بخواهد. سپس صیحه دیگری بر آنان زده می شود و آنان که مرده اند زنده گشته و همگی به صف کشیده خواهند شد. و آسمان شکافته و زمین در هم کوبیده و کوه ها فرو ریخته و آتش شعله هایی چون کوه برکشد، پس هیچ صاحب روحی نماند، مگر این که [از هراس] دل او کنده شود و گناهان خود را یادآورد و هر کس به فکر خویش باشد، مگر آنچه را خدا بخواهد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۰ - ۱

۱

زمین همچون آسمان ، دست خوش تحولات عظیم در آستانه قیامت

یوم تمور السّماء . .. و تسیر الجبال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۴ - ۲

۲ - انهدام زمین در آستانه قیامت ، امری قطعی و غیرقابل تردید

إذا رجّت الأرض رجًّا

به کارگیری <إذا>ی شرطیه که در امور قطعی به کار می رود بیانگر مطلب بالا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۰ - ۲

۲ - دگرگونی اساسی در کره زمین ، در آستانه برپایی قیامت

فإذا النجوم طمست . و إذا السماء فرجت . و إذا الجبال نسفت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۳ - ۲

۲ - قیامت ، رخدادی بزرگ و همراه با به هم پاشیدن تمام زمین ، حتی سخت ترین نقطه های آن

و إذا الجبال سیّرت

خبر رانش کوه ها، در حقیقت خبر از متلاشی شدن زمین و بیانگر عظمت رخداد قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۳ - ۲

۲ - ساختار زمین نیز مانند آسمان و ستارگان ، در آستانه قیامت به هم خورده و رخنه های فراوانی در پیکره آن پدیدار خواهد شد .

إذا السماء . .. و إذا الكواكب ... و إذا البحار فجّرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۳ - ۱،۲

۱ - زمین در آستانه برپایی قیامت ، گسترده و مسطح شده و مساحت آن افزایش می یابد .

و إذا الأرض

مدّت

<مدّ> به معنای بسط دادن (قاموس)، کشاندن (مفردات) و افزایش دادن است. (مصباح)

۲ - انبساط زمین در آستانه قیامت ، تحت تأثیر عامل خارجی است .

و إذا الأرض مدّت

مجهول بودن فعل <مدّت>، نشان تأثیرپذیری زمین از عامل انبساط است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۴ - ۱،۲

۱ - زمین در آستانه قیامت ، تمام آن چه را در دل خود جای داده ، بیرون افکنده ، به کلی تخلیه خواهد شد .

و ألقت ما فیها و تخلّت

باب تفعل، بر تکلّف دلالت دارد; بنابراین <تخلّت>; یعنی، در تخلیه سخت کوشید.

۲ - انبساط یافتن زمین در آستانه قیامت ، زمینه تخلیه کامل آن و اخراج بدن انسان ها از قبر و بیرون افکنده شدن اشیاء از درون زمین است .

و إذا الأرض مدّت . و ألقت ما فیها و تخلّت

تقدیم ذکری، ممکن است بر تقدم رتبی و زمانی دلالت کند. بنابراین انبساط زمین، زمینه <القاء> و <تخلیه> خواهد بود. به قرینه آیات بعد که درباره قیامت انسان ها است می توان گفت: از عبارت <ألقت ما فیها> بیرون انداختن بدن ها از قبرها نیز اراده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۱ - ۲

۲ - زمین ، هنگام برپایی قیامت ، به شدت کوبیده و سست و نرم خواهد شد .

کلاّ إذا دکّت الأرض دکّا دکّا

<دکّ>; یعنی، منهدم ساختن کوه و دیوار و مانند آن (لسان العرب). تکرار دو مصدر <دکّاً دکّاً> بر کثرت آن دلالت

دارد; یعنی، کوبیدن های مکرر، یکی پس از دیگری تحقق

خواهد یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۲ - ۳

۳ - زلزله زمین در آستانه قیامت ، انفجاری داخلی و پراکنده سازنده مواد درونی آن است .

و أخرجت الأرض أثقالها

زلزله به طور معمول، آنچه را که بر سطح زمین است، به کام آن فرو می برد; ولی در زلزله واپسین، عکس این صحنه اتفاق خواهد افتاد. عطف این آیه بر آیه قبل به قرینه سیاق آیات عطف مسبب بر سبب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۳ - ۱

۱ - تحولات زمین هنگام برپایی قیامت ، برای انسان ها بی سابقه و شگفت آور است .

و قال الإنسن ما لها

استغراق که از حرف <ال> در <الإنسان> استفاده می شود استغراق عرفی است و اظهار شگفتی را به اکثریت قاطع انسان ها، نسبت می دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۴ - ۲،۴،۵،۶

۲ - زمین در قیامت ، پس از لرزش شدید و بیرون ریختن دفینه های خویش ، اطلاعات ذخیره شده خود را برملا خواهد ساخت .

یومئذ تحدّث أخبارها

۴ - زمین گزارش های فراوانی را درباره انسان ها در خود ، بایگانی کرده ، در قیامت آنها را بازگو خواهد کرد .

یومئذ تحدّث أخبارها

این آیه گرچه مصداق <أخبارها> را بیان نکرده است; ولی آیات بعد، می تواند قرینه باشد که مراد اخبار مربوط به انسان ها

است.

۵ - زمین در قیامت ، دارای شعور و کلام و گواه آنچه بر روی آن اتفاق افتاده

است .

تحدّث

۶ - < عن أبی هریره قال قرء رسول اللّه (ص) هـذه الآیه < یومئـذ تحدث أخبارها > قال : أتدرون ما إخبارها ؟ قالوا : اللّه و رسوله أعلم ، قال : فانّ إخبارَها أن تشهد علی کلّ عبد أو أمه بما عمل علی ظهرها ;

از ابوهریره روایت شده که رسول خدا(ص) آیه <یومئذ تحدث أخبارها> را قرائت کرد و فرمود: آیا می دانید خبردادن زمین چیست؟ گفتنـد خـدا و رسـولش آگـاه تراند; فرمود: إخبـار زمین گواهی دادن آن است بر هر مرد و زنی به آنچه بر روی آن انجام داده است. >.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۵ - ۱

۱ - خداوند در قیامت ، زمین را به ارائه اطلاعات بایگانی شده در آن ، فرمان خواهد داد .

بأنّ ربّک أوحی لها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۶ - ۲

۲ - زلزله زمین ، از مقدّمات حشر مردم و حسابرسی اعمال آنان در قیامت است .

إذا زلزلت الأرض . .. یومئذ یصدر الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۷ - ۵

۵ - زمین ، مشخّصات کردار هایِ ریز و درشت انسان را در خود محفوظ داشته ، در قیامت آن را گزارش خواهد کرد .

یومئذ تحدّث أخبارها . .. فمن یعمل مثقال ذرّه خیرًا یره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۸ - ۵

۵ – زمین ، مشخصات کردار های ریز و درشت انسان

، اطلاعاتی را در خود محفوظ داشته ، در قیامت آن را گزارش خواهد کرد .

و من یعمل مثقال ذرّه شرًّا یره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۸ - ۱۳،۱۴،۱۶

۱۳- < عن محمد بن مسلم قال : سمعت أباجعفر (ع) یقول : . . . لعلّکم ترون إنه إذا کان یوم القیامه . . . إن الله تبارک و تعالی لایعبد فی بلاده و لایخلق خلقاً یعبدونه . . . بلی و الله لیخلقنّ خلقاً من غیر فحوله و لا إناث . . . و یخلق لهم أرضاً تحملهم و سماء تظلّهم ألیس الله یقول : < یوم تبدّل الأرض غیر الأرض و السماوات > . . . ;

محمد بن مسلم گوید: از امام باقر(ع) شنیدم که می فرمود: . .. شاید شما گمان کنید هنگامی که روز قیامت فرا رسد ... خدای تبارك و تعالی در بلاد خود عبادت نمی شود و خلقی را که عبادت او ... کند، نمی آفریند؟ چنین نیست، به خدا سوگند! خدا خلقی را از غیر نر و ماده می آفریند و برای آنها زمینی که آنان را حمل کند و آسمانی که بر سر آنها سایه افکند، خلق می کند. آیا خدا نفرموده است: یوم تبدّل الأرض غیر الأرض و السماوات؟>.

۱۴- < عن علی بن الحسین (ع) قال : < تبدّل الأرض غیر الأرض > یعنی بأرض لم تکتسب علیها الذنوب بارزه ، لیست علیها جبال و لانبات کما دحاها أوّل مرّه ;

از امام علی بن الحسین(ع) در باره سخن خداوند <تبدّل الأرض غیر الأرض>

روایت شده است که فرمود: یعنی، به زمینی مبدل می شود که روی آن هیچ گناهی صورت نگرفته است. وسیع و باز است که روی آن کوه و گیاهی نیست، به آن سان که خداوند اولین بار این زمین را گسترده است>.

۱۶- < قال رسول الله (ص) فی قول الله : < یوم تبدّل الأرض غیر الأرض > قال : أرض بیضاء کأنها فضه ، لم یسفک فیها دم حرام و لم یعمل فیها خطیئه ;

از رسول خدا(ص) درباره سخن خداوند که می فرماید: <یوم تبدّل الأرض غیر الأرض> روایت شده است که فرمود :[زمین تبدیل می شود] به زمینی سفید مانند نقره که در آن خونی به حرام نمی ریزد و کار خطایی صورت نمی گیرد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۷ - ۴،۱۲

۴ - زمین ، در قیامت ، یکسره در قبضه قدرت خداوند است .

و الأرض جمیعًا قبضته یوم القیمه

۱۲ - < عن سلیمان بن مهران ، قال سألت أباعبداللّه (ع) عن قول اللّه عزّوجلّ < و الأرض جمیعاً قبضته یوم القیامه > فقال یعنی ملکه لایملکها معه أحد . . . < و السماوات مطویّات بیمینه > قال : الیمین الید ، و الید القدره و القوّه یقول عزّوجلّ و السماوات مطویّات بقدرته و قوته سبحانه و تعالی عمّا یشرکون ;

سلیمان بن مهران گوید: از امام صادق(ع) از سخن خداوند عزّوجلّ که می فرماید: <و الأرض جمیعاً قبضته یوم القیامه> سؤال نمودم، حضرت فرمود: یعنی زمین ملك او است [در قیامت] و هیچ کس غیر از او مالك

زمین نیست. .. و درباره <و السماوات مطویّات بیمینه> فرمود: یمین همان ید است و مراد از آن قدرت و قوت است و خداوند عزّوجلّ فرمود: آسمان ها به قدرت و قوت خداوند به هم پیچیده می شوند و او منزّه و برتر است از هرگونه شرکی که به او نسبت می دهند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۹ - ۱،۲،۴

۱ - سراسر زمین در عرصه قیامت به نور الهی روشن خواهد شد .

و أشرقت الأرض بنور ربّها

<إشراق> (مصدر <أشرقت>) به معنای اضائه (روشن شدن) است.

۲ - زمین ، در قیامت عرصه روشن شدن حقایق الهی

و أشرقت الأرض بنور ربّها

برخی از مفسران بر این عقیده اند که چون خاصیت نور، روشن کردن هر چیزناپید است. بنابراین مقصود از روشن شدن زمین به نور پروردگار، روشن شدن حقایق در عرصه قیامت است و اضافه نور به خداوند اضافه تشریفی و از باب تعظیم می باشد.

۴ - روشن شدن زمین و حقایق مربوط به اهل آن در قیامت ، جلوه ربوبیت الهی است .

و أشرقت الأرض بنور ربّها

زمین هنگام قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۵ - ۱

۱ - نظام زمین و جغرافیای آن در آستانه قیامت ، دچار دگرگونی عمیقی خواهد شد .

و یسَلونک عن الجبال فقل ینسفها ربّی

پرسش مردم از پیامبر(ص) در باره سرنوشت کوه ها در قیامت، گواه آن است که برهم خوردن نظام فعلی جهان، به صورت ارتکازی و یا با استفاده از آیات دیگر در اذهان مردم، امری مسلّم فرض گردیده است; ولی

عظمت کوه ها این سؤال را برای آنان پدید آورده که <سرنوشت آنها چگونه خواهد بود؟>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۶ - ۲،۳،۴

۲ - جغرافیای زمین در آستانه قیامت ، دچار دگرگونی های بزرگی خواهد شد .

الجبال . .. ینسفها ... قاعًا صفصفًا

از بین رفتن پستی ها و بلندی ها، نشان از تحولِ عظیم در روی زمین در آستانه قیامت دارد.

۳ - سطح زمین در آستانه قیامت ، خالی از هرگونه گیاه و روییدنی خواهد بود .

فیذرها قاعًا صفصفًا

۴ - تبدیل کوه ها به زمینی مسطح و هموار در آستانه قیامت ، کار خداوند و به فرمان او است .

ینسفها ربّی . .. فیذرها قاعًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۹ - ۲

۲ - متلاشی شدن نظم کنونی زمین ، در آستانه برپایی قیامت

و تکون الجبال کالعهن

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که متلاشی شدن کوه ها، به معنای از بین رفت نقش آنها در زمین (ثبات و استقرار زمین) است و این به متلاشی شدن زمین اشاره دارد.

زمینه اجابت آرزو ها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۲۱ - ۲

۲ - انفاق همراه باتقوا و اخلاص ، مایه رسیدن به تمام خواسته ها و آرزو ها در قیامت است .

و لسوف یرضی

رسیدن به مرحله رضایت، به معنای دست یافتن به تمام اموری است که شخص به آن رغبت دارد.

زمینه اجابت خواسته ها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۲۰ – لیل – ۹۲ – ۲۱ – ۲

۲ – انفاق همراه باتقوا و اخلاص ، مایه رسیدن به تمام خواسته ها و آرزو ها در قیامت است .

و لسوف یرضی

رسیدن به مرحله رضایت، به معنای دست یافتن به تمام اموری است که شخص به آن رغبت دارد.

زمینه ایمان به قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۸۵ – ۹

۹ توجه به مرگ و نزدیک بودن پایان عمر ، زمینه ساز پرهیز آدمی از انکار حق و معارف دین (توحید ، نبوت و قیامت) است .

إن هو إلا نذیر مبین . .. و أن عسی أن یکون قد اقترب أجلهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۱۸ – ۱۲

۱۲ – پی بردن به حقانیت رستاخیز ، دارای راه علمی است و منکران آن گرفتار گمراهی اند .

و یعلمون أنّها الحقّ ألا إنّ الذین یمارون فی الساعه لفی ضلل بعید

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – مطففین – ۸۳ – ۱۳ – ۸

۸ – آیات قرآن ، بازدارنده انسان از طغیان گری و گناه و راهنمای او برای ایمان به قیامت است .

و ما یکذّب به إلاّ. .. إذا تتلی علیه ءایتنا قال أسطیر الأوّلین

زمینه برپایی قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۵ - ۷

۷ ربوبیّت خدا بر انسانها ، مقتضی تشکیل دادن قیامت و آفرینش مجدد انسان ها پس از مرگ است .

أُولئک الذین کفروا بربهم

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۲ - ۸

۸ - رحمانیت خداوند ، مقتضی برپا کردن قیامت و حساب رسی از بندگان است .

هذا ما وعد الرحمن

برداشت یاد شده از یاد کردن خدا به صفت و نام <رحمان> از میان دیگر اوصاف و نام های الهی به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷ - ۲۱

۲۱ - ربوبیت الهی ، مقتضی برپایی قیامت و حسابرسی اعمال بندگان

ثمّ إلی ربّکم مرجعکم فینبّئکم بما کنتم تعملون إنّه علیم بذات الصدور

زمینه پرسش از قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۶ - ۳

۳ - گرایش طبیعی انسان به فسق و فجور ، زمینه پرسش های انکارآمیز او درباره قیامت .

بل یرید الإنسن لیفجر أمامه . یسئل أیّان یوم القیمه

جمله <یسئل أیّان. ..> استیناف بیانی و در مقام تعلیل و تفسیر <بل یرید الإنسان لیفجر...> است; یعنی، پرسش انکارآمیز انسان، برخاسته از گرایش او به فسق و فجور است; چرا که اگر قیامت را بپذیرد، نمی تواند به فسق و فجور متمایل گردد. ازاین رو برای ادامه راه فسق و فجور خویش، قیامت را انکار کرده و به تمسخر می گیرد.

زمینه ترس از قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۷ - ۱۶

۱۶ - توجه و اعتقاد به صحنه های دشوار و سخت قیامت ، مقتضی ترس از آن روز است .

يخافون يومًا تتقلّب فيه القلوب و الأبصر

زمينه تكذيب قيامت

جلد - نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۳۹ – ۱۲

۱۲ ظلم و بیدادگری ، زمینه ساز انکار قیامت و تکذیب دین و پیامبران

بل کذبوا بما لم یحیطوا بعلمه . .. فانظر کیف کان عقبه الظلمین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۶۸ – ۵

۵ – تحقق نیافتن قیامت پس از گذشت زمان ها و اعصار طولانی ، دستاویز کافران برای انکار آن

إن هذا إلّا أسطیر الأوّلین

طرح پیشینه طولانی عقیده به معاد، ظاهراً تلاشی است از سوی کافران برای بیان این که اگر واقعاً وعده رستاخیز حق بود، باید تاکنون محقق می شد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۴۸ – ۳

۳ – مشخص نبودن زمان برپایی قیامت ، دستاویز کافران صدراسلام برای انکار آن

و یقولون متی هذا الوعد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۲۷ – ۸

۸ – پوچ انگاری و باطل گرایی انسان ها ، دارای پیوند با شک و ناباوری آنان نسبت به قیامت

لاریب فیه و لکنّ . .. لایعلمون ... یومئذ یخسر المبطلون

در آیه قبل شک در معاد، معلول جهل دانسته شد و در این آیه تعبیر <مبطلون> منطبق بر همان جاهلانی است که در آن جا یاد شده اند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – ملک – ۶۷ – ۲۵ – ۲

۲ – روشن نبودن زمان برپایی قیامت ، دستاویز کافران برای انکار آن

و یقولون متی هذا الوعد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹

- قیامه - ۷۵ - ۶ - ۳

۳ - گرایش طبیعی انسان به فسق و فجور ، زمینه پرسش های انکارآمیز او درباره قیامت .

بل یرید الإنسن لیفجر أمامه . یسئل أیّان یوم القیمه

جمله <یسئل أیّان. ..> استیناف بیانی و در مقام تعلیل و تفسیر <بل یرید الإنسان لیفجر...> است؛ یعنی، پرسش انکارآمیز انسان، برخاسته از گرایش او به فسق و فجور است؛ چرا که اگر قیامت را بپذیرد، نمی تواند به فسق و فجور متمایل گردد. ازاین رو برای ادامه راه فسق و فجور خویش، قیامت را انکار کرده و به تمسخر می گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۱ - ۴

۴ - کم فروشی ، زمینه ساز آلودگی به گناه و گناه زمینه ساز تکذیب قیامت است .

ویل للمطفّفین . .. کلاّإنّ کتب الفجّار ... الذین یکذّبون بیوم الدین

ترتیب آیات، ممکن است برخاسته از ترتیب پیدایش اوصاف ذکر شده در آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۲ - ۲

۲ - آلودگی به گناه و شکستن حریم قوانین و وظایف الهی ، زمینه ساز انکار روز جزا است .

و ما یکذّب به إلاّکلّ معتد أثیم

زمینه درخواست تعجیل قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۸ - ۶

۶- خوی شتاب زدگی آدمی ، زمینه ساز درخواست کافران مکه برای تحقق وعده های الهی (عذاب ، برپایی قیامت و . . .)

خلق الإنسن من عجل . .. یقولون متی هذا الوعد إن کنتم صدقین

برداشت یاد شده

مبتنی براین است که جمله <و یقولون متی . ..> عطف بر جمله <سأوریکم...> باشد و این دو جمله، با جمله <خلق الإنسان من عجل> که بیان گر خصلت عمومی انسان ها است مرتبط باشند.

زمینه درک عظمت قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۴ - ۳

۳ - حقیقت قیامت و ژرفای عظمت آن ، تنها از راه وحی قابل شناخت و دستیابی است .

و ما أدریک ما یوم الفصل

از این که آیه مورد بحث، در میان آیات مربوط به قیامت است قرار دارد، می توان استفاده کرد که حقایق عمیق قیامت، تنها از طریق خود وحی برای بشر قابل شناخت است.

زمینه ذکر قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۳ - ۳

۳ - حکمت ایجاد درخت آتش زنه از سوی خداوند ، یاد آوری قدرت الهی ، تداعی کردن روز رستاخیز و بیرون آمدن انسان ها از قبر ها است .

نحن جعلنها تذکره

ضمیر <جعلناها> می تواند به <نار> و یا به <شجره> برگردد. برداشت یاد شده بر پایه احتمال دوم است; یعنی، ما آن درخت را مایه تذکار قرار دادیم تا انسان ها با دیدن آن، به یاد قدرت خداوند بیفتند و پی ببرند کسی که از چوب آتش را بیرون می آورد، قادر است که مردگان را نیز بار دیگر از گورها بیرون آورد.

زمینه ذلت مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۷ - ۲

۲ - کافران و ناباوران به رستاخیز ، در

زندگی فاقد تکیه گاه مطمئن بوده و در مواجهه با حوادث ، زود خود را می بازند و دچار یأس و احساس حرمان می شوند .

لو نشاء . .. فظلتم تفکّهون . إنّا لمغرمون . بل نحن محرومون

روی سخن در این آیات، با کافران و کسانی است که در برابر مسأله معاد، موضع گیری ناباورانه دارند.

زمینه رضایت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۹ - ۴

۴ - اهتمام ورزیدن به کارهایی که پاداش اخروی دارد ، مطلوب و مایه خرسندی در قیامت است .

لسعیها راضیه

<سعی> به معنای راه رفتن سریع است که در مورد <جدیت در هر کار> نیز استعمال می شود. (مفردات راغب)

زمینه سختیهای قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۱ - ۲

۲ - گرفتن نامه عمل از پشت سر در قیامت ، سرآغاز گرفتاری در موقعیتی دشوار که هر کس ، فریاد هلاکت خواهی و آرزوی مرگ سر خواهد داد .

فسوف یدعوا ثبورًا

<ثبور> به معنای هلاکت و تباهی است. (مفردات راغب)

زمینه شفاعت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۶ - ۱۱

۱۱ - < عن أبی عبداللّه (ع) قال : قال رسول اللّه (ص) فی قوله < و یزیدهم من فضله > الشفاعه لمن وجبت له النار ممن أحسن إلیهم فی الدنیا ;

از امام صادق(ع) روایت شده که رسول خدا راجع به این سخن خداوند <یزیدهم من فضله> (مراد از آنچه زاید بر اجابت دعای مؤمنان، به آنان

داده می شود) حق شفاعت است که شفاعت می کنند برای کسانی که آتش برای آنها واجب شده ولی در دنیا از کسانی بوده اند که به آن مؤمنان نیکی کرده اند>.

زمینه شک به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۰ - ۱۰

۱۰ - آسایش و سرخوشی ، زمینه ساز کفر و تردید انسان نسبت به قیامت

و لئن أذقنه رحمه . .. لیقولن ... و ما أظنّ الساعه قائمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۰ - ۳

۳- پیوستگی گناه ، با تردید و ناباوری نسبت به قیامت

طعام الأثیم . .. إنّ هذا ما کنتم به تمترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۷ - ۸

۸ - پوچ انگاری و باطل گرایی انسان ها ، دارای پیوند با شک و ناباوری آنان نسبت به قیامت

لاریب فیه و لکنّ . .. لایعلمون ... یومئذ یخسر المبطلون

در آیه قبل شک در معاد، معلول جهل دانسته شد و در این آیه تعبیر <مبطلون> منطبق بر همان جاهلانی است که در آن جا یاد شده اند.

زمینه شک در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۶ - ۱

۱- غرور و دنیاپرستی مرد رفاه مند ، به تردید و تشکیک در برپایی قیامت و وقوع رستاخیز منتهی شد .

و ما أظنّ الساعه قائمه

زمینه عذاب مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۴۰ - ۳

۳ -

منکران قیامت ، در آستانه سقوط در عذاب الهی و لبه پرتگاه آن

إنّا أنذرنكم عذابًا قريبًا

<قرب عـذاب> در این برداشت به معنای ارتباط نزدیک آن به کافران گرفته شده است; یعنی، عذابی که کافران به آن انذار شده اند، با آنان ارتباطی تنگاتنگ دارد. بیان وصف <قریباً> برای نفس عذاب نه زمان آن این معنا را تقویت می کند.

زمینه قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۵ - ۹

۹ - ربوبیت خداوند نسبت به انسان ها ، مقتضی بر پا ساختن قیامت و بازگرداندن آنان به سوی خویش

ثمّ إلی ربّكم ترجعون

کاربرد وصف <ربّ> در آیه شـریفه، گویای این نکته است که ربوبیت الهی نقشی عمده در رجعت آدمیان و حیات اخروی آنـان دارد; یعنی، از آن جهت که خداونـد، پروردگـار و رشددهنـده خلق است، می بـایست حیات را در جهان آخرت تـداوم بخشد تا خلق به کمال خویش برسند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۰ - ۷

۷ تحقق لحظه های سخت قیامت ، در پی هشدار ها و اتمام حجت

ذلك يوم الوعيد

تعبیر <وعیـد> می رسانـد که قبلاً رخـداد روز قیامت و دشواری های آن از سوی خداوند به انسان ها تذکر داده شده است و پس از آن تذکرها است که قیامت برپا می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۷ - ۲

۲ - عدل ، تدبیر و قدرت الهی ، مقتضی برپا ساختن قیامت

ثمّ يجزيه الجزاء الأوفى . .. و أنّ عليه النشأه

الأخری

عبارت <و أنّ علیه. ..> عطف است بر آنچه در آیات گذشته از عدل و تدبیر و قدرت خداوند بیان شده بود و در حکم نتیجه گیری از آن می باشد; یعنی، بایسته است خداوند با چنین صفاتی، قیامت را برای تحقق کامل عدل و اکمال آفرینش خویش برپا سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۰ - ۵

۵ - ربوبیت الهی ، مقتضی برپایی قیامت و حسابرسی اعمال

إنّا نخاف من ربّنا یومًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۵ - ۲

۲ - برپایی قیامت و پی بردن به کردار ها و بازتاب اخروی آن ، در گرو پیدایش حوادثی تحوّل آفرین در نظام جهان

إذا السماء . .. و إذا ... و إذا ... و إذا ... علمت نفس ما قدّمت و أخّرت

جمله <علمت نفس . ..> جزای شرط هایی است که در آیات پیشین تکرار شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۶ - ۹

۹ - ربوبیت خداوند ، مقتضی وجود یافتن قیامت و ملاقات انسان ها در آن ، با خداوند است .

إلی ربّک کدحًا فملقیه

زمینه کفر به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۶ - ۶

۶ - پیروی از هوا ها و امیال نفسانی ، در پی دارنده کفر و بی ایمانی به قیامت است .

من لایؤمن بها واتبع هویه

<اتبع> ماضی است و عطف بر <لایؤمن> که مضارع است; بنابراین پیروی از هوس ها که در زمان

قبل انجام گرفته است، سبب بی ایمان در زمان بعد خواهد شد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۵۰ – ۱۰

۱۰ – آسایش و سرخوشی ، زمینه ساز کفر و تردید انسان نسبت به قیامت

و لئن أذقنه رحمه . .. لیقولن ... و ما أظنّ الساعه قائمه

زمینه نجات از سختیهای قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – طلاق – ۶۵ – ۲ – ۱۷

۱۷ – < عن ابن عباس قال : قال رسول اللّه (ص) فی قوله < و من یتّق اللّه یجعل له مخرجاً > قال : من شبهات الدنیا و من غمرات الموت و من شدائد یوم القیامه ;

از ابن عباس نقل شده که رسول خدا(ص) درباره سخن خداوند <و من یتّق اللّه یجعل له مخرجاً> فرمود:[خدا برای کسی که تقوای الهی داشته باشد] راه نجاتی از شبهات دنیا، دشواری های مرگ و سختی های قیامت قرار می دهد>.

زمینه یأس مکذبان قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۶۷ – ۲

۲ – کافران و ناباوران به رستاخیز ، در زندگی فاقد تکیه گاه مطمئن بوده و در مواجهه با حوادث ، زود خود را می بازند و دچار یأس و احساس حرمان می شوند .

لو نشاء . .. فظلتم تفکّهون . إنّا لمغرمون . بل نحن محرومون

روی سخن در این آیات، با کافران و کسانی است که در برابر مسأله معاد، موضع گیری ناباورانه دارند.

زناکار در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

- ۲۵ – ۶۸ – ۱۰

۱۰ مشرکان ، آدم کشان و زناکاران ، به روز رستاخیز با کیفر اعمالشان روبه رو خواهند شد .

والذین لایدعون مع اللّه إلهًا . .. و لایزنون و من یفعل ذلک یلق أثامًا

<ذلک> اشاره است به سه گناهی که در جمله های قبل یاد شده است و <اثام> به معنای جزا و کیفر گناه می باشد (لسان العرب).

زنان منافق در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۱۳ – ۷

۷ – زنان منافق چونان مردان نفاق پیشه ، فاقد نور و روشنایی در ظلمت قیامت

یوم . .. و المنفقت ... انظرونا نقتبس من نورکم

زنان مؤمن در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۱۲ – ۹

۹ – قیامت ، روز دریافت بشارت بهشت برای مردان و زنان مؤمن

یوم تری المؤمنین و المؤمنت . .. بشریکم الیوم جنّت

زنگار قلب مکذبان قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – مطففین – ۸۳ – ۱۵ – ۴

۴ – قلب تکذیب کنندگان قرآن و قیامت ، هرگز از آلودگی های گناه پاک نخواهد شد .

ران علی قلوبهم ما کانوا یکسبون . کلاّ إنّهم ... محجوبون

جمله بعد از <کلاّ>، قرینه است بر این که آیه شریفه درصدد بیان تداوم یافتن نکته ای است که آیه قبل درباره قلب تکذیب گران مطرح کرده بود.

زیان مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۷ - ۹

۹ - خطرساز بودن رهبران متکبر و منکر قیامت و

روز حساب برای جامعه

کلّ متکبّر لایؤمن بیوم الحساب

پناه بردن موسی(ع) از شر متکبران منکر قیامت (چون فرعونیان)، گویای مطلب یاد شده است.

زیانکاران در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۳۱ – ۶

۶ قیامت، هنگامه ظهور زیانکاری منکران معاد و ملاقات پروردگار است.

حتی إذا جاءتهم الساعه بغته قالوا یحسرتنا علی ما فرطنا فیها

منادا قرار گرفتن حسرت، گویای مشهود و عیان بودن آن در صحنه قیامت است. به گونه ای که مورد <نداء> قرار می گیرد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۹ – ۱

۱ قیامت روز ظهور و بروز خسارت و زیانکاری تکذیب کنندگان آیات خداوند است.

و من خفت موزینه فأولئک الذین خسروا أنفسهم بما کانوا بأیتنا یظلمون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۴۵ – ۶

۶ مردمی که بر انکار معاد پای فشردند و از این گمراهی دست برنداشتند ، در قیامت مردمی زیانکار و ورشکسته خواهند بود .

و یوم یحشرهم . .. قد خسر الذین کذبوا بلقاء اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۲۷ – ۵

۵ – روز قیامت ، هنگامه خسران و زیان دیدن باطل گرایان و منکران معاد

و یوم تقوم الساعه یومئذ یخسر المبطلون

<مبطلون>، به معنای واردشوندگان در باطل است.

زیانکارترین مردم در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۲ - ۳

۳ کفرپیشگانی که بر خدا دروغ می بندند و مردم را از راه خدا

باز می دارند و قیامت را انکار می کنند ، در سرای آخرت از دیگر کافران و گنهکاران ، تباه تر و زیانکارترند .

و من أظلم . .. الذین یصدون ... لاجرم أنّهم فی الأخره هم الأخسرون

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که مقیاس سنجش و تعیین زیانکار و زیانکارتر مراتب کفر باشد. براین مبنا آیه شریفه دلالت دارد براینکه: همه کافران در آخرت زیانکارند; ولی آنان که بر خدا دروغ بستند و ... از دیگر کافران و گنهکاران، زیانکارتر می باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵ - ۷

۷ - مشرکان و منکران قیامت ، زیان کارترین مردم در قیامت

و هم فی الأخره هم الأخسرون

زیانکاری مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۵ - ۱

۱- کافرانِ به آیات پروردگار و منکرانِ قیامت ، زیانکارترین مردم اند .

الأخسرین أعملاً . .. أُولئک الذین کفروا بأیت ربّهم و لقائه

کفر به لقای پروردگار، تعبیری دیگر از کفر به قیامت است، از آن جهت که ملاقات با پروردگار (با حساب و جزا و پاداش او) در قیامت صورت می گیرد.

زیبارویان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۸ - ۱

۱ - در قیامت ، چهره گروهی از مردم زیبا و درخشان خواهد بود .

وجوه یومئذ مسفره

<وجه مسفر> چهره ای است که به جهت شادمانی، درخشان شده باشد (مقاییس اللغه) و یا زیبایی آن را فرا گرفته باشد. (مصباح)

سبکی عمل در قیامت

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۲۰ – قارعه – ۱۰۱ – ۸ – ۱

۱ – اعمال برخی از مردم در قیامت ، سبک وزن و بی ارزش است .

و أمّا من خفّت موزینه

<موازین> یا جمع <میزان> و یا جمع <موزون> است. برداشت یاد شده، با هر دو مبنا سازگار است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – قارعه – ۱۰۱ – ۹ – ۱

۱ – صاحبان اعمال بیوزن و ارزش ، در قیامت گرفتار جهنم و سقوط کننده در پرتگاه عمیق آن

فأُمّه هاویه

<هاویه> که در این آیه بر <جهنم> تطبیق یافته است به معنای هر درّه و یا حفره ای است که عمق آن معلوم نباشد. (لسان العرب)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۹ – ۲

۲ سبکی و بیوزنی اعمال آدمی در قیامت نشانه زیانکاری است.

و من خفت موزینه فأولئک الذین خسروا أنفسهم

سبکی میزان در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۱۰۳ – ۱

۱ – سبکی کفّه ترازوی عمل ، نشان خسران و زیان کاری واقعی انسان در قیامت

و من خفّت موزینه فأُولئک الذین خسروا أنفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۸ - ۲

۲ - وزنه های محاسبه اعمال در قیامت ، متناسب با آنها و سنگین یا سبک خواهد بود .

فأمّا من ثقلت موزینه . .. و أمّا من خفّت موزینه

چنانچه کلمه <موازین> جمع <میزان> (وزنه ای که با آن متاع را می سنجند)، باشد، نکته یاد شده استفاده می شود.

ستارگان در

قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲ - ۱،۳

۱ - در آستانه قیامت ، تمام ستارگان تیره و بی فروغ خواهند شد .

و إذا النجوم انکدرت

کدورت هر چیز، به معنای از بین رفتن صافی و شفافیت آن است (مصباح) و نتیجه ایجاد <کدوره> را <انکدار> می گویند. بنابراین ستارگان تحت تأثیر عواملی کدرکننده، قرار گرفته و صفا و جلای خود را از دست داده، تاریک خواهند شد.

۳ - ستارگان ، در آستانه قیامت به سرعت فرود آمده و ساقط خواهند شد .

و إذا النجوم انکدرت

از معانی <انکدار>، سرعت گرفتن و فرودآمدن است. (قاموس)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۲ - ۱،۳

۱ - تمامی ستارگان در آستانه قیامت ، افشانده و پراکنده خواهند شد .

و إذا الکواکب انتثرت

<انتثار> به معنای تفرق یا پاشیده شدن است. (تاج العروس)

۳ - متلاشی شدن نظم حاکم بر ستارگان در آستانه قیامت

و إذا الکواکب انتثرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۳ - ۲

۲ - ساختار زمین نیز مانند آسمان و ستارگان ، در آستانه قیامت به هم خورده و رخنه های فراوانی در پیکره آن پدیدار خواهد شد .

إذا السماء . .. و إذا الكواكب ... و إذا البحار فجّرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۸ - ۱

۱ - بی فروغ شدن ستارگان ، در آستانه برپایی قیامت

فإذا النجوم طمست

<طمس> به معنای از بین رفتن اثر شیء است و هرگاه این واژه در مورد ستارگان،

ماه و چشم به کار رود، به معنای از بین رفتن نور آنها خواهد بود (تاج العروس).

سجده در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۲ - ۵،۶

۵ - < عن أبی الحسن (ع) فی قوله عزّوجلّ : < یوم یکشف عن ساق > قال : حجابٌ من نور یُکْشَف ، فیقع المؤمنون سُجَّداً و تُدمَج أصلابُ المنافقین فلایستطیعون السجود ;

از امام رضا(ع) درباره سخن خدای عزّوجلّ: <یوم یکشف عن ساق> روایت شده که فرمود: [در آن روز]پرده ای از نور برداشته می شود و مؤمنان به حالت سجده می افتند و استخوان های پشت منافقان سخت و بی انعطاف می گردد و قدرت سجده ندارند>.

۶ - < عن أبی عبداللّه (ع) فی قوله عزّوجلّ : . . . < و یدعون إلی السجود فلایستطیعون > قال : أُفحِم القومُ و دخلتْهم الهیبةُ و شَخَصَتِ الأبصار ، و بلغتِ القلوبِ الحَناجِر ;

از امام صادق(ع) روایت شده که درباره سخن خداوند عزّوجلّ <و یدعون إلی السجود فلایستطیعون> فرمود: مهر سکوت بر دهان آنان زده می شود، ترس تمام وجودشان را فرامی گیرد، چشمانشان خیره می گردد، جان ها به حنجره ها می رسد>.

سختی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۹ - ۴

۴- سنخیت های قیامت برای پیشتازان و سردمداران استکبار ، دشوارتر و کیفر آنها سنگین تر از کیفر دیگران خواهد بود .

ثمّ لننزعنّ . .. أیّهم أشدّ علی الرحمن عتیًّا

جداکردن پیشتازان و سردمداران استکبار، حکایت از رسوایی فزون تر و

نیز عقوبت و حساب سنگین تری دارد که در انتظار آنان است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۶۱ – ۵

۵ – تقواپیشگان ، از هر بدی و رنجی در قیامت در امان خواهند بود .

الذین اتّقوا . .. لایمسّهم السوء

سختی فهم قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – حاقه – ۶۹ – ۳ – ۲

۲ – شناخت ژرفای حقیقت و عظمت قیامت ، بس دشوار و دست نایافتنی برای بشر

و ما أدریک ما الحاقّه

سختی قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۲۷ – ۱۴

۱۴– قیامت ، روزی سخت و خوار کننده است .

إن الخزی الیوم و السوء علی الکفرین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۳۷ – ۳

۳– قیامت ، روزی سخت و هلاکت بار برای کفرورزان به عیسی (ع) و گفته های او

فویل للذین کفروا من مشهد یوم عظیم

<ویـل>، یعنی عـذاب و هلاـکت (لسان العرب). هلاکت بار بودن قیامت کنایه از شـدت عـذاب است، در حـدی که اگر در

قیامت نیز مرگ وجود می داشت گرفتاران به عذاب، زنده نمی ماندند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۶ - ۵

۵ قیامت ، روزی سخت و ناگوار بر کافران

و کان یومًا علی الکفرین عسیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۶ - ۳

۳ - قیامت ، روزی سخت ، هولناک و هشدار دهنده برای انسان

ها

لینذر . .. یوم هم برزون لایخفی علی اللّه منهم شیء

تأکید خداوند بر این که روز قیامت، روز بروز حقیقت انسان ها است به گونه ای که چیزی از آنان بر خدا پوشیده نمی ماند و نیز انذار به چنین روزی، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۵ - ۴

۴ - قیامت ، روزی بس سخت و دشوار برای ستمگران

من عذاب یوم ألیم

بنابراین که <ألیم> صفت <یوم> باشد، برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۰ - ۷

۷ تحقق لحظه های سخت قیامت ، در پی هشدار ها و اتمام حجت

ذلک یوم الوعید

تعبیر <وعید> می رساند که قبلاً رخداد روز قیامت و دشواری های آن از سوی خداوند به انسان ها تذکر داده شده است و پس از آن تذکرها است که قیامت برپا می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۲ - ۲

۲ - قیامت ، روزی بسیار سخت و هولناک برای اهل محشر

یوم یکشف عن ساق

تعبیر <یکشف عن ساق> (ساق ها برهنه می شود) در زبان عرب، کنایه از شدت هول و هراس و وخامت اوضاع است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴ - ۶

۶ - روز قیامت ، روزی بس دشوار و اندوه بار برای خلایق

فی یوم کان مقداره خمسین ألف سنه

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که در زبان عرب، اوقات سخت و خزن آور

را، به طولانی بودن آن و زمان های راحتی و شادمانی را به کوتاه بودن آن توصیف می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۷ - ۱

۱ - قیامت ، روزی است بسیار سخت و اندوه بار .

فکیف تتّقون إن کفرتم یومًا یجعل الولدن شیبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۸ - ۶

۶ - برپایی قیامت و زندگی دشوار و طاقت فرسای محشر ، وعده ای است تخلف ناپذیر و تحقق یافتنی از سوی خداوند به کافران .

کان وعده مفعولاً

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که ضمیر <وعده> به <یوم> بازگردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۰ - ۲

۲ - قیامت ، روزی است بسیار سخت و اندوه بار .

یومًا عبوسًا قمطریرًا

<عبوس>; یعنی، چهره در هم کشیده و <روز عبوس> کنایه از روز سخت و اندوه بار است. <قمطریر> نیز به معنای شدید است و در این آیه هم می تواند وصف برای <عبوس> باشد (یعنی شدید العبوس) و هم می تواند صفت برای <یوم> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۷ - ۵

۵ - قیامت ، روزی بس سنگین و دشوار

و یذرون وراءهم یومًا ثقیلاً

سختیهای قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۱ - ۲

۲ - قیامت ، روزی بس سخت و ناگوار ، برای تکذیب کنندگان آن

فویل یومئذ للمکذّبین

مراد از <مکذّبین> به قرینه آیه ۱۴

تکذیب کنندگان قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۸ - ۳

۳ - قیامت ، روزی دشوار برای کافران

یقول الکفرون هذا یوم عسر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۶ - ۱

۱ - سختی های محشر و ناتوانی مجرمان جن و انس ، در گریز از صحنه آخرت ، نعمتی الهی در خدمت اجرای عدالت

یرسل علیکما شواظ من نار و نحاس . .. فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

از اطلاق <ءالآء> بر مفاد آیه قبل، مطلب یاد شده قابل برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۹ - ۱،۲

۱ - قیامت ، روزی سخت و دشوار

فذلک یومئذ یوم عسیر

۲ - لحظه دمیده شدن صور در روز رستاخیز ، آغاز سختی ها و ناگواری ها برای اهل محشر

فإذا نقر فی الناقور . فذلک یومئذ یوم عسیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۴ - ۴

۴ - ناتوانی همگان ، از مقاومت در برابر سختی های قیامت

یوم یفرّ المرء

فرار مردان با توجّه به این که ترجیح فرار بر قرار به ویژه برای مرد تحمل نوعی زبونی و حقارت است نشانگر سنگینی مشکلات قیامت و ناتوانی همه انسان ها از تحمّل آن است.

سخن در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۸ - ۵،۹

۵ - هیچ کس در آخرت جز به اذن خداوند توان سخن گفتن ندارد .

لایتکلّمون إلاّ من أذن له الرحمن

ضمیر فاعلی

<لایتکلمون> اگر مخصوص روح و ملائکه باشد، دیگران به طریق اولی از سخن گفتن عاجزاند و اگر به فاعل <لایملکون منه خطاباً> نیز نظر داشته باشد، همه موجودات را به صراحت شامل می شود.

۹ - رخصت یافتن از جانب خداوند برای سخن گفتن در قیامت ، نشانگر برخورداری از رحمت گسترده او است .

من أذن له الرحمن

سرزنش در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۱۴

۱۴- پیروی از شیطان ، ملامت و پشیمانی اخروی در پی دارد .

دعوتکم فاستجبتم لی فلاتلومونی و لوموا أنفسکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۶ - ۹

۹ - کافران ، در قیامت ، از سوی مؤمنان عالِم ، سرزنش می شوند .

و قال الذین أوتوا العلم . .. فهذا یوم البعث

<فاء> در <فهذا> فصیحه است و دلالت بر جمله ای مقدر می کند که می تواند چنین باشد: <اگر شما، منکر قیامت بودید، این هم قیامت!>. <هذا> در این بیان طبق گفته مفسران برای توبیخ و سرزنش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۷ - ۵

۵ - ظالمان ، در روز قیامت ، راهی برای رهایی از وضعیّت رقّت بار و مذمت آلود خویش ندارند .

الذین ظلموا. .. و لاهم یستعتبون

<إستعتاب> مصدر <یستعتبون> به معنای این است که از شخص خاطی، خواسته شود که وی از خطایش بازگردد (مفردات راغب) و نیز به معنای طلب رضایت آمده است (المنجد).

سرزنش کوهها در قیامت

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۴ - ۱

۱ - به لرزه درآمدن زمین و کوه ها ، در آستانه برپایی قیامت

یوم ترجف الأرض و الجبال

سرزنش مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۶ - ۱

۱ - فرمان ملامت بار خداوند به تکذیب کنندگان قیامت ، برای چشیدن حرارت دوزخ و تحمّل رنج آن

اصلوها

<صَلْیُ النار>; یعنی، چشیدن حرارت آتش و تحمل رنج آن. عبارت <اصلوها> (نظیر آیه قبل) می تواند کلام خداوند و یا سخن مأموران الهی باشد. در برداشت بالا، احتمال اول مورد نظر است.

سرزنشهای مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۲ - ۳

۳ - سرزنش شدن بندگان خالص خدا و باورداران به قیامت ، از سوی منکران آن

یقول أءنّک لمن المصدّقین

در برداشت یاد شده، استفهام <أءنّک> استفهام توبیخی دانسته شده است.

سرگردانی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۹ - ۸

۸ گمراهی و سرگردانی فاسقان در قیامت *

و اللّه لایهدی القوم الفسقین. یوم یجمع اللّه الرسل

برداشت فوق بر این اساس است که <یوم> ظرف برای <لایهدی . ..> در آیه قبل باشد.

سستی زمین در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۱ - ۲

۲ - زمین ، هنگام برپایی قیامت ، به شدت کوبیده و سست و نرم خواهد شد .

کلاّ إذا دکّت الأرض دکًّا دکًّا

<دکّ>; یعنی، منهدم ساختن کوه و دیوار و مانند آن (لسان العرب). تکرار

دو مصدر <دکّاً دکّاً> بر کثرت آن دلالت دارد; یعنی، کوبیدن های مکرر، یکی پس از دیگری تحقق خواهد یافت.

سعادت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۵ - ۵

۵ - قیامت ، محل اصلی تجلی خوب و بد سرنوشت و سعادت و شقاوت انسان ها

إنّ للمتّقین لحسن مئاب . .. هذا و إنّ للطغین لشرّ مئاب

از این که خدا نیک فرجامی و بدفرجامی را در رابطه با آخرت و معاد انسان ها مطرح ساخته است، می توان مطلب یاد شده را به دست آورد.

سعادتمندان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۵ - ۴

۴ انسان ها در قیامت ، به دو گروه تیره بختان و سعادتمندان تقسیم خواهند شد .

فمنهم شقی و سعید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۱ - ۱۳

۱۳- سعادتمندان ، نامه اعمال خویش را در قیامت ، خود مورد مطالعه قرار می دهند .

فمن أوتی کتبه بیمینه فأُولئک یقرءون کتبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷ - ۱،۲

۱ - مردم در آخرت سه دسته اند : اصحاب المیمنه (نیک بختان) اصحاب المشئمه (نگون بختان) و سابقون (پیشتازان)

و کنتم أزوجًا ثلثه

بیان <أزواجاً ثلاثه> محذوف و تقدیر آن چنین است: <و کنتم أزواجاً ثلاثه: اصحاب المیمنه و اصحاب المشئمه و السابقون>. در آیات بعد به تفصیل وضعیت این سه دسته تبیین شده است.

۲ - حضور انسان ها در قیامت

در سه دسته مختلف و دست یافتن آنها به سعادت و یا گرفتار شدن در شقاوت و بدبختی ، فرجامی قطعی و غیر قابل تردید

و کنتم أزوجًا ثلثه

تعبیر <کنتم> به صیغه ماضی، بیانگر آن است که حضور در رستاخیز، چنان حتمی و غیرقابل تردید است که گویا در گذشته محقق شده است.

سفیدرویان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۶ - ۱،۳،۱۲،۱۶

۱ کیفر سخت پویندگان راه اختلاف و تفرقه ، در روزی خواهد بود که چهره هایی سفید و چهره هایی سیاه می شود .

و اولئک لهم عذاب عظیم. یوم تبیضّ وجوه و تسودّ وجوه

<یوم تبیضّ>، متعلق به <لهم عذاب عظیم> است.

۳ اعتصام به ریسمان الهی ، دعوت به نیکی ها ، امر به معروف و نهی از منکر ، موجب روسفیدی در قیامت

و اعتصموا بحبل اللّه . .. و لتکن منکم امّه یدعون الی الخیر و یأمرون بالمعروف و ی

به مقتضای ارتباط با آیات قبل، سفیدرویی می تواند پاداش نیکیهای مذکور در آیات قبل باشد.

۱۲ سپاسگزاری و شکر نعمت های الهی ، موجب روسفیدی در قیامت *

و اذکروا نعمت اللّه . .. یوم تبیضّ وجوه

روسیاهی در قیامت، ناشی از کفران نعمت است بنابراین، سفیدرویی ناشی از سپاسگزاری است.

۱۶ در قیامت عمل کنندگان به سنّت رسول اللّه (ص) ، روسفید و بدعتگزاران روسیاهند .

یوم تبیضّ وجوه و تسودّ وجوه

رسول خدا (ص) درباره آیه <یوم تبیضّ وجوه . .. >، فرمود: تبیضّ وجوه اهل السّنه و تسودّ وجوه اهل البدع

الدّر المنثور، ج ۲، ص ۲۹۱.

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۷ - ۱،۴،۵

۱ روسفیدان در قیامت ، غرق در رحمت جاودانه الهی

و اما الذین ابیضّت وجوهُهم ففی رحمه اللّه هم فیها خالدون

۴ تمسک کنندگان به ریسمان الهی و دعوت گران به خیر ، امرکنندگان به معروف و نهی کنندگان از منکر ، روسفیدان در قیامت و مستغرق در رحمت جاودانه الهی

و اعتصموا بحبل اللّه . .. یدعون الی الخیر و یأمرون بالمعروف ... اما الذین ابیضّت

مستفاد از ارتباط میان این آیه و آیات قبل.

۵ تداوم بر ایمان ، موجب روسفیدی و جاودانگی در رحمت الهی

اکفرتم بعد ایمانکم . .. اما الذین ابیضّت وجوههم

علت سیه رویی به مقتضای <اکفرتم بعد ایمانکم>، ارتداد است. و به قرینه مقابله، علت روسفیدی، تداوم بر ایمان خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۸ - ۵

۵ عذاب سیه رویان (اهل کفر) و استغراق سفیدرویان در رحمت الهی ، از آیات بحق خداوند

فذوقوا العذاب بما کنتم تکفرون . .. ففی رحمه اللّه ... تلک ایات اللّه

بنابراینکه مشارالیه <تلک>، مطالب مذکور در دو آیه قبل باشد.

سقط جنین در زلزله قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲ - ۴

۴- زنان باردار با دیدن زلزله سهمگین زمین در آستانه برپایی قیامت ، از شدت بیم و اضطراب ، سقط جنین خواهند کرد .

و تضع کلّ ذات حمل حملها

<وضع> (مصدر <تضع>) به معنای نهادن و <ذات حمل> به معنای باردار است; یعنی، هر زن بارداری به هنگام دیدن

آن زلزله، بارش را خواهد نهاد (جنینش را سقط خواهد کرد).

سقط جنین در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲ - ۱۱

۱۱- اضطراب مردم در عرصه قیامت ، به درجه ای است که هر زن شیر دهنده ، از شیر دادن غافل خواهد شد و هر زن بارداری از شدت ترس ، سقط جنین خواهد کرد .

یوم ترونها. .. و تضع کلّ ذات حمل حملها

سکوت اخروی مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۵ - ۱

۱ - تکذیب گران روز جزا ، در آن روز از شدت ترس دم برنخواهند آورد .

هذا یوم لاینطقون

سلام مؤمنان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴۴ - ۴

۴ - تحیّت مؤمنان به هم ، هنگام لقاءاللّه ، با واژه < سلام > است .

تحیّتهم یوم یلقونه سلم

برداشت بالا، بنابراین است که اضافه <تحیّت> به ضمیر <هم>، اضافه مصدر به فاعل اش باشد.

سلامتی هنگام قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۵ - ۶

۶- انسان در لحظه مرگ (نظیر زمان ولادت و هنگامه رستاخیز) نیازمند سلامت و امنیتی ویژه از جانب خداوند

و سلم علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیًّا

نکره بودن <سلام> بیانگر برجستگی آن است و مراد از سلامت هنگام مرگ، در امان بودن از مواجه شدن با امری ناخوشایند، نظیر وحشت و اضطراب و نومیدی و . .. است.

سلب اختیار در قیامت

جلد

– نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۰۵ – ۳

۳ اختیار و انتخاب در روز قیامت ، از انسان ها سلب می شود .

یوم یأت لاتکلم نفس إلّا بإذنه

قرین بودن هر گونه سخن در قیامت با اذن خداوند، می تواند به این معنا باشد که: صحنه قیامت مانند دنیا نیست که انسانها با اراده خویش سخن بگویند و یا افعال دیگری انجام دهند و احیاناً کاری کنند که مورد رضایت خدا نباشد; بلکه اختیار از آنها سلب می شود و نمی توانند هر چه را می خواهند بگویند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – انفطار – ۸۲ – ۱۹ – ۲

۲ – قیامت ، روز سلب مالکیت و اختیار از همه انسان ها است .

یوم لاتملک نفس لنفس شیئًا

سلب مالکیت در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – انفطار – ۸۲ – ۱۹ – ۲

۲ – قیامت ، روز سلب مالکیت و اختیار از همه انسان ها است .

یوم لاتملک نفس لنفس شیئًا

سنگینی عمل در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – قارعه – ۱۰۱ – ۶ – ۱

۱ – برخی از مردم در قیامت ، دارای کرداری سنگین و ارجمند در پیشگاه خداوند

فأمّا من ثقلت موزینه

به وزنه هـایی که بـا آن متـاع را می سـنجند و نیز به ابزار سـنجش هر چیز، <میزان> گفته می شود (برگرفته از لسان العرب). سنگینی وزنه ها در قیامت، بیانگر سنگینی اعمال است که به تناسب ماهیت آنها، مراد ارج و بهای فراوان آنها خواهد بود.

سنگینی

میزان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۲ - ۱

۱ - سنگینی کفه ترازوی اعمال خود انسان ، تنها عامل مؤثر در سرنوشت وی در قیامت

فمن ثقلت موزینه فأُولئک هم المفلحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۸ - ۲

۲ - وزنه های محاسبه اعمال در قیامت ، متناسب با آنها و سنگین یا سبک خواهد بود .

فأمّا من ثقلت موزینه . .. و أمّا من خفّت موزینه

چنانچه کلمه <موازین> جمع <میزان> (وزنه ای که با آن متاع را می سنجند)، باشد، نکته یاد شده استفاده می شود.

سواری متقین در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۵ - ۹

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۶ - ۷

۷- حضور تقواپیشگان در صحنه قیامت به صورت سواره ، و رانده شدن گنه پیشگان به سوی جهنم با پای پیاده خواهد بود .

نحشر المتّقین . .. و فدًا . و نسوق المجرمین ... وردًا

برخی از لغت دانان <وفد> را سوارانی ارجمند و <ورد> را پیادگانی تشنه کام معنا کرده اند (لسان العرب).

سوگند بر حتمیت قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳ - ۶

۶ - سوگند پیامبر (ص) به پروردگار ، مبنی بر آمدن و تحقق قطعی روز قیامت

قل بلی و ربّی لتأتینّکم

سوگند به حوادث قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵

- ۳ - ۱،۲

۱ - سوگند خداوند ، به ناظران و امور مشهود در قیامت

و شاهد و مشهود

شهاده; یعنی، حاضر بودن همراه با مشاهده بصری یا بصیرتی و گاه به حضور بدون آن نیز گفته می شود (مفردات راغب). لفظ <شاهد و مشهود> به قرینه سوگند بر آنها نکره هایی اند که از آنها عموم اراده شده است تا سوگند به آن بیهوده نباشد و بعید نیست که عظمت آن دو نیز استفاده شود. در این صورت مراد عظمت شهادت مربوط به آنها است تا بر احتمالات گوناگونی که درباره مصداق آن دو گفته شده است، قابل تطبیق باشد.

۲ - ناظران صحنه قیامت و حوادث آن روز ، دارای عظمتی در خور سوگند خداوند

و شاهد و مشهود

سوگند به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۱ - ۱

۱ - سوگند أکید خداوند ، به روز قیامت

لاأُقسم بیوم القیمه

مفسّران درباره <لا> در <لاأُقسم> و امثال آن، توجیهات چندی ذکر کرده اند; از جمله این که <لا> زاید و برای تأکید <اُقسم> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۲ - ۳

۳ - سوگند خداوند ، به روز قیامت

و الیوم الموعود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٢٠ - بروج - ٨٥ - ٣ - ٨،١٠

٨ - < عن محمّد بن هاشم عمن روى عن أبی جعفر (ع) قال : سأله الأبرش الكلبی عن قول اللّه عزّوجلّ < و شاهد و مشـهود > فقال أبوجعفر (ع) : ما قيل لك ؟ فقال :

قالوا : الشاهد یوم الجمعه و المشهود یوم عرفه ، فقال أبوجعفر (ع) : لیس کما قیل ، الشاهد یوم عرفه و المشهود یوم القیامه أما تقرأ القرآن ؟ قال اللّه عزّوجلّ : < ذلک یوم مجموع له الناس و ذلک یوم مشهود ;

محمـد بن هـاشم از کسـی که از امـام بـاقر(ع) روایت کرده، نقـل می کنـد: ابرش کلبی از امـام باقر(ع) درباره سـخن خـداوند عزّوجـلّ <و شاهـد و مشـهود> سؤال کرد، حضـرت فرمـود: [در ایـن بـاره] برای تـو چـه گفته شـده؟ عرض کرد: گفته انـد: <شاهـد> روز جمعـه و <مشـهود> روز عرفـه اسـت. حضـرت فرمـود: ایـن چنیـن که برای تـو گفته شـده است نیست; بلکه <شاهـد> روز عرفه و مشـهود روز قیامت است. مگر قرآن نخوانـده ای که خـدای عزّوجلّ فرموده است: ذلک یوم مجموع له الناس و ذلک یوم مشهود>.

۱۰ - < روی عن الحسن بن علی (ع) و هو یُحِدِّثُ عن رسول اللّه (ص) فقیل له أخبرنی عن < شاهد و مشهود > فقال : أمّا الشاهد فمحمّد و أما المشـهود فیوم القیامه . أما سـمعته سبحانه یقول : < یا أیّها النبی إنّا أرسـلناک شاهدًا و مبشّرًا و نذیرًا > و قال : < ذلک یوم مجموع له الناس ذلک یوم مشهود ;

از امام حسن(ع) روایت شـده که از رسول خـدا نقل حـدیث می کرد، به او عرض شد: مرا از [تفسـیر] شاهد و مشـهود خبر ده، حضـرت فرمود: امّا شاهد محمّد(ص) است و امّا مشـهود روز قیامت است. آیا کلام خدای سبحان را نشنیده ای که می فرماید: <یا أیّها النبی إنّا أرسلناک شاهداً

و مبشّراً و نذیراً> و فرموده: ذلک یوم مجموع له الناس و ذلک یوم مشهود>.

سوگند به گواهی گواهان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۳ - ۶

۶ - سوگند خداوند ، به مضمون گواهی شاهدان در قیامت

و مشهود

چنانچه شهادت به معنای گواهی دادن باشد; نه مشاهده و نظارت، کلمه <مشهود> نیاز به متعلق محذوفی خواهد داشت که می توان گفت: مراد <مشهود به> است.

سوگند به ناظران قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۳ - ۱،۲

۱ - سوگند خداوند ، به ناظران و امور مشهود در قیامت

و شاهد و مشهود

شهاده; یعنی، حاضر بودن همراه با مشاهده بصری یا بصیرتی و گاه به حضور بدون آن نیز گفته می شود (مفردات راغب). لفظ <شاهد و مشهود> به قرینه سوگند بر آنها نکره هایی اند که از آنها عموم اراده شده است تا سوگند به آن بیهوده نباشد و بعید نیست که عظمت آن دو نیز استفاده شود. در این صورت مراد عظمت شهادت مربوط به آنها است تا بر احتمالات گوناگونی که درباره مصداق آن دو گفته شده است، قابل تطبیق باشد.

۲ - ناظران صحنه قیامت و حوادث آن روز ، دارای عظمتی در خور سوگند خداوند

و شاهد و مشهود

سوگند در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۰ - ۱۱

۱۱ کافران در قیامت برای اثبات گفته های خویش مکرر سوگند می خورند.

و اللّه ربنا ما کنا مشرکین . .. قالوا بلی و ربنا

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۵ - ۱

۱ - مجرمان ، در قیامت ، بر اندک بودن مدت درنگ شان در برزخ ، سوگند یاد می کنند .

و یوم تقوم الساعه یقسم المجرمون ما لبثوا غیر ساعه

از این که مکان درنگ و اقامت مجرمان، کجا می تواند باشد، مفسران احتمال های گوناگونی را ذکر کرده اند. از جمله آنها، عالَم قبر و برزخ است. لازم به ذکر است که آیه پیش که مراحل عمر انسان ها را تا دوران پیری ذکر کرد و بعد فرمود <یخلق ما یشاء> که با توجه به آیه پنجاه، می تواند درباره معاد و قیامت باشد، قرینه است بر این که مکان افراد یاد شده، جایی است که پس از مرگ، در آن قرار می گیرند و آن، عالَم برزخ است.

سوگند دروغ در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۳ - ۳

۳ سوگند دروغ مشرکان در قیامت بر مشرک نبودنشان در دنیا

و اللّه ربنا ما کنا مشرکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۸ - ۵

۵ - توسل جستن منافقان ، به سوگند دروغ در پیشگاه خداوند در قیامت

فیحلفون له

سهولت قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۷ - ۴

۴- برپایی قیامت با همه گستردگی و عظمت ، امری آسان برای خداوند

و ما أمر الساعه إلّا كلمح البصر أو هو أقرب

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۶ – شورى – ۴۲ –

۱۳ - برپایی قیامت برای آفریننده هستی ، امری سهل و آسان است .

و من ءایته . .. و هو علی جمعهم إذا یشاء قدیر

سیاه رویان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۶ - ۱،۴،۵،۶،۹،۱۰،۱۱،۱۵،۱۶

۱ کیفر سخت پویندگان راه اختلاف و تفرقه ، در روزی خواهد بود که چهره هایی سفید و چهره هایی سیاه می شود .

و اولئک لهم عذاب عظیم. یوم تبیضّ وجوه و تسودّ وجوه

<یوم تبیضّ>، متعلق به <لهم عذاب عظیم> است.

۴ دعوت نکردن به خیر و ترک امر به معروف و نهی از منکر ، موجب روسیاهی در قیامت

یدعون الی الخیر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر . .. و تسودّ وجوه

به مقتضای ارتباط با آیات قبل، روسیاهی می تواند کیفر گناهان مذکور در آن آیات باشد.

۵ روسیاهی و عذاب مرتدّان در قیامت

فاما الذین اسودّت وجوههم اکفرتم بعد ایمانکم فذوقوا العذاب

۶ کفر و ارتداد ، عامل روسیاهی و عذاب در قیامت

فاما الذین اسودّت وجوههم اکفرتم بعد ایمانکم فذوقوا العذاب بما کنتم تکفرون

۹ اختلاف و تفرقه در جامعه ایمانی ، مستلزم روسیاهی و عذاب در قیامت

و لا تکونوا کالذین تفرقوا . .. فاما الذین اسودّت وجوههم ... فذوقوا العذاب

۱۰ کفران و ناسپاسی نعمت های الهی ، موجب روسیاهی در قیامت *

و اذکروا نعمت اللّه . .. فاما الذین اسودّت وجوههم اکفرتم بعد ایمانکم

بنـابراینکه <اکفرتم> به معنـای کفران نعمت باشـد. و به مقتضـای ارتبـاط بـا آیـات قبـل مراد از نعمتهـای کفران شـده همـان نعمتهایی است که در آیات قبل آمده است.

مرتدّانِ روسیاه ، مورد بازخواست و سرزنش در قیامت

فاما الذین اسودّت وجوههم اکفرتم بعد ایمانکم

۱۵ هواپرستان و بدعتگزاران در جامعه اسلامی ، روسیاهان در قیامت

فامّا الّذین اسودّت وجوههم

امیرالمؤمنین (ع): <فامّا الّذین اسودّت وجوههم . .. >، انهم اهل البدع و الاهواء من هذه الامه.

مجمع البیان، ج ۲، ص ۸۰۹ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۸۲، ح ۳۲۵.

۱۶ در قیامت عمل کنندگان به سنّت رسول اللّه (ص) ، روسفید و بدعتگزاران روسیاهند .

یوم تبیضّ وجوه و تسودّ وجوه

رسول خدا (ص) درباره آیه <یوم تبیضّ وجوه . .. >، فرمود: تبیضّ وجوه اهل السّنه و تسودّ وجوه اهل البدع

الدّر المنثور، ج ۲، ص ۲۹۱.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۸ - ۵۸

۵ عذاب سیه رویان (اهل کفر) و استغراق سفیدرویان در رحمت الهی ، از آیات بحق خداوند

فذوقوا العذاب بما کنتم تکفرون . .. ففی رحمه اللّه ... تلک ایات اللّه

بنابراینکه مشارالیه <تلک>، مطالب مذکور در دو آیه قبل باشد.

۸ عذاب سیه رویان (کافران) ، ناشی از اعمال ناپسند (تفرقه و پراکندگی و کفر) خود آنان است و نه از ناحیه خداوند

فاما الذین اسودّت وجوههم . .. و ما اللّه یرید ظلماً للعالمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۷ - ۸

۸ چهره مردمان زشت کار در قیامت ، مانند پاره ای از شب دیجور ، سیاه خواهد بود .

و الذین کسبوا السیئات . .. کأنما أغشیت وجوههم قطعاً من الّیل مظلماً

سیمای گناهکاران در قیامت

جلد

– نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۲۷ – ۸

۸ چهره مردمان زشت کار در قیامت ، مانند پاره ای از شب دیجور ، سیاه خواهد بود .

و الذین کسبوا السیئات . .. کأنما أغشیت وجوههم قطعاً من الّیل مظلماً

شبهه افکنان معاد در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نبأ – ۷۸ – ۵ – ۵

۵ – شبهه افکنان در مورد معاد ، پاسخ خود را تنها با مشاهده قیامت خواهند یافت .

یتساءلون . .. ثمّ کلاّ سیعلمون

شبهه افکنی در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۱۸ – ۸

۸ – تشکیک در برپایی قیامت ، نشانگر گمراهی عمیق انسان

ألا إنّ الذین یمارون فی الساعه لفی ضلل بعید

شدت اندوه در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۱۸ – ۵،۶،۷

۵ – به گلو رسیدن جان انسان ها ، از شدت غم و اندوه در قیامت

إذ القلوب لدی الحناجر

هرگاه انسان در تنگناهای سخت قرار گیرد، احساس می کند که گویی قلبش از جا کنده می شود. گاهی به این مطلب گفته

می شود: <جانش به لب رسید>. در زبان عرب از این حالت به <بلغت القلوب الحناجر> تعبیر می شود.

۶ – قیامت ، دارای غم و اندوه کشنده و زجرآور ، به گونه ای که کسی نای سخن گفتن و فریاد زدن ندارد .

إذ القلوب لدی الحناجر کظمین

<کاظم> (مفرد <کاظمین>) اسم فاعل از <کظم> به معنای فردی است که نفسش در گلو حبس شده

باشد. <کاظمین>; یعنی، کسانی که ساکت اند و قادر به سخن گفتن نیستند.

۷ - وجود شرایط و صحنه های سخت و اندوه بار برای انسان در قیامت

إذ القلوب لدی الحناجر کظمین

شدت زلزله قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲ - ۴

۴- زنان باردار با دیدن زلزله سهمگین زمین در آستانه برپایی قیامت ، از شدت بیم و اضطراب ، سقط جنین خواهند کرد .

و تضع کلّ ذات حمل حملها

<وضع> (مصدر <تضع>) به معنای نهادن و <ذات حمل> به معنای باردار است; یعنی، هر زن بارداری به هنگام دیدن آن زلزله، بارش را خواهد نهاد (جنینش را سقط خواهد کرد).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵ - ۱،۲

۱ - حرکت و رانش کوه ها ، در آستانه قیامت بر اثر زلزله شدید

إذا رجّت الأرض رجًّا . و بسّت الجبال بسًّا

<بسّ> در دو معنا به کار می رود: ۱ به حرکت واداشتن (القاموس المحیط); ۲ خرد و ریز ریز کردن (المصباح المنیر). برداشت بالا بر پایه معنای اول است.

۲ - ذره ذره شدن کوه ها ، بر اثر زلزله شدید زمین در آستانه قیامت

إذا رجّت الأرض . .. و بسّت الجبال بسًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۴ - ۳

۳ - لرزش زمین و کوه ها در آستانه برپایی قیامت ، بسیار شدید و کوبنده است .

و كانت الجبال كثيبًا مهيلاً

تبدیل شدن کوه های استوار به انبوهی از ریگ های روان، شدت و گوبندگی زمین لرزه را، در آستانه

برپایی قیامت می رساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۱ - ۱

۱ - لرزشی شدید در آینده ، تمام زمین را فراخواهد گرفت .

إذا زلزلت الأرض زلزالها

اضافه <زلزال> به ضمیر <الأرض>، بیانگر شدت آن است; زیرا از طرفی آن را به تمام زمین ارتباط می دهد و از طرفی دیگر، به این نکته اشاره دارد که ابعاد آن حادثه، به قدری بزرگ است که ویژگی های آن را نمی توان بر شمرد; بلکه در بیان آن تنها باید گفت: <زلزله زمین>.

شرایط ایمان به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲ - ۱۱

۱۱- عمل به قوانین و دستورات خداوند ، شرط ایمان راستین به خدا و روز قیامت

الزانیه و الزانی فاجلدوا. .. إن کنتم تؤمنون باللّه و الیوم الأخر

برداشت یاد شده، از جمله شرطیه <إن کنتم تؤمنون باللّه. ..> استفاده شده است.

شرایط تأثیر سخن در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۹ - ۱۰

۱۰ - رضایت خداوند ، شرط ثمربخشی گفتار انسان ها در قیامت

و رضی له قولاً

شرایط شفاعت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۸۷ – ۴

۴- تنها کسانی در قیامت حق شفاعت دارند که عهدی و اذنی از جانب خداوند داشته باشند .

لایملکون الشفعه إلّا من اتّخذ عند الرحمن عهدًا

از جمله معانی <عهد> میثاق و پیمان است. مقصود از گرفتن پیمان نزد خداوند، قرار و قانونی است که خداوند آن را بیان کرده و

وعده داده باشد.

شرایط قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۱۸ – ۸

۸- برپایی قیامت و نظام کیفر و پاداش منوط به آمدن پیامبر و قوانین روشنگر *

فقد جاء أشراطها

اگر این احتمال را بپذیریم که مراد از <أشراط>، بعثت پیامبر(ص) و نزول قرآن است و در صورتی که <أشراط> را شرط بدانیم و نه صرفاً نشانه از آیه شریفه استفاده می شود که آمدن پیامبر و قرآن، شرط کیفر و پاداش است؛ زیرا تا اتمام حجت نشود، مجازات معنا ندارد.

شعور بت ها در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۲۸ – ۹

۹ بت های مورد پرستش اهل شرک در آخرت ، دارای شعور و توانا بر نطق

و یوم نحشرهم جمیعاً . .. و قال شرکاؤهم ما کنتم إیانا تعبدون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۲۹ – ۳

۳ بت های اهل شرک در جهان آخرت ، دارای شعور و آگاهی و توانا بر نطق

و قال شرکاؤهم . .. فکفی باللّه شهیداً بیننا و بینکم إن کنا عن عبادتکم لغفلین

شفاعت در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۴۸ – ۶،۱۱،۱۲

۶ - در روز قیامت ، شفاعت هیچ کس درباره دیگری پذیرفته نخواهد شد .

و لایقبل منها شفعه

ضمیر در <منها> می تواند به <نفس> دوم برگردد; یعنی، اگر فرد مورد مؤاخذه شفیعی، بیاورد شفاعتش قبول نمی شود و همچنین می تواند به <نفس> اول که مراد

از آن دوستان و نزدیکان و . .. هستند، ارجاع شود; یعنی، آن دوستان (در ضمن اینکه عذاب دوست خویش را بر عهده نمی گیرند) اگر شفاعتی نیز درباره او بکنند، شفاعتشان پذیرفته نمی شود.

۱۱ - توهم وجود یارانی که آدمی را از عذاب قیامت نجات دهند و یا گناه او را بر عهده بگیرند ، از پندار های باطل بنی اسرائیل

واتقوا یوماً لاتجزی نفس عن نفس شیئاً . .. و لاهم ینصرون

۱۲ - گناه کردن به خیال پذیرش شفاعت و یا پذیرفته شدن عوض و بدل برای رهایی از عذاب قیامت ، از پندار های باطل بنی اسرائیل

واتقوا یوماً . .. ولا یقبل منها شفعه و لایؤخذ منها عدل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۳ - ۶،۷،۹

۶ - در روز قیامت شفاعت هیچ کس از دیگری ، سودبخش نخواهد بود .

و لاتنفعها شفعه

ضمیر <ها> در <تنفعها> به <نفس> دوم در <لاتجزی نفس عن نفس> بر می گردد.

۷ - در روز قیامت ، هیچ کس از دفاع و یاری دیگری بهره مند نخواهد شد .

و لاهم ینصرون

۹ - توهم سودبخشی شفاعت از گنهکاران و یا پذیرفته شدن عوض و بدل برای رهایی از عذاب قیامت ، از پندار های بنی اسرائیل است .

یبنی إسرءیل . .. و لایقبل منها عدل و لاتنفعها شفعه

فعل <اتقوا> به قرینه آیات پیشین، خطاب به بنی اسرئیل است. این خطاب خود قرینه وجود چنین افکاری در بین آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۴ - ۸

۸ در قیامت ، هیچگونه

داد و ستد ، دوستی و شفاعت نیست .

یوم لا بیع فیه و لا خُلّه و لا شفاعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۱ - ۷

۷ وجود یاوران و شفیعان در قیامت *

و ما لهم من ناصرین

تقدیم <لهم> بر <ناصرین> که بیانگر حصر است، می رساند که یاوران و شفیعان در قیامت هستند; ولی تنها کافران از شفاعت آنان محرومند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۵ - ۴،۵

۴ منافقان ، برای رهایی از عذاب اخروی ، هیچ یاور و شفیعی نخواهند داشت .

إنّ المنفقین فی الدرک الاسفل من النار و لن تجد لهم نصیراً

۵ امکان برخورداری از یاری و شفاعت شفاعتگران ، در قیامت *

و لن تجد لهم نصیراً

تقدیم <لهم> بر <نصیراً>، بیانگر آن است که تنها برای منافقان یاور و شفیعی نیست. بنابراین یاور و شفیع برای نجات از آتش، فرض شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۳ - ۱۵،۱۹

۱۵ وجود شفاعت کنندگان برای یاری مردمان در قیامت

و لایجدون لهم من دون اللّه ولیاً و لانصیراً

تقدیم <لهم> بر <نصیراً> دلالت می کند که در قیامت یاورانی هستند ; ولی مستکبران از یاوری آنان محرومند.

۱۹ مؤمنان دارای عمل صالح ، بهره مند از نعمت بهشت و دارای حق شفاعت برای کسانی که در دنیا به ایشان نیکی کرده اند .

فیوفیهم أجورهم و یزیدهم من فضله

رسول خدا(ص) درباره <اجورهم> در آیه فوق فرمود: یدخلهم الجنه و درباره <یزیدهم من فضله> فرمود: الشفاعه

فیمن وجبت لهم النار ممن صنع الیهم المعروف فی الدنیا.

الدر المنثور، ج ۲، ص ۷۵۲.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۲ - ۲۶

۲۶ وجود شفاعت کنندگانی در قیامت

و ما للظلمین من انصار

تقدیم <للظلمین> که دلالت بر حصر دارد، حاکی از آن است که در قیامت یاوران و شفاعت کنندگانی هستند و تنها ظالمان از یاری آنان بی بهره اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۱ - ۹،۱۰

۹ خداوند تنها شفاعت و یاری کننده در قیامت است.

و أنذر . .. یخافون أن یحشروا إلی ربهم لیس لهم من دونه ولی و لا شفیع

۱۰ توجه به نبودن هیچ یاور و شفیعی جز خداوند در قیامت، موجب هرس از حشر

الذین یخافون . .. لیس لهم من دونه ولی و لا شفیع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۷ - ۱،۶،۹

۱- هیچ کس در قیامت خودسرانه ، حق شفاعت کردن و قدرت آن را ندارد .

المتّقین . .. المجرمین ... لایملکون الشفعه

در مورد مرجع ضمیر فاعلی <لا-یملکون> احتمالاتی هست; از جمله آن که مرجع ضمیر، از مجموع <متقین> و <مجرمین> (در آیات پیشین) انتزاع شود; دراین صورت مقصود، همه مردم خواهدبود. درباره معنای <الشفاعه> نیز دو

وجه محتمـل است: ۱ به معنای شـفاعت کردن (مصـدر معلوم)، ۲ به معنای شـفاعت شـدن. این برداشت و چنـد برداشت بعـد، مبتنی بر وجه اول است.

۶- اعطای حق شفاعت در قیامت به برخی از افراد ، جلوه ای از رحمت گسترده (رحمانیت)

خداوند

لایملکون الشفعه إلّا من اتّخذ عند الرحمن عهدًا

۹- تنها کسانی در قیامت مشمول شفاعت می شوند که در باره آن عهدی از جانب خداوند داشته باشند .

لایملکون الشفعه إلّا من اتّخذ عند الرحمن عهدًا

دراین برداشت <الشفاعه>، مصدر مجهول معنا شده است; از این رو <لایملکون الشفاعه>; یعنی، مالك شفاعت شدن نیستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۹ - ۱،۲،۷

۱ - شفاعت ، در صحنه قامت ، عنصری کارساز خواهد بود .

یومئذ لاتنفع الشفعه إلّا

سخن از سودمند نبودن شفاعت جز برای مأذونان، بیانگر مسلّم بودن اصل شفاعت است.

۲ - شفاعت ، امری قانون مند ، حساب شده و دارای محدوده معین است .

یومئذ لاتنفع الشفعه إلّامن أذن

۷ - وجود شفاعت در قیامت و اثربخشی آن در محدوده معین ، نشأت گرفته از رحمانیت خداوند است .

لاتنفع الشفعه إلّامن أذن له الرحمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۰ - ۴۸

۴ - آگاهی گسترده و محیط خداوند بر احوال و اعمال بندگان ، پشتوانه قانون مندی شفاعت در قیامت و صدور یا عدم صدور اجازه بر آن

لاتنفع الشفعه إلّامن أذن . .. یعلم ما بین أیدیهم و ما خلفهم

۸ - در قیامت راهی برای تزویر و استفاده نادرست از شفاعت وجود ندارد .

لاتنفع الشفعه إلّامن أذن له . .. يعلم ... و لايحيطون به علمًا

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

١١ – طه – ٢٠ – ١١١ – ١١

١١ – ستم گران (در قيامت) از اذن خداوند براى شفاعت شدن و شفاعت كردن ، محروم

خواهند بود .

یومئذ لاتنفع الشفعه . .. و قد خاب من حمل ظلمًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۰۰ – ۱،۳،۴

۱ – شرك به خدا ، مایه محرومیت از شفاعت شفیعان در قیامت

إذ نسوّیکم بربِّ العلمین . .. فما لنا من شفعین

۳ – وجود شفاعت و کارایی آن در قیامت

فما لنا من شفعین

حسرت دوزخیان بر محرومیت خود از شفاعت، در صورتی معنا دارد که آنان شاهد وجود شفاعت و برخورداری دیگران از آن باشند.

۴ – چشمداشت آدمیان در قیامت ، به شفاعت شفیعان الهی

فما لنا من شفعین

تمنای برخورداری از شفاعت و حسرت مشرکان بر محرومیت از آن، منوط به این است که دستِ کم عده قابل توجهی، از آن برخوردار شوند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۰۲ – ۴

۴ – قرار گرفتن در زمره مؤمنان ، زمینه ساز برخورداری از شفاعت و مودّت دوستان در قیامت

فما لنا من شفعین . و لا صدیق حمیم . فلو أنّ لنا کرّه فنکون من المؤمنین

آرزوی دوزخیان مبنی بر بازگشت به دنیا و قرار گرفتن شان در زمره مؤمنان، بدان جهت است که این امر باعث می شود آنان با برخوردار شدن از شفاعت شافعان و مودّت دوستان، از حسرت کنونی بیرون آیند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۱۳ – ۱،۱۱

۱ – معبودان مشرکان ، در روز قیامت توان شفاعت مشرکان را ندارند .

و لم یکن لهم من شرکائهم شفعؤا و کانوا بشرکائهم کفرین

۱۱ – شفاعت در قیامت ، اصلی پذیرفته شده

است .

و یوم تقوم الساعه . .. و لم یکن لهم من شرکائهم شفعؤا

از این که آیه، به جای نفی اصل شفاعت، شفاعتِ خدایان مشرکان را مورد انکار قرار داده است، استفاده می شود که شفاعت، پذیرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۳ - ۴

۴ - وجود شفیعانی چند در قیامت و امکان شفاعت کردن آنان از دیگران با اذن خداوند

و لاتنفع الشفعه عنده إلاّ لمن أذن له

از این که خداوند فرمود بدون اذن من شفاعت مفید نیست، می توان استفاده کرد که اصل شفاعت در قیامت مسلم است; منتها تأثیر آن تنها با اذن الهی خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۸ - ۹،۱۰

۹ - محرومیت ستمکاران در قیامت ، از یاری دوست و نزدیکان دلسوز و شفاعت شفیعان

ما للظلمین من حمیم و لا شفیع یطاع

<حمیم> در لغت به معنای دوست (العین) و به <القریب المشفق> (نزدیک دلسوز) معنا شده است (مفردات راغب).

۱۰ - وجود شفاعت در قیامت و پذیرفته شدن آن از سوی خداوند ، برای برخی از شفیعان

و لا شفیع یطاع

قید <یطاع> برای <شفیع> می رساند که در قیامت، شفاعت کنندگانی وجود دارد که مورد اطاعت قرارگیرند (سخنشان درباره دیگران پذیرفته شود); ولی ظالمان از چنین شفیعانی محروم اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۶ - ۳

۳ - اهل حق و حقیقت ، قادر به شفاعت دیگران در قیامت

و لایملک . .. الشفعه إلّا من شهد بالحقّ و هم یعلمون

<من شهد بالحقّ>

وصف برای شافع است; نه شفاعت شونده.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۲ - ۹

۹- وجود اصل شفاعت در قیامت ، نمود رحمت گسترده خداوند است .

یوم لایغنی . .. إلاّ من رحم اللّه إنّه هو العزیز الرحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۱ - ۵

۵- تقواپیشگان ، برخوردار از رحمت الهی و شفاعت شفیعان در قیامت

و لا هم ینصرون . .. إلاّ من رحم اللّه ... إنّ المتّقین فی مقام أمین

در آیات پیشین، محرومان و نیز برخورداران از شفاعت، نخست به اجمال یاد شده اند. سپس <إنّ شجرت الزقّوم...> به تفصیل در باره محرومان از شفاعت سخن گفته و <إنّ المتّقین...> توضیحی در باره برخورداران از رحمت و شفاعت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۸ - ۳

۳ - وجود قانون شفاعت برای بشر در قیامت

فما تنفعهم شفاعه الشفعین

از این که خداوند، سودمند بودن شفاعت را برای کافران رد فرموده، استفاده می شود که در قیامت، اصل شفاعت وجود دارد و عده ای هم شفاعت خواهند کرد; منتها این شفاعت ها برای کافران و مجرمان، سودمند نخواهد بود.

شفیعان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۳ - ۷

۷ منکران قرآن پس از برپایی قیامت در آرزوی یافتن شفیعان نجات دهنده از عذاب و یا بازگشت به دنیا برای انجام اعمالی

سعادت آفرين

يقول الذين نسوه . .. فيشفعوا لنا او نرد فنعمل غير الذين كنا نعمل

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۷۳ – ۱۵

۱۵ وجود شفاعت کنندگان برای یاری مردمان در قیامت

و لایجدون لهم من دون اللّه ولیاً و لانصیراً

تقدیم <لهم> بر <نصیراً> دلالت می کند که در قیامت یاورانی هستند ; ولی مستکبران از یاوری آنان محرومند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۷۲ – ۲۶

۲۶ وجود شفاعت کنندگانی در قیامت

و ما للظلمین من انصار

تقدیم <للظلمین> که دلالت بر حصر دارد، حاکی از آن است که در قیامت یاوران و شفاعت کنندگانی هستند و تنها ظالمان از یاری آنان بی بهره اند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۲ – ۱۸

۱۸ در مجمع البیان آمده است : < قیل إن معنی قدم صدق شفاعه محمد (ص) لهم یوم القیامه . . . و هو المروی عن ابی عبداللّه (ع) ;

گفته شده که معنای <قدم صدق> شفاعت حضرت محمد(ص) برای مؤمنان در روز قیامت می باشد . .. و این معنا از امام صادق(ع) روایت شده است>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۸۷ – ۳،۴

۳– در قیامت ، برخی حق شفاعت کردن از دیگران را دارا خواهند بود .

لایملکون الشفعه إلّا من اتّخذ . .. عهدًا

<شفاعه>; یعنی، خود را در کنار کسی قراردادن، به منظور یاری رسانی و یا مطرح ساختن خواسته ای از جانب او . و بیشتر در مواردی به کار می رود که این شخص از احترام و

رتبه ای برتر برخوردار باشد (مفردات راغب). استثنای <إلاّ من اتخذ...> گرچه فعلیت یافتن شفاعت را نمی فهماند; ولی بر ثبوت حق شفاعت دلالت دارد.

۴- تنها کسانی در قیامت حق شفاعت دارند که عهدی و اذنی از جانب خداوند داشته باشند .

لایملکون الشفعه إلاّ من اتّخذ عند الرحمن عهدًا

از جمله معانی <عهد> میثاق و پیمان است. مقصود از گرفتن پیمان نزد خداوند، قرار و قانونی است که خداوند آن را بیان کرده و وعده داده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۰ - ۲

۲ - خداوند دانای مطلق به نهان و آشکار است .

یعلم ما بین أیدیهم و ما خلفهم

<روبه رو> و <پشت سر> ممکن است کنایه از آشکار و نهان باشد، زیرابه طور معمول آنچه در برابر دیدگان انسان نباشد، از او نهان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۳ - ۴

۴ - وجود شفیعانی چند در قیامت و امکان شفاعت کردن آنان از دیگران با اذن خداوند

و لاتنفع الشفعه عنده إلاّ لمن أذن له

از این که خداوند فرمود بدون اذن من شفاعت مفید نیست، می توان استفاده کرد که اصل شفاعت در قیامت مسلم است; منتها تأثیر آن تنها با اذن الهی خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۲ - ۵

۵- مقام شفاعت و شفاعت گری ، تنها از آنِ برخورداران از رحمت الهی *

إلّا من رحم اللّه

چنانچه <إلّا من رحم> استثنای از <مولی> <لایغنی مولًی> باشد، برداشت یاد شده به دست می آید.

شقاوت

در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۵ - ۵

۵ - قیامت ، محل اصلی تجلی خوب و بد سرنوشت و سعادت و شقاوت انسان ها

إنّ للمتّقین لحسن مئاب . .. هذا و إنّ للطغین لشرّ مئاب

از این که خدا نیک فرجامی و بدفرجامی را در رابطه با آخرت و معاد انسان ها مطرح ساخته است، می توان مطلب یاد شده را به دست آورد.

شقاوتمندان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۵ - ۴،۵

۴ انسان ها در قیامت ، به دو گروه تیره بختان و سعادتمندان تقسیم خواهند شد .

فمنهم شقی و سعید

۵ مشرکان و منکران رسالت پیامبران ، تشکیل دهنده گروهِ تیره بختان در سرای آخرتند .

و ما ظلمنهم و لکن ظلموا أنفسهم . .. فمنهم شقی

آیات پیشین که سخن از شرکورزی و انکار رسالت پیامبران داشت ، قرینه بر این است که مشرکان و منکران رسالت ، مصداق بارزی از شقاوتمنداانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷ - ۱،۲

۱ - مردم در آخرت سه دسته اند : اصحاب المیمنه (نیک بختان) اصحاب المشئمه (نگون بختان) و سابقون (پیشتازان)

و کنتم أزوجًا ثلثه

بیان <أزواجاً ثلاثه> محذوف و تقدیر آن چنین است: <و کنتم أزواجاً ثلاثه: اصحاب المیمنه و اصحاب المشئمه و

السابقون>. در آیات بعد به تفصیل وضعیت این سه دسته تبیین شده است.

۲ – حضور انسان ها در قیامت در سه دسته مختلف و دست یافتن آنها به سعادت

و یا گرفتار شدن در شقاوت و بدبختی ، فرجامی قطعی و غیر قابل تردید

و کنتم أزوجًا ثلثه

تعبیر <کنتم> به صیغه ماضی، بیانگر آن است که حضور در رستاخیز، چنان حتمی و غیرقابل تردید است که گویا در گذشته محقق شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۴۱ - ۳

۳ - اصحاب الشمال ، انسان هایی شقی و بدبخت در قیامت

و أصحب المشمه . .. و أصحب الشمال

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که در آیات پیشین، از <اصحاب الشمال> به <اصحاب المشئمه> (مردم بدبخت) یاد شده بود.

شک به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۸ - ۱

۱ - موضع گیری ناباورانه مشرکان در قبال وعده برپایی قیامت

لقد وعدنا هذا . .. إن هذا إلاّ أسطیر الأوّلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۴ - ۱

۱ - تردید و شک کافران مکه ، نسبت به برپایی قیامت

ألا إنّهم فی مریه من لقاء ربّهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۰ - ۱

۱- غوطهوران در گناه ، گرفتار تردید در وقوع قیامت و وجود دوزخ

إنّ هذا ما کنتم به تمترون

شک در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۱ - ۴،۷

۴ - تردید و استبعاد مشرکان مکه ، در امکان وقوع قیامت

و إنّه لعلم للساعه فلاتمترنّ بها

۷ - تردید در رخداد قیامت ، نشانگر عدم شناخت قدرت کامل خداوند

است .

و إنّه لعلم للساعه فلاتمترنّ بها

آفرینش شگرف عیسی(ع)، نشانه ای بر قدرت خداوند است و از آن جا که این آفرینش دلیل بر امکان معاد شمرده شده، می توان استفاده کرد که تردید در مورد قیامت، ناشی از غفلت نسبت به قدرت بی همتای خداوند است.

شک ناپذیری قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۷ - ۲۱

۲۱ - قیامت ، واقعیتی حتمی و غیر قابل تردید

تنذر یوم الجمع لا ریب فیه

شکنجه جسمانی مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۳ - ۲

۲ - تکذیب گران قیامت ، مبتلا به شکنجه روحی و جسمی در آخرت

هذه جهنّم الّتی یکذّب بها المجرمون

با این که مجرمان سرانجام به دوزخ افکنده می شوند; ولی با یادآوری تکذیب هایشان مورد شکنجه روحی نیز قرار می گیرند.

شکنجه روحی مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۳ - ۲

۲ - تکذیب گران قیامت ، مبتلا به شکنجه روحی و جسمی در آخرت

هذه جهنّم الّتی یکذّب بها المجرمون

با این که مجرمان سرانجام به دوزخ افکنده می شوند; ولی با یادآوری تکذیب هایشان مورد شکنجه روحی نیز قرار می گیرند.

شگفتی تکذیب قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۵ - ۵

۵ انکار قیامت امری شگفت و عاری از منطق و برهان

و إن تعجب فعجب قولهم

با توجه به اینکه متعلقی برای فعل <تعجب>$ذکر نشده معنای <إن تعجب> این است: اگر اهل تعجب هستی و چنین حالتی

بر تو عارض می شود . ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۷ - ۱

۱ - تکذیب پیامبر (ص) ، در تعالیم دینی و حقایق روز جزا ، توجیه ناپذیر و شگفت آور است .

فما یکذّبک بعد بالدین

<ما> برای استفهام تعجّبی است. این کلمه گرچه برای غیرعاقل به کار می رود; ولی در آیه شریفه بر تکذیب کنندگان اطلاق شده است تا نشانگر بی خردی آنان باشد. خطاب در این آیه، متوجّه پیامبر(ص) است و کلمه <دین>، به معنای شریعت و یا جزا است. مفاد آیه شریفه، این است که بعد از آنچه در مورد تقسیم مردم به دو گروه گفته شد; چه کسی تو را ای پیامبر(ص) به جهت دینی که آوردی و یا کیفر و پاداش روز جزا که بیان داشتی، تکذیب می کند؟! آیا نباید دینی باشد تا مردم را جزء گروه اول (الذین آمنوا و عملوا الصالحات) سازد؟ و آیا نباید کیفر و پاداشی باشد، تا هر گروه سزای کار خود را ببیند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۱ - ۳

۳ - روز مجازات و حسابرسی ، حقیقتی است انکارناپذیر و دروغ پنداشتن آن ، شگفت آور و توجیه ناپذیر است .

أرءیت الذی یکذّب بالدین

شگفتی حالات کافران در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۱ - ۱۴

۱۴ - وضعیت کافران به قرآن در قیامت ، رقّت بار و شگفت آور است .

و قال الذین کفروا لن نؤمن بهذا القرءان . ..

و لو ترى إذ الظلمون موقوفون عند ربّ

جواب <لو> محذوف است و عبارت می تواند چیزی همانند و لو ترى . .. لرأيت أمراً عجباً باشد.

شگفتی حوادث قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۱ - ۳

۳ - قیامت ، روزی بزرگ و هنگامه حوادث و رخداد های شگفت است .

حديث الغشيه

<غاشیه> به معنای داهیه (کار بزرگ) است (نهایه ابن اثیر) و همان گونه که در موارد بد و ناخوشایند به کار می رود، در موارد خوب نیز استعمال می شود و قیامت به همین مناسبت <غاشیه> نامیده شده است. استفهام از شنیدن خبر قیامت، نشانگر این است که در آن روز، حادثه هایی قابل توجّه و سزاوار بازگو کردن و شنیدن به وقوع خواهد پیوست.

شگفتی قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۲ - ۴

۴ - روز قیامت ، روزی بزرگ و شگفت

و اليوم الموعود

متعلّق قسم های خداوند، از عظمتی خاص برخوردار است که آن را شایسته قسم او ساخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۲ - ۱

۱ - قیامت ، حادثه ای کوبنده و رخدادی بس شگفت

ما القارعه

<ما>، استفهام تعجبی است و بر شگفتی <قارعه> و عظمت و هول انگیز بودن آن دلالت دارد. با آن که این آیه خبر برای

آیه قبل است و در آن اکتفا به ضمیر ممکن بود، می توان گفت: تکرار لفظ <قارعه> تأکید بر عظمت آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ -

قارعه - ۱۰۱ - ۳ - ۱

۱ - قیامت ، واقعه ای سهمگین و شگفت و دارای عظمتی فراتر از حد تصور و بیان

و ما أدریک ما القارعه

شگفتی های قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۵ - ۶

۶ فرود ملائکه از آسمان به زمین در آستانه قیامت ، فرودی به دور از انتظار و شگفت آور

و نزّل الملئکه تنزیلًا

<تنزیلًا> مفعول مطلق برای <نزل> و به منظور بیان نزولی خاص و شگفت آور می باشد.

شناخت قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۳ - ۲

۲ - شناخت ابعاد قیامت و حقیقت حوادث کوبنده آن ، برای همگان امکان پذیر نیست .

و ما أدریک ما القارعه

شیاطین در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۲ - ۱۳

۱۳- شیاطین و دیگر معبودان دروغین مشرکان ، در صحنه قیامت حضور خواهند داشت .

نادوا شرکاءی . .. و جعلنا بینهم موبقًا

به قرینه آیات قبل، مراد از <شرکاء> همان ابلیس و ذریه او است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۶۸ – ۲

۲– منکران معاد ، با شیاطین در صحنه قیامت ، همراه و هم دوش خواهند بود .

لنحشرنّهم والشیطین ثمّ لنحضرنّهم

واو در <والشیاطین< می تواند عاطفه و یا به معنای <مع> باشد. در هر دو صورت برداشت یاد شده به دست می آید.

شیطان در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۲۲ – ۱۲،۱۳،۱۵،۱۷،۱۸،۲۲

-۱۲

شیطـان در قیـامت به پیروان خود اعلام می کنـد که آنـان به جـای سـرزنش او بایـد خود را به سـبب اطـاعت بی دلیـل از وی سرزنش کنند .

و قال الشیطن . .. فلاتلومونی و لوموا أنفسکم

۱۳- شیطان در قیامت مورد سرزنش و ملامت پیروان خود قرار خواهد گرفت .

فلاتلومونی و لوموا أنفسکم

۱۵- شیطان در قیامت به ناتوانی خویش و پیروانش برای یاری و فریادرسی یکدیگر اعتراف می کند .

و قال الشیطن . .. ما أنا بمصرخکم و ما أنتم بمصرخی

<صرخ> به معنای فریاد و <أصرخ> به معنای پاسخ گویی به آن است. بنابراین مراد از <مصرخ> فریادرس و نجات دهنده است.

۱۷- شیطان در قیامت به پیروان خود اعلام خواهد کرد که وی در دنیا عقیده آنان را در شریک قرار دادن او برای خدا ، قبول نداشته است .

و قال الشیطن . .. إنی کفرت بما أشرکتمون من قبل

برداشت مبتنی بر این احتمال است که <ما> در آیه مصدری باشد و <أشرکتم> را به تأویل مصدر ببرد و مفعول آن ضمیر منفصل محذوف باشد. بنابراین معنای عبارت چنین می شود: من شریک قرار داده شدن خودم را برای خدا از جانب شما قبول نداشتم و به آن کافر بودم.

۱۸- شیطان در قیامت اظهار می دارد که وی قبل از شرک پیروانش ، به خداوند کافر شده بود . *

إنی کفرت بما أشرکتمون من قبل

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که <ما> در <بما أشرکتمون> موصول و به معنای <من> باشد و ضمیر صله هم محذوف و <من قبل> نیز متعلق به <کفرت> باشد. بنابراین معنای عبارت چنین می شود: من پیش از آنکه شما

مرا شريک خدا قرار دهيد (در عهد آدم) به او کافر شدم.

۲۲- شيطان در قيامت پيروان خود را از عذابى بس دردناک خبر خواهد داد .

ما أنا بمصرخکم . .. إنى کفرت بما أشرکتمون من قبل إن الظلمين لهم عذاب أليم

<إن الظالمين لهم عذاب أليم> به قرينه وحدت سياق مى تواند ادامه کلام شيطان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۳ - ۵

۵ شيطان مسلّط بر فرد کافر ، همراه با او تا لحظه حضور در دادگاه قيامت *

و قال قرينه هذا ما لدىّ عتيد

برداشت بالا بنابر اين نکته است که مراد از <قرين> در اين آيه <شيطان> باشد که بر منکران معاد تسلّط دارد و آنان را آن گونه که مى خواهد منحرف ساخته و تا دادگاه قيامت وى را همراهى مى کند و در آن جا به مخاصمه با او برمى خيزد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۷ - ۴

۴ تمسّک شيطان به ربوبيت الهى در دادگاه اخروى ، براى مبرّا جلوه دادن خود از گناهان مشرکان *

قال قرينه ربّنا ما أطغيته

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۸ - ۱

۱ مخاصمه شيطان و مشرکان با يکديگر ، در محکمه عدل الهى

قال قرينه ربّنا ما أطغيته . .. قال لاتختصموا لدىّ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۷ - ۲

۲ - اظهار خداترسی و نیز تبرّی شیطان در قیامت از پیروان خویش ، بی ثمر در نجات

او از کیفر اخروی

قال إنّی بریء منک إنّی أخاف اللّه . .. فکان عقبتهما أنّهما فی النار

صابران در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۱۱۱ – ۳

۳ – مؤمنان صابر ، تنها گروه رستگار در قیامت

أنّهم هم الفائزون

ذکر ضمیر فصل (هم)، بیانگر حصر است.

صادقان در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۱۹ – ۱،۱۳

۱ راستگویان و راستکرداران ، بهره مند از آثار صدق خویش ، در قیامت

قال اللّه هذا یوم ینفع الصدقین صدقهم

۱۳ رستگاری و پیروزی بزرگ در قیامت ، ویژه راستگویان و راستکرداران

هذا یوم ینفع الصدقین . .. ذلک الفوز العظیم

صالحان در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۶۲ – ۱۱

۱۱ – مؤمنان به خدا و قیامت و دارندگان عمل صالح ، در قیامت هیچ ترس و اندوهی نخواهند داشت .

من ءامن باللّه و الیوم الأخر و عمل صلحاً . .. و لا خوف علیهم و لاهم یحزنون

به قرينه <فلهم أجرهم عند ربهم> می توان گفت: ظرف <لاخوف عليهم . ..> قيامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۰ - ۱۲

۱۲ - بندگان خالص و برگزيده خدا در قيامت به گروه صالحان ملحق خواهند شد .

و لقد اصطفينه فی الدنيا و إنه فی الأخره لمن الصلحين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۹ - ۱

۱ راستگويان و راستکرداران ، بهره مند از آثار صدق

خویش ، در قیامت

قال اللّه هذا یوم ینفع الصدقین صدقهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۶ - ۵

۵- خداوند ، مؤمنان نیک کردار را در صحنه قیامت از رنج تنهایی نجات خواهد داد .

و کلّهم ءاتیه یوم القیمه فردًا . إنّ الذین ءامنوا و عملوا الصلحت سیجعل

چنان که برخی از مفسران گفته اند، این آیه می تواند در ارتباط با مضمون آیه قبل و مربوط به صحنه قیامت باشد; زیرا همگان در صحنه قیامت تنها و بی یاورند (و کلّهم ءاتیه یوم القیامه فرداً). این آیه بشارتی است برای مؤمنان که خداوند آنان را در آن روز، تنها نخواهد گذاشت و به زودی آنان را از انس و محبت دیگران برخوردار خواهد ساخت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۹ - ۴

۴ - نیک کرداران ، ایمن از هراس و وحشت روز رستاخیز

و هم من فزع یومئذ ءامنون

نکره آمدن <فزع> بیانگر بزرگ بودن وحشت آن روز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۹ - ۴

۴ - نجات مؤمنان و صالحان از بدی ها و ناراحتی های روز قیامت ، برخاسته از رحمت و لطف الهی است ; نه از استحقاق آنان .

و من تق السیّئات یومئذ فقد رحمته

یادآوری و تصریح فرشتگان به این که حفظ مؤمنان از ناراحتی های قیامت نشانگر این است که آنان مورد رحمت و لطف الهی قرار گرفته اند; می تواند حکایت از حقیقت یاد شده داشته باشد.

- فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲ - ۶

۶ - < قال رسول اللّه (ص) . . . یابن مسعود أَکثِر من الصالحات و البرّ فإنّ المُحسنَ و المُسیء یندمان ، یقول المحسن : یا لیتنی ازْدَدْتُ من المحسنات و یقول المسیء : قصرتُ ، و تصدیق ذلک قوله تعالی : < و لاُاُقسم بالنفس اللوّامه > ;

رسول خدا(ص) فرمود: . ..ای پسر مسعود! اعمال صالح و کارهای نیک را افزون انجام بده که در [قیامت]نیکوکار و بدکار هر دو پشیمان می شوند. انسان نیکوکار می گوید: ای کاش کارهای نیک را زیادتر کرده بودم و انسان بدکار می گوید: کوتاهی و تقصیر کردم. و گواه این مطلب سخن خداوند است که فرمود: <و لا أقسم بالنفس اللوّامه>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۷ - ۱

۱ - صاحبان کردار گران قدر ، پس از سنجش اعمال در قیامت ، از زندگانی رضایت مندی برخوردار خواهند شد .

فهو فی عیشه راضیه

<عیشه>; یعنی، نوعی زندگانی (لسان العرب). توصیف آن به <راضیه> (برخوردار از رضایت)، به اعتبار وجود رضایت کامل در آن است. چنین وصفی در حقیقت، با <مرضیه> به یک معنا است.

صفات قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۷ - ۳

۳ قیامت ، زمینه ای مناسب برای متمایز شدن ناپاکان از پاکان

إلی جهنم یحشرون. لیمیز اللّه الخبیث من الطیب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۱ - ۱۳

۱۳- جهنّم یان در آخرت یکدیگر را شناخته

و حوادث دنیا را به خاطر خواهند آورد .

و برزوا لله جمیعًا فقال الضعفؤا للذین استکبروا إنّا کنّا لکم تبعًا فهل أنتم مغن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۶

۶- قیامت ، روز بروز و ظهور حقیقتها

و برزوا لله جمیعًا . .. سواء علینا أجزعنا أم صبرنا ... إنّ الله وعدکم وعد الحق و

صفات مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۴ - ۸

۸ - تکذیب گران روز جزا ، فاقد تقوا و روح احسان و نیکوکاری اند .

ویل یومئذ للمکذّبین . ..إنّ المتّقین ... إنّا کذلک نجزی المحسنین

از تقابل تکذیب گران با تقواپیشگان و محسنان در آیات مورد بحث، برداشت یاد شده استفاده می شود.

صفوف ملائکه در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۲ - ۴،۹

۴ - فرشتگان در قیامت ، در صف هایی منظّم ، حضور یافته ، به اجرای رسالت خویش خواهند پرداخت .

و الملک صفًّا صفًّا

کلمه های <صفّاً صفّاً> به تأویل <مصطفّین> (در صفوف منظم قرار گرفته) حال برای <المَلَک> است. <مَلَک> اسم جنس بوده و حرف <ال> در آن، برای استغراق است. برخی آن را مفرد <ملائکه> دانسته اند (مصباح) و برخی آن را از ریشه <مِلْک> و به معنای سیاست گذار دانسته و گفته اند: شخص سیاست گذار، اگر انسان باشد <مَلِک> و اگر فرشته باشد، <مَلَک> نامیده می شود. این کلمه در اصل <مأْلَک> و به معنای <رسالت> بوده است. (مفردات راغب)

۹ - < علی بن

الحسن بن علی بن فضّال عن أبیه قال : سألت الرضا (ع) . . . عن قول اللّه عزّوجلّ < و جاء ربّک و الملک صفّاً صفّاً > فقال : إنّ اللّه تعالی لایوصف بالمجیء و الذهاب تعالی عن الإنتقال إنّما یعنی بذلک و جاء أمر ربّک و الملک صفّاً صفّاً ;

علی بن الحسن از پدرش روایت کرده که گفت: از امام رضا(ع)، درباره سخن خداوند <و جاء ربّک و الملک صفّاً صفّاً> پرسیدم، فرمود: خداوند متعال به آمدن و رفتن توصیف نمی شود. او والاتر از انتقال یافتن است. مقصود این است که امر پروردگارت، فرارسد و فرشتگان صف اندر صف حاضر شوند>.

صورت انسان ها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۰ - ۲

۲ حیات مجدد انسان ها در قیامت ، با دمیده شدن در صورت های آنان *

و نفخ فی الصور

<صور> در احتمالی ضعیف به معنای صورت ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲۴ - ۳

۳ - چهره های انسان ها در قیامت ، بیانگر فرجام آنها است .

وجوه یومئذ ناضره . .. و وجوه یومئذ باسره

صورتهای غبارآلود در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۴۰ - ۱

۱ - گروهی از مردم در قیامت ، چهره ای کدر و غبارآلود خواهند داشت .

و وجوه یومئذ علیها غبره

<غَبَره> و <غُبار>، به یک معنا است و برخی گَرد پراکنده و جابه جا شده را <غبره> و گرد برخاسته را <غبار> می

نامند.

(لسان العرب)

صیحه آسمانی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۲ - ۱،۳

۱ - رستاخیز و لحظه خروج آدمیان از خاک ، هنگام شنود فریاد آسمانی بهوسیله همگان

یوم یسمعون الصیحه بالحقّ ذلک یوم الخروج

۳ - فریاد آسمانی در آستانه رستاخیز ، امری بایسته در روند تجدید حیات ، و نه گزاف و بیهوده

یسمعون الصیحه بالحقّ

برداشت بالا بنابراین نکته است که <بالحقّ> اشاره به بایستگی و نقش ضروری صیحه آسمانی برای رخداد رستاخیز داشته باشد؛ تا گمان نرود که صیحه صرفاً پدیده ای تشریفاتی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۶ - ۳

۳ - پیدایش صیحه ای رعدآسا ، در آستانه قیامت

یوم ترجف الراجفه

<رَجَفَ الرَّعْد>؛ یعنی، صدای رعد در ابرها پیچید (قاموس). اطلاق <رجف> که <مفردات> آن را لرزش و اضطراب شدید معنا کرده است بر صداهای شدید، به سبب شباهت آن به زلزله است. این آیه می تواند اشاره به اوّلین نفخ صور باشد که اهل آسمان ها و زمین را مدهوش می سازد.

طعن مشرکان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲ - ۸

۸- < عن جابربن عبدالله قال : قال رسول الله (ص) : إن ناساً من أمتی یعذبون بذنوبهم فیکونون فی النار ما شاء الله أن یکونوا

، ثم يعيرهم أهل الشـرك فيقولون : ما نرى ما كنتم فيه من تصـديقكم نفعكم . فلايبقى موحّـد إلّا أخرجه الله تعالى من النار ثم قرأرسول الله (ص) : <

ربما يودّ الذين كفروا لو كانوا مسليمين > ;

جابربن عبدالله روايت كرده است كه رسول خدا(ص)فرمود: هماناگروهى از امت من به سبب گناهانشان عذاب مى شوند. پس مدتى كه خدا مى خواهد در آتش هستند; سپس اهل شرك آنان را سرزنش مى كنند و مى گويند: نمى بينيم كه ايمان شما برايتان سودى داشته است. پس هيچ موحدى نمى ماند مگر اينكه خدا او را از آتش بيرون مى آورد; سپس رسول خدا(ص) اين آيه را قراءت فرمود: <ربما يود الذين كفروا لو كانوا مسلمين>.

طغيانگران در قيامت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۳ - ۳

۳ - ترديد طاغيان ، در علل و چرايى پيدا نكردن مؤمنان و آگاه نشدن از وضعيت آنان در قيامت

أتّخذنهم سخريًّا أم زاغت عنهم الأبصر

<أم> در جمله <أم زاغت. ..> عاطفه و متصله است و اين جمله مى تواند عطف بر <ما لنا لانرى...> باشد. در اين صورت مفاد آن مربوط به قيامت بوده و معناى آيه چنين مى شود: آيا مسخره شان مى كرديم [و اهل بهشت اند]يا[_در جهنم اند و] چشمان ما به آنان نمى افتد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۷ - ۱

۱ - طغيان گران با حضور در صحنه قيامت ، كردار خويش را به ياد آورده و جهنم را حاضر خواهند يافت .

يوم يتذكّر . .. و برّزت الجحيم لمن يرى . فأمّا من طغى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۰ - ۱

۱ - حاضران در قيامت

، به دو دسته متمایزِ طغیان گران و خداترسان دور از هوا و هوس ، تقسیم خواهند شد .

فأمّا من طغی . .. و أمّا من خاف مقام ربّه

در ترکیب آیات حاضر، گفته شده است که جمله <فإذا جاءت الطامّه الکبری> حاوی ادات شرط و فعل شرط است و تقسیم حاضران به دو دسته که از جملات <فأمّا من طغی. .. و أمّا من خاف...> استفاده می شود جزای آن است.

ظالمان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۲ - ۶،۱۰

۶ ستمکاران محروم از هر گونه یاور در قیامت

و ما للظّالمین من انصار

<انصار>، جمع ناصر (به معنای یاور) است و <مِنْ> زایده، تأکید بر نبودن یاور در آن روز است.

۱۰ محرومیّت ستمگران در قیامت از یاری امامانی که آنها را یاری کنند .

و ما للظّالمین من انصار

امام باقر (ع) در تفسیر آیه فوق فرمود: ما لهم من ائمّه یسمّونهم باسمائهم.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۱۱، ح ۱۷۵ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۳۳، ح ۸.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۲ - ۳

۳ خداوند گردآورنده تمامی ستمگران (اهل کتاب و مشرکان) در قیامت

إنه لایفلح الظلمون . .. و یوم نحشرهم جمیعا

چون در آیات گذشته سخن از مشرکان و اهل کتاب به میان آمده بود، در برداشت این دو گروه به عنوان مصادیقی بارز از ظالمان مشخص شده اند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۳۴ – ۲

۲ احضار ظالمان در

قیامت و بازخواست و کیفر ایشان از وعده های تخلف ناپذیر خداوند

و ینذرونکم لقاء یومکم هذا . .. إن ما توعدون لأت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۴ - ۷

۷ ندا دهنده ای در قیامت مأمور اعلام گرفتاری ظالمان به لعنت خداوند است .

فاذن مؤذن بینهم أن لعنه اللّه علی الظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۵ - ۴

۴ آنانکه در پی ناهنجار کردن و منحرف ساختن راه خدایند ، از زمره ستمکارانند و در قیامت مورد لعنت خدا قرار خواهند گرفت .

أن لعنه اللّه علی الظالمین. الذین ... یبغونها عوجاً

برداشت فوق بر اساس دومین مصداقی است که در توضیح برداشت قبل برای پی جویی اعوجاج در دین بیان شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۷ - ۱۸

۱۸- < عن أبی عبدالله جعفربن محمد (ع) قال : . . . ان الله تبارک و تعالی یضلّ الظالمین یوم القیامه عن دار کرامته . . . کما قال عزّوجلّ : < و یضلّ الله الظالمین و یفعل الله ما یشاء > . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: همانا خداوند تبارک و تعالی ستمگران را در روز قیامت از سرای کرامت خویش گمراه می کند . .. چنان چه می فرماید: <یضلّ الله الظالمین...> ...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۲ - ۶،۷

۶- خیره شدن چشمان ستمگران و مبهوت

ماندن آنان از شدت ترس در روز قیامت

و لاتحسبنّ الله غفلاً عمّا یعمل الظلمون إنما یؤخّرهم لیوم تشخص فیه الأبصر

۷- تأخیر کیفر ستمگران از سوی خداوند تا روز قیامت ، جهت تشدید مجازات آنان است .

و لاتحسبنّ الله غفلاً عمّا یعمل الظلمون إنما یؤخّرهم لیوم تشخص فیه الأبصر

از اینکه خداوند متعال کیفر ستمگران را تا روزی سخت و هولناك به تأخیر انداخت، حکایت از شدت مجازات آنان دارد؛ چون اگر آن مجازات در دنیا اتفاق می افتاد به این مقدار سخت نبود. بنابراین، تأخیر کیفر ظالمان به نفع آنان نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۳ - ۱،۲،۳

۱- ستمگران ، در قیامت ، شتابان و با ترس و ذلت سر برافراشته و چشم دوخته ، محشور خواهند شد .

و لاتحسبنّ الله غفلاً عمّا یعمل الظلمون . .. مهطعین مقنعی رءوسهم

<اهطاع> به معنای حرکت سریع همراه با ترس است و <اقناع> به معنای سر برافراشتن و خیره شدن چشم به چیزی با حالت ذلت و خواری است (لسان العرب).

۲- ستمگران بر اثر وحشت روز قیامت ، از حرکت پلك های چشم ناتوان و دلشان تهی از تدبیر و چاره جویی خواهد بود .

یعمل الظلمون . .. لایرتدّ إلیهم طرفهم و أفئدتهم هوآء

۳- شدت وحشت و اضطراب و بهت زدگی غیر قابل توصیف ستمگران در قیامت

یعمل الظلمون . .. مهطعین مقنعی رءوسهم لایرتدّ إلیهم طرفهم و أفئدتهم هوآء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۴ - ۴

۴- ظالمان به وقت مشاهده عذاب در قیامت خواستار مهلتی کوتاه برای بازگشت به

دنیا جهت پاسخ گویی به دعوت خداوند و پیروی از رسولان الهی می شوند . *

یوم یأتیهم العذاب فیقول الذین ظلموا ربّنا أخّرنا إلی أجل قریب نجب دعوتک و نتّبع

برداشت فوق مبتنی بر این است که مقصود از <یوم یأتیهم العذاب> روز قیامت باشد، نه عذاب استیصال.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۸ - ۸

۸- قیامت ، روز احضار ستمگران و انتقام خداوند از آنان

و أنذر الناس . .. الذین ظلموا ... إن الله عزیز ذو انتقام . یوم تبدّل الأرض ... و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۸ - ۱۲

۱۲- کسانی که با ارتکاب اعمال زشت در دنیا به خود ستم کرده اند ، در قیامت منکر آن اعمال می شوند .

الذین تتوفّهم الملئکه ظالمی أنفسهم . .. ما کنّا نعمل من سوء

برداشت فوق، بنابراین احتمال است که مراد از <ظالمی أنفسهم> به قرینه <ما کنّا نعمل من سوء> (ما مرتکب عمل زشت نمی شدیم) اعمال ناپسند و زشتی باشد که مرتکبان آنها، آن را از خود نفی می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۷ - ۹

۹- آخرت ، زمان بازگردانده شدن ستم گران و کافران و افراد ناصالح به پیش گاه خداوند و حساب رسی کردار آنها است .

ثمّ یردّ إلی ربّه فیعذّبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۷ - ۱،۲

۱ ستم گران در قیامت ، از عملکرد خویش به شدت پشیمان خواهند

بود .

و یوم یعضّ الظالم علی یدیه

جمله <یعضّ الظالم علی یدیه; ستم کار دو دست خویش به دندان گزد> از کنایات است و به قرینه سیاق آیه، این جمله کنایه از پشیمانی و ندامت می باشد. گفتنی است تعدیه فعل <یعضّ> به وسیله <علی> با آن که خود از افعال متعدی است برای تأکید مضمون آن فعل است; یعنی، پشیمانی آنان بسیار شدید خواهد بود.

۲ وضعیت تأسف بار ظالمان در قیامت و واکنش آنان در آن روز ، شایان یاد و یادآوری

و یوم یعضّ الظالم علی یدیه

برداشت فوق، مبتنی بر این است که <یوم> متعلق به فعلی محذوف مانند <اذکر> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۷ - ۲،۵

۲ - عذرخواهی ستم پیشگان ، در روز قیامت ، سودی ندارد .

فیومئذ لاینفع الذین ظلموا معذرتهم

۵ - ظالمان ، در روز قیامت ، راهی برای رهایی از وضعیّت رقّت بار و مذمت آلود خویش ندارند .

الذین ظلموا. .. و لاهم یستعتبون

<إستعتاب> مصدر <یستعتبون> به معنای این است که از شخص خاطی، خواسته شود که وی از خطایش بازگردد (مفردات راغب) و نیز به معنای طلب رضایت آمده است (المنجد).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۱ - ۱۰

۱۰ - مؤاخذه شدن ظالمان در پیشگاه پروردگار در قیامت

و لو تری إذ الظلمون موقوفون عند ربّهم یرجع بعضهم إلی بعض القول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۳۳ – ۱۰

۱۰ – ستمگران با دیدن عذاب الهی در قیامت

، از انتخاب عقیده کفرآلود ، پشیمان شده و آن را مخفی خواهند کرد .

و لو تری إذ الظلمون موقوفون عند ربّهم . .. و أسرّوا الندامه لمّا رأوا العذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۷ - ۱۳

۱۳ - ستمگران در قیامت ، محروم از هرگونه نصرت و یاری

فما للظلمین من نصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۳ - ۱

۱ - فرمان خداوند در قیامت ، مبنی بر راندن مشرکان ستم پیشه و هم فکران و معبود های آنان به راه دوزخ

احشروا الذین . .. یعبدون . من دون اللّه فاهدوهم إلی صرط الجحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۷ - ۱،۲،۳،۷

۱ - ستمگران در قیامت ، برای رهایی خود از عذاب سخت الهی ، حاضراند دو چندان ثروت ها و دارایی های زمین را فدا کنند .

و لو أنّ للذین ظلموا ما فی الأرض جمیعًا و مثله معه لَافتدوا به من سوء العذاب یوم

۲ - عذاب ستمگران در قیامت ، بسیار سخت و غیر قابل تحمل برای آنان

و لو أنّ للذین ظلموا ما فی الأرض . .. لَافتدوا به من سوء العذاب یوم القیمه

فدا کردن دو برابر ثروت های موجود در کره زمین برای نجات خود از عذاب الهی، بیانگر مطلب یاد شده است.

۳ - کیفر عذاب سخت برای ستمگران در قیامت ، قطعی و غیرقابل گریز است .

و لو أنّ للذین ظلموا ما فی الأرض . .. لَافتدوا به من سوء العذاب یوم القیمه

٧ – عذاب

مشرکان و ستمگران در قیامت ، بسیار بزرگ و فراتر از تصورشان است .

و بدا لهم من اللّه ما لم یکونوا یحتسبون

<إحتساب> (مصدر <یحتسبون>) مبالغه در حساب و به معنای <ظن> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۸ - ۲

۲ - عذاب سخت و فوق تصور ستمگران در قیامت ، بازتاب کردار و رفتار خود آنان است .

و بدا لهم سیّئات ما کسبوا

آمدن ماده <کسب> به جای ماده <فعل>، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۸ - ۹

۹ - محرومیت ستمکاران در قیامت ، از یاری دوست و نزدیکان دلسوز و شفاعت شفیعان

ما للظلمین من حمیم و لا شفیع یطاع

<حمیم> در لغت به معنای دوست (العین) و به <القریب المشفق> (نزدیک دلسوز) معنا شده است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۲ - ۱

۱ - عذرخواهی ستمگران در قیامت ، بی نتیجه بوده و سودی به حال آنان نخواهد داشت .

یوم لاینفع الظلمین معذرتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۸ - ۱۶

۱۶ - نابود شدن دوستی ها و پیوند های ظالمان با یکدیگر در قیامت

و الظلمون ما لهم من ولیّ و لانصیر

برداشت یاد شـده مبتنی بر این است که مقصود از <ولیّ> و <نصـیر>، دوست و یاور دنیایی ظالمان باشد که در آخرت آن دوستی ها و یاری ها وجود نخواهد داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۱۶

شوری - ۴۲ - ۲۲ - ۱

۱ - ستم پیشگان ، هراسناک از عملکرد خویش در صحنه قیامت

تری الظلمین مشفقین ممّا کسبوا و هو واقع بهم

به قرینه ذیل این آیه که در مورد قیامت است به دست می آید که صدر آیه ترسیم کننده صحنه ای از قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۴ - ۱۱

۱۱ - عجز و پشیمانی ستمکاران در قیامت ، آشکار و نمایان است .

و تری الظلمین . .. یقولون

از واژه های <تری> و <یقولون>، استفاده می شود که ظالمان ندامت و آرزوی بازگشت را پنهان نمی دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۵ - ۲،۳،۴،۵،۹،۱۲،۲۳

۲ - گردن فرازان ستمگر ، خاشع و سرافکنده در صحنه قیامت

و تریهم . .. خشعین من الذلّ

۳ - خشوع و فروتنی ظالمان در قیامت ، خشوعی ذلیلانه و از سر ترس و هراس

و تریهم . .. خشعین من الذلّ ینظرون من طرف خفیّ

۴ - پشیمانی ستمکاران در صحنه قیامت و پس از مشاهده عذاب ، بی تأثیر به حال آنان

یقولون هل إلی مردّ من سبیل . و تریهم یعرضون علیها

۵ - ذلت و خواری ظالمان در قیامت ، پیامد خوی تجاوزگری و توسعه طلبی آنان است .

إنّما السبیل علی الذین یظلمون . .. و تریهم یعرضون علیها خشعین من الذلّ

۹ - گمراهان ستمکار ، در روز قیامت ، مورد سرزنش اهل ایمان خواهند بود .

و قال الذين ءامنوا إنّ الخسرين الذين خسروا أنفسهم

۱۲ – قیامت ، روز ظهور خسران و زیان کاری عمیق ستم

پیشگان و گمراهان

إنّ الخسرین الذین خسروا أنفسهم و أهلیهم یوم القیمه

۲۳ - سرنوشت شوم ستمگران در قیامت ، هشداری برای متجاوزان به حقوق مردم است .

ألا إنّ الظلمین فی عذاب مقیم

کلمه <ألا> که برای هشدار است رساننده مطلب بالا می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۵ - ۴،۵

۴ - قیامت ، روزی بس سخت و دشوار برای ستمگران

من عذاب یوم ألیم

بنابراین که <ألیم> صفت <یوم> باشد، برداشت بالا استفاده می شود.

۵ - ستم پیشگان ، گرفتار عذابی دردناک در قیامت

فویل للذین ظلموا من عذاب یوم ألیم

ظلم تکذیب قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۵ - ۶

۶ منکران قیامت از زمره ستمکارانند و در قیامت از رحمت خدا محروم خواهند بود .

أن لعنه اللّه علی الظالمین. الذین ... و هم بالأخره کفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۳ - ۳

۳ - انکار قیامت ، ظلم است و منکران قیامت ظالم اند .

أءنّك لمن المصدّقين . .. إنّا جعلنها فتنه للظلمين

آيه شريفه در سلسله آيات مربوط به منكران قيامت قرار دارد كه آنان را به رنج و عذاب تهديد مى كند. تعبير كردن از آنها به خصوصيت ستم كار بودن، گوياى برداشت ياد شده است.

ظلم در قيامت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۱ - ۹

۹ در قيامت به كسى ستم نمى شود . (نه از ثواب او كاسته و نه بر عقاب او

افزوده می گردد .)

توفّی کل نفس ما کسبت و هم لا یظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۱ - ۱۲

۱۲ در قیامت به حق هیچ کس ظلمی نخواهد شد .

و هم لا یظلمون

ظلم مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۷ - ۶

۶ - منکران قیامت ، از زمره ستمگران اند .

الذین لایؤمنون بالأخره . .. و لو أنّ للذین ظلموا

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که خداوند، از منکران قیامت تعبیر به ظالم کرده است.

ظن مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۷ - ۳،۴

۳ - انکار قیامت از سوی جن و انس ، مبتنی بر ظن و گمان است ; نه علم و یقین .

و أنّهم ظنّوا کما ظننتم أن لن یبعث اللّه أحدًا

از به کار رفتن ماده <ظن> در این آیه و آیات مشابه، در مورد نفی و انکار قیامت، مطلب یاد شده استفاده می شود.

۴ - هیچ کس در انکار قیامت ، علم و یقین ندارد .

و أنّهم ظنّوا کما ظننتم أن لن یبعث اللّه أحدًا

ظهور حقایق در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۳ - ۱۹

۱۹ - حقایق ، در پرتو داوری خداوند در قیامت ، بر همگان آشکار می شود .

فاللّه یحکم بینهم یوم القیمه فیما کانوا فیه یختلفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۵ -

۲۴ - قیامت ، روز ظهور و بروز قدرت مطلق خدا و آگاهی همگان به نبود قدرت برای غیر اوست .

إذ یرون العذاب أن القوه للّه جمیعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۶ - ۵

۵ - قیامت ، روز آگاهی مشرکان تابع و دنباله رو از گمراهی پیشوایان و بزرگان خویش

إذ تبرأ الذین اتبعوا من الذین اتبعوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۷ - ۸

۸ - صحنه قیامت ، صحنه مشاهده اعمال دنیوی و دیدن نتایج آن است .

کذلک یریهم اللّه أعملهم حسرت

فعل <یری> می توانـد از رؤیت به معنای دیدن با چشم باشد. بر این مبنا معنای جمله <کذلک ...> چنین می شود: خداوند اعمال مشرکان (و یا نتایج اعمالشان) را به آنان نشان خواهد داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۲ - ۱۳

۱۳ قیامت ، روز ظهور برتری تقواپیشگان بر کافران و روز ظهور ارزش های حقیقی

و الذین اتقوا فوقهم یوم القیمه

چون برتری مؤمنان تقواپیشه در دنیا نیز حتمی است ; بنابراین <یوم القیمه>، ظرف ظهور این برتری خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹ - ۷

۷ قیامت ، روز رسیدن همگان به یقین و برچیده شدن هر گونه تردید

لیوم لا ریب فیه

مراد از جمله <لا ریب فیه> می تواند این معنا باشد که در آن روز شکی وجود ندارد و آن روز، روز یقین است. نه اینکه در وقوع و تحقق روز

قیامت شکی نیست چنانچه در برداشت قبلی آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۵ - ۶،۷

۶ قیامت ، روز رسیدن همگان به یقین و برچیده شدن هر گونه تردید

لیوم لا ریب فیه

مراد از جمله <لا ریب فیه> می تواند این معنا باشد که در آن روز شکی وجود ندارد و آن روز، روز یقین است; نه اینکه در وقوع و تحقق روز قیامت شکی نیست، چنانچه در برداشت قبل آمده است.

۷ همه حقایق در قیامت ، مکشوف و یقینی است .

لیوم لا ریب فیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۰ - ۱

۱ تجلی علم و قدرت حق ، در روزی که هر کس کردار خویش را حاضر می یابد .

قل ان تخفوا . .. یعلمه اللّه ... و اللّه علی کل شیء قدیر. یوم تجد کل نفس ما عملت

بنابراینکه <یوم تجد>، ظرف برای <یعلمه اللّه> و <قدیر> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۵ - ۸

۸ آخرت ، عرصه ظهور واقعی نتایج عقاید و اعمال

و من یبتغ . .. و هو فی الاخره من الخاسرین

قید <فی الاخره>، نفی زیان در دنیا نیست; لذا حمل بر ظهور زیان در آخرت می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۶ - ۲

۲ قیامت ، عرصه آشکار شدن اعمال انسان ها در چهره های آنان

یوم تبیضّ وجوه و تسودّ وجوه

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۱ - ۷

۷ تجسم رفتار ناپسند خیانتکاران در روز رستاخیز

و من یغلل یأت بما غلّ یوم القیمه

برخی برآنند که مراد از <ما غلّ>، آن مالی که در دنیا مورد خیانت واقع شده، نیست ; بلکه گناه خیانتکاری در قیامت تجسّم می یابد و خیانتکار همراه آن گناهِ مجسّم در صحنه قیامت حاضر می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۰ - ۱۹،۲۹

۱۹ قیامت ، صحنه ظهور خیر و شرّ واقعی

و لا یحسبنّ . .. هو شرّ خیراً لهم بل هو شرّ سیطوّقون ... یوم القیمه

۲۹ آویخته شدن اموال مانعان زکات به گردنشان در قیامت ، به صورت اژدهایی از آتش

سیطوّقون ما بخلوا به یوم القیمه

از امام صادق (ع) درباره <سیطوّقون ما بخلوا به . .. > سؤال شد، آن حضرت فرمود: ما من احد یمنع من زکاه ماله شیئاً الّا جعل اللّه عزّوجلّ ذلک یوم القیمه ثعباناً من نار مطوّقاً فی عنقه.

کافی، ج ۳، ص ۵۰۲، ح ۱ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۱۴، ح ۴۴۹ و ۴۵۲.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۲ - ۱،۹،۱۰

۱ نیستی و نابودی ، آرزوی کافران و عصیانگران بر پیامبر (ص) ، در قیامت

یومئذ یودّ الذین کفروا و عصوا الرسول لو تسوّی بهم الارض

<لو> در <لو تسوّی> به معنای لیت (ای کاش) است، و جمله <لو تسوّی . .. > کنایه از هیچ و پوچ شدن است.

۹ مردم در قیامت ،

هیچ حقیقتی را از خداوند پنهان نخواهند ساخت .

و لا یکتمون اللّه حدیثاً

بنابر اینکه جمله <و لا یکتمون> عطف بر <یودّ> باشد، نه عطف بر <تسوّی>.

۱۰ قیامت ، روز بروز نهفته های درونی انسان

و لا یکتمون اللّه حدیثاً

بر این مبنا که جمله <و لا یکتمون> عطف بر <یودّ> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۴ - ۲۰

۲۰ آگاه شدن امت ها از کرده های خویش در قیامت

إلی یوم القیمه و سوف ینبئهم اللّه بما کانوا یصنعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۶ - ۴

۴ قیامت ، صحنه بروز کارساز نبودن ثروت دنیا برای زراندوزان بی ایمان

إنّ الذین کفروا لو أنَّ لهم ما فی الارض جمیعاً و مثله معه . .. ما تقبل منهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۶ - ۱۳

۱۳ صحرای محشر عرصه حسابرسی مردم برای تعیین میزان پایبندی آنان به احکام الهی

احل لکم . .. حرم علیکم صید البر ما دمتم حرماً و اتقوا اللّه الذی إلیه تحشرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲ - ۱۳

۱۳ قیامت، روز ظهور حقایق و از بین رفتن هر گونه تردید

لیجمعنکم إلی یوم القیمه لا ریب فیه

مرجع ضـمیر <فیه> می تواند <یوم القیامه> باشد، یعنی قیامت ظرف تردید نیست و در آن روز تردید از آدمی رخت بر می بندد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۲ -

۷،۱۱

۷ قیامت، روز استهزای مشرکان و نمایاندن ناتوانی و بطلان خدایان دروغین آنهاست.

و یوم نحشرهم جمیعا ثم نقول للذین أشرکواأین شرکاؤکم الذین کنتم تزعمون

۱۱ قیامت، روز ظهور حقانیت توحید، حتی برای مشرکان

ثم نقول للذین أشرکوا أین شرکاؤکم الذین کنتم تزعمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۳ - ۴،۷

۴ قیامت، روز رسوایی مشرکان و آشکار شدن بطلان عقاید شرک آلود آنان

ثم لم تکن فتنتهم . .. و اللّه ربنا ما کنا مشرکین

۷ قیامت، صحنه بروز ملکات و خصلتهای تثبیت شده و پنهان آدمی

و اللّه ربنا ما کنا مشرکین

مشرکان در قیامت دروغ می گویند، حال آنکه برای آنان فایده ای ندارد. دلیل این کار، به فرموده صاحب المیزان، رسوخ خصلت دروغگویی در آنهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۴ - ۳،۴،۶

۳ ظهور بطلان شرک و پوچی معبودهای دروغین در قیامت

و ضل عنهم ما کانوا یفترون

از کاربردهای فعل <ضل> جایی است که چیزی از بین رفته است و باطل شود. در لسان العرب آمده است: <ضل الشیء إذا ضاع>

۴ ظهور بی پایگی و پوچی عقیده شرک در قیامت، صحنه ای در خور تأمل و درس آموز

انظر کیف کذبوا علی أنفسهم و ضل عنهم ما کانوا یفترون

۶ قیامت، روز تجلی حقایق و از میان رفتن پرده های اوهام است.

و ضل عنهم ما کانوا یفترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۱ - ۶

۶ قیامت، هنگامه ظهور زیانکاری منکران معاد و ملاقات پروردگار است.

حتی إذا جاءتهم

الساعه بغته قالوا یحسرتنا علی ما فرطنا فیها

منادا قرار گرفتن حسرت، گویای مشهود و عیان بودن آن در صحنه قیامت است. به گونه ای که مورد <نداء> قرار می گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۶ - ۸

۸ تکذیب کنندگان پیامبر(ص)، حقانیت آن حضرت و دعوت او را در قیامت درمی یابند.

إنما یستجیب الذین یسمعون و الموتی یبعثهم اللّه

مراد از <الموتی> در آیه، به قرینه جملات قبل، کسانی هستند که به دعوت پیامبر(ص)، پاسخ مثبت نمی دهند، جمله <یبعثهم اللّه>، گذشته از اینکه خبر بعثت قیامت است، کنایه از این مطلب است که خداوند این مرده دلان را برخواهد انگیخت تا حقانیت دعوت پیامبر(ص) و وعده های آن حضرت را دریابند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۰ - ۱۴،۱۶

۱۴ خداوند در قیامت آدمیان را به کردارهای دنیویشان آگاه می کند.

ثم إلیه مرجعکم ثم ینبئکم بما کنتم تعملون

۱۶ قیامت، روزِ بُروز حقیقت اعمال دنیوی آدمیان است.

ثم إلیه مرجعکم ثم ینبئکم بما کنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۳ - ۱۰،۱۱

۱۰ روز دمیده شدن در صور، مالکیت مطلق و حاکمیت انحصاری خداوند، ظهور خواهد یافت.

و له الملک یوم ینفخ فی الصور

<له الملک> بیانگر انحصار ملک در روز نفخ صور برای خداوند است. و چون این مالکیت اکنون نیز وجود دارد، بنابراین مفاد حصر، ظهور این مالکیت در آن روز به گونه ای که جای هیچ انکار برای کسی نماند، است.

۱۱ تمامی مالکیتها و حاکمیتهای

اعتباری در روز نفخ صور از میان خواهد رفت.

و له الملک یوم ینفخ فی الصور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۸ - ۱۷،۱۹

۱۷ بازگشت همگان به سوی خداوند و آگاهی یافتن آنان از حقیقت کرده های خویش در قیامت، پرتوی از ربوبیت الهی است.

ثم إلی ربهم مرجعهم فینبئهم بما کانوا یعملون

۱۹ قیامت روز ظهور و برملاشدن اعمال آدمی و حقیقت آن است.

کذلک زینا لکل . .. فینبئهم بما کانوا یعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۰ - ۱۵

۱۵ گمراهان پیرو شیطانها در قیامت بر کفرورزی خویش در دنیا آگاهی می یابند. *

و شهدوا علی أنفسهم أنهم کانوا کفرین

<شاهد> عالمی است که آنچه را دریافته بیان می کند. (لسان العرب). لذا اگر <شهدوا> به معنای شهادت دادن باشد، لازمه آن آگاهی فرد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۵ - ۴

۴ کافران در روز قیامت در خواهند یافت که فرجام نیک از آن مؤمنان است.

فسوف تعلمون من تکون له عقبه الدار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۹ - ۱۰

۱۰ خداوند در قیامت خلافکاران را به اعمال ناپسندشان آگاه خواهد ساخت.

ثم ینبئهم بما کانوا یفعلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۶۴ - ۱۳،۱۲،۱۱،۱۰

۱۰ خداوند آگاه کننده مردم به حقانیت معارف دین در قیامت

ثم إلی ربکم مرجعکم فینبئکم

۱۱ قیامت روز آگاهی عینی همگان به حقیقت معارف

دین*

فینبئکم بما کنتم فیه تختلفون

روشن است که خداونـد در دنیـا حقـانیت مسائـل مورد اختلاـف میان اهل ایمان و شـرک را بیان کرده است. بنابراین می توان گفـت خبـر دادن <فینـبئکم>، کنـایه از کیفر دهی است، و یـا مراد از آن آگـاهی ویژه، یعنی آگـاهی عینی و ملمـوس است. برداشت فوق مبتنی بر احتمال دوم است.

۱۲ مشرکان در قیامت به حقانیت معارفی که بر سر آن با اهل ایمان اختلاف داشتند، پی خواهند برد.

فینبئکم بما کنتم فیه تختلفون

۱۳ قیامت ظرف ظهور و انکشاف ربوبیت مطلق خدا برای همگان

أغیر الله أبغی ربا و هو رب کل شیء . .. فینبئکم بما کنتم فیه تختلفون

از مصادیق مورد نظر برای <ما کنتم فیه تختلفون>، به دلیل <أغیر الله أبغی ربا>، ربوبیت خداوند بر هستی است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۹ – ۱

۱ قیامت روز ظهور و بروز خسارت و زیانکاری تکذیب کنندگان آیات خداوند است.

و من خفت موزینه فأولئک الذین خسروا أنفسهم بما کانوا بأیتنا یظلمون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۵۳ – ۲،۳،۴،۵،۱۱

۲ قیامت ، روز تأویل و بروز حقایق مطرح شده در قرآن

هل ینظرون إلا تأویله یوم یأتی تأویله

مراد از <یوم> به دلیل فرازهای بعد روز قیامت است.

۳ کافران مورد سرزنش خداوند به خاطر باور نکردن حقانیت قرآن جز با آمدن قیامت

هل ینظرون إلا تأویله یوم یأتی تأویله

۴ منکران قیامت با برپایی آن به درستی و راستی گفتار انبیا درباره معاد پی خواهند برد و بدان اعتراف خواهند کرد .

یوم یأتی تأویله

یقول الذین نسوه من قبل قد جاءت رسل ربنا بالحق

ضمیر مفعولی در <نسوه> می توانـد به <کتب> در آیه قبل برگردد. بر این مبنا <ال> در <الحق> جنسـیه است و مراد از آن حقانیت رسالت انبیاست. و نیز می توانـد آن ضـمیر به <یوم یأتی تأویله>، که همان روز قیامت است، برگردانده شود. در این صورت <ال> در <الحق> عهدیه است و اشاره به حقانیت روز قیامت دارد. برداشت فوق بر اساس احتمال دوم است.

۵ منکران حقانیت قرآن ، در روز قیامت و بروز حقایق قرآن ، به حقانیت رسالت پیامبران اعتراف خواهند کرد .

یوم یأتی تأویله یقول الذین نسوه من قبل قد جاءت رسل ربنا بالحق

برداشت فوق مبتنی بر این است که ضمیر مفعولی در <نسوه> به<کتب> در آیه قبل برگردانده شود.

۱۱ کافران به قرآن ، در قیامت ، اندیشه ها و باور های خودبافته و مخالف تعالیم دین را سرابی بر باد رفته خواهند دید .

ضل عنهم ما کانوا یفترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۲ - ۱۴

۱۴ آدمی در قیامت به علم حضوری درمی یابد که خداوند پروردگار اوست .

إنا کنا هذا غفلین

اشاره به ربوبیت خـدا با کلمه <هـذا> گویای آن است که انسان در قیامت خود را در پیشـگاه خداوند حاضـر می یابد. یعنی علم حضوری و شهودی به او پیدا می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۴ - ۲۱

۲۱ قیامت ، روز حضور انسان در برابر خدا و آگاه شدن او از تمامی کرده هایش و نیز

روز محاکمه و تعیین سرنوشت

ثم تردون إلی علم الغیب و الشهده فینبئکم بما کنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۵ - ۱۰

۱۰ باخبر شدن انسان ها در قیامت از حقیقت و بازتاب اعمال دنیوی خویش

فینبئکم بما کنتم تعملون

مراد از <ما کنتم تعملون> می تواند ظاهر اعمال نباشد ; چه اینکه انسانها از ظاهر اعمال خویش باخبرند و آنچه را نمی دانند، حقیقت اعمالشان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۰ - ۹

۹ قیامت ، روز ظهور مولویت و مالکیت به حق و پروردگاری بی همتای خداوند و بر ملا شدن بطلان اندیشه مولویت و ربوبیت غیر او برای شرک پیشگان

و یوم نحشر هم جمیعاً . .. و ردوا إلی اللّه مولیهم الحق و ضل عنهم ما کانوا یفترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۹ - ۱۶

۱۶ قیامت ، روز تمایز مؤمنان راستین از مدعیان دروغین

بل نظنکم کذبین . .. إنهم ملقوا ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۵ - ۲

۲ روز قیامت ، روز بروز و ظهور حاکمیت مطلق خداوند بر بندگان

یوم یأت لاتکلم نفس إلاّ بإذنه

از آن جا که در دنیا هیچ فعل و انفعالی صادر نمی شود مگر اینکه اذن خدا را همراه دارد ، می توان گفت مقصود از <لا تکلم نفس إلاّ بإذنه> این است که: در آخرت این حقیقت برای همگان مکشوف می شود و انسانها آن را لمس خواهند کرد.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۵،۶

۵- در قیامت ، حقانیت وعده خداوند در حتمیت وقوع آن و کذب بودن وعده شیطان در عدم وقوع آن آشکار خواهد شد .

و برزوا لله جمیعًا فقال الضعفؤا . .. قال الشیطن ... إنّ الله وعدکم وعد الحق و

۶- قیامت ، روز بروز و ظهور حقیقتها

و برزوا لله جمیعًا . .. سواء علینا أجزعنا أم صبرنا ... إنّ الله وعدکم وعد الحق و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۸ - ۹

۹- ظهور و بروز حقیقت انسان و نهان و آشکار وی به هنگام حضور در پیشگاه خداوند در روز رستاخیز

یوم تبدّل الأرض . .. و برزوا لله الوحد القهّار

یکی از معانی <بروز> کشف و ظهور حقیقتی است که قبلًا پنهان و در خفا بوده است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵۱ - ۷

۷- کیفر دادن خداوند در قیامت ، عینیت یافتن رفتار خود آدمی و آینه تمام نمای آن است .

لیجزی الله کلّ نفس ما کسبت

آمدن جمله <ما کسبت> به جای <بما کسبت> (در مقابل کسب و تلاش)، می تواند مشعر به این حقیقت باشد که میان کیفرهای الهی و رفتار آدمی وحدت کامل وجود داد و بلکه می توان گفت که عین یکدیگرند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۶ - ۴

۴- قیامت ، روز کشف حقایق و روشن شدن حق و باطل است .

الذين يجعلون مع الله إلهًا

ءاخر فسوف يعلمون

برداشت فوق مبتنی بر این نکته است که زمان <دانستن>، روز قیامت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۷ - ۸

۸- در قیامت ، پوچی و بطلان خدایان مشرکان برملا می شود .

یقول أین شرکاءی الذین کنتم تشقّون فیهم

از اینکه خداوند در قیامت در مؤاخذه مشرکان، از آنها می پرسد: خدایان ادعایی تان کجاست؟ و آنان جوابی نمی دهند، حکایت از آشکار شدن پوچی معبودهای مشرکان می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۸ - ۱۳

۱۳- کافران پس از مرگ ، به حقایقی دست می یابند و از اعمال گذشته خود نگران می شوند .

الکفرین . الذین تتوفّهم الملئکه ظالمی أنفسهم ... ما کنّا نعمل من سوء

از اینکه کافران پس از مرگ، بی آنکه حرفی زده شود، به دفاع از خود می پردازند و منکر کارهای زشت خود می شوند، به دست می آید که آنان به چیزهایی از جمله به وضعیت بد خود و اینکه کردارشان باعث گرفتار شدن آنان به عذاب می شود، دست می یابند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۹ - ۱،۲،۳،۸

۱- خداوند ، انسان ها را پس از مرگ زنده می کند تا حقایق را برای آنان تبیین نماید .

بلی وعدًا علیه حقًّا . .. لیبیّن لهم الذی یختلفون فیه

۲- ظهور حقیقت امور اختلافی ، از دلایل زنده شدن انسان ها در قیامت است .

بلی وعدًا علیه حقًّا . .. لیبیّن لهم الذی یختلفون فیه

۳- قیامت ، روز ظهور حقایق

بلی وعدًا

علیه حقًّا . .. لیبیّن لهم الذی یختلفون فیه

۸- آگاهی یافتن کافران بر دروغ گویی خویش ، از جمله دلایل احیای مجدد انسان ها در قیامت

بلی وعدًا علیه حقًّا . .. و لیعلم الذین کفروا أنهم کانوا کذبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۴ - ۵

۵- قیامت ، روز آشکار شدن اعمال ، انگیزه ها و ماهیت همه انسانها

و یوم نبعث من کلّ أُمّه شهیدًا

برداشت فوق از آن جاست که با گواهی دادن گواهان، پرده از تمامی اعمال، انگیزها و . .. انسانها که تا روز قیامت از منظرها پنهان بود برداشته خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۹ - ۲

۲- لزوم توجه انسان ها ، به حقایقی که ناگزیر در قیامت با آن رو به رو خواهند شد .

و یوم نبعث فی کلّ أُمّه شهیدًا

مقصود از <یوم> روز قیامت است،توصیه خداوند به یادآوری این روز که از امر<اذکر> مقدر به دست می آید، حاکی از مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۲ - ۱۲

۱۲- خداوند ، تحقیقاً حقایق مورد اختلاف انسان ها را در قیامت ، بیان خواهد کرد .

و لیبیّننّ لکم یوم القیمه ما کنتم فیه تختلفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۸ - ۱۲

۱۲- منکران معاد ، با مشاهده حضور خود در صحنه قیامت ، به عمق نادرستی پندار خویش پی می برند .

بل زعمتم ألّن نجعل لکم موعدًا

تعبیر <بل

زعمتم. ..> در حقیقت، بـازگو کننـده حال کسـی است که علی رغم باور خویش، خود را در صـحنه قیامت می بینـد و از این جهت شرمسار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۲ - ۹

۹- در قیامت ، کارامد نبودن معبودان مشرکان و بطلان شرک ، آشکار خواهد شد .

فدعوهم فلم یستجیبوا لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۵ - ۴

۴- قیامت ، روز فرو افتادن همه حجاب ها و یقین آدمیان به خداوند یکتا است .

أعینهم فی غطاء . .. کفروا بأیت ربّهم و لقائه

مقصود از لقـای پروردگـار، مسلّماً برخورد حسـی نیست (لاتـدرکه الأبصـار) بلکه مقصود، آن است که آدمی، در قیـامت، به حقّانیّت یکتایی خداوند پی خواهد برد، گرچه کافران، چنین ملاقاتی را منکر باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۱۰ - ۱۱

۱۱- قیامت ، روز لقای پروردگار و مشاهده نمود های روشن وی است .

فمن کان یرجو لقاء ربّه

مسلّم است که مراد از لقای پروردگار، برخوردی حسّی با او نیست; چون، چنین امری هم از نظر عقل و هم از نظر متون دینی، محـال است (لاتـدرکه الأبصـار). بنابراین، به قرینه <فلیعمل عملاً صالحاً>، مراد از لقای پروردگار، مواجه شـدن با رضایت و پاداش های او در روز قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۷ - ۶

۶- در قیامت ، گواهانی بر بطلان پندار فرزندی عیسی (ع) برای خداوند شهادت خواهند داد .

فویل للذین

كفروا من مشهد يوم عظيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - مريم - ۱۹ - ۳۸ - ۲،۴

۲- قيامت ، روز ظهور و بروز حقايق است .

أسمع بهم و أبصر يوم يأتوتنا

۴- روبه رو شدن با حقايق و درک و لمس آن ، از جمله عذاب هاى كافران در روز قيامت است .

فويل للذين كفروا من مشهد يوم عظيم . أسمع بهم و أبصر يوم يأتوننا

در آيه قبل، دشوارى و سنگينى روز قيامت براى كافران مطرح گرديد. دراين آيه يكى از عوامل آن دشوارى ها مطرح گرديده كه همان درك و فهم حقايق است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - مريم - ۱۹ - ۷۵ - ۲۰

۲۰- قيامت ، روز ظهور حقايق

و إمّا الساعه فسيعلمون من هو شرّ مكانًا و أضعف جندًا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - مريم - ۱۹ - ۸۲ - ۲،۷

۲- معبود هاى مشركان در قيامت ، بطلان و بيهودگى عبادت هاى مشركان را برملا كرده و از آن برائت خواهند جست .

سيكفرون بعبادتهم و يكونون عليهم ضدًّا

در مورد ضميرهاى موجود در آيه، احتمالاتى ذكر شده است; از جمله آن كه ضمير <يكفرون> و <يكونون> به <ءالهه> بازمى گردد و ضمير <بعبادتهم> و <عليهم> به مشركان. برداشت ياد شده مبتنى براين وجه است. گفتنى است كه <كفر> در معانى مختلفى از جمله انكار و برائت استعمال شده است (لسان العرب). در اين آيه نيز به قرينه <و يكونون عليهم ضدّاً> به معناى برائت جستن و سلب مسؤوليت است.

۷- قیامت ، روز ظهور حقایق و بطلان شرکورزی و بروز ناتوانی

معبود های ساختگی مشرکان از عزت بخشیدن به آنها

ليكونوا لهم عزًّا . .. سيكفرون بعبادتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۶ - ۴

۴- قیامت ، روز ظهور تفاوت وضعیت مجرمان و متقین

يوم نحشر . .. و نسوق المجرمين إلى جهنّم وردًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۰ - ۴

۴ - قیامت ، روز ظهور اعمال دنیوی انسان است .

من أعرض عنه فإنّه يحمل يوم القيمه وزرًا

<وزر>به معنای بارسنگین است و به گناه از آن جهت که بار سنگینی بر دوش گنه کار است، <وزر> اطلاق می گردد (مفردات راغب). <حمل وزر> حاکی از آن است که در قیامت، گناه به صورت باری بر دوش گناهکار ظهور خواهد یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۴ - ۷

۷ - ملکات و تفاوت های انسان ها ، در قیامت نیز بروز و ظهور خواهند داشت .

إذ يقول أمثلهم طريقه

<أمثلهم طريقه> بیانگر خصلت شخصی است که نظریه <یک روز> را مطرح ساخته است. حدوث این خصلت برای وی در آخرت بعید به نظر می رسد. بنابراین باید گفت این ویژگی، بروز و ظهور ملکاتی است که در دنیا برای او تحصیل شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۸ - ۴،۷

۴ - ظهور حاکمیت مطلق خداوند ، در قیامت

یومئذ یتّبعون الداعی

۷ - قیامت ، روز تجلی و ظهور رحمانیت خداوند

و خشعت الأصوات للرحمن

<رحمان>; یعنی، دارای رحمت گسترده و فراگیر.

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۴ - ۷

۷ - حقایق در قیامت ، آشکار خواهد شد .

و نحشره یوم القیمه أعمی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۵ - ۵،۱۰

۵ - آدمیان در قیامت ، کمبود ها و کاستی های خویش را درک و احساس خواهند کرد .

قال ربّ لم حشرتنی أعمی

۱۰ - انسان در قیامت ، به خاطرات زندگانی خود در دنیا و ویژگی های جسمی خویش در آن دوران آگاه خواهد بود .

قال ربّ لم حشرتنی أعمی و قد کنت بصیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۷ - ۷

۷- اعمال آدمیان حتی خُردترین آنها در روز قیامت ، حضور و بروز پیدا خواهند کرد .

و إن کان مثقال حبّه من خردل أتینا بها

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که از عبارت <أتینا بها> معنای ظاهری آن اراده شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۷ - ۵

۵ - قیامت ، روز داوری و تمیز حق از باطل و سره از ناسره

إنّ اللّه یفصل بینهم یوم القیمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۱۱۳ – ۴

۴ – دوزخیان در قیامت ، به اشتباه خود در دل بستن به زندگی محدود دنیا پی خواهند برد .

قالوا لبثنا یومًا أو بعض یوم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۱۱۴ – ۴

۴ – پی بردن دوزخیان در

قیامت به ناچیزی زندگی دنیوی ، امری بی ثمر به حال آنان

إن لبثتم إلّا قلیلاً لو أنّكم كنتم تعلمون

<لو> در عبارت <لو أنّكم كنتم تعلمون> برای تمنی است; یعنی، ای كاش! این حقیقت را از پیش می دانستید تا كارتان به دوزخ نمی كشید; اما اكنون كه در دوزخ هستید، این اعتراف ثمری برای شما ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۴ - ۵،۷،۹

۵ - تمامی رفتار و گفته های آدمی در دنیا ، در روز رستاخیز آشكار و بر ملا خواهد شد .

یوم تشهد علیهم ألسنتهم . .. بما كانوا یعملون

با شهادت و گواهی اعضا و جوارح انسان بر گفته ها و رفتارهای او، تمامی آنها در روز قیامت برملا و آشكار خواهد شد.

۷ - جهان آخرت ، جهان عینیت یافتن شعور و آگاهی برخی از پدیده ها و آشكار شدن حقایق ناشناخته دنیا

یوم تشهد علیهم ألسنتهم . .. بما كانوا یعملون

از آیه شریفه، چنین استفاده می شود كه اعضا و جوارح، دارای نوعی شعوراند و اعمال آدمی را درک كرده و با خود نگه می دارند. البته این حقیقت در عالم دنیا، برای همگان عینیت ندارد و تنها در جهان آخرت، همگان شاهد تحقق عینی این معنا خواهند بود.

۹ - تهدید شدن سازندگان < افك > به محاكمه ای سخت در قیامت و آشكار شدن توطئه های پنهانی آنان با شهادت غیر قابل انكار اعضا و جوارح خود آنها

إنّ الذین یرمون المحصنت . .. یوم تشهد علیهم ألسنتهم ... بما كانوا یعملون

برداشت یاد شده، بر این اساس است كه این آیه از جمله آیات

مربوط به ماجرای <افک> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۵ - ۹

۹ - ظهور کامل حقانیت < اللّه > در قیامت برای همگان

یومئذ . .. یعلمون أنّ اللّه هو الحقّ المبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۹ - ۱۲،۱۳

۱۲ - کافران ، به هنگام اطلاع از پوچی اعمالشان در قیامت ، به حقانیت خداوند پی خواهند برد .

و الذین کفروا أعملهم کسراب بقیعه یحسبه الظمأن ماء حتّی إذا جاءه لم یجده شیئًا و

۱۳ - قیامت ، روز ظهور و بروز حقایقی همانند حقانیت خداوند و پوچی اعمال کافران

و الذین کفروا أعملهم کسراب بقیعه . .. حتّی إذا جاءه لم یجده شیئًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۴ - ۹،۱۰

۹ - خداوند ، انسان را از نتیجه و حقیقت کارهایی که در دنیا انجام می دهد آگاه خواهد ساخت .

و یوم یرجعون إلیه فینبّئهم بما عملوا

۱۰ - قیامت ، روز آگاه شدن انسان از حقیقت و نتیجه اعمال خویش

و یوم یرجعون إلیه فینبّئهم بما عملوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۶ - ۱،۲،۳

۱ قیامت ، روز ظهور و بروز حقانیت حاکمیت مطلق خداوند رحمان

الملك يومئذ الحقّ للرحمن

<الحق> صفت برای <الملك> است و این کلمه، یا به معنای ثابت است; زیرا در روز قیامت، همه حاکمیت ها از بین خواهد رفت و تنها حاکمیت و پادشاهی خدا پایدار خواهد ماند و یا در برابر باطل قرار دارد و به

معنای شیء حقیقت دار و مطابق واقع است; چرا که در روز رستاخیز، روشن خواهد شد که پادشاهی و حاکمیت حقیقی از آنِ خدا است. برداشت یاد شده، مبتنی بر احتمال دوم است.

۲ قیامت ، عرصه ظهور حاکمیت پایدار خدای رحمان

الملک یومئذ الحقّ للرحمن

۳ قیامت ، روز جلوه رحمانیت خداوند

الملک یومئذ الحقّ للرحمن

برداشت فوق، از اختصاص به ذکر یافتن وصف <رحمان> برای خداوند در عرصه قیامت به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۷ - ۵

۵ - قرار گرفتن خصوصیات هر فرد در معرض دید همگان در روز رستاخیز

و لاتخزنی یوم یبعثون

فرض رسوایی و شرمساری، در صورتی صحیح است که دیگران از خصوصیات آدمی با خبر شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۰ - ۳

۳ - ظهور ارزش تقوا و مقام متقین در رستاخیز

و أُزلفت الجنّه للمتّقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۱ - ۱،۲

۱ - قیامت روز نمودار شدن دوزخ برای گمراهان

و برّزت الجحیم للغاوین

۲ – عیان شدن وعده ها و وعید های الهی برای مردمان در قیامت

و أُزلفت الجنّه للمتّقین . و برّزت الجحیم للغاوین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۹۳ – ۲

۲ – آشکار گشتن پوچی عقاید شرک آلود ، برای مشرکان در قیامت

و قیل لهم أین ما کنتم . .. هل ینصرونکم أو ینتصرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۰۱ – ۳

- آشکار گشتن پوچی دوستی های مبتنی بر جرم و گناه در قیامت

و ما أضلّنا إلاّ المجرمون . .. و لاصدیق حمیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۲ - ۳

۳ - ظهور ارزش واقعی ایمان و مؤمنان در صحنه قیامت

فلو أنّ لنا کرّه فنکون من المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹۰ - ۹

۹ - قیامت ، روز تجسم اعمال آدمیان

هل تجزون إلاّ ما کنتم تعملون

از این که نفس عمل آدمی به عنوان جزا معرفی شده، مطلب بالا قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۳ - ۳

۳ - قیامت ، عرصه آشکار شدن بطلان شرک و تجلی کردن وحدت و یگانگی خداوند

و یوم ینادیهم . .. قال الذین حقّ علیهم القول ربّنا

اعتراف پیشوایان شرک به ربوبیت خداوند بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۵ - ۹

۹ - برملا شدن حقانیت توحید برای جوامع شرک پیشه در قیامت

فعلموا أنّ الحقّ للّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۳ - ۹

۹ - قیامت ، روز ظهور و تجلی حقایق است .

و یوم تقوم الساعه . .. و کانوا بشرکائهم کفرین

ذکر کفر مشرکان به معبودان خویش در قیامت، به عنوان یکی از رخدادهای آن، می تواند به جهت نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۳ -

۱۲ – روز قیامت ، روز تفکیک شدن کامل انسان های مؤمن از انسان های کافر است .

یومئذ یصّدّعون

احتمال دارد مراد از تفکیک شدن و جدایی در روز قیامت، تفکیک صفوف اهل بهشت از صفوف کسانی که اهل جهنم اند باشد. آیه بعد، مؤید این برداشت است

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۵۵ – ۷

۷ – خصلت های تثبیت شده انسان ها ، در روز قیامت بروز می کند .

و یوم تقوم الساعه یقسم المجرمون ما لبثوا غیر ساعه کذلک کانوا یؤفکون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۵۶ – ۱۱

۱۱ – در روز قیامت ، حقانیت وقوع آن روز ، و نادرستی انکار آن ، به رخ منکرانِ قیامت کشیده می شود .

فهذا یوم البعث و لکنّکم کنتم لاتعلمون

عبارت توبیخی <فهذا یوم البعث> قرینه است بر این که متعلق <لاتعلمون> حقانیت وقوع قیامت است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۱۲ – ۱۸،۱۷،۱۶،۱۱

۱۱ – همه حقایق و وعده های الهی ، در قیامت برای مجرمان به گونه ای ملموس آشکار می شود .

و لو تری إذ المجرمون . .. ربّنا أبصرنا و سمعنا

۱۶ – در قیامت ، اهمیت عمل صالح برای همه انسان ها ، آشکار می شود .

فارجعنا نعمل صلحًا

۱۷ – مجرمان در قیامت ، به حقانیت وعده های خداوند درباره معاد ، زبان می گشایند .

ربّنا أبصرنا و سمعنا . .. إنّا موقنون

۱۸ – قیامت ، عرصه کشف و بروز حقایق است .

ناکسوا رءوسهم عند ربّهم ربّنا

أبصرنا و سمعنا فارجعنا نعمل صلحًا إنّا موقنون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۶۸ – ۳

۳ – کافران در قیامت ، در می یابند که منشأ عذاب ، خداوند است .

ربّنا ءاتهم ضعفين من العذاب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۲۶ – ۴

۴ – تحقق قیامت ، به منظور جدا شدن و شفاف گردیدن صفوف حق مداران از باطل گرایان است .

قل يجمع بيننا ربّنا ثمّ يفتح بيننا بالحقّ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۳۳ – ۱۸

۱۸ – قیامت ، روز آشکار شدن حقایق بر انسان ها

و لو ترى إذ الظلمون موقوفون عند ربّهم يرجع بعضهم إلى بعض القول . .. لولا أنتم لک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۴۰ – ۱

۱ – در روز قیامت ، همه مشرکان به منظور مؤاخذه و روشن شدن حقایق گردآوری خواهند شد .

و يوم يحشرهم جميعًا ثمّ يقول للملئكه أهؤلاء إيّاكم كانوا يعبدون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۵۲ – ۹،۵

۵ – کافران در قیامت ، به درستی وعده های خداوند رحمان پی برده و به آن اعتراف خواهند کرد .

هذا ما وعد الرحمن

۹ - کافران در قیامت ، به صراحت و راست گفتاری رسولان الهی پی برده و به آن اعتراف خواهند کرد .

قالوا یویلنا . .. و صدق المرسلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس -

۳۶ - ۵۹ - ۳

۳ - قیامت ، روز جدایی صف اهل حق و باطل است .

و امتزوا الیوم أیّها المجرمون

برداشت فوق از آن جا است که جدا شدن صف مجرمان از مؤمنان به دلیل باطل و حق بودن آن دو صف است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۱ - ۲

۲ - قیامت ، روز شناخته شدن حق و باطل و خوب و بد و گروندگان به آنان

هذا یوم الفصل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۵ - ۵

۵ - قیامت ، محل اصلی تجلی خوب و بد سرنوشت و سعادت و شقاوت انسان ها

إنّ للمتّقین لحسن مئاب . .. هذا و إنّ للطغین لشرّ مئاب

از این که خدا نیک فرجامی و بدفرجامی را در رابطه با آخرت و معاد انسان ها مطرح ساخته است، می توان مطلب یاد شده را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۲ - ۶

۶ - پی بردن طغیان گران در دوزخ ، به نادرستی پندار خود نسبت به مؤمنان در دنیا

و قالوا ما لنا لانری رجالاً کنّا نعدّهم من الأشرار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۳ - ۱۰

۱۰ - قيامت ، عرصه ظهور حقايق و رخداد های بس بزرگ و هولناك

عذاب يوم عظيم

توصيف روز قيامت به عظيم بودن، می تواند به خاطر بزرگی رخدادها و عظمت حقايق آن روز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - زمر -

۳۹ - ۱۵ - ۳،۱۰

۳ - مشرکان و کافران در عرصه قیامت ، سرمایه عمر خود را تباه شده می بینند و خویش را از حمایت خانواده شان ، محروم می یابند .

قل إنّ الخسرین الذین خسروا أنفسهم و أهلیهم یوم القیمه

مقصود از <أنفس> سرمایه های عمر و مراد از <أهل> خانواده می باشد. بر این اساس خسارت نفس، به معنای تباه ساختن و بهره کافی نگرفتن از سرمایه عمر است. خسارت اهل نیز به معنای از کف دادن حمایت خانواده و بهره نجستن از آنان می باشد. گفتنی است برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که مخاطبان آیه شریفه کافران و مشرکان هستند.

۱۰ - قیامت ، صحنه بروز و ظهور سعادت واقعی و سودبخشی و یا خسارت آفرینی عمر آدمی

إنّ الخسرین الذین خسروا أنفسهم و أهلیهم یوم القیمه ألا ذلک هو الخسران المبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۶ - ۹

۹ - نتیجه و پیامد اصلی عقاید باطل و رفتار زشت انسان ، در قیامت ظهور و بروز پیدا خواهد کرد .

و لعذاب الأخره أکبر لو کانوا یعلمون

<عذاب> نتیجه طبیعی عقاید باطل و کردار ناپسند انسان است. بر این اساس بزرگ تر بودن عذاب اخروی در مقایسه با عذاب دنیایی، بیانگر این حقیقت است که نتیجه اصلی عقاید و رفتار زشت، در آخرت ظاهر خواهد شد و آنچه در دنیا مشاهده می شود تنها ظهور بخشی از آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۷ - ۵

۵ - پی بردن مشرکان و ظالمان

به بی ارزشی دنیا ، هنگام روبه رو شدن با عذاب قیامت

و لو أنّ للذین ظلموا ما فی الأرض . .. لاَفتدوا به من سوء العذاب یوم القیمه

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که مشرکان و ستمگران، بیشتر برای تقویت دنیای خود از آخرت روی گردان هستند و در صورت مشاهده عذاب الهی حاضر می شوند تمامی دنیا را فدای نجات خود کنند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۴۸ – ۱،۳

۱ – ظهور و بروز تمامی اعمال و دستاورد های بد و زشت ستمگران در قیامت

و بدا لهم سیّئات ما کسبوا

۳ – تمامی کردار و رفتار آدمیان در روز رستاخیر ، در نظر آنان مجسم و ظاهر خواهد شد .

و بدا لهم سیّئات ما کسبوا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۵۷ – ۱

۱ – ظهور ارزش تقوا و نقش هدایت الهی (قرآن) ، هنگام عذاب و در قیامت برای کافران و گنه کاران

أو تقول لو أنّ اللّه هدینی لکنت من المتّقین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۵۸ – ۵

۵ – ظهور ارزش احسان ، برای کافران و گنه کاران در قیامت

لو أنّ لی کرّه فأکون من المحسنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۶۷ – ۶

۶ – ظهور و بروز قدرت مطلقه خداوند بر جهان در قیامت

و الأرض جمیعًا قبضته یوم القیمه و السموت مطویّت بیمینه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

– ۱۶

زمر - ۳۹ - ۶۹ - ۲،۴،۶

۲ - زمین ، در قیامت عرصه روشن شدن حقایق الهی

و أشرقت الأرض بنور ربّها

برخی از مفسران بر این عقیده اند که چون خاصیت نور، روشن کردن هر چیزناپید است. بنابراین مقصود از روشن شدن زمین به نور پروردگار، روشن شدن حقایق در عرصه قیامت است و اضافه نور به خداوند اضافه تشریفی و از باب تعظیم می باشد.

۴ - روشن شدن زمین و حقایق مربوط به اهل آن در قیامت ، جلوه ربوبیت الهی است .

و أشرقت الأرض بنور ربّها

۶ - تمامی اعمال بندگان ثبت و درج شده و در قیامت به صورت نوشته ای ظاهر خواهد شد .

و وضع الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۶ - ۱

۱ - قیامت ، روز بروز و ظهور حقیقت و باطن انسان ها و نمایان شدن اسرار آنان

یوم هم برزون

طبق نظر بیشتر مفسران مقصود از نمایان شدن انسان ها، بروز و ظهور حقیقت و باطن آنان و کشف اسرار ایشان است؛ نه ظاهر شدن جسم آنان؛ مانند مفاد آیه <یوم تبلی السرائر>، (سوره طارق (۸۶) آیه ۹).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۰ - ۵

۵ - قیامت ، روز کشف حقایق

فسوف یعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۱ - ۳

۳ – کافران حق ستیز و ستیزه جو ، هنگام گرفتار شـدن به عـذاب الهی ، به عمق بطلان راه خود و پیامد رفتارشان آگاه خواهند شد .

فسوف یعلمون . إذ الأغلل فی أعنقهم

و السلسل يسحبون

برداشت یاد شده، از آن جا است که ظرف <إذ الأغلال . ..> متعلق به <یعلمون> می باشد. <یسحبون> نیز حال از ضمیر <هم> در <فی أعناقهم> است; یعنی، به زودی می دانند آن گاه که غل در گردن هایشان باشد و با زنجیر کشان کشان برده می شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۴ - ۴

۴ - قیامت ، روز کشف حقایق و روشن شدن عقاید < درست و نادرست > و < حق و باطل >

قالوا ضلّوا عنّا بل لم نکن ندعوا من قبل شیئًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۸ - ۱۲

۱۲ - قیامت ، روز کشف زیان کاری اهل باطل

و خسر هنالک المبطلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۹ - ۷

۷ - ضرورت یادآوری اوضاع خفت بار دشمنان خدا ، در عرصه قیامت برای کفرپیشگان

و یوم یحشر أعداء اللّه إلی النار فهم یوزعون

<یوم> مفعول به برای فعل محذوفی مانند <ذکّرهم> یا <أنذرهم> و امثال آن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۱ - ۷

۷ - آخرت ، صحنه بروز و ظهور حیات و شعور موجودات *

قالوا أنطقنا اللّه الذی أنطق کلّ شیء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۹ - ۲

۲ - کشف و ظهور ربوبیت بی همتای الهی در قیامت ، برای کافران

و قال الذین کفروا ربّنا

از اقرار کافران به ربوبیت الهی (ربّنا)،

مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۷ - ۲۰

۲۰ - قیامت ، صحنه کشف حقایق جهان هستی است .

و یوم ینادیهم أین شرکاءی قالوا ءاذنّک ما منّا من شهید

بنابراین که جمله <آذنّاک> برای انشا و ایجاد اعلام باشد (اعلام می کنیم) می توان استفاده کرد که این اعلام براساس کشف حقایق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۸ - ۴

۴ - قیامت ، صحنه آشکار شدن بطلان شرک و باور های شرک آلود

و ضلّ عنهم ما کانوا یدعون من قبل

بنابراین که مراد از <ما> آرا و ادعاهایی باشد که مشرکان در ارتباط با خدایانشان مطرح می کردند، مطلب بالا قابل برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۰ - ۱۸

۱۸ - کشف حقیقت و باطن اعمال ، برای انسان در آخرت

فلننبّئنّ الذین کفروا بما عملوا

بنابراین که <ما> در <ما عملوا> مای حقیقیه باشد با الغای خصوصیت از کافران استفاده می شود که انسان ها، از حقیقت اعمال خویش بی اطلاع اند و در روز قیامت برای آنان آشکار خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۰ - ۲

۲ - قیامت ، صحنه روشن شدن حقایق و حل اختلافات انسان ها به وسیله خداوند

و ما اختلفتم فیه من شیء فحکمه إلی اللّه

برداشت یاد شده بنابر این نکته است که حکم الهی در <فحکمه> جنبه عینی و واقعی داشته باشد; یعنی، آشکارکردن حقایق در مورد

اختلافات، با توجه به آیات پیشین که در زمینه قیامت بود به دست می آید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۲۰ – ۱۶

۱۶ – ظهور قدرت و شکست ناپذیری خداوند برای کافران ، در جهان آخرت

و هو القویّ العزیز . .. و ما له فی الأخره من نصیب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۲۱ – ۱۰

۱۰ – قیامت ، < کلمه فصل > الهی و صحنه نهایی جداسازی حق و باطل

الذین یمارون فی الساعه . .. و ما له فی الأخره من نصیب ... و لولا کلمه الفصل لقضی

از آن جا که محور این چند آیه، مسأله ایمان به قیامت و محاسبه آن در معادلات رفتاری و اعتقادی است، عنوان <کلمه الفصل> بر این معنا منطبق است; یعنی، اگر قیامتی نبود می بایست دنیامداران در همین دنیا به کیفر کفرشان می رسیدند; ولی چون قیامت هست، عذاب دردناک آنان به آخرت وانهاده شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۲۲ – ۸

۸ – تجسم اعمال انسان در قیامت

ممّا کسبوا و هو واقع بهم

بنابراین که مراد از <ما> عمل باشد و <هو> به آن باز گردد، برداشت بالا استفاده می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۴۴ – ۱۱

۱۱ – عجز و پشیمانی ستمکاران در قیامت ، آشکار و نمایان است .

و تری الظلمین . .. یقولون

از واژه های <تری> و <یقولون>، استفاده می شود که ظالمان ندامت

و آرزوی بازگشت را پنهان نمی دارند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۴۵ – ۱۲

۱۲ – قیامت ، روز ظهور خسران و زیان کاری عمیق ستم پیشگان و گمراهان

إنّ الخسرین الذین خسروا أنفسهم و أهلیهم یوم القیمه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۴۶ – ۳

۳ – قیامت ، صحنه بروز ولایت مطلقه الهی است .

و ما کان لهم من أولیاء ینصرونهم من دون اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۴۷ – ۹

۹ – انکار و پرده پوشی گناهان در قیامت ، امکان ندارد .

و ما لکم من نکیر

<نکیر> چنان که برخی گفته اند مصدر و به معنای <انکار> است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۳۸ – ۶،۷

۶ – قیامت ، عرصه ظهور حقایق ، برای انسان ها

و یحسبون . .. حتّی إذا جاءنا قال یلیت

۷ – قیامت ، عرصه رنگ باختن پندار های دروغین گمراهان و فریب خوردگان

و یحسبون أنّهم مهتدون . حتّی إذا جاءنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۷ - ۴

۴ - آشکار شدن آثار زیانبار دوستی و مودّت بی تقوایان در روز قیامت

الأخلّاء یومئذ بعضهم لبعض عدوّ إلّا المتّقین

دوستانی که دوستی خویش را بر غیر تقوا بنا نهاده اند، در قیامت خواهند فهمید که چه اثرات شومی را به واسطه آن متحمل شده اند و در نتیجه با یکدیگر دشمن خواهند شد.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۳ - ۸

۸ - قیامت ، صحنه حقیقت و واقعیت است ; نه بازیگری و هوسرانی .

فذرهم یخوضوا و یلعبوا حتّی یلقوا یومهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۲ - ۴

۴- پایان یافتن تردید ها و سست انگاری های منکران وحی ، با تحقق وعده های الهی در قیامت

بل هم فی شکّ . .. فارتقب یوم تأتی السماء بدخان مبین ... إنّا مؤمنون

بنابراین که آیات پیشین در رابطه با قیامت باشد، برداشت بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۰ - ۲،۳

۲- قیامت ، روز داوری و حلّ و فصل نهایی امور و کشف حقیقت برای همگان

و لکنّ أکثرهم لایعلمون . إنّ یوم الفصل میقتهم أجمعین

۳- قیامت ، روز جدایی حق از باطل و تمایز حق مداران از باطل گرایان

إنّ یوم الفصل میقتهم أجمعین

مراد از <فصل>، ممکن است جدا شدن صفوف حق و حق مداران، از باطل و باطل گرایان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۰ - ۲

۲- شهود حسی دوزخیان در قیامت ، نسبت به حقایق مورد تشکیک خود در دنیا

إنّ هذا ما کنتم به تمترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۸ - ۳،۴

۳ - ظهور حاکمیت و قدرت یگانه خداوند برای آدمیان در قیامت

و للّه ملک السموت و الأرض . .. و تری کلّ أمّه جاثیه ... الیوم تجزون

با توجه به آیه

قبل که سخن از مالکیت و حاکمیت مطلق خدا به میان آورد به زانو نشستن امت ها در قیامت که در این آیه مطرح شده می تواند نشانگر ظهورِ قدرت و حاکمیت خداوند در آن روز باشد.

۴ - اضطرار و ناتوانی همه امت ها در روز قیامت ، امری نمایان و قابل مشاهده

و تری کلّ أمّه جاثیه

تعبیر <تری> مشهود بودن آن صحنه را افاده می کند و <جاثیه> می تواند کنایه از اضطرار و ناتوانی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۰ - ۵

۵ - قیامت ، صحنه نمود حاکمیت اراده خداوند

فأمّا الذین ءامنوا و عملوا الصلحت فیدخلهم ربّهم

تعبیر به <یدخلهم> گویای این حقیقت است که بهره مند ساختن مردم از رحمت اخروی، کار خدا و وابسته به او است. در غیر این صورت، می فرمود: <یدخلون فی رحمته ...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۳ - ۱،۳

۱ - آشکار گشتن زشتی های اعمال کافران ، برای آنان در قیامت

و بدا لهم سیّئات ما عملوا

۳ - قیامت ، صحنه ظهور عواقب گناه و بدکاری

و بدا لهم سیّئات ما عملوا

چنانچه قبل از <سیّئات> مضاف حذف شده و تقدیر آن <جزاء یا عقوبه سیّئات. ..> باشد، برداشت بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۰ - ۴

۴ قیامت ، روز تحقّق هشدار ها و انذار های الهی برای کافران و حق ستیزان

و نفخ فی الصور ذلک یوم الوعید

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۷ - ۵

۵ ربوبیت انکارناپذیر الهی ، متجلّی برای همگان در قیامت

قال قرینه ربّنا ما أطغیته

التجای قرین کافران به ربوبیت عام الهی در روز قیامت، می رساند که ربوبیت خداوند در آن روز، چنان آشکار است که هیچ کس، قادر به نادیده گرفتن آن نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۴ - ۱

۱ - مواجه گشتن تکذیب گران ، با حقایق مورد انکار خویش در قیامت

هذه النار الّتی کنتم بها تکذّبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۶ - ۳

۳ - تجلی توحید و ظهور حاکمیت یگانه حق ، در صحنه قیامت

یوم لایغنی عنهم کیدهم شیئًا و لا هم ینصرون

برداشت یاد شده با توجه به دو مطلب زیر به دست می آید: ۱ <یوم لا یغنی. ..> نظر به قیامت داشته باشد ۲ این که هیچ نیرویی در قبال نیروی حق، کارساز نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۸ - ۴

۴ - قیامت ، روز ظهور حاکمیت مطلقه خداوند و بروز ناتوانی غیر او

لیس لها من دون اللّه کاشفه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۶ - ۵

۵ - ظهور ماهیت زشت حق ستیزان منکر پیامبران ، در روز قیامت *

سیعلمون غدًا من الکذّاب الأشر

احتمال دارد <غداً> اشاره به روز قیامت داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۳ - ۱

۱ - ظهور حاکمیت

الهی بر جن و انس ، به هنگام برپایی قیامت

یمعشر الجنّ و . .. لاتنفذون

مفاد آیه به قرینه سیاق و ارتباط آیات قبل و بعد درباره قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۵ - ۶

۶ - ظهور و تجلی اقتدار الهی بر خلق ، در صحنه قیامت

یرسل علیکما . .. فلاتنتصران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۱ - ۱،۲،۳

۱ - شناخته شدن مجرمان به وسیله علامت های چهره آنان در قیامت

یعرف المجرمون بسیمهم

<سیما> به معنای مطلق علامت است. مراد از آن در آیه شریفه علامتی است که در چهره مجرمان دیده می شود.

۲ - مشخص و محرز بودن گناهان جن و انس در قیامت ، بدون بازجویی

فیومئذ لایسل عن ذنبه إنس و لاجانّ . .. یعرف المجرمون بسیمهم

۳ - قیامت ، روز آشکار شدن اسرار و عیان گشتن نهان ها

یعرف المجرمون بسیمهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳ - ۱

۱ - قیامت ، روز دگرگونی و زیرورو شدن طبقات مردم

خافضه رافعه

<خفض> به معنـای فرود آوردن و به زیر کشـیدن و <رفـع> به معنـای بالاـ بردن و برافراشـتن است; یعنی، واقعه قیـامت، به زیرآورنده اقوامی و بالاآورنده اقوامی دیگر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۳ - ۱۳

۱۳ - قیامت ، روز جلوه گر شدن حقیقت نورانی ایمان و عمل صالح

قیل ارجعوا وراءکم فالتمسوا نورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله -

۵۸ - ۶ - ۶

۶ - تـک تـک اعمـال انسان با وجود این که خود وی آنها را فراموش می کنـد در نزد خداونـد محفوظ بوده و در قیامت به او ارائه خواهد شد .

فینبّئهم بما عملوا أحصیه اللّه و نسوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۳ - ۶

۶ - قیامت روز گسسته شدن پیوند ها و جدایی خویشاوندان و فرزندان از والدین

لن تنفعکم . .. یوم القیمه یفصل بینکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۸ - ۸

۸ - آگاهی یافتن انسان در دادگاه الهی در قیامت ، به تمامی اعمال گذشته خویش

فینبّئکم بما کنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۹ - ۵

۵ - قیامت ، روز ظهور و بروز غبن و خسارت کافران

ذلک یوم التغابن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۳ - ۱

۱ - ظهور و بروز ذلّت و ترس ، در دیدگان کافران و مشرکان در عرصه قیامت

خشعه أبصرهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – حاقه – ۶۹ – ۱۸ – ۳،۴

۳ – قیامت ، روز کشف حقایق و بروز و ظهور تمامی ابعاد وجودی انسان ها (نیات ، انگیزه ها ، افکار و رفتار ها)

لاتخفی منکم خافیه

۴ – بروز و به نمایش در آمدن شخصیت حقیقی و واقعی انسان ها (نقص و کمال و خوبی و بدی آدمیان)

لاتخفی منکم خافیه

جلد – نام سوره – سوره

- آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۷ - ۳

۳ - لحظه مرگ و جهان پس از آن ، زمان کشف حقایق الهی برای بشر

حتّی أتینا الیقین

برداشت یاد شده، براساس این احتمال است که نام گذاری مرگ به <یقین>، ممکن است به این لحاظ باشد که پس از مرگ، حقایق بسیاری از جمله وجود معاد و.. برای بشر روشن و عینی خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۱۳ - ۱

۱ - آگاه شدن انسان ها در قیامت ، از تمامی کرده های خویش در دنیا ، از نخستین تا آخرین آنها

ینبّؤا الإنسن یومئذ بما قدّم و أخّر

مفسران در تبیین <بما قدّم و أخّر> سه احتمال بیان کرده اند: ۱ مقصود از<بما قدّم> اعمالی است که در آغاز زندگی انجام داده نشده و مراد از <أخّر>انجام دادن عمل در پایان عمر است. ۲ مراد از <بما قدّم> اعمالی است که در دنیا پایان می پذیرد (مانند نماز) و مقصود از <أخّر> اعمالی است که ثواب آنها پایان ندارد (مانند صدقه جاریه و سنت حسنه). ۳ مقصود از <بما قدّم> اقدام به عمل و مراد از <أخّر> به تأخیر انداختن و انجام ندادن آن است. برداشت یاد شده، مبتنی بر احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۱۴ - ۳

۳ - مجموعه رفتار ها و کردار های هر انسانی در قیامت ، برای او آن چنان روشن است که نیازی به دلیل و گواه دیگران نیست .

بل الإنسن علی نفسه بصیره

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۹ - ۳

۳ - ظهور ناتوانی کامل بشر ، در برابر خداوند در عرصه قیامت

فإن کان لکم کید فکیدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۴ - ۳،۶

۳ - منکران معاد ، در قیامت به خطای خود واقف شده و حقانیت معاد را درخواهند یافت .

کلاّ سیعلمون

۶ - جهان آخرت ، جایگاه کشف حقایق و رفع اختلافات است .

مختلفون . .. سیعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۵ - ۳،۴،۵

۳ - با وقوع معاد در آینده ای نزدیک ، حقایق برای کافران کشف شده و اختلاف آنان درباره حوادث پس از مرگ ، برطرف خواهد شد .

الذی هم فیه مختلون . .. ثمّ کلاّ سیعلمون

۴ - منکران معاد ، در آخرت به حقانیت آن پی خواهند برد .

عمّ یتساءلون . .. ثمّ کلاّ سیعلمون

۵ - شبهه افکنان در مورد معاد ، پاسخ خود را تنها با مشاهده قیامت خواهند یافت .

یتساءلون . .. ثمّ کلاّ سیعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ – نبأ – ۷۸ – ۳۸ – ۱۰

۱۰ – ظهور سلطه کامل خداوند بر تمام موجودات ، در قیامت

لايتكلّمون إلاّ من أذن له الرحمن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نبأ – ۷۸ – ۴۰ – ۹،۱۰،۱۳،۱۶

۹ – قیامت ، روز تجسم اعمال و ظهور دست مایه ها و تلاش های انسان

يوم ينظر المرء ما قدّمت يداه

۱۰ – انسان ، خود ناظر دسترنج خویش در قیامت

یوم

ينظر المرء ما قدّمت يداه

۱۳ – كافران در قيامت با مشاهده كردار خويش ، عذاب خود را حتمى خواهند دانست .

عذابًا قريبًا يوم ينظر المرء ما قدّمت يداه و يقول الكافر يليتنى كنت تربًا

از آن جـايى كه كافران با نگاه به اعمال خويش، آرزوى خاك بودن مى كننـد؛ مى توان پى برد كه آنان، گرفتارى به عـذاب را بر خود قطعى ديده اند.

۱۶ – كافران در قيامت ، به پستى خود و شرافت خاك بر آنان ، پى خواهند برد .

و يقول الكافر يليتنى كنت تربًا

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۲۰ – نازعات – ۷۹ – ۱۲ – ۳

۳ – منكران معاد در قيامت ، زيان كارى خود را مشاهده كرده و به يكديگر بازگو خواهند كرد .

قالوا تلك إذًا كرّه خاسره

برداشت ياد شده، ناظر به احتمال صدور سخن منكران معاد در قيامت است.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۲۰ – نازعات – ۷۹ – ۳۵ – ۱

۱ – تمام انسان ها ، در صحنه قيامت حاضر شده ؛ كردار هاى فراموش گشته خويش و اهداف آن تلاش ها را به خاطر خواهند آورد .

يوم يتذكّر الإنسن ما سعى

<ما> در <ما سـعى> موصول و عائد آن حذف شده است؛ يعنى، <ما سعى له>. اين تعبير بر اهدافى منطبق است كه سعى انسان، براى دستيابى به آن بوده است. ممكن است <ما> مصـدريه باشد؛ يعنى، <سـعيه>. در اين صورت آنچه به ياد انسان خواهد آمد، نفس سعى و تلاش او است.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۲۰ – نازعات – ۷۹ – ۴۶ – ۳

– ۳

صحنه قیامت ، آشکار و مکشوف در برابر دیدگان تمام انسان ها

کأنّهم یوم یرونها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۴ - ۱

۱ - قیامت ، روز آگاهی انسان ها به کردار دنیایی خویش و آثار و نتایج آن

علمت نفس ما أحضرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۳۴ - ۷

۷ - قیامت ، روز ظهور حقایق و برملا شدن خطای کافران در گمراه دانستن مؤمنان

قالوا إنّ هؤلاء لضالّون . .. فالیوم الذین ءامنوا من الکفّار یضحکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۳۶ - ۴

۴ - کردار بدکاران در قیامت ، به صورت کیفر برای آنان ظاهر خواهد شد . *

هل ثوّب الکفّار ما کانوا یفعلون

<ما> در <ما کانوا. ..> مفعول دوم برای <ثوّب> است; یعنی، کافران با همان کردار خود، کیفر داده شدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۹ - ۴

۴ - حقایق کتمان شده ، در قیامت آشکار خواهد شد و مخفی نگه داشتن آن امکان پذیر نیست .

یوم تبلی السرائر

گرچه <ابلاء> به معنای آشکار ساختن نیست; ولی لازمه اختبار و آزمایش سریره ها، بر ملا شدن ویژگی های آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۳ - ۹،۱۰

۹ - قیامت ، روز آشکار شدن حقایق برای همگان

یومئذ یتذکّر الإنسن

۱۰ - کوبیده و نرم شدن زمین ، احساس حضور در پیشگاه خداوند و صفوف فرشتگان و مشاهده جهنم ، برطرف

سازنده غفلت های انسان و احیاگر حس پندپذیری در او است .

إذا دكّت الأرض . .. یومئذ یتذكّر الإنسن

<یومئذ>، بدل برای <إذا> در <إذا دكّت الأرض. ..> و جمله <یتذكّر الإنسان> جزا برای آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تكاثر - ۱۰۲ - ۳ - ۶

۶ - قیامت ، زمان ظهور حقایق و پی بردن انسان ها به نیک و بد اعمال خویش

كلاّ سوف تعلمون

وعده <سوف تعلمون> به قرینه <لتسئلنّ یومئذ عن النعیم> ناظر به زمان برپایی قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تكاثر - ۱۰۲ - ۴ - ۳

۳ - خداوند ، با تهدید رقابت كنندگان در امتیازات مادی ، بر ظهور حقیقت و مواجه شدن آنان با كیفر اخروی تأكید كرده است .

ثمّ كلاّ سوف تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تكاثر - ۱۰۲ - ۶ - ۵

۵ - مشاهده جهنم در قیامت ، موجب آگاهی از نادرست بودن تفاخر و زیاده نمایی و سود نبخشیدن امتیازات مادی است .

سوف تعلمون . .. لترونّ الجحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۶ - ۲

۲ - دوزخیان در قیامت ، به حاكمیت اراده خداوند بر آتش جهنم ، به روشنی پی خواهند برد .

نار اللّه

استناد <نار> به <اللّه>، بیانگر آن است که، استناد آتش جهنم به خداوند، بر کسی پوشیده نخواهد ماند، گرچه درباره آتش های دنیا، این حقیقت مخفی مانده و استناد آن به اسباب و علل مادی، انسان را از آن غافل ساخته باشد.

ظهور

عمل صالح در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۰ - ۱۰

۱۰ - قیامت ، صحنه بروز و ظهور اعمال پسندیده ای است که آدمی در دنیا انجام داده است .

و ما تقدموا لأنفسکم من خیر تجدوه عنداللّه

ضمیر مفعولی در <تجدوه> (می یابید آن را) به کلمه <خیر> بر می گردد و مقتضایش آن است که: آدمی با همان عمل نیکی که انجام داده، روبه رو خواهد شد; یعنی، اعمال نیک آدمی در قیامت، به گونه ای بروز و ظهور دارند.

عابدان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۲ - ۹

۹ حضور تمای انسان ها مستکبران و عبادت کنندگان به پیشگاه خداوند در قیامت

لن یستنکف المسیح ان یکون عبداً للّه . .. و یستکبر فسیحشرهم إلیه جمیعاً

کلمه <اما> در آیه بعد تفصیل و توضیح <فسیحشرهم . ..> می باشد. بنابراین ضمیر <هم> شامل هر دو گروه عبادت کنندگان و کسانی که از عبادت خدا استنکاف دارند می شود.

عبادت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۲ - ۴

۴ - ممکن نبودن عبادت و جبران کوتاهی ها و تقصیر ها ، در جهان آخرت

و یدعون إلی السجود فلایستطیعون

یادآوری شدّت هولناکی عرصه قیامت و ناتوانی کافران برای سجده و خضوع در برابر پروردگار، می تواند اشاره به این حقیقت باشد که هیچ کس نمی تواند کوتاهی های گذشته خود را، در آخرت جبران کند.

عبرت از نشانه های قیامت

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۱۸ – ۱۰

۱۰– لزوم متذکر گشتن از نشانه های قیامت ، قبل از فرارسیدن آن و پایان یافتن مهلت

فهل ینظرون إلّاالساعه . .. فقد جاء أشراطها فأنّی لهم إذا جاءتهم ذکریهم

از این که خداوند، تذکّر را به هنگام برپایی قیامت بی فایده دانسته است، مطلب بالا استفاده می شود.

عجز اخروی مکذبان قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۱۵ – ۲

۲ – تکذیب کنندگان قیامت ، ناتوان از توجیه تکذیب گری های خود به هنگام مشاهده آتش دوزخ

أفسحر هذا أم أنتم لاتبصرون

عجز از امداد در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – انفطار – ۸۲ – ۱۹ – ۱۱

۱۱ – ناتوانی انسان ها از یاری رسانی به یکدیگر در قیامت ، جلوه ای از حاکمیّت مطلقه خداوند بر رخداد های آن است .

یوم لاتملک نفس لنفس شیئًا و الأمر یومئذ للّه

ارتباط صدر و ذیل آیه شریفه، گویای برداشت یاد شده است.

عجز از تکلم در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۱۸ – ۶

۶ – قیامت ، دارای غم و اندوه کشنده و زجرآور ، به گونه ای که کسی نای سخن گفتن و فریاد زدن ندارد .

إذ القلوب لدی الحناجر کظمین

<کاظم> (مفرد <کاظمین>) اسم فاعل از <کظم> به معنای فردی است که نفسش در گلو حبس شده باشد. <کاظمین>; یعنی، کسانی که ساکت اند و قادر به سخن گفتن نیستند.

عجز از توصیف قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰

- انفطار - ۸۲ - ۱۷ - ۱

۱ - شناخت حقیقت قیامت ، برای همگان میسّر نیست .

و ما أدریک ما یوم الدین

استفهام <ما أدراک> (چه چیز تو را دانا ساخت)، حاکی از محرومیت عموم مردم از ابزار شناخت قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۸ - ۱

۱ - انسان ، فاقد ابزار شناخت برای تصور قیامت و پی بردن به حقیقت آن

ثمّ ما أدریک ما یوم الدین

عجز از فهم قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۴ - ۸

۸ - انکار قیامت ، برخاسته از قلب سیاه و درک ناتوان است .

الذین یکذّبون بیوم الدین . .. کلاّ بل ران علی قلوبهم

عجز مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۳ - ۴

۴ ناباوران به قیامت از درک دلالت عذاب های دنیوی ، بر قیامت و عذاب های اخروی ناتوانند .

إن فی ذلک لأیه لمن خاف عذاب الأخره

روشن است که دلالت عذابهای دنیوی بر حقانیت قیامت، اختصاص به گروهی خاص ندارد. بنابراین لام در <لمن خاف ...> لام انتفاع است و بیانگر این نکته می باشد که: هر چند آیت بودن عذابها اختصاص به کسی ندارد؛ ولی ناباوران به قیامت از فهم آن محرومند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۲ - ۸

۸ - منکران قیامت ، ناتوان از ارائه دلیلی قطعی بر نفی معاد و معترف به امکان وقوع آن

قلتم ما ندری ما الساعه . .. و

ما نحن بمستيقنين

از آيه شريفه استفاده مى شود كه منكران معاد، با ادعاى <ما نـدرى> و <إن نظنّ. ..> درصـدد انكار معاداند; ليكن براين دعوى هيچ دليل اثباتى و قطعى ندارند; بلكه به گونه ضمنى امكان آن را معترف اند (و ما نحن بمستيقنين).

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۹ - ۱

۱ - درماندگى تكذيب گران روز جزا در قيامت ، از هر گونه چاره انديشى براى رهايى خويش از عذاب الهى

فإن كان لكم كيد فكيدون

عدالت در قيامت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۱ - ۹

۹ در قيامت به كسى ستم نمى شود . (نه از ثواب او كاسته و نه بر عقاب او افزوده مى گردد .)

توفّى كل نفس ما كسبت و هم لا يظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۴ - ۸

۸ گروهى از اهل كتاب ، قائل به وجود تبعيض در رستاخيز و كيفر هاى الهى بودند . *

لن تمسّنا النار الاّ اياماً

زيرا نسبت به خودشان عذاب اندكى را باور داشتند، ولى نسبت به ديگران چنين پندارى را نداشتند; يعنى تبعيض در رستاخيز و كيفرهاى آن.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۵ - ۱۳

۱۳ قيامت روزى كه به انسان ظلم نخواهد شد .

و هم لا يظلمون

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۱۱ – ۱۲

۱۲– هيچ انسانی در قيامت نسبت

به کیفر و پاداش اعمال خویش ، ظلم و بی عدالتی نخواهد دید .

یوم . .. توفّی کلّ نفس ما عملت و هم لایظلمون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۱۲ – ۵

۵ – پاداش اعمال در قیامت ، عادلانه و به دور از هرگونه نقص و کاستی است .

و من یعمل . .. فلایخاف ظلمًا و لاهضمًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۱۰۳ – ۵

۵ – بازتاب عادلانه عملکرد دنیوی انسان ها در آخرت

فمن ثقلت موزینه فأُولئک هم المفلحون . و من خفّت موزینه ... فی جهنّم خلدون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۱۹ – ۶،۹

۶– روا نشدن ظلم به انسان ها ، در جهان آخرت

و هم لایظلمون

۹– برخورداری هر فرد ، از نتایج اعمال خویش و برقراری عدالت کامل ، از اهداف معاد و برپایی قیامت

و لکلّ درجت ممّا عملوا و لیوفّیهم أعملهم و هم لایظلمون

لام در <لیوفّیهم>، بیانگر غایت و هدف است و این که با <واو> آمده است (و لیوفّیهم) نشان می دهد که اهداف چندی برای وجود معاد در کار است که به ذکر یکی از آنها اکتفا شده است و آن نفی ظلم در نظام پاداش و کیفر و برخورداری انسان ها از نتایج اعمال است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۶۱ – ۱۲،۱۳،۱۴

۱۲ در قیامت به حق هیچ کس ظلمی نخواهد شد .

و هم لا یظلمون

۱۳ پاداش و جزاءِ کردار

آدمی در قیامت بر اساس عدل

ثمّ توفّی کلّ نفس ما کسبت و هم لا یظلمون

۱۴ ضرورت برپایی قیامت و معاد برای دریافت تمامی جزا ها و پاداش های اعمال *

و من یغلل یأت بما غلّ یوم القیمه ثمّ توفّی کلّ نفس ما کسبت و هم لا یظلمون

جمله <و هم لا ـ یظلمون> (عدالت الهی)، پس از جمله <توفّی کلّ نفس ما کسبت>، بیانگر این است که ستم نشدن بر انسانها در گرو دریافت کامل جزا و پاداش اعمال آنان می باشد ; و این معنا تنها در قیامت تحقق می یابد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۵ - ۴

۴ محاسبه دقیق اعمال انسان و جزای عادلانه آن در قیامت

و انّما توفّون اجورکم یوم القیمه

<توفّون> (اعطای پاداش کامل و تمام در مقابل عمل)، حکایت از محاسبه دقیق اعمال دارد و نیز حاکی از عدالت در پرداخت پاداش است.

عدم تفکر در نشانه های قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱ - ۷

۷- انسان ها ، از درنگ و تفکر در نشانه های قیامت و دلایل اثبات آن ، روی گردان هستند .

اقترب للناس حسابهم و هم فی غفله معرضون

متعلق <غفلت> و <إعراض> دو چیز است; زیرا غفلت، نشانگر بی توجهی به مسأله و اعراض، علامت توجه به آن است و معقول نیست که یک چیز هم مورد توجه باشد و هم عدم توجه. بنابراین مقصود از اعراض، روی گردانی از دلایل روشن بر اثبات معاد و عدم تأمل و تفکر درباره قیامت است.

عذاب اخروی مکذبان

قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۳ - ۲

۲ - تکذیب گران قیامت ، مبتلا به شکنجه روحی و جسمی در آخرت

هذه جهنّم الّتی یکذّب بها المجرمون

با این که مجرمان سرانجام به دوزخ افکنده می شوند; ولی با یادآوری تکذیب هایشان مورد شکنجه روحی نیز قرار می گیرند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۹ - ۲

۲ - تحقیر و عذاب روحی تکذیب گران روز جزا ، در قیامت از سوی خداوند

فإن کان لکم کید فکیدون

امر در <فکیدون>، تعجیزی و مفید سرزنش و تحقیر است.

عذاب جسمی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۷ - ۵

۵ - باطن و روح انسان نیز در قیامت ، از آتش جهنم در عذاب خواهد بود .

الّتی تطّلع علی الأفئده

ممکن است در دنیا بدن کسی بسوزد; ولی روح او رنج نبیند و از شکنجه در راه عقیده شادمان باشد; اما این آیه، آتش جهنم را برای جان انسان که قلب کنایه از آن است نیز سوزاننده معرفی کرده است.

عذاب روحی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۷ - ۵

۵ - باطن و روح انسان نیز در قیامت ، از آتش جهنم در عذاب خواهد بود .

الّتی تطّلع علی الأفئده

ممکن است در دنیا بدن کسی بسوزد; ولی روح او رنج نبیند و از شکنجه در راه عقیده شادمان باشد; اما این آیه، آتش جهنم را برای جان انسان که

قلب کنایه از آن است نیز سوزاننده معرفی کرده است.

عذاب روحی مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۴ - ۳

۳ تکذیب کنندگان قیامت ، علاوه بر گرفتاری به کیفر جسمانی (سوختن) ، به کیفر روانی (تحقیر و استهزا) نیز مبتلا خواهند شد .

و إذا أُلقوا منها مکانًا ضیّقًا . .. لاتدعوا الیوم ثبورًا وحدًا و ادعوا ثبورًا ك

جمله <لاتدعوا. ..> - به جای جواب مناسب با <دعوا هنالك ثبوراً> می تواند برای تحقیر و استهزای آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۹ - ۲

۲ - تحقیر و عذاب روحی تکذیب گران روز جزا ، در قیامت از سوی خداوند

فإن کان لکم کید فکیدون

امر در <فکیدون>، تعجیزی و مفید سرزنش و تحقیر است.

عذاب فراموشکاران قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۴ - ۱۰

۱۰ - عذاب فراموش کاران قیامت ، عذابی بس سخت و شدید است .

فذوقوا بما نسیتم لقاء یومکم هذا . .. و ذوقوا عذاب الخلد

تکرار <ذوقوا> و مبهم گذاشتن آن و چیزی که شخص گناهکار، امر به چشیدن آن شده است در <ذوقوا> ی نخست حکایت از سختی و شدت آن می کند.

عذاب قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۹ - ۱۷

۱۷ عذاب روز قيامت ، عذابى بس بزرگ و هولناك

يقوم اعبدوا اللّه ما لكم من إله غيره إنى أخاف عليكم عذاب يوم

عظیم

توصیف روز قیامت به عظمت و بزرگی می تواند به اعتبار بزرگی عذاب آن باشد. یعنی در حقیقت <عظیم> توصیف عذاب است.

عذاب مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۲ - ۴

۴ کیفر و عذاب تکذیب کنندگان قیامت ، بسیار شدید و هولناك خواهد بود .

سمعوا لها تغیّظًا و زفیرًا

صدای خشمگینانه و پرخروش آتش جهنم، با دیدن منکران معاد از راه دور، حاکی از شدت و هولناکی عذاب و کیفر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۳ - ۴

۴ آتش دوزخ برای منکران قیامت ، بسیار زجرآور و طاقت فرسا خواهد بود .

دعوا هنالك ثبورًا

درخواست هلاکت و مرگ در آتش دوزخ، حاکی از شدت دردناکی و طاقت سوزی آن آتش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۴ - ۳،۵

۳ تکذیب کنندگان قیامت ، علاوه بر گرفتاری به کیفر جسمانی (سوختن) ، به کیفر روانی (تحقیر و استهزا) نیز مبتلا خواهند شد .

و إذا أُلقوا منها مکانًا ضیّقًا . .. لاتدعوا الیوم ثبورًا وحدًا و ادعوا ثبورًا ك

جمله <لاتدعوا. ..> - به جای جواب مناسب با <دعوا هنالك ثبوراً> می تواند برای تحقیر و استهزای آنان باشد.

۵ جهنم ، دارای انواع عذاب هلاکت بار برای تکذیب کنندگان قیامت

لاتدعوا الیوم ثبورًا وحدًا و ادعوا ثبورًا کثیرًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۱۴ – ۶

۶ – مجرمان و منکران قیامت ، به

عذاب ابدی و پایان ناپذیر گرفتار خواهند شد .

و لو تری إذ المجرمون . .. و ذوقوا عذاب الخلد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – مطففین – ۸۳ – ۱۰ – ۱

۱ – تکذیب کنندگان قیامت در آن روز ، گرفتار جهنم و عذاب الهی خواهند بود .

ویل یومئذ للمکذّبین

<ویل> به معنای عذاب و هلاکت است (لسان العرب). برخی آن را نام یکی از درب ها، یا درّه ای از جهنم می دانند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – مطففین – ۸۳ – ۱۶ – ۱

۱ – تکذیب کنندگان قرآن و قیامت و گناه کارانِ متجاوز ، به حرارت شدید جهنّم گرفتار شده و در آن خواهند سوخت .

ثمّ إنّهم لصالوا الجحیم

<صالوا> که قبل از اضافه به <جهیم>، <صالون> (جمع <صال) بوده است ; یعنی، کسانی که با رنج و مشقت حرارت آتش را می چشند و در آن می سوزند. در لسان العرب آمده است: صَلِی بالنار و صَلِیَها صَلْیاً قاسی حرّها (حرارت آتش را با رنج و مشقت چشید) و صَلِیَ فلانٌ بالنار یَصْلی صُلِیّاً احترق (سوخت).

عذابهای قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۸۵ – ۲۲

۲۲ – یهودیانی که همکیشان خود را کشتند یا آنان را آواره ساختند ، به شدیدترین عذاب های قیامت ، کیفر خواهند شد .

تقتلون أنفسکم . .. و یوم القیمه یردون إلی أشد العذاب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۱۴ – ۱۱،۱۲

۱۱ - سرافکندگی و شرمندگی ، از جمله عذاب

های روز قیامت است .

و لو تری إذ المجرمون ناکسوا رءوسهم . .. فذوقوا بما نسیتم لقاء یومکم هذا

<هذا> می تواند مفعول فعل <ذوقوا> باشد و مشارالیه آن مضمون <ناکسوا رءوسهم. ..> باشد.

۱۲ - منسیِّ خدا شدن ، یکی از عذاب های روز قیامت است .

فذوقوا بما نسیتم لقاء یومکم هذا إنّا نسینکم

<إنّا نسیناکم> به منزله مقابله با <نسیتم> است; یعنی، چون شما روز قیامت را فراموش کردید، ما هم شما را فراموش کردیم. از آن جایی که آیه، در صدد بیان مجازات فراموش کاران قیامت است عبارت <إنّا نسیناکم> هم می تواند مجازات تلقی شود.

عذر بر فراموشی قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۲ - ۷

۷ انسان ها با نزول قرآن و دریافت آن هیچ عذر و توجیهی برای گرایش به کفر ، به فراموشی سپردن قیامت ، فریب خوردن به حیات دنیا و انکار آیات الهی ندارند .

الذین اتخذوا دینهم لهواً و لعباً . .. و لقد جئنهم بکتب

آیه مورد بحث در پی بیان گرفتاری کافران به آتش دوزخ و بیان عامل دوزخی شدن آنان، اشاره به اتمام حجت الهی برای همگان دارد. یعنی با نزول قرآن و معارف آن بهانه ای برای روی آوری به عقاید و اعمالی که در آیه قبل علل گرفتاری به دوزخ معرفی شده، وجود ندارد.

عذرخواهی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۷ - ۶،۷

۶ - در روز قیامت ، حتی برای کافران ، امکان عذرخواهی هست .

فیومئذ لاینفع الذین ظلموا معذرتهم

این که فرموده است: <عذرخواهی،

سودی ندارد> حکایت می کند که عذرخواهی، ممکن است، اگرچه پذیرفته نمی شود.

۷ - ناباوری به قیامت ، در دنیا ، عاملِ بی حاصل شدنِ معذرت خواهی در روز قیامت است .

و لکنّکم کنتم لاتعلمون . فیومئذ لاینفع الذین ظلموا معذرتهم

<فاء> در <فیومئذ> عاطفه است و می تواند برای سببیت باشد. بنابراین، مفاد آیه چنین می شود: <کسانی که به روز قیامت علم نداشتند، در آن روز معذرت خواهی شان سودی ندارد>. علم نداشتن، ملازم با ناباوری و بی ایمانی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۵ - ۶

۶ - کافران حق ستیز ، فاقد هر گونه مجال و فرصت برای عذرخواهی و رضایت طلبی از خداوند ، در روز قیامت

و لا هم یستعتبون

<إستعتاب> (مصدر <یستعتبون>) به معنای درخواست عذرخواهی است. و در این آیه می تواند کنایه از این باشد که به کافران، مجالی برای عذرخواهی و طلب رضایت خداوند، داده نمی شود.

عرش در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۷ - ۵

۵ - مسند قضای الهی در قیامت ، بر فراز خلایق و در منظر همگان

و یحمل عرش ربّک فوقهم

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که مرجع ضمیر <فوقهم>، خلایق در محشر باشد.

عرضه جهنم در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۳ - ۱،۴،۱۳

۱ - روز قیامت ، زمان عرضه جهنم بر حاضران

و جاْیء یومئذ بجهنّم

مراد از <آوردن جهنم به صحنه قیامت>، ممکن است انتقال آن به محشر و یا اظهار آن

برای اهل محشر باشد. گفتنی است که در سوره های دیگر از نوع دوم سخن به میان آمده است.

۴ - جهنم ، مقهور کارگزاران صحنه قیامت و عرضه آن بر اهل محشر بر عهده آنان است .

و جأیء

مجهول آوردن فعل <جیء>، بر وجود مأمور برای آوردن جهنم دلالت دارد.

۱۳ - < [عن رسول اللّه فی قوله تعالی < و جیء یومئذ بجهنم > انّه] قال : یجیء بها سبعون ألف ملك یقودونها بسبعین ألف زمام ;

[از رسول خدا(ص) درباره قول خدای تعالی <و جیء یومئذ بجهنم> روایت شده که]فرمود: هفتاد هزار فرشته، جهنم را با هفتاد هزار بند می کشند و می آورند>.

عصیان مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۸ - ۱

۱ - سرپیچی تکذیب گران روز جزا ، از فرمان رکوع و فروتنی در مقابل خداوند

و إذا قیل لهم ارکعوا لایرکعون

عصیانگر در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۲ - ۱،۴

۱ نیستی و نابودی ، آرزوی کافران و عصیانگران بر پیامبر (ص) ، در قیامت

یومئذ یودّ الذین کفروا و عصوا الرسول لو تسوّی بهم الارض

<لو> در <لو تسوّی> به معنای لیت (ای کاش) است، و جمله <لو تسوّی . .. > کنایه از هیچ و پوچ شدن است.

۴ - عصیان از فرمان های پیامبر (ص) ، موجب سرافکندگی و شرمساری مرگبار در قیامت

و عصوا الرسول لو تسوّی بهم الارض

عصیانگران در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲

۱۰ - در قیامت برای متخلفان از دستورات الهی (بر پایی نماز و پرداخت زکات) و ارتکاب کنندگان محرمات (دین فروشی ، حق پوشی و . . .) راه نجاتی نیست .

لا تشتروا بأیتی . .. و أقیموا الصلوه ... واتقوا یوماً لاتجزی نفس عن نفس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۹ - ۲

۲- از بین هر گروه و مسلک در قیامت ، تجاوزکارترین و مستکبرترین افراد بیرون کشیده خواهند شد .

ثمّ لننزعنّ . .. علی الرحمن عتیًّا

<عتیّاً> مصدر و به معنای استکبار و تجاوز از حد است (لسان العرب). <عُتوّ> نیز به معنای دور شدن از طاعت می باشد (مفردات راغب).

عظمت برپایی قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۲ - ۲

۲ - برپا ساختن رستاخیز و زنده کردن مردگان ، کاری بزرگ و باعظمت است ; اما در برابر عظمت قدرت خداوند ناچیز می باشد .

إنّا نحن نحی الموتی

برداشت یاد شده، از آمدن دو ضمیرِ جمعِ (إنّا و نحن) استفاده شده است.

عظمت حوادث قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۱ - ۳

۳ - قیامت ، روزی بزرگ و هنگامه حوادث و رخداد های شگفت است .

حدیث الغشیه

<غاشیه> به معنای داهیه (کار بزرگ) است (نهایه ابن اثیر) و همان گونه که در موارد بد و ناخوشایند به کار می رود، در موارد خوب نیز استعمال می شود و قیامت به همین مناسبت <غاشیه> نامیده شده است. استفهام از شنیدن

خبر قیامت، نشانگر این است که در آن روز، حادثه هایی قابل توجّه و سزاوار بازگو کردن و شنیدن به وقوع خواهد پیوست.

عظمت زلزله قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۱ – ۷

۷– وقوع زلزله بسیار بزرگ و هولناک در جهان طبیعت (زمین و . . .) ، در آستانه برپایی قیامت

إنّ زلزله الساعه شیء عظیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۴ – ۳

۳ – زلزله زمین در آستانه قیامت ، بسیار عظیم و غیرقابل توصیف

إذا رجّت الأرض رجًّا

ذکر <رجّاً> به صورت نکره، بیانگر آن است که حرکت و لرزشی که بر زمین وارد می شود، چنان عظیم است که نمی توان هیچ وصفی را برای آن بیان کرد.

عظمت صیحه آسمانی در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۵۳ – ۲

۲ – همه انسان ها در قیامت ، تنها با یک صیحه عظیم زنده و به پیشگاه پروردگارشان حاضر خواهند شد .

إن کانت إلّا صیحه وحده فإذا هم جمیع لدینا محضرون

عظمت قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۲۳ – ۱

۱ – قیامت ، روزی با عظمت که همگان با آن مواجه خواهند شد .

و اتقوا یوماً

مراد از <یوماً> روز قیامت است. نکره آوردن آن، حکایت از عظمت آن دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۵ – ۱۱

۱۱ قیامت روزی بزرگ و با عظمت است.

عذاب

یوم عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۹ - ۱۶

۱۶ قیامت ، روزی عظیم در دیدگاه پیامبران (ع)

إنی أخاف علیکم عذاب یوم عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳ - ۱۶

۱۶ روز قیامت ، روزی بزرگ و عذاب آن ، عذابی سهمگین است .

فإنی أخاف علیکم عذاب یوم کبیر

کلمه <کبیر> در ظاهر صفت برای <یوم> است و در حقیقت بیانگر بزرگی عذاب آن روز می باشد که از آن در برداشت ، به سهمگینی عذاب تعبیر گردید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۷ - ۸

۸- روز قیامت ، روزی عظیم و جایگاه حضور و گواهی است .

من مشهد یوم عظیم

<مشهد> چنانچه اسم مکان باشد، به معنای محل حضور و شهادت است. و می تواند مصدر میمی و به معنای شهود و حضور در روز قیامت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۸ - ۶

۶ - عظمت رخداد قیامت و چشم دوختن به رحمت خداوند در آن روز ، صدا ها را در سینه ها حبس و طنین آن را خواهد گرفت .

یومئذ . .. و خشعت الأصوات للرحمن

پایین آوردن صدا در قیامت، برخاسته از خشوع قلب است که نتیجه مشاهدات انسان از صحنه های آن روز می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۵ - ۴

۴ - قیامت ، روزی بزرگ و بسیار دشوار

عذاب یوم عظیم

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۳۰ – ۳

۳ – روز قیامت ، روزی بس با عظمت و مهم

لکم میعاد یوم

تنوین <یوم> بر تعظیم دلالت دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۱۳ – ۸

۸ – قیامت ، روزی بزرگ و هولناک

عذاب یوم عظیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۲۱ – ۲۲

۲۲– روز قیامت و کیفر دهی کافران ، روزی بس بزرگ و توصیف ناپذیر *

إنّی أخاف علیکم عذاب یوم عظیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۱ – ۳

۳ – قیامت ، رخدادی بس عظیم و بی مانند

إذا وقعت الواقعه

نام گذاری قیامت به <الواقعه> با توجه به این که این کار نوعی اختصاص دادن لفظ به یک مسمّی است بیانگر این حقیقت است که هر واقعه دیگری در برابر آن، چیزی به حساب نمی آید و تنها قیامت است که باید آن را واقعه نامید. این بیان، حکایت از عظمتی دارد که واقعه های دیگر در مقابل آن، ناچیز است و در واقع، قیامت حادثه ای است که مانند ندارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲ - ۱

۱ - قیامت ، حادثه ای بس با عظمت و هولناک

ما الحاقّه

استفهام در <ما الحاقّه> به گفته مفسران برای تهویل و تعظیم است; یعنی، چیست آن حادثه بزرگ و هولناک؟!

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹

- ۳ - ۱،۲،۳

۱ - قیامت ، واقعه ای بس سهمگین و عظیم

و ما أدریک ما الحاقّه

از تعبیر <و ما أدراک ما الحاقه> (چه چیز آگاه کرد تو را . ..) استفاده می شود: قیامت، حقیقتی بس بزرگ و عمیق است که کسی از آن به درستی و شایستگی آگاهی ندارد و تنها در پرتو وحی الهی قابل شناخت است.

۲ - شناخت ژرفای حقیقت و عظمت قیامت ، بس دشوار و دست نایافتنی برای بشر

و ما أدریک ما الحاقّه

۳ - حقیقت قیامت و ژرفای عظمت آن ، تنها از راه وحی قابل شناخت و دستیابی است .

و ما أدریک ما الحاقّه

آیات ۱۳ تا ۱۷ این سوره، در جهت بیان بخشی از حقایق مربوط به قیامت است. از مجموع آنها می توان استفاده کرد که حقایق عمیق قیامت، از طریق خود وحی برای انسان ها قابل شناخت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۵ - ۲

۲ - قیامت ، رخدادی بس عظیم و بی مانند

فیومئذ وقعت الواقعه

نام گذاری قیامت به <واقعه>، بیانگر این حقیقت است که هر واقعه دیگری در جهان، در مقایسه با رخداد قیامت، بسیار ناچیز است و تنها قیامت، شایسته آن است که حقیقتاً آن را <واقعه> نامید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۱ - ۲

۲ - قیامت ، روزی است بس بزرگ و با عظمت .

لاأُقسم بیوم القیمه

مطلب یاد شده، با توجه به این نکته است که سوگند به هر چیزی، نشانه عظمت آن چیز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۱۲ – ۲

۲ – قیامت ، روزی بس سهمگین و عظیم

لأیّ یوم أُجّلت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۱۴ – ۲

۲ – قیامت ، واقعه ای است بس سهمگین ، با عظمت و شگفت آور .

و ما أدریک ما یوم الفصل

<ما> در <ما أدراك ما. ..> برای استفهام و مفید تعجیب و تهویل است; ضمن آن که تکرار <یوم الفصل> به صورت اسم ظاهر به جای ضمیر تأیید کننده همین مطلب است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نبأ – ۷۸ – ۳۹ – ۱

۱ – روز قیامت ، روزی عظیم و برپایی آن کاری حکیمانه است .

ذلک الیوم الحقّ

<ذلک> اشاره به دور است. به قرینه <عذاباً قریباً> در آیه بعد مراد از دوری قیامت، تأخیر زمانی آن نیست; بلکه بیانگر عظمت والا و فراتر از حد تصور آن است. <حقّ> به چیزی گفته می شود که براساس حکمت پدید آمده باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نازعات – ۷۹ – ۹ – ۲

۲ – قیامت ، حادثه ای سنگین و با عظمت و صحنه سایه افکندن نگرانی و ترس بر منکران معاد

أبصرها خشعه

فروتنی و ذلّت منکران معاد در صحنه قیامت، حاکی از عظمت و هول آور بودن آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۴ - ۱،۴

۱ - رخداد قیامت ، برترین حادثه ناگواری که حوادث دیگر را تحت الشعاع خود قرار خواهد داد .

الطامّه الکبری

<طامّه>; یعنی،

رخدادِ مصیبت باری که بر هر رخداد دیگر غالب آید (لسان العرب).

۴ - پیدایش آسمان ، زمین ، شب ، روز ، آب ، گیاه و کوه ، حوادثی نابرابر با حادثه بزرگ قیامت

الطامّه الکبری

<کبری> اسم تفضیل است و قیامت را در برابر آنچه در آیات پیشین ذکر شد برترین و بزرگ ترین حادثه معرفی می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۶ - ۲

۲ - فاصله قیامت و دنیا هرچند طولانی باشد در برابر عظمت حوادث قیامت ناچیز و بسان گذشت نیمروز از عمر دنیا است .

کأنّهم . .. لم یلبثوا إلّا عشیّه أو ضحیها

مفاد <یرونها> ممکن است در ناچیز دیدن دوران گذشته، دخیل باشد; یعنی، دیدن قیامت و رخدادهای آن، این ذهنیت را در انسان ایجاد می کند که فاصله طولانی دنیا و برزخ، در نظر او اندک آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۳ - ۵

۵ - قیامت ، رخدادی بزرگ و صحنه فریاد های گوش خراش مردم

فإذا جاءت الصاخّه

<صاخّه>; یعنی، فریاد شدیدی که گوش ها را کر کند و به حادثه بزرگ نیز اطلاق می گردد (قاموس). در کشاف آمده است که توصیف قیامت به این وصف، به اعتبار فریاد کشیدن حاضرانِ در قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۳ - ۲

۲ - قیامت ، رخدادی بزرگ و همراه با به هم پاشیدن تمام زمین ، حتی سخت ترین نقطه های آن

و إذا الجبال سیّرت

خبر رانش کوه ها، در

حقیقت خبر از متلاشی شدن زمین و بیانگر عظمت رخداد قیامت است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکویر – ۸۱ – ۴ – ۱

۱ – قیامت ، حادثه ای بزرگ که هنگام برپایی آن ، شترداران با دل کندن از مرغوب ترین شتران خود ، آنها را به حال خود ر ها خواهند کرد .

و إذا العشار عطّلت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – انفطار – ۸۲ – ۱۷ – ۲

۲ – قیامت ، روزی سهمگین و دارای عظمتی فراتر از تصور است .

و ما أدریک ما یوم الدین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – انفطار – ۸۲ – ۱۸ – ۲

۲ – قیامت روزی بس با عظمت است و بیان سختی حوادث آن ، امکان پذیر نیست .

ثمّ ما أدریک ما یوم الدین

تکرار <ما أدراک> تأکید بر عظمت و نبودن ابزار، برای آگاه سازی دیگران به حقیقت حوادث آن است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – انفطار – ۸۲ – ۱۹ – ۱۰

۱۰ – سیطره حاکمیت خداوند بر تمام امور قیامت ، حقیقتی وصف ناپذیر و تصوّر آن بیرون از طاقت علمی بشر است .

و ما أدریک . .. ثمّ ما أدریک ما یوم الدین ... و الأمر یومئذ للّه

بیان حاکمیت مطلقه خداوند پس از اشاره به فوق تصور بودن قیامت نشانه آن است که بشر، از درک حقیقت حاکمیت اخروی خدا ناتوان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۵ - ۱

۱ - قیامت ، روزی

با عظمت و سزاوار نگران بودن از دشواری های آن

لیوم عظیم

عظمت روز قیامت، به سهمگین بودن حوادث و مراحل آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۶ - ۹

۹ - ایستادن در پیشگاه خداوند برای حسابرسی اعمال ، از صحنه های خوفناک و حوادث بزرگ روز قیامت است .

لیوم عظیم . یوم یقوم الناس لربّ العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۲ - ۴

۴ - روز قیامت ، روزی بزرگ و شگفت

و الیوم الموعود

متعلّق قسم های خداوند، از عظمتی خاص برخوردار است که آن را شایسته قسم او ساخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۱ - ۱

۱ - خداوند ، هشداردهنده به انسان ها و تشویق کننده آنان به شنیدن حوادث قیامت

هل أتیک حدیث الغشیه

استفهام در <هل أتاک>، برای ترغیب به شنیدن پاسخ است و خطاب در آن، گرچه ممکن است به طور مستقیم متوجه پیامبر(ص) باشد; ولی به دلیل سیاق آیات، مراد عموم انسان ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۳ - ۱

۱ – قیامت ، واقعه ای سهمگین و شگفت و دارای عظمتی فراتر از حد تصور و بیان

و ما أدریک ما القارعه

عظمت ناظران قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بروج – ۸۵ – ۳ – ۲

۲ – ناظران صحنه قیامت و حوادث آن روز ، دارای عظمتی در خور سوگند خداوند

و شاهد و مشهود

عقیده باطل در قیامت

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۳ - ۴

۴ قیامت، روز رسوایی مشرکان و آشکار شدن بطلان عقاید شرک آلود آنان

ثم لم تکن فتنتهم . .. و اللّه ربنا ما کنا مشرکین

عقیده به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۶ - ۱۳

۱۳ - یهودیان معتقد به برپایی قیامت ، بر قراری صحنه های محاکمه در آن روز و احتجاج انسان ها علیه یکدیگر در پیشگاه خدا

أتحدثونهم . .. لیحاجوکم به عند ربکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۱ - ۱۴

۱۴ زندگی منهای دین و اعتقاد به قیامت زیانبار و تباهگر سرمایه عمر آدمی است.

قد خسر الذین کذبوا بلقاء اللّه . .. یحسرتنا علی ما فرطنا فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۰ - ۷

۷ اعتقاد به قیامت اصلی مسلم در همه ادیان الهی است.

رسل منکم . .. ینذرونکم لقاء یومکم هذا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۲ - ۶

۶ دست شستن از گرایش های شرک آلود و روی کردن به تعالیم پیامبران (همچون یگانه پرستی) و عقیده به قیامت ، در دیدگاه اهل شرک ، گمراهی و انحراف است .

إن كاد ليضلّنا عن ءالهتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۲ - ۱۰

۱۰ - عقیده به برپایی قیامت و حساب رسی از بندگان ، از موضوعات

دعوت رسولان الهی

من بعثنا من مرقدنا هذا ما وعد الرحمن و صدق المرسلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۷ - ۱۱

۱۱ - اعتقاد به روز حساب ، از اصول دعوت موسی (ع)

لايؤمن بيوم الحساب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۷ - ۶

۶ - قیامت و رستاخیز ، از اصول اعتقادی مشترک میان انسان و جن

و أنّهم ظنّوا كما ظننتم أن لن يبعث اللّه أحدًا

عقیده مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۴ - ۵

۵ - یادآوری مواضع انکارآمیز تکذیب کنندگان قیامت از سوی مأموران الهی ، به هنگام مواجهه آنان با آتش دوزخ

هذه النار الّتی کنتم بها تکذّبون

عقیده یهود به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۰ - ۵

۵ - یهودیان ، معتقد به قیامت و گرفتار شدن گنهکاران به آتش دوزخ

و قالوا لن تمسنا النار إلا أياماً معدوده

علم به عمل در قيامت

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۲۳ – ۱۵

۱۵ – آگاهى يافتن بر اَعمال دنيوى و ديدن نتايج آن ، از اهداف معاد است .

إلينا مرجعهم فننبّئهم بما عملوا

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۲۸ – ۹

۹ – دليل اين كه خداوند ، در قيامت ، مردم را از اَعمال دنيويشان خبر مى هد ، آگاهى او است .

فننبّئهم بما عملوا . .. إنّ

اللّه سميع بصير

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۸ - ۸

۸ - آگاهی یافتن انسان در دادگاه الهی در قیامت ، به تمامی اعمال گذشته خویش

فينبّئكم بما كنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۷ - ۴

۴ - انسان ها ، از تمامی کرده های خویش در قیامت آگاه می شوند .

ثمّ لتنبّؤنّ بما عملتم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۱۳ - ۱،۲،۳،۶

۱ - آگاه شدن انسان ها در قیامت ، از تمامی کرده های خویش در دنیا ، از نخستین تا آخرین آنها

ينبّؤا الإنسن يومئذ بما قدّم و أخّر

مفسران در تبیین <بما قدّم و أخّر> سه احتمال بیان کرده اند: ۱ مقصود از<بما قدّم> اعمالی است که در آغاز زندگی انجام داده نشده و مراد از <أخّر>انجام دادن عمل در پایان عمر است. ۲ مراد از <بما قدّم> اعمالی است که در دنیا پایان می پذیرد (مانند نماز) و مقصود از <أخّر> اعمالی است که ثواب آنها پایان ندارد (مانند صدقه جاریه و سنت حسنه). ۳ مقصود از <بما قدّم> اقدام به عمل و مراد از <أخّر> به تأخیر انداختن و انجام ندادن آن است. برداشت یاد شده، مبتنی بر احتمال نخست است.

۲ - اطلاع یافتن انسان در قیامت ، از تمامی اعمال خود در طول عمرش و اثر آنها پس از مرگ خویش (مانند صدقه جاریه و سنت حسنه یا سیئه)

ينبّؤا الإنسن يومئذ بما قدّم و أخّر

۳ - آگاه شدن انسان ها در قیامت

، از تمامی تکالیفی که انجام داده و یا وظایفی که ترک کرده اند .

یتبّؤا الإنسن یومئذ بما قدّم و أخّر

۶ - < عن أبی جعفر (ع) فی قوله : < یتبّؤا الإنسان یومئـذ بما قدّم و أخّر > بما قدّم من خیر و شـرّ و ما أخّر ممّا سَنَّ من سُـنّه لِیَسْـتَنَّ بهـا مَن بعـده فـإن کـان شـرّاً کـان علیه مثـل وِزْرِهم و لا یَنْقُصُ من وزرهم شـیءٌ و ان کـان خیراً کان له مثل اُجورهـم و لاینقص من اُجورهم شیء ;

از امام باقر(ع) درباره سـخن خداونـد: <یتبّؤا الإنسان یومئـذ بما قـدّم و أخّر> روایت شده که فرمود: [انسان آگاه می شود] به آنچه از خوبی و بدی از پیش فرسـتاده و آنچه در پس خود نهاده و برخاسته از سنت هایی بوده که بنیان گذاری کرده است تا افراد بعد از او به آن عمل کنند. اگر آن سـنت ها بد بوده به اندازه گناه عمل کنندگان برای سنت گذار گناه هست، بدون این که از گنـاه عمـل کننـدگان کاسـته شود و اگر خیر بوده، برای او مثل پاداش عمل کننـدگان هست; در عین حال که از پاداش آنان هیچ کاسته نخواهد شد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۰ - ۲

۲ - قیامت ، روز باز شدن نامه عمل انسان و آگاهی او بر محتوای آن

و إذا الصحف نشرت

<نشـر>، مخالف پیچیدن است (لسان العرب). براساس این معنا، فعل <نشـرت>، دلالت دارد که نامه اعمال پیش از نشـر، به شکل طومار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر -

۱ - ۱۴ - ۸۱

۱ - قیامت ، روز آگاهی انسان ها به کردار دنیایی خویش و آثار و نتایج آن

علمت نفس ما أحضرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۵ - ۱،۲

۱ - قیامت روز آگاهی هر انسان ، به کردار دنیایی و آثار به جای مانده از خویش

علمت نفس ما قدّمت و أخّرت

<ماقدّمت> در یک احتمال ناظر به کرداری است که انسان خود، آن را انجام داده است. در مقابل مراد از <ماأخّرت> سنت های روا و ناروایی است که انسان پس از خود، به جای گذاشته و آثار و تبعات آن برای او ثبت شده است و در روز قیامت با آن مواجه خواهد شد.

۲ - برپایی قیامت و پی بردن به کردار ها و بازتاب اخروی آن ، در گرو پیدایش حوادثی تحوّل آفرین در نظام جهان

إذا السماء . .. و إذا ... و إذا ... و إذا ... علمت نفس ما قدّمت و أخّرت

جمله <علمت نفس . ..> جزای شرط هایی است که در آیات پیشین تکرار شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۷ - ۶

۶ - انسان ها هنگام حضور در پیشگاه خداوند نامه های اعمال خود را در اختیار داشته و به کردار خویش آگاهی یافته اند .

فملقیه . فأمّا من أُوتی کتبه بیمینه

<فاء> در <فأمّا> بیانگر ارتباط مفاد این آیه با ملاقات خداوند است که در آیه قبل مطرح شده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۱ -

۱ – مشاهده نامه اعمال در قیامت ، مایه آگاهی به کردار ها و پیش بینی کیفر ها است .

و أمّا من أُوتی . .. فسوف یدعوا ثبورًا

علم به قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۷۷ – ۷

۷– عدم امکان راهیابی انسان ، به حقیقت و کیفیت و لحظه وقوع قیامت مگر از طریق وحی

و لله غیب السموت و الأرض و ما أمر الساعه

بیان <أمر الساعه. ..> پس از <لله غیب السماوات> ممکن است از باب ذکر خاص بعد از عام باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۵۱ – ۱۷

۱۷– مشرکان ، انتظار داشتند که پیامبر (ص) به زمان وقوع قیامت آگاه باشد .

و یقولون متی هو قل عسی أن یکون قریبًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۵۵ – ۴

۴ – زمان برپایی قیامت ، زمانی است مشخص در پیشگاه خداوند .

حتّی تأتیهم الساعه بغته

به کارگیری <ساعه> با الف و لام عهد بیانگر برداشت یاد شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۶۴ – ۸

۸ - مالکیت خداونـد بر جهان هستی ، نشان آگاهی او از زمان رجعت و بازگردانیده شدن انسان به سوی او (زمان رسـتاخیز) است .

ألا إنّ للّه ما فی السموت و الأرض قد یعلم ما أنتم علیه و یوم یرجعون إلیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۵ - ۵

۵ - زمان

برپایی قیامت ، از امور غیبی و علم آن تنها در اختیار خداوند

قل لایعلم . .. الغیب إلّاالله و ما یشعرون أیّان یبعثون

از ارتباط <أیّان یبعثون> با <الغیب> استفاده می شود که رستاخیز، خود مصداق و نمونه ای از امور غیبی است که دانش آن تنها در اختیار خدا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۴ - ۱،۹

۱ - آگاهی به زمان برپایی قیامت ، در انحصار خداوند است .

إنّ الله عنده علم الساعه

۹ - آگاهی خدا به لحظه قیامت ، و حقایق مربوط به جنین و آینده هر انسان ، نمودی از علم گسترده وی است .

إنّ الله عنده علم الساعه . .. إنّ الله علیم خبیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۹ - ۸

۸ - ابلیس ، آگاه به پیدایش نسل هایی از آدم و وجود رستاخیز برای آنان

قال ربّ فأنظرنی إلی یوم یبعثون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۷ - ۱،۳

۱ - آگاهی به زمان برپایی قیامت ، در انحصار خداوند است .

إلیه یردّ علم الساعه

تقدیم <إلیه> بر <یردّ> مفید حصر است.

۳ - آگاهی خداوند از زمان برپایی قیامت ، لازمه ربوبیت او است .

و ما ربّک بظلّم . .. إليه يردّ علم الساعه

با توجه به رجوع ضمير <إليه> به <ربّک> در آيه قبل، برداشت بالا استفاده مى شود.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۵ - ۵

۵ - آگاهى به زمان برپايى قيامت مختص خداوند است

.

له ملك السموت و الأرض . .. و عنده علم الساعه

از تقدم خبر بر مبتدا، حصر استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۶ - ۲

۲ - آگاهی از زمان دقیق برپایی قیامت ، تنها در انحصار خداوند است و هیچ کس از آن باخبر نیست .

و یقولون متی هذا الوعد . .. قل إنّما العلم عند اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۵ - ۳

۳ - محدودیت قلمرو علم پیامبر (ص) نسبت به عالم آخرت ، من های وحی الهی به ایشان

قل إن أدری أقریب ما توعدون أم یجعل له ربّی أمدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۶ - ۲

۲ - زمان نزول عذاب ، شکست کافران و برپایی قیامت ، از امور غیبی و تنها در اختیار خداوند است .

حتّی اذا اوا ما یوعدون. ..اقریب ما توعدون... علم الغیب

تعریف <الغیب> برای استغراق است; یعنی، تمامی امور و حقایق غیبی و <عالم الغیب> خبر برای مبتدای محذوف (هو) است. تعریف مسند و مسندالیه، مفید قصر می باشد; یعنی، تنها خداوند عالم به امور غیبی است. گفتنی است از مصادیق مورد نظر در امور غیبی به قرینه آیات پیشین مسأله برپایی قیامت، شکست کافران و نزول عذاب بر آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۷ - ۳

۳ - امکان آگاهی رسولان الهی از زمان برپایی قیامت و نزول عذاب بر کافران ، به

وسیله وحی و الهام خداوند

قل إن أدری أقریب ما توعدون . .. إلاّ من ارتضی من رسول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۴ - ۱

۱ - تنها خداوند ، خصوصیات قیامت و زمان وقوع آن را می داند .

إلی ربّک منتهیها

<منتهاها> به قرینه سیاق آیات پیشین به معنای منتهای علم به قیامت و شناخت خصوصیات و زمان آن است. تقدیم <إلی ربّک> بیانگر حصر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۵ - ۵

۵ - دانستن زمان وقوع قیامت ، خطر گرفتاری به کیفر های موجود در آن را کاهش نمی دهد .

یسئلونک . .. من یخشیها

جمله <إنّما أنت منذر . ..> در مقام بیان این نکته است که آنچه درباره قیامت دارای اهمیت است، توجه به گرفتاری های آن و نگرانی و ترس از خطرات آن است و زمان آن چه معلوم باشد و چه مجهول تأثیری در آن جهت ندارد.

علم به وقت قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۱ - ۴

۴- داشتن حیات و مطلع بودن از زمان وقوع قیامت ، از شرایط الوهیت

أموت غیر أحیاء و ما یشعرون أیّان یبعثون

از اینکه خداوند در مقام رد الوهیت معبودهای مشرکان، از آنها به عنوان مردگانی فاقد هرگونه حیات و شعور نام می برد، می توان استفاده کرد که خدا باید دارای حیات و علم باشد.

علم حضوری در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ –

۱۴ - ۱۷۲

۱۴ آدمی در قیامت به علم حضوری درمی یابد که خداوند پروردگار اوست .

إنا کنا هذا غفلین

اشاره به ربوبیت خدا با کلمه <هذا> گویای آن است که انسان در قیامت خود را در پیشگاه خداوند حاضر می یابد. یعنی علم حضوری و شهودی به او پیدا می کند.

علما در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۷ - ۱۰

۱۰- برخورداران از علم در روز قیامت ، ذلت کافران را در آن روز ، به آنان اعلام خواهند نمود .

قال الذین أُوتوا العلم إن الخزی الیوم و السوء علی الکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۶ - ۱۸

۱ - برخورداران از علم و ایمان ، در قیامت ، در مقابل اِعلام نظر کافران درباره درنگ کوتاه مدت شان در برزخ ، اظهار می دارند که درنگ شان ، از روز مرگ تا برپایی قیامت بوده است .

و یوم تقوم الساعه . .. ما لبثوا غیر ساعه ... و قال الذین أوتوا العلم ... لقد لبث

۸ - صاحبان علم و ایمان ، در قیامت ، به پاسخگویی سخنان نادرست و خلاف واقع اقدام می کنند .

یقسم المجرمون ما لبثوا غیر ساعه . .. قال الذین أوتوا العلم و الإیمن لقد لبثتم .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۸ - ۵

۵ - اظهارات مجرمان ، در قیامت درباره کم بودن مدّت حضورشان در برزخ و پاسخ صاحبان علم و ایمان به آنان ، بیانی تمثیلی از رخداد های

قیامت است .

یوم تقوم الساعه یقسم المجرمون . .. و قال الذین أوتوا العلم و الإیمن ... و لقد ض

ذکر این آیه، پس از بیان حادثه ای از حوادث قیامت که مربوط به مجرمان و برخورد صاحبان علم و ایمان با آنان بود می تواند اشاره به این حقیقت داشته باشد که چنین گفت و گوهایی، نمونه و بیان تمثیلی از آن حوادث است.

علمای متعهد در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۴ - ۱۷،۱۸

۱۷- خداوند در قیامت ، عالمان متعهد و بیان کنندگان حقایق و معارف کتاب های آسمانی را مورد لطف خویش قرار خواهد داد و با آنان سخن خواهد گفت .

إن الذین یکتمون . .. لایکلمهم اللّه

برداشت فوق از مفهوم جمله <إن الذین . .. لایکلمهم اللّه> استفاده شده است.

۱۸ - عالمان متعهد از تزکیه الهی برخوردار شده و در قیامت با خداوند هم سخن خواهند بود .

إن الذین یکتمون ما أنزل اللّه . .. لایکلمهم اللّه یوم القیمه و لایزکیهم

عمل انسان ها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۷ - ۱۰

۱۰ - خداوند ، ارائه کننده اعمال دنیوی انسان ها به ایشان در صحنه قیامت

کذلک یریهم اللّه أعملهم

عمل در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۸ - ۱۲

۱۲ – خداوند ، انسان ها را ، پس از حضور در پیشگاه خود ، از همه اعمال شان آگاه خواهد ساخت .

إليّ مرجعكم فأنبّئكم بما كنتم تعملون

جلد – نام سوره

– سوره – آیه – فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۱۲ – ۱۴

۱۴ – در قیامت ، مجال عمل صالح ، فراهم نیست .

ربّنا. .. فارجعنا نعمل صلحًا

عمومیت اندوه در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۳۰ – ۱۰

۱۰ – نگرانی و هراس انسان ها حتی یکتاپرستان در قیامت

تتنزّل علیهم الملئکه ألاّتخافوا و لاتحزنوا

برداشت یاد شده بر این اساس است که آیه شریفه مربوط به قیامت بوده و نگرانی موحدان از ناحیه سرنوشت و دشواری های مراحل بعد پدید آمده باشد.

عمومیت ترس در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۳۰ – ۱۰

۱۰ – نگرانی و هراس انسان ها حتی یکتاپرستان در قیامت

تتنزّل علیهم الملئکه ألاّتخافوا و لاتحزنوا

برداشت یاد شده بر این اساس است که آیه شریفه مربوط به قیامت بوده و نگرانی موحدان از ناحیه سرنوشت و دشواری های مراحل بعد پدید آمده باشد.

عمومیت حسابرسی در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۶ – ۱

۱ تمامی امتها و پیامبران مورد بازجویی خداوند در قیامت قرار می گیرند.

فلنسئلن الذین أرسل إلیهم و لنسئلن المرسلین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۹۲ – ۶

۶– همه انسان ها بدون استثنا ، در قیامت مورد بازپرسی خداوند قرار خواهند گرفت .

فوربّک لنسئلنّهم أجمعین

برداشت فوق، بنابراین احتمال است که مرجع ضـمیر <هم> به قرینه <إنی أنا النذیر المبین> همه انسانها باشد. به دلیل اینکه <نذیر> بودن پیامبر(ص) برای

همه انسانهاست.

عمومیت دود قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۱۱ – ۳

۳- تهدید مشرکان حق ستیز مکه ، از سوی خداوند به عذابی دنیوی و تیره کننده زندگی

فارتقب یوم تأتی السماء بدخان مبین

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که <دخان مبین>، کنایه از تیره روزی و عذاب دنیوی باشد، چه این که برخی از مفسران این آیه را پاسخی به دعای پیامبر(ص) دانسته اند که از خداوند خواست تا برای بیدار شدن مشرکان، آنان را به قحطی ای همچون دوران یوسف مبتلا کند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۱۱ – ۳

۳- دود های متراکم قیامت ، شکنجه آور ، دردآفرین و در بر گیرنده تمامی کفرپیشگان

یغشی الناس هذا عذاب ألیم

ممکن است این آیات در مورد عذاب اخروی باشد.

عمومیت نگرانی در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عبس – ۸۰ – ۳۷ – ۲

۲ – تمام انسان ها در قیامت ، نگران وضعیت خود و در تلاش برای رفع گرفتاری های خویش اند .

لکلّ امریء منهم یومئذ شأن یغنیه

عوامل آهسته گویی در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۰۸ – ۶

۶ – عظمت رخداد قیامت و چشم دوختن به رحمت خداوند در آن روز ، صدا ها را در سینه ها حبس و طنین آن را خواهد گرفت .

یومئذ . .. و خشعت الأصوات للرحمن

پایین آوردن صدا در قیامت، برخاسته از خشوع قلب است که نتیجه مشاهدات انسان از صحنه های

آن روز می باشد.

عوامل اطمینان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۷ - ۳

۳ - کرداری که ذخیره آخرت باشد ، در قیامت اطمینان آور و مایه آرامش خاطر انسان خواهد بود .

یلیتنی قدّمت لحیاتی . .. یأیّتها النّفس المطمئنّه

تقابل دو دسته ای که در این مجموعه آیات از آنان یاد شده است، بیانگر برداشت یاد شده است.

عوامل اندوه در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۷ - ۷،۹،۱۲

۷ - قیامت صحنه حسرت و اندوه مشرکان پیرو ، از شرکورزی و پیروی از سران شرک

کذلک یریهم اللّه أعملهم حسرت علیهم

۹ - اعمال ناشایست آدمی در دنیا ، مایه حسرت و اندوه او در قیامت خواهد شد .

کذلک یریهم اللّه أعملهم حسرت علیهم

۱۲ - شرکورزی ، محبت به سران شرک و پیروی از آنان ، عمل های حسرت آفرین و اندوهبار در سرای آخرت برای مشرکان پیرو

کذلک یریهم اللّه أعملهم حسرت علیهم

عوامل ایمان به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۵ - ۱۱،۱۳

۱۱ قرآن و پیام های آن بهترین وسیله برای ایمان به معارف الهی (توحید ، قیامت و . . . .) است .

فبأی حدیث بعده یؤمنون

در برداشت فوق ضمیر <بعده> به قرآن و <باء> در فبأیّ> سببیه گرفته شده است. قابل ذکر است که در این صورت متعلق <یؤمنون> معارف الهی خواهد بود. یعنی اگر به وسیله قرآن به توحید و مانند آن ایمان نیاورند، پس به سبب چه چیز

دیگری ایمان خواهند آورد؟

۱۳ دقت و تفکر در ملکوت آسمان ها و زمین و دیگر آفریده ها ، بهترین وسیله برای ایمان به خدای یگانه و روز قیامت

فبأی حدیث بعده یؤمنون

برداشت فوق بر این اساس است که ضـمیر <بعده> به اسـتدلالی که از <أو لم ینظروا> فهمیده می شود، برگردانده شود. بر این مبنـا <بـاء> در <بـأیّ> سـببیه است. یعنی اگر جهان آفرینش از آن جهت که نیازمنـد آفریننـده است نتوانـد آدمی را به خدای یگانه مؤمن کند، کدامین دلیل توان اثبات آن را دارد؟

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴ - ۶

۶ توجه و باور به قدرت مطلق خدا ، زداینده هرگونه شبهه درباره معاد و برپایی قیامت

إلی الله مرجعکم و هو علی کل شیء قدیر

هدف از بیان قدرت خداوند ، پس از طرح مسأله معاد و روز قیامت ، این است که انسانها را متوجه قدرت همه جانبه خدا کند تا مبادا در تحقق یافتن قیامت که پذیرش آن برای نوع انسانها مشکل است تردید کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵ - ۳۰

۳۰ - مطالعه در چگونگی رویش و رشـد گیاهان گوناگون بر زمین های مرده ، زایل کننـده هر گونه شک و تردیـد در امکان برپایی رستاخیز و قدرت خدا بر احیای دوباره مردگان

یأیّها الناس إن کنتم فی ریب من البعث . .. و تری الأرض هامده ... من کلّ زوج بهیج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۸ - ۲

- ۲

دقت و اندیشه در چگونگی پیدایش انسان ، زمینه ساز ممکن دانستن برپایی قیامت و حیات مجدد انسان ها

أوَلم یر الإنسن . .. و ضرب لنا مثلًا و نسی خلقه

عوامل پیری در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مزمل – ۷۳ – ۱۷ – ۳

۳ – سختی و اندوه باری روز محشر ، به گونه ای است که اطفال را مو سفید و پیر می سازد .

یومًا یجعل الولدن شیبًا

عوامل ترس از قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نازعات – ۷۹ – ۴۶ – ۴

۴ – توجه به نزدیک بودن قیامت و اندک بودن فاصله آن با زندگانی دنیا ، افزایش دهنده ترس و نگرانی درباره گرفتاری های آن *

إنّما أنت منذر من یخشیها . کأنّهم یوم یرونها لم یلبثوا إلّاعشیّه أو ضحیها

عوامل ترشرویی در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قیامه – ۷۵ – ۲۴ – ۲

۲ – دل بستن به دنیا و غفلت از آخرت ، موجب اندوه شدید و گرفتگی چهره ها در قیامت

کلّا بل تحبّون العاجله . و تذرون الأخره ... و وجوه یومئذ باسره

عوامل تکذیب قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۵ – ۱۰

۱۰ انکار قیامت ، معلول جهل و نادانی و مانع ترقی و تعالی انسان است .

أُولئک الأغلل فی أعناقهم

<اَغلال> (جمع غل) به معنای بندها و زنجیرهاست. مراد از آن می تواند معنای حقیقی آن باشد که در این صورت جمله <اُولئک الأغلال فی أعناقهم> بیانگر کیفر و مجازات منکران

ربوبیت خدا و منکران قیامت است و نیز می تواند مراد از آن معنای مجازی (بندها و زنجیرهای جهل و نادانی، خرافات، سنتهای غلط و ...) باشد که بر این مبنا جمله <اُولئك ...> بیانگر ریشه و علت اعتقاد نداشتن به معاد و ربوبیت خداست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۸ - ۱

۱ - فراموشی و بی توجهی به مبدأ پیدایش انسان ، عامل دور شمردن برپایی قیامت و حیات مجدد انسان ها

و ضرب لنا مثلًا و نسی خلقه

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که عبارت <و نسی خلقه> حال برای فاعلِ <ضرب> است؛ یعنی، در حالی که آفرینش خود را فراموش کرد، مَثَلی در رد عقیده به قیامت برای ما آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۲ - ۶

۶ - کفر به خدا و انکار رستاخیز در عین شناخت آیات الهی برخاسته از تکبر و غرور است .

ألم یأتکم رسل منکم یتلون علیکم ءایت ربّکم . .. فبئس مثوًی المتکبّرین

توصیف شدن کافران و منکران قیامت به متکبر، می تواند بیانگر برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۲ - ۹

۹ - انکار قیامت و اظهار ناباوری به آن ، به رغم پیام های مکرر وحی ، معلول استکبار و جرم پیشگی است . *

فاستکبرتم و کنتم قومًا مجرمین . .. قلتم ما ندری ما الساعه

برداشت بالا با توجه به ارتباط این آیه با آیه قبل و این نکته است که

<قلتم ما ندری. ..> به عنوان نمودی از استکبار و جرم پیشگی کافران یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۲ - ۲

۲ - باطل گرایی و سرگرم شدن به پوچی ها ، عامل اصلی تکذیب وحی و قیامت

الذین هم فی خوض یلعبون

از این که <الذین هم. ..> به عنوان تنها وصف <المکذّبین> آمده است; نقش اصلی آن در تکذیب حق استفاده می شود.

عوامل حسرت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۷ - ۱۲،۱۱،۹،۷

۷ - قیامت صحنه حسرت و اندوه مشرکان پیرو ، از شرکورزی و پیروی از سران شرک

کذلک یریهم اللّه أعملهم حسرت علیهم

۹ - اعمال ناشایست آدمی در دنیا ، مایه حسرت و اندوه او در قیامت خواهد شد .

کذلک یریهم اللّه أعملهم حسرت علیهم

۱۱ - اعمال ناروای آدمیان در قیامت ، به صورت حسرتی مجسم در پیش روی آنان قرار خواهد گرفت .

کذلک یریهم اللّه أعملهم حسرت علیهم

برداشت فوق بر این اساس است که: <یری> از رؤیت قلبی باشد. در این صورت <حسرات> مفعول سوم برای <یری> خواهد بود و معنای جمله چنین می شود: خداوند اعمال مشرکان را به صورت حسرتهایی، بر آنان جلوه گر خواهد ساخت.

۱۲ - شرکورزی ، محبت به سران شرک و پیروی از آنان ، عمل های حسرت آفرین و اندوهبار در سرای آخرت برای مشرکان پیرو

کذلک یریهم اللّه أعملهم حسرت علیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۷ - ۶

۶ - < عن أبی جعفر (ع

) فی قوله < فمن یعمل مثقال ذرّه خیراً یره > یقول إن کان من أهل النار و کان قد عمل فی الدنیا مثقال ذرّه خیراً یره یوم القیامه حسرهً انه کان عمله لغیراللّه > ;

از امام باقر(ع)، درباره سخن خداوند <فمن یعمل مثقال ذرّه خیراً یره> روایت شده که خداوند [می فرماید]: اگر[بنده ای]از اهل آتش بوده و در دنیا به اندازه وزن یک ذره، کار خوب انجام داده باشد، در قیامت آن را می بیند تا حسرت بخورد که چرا این عمل را برای غیر خدا انجام داده بود>.

عوامل خنده رویی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۹ - ۳،۴

۳ - پاکی ، تذکّرپذیری ، هدایت جویی و خداترسی ، چهره انسان را در قیامت خندان و شادمان خواهد ساخت .

لعلّه یزّکّی . أو یذّکّر ... جاءک یسعی . و هو یخشی ... ضاحکه مستبشره

۴ - ایمان و دوری از گناه ، مایه بشّاش و خندان بودن چهره مؤمنان در قیامت

وجوه . .. ضاحکه مستبشره

به قرینه آخرین آیه این سوره (أولئک هم الکفره الفجره)، مراد از <وجوه> در این آیات، چهره های کسانی است که کافر نبوده و از فسق و فجور پاک و منزه اند.

عوامل دشمنی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۶ - ۲،۵

۲- پیوند های باطل و شرک آلود دنیوی ، مایه عناد و ستیز در صحنه قیامت *

یدعوا من دون اللّه . .. و إذا حشر الناس کانوا لهم أعداء

موجوداتی را که انسان در دنیا به غلط

تکریم نموده و با آنان پیوند عبودیت و پرستش برقرار کرده; در قیامت این پیوند به خصومت منتهی خواهد شد.

۵- توجه به تبدیل پیوند های شرک آلود به روابط خصمانه در آخرت ، مایه پرهیز انسان از شرک

و إذا حشر الناس کانوا لهم أعداء

آیه شریفه، با تذکر دادن به عداوت اخروی معبودهای دروغین با عبادت گران خویش، درصدد دور نمودن انسان ها از شرک و روی آوری به غیر خدا است.

عوامل ذکر قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷ - ۶

۶ - آفرینش انسان و انواع گیاهان از بستر خاک مرده و بی جان ، یادآور رستاخیز و دلیلی گویا بر قطعی بودن برپایی آن .

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که <الساعه> به برپایی قیامت و <ذلک> در آیه قبل به خلقت انسان و ایجاد انواع گیاهان: إن کنتم فی ریب من البعث فإنّا خلقناکم من تراب.. فإذا أنزلنا علیها الماء اهتزّت و ربت> اشاره داشته باشد.

عوامل رفع اضطراب در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۳ - ۵،۶،۷

۵ - با صدور امر خداوند درباره شفاعت ، قلب های مضطرب و در هراس ، از هراس خالی می شود .

حتّی إذا فزّع عن قلوبهم قالوا ماذا قال ربکّم

<فزع عن> به معنای زوال فزع و هراس است (مفردات راغب).

۶ - شفاعت کنندگان قبل از دریافت امر خدا ، در حال هراس و اضطراب خواهند بود .

حتّی إذا فزّع عن قلوبهم قالوا ماذا قال ربکم

بنابراین که مرجع ضمیر <قلوبهم> شفاعت کنندگان باشد که

از جمله آنان ملائکه اند برداشت یاد شده به دست می آید.

۷ - با صدور فرمان خداوند درباره شفاعت ، اضطراب شفاعت کنندگان برطرف می شود .

حتّی إذا فزّع عن قلوبهم قالوا ماذا قال ربّکم

عوامل روسیاهی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۴۰ - ۲

۲ - احساس بی نیازی از تعالیم دین ، مایه روسیاهی در قیامت

أمّا من استغنی . فأنت له تصدّی ... و وجوه یومئذ علیها غبره

ارائه دو ترسیم از حاضران صحنه قیامت در ذیل سوره، ممکن است اشاره به تقسیمی باشد که در آغاز سوره انجام گرفته بود که در یک طرف ابن ام مکتوم و در طرف دیگر اشراف قرار داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۴۱ - ۲

۲ - روسیاهی در قیامت ، فرجام بی نیاز دیدن خود از پند و اندرز قرآن

أمّا من استغنی . .. کلّا إنّها تذکره ... ترهقها قتره

ارتباط این آیه با آیات آغاز سوره، گویای برداشت یاد شده است.

عوامل زلزله قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۳ - ۲

۲ - عوامل زلزله شدید زمین در آستانه قیامت ، ناشناخته برای انسان ها و زمینه پرسش تحیّرآمیز آنان از اهداف و علل آن

و قال الإنسن ما لها

<ما> برای استفهام از انگیزه و اهداف است.

عوامل سبکی میزان در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۹ – ۶

۶ عن امیرالمؤمنین(ع): . .. و أما قوله: <...

و من خفت موازینه> فإنما یعنی الحساب ... و السیئات خفه المیزان ... .

از امیرالمؤمنین(ع) روایت شده است: مراد از آیه <و من خفت موازینه>، حسابرسی (در قیامت) است . .. و گناهان، موجب سبکی میزان هستند ... .

عوامل سختی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۶ - ۶

۶ کفر ، عامل سختی و تنگنایی در جهان آخرت

کان یومًا علی الکفرین عسیرًا

عوامل سرور در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۵ - ۳

۳ - بهشت و نعمت ها و خوشی های آن ، نتیجه و پاداش کردار انسان ها در دنیا است .

و لاتجزون إلاّ ما کنتم تعملون . إنّ أصحب الجنّه الیوم فی شغل فکهون

از ارتباط میان این آیه که سخن از بهشت و نعمت های آن است و آیه پیش که درباره پاداش مطابق رفتار و کردار بود برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۹ - ۳

۳ - پاکی ، تذکّرپذیری ، هدایت جویی و خداترسی ، چهره انسان را در قیامت خندان و شادمان خواهد ساخت .

لعلّه یزّکّی . أو یذّکّر ... جاءك یسعی . و هو یخشی ... ضاحکه مستبشره

عوامل سنگینی میزان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۸ - ۸

۸ عن اميرالمؤمنين(ع) . .. و اما قوله: < فمن ثقلت موزينه ...> فإنما يعنى الحساب ... و

الحسنات ثقل الميزان ... .

از امیرالمؤمنین(ع) روایت شده است: . .. مراد از آیه <فمن ثقلت موازینه>، حسابرسی (در قیامت) است ... و حسنات، موجب سنگینی میزان است ... .

عوامل شک در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۶ - ۳

۳- غفلت از معاد و تردید در آن ، معلول دل بستگی شدید به دنیا است .

أنا أكثر منك مالاً . .. قال ما أظنّ أن تبيد هذه أبدًا . و ما أظنّ الساعه قائمه

عوامل غفلت از قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۳ - ۱۶،۱۹

۱۶ - زندگی دنیا ، فریبنده و مایه غفلت انسان از خدا و قیامت است .

اتّقوا ربّكم و اخشوا يومًا . .. فلاتغرّنّكم الحيوه الدنيا

۱۹ - رحمانیت خدا ، مورد سوء استفاده اغواکنندگان ، در غافل ساختن انسان از قیامت و کیفر اَعمال است .

و لايغرّنّكم باللّه الغرور

<باء> در <باللّه> سببی است و مراد از آن، این است که شیطان و یا هر موجود فریبنده ای، به وسیله ذکر خدا و برخی از اوصاف او، همانند رحمانیت و یا غفاریت، چه بسا انسان را مغرور کند.

عوامل غفلت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۷ - ۱

۱ - گرفتاری های هر کس در قیامت ، جایی برای رسیدگی او به دیگران باقی نگذاشته ، او را به خود مشغول خواهد ساخت .

لكلّ امرىء منهم يومئذ شأن يغنيه

به هر امرى از امور <شأن> گفته مى شود (قاموس); جز اين كه سياق

آیه شریفه دلالت بر عظمت شأن مورد نظر دارد. فعل <اغنی> چه با حرف <عن> و چه بدون آن باشد به معنای <کفی> است (مفردات راغب). کفایت کردن شأن و کار، به معنای پر شدن فرصت ها است; به گونه ای که برای کار دیگر امان ندهد. اکتفا به بیان وضعیت مردان با کلمه <امریء>، به جهت وضوح هم سرنوشت بودن زنان با آنان است.

عوامل فراموشی قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۱ - ۹

۹ فریفته شدن به زندگانی دنیا و سرگرم شدن به آن ، عامل فراموشی روز قیامت و آتش دوزخ است .

و غرتهم الحیوه الدنیا فالیوم ننسیهم کما نسوا لقاء یومهم هذا

<کما نسوا . .. > می رساند که از علل بی اعتنایی خداوند به دوزخیان این است که آنان روز قیامت را فراموش کردند و چون جمله <الیوم ننسیهم ... > به وسیله فاء بر <غرتهم الحیوه الدنیا> تفریع شده، معلوم می شود که از ریشه های فراموشی قیامت، فریفته شدن به زندگانی دنیاست.

عوامل کفر به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲۰ - ۱

۱ - علاقه و دلبستگی به دنیا ، از علت های کفر به قیامت و پرسش های انکارآمیز کافران درباره معاد

بل یرید الإنسن لیفجر أمامه . یسئل أیّان یوم القیمه ... کلاّ بل تحبّون العاجله

برداشت یاد شده، بر این اساس استوار است که آیه شریفه مرتبط با آیه ۵ و ۶ همین سوره (بل یرید الإنسان لیفجر أمامه . یسئل أیّان یوم القیامه) باشد.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۶ - ۶

۶ - پوچ انگاری خلقت انسان و بی هدف دانستن زندگی او ، تأثیرگذار در انکار کردن معاد و ایمان نیاوردن به روز قیامت

أیحسب الإنسن أن یترک سدًی

آیه شریفه در سلسله آیات مربوط به تکذیب معاد از سوی کافران قرار دارد. از این رو می تواند درصدد بیان علل تکذیب روز قیامت باشد; هم چنان که می تواند بیانگر نشانه های تحقّق چنین روزی باشد.

عوامل کوری در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۴ - ۱۰

۱۰ - زندگانی دشوار ، اثر طبیعی روی گردانی از یاد خدا و نابینایی در قیامت ، مجازات و کیفر الهی آن است .

فإنّ له معیشه ضنکًا و نحشره یوم القیمه أعمی

تفاوت در تعبیر <فإنّ له. ..> و <نحشره ...> که دومی به خداوند نسبت داده شده است و اولی بر نفسِ عمل متفرع گردیده ممکن است به مطلب یاد شده اشاره داشته باشد.

عوامل مصونیت از اهوال قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۹ - ۳،۴،۵

۳ - رحمت الهی ، مایه نجات انسان از بدی ها و ناراحتی های روز قیامت

و من تق السیّئات یومئذ فقد رحمته

۴ - نجات مؤمنان و صالحان از بدی ها و ناراحتی های روز قیامت ، برخاسته از رحمت و لطف الهی است ; نه از استحقاق آنان .

و من تق السیّئات یومئذ فقد رحمته

یادآوری و تصریح فرشتگان به این که حفظ مؤمنان از ناراحتی های قیامت نشانگر

این است که آنان مورد رحمت و لطف الهی قرار گرفته اند؛ می تواند حکایت از حقیقت یاد شده داشته باشد.

۵ - رهایی از ناراحتی های روز قیامت و بهره مندی از رحمت خداوند ، نشانه رستگاری و کامیابی است .

و من تق السیّئات یومئذ فقد رحمته و ذلک هو الفوز العظیم

عوامل مؤثر در درجات قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۲ - ۶

۶ لزوم مراقبت بر اعمال و توجه به نقش تعیین کننده آن در تعیین درجات و درکات آخرت

و لکل درجت مما عملوا و ما ربک بغفل عما یعملون

عوامل مؤثر در درکات قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۲ - ۶

۶ لزوم مراقبت بر اعمال و توجه به نقش تعیین کننده آن در تعیین درجات و درکات آخرت

و لکل درجت مما عملوا و ما ربک بغفل عما یعملون

عوامل نجات در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۹ - ۷

۷ - رعایت تقوای الهی ، مایه نجات انسان در روز حشر

و اتّقوا اللّه الذی إلیه تحشرون

عوامل نگرانی مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۵۰ – ۲۱

۲۱ – وجود قیامت ، دغدغه جدی انسان ، حتی برای آنان که ظاهراً منکر آن هستند .

و ما أظنّ الساعه قائمه و لئن رجعت إلی ربّی

عهدشکنان در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۲۱ –

۱۰ شکستن پیمان ها و پایبند نبودن به عهدها ، در پی دارنده حساب سخت و ناگوار قیامت است .

الذین یوفون بعهد الله و لاینقضون المیثق . .. و یخافون سوء الحساب

عیسی(ع) در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۹ - ۶

۶ گواهی حضرت عیسی (ع) بر اهل کتاب در روز قیامت

و یوم القیمه یکون علیهم شهیداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۰ - ۴

۴ خداوند ، در روز قیامت و در مجمع پیامبران ، نعمت های ارزانی شده به عیسی و مادرش مریم رابه وی یادآوری خواهد کرد .

یوم یجمع اللّه الرسل فیقول . .. اذ قال اللّه یعیسی ابن مریم اذکر نعمتی علیک و عل

کلمه <اذ> در <اذ قال اللّه> بدل اشتمال برای کلمه <یوم . ..> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۶ - ۱،۹

۱ خداوند در قیامت و در حضور پیامبران از مسیح (ع) خواهد پرسید که آیا وی مردمان را به پرستش خویش و مادرش مریم فراخوانده است ؟

و اذ قال اللّه یعیسی ابن مریم ءانت قلت للناس اتخذونی و امی الهین

با توجه به آیات بعد همانند <قال اللّه هذا یوم . ..> آیه ۱۱۹ و توجه به این حقیقت که در زمان حضور مسیح(ع) در میان امت خویش کسی معتقد به الوهیت وی و مریم(ع) نبوده است، معلوم می شود این پرسش و پاسخ در قیامت اتفاق خواهد

افتاد. گفتنی است که تعبیر

از آینده با فعل ماضی (قال) برای رساندن تحقق قطعی آن صحنه است.

۹ عیسی (ع) در قیامت منکر ادعای گزاف الوهیت برای خود و مادرش مریم

ما یکون لی ان اقول ما لیس لی بحق

غافلان از قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۴۸ – ۱۰

۱۰– غفلت از رستاخیز و تصوّر عدم برپایی قیامت ، آفت فراگیر مشرکان است .

بل زعمتم ألّن نجعل لکم موعدًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۸ – ۱۱

۱۱ – سرپیچی کنندگان از پیام وحی و روی گردانان از یاد قیامت ، ظالم و ستمگرند .

و کذلک أوحینا . .. و تنذر یوم الجمع ... و الظلمون ما لهم من ولیّ و لانصیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۶۶ – ۴

۴ – ستم پیشگان و دین ستیزان ، غفلت زدگان از یاد قیامت اند .

فویل للذین ظلموا . .. هل ینظرون إلّا الساعه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عبس – ۸۰ – ۲۳ – ۲

۲ – کافران ، بی اعتنا به مرگ ، قبر و قیامت خود و بی توجّه به نشانه های خدا در خلقت خویش

کلّا

<کلّا> می توانـد برای ردع و باز داشـتن از توهّمی باشـد که آیات پیشـین، زمینه ساز پیـدایش آن بود و آن این که با وجود زمینه هـای توجّه به خداونـد در آفرینش انسـان از نطفه تـا زمـان مرگ و دفن او، ممکن نیست کسـی در کفر بمانـد. <کلّا> دلالت دارد که

نباید چنین پنداشت، زیرا افرادی با وجود تمام این نشانه ها، بر کفر خود اصرار ورزیدند.

غرش در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۳ - ۱

۱ - وقوع قیامت با غرش هایی کر کننده و ناشی از اصطکاک موجودات ، همراه است .

فإذا جاءت الصاخّه

هر صدایی که از برخورد صخره با صخره ای دیگر یا مانند آن پدید آید صَخّ و صَِخیخ نامیده می شود و <صاخّه> غرشی است که گوش را بکوبد و بر اثر شدت صدا آن را کر سازد(لسان العرب).

غضب مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۲ - ۵

۵ - توجّه به سقوط اخلاقی منکران معاد ، تا حد خشونت با یتیمان ، مایه پرهیز از تکذیب آخرت است .

فذلک الذی یدعّ الیتیم

غفلت از قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱ - ۱

۱- انسان ها از حسابرسی قیامت در عین نزدیک بودن آن در غفلت شدید به سر می برند .

اقترب للناس حسابهم و هم فی غفله معرضون

کلمه <فی> در <فی غفله> برای ظرفیت مجازی است و دلالت بر شدتِ وصف می کند; یعنی، غفلت مردم از حسابرسی قیامت بسیار شدید است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۶۴ – ۶

۶ – خوشگذرانان غفلت زده و بی خبر از روز جزا ، هم سنگ ددان و وحوش بیابان در بینش الهی

إذا هم یجئرون

چنان که گفته شد <جوار> به زوزه سگ، روباه

و گرگ گفته می شود. تعبیر زوزه برای فریاد استغاثه کافران، بیانگر مطلب فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۰ - ۳

۳ - غفلت شدید کافران و مشرکان ، از مرگ و حیات پس از آن (قیامت)

إنّک میّت و إنّهم میّتون

ضمیر <إنّهم> به مشرکان و کافران باز می گردد. طرح مسأله رحلت آنان که با تأکید همراه است (إنّک و إنّهم) و غیر قابل انکاربودن این حقیقت، می تواند گویای غفلت شدید مشرکان و کافران از مسأله مرگ باشد; گو این که آنان منکر حقیقت یاد شده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۷ - ۶

۶ - انسان ها ، در معرض غفلت نسبت به روز قیامت

من قبل أن یأتی یوم لامردّ له من اللّه

تأکید خداوند، درباره حقیقت روز قیامت، می تواند از آن جهت باشد که بسیاری از مردم نسبت به این امر مهم غافل اند.

غفلت از نوزادان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲ - ۱۱

۱۱- اضطراب مردم در عرصه قیامت ، به درجه ای است که هر زن شیر دهنده ، از شیر دادن غافل خواهد شد و هر زن بارداری از شدت ترس ، سقط جنین خواهد کرد .

یوم ترونها. .. و تضع کلّ ذات حمل حملها

غفلت مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۱ - ۱

۱ - منکران روز جزا ، فرومانده در گرداب جهالت و گرفتار

غفلت و بی خبری

الذین هم فی غمره ساهون

<غمره> به معنای فرو رفتن در جهل و نادانی و <ساهی> به معنای غافل و بی خبر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۲ - ۱

۱ - تکذیب کنندگان قیامت ، عناصری فرو رفته در باطل و سرگرم هوسرانی

للمکذّبین . الذین هم فی خوض یلعبون

<خوض> به معنای وارد شدن در کارهای بیهوده و باطل و <لعب> (مصدر <یلعبون>) به معنای سرگرمی و هوسرانی است.

فاسدان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۷ - ۹

۹- آخرت ، زمان بازگردانده شدن ستم گران و کافران و افراد ناصالح به پیش گاه خداوند و حساب رسی کردار آنها است .

ثمّ یردّ إلی ربّه فیعذّبه

فاسقان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۹ - ۸

۸ گمراهی و سرگردانی فاسقان در قیامت *

و اللّه لایهدی القوم الفسقین. یوم یجمع اللّه الرسل

برداشت فوق بر این اساس است که <یوم> ظرف برای <لایهدی . ..> در آیه قبل باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۴ - ۴

۴ - مردم در قیامت ، به دو گروه شاخص < ابرار > و < فجّار > تقسیم خواهند شد .

إنّ الأبرار لفی نعیم . و إنّ الفجّار لفی جحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۹ - ۴

۴ - فاسقان در قیامت ، محروم از یاری دیگران برای رهایی از آتش

دوزخ

و إنّ الفجّار لفی جحیم . .. یوم لاتملک نفس لنفس شیئًا

فاسقان و تکذیب قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۲۰ – ۱۰

۱۰ – فاسقان ، قیامت و نظام کیفری خدا را تکذیب می کردند .

و أمّا الذین فسقوا . .. ذوقوا عذاب النار الذی کنتم به تکذّبون

فاصله مرگ با قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۱۶ – ۳

۳ – وجود فاصله میان مرگ تا رستاخیز انسان

ثمّ إنّکم یوم القیمه تبعثون

به کارگیری <ثمّ> در آیه فوق که برای تراخی و فاصله زمانی است بیانگر این برداشت می باشد.

فاصله مرگ تا قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۰۳ – ۴

۴ – فاصله مرگ تا روز قیامت ، فاصله ای اندک و ناچیز در دیدگاه حاضران صحنه قیامت

یتخفتون بینهم إن لبثتم إلّاعشرًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عبس – ۸۰ – ۲۲ – ۶

۶ – وجود فاصله ، بین مرگ انسان ها و برپایی قیامت

فأقبره . ثمّ إذا شاء أنشره

حرف <ثمّ>، بیانگر برداشت یاد شده است.

فاقدان نور در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۱۳ – ۵،۷،۹

۵ – منافقان ، فاقد نور و روشنایی در ظلمت قیامت

یوم یقول المنفقون . .. انظرونا نقتبس من نورکم

۷ – زنان منافق چونان مردان نفاق پیشه ، فاقد نور و روشنایی در ظلمت قیامت

یوم . .. و المنفقت ... انظرونا نقتبس من نورکم

۹ –

کسب کردن نور از دیگران در قیامت ، در صورتی که انسان نور نداشته باشد ، ممکن نیست .

یوم یقول المنفقون . .. قیل ارجعوا وراءکم فالتمسوا نورًا

فدیه در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۴۸ – ۷،۱۲

۷ – در روز قیامت از هیچ کس عِدل و عوضی – که خویشتن را با آن باز خرد – گرفته نخواهد شد .

و لایؤخذ منها عدل

کلمه <عَدْل> به معنای: فدیه و عوض است که شخص برای آزادی خود یا دیگری می پردازد، تا از اسارت و مانند آن آزاد شود.

۱۲ – گناه کردن به خیال پذیرش شفاعت و یا پذیرفته شدن عوض و بدل برای رهایی از عذاب قیامت ، از پندار های باطل بنی اسرائیل

واتقوا یوماً . .. ولا یقبل منها شفعه و لایؤخذ منها عدل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۲۳ – ۵،۹

۵ – در روز قیامت ، از هیچ کس فدیه و عوضی که خویشتن را با آن باز خرد ، پذیرفته نمی شود .

و لایقبل منها عدل

<عدل> به معنای فدیه و عوضی است که شخص برای آزادی خود یا دیگری می پردازد تا از اسارت و مانند آن آزاد شود.

۹ – توهم سودبخشی شفاعت از گنهکاران و یا پذیرفته شدن عوض و بدل برای رهایی از عذاب قیامت ، از پندار های بنی اسرائیل است .

یبنی إسرءیل . .. و لایقبل منها عدل و لاتنفعها شفعه

فعل <اتقوا> به قرینه آیات پیشین، خطاب به بنی اسرئیل است. این خطاب خود قرینه وجود چنین افکاری در

بین آنان است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۹۱ – ۱،۲

۱ کسی که در حال کفر بمیرد ، اگر به اندازه تمامی زمین برای رهایی خود طلا فدیه دهد ، پذیرفته نخواهد شد .

انّ الذین کفروا . .. و لو افتدی به

۲ هیچ فدیه ای در قیامت برای رهایی کافران از عذاب ، پذیرفته نخواهد شد .

انّ الذین کفروا . .. و لو افتدی به

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۱۸ – ۷،۱۲

۷ مشرکان و کافران ، در روز قیامت حاضرند در صورت دارا بودن حتی دو برابر ثروت زمین ، آن را برای رهیدن از عذاب فدیه دهند .

والذین لم یستجیبوا له لو أن لهم ما فی الأرض جمیعًا و مثله معه لافتدوا به

<إفتداء> (مصدر افتدوا) به معنای بخشیدن چیزی است برای رها شدن و خلاصی یافتن از اسارت.

۱۲ در قیامت هیچ گونه فدیه ای از مستحقان عذاب پذیرفته نمی شود .

لو أن لهم ما فی الأرض . .. لافتدوا به أُولئک لهم سوء الحساب و مأویهم جهنم و بئس

بیان فرجام روی گردانان از دعوت خدا (اُولئک لهم . ..) پس از جمله <لو أن لهم ... لافتدوا به> می رساند که آن فدیه بر فرض وجودش از آنان پذیرفته نخواهد شد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۴۷ – ۱،۴

۱ – ستمگران در قیامت ، برای رهایی خود از عذاب سخت الهی ، حاضراند دو چندان ثروت ها و دارایی های زمین را فدا

کنند .

و لو أنّ للذین ظلموا ما فی الأرض جمیعًا و مثله معه لَافتدوا به من سوء العذاب یوم

۴ – ناچیز و بی ارزش بودن ثروت ها و خوشی های دنیا ، در مقابل رهایی از عذاب قیامت

و لو أنّ للذین ظلموا ما فی الأرض . .. لَافتدوا به من سوء العذاب یوم القیمه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۱۵ – ۲

۲ – در قیامت ، از منافقان و کافران فدیه پذیرفته نمی شود .

فالیوم لایؤخذ منکم فدیه و لا من الذین کفروا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – معارج – ۷۰ – ۱۱ – ۴۳

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – معارج – ۷۰ – ۱۲ – ۱،۲

۱ – مجرمان در قیامت ، برای رهایی خود از عذاب الهی ، آماده فدا کردن همسران خویش اند .

و صحبته

۲ – مجرمان در عرصه محشر ، برای نجات خود از عذاب الهی ، آماده فدا کردن برادران خویش اند .

و أخیه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – معارج – ۷۰ – ۱۳ – ۱

۱ – مجرمان در قیامت ، برای نجات خود از عذاب الهی ، آماده فدا کردن بستگان نزدیک خویش اند .

و فصیلته الّتی تویه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۴ - ۱،۲

۱ - مجرمان در قیامت ، برای نجات خود از عذاب الهی ، آماده فدا کردن همه انسان های کره زمین اند .

و من فی الأرض جمیعًا

۲ - مجرمان در قیامت ،

برای نجات خود از عذاب الهی ، آماده فدا کردن همه محبوب ها و خلایق زمینی اند (انس ، جن و . . .) .

و من فی الأرض جمیعًا ثمّ ینجیه

<مَن> برای مطلق موجودات شعورمند وضع شده است و برداشت یاد شده، مبتنی بر همین وضع اصلی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۵ - ۱

۱ - نجات مجرمان با پرداخت فدیه از عذاب الهی در قیامت هر چند بسیار و نامحدود آرزویی واهی و ناممکن است .

یودّ المجرم لویفتدی من عذاب یومئذ ببنیه . .. کلّا

فرار از برادر در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۴ - ۱

۱ - قیامت ، روز فرار هر انسانی از برادر خویش است .

یوم یفرّ المرء من أخیه

فرار از پدر در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۵ - ۱

۱ - قیامت ، صحنه گریزان بودن انسان ; حتی از پدر و مادر خویش

و أمّه و أبیه

فرار از پسر در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۶ - ۲

۲ – پدران در قیامت ، با فرار از پسران خویش ، خود را از آنها دور ساخته ، آنان را تنها خواهند گذاشت .

و بنیه

فرار از مادر در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عبس – ۸۰ – ۳۵ – ۱

۱ – قیامت ، صحنه گریزان بودن انسان ; حتی

از پدر و مادر خویش

و أمّه و أبيه

فرار از همسر در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۶ - ۱

۱ - شوهران ، پیوند الفت و همراهی با همسران خویش را در قیامت نادیده گرفته و از آنان متواری خواهند شد .

يوم يفرّ المرء من . .. و صحبته

<صاحبه> همسری است که با شوهر خویش ملازمت و معاشرت داشته باشد. این تعبیر حاکی از شدت حوادث قیامت است؛ به گونه ای که انسان، حتی همسری را که در دنیا با او سازگار و همراه بود، نیز رها خواهد کرد.

فرار پدر در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۶ - ۲

۲ - پدران در قیامت ، با فرار از پسران خویش ، خود را از آنها دور ساخته ، آنان را تنها خواهند گذاشت .

و بنيه

فرار در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۶ - ۱،۲

۱ - سختی های محشر و ناتوانی مجرمان جن و انس ، در گریز از صحنه آخرت ، نعمتی الهی در خدمت اجرای عدالت

يرسل عليكما شواظ من نار و نحاس . .. فبأىّ ءالآء ربّكما تكذّبان

از اطلاق <ءالآء> بر مفاد آیه قبل، مطلب یاد شده قابل برداشت است.

۲ – ربوبیت الهی در حق خلق ، مستلزم مسدود ساختن راه هرگونه فرار از کیفر کردارشان در قیامت

یرسل علیکما شواظ من نار و نحاس . .. فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

از به کار رفتن وصف <ربّکما> و ارتباط آن با مفاد آیه قبل

که بیانگر ناتوانی فرار از صحنه قیامت بود مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۱۱ - ۱

۱ - در عرصه قیامت ، هیچ راه فرار از نگرانی ها و سختی ها ، برای کافران وجود ندارد .

یقول الإنسن یومئذ أین المفرّ . کلاّ

فرار شوهر در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۶ - ۱

۱ - شوهران ، پیوند الفت و همراهی با همسران خویش را در قیامت نادیده گرفته و از آنان متواری خواهند شد .

یوم یفرّ المرء من . .. و صحبته

<صاحبه> همسری است که با شوهر خویش ملازمت و معاشرت داشته باشد. این تعبیر حاکی از شدت حوادث قیامت است; به گونه ای که انسان، حتی همسری را که در دنیا با او سازگار و همراه بود، نیز رها خواهد کرد.

فرار فرزند در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۵ - ۱

۱ - قیامت ، صحنه گریزان بودن انسان ; حتی از پدر و مادر خویش

و أمّه و أبیه

فراموشی قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۱ - ۱۲

۱۲ انكار قيامت و به فراموشى سپردن آن ، كفرپيشگى است .

إن اللّه حرمهما على الكفرين . .. فاليوم ننسيهم كما نسوا لقاء يومهم هذا

فراموشى نوزادان در زلزله قيامت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲ - ۳

۳- با مشاهده ترس و

دهشت ناشی از زلزله زمین در آستانه برپایی قیامت ، تمامی مادران ، کودکان شیرخوارشان را بی اختیار در دامن خود ر ها ساخته و از یاد خواهند برد .

تذهل کلّ مرضعه عمّا أرضعت

<ذهول> (مصدر <تذهل>) به فراموشی ای گفته می شود که از شدت دهشت بر انسان عارض شود. <مرضعه> نیز به زنی گفته می شود که در حال شیر دادن باشد; یعنی، هر زن شیر دهنده، به هنگام دیدن آن زلزله، از آن کسی که به او شیر می دهد غافل خواهد شد.

فرزندان مشرکان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۵ - ۷

۷ < عن عبدالله بن سلام مولی رسول الله (ص) انه قال : سألت رسول الله (ص) فقلت : . . . فأولاد المشرکین فی الجنه أم فی النار ؟ فقال : . . . انه إذا کان یوم القیامه . . . فیأمرالله عزوجل ناراً . . . ثم یأمرالله تبارک و تعالی أطفال المشرکین أن یلقوا أنفسهم فی تلک النار فمن سبق له فی علم الله عزوجل أن یکون سعیداً ألقی نفسه فیها . . . و من سبق له فی علم الله عزوجل أن یکون شقیاً إمتنع فلم یلق نفسه فی النار . . . و ذلک قول الله عزوجل : < فمنهم شقیّ و سعید > . . . ;

از عبدالله بن سلام نقل شده است که گفت: از رسول خدا(ص) پرسیدم: . .. آیا فرزندان مشرکان [که در کودکی مرده اند] بهشتی هستند یا جهنمی؟ فرمود: ... هنگامی که قیامت فرا

رسد ... خداوند به آتش فرمان حضور می دهد ... سپس به کودکان مشرکان دستور می دهد تا خود را در آن آتش درافکنند. پس هر کـدام از آن کودکان که در علم خـدای عزوجل سـعادتمندیش رقم خورده است خود را در آن آتش می افکنـد ... و آنـان که در علم خـدای عزوجل برایشان شـقاوتمندی رقم خورده، از پـذیرش فرمان خـدا امتناع نموده و خود را در آتش نمی اندازند ... و این سخن خداوند عزوجل است که فرمود: فمنهم شقی و سعید <...>.

فرعون در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۸ - ۱

۱ فرعون در روز قیامت ، پیشاپیش پیروانش به سوی دوزخ روانه خواهد شد .

یقدم قومه یوم القیمه فأوردهم النار

قدوم (مصدر یقدم) به معنای سبقت گرفتن و در پیشاپیش حرکت کردن است.

فرعونیان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۸ - ۱

۱ فرعون در روز قیامت ، پیشاپیش پیروانش به سوی دوزخ روانه خواهد شد .

یقدم قومه یوم القیمه فأوردهم النار

قدوم (مصدر یقدم) به معنای سبقت گرفتن و در پیشاپیش حرکت کردن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۴ - ۸

۸- احضار دسته جمعی بنی اسرائیل همراه با فرعونیان در قیامت برای مؤاخذه

جئنا بکم لفیفًا

بنابر اینکه مراد از <کم> بنی اسرائیل و نیز فرعونیان هلاک شده باشند، این برداشت به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۲ - ۳

۳ - فرعونیان

، از زمره مطرودان در روز رستاخیزاند .

و یوم القیمه هم من المقبوحین

<قبح> (مصدر <مقبوحین>) به معنای طرد کردن است. بنابراین <مقبوح>; یعنی، طرد شده.

فرقه های مذهبی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۵ - ۱

۱ - خداوند ، تنها داوری کننده در قیامت ، در میان مذاهب گوناگون در مسائل مورد اختلاف آنان است .

إنّ ربّک هو یفصل بینهم یوم القیمه فیما کانوا فیه یختلفون

<فصل> (مصدر فعل <یفصل>) به معنای جدا کردن دو چیز از هم است، به گونه ای که میان آنها فاصله بیفتد (مفردات راغب). و مراد از آن داوری و حل اختلاف کردن است. لازم به ذکر است که ضمیر جمع <بینهم> و <کانوا فیه یختلفون> بر این دلالت می کند که داوری خداوند میان افراد و گروه های متعدد است.

فریاد در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۳ - ۵

۵ - قیامت ، رخدادی بزرگ و صحنه فریاد های گوش خراش مردم

فإذا جاءت الصاخّه

<صاخّه>; یعنی، فریاد شدیدی که گوش ها را کر کند و به حادثه بزرگ نیز اطلاق می گردد (قاموس). در کشاف آمده است که توصیف قیامت به این وصف، به اعتبار فریاد کشیدن حاضرانِ در قیامت است.

فشار جهنم بر مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۳ - ۶

۶ < إن رسول اللّه (ص) سئل عن قول اللّه < و إذا أُلقوا منها مكاناً ضيّقاً مقرّنين > قال : و الذی نفسی بیده

انّهم لیستکرهون فی النار کما یستکره الوتد فی الحائط .

از رسول خدا(ص) در باره قول خدا <إذا أُلقوا منها مکاناً ضیّقاً. ..> سؤال شد؟ فرمود: قسم به کسی که جانم در دست او است آنان با اکراه و فشار در جهنم جای داده می شوند; همان گونه که میخ با فشار در دیوار کوبیده می شود.

فضایل مؤمنان به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۷ - ۹

۹ - معتقدان به قیامت ، به دور از باطل گرایی و ایمن از زیان اخروی

یومئذ یخسر المبطلون

برداشت بالا، با استفاده از مفهوم آیه صورت گرفته است.

فعلیت قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۷ - ۵

۵ وجود بالفعل قیامت در صحنه هستی *

لا یجلیها لوقتها إلا هو

برداشت فوق با توجه به (یجلیها، یعنی آشکار می سازد) استفاده شده است. کلمه <مرسها> می تواند مؤید این برداشت باشد ; زیرا <مرسی> به معنای مستقر شدن و یا زمان استقرار است، نه تحقق یافتن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱۴ - ۳

۳ - عرصه قیامت ، مکانی مشخص و از پیش تعیین شده است .

فإذا هم بالساهره

حرف <ال> در <الساهره>، گویای این است که جایگاه حضور مردم در قیامت، از پیش مشخص شده است.

فلسفه اختفای قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۵ - ۸

۸ - آگاه نبودن انسان ها به زمان برپایی قیامت ، زمینه ساز مداومت آنان برکار های خویش

و به وجود آمدن استحقاق پاداش و کیفر است .

أکاد أُخفیها لتجزی کلّ نفس بما تسعی

لام در <لتجزی> در برداشت فوق تعلیل برای <أکاد أخفیها> گرفته شده است; دراین معنا، ترکیب جمله در اصل <لتسعی کلّ نفس فتجزی بما تسعی> خواهد بود و حاصل معنی این که اراده کردم قیامت را مخفی بدارم تا همه به تلاش خود ادامه دهند و نتایج کردار خود را ببینند; این سخن ناظر به حالت روانی انسان ها است که اگر زمان مرگ خود و نابودی جهان را بدانند، بسیاری از تلاش های خود را رها خواهند کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۰ - ۷

۷ - مصلحت در پنهان ماندن زمان وقوع قیامت است .

و یقولون متی هذا الوعد . .. قل لکم میعاد یوم

از این که خداوند به جای پرداختن به جواب سؤال و روشن کردن وقت وقوع قیامت، تأکید می کند که وقوع آن قطعی است و تقدیم و تأخیر ندارد، نکته یاد شده به دست می آید.

فلسفه برپایی قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۵ - ۷

۷ - جزا دیدن یکایک آدمیان ، فلسفه برپایی قیامت

ءاتیه . .. لتجزی کلّ نفس

<لتجزی>یا تعلیل است برای <آتیه> و جمله <أکاد أخفیها> معترضه است و یا تعلیل است برای هر دو موضوع مطرح شده در آیه که آمدن قیامت و وجود زمینه برای مخفی ماندن اخبار آن از سوی خداوند است و یا تنها بیانگر علت <أخفیها> است، برداشت مذکور، مبتنی بر دو احتمال اول است.

فلسفه

تکذیب قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۵ - ۱

۱ - انکار و زیر سؤال بردن برپایی قیامت ، بهانه کافران برای انجام هرگونه فسق و فجور

أیحسب الإنسن ألّن نجمع عظامه . .. بل یرید الإنسن لیفجر أمامه

<فجور> (مصدر <یفجر>) به معنای فسق (صحاح اللغه) و لام در <لیفجر> برای تعلیل است. <أمام> اسم مکان و در این آیه مجازاً در زمان مستقبل که مفید استمرار است استعمال شده است. بنابراین مفاد آیه چنین می شود: <بلکه انسان می خواهد تا راه فسق و فجور، برای همیشه به روی او باز باشد و آن را ادامه دهد و همین سبب انکار معاد از جانب او است>.

فلسفه حشر در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۳ - ۶

۶ گذر از موقف های قیامت (حسابرسی ، کیفر ، پاداش و . . .) غرض از گردآوری همگان در صحنه قیامت است .

ذلك یوم مجموع له الناس

برداشت فوق ، مبتنی براین نکته است که <لام> در <له> برای بیان غایت و غرض باشد. بر این اساس مفاد جمله <ذلك یوم ...> چنین می شود: روز قیامت روزی است که خداوند ، همگان را برای گذر از موقفهای آن روز گردآوری می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۶ - ۵

۵ - مشاهده کردار و مواجه شدن با پاداش و کیفر آن ، از اهداف حشر انسان ها در قیامت

یصدر الناس أشتاتًا لیروا أعملهم

حرف <لام> در <لیروا>،

بیانگر برداشت یاد شـده است. مشاهده اعمال، یا به معنای مشاهده پاداش و کیفر آنها است و یا ناظر به تجّسم اعمال و مشـهود بودن آن در قیامت است.

فلسفه زلزله قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۳ - ۲

۲ - عوامل زلزله شدید زمین در آستانه قیامت ، ناشناخته برای انسان ها و زمینه پرسش تحیّرآمیز آنان از اهداف و علل آن

و قال الإنسن ما لها

<ما> برای استفهام از انگیزه و اهداف است.

فلسفه زندگی مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۶ - ۲

۲ - خورد و خوراک و بهره ناچیز از لذت های مادی ، هدف زندگی کافران و منکران قیامت

کلوا و تمتّعوا قلیلاً

از این که به کافران گفته می شود: بخوریـد و بهره گیریـد، می توان به این حقیقت دست یافت که آنان جز همین کار، هـدف دیگری در زندگی ندارند و گرنه به آن فراخوانده می شدند.

فلسفه قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲ - ۱۴

۱۴ برخورداری مردم از رحمت خداوند، از فلسفه های برپایی قیامت

کتب علی نفسه الرحمه لیجمعنکم إلی یوم القیمه لا ریب فیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۴۷ – ۲

۲– حسابرسی اعمال بندگان بر مبنای قسط و عدل ، از فلسفه های برپایی قیامت

و نضع الموزین القسط لیوم القیمه

برداشت یاد شده بر مبنای این است که لام در <لیوم القیامه> برای تعلیل باشد. بر این اساس پیام آیه

چنین می شود: ترازوهای قسط و داد را به خاطر برپایی قیامت، بنا می نهیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴ - ۱

۱ - فلسفه برپایی قیامت ، پاداش دادن به مؤمنان دارای عمل صالح است .

لتأتینّکم . .. لیجزی الذین ءامنوا و عملوا الصلحت

<ل> در <لیجزی>، تعلیل برای فعل <تأتی> در آیه قبل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۵ - ۱

۱ - فلسفه وقوع قیامت ، کیفر دادن به کسانی است که بر ضد آیات خدا تلاش می کنند .

لتأتینّکم . .. لیجزی الذین ... و الذین سَعَوْ فی ءایتنا معجزین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۶ - ۴

۴ - تحقق قیامت ، به منظور جدا شدن و شفاف گردیدن صفوف حق مداران از باطل گرایان است .

قل یجمع بیننا ربّنا ثمّ یفتح بیننا بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۳ - ۴

۴ - جزا و کیفر و پاداش ، فلسفه برپا شدن قیامت و رستاخیز انسان ها است .

أءنّا لمدینون

آمدن عبارت <مدینون> (جزا داده شدگان) به جای <مبعثون> (مبعوث شدگان) و <محیون> (زنده شدگان)، می تواند بیانگر این حقیقت باشد که اساس رستاخیز انسان ها، مسأله جزا است؛ نه صرف زنده شدن دوباره انسان ها.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۸ - ۱

۱ - هدفمند بودن آفرینش جهان ، مقتضی برپایی قیامت به منظور کیفر بندگان و

یا پاداش به آنان

و ما خلقنا السماء . .. بطلًا... أم نجعل الذین ءامنوا و عملوا الصلحت

یـادآوری برابر نبودن سـرنوشت مؤمنـان بـا مفسـدان، پس از طرح مسأله بی هـدف نبودن آفرینش جهـان، می رسانـد که اگر مؤمنان و مفسدان یکسان باشند، لازم می آید که جهان آفرینش بی هدف باشد و چون جهان آفرینش هدفمند است، پس باید سرنوشت این دو گروه یکسان نباشـد. و از آن جایی که در دنیا یکسان زنـدگی می کننـد، پس باید جهان دیگری (رسـتاخیز) باشد که با آنان برخورد متفاوت و متناسب شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۹ - ۹

۹- برخورداری هر فرد ، از نتایج اعمال خویش و برقراری عدالت کامل ، از اهداف معاد و برپایی قیامت

و لکلّ درجت ممّا عملوا و لیوفّیهم أعملهم و هم لایظلمون

لام در <لیوفّیهم>، بیانگر غایت و هـدف است و این که با <واو> آمـده است (و لیوفّیهم) نشان می دهـد که اهداف چندی برای وجود معـاد در کـار است که به ذکر یکی از آنهـا اکتفـا شـده است و آن نفی ظلم در نظـام پاداش و کیفر و برخورداری انسان ها از نتایج اعمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۹۶ - ۲

۲ - برپا ساختن قیامت برای کیفر و پاداش ، نمودی از کمال خداوند و مبرّا بودن ساحت او از هر نقص و کاستی

فسبّح باسم ربّک العظیم

تفریع <فسبّح باسم ربّک> بر مطالب پیشین (فأمّا إن کان من المقرّبین. ..) حاکی از مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه – فیش

۱۹ – حاقه – ۶۹ – ۲۰ – ۳

۳ – حساب رسی اعمال ، مهم ترین ویژگی قیامت و فلسفه برپایی آن

إنّی ظننت أنّی ملق حسابیه

از این که از میان مجموعه مسائل قیامت، مسأله حساب رسی مورد توجه مؤمنان قرار گرفته است; می توان به حقیقت یاد شده پی برد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – معارج – ۷۰ – ۲۶ – ۳

۳ – حساب رسی و کیفر و پاداش بندگان ، مهم ترین خصوصیت معاد و فلسفه برپایی قیامت

و الذین یصدّقون بیوم الدین

مطلب یاد شده، از تعبیر <یوم الدین> درباره قیامت، به دست می آید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نبأ – ۷۸ – ۱۷ – ۲

۲ – متمایز شدن حق از باطل ، فلسفه برپایی قیامت

یوم الفصل

فلسفه گواهی در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۴۱ – ۱۰

۱۰ خداوند در قیامت با وجود آگاهی بر اعمال گواهانی را برای نشان دادن اتقان در حسابرسی ، فراخواهد خواند .

کان اللّه بهم علیماً . .. فکیف اذا جئنا ... و جئنا بک علی هؤلاء شهیداً

قاتل در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۶۸ – ۱۰

۱۰ مشرکان ، آدم کشان و زناکاران ، به روز رستاخیز با کیفر اعمالشان روبه رو خواهند شد .

والذین لایدعون مع اللّه إلهًا . .. و لایزنون و من یفعل ذلک یلق أثامًا

<ذلک> اشاره است به سه گناهی که در جمله های قبل یاد شده

است و <اثام> به معنای جزا و کیفر گناه می باشد (لسان العرب).

قاضی قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۳ - ۱۶

۱۶ - خداوند ، داور و حاکم در صحنه قیامت است .

فاللّه یحکم بینهم یوم القیمه

قانونمندی مواقف قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۱ - ۵

۵- مراحل و مواقف قیامت ، دارای برنامه ریزی و اجرای بسیار دقیق

لنحشرنّهم . .. ثمّ لننزعنّ ... إن منکم ... حتمًا مقضیًّا

قبرها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۴ - ۱

۱ - قبر ها هنگام برپایی قیامت ، زیر و رو شده و هر چه در آن است بیرون ریخته خواهد شد .

و إذا القبور بعثرت

معنای <بعثرت>، این است که خاك قبرها زیر و رو شود و هر آنچه در آن است، پراکنـده گردد. از آن جا که فعل <بعثر> متضمن معنای <بُعِثَ> و <اُثیرَ> است، بعید نیست این فعل مرکب از آن دو فعل باشد. (مفردات راغب)

قبول گواهی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۸۴ – ۱۱

۱۱– شهادت گواهان در قیامت ، خدشه ناپذیر و غیر قابل ردّ است .

و یوم نبعث من کلّ اُمّه شهیدًا ثمّ لایؤذن للذین کفروا

قدرت خدا در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۳۵ – ۶

۶ – ظهور و تجلی اقتدار الهی بر خلق ، در صحنه قیامت

یرسل علیکما .

.. فلاتنتصران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۵ - ۳

۳ - ظهور قدرت مطلق خداوند در قیامت و سیطره فرشتگان بر صحنه های آن ، دلیل بی نظیر بودن عذاب های او است .

فیومئذ لایعذّب عذابه أحد

حرف <فاء> در <فیومئذ>، آیه شریفه را بر مطالبی که در آیات پیشین بیان شد (از جمله آیه <و جاء ربّک و الملک صفّاً صفّاً>) تفریع کرده است.

قضاوت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۳ - ۱۵،۱۶،۱۷

۱۵ - قیامت ، صحنه داوری میان امتهاست .

فاللّه یحکم بینهم یوم القیمه

۱۶ - خداوند ، داور و حاکم در صحنه قیامت است .

فاللّه یحکم بینهم یوم القیمه

۱۷ - خداوند ، در قیامت میان یهود ، نصارا و مشرکان داوری کرده آنان را بسزای گفته ها و اتهام های ناروایشان خواهد رساند .

فاللّه یحکم بینهم یوم القیمه فیما کانوا فیه یختلفون

مراد از حکومت و داوری خدا در قیامت، مجرد بیان حق نیست; زیرا خداوند حقایق را با نازل کردن قرآن بیان داشته و آیه مورد بحث نیز پندار باطل یهود و نصارا را روشن ساخته است. بنابراین، مقصود از <یحکم ...> به کیفر رساندن متخلفان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۹ - ۷

۷ در دادگاه قیامت ، قضاوت بر اساس علم همه جانبه خداوند است و جایی برای وکیل مدافع نیست .

و کان اللّه بما یعملون محیطاً . .. فمن یجدل اللّه عنهم یوم القیمه ام من یکون علی

<وکیل> به کسی گفته

می شود که کارهای دیگری را بر عهده می گیرد و امور وی را تدبیر می کند و مراد از آن در آیه وکالت در دفاع خواهد بود که از آن به وکیل مدافع تعبیر می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۱ - ۱۱

۱۱ داوری خداوند در روز قیامت ، میان مؤمنان و منافقان

الذین یتربّصون بکم . .. فاللّه یحکم بینکم یوم القیمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۲ - ۸

۸ قضاوت و صدور حکم در قیامت، بر اساس محاسبه و سنجش اعمال آدمیان است.

ثم ردوا . .. ألا له الحکم و هو أسرع الحسبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۹ - ۹

۹ قیامت ، روز داوری میان موحدان و مشرکان

و لو لا کلمه سبقت من ربک لقضی بینهم فیما فیه یختلفون

از اینکه خداوند فرمود: دنیا جای داوری میان اهل شرک و توحید نیست، معلوم می شود محل داوری میان آنان، جهانی دیگر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۸ - ۶

۶ قیامت ، عرصه داوری خدا میان انسانها

و یوم نحشرهم جمیعاً ثم نقول للذین أشرکوا مکانکم أنتم و شرکاؤکم فزیلنا بینهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۴ - ۵،۶

۵- خداوند در قیامت ، نسبت به اختلافات و انحرافات یهود ، داوری خواهد کرد .

و إن ربّك ليحكم بينهم يوم القيمه فيما كانوا فيه يختلفون

۶-

قیامت ، روز داوری خداوند در زمینه اختلافات و انحرافات بشر

و إن ربّک لیحکم بینهم یوم القیمه فیما کانوا فیه یختلفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۷ - ۴

۴ - داوری میان مردم در روز بازپسین ، در اختیار خداوند است .

إنّ اللّه یفصل بینهم یوم القیمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۶ - ۲،۳،۶

۲ - قیامت ، روز داوری میان جبهه کفر و ایمان

یحکم بینهم

۳ - خدا ، حاکم و داور روز قیامت

الملک یومئذ للّه یحکم بینهم

۶ - ورود اهل ایمان به بهشت پس از پایان داوری خدا میان آنان و کافران

یحکم بینهم فالذین ءامنوا . .. فی جنّت النعیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۷ - ۱

۱ - کفر و ایمان ، مبنای داوری خدا میان انسان ها در قیامت

یحکم بینهم فالذین ءامنوا . .. و الذین کفروا ... عذاب مهین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۹ - ۲،۳

۲ – خدا ، داور روز قیامت

اللّه یحکم بینکم یوم القیمه

۳ – داوری خدا در قیامت ، بر اساس علم کامل او به کردار آدمیان است .

اللّه أعلم بما تعملون . اللّه یحکم بینکم یوم القیمه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۹۰ – ۱۳

۱۳ – اعمال آدمی ، تنها معیار ارزش و داوری در قیامت

هل تجزون إلّا ما کنتم تعملون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ –

لقمان - ۳۱ - ۲۳ - ۲۰

۲۰ - نیات و انگیزه های پنهان اَعمال ، مدرک و میزان داوری در روز قیامت است .

إلینا مرجعهم فننبّئهم بما عملوا إنّ اللّه علیم بذات الصدور

تعبیر <علیم بذات الصدور> در حقیقت، تأکیدی است بر این نکته که آنچه در اندرون سینه ها می گذرد، دارای نقشی اساسی در ارزش گذاری و بررسی اَعمال آدمی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۱ - ۱

۱ - قیامت ، روز جدایی خوبان و بدان و حق مداران و باطل گرایان و داوری میان آنان است .

هذا یوم الفصل

<فصل> به معنای فاصله و جدایی میان دو شیء است و مقصود از آن در آیه شریفه، جدایی میان خوبان و بدان و حق پویان و باطل گرایان و داوری میان آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۹ - ۱۴

۱۴ - داوری خداوند میان بندگان در قیامت ، بر پایه مستندات پرونده اعمال ، گواهی پیامبران و گواهانی چند خواهد بود .

و وضع الکتب و جایء بالنبیّین و الشهداء و قضی بینهم بالحقّ و هم لایظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۲ - ۵

۵ - همه داوری ها در قیامت ، از آنِ خدا است .

فالحکم للّه

الف و لام در <الحکم> برای جنس و مفید استغراق و شمول می باشد; یعنی، <کلّ حکم للّه>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۴۲ – ۸

۸– داوری نافذ الهی در قیامت

و ناتوانی همه نیرو ها در قبال آن ، نمود عزت و اقتدار یگانه او است .

إنّ یوم الفصل . .. یوم لایغنی ... إنّه هو العزیز الرحیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۱۷ – ۷،۹،۱۰

۷ – داوری حتمی خداوند در قیامت ، نسبت به اختلاف های ناروا و تجاوزگرانه بنی اسرائیل

إنّ ربّک یقضی بینهم یوم القیمه

۹ – داوری پروردگار در قیامت میان انسان ها ، پایانی بر همه خصومت ها و اختلاف های آنان خواهد بود .

إنّ ربّک یقضی بینهم یوم القیمه

۱۰ – داوری پروردگار میان انسان ها و فیصله دادن به همه خصومت های آنان ، جلوه ای از ربوبیت او است .

إنّ ربّک یقضی بینهم یوم القیمه فیما کانوا فیه یختلفون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – مجادله – ۵۸ – ۹ – ۱۰

۱۰ – خداوند ، فرمانروا و داور روز قیامت است .

و اتّقوا اللّه الذی إلیه تحشرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۱۳ – ۱،۲

۱ – قیامت ، روز جداسازی میان خلایق و داوری میان حق و باطل است .

لیوم الفصل

<فصل> به حایل بین دو چیز و نیز به داوری میان حق و باطل گفته می شود(قاموس المحیط). روز قیامت چنان که مفسران گفته اند از این رو <یوم الفصل> نامیده شده که در آن روز، میان خلایق جدایی ایجاد شده و حق از باطل تمیز داده خواهد شد و مورد داوری قرار خواهد گرفت.

۲ – جداسازی میان خلایق و داوری میان حق و باطل ،

از مهم ترین خصیصه روز قیامت

لیوم الفصل

توصیف روز قیامت به <یوم الفصل>، در سلسله آیات مربوط به حوادث قبل و بعد از برپایی قیامت، گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۴ - ۱

۱ - شناخت ژرفای حقیقت و عظمت روز قیامت (روز داوری میان اهل حق و باطل) ، بس دشوار و دست نایافتنی برای بشر

و ما أدریک ما یوم الفصل

از تعبیر <و ما أدراک. ..>(چه چیز آگاه ساخت تو را...) استفاده می شود: قیامت، حقیقتی بس بزرگ و عمیق است که کسی به درستی و شایستگی از آن آگاه نیست و تنها در پرتو وحی الهی، قابل شناخت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۸ - ۱،۲

۱ - قیامت ، روز جداسازی میان خلایق و داوری میان حق و باطل است .

هذا یوم الفصل

<فصل>به حایل بین دو چیز و نیز به داوری میان حق و باطل گفته می شود (قاموس المحیط). روز قیامت، از این رو <یوم الفصل> نامیده شده که در آن روز، میان خلایق جدایی خواهد افتاد و حق از باطل تمیز داده شده و مورد داوری قرار خواهد گرفت.

۲ - جداسازی میان خلایق و داوری میان حق و باطل ، از مهم ترین خصیصه روز قیامت

هذا یوم الفصل

توصیف روز قیامت به <یوم الفصل> در سلسله آیات مربوط به حوادث قبل و بعد از برپایی قیامت، گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٢٠ – نبأ – ٧٨ – ١٧ – ١،٦

١

- قیامت روز داوری بین مردم و رفع اختلافات آنان

یوم الفصل

<فصل>; یعنی، جداسازی دو چیز از یکدیگر به گونه ای که میان آن دو فاصله افتد. اطلاق این کلمه بر روز قیامت، به اعتبار روشن شدن حق از باطل و یا پایان دادن به اختلاف مردم و قضاوت در میان آنان است. (مفردات راغب)

۶ - صحنه داوری در قیامت ، تهدیدی گریزناپذیر برای منکران معاد و شبهه افکنان در حقانیّت آن

عمّ یتساءلون . .. إنّ یوم الفصل کان میقتًا

قطع اسباب در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۶ - ۸

۸ - در قیامت تمامی سبب ها و وسایل پیوند و دوستی میان سران شرک و پیروانشان از میان خواهد رفت .

و تقطعت بهم الأسباب

برداشت فوق بر این اساس است که: مقصود از <الأسباب> مایه های پیوند میان سران و پیروان باشد.

قطع دوستی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۴ - ۲

۲ - قیامت ، روز پایان دوستی ها و پیوند های غیر الهی است .

و یوم تقوم الساعه یومئذ یتفرّقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۸ - ۱۶

۱۶ - نابود شدن دوستی ها و پیوند های ظالمان با یکدیگر در قیامت

و الظلمون ما لهم من ولیّ و لانصیر

برداشت یاد شـده مبتنی بر این است که مقصود از <ولیّ> و <نصـیر>، دوست و یاور دنیایی ظالمان باشد که در آخرت آن دوستی ها و یاری ها وجود نخواهد داشت.

قطع روابط خویشاوندی در قیامت

جلد - نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۱۰۱ – ۳

۳ – گسستن روابط خویشاوندی میان انسان ها ، در روز رستاخیز

فإذا نفخ فی الصور فلاأنساب بینهم یومئذ

قطع روابط در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۶۶ – ۸

۸ – در قیامت تمامی سبب ها و وسایل پیوند و دوستی میان سران شرک و پیروانشان از میان خواهد رفت .

و تقطعت بهم الأسباب

برداشت فوق بر این اساس است که: مقصود از <الأسباب> مایه های پیوند میان سران و پیروان باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۵۲ – ۱۲

۱۲– خداوند ، در قیامت ، بین مشرکان و معبودان شان وادی هلاکت باری را قرار خواهد داد و هرگونه ارتباط میان آنها را ناممکن خواهد ساخت .

و جعلنا بینهم موبقًا

<وبوق> به معنای <هلاك شدن> است و <موبق> اسم مكان به معنای <مكان هلاكت> است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۶۸ – ۴

۴–نزدیکی ها و جدایی ها در صحنه قیامت ، بر اساسا سنخیت های فکری و عملی خواهد بود .

لنحشرنّهم والشیطین ثمّ لنحضرنّهم

پیوستن منکران معاد به صف شیاطین در قیامت، به جهت سنخیتی است که در این از نظر فکری و عملی، در بین این دو طائفه به وجود آمده است. ذکر شیاطین در این آیه، برای بیان همین سنخیت و نتیجه ای است که از آن در صحنه قیامت بروز می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم -

۱۹ – ۷۵ – ۱۹

۱۹– پوچی و بی اثری امکانات دنیایی ، موقعیت های اجتماعی و گروه بندی ها ، در هنگام نزول عذاب و یا فرارسیدن مرگ و قیامت

فسیعلمون من هو شرّ مکانًا و أضعف جندًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۱۰۱ – ۵،۶

۵ – بی پناهی و تنهایی شدید انسان ها در عرصه قیامت ، علی رغم حضور در جمع

فلاأنساب بینهم یومئذ و لایتساءلون

۶ – نسب ها و تفاخر به نیاکان ، امری اعتباری و فاقد کمترین اثر در قیامت

فإذا نفخ فی الصور فلاأنساب بینهم یومئذ

برداشت فوق، بر این اساس است که <فلاأنساب بینهم. ..> به تقدیر <لاأنساب بینهم یتفاخرون بها> باشد; یعنی، در آن روز نسبی نیست تا به آن تفاخر کنند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۸۸ – ۲

۲ – قطع رابطه انسان با عوامل مادی تأثیرگذار در دنیا ، به روز رستاخیز

یوم لاینفع مال و لابنون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۱۴ – ۲

۲ – قیامت ، روز پایان دوستی ها و پیوند های غیر الهی است .

و یوم تقوم الساعه یومئذ یتفرّقون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۱۸ – ۶

۶ – روابط فامیلی و عاطفی ، هیچ تأثیری در سرنوشت انسان در روز رستاخیز ندارد .

و إن تدع مثقله إلی حملها لایحمل منه شیء و لو کان ذاقربی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۸

۱۶ - نابود شدن دوستی ها و پیوند های ظالمان با یکدیگر در قیامت

و الظلمون ما لهم من ولیّ و لانصیر

برداشت یاد شـده مبتنی بر این است که مقصود از <ولیّ> و <نصیر>، دوست و یاور دنیایی ظالمان باشد که در آخرت آن دوستی ها و یاری ها وجود نخواهد داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۱ - ۱

۱- قیامت صحنه گسستگی و بی تأثیری دوستی ها ، پیوند ها ، حمایت ها و دیگر روابط دنیایی

یوم لایغنی مولًی عن مولًی شیًا و لا هم ینصرون

<مولی> در لغت، از ماده <ولاء> به معنای ارتباط و پیوند دو چیز با یکدیگر است و در مصادیق مختلفی; همچون دوست، سرور، خدمت گزار، بنده، مالك و. .. به کار می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۳ - ۶

۶ - قیامت روز گسسته شدن پیوند ها و جدایی خویشاوندان و فرزندان از والدین

لن تنفعکم . .. یوم القیمه یفصل بینکم

قطع عذر در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۵ - ۴

۴ - اقدام خداوند به بستن راه هرگونه عذر و بهانه بر روی اهل شرك ، با برگزیدن افراد خبره آن جوامع جهت پاسخ گویی به سؤالات خود در قیامت

و نزعنا من کلّ اُمّه شهیدًا

برداشت یاد شـده از آن جا است که خداونـد به جای این که مسـتقیماً از مردم مطالبه دلیل کنـد، افراد خبره ای را از میان آنان بیرون می آورد و در حضور آن جوامع، از

آن افراد می خواهد که برهان خود را برای شرک بیان کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۲ - ۵

۵ - عذر ها و حجت های مجرمان و تبهکاران ، در روز قیامت ، قطع می شود .

و یوم تقوم الساعه یبلس المجرمون

گفته شده که معنای <إبلاس>، سکوت و قطع شدن حجت است (مفردات راغب).

قطع علایق در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۶ - ۸

۸ - در قیامت تمامی سبب ها و وسایل پیوند و دوستی میان سران شرک و پیروانشان از میان خواهد رفت .

و تقطعت بهم الأسباب

برداشت فوق بر این اساس است که: مقصود از <الأسباب> مایه های پیوند میان سران و پیروان باشد.

قوم ابراهیم در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۵ - ۱۰،۱۲،۱۳،۱۵

۱۰ - در قیامت ، قوم ابراهیم به رغم دوستی در دنیا از هم برائت می جویند .

ثمّ یوم القیمه یکفر بعضکم ببعض

<یکفر> در این آیه، احتمال دارد به معنای رایج آن، یعنی <کفر ورزیدن> باشد، و احتمال هم دارد به معنای <بی زاری جستن> باشد. برداشت بالا بنابر احتمال دوم است.

۱۲ - قوم ابراهیم ، در قیامت ، معبودان خود را مورد انکار و کفر قرار می دهند .

ثمّ یوم القیمه یکفر بعضکم ببعض

برداشت بالا- بنابراین اساس است که <یکفر> به همان معنای رایج اش بوده و مفعول آن <ببعض> باشد که مراد از آن معبودان مشرکان است.

۱۳ - قوم ابراهیم ، در قیامت همدیگر را لعن

می کنند .

ثمّ یوم القیمه . .. و یلعن بعضکم بعضًا

۱۵ – حضرت ابراهیم (ع) وضعیت قوم اش را در قیامت ، برای آنان تشریح کرد .

و قال إنّما . .. ثمّ یوم القیمه یکفر بعضکم ببعض و یلعن بعضکم بعضًاو مأویکم الن

قیامت در ادیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۳۰ – ۷

۷ اعتقاد به قیامت اصلی مسلم در همه ادیان الهی است.

رسل منکم . .. ینذرونکم لقاء یومکم هذا

قیامت در جمعه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۰۳ – ۸

۸ < قال الصدوق روی : . . . و تقوم القیامه فی یوم الجمعه . . . قال الله عزوجل : < ذلک یوم مجموع له الناس و ذلک یوم مشهود > ;

صدوق گوید: روایت شده است که . .. قیامت در روز جمعه برپا می شود ... و خدای عزوجل فرمود: ذلک یوم مجموع ...>.

کارگزاران خدا در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – فجر – ۸۹ – ۲۳ – ۴

۴ – جهنم ، مقهور کارگزاران صحنه قیامت و عرضه آن بر اهل محشر بر عهده آنان است .

و جاْیء

مجهول آوردن فعل <جیء>، بر وجود مأمور برای آوردن جهنم دلالت دارد.

کارگزاران خدا و مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۴ - ۵

۵ - یادآوری مواضع انکارآمیز تکذیب کنندگان قیامت از سوی مأموران الهی ، به هنگام مواجهه آنان با آتش دوزخ

هذه النار الّتی کنتم بها

تکذّبون

کارگزاران قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۹ - ۹

۹ اصحاب اعراف دارای مرتبه ای والا در پیشگاه خداوند و از کارگزاران صحنه قیامت هستند .

قالوا . .. ادخلوا الجنه لا خوف علیکم و لا أنتم تحزنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۸ - ۱۳

۱۳ گواهان اعمال ، از کارگزاران صحنه قیامتند .

و یقول الأشهد . .. ألا لعنه الله علی الظلمین

کافران به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸ - ۱

۱ کافران به قرآن و پیامبر (ص) و قیامت ، مستحق عذاب دنیوی اندو به آن تهدید شده اند .

و لئن أخّرنا عنهم العذاب

جمله <ما یحبسه> (چه چیز مانع نزول آن عـذاب است؟) می رساند که مراد از <العذاب> عذاب دنیوی است و نیز حکایت از این دارد که کفرپیشگان ، به آن عذاب تهدید شده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵ - ۵

۵ - موضع گیری ناباورانه مشرکان صدراسلام ، درباره وعده قیامت

إنّما توعدون لصادق

کافران پیرو در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۲۱ – ۶،۷،۸،۱۲

۶- درگیری لفظی عوام کفار با رهبران مستکبر خود در قیامت

فقال الضعفؤا للذین استکبروا إنّا کنّا لکم تبعًا فهل أنتم مغنون عنّا من عذاب الل

۷- کافرانِ پیرو ، در قیامت با اعتراف به پیروی کورکورانه از رهبران خویش ، آنان را مسؤول بدفرجامی خود معرفی خواهند

كرد .

فقال الضعفؤا للذين استكبروا إنّا كنّا لكم تبعًا فهل أنتم مغنون عنّا من عذاب الل

۸- كافرانِ پيرو از رهبران مستكبر خويش ، در قيامت درخواست مى كنند كه در صورت امكان ، اندكى از عذاب خدا را از آنان بكاهند .

فقال الضعفؤا للذين استكبروا إنّا كنّا لكم تبعًا فهل أنتم مغنون عنّا من عذاب الل

تنوين <شىء> تنوين تنكير و براى كم بودن است.

۱۲- عذاب كافرانِ پيرو در قيامت به قدرى شديد است كه آنان را به دريوزگى مى كشاند .

فقال الضعفؤا للذين استكبروا إنّا كنّا لكم تبعًا فهل أنتم مغنون عنّا من عذاب الل

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - ابراهيم - ۱۴ - ۲۲ - ۱،۲

۱- پس از درگيرى لفظى رهبران مستكبر با پيروان خود در قيامت ، آنان با شيطان به منازعه مى پردازند .

فقال الضعفؤا للذين استكبروا . .. قالوا ... و قال الشيطن لمّا قضى الأمر

ذكر قصه شيطان و سخنان وى در قيامت با جهنّميان، پس از گفت و گوهاى رهبران مستكبر و پيروانشان، نشان دهنده ادامه ماجراى مستكبران و پيروان آنها با شيطان است.

۲- رهبران مستكبر و پيروانشان ، سرانجام در قيامت شيطان را مسبب اصلى گمراهى خويش قلمداد مى كنند .

فقال الضعفؤا للذين استكبروا . .. قالوا ... و قال الشيطن لمّا قضى الأمر إنّ الل

ذكر سخنان شيطان در قيامت خطاب به گمراهان، پس از ذكر جريان مستكبران و پيروانشان، احتمال دارد از اين جهت باشد كه آنان گمراهى خويش را به شيطان نسبت مى دهند و او درصدد پاسخ گويى برمى آيد.

كافران در قيامت

جلد - نام سوره - سوره - آيه -

فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۲ - ۱۲،۱۳،۱۵،۱۷

۱۲ جایگاه بلند مؤمنان تقوا پیشه نسبت به کافران ، در روز قیامت

و الذین اتقوا فوقهم یوم القیمه

۱۳ قیامت ، روز ظهور برتری تقواپیشگان بر کافران و روز ظهور ارزش های حقیقی

و الذین اتقوا فوقهم یوم القیمه

چون برتری مؤمنان تقواپیشه در دنیا نیز حتمی است ; بنابراین <یوم القیمه>، ظرف ظهور این برتری خواهد بود.

۱۵ جایگاه پست دنیاپرستان و کافران در آخرت

و الذین اتقوا فوقهم یوم القیمه

۱۷ وعده الهی به مؤمنان نسبت به برتری آنان در قیامت ، عامل تسلّی و مقاومت آنان در برابر استهزای کافران

و الذین اتقوا فوقهم یوم القیمه

به نظر می رسد جمله <و الذین اتّقوا . ..>، پس از عنوان کردن تمسخر تقواپیشگان از سوی کافران، به منظور تسلّی آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۱ - ۱،۵،۶

۱ کسی که در حال کفر بمیرد ، اگر به اندازه تمامی زمین برای رهایی خود طلا فدیه دهد ، پذیرفته نخواهد شد .

انّ الذین کفروا . .. و لو افتدی به

۵ ایمان ، ارزشی فراتر از سنجش و مقایسه با تمامی مادیات

انّ الذین کفروا . .. فلن یقبل من احدهم مِلءُ الارض ذهباً

۶ کافران ، محروم از هر گونه یار و یاور در قیامت

و ما لهم من ناصرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۸ - ۹

۹ - در قیامت ، راه نجاتی برای کافران به قرآن وجود نخواهد داشت .

ءامنوا بما أنزلت . .. واتقوا یوماً لاتجزی نفس

عن نفس

هدف از توصیف قیامت به اینکه: فدیه و عوضی گرفته نمی شود و . ..، مأیوس کردن مستحقان عذاب است از اینکه مبادا راه نجاتی برای خود - جز ایمان و ... - توهم کرده و به اعتبار آن دلخوش باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۲ - ۹

۹ - خداوند در قیامت نظر رحمتی بر کفرپیشگان و کتمان کنندگان حقایق دینی ، نخواهد داشت .

و لاهم ینظرون

در برداشت فوق فعل مجهول <ینظرون> از (نظر) به معنای رؤیت گرفته شده است. بر این مبنا <ولاهم ینظرون>; یعنی، نظر رحمتی به آنان نخواهد شد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۷ - ۳

۳ در قیامت ، کافران از اعمال صالح خویش ، بهره ای نمی برند .

و اما الذین امنوا و عملوا الصالحات فیوفیهم اجورهم

چون پاداش الهی مشروط به توأم بودن ایمان و عمل صالح است، بنابراین عمل صالح بدون ایمان، پاداش الهی را در پی نخواهد داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۱ - ۴

۴ رسوایی و وخامت حال بخیلان ، ریاکاران و کافران به خدا و قیامت در صحنه قیامت

الذین یبخلون . .. فکیف اذا جئنا من کل امّه بشهید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۲ - ۱،۲،۳،۸،۱۱

۱ نیستی و نابودی ، آرزوی کافران و عصیانگران بر پیامبر (ص) ، در قیامت

یومئذ یودّ الذین کفروا و عصوا الرسول لو تسوّی بهم الارض

<لو>

در <لو تسوّی> به معنای لیت (ای کاش) است، و جمله <لو تسوّی . .. > کنایه از هیچ و پوچ شدن است.

۲ شرمساری و رسوایی بی اندازه کافران به خدا و منکران معاد در قیامت

ماذا علیهم لو امنوا . .. یومئذ یودّ الذین کفروا ... لو تسوّی بهم الارض

به دلیل آیات گذشته، مراد از کفر، کفر به خدا و معاد است.

۳ صحنه شهادت پیامبر (ص) در قیامت ، موجب شرم و تأسف بی اندازه کافران

و جئنا بک علی هؤلاء شهیداً. یومئذ یودّ الذین کفروا ... لو تسوّی بهم الارض

<یومئذ> متعلق به <شهیداً> است. یعنی آن روز که پیامبر (ص) بر اعمال گواهی دهد.

۸ پشیمانی و تأسف شدید کافران در قیامت از کتمان کردن حقایق در دنیا

یومئذ یودّ الذین کفروا و عصوا الرسول . .. و لا یکتمون اللّه حدیثاً

بنابر اینکه <لا یکتمون> عطف بر جمله <تسوّی> باشد.

۱۱ شرمساری و پشیمانی کافران در قیامت ، از کتمان حقانیت رسالت پیامبر (ص)

و عصوا الرسول . .. و لا یکتمون اللّه حدیثاً

مصداق مورد نظر از کتمان حدیث در آیه شریفه، به دلیل <کفروا و عصوا الرسول>، کتمان حقّانیّت پیامبر (ص) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۱ - ۱۷

۱۷ کافران ، در قیامت هیچ سلطه و یا حجتی علیه مؤمنان نخواهند داشت .

فاللّه یحکم بینکم یوم القیمه و لن یجعل اللّه للکفرین علی المؤمنین سبیلا

برخی از مفسران به قرینه <فاللّه یحکم بینکم یوم القیمه>، معتقدند که نفی هرگونه سلطه از سوی کافران بر مؤمنان، مربوط به روز قیامت است.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۹ - ۱

۱ خداوند در قیامت کافران ظالم را جز به راه جهنم هدایت نخواهد کرد .

و لالیهدیهم طریقاً. الا طریق جهنم

در برداشت فوق ظرف و زمان هـدایت در جمله <و لالیهـدیهم . ..> روز قیامت گرفته شـده است ; یعنی خداوند در آن روز کافران را تنها به سوی جهنم رهنمون خواهد ساخت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۷ - ۸

۸ کافران با مشاهده مقام و جایگاه مؤمنان در قیامت به آن حسرت می خورند.

یلیتنا نرد و لا نکذب بأیت ربنا و نکون من المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۸ - ۷،۸

۷ وعده دروغین برخی کفار مبنی بر اصلاح خویش و تکذیب نکردن آیات الهی در صورت بازگشت به دنیا

فقالوا یلیتنا نرد و لا نکذب . .. و إنهم لکذبون

۸ کافران تکذیب کننده آیات الهی حتی در صورت بازگشت به دنیا ایمان نمی آورند.

فقالوا یلیتنا نرد . .. و لو ردوا لعادوا لما نهوا عنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۰ - ۱۱

۱۱ کافران در قیامت برای اثبات گفته های خویش مکرر سوگند می خورند.

و اللّه ربنا ما کنا مشرکین . .. قالوا بلی و ربنا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۳۵ – ۴

۴ کافران در روز قیامت در خواهند یافت که فرجام نیک از آن مؤمنان

است.

فسوف تعلمون من تکون له عقبه الدار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۱

۱ خداوند در روز قیامت کافران را فرمان می دهد تا در آتش درآیند و به جمع دوزخیان بپیوندند.

قال ادخلوا فی أمم . .. فی النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۹ - ۴

۴ پیروان شرک و کفر، در قیامت، خواهند فهمید که گناهی کمتر از سرانشان بر دوش ندارند.

فما کان لکم علینا من فضل

چون جمله <فما کان . ..> نتیجه پاسخ خداوند است که فرمود <لکل ضعف و لکن ...> معلوم می شود هر دو گروه (سران و پیروان) از آن جمله می فهمند که به گناهی همسان گرفتار هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۸ - ۱،۴

۱ احزاب کفرپیشه و مستکبر دارای علامت و نشانهایی مخصوص به خود در قیامت

و نادی اصحب الاعراف رجالا یعرفونهم بسیمهم

۴ اصحاب اعراف با به رخ کشیدن بی ثمری امکانات مادی و قدرت های دنیوی کافران ، آنان را ناکام خوانده و شماتت می کنند .

قالوا ما أغنی عنکم جمعکم و ما کنتم تستکبرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۱ - ۷

۷ خداوند در روز قیامت کافران منکر قیامت را به فراموشی خواهد سپرد و اعتنایی به آنان نخواهد کرد .

فالیوم ننسیهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۵۳ – ۱۱،۱۳

۱۱ کافران به قرآن

، در قیامت ، اندیشه ها و باور های خودبافته و مخالف تعالیم دین را سرابی بر باد رفته خواهند دید .

ضل عنهم ما کانوا یفترون

۱۳ کافران در قیامت هیچ اثری از معبودان دروغین خویش نخواهند یافت .

و ضل عنهم ما کانوا یفترون

با توجه به زمان نزول قرآن که مخالفان اسلام مشرکان و بت پرستان بودند و آنان معبودان دروغین خویش را منشأ اثر در سرنوشت انسانها می پنداشتند، می توان گفت از مصادیق مورد نظر برای <ما کانوا یفترون> معبودان ساختگی و دروغین کفرپیشگان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۸ - ۷

۷ مشرکان و کافران ، در روز قیامت حاضرند در صورت دارا بودن حتی دو برابر ثروت زمین ، آن را برای رهیدن از عذاب فدیه دهند .

والذین لم یستجیبوا له لو أن لهم ما فی الأرض جمیعًا و مثله معه لافتدوا به

<إفتداء> (مصدر افتدوا) به معنای بخشیدن چیزی است برای رها شدن و خلاصی یافتن از اسارت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۱ - ۲

۲- همه کافران به صورت دسته جمعی در پیشگاه خداوند حضور خواهند یافت .

و برزوا لله جمیعًا

برداشت فوق، مبتنی بر این احتمال است که مرجع ضمیر <برزوا> کافرانی باشد که در آیات قبل از آنان بحث شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۵ - ۱۷

۱۷- < عن أبی جعفر (ع) فی قوله : < لیحملوا اوزارهم کامله یوم القیامه > یعنی لیستکملوا الکفر یوم القیامه <

و من اوزار الذین یضلّونهم بغیر علم > یعنی کفر الذین یتولّونهم ;

از امام باقر(ع) روایت شده است که در باره قول خدا <لیحملوا أوزارهم کامله یوم القیامه> فرمود: مقصود این است که کفر خود را در قیامت کامل کنند و درباره <و من اوزار الذین یضلّونهم بغیر علم> فرمود: مقصود این است که کفر پیروان خویش را [بر دوش بگیرند]. ..>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۷ - ۱۰

۱۰- برخورداران از علم در روز قیامت ، ذلت کافران را در آن روز ، به آنان اعلام خواهند نمود .

قال الذین أُوتوا العلم إن الخزی الیوم و السوء علی الکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۸ - ۱۹

۱۹- کافران در قیامت ، در دفاع از خود به دروغ گویی خواهند پرداخت .

ما کنّا نعمل من سوء بلی إن الله علیم بما کنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۴ - ۱۲

۱۲- کافران در روز قیامت ، هیچ راهی برای جلب رضایت خداوند نمی یابند .

ثمّ لایؤذن للذین کفروا و لا هم یستعتبون

<إستیعاب> (مصدر یستعتبون) به معنای درخواست از بدی کننده برای بازگشت از بدکاری و جلب رضایت کسی که به او بدی شده است، می باشد. بنابراین معنای جمله <و لا هم یستعتبون> چنین خواهد بود: از آنان نخواهند که عذرخواهی کنند و یا کاری کنند که خدا از ایشان راضی شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۷ -

۹- آخرت ، زمان بازگردانده شدن ستم گران و کافران و افراد ناصالح به پیش گاه خداوند و حساب رسی کردار آنها است .

ثمّ یردّ إلی ربّه فیعذّبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۰ - ۱،۲

۱- خداوند ، جهنم را در صحنه قیامت بر کافران عرضه خواهد کرد .

و عرضنا جهنّم یومئذ للکفرین عرضًا

۲- عرضه جهنم بر کافران در قیامت ، برای آنان صحنه ای دشوار و دهشت زا است .

و عرضنا جهنّم یومئذ للکفرین عرضًا

<عرضاً> علاوه بر تأکید سخن به دلیل نکره بودن بر عظمت کار نیز دلالت دارد و عظمت عرضه جهنم، به هول انگیز بودن آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۵ - ۹

۹- کافران ، به رغم کار و تلاش در دنیا ، در روز قیامت و ملاقات پروردگار ، تهیدست و بی توشه اند .

الذین کفروا . .. فحبطت أعملهم فلانقیم لهم یوم القیمه وزنًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۸ - ۱

۱- کافران در قیامت و به هنگام حضور در پیشگاه خداوند ، شنوایی و بینایی اعجاب برانگیزی برخوردار خواهند بود .

أسمع بهم و أبصر یوم یأتوننا

<أسمع بهم> و <أبصر> صیغه های تعجب هستند، یعنی چقدر شنوا و بینا هستند!؟.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۳۹ – ۱

۱– کافران ، در روز رستاخیز در احاطه آتشی فراگیر بوده و از دفع آن از چهره و قفای خود ناتوان خواهند بود

.

لو يعلم الذين كفروا حين لايكفّون عن وجوههم النار و لا عن ظهورهم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۴۰ - ۱

۱- كافران ، در روز رستاخيز به طور ناگهانى با آتش فراگير روبه رو خواهند شد .

لايكفّون عن وجوههم النار . .. بل تأتيهم بغته

<بغت> به معناى امر ناگهانى و به دور از محاسبه و پيش بينى است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۹۷ - ۴،۶،۸،۱۱

۴- خيرگى و بهت زدگى كافران هنگام برپايى قيامت

و اقترب الوعد الحقّ فإذا هى شخصه أبصر الذين كفروا

<شخوص> به معناى دوختن چشم به يك شىء، بدون تحرك است غالباً چنين حالتى براى افراد مبهوت پيش مى آيد.

۶- قيامت ، حادثه اى وحشت زا و دهشت آفرين براى كافران

و اقترب الوعد الحقّ فإذا هى شخصه أبصر الذين كفروا

خيره شدن ديدگان كافران و بهت زدگى آنان، ناشى از حوادث هولناك و دهشت آفرين قيامت است.

۸- اظهار حسرت كافران در قيامت ، به خاطر غفلت عميق و پيوسته خويش از روز قيامت

يويلنا قد كنّا فى غفله من هذا

برداشت ياد شده از آمدن <فى> كه براى ظرفيت است استفاده مى شود. بدين صورت كه غفلت، ظرف و انسانِ غافل، مظروف قرار گرفته است و اين حكايت از غوطهور شدن و فرورفتن در عمق غفلت دارد.

۱۱- اعتراف كافران در قيامت ، به ظلم و ستم پيشگى خويش در دنيا

بل كنّا ظلمين

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۳۹ – ۱۱،۱۲

۱۱ – کافران ، در روز رستاخیز به

جای نیل به ثمره اعمال نیک خویش ، با خدا و کیفر او مواجه خواهند شد .

و الذین کفروا أعملهم کسراب بقیعه . .. حتّی إذا جاءه لم یجده شیئًا و وجد اللّه ع

۱۲ - کافران ، به هنگام اطلاع از پوچی اعمالشان در قیامت ، به حقانیت خداوند پی خواهند برد .

و الذین کفروا أعملهم کسراب بقیعه یحسبه الظمأن ماء حتّی إذا جاءه لم یجده شیئًا و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۶ - ۵

۵ قیامت ، روزی سخت و ناگوار بر کافران

و کان یومًا علی الکفرین عسیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۳ - ۱،۷،۸

۱ - کافرانی که در اغوای مسلمانان فعال بودند ، علاوه بر گناه خود ، گناهان فریب خوردگان شان را نیز در قیامت ، بر دوش خواهند کشید .

و قال الذین کفروا . .. اتّبعوا سبیلنا ... و لیحملنّ أثقالهم و أثقالاً مع أثقالهم

۷ - بازخواست کافران ، در قیامت ، به خاطر تلاش همواره آنان در افترا زدن است .

و لیسئلنّ یوم القیمه عمّا کانوا یفترون

۸ - بازخواست کافران ، در قیامت ، بازخواستی ناخواسته و همراه با بی اعتنایی است .

و لیسئلنّ یوم القیمه عمّا کانوا یفترون

مجهول آورده شدن فعل <یُسئلنّ> که ضمیر نایب فاعلی آن، به <کافران> باز می گردد حکایت از حقیقت یاد شده می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۴ - ۳

۳ – صفوف مؤمنان ، در روز قیامت ، از صف کافران

جدا می شود .

و یوم تقوم الساعه یومئذ یتفرّقون

در صورتی که مرجع ضمیر <یتفرّقون> واژه <الخلق> در آیه یازده باشد و به قرینه دو آیه بعد که درباره وضعیت مؤمنان و کافران است نکته یاد شده قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۳ - ۱۲

۱۲ - روز قیامت ، روز تفکیک شدن کامل انسان های مؤمن از انسان های کافر است .

یومئذ یصّدّعون

احتمال دارد مراد از تفکیک شدن و جدایی در روز قیامت، تفکیک صفوف اهل بهشت از صفوف کسانی که اهل جهنم اند باشد. آیه بعد، مؤید این برداشت است

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۴ - ۲،۸

۲ - پیامد های ناگوار کفر کافران ، در قیامت تنها ، متوجّه خود آنان است .

یومئذ یصّدّعون . من کفر فعلیه کفره

۸ - در قیامت ، صفوف کافران و مؤمنان ، از هم جدا می شود .

یومئذ یصّدّعون . من کفر فعلیه کفره و من عمل صلحًا ... یمهدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۵ - ۵،۸،۱۱

۵ - کافران ، زنده شدن خود را در قیامت ، معلول فاصله زیاد نداشتن مرگ شان تاروز قیامت می دانند . *

و یوم . .. یقسم المجرمون ما لبثوا غیر ساعه

احتمال دارد قسم خوردن کافران بر طولانی نبودن حضورشان در برزخ و نیز جواب صاحبان علم و ایمان به آنان، برای طولانی

بودن آن مدت، به خاطر ذکر این نکته باشد که کافران، با چنین ادعایی،

در پی اثبات این امر باشند که بدن شان، هنوز آمادگی حیات داشته است.

۸ - کافران ، در قیامت بهانه می آورند که در دنیا ، فرصت لازم را برای ایمان آوردن نداشته اند . *

و یوم تقوم الساعه یقسم المجرمون ما لبثوا غیر ساعه

برداشت بالا، بنابراین احتمال است که مکانی که کافران مجرم، از آن سخن می گویند، دنیا باشد و مرادشان از بیان چنین نکته ای، با ذکر قسم، به قرینه آیه پنجاه و هفت <فیومئذ لاینفع الذین ظلموا معذرتهم> عذرخواهی و یا بهانه تراشی باشد.

۱۱ - کافران ، در قیامت ، دروغ پردازی می کنند .

و یوم تقوم الساعه یقسم المجرمون ما لبثوا . .. کذلک کانوا یؤفکون

از جمله معناهای <إفک>، انصراف از راستی در گفتار به دروغ گویی است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۶ - ۱،۹

۱ - برخورداران از علم و ایمـان ، در قیـامت ، در مقابل اِعلام نظر کافران درباره درنگ کوتاه مـدت شان در برزخ ، اظهار می دارند که درنگ شان ، از روز مرگ تا برپایی قیامت بوده است .

و یوم تقوم الساعه . .. ما لبثوا غیر ساعه ... و قال الذین أوتوا العلم ... لقد لبث

۹ - کافران ، در قیامت ، از سوی مؤمنان عالِم ، سرزنش می شوند .

و قال الذین أوتوا العلم . .. فهذا یوم البعث

<فاء> در <فهـذا> فصیحه است و دلالـت بر جمله ای مقـدر می کنـد که می توانـد چنین باشـد: <اگر شـما، منکر قیامت بودید، این هم قیامت!>. <هذا> در این بیان طبق گفته

مفسران برای توبیخ و سرزنش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۳ - ۱۲،۱۳

۱۲ - مجازات کافران و بدکاران در قیامت ، همراه با آگاه شدن از جرم شان است .

إلینا مرجعهم فننبّئهم بما عملوا

۱۳ - کافران ، از تمامی اَعمال دنیوی خویش ، در قیامت ، از سوی خداوند آگاه می شوند .

إلینا مرجعهم فننبّئهم بما عملوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۴ - ۷

۷ - کافران در قیامت ، وادار می شوند که در عذابی سخت ، وارد شوند .

نمتّعهم قلیلاً ثمّ نضطرّهم إلی عذاب غلیظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۹ - ۳،۷

۳ - ایمان کافران ، در قیامت ، ایمانی بی حاصل و غیر سودمند به حال آنان است .

یوم الفتح لاینفع الذین کفروا إیمنهم

برداشت بالا، بنابراین احتمال است که مراد از <یوم الفتح> روز قیامت است.

۷ - کافران در قیامت ، برای انجام دادن هیچ کاری ، فرصت نخواهند داشت .

یوم الفتح . .. و لا هم ینظرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۶ - ۱،۲

۱ - در روز بی یار و یاوری کافران ، صورت های آنان ، در آتش از این رو به آن رو ، چرخانده می شود ، تا خوب بسوزد .

لایجدون ولیًّا . .. یوم تقلّب وجوههم فی النار

بنابراین که <یوم> ظرف برای <لایجدون>باشد، نکته یاد شده به دست می آید.

۲ - در روز قیامت ، صورت های

کافران ، در آتش ، بر اثر شدت حرارت ، منقلب شده ، به رنگ های گوناگون در می آید .

یوم تقلّب وجوههم

احتمال دارد که <تقلّب> به معنای <از این رو به آن رو شدن> باشد و احتمال دارد که به معنای < تحوّل و تغییر حالت کیفی> باشد که گاهی سیاه و گاهی زرد و . .. می شود. برداشت بالا، بنابر احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۷ - ۶

۶ - کافران ، با مشاهده عذاب الهی ، در قیامت ، به درگاه خداوند ، اظهار تضرّع می کنند .

و قالوا ربّنا

اقرار به ربوبیت خداوند با واژه <ربّنا> برای اظهار تضرّع است. لازم به ذکر است که این گفته، به قرینه ماضی آورده شدن <قالوا> در کنار <یقولون> احتمال دارد مربوط به زمانی باشد که کافران، هنوز وارد آتش نشده اند و تنها، آن را مشاهده می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۸ - ۲،۳

۲ - کافرانِ پیرو در قیامت ، به ربوبیت خداوند اعتراف می کنند .

و قالوا . .. ربّنا

۳ - کافران در قیامت ، در می یابند که منشأ عذاب ، خداوند است .

ربّنا ءاتهم ضعفین من العذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۱ - ۱۳

۱۳ - کافران به قرآن ، در قیامت مورد مؤاخذه قرار خواهند گرفت .

و قال الذین کفروا لن نؤمن بهذا القرءان . .. و لو تری إذ الظلمون موقوفون عند ربّ

سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۳ - ۱۷

۱۷ - اظهار پشیمانی مستکبران و مستضعفان کافر در قیامت ، با مشاهده عذاب

و أسرّوا الندامه لمّا رأوا العذاب

<أسرّ> از لغت هایی است که معنای متضاد دارد (مفردات راغب) و به معنای آشکار کردن و پنهان کردن است که آنان پشیمانی خود را اظهار خواهند کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۲ - ۲،۳،۴

۲ - وضعیت کافران در روز رستاخیز ، بسیار تأسف بار و حسرت آور خواهد بود .

قالوا یویلنا

۳ - وضعیت کافران در قیامت ، آن چنان وخیم و تأسف بار خواهد بود که عالم قبر و برزخ را برای خود استراحت گاه خواهند دانست .

قالوا یویلنا من بعثنا من مرقدنا

<مرقد> اسم مکان از <رقاد> (خواب) به معنای خواب گاه است. تعبیر کافران از قبرها به خوابگاه، می تواند به این جهت باشد که آنان، وضعیت خود را در قیامت آن چنان سخت می بینند که عالم برزخ و قبر را در مقایسه با آن، خوابگاه و محل استراحت خویش می خوانند.

۴ - کافران در قیامت ، از زنده شدن و بیرون آمدن شان از قبر ها ، بسیار شگفت زده خواهند شد .

قالوا یویلنا من بعثنا من مرقدنا

برداشت یاد شده از آن جا است که استفهام (من) در آیه شریفه، برای تعجب استعمال شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۳ - ۱

۱ - جهنم ، در روز رستاخیز از نزدیک به کافران و مجرمان نشان داده خواهد شد .

هذه جهنّم الّتی

كنتم توعدون

<هذه> كه به شىء نزديک اشاره دارد مى رساند كه جهنم در نزديكى كافران و مجرمان قرار داشته و به آنان نشان داده خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - يس - ۳۶ - ۶۵ - ۱،۲

۱ - در قيامت بر دهان كافران مهر زده شده و آنان از هرگونه سخن گفتن ناتوان خواهند شد .

اليوم نختم على أفوههم

مقصود از مهر خوردن دهان كافران، ناتوان شدن آنان از هر گونه سخن گفتن است.

۲ - كافران در قيامت ، از هرگونه دفاع از خود در برابر محكوميتشان به دوزخ ، ناتوان خواهند بود .

هذه جهنّم الّتى كنتم توعدون . .. اليوم نختم على أفوههم

مهر خوردن دهان كافران، به قرينه آيه قبل كه سخن از محكوميت آنان به دوزخى شدن بود مى تواند كنايه از ناتوانى آنان در دفاع از خود، در برابر دوزخى شدن خويش باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۷ - ۱۰

۱۰ - كافران ، در ناگوارترين وضعيت و محكوم به آتش دوزخ در روز رستاخيز

فويل للذين كفروا من النار

كلمه <ويل> دلالت بر شدت بدى احوال مى كند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۵ - ۳

۳ - مشركان و كافران در عرصه قيامت ، سرمايه عمر خود را تباه شده مى بينند و خويش را از حمايت خانواده شان ، محروم مى يابند .

قل إنّ الخسرين الذين خسروا أنفسهم و أهليهم يوم القيمه

مقصود از <أنفس> سرمایه های عمر و مراد از <أهل> خانواده می باشد. بر

این اساس خسارت نفس، به معنای تباه ساختن و بهره کافی نگرفتن از سرمایه عمر است. خسارت اهل نیز به معنای از کف دادن حمایت خانواده و بهره نجستن از آنان می باشد. گفتنی است برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که مخاطبان آیه شریفه کافران و مشرکان هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۷ - ۱،۳

۱ - ظهور ارزش تقوا و نقش هدایت الهی (قرآن) ، هنگام عذاب و در قیامت برای کافران و گنه کاران

أو تقول لو أنّ اللّه هدینی لکنت من المتّقین

۳ - غبطه و حسرت کافران و گنه کاران ، به حال تقواپیشگان در قیامت

أنّ اللّه هدینی لکنت من المتّقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۸ - ۵،۶

۵ - ظهور ارزش احسان ، برای کافران و گنه کاران در قیامت

لو أنّ لی کرّه فأکون من المحسنین

۶ - غبطه و حسرت کافران و گنه کاران به حال محسنان در قیامت

لو أنّ لی کرّه فأکون من المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۱ - ۳،۱۹

۳ - وجود فاصله میان موقف کافران ، در محشر و دوزخ

و سیق الذین کفروا إلی جهنّم زمرًا

<سوق> (مصدر <سیق>) به معنای راندن و تحریک کردن به رفتن است. آمدن این واژه با حرف <إلی>، نشانگر وجود مسیری برای سوق دادن و راندن دوزخیان به سوی مقصدی است.

۱۹ – عذاب شدن کافران در قیامت ، امری قطعی و سنت تغییرناپذیر الهی است .

و لکن حقّت کلمه العذاب

على الكفرين

<حَقَّ> به معنای <ثَبَتَ> و <وَجَبَ> (ثابت و واجب شد) است و <کلمه> در آیه شریفه به معنای وعده و یا فرمان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶ - ۱

۱ - عذاب شدن کافران در قیامت ، امری قطعی و سنت تغییرناپذیر الهی

و کذلک حقّت کلمت ربّک علی الذین کفروا

<حق>; یعنی، <ثَبِتَ> و <وَجَبَ> (ثابت و واجب شد) است. و مراد از کلمه در <کلمه ربِّک> وعده فرمان عذاب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۲ - ۳

۳ - عذرخواهی کافران و مشرکان ستیزه جو در قیامت ، پذیرفته نشده و سودی به حال آنان نخواهد داشت .

یوم لاینفع الظلمین معذرتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۱ - ۱،۲،۳

۱ - کافران حق ستیز و ستیزه جو ، در روز قیامت غل به گردن خواهند داشت .

الذین یجدلون . .. إذ الأغلل فی أعنقهم

۲ - کافران حق ستیز و ستیزه جو در قیامت ، با زنجیر بر روی زمین کشان کشان برده می شوند .

و السلسل یسحبون

<سلسله> (مفرد <سلاسل>) به معنای حلقه ای منظم از نظر طول است; یعنی، زنجیر. <سحب> (مصدر <یسحبون>) به معنای کشاندن چیزی بر سطح زمین است.

۳ - کافران حق ستیز و ستیزه جو ، هنگام گرفتار شـدن به عـذاب الهی ، به عمق بطلان راه خود و پیامد رفتارشان آگاه خواهند شد .

فسوف یعلمون . إذ الأغلل فی أعنقهم و السلسل یسحبون

برداشت یاد شده، از آن جا است که ظرف <إذ

الأغلال . ..> متعلق به <یعلمون> می باشد. <یسحبون> نیز حال از ضمیر <هم> در <فی أعناقهم> است; یعنی، به زودی می دانند آن گاه که غل در گردن هایشان باشد و با زنجیر کشان کشان برده می شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۲ - ۱

۱ - کافران حق ستیز و ستیزه جو ، در قیامت به آب داغ و پر حرارت افکنده خواهند شد .

یسحبون . فی الحمیم

یکی از معانی <حمیم>، آب داغ و پر حرارت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۹ - ۲

۲ - کشف و ظهور ربوبیت بی همتای الهی در قیامت ، برای کافران

و قال الذین کفروا ربّنا

از اقرار کافران به ربوبیت الهی (ربّنا)، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۰ - ۱۶

۱۶ - آگاهی قطعی کافران به وسیله خداوند ، از مجموعه عملکرد ناشایست خویش در قیامت

فلننبّئنّ الذین کفروا بما عملوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۰ - ۴

۴ - امکانات مادی کافران مستکبر ، فاقد کمترین کارایی و گره گشایی برای ایشان در روز جزا

و لایغنی عنهم ما کسبوا شیًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۳ - ۱،۲

۱ - آشکار گشتن زشتی های اعمال کافران ، برای آنان در قیامت

و بدا لهم سیّئات ما عملوا

۲ - تجسّم اعمال زشت کافران ، برای آنان در قیامت

و بدا لهم سیّئات

ما عملوا

اضافه <سيّئات> به <ما عملوا> ممكن است اضافه بيانيه باشد. در آن صورت مى توان گفت: آشكار گشتن اعمال به معناى تجسّم آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - جاثيه - ۴۵ - ۳۴ - ۲،۳،۶

۲ - كافران ، محروم از كمترين لطف و عنايت خداوند در قيامت

و قيل اليوم ننسيكم

۳ - محروميت كافران در قيامت از لطف و توجه حق ، نتيجه بى توجهى آنان به معاد است .

و قيل اليوم ننسيكم كما نسيتم لقاء يومكم هذا

برداشت بالا، بر اين مبنا است كه <كما> در <كما نسيتم> براى تعليل باشد.

۶ - آتش ، تنها پناهگاه و گريزگاه كافران در قيامت

و مأويكم النار

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۴ - ۲،۳،۸

۲- روز قيامت ، روز عرضه شدن كافران بر آتش دوزخ

و يوم يعرض الذين كفروا على النار

۳- آتش جهنم ، مهياى پذيرش كافران در رستاخيز *

و يوم يعرض الذين كفروا على النار

از واژه <يعرض>، نوعى تقاضا و آمادگى، از طرف مقابل استفاده مى شود.

۸- كافران ، چشنده عذاب الهى در قيامت ، پس از اقرارشان به مجرميت خويش

أليس هذا بالحقّ قالوا بلى و ربّنا قال فذوقوا العذاب

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۵ - ۱۳

۱۳- مجال زندگى دنيا و عالم برزخ ، درنگى كوتاه در نظر كافران حضور يافته در صحنه قيامت

كأنّهم يوم يرون ما يوعدون لم يلبثوا إلاّ ساعه من نهار

با توجه به اين كه آنچه كافران در قيامت پشت سر خود مى بينند زندگى دنيا و عالم برزخ است**;**

<لم یلبثوا> می تواند ناظر به هر دو باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱ - ۵

۵ اعمال به ظاهر نیک کافران دین ستیز ، محکوم به پوچی و بطلان در آخرت *

الذین کفروا و صدّوا عن سبیل اللّه أضلّ أعملهم

<أضلّ> ممکن است مربوط به جهان آخرت باشد و مراد از <أعمالهم>، کردار به ظاهر نیک کافران در حیات دنیا باشد که در آخرت حبط خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۰ - ۴

۴ قیامت ، روز تحقّق هشدار ها و انذار های الهی برای کافران و حق ستیزان

و نفخ فی الصور ذلک یوم الوعید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۳ - ۵

۵ شیطان مسلّط بر فرد کافر ، همراه با او تا لحظه حضور در دادگاه قیامت *

و قال قرینه هذا ما لدیّ عتید

برداشت بالا بنابر این نکته است که مراد از <قرین> در این آیه <شیطان> باشد که بر منکران معاد تسلّط دارد و آنان را آن گونه که می خواهد منحرف ساخته و تا دادگاه قیامت وی را همراهی می کند و در آن جا به مخاصمه با او برمی خیزد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۷ - ۶

۶ تلاش کافران در قیامت ، برای افکندن جرم خود برعهده دیگران (شیطان)

قال قرینه ربّنا ما أطغیته

از این که قرین مشرکان و کافران (شیطان) در مقام نفی مسؤولیت از خویش بر آمده، استفاده

می شود که قبلاً این اتّهام، از سوی مشرکان بر وی وارد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۳ - ۱

۱ - قیامت ، روز گداخته شدن کافران در آتش دوزخ

یوم هم علی النار یفتنون

<فتنه> در اصل به عمل گـداختن طلا و نقره در آتش برای خالص شـدن خوب از بـد گفته می شود. در این جا مقصود بیان شدت عذاب کافران است و این که آنان چونان طلا و نقره در آتش دوزخ گداخته خواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۶ - ۴

۴ - نبودن کمترین یاور و شفیع ، برای کافران در قیامت

و لا هم ینصرون

برداشت یـاد شـده بـا توجه به این نکته است که <یوم لا ـیغنی. ..> نظر به قیامت داشـته باشـد. در این صورت تعبیر <و لا هم ینصرون> حکایت از نفی شفیع می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۶ - ۴

۴ - قیامت ، روز فراخوانی کافران هواپرست به فرجامی بس ناخوشایند برای ایشان

یوم یدع الداع إلی شیء نکر

<نکر> به امر سخت ناخوشایند و مشقت بار گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۷ - ۱

۱ - آثار ذلت و نگرانی ، نمایان در چشم کافران ، به هنگام خروج از قبر ها در رستاخیز

خشّعًا أبصرهم يخرجون من الأجداث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۸ - ۳

۳ - قیامت ، روزی

دشوار برای کافران

یقول الکفرون هذا یوم عسر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۴۶ – ۳

۳ – قیامت ، قرارگاه اصلی برای مؤاخذه و مجازات کافران

سیهزم الجمع . .. و الساعه أدهی و أمرّ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۳ – ۲

۲ – کافران و مستکبران ، مردمی زبون و دون پایه و مؤمنان و مستضعفان انسان هایی شریف و صاحب منزلت در روز رستاخیز

إذا وقعت الواقعه . .. خافضه رافعه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – مجادله – ۵۸ – ۶ – ۵

۵ – خداوند ، در روز قیامت تمامی اعمال کافران را به آنان خبر خواهد داد .

فینبّئهم بما عملوا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – تغابن – ۶۴ – ۹ – ۵

۵ – قیامت ، روز ظهور و بروز غبن و خسارت کافران

ذلک یوم التغابن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – تحریم – ۶۶ – ۷ – ۳

۳ - توبه کافران در قیامت پذیرفته نمی شود .

لاتعتذروا الیوم

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که اعتذار کافران، در حقیقت برای اظهار پشیمانی و توبه است که پذیرفتنی نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۷ - ۲،۳

۲ - ناراحتی و اضطراب شدید کافران و منکران معاد ، در لحظه دیدن عذاب قیامت

فلمّا رأوه زلفه سیئت وجوه الذین کفروا

زشت و کریه شدن کافران، به هنگام مشاهده قیامت، بیانگر ناراحتی و اضطراب شدید آنان در

آن هنگام است.

۳ - سرزنش شدن کافران و منکران معاد ، به هنگام برپایی قیامت

و قیل هذا الذی کنتم به تدّعون

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که عبارت <و قیل هذا الذی. ..> به انگیزه توبیخ به کافران گفته شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۲ - ۳

۳ - کافران و مشرکان در عرصه قیامت به سجده فرا خوانده می شوند ; ولی آنان از این کار ناتوان اند .

و یدعون إلی السجود فلایستطیعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۳ - ۱،۲

۱ - ظهور و بروز ذلّت و ترس ، در دیدگان کافران و مشرکان در عرصه قیامت

خشعه أبصرهم

۲ - ذلّت و خواری ، تمامی وجود کافران و مشرکان را در قیامت فرا می گیرد .

ترهقهم ذلّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۵ - ۲،۴،۵

۲ - نامه اعمال کافران دوزخی در قیامت ، به دست چپ آنان داده می شود .

و أمّا من أُوتی کتبه بشماله

از اوصاف یاد شده برای این گروه در آیات بعدی، استفاده می شود که آنان کافران دوزخی و از همان گروهی اند که در آیه ۴۱ سوره <واقعه> از آنان به <أصحاب الشمال> یاد شده است.

۴ – کافران دوزخی ، از عرضه شدن نامه اعمالشان اظهار ناخورسندی می کنند .

فیقول یلیتنی لم أُوت کتبیه

۵ – ناراحتی و اندوه شدید کافران دوزخی ، از نامه اعمال و کارنامه خویش در عرصه قیامت

فیقول یلیتنی لم أُوت کتبیه

جلد – نام سوره –

سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۶ - ۱،۲،۳

۱ - کافران دوزخی ، از آگاه شدنشان نسبت به حساب و محتوای پرونده اعمال خود اظهار ناخرسندی می کنند .

فیقول یلیتنی . .. و لم أدر ما حسابیه

۲ - کافران دوزخی ، پس از دریافت نامه اعمال خود ، از محتوا و حکم نهایی آن درباره خویش آگاه خواهند شد .

و لم أدر ما حسابیه

۳ - حساب و نتیجه اعمال کافران دوزخی ، در نامه اعمالشان درج شده و روشن است .

و لم أدر ما حسابیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۷ - ۱،۲

۱ - کافران دوزخی در قیامت ، از زنده شدن مجدد خود به شدت ناخرسند بوده و آرزوی مرگ می کنند .

یلیتها کانت القاضیه

مرجع ضمیر <یالیتها> امری مقدر است که از سیاق آیه شریفه به دست می آید(مانند <الموته>). <قاضیه> نیز به معنای <قاطعه> است. بر این اساس معنا و پیام آیه چنین می شود: ای کاش مرگ نخستین پایان بخش حیاتم می بود و دیگر بار زنده نمی شدم!

۲ - کافران دوزخی در قیامت ، دارای وضعیت و شرایطی بسیار سخت و غیر قابل تحمّل

یلیتها کانت القاضیه

تقاضای مرگ ابدی از سوی کسانی که در دنیا به شدت از آن گریزان بودند، حکایت از این حقیقت دارد که وضعیت و شرایط قیامت، آن قدر بر کافران دوزخی سخت و غیر قابل تحمل خواهد بود که مرگ ابدی را بر آن ترجیح می دهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۸ - ۴

- تأسف و حسرت شدید کافران دوزخی ، از بهره مناسب نبردن از اموال و ثروت خویش و ذخیره نکردن آن برای سعادت اخروی

ما أغنی عنّی مالیه

لحن و سیاق این آیه، می رساند که کافران این سخن را، از روی تأسف و حسرت به زبان می آورند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۹ - ۴

۴ - تأسف و حسرت شدید کافران دوزخی ، از بهره مناسب نبردن از قدرت و توانمندی خویش و ذخیره نکردن آن برای سعادت اخروی

هلك عنّی سلطنیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۰ - ۱،۲،۴

۱ - فرمان دستگیری کافران دوزخی (صاحبان زر و زور) در قیامت

ما أغنی عنّی مالیه . .. خذوه

۲ - فرمان به غل و زنجیر کشیدن کافران دوزخی (صاحبان زر و زور) در قیامت

فغلّوه

۴ - خفّت و خواری کافران دوزخی (صاحبان زر و زور) در قیامت

خذوه فغلّوه

دستگیری و به غل و زنجیر کشیدن کافران با آن که هیچ راه گریزی از عذاب الهی ندارد می تواند حاکی از حقیقت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۱ - ۱

۱ - کافران صاحب زر و زور در قیامت ، به وسیله آتش پرحرارت و شعلهور سوازنده خواهند شد .

ثمّ الجحیم صلّوه

<جحیم> (از ماده <جحمه>) به معنای آتش شعلهور و پرحرارت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۲ - ۱

۱ - کافران صاحب زر و

زور در دوزخ ، در زنجیری بلند به طول هفتاد زراع به بند کشیده خواهند شد .

ثمّ فی سلسله ذرعها سبعون ذراعًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۵ - ۱

۱ - کافران صاحب زر و زور (اصحاب الشمال) ، محروم از حمایت نزدیکان و دوستانِ دلسوز در قیامت

فلیس له الیوم ههنا حمیم

<حمیم> به فردی می گویند که به انسان نزدیک و دلسوز باشد. از مصادیق بارز آن خویشاوندان و دوستان صمیمی و دلسوز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۵۰ - ۱،۳

۱ - کافران در روز قیامت ، پشیمان از مواضع انکارآمیز گذشته خویش در برابر قرآن

و إنّه لحسره علی الکفرین

۳ - احساس خسارت و زیانباری کافران در قیامت ، به سبب بهره نگرفتن از تعالیم قرآن در زندگی

و إنّه لحسره علی الکفرین

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که <حسرت> به معنای اندوه برای آنچه از دست رفته است، می باشد (لسان العرب). این در جایی است که انسان از آن چیز، بهره لازم نبرده و نسبت به آن احساس خسارت کرده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۷ - ۵

۵ - هیچ پناهگاه و راه گریزی از سختی ها و اندوه های روز محشر برای کافران نیست .

فکیف تتّقون إن کفرتم یومًا یجعل الولدن شیبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ – مدثر – ۷۴ – ۱۰ – ۱،۲

۱ – کافران ، به روز رستاخیز در شرایطی بسیار سخت

و ناگوار بسر خواهند برد .

یوم عسیر . علی الکفرین

۲ - لحظه ای آسودگی و راحتی برای کافران ، در قیامت نخواهد بود .

علی الکفرین غیر یسیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۱۰ - ۱،۲

۱ - کافران در روز قیامت ، در آرزوی گریختن از صحنه محشر خواهند بود .

یقول الإنسن یومئذ أین المفرّ

<مفرّ> (مصدر میمی از <فرّ>) به معنای گریختن و استفهام در <أین المفرّ> برای <تمنّی> است. مقصود از <الإنسان> به قرینه <أیحسب الإنسان...> کافران اند.

۲ - قیامت ، روزی بس ناگوار و هولناک برای کافران

یقول الإنسن یومئذ أین المفرّ

فرار کافران، نشانه وجود صحنه های هولناک و شرایط دشوار در عرصه قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۱۱ - ۱،۲

۱ - در عرصه قیامت ، هیچ راه فرار از نگرانی ها و سختی ها ، برای کافران وجود ندارد .

یقول الإنسن یومئذ أین المفرّ . کلّا

۲ - در عرصه قیامت ، هیچ ملجأ و پناهگاهی برای کافران نخواهد داشت .

لاوزر

<وزر> به معنای ملجأ و پناهنگاه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۱۵ - ۱،۳

۱ - کافران در روز قیامت ، برای اعمال ناپسند خود عذر خواهند آورد .

و لو ألقی معاذیره

۳ - بی نتیجه بودن توجیه و عذرتراشی انسان ها ، نسبت به رفتار خویش در قیامت

و لو ألقی معاذیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲۴ - ۱

۱ - کافران ، دارای چهره ای

گرفته و عبوس در قیامت

و وجوه یومئذ باسره

<بسر> (مصدر <باسره>) به معنای گرفتگی چهره است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲۵ - ۱،۲

۱ - علم و باور کافران به هنگام زنده شدنشان در قیامت ، به روبه رو شدن با مصیبتی بزرگ و کمرشکن

تظنّ أن یفعل بها فاقره

<فاقره> به معنای مصیبت بزرگ و کمرشکن است (العین). <ظنّ> به معنای گمان راجح است و گاهی نیز به جای علم و یقین به کار می رود. در این آیه مطابق نظر بیشتر مفسران معنای اخیر مراد است.

۲ - کافران در قیامت ، دچار مصیبتی بزرگ و کمرشکن

تظنّ أن یفعل بها فاقره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۷ - ۶

۶ - گناه پیشگان و کافران ، در قیامت با سختی ها و مشکلات سنگین و طاقت فرسا روبه رو خواهند شد .

و یذرون وراءهم یومًا ثقیلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۵ - ۳

۳ - با وقوع معاد در آینده ای نزدیک ، حقایق برای کافران کشف شده و اختلاف آنان درباره حوادث پس از مرگ ، برطرف خواهد شد .

الذی هم فیه مختلون . .. ثمّ کلاّ سیعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ – نبأ – ۷۸ – ۴۰ – ۱۳،۱۶،۱۷

۱۳ – کافران در قیامت با مشاهده کردار خویش ، عذاب خود را حتمی خواهند دانست .

عذابًا قریبًا یوم ینظر المرء ما قدّمت یداه و یقول الکافر یلیتنی کنت تربًا

از آن جایی که کافران

بـا نگـاه به اعمال خویش، آرزوی خاک بودن می کننـد; می توان پی برد که آنان، گرفتاری به عـذاب را بر خود قطعی دیـده اند.

۱۶ - کافران در قیامت ، به پستی خود و شرافت خاک بر آنان ، پی خواهند برد .

و یقول الکافر یلیتنی کنت تربًا

۱۷ - کافران در قیامت ، حیات اخروی را سرآغاز سختی ها دیده و باقی ماندن به صورت خاک را آرزو خواهند کرد .

یلیتنی کنت تربًا

آرزوی خاک بودن، ممکن است به این معنا باشـد که کاش دوباره زنـده نشـده بودم و به همان حالت پس از مرگ که خاک شده بودم باقی می ماندم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۴۰ - ۶

۶ - تفاوت چهره مؤمن و کافر در قیامت

وجوه . .. و وجوه

مراد از <وجـوه> در ایـن آیـه بـه قرینـه آخرین آیه سـوره (أولئـک هم الکفره الفجره) چهره کـافران است. در نـتیجه مراد از <وجوه> در آیات پیشین، چهره مؤمنان خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۴۲ - ۱

۱ - کسانی در قیامت روسیاه و تیره رخسارند که کفرپیشه و منحرف بوده و بی باکانه در گناه پیش رفته اند .

أولئک هم الکفره الفجره

فعـل <فجر>، در مورد کسـی گفته می شود که سر خود را پایین انـداخته و بی مبالات پیش می رود; <فجور> در اصل به معنای انحراف از حق است و در معنای تاختن به سوی کارهای غیرمجاز نیز استعمال می شود. (لسان العرب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۲۰ – مطففین – ۸۳ – ۳۴ – ۲،۴،۹

۲ – مؤمنان در قیامت ، همسان برخوردی که در دنیا از کافران دیده اند ، با آنان رفتار خواهند کرد .

إنّ الذین أجرموا کانوا من الذین ءامنوا یضحکون . .. فالیوم الذین ءامنوا من الکفّا

۴ – استهزا شدن از سوی مؤمنان در قیامت ، برای کافران دشوار و رنج آور خواهد بود .

فالیوم الذین ءامنوا من الکفّار یضحکون

۹ – در قیامت ، مؤمنان و کافران از حال هم آگاه شده ، رفتار یکدیگر را مشاهده خواهند کرد .

فالیوم الذین ءامنوا من الکفّار یضحکون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – مطففین – ۸۳ – ۳۵ – ۱

۱ – مؤمنان ، در حالی کافران حاضر در صحنه قیامت را مسخره می کنند که خود بر تخت های تزیین یافته ، لمیده و ناظر کیفر کافران اند .

علی الأرائک ینظرون

<أریکه> (مفرد <أرائک>) به تخت تزیین یافته ای گفته می شود که در خیمه یا خانه ای نهاده شده باشد. هم چنین به جایگاه آرمیدن و لمیدن اعم از تخت، یا تخت عروس و یا تخت خواب اطلاق می شود (قاموس). متعلق <ینظرون> به قرینه آیات قبل و بعد وضعیت کافران است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – مطففین – ۸۳ – ۳۶ – ۱،۲،۳

۱ – عذاب های کافران در قیامت ، کیفر مداومت آنان بر کردار زشت خویش در دنیا است .

هل ثوّب الکفّار ما کانوا یفعلون

<ثواب>; یعنی، جزا و <تثویب> به معنای جزا دادن است (قاموس). فعل <کانوا> که بر مضارع داخل شده است

بر استمرار دلالت دارد.

۲ - بی پاسخ نماندن تمسخر های کافران و گرفتاری آنان به نتایج کردار خویش ، امری طرفه و جالب توجّه است .

هل ثوّب الکفّار ما کانوا یفعلون

استفهام در آیه شریفه برای تقریر و تعجیب است; یعنی، کافران چنین حالتی را گمان نداشته و پیش بینی نمی کردند.

۳ - کافران در قیامت ، مورد تمسخر خداوند قرار خواهند گرفت . *

هل ثوّب

<ثواب> در مورد خیر و شرّ هر دو کاربرد دارد; ولی به خیر و خوبی اختصاص بیشتری دارد و در آن فراوان تر استعمال می شود (نهایه ابن اثیر). بنابراین ممکن است گفته شود: تعبیر <ثوّب> که در قرآن تنها در مورد امر ناخوشایند استعمال شده (مفردات) بیانگر آن است که خداوند، کیفر کافران را از روی تمسخر پاداش نامیده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۲۶ - ۲

۲ - حسابرسی اعمال در قیامت برای کافران ، از حضور در پیشگاه خداوند دشوارتر است .

ثمّ إنّ علینا حسابهم

حرف <ثمّ>، بر تراخی رتبی دلالت دارد و بیانگر آن است که مرحله حسابرسی، سخت تر از مرحله رجوع به خداوند است; هر چند هر دو هم زمان باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۹ - ۴،۵

۴ - کافران در آخرت ، نامه عمل خویش را با دست چپ ، دریافت خواهند کرد .

هم أصحب المشئمه

<سمت چپ و راست> در قیامت، ممکن است به معنای حقیقی آن نباشد تا از وجود جایگاهی حکایت کند که دارای سمت چپ و راست است; بلکه کنایه از

مطلبی باشد که در آیات دیگر قرآن، با صراحت آمده است. بدین صورت که برخی نامه عمل خود را با دست راست و برخی با دست چپ دریافت می کنند; در نتیجه دسته اول به <اصحاب الیمین> و <اصحاب المیمنه> نام گذاری شده و دسته دوم <اصحاب الشمال> و <اصحاب المشأمه>نام گرفته اند.

۵ - جایگاه مؤمنان در آخرت ، نشانه عزّت و کرامت آنان و جایگاه کافران ، پست و ذلّت آفرین است .

هم أصحب المشئمه

راست و چپ، کنایه از عظمت و پستی جایگاه است; زیرا در جوامع انسانی، مرسوم است که سمت راست، نشانه کرامت و سمت چپ رمز شوم بودن است; وگرنه راست و چپ حقیقی، وابسته به اعتبارات و با در نظر گرفتن مرکزیتی خاص است که در این آیات، از آن سخنی به میان نیامده است.

کافران مکه در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۶ - ۱۲

۱۲ کفرپیشگان مکه در قیامت گردآوری و به سوی جهنم رانده خواهند شد .

و الذین کفروا إلی جهنم یحشرون

کافران و قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷ - ۱۲

۱۲ کفرپیشگان ، قیامت را امری گزاف و طرح آن را از سوی پیامبر (ص) چون سحر ، نیرنگی روشن قلمداد می کردند .

إن هذا إلّا سحر مبین

<هذا> به گفتار پیامبر(ص) مبنی بر زنده شدن مردگان و برپایی قیامت اشاره دارد. اطلاق <سحر> بر این گفتار و ادعا، از باب تشبیه است و وجه شبه آن بطلان و نیرنگ می باشد; یعنی، این سخن

ظاهری فریبنده و باطنی پوچ و بی اساس دارد و در بطلان و نیرنگ بازی، همانند سحر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۸ - ۷

۷ - کافران ، در پی تحقق قابل مشاهده قیامت بودند .

و یقولون متی هذا الفتح

<فتح> می تواند به معنای <فصل> باشد. در این صورت، به قرینه آیه بیست و پنج و آیه بعد، مراد از <هذا الفتح> می تواند قیامت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۲ - ۴

۴ - کافران مستکبر ، مدعی نامفهوم بودن قیامت برای ایشان

قلتم ما ندری ما الساعه

کتمان کنندگان حق در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۸ - ۱۰

۱۰ - در قیامت برای متخلفان از دستورات الهی (بر پایی نماز و پرداخت زکات) و ارتکاب کنندگان محرمات (دین فروشی ، حق پوشی و . . .) راه نجاتی نیست .

لا تشتروا بأیتی . .. و أقیموا الصلوه ... واتقوا یوماً لاتجزی نفس عن نفس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۲ - ۹

۹ - خداوند در قیامت نظر رحمتی بر کفرپیشگان و کتمان کنندگان حقایق دینی ، نخواهد داشت .

و لاهم ینظرون

در برداشت فوق فعل مجهول <ینظرون> از (نظر) به معنای رؤیت گرفته شده است. بر این مبنا <ولاهم ینظرون>; یعنی، نظر رحمتی به آنان نخواهد شد>.

کسب نور در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید -

۵۷ - ۱۳ - ۹

۹ - کسب کردن نور از دیگران در قیامت ، در صورتی که انسان نور نداشته باشد ، ممکن نیست .

یوم یقول المنفقون . .. قیل ارجعوا وراءکم فالتمسوا نورًا

کفر بنی اسرائیل به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۴ - ۱۳

۱۳ ناباوری بنی اسرائیل به قیامت و ملاقات خدا پیش از نزول تورات

ثم ءاتینا موسی الکتب . .. لعلهم بلقاء ربهم یؤمنون

کفر به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶ - ۲

۲ - منکران قرآن ، به خدا و قیامت ایمان نخواهند آورد .

إن الذین کفروا . .. لایؤمنون

متعلّق <لایؤمنون> به دلیل آیه هشت و نیز آیات قبل، خدا و قیامت است; یعنی: لایؤمنون باللّه و لاباليوم الآخر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۴ - ۶،۷،۸

۶ عدم ایمانِ انفاق کنندگان ریاکار به خداوند و روز رستاخیز

کالّذی ینفق ماله رئاء النّاس و لا یؤمن باللّه و الیوم الاخر

بنابراینکه جمله <و لا یؤمن . .. >، توضیح و تفسیری برای جمله <ینفق ماله رئاء> باشد.

۷ ریا ، اثر و نشانه عدم ایمان به خداوند و قیامت

كالّذى ينفق ماله رئاء النّاس و لا يؤمن باللّه و اليوم الاخر

بنابراينكه جمله <و لا يؤمن . .. >، تفسيرى براى جمله قبل باشد.

۸ ريا و كفرِ به خدا و قيامت ، موجب بطلان صدقات و اعمال خير

لا تبطلوا . .. كالّذى ينفق ماله رئاء النّاس و لا يؤمن باللّه و اليوم الاخر

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۳۸ – ۷،۸،۹،۱۳

۷ ریاکاران ، ایمان واقعی به خدا و قیامت ندارند .

و الذین ینفقون اموالهم رئاء النّاس و لا یؤمنون باللّه و لا بالیوم الاخر

جمله <و لا یؤمنون> می تواند تفسیر و توضیح جمله <ینفقون . .. > باشد ; تکرار نشدن <الذین> می تواند این معنا را تأیید کند.

۸ عذاب خوارکننده ، کیفر ایمان نداشتن به خدا و قیامت

اعتدنا للکافرین عذاباً مهیناً. و الذین ... لا یؤمنون باللّه و لا بالیوم الاخر

۹ ایمان نداشتن به وعده های الهی و قیامت ، منشأ ریاکاری

رئاء النّاس و لا یؤمنون باللّه و لا بالیوم الاخر

بدان احتمال که جمله <الذین لا یؤمنون> بیانگر علت و ریشه انفاقهای ریایی باشد.

۱۳ دل های تهی از ایمان به خدا و قیامت ، جایگاه شیطان

لا یؤمنون باللّه و لا بالیوم الاخر و من یکن الشیطان له قریناً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۳۹ – ۳

۳ بخل و ریاکاری ، نشانه کفر به خدا و قیامت است .

الذین یبخلون . .. و ماذا علیهم لو امنوا باللّه و الیوم الاخر و انفقوا

ضمیر در <علیهم> به <الذین یبخلون> برمی گردد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۴۱ – ۴

۴ رسوایی و وخامت حال بخیلان ، ریاکاران و کافران به خدا و قیامت در صحنه قیامت

الذین یبخلون . .. فکیف اذا جئنا من کل امّه بشهید

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء –

۴ - ۱۳۶ - ۸

۸ کافرانِ به خدا ، ملائکه ، کتب آسمانی ، پیامبران الهی و روز قیامت ، در گمراهی ژرف

و من یکفر باللّه و ملئکته و کتبه و رسله و الیوم الأخر فقد ضل ضللا بعیداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۹ - ۱۱

۱۱ کفر به خدا و قیامت و نداشتن عمل صالح ، موجب غلبه ترس و اندوه بر آدمی

من ءامن باللّه و الیوم الاخر و عمل صلحاً فلاخوف علیهم و لا هم یحزنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۱ - ۱۶

۱۶ بی اعتقادی منافقان به قیامت و عدم درک آن نسبت به حوادث و حقایق آن ، مایه تخلف آنان از جهاد

لو کانوا یفقهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۱ - ۱۱

۱۱ طغیان و سرکشی ، نشانه بی ایمانی به روز رستاخیز

فنذر الذین لایرجون لقاءنا فی طغینهم یعمهون

کم فروشان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۷ - ۲

۲ - احضار کم فروشان در صحنه قیامت و حسابرسی اعمال آنان ، قطعی و تردیدناپذیر است .

ویل للمطفّفین . .. ألا یظنّ أُولئک ... کلّا

کمک در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۹۲ – ۶،۸،۱۰

۶ ستمکاران محروم از هر گونه یاور در قیامت

و ما للظّالمین من انصار

<انصار>، جمع ناصر (به معنای یاور) است و <مِنْ> زایده، تأکید بر

نبودن یاور در آن روز است.

۸ ستمکاری ، موجب ورود آدمی به آتش دوزخ و بی یاوری وی در قیامت

ربّنا انّک من تدخل النّار فقد اخزیته و ما للظّالمین من انصار

مراد از کلمه <للظّالمین> همان دوزخیان هستند. بنابراین به کارگیری اسم ظاهر به جای ضـمیرِ <ما لهم> برای رساندن این معناست که ستمکاری علّت شده که خداوند آنان را به آتش کشاند و از یاری یاوران محروم باشند.

۱۰ محرومیّت ستمگران در قیامت از یاری امامانی که آنها را یاری کنند .

و ما للظّالمین من انصار

امام باقر (ع) در تفسیر آیه فوق فرمود: ما لهم من ائمّه یسمّونهم باسمائهم.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۱۱، ح ۱۷۵ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۳۳، ح ۸.

کوبندگی قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – حاقه – ۶۹ – ۴ – ۲

۲ – قیامت ، حادثه ای کوبنده و هولناک

بالقارعه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – قارعه – ۱۰۱ – ۱ – ۱

۱ – قیامت ، حادثه ای کوبنده و هولناک

القارعه

<قَرْع>، به معنـای کوبیـدن چیزی بر چیزی است (مفردات). آیـات بعـد، قرینه است که مراد از <قـارعه>، روز قیامت است. تناسب این نام برای <قیامت>، یا به این جهت است که قیامت کوبنـده و ترساننده قلب ها است و یا اشاره به عذاب کوبنده و

هولناک کافران دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۲ - ۱

۱ - قیامت ، حادثه ای کوبنده و رخدادی بس شگفت

ما القارعه

<ما>، استفهام تعجبی است و بر شگفتی <قارعه> و عظمت و هول انگیز

بودن آن دلالت دارد. با آن که این آیه خبر برای آیه قبل است و در آن اکتفا به ضـمیر ممکن بود، می توان گفت: تکرار لفظ <قارعه> تأکید بر عظمت آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۴ - ۲

۲ - کوبندگی حوادث قیامت ، هول انگیز و دهشت آور است .

ما القارعه . یوم یکون الناس کالفراش المبثوث

<یوم> ظرف برای فعل محذوفی است که وصف <القارعه> بر آن دلالت دارد; یعنی، <تقرع یوم. ..>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۵ - ۲

۲ - کوبندگی حوادث قیامت ، تمام کوه ها را متلاشی کرده ، ذرّات رنگارنگ آنها را درهم خواهد آمیخت .

ما القارعه . یوم ... تکون الجبال کالعهن المنفوش

کوری درقیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۴ - ۱۱

۱۱ - زندگانی پر دردسر در دنیا و محشور شدن با چشمانی نابینا در قیامت ، ازجلوه های گمراهی و شقاوت آدمی است .

فمن اتبع هدای فلایضلّ و لایشقی . و من أعرض عن ذکری فإنّ له معیشه ضنکًا و نحشره ی

برداشت یاد شده، لازمه تقابل بین گروه هدایت یافتگان و غافلان است که مجموع دو آیه، بیانگر آن است.

کوهها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۷ - ۲

۲- در آستانه بروز قیامت ، کوه ها جابه جا شده و صفحه زمین مسطّح می شود .

و یوم نسیّر الجبال و تری الأرض بارزه

<نسیّر> (از

ماده سیر) یعنی <حرکت می دهیم> و <بارزه> به معنای <ظاهر و آشکار> است. چون در قیامت، کوه ها، از جا کنده می شوند و ناهمواری های زمین از بین می رود، همه جای آن دیده شده و هیچ مانعی در برابر دید وجود ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۰ - ۲،۳

۲ - به حرکت در آمدن کوه ها ، در آستانه رستاخیز

و تسیر الجبال سیرًا

۳ - حرکت کوه های زمین در آستانه رستاخیز ، حرکتی عجیب و نامعهود

و تسیر الجبال سیرًا

مفعول مطلق <سیراً>، می تواند اشاره به مطلب بالا داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵ - ۱،۲،۳

۱ - حرکت و رانش کوه ها ، در آستانه قیامت بر اثر زلزله شدید

إذا رجّت الأرض رجًّا . و بسّت الجبال بسًّا

<بسّ> در دو معنا به کار می رود: ۱ به حرکت واداشتن (القاموس المحیط)؛ ۲ خرد و ریز ریز کردن (المصباح المنیر). برداشت بالا بر پایه معنای اول است.

۲ - ذره ذره شدن کوه ها ، بر اثر زلزله شدید زمین در آستانه قیامت

إذا رجّت الأرض . .. و بسّت الجبال بسًّا

۳ - رانش و از هم پاشیدگی کوه ها در آستانه برپایی قیامت ، بسیار عظیم و غیرقابل توصیف

و بسّت الجبال بسًّا

ذکر <بسّاً> به صورت نکره، بیانگر عظمت و غیرقابل توصیف بودن مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۶ – ۱

۱ – پاشیده شدن کوه های زمین و تبدیل شدن آنها ،

به غبار پراکنده در هوا در آستانه برپایی قیامت

فکانت هباء منبثًّا

<هباء> به خاک نرم مانند آرد گفته می شود و <منبث> به معنای پراکنده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۰ - ۱

۱ - کوه ها در آستانه برپایی قیامت ، از جا کنده و متلاشی خواهد شد .

و إذا الجبال نسفت

<نسف>، به معنای کندن از ریشه و بن است (قاموس المحیط).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۰ - ۱،۲،۳

۱ - کوه ها در آغاز برپایی قیامت ، از جا کنده و حرکت داده خواهند شد .

و سیّرت الجبال

۲ - حرکت کوه ها در قیامت ، آنها را به توده غباری شبیه کوه ، تبدیل خواهد کرد .

و سیّرت الجبال فکانت سرابًا

تشبیه کوه به سراب، بیانگر آن است که پس از حرکت کوه ها در قیامت، آنچه دیده می شود کوه نیست; ولی بیننده آن را کوه خواهد دید.

۳ - کوه ها در قیامت ، نابود گشته و با زمین هم سطح خواهند شد .

فکانت سرابًا

<سراب> درخششی است در بیابان که مانند آب به چشم می آید (مفردات راغب). در اطلاق <سراب> گستردگی بر سطح زمین ملحوظ است (لسان العرب). بنابراین می توان گفت: کوه ها، با زمین هم سطح خواهند شد هر چند غبارهای باقی مانده از آن به صورت شبحی از کوه نمایان می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکویر – ۸۱ – ۳ – ۱

۱ – در آستانه قیامت ، کوه ها از جا کنده و حرکت داده

خواهند شد .

و إذا الجبال سيّرت

کوهها هنگام قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۵ - ۳،۴،۵

۳ - تعدادی از مردم صدراسلام در باره سرنوشت کوه ها در هنگامه رستاخیز ، از پیامبر (ص) توضیح می خواستند .

و یسَلونک عن الجبال

۴ - تمامی کوه های زمین ، در آستانه قیامت ریشه کن و متلاشی خواهند شد .

و یسَلونک عن الجبال فقل ینسفها ربّی نسفًا

<نسف> به معنای ریشه کن کردن و از هم پاشیدن است (مصباح).

۵ - متلاشی شدن کوه ها در قیامت ، جلوه ای از ربوبیت خداوند و به فرمان او است .

فقل ینسفها ربّی نسفًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۶ - ۱

۱ - کوه ها در قیامت ، به زمین هموار و مسطح تبدیل خواهند شد .

عن الجبال . .. فیذرها قاعًا صفصفًا

<قاع> به معنای زمین صاف و مسطحی است که در آن درخت نروید و <صفصف> به معنای زمین هموار است که امکان روییدن هیچ گیاهی در آن نباشد (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۹ - ۱

۱ - متلاشی و ذره ذره شدن کوه ها ، همچون پشم رنگین و پراکنده شده ، در آستانه برپایی قیامت

و تکون الجبال کالعهن

<عهن> به معنای پشم رنگ شده است. در آیه پنجم از سوره <قارعه> چنین آمده است: <و تکون الجبال کالعهن المنفوش>; (و کوه ها مانند پشم رنگین زده شده خواهند شد).

کیفر تکذیب قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۱ - ۸

۸ بی اعتنایی خداوند به کافران و به فراموشی سپردن آنان در آخرت ، سزای غفلت آنان از قیامت و انکار آیات الهی است .

فالیوم ننسیهم کما نسوا لقاء یومهم هذا و ما کانوا بایتنا یجحدون

حرف <کاف> در <کما نسوا> تعلیلیه است و <ما> مصدریه ; یعنی <لنسیانهم>. همچنین <ما> در <ما کانوا> مصدریه است و عطف بر <ما نسوا>، یعنی: لکونهم بایاتنا یجحدون.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۷ - ۷

۷ تباه شدن اعمال نیک ، جزایی مناسب برای تکذیب آیات الهی و روز قیامت است .

حبطت أعملهم هل یجزون إلا ما کانوا یعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۸ - ۲

۲- آتش همواره شعلهور حهنّم ، کیفر کفر به آیات الهی و انکار روز رستاخیز

کلّما خبت زدنهم سعیرًا . ذلک جزاؤهم بأنهم کفروا بأیتنا و قالوا أءذا کنّا عظمً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۰ - ۱۱

۱۱ - تکذیب همواره قیامت و جهنم ، موجب عذابی سخت است .

ذوقوا عذاب النار الذی کنتم به تکذّبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۳ - ۴

۴ – تکذیب قیامت و کیفر آن ، از عوامل دوزخی شدن

هذه جهنّم الّتی یکذّب بها المجرمون

از این که دوزخ به تکذیب گران آن معرفی می شود، مطلب یاد شده به دست می آید.

کیفر در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه

- فیش

۱ - حمد - ۱ - ۴ - ۵

۵ - روز قیامت ، روز کیفر و پاداش است .

ملک یوم الدین

<دین> در اینجا به معنای جزا (کیفر و پاداش) و یا حساب است، و هر دو بازگشت به یک معنا دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳۵ - ۵

۵- قیامت ، روز کیفر و جزا و < یوم الدین > از نام های آن است .

یوم الدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۵ - ۷

۷ - جزا دیدن یکایک آدمیان ، فلسفه برپایی قیامت

ءاتیه . .. لتجزی کلّ نفس

<لتجزی>یا تعلیل است برای <آتیه> و جمله <أکاد أخفیها> معترضه است و یا تعلیل است برای هر دو موضوع مطرح شده در آیه که آمدن قیامت و وجود زمینه برای مخفی ماندن اخبار آن از سوی خداوند است و یا تنها بیانگر علت <أخفیها> است، برداشت مذکور، مبتنی بر دو احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۰ - ۴

۴ - قیامت ، روز ظهور اعمال دنیوی انسان است .

من أعرض عنه فإنّه یحمل یوم القیمه وزرًا

<وزر>،به معنای بارسنگین است و به گناه از آن جهت که بار سنگینی بر دوش گنه کار است، <وزر> اطلاق می گردد

(مفردات راغب). <حمل وزر> حاکی از آن است که در قیامت، گناه به صورت باری بر دوش گناهکار ظهور خواهد یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۶ - ۸

۸ - جهان

آخرت ، جهان کیفر و پاداش

الملک یومئذ للّه یحکم بینهم . .. فی جنّت النعیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۹ - ۴

۴ - جهان آخرت ، جهان کیفر و پاداش

اللّه یحکم بینکم یوم القیمه

جمله <اللّه یحکم بینکم یوم القیامه>، متضمن نوید پاداش به مؤمنان و وعده مجازات و کیفر به مشرکان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۲ - ۲

۲ - قیامت ، روز محاسبه کردار آدمیان و مجازات و پاداش در تعلیمات ابراهیم

و الذی أطمع أن یغفرلی خطیئتی یوم الدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹۰ - ۱۲

۱۲ - قیامت ، صحنه پاداش و کیفر

من جاء بالحسنه فله خیر منها. .. و من جاء بالسیّئه فکبّت وجوههم فی النّار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۳ - ۱۰،۱۱،۱۲

۱۰ - هیچ پدر و فرزندی ، در قیامت به جای هم حتی اندک کیفری نمی شوند .

لایجزی والد عن ولده و لامولود هو جاز عن والده شیئًا

۱۱ - در قیامت ، بار عمل هر کس ، تنها بر دوش خود او است .

لايجزى والد عن ولده و لامولود هو جاز عن والده شيًا

۱۲ - در قيامت ، برعهده گرفتن بخشى از كيفر پدر از ناحيه فرزند ، به خاطر سنگين بودن حق وى بر فرزند ، امرى متوقع است *.

و لامولود هو جاز عن والده

درباره مجازات نشدن پدر به جاى فرزند، از فعل <يجزى> استفاده شده است و درباره

نفی مجازات فرزند به جای پدر از <جاز> که حالت صفتی و تأکید بیشتری دارد. چنین تأکیدی، می تواند به خاطر توقعی باشد که از ناحیه پدران هست. و نیز می تواند به خاطر این باشد که او، از حیث عاطفه و مهر، به مراتب کم تر از پدر است. برداشت بالا بر اساس احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۵ - ۸

۸ - قیامت ، عرصه مجازات و کیفر و پاداش

و لو یؤاخذ اللّه الناس . .. و لکن یؤخّرهم إلی أجل مسمًّی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۰ - ۳

۳ - قیامت ، روز مجازات و کیفر و پاداش

هذا یوم الدین

<دین> در آیه شریفه، به معنای <جزا> و <حساب> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۳ - ۴

۴ - جزا و کیفر و پاداش ، فلسفه برپا شدن قیامت و رستاخیز انسان ها است .

أءنّا لمدینون

آمدن عبارت <مدینون> (جزا داده شدگان) به جای <مبعثون> (مبعوث شدگان) و <محیون> (زنده شدگان)، می تواند بیانگر این حقیقت باشد که اساس رستاخیز انسان ها، مسأله جزا است; نه صرف زنده شدن دوباره انسان ها.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۵ - ۱۳

۱۳ - قیامت ، روز روبه رو شدن بندگان با کیفر و پاداش الهی

یوم التلاق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۱۷ – ۱،۵

۱ – نظام پاداش و کیفر

الهی در قیامت ، فراگیر همه انسان ها و شامل تمامی حرکات انسان ها است .

الیوم تجزی کلّ نفس بما کسبت

<ما> در <بما کسبت> موصول بوده و افاده کننده معنای جنس است. بنابراین <ما کسبت>; یعنی، هر آنچه که بشر انجام داده و هر حرکتی که از خود نشان دهد.

۵ - در نظام کیفر و پاداش الهی در قیامت ، به کسی کمترین ستمی نخواهد شد .

لا ظلم الیوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۶ - ۲

۲ - < قیامت > روز کیفر و پاداش

یوم الدین

<دین> به معنای جزا است و <جزا> معادل سزا می باشد که هم شامل کیفر می شود و هم پاداش.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۶ - ۱

۱ - قیامت ، روز برانگیخته شدن انسان ها برای محاکمه و کیفر و پاداش

یوم یبعثهم اللّه جمیعًا فینبّئهم بما عملوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۹ - ۲

۲ - قیامت و گرد آمدن انسان ها در آن روز ، برای محاکمه و مجازات ، شایان یاد و یادآوری

یوم یجمعکم

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که <یوم> متعلّق به فعل مقدّر <اذکر> باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مدثر – ۷۴ – ۴۶ – ۲

۲ – قیامت ، روز جزا و حسابرسی است .

بیوم الدین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – انفطار – ۸۲ – ۱۲ – ۳

۳ – پاداش و کیفر اعمال در قیامت

، براساس نامه عمل و کردار انسان در دنیا است .

یعلمون ما تفعلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۷ - ۴

۴ - قیامت ، روز جزا و رسیدگی به اعمال است .

یوم الدین

<دین> به معنای شریعت، طاعت و جزا است و از آن جا که دین به معنای <شریعت>، در قیامت مورد ندارد، <یوم الدین>، به معنای روز جزا خواهد بود و لازمه جزا دادن به بندگان، رسیدگی و محاسبه اعمال آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۸ - ۴

۴ - قیامت ، روز کیفر دادن اعمال است .

یوم الدین

کیفر فراموشکاران قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۴ - ۲

۲ - کیفر حتمی فراموش کاران روز قیامت ، چشیدن عذاب است .

فذوقوا بما نسیتم لقاء یومکم هذا

کیفر فراموشی قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۷ - ۲۳

۲۳ عبدالعزیز بن مسلم گوید : از امام رضا (ع) درباره سخن خدا که می فرماید : < نسوا اللّه فنسیهم > سؤال کردم فرمود : < ان اللّه تعالی لا ینسی و لا یسهو . . . و انما یجازی من نسیه و نسی لقاء یومه بان ینسیهم أنفسهم . . . ;

خدای تعالی نه فراموشی دارد و نه اشتباه . .. همانا خداوند کسانی را که او و دیدار قیامت را فراموش کرده اند به این صورت مجازات می کند که خودشان را از یادشان

ببرد ... >.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۱۴ – ۳،۵

۳ – فراموش کردن قیامت ، گرفتاری به عذاب را در پی دارد .

فذوقوا بما نسیتم

<باء> در <بما> سببیه و <ما> مصدریه است. بنابراین، معنا چنین می شود: <به خاطر فراموشی تان روز قیامت را بچشید...!>.

۵ – وانهاده شدن انسان به حال خود ، در قیامت ، کیفر فراموش کردن قیامت در عالم دنیا است .

فذوقوا بما نسیتم لقاء یومکم هذا إنّا نسینکم

<إنّا نسیناکم> برای مقابله با <بما نسیتم> است؛ یعنی، شما قیامت را فراموش کردید و ما هم، در مقابل، شما را به حال خود وانهادیم.

کیفر کفر به قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۲۶ – ۱۸

۱۸ – آنان که به خدا و روز قیامت کافر شوند ، راهی جز ورود به آتش دوزخ نخواهند داشت .

و من کفر . .. ثم أضطره إلی عذاب النار

اضطرار؛ یعنی، مجبور ساختن کسی به انجام کاری. پس <ثم اضطره ...> چنین معنا می شود: آن گاه که کافران حیات دنیا را سپری کردند، آنان را برای ورود به آتش دوزخ مجبور می کنم.

کیفر مکذبان قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۸ – ۱

۱ دوزخ ، جایگاه ابدی مشرکان و منکران رستاخیز

إن الذین لایرجون لقاءنا . .. و الذین هم عن ءایتنا غفلون. أولئک مأویهم النار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۱۱ – ۲،۳،۷

۲ مجازات کفار و منکران

قیامت (از میان برداشتن ایشان) منجر به انقراض نسل بشر خواهد شد .

و لو یعجل اللّه للناس الشر . .. لقضی إلیهم أجلهم

<ال> در <الناس> ال جنسیه و مفید استغراق است; یعنی، اگر سنت الهی درباره جوامع بشری این بود که هر انسان کفرپیشه را در دنیا بی درنگ مجازات کند، هر آینه تا کنون زمین از وجود انسان تهی شده و نسل بشر منقرض گشته بود. در حالی که این با فلسفه آفرینش انسان (و لکم فی الأرض مستقر و متاع إلی حین. بقره / ۳۶) ناسازگار است.

۳ مجازات کفرپیشگان و منکران قیامت (از میان برداشتنشان) ناسازگار با فلسفه آفرینش انسان

و لو یعجل اللّه للناس الشر . .. لقضی إلیهم أجلهم

۷ منکران قیامت ، مستحق کیفر و عذاب الهی در دنیا هستند .

و لو یعجل اللّه . .. لقضی إلیهم أجلهم فنذر الذین لایرجون لقاءنا

از آیه شریفه استفاده می شود که: اگر مجازات منکران قیامت منجر به مرگ آنان نمی شد، خدا بدون مهلت آنان را سرکوب می کرد; یعنی، آنان استحقاق کیفر را دارند لکن مانع وجود دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۱ - ۳،۶

۳ آتش بر افروخته و پرالتهاب دوزخ ، کیفر تکذیب قیامت

و أعتدنا لمن کذّب بالساعه سعیرًا

<سعیر>، به معنای آتش پرالتهاب و برافروخته است.

۶ آتش جهنم ، هم اکنون (پیش از برپایی قیامت) برای تکذیب کنندگان قیامت ، آماده و مهیّا است .

و أعتدنا لمن کذّب بالساعه سعیرًا

آمدن فعل <أعتدنا> (آماده کردیم) به صورت فعل ماضی، می تواند گویای برداشت

یاد شده باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۱۲ – ۴

۴ کیفر و عذاب تکذیب کنندگان قیامت ، بسیار شدید و هولناک خواهد بود .

سمعوا لها تغیّظًا و زفیرًا

صدای خشمگینانه و پرخروش آتش جهنم، با دیدن منکران معاد از راه دور، حاکی از شدت و هولناکی عذاب و کیفر است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۵۵ – ۳

۳ – منکران قیامت ، در وسط دوزخ جای خواهند داشت .

فرءاه فی سواء الجحیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – مطففین – ۸۳ – ۱۱ – ۵

۵ – تکذیب قیامت ، در نامه عمل تکذیب کنندگان ثبت شده و براساس آن کیفر خواهند دید .

کتب مرقوم . ویل یومئذ للمکذّبین . الذین یکذّبون بیوم الدین

کیفیت قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۹ – ۱

۱ – برپایی قیامت و احیای مجدد انسان ها ، تنها با یک صیحه و فریاد سخت خواهد بود .

فإنّما هی زجره وحده

<زجره> به معنای <صیحه> است و آمدن آن بر وزن <فعله>، بر <مرّه> دلالت می کند. آمدن <واحده> نیز برای

تأكيد مفاد آن است. پس <فانّما هى زجره...>; يعنى، تنها يك صيحه و فرياد سخت.

گردش چشمها در قيامت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - قيامه - ۷۵ - ۷ - ۱

۱ - در آستانه برپايى قيامت ، چشمان انسان ها از ترس و اضطراب ، به گردش در مى آيد .

فإذا برق البصر

فعل <بَرَقَ>

وقتی به چشم نسبت داده شود، به معنای اضطراب و به گردش آمدن چشم از ترس است (مفردات راغب). گفتنی است آیه شریفه در مقام بیان حوادثی است که در آستانه برپایی قیامت و لحظه های نخستین رستاخیز رخ خواهد داد.

گرفتاری کافران در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۳ - ۸

۸ - در قیامت ، هیچ راه نجاتی برای کافرانِ به قرآن و پیامبر (ص) وجود نخواهد داشت .

أولئک یؤمنون به و من یکفر به . .. و اتقوا یوماً لاتجزی نفس عن نفس شیئاً

هدف از توصیف قیامت، به اینکه فدیه ای گرفته نمی شود و . ..; مأیوس کردن مستحقان عذاب است از اینکه راه نجاتی - جز ایمان به قرآن و پیامبر(ص) - برای خویش توهم کرده و به اعتبار آن دل خوش کنند.

گرما در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۵ - ۴

۴ - فضای محشر ، سخت داغ ، دودآلود و نفس گیر

یرسل علیکما شواظ من نار و نحاس

گروه ها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۶ - ۵

۵ - رو در رویی گروه های مختلف انسان ها ، در روز قیامت ، امری ممکن است .

و یوم تقوم الساعه یقسم المجرمون . .. و قال الذین أوتوا العلم و الإیمن لقد لبثتم

گروهبندی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۶۹ – ۸

۸– خداوند با سوگند به

ربوبیت خود ، بر تحقق حتمی طبقه بندی عاصیان در قیامت ، تأکید کرده است .

فوربّک . .. ثمّ لننزعنّ من کلّ شیعه ... عتیّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۴ - ۴

۴ - مردم در قیامت ، به دو گروه شاخص < ابرار > و < فجّار > تقسیم خواهند شد .

إنّ الأبرار لفی نعیم . و إنّ الفجّار لفی جحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۶ - ۳

۳ - انسان ها در قیامت ، به گروه هایی گوناگون تقسیم خواهند شد .

یومئذ یصدر الناس أشتاتًا

گروهها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۸ - ۳

۳ - مردم در عرصه قیامت ، در دو گروه متفاوت قرار خواهند گرفت : یا خوار و ذلیل خواهند بود و یا در ناز و نعمت . *

وجوه یومئذ خشعه . .. وجوه یومئذ ناعمه

تکرار کلمه <وجوه>، ممکن است به منظور استقصای تمام انواع مردم باشد. در این صورت، کسی خارج از دو گروه یاد شده نخواهد بود. عطف نشدن <وجوه> (در این آیه) بر <وجوه> در آیات پیشین، بر شدّت انفصال دلالت دارد، به گونه ای که این دو گروه هیچ نقطه اشتراکی نخواهند داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۶ - ۱

۱ - مردم ، در قالب گروه هایی متفاوت ، صحنه قیامت را به سوی سرنوشت مخصوص خویش ، ترک خواهند کرد .

يومئذ يصدر الناس أشتاتًا ليروا أعملهم

<يصدر>;

يعنى، منصرف مى شود و بازمى گردد (مفردات و صحاح اللغه). <أشتاتاً> (جمع <شتّ>) به معناى <تفرق يافتگان> است (صحاح اللغه). مفاد آيه شريفه ناظر به مرحله پس از حسابرسى است كه مردم از آن برمى گردند و به سوى بهشت و جهنم مى روند. فعل <يصدر> و نيز مشاهده اعمال (يا پاداش و كيفر آن)، با اين معنا سازگارتر است; گرچه اين احتمال نيز منتفى نيست كه مراد، رجوع انسان ها به حيات دوباره باشد; ولى فعل <يصدر> و نيز مشاهده اعمال (يا پاداش و كيفر آن)، با احتمال نخست، سازگارتر است.

گروههاى ملائكه در قيامت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۲ - ۷

۷ - فرشتگان در قيامت ، در رده هاى مختلف دسته بندى شده و هر دسته مأموريتى ويژه دارند .

صفًّا صفًّا

گريه در قيامت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۳ - ۵

۵ - قيامت ، روز خنده و گريه خلايق *

ثمّ يجزيه الجزاء الأوفى . .. و أنّه هو أضحك و أبكى

برداشت ياد شده بدين احتمال است كه اين آيه به قرينه آيات پيشين در ارتباط با قيامت باشد.

گفتگو با خدا در قيامت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۷ - ۱۱

۱۱ - ناتوانى همگان ، از گفتوگوى خودسرانه با خداوند در قيامت

لايملكون منه خطابًا

مرجع ضمیر فاعلی <لایملکون>، موجودات عاقلی است که از <ما بینهما> دانسته می شود. <منه> حال برای <خطاباً> و حرف <من> برای اتصال و ارتباط است. مفاد آیه

این است که در رابطه با خداونـد، هیچ سـخنی برای آنان مقدور نیست. به قرینه آیه بعد، می توان گفت: مراد کلام نادرست و شفاعت غیر مأذون است.

گفتگو در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۱ - ۲۱

۲۱ - امکان گفتوگو و مذاکره مردم در صحنه قیامت

و لو تری إذ الظلمون موقوفون عند ربّهم یرجع بعضهم إلی بعض القول یقول الذین استضع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۲ - ۶

۶ - امکان گفت وگو و مذاکره در دادگاه الهی در قیامت

یقول الذین استضعفوا . .. قال الذین استکبروا

گمراهان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۱۸

۱۸ اعتراف گمراهان در قیامت به تبعیت از خواهشهای نفسانی خویش تا آخرین لحظه عمر

ربنا استمتع بعضنا ببعض و بلغنا أجلنا الذی أجلت لنا

جمله <و بلغنـا>، پس از <ربنـا اسـتمتع . .. >، بیان اسـتمرار بهره گیری گمراهان از تمتعات دنیا تا لحظه رسـیدن اجل است. بنابراین عمر آنها در این منظور صرف شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۰ - ۱۵

۱۵ گمراهان پیرو شیطانها در قیامت بر کفرورزی خویش در دنیا آگاهی می یابند. *

و شهدوا على أنفسهم أنهم كانوا كفرين

<شاهد> عالمی است که آنچه را دریافته بیان می کند. (لسان العرب). لذا اگر <شهدوا> به معنای شهادت دادن باشد، لازمه آن آگاهی فرد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف

-۷ - ۳۰ - ۱

۱ حضور انسانها در قیامت، مانند آفرینش نخستینشان، در دو گروه هدایت یافته و گمراه گشته

فریقا هدی

جمله <فریقا هدی . ..> حال برای فاعل <بدأکم> و بیانگر وجه مشابهت مطرح شده در جمله <کما بدأکم تعودون> است و حاصل معنی چنین می شود: خداوند شما را آفرید در حالی که شایستگان هدایت را هدایت کرد و مستحقان گمراهی را به گمراهی کشاند و به همین صورت (دو جناح بودن) به سوی او باز خواهید گشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۷ - ۸

۸- ذلت و به خاک در افتادن چهره گمراهان در قیامت

و نحشرهم یوم القیمه علی وجوههم عمیًا و بکمًا و صمًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۳ - ۱۶

۱۶ - مستضعفان گمراه شده از سوی مستکبران ، با مشاهده عذاب در قیامت ، از کرده خود پشیمان خواهند شد .

و قال الذین استضعفوا . .. و أسرّوا الندامه لمّا رأوا العذاب

بنابراین که ضمیر فاعلی <أسرّوا> به <استضعفوا>برگردد، نکته یاد شده قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۵ - ۹،۱۲

۹ - گمراهان ستمکار ، در روز قیامت ، مورد سرزنش اهل ایمان خواهند بود .

و قال الذین ءامنوا إنّ الخسرین الذین خسروا أنفسهم

۱۲ - قیامت ، روز ظهور خسران و زیان کاری عمیق ستم پیشگان و گمراهان

إنّ الخسرین الذین خسروا أنفسهم و أهلیهم یوم القیمه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ –

۲،۳،۴،۷ - ۳۸

۲ - حضور انسان های گمراه و عوامل شیطانی گمراه کننده آنان ، در قیامت و در محضر خداوند

حتّی إذا جاءنا

۳ - رویارویی گمراهان و عوامل شیطانی گمراه کننده آنان ، در قیامت

قال یلیت بینی و بینک بعد

تعبیر <بینی و بینک> خطاب رو در رو را می رساند.

۴ - اظهار نفرت گمراهان ، از شیاطین و وسوسه گران خویش ، در صحنه قیامت و هنگام حضور در پیشگاه خداوند

حتّی إذا جاءنا قال یلیت بینی و بینک بعد المشرقین فبئس القرین

۷ - قیامت ، عرصه رنگ باختن پندار های دروغین گمراهان و فریب خوردگان

و یحسبون أنّهم مهتدون . حتّی إذا جاءنا

گمراهگران در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۳ - ۱۲

۱۲ - مستکبران گمراهگر در قیامت ، با دیدن عذاب الهی ، از کار خود پشیمان شده و آن را پنهان خواهند کرد .

و قال الذین استضعفوا للذین استکبروا بل مکر الّیل و النهار إذ تأمروننا أن نکفر با

برداشت یاد شده بنابراین اساس است که مرجع ضمیر فاعلی <أسرّوا>، <استکبروا> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۸ - ۲

۲ - حضور انسان های گمراه و عوامل شیطانی گمراه کننده آنان ، در قیامت و در محضر خداوند

حتّی إذا جاءنا

گمراهی مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۵ - ۸

۸ - ناسپاسی در برابر لطف و رحمت الهی و سوء استفاده از آن ، نمودی از انحراف و گمراهی منکران قیامت

و إنّ الذین لایؤمنون بالأخره .

.. و لو رحمنهم ... فى طغينهم يعمهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۸ - ۱۲

۱۲ - پی بردن به حقانیت رستاخیز ، دارای راه علمی است و منکران آن گرفتار گمراهی اند .

و يعلمون أنّها الحقّ ألا إنّ الذين يمارون فى الساعه لفى ضلل بعيد

گناه تکذیب قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۱ - ۲،۴

۲ انکار و تکذیب معاد ، بزرگ ترین جرم و گناه کافران و مشرکان صدراسلام

قال الذين كفروا إن هذا إلّا إفك افتريه . .. قالوا مالِ هذا الرسول ... بل كذّبو

برداشت یاد شده، به خاطر دو نکته است: ۱ <بل> برای اضراب انتقالی است. ۲ وعده عذاب دوزخ به کافران و مشرکان به خاطر تکذیب قیامت بود؛ نه دروغ پردازی و بهانه جویی های آنان.

۴ انکار معاد ، گناهی بزرگ و نابخشودنی

و أعتدنا لمن كذّب بالساعه سعيرًا

برداشت فوق، از وعده عذاب دوزخ به تکذیب کنندگان قیامت استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۱ - ۴

۴ - تکذیب قیامت ، بزرگ ترین جرم محکومان دادگاه رستاخیز

فويل يومئذ للمكذّبين

از این که تنها وصفی که برای محکومان روز قیامت آورده شده، عنوان <تکذیب قیامت> است، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مدثر – ۷۴ – ۴۶ – ۳

۳ – تکذیب روز جزا ، جرمی بزرگ و نابخشودنی است .

عن المجرمین . .. و کنّا نکذّب بیوم الدین

جلد – نام سوره – سوره

- آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۶ - ۶

۶ - تکذیب روز جزا ، جرمی نابخشودنی است و تکذیب گران مجرم اند .

ویل یومئذ للمکذّبین . .. کلوا و تمتّعوا قلیلاً إنّکم مجرمون

مطلب یاد شده، از به کار رفتن عنوان <مجرمان> درباره <مکذّبان>، استفاده شده است.

گناهکار در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۴ - ۱۱

۱۱ مداومت بر نافرمانی خدا و رسول (ص) ، مایه گرفتاری به عذاب های جسمی و روحی در قیامت

و من یعص اللّه . .. یدخله ناراً ... و له عذاب مهین

دخول در آتش، عذاب جسمی آنان و عذاب خوارکننده، شکنجه روحی ایشان.

گناهکاران در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۰ - ۷،۸،۱۱

۷ بدکاران در قیامت آرزو می کنند کاش میان آنان و عملشان ، زمان بی حدی فاصله بود .

و ما عملت من سوء تودّ لو اَنّ بینها و بینه امداً بعیدا

۸ بیزاری شدید بدکاران ، از کردار خویش در قیامت

تودّ لو انّ بینها و بینه امداً بعیداً

۱۱ قیامت ، روز اندوه و افسوس بدکاران

تودّ لو انّ بینها و بینه امداً بعیداً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۵۹ – ۱۰

۱۰ خداوند در قیامت خلافکاران را به اعمال ناپسندشان آگاه خواهد ساخت.

ثم ینبئهم بما کانوا یفعلون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۶۰ – ۵

۵ در قیامت به گنهکاران ستم نخواهد شد.

و

هم لا يظلمون

ذيل آيه قبل (ثم ينبئهم . ..) بيانگر اين است كه ظرف پاداش و جزاى مطرح شده در اين آيه روز قيامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - يونس - ۱۰ - ۲۷ - ۳،۶

۳ بدكاران در قيامت ، گرفتار كيفر اعمال بد خويش خواهند شد .

و الذين كسبوا السيئات جزاء سيئه بمثلها

۶ مردمان زشت كردار در سراى آخرت ، گرفتار خشم و عذاب الهى خواهند بود .

و الذين كسبوا السيئات . .. ما لهم من اللّه من عاصم

مراد از جمله <ما لهم من اللّه من عاصم>، <ما لهم من عذاب اللّه من عاصم> مى باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - ابراهيم - ۱۴ - ۴۹ - ۱،۲

۱- وضعيت مجرمان در قيامت براى همگان قابل رؤيت خواهد بود .

و ترى المجرمين يومئذ مقرّنين فى الأصفاد

مخاطب <ترى المجرمين> (مجرمان را مى بينى) نوع انسان است. بنابراين مى توان استفاده كرد كه وضعيت مجرمان براى همگان قابل رؤيت است.

۲- در قيامت انبوه مجرمان (هماننـد اسيران) با غل و زنجير به هم بسته مى شونـد و همراه يكديگر حاضر و محشور خواهند شد .

و ترى المجرمين يومئذ مقرّنين فى الأصفاد

<أصفاد> جمع <صفد> و به معناى ريسمان و يا وسيله اى است كه اشيا و يا افرادى مانند اسيران را به هم بسته باشند و <مقرّنين> از مصدر <قران> به معناى بستن شديد و محكم چند چيز و يا چند فرد با هم است (لسان العرب). ضمناً آمدن <مقرّنين>، از باب تفعيل، معناى تكثير را افاده مى كند.

سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵۰ - ۱،۲

۱- مجرمان در قیامت دارای پیراهنی از ماده ای سیاه ، بد بو ، داغ و قابل اشتعال (مانند قیر)

و تری المجرمین . .. سرابیلهم من قطران

<قطران> به معنای ماده ای است سیاه، بد بو و چسبنده (روغن) که آن را بر بدن شتر می مالند (مجمع البیان). اینکه خداوند فرمود: لباس دوزخیان از قطران است، ممکن است برای بیان مبالغه و کثرت شعلهوری و سوزندگی آتش جهنّم به بدن انسان دوزخی باشد و نیز بیانگر قابل اشتعال بودن ماده قطران باشد (لسان العرب).

۲- چهره مجرمان در روز قیامت در پوششی از آتش است .

و تری المجرمین . .. و تغشی وجوههم النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۹ - ۳،۵

۳- در قیامت مجرمان ، هنگام مشاهده نامه عمل ، از کردار خود وحشت و دلهره پیدا می کنند .

فتری المجرمین مشفقین ممّا فیه

۵- مجرمانِ رفاه مند و بی باک دنیا ، بیم ناکان وحشت زده صحنه قیامت اند .

فتری المجرمین مشفقین ممّا فیه

با توجه به این که آیات قبل در مورد رفاه مندان مغرور بود، مصداق بارز <مجرمان هراسناک> در این آیات، همان دنیاپرستان مغرور خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۳ - ۱،۳

۱- مجرمان ، در صحنه قیامت ، ناظر شعله های آتش دوزخ اند .

و رءا المجرمون النار

۳- مجرمان ، در قیامت ، به دوزخی بودن خود و نداشتن راه گریزی از آن ، پی خواهند برد .

فظنّوا انّهم

مواقعوها و لم يجدوا عنها مصرفًا

بیان دیدگاه مشرکان در مورد ورود به جهنم با فعل <ظنّ>، حکایت از آن دارد که آنان، در آن شرایط، خود را دوزخی می بینند، ولی هنوز امیدهایی هر چند واهی به نجات دارند. ولی به زودی درمی یابند که گریزگاهی برای آنان نیست. <مصرفاً> اسم مکان به معنای مکانی است که به آن روی آورنـد. جمله <لم یجـدوا...> یعنی جایی را که بتواننـد با پناه بردن به آن، از آتش رها شوند، نمی یابند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۹ - ۷

۷- تقسیم گنه کاران در قیامت براساس مراتب عصیان گری آنها ، از شؤون ربوبیت الهی است .

فوربّك . .. ثمّ لننزعنّ من كلّ شيعه أيّهم أشدّ على الرحمن عتيًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۶ - ۴

۴- قیامت ، روز ظهور تفاوت وضعیت مجرمان و متقین

يوم نحشر . .. و نسوق المجرمين إلى جهنّم وردًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۴ - ۱

۱ - شهادت و گواهی زبان ، دست و پای گنه کاران علیه آنان در قیامت

يوم تشهد عليهم ألسنتهم و أيديهم و أرجلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۲ - ۶

۶ وحشت مجرمان از ملائکه به هنگام رو در رویی با آنها ، به هنگام مرگ و روز رستاخیز

يوم يرون الملئكه لابشرى يومئذ للمجرمين و يقولون حجرًا محجورًا

فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۱۲ – ۱،۵

۱ – مجرمان ، در روز برپایی قیامت ، اندوهگین و ناامیدند .

و یوم تقوم الساعه یبلس المجرمون

<إبلاس> در لغت، اندوهِ ناشی از شدت سختی (مفردات راغب) و نیز به معنای یأس است (لسان العرب).

۵ – عذر ها و حجت های مجرمان و تبهکاران ، در روز قیامت ، قطع می شود .

و یوم تقوم الساعه یبلس المجرمون

گفته شده که معنای <إبلاس>، سکوت و قطع شدن حجت است (مفردات راغب).

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۵۵ – ۱

۱ – مجرمان ، در قیامت ، بر اندک بودن مدت درنگ شان در برزخ ، سوگند یاد می کنند .

و یوم تقوم الساعه یقسم المجرمون ما لبثوا غیر ساعه

از این که مکان درنگ و اقامت مجرمان، کجا می تواند باشد، مفسران احتمال های گوناگونی را ذکر کرده اند. از جمله آنها، عالَم قبر و برزخ است. لازم به ذکر است که آیه پیش که مراحل عمر انسان ها را تا دوران پیری ذکر کرد و بعد فرمود <یخلق ما یشاء> که با توجه به آیه پنجاه، می تواند درباره معاد و قیامت باشد، قرینه است بر این که مکان افراد یاد شده، جایی است که پس از مرگ، در آن قرار می گیرند و آن، عالَم برزخ است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۵۷ – ۱

۱ – مجرمان در روز قیامت ، بهانه جویی می کنند .

یوم تقوم الساعه یقسم المجرمون . .. فیومئذ لاینفع الذین ظلموا معذرتهم

مراد از <الذین ظلموا>

می تواند <المجرمون> باشد که در آیه پنجاه و پنج گذشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۸ - ۵

۵ - اظهارات مجرمان ، در قیامت درباره کم بودن مدّت حضورشان در برزخ و پاسخ صاحبان علم و ایمان به آنان ، بیانی تمثیلی از رخداد های قیامت است .

یوم تقوم الساعه یقسم المجرمون . .. و قال الذین أوتوا العلم و الإیمن ... و لقد ض

ذکر این آیه، پس از بیان حادثه ای از حوادث قیامت که مربوط به مجرمان و برخورد صاحبان علم و ایمان با آنان بود می تواند اشاره به این حقیقت داشته باشد که چنین گفت و گوهایی، نمونه و بیان تمثیلی از آن حوادث است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۲ - ۱،۴،۵،۱۱،۱۲،۱۷

۱ - ندامت و سرافکندگی مجرمان ، در صحنه قیامت ، منظره ای بس دیدنی و عبرت انگیز است .

و لو تری إذ المجرمون ناکسوا رءوسهم عند ربّهم

<نکس الرأس> به معنای <پایین انداختن سر از شرمندگی و خجالت> است. لازم به گفتن است که جواب <لو> محذوف بوده و آن، چیزی شبیه <لرأیتَ شیئاً عجیباً و هو...> است.

۴ - ربوبیت خدا در قیامت ، برای مجرمان ، تجلی پیدا می کند .

ناکسوا رءوسهم عند ربّهم . .. ربّنا أبصرنا

۵ - مجرمان پس از حسابرسی شدن در قیامت ، به تبه کاری خویش در دنیا ، پی می برند .

و لو تری إذ المجرمون ناکسوا رءوسهم عند ربّهم ربّنا أبصرنا

<عند ربّهم> می تواند کنایه از حسابرسی شدن باشد. اعتراف

با <أبصرنا و سمعنا> پس از آن، نشان دهنده این است که آنان، به جرم و تبه کاری خود پی می برند.

۱۱ - همه حقایق و وعده های الهی ، در قیامت برای مجرمان به گونه ای ملموس آشکار می شود .

و لو ترى إذ المجرمون . .. ربّنا أبصرنا و سمعنا

۱۲ - در قیامت حتی برای مجرمان ، امکان تکلم و درخواست وجود دارد .

و لو ترى إذ المجرمون . .. ربّنا أبصرنا و سمعنا فارجعنا

فراز <ربّنا أبصرنا. ..> مقول قول مجرمان در روز قیامت و مفید نکته بالا است.

۱۷ - مجرمان در قیامت ، به حقانیت وعده های خداوند درباره معاد ، زبان می گشایند .

ربّنا أبصرنا و سمعنا . .. إنّا موقنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۷ - ۱،۳

۱ - ظهور ارزش تقوا و نقش هدایت الهی (قرآن) ، هنگام عذاب و در قیامت برای کافران و گنه کاران

أو تقول لو أنّ اللّه هدینی لکنت من المتّقین

۳ - غبطه و حسرت کافران و گنه کاران ، به حال تقواپیشگان در قیامت

أنّ اللّه هدینی لکنت من المتّقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۸ - ۵،۶

۵ - ظهور ارزش احسان ، برای کافران و گنه کاران در قیامت

لو أنّ لی کرّه فأکون من المحسنین

۶ - غبطه و حسرت کافران و گنه کاران به حال محسنان در قیامت

لو أنّ لی کرّه فأکون من المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۰ - ۱

۱- روز قیامت ،

میعاد و وعده گاه تمامی مجرمان و منکران معاد

إنّ یوم الفصل میقتهم أجمعین

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که مرجع ضمیر در <میقاتهم> مجرمان و منکران معاد باشد; همچون قوم <تبع> که در آیات پیشین به آنها اشاره شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۴ - ۳

۳- < درخت زقّوم > ، تجسّم گناهان جرم پیشگان در قیامت *

إنّ شجرت الزقّوم . طعام الأثیم

تعبیر <شجرت الزقّوم> و ارتباط میان دو آیه، ممکن است کنایه از این باشد که این بذر گناه است که در آخرت <زقّوم> می رویاند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۸ - ۴

۴ جدال مجرمان در قیامت ، بی تأثیر برای تبرئه ایشان ، با وجود اتمام حجت الهی بر آنان در دنیا

قال لاتختصموا لدیّ و قد قدّمت إلیکم بالوعید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۹ - ۲

۲ تلاش محکومان دادگاه قیامت برای تغییر حکم الهی ، تلاشی بی فرجام

ما یبدّل القول لدیّ

در آیات پیشین، حکم مجرمان با فرمان <ألقیا فی جهنّم . ..> از سوی خداوند صادر می گردد. مجرمان با جدال و تخاصم، درصدد تبرئه خویش برمی آیند تا مگر حکم الهی را در حق خود تغییر دهند; ولی <ما یبدّل القول...> بی فرجام بودن تلاش آنان را می رساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۹ - ۱

۱ - گناهکاران جن و انس در صحنه قیامت ، دارای وضعیتی معلوم و

بی نیاز از محاکمه و سؤال

فیومئذ لایسئل عن ذنبه إنس و لاجانّ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۴۱ – ۱،۲،۵

۱ – شناخته شدن مجرمان به وسیله علامت های چهره آنان در قیامت

یعرف المجرمون بسیمهم

<سیما> به معنای مطلق علامت است. مراد از آن در آیه شریفه علامتی است که در چهره مجرمان دیده می شود.

۲ – مشخص و محرز بودن گناهان جن و انس در قیامت ، بدون بازجویی

فیومئذ لایسل عن ذنبه إنس و لاجانّ . .. یعرف المجرمون بسیمهم

۵ – مجرمان گردن فراز دنیا ، دارای وضعی خفت بار و ذلیلانه در قیامت

فیوخذ بالنوصی و الأقدام

گرفتار شدن کافران با موهای سر و با پاهایشان، حکایت از مقهور بون کامل آنان و ذلت ایشان در قیامت دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – معارج – ۷۰ – ۱۱ – ۴

۴ – مجرمان برای نجات خویش از عذاب الهی در قیامت ، آماده اند تا فرزندان خود را فدا کنند .

یودّ المجرم لویفتدی من عذاب یومئذ ببنیه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – معارج – ۷۰ – ۱۲ – ۱،۲

۱ – مجرمان در قیامت ، برای رهایی خود از عذاب الهی ، آماده فدا کردن همسران خویش اند .

و صحبته

۲ – مجرمان در عرصه محشر ، برای نجات خود از عذاب الهی ، آماده فدا کردن برادران خویش اند .

و أخیه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – معارج – ۷۰ – ۱۳ – ۱

۱ – مجرمان در قیامت ، برای نجات خود از عذاب الهی ،

آماده فدا کردن بستگان نزدیک خویش اند .

و فصیلته الّتی تویه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۴ - ۱،۲

۱ - مجرمان در قیامت ، برای نجات خود از عذاب الهی ، آماده فدا کردن همه انسان های کره زمین اند .

و من فی الأرض جمیعًا

۲ - مجرمان در قیامت ، برای نجات خود از عـذاب الهی ، آماده فدا کردن همه محبوب ها و خلایق زمینی اند (انس ، جن و . . .) .

و من فی الأرض جمیعًا ثمّ ینجیه

<مَن> برای مطلق موجودات شعورمند وضع شده است و برداشت یاد شده، مبتنی بر همین وضع اصلی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۱ - ۱

۱ - پرسوجوی اصحاب الیمین در بهشت ، از وضعیت مجرمان در قیامت

عن المجرمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲ - ۶

۶ - < قـال رسول اللّه (ص) . . . یـابن مسـعود أَکثِر من الصالحـات و البرّ فإنّ المُحسنَ و المُسـیء ینـدمان ، یقول المحسن : یا لیتنی ازْدَدْتُ من المحسنات و یقول المسیء : قصرتُ ، و تصدیق ذلک قوله تعالی : < و لاأُقسم بالنفس اللوّامه > ;

رسول خـدا(ص) فرمود: . ..ای پسـر مسـعود! اعمال صالح و کارهای نیک را افزون انجام بده که در [قیامت]نیکوکار و بدکار هر دو پشـیمان می شونـد. انسـان نیکوکـار می گویـد: ای کاش کارهای نیک را زیادتر کرده بودم و انسان بـدکار می گویـد: کوتاهی و تقصیر کردم. و

گواه این مطلب سخن خداوند است که فرمود: <و لا أقسم بالنفس اللوّامه>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۲۷ – ۶

۶ – گناه پیشگان و کافران ، در قیامت با سختی ها و مشکلات سنگین و طاقت فرسا روبه رو خواهند شد .

و یذرون وراءهم یومًا ثقیلًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – انفطار – ۸۲ – ۱۲ – ۴

۴ – گنه کاران و تکذیب کنندگان کیفر های اخروی ، در قیامت به کیفر گناه و تکذیب خود گرفتار خواهند شد .

بل تکذّبون بالدین . .. یعلمون ما تفعلون

مطرح ساختن کتابت و علم کاتبان به قرینه <بل تکذّبون بالدین> هشداری به تکذیب گران است که عمل آنان بی کیفر نخواهد ماند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – مطففین – ۸۳ – ۳۴ – ۳

۳ – گنه پیشگان کافر در قیامت ، وضعی ناهنجار و خنده آور خواهند داشت .

فالیوم الذین ءامنوا من الکفّار یضحکون

گناهکاری مکذبان قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – مطففین – ۸۳ – ۱۵ – ۴

۴ – قلب تکذیب کنندگان قرآن و قیامت ، هرگز از آلودگی های گناه پاک نخواهد شد .

ران علی قلوبهم ما کانوا یکسبون . کلاّ إنّهم ... محجوبون

جمله بعد از <كلّا>، قرينه است بر اين كه آيه شريفه درصدد بيان تداوم يافتن نكته اى است كه آيه قبل درباره قلب تكذيب گران مطرح كرده بود.

گواهان در قيامت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - آل عمران - ۳ -

۲۳،۲۴ - ۵۲

۲۳ اعتقاد حواریون به مفید بودن شهادت انبیای الهی در رستاخیز *

و اشهد بانّا مسلمون

۲۴ رهبران الهی ، گواهان امت خویش در قیامت *

و اشهد بانّا مسلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۳ - ۸

۸ منزلت والای کسانی که در قیامت ، بر اعمال امّت ها گواهی می دهند .

فاکتبنا مع الشاهدین

درخواست حواریون از خداوند به اینکه آنان را با گواهان قرار دهد، بیانگر آن است که آنان دارای مقامی والا هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۸ - ۷،۱۲،۱۳

۷ در قیامت ، گواهانی متعدد بر ستمگری ستمکاران و دروغ بافی افترازنندگان به خدا ، شهادت خواهند داد .

و یقول الأشهد هؤلاء الذین کذبوا علی ربهم

<أشهاد> جمع شاهد و به معنای گواهان است.

۱۲ گواهان اعمال در قیامت ، دوری ستمگران از رحمت الهی را به همگان اعلام می کنند .

ألا لعنه الله علی الظلمین

۱۳ گواهان اعمال ، از کارگزاران صحنه قیامتند .

و یقول الأشهد . .. ألا لعنه الله علی الظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۴ - ۱،۳،۶،۸،۹

۱- در قیامت از میان هر امت ، فردی به عنوان گواه و شاهد برانگیخته می شود .

و یوم نبعث من کلّ أُمّه شهیدًا

۳- از میان هر امتی در تمامی عصر ها ، فردی به عنوان شاهد و گواه در قیامت حضور پیدا می کند .

و یوم نبعث من کلّ أُمّه شهیدًا

حضور یافتن گواه هر امتی، ممکن است بدین صورت باشد که از میان

تمامی امتها فردی از هر عصر و نسلی به عنوان گواهی دادن در قیامت حضور یابد. بنابراین به تعداد عصرها و نسلها، گواهانی به گواهی خواهند پرداخت.

۶- کسانی که در قیامت بر اعمال امت خویش گواهی می دهند ، جزء نخبگان و بهترین های امت خویشند .

و یوم نبعث من کلّ أُمّه شهیدًا

انتخاب شاهد و گواه از میان هر امتی، بیانگر آن است که آنان از نخبگان و خوبان امت خویشند; زیرا اگر آنان هم از افراد گناهکار باشند و بر کار آنان نیز گروه دیگری شاهد و گواه باشد، انتخابشان برای دادن گواهی لغو و بیهوده خواهد بود.

۸- رخصت نیافتن کافران برای سخن گفتن و معذرت خواهی به هنگام حضور شاهدان و گواهان امت ها ، در قیامت

و یوم نبعث من کلّ أُمّه شهیدًا ثمّ لایؤذن للذین کفروا

۹- برانگیخته شدن شاهدان در قیامت ، پایان فرصت کافران برای دفاع از خویش است . *

و یوم نبعث من کلّ أُمّه شهیدًا ثمّ لایؤذن للذین کفروا

واژه <ثمّ> که برای ترتیب است، ممکن است بدین نکته اشاره داشته باشد که پس از اقامه شهود و نه قبل از آن دیگر کافران رخصت نمی یابند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۹ - ۴۸

۴- کسانی که در قیامت بر اعمال امت خویش گواهی می دهند ، جزء نخبگان و بهترین های امت خویشند .

و یوم نبعث فی کلّ أُمّه شهیدًا علیهم من أنفسهم

انتخاب شاهد و گواه از میان هر امتی، بیانگر آن است که آنان از نخبگان و خوبان امتند; زیرا اگر آنان هم از افراد گناهکار باشند

و بر کار آنان گروه دیگری شاهد و گواه باشند، انتخاب آنان برای گواهی، لغو و بیهوده خواهد بود.

۸- پیامبر (ص) ، ناظر اعمال امت خویش و گواه آنان در قیامت است .

و جئنابک شهیدًا علی هؤلاء

برداشت فوق با توجه به دو نکته در آیه است: الف) بنابر اینکه منظور از امت در <فی کلّ أمه> مردم هر عصری نباشد; بلکه امت هر پیامبری باشد. ب) <هؤلاء> اشاره باشد به کل امت پیامبر(ص) تا روز قیامت و نه تنها مردم عصر آن حضرت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۷ - ۶

۶- در قیامت ، گواهانی بر بطلان پندار فرزندی عیسی (ع) برای خداوند شهادت خواهند داد .

فویل للذین کفروا من مشهد یوم عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۵ - ۱۱

۱۱ - < عن أبی جعفر (ع) فی قوله < و نزعنا من کلّ أُمّه شهیداً > یقول من کلّ فرقه من هذه الأُمّه إمامها . . . ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند <و نزعنا من کلّ أُمّه شهیداً> روایت شده که خدا می فرماید: از هر فرقه ای از این امت، امام آنها را برمی گزینیم>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۵ - ۳

۳ - دست ها و پا های کافران ، در قیامت علیه آنان به سخن آمده و بر دستاوردهایشان ، گواهی خواهند داد .

تکلّمنا أیدیهم و تشهد أرجلهم بما کانوا یکسبون

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۶۹ – ۷،۱۴

۷ – حضور پیامبران در قیامت برای گواهی دادن بر اعمال بندگان ، هنگام عرضه اعمالشان

و جایء بالنبیّین

مقصود از آوردن پیامبران در قیامت هنگام عرضه نامه اعمال بندگان به قرینه آیه <فکیف إذا جئنا من کلّ اُمّه بشهید و جئنابک علی هؤلاء شهیداً (نساء(۴)، ۴۱) گواهی دادن آنان است.

۱۴ – داوری خداوند میان بندگان در قیامت ، بر پایه مستندات پرونده اعمال ، گواهی پیامبران و گواهانی چند خواهد بود .

و وضع الکتب و جایء بالنبیّین و الشهداء و قضی بینهم بالحقّ و هم لایظلمون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۵۱ – ۸

۸ – قیامت ، روز برپا خاستن گواهان برای شهادت و گواهی

یوم یقوم الأشهد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۴۱ – ۲،۶،۸،۱۰

۲ خداوند گواهان و ناظران امت ها را در قیامت به گواهی فرامی خواند .

فکیف اذا جئنا من کل امّه بشهید

۶ خداوند در قیامت ، پیامبر (ص) را برای گواهی بر امت خویش فرامی خواند .

و جئنا بک علی هؤلاء شهیداً

۸ پیامبر (ص) ، گواهی بر شاهدان امت ها در قیامت

فکیف اذا . .. و جئنا بک علی هؤلاء شهیداً

و لذا اسم اشاره با صیغه جمع (هؤلاء) آمده است.

۱۰ خداوند در قیامت با وجود آگاهی بر اعمال گواهانی را برای نشان دادن اتقان در حسابرسی ، فراخواهد خواند .

کان اللّه بهم علیماً . .. فکیف اذا جئنا ... و جئنا بک علی هؤلاء

شهیداً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۴۲ – ۳

۳ صحنه شهادت پیامبر (ص) در قیامت ، موجب شرم و تأسف بی اندازه کافران

و جئنا بک علی هؤلاء شهیداً. یومئذ یودّ الذین کفروا ... لو تسوّی بهم الارض

<یومئذ> متعلق به <شهیداً> است. یعنی آن روز که پیامبر (ص) بر اعمال گواهی دهد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۲۴ – ۹

۹ – تهدید شدن سازندگان < افک > به محاکمه ای سخت در قیامت و آشکار شدن توطئه های پنهانی آنان با شهادت غیر قابل انکار اعضا و جوارح خود آنها

إنّ الذین یرمون المحصنت . .. یوم تشهد علیهم ألسنتهم ... بما کانوا یعملون

برداشت یاد شده، بر این اساس است که این آیه از جمله آیات مربوط به ماجرای <افک> باشد.

گواهان عمل در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بروج – ۸۵ – ۳ – ۳،۴

۳ – قیامت ، روز حضور گواهان اعمال و شهادت دادن آنها است .

و شاهد

راغب پس از آن که شهادت را به معنای حضور با مشاهده آورده است، معنای گواهی را برای آن ذکر کرده و می گوید: شهادت، گفتاری است که از روی علم سرزده باشد. (مفردات راغب)

۴ – سوگند خداوند ، به گواهان اعمال انسان ها در قیامت

و شاهد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بروج – ۸۵ – ۷ – ۹

۹ – اصحاب اخدود در قیامت ، بر کردار خویش شهادت خواهند داد .

و هم علی ما یفعلون

بالمؤمنین شهود

آیات <و الیوم الموعود> و <و شاهد و مشهود> در آغاز سوره، می تواند قرینه بر نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۵ - ۱

۱ - گواهی پیامبر (ص) ، بر تمامی حرکات و رفتار های امت خویش در قیامت

إنّا أرسلنا إلیکم رسولاً شهدًا علیکم

گواهان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۹ - ۷

۷ پیامبران ، شاهدان محکمه الهی در قیامت

و یوم القیمه یکون علیهم شهیداً

گواهی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۱ - ۱۱

۱۱ پیامبر اسلام (ص) ، گواه و شاهد بر همه رسولان الهی در روز رستاخیز

فکیف اذا جئنا . .. و جئنا بک علی هؤلاء شهیداً

امیرالمؤمنین (ع) پس از تلاوت آیه فوق فرمود: و هو [محمد (ص)]الشهید علی الشهداء و الشهداء هم الرسل (ع).

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۴۲، ح ۱۳۲ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۷۰، ح ۴.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۵۹ – ۶

۶ گواهی حضرت عیسی (ع) بر اهل کتاب در روز قیامت

و یوم القیمه یکون علیهم شهیداً

جلد – نام سوره – سوره – آیه –فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۸۴ – ۱۰

۱۰– محکومیت کافران در محکمه قیامت ، با شهادت شاهدان همراه است .

و یوم نبعث من کلّ أُمّه شهیدًا ثمّ لایؤذن للذین کفروا

جلد – نام سوره – سوره – آیه

– فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۸۹ – ۳

۳– قیامت ، روز برانگیخته شدن گواهانی از میان هر امت برای شهادت دادن بر آنان

و یوم نبعث فی کلّ أُمّه شهیدًا علیهم من أنفسهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۳۶ – ۸

۸– شهادت خواهی از چشم ، گوش و قلب در قیامت ، درباره انسان

إن السمع و البصر و الفؤاد کلّ أُولئک کان عنه مسئولاً

برداشت فوق، مبتنی بر این است که سؤال از گوش، چشم و قلب، حقیقی و در قیامت باشد. بنابراین، منظور از مورد سؤال قرار گرفتن اعضای یاد شده ممکن است برای نکته یاد شده باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۳۷ – ۸

۸– روز قیامت ، روزی عظیم و جایگاه حضور و گواهی است .

من مشهد یوم عظیم

<مشهد> چنانچه اسم مکان باشد، به معنای محل حضور و شهادت است. و می تواند مصدر میمی و به معنای شهود و حضور در روز قیامت باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۲۴ – ۱،۲،۳

۱ – شهادت و گواهی زبان ، دست و پای گنه کاران علیه آنان در قیامت

یوم تشهد علیهم ألسنتهم و أیدیهم و أرجلهم

۲ – اعضـا و جوارح (زبـان ، دست و پـای) گنه کاران ، تمامی گفته ها و کرده های آنان را بازگفته و از هیـچ عمل خلافی ،

فروگذار نخواهند کرد .

یوم تشهد علیهم ألسنتهم . .. بما کانوا یعملون

۳ - شهادت و گواهی زبان ، دست و پای

قذف کنندگان و تهمت زنندگان به زنان پاکدامن ، نجیب و مؤمن ، بر اعمال ناروایشان در قیامت

إنّ الذین یرمون المحصنت . .. یوم تشهد علیهم ألسنتهم ... بما کانوا یعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۳ - ۳

۳ - قیامت ، روز حضور گواهان اعمال و شهادت دادن آنها است .

و شاهد

راغب پس از آن که شهادت را به معنای حضور با مشاهده آورده است، معنای گواهی را برای آن ذکر کرده و می گوید: شهادت، گفتاری است که از روی علم سرزده باشد. (مفردات راغب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۴ - ۶

۶ - < عن أبی هریره قال قرء رسول اللّه (ص) هذه الآیه < یومئذ تحدث أخبارها > قال : أتدرون ما إخبارها ؟ قالوا : اللّه و رسوله أعلم ، قال : فانّ إخبارَها أن تشهد علی کلّ عبد أو أمه بما عمل علی ظهرها ;

از ابوهریره روایت شده که رسول خدا(ص) آیه <یومئذ تحدث أخبارها> را قرائت کرد و فرمود: آیا می دانید خبردادن زمین چیست؟ گفتند خدا و رسولش آگاه ترانـد; فرمود: إخبار زمین گواهی دادن آن است بر هر مرد و زنی به آنچه بر روی آن انجام داده است. >.

لجاجت مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۴ - ۲

۲ - پافشاری مستمر تکذیب گران در دنیا ، بر انکار قیامت و عذاب دوزخ

هذه النار الّتی کنتم بها تکذّبون

جمله <کنتم بها تکذّبون> ماضی استمراری و بیانگر

آن است که کافران تکذیب گر; هرگز حاضر نشده اند حقایق مربوط به جهان آخرت را بپذیرند; بلکه مصرانه آن را انکار می کنند.

لذت گرایی مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۶ - ۲

۲ - خورد و خوراک و بهره ناچیز از لذت های مادی ، هدف زندگی کافران و منکران قیامت

کلوا و تمتّعوا قلیلاً

از این که به کافران گفته می شود: بخورید و بهره گیرید، می توان به این حقیقت دست یافت که آنان جز همین کار، هدف دیگری در زندگی ندارند و گرنه به آن فراخوانده می شدند.

لرزش در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱ - ۶

۶- لرزش و اضطراب بسیار شدید مردم ، در عرصه قیامت

إنّ زلزله الساعه شیء عظیم

<ساعه>به معنای لحظه و هنگام است و <الساعه>; یعنی، آن هنگام. مقصود از <آن هنگام>، می تواند هنگام برپایی قیامت و حضور مردم در عرصه محشر باشد. در این صورت کلمه <زلزله>استعاره از اضطراب شدید مردم است. هم چنین می تواند زمان پایان یافتن عمر جهان کنونی و فرا رسیدن هنگام فروپاشی نظام آن باشد. در این صورت مراد از <زلزله>، لرزش شدیدی است که در آن لحظه، سراسر جهان را فرا می گیرد و باعث فروپاشی آن می شود.

لرزش کوهها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۴ - ۳

۳ - لرزش زمین و کوه ها در آستانه برپایی قیامت ، بسیار شدید و کوبنده است .

و كانت الجبال كثيبًا

مهیلاً

تبـدیل شـدن کوه هـای اسـتوار به انبوهی از ریـگ های روان، شـدت و گوبنـدگی زمین لرزه را، در آسـتانه برپایی قیامت می رساند.

لعن در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۳۸ – ۱۴

۱۴ امتهای مشـرك و گمراه به خاطر فراهم سازی زمینه های ضـلالت برای نسلهای بعد، در قیامت مورد لعن و نفرین آنان قرار می گیرند.

لعنت أختها . .. قالت أخریهم لأولیهم ربنا هؤلاء أضلونا

چنـانچه مخاطب <ادخلوا> به قرینه آیه ۳۵ همه بنی آدم باشـد، مراد از <أمم قد خلت . ..> انسانها و جنیان مشـرکی خواهد بـود که پیش از نسـل بنی آدم می زیسـته انـد. و اگر مخـاطب آن انسانهـایی باشـد که پس از نزول قرآن به وجود آمـده و می آیند، مقصود از <أمم> امتهای مشـرك و کافری از نسل بنی آدم است که پس از امت مشـرك پیشـین به صحنه زندگی می آینـد. برداشت فوق مبتنی بر احتمـال دوم است. گفتنی است که بر این فرض مراد از <امت أولی> نسل قبل و مراد از <امت أخری> نسل بعدی می باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۲۵ – ۱۴

۱۴ – ناسزاگویی و لعن دیگران ، در روز قیامت ، امری ممکن است .

ثمّ یوم القیمه یکفر بعضکم ببعض و یلعن بعضکم بعضًا

لقاء الله در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۵۴ – ۱۰

۱۰ روز قیامت، زمان ملاقات انسان با خداوند است.

لعلهم بلقاء ربهم يؤمنون

جلد - نام سوره - سوره

- آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۷ – ۱

۱ قیامت ، روز دیدار با خداست .

إن الذین لا یرجون لقاءنا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۱۱ – ۸

۸ قیامت ، روز دیدار با خداوند است .

الذین لایرجون لقاءنا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۱۵ – ۵

۵ قیامت ، روز دیدار با خداوند

قال الذین لا یرجون لقاءنا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۴۵ – ۷

۷ قیامت ، روز ملاقات با خداوند است .

و یوم یحشرهم . .. قد خسر الذین کذبوا بلقاء اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۱۱۰ – ۱۱

۱۱– قیامت ، روز لقای پروردگار و مشاهده نمود های روشن وی است .

فمن کان یرجو لقاء ربّه

مسلّم است که مراد از لقای پروردگار، برخوردی حسّی با او نیست; چون، چنین امری هم از نظر عقل و هم از نظر متون دینی، محال است (لاتدرکه الأبصار). بنابراین، به قرینه <فلیعمل عملاً صالحاً>، مراد از لقای پروردگار، مواجه شدن با رضایت و پاداش های او در روز قیامت است.

لقاءالله در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۱ - ۲

۲ قیامت صحنه ملاقات همگان با خداوند است.

قد خسر الذین کذبوا بلقاء اللّه حتی إذا جاءتهم الساعه

<الساعه> از اسامی قیامت است و منظور از ملاقات، برخورد جسمانی نیست، زیرا چنین امری محال است. لذا مراد

از آن شهود حاکمیت و قدرت خداوند است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۲۹ – ۱۵

۱۵ قیامت ، روز ملاقات انسان با خداوند

إنهم ملقوا ربهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۲۱ – ۳

۳ قیامت ، روز ملاقات انسان ها با خدا

لایرجون لقاءنا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۵ – ۴

۴ – قیامت ، ظرف تحقق لقاءاللّه و حضور در پیشگاه خداوند است .

من کان یرجوا لقاء اللّه فإنّ أجل اللّه لأت

<لقاءاللّه> عبارت است از این که انسان، در جایی قرار بگیرد که میان او و خداوند، هیچ حجابی نباشد و این، همانا، روز قیامت است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۸ – ۱۵

۱۵ – ربوبیت الهی ، مقتضی برپایی قیامت و حضور انسان ها در پیشگاه خداوند است .

و إنّ کثیرًا من الناس بلقای ربّهم لکفرون

ذکر وصف ربوبیت در مورد لقاءاللّه می تواند ناظر به برداشت بالا باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۱۰ – ۱۱

۱۱ – معاد ، عرصه رجوع و حضور در محضر خدا است .

أءنّا لفی خلق جدید بل هم بلقاء ربّهم کفرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۵۴ – ۲،۳

۲ – قیامت ، روز ملاقات و دیدار با پروردگار

ألا إنّهم فی مریه من لقاء ربّهم

۳ – حضور انسان ها در قیامت ، جلوه ای از ربوبیت

الهی است .

ألا إنّهم فی مریه من لقاء ربّهم

اضافه <لقاء> به وصف ربوبیت و نه دیگر اوصاف و اسمای الهی معنای بالا را افاده می کند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – مطففین – ۸۳ – ۱۵ – ۵

۵ – تکذیب کنندگان قیامت و منکران قرآن ، از ملاقات خداوند و دیدار رحمت او در قیامت محروم اند .

إنّهم عن ربّهم یومئذ لمحجوبون

محجوب بودن از خداونـد، نمی توانـد به معنـای ندیـدن بـا چشم باشـد; زیرا این امر به کافران اختصاص نـدارد. بنابراین مراد، رانده شدن از درگاه الهی و محرومیت از دیدار جلوه های خداوند (از قبیل رحمت و ثواب الهی و یا نظایر آن) است.

مال دوستان در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – فجر – ۸۹ – ۲۳ – ۸

۸ – مـال دوسـتان و حرام خـواران ، در آخرت بـه ارزش حقیقی ثروت و لزوم مصـرف آن در اطعـام گرسـنگان و فـواید بزرگداشت یتیمان ، پی خواهند برد .

لاتکرمون . .. و لاتحضّون ... تأکلون ... تحبّون ... کلاّ ... یومئذ یتذکّر الإنس

مالک قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – حمد – ۱ – ۴ – ۱،۶

۱ – خداوند ، مالک و فرمانروای روز قیامت است .

ملک یوم الدین

<مِلْک> در <مالک یوم الدین> ملک حقیقی است ; یعنی، وابستگی وجودی که لازمه آن تسلط کامل و همه جانبه مالک

بر مملوك است. قابل ذكر است كه <یوم الـدین> هم می توانـد مفعول برای <مالك> باشد و هم می تواند ظرف برای آن گرفته شود و در صورت

دوم مفعول، کلمه ای همانند <الامور> خواهد بود; یعنی: مالک الامور فی یوم الدین. به هر تقدیر برداشت فوق از آن استفاده می شود.

۶ - مالکیت خدا بر روز جزا و فرمانروایی او در آن روز ، دلیل اختصاص ستایش ها به اوست .

الحمد للّه . .. ملک یوم الدین

<مالک یوم الدین> نیز مانند اوصاف گذشته به منزله دلیل برای <الحمد للّه> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۵ - ۲،۱۷

۲ - ربوبیت خدا بر هستی ، رحمانیت و رحیمیت او و مالکیتش بر روز قیامت ، دلیل شایستگی او برای پرستش

رب العلمین. الرحمن الرحیم. ملک یوم الدین. إیاک نعبد

۱۷ شناخت ربوبیت خدا بر تمام هستی و باور به رحمانیت و رحیمیت او و مالکیتش بر روز جزا ، تنها با امداد الهی امکان پذیر است .

الحمد للّه رب العلمین . .. إیاک نستعین

شناخت ربوبیت خدا و . .. از تکالیفی است که می توان آن را از سوره حمد برداشت کرد. لذا آنها نیز متعلق <نستعین> می باشند; یعنی: نستعینک علی ان نعرف ربوبیتک و ... .

مالکیت دنیوی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۰ - ۷

۷- در قیامت ، رابطه انسان با مالکیت های اعتباری او در دنیا ، به کلی بریده خواهد شد .

و أنذرهم یوم الحسره . .. إنّا نحن نرث الأرض و من علیها و إلینا یرجعون

خداوند، هم زمین را میراث خود دانسته و هم آدمیان را; یعنی هم مالکان اعتباری و هم ملک های اعتباری; بنابراین در قیامت،

این دو تنها با مالک حقیقی خود مرتبط خواهند شد.

مالکیتها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۳ - ۱۱

۱۱ تمامی مالکیتها و حاکمیتهای اعتباری در روز نفخ صور از میان خواهد رفت.

و له الملک یوم ینفخ فی الصور

ماه(قمر) در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱ - ۵

۵ - < عن النبی (ص) قال : الشمس و القمر مکوّران یوم القیامه ;

از پیامبر(ص) روایت شده که فرمود: خورشید در روز قیامت به هم پیچانده شده و ماه نیز چنین خواهد شد>.

متجاوزان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۴ - ۱۲

۱۲ - تجاوزگران به حقوق مردم ، حیران و سرگردان در صحنه قیامت

یظلمون الناس و یبغون فی الأرض بغیر الحقّ . .. و تری الظلمین لمّا رأوا العذاب یق

متقین در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۲ - ۱۲،۱۳،۱۶،۱۸

۱۲ جایگاه بلند مؤمنان تقوا پیشه نسبت به کافران ، در روز قیامت

و الذین اتقوا فوقهم یوم القیمه

۱۳ قیامت ، روز ظهور برتری تقواپیشگان بر کافران و روز ظهور ارزش های حقیقی

و الذین اتقوا فوقهم یوم القیمه

چون برتری مؤمنان تقواپیشه در دنیا نیز حتمی است ; بنابراین <یوم القیمه>، ظرف ظهور این برتری خواهد بود.

۱۶ تقوا ، عامل دستیابی به مقام بلند در قیامت

و الذین اتقوا فوقهم یوم القیامه

۱۸ همراهی ایمان و تقوا ، عامل برتری در قیامت

و یسخرون

من الذين امنوا و الذين اتقوا فوقهم يوم القيمه

تبديل <الذين امنوا> به <الذين اتقوا>، براى تفهيم اين معناست كه بايد ايمان، همراه تقوا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۴۹ - ۷

۷- پرهيز كنندگان از جرم و گناه ، به هنگام مشاهده نامه اَعمال خود در قيامت ، بيم و هراس نخواهند داشت .

و وضع الكتب فترى المجرمين مشفقين ممّا فيه

جمله <وضع الكتاب> وضع و مشاهـده كتاب را به مجرمان اختصاص نـداده است، ولى جمله <فترى المجرمين. ..> تنها، از ترس مجرمان سخن گفته است، بنابراين، ديگران، با مشاهده كتابِ خود، اضطرابى نخواهند يافت.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - مريم - ۱۹ - ۸۵ - ۱،۲،۳،۷

۱- تقوا پيشگان در روز قيامت ، با اكرام و تجليل بر خداى رحمان وارد خواهند شد .

يوم نحشر المتّقين إلى الرحمن وفدًا

<وفـد> جمع يا اسم جمع است و به هيأت هايى گفته مى شود كه جهت ديـدار يا كمك خواهى، به نزد دولتمردان مى روند (لسان العرب). توصيف متقين هنگام حضور در صحنه قيامت به <وفداً>، حكايت از ويژگى حضور آنان و احترام و موقعيت خاصى دارد كه براى آنها در قيامت وجود خواهد داشت. اين كلمه ممكن است مصدر و بيانگر نوع محشور شدن متقين باشد.

۲- متقين ، داراى منزلت و تشخص ويژه در صحنه قيامت

يوم نحشر المتّقين إلى الرحمن وفدًا

۳- خداى رحمان ، در قيامت ميزبان تقواپيشگان (موحدان) خواهد بود .

يوم نحشر المتّقين إلى الرحمن وفدًا

<وفداً> چه مصدر و بيان كننده نوع حشر باشد و چه به معناى <وافدين> گرفته شود،

بر میهمان بودن متقین دلالت دارد; با این تفاوت که در صورت دوم، می رساند که حضور آنان در صحنه قیامت فردی نبوده; بلکه به صورت گروهی خواهـد بود. دراین صورت باید گفت: <وفداً> حال مقدره است; یعنی، زمان گروهی بودن از زمان حشر متأخر است; زیرا آیات بعد به حضور فردی همگان تصریح دارد.

۷- برانگیختن تقواپیشگان در قیامت با اکرام و احترام ویژه نمودی از رحمانیت خداوند و عزّت بخشی او است .

واتّخذوا من دون اللّه ءالهةً لیکونوا لهم عزًّا. .. یوم نحشر المتّقین إلی الرحمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۶ - ۴

۴- قیامت ، روز ظهور تفاوت وضعیت مجرمان و متقین

یوم نحشر . .. و نسوق المجرمین إلی جهنّم وردًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۰ - ۱

۱ - رستاخیز ، روز استقبالِ شایانِ بهشت از قدوم تقواپیشگان

و أُزلفت الجنّه للمتّقین

<إزلاف> (مصدر مجهول <أُزلفت>) به معنای نزدیک آورده شدن است. بنابراین از مفاد آیه استفاده می شود که بهشت را برای استقبال و خوش آمدگویی به تقواپیشگان، نزدیک می آورند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۴ - ۵

۵ - تأمین تمامی خواسته های تقواپیشگان در آخرت ، مقتضای ربوبیت پروردگار است .

هم المتّقون . لهم ما یشاءون عند ربّهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۱ - ۵،۶

۵ – تقواپیشگان ، از هر بدی و رنجی در قیامت در امان خواهند بود .

الذین اتّقوا .

.. لايمسّهم السوء

۶ – تقواپيشگان ، به هيچ حزن و اندوهى در قيامت گرفتار نخواهند شد .

الذين اتّقوا. .. و لا هم يحزنون

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۷۳ – ۳

۳ – وجود فاصله ميان موقف تقواپيشگان در محشر و بهشت

و سيق الذين اتّقوا ربّهم إلى الجنّه زمرًا

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۶۷ – ۲

۲ – مودّت و دوستى تقواپيشگان ، پابرجا و مستحكم حتى در قيامت

الأخلّاء يومئذ بعضهم لبعض عدوّ إلّا المتّقين

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۶۸ – ۲،۴

۲ – گفتوگوى مستقيم و بيواسطه الهى ، با تقواپيشگان در قيامت

يعباد

۴ – بشارت خداوند به تقواپيشگان ، مبنى بر مصونيت آنان از هرگونه خوف و اندوه در قيامت

يعباد لا خوف عليكم اليوم و لا أنتم تحزنون

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۳۱ – ۲،۴

۲ < متقين > ، قادر به مشاهده بهشت در صحنه قيامت *

الجنّه . .. غیر بعید

برداشت بالا ـ بـدان احتمـال است که تعـبیر <غیر بعیـد> از پی <أزلفت> بیـانگر این معنـا باشـد که بهشت آن قـدر به متقین نزدیک خواهد شد، که در مرئی و منظر آنان قرار خواهد گرفت.

۴ < متقین > ، مورد اجلال و تکریم الهی در قیامت

و أُزلفت الجنّه للمتّقین

تعبیر <أزلفت> و این که بهشت به متقین نزدیک می شود و آنان حتی زحمت حرکت به سوی بهشت را احساس نمی کنند; کرامت و ارجمندی آنان

را نزد خداوند می رساند.

متکبران در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۶ - ۶

۶ - جایگاه متکبران در قیامت ، جایگاهی بد و ناگوار خواهد بود .

فبئس مثوَی المتکبّرین

متنعمان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۸ - ۴

۴ - کسانی که در قیامت در ناز و نعمت اند ، هول و هراس آن روز را احساس نخواهند کرد .

وجوه یومئذ ناعمه

می توان گفت: وصف <الغاشیه> برای قیامت که بیانگر بسته بودن راه فرار است تنها به بدکاران نظر دارد; جز این که به صورت استطراد از نیکان نیز سخن به میان آمده است. در این موارد گفته می شود: بیان حالت دسته دوم، در حقیقت توضیحی اضافه است تا آنچه که مخاطب طالب شنیدن آن است، تکمیل شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۹ - ۱،۳

۱ - بهره مندان از ناز و نعمت آخرت ، از تلاش های خویش در دنیا ، به وجد آمده و نسبت به آن احساس رضایت خواهند کرد .

لسعیها راضیه

۳ - افرادی که در قیامت ، در رفاه و خوش گذرانی به سر می برند ، دستیابی به آن را مرهون تلاش های دنیایی خود می بینند .

ناعمه . لسعیها راضیه

مجادله در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۲۸ – ۱

۱ مخاصمه شیطان و مشرکان با یکدیگر ، در محکمه عدل الهی

قال قرینه ربّنا ما أطغیته

. .. قال لاتختصموا لدیّ

مجادله درباره قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۸ - ۷

۷ - مجادله و تشکیک مستمر مشرکان ، نسبت به برپایی قیامت

إنّ الذین یمارون فی الساعه لفی ضلل بعید

<ممارات> (مصدر <یمارون>) به معنای اصرار بر جدال است.

مجازات مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۱ - ۷

۷ منکران قیامت ، مستحق کیفر و عذاب الهی در دنیا هستند .

و لو یعجل اللّه . .. لقضی إلیهم أجلهم فنذر الذین لایرجون لقاءنا

از آیه شریفه استفاده می شود که: اگر مجازات منکران قیامت منجر به مرگ آنان نمی شد، خدا بدون مهلت آنان را سرکوب می کرد; یعنی، آنان استحقاق کیفر را دارند لکن مانع وجود دارد.

مجرمان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۹ - ۱،۲

۱ - مجرمان ، در روز رستاخیز از صف مؤمنان جدا خواهند شد .

و امتزوا الیوم أیّها المجرمون

۲ - مجرمان ، در روز رستاخیز از یکدیگر جدا شده و به درد فراق مبتلا خواهند بود .

و امتزوا الیوم أیّها المجرمون

برداشت یاد شـده بر این اساس قرار دارد که مقصود از جـدایی مجرمان، جـدایی آنان از یکـدیگر و ابتلا به درد فراق باشد که این خود عذاب و درد بزرگ روحی و روانی برای آنان خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۳ - ۱

۱ - جهنم ، در روز رستاخیز از نزدیک به کافران و مجرمان نشان

داده خواهد شد .

هذه جهنّم الّتی کنتم توعدون

<هذه> که به شیء نزدیک اشاره دارد می رساند که جهنم در نزدیکی کافران و مجرمان قرار داشته و به آنان نشان داده خواهد شد.

محدوده پرسش در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۶ - ۴

۴ چگونگی رفتار امتها و برخورد آنان با رسالت انبیا، پرسش خداوند از رسولان خویش در قیامت *

فلنسئلن الذین أرسل إلیهم و لنسئلن المرسلین

بدان احتمال که مورد سؤال از پیامبران، رفتار امتهایشان باشد; چه اینکه محور آیات پیشین فرمان به پذیرش آیات الهی و تهدید مخالفان انبیا بوده است.

محرومان از شفاعت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۸ - ۲

۲ - جرم پیشگان ، محروم از شفاعت در قیامت

عن المجرمین . .. فما تنفعهم شفاعه الشفعین

محرومیت مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۱ - ۱۰

۱۰ خداوند ، منکران قیامت را از بهشت و مواهب آن محروم خواهد کرد .

إن اللّه حرمهما علی الکفرین . .. فالیوم ننسیهم کما نسوا لقاء یومهم هذا

از مصادیق کلمه <الکفرین> به دلیل <کما نسوا لقاء یومهم هذا>، منکران قیامت هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۶ - ۳

۳ - تهدید تکذیب گران روز جزا ، به محرومیت از موهبت های بهشتی

کلوا و تمتّعوا قلیلاً

امر در <کلوا و تمتّعوا> در معنای تهدید و انذار به کار رفته است. در آیات گذشته، از مواهب بهشت

و تـأمین خواسـته هـای تقواپیشـگان در آن، سـخن به میـان آمـده است. از این مطلب اسـتفاده می شود که این تهدیـد، ناظر به محرومیت از موهبت های بهشتی است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – مطففین – ۸۳ – ۱۵ – ۵

۵ – تکذیب کنندگان قیامت و منکران قرآن ، از ملاقات خداوند و دیدار رحمت او در قیامت محروم اند .

إنّهم عن ربّهم یومئذ لمحجوبون

محجوب بودن از خداونـد، نمی توانـد به معنـای ندیـدن بـا چشم باشـد; زیرا این امر به کافران اختصاص نـدارد. بنابراین مراد، رانده شدن از درگاه الهی و محرومیت از دیدار جلوه های خداوند (از قبیل رحمت و ثواب الهی و یا نظایر آن) است.

محرومیت منکران قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۴۵ – ۶

۶ منکران قیامت از زمره ستمکارانند و در قیامت از رحمت خدا محروم خواهند بود .

أن لعنه اللّه علی الظالمین. الذین ... و هم بالأخره کفرون

محسنان در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۳۴ – ۶

۶ – برآورده شدن تمامی خواسته های احسان کنندگان در قیامت ، به صرف اراده کردن آنان

لهم ما یشاءون عند ربّهم ذلک جزاء المحسنین

<احسـان> هم شامـل نیکی به خود می باشـد که در این صورت مقصود نیک کرداری است و هم شامل نیکی به دیگران می شود (لسان العرب). این واژه در آیه شریفه، ممکن است در هر دو معنابه کار رفته باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ - زمر -

۱۰ - ۳۵ - ۳۹

۱۰ - فراهم شدن تمامی خواسته های محسنان در قیامت ، پاداشی است بر مبنای بهترین عمل آنان .

لهم ما یشاءون عند ربّهم . .. و یجزیهم أجرهم بأحسن الذی کانوا یعملون

برداشت یاد شده از آن جا است که جمله <یجزیهم. ..> می تواند توضیح و بیان برای جمله <لهم ما یشاءون...> باشد; یعنی، برآورده شدن خواسته های محسنان در قیامت، همان پاداش مطابق با بهترین عمل ها است که خداوند برای آنان مقرر داشته است.

محمد(ص) در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۹ - ۸

۸- پیامبر (ص) ، ناظر اعمال امت خویش و گواه آنان در قیامت است .

و جئنابک شهیدًا علی هؤلاء

برداشت فوق با توجه به دو نکته در آیه است: الف) بنابر اینکه منظور از امت در <فی کلّ أمه> مردم هر عصری نباشد; بلکه امت هر پیامبری باشد. ب) <هؤلاء> اشاره باشد به کل امت پیامبر(ص) تا روز قیامت و نه تنها مردم عصر آن حضرت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۹ - ۱۷،۲۰

۱۷- تجلی مقام ستایش انگیز پیامبر (ص) در رستاخیز *

عسی أن یبعثک ربّک مقامًا محمودًا

برداشت فوق بدان احتمال است که واژه <یبعثک> اشاره به بعث در قیامت و رستاخیز داشته باشد و <مقاماً> مصدر میمی و مفعول مطلق برای <أن یبعثک> باشد که در این صورت ترکیب آیه چنین می شود: <عسی أن یبعثک ربک بعثاً محموداً; خداوند تو را به شکل پسندیده ای در قیامت مبعوث می سازد>.

۲۰- < قال

علی بن أبی طالب (ع) : . . . ثمّ یجتمعون فی موطن آخر یکون فیه مقام محمد (ص) و هو المقام المحمود فیثنی علی الله تبارک و تعالی بما لم یثن علیه أحد قبله ثمّ یثنی علی الملائکه کلّهم . . . ثمّ یثنی علی الرسل . . . ثمّ یثنی علی کلّ مؤمن و مؤمنه . . . فذلک قوله : < عسی أن یبعثک ربک مقاماً محموداً . . . و هذا کلّه قبل الحساب . . . ;

حضرت علی بن ابی طالب فرمود:. .. سپس خداوند[در قیامت]مردم را در موضعی جمع می کند که مقام محمد(ص) در آن جاست و آن مقام محمود است. پس پیامبر(ص) ثنای خدای تبارک و تعالی می گوید، به گونه ای که احدی قبل از او چنین ثنایی نگفته است; سپس به [ترتیب]بر تمامی فرشتگان ... و رسولان ... و تمامی مردان و زنان مؤمن درود می فرستد ... و این همان سخن خداست که: <عسی أن یبعثک ربک مقاماً محموداً...> و تمام این امور پیش از حسابرسی است...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۳ - ۷

۷ - ملاقات پیامبراکرم (ص) با حضرت موسی (ع) ، در شب معراج و یا در قیامت ، قطعی است .

و لقد ءاتینا موسی الکتب فلاتکن فی مریه من لقائه

برداشت بالا ـ بنابراین احتمال است که مرجع ضمیر در <لقائه> موسی(ع) باشد. لازم به ذکر است که این نکته، مورد تأیید روایت نیز هست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۹۱ – ۳

۳ – پیامبراکرم (ص) ، در خیر و سلامتی از ناحیه اصحاب الیمین در جهان آخرت

فسلم لک من أصحب الیمین

محمد(ص) و برپایی قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۸۷ – ۱۱،۱۳

۱۱ پیامبر (ص) بر خلاف تصور مردم ، بر آگاه شدن به زمان تحقق قیامت اصرار نداشت و برای دستیابی به آن تلاش نکرد .

یسئلونک کأنک حفی عنها

<حفی به> یعنی کنجکاوی نمود و درباره آن زیاد پرسش کرد. چون کلمه <حفی> در آیه شریفه با <عن> متعدی شده، معنای کشف کردن نیز در آن مندرج است. یعنی <کانک حفی بها مستکشفا عنها>. گویا تو پرسش کرده ای و در صدد کشف آن برآمده ای.

۱۳ پیامبر (ص) ، بر خلاف تصور مردم ، به زمان برپایی قیامت آگاه نبود .

یسئلونک کأنک حفی عنها

<حفی عنها> که دلالت بر پرسش زیاد و تلاش برای کشف زمان قیامت دارد، به قرینه <یسئلونک>، کنایه از آگاهی نیز می باشد. یعنی آنان گمان می کنند که تو از زمان قیامت پرسش کرده ای و در نتیجه بدان آگاه شده ای.

محور حسابرسی در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۶ – ۲،۳،۴

۲ پذیرش و عدم پذیرش رسالتهای انبیا و نیز عمل به احکام دین، محور بازجویی خداوند از امتهاست.

فلنسئلن الذین أرسل إلیهم

توصیف مردم با عنوان <أرسل إلیهم> دلالت بر این دارد که بازجویی از امتها درباره چگونگی برخورد با رسالتهای الهی است.

۳ تبلیغ تعالیم

دینی و آسمانی، محور بازجویی از پیامبران خدا در قیامت

فلنسئلن الذین أرسل إلیهم و لنسئلن المرسلین

عنوان <مرسلین> در جمله <و لنسئلن المرسلین> بیانگر این است که سؤال از پیامبران درباره تبلیغ رسالت است.

۴ چگونگی رفتار امتها و برخورد آنان با رسالت انبیا، پرسش خداوند از رسولان خویش در قیامت *

فلنسئلن الذین أرسل إلیهم و لنسئلن المرسلین

بدان احتمال که مورد سؤال از پیامبران، رفتار امتهایشان باشد; چه اینکه محور آیات پیشین فرمان به پذیرش آیات الهی و تهدید مخالفان انبیا بوده است.

مخلصان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۰ - ۱۲

۱۲ - بندگان خالص و برگزیده خدا در قیامت به گروه صالحان ملحق خواهند شد .

و لقد اصطفینه فی الدنیا و إنه فی الأخره لمن الصلحین

مدت اولین روز قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۵ - ۹

۹ - نخستین روز پس از پایانِ عمرِ جهان هستی ، برابر با هزار سال دنیوی است .

ثمّ یعرج إلیه فی یوم کان مقداره ألف سنه ممّا تعدّون

احتمال دارد مراد از <یوم> روز قیامت باشد که در این صورت، معنا و مفهوم آیه چنین می شود: <خداوند، امور عالم را تدبیر می کند و آن گاه در روزی که پایان عمر عالم است و هزار سال دنیوی زمان آن است، امر، به خداوند بازمی گردد و عالم بر چیده می شود>.

مدت قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – معارج – ۷۰ – ۴ – ۹

۹ – < عن حفص بن غیاث القاضی قال

: سمعت أباعبداللّه جعفر بن محمّد (ع) یقول : . . . فإنّ للقیامه خمسین موقِفاً کلّ موقف مقام ألف سنه ثمّ تلا هذه الآیه : < فی یوم کان مقداره خمسین ألف سنه > ;

از حفص بن غیاث روایت شده که گفت: شنیدم که امام صادق(ع) می فرمود: برای قیامت پنجاه موقف (ایستگاه) است که هر کدام از آنها هزار سال طول می کشد. سپس امام(ع) این آیه را تلاوت فرمود: (فی یوم کان مقداره خمسین ألف سنه).

مدح بیم داران از قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۷ - ۴

۴ - ستایش و تمجید خداوند ، از وفاکنندگان به نذر و بیم داران از قیامت

یوفون بالنذر و یخافون یومًا کان شرّه مستطیرًا

مرتد در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۶ - ۵

۵ روسیاهی و عذاب مرتدّان در قیامت

فاما الذین اسودّت وجوههم اکفرتم بعد ایمانکم فذوقوا العذاب

مردان بنی اسرائیل در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۵ - ۳

۳ هفتاد مرد گزینش شده برای حضور در میعادگاه مناجات ، بهترین و لایقترین مردم بنی اسرائیل در دیدگاه موسی (ع)

و اختار موسی

<اختیار> به معنای انتخاب و گزینش خیر است. بنابراین <اختار موسی> یعنی موسی بهترینها را انتخاب کرد.

مردگان هنگام قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۴ - ۲

۲ - انبساط یافتن زمین در آستانه قیامت ، زمینه تخلیه کامل

آن و اخراج بدن انسان ها از قبر و بیرون افکنده شدن اشیاء از درون زمین است .

و إذا الأرض مدّت . و ألقت ما فیها و تخلّت

تقدیم ذکری، ممکن است بر تقدم رتبی و زمانی دلالت کند. بنابراین انبساط زمین، زمینه <القاء> و <تخلیه> خواهد بود. به قرینه آیات بعد که درباره قیامت انسان ها است می توان گفت: از عبارت <ألقت ما فیها> بیرون انداختن بدن ها از قبرها نیز اراده شده است.

مرفهان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۹ - ۰

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۳ - ۷

۷ - رفاه زدگان و ذلّت پنداران فقر ، تنها به هنگام مواجه شدن با حوادث قیامت ، به خطای خویش پی برده ، حقیقت را در خواهند یافت .

فأمّا الإنسن إذا ما ابتلیه . .. یومئذ یتذکّر الإنسن

مرفهان کافر در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۵ - ۴

۴ - قیامت ، روز بی پناهی و درماندگی کامل مرفهان کفرپیشه

لاتجئروا الیوم إنّکم منّا لاتنصرون

مرفهان و حوادث قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۳ - ۷

۷ – رفـاه زدگـان و ذلّت پنـداران فقر ، تنها به هنگام مواجه شـدن با حوادث قیامت ، به خطای خویش پی برده ، حقیقت را در خواهند یافت .

فأمّا الإنسن إذا ما ابتلیه . .. یومئذ یتذکّر الإنسن

مریم(س) در قیامت

جلد – نام سوره – سوره

- آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۰ - ۴

۴ خداونـد ، در روز قیـامت و در مجمع پیـامبران ، نعمت هـای ارزانی شـده به عیسـی و مادرش مریم رابه وی یادآوری خواهد کرد .

یوم یجمع اللّه الرسل فیقول . .. اذ قال اللّه یعیسی ابن مریم اذکر نعمتی علیك و عل

کلمه <اذ> در <اذ قال اللّه> بدل اشتمال برای کلمه <یوم . ..> می باشد.

مستضعفان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۱ - ۱۶

۱۶ - اعتراض مستضعفان به مستکبران در قیامت ، به این که آنان مانع ایمانشان گردیدند .

یقول الذین استضعفوا للذین استکبروا لولا أنتم لکنّا مؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۲ - ۱،۲،۳

۱ - مستکبران در قیامت ، در رد نظر مستضعفان ، خود آنان را مردمانی مجرم معرّفی خواهند کرد .

و قال الذین استکبروا للذین استضعفوا أنحن صددنکم عن الهدی . .. بل کنتم مجرمین

۲ - مستکبران در قیامت ، اعتراض مستضعفان را در ایجاد گمراهی با قاطعیت تمام رد خواهند کرد .

یقول الذین استضعفوا للذین استکبروا لولا أنتم لکنّا مؤمنین . قال الذین استکبروا ل

استفهام در <أنحن> انکاری است.

۳ - مستکبران ، در قیامت ، خود را مانع حق پذیری مستضعفان در دنیا نخواهند دانست .

قال الذین استکبروا للذین استضعفوا أنحن صددنکم عن الهدی بعد إذ جاءکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۳ - ۱،۳،۵،۶،۱۶

۱ - مستضعفان در قیامت ، بی گناه دانستن مستکبران را در گمراه

کردن دیگران ، مردود شمرده و آنان را عامل اصلی آن معرفی خواهند کرد .

بل کنتم مجرمین . و قال الذین استضعفوا للذین استکبروا بل مکر الّیل و النهار إذ تأ

۳ - مستضعفان در قیامت ، تلاش مکّارانه و شبانه روزی مستکبران را ، مانع ایمانشان معرفی خواهند کرد .

لولا أنتم لکنّا مؤمنین . قال الذین استکبروا ... بل کنتم مجرمین . و قال الذین است

۵ - مستضعان در قیامت ، مستکبران را عامل اصلی شریک گرفتن برای خدا معرفی خواهند کرد .

و قال الذین استضعفوا للذین استکبروا . .. تأمروننا أن نکفر باللّه و نجعل له أنداد

۶ - مستضعفان در قیامت ، انتخاب کفر و بی دینی را تحمیلی از سوی مستکبران معرفی خواهند کرد .

إذ تأمروننا أن نکفر باللّه و نجعل له أندادًا

کاربرد فعل <تأمروننا> (از ماده <أمر> و به معنای فرمان و دستور) دلالت می کند که مستکبران به صورت دستور آمرانه، مستضعفان را وادار به پذیرش عقیده ای می کرده اند.

۱۶ - مستضعفان گمراه شده از سوی مستکبران ، با مشاهده عذاب در قیامت ، از کرده خود پشیمان خواهند شد .

و قال الذین استضعفوا . .. و أسرّوا الندامه لمّا رأوا العذاب

بنابراین که ضمیر فاعلی <أسرّوا> به <استضعفوا>برگردد، نکته یاد شده قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳ - ۲

۲ - کافران و مستکبران ، مردمی زبون و دون پایه و مؤمنان و مستضعفان انسان هایی شریف و صاحب منزلت در روز رستاخیز

إذا وقعت الواقعه . .. خافضه رافعه

مستکبران در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۲ - ۹

۹ حضور تمای انسان ها مستکبران و عبادت کنندگان به پیشگاه خداوند در قیامت

لن یستنکف المسیح ان یکون عبداً للّه . .. و یستکبر فسیحشرهم إلیه جمیعاً

کلمه <اما> در آیه بعد تفصیل و توضیح <فسیحشرهم . ..> می باشد. بنابراین ضمیر <هم> شامل هر دو گروه عبادت کنندگان و کسانی که از عبادت خدا استنکاف دارند می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۳ - ۱۲،۱۳

۱۲ تنها خداوند ، توانا بر نصرت مستکبران در قیامت

و لایجدون لهم من دون اللّه ولیاً و لانصیراً

به قرینه فراز قبل <فیعذبهم عذاباً الیماً> مراد از اینکه مستکبران تنها خداوند را یاور خویش می یابند، این است که تنها وی توانا بر یاوری آنهاست، نه اینکه خداوند ایشان را یاری خواهد کرد.

۱۳ خداوند ، هرگز مستکبران رویگردان از عبادت را ، در قیامت یاری نخواهد کرد .

و لایجدون لهم من دون اللّه ولیاً و لانصیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۱ - ۱۸

۱۸- مستکبران ، در قیامت ، گمراهی خود را جبری و معلول خواست خداوند معرفی می کنند .

قالوا لو هدینا الله لهدینکم

<لو> حرف شرط امتناعی است و مقدم قضیه را ممتنع می کند. بنابراین مفهوم عبارت چنین می شود اگر خداوند ما را هدایت می کرد و محال است که چنین بکند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۶۹ – ۲

۲– از بین هر گروه و مسلک در

قیامت ، تجاوزکارترین و مستکبرترین افراد بیرون کشیده خواهند شد .

ثمّ لننزعنّ . .. علی الرحمن عتیًّا

<عتیّاً> مصدر و به معنای استکبار و تجاوز از حد است (لسان العرب). <عُتوّ> نیز به معنای دور شدن از طاعت می باشد (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۱ - ۱۶

۱۶ - اعتراض مستضعفان به مستکبران در قیامت ، به این که آنان مانع ایمانشان گردیدند .

یقول الذین استضعفوا للذین استکبروا لولا أنتم لکنّا مؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۲ - ۱،۲،۳

۱ - مستکبران در قیامت ، در رد نظر مستضعفان ، خود آنان را مردمانی مجرم معرّفی خواهند کرد .

و قال الذین استکبروا للذین استضعفوا أنحن صددنکم عن الهدی . .. بل کنتم مجرمین

۲ - مستکبران در قیامت ، اعتراض مستضعفان را در ایجاد گمراهی با قاطعیت تمام رد خواهند کرد .

یقول الذین استضعفوا للذین استکبروا لولا أنتم لکنّا مؤمنین . قال الذین استکبروا ل

استفهام در <أنحن> انکاری است.

۳ - مستکبران ، در قیامت ، خود را مانع حق پذیری مستضعفان در دنیا نخواهند دانست .

قال الذین استکبروا للذین استضعفوا أنحن صددنکم عن الهدی بعد إذ جاءکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۰ - ۴

۴ - امکانات مادی کافران مستکبر ، فاقد کمترین کارایی و گره گشایی برای ایشان در روز جزا

و لایغنی عنهم ما کسبوا شیًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۳ – ۲

۲ – کافران و مستکبران

، مردمی زبون و دون پایه و مؤمنان و مستضعفان انسان هایی شریف و صاحب منزلت در روز رستاخیز

إذا وقعت الواقعه . .. خافضه رافعه

مستکبران و قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۳۲ – ۴

۴ – کافران مستکبر ، مدعی نامفهوم بودن قیامت برای ایشان

قلتم ما ندری ما الساعه

مسخ در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۴۷ – ۱۴

۱۴ مسخ چهره انسانی گروهی از اهل کتاب (سران و عالمان) در قیامت *

من قبل ان نطمس وجوهاً فنردّها علی ادبارها

نکره بودن <وجوه> حاکی از آن است که این عقوبت (مسخ چهره انسانی) برای تمامی مخاطبان نیست. لازم به ذکر است که برخی از مفسران تحقق این معنی را در قیامت می دانند.

مسلمانان در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۵۷ – ۲

۲ رحمت خاص الهی در قیامت از آن پیروان پیامبر اسلام خواهد بود .

فسأکتبها . .. الذین یتبعون الرسول

برداشت فوق بر این اساس است که <فسأکتبها> بیان تحقق رحمت الهی در سرای آخرت باشد.

مسیحیان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۳ - ۱۷

۱۷ - خداوند ، در قیامت میان یهود ، نصارا و مشرکان داوری کرده آنان را بسزای گفته ها و اتهام های ناروایشان خواهد رساند .

فاللّه یحکم بینهم یوم القیمه فیما کانوا فیه یختلفون

مراد از حکومت و داوری خدا در قیامت، مجرد بیان حق نیست; زیرا خداوند حقایق

را بـا نـازل کردن قرآن بیـان داشـته و آیه مورد بحث نیز پنـدار باطـل یهود و نصـارا را روشن سـاخته است. بنابراین، مقصود از <یحکم ...> به کیفر رساندن متخلفان است.

مشرکان پیرو در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۶ - ۲،۵،۸

۲ - مشرکان (سران شرک و پیروانشان) به عذاب قیامت گرفتار خواهند شد .

إذ تبرأ الذین اتبعوا من الذین اتبعوا و رأوا العذاب

ظاهر این است که ضـمیر فاعلی در <رأوا العذاب> به هر دو طایفه (سـران و تابعان) باز گردد. از آیه قبل و نیز آیه بعد معلوم می شود که ظرف <تبرّی>، روز قیامت است. بنابراین مراد از <العذاب> عذاب قیامت می باشد.

۵ - قیامت ، روز آگاهی مشرکان تابع و دنباله رو از گمراهی پیشوایان و بزرگان خویش

إذ تبرأ الذین اتبعوا من الذین اتبعوا

۸ - در قیامت تمامی سبب ها و وسایل پیوند و دوستی میان سران شرک و پیروانشان از میان خواهد رفت .

و تقطعت بهم الأسباب

برداشت فوق بر این اساس است که: مقصود از <الأسباب> مایه های پیوند میان سران و پیروان باشد.

مشرکان جاهلیت و قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۹ - ۲،۳

۲ شرک پیشگان عرب جاهلی ، مردمانی ناآشنا به جهان آخرت و حقایق روز بازپسین

بل کذبوا بما لم یحیطوا بعلمه و لما یأتهم تأویله

مراد از <مـا لم یحیطـوا بعلمه> به قرینه جمله بعـد (و لمـا یـأتهم تـأویله) می توانـد قیـامت باشـد. در این صـورت، جمله <لم یحیطوا ... > بیانگر این است که: موضوع

قیامت برای مشرکان عرب جاهلی موضوعی بی سابقه و نوی بود و آنان در گذشته نسبت به آن در بی خبری محض به سر می بردند.

۳ قیامت و روز بازپسین ، مورد انکار شرک پیشگان عصر بعثت

بل کذبوا بما لم یحیطوا بعلمه

مشرکان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۳ - ۱۷

۱۷ - خداوند ، در قیامت میان یهود ، نصارا و مشرکان داوری کرده آنان را بسزای گفته ها و اتهام های ناروایشان خواهد رساند .

فاللّه یحکم بینهم یوم القیمه فیما کانوا فیه یختلفون

مراد از حکومت و داوری خدا در قیامت، مجرد بیان حق نیست; زیرا خداوند حقایق را با نازل کردن قرآن بیان داشته و آیه مورد بحث نیز پندار باطل یهود و نصارا را روشن ساخته است. بنابراین، مقصود از <یحکم ...> به کیفر رساندن متخلفان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۸ - ۶

۶ عذاب و نیز آمرزش مشرکان در قیامت در اختیار خداوند و به دست اوست

ان تعذبهم . .. و إن تغفر لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۲ - ۳،۷،۸

۳ خداوند گردآورنده تمامی ستمگران (اهل کتاب و مشرکان) در قیامت

إنه لایفلح الظلمون . .. و یوم نحشرهم جمیعا

چون در آیات گذشته سخن از مشرکان و اهل کتاب به میان آمده بود، در برداشت این دو گروه به عنوان مصادیقی بارز از ظالمان مشخص شده اند.

۷ قیامت، روز استهزای مشرکان و نمایاندن ناتوانی و بطلان خدایان دروغین

آنهاست.

و یوم نحشرهم جمیعا ثم نقول للذین أشرکواأین شرکاؤکم الذین کنتم تزعمون

۸ مشرکان، غوطهور در پندارهای بی اساس خویش و امیدوار به کمکهای خدایان دروغین در قیامت

أین شرکاؤکم الذین کنتم تزعمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۳ - ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۸

۱ مشرکان در قیامت برای شرک خویش چاره ای جز انکار آن ندارند.

ثم لم تکن فتنتهم إلا أن قالوا و اللّه ربنا ما کنا مشرکین

از جمله معانی فتنه، اعتذار است که در این آیه به معنی راهی برای گریز و نجات است.

۲ بی پناهی مشرکان در قیامت و ناتوانی معبودهای آنان از کمک رساندن به آنها

أین شرکاؤکم . .. ثم لم تکن فتنتهم إلا أن قالوا و اللّه ربنا ما کنا مشرکین

این آیه و آیه پیش ترسیمی از چهره مشرکان در قیامت است. در آیه پیش خطاب به مشرکان شده که: <أین شرکاؤکم> ؟ و در این آیه درماندگی و بیچارگی و عجز آنان از پاسخ و دفاع را بیان داشته است.

۳ سوگند دروغ مشرکان در قیامت بر مشرک نبودنشان در دنیا

و اللّه ربنا ما کنا مشرکین

۴ قیامت، روز رسوایی مشرکان و آشکار شدن بطلان عقاید شرک آلود آنان

ثم لم تکن فتنتهم . .. و اللّه ربنا ما کنا مشرکین

۵ تلاش مشرکان در قیامت برای توجیه شرک خویش و گریز از پیامدهای آن

و اللّه ربنا ما کنا مشرکین

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که مشرکان این جمله را به دروغ به قصد نفی شرک خویش نگفته باشند، بلکه مقصودشان توجیه باشد که هدف ما حق بوده و بتها را مظهر حق

می دانستیم، نه شریک خدا

۶ اعتراف مشرکان در قیامت به الوهیت و ربوبیت خداوند

و اللّه ربنا ما کنا مشرکین

۸ المروی عن أبی عبداللّه(ع): ان المراد من <فتنتهم> معذرتهم.

از امام صادق(ع) روایت شده که مراد از <فتنتهم> در آیه <ثم لم تکن فتنتهم . ..>، معذرت خواهی مشرکان (در قیامت) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۴ - ۹،۵،۱

۱ مشرکان در قیامت به دروغ منکر شرک ورزی خویش در دنیا می شوند.

و اللّه ربنا ما کنا مشرکین. انظر کیف کذبوا علی أنفسهم

۵ مشرکان، علی رغم اصرار بر شرک خویش در دنیا، در آخرت به شدت آنان را انکار می کنند.

قالوا و اللّه ربنا ما کنا مشرکین . .. و ضل عنهم ما کانوا یفترون

مفاد جمله <ما کانوا یفترون> ماضی استمراری است که دلالت بر تداوم و اصرار مشرکان بر عقاید خویش در دنیا دارد.

۹ دروغپردازی مشرکان، حتی در قیامت

انظر کیف کذبوا علی أنفسهم و ضل عنهم ما کانوا یفترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۷ - ۷

۷ مشرکان در مرحله ای از قیامت منکر شرک خویش و در مرحله ای معترف به آن می شوند.

و اللّه ربنا ما کنا مشرکین . .. فقالوا یلیتنا نرد و لا نکذب بأیت ربنا و نکون من

برداشت فوق از ارتباط آیه ۲۳ و ۲۷ به دست می آید که مشرکان در آنجا مشرک بودن خودشان را منکر شدند، ولی در اینجا اعتراف کردند که آیات را تکذیب می کردند و مؤمن نبودند.

سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۸ - ۱،۴،۹

۱ پدیدار شدن عذابی که مشرکان آن را انکار می کردند، موجب آرزوی بازگشت به دنیا، نه ایمان واقعی به خداوند و آیات

فقالوا یلیتنا نرد . .. بل بدالهم ما کانوا یخفون من قبل

جمله <یالیتنا . .. و نکون من المؤمنین> در آیه قبل، بیان آرزوی مشرکان برای بازگشت به دنیا و ایمان آوردن بود. حرف <بل> اضراب از آن مطالب است. یعنی نه اینکه آرزوی بازگشت برای ایمان باشد، بلکه به پندار رهایی از عذاب است.

۴ مشاهده عذاب قیامت زمینه آگاهی و وقوف مشرکان بر شرک خویش

ما کنا مشرکین . .. بل بدالهم ما کانوا یخفون من قبل

مراد از جمله <ما کانوا یخفون>، به قرینه آیت پیشین (. .. و اللّه ربنا ما کنا مشرکین) می تواند شرک و اختفای آن از سوی مشرکان در برخی از مواقف قیامت باشد. <من قبل> اشاره به آن موقف است.

۹ لجاجت پیشگان مشرک، پس از دیدن جهنم نیز اگر دنیا بازگردند اصلاح نمی شوند.

و لو تری إذ وقفوا علی النار . .. و لو ردوا لعادوا لما نهوا عنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۶۴ - ۱۲

۱۲ مشرکان در قیامت به حقانیت معارفی که بر سر آن با اهل ایمان اختلاف داشتند، پی خواهند برد.

فینبئکم بما کنتم فیه تختلفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۹ - ۴

۴ پیروان شرک و کفر، در قیامت، خواهند فهمید که گناهی کمتر از سرانشان بر

دوش ندارند.

فما كان لكم علينا من فضل

چون جمله <فما كان . ..> نتيجه پاسخ خداوند است كه فرمود <لكل ضعف و لكن ...> معلوم مى شود هر دو گروه (سران و پيروان) از آن جمله مى فهمند كه به گناهى همسان گرفتار هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - يونس - ۱۰ - ۱۹ - ۹

۹ قيامت ، روز داورى ميان موحدان و مشركان

و لو لا كلمه سبقت من ربک لقضى بينهم فيما فيه يختلفون

از اينكه خداوند فرمود: دنيا جاى داورى ميان اهل شرک و توحيد نيست، معلوم مى شود محل داورى ميان آنان، جهانى ديگر است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - يونس - ۱۰ - ۲۸ - ۵،۷

۵ حشر مشركان در قيامت ، به همراه معبود هاى مورد پرستش آنان خواهد بود .

ثم نقول للذين أشركوا مكانكم أنتم و شركاؤكم

۷ خداوند ، پس از توقيف مشركان و معبودهايشان در عرصه محشر ، نخست آنان را از هم جدا كرده و سپس به بازجويى و محاكمه آنان خواهد پرداخت .

ثم نقول للذين أشركوا مكانكم أنتم و شركاؤكم فزيلنا بينهم . .. ما كنتم إيانا تعبدو

برداشت فوق بر اين اساس است كه ضمير <بينهم> به اهل شرک و معبودهايشان بازگردد. گفتنى است كه <تزييل> (مصدر زيلنا) به معناى دور كردن دو چيز از يكديگر و جدايى افكندن ميان آن دو است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۸ - ۷

۷ مشرکان و کافران ، در روز قیامت حاضرند در صورت دارا بودن حتی دو برابر ثروت

زمین ، آن را برای رهیدن از عذاب فدیه دهند .

والذین لم یستجیبوا له لو أن لهم ما فی الأرض جمیعًا و مثله معه لافتدوا به

<إفتداء> (مصدر افتدوا) به معنای بخشیدن چیزی است برای رها شدن و خلاصی یافتن از اسارت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۷ - ۷

۷- مشرکان در قیامت ، جوابی در برابر بازخواست خداوند نخواهند داشت .

أین شرکاءی الذین کنتم تشقّون فیهم قال الذین أُوتوا العلم

از اینکه در آیه به جای پرداختن به جواب مشرکان، سخن اشخاص دیگری را به میان آورده است، به دست می آید که مشرکان در برابر مؤاخذه خداوند جوابی برای گفتن نخواهند داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۶ - ۵،۶

۵- تلاش مشرکان در قیامت برای دخیل شمردن معبود های دروغینشان در گمراهی خویش *

و إذا رءا الذین أشرکوا شرکاءهم قالوا ربّنا هؤلاء شرکاؤنا الذین کنّا ندعوا من دو

برداشت فوق، بر این احتمال استوار است که غرض مشرکان از نمایاندن معبودهای دروغین خویش، کاستن از بار گناه خویش و نهاندن آن بر دوش معبودها باشد.

۶- ادعای مشرکان در قیامت مبنی بر شریک بودن معبود ها برای خدا ، از سوی خود معبود ها تکذیب خواهد شد .

فألقوا إلیهم القول إنکم لکذبون

شکوائیه مشرکان از معبودهایشان در قیامت (قالوا هؤلاء . ..)، ممکن است به این خاطر باشد که آنان معبودها را عامل گمراهی خود قلمداد می کنند. از این رو تکذیب معبودها می تواند مربوط به همین ادعا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ -

نحل - ۱۶ - ۸۷ - ۱،۲

۱- مشرکان ، مراتب تسلیم بودن خود را به پیشگاه خداوند ، در قیامت ابراز می دارند .

و إذا رءا الذين أشركوا . .. و ألقوا إلى الله يومئذ السلم

۲- مشرکان ، تنها در قیامت و پس از ناگزیری ، تسلیم می شوند .

و ألقوا إلى الله يومئذ السلم

ناگفته پیداست که مشرکان در دنیا هرگز تسلیم حق و فرمان خدا نبوده اند (یعرفون نعمت الله ثمّ ینکرونها . ..). بنابراین ابراز تسلیم با قید <یومئذ> (در آن روز) گویای برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۲ - ۲

۲- خداوند ، به هنگام برپایی قیامت ، مشرکان را به حیات مجدد فرا می خواند و آنان بی هیچ درنگ و تأملی ، به او پاسخ گفته و با ستودن او زنده خواهند شد .

يوم يدعوكم فتستجيبون بحمده

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مرجع ضمیر <کم> منکران معاد و مشرکان باشد که از زمان وقوع قیامت سؤال می کردند و نیز <یوم> بدل برای <قریباً> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۸ - ۵،۶

۵- مشرکان و دنیاگرایان ، از منظر لطف و رحمت الهی ، در قیامت ، ساقط اند .

و عرضوا على ربّك صفًّا

در صورتی که نایب فاعل <عرضوا> مشرکان و دنیاگرایان باشند که در آیات قبل، یاد آنان به میان آمد مجهول آمدن فعل و نیز به کار رفتن <ربّک> که خطاب پیامبر(ص) است به جای <ربّهم> دال بر تحقیر ایشان است.

۶- گزارش

خداوند از صحنه قیامت و حشر مشرکان ، تسلیت و دل جویی از پیامبر (ص) در برابر انکار ها و دنیاپرستی آنان است .

و البقیت الصلحت خیر عند ربّک . .. و تری الأرض ... علی ربّک

خطاب در <ربّـِکَ> و <تری> به پیـامبر(ص) است این گونه خطاب در دل آیاتِ مربوط به قیامت مشرکان، نوعی تسلی دادن به پیامبر(ص) در برابر انکار آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۲ - ۱،۳،۵،۶،۷،۱۲

۱- خداوند ، در قیامت ، به مشرکان فرصت خواهد داد تا از معبود های پنداری خویش استمداد کنند .

نادوا شرکاءی الذین زعمتم

۳- معبودان و شرکای پنداری مشرکان ، در قیامت ، هیچ پاسخی به کمک خواهی آنان نخواهند داد .

فدعوهم فلم یستجیبوا لهم

۵- صحنه بیهوده بودن استمداد مشرکان از معبود های خود در قیامت ، صحنه ای شایان فراگیری و به خاطر سپردن است .

و یوم یقول نادوا شرکاءی . .. فلم یستجیبوا لهم

<یوم> مفعول برای فعل مقدری مانند <اُذکروا> است ;یعنی، <به یاد آن روز باشید که . ..>.

۶- در قیامت ، مشرکان ، از معبودان پنداری خویش جدا و دوراند .

و یوم یقول نادوا شرکاءی

<نداء> به معنای <بلند کردن آواز و آشکار ساختن آن> است (مفردات راغب) و فعل <نادوا> نشانه زیاد بودن فاصله مشرکان و معبودان است.

۷- مشرکان ، حتی در قیامت هم دل بسته یاری معبودان شان اند .

فدعوهم

۱۲- خداوند ، در قیامت ، بین مشرکان و معبودان شان وادی هلاکت باری را قرار خواهد داد و هرگونه ارتباط میان آنها را ناممکن خواهد ساخت .

و جعلنا بينهم

موبقًا

<وبوق> به معنای <هلاك شدن> است و <موبق> اسم مکان به معنای <مکان هلاکت> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۳ - ۲،۵

۲- مکان هلاکت باری که بین مشرکان و معبودان پنداری آنها فاصله می شود ، آتش دوزخ است .

و جعلنا بینهم موبقًا . و رءا المجرمون النار

۵- مشرکان ، در قیامت ، در پی یافتن راهی برای نجات خویش از آتش دوزخ اند .

فدعوهم فلم یستجیبوا لهم . .. و لم یجدوا عنها مصرفًا

در آیه قبل، بیان شد که مشرکان، با خواندن معبودان پنداری شان، در صدد نجات خود برخواهند آمد و این آیه، خبر از نافرجامی تلاش آنان داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۲ - ۸

۸- مشرکان در قیامت ، پرستش و بندگی معبود های ساختگی را انکار کرده و با آنها به ستیز و دشمنی خواهند پرداخت .

سیکفرون بعبادتهم و یکونون علیهم ضدًّا

در برداشت یاد شده، مرجع ضمیر <یکفرون> و <یکونون> مشرکان و مرجع ضمیر <بعبادتهم> و <علیهم> الهه دانسته شده و کفر نیز به معنای انکار گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۹ - ۳

۳ مشرکان در قیامت ، ناتوان از دفاع از خویش در برابر عذاب الهی و یافتن هرگونه یار و ناصری برای خود

فما تستطیعون صرفًا و لانصرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۶۸ – ۱۰

۱۰ مشرکان ، آدم کشان و زناکاران ، به روز رستاخیز

با کیفر اعمالشان روبه رو خواهند شد .

والذین لایدعون مع اللّه إلهًا . .. و لایزنون و من یفعل ذلک یلق أثامًا

<ذلک> اشاره است به سه گناهی که در جمله های قبل یاد شده است و <اثام> به معنای جزا و کیفر گناه می باشد (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۳ - ۲

۲ - آشکار گشتن پوچی عقاید شرک آلود ، برای مشرکان در قیامت

و قیل لهم أین ما کنتم . .. هل ینصرونکم أو ینتصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۱ - ۱

۱ - حسرت مشرکان ، بر نداشتن کمترین دوست دلسوز در قیامت

و لاصدیق حمیم

<حمیم> به معنای نزدیک است و <صدیق حمیم> (دوست نزدیک) می تواند کنایه از فرد مشفق، مهربان و دلسوز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۲ - ۱،۴

۱ - صحنه روبه رو شدن اهل شرک با مؤاخذه خداوند در روز رستاخیز ، صحنه ای شایان توجه و یادآوری

و یوم ینادیهم فیقول أین شرکاءی

<یوم> در <یوم ینادیهم> مفعول برای فعل محذوف <اذکر> است; یعنی، <اذکر یوم ینادیهم. ..>.

۴ - پرسش تحقیرآمیز خداوند از مشرکان ، درباره معبود های آنان در قیامت

فیقول أین شرکاءی

استفهام در <أین شرکاءی> برای تهکّم و استهزا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۴ - ۳،۷

۳ - فراخواندن مشرکان از سوی خداوند ، برای یاری خواستن از معبودهایشان در قیامت .

و قیل ادعوا شرکاءکم

۷ - روبه رو شدن مشرکان

با عذاب الهی در قیامت ، همراه با یأس کامل آنان از وجود یاری دهنده ای برای خود

قیل ادعوا شرکاءکم . .. فلم یستجیبوا لهم و رأوا العذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۵ - ۱،۴

۱ - مواجه شدن اهل شرک با بازخواست خداوند در روز رستاخیز ، امری قابل توجه و شایان یادآوری

و یوم ینادیهم

<یوم> در <یوم ینادیهم> مفعول برای <اذکر> محذوف است; یعنی، <و اذکر یوم ینادیهم. ..>.

۴ - پرسش خداوند از مشرکان در قیامت ، درباره چگونگی پاسخ آنان به دعوت پیامبران

فیقول ماذا أجبتم المرسلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۶ - ۲

۲ - تحیر و درماندگی اهل شرک در روز رستاخیز

فعمیت علیهم الأنباء یومئذ

برداشت یاد شده بدین جهت است که میان بسته شدن همه راه های خبر بر انسان و سرگردانی وی، تلازم وجود دارد. بنابراین جمله <عمیت علیهم الأنباء> می تواند کنایه از حیرت و سردرگمی مشرکان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۴ - ۱

۱ - صحنه روبه رو شدن اهل شرک با مؤاخذه خداوند در روز رستاخیز ، صحنه ای شایان توجه و یادآوری

و یوم ینادیهم فیقول أین شرکاءی

<یوم> در <یوم ینادیهم> مفعول برای فعل محذوف <اذکر> است; یعنی، <اذکر یوم ینادیهم. ..>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۵ - ۹

۹ - برملا شدن حقانیت توحید برای جوامع شرک پیشه در قیامت

فعلموا أنّ الحقّ للّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه

– فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۱۳ – ۷

۷ – مشرکان ، در قیامت ، الوهیت معبودان خویش را انکار می کنند .

و لم یکن لهم من شرکائهم شفعؤا و کانوا بشرکائهم کفرین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۳۱ – ۷،۹

۷ – مشرکان ، در قیامت خطا های خود را به یکدیگر نسبت خواهند داد .

و لو تری إذ الظلمون موقوفون عند ربّهم یرجع بعضهم إلی بعض القول

۹ – مؤاخذه شدن مشرکان در پیشگاه خداوند در قیامت

و قال الذین کفروا . .. و لو تری إذ الظلمون موقوفون عند ربّهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۳۳ – ۱۱

۱۱ – مشرکان ، به خاطر انتخاب عقیده شرک آلود ، در قیامت پشیمان شده و آن را پنهان خواهند کرد .

و لو تری إذ الظلمون موقوفون عند ربّهم . .. و أسرّوا الندامه لمّا رأوا العذاب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۴۲ – ۳

۳ – در روز قیامت ، از ملائکه هیچ کاری برای عبادت کنندگان ادعایی شان ساخته نیست .

فالیوم لایملک بعضکم لبعض نفعًا و لا ضرًّا

به قرینه این که مخاطبان در آیات پیشین، ملائکه بودند و خداوند با آنان درباره عبادت مشرکان گفتوگو می کرد; مخاطب <کم> در <بعضکم> می تواند ملائکه باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۵۱ - ۳

۳ - فزع و گرفتاری مشرکان در قیامت ، مسلّم و قطعی است .

و لو ترى إذ فزعوا

فلافوت و أَخذوا

یادآوری وضعیت مشرکان با فعل های ماضی <فزعوا> و <اُخذوا>، حکایت از قطعیّت ناراحتی و گرفتاری آنان دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۵۲ - ۶

۶ - ایمان مشرکان در قیامت ، سودی برای آنان ندارد .

و لو تری إذ فزعوا . .. و قالوا ءامنّا به و أنّی لهم التناوش

<تناوش> (از ریشه <نوش>) به معنای تناول و رسیدن است; یعنی، آنان چگونه می توانند به ایمان نایل آیند؟ و مراد از آن بی فایده بودن ایمان در غیر زمان و فرصت لازم خودش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۴ - ۴

۴ - حضور معبود ها در قیامت و انکار و تبرّی آنان از شرکورزی مشرکان

و یوم القیمه یکفرون بشرککم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۹ - ۴

۴ - مشرکان و منکران معاد ، خود را به طور ناگهانی در قیامت یافته و بر حال زار خود نظاره گر خواهندبود .

فإذا هم ینظرون

<إذا> برای مفاجات است که حاکی از ناگهانی انجام شدن مفاد آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۳ - ۱

۱ - فرمان خداوند در قیامت ، مبنی بر راندن مشرکان ستم پیشه و هم فکران و معبود های آنان به راه دوزخ

احشروا الذين . .. يعبدون . من دون اللّه فاهدوهم إلى صرط الجحيم

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۲۴ – ۱

۱ – فرمان

خداوند به توقف مشرکان بر سر راه دوزخ به منظور بازخواست از آنان

وقفوهم إنّهم مسئولون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۶ - ۱،۲

۱ - تسلیم و انقیاد کامل مشرکان به پیشگاه عدل الهی در عرصه قیامت

بل هم الیوم مستسلمون

آمدن <مستسلمون> از باب استفعال، بیانگر مبالغه در تسلیم است.

۲ - مشرکان در عرصه قیامت ، یکدیگر را تسلیم کیفر الهی کرده و به خذلان هم خواهند پرداخت . *

بل هم الیوم مستسلمون

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که <مستسلمون> به قرینه <لاتناصرون> به معنای تسلیم کنندگان باشد. گفتنی است کلمه <بل> که برای اضراب انتقالی است مؤید همین برداشت است. بر این اساس پیام آیه چنین می شود: مشرکان نه تنها به یاری هم نمی شتابند; بلکه با تسلیم کردن یکدیگر، به خذلان هم خواهند پرداخت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۷ - ۱

۱ - مشرکانِ فریب خورده ، در عرصه قیامت رو در روی پیشوایان فریب کارِ خود قرار خواهند گرفت .

و أقبل بعضهم علی بعض یتساءلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۸ - ۲

۲ - مشرکان فریب خورده ، پیشوایان خود را مسؤول گمراهی خویش در قیامت معرفی خواهند کرد .

قالوا إنّکم کنتم تأتوننا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۳۰ – ۶

۶ – مشرکان فریب خورده و پیشوایان شان در قیامت ، یکدیگر را به دست داشتن در گمراهی و انحراف از

مسیر حق ، متهم خواهند کرد .

و أقبل بعضهم علی بعض یتساءلون . قالوا إنّکم کنتم تأتوننا ... قالوا ... و ما کان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۱ - ۵

۵ - اعتراف پیشوایان شرک به ربوبیت الهی در حضور مشرکان در عرصه قیامت

فحقّ علینا قول ربّنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۵ - ۳

۳ - مشرکان و کافران در عرصه قیامت ، سرمایه عمر خود را تباه شده می بینند و خویش را از حمایت خانواده شان ، محروم می یابند .

قل إنّ الخسرین الذین خسروا أنفسهم و أهلیهم یوم القیمه

مقصود از <أنفس> سرمایه های عمر و مراد از <أهل> خانواده می باشد. بر این اساس خسارت نفس، به معنای تباه ساختن و بهره کافی نگرفتن از سرمایه عمر است. خسارت اهل نیز به معنای از کف دادن حمایت خانواده و بهره نجستن از آنان می باشد. گفتنی است برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که مخاطبان آیه شریفه کافران و مشرکان هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۷ - ۷

۷ - عذاب مشرکان و ستمگران در قیامت ، بسیار بزرگ و فراتر از تصورشان است .

و بدا لهم من اللّه ما لم یکونوا یحتسبون

<إحتساب> (مصدر <یحتسبون>) مبالغه در حساب و به معنای <ظن> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۲ - ۳

۳ – عذرخواهی کافران و مشرکان ستیزه جو در قیامت ، پذیرفته نشده

و سودی به حال آنان نخواهد داشت .

یوم لاینفع الظلمین معذرتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۷ - ۱۱،۱۲

۱۱ - قیامت ، صحنه محاکمه مشرکان به خاطر عقاید شرک آمیز آنان

و یوم ینادیهم أین شرکاءی

۱۲ - مشرکان در قیامت مورد سخره و تحقیر الهی قرار می گیرند .

و یوم ینادیهم أین شرکاءی

لحن آیه و نحوه خطاب در آن (<أین شرکائی> و <ینادیهم>) می تواند مفید برداشت بالا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۸ - ۱

۱ مخاصمه شیطان و مشرکان با یکدیگر ، در محکمه عدل الهی

قال قرینه ربّنا ما أطغیته . .. قال لاتختصموا لدیّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۲ - ۳

۳ - کافران و مشرکان در عرصه قیامت به سجده فرا خوانده می شوند ; ولی آنان از این کار ناتوان اند .

و یدعون إلی السجود فلایستطیعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۳ - ۱،۲

۱ - ظهور و بروز ذلّت و ترس ، در دیدگان کافران و مشرکان در عرصه قیامت

خشعه أبصرهم

۲ – ذلّت و خواری ، تمامی وجود کافران و مشرکان را در قیامت فرا می گیرد .

ترهقهم ذلّه

مشرکان صدر اسلام و قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۱۵ – ۴

۴ مشرکان عصر بعثت ، منکر روز بازپسین بودند .

قال الذین لا یرجون لقاءنا

مشرکان و تکذیب قیامت

جلد – نام سوره – سوره –

آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۲ – ۱

۱ تکذیب پیامبر از سوی مشرکان به خاطر مطرح کردن قیامت و نیز پیشنهاد های نابه جای ایشان ، آن حضرت را در خطر ترک و عدم ابلاغ برخی از آیات قرار داده بود .

فلعلّك تارك بعض ما یوحی إلیك و ضائق به صدرك أن یقولوا لولا أُنزل علیه كنز

روشن است که خوف و شکی که <لعلّ> دلالت بر آن می کند به لحاظ متکلم (خداوند) نیست; بلکه حاکی از خوف و تردید مخاطب (پیامبر) و یا موقعیت خاصی است که هر انسانی احتمال ترک برخی از آیات را دور از انتظار نمی بیند. بنابراین <لعلك تارك ...> می رساند که پیامبر در شرایطی بود که این خوف و احتمال وجود داشت که در ابلاغ برخی از آیات به تردید بیفتد و مصلحت ببیند که آنها را موقتاً ابلاغ نکند تا شرایط و جو پیشامده تغییر کند. <أن یقولوا ...> به تقدیر <لام> و <لا> ی نافیه (لأن لایقولوا...) بیانگر علت و ریشه پدید آمدن زمینه و شرایط آن خوف و احتمال است. تفریع <لعلّك تارك...> بر آیه هفتم می رساند که تکذیب قیامت نیز می توانست در پدید آمدن آن شرایط مؤثر باشد.

مشرکان و قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۳۹ – ۵

۵ تکذیب و انکار قیامت ، موضع گیری مشترک همه شرک پیشگان تاریخ

بل كذبوا بما لم یحیطوا بعلمه . .. كذلك كذب الذین من قبلهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۵۳ –

۹ - حدس و تخمین مشرکان درباره حشر و قیامت ، بسیار دور از واقعیت بوده است .

و قد کفروا به من قبل و یقذفون بالغیب من مکان بعید

مشرکانپیرو در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۷ - ۱،۲،۳،۷

۱ - بازگشت به دنیا برای تبرّی از سران شرک و مخالفت کردن با آنان ، آرزوی مشرکان پیرو در صحنه قیامت

و قال الذین اتبعوا لو أن لنا کرّه فنتبرأ منهم

<کرّ> به معنای رجوع و <کرّه> به معنای یکبار رجوع کردن است و مراد از آن، بازگشت به دنیا می باشد. بنابراین <لو أن لنا کرّه>; یعنی، ای کاش یکبار دیگر به دنیا باز می گشتیم!

۲ - اظهار پشیمانی مشرکان پیرو در صحنه قیامت ، از دوستی با سران شرک و اطاعت از ایشان در دنیا

و قال الذین اتبعوا لو أن لنا کرّه فنتبرأ منهم

۳ - ندامت مشرکان پیرو در قیامت از شرکورزی و پشیمانی آنان از اطاعت سران ، ثمری نداشته و موجب نجات آنان نخواهد شد .

و قال الذین اتبعوا لو أن لنا کرّه فنتبرأ منهم

چنانچه ندامت از شرک و . .. در قیامت برای نجاتشان مؤثر می بود، مشرکان آرزوی بازگشت به دنیا را نمی کردند.

۷ - قیامت صحنه حسرت و اندوه مشرکان پیرو ، از شرکورزی و پیروی از سران شرک

کذلک یریهم اللّه أعملهم حسرت علیهم

مصونیت از اندوه قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۹ - ۱

۱ – نگه داشتن مؤمنان تائب و صالحان ، از بدی ها و ناراحتی های روز قیامت

، دعا و درخواست فرشتگان عرش الهی از خداوند

و قهم السیّئات

الف و لام جنس در <السیّئات> مفید استغراق و عموم است و مقصود از آن در آیه شریفه، بدی ها و ناراحتی هایی است که یا بر اثر گناهان و لغزش های خود انسان و یا به خاطر شرایط سخت روز قیامت برای آدمی پدید می آید.

مصونیت از اهوال قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۳ - ۱

۱- بهشتیان و مؤمنان راستین ، از ناله و اندوه بزرگ قیامت در امان بوده و غمگین نخواهند شد .

إنّ الذین سبقت لهم منّا الحسنی . .. لایحزنهم الفزغ الأکبر

<فزع> به معنای انقباض و گرفتگی ناشی از شیء ترسناک و از جنس <جزع> (ناله و افغان) است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۹ - ۵،۶

۵ - تعلق مشیت الهی بر ایمن بودن برخی انسان ها از وحشت روز رستاخیز ، دارای ملاک و مبتنی بر کردار خود آنان

ففزع من فی السموت و من فی الأرض إلاّمن شاء اللّه. .. و هم من فزع یومئذ ءامنون

از ارتباط این آیه با قبل می توان استفاده کرد که عبارت <و هم من فزع یومئذ آمنون> تفسیر و تبیین مشیتی است که در آیه ۸۷ بدان اشاره شده است.

۶ - ایمنی از وحشت روز جزا ، مهم ترین پاداش الهی به نیک کرداران

من جاء بالحسنه فله خیر منها و هم من فزع یومئذ ءامنون

اختصاص به ذکر یافتن <و هم من فزع یومئذ آمنون> با این که <له خیر منها> دربرگیرنده

آن نیز هست نشان می دهد که ایمنی از وحشت روز رستاخیز، مهم ترین لطف و عنایت الهی در حق نیک کرداران است.

مصونیت از سختیهای قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۸ - ۵

۵ - مؤمنان ، ایمن از دشواری های قیامت

یقول الکفرون هذا یوم عسر

با توجه به مفهوم آیه شریفه و این که تنها کافران می گویند: <هذا یوم عسر>، استفاده می شود که مؤمنان چنین برداشتی ندارند.

مصونیت از شرور قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۱ - ۱،۳

۱ - خداوند ، ابرار را از تمامی شرور و گزند های روز قیامت حفظ خواهد کرد .

فوقیهم اللّه شرّ ذلک الیوم

۳ - مصونیت ابرار از شرور و گزند های قیامت و شادابی رخسار و سرور دل آنان ، به دلیل ایمان آنان به قیامت و خوف آنان از آن روز است .

إنّا نخاف من ربّنا یومًا . .. فوقیهم اللّه شرّ ذلک الیوم

<فا> در <فوقاهم> برای تفریع این آیه بر آیه قبل است; یعنی، مصونیت ابرار از شرور قیامت، به این دلیل است که آنان، از احوال آن روز در هراس بودند; روزی که چهره های کافران عبوس و دل های آنان محزون است.

مصونیت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۳ - ۲،۳

۲ – قیامت ، روزی پر مخاطره که باید برای مصونیت ازآن ، سببی کارساز تدارک دید .

و اتقوا یوماً

<اتقاء> (مصدر إتقوا)؛ یعنی، برگرفتن و تدارک دیدن وسیله ای برای محافظت

از چیزی هولنـاک و خطرسـاز. بنابراین <إتقوا یوماً> دلالت می کنـد که: روز قیامت حاوی مخاطرات هولناک است و آدمی باید برای مصون ماندن از آنها، وقایه (وسیله ای برای محافظت) فراهم آورد.

۳ - ایمان به قرآن و پیامبر (ص) و پرهیز از کفر ورزی به آنها ، وسـیله محافظت در برابر مخاطرات و عـذاب های روز قیامت است .

أولئک یؤمنون به و من یکفر به . .. و اتقوا یوماً

فرمـان به گرفتن وقـایه (وسـیله محافظت)، پس از ترغیب به ایمان (أولئک یؤمنون به) و هشـدار از کفرورزی (و من یکفر . ..) می رساند که: وقایه انسان در روز قیامت، ایمان به قرآن و پیامبر(ص) و پرهیز از کفرورزی به آن دو است.

مظلومان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۱ - ۳

۳ - ستمدیدگان ، به خاطر گرفتن انتقام خود از ستمگران ، در قیامت عقوبت نخواهند دید .

فأولئک ما علیهم من سبیل

جمله <فأولئـک مـا علیهم من سبیل> به قرینه ذیل آیه بعـد (أولئک لهم عـذاب ألیم)، می توانـد اشاره به برداشت بالا داشـته باشد.

معاد قبل از قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۹ - ۸

۸- تحقق نیافتن معاد انسان قبل از قیامت ، معلول حاکمیت نظم و برنامه در کار آفرینش است نه ناشی از عدم قدرت خداوند

قادر علی أن یخلق مثلهم و جعل لهم أجلاً

تـذکر <جعل لهم أجلاً> پس از <قادر علی أن یخلق مثلهم> در واقع پاسخ گویی این سؤال مقدّر است که اگر خدا قادر بر خلقت

دوباره انسانهاست، پس چرا از هم اکنون این کار را نمی کند.

معامله در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۳ - ۵،۹

۵ - در روز قیامت ، از هیچ کس فدیه و عوضی که خویشتن را با آن باز خرد ، پذیرفته نمی شود .

و لایقبل منها عدل

<عدل> به معنای فدیه و عوضی است که شخص برای آزادی خود یا دیگری می پردازد تا از اسارت و مانند آن آزاد شود.

۹ - توهم سودبخشی شفاعت از گنهکاران و یا پذیرفته شدن عوض و بدل برای رهایی از عذاب قیامت ، از پندار های بنی اسرائیل است .

یبنی إسرءیل . .. و لایقبل منها عدل و لاتنفعها شفعه

فعل <اتقوا> به قرینه آیات پیشین، خطاب به بنی اسرئیل است. این خطاب خود قرینه وجود چنین افکاری در بین آنان است.

معبودان باطل در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۲ - ۷

۷ قیامت، روز استهزای مشرکان و نمایاندن ناتوانی و بطلان خدایان دروغین آنهاست.

و یوم نحشرهم جمیعا ثم نقول للذین أشرکواأین شرکاؤکم الذین کنتم تزعمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۳ - ۲

۲ بی پناهی مشرکان در قیامت و ناتوانی معبودهای آنان از کمک رساندن به آنها

أین شرکاؤکم . .. ثم لم تکن فتنتهم إلا أن قالوا و اللّه ربنا ما کنا مشرکین

این آیه و آیه پیش ترسیمی از چهره مشرکان در قیامت است. در آیه پیش خطاب به مشرکان شده که: <أین شرکاؤکم> ؟ و در

این آیه درماندگی و بیچارگی و عجز آنان از پاسخ و دفاع را بیان داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۴ - ۳

۳ ظهور بطلان شرک و پوچی معبودهای دروغین در قیامت

و ضل عنهم ما کانوا یفترون

از کاربردهای فعل <ضل> جایی است که چیزی از بین رفته است و باطل شود. در لسان العرب آمده است: <ضل الشیء إذا ضاع>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۳ - ۱۳

۱۳ کافران در قیامت هیچ اثری از معبودان دروغین خویش نخواهند یافت .

و ضل عنهم ما کانوا یفترون

با توجه به زمان نزول قرآن که مخالفان اسلام مشرکان و بت پرستان بودند و آنان معبودان دروغین خویش را منشأ اثر در سرنوشت انسانها می پنداشتند، می توان گفت از مصادیق مورد نظر برای <ما کانوا یفترون> معبودان ساختگی و دروغین کفرپیشگان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۸ - ۵

۵ حشر مشرکان در قیامت ، به همراه معبود های مورد پرستش آنان خواهد بود .

ثم نقول للذین أشرکوا مکانکم أنتم و شرکاؤکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۲ - ۶،۹،۱۲،۱۳

۶- در قیامت ، مشرکان ، از معبودان پنداری خویش جدا و دوراند .

و یوم یقول نادوا شرکاءی

<نداء> به معنای <بلند کردن آواز و آشکار ساختن آن> است (مفردات راغب) و فعل <نادوا> نشانه زیاد بودن فاصله مشرکان و معبودان است.

۹- در قیامت ، کارامد نبودن معبودان مشرکان و بطلان

شرک ، آشکار خواهد شد .

فدعوهم فلم یستجیبوا لهم

۱۲- خداوند ، در قیامت ، بین مشرکان و معبودان شان وادی هلاکت باری را قرار خواهد داد و هرگونه ارتباط میان آنها را ناممکن خواهد ساخت .

و جعلنا بینهم موبقًا

<وبوق> به معنای <هلاک شدن> است و <موبق> اسم مکان به معنای <مکان هلاکت> است.

۱۳- شیاطین و دیگر معبودان دروغین مشرکان ، در صحنه قیامت حضور خواهند داشت .

نادوا شرکاءی . .. و جعلنا بینهم موبقًا

به قرینه آیات قبل، مراد از <شرکاء> همان ابلیس و ذریه او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۳ - ۲

۲- مکان هلاکت باری که بین مشرکان و معبودان پنداری آنها فاصله می شود ، آتش دوزخ است .

و جعلنا بینهم موبقًا . و رءا المجرمون النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۲ - ۳

۳- معبود های مشرکان در قیامت ، به ستیز و دشمنی با پرستشگران خود خواهند پداخت .

و یکونون علیهم ضدًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۷ - ۲

۲- معبود های پنداری مشرکان ، از شفاعت در قیامت ناتوانند .

واتّخذوا من دون اللّه ءالههً . .. لايملكون الشفعه

چنان كه برخى از مفسران گفته اند، مرجع ضمير در <لايملكون> مى تواند <الهه> در آيات پيشين باشد. دراين صورت ردِ پندار شفاعتى است كه مشركان آن را از معبودهاى خود توقع داشتند. دراين وجه استثنا منقطع و مفاد آن چنين خواهد بود: هر كس به عهدى نزد خداوند دست يافته باشد، توان شفاعت دارد.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۸ - ۱،۳،۴،۵

۱ اعتراف معبود های مشرکان به روز رستاخیز و در پیشگاه خداوند ، به منزه بودن او از داشتن هر گونه شریک

و یوم یحشرهم و ما یعبدون من دون اللّه . .. قالوا سبحنک

۳ معبود های مشرکان در روز رستاخیز ، اظهار می دارند که حقِ برگفتن سرپرستانی جز خدا را نداشته و سزاوار این کار نبوده اند .

قالوا سبحنک ما کان ینبغی لنا أن نتّخذ من دونک من أولیاء

<أولیاء> می تواند از <وَلایت> (به فتح <واو>) به معنای سرپرست باشد و هم می تواند از وِلایت (به کسر <واو>) به معنای <نصرت> باشد. برداشت یاد شده مبتنی بر معنای اول است.

۴ معبود های مشرکان در قیامت ، خود را از داشتن هر گونه نقشی در گمراهی مشرکان ، تبرئه کرده و آن را تکذیب خواهند کرد .

ءأنتم أضللتم عبادی . .. قالوا سبحنک ما کان ینبغی لنا أن نتّخذ من دونک من أولیاء

۵ اظهار شگفتی و اعلام انزجار معبو های مشرکان در قیامت ، از معبود قرار گرفتن خودشان از سوی مشرکان و یا نقش داشتن آنان در گمراهی دیگران

فیقول ءأنتم أضللتم عبادی هولاء . .. قالوا سبحنک

جمله <سبحانک> و یا <سبحان اللّه> در دو مورد به کار می رود: ۱ آن گاه که سخن شگفت آوری شنیده شود و شنونده بخواهد اظهار شگفتی کند. ۲ آن گاه که سخنی بسیار زشت و ناروایی شنیده شود و شنونده بخواهد از آن اعلان برائت و اظهار انزجار کند و واکنش منفی از خود نشان دهد

(برگرفته از لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۹ - ۱،۲

۱ ادعای مشرکان در باره وجود معبودهایی جز خداوند ، مورد تکذیب شدید خود معبود های آنها در قیامت

فقد کذّبوکم بما تقولون

برداشت فوق با توجه به دو نکته است: ۱ فاعل <کذّبوا> معبودها و مخاطب <کم> مشرکان اند. ۲- آنچه مشرکان ادعای آن را دارند که مورد تکذیب معبودهایشان قرار خواهد گرفت ممکن است دو چیز باشد: ۱ وجود معبودهای متعدد، به جز خداوند. ۲ گمراه شدن آنان به دست معبودهایشان که از سؤال و پاسخ خدا و معبودها که در آیات قبل آمد به دست می آید.

۲ ادعای مشرکان در باره نقش داشتن معبودهایشان در گمراهی آنان ، مورد تکذیب همان معبود ها در قیامت

فقد کذّبوکم بما تقولون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۲ - ۲

۲ - دست مشرکان در قیامت ، کوتاه از معبود های خیالی خود

و قیل لهم أین ما کنتم تعبدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۳ - ۳

۳ - عناصر مورد اتکای مشرکان ، خود گرفتار در قیامت و ناتوان از یاری رساندن به دیگران و دفاع از خویش

هل ینصرونکم أو ینتصرون

<نصر> (مصدر <ینصرون>) برای دفاع از دیگران و<انتصار> (مصدر <ینتصرون>) به معنای دفاع از خود به کار می رود. ضمیرهای فاعل در دو فعل یاد شده، به معبودها بازمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۱۴

۴ - حضور معبود ها در قیامت و انکار و تبرّی آنان از شرکورزی مشرکان

و یوم القیمه یکفرون بشرککم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۳ - ۴

۴ - در قیامت ، اثری از معبود های ادعایی مشرکان نخواهد بود .

ثمّ قیل لهم أین ما کنتم تشرکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۷ - ۱۴

۱۴ - مشرکان ، از حمایت معبود های خویش در قیامت محروم خواهند بود .

و یوم ینادیهم أین شرکاءی قالوا ءاذنّک ما منّا من شهید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۶ - ۴

۴- بیزاری معبود های باطل در قیامت ، از پرستش عبادت گران خود

و کانوا بعبادتهم کفرین

ضمیر <کانوا> به معبودها و ضمیر <بعبادتهم> به عبادت گران مشرک بازمی گردد.

معرضان از آیات خدا در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۶ - ۶

۶ - خداوند در روز قیامت ، از افراد بی اعتنا به آیات و معارف الهی ، روی برگردانده و به آنان بی اعتنا خواهد بود .

أتتک ءایتنا فنسیتها و کذلک الیوم تنسی

در فعل <تنسی> گرچه فاعل، مجهول است; ولی به قرینه <ربّ لم حشرتنی> (در آیه قبل) می توان گفت که فاعل، خداوند است. نسیان، مشترک بین دو معنا است: ۱ ترک از روی غفلت; ۲ ترک از روی عمد (مصباح). در این آیه به قرینه آیات پیشین، معنای دوم مراد است.

معرضان از عتق برده در قیامت

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۹ - ۲

۲ - سمت چپ در آخرت ، جایگاه استقرار کسانی است که به آیات الهی کفر ورزیده و از آزادسازی بردگان ، غذا دادن به یتیمان و مستمندان و توصیه یکدیگر به صبر و ترحم ، امتناع کرده اند .

فکّ رقبه . .. و الذین کفروا بایتنا هم أصحب المشئمه

چنانچه <مشأمه> به معنای <سمت چپ> باشد که در <صحاح> از جمله معانی آن شمرده شده است برداشت یاد شده استفاده می شود. کلمه <أصحاب>، بیانگر حضور طولانی <اصحاب المشأمه> در سمت چپ است به گونه ای که با آن مصاحبت داشته و از آن فاصله نمی گیرند.

معرضان از قرآن در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۰ - ۱

۱ - روی گردانندگان از قرآن و تذکار های آن ، در قیامت باری سنگین از گناه را به دوش خواهند کشید .

من أعرض عنه فإنّه یحمل یوم القیمه وزرًا

نکره بودن <وزراً> بر گران باری و سنگینی آن دلالت دارد.

معرضان از قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱ - ۳،۷

۳- مشرکان صدراسلام ، از مسأله حسابرسی قیامت ، به طور کلی غافل مانده و از تأمل و اندیشه در نشانه ها و دلایل روشن آن ، روی گردان بودند .

اقترب للناس حسابهم و هم فی غفله معرضون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که این سوره، مکی است و مخاطب و مصداق اوّلی <الناس>، مردم مشرک اند.

۷- انسان ها ،

از درنگ و تفکر در نشانه های قیامت و دلایل اثبات آن ، روی گردان هستند .

اقترب للناس حسابهم و هم فی غفله معرضون

متعلق <غفلت> و <إعراض> دو چیز است; زیرا غفلت، نشانگر بی توجهی به مسأله و اعراض، علامت توجه به آن است و معقول نیست که یک چیز هم مورد توجه باشد و هم عدم توجه. بنابراین مقصود از اعراض، روی گردانی از دلایل روشن بر اثبات معاد و عدم تأمل و تفکر درباره قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۸ - ۱

۱ - اخبار مهم و سودمند مربوط به توحید ، قیامت و رسالت پیامبراسلام ، از سوی مشرکان و کافران مورد بی اعتنایی و اعراض قرار می گرفت .

قل هو نبؤا عظیم . أنتم عنه معرضون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۷ - ۱

۱ - محبت و دلبستگی به دنیا و بی اعتنایی به قیامت و حیات اخروی ، از نشانه های کافران و گناه پیشگان است .

و لاتطع منهم ءاثمًا أو کفورًا . .. إنّ هؤلاء یحبّون العاجله و یذرون وراءهم یومً

معرضان از محمد(ص) در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۶ - ۵

۵ - روی گردانان از دعوت به حق پیامبر (ص) ، ناگزیر از اجابت دعوت الهی در قیامت برای حسابرسی و مجازات

فما تغن النذر . .. یوم یدع الداع إلی شیء نکر

معرضان از مساکین در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- بلد - ۹۰ - ۱۹ - ۲

۲ - سمت چپ در آخرت ، جایگاه استقرار کسانی است که به آیات الهی کفر ورزیده و از آزادسازی بردگان ، غذا دادن به یتیمان و مستمندان و توصیه یکدیگر به صبر و ترحم ، امتناع کرده اند .

فکّ رقبه . .. و الذین کفروا بایتنا هم أصحب المشئمه

چنانچه <مشأمه> به معنای <سمت چپ> باشد که در <صحاح> از جمله معانی آن شمرده شده است برداشت یاد شده استفاده می شود. کلمه <أصحاب>، بیانگر حضور طولانی <اصحاب المشأمه> در سمت چپ است به گونه ای که با آن مصاحبت داشته و از آن فاصله نمی گیرند.

معرضان از یتیم در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۹ - ۲

۲ - سمت چپ در آخرت ، جایگاه استقرار کسانی است که به آیات الهی کفر ورزیده و از آزادسازی بردگان ، غذا دادن به یتیمان و مستمندان و توصیه یکدیگر به صبر و ترحم ، امتناع کرده اند .

فکّ رقبه . .. و الذین کفروا بایتنا هم أصحب المشئمه

چنانچه <مشأمه> به معنای <سمت چپ> باشد که در <صحاح> از جمله معانی آن شمرده شده است برداشت یاد شده استفاده می شود. کلمه <أصحاب>، بیانگر حضور طولانی <اصحاب المشأمه> در سمت چپ است به گونه ای که با آن مصاحبت داشته و از آن فاصله نمی گیرند.

مفتریان بر خدا در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۸ - ۴

۴ آنان که به خدا دروغ بسته اند

، در قیامت به پیشگاه او احضار می شوند .

أُولئک یعرضون علی ربهم

مفتریان به خدا در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۰ - ۱،۲

۱ - کسانی که برخدا دروغ بسته اند ، در قیامت با چهره سیاه برانگیخته خواهند شد .

و یوم القیمه تری الذین کذبوا علی اللّه وجوههم مسوّده

۲ - کسانی که بر خدا دروغ می بندند ، در روز قیامت ، با ذلت و خواری ظاهر خواهند شد .

و یوم القیمه تری الذین کذبوا علی اللّه وجوههم مسوّده

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که از جمله <وجوههم مسوّده> معنای کنایی اراده شده است; یعنی، دروغ زنندگان به خدا، روسیاه و شرمسار خواهند بود.

مفسدان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۳ - ۱۰

۱۰ - قیامت ، روز باخواست از تبهکاران است .

و لیسئلنّ یوم القیمه

مقامات گواهان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۳ - ۵

۵ - گواهان صحنه قیامت ، دارای مقامی ارجمنداند .

و شاهد

مقربان در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۸۸ – ۱

۱ – دسته ای از انسان ها در جهان آخرت ، جزء مقربان درگاه خداوند هستند .

فأمّا إن کان من المقرّبین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – فجر – ۸۹ – ۲۸ – ۴

۴ – میهمانان قرب خداوند در آخرت ، به همه خواسته های خود دست یافته ، از پاداش خویش

خشنود خواهند بود .

راضیه

مکان حسابرسی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۳ - ۲

۲ - وجود نقطه ای مشخص ، برای محاکمه و حساب رسی کافران در قیامت

کأنّهم إلی نصب یوفضون

مکان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۷ - ۲

۲ - زمین ، محل رخداد قیامت و حشر انسان ها *

فیذرها قاعًا صفصفًا . لاتری فیها عوجًا و لاأمتًا

مسطح شدن زمین ممکن است جهت آماده سازی آن برای برانگیختن مردم باشد. بنابراین قیامت و صحنه رعب انگیز آن، بر روی همین زمین اتفاق خواهد افتاد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱۴ - ۳

۳ - عرصه قیامت ، مکانی مشخص و از پیش تعیین شده است .

فإذا هم بالساهره

حرف <ال> در <الساهره>، گویای این است که جایگاه حضور مردم در قیامت، از پیش مشخص شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ – قارعه – ۱۰۱ – ۵ – ۳

۳ – کره زمین ، عرصه برپایی قیامت

یوم . .. و تکون الجبال

مکذبان آیات خدا در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۱۲ – ۷

۷ – بدکارانِ دروغ انگارِ آیات الهی ، در روز قیامت ، ناامید و اندوه ناک اند .

ثمّ کان عقبه الذین أسئوا السوأی أن کذّبوا بأیت اللّه . .. و یوم تقوم الساعه ی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بلد – ۹۰ – ۱۹ –

۲ – سمت چپ در آخرت ، جایگاه استقرار کسانی است که به آیات الهی کفر ورزیده و از آزادسازی بردگان ، غذا دادن به یتیمان و مستمندان و توصیه یکدیگر به صبر و ترحم ، امتناع کرده اند .

فکّ رقبه . .. و الذین کفروا بایتنا هم أصحب المشئمه

چنانچه <مشأمه> به معنای <سمت چپ> باشد که در <صحاح> از جمله معانی آن شمرده شده است برداشت یاد شده استفاده می شود. کلمه <أصحاب>، بیانگر حضور طولانی <اصحاب المشأمه> در سمت چپ است به گونه ای که با آن مصاحبت داشته و از آن فاصله نمی گیرند.

مکذبان انبیا در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۲۶ – ۵

۵ – ظهور ماهیت زشت حق ستیزان منکر پیامبران ، در روز قیامت *

سیعلمون غدًا من الکذّاب الأشر

احتمال دارد <غداً> اشاره به روز قیامت داشته باشد.

مکذبان در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۱۱ – ۲

۲ – قیامت ، روزی بس سخت و ناگوار ، برای تکذیب کنندگان آن

فویل یومئذ للمکذّبین

مراد از <مکذّبین> به قرینه آیه ۱۴ تکذیب کنندگان قیامت است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۱۴ – ۱

۱ - مواجه گشتن تکذیب گران ، با حقایق مورد انکار خویش در قیامت

هذه النار الّتی کنتم بها تکذّبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۲ - ۱

۱ - تکذیب گران دین ستیز ، گرفتار قید و بند های

گران در عرصه قیامت

إنّ لدینا أنکالاً

<نِکْل> (مفرد <أنکال>) به معنای <قید شدید> است (قاموس المحیط).

مکذبان عیسی(ع) در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۷ - ۳

۳- قیامت ، روزی سخت و هلاکت بار برای کفرورزان به عیسی (ع) و گفته های او

فویل للذین کفروا من مشهد یوم عظیم

<ویل>، یعنی عذاب و هلاکت (لسان العرب). هلاکت بار بودن قیامت کنایه از شدت عذاب است، در حدی که اگر در قیامت نیز مرگ وجود می داشت گرفتاران به عذاب، زنده نمی ماندند.

مکذبان قرآن در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۷ - ۴

۴ تکذیب کنندگان پیامبر(ص) و قرآن در قیامت بر کفرورزیهای خویش در دنیا تأسف می خورند.

یلیتنا نرد و لا نکذب بأیت ربنا و نکون من المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۳ - ۵،۷،۱۲

۵ منکران حقانیت قرآن ، در روز قیامت و بروز حقایق قرآن ، به حقانیت رسالت پیامبران اعتراف خواهند کرد .

یوم یأتی تأویله یقول الذین نسوه من قبل قد جاءت رسل ربنا بالحق

برداشت فوق مبتنی بر این است که ضمیر مفعولی در <نسوه> به<کتب> در آیه قبل برگردانده شود.

۷ منکران قرآن پس از برپـایی قیامت در آرزوی یافتن شـفیعان نجات دهنـده از عـذاب و یا بازگشت به دنیا برای انجام اعمالی سعادت آفرین

یقول الذین نسوه . .. فیشفعوا لنا او نرد فنعمل غیر الذین کنا نعمل

۱۲ منکران قرآن ، در قیامت ، با پی بردن به زیانکاری

خویش و واهی بودن افکار و عقاید خود ، از اعمال و رفتار گذشته خویش پشیمان خواهند شد .

نرد فنعمل غیر الذی کنا نعمل قد خسروا أنفسهم و ضل عنهم ما کانوا یفترون

جمله <قد خسروا . .. > و <ضل عنهم ... > به منزله تعلیلی است برای <نرد فنعمل ... > یعنی آرزوی بازگشت به دنیا و تدارک گذشته ها بدان علت است که کفرپیشگان خود را زیانکار می بینند و باورهای خویش را بر باد رفته می یابند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۵ - ۱

۱- تکذیب کنندگان حقانیت قرآن ، سرانجام تمامی گناهان عمل خویش را در قیامت بر دوش خواهند کشید .

و إذا قیل لهم ماذا أنزل ربّکم قالوا أسطر الأولین . لیحملوا أوزارهم کامله یوم ال

لام <لیحملوا> لام عاقبت است و <أوزار> (جمع وزر) به معنای ثقل و سنگینی و کنایه از گناه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۱ - ۱۳

۱۳ - کافران به قرآن ، در قیامت مورد مؤاخذه قرار خواهند گرفت .

و قال الذین کفروا لن نؤمن بهذا القرءان . .. و لو تری إذ الظلمون موقوفون عند ربّ

مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲ - ۱۷

۱۷ آنان که سرمایه جان را به خسارت از کف داده اند، منکر قیامت هستند.

لیجمعنکم إلی یوم القیمه . .. الذین خسروا أنفسهم فهم لا یؤمنون

متعلق <لا یؤمنون>، با توجه به جمله <لیجمعنکم إلی یوم القیامه> قیامت می تواند باشد.

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۲۹ – ۱،۳

۱ مشرکان لجاجت پیشه مکه، منکر قیامت و هر گونه زندگی جز زندگانی دنیا بودند.

و قالوا إن هی إلا حیاتنا الدنیا

۳ برخی کافران، حتی در صورت بازگشت به دنیا، زندگی را منحصر به دنیا دانسته و قیامت را انکار می کنند.

و لو ردوا لعادوا . .. و قالوا إن هی إلا حیاتنا الدنیا

جمله <و قالوا> می تواند عطف بر جمله <لعادوا> باشد. یعنی اگر به دنیا بازگردند، به همان روش باطل خودروی آورده و باز هم معاد را انکار می کنند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۷ – ۲

۲ شرک پیشگان عصر بعثت ، منکر روز بازپسین بودند .

إن الذین لا یرجون لقاءنا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۱۵ – ۴

۴ مشرکان عصر بعثت ، منکر روز بازپسین بودند .

قال الذین لا یرجون لقاءنا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۳۹ – ۳،۵

۳ قیامت و روز بازپسین ، مورد انکار شرک پیشگان عصر بعثت

بل کذبوا بما لم یحیطوا بعلمه

۵ تکذیب و انکار قیامت ، موضع گیری مشترک همه شرک پیشگان تاریخ

بل کذبوا بما لم یحیطوا بعلمه . .. کذلک کذب الذین من قبلهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۷ – ۱۲

۱۲ کفرپیشگان ، قیامت را امری گزاف و طرح آن را از سوی پیامبر (ص) چون سحر

، نیرنگی روشن قلمداد می کردند .

إن هذا إلّا سحر مبین

<هـذا> به گفتار پیامبر(ص) مبنی بر زنده شدن مردگان و برپایی قیامت اشاره دارد. اطلاق <سـحر> بر این گفتار و ادعا، از باب تشبیه است و وجه شـبه آن بطلان و نیرنگ می باشد; یعنی، این سخن ظاهری فریبنده و باطنی پوچ و بی اساس دارد و در بطلان و نیرنگ بازی، همانند سحر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۷ - ۱

۱ اشراف و سران قوم نوح ، پیامبری آن حضرت را انکار کرده و به توحید و برپایی قیامت کافر شدند .

فقال الملأ الذین کفروا من قومه

متعلق <کفروا> به قرینه آیه قبل توحید ، نبوت نوح و برپایی قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۸ - ۳

۳- کافران مکه ، منکر قیامت و عذاب های اخروی بودند .

و یقولون متی هذا الوعد إن کنتم صدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۳ - ۵

۵ - تحقق نیافتن وعده رستاخیز ، پس از گذشت زمانی دراز ، دلیل بی اساس بودن آن در پندار کافران

لقد وعدنا نحن . .. إن هذا إلّا أسطیر الأوّلین

مقصود کافران از عبارت <لقـد وعـدنا. .. من قبل> می توانـد این باشد که اگر قیامتی هست تا کنون بایستی تحقق می یافت. بنابراین عدم تحقق آن تاکنون، دلیل بی اساس بودن و واقعیت نداشتن آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۴۰ – ۷

۷

مشرکان ، هیچ اعتقادی به روز رستاخیز و انتظار کیفر و پاداش الهی در آن روز را نداشته اند .

بل کانوا لایرجون نشورًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۲۰ – ۱۰

۱۰ – فاسقان ، قیامت و نظام کیفری خدا را تکذیب می کردند .

و أمّا الذین فسقوا . .. ذوقوا عذاب النار الذی کنتم به تکذّبون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۳ – ۱،۲،۴

۱ – کافران ، مدعی تحقق پیدا نکردن روز قیامت اند .

و قال الذین کفروا لاتأتینا الساعه

۲ – کافران ، وعده تحقق روز قیامت را وعده ای نادرست می دانستند .

و قال الذین کفروا لاتأتینا الساعه

لازمه انکار قیامت از سوی کافران، این است که به آنان وعده ای مبنی بر وقوع قیامت داده شده باشد.

۴ – کافران ، وقوع قیامت را امری مسخره دانسته و آن را به استهزا می گرفتند .

و قال الذین کفروا لاتأتینا الساعه

تعبیر به نیامدن قیامت (لاتأتینا) یا به جهت این است که قیامت از جمله امور زمانی است و یا به جهت به سخره و استهزا گرفتن آن می باشد. برداشت یاد شده، براساس احتمال دوّم است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۷ – ۵

۵ – کافران ، به دلیل امکان نداشتن بازآفرینی انسان ها ، وقوع قیامت را منکر بودند .

و قال الذین کفروا لاتأتینا الساعه . .. و قال الذین کفروا ... إذا مزّقتم کلّ ممزّ

این آیه عطف به آیه <و قال الذین کفروا لاتأتینا الساعه. ..>

است و به منزله اقامه دلیل برای آن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۹ - ۴

۴ - بیشتر مشرکان ، وعده پیامبر (ص) را درباره وقوع قیامت باور نداشتند .

و لکنّ أکثر الناس لایعلمون . و یقولون متی هذا الوعد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۵۳ - ۵

۵ - مشرکان ، بدون این که درباره قیامت و حشر آگاهی داشته باشند ، آن را انکار می کنند .

و قال الذین کفروا لاتأتینا الساعه . .. و یقذفون بالغیب

متعلق <یقذفون بالغیب> ذکر نشده و به قرینه مقام می تواند حشر، پیامبر(ص) و قرآن باشد. برداشت یاد شده بنابر احتمال اول است. گفتنی است که مراد از <یقذفون بالغیب> و براساس تخمین و ناآگاهانه اظهار نظر کردن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۸ - ۲،۵

۲ - کافران صدراسلام ، منکر برپایی قیامت بوده و عقیده به آن را مورد استهزا قرار می دادند .

و یقولون متی هذا الوعد

استفهام در <متی هذا الوعد> برابر نظر بیشتر مفسران برای تهکم و استهزا است.

۵ - کافران صدراسلام ، مؤمنان را دروغگو دانسته و عقیده آنان به برپایی قیامت را بی اساس می پنداشتند .

و یقولون متی هذا الوعد إن کنتم صدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۸۱ - ۷

۷ – مشرکان و کافران در عصر بعثت علی رغم انکار قیامت و تجدید حیات انسان ها

به آفرینش آسمان ها و زمین به وسیله خدا و نیز به عظمت این آفرینش اعتقاد داشتند .

أوَلیس الذی خلق السموت و الأرض بقدر علی أن یخلق مثلهم

برداشت یاد شده با توجه به این حقیقت است که استدلال خداوند بر اثبات معاد، از راه آفرینش نخستین جهان طبیعت، مبتنی بر این حقیقت است که کافران، جهان طبیعت را جلوه ای از خالقیت و قدرت خدا بدانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۲ - ۱

۱ - کافران ، منکر قیامت و زنده شدن انسان ها هستند .

یقول أءنّک لمن المصدّقین

برداشت یاد شده از آن جا است که گوینده، فرد کافر بوده و استفهام او از باب انکار می باشد. گفتنی است که مقصود از تصدیق به قرینه آیه بعد که مربوط به قیامت است تصدیق به قیامت و رستاخیز انسان ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۸ - ۲

۲ - مشرکان و کافران ، منکر توحید ، قیامت و رسالت پیامبراسلام بودند .

أنتم عنه معرضون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۸ - ۹

۹ - مشرکان ، منکر برپایی قیامت و عذاب الهی در آن روز

و حاق بهم ما کانوا به یستهزءون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه در توصیف مشرکان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۱ - ۵

۵ - انکار قدرت خداوند بر حیات مجدد انسان ها و برپایی قیامت

از سوی کافران

قالوا ربّنا أمتّنا اثنتين و أحييتنا اثنتين فاعترفنا بذنوبنا

اعتراف کافران در روز قیامت به دو بار مردن و زنده شدن و نیز گنه کار بودن شان، نشانگر آن است که آنان در دنیا منکر توانایی خداوند بر احیای مجدد انسان ها بودند. از این رو به خطاکار بودن شان اعتراف می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۷ - ۷۸

۷ - فرعون فردی متکبر و منکر قیامت و روز حساب بود .

کلّ متکبّر لایؤمن بیوم الحساب

۸ - مخالفان رسالت موسی (ع) (فرعونیان) ، گروهی متکبر و منکر قیامت و روز حساب بودند .

کلّ متکبّر لایؤمن بیوم الحساب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۳ - ۹

۹ - معتقدان به آخرت اما مأیوس از ثواب اخروی مانند کافران ، بی اعتقاد به رستاخیزاند .

قد یئسوا من الأخره کما یئس الکفّار من أصحب القبور

در صورتی که مقدر آیه چنین باشد: <قد یئسوا من ثواب الآخره. ..>; استفاده می شود که معتقدان به معاد ولی ناامید از ثواب اخروی همچون کافرانی اند که اصولاً از زنده شدن دوباره مأیوس اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۵ - ۴

۴ - مشرکان و کافران صدراسلام ، منکر برپایی قیامت بوده و آن را دروغ می پنداشتند .

و یقولون متی هذا الوعد إن کنتم صدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴ - ۱

۱ - تکذیب قیامت

از سوی قوم ثمود و عاد

كذّبت ثمود و عاد بالقارعه

<القارعه> اسم فاعل از <قَرْع> (كوبيدن) و صفت براى موصوف مقدر (مانند الواقعه، الساعه و. ..) است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۷ - ۱

۱ - گروهى از جن ، منكر قيامت و رستاخيزاند .

و أنّهم ظنّوا كما ظننتم أن لن يبعث اللّه أحدًا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۷ - ۱

۱ - دوزخيان ، در سراسر عمرشان ، هرگز به تكليف نماز و اطعام مساكين نپرداخته اند و عمر خود را به بطالت و تكذيب روز جزا گذرانده اند .

قالوا لم نك من المصلّين . .. و كنّا نكذّب بيوم الدين . حتّى أتينا اليقين

مقصود از<يقين> مرگ است كه حقيقتى يقينى و ترديدناپذير براى تمامى انسان ها است. آمدن فعل هاى <لم نك>، <نخوض> و <نكذّب> به صورت فعل مضارع اشعار دارد كه اين اعمال از سوى دوزخيان، امرى مستمر و مكرر بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - مطففين - ۸۳ - ۱۲ - ۱

۱ - تنها تجاوزگران و فرورفتگان در گناه ، به انكار قيامت كشانده مى شوند .

و ما يكذّب به إلاّ كلّ معتد أثيم

مراد از <اعتداء> (تجاوزگرى) ناديده گرفتن حدود الهى است. <أثيم> مبالغه در <آثم> است (مصباح); يعنى، كسى كه در گناه زياده روى مى كند.

مكذبان قيامت در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸ - ۱

۱ دوزخ ، جایگاه ابدی مشرکان و منکران رستاخیز

إن

الذين لايرجون لقاءنا . .. و الذين هم عن ءايتنا غفلون. أولئك مأويهم النار

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۳ - ۱،۲،۴،۵

۱ تكذيب كنندگان قيامت در حالى كه به غل و زنجير بسته شده اند ، به جايگاهى تنگ در دوزخ افكنده خواهند شد .

و إذا أُلقوا منها مكانًا ضيّقًا مقرّنين

<قرن> (ريشه <مقرنين>) در اصل به معناى ريسمانى است كه چند شتر را به هم ببندند; ولى به قرينه آيه ۴۹ سوره ابراهيم (ترى المجرمين يومئذ مقرّنين فى الأصفاد) مى توان گفت: مقصود غل و زنجيرى است كه به وسيله آن، منكران معاد را به هم مى بندند. غل و زنجير است.

۲ افكنده شدن منكران قيامت به جهنم ، همراه با تحقير و اجبار است .

و إذا أُلقوا منها

واژه <أُلقوا> (به صيغه مجهول) به جاى <ادخلوا>، حاكى از اجبارى و تحقيرآميز بودن ورود به جهنم است.

۴ آتش دوزخ براى منكران قيامت ، بسيار زجرآور و طاقت فرسا خواهد بود .

دعوا هنالك ثبورًا

درخواست هلاكت و مرگ در آتش دوزخ، حاكى از شدت دردناكى و طاقت سوزى آن آتش است.

۵ تكذيب كنندگان قيامت ، در اعماق دوزخ و در دورترين مكان آتشين جاى دارند .

دعوا هنالك ثبورًا

برداشت ياد شده، از اسم اشاره <هنالك> كه براى اشاره به مكان دور وضع شده است استفاده گرديد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۴ - ۱،۴،۵

۱ استغاثه و درخواست تكذيب كنندگان قيامت براى رهايى از آتش جهنم نتيجه بخش نبوده و عذابشان ادامه خواهد يافت .

لاتدعوا

الیوم ثبورًا وحدًا و ادعوا ثبورًا کثیرًا

برداشت یـاد شـده مبتنی بر این نکته است که مقصود از درخواست هلاـکت، در حقیقت کنایه از نجات از وضع بسـیار سـخت دوزخ است; نه مرگ و نابودی واقعی.

۴ تکذیب کنند قیامت ، در آتش دوزخ همواره در حال مرگ و زندگی بوده و به دفعات بی شمار می میرند و زنده می شوند .

لاتدعوا الیوم ثبورًا وحدًا و ادعوا ثبورًا کثیرًا

از دیدگاه مفسران، این که به کافران گفته می شود: <درخواست هلاکت بار خود را بسیار تکرار کنند> یا به خاطر این است که آنان به دفعات زنـده می شوند، و باز می میرند. پس باید برای هر بار زنده شدن و عذاب شدن، درخواست مرگ کنند و یا به این سبب است که عذاب الهی کافران متعدد و گوناگون است. پس باید آنان برای هر یک از آنها، درخواست مرگ کنند. برداشت یاد شده مبتنی بر دیدگاه اول است.

۵ جهنم ، دارای انواع عذاب هلاکت بار برای تکذیب کنندگان قیامت

لاتدعوا الیوم ثبورًا وحدًا و ادعوا ثبورًا کثیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۵ - ۲،۴

۲ - بهشتیان ، هم نشینان کافر دنیایی خود را ، در وسط دوزخ مشاهده خواهند کرد .

فرءاه فی سواء الجحیم

<سواء> به معنای وسط است.

۴ - دوزخ ، مجازات منکران قیامت

أءنّا لمدینون . .. فاطّلع فرءاه فی سواء الجحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۴ - ۵

۵ - یادآوری مواضع انکارآمیز تکذیب کنندگان قیامت از سوی مأموران الهی ، به هنگام مواجهه آنان

با آتش دوزخ

هذه النار الّتی کنتم بها تکذّبون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۱۵ – ۲

۲ – تکذیب کنندگان قیامت ، ناتوان از توجیه تکذیب گری های خود به هنگام مشاهده آتش دوزخ

أفسحر هذا أم أنتم لاتبصرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۱۶ – ۱

۱ – فرمان ملامت بار خداوند به تکذیب کنندگان قیامت ، برای چشیدن حرارت دوزخ و تحمّل رنج آن

اصلوها

<صَلْیُ النار>; یعنی، چشیدن حرارت آتش و تحمل رنج آن. عبارت <اصلوها> (نظیر آیه قبل) می تواند کلام خداوند و یا سخن مأموران الهی باشد. در برداشت بالا، احتمال اول مورد نظر است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۲۹ – ۱

۱ – حرکت تکذیب گران روز جزا به سوی دوزخ ، به فرمان الهی

انطلقوا إلی ما کنتم به تکذّبون

طبق گفته مفسران، مقصود از تکـذیب در این آیه، تکذیب دوزخ است. گفتنی است که در روز قیامت، به کافران فرمان داده می شود که به سوی آن حرکت کنند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۳۰ – ۳

۳ – احاطه همه جانبه دود برخاسته از آتش ، بر تکذیب گران روز جزا و نبودن هیچ راه گریزی از آن

انطلقوا إلى ظلّ ذی ثلث شعب

تعبیر <ثلاث شعب> به گفته مفسران می تواند اشاره به فراگیر و همه جانبه بودن دود برخاسته از آتش و گریزناپذیر بودن آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین

- ۸۳ - ۱۰ - ۱

۱ - تکذیب کنندگان قیامت در آن روز ، گرفتار جهنم و عذاب الهی خواهند بود .

ویل یومئذ للمکذّبین

<ویل> به معنای عذاب و هلاکت است (لسان العرب). برخی آن را نام یکی از درب ها، یا درّه ای از جهنم می دانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۶ - ۱

۱ - تکذیب کنندگان قرآن و قیامت و گناه کارانِ متجاوز ، به حرارت شدید جهنّم گرفتار شده و در آن خواهند سوخت .

ثمّ إنّهم لصالوا الجحیم

<صالوا> که قبل از اضافه به <جهیم>، <صالون> (جمع <صال) بوده است ; یعنی، کسانی که با رنج و مشقت حرارت آتش را می چشند و در آن می سوزند. در لسان العرب آمده است: صَلِی بالنار و صَلِیَها صَلْیاً قاسی حرّها (حرارت آتش را با رنج و مشقت چشید) و صَلِیَ فلانٌ بالنار یَصْلی صُلِیّاً احترق (سوخت).

مکذبان قیامت در صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۹ - ۴

۴ - بیشتر مردم صدر اسلام با وجود شواهد و دلایل اثباتگر قیامت ، به این حقیقت ایمان نیاوردند .

إنّ الساعه لأتیه . .. و لکنّ أکثر الناس لایؤمنون

مکذبان قیامت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۲ - ۱

۱ تکذیب کنندگان قیامت ، آوای خشمگین و جوش و خروش آتش جهنم را از دور در قیامت خواهند شنید .

إذا رأتهم من مکان بعید سمعوا لها تغیّظًا و زفیرًا

<تغیظ>، به معنای شدت غضب و خشم و

<زفیر> به معنای گرفتن سینه از شدت غم و به جوش و خروش افتادن است (برگرفته از لسان العرب و مفردات راغب).

مکذبان قیامت و احیای مردگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۵ - ۳

۳ منکران قیامت ، زنده شدن مردگان خاک گشته را امری بس بعید می شمرند .

أءذا کنّا تربًا أءنا لفی خلق جدید

استفهام در جمله <أءذا . ..> استفهام انکاری است و تکرار آن دلالت بر شدت انکار و استبعاد دارد.

مکذبان قیامت و حوادث طبیعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۷ - ۲

۲ - کافران و ناباوران به رستاخیز ، در زندگی فاقد تکیه گاه مطمئن بوده و در مواجهه با حوادث ، زود خود را می بازند و دچار یأس و احساس حرمان می شوند .

لو نشاء . .. فظلتم تفکّهون . إنّا لمغرمون . بل نحن محرومون

روی سخن در این آیات، با کافران و کسانی است که در برابر مسأله معاد، موضع گیری ناباورانه دارند.

مکذبان قیامت و دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۵ - ۸

۸ گروهی از انسان ها به خاطر نپذیرفتن قیامت ، دین خدا را دینی منحرف می پندارند و از آن رویگردان می شوند .

الذین یصدون عن سبیل اللّه و یبغونها عوجاً و هم بالأخره کفرون

برداشت فوق بر این اساس است که جمله <و هم بالأخره کفرون> جمله حالیه و در مقام تعلیل باشد که در اصطلاح به آن حال معلّله گفته می شود. بر این

مبنا آیه اشاره به این معنا دارد که: برخی انسانها به علت نپذیرفتن قیامت، می پندارند دینی که در آن زنده شدن مردگان مطرح باشد دینی بی اساس و دارای اعوجاج است و در نتیجه از آن رویگردان شده و دیگران را از آن بازمی دارند.

مکذبان کیفر های اخروی در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – انفطار – ۸۲ – ۱۲ – ۴

۴ – گنه کاران و تکذیب کنندگان کیفر های اخروی ، در قیامت به کیفر گناه و تکذیب خود گرفتار خواهند شد .

بل تکذّبون بالدین . .. یعلمون ما تفعلون

مطرح ساختن کتابت و علم کاتبان به قرینه <بل تکذّبون بالدین> هشداری به تکذیب گران است که عمل آنان بی کیفر نخواهد ماند.

مکذبان لقاءالله در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۳۱ – ۶،۷

۶ قیامت، هنگامه ظهور زیانکاری منکران معاد و ملاقات پروردگار است.

حتی إذا جاءتهم الساعه بغته قالوا یحسرتنا علی ما فرطنا فیها

منادا قرار گرفتن حسرت، گویای مشهود و عیان بودن آن در صحنه قیامت است. به گونه ای که مورد <نداء> قرار می گیرد.

۷ منکران ملاقات پروردگار در قیامت بر تفریط و کوتاهیهای خویش در دنیا تأسف و حسرت بسیار می خورند.

حتی إذا جاءتهم الساعه بغته قالوا یحسرتنا علی ما فرطنا فیها

منادا قرار گرفتن حسرت گویای شدت و عمق ندامت است. ضمناً مرجع ضمیر <فیها>، <حیات دنیا> گرفته شده که مرجعی معنوی است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۱۲ – ۳

۳ - منکران

لقاء اللّه در قیامت ، مردمانی سرافکنده و شرمسارند .

بل هم بلقاء ربّهم کفرون . .. و لو تری إذ المجرمون ناکسوا رءوسهم

مکذبان محمد(ص) در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۷ - ۴

۴ تکذیب کنندگان پیامبر(ص) و قرآن در قیامت بر کفرورزیهای خویش در دنیا تأسف می خورند.

یلیتنا نرد و لا نکذب بأیت ربنا و نکون من المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۶ - ۸

۸ تکذیب کنندگان پیامبر(ص)، حقانیت آن حضرت و دعوت او را در قیامت درمی یابند.

إنما یستجیب الذین یسمعون و الموتی یبعثهم اللّه

مراد از <الموتی> در آیه، به قرینه جملات قبل، کسانی هستند که به دعوت پیامبر(ص)، پاسخ مثبت نمی دهند، جمله <یبعثهم اللّه>، گذشته از اینکه خبر بعثت قیامت است، کنایه از این مطلب است که خداوند این مرده دلان را برخواهد انگیخت تا حقانیت دعوت پیامبر(ص) و وعده های آن حضرت را دریابند.

مکذبان معاد در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۰ - ۱،۴

۱ آوردن ذلتبار منکران به پیشگاه پروردگار در قیامت، صحنه ای عجیب و دهشتزا

و لو تری إذ وقفوا علی ربهم

۴ منکران معاد در قیامت به حقانیت رستاخیز با سوگند اقرار می کنند.

و لو تری إذ وقفوا علی ربهم قال ألیس هذا بالحق قالوا بلی و ربنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۱ - ۶،۸،۱۲

۶ قیامت، هنگامه ظهور زیانکاری منکران معاد و ملاقات

پروردگار است.

حتی إذا جاءتهم الساعه بغته قالوا یحسرتنا علی ما فرطنا فیها

منادا قرار گرفتن حسرت، گویای مشهود و عیان بودن آن در صحنه قیامت است. به گونه ای که مورد <نداء> قرار می گیرد.

۸ منکران معاد در قیامت بر سهل انگاری و بی توجهی خود در مورد قیامت بسیار حسرت و تأسف خواهند خورد.

حتی إذا جاءتهم الساعه بغته قالوا یحسرتنا علی ما فرطنا فیها

مرجع ضمیر در <فرطنا فیها> می تواند <الساعه> باشد. و مراد از <الساعه> ممکن است قیامت باشد، در این صورت معنی جمله چنین می شود <یا حسرتنا علی ما فرطنا فی امر القیامه>.

۱۲ منکران معاد در قیامت با بار سنگین گناهان خویش حضور می یابند.

قد خسر الذین کذبوا بلقاء اللّه . .. و هم یحملون أوزارهم علی ظهورهم

<أوزار>، جمع <وزر>، به معنی سنگینی است و مقصود از <أوزار> در آیه سنگینی گناهان است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۴۸ – ۱۲

۱۲– منکران معاد ، با مشاهده حضور خود در صحنه قیامت ، به عمق نادرستی پندار خویش پی می برند .

بل زعمتم ألّن نجعل لکم موعدًا

تعبیر <بل زعمتم. ..> در حقیقت، بازگو کننده حال کسی است که علی رغم باور خویش، خود را در صحنه قیامت می بیند و از این جهت شرمسار است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۶۸ – ۲

۲– منکران معاد ، با شیاطین در صحنه قیامت ، همراه و هم دوش خواهند بود .

لنحشرنّهم والشیطین ثمّ لنحضرنّهم

واو در <والشیاطین< می تواند عاطفه و یا به معنای <مع> باشد.

در هر دو صورت برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۲ - ۳

۳ منکران معاد ، در روز رستاخیز ملائکه را مشاهده خواهند کرد .

و قال الذین لایرجون لقاءنا . .. یوم یرون الملئکه لابشری یومئذ للمجرمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۹ - ۴

۴ - مشرکان و منکران معاد ، خود را به طور ناگهانی در قیامت یافته و بر حال زار خود نظاره گر خواهندبود .

فإذا هم ینظرون

<إذا> برای مفاجات است که حاکی از ناگهانی انجام شدن مفاد آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۰ - ۵

۵ - منکران معاد ، پیش از برپایی قیامت و روبه رو شدن با مجازات الهی ، درباره آن آگاهی و سابقه ذهنی دارند .

و قالوا یویلنا هذا یوم الدین

برداشت یاد شده مبتنی بر این فرض است که جمله <هذا یوم الدین> ادامه سخنان منکران معاد باشد. در این صورت سخن گفتن از روز جزا با اسم اشاره <هذا>، می تواند حاکی از مطلب بالا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۰ - ۱

۱- روز قیامت ، میعاد و وعده گاه تمامی مجرمان و منکران معاد

إنّ یوم الفصل میقتهم أجمعین

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که مرجع ضمیر در <میقاتهم> مجرمان و منکران معاد باشد; همچون قوم <تبع> که در آیات پیشین به آنها اشاره شد.

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۷ - ۲،۳

۲ - ناراحتی و اضطراب شدید کافران و منکران معاد ، در لحظه دیدن عذاب قیامت

فلمّا رأوه زلفه سیئت وجوه الذین کفروا

زشت و کریه شدن کافران، به هنگام مشاهده قیامت، بیانگر ناراحتی و اضطراب شدید آنان در آن هنگام است.

۳ - سرزنش شدن کافران و منکران معاد ، به هنگام برپایی قیامت

و قیل هذا الذی کنتم به تدّعون

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که عبارت <و قیل هذا الذی. ..> به انگیزه توبیخ به کافران گفته شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۴ - ۳

۳ - منکران معاد ، در قیامت به خطای خود واقف شده و حقانیت معاد را درخواهند یافت .

کلاّ سیعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۵ - ۴

۴ - منکران معاد ، در آخرت به حقانیت آن پی خواهند برد .

عمّ یتساءلون . .. ثمّ کلاّ سیعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۹ - ۱

۱ - منکران معاد ، با چشمانی فروافتاده و در نهایت خواری و ذلّت ، در صحنه قیامت ظاهر خواهند شد .

أبصرها خشعه

<خاشع> به شخصی گفته می شود که به زمین چشم دوخته باشد (لسان العرب). توصیف <أبصار القلوب> به آن، مجاز و حاکی از شدت ضعف و ذلّت شخص است; تا آنجا که گویا قلب او که موجودی مستقل فرض شده است، دارای چشمانی است که خشوع و فروتنی، در آن جایگیر شده

است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نازعات – ۷۹ – ۱۲ – ۳

۳ – منکران معاد در قیامت ، زیان کاری خود را مشاهده کرده و به یکدیگر بازگو خواهند کرد .

قالوا تلک إذًا کرّه خاسره

برداشت یاد شده، ناظر به احتمال صدور سخن منکران معاد در قیامت است.

مکر در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۱۰ – ۸

۸ – در قیامت راهی برای تزویر و استفاده نادرست از شفاعت وجود ندارد .

لاتنفع الشفعه إلّامن أذن له . .. یعلم ... و لایحیطون به علمًا

مکر مکذبان قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۶ – ۱

۱ – خداوند در وادی طوی ، خطر منکران قیامت را در بازداشتن موسی (ع) از توجه به قیامت ، به او گوشزد کرد و او را از فریب کاری آنان برحذر داشت .

فاعبدنی . .. فلایصدّنک عنها من لایؤمن بها

ضمیرهای <عنها> و <بها> به <الساعه> (در آیه قبل) برمی گردد.

ملاقات در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۵ - ۱۲،۱۵

۱۲ - قیامت ، روز به هم رسیدن بندگان و آشنا شدن آنان از حال یکدیگر

یوم التلاق

<تلاق> به معنای التقا و به هم رسیدن است. مقصود از آن در آیه شریفه، به هم رسیدن بندگان در روز قیامت است و یا ملاقات بندگان با خدا است که در این صورت معنای مجازی آن (روبه رو شدن با کیفر و پاداش الهی) مراد است.

۱۵ - >

عن أبی عبدالله (ع) قال : < یوم التلاق > یوم یلتقی أهل السماء و أهل الأرض . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده که: <یوم التلاق> روزی است که اهل آسمان و زمین با یکدیگر ملاقات می کنند. ..>.

ملاک ارزیابی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۸ - ۲،۵

۲ حق (نوع شایسته و بایسته رفتار و اندیشه ها در پیشگاه خداوند)، وسیله سنجش اعمال و عقاید در قیامت است.

و الوزن یومئذ الحق

برداشت فوق مبتنی بر این است که <الحق> خبر برای <الوزن> باشد و کلمه <الوزن> به معنای میزان (مقیاس سنجش) باشد. مانند مثقال و کیلو که مقیاس سنجش و تعیین کننده سبکی و سنگینی اشیاء است.

۵ هر یک از رفتارها و عقاید آدمی دارای مقیاسی مخصوص برای ارزیابی آنها در قیامت است.

و الوزن یومئذ الحق فمن ثقلت موزینه

کلمه <موازین> (جمع موزون) می رساند که هر یک از اعمال و عقاید آدمی مورد سنجش قرار می گیرد و چون اعمال و عقاید مختلف است، مقیاس و وسیله سنجش آن نیز متفاوت خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۶ - ۳

۳ - هر یک از رفتار های انسان ، دارای مقیاسی مخصوص برای ارزیابی در قیامت

فأمّا من ثقلت موزینه

<موازین> یا جمع <میزان> است و یا جمع <موزون> (کشّاف). در صورت اول، ناظر به تفاوتِ میزان هر عمل با میزان دیگر اعمال و عقاید است. برخی آن را ناظر به افرادی دانسته اند که مورد محاسبه قرار خواهند گرفت. (مفردات

راغب)

ملاک حسابرسی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۳ - ۵

۵- اعمال و رفتار انسان ، معیار بازپرسی و محاسبه و تعیین کننده سرنوشت او در قیامت

لنسئلنّهم . .. عمّا کانوا یعملون

ملاک قضاوت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۹ - ۱۱،۱۲

۱۱ - داوری میان مردم در قیامت ، بر پایه حق خواهد بود .

و قضی بینهم بالحقّ

۱۲ - داوری میان مردم در قیامت ، عادلانه بوده و به کسی ستم نخواهد شد .

و هم لایظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۷ - ۱۵

۱۵ - قرآن و قانون الهی ، ابزار سنجش و داوری در قیامت

اللّه الذی . .. و ما یدریک لعلّ الساعه قریب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۸ - ۴

۴ - توحید ربوبی و انقیاد در برابر خدا ، ملاک داوری خداوند میان انسان ها در قیامت

إنّ اللّه يفصل بينهم يوم القيمه . .. ألم تر أنّ اللّه يسجد له من فى السموت و م

ارتبـاط اين آيه بـا آيه پيشـين، اين معنـا را مى رسانـد كه ملاك ارزيابى خداونـد در داورى ميان فرقه هاى گوناگون مردم در قيامت، اصل <توحيد ربوبى و خضوع و انقياد در برابر او> خواهد بود.

ملاك گروهبندى در قيامت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۱ - ۴

۴- دسته بندى انسان ها در قيامت ، بر اساس رهبران آنان

خواهد بود .

یوم ندعوا کلّ أُناس بإممهم

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال در آیه است که مراد از <ندعوا کل أناس بإمامهم> فراخوانی مردم به نام رهبرانشان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۹ - ۱

۱- مردم در صحنه قیامت ، براساس مسلک ها و عقیده ها ، به دسته های مختلف تقسیم و از یکدیگر جدا خواهند شد .

ثمّ لننزعنّ من کلّ شیعه

<شیعه> به پیروان و یاوران شخص گفته می شود و هم چنین هر گروهی که بر مسلکی اتفاق نمایند، شیعه نامیده می شوند. این لفظ برای مفرد، تثنیه، جمع، مذکر و مؤنث به کار می رود (لسان العرب). <کلّ شیعه> در آیه دال بر آن است که تابعان هر نحله و مسلک، به صورتی مجزّا از یکدیگر در صحنه قیامت حضور خواهند یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۸ - ۱۲

۱۲ - گروه بندی امت ها در قیامت ، براساس کتاب آسمانی ویژه آنان خواهد بود . *

و تری کلّ أمّه جاثیه کلّ أمّه تدعی إلی کتبها

در صورتی که مراد از <کتاب> کتاب آسمانی باشد; از فراخوانده شدن هر امت به کتاب خویش، استفاده می شود که انسان ها براساس کتاب آسمانی خویش، در قیامت گروه گروه خواهند شد.

ملاک همنشینی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۷ - ۲

۲ - هر انسانی در قیامت ، براساس کردار دنیوی خود ، هم نشینی مناسب خواهد یافت .

و إذا النفوس زوّجت

از جمله معانی <زوج> فردی

است که دارای قرین باشد (لسان العرب). تناسب حکم و موضوع در این مورد، گویای آن است که انسان مؤمن، هم نشینی نظیر حورالعین خواهد یافت و غیر مؤمن، با شیطان های هم ردیف خود همراه خواهد شد.

ملاکهای سکونت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۹ - ۳

۳ - جایگاه استقرار مردم در آخرت ، براساس کردارشان ، به آنان اختصاص خواهد یافت .

أُولئك أصحب الميمنه . .. هم أصحب المشئمه

ملائکه ثبت عمل در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۱ - ۵

۵ دو فرشته ثبت کننده اعمال آدمی در دنیا ، همراهان وی در قیامت *

إذ يتلقّى المتلقّيان . .. و جاءت كلّ نفس معها سائق و شهيد

در آیات پیشین، سخن از فرشتگانی بود که مأمور ضبط کردار آدمیان بودند; اکنون در این آیه ممکن است تعبیر <سائق>، نظر به یکی از آن دو و تعبیر <شهید> ناظر به دیگری باشد.

ملائکه در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۵ - ۱

۱ - فرشتگان به روز قیامت ، در اطراف عرش به تسبیح و تنزیه خداوند همراه با ستایش او خواهند پرداخت .

و ترى الملئكه حافّين من حول العرش يسبّحون بحمد ربّهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۷ - ۱،۲،۴

۱ - فرشتگان هنگام برپا شدن قیامت ، در اطراف آسمان استقرار خواهند یافت .

و الملك على أرجائها

<أرجاء> به معنای نواحی و اطراف است.

۲ - هشت

فرشته در روز قیامت ، عرش الهی را حمل خواهند کرد .

و یحمل عرش ربّک فوقهم یومئذ ثمنیه

در این که مقصود از <ثمانیه> هشت تن از فرشتگان است یا هشت گروه از آنان، میان مفسران اختلاف هست. برای انتخاب و تعیین هر یک از آنها، دلیل روشن و قاطعی وجود ندارد.

۴ - فرشتگان هشتگانه ، حاملان تخت داوری خداوند در قیامت

و الملک علی أرجائها و یحمل عرش ربّک فوقهم

در صورتی که مقصود از <عرش> در این آیه، تخت قضاوت و داوری باشد، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴ - ۱،۲

۱ - عروج و صعود ملائکه و جبرئیل به سوی خدا (به صعودگاه ها و جایگاه های بلند مرتبه) در قیامت برای دریافت فرامین الهی و اجرای آن

تعرج الملئکه و الروح إلیه

مقصود از <روح> روح الامین و جبرئیل است. ضمیر در <إلیه> به <اللّه> بازمی گردد; به این اعتبار که خداوند که صاحب معارج است. بر این اساس مقصود آیه شریفه، این حقیقت است که فرشتگان برای دریافت فرمان های الهی، به صعودگاه و جایگاه دریافت آنها عروج می کنند و چون خداوند صاحب این جایگاه ها و صعودگاه ها است، فرشتگان در حقیقت به سوی او عروج خواهند کرد.

۲ - فرشتگان و جبرئیل ، کارگزاران الهی در عرصه قیامت

تعرج الملئکه و الروح إلیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۸ - ۱،۴

۱ - روح و فرشتگان الهی در قیامت ، ایستاده و صف بسته در آماده باش کامل قرار می گیرند

.

یوم یقوم الروح و الملئکه صفًّا

<صفّاً> مصدر است و چون حال قرار گرفته، به معنای <صافّین> است. ایستادن و صف بستن، کنایه از مهیّا بودن برای انجام فرمان های الهی است.

۴ - روح و ملائکه در قیامت از گفتن هر سخنی ، جز با رخصت داشتن از خداوند ناتوان اند .

لایتکلّمون إلاّ من أذن له الرحمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۲ - ۸

۸ - فرشتگان در قیامت ، به فرمان خداوند و با نظارت کامل او ، انجام وظیفه می کنند .

و جاء ربّک و الملک

آمدن خداوند، کنایه از حضور کامل او است و عطف <ملک> بر <ربّک>، بیانگر آن است که حضور فرشتگان، مستقل از حضور خداوند نیست; بلکه در راستای آن و بخشی از یک برنامه منسجم است.

منادی قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۸ - ۱

۱ - با متلاشی شدن کوه ها و مسطح شدن زمین در قیامت ، دعوت کننده ای ، آدمیان را به بیرون آمدن از قبر ها دعوت خواهد کرد .

یومئذ یتّبعون الداعی لاعوج له

ظاهراً مقصود از <داعی> که تمامی مردم از او تبعیت خواهند کرد و به ندای او پاسخ مثبت خواهند داد کسی است که آدمیان را از قبرها برای حشر فرا می خواند.

منافقان در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۴۱ – ۱۱

۱۱ داوری خداوند در روز قیامت ، میان مؤمنان و منافقان

الذین یتربّصون بکم . .. فاللّه یحکم بینکم یوم القیمه

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۳ - ۱۸،۱۶،۱۴،۷،۵

۵ - منافقان ، فاقد نور و روشنایی در ظلمت قیامت

یوم یقول المنفقون . .. انظرونا نقتبس من نورکم

۷ - زنان منافق چونان مردان نفاق پیشه ، فاقد نور و روشنایی در ظلمت قیامت

یوم . .. و المنفقت ... انظرونا نقتبس من نورکم

۱۴ - کشیده شدن حصار بلند و ضخیم ، میان مؤمنان و منافقان در قیامت

فضرب بینهم بسور

<سور> به دیوار شهر گفته می شود. نکره آمدن <سور> می تواند بیانگر بلندی و ضخامت آن باشد.

۱۶ - مؤمنان در قیامت ، در داخل حصار (حصار میان آنان و منافقان) قرار می گیرند و منافقان در بیرون آن .

فضرب بینهم بسور له باب

۱۸ - مؤمنان در قیامت ، مشمول رحمت خداوند و منافقان محکوم به عذاب الهی اند .

یوم یقول المنفقون . .. باطنه فیه الرحمه و ظهره من قبله العذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۴ - ۴

۴ - جدا شدن منافقان از جمع مؤمنان ، در قیامت و محکوم شدن آنان به عذاب الهی ، نتیجه و محصول انگیزه های منافقانه آنان است .

ینادونهم ألم نکن معکم قالوا بلی و لکنّکم فتنتم أنفسکم

مؤمنان در پاسخ منافقان می گویند: درست است که شما با ما در اعمال و تکالیف دینی شرکت می کردید; لکن انگیزه های شما با ما یکی نبود. انگیزه های شما همواره خدعه و فریب، ریشخند و استهزا و ... بوده است و اینها شما را به این روز هوناک انداخته است. گفتنی است که

معنای <فتون> (مصدر <فتنتم>)، در بلا و عذاب انداختن است. <فتنتم أنفسکم>; یعنی، خود را در گرفتاری عذاب انداختید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – مجادله – ۵۸ – ۱۸ – ۵۸

۵ – توسل جستن منافقان ، به سوگند دروغ در پیشگاه خداوند در قیامت

فیحلفون له

۸ – منافقان می پندارند ، در قیامت نیز می توان از سوگند دروغ بهره جست و خود را از مهلکه نجات داد .

فیحلفون له . .. و یحسبون أنّهم علی شیء

کلمه <شیء> در <أنّهم علی شیء> موصوف صفت محذوف است و تقدیر آن <علی شیء نافع> می باشد; یعنی، منافقان می پندارند که چیز مفیدی در اختیار دارند (مقصود سوگند دروغ است).

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قلم – ۶۸ – ۴۲ – ۵

۵ – < عن أبی الحسن (ع) فی قوله عزّوجلّ : < یوم یکشف عن ساق > قال : حجابٌ من نور یُکْشَف ، فیقع المؤمنون سُجَّداً و تُدمَج أصلابُ المنافقین فلایستطیعون السجود ;

از امام رضا(ع) درباره سخن خدای عزّوجلّ: <یوم یکشف عن ساق> روایت شده که فرمود: [در آن روز]پرده ای از نور برداشته می شود و مؤمنان به حالت سجده می افتند و استخوان های پشت منافقان سخت و بی انعطاف می گردد و قدرت سجده ندارند>.

منحرفان در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عبس – ۸۰ – ۴۲ – ۱

۱ – کسانی در قیامت روسیاه و تیره رخسارند که کفرپیشه و منحرف بوده و بی باکانه در گناه پیش رفته اند .

أولئک هم الکفره الفجره

فعل

<فجر>، در مورد کسی گفته می شود که سر خود را پایین انداخته و بی مبالات پیش می رود; <فجور> در اصل به معنای انحراف از حق است و در معنای تاختن به سوی کارهای غیرمجاز نیز استعمال می شود. (لسان العرب)

منسی خدا شدن در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۴ - ۵،۱۲

۵ - وانهاده شدن انسان به حال خود ، در قیامت ، کیفر فراموش کردن قیامت در عالم دنیا است .

فذوقوا بما نسیتم لقاء یومکم هذا إنّا نسینکم

<إنّا نسیناکم> برای مقابله با <بما نسیتم> است; یعنی، شما قیامت را فراموش کردید و ما هم، در مقابل، شما را به حال خود وانهادیم.

۱۲ - منسیّ خدا شدن ، یکی از عذاب های روز قیامت است .

فذوقوا بما نسیتم لقاء یومکم هذا إنّا نسینکم

<إنّا نسیناکم> به منزله مقابله با <نسیتم> است; یعنی، چون شما روز قیامت را فراموش کردید، ما هم شما را فراموش کردیم. از آن جایی که آیه، در صدد بیان مجازات فراموش کاران قیامت است عبارت <إنّا نسیناکم> هم می تواند مجازات تلقی شود.

منشأ اختفای قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۵ - ۵

۵ - خداوند به اراده خویش ، زمان برپایی قیامت را از انسان ها مخفی نگه داشته است .

أکاد أُخفیها

در قاموس آمده است که <أکاد> (در این آیه) به معنای <أرید> است و <أکاد أخفیها>; یعنی، اراده می کنم که آن را مخفی نگه دارم، براین اساس مراد از اخفای قیامت، پنهان داشتن زمان وقوع آن خواهد بود،

نه اصل وقوع آن.

منشأ امور انسان ها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۹ - ۸

۸ - زمام همه امور انسان ها در قیامت ، در دست خداوند است .

و الأمر یومئذ للّه

ممکن است <أمر> مفرد <اُمور> و به معنای کار و شأن باشد.

منشأ برپایی قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۸ - ۱۵

۱۵- برپایی قیامت به دست خداوند و اراده او است .

بل زعمتم ألّن نجعل لکم موعدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۲ - ۸

۸ - برپایی قیامت و احضار مجرمان در آن ، به دست خداوند و اراده او است .

نحشر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۴ - ۹

۹ - برپایی قیامت و احضار غافلان از یاد خدا در آن ، به دست خداوند و اراده او است .

و نحشره یوم القیمه أعمی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۱ - ۵

۵- زنده کردن مردگان و برپایی قیامت ، تنها در توانایی خداوند است .

له من فی السموت والأرض . .. أم اتّخذوا ءالهه من الأرض هم ینشرون

خداونـد با اثبات مالکیت و قدرت مطلق خود بر جهان هستی (له من فی السـماوات. ..) و نفی توانایی خدایان ادعایی بر احیای مردگان، در صدد بیان این نکته است که زنده کردن آنها، تنها در قلمرو قدرت خدا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۸ - ۱۵

۱۵ - ربوبیت الهی ، مقتضی برپایی قیامت و حضور انسان ها در پیشگاه خداوند است .

و إنّ کثیرًا من الناس بلقای ربّهم لکفرون

ذکر وصف ربوبیت در مورد لقاءاللّه می تواند ناظر به برداشت بالا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۱ - ۱۳

۱۳ - آفریدگار جهان و برپادارنده قیامت ، قادر به ایجاد نطق و شعور در اعضا و جوارح انسان

قالوا أنطقنا اللّه . .. و هو خلقکم أوّل مرّه و إلیه ترجعون

جمله <و هو خلقکم> به منزله دلیلی بر قدرت خداوند در ایجاد نطق و سخن در اعضا و جوارح است.

منشأ تعیین قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۴ - ۲،۳،۵

۲ - هرگونه تصمیم گیری درباره زمان و دیگر خصوصیات قیامت ، با خداوند است .

إلی ربّک منتهیها

<منتهی>; یعنی، زمان انتها. مراد از <منتهای قیامت> ممکن است منتهای امور آن و تعیین نهایی ویژگی های آن باشد، بنابراین مراد این است که تنها خداوند، وضعیت نهایی امور قیامت را مشخص می سازد.

۳ - تصمیم گیری درباره امور قیامت و تعیین زمان آن ، از شؤون ربوبیت خداوند است .

إلی ربّک منتهیها

۵ - انحصار تصمیم گیری درباره قیامت به خداوند ، دلیل ناآگاهی پیامبر (ص) از زمان وقوع آن است .

فيم أنت من ذكريها . إلی ربّك منتهيها

جمله <إلی ربّك. ..>، به منزله تعليل براى جمله قبل است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۵ - ۲

- تعیین زمان وقوع قیامت ، از محدوده وظایف و اختیارات پیامبر (ص) ، بیرون است .

إنّماأنت منذر

حصر <إنّما>، حصر اضافی و در رابطه با انتظاری است که پرسش کنندگان زمان وقوع قیامت، از پیامبر(ص) داشتند.

منشأ تکذیب قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳ - ۱

۱ - انکار قیامت ، برخاسته از پندار کافران به ناتوان بودن خداوند بر گردآوری استخوان های مردگان و احیای مجدد آنها

أیحسب الإنسن ألّن نجمع عظامه

مقصود از انسان در این آیه برابر نظر مفسران و به قرینه مقام انسان کافر است; نه همه انسان ها.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۰ - ۳

۳ - کم فروشی و خیانت در معامله ، تکذیب عملی روز قیامت است .

ویل للمطفّفین . .. ویل یومئذ للمکذّبین

آیات مورد بحث درباره <مطفّفین> است و آنان را با عناوین <فجّار> و <مکذّبین> تهدید به عذاب الهی می کند. مراد از <یومئذ> همان <یوم یقوم الناس...> است که در آیات پیشین گذشت. تکذیب می تواند، شامل تکذیب عملی و قولی باشد; بنابراین آیه اختصاص به کافران ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۴ - ۸

۸ - انکار قیامت ، برخاسته از قلب سیاه و درک ناتوان است .

الذین یکذّبون بیوم الدین . .. کلاّ بل ران علی قلوبهم

منشأ زلزله قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۱ - ۴

۴ - لرزش زمین در آستانه قیامت ،

وابسته به عواملی زمینی و بازتاب تحولات درونی آن است .

إذا زلزلت الأرض زلزالها

مجهول بودن فعل <زلزلت>، بیانگر نقش عاملی در پیدایش زلزله است. اضافه شدن <زلزال> به ضمیری که به زمین برمی گردد، آن حوادث را به خود زمین مربوط می داند.

منشأ سختیهای قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۸ - ۱

۱ - تنها خداوند ، قادر به رفع دشواری ها و مشقت های صحنه قیامت است .

لیس لها من دون اللّه کاشفه

<کشف> (مصدر <کاشفه>) به معنای ازاله و برطرف کردن است. برداشت یاد شده بدان احتمال است که مراد برطرف کردن سختی ها و مشقت های عرصه محشر باشد.

منشأ شفاعت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۸ - ۶

۶ - شفاعت در قیامت ، منوط به اذن خداوند است .

لایتکلّمون إلاّ من أذن له الرحمن

سخن گفتن ملائکه در پیشگاه خداوند، به دلیل عصمت شان، از قبیل اعتراض به کارهای او نیست. بنابراین مصداق بارز آن به قرینه آیات مشابه این آیه شفاعت است.

منشأ شک به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۲ - ۲

۲ – تلاش شیطان ، برای ایجاد شک و تردید در اعتقاد به قیامت

فلاتمترنّ بها . .. و لایصدّنّکم الشیطن

منشأ ظهور حقایق در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۲۲ – ۳

۳ کنار رفتن پرده های غفلت از برابر چشمان آدمی ، به اراده الهی در قیامت

فکشفنا

عنك غطاءك

منشأ علم به عمل در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۴ - ۷

۷ - اطلاع بر پرونده اعمال ، راهی برای آگاهی انسان در قیامت بر کردار خویش

و إذا الصحف نشرت . .. علمت نفس ما أحضرت

منشأ علم به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۵ - ۴

۴ - تنها راه پی بردن به قیامت و خصوصیات آن ، اطلاعات رسیده از جانب خداوند است .

أكاد أُخفيها

اسناد <أخفيها> به خداوند، گویای این است که اگر او از قیامت سخن نگفته بود، برای پی بردن به آن راهی وجود نداشت.

منشأ فهم قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳ - ۳

۳ - حقیقت قیامت و ژرفای عظمت آن ، تنها از راه وحی قابل شناخت و دستیابی است .

و ما أدریک ما الحاقّه

آیات ۱۳ تا ۱۷ این سوره، در جهت بیان بخشی از حقایق مربوط به قیامت است. از مجموع آنها می توان استفاده کرد که حقایق عمیق قیامت، از طریق خود وحی برای انسان ها قابل شناخت است.

منشأ قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵ - ۸

۸ - قیامت ، روزی تعیین شده از جانب خداوند ، و واقع شدن اش قطعی است .

فإنّ أجل اللّه لأت

جمله اسمی، حرف تأکید <إنّ> و لام در <لأت> بر قطعیت، دلالت دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۳

۹ - برپایی قیامت ، از ناحیه خداوند است و هیچ مانعی جلوی وقوع آن را نمی گیرد .

أن یأتی یوم لا مردّ له من اللّه

<من اللّه> احتمال دارد متعلق به <یأتی> باشد. یعنی: <روزی که از سوی خداوند می آید، هیچ مانعی برای تحقق آن نیست.>. لازم به ذکر است که <مَرَدّ> (مصدر میمی) و به معنای <دفع و رد کردن> است و مراد از <یوم> روز قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵۰ - ۵

۵ - برپایی قیامت ، تنها با صدور یک فرمان از جانب خداوند *

و ما أمرنا إلّا وحده کلمح بالبصر

مراد از <أمرنا>، احتمال دارد فرمان بر پایی قیامت باشد که در آیات پیشین (بل الساعه موعدهم. ..) مورد هشدار قرار گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۲ - ۲

۲ - فرا رسیدن زمان پیدایش قیامت و محشور شدن انسان ها در آن ، در گرو خواست خداوند است .

ثمّ إذا شاء أنشره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۳ - ۱

۱ - کفر به خداوند ، با آن که هدایت و مرگ و قیامت انسان به دست او است ، توجیه ناپذیر و مطرود است .

قتل الإنسن ماأکفره . .. کلاّ

حرف <کلاّ>، یا به معنای <حقّا> و تأکید ما بعد است و یا برای ردع و زجر از چیزی است که در جملات قبلی، از آن

سخن به میان آمده بود، در صورت دوم مفاد آن در این آیه، باز

داشتن از کفرورزی است.

مواقف قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۰ - ۸

۸ مؤاخذه کافران به توحید، نبوت و معاد در مواقف قیامت

و یوم نحشر هم جمعیاً . .. و لو تری إذ وقفوا علی ربهم قال ألیس هذا بالحق

<أین شرکاؤکم> (در آیه ۲۲) مؤاخذه درباره توحید، <لاتکذب بآیات ربنا> (در آیه ۲۷) مؤاخذه درباره نبوت، <ألیس هذا بالحق> (در آیه ۳۰) مؤاخذه درباره قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۳ - ۶

۶ گذر از موقف های قیامت (حسابرسی ، کیفر ، پاداش و . . .) غرض از گردآوری همگان در صحنه قیامت است .

ذلک یوم مجموع له الناس

برداشت فوق ، مبتنی براین نکته است که <لام> در <له> برای بیان غایت و غرض باشد. بر این اساس مفاد جمله <ذلک یوم ...> چنین می شود: روز قیامت روزی است که خداوند ، همگان را برای گذر از موقفهای آن روز گردآوری می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۸ - ۹

۹ قیامت صحنه حسابرسی از انسانهاست .

أُولئک لهم سوء الحساب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۱ - ۵

۵ انسان ها در قیامت مورد حسابرسی قرار می گیرند .

و یخافون سوء الحساب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۲۴ – ۱،۲،۳

۱ – فرمان خداوند به توقف مشرکان بر سر راه دوزخ به منظور بازخواست از

آنان

وقفوهم إنّهم مسئولون

۲ – انسان ها ، در قبال عقاید و رفتار خود ، مسؤول بوده و در روز قیامت بازخواست خواهند شد .

وقفوهم إنّهم مسئولون

۳ – وجود < موقف > و جایگاه سؤال و بازخواست از انسان ها ، در عرصه قیامت

وقفوهم إنّهم مسئولون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۲۵ – ۳

۳ – یادآوری ناتوانی و ذلت مشرکان و منکران معاد و نیز بطلان عقاید آنها در موقف و پیش از ورود به دوزخ ، از عذاب های دیگر روحی آنان

ما لکم لاتناصرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۷۱ – ۳

۳ – وجود فاصله میان موقف کافران ، در محشر و دوزخ

و سیق الذین کفروا إلی جهنّم زمرًا

<سوق> (مصدر <سیق>) به معنای راندن و تحریک کردن به رفتن است. آمدن این واژه با حرف <إلی>، نشانگر وجود مسیری برای سوق دادن و راندن دوزخیان به سوی مقصدی است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۷۳ – ۳

۳ – وجود فاصله میان موقف تقواپیشگان در محشر و بهشت

و سیق الذین اتّقوا ربّهم إلی الجنّه زمرًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – نجم – ۵۳ – ۴۱ – ۶

۶ – روز قیامت ، دارای مراحل و مواقف متعدد

سوف یری . ثمّ یجزیه الجزاء الأوفی

از حرف <ثمّ> استفاده می شود که مرحله شهود اعمال در قیامت با مرحله جزا، متفاوت است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – معارج – ۷۰ – ۴ –

۹ - < عن حفص بن غیاث القاضی قال : سمعت أباعبدالله جعفر بن محمّد (ع) یقول : . . . فإنّ للقیامه خمسین موقِفاً کلّ موقف مقام ألف سنه ثمّ تلا هذه الآیه : < فی یوم کان مقداره خمسین ألف سنه > ;

از حفص بن غیاث روایت شده که گفت: شنیدم که امام صادق(ع) می فرمود: برای قیامت پنجاه موقف (ایستگاه) است که هر کدام از آنها هزار سال طول می کشد. سپس امام(ع) این آیه را تلاوت فرمود: (فی یوم کان مقداره خمسین ألف سنه).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۸ - ۶،۷

۶ - قیامت ، دارای مراحلی گوناگون و ترتیب یافته است .

لترونّ . .. ثمّ لترونّها ... ثمّ لتسئلنّ

۷ - حسابرسی از نعمت ها ، مرحله ای پس از مشاهده دوزخ و یقین به آن است .

ثمّ لترونّها . .. ثمّ لتسئلنّ

موانع امداد در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۷ - ۳

۳ - شداید قیامت ، ازمیان برنده فرصت بهره رساندن خویشاوندان به یکدیگر است .

یوم یفرّ المرء من أخیه . .. لکلّ امریء منهم یومئذ شأن یغنیه

جمله <لکلّ امریء . ..>، بیانگر علت فرار خویشاوندان از یکدیگر است و نشان می دهد که در آن سرا گرچه عواطف خویشاوندی هم وجود داشته باشد; ولی سودی نخواهد داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۴۲ - ۳

۳ - گرفتاری به آثار کفر و گناه در قیامت ، فرصت هرگونه یاری

رسانی به دیگران حتی نزدیک ترین خویشاوندان را از کافران و گنه کاران سلب خواهد کرد .

یوم یفرّ المرء . .. لکلّ امریء منهم یومئذ شأن یغنیه ... أولئک هم الکفره الفجره

موانع رفع مشکلات در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۴ - ۶

۶ - شدّت گرفتاری مردم در قیامت ، مانع پرداختن آنان به حلّ مشکلات دیگران ; حتی خویشاوندان خویش

یوم یفرّ المرء من أخیه

جمله <لکلّ . .. شأن یغنیه> در آیات بعد، می تواند قرینه بر انگیزه فرار در قیامت باشد; یعنی، هر کس آن قدر به خود مشغول است که گوش و چشم خود را بر فریاد و زاری دیگران فرو می بندد و از درگیر ساختن خود با مسائل آنان می گریزد.

موانع شک به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۴ - ۸

۸ - توجه به احاطه همه جانبه خداوند بر موجودات ، موجب از بین رفتن هر گونه تردید در مورد حقانیت رستاخیز است .

ألا إنّهم فی مریه من لقاء ربّهم ألا إنّه بکلّ شیء محیط

انکار قیامت و رستاخیز مردگان از سوی مشرکان، مبنی بر این پندار نادرست است که آنها جمع شدن اجزاء پراکنده و از بین رفته موجودات را بعید می دانستند. خداوند با بیان این حقیقت که او بر همه چیز احاطه دارد و هیچ چیز از حیطه علم و قدرت او ناپدید نمی شود، این پندار را ابطال می کند.

موانع فرار در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ -

رحمن - ۵۵ - ۳۵ - ۱

۱ - آتش گداخته و دود های متراکم ، مانعی جدی در برابر جن و انس برای گریز از صحنه قیامت

لاتنفذون إلّا بسلطن . .. یرسل علیکما شواظ من نار

خطاب در <علیکما> و <لاتنتصران> متوجه جن و انس است.

موانع لقاءالله در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۵ - ۷

۷ - گناه ، طغیان گری و تکذیب قرآن و قیامت ، مانع ملاقات و قرب خداوند در قیامت است .

ما یکذّب به إلّاکلّ معتد أثیم . .. إنّهم عن ربّهم یومئذ لمحجوبون

موجبات نجات از سختیهای قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۰ - ۷

۷ - رهایی انسان از گرفتاری های روز قیامت ، تنها در پرتو ولایت خداوند و اطاعت از او است .

و لایغنی عنهم . .. و لا ما اتّخذوا من دون اللّه أولیاء

موجودات در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۵ - ۹،۱۱

۹ - همه خلایق در قیامت به حمد و ستایش خداوند خواهندپرداخت .

و قیل الحمد للّه ربّ العلمین

۱۱ - < الحمد للّه ربّ العالمین > ، ثنا و آخرین سخن خلایق در قیامت است .

و قیل الحمد للّه ربّ العلمین

موحدان در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۱۹ – ۹

۹ قیامت ، روز داوری میان موحدان و مشرکان

و لو لا کلمه سبقت من ربک لقضی بینهم فیما فیه یختلفون

از اینکه خداوند فرمود: دنیا

جای داوری میان اهل شرک و توحید نیست، معلوم می شود محل داوری میان آنان، جهانی دیگر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۵ - ۳

۳- خدای رحمان ، در قیامت میزبان تقواپیشگان (موحدان) خواهد بود .

یوم نحشر المتّقین إلی الرحمن وفدًا

<وفداً> چه مصدر و بیان کننده نوع حشر باشد و چه به معنای <وافدین> گرفته شود، بر میهمان بودن متقین دلالت دارد; با این تفاوت که در صورت دوم، می رساند که حضور آنان در صحنه قیامت فردی نبوده; بلکه به صورت گروهی خواهد بود. دراین صورت باید گفت: <وفداً> حال مقدره است; یعنی، زمان گروهی بودن از زمان حشر متأخر است; زیرا آیات بعد به حضور فردی همگان تصریح دارد.

موسی(ع) در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۳ - ۷

۷ - ملاقات پیامبراکرم (ص) با حضرت موسی (ع) ، در شب معراج و یا در قیامت ، قطعی است .

و لقد ءاتینا موسی الکتب فلاتکن فی مریه من لقائه

برداشت بالا، بنابراین احتمال است که مرجع ضمیر در <لقائه> موسی(ع) باشد. لازم به ذکر است که این نکته، مورد تأیید روایت نیز هست.

موعظه پذیران در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۸ - ۲

۲ - انسان های پاک ، تذکّرپذیر ، هدایت جو و خداترس ، در قیامت چهره ای نورانی خواهند داشت .

لعلّه یزّکّی . أو یذّکّر ... جاءک یسعی . و هو یخشی ... وجوه یومئذ مسفره

موقعیت اجتماعی در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۷۵ – ۱۹

۱۹– پوچی و بی اثری امکانات دنیایی ، موقعیت های اجتماعی و گروه بندی ها ، در هنگام نزول عذاب و یا فرارسیدن مرگ و قیامت

فسیعلمون من هو شرّ مکانًا و أضعف جندًا

مؤاخذه جمعی در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۳۰ – ۱

۱ گمراهان جن و انس در قیامت به صورت جمعی موردبازخواست و توبیخ قرار خواهند گرفت.

یمعشر الجن و الإنس ألم یأتکم رسل

مؤاخذه در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۷۶ – ۱۳

۱۳ – یهودیان معتقد به برپایی قیامت ، بر قراری صحنه های محاکمه در آن روز و احتجاج انسان ها علیه یکدیگر در پیشگاه خدا

أتحدثونهم . .. لیحاجوکم به عند ربکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۲۲ – ۴،۵،۶

۴ بازخواست و محاکمه مشرکان در قیامت به سبب شریک پنداشتن برای خداوند

أین شرکاؤکم الذین کنتم تزعمون

۵ پرسش از موقعیت و جایگاه معبودهای پنداری مشرکان، از صحنه های محاکمه آنان در قیامت

ثم نقول للذین أشرکواأین شرکاؤکم الذین کنتم تزعمون

۶ بازخواست ذلتبار مشرکان و ستمگران در روز قیامت، نشانگر محرومیت آنها از سعادت و رستگاری است.

إنه لایفلح الظلمون. و یوم نحشرهم جمیعا ثم نقول للذین أشرکواأین شرکاؤکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۰ - ۳۸

۳ خداوند در قیامت از منکران معاد

بازخواست می کند.

و قالوا إن هی إلا حیاتنا الدنیا و ما نحن بمبعوثین. و لو تری إذ ... ألیس هذا بالح

۸ مؤاخذه کافران به توحید، نبوت و معاد در مواقف قیامت

و یوم نحشر هم جمعیاً . .. و لو تری إذ وقفوا علی ربهم قال ألیس هذا بالحق

<أین شرکاؤکم> (در آیه ۲۲) مؤاخذه درباره توحید، <لاتکذب بآیات ربنا> (در آیه ۲۷) مؤاخذه درباره نبوت، <ألیس هذا بالحق> (در آیه ۳۰) مؤاخذه درباره قیامت است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۳۴ – ۲

۲ احضار ظالمان در قیامت و بازخواست و کیفر ایشان از وعده های تخلف ناپذیر خداوند

و ینذرونکم لقاء یومکم هذا . .. إن ما توعدون لأت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۴۹ – ۱۰

۱۰ عن جعفر بن محمّد(ع) و قد سئل عن قوله تعالی <فلله الحجه البالغه> فقال: إن الله تعالی یقول للعبد یوم القیامه: عبدی اکنت عالما؟ فان قال نعم. قال له: افلا عملت بما علمت؟ و إن قال: کنت جاهلا. قال له: أفلا تعلمت حتی تعمل فیخصمه فتلک الحجه البالغه.

از امام صادق(ع) در پاسخ سؤال از آیه <فلله الحجه البالغه>، روایت شده است: خداوند متعال در قیامت به بنده اش می فرماید: آیا]به وظایف خویش [آگاه بودی؟ اگر بگوید آری، می فرماید چرا عمل نکردی؟ و اگر بگوید آگاه نبودم، به او می فرماید چرا یاد نگرفتی؟ و]به این گونه[او را محکوم می کند. و این است حجت بالغه.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶

- اعراف - ۷ - ۱۷۲ - ۱۳

۱۳ قیامت روز مؤاخذه منکران ربوبیت خداست .

أن تقولوا یوم القیمه إنا کنا هذا غفلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۷ - ۲،۳

۲- مشرکان ، به خاطر عقیده شرک آلود خود ، در قیامت مورد بازخواست قرار خواهند گرفت .

ثمّ یوم القیمه . .. و یقول أین شرکاءی

۳- خداوند ، خود بازخواست کننده مشرکان در قیامت

و یقول أین شرکاءی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۱ - ۱

۱- همه انسان ها در قیامت درباره رفتار و اعمالشان مورد بازخواست قرار خواهند گرفت .

یوم ندعوا کلّ أُناس بإممهم

از اینکه خداونـد فرموده است: <همه انسانها با پیشوایان خود در قیامت خوانـده می شوند> و نیز فرموده است: <هر کس که کتابش در دست راستش باشد> به دست می آید که همه، مورد بازخواست قرار می گیرند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۰ - ۷

۷ - مؤاخـذه در روز قیامت ، صـرفاً بر اساس آگاهی های پیشـین خداوند نخواهد بود ; بلکه ممکن است با حضور طرف های ماجرا باشد .

و یوم یحشرهم . .. ثمّ یقول للملئکه أهؤلاء إیّاکم کانوا یعبدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۳۱ – ۷

۷ – قیامت ، روز بازخواست و محاکمه انسان ها و داوری میان آنان است .

ثمّ إنّکم یوم القیمه عند ربّکم تختصمون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ –

۹ - قیامت ، عرصه بازخواست و حسابرسی

و سوف تسئلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۱ - ۲

۲ - مشخص و محرز بودن گناهان جن و انس در قیامت ، بدون بازجویی

فیومئذ لایسل عن ذنبه إنس و لاجانّ . .. یعرف المجرمون بسیمهم

مؤاخذه مشرکان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۳ - ۶

۶ خداوند مشرکان را در قیامت مؤاخذه می کند و کیفر می دهد .

أفتهلکنا بما فعل المبطلون

مؤمنان به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۵ - ۶

۶ - گریز باور داران به قیامت از مرگ و ناپسند شمردن آن ، به خاطر ارتکاب گناهان و ترس از عذاب اخروی است .

و لن یتمنوه أبداً بما قدمت أیدیهم

<باء> در <بما قدمت> سببیه است. بنابراین جمله <لن یتمنوه ...> گویای این حقیقت است که گناهان از عوامل ترس از مرگ است. گفتنی است که چون جمله فوق درباره باورداران به خدا و قیامت است، علت یاد شده مخصوص آنان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۹ - ۱

۱ وجود مؤمنان واقعی به خدا و قیامت در میان بادیه نشینان صدر اسلام ، علی رغم کفر و نفاق شدید عده ای دیگر از آنان

الأعراب أشد کفراً و نفاقاً . .. و من الأعراب من یؤمن باللّه و الیوم الأخر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳

۲ موحّدان و مؤمنان به پیامبر (ص) و باورداران به قیامت ، اجابت کنندگان دعوت الهی اند .

للذین استجابوا لربهم الحسنی

آیات گذشته بیانگر این است که مراد از <الذین استجابوا> موحدان و مؤمنان به پیامبر(ص) و باورداران به قیامت می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۷ - ۱

۱- بوستان های فردوس ، منزل گاهی تضمین شده برای نیک کردارانِ مؤمنِ به آیات الهی و قیامت است .

إنّ الذین ءامنوا . .. نزلاً

متعلق ایمان در <آمنوا> به قرینه آیات قبل که درباره کفر به آیات و لقای پروردگار بود ایمان به آیات و قیامت است. <فردوس> یعنی <وادی سرسبز>. برخی از زبان شناسان، آن را کلمه ای رومی می دانند که به زبان عرب وارد شده است (تاج العروس) کلمه <نزل> در معانی <منزل> و <وسایل پذیرایی> و... استعمال می شود. برداشت یاد شده، براساس معنای نخست است. فعل ماضی (کانت) درباره حوادث آینده، بر وقوع حتمی و تضمین شده آن حوادث دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۸ - ۶

۶ - اهل ایمان ، آگاه به حقانیت رستاخیز و وقوع حتمی آن

و یعلمون أنّها الحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۶ - ۴

۴ - امیدواران به لطف خدا و معتقدان به روز جزا ، بهره مند از الگو های شایسته و الهی

لقد کان لکم فیهم . .. لمن کان یرجوا اللّه

مؤمنان در قیامت

- آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۲ - ۱۹،۱۸،۱۷،۱۲

۱۲ جایگاه بلند مؤمنان تقوا پیشه نسبت به کافران ، در روز قیامت

و الذین اتقوا فوقهم یوم القیمه

۱۷ وعده الهی به مؤمنان نسبت به برتری آنان در قیامت ، عامل تسلّی و مقاومت آنان در برابر استهزای کافران

و الذین اتقوا فوقهم یوم القیمه

به نظر می رسد جمله <و الذین اتّقوا . ..>، پس از عنوان کردن تمسخر تقواپیشگان از سوی کافران، به منظور تسلّی آنان باشد.

۱۸ همراهی ایمان و تقوا ، عامل برتری در قیامت

و یسخرون من الذین امنوا و الذین اتقوا فوقهم یوم القیمه

تبدیل <الذین امنوا> به <الذین اتقوا>، برای تفهیم این معناست که باید ایمان، همراه تقوا باشد.

۱۹ بهره مندی مؤمنان باتقوا از رزق بی پایان خداوند در قیامت

و الذین اتقوا . .. و اللّه یرزق من یشاء بغیر حساب

کلمه <بغیر حساب>، می تواند کنایه از فراوانی و بی پایانی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۷ - ۱۰

۱۰ مؤمنان دارای عمل صالح ، ترس و اندوهی در رستاخیز ندارند .

انّ الّذین امنوا . .. و لا خوف علیهم و لا هم یحزنون

بنابراینکه عدم <خوف> و <حزن> مربوط به آخرت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۲ - ۱۱

۱۱ - مؤمنان به خدا و قیامت و دارندگان عمل صالح ، در قیامت هیچ ترس و اندوهی نخواهند داشت .

من ءامن باللّه و الیوم الأخر و عمل صلحاً . .. و لا خوف علیهم و لاهم یحزنون

به قرینه <فلهم أجرهم

عند ربهم> می توان گفت: ظرف <لاخوف علیهم . ..> قیامت است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۴۱ – ۱۱

۱۱ داوری خداوند در روز قیامت ، میان مؤمنان و منافقان

الذین یتربّصون بکم . .. فاللّه یحکم بینکم یوم القیمه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۴۶ – ۷،۸

۷ اصحاب اعراف با فریادی رسا بر مؤمنانی که در انتظار ورود به بهشتند ، درود می فرستند .

و نادوا اصحب الجنه أن سلم علیکم

جمله <سلم علیکم> می تواند جمله ای انشایی باشد و می تواند اخبار از وجود امنیت و سلامت برای مؤمنان گرفته شود. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

۸ اصحاب اعراف با فریادی رسا سلامت و امنیت کامل را به مؤمنان راهی بهشت مژده می دهند .

و نادوا اصحب الجنه أن سلم علیکم

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله <سلم علیکم> جمله ای اخباری باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۲۹ – ۱۶

۱۶ قیامت ، روز تمایز مؤمنان راستین از مدعیان دروغین

بل نظنکم کذبین . .. إنهم ملقوا ربهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۹۶ – ۵

۵- خداوند ، مؤمنان نیک کردار را در صحنه قیامت از رنج تنهایی نجات خواهد داد .

و کلّهم ءاتیه یوم القیمه فردًا . إنّ الذین ءامنوا و عملوا الصلحت سیجعل

چنان که برخی از مفسران گفته اند، این آیه می تواند در ارتباط با مضمون آیه قبل و مربوط به

صحنه قیامت باشد; زیرا همگان در صحنه قیامت تنها و بی یاورند (و کلّهم ءاتیه یوم القیامه فرداً). این آیه بشارتی است برای مؤمنان که خداوند آنان را در آن روز، تنها نخواهد گذاشت و به زودی آنان را از انس و محبت دیگران برخوردار خواهد ساخت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۱ - ۴

۴- مؤمنان راستین ، با فضیلت و مقرب الهی ، در قیامت در مکانی به دور از آتش دوزخ قرار خواهند گرفت .

إنّ الذین سبقت لهم منّا الحسنی أولئک عنها مبعدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۳ - ۳،۴

۳- بهشتیان و مؤمنان راستین ، به هنگام برپایی قیامت مورد استقبال فرشتگان قرار خواهند گرفت .

و تتلقیهم الملئکه

۴- بهشتیان و مؤمنان راستین ، برخوردار از مقام و منزلتی والا در روز رستاخیز

و تتلقّیهم الملئکه

استقبال فرشتگان از مؤمنان و بهشتیان، حاکی از منزلت و مقام والای آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۱ - ۳

۳ - مؤمنان صابر ، تنها گروه رستگار در قیامت

أنّهم هم الفائزون

ذکر ضمیر فصل (هم)، بیانگر حصر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۴ - ۳

۳ - صفوف مؤمنان ، در روز قیامت ، از صف کافران جدا می شود .

و یوم تقوم الساعه یومئذ یتفرّقون

در صورتی که مرجع ضمیر <یتفرّقون> واژه <الخلق> در آیه یازده باشد و به قرینه دو آیه بعد که درباره وضعیت مؤمنان و کافران

است نکته یاد شده قابل استفاده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۴۳ – ۱۲

۱۲ – روز قیامت ، روز تفکیک شدن کامل انسان های مؤمن از انسان های کافر است .

یومئذ یصّدّعون

احتمال دارد مراد از تفکیک شدن و جدایی در روز قیامت، تفکیک صفوف اهل بهشت از صفوف کسانی که اهل جهنم اند باشد. آیه بعد، مؤید این برداشت است

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۴۴ – ۸

۸ – در قیامت ، صفوف کافران و مؤمنان ، از هم جدا می شود .

یومئذ یصّدّعون . من کفر فعلیه کفره و من عمل صلحًا ... یمهدون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۵۶ – ۱۸

۱ – برخورداران از علم و ایمان ، در قیامت ، در مقابل اِعلام نظر کافران درباره درنگ کوتاه مدت شان در برزخ ، اظهار می دارند که درنگ شان ، از روز مرگ تا برپایی قیامت بوده است .

و یوم تقوم الساعه . .. ما لبثوا غیر ساعه ... و قال الذین أوتوا العلم ... لقد لبث

۸ – صاحبان علم و ایمان ، در قیامت ، به پاسخگویی سخنان نادرست و خلاف واقع اقدام می کنند .

یقسم المجرمون ما لبثوا غیر ساعه . .. قال الذین أوتوا العلم و الإیمن لقد لبثتم .

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۵۸ – ۵

۵ – اظهارات مجرمان ، در قیامت درباره کم بودن مدّت حضورشان در برزخ

و پاسخ صاحبان علم و ایمان به آنان ، بیانی تمثیلی از رخداد های قیامت است .

یوم تقوم الساعه یقسم المجرمون . .. و قال الذین أوتوا العلم و الإیمن ... و لقد ض

ذکر این آیه، پس از بیان حادثه ای از حوادث قیامت که مربوط به مجرمان و برخورد صاحبان علم و ایمان با آنان بود می تواند اشاره به این حقیقت داشته باشد که چنین گفت و گوهایی، نمونه و بیان تمثیلی از آن حوادث است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۹ - ۱

۱ - مجرمان ، در روز رستاخیز از صف مؤمنان جدا خواهند شد .

و امتزوا الیوم أیّها المجرمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۹ - ۴

۴ - نجات مؤمنان و صالحان از بدی ها و ناراحتی های روز قیامت ، برخاسته از رحمت و لطف الهی است ; نه از استحقاق آنان .

و من تق السیّئات یومئذ فقد رحمته

یادآوری و تصریح فرشتگان به این که حفظ مؤمنان از ناراحتی های قیامت نشانگر این است که آنان مورد رحمت و لطف الهی قرار گرفته اند; می تواند حکایت از حقیقت یاد شده داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۵ - ۱۵

۱۵ - مؤمنان رنجیده از ستم گمراهان ، سرافراز و مقتدر ، در صحنه قیامت

و قال الذین ءامنوا إنّ الخسرین الذین خسروا. .. یوم القیمه

از ملامت و سرزنش مؤمنان نسبت به کافران، اقتدار و سربلندی مؤمنان استفاده می شود; آنانی که

مصداق <لمن صبر و غفر> هستند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۳ – ۲

۲ – کافران و مستکبران ، مردمی زبون و دون پایه و مؤمنان و مستضعفان انسان هایی شریف و صاحب منزلت در روز رستاخیز

إذا وقعت الواقعه . .. خافضه رافعه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۱۲ – ۹

۹ – قیامت ، روز دریافت بشارت بهشت برای مردان و زنان مؤمن

یوم تری المؤمنین و المؤمنت . .. بشریکم الیوم جنّت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۱۳ – ۳،۱۴،۱۶،۱۸

۳ – مؤمنان ، برخوردار از نور و روشنایی در صحنه تاریک قیامت

یوم یقول المنفقون . .. انظرونا نقتبس من نورکم

۱۴ – کشیده شدن حصار بلند و ضخیم ، میان مؤمنان و منافقان در قیامت

فضرب بینهم بسور

<سور> به دیوار شهر گفته می شود. نکره آمدن <سور> می تواند بیانگر بلندی و ضخامت آن باشد.

۱۶ – مؤمنان در قیامت ، در داخل حصار (حصار میان آنان و منافقان) قرار می گیرند و منافقان در بیرون آن .

فضرب بینهم بسور له باب

۱۸ – مؤمنان در قیامت ، مشمول رحمت خداوند و منافقان محکوم به عذاب الهی اند .

یوم یقول المنفقون . .. باطنه فیه الرحمه و ظهره من قبله العذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۴ - ۴

۴ - جدا شدن منافقان از جمع مؤمنان ، در قیامت و محکوم شدن آنان به عذاب الهی ، نتیجه و محصول انگیزه

های منافقانه آنان است .

ینادونهم ألم نکن معکم قالوا بلی و لکنّکم فتنتم أنفسکم

مؤمنان در پاسخ منافقان می گویند: درست است که شما با ما در اعمال و تکالیف دینی شرکت می کردید; لکن انگیزه های شما با ما یکی نبود. انگیزه های شما همواره خدعه و فریب، ریشخند و استهزا و ... بوده است و اینها شما را به این روز هوناک انداخته است. گفتنی است که معنای <فتون> (مصدر <فتنتم>)، در بلا و عذاب انداختن است. <فتنتم أنفسکم>; یعنی، خود را در گرفتاری عذاب انداختید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۹ - ۱۵

۱۵ - تنها مؤمنان دارای عمل صالح ، از خسارت عرصه قیامت در امان خواهند بود .

و من یؤمن باللّه و یعمل صلحًا یکفّر عنه سیّئاته . .. ذلك الفوز العظیم

برداشت یاد شده، از آن جا است که خداوند، روز قیامت را روز خسارت بار نام گذاشته است; ولی تنها گروهی که دارای ایمان و عمل صالح باشند از این قاعده مستثنا شده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۸ - ۱۲،۱۳،۱۵

۱۲ - حضور مؤمنان در عرصه قیامت ، با درخشش نور از وجود آنان

نورهم یسعی بین أیدیهم و بأیمنهم

۱۳ - مؤمنان در عرصه قیامت ، از خداوند خواستار اتمام و ازدیاد نور خویش اند .

یقولون ربّنا أتمم لنا نورنا

۱۵ - مؤمنان در عرصه قیامت ، خواستار آمرزش الهی اند .

و اغفرلنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ – قلم – ۶۸ – ۴۲ – ۵

۵ – < عن أبی

الحسن (ع) فی قوله عزّوجلّ : < یوم یکشف عن ساق > قال : حجابٌ من نور یُکْشَف ، فیقع المؤمنون سُجَّداً و تُدمَج أصلابُ المنافقین فلایستطیعون السجود ;

از امام رضا(ع) درباره سخن خدای عزّوجلّ: <یوم یکشف عن ساق> روایت شده که فرمود: [در آن روز]پرده ای از نور برداشته می شود و مؤمنان به حالت سجده می افتند و استخوان های پشت منافقان سخت و بی انعطاف می گردد و قدرت سجده ندارند>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مدثر – ۷۴ – ۱۰ – ۳

۳ – مؤمنان آسوده از سختی های روز محشر

یوم عسیر . علی الکفرین غیر یسیر

قید <علی الکافرین>، بیانگر آن است که دشواری های قیامت اختصاص به کافران دارد نه مؤمنان.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قیامه – ۷۵ – ۲۲ – ۱

۱ – مؤمنان ، دارای چهره هایی شاداب و زیبا در عرصه قیامت

وجوه یومئذ ناضره

<نضره>در معانی زیبایی و نعمت به کار می رود (قاموس المحیط). <ناضره> (مؤنث <ناضر>) به معنای زیبا و برخوردار از نعمت است و مقصود از آن به قرینه مقام شادابی و درخشندگی چهره های مؤمنان در عرصه قیامت است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قیامه – ۷۵ – ۲۳ – ۱،۲،۳

۱ – چهره تابناک مؤمنان در روز قیامت ، تنها متوجه خدا بوده و آنان مجذوب جمال اویند .

وجوه یومئذ ناضره . إلی ربّها ناظره

تقدیم <إلی ربّها> می تواند برای افاده حصر باشد.

۲ – مؤمنان در روز قیامت ، تنها به لطف و ثواب الهی

چشم دوخته اند .

إلی ربّها ناظره

برداشت یاده شده، مبتنی بر حذف مضاف است و تقدیر آن چنین می باشد: <إلی ثواب ربّها ناظره>.

۳ - چشم امید مؤمنان در قیامت تنها به خداوند است .

إلی ربّها ناظره

برخی از مفسران گفته اند: عبارت <إلی ربّها ناظره> می تواند تعبیر کنایی باشد. در این صورت مقصود از آن، توقع و امید است؛ مانند آن که گفته می شود: <أنا إلی فلان ناظر ما یصنع بی> (من به فلانی چشم دوخته ام تا با من چه خواهد کرد).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۴۰ - ۶

۶ - تفاوت چهره مؤمن و کافر در قیامت

وجوه . .. و وجوه

مراد از <وجوه> در این آیه به قرینه آخرین آیه سوره (أولئک هم الکفره الفجره) چهره کافران است. در نتیجه مراد از <وجوه> در آیات پیشین، چهره مؤمنان خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۳۴ - ۲،۴،۹

۲ - مؤمنان در قیامت ، همسان برخوردی که در دنیا از کافران دیده اند ، با آنان رفتار خواهند کرد .

إنّ الذین أجرموا کانوا من الذین ءامنوا یضحکون . .. فالیوم الذین ءامنوا من الکفّا

۴ - استهزا شدن از سوی مؤمنان در قیامت ، برای کافران دشوار و رنج آور خواهد بود .

فالیوم الذین ءامنوا من الکفّار یضحکون

۹ - در قیامت ، مؤمنان و کافران از حال هم آگاه شده ، رفتار یکدیگر را مشاهده خواهند کرد .

فالیوم الذین ءامنوا من الکفّار یضحکون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – مطففین

- ۸۳ - ۳۵ - ۱،۲،۳

۱ - مؤمنان ، در حالی کافران حاضر در صحنه قیامت را مسخره می کنند که خود بر تخت های تزیین یافته ، لمیده و ناظر کیفر کافران اند .

علی الأرائک ینظرون

<أریکه> (مفرد <أرائک>) به تخت تزیین یافته ای گفته می شود که در خیمه یا خانه ای نهاده شده باشد. هم چنین به جایگاه آرمیدن و لمیدن اعم از تخت، یا تخت عروس و یا تخت خواب اطلاق می شود (قاموس). متعلق <ینظرون> به قرینه آیات قبل و بعد وضعیت کافران است.

۲ - تماشای کیفر های کافران در قیامت ، برای مؤمنان لذت بخش است .

علی الأرائک ینظرون

۳ - صحنه قیامت ، در چشم انداز مؤمنان آرمیده برتخت های بهشتی است .

فالیوم . .. علی الأرائک ینظرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۸ - ۳،۴

۳ - گروه سمت راست در آخرت ، مجموعه ای سامان یافته از مؤمنانی که حامی بردگان و یتیمان و مسکینان بوده و مردم را به صبر و ترّحم ترغیب کرده اند .

و ما أدریک ما العقبه . .. أُولئک أصحب المیمنه

<أیْمَن> و <میمنه>، نقطه مقابل <أیْسَر> و <مَیْسَره> (سمت چپ) است (صحاح اللغه). تقابل این دسته با <أصحاب المشأمه> با توجه به این که <مشأمه> در یک احتمال به معنای <مَیْسَره> است (صحاح) بیانگر آن است که قرار گرفتن در سمت راست یا چپ در آخرت، نشانگر فرجام افراد است.

۴ - مؤمنان در آخرت ، نامه عمل خویش را با دست راست ، دریافت خواهند کرد .

أُولئک أصحب المیمنه

این

احتمال وجود دارد که اصحاب المیمنه بودن کنایه از گرفتن نامه اعمال با دست راست (یمین) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۹ - ۵

۵ - جایگاه مؤمنان در آخرت ، نشانه عزّت و کرامت آنان و جایگاه کافران ، پست و ذلّت آفرین است .

هم أصحب المشئمه

راست و چپ، کنایه از عظمت و پستی جایگاه است; زیرا در جوامع انسانی، مرسوم است که سمت راست، نشانه کرامت و سمت چپ رمز شوم بودن است; وگرنه راست و چپ حقیقی، وابسته به اعتبارات و با در نظر گرفتن مرکزیتی خاص است که در این آیات، از آن سخنی به میان نیامده است.

مؤمنان و قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۹ - ۵

۵ ضرورت و لزوم یاد قیامت و صحنه های حسابرسی آن برای اهل ایمان

یوم یجمع اللّه الرسل فیقول ماذا اجبتم

بدان احتمال که <یوم> مفعول به برای فعل محذوف همانند <اذکروا> باشد.

مهتدین در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۰ - ۱

۱ حضور انسانها در قیامت، مانند آفرینش نخستینشان، در دو گروه هدایت یافته و گمراه گشته

فریقا هدی

جمله <فریقا هدی . ..> حال برای فاعل <بدأکم> و بیانگر وجه مشابهت مطرح شده در جمله <کما بدأکم تعودون> است و حاصل معنی چنین می شود: خداوند شما را آفرید در حالی که شایستگان هدایت را هدایت کرد و مستحقان گمراهی

را به گمراهی کشاند و به همین صورت (دو جناح بودن) به سوی او باز

خواهید گشت.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عبس – ۸۰ – ۳۸ – ۲

۲ – انسان های پاک ، تذکّرپذیر ، هدایت جو و خداترس ، در قیامت چهره ای نورانی خواهند داشت .

لعلّه یزّکّی . أو یذّکّر ... جاءک یسعی . و هو یخشی ... وجوه یومئذ مسفره

مهلت به مکذبان قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۱۱ – ۱۱

۱۱ طغیان و سرکشی ، نشانه بی ایمانی به روز رستاخیز

فنذر الذین لایرجون لقاءنا فی طغینهم یعمهون

مهمترین ویژگیهای قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۳۸ – ۲

۲ – جداسازی میان خلایق و داوری میان حق و باطل ، از مهم ترین خصیصه روز قیامت

هذا یوم الفصل

توصیف روز قیامت به <یوم الفصل> در سلسله آیات مربوط به حوادث قبل و بعد از برپایی قیامت، گویای برداشت یاد شده است.

میزان در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۶۱ – ۱۳

۱۳ پاداش و جزاىِ كردار آدمی در قيامت بر اساس عدل

ثمّ توفّی كلّ نفس ما كسبت و هم لا يظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - اعراف - ۷ - ۸ - ۲،۵

۲ حق (نوع شايسته و بايسته رفتار و انديشه ها در پيشگاه خداوند)، وسيله سنجش اعمال و عقايد در قيامت است.

و الوزن يومئذ الحق

برداشت فوق مبتنی بر اين است كه <الحق> خبر براى <الوزن> باشد و كلمه <الوزن> به معناى ميزان (مقياس سنجش) باشد.

مانند مثقال و کیلو که مقیاس سنجش و تعیین کننده سبکی و سنگینی اشیاء است.

۵ هر یک از رفتارها و عقاید آدمی دارای مقیاسی مخصوص برای ارزیابی آنها در قیامت است.

و الوزن یومئذ الحق فمن ثقلت موزینه

کلمه <موازین> (جمع موزون) می رساند که هر یک از اعمال و عقاید آدمی مورد سنجش قرار می گیرد و چون اعمال و عقاید مختلف است، مقیاس و وسیله سنجش آن نیز متفاوت خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۷ - ۱،۱۱

۱- حسابرسی مردم در قیامت بر میزان قسط و عدالت است .

و نضع الموزین القسط لیوم القیمه

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که لام در <لیوم القیامه> برای ظرفیت و به معنای <فی>، یا <عند> باشد.

۱۱- < عن هشام بن سالم قال : سألت أباعبدالله (ع) عن قول الله عزّوجلّ : < ونضع الموازین القسط لیوم القیامه فلاتظلم نفس شیئاً > قال : هم الأنبیاء و الأوصیا (ع) ;

از هشام بن سالم نقل شده که گفت: از امام صادق(ع) در باره قول خدای عزّوجلّ <ونضع الموازین القسط لیوم القیامه. ..> پرسیدم فرمود: موازین قسط، پیامبران و اوصیا هستند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۲ - ۲،۳،۴

۲ - تنها عقاید درست و اعمال صالح ، دارای وزن و مقدار در قیامت

فمن ثقلت موزینه فأُولئک هم المفلحون

با توجه به این که فلاح و رستگاری در نتیجه ایمان و عمل صالح به دست می آید و در این آیه، تنها کسانی رستگار دانسته شده اند که

از میزانی سنگین برخوردار باشند، برداشت بالا استفاده می شود.

۳ - وجود معیار ها و میزان های متعدد در قیامت ، برای سنجش اعمال انسان ها

فمن ثقلت موزینه

<موازین> جمع <میزان> است. به کارگیری جمع، بیانگر این معنا است که هر نوع عمل فرد، دارای میزان مخصوصی می باشد.

۴ - هر نوع عمل انسان ، دارای معیار و میزانی مخصوص در قیامت

فمن ثقلت موزینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۷ - ۱۵

۱۵ - قرآن و قانون الهی ، ابزار سنجش و داوری در قیامت

اللّه الذی . .. و ما یدریک لعلّ الساعه قریب

ناگهانی بودن قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۱ - ۴

۴ برپایی قیامت، ناگهانی و غیر قابل پیش بینی و غافلگیرانه است.

حتی إذا جاءتهم الساعه بغته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۷ - ۹

۹ قیامت ، ناگهانی و در حال بی خبری انسان ها تحقق خواهد یافت .

لا تأتیکم إلا بغته

برداشت فوق با توجه به کلمه <بغته> که به معنای هجوم ناگهانی و بدون اطلاع قبلی است استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۷ - ۶

۶ قیامت ، ناگهانی و در حال بی خبری انسان ها تحقق می یابد .

أو تأتیهم الساعه بغته و هم لایشعرون

<بغته> به معنای هجوم ناگهانی و بـدون اطلاع قبلی است. جمله <و هم لایشـعرون> حال مؤکده است ; زیرا توجه نداشـتن از <بغته> معلوم می شود.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۷ - ۳

۳- رخ نمودن لحظه قیامت ، در یک چشم به هم زدن یا کمتر از آن

و ما أمر الساعه إلاّ کلمح البصر أو هو أقرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۵ - ۶

۶ وقوع قیامت ، ناگهانی است .

أکاد أُخفیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۷ - ۵

۵- قیامت ، واقعه ای غافل گیرانه و ناگهانی است .

و اقترب الوعد الحقّ فإذا هی شخصه

برداشت یاد شده از <إذا>ی فجائیه، به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۵ - ۳

۳ - برپایی قیامت و حضور مردم در عرصه محشر ، رخدادی ناگهانی و غافلگیر کننده

حتّی تأتیهم الساعه بغته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۶ - ۱۰

۱۰ - مواجه شدن کافران با برپایی قیامت ، ناگهانی و غافل گیرانه است .

يقسم المجرمون . .. فهذا يوم البعث

<فاء> در <فهذا> فصيحه است و حكايت از شرط مقدر مى كند و مفيد معناى مفاجات و ناگهانى بودن است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - يس - ۳۶ - ۴۹ - ۳

۳ - انقراض نسل بشر در دنيا و آغاز قيامت ، غافل گيرانه و در حالى خواهد بود كه همگان سرگرم جدال و كشمكش روزانه اند .

ما ينظرون إلّا صيحه وحده تأخذهم و هم يخصّمون

<يخصّمون> (از ماده <خصومت> و <خصام>)

به معنای جدال و کشمکش است و جمله <و هم یخصمون>، حال برای ضمیر مفعولی در <تأخذهم> است; یعنی، در حالی که آنان سرگرم جدال و کشمکش بر سر زندگی مادی اند، ناگهان صیحه سهمگین آنان را فراخواهد گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۶ - ۱،۲

۱ - هشدار الهی به ستم پیشگان غافل ، از وقوع ناگهانی قیامت

هل ینظرون إلّا الساعه أن تأتیهم بغته و هم لایشعرون

۲ - وقوع قیامت ، امری ناگهانی و بدون اطلاع مردمان

هل ینظرون إلّا الساعه أن تأتیهم بغته و هم لایشعرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۸ - ۳

۳- هشدار خداوند ، به سر رسیدن ناگهانی قیامت و غافلگیر شدن بشر

فهل ینظرون إلّا الساعه أن تأتیهم بغته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۸ - ۲

۲ - رستاخیز انسان ها ، یکباره و ناگهانی است . *

فإذا نقر فی الناقور

از این که رستاخیز انسان ها، با دمیده شدن در صور صورت می گیرد، می توان حقیقت یاد شده را به دست آورد.

نامه عمل در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۷ - ۱،۲

۱ خداوند در قیامت رفتار و عقاید آدمیان را به گونه ای دقیق و عالمانه برای آنان بیان خواهد کرد.

فلنقصن علیهم بعلم و ما کنا غائبین

حرف <باء> به معنای مصاحبت و ملابست است; یعنی: <فلنقصن علیهم مصاحبین و متلبسین بعلم. و نکره بودن <علم> دلالت بر عظمت آن علم دارد

که از آن به <دقیق بودن> تعبیر شد.

۲ خداوند در قیامت سرگذشت پیامبران را در ابلاغ رسالت به گونه ای دقیق برای آنان بیان خواهد کرد.

و لنسئلن المرسلین. فلنقصن علیهم بعلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۷ - ۱

۱ - در قیامت ، نامه اعمال دسته ای از مردم در دست راستشان خواهد بود .

و أصحب الیمین ما أصحب الیمین

<یمین> در مقابل <شمال> و به معنای دست راست است با توجه به آیه ۱۹ سوره <حاقه> (فأمّا من اُوتی کتابه بیمینه. ..) باید گفت: <أصحاب الیمین>; یعنی، آنان که نامه عمل خود را در دست راست دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۴۱ - ۱

۱ - در قیامت دسته ای از مردم ، نامه عملشان را در دست چپ خواهند داشت .

و أصحب الشمال ما أصحب الشمال

<شمال> (در مقابل <یمین>) به معنای دست چپ است. طبق آیه ۲۵ سوره <حاقه> (و أمّا من اُوتی کتابه بشماله فیقول یالیتنی لم اُوت کتابیه) اصحاب الشمال، کسانی اند که نامه عملشان در دست چپ آنان خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۹ - ۳،۵

۳ - هر انسانی ، دارای کارنامه و پرونده ای مستقل در محکمه عدل الهی

فأمّا من أُوتی کتبه بیمینه

۵ - شادمانی و رضایت مندی کامل مؤمنان بهشتی ، از نامه اعمال و کارنامه خویش در عرصه قیامت

فیقول هآؤُم اقرءوا کتبیه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – حاقه – ۶۹ – ۲۵ –

۱،۳،۶

۱ - نامه اعمال گروهی از اهل محشر ، به دست چپ آنان داده می شود .

و أمّا من أُوتی کتبه بشماله

۳ - هر انسانی ، دارای کارنامه و پرونده ای مستقل در محکمه عدل الهی

و أمّا من أُوتی کتبه بشماله

۶ - < عن أبی جعفر (ع) قال : . . . و أنزل فی الحاقّه ، < و أمّا من أُوتی کتابه بشماله فیقول یا لیتنی لم اُوت کتابیه . . . > فهذا مشرک ;

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: . ..خداوند در سوره <الحاقّه> می فرماید: (و أمّا من اُوتی کتابه بشماله فیقول یا لیتنی لم اُوت کتابیه...) این [کسی که کتابش را به دست چپش می دهند]مشرک است>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۰ - ۴،۵

۴ - بسته ماندن و باز شدن نامه اعمال انسان در قیامت ، در اختیار او نیست .

و إذا الصحف نشرت

مجهول بودن <نشرت>، گویای برداشت یاد شده است.

۵ - نامه های اعمال در قیامت ، بر اهل محشر پراکنده و پخش خواهد شد .

و إذا الصحف نشرت

<نشر> به معنای تفریق (پراکنده ساختن) آمده است (تاج العروس). مراد از <نُشرت>، در این معنا پراکنده شدن نامه ها بر صاحبان آن و رسیدن نامه عمل هر کس به دست او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۲ - ۳

۳ - پاداش و کیفر اعمال در قیامت ، براساس نامه عمل و کردار انسان در دنیا است .

يعلمون ما تفعلون

جلد - نام سوره - سوره - آيه

- فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۷ - ۱

۱ - برای هر انسان ، نامه عملی است که در قیامت آن را دریافت خواهد کرد .

فأمّا من أُوتی کتبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۰ - ۳

۳ - نامه عمل برخی از انسان ها در قیامت ، از پشت سرشان به آنان واگذار خواهد شد .

و أمّا من أُوتی کتبه وراء ظهره

از ضمیمه این آیه با آیه ای که از گرفتن نامه عمل با دست چپ سخن گفته است (الحاقه، آیه ۲۵)، به دست می آید که این گروه، نامه عمل خود را با دست چپ از پشت سر خود تحویل خواهند گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۱ - ۳

۳ - دریافت نامه عمل از پشت سر ، رمز و نشانه محکومیت در عرصه حسابرسی است .

فسوف یحاسب . .. فسوف یدعوا ثبورًا

تقابل دو گروه دریافت کننده نامه عمل، بیانگر این است که هر دو حسابرسی خواهند شد; ولی نتیجه آن در مورد آنان متفاوت است. بنابراین گرچه <فسوف یحاسب> تنها در مورد یک دسته آمده است; ولی دسته دیگر نیز به قرینه حرف <سوف> که بین گرفتن نامه عمل از پشت سر و فریاد واویلای شخص، فاصله ای را مفروض گرفته مورد محاسبه قرار خواهند گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۹ - ۴

۴ - کافران در آخرت ، نامه عمل خویش را با دست چپ ، دریافت خواهند کرد .

هم أصحب المشئمه

<سمت

چپ و راست> در قیامت، ممکن است به معنای حقیقی آن نباشد تا از وجود جایگاهی حکایت کند که دارای سمت چپ و راست است; بلکه کنایه از مطلبی باشد که در آیات دیگر قرآن، با صراحت آمده است. بدین صورت که برخی نامه عمل خود را با دست راست و برخی با دست چپ دریافت می کنند; در نتیجه دسته اول به <اصحاب الیمین> و <اصحاب المیمنه> نام گذاری شده و دسته دوم <اصحاب الشمال> و <اصحاب المشأمه>نام گرفته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۳ - ۴،۹

۴- خداوند اعمال انسان را در دنیا ثبت کرده و در قیامت ، به صورت کتابی گشوده در برابر او ظاهر خواهد ساخت .

و نخرج له یوم القیمه کتبًا یلقه منشورًا

۹- < عن النبی قال : الکتب کلّها تحت العرش فإذا کان یوم القیامه بعث الله تبارک و تعالی ریحاً تطیرها بالأیمان و الشمائل أوّل حرفه : < إقرأ کتابک کفی بنفسک الیوم علیک حسیباً > ;

از رسول خدا(ص) روایت شده است که فرمود: تمام نامه ها زیر عرش قرار دارند و آن گاه که روز قیامت فرا رسد، خداوند تبارک و تعالی بادی را برمی انگیزد تا آنها را به پرواز درآورد و به دستهای چپ و راست مردم برساند و اولین حرف آن کتاب این است: إقرأ کتابک کفی بنفسک الیوم علیک حسیباً>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۴ - ۱،۳،۵

۱- خداوند ، فراخوان انسان ها در قیامت ، به خواندن نامه عمل خویش

و نخرج

له یوم القیمه کتبًا . .. اقرأ کتبک

۳- حساب انسان در پرونده عمل وی در قیامت ، روشن و آشکار است .

کفی بنفسک الیوم علیک حسیبًا

از اینکه خداوند فرموده است: <خودت برای حسابرسی عمل خود کافی هستی> نشان می دهد که اعمال و حسابرسی آنها روشن و آشکار است و نیاز به تبیین از سوی کسی ندارد.

۵- < عن أبی عبدالله (ع) فی قوله : < اقرأ کتابک کفی بنفسک الیوم > قال : یذکر بالعبد جمیع ما عمل و ما کتب علیه حتی کأنه فعله تلک الساعه فلذلک قالوا : یا ویلتنا ما لهذا الکتاب لایغادر صغیره و لا کبیره إلّا أحصاها > ;

از امام صادق(ع) در باره سخن خدا <اقرأ کتابک کفی بنفسک الیوم> روایت شده است که فرمود: همه اعمالی که بنده انجام داده و بر او نوشته شده است به یادش می آورند; به گونه ای که گویی همان لحظه انجام داده است. پس بدین جهت گویند: یا ویلتنا ما لهذا الکتاب لایغادر صغیره و لا کبیره إلّا أحصاها>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۱ - ۹،۱۰،۱۱،۱۲،۲۲

۹- انسان ها ، عملکرد دنیوی خویش را در قیامت ، به صورت مجموعه ای ثبت شده و مکتوب دریافت می کنند .

فمن أُوتی کتبه بیمینه

۱۰- محاکمه انسان ها در قیامت ، بر اساس دلایل و اسناد مکتوب است .

ندعوا . .. فمن أُوتی کتبه بیمینه

۱۱- برخی از انسان ها پس از حضور در قیامت ، نامه اعمال خود را با دست راست خویش دریافت می کنند .

یوم ندعوا . .. فمن أُوتی کتبه

بیمینه

۱۲- در دست راست داشتن نامه عمل در قیامت ، نشانه سعادت و نیک فرجامی است .

فمن أوتی کتبه بیمینه فأُولئک یقرءون کتبهم و لایظلمون فتیلاً

۲۲- < عن أبی جعفر (ع) : . . . أمـا المؤمن فیعطی کتـابه بیمینه قال الله عزّوجلّ : . . . < من أُوتی کتابه بیمینه فأُولئک یقرؤن کتابهم . . . > . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شـده است: . .. اما مؤمن کتاب او به دست راسـتش داده می شود. خداونـد عزّوجلّ می فرمایـد:... <من أوتی کتابه بیمینه فأُولئک یقرؤن کتابهم...>...>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۴۹ – ۱

۱- در قیامت ، نامه عمل هر فرد ، در برابر دیدگان او نهاده شده ، آن را مشاهده خواهد کرد .

و وضع الکتب . .. و یقولون یویلتنا مال هذا الکتب

مقصود از <الکتاب> به قرینه جملات بعدی، نوشته هایی است که در آن، همه اَعمال آدمیان، ثبت و ضبط شده است. حرف <ال> در <وضع الکتاب>، برای استغراق اَفراد است، یعنی <کلّ کتاب>. در نتیجه، مراد این است که همه کتاب ها را در برابر دیدگان آحاد انسان ها قرار خواهند داد و هر فرد، کتاب خودش را ملاحظه خواهد کرد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۶۹ – ۵،۶،۹،۱۴

۵ – نامه اعمال همه بندگان در قیامت ، عرضه خواهد شد .

و وضع الکتب

<وضع> به معنـای نهـادن است و در این جـا کنـایه از عرضه شـدن می باشـد. <کتـاب> در آیه شـریفه به معنای نامه اعمال است.

- تمامی اعمال بندگان ثبت و درج شده و در قیامت به صورت نوشته ای ظاهر خواهد شد .

و وضع الکتب

۹ - احضار شاهدانی چند در عرصه قیامت برای گواهی دادن بر اعمال بندگان ، هنگام عرضه نامه اعمالشان

و الشهداء

<شهدا> جمع <شاهد> (گواه) است.

۱۴ - داوری خداوند میان بندگان در قیامت ، بر پایه مستندات پرونده اعمال ، گواهی پیامبران و گواهانی چند خواهد بود .

و وضع الکتب و جایء بالنبیّین و الشهداء و قضی بینهم بالحقّ و هم لایظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۸ - ۹

۹ - هر امّت ، دارای نامه عملی ویژه و گروهی ، در قیامت

کلّ أمّه تدعی إلی کتبها

بازگشت ضمیر <کتابها> به امت، ظهور در این معنا دارد که هر جامعه و امت به عنوان یک جمع و گروه کتاب و پرونده ای ویژه و مخصوص به خود دارد.

نامه عمل مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۱ - ۵

۵ - تکذیب قیامت ، در نامه عمل تکذیب کنندگان ثبت شده و براساس آن کیفر خواهند دید .

کتب مرقوم . ویل یومئذ للمکذّبین . الذین یکذّبون بیوم الدین

نامهای قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۹ – ۴

۴ خداوند ، همه مردم را در قیامت جمع خواهد کرد .

ربّنا انّک جامع الناس لیوم لا ریب فیه

بنابراینکه <لیوم> به معنای <فی یوم> باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ –

۴ - ۲۵

۴ قیامت ، یوم الجمع است .

فکیف اذا جمعناهم لیوم لا ریب فیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۵ - ۹

۹ < یوم القیمه > ، از اسامی روز جزای اعمال

و انّما توفّون اجورکم یوم القیمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۷ - ۱۴

۱۴ از علی (ع) روایت شده که : < و اما قوله تعالی : . . . > إلی یوم یلقونه بما أخلفوا اللّه ما وعدوه . . . یعنی البعث فسمّاه اللّه عز و جل لقائه ;

مراد از <یوم یلقونه> در آیه شریفه، روز رستاخیز است که خدای عز و جل آن را روز لقای خود نامیده است>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳۵ - ۵

۵- قیامت ، روز کیفر و جزا و < یوم الدین > از نام های آن است .

یوم الدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۵ - ۶

۶- < الساعه > از نام های قیامت

و إن الساعه لأتیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۶ - ۷

۷- < الساعه > از نام های قیامت است .

و ما أظنّ الساعه قائمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۹ - ۳

۳ - < یوم الحسره > (روز افسوس و دریغ) ، از اوصاف و نام های قیامت

است .

و أنذرهم یوم الحسره

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۷۵ – ۱۱

۱۱– < الساعه > ، از نام های قیامت است .

إمّا العذاب و إمّا الساعه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۵ – ۲

۲ – < ساعه > از اسامی قیامت است .

إنّ الساعه ءاتیه

<ساعه>، یعنی پاره ای از زمان. در بسیاری از آیات از قیامت با عنوان <ساعه> یاد شده است، به گونه ای که به صورت نام های مشهور قیامت در آمده است؛ این نام گذاری یا به خاطر این است که همه خلق در یک زمان محشور می شوند و یا به این جهت که زمان برپایی قیامت لحظه ای اندک است (اقتباس از لسان العرب).

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۴۹ – ۵

۵– ساعت ، از اسامی قیامت است .

و هم من الساعه مشفقون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۱۱ – ۵

۵ ساعت ، از نام های قیامت است .

کذّب بالساعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۲ - ۶

۶ - < یوم الدین > از نام های قیامت

أن یغفرلی خطیئتی یوم الدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۲ - ۴

۴ - < الساعه > از نام های قیامت است .

و یوم تقوم الساعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم -

۳۰ - ۱۴ - ۵

۵ - < الساعه > از نام های قیامت است .

و یوم تقوم الساعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۵ - ۴

۴ - < الساعه > از نام های قیامت

و یوم تقوم الساعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۶ - ۶

۶ - < یوم البعث > از نام های قیامت است .

إلی یوم البعث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۹ - ۹

۹ - < یوم الفتح > ، از نام های قیامت است . *

قل یوم الفتح لاینفع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۳ - ۸

۸ - < الساعه > از نام های روز قیامت است .

یسئلک الناس عن الساعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۳ – ۳

۳ – < الساعه > ، از نام های قیامت است .

و قال الذین کفروا لاتأتینا الساعه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۲۰ – ۶

۶ – < یوم الدین > از نام های قیامت

هذا یوم الدین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۲۱ – ۳

۳ – < یوم الفصل > از نام های قیامت

هذا یوم الفصل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۱۶ – ۴

۴ – < یوم الحساب > از نام های قیامت

یوم

الحساب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۲۶ – ۲۳

۲۳ – < یوم الحساب > از نام های قیامت

بما نسوا یوم الحساب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۵۳ – ۵

۵ – یوم الحساب ، از نام های قیامت

لیوم الحساب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۷۸ – ۶

۶ – یوم الدین ، از نام های قیامت

یوم الدین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۱۵ – ۱۴

۱۴ – < یوم التلاق > از نام های قیامت

یوم التلاق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۱۸ – ۳

۳ – < یوم الآزفه > از نام های قیامت

یوم الأزفه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۲۷ – ۱۳

۱۳ – < یوم الحساب > ، از نام های قیامت

لایؤمن بیوم الحساب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۳۲ – ۶،۷

۶ – < یوم التناد > از نام های قیامت

یوم التناد

۷ – < عن أبی عبدالله (ع) قال : . . . < یوم التناد > یوم ینادی أهل النار أهل الجنّه أن أفیضوا علینا من الماء أو ممّا رزقکم اللّه . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده فرمود: <یوم التناد> روزی است که دوزخیان بهشتیان را صدامی زنند که از فیض آب ها یا آنچه را خدا به شما عطافرموده

ما را مستفیض کنید. ..>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۴۶ – ۱۱

۱۱ – < الساعه > ، از نام های قیامت

یوم تقوم الساعه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۵۹ – ۵

۵ – < الساعه > ، از نام های قیامت

الساعه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۴۷ – ۴

۴ – < الساعه > ، از نام های قیامت

إلیه یردّ علم الساعه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۵۰ – ۹

۹ – < الساعه > از اسامی قیامت

و ما أظنّ الساعه قائمه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۷ – ۱۷

۱۷ – < یوم الجمع > از نام های قیامت است .

و تنذر یوم الجمع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۷ - ۱۳

۱۳ - < الساعه > ، از نام های قیامت است .

لعلّ الساعه قریب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۸ - ۱۰

۱۰ - < الساعه > از نام های قیامت است .

یمارون فی الساعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۱ - ۶

۶ - < ساعت > ، نامی از نام های قیامت

و إنّه لعلم للساعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۶ - ۳

۳ - ساعت

، نامی از نام های قیامت

هل ینظرون إلّا الساعه أن تأتیهم بغته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۵ - ۶

۶ - < ساعه > ، نامی از نام های قیامت

و عنده علم الساعه و إلیه ترجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۰ - ۵

۵- < یوم الفصل > ، از نام های روز قیامت است .

إنّ یوم الفصل میقتهم أجمعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۷ - ۶

۶ - < الساعه > ، از نام های قیامت

و یوم تقوم الساعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۲ - ۶

۶ - < الساعه > ، از نام های قیامت

و الساعه لاریب فیها . .. ما ندری ما الساعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۸ - ۵

۵- < الساعه > از نام های قیامت

فهل ینظرون إلاّ الساعه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۲۰ – ۵

۵ < یوم الوعید > از نام های قیامت

و نفخ فی الصور ذلک یوم الوعید

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – نجم – ۵۳ – ۵۷ – ۳

۳ – < آزفه > از نام های قیامت

أزفت الأزفه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۱ – ۴

۴ – < الساعه > از نام های قیامت

اقتربت الساعه

جلد – نام سوره

– سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۱ – ۲

۲ – < واقعه > ، از نام های قیامت

إذا وقعت الواقعه

در آیه شریفه، کلمه <الواقعه> به صورت مطلق و بدون ذکر موصوف یا تقدیر آن آورده شده است. این گونه تعبیر نشان می دهد که این واژه در قرآن عَلَم برای قیامت است; مانند واژه های دیگری که به همین صورت ذکر شده اند (نظیر الحاقه، القارعه و القاشیه>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۵۶ – ۴

۴ – < یوم الدین > ، از نام های قیامت

هذا نزلهم یوم الدین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – تغابن – ۶۴ – ۹ – ۴،۶

۴ – < یوم الجمع > ، از نام های قیامت

لیوم الجمع

۶ – < یوم التغابن > ، از نام های قیامت

ذلک یوم التغابن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – حاقه – ۶۹ – ۱ – ۲

۲ – < الحاقّه > ، از نام های قیامت

الحاقّه

مراد از <الحاقّه> به گفته تمامی مفسران قیامت و از نام های آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲ - ۳

۳ - < الحاقه > ، از نام های قیامت

ما الحاقّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴ - ۴

۴ - < القارعه > ، از نام های قیامت

بالقارعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۵ - ۳

۳ -

< واقعه > ، از نام های قیامت

فیومئذ وقعت الواقعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۲۶ - ۴

۴ - < یوم الدین > ، از نام های قیامت

بیوم الدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۶ - ۴

۴ - < یوم الدین > ، از نام های قیامت

بیوم الدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۳ - ۳

۳ - < یوم الفصل > ، از نام های قیامت

لیوم الفصل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۸ - ۳

۳ - < یوم الفصل > ، از نام های قیامت

هذا یوم الفصل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۷ - ۳

۳ - < یوم الفصل > از نام های قیامت

إنّ یوم الفصل کان میقتًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۴ - ۲

۲ - < الطامّه الکبری > ، از اسامی قیامت

الطامّه الکبری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۲ - ۲

۲ - < الساعه > ، از نام های قیامت

یسئلونک عن الساعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۳ - ۴

۴ - < صاخّه > ، از نام های قیامت است .

فإذا جاءت الصاخّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۴ - ۳

- < جحیم > ، از نام های جهنم است . *

لفی جحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۵ - ۳

۳ - < یوم الدین > ، از نام های قیامت است .

یوم الدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۷ - ۳

۳ - < یوم الدین > ، از نام های قیامت است .

و ما أدریک ما یوم الدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۸ - ۳

۳ - < یوم الدین > ، از نام های قیامت است .

ثمّ ما أدریک ما یوم الدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۱ - ۶

۶ - < یوم الدین > ، از نام های قیامت است .

بیوم الدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۲ - ۲

۲ – < اليوم الموعود > ، از نام های قیامت

و اليوم الموعود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – غاشیه – ۸۸ – ۱ – ۵

۵ – < غاشیه > از نام های قیامت

الغشیه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – قارعه – ۱۰۱ – ۱ – ۲

۲ – < القارعه > ، از نام های قیامت

القارعه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – قارعه – ۱۰۱ – ۲ – ۲

۲ – < القارعه > ، از نام های قیامت

ما القارعه

جلد – نام سوره – سوره – آیه

– فیش

۲۰ – قارعه – ۱۰۱ – ۳ – ۴

۴ – < القارعه > ، از نام های قیامت

و ما أدریک ما القارعه

نجات از اندوه در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۱۲ – ۸

۸ – نجات آدمی از ترس و اندوه صحنه قیامت ، در گرو تسلیم شدن در برابر خدا و انجام دادن اعمال نیک در دنیاست .

من أسلم . .. ولا خوف علیهم و لا هم یحزنون

نجات از اهوال قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – معارج – ۷۰ – ۱۰ – ۳

۳ – کارساز نبودن استمداد از دیگران ، حتی از خویشان و صمیمی ترین دوستان ، برای رهایی از مشکلات و حوادث تلخ روز محشر

و لایسئل حمیم حمیًما

درخواست و سؤال نکردن از یکدیگر در قیامت، ممکن است به سبب بی فایده بودن آن باشد.

نجات از ترس در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۱۲ – ۸

۸ – نجات آدمی از ترس و اندوه صحنه قیامت ، در گرو تسلیم شدن در برابر خدا و انجام دادن اعمال نیک در دنیاست .

من أسلم . .. ولا خوف عليهم و لا هم يحزنون

نجواکنندگان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۷ - ۹،۱۰

۹ - نجواکنندگان ، در برابر نجواهایشان مسؤول بوده و در قیامت باید در برابر خداوند پاسخگو باشند .

ما یکون من نجوی . .. ثمّ ینبّئهم بما عملوا یوم القیمه

۱۰ - خداوند ، گفتوگو های

محرمانه نجواکنندگان را ، در قیامت به آنان خبر خواهد داد .

ثمّ ینبّئهم بما عملوا یوم القیمه

ندا در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۴ - ۷

۷ ندا دهنده ای در قیامت مأمور اعلام گرفتاری ظالمان به لعنت خداوند است .

فاذن مؤذن بینهم أن لعنه اللّه علی الظلمین

ندای منادی قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۱ - ۲

۲ - قیامت ، روز ندای منادی حق ، از مکانی نزدیک به آدمیان

یوم یناد المناد من مکان قریب

نزدیکی قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۴ - ۵

۵ تا برپایی قیامت ، تنها زمانی اندک باقی مانده است .

و ما نؤخّره إلّا لأجل معدود

کلمه <معدود> (شمارش دار) به اندک بودن تعداد اشاره دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۷ - ۵

۵- نزدیکی برپایی قیامت در نظر خداوند ، علی رغم دور جلوه کردن آن در چشم آدمیان

و ما أمر الساعه إلّا کلمح البصر أو هو أقرب

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مراد از <أمر الساعه> رخداد قیامت باشد نه فرمان برپایی آن; که در این صورت آیه می تواند به بینش آدمیان نسبت به دور بودن قیامت اشاره داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۱ - ۲۱

۲۱- زمان وقوع قیامت ، نزدیک است .

و یقولون متی هو قل عسی أن یکون قریبًا

جلد - نام سوره -

سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۹۷ – ۱

۱– تحقق وعده راستین خداوند به برپایی قیامت ، نزدیک است .

و اقترب الوعد الحقّ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۴۶ – ۱۷

۱۷ – قیامت ، نزدیک است .

إن هو إلّا نذیر لکم بین یدی عذاب شدید

نفس انـذار و صـفت <شدیـد>، می رسانـد که مراد از <عذاب> در آیه عذاب قیامت است و <بین یدی> به معنای قبل با وصف نزدیک بودن بعد آن است; بنابراین، معنا چنین می شود: انذار کننده از عذابی شدید قبل از وقوع آن.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۱۸ – ۲

۲ – قیامت ، روزی است قریب الوقوع .

یوم الأزفه

<الآزفه> اسم فاعل از فعل <أزِفَ به معنای <قَرُبَ> می باشد. <یوم الآزفه>; یعنی، روز نزدیک شونده.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۸۹ – ۶

۶ – قیامت ، آینده ای محتوم و نه چندان دور

فسوف یعلمون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۷ - ۱،۲

۱ - قیامت ، لحظه ای نزدیک و هماره در حال نزدیک تر شدن

أزفت الأزفه

<آزفه> به معنای نزدیک شونده است. بنابراین <أزفت الأزفه>; یعنی، آن نزدیک شونده، نزدیک شد.

۲ - توجه دادن خلق به نزدیکی قیامت ، از انذار های مهم پیامبران

هذا نذیر من النذر . .. أزفت الأزفه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱ - ۱

۱ - لحظه قیامت

، بس نزدیک و حتمی الوقوع

اقتربت الساعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۱ - ۱

۱ - هشدار الهی ، به دور نبودن لحظه حسابرسی خلق و برپایی قیامت

سنفرغ لکم أیّه الثقلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۸ - ۸

۸ - روز برخورداری انسان از نتایج اعمال خویش (قیامت) ، چون فردا نزدیک است .

و لتنظر نفس ما قدّمت لغد

کاربرد واژه <غد> برای <قیامت>، بیان کننده معنای یاد شده است; چرا که نزدیک ترین روز به انسان <فردا> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مسد - ۱۱۱ - ۳ - ۳

۳ - قیامت ، نزدیک و گرفتاری ثروتمندان مخالف دین به آتش دوزخ ، حتمی است .

سیصلی

حرف <سین> در <سیصلی> در تهدید به کار رفته و بر حتمی بودن دلالت دارد (کشاف). در تفاوت <سین> و <سوف> گفته شده است: <سین> بر استقبال نزدیک دلالت دارد.

نزول ملائکه در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۵ - ۱،۴،۶

۱ شکافته شدن آسمان ، در آستانه برپایی قیامت و نزول فرشتگان از آن ، حادثه ای در خور تأمل و یاد و یادآوری

و یوم تشقّق السماء بالغمم و نزّل الملئکه تنزیلاً

برداشت فوق، مبتنی بر این است که <یوم> متعلق به فعلی محذوف (همچون <اذکر>) باشد.

۴ با شکافته شدن آسمان در آستانه بر پایی قیامت ، فرشتگان بر اهل زمین فرود خواهند آمد .

و یوم تشقّق السماء بالغمم و نزّل الملئکه تنزیلاً

۶

فرود ملائکه از آسمان به زمین در آستانه قیامت ، فرودی به دور از انتظار و شگفت آور

و نزّل الملئکه تنزیلاً

<تنزیلاً> مفعول مطلق برای <نزل> و به منظور بیان نزولی خاص و شگفت آور می باشد.

نشانه های امت ها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۶ - ۵،۶

۵ امت ها و گروه های موجود در صحنه قیامت ، چه بهشتی و چه دوزخی ، هر کدام دارای علایمی مخصوص به خویش

و علی الاعراف رجال یعرفون کلاً بسیمهم

کلمه <سیما> به معنای علامت و نشانه است.

۶ اصحاب اعراف ، هر یک از امت ها و دسته های موجود در صحنه قیامت را با نشانه های مخصوصشان خواهند شناخت .

یعرفون کلاً بسیمهم

نشانه های ایمان به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۲ - ۱۰

۱۰ - پذیرش موعظه های الهی و عمل به آنها ، نشانه ایمان به خدا و روز قیامت است .

ذلکم یوعظ به من کان یؤمن باللّه و الیوم الأخر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۲ - ۶

۶ - یتیم نوازی ، لازمه پذیرش روز جزا و نشانه کام یابی در آن است .

یکذّب بالدین . فذلک الذی یدعّ الیتیم

نشانه های تکذیب قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۴۸ – ۳

۳ – ترک نماز (رکوع و فروتنی در برابر خداوند) ، نشانه کفر و تکذیب روز جزا

و إذا قیل لهم ارکعوا لایرکعون

برداشت

یاد شـده، با توجه به این نکته است که این آیه، درصـدد بیان ویژگی های تکـذیب گران است و در این راسـتا، نماز نگزاردن آنان را مطرح کرده است.

نشانه های قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۴۸ – ۲،۵

۲– دگرگونی اساسی آسمان و زمین و تبدیل نظام کنونی آنها به نظامی دیگر ، در آستانه برپایی قیامت

یوم تبدّل الأرض غیر الأرض و السموت و برزوا لله

۵– تبدیل نظام کنونی جهان (آسمان و زمین) به نظامی متناسب با حیات جاودانه اخروی انسان در آستانه برپایی قیامت

یوم تبدل الأرض غیر الأرض و السموت

السـموات) ممکن است پاسخ این سؤال باشد که: چگونه ممکن است انسان در آخرت حیات جاودانه ای داشـته باشد و مواجه با مرگ نشود؟ قرآن پاسخ می دهد: نظام کنونی جهان متناسب با شـرایط زندگی جاودانه دگرگون می شود و به نظامی کاملاً متفاوت تغییر می یابد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱ – ۱۱

۱۱– < قال رسول الله (ص) : . . . قبل الساعه سحابه سوداء . . . ثم ینادی مناد : أیّها الناس < أتی أمر الله فلاتستعجلوه > ;

رسول خـدا(ص) فرمود: . .. قبـل از روز قیـامت ابر سـیاهی ظاهر می شود ... سـپس منادیی نـدا می کنـد: ای مردم! أتی أمر الله فلاتستعجلوه>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۵۸ – ۱،۲،۳،۴

۱– تمامی شهر ها و تمدن ها و جوامع بشری ، قبل از قیامت ، توسط خداوند

یا به کلی نابود و یا به وسیله عذابی ، به ویرانی کشیده خواهد شد .

و إن من قریه إلّا نحن مهلکوها قبل یوم القیمه

<قریه> در لغت به معنای مجتمع و محل سکونت است و بر اعم از روستا و شهر اطلاق می شود (برگرفته از لسان العرب).

۲- سرنوشت همه انسان ها ، قبل از فرا رسیدن قیامت ، مرگ و میر است .

و إن من قریه إلّا نحن مهلکوها قبل یوم القیمه أو معذّبوها عذابًا شدیدًا

هلاـکت و عـذاب الهی، هر دو کنـایه از مرگ است و بیان این حقیقت، شایـد از این جهت باشـد که همه انسانها قبل از قیامت می میرند منتهی صالحان با مرگ طبیعی و کافران با عذاب خواهند مرد.

۳- گرفتاری به عذاب استیصال پیش از فرا رسیدن قیامت ، سرنوشت محتوم همه اقوام و جوامع کافر و مشرک حق ستیز است .

و إن من قریه إلّا نحن مهلکوها قبل یوم القیمه

اینکه آیه می فرمایـد: همه جوامع بشـری قبل از قیامت یا هلاک می شونـد و یا دچار عـذاب می شوند احتمال دارد که مراد از <مهلکوها> هلاکت انسانهای معمولی و مراد از <معذّبوها> عذاب کافران و مشرکان باشد.

۴- ویرانی شـهر ها و مرگ و میر همه مردمان قبل از قیامت ، امری حتمی ، غیر قابل تغییر و نوشـته شـده در کتاب تقـدیر الهی است .

کان ذلک فی الکتب مسطورًا

<ال> در <الکتاب> برای معرفه و عهد است و مراد از آن، لوح محفوظ و کتاب تقدیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۷ - ۲،۳

۲- در آستانه بروز قیامت ، کوه

ها جابه جا شده و صفحه زمین مسطّح می شود .

و یوم نسیّر الجبال و تری الأرض بارزه

<نسیّر> (از ماده سیر) یعنی <حرکت می دهیم> و <بارزه> به معنای <ظاهر و آشکار> است. چون در قیامت، کوه ها، از جا کنده می شوند و ناهمواری های زمین از بین می رود، همه جای آن دیده شده و هیچ مانعی در برابر دید وجود ندارد.

۳- در آستانه قیامت و حشر آدمیان ، سیستم جغرافیایی و زیستی زمین ، تغییر می کند .

و یوم نسیّر الجبال و تری الأرض بارزه و حشرنهم

روشن است که به حرکت درآمدن کوه ها و هم سطح شدن پوسته زمین، شرایط جدیدی را در زمین ایجاب خواهد کرد و شرایط کنونی از بین خواهد رفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۸ - ۹،۱۱

۹- موانع هجوم یأجوج و مأجوج به همسایگان خود ، در آستانه قیامت ، منهدم خواهد شد .

فإذا جاء وعد ربّی جعله دکّاء

۱۱- به هنگام برپایی قیامت ، تمامی استحکامات روی زمین با خاک یک سان خواهد شد .

فإذا جاء وعد ربّی جعله دکّاء

آنچه ذوالقرنین درباره فرجام سدّ، بازگو کرد، سرچشمه در آگاهی او از انهدام جهان هنگام برپایی قیامت دارد، گرچه ممکن است در خصوص سد نیز از خداوند به او وعده خاصّی رسیده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۹ - ۱،۲،۷

۱- خداوند در آستانه قیامت ، مردم را به حال خود ر ها خواهد کرد و آنان با یورش های سیل آسا به هم ، به جنگی جهانی مبتلا

خواهند شد .

و ترکنا بعضهم یومئذ یموج فی بعض

<ترکنا> عطف بر <جعله دکّاء> است. بنابراین، مضمون <و ترکنا> نیز مربوط به حوادث قبل از قیامت است و <یومئذ> نیز بر این مبنا، روزهای نزدیک به قیامت خواهد بود. ضمیر <بعضهم> به مرجعی معنوی، مانند <الناس> باز می گردد و مراد از <یموج فی بعض> داخل شدن برخی بر برخی دیگر است که شاید اشاره به هجوم و تجاوزگری گروهی از انسان ها به گروهی دیگر باشد.

۲- یأجوج و مأجوج ، در آستانه قیامت (آخرالزمان) به حمله و هجوم علیه دیگر انسان ها خواهند پرداخت .

و ترکنا بعضهم یومئذ یموج فی بعض

ممکن است این آیات، در صدد پیش گویی برخی حوادث آخرالزمان و اشراط الساعه باشد. عبارت های <إذا جاء وعد ربّی> و <نفخ فی الصور> جملگی، قرائن این معنا هستند. لذا جمله <ترکنا...> بیان کننده برخی از همان اشراط الساعه خواهد بود; یعنی، در آن هنگام (و در پی متلاشی شدن سد ذوالقرنین) برخی مردم، موجب اضطراب برخی دیگر می شوند. و با توجه به این که سد، در برابر یأجوج و مأجوج بوده است، محتمل است، این اضطراب، از ناحیه هجوم و حمله آنان باشد.

۷- ویرانی سدّ ذوالقرنین ، از علایم نزدیکی قیامت است . *

فإذا جاء وعد ربّی جعله دکّاء . .. و نفخ فی الصور فجمعنهم جمعًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۵ - ۱،۴

۱ - نظام زمین و جغرافیای آن در آستانه قیامت ، دچار دگرگونی عمیقی خواهد شد .

و یسَلونک عن الجبال فقل ینسفها ربّی

پرسش مردم از پیامبر(ص) در

باره سرنوشت کوه ها در قیامت، گواه آن است که برهم خوردن نظام فعلی جهان، به صورت ارتکازی و یا با استفاده از آیات دیگر در اذهان مردم، امری مسلّم فرض گردیده است; ولی عظمت کوه ها این سؤال را برای آنان پدید آورده که <سرنوشت آنها چگونه خواهد بود؟>

۴ - تمامی کوه های زمین ، در آستانه قیامت ریشه کن و متلاشی خواهند شد .

و یسَلونک عن الجبال فقل ینسفها ربّی نسفًا

<نسف> به معنای ریشه کن کردن و از هم پاشیدن است (مصباح).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۶ - ۱،۲،۳

۱ - کوه ها در قیامت ، به زمین هموار و مسطح تبدیل خواهند شد .

عن الجبال . .. فیذرها قاعًا صفصفًا

<قاع> به معنای زمین صاف و مسطحی است که در آن درخت نروید و <صفصف> به معنای زمین همواری است که امکان روییدن هیچ گیاهی در آن نباشد (لسان العرب).

۲ - جغرافیای زمین در آستانه قیامت ، دچار دگرگونی های بزرگی خواهد شد .

الجبال . .. ینسفها ... قاعًا صفصفًا

از بین رفتن پستی ها و بلندی ها، نشان از تحولِ عظیم در روی زمین در آستانه قیامت دارد.

۳ - سطح زمین در آستانه قیامت ، خالی از هرگونه گیاه و روییدنی خواهد بود .

فیذرها قاعًا صفصفًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۷ - ۲

۲- هجوم یأجوج و مأجوج ، از علایم نزدیکی برپایی قیامت است .

حتّی إذا فتحت یأجوج . .. و اقترب الوعد الحقّ

ماجرای یأجوج و مأجوج مربوط به دوره آخرالزمان است. بنابراین ذکر

مسأله برپایی قیامت پس از این ماجرا، بیانگر این است که این ماجرا از علایم برپایی قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۴ - ۳

۳- فروپاشی نظام کنونی طبیعت ، در آستانه برپایی قیامت

یوم نطوی السماء کطیّ السجلّ للکتب

با در هم پیچیده شدن آسمان، نظم کنونی آن هم در هم پیچیده خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱ - ۷

۷- وقوع زلزله بسیار بزرگ و هولناك در جهان طبیعت (زمین و . . .) ، در آستانه برپایی قیامت

إنّ زلزله الساعه شیء عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲ - ۱۰

۱۰- زلزله ویرانگر و نابود کننده زمین در آستانه برپایی قیامت ، جلوه ای از عذاب قهر خداوند

إنّ زلزله الساعه شیء عظیم. .. و ما هم بسکری و لکنّ عذاب اللّه شدید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷ - ۱۰

۱۰ - < عن أبی عبداللّه (ع) قال : إذا أراد اللّه عزّوجلّ أن یبعث الخلق أمطر السماء علی الأرض أربعین صباحاً فاجتمعت الأوصال و نبتت اللحوم ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که زمانی که خدای عزّوجلّ اراده کند که خلق را برانگیزد (زنده کند)، چهل روز از آسمان باران می باراند. پس اندام ها جمع می شود و گوشت ها[بر آنها]می روید>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۲۵ – ۱،۲،۴

۱

شکافته شدن آسمان ، در آستانه برپایی قیامت و نزول فرشتگان از آن ، حادثه ای در خور تأمل و یاد و یادآوری

و یوم تشقّق السماء بالغمم و نزّل الملئکه تنزیلاً

برداشت فوق، مبتنی بر این است که <یوم> متعلق به فعلی محذوف (همچون <اذکر>) باشد.

۲ آسمان به همراه ابر ها ، در آستانه برپایی قیامت شکافته خواهد شد .

یوم تشقّق السماء بالغمم

برداشت فوق، مبتنی بر این است که <با> در <بالغمام> برای ملابست باشد; مثل <رکب الامیر بسلاحه; امیر همراه سلاحش بر مرکب خود سوار شد>.

۴ با شکافته شدن آسمان در آستانه بر پایی قیامت ، فرشتگان بر اهل زمین فرود خواهند آمد .

و یوم تشقّق السماء بالغمم و نزّل الملئکه تنزیلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۸ - ۱۳،۱۴،۱۵،۱۶

۱۳ - از هم پاشیده شدن نظام طبیعت ، در آستانه برپایی قیامت

و تری الجبال تحسبها جامده و هی تمرّ مرّ السحاب

با توجه به این که کوه ها، مظهر صلابت و پایداری اند، مطرح شدن حرکت آنها در فضا، می تواند نمادی برای بیان فروپاشی نظام طبیعت و کره خاکی باشد.

۱۴ - فروپاشی نظام طبیعت در آستانه قیامت ، امری حساب شده و قانونمند و نه اتفاقی و بدون دلیل

و هی تمرّ مرّ السحاب صنع اللّه الذی أتقن کلّ شیء

بنابراین فرض که آیه بالا، اشاره به حوادث بعد از نفخ صور داشته باشد، از ارتباط <و تری الجبال. ..> با <صنع اللّه...> می توان مطلب یاد شده را استفاده کرد.

۱۵ - ویرانی نظام عالم در آستانه قیامت ، مقدمه شکل گیری جدید و متقن آن

و

یوم ینفخ فی الصور . .. و تری الجبال ... صنع اللّه الذی أتقن کلّ شیء

در صورتی که آیه بالا نظر به حوادث پایانی جهان داشته باشد; در پی آمدن <صنع اللّه الذی أتقن کلّ شیء> می تواند از آن جهت باشد که کسی گمان نکند که فروپاشی جهان، پایان کار است و هستی به پوچی می انجامد; بلکه باید بداند که این ویرانی، خزانی است برای بهاری دیگر.

۱۶ - رخداد های جهان بر اثر نفخ صور ، زمینه ساز برپایی قیامت و حسابرسی آدمیان ، براساس علم دقیق خداوند به اعمال آنان

و یوم ینفخ فی الصور. .. و تری الجبال... إنّه خبیر بما تفعلون

برداشت یاد شده بنابراین فرض است که <تری الجبال. ..> ادامه <یوم ینفخ فی الصور...> و بیانگر حوادث جهان در پی دمیده شدن در صور باشد. بنابراین جمله پایانی آیه (إنّه خبیر بما تفعلون) می رساند که قیامت، برای حسابرسی است و این کار متکی به علم دقیق الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۵ - ۱۰

۱۰ - آسمان و زمین (هستی) ، قبل از برپایی قیامت ، فرو می ریزند .

تقوم السماء و الأرض بأمره ثمّ . .. إذا أنتم تخرجون

<ثمّ> برای تراخی است و آورده شدن آن بین دو جمله ای که یکی درباره ثبات عالم و دیگری احیای مردگان در قیامت است، نشان می دهد که باید حادثه ای پس از قوام و ثبات عالم رخ بدهد و آنگاه فرمان حیات صادر شود. آن حادثه، به تناسب مقام، می تواند فروپاشی عالم باشد.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۹ - ۲

۲ - برپایی قیامت ، پس از یک صیحه و فریاد مرگ بار آغاز می شود .

و یقولون متی هذا الوعد . .. ما ینظرون إلاّ صیحه وحده تأخذهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۳ - ۱،۲

۱ - نفخ صور در قیامت ، تنها یک صیحه عظیم و صدای سهمگین است .

و نفخ فی الصور . .. إن کانت إلاّ صیحه وحده

اسم <کانت> به قرینه مقام که در دو آیه پیش سخن از نفخ صور بود <نفخه> می باشد.

۲ - همه انسان ها در قیامت ، تنها با یک صیحه عظیم زنده و به پیشگاه پروردگارشان حاضر خواهند شد .

إن کانت إلاّ صیحه وحده فإذا هم جمیع لدینا محضرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۱ - ۲

۲ - ظهور عیسی (ع) ، نشانه قطعی بر وقوع قیامت

و إنّه لعلم للساعه

برداشت بالا بدین احتمال است که آیه ناظر به حضور مجدد عیسی(ع) در آخرالزمان بر روی زمین باشد. که در این صورت مفاد آیه شریفه این خواهد بود که ظهور عیسی(ع) از <اشراط الساعه> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۰ - ۴،۵،۷

۴- آکنده شدن فضا از دودی تیره و غلیظ ، در آستانه برپایی قیامت

فارتقب یوم تأتی السماء بدخان مبین

بنابراین که آیه شریفه، در مورد علایم روز قیامت باشد، برداشت بالا به دست می آید.

۵- نفوذ دود های غلیظ به

جو زمین از سمت آسمان ، در قیامت [و یا در آستانه آن]

یوم تأتی السماء بدخان مبین

در صورتی که آیه شریفه مربوط به قیامت باشد; از تعبیر <تأتی السماء> استفاده می شود که منشأ و خاستگاه آن دودها، فضا است; نه این که از دل زمین پدید آمده باشد.

۷- < و اختلف فی الدخان ، فقیل ، إنّه دخان تأتی من السماء قبل قیام الساعه یدخل فی أسماع الکفره حتّی یکون رأس الواحد کالرأس الحنیذ و یعتری المؤمن منه کهیئه الزکام و تکون الأرض کلّها کبیت أوقد فیه لیس فیه خصاص یمدّ ذلک أربعین یوماً روی ذلک عن علی (ع) . . . ;

از امام علی(ع) درباره پیدایش دود آشکار در قیامت روایت شده است: این دود در آسمان قبل از برپایی قیامت آشکار می شود و در گوش های کافران فرومی رود; به طوری که سر آنان مثل سر کباب شده (سوخته شده) خواهد شد. ولی این دود مؤمنان را به حالت زکام درمی آورد و زمین در آن روز مثل خانه ای می گردد که در آن، آتش افروخته اند و در آن روزنه ای نیست و آن دود چهل روز طول می کشد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۱ - ۴

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۱ - ۴

۴- تیرگی تمام جهان ، در آستانه قیامت *

یغشی الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۸ - ۷،۱۲

۷- بعثت پیامبر خاتم (ص

) و نزول قرآن ، از نشانه های تحقق حتمی قیامت *

فقد جاء أشراطها

به قرینه آیات پیشین و به میان آمدن نام پیامبر(ص) و استماع کلمات وحی از آن حضرت (من یستمع إلیک. ..)، احتمال دارد مراد از شرایط قیامت، آمدن پیامبرخاتم(ص) و قرآن باشد.

۱۲- < عن عبداللّه بن عباس قال حججنا مع رسول اللّه (ص) حجه الوداع . . . فقال : ألاـ أخبرکم بأشراط الساعه ؟ و کان أدنی الناس منه یومئذ سلمان ره فقال بلی یا رسول اللّه ! فقال (ص) : إنّ من أشراط القیامه إضاعه الصلوات و اتّباع الشهوات و المیل إلی الأهواء و تعظیم أصحاب المال و بیع الدین بالدنیا . . . ;

عبداللّه بن عباس می گوید: در آخرین حج رسول خدا(ص) همراه ایشان حج گذاردیم . .. آن حضرت فرمود: آیا شما را از نشانه های قیامت آگاه نسازم؟ نزدیک ترین مردم به آن حضرت، در آن روز سلمان(ره) بود، که گفت: آری ای رسول خدا! حضرت فرمود: از نشانه های قیامت بی توجهی به نماز، پیروی از شهوات، توجه به خواسته های نفسانی، ارزش گذاشتن به صاحبان مال، فروختن دین به دنیا و... است>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۰ - ۱

۱ دمیده شدن در < صور > سرآغاز شکل گیری رستاخیز

و نفخ فی الصور ذلک یوم الوعید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۹ - ۱،۲

۱ - حرکت سریع و بی سابقه اجرام آسمانی ، در آستانه رخداد قیامت

یوم تمور السّماء مورًا

<مور>

(مصدر <تمور>) در معانی <حرکت سریع> و <اضطراب و ناآرامی> به کار می رود. برداشت بالاـ با توجه به معنای نخست آن است.

۲ – تحولات شگفت و ناهنجار در نظام طبیعت ، در آستانه رستاخیز

یوم تمور السّماء مورًا

برداشت یاد شده بر این اساس است که <تمور> در معنای اضطراب و ناآرامی به کار رفته باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۱۰ – ۲،۳

۲ – به حرکت در آمدن کوه ها ، در آستانه رستاخیز

و تسیر الجبال سیرًا

۳ – حرکت کوه های زمین در آستانه رستاخیز ، حرکتی عجیب و نامعهود

و تسیر الجبال سیرًا

مفعول مطلق <سیراً>، می تواند اشاره به مطلب بالا داشته باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۱۱ – ۱

۱ – برپایی قیامت ، در پی تحولات عظیم و دگرگونی نظام هستی

یوم تمور . .. و تسیر الجبال ... فویل

تفریع <فویل> بر حوادث مطرح شده در آیات پیشین، بیانگر مطلب بالا است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۱ – ۷،۸،۹

۷ – < شق القمر > ، از نشانه های نزدیکی هر چه بیشتر وقوع قیامت

اقتربت الساعه و انشقّ القمر

۸ – بعثت پیامبر خاتم (ص) ، نشانی از نزدیکی رخداد قیامت

اقتربت الساعه و انشقّ القمر

<شق القمر> از معجزات ویژه پیامبراکرم(ص) است. در حقیقت خداوند، معجزه آن حضرت را که حاکی از حقانیت رسالت پیامبر(ص) و تحقق عصر خاتمیت است نشان نزدیکی قیامت معرفی کرده است.

۹ – رخداد < شق القمر > ، نمودی از

تحولات مهم جهان در آستانه قیامت *

اقتربت الساعه و انشقّ القمر

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <انشقّ القمر> از آن جهت در پی <اقتربت الساعه> یاد شده باشد که انسان ها بدانند همان گونه که در عصر پیامبر <شق القمر> صورت گرفت، این گونه تحولات عظیم در آستانه قیامت نیز رخ خواهد داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۷ - ۱،۲،۳

۱ - شکافته شدن آسمان و از هم پاشیدن آن ، در آستانه قیامت

فإذا انشقّت السّماء

<انشقاق> به معنای شکافته شدن و در مورد آسمان به معنای درهم ریختن نظم کنونی اجرام است.

۲ - سرخ شدن آسمان و شباهت پیدا کردن آن به چرمی گلگون ، به هنگام فروپاشی در آستانه قیامت

فإذا انشقّت السّماء فکانت ورده کالدهان

<ورده> به معنای گل سرخ و <دهان> به معنای چرم قرمز است. بنابراین <کانت ورده کالدهان>; یعنی، همانند چرم گلگون سرخ خواهد شد.

۳ - ذوب شدن اجرام آسمانی چون روغن گداخته ، به هنگام فروپاشی در آستانه قیامت

فإذا انشقّت السّماء فکانت ورده کالدهان

برداشت یاد شده در صورتی است که <دهان> به معنای روغنی باشد که در نتیجه گداختن به رنگ گل سرخ در آمده است (چنان که عده ای از مفسران برآنند) برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۹ - ۲

۲ - برپایی قیامت ، پس از تحوّلات عظیم در نظام طبیعت و فروپاشی آن خواهد بود .

فإذا انشقّت السّماء . .. فيومئذ لايسل عن ذنبه إنس و لاجانّ

تفريع <يومئذ> بر <إذا انشقّت السّماء> با <فاء>

نشانگر آن است که پس از فروپاشی نظام طبیعت، طولی نمی کشد که قیامت برپا می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۴ - ۱،۲،۳

۱ - وقوع زلزله ، در سراسر زمین در آستانه قیامت

إذا وقعت الواقعه . .. إذا رجّت الأرض رجًّا

<رج> (مصدر مجهول <رجّت>) به معنای به شدت لرزانده شدن است. مراد از <الأرض> تمام زمین و نه منطقه ای خاص از آن است.

۲ - انهدام زمین در آستانه قیامت ، امری قطعی و غیرقابل تردید

إذا رجّت الأرض رجًّا

به کارگیری <إذا>ی شرطیه که در امور قطعی به کار می رود بیانگر مطلب بالا است.

۳ - زلزله زمین در آستانه قیامت ، بسیار عظیم و غیرقابل توصیف

إذا رجّت الأرض رجًّا

ذکر <رجّاً> به صورت نکره، بیانگر آن است که حرکت و لرزشی که بر زمین وارد می شود، چنان عظیم است که نمی توان هیچ وصفی را برای آن بیان کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵ - ۱،۲

۱ - حرکت و رانش کوه ها ، در آستانه قیامت بر اثر زلزله شدید

إذا رجّت الأرض رجًّا . و بسّت الجبال بسًّا

<بسّ> در دو معنا به کار می رود: ۱ به حرکت واداشتن (القاموس المحیط)؛ ۲ خرد و ریز ریز کردن (المصباح المنیر). برداشت بالا بر پایه معنای اول است.

۲ - ذره ذره شدن کوه ها ، بر اثر زلزله شدید زمین در آستانه قیامت

إذا رجّت الأرض . .. و بسّت الجبال بسًّا

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

– ١٨

واقعه - ۵۶ - ۶ - ۱

۱ - پاشیده شدن کوه های زمین و تبدیل شدن آنها ، به غبار پراکنده در هوا در آستانه برپایی قیامت

فکانت هباء منبثًّا

<هباء> به خاک نرم مانند آرد گفته می شود و <منبث> به معنای پراکنده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴ - ۳

۳ - جهان ، در آستانه برپایی قیامت ، روبه رو با حادثه ای کوبنده و دگرگون کننده

بالقارعه

برخی از مفسران برآنند که مقصود از <القارعه>، حوادث کوبنده و هولناکی است که پیش از برپایی قیامت با اولین نفخه صور رخ می دهد. البته در آیات ۱۳ تا ۱۵ همین سوره بدان تصریح شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۳ - ۱،۲

۱ - دمیده شدن یک بار در صور ، در آستانه برپایی قیامت

فإذا نفخ فی الصور نفخه وحده

مقصود از نفخ صور در این آیه به گفته مفسران نفخ صور نخست است که نظم موجود جهان را به هم می ریزد. سپس قیامت با نفخ صور دوم برپا می شود.

۲ - از هم پاشیده شدن نظم کنونی جهان ، پیش از برپایی قیامت ، با کیفیت و سرعت شگفت انگیزی خواهد بود .

فإذا نفخ فی الصور نفخه وحده

مطلب یاد شده، از توصیف <نفخه> به <واحده> به دست می آید; زیرا به هم ریختن نظم استوار کنونی جهان آن هم تنها با یک دمیدن در صور نشانه سرعت و عظمت شگفت انگیز فروپاشی نظام دنیا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۹ – حاقه – ۶۹ – ۱۴ – ۱،۲،۳

۱ – زمین و کوه ها در آستانه برپایی قیامت ، از جایگاه و مدار خود خارج خواهند شد .

و حملت الأرض و الجبال

۲ – زمین و کوه ها در آستانه برپایی قیامت ، به شدت و سرعت در هم کوبیده و ویران خواهند شد .

فدکّتا دکّه وحده

<دکّ> به معنای خرد کردن و ویران نمودن است (لسان العرب).

۳ – نظم کنونی کره زمین و شکل استقرار کوه ها ، در آستانه برپایی قیامت از هم پاشیده می شود .

و حملت الأرض و الجبال فدکّتا دکّه وحده

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – حاقه – ۶۹ – ۱۵ – ۱

۱ – به هنگام دمیده شدن در صور و متلاشی شدن نظم کنونی زمین و کوه ها ، واقعه قیامت رخ می دهد .

فإذا نفخ فی الصور . .. و حملت الأرض ... فیومئذ وقعت الواقعه

به گفته مفسران، واژه <واقعه> همانند واژه های <حاقه>، <قارعه>، <غاشیه> و. .. در قرآن که بدون موصوف و یا به تقدیر آن آمده است عَلَم برای قیامت است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – حاقه – ۶۹ – ۱۶ – ۱،۲،۳

۱ – از هم شکافته شدن آسمان در آستانه برپایی قیامت

و انشقّت السماء

۲ – آسمان پس از شکافته شدن در آستانه برپایی قیامت ، سست و نااستوار خواهد شد .

فهی یومئذ واهیه

<وهی> (ماده <واهیه>) به چیزی گفته می شود که رسته اش سست شده باشد.

۳ - متلاشی شدن نظم کنونی آسمان ، در آستانه برپایی قیامت

و انشقّت السماء فهی یومئذ واهیه

جلد - نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – معارج – ۷۰ – ۸ – ۱،۳

۱ – گداخته شدن آسمان ، همچون ذوب فلزات در آستانه برپایی قیامت

یوم تکون السماء کالمهل

<مهل> به هر فلز گداخته شده (همچون طلا، نقره، مس و. ..) گفته می شود.

۳ – متلاشی شدن نظم کنونی جهان طبیعت ، در آستانه برپایی قیامت

یوم تکون السماء کالمهل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – معارج – ۷۰ – ۹ – ۱،۲

۱ – متلاشی و ذره ذره شدن کوه ها ، همچون پشم رنگین و پراکنده شده ، در آستانه برپایی قیامت

و تکون الجبال کالعهن

<عهن> به معنای پشم رنگ شده است. در آیه پنجم از سوره <قارعه> چنین آمده است: <و تکون الجبال کالعهن المنفوش>; (و کوه ها مانند پشم رنگین زده شده خواهند شد).

۲ – متلاشی شدن نظم کنونی زمین ، در آستانه برپایی قیامت

و تکون الجبال کالعهن

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که متلاشی شدن کوه ها، به معنای از بین رفت نقش آنها در زمین (ثبات و استقرار زمین) است و این به متلاشی شدن زمین اشاره دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مزمل – ۷۳ – ۱۴ – ۱،۴

۱ – به لرزه درآمدن زمین و کوه ها ، در آستانه برپایی قیامت

یوم ترجف الأرض و الجبال

۴ – دگرگونی نظم کنونی طبیعت ، در آستانه برپایی قیامت

یوم ترجف الأرض و الجبال و کانت الجبال کثیبًا مهیلاً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مزمل – ۷۳ – ۱۸ – ۱

۱ – شکافته شدن و از هم گسستن

آسمان ، در آستانه برپایی قیامت

یومًا . .. السماء منفطر به

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که <با> در <به> ظرفیه و به معنای <فی> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۷ - ۱،۲

۱ - در آستانه برپایی قیامت ، چشمان انسان ها از ترس و اضطراب ، به گردش در می آید .

فإذا برق البصر

فعل <بَرَقَ> وقتی به چشم نسبت داده شود، به معنای اضطراب و به گردش آمدن چشم از ترس است (مفردات راغب). گفتنی است آیه شریفه در مقام بیان حوادثی است که در آستانه برپایی قیامت و لحظه های نخستین رستاخیز رخ خواهد داد.

۲ - روی دادن حوادث دهشتناک و اضطراب آور ، در آستانه برپایی قیامت

فإذا برق البصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۸ - ۱،۲

۱ - بی فروغ شدن ماه ، در آستانه برپایی قیامت

و خسف القمر

۲ - تابندگی خورشید ، تا آستانه برپایی قیامت

و خسف القمر

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که نور ماه، بازتاب نور خورشید است و بی فروغ شدن ماه در آستانه برپایی قیامت، به سبب بی فروغ شدن خورشید است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۹ - ۱،۲

۱ – در آستانه برپایی قیامت ، کره ماه بهوسیله خورشید جذب و بلعیده خواهد شد .

و جمع الشمس و القمر

۲ – فروپاشی نظام منظومه شمسی ، در آستانه برپایی قیامت

و خسف القمر . و جمع الشمس و القمر

جلد – نام سوره – سوره –

آیه – فیش

۱۹ – قیامه – ۷۵ – ۳۶ – ۵

۵ – آفرینش انسان و هدفمندی زندگی او ، نشانه برپایی قیامت

و تذرون الأخره . وجوه یومئذ ناضره ... أیحسب الإنسن أن یترک سدًی

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که این آیه، در سلسله آیاتی قرار دارد که درباره معاد و اثبات برپایی قیامت برای کیفر و پاداش است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۸ – ۱،۲

۱ – بی فروغ شدن ستارگان ، در آستانه برپایی قیامت

فإذا النجوم طمست

<طمس> به معنای از بین رفتن اثر شیء است و هرگاه این واژه در مورد ستارگان، ماه و چشم به کار رود، به معنای از بین رفتن نور آنها خواهد بود (تاج العروس).

۲ – دگرگون شدن نظم کنونی منظومه شمسی ، در آستانه برپایی قیامت

فإذا النجوم طمست

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۹ – ۱،۳

۱ – آسمان ، در آستانه برپایی قیامت ، از هم گسیخته شده و اجزای آن می گسلد .

و إذا السماء فرجت

<فرج>، به معنای شکاف است (قاموس المحیط).

۳ – متلاشی شدن نظم کنونی آسمان ، در آستانه برپایی قیامت

و إذا السماء فرجت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۰ - ۱،۲

۱ - کوه ها در آستانه برپایی قیامت ، از جا کنده و متلاشی خواهد شد .

و إذا الجبال نسفت

<نسف>، به معنای کندن از ریشه و بن است (قاموس المحیط).

۲ - دگرگونی اساسی در کره زمین ، در آستانه برپایی قیامت

فإذا النجوم طمست .

و إذا السماء فرجت . و إذا الجبال نسفت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۸ - ۱

۱ - دمیده شدن در صور ، پیش درآمدی برای حضور مردم در صحنه قیامت است .

یوم ینفخ فی الصور فتأتون أفواجًا

<صور>; به معنای، شاخی است که در آن دمیده می شود(قاموس). صحنه قیامت و گرد آوری مردم در آن به هر وسیله ای باشد به صحنه ای تشبیه شده است که در آن جا در بوق دمیده می شود تا همگان حاضر گردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۰ - ۱،۲،۳

۱ - کوه ها در آغاز برپایی قیامت ، از جا کنده و حرکت داده خواهند شد .

و سیّرت الجبال

۲ - حرکت کوه ها در قیامت ، آنها را به توده غباری شبیه کوه ، تبدیل خواهد کرد .

و سیّرت الجبال فکانت سرابًا

تشبیه کوه به سراب، بیانگر آن است که پس از حرکت کوه ها در قیامت، آنچه دیده می شود کوه نیست; ولی بیننده آن را کوه خواهد دید.

۳ - کوه ها در قیامت ، نابود گشته و با زمین هم سطح خواهند شد .

فکانت سرابًا

<سراب> درخششی است در بیابان که مانند آب به چشم می آید (مفردات راغب). در اطلاق <سراب> گستردگی بر سطح زمین ملحوظ است (لسان العرب). بنابراین می توان گفت: کوه ها، با زمین هم سطح خواهند شد هر چند غبارهای باقی مانده از آن به صورت شبحی از کوه نمایان می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

نازعات - ۷۹ - ۶ - ۱،۳

۱ - پیدایش زلزله ای عظیم ، در آستانه برپایی قیامت

یوم ترجف الراجفه

مراد از <یوم> به قرینه آیه بعد دورانی است که شامل هر دو نفخه صور باشد; نفخه اول که همگان می میرند و نفخه دوم که رستاخیز برپا می شود. <رجف>; یعنی، لرزش و اضطراب شدید. (مفردات راغب)

۳ - پیدایش صیحه ای رعدآسا ، در آستانه قیامت

یوم ترجف الراجفه

<رَجَفَ الرَّعْد>; یعنی، صدای رعد در ابرها پیچید (قاموس). اطلاق <رجف> که <مفردات> آن را لرزش و اضطراب شدید معنا کرده است بر صداهای شدید، به سبب شباهت آن به زلزله است. این آیه می تواند اشاره به اوّلین نفخ صور باشد که اهل آسمان ها و زمین را مدهوش می سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۷ - ۱،۲،۳

۱ - در آستانه برپایی قیامت و در پی صیحه و لرزش نخستین ، صیحه و لرزشی دوباره پدیدار خواهد شد .

تتبعها الرادفه

<رادفه>; یعنی، ملحق شونده و از پی در آینده. (مصباح) تطبیق آن بر نفخ صور دوم مفاد این آیه و آیه قبل را نظیر آیه ۶۸ سوره زمر می سازد.

۲ - دومین زلزله در مراحل برپایی قیامت ، تابع اولین لرزش و فرع بر پیدایش آن است .

تتبعها الرادفه

۳ - قیامت ، به دنبال پیدایش زلزله ای بزرگ ، برپا خواهد شد .

یوم ترجف الراجفه . تتبعها الرادفه

ممکن است <رادفه>، ناظر بر زلزله ای دیگر نباشد; بلکه مفاد آیه شریفه این باشد که به دنبال زلزله ای که در آیه قبل مطرح بود، پیامد آن

(قیامت) به وجود خواهد آمد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۸ - ۱

۱ - هنگام پیدایش دومین لرزش در دوران برپایی قیامت ، قلب های فراوانی را لرزه و اضطرابی شدید فرا خواهد گرفت .

قلوب یومئذ واجفه

<قلب واجف>، به قلبی گفته می شود که اضطراب شدیدی بر آن مستولی باشد (لسان العرب). <قلوب> نکره ای است که بر تکثیر دلالت دارد و به همین سبب با آن که نکره است مبتدا قرار گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۳ - ۱،۲

۱ - وقوع قیامت با غرش هایی کر کننده و ناشی از اصطکاک موجودات ، همراه است .

فإذا جاءت الصاخّه

هر صدایی که از برخورد صخره با صخره ای دیگر یا مانند آن پدید آید صَخّ و صَیخیخ نامیده می شود و <صاخّه> غرشی است که گوش را بکوبد و بر اثر شدت صدا آن را کر سازد(لسان العرب).

۲ - برپایی قیامت ، همراه با نفخ صور است . *

فإذا جاءت الصاخّه

تطبیق <صاخّه> بر قیامت، ممکن است به اعتبار غرشی باشد که از آن در بعضی از آیات دیگر، به نفخ صور یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱ - ۱

۱ - خورشید در آستانه آخرت ، با چرخاندنی شدید در هم پیچانده شده و خاموش خواهد شد .

إذا الشمس کوّرت

<کَوْر> و <تکویر> به معنای پیچاندن است، جز این که <تکویر> بر مبالغه نیز دلالت دارد. مراد آیه شریفه این است که

خورشید، به

شـدت بهم پیچانـده خواهـد شـد. برخی <تکویر شـمس> را به معنای نابود ساختن خورشـید و گروهی دیگر به معنای از بین بردن نور آن دانسته اند. (لسان العرب)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکویر – ۸۱ – ۲ – ۱،۳

۱ – در آستانه قیامت ، تمام ستارگان تیره و بی فروغ خواهند شد .

و إذا النجوم انکدرت

کـدورت هر چیز، به معنـای از بین رفتن صـافی و شـفافیت آن است (مصـباح) و نـتیجه ایجـاد <کـدوره> را <انکـدار> می گویند. بنابراین ستارگان تحت تأثیر عواملی کدرکننده، قرار گرفته و صفا و جلای خود را از دست داده، تاریک خواهند شد.

۳ – ستارگان ، در آستانه قیامت به سرعت فرود آمده و ساقط خواهند شد .

و إذا النجوم انکدرت

از معانی <انکدار>، سرعت گرفتن و فرودآمدن است. (قاموس)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکویر – ۸۱ – ۳ – ۱،۲

۱ – در آستانه قیامت ، کوه ها از جا کنده و حرکت داده خواهند شد .

و إذا الجبال سیّرت

۲ – قیامت ، رخدادی بزرگ و همراه با به هم پاشیدن تمام زمین ، حتی سخت ترین نقطه های آن

و إذا الجبال سیّرت

خبر رانش کوه ها، در حقیقت خبر از متلاشی شدن زمین و بیانگر عظمت رخداد قیامت است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکویر – ۸۱ – ۶ – ۱،۲

۱ – دریا ها در آستانه قیامت ، لبریز شده و آب آن به اطراف سرازیر خواهد گشت .

و إذا البحار سجّرت

<سَجَر> و <سَجَّر> به معنای <مَلَأ> (پر گردانید) است. برخی <تسجیر> را به معنای

<تفجیر> (روان ساختن) گرفته اند (لسان العرب). بنابراین <سجّرت> که تشدید آن برای مبالغه است یعنی کاملاً لبریز و به اطراف سرازیر گشت. فرّاء گفته است: <مسجر>; یعنی، آنچه آب آن فروکش کرده باشد (لسان العرب) و قاموس <مسجور> را شعلهور شده معنا کرده است. براساس این دو معنا، آب دریاها تبخیر شده و نابود خواهد گشت.

۲ - آب دریا ها ، هنگام پیدایش نشانه های قیامت ، به شدّت داغ و جوشان خواهد شد . *

و إذا البحار سجّرت

<مسجور>; یعنی، شعلهور شده (قاموس). این احتمال که <سجّرت>، ناظر به این معنا باشد، منتفی نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۱ - ۱

۱ - آسمان در قیامت برکنده و برچیده خواهد شد .

و إذا السماء کشطت

<کَشْط> (مصدر <کشطت>) به معنای برداشتن پوشش از چیزی است; همان گونه که پوست حیوان هنگام سلّاخی از آن برچیده گردد و همان گونه که سقف از جای کنده می شود (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱ - ۱

۱ - آسمان در آستانه قیامت ، از هم گسیخته خواهد شد .

إذا السماء انفطرت

<انفطار>; یعنی، انشقاق (تاج العروس). به قرینه <و إذا القبور بعثرت> در آیات بعد، انفصال اجزای آسمان از یکدیگر، پیش از حادثه قیامت و در آستانه آن خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۲ - ۱،۳

۱ - تمامی ستارگان در آستانه قیامت ، افشانده و پراکنده خواهند شد .

و إذا الكواكب انتثرت

<انتثار> به معنای تفرق یا

پاشیده شدن است. (تاج العروس)

۳ – متلاشی شدن نظم حاکم بر ستارگان در آستانه قیامت

و إذا الکواکب انتثرت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – انفطار – ۸۲ – ۳ – ۱

۱ – پیدایش شکاف های وسیع و فراوان در دریا ها و راه یافتن آب آنها به نقاط دیگر زمین ، در آستانه قیامت

و إذا البحار فجّرت

<فجر> به معنای ایجاد شکاف وسیع (مفردات راغب) و باز شدن راه (مقاییس اللغه) است. باب تفعیل این کلمه، دلالت بر کثرت دارد. (تاج العروس)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – انفطار – ۸۲ – ۴ – ۱،۲

۱ – قبر ها هنگام برپایی قیامت ، زیر و رو شده و هر چه در آن است بیرون ریخته خواهد شد .

و إذا القبور بعثرت

معنای <بعثرت>، این است که خاک قبرها زیر و رو شود و هر آنچه در آن است، پراکنده گردد. از آن جا که فعل <بعثر> متضمن معنای <بُعِثَ> و <اُثیرَ> است، بعید نیست این فعل مرکب از آن دو فعل باشد. (مفردات راغب)

۲ – دفن آخرین نسل انسان در زمین با به هم ریختن آسمان و ستارگان و زمین ، فاصله چندانی نخواهد داشت . *

و إذا القبور بعثرت

تعبیر <قبر> و زیر و رو شدن خاک آن، ممکن است حاکی از این باشد که هنگام پایان یافتن دنیا و آغاز آخرت، بقایای جسم برخی از انسان ها در قبرها باقی خواهد ماند. کلمه <القبور> به دلیل داشتن <ال> استغراق همه قبرهای موجود در آن زمان را شامل می شود. در نتیجه باید گفت این آیه، درباره سایر

انسان ها که چیزی از جسمشان باقی نمانده باشد سخنی نگفته است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – انشقاق – ۸۴ – ۱ – ۱

۱ – آسمان در آستانه قیامت ، از هم گسیخته شده و اجزای آن می گسلد .

إذا السماء انشقّت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – انشقاق – ۸۴ – ۳ – ۱،۴،۵

۱ – زمین در آستانه برپایی قیامت ، گسترده و مسطح شده و مساحت آن افزایش می یابد .

و إذا الأرض مدّت

<مدّ> به معنای بسط دادن (قاموس)، کشاندن (مفردات) و افزایش دادن است. (مصباح)

۴ – مرحله شکافته شدن آسمان در مراحل مقدماتی قیامت مقدم بر مرحله انبساط زمین و مؤثر در آن خواهد بود . ٭

إذا السماء انشقّت . .. و إذا الأرض مدّت

تقدیم <إذا السماء. ..> بر <إذا الأرض ...>، ممکن است ناظر به تقدم زمانی آن باشد. ذکر این دو رخداد در کنار یکدیگر، می تواند نشانگر ارتباط آن دو باشد.

۵ – < عن جابر عن النبی (ص) قال : تمدّ الأرض یوم القیامه مدّ الأدیم ، ثمّ لایکون لإبن آدم منها إلّا موضع قدمیه ;

از رسول خدا(ص) روایت شده که فرموده: زمین روز قیامت، مانند پوست دباغی شده پهن و گسترده می شود; در عین حال بر اثر کثرت جمعیت از این زمین پهناور، برای هر کدام از فرزندان آدم جز جای دو قدم نمی ماند>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – انشقاق – ۸۴ – ۴ – ۱

۱ – زمین در آستانه قیامت ، تمام آن چه را

در دل خود جای داده ، بیرون افکنده ، به کلی تخلیه خواهد شد .

و ألقت ما فیها و تخلّت

باب تفعل، بر تکلّف دلالت دارد؛ بنابراین <تخلّت>؛ یعنی، در تخلیه سخت کوشید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۵ - ۳

۳ - گسترش و افزایش مساحت زمین در آستانه قیامت و خالی شدن درون آن ، جلوه ای از ربوبیت خداوند و در راستای تکامل یافتن زمین است .

و أذنت لربّها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۱ - ۲

۲ - زمین ، هنگام برپایی قیامت ، به شدت کوبیده و سست و نرم خواهد شد .

کلاّ إذا دکّت الأرض دکًّا دکًّا

<دکّ>؛ یعنی، منهدم ساختن کوه و دیوار و مانند آن (لسان العرب). تکرار دو مصدر <دکّاً دکّاً> بر کثرت آن دلالت دارد؛ یعنی، کوبیدن های مکرر، یکی پس از دیگری تحقق خواهد یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۱ - ۳،۴

۳ - لرزش گسترده زمین ، از مقدّمات برپایی قیامت

إذا زلزلت الأرض زلزالها

به قرینه جمله <یومئذ یصدر الناس أشتاتاً> (در آیات بعد)، زلزله زمین در آستانه قیامت خواهد بود.

۴ - لرزش زمین در آستانه قیامت ، وابسته به عواملی زمینی و بازتاب تحولات درونی آن است .

إذا زلزلت الأرض زلزالها

مجهول بودن فعل <زلزلت>، بیانگر نقش عاملی در پیدایش زلزله است. اضافه شدن <زلزال> به ضـمیری که به زمین برمی گردد، آن حوادث را به خود زمین مربوط می داند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۲۰

زلزله - ۹۹ - ۲ - ۲،۳

۲ - تمام ذخایر زمین ، در آستانه قیامت آشکار شده ، از اعماق آن بیرون خواهد ریخت .

و أخرجت الأرض أثقالها

۳ - زلزله زمین در آستانه قیامت ، انفجاری داخلی و پراکنده سازنده مواد درونی آن است .

و أخرجت الأرض أثقالها

زلزله به طور معمول، آنچه را که بر سطح زمین است، به کام آن فرو می برد; ولی در زلزله واپسین، عکس این صحنه اتفاق خواهد افتاد. عطف این آیه بر آیه قبل به قرینه سیاق آیات عطف مسبب بر سبب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۱ - ۳

۳ - جهان در آستانه قیامت ، درهم کوبیده و دگرگون خواهد شد .

القارعه

نام گذاری قیامت به <القارعه>، ممکن است ناظر به کوبندگی حوادثی از قبیل <انشقاق آسمان>، <اندکاک زمین و کوه ها> و <کدر شدن ستارگان> باشد که به تصریح آیات برخی از سوره های دیگر در آستانه قیامت پدید خواهد آمد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۲ - ۳

۳ - جهان در آستانه قیامت ، به گونه ای شگفت آور درهم کوبیده خواهد شد .

ما القارعه

نصرت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۳ - ۱۱،۱۳

۱۱ خداوند ، در قیامت ولی (سرپرست) و نصیر (یاری دهنده) است .

و لایجدون لهم من دون اللّه ولیاً و لانصیراً

۱۳ خداوند ، هرگز مستکبران رویگردان از عبادت را ، در قیامت یاری نخواهد

کرد .

و لایجدون لهم من دون اللّه ولیاً و لانصیراً

نظام جزایی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵۱ - ۳،۴،۶

۳- نظام پاداش و کیفر الهی در قیامت ، فراگیر همه انسان ها در برابر تمامی حرکات انسان است .

لیجزی الله کلّ نفس ما کسبت

<ما> در <ما کسبت> موصوله است و معنای جنس را افاده می کند. بنابراین <ما کسبت>; یعنی، هر آنچه بشر انجام دهد و هر حرکتی که از خود نشان دهد.

۴- کیفر و پاداش الهی به انسان ها در قیامت ، کاملاً مطابق و متناسب با کم و کیف رفتار آدمی است .

لیجزی الله کلّ نفس ما کسبت

۶- رفتار انسان و استحقاق وی برای کیفر و پاداش ، اساس و مبنای جزای الهی در آخرت است .

لیجزی الله کلّ نفس ما کسبت

از اینکه خداوند در پاداش و کیفر مسأله کسب و تلاش انسان را مطرح ساخت (ما کسبت)، استفاده می شود که همین اساس پاداش و کیفر آدمیان است نه چیز دیگر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۱ - ۱۲

۱۲- هیچ انسانی در قیامت نسبت به کیفر و پاداش اعمال خویش ، ظلم و بی عدالتی نخواهد دید .

یوم . .. توفّی کلّ نفس ما عملت و هم لایظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۱ - ۱۵

۱۵- توجه به حـاکمیت عـدل بر نظـام کیفر و پـاداش اخروی ، گرایش دهنـده انسـان هـا به انجام اعمال و رفتار خوب و دارای پاداش

فمن أوتی کتبه بیمینه

. .. و لایظلمون فتیلًا

از اینکه خداونـد، نظـام پاداش دهی خود را در قیامت، برای مردم تشـریح می کنـد، می توانـد به منظور تشویق انسانها به انجام اعمالی باشد که پاداش الهی را در پی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۰ - ۷

۷ - وجود نظام کیفر و پاداش برای انسان ها ، مهم ترین مشخصه و ویژگی قیامت

هذا یوم الدین

توصـیف قیـامت به روز جزا از سوی منکران معـاد، به مجرد زنـده شـدن و بازیـافتن خود و دیـدن صـحنه هـای قیـامت (فإذاهم ینظرون)، می تواند حاکی از حقیقت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۶ - ۵

۵ - در قیامت ، هر انسانی با کردار خویش ، مواجه شده و سزای آن را خواهد دید . *

کدحًا فملقیه

ضمیر مفعـولی در <فملاـقیه> ممکن است به <کـدحاً> برگردد; در این صورت احتمـال می رود مراد ملاقـات جزای عمل بوده و از باب مبالغه، به ملاقاتِ خود عمل، تعبیر شده باشد.

نظام کیفری در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۸ - ۵،۶،۷،۸

۵ - هیچ کس در روز قیامت ، ذره ای از عذاب دیگری را بر عهده نمی گیرد و متحمل نمی شود .

واتقوا یوماً لاتجزی نفس عن نفس شیئاً

۶ - در روز قیامت ، شفاعت هیچ کس درباره دیگری پذیرفته نخواهد شد .

و لایقبل منها شفعه

ضمیر در <منها> می تواند به <نفس> دوم برگردد; یعنی، اگر فرد مورد مؤاخذه شفیعی، بیاورد شفاعتش قبول نمی شود و

همچنین می تواند به <نفس> اول که مراد از آن دوستان و نزدیکان و . .. هستند، ارجاع شود; یعنی، آن دوستان (در ضمن اینکه عذاب دوست خویش را بر عهده نمی گیرند) اگر شفاعتی نیز درباره او بکنند، شفاعتشان پذیرفته نمی شود.

۷ - در روز قیامت از هیچ کس عِدل و عوضی - که خویشتن را با آن باز خرد - گرفته نخواهد شد .

و لایؤخذ منها عدل

کلمه <عَدْل> به معنای: فدیه و عوض است که شخص برای آزادی خود یا دیگری می پردازد، تا از اسارت و مانند آن آزاد شود.

۸ - در روز قیامت هیچ کس به دفاع از دیگری برنخواهد خواست و او را یاری نخواهد کرد .

و لاهم ینصرون

نظم ملائکه در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۲ - ۴

۴ - فرشتگان در قیامت ، در صف هایی منظّم ، حضور یافته ، به اجرای رسالت خویش خواهند پرداخت .

و الملک صفًّا صفًّا

کلمه های <صفّاً صفّاً> به تأویل <مصطفّین> (در صفوف منظم قرار گرفته) حال برای <المَلَک> است. <مَلَک> اسم جنس بوده و حرف <ال> در آن، برای استغراق است. برخی آن را مفرد <ملائکه> دانسته اند (مصباح) و برخی آن را از ریشه <مِلْک> و به معنای سیاست گذار دانسته و گفته اند: شخص سیاست گذار، اگر انسان باشد <مَلِک> و اگر فرشته باشد، <مَلَک> نامیده می شود. این کلمه در اصل <مأْلَک> و به معنای <رسالت> بوده است. (مفردات راغب)

نفخ روح در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ -

۲ - ۱۸ - ۷۸

۲ - قیامت ، روز دمیده شدن جان در پیکر ها است . *

یوم ینفخ فی الصور

برخی <صور> را جمع <صوره> دانسته و می گویند: خداوند، ابتدا کالبدها را صورت دهی کرده به آنها شکل می دهد; آن گاه در آنها جان می دمد. این معنا برای نفخ صور در قیامت قابل تصور است; ولی در نفخ صوری که برای پایان دنیا و میراندن انسان ها است، مورد ندارد.

نفخ صور در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۳ - ۱۰،۱۱

۱۰ روز دمیده شدن در صور، مالکیت مطلق و حاکمیت انحصاری خداوند، ظهور خواهد یافت.

و له الملک یوم ینفخ فی الصور

<له الملک> بیانگر انحصار ملک در روز نفخ صور برای خداوند است. و چون این مالکیت اکنون نیز وجود دارد، بنابراین مفاد حصر، ظهور این مالکیت در آن روز به گونه ای که جای هیچ انکار برای کسی نماند، است.

۱۱ تمامی مالکیتها و حاکمیتهای اعتباری در روز نفخ صور از میان خواهد رفت.

و له الملک یوم ینفخ فی الصور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳۸ - ۴

۴- < یحیی بن أبی العلاء . . . ان رجلاً دخل علی أبی عبدالله (ع) فقال : أخبرنی عن قول الله عزّوجلّ لأبلیس < فإنک من المنظرین إلی یوم الوقت المعلوم > قال : . . . و یوم الوقت المعلوم یوم ینفخ فی الصور نفخه واحده فیموت ابلیس ما بین النفخه الأولی و الثانیه ;

یحیی بن أبی العلاء روایت کرده است

: شخصی وارد بر امام صادق(ع) شد و گفت : مرا از سخن خدای عزّ و جلّ که به ابلیس فرمود : <فإنک من المنظرین إلی یوم الوقت المعلوم> خبر ده، حضرت فرمود: مراد از روز وقت معلوم، روزی است که [هنوز فقط] یک بار در صور دمیده شده; پس ابلیس بین دمیدن اول و دوم می میرد. ..>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۹ - ۵

۵- خداوند ، همه انسان ها را در صحنه قیامت ، با دمیده شدن در صور ، گرد خواهد آورد .

و نفخ فی الصور فجمعنهم جمعًا

<صور> محتمل است به یکی از دو معنا باشد: ۱ به معنای <شاخ>; که در این صورت، مقصود، دمیده شدن در بوق است; چرا که در قدیم، از شاخ حیوانات، بوق می ساختند. ۲ ممکن است <صور> جمع <صوره> باشد; در این صورت، مقصود، دمیده شدن در تمثال ها و پیکرهای مردگان برای زنده ساختن آن ها است. بسیاری از اهل لغت، بر احتمال دوم، خرده گرفته اند و آن را با برخی از موارد استعمال کلمه <صور> در قرآن ناسازگار دیده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۲ - ۱،۲

۱ - دمیده شدن در صور (بوق و یا صورت و تمثال ها) ، از رخداد های روز قیامت

یوم ینفخ فی الصور

<صور> محتمل است به یکی از دو معنا باشد: ۱ به معنای شاخ، که در این صورت مقصود دمیده شدن در بوق خواهد بود; چرا که در قدیم، با سوراخ کردن شاخ حیوانات

از آن بوق می ساختنـد. ۲ ممکن است <صور> جمع صوره باشـد. براین اساس، مقصود دمیـده شدن در تمثال ها و پیکرهای مردگان برای زنده شدن خواهد بود. بعضی از آیاتی که در آن کلمه <صور> آمده است، با معنای دوم سازگار نیست.

۲ – دمیده شدن در صور ، و حشر در قیامت ، دو رخداد مرتبط با یکدیگر

یوم ینفخ فی الصور و نحشر المجرمین

عطف <حشر> بر <نفخ صور> نشان از ارتباط آن دو با یکدیگر در حادثه برپایی قیامت دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۱۰۳ – ۷

۷- < عن النبی (ص) فی معنی < الفزع الأکبر > : ان الناس یصاح بهم صیحه واحده فلایبقی میّت إلاّ نشر و لا حیّ إلاّ مات إلاّ ـ ما شاء اللّه ثمّ یصاح بهم صیحه أخری فینشر من مات و یصفون جمیعاً و تنشقّ السماء و تهدّ الأرض و تخرّ الجبال و تزفر النیران و ترمی بمثل الجبال شرراً فلایبقی ذو روح إلاّ إنخلع قلبه و ذکر ذنبه و شغل بنفسه إلاّ ما شاء اللّه ;

از رسول خدا(ص) روایت شده که در معنای <فزع أکبر> فرمود: به درستی که یک صیحه بر مردم زده می شود که مرده ای نمی مانـد، مگر این که زنـده می شود وزنـده ای نمی مانـد، مگر این که می میرد، جز آنچه را که خدا بخواهد. سپس صیحه دیگری بر آنان زده می شود و آنان که مرده اند زنده گشته و همگی به صف کشیده خواهند شد. و آسمان شکافته و زمین در هم کوبیده و کوه ها فرو

ریخته و آتش شعله هایی چون کوه برکشد، پس هیچ صاحب روحی نماند، مگر این که [از هراس] دل او کنده شود و گناهان خود را یادآورد و هر کس به فکر خویش باشد، مگر آنچه را خدا بخواهد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۳ - ۱

۱ - نفخ صور در قیامت ، تنها یک صیحه عظیم و صدای سهمگین است .

و نفخ فی الصور . .. إن کانت إلاّ صیحه وحده

اسم <کانت> به قرینه مقام که در دو آیه پیش سخن از نفخ صور بود <نفخه> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۸ - ۸،۹،۱۰،۱۱،۱۲

۸ - وجود فاصله میان دو نفخ صور (زمان مرگ همه موجودات جهان و زنده شدن دوباره آنها در قیامت)

و نفخ فی الصور فصعق . .. ثمّ نفخ فیه أُخری

برداشت یاد شده از کلمه <ثمّ> که می تواند بر تراخی زمانی دلالت کند به دست می آید.

۹ - به پاخاستن ناگهانی موجودات آسمان ها و زمین ، پس از دومین نفخ صور در قیامت

ثمّ نفخ فیه أُخری فإذا هم قیام

<إذا> برای مفاجات و مفید معنای ناگهانی است و <قیام>، جمع <قائم>) (به پاخاسته) است.

۱۰ - تمامی موجودات آسمان ها و زمین ، پس از به پاخاستن با دومین نفخ صور ، در انتظار سرنوشت خود به سر خواهند برد .

ثمّ نفخ فیه أُخری فإذا هم قیام ینظرون

<نظر> (مصدر <ینظرون>) هم به معنای انتظار است و هم به معنای نظر متحیرانه و بهت آمیز. برداشت یاد

شده مبتنی بر معنای نخست است.

۱۱ - نگاه متحیرانه و بهت آمیز موجودات آسمان ها و زمین ، پس از به پاخاستن با دومین نفخ صور در قیامت

ثمّ نفخ فیه أُخری فإذا هم قیام ینظرون

۱۲ - < قال رسول اللّه (ص) : < و نفخ فی الصور فصعق من فی السماوات و من فی الأرض إلاّ من شاء اللّه > قالوا : یا رسول اللّه من هؤلاء الذین استثنی اللّه ، قال : جبرئیل و میکائیل و ملك الموت و اسرائیل و حمله العرش . . . ;

از رسول خدا(ص) روایت شده که فرمود: <و نفخ فی الصور. .. إلاّ من شاء اللّه>. [اصحاب] گفتند: ای رسول خدا! این کسانی که استثنا شده اند چه کسانی هستند؟ فرمود: جبرئیل، میکائیل، ملك الموت، اسرائیل و حاملان عرش هستند...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۳ - ۱

۱ - دمیده شدن یک بار در صور ، در آستانه برپایی قیامت

فإذا نفخ فی الصور نفخه وحده

مقصود از نفخ صور در این آیه به گفته مفسران نفخ صور نخست است که نظم موجود جهان را به هم می ریزد. سپس قیامت با نفخ صور دوم برپا می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۵ - ۱

۱ - به هنگام دمیده شدن در صور و متلاشی شدن نظم کنونی زمین و کوه ها ، واقعه قیامت رخ می دهد .

فإذا نفخ فی الصور . .. و حملت الأرض ... فیومئذ وقعت الواقعه

به گفته مفسران، واژه <واقعه> همانند واژه های

<حاقه>، <قارعه>، <غاشیه> و. .. در قرآن که بدون موصوف و یا به تقدیر آن آمده است عَلَم برای قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۸ - ۱

۱ - آغاز شدن رستاخیز انسان ها ، با دمیده شدن در صور

فإذا نقر فی الناقور

<ناقور> به معنای <صور> است (قاموس المحیط و مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۹ - ۲

۲ - لحظه دمیده شدن صور در روز رستاخیز ، آغاز سختی ها و ناگواری ها برای اهل محشر

فإذا نقر فی الناقور . فذلک یومئذ یوم عسیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۳ - ۲

۲ - برپایی قیامت ، همراه با نفخ صور است . *

فإذا جاءت الصاخّه

تطبیق <صاخّه> بر قیامت، ممکن است به اعتبار غرشی باشد که از آن در بعضی از آیات دیگر، به نفخ صور یاد شده است.

نفی ظلم در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۶۰ - ۵

۵ در قیامت به گنهکاران ستم نخواهد شد.

و هم لا یظلمون

ذیل آیه قبل (ثم ینبئهم . ..) بیانگر این است که ظرف پاداش و جزای مطرح شده در این آیه روز قیامت است.

نقش جهل به وقت قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۱ - ۲۴

۲۴- مشخص نبودن زمان وقوع قیامت و نزدیک شمردن آن ، دارای نقش تربیتی و هدایتی برای انسان

قل عسی

أن يكون قريبًا

مشـخص نكردن زمـان دقيق وقوع قيامت از سويى و يادآورى قريب الوقوع بودن آن از سوى ديگر، مى توانـد براى توجه دادن انسانها به آن باشد تا آنان خود را همواره براى وقوع قيامت آماده كنند.

نقش صورت در قيامت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۸ - ۳

۳ - چهره انسان در قيامت ، نمايانگر فرجام او است .

وجوه يومئذ مسفره

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۴۰ - ۴

۴ - چهره انسان در قيامت ، نمايشگر فرجام او است .

و وجوه يومئذ عليها غبره

نقش علم به وقت قيامت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۱ - ۲۳

۲۳- بى نيازى انسان از دانستن زمان دقيق وقوع رستاخيز و تأثير نداشتن آن در هدايت و كمال او

قل عسى أن يكون قريبًا

از اصرار قرآن در اثبات اصل معاد و از عدم تعيين وقت مشخص براى آن، استفاده مى شود كه انسان براى راه يابى به صلاح و هدايت و ايمان به قيامت، نيازى به دانستن زمان دقيق معاد ندارد.

نقش قيامت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ – مائده – ۵ – ۱۰۵ – ۱۴

۱۴ قیامت ، عرصه بازگشت آدمیان به سوی خداست .

إلی اللّه مرجعکم جمیعاً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۷ – ۱۳

۱۳ آزمون انسان ها از ناحیه خداوند ، در پرتو معاد و برپایی قیامت ، توجیه پذیر است .

خلق السموت و الأرض

. .. لیبلوکم أیّکم أحسن عملاً و لئن قلت إنکم مبعوثون

طرح مسأله قیامت ، پس از بیان آزمودن انسانها ، حاوی این نکته است که بدون برپایی قیامت ، آزمون انسانها و مشخص شدن نیکوکاران از غیرشان ، ثمره و نتیجه مطلوب را نخواهد داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۴ - ۸

۸ - رخداد عظیم قیامت و دگرگونی های عمده در جهان ، و نظام دقیق و عادلانه آن ، جلوه هایی از مرتبت والا و فرمان روایی مطلق خداوند و منزه بودن او از هرگونه باطل

فتعلی اللّه الملک الحقّ

ارتباط این آیه با آیات پیشین که از حوادث نزدیک به قیامت و رخدادهای آن روز سخن گفته بود گویای نکته یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۳ - ۴

۴- قیامت و بازگشتن تمامی انسان ها به پروردگار واحد ، مقتضی پرهیز از اختلاف و پراکندگی در دین است .

أُمّه وحده و أنا ربّکم فاعبدون . و تقطّعوا أمرهم بینهم کلٌّ إلینا رجعون

جمله <کلٌّ إلینا راجعون> مستأنفه بیانی است; یعنی، بیانگر پاسخ سؤال مقدر است که عاقبت این پراکندگی چیست؟ تذکر و یادآوری این نکته می تواند هشدار و تعریضی باشد به غافلان از قیامت که به اختلاف در دین پرداخته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۶ - ۱،۲

۱ - قیامت ، روز زنده شدن مجدد انسان ها پس از مرگ

ثمّ إنّکم یوم القیمه تبعثون

<بعث> (مصدر مجهول <تبعثون>) به معنای برانگیخته شدن است.

- رستاخیز و حیات اخروی ، آخرین حلقه در سیر تحولی آفرینش انسان

ثمّ إنّكم یوم القیمه تبعثون

این بخش از آیات، در مقام بیان سیر تکامل آفرینش انسان است. بنابراین مسأله رستاخیز، می تواند نه به عنوان صرفاً یک هشدار; بلکه به عنوان آخرین حلقه متصل به حلقه های پیشین باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۸ - ۱۴

۱۴ - قیامت ، جایگاه ملاقات مردم با خداوند است .

و إنّ كثیرًا من الناس بلقای ربّهم لكفرون

مراد از <لقاء ربّهم> برپایی قیامت است. اطلاق <لقاء ربّ> برای قیامت، از باب اطلاق فعل بر ظرفِ تحقق آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۵ - ۲۰

۲۰ - قیامت ، عرصه بازگشت انسان ها به سوی خداوند است .

ثمّ إلیّ مرجعكم فأُنبّئكم بما كنتم تعملون

مراد از بازگشت به خداوند، و آن گاه آگاه شدن از کردار خویش، حضور در صحنه قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۳ - ۹

۹ - قیامت ، مکان اصلی مجازات عصیانگران و گناه کاران است .

إنّی أخاف إن عصیت ربّی عذاب یوم عظیم

پیامبر(ص) ترس و هراس خود را تنها در پیامدهای اخروی عصیان و نافرمانی اظهار کرده اند. این نکته می توان بیانگر برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ – نجم – ۵۳ – ۴۷ – ۳

۳ – تحقق هدف الهی از آفرینش انسان ، منوط به برپایی قیامت *

و أنّه خلق . .. و أن علیه النشأه الأُخری

از

متفرع شدن <علیه النشأه الأخری> بر <خلق الزوجین>، می توان نتیجه گرفت که خلقت دنیوی مرد و زن، به تنهایی کافی نیست و برای تحقق هدف الهی، در خلقت اخروی آنان ضروری است.

نقش گواهان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۹ - ۶

۶- حکم و داوری خداوند میان انسان ها در قیامت ، بر اساس حجت و گواه شاهدان است .

و یوم نبعث فی کلّ أُمّه شهیدًا علیهم من أنفسهم

برداشت فوق، با توجه به این نکته است که برانگیختن شاهدان در راستای صدور حکم و داوری است و نیز به منظور اتمام حجت صورت می گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۱ - ۱۱

۱۱ - کیفر و پاداش انسان ها در قیامت ، مستند به گواهی شاهدان است .

یوم یقوم الأشهد

نگرانی از سختیهای قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۵ - ۱

۱ - قیامت ، روزی با عظمت و سزاوار نگران بودن از دشواری های آن

لیوم عظیم

عظمت روز قیامت، به سهمگین بودن حوادث و مراحل آن است.

نگرانی از قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۵۰ – ۲۱

۲۱ – وجود قیامت ، دغدغه جدی انسان ، حتی برای آنان که ظاهراً منکر آن هستند .

و ما أظنّ الساعه قائمه و لئن رجعت إلی ربّی

نیاز به امداد در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – انفطار – ۸۲ – ۱۹ – ۳

۳

- نیاز انسان ها به یاری یکدیگر در قیامت

یوم لاتملک نفس لنفس شیئًا

بیان سلب قدرت از یاری رسان، گویای آن است که نیاز به کمک وجود دارد; ولی از کسی ساخته نیست.

نیکان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۹ - ۱،۱۳

۱ راستگویان و راستکرداران ، بهره مند از آثار صدق خویش ، در قیامت

قال اللّه هذا یوم ینفع الصدقین صدقهم

۱۳ رستگاری و پیروزی بزرگ در قیامت ، ویژه راستگویان و راستکرداران

هذا یوم ینفع الصدقین . .. ذلک الفوز العظیم

وادی مهلک در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۲ - ۱۲

۱۲- خداوند ، در قیامت ، بین مشرکان و معبودان شان وادی هلاکت باری را قرار خواهد داد و هرگونه ارتباط میان آنها را ناممکن خواهد ساخت .

و جعلنا بینهم موبقًا

<وبوق> به معنای <هلاک شدن> است و <موبق> اسم مکان به معنای <مکان هلاکت> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۳ - ۲

۲- مکان هلاکت باری که بین مشرکان و معبودان پنداری آنها فاصله می شود ، آتش دوزخ است .

و جعلنا بینهم موبقًا . و رءا المجرمون النار

واقع بینی در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۲۲ – ۵

۵ چشمان آدمی در قیامت ، سخت ژرف نگر و واقع بین

فبصرك الیوم حدید

وحشت زدگان در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۴۹ – ۵

-۵

مجرمانِ رفاه مند و بی باک دنیا ، بیم ناکان وحشت زده صحنه قیامت اند .

فتری المجرمین مشفقین ممّا فیه

با توجه به این که آیات قبل در مورد رفاه مندان مغرور بود، مصداق بارز <مجرمان هراسناک> در این آیات، همان دنیاپرستان مغرور خواهد بود.

ورود مکذبان قیامت به جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۰ - ۱

۱ - فرمان حرکت به تکذیب کنندگان روز جزا ، به سوی ستون های دود برخاسته از آتش دوزخ

انطلقوا إلی ظلّ

بنا به گفته مفسران، مقصود از <ظلّ>(سایه)، دود غلیظ برخاسته از آتش دوزخ است که به صورت سایه نمایان می شود; مانند: <و ظلّ من یحموم; و سایه ای از دودی سخت سیاه>. (واقعه، آیه ۴۳)

وسعت زلزله قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۲ - ۱

۱ - زمین ، بر اثر زلزله فراگیر خود همه مردگان را ، بیرون خواهد ریخت .

و أخرجت الأرض أثقالها

<أثقال> جمع <ثِقْل> و <ثَقَل> است; نظیر <أمثال> که جمع <مِثْل> و <مَثَل> می باشد. <ثِقْل> به معنای بار سنگین است. <ثَقَل> نیز به همان معنا و یا به معنای <شیء نفیس> است (لسان العرب). <بارهای سنگین زمین>، کنایه از ذخایر آن و نیز اجساد مردگان است. برداشت یاد شده، به مصداق دوم نظر دارد.

وسعت سختیهای قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۷ – ۳

۳ – مشکلات و سختی های روز قیامت ، گسترده و فراگیر است .

یومًا کان شرّه مستطیرًا

مقصود از <شرّ>، شداید و مشکلاتی

است که در روز قیامت به انسان ها روی می آورد. <مستطیر> از باب استفعال از فعل <طار> (پرواز کرد) است و در این آیه، به انتشار و گسترش شرور و سختی ها در عرصه قیامت، همچون انتشار طیور در فضا و جو، اشاره دارد.

وسعت قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۸ - ۳

۳ - مرگ و رستاخیز ، حقیقتی عام و در برگیرنده تمامی موجودات شعورمند آسمان ها و زمین و نه مخصوص انسان ها

و نفخ فی الصور فصعق من فی السموت و من فی الأرض . .. ثمّ نفخ فیه أُخری فإذا هم ق

وضوح دلایل قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۹ - ۲،۳،۴

۲ - برپایی قیامت ، دارای شواهد و دلایل تردیدناپذیر است .

إنّ الساعه لأتیه لا ریب فیها

با توجه به آیات پیشین که درصدد اثبات معاد انسان است تعبیر <لا ریب فیها>، می تواند اشاره به این نکته باشد که قیامت آن چنان از شواهد و دلایل متقن برخوردار است که توجه به آن، زداینده هرگونه تردید از انسان در برپایی آن است.

۳ - با وجود شواهد و دلایل اثباتگر برپایی قیامت ، شک و تردید در آن ، امری ناروا و نابه جا است .

إنّ الساعه لأتیه لا ریب فیها

۴ - بیشتر مردم صدر اسلام با وجود شواهد و دلایل اثباتگر قیامت ، به این حقیقت ایمان نیاوردند .

إنّ الساعه لأتیه . .. و لکنّ أکثر الناس لایؤمنون

وعده برپایی قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه

– فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۲۸ – ۵

۵ – وعده وقوع حتمی قیامت ، از سوی مؤمنان به کافران داده شده بود .

و یقولون متی هذا الفتح إن کنتم صدقین

وعده قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۳۸ – ۲

۲- برپایی قیامت و کیفر کافران دین ستیز ، وعده الهی است .

و یقولون متی هذا الوعد

برداشت یادشده براین اساس است که <ال> در <الوعد> عهد حضوری بوده و مقصود از آن، برپایی قیامت و عذاب کافران باشد که همواره تمامی پیامبران به امت خویش وعده می دادند و این وعده در خاطر امت ها وجود داشت.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۹۷ – ۱

۱- تحقق وعده راستین خداوند به برپایی قیامت ، نزدیک است .

و اقترب الوعد الحقّ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۱۰۳ – ۶

۶- قیامت (بهشت) ، وعده پیشین خداوند به مؤمنان راستین

هذا یومکم الذی کنتم توعدون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۱۰۴ – ۸

۸- برپایی قیامت با آفرینش و سازماندهی دوباره جهان ، وعده قطعی خداوند است .

وعدًا علینا إنّا کنّا فعلین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۶۸ – ۱

۱ – موضع گیری ناباورانه مشرکان در قبال وعده برپایی قیامت

لقد وعدنا هذا . .. إن هذا إلاّ أسطیر الأوّلین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ –

۲ - وعده پیامبر (ص) به مشرکان مبنی بر وقوع قیامت در آینده

و یقولون متی هذا الوعد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۸ - ۴

۴ - برپایی قیامت ، وعده ای الهی به انسان ها است .

متی هذا الوعد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۲ - ۶

۶ - برپایی قیامت و حسابرسی از بندگان ، وعده الهی به انسان ها

هذا ما وعد الرحمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۳ - ۱۱

۱۱ - منتهی شدن نظام دنیا به جهان آخرت و قیامت ، وعده مکرر خداوند به خلق

یومهم الذی یوعدون

از فعل مضارع <یوعدون> که دلالت بر استمرار می کند مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۲ - ۳

۳ - وعده برپایی حتمی قیامت ، از پیام ها و هشدار های مهم خداوند به انسان ها

ءایتی تتلی علیکم . .. و إذا قیل إنّ وعد اللّه حقّ و الساعه

از این که خداوند، پس از بیان کلی <آیاتی تتلی علیکم> صرفاً به مسأله معاد به عنوان یکی از آن آیات تصریح کرده است، اهمیت آن استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۵ - ۳

۳ - برپایی قیامت ، وعده اعلام شده خداوند به انسان ها

و یقولون متی هذا الوعد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ -

معارج - ۷۰ - ۴۲ - ۶

۶ - برپایی قیامت و کیفر و پاداش آن روز ، وعده الهی به همگان

حتّی یلقوا یومهم الذی یوعدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۷ - ۲

۲ - قیامت ، حقیقتی تحقق یافتنی و وعده ای تخلف ناپذیر است .

إنّما توعدون لوقع

از آیات بعدی، استفاده می شود که مقصود از وعده در این آیه، برپایی قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۲ - ۱

۱ - خداوند ، به مردم وقوع قیامت را وعده داده است .

و الیوم الموعود

مفسران اتفاق نظر دارند که مراد از <الیوم الموعود> قیامت است.

وقت برپایی قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۷ - ۳،۶،۱۰

۳ پیامبر (ص) موظف به اعلام عدم آگاهی خویش به لحظه فرارسیدن قیامت

قل إنما علمها عند ربی

۶ برپایی و ظهور قیامت دارای وقتی مشخص

لا یجلیها لوقتها إلا هو

۱۰ دانش بشر ناتوان از پیش بینی زمان برپایی قیامت ، حتی به صورت احتمال

لا تأتیکم إلا بغته

در صورتی می توان گفت چیزی ناگهانی و بی خبر تحقق یافت که انسان زمان تحقق آن را، حتی به صورت احتمال و حدس، در ذهن خویش ترسیم نکرده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۸ - ۱۴

۱۴ زمان برپایی قیامت از امور غیبی است .

لو کنت أعلم الغیب لاستکثرت من الخیر

پیامبر(ص) در پاسخ کسانی که می پنداشتند او به زمان برپایی قیامت آگاهی

دارد، بـا جمله <لو كنت أعلم الغيب . .. > بیـان می دارد که من عـالم به غیب نیسـتم ; یعنی زمان برپایی قیامت از امور غیبی جهان است.

وقت قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۰۴ – ۱،۳،۵

۱ خداوند برای برپایی قیامت ، زمان مشخصی را تعیین کرده است .

و ما نؤخّره إلّا لأجل معدود

۳ برای تأخیر قیامت ، دلیل و علتی جز انتظار فرارسیدن زمان مخصوص آن وجود ندارد .

و ما نؤخّره إلّا لأجل معدود

برداشت فوق ، بر این مبناست که لام در <لأجل> برای تعلیل باشد.

۵ تا برپایی قیامت ، تنها زمانی اندک باقی مانده است .

و ما نؤخّره إلّا لأجل معدود

کلمه <معدود> (شمارش دار) به اندک بودن تعداد اشاره دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۱۰۷ – ۷

۷ دانش بشر ناتوان از پیش بینی زمان برپایی قیامت حتی به صورت احتمال

أو تأتيهم الساعه بغته و هم لايشعرون

در صورتی می توان گفت چیزی ناگهـانی و بی خبر تحقق یافت که آدمی زمان تحقق آن را حتی به صورت احتمال و حـدس تعیین نکرده باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۳۸ – ۲

۲- روز قیامت و زمان دقیق برپایی آن ، مشخص و معلوم در نزد خداوند

فأنظرنی إلی یوم یبعثون . قال فإنک من المنظرین . إلی یوم الوقت المعلوم

برداشت فوق، بر این اساس است که مقصود از <الوقت المعلوم> روز رستاخیز و قیامت باشد و نام گذاری آن روز به <وقت معلوم> برای این است

که تنها خدا، زمان دقیق آن را می داند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۷ - ۵

۵- نزدیکی برپایی قیامت در نظر خداوند ، علی رغم دور جلوه کردن آن در چشم آدمیان

و ما أمر الساعه إلاّ کلمح البصر أو هو أقرب

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مراد از <أمر الساعه> رخداد قیامت باشد نه فرمان برپایی آن; که در این صورت آیه می تواند به بینش آدمیان نسبت به دور بودن قیامت اشاره داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۱ - ۲۱،۲۰،۱۷

۱۷- مشرکان ، انتظار داشتند که پیامبر (ص) به زمان وقوع قیامت آگاه باشد .

و یقولون متی هو قل عسی أن یکون قریبًا

۲۰- پیامبر (ص) ، موظف به پاسخ دادن سؤال مشرکان درباره زمان وقوع قیامت به اینکه امید است به زودی تحقق یابد .

متی هو قل عسی أن یکون قریبًا

۲۱- زمان وقوع قیامت ، نزدیک است .

و یقولون متی هو قل عسی أن یکون قریبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۵ - ۵

۵ - خداوند به اراده خویش ، زمان برپایی قیامت را از انسان ها مخفی نگه داشته است .

أکاد أُخفیها

در قاموس آمده است که <أکاد> (در این آیه) به معنای <أرید> است و <أکاد أخفیها>; یعنی، اراده می کنم که آن را مخفی نگه دارم، براین اساس مراد از اخفای قیامت، پنهان داشتن زمان وقوع آن خواهد بود، نه اصل وقوع آن.

سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱ - ۹

۹- زمان فروپاشی نظام طبیعت و برپایی قیامت ، زمانی معین در نزد خداوند

إنّ زلزله الساعه شیء عظیم

<ال> در <الساعه> برای عهد است. بنابراین <الساعه> آن هنگام اشاره به زمانی مشخص و معین دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۵ - ۴

۴ - زمان برپایی قیامت ، زمانی است مشخص در پیشگاه خداوند .

حتّی تأتیهم الساعه بغته

به کارگیری <ساعه> با الف و لام عهد بیانگر برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۴ - ۷،۸

۷ - خداوند ، آگاه به زمان بازگشت انسان به سوی او (زمان رستاخیز) است .

قد یعلم ما أنتم علیه و یوم یرجعون إلیه

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که <و یوم. ..> عطف بر <ما أنتم...> باشد.

۸ - مالکیت خداوند بر جهان هستی ، نشان آگاهی او از زمان رجعت و بازگردانیده شدن انسان به سوی او (زمان رستاخیز) است .

ألا إنّ للّه ما فی السموت و الأرض قد یعلم ما أنتم علیه و یوم یرجعون إلیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۵ - ۵،۶

۵ – زمان برپایی قیامت ، از امور غیبی و علم آن تنها در اختیار خداوند

قل لایعلم . .. الغیب إلاّاللّه و ما یشعرون أیّان یبعثون

از ارتبـاط <أیّان یبعثون> با <الغیب> اسـتفاده می شود که رسـتاخیز، خود مصـداق و نمونه ای از امور غیبی است که دانش آن

تنها در اختیار خدا است.

۶ - آگاهی نداشتن غیرخدا به لحظه برپایی رستاخیز ، دلیل شایسته نبودن غیر او برای پرستش

و ما یشعرون أیّان یبعثون

با توجه به این که معبودهای دروغین مشرکان، از مصادیق مورد نظر در <ما یشعرون> هستند، از ارتباط آن با صدر آیه استفاده می شود که موجوداتی که زمان رستاخیز بر آنها مکشوف نباشد، اصولاً نمی توانند به عنوان معبود شناخته شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۱ - ۳

۳ - پرسش ناباورانه و تمسخرآمیز منکران معاد ، از زمان برپایی رستاخیز و مجازات کافران

لقد وعدنا هذا. .. و یقولون متی هذا الوعد

مراد از <الوعد> به قرینه آیات پیشین، می تواند وعده رستاخیز باشد. برداشت یاد شده بر پایه این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۵ - ۶

۶ - زمان برپایی قیامت ، در آخرین لحظه های پایانی دنیا است . *

و یوم تقوم الساعه

نامیده شدن قیامت به <الساعه> ممکن است به جهت این باشد که قیامت، در آخرین دقیقه ها و لحظه های عمر دنیا رخ می دهد و ازاین رو، می توان نکته یاد شده را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۶ - ۱۲

۱۲ - کافران ، از حقیقت روز قیامت و برانگیختگی مردگان در آن ، همواره ، در جهل و بی اطلاعی اند .

یقسم المجرمون . .. فهذا یوم البعث و لکنّکم کنتم لاتعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۳۱ - ۳۴ - ۱

۱ - آگاهی به زمان برپایی قیامت ، در انحصار خداوند است .

إنّ اللّه عنده علم الساعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۳ - ۱،۴،۵،۶،۷،۹،۱۰

۱ - سؤال های پی در پی مردم ، از پیامبر (ص) درباره وقت وقوع قیامت

یسئلک الناس عن الساعه . .. لعلّ الساعه تکون قریبًا

<قریباً> قرینه است بر این که پرسش مردم از قیامت، درباره زمان وقوع آن بوده است.

۴ - آگاهی از زمان وقوع قیامت ، امری برای مردم بس مهم بود .

یسئلک الناس عن الساعه

۵ - منافقان و بیماردلان مدینه ، با طرح پرسش هایی از امور غیبی ، مانند < زمان وقوع قیامت > ، در صدد استهزای پیامبر (ص) بودند .

لئن لم ینته المنفقون و الذین فی قلوبهم مرض . .. یسئلک الناس عن الساعه

بنابراین که <ال> در <الناس> عهد ذکری باشد و به منافقان و بیماردلان در آیه شصت برگردد، نکته بالا، قابل استفاده است.

۶ - پیامبر (ص) نیز از زمان وقوع قیامت بی اطلاع بود .

یسئلک الناس عن الساعه . .. و مایدریک لعلّ الساعه تکون قریبًا

۷ - پیامبر (ص) هیچ راهی برای آگاهی از زمان وقوع قیامت ندارد .

و مایدریک لعلّ الساعه تکون قریبًا

<ما> در <مایدریک> استفهامیه و مبتدا، و جمله بعدی، خبر آن است و معنای عبارت چنین است: چه چیزی تو را آگاه می کند از وقت وقوع قیامت؟

۹ - پاسخ خداوند به پرسش مردم درباره زمان قیامت ، این است که جز خدا ، کسی خبر ندارد .

یسئلك الناس

عن الساعه قل إنّما علمها عند اللّه

۱۰ – زمان وقوع قیامت ، از اخبار غیبی است .

قل إنّما علمها عند اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۳۰ – ۱،۵،۶

۱ – پیامبر (ص) ، مأمور پاسخ گویی به پرسش مشرکان درباره زمان وقوع قیامت

و یقولون متی هذا الوعد . .. قل لکم میعاد یوم لاتستأخرون عنه ساعه

۵ – زمان وقوع قیامت ، تغییر ناپذیر است .

قل لکم میعاد یوم لاتستأخرون عنه ساعه و لاتستقدمون

۶ – زمان وقوع قیامت ، برای هیچ کس روشن نیست .

یقولون متی هذا الوعد . .. قل لکم میعاد یوم

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که خداوند، به سؤال درباره زمان وقوع پاسخ نداده و تنها به حتمی بودن وقوع آن بسنده کرده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۱۸ – ۲

۲ – قیامت ، روزی است قریب الوقوع .

یوم الأزفه

<الآزفه> اسم فاعل از فعل <أزِفَ به معنای <قَرُبَ> می باشد. <یوم الآزفه>; یعنی، روز نزدیک شونده.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۴۷ – ۱،۲،۳

۱ - آگاهی به زمان برپایی قیامت ، در انحصار خداوند است .

إلیه یردّ علم الساعه

تقدیم <إلیه> بر <یردّ> مفید حصر است.

۲ - قیامت و زمان برپایی آن ، مورد پرسش مشرکان عصر بعثت

إلیه یردّ علم الساعه

۳ - آگاهی خداوند از زمان برپایی قیامت ، لازمه ربوبیت او است .

و ما ربّک بظلّم . .. إلیه یردّ علم الساعه

با توجه به رجوع ضمیر <إلیه> به <ربّک> در

آیه قبل، برداشت بالا استفاده می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۱۷ – ۱۱،۱۲

۱۱ – امکان برپایی قیامت ، در هر لحظه از زمان

و ما یدریک لعلّ الساعه قریب

۱۲ – زمان وقوع قیامت ، مخفی و پنهان حتی برای پیامبر (ص)

و ما یدریک لعلّ الساعه قریب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۲۹ – ۹

۹ – تعیین زمان برپایی قیامت ، در اختیار خداوند و در گرو مشیت او است .

و هو علی جمعهم إذا یشاء قدیر

با توجه به این که زمان جمع آوری موجودات روز قیامت است، از آیه شریفه استفاده می شود که تعیین زمان آن وابسته به اراده و مشیت خداوند است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۸۵ – ۵

۵ – آگاهی به زمان برپایی قیامت مختص خداوند است .

له ملک السموت و الأرض . .. و عنده علم الساعه

از تقدم خبر بر مبتدا، حصر استفاده می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۱۲ – ۱

۱ - سؤال تمسخرآمیز کافران درباره زمان برپایی روز جزا

یسئلون أیّان یوم الدّین

از آیات قبل و بعد، تمسخرآمیز بودن سؤال کافران استفاده می شود; زیرا آنان اصولاً در مقام فهم حق نبودند و با این پرسش، می خواستند راهی دیگر برای انکار معاد و وسیله ای برای تمسخر آن پیدا کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۰ - ۴

- ۴

زمان برپایی قیامت ، معلوم و مشخص نزد خداوند

إلی میقت یوم معلوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۱ - ۴

۴ - زمان برپایی رستاخیز ، خارج از قلمرو دانش بشر

و ننشئکم فی ما لاتعلمون

<ما>ی موصوله در <فیما>، می تواند کنایه از کیفیت خلقت اخروی و یا کنایه از زمان حیات مجدد یافتن انسان در آخرت باشد. برداشت بالا بر پایه احتمال دوم است; یعنی، ما مرگ را بر این اساس مقدر کردیم که در زمانی که نمی دانید، شما را بار دیگر ایجاد کنیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۵ - ۱،۷

۱ - پرسش ناباورانه و تمسخرآمیز کافران ، از زمان برپایی قیامت

و یقولون متی هذا الوعد

استفهام در <متی هذا الوعد> حقیقی نیست; بلکه از باب تهکّم و استهزا است.

۷ - پرسش بهانه جویانه کافران ، درباره زمان برپایی قیامت ، ناشی از خوی لجاجت ، استکباری و حق گریزی آنان بوده است .

بل لجّوا فی عتوّ و نفور . .. و یقولون متی هذا الوعد إن کنتم صدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۶ - ۲،۳،۵

۲ - آگاهی از زمان دقیق برپایی قیامت ، تنها در انحصار خداوند است و هیچ کس از آن باخبر نیست .

و یقولون متی هذا الوعد . .. قل إنّما العلم عند اللّه

۳ - پیامبر (ص) ، موظف به اعلام بی اطلاعی خویش از زمان فرا رسیدن قیامت

قل إنّما العلم عند اللّه

پاسخ پیامبر(ص) (علم به زمان برپایی قیامت تنها در

انحصار خداوند است)، می رساند که خود آن حضرت نیز از آن آگاهی نداشت.

۵ - پیامبر (ص) ، تنها عهده دار انذار مردمان ، درباره برپایی قیامت بود ، نه مشخص ساختن زمان دقیق آن .

قل إنّما العلم عند اللّه و إنّما أنا نذیر

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که حصر در <إنّما أنا نذیر> حصر اضافی بوده و نسبت به علم به زمان برپایی قیامت سنجیده شده است; یعنی، من تنها انذارگر به وقوع قیامت هستم، نه بیش از آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۶ - ۲

۲ - زمان نزول عذاب ، شکست کافران و برپایی قیامت ، از امور غیبی و تنها در اختیار خداوند است .

حتّی اذا اوا ما یوعدون. ..اقریب ما توعدون... علم الغیب

تعریف <الغیب> برای استغراق است; یعنی، تمامی امور و حقایق غیبی و <عالم الغیب> خبر برای مبتدای محذوف (هو) است. تعریف مسند و مسندالیه، مفید قصر می باشد; یعنی، تنها خداوند عالم به امور غیبی است. گفتنی است از مصادیق مورد نظر در امور غیبی به قرینه آیات پیشین مسأله برپایی قیامت، شکست کافران و نزول عذاب بر آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۷ - ۳

۳ - امکان آگاهی رسولان الهی از زمان برپایی قیامت و نزول عذاب بر کافران ، به وسیله وحی و الهام خداوند

قل إن أدری أقریب ما توعدون . .. إلاّ من ارتضی من رسول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه

۱،۲ - ۶ - ۷۵ -

۱ - پرسش ناباورانه و تمسخرآمیز کافران ، از زمان برپایی قیامت

یسئل أیّان یوم القیمه

۲ - آگاه نبودن از زمان برپایی قیامت ، بهانه کافران برای انکار آن

یسئل أیّان یوم القیمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۷ - ۵

۵ - قیامت ، از دیر زمان و در علم خداوند ، دارای زمانی مشخص بوده است .

إنّ یوم الفصل کان میقتًا

فعل <کان> دلالت دارد که وقت قیامت از پیش مشخص بوده است. <میقات> گر چه اسم آلت است; ولی معنای <وقت> دارد; نظیر میعاد و میلاد که از اسم آلت بودن خارج شده و به معنای مصدر خود استعمال شده اند. متعلق میقات به قرینه سیاق کلام محشور شدن و مجازات دیدن است; یعنی، قیامت وقت مشخص شده برای این حوادث است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۴ - ۱

۱ - تنها خداوند ، خصوصیات قیامت و زمان وقوع آن را می داند .

إلی ربّک منتهیها

<منتهاها> به قرینه سیاق آیات پیشین به معنای منتهای علم به قیامت و شناخت خصوصیات و زمان آن است. تقدیم <إلی ربّک> بیانگر حصر است.

وکالت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۹ - ۷

۷ در دادگاه قیامت ، قضاوت بر اساس علم همه جانبه خداوند است و جایی برای وکیل مدافع نیست .

و کان اللّه بما یعملون محیطاً . .. فمن یجدل اللّه عنهم یوم القیمه ام من یکون علی

<وکیل> به کسی

گفته می شود که کارهای دیگری را بر عهده می گیرد و امور وی را تدبیر می کند و مراد از آن در آیه وکالت در دفاع خواهد بود که از آن به وکیل مدافع تعبیر می شود.

ولایت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۳ - ۱۱

۱۱ خداوند ، در قیامت ولی (سرپرست) و نصیر (یاری دهنده) است .

و لایجدون لهم من دون اللّه ولیاً و لانصیراً

ویژگی قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۴ - ۷،۸

۷ دنیا ، عرصه تجارت سعادت و کسبِ توشه اخروی است ; نه قیامت .

انفقوا . .. من قبل ان یأتی یوم لا بیع فیه

۸ در قیامت ، هیچگونه داد و ستد ، دوستی و شفاعت نیست .

یوم لا بیع فیه و لا خُلّه و لا شفاعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۱ - ۲،۳،۵،۹

۲ قیامت ، هنگامه ای عظیم و دهشتناک برای نابکاران

و اتّقوا یوماً ترجعون فیه الی اللّه

آوردن <یوماً> به صورت نکره، اشاره به عظمت آن روز دارد.

۳ قیامت ، روز بازگشت انسان ها به سوی خداوند .

و اتّقوا يوماً ترجعون فيه الى اللّه

۵ قيامت ، روز دريافت كامل نتيجه اعمال (كيفر و پاداش)

ثمّ توفّى كلّ نفس ما كسبت

<توفّى> به معناى دريافت كامل است.

۹ در قيامت به كسى ستم نمى شود . (نه از ثواب او كاسته و نه بر عقاب او افزوده مى

گردد .)

توفّی کل نفس ما کسبت و هم لا یظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹ - ۷

۷ قیامت ، روز رسیدن همگان به یقین و برچیده شدن هر گونه تردید

لیوم لا ریب فیه

مراد از جمله <لا ریب فیه> می تواند این معنا باشد که در آن روز شکی وجود ندارد و آن روز، روز یقین است. نه اینکه در وقوع و تحقق روز قیامت شکی نیست چنانچه در برداشت قبلی آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۲ - ۱۰

۱۰ قیامت ، روز بروز نهفته های درونی انسان

و لا یکتمون اللّه حدیثاً

بر این مبنا که جمله <و لا یکتمون> عطف بر <یودّ> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۷ - ۲،۳

۲ قیامت ، پایان گردآوری انسان ها از سوی خداوند

لیجمعنّکم الی یوم القیمه

۳ قیامت ، روز گردآوری تمامی انسانها

لیجمعنّکم الی یوم القیمه

بر اساس این احتمال که <الی> به معنی <فی> باشد ; چنانچه برخی از مفسران اظهار داشته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲ - ۱۳

۱۳ قیامت، روز ظهور حقایق و از بین رفتن هر گونه تردید

لیجمعنکم إلی یوم القیمه لا ریب فیه

مرجع ضمیر <فیه> می تواند <یوم القیامه> باشد، یعنی قیامت ظرف تردید نیست و در آن روز تردید از آدمی رخت بر می بندد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ -

۱۰ - ۳۶

۱۰ قیامت روز رسیدگی به کار حق پذیران و حق ناپذیران و پاداش و مجازات آنهاست.

إنما یستجیب الذین یسمعون و الموتی یبعثهم اللّه ثم إلیه یرجعون

جمله <ثمّ إلیه یرجعون> ظاهراً تذلیلی برای تمامی آیه است. یعنی هم پاسخ دهندگان و هم مرده دلان جملگی در قیامت مبعوث شده و به نتایج اعمال خود می رسند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۸ - ۸

۸ تمامی جنبندگان زمین و پرندگان آسمان، مانند انسان، در قیامت برانگیخته می شوند.

ثم إلی ربهم یحشرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۱ - ۸

۸ هراس از روزی که در آن جز خداوند یاور و شفیعی نیست، زمینه پذیرش انذارهای انبیا

و أنذر به الذین یخافون أن یحشروا إلی ربهم لیس لهم من دونه ولی و لا شفیع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۰ - ۱۶

۱۶ قیامت، روزِ بُروز حقیقت اعمال دنیوی آدمیان است.

ثم إلیه مرجعکم ثم ینبئکم بما کنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۲ - ۷

۷ قیامت روز گرد آمدن تمامی آدمیان در پیشگاه خداوند است.

و هو الذی إلیه تحشرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۴ - ۱۰

۱۰ روز قیامت، زمان ملاقات انسان با خداوند است.

لعلهم بلقاء ربهم یؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۶۴ - ۱۱،۱۳

۱۱ قیامت

روز آگاهی عینی همگان به حقیقت معارف دین*

فینبئکم بما کنتم فیه تختلفون

روشن است که خداوند در دنیا حقانیت مسائل مورد اختلاف میان اهل ایمان و شرک را بیان کرده است. بنابراین می توان گفت خبر دادن <فینبئکم>، کنایه از کیفر دهی است، و یا مراد از آن آگاهی ویژه، یعنی آگاهی عینی و ملموس است. برداشت فوق مبتنی بر احتمال دوم است.

۱۳ قیامت ظرف ظهور و انکشاف ربوبیت مطلق خدا برای همگان

أغیر الله أبغی ربا و هو رب کل شیء . .. فینبئکم بما کنتم فیه تختلفون

از مصادیق مورد نظر برای <ما کنتم فیه تختلفون>، به دلیل <أغیر الله أبغی ربا>، ربوبیت خداوند بر هستی است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۸ – ۱

۱ قیامت روز سنجش و ارزیابی اعمال و عقاید آدمیان است.

و الوزن یومئذ الحق

ویژگیهای احضار انسان ها در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۳۲ – ۲

۲ – احضار تمامی انسان ها به پیشگاه خداوند در قیامت ، به صورت دسته جمعی و یک جا خواهد بود .

و إن کلّ لمّا جمیع لدینا محضرون

<جمیع> فعیل به معنای مفعول (مجموع) و ضد متفرق است و مقصود از آن در آیه شریفه، اجتماع و انضمام تمامی افراد، از همه اقوام و جوامع بشری در یک مکان (قیامت) است.

ویژگیهای برپایی قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۷ - ۶

۶ قیامت ، ناگهانی و در حال بی خبری انسان ها تحقق می یابد .

أو تأتیهم

الساعه بغته و هم لایشعرون

<بغته> به معنای هجوم ناگهانی و بدون اطلاع قبلی است. جمله <و هم لایشعرون> حال مؤکده است ; زیرا توجه نداشتن از <بغته> معلوم می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۸ - ۴

۴ - عدم امکان بازگشت انسان به دنیا ، پس از برپایی قیامت

ربّنا أخرجنا منها . .. قال اخسئوا فیها و لاتکلّمون

ویژگیهای دود قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۱ - ۳

۳- تهدید مشرکان حق ستیز مکه ، از سوی خداوند به عذابی دنیوی و تیره کننده زندگی

فارتقب یوم تأتی السماء بدخان مبین

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که <دخان مبین>، کنایه از تیره روزی و عذاب دنیوی باشد، چه این که برخی از مفسران این آیه را پاسخی به دعای پیامبر(ص) دانسته اند که از خداوند خواست تا برای بیدار شدن مشرکان، آنان را به قحطی ای همچون دوران یوسف مبتلا کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۱ - ۳

۳- دود های متراکم قیامت ، شکنجه آور ، دردآفرین و در بر گیرنده تمامی کفرپیشگان

یغشی الناس هذا عذاب ألیم

ممکن است این آیات در مورد عذاب اخروی باشد.

ویژگیهای قضاوت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۸ - ۵

۵ - داوری میان حق و باطل در عرصه قیامت ، با حضور تمامی خلایق انجام خواهد پذیرفت .

هذا یوم الفصل جمعنکم و الأوّلین

ویژگیهای قیامت

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۴ - ۵،۶

۵ - روز قیامت ، روز کیفر و پاداش است .

ملک یوم الدین

<دین> در اینجا به معنای جزا (کیفر و پاداش) و یا حساب است، و هر دو بازگشت به یک معنا دارند.

۶ - مالکیت خدا بر روز جزا و فرمانروایی او در آن روز ، دلیل اختصاص ستایش ها به اوست .

الحمد للّه . .. ملک یوم الدین

<مالک یوم الدین> نیز مانند اوصاف گذشته به منزله دلیل برای <الحمد للّه> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۸ - ۲،۷،۸

۲ - قیامت ، روزی پر مخاطره که باید برای مصونیت از آن ، وسیله کارسازی را تدارک دید .

واتقوا یوماً

<اتقاء> یعنی، بر گرفتن و تدارک دیدن وسیله ای برای محافظت از چیزی خطر ساز و هولناک. بنابراین <اتقوا یوماً> دلالت می کند که: روز قیامت متضمن خطرهای هولناکی است و آدمی باید برای مصون ماندن از آنها وقایه ای (نگهدارنده ای) را تدارک ببیند.

۷ - در روز قیامت از هیچ کس عِدل و عوضی - که خویشتن را با آن باز خرد - گرفته نخواهد شد .

و لایؤخذ منها عدل

کلمه <عَدْل> به معنای: فدیه و عوض است که شخص برای آزادی خود یا دیگری می پردازد، تا از اسارت و مانند آن آزاد شود.

۸ - در روز قیامت هیچ کس به دفاع از دیگری برنخواهد خواست و او را یاری نخواهد کرد .

و لاهم ینصرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۱۰ – ۱۰

۱۰ – قیامت ، صحنه

بروز و ظهور اعمال پسندیده ای است که آدمی در دنیا انجام داده است .

و ما تقدموا لأنفسکم من خیر تجدوه عنداللّه

ضمیر مفعولی در <تجدوه> (می یابید آن را) به کلمه <خیر> بر می گردد و مقتضایش آن است که: آدمی با همان عمل نیکی که انجام داده، روبه رو خواهد شد; یعنی، اعمال نیک آدمی در قیامت، به گونه ای بروز و ظهور دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۲ - ۷

۷ - قیامت ، صحنه ای هراسناک و جایگاه حزن و اندوه است .

ولا خوف علیهم و لا هم یحزنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۳ - ۱۵

۱۵ - قیامت ، صحنه داوری میان امتهاست .

فاللّه یحکم بینهم یوم القیمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۳ - ۱،۲،۴،۵،۶،۷،۸

۱ - قیامت ، روزی با عظمت که همگان با آن مواجه خواهند شد .

و اتقوا یوماً

مراد از <یوماً> روز قیامت است. نکره آوردن آن، حکایت از عظمت آن دارد.

۲ - قیامت ، روزی پر مخاطره که باید برای مصونیت ازآن ، سببی کارساز تدارک دید .

و اتقوا یوماً

<اتقاء> (مصدر إتقوا); یعنی، برگرفتن و تدارک دیدن وسیله ای برای محافظت از چیزی هولناک و خطرساز. بنابراین <إتقوا یوماً> دلالت می کند که: روز قیامت حاوی مخاطرات هولناک است و آدمی باید برای مصون ماندن از آنها، وقایه

(وسیله ای برای محافظت) فراهم آورد.

۴ - هیچ کس در روز قیامت ، ذره ای از عذاب دیگری را بر عهد نمی

گیرد و متحمل آن نمی شود .

و اتقوا یوماً لاتجزی نفس عن نفس شیئاً

۵ - در روز قیامت ، از هیچ کس فدیه و عوضی که خویشتن را با آن باز خرد ، پذیرفته نمی شود .

و لایقبل منها عدل

<عدل> به معنای فدیه و عوضی است که شخص برای آزادی خود یا دیگری می پردازد تا از اسارت و مانند آن آزاد شود.

۶ - در روز قیامت شفاعت هیچ کس از دیگری ، سودبخش نخواهد بود .

و لاتنفعها شفعه

ضمیر <ها> در <تنفعها> به <نفس> دوم در <لاتجزی نفس عن نفس> بر می گردد.

۷ - در روز قیامت ، هیچ کس از دفاع و یاری دیگری بهره مند نخواهد شد .

و لاهم ینصرون

۸ - در قیامت ، هیچ راه نجاتی برای کافرانِ به قرآن و پیامبر (ص) وجود نخواهد داشت .

أولئک یؤمنون به و من یکفر به . .. و اتقوا یوماً لاتجزی نفس عن نفس شیئاً

هدف از توصیف قیامت، به اینکه فدیه ای گرفته نمی شود و . ..; مأیوس کردن مستحقان عذاب است از اینکه راه نجاتی - جز ایمان به قرآن و پیامبر(ص) - برای خویش توهم کرده و به اعتبار آن دل خوش کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۸ - ۱۱

۱۱ - قیامت زمان برداشت و پاداش اعمال نیک است .

فاستبقوا الخیرت أین ما تکونوا یأت بکم اللّه جمیعاً

جمله <أین ما تکونوا . ..> تعلیل جمله قبل است; یعنی، چون قیامتی بر شما هست باید در دنیا به انجام کارهای نیک بپردازید. این تعلیل بیانگر آن است که: سعادت انسان

در آخرت، به اعمال نیک او در دنیا بستگی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۷ - ۸

۸ - صحنه قیامت ، صحنه مشاهده اعمال دنیوی و دیدن نتایج آن است .

کذلک یریهم اللّه أعملهم حسرت

فعل <یری> می توانـد از رؤیت به معنای دیدن با چشم باشد. بر این مبنا معنای جمله <کذلک ...> چنین می شود: خداوند اعمال مشرکان (و یا نتایج اعمالشان) را به آنان نشان خواهد داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۵ - ۶،۷،۸،۱۰،۱۳

۶ قیامت ، روز رسیدن همگان به یقین و برچیده شدن هر گونه تردید

لیوم لا ریب فیه

مراد از جمله <لا ریب فیه> می تواند این معنا باشد که در آن روز شکی وجود ندارد و آن روز، روز یقین است; نه اینکه در وقوع و تحقق روز قیامت شکی نیست، چنانچه در برداشت قبل آمده است.

۷ همه حقایق در قیامت ، مکشوف و یقینی است .

لیوم لا ریب فیه

۸ قیامت ، روزی که هر کس اندوخته های خود را به تمام و کمال دریافت می کند .

و وفّیت کل نفس ما کسبت

۱۰ حضور و نمود اعمال دنیوی انسان در قیامت

و وفّیت کل نفس ما کسبت

زیرا <وفّیت> به <ما کسبت> نسبت داده شده ; نه به نتیجه آن.

۱۳ قیامت روزی که به انسان ظلم نخواهد شد .

و هم لا يظلمون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۳۰ – ۳،۵،۶

۳ قیامت ، روز تحقق عقاب و

قهر الهی و یافتن اعمال خیر و شر

و یحذّرکم اللّه نفسه . .. یوم تجد کل نفس ما عملت من خیر ... من سوء

۵ قیامت ، روز حضور نفس اعمال نیک و بد آدمی در پیش او

یوم تجد کل نفس ما عملت من خیر محضراً . .. من سوء

چون اسناد احضار به خود اعمال (ما عملت) است ; نه به پاداش و جزای آن.

۶ قیامت ، روز دریافتِ کیفر و پاداشِ اعمال نیک و بد *

یوم تجد کل نفس ما عملت من خیر . .. من سوء

بنابراینکه <ما عملت>، به معنای <جزاء ما عملت> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۵ - ۱۹

۱۹ قیامت ، جایگاه حلّ نهایی اختلافات

ثمّ الیّ مرجعکم فاحکم بینکم فیما کنتم فیه تختلفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۸ - ۶

۶ بازگشت به دنیا پس از حشر در قیامت ممکن نیست.

و لو ردوا لعادوا لما نهوا عنه

<لو> غالباً در مواردی به کار می رود که شرط آن کاری ممتنع و غیر عملی باشد. لذا جمله <ردوا> که شرط برای <لو> می باشد امری غیر عملی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۱ - ۲،۳

۲ قیامت صحنه ملاقات همگان با خداوند است.

قد خسر الذین کذبوا بلقاء اللّه حتی إذا جاءتهم الساعه

<الساعه> از اسامی قیامت است و منظور از ملاقات، برخورد جسمانی نیست، زیرا چنین امری محال است. لذا مراد از آن شهود حاکمیت و قدرت خداوند است.

۳ قدرت

و حاکمیت خداوند در قیامت تجلی می یابد.

قد خسر الذین کذبوا بلقاء اللّه حتی إذا جاءتهم الساعه بغته

مراد از <لقاء اللّه> نمی توانـد ملاقات و برخورد، به معنی متعارف، باشـد. لـذا مراد از لقاء خداوند، ملموس شدن حاکمیت و رضایت و غضب اوست، به گونه ای که گویا آدمیان با خود خداوند ملاقات کرده اند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۰۸ – ۲۰

۲۰ قیامت روز پاداش و کیفر اعمال است.

و کذلک زینا لکل أمه عملهم . .. فینبئهم بما کانوا یعملون

مطلع ساختن آدمیان بر اعمالشان در قیامت، کنایه از مجازات و یا پاداش آنان می تواند باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۳۲ – ۳

۳ قیامت، روز اعطای درجات و یا سقوط به درکات است.

و لکل درجت مما عملوا

اگر چه در آیه شریفه تنهـا درجـات مـذکور شـده است، ولی شامـل درکات نیز می گردد. چون درجات و درکات آمیخته به یکدیگرند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۷۷ – ۶

۶ قیامت ، روز ملاقات انسان با خدا

یوم یلقونه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۹۴ – ۲۱

۲۱ قیامت ، روز حضور انسان در برابر خدا و آگاه شدن او از تمامی کرده هایش و نیز روز محاکمه و تعیین سرنوشت

ثم تردون إلی علم الغیب و الشهده فینبئکم بما کنتم تعملون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۰۵ – ۹،۱۰

۹

قیامت ، عرصه احضار انسان ها برای حسابرسی اعمالشان

و ستردون . .. فینبئکم بما کنتم تعملون

۱۰ باخبر شدن انسان ها در قیامت از حقیقت و بازتاب اعمال دنیوی خویش

فینبئکم بما کنتم تعملون

مراد از <ما کنتم تعملون> می تواند ظاهر اعمال نباشد ; چه اینکه انسانها از ظاهر اعمال خویش باخبرند و آنچه را نمی دانند، حقیقت اعمالشان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷ - ۱

۱ قیامت ، روز دیدار با خداست .

إن الذین لا یرجون لقاءنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۱ - ۸

۸ قیامت ، روز دیدار با خداوند است .

الذین لایرجون لقاءنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۵ - ۵،۲۵

۵ قیامت ، روز دیدار با خداوند

قال الذین لا یرجون لقاءنا

۲۵ قیامت ، روزی بزرگ و هراسناک

عذاب یوم عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۹ - ۹

۹ قیامت ، روز داوری میان موحدان و مشرکان

و لو لا کلمه سبقت من ربک لقضی بینهم فیما فیه یختلفون

از اینکه خداوند فرمود: دنیا جای داوری میان اهل شرک و توحید نیست، معلوم می شود محل داوری میان آنان، جهانی دیگر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۷ - ۷

۷ جهان آخرت ، سرای تنهایی و محرومیت از هر گونه شفاعت برای زشت کرداران

و الذین کسبوا السیئات . .. ما لهم من اللّه

من عاصم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۲۸ – ۳،۶،۹

۳ قیامت ، روز حشر و گردآوری تمامی انسان ها (نیکان و بدان ، و مؤمنان و مشرکان)

للذین أحسنوا . .. و الذین کسبوا السیئات ... و یوم نحشرهم جمیعاً

ضمیر <هم> در <نحشرهم> به هر دو دسته نیکان و بدان برمی گردد.

۶ قیامت ، عرصه داوری خدا میان انسانها

و یوم نحشرهم جمیعاً ثم نقول للذین أشرکوا مکانکم أنتم و شرکاؤکم فزیلنا بینهم

۹ بت های مورد پرستش اهل شرک در آخرت ، دارای شعور و توانا بر نطق

و یوم نحشرهم جمیعاً . .. و قال شرکاؤهم ما کنتم إیانا تعبدون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۳۰ – ۸،۹

۸ قیامت ، روز رجوع و بازگشت همه انسان ها به خداوند است .

و ردوا إلی اللّه مولیهم الحق

۹ قیامت ، روز ظهور مولویت و مالکیت به حق و پروردگاری بی همتای خداوند و بر ملاـ شدن بطلاـن اندیشه مولویت و ربوبیت غیر او برای شرک پیشگان

و یوم نحشر هم جمیعاً . .. و ردوا إلی اللّه مولیهم الحق و ضل عنهم ما کانوا یفترون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۴۵ – ۳،۴،۵،۷

۳ مردم در قیامت ، زمان درنگ خود در دنیا را بسیار کوتاه و به اندازه لحظاتی که چند تن همدیگر را ببینند و بشناسند ، احساس می کنند .

و یوم یحشرهم کأن لم یلبثوا إلا ساعه من النهار یتعارفون بینهم

<ساعه> در لغت

به معنای جزیی از اجزای زمان، است (کوتاه باشد یا بلند). برداشت فوق مبتنی بر این است که ظرف متعلق به <لم یلبثوا>، دنیا باشد; یعنی: <کأن لم یلبثوا فی الدنیا ...>.

۴ مردم در قیامت ، زمان درنگ خود در برزخ را بسیار کوتاه احساس می کنند .

و یوم یحشرهم کأن لم یلبثوا إلا ساعه من النهار

برداشت فوق مبتنی بر این است که ظرف متعلق به <لم یلبثوا>، زمان پس از مرگ باشد.

۵ مردم در قیامت ، زمان درنگ خود در دو عالم (دنیا و برزخ) را بسیار کوتاه احساس می کنند .

و یوم یحشرهم کأن لم یلبثوا إلا ساعه من النهار

برداشت فوق مبتنی بر این است که ظرف متعلق به <لم یلبثوا>، دنیا و زمان پس از مرگ باشد; یعنی: <کأن لم یلبثوا فی الدنیا و بعد الموت>.

۷ قیامت ، روز ملاقات با خداوند است .

و یوم یحشرهم . .. قد خسر الذین کذبوا بلقاء اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۶۰ - ۳

۳ قیامت ، روزی است که در آن ، عاقبت کار انسان ها مشخص می شود .

و ما ظن الذین یفترون . .. یوم القیمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۳ - ۱۴

۱۴ قیامت ، روز داوری خداوند است .

إن ربک یقضی بینهم یوم القیمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳ - ۱۶

۱۶ روز قیامت ، روزی بزرگ و عذاب آن ، عذابی سهمگین است .

فإني أخاف

علیکم عذاب یوم کبیر

کلمه <کبیر> در ظاهر صفت برای <یوم> است و در حقیقت بیانگر بزرگی عذاب آن روز می باشد که از آن در برداشت ، به سهمگینی عذاب تعبیر گردید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴ - ۲

۲ روز قیامت ، روز بازگشت انسان ها به خداوند است .

فإنی أخاف علیکم عذاب یوم کبیر. إلی الله مرجعکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۹ - ۱۵،۱۶

۱۵ قیامت ، روز ملاقات انسان با خداوند

إنهم ملقوا ربهم

۱۶ قیامت ، روز تمایز مؤمنان راستین از مدعیان دروغین

بل نظنکم کذبین . .. إنهم ملقوا ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۳ - ۵،۷

۵ سرای آخرت ، عرصه گرد آمدن همه انسانهاست .

ذلك یوم مجموع له الناس

<ذلك> اشاره به <الأخره> است و به نظر می رسد مذکرآوردن آن به لحاظ خبر (یوم) باشد.

۷ صحنه های قیامت و موقف های آن علنی ، مشهود و در مرأی و منظر همگان است .

ذلك یوم مشهود

ظاهر این است که <مشهود> (مورد مشاهده) صفت برای متعلق موصوف است یعنی منظور مشاهده خود آن روز نیست بلکه مشاهده چیزهایی است که در آن روز وجود دارد و در آن پدید می آید. از جمله آن هاست مواقف و صحنه های قیامت و یا انسانهای موجود و گردآوری شده در آن صحنه و یا ... .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۵ - ۱،۲،۳

۱ هیچ کس در قیامت جز

به اذن و رخصت خداوند سخن نخواهد گفت .

یوم یأت لاتکلم نفس إلاّ بإذنه

ضمیر در <یأت> به <یوم> در آیات قبل، باز می گردد و <یوم> در <یوم یأت> به معنای حین و زمان است. بنابراین <یوم یأت ...>; یعنی، در آن هنگام که روز قیامت برپا شود ... . قابل ذکر است که <لاتکلم> در اصل <لاتتکلم> بوده که بر اساس قواعد صرفی یک <تاء> از آن حذف شده است.

۲ روز قیامت ، روز بروز و ظهور حاکمیت مطلق خداوند بر بندگان

یوم یأت لاتکلم نفس إلاّ بإذنه

از آن جا که در دنیا هیچ فعل و انفعالی صادر نمی شود مگر اینکه اذن خدا را همراه دارد ، می توان گفت مقصود از <لاـتکلم نفس إلاّـ بإذنه> این است که: در آخرت این حقیقت برای همگان مکشوف می شود و انسانها آن را لمس خواهند کرد.

۳ اختیار و انتخاب در روز قیامت ، از انسان ها سلب می شود .

یوم یأت لاتکلم نفس إلاّ بإذنه

قرین بودن هر گونه سخن در قیامت با اذن خداوند، می تواند به این معنا باشد که: صحنه قیامت مانند دنیا نیست که انسانها با اراده خویش سخن بگویند و یا افعال دیگری انجام دهند و احیاناً کاری کنند که مورد رضایت خدا نباشد; بلکه اختیار از آنها سلب می شود و نمی توانند هر چه را می خواهند بگویند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۴۱ – ۸

۸- قیامت روز حسابرسی است .

یوم یقوم الحساب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۴۲ – ۱۰

۱۰-

قیامت ، روز خیره شدن چشم ها از شدت ترس و هولناکی آن

لیوم تشخص فیه الأبصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳۵ - ۵

۵- قیامت ، روز کیفر و جزا و < یوم الدین > از نام های آن است .

یوم الدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۲ - ۵

۵- قیامت ، روز بازخواست از مجرمان و تجزیه کنندگان آیات قرآن

لنسئلنّهم أجمعین

آورده شدن فعل مضارع <نسئل> برای بازخواست، می تواند اشاره به آینده و روز قیامت داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۶ - ۴

۴- قیامت ، روز کشف حقایق و روشن شدن حق و باطل است .

الذین یجعلون مع الله إلهًا ءاخر فسوف یعلمون

برداشت فوق مبتنی بر این نکته است که زمان <دانستن>، روز قیامت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۵ - ۱۷

۱۷- < عن أبی جعفر (ع) فی قوله : < لیحملوا اوزارهم کامله یوم القیامه > یعنی لیستکملوا الکفر یوم القیامه < و من اوزار الذین یضلّونهم بغیر علم > یعنی کفر الذین یتولّونهم ;

از امام باقر(ع) روایت شده است که در باره قول خدا <لیحملوا أوزارهم کامله یوم القیامه> فرمود: مقصود این است که کفر خود را در قیامت کامل کنند و درباره <و من اوزار الذین یضلّونهم بغیر علم> فرمود: مقصود این است که کفر پیروان خویش را [بر دوش بگیرند]. ..>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۲۷ – ۱۴

۱۴- قیامت ، روزی سخت و خوار کننده است .

إن الخزی الیوم و السوء علی الکفرین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۳۹ – ۳

۳- قیامت ، روز ظهور حقایق

بلی وعدًا علیه حقًّا . .. لیبیّن لهم الذی یختلفون فیه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۷۷ – ۳

۳- رخ نمودن لحظه قیامت ، در یک چشم به هم زدن یا کمتر از آن

و ما أمر الساعه إلاّ کلمح البصر أو هو أقرب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۸۴ – ۵

۵- قیامت ، روز آشکار شدن اعمال ، انگیزه ها و ماهیت همه انسانها

و یوم نبعث من کلّ اُمّه شهیدًا

برداشت فوق از آن جاست که با گواهی دادن گواهان، پرده از تمامی اعمال، انگیزها و . .. انسانها که تا روز قیامت از منظرها پنهان بود برداشته خواهد شد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۸۹ – ۳

۳- قیامت ، روز برانگیخته شدن گواهانی از میان هر امت برای شهادت دادن بر آنان

و یوم نبعث فی کلّ أُمّه شهیدًا علیهم من أنفسهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۱۱ – ۱،۳،۷

۱- قیامت ، روز دفاع سرسختانه هر انسانی از خویش (عقاید ، رفتار و انگیزه ها)

یوم تأتی کلّ نفس تجدل عن نفسها

۳- تلاش و توجه هر فردی در قیامت ، تنها معطوف

به دفاع از شخص خویش است .

یوم تأتی کلّ نفس تجدل عن نفسها

۷- همه انسان ها ، سزای اعمال خویش را در قیامت ، به طور کامل دریافت خواهند کرد .

یوم . .. و توفّی کلّ نفس ما عملت

<توفّی> (از ماده توفیه) به معنای پرداخت و دریافت کامل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۴ - ۶

۶- قیامت ، روز داوری خداوند در زمینه اختلافات و انحرافات بشر

و إن ربّک لیحکم بینهم یوم القیمه فیما کانوا فیه یختلفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۲ - ۱،۷

۱- رستاخیز ، روز احضار انسان ها از سوی خداوند

یوم یدعوکم

۷- کفر و ناسپاسی ، محدود به دنیاست و در آخرت حتی کافران ، ثناگوی خداوند خواهند بود .

یوم یدعوکم فتستجیبون بحمده

بنابر اینکه مخاطب <یدعوکم> منکران قیامت باشد، استفاده می شود که آنان تنها در دنیا مجال کفر و کفران داشتند، ولی در آخرت حمد و ثنا خواهند گفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۱ - ۲،۳،۹

۲- قیامت و احضار مردم و پیشوایانشان در آن هنگام ، روزی شایسته یاد و یادآوری و به خاطرسپاری است .

يوم ندعوا كلّ أَناس بإممهم

برداشت فوق، مبتنی بر این است که نصب <یوم> به جهت مفعول فعل محذوف <اذکر> باشد و <با> ی در <بإمامهم > مصاحبت باشد.

۳- قیامت ، روز فراخوانی همه نسل ها و گروه های مردم ، همراه با پیشوایانشان

يوم ندعوا كلّ أناس بإممهم

۹- انسان ها ، عملکرد دنیوی خویش را در قیامت ،

به صورت مجموعه ای ثبت شده و مکتوب دریافت می کنند .

فمن أُوتی کتبه بیمینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۸ - ۳،۱۴

۳- قیامت ، روز الغای اعتبارات و امتیازات دنیوی انسان ها است . *

و عرضوا علی ربّک صفًّا

چنان چه مراد از <صفّاً> این باشد که همگان در یک صف محشور خواهند شد جملهء <و عرضوا. ..> اشعار به این مطلب خواهد داشت که با وجود آن که اهل دنیا، امتیازات را به مال و منال و دیگر اعتبارات مادّی دنیا می دانستند، ولی در صفی واحد محشور خواهند شد. این نکته، با توجه به آیات مربوط به داستان مرد ثروت مند و هم صحبت او، بیشتر واضح می گردد.

۱۴- قیامت ، زمان به وقوع پیوستن وعده های الهی است .

بل زعمتم ألّن نجعل لکم موعدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۹ - ۱،۴،۷

۱- در قیامت ، نامه عمل هر فرد ، در برابر دیدگان او نهاده شده ، آن را مشاهده خواهد کرد .

و وضع الکتب . .. و یقولون یویلتنا مال هذا الکتب

مقصود از <الکتاب> به قرینه جملات بعدی، نوشته هایی است که در آن، همه اَعمال آدمیان، ثبت و ضبط شده است. حرف <ال> در <وضع الکتاب>، برای استغراق اَفراد است، یعنی <کلّ کتاب>. در نتیجه، مراد این است که همه کتاب ها را در برابر دیدگان آحاد انسان ها قرار خواهند داد و هر فرد، کتاب خودش را ملاحظه خواهد کرد.

۴- روز قیامت ، بیم و هراس و تأثّر ، در چهره

مجرمان ، ملموس و نمایان است .

فتری المجرمین مشفقین ممّا فیه

<اشفاق> توجه و عنایتی است که آمیخته به ترس باشد و در صورتی که با <من> متعدی شود، معنای بیم و دلهره در آن آشکارتر است (مفردات راغب). پس عبارت <مشفقین ممّا فیه> دلالت دارد که مجرمان، از آنچه در نامه اَعمال مشاهده می کنند، خائف و هراسناک اند و این ترس به قرینه فعل <تری> در چهره آنان قابل مشاهده و رؤیت است.

۷- پرهیز کنندگان از جرم و گناه ، به هنگام مشاهده نامه اَعمال خود در قیامت ، بیم و هراس نخواهند داشت .

و وضع الکتب فتری المجرمین مشفقین ممّا فیه

جمله <وضع الکتاب> وضع و مشاهده کتاب را به مجرمان اختصاص نداده است، ولی جمله <فتری المجرمین. ..> تنها، از ترس مجرمان سخن گفته است، بنابراین، دیگران، با مشاهده کتابِ خود، اضطرابی نخواهند یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۱ - ۸،۹

۸- چشم های نابینا در برابر حق ، در قیامت ، شعله های آتش دوزخ را خواهد دید .

و عرضنا جهنّم یومئذ للکفرین عرضًا . الذین کانت أعینهم فی غطاء عن ذکری

عرضه شدن جهنم بر کافران در قیامت و رویت آن، عقوبتی متناسب با بهره نبردن آنان از بینایی برای شناخت خداوند است، همانگونه که گوش ناشنوای آنان نیز صدای جهنم را درخواهد یافت، زیرا، عرضه جهنم، محدود به عرضه بصری نیست.

۹- گوش های عاجز از دریافت پیام های خداوند ، در قیامت ، شنوای صدای دوزخ خواهد بود .

و عرضنا جهنّم . .. الذین ... کانوا لایستطیون سمعًا

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۵ - ۴،۱۱

۴- قیامت ، روز فرو افتادن همه حجاب ها و یقین آدمیان به خداوند یکتا است .

أعینهم فی غطاء . .. کفروا بأیت ربّهم و لقائه

مقصود از لقای پروردگار، مسلّماً برخورد حسی نیست (لاتدرکه الأبصار) بلکه مقصود، آن است که آدمی، در قیامت، به حقّانیّت یکتایی خداوند پی خواهد برد، گرچه کافران، چنین ملاقاتی را منکر باشند.

۱۱- قیامت ، روز سنجش و محاسبه اَعمال است .

فلانقیم لهم یوم القیمه وزنًا

از تعبیر موجود در آیه، چنین برمی آید که در قیامت، برای سنجش اَعمال آدمیان، معیارها و میزان هایی به کار گرفته می شود، لکن برای برخی، به جهت فقدان هرگونه عمل ارزشمند، هیچ محاسبه و میزانی برقرار نمی شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۱۰ - ۱۱

۱۱- قیامت ، روز لقای پروردگار و مشاهده نمود های روشن وی است .

فمن کان یرجو لقاء ربّه

مسلّم است که مراد از لقای پروردگار، برخوردی حسّی با او نیست؛ چون، چنین امری هم از نظر عقل و هم از نظر متون دینی، محال است (لاتدرکه الأبصار). بنابراین، به قرینه <فلیعمل عملاً صالحاً>، مراد از لقای پروردگار، مواجه شدن با رضایت و پاداش های او در روز قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۸ - ۲،۳

۲- قیامت ، روز ظهور و بروز حقایق است .

أسمع بهم و أبصر یوم یأتوتنا

۳- قیامت ، روز حضور مردم در پیشگاه خداوند است .

یوم یأتوننا

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۹ - ۲،۴،۶

۲- قیامت ، روز حسرت و افسوس آدمیان بر عملکرد خویش در دنیا است .

و أنذرهم یوم الحسره

۴- قیامت ، روز پایان فرصت ها و جبران ناپذیری خطا ها و انحرافات است .

و أنذرهم یوم الحسره إذ قضی الأمر

مراد از <الأمر> به قرینه <یوم الحسره> فرصت هایی است که از کف دادن آن موجب حسرت شده است و <قضی> از <قضاء>به معنای فیصله دادن و به پایان رساندن است، به گونه ای که مورد آن جبران پذیر نباشد (مفردات راغب).

۶- قیامت ، روز فیصله امور و تعیین سرنوشت قطعی انسان

إذ قضی الأمر

ممکن است مقصود از <الأمر> حکم قطعی و تعیین بهشتی و یا دوزخی بودن مردم باشد در این صورت <قضی الأمر> ناظر به صدور احکام قطعی و گذشتن از آن مرحله است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۰ - ۷

۷- در قیامت ، رابطه انسان با مالکیت های اعتباری او در دنیا ، به کلی بریده خواهد شد .

و أنذرهم یوم الحسره . .. إنّا نحن نرث الأرض و من علیها و إلینا یرجعون

خداوند، هم زمین را میراث خود دانسته و هم آدمیان را; یعنی هم مالکان اعتباری و هم ملک های اعتباری; بنابراین در قیامت، این دو تنها با مالک حقیقی خود مرتبط خواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۵ - ۲۰

۲۰- قیامت ، روز ظهور حقایق

و إمّا الساعه فسيعلمون من هو شرّ مكانًا و أضعف جندًا

جلد - نام سوره - سوره - آيه

- فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۰ - ۲

۲- قیامت ، روز حضور همگان در پیشگاه خداوند

و یأتینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۲ - ۷،۱۰

۷- قیامت ، روز ظهور حقایق و بطلان شرکورزی و بروز ناتوانی معبود های ساختگی مشرکان از عزت بخشیدن به آنها

لیکونوا لهم عزًّا . .. سیکفرون بعبادتهم

۱۰- < عن أبی عبداللّه (ع) فی قوله : < . . . کلّا سیکفرون بعبادتهم و یکونون علیهم ضدّاً > یوم القیامه . . . ثمّ قال : لیست العباده هی السجود و لا الرکوع و إنّما هی طاعه الرجال من أطاع مخلوقاً فی معصیه الخالق فقد عبده ;

از امام صادق(ع) در باره سخن خدا < . .. کلاّ سیکفرون بعبادتهم و یکونون علیهم ضدّاً> روایت شده که فرمود: [این ضدیّت] روز قیامت است... سپس امام فرمود: عبادت [در این جا] سجود و رکوع نیست; بلکه [مراد]اطاعت از مردم است; هر کس مخلوقی را در معصیت خالق اطاعت کند، او را عبادت کرده است>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۵ - ۵

۵- قیامت ، روز حشر و اجتماع انسان ها

یوم نحشر

<حشر>; یعنی، جمع کردن به گونه ای که با سوق دادن همراه باشد (مقاییس اللغه).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۶ - ۴

۴- قیامت ، روز ظهور تفاوت وضعیت مجرمان و متقین

یوم نحشر . .. و نسوق المجرمین إلی جهنّم وردًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه

- ۲۰ - ۷۴ - ۵

۵ - قیامت ، روز حضور همگان در پیشگاه خداوند

إنّه من یأت ربّه مجرمًا

به قرینه آیه بعد (و من یأته مؤمن اً)، حضور در قیامت همگانی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۰ - ۴

۴ - قیامت ، روز ظهور اعمال دنیوی انسان است .

من أعرض عنه فإنّه یحمل یوم القیمه وزرًا

<وزر>،به معنای بارسنگین است و به گناه از آن جهت که بار سنگینی بر دوش گنه کار است، <وزر> اطلاق می گردد (مفردات راغب). <حمل وزر> حاکی از آن است که در قیامت، گناه به صورت باری بر دوش گناهکار ظهور خواهد یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۱ - ۵

۵ - قیامت ، روز مجازات و کیفر گنه پیشگان

و ساء لهم یوم القیمه حملاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۲ - ۱،۳،۷

۱ - دمیده شدن در صور (بوق و یا صورت و تمثال ها) ، از رخداد های روز قیامت

یوم ینفخ فی الصور

<صور> محتمل است به یکی از دو معنا باشد: ۱ به معنای شاخ، که در این صورت مقصود دمیده شدن در بوق خواهد بود; چرا که در قدیم، با سوراخ کردن شاخ حیوانات از آن بوق می ساختند. ۲ ممکن است <صور> جمع صوره باشد. براین اساس، مقصود دمیده شدن در تمثال ها و پیکرهای مردگان برای زنده شدن خواهد بود. بعضی از آیاتی که در آن کلمه

<صور> آمده است، با معنای دوم سازگار نیست.

۳ -

قیامت ، روز دمیده شدن دوباره روح ها در اجساد و صورت های مردگان *

یوم ینفخ فی الصور

برداشت یاد شده بر اساس احتمالی در معنای <صور> است که جمع <صورت> و به معنای <تمثال ها و پیکرها> باشد.

۷ - قیامت ، روز اجتماع و گردآمدن انسان ها است .

نحشر المجرمین

<حشر> به معنای جمع کردن است (لسان العرب) و در آن، معنای سوق دادن نیز لحاظ می شود (مقاییس اللغه).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۴ - ۷

۷ - ملکات و تفاوت های انسان ها ، در قیامت نیز بروز و ظهور خواهند داشت .

إذ یقول أمثلهم طریقه

<أمثلهم طریقه> بیانگر خصلت شخصی است که نظریه <یک روز> را مطرح ساخته است. حدوث این خصلت برای وی در آخرت بعید به نظر می رسد. بنابراین باید گفت این ویژگی، بروز و ظهور ملکاتی است که در دنیا برای او تحصیل شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۷ - ۱

۱ - روز قیامت ، کمترین پستی و بلندی در سطح زمین مشاهده نخواهد شد .

لاتری فیها عوجًا و لاأمتًا

<عوج> نقطه مقابل اعتدال است (مصباح) و <أمْت> به معنای مکان مرتفع می باشد و به پستی و بلندی نیز اطلاق می گردد (قاموس). مفاد <لاتری...> آن است که به هنگام تحقق رستاخیز در زمین، هیچ ناهمواری و کجی به چشم نخواهند خورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۰۸ – ۹،۷،۶

۶ – عظمت رخداد قیامت و چشم دوختن به رحمت خداوند در

آن روز ، صدا ها را در سینه ها حبس و طنین آن را خواهد گرفت .

یومئذ . .. و خشعت الأصوات للرحمن

پایین آوردن صدا در قیامت، برخاسته از خشوع قلب است که نتیجه مشاهدات انسان از صحنه های آن روز می باشد.

۷ - قیامت ، روز تجلی و ظهور رحمانیت خداوند

و خشعت الأصوات للرحمن

<رحمان>; یعنی، دارای رحمت گسترده و فراگیر.

۹ - روز قیامت ، هیچ صدایی از آدمیان به جز صدای پنهان و زیر لب و یا صدای آهسته گام ها ، شنیده نخواهد شد .

و خشعت الأصوات للرحمن فلاتسمع إلّاهمسًا

<همس>; یعنی، صدای پنهان و <همس الأقدام> به مخفیانه ترین قدم زدن گفته می شود (معجم مقاییس اللغه) در این آیه هر دو معنا محتمل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۰ - ۸

۸ - در قیامت راهی برای تزویر و استفاده نادرست از شفاعت وجود ندارد .

لاتنفع الشفعه إلّامن أذن له . .. یعلم ... و لایحیطون به علمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۶ - ۴

۴ - پرسش مجرمان از خداوند و دریافت پاسخ از او ، از رخداد های صحنه قیامت

ربّ لم حشرتنی . .. قال کذلک أتتک ءایتنا

از ظاهر <قال کذلک> چنین برمی آید که پاسخ سؤال <لم حشرتنی> با لفظ بیان می گردد نه این که صرفاً حالتی در نفس باشد گرچه این پاسخ ممکن است به صورت مستقیم نباشد، بلکه با وساطت ملائکه یا غیر آن، صورت گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

انبیاء - ۲۱ - ۱ - ۴

۴- حسابرسی ، از رخداد های مهم قیامت است .

اقترب للناس حسابهم

آغاز شدن سوره با طرح مسأله حسابرسی و بیان آن از میان دیگر رخدادهای قیامت، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۷ - ۵

۵- قیامت ، واقعه ای غافل گیرانه و ناگهانی است .

و اقترب الوعد الحقّ فإذا هی شخصه

برداشت یاد شده از <إذا>ی فجائیه، به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۴ - ۵،۶

۵- خداوند ، مخلوقات نابود شده در آستانه قیامت را ، بسان آفرینش نخستین آنها باز خواهد آفرید .

کما بدأنا أوّل خلق نعیده

۶- آسمان بسان خلقت نخستین خود ، پس از در هم پیچیده شدن مجدداً شکل خواهد گرفت .

کما بدأنا أوّل خلق نعیده

برداشت برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <نعیده> اشاره به آفرینش آسمان پس از در هم پیچیده شدن آن باشد و نه تمامی مخلوقات.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷ - ۹

۹ - در قیامت همه مردگان زنده می شوند و هیچ کس در گور خود باقی نمی ماند .

أنّ اللّه يبعث من فى القبور

با توجه به، به کارگیری کلمه <من> و <القبور> (جمع با الف و لام) که هر دو کلمه مفید عموم است برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۹ - ۱۵

۱۵ - قیامت ، روز مجازات

و کیفر کفرپیشگان و حق ستیزان

و نذیقه یوم القیمه عذاب الحریق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۷ - ۵

۵ - قیامت ، روز داوری و تمیز حق از باطل و سره از ناسره

إنّ اللّه یفصل بینهم یوم القیمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۵ - ۳

۳ - برپایی قیامت و حضور مردم در عرصه محشر ، رخدادی ناگهانی و غافلگیر کننده

حتّی تأتیهم الساعه بغته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۶ - ۲،۸

۲ - قیامت ، روز داوری میان جبهه کفر و ایمان

یحکم بینهم

۸ - جهان آخرت ، جهان کیفر و پاداش

الملک یومئذ للّه یحکم بینهم . .. فی جنّت النعیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۹ - ۱،۴

۱ - قیامت ، روز داوری میان مؤمنان و مشرکان

اللّه یحکم بینکم یوم القیمه

خطاب در آیه یاد شده از جانب خدا به عموم مؤمنان و مشرکان است. <حکم> (مصدر <یحکم>) به معنای قضاوت و داوری کردن است; یعنی، <خدا در قیامت، میان شما مؤمنان و مشرکان داوری خواهد کرد...>.

۴ - جهان آخرت ، جهان کیفر و پاداش

اللّه یحکم بینکم یوم القیمه

جمله <اللّه یحکم بینکم یوم القیامه>، متضمن نوید پاداش به مؤمنان و وعده مجازات و کیفر به مشرکان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۰ - ۶

۶ - رسیدگی به همه گفته ها و کرده های آدمیان در روز رستاخیز

اللّه أعلم بما تعملون

. اللّه يحكم بينكم يوم القيمه... إنّ ذلك فى كتب إنّ ذلك

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۱ - ۳،۴،۶

۳ - گسستن روابط خويشاوندى ميان انسان ها ، در روز رستاخيز

فإذا نفخ فى الصور فلاأنساب بينهم يومئذ

۴ - شدت نگرانى و گرفتارى انسان ها در قيامت ، مشغول دارنده آنان به خويشتن و بازدارنده آنها از پرسش و پاسخ و گفتوگو با يكديگر

فإذا نفخ فى الصور فلاأنساب بينهم يومئذ و لايتساءلون

۶ - نسب ها و تفاخر به نياكان ، امرى اعتبارى و فاقد كمترين اثر در قيامت

فإذا نفخ فى الصور فلاأنساب بينهم يومئذ

برداشت فوق، بر اين اساس است كه <فلاأنساب بينهم. ..> به تقدير <لاأنساب بينهم يتفاخرون بها> باشد; يعنى، در آن روز نسبى نيست تا به آن تفاخر كنند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۲ - ۴

۴ - هر نوع عمل انسان ، داراى معيار و ميزانى مخصوص در قيامت

فمن ثقلت موزينه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۴ - ۷

۷ - جهان آخرت ، جهان عينيت يافتن شعور و آگاهى برخى از پديده ها و آشكار شدن حقايق ناشناخته دنيا

يوم تشهد عليهم ألسنتهم . .. بما كانوا يعملون

از آيه شريفه، چنين استفاده مى شود كه اعضا و جوارح، داراى نوعى شعوراند و اعمال آدمى را درك كرده و با خود نگه مى

دارنـد. البته این حقیقت در عـالم دنیـا، برای همگـان عینیت نـدارد و تنها در جهان آخرت، همگان شاهـد تحقق عینی این معنا خواهند بود.

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۳۷ – ۱۳،۱۴

۱۳ – قیامت ، روز زیر و رو شدن و تب و تاب دل ها و دیده ها است .

یومًا تتقلّب فیه القلوب و الأبصر

۱۴ – قیامت ، دارای صحنه هایی هراس آور و هولناك

یخافون یومًا تتقلّب فیه القلوب و الأبصر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۳۹ – ۱۳

۱۳ – قیامت ، روز ظهور و بروز حقایقی همانند حقانیت خداوند و پوچی اعمال کافران

و الذین کفروا أعملهم کسراب بقیعه . .. حتّی إذا جاءه لم یجده شیئًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۶۴ – ۱۰

۱۰ – قیامت ، روز آگاه شدن انسان از حقیقت و نتیجه اعمال خویش

و یوم یرجعون إلیه فینبّئهم بما عملوا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۲۱ – ۳

۳ قیامت ، روز ملاقات انسان ها با خدا

لایرجون لقاءنا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۲۶ – ۱،۲،۳،۵

۱ قیامت ، روز ظهور و بروز حقانیت حاکمیت مطلق خداوند رحمان

الملک یومئذ الحقّ للرحمن

<الحق> صفت برای <الملک> است و این کلمه، یا به معنای ثابت است; زیرا در روز قیامت، همه حاکمیت ها از بین خواهد رفت و تنها حاکمیت و پادشاهی خدا پایدار خواهد ماند و یا در برابر باطل قرار دارد و به معنای شیء حقیقت دار و مطابق واقع است; چرا که در روز رستاخیز، روشن خواهد شد که پادشاهی

و حاکمیت حقیقی از آنِ خدا است. برداشت یاد شده، مبتنی بر احتمال دوم است.

۲ قیامت ، عرصه ظهور حاکمیت پایدار خدای رحمان

الملک یومئذ الحقّ للرحمن

۳ قیامت ، روز جلوه رحمانیت خداوند

الملک یومئذ الحقّ للرحمن

برداشت فوق، از اختصاص به ذکر یافتن وصف <رحمان> برای خداوند در عرصه قیامت به دست می آید.

۵ قیامت ، روزی سخت و ناگوار بر کافران

و کان یومًا علی الکفرین عسیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۲ - ۲

۲ - قیامت ، روز محاسبه کردار آدمیان و مجازات و پاداش در تعلیمات ابراهیم

و الذی أطمع أن یغفرلی خطیئتی یوم الدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۷ - ۲،۵،۶

۲ - روز رستاخیز ، روز رسوایی و شرمساری شرک پیشگان گمراه

إنّه کان من الضالّین . و لاتخزنی یوم یبعثون

۵ - قرار گرفتن خصوصیات هر فرد در معرض دید همگان در روز رستاخیز

و لاتخزنی یوم یبعثون

فرض رسوایی و شرمساری، در صورتی صحیح است که دیگران از خصوصیات آدمی با خبر شوند.

۶ - رسوایی و شرمساری در روز رستاخیز ، سخت ترین حالات روحی انسان در آن روز

و لاتخزنی یوم یبعثون

از این که حضرت ابراهیم(ع) از میان انواع نگرانی ها و حالات ناخوشایند روحی در قیامت، تنها رسوایی و شرمساری را مطرح ساخت، می توان به مطلب یاد شده دست یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۸ - ۲

۲ - قطع رابطه انسان با عوامل مادی تأثیرگذار در دنیا ، به روز رستاخیز

یوم لاینفع مال

و لابنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۹ - ۴

۴ - قیامت ، عرصه حضور انسان ها در پیشگاه خدا

إلّا من أتی اللّه بقلب سلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۰ - ۱

۱ - رستاخیز ، روز استقبالِ شایانِ بهشت از قدوم تقواپیشگان

و أُزلفت الجنّه للمتّقین

<إزلاف> (مصدر مجهول <أُزلفت>) به معنای نزدیک آورده شدن است. بنابراین از مفاد آیه استفاده می شود که بهشت را برای استقبال و خوش آمدگویی به تقواپیشگان، نزدیک می آورند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۱ - ۱

۱ - قیامت روز نمودار شدن دوزخ برای گمراهان

و برّزت الجحیم للغاوین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۱ - ۳

۳ - آشکار گشتن پوچی دوستی های مبتنی بر جرم و گناه در قیامت

و ما أضلّنا إلّا المجرمون . .. و لاصدیق حمیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۵ - ۴

۴ - قیامت ، روزی بزرگ و بسیار دشوار

عذاب یوم عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۳ - ۱۰

۱۰ - جدا شدن سردمداران کفر از میان هر امت در قیامت ، به صورت نظام یافته و تحت نظارت و کنترل مأموران الهی است .

*

و یوم نحشر . .. فهم یوزعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۷ - ۱۰

۱۰ - قیامت

روز ذلت کافران و پایان بخشیدن به گردن فرازی گردنگشان دنیا

أکذّبتم بایتی . .. و کلّ أتوه دخرین

هرچنـد تعبیر <کلّ أتوه> شامل همه مؤمنان و کافران می شود; اما با توجه به اصل تناسب و ارتباط آیات، می توان گفت که نظر عمـده، متوجه تکـذیب کننـدگان آیـات الهی است. مبنی بر این که آنـان گرچه در دنیا ظالمانه کفر ورزیـده انـد; اما باید بدانند که در آخرت، مجال گستاخی برای هیچ یک از آنان نیست.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۹۰ – ۱۲،۹

۹ – قیامت ، روز تجسم اعمال آدمیان

هل تجزون إلاّ ما کنتم تعملون

از این که نفس عمل آدمی به عنوان جزا معرفی شده، مطلب بالا قابل استفاده است.

۱۲ – قیامت ، صحنه پاداش و کیفر

من جاء بالحسنه فله خیر منها. .. و من جاء بالسیّئه فکبّت وجوههم فی النّار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۶۶ – ۱

۱ – بسته شدن همه راه های خبر بر مشرکان ، در روز قیامت

فعمیت علیهم الأنباء یومئذ

فعـل <عمیت> متضـمن معنـای <خفیت> است. <الأنبـاء> (جمـع <نبأ> (خبـر)، همراه بـا <ال>) مفیـد اسـتغراق است. بنابراین <عمیت علیهم الأنباء>; یعنی، <خفیت علیهم کلّ نبأ>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۸۴ – ۱

۱ – جهان آخرت ، سرای کیفر و پاداش است .

من جاء بالحسنه فله خير منها و من جاء بالسّيّئه فلایجزی . .. إلّا ما كانوا يعملون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۲

۲ - قیامت ، روزی سخت و هولناک است .

و یوم تقوم الساعه یبلس المجرمون

احتمال دارد که اندوه و ناامیدی مجرمان و یا قطع شدن عذرها و حجت های آنان در روز قیامت، به جهت نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۴ - ۲

۲ - قیامت ، روز پایان دوستی ها و پیوند های غیر الهی است .

و یوم تقوم الساعه یومئذ یتفرّقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۳ - ۱۲،۱۳

۱۲ - روز قیامت ، روز تفکیک شدن کامل انسان های مؤمن از انسان های کافر است .

یومئذ یصّدّعون

احتمال دارد مراد از تفکیک شدن و جدایی در روز قیامت، تفکیک صفوف اهل بهشت از صفوف کسانی که اهل جهنم اند باشد. آیه بعد، مؤید این برداشت است

۱۳ - قیامت ، روز جدایی و پراکندگی کامل انسان ها است .

یومئذ یصّدّعون

<یصّدّعون> از ریشه <صدع> به معنای <جدا شدن و پارگی در اجسام سخت> است. احتمال دارد که مراد از <یصّدّعون> جدایی صف سعادت مندان و شقاوت مندان باشد و احتمال دارد پراکندگی و جدا شدن انسان ها از هم باشد. برداشت بالا، بنابر احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۶ - ۷

۷ - روز قیامت ، روز برانگیخته شدن مردگان و احیای آنها است .

فهذا یوم البعث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۷ - ۸

۸ - فرصت توبه ، محدود به عالم دنیا است

و در قیامت ، جایگاهی ندارد .

فیومئذ لاینفع الذین ظلموا معذرتهم و لا هم یستعتبون

<یستعتبون> به معنای <طلب رضایت و انجام کاری جهت رفع سرزنش> است. طبق این معنا، <یستعتبون>، می تواند کنایه از توبه باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۲ - ۱۴

۱۴ - در قیامت ، مجال عمل صالح ، فراهم نیست .

ربّنا. .. فارجعنا نعمل صلحًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۴ - ۴

۴ - روز قیامت ، روزی سخت و هولناك است .

فذوقوا بما نسیتم لقاء یومکم هذا

<هذا> می تواند مفعول فعل <ذوقوا> باشد و می تواند صفت باشد، برداشت بالا، بنابر احتمال دوم است و ذکر آن به خاطر بیان هولناکی قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۵ - ۹

۹ - قیامت ، روز پایان اختلافات و حل شدن نهایی آنها است .

إنّ ربّک هو یفصل بینهم یوم القیمه فیما کانوا فیه یختلفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۸ - ۶

۶ - قیامت ، روز فتح و پیروزی ایمان بر کفر است .

و یقولون متی هذا الفتح

در صورتی که مراد از <الفتح> روز قیامت باشد، نکته یاد شده، به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۱ - ۲۱

۲۱ - امکان گفتوگو و مذاکره مردم در صحنه قیامت

و لو تری إذ الظلمون موقوفون عند ربّهم یرجع بعضهم إلی بعض القول یقول الذین استضع

جلد

- نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۳۲ – ۶

۶ – امکان گفت و گو و مذاکره در دادگاه الهی در قیامت

یقول الذین استضعفوا . .. قال الذین استکبروا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۳۳ – ۷،۱۸

۷ – امکان گفت و گوی مجرمان با یکدیگر ، در صحنه دادگاه الهی در قیامت

إذ الظلمون موقوفون عند ربّهم . .. و قال الذین استضعفوا للذین استکبروا

۱۸ – قیامت ، روز آشکار شدن حقایق بر انسان ها

و لو ترى إذ الظلمون موقوفون عند ربّهم یرجع بعضهم إلى بعض القول . .. لولا أنتم لک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۳۴ – ۴

۴ – قیامت ، عرصه حزن آور و اندوهگین حتی برای مؤمنان

و قالوا الحمد للّه الذی أذهب عنّا الحزن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۴۵ – ۸

۸ – قیامت ، عرصه مجازات و کیفر و پاداش

و لو یؤاخذ اللّه الناس . .. و لکن یؤخّرهم إلى أجل مسمًّى

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۴۹ – ۳

۳ - انقراض نسل بشر در دنیا و آغاز قیامت ، غافل گیرانه و در حالی خواهد بود که همگان سرگرم جدال و کشمکش روزانه اند .

ما ینظرون إلّا صیحه وحده تأخذهم و هم یخصّمون

<یخصّمون> (از ماده <خصومت> و <خصام>) به معنای جدال و کشمکش است و جمله <و هم یخصمون>، حال برای ضمیر مفعولی در <تأخذهم> است; یعنی، در حالی

که آنان سرگرم جدال و کشمکش بر سر زندگی مادی اند، ناگهان صیحه سهمگین آنان را فراخواهد گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۳ - ۳

۳ - زنده شدن انسان ها و احضارشان به پیشگاه خداوند در قیامت ، تنها به مدت یک صیحه و بانگ زدن به طول می انجامد .

إن کانت إلّا صیحه وحده فإذا هم جمیع لدینا محضرون

توصیف نفخ صور به این که آن تنها یک صیحه است، می تواند برای بیان مدت زمان زنده شدن و احضار گشتن انسان ها به پیشگاه خداوند رحمان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۴ - ۱

۱ - قیامت ، روز حساب رسی از تمام رفتار و کردار های بندگان

فإذا هم جمیع لدینا محضرون . فالیوم لاتظلم نفس شیئًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۹ - ۳

۳ - قیامت ، روز جدایی صف اهل حق و باطل است .

و امتزوا الیوم أیّها المجرمون

برداشت فوق از آن جا است که جدا شدن صف مجرمان از مؤمنان به دلیل باطل و حق بودن آن دو صف است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۵ - ۵

۵ - اعضای بدن انسان (پا ، دست و . . .) در قیامت به قدرت خدا ، به سخن در خواهند آمد .

تکلّمنا أیدیهم و تشهد أرجلهم بما کانوا یکسبون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ –

۲۰ - ۳،۷

۳ - قیامت ، روز مجازات و کیفر و پاداش

هذا یوم الدین

<دین> در آیه شریفه، به معنای <جزا> و <حساب> است.

۷ - وجود نظام کیفر و پاداش برای انسان ها ، مهم ترین مشخصه و ویژگی قیامت

هذا یوم الدین

توصیف قیامت به روز جزا از سوی منکران معاد، به مجرد زنده شدن و بازیافتن خود و دیدن صحنه های قیامت (فإذاهم ینظرون)، می تواند حاکی از حقیقت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۱ - ۱،۲،۴

۱ - قیامت ، روز جدایی خوبان و بدان و حق مداران و باطل گرایان و داوری میان آنان است .

هذا یوم الفصل

<فصل> به معنای فاصله و جدایی میان دو شیء است و مقصود از آن در آیه شریفه، جدایی میان خوبان و بدان و حق پویان و باطل گرایان و داوری میان آنان است.

۲ - قیامت ، روز شناخته شدن حق و باطل و خوب و بد و گروندگان به آنان

هذا یوم الفصل

۴ - تکذیب نظام کیفر و پاداش و جدایی حق و باطل ، از ویژگی های مشرکان

هذا یوم الفصل الذی کنتم به تکذّبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۶ - ۳،۵

۳ - قیامت ، روز حسابرسی از بندگان

یوم الحساب

۵ – حسابرسی از بندگان ، مهم ترین ویژگی قیامت است .

یوم الحساب

از نام گذاری روز قیامت به <روز حساب>، برداشت یاد شده استفاده می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۲۶ – ۲۴،۲۵

۲۴ – قیامت ، روز حسابرسی

از بندگان

بما نسوا یوم الحساب

۲۵ – حسابرسی از بندگان ، مهم ترین ویژگی قیامت است .

یوم الحساب

از نام گذاری قیامت به روز حساب، برداشت یاد شده استفاده می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۵۳ – ۴

۴ – قیامت ، روز حسابرسی اعمال و پاداش و جزا

هذا ما توعدون لیوم الحساب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۵۵ – ۵

۵ – قیامت ، محل اصلی تجلی خوب و بد سرنوشت و سعادت و شقاوت انسان ها

إنّ للمتّقین لحسن مئاب . .. هذا و إنّ للطغین لشرّ مئاب

از این که خدا نیک فرجامی و بدفرجامی را در رابطه با آخرت و معاد انسان ها مطرح ساخته است، می توان مطلب یاد شده را به دست آورد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۷۸ – ۵

۵ – قیامت ، روز جزا و کیفر و پاداش الهی است .

یوم الدین

<دین> در آیه بالا به معنای حساب و جزا است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۷۹ – ۵

۵ – قیامت ، روز برانگیخته شدن انسان ها

یوم یبعثون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۳ – ۱۷

۱۷ – قیامت ، روز پایان و فیصله یافتن اختلافات فکری و عقیدتی بشر

إنّ اللّه یحکم بینهم فی ما هم فیه یختلفون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۷ – ۱۵

۱۵ – قیامت ،

روز بازگشت انسان ها به خدا و فرجام سیر آنان

ثمّ إلی ربّکم مرجعکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۳ - ۶۸

۶ - نظام کیفر و جزای الهی در قیامت ، برپایه عدل و به دور از تبعیض و نابرابری است .

إنّی أخاف إن عصیت ربّی عذاب یوم عظیم

۸ - قیامت ، روزی بزرگ و هولناك

عذاب یوم عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۵ - ۱۰

۱۰ - قیامت ، صحنه بروز و ظهور سعادت واقعی و سودبخشی و یا خسارت آفرینی عمر آدمی

إنّ الخسرین الذین خسروا أنفسهم و أهلیهم یوم القیمه ألا ذلك هو الخسران المبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۱ - ۷

۷ - قیامت ، روز بازخواست و محاکمه انسان ها و داوری میان آنان است .

ثمّ إنّکم یوم القیمه عند ربّکم تختصمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۴ - ۱۲

۱۲ - قیامت ، تنها عرصه شایسته برای برآورده شدن تمامی خواسته های بشر

لهم ما یشاءون عند ربّهم

<عنـد ربّهم> به منزله قید برای <لهم ما یشاءون> است. این قید می رساند که برآورده شدن خواسـته های بشـر در قیامت و در پیشـگاه خداوند میسـر است نه در دنیا; چنان که خداوند در جای دیگر از قرآن می فرماید: <...و فیها ما تشـتهیه الأنفس و تلذّ الأعین...; در آن جا (بهشت) هرچه دل ها خواهش و آرزو کند و چشم ها از دیدن آن لذت برد، وجود دارد. زخرف

(۴۳)، آیه (۷۱).

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۴۸ – ۳

۳ – تمامی کردار و رفتار آدمیان در روز رستاخیر ، در نظر آنان مجسم و ظاهر خواهد شد .

و بدا لهم سیّئات ما کسبوا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۵۸ – ۷

۷ – در قیامت ، راهی برای جبران گذشته ها و انجام هیچ عملی نیست .

لو أنّ لی کرّه فأکون من المحسنین

از این که کافران و گنه کاران برای جبران کوتاهی های خود، تقاضای بازگشت به دنیا را دارند، می توان به این حقیقت رسید که قیامت روز عمل و تلاش نیست.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۶۹ – ۱،۳،۴،۵،۶،۱۱،۱۲

۱ – سراسر زمین در عرصه قیامت به نور الهی روشن خواهد شد .

و أشرقت الأرض بنور ربّها

<إشراق> (مصدر <أشرقت>) به معنای اضائه (روشن شدن) است.

۳ – تابش نور عدل و قسط الهی بر اهل زمین در قیامت

و أشرقت الأرض بنور ربّها

بسیاری از مفسران گفته اند: مقصود از نور در این آیه، به قرینه جمله های بعدی که درباره نامه اعمال و داوری به حق خداوند سخن گفته است نور عدل و قسط الهی است؛ چنان که در فرهنگ عرب، به پادشاهی که عادل باشد گفته می شود (أشرقت الأفاق بعدلك و أضائت الدنیا بقسطك).

۴ – روشن شدن زمین و حقایق مربوط به اهل آن در قیامت ، جلوه ربوبیت الهی است .

و أشرقت الأرض بنور ربّها

۵ – نامه اعمال همه بندگان در قیامت ،

عرضه خواهد شد .

و وضع الکتب

<وضع> به معنای نهادن است و در این جا کنایه از عرضه شدن می باشد. <کتاب> در آیه شریفه به معنای نامه اعمال است.

۶ - تمامی اعمال بندگان ثبت و درج شده و در قیامت به صورت نوشته ای ظاهر خواهد شد .

و وضع الکتب

۱۱ - داوری میان مردم در قیامت ، بر پایه حق خواهد بود .

و قضی بینهم بالحقّ

۱۲ - داوری میان مردم در قیامت ، عادلانه بوده و به کسی ستم نخواهد شد .

و هم لایظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۰ - ۱

۱ - هرکس جزای اعمال خویش را در قیامت به طور کامل و بی کم و کاست ، دریافت خواهد کرد .

و وفّیت کلّ نفس ما عملت

<توفیه> (مصدر <وفّیت>) به معنای دادن کامل و بی کم و کاست چیزی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۳ - ۱

۱ - تقواپیشگان ، پس از حسابرسی اعمالشان ، دسته دسته و گروه گروه به سوی بهشت هدایت خواهند شد .

و وضع الکتب . .. و قضی بینهم بالحقّ ... و سیق الذین اتّقوا ربّهم إلی الجنّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۱۵ – ۱۲،۱۳،۱۵

۱۲ – قیامت ، روز به هم رسیدن بندگان و آشنا شدن آنان از حال یکدیگر

یوم التلاق

<تلاق> به معنای التقا و به هم رسیدن است. مقصود از آن در آیه شریفه، به هم رسیدن بندگان در روز قیامت است و یا ملاقات بندگان با خدا است

که در این صورت معنای مجازی آن (روبه رو شدن با کیفر و پاداش الهی) مراد است.

۱۳ - قیامت ، روز روبه رو شدن بندگان با کیفر و پاداش الهی

یوم التلاق

۱۵ - < عن أبی عبداللّه (ع) قال : < یوم التلاق > یوم یلتقی أهل السماء و أهل الأرض . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده که: <یوم التلاق> روزی است که اهل آسمان و زمین با یکدیگر ملاقات می کنند. ..>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۶ - ۱،۲،۳،۴

۱ - قیامت ، روز بروز و ظهور حقیقت و باطن انسان ها و نمایان شدن اسرار آنان

یوم هم برزون

طبق نظر بیشتر مفسران مقصود از نمایان شدن انسان ها، بروز و ظهور حقیقت و باطن آنان و کشف اسرار ایشان است; نه ظاهر شدن جسم آنان; مانند مفاد آیه <یوم تبلی السرائر>، (سوره طارق (۸۶) آیه ۹).

۲ - همه چیز انسان (گفتار ، رفتار و انگیزه های او) در قیامت ، در قلمرو علم و آگاهی خداوند قرار دارد .

لایخفی علی اللّه منهم شیء

۳ - قیامت ، روزی سخت ، هولناک و هشدار دهنده برای انسان ها

لینذر . .. یوم هم برزون لایخفی علی اللّه منهم شیء

تأکید خداوند بر این که روز قیامت، روز بروز حقیقت انسان ها است به گونه ای که چیزی از آنان بر خدا پوشیده نمی ماند و نیز انذار به چنین روزی، بیانگر مطلب یاد شده است.

۴ - پرسش از خلایق در روز قیامت ، درباره فرمان روای حقیقی جهان در آن روز

لمن الملک الیوم

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۷ - ۱

۱ - نظام پاداش و کیفر الهی در قیامت ، فراگیر همه انسان ها و شامل تمامی حرکات انسان ها است .

الیوم تجزی کلّ نفس بما کسبت

<ما> در <بما کسبت> موصول بوده و افاده کننده معنای جنس است. بنابراین <ما کسبت>; یعنی، هر آنچه که بشر انجام داده و هر حرکتی که از خود نشان دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۸ - ۵،۶،۷،۹

۵ - به گلو رسیدن جان انسان ها ، از شدت غم و اندوه در قیامت

إذ القلوب لدی الحناجر

هرگاه انسان در تنگناهای سخت قرار گیرد، احساس می کند که گویی قلبش از جا کنده می شود. گاهی به این مطلب گفته می شود: <جانش به لب رسید>. در زبان عرب از این حالت به <بلغت القلوب الحناجر> تعبیر می شود.

۶ - قیامت ، دارای غم و اندوه کشنده و زجرآور ، به گونه ای که کسی نای سخن گفتن و فریاد زدن ندارد .

إذ القلوب لدی الحناجر کظمین

<کاظم> (مفرد <کاظمین>) اسم فاعل از <کظم> به معنای فردی است که نفسش در گلو حبس شده باشد. <کاظمین>; یعنی، کسانی که ساکت اند و قادر به سخن گفتن نیستند.

۷ - وجود شرایط و صحنه های سخت و اندوه بار برای انسان در قیامت

إذ القلوب لدی الحناجر کظمین

۹ - محرومیت ستمکاران در قیامت ، از یاری دوست و نزدیکان دلسوز و شفاعت شفیعان

ما للظلمین من حمیم و لا شفیع یطاع

<حمیم> در لغت به معنای دوست (العین) و به <القریب المشفق> (نزدیک

دلسوز) معنا شده است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۷ - ۱۲

۱۲ - قیامت ، روز حسابرسی اعمال بندگان

لایؤمن بیوم الحساب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۲ - ۴،۵

۴ - قیامت ، روز فریاد و استمداد خلایق

یوم التناد

<تناد> اگر مخفف <تنادی> باشد، از ندا، مشتق است; ولی اگر مخفف <تنادّ> باشد به معنای اختلاف و پراکندگی خواهد بود. بنابراین <یوم التناد>; یعنی، روز تفرّق و جدایی. گفتنی است برداشت یاد شده مبتنی بر معنای نخست است.

۵ - قیامت ، روز پراکندگی و جدایی میان خلایق

یوم التناد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۸ - ۵

۵ - قیامت ، روز داوری و حاکمیت مطلق خداوند در میان بندگان

إنّ اللّه قد حکم بین العباد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۱ - ۸،۱۰

۸ - قیامت ، روز برپا خاستن گواهان برای شهادت و گواهی

یوم یقوم الأشهد

۱۰ – بازخواست و محاسبه شدن رفتار و کردار انسان ها در قیامت

یوم یقوم الأشهد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۷۰ – ۵

۵ – قیامت ، روز کشف حقایق

فسوف یعلمون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۷۴ – ۴

۴ – قیامت ، روز کشف حقایق و روشن شدن عقاید < درست و نادرست > و < حق و باطل >

قالوا ضلّوا عنّا بل لم نکن ندعوا من قبل شیئًا

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۸ - ۹،۱۲

۹ - قیامت ، روز داوری خداوند میان خلایق است .

فإذا جاء أمر اللّه قضی بالحقّ

۱۲ - قیامت ، روز کشف زیان کاری اهل باطل

و خسر هنالک المبطلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۱ - ۱،۶،۷

۱ - گفتو گوی آدمی با اعضا و جوارح خویش ، در قیامت

و قالوا لجلودهم . .. قالوا أنطقنا اللّه

۶ - برخورداری تمام موجودات در قیامت ، از قدرت نطق و سخن گویی

قالوا أنطقنا اللّه الذی أنطق کلّ شیء

برداشت بالا بر این پایه است که ظرف <نطق> در <أنطق کلّ شیء> قیامت باشد.

۷ - آخرت ، صحنه بروز و ظهور حیات و شعور موجودات *

قالوا أنطقنا اللّه الذی أنطق کلّ شیء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۰ - ۸

۸ - انسان در صحنه قیامت ، در معرض آسیب ها و نیازمند امنیت

أم من یأتی ءامنًا یوم القیمه

با توجه به اتصاف مؤمنان به وصف امنیت و آرامش، مطلب بالا برداشت می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۴۷ – ۱۱،۱۷،۲۰

۱۱ – قیامت ، صحنه محاکمه مشرکان به خاطر عقاید شرک آمیز آنان

و یوم ینادیهم أین شرکاءی

۱۷ – گفتو گوی بی واسطه انسان ها با خداوند در قیامت

و یوم ینادیهم أین شرکاءی قالوا

۲۰ – قیامت ، صحنه کشف حقایق جهان هستی است .

و یوم ینادیهم أین شرکاءی قالوا ءاذنّک ما منّا من شهید

بنابراین که جمله <آذنّاك> برای انشا و ایجاد اعلام

باشد (اعلام می کنیم) می توان استفاده کرد که این اعلام براساس کشف حقایق است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۴۸ – ۴

۴ – قیامت ، صحنه آشکار شدن بطلان شرک و باور های شرک آلود

و ضلّ عنهم ما کانوا یدعون من قبل

بنابراین که مراد از <ما> آرا و ادعاهایی باشد که مشرکان در ارتباط با خدایانشان مطرح می کردند، مطلب بالا قابل برداشت است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۵۰ – ۱۸

۱۸ – کشف حقیقت و باطن اعمال ، برای انسان در آخرت

فلننبّئنّ الذین کفروا بما عملوا

بنابراین که <ما> در <ما عملوا> مای حقیقیه باشد با الغای خصوصیت از کافران استفاده می شود که انسان ها، از حقیقت اعمال خویش بی اطلاع اند و در روز قیامت برای آنان آشکار خواهد شد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۵۴ – ۲

۲ – قیامت ، روز ملاقات و دیدار با پروردگار

ألا إنّهم فی مریه من لقاء ربّهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۷ – ۱۸

۱۸ – تجمع همگانی انسان ها در روز قیامت

و تنذر یوم الجمع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۰ - ۲

۲ - قیامت ، صحنه روشن شدن حقایق و حل اختلافات انسان ها به وسیله خداوند

و ما اختلفتم فیه من شیء فحکمه إلی اللّه

برداشت یاد شده بنابر این نکته است که حکم الهی در <فحکمه> جنبه

عینی و واقعی داشته باشد; یعنی، آشکارکردن حقایق در مورد اختلافات، با توجه به آیات پیشین که در زمینه قیامت بود به دست می آید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۱۷ – ۱۶

۱۶ – قیامت ، صحنه سنجش و محاسبه اعمال و رفتار آدمی است .

اللّه الذی . .. المیزان و ما یدریک لعلّ الساعه قریب

از ارتباط دو قسمت از آیه مطلب بالا استفاده می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۱۸ – ۴

۴ – قیامت ، صحنه بروز حوادث هول انگیز

و الذین ءامنوا مشفقون منها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۲۱ – ۱۰

۱۰ – قیامت ، < کلمه فصل > الهی و صحنه نهایی جداسازی حق و باطل

الذین یمارون فی الساعه . .. و ما له فی الأخره من نصیب ... و لولا کلمه الفصل لقضی

از آن جا که محور این چند آیه، مسأله ایمان به قیامت و محاسبه آن در معادلات رفتاری و اعتقادی است، عنوان <کلمه الفصل> بر این معنا منطبق است; یعنی، اگر قیامتی نبود می بایست دنیامداران در همین دنیا به کیفر کفرشان می رسیدند; ولی چون قیامت هست، عذاب دردناک آنان به آخرت وانهاده شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۲۲ – ۸

۸ – تجسم اعمال انسان در قیامت

ممّا کسبوا و هو واقع بهم

بنابراین که مراد از <ما> عمل باشد و <هو> به آن باز گردد، برداشت بالا استفاده می

شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۹ - ۱۱

۱۱ - تمامی موجودات زنده در قیامت ، محشور خواهند شد .

و هو علی جمعهم إذا یشاء قدیر

با توجه به ضمیر <هم> در <جمعهم> که به همه موجودات (ما بثّ فیهما) بر می گردد مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۵ - ۱۲

۱۲ - قیامت ، روز ظهور خسران و زیان کاری عمیق ستم پیشگان و گمراهان

إنّ الخسرین الذین خسروا أنفسهم و أهلیهم یوم القیمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۶ - ۳

۳ - قیامت ، صحنه بروز ولایت مطلقه الهی است .

و ما کان لهم من أولیاء ینصرونهم من دون اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۷ - ۸،۹

۸ - قیامت ، صحنه بی پناهی و بی یاوری انسان ها است .

ما لکم من ملجإ یومئذ

۹ - انکار و پرده پوشی گناهان در قیامت ، امکان ندارد .

و ما لکم من نکیر

<نکیر> چنان که برخی گفته اند مصدر و به معنای <انکار> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۸ - ۵،۶،۷

۵ - قیامت ، عرصه حضور انسان در پیشگاه الهی است .

حتّی إذا جاءنا

۶ - قیامت ، عرصه ظهور حقایق ، برای انسان ها

و یحسبون . .. حتّی إذا جاءنا قال یلیت

۷ - قیامت ، عرصه رنگ باختن پندار های دروغین گمراهان و

فریب خوردگان

و یحسبون أنّهم مهتدون . حتّی إذا جاءنا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۴۴ – ۹

۹ – قیامت ، عرصه بازخواست و حسابرسی

و سوف تسئلون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۶۷ – ۱،۴

۱ – تبدیل شدن دوستی های غیرخدایی ، به عداوت و دشمنی در قیامت

الأخلّاء یومئذ بعضهم لبعض عدوّ إلاّ المتّقین

۴ – آشکار شدن آثار زیانبار دوستی و مودّت بی تقوایان در روز قیامت

الأخلّاء یومئذ بعضهم لبعض عدوّ إلاّ المتّقین

دوستانی که دوستی خویش را بر غیر تقوا بنا نهاده انـد، در قیامت خواهند فهمید که چه اثرات شومی را به واسطه آن متحمل شده اند و در نتیجه با یکدیگر دشمن خواهند شد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۶۸ – ۵

۵ – قیامت ، صحنه ای پر بیم و هول انگیز

یعباد لا خوف علیکم الیوم و لا أنتم تحزنون

از تأکید خداوند بر نفی خوف و اندوه برای تقواپیشگان در قیامت، مطلب بالا قابل برداشت است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۳ - ۷،۸،۹،۱۰

۷ - قیامت ، پایان بازیگری و بیهوده گرایی های کافران حق ستیز

یخوضوا و یلعبوا حتّی یلقوا یومهم الذی یوعدون

بنابراین که مراد از <یومهم. ..> روز قیامت باشد، برداشت بالا استفاده می شود.

۸ - قیامت ، صحنه حقیقت و واقعیت است ; نه بازیگری و هوسرانی .

فذرهم یخوضوا و یلعبوا حتّی یلقوا یومهم

۹ - قیامت ، روز کیفر مشرکان به خاطر ستیزه گری های آنان

با پیام حق

حتّی یلقوا یومهم الذی یوعدون

۱۰ - قیامت ، روز انسان و محصول تلاش و عملکرد او است .

حتّی یلقوا یومهم الذی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۶ - ۱

۱- قیامت ، روزی مهیب و پرصولت

یوم نبطش البطشه الکبری

<بطش> (مصدر <نبطش>) در اصل به معنای گرفتن با شدّت و صولت است و مراد از آن در آیه شریفه مؤاخذه و انتقام شدید و مهیب الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۰ - ۱،۲،۳

۱- روز قیامت ، میعاد و وعده گاه تمامی مجرمان و منکران معاد

إنّ یوم الفصل میقتهم أجمعین

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که مرجع ضمیر در <میقاتهم> مجرمان و منکران معاد باشد; همچون قوم <تبّع> که در آیات پیشین به آنها اشاره شد.

۲- قیامت ، روز داوری و حلّ و فصل نهایی امور و کشف حقیقت برای همگان

و لکنّ أکثرهم لایعلمون . إنّ یوم الفصل میقتهم أجمعین

۳- قیامت ، روز جدایی حق از باطل و تمایز حق مداران از باطل گرایان

إنّ یوم الفصل میقتهم أجمعین

مراد از <فصل>، ممکن است جدا شدن صفوف حق و حق مداران، از باطل و باطل گرایان باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۴۱ – ۱،۳،۴،۵

۱– قیامت صحنه گسستگی و بی تأثیری دوستی ها ، پیوند ها ، حمایت ها و دیگر روابط دنیایی

یوم لایغنی مولًی عن مولًی شیًا و لا هم ینصرون

<مولی> در لغت، از ماده <ولاء> به معنای ارتباط و پیوند دو چیز با یکدیگر

است و در مصادیق مختلفی; همچون دوست، سرور، خدمت گزار، بنده، مالك و. .. به كار می رود.

۳- محرومیت انسان در قیامت ، از حمایت و شفاعت دیگران

یوم لایغنی . .. و هم لاینصرون

۴- تنهایی انسان در قیامت و جدایی او از یاران خویش ، نمودی از < یوم الفصل > بودن قیامت *

إنّ یوم الفصل . .. یوم لایغنی مولًی عن مولًی شیًا

۵- انسان ها ، در اوج ازدحام و تجمع در قیامت ، تنها و بی یاور خواهند بود . *

میقتهم أجمعین . .. یوم لایغنی مولًی عن مولًی شیًا

از ارتباط <لایغنی. ..> كه تنهایی را می رساند با <میقاتهم أجمعین> كه تجمع را می فهماند مطلب یاد شده قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۷ - ۵

۵ - روز قیامت ، هنگامه خسران و زیان دیدن باطل گرایان و منكران معاد

و یوم تقوم الساعه یومئذ یخسر المبطلون

<مبطلون>، به معنای واردشوندگان در باطل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۸ - ۱،۲،۴،۱۰

۱ - ناتوانی ، هراس و وحشت همه گروه ها و مجموعه ها ، در روز قیامت

و تری كلّ أمّه جاثیه

<جُثُوّ> (مصدر <جاثیه>) به معنای به زانو نشستن است و در این جا می تواند كنایه از هراس، دلهره و تسلیم باشد.

۲ - قیامت ، صحنه زانو زدن انسان و تسلیم الزامی او در برابر حق

و تری کلّ أمّه جاثیه

۴ – اضطرار و ناتوانی همه امت ها در روز قیامت ، امری نمایان و قابل مشاهده

و تری کلّ

أمّه جاثيه

تعبير <ترى> مشهود بودن آن صحنه را افاده می کند و <جاثيه> می تواند كنايه از اضطرار و ناتوانی باشد.

۱۰ - احضار امت ها برای حسابرسی ، مايه هراس و به زانو درآمدن آنان در صحنه قيامت *

و ترى كلّ أمّه جاثيه كلّ أمّه تدعى إلى كتبها

برداشت بالا بدان احتمال است كه جمله <كلّ أمه تدعى إلى كتابها> درصدد بيان علت <كلّ اُمّه جاثيه> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - جاثيه - ۴۵ - ۳۰ - ۵

۵ - قيامت ، صحنه نمود حاكميت اراده خداوند

فأمّا الذين ءامنوا و عملوا الصلحت فيدخلهم ربّهم

تعبير به <يدخلهم> گويای اين حقيقت است كه بهره مند ساختن مردم از رحمت اخروی، كار خدا و وابسته به او است. در غير اين صورت، می فرمود: <يدخلون فی رحمته ...>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - جاثيه - ۴۵ - ۳۳ - ۳،۶

۳ - قيامت ، صحنه ظهور عواقب گناه و بدكاری

و بدا لهم سيّئات ما عملوا

چنانچه قبل از <سيّئات> مضاف حذف شده و تقدير آن <جزاء يا عقوبه سيّئات. ..> باشد، برداشت بالا به دست می آيد.

۶ - نبودن كمترين گريزگاه در قيامت برای منكران معاد

و حاق بهم ما كانوا به يستهزءون

مفاد <حاق بهم> (نزول و احاطه بر كافران) می تواند كنايه از اين باشد كه آنچه در قيامت بر كافران اتفاق می افتد گريزناپذير است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۱۹ – ۱۲

۱۲– تجسم اعمال نیك و بد ، در قیامت *

و لیوفّیهم أعملهم

دریافت کامل اعمال، اگر به معنای ظاهری آن

حمل شود، مستلزم تجسم عمل خواهد بود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۲۰ – ۸

۸- قیامت ، روز مجازات کافران با عذابی خوارکننده و ذلّت بار

فالیوم تجزون عذاب الهون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۲۱ – ۲۲

۲۲- روز قیامت و کیفر دهی کافران ، روزی بس بزرگ و توصیف ناپذیر *

إنّی أخاف علیکم عذاب یوم عظیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۳۴ – ۲

۲- روز قیامت ، روز عرضه شدن کافران بر آتش دوزخ

و یوم یعرض الذین کفروا علی النار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۱۵ – ۸

۸- حقایق مادی در جهان آخرت ، دارای ماهیتی خالص ، ناب و فاسد نشدنی

أنهر من ماء غیر ءاسن و أنهر من لبن لم یتغیّر طعمه و أنهر من خمر لذّه للشربین

در صورتی که واژه <مثل> به معنای توصیف باشد و نهرهای اخروی از نوع نهرهای مادی و دنیوی باشد; تعابیر <غیرآسن>، <لم یتغیّر طعمه> و <مصفّی> بیانگر ماهیت متفاوت آنها با امور دنیوی خواهد بود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۲۰ – ۴

۴ قیامت ، روز تحقّق هشدار ها و انذار های الهی برای کافران و حق ستیزان

و نفخ فی الصور ذلک یوم الوعید

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۲۱ – ۱

۱ حضور یکایک انسان ها در صحنه قیامت ، همراه با دو

مأمور پیش برنده و گواه

و جاءت کلّ نفس معها سائق و شهید

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۲۲ – ۳

۳ کنار رفتن پرده های غفلت از برابر چشمان آدمی ، به اراده الهی در قیامت

فکشفنا عنک غطاءک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۴۱ – ۲،۵

۲ – قیامت ، روز ندای منادی حق ، از مکانی نزدیک به آدمیان

یوم یناد المناد من مکان قریب

۵ – قوانین حاکم بر نظام هستی در آستانه رستاخیز ، متفاوت با نظام موجود در جهان *

یوم یناد المناد من مکان قریب

از این که انسان ها در پهنه زمین پراکنـده اند و با همه پراکندگی ندای الهی نسـبت به همه نزدیک معرفی شده است; اسـتفاده می شود که در آستانه رستاخیز، قوانین فعلی حاکم بر ماده تغییر می یابد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۴۲ – ۱

۱ – رستاخیز و لحظه خروج آدمیان از خاک ، هنگام شنود فریاد آسمانی بهوسیله همگان

یوم یسمعون الصیحه بالحقّ ذلک یوم الخروج

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۴۴ – ۱

۱ – قیامت ، روز شکافتن زمین و خروج سریع آدمیان از دل خاک

یوم تشقّق الأرض عنهم سراعًا

مطلب بالا، بر این اساس است که <سراعاً> اشاره به خروج سریع داشته است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۱۲ – ۳

۳ – قیامت ، روز حاکمیت قانون و جزای اعمال

أیّان یوم الدّین

<دین> به معنای

جزا و <یوم الدّین> به معنای روز جزا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۶۰ - ۳

۳ - قیامت ، روزِ سختِ کیفر الهی ، برای کافران ستم پیشه

للذین ظلموا . .. فویل للذین کفروا من یومهم الذی یوعدون

مراد از <یومهم. ..>، می تواند روز قیامت و یا روز نزول عذاب بر کافران در دنیا باشد. برداشت بالا بر پایه احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۳ - ۱

۱ - قیامت روز رانده شدن تکذیب گران ، با شدت و خشونت به سوی آتش دوزخ

یوم یدعّون إلی نار جهنّم دعًّا

<دعّ> (مصدر مجهول <یدعّون>) به معنای رانده شدن همراه با تندی و خشونت است و ضمیر <یدعّون> به <مکذّبین> بازمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۱ - ۵،۶،۸

۵ - آخرت ، تنها زمان کیفر کامل و مجازات مناسب

ثمّ یجزیه الجزاء الأوفی

به کار رفتن عبارت <الجزاء الأوفی> برای جزای اخروی، نشانگر آن است که گرچه در دنیا امکان مجازات وجود دارد; اما جزای کامل تنها در آخرت تحقق خواهد یافت.

۶ - روز قیامت ، دارای مراحل و مواقف متعدد

سوف یری . ثمّ یجزیه الجزاء الأوفی

از حرف <ثمّ> استفاده می شود که مرحله شهود اعمال در قیامت با مرحله جزاء، متفاوت است.

۸ – توجه انسان به نظام عادلانه مجازات الهی ، تشویق کننده او در جدیت و تلاش

و أن لیس للإنسن إلاّ ما سعی . و أنّ سعیه سوف یری . ثمّ یجزیه الجزاء الأوفی

یادکرد مجازات الهی پس

از تأکید بر اصل مسؤولیت فردی انسان در برابر عمل خویش، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۳ - ۵

۵ - قیامت ، روز خنده و گریه خلایق *

ثمّ یجزیه الجزاء الأوفی . .. و أنّه هو أضحک و أبکی

برداشت یاد شده بدین احتمال است که این آیه به قرینه آیات پیشین در ارتباط با قیامت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۸ - ۲،۴

۲ - صحنه قیامت ، دربردارنده دشواری ها و مشقت ها برای انسان

لیس لها من دون اللّه کاشفه

۴ - قیامت ، روز ظهور حاکمیت مطلقه خداوند و بروز ناتوانی غیر او

لیس لها من دون اللّه کاشفه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۶ - ۴

۴ - قیامت ، روز فراخوانی کافران هواپرست به فرجامی بس ناخوشایند برای ایشان

یوم یدع الداع إلی شیء نکر

<نکر> به امر سخت ناخوشایند و مشقت بار گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۷ - ۴

۴ - منظره رستاخیز آدمیان ، همچون منظره ملخ های پراکنده بر پهنه زمین

يخرجون من الأجداث كأنّهم جراد منتشر

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۴۶ – ۳

۳ – قيامت ، قرارگاه اصلی برای مؤاخذه و مجازات كافران

سيهزم الجمع . .. و الساعه أدهى و أمرّ

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۳۳ –

۳ – آدمیان و جنیان ، فاقد هرگونه توانایی و قدرت در گریز از عذاب الهی در روز رستاخیز

لاتنفذون إلاّ بسلطن

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که <لاتنفذون . ..> تأکید فراز اول آیه باشد; بدان معنا که گریز از مجازات الهی نیازمند قدرت و توان است و شما فاقد هرگونه قدرتید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۳۵ – ۱،۲،۳،۴

۱ – آتش گداخته و دود های متراکم ، مانعی جدی در برابر جن و انس برای گریز از صحنه قیامت

لاتنفذون إلاّ بسلطن . .. یرسل علیکما شواظ من نار

خطاب در <علیکما> و <لاتنتصران> متوجه جن و انس است.

۲ – فرو ریختن شراره های آتش و دود غلیظ ، بر فضای محشر

یرسل علیکما شواظ من نار و نحاس

<شواظ> به معنای شراره خالص و بدون دود و <نحاس> به معنای دود خالص و بدون آتش است. نکره آمدن آنها بیانگر شدت و غلظت آن دو می باشد.

۳ – خلق ، ناتوان از یاری رسانی به یکدیگر و عاجز از عکس العمل دفاعی در مقابل سختی های محشر

یرسل علیکما . .. فلاتنتصران

۴ – فضای محشر ، سخت داغ ، دودآلود و نفس گیر

یرسل علیکما شواظ من نار و نحاس

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۴۱ – ۱،۲،۳

۱ – شناخته شدن مجرمان به وسیله علامت های چهره آنان در قیامت

یعرف المجرمون بسیمهم

<سیما> به معنای مطلق علامت است. مراد از آن در آیه شریفه علامتی است که در چهره مجرمان دیده می شود.

۲ - مشخص و محرز بودن گناهان جن و انس

در قیامت ، بدون بازجویی

فیومئذ لایسل عن ذنبه إنس و لاجانّ . .. یعرف المجرمون بسیمهم

۳ - قیامت ، روز آشکار شدن اسرار و عیان گشتن نهان ها

یعرف المجرمون بسیمهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۱ - ۳

۳ - قیامت ، رخدادی بس عظیم و بی مانند

إذا وقعت الواقعه

نام گـذاری قیامت به <الواقعه> با توجه به این که این کار نوعی اختصاص دادن لفظ به یک مسـمّی است بیانگر این حقیقت است کـه هر واقعه دیگری در برابر آن، چیزی به حسـاب نمی آیـد و تنهـا قیـامت است که بایـد آن را واقعه نامیـد. این بیـان، حکایت از عظمتی دارد که واقعه های دیگر در مقابل آن، ناچیز است و در واقع، قیامت حادثه ای است که مانند ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳ - ۱،۳

۱ - قیامت ، روز دگرگونی و زیرورو شدن طبقات مردم

خافضه رافعه

<خفض> به معنـای فرود آوردن و به زیر کشـیدن و <رفع> به معنـای بالاـ بردن و برافراشـتن است; یعنی، واقعه قیـامت، به زیرآورنده اقوامی و بالاآورنده اقوامی دیگر است.

۳ - قیامت ، روز دگرگونی و انقلاب در نظام طبیعت

خافضه رافعه

برداشت بالا، مبتنی بر این احتمال است که آیه شـریفه، اشاره به دگرگونی در طبیعت داشته باشد; چنان که آیه بعد نیز در این باره سخن می گوید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۶ - ۲

۲ - < قیامت > روز کیفر و پاداش

یوم الدین

<دین> به معنای جزا است و

<جزا> معادل سزا می باشد که هم شامل کیفر می شود و هم پاداش.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۲ - ۱،۹

۱ - قیامت ، روز پاداش دهی خداوند به وام دهندگان خود (کسانی که با انفاق در راه خدا به او قرض الحسنه دادند) .

من ذا الذی یقرض اللّه . .. و له أجر کریم . یوم تری المؤمنین

<یوم> در <یوم تری>، مربوط به <له أجر کریم> در آیه پیش است؛ یعنی، خداوند، پاداش نفیس خود را به وام دهندگان خویش در روزی می دهد که. .. . گفتنی است که مراد از <یوم تری> روز قیامت است.

۹ - قیامت ، روز دریافت بشارت بهشت برای مردان و زنان مؤمن

یوم تری المؤمنین و المؤمنت . .. بشریکم الیوم جنّت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۳ - ۱۳

۱۳ - قیامت ، روز جلوه گر شدن حقیقت نورانی ایمان و عمل صالح

قیل ارجعوا وراءکم فالتمسوا نورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۶ - ۱

۱ - قیامت ، روز برانگیخته شدن انسان ها برای محاکمه و کیفر و پاداش

یوم یبعثهم اللّه جمیعًا فینبّئهم بما عملوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۹ - ۸

۸ - قیامت ، روز فراهم آمدن انسان ها برای محاکمه و کیفر و پاداش

و اتّقوا اللّه الذى إليه تحشرون

<حشر> (مصدر <تحشرون>) به معناى جمع كردن و فراهم آوردن است. فراهم آمدن مردم در قيامت، براى محاكمه

و تعیین کیفر و پاداش برای آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۸ - ۱،۴

۱ - قیامت ، روز برانگیخته شدن انسان ها برای محاکمه

یوم یبعثهم اللّه جمیعًا فیحلفون له

۴ - برانگیخته شدن جمعی منافقان و احضار یک جای آنان ، برای محاکمه در قیامت

یوم یبعثهم اللّه جمیعًا فیحلفون له

برداشت یاد شده در صورتی به دست می آید که جمله <جمیعاً> حال برای ضمیر <هم> در <یبعثهم> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۸ - ۷

۷ - قیامت ، روز دریافت نتایج اعمال دنیوی است .

و لتنظر نفس ما قدّمت لغد

واژه <غد>، اشاره به قیامت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۹ - ۳،۵

۳ - قیامت ، روز گرد هم آمدن همه انسان ها است .

لیوم الجمع

۵ - قیامت ، روز ظهور و بروز غبن و خسارت کافران

ذلک یوم التغابن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ – قلم – ۶۸ – ۴۲ – ۲،۴

۲ – قیامت ، روزی بسیار سخت و هولناك برای اهل محشر

یوم یکشف عن ساق

تعبیر <یکشف عن ساق> (ساق ها برهنه می شود) در زبان عرب، کنایه از شدت هول و هراس و وخامت اوضاع است.

۴ – ممکن نبودن عبادت و جبران کوتاهی ها و تقصیر ها ، در جهان آخرت

و یدعون إلی السجود فلایستطیعون

یادآوری شدّت هولناکی عرصه قیامت و ناتوانی کافران برای سجده و خضوع در برابر پروردگار، می تواند اشاره به این حقیقت باشد که هیچ کس نمی تواند

کوتاهی های گذشته خود را، در آخرت جبران کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴ - ۲

۲ - قیامت ، حادثه ای کوبنده و هولناک

بالقارعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۵ - ۲

۲ - قیامت ، رخدادی بس عظیم و بی مانند

فیومئذ وقعت الواقعه

نام گذاری قیامت به <واقعه>، بیانگر این حقیقت است که هر واقعه دیگری در جهان، در مقایسه با رخداد قیامت، بسیار ناچیز است و تنها قیامت، شایسته آن است که حقیقتاً آن را <واقعه> نامید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۸ - ۱،۲،۳

۱ - قیامت ، روز عرضه شدن و به نمایش در آمدن انسان ها در پیشگاه خداوند و در محکمه عدل او

یومئذ تعرضون

۲ - قیامت ، روز حساب رسی و عرضه شدن نیات ، انگیزه ها ، افکار و رفتار انسان ها به محکمه عدل الهی

یومئذ تعرضون

۳ - قیامت ، روز کشف حقایق و بروز و ظهور تمامی ابعاد وجودی انسان ها (نیات ، انگیزه ها ، افکار و رفتار ها)

لاتخفی منکم خافیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴ - ۹،۶،۵

۵ - عرصه محشر و حساب رسی خلایق در آن ، بسیار طولانی است .

فی یوم کان مقداره خمسین ألف سنه

برداشت یاد شده، بنابراین احتمال است که عدد یاد شده در آیه شریفه، صرفاً برای بیان کثرت است.

۶ - روز قیامت ، روزی بس دشوار و اندوه بار برای خلایق

فی یوم کان

مقداره خمسین ألف سنه

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که در زبان عرب، اوقات سخت و خزن آور را، به طولانی بودن آن و زمان های راحتی و شادمانی را به کوتاه بودن آن توصیف می کنند.

۹ - < عن حفص بن غیاث القاضی قال : سمعت أباعبدالله جعفر بن محمّد (ع) یقول : . . . فإنّ للقیامه خمسین موقِفاً کلّ موقف مقام ألف سنه ثمّ تلا هذه الآیه : < فی یوم کان مقداره خمسین ألف سنه > ;

از حفص بن غیاث روایت شده که گفت: شنیدم که امام صادق(ع) می فرمود: برای قیامت پنجاه موقف (ایستگاه) است که هر کدام از آنها هزار سال طول می کشد. سپس امام(ع) این آیه را تلاوت فرمود: (فی یوم کان مقداره خمسین ألف سنه).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۰ - ۱،۲،۳،۴

۱ - در روز رستاخیز ، هیچ دوست صمیمی و خویشاوندی ، از حال دیگری جویا نمی شود .

و لایسئل حمیم حمیمًا

<حمیم>به فردی می گویند که به انسان نزدیک و دلسوز باشد. از مصادیق بارز آن، خویشاوندان و دوستان صمیمی و دلسوز است.

۲ - در روز محشر ، هیچ خویشاوندی و دوست صمیمی از یکدیگر استمداد نمی کند .

و لایسئل حمیم حمیمًا

یکی از کاربردهای واژه <سؤال>، طلب و درخواست (استمداد) است. برداشت یاد شده مبتنی بر این معنا است.

۳ - کارساز نبودن استمداد از دیگران ، حتی از خویشان و صمیمی ترین دوستان ، برای رهایی از مشکلات و حوادث تلخ روز محشر

و لایسئل حمیم حمیمًا

درخواست و سؤال نکردن از

یکدیگر در قیامت، ممکن است به سبب بی فایده بودن آن باشد.

۴ - اهل محشر ، به شدّت دغدغه دار سرنوشت خود و گرفتار پیامد های کردار خویش

و لایسئل حمیم حمیمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۱ - ۲۱

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۷ - ۱،۲،۳

۱ - قیامت ، روزی است بسیار سخت و اندوه بار .

فکیف تتّقون إن کفرتم یومًا یجعل الولدن شیبًا

۲ - قیامت و روز محشر ، روزی بسیار طولانی

یومًا یجعل الولدن شیبًا

پیر شدن کودکان، ممکن است اشاره به طولانی بودن روز قیامت داشته باشد. البته طولانی بودن روز محشر نیز گویای سختی آن روز است.

۳ - سختی و اندوه باری روز محشر ، به گونه ای است که اطفال را مو سفید و پیر می سازد .

یومًا یجعل الولدن شیبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۸ - ۳

۳ - روز محشر ، روزی است بس هولناك و وصف ناپذیر .

یومًا .. السماء منفطر به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ – مدثر – ۷۴ – ۴۶ – ۲

۲ – قیامت ، روز جزا و حسابرسی است .

بیوم الدین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۱۰ – ۲

۲ – قیامت ، روزی است بسیار سخت و اندوه بار .

یومًا عبوسًا قمطریرًا

<عبوس>; یعنی، چهره در هم کشیده و <روز عبوس> کنایه از روز سخت و اندوه بار است. <قمطریر> نیز به معنای شدید

است و در این آیه هم می تواند وصف برای <عبوس> باشد (یعنی شدید العبوس) و هم می تواند صفت برای <یوم> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۷ - ۵

۵ - قیامت ، روزی بس سنگین و دشوار

و یذرون وراءهم یومًا ثقیلًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۱ - ۱

۱ - قیامت ، وقت تعیین شده برای حضور پیامبران جهت گواهی بر امت های خویش

و إذا الرسل أُقّتت

مقصود و مفاد این آیه برابر نظر بیشتر مفسران فرارسیدن زمان وعده الهی مبنی بر گواهی پیامبران بر امت های خویش در عرصه قیامت است؛ مانند <فلنسئلنّ الذین اُرسل إلیهم و لنسئلنّ المرسلین> (اعراف، آیه ۶).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۲ - ۱

۱ - گواهی پیامبران بر امت های خویش ، دارای وقتی معیّن در عرصه قیامت

و إذا الرسل أُقّتت . لأیّ یوم أُجّلت

<أیّ> اسم استفهام و یا موصوله و مفید تعظیم و تهویل است. <اُجّلت> به معنای <أخّرت> است. در این برداشت مرجع ضمیر فاعلی <اُجّلت>، میقات و گواهی پیامبران (قابل استفاده از آیه قبل) دانسته شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۳ - ۱،۲

۱ - قیامت ، روز جداسازی میان خلایق و داوری میان حق و باطل است .

لیوم الفصل

<فصـل> به حایـل بین دو چیز و نیز به داوری میان حق و باطل گفته می شود(قاموس المحیط). روز قیامت چنان که مفسـران گفته اند

از این رو <یوم الفصل> نامیده شده که در آن روز، میان خلایق جدایی ایجاد شده و حق از باطل تمیز داده خواهد شد و مورد داوری قرار خواهد گرفت.

۲ - جداسازی میان خلایق و داوری میان حق و باطل ، از مهم ترین خصیصه روز قیامت

لیوم الفصل

توصیف روز قیامت به <یوم الفصل>، در سلسله آیات مربوط به حوادث قبل و بعد از برپایی قیامت، گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۴ - ۱،۲

۱ - شناخت ژرفای حقیقت و عظمت روز قیامت (روز داوری میان اهل حق و باطل) ، بس دشوار و دست نایافتنی برای بشر

و ما أدریک ما یوم الفصل

از تعبیر <و ما أدراك. ..>(چه چیز آگاه ساخت تو را...) استفاده می شود: قیامت، حقیقتی بس بزرگ و عمیق است که کسی به درستی و شایستگی از آن آگاه نیست و تنها در پرتو وحی الهی، قابل شناخت است.

۲ - قیامت ، واقعه ای است بس سهمگین ، با عظمت و شگفت آور .

و ما أدریک ما یوم الفصل

<ما> در <ما أدراك ما. ..> برای استفهام و مفید تعجیب و تهویل است; ضمن آن که تکرار <یوم الفصل> به صورت اسم ظاهر به جای ضمیر تأیید کننده همین مطلب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۵ - ۱

۱ - تکذیب گران روز جزا ، در آن روز از شدت ترس دم برنخواهند آورد .

هذا یوم لاینطقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ – مرسلات

- ۷۷ - ۳۸ - ۱،۴

۱ - قیامت ، روز جداسازی میان خلایق و داوری میان حق و باطل است .

هذا یوم الفصل

<فصل>به حایل بین دو چیز و نیز به داوری میان حق و باطل گفته می شود (قاموس المحیط). روز قیامت، از این رو <یوم الفصل> نامیده شده که در آن روز، میان خلایق جدایی خواهد افتاد و حق از باطل تمیز داده شده و مورد داوری قرار خواهد گرفت.

۴ - قیامت ، روز اجتماع تمامی انسان های تاریخ

جمعنکم و الأوّلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۷ - ۱

۱ - قیامت روز داوری بین مردم و رفع اختلافات آنان

یوم الفصل

<فصل>; یعنی، جداسازی دو چیز از یکدیگر به گونه ای که میان آن دو فاصله افتد. اطلاق این کلمه بر روز قیامت، به اعتبار روشن شدن حق از باطل و یا پایان دادن به اختلاف مردم و قضاوت در میان آنان است. (مفردات راغب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۸ - ۲،۳

۲ - قیامت ، روز دمیده شدن جان در پیکر ها است . *

یوم ینفخ فی الصور

برخی <صور> را جمع <صوره> دانسته و می گویند: خداوند، ابتدا کالبدها را صورت دهی کرده به آنها شکل می دهد; آن گاه در آنها جان می دمد. این معنا برای نفخ صور در قیامت قابل تصور است; ولی در نفخ صوری که برای پایان دنیا و میراندن انسان ها است، مورد ندارد.

۳ - حضور انسان ها در صحنه قیامت ، به صورت گروهی و دسته دسته است .

فتأتون أفواجًا

<فوج>

(مفرد <أفواج>) به معنای جماعتی از مردم است. (لسان العرب)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نبأ – ۷۸ – ۲۷ – ۱

۱ – قیامت ، صحنه حسابرسی انسان ها است .

إنّهم کانوا لایرجون حسابًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نبأ – ۷۸ – ۳۸ – ۱،۱۱،۱۲

۱ – روح و فرشتگان الهی در قیامت ، ایستاده و صف بسته در آماده باش کامل قرار می گیرند .

یوم یقوم الروح و الملئکه صفًّا

<صفّاً> مصدر است و چون حال قرار گرفته، به معنای <صافّین> است. ایستادن و صف بستن، کنایه از مهیّا بودن برای انجام فرمان های الهی است.

۱۱ – قیامت ، روز سلب اختیار از انسان

یوم . .. لایتکلّمون إلاّ من أذن له الرحمن

۱۲ – آنان که در قیامت ، رخصت سخن گفتن یافته اند ، سخنانی درست و به دور از هر گونه خطا خواهند گفت .

و قال صوابًا

<قال> در <قال صواباً> به جای مضارع آمده است تا بر یقینی بودن آن دلالت کند. جمله <قال صواباً>، یا حالیه است و یا مستأنفه ای که وضعیت پس از اذن را بیان می کند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نبأ – ۷۸ – ۳۹ – ۱

۱ – روز قیامت ، روزی عظیم و برپایی آن کاری حکیمانه است .

ذلك اليوم الحقّ

<ذلك> اشاره به دور است. به قرینه <عذاباً قریباً> در آیه بعد مراد از دوری قیامت، تأخیر زمانی آن نیست; بلکه بیانگر عظمت والا و فراتر از حد تصور آن است. <حقّ> به چیزی گفته می شود که براساس حکمت

پدید آمده باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نبأ – ۷۸ – ۴۰ – ۹

۹ – قیامت ، روز تجسم اعمال و ظهور دست مایه ها و تلاش های انسان

یوم ینظر المرء ما قدّمت یداه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نازعات – ۷۹ – ۱۴ – ۳

۳ – عرصه قیامت ، مکانی مشخص و از پیش تعیین شده است .

فإذا هم بالساهره

حرف <ال> در <الساهره>، گویای این است که جایگاه حضور مردم در قیامت، از پیش مشخص شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عبس – ۸۰ – ۳۳ – ۵

۵ – قیامت ، رخدادی بزرگ و صحنه فریاد های گوش خراش مردم

فإذا جاءت الصاخّه

<صاخّه>; یعنی، فریاد شدیدی که گوش ها را کر کند و به حادثه بزرگ نیز اطلاق می گردد (قاموس). در کشاف آمده است که توصیف قیامت به این وصف، به اعتبار فریاد کشیدن حاضرانِ در قیامت است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عبس – ۸۰ – ۳۴ – ۱،۲،۳،۴،۵

۱ – قیامت ، روز فرار هر انسانی از برادر خویش است .

یوم یفرّ المرء من أخیه

۲ - رابطه خویشاوندی هر چند قوی باشد برای نجات از سختی های قیامت سودی ندارد .

یوم یفرّ المرء من أخیه

فرار از برادر، به معنای تنها گذاشتن او در شداید قیامت است.

۳ - قیامت ، روز احساس خطر ; حتی از نزدیک ترین خویشاوندان خود *

یفرّ المرء من أخیه

فرار از برادر، حاکی از خطری است که باقی ماندن در کنار او، آن را محتمل می

سازد; چه خطری باشد که فرار از آن سودی نمی بخشد (نظیر گذشت نکردن برادر از حقوقی که برادرش آن را پایمال کرده است) و چه خطری که توهمی بیش نیست (نظیر این گمان که اگر بماند به آتش او بسوزد).

۴ - ناتوانی همگان ، از مقاومت در برابر سختی های قیامت

یوم یفرّ المرء

فرار مردان با توجّه به این که ترجیح فرار بر قرار به ویژه برای مرد تحمل نوعی زبونی و حقارت است نشانگر سنگینی مشکلات قیامت و ناتوانی همه انسان ها از تحمّل آن است.

۵ - حاضران صحنه قیامت ، از مؤاخذه دیگران و گرفتن حقوق خود حتی از نزدیک ترین خویشاوندان چشم پوشی نخواهند داشت . *

یوم یفرّ المرء من أخیه

فرار از برادر و ترس از روبه رو شدن با او، حاکی از واقع شدن در مؤاخذه شدید از سوی او است; به گونه ای که شخص گمان می کند که اگر فرار نکند، گرفتار خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۵ - ۱،۲

۱ - قیامت ، صحنه گریزان بودن انسان ; حتی از پدر و مادر خویش

و أمّه و أبیه

۲ - قیامت ، روز بی اثر بودن عواطف و روابط و جاذبه نداشتن پدر و مادر در چشم فرزندان

و أمّه و أبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۶ - ۱،۲،۳،۴

۱ - شوهران ، پیوند الفت و همراهی با همسران خویش را در قیامت نادیده گرفته و از آنان متواری خواهند شد .

یوم یفرّ المرء من . .. و

صحبته

<صاحبه> همسری است که با شوهر خویش ملازمت و معاشرت داشته باشد. این تعبیر حاکی از شدت حوادث قیامت است; به گونه ای که انسان، حتی همسری را که در دنیا با او سازگار و همراه بود، نیز رها خواهد کرد.

۲ - پدران در قیامت ، با فرار از پسران خویش ، خود را از آنها دور ساخته ، آنان را تنها خواهند گذاشت .

و بنیه

۳ - قیامت ، روز محرومیت از یاری همسران حتی علاقه مندترین آنان به انسان

و صحبته

فرار از همسری که مصاحبت و همراهی او در دنیا به ثبوت رسیده بود تا چه رسد به همسر ناسازگار نشانه سودمند نبودن آنان در قیامت است.

۴ - فرزندان ، حتی پسران ، در قیامت سودی به پدر و مادر نخواهند رساند .

و بنیه

<بنیه> گر چه تنها شامل پسران است; ولی یاد نکردن از دختران به دلیل وضوح یکسانی آنها با پسران یا کمتر بودن انتظار یاری رسانی آنان است. فرار پدران از فرزندان، فرار مادر از آنان را نیز در مفهوم خود دارد. گفتنی است: در فرار پدر و مادر از فرزندان، سودمند نبودن هر یک برای دیگری، نهفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۷ - ۱،۲،۴

۱ - گرفتاری های هر کس در قیامت ، جایی برای رسیدگی او به دیگران باقی نگذاشته ، او را به خود مشغول خواهد ساخت .

لکلّ امریء منهم یومئذ شأن یغنیه

به هر امری از امور <شأن> گفته می شود (قاموس); جز این که سیاق آیه شریفه دلالت بر عظمت شأن مورد نظر دارد. فعل <اغنی>

چه بـا حرف <عن> و چه بـدون آن باشـد به معنـای <کفی> است (مفردات راغب). کفایت کردن شأن و کار، به معنای پر شـدن فرصت هـا است; به گونه ای که برای کـار دیگر امان ندهـد. اکتفا به بیان وضـعیت مردان با کلمه <امریء>، به جهت وضوح هم سرنوشت بودن زنان با آنان است.

۲ - تمام انسان ها در قیامت ، نگران وضعیت خود و در تلاش برای رفع گرفتاری های خویش اند .

لکلّ امریء منهم یومئذ شأن یغنیه

۴ - گرفتاری ها و دل نگرانی های انسان در قیامت ، از نخستین لحظات آن آغاز می شود .

فإذا جاءت الصاخّه . .. لکلّ امریء منهم یومئذ شأن یغنیه

جمله <لکلّ امریء. ..> به دلیل <یومئـذ> دلالت دارد که زمان پیدایش <صاخّه> (غرّش کر کننده)، هنگام بروز گرفتاری ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۸ - ۱

۱ - در قیامت ، چهره گروهی از مردم زیبا و درخشان خواهد بود .

وجوه یومئذ مسفره

<وجه مسـفر> چهره ای است که به جهت شادمـانی، درخشـان شـده باشـد (مقاییس اللغه) و یا زیبایی آن را فرا گرفته باشـد. (مصباح)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۹ - ۱

۱ - گروهی از مردم ، با چهره های خندان در صحنه قیامت حضور خواهند داشت .

ضاحکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۴۰ - ۱،۵،۶

۱ - گروهی از مردم در قیامت ، چهره ای کدر و غبارآلود خواهند داشت .

و وجوه یومئذ علیها غبره

<غَبَره> و

<غُبار>، به یک معنا است و برخی گَرد پراکنده و جابه جا شده را <غبره> و گرد برخاسته را <غبار> می نامند. (لسان العرب)

۵ - انسان ها در قیامت ، با دو چهره مختلف تابناك و تیره حضور خواهند یافت و فرجام هر کس ، از آغاز حضور مشخص خواهد بود .

فإذا جاءت الصاخّه . .. وجوه ... و وجوه

تکرار <وجوه>، بیانگر جواب شرط در <إذا جاءت. ..> است; یعنی، <کان الناس صنفین>.

۶ - تفاوت چهره مؤمن و کافر در قیامت

وجوه . .. و وجوه

مراد از <وجوه> در این آیه به قرینه آخرین آیه سوره (أولئك هم الکفره الفجره) چهره کافران است. در نتیجه مراد از <وجوه> در آیات پیشین، چهره مؤمنان خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۴۱ - ۱

۱ - چهره برخی از اهل محشر ، در غباری سیاه و دودآسا فرو رفته ، آثار افسردگی و اندوه از سر و روی آنان خواهد بارید .

ترهقها قتره

<رَهق>; یعنی، فراگرفتن و پوشاندن و <قَتَره> غباری است که مانند دود، سیاه فام باشد (لسان العرب). هم چنین به هر اندوهی که رخسار انسان را فرا گیرد <قَتَر> گفته می شود. (مقاییس اللغه)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۸ - ۴

۴ - قیامت ، روز حسابرسی اعمال انسان ها و پرسش از رفتار آنان با یکدیگر

و إذا الموءوده سئلت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۰ - ۲،۵

۲ - قیامت ، روز باز شدن نامه

عمل انسان و آگاهی او بر محتوای آن

و إذا الصحف نشرت

<نشر>، مخالف پیچیدن است (لسان العرب). براساس این معنا، فعل <نشرت>، دلالت دارد که نامه اعمال پیش از نشر، به شکل طومار است.

۵ - نامه های اعمال در قیامت ، بر اهل محشر پراکنده و پخش خواهد شد .

و إذا الصحف نشرت

<نشر> به معنای تفریق (پراکنده ساختن) آمده است (تاج العروس). مراد از <نُشرت>، در این معنا پراکنده شدن نامه ها بر صاحبان آن و رسیدن نامه عمل هر کس به دست او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۲ - ۱

۱ - قیامت ، روز شعلهور شدن شدید جهنم

و إذا الجحیم سعّرت

<جحیم> (که بر اثر استعمال مکرر درباره جهنم، نام دیگری برای آن شده است، در اصل) آتشی است که به شدت افروخته شده باشد و به آتش عظیمی که در حفره ای عمیق افروخته شود <جحیم> گفته می شود. سعرالنار و سعّرها[به یک معنا است]; یعنی، آتش را شعلهور ساخت و تشدید[در باب تفعیل] برای مبالغه است (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۴ - ۱

۱ - قیامت ، روز آگاهی انسان ها به کردار دنیایی خویش و آثار و نتایج آن

علمت نفس ما أحضرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۴ - ۴

۴ – قیامت ، روز زنده شدن مردگان

و إذا القبور بعثرت

بیرون ریخته شدن آنچه در قبرها هست، کنایه از زنده شدن مردگان در قیامت است. تعبیر <قبر> در این آیه، ممکن

است هر نقطه ای از جهان را که از بقایای انسان در آن اثری باشد شامل گردد. بنابراین، آیه شریفه، شامل تمامی انسان ها خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۵ - ۱،۸

۱ - قیامت روز آگاهی هر انسان ، به کردار دنیایی و آثار به جای مانده از خویش

علمت نفس ما قدّمت و أخّرت

<ماقدّمت> در یک احتمال ناظر به کرداری است که انسان خود، آن را انجام داده است. در مقابل مراد از <ماأخّرت> سنت های روا و ناروایی است که انسان پس از خود، به جای گذاشته و آثار و تبعات آن برای او ثبت شده است و در روز قیامت با آن مواجه خواهد شد.

۸ - قیامت ، روز توجّه انسان به توانمندی ها و فرصت های از دست رفته خویش

علمت نفس ما . .. أخّرت

<ما . .. أخّرت> در یک احتمال ناظر به کرداری است که انسان، آن را با امروز و فردا کردن، به تأخیر می اندازد و فرصت را از دست می دهد. او در قیامت متوجه چنین خسارت هایی شده، بر آن افسوس خواهد خورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۵ - ۱،۲

۱ - قیامت ، روز گرفتاری طاقت فرسای فاسقان در آتش جهنم

یصلونها یوم الدین

<یصلونها>; یعنی، با رنج و مشقّت، حرارت آن را می چشند. (برگرفته از قاموس)

۲ - قیامت ، روز مواجه شدن با سزای اعمال است .

یوم الدین

<دین>; یعنی، جزا و به معنای طاعت نیز آمده است (مفردات راغب) و

چون معنای اول با قیامت تناسب دارد، در آیه شریفه به معنای جزا می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۷ - ۲،۴

۲ - قیامت ، روزی سهمگین و دارای عظمتی فراتر از تصور است .

و ما أدریک ما یوم الدین

۴ - قیامت ، روز جزا و رسیدگی به اعمال است .

یوم الدین

<دین> به معنای شریعت، طاعت و جزا است و از آن جا که دین به معنای <شریعت>، در قیامت مورد ندارد، <یوم الدین>، به معنای روز جزا خواهد بود و لازمه جزا دادن به بندگان، رسیدگی و محاسبه اعمال آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۸ - ۲،۴

۲ - قیامت روزی بس با عظمت است و بیان سختی حوادث آن ، امکان پذیر نیست .

ثمّ ما أدریک ما یوم الدین

تکرار <ما أدراک> تأکید بر عظمت و نبودن ابزار، برای آگاه سازی دیگران به حقیقت حوادث آن است.

۴ - قیامت ، روز کیفر دادن اعمال است .

یوم الدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۹ - ۲،۵،۷

۲ - قیامت ، روز سلب مالکیت و اختیار از همه انسان ها است .

یوم لاتملک نفس لنفس شیئًا

۵ – ناتوانی انسان ها از یاری رسانی به یکدیگر ، از حوادث بزرگ و وصف ناپذیر قیامت

و ما أدریک . .. ثمّ ما أدریک ما یوم الدین . یوم لاتملک نفس لنفس شیئًا

۷ – قیامت روز تخلّف ناپذیر بودن فرمان های خداوند

و الأمر یومئذ للّه

اختصاص <أمر> به خداوند، کنایه از این است

که تنها دستور مطاع در قیامت، فرمان او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۴ - ۲

۲ - قیامت ، روز کیفر دیدن کم فروشان

ألا یظنّ أُولئک أنّهم مبعوثون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۶ - ۱

۱ - قیامت ، روز حضور همه انسان ها در برابر خداوند

یوم یقوم الناس لربّ العلمین

کلمه <یوم> ظرف برای <مبعوثون> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۱ - ۱

۱ - قیامت ، روز جزای اعمال است .

الذین یکذّبون بیوم الدین

<دین> در معانی <طاعت> و <جزاء> استعمال می شود و معنای مجازی آن <شریعت> است (مفردات راغب). تناسب معنای <جزاء> با قیامت، دلیل برگزیدن این معنا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۳۴ - ۷

۷ - قیامت ، روز ظهور حقایق و برملا شدن خطای کافران در گمراه دانستن مؤمنان

قالوا إنّ هؤلاء لضالّون . .. فالیوم الذین ءامنوا من الکفّار یضحکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۷ - ۱

۱ - برای هر انسان ، نامه عملی است که در قیامت آن را دریافت خواهد کرد .

فأمّا من أُوتی کتبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۳ - ۳

۳ - قیامت ، روز حضور گواهان اعمال و شهادت دادن آنها است .

و شاهد

راغب پس از آن که شهادت را به معنای حضور با مشاهده آورده است، معنای گواهی

را برای آن ذکر کرده و می گوید: شهادت، گفتاری است که از روی علم سرزده باشد. (مفردات راغب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۰ - ۲،۳

۲ - قیامت ، روز محرومیت انسان از هرگونه یار و یاور در برابر کیفر های الهی است .

فما له من . .. و لا ناصر

۳ - قیامت روز بی ثمر ماندن نیرو های درونی و بیرونی انسان ، در برابر حسابرسی کار های پنهانی او است .

فما له من قوّه و لا ناصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۱ - ۲،۳

۲ - قیامت ، انسان ها را در میان گرفته و راه گریز را بر آنها خواهد بست .

هل أتیک حدیث الغشیه

<غشاء> و <غطاء> (پوشاننده) به یک معنا است و قیامت، از آن جهت <غاشیه> نامیده می شود که با حوادث سهمگین خود، خلق را احاطه می کند. (مقاییس اللغه)

۳ - قیامت ، روزی بزرگ و هنگامه حوادث و رخداد های شگفت است .

حدیث الغشیه

<غاشیه> به معنای داهیه (کار بزرگ) است (نهایه ابن اثیر) و همان گونه که در موارد بد و ناخوشایند به کار می رود، در موارد خوب نیز استعمال می شود و قیامت به همین مناسبت <غاشیه> نامیده شده است. استفهام از شنیدن خبر قیامت، نشانگر این است که در آن روز، حادثه هایی قابل توجّه و سزاوار بازگو کردن و شنیدن به وقوع خواهد پیوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۲ - ۳

۳ - چهره حاضران صحنه

قیامت ، نمایانگر فرجام کار آنان است .

وجوه یومئذ خشعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۳ - ۲

۲ - تلاش بی حاصل و رنج و زحمت بیهوده ، نمونه ای از گرفتاری های قیامت برای برخی از مردم

حدیث الغشیه . .. عامله ناصبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۸ - ۲

۲ - چهره حاضران در صحنه قیامت ، نمایانگر فرجام آنان است .

وجوه یومئذ ناعمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۳ - ۱۰،۹،۲،۱

۱ - روز قیامت ، زمان عرضه جهنم بر حاضران

و جاْیء یومئذ بجهنّم

مراد از <آوردن جهنم به صحنه قیامت>، ممکن است انتقال آن به محشر و یا اظهار آن برای اهل محشر باشد. گفتنی است که در سوره های دیگر از نوع دوم سخن به میان آمده است.

۲ - جهنم ، قابل مشاهده برای تمام اهل محشر

و جاْیء یومئذ بجهنّم

۹ - قیامت ، روز آشکار شدن حقایق برای همگان

یومئذ یتذکّر الإنسن

۱۰ - کوبیده و نرم شدن زمین ، احساس حضور در پیشگاه خداوند و صفوف فرشتگان و مشاهده جهنم ، برطرف سازنده غفلت های انسان و احیاگر حس پندپذیری در او است .

إذا دکّت الأرض . .. یومئذ یتذکّر الإنسن

<یومئذ>، بدل برای <إذا> در <إذا دکّت الأرض. ..> و جمله <یتذکّر الإنسان> جزا برای آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۹ - ۲

۲ - قیامت ، روز زنده شدن مردگان

بعثر ما فی القبور

بیرون ریخته شدن آنچه

در قبرها هست، کنایه از زنـده شـدن مردگان در قیامت است. تعبیر <قبر> در این آیه ممکن است هر نقطه ای از جهان را که از بقایای انسان در آن اثری باشد، شامل گردد؛ بنابر این، آیه شریفه شامل تمامی انسان ها خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۱۰ - ۱،۲،۳،۴،۵

۱ - اسرار سینه ها (ملکات و صفات نفسانی ، علاقه ها ، نیت ها و افکار) ، در قیامت بیرون ریخته و آشکار خواهد شد .

و حصّل ما فی الصدور

<تحصـیل>، به معنای اسـتخراج مغز از پوسـته و پوشـش آن است؛ مانند اسـتخراج طلا از سنگ معدنی آن و اخراج گندم از کاه (مفردات). برخی آن را با تمییز، مرادف می داننـد و بر همین اساس آنچه را بیخته شود، <محصّل> می گویند (کشاف). در این صورت، مراد از آن، متمایز شدن اسرار نیک و بد خواهد بود.

۲ - آشکار شدن اسرار درونی انسان در قیامت ، قهری و بیرون از اختیار او است .

حصّل

مجهول بودن <حصّل>، دلالت بر نکته یاد شده دارد.

۳ - قیامت ، روز حسابرسی نیت ها ، خصلت ها و اسرار درونی است .

و حصّل ما فی الصدور

تهدید به ظهور اسرار درونی در قیامت، کنایه از تأثیر آنها در فرجام اخروی است. بنابراین انسان ها، براساس رازهای سینه خود نیز، محاسبه و کیفر خواهند شد.

۴ - توجّه به برملا شدن خصلت ها و علاقه ها در قیامت ، بازدارنده انسان از خوی ناسپاسی ، بخل و دل بستگی به ثروت

لکنود . .. أفلایعلم إذا ... و حصّل

ما فی الصدور

۵ - صحنه برملا شدن راز ها و نیت های پنهان ، هول انگیز و تهدیدی برای ناسپاسان و مال دوستان

أفلایعلم إذا . .. و حصّل ما فی الصدور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۱۱ - ۲

۲ - قیامت ، روز پی بردن همگان به آگاهی دقیق خداوند از اسرار درونی ایشان

یومئذ

تعبیر <یومئذ> قیامت را زمان علم خداوند، قرار داده و درباره علم او در دنیا، بیانی ندارد و از آن جا که علم الهی ازلی و ابدی است، اختصاص یافتن آن به قیامت، ناظر به قابل انکار نبودن آن است; یعنی، گرچه در دنیا برخی به علم او معترف نیستند; ولی در قیامت، آنان نیز به این حقیقت پی خواهند برد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۱ - ۱

۱ - قیامت ، حادثه ای کوبنده و هولناک

القارعه

<قَرْع>، به معنای کوبیدن چیزی بر چیزی است (مفردات). آیات بعد، قرینه است که مراد از <قارعه>، روز قیامت است. تناسب این نام برای <قیامت>، یا به این جهت است که قیامت کوبنده و ترساننده قلب ها است و یا اشاره به عذاب کوبنده و هولناک کافران دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۲ - ۱

۱ - قیامت ، حادثه ای کوبنده و رخدادی بس شگفت

ما القارعه

<ما>، استفهام تعجبی است و بر شگفتی <قارعه> و عظمت و هول انگیز بودن آن دلالت دارد. با آن که این آیه خبر برای آیه قبل است و در آن اکتفا

به ضمیر ممکن بود، می توان گفت: تکرار لفظ <قارعه> تأکید بر عظمت آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۴ - ۲،۴

۲ - کوبندگی حوادث قیامت ، هول انگیز و دهشت آور است .

ما القارعه . یوم یکون الناس کالفراش المبثوث

<یوم> ظرف برای فعل محذوفی است که وصف <القارعه> بر آن دلالت دارد; یعنی، <تقرع یوم. ..>.

۴ - مردم در نخستین مراحل رستاخیز ، سردرگم و حیرت زده خواهند بود .

کالفراش المبثوث

<مبثوث>، به معنای منتشر و متفرق است. <بَثَّ الغُبارَ>; یعنی، غبار را برانگیخت (قاموس). پراکندگی و افشانده بودن، نشانگر آشفتگی و پریشان حالی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۶ - ۲

۲ - اعمال نیک انسان ، در قیامت سنجیده خواهد شد .

فأمّا من ثقلت موزینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۳ - ۲،۶

۲ - همه انسان ها ، در آینده هنگام حسابرسی نعمت ها ، به پوچی افتخارات مادی پی خواهند برد .

سوف تعلمون

زمان مورد نظر در <سوف تعلمون> به قرینه <ثمّ لتسئلنّ یومئذ عن النعیم> هنگام حسابرسی نعمت ها است.

۶ - قیامت ، زمان ظهور حقایق و پی بردن انسان ها به نیک و بد اعمال خویش

کلاّ سوف تعلمون

وعده <سوف تعلمون> به قرینه <لتسئلنّ یومئذ عن النعیم> ناظر به زمان برپایی قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۸ - ۱،۶،۷

۱ - قیامت ، زمان حسابرسی از نعمت ها است .

ثمّ

لتسئلنّ یومئذ عن النعیم

<نعیم>، به معنای نعمت فراوان است. (مفردات)

۶ - قیامت ، دارای مراحلی گوناگون و ترتیب یافته است .

لترونّ . .. ثمّ لترونّها ... ثمّ لتسئلنّ

۷ - حسابرسی از نعمت ها ، مرحله ای پس از مشاهده دوزخ و یقین به آن است .

ثمّ لترونّها . .. ثمّ لتسئلنّ

ویژگیهای گواهی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۴ - ۱۱

۱۱- شهادت گواهان در قیامت ، خدشه ناپذیر و غیر قابل ردّ است .

و یوم نبعث من کلّ أُمّه شهیدًا ثمّ لایؤذن للذین کفروا

هشدار از قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۷ - ۶

۶ - پیامبر (ص) ، دعوت کننده مردم به دین و هشداردهنده آنان ، به روز جزا است .

فما یکذّبک بعد بالدین

برداشت یاد شده، بر دو پیش فرض استوار است: ۱. مخاطب آیه شریفه پیامبر(ص) باشد; ۲. کلمه <دین> در هر دو معنای <شریعت> و <جزا> استعمال شده باشد.

هلاکت جوامع قبل از قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۵۸ – ۱

۱– تمامی شـهر ها و تمـدن ها و جوامع بشـری ، قبل از قیامت ، توسط خداوند یا به کلی نابود و یا به وسـیله عذابی ، به ویرانی کشیده خواهد شد .

و إن من قریه إلّا نحن مهلکوها قبل یوم القیمه

<قریه> در لغت به معنای مجتمع و محل سکونت است و بر اعم از روستا و شهر اطلاق می شود (بر گرفته از لسان العرب).

همنشینی با شیاطین در

قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۳۸ – ۹

۹ – مشاهده شیاطین در قیامت و همنشینی با آنان ، خود نوعی عذاب برای گمراهان است .

قال یلیت بینی و بینک بعد المشرقین

هواپرستان در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۷ – ۲

۲ – تکذیب گران هواپرست ، گرفتار ذلت و خواری در رستاخیز

و کذّبوا و اتّبعوا أهواءهم . .. خشّعًا أبصرهم یخرجون من الأجداث

هواپرستی مکذبان قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۱۲ – ۱

۱ – تکذیب کنندگان قیامت ، عناصری فرو رفته در باطل و سرگرم هوسرانی

للمکذّبین . الذین هم فی خوض یلعبون

<خوض> به معنای وارد شدن در کارهای بیهوده و باطل و <لعب> (مصدر <یلعبون>) به معنای سرگرمی و هوسرانی است.

یأس در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۱۲ – ۳،۷

۳ – جرم و گناه ، عامل ناامیدی انسان ، در قیامت است .

و یوم تقوم الساعه یبلس المجرمون

۷ – بدکارانِ دروغ انگارِ آیات الهی ، در روز قیامت ، ناامید و اندوه ناک اند .

ثمّ کان عقبه الذین أسئوا السوأی أن کذّبوا بأیت اللّه . .. و یوم تقوم الساعه ی

یحیی(ع) در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۱۵ – ۱،۳،۱۰

۱– حضرت یحیی (ع) ، مشمول سلام ویژه خداوند به هنگام تولد ، مرگ و رستاخیز خود

و سلم علیه یوم ولد و

یوم یموت و یوم یبعث حیّاً

۳- یحیی (ع) به هنگام مرگ و در روز رستاخیز ، مصون از هرگونه رنج و عذاب

و سلم علیه . .. یوم یموت و یوم یبعث حیًّا

<ولد> فعل ماضی و <یموت> مضارع است. این تغییر سیاق نشان می دهد که مفاد آیه، زمان حیات یحیی را منعکس می کند که خداوند در آن زمان از سلامتی او در میلاد خبر داده و سلامتی مرگ و رستاخیز او را تضمین کرده و نوید می دهد.

۱۰- < عن أبی الحسن الرضا (ع) : إنّ أوحش ما یکون هذا الخلق فی ثلاثه مواطن یوم یولد . . . و یوم یموت . . . و یوم یبعث . . . و قد سلّم اللّه عزّوجلّ علی یحیی (ع) فی هذه الثلاثه المواطن و آمن روعته فقال : < و سلام علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیّاً . . . > ;

از امام رضا(ع) روایت شده است: همانا وحشتناک ترین مواقع برای این خلق در سه موضع است: روزی که متولد می شود. .. و روزی که می میرد... و روزی که برانگیخته می شود... و خداوند سلام فرستاده است بر یحیی(ع) در این سه موضع و او را از وحشت آن مواضع ایمن ساخته و فرموده: <و سلام علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیّاً>...>.

یقین به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲ - ۱۷

۱۷ برپایی قیامت ، اصلی که باید به آن یقین و اطمینان داشت .

لعلکم بلقاء

ربکم توقنون

<لقای پروردگار> کنایه از برپایی قیامت است ; زیرا در آن صحنه است که ربوبیت خدا برای انسانها ملموس و محسوس می شود و آن را به عین الیقین درمی یابند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲۵ - ۱

۱ - علم و باور کافران به هنگام زنده شدنشان در قیامت ، به روبه رو شدن با مصیبتی بزرگ و کمرشکن

تظنّ أن یفعل بها فاقره

<فاقره> به معنای مصیبت بزرگ و کمرشکن است (العین). <ظنّ> به معنای گمان راجح است و گاهی نیز به جای علم و یقین به کار می رود. در این آیه مطابق نظر بیشتر مفسران معنای اخیر مراد است.

یقین در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲ - ۱۳

۱۳ قیامت، روز ظهور حقایق و از بین رفتن هر گونه تردید

لیجمعنکم إلی یوم القیمه لا ریب فیه

مرجع ضمیر <فیه> می تواند <یوم القیامه> باشد، یعنی قیامت ظرف تردید نیست و در آن روز تردید از آدمی رخت بر می بندد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۴ - ۶

۶ قیامت، روز تجلی حقایق و از میان رفتن پرده های اوهام است.

و ضل عنهم ما کانوا یفترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۱۰۵ – ۴

۴– قیامت ، روز فرو افتادن همه حجاب ها و یقین آدمیان به خداوند یکتا است .

أعینهم فی غطاء . .. کفروا بأیت ربّهم و لقائه

مقصود از لقای پروردگار، مسلّماً

برخورد حسی نیست (لاتدرکه الأبصار) بلکه مقصود، آن است که آدمی، در قیامت، به حقّانیّت یکتایی خداوند پی خواهد برد، گرچه کافران، چنین ملاقاتی را منکر باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۲ - ۱۷،۱۹

۱۷ - مجرمان در قیامت ، به حقانیت وعده های خداوند درباره معاد ، زبان می گشایند .

ربّنا أبصرنا و سمعنا . .. إنّا موقنون

۱۹ - به یقین رسیدن مجرمان درباره معاد ، در قیامت دلیل درخواست شان از خدا جهت باز گشت به دنیا است .

فارجعنا نعمل صلحًا إنّا موقنون

<إنّا موقنون> به منزله تعلیل برای درخواست است.

یهود در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۲۲

۲۲ - یهودیانی که همکیشان خود را کشتند یا آنان را آواره ساختند ، به شدیدترین عذاب های قیامت ، کیفر خواهند شد .

تقتلون أنفسکم . .. و یوم القیمه یردون إلی أشد العذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۳ - ۱۷

۱۷ - خداوند ، در قیامت میان یهود ، نصارا و مشرکان داوری کرده آنان را بسزای گفته ها و اتهام های ناروایشان خواهد رساند .

فاللّه یحکم بینهم یوم القیمه فیما کانوا فیه یختلفون

مراد از حکومت و داوری خدا در قیامت، مجرد بیان حق نیست؛ زیرا خداوند حقایق را با نازل کردن قرآن بیان داشته و آیه مورد بحث نیز پندار باطل یهود و نصارا را روشن ساخته است. بنابراین، مقصود از <یحکم ...> به کیفر رساندن متخلفان

است.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان

